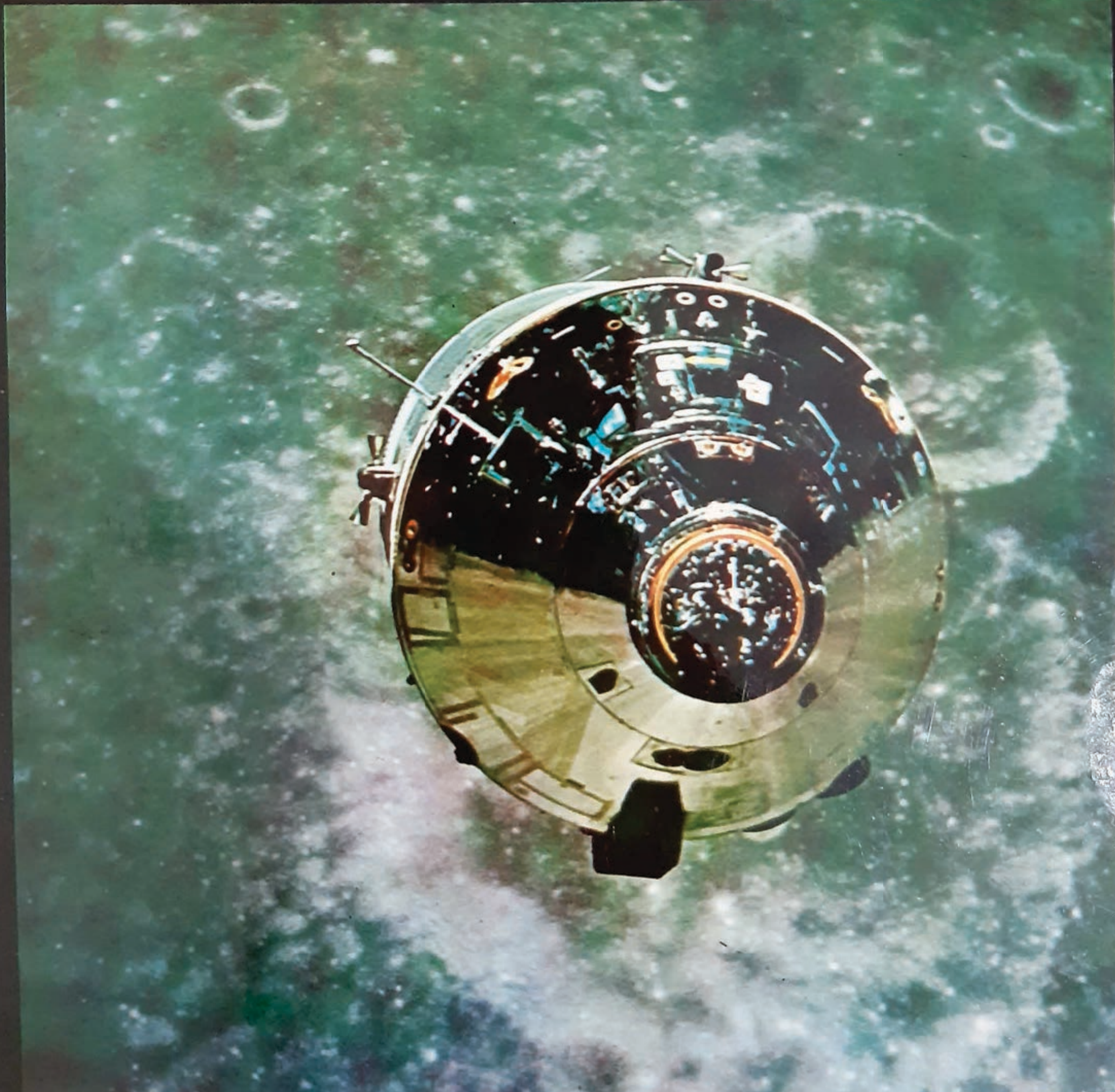
دایرة المعارف

دانش بشر



دایرة المعارف

دانش بشر

دایرة المعارف

موضوعی

دانش بشر

شامل بخش های : ریاضی - فیزیک - نجوم - کیهان نوردی - شیمی - طبیعی - پزشکی - فلسفه و منطق - روانشناسی - علم اخلاق - اساطیر فلسفه دینی - اقتصاد - سیاست - حقوق و قانون - تاریخ - جغرافیا - باستانشناسی زبان و ادبیات - هنرهای زیبا - پراکنده - اعلام .

به اهتمام و سرپرستی :

مهدی تجلّی پور

مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر

تهران ـ خیابان‌سعدی شمالی‌شمارهٔ ۲۳۵

□ چاپ : چاپخانهٔ سپهر

□ صحافی : شرکت سهامی افست

□ شروع چاپ : مهرماه ۱۳۴۶

□ پایان چاپ : بهمن‌ماه ۱۳۴۹

□ شمارهٔ ثبت کتابخانه‌ی ملی ۹۶۱ - ۱۳۴۹/۹/۱۹

مسئولان امور فنی :

مدیر مسئول : هوشنگ نوروزی

مسئول حروفچینی : نوری

صفحه بندی : عزیز صفرعلی زاده

تصحیح مطبعی : یدالله‌امیری ـ نوری

تهیهٔ نقشه ها : عباس جمال‌پور

تهیهٔ فیلم : هادی احمدی

مونتاژ وکپی : اکبر شیرلقب

چاپ افست : مسعود حقیقت‌پناه

چاپ مسطح : محمد تهرانی

مدیران‌مسئول‌صحافی : حسین‌خیرمندی ـ عبدالله جلالی‌ـ محمدکاظم‌شفیعیان

مقدمه

«انسیکلوپدی» (از نظر : ریشه شناسی) ـ گرده یا حلقهٔ دانش است .

دریونان باستان منظور ازحلقهٔ یاگردهٔ دانش آن مقدار دانش ضرور بوده است که در اختیار عموم می‌گذارند وپیش‌ازهرچیزحساب وهندسه وموسیقی‌وهیأت وصرف ونجوم‌ومنطق را شامل بوده است .

دردوران اسلامی، مجموعه‌ای ازاین قبیل رابايد دررسائل اخوان‌الصفا جستجوکرد.

آن مقدار از رسائل اخوان‌که در دسترس عموم بوده ودر ۵۲ رساله یابیشتر تدوین شده ، بهمین منظور تهیه شده بود .

اخوان‌گذشته از مجموعه‌هایی‌که به منظور بسط علم با امضاهای مستعار می‌نوشتند حلقه‌هایی از اهل معرفت درگرداگرد آن نوشته‌ها ترتیب می‌دادندکه خواندن و تعلیم و بسط‌آن نوشته‌ها را وجههٔ همت خویش قرار داده بودند .

دانشنامهٔ علایی و نفایس‌الفنون و درة التاج شامل بیش از صد رشتهٔ دانش ، معرف نیاز نیاکان ما دراین سبك و رشته از نگارش است .

در دوران اخیر با انتقال قطب های معرفت به مغرب زمین وپیدایش اصحاب دایرة‌ـ المعارف همین معنی به شکل وسیعی درکشورهای اروپایی بسط یافت .

دایرة‌المعارف فرانسه ودایرة‌المعارف‌بریتانیکا ودایرة‌المعارف‌آمریکاناودایرة‌المعارف ایتالیا وغیره هریك مؤید این نظرند . درکشورهای شرقی هم مقارن همین احوال ، وبعداز آن ، دایرة‌المعارف های بزرگی از قبیل بستانی وفرید وجدی وآریانا در افغانستان ظهور کرد . ودر عصر جدید درکشور مانیز فعالیتهای بزرگی دراین زمینه بوجود آمده است‌که به نوبهٔ خود تا اندازه‌ای جوابگوی این نیاز ضرور است؛ مانند : لغت نامهٔ علامه دهخدا، فرهنگ فارسی‌معین و دایرة‌المعارف فارسی مصاحب وغیره‌که‌کار ما برداشتی خاص از این مجموعه‌ها است. درآغاز هدف تدوین مجموعه‌ای به‌صورت اطلاعات عمومی برای جوانان

بویژه‌دانشجویان‌بود ولی‌بامراجعه‌به‌کتب مشابه خارجی‌ونوع کارآنهاوتلاشهایی‌که تاکنون در زبان فارسی دراین زمینه شده بود ، با وجود همه نوع پرهیز از اطاله وتبدیل مطالب به جدول وارقام وآمار باز نتوانستیم مجموعهٔ حاضر را بیش ازاین فشرده نماییم. بهرحال کتاب حاضر بـا اقتباس از **لاروس عمومی** (سه جلدی) بـا حذف توضیحات مفصل آن مربوط به‌کشورفرانسه وکشورهای اروپایی واضافه‌کردن مطالب لازم مربوط به خاورمیانه بویژه ایران تنظیم شده است. دراین مجموعه تازه‌های علمی بسیاری مطرح گردیده است، شاید مطالبی‌که باید ، ولی درکتاب نیامده،کم نباشد ، ولی تاآنجاکه جمع شده با مراجعه به‌کتب متعدد ومعتبر تهیه شده است . ادعا نمی‌شودکه دراین مجموعه آخرین اطلاعات و اکتشافات واختراعات وتحولات علمی و صنعتی وهنری وادبی جهان معرفی شده است، و از هرکس نیز این ادعا پذیرفته نیست ، ولی باوجود این در این مجموعه، تاریخ هررشته از علوم وفنون ازکهنترین روزگارتاقرن حاضروبحث دربارهٔ خود موضوع درحدود تحصیلات متوسطه وپایه‌های دورهٔ عالی، تقسیم بندی دقیق‌آنها، وعلمای هررشته ازعلوم چه خارجی وچه ایرانی وکتابهای مربوطه به ویژه آنهایی‌که به‌زبان فارسی بوده یا به این زبان بـر گردانده شده است ، وسرانجام جوایز و مسابقات و غیره آمده است . درایـن راه گروه بیشماری ازاستادان هررشته ، نه‌تنها در تدوین کتاب یاور ما بوده‌اند ، بلکه ما را بسوی منابعی معتبر وشایان توجه رهنمون شدند واین لطف‌آنان مایهٔ سپاس بی‌دریغ است .

برای سهولت مراجعه بـه این دایرةالمعارف ، فهرست وسیعی از اعلام کتاب تهیه کرده‌ایم‌که درمجلد جداگانه‌ای به‌چاپ رسیده است.

در پایان بدینوسیله از همسرم **افسرمینا** که در تمام مراحل تهیه و تنظیم این‌کتاب درپنج‌سال اخیر با من‌کمال همکاری را داشته است تشکر می‌نمایم .

مهدی تجلی پور

تهران ـ آذر ماه ـ ۱۳۴۹

فهرست منابع

کوشش شده در پایان هرمقاله از مآخذ نام برده شود ولی اسماء مشروحهٔ زیرآنهایی‌هستندکه از قلم افتاده‌اند واگر باوجود این، بازسطری یا سطوری ازکتابی استخراج شده باشد ومذکورنیفتاده باشد ، جزفراموشی وغفلت چیزی نبوده است ، درهرحال درتألیف این‌کتاب مدیون همهٔ آنهایی هستم‌که در راه علم و ادب و هنر اثری‌بجای گذاشته‌اند .

آتشکدهٔ آذر – به تصحیح : حسن سادات ناصری

آسیب شناسی – دکتر آرمین .

آیین دادرسی در اسلام – استاد محمد سنگلجی .

آیین دادرسی کیفری – تألیف : دکتر محمدعلی هدایتی

احتمالات وآمار – تألیف : مهدوی اردبیلی.

اصول آموزش‌وپرورش – تألیف : دکتر محمدباقر هوشیار

اصول فن کتابداری – تألیف : دکتر محسن صبا .

اطلس جغرافیا – مؤسسهٔ سحاب .

الکتریسیتهٔ صنعتی – تألیف : دکتر محمد مظفری زنگنه .

الهیات – تألیف: فاضل‌تونی

بیماریهای واگیر – تألیف: دکترغلامعلی بینش‌ور

تاریخ ادبیات در ایران – تألیف. دکترذبیح‌الله صفا .

تاریخ اسلام – نگارش: دکترفیاض.

تاریخ تمدن ایران ساسانی – تألیف: سعید نفیسی.

تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران – تألیف: دکتر علی‌اکبر بینا .

تاریخ عقاید سیاسی – تألیف: دکترمحسن عزیزی

تاریخ علم – تألیف: جرج سارتون، ترجمهٔ احمدآرام

تاریخ علوم – تألیف، پی‌یرروسو ، ترجمهٔ صفاری .

تاریخ علوم عقلی درتمدن اسلامی – نگارش : دکتر ذبیح‌الله صفا .

تاریخ کشاورزی – نگارش : دکتر تقی بهرامی .

تاریخ ملل قدیم‌آسیای غربی – تألیف : دکتر بهمنش .

جانور شناسی – تألیف : خانم دکتر طلعت حبیبی .

جانورشناسی عمومی – نگارش : دکتر مصطفی فاطمی .

جبر و آنالیز – تألیف : دکتر کامکار پارسی .

جغرافیای عمومی – تألیف : دکتر مستوفی .

جغرافیای کشاورزی ایران – تألیف : دکتر تقی بهرامی .

چشم پزشکی – نگارش : دکتر ضرابی .

حقوق مدنی – تألیف : دکتر سیدحسن امامی .

حکمت الهی عام وخاص – تألیف : آقای مهدی الهی قمشه‌ای .

حماسه‌سرایی در ایران – تألیف : دکتر ذبیح‌الله صفا .

دایرةالمعارف آمریکانا – —

دایرةالمعارف بریتانیکا – —

دایرة المعارف مصاحب – به سرپرستی : غلامحسین مصاحب .

داستانهای شگفت‌انگیز از تاریخ پهلوانی ایران – تألیف : کاظم کاظمینی .

درمان شناسی (جلداول ودوم) – تألیف : دکترعطایی .

روان پزشکی – تألیف : دکتر میرسپاسی .

روانشناسی – نگارش : علی‌اکبر سیاسی .

روانشناسی کودك – نگارش : دکتر مهدی جلالی .

روش تجزیه – دکتر علی‌اکبر پریمن .

روش شناسایی گیاهان(سه جلد) – تألیف : دکتر علی زرگری .

زمین شناسی – نگارش: دکتریدالله سحابی .

زیبا شناسی علینقی وزیری .

زیست شناسی (بحث درنظریهٔلامارك) تألیف : دکتر عزت‌الله خبیری .

سازمان فرهنگی ایران تألیف: دکتر علی کنی.

سبك شناسی (سه جلد) تألیف: ملك‌الشعراء بهار

سرطان شناسی نگارش: دکتر آرمین.

سیاست نامه تألیف: خواجه نظام‌الملك.

سیر فرهنگ درایران ومغرب‌زمین تألیف : دکتر صدیق اعلم .

شیمی آلی نگارش: دکترعابدی .

شیمی آلی نگارش : دکتر شیخ .

شیمی تجربه تألیف. دکتر علی‌اکبرپریمن .

شیمی عمومی نگارش : مهندس سعیدی .

علم‌الاجتماع تألیف : دکتر مهدوی .

فرهنگ آنندراج تألیف: محمد پادشاه (شاد).

فرهنگ اسدی تألیف: میرجمال‌الدین‌حسین‌بن‌فخرالدین حسن انجوی شیرازی .

فرهنگ رشیدی تألیف : عبدالرشیدبن عبدالغفور حسینی مدنی تقوی .

فرهنگ سروری تألیف : محمد قاسم‌بن حاج محمد کاشی (سروری) .

فرهنگ عباسی تألیف : نایب‌الصدربن محمدرضا (صدرالدین تبریزی) .

فرهنگ فلسفی اثر : ولتر .

فرهنگ فارسی تألیف : دکتر محمد معین .

فرهنگ نظام تألیف : سید محمد داعی‌الاسلام .

فرنودسار (فرهنگ‌ناظم‌الاطباء) تألیف: میرزاعلی اکبرخان نفیسی

فقه وتجارت تألیف : زین‌العابدین ذوالمجدین

فیزیولوژی عمومی تألیف : دکتر عبدالله شیبانی .

قدرت ومقام زن در ادوارتاریخ تألیف :غلامرضا انصاف‌پور .

کالبدشناسی توصیفی (در۹جلد) تألیف : دکتر امیراعلم ، دکتر حکیم . دکترکیهانی ، دکتر نجم آبادی ، دکتر نیك‌نفس .

کشف المحجوب تألیف : ابی‌الحسن علی‌بن عثمان .

گراند لاروس (۱۰ جلدی) ومتمم. —

گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان دکتر لطف‌الله هنرفر .

گیاه شناسی استاد حسین گل‌گلاب .

لاروس عمومی (سه جلدی) . —

لغت‌نامه علامه دهخدا .

مزدیسنا وتأثیرآن در ادبیات پارسی تألیف : دکتر محمد معین .

مجلهٔ سخن(۱۹ دوره) پرویز ناتل خانلری .

مجمع الفصحا تألیف: رضا قلی‌خان هدایت.

مجموعهٔ اصطلاحات علمی چاپ دانشگاه .

مکانیك عمومی نگارش : دکتر مجتبی ریاضی .

نگاهی‌به تاریخ جهان جواهر لعل‌نهرو : ترجمهٔ محمود تفضلی

نهضت‌ادبیات‌فرانسه‌دردورهٔ‌رومانتیك تألیف : مرحوم زیرك‌زاده .

واژه‌نامهٔ گرگانی نگارش : دکتر صادق‌کیا .

وراثت تألیف : دکتر عزت‌الله خبیری .

هواشناسی تألیف : دکتر محمد منجمی .

مندرجات :

الف ـ بخش ریاضی :

ب ـ بخش فیزیك :

ج ـ بخش نجوم :

د ـ بخش کیهان‌نوردی:

هـ ـ بخش شیمی :

و ـ بخش علوم طبیعی :

ز ـ بخش پزشکی :

ح ـ بخش فلسفه ومنطق :

ط ـ بخش روانشناسی

ی ـ بخش علم‌الاخلاق :

ك ـ بخش اساطیر :

ل ـ بخش فلسفهٔ دینی :

صفحه

م ـ بخش اقتصاد:

ن ـ بخش سیاست:

صفحه

س ـ بخش حقوق وقانون:

ع ـ بخش تاریخ:

ف‌ـ بخش باستان‌شناسی:

ص ـ بخش دانش جغرافیا:

ق ـ بخش زبان و ادبیات:

ر ـ بخش هنرهای زیبا:

ش ـ بخش پراکنده :

ریاضی



ریاضی در باستان
ریاضیات در دوره های

بسیار کهن یك نوع تجرد طبیعی داشته است. یکی ازمفاهیم اساسی علوم ریاضی مفهوم عدد است که ساده‌ترین صورت آنرا انسان باستانی هم می‌توانسته تصور کند . شاید نخستین ریاضی‌دان، که بزرگترین نابغهٔ ناشناخته است ؛ کسی است که این فکر ومفهوم را طرح ریخته است .

این کار چگونه صورت گرفته است ؟

ازما جز حدس وتخمین کاری ساخته نیست ، ولی حدس ما نه پیش‌خود است نه بیهوده . نخستین علمای علم کلام ، اندیشهٔ وحدت وتمامیت را طرح ریزی کردند ویك‌علت ویك‌جهان ویك خود و یك خدا یادگار آن دانشمندان است . فکر دویی یا ثنویت نیز از زمان بسیار دور پیدا شده ، زیرا درطبیعت جفتهای فراوان یافت می‌شود . ما دو چشم و دو گوش ودو بازو ودوپا داریم وزنان دو پستان دارند . دستها خاصیت آموزندگی مخصوصی دارند ، چه انسان از همان آغاز پیدایش دودست را با اشکال مختلف بکار می‌داشته است . اعمال سادهٔ خوردن و آشامیدن و بکار بردن افزار ها وعشق ورزیدن یا جنگیدن مستلزم آن بوده است که هردستی کار معینی انجام دهد. بوسیلهٔ دودست ، طرف راست وطرف چپ هرچیز معلوم شده ، وباین ترتیب دویی درنظر نبوده بلکه جنبهٔ تقابل دو طرف ظاهر گشته ومعلوم شده است که برای کار معین این طرف برآن طرف مزیت خاصی دارد. ازهمه مهمتر وبالاتر جنبهٔ دوطرفی جنسی است که تنها مربوط بنوع انسان نبوده بلکه در تمام جانورانی که آدمی مشاهده می‌کرده وجود داشته ونر وماده مقابل یکدیگر قرار می‌گرفته است . این امر از وضوح گذشته حالت قطعیت دارد و اجتناب ناپذیر است . از این گذشته هر کیفیت وخاصیتی دوجنبه دارد ؛ هرچیز یا سرد است یاگرم ، خشك است یا تر، دراز است یاکوتاه ، خوش‌آیند است یا ناخوش‌آیند ، خوب است یا بد .

دسته‌های بزرگتر که تا این حد عمومیت نداشته نیز باندازهٔ کافی جلب توجه می‌کرده است . از یك پدر و یك مادر ونخستین کودك ایشان فکر سه‌یی فراهم می‌آمده است، برروی یك رودخانه دوجهت بالا و پائین وجود دارد ، ولی برای کسی که دریك بیابان ایستاده باشد بیش از دوجهت موجود است وچون کسی بازوهای خودرا بگشاید بلافاصله برای او چهار جهت مشخص می‌شود وزبان وی هرچه زودتر تعبیرات پیش‌رو وپشت سر وراست وچپ رابرای نمایاندن این چهار بکار خواهدبرد . به این چهار عامل ممکن است عامل پنجمی که مرکز نام دارد و جایی است که خود شخص ایستاده ونیز عامل ششم وهفتم ، آسمان بالای سروزمین زیر پا نیز افزوده شود ؛ وباین ترتیب فکر پنجمی و ششمی و هفتمی بدست آمده است . توجه به عدد پنج وفکر پنجمی با بودن پنج انگشت در هر دست یا هر پا تقویت می‌شده ، و طبیعی چنان بوده است که چون اشیاء را بشمارند آنها را بدسته‌های پنج تایی یا به «دست» تقسیم کنند . دسته‌های بزرگتر ده وبیست نیز تقریباً بهمین اندازه حالت طبیعی داشته ، ولی پی بردن بآنها کمی دشوارتر بوده است.

بسیاری ازمردم بلکه همهٔ آنها چون این دسته بندیها را امر مسلم تصور می‌کردند دربارهٔ آنها نمی‌اندیشیدند ، ولی اگر درمیان آنان اتفاقاً مردریاضی‌دانی متولد شده باشد « چرا چنین اتفاقی نیفتاده باشد؟» چنین مردی بوجود اعداد، یعنی اعداد مجردی که ارتباطی با اشیاء نداشته باشند ، پی برده است . چنین کسی باین اندیشه می‌افتاد که خاصیت پنجمی دردست ویا پا در ستاره‌ها و هر چیز دیگر امر واحدی است . برای دانشمندان علوم الهی که در دوره‌های باستانی بسر می‌بردند، این نکته بسیار جالب نظر بوده است ، که از عدد یك همهٔ اعداد ساخته می‌شود، یا عدد دویی و دو طرفی بودن امور را نشان می‌دهد وحتی خاصیت سه‌یی درمثلث اسرارآمیز، توجهٔ آنان راجلب می‌کرده است . جنبهٔ دویی که در دین زردشتی ملاحظه می‌شود ، ریشه‌های عمیق‌تری در ضمیرآدمی دارد .

این دسته‌بندیهای عددی که هستهٔ ریاضی یعنی علوم بشمار می‌رود، درعین حال مبنای اسراری است که به اعداد نسبت می‌دهند و همه از موهومات و محالات بشمار می‌رود و باید گفت که این هردو شاخه پیوسته درحال رشد ونمو بوده است .

تاریخ علم؛ ترجمهٔ : احمدآرام

پیدایش حساب

شاید بتوان حساب را تنها علمی دانست که عمری درحدود عمر بشردارد ویا اگر توجه غریزی و یا احیاناً غیر غریزی بعضی حیوانات را از این جهت که می‌توانند مثلاً حساب بچه‌های خودرا داشته باشند منظور کنیم ، بتوان گفت که سابقهٔ تاریخی حساب ازبشر هم زیادتر است ولی حقیقت اینست که آنچه در ابتدا بود نمی‌توانست مفهوم علم داشته باشد، باعتباری تا مدتها یعنی حتی باگذشت ده‌ها هزار سال بشر نمیتوانست جز چندعدد بشمارد و آنرا هم احتمالاً با انگشتان دست نشان میداد ، حالا هم بعضی قبایل در


اقلیدس


ارشمیدس

افریقا هستند که تنها تا ۳ یا ۵ میتوانند بشمارند و وقتی به تعدادی بیش از ۵ میرسند باکلمهٔ «بسیار» مقدار آنرا بیان میکنند واکثراً هم شنونده برای اینکه منظور آنها را بفهمد بایستی چشم بدستشان داشته باشد تا تعدادی راکه بوسیلهٔ انگشتان خود نشان میدهند ببیند . روشن است که در ابتدا عدد مقید بود، یعنی عدد ۵ مفهومی نداشت جز اینکه بگویند ۵ آدم یا ۵ درخت وغیره .

برای درك لایتناهی بودن رشتهٔ اعداد ازیك طرف وانتزاعی شدن مفهوم عدد از طرف دیگر وقت بسیاری لازم بود و باید گفت که حساب درست اززمانی بصورت علم درآمد که این دو مفهوم درك شد. تنها عدد مجرد ، که وابستگی به درخت و گوسفند وغیره نداشته باشد، این قابلیت را دارد که ازیك طرف بزرگ شود و به سمت بینهایت برود و از طرف دیگر بعنوان مواد اولیه‌ای برای اعمال مربوط بحساب بکار رود و قوانینی که به وابستگی عدد مربوط نباشد بوجود آید ، درك این مطلب که بین ۵ درخت و ۵ آدم و ۵ گوسفند چیز مشترکی وجود دارد و آن همان عدد خالص وانتزاعی ۵ است یك درك علمی است و باید گفت که علم حساب هم درست همراه با همین درك بوجود آمده است . درحقیقت باید گفت که وقتی بشر توانست از آنچه که در طبیعت و اطرافش وجود دارد مفاهیم انتزاعی و مجرد علمی بسازد و این قابلیت را پیدا کرد که بگوید ۱۲=۷+۵ ، بدون اینکه توجه کند چه اشیائی را رویهم میریزد، بزرگترین تحول درفکر و نحوهٔ استدلالش بوجود آمد . این پیچی بود که باگذشتن ازآن شاهراه علم را پیدا کرد وتوانست باسرعت تصاعدی پیش براند . ازاینجا به بعد برای پیشرفت حساب وبطور کلی ریاضی دو محرك اصلی وجود داشت ومحرك خارجی ومحرك درونی . ازیك طرف احتیاجات زندگی بشری و بغرنج ترشدن وضع اقتصادی ومعیشت و همچنین احتیاجاتی که مربوط بعلوم غیر ریاضی بود، در مقابل ریاضی وریاضیدانان مسائل جدیدی میگذاشت وبا طرح و حل آنها ریاضی را بجلو میبرد واز طرف دیگر پیشرفت وتکامل در داخل خود ریاضی منجر به طرح و حل مسائل جدید و جدیدتر میشد . البته این دو نیروی محرك دریکدیگر هم تأثیر متقابل داشتند ، زیرا وقتی مسئله‌ای در داخل ریاضی مورد سؤال وجواب قرار میگرفت به پیشرفت علوم دیگر کمك میکرد و آنها را درمقابل مسائل تازه‌تری میگذاشت؛ رمز سرعت تصاعدی تکامل علوم هم همین است و باز به همین مناسبت است که ریاضیدان واقعی نمیتواند خود را بی‌بهره از زندگی و احتیاجات مردم و یا بی‌نصیب از سایر علوم احساس کند . باین ترتیب بود که بعداز عدد صحیح و مثبت به ترتیب اعداد کسری واعشاری، سپس اعداد گنگ و بعد اعداد منفی ، اعداد غیر جبری و بالاخره اعداد موهومی ومختلط بوجود آمد و ناچار علم خاصی بنام «نظریهٔ اعداد» لازم بود تا بتواند در زمینهٔ خواص اعداد مطالعه کند و راه تکامل وپیشرفت آنرا مشخص سازد .

مقدمه از : پرویز شهریاری

حساب ابجد

حساب ابجد حسابی است که درگذشته برای شمارش بکار میرفت و عبارت ازحروف الفبای سامی بود که طبق قراردادی هرکدام نمایندهٔ عددی بود و مثل اعداد ریاضی امروزی از ترکیب آنها ارقام دلخواه بوجود میآید و این حروف عبارتند از :

الف	مساوی با	۱
ب	»	۲
ج	»	۳
د	»	۴
ه	»	۵
و	»	۶
ز	»	۷
ح	»	۸
ط	»	۹
ی	»	۱۰
ك	»	۲۰
ل	»	۳۰
م	»	۴۰
ن	»	۵۰
س	»	۶۰
ع	»	۷۰
ف	»	۸۰
ص	»	۹۰
ق	»	۱۰۰
ر	»	۲۰۰
ش	»	۳۰۰
ت	»	۴۰۰
ث	»	۵۰۰
خ	»	۶۰۰
ذ	»	۷۰۰
ض	»	۸۰۰
ظ	»	۹۰۰
غ	»	۱۰۰۰

خلاصهٔ حساب

اصول جمع اگر دو دستهٔ اشیاء همجنس را با هم مخلوط کنیم دستهٔ سومی پدید می‌آید که بدان، مجموع دو دستهٔ اول ودوم می‌گویند .

۱ ــ مجموع چند عدد به ترتیب آنها بستگی ندارد .

۲ ــ در مجموع چند عدد می‌توان بجای یك عده از آنها حاصل جمع آنها را قرارداد .

اصول کاهش : ۱ ــ هرگاه به کاهشیاب و کاهش یك عدد اضافه یا کم کنیم کاسته تغییر نمیکند .

۲ ــ برای آنکه کاستهٔ دو عدد را به عدد مفروضی اضافه کنیم می‌توانیم کاهشیاب را به‌آن عدد افزوده ازحاصل کاهش را کم کنیم .

۳ ــ برای آنکه مجموع چند عدد را از عدد مفروضی کم کنیم می‌توانیم یکی از عوامل جمع را از عدد مفروض کم کرده ازحاصل ، عامل دیگر را کم کنیم وعمل را به‌همین ترتیب ادامه دهیم تا تمام عوامل جمع متوالیاً از عدد مفروض کم شوند .

۴ ــ برای آنکه کاستهٔ دوعدد را از عدد مفروضی کم کنیم می‌توانیم کاهش را بدان عدد افزوده وکاهشیاب را ازحاصل، کم کنیم .

اصول تساوی و نامساوی: ۱ ــ می‌توان یك عدد را به دوطرف یك تساوی (یا یك نامساوی) افزود و همچنین درصورت امکان یك عدد را ازدو طرف یك تساوی (یا یك نامساوی) کم کرد .

۲ ــ اگر عضوهای دو تساوی را نظیر به‌نظیر بایکدیگر جمع یا از یکدیگر تفریق کنیم باز، یك تساوی بدست می‌آید .

۳ ــ می‌توان اعضای متناظر دو یا چند نامساوی متحدالجهت را بایکدیگر جمع نمود .

اصول ضرب ۱ ــ درضرب دو یا چند عدد، تغییر محل عاملهای ضرب درحاصل ضرب

اثری ندارد .

۲ــ برای آنکه حاصلضرب دوعامل صفر باشد لازم وکافی است که یکی‌ازآن عوامل صفرباشد .

۳ــ برای آنکه یك عدد را در مجموع چند عدد ضرب‌کنیم می‌توانیم‌آن عدد را در هریك از جمله‌های مجموع ضرب‌کرده حاصلها را باهم جمع‌کنیم.

۴ــ برای آنکه کاستهٔ دو عدد را دریك عدد ضرب‌کنیم می‌توانیم کاهشیاب وکاهش رادرآن عدد ضرب‌کرده حاصلها را ازهم‌کم‌کنیم .

۴ــ برای آنکه دو مجموع را در یکدیگر ضرب‌کنیم می‌توانیم هریك از جمله‌های مجموع‌اول را درتمام‌جمله‌های مجموع دوم ضرب کرده حاصل را با هم جمع‌کنیم .

۶ ــ می‌توان دو طرف یك تساوی یایك نامساوی‌را دریك عدد ضرب‌کرد.

اصول‌تقسیم- درهرتقسیم اگر حاصل ضرب خارج قسمت در مقسوم علیه رابه باقیمانده اضافه کنیم ، مقسوم حاصل می‌گردد.

در فرمولهای اساسی زیر **a** مقسوم **b** مقسوم علیه **q** خارج قسمت و **p** باقیمانده است .

$$a=bq+p \qquad p<b$$
$$bq<a<b(q+1)$$

۱ــ اگرمقسوم و مقسوم علیه رابر عددی تقسیم (یا درعددی ضرب)کنیم ، خارج قسمت تغییرنمی‌کند ولی باقیمانده برآن عدد تقسیم (یا درآن عدد ضرب) می‌شود .

۲ــ اگر مقسوم علیه ثابت بماند و مقسوم زیاد شود خارج قسمت یا ثابت میماند یا زیاد می‌شود.

۳ــ اگرمقسوم ثابت بماندومقسوم علیه زیاد (یاکم) شود خارج قسمت یا ثابت میماند یاکم (یازیاد) می‌گردد .

۴ــ اگرچند عدد برعدد مفروضی قابل‌قسمت باشند، مجموع‌آنها نیزبرآن عدد قابل‌قسمت‌است وخارج قسمت تقسیم مجموع، برآن عددمساوی‌است بامجموع خارج قسمت های آن اعداد بر عدد مفروض .

۵ ــ اگر دوعدد بر عدد مفروضی قابل قسمت باشند تفاضل‌آنها نیزبرآن عدد قابل قسمت است وخارج ــ قسمت تفاضل بر عدد مفروض مساوی است با تفاضل خارج قسمتهای آن عدد بر عدد مفروض .

۶ ــ خارج قسمت‌کامل دوقوه‌ازیك عدد ، قوه ای است از همان عدد که نماینده‌اش تفاضل بین نمایندهٔ مقسوم و نمایندهٔ مقسوم‌علیه باشد .

$$n^p : n^q = n^{p-q}$$

۷ــ اگرطرفین نامساوی بریك عدد قابل‌قسمت باشند . ازتقسیم آنها برآن عدد بازیك نامساوی درهمان‌جهت‌بدست می‌آید .

۸ ــ برای‌تقسیم یك‌عدد برحاصل ضرب چند عدد میتوان آنرا بریکی از عوامل‌ضرب، تقسیم نموده خارج قسمت را برعامل دوم وخارج قسمت جدید را برعامل سوم تقسیم کنیم‌وعمل‌را بهمین‌ــ طریق ادامه دهیم .

۹ ــ عدهٔ‌ارقام‌خارج‌قسمت، مساوی است باکوچکترین‌عدهٔ صفرهایی‌که باید در جلوی مقسوم علیه بگذاریم تا عدد حاصل ازمقسوم بزرگتر شود .

قوای‌اعداد : ۱ ــ قوهٔ **m** ام هرعدد مانند **a** عبارت است ازحاصل ضرب **m** عامل مساوی با **a** .

۲ــ قوهٔ اول هرعدد مساوی‌باخود آن عدداست .

۳ ــ حاصل هرعدد (جزصفر) که به‌توان صفربرسد برابر ۱ است .

۴ــ حاصل ضرب چندقوهٔ یك عدد قوه‌ای است ازهمان عددکه نماینده اش مجموع نماینده‌های قوای مزبور باشند .

۵ــ برای‌آنکه قوه‌ای از یك عدد را به قوهٔ جدیدی برسانیم کافی است که نمایندهٔ آن را در نمایندهٔ جدید ضرب کنیم .

۶ــ خارج‌قسمت دوقوهٔ مختلف یك عدد مساویست با همان پایه‌که به توان تفاضل دونما برسد.

۷ ــ باقیماندهٔ تقسیم قوهٔ **m** ام هرعدد مانند **D** برعدد دیگری نظیر **d** مساویست با قوهٔ **m** ام باقیمانده تقسیم $\frac{D}{d}$.

بخش پذیری عددی بر عدد دیگر قابل قسمت است که باقیماندهٔ تقسیمش برآن صفرشود .

۱ ــ عددی بر۲ قابل قسمت‌است که رقم سمت راست آن صفر یا زوج باشد .

۲ ــ عددی بر ۳ قابل قسمت‌است که مجموع ارقامش بر ۳ قابل قسمت باشد .

۳ ــ عددی بر ۴ قابل‌قسمت است که دورقم سمت راست‌آن صفر ویا بر۴ قابل قسمت باشد .

۴ ــ عددی بر ۵ قابل قسمت‌است که رقم سمت راست‌آن صفر یا ۵ باشد.

۵ ــ عددی بر ۶ قابل‌قسمت است که بر ۲و۳ قابل قسمت باشد.

۶ ــ عددی بر ۷ قابل‌قسمت است که اگر آخرین رقم سمت چپ‌آنرا در ۳ ضرب وحاصل رابارقم سمت راست و مجاورآن جمع‌کنیم وسپس این‌حاصل‌را هفت، هفت طرح‌کنیم و باقیمانده‌را در ۳ضرب‌کنیم وعمل رابهمین ترتیب ادامه دهیم آخرین عددی که بدست می آید بر ۷ قابل قسمت باشد یعنی بعدازطرح کردن هفت‌ها باقیمانده‌ای وجودنداشته باشد .

۷ ــ عددی بر ۸ قابل قسمت‌است که سه رقم سمت راست آن‌صفر بوده یا مضربی از۸ باشد .

۸ ــ عددی بر ۹ قابل قسمت است که مجموع ارقامش بر۹ قابل‌قسمت‌باشد.

۹ ــ عددی بر۱۰ قابل‌قسمت‌است که اولین رقم سمت راست‌آن صفرباشد.

۱۰ ــ عددی بر۱۱ قابل‌قسمت‌است که تفاضل مجموع ارقام مراتب زوج و مجموع ارقام مراتب فردش‌صفر ویاقابل قسمت بر۱۱ باشد .

خواص اعداداول: ۱ ــ هرعددی‌که جزبرخود ویك برعدددیگری‌قابل‌قسمت نباشد عدد اول نامیده میشود .

۲ ــ تجزیهٔ یك عدد بعوامل‌اول ، فقط بیك صورت امکان پذیراست .

۳ ــ رشتهٔ اعداد اول پایان‌ناپذیر است .

۴ ــ دوعدد رانسبت بهم‌اول‌گویند وقتی عاد مشترك نداشته باشند ، یعنی عددی نتوان یافت‌که هر دو برآن‌قابل قسمت باشند .

۵ ــ هر دوعدد غیراول‌حداقل‌یك عاد اول‌خواهند داشت.

۶ ــ اگرحاصل ضرب **a b c** بر عدد اول **p** قابل قسمت باشد ، لااقل

یکی ازعوامل a یا b یا c برp قابل قسمت است .

۷ـ اگر دوعدد نسبت بهم‌اول‌باشند دوقوهٔ دلخواه این دوعدد نیزنسبت بهم اول هستند .

بزرگترین‌مقسوم‌علیه مشترک درحالت کلی دوعددعادهای مشترک بسیار دارند . وبزرگترین آنها بزرگترین مقسوم علیه مشترک است .

راه پیدا کردن

۱ ـ اگر بین‌دوعدد، عددکوچکتر بزرگتر راعادنماید، خودآن، بزرگترین مقسوم‌علیه مشترک دوعدد مفروض‌خواهد بود .

۲ ـ برای‌تعیین بزرگترین‌مقسوم‌علیه مشترک دوعدد، عدد بزرگتررا بر کوچکتر تقسیم می‌کنیم و عددکوچکتر را بر باقیماندهٔ تقسیم اول و باقیماندهٔ تقسیم اول را بر باقیماندهٔ تقسیم دوم قسمت میکنیم وعمل رابهمین‌ترتیب‌ادامه می‌دهیم تاوقتی‌که عمل تقسیم باقیمانده نداشته‌باشد. آخرین‌مقسوم‌علیه‌بزرگترین مقسوم‌علیه مشترک دوعدد مفروض‌است .

۳ـ برای‌تعیین بزرگترین‌مقسوم‌علیه مشترک چندعدد ، ابتدا بزرگترین مقسوم‌علیه مشترک اعداد اول و دوم را پیدا می‌کنیم و سپس بزرگترین مقسوم علیه مشترک عدداخیر راباعدد سوم پیدا می‌کنیم .

وعمل را بهمین ترتیب‌ادامه‌میدهیم آخرین عددی‌که بدین ترتیب حاصل می‌شود ، بزرگترین مقسوم علیه مشترک آن چند عدد است .

۴ـ برای بدست‌آوردن‌بزرگترین مقسوم‌علیه مشترک‌چندعدد ازراه‌تجزیه ، آنها را به عوامل‌اول تجزیه می‌کنیم و عوامل مشترک آنها باکوچکترین نمارا درهم ضرب می‌کنیم .

کوچکترین مضرب مشترک: عدد M را در صورتی مضرب مشترک اعداد a و b و c می نامند که M بر جمیع اعداد a و b و c قابل قسمت باشد .

راه پیدا کردن

۱ ـ اگر چند عدد نسبت بهم‌اول باشند ،کوچکترین مضرب مشترک آنها حاصل ضربشان می باشد .

۲ـ کوچکترین مضرب مشترک دو عددمساویست باخارج‌قسمت حاصل‌ضرب آن دو عدد بر بزرگترین مقسوم علیه مشترک‌آنها .

۳ ـ برای پیدانمودن‌کوچکترین مضرب مشترک بین چند عدد ، ابتدا کوچکترین‌مضرب مشترک اعداد اول و دوم را پیدا می‌کنیم و بعد بین عدداخیر وعدد سوم‌کوچکترین مضرب مشترک را تعیین می‌کنیم وعمل رابهمین‌ترتیب‌ادامه می‌دهیم تاکوچکترین مضرب مشترک‌بین تمام آن اعداد بدست‌آید .

۴ ـ کوچکترین مضرب مشترک اعدادی‌که به‌عوامل اول تجزیه شده‌اند عبارتست‌ازحاصل ضرب‌عوامل‌اول‌مشترک وغیر مشترک آنهاکه دارای بزرگترین نما باشد .

خواص کسر : ۱ ـ هرگاه صورت و مخرج کسری‌رادرعددی ضرب یابرعددی تقسیم کنیم در مقدار کسر تغییری رخ نخواهد داد .

۲ ـ هرگاه صورت‌کسری را در عددی ضرب‌کنیم کسر درآن عدد ضرب خواهد شد .

۳ ـ هرگاه مخرج کسری را در عددی ضرب‌کنیم کسر برآن عدد تقسیم خواهد شد .

۴ ـ حاصل‌ضرب دو یاچندکسر ، کسریست‌که صورتش حاصل‌ضرب‌صورتها ومخرجش حاصل‌ضرب مخرجها باشد .

۵ ـ برای‌تقسیم‌دوکسر بریکدیگر کسر مقسوم علیه را معکوس‌کرده و در مقسوم ضرب می‌کنیم .

۶ـ هرعدداعشاری‌متناوب ساده‌ای که‌کوچکتر ازیک باشد ودورهٔ گردش‌آن ۹ نباشد ، دارای یک‌کسر مولداست .

صورت این‌کسرمولد عبارت‌است‌از دورهٔ گردش و مخرج آن عددی است‌که فقط با رقم ۹ نوشته شده وعدهٔ ارقامش مساوی باعدهٔ ارقام دورهٔ گردش باشد.

۷ـ هرعدداعشاری متناوب مرکبی که‌کوچکتر ازیک‌باشد ودورهٔ گردش‌آن ۹ نباشد دارای یک‌کسرمولداست برای بدست‌آوردن صورت‌کسر این‌مولد، جزء غیرگردش یک دورهٔ گردش را می‌نویسیم وجزء غیرگردش را از آن کم می‌کنیم. وبرای بدست آوردن مخرج آن به عدهٔ ارقام دورهٔ گردش ۹ می نویسیم، وسمت راست آن به عدهٔ ارقام جزء غیرگردش صفر می‌گذاریم.

تناسب

ازتساوی دونسبت‌یک تناسب بدست می‌آید . $\frac{a}{b}=\frac{c}{d}$

۱ ـ درهرتناسب‌حاصل‌ضرب‌طرفین باحاصل‌ضرب وسطین برابر است.

۲ ـ اگر داشته باشیم $\frac{a}{b}=\frac{c}{d}$

می‌توانیم بنویسیم : $\frac{a+b}{b}=\frac{c+d}{d}$ این عمل راترکیب نسبت درصورت‌گویند .

۳ ـ اگر داشته باشیم $\frac{a}{b}=\frac{c}{d}$

می‌توانیم بنویسیم : $\frac{a-b}{b}=\frac{c-d}{d}$ این عمل را تفضیل نسبت درصورت می‌گویند .

اگر داشته باشیم $\frac{a}{b}=\frac{c}{d}$

می‌توانیم بنویسیم : $\frac{a+b}{a-b}=\frac{c+d}{c-d}$ این عمل راترکیب نسبت درصورت وتفضیل‌نسبت در مخرج می‌گویند .

مرابحه

۱ ـ سود یک سرمایه مبلغی است که مالک‌ازکسی‌که سرمایه‌رادراختیارش گذارده است دریافت می‌دارد.

۲ ـ نرخ مرابحه عبارت است از سود ۱۰۰ ریال در مدت یکسال (در مسائل مرابحه غالباً سال را ۳۶۰ روز وماه را ۳۰ روز محسوب میکنند .

اگر a سرمایه و i سود و t زمان و r نرخ مرابحه باشد هریک رابشرح زیر میتوان محاسبه کرد :

۱) $i=\frac{art}{۱۰۰}$ ۲) $r=\frac{۱۰۰i}{at}$

۳) $t=\frac{۱۰۰i}{ar}$ و ۴) $a=\frac{۱۰۰i}{rt}$ و

تصاعد حسابی

تصاعدحسابی‌رشته اعدادی است‌که تفاضل دوجملهٔ پیاپی‌آن‌مقدارثابتی‌است (مقدار ثابت راقدر نسبت‌گویند).

تصاعد حسابی راصعودی می‌گویند هنگامیکه هرجمله از جملهٔ ماقبل خود بزرگتر باشد و نزولی گویند ، هرگاه هرجمله ازجملهٔقبلی خودکوچکترباشد.

اگر در تصاعد عددی یا حسابی a جملهٔ اول ، l جملهٔ mام و r قدرنسبت باشد :

الف ـــ مقـدار جملـهٔ m ام

$$l=a+(n-1)r$$

ب ـ حـاصل جمع n جملـهٔ اول

$$S=\frac{(a+l)}{2}$$

ج ـ اگر P راواسطهٔحسابی دوجملهٔ متوالی یك تصاعدحسابی‌فرض‌کنیم r قدر نسبت تصاعد فرض شده مساویست با :

$$r=\frac{r}{P+1}$$

د ـ حاصل‌جمع n عددزوج‌متوالی در سلسلهٔ طبیعی اعداد عبارتست از :

$$S=n(n+1)$$

هـ ـ حاصل جمع مـربعات n عدد متوالی ازسلسلهٔ طبیعی‌اعدادکه ازواحد شروع شود عبارتست از :

$$S=\frac{n(n+1)(2n+1)}{6}$$

و ـ مقدار عدد nام اعداد فرد از سلسله طبیعی اعـداد عبارتست از :

$$l=2n-1$$

ز ـ حاصل جمع مربعات n عدد،از اعداد فرد سلسله‌طبیعی اعداد عبارتست از : $S=n^2$

ح ـ حاصل جمع مکعبات n عدد متوالی از سلسلهٔاعداد طبیعی‌که‌ازواحد شروع شود ازفرمول زیربدست‌می‌آید:

$$S=\frac{n^2(n+1)^2}{4}$$

تصاعد هندسی

تصاعد هندسی رشته اعدادیست که خارج قسمت دو جملهٔ متوالی‌آن مقدار ثابتی باشد . باین‌مقدارثابت ، قدرنسبت می‌گویند . اگر قدرمطلق‌هرجمله‌تصاعد ازجملهٔ ماقبل‌خود بزرگتر باشد تصاعد را صعودی واگر قدر مطلق هرجمله از جملهٔ قبلی خودکوچکتر باشد، تصاعدرا نزولی‌گویند اگر در تصاعدهندسی‌جملهٔ اول a ، جملهٔ‌آخر l وقدر نسبت q فرض شود ، خواهیم داشت :

الف ـ مقدار جملهٔ nام

$$l=aq^{n-1}$$

ب ـ S حاصل جمع n جملهٔ اول تصاعد هندسی :

$$S=\frac{lq-a}{q-1}=\frac{a(q^n-1)}{q-1}$$

ج ـ حاصل‌ضرب n جملهٔ‌اول‌تصاعد:

$$P=\sqrt{(al)^n}$$

د ـ اگر p واسطهٔ هندسی بین دو جملهٔ متوالی یك تصاعد هندسی باشد q قدرنسبت تصاعدعبارتست‌از :

$$q=\sqrt[q+1]{p}$$

هـ ـ حد مجموع جمل یك تصاعد هندسی نزولی ؛ هنگامیکـه عدهٔ جمل بسوی بی‌نهایت میل‌کند عبارتست‌از:

$$S=\frac{a}{1-q}$$

لگاریتم

هرگاه داشته باشیم $a^x=A$ عدد x را لگاریتم A درمبنای (یا درپایه) a و همچنین A را آنتی‌لگاریتم x در مبنای a خوانند .

$$\log_a A=x \qquad A=\operatorname{antlog}_a x$$

قضایای‌مربوط به‌لگاریتم

لگاریتم حاصل‌ضرب چند مقدار ، برابر است بامجموع لگاریتم‌های‌آنها :

$$\log_a AB=\log_a A+\log_a B$$

لگاریتم‌خارج‌قسمت دومقدار، برابر است‌با تفاضل‌لگاریتم‌های‌صورت‌ومخرج:

$$\log_a\frac{A}{B}=\log_a A-\log_a B$$

لگاریتم‌عکس هرعددراکولگاریتم آن‌عدد میگویند :

$$\log_a\frac{1}{A}=\operatorname{colog}_a A$$

لگاریتم‌عکس هرعدد برابر است‌با قرینهٔ لگاریتم‌آن‌عدد :

$$\log\frac{1}{A}=\log 1-\log A=-\log A$$

لگاریتم قوهٔ هرعدد، برابراست با حاصل‌ضرب نما درلگاریتم‌آن‌عدد .

$$\log_a A^x=x\log A$$

لگاریتم ریشهٔ هرعدد ، برابراست بالگاریتم آن‌عدد تقسیم بـر عدد فرجهٔ رادیکال :

$$\log\sqrt[n]{A^m}=\frac{m}{n}\log A$$

لگاریتم اعشاری :

اگر مبنای لگاریتم را ۱۰ فرض کنیم دستگاه لگاریتمی‌که بدست‌میآید، لگاریتم اعشاری نامیده‌میشود.(درمورد لگاریتم اعشاری‌ازنوشتن مبنی‌خودداری میشود) .

مقدار صحیح لگاریتم را مفسر و مقدار اعشاری آنرا مانتیس مینامند . مانتیس همواره عدد مثبتی است.

دردستگاه‌لگاریتم‌اعشاری، لگاریتم هرعددبزرگتر ازواحد ، مثبت‌ولگاریتم هرعدد کوچکترازواحد، منفی‌ولگاریتم یك ، مساوی صفراست . اعـداد منفی، لگاریتم ندارند .

اگر عددی را دریکی از قوای ۱۰ ضرب و یا بریکی از قـوای ۱۰ تقسیم کنیم‌درمانتیس لگاریتم‌آن تغییری‌روی نخواهد داد :

$$\log(10^n\times A)=n+\log A$$

تعیین لگاریتم :

برای تعیین لگاریتم یك عدد باید مفسر و مانتیس‌آنرا محاسبه نمود مفسر را بااستفاده‌از قاعدهٔزیر بدست‌می‌آورند و مانتیس را از جـدولهـای لگاریتم استخراج می‌کنند .

طرز تعیین مفسر :

مفسراعداد بزرگتر ازواحد، برابر باعددیست مثبت‌که مقدارآن یك واحد کمتر ازعدهٔ ارقام صحیح عدد مفروض باشد . مفسر اعداد مثبت‌کـوچکتر از واحد ، برابر با عددیست منفی که قدر مطلق‌آن مساوی با تعداد صفرهایی‌است که سمت چپ اولین رقم وجـود دارد . مفسر۰/۴ مساوی ۱ ومفسر۰/۰۰۰۰۴ مساوی ۵ است . طرز استخراج مانتیس ونوع‌استفاده ازجدول‌درکتابهای‌لگاریتم

به‌تفصیل ذکرمیگردد.
مفسرکولگاریتم، برابراست، با قرینهٔ مفسرلگاریتم منهای‌یك و مانتیس کولگاریتم برابراست، باتفاضل‌مانتیس لگاریتم ازیك.

چهارعمل اصلی درلگاریتم

الف‑جمع: چون‌جزءاعشاری‌لگاریم‑ها همیشه مثبت است باید جزء صحیح حاصل‌جمع مانتیس‌ها را با حاصل‌جمع مفسرها جمع‌جبری نمود. اگردرحاصل جمع مانتیس‌ها عدد صحیحی بدست‌آید، بایدآنرا بامفسرها جمع جبری نمود.

ب ــ کاهش: تفریق را با تبدیل کاهشیاب بقرینه‌اش بعمل جمع تبدیل میکنند.

ج ــ ضرب: برای ضرب یك عدد صحیح درلگاریتم یك‌عدد، عدد صحیح را بطور جداگانه درمفسرومانتیس‌ضرب کرده واجزاء صحیح را باهم‌جمع‌جبری میکنیم.

د ــ بخش: برای تقسیم لگاریتم عددی‌که مفسرش مثبت است؛ دریك‌عدد صحیح، مانند تقسیم‌اعشاری‌عمل‌می‌کنیم درحالیکه مفسرمنفی باشد، بایدآنقدر عدد منفی‌به‌مفسر افزود تابرعددمفروض قابل‌قسمت شود. ودرعوض همانقدرعدد مثبت به‌مانتیس اضافه‌کرده وسپس‌هریك را برآن عدد صحیح تقسیم نمود.

قسط السنین:

قسط‌السنین مبلغ پولی است‌که‌کسی برای تشکیل سرمایه ویا استهلاك دین دراول یاآخر هرسالی می‌پردازد.

اگر a ریال مبلغی باشدکه‌دراول هرسال پرداخته میشود و p سودیکریال دریکسال و A مبلغ‌آخری که بعداز n سال نتیجه میگردد باشد.

$$A=a(1+r)\cdot\frac{(1+r)^n-1}{r}$$

$$a=\frac{Ar}{1+r}\cdot\frac{1}{(1+r)^n-1}$$

قسط‌السنین برای استهلاك دین:

اگر A مبلغ‌دریافتی و a مبلغ قسط پرداختی در انتهای‌هرسال و n عدهٔ اقساط و p سود سالیانه یکریال باشد.

$$a=Ar\cdot\frac{(1+r)^n}{(1+r)^n-1}$$

مبلغ‌استهلاکی a_1 درانتهای هرسال:

$$a_1=a-Ar$$

و مبلغ استهلاکی ap درآخر سال pام عبارت خواهدبوداز:

$$ap=a_1(1+r)^{-1}p$$

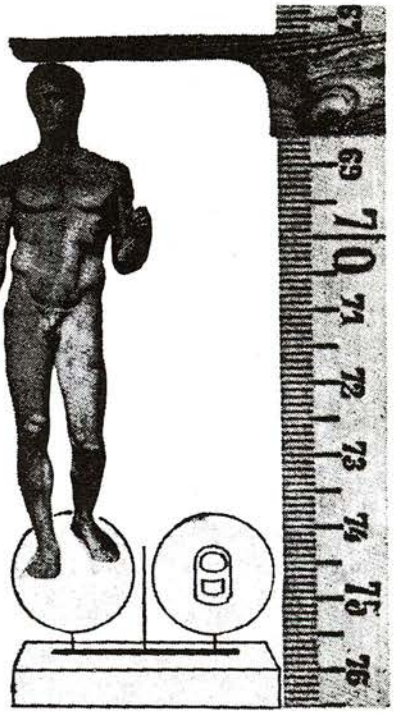
$$ap=(a-Ar)(1+r)^{-1}P$$

برای پیدا نمودن‌سود پول از $\frac{1}{8}$٪ تا ۱۲/۵٪ می‌توان از جدول استفاده کرد. در جدول سال ۳۶۰ روز فرض می‌شود و برای بدست آوردن سود باید مدت وام را تبدیل بروز کرده، عدهٔ روزهارا درمبلغ سرمایه وحاصل‌ضرب‌را برعدد مقسوم علیه تقسیم نمایند مثلاً ۱۰۰۰۰ ریال درمدت ۵۰ روزاز قرار ۴٪ اینطور حساب می‌شود:

$$\frac{10000\times 50}{9000}=55/55$$

فهرستی از کتب حساب

احسن‌المحاسبات درعلم سیاق علی فرهومند
ارشادالحساب ابوالقاسم فیوضات
اصول تدریس‌حساب وحل‌مسائل‌فکری عیسی صدیق‌اعلم
اصول علم‌حساب علی ناظم‌العلوم
اصول علم‌حساب مفتاح‌الملك
اصول‌علم‌حساب‌وجبرومقابله ولگاریتم علی ناظم‌العلوم
انوار خلاصة‌الحساب مولوی‌عصمت‌الله سهارنپوری
بحرالجواهرفی‌علم‌الدفاتر درعلم سیاق سید عبدالوهاب‌شهشهانی‌اصفهانی.
بدایةالحساب با دوهزار مسئله حاج‌میرزا عبدالغفار اصفهانی.
بدایةالحساب بدون مسائل حاج‌میرزا عبدالغفار اصفهانی
بدیع‌الحساب رجبعلی‌بیك
تاریخ حساب ترحمه، پرویز شهریاری.
تست‌حساب استدلالی پرویزشهریاری، امامی، قوام زاده
ترسل وقواعدعلم‌حسابمهدی‌مشهدی.
تطبیق مقیاسهای قدیم باجدید علی‌اصغر جمشیدی.
جدول لگاریتم حاج‌میرزا عبدالغفار اصفهانی.
جدول‌لگاریتم. علی‌اصغر نوروزیان.
جدولهای لگاریتم احمدبیرشك به‌مشارکت‌انواری.
جدولهای لگاریتمی پرویز شهریاری، باقر امامی.
حساب استدلالی، دکترهورفر،حسین.
حساب‌بطور سؤال وجواب مفتاح‌الملك‌موسی‌بن‌محمود.
حساب‌جامع‌وفاضل محمدعلی‌مجتهدی.
حساب‌جدید. شیخ‌عبدالکریم سعادت.
حساب‌جدید، مفتاح‌الملك‌موسی‌بن‌محمود.
حساب‌دورهٔ‌اول‌دبیرستان پرویزشهریاری
حساب دیفرانسیل‌وانتگرال سیلوانوس ب. تامسن. ترجمهٔ احمدآرام.
حساب عددی ترسیمی مهندس عبدالله ریاضی.
حکمت‌ریاضی‌اصول‌علم‌حساب‌تالگاریتم. علی‌ناظم‌العلوم.
حسابهای‌هندسی دکتر اسدالله‌آل‌بویه.
حل‌المسائل‌حساب استدلالی ابوالقاسم قربانی.
خلاصة‌الحساب شیخ بهائی، ترجمه روشنعلی جونپوری انصاری.
درالمنتظم فی‌حل‌جذرالاصم سیدظهورحسین باهوری.
رساله در حساب (اعلم الدوله) دکترخلیل ثقفی
علم در حساب بوهلرفرانسوی، ترجمهٔعبدالرسول‌مهندس.
کفایةالحساب حاج‌میرزا عبدالغفار اصفهانی.
کنزالحساب؛ ترجمهٔ خلاصة الحساب شیخ‌بهائی ترجمهٔ فرهادمیرزا
مقیاسات جدید ایران محمدعلی‌سینا.
میزان‌الحساب، کرشیش، ترجمهٔ زکی‌میرزا مازندرانی.
میزان‌الحساب. ملاعلی‌قوشچی.
۷۰۰ مسئله پرویز شهریاری، امامی، حریرچی.
نصاب ترسل بیان‌الملك میرمهدیخان‌نثارگرمرودی.



مقیاسها

واحد وزن

واحد اندازه‌گیری وزن گرم است وآن برابر وزن یك سانتیمتر مکعب آب ۴ درجه حرارت در فشار ۷۶ سانتیمتر جیوه.

دسیگرم = $\frac{۱}{۱۰}$ گرم

سانتی گرم = $\frac{۱}{۱۰۰}$ گرم

میلی گرم = $\frac{۱}{۱۰۰۰}$ گرم

دکاگرم = ۱۰ گرم

هکتوگرم = ۱۰۰ گرم

کیلوگرم = ۱۰۰۰ گرم

تن = ۱۰۰۰ کیلوگرم

پوند = ۴۵۳/۵۹ گرم

پوت = ۱۶۳۳۲ گرم

آونس انکلیسی = $\frac{۱}{۱۶}$ پوند

وزن در قدیم

واحد وزن درقدیم من بوده است.

ری = ۴ من

خروار = ۱۰۰ من

چارك = $\frac{۱}{۴}$ من

سیر = $\frac{۱}{۴۰}$ من

مثقال = $\frac{۱}{۱۶}$ سیر

نخود = $\frac{۱}{۲۴}$ مثقال

گندم = $\frac{۱}{۴}$ نخود

وزن در قدیم و جدید

گندم = ۰/۰۴۸۸۲۸۱ گرم

نخود = ۰/۱۹۵۳۱۲۵ گرم

مثقال = ۴/۶۸۷۵ گرم

سیر = ۷۵ گرم

من = ۳۰۰۰/۰ گرم

خروار = ۳۰۰/۰۰۰ گرم

چارك = ۷۵۰ گرم

مقایسهٔ واحدهای وزن

واحد وزن	من	کیلوگرم	پوند انگلیسی
من	۱/–	۳/–	۶/۶۱۳۸
کیلوگرم	۰/۳۳۳۳	۱/–	۲/۲۰۴۶
هندردویت انکلیسی	—	۵۰/۸۰	—
هندردویت امریکائی	—	۴۵/۳۶	—
پوند انکلیسی	۰/۱۵۱۲	۰/۴۵۳۶	۱/–
۱ تن آمریکائی	—	۹۰۷/۲	۱۷/۸۵۷
۱ تن انکلیسی	—	۱۰۱۶	۲۰

جدول تبدیل مقیاسهای حجمی

حجم	پیلت	کوارتر	گالن
لیتر	۰/۴۷۳	۰/۹۴۶	۳/۷۸۵
کوارتر	$\frac{۱}{۲}$	۱	۴
گالن	$\frac{۱}{۸}$	$\frac{۱}{۴}$	۱

اندازه‌گیری طول

واحد طول متر است که مساوی یك چهل میلیونیم طول نصف النهار کرهٔ زمین است.

دکامتر = ۱۰ متر

هکتومتر = ۱۰۰ متر

کیلومتر = ۱۰۰۰ متر

دسیمتر = $\frac{۱}{۱۰}$ متر

سانتیمتر = $\frac{۱}{۱۰۰}$ متر

میلیمتر = $\frac{۱}{۱۰۰۰}$ متر

میل = ۱۶۰۹/۳۴۷ متر = ۱۷۶۰ یارد

یارد = ۳ پا = ۳۶ اینچ = ۹۱/۴۴ سانتیمتر

اینچ = ۲/۵۴ سانتیمتر

فوت = ۱۲ اینچ = ۳۰/۴۸ سانتیمتر

اندازه‌گیری طول در قدیم

واحد طول قدیم ایران ذرع بوده است.

ذرع شاه = ۱۰۴ سانتیمتر

فرسنگ = ۶۰۰۰ ذرع

چارك = $\frac{۱}{۴}$ ذرع

گره = $\frac{۱}{۱۶}$ ذرع

بهر = $\frac{۱}{۳۲}$ ذرع

واحد سطح

واحدهائیکه برای اندازه‌گیری سطح

بکار میرود عبارت است از: متر مربع (M^2) - دسیمتر مربع (Dm^2) - سانتیمتر مربع (Cm^2) - میلیمتر مربع (Mm^2)

یك سانتیمترمربع=۱۰۰ میلمترمربع
یك‌دسی‌متر مربع=۱۰۰ سانتیمترمربع
یك‌متر مربع=۱۰۰۰۰ سانتیمتر مربع
یك کیلومتر مربع = ۱۰۰ هکتار = ۱۰۰۰۰ آر=۱۰۰۰۰۰۰ مترمربع
اینچ مربع = ۶/۴۵۱ سانتیمترمربع
یاردمربع=۰/۸۳۶۱۳۱ مترمربع

حجم مایعات

یك لیتر (.L)=۱۰۰۰ سانتیمترمکعب
یك مترمکعب = ۱۰ هکتولیتر(.HL) = ۱۰۰۰ لیتر
یك هکتولیتر= ۱۰۰ لیتر
یك سنگ‌آب معادل ۱۲ لیتر در ثانیه است.

سیستم‌غیر متریك‌طول

۱-ایران: ذرع شاه=۲ نیم ذرع=۴ چهاریك=۱۶ گره=۱۰۴ سانتیمتر. گره = ۲ بهر=۶/۵ سانتیمترمیل‌شاه=۲۰۰ ذرع=۲/۰۸۰ کیلومتر. فرسنگ=۳میل شاه=۶۰۰۰ ذرع=۶/۲۴۰ کیلومتر.

۲-انگلیس: اینچ = ۲/۵۳۹۹ سانتیمتر. پای‌انگلیسی(فوت)=۱۲ اینچ=۳۰/۴۷۹ سانتیمتر. یارد=۳پا=۳۶ اینچ=۹۱/۴۳۸ سانتیمتر. فاتوم=۲ یارد=۶پا=۷۲ اینچ =۱۸۲/۸۷۷ سانتیمتر. پرش=۲/۷۵ فاتوم=۵/۵ یارد=۵۰۲/۹۰۹ سانتیمتر. فورلانگ=۲۰۱/۱۶۴ متر. روت=۵/۰۲۹۲ متر. لنیك=۲۰/۱۱۶ سانتیمتر. چن=۲۰/۱۱۶ متر. میل‌دریائی انگلیسی=۱۸۵۳ متر. میل زمینی انگلیسی=۱۶۰۹ متر. میل‌لندنی=۱۵۲۳ متر.

۳-فرانسه: پای پاریسی = ۰/۳۲۴۸ متر. متر=۱/۰۹۴ یارد=۳/۰۷۸۴ پای‌پاریسی. تراز=۱/۹۴۹ متر. اون=۱/۱۸۳ متر. لیو=۴۴۵۱ متر. خطدریائی‌فرانسه= ۳میل دریائی بین‌المللی=۵۵۵۶ متر.

۴-آلمان: فادن =۱/۸۲۹ متر. کابل=۲۲۰ متر. میل زمینی‌آلمان=۷/۵ کیلومتر.

۵-روسیه: پای‌روسی=پای‌انگلیس=۳۰/۴۷۹ سانتیمتر. ساژن=۷پا=۲۱۳/۳ سانتیمتر. آرشین=۱۲۸ اینچ=۷۱/۱ سانتیمتر. ورست=۱۰۶۶/۷۸۱ متر. میل روسی=۷/۴۶۷۴۶ کیلومتر.

۶-آمریکا: اینچ امریکائی=۲/۵۴ سانتیمتر. یارد امریکائی= ۹۱/۴۴ سانتیمتر. میل‌امریکائی=۱/۸۵۴۹۵ کیلومتر. میل جغرافیائی=۷/۴۲۰۴۳۸ کیلومتر. میل بحری بین‌المللی = ۱۸۵۲/۰۱ متر.

سیستم غیرمتر یك‌به سطح

۱- ایران: ذرع‌مربع=۱/۰۸۱۶ مترمربع.
گره‌مربع=۴۲/۲۵ سانتیمترمربع.
جریب=۶۵۷ ذرع مربع=۷۳۰/۰۸ مترمربع.

۲-انگلیس: آکر (Acre) = ۴۰/۴۶۸ آر.
یك‌یارد زمینی=۳۰ آکر=۱۲/۱۴۰۵ هکتار.
یك هاید زمینی =۱۰۰ آکر=۲/۵۹ کیلومترمربع.

۳-فرانسه: مترمربع=۱۵۵۰/۰۶ اینچ‌مربع=۱۰/۷۶۴۲ پای‌مربع.

٤-آلمان: میل مربع جغرافیائی=۵۵/۰۶۲۹ کیلومترمربع.

۵-روسیه: دسیاتین = ۱/۰۹۲۵ هکتار.
ورست‌مربع=۱/۱۳۸۰۲ کیلومتر مربع.
لوف‌استل=۰/۵۶۹۰۱ هکتار.

٦-آمریکا: میل مربع=۲/۵۸۹۹ کیلومترمربع.
تون‌شیپ=۳۶میل مربع =۹۳/۲۳۶
آکر امریکائی=۴۰/۴۷ آر=۴۸۴۰ یاردمربع.

مقیاس حجم جامدات

سیستم متریك: واحد جامدات در سیستم‌متریك عبارتست از متر مکعب- سانتیمترمکعب ومیلیمترمکعب.

سیستم غیرمتریك

۱- ایران: ذرع مکعب=۴۰۹۶ گره مکعب = ۸ نیم ذرع مکعب = ۱/۱۲۴۸۶۴ مترمکعب.

۲-انگلیس: اینچ مکعب = ۱۶/۳۸۶۶ سانتیمترمکعب.
یاردمکعب=۰/۷۶۴۶ متر مکعب = ۲۷ پای‌مکعب.
رژیسترتون=۲/۸۳۲ مترمکعب.
تن‌بحری=۱/۱۷۲۳ مترمکعب.
آکرفوت=۱۲۳۳/۵ مترمکعب.
اکراینچ=۲۰۲/۸ مترمکعب.

۳-فرانسه: مترمکعب=۶۱/۰۲۷ اینچ‌مکعب=۱/۲۰۸ یارد مکعب.

۴- آلمان: کلافتر= ۳/۳۳۸ متر مکعب.

۵- امریکا: سیستم انگلیسی‌متداول است.

۶- روسیه: ورشوك=۸۷/۸ سانتیمتر مکعب.
ساژن‌مکعب=۹/۷۱۲۳ مترمکعب.

سیستم‌غیرمتریك حجم مایعات

۱-ایران: کر =۳/۵×۳/۵×۳/۵ وجب‌مکعب=۱۰۰ من‌تبریز آب.

۲-انگلیس: گالن امپریال = ۵/۵۴۳۵ لیتر.
گالن‌قدیمی(آمریکائی)=۲۳۱ اینچ‌مکعب =۳/۷۸۵۲ لیتر.
پك=۲ گالن.
باشل=۸ گالن. کوارتر=۶۸۰ گالن.
ژیل=۰/۱۴۲ لیتر. فیرکین=۹ گالن.
کیلورگین=۱۸ گالن. بارك=۳۶ گالن =۱/۶۳۵ هکتولیتر.
آنکر=۰/۴۵۴۳۵ هکتولیتر.
هوگشید=بوت=۶۳ گالن.
تن=۲۵۲ گالن=۱۱/۴۵ هکتولیتر.
تیرس=۴۲ گالن=۱/۹ هکتولیتر.
پنچون=۸۴ گالن=۳/۸ هکتولیتر.

۳-فرانسه: مترمکعب=۱۰۰۰ لیتر =۱۰ هکتولیتر. لیتر=۱۰۰۰ سانتیمتر مکعب.
گالن‌امپریال=۰/۲۲۴۲ گالن‌آمریکائی
هکتولیتر=۱۰۰ لیتر. سانتیمتر مکعب=۰/۰۶۱ اینچ‌مکعب. استر=یك‌متر- مکعب=۱۰۰۰ لیتر. بواسو= ۱۳/۰۱۱ لیترموید=۳/۶۸۲۲ هکتولیتر.

٤-آلمان: کوارت=۱/۱۴۵ لیتر. متزن=۳ کوارت=۳/۴۳۵ لیتر. شفل=۵۴/۹۶ لیتر.

۵-روسیه: کروچکا=۱/۲۲۹۸۹ لیتر. انکر=۳۰ کروچکا. ودرو = ۱۲/۲۹۸۹ لیتر. چطوریك=۲۶/۲۶۷۳ لیتر. چطورت=۲/۰۵۹۹ هکتولیتر. بشکه =۴۹۱/۹۵ لیتر.

۶ـ آمریکا : انس‌مایعات = ۲۹/۵۷۱ سانتیمتر مکعب . ژیل = ۱۱۸/۲۸۴ سانتیمترمکعب. کار = ۰/۹۴۶ لیتر. باشل = ۸ گالن امپریال = ۳۶/۳۴۸ لیتر. تروکن‌باشل = ۳۵/۲۳۶۸ لیتر. گالن‌شراب = ۳/۷۸۵۳ لیتر. بارل نفت = ۱/۵۸۹۸ هکتولیتر . بارل‌آبجو = ۱/۱۷۳ هکتولیتر .

سیستم‌غیر متریك وزن

۱ـ ایران : من تبریز = ۳ کیلوگرم = ۴۰ سیر = ۶۴۰ مثقال. سیر = ۱۶ مثقال = ۷۵ گرم. مثقال = ۲۴ نخود = ۹۶ گندم = ۴/۶۸۷۵ گرم . نخود = ۴ گندم = ۱۹۵/۳۱۲ میلی گرم . گندم = ۴۸/۸۲۸ میلی گرم. من‌شاه = ۲ من‌تبریز. من‌ری = ۴ من‌تبریز = ۲ من‌شاه . خروار = ۳۰۰ کیلوگرم . قیراط = $\frac{۱}{۲۲/۵}$ مثقـال = ۱۶ آنـه . آنه = $\frac{۱}{۳۶۰}$ مثقال.

۲ـ انگلیس: تـرویـکـریـن = ۶۴/۷۹۸۹۵ میلیگرم. درام = ۱/۷۷۱۸ گرم. پوندانگلیس = ۱۶ انس انگلیس = ۴۵۳/۶ گرم = ۱۶ قیراط انگلیس. انس oz = ۱۶ درام = ۲۸/۳۴۹۵ گرم. استن ST = ۶/۳۴۸ کیلوگرم. کوآرتر = ۲۸ پوند = ۱۲/۶۹۵۶ کیلوگرم صدسنگ HW = ۵۰/۸۰۲ کیلوگـرم . تن سبك = ۹۰۷/۱۸۵۳ کیلوگرم . تن سنگین = ۲۲۴۰ پوند = ۱۰۱۶/۰۴۷۵ کیلوگرم گرن = ۶۴/۷۹۸ میلیگرم. پنیوایت Pwt = ۱/۵۵۵۱۷ گرم . تروی پـونـد = ۳۷۳/۲۴۲ گرم.

۳ـ فرانسه: گرم = ۱۰۰۰ میلیگرم. میریاگرم = ۱۰ کیلوگرم . کنتال متر = ۱۰۰ کیلوگرم . تن = ۱۰۰۰ کیلوگرم . لیور فرانسه = ۴۸۹/۵ گرم . کنتال = ۱۰۰ لیور = ۴۸/۹۵ کیلوگرم . کیلوگرم = ۲/۲۰۴۶ پوندانگلیسی . قیراط = ۲۰۵/۹ میلیگـرم . دنیه = ۵۳/۱ میلیگرم .

۴ـ آلمان : زول‌فوند = ۵۰۰ گرم . زنتز = ۵۰ کیلوگرم. دوبل زنتز = ۱۰۰ کیلوگـرم . شیفلاست = ۲ تن = ۲۰۰۰ کیلوگرم .

۵ـ آمریکا : صد سنگ آمریکائی = ۴۵/۳۵۹ کیلوگرم.

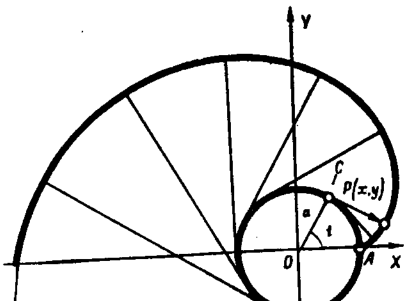
تن‌سبك = ۹۰/۷۱۸۵۳ کیلوگرم.

تن سنگین = ۱۰۱۶/۰۴۷۵ کیلوگرم. بارل‌آرد = ۸۸/۹ کیلوگرم . بارل گوشت = ۹۰/۷۲ کیلوگرم. بارل نمك = ۱۲۷/۰۰۸ کیلوگرم. بارل‌آرد ذرت = ۳۶۲/۸۸ کیلوگرم.

۶ـ روسیه : دولـژ = ۴۶/۶۱۴ میلیگرم . زولوتنیك = ۴/۴۷۵ گرم . لوت = ۱۳/۴۲۶ گرم. پود = ۱۶/۳۸۱۲ کیلوگرم . برکـووتیز = ۱۰ پـود = ۱۶۳۸۱۲ کیلو گـرم . تن روسی = ۱۰۱۵/۵ کیلوگرم. لاست = ۲۰۲۵/۴۴ کیلوگرم .

ازسالنامه دانشگاه

●



تاریخ جبر

دراعصارقدیم ، آنگاه‌که هنوززمین از اثر طوفان نوح نـرم ومرطوب بود معاصران موسی و هموطنـان او موفق شدنـد که‌کسور را محاسبه و زمین‌ها را مساحت وگنجایش اجسام را معین‌کنند. این موضوع ما را متعجب نمیکند بلکه وقتی متعجب می‌شویم‌که ملاحظه می‌کنیم آنان قضیهٔ مجذور وترمثلث قائم‌الزاویه راکه یکی ازارکان هندسه است و هزار وپانصدسال بعدازآن بهوسیلهٔ فیثاغورث کشف شده بکار میبردند .

نکتهٔ عجیبی‌که در متون‌کشف شده و بنظر میرسد اینست کـه : مابین این متون بابلی صدها مسئله مربوط‌بسالهای ۲۲۵۰ قبل از میلاد مسیح و زمـانهای قدیم‌تر ازآن دیده شده است‌که بسیاری ازاین مسائل بهوسیلهٔ نوعی جبرومقابلهٔ مخصوص حل می‌شوند‌که برای حل‌آنها باید ازمعادلات درجهٔ اول ودرجه‌ٔدوم و حتی درجهٔ ششم استفاده‌کرد .

نمونه‌ای‌ازاین‌مسائل‌راذکرمیکنیم:

«مسئلهٔ مربوط‌به‌تعیین‌جناح وجبهه: من طول‌جناح وجبهه رادریکدیگرضرب کردم وبه‌این‌وسیله سطحی بدست‌آوردم‌و برای این سطح تفاضل جناح و جبهه را افزودم و حاصل آن ۳/۳ شد . آنگاه جناح و جبهه را بر یکدیگر افزودم و حاصل‌مساوی۲۷ گردید . معین‌کنیدجناح وجبهه ومساحت سطح‌را».

درواقع‌وبه‌اصطلاح‌جدید‌موضوع این مسئله تعیین طول وعرض مستطیلی است که حاصل‌ضرب‌طول و عرض‌آن‌و مجموع آنها دردست است. حل این‌مسئله به‌حل یك معادلهٔ درجه‌ٔدوم‌منجر میشود‌که‌برای هردانش‌آموزسال‌سوم متوسطه سهل‌است، اما بکاربردن‌آن از طرف بابلیها بواقع باعث تعجب است[۱] غالب‌مسائل ازهمین قبیل‌اند . همه جا موضوع تعیین مساحت وابعاد زمینها مورد استفادهٔ عملی داشته است و این موضوع مـارا مجبور میکند شعف زایدالوصف‌کسانی راکه میخواهند ریاضی دانان دورهٔ پـادشاهی حمورابی را ازمخترعین علم جبر بـدانند تعدیل کنیم . مسلماً لغت جبر Algabre ازلغت عربی‌الجبر والمقابله مشتق شده است واروپایی‌ها آن را از حساب‌الجبر محمد بن‌مـوسی‌خـوارزمی گرفته‌اند و گـویا خـوارزمـی در این نامگزاری بـه لغت بـابلی‌گـابروماهارو Gabrumaharu که‌معنای مواجهه‌کردن وبمعادله‌گذاشتن را دارد، توجه داشته است .

اما مابین طریقهٔ معمولی بـابلیها وطریقه‌ای کـه امروزه دانش‌آمـوزان مدارس متوسطه بکارمیبرند چقدراختلاف وجود دارد . دانش‌آموزان ما برای‌حل

---

۱ ـ بـابلیها فقط ریشه‌هـای مثبت معادلات را درنظر میگرفتند

این قبیل معادلات یك دستور کلی را که درهمهٔ حالات مـورد استفاده است بکار میبرند . اما ریاضی‌دان‌عهدعتیق مجبور بود درموردمسئله‌راه‌جدیدی پیش گیرند، مطلب دراین است که منظور آنهاازحل این‌مسئله‌ها ترتیب‌دادن به‌موضوع‌وتقسیم‌مسائل متحدالشکل نبود تـا بتوانند یك‌طریقهٔ متحدالشکل به‌دست‌آورند .

مسلماً ما درتحسین‌طرق جبرسومری کـه بعداز محاسبات خسته کننده همان نتایجی را بدست می‌دهدکه ما امروزه‌با دستورهای ساده و صریح خود بـدست میآوریم ، امساك روا نمیداریم،اماهمین عدم امکان تعمیم دادن مسائل وهمین از سر گرفتن‌جاده‌های‌پرپیچ وخمی که‌چندین بار پیموده شده بود مارا مجبور میسازد که بگوئیم معلومات سومری‌هاجنبهٔ‌علمی نداشته وهدف‌آن استفاده در عمل بوده است .

در بارهٔ جبر مصریها مابین سنوات ۲۱۶۰و۱۶۶۰ قبل از میلاد مسیح نیز میتوان عیناً به‌همین‌طـریق قضاوت‌کرد ، با تذکر این نکته کـه معلومات اینها خیلی کمتر از بابلیهاتوسعه پیدا کرده بود . دراینجا فقط معادلات درجـهٔ اول مطرح بود و مصر شناسان ما هنوز در این موضوع تردید دارندکه طرق‌مصری واقعاً طرق جبری‌بـوده است یانه ؟ در آنجا مجهول را بوسیلهٔ لکلکی نمایش میدادندکه میخواست با نوك خودزمین‌را کاوش کند و علامت (=) بوسیلهٔ شکل جغدنمایش‌داده‌میشد. این‌ریاضیات‌مسلماً نمایش دهندهٔ یکی از مراحل‌فکر علمی مصریها میباشدکه توسعهٔ آن خیلی‌کمتر از ریاضیات بابلی بوده است .

ریاضیات بدوی اقوام بین‌النهرین اگرچه نسبت به‌علوم امروزدریك‌مرحلهٔ پست ونازل قرارداشت اما نسبت بسحر وجادوگری یك‌مرحلهٔ ترقی‌قابل‌ملاحظه را نشان میدهد .

تاریخ علم : ترجمهٔ : احمدآرام

خلاصهٔ جبر

حاصل هرعدد بقوهٔ صفریك است.

حاصل‌هرعددبقوهٔ منفی مساویست‌با یك برروی همان عدد بقوهٔ‌مثبت .

قوهٔ منفی

حاصلضرب دوقوهٔ منفی :

$$a^{-m}\times a^{-n}=a^{-(m+n)}=\frac{1}{a^{m+n}}$$

خارج قسمت دوقوهٔ منفی :

$$a^{-n}:a^{-m}=a^{m-n}=\frac{1}{a^{n-m}}$$

قوهٔ منفی حاصلضرب چند عدد :

$$(abc)^{-m}=a^{-m}\cdot b^{-m}\cdot c^{-m}$$

به‌قوهٔ‌منفی‌رساندن قوهٔ منفی :

$$(a^{-m})^{-m}=a^{mn}$$

قوهٔ‌منفی کسری : $a^{-\frac{p}{q}}=\frac{1}{\sqrt[q]{a^p}}$

تقسیم دوقوه :

درتقسیم دوقوه، اگرپایه‌ها مساوی باشند یکی از پایه‌هـا را نوشته وتفاضل نماها را نمای‌آن قرار می‌دهیم :

$$n^a:n^b=n^{a-b}$$

اگر نماها مساوی باشند پایه‌ها را برهم بخش‌کرده نمای‌مشترك را نماقرار میدهیم : $x^a:y^a=\left(\frac{x}{y}\right)^a$

ضرب چندقوه :

درضرب‌چندقوه اگر پایه‌ها مشترك باشندکافیست‌که یکی ازآنها را نوشته و نماها را باهم جمع‌کنیم .

$$n^a\cdot n^b=n^{a+b}$$

اگرنماها یکی‌بوده‌وپایه‌ها متفاوت باشند پایه‌ها را درهم ضرب‌کرده نمای مشترك را نما قرار میدهیم :

$$x^a\cdot y^a=(xy)^a$$

ریشه وریشگی :

ریشهٔ زوج هرعددمثبت‌دوعددهستند که قرینهٔ یکدیگرند .

اعداد منفی ریشهٔ زوج ندارند.

ریشهٔ‌فرد هرعددباخودآن‌عدد،هم‌علامتست .

ضرب‌ریشگی‌ها : برای ضرب چند ریشه‌که نمایندهٔ مشترك‌داشته‌باشندمقدار زیر ریشگی‌هارادریکدیگرضرب‌می‌کنیم واز حاصل ، ریشهٔ مشترك می‌گیریم :

$$\sqrt[a]{x^m}\cdot\sqrt[a]{y^n}=\sqrt[a]{x^m\cdot y^n}$$

اگر ریشگی‌هادارای‌نمایندهٔ‌مشترك نباشند نخست بایدریشگی‌ها را بصورت واحدی دربیاوریم .

تقسیم ریشگی : برای تقسیم دو ریشگی‌که نمایندهٔ مشترك m داشته‌باشند مقادیر زیر ریشگی‌ها را تقسیم نموده‌و ازخارج‌قسمت ریشهٔ m ام می‌گیریم .

$$\sqrt[a]{x^m}:\sqrt[a]{y^n}=\sqrt[a]{\frac{x^m}{y^n}}$$

برای داخل نمودن عددی در یك ریشگی بایدآنرا به‌قوهٔ نمایندهٔ ریشگی رسانیده و سپس در مقدار زیر ریشگی ضرب نمود .

$$x^{a}\sqrt[n]{y}=\sqrt[n]{x^{an}\cdot y}$$

برای اینکـه ریشگـی را بقوه‌ای برسانیم باید مقدار زیر رادیکال‌رابهمان قوه برسانیم.

$$\left(\sqrt[a]{x}\right)^p=\sqrt[n]{x^p}$$

برای آنکه از ریشهٔ m ام عـددی ریشهٔ n ام بگیریم میتوانیم ازآن عـدد ریشهٔ mn ام بگیریم .

$$\sqrt[n]{\sqrt[m]{a}}=\sqrt[nm]{a}$$

اتحادهای مهم :

$$(a+b)^2\equiv a^2+2ab+b^2$$

$$(a-b)^2\equiv a^2-2ab+b^2$$

$$(a-b)(a+b)\equiv a^2-b^2$$

$$(a+b+c+d)^2\equiv a^2+b^2+c^2+d^2+2ab+2ac+2ad+2bc+2bd+2cd$$

$$(a+b)^3\equiv a^3+3a^2b+3ab^2+b^3$$

$$(a-b)^3\equiv a^3-3a^2b+3ab^2-b^3$$

$$a^3+b^3\equiv(a+b)(a^2-ab+b^2)$$

$$a^3-d^3\equiv(a-b)(a^2+ab+b^2)$$

$$\left(\frac{a+b}{2}\right)^2-\left(\frac{a-b}{2}\right)^2\equiv ab$$

$$a(c-b)+b(a-c)+c(b-a)\equiv 0$$

$$(a+b)^n=a^n+na^{n-1}b+\frac{n(n-1)}{1\times 2}a^{n-2}b^2+\frac{n(n-1)(n-2)}{1\times 2\times 3}a^{n-3}b^3+\dots\dots b^n$$

$$+\frac{n(n-1)(n-2)\cdots(n-p)}{1\times 2\times 3\dots\dots\times p}\times a^{n-p}a^p+\dots\dots+a^n$$

$$a^2(c-d)+b^2(a-c)+c^2(b-a)+(c-b)(a-c)\times(b-a)\equiv 0$$

مختصات وسط پاره خط :

هرگاه نقطهٔ M وسط پاره خط AB باشد مختصات آن بقرار زیراست :

$$X_M=\frac{x_A+x_B}{2}$$

$$Y_M=\frac{y_A+y_B}{2}$$

در متوازی الاضلاع بین چهار رأس متوازی الاضلاع ABCD پیوسته رابطهٔ زیر برقرار است :

$$x_A+x_C=x_B+x_D$$

$$y_A+y_C=y_B+y_D$$

معادلات خط :

معادلهٔ خطی که ازدو نقطهٔ $A\left|\begin{matrix}x_1\\y_1\end{matrix}\right.$ و $B\left|\begin{matrix}x_2\\y_2\end{matrix}\right.$ میگذرد بصورت زیر است :

$$\frac{y-y_1}{x-x_1}=\frac{y_2-y_1}{x_2-x_1}$$

معادلهٔ خطی که از نقطهٔ $A\left|\begin{matrix}x_1\\y_1\end{matrix}\right.$ به‌ضریب زاویهٔ m میگذرد بصورت زیراست :

$$y-y_1=m(x-x_1)$$

معادلهٔ نیمساز:

معادلهٔ نیمساز زاویهٔ بین دو خط $ax+by+c=0$ و $a'x+b'y+c'=0$ بقرارزیراست،

$$\frac{ax+by+c}{\sqrt{a^2+b^2}}=\pm\frac{a'x+b'+yc'}{\sqrt{a'^2\,b'^2}}$$

فاصلهٔ نقطه ازخط :

فاصلهٔ نقطهٔ $X\left|\begin{matrix}x_1\\y_1\end{matrix}\right.$ از خط $ax+by+c=0$ از فرمول زیر نتیجه میگردد :

$$MH=\pm\frac{ax_1+by_1+c}{\sqrt{a^2+b^2}}$$

مرکز ثقل مثلث:

اگر O مرکز ثقل مثلث ABC باشد مختصات O از رابطهٔ زیر بدست می‌آید :

$$X_O=\frac{X_A+X_B+X_C}{3}$$

$$Y_O=\frac{y_A+y_B+y_C}{3}$$

زاویهٔ بین دوخط :

ضریب زاویهٔ دوخط $y=mx+n$ و $y'=m'x+n'$ به‌ترتیب m و m' بوده وزاویهٔ بین این دوخط از فرمول زیر بدست می‌آید :

$$tg\alpha=\pm\frac{m-m'}{1+mm'}$$

تغییر محورهای مختصات

هرگاه محورهای مختصات (ox و oy) را بموازات خود حرکت دهیم تا به‌وضع جدید O'X و O'Y درآیند مختصات نقطهٔ مفروض دردستگاه جدید نسبت به دستگاه قدیم چنین خواهد شد :

$$\begin{cases}X=x-\alpha\\Y=y-\beta\end{cases}$$

یا :

$$\begin{cases}x=X+\alpha\\y=Y+\beta\end{cases}$$

α و β طول و عرض جدید نقطهٔ O' نسبت به دستگاه اولیه هستند.

طول پاره خط: هرگاه A و B ابتدا و انتهای قطعه‌خط AB $\left(B\left|\begin{matrix}x_1\\y_1\end{matrix}\right. \text{و} A\left|\begin{matrix}x\\y\end{matrix}\right.\right)$ باشند طول پاره خط BA مساویست با :

$$AB=\sqrt{(x+x_1)^2+(y+y_1)^2}$$

معادلهٔ درجهٔ دوم :

برای به‌دست آوردن ریشه‌های معادلهٔ $ax^2+bx+c=0$ میتوان از دستور زیر استفاده نمود :

$$x' \text{ و } x''=\frac{-b\pm\sqrt{b^2-4ac}}{2a}$$

اگر b عددزوجی باشد به‌جای دستور فوق میتوان ازدستور زیر استفاده نمود: $(b=2b')$

$$x' \text{ و } x''=\frac{-b'\pm\sqrt{b'^2-ac}}{a}$$

$$\Delta=b^2-4ac$$

اگر:
- $\Delta>0$ دو ریشه دارد
- $\Delta=0$ دوریشهٔ مضاعف دارد
- $\Delta<0$ ریشه‌های معادله موهومی هستند.

$$x'+x''=\frac{-b}{a}$$

$$x'x''=\frac{c}{a}$$

$$x'-x''=\frac{\sqrt{b^2-4ac}}{2a}$$

اگر S مجموع و p حاصل‌ضرب دو عدد باشند آن دوعدد ریشه‌های معادلهٔ زیر هستند :

$$x^2-Sx+p=0$$

علامت ریشه‌های معادلهٔ درجهٔ دوم :

$$ax^2+bx+c=0$$

$\frac{c}{a}<0$ دوریشه مختلف‌العلامه هستند.

$\frac{c}{a}>0$ دوریشه متحدالعلامه هستند .

$\frac{c}{a}>0$ و $ab<0$ $\Delta>0$ دوریشه منفی هستند .

$\frac{c}{a}>0$ $ba>0$ $\Delta>0$ دو ریشه مثبت هستند .

معادلهٔ دو مجذوری :

صورت کلی معادلهٔ دومجذوری به‌شکل $ax^4+bx^2+c=0$ می‌باشد . شرط کافی برای اینکه معادلهٔ فوق‌الذکر دارای دوریشه باشد آنست که $\frac{c}{a}<0$ باشد

ودو ریشهٔ آن عبارتند از :

$$x' , x'' = \pm\sqrt{\frac{-b+\sqrt{b^2-4ac}}{2a}}$$

شرط لازم وکافی برای آنکه معادلهٔ دو مجذوری دارای ریشهٔ مضاعف باشد اینست که :

$b^2-4ac=0$ و $-\frac{b}{a}>0$ باشد

دراینصورت ریشه‌های معادلهٔ عبارتنداز :

$$x=\pm\sqrt{-\frac{b}{2a}}$$

اگـر $c=0$ شود دو ریشهٔ معادله نیز مساوی صفر میشوندودوریشهٔ دیگر نیز باهمین دستور محاسبه می‌گردند.

تغییرات تابع درجهٔ دوم :

$$y=ax^2+bx+c$$

این تـابع درجهٔ دوم را میتوان بصورت زیر نوشت :

$$y=a\left[\left(x+\frac{b}{2a}\right)^2-\frac{b^2-4ac}{4a^2}\right]$$

تغییرات این تابع راهنگامیکه x از $-\infty$ تا $+\infty$ ترقی کندمی‌توان درجدول زیر نمایش داد:

در ایـن جـدول بـرای اختصار $D=\frac{4ac-b^2}{4a}$ فرض شده است .

x	$-\infty \nearrow -\frac{b}{2a} \nearrow +\infty$
$x+\frac{b}{2a}$	$-\infty \nearrow 0 \nearrow +\infty$
$(x+\frac{b}{2a})^2$	$+\infty \searrow 0 \nearrow +\infty$
$(x+\frac{b}{2a})^2+M$	$+\infty \searrow \frac{D}{a} \nearrow +\infty$
y : $a>0$	$+\infty \searrow \underset{Min}{D} \nearrow +\infty$
y : $a<0$	$-\infty \nearrow \underset{Max}{D} \searrow -\infty$

در معادلهٔ $ax^2+bx+c=0$ اگر $\Delta>0$ باشد x' و x'' ریشه‌های معادله‌دردوطرف $-\frac{b}{2a}$ قرار دارند .

y بازاء x' و x'' مساوی صفر خـواهـد شد .

تغییرات تابع‌دومجذوری :

$y=ax^4+bx^2+c$ تابع فـوق را می‌توان به‌صورت زیر نوشت :

$$y=a\left[\left(x^2+\frac{b}{2a}\right)^2+\frac{4ac-b^2}{4a^2}\right]$$

تغییرات این تـابع را هنگـامیکه x از $-\infty$ تا $+\infty$ ترقی‌کند میتوان درجدول زیر نمایش‌داد .

در ایـن جـدول بـرای اختصار $D=\frac{4ac-b^2}{4a}$ فرض شده‌است

در صورتیکه ،

$\Delta>0$ و $\frac{c}{a}>0$ و $\frac{-b}{a}>0$ بـاشـنـد

چهارریشهٔ معادلهٔ $ax^4+bx^2+c=0$ در طرفین $\mp\sqrt{\frac{-b}{2a}}$ قرار می‌گیرند و y بـازاء آن مساوی صفراست .

x	$-\infty \nearrow -\sqrt{\frac{-b}{2a}} \nearrow 0 \nearrow +\sqrt{\frac{-b}{2a}} \nearrow +\infty$
$(x^2+\frac{b}{2a})^2$: $\frac{b}{a}<0$	$+\infty \searrow 0 \nearrow \frac{b^2}{4a^2} \searrow 0 \nearrow +\infty$
$(x^2+\frac{b}{2a})^2$: $\frac{b}{a}>0$	$+\infty \searrow \frac{b^2}{4b^2} \nearrow +\infty$
y : $a>0$, $b>0$	$+\infty \searrow \underset{Min}{C} \nearrow +\infty$
y : $a>0$, $b<0$	$+\infty \searrow \underset{Min}{D} \nearrow \underset{Max}{C} \searrow \underset{Min}{D} \nearrow +\infty$
y : $a<0$, $b>0$	$-\infty \nearrow \underset{Max}{D} \searrow \underset{Min}{C} \nearrow \underset{Max}{D} \searrow -\infty$
y : $a<0$, $b<0$	$-\infty \nearrow \underset{Max}{C} \searrow -\infty$

بحث در تعداد وعلامت ریشه‌های معادلهٔ درجهٔ سوم .

برای آگـاهـی از تعداد و علامت ریشه‌هـــای معـادلـــهٔ درجـهٔ سوم $x^3+px+q=0$ برحسب p و q جدول صفحهٔ بعدکفایت می‌کند.

مشتق

مشتق مقادیر ثابت صفراست .

مشتق حاصل‌جمع چند تابع ،

$$\begin{cases} y=u+v-w \\ y'=u'+v'-w' \end{cases}$$

مشتق حاصلضرب چندتابع ،

$$\begin{cases} y=u \cdot v \\ y'=uv'+vu' \end{cases}$$

مشتق خارج‌قسمت دوتابع ،

$$\begin{cases} y=\frac{u}{v} \\ y'=\frac{vu'-uv'}{v^2} \end{cases}$$

تعداد وعلامت ریشه‌ها	تغییرات p و q
معادله دارای یك ریشهٔ منفی است	$p>۰$ ، $q>۰$
معادله دارای یك ریشهٔ مثبت است.	$p>۰$ ، $q<۰$
معادله دارای یـك ریشهٔ منفی است.	$p<۰$ ، $۴p^۳-۲۷q^۲>۰$ ، $q>۰$
معادله دارای یك ریشهٔ مثبت است.	$p<۰$ ، $۴p^۳-۲۷q^۲>۰$ ، $q<۰$
معادله دارای یك ریشهٔ‌مضاعف مثبت‌و یك‌ریشهٔ سادهٔ منفی است .	$p>۰$ ، $۴p^۳-۲۷q^۲=۰$ ، $q>۰$
معادله دارای یك ریشهٔ مضاعف منفی ویك‌ریشهٔ سادهٔ مثبت است.	$p>۰$ ، $۴p^۳-۲۷q^۲=۰$ ، $q<۰$
معادله دارای یك‌ریشهٔ‌منفی ودوریشهٔ‌مثبت‌است.	$p<۰$ ، $۴p^۳+۲۷q^۲<۰$ ، $q>۰$
معادله دارای یك‌ریشهٔ مثبت‌ودوریشهٔ‌منفی‌است.	$p<۰$ ، $۴p^۳+۲۷q^۲<۰$ ، $q<۰$

مشتق قوهٔ mام یك‌تابع :

$$\begin{cases} y=u^m \\ y'=mu'u^{m-۱} \end{cases}$$

مشتق ریشهٔ mام یك‌تابع :

$$\begin{cases} y=\sqrt[m]{u^n} \\ y'=\frac{n}{m}u'\frac{۱}{\sqrt[m]{u^{m-n}}} \end{cases}$$

مشتق توابع متداول‌جبری :

$$y=c \qquad y'=۰$$
$$y=x \qquad y'=۱$$
$$y=x^m \qquad y'=mx^{m-۱}$$
$$y=ax^m \qquad y'=amx^{m-۱}$$
$$y=\frac{۱}{x} \qquad y'=-\frac{۱}{x^۲}$$
$$y=\frac{a}{x^m} \qquad y'=\frac{am}{x^{m+۱}}$$
$$y=\sqrt{x} \qquad y'=\frac{+۱}{۲\sqrt{x}}$$
$$y=\frac{۱}{\sqrt[m]{x}} \qquad y'=\frac{۱}{m\sqrt[m]{x^{m+۱}}}$$

توابع اولیه

$$y=۰ \qquad Y=a$$
$$y=a \qquad Y=ax+c$$
$$y=ax^m \qquad Y=\frac{a}{m+۱}x^{m+۱}+c$$
$$y=\frac{a}{\sqrt{a}} \qquad Y=۲a\sqrt{x}+c$$

معادلات منحنی‌های‌معروف:

معادلهٔ دایره : معادلـهٔ دایره بمرکـز $M\ (\alpha و \beta)$ و شعاع R بقرار زیر است :

$$(x-\alpha)^۲+(y-\beta)^۲=R^۲$$

معادلهٔ بیضی : اگـر اقطار بیضی را برمحورهای‌مختصات‌منطبق فرض‌کنیم معادلهٔ بیضی بقرار زیر است :

$$\frac{x^۲}{a^۲}+\frac{y^۲}{b^۲}=۱$$

معادلهٔ هذلولی : اگـر اقطـار هذلولی‌رابرمحورهای‌مختصات منطبق‌فرض کنیم هذلولی بقرار زیر خواهد بود :

$$\frac{x^۲}{a^۲}-\frac{y^۲}{b^۲}=۱$$

معادلهٔ سهمی : اگر محور طولها و رأس آن بر مـرکز منطبق بـاشد و فاصلهٔ کانون‌را از خط هادی به‌p نشان دهیم .

$$y^۲=۲Px$$

با استفاده‌ازکلید علوم ؛ «جهانگیر صلح‌جو»

چند کتاب جبر

آنالیز ریاضی‌اصول نظریهٔ‌توابع‌متغیر مختلط (۲ جلد) . دکترعلی افضلی‌پور.

آنالیزریاضی : دکتروازگن آوانسیان.

آنالیزریاضی : آندره دولاشه . ترجمهٔ پرویزشهریاری .

آنالیز ریاضی : دکتر منوچهر وصال .

احتمالات‌وآمارریاضی: دکترمحمدحسن مهدوی اردبیلی .

احکام الجفر: میرمحمدعباس‌دهلوی.

اصول جبر و مقابله : مترجم همایون علی‌محمد فره‌وشی .

اصول‌جبرومقابله : علی ناظم‌العلوم .

اصول روشهای ریاضی و آمار : دکترعلی افضلی‌پور .

اصول‌علم‌جبر ومقابله : محاسب‌الملك، محاسب‌الدوله ، میرزا آقاخان‌مصفی.

اصول محاسبات مترادف: علـی‌اکبـر الهامی افشار .

اصول‌نظریهٔ‌ریاضی‌احتمالی : دکترعلی افضلی‌پور .

بدایةالجبر : حـاج میرزا عبدالغفار اصفهانی .

براهین الجبر و المقابله : حکیم‌عمر خیام نیشابوری .

تست جبر : پرویزشهریاری،باقرامامی، قوام‌زاده .

جبروآنالیز : دکترمصطفی‌کامکارپارسی

جبروآنالیز : محمدعلی‌مجتهدی .

جبر ومقابله : دکتر محمودمهران .

جبر ومقابله : دکتر مصطفـی حبیبی گلپایگانی به‌مشارکت دکتر سامی‌راد و دکتر فلاح .

جبر و مقابله : عزت‌الله‌والا به‌مشارکت مصطفی زمانی .

جبر و مقابله با جداول لگاریتم : غلامحسین‌مصاحب به‌مشارکت‌احمدارشمید.

حکیم عمرخیام بعنوان عالم جبر : غلامحسین مصاحب .

حل‌المسائل الجبریه هزار مسئله : رضا نجمی تبریزی .

حل‌مسائل جبر و آنالیز : میر مظفـر معصومی به‌مشارکت‌نوروزایزد دوستدار.

حل‌مسائل ریـاضیات عمومی : دکتر مصطفی‌کامکار پارسی .

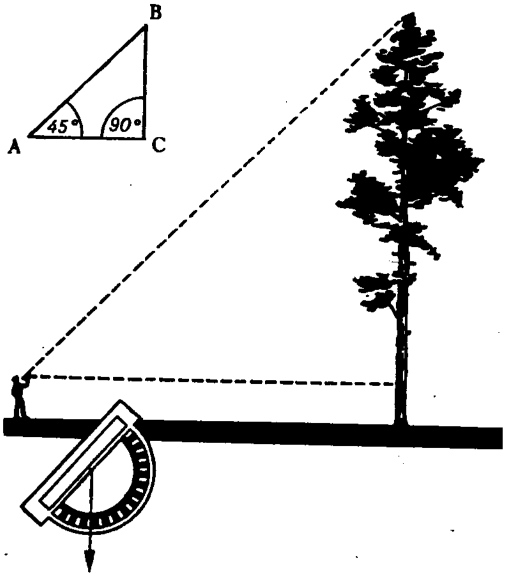
دورهٔ جبر : دکتر محمود مهران .

راهنما و حل المسائل جبر . سهراب زندپور .

ریاضیات‌درشیمی : دکتر حسین‌هورفر.

ریاضیات عمومی : دکترمنوچهر وصال.

مسائل‌جبروراهنمای‌حل‌آنها: باقرامامی ، پرویزشهریاری .



مقدمه‌ای بر مثلثات

مثلثات زائیدهٔ احتیاج مـربوط به محاسبات عملی است. بخصوص **نیاز به وسیله‌ای برای محاسبهٔ اجزاء اشکال مختلف هندسی**، وقتی که تعدادکافی از اجزاءآنها معلوم باشد، مثلثات را بوجود آورد. حتی دریونان باستان، ضمن حل یك رشته مسائل محـاسبه‌ای نجومی، موفقیتهای جالبی نصیب مثلثات شد.ولی تنظیم مثلثات بعنوان یك علم مستقل را مدیون ریاضی‌دانان آسیای‌میانه درقرون ۹ تا ۱۳ میلادی‌هستیم. اگرچه‌مثلثات علم مستقلی شد وروشهای مخصوص‌بخود پیداکرد. هدفش به شناسائی و محاسبه اجزاء اشکال ساده هندسی (مثلث هـای مسطحه و فضائی) محدود ماند و تصور میشدکه مطالعهٔ‌توابع‌مثلثاتی‌جز ازطریق ساختمانهای هندسی میسر نیست. وقتی کـه بطریق هندسی بین تـوابع مثلثاتی روابط جبری بـرقرار شد. این امکان بدست‌آمدکه‌بااستفاده ازروشهای‌جبری، توابع مثلثاتی مورد مطالعه قرارگیرد، تبدیلات مختلف آنها بدست‌آید و روابط مختلفی‌بین‌اجزاءاشکال هندسی کشف‌شود.

پیشرفتهای بعدی علم نشان دادکه توابع مثلثاتی تنها ابزاری برای حـل مسائل محاسبه‌ای هندسی نیستند، بلکه در فیزیك و مکانیك نیز، وقتی‌کـه از فـرایندهای **متناوب** صحبت می‌شود، اهمیت جدی دارند. بااین‌ترتیب نظریهٔ **توابع مثلثاتی** دارای مفهوم **مستقل** شد ولازم بودکه اساس تحلیلی این نظریه، بدون اتکاءبه‌هندسه، بنیان گذاشته‌شود.

ریاضی‌دان بـزرگ **لئونارد اولر** نخستین قدم را در زمینهٔ نظریهٔ تحلیلی توابع مثلثاتی‌برداشت‌وریاضی‌دان‌بزرگ روس **نیکلای ایـوانویچ لباچوسکی**، برای تعریف‌توابع‌مثلثاتی بدون استفاده از هندسی اقلیدسی، نظریهٔ تحلیلی این توابع‌را بوجودآورد که براساس‌رشته‌های توانی تنظیم شده بود.

امـروزه مثلثات را بعنوان **مستقل نمی‌شناسد**، زیراطبیعی است‌که مسائل مربوط به محاسبهٔ اجزاء اشکال هندسی به **هندسه** مربوط‌است ومثلثات درمورد آنها تنهانقش «کمکی» دارد، ازطرف دیگر نظریهٔ‌تحلیلی‌توابع مثلثاتی‌مربوط به فصلی از **آنالیز ریاضی** است که در آنجا نظریهٔ عمومی توابع مقدماتی‌مورد مطالعه قرار میگیرد ولی امـروزه‌کسی مثلثات‌رابعنوان‌علمی مستقل‌قبول‌ندارد.

در مثلثات دوجهت اصلی موردنظر است: **تابعی و محاسبه‌ای**، درجهت اول توابع مثلثاتی‌بعنوان‌توابعی‌با آو ندعددی موردمطالعه‌قرارمی‌گیردواهمیت‌فوق‌العاده دارندزیرادرآنالیزریاضی‌معاصر، فیزیك، مکانیك‌و تکنیك نقش اساسی دارند. در جهت دوم راههای محاسبهٔ اجزاء اشکال هندسی بیان‌می‌شودواهمیت اساسی‌آنهادر مورداستعمال‌عملی‌آنهادر هندسه، فیزیك و تکنیك، نجوم، مساحی وغیره است.

مقدمهٔ‌کتاب مثلثات ترجمهٔ: پرویز شهریاری

سیر مثلثات: مردم‌یونان باستان، بعضی ازخواص‌مثلثات راکشف‌کرده‌اند؛ هندیها درتکوین‌آن‌سهم بیشتری‌دارند؛ خواجه‌نصیرالدین‌طوسی درتکمیل‌مثلثات اثرکلی‌داشته، اصطلاحات‌مثلثات؛ اغلب‌یا ریشه‌هندی‌دارندویا ترجمهٔ‌لغات‌عربی‌می‌باشند.

مثلثات

$$\sin\alpha=\frac{PM}{OM}=\overline{PM}$$

$$\cos\alpha=\frac{MQ}{OM}=\overline{MQ}$$

$$tg\,\alpha=\frac{\sin\alpha}{\cos\alpha}=\frac{PM}{MQ}=\overline{AT}$$

$$cotg\,\alpha=\frac{\cos\alpha}{\sin\alpha}=\frac{MQ}{PM}=\overline{BD}$$

$$\sec\alpha=\frac{1}{\cos\alpha}=\frac{1}{MQ}=OS$$

$$cosec\,\alpha=\frac{1}{\sin\alpha}=\frac{1}{PM}=\overline{OV}$$

برای اندازه‌گرفتن قوس دایره (یا زاویهٔ مرکزی روبروی‌آن)سه‌واحد بکار میرودکه عبارتنداز:

درجه:

یك‌درجه $=\frac{1}{360}$ محیط‌دایرهٔ‌مثلثاتی $=\frac{1}{90}$ زاویهٔ قائمه.

گراد:

یك‌گراد $=\frac{1}{400}$ محیط‌دایره $=\frac{1}{100}$ زاویهٔ قائمه.

رادیان: یك رادیـان قوسی از دایره است‌که طولش مساوی‌شعاع دایره باشد. برای تبدیل‌سه‌واحدفوق‌به‌یکدیگر از فرمـول زیر استفاده میشود: (D ـ درجه G گراد ـ R رادیان).

$$\frac{D}{360}=\frac{G}{400}=\frac{R}{2\pi}$$

روابط‌خطوط مثلثاتی‌قوس a:

با توجه بروابطی‌که در بالاآورده شد روابط زیر نتیجه میشود:

$$\sin^2 a+\cos^2 a=1$$

$$\sin a=\frac{tg\,a}{\pm\sqrt{1+tg^2 a}}$$

$$\cos a=\frac{1}{\pm\sqrt{1+tg^2 a}}$$

$$1+tg^2 a=\frac{1}{\cos^2 a}$$

$$1+cotg^2 a=\frac{1}{\sin^2 a}$$

$$2\cos^2 a-\cos 2a=1$$

$$tg\,a\,cotg\,a=1 \quad 2\sin^2 a-\cos 2a=1$$

روابط خطوط مثلثاتی قوسهائیکه تفاضل یا مجموعشان مضربی از π باشد (K تمام‌اعدادجبری‌را میتواندبگیرد).

الف ـ اگر $a-b=2K\pi$

$$\begin{cases}\sin a=\sin(2K\pi+b)=\sin b\\ \cos a=\cos(2K\pi+b)=\cos b\\ tg\,a=tg(2K\pi+b)=tg\,b\end{cases}$$

ب ـ اگر: $a+b=2K\pi$

$$\begin{cases}\sin a=\sin(2K\pi-b)=-\sin b\\ \cos a=\cos(2K\pi-b)=\cos b\\ tg\,a=tg(2K\pi-b)=-tg\,b\end{cases}$$

ج ـ اگر: $a-b=(2K+1)\pi$

$$\begin{cases}\sin a=\sin[(2K+1)\pi+b]=-\sin b\\ \cos a=\cos[(2K+1)\pi+b]=-\cos b\\ tg\,a=tg[(2K+1)\pi+b]=tg\,b\end{cases}$$

د ـ اگر: $a+b=(2K+1)\pi$

$$\begin{cases}\sin a=\sin[(2K+1)\pi-b]=\sin b\\ \cos a=\cos[(2K+1)\pi-b]=-\cos b\\ tg\,a=tg[(2K+1)\pi-b]=-tg\,b\end{cases}$$

$$\begin{cases}\cos(2K\pi+\pi-a)=-\cos a\\ \sin(2K\pi+\pi-a)=\sin a\\ tg(2K\pi+\pi-a)=-tg\,a\\ cotg(2K\pi+\pi-a)=-cotg\,a\end{cases}$$

$$\begin{cases}\cos(2K\pi+\frac{\pi}{2}-a)=\sin a\\ \sin(2K\pi+\frac{\pi}{2}-a)=\cos a\\ tg(2K\pi+\frac{\pi}{2}-a)=cotg\,a\\ cotg(2K\pi+\frac{\pi}{2}-a)=tg\,a\end{cases}$$

$$\begin{cases}\cos(2K\pi+\frac{\pi}{2}+a)=-\sin a\\ \sin(2K\pi+\frac{\pi}{2}+a)=\cos a\\ tg(2K\pi+\frac{\pi}{2}+a)=-cotg\,a\\ cotg(2K+\frac{\pi}{2}+a)=-tg\,a\end{cases}$$

$$\begin{cases}\sin(\frac{\pi}{2}-a)=\cos a\\ \cos(\frac{\pi}{2}-a)=cotg\,a\\ cotg(\frac{\pi}{2}-a)=tg\,a\\ sec(\frac{\pi}{2}-a)=cosec\,a\\ cosec(\frac{\pi}{2}-a)=sec\,a\end{cases}$$

$$\begin{cases}\sin(\pi-a)=\sin a\\ \cos(\pi-a)=-\cos a\\ tg(\pi-a)=-tg\,a\\ cotg(\pi-a)=-cotg\,a\\ sec(\pi-a)=-sec\,a\\ cosec(\pi-a)=cosce\,a\end{cases}$$

$$\begin{cases}\sin(\pi+a)=-\sin a\\ \cos(\pi+a)=-\cos a\\ tg(\pi+a)=tg\,a\\ cotg(\pi+a)=cotg\,a\end{cases}$$

$$\begin{cases}\sin(\frac{\pi}{2}+a)=\cos a\\ \cos(\frac{\pi}{2}+a)=-\sin a\\ tg(\frac{\pi}{2}+a)=-cotg\,a\\ cotg(\frac{\pi}{2}+a)=-tg\,a\\ sec(\frac{\pi}{2}+a)=-cosec\,a\\ cosec(\frac{\pi}{2}+a)=-sec\,a\end{cases}$$

$$\begin{cases}\sin(-x)=-\sin x\\ \cos(-x)=\cos x\\ tg(-x)=-tg\,x\\ cotg(-x)=-cotg\,x\end{cases}$$

$$\begin{cases}\sin(\frac{3\pi}{2}+a)=-\cos a\\ \cos(\frac{3\pi}{2}+a)=\sin a\\ tg(\frac{3\pi}{2}+a)=-cotg\,a\\ cotg(\frac{3\pi}{2}+a)=-tg\,a\end{cases}$$

حل معادلات سادهٔ مثلثاتی :

$$\sin a=\sin b \quad \begin{cases}a=2K\pi+b\\ a=(2K+1)\pi-b\end{cases}$$

$$\cos a=\cos b \quad \begin{cases}a=2K\pi+b\\ a=2K\pi-b\end{cases}$$

$$tg\,a=tg\,b \quad a=K\pi+b$$

روابط خطوط مثلثاتی :

$$\sin(a+b)=\sin a\cos b+\cos a\sin b$$

$$\sin(a-b)=\sin a\cos b-\cos a\sin b$$

$$\cos(a+b)=\cos a\cos b-\sin a\sin b$$

$$\cos(a-b)=\cos a\cos b+\sin a\sin b$$

$$tg(a+b)=\frac{tg\,a+tg\,b}{1+tg\,a\,tg\,b}$$

$$tg(a-b)=\frac{tg\,a-tg\,b}{1+tg\,a\,tg\,b}$$

$$tg(\frac{\pi}{4}+a)=\frac{1+tg\,a}{1-tg\,a}$$

تبدیل مجموع یا تفاضل دوخط مثلثاتی به‌حاصلضرب :

$$\sin p+\sin q=2\sin\frac{p+q}{2}\cos\frac{p-q}{2}$$

$$\sin p-\sin q=2\sin\frac{p-q}{2}\cos\frac{p+q}{2}$$

$$\cos p+\cos q=2\cos\frac{p+q}{2}\cos\frac{p-q}{2}$$

$$\cos p-\cos q=-2\sin\frac{p+q}{2}\sin\frac{p-q}{2}$$

$$tg\,p+tg\,q=\frac{\sin(p+q)}{\cos p\cos q}$$

$$tg\,p-tg\,q=\frac{\sin(p-q)}{\cos p\cos p}$$

$$cotg\,p+cotg\,q=\frac{\sin(p+q)}{\sin p\sin q}$$

$$cotg\,p-cotg\,q=\frac{\sin(p-q)}{\sin p\sin q}$$

$$tg\,p + cotg\,q = \frac{2}{\sin 2p}$$

$$tg\,p - cotg\,q = 2\,cotg\,2p$$

$$\cos p - \sin q = 2\sin\left(\frac{\pi}{4} - \frac{p+q}{2}\right)\cos\left(\frac{\pi}{4} - \frac{p-q}{2}\right)$$

$$\sin p + \cos q = 2\sin\left(\frac{\pi}{4} + \frac{p-q}{2}\right)\cos\left(\frac{p+q}{2} - \frac{\pi}{4}\right)$$

$$1 + \sin a = 2\sin^2\left(\frac{\pi}{4} + \frac{a}{2}\right) = 2\cos^2\left(\frac{\pi}{4} - \frac{a}{2}\right)$$

$$1 - \sin a = 2\sin^2\left(\frac{\pi}{4} - \frac{a}{2}\right) = 2\cos^2\left(\frac{\pi}{4} + \frac{a}{2}\right)$$

$$1 + \cos a = \cos^2 \frac{a}{2}$$

$$1 - \cos a = 2\sin^2 \frac{a}{2}$$

$$1 \pm tg\,a = \frac{\sqrt{2}\sin\left(\frac{\pi}{4} \pm a\right)}{\cos a}$$

$$\frac{1 - \sin a + \cos a}{1 + \sin a + \cos a} = tg\left(\frac{\pi}{4} - \frac{a}{2}\right)$$

$$1 + tg^2 a = \frac{1}{\cos^2 a}$$

$$1 - tg^2 a = \frac{\sin 2a}{\cos^2 a}$$

$$1 + cotg^2 a = \frac{1}{\sin 2a}$$

$$1 - cotg^2 a = \frac{\cos 2a}{\sin^2 a}$$

تبدیل حاصل‌ضرب دوخط‌مثلثاتی به‌مجموع یا تفاضل:

$$\sin a \sin b = \frac{1}{2}[\cos(a-b) - \cos(a+b)]$$

$$\cos a \cos b = \frac{1}{2}[\cos(a-b) + \cos(a+b)]$$

$$\sin a \cos b = \frac{1}{2}[\sin(a-b) + \sin(a+b)]$$

محاسبهٔ شعاع دایرهٔ محیطی:

$$R = \frac{abc}{4\sqrt{(p-a)(p-b)(p-c)}}$$

محاسبهٔ شعاع دایرهٔ محاطی:

$$r = \sqrt{\frac{(p-a)(p-b)(p-c)}{p}}$$

$$r_a = \sqrt{\frac{p(p-b)(p-c)}{p-a}}$$

$$r_b = \sqrt{\frac{p(p-a)(p-c)}{p-b}}$$

$$r_c = \sqrt{\frac{p(p-a)(p-b)}{p-c}}$$

$$r = (p-a)\,tg\frac{A}{2} = (p-b)\,tg\frac{B}{2} = (p-c)\,tg\frac{C}{2}$$

محاسبهٔ ارتفاعات:

$$h_a = \frac{2}{a}\sqrt{p(p-a)(p-b)(p-c)}$$

$$h_a = b\sin C = c\sin B = \frac{a\sin B\sin c}{\sin A}$$

$$h_b = \frac{2}{b}\sqrt{p(p-a)(p-b)(p-c)}$$

$$h_b = a\sin C = c\sin A = \frac{b\sin A\sin C}{\sin B}$$

$$h_c = \frac{2}{c}\sqrt{p(p-a)(p-b)(p-c)}$$

$$h_c = a\sin B = b\sin A = \frac{c\sin A\sin B}{\sin C}$$

محاسبهٔ نیمسازهای داخلی:

$$d_a = \frac{2}{b+c}\sqrt{bcp(p-a)} = \frac{b\sin C}{\cos\frac{B-C}{2}}$$

$$d_b = \frac{2}{a+c}\sqrt{acp(p-b)} = \frac{a\sin C}{\cos\frac{A-B}{2}}$$

$$d_c = \frac{2}{a+b}\sqrt{abp(p-c)} = \frac{a\sin B}{\cos\frac{A-B}{2}}$$

محاسبهٔ نیمسازهای خارجی:

$$d'_a = \frac{2}{b-c}\sqrt{bc(p-b)(p-c)}$$

$$d'_a = \frac{b\sin C}{\sin\frac{B-C}{2}} = \frac{c\sin B}{\sin\frac{B-C}{2}} = \frac{a\sin B\sin C}{\sin A\sin\frac{B-C}{2}}$$

$$d'_b = \frac{a\sin C}{\sin\frac{A-C}{2}}$$

$$d'_c = \frac{a\sin B}{\sin\frac{A-B}{2}}$$

محاسبهٔ میانه‌ها:

$$m_a = \frac{1}{2}\sqrt{2(b^2+c^2)-a^2}$$

$$m_b = \frac{1}{2}\sqrt{2(a^2+c^2)-b^2}$$

$$m_c = \frac{1}{2}\sqrt{2(a^2+b^2)-c^2}$$

محاسبهٔ مساحت:

$$S = \frac{1}{2}bc\sin A = \frac{1}{2}ac\sin B = \frac{1}{2}ab\sin C$$

$$S = pr = (p-a)r_a = (p-b)r_b = (p-c)r_c$$

$$S = \sqrt{p(p-a)(p-b)(p-c)}$$

$$S=\frac{abc}{4R}$$

$$S=\sqrt{r\cdot r_a\cdot r_b\cdot r_c}$$

$$S=\frac{1}{2}a^2\frac{\sin B\sin C}{\sin A}$$

$$=\frac{1}{2}b^2\frac{\sin A\sin C}{\sin B}$$

$$=\frac{1}{2}c^2\frac{\sin A\sin B}{\sin C}$$

چند کتاب مثلثات

اصول مثلثات مستقیمة الخطوط : حاج میرزا عبدالغفار اصفهانی .

تست مثلثات : آقای شهریاری، قوام‌زاده

حل المسائل مثلثات : صفاری، قربانی

مثلثات : احمد بیرشك

مثلثات : (مسطحه و کروی) ترجمهٔ شهریاری

مثلثات : (سیمرغ) ترجمهٔ شهریاری

مثلثات : غلامحسین مصاحب به‌مشارکت احمد ارشمید .

مسائل مثلثات و راهنمای حل آنها: پرویز شهریاری .

حل مثلث قائم‌الزاویه در حالات کلاسیك

اجزاء معلوم	فرمولهائیکه مورد استفاده قرارمی گیرند
a و B	$C-=90\cdot B$ $b=a\sin B$ $c=a\cos B$
b و B	$C=90-B$ $c=b\,\mathrm{cotg}\,B$ $a=\frac{b}{\sin B}$
b و a	$\sin=B\frac{b}{a}$ $C=90-B$ $c=a\sin B$
c و b	$\mathrm{tg}B=\frac{b}{c}$ $C=90-B$ $a=\frac{b}{\sin B}$

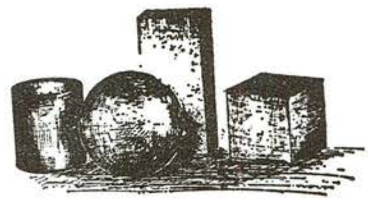
حل مثلث غیرمشخص در حالات کلاسیك

اجزاء معلوم	فرمولهائیکه مورد استفاده قرارمیگیرند
B و a و c	$A=\pi-(B+C)$ $b=a\frac{\sin B}{\sin c}$ $c=a\frac{\sin C}{\sin A}$
a و C و b	$\frac{\sin B}{\sin A}=\frac{b}{a}$ $A+B=\pi-C$ $c^2=a^2+b^2-2ab\cos C$
a و b و A	$\sin B=\frac{b}{a}\sin A$ $C=\pi-(A+B)$ $c=a\cos B+b\cos A$
a و b و c	$\cos C=\frac{a^2+b^2-c^2}{2ab}$ $\sin B=\frac{b}{c}\sin C$ $A=\pi-(B+C)$

با استفاده از کلید علوم . جهانگیر صلح‌جو

جدول خطوط مثلثاتی معروف

α	0	$\frac{\pi}{12}$	$\frac{\pi}{8}$	$\frac{\pi}{6}$	$\frac{\pi}{4}$	$\frac{\pi}{3}$	$\frac{3\pi}{8}$	$\frac{5\pi}{12}$	$\frac{\pi}{2}$	π	$\frac{3\pi}{2}$	2π
$\sin\alpha$	0	$\frac{\sqrt{6}+\sqrt{2}}{4}$	$\frac{\sqrt{2-\sqrt{2}}}{2}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{\sqrt{2}}{2}$	$\frac{\sqrt{3}}{2}$	$\frac{\sqrt{2+\sqrt{2}}}{4}$	$\frac{\sqrt{6}+\sqrt{2}}{4}$	1	0	-1	0
$\cos\alpha$	1	$\frac{\sqrt{6}+\sqrt{2}}{4}$	$\frac{\sqrt{2+\sqrt{2}}}{2}$	$\frac{\sqrt{3}}{2}$	$\frac{\sqrt{2}}{2}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{\sqrt{2+\sqrt{2}}}{2}$	$\frac{\sqrt{6}-\sqrt{2}}{4}$	0	-1	0	1
$\mathrm{tg}\,\alpha$	0	$2-\sqrt{3}$	$\sqrt{2}-1$	$\frac{\sqrt{3}}{3}$	1	$\sqrt{3}$	$\sqrt{2}+1$	$2+\sqrt{3}$	$\mp\infty$	0	$\mp\infty$	0
$\mathrm{cotg}\,\alpha$	$\pm\infty$	$2+\sqrt{3}$	$\sqrt{2}+1$	$\sqrt{3}$	1	$\frac{\sqrt{3}}{3}$	$\sqrt{2}-1$	$2-\sqrt{3}$	0	$\mp\infty$	0	$\mp\infty$



پیدایش هندسه

هندسه علمی کاملاً نظری است و ریاضی‌دانی که یك‌قضیهٔ‌تازه کشف میکند امیدوار نیست که ازاین اکتشافات خود پولی بدست‌آورد . اما دردو یا سه‌هزار سال قبل ازمیلاد مسیح وضع بدین‌منوال نبود . درمصر هر سال رود نیل طغیان میکرد وسواحل راآب میپوشاندوحدود مزارع را محو میکرد . این تجاوزات متناوب‌آب، که هرسال لجنهای بسیار از خود باقی میگذاشت‌موجب بروزاختلاف زیاد بین مالکین‌آن‌حدود میشد و وسیلهٔ دفع این اختلافات فقط مساحی و تعیین حدود اراضی بود متأسفانه پاپیروس ها اطلاعات دقیق دربارهٔ معلومات‌مصریان دراین مطالب بما نمیدهند ، زیرا این اوراق فقط شامل بعضی دستورات برای محـاسبهٔ سطح بعضی از شکلهای هندسی ازقبیل مربع ومربع مستطیل و مثلث و ذوزنقه ودایره (باتعیین ۳/۱۶۰۴ بجای عددπ) ودستورحجم بعضی‌اجسام‌میباشد. شکلهائی‌که در آنها رسم شده‌اند تقریباً نامشخص واشتباهات محاسبه نیز بیشتر آنها را نامفهوم‌کرده است .

هندسهٔ بابلی نیز بدون‌شك ازهمان سرچشمهٔ‌عملی بوجودآمده ودرآن‌بجای قضایا و احکام روشهایی برای محـاسبهٔ زمین‌هاوحجم‌ها وجود داردکه بدون‌شك فقط بوسیلهٔ اندازه‌گیری تجربی پیداشده بود ونه بوسیلهٔ استدلال .

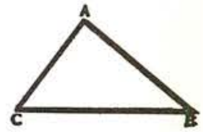
اگرآشورشناسان درچند سال اخیر اکتشافات تازه وحیرت انگیزی نکرده بودند همه‌کس‌گمان میکرد که مصریان وسومریها ازلحاظ‌اطلاعات‌علمی‌فوق‌العاده فقیر بوده‌اند .

تاریخ علوم : ترجمهٔ حسن‌صفاری

هندسهٔ مسطحه

چند ضلعی

قسمتی‌ازصفحه که به‌خط‌شکسته‌مسدودی محدود شده باشد چند ضلعی نام دارد .



مثلث



مربع



مستطیل



متوازی‌الاضلاع

مثلث : چند ضلعی‌است ، سه‌پهلو، که ممکن است هرسه پهلوی آنهابرابر یا دوپهلو برابر یا نامشخص باشد . دو مثلث‌درحالتهای‌زیر با یکدیگربرابرند:

اگر دوزاویه‌وضلع بین آنها برابر باشند .

اگردوضلع‌وزاویهٔ‌بین‌آنها برابرباشند.

اگر سه‌ضلع‌نظیرآنها، برابرباشند .

اگروتر و یك ضلع نظیر دو مثلث قائم‌الزاویه برابر باشند .

اگر وترویك زاویهٔ حاده نظیر دو مثلث قائم‌الزاویه برابر باشند.

خطوط مهم در مثلث

ارتفاع ، میانه ، نیمساز و عمود منصف می‌باشد .

خواص خطوط مهم

سه عمودمنصف مثلث متقاربند.

سه نیمسازداخلی‌مثلث متقاربند .

دو نیمساز خارجی و نیمساز داخلی زاویهٔ ، سوم متقاربند .

ارتفاعات هرمثلث متقاربند .

میانه های هرمثلث متقاربند .

نامساویها در مثلث

در هر مثلث طول هرضلع ازمجموع دو ضلع دیگر کوچکتر و ازتفاضل‌آن‌ها بزرگتراست.

در هر مثلث زاویهٔ بزرگتر مقابل به‌ضلع‌بزرگتروضلع‌بزرگترمقابل‌به‌زاویهٔ بزرگتر است .

اگر دو مثلث‌دردوضلع مساوی‌ودرضلع سوم‌نامساوی‌باشندآنکه‌ضلع‌سومش‌بزرگتر است زاویهٔ روبرویش نیزبزرگتراست .

دایره

مکان هندسی نقاطی از صفحه است که‌ازنقطهٔ‌ثابتی‌بنام‌مرکزبیك‌فاصله‌باشد .

قطر دایره بزرگترین وترآنست .

قطر ، دایره را بدو قسمت مساوی تقسیم میکند .

وضع‌دودایره‌نسبت‌بهم : «جدول‌زیر»

قوت نقطه

اگر دو وتر یکدیگر را درداخل دایره قطع‌کنند حاصلضرب دوقطعهٔ یکی برابر است باحاصلضرب دو قطعهٔ دیگر واگر دوقاطع در بیرون دایره یکدیگر راتلاقی نمایندحاصلضرب هریك درجزء خارجی آن مساوی است با حاصلضرب قاطع دیگر درقسمت خارجی مربوطه .

قوت‌یاتوان یك‌نقطه نسبت بدایره، حاصلضرب دو قطعه قاطعی است که از این نقطه بردایره رسم شود، قوت نقطه را نشان میدهند .

مساحتها

مساحت مربع برابراست‌باحاصلضرب یك ضلع درخودش (مربع یك‌ضلع) .

مساحت مستطیل ، بـرابر است با حاصلضرب طول درعرض .

مساحت مثلث ، برابراست بانصف حاصلضرب قاعده درارتفاع .

مساحت لـوزی ، برابر با نصف حاصلضرب یك قطر درقطر دیگر.

مساحت‌ذوزنقه ، برابراست بانصف حاصلضرب مجموع دو قاعده درارتفاع .

مساحت متوازی‌الاضلاع ، برابر است باارتفاع ضربدر قاعده .

مساحت‌کثیرالاضلاع منتظم‌مساویست با پیرامون قاعده،ضرب‌درنصف ارتفاع .

مساحت دایـره برابر است بـا حاصلضرب مجذورشعاع درعددثابت پی (۳/۱۴) .

مساحت بیضی برابر است با نصف قطر بزرگتر ضربدرنصف قطرکوچکتر ضربدر۳/۱۴

تقسیم توافقی

بر روی هرخط فقط دو نقطه مانند pو'p میتوان یافت‌که قدر مطلق نسبت فواصل آنها ازنقطهٔ ثابت B وA واقع برآن خط مساوی مقدار ثابت K باشد.

درا‌ینصورت خط به‌نسبت توافقیK تقسیم شده است.

تشابه

اگر زوایـای متناظر دو شکل با یکدیگر برابر و اضـلاع متناظرشان

وضع دو دایره	متخارج	مماس خارج	متقاطع	مماس داخل	متداخل
تعداد مماسهای مشترك‌داخلی	۲	۲	۲	۱	۰
تعدادمماسهای مشترك‌خارجی	۲	۱	۰	۰	۰
جمع	۴	۳	۲	۱	۰

مساوی‌باشند دوشکل رامتشابه یاهمانند گویند .

نسبت‌مساحت دوشکل‌متشابه برابر نسبت‌اضلاع متناظر آنها است .

اگــر خطی به موازات یکی از اضلاع مثلث رسم شود ، بادوضلع دیگر مثلثی‌می‌سازد که بامثلث‌اصلی‌متشابه‌است.

اگر دو زاویهٔ مثلثی بـا دو زاویه از مثلث دیگر برابر باشنــد دو مثلث متشابهند .

اگر دو ضلع از مثلثی بـادوضلع از مثلث دیگر متناسب بوده وزاویهٔ بین این دوضلع مثلث با هم برابر باشند دو مثلث متشابه خواهند بود .

اگر سه ضلع از مثلثی بـا سه‌ضلع از مثلث دیگر متناسب باشند دو مثلث متشابهند .

دو چند ضلعی متشابــه را میتوان بیك عده مثلثهای متشابه تجزیه کرد .

تجــانس : فــرض میکنیم **S** نقطهٔ مفروض و **K** نیز عــدد مفروضی باشد . دراینصورت هر نقطهٔ مانند **M** متناظر با نقطه‌ای ازخط **SM** مانند **M'** خواهــد بود بطوریــکه داشته بـاشیم $\frac{SM'}{SM}=K$ در اینصورت **M'** مجـانس **M** بمرکز **S** و به نسبت **K** میباشد .

درهر تجانس پاره‌خط مفروض‌بخط دیگر تبدیل می‌گردد که با آن موازی است .

در تجــانس اندازهٔ زوایا محفوظ میماند .

مجانس هرچند ضلعی ، یك چــند ضلعی است متشابه باآن ومجانس دایره دایره است. دودایره‌رابدوصورت؛مستقیم ومعکوس می‌توان‌مجانس‌یکدیگردانست.

انتقال

هرگاه هریك از نقاط شکل **F** را باندازهٔ بردار معلوم $\overrightarrow{AB}$ انتقال دهیم همشکل‌حاصل(**F'**) راانتقال یافتهٔ شکل **F** باندازهٔ بردار$\overrightarrow{AB}$ می‌گویند . انتقال، شکل‌را تغییر نمی‌دهد .

دوبردار متناظر درانتقال همسنگ هستند .

تغییر مکان حاصل از چندانتقال ، انتقال است و بردار انتقال اخیربرآیند بردارهای انتقالهای مفروض‌است.

دوران

هرگاه زاویــهٔ α و نقطهٔ **o** معلوم باشند و بازاء هرنقطهٔ **M** ازشکل**F** نقطهٔ **M'** راچنان بدست‌آوریم‌که :

$OM'=OM$ و $MM'O=\alpha$ باشد.

مجموع نقاط **M'** شکل **F'** را تشکیل می‌دهند .

دوران‌اجزاءشکل راتغییر نمیدهد.

هر تغییر مکان در صفحه‌کــه درآن اجزاء شکل تغییر پیدا نکنند یا انتقال است یا دوران .

دردوران ، زاویهٔ بین‌دو پــاره‌خط متناظر ،مساوی‌بازاویهٔ دوران است .

قطب وقطبی

مکان‌هندسی نقاطی‌که‌نسبت فاصله‌های آن ها از دو نقطهٔ ثابت **A** و **B** مساوی عدد ثابت **K** باشد ، محیط‌دایره است‌که دوانتهای قطرآن پاره خط **AB** را به نسبت **K** تقسیم میکند .

مورب ـ هر خط‌که چند خط‌دیگر را قطع‌کند مورب نــام دارد و بخصوص اگراضلاع مثلث یا امتداد اضلاع راقطع کند .

انعکاس

هرگاه نقطه ای مانند **P** و عددی جبری مانند **a** داشته باشیم منعکس هر نقطه مانند **A** نقطه‌ای است مانند **A'**، که با **A** و **P** بریك استقامت باشد . و حاصلضرب اندازهٔ جبری فاصلهٔ **A** از **P** مساوی **a** باشد ، یعنی داشته باشیم .

$$\overline{PA}\cdot\overline{PA'}=a$$

اضلاع چندبر محاطی برحسب شعاع دایرهٔ محیطی آن :

ضلع‌مربع $C_4=R\sqrt{2}$

ضلع ۶ ضلعی $C_6=R$

ضلع۳ضلعی $C_3=R\sqrt{3}$

ضلع۱۰ضلعی $C_{10}=\frac{R}{2}(\sqrt{5}-1)$

ضلع**۲n**ضلعی‌وقتیکه ضلع **n** ضلعی معلوم است .

$$C_{2n}=\sqrt{2R(R-\sqrt{4R^2-C_n^2})}$$

ضلع **n** ضلع محیطی وقتیکه ضلعی محاطی معلوم است (**n** ضلعی محیطی‌را **C'n** و **n** ضلعی محاطی را به **Cn** نشان میدهیم .)

$$C'n=\frac{2R\cdot C_n}{\sqrt{4R^2-C_n^2}}$$

روابط طولی دایره:

هرگاه دو وتــر **AB** و **CD** در نقطهٔ **M** واقع در داخل یا خارج دایره یکدیگر را قطع‌کنند :

$$MA\times MB=MC\times MD$$

در هر مثلث حاصلضرب هر دو ضلع برابراست با حاصلضرب قطعاتی‌که نیمساز داخلی زاویهٔ بین دو ضلع روی ضلع سوم جدا می‌کند باضافهٔ مجذوراین نیمساز .

در هر مثلث حـاصلضرب هــر دو ضلع برابر است باحاصلضرب قطعاتی‌که با نیمساز خارجی زاویهٔ بین این‌دوضلع روی ضلع سوم جدامی‌کند منهای‌مجذور این نیمساز .

طول نیمساز داخــلی و خارجی مثلث برحسب اضلاع (**d** نیمساز داخلی و **d'** نیمسازخارجی مثلث است) .

$$da=\frac{2}{b+c}\sqrt{b\times c\times p(p-a)}$$

$$d'a=\frac{2}{c-b}\sqrt{b\cdot c(p-a)(p-c)}$$

رابطهٔ طولی در مثلث‌قائم‌الزاویه

در مثلث قائم الزاویــه هر ضلع مجاور بزاویهٔ قائمه واسطهٔ هندسی است بین وتر وتصویرش بر وتراست .

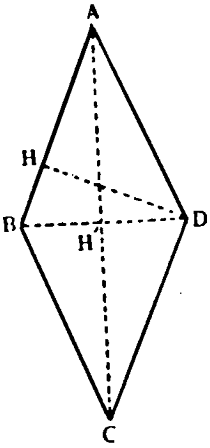
در مثلث قائم‌الزاویه مجذور وتر برابر است بامجموع مجذورات دو ضلع دیگر .

در هر مثلث قائم الزاویه ارتفاع واسطهٔ هندسی‌است‌بین دوقطعه وتر .

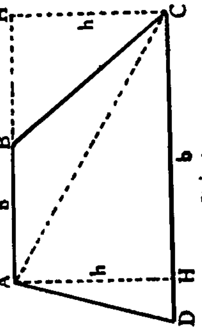
رابطهٔ‌طولی‌درمثلث غیرمشخص:

در هر مثلث مجذور ضلع روبروی بزاویهٔ‌حاده‌برابراست‌بامجموع‌مجذورات دوضلع دیگر منهای دو برابر حاصل ضرب یکی ازاین دوضلع درتصویر ضلع دیگر برهمین ضلع .

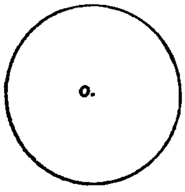
* در هرمثلث مجذورضلع‌روبروی بزاویهٔ منفرجه برابر است بـا مجموع مجذورات دوضلع دیگر باضافهٔ دوبرابر حاصلضرب یکی ازدوضلع درتصویرضلع



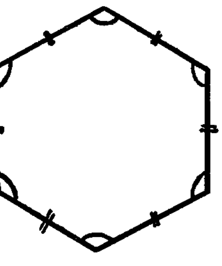
لوزی



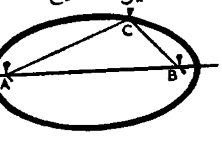
ذوزنقه



دایره



کثیرالاضلاع



بیضی

دیگر بر آن .

ارتفاع مثلث برحسب اضلاع :

$$h_a=\frac{2}{a}\sqrt{p(p-a)(p-b)(p-c)}$$

$$h_b=\frac{2}{b}\sqrt{p(p-a)(p-b)(p-c)}$$

$$h_c=\frac{2}{c}\sqrt{p(p-a)(p-b)(p-c)}$$

مساحت مثلث برحسب اضلاع :

$$S=\frac{1}{2}a\cdot h_a$$

$$S=\sqrt{p(p-a)(p-b)(p-c)}$$

شعاع دایرهٔ محیطی مثلث بر حسب اضلاع :

$$R=\frac{a\times b\times c}{4s}$$

هندسهٔ فضائی

برسه نقطه غیر واقع‌بریك استقامت بیش‌از يك‌صفحه نمی‌گذرد .

اگر دو صفحهٔ‌متمایز p وq دارای يك نقطهٔ مشترك مانند A باشند دارای يك خط راست مشترك خواهند بود .

اگر دو خط راست باهم موازی باشند هرصفحه‌که یکی ازآن‌ها را قطع کند دیگری را هم‌قطع خواهدکرد .

دوخط راست‌که با خط ثالثی موازی باشند بایکدیگر موازیند .

دوزاویه‌که اضلاعشان نظیر به‌نظیر موازی وممتددريك‌جهت‌باشند متساویند.

اگر خطی باصفحه‌ای موازی‌باشد وازیکی‌ازنقاط آن‌صفحه ، خطی به‌موازات آن خط رسم‌کنیم این خط بتمامی در صفحهٔ مزبور واقع خواهد شد .

هر خط‌که بادو صفحهٔ‌متقاطع‌موازی باشد با فصل مشترك آنها نیز موازی است .

از هر نقطه‌که در خارج يك صفحه واقع‌باشد فقط می‌توان‌يك‌صفحه به‌موازات آن‌گذرانید .

خواص‌متری صفحات‌متوازی :

قطعه خطهای متوازی‌که بین دو صفحه متوازی محصور باشند متساویند .

قضیهٔ تالس در فضا : صفحات متوازی ، روی دوخط‌قاطع قطعه‌خطهای متناسب ، جدا می‌کنند . یعنی اگر سه صفحهٔ متوازی p . q . R خطی مانند Δ را به‌ترتیب‌درنقاط A و B و Cوخط دیگری مانند 'Δ را به‌ترتیب‌در نقاط 'A و 'B و 'C قطع‌کنند داریم .

$$\frac{AB}{CB}=\frac{A\,B'}{B\,C'}$$

خط وصفحهٔ‌عمود برهم :

اگر خطی صفحه‌ای را قطع‌کند وبردو خط‌متمایز که‌ازپایش درآن‌صفحه رسم شده باشند عمود باشد ، بر جمیع خطوط راستی‌که درآن‌صفحه رسم‌شوند ، نیز عمود است .

شرط لازم و کافی برای‌آنکه خطی بريك صفحه عمود شود، آن است‌که‌بردو خط متقاطع ازآن صفحه‌عمود باشد.

صفحات‌عمود بريك خط‌راست:

ازيك‌نقطهٔ‌معلوم می‌توان يك‌صفحه بريك خط راست‌معلوم عمودکرد‌وبیش‌از یکی نمیتوان .

مکان هندسی خطوط راستی که از نقطهٔ معلوم O بگذرند و بر خط راست مفروض Δ عمودباشندعبارتست‌از:صفحه‌ای که از نقطهٔ O برخط Δ عمودشود .

شرط لازم و کافی برای آنکه از یکی از دوخط‌متنافر D و A صفحه‌ای بگذرانیم‌که بردیگری عمودشوداین‌است که این دو خط متنافر بریکدیگر عمود باشند .

خط‌عمود برصفحه:

از يك نقطه می‌توان يك عمود بر صفحه‌واردکرد وبیش‌از یکی نمی‌توان.

فرجه :

شرط لازم و کافی برای‌آنکه دو فرجه متساوی باشند آن‌است‌که زوایای مسطحهٔ‌آن‌ها‌باهم مساوی باشند .

نسبت يك فرجه به‌فرجهٔ دیگر بانسبت‌مسطحه فرجهٔ اول به‌مسطحهٔ فرجهٔ دوم‌مساویند .

صفحات‌عمود‌برهم:

دو صفحهٔ متقاطع را بر یکدیگر عمودگویند هرگاه یکی ازچهار فرجه‌ای که از تقاطع آن‌ها ایجاد می‌شود،قائمه باشد .

اگر خطی بر صفحه‌ای عمود باشد هرصفحه‌که براین خط بگذرد بر صفحهٔ اول عموداست .

اگر دوصفحه‌بریکدیگرعمودباشند و از نقطه‌ای واقع در یکی از دو صفحه عمودی برفصل مشترك‌آنها فرودآوریم، این خط برصفحهٔ‌دیگر نیزعمود است.

اگر دوصفحهٔ متقاطع بريك صفحه عمودباشند ، فصل مشترك‌آنها نیزبرآن صفحه عمود است .

زاویهٔ‌خط راست باصفحه:

میل يك خط نسبت‌به‌يك صفحه کوچکترین زاویه‌ایست‌که خط مزبور با خطوط‌آن صفحه‌پدید می‌آورد .

شیب يك خط نسبت به‌صفحه برابر با تانژانت زاویه‌ایست‌که خط با تصویر خود برروی صفحه پدید می‌آورد .

مساحت تصویر يك‌شکل‌مسطح برصفحه:

مساحت تصویر يك چند ضلعی مسطح بريك‌صفحه‌مساویست‌باحاصل‌ضرب مساحت‌آن چندضلعی درکوسینوس زاویهٔ حاده‌ای‌که صفحهٔ چندضلعی‌مزبور باصفحهٔ تصویر پدید می‌آورد .

$$S'=s\cdot\cos\alpha$$

تصویر قائم بر صفحه:

تصویر ، هر خط راست برصفحه‌ای که برآن خط عمودنباشد يك‌خط راست است .

اندازهٔ تصویر هر قطعه خط بريك صفحه مساویست‌باحاصلضرب‌طول‌آن‌قطعه خط،درکوسینوس زاویهٔ‌حاده‌ای‌که محمل قطعه خط‌مزبور، با تصویرخود برصفحه پدید می‌آورد :

$$AB=ab\cdot\cos\alpha$$

کنج :

در هر کنج سه وجهی ، هر وجه از مجموع دو وجه دیگر کوچکتر است .

در هر کنج سه وجهی‌مجموع‌سه‌وجه، ازچهار قائمه‌کوچکتر است .

مجموع وجوه هر کنج چند وجهی محدب ازچهار قائمه‌کوچکتر است.

اگر دو صفحهٔ‌متوازی جمیع‌یالهای يك‌کنج را قطع‌کنند دراین دوچندضلعی مقطع،زوایای‌متناظر باهم مساویندواضلاع هريك ازدو چندضلعی بااضلاع‌نظیرخود، ازچند ضلعی دیگر متناسبند .

اگر دوصفحهٔ متوازی جمیع یالهای يك کنج محدب را قطع‌کنند ، نسبت

مساحت دومقطع مساوی است با نسبت مربعات فواصل رأس کنج از دوصفحهٔ قاطع .

چندوجهی

بیش از پنج نوع چندوجهی منتظم محدب وجود ندارد که عناصر مختلف آنها در جدول زیر نمایش داده شده است:

جسم	عدهٔ اضلاع هر وجه	عدهٔ یالهای هر کنج	عدهٔ رأسهای جسم	عدهٔ یالهای جسم
چهاروجهی	۳	۳	۴	۶
هشت‌وجهی	۳	۴	۶	۱۲
بیست‌وجهی	۳	۵	۱۲	۳۰
مکعب	۴	۳	۸	۱۲
دوازده وجهی	۵	۳	۲۰	۳۰

مکعب

سطح جانبی مکعب برابر است با حاصل‌ضرب محیط قاعده درطول یال.

سطح کل مکعب برابر است با حاصل جمع سطح جانبی آن و مجموع مساحتهای دوقاعده .

حجم مکعب مساوی است با قوهٔ سوم طول یکی ازیالهایش .

مکعب مستطیل

سطح جانبی مکعب مستطیل برابر است با حاصل ضرب محیط قاعده در طول ارتفاع .

سطح کل مکعب مستطیل برابر است با حاصل جمع سطح جانبی آن و مجموع مساحتهای دوقاعده .

حجم مکعب مستطیل برابر است باحاصل‌ضرب سه بعدآن .

استوانه

سطح جانبی استوانهٔ دوارمساوی است با حاصل ضرب محیط دایرهٔ قاعدهٔ آن در طول ارتفاعش .

سطح کل استوانهٔ دوارمساوی است با حاصل‌جمع سطح جانبی آن و مساحتهای دو قاعده‌اش .

حجم استوانهٔ دوار مساوی است با حاصل ضرب مساحت دایرهٔ قاعدهٔ آن در ارتفاعش .

منشور

الف ـ منشور قائم : سطح جانبی منشور قائم مساوی است با حاصل‌ضرب محیط قاعدهٔ آن در ارتفاعش .

سطح کل منشور قائم مساوی است با حاصل جمع مساحتهای دو قاعدهٔ سطح جانبی .

حجم هر منشور قائم مساوی است با حاصل‌ضرب مساحت قاعدهٔ آن در ارتفاعش .

ب ـ منشور مایل: سطح جانبی منشور مایل مساوی است باحاصل‌ضرب محیط مقطع قائم در طول یال جانبی آن .

حجم هر منشور مایل مساوی است با حاصل‌ضرب مساحت مقطع آن درطول یال جانبیش .

هرم

الف ـ هرم کامل: سطح جانبی هرم منتظم مساوی است با نصف حاصل‌ضرب محیط قاعدهٔ آن درطول سهم هرم .

سطح کل هرم مساوی است با حاصل جمع سطح جانبی وسطح قاعدهٔ آن .

ب ـ هرم ناقص: سطح جانبی هرم ناقص منتظم مساوی است با نصف حاصلضرب سهم آن درمجموع محیطهای دوقاعده‌اش .

حجم هرم ناقص مساوی است با یک‌سوم حاصلضرب ارتفاع آن درمجموع مساحتهای دوقاعده وواسطه هندسی آنها.

چهاروجهی منتظم :

سطح کل چهاروجهی منتظمی که طول یالش a باشد مساوی است با :

$$a^2\sqrt{3}$$

حجم چهاروجهی منتظم مساوی است با :

$$V=\frac{a^2\sqrt{2}}{12}$$

مخروط

الف ـ مخروط کامل: سطح جانبی مخروط دوار مساوی است با نصف حاصل‌ضرب محیط قاعدهٔ آن درطول مولدش .

سطح کل مخروط دوار مساوی است با مجموع سطح جانبی و سطح قاعدهٔ مخروط .

حجم مخروط مساوی است با : یک‌سوم حاصل‌ضرب مساحت دایرهٔ قاعدهٔ آن در ارتفاعش .

ب ـ مخروط ناقص دوار: سطح جانبی مخروط ناقص دوار مساوی است با حاصلضرب نصف مجموع محیطهای دوقاعدهٔ آن در طول مولدش .

سطح کل مخروط ناقص دوار عبارتست از سطح جانبی آن با اضافهٔ مجموع مساحتهای دوقاعده‌اش .

حجم مخروط ناقص دوار مساوی است باحاصلضرب یک‌سوم طول ارتفاع آن در مجموع مساحتهای دو قاعده و واسطهٔ هندسی آنها .

کره

مساحت کره مساوی است با ۴ برابر سطح دایرهٔ عظیمه .

حجم کره مساوی است بایک سوم حاصل‌ضرب مساحت آن، درشعاعش .

منطقهٔ کروی :

قسمتی از کره را که مابین دو سطح متوازی محصور باشد منطقه می‌نامند .

مساحت منطقهٔ کروی مساوی است با حاصل‌ضرب طول ارتفاع آن در طول دایرهٔ عظیمه .

قطاع کروی:

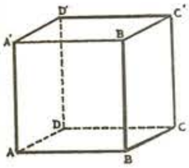
از دوران قطاع یک دایره حول قطری از دایره که از قطاع عبور نکند جسمی تولید می‌شود که آن را قطاع کروی می‌نامند.

حجم قطاع کروی مساوی است با یک سوم حاصلضرب مساحت منطقهٔ قاعده آن درشعاع کره .

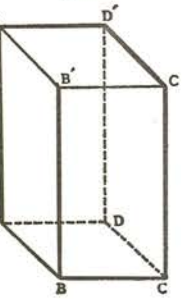
عرقچین کروی :

اگر یکی از صفحات دو قاعدهٔ یک منطقهٔ کروی باکره مماس شود . دراین حالت، منطقه را عرقچین کروی میگویند.

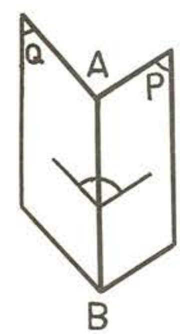
مساحت عرقچین کروی مساوی است بامساحت دایره‌ای که شعاعش، شعاع قطبی آن عرقچین باشد .



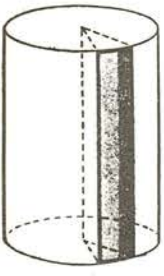
مکعب



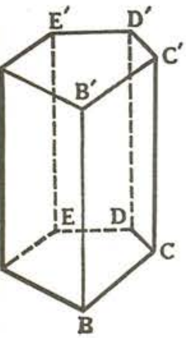
مکعب‌مستطیل



زاویهٔ بین دوصفحه

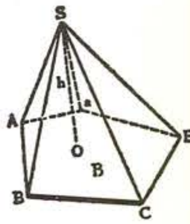


استوانه



منشور

مخروطات



هرم

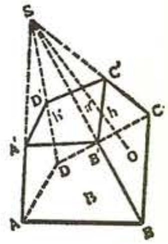
از تقاطع صفحه‌ای بامخروط‌حالات زیر حاصل می‌شود :

الف ـ مقطع‌دایره‌ایست وقتی‌صفحه برمحور مخروط عمود باشد .

ب ـ مقطع بیضی است ، اگرصفحه تمام مولدها را در یك طرف رأس قطع کند .

ج ـ مقطع سهمی است هـرگاه ، صفحه بایکی از مولدها موازی باشد .

د ـ مقطع هذلولی‌است‌هرگاه‌صفحه بعضی ازمولدها را دریك طرف‌مخروط‌و برخی را در سوی دیگرآن تلاقی‌کند .



هرم ناقص

بیضی

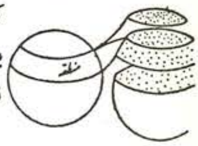
مکان هندسی‌نقاطی واقع‌دریك‌صفحه است‌که مجموع فاصله‌های‌آنها ازدونقطهٔ ثابت موسوم‌به‌کانون مقدار ثابتی باشد.

بیضی دومحور تقارن داردکه یکی ازدوکانون‌می‌گذرد ودیگری عمودمنصف این محوراست .



مخروط‌کامل

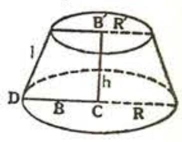
طول قطر بزرگ بیضی را به $2a$ و درازی‌قطر کوچك‌آنرا به $2b$ وفاصلهٔ کانونی آنرا به $2c$ ومحل برخورد قطر بزرگ رابـا محیط بیضی بهA و A' نشان می‌دهند .



منطقهٔ‌کره

بین‌محورهای‌بزرگ‌و‌کوچك‌وفاصلهٔ کانونی بیضی رابطهٔ زیربرقراراست ،

$$b=\sqrt{a^2-c^2}$$



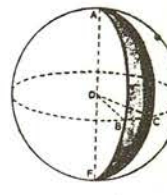
مخروط‌ناقص

نسبت $e=\frac{c}{a}$ را خروج از مرکز بیضی نامند .

تغییرات‌نسبت‌به‌خروج‌ازمرکز:

$e=1$ یعنی $\frac{a}{c}=1$ پس$a=c$باشد

بیضی‌به‌خط راستی‌تبدیل‌می‌شود .



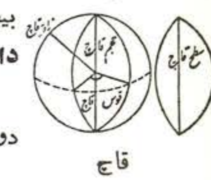
کره

اگر$e\to 0$ یعنی $\frac{c}{a}=0$ پس$c=0$باشد

بیضی به دایره تبدیل‌می‌گردد.

دایرهٔ‌هادی:

دایره‌ای است‌که مرکزآن یکی‌از دوکانون‌بیضی‌وشعاع‌آن برابر $2a$ باشد.



قاچ

دایرهٔ اصلی :

دایره‌ای است‌که مرکزش ، مرکز بیضی وشعاعش a ، نصف عددثابت‌بیضی باشد .

شعاعهای‌حامل :

دوپاره خطی‌که بین هر نقطهٔ بیضی ودوکانون‌آن رسم شوند .

طول‌کانون تامحیط :

اگر یك‌نقطهٔ محیط بیضی Mباشد،

$$MF=a-\frac{cx}{a}$$

$$MF'=a+\frac{cx}{a}$$

معادلهٔ بیضی :

اگر محورهای بیضی بر محورهای مختصات منطبق‌باشد ، معادلهٔ‌بیضی‌بقرار زیر می‌شود :

$$\frac{x^2}{a^2}+\frac{y^2}{b^2}=1$$

مساحت بیضی :

نصف بزرگ ضربـدر نصف محور کوچك ضربدر عدد π (۳/۱۴) .

مجموع فاصله‌های هر نقطهٔ داخل بیضی‌ازدوکانون، کوچکتر از$2a$ومجموع فاصله‌های هر نقطهٔ خارج‌ازبیضی‌نسبت به دوکانون‌بزرگتر از $2a$ است .

خاصیت دایرهٔ‌هادی :

هر نقطهٔ بیضی ، از یك‌کانون و از دایرهٔ هادی‌کانون دیگر به‌یك فاصله‌است ازاین خاصیت برای رسم بیضی استفاده می‌گردد .

قاطع ومماس قائم:

هرگاه‌قرینهٔ یك‌کانون نسبت‌به‌خطی در داخل دایرهٔ هادی‌کانون دیگر واقع گردد ، آن‌خط بیضی را دردونقطه‌قطع می‌کند. برای اینکه‌خطی بر‌بیضی‌مماس باشد باید قرینهٔ یك‌کانون نسبت به آن خط ، برروی دایرهٔ هـادی کانون دیگر واقع شود .

مماس بربیضی ، زاویهٔ بین‌یك‌شعاع حامل نقطهٔ تماس و امتداد شعاع‌حامل دیگررا نصف می‌کند .

قائم بر بیضی درهر نقطه ، نیمساز زاویهٔ بین شعاعهای حامل‌آن نقطه‌است.

تصویر هرکانون بیضی ، برروی‌هر خط مماس برآن ، بر روی دایرهٔ اصلی واقع است .

خط واصل بین‌نقاط‌تماس ،مماسهای متوازی بربیضی،از مرکزبیضی‌می‌گذرد ونقاط تماس نسبت به مرکز بیضی‌قرینهٔ یکدیگرند .

هذلولی

هذلـولی مکان هندسی نقاطی واقع در یك صفحه است‌که تفاضل فواصلشان از نقطـهٔ ثـابت در آن‌صفحه ، مساوی مقدار ثابتی باشد .

دو نقطهٔ ثابت را به FوF' نشان داده وکانونهای هذلولی می‌نامند .

عدد ثابت‌مساوی$2a$ وفاصلهٔ‌کانونی مساوی $2c$ میباشد و همواره داریـم :

$a<c$

هـذلولی دارای دو محور تقارن عمود برهم است‌که یکی بردوکانون آن میگذرددودیگری عمود منصف محور اول است .

وسط FF' مرکزتقارن‌هذلولی است .

بین‌طول محورهای بزرگ و کوچك و فاصلهٔ‌کانونی هذلولی همواره‌رابطهٔ‌زیر برقرار است :

$$b=\sqrt{c^2-a^2}$$

در هـذلـولی خـارج قسمت $e=\frac{c}{a}$ را خروج از مرکز مینامندو همیشه $e>1$ میباشد . اگـر $e=1$ شود هذلولی به‌خط‌تبدیل میگردد .

$e=1$ یعنی $a=c$ و $b=0$

در اینحالت هذلولی به دونیم خط تبدیل میشودکه در دوطرف‌مرکزامتداد دارند وبرکانونها میگذرند .

دایرهٔ‌هادی : دایره‌ایست‌که مرکز آن یك‌کانون هذلولی وشعاع‌آن مساوی $2a$ باشد .

دایرهٔ اصلی : دایره‌ایست که مرکز آن مرکز هذلولی (وسط F'F) وشعاع آن مساوی a باشد .

شعاعهای حامل : دو پاره‌خطی هستند که بین هر نقطهٔ هذلولی و دو کانون آن رسم شوند اگر نقطه‌ای از هذلولی را M بنامیم ومحورهای مختصات را برمحورهای هذلولی منطبق فرض کنیم .

$$MF=\frac{cx}{a}-a \text{ و } MF'=\frac{cx}{a}+a$$

معادلهٔ هذلولی :

اگر محورهای مختصات را برمحورهای بیضی منطبق فرض کنیم معادلهٔ هذلولی با استفاده از شعاعهای حامل بقرار زیر خواهد بود :

$$\frac{x^2}{a^2}-\frac{y^2}{b^2}=1$$

هرگاه هذلولی متساوی‌الساقین باشد (یعنی دو قطر آن باهم برابر باشند) معادلهٔ هذلولی بصورت زیر درخواهد آمد:

$$x^2-y^2=a^2$$

هرنقطه‌ای که مختصاتش درمعادلات فوق صدق کند برروی هذلولی قرار گرفته است .

تفاضل فواصل هرنقطه واقع درخارج هذلولی ازدو کانون آن از 2a کوچکتر وتفاضل فواصل هرنقطه واقع در داخل هذلولی ازدو کانون آن ، از 2a بزرگتر است .

خاصیت دایرهٔ هادی :

هرنقطهٔ هذلولی ، از یك کانون واز دایرهٔ هادی کانون دیگر بیك فاصله است.

قاطع ومماس قائم :

هرگاه قرینهٔ یك کانون نسبت به خطی ، خارج دایرهٔ هادی کانون دیگر واقع شود خط هذلولی را دردو نقطه قطع می کند هرگاه قرینهٔ یك کانون نسبت بخطی بر روی دایره هادی کانون دیگر واقع شود ، خط برهذلولی مماس است وهرگاه قرینهٔ یك کانون نسبت به خطی درداخل دایرهٔ هادی کانون دیگر واقع شود خط و هذلولی نقطهٔ مشترك ندارند .

مماس بر هذلولی زاویهٔ بین شعاعهای حامل نقطه تماس را نصف می کند.

قائم بر هذلولی ، زاویهٔ بین یك شعاع حامل دیگر را نصف می کند .

هرگاه بتوان دو مماس متوازی برهذلولی رسم کرد خط واصل بین دو نقطهٔ تماس برمرکز هذلولی میگذرد .

حاصل ضرب فاصله‌های دو کانون هذلولی از مماس برآن ، مساوی مقدار ثابت b^2 است .

تصویر کانون هذلولی بر روی خط مماس برآن بر روی دایرهٔ اصلی واقع است .

قرینه‌های کانون هذلولی نسبت به خطوط مماس برهذلولی روی دایرهٔ هادی کانون دیگر قرار دارند وبه عکس عمود منصف هرپاره خطی که یك کانون را به یك نقطه از دایرهٔ هادی کانون دیگر، وصل کند ، بر هذلولی مماس است .

مجانب درهذلولی :

خطی که از مرکز هذلولی، بر مماس مرسوم ازیك کانون بر دایرهٔ هادی کانون دیگر عمود باشد . مجانب هذلولی است .

تصویر هرکانون روی مجانبهای دایرهٔ اصلی واقع است .

در هذلولی متساوی‌الساقین، مجانبها بریکدیگر عمودند .

سهمی

مکان هندسی نقاطی واقع دریك صفحه است که از یك نقطهٔ ثابت و یك خط ثابت به یك فاصله باشند .

نقطهٔ ثابت را کانون ، و خط ثابت را محور اصلی سهمی گویند . فاصلهٔ کانون را ازخط هادی ممیز یا پارامتر خوانده و به p نمایش می‌دهند، محل برخورد سهمی را با محور آن رأس سهمی می‌گویند .

نقاط داخل سهمی، به کانون نزدیکترند تا به خط هادی و نقاط خارج سهمی به خط هادی نزدیکترند تا به کانون .

معادلهٔ سهمی :

هرگاه محور طولها را برمحور سهمی ومحور عرضها را به خطی که از رأس سهمی بموازات خط هادی کشیده می‌شود منطبق فرض کنیم معادلهٔ سهمی بقرار زیرخواهد بود :

$$y^2=2px$$

قاطع ومماس وقائم :

اگر قرینهٔ کانون نسبت به خطی در همان طرف خط هادی واقع شود که کانون قرار دارد . خط ،سهمی را در دو نقطه قطع می کند .

اگر قرینهٔ کانون نسبت به خطی بر روی خط هادی واقع شود خط بر سهمی مماس خواهد بود .

اگر قرینهٔ کانون نسبت به خطی در طرفی ازخط هادی واقع شود که کانون وجود ندارد ، خط و سهمی با یکدیگر نقطهٔ مشترکی نخواهند داشت .

اگر خطی با محور سهمی موازی باشد سهمی را فقط در یك نقطه قطع خواهد نمود .

قرینهٔ کانون F نسبت به خط مماس بر سهمی برروی خط هادی است.

مماس برسهمی درهر نقطه ، زاویهٔ بین شعاع حامل آن نقطه وخطی راکه از آن نقطه برخط هادی عمودشود نصف می کند .

قائم برسهمی در هر نقطه ، زاویهٔ بین شعاع حامل آن نقطه و امتداد خطی راکه ازآن نقطه برخط هادی عمود شود نصف می‌کند .

مماس بر رأس سهمی مکان هندسی تصاویر کانون سهمی برخطوط مماس است .

تحت مماس تصویر قطعه‌ای ازمماس برسهمی ، محدود به نقطهٔ تماس و محور است ، برروی محور .

تحت قائم تصویر قطعه‌ای از قائم محدود به سهمی ومحور است برروی محور.

رأس سهمی در وسط تحت مماس است.

تحت قائم سهمی مساوی با پارامتر است.

خطی که از نقطهٔ تقاطع دو مماس به موازات محور سهمی رسم شود بر وسط وتر واصل بین نقاط تماس می گذرد.

قضایای پونسله ـ هرگاه از نقطه‌ای دومماس برسهمی رسم شود ،

زاویهٔ بین یك مماس و خط واصل به کانون مساوی است با زاویهٔ بین مماس وخط واصل به کانون مساوی است بازاویهٔ بین مماس دیگر وخط موازی با محور .

خطی که از نقطهٔ تقاطع دو مماس به کانون وصل می‌شودزاویهٔ بین شعاعهای حامل نقاط تماس را نصف می کند.

خط هادی سهمی مکان هندسی نقاطی است که ازآنها می‌توان دو مماس متعامد برسهمی رسم کرد .

سهمی را میتوان حدیك بیضی دانست که یك کانون ویك رأس محور طول آن ثابت بماند ودو کانون دیگرش بی نهایت دورشود .

با استفاده ازکلید علوم « جهانگیر صلح‌جو »

کتب هندسه

اپور رقومی: دکتر محمود رناسی.
اختصاص اصول اقلیدس: ابوحاتم اسفزاری
احیاء هیئت بطلمیوس: علی محقق کوهیار
اسطقسات: اقلیدس.
اصول اوائل هندسه وعملیات آن: حاج میرزا عبدالغفار اصفهانی
اصول علم هندسه: رضا نجمی تبریزی.
اصول هندسه: حاج میرزا عبدالغفار اصفهانی.
اصول هندسه: مهندس السلطان.
بدایة الهندسه: حاج میرزا عبدالغفار اصفهانی.
تحریر اقلیدس: خواجه نصیرالدین طوسی.
ثمرهٔ بطلمیوس: مسعود غزنوی
حساب ذرع مربع: مهدی صمدی بیرجندی.
حل المسائل هندسهٔ رقومی و ترسیمی: دکتر حسین، هورفر.
حل مسائل هندسهٔ تحلیلی: علینقی وحدتی.
خلاصهٔ هندسه به زبان ساده: ابوالقاسم قربانی
دورهٔ اول علم هیئت: محمدعلی میرزا فرزند مشکوة الدوله.
دوره هندسهٔ علمی و عملی برای دانشکده ها: مهندس فضل الله رضا
رسم فنی: غلامحسین مصاحب به مشارکت احمد ارشمید.
رسم فنی: ابوالقاسم قربانی به مشارکت حسن صفاری.
کفایة الهندسه: حاج میرزا عبدالغفار اصفهانی.
متمم هندسه: ابوالقاسم قربانی به مشارکت حسن صفاری.
مخروطات: رضا نجمی تبریزی.
نقشه برداری علمی وعملی: محمدعلی مخبر فروغ فسائی.
نقشه برداری: سرگرد مهندس علی دانشور.
هندسه: دکتر اسدالله آل بویه، به مشارکت حسین هورفر.
هندسه: بوهلر فرانسوی، ترجمهٔ عبدالرسول مهندس.
هندسه: منوچهر امین ناطقی.
هندسهٔ تحلیلی: علینقی وحدتی.
هندسهٔ تحلیلی: دکتر احمد سادات عقیلی.
هندسهٔ تحلیلی: دکتر مصطفی کامکار پارسی.
هندسهٔ ترسیمی: دکتر حسین، هورفر.
هندسهٔ ترسیمی: رضا نجمی تبریزی.
هندسهٔ ترسیمی: احمد بیرشك
هندسهٔ ترسیمی و رقومی: ا. ژاکه؛ ترجمهٔ ابوالقاسم قربانی.
هندسهٔ دانش بخش: سهراب زندپور
هندسهٔ رقومی: رضا نجمی تبریزی.
هندسهٔ رقومی: دکتر هورفر، حسین.
هندسهٔ سطحیه: احمد بیرشك.
هندسهٔ عالی: دکتر اسدالله آل بویه.
هندسهٔ فضائی: عزت الله والا به مشارکت مصطفی زمانی.
هندسهٔ فضائی: ابوالقاسم قربانی به مشارکت حسن صفاری.
هندسهٔ فضائی: احمد بیرشك.
هندسهٔ فضائی، چشم نمای هندسی: غلامحسین رهنما.
هندسهٔ مجسمات: غلامحسین رهنما.
هندسهٔ مسطحه: غلامحسین مصاحب به مشارکت احمد ارشمید
هندسهٔ مسطحه: دکتر هورفر، حسین.
هندسهٔ مسطحه: غلامحسین رهنما.
هندسهٔ مسطحه: رضا نجمی تبریزی.

اصطلاحات شمارش

اصله انواع درخت وچوب والوار.
باب برای مستغلات مثل خانه ودکان.
بار کالائی که به مقیاس معین بسته بندی شده اند مثل: نمك وهیزم.
برگ برای انواع کاغذهای جلد نشده
بند برای یکدسته کاغذ یا مقوا یا نظایر آن.
تخته برای قالی و پتو وغیره.
توپ برای انواع پارچه‌های ندوخته.
تیر برای فشنگ.
جام برای شیشه و آئینه.
جفت برای لباسهای دوقطعه‌ای. مثل، کفش و جوراب و دستکش.
جلد برای انواع کتاب.
جین برای قرقره، دکمه و نظایر آن.
حلقه برای اشیاء مدور مثل لاستیك و فیلم و نظایر آن.
دانه گردو، مداد و سایر اشیاء قابل شمارش.
دست برای اشیایی که تعداد معین دارند مثل مبل، فنجان.
دستگاه برای انواع ماشین آلات و رادیو و تلویزیون و دوربین وغیره.
دسته برای گل و گیاه وغیره.
رأس برای جانوران اهلی مانند گاو و گوسفند.
رشته برای اشیاء نوارمانند مثل کمربند وغیره.
سکه برای انواع پول خرد.
شعله برای اشیاء نورانی مثل لامپ و شمع و نظایر آن.
شیشه برای مایعاتی که در ظرفهای در بسته یا درباز می‌ریزند.
طاقه برای بعضی پارچه ها مانند شال وشال گردن وغیره.
طغری برای نامه و پاکت و اوراقی نظیر آنها.
عدد برای پرندگان و اشیاء منفرد.

اعداد رومی

اعداد رومی و معادل ارقام معمولی آن:

I=۱	IX=۹	LXXX=۸۰	DC=۶۰۰
II=۲	X=۱۰	XC=۹۰	DCC=۷۰۰
III=۳	XX=۲۰	XCIX=۹۹	DCCC=۸۰۰
IV=۴	XXX=۳۰	C=۱۰۰	CM=۹۰۰
V=۵	XL=۴۰	CC=۲۰۰	M=۱۰۰۰
VI=۶	L=۵۰	CCC=۳۰۰	V=۱۰۰۰۰
VII=۷	LX=۶۰	CD=۴۰۰	
VIII=۸	LXX=۷۰	C=۵۰۰	

عدل برای کالاهای سنگین تجارتی مثل پارچه .
فال برای گردو .
فروند برای کشتی وهواپیما .
فقره برای اعمالی نظیر سرقت،معامله.
قبضه برای انواع اسلحه سردوگرم از چاقوگرفته تا مسلسل سنگین .
قراسه یك‌دسته اشیاء نواری شکل مانند بندکفش وغیره .
قطره برای قطرات مایعات مثل اشك وخون وجوهر .
قطعه عکس ونظایرآن .
قلاده جانوران وحشی مثلاً شیر و پلنگ ونیز برای سگ وگربه .
گردان واحد نظامی .
گله برای دسته‌های مختلف جانوران اهل ووحشی .
لوله برای اشیاء استوانه شکل مانند ماتیك ونظایرآن .
نسخه برای مطبوعات مثل روزنامه و مجله .
نفر برای انسان ، شترودرخت‌خرما .
هنگ واحد نظامی .

ریاضی‌دانان ایران

ابوریحان بیرونی (۳۶۲_۴۴۰)

ابوریحان محمدبن‌احمد درقصبه‌ای از توابع‌خوارزم به‌دنیاآمد . در جوانی به‌ری و از آنجا به گرگان رفت کتاب **آثار الباقیه** را برای قابوس‌بن وشمکیر نوشت این‌کتاب ازبهترین‌منابع‌تحقیق‌در تاریخ و تقویم و اعیاد ملل مختلف بخصوص ایران است . پس‌از چندی بیرونی بخوارزم بازگشت و درآنجا با دانشمندانی چون‌ابن‌سینا وبوسهل‌مسیحی و بونصر عراق محشور شد . بعد بدعوت سلطان محمودبه‌غزنین رفت و همراه وی بهند سفرکردوزبان سانسکریت آموخت‌و **تحقیق‌ماللهند**را نوشت .

هیچ رشته‌ای ازعلوم زمان برایش نامعلوم نماند . یکصدوسیزده کتاب در مسائل گوناگون نگاشت که هریك آیتی‌از فضل‌اوست . ازآن‌جمله :«قانون‌مسعودی والتفهیم‌والجماهر» . این‌کتب‌عربی‌وهمه چاپ شده‌و آثارالباقیه بفارسی‌نیزترجمه شده .

ابوسعیدسجزی (متوفی به‌سال ۴۱۴هق)

ابوسعیدمحمدبن عبدالجلیل سجزی (سیستانی)، ازریاضی‌دانان نامی معاصر عضدالدولهٔ دیلمی است . از آثار متعدد او در ریاضیات :

«جامع شاهی» ، که‌بنام عضدالدولهٔ دیلمی‌تألیف گردیده واهمیت بسیاردارد.

«کتاب المدخل» ، در نجوم که‌به‌نام ابوجعفر احمدبن‌محمدصفاری‌نوشته‌شده.

کتاب«المعانی فی‌احکام‌النجوم،»

کتاب«الدلائل‌فی‌احکام‌النجوم» .

منتخبی از کتاب «الالوف»ابومعشر بلخی_کتاب«المواليد»_«تحصیل‌القوانین» چند رسالهٔ مهم نیز از او بجا مانده از جمله‌رساله‌ای‌تحت عنوان «فی‌مثلث‌حادی الزوایا من‌خطین‌مستقیمین‌مختلفین».

ابومعشر بلخی (وفات ۲۷۲ ه ق).

جعفربن‌محمد معروف به ابومعشر از ریاضی‌دانان ومنجمان قرن سوم واز شاگردان یعقوب‌بن‌اسحق کندی .فیلسوف مشهور عرب بوده است . ابتدا فلسفه آموخت‌وبعدبعلم نجوم‌پرداخت . منجمان معروف به‌اقوال‌وآراءوی‌متمسك‌میشدند.

ابومعشر صاحب‌تألیفات بسیاراست ازآنجمله‌کتابی ازاوباقیست بنام «رساله در اتصال‌کواکب وقرانات»ودیگر کتاب «الموالیدوالادوار والالوف .»

ابومنصور (حسین‌بن‌طاهر) فوت ۴۴۰هق

از شاگردان ابن‌سینا است که در ریاضیات مهارت داشت .

از آثار او «الاختصار من‌طبیعیات الشفاء» ، شرح رسالهٔ حی‌بن یقظان، و «الکافی‌فی‌الموسیقی» است .

ابهری اثیرالدین مفضل (متوفی به‌سال ۶۶۳) .

ازدانشمندان ریاضی‌قرن هفتم‌است ودر رصد مراغه با خواجه‌طوسی همکاری کرده . علاوه بر ریاضیات ، در حکمت نیزکارکرده وکتابی بنام‌هدایة‌الحکمه تألیف‌کرده است .

ابهری‌علوم‌ریاضی‌را«حکمت نظری» خوانده وآنرا به‌چهارشاخهٔ اصلی، یعنی هندسه ، حساب ، موسیقی وهیئت، تقسیم کرده است .

ازآثار اودر ریاضی‌کتابی‌است‌بنام «اصلاح‌هندسهٔ اقلیدس» .

«ابن‌خلکان» مورخ مشهور مینویسد که:اثیرالدین به‌سال۶۲۵ با « ابوالفتح موسی» که ازعلمای فقه‌شافعی است ودر ریاضیات وطب نیز صاحب‌نظر بوده، در «اربل» ملاقات کرده و باهم بحث علمی نموده‌اند .

برهان‌رازی (ابوالرشید مبشر) . (۵۳۰_۵۸۹) .

معروف به «برهان» اهلش رازی امادربغداد چشم بدنیاگشود . وی‌صاحب هوش وافر بوده و در غالب علوم زمان خود خاصه‌درریاضیات یعنی‌حساب‌وهندسه وهیئت ونجوم تبحر یافته‌است .

دردستگاه خلیفه«الناصرالدین‌الله» منزلتی داشت .

از تألیفات‌وی‌اثری برجای‌نمانده، اما حوزهٔ درس داشته وبه‌شاگردان خود ریاضیات را تدریس مینموده است .

زمانی که‌خلیفه خواست ازکتابخانهٔ خلافت ، کتبی را برای مدرسهٔ نظامیهٔ بغداد وقف‌کند ، انتخاب‌کتابها را به برهان رازی محول‌کرد .

برهان رازی ، زمانی‌که درسن پنجاه‌ونه سالگی به‌مأموریتی‌ازطرف خلیفه بموصل رفته بود ، درآن‌شهر درگذشت.

بوزجانی (۳۲۸_۳۸۸ هق)

ابوالوفامحمد ، ازمردم بوزجان نیشابوراست . درنجوم شهرت‌کافی‌دارد و درهندسه‌کارهای با ارزش‌کرده خاصه در مثلثات‌کروی ، صاحب ابتکار بوده‌است. قسمتی از شهرت بوزجانی‌به‌سبب ترجمهٔ کتابهای ریاضی از یونانی‌به‌عربی‌بود .

علاوه برتألیفات‌وترجمه‌های‌متعدد، شرحهایی برکارهای علمای قدیم مانند (بطلمیوس) و (ابرخس) نگاشته .

بوزجانی مانند ابوریحان‌بیرونی ، در محاسبات خود همیشه شعاع دایره را واحد فرض میکرده واین همان کاریست که علمای مغرب‌زمین ، بعدها درمثلثات متداول ساختند . ودایره بشعاع واحدرا «دایرهٔ مثلثاتی» نامیدند .

ازآثار اوکتابهای «المجسطی» و «رسالة فیها یحتاج‌الیه‌الصانع من اعمال الهندسه» و «در محاسبهٔ وترهای دایره» میباشند .

جوزجانی (ابوعبید)

عبدالواحدبن‌محمد جوزجانی ، از سال ۴۰۳ ه ق. هنگامی که ابن‌سینا از دهستان‌به‌گرگان‌میرفت به‌خدمت‌اوپیوست

وتاپایان حیات وی درخدمتش بسر برد واز خواص‌او ومحرک‌وی در تصنیف‌کتب و گردآورندهٔ تألیفات شیخ پس‌از وفات او بود. اختصاص‌ابوعبید بیشتردرریاضیات بوده است واز جملهٔ کارهای او تکمیل قسمت ریاضیات ازکتاب نجات ابوعلی است‌که‌آنرا ازکتب ریاضی شیخ تلخیص کرد وعلاوه برآن‌قسمت ریاضی‌وموسیقی ازکتاب دانشنامهٔ علائی را بهمین سیاق برآن‌کتاب افزود . دیگرازآثار اوتتمهٔ سرگذشت‌ابن‌سیناست‌که قسمت‌نخستین‌آن بقلم خودشیخ‌است‌وابوعبید حوادث‌حیات شیخ‌را بعداز سال ۴۰۳ برآن‌افزوده .

حبیش‌تفلیسی (ابوالفضل) فوت ۶۲۵ ه ق) .

معروف به ابوالفضل و ملقب به کمال‌الدین ، درحکمت ، هیئت ونجوم، هندسه ، لغت، تفسیروطب‌وغیره‌نامبردار وصاحب تصانیف است .

آثار عمدهٔ وی ازاین قرار است ، «تقویم‌الادویه»،«تلخیص‌علل‌القرآن»،«بیان النجوم» ، «قانون الادب فی‌ضبط کلمات العرب»(به‌فارسی)«کامل‌التعبیر»(به‌فارسی) «جوامع‌البیان»(به‌فارسی)«وجوه‌القرآن» (به‌فارسی)«ترجمان قوافی»(به‌فارسی) .

خرقی‌مروزی(متوفی بسال۵۳۳ه‌ق)

بهاءالدین ابوبکر محمدبن‌احمد خرقی مروزی ، ازمردم «خرق»ازتوابع مرو ازدانشمندان ومؤلفان نیمهٔ اول‌قرن پنجم هجری است .

تألیفات‌ریاضی او عبارت است از، «منتهی‌الادراک‌فی‌تقسیم‌الافلاک»و«التبصرة فی‌علم‌الهیئة».

کتاب دوم را « احمدبن‌عثمان‌بن مسیح » در قرن هشتم هجری تفسیر و «یدمن»آنرا بآلمانی‌ترجمه‌کرده .

خرقی‌دردربارخوارزمشاهیان‌مقامی بلند داشته واز دانشمندان معدودی‌است که دردوره‌ای‌که علوم در تمدن اسلامی روبانحطاط میرفته هنوز مشعل دانش‌را دردست داشته .

خوارزمی (متوفی سال۲۲۴ هق).

محمدبن موسی‌بن‌شاکر، نخستین‌کسی است‌که درجدولهارقمهای هندسی رابکار برد واین‌کار درسال ۱۹۷ انجام‌گرفت‌و این جدولها مأخذ ومبنای‌کارهای‌منجمان بود.خوارزمی‌در۲۱۰ رساله‌ای‌درخصوص ارقام هندسی بزبان عربی نوشت وچون این رساله به‌لاتین ونیز بزبانهای دیگر ترجمه شد وباتوجه بزبان عربی، ارقام، بارقام عربی مشهور شد . در زبانهای اروپائی اساس محاسبه بر مبنای ۱۰ (اعشاری) را آلگوریتم‌می‌گویند‌که‌اصل آن خوارزمی است .

خوارزمی اولین‌کتاب جبر ومقابله را نوشت ومعادلات‌درجهٔ‌دوم راحل‌کرد.

ژرارد‌کرمونائی‌کتاب او رابه‌لاتین ترجمه‌کرد و این ترجمه پنج قرن در دانشگاههای اروپا تدریس می‌شد.

خواجه‌نصیرالدین‌طوسی (۵۹۷- ۶۷۲ هق) .

نصیرالدین ابوجعفر محمدبن‌حسن طوسی معروف‌به«خواجه‌نصیر» یا «محقق طوسی» و ملقب به «استاد البشر» افضل علمای‌عصرخود وازبزرگان علماوحکما ومتکلمین وفقهای شیعهٔ اسلام است .

وی درجهرودقم تولدیافته و پس‌از کسب علوم وکمالات عقلی ونقلی بطوس رفته ومدتی اقامت جسته ودر اثرشهرتی که یافته بود ، اسماعیلیه قهستان ویرا نزد خود بردند وبتشویق محتشم‌قهستان «ناصرالدین» که مردی فضل‌پرور بود کتاب:«تطهیر الاعراق»یاکتاب«الطهارة» ابوعلی مسکویه‌راازعربی بفارسی‌ترجمه وتهذیب کرد که‌مشهور به(اخلاق‌ناصری) است .

خواجه نصیر در سال ۶۵۴ پس از تسلیم ملاحدهٔ‌قهستان ، به‌هلاکومعرفی‌شد وتاآخر عمر درخدمت مغولان بسر برد ودر ۶۵۷ بامر هلاکو در مراغه رصدی ترتیب داد وخلاصه رصدهای این زیج‌را درکتابی‌بنام «زیج‌ایلخانی»مدون‌ساخت. اهمیت خواجه بچند امراست :

۱ - دراوان غلبهٔ مغول وحشی،در جمع کتاب و جلوگیری از تلف شدن کتابخانه‌ها سعی بلیغ بخرج داده و کتابخانه‌اش بیش‌از چهارصد هزار مجلد کتاب داشته .

۲ - براثر تقرب به‌هلاکو ،عده‌ای ازاهل علم وادب راباتدبیر ازمرگ‌نجات بخشیده .

۳ - دلباختهٔ اشاعهٔ علوم و تدوین کتب‌وتربیت شاگرد وتحقیق‌بوده وجمع کثیری‌را تربیت کرده .

مرگش دربغداد اتفاق افتاده و در «کاظمیه» مدفون شده است .

خواجه دراکثر علوم استاد بوده و بفارسی و عربی درآنها تألیفات دارد ؛ ولی بیشتر بحکمت و بخصوص ریاضی مشهورمیباشدومهمترین‌آثاراوعبارتنداز: تجرید الکلام یا تجریدالاعتقاد - تحریر اوقلیدس - تحریر مجسطی - شرح اشارات بوعلی سینا - اوصاف الاشراف - اخلاق‌ناصری-اساس‌الاقتباس - تذکرهٔ‌نصیریه - معیارالاشعار - رسالهٔ سی‌فصل-رساله‌دراسطرلاب-زیج‌ایلخانی- جامع الحساب - رساله‌در جبر و قدر و غیراینها .

از روزپنجم تا دوازدهم خردادماه سال ۱۳۳۵ بیادبود هفتصدمین سال درگذشت خواجه‌نصیر از طرف دانشگاه تهران‌کنگره‌ای‌تشکیل گردید‌که‌باحضور نمایندگان مختلف جهان‌از مقام خواجه قدردانی شد .

خیام (متوفی بسال ۵۳۶)

حکیم‌ابوالفتح عمربن‌ابراهیم خیام (یاخیامی) نیشابوری ، منجم وریاضی‌دان ودانشمند وشاعر ومتفکر بزرگ ، در اوایل قرن پنجم هجری بجهان آمد . و در زمان سلطان ملکشاه سلجوقی از دانشمندان معروف بشمار میرفت (زیرا درسال ۴۶۵ هجری بهمراهی چندتن از دانشمندان دیگر تقویم را اصلاح کرده که بتقویم‌جلالی معروف گردیده) .

خیام درطب‌نیز دست داشته وسنجر پسر ملکشاه راکه به بیماری‌آبله دچار شده بود درمان‌کرد .

شهرت عمدهٔ این عالم حکیم‌بزرگ بواسطهٔ رباعیات حکیمانهٔ اوست‌که در سراسر جهان شهرت دارد و به بیشتر زبانهای دنیا ترجمه شده .

رباعیات خیام ، نخستین‌بار بوسیلهٔ «فیتز جرالد» شاعر انگلیسی بزبان انگلیسی ترجمه شده ازآثار فارسی‌خیام غیراز رباعیات «نوروزنامه» در تاریخ و

آداب جشن نوروز نیز باقی است . نیز رسالهٔ «جبرومقابله» ازاو باقیمانده ، و این رساله درسال ۱۸۵۱ میلادی توسط یك دانشمندفرانسوی به‌زبان‌فرانسه‌ترجمه شده .

خیام در حدود سال ۵۳۶ هجری درگذشته ودر صحن «امامزاده محروق» درنیم فرسنگی نیشابور درجائی که بنابر پیش‌بینی خودش در هرسال بهار برآن خاك گل‌افشانی‌میکند ، بخاك سپرده‌شده.

ربان‌طبری (قرن ۲و۳ هـ ق)

از تربیت‌یافتگان حوزهٔ علمی‌مرو، وبردین نصرانی وبقولی بردین یهودی بوده است درطب ونجوم وریاضیات‌ماهر واز مترجمان معروف عهد خود بشمار میرود . از جملهٔ منقولات او نسخه‌ای از «المجسطی» بوداز یونانی بعربی که کاملتر ازنسخ‌منقول‌دیگر بود . وی پدر علی‌بن ربان‌طبری است.

سرخسی احمدبن‌محمدبن مروان (زنده در۲۸۵هـ ق)

فیلسوف ، ریاضیدان ، طبیب و موسیقیدان مقیم‌دربار معتضد عباسی بود که براثر توطئهٔ یکی ازامراء کشته‌شد . ابن‌الندیم ازآثار اوسه‌کتاب درموسیقی، کتاب وصف مذهب صابئین ، کتاب‌الجبر والمقابله ، کتاب‌المدخل الی‌الطب و کتاب‌المنطق وبسیاری دیگر را نام‌برده که‌امروز هیچکدام دردست نیست .

عبدالرحمن‌خازنی ـ(متوفی بعداز سال ۵۲۵هـق) .

ابوالفتح عبدالرحمن منصورخازنی معروف به «زاهد» ریاضی‌دان ودانشمند مشهور ، با عمرخیام و اسفزاری و چند دانشمند دیگر ، در تنظیم تقویم جلالی شرکت داشته .

ازآثارمهم اویکی «زیج‌السنجری» ودیگری «میزان‌الحکمه» است که دربارهٔ اوزان و اقسام ترازوها بحث‌کرده و رسالهٔ «فی‌الـآلات‌العجیبه» دربارهٔ آلات رصد قدما .

عبدالرحمن درحدود سال ۵۱۳ با توجه‌به‌ترازوی ارشمیدس ترازوئی‌ساخت که برای تعیین وزن مخصوص اجسام بکار میرفت‌وآنرا «میزان‌الحکمة» نامید. ونیز نوعی ساعت آبی‌بنام«میزان‌الساعة» از ساخته‌های اوست که آنرا درحدودسال ۵۱۵ ساخته .

علی‌محمد(ملا) اصفهانی (۱۲۱۵ ـ ۱۲۹۳ هـ ق)

معروف به‌غیاث‌الدین جمشیدثانی ، ازعلمای ریاضی ایران در ادبیات نیز دست‌داشت.علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه وزیر علوم‌اورا از اصفهان بتهران‌آورد وبسمت معلمی پذیرفت . وی در وزارت علوم وتکالیف مدرسهٔ دارالفنون‌شاهزادهٔ مزبور را مددکار بود . علی‌محمد ظاهراً نخستین ریاضی‌دان مسلمان است‌که بعض معادلات درجهٔ سوم را بطریق عددی‌حل کرده است . ازآثار او «تکملة‌العیون» درحل معادلات درجهٔ سوم است (چاپ نشده) . وی پدر نجم‌الدوله است .

غیاث‌الدین‌جمشید‌کاشانی(قرن‌نهم)

طبیب وریاضی‌دان بزرگی است‌که درکار بنای رصدخانه وتنظیم (زیج‌الغ‌بیگ» معروف‌به«زیج‌سلطانی»سهم‌بزرگی داشته است .

غیاث‌الدین جمشید از جمله‌کسانی بودکه به دعوت الغبیك فرزند شاهرخ بسمرقند رفت‌تا دربناوتنظیم زیج‌شرکت نماید .

ازآثار غیاث‌الدین جمشید،« مفتاح الحساب» و«رسالهٔ محیطیه»ورساله‌ای در ابعاد اجسام سماوی و رسالهٔ دیگر در استخراج قوس یك درجه است . برای مساحی اسبابی بنام «مسطره» اختراع کرد .

ازکارهای ابتکاری او محاسبهٔ‌نسبت محیط‌دایره بقطرآن است‌که تاحدزیادی درآن‌پیش‌رفته . ولی‌مهمترازهمه‌اختراع کسرهای اعشاری‌است‌که اروپائیان‌آنرا به (فرانسواویت) فرانسوی و(سیمون استون) بلژیکی نسبت میدهند یعنی در حقیقت دودانشمند مذکور ، بی‌اطلاع از کارهائی‌که جمشیدکاشانی‌کرده یك قرن‌و نیم بعدازاو ، باختراع کسراعشاری‌موفق گردیدند .

فضل بن‌حاتم‌تبریزی. فوت۳۰۹هـ ق

معروف به ابوالعباس ، از مؤلفان بزرگ‌ریاضی درعصر اول‌عباسی. ازآثار موجود اوشرح کتاب‌الاصول ـبطلمیوس و کتاب«سمت‌القبله» بطبع‌رسیده‌است.

قطان‌مروزی (عین‌الزمان) (۴۶۵ـ ۵۴۸ هـ ق) .

ریاضی‌دان وطبیب‌وفیلسوف قرنهای پنجم وششم . اصل وی از بخارا بود در مرو ولادت یافت . تحصیلات علمی وی نزد لوکری صورت گرفت و او در مرو میزیست درفتنهٔ غزان بدست‌آنان‌کشته شد . قطان‌درطب وعلوم‌اوایل‌وریاضیات وادبیات وعلوم دینی سرآمد زمان خود بود ، ولی بیشتر بطب علاقه داشت ودر مرودکانی‌داشت‌که درآن بطبابت مشغول بود. مهمترین اثر ریاضی او «گیهان ـ شناخت»است.

قطب‌الدین‌شیرازی (۶۳۴ـ۷۱۰)

در شیراز متولد شد ، طب را نزد پدرش وعلم هیأت و اشارات ابن‌سینا را نزدخواجه‌نصیرالدین‌طوسی تحصیل‌کرد، مهمترین تألیف او «درة‌التاج» است‌که بزبان‌پارسی‌وبصورت دائرة‌المعارفی است شامل ۱۲ رشته از علوم مختلف‌از جملهٔ موسیقی میباشد .

کرجی (محمدبن‌حسن) (قرن‌چهارم)

ابوبکر محمدبن حسن‌کرجی ، از بزرگترین علمای‌ریاضی‌ایرانی است‌وی درقرن چهارم واوایل قرن پنجم هجری ستارهٔ شهرتش در بغداد اوج گرفت وی کسی است‌که اصول حساب وجبررا توسعه داد و مطالب تازه‌ای بر آنها افزود می‌توان‌گفت‌کرجی یکی از پایه‌گذاران جبر وحساب در جهان اسلام است . از زندگی او اطلاعات‌کمی در دست است آنچه ازاو میدانیم اینست‌که وی ازاهالی کرج درنزدیك تهران‌کنونی است‌که‌پس ازتحصیلاتی‌درایران‌به‌مرکز اسلام‌آنروز بغداد رفته است . و برای فخرالملك محمدبن‌علی وزیر بهاءالدوله دیلمی(در بین سالهای ۴۰۱ تا۴۰۷)کتاب‌الفخری رانوشته است .خاورشناس‌آلمانی**فرانتس ویکه** درسال ۱۸۵۳ ترجمهٔ مختصری‌از کتاب(الفخری) را به زبان‌فرانسه‌منتشر کرد ومقدمه‌ای نیز برآن نوشت همین ترجمه باعث شد که مورخان علوم ، براهنمائی‌آن‌به‌بحث دربارهٔ‌علوم درزبان عربی پرداختند.شهرت کتاب (الفخری) وارزش‌کار ویکه افکار خاور شناسان را متوجه اهمیت‌کرجی کرد به همین‌جهت خاورشناس دیگر آلمانی به نام**آدولف هوخهایم** به‌بحث‌دربارهٔ کتاب‌دیگر کرجی به‌نام (الکافی‌فی‌الحساب) پرداخت‌وترجمهٔ آلمانی‌آن را در سه جلد کوچك بین سالهای ۱۸۷۸ و۱۸۸۰منتشرساخت.از کرجی تألیفات دیگری نیز باقی مانده

است که دارای ارزش بسیار است .

یکی ازاین تألیفات بنام «استخراج آبهای پنهانی) اخیراً توسط حسین‌خدیو‌جم بفارسی ترجمه شده‌است واین‌مختصر ازمقدمهٔ همین‌کتاب برداشته شده است.

مسعودغزنوی(ظهیرالدین ابوالمحامد) (قرن‌ششم) .

ازبزرگان ریاضی و ادب است و کتابهای متعددازاو باقیست ، ازآنجمله: «احیاءالحق» ، «کفایة التعلیم‌فی صناعة التنجیم» ، « نافع‌الثمره»یا «شرح ثمرهٔ بطلمیوس» ، «جهان‌دانش در بارهٔ آسمان وزمین» ، کتابی‌در بارهٔ «معرفت عناصر و کائنات‌جو» .



آبل

ملاقطب (۶۳۴_۷۱۰) قطب‌الدین محمودبن ضیاءالدین مسعودکازرونی.

پزشك ، ریاضیدان ،موسیقی‌شناس، فیلسوف ومتصوف‌بود . دردهسالگی‌خرقهٔ تصوف پوشید و درچهارده سالگی پدرش مرد وبجای وی بشغل طبابت پرداخت . درهنگام ایجاد رصدخانهٔ مراغه‌بدانشهر رفت .

چندی با خواجه نصیرالدین طوسی بسربرد . از آنجا بقونیه و سپس در سیواس‌بسر‌برد. وآنگاه عازم مصرشد و چندی‌نیز در شام بودآنگاه عازم تبریز گردید (۶۹۶) و روزگار را بتجرد و تحقیق و تألیف‌گذرانید . کتاب او بنام **درةالتاج** دائرةالمعاررف در شرح‌اصول طب ، ریاضیات ، موسیقی ، فلسفه و منطق ودیگر علوم زمان.



آلامبر

از دیگرآثاراو تحفهٔ‌شاهی، نهایة‌الادراك ، شرح قانون ابن‌سینا، مفتاح‌العلوم‌سکاکی وحکمةالاشراق سهروردی.

ملامحمدباقریزدی. (قرن۱۱)

ازعلمای ریاضی قرن یازدهم‌هجری ومعاصر خاندان صفوی بوده‌است .

در هندسه بخصوص اطلاع زیادی داشته وازآثار او حاشیه‌هائی است‌که‌بر کتاب «تکمله فی‌شرح التذکره» تألیف «علامه‌شمس‌الدین‌محمدبن‌احمد جعفری» نگاشته. خوداین کتاب ، که باختصار «شرح تذکرهٔ جعفری» خوانده میشود ، «تذکرةالهیه» خواجه نصیرالدین طوسی است .



اولر

ملامحمدباقر شرحی‌که‌خواجه نصیر بر مثلثات کروی **منلائوس** نوشته ، حاشیه‌هائی افزوده، همچنین بر تحریر مخروطات **ریولونیوس** حاشیه دارد . کتاب«عیون‌الحساب» نیز ازآثار یزدی است درنجوم‌نیزآثاری دارد، ازجمله برای تسهیل درفراگرفتن «میل‌فلکهای سیارات» شعری سروده است .

میرزا رضی

یکی دیگر از ریاضی‌دانان عصر صفوی «محمد رضی الدین» پسر«محمد شفیع» ومعروف به «میرزارضی است‌که معاصر با شاه‌عباس‌دوم‌صفوی بوده.

ازآثار اوکتابی است بنام «ربیع‌_المنجمین‌فی شرح‌الثلثین» که‌درآن‌کتاب سی فصل خواجه نصیرالدین طوسی‌راشرح کرده و نکات تاریخی بدان افزوده است بطوریکه از مطالب این‌کتاب برمیآید، در قرن سوم هجری در زمان خلیفه ، «احمدبن‌موفق‌المعتضدبالله» اقدام‌بتبدیل تاریخ قمری بتاریخ شمسی گردیده است تاموجب تسهیل‌کارهای تقویم‌شود، وبرای نام‌ماهها همان‌نام‌ماههای‌رومی راانتخاب کرد وتقویم‌ردرزمان حیات‌اومعمول‌شد ، ولی بعداز او بزودی متروك گردیده است .

نجم‌الملك (۱۲۵۹ - ۱۳۲۶)

نجم‌الدوله حاج‌میرزا غفاری‌آخوند علیمحمد اصفهانی‌درریاضیات وقوفی‌تمام داشت در دارالفنون تدریس میکرد . در ۱۲۹۸ به‌فرمان ناصرالدینشاه‌برای تعیین محل سد اهوازبه‌خوزستان رفت و سفرنامهٔ بسیارنفیسی‌فراهم‌آورد که‌اخیراً چاپ‌شد.وی‌کتابهایی‌برای تعلیم‌ریاضیات نوشته وبعضی کتابهای علمی را از زبان فرانسه‌ترجمه‌کرده است.

ریاضی‌دانان خارجی

آبل ، نیك هنریك Abel (۱۸۰۲ - ۱۸۲۹ م) .

فرزندکشیش‌ساده‌ای‌ازمردم‌اطریش بود .

آبل به ریاضیات‌علاقهٔ زیادی‌داشت وباکوشش توانست معلم‌دانشکده‌بشود.

دربیست‌وچهارسالگی‌مقاله‌ای‌منتشر کردکه بموجب‌آن صرفنظر از معادلات درجه اول تا درجه چهارم هیچ دستور جبری‌که بتواند جواب‌معادلهٔ درجه‌پنجم را بدست دهد وجود ندارد . در۱۸۲۵ به‌برلن مسافرت کرد در آنجا مهندس مشهوری (کرل) را ملاقات کرد و به پاریس سفر کرد و در آنجا کتابی بنام « خاصیت عمومی طبقهٔ بسیار وسیعی از توابع غیرجبری»انتشارداد و کتابی‌راکه به‌موسسهٔ‌علمی سپرده بودگم شدودانشمند درفقر مرد ولی دوروز بعداز مرگ‌او کتاب پیدا شد وبرندهٔ‌جایزهٔ بزرگ‌شد.

آرکیتاس (زندگی درقرن‌پنجم‌قم)

آرکیتاس در ایتالیا متولد شد ریاضی‌دان و فیلسوف فیثاغورثی بودکه نظرات نو وجالبی بدو نسبت داده‌اند.

آلامبر، ژان لورن د ... Alembert (۱۷۱۷_۱۷۸۳م) .

نویسنده ، فیلسوف و ریاضی‌دان فرانسوی ، فرزند نامشروع مادام‌تانسن یکی ازموجدان «دائرةالمعارف‌فرانسه» وی در «پیشگفتار» خود درباب دائرة‌_المعارف فلسفهٔ طبیعی و روح علمی‌را ، موردبحث‌قرارداد . اوعضوآکادمی‌علوم‌و منشی‌دایمی‌آکادمی فرانسه‌بود.ازآثاروی «مدایح‌فرهنگستانی»وتحقیقات‌ریاضی‌است.

اپولونیوس: Appollonios (زنده، قرن‌سوم‌ق م)

ریاضی‌دان معروف یونانی ، وی‌در برغه متولدگردیده ابتدا دراسکندریه وبعددر فرغاموس‌تدریس‌کرده .مهمترین تصنیفش « کتاب قطوع مخروطیه » یا مخروطات است . مخروطات او شامل‌سه قسمت است ، قسمت اول شامل تعریف مخروط مستدیر و تولید هریك از قطع مخروط ثابت باصفحات متغیره وخواص عمدهٔ سه منحنی . قسمتهای دیگر حاوی اقطار و محورها و مجانبها است . بجز این‌کتاب آثار دیگری نیز داشته ازآن جمله سه رساله راجع به‌تناسب ومکانهای مسطح وتماسی میباشد. «فرهنگ معین»

ابونصرعراق (قرن سوم وچهارم)

ازخانوادهٔ عراق است‌که زمانی از پادشاهان‌خوارزم بوده وتازمان‌سامانیان نیزقدرتی‌داشته‌اند ، واز اینروی‌ابونصر بامیر ابونصر معروفست .

ابونصر معاصر ابوریحان بیرونی بوده وبطوریکه بیرونی درمقدمهٔ«آثار‌_الباقیه عن‌القرون الخالیه» مینویسد ، دوازده کتاب تألیف کرده . ابونصر در مثلثات‌خطی وکروی مهارت‌کامل داشته.

ارشمیدس Archimede (۲۱۲_۲۸۷ ق م .)

مهندس وحکیم ریاضی عهدباستان، وی از موطن خـود سوراقوسا (صقلیه) باسکندریه رفت (وشاید همین‌امر موجب شدکه او را معاصر اسکندر دانسته‌اند بجای ارسطو) و در آنجا بکسب علـوم پرداخت واوبودکه میگفت : «اگرنقطهٔ اتکایی‌یابم،زمین‌راازجای‌خویش‌بجنبانم.»

اقلیدس Euclide (۲۸۳ـ۳۰۶ق‌م)
درآتن متولد شد وبیش از سی‌سال نداشت‌که بخواهش‌بطلمیوس برای‌تدریس در«موزه» عازم اسکندریه شد و درهمین شهر مکتب ریاضی خودرا افتتاح‌کرد.
کتاب‌مقدمات‌اقلیدس یاکتاب‌هندسه که سه‌قرن‌پیش‌از میلادنوشته شده‌بواسطه چاپ هـای متعدد و ترجمه‌های فراوان بزبانهای مختلف ، بعدازکتاب انجیل‌از کثیرالانتشارترین کتابهای جهان است . وقتی این‌کتاب منتشر شد و بدست عامه رسید چنان شهرتی‌برای مؤلف‌کسب‌نمود که تابیست قرن تمام هرگونه تغییری‌در آن داده می‌شد بمنزلهٔ توهین بمقدسات عالم محسوب میگشت .
اصول هندسهٔ اقلیدس حتی امروزه درمدارس تدریس میشود .

اولر، لئونارد Euler (۱۷۰۷ـ۱۷۸۳م)
ریاضی‌دان سوئیسی،وی‌درریاضیات تحلیلی و مکانیك اکتشافاتی دارد . او «فرضیهٔ‌جدیدماه»ویادداشتهای‌گرانبهایی در باب انقلابات نجومی سیارات نوشته «اولر» به‌فیزیك ، شیمی ومابعدالطبیعة نیز اشتغال داشته ودر۶۰ سالگی نابینا گردیده است . «شکل‌درصفحه۲۸»

برتران، ژوزف (۱۸۲۲ـ۱۹۰۰).
از اطفال اعجوبه بشمارمیرفته ، در یازده سالـگی مسابقهٔ ورودی مـدرسهٔ پولی‌تکنیك‌راگذرانیدو درشانزده‌سالگی دکترای‌خودرانیز درعلوم ریاضی‌بدست آورد (در حالیکه رسماً در هفده‌سالگی پذیرفته شد) سپس استاد همین مدرسه و کولژ دوفرانس گردید . ازآثار بزرگ او «حساب‌دیفرانسیل» است‌که وی ضمن آن روش جدیدی برای مطالعهٔ‌منحنیات وسطوح بدست داد .

بقراط Hippocrates (پنجم‌ق م)
مهندس معروف یونانی ، وی‌کتابی درباب «مبانی ریاضیات» نوشت وهلالین بقراط‌راترببع‌کردو بنام‌او به«اهلهٔ‌ابقراط» شهرت دارد .

بلترامی، اوژن Beltrami (۱۸۳۵ـ ۱۹۰۰ م)
درکرمون متولد شد ودر دانشگاه روم بتدریس پرداخت . وی اندیشیدکه «ریمان»هندسهٔ خودرا روی سطح کره‌ای بنا نهاده است . حال اگر فرض‌کنیم‌که شعاع این‌کره بتدریج‌رو بافزایش‌گذارد دراینصورت کم‌کم سطح آن تبدیل بیك صفحه میشود و هندسهٔ «ریمانی» بهندسهٔ اقلیدسی‌بدل‌میگردد . پس‌چیزیکه‌ماهیت هندسهٔ هرفضا را معین میکند انحنای‌آن فضا است . پس هندسهٔ «لوبـاچفسکی» چگونه است ؟ آیا این هندسه خارج از تئوریهای مزبور است ؟ بلترامی جواب منفی داد وهمهٔ هنر اودراین بودکه‌ثابت کرد که «هندسهٔ لوبـاچفسکی» متعلق بسطح‌کروی مخصوصی است‌که از لحاظ هندسی‌کاملاً معلوم ومشخص است .

بورل، امیل Borel.E (متولد۱۸۷۱ـ ۱۹۵۶م) ریاضیدان ومردسیاسی فرانسه‌که‌بعلت‌تحقیقات‌زیاددر بارهٔ‌قوانین احتمالات‌مشهور شده است .

بورلی Borelli (۱۶۰۸ـ۱۶۷۹)
برای اولین‌بار ، کموبیش راجع به جاذبهٔ عمومی حدسیاتی داشت ، از علوم دینامیك برای مطالعهٔ.عمودهای عضلانی استفاده‌کرد .

پاسکال، بلز Pascal (۱۶۲۳ـ۱۶۶۲م)
ازکـودکی آثار هوشمندی در وی پدیداربود، در۱۲ سالگی بدون‌استقامت ازکتابی اولین قضایای هندسهٔ اقلیدس‌را شناخت ودر ۱۶سالگی رساله‌ای درباب قطع مخروطات نوشت . در ۱۸ سالگی ماشین محاسبه را اختراع کرد و قوانین ثقل هوا وموازنهٔ سوائل ومثلثات‌ریاضی وحساب احتمالات و فشارآب و غیره از مبتکرات اوست .

پنلوه، پل Painlevé (۱۸۶۳ـ۱۹۳۳).
ریاضی‌دان فرانسوی بودکه شهرت او در سی‌ودو سالگی از مرزهای کشور فرانسه خارج‌گردید تا جائیکه در سال ۱۸۹۵ دولت سوئد از او تقاضاکردکه در استوکهولم تدریس‌کند .
مسائلی راکه وی راجع بمعادلات دیفرانسیل حل‌کرد وموارد استعمالی‌که بعدها درمکانیك‌برای‌آن یافت‌کاملاً جنبهٔ کلاسی پیداکـرده و در همه‌جا تدریس میشوند . چندی بعد پنلوه بسمت استاد سوربون ومدرسهٔ پولی‌تکنیك معین شد . بایدگفت‌که درنتیجهٔ‌مساعی‌اوو پیشقدمان او بودکه‌مکانیك به‌صورت‌علم‌کامل‌وجامعی درآمد .

پوآنکاره، هانری Poincaré_H (۱۸۶۰ـ۱۹۳۴م)
درمدرسهٔ متوسط‌شهر نانس تحصیل کرد . بعداز خروج‌ازمدرسهٔ‌پولی‌تکنیك بتدریس پرداخت از سال ۱۸۷۹ استاد دانشگاه‌کان‌گردیدودربیست‌وهفت‌سالگی بزرگترین اکتشافات خود یعنی (توابع فوکس)راتقدیم‌عالم علم‌کرد.«پوآنکاره» کلید جدیدی در حل مشکل موجودات ریاضی بدست دادکه‌تمام نمودهای‌طبیعی بوسیلهٔ آنها توجیه میگردید . در واقع این‌کلید عبارت از نـوعی تعمیم توابع بیضوی بودکه وی‌آنهارا «توابع‌فوکس» نامیدکه نه‌تنها راز معادلات دیفرانسیل را حل‌کرد بلکه معمای توابع‌بیضوی‌را نیز روشن ساخت . و جامع همهٔ علوم و متخصص در تمام شعب معرفت زمان‌خود بود . او هزاروپانصداثر ازخودبیادگار گذاشت .

پیکار، امیل Picard (۱۸۵۶ـ۱۹۴۱م)
در۱۸ سالگی بتدریس پرداخت،و در ۲۴سالگی‌اثری‌دربارهٔ «توابع‌درست» انتشار دادکه درمیان ریاضی‌دانان‌اروپا شهرت بسیارکسب‌کرد . دراین اثر دو قضیهٔ جدید دربارهٔ‌توابع بامتغیرموهومی ذکرکرده ونظربدیعی اختیار نموده‌بود که به نهضت جدیدی درریاضیات ایجاد میکرد . گذشته ازآن دوقضیه درهنگام بحث از معادلات دیفرانسیل خطی‌کـه ضرائب آنهـا از دولحاظ متناوب باشند مجبوراً بمعادلات پیکار برخورد میکنید وهمچنین هنگام مطالعه درتبدیلات‌نقاطی ازفضاکه دریکطرف صفحه‌ای‌واقع‌هستند ناچاریدگروه این تبدیلات رابنام ابدی (گروه‌پیکار) نام‌ببرید.
این دانشمند بزرگ استاد آنالیز عالی در سوربون ، منشی دایمی آکادمی علوم ، عضو بیست‌وهفت‌آکادمی‌خارجی و رئیس شورای بین‌المللی‌جستجوهای‌علمی بوده‌است .

داربو، گاستون Darboux (۱۸۴۲ـ ۱۹۱۷).
در (نیم) متولد شد و درامتحان‌دو


بورل


بلترامی


پاسکال


پوآنکاره


پیکار


داربو

مدرسهٔ پولی‌تکنیك ودانشسرایعالی رتبهٔ اول را حائز شدورشتهٔ تعلیمو تربیت‌را انتخاب‌کرد .

وقتی به مطالعه در هندسه پرداخت این‌رشته درواقع بانتهای خط سیر خود رسیده بود . «داربو» کوشید تاآنالیز و هندسه رابهم‌نزدیك‌کندوتوانست‌معادلات بامشتق جزئی‌رانیز درهندسه واردنماید ونتیجه را درکتابی بنام «دروسی‌دربارهٔ تئوری عمومی سطوح»منتشرسازد .

ددکیند ، ریشارد(۱۸۳۱-۱۹۱۶م)

آخرین شاگردگائوس بود،اکتشاف اعداد ایده‌آل بوسیلهٔ وی اصلاح‌شد.

همچنین او توانست مسئله‌ای راکه اززمان «ادوکس» تاکنون متوقف‌مانده بودیعنی‌تعریف‌دقیق‌اعدادادازه‌نگرفتنی رابانهایت‌کفایت موردمطالعه‌قرار دهد .

دزارگ ، ژرار Desarke (۱۵۹۳-۱۶۶۲م) .

از اهل لیون ازدوستان‌دکارت بود که درفلسفه وعلوم الهی تبحری داشت ، دزارك شکلهای‌کلاسیك را مورد تحقیر قرار میداد ودوست‌نداشت که‌فقط بنوشتن دستورهایی‌کـه مورد استفادهٔ همکارانش قرار می‌گیرد اکتفاکند . اگـر چه در زمان حیات شهرت فراوان داشت اماز آنجاکه بعداز مرگ‌آثارش متفرق شدو هم چون درنوشتن روشی عجیب‌ونامفهوم بزودی مطلقاً فراموش شد و فقط درسال ۱۸۲۲ «پونسله»باردیگراوراازگمنامی وفراموشی بیرون‌آورد و درمقام واقعیش که یکی از بـزرگترین مقامات تاریخ ریاضیات است قرار داد دزارك موجب پیدایش هندسهٔ عالی‌گردید .


زاکوبی

دومورگان، اوگاستس DeMorgan (۸۰۶۱-۱۸۷۱م)

انگلیسی بودکه‌اکتشافات «گائوس» و «کوشی» رادر بارهٔ اعداد موهومی در کشور خویش شایع ساخته و نشان داده بودکه این دودانشمند بچه وسیله اعداد مزبور را بانقاط صفحه وابسته‌میسازند.

دیوجانس ، Diogenes (۴۱۳-۳۲۳ قم)

ریاضیدان و فیلسوف یونانی پیرو مکتب‌کلبی ، هم او منحنی سیسوئید را بوجودآورد .

دیوفانت Diophantus (زنده در قرن سوم م)

ازعلمای‌بزرگ‌ریاضی یونان‌باستان بود وی در تدوین علم‌جبر اثر فراوان داشته است و کتاب حساب این دانشمند حل مسائل مشکل‌فراوانی شامل‌میباشد.

روبروال Roberval (۱۴۰۲-۱۴۷۵)

شخصاً خودرا ژیل مینامید وآن‌نام قصبه‌ای در ناحیهٔ اوآر Oire که زادگاه او میباشد .

بااینکه تصدی‌کرسی ریاضیات کلژ دوفرانس هر سه‌سال یکبار عوض می‌شد این شخص توانست مدت چهل سال این مقام را حفظ‌کند ونیز همواره ازانتشار آثار خویش خـودداری داشت تا مورد استفادهٔ دیگران قرار نگیرد .

بسیاری‌ازمردم اختراع نوعی‌ترازو را باو نسبت میدهند امـا بخصوص علم حرکت یاسینماتیك روش استادانه‌ای را دربارهٔ‌حرکات‌اجسام برروی‌خطوط‌منحنی مدیون اواست .

ریمان ، برنهار Riemamn (۱۸۲۶-۱۸۶۶ م)

پدرش‌کشیش فقیر و خودش شاگرد تنگدست‌یکی‌ازمدارس‌متوسطها نوور بود، ودردانشگاه‌گوتینگن ادامهٔ‌تحصیل‌داد .

تتبعات ریمان در اساس علم هندسه مورد مطالعه وقضاوت قرارگرفت‌واثراو که«دربارهٔ‌مفروضاتی‌که مبنای علم‌هندسه میباشند » نام‌داشت‌مورداعجاب«گائوس» استادش قرار گرفت اقلیدس چنین فرض کرده بود که از نقطه واقع در خارج یك‌خطراست میتوان‌فقط‌یك‌خط‌به‌موازات آن رسم‌کرد ، «بولیه» و «لوباچفسکی» قبول‌کرده بودندکه از یك نقطهٔ خطوط بیشمار میتوان به‌موازات خط مفروضی رسم‌کرد امـا ریمان این فرض را پیش کشیدکه ازنقطهٔ مفروضی نمیتوان خطی دیگر رسم‌کرد . درواقع‌وی نوعی‌هندسه غیر اقلیدسی جدید ایجاد کـردکه کاملاً مخالف باهندسهٔ دانشمندروسی وریاضی‌دان اهل هنگری بود . در این هندسهٔ جدید که احکام آن با منطق دقیقی بهم مربوط میشدند مجموع زوایای مثلث از ۱۸۰ درجه بیشتر بود و هیچ خطی را نمیتوانستیم تابینهایت امتداد دهیم .

وی از خود سؤال کرد آیا سطحی وجود دارد کـه هندسهٔ من بر روی آن حکومت‌کند ؟ وبخود جواب داد البته و این سطح عبارتست ازسطح‌کره ؛ خطوط راست‌که در صفحهٔ اقصر فاصلهٔ مابین دو نقطه مفروض‌میباشند دراین‌مورد تبدیل بدوایر عظیمه‌شده‌اندواین دوایرهمدیگر را قطع میکنند .

ژاکوبی ، شارگوستاو Jacobie

پسر یکی از بانکداران پوتسدام . در تئوری توابع بیضوی کارکرد . استاد دانشگاه‌برلن وسپس‌کونیگسبرگ‌گردید وموردحمایت پادشاه واقع شد .

در دینامیك اکتشافات چندی دارد هم او بودکه‌راه‌رابرای‌اکتشافات‌بزرگ هامیلتون و هانری پوآنکاره باز نمود .

ژوردان ، کامی Jordan (۱۸۳۸-۱۹۲۲م)

معلم کـولژ دوفرانس و مـدرسهٔ پولی‌تکنیك بود ، کتابی دربارهٔ تئوری گروهها وفوائد استفاده ازآنهابرای‌حل معادلات جبری انتشار داد بطـوریکه تئوری گروهها همچون‌کلید سحرآمیزی بنظر رسیدکه با نهایت استادی دستگاه دقیق وظریف معادلات جبری‌را میگشود ودرعین‌حال در مسائل هندسی نیز مورد استفاده قرار میگرفت .

غلامحسین، چونپوری(فوت۱۲۷۰هق)

معروف به ابوالقاسم ریاضی‌دان و منجم هندی مهمترین اثری‌که ازاو باقی مانده «زیج‌بهادری» است‌که‌آنراطغیانی نیز نامند . «فرهنگ‌معین»

فزاری، محمدبن‌ابراهیم(زنده۱۸۳هق)

محمدبن‌ابراهیم بن‌محمد فزاری ، نخستین دانشمندی‌که در اسلام اسطرلاب ساخته است . نام این‌دانشمندریاضی‌دان وآسمان‌شناس‌راگروهی‌ازجمله‌ابوریحان، بنقل‌یاقوت درمعجم‌البلدان، هماطورکه ذکر شدگفته‌اند فزاری درعلم فلك و ستاره‌شناسی نیز از نوابغ روزگار بوده است ، نوشته‌اندکـه مردی بسال ۱۵۶ هجری ازهندآمد ودر بغداد نزد منصور امرکردکه‌آن‌کتاب‌به عربی ترجمه‌شود و نیزکتاب‌دیگر در این علم بزبان عربی تألیف‌گردد ، که درحرکات ستارگان و سایر مسائل نجومی خـود برای عرب اصلی ومرجعی‌باشد واین‌کار را محمدبن ابراهیم‌فزاری‌بعهده گرفت گفته‌اندفزاری حدیث وعلوم دینی را نیزخوب‌میدانست وی دارای آثار و تصنیفاتی است‌که از جملهٔ آنهاست کتاب : « الزیج علی‌سنی العرب» و «المقیاس للزوال» و «العمل

بالاسطرلاب المسطح» و «القصیدة فی علم النجوم» .

فرغانی، ابوالعباس .
اسبابی برای اندازه گیری طغیان رود نیل ساخت .


فرما

فرما، پیر دو Fermat (۱۶۰۱-۱۶۶۵م)
ریاضی‌دان فرانسوی دوران کودکی و نوجوانی را بفراگرفتن ریاضیات گذراند. در جوانی بزبانهای لاتینی ، یونانی و اسپانیولی آشنایی کامل یافت. با دکارت آشنا شد و به بررسی کتابهای ریاضی او پرداخت . درسال ۱۶۳۷ کتاب هندسهٔ خودرا بنام «مکانهای سطح و حجم» نوشت ودرآن بشرح اصول اساسی هندسهٔ تحلیلی پرداخت . به سال ۱۶۲۹ کتاب دیگری بنام دربارهٔ ماکزیمها ومی‌نیممها نوشت. فرما را پایه‌گذاردانش حساب دیفرانسیل وآنالیز میدانند . بزرگترین خدمت این ریاضی‌دان بررسی‌های نوی است که در زمینهٔ حساب عالی کرده است، بطوری که باید اورا بنیانگذار این دانش خواند. فرما باپیداکردن «اصل کمترین کارها» ثابت کرد که طبیعت همواره از راههای ساده‌تر و کوتاهتر عمل می‌کند . این ریاضی‌دان بیشتر دوران زندگی خویش را درولایت کوچك خود بسر برد ودرسن ۶۴ سالگی درشهر کاستر درگذشت .


فوریه

فوریه، ژزف Fourien.B.J (۱۷۶۸-۱۸۳۰ م) .
ریاضی‌دان فرانسوی پس اززحمات بسیار موفق شدارتعاشات امواج الکتریکی را بتوسط منحنیهای مثلثاتی نمایش دهد.

فیتزجرالد، جرج فرانسیس Fitz-Gerald (۱۸۰۹-۱۸۸۳) .
ریاضی‌دان بزرگ ایرلندی ازاهالی دوبلین بود وی فرزند ویلیام اسقف ایالت کرك و خلیفهٔ اعظم کلیسای الیزابت بود . فیتزجرالد در ۱۶ سالگی دردانشگاه دوبلین پذیرفته شد ودر ۱۸۷۱ تحصیلات خود را ببهترین نحوی در ریاضیات و علوم تجربی بپایان رسانید بالاخره در سال ۱۸۷۷ دانشجوی آگرژه شد و در سال ۱۸۸۱ نظریهٔ الکترو مغناطیس عرضه گردید فیتزجرالد چنین متذکرشد اگر این نظریه موجب شود که ماخود را ازالزام وقید اسارت اتری ماده برهانیم چه بسا که باآن میتوان به نتایج مهمتری در توجیهٔ نظری طبیعت نایل گشت فیتزجرالد دربسط نظریهٔ مکسول رساله‌هایی نوشت وهم او بود که برای اولین بار آنچه را امروزه معادلات مکسول - لورنتس نامیده میشود عرضه داشت این معادلات حاملهای الکترو مغناطیس را باموضع وحرکت بار الکتریکی مربوط می‌سازد فیتزجرالد در ۱۹۰۱ بسن ۵۰ سالگی درگذشت.

فیثاغورس Pythagoras (۴۹۷-۵۸۰ ق‌م)
فیلسوف و ریاضی‌دان یونانی دورهٔ زندگانی او روشن نیست ولی گفته‌اند بمصر وایران وهندوستان سفر کرده‌است واز دانشمندان آن کشورها بهره برده و معاصر کورش و داریوش هخامنشی بوده است دراواخر سدهٔ ششم قبل از میلاد به یونان بازگشت وگروهی پیرو اوشدند . وی انجمنی سری تشکیل داد که‌هم‌دینی وهم اخلاقی وهم سیاسی بود . ظاهراً لفظ فیلسوف از اختراعات او است باین‌معنی که در یونانی حکیم یعنی خردمند را سوفوس و حکمت را سوفیا می‌گفتند فیثاغورس گفت : ماهنوز لیاقت آن را نداریم که خردمند خوانده شویم ولیکن چون خواهان حکمت هستیم باید ما را فیلوسوفوس خوانده یعنی دوستدار حکمت، وهمین لفظ است که فیلسوف شده وفلسفه ازآن مشتق گردید اختراع جدول فیثاغورس وکشف شکل عروس درهندسه و بسیاری قضایای دیگر باو منسوب است،در فلسفهٔ فیثاغورس ، علوم ریاضی اهمیت تمام داشته واو عدد را اصل وجود پنداشته و همهٔ امور را نتیجهٔ ترکیب اعداد و نسبتهای آنها دانسته است . چون باین نکته برخورده است که ترکیب صوتها در تولید نغمات تابع تناسبات عددی می‌باشد موسیقی را نیز مانند هندسه ونجوم از رشته‌های علوم ریاضی میداند وکلیهٔ نظام عالم را تابع عدد می‌شمارد و هر وجودی را - مادی یاشد یامعنوی بایکی از اعداد مطابق میداند . خلاصه آنکه عدد را حقیقت اشیاء وواحد را حقیقت عدد می‌خواند . تضاد واحد وکثین و زوج و فرد را منشأ همهٔ اختلافات می‌پندارد اما واحد مطلق را از زوجیت وفردیت ووحدت وکثرت بری میداند حکمت فیثاغورس ازچند جهت قابل توجه است یکی اینکه حقیقت غیر جسمانی است یعنی به نسبتهای عددی که امری فرضی و عقلی است قایل شده و بدان اهمیت داده . دیگر اینکه کرویت زمین را معلوم کرده و مزیت مرکز و ساکن بودن آن‌را ازآن برداشته است . هرچند این رأی تامدتی نزدحکماطرف اعتنا نبود وفرض فیثاغورس درباب هیئت عالم درست باحقیقت موافقت نداشت با اینحال نمی‌توان آن‌را در کشف هیئت جدید بی‌تأثیر دانست .

قاسم ، ابن محمدبن هشام (فوت ۳۳۸ هق)
معروف به علوی عالم ریاضی قرن ۳و۴ هـ وی شاگرد ابن آدمی (حسین بن محمدبن جمشید) بود وپس از فوت استاد زیج بزرگ ویرا کامل نمود و بنام «نظم العقد» موسوم ساخت .

قاضی‌زادهٔ رومی ، موسی بن محمد (فوت ۴۸۰ هـ ق)
ازمردم بروسه ؛ دانشمند ریاضی و هیئت وحکمت بخراسان و ماوراءالنهر سفرکرد وچون الغ‌بیگ ، غیاث‌الدین ، جمشید رامأمور تأسیس رصدخانهٔ سمرقند کردوغیاث‌الدین ، قبل‌ازاتمام رصدخانه فوت کرد ، قاضی‌زاده متصدی تکمیل آن شد ، شرح چغمینی درهیئت بطلمیوس ، شرح التذکره درهیئت حاشیه برشرح هروی برهدایة الحکمهٔ ابهری از اواست .


کارنو

کارنو ، سادی Carnot. S. (۱۷۹۶-۱۸۳۲) .
فرزند « لازار کارنو » ریاضیدان انقلابی بود · از مدرسهٔ پولی‌تکنیك با سمت افسر توپخانه خارج شده بود در سال ۱۸۱۹ خدمت را ترك گفت و در پاریس اقامت کردچون شوق علوم درسر داشت بمطالعه وتفحص پرداخت .
پس از اختراع ماشین بوسیلهٔ وات باخودگفت : بنظر من بسیار لازم است قوانین دقیقی در بارهٔ آن ترتیب دهیم و بمدد این قوانین ماشین را اصلاح کنیم بطوریکه بازده آن بیشتر شود . اماهدف ماشین بسارعبارت ازتولید نیروی محرك بوسیلهٔ حرارت است بنابراین بایدابتدا (تئوری این موضوع را بررسی‌کنیم که چگونه حرارت میتواند نیروی محرك ایجادکند.) «کارنو» خودرا ازمقام مهندس بمقام یکنفر دانشمند بالا برد و در یادداشتهای خودچنین نوشت : « برای اینکه اصل تهیهٔ حرکت بوسیلهٔ حرارت را در نهایت کلیت مسئله مورد مطالعه قرار دهیم باید آنرا مستقل از هر نوع دستگاهی درنظربگیریم وهیچ وسیلهٔ خاصی


کرونکر

را درنظر نیاوریم . باید استدلال کنیم که نه تنها درمورد ماشین بخاری که دربارهٔ هرنوع ماشین آتشی قابل تصوری صحت داشته باشد . ماده‌ای که دراین ماشین بکار میرود هرچه میخواهد باشد و نوع عملی که با آن میشود نیز اختیاری فرض شود». وباین نتیجه رسید که امروزه بنام «اصل کارنو» موسوم است :

« قدرت محرك حرارت مستقل از عواملی است که برای تهیهٔ آن بکاررفته اند ومقدار این کار فقط ازروی درجه حرارت اجسامی که بالاخره تبادل حرارتی ما بین آنها بعمل میآید مشخص میشود » این اصل که مبدأ پیدایش ترمودینامیك گردید بهترین مثال از پیدایش علمی است که ا صنعت سرچشمه گرفته .

«کارنو» در۲۴ اوت۱۸۳۲قربانی مرض وباگردید ودرگذشت .

کانتور، ژرژ، Cantor. Gr (۱۸۴۵ - ۱۹۱۸ م)

ازیك پدردانمارکی درکشورروسیه متولدگردید . وی با خودگفت : رفقای من بینهایت را درمحاسبات‌خودچنان‌بکار میبرندکه گویی آن نیز یك عـدد عادی است و اتکاء بر سایه‌های ماوراءالطبیعه ندارد ، بنظر من موضوع اینقدر روشن نیست . در واقع نیز مطلب روشن نبود زیرا «کانتور» بـا بنا گـذاردن تئوری «آنسامبل» یعنی مجموعـه‌ای از اشیاء و اعداد نشان‌داد که‌چه‌نتایج‌حیرت‌انگیزی بدست میآید و ثابت‌کردکـه مجموعهٔ اعداد اصم . ازقبیل عدد (پی)وجذرعدد ۲وعدد۳ ولگاریتمها بمراتب بیشتر از مجموعهٔ اعدادمنطق‌میباشند وتعداد نقاط واقع درداخل دوپاره خط نامتساوی‌یکی است ونیز مثلاً تعداد نقاطی که درداخل جسم یك‌کره موجود است برابر با عدد نقاطیست که روی قطرآن قراردارد واز اینجا نتیجه‌گرفت که‌کلمهٔ بینهایت دارای دومفهوم است یکی‌از این دو را میتوان برمجموعه‌ای‌اطلاق کردکه‌هریك ازآحاد آن قـابل شمارش است . مثل مجموعهٔ اعداد منطق وآن دیگری برمجموعه‌ای اطلاق میشودکه‌تعدادعوامل‌آن تاماوراء هراندازه ومقیاسی زیاد شود .


کوشی

کتله ، لامبر، آدلف .Quételet. L.A (۱۷۹۶-۱۸۷۴ م)

استاد ریاضیات درشهر بروکسل و مؤسس رصدخانهٔ بلژیك بودکه در صدد بکاربردن علم‌آمار در مسائل انسانی و حیاتی برآمد . یك‌مثال تازه کیفیت‌عمل اورا روشن میسازد : فرض کنیم که در سال معینی فهرست جامعی ازتمام اهالی یك‌ناحیه‌برحسب طول قد ایشان دردست است : مثلاً در آنجا ۲۵۲۶ نفر بطول ۱۵۷ سانتیمترو۲۷۴۳ نفربه‌طول۱۵۸ و۲۸۰۲نفربه‌طول ۱۵۹ و۳۴۵۸۰۰۰۰ نفر به‌طول ۱۶۱ و ۲۷۵۲ نفر به‌طول ۱۶۱و۳۷۵۳نفربه‌طول۱۶۹سانتیمتر... وجوددارد : این‌اعدادرابوسیلهٔ نموداری نشان میدهیم باینطریق که اندازهٔ قدرا برمحور عرض وتعداد افراد را برمحور طول نقل میکنیم و باینطریق یك‌منحنی بدست خواهدآمدکه‌آنرا «منحنی وفور» مینامند و شکل‌کلاه فلزی نظامیان را دارد واین همان «منحنی زنگ مـانند» کائوس است که‌در بسیاری ازمسائل‌حساب احتمالات جلب توجه میکند این منحنی مطالب بسیاری بما میآمـوزد و معلوم میداردکه قامت۱۶۲ سانتیمتری ازهمه فراوان‌تر است . روش «کتله»رامیتوان درمورد بسیاری ازامور دیگربکار برد. «گالتون» روش «کتله» را اصلاح وعلم جدیدی بنام «بیومتری» ابداع‌کرد .

کلرو، الکسی (۱۷۱۳-۱۷۶۵ م)

درسال ۱۷۲۹ آکادمی علوم پاریس مقالهٔ استادانه‌ای راجع به‌منحنی‌های دو انحنائی‌انتشارداد که باعث‌تعجب بسیاری ازریاضیدانان گردیدوچون مقاله بدون امضا بودریاضی‌دانان‌فکر کردندنویسنده دانشمندی پیروگوشه‌گیر است ولی‌وقتی معلوم شد نویسنده یك پسر شانزده ساله است‌متعجب‌تر گشتند.وی آلکسی‌کلرو بود که درسال ۱۷۱۳ متولد شده‌بود پدرش معلم ریاضیات در شهر پاریس بودکلرو درده سالگی‌کتاب‌آنالیزعناصر بی‌نهایت کوچك را مطالعه‌کرد و در ۱۸ سالگی بعضویت آکادمی علـوم انتخاب شد.کلرو دانشمندی بودکه‌لذتهای‌مجالس‌ومحافل معاشرت رانیز مانند علوم دوست داشت وکوشش‌داشت اين‌دورا‌باهم نزدیك‌سازد چنانکه «آبه‌بوسیو» میگوید چون کلرو تمایل شدیدی‌نسبت بزنان داشت آسایش وسلامت خودرا ازدست داد ودرپنجاه‌دو سالگی درگذشت .

کرل ، یونس (متولد۱۸۳۲ م).

در غرب انگلستان‌در یك خانوادهٔ روحانی بدنیا آمد کمترکسی میداندکه نام اصلی وی چارلز لاتویج داجن بوده است وی درسراسرعمر نسبت‌به‌ریاضیات علاقه‌ای وافر وزایدالوصف داشته‌است . پدرش‌کلیهٔ وقت خودرا صرف امور دینی ومذهبی مینمود وی‌پس‌از ۶سال تحصیل بیهوده‌درمدارس‌ملی‌در ۱۸۵۰ بهاکسفورد رفت و در ۱۸۵۲ شاگـرد اول شعبهٔ ریاضیات بود . او در سال ۱۸۹۸ یعنی درسن ۶۶ سالگی‌که چشم از جهان فرو بست مهمترین اثر وی‌کتاب «اقلیدس و رقبای نوین‌او» میباشد استعدادی که او داشت چنان بزرگ ونادر بودکه‌بفرض آنکه درنوشته‌هایش‌نواقصی هم دیده‌شود ازعظمت مقامش‌نمی‌کاهد. کرل خودهرگز ادعایی نداشت‌وازعلمش همواره‌بفروتنی سخن میـگفت در اولین صفحه از دو مجله‌ای که در اول ژانویهٔ ۱۸۸۵ بسن ۲۳سالگی نوشت‌چنین متذکر شد اندکی هم درریاضیات‌کارکردم ولی کوشش من بی‌حاصل بود .

کرونکر لئوپولد Kronecker (۱۸۲۳-۱۸۹۱ م)

پروسی و شخصی پرشورو زرنگ و مبارز بود. وی یکی از مسائلی‌را که از «فرما» برای آیندگان میراث مـانده‌و هیچکس تا آن زمان قدرت حل آن را نیافته بود . موردموشکافی‌قرارداد واگر نتوانست بیش ازدیگران بحل آن موفق شود در عوض باتوسعهٔ قلمرو قلمی اعداد جبری طرح انقلابی را ریخت که‌مشابه‌با انقلاب‌غیراقلیدسی‌هادربارهٔ‌علم‌هندسه‌بود.

کوشی، اوگوستن (۱۷۸۹-۱۸۵۸م)

درکودکی آثار نبوغ‌اوظاهر بودومورد توجه لاپلاس‌قرارگرفت.درپانزده سالگی جایزهٔ بزرگ امپراطوری را در ادبیات قدیم برد . ازکارهای‌کوشی ایجاددقت‌در آنالیز ریاضی‌بود زیرا او بنیان این‌علم را تنییر دادوبرآن‌استدلالی منطقی‌بست. درسالهای۱۸۲۰ و ۱۸۳۰ توابعی‌را که دارای یك متغیر موهومی هستند بنانهاد واین‌تئوری‌امروزه بزرگترین‌افتخاراو و فرانسه است.

کوشیار ، ابوالحسن کوشیاربن‌لبان از اجلهٔ ریاضیون‌ومنجمان‌قرن چهارم وآغاز قرن‌پنجم است.ازآثاراوکتب‌ذیل‌باقیست: ۱- کتاب الاسطرلاب ۲ -عیون الحقایق

درعلم احکام نجوم.۳ـ مجمل‌الاصول

کومر، ادوارد. (۱۸۱۰ ـ ۱۸۹۳م).
آلمانی فقیرومحجوب وساده‌لوحی بود که تا چهل‌وپنج سالگی در انتظار کرسی استادی دانشگاه‌برلن باقی ماند. دراین اوقات‌بود که‌وی درنتیجهٔ اختراع نوعی ازاعداد که کاملاً تازه‌وبدیع بودند(اعداد ایده‌آل) توانست جایزهٔ بزرگ ریاضیات آکادمی پاریس رابدست‌آورد.

کنت، اوگوست Comte.A (۱۷۹۸ـ۱۸۵۷م).
شانزده ساله بود که‌درامتحان‌مسابقهٔ ورودی مدرسهٔ پلی‌تکنیك موفق شد ولی اورابواسطهٔ بی‌انضباطی‌نپذیرفتند، کنت از جمله دانشمندانی بود کـه هم دربارهٔ ریاضیات و هم دربارهٔ علوم الهی مطالعه مینمود اگوست کنت برای آنکه عقاید خود رابرای دیگران شرح دهد دربیست وهشت سالگی مجلسی‌درخانهٔ‌خودتشکیل داد تحقیقاتش بقدری قابل توجه بود که بعضی ازدانشمندان درجه‌اول درمجلسش حاضر میشدند اوگوست کنت بعدازجلسهٔ سوم‌بعلت زیادی‌کار مریض‌ودومرتبه بعد ازدو سال‌آن مجالس رادائر نمود بعداز چندی‌تمام عقایدش‌رادرکتابی‌بنام «فلسفهٔ تحقیقی» جمع‌آوری کردکه‌از بزرگترین آثاراو محسوب‌میشود. اوگوست‌کنت‌آثار دیگری‌هم‌داردکه‌ازآنها«دیانت‌انسانیت»و «سیاست‌تحقیقی»رامی‌توان‌نام برد . یکی ازمهمترین کارهای کنت‌طبقه‌بندی‌علوم‌بود وی تمام علوم را مورد مطالعه قرار داد وآنهارادرجه‌بندی نموددراین‌طبقه بندی ریاضیات در رأس علوم،عقاید مردم رادر نظر گرفته بود اگوست کنت معتقد بود که هدف علم رهائی ازهرگونه وابستگی با خدایان و مقدسات است کنت در سن پنجاه ونه‌سالگی‌درگذشت .

گاساندی Gassendi(۱۵۹۳ـ۱۶۵۵م)
ریاضی‌دان و فیلسوف ماتریالیست فرانسوی‌ازمخالفین سرسخت‌فلسفهٔ‌ارسطو که‌آثار خودرابه‌مخالفت‌وردعقایدارسطو اختصاص داده است.

گالوا، اواریست Galois E (فوت ۱۸۳۲ م)
در نزدیکی پاریس بدنیا آمد، در مدرسهٔ‌لویی لوگران بتحصیل مشغول شد، بمطالعهٔ آثار ریاضیدانان‌بزرگ‌علاقمند شد. در سال ۱۸۲۹ کشف‌جدیدی دربارهٔ کسرهای اتصالی کرد وکوشی وعده‌داد آنرابه‌آکادمی تقدیم کند ، ولی اثر او گم شد .
اثر دیگری نیز براثرمرگ منشی آکادمی‌گم شد . گالوابدبین‌گردیده‌وارد سیاست‌شدبجرم‌ماجراجویی‌توقیفش‌کردند وازآنجا بعلت‌کسالت به‌مریضخانه‌منتقل شد . در سال ۱۸۳۲ برای دوئلی که بخاطر دختر پستی‌کرد مجروح گردید و درمه ۱۸۳۲ مرد .
وصیت‌نامهٔ‌علمی او که محتوی صدها اکتشاف است دربدترین لحظات زندگی تنظیم شد «تئوری گروهها» عجیب‌ترین تئوریهای ریاضی اوست .

گراسمان، هرمان. (۱۸۰۹ـ۱۸۷۷م)
ریاضی‌دان آلمانی بود کـه نظریهٔ «هامیلتون» دانشمند انگلیسی رانه تنها درمورد فضای سه بعدی بلکه بفضای n بعدی‌تعمیم‌داد . اما بقدری روش‌نگارش او مشکل ونامفهوم بود که حتی«گائوس» نیز ازآن بیزارگردید .

گائوس: شارل فردریك Gauss. F (۱۷۷۷ـ۱۸۵۵ م)
فرزند باغبان‌فقیری از مردم‌آلمان بود ، سه‌سال‌داشت ، اشتباه محاسبهٔ پدر راگوشزد کرد‌ودرحساب‌ذهنی‌خارق‌العاده بود .
وارد مدرسهٔ شبانه‌روزی‌کارولین‌شد در ۱۷۹۵ وارد دانشگاه‌گوتینگن شد . وتجسسات‌خودرادربارهٔ حساب عالی‌آغاز کرد ودرنوزده سالگی قضیه‌ای راثابت کردکه‌اولر ولاگرانژموفق نشده‌بودند. منحنی زنگ مانند او یکی از عوامل اصلی و اساسی آمار است . در ۱۷۹۶ قضیهٔ بسیار مهمی‌درخصوص امکان‌شرایط ترسیم بعضی‌چندضلعی‌های‌منتظم رابدست آورد .
درسال۱۸۹۸دفتر یادداشت خودرا کـه محتوی ۱۴۶ اکتشاف بود منتشر کرد . کتاب «تجسسات حسابی»راوقتی که استاد دانشگـاه بود منتشر کرد . با تعیین مسیر عده‌ای ازسیاره‌ها در علم نجوم هم شرکت کرد . کتاب « تئوری حرکت‌اجسام‌آسمانی‌روی مقاطع‌مخروطی حول خورشید»رادرسال ۱۸۰۹ منتشر ساخت .
درسال ۱۸۱۱مسیر ستارهٔ‌دنباله‌دار عظیمی راکه‌ظاهر شده بود محاسبه‌کرد. درسال۱۸۳۳ یك‌تلگراف‌الکتریکی ساخت .
درکتابهای «تجسسات‌عمومی‌دربارهٔ سطوح‌منحنی»(درسال۱۸۲۷) و«تجسسات دربارهٔ مسائل مربوط به‌مساحی‌عالی»در سال ۱۸۴۳) به علم هندسه پرداخته و اشکال بی‌نهایت‌کوچك رابحث‌کرده‌است.

لاگرانژ، ژوزف لوئی Lagrange (۱۷۳۶ـ۱۸۱۳ م)
در «تورن» متولد شد او کـه از بزرگترین‌ریاضیدانان تمام ادوارتاریخ میباشد هنگام تولد بیش ازحد ضعیف و ناتوان بود وازیازده‌فرزند خانواده‌فقط اوزنده مانده بود .
او تا ۱۶ سالگی به ادبیات علاقهٔ شدید داشت ولی یکمرتبه روش خود را تغییر داد .
بقدری درروش جدید پیشرفت‌نمود که در۱۸ سالگی به‌معلمی‌مدرسهٔ‌توپخانهٔ تورن انتخاب شد . او باشوق وشعفی‌که درشاگردان‌خود بوجودآورده‌بودتوانست باکمك‌آنها یك‌محفل علمی بوجودآورد که در سال ۱۶۸۴ تقدیم بـه آکادمی پادشاهی علوم‌تورن‌گردید .
لاگرانژ در۱۹سالگی قدرت‌فکری خودرابااختراع «حساب تغییرات»آشکار نمود .
درسال ۱۷۶۴ بعلت انتشارمقاله‌ای دربارهٔ «میزانیهٔ ماه» باخـذ جائزه از طرف‌آکادمی علوم پاریس نایل‌گشت .
دوران افتخارو عظمت ریـاضیدان بزرگ‌ازهمین‌موقع‌آغازگشت‌ازبزرگترین شاهکارهای علمی او مکانیك تحلیلی را میتوان نام‌بردکه درسال ۱۷۸۸ انتشار یافت .

لفلر، میتاگ (۱۸۴۶ـ۱۹۲۷ م)
استاددانشگاه‌استکهلم‌واز ریاضی‌دانان بزرگ بودکه‌آخرین‌اکتشافات‌را درتئوری توابعی کـه دارای یك متغیر مختلط هستند انجام داد . می‌توان گفت که‌وی این توابع را وارد محیط‌بی‌غل‌و غش جبرکرد .

لوباچفسکی، نیکولاایوانویچ Lobatchevski
در کودکی پدر را از دست داد و مادرش ازاو نگهداری می‌کـرد در ۲۳ سالگی (۱۸۱۶) کرسی استادی بدست


کنت


گاساندی


گالوا


گائوس


لاگرانژ


لوباچفسکی

آورد . او در دانشگاه‌قازان تمام‌مدارج را از دانشجویی تا ریاست طی‌کرد هم‌او معلم‌ریاضیات ، نجوم‌وفیزیك‌ودرعین‌حال حافظ وکتابدارکتابخانهٔ دانشگاه‌بود در سال ۱۸۲۶ اولین کشف خود «در بارهٔ هندسهٔ‌غیراقلیدسی»رابه‌جامعهٔ‌ریاضیدانان وفیزیکدانان تقدیم‌کرد ولی موردتوجه واقع نشد .

کتابی بنام «اصول مقدماتی هندسه باروش جدیدبعلاوهٔ تئوری‌کاملی‌ازخطوط متوازی» به زبان روسی منتشر کـرد (۳۸ـ۱۸۳۶) و درسال ۱۸۴۰ خلاصهٔ آنرا بزبان آلمانی‌منتشرساخت،گائوس آنرا مطالعه‌کرد .

از اهمیت این طرح همان بس‌کـه گائوس جرأت افشای‌آنرا نداشت.

تردید لوباچفسکی دربارهٔ حقیقتی که بیست ویك قرن مـورد تصدیق همهٔ جهانیان بودیکی‌ازنتایج انقلابات‌سیاسی واجتماعی است‌که درآن وقت تمام‌اروپا راتحت‌تأثیرقرار داده‌بود . درواقع‌این دانشمند راه را برای ریمان بازکرد .

لویس کارول (۱۸۳۲ـ۱۸۹۳ م)

معلم ریاضیات اکسفورد بود برای کتابی‌که برای دختر یکی از دوستانش نوشته شهرت‌جهانی پیداکرده است. این کتاب«ماجراهای‌آلیس‌درسرزمین‌عجایب» نام دارد.که بتمام‌زبانهای زنده(منجمله فارسی) ترجمه شده وبین بچه‌هامحبوبیت زیاد دارد .

لی ، سوفوس (۱۸۴۲ـ۱۸۹۹ م)

دردانشگاه‌کریستانیاتحصیل کرد ، بکشورهای‌آلمان وفرانسه مسافرت‌نمود. وی بمنافع واقعی تئوری‌گروهها پی‌برد وآنرا درقلمروآنالیز بسطداد یعنی‌این تئوری بعدازآنکه‌کلید معادلات جبری و بعضی ازمسائل‌هندسی را بدست‌دادوسیلهٔ حل معادلات‌دیفرانسیل ومعادلات‌بامشتق جزئی‌گردید وهمین‌کلید برای مطالعه در هندسهٔ‌غیراقلیدسی‌مورداستفادهٔ‌دانشمندان دیگر قرارگرفت .

مارسن، مارن .Marsenne. M (۱۵۸۸ـ۱۶۴۸ م)

ازسلك‌کشیشان مینیم و ساکن‌شهر پاریس بود اورا بایدگرانبهاترین‌قاصد علمی جهان نامید ، این شخص اطلاعات لازم بدانشمندان میدادوبه‌ملاقات ایشان میرفت وهرهفته‌آنانرا درکلبهٔ خود جمع میکرد و وسیلهٔ تبادل افـکار را فراهم میساخت وحتی‌برای اینکه بتواند آثار علمای مزبور را منتشر کند چاپخانه‌ای تهیه‌کرد ومکالمات‌گالیله‌وتجربهٔ‌توریچلی را بمردم شناسانید وواسطهٔ مابین **دکارت** و **روبـروال** و **فرما** و **دزارگ** و **گاساندی** و **اوزوت** و **هونبر** ..... و دیگران شد وبمدد این‌اجتماعات‌کولبر توانست‌بعدهاآکادمی علوم‌را تأسیس‌کند.

ماکسول ،جیمزکلرك Maxwell. J.C (۱۸۳۱ـ۱۸۷۹ م)

در۱۳ نوامبر ۱۸۳۱درادیمبورگ متولد شدوازکودکی اعجوبه بودچنانکه درپانزده سالگی‌یکی ازاکتشافات‌ریاضی خود رابرای جامعهٔ پادشاهی‌موطن‌خویش ارسال داشت . «مـاکسول» باکتشافات استاد پیرخود علاقمندشد وباخودمیگفت: میدانیم‌که‌نورحاصل‌ارتعاشات‌اترمیباشد. اما مغناطیس ازچه تشکیل یافته است ؟ وبخود جواب میداد که بسیار ممکنست آنهم بصورت ارتعاشات اتر دیگری بنام (اثر نمرهٔدو) و منطبق بر اولی انتشار یابد . پس بایدسرعت‌ارتعاشات‌مغناطیسی را معین‌کنیم .

«ماکسول» برای اینکار معادلات بیشمار پی‌درپی یکدیگر نوشت و بالاخره باین نتیجه رسیدکه میزان‌سرعت‌مطلوب‌برابر است باحاصل تقسیم‌واحد بارالکتریکی که از قانون «کولون» بدست میآید هر واحدبارالکترومغناطیسی رانیز میتوان ازروی اکتشافات‌آمپر بدست‌آورد .پس باخودگفت :

«این دو واحد بادقت تمام بوسیلهٔ دونفر ازهمکاران‌آلمانی من «و.وبر» و «رودولف‌کوهلرائوش» حساب شده‌است. اوه ! چیزعجیبی است : در نتیجهٔ تقسیم عددی بدست میآیدکـه درست برابر با اندازهٔ سرعت نور است .»

آنگاه «ماکسول» بااطمینان وشور بسیار اظهار داشت‌که نتیجهٔ این‌محاسبه آن است‌که دوائر درواقع یکی‌میباشند یعنی تموجات نورانی وتموجات الکترو مغناطیسی درحقیقت چیز واحدی‌هستند.

در سال ۱۸۶۹ این نتیجهٔ بیمانند تأیید شد : نابغهٔ بزرگ ثابت کرد که نور چیزی‌جزترکیب تموجات‌الکتریکی وتموجات مغناطیسی نیست ودرواقع‌مثل جریان متناوبی است‌که دورهٔ آن بوضع عجیبی‌کوتاه میباشد . آنگاه در مقابل چشمان خیرهٔ فیزیك دانان‌که از اینهمه شجاعت مبهوت شده بودند چشم‌انداز با عظمت‌گامی ازامواج‌راگسترده ساخت‌که با تقلیل تدریجی طول مـوج از امواج الکتریکی شروع میشدوباامواج‌دون‌قرمز وسپس‌به‌تموجات نورانی مرئی و آنگاه بفوق بنفش و.... میرسید .

«ماکسول» چون دیگر دانشمندان مورد تمسخر مردم قرارگرفت خویشتن راکنارکشید ومدت پنجسال یکه‌وتنهادر مملکت خود اسکاتلند بتفکر پرداخت . بالاخره‌درسال ۱۸۷۳ بعدازانتشارکتاب بزرگ‌خودبنام«دورهٔ الکتریسیته‌ومغناطیس» کرسی تدریس فیزیك تجربی‌دودانشگاه بوی اعطاگردید . در۵ نوامبر ۱۸۷۹ درحالیکه‌فقط ۴۸ سال داشت وفات‌یافت وبرای‌آیندگان غیر از تئوری استادانهٔ نور ملاحظات‌مهمی دربارهٔ ترمودینامیك وساختمان‌گازها بمیراث‌گذاشت .

مونژ،گاسپارMonge(۱۷۴۶ـ۱۸۱۸م)

ریاضی‌دان شهیر فرانسوی در شهر کوچك لون‌بدنیاآمداوپسریك‌کاسب‌دوره گرد دستفروش بود و تا شانزده سالگی به تیزکردن چاقو وقیچی ولوازم دیگر اشتغال داشت . گاسپار نقشهٔ بزرگی از وطن خود ساخته‌بودکه مورد توجه‌دولت فرانسه قرارگرفت وآن‌رادرفرمانداری بدیوار نصب‌کردند ودر همین اثنا برای تحصیل فیزیك بدانشکدهٔ کشیشان شهر لیون فرستاده شد. مونژ مطالعات‌شخصی میکرد او به‌محاسبه واندازه‌گیری‌مفصل پـرداخت و توانست هندسهٔ ترسیمی را اختراع‌کند وی مردی بسیار شجاع و از یاران و دوستان نزدیك ناپلئون‌بناپارت بود ودرسال ۱۷۹۸ که ناپلئون به مصر حمله‌کرد وی او راهمراهی‌کرداما بعداز تبعید ناپلئون به‌سنت‌هلن مخترع هندسهٔ ترسیمی و ایجاد کنندهٔ اصلی مـدرسهٔ پلی‌تکنیك تمام عناوین خود را ازدست داد وازآکادمی فرانسه‌اخراج شدومورد تعقیب‌جانشینان‌ناپلئون‌قرارگرفت.مونژ درسن ۷۲ سالگی جان‌سپرد در حالیکه بااختراع هندسهٔ ترسیمی‌که بدون کمك آن ساختن ماشین‌های مـدرن و عمارات عظیم میسرنیست میراث بزرگی ازخود بجای‌گذاشت .

مینکوفسکی ، هرمان (۱۸۶۴ـ ۱۹۰۹م)

ریاضیدان‌بزرگ و مشهور لیتوانی



ماکسول



مونژ

بودکه هندسهٔ چهار بعدی را پدیدآورد برخلاف هندسهٔ اقلیدسی، نظریاتی ابراز کرد .

نسوی ، ابوالحسن

یکی ازعلمای بزرگ ریاضی که‌در حدود سال ۴۲۰ کتابی‌درعلم‌حساب‌بپارسی نوشته وجهان‌کتاب را بنام « المغنی‌فی الحساب‌الهندی» بزبان عربی درآورده‌و علاوه‌برآن‌کتب دیگری‌نیزدرعلم‌ریاضی بعربی‌نوشته‌است مانند«کتاب‌الاتباع» که ویدمن آنرابآلمانی ترجمه‌کرد .

نیکومه

ریاضیدان معروف که ۲۰۰ سال‌قبل ازمیلاد مسیح میزیست، برای حل‌مسألهٔ تثلیث زاویهٔ منحنی‌های کونکوئید را ابداع کرد.

وایرشتراس، شارل(۱۸۰۵–۱۸۹۷م)

درنزدیکی مونستر متولد شد، معلم گمنامی بود کــه بیشتر درسهای زمان خودراتدریس‌میکرد. چهارسال دردانشگاه بون تحصیل کرد. باخود اندیشید که‌چون میخواهم در توابع آبل که تعمیم توابع بیضوی است‌مطالعه کنم‌لذا لازمست‌توابع بیضوی را بدقت‌بشناسم امابرای شناسائی توابع بیضوی ابتدا تئوری‌عمومی توابع راموردتدقیق‌قرارداد، اینکارنکته‌به‌نکته انجام گرفت، بالاخره‌با زحمات توانست درمطلب عزیزوموردتوجه خودکه«آبل» بود مطالعه‌کند، تابجائی‌رسید که‌درمدرسهٔ پولی‌تکنیك برلن و در دانشگاه آنجا بتدریس پرداخت‌ورئیس بی‌منازع مکتب جدید آنالیزگردید.

ویت ، فرانسوا .Viete.F

فرانسواویت دراواخرقرن شانزدهم میزیست. دراوقات فراغت‌ریاضیات‌مطالعه میکرد وبه‌این فن علاقهٔ فراوان داشت. این‌شخص در سال ۱۵۴۰ متولد شد ودر «پوآتیه»تحصیل علم‌حقوق‌کرد. در همین اوقات روش معادلهٔ درجهٔ سوم ابداع شد واستادی‌ازاهل‌هایدلبرگ‌کتاب دیوفانت راترجمه کرد وخلاصهٔ علم جبرازجملهٔ مسائل روز بود . ویت با شور فــراوان بتعمق دراین علم مشغول شدگاهی سه‌روز متوالی بدون اینکه میز کار خود را ترك کند فعالیت میکرد. کتاب او بنام «مطالعات‌درهنرتحلیل» انتشاریافت ودر این‌کتاب برای‌علم‌جبر علامات اختصاری معین کرد. این ترقی بسیار مهم‌و قابل ملاحظه بود.

هالفن. Halphen_L(۱۸۴۴–۱۸۸۹م)

ابتداسروان‌توپخانه بودبعد در سال ۱۸۷۰ دانشیار مــدرسهٔ پولی‌تکنیك گردید ودرعلم هندسه لیاقت‌خودرا ثابت کرد وتوانست‌باتفاق ریاضی‌دان آلمانی «نوتر» باارزش متساوی جایزهٔ آکادمی برلن رادر مورد منحنیات فضائی بدست آورد. وبعضویت آکادمی پاریس انتخاب گردید.

هامیلتون، ویلیام رووان. Hamilton (۱۸۰۵–۱۸۶۵م)

در شهر دوبلن متولد شد، در پنج سالگی زبانهای لاتن وعبری رامیخواند ودرده‌سالگی بزبانهای‌عربی‌وسانسکریت تکلم میکرد و شروع به آموختن زبان چینی کرده بود ودرچهارده‌سالگی‌برای سفیر ایران‌خطابهٔ‌خوشامدی بزبان‌فارسی تهیه‌کرد. درهفده‌سالگی درجریان‌ترقیات آنالیز قرار گرفت. دردانشگاه چنان لیاقتی ازخود نشان داد که قبل‌از اخذ لیسانس دربیست‌ودو سالگی بسمت‌استاد نجوم معین گردید.

هنگامیکه در زادگاه خود تدریس میکرد این سؤال را نزد خویش مطرح کردکه چگونه‌میتوان‌ملاحظات«گائوس» راکه فقط درموردصفحه صحت داشته‌است در فضای سه‌بعدی تعمیم داد ؛شبی ازماه اکتبر ۱۸۴۳ که‌با زن‌خودگردش‌میکرد مشاهدهٔ‌پل و طرز قرارگرفتن معبرآب، دستوری راکه طالب آن بود بوی الهام شد .

یك ماه پس ازآن اولین اکتشاف خود رادر بارهٔ«کوآترنیون» یعنی جبر فضائی‌که تعمیم جبر«گائوس» و«کوشی» میباشد بآکادمی سلطنتی ایرلاند تقدیم کرد .

تقدیر تئوری «هامیلتون» در قرن بعدبا صورت دیگری بعنوان مقدمه‌برای بیان تئوریهــای نسبی اینشتاین شهرت فراوان‌یافت.

هرمیت ، شارل.ch HERMITE (متولد– ۱۸۲۲)

اهل ایالت لورن بود، متجاوز از ۲۷سال‌درسوربون‌تدریس‌کرد. وی‌اولین کسی‌است که‌توابع بیضوی را برای‌حل معادلات درجهٔ پنجم بکار برد وکمی‌قبل از آنکه لیندمان اصم بودن عدد π را ثابت کند این‌موضوع‌رامورد عدد e ثابت کرد.

هویگنس Huygens (۱۶۲۹– ۱۶۹۵)

ریاضی‌دان‌ومنجم‌و فیزیکدان‌مشهور هلندی اولین بــار فرضیهٔ علمی مربوط باامواج‌نورو اساس فرضیهٔ پاندول مرکب را بیان‌و حلقهٔ نورانی‌دور سیارهٔ زحل را کشف‌کند.

هیپاتی Hypatie (۴۱۵–۳۷۰ م)

هیپاتی دختر تئون ریاضی‌دان اهل اسکندریه بود که‌در همین‌شهر بسال ۳۷۰ متولد شدوبتدریس‌ریاضیات‌مشغول گردید هیپاتی که زیبائیش همتای‌دانش‌وفصاحت اوبود شهرت بسیاربدست‌آوردومستمعین بسیاردرکلاسهای درس اوحاضر میشدند ومنظور بسیاری از ایشان فقط اطلاع‌از آثار دیوفانت و اقلیدس و آپولونیوس نبود. باوجودآنکه دراین‌زمان مسیحیت قدرت‌بسیارتحصیل‌کرده‌بودباهمهٔ تظاهراتی که اسقف اسکندریه بر علیه او میکرد هیپاتی همچنان بمذهب آباء و اجدادی وفادار مانده بود اما عیسویان بالاخره ازشهرت‌اوخشمگین شدندوروزی باهیاهو وبلوا از داخل ارابه بیرونش‌کشیدند و سنگسارکردند .

عده‌ای‌ازاستادان‌ومعلمین‌ریاضی دانشگاه

دکترمحمودآق‌اولی: دانشیار دانشکدهٔ علوم .
دکتر اسدالله آل‌بویه: استاددانشکده‌علوم.
دکتر احمد احسنی: دانشیار دانشکدهٔ علوم .
دکتر ابوالقاسم احمد وزیری : استاد دانشکدهٔ علوم .
دکترعلی‌افضلی‌پور: استاددانشکدهٔعلوم
خانم‌نسرین‌اقلیدس: دبیردانشکدهٔعلوم.
دکترحسن‌اکبرزاده : دانشیار دانشکدهٔ علوم .
آقای باقر امامی : معلم دستیار جبر دانشکدهٔفنی .
آقای نوروز ایزد دوستدار : دبیر دانشکدهٔ علوم .
دکتر منوچهر بهرامی: دبیر دانشکدهٔ علوم .
دکتر احمدبهفروز: استاددانشکدهٔعلوم.
آقای‌علی بهفروز: دبیردانشکدهٔعلوم.
دکترمحمدتعلیمی: استاددانشکدهٔعلوم.
دکترمحمدقلی جوانشیرخویی : استاد



ویت



هالفن



هرمیت



هویگنس

دانشکدهٔ علوم .
مهندس حمیدیه : معلم دستیار رسم در دانشکدهٔ فنی .
مهندس خلیل خویی: معلم دستیار عملیات نقشه برداری دانشکدهٔ فنی .
آقای حیدر دانشمند: معلم دستیار هندسه در دانشکدهٔ فنی .
دکتر عباس ریاضی : استاد دانشکدهٔ علوم و رئیس کتابخانه .
مهندس عبدالله ریاضی : استاد حساب عددی و ترسیمی دانشکدهٔ فنی .
دکتر احمدسادات عقیلی: استاد هندسهٔ تحلیلی و هواشناسی دانشکدهٔ فنی .
آقای ابوالقاسم شریفیان: دبیر دانشکدهٔ علوم .
آقای محمدهادی شفیعیها: معلم دستیار هندسهٔ دانشکدهٔ فنی .
آقای بیژن شمس. دبیر دانشکدهٔ علوم.
آقای پرویز شهریاری: دبیر حق‌التدریس دانشکدهٔ فنی و دانشسرایعالی .
دکتر جمال‌الدین عصار: استاد جبر و رئیس کتابخانهٔ دانشکدهٔ فنی .
مهندس حسین عطاری نژاد: معلم دستیار آنالیز در دانشکدهٔ فنی .
دکتر جلال‌الدین عقیلی کرمانی: دانشیار آنالیز دانشکدهٔ فنی ؛
آقای سعید غدیری: دبیر دانشکدهٔ علوم.
آقای حسین غیور: دبیر ریاضی دانشسرای عالی .
پروفسور تقی فاطمی: استاد دانشکدهٔ علوم.
آقای کیخسرو فرخ‌زاده: دبیر دانشکدهٔ علوم .
آقای محمدتقی فیاض: دبیر دانشکدهٔ علوم.
دکتر محمدعلی قینی: استاد دانشکدهٔ علوم.
دکتر مصطفی کامکار پارسی : استاد دانشکدهٔ علوم .
دکتر محمدعلی مجتهدی : استاد جبر دانشکدهٔ فنی .
دکتر غلامحسین مصاحب: استاد و رئیس بخش ریاضی دانشسرایعالی .
آقای میرمظفر معصومی: دبیر دانشکدهٔ علوم .
آقای محمدرضا نادر اصفهانی : دبیر دانشکدهٔ علوم ،
مهندس علی نوربخش: معلم دستیار، رسم ــ شهرسازی در دانشکدهٔ فنی .
دکتر علینقی وحدتی: استاد دانشکدهٔ علوم.
دکتر محسن هشترودی: استاد دانشکدهٔ علوم .
دکتر تقی هورفر : استاد دانشکدهٔ علوم.

فیزیك
و
مکانیك

پیش از ارسطو بیشتر به فیزیك اهمیت میدادند ولی قسمتی از این تحقیقات دربارهٔ نجوم صورت میگرفت ، نجوم پیوسته با فیزیك آمیخته بود. مزیت بزرگ نجوم خالص وعلت اصلی ترقی قدیم آن دراین بود که لااقل بعضی از مسائل آن معین ومحدود بود و بآسانی امکان داشت که آنها را ازمسائل فیزیك جدا کنند. مانند این مسئله که چگونه باید بی‌نظمیهای منظم حرکت سیارات توجیه کرد ، یا شکل زمین وسیارات و فواصل وبزرگی آنها چگونه است و نظایر اینها . نه‌تنها طرح وبیان این‌مسائل امکان داشت بلکه درمقابل آنها جوابهایی نیزداده میشد که بعضی ازآنها لااقل بصورت اجمالی و با تقریب کافی بنظر میرسید .

جهان بدوقسمت منقسم میشد.جهان تحت فلك قمر و مابقی جهان . مسائل فیزیکی بیشتر مربوط بجهان زیر ماه بود ومسائل نجومی بماه و آنطرف ماه فیزیك ارسطو یا بطور صحیح‌تر فیزیك مشائی را درجند کتاب مانند : «فیزیك» و«آثارجوی» و «مکانیك» و «آسمان» و «کون و فساد» و حتی «مابعد الطبیعه» میتوان یافت .



صنعت و مکانیك در گذشته

انسان باستانی برای زیستن وسبکتر ساختن زندگی وبارآن ناچار بوده مسائل متعدد فنی و صنعتی را مورد توجه قرار داده وحل کند .

آتش افروختن را اختراع کند و آتش را در آزمایشهای مختلف بکار اندازد . نه‌تنها مرد کشاورز ، بلکه مرد بیابانگردبا افزارهای فراوانی برای دیدن وبریدن وپوست کندن وکوبیدن و نرم کردن ودست گرفتن وپیوستن ، نیاز داشته است . هرافزار به‌تنهائی اختراعی بشمار می‌رود وراه را برای اختراعات دیگر باز میکند . در آن زمان دور ، زمینه برای اختراعاتی فراهم بود که هریك یك کلید اختراعات دیگر بشمار می‌رفته ومسائل بیشماری رافراهم می‌آورده که هریك پیش آهنگ امکانات آینده بوده است . مثلاً یك مسئلهٔ کلی درپیش بوده که چگونه نقشهٔ دسته ودستگیرهٔ افزاری طرح‌شودوچگونه آنرا به افزارمخصوص پیونددهند . به‌این‌سؤال جوابهای متعدد داده شده و یکی ازماهرانه‌ترین آنها راه



دکتر هشترودی

حلی است که اسکیموها و هندیان شمال آمریکا به آن رسیده‌اند و دستهٔ افزار را با تسمه و رشته‌های خام و پوست تازهٔ حیوان بیکدیگر پیوند می‌دهند، چون پوست خشك شود طولش تقریباً نصف می‌گردد و دسته را محکم به‌افزار می‌چسباند و از هیچ راه دیگر اتصالی بـه این استواری بدست نمی‌آید.

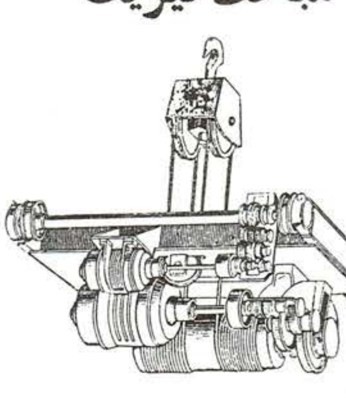
درآن زمان در گوشه‌ای از جهان ناچار مرد کوزه‌گری وجود داشته است، ولی برای پیشرفت فن کوزه‌گری، ناچار باید هزاران نفر آگاهانه و یا ناآگاه با یکدیگر همکاری کرده باشند. **آیا برای بلندکردن بارهای سنگین وجابجاکردن این بارها درمسافتهای دور ودرازچه وسیله‌ای بکار رفته است؟**

برای این‌کار مرد هوشمندی بوده و اهرام وقرقرهٔ ساده را اختراع کرده و غلطك را بکارانداخته ودرزمانهای بعدتر چرخ ارابه را ساخته‌اند.

کوزه‌گر هوشیار وزیرکی در زمان دیگر این‌چرخ‌را به دستگاه خود پیوست وفن‌کوزه‌گری را به درجهٔ کمال‌رسانید. افزارهای باستانی رابا سنگ واستخوان می‌ساختند وروزی که درپایان کار به‌ارزش علمی فلزات پی‌بردند آنهارا بایکدیگر آمیختند وبه‌این ترتیب صنعت فلزکاری واستخراج معادن‌پیدا شد. دربارهٔ‌هریك از جمله‌های این‌بندمی‌توان رسالهٔ‌خاصی نوشت.

تاریخ‌علم: ترجمهٔ احمدآرام

مباحث فیزیك



سینماتیك

قسمتی از مکانیك که از تغییر مکان اجسام‌برحسب‌زمان، بدون‌اینکه‌متعرض علت حرکت باشد، بحث می‌کند.

حرکت مستقیم‌الخط یکنواخت:

معادله حرکت مستقیم‌الخط یکنواخت:

$$X = vt + x_0$$

درمعادلهٔ فوق V عبارت از سرعت است‌که در حرکت یکنواخت مقداری ثابت‌میباشد. و x_0 مسافت پیموده شدهٔ اولیه می‌باشد.

اگر $x_0 = 0$ باشد معادله حرکت مستقیم‌الخط یکنواخت بـه این صورت می‌شود.

$$x = vt$$

سرعت متوسط:

$$V_m = \frac{x}{t}$$

سرعت‌لحظه‌ای، مشتق‌مسافت‌نسبت به زمان است:

$$V = x' = f'(t)$$

درحرکت‌مستقیم‌الخط‌شتاب‌لحظه‌ای مشتق سرعت نسبت به زمان یامشتق دوم مسافت نسبت به زمان می‌باشد:

$$\gamma = \frac{d^2x}{d^2t}$$

معادلهٔ‌حرکت‌متشابه‌التغییر تندشونده $\gamma > 0$ است.

$$X = \frac{1}{2}\gamma t^2 + v_0 t + x_0$$

معادلهٔ سرعت:

$$V = \gamma t + v_0$$

رابطهٔ سرعت ومسافت:

$$V^2 - V_0^2 = 2\gamma(x - x_0)$$

در فرمولهای فوق γ شتاب حرکت و V_0 سرعت متحرك درمبدأ زمان است. هنگامی‌کـه $V_0 = 0$ باشد معادلات‌فوق بصورت زیر خواهد بود:

۱ـ معادلهٔ‌حرکت: $X = \frac{1}{2}\gamma t^2$

معادلهٔ سرعت: $V = \gamma t$

۳ـ رابطهٔ‌سرعت وشتاب $V = \sqrt{2\gamma x}$

حرکت متشابه التغییر کندشونـده $\gamma < 0$ است.

معادلهٔ حرکت:

$$X = -\frac{1}{2}\gamma t^2 + V_0 t$$

معادلهٔ سرعت: $V = -\gamma t + V_0$

رابطهٔ سرعت و شتاب.

$$V^2 - V_0^2 = -2\gamma x$$

بعدازاین مدت متوقف‌می‌شود:

$$t = \frac{V_0}{\gamma}$$

مسافت طی‌شده تاوقت توقف:

$$x = \frac{V_0^2}{2\gamma}$$

سقوط‌آزاد

قانون I ـ حرکت‌سقوط‌آزاداجسام، درامتداد قائم می‌باشد.

قانون II ـ حرکت‌سقوط‌آزاداجسام بستگی باجنس وجرم جسم ندارد.

قانون III ـ حرکت سقوط آزاد اجسام، متشابه‌التغییر تندشونده‌می‌باشد.

معادلات حرکت وسرعت بقرارزیر است:

۱ ـ معادلهٔ حرکت: $x = \frac{1}{2}gt^2$

۲ ـ معادلهٔ سرعت: $V = gt$

۳ ـ رابطهٔ سرعت ومسافت:

$$V = \sqrt{2gx}$$

(g شتاب ثقل ومقدارآن در شهر پاریس مساوی $9/81\ m/s^2$ است.)

اگر سقوط‌باسرعت اولیه توأم‌باشد معادلات حرکت و سرعت بصورت زیر درمی‌آید:

۱ ـ معادلهٔ حرکت:

$$X = \frac{1}{2}gt^2 + V_0 t$$

۲ ـ معادلهٔ سرعت: $V = gt + V_0$

۳ ـ رابطهٔ سرعت ومسافت:

$$V^2 - V_0^2 = 2gt$$

اگرپرتاب جسم درامتداد قائم‌باشد درحقیقت جسم دارای حرکت متشابه‌ـ التغییرکند شونده‌است ومعادلات‌حرکت وسرعت‌آن بقرار زیر خواهد بود:

۱ ـ معادلهٔ حرکت:

$$x = -\frac{1}{2}gt^2 + V_0 t$$

۲ ـ معادلهٔ سرعت:

$$V = -gt + V_0$$

۳ ـ رابطهٔ سرعت ومسافت:

$$V^2 - V_0^2 = -2g\,x$$

زمان‌صعود: $t = \frac{V_0}{g}$

ارتفاع نقطهٔ اوج : $h=\frac{V_0^2}{2g}$



صوت

اگر سرعت صوت را به V ومسافتی که صوت می‌پیماید به X نمایش دهیم معادلهٔ انتشار صوت بصورت زیر خواهد بود:

$$x=vt$$

اگر فرکانس صوت N وزمان تناوب آن T باشد معادلهٔ حرکت ارتعاشی منبع صوت بصورت زیر خواهد بود :

$$x=a\sin\omega t$$

$$x=a\sin\frac{2\pi}{T}t$$

$$x=a\sin 2\pi Nt$$

سرعت انتشار صوت در گازها با جذر دو جمله‌ای انبساط، نسبت مستقیم دارد واگر سرعت صوت در گاز صفر درجه، V_0 باشد ، سرعت آن در گاز t' درجه خواهد بود :

$$V=V_0\sqrt{1+\alpha t}$$

اگر V سرعت صوت در گاز t درجه و V' سرعت در t' درجه باشد خواهیم داشت،

$$\frac{V}{V'}=\frac{\sqrt{1+\alpha t}}{\sqrt{1+\alpha t'}}$$

اگر سرعت صوت دو گاز ، هم دما، که ملکولهای آنها از تعداد مساوی اتم تشکیل شده V و V' چگالی آنها نسبت بهوا d و d' باشد داریم :

$$\frac{V}{V'}=\sqrt{\frac{d'}{d}}$$

برای دو گاز با درجه حرارتهای مختلف بشرط آنکه مولکول آنها از تعداد مساوی اتم تشکیل شده باشد داریم :

$$\frac{V}{V'}=\frac{\sqrt{1+\alpha t}}{\sqrt{1+\alpha t'}}\times\frac{\sqrt{d'}}{\sqrt{d}}$$

بطور کلی برای دو گاز مختلف خواهیم داشت،

$$\frac{V}{V'}=\sqrt{\frac{\gamma}{\gamma'}\times\frac{d'}{d}}\times\sqrt{\frac{1+\alpha t}{1+\alpha t'}}$$

در رابطهٔ بالا γ ضریب آتمیسیته گاز و t دمای گاز و $\alpha=\frac{1}{273}$ و d چگالی نسبی .

اگر سیرنی که دارای n سوراخ متساوی‌الفاصله است درهر ثانیه p دور بزند ارتفاع صوت حاصل از آن $N=n.p$ خواهد بود .

گام طبیعی یا گام زارلن :

$(Ut_1)=do_1$	re_1	fa_1	mi_1	sol_1	la_1	si_1	do_2
۱	$\frac{9}{8}$	$\frac{4}{3}$	$\frac{5}{4}$	$\frac{3}{2}$	$\frac{5}{3}$	$\frac{15}{8}$	۲

فواصل نتهای متوالی درگام طبیعی:

do_1، re' ، mi_1، fa_1، sol_1

$\frac{9}{8}$ $\frac{10}{9}$ $\frac{16}{15}$ $\frac{9}{8}$

La_1 si_1 do_2

$\frac{10}{9}$ $\frac{9}{8}$ $\frac{16}{15}$

پردهٔ بزرگ (Ton majeur):

فاصلهٔ $T=\frac{9}{8}$ راپردهٔ بزرگ گویند.

پردهٔ کوچك (ton mineur) :

فاصلهٔ $t=\frac{10}{9}$ راپردهٔ کوچك گویند .

نیم پردهٔ بزرگ (demi-ton-majeur)

فاصلهٔ $\frac{T}{2}$ را نیم پردهٔ بزرگ گویند.

تن ماژور باندازهٔ $\frac{9}{8}:\frac{10}{9}=\frac{81}{80}$ از تن مینور فاصله دارد .

کوما:

فاصلهٔ تن ماژور را از تن مینور کوما می‌گویند .

دیزکردن :

عدهٔ ارتعاشات هر نوترا در $\frac{25}{24}$ ضرب می‌کنند .

بمبل‌کردن :

ارتفاع هر نت را در $\frac{24}{25}$ ضرب می‌کنند .

آرمونیك

اصواتی که فرکانس آنها مضرب درستی ازصوت اصلی باشد .

تارهای مرتعش :

ارتفاع صوت حاصل از یك تار مرتعش بطول l که با نیروی F بین دو نقطه کشیده شده و جرم واحد طول آن μ می‌باشد چنین خواهد بود :

$$N_K=\frac{K}{2l}\sqrt{\frac{F}{\mu}}$$

در این فرمول K نمایندهٔ تعداد بطن و نیز شمارهٔ آرمونیك و همچنین شمارهٔ صوت است و برای مقایسهٔ صوت حاصل ازدوتارمرتعش را میتوان نوشت :

$$\frac{N}{N'}=\frac{K}{K'}\times\frac{l'}{l}\sqrt{\frac{F}{F'}}\times\sqrt{\frac{\mu'}{\mu}}$$

درصورتیکه قطر تار D وجرم مخصوص آن d باشد μ ازفرمول زیر بدست می‌آید :

$$\mu=\pi\frac{D^2}{4}d$$

فرکانس صوت اصلی تار مرتعش $(K=1)$ عبارت است از :

$$N_1=\frac{1}{2l}\sqrt{\frac{F}{\mu}}$$

سرعت انتشار ارتعاشات عرضی در تار، ازفرمول $V=\sqrt{\frac{F}{\mu}}$ محاسبه می‌شود .

لوله‌های صوتی :

اگر طول لولهٔ صوتی باز را به l وسرعت صوت درهوای داخلی آن را به V نمایش‌دهیم ، ارتفاع صوت حاصل از فرمول زیر بدست می‌آید . K نمایندهٔ تعداد گره‌هادرلوله‌ونیز شمارهٔ آرمونیك وهمچنین شمارهٔ صوت است :

$$N_K=\frac{KV}{2l}$$

برای صوت اصلی لولهٔ باز $K=1$

$$N_1=\frac{V}{2l}$$ می‌باشد .

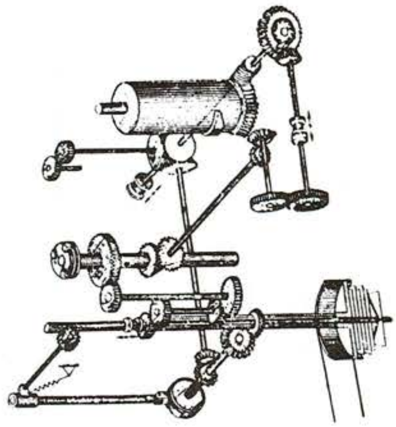
ارتفاع صوت K ام لولهٔ بسته از فرمول زیر بدست می‌آید :

$$N_K=(2K-1)\frac{V}{4l}$$

وصوت اصلی آن چنین خواهد بود .

$$N_1 = \frac{V}{4l}$$

در این فرمول (۲K—۱) شمارهٔ آرمونیك و K شمارهٔ ترتیب صوت حاصل ازلوله وبعبارت دیگر K نمایندهٔ تعداد گره‌ها است . مثلاً برای دومین صوت حاصل از لولهٔ بسته ۲=K است ولی چون ۲K—۱ برابر ۳ می‌شود. بنابراین صوت دوم لولهٔ بسته آرمونیك سوم صوت اصلی است .



دینامیك

اصل ماند : هرگاه نقطهٔ مادی تحت تأثیر هیچ نیروئی واقع نشود ، اگر ساکن است همواره ساکن می‌ماند واگر درحال حرکت است ، حرکتش مستقیما لخط و یکنواخت خواهد بود .

اصل نیروی ثابت : هرگاه نقطهٔ مادی ساکن تحت تأثیر نیروی ثابتی از حیث راستا ، ومقدارواقع شود ، حرکتی خواهدداشت، مستقیم الخط ومتشابه التغییر تند شونده در امتداد نیرو .

اصل تناسب نیرو باشتاب : (اصل اساسی دینامیك) ؛

درهر لحظه شتاب متناسب با نیرو و همسو با آن است :

شتاب × جرم = نیروی مؤثر

$$\vec{f} = m\vec{\gamma}$$

اصل ترکیب چند نیرو : هرگاه نقطهٔ مادی تحت تأثیر چندنیرو قرارگیرد، شتاب حاصل درجسم ، برآیند شتابهائی است که هریك ازنیروها به تنهائی درجسم ایجاد می‌نماید :

$$\vec{\gamma} = \vec{\gamma_1} + \vec{\gamma_2} + \dots$$

اصل تساوی عمل و عکس‌العمل :

هنگامیکه جسمی برجسم دیگر نیروواردمی‌کند ، این اثر همواره متقابل است.

شتاب اتومبیل درجادهٔ افقی :

$$F - R = M\gamma$$

دراین رابطه R نیروی اصطکاك است.

رابطهٔ وزن‌وجرم : $P = mg$

نیرو درسطح شیب‌دار : $F = P\sin\alpha$

شتاب درسطح شیب‌دار : $\gamma = g\sin\alpha$

اگر اتومبیلی درروی سطح شیبدار ازبالا به پایین حرکت نماید، $p\sin\alpha$ یك نیروی مفید محسوب می‌گردد و با نیروی اتومبیل جمع می‌شود .

$$(F\ (+p\sin\alpha) - R = \frac{p}{g}\gamma$$

اگر اتومبیلی برروی سطح شیبدار از پایین ببالا حرکت نماید نیروی $p\sin\alpha$ نیروئی مقاوم بحساب می‌آید:

$$F - (p\sin\alpha + R) = \frac{p}{g}\gamma$$

شتاب درماشین آتود :

$$\gamma = \frac{mg}{2M + m + m'}$$

m جرم هریك از دو وزنه ، m

m' جرم قرقره است .

نیروی کشش قسمتی از نخ درماشین آتود که شامل سربار می‌باشد :

$$T_1 = (M+m)(g-\gamma)$$

نیروی کشش نخ در سویی که شامل سربار نیست :

$$T_2 = M(g+\gamma)$$

هرجسم که در هوا قرارگرفته باشد دارای وزن ظاهری می‌باشد که مساوی است با وزن حقیقی آن در خلاء منهای نیروی ارشمیدس .

وزن ظاهر جسم :

$$p' = p - R = p(1 - \frac{a}{d})$$

شتاب ثقل درهوا :

$$\gamma = g(1 - \frac{a}{d})$$

a وزن مخصوص هوا و d وزن مخصوص جسم است .

مقاومت هوا :

مقاومت هوا با عوامل زیر بستگی دارد :

۱ ــ سطح بزرگترین مقطع عمودبر حرکت جسم (S) .

۲ ــ شکل جسم (اجسام آئرودینامیك مقاومت کمتری دارند) .

۳ ــ مجذور سرعت جسم (V^2).

۴ ــ مقاومت هوا با وزن مخصوص هوا و در نتیجه با دما و فشار هوا نیز بستگی دارد :

مقاومت هوا : $R = ksv^2$

سرعت حد : $V = \sqrt{\frac{p}{ks}}$

حرکت منحنی الخط

معادلهٔ حرکت : $S = f(t)$

درحرکت منحنی الخط سرعت لحظه‌ای مشتق مسافت برحسب زمان است .

$$V = \frac{ds}{dt} = f'(t)$$

شتاب مماسی: $\gamma = \frac{dv}{dt}$

شتاب قائم : $\gamma_h = \frac{v^2}{r}$

حرکت دورانی متشابه :

سرعت زاویه‌ای : $\omega = 2\pi N = \frac{2\pi}{t}$

معادلهٔ حرکت : $S = r\omega t$

سرعت خطی : $V = r\omega$

حرکت درپیچ جاده : $tg\alpha = \frac{v^2}{R}$

شتاب قائم : $\gamma = r\omega^2 \frac{v^2}{R}$

نیروی جاذب بمرکز : $f = m\omega^2 r$

نیروی گریز ازمرکز: $f = -m\omega^2 r$

حرکت ارتعاشی

زمان تناوب یا پریود (T) عبارت اززمانی است که متحرك در آن یك نوسان کامل انجام دهد .

تواتر یا فرکانس (N) عدهٔ نوسانهای کاملی است که متحرك در یك ثانیه انجام می‌دهد .

رابطه بین پریود و فرکانس : $N=\frac{1}{t}$

معادلهٔ حرکت نوسانی :
$X=a \sin(\omega t-\varphi)$

معادلهٔ سرعت : $V \sin a \cos(\omega t+\varphi)$

معادلهٔ شتاب: $\gamma=-a\omega^2\sin(\omega t+\varphi)$

رابطهٔ بعد با شتاب : $\gamma=-\omega^2 x$

نیرو: $f=-m\omega^2 x$

حرکت پرتابی (سهمی)

معادلهٔ حرکت روی محور افقی :
$X=v_0 t\cos\alpha$

معادلهٔ حرکت روی محور قائم:

$$Z=-\frac{1}{2}gt^2+v_0 t\sin\alpha$$

معادلهٔ مسیر:

$$Z=-\frac{gx^2}{2v_0^2\cos^2\alpha}+x\,tg\pi$$

برد گلوله : $X=\frac{v_0^2\sin 2\alpha}{g}$

اوج گلوله : $Z=\frac{v_0^2\sin^2\alpha}{2g}$

سرعت گلوله دریك نقطه ازمسیر:
$V=\mp\sqrt{v_0^2-2gz}$

نیرویی که اززمین برجسمی بجرم m وارد میشود برحسب فرمول نیوتون از آنجا شتاب ثقل زمین بدست می‌آید:

$$P=mag=k\frac{mM}{R^2}$$

$$g=k\frac{m}{R^2}$$

تغییرات g برحسب ارتفاع:

$$g_h=g_0(1-\frac{2h}{R})$$

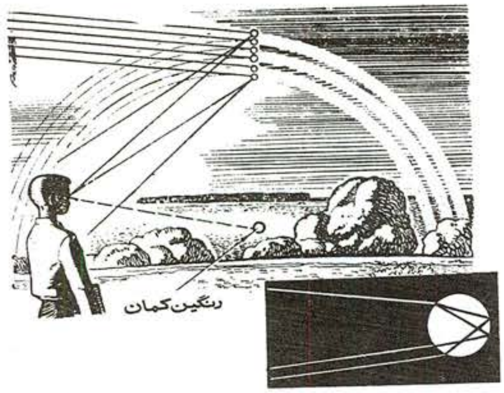
(gh شتاب ثقل در h متری زمین می‌باشد و R شعاع کرهٔ زمین می‌باشد) ،

نور

امواج نورانی :

اگر تواتر منبع نور N وزمان تناوب آن T باشد و طول موج نور را به λ نمایش دهیم خواهیم داشت :

$$N=\frac{1}{T}$$



$$\lambda=VT=\frac{V}{N}$$

اگر طول‌موج در هوا λ_0 درمحیط شفافی که سرعت انتشار امواج نورانی در آن v است λ باشد ، چون $\frac{v_0}{v}$ ضریب شکست مطلق محیط شفاف می‌باشد پس خواهیم داشت .

$$\frac{\lambda}{\lambda_0}=\frac{V_0}{v}$$

$$\frac{\lambda}{\lambda'}=n$$

و اگر ضریب شکست محیط شفافی n و ضریب شکست محیط شفاف دیگر n' باشد ، نسبت طول موج نور در این دومحیط چنین خواهد بود .

$$\frac{\lambda}{\lambda'}=\frac{n'}{n}=\frac{V}{v'}$$

در آزمایش یونگ اگر فاصلهٔ دو شکاف a بوده و نوارهای تداخلی روی پرده‌ای بفاصلهٔ D ازشکافها تشکیل شود وفاصلهٔ نوار روشن K ام ازنوارمرکزی x باشد طول موج نوری که شکافها را روشن کرده از رابطهٔ زیر بدست می‌آید .

$$\lambda=\frac{ax}{KD}$$

اگر در مقابل یکی از شکافها تیغهٔ متوازی‌السطوح شفاف و نازکی بضخامت e و ضریب شکست n قرار دهیم نوار مرکزی به‌اندازهٔ x' تغییر مکان می‌دهد .

$$x'=\frac{D_e}{a}(n-1)$$

فرمول روشنائی $E=\frac{I}{d^2}$

I شدت نور برحسب شمع ، d فاصله برحسب متر و E روشنائی برحسب لوکس

آینه‌های کروی

فرمول آینهٔ مقعر $\frac{1}{p}+\frac{1}{p'}=\frac{1}{f}$

فرمول آینهٔ محدب $\frac{1}{p}-\frac{1}{p'}=\frac{1}{f}$

فرمول بزرگنمائی $\gamma=\frac{l}{o}=\frac{p'}{p}$

p فاصلهٔ جسم ازآینه ، p' فاصلهٔ تصویر ازآینه ، f فاصلهٔ کانونی آینه ، i طول تصویر و o طول جسم است .

فرمول نیوتن : $a\cdot a'=f'$

a فاصلهٔ جسم ازکانون آینه ، a' فاصلهٔ تصویر ازکانون آینه و f فاصلهٔ کانونی است .

شکست نور

فرمول دکارت $\frac{\sin i}{\cos r}=n$

i زاویهٔ تابش‌است ، R زاویه‌ایست که نور تحت آن زاویه‌وارد جسم شفاف میشود و n ضریب شکست محیط میباشد.

زاویهٔ حد : $\sin\gamma=\frac{1}{n}$

فاصلهٔ تصویر ازدیوپتر : $P'=\frac{p}{n}$

فاصلهٔ جسم و تصویر در تیغهٔ متوازی‌السطوح:

$$d=e(1-\frac{1}{n})$$

e در فرمول اخیر ضخامت تیغهٔ متوازی‌السطوح میباشد .

فرمولهای منشور :

چهار فرمول اصلی منشور.

$1 - \sin i = n \sin r$

$2 - \sin i' = n \sin r'$

$3 - A = r + r'$

$4 - D = i + i' - A$

A دراین فرمولها زاویهٔ رأس منشور وD زاویهٔ انحراف است .

در حالت مخصوص $D = A(n-1)$

درمینیموم انحراف :

$$n = \frac{\sin \frac{D+A}{2}}{\sin \frac{A}{2}}$$

عدسیها :

فرمول عدسیهای محدب

$$\frac{1}{p} + \frac{1}{p'} = \frac{1}{f}$$

فرمول عدسیهای مقعر

$$\frac{1}{p} - \frac{1}{p'} = \frac{1}{f}$$

فرمول بزرگ نمائی $\gamma = \frac{i}{o} = \frac{p'}{p}$

همگرائی(تقارب) :

فرمول همگرائی $C = \frac{1}{f}$

f برحسب متر وC برحسب دیوپتری میباشد .

قضیهٔ تقارب $c = c_1 + c_2 + \ldots\ldots$

فرمول فوق مربوط بعدسیهای نازک است که بهم چسبیده باشند .

ذره بین :

توان ذره بین :

$$P = \frac{1}{f}\left(1 + \frac{f-a}{D}\right)$$

a فاصلهٔ چشم از ذره بین وD فاصلهٔ چشم از تصویر است .

درشت نمائی ذره بین : $G = p \times d$

d حداقل رؤیت بیننده است و p توان ذره بین میباشد .

میکروسکوپ:

توان میکروسکوپ: $p = p_0 \times \gamma$

p_0 توان چشمی و γ بزرگنمائی عدسی شیئ است .

درشت نمائی $G = p \times \gamma \times d$

دوربین:

درشت نمائی $G = P \times F$

p توان چشمی و F فاصلهٔ کانونی عدسی شیئ است .

حالت مخصوص: $G = \frac{F}{f}$

حرارت

گرماسنج صدقسمتی :

بین نقطه جوش آب و یخ درحال آب شدن را به صدقسمت تقسیم کردند .

گرماسنج فارنهایت :

صفر آن ۳۲ درجه پائین تر ازصفر صدقسمتی ونقطه جوش آب بااین گرماسنج ۲۱۲ است وفاصله معادل صد قسمتی را به ۱۸۰ قسمت کرده‌اند .

گرماسنج رئومور :

صفر آن مساوی صفر صد قسمتی و نقطه‌جوش آب بااین میزان‌الحراره ۸۰ است .

رابطهٔ تبدیل درجات حرارت :

$$\frac{C}{100} = \frac{F-32}{180} = \frac{R}{80}$$

C سانتی گراد ، F فارنهایت، R رئومور میباشد .

انبساط جامدات:

انبساط طولی : $l = l_0(1+\lambda t)$

λ ضریب انبساط طولی یاخطی جسم، l طول جسم در t درجهٔ حرارت و l_0 طول جسم درصفر درجه است .

انبساط سطحی : $S = S_0(1+2\lambda t)$

2λ ضریب انبساط سطحی وS سطح جسم در t درجهٔ حرارت وS_0 سطح جسم درصفر درجه است .

انبساط حجمی : $V = V_0(1+3\lambda t)$

انبساط مایعات:

$V = V_0(1+At)$

A ضریب انبساط حقیقی مایع :

انبساط گازها :

افزایش حجم درفشار ثابت (فرمول اول گیلوساک) .

$V = V_0(1+\alpha t)$

α ضریب انبساط گازها درفشار ثابت و برابر با $\frac{1}{273}$ است .

افزایش فشار درحجم ثابت(فرمول دوم گیلوساک) .

$p = p_0(1+\beta t)$

β ضریب ازدیاد فشاردرحجم ثابت و برابر $\frac{1}{273}$ است .

رابطهٔ حجم و فشارگاز در حرارت ثابت (فرمول بوویل ـ ماریوت) اختلاط گازهادرحرارت ثابت (فرمول دالتون) .

$pV = p_1v_1 + p_2v_2 + \ldots\ldots$

فرمول کلی گازها :

$pV = p_0v_0(1+\alpha t)$

فرمول گازهای کامل: $pV = RT$

در فرمول فوق T درجهٔ حرارت مطلق وR مقداری ثابت است .

نقصان وزن مخصوص درفشارثابت .

$$D = \frac{D_0}{1+\alpha t}$$

فرمول وزن گاز :

$$m = \frac{H}{76} \times \frac{V}{1+\alpha t} \times da_0$$

H فشار گاز V_0 حجم گاز ، d چگالی هوا و a_0 وزن مخصوص هوااست.

مقدارحرارت :

فرمول مقدار حرارت :

$Q = mc(t_2 - t_1)$

m جرم جسم، C گرمای ویژهٔ آن ، t_1 درجهٔ حرارت اولیه و t_2 درجهٔ حرارت ثانویه است .

فرمول گرمای ویژه بطریق کالوریمتری:

$$C = \frac{(M+A)(t_2-t_1)}{m(t_2-t_1)}$$

A ارزش آبی گرماسنج و t_2 درجهٔ حرارت تعادل مایع است .

ذوب:

فرمول گرمای ذوب :

$Q = mc(T - t_1) + MF$

T نقطهٔ ذوب وF گرمای نهان ذوب است .

تبخیر :

فرمول گرمای تبخیر :

$Q = mc'(T' - t_1) + mL$

T' نقطهٔ جوش و L گرمای نهان تبخیر است .

تبدیل حرارت بکار :

توان ماشین بخار :

$$P=۲N(p-p_۰)Sl$$

N شمارهٔ دورچرخ لنگر درثانیه، p فشار دیگ ، $p_۰$ فشار چگالنده، S سطح مقطع پیستون و l طول مسیر پیستون است .

راندمان :

بازده صنعتی: $R_i=\frac{W}{jQ}$

بازده نظری: $R_t=\frac{q_۱-q_۲}{q_۱}$

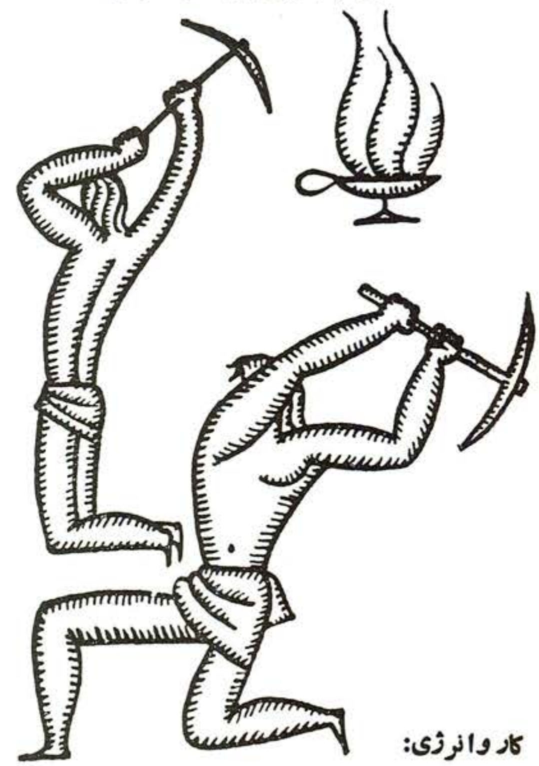
بازده نظری ماکزیموم: $R_m=\frac{T_۱-T_۲}{T_۱}$

$T_۱$ و $T_۲$ بترتیب درجهٔ حرارت مطلق منابع گرم وسرد میباشد .

تبدیل کار بگرما:

$$Q=\frac{W}{j}$$

j معادل مکانیکی کالری و برابر ۴/۱۸ ژول و W کار انجام شده است.



کار و انرژی:

فرمول کار . $W=F.L.\cos\alpha$

اگر راستای نیرو و تغییر مکان بر یکدیگر منطبق گردد ، فرمول کار بصورت زیر درمی‌آید :

$$W=F.L$$

انرژی جنبشی : $E_c=\frac{۱}{۲}MV^۲$

انرژی پتانسیل : $E_p=Mgh$

(M جرم جسم ، h ارتفاع جسم از سطح زمین و V سرعت آنست) .

آونگ :

رابطهٔ زمان تناوب دو آونگ با طولهای آنها متناسب است :

$$\frac{T}{T'}=\sqrt{\frac{L}{L'}}$$

رابطهٔ زمان تناوب آونگ‌های هم‌طول باشتاب ثقل آنها متناسب است :

$$\frac{T}{T'}=\sqrt{\frac{g'}{g}}$$

فرمول کلی آونگ :

$$T=۲\pi\sqrt{\frac{l}{g}}$$

فرمول کلی آونگ مرکب :

$$T=۲\pi\sqrt{\frac{i}{Mga}}$$

در فرمول فوق i گشتاور مانند (Momentd'Inertie) و M جرم آونگ مرکب و a فاصلهٔ نقطهٔ تعلیق از مرکز ثقل آنست.

فرمول روش انطباق (هنگامی که یك آونگ با آونگی که ثانیه را می‌زند) مقایسه شود :

$$T=\frac{۲t}{t\pm ۲k}$$

$$T=\frac{۲t'}{t'\pm ۲k}$$

قضیهٔ فرس ویو:

تغییرات انرژی جنبشی جسمی بین دولحظهٔ $t_۰$ و t برابر است باکارمنتجهٔ نیروهای وارد بر دستگاه درهمان فاصلهٔ زمان :

$$E_۲-E_۱=\frac{۱}{۲}MV^۲-\frac{۱}{۲}MV_۰^۲=W$$

چند فرمول مهم :

حرکت آسانسور :

۱ ـ آسانسور به‌طرف بالامی‌رود :

$$F=p(۱+\frac{۲}{g})$$

۲ ـ آسانسور به‌طرف پائین‌می‌رود:

$$F=p(۱-\frac{۲}{g})$$

در فرمول‌های فوق P وزن جسم داخل آسانسور و F نیروی آسانسور می‌باشد

کشش نخ :

۱ ـ فرمول کشش در حال سکون :

$$T=-Mg$$

۲ ـ کشش نخ درماشین آتود مربوط به‌قسمتی از نخ است که شامل سربار باشد :

$$T_۱=(M+m)(g-۲)$$

۳ ـ کشش نخ در طرفی که شامل سربار نیست .

$$T_۲=m(g+۲)$$

الکتریسیته

مقدار الکتریسیته $q=i\cdot t$

q برحسب کولون، i آمپر (شدت جریان) و t ثانیه (مدت عبور جریان) میباشد .

اثر شیمیائی جریان.

فرمول فاراده : $p=\frac{M}{N}\times\frac{It}{F}$

p وزن جسم آزاد شده درکاتد، M جرم اتمی آن ، n ظرفیت عنصر و F عدد فاراده میباشد .

اگر در فرمول فاراده P برحسب گرم و $q=it$ برحسب کولون بیان شده. F برابر با ۹۶۵۰۰ خواهد بود.

حجم گاز آزاد شده :

$$V=\frac{۱۱/۲}{N}\times\frac{it}{F}$$

در فرمول اخیر V برحسب لیتر و ۱۱/۲ حجم اتمی گاز میباشد .

اثر حرارتی جریان:

مقاومت سیم: $R=\rho\frac{l}{s}$

ρ ضریب مقاومت سیم ، R مقاومت سیم l طول آن و S سطح مقطع آن میباشد. در رابطهٔ فوق R و ρ برحسب اهم ، S برحسب سانتیمتر مربع است .

فرمول ژول : $Q=KRI^۲t$

Q مقدار گرما برحسب کالری ، R مقاومت برحسب اهم و K مقدار ثابت

$\frac{1}{4/18}$ است .

قوانین اهم:

۱ ـ درجریان متناوب یك مقاومت بدون خود القاء قرار دارد :

$$V_e=I_eR$$

V_e اختلاف پتانسیل مؤثر و I_e شدت مؤثر و R مقاومت است .

۲ ـ مدار دارای سلف Z ومقاومت حقیقی R است .

$$V_e=i_eZ$$

$$Z=\sqrt{R^2+L^2\omega^2}$$

شدت نسبت به اختلاف پتانسیل تأخیر فاز دارد .

$$\cos\varphi=\frac{R}{Z}$$

$$tg\varphi=\frac{L\omega}{R}$$

مدار دارای خازنی بظرفیت C و مقاومت حقیقی R باشد .

$$V_e=I_eZ$$

$$Z=\sqrt{R^2+\frac{1}{c^2\omega^2}}$$

وشدت نسبت بـه اختلاف پتانسیل تقدم فاز دارد .

$$\cos\varphi=\frac{R}{Z}\quad tg\varphi=\frac{-1}{Rc\omega}$$

اگر مقاومت R وخازن C و خود القاء L ، بطورمتوالی درمدار باشندفرمول اهم بصورت زیر درمی‌آید :

$$V_e=I_eZ$$

$$Z=\sqrt{R^2+(L\omega-\frac{1}{c\omega})^2}$$

اختلاف فـازبین شدت جـریان و اختلاف پتانسیل چنین خواهد بود.

$$\cos\varphi=\frac{R}{Z}\quad tg\varphi=\frac{L\omega-\frac{1}{c\omega}}{R}$$

درصورتیکه $L\omega-\frac{1}{c\omega}=0$ یا $Lc\omega^2=1$ باشد مداردرحال تشدید و شدت جریان ماکزیموم است وزمان تناوب جریان دراین حالت از رابطهٔ تومسون $T=2\pi\sqrt{Lc}$ بدست می‌آید .

توان الکتریکی مداری که شدت مؤثر آن I_e اختلاف پتانسیل مؤثر آن V_e باشد از رابطهٔ زیر بدست می‌آید :

$$p=KV_eI_e$$

که K در آن $K=\cos\varphi=\frac{R}{Z}$ ضریب توان است .

انرژی و توان الکتریکی :

توان یك مولد $P=EI$

توان حرارتی یك مقاومت $P=RI^2$

توان یك گیرندهٔ مکانیکی یا شیمیائی :

$$P'=ei$$

توان کل گیرنده: $P=ei+r'i^2$

انرژی : $W=p\times t$

واحد p وات و واحـد W ژول میباشد .

قوانین کیرشف :

۱ ـ درهر نقطه ازمدار ، مجموع جبری جریانها صفر میباشد :

$$\Sigma I=0$$

۲ ـ در هر نقطه مدار مسدود که نیروی محرکه وضد محرکه وجودنداشته باشد مجموع جبری حاصلضرب ΣIRها مساوی صفر خواهد شد :

$$\Sigma IR=0$$

$$\Sigma E=\Sigma IR$$

در فرمول فوق ΣE مجموع جبری نیروهای محرکه و ضد محرکهٔ مدار و ΣIR مجموع جبری شدتها درمقاومتهای مربوط بخود میباشند .

مقاومت معادل :

فرمول مقاومتهای متوالی :

$$R=R_1+R_2+R_3+\dots\dots$$

فرمول مقاومتهای موازی :

$$\frac{1}{R}=\frac{1}{R_1}+\frac{1}{R_2}+\frac{1}{R_3}\dots\dots$$

اتصال مولدها :

اتصال متوالی :

$$i=\frac{nE}{R+nr}$$

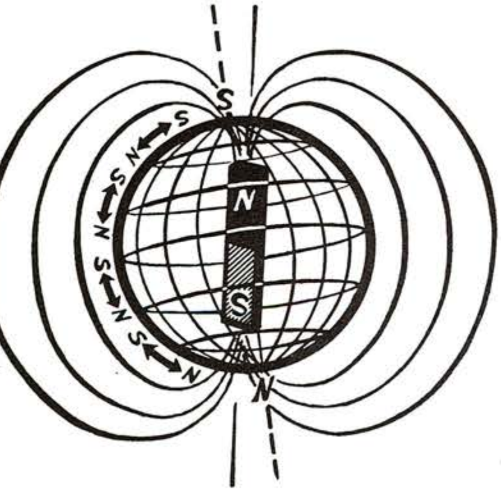
اتصال موازی :

$$i=\frac{E}{R+\frac{r}{p}}$$

اتصال مختلط :

$$I=\frac{nE}{R+\frac{nr}{p}}$$

در فرمولهای فوق i شدت جریان، R مقاومت خارجی ، r مقاومت درونی هر مولد و n تعدادمولدهائی است که در هردسته وجود دارد p تعداد دسته‌هارا می‌نمایاند .



مغناطیس

خاصیت جسمی بنام اکسیدمغناطیسی آهن (Fe_3O_4) است که به بعضی ازفلزات نیروی جاذبه وارد میکند .

بوسیلهٔ جریان برق نیزمیتوان مغناطیس مصنوعی ایجاد کرد .

عاملی را که سبب مغناطیس شدن جسم میشود مغناطیسگر میگویند.

قانون کولون :

نیروی جاذبه ویا دافعهٔ دو آهنربا با جـرم مغناطیس آنها نسبت مستقیم و با مجذور فاصلهٔ آن نسبت معکوس دارد :

$$F=\pm\frac{mm'}{d^2}$$

m و m' جرمهای مغناطیسی و d فاصلهٔ بین آنها و F نیروی جاذبه یادافعه میباشد .

$$\vec{F}=m\vec{H}$$

شدت حوزهٔ مغناطیسی :

H شدت حوزهٔ مغناطیسی برحسب گوس ، m جرم مغناطیسی و F نیروی وارد برآنست . اگر در دستگاه CGS

نیرو برابر یك دین‌وجرم یك‌گرم‌باشد. $H=1$ اورستد است.

اثر مغناطیسی‌جریان :

اگر درمدار مستقیمی شدت‌جریان i وفاصلهٔ نقطه‌ای تا مدار d باشد شدت حوزه در این نقطه H است .

شدت حوزهٔ جریان مستقیم :

$$H=\frac{2\pi}{10}\times\frac{i}{d}$$

اگرحلقه‌دارای n پیچ‌باشد (بوبین) شدت حوزه در مرکزآن عبارت خواهد بود از :

$$H=\frac{2\pi}{10}\times\frac{n}{R}\times i$$

هرگاه‌سولونوئید طویلی را درنظر بگیریم ، درداخل‌آن حوزه متشابه‌بوده ودر امتدادمحور سولونوئید قرار گرفته باشد وشدت‌آن معادل H است :

$$H=\frac{4\pi}{10}\times\frac{Ni}{l}$$

در فرمول فوق i شدت جریان ، l طول استوانه وn عدهٔ پیچهای‌سولونوئید است .

شدت حوزهٔ در داخل سولونوئید مساوی خواهد بود با :

$$H=\frac{4\pi Ni}{10}$$

فرمول لاپلاس:

$$F=\frac{1}{10}i\times l\cdot H\sin\alpha$$

H شدت حوزهٔ مغناطیسی ، l طول مفید سیم و α زاویهٔ بین امتداد حوزهٔ مغناطیسی وشدت جریان است .

فرمول‌گالوانومتر: $\alpha=G\times i$

در فرمول فوق i شدت جریان G مقدار ثابت گالوانومتر و α زاویهٔ انحراف است .

گالوانومترمهارشده :

$$i=i_1(1+\frac{g}{S})$$

g مقاومت‌گالوانومتر وS مقاومت مهار است .

جریان‌القائی:

هرگاه‌حلقه‌ای به وسعتS سانتیمتر مربع‌درمیدان‌مغناطیسی یکنواخت‌بشدت $\vec{H}$ قرارگیردبرحسب تعریف، کمیتφ را شاریافلوی مغناطیسی از این سطح مینامند (α زاویه‌ای است که میدان H با عمود براین سطح می‌سازد.)

$$\varphi=S\cdot H\cdot\cos\alpha$$

واحدφ ماکسول‌است .

نیروی‌محرکهٔ‌القایی : $E=10^{-8}\frac{\Delta\varphi}{\Delta t}$

نیروی محرکهٔ دینامو :

$$E=10^{-8}\times n\times N\times\varphi$$

در فرمولهای فوق N عدهٔ دورهای القاگیر در یك ثانیه وN عدهٔ سیمهای مؤثر وφ فلوی ماکزیموم‌است .

جریان متناوب:

جریان متناوب سینوسی جریانی است‌که تغییرات شدت آن تابع سینوسی از زمان باشد :

$$i=I_m\sin\omega t$$

I_m شدت ماکزیموم‌جریان‌و $\omega=2\pi N$ است‌که Nشدت مؤثریك جریان‌متناوب، شدت جریان پیوسته‌ای است‌که در مدتی معین‌دریك‌مقاومت‌همان‌مقدارگرما تولید کندکه جریان متناوب درهمان مدت در آن مقاومت تولید میکند .

$$I_e=\frac{i_m}{\sqrt{2}}$$

اختلاف سطح مؤثر :

$$V_e=\frac{V_m}{\sqrt{2}}$$

نیروی محرکهٔ مؤثر :

$$E_e=\frac{E_m}{\sqrt{2}}$$

نیروی محرکهٔ‌خود القا:

$$e=-L\frac{di}{dt}$$

L ضریب خود القای مدار (سلف) وواحدآن هانری میباشد .

خازن

ظرفیت خازن با سطح مشترك دو جوشن (S) متناسب است .

ظرفیت خازن باضخامت عایق (e) نسبت معکوس دارد .

ظرفیت‌خازن‌باجنس‌هادی‌بستگی‌ندارد ولی به جنس عایق بستگی دارد .(K).

$$C=\frac{K}{9\times10^{11}}\times\frac{S}{4\pi e}$$

مقدارالکتریسیتهٔ خازن : $q=c\cdot v$

(درفرمولهای فوق c ظرفیت‌خازن وواحدآن فاراده می‌باشد) .

انرژی ذخیره شده درخازن .

$$W=\frac{1}{2}q\cdot v=\frac{1}{2}c\,v^2=\frac{q^2}{c}$$

در رابطهٔ بالا W برحسب‌ژول‌است.

اتصال خازنها :

اتصال متوالی خازنها :

$$\frac{1}{c}=\frac{1}{c_1}+\frac{1}{c_2}+\cdots\cdots$$

اتصال موازی خازنها :

$$c=c_1+c_2+\cdots\cdots$$

مقاومت ظاهری :

۱ ـ مقاومت‌ظاهری‌درمدارمشتمل برمقاومت وخودالقاء عبارتست‌از:

$$Z=\sqrt{R^2+L^2\omega^2}$$

۲ ـ مقاومت‌ظاهری درمدارمشتمل برمقاومت وظرفیت :

$$Z=\sqrt{R^2-\frac{1}{c^2\omega^2}}$$

۳ ـ مدار مشتمل بر مقاومت و ظرفیت وخود القاء:

$$Z=\sqrt{R^2+(L\omega-\frac{1}{c\omega})^2}$$

درهنگام تشدید : $L\omega-\frac{1}{c\omega}=0$

پریود مدار از فرمول زیر محاسبه میگردد :

$$T=2\pi\sqrt{Lc}$$

توان جریان‌متناوب :

توان ظاهری : $p'=V_e\cdot I_e$

توان حقیقی: $p=KV_eI_e$

واحدتوان‌حقیقی‌وات‌وتوان ظاهری ولت‌آمپر میباشد .

K در این دو فرمول برابر مقدار زیر است :

$$K=\cos\varphi=\frac{R}{Z}$$



ترانسفورماتوریامبدل:
فرکانس‌جریان‌ثانویه برابرفرکانس جریان مدار اولیه است .
اگر تعدادسیم پیچ‌های اولیهٔ مدار N_1 ومدار ثانویه N_2 باشداختلاف‌سطح دومدار به‌ترتیب V_1 و V_2 می‌شودکه باشدت مؤثرجریان دو مدار نسبت دارند .

$$\frac{V_2}{V_1}=\frac{N_2}{N_1}=\frac{I_1}{I_2}$$

راندمان‌مبدل :

$$V_1 I_1 C = V_2 I_2 \cos\varphi$$

c راندمان مبدل‌و $\cos\varphi$ ضریب قدرت مدار مصرف‌کننده است .

آلترناتور :
اگر القاکن $2p$ قطب داشته باشد ودر هر ثانیه n دور بزند تواترجریان عبارتست از :

$$N = n \times p$$

p تعداد قطبهای همنام (عدهٔ کل قطبها $2p$ است) و n تعداد دورهای القا کننده درثانیه است .
معادلهٔ نیروی‌محرکهٔ فازاول(مداراول):

$$E_1 = E_m \sin\omega t$$

معادلهٔ نیروی محرکه درفاز دیگر :

$$E_2 = E_m \sin\left(\omega t - \frac{2\pi}{3}\right)$$

نیروی محرکه درفاز سوم :

$$E_3 = E_m \sin\left(\omega t - \frac{4\pi}{3}\right)$$

مقدار مؤثر نیروی محرکهٔ آلترناتور :

$$Ee = \frac{Em}{\sqrt{2}} = \frac{10^{-8}}{\sqrt{2}}\varphi\pi n n' p$$

$$E_e = \frac{E_m}{\sqrt{2}} = \frac{10^{-8}}{\sqrt{2}}\varphi\pi n n' p$$

«الکتریسیته دکترمنجمی با روش کلیدعلوم»

اعداد ثابت
وزن مخصوص پاره‌ای ازعناصر

اتر $15^\circ C$	۰/۷۴
الکل $15^\circ C$	۰/۷۹
آلومینیوم‌خالص	۲/۷۰
آنتیموآن	۶/۶۲
پنبه	۱/۴۷–۱/۵۰
بنزین‌درحرارت $15^\circ C$	۰/۶۸–۰/۷۰
بتون	۱/۸۰–۲/۴۵
برنز	۷/۴۰–۸/۹۰
کره	۰/۸۴۳
سولولئید	۱/۳۸
یخ $5^\circ C$	۰/۸۸–۰/۹۲
آهن‌خالص	۷/۸۸
خاك‌خشك	۱/۶۰–۱/۹۰
فیبر	۱/۲۸
شیشه	۲/۴۵–۲/۷۲

←

شدت جریان مجازدر سیم‌های مسی با روپوش لاستیکی

(سیستم متریك)

سطح‌مقطع به میلیمتر مربع	درلوله		درهوا		سیم سربی	
	حداکثر به‌آمپر	اندازهٔ‌فیوز	حداکثر به‌آمپر	اندازهٔ‌فیوز	حداکثر به‌آمپر	اندازهٔ‌فیوز
۰/۷۵	—	—	۱۳	۱۰	۱۶	۱۰
۱	۱۲	۶	۱۶	۱۰	۲۰	۱۵
۱/۵	۱۶	۱۰	۲۰	۱۵	۲۵	۲۰
۲/۵	۲۱	۱۵	۲۷	۲۰	۳۴	۲۵
۴	۲۷	۲۰	۳۶	۲۵	۴۵	۳۵
۶	۳۵	۲۵	۴۷	۳۵	۵۷	۵۰
۱۰	۴۸	۳۵	۶۵	۵۰	۷۸	۶۰
۱۶	۶۵	۵۰	۸۷	۶۰	۱۰۴	۸۰
۲۵	۸۸	۶۰	۱۱۵	۸۰	۱۳۷	۱۰۰
۳۵	۱۱۰	۸۰	۱۴۳	۱۰۰	۱۶۸	۱۲۵
۵۰	۱۴۰	۱۰۰	۱۷۸	۱۲۵	۲۱۰	۱۶۰
۷۰	۱۷۵	۱۶۰	۲۲۰	۱۶۰	۲۶۰	۲۰۰
۹۵	۲۱۵	۲۰۰	۲۶۵	۲۰۰	۳۱۰	۲۲۵
۱۲۰	۲۵۵	۲۲۵	۳۱۰	۲۲۵	۳۶۵	۲۶۰
۱۵۰	۲۹۵	۲۶۰	۳۵۵	۲۶۰	۴۱۵	۳۰۰
۱۸۵	۳۴۰	۳۰۰	۴۰۵	۳۰۰	۴۷۵	۳۵۰
۲۴۰	۴۰۰	۳۵۰	۴۸۰	۳۵۰	۵۶۰	۴۳۰
۳۰۰	۴۷۰	۴۳۰	۵۵۵	۴۳۰	۶۴۵	۵۰۰
۴۰۰	۵۷۰	۵۰۰	—	—	۷۷۰	۶۰۰
۵۰۰	۶۶۰	۶۰۰	—	—	۸۸۰	۷۰۰

طلای خالص	۱۹/۳۳
گرافیت	۱/۹۰_۲/۳۰
لاستیك فشرده	۱/۱۵
چوب بلوط	۰/۶۶_۰/۸۳
چوب کاج	۰/۳۱_۰/۷۶
چوب پنبه	۰/۲۴
زغال چوب	۰/۲
کائوچو	۰/۹۲_۰/۹۶
چرم خشك	۰/۸۶
مرمر	۲/۵۲_۲/۸۵
برنج (فلز)	۸/۴۰_۸/۷۰
نیکل	۸/۳۵
پارافین	۰/۸۷_۰/۹۱
نفت	۰/۷۹_۰/۸۲
طلای سفید	۲۱/۱۵
چینی	۲/۳۰_۲/۵۰
جیوه	۱۳/۵۹
نقره	۱۰/۴۲_۱۰/۵۳
فولاد	۷/۸۵_۷/۸۷
زغال سنگ	۱/۲۰_۱/۵۰
سفال	۱/۸۰
آب خالص ۴°C	۱/۱۰۰
سیمان	۰/۸۲_۱/۹۵
روی	۶/۸۶
قلع	۷/۳۰_۷/۵۰

(سالنامهٔ دانشگاه)

وزن مخصوص گازها و بخارات در صفر درجهٔ حرارت و فشار ۷۶ سانتیمتر

ئیدرژن	۰/۰۶۹۲۷
اکسید کربن	۰/۹۹۷۳
ازت	۰/۹۷۴
اکسیژن	۱/۱۰۵۶
اسیدکلریدریك	۱/۲۶۱۲
گازکربنیك	۱/۵۲۹۱
بخار آب	۰/۶۲۳۳
گریزو	۰/۵۵۹
آمونیاك	۰/۵۹۲
استیلن	۰/۹۱
اتیلن	۰/۹۷۴
هوای خشك	۱
اسیدسولفوریك	۱/۱۷۵
گازسولفورو	۲/۲۵۰
اسیدفلوریدریك	۲/۳۷
کلر	۲/۴۲۳
سولفورکربن	۲/۶۴۴
بخاراتر	۲/۵۸۶
بخارگوگرد	۶/۶۱۷
بخارجیوه	۶/۹۴
بخارالکل	۱/۶۰۱

(سالنامهٔ دانشگاه)

نقطهٔ غلیان و میعان اجسام در فشار جو و شرایط معمولی

نام	نقطهٔ غلیان درجه	نقطهٔ میعان درجه
ئیدرژن	-۲۵۲/۵	-۲۵۹
اکسیژن	-۱۰۲/۵	-۲۲۷
ازت	-۱۹۳	-۲۱۰
اسیدکلریدریك	-۸۵	-۱۱۱
اسیدکربنیك	-۷۸	-۷۹
آمونیاك	-۳۸/۵	-۷۸
کلر	-۳۳/۴	-۱۰۲
اسیدسولفورو	-۱۰	-۷۳
سولفورکربن	۴۶/۲	-۱۱۳
کلرفرم	۶۱	-۶۴
الکل خالص	۷۸/۳	-۱۱۸
اسیدازتیك	۸۶	-۴۱/۳
آب	۱۰۰	۰
تربانتین	۱۵۶	-۱۰
نفتالین	۲۱۸	۸۰
فسفر	۲۹۹	۴۴
گلیسرین	۲۹۰/۴	-۱۹
پارافین	۳۰۰	۵۴
اسیدسولفوریك	۲۳۸	۱۰/۴۹
جیوه	۳۳۸	-۳۹
گوگرد	۴۴۴/۶	۱۱۳
قلع	۲۲۷۰	۲۳۱/۸

اصطلاحات فیزیك

اتم Atome

کوچکترین جزء یك عنصر که از لحاظ بار الکتریکی خنثی بوده و در ترکیبات شیمیائی وارد میشود.

اتم گرم Atome_gramme

وقتی که تودهٔ عنصری را بگرم بیان میکنند وزن اتمی عنصر مذکور نیز بیان شده است.

الکترون (نکاتون) Electron

یکی از ذرات بنیادی (اساسی) که کمترین بار الکتریکی منفی را داراست. جرم آن تقریباً برابر با $\frac{1}{1837}$ ام جرم اتم ئیدروژن است.

الکتریسیتهٔ ساکن Electrostatique

دانشی که در آن از پدیده‌های مربوطه بالکتریسیتهٔ در حال سکون صحبت میشود.

انرژی Energie

کار ذخیره شده در یك سیستم را انرژی می نامند که بصورتهای مختلف و قابل تبدیل بیکدیگر دیده میشود.

بار الکتریکی charge_Electrique

این اصطلاح مترادف با اصطلاح کمیت الکتریکی است.

بازده (راندمان) Rendment

نسبت آنچه که برای ما مفید واقع میشود به آنچه که اعمال میکنیم (که ممکن است انرژی، توان، کمیت الکتریکی و غیره باشد.)

برق Electrcité

یك خاصیت ذاتی و فیزیکی ماده است که تابع اصل بقای انرژی است و رل اساسی را در ساختمان اتمی ماده بازی میکند. برق بدوصورت مثبت ومنفی در طبیعت ساخته شده است.

بس آمد (فرکانس) Frequence

عکس زمان تناوب را بس آمد یا فرکانس گویند. (تعداد ارتعاشات در واحد زمان را بس آمد گویند).

پتانسیل یونیزاسیون

Ptentiel d'ionisation

اختلاف سطح لازم برای جدا کردن یك الکترون عادی از یك اتم یا ملکول ویا کمترین مقدار انرژی لازم جهت آنکه یونیزاسیون در اثر برخورد یك ملکول یا اتم خنثی انجام گیرد.

پدیدهٔ غیرتناوبی :

Phénoméne aperiodique

پدیده‌ای که بسمت یك حالت ثبات، بدون آنکه نوسان نماید، نزدیك میشود.

پروتون Proton

یکی از ذرات بنیادی که دارای کوچکترین مقدار بار الکتریکی مثبت بوده وجرم اتم ئیدرژن است.

جدول واحدها و مقایسهٔ آنها با یکدیگر

دستگاه ← / واحد ↓	C.G.S سانتیمتر گرم ثانیه علمی	M.K.S متر کیلوگرم‌جرم ثانیه علمی	M.K.S متر کیلوگرم وزن ثانیه صنعتی	M.T.S متر تن جرم ثانیه علمی	M.T.S متر تن‌وزن ثانیه صنعتی	F.P.S فوت پوندوزن‌صنعتی ثانیه‌دستگاه‌انگلیسی
طول	سانتیمتر	متر	متر	متر	متر	فوت
سطح	سانتیمترمربع	مترمربع	مترمربع	مترمربع	مترمربع	فوت مربع
حجم	سانتیمترمکعب	مترمکعب	مترمکعب	مترمکعب	متر مکعب	فوت مکعب
سرعت واحدطول برواحد وزن	سانتیمتر بر ثانیه	متر بر ثانیه	متر بر ثانیه	متر بر ثانیه	متر بر ثانیه	فوت بر ثانیه
شتاب واحدطول برمجذور واحدزمان	سانتیمتر بر مجذور ثانیه	متر بر مجذور ثانیه	متر بر مجذور ثانیه	متر بر مجذور ثانیه	متر بر مجذور ثانیه	فوت‌بر‌مجذور ثانیه
جرم	گرم جرم	کیلوگرم‌جرم	۹/۸ کیلوگرم جرم	تن‌جرم	۹/۸ تن‌جرم	اسلگ معادل ۳۲/۱۷ پوندجرم
نیرو واحدجرم‌درواحدشتاب	دین	نیوتن معادل ۱۰^۵ دین	کیلوگرم‌وزن	استن معادل ۱۰^۳ نیوتون	تن‌وزن	پوند
انرژی (کار) واحدطول‌درواحدنیرو	ارگ	ژول معادل ۱۰^۷ ارگ	کیلوگرم‌متر	کیلوژول معادل ۱۰^۳ ژول	تن‌متر‌معادل ۱۰^۳ کیلوگرم‌متر	پوندفوت
توان (قدرت) واحدکار برواحد زمان	ارگ‌بر‌ثانیه	وات	کیلوگرم‌متر بر ثانیه	کیلووات	تن‌متر بر ثانیه	پوندفوت‌در‌ثانیه
فشار واحدنیرو برواحدسطح	باری	پاسکال معادل ۱۰ باری	کیلوگرم بر مترمربع	پیز معادل ۱۰^۴ باری	تن‌بر‌متر مربع	پوندبرفوت‌مربع
جرم‌مخصوص واحدجرم‌بر واحدحجم	گرم‌بر سانتیمتر مکعب	کیلوگرم بر مترمکعب	۹/۸ کیلوگرم جرم‌برمترمکعب	تن‌برمترمکعب	۹/۸ تن‌بر مترمکعب	۳۲/۱۷ پوند برفوت‌مکعب
وزن‌مخصوص واحدنیرو برواحدحجم	دین‌بر سانتیمتر مکعب	نیوتن‌برمترمکعب معادل کیلوگرم‌وزن ۹/۸ مترمربع	کیلوگرم‌وزن برمترمکعب	استن‌برمترمکعب معادل‌بر ۹/۸ مترمکعب	تن‌وزن‌برمتر مکعب	پوند برفوت‌مکعب

ملاحظات

کیلوگرم وزن ۰/۴۵۳ = پوند وزن

پوند وزن ۲/۲۰۴ = کیلوگرم وزن

ژول ۹/۸ = یك کیلوگرم

کیلوگرم $\frac{۱}{۹/۸}$ = یك ژول

وات ۷۳۶ = $۷۵ Kgm/s$ = اسب بخار

$۹۸۰ cm/s^2 = ۳۲/۱۷ ft/s^2$

ژول ۴۱۸۰ = $۴۲۵ Kgm$ = کالری

کالری ۶۲۰ = اسب‌ساعت

کالری ۸۶۲ = کیلووات ساعت

تبصره : طبق رابطهٔ $F = m\gamma$ داریم

کیلوگرم‌وزن = کیلوگرم جرم $۹/۸ \times ۱ m/s^2$

$\frac{\text{کیلوگرم وزن}}{۹/۸ m/s^2}$ = کیلوگرم جرم

بنا بر این در دستگاه‌های صنعتی واحد جرم از رابطهٔ $m = \frac{P}{g}$ نتیجه میشود.

«ترجمه ازلاروس»

پولاریزاسیون محیط Polarisation d'un milieu
تغییر حالت فیزیکی یك محیط که بوسیلهٔ آن پدیده‌های حادث درمحیط بوسیلهٔ یك کمیت برداری نشان داده میشود.

پوزیترون (الکترون با بار مثبت) Positron
یکی ازذرات بنیادی با بار الکتریکی مساوی و مختلف‌العلامهٔ بار الکتریکی الکترون . جرم پوزیترون برابر جرم الکترون است.

تشدید Resonance
پدیده‌ای که در اثر تساوی زمان تناوب نوسان آزاد و نوسان‌زوری دریك‌دستگاه نوسانی ظاهر میشود.

تشعشع Radiation
انتشار انرژی یاذرات مادی.

تشعشع پولاریزه Radiation Polarisée
تشعشعی که نسبت به‌محور انتشار عدم تقارن خاصی دارد. (برای مثال : پلاریزاسیون سطحی، بیضوی ،وغیره....)

تناوب Alternance
نصف زمان‌تناوب یك‌پدیدهٔ متناوب را تناوب یا آلترنانس گویند.

جرم اتمی، وزن اتمی: (masse, poids) Atomique
نسبت تودهٔ یك اتم بر یك‌شانزدهم تودهٔ یك اتم‌اکسیژن.

جرم‌مادی Masse Materielle
حاصل‌تقسیم اندازهٔ‌حرکت برسرعت‌جسم را توده یا جرم جسم می نامند .

جرم‌ملکولی، وزن‌ملکولی: (Masse, Poids) Moleculaire
جرم ملکولی یا وزن ملکولی یك جسم عبارتست از نسبت تودهٔ‌یك ملکول بریك‌شانزدهم‌توده‌یاوزن‌یك‌اتم‌اکسیژن.

دوترون Dutèron
هستهٔ دوتریوم یائیدرژن سنگین که ازاجتماع‌یك‌پروتون‌ویك‌نوترون تشکیل شده است.

دیورجانس Divergence
یك‌کمیت عددی که معادل‌حدنسبت شارخروجی‌از یك‌سطح بسته به‌حجم‌داخل آن سطح‌است‌وقتی‌که ابعاد آن بی‌نهایت کوچك گردد .

زمان‌تناوب Periode
کوچکترین فاصلهٔ زمانی‌راکه بعد از آن‌یك‌پدیده‌باهمان‌مشخصات‌اولی‌تکرار میشود زمان تناوب میگویند.

سرعت‌انتشارموج
Vitesse de proapgation d'une onde
عبارتست‌ازفاصله‌ای‌که‌در‌آن‌موج‌در فاصلهٔ زمانی کوتاهی انتشار پیدا کرده تقسیم‌برمدت زمان لازم‌جهت‌همان تغییر مکان .

سرعت فاز: Vitesse de phase
سرعت ناظری‌که درجهت عمودبر سطح موج باچنان سرعت حرکت کندکه خصوصیات‌آن‌برای‌ناظرهمیشه‌ثابت‌بماند. بعبارت‌دیگرسرعت‌فازعبارتست ازحاصل تقسیم طول موج بر مدت زمان تناوب .

ضربان Battement
تغییر متناوب دامنهٔ نوسانی را که ازترکیب دو نوسان‌با فرکانسهای خیلی نزدیك بهم ایجاد شده ،ضربان یا باتمان میگویند.

طول‌موج Longueur d'onde
فاصلهٔ بین دو نقطهٔ متشابه‌و هم فاز (که از نظر حالت وجهت حرکت‌عرضی وجه متشابه دارند) ازموج متناوب،در جهت انتشار موج .

عدداتمی Numero Atomique
تعداد بارهای موجود در هستهٔ اتم، واین عدد ردیف عنصر را دردرجه‌بندی مندلیف نشان میدهد .

عددجرمی‌یك‌هسته (جرم اتمی)
Nombre de Masse d'un noyau
عبارتست‌ازمجموع‌پروتونهای‌موجود در هستهٔ اتم .

کار Travail
کمیت فیزیکی که ازنظر مقدار برابر است‌با حاصلضرب مسافتی که نقطهٔ اثر نیرو می پیماید در اندازهٔ نیرو .

کمیت‌عددی Grandeur scalaire
کمیتی که مطلقاً بوسیلهٔ عدد نشان داده‌میشودو نمایش‌چندهای‌یك‌واحداست.

مزون Méson
ذره‌ای که‌توده‌اش بین‌تودهٔ‌الکترون و هستهٔ‌اتمهاست ،این‌ذره‌درر‌آکتورهای هسته‌ای‌بمقدار زیاد ،بطور مستقیم‌بوجود میآید .

ملکول Molécule
منتها درجهٔ‌قابلیت تقسیم یك جسم خالص را ملکول گویند .

ملکول گرم Maolécule — gramme
تودهٔ یك جسم مادی که بر حسب گرم بیان شده‌است و همان عددیست‌که جهت بیان توده یا جرم ملکولی مورد استفاده قرار میگیرد .

موج : onde
تغییر حالت‌فیزیکی‌محیطی‌که‌بطریق اثر موضعی منتشر میشود .

موج‌تخت : Onde plane
موجی که کمیتهای فیزیکی به آن در روی سطحی که بر جهت انتشارموج عمود است ، یکسان باشد .

موج‌ساکن Onde stationnaire
حالتی‌ازلرز که‌درآن‌پدیدهٔ‌نوسانی تمام‌نقاط دارای یك تابع زمانی است، بااین تفاوت‌که عامل‌عددی دراین‌توابع ازیك نقطه به نقطهٔ دیگر فرق میکند .

موج طولی (موج‌متقاطع)
Onde longitudinale
موجی که بوسیلهٔ برداری موازی (عمودبر) باجهت‌انتشار مشخص‌میگردد.

میدان Champ
الف‍ـ ازنظرچونی‌ـ ناحیه‌ای ازفضا که در آن پدیدهٔ معینی رخ میدهد .
بـ از نظر یك کمیت برداری یا عددی که آثارظاهری میدان رامشخص میسازد .

میدان مارپیچی Champ Solenoidal
میدانی که در آن دیـورجانس (Divergence) صفراست .

میکرسکپ‌الکترونی :
Microscope Eleclronique
یکی از جدیدترین وقویترین‌انواع میکرسکوپها است . درشت نمائی این میکرسکوپ‌بسیارزیاداست‌واجسام درزیر آن تاصد هزار باربزرگ‌می‌شوند .طرز تابش نور در این میکرسکوپ به وضع مخصوصی‌است‌وطول‌موج‌اشعه‌ای‌که میدان میکرسکوپی‌راروشن‌می‌کندبسیار کم‌است. برای روشن‌کردن صحنهٔ میکرسکوپ‌از الکترونها که طول موج کوتاهی دارند استفاده می شود .

نوترون Neutron
یکی ازذرات بنیادی که از لحاظ بارالکتریکی خنثی‌بوده‌وجرم آن‌تقریباً برابر جرم پروتون می باشد .

نوسان آزاد Oscillation libre
منظوراز نوسان آزاد نوسانی‌است

که بی اثرهیچ نیروی‌خارجی دستگاهی نوسان نماید .

نوسان زوری Oscillation forcée

نوسانی که فرکانس آن مربوط به یك دستگاه مولد باشد .

نیروی مکانیکی Force mecánique

هرعامل فیزیکی که بتواند تغییری در حرکت، سکون و شکل‌اجسام بدهد.

والانس(هم‌ارز) Valence

تعداداتمهای ئیدرژن‌یاعناصر معادل آن که در یك ترکیب شیمیایی جابجا میشود .

هستهٔ‌اتمی Noyau atomique

قسمت مرکزی یك‌اتم که دارای بار الکتریکی مثبت بوده وتقریباً تمام وزن وسنگینی اتم در آن متمرکز است (از نوترونها وپروتونها تشکیل یافته است .)

همزمان‌کردن Synchronisation

عمل‌همزمان‌وهم‌فازکردن‌دو ماشین که نیروی محرکه آنها بطور مکانیکی بهم وصل نشده‌اند .

همزمانی Synchronisme

عبارتست ازتساوی‌فرکانس‌دوپدیده سینوسی .

یون . Ion

عبارتست ازیك‌اتم ،یایکعده‌ملکول که دارای بار الکتریکی باشند .

یون‌گرم Ion–gramme

تودهٔ یك یون برحسب گرم برابر مجموع تودهٔ اتمهایی است که یـون را تشکیل داده انـد .

یونیزاسیون Ionisation

عمل‌تشکیل‌یونهادراثر تقسیم‌ملکولها یابراثر کنده‌شدن‌یااضافه‌شدن‌الکترونهای اتمها ، ملکولها ویا یکدسته ازملکولها را یونیزاسیون گویند .

فیزیکدانان

آبه ،ارنست Abbe (۱۸۴۰–۱۹۰۵م).

فیزیك‌دان‌آلمانی‌بود که با همکاری «زایس» توانست میکروسکوپ را بوضعی که امروزه داراست در آورد .

بعدازاودیگر قدرت‌میکروسکوپ‌فقط بوسیلهٔ‌ماهیت‌نور محدود میگردیدوباین ترتیب‌بزرگ‌نمایی‌میکروسکوپ‌تا ۱۲۰۰ برابر قطر افزایش می‌یافت .

آتود ، جرج Atwood (۱۷۴۶–۱۸۰۷ م) .

فیزیکدان انگلیسی استاد فیزیك دانشگاه کمبریج مخترع‌دستگاه‌اندازه‌گیری سرعت سقوط اجسام .

آدر (۱۸۴۱–۱۹۲۵م) .

مهندس‌فرانسوی‌که اولین‌بارماشین هواپیمای سنگین تر از هوارا ساخت .

آرسونوال، آسن‌دو d'ARSONVAL (۱۸۵۱–۱۹۴۰م)

ازفیزیکدانان وپزشکان‌فرانسه ، وی‌مبتکرالکتروتراپی‌بودولفظ‌دیاترمی ازساخته‌های اوست .

آرك‌رایت ،سرریچارد، Arkwright (۱۷۳۲–۱۷۹۲م)

مکانیسین‌انگلیسی‌یکنوع‌ماشین‌های نخ تابی را اختراع کرده است .

استفانسون جرج Stephenson (۱۷۸۱–۱۸۴۸م)

مهندس‌انگلیسی‌وسازندهٔ‌لکوموتیو،وی ازیك کارگر معدن‌درسال ۱۷۸۱ بوجود آمد وابتدا گاو چران سپس کمك‌راننده گردید .

درهمین‌شغل‌بود که‌استعدادوعلاقهٔ‌شدید خود را به‌مکانیك بروز داد و سرانجام بگرفتن دانشنامهٔ مهندسی موفق شد .

پس‌ازپانزده سال‌امتحان‌دربارهٔ قوهٔ‌بخار اولین لکوموتیو را براه انداخت ضمناً ریل راه آهن را هم اوطرح ریزی کرد وبرای اولین بار خط آهن بین دو شهر انگلستان دائرنمود وهم چراغ‌اطمینانی برای معدن اختراع کرد .

آندرسون، کارل‌دیوید K.D. ANDERSON (تولد ۱۹۰۵ م)

فیزیکدان‌آمریکایی‌کاشف‌الکترون مثبت است ودر۱۹۳۶ م. به اخذ جایزهٔ نوبل نایل آمد .

آندریوز، توماس . Andrews.T (۱۸۱۳–۱۸۸۶ م)

دانشمند انگلیسی واستاد دانشگاه بلفاست بدانشمندان تعلیم داد که برای مایع کردن گازها فقط وارد آوردن فشار کافی نیست بلکه در عین‌حال باید آنها را سرد کردبطوریکه‌میزان‌حرارت ازنقطهٔ بحرانی معینی پائین‌تر بیاید .

آنگستروم،اندرس یونس Angstrom (۱۸۱۴–۱۸۷۴م).

فیزیکدان سوئدی واستاد دانشگاه دربحث خطوط‌طیفی اظهارداشت: خطوط درخشانی که طیف فلزات تبخیر شده را تشکیل میدهد با بعضی ازخطوط تاریك طیف خورشید منطبق میگردد .

آمپر،آندره‌ماری A Ampère (۱۷۷۵–۱۸۳۶م) .

ریاضیدان و فیزیکدان بـزرگ فرانسوی رابطهٔ برق ومغناطیس را ،که اساس علم جریان برق است کشف کرد واحد شدت جریان بنام اوست . نظریهٔ پدیده‌های جریان‌برق‌نیزازاوست .

ادیسون‌توماس EDISON (۱۸۴۷–۱۹۳۱م)

فیزیکدان آمریکایی‌مخترع آلات متعدد الکتریکی ، ازجمله‌آکومولاتور با آهن ،نیکل . وی نخستین فنوگراف را که اساس آنراشارل‌کرو طرح کرده بود ، اختراع کرد .

اپلتون، سرادواردویکتور APPLETON (متولد ۱۸۹۲) .

فیزیکدان‌انگلیسی. بجهت‌تحقیقاتش در یونوسفر، که‌منجربه‌تکمیل‌رادار شد ، جایزهٔ نوبل۱۹۴۷را برد .

اوپنهایمر، رابرت. OPPENHEIMER.

درسال ۱۹۰۴ درنیویورك بدنیاآمد تحصیلات علوم اخلاقی را بپایان رساند در زبان فرانسه تبحر یافت در اندك زمانی با تحریر رساله‌ای پیرامون‌انوار مغناطیسی ، استادان خود را در اعجاب فرو برد . درسال ۱۹۲۵ فارغ‌التحصیل دانشگاه هاروارد گردید وسپس‌بدانشگاه گوتینگن آلمان رفت در حالیکه ۲۵ سال داشت بمقام‌پروفسوری‌نائل گردید. وی سازندهٔ واقعی بمب‌اتمی‌است .

درسال ۱۹۴۵ وقتی باو خبر رسید که اولین بمب‌اتمی‌آمریکا شهرهیروشیمای ژاپن رازیر ورو کرد از فرط پریشانی وغصه بیمار گشت وبه این کاراعتراض کرد . اینشتاین ، بوهر، برتراند راسل وکلیه علمای معروف دنیای‌متمدن‌ضمن اعلامیه‌هایی از نظریات صلح‌طلبانهٔ وی پشتیبانی‌کردندوعظمت‌افکاراوراستودند. تنها اثری که وی نوشته است «فکرباز» نام دارد . «تصویردرصفحهٔ‌بعد»


آرسونوال


آمپر


ادیسون توماس


اندرسون


اپلتون



اوپنهایمر



اورستد



اوهم



ایفل



اینشتاین



برانلی

اورستد، هانس کریستیان . ŒRSTED
(۱۷۷۷–۱۸۵۱م)

فیزیکدان و شیمی‌دان دانمارکی، رابطهٔ برق ومغناطیس را کشف کرد ،وی اولین کسی بود که آلومینیوم را جدا کرد.

اولر، لئونارد Euler (۱۷۰۷–۱۷۸۳ م).

در شهر «بال» متولد شد . برخلاف میل خود در دانشگاه بال بمطالعهٔ علوم الهی پرداخت. شهرت اولر از نوزده سالگی آغاز میگردد . مقالهٔ اولر در مسابقهٔ ساختمان دکل کشتی وقتی نوزده ساله بود مقام دوم را احراز نمود . سال بعد باتفاق دانیل و نیکلا برنولی بروسیه رفت و در این شهر ازدواج نمود . آثار او آنقدر زیاد است که حتی امروزه موفق بچاپ آثار او نگردیده‌اند . در همین اوقات بود که مسئله‌ای ازطرف آکادمی مطرح شد و اولر در مدت سه روز آنرا حل نمود و مریض شد هنگامی که مشغول محاسبهٔ مسیر اورانوس بود ناگهان با گفتن کلمهٔ « من مردم » زندگی را بدرود گفت .

«عکس و تفصیل بیشتر در بخش ریاضی‌دانان».

اووگادرو

به علمای شیمی مراجعه شود .

اوهم، گئورک زیمون . Ohm
(۱۷۸۷–۱۸۵۴ م) .

فیزیک‌دان آلمانی، از ۱۸۵۲ استاد دانشگاه مونیخ بود، وقانون معروف اوهم از کشفیات اواست و واحد مقاومت بنام اوست .



ایفل، آ . ك . EIFFEL

در سال ۱۸۳۲ درفرانسه متولد و در ۱۹۲۳ در همان کشور بدرود حیات گفت . اوسازندهٔ برج آهنی ۳۰۰ متری پاریس است .

اینشتاین، آلبرت A. EINSTEIN
(۱۸۷۹–۱۹۵۵م)

در «والم» متولد گردید واز سال ۱۹۰۲ بسمت مهندس دردفتر ثبت اختراعات شهر برن کار میکرد. هنوز سال ۱۹۰۵ تمام نشده بود که اینشتاین جوان، اکتشافات اساسی بسیار درتئوری ریاضی حرکت برونی واثر فتوالکتریك که در سال ۱۸۸۷ بوسیلهٔ «هرتز» کشف شده بود انجام داد . در سال ۱۹۰۵ «اینشتاین» بااتکای برتئوری «کوآنتا» اظهارداشت که : در واقع تأثیری که نور روی ماده میکند عبارت از تأثیر انرژی نورانی است. اما طبق تئوری «پلانك» این انرژی نورانی عبارت ازبمباران بوسیلهٔ کوآنتا میباشد وتمام این کوآنتومها ضمن برخورد با اتمها، الکترون خارج میکنند وازحرکت این الکترونها جریان الکتریسیته ایجاد میشود . نسبت دادن ساختمان ذره‌ای بنور در واقع همان تئوری نیوتون بود .

درسال ۱۹۰۵ مهندس اینشتاین مقاله‌ای منتشر ساخت وی دراین اثر، بکلی اوضاع واحوال را تغییر داد واز جمله « اتر» رامطلقاً کنار گذاشت. میگوید که، برای هر ناظر که دارای حرکت مستقیم الخط متشابه التغییر باشد، سرعت نور در تمام جهات یکی است وطول مورد بحث برحسب اختلاف ناظر تغییر میکند هرگاه شما نسبت باین طول درحرکت باشید آنرا کوتاهتر از ناظری که نسبت بآن در حال سکون است تصور مینمایید. علت این موضوع آنستکه اصلا زمان وفضای مطلق وجود ندارد و هر ناظری همراه خویش زمان وفضای خاص خودرا انتقال میدهد . اینشتاین گفت در طبیعت هیچگونه امتیاز مورد ندارد و قوانین دانش فیزیك باید برای همه یکسان باشد در اولین نظر ایجاد چنین وحدتی بسیار ساده بنظر میرسد تمام قوانین مکانیك را میتوان صرفنظر از بعضی ترکیبات بمعادلهٔ $F=m.\gamma$ مربوط کرد اما یك حالت استثنایی اساسی اینشتاین را متوقف ساخت و آن نیروی ثقل بود. آنگاه دانشمند عالیقدر باشجاعت بی‌مثال چشم انداز فضای جدید را بدست داد که در آن نیروی ثقل بجای آنکه فی‌المثل نتیجهٔ جاذبهٔ خورشید باشد از انحنای فضا حاصل میشود . میتوان نظری ساده اما دور از حقیقت از این فضای جدید بدست داد .

براگ ، Bragg (۱۸۶۲–۱۹۴۲م) .

فیزیکدان مشهور انگلیسی باهمکاری پسرش کتابی در زمینهٔ اشعهٔ مجهول و تبلور بلور تألیف کرده است .

برانلی ، ادوارد. BRANLY (۱۸۴۴ – ۱۹۴۰ م) .

فیزیك‌دان فرانسوی ، بسبب آلت اختراعی وی بنام «کوهرور» (آلتی برای دریافت علائم تلگراف بی‌سیم) تلگراف بی‌سیم دردسترس عموم قرار گرفت .

براون، فن Brawn.

اکنون برنامه‌های موشکی ارتش آمریکا را رهبری میکند درسال ۱۹۱۲ در یکی از شهرهای آلمان تولد یافت طولی نکشید (ورنر) که جوان ۱۸ ساله‌ای بود نقشه‌های خویش را بموقع اجرا درآورد و درپشت کارخانهٔ آبجوفروشی شهر (درسد) شروع بکار نمود و بزودی موشکی را بارتفاع ۲۰۰ متری پرتاب کرد چند صباحی نگذشت که در بهارسال ۱۹۳۲ سه نفر افسر آلمانی پس ازیکساعت مذاکره قراردادی با ورنر منعقد کردند براون علیرغم میل باطنی خود دست بکار ساختن موشك معروف V-۲ زد درآنموقع V-۲ هنوز درمرحلهٔ آزمایش قرارداشت وفن براون برائر فشار هیتلر مجبور بود آنرا هرچه زودتر آماده کند دوهفتهٔ تمام ۴۲۰۰ نفر دانشمند ومتخصص مقیم پایگاه آزمایشات از تعطیلات محروم شدند و سرانجام درسپیده دم روز هفتم سپتامبر ۱۹۴۴ صدائی شنیده شد که فریاد زد اتصال ! غرش موتور فضا را لرزاند و موشك درمیان توده‌ای از آتش دل آسمان را شکافت و ناپدید گردید چند دقیقه بعد مردم لندن اینطرف وآنطرف می‌دویدند ومی‌پرسیدند چه خبر است— انفجاری عظیم که برای مردم لندن معلوم نبود سرچشمهٔ آن کجا بود . سراسر کوی پرجمعیتی را سخت تکان داد وچندین ساختمان را متلاشی کرد در ماه سپتامبر همان سال اورا بطور پنهانی بامریکا کشاندند و بمحض ورود بآنجا در پایگاه مخصوص ادوات سری در(تایلند) مشغول کار شد سپس در آلاباما ریاست فنی پایگاه را عهده‌دار گردید و اکسپلور، اولین ماه مصنوعی امریکا را بکمك موشك بالیستکی ژوپیتر بفضا پرتاب کرد . فن براون امروز نیز مانند سابق در پایگاه موشك‌سازی رداستون

رئیس فنی می‌باشد وهرروز ساعت ۸/۵ صبح به‌پایگاه می‌رود و در هر ۵متریك نگهبان احترامات لازمه‌را درمسیر راه وی‌بجا می‌آورد تااینکه‌در انتهای‌دالان دری زره‌پوش باقفل و بستی اسرارآمیز باز می‌شود وفن‌براون را با پرونده‌های مهر وموم شده در بر می‌گیرد . آرزوی اصلی وی رسیدن بشر بکره‌ماه‌است .

بروگلی، موریس M . BROGLIE (۱۸۷۵–۱۹۶۰ م) .

بکشف طیف اشعهٔ x موفق گردید .

«موریس‌دوبروی» که قبل‌ازعلاقمند شدن برشته‌های علمی فرماندهٔ دریائی بودپیش‌ازاینکه آزمایشگاه‌بیمانندشخصی خودرا ایجادکند بهمراهی«لانژون» بکار پرداخت و در مدت جنگ ۱۸–۱۹۱۴ تلگراف زیردریایی‌رااختراع کردودرسال ۱۹۲۰ موفق‌بکشف طیف ذره‌ای گردید که بکمك آن توانستند نقشهٔ واقعی طبقات مختلف اتم را رسم نمایند .

بسمر، Besmer (۱۸۱۳–۱۸۹۸م).

این مهندس انگلیسی طریقهٔ‌صنعتی تبدیل چدن وفولاد را شناخته است.

بکرل، آنتوان سزار. Becquerel (۱۷۸۸–۱۸۷۷ م .)

فیزیکدان فرانسوی‌که آثاری در باب‌پیلها ، الکتروشیمی‌وتلگراف‌بوجود آورد .

بکرل، هانری Becquerel.H (۱۸۵۲–۱۹۰۸ م .)

فرزند «ادموند بکرل» بود و در مقام پدر وپدر بزرگ خود استادفیزیك موزئوم گردید .

این دانشمند نابغه نتیجهٔ مطالعات خودرا راجع‌به‌اشعهٔx به‌آکادمی‌علوم‌عرضه داشت از این جستجوها معلوم میشد که اورانیوم‌واملاح‌آن‌دارای خاصیت صدور دایمی تشعشعات مخصوصی میباشند که صفحه عکاسی را متأثر میسازد و هوا را الکتریسیته‌دارمیکندپس رادیوآکتیویته کشف شده بود .

«بکرل» درسال۱۹۰۳ باخذجایزه نوبل توفیق پیداکرد .

«بکرل» آهن‌ربایی را پشت یک قطعه اورانیوم قرار داد وملاحظه‌کردکه تشعشعات حاصل تحت‌تأثیر این آهن‌ربا بسه شعبه تقسیم میشوند ؛ یکی از آنها بسمت راست منحرف میشودویکی دیگر بسمت چپ‌وسومی‌اصلاً منحرف‌نمیگردد. وبعد ثابت‌کرد که یکی ازاین سه شاخه منحرف‌شده‌عبارت ازیك‌فوران‌الکترونی میباشد .

بکرل، آلکساندرادمون A.E. BECQUEREL (۱۸۲۰–۱۸۹۱م) .

استادموزهٔ‌علوم‌طبیعی بود، تحقیقاتی درنور وعکاسی ومغناطیس دارد .

بل ، آلکساندرگراهام Bell (۱۸۴۷–۱۹۲۲ م).

فیزیك‌دان‌آمریکائی‌ویکی‌ازمخترعان تلفن . وی درآغاز،استادکر و لالها بود .

بنز، کارل فریدریك BENZ (۱۸۴۴–۱۹۲۹ م .)

مهندس‌آلمانی‌که در۱۸۷۸موتوری باگاز دوهنگام‌ساخت‌ودر۱۸۸۵موتوری بابنزین وچهارهنگام،اختراع‌کرد که با الکتریك روشن میشد .

بولتزمان، لویی L. BOLTZMANN (۱۸۴۴–۱۹۰۶ م) .

هنوز ۲۲ سال نداشت که اولین اکتشاف علمی خودرا تقدیم‌آکادمی علوم شهر وین‌کرد .

ازسال‌بعدکه‌بسمت دستیارانستیتوی فیزیك‌معین‌گردید شروع بمطالعه‌دربارهٔ ساختمان‌گازها کرد . این مسئله درتمام دوران حیات علمیش اورا بخود مشغول کرد ودرسال ۱۸۹۵ استادکرسی‌فیزیك در دانشگاه شهر وین‌گردید .

«ماکسول» و «بولتزمان» با اتکای بحساب احتمالات‌تمام‌قوانین عادی‌گازها را یافتندازاینقرار: فشار قانون‌ماریوت وگرم‌کردن‌گازها؛وازدیاد سرعت‌آنهارا توجیه‌کردند .

بورن، ماکس BORN M متولد۱۸۸۲م .

اودرسال ۱۹۵۴ برنده جایزه‌نوبل شد . میگویند هیچ‌مطلبی‌درفیزیك‌وجود نداردکه او نداند ؛ خودش اعتراف می‌کند که تقریباً تمام‌کتاب‌های فیزیك دانشمندان قدیمی وعصرحاضر رامطالعه کرده است .

او در سه دانشگاه مهم یعنی برلن ادینبورك وکامبریج درس میدهد هرروز يك هواپیمای اختصاصی او را باین سه دانشکده میرساند .

بونسن، روبرت Bunsen.R (۱۸۱۱–۱۸۹۹ م .)

در گوتینگن متولد شد و بواسطهٔ اختراع پیلی‌که نام‌اوروی‌آن‌است‌مشهور شده بود ودر همین شهر بتدریس شیمی اشتغال داشت . دستگاه اختراعی وی «منقاربونزن» نام‌داشت‌که‌برای‌سوزاندن گازها مورد استفاده قرار میگرفت . و«کیرشهوف» بکمك وی و بوسیله همین دستگاه موفق‌بتجزیه اجسام ونشاندادن خطوط طیف‌آنها گردید .

درسال ۱۸۶۰«بونزن»ازاکتشافاتی که بمعیت «کیرشهوف» بعمل آورده بود بزرگترین‌نتیجه‌رابدست‌آورد.هنگامیکه یکی از املاح حاصل از معادن نمکی ساکس را مورد مطالعه‌قرارمیدادخطوط طیفی‌ضعیفی‌را مشاهده‌کردکه‌درکاتالوگ وجود نداشت و بنابراین استدلالی کرد که با استدلال «لووریه» هنگام کشف سیارهٔ‌نپتون‌شباهت‌دارد. چون این‌خطوط باطیف هیچیك از عناصر موجودشباهت ندارد بنابراین‌حتماً وجودعنصر ناشناسی را اعلام‌میکندوباتفاق«کیرشهوف»پس‌از وارد کردن چهل وچهار چلیك آب در تجزیه بوسیله اسپکتروسکوپ توانستند دوفلز جدید‌کشف‌کنندکه یکی از آنها را «روبیدیوم» و دیگری را «کوزیوم» نام نهادند .

بوهر ، نیل BOHR.N (تولد۱۸۸۵)

درکوپنهاك متولد شد ودر آغازکار دستگاه جدیدی را از انبار ذخایرعلمی بیرون‌کشید وبکلی اوضاع و احوال را عوض‌کرد . وی اظهار داشت .

مجموعه قوانینی‌که مکانیك اتمی‌را بوجود میآورد باید بر تئوری کوآنتا متکی شود . درست است که الکترونها انرژی صادر میکنند اما تولید این انرژی‌هنگام‌حرکت‌اتصالی‌بروی‌مدارشان نیست بلکه‌هنگامیست که‌این‌الکترونها از مداری روی مدار دیگر میپرند .در اینموقع است که یك «کوآنتوم»اانرژی یایك «فوتون» از آنها صادر میشود . حال ممکن است‌این فوتون،فوتون‌نور‌مریی یا فوتون فوق بنفش یادون قرمز ویابالاخره‌فوتون‌اشعهٔ x باشدوی‌توانست با صحت و دقت عجیبی علت وضع قرار گرفتن‌خطوط‌طیفی رابابستگی‌آنهابجهش الکترونهاتوضیح‌دهد وخواص شیمیایی و



بروگلی



بکرل



بنز



بولتزمان



بورن



بوهر

فیزیکی اجسام را بوسیلهٔ ساختمان اتم آنها نتیجه بگیرد وخلاصه کلیه جدول مندلیفرا بدست آورد. وی‌مدیرانستیتوی فیزیك تئوریك کپنهاك گردید وبدریافت جایزهٔ نوبل ۱۹۲۲ توفیق یافت .


پاپن

بویل، رابرت Boyle (۱۶۲۷-۱۶۹۱ م)

فیزیك‌دان‌وشیمی‌دان‌انگلیسی. وی قانون‌قابلیت‌تراکم‌گازهاراتشریح وعمل اکسیژن را در احتراقات کشف کرد .


ژان پرن

بیرد، جانBaird (۱۸۸۸-۱۹۴۶ م)

دراسکاتلند متولدشددر۱۷ سالگی برای تحصیل رشتهٔ مهندسی برق وارد رویال تکنیکال کالج گلاسکو شددراین ایام بیشتر مطالعات او در بارهٔ مسائل مربوط باختراع‌فیلم‌ناطق وانتقال‌عکسها بتوسط نیروی برق بوددرسال ۱۹۲۲ در سن ۳۴ سالگی بـدون شغل و امید به آتیه‌ای وارد لندن شد دارایی وی کمی پول و مرض مالاریا و سرفهٔ دایمی بود اختراع تلـویزیون در شرایطی بسیار نامساعدومأیوس کننده‌پا بعرصهٔوجودنهاد.


فرانسیس‌پرن

دربهار سال ۱۹۲۴ جان موفق شد که برای نخستین بـار تصویر لرزان و رنگ‌پریدهٔ یك مجسمهٔ مصلوب رابفاصلهٔ سه‌یارد روی صفحهٔ شیشه‌ای تلویزیون خودظاهرسازد درجریان همین‌آزمایشات روزی برق ۲۰۰۰ ولت اورا گرفت و یکدستش را فلج‌ساخت .


توریچلی

درسال ۱۹۲۵ وی‌دستگاه جدیدی برای‌تبدیل‌اشعهٔ‌نوربارتعاشات الکتریکی بکار برد ونتیجه مطلوب را یافت پس‌از پیروزی شایان دستگاه تلویزیون قدیمی را به‌موزهٔ علمی لندن تقدیم‌کردبساختن یك تلویزیون جدید وکامل پرداخت در این‌هنگام‌بیرددرراه‌تکمیل‌اختراع،فکر خودرا بسوی دومسئله تازه ومهم‌معطوف کرده بود یکی تلویزیون رنگی ودیگر تلویزیون سه بعدی. جان بیرد پس‌از چند سال مطالعه وتجربه درسال ۱۹۴۱ اولین تلویزیون رنگی را بمورد نمایش گذارد ونتیجهٔ رضایت‌بخشی بدست‌آورد.


تومسون


پلانك


اولین دیگ بخار

پاپن، دونیس PAPIN·D (۱۶۴۷-۱۷۱۴م) .

فیزیك‌دان فرانسوی اولین کسی‌که به نیروی بخارآب پی‌بـرد واستفاده از آنرا برای اولین‌بار در آلمان در یك قایق کوچك مورد آزمایش قرار داد و طرحی برای ساختن دیگ بخار سربسته ریخت که بعدها بوسیلهٔ مهندسین ساخته شد وبه‌دیگ بخار پاپن مشهور گردید.

پارسونز ، چارلزآلجرنون Parsons (۱۸۵۴-۱۹۳۱ م) .

در سن ۲۲ سالگـی پایـان نامهٔ تحصیلاتش را در رشتهٔ مهندسی دریافت کرد درسال ۱۸۷۰ فقط یك‌مدل اژدری که باقوهٔ محرکهٔ‌بخارپرتاب‌میشدپذیرفته وبموردآزمایش درآمده بود و پارسونز با اختراع اژدر فشفشه‌ای گامی در راه تجهیز کشتیهای جنگی برداشت وی با اختراع‌مولد برق‌توربینی مدلهای موتور برق بخاری را بعقب زد و روز بـروز پیشرفت‌کردتاجائیکه دراواخرزندگیش شاهدساختن‌مولدهایی‌بانیروی۲۰۰/۰۰۰ کیلووات بود .

پاسکال به‌علمای ریاضی مراجعه شود.

پاول، سیسیل فرنك .Powell

فیزیکدان انگلیسی کـه در سال ۱۹۰۳ متولد شد به‌جهت تکمیل طریقهٔ عکاسی برای‌تحقیق‌درهستهٔ اتم‌وکشفیاتش در ذرات هسته‌ای موسوم به مزون‌جایزهٔ نوبل ۱۹۵۰ را درفیزیك برد .

پرن، ژان.J PERRIN (۱۸۷۰-۱۹۴۲م)

در۳۰ سپتامبر ۱۸۷۰ درلیل متولد گردید . هنگامیکـه در دانشسرایعالی تحصیل میکرد ومیخواست‌اگروزه‌درعلم فیزیك شود درصدد برآمد این مسئله‌را حل‌وفصل کند وباخود گفت‌که اگر اشعهٔ کاتودی‌بواقع ازگلوله‌های‌الکتریسیته‌دار تشکیل یافته باشدکشف‌این الکتریسیته کارآسانی است زیـرا این ذرات هنگام اخذ تماس‌با الکتروسکوپ(آلتی‌که‌معین میسازد جسمی دارای الکتریسیته هست یا نه) باید آنرا خالی‌کنند . بنابراین اشعهٔ حاصل از لولهٔ کـروکس را روی الکتروسکوپ‌انداخت و ملاحظه‌کردکه نظر او درست‌بوده‌است‌یعنی‌آنچه‌تاکنون باشعهٔ معروف بـود در واقع عبارت از بمباران دایمی‌بوسیلهٔ‌ذراتی‌است‌که‌دارای الکتریسیتهٔ منفی‌میباشند . این اکتشاف بوضع غیرقابل‌انکار ماهیت‌تشعشع‌کاتودی را معین ووجود ذرات کوچکی راکه در سال ۱۸۹۱ بـوسیلهٔ دانشمند ایرلندی «جونستون استونی» بـالکترون موسوم شده بود ثابت میکرد .

پرن ، فرانسیس PERRIN (متولد۱۹۰۱م).

فیزیکدان فـرانسوی ، پسر ژان باتیست‌پرن ، درسال ۱۹۳۳ دردانشگاه پاریس استاد فیزیك نظری شد ودرسال ۱۹۴۵ مدیرکمیسیون‌انرژی‌اتمی گردید، و از سال ۱۹۵۱ رئیس برنامهٔ فرانسه برای تحقیقات اتمی شد .

پلانته ، گاستون.Planté. G (۱۸۳۹-۱۸۸۹ م).

فیزیکدان‌معروف فرانسوی که‌اولین مرتبه‌آکومولاتور را ساخت .

پلانك، ماکسPLANCK (۱۸۵۸-۱۹۴۷م).

فیزیکدان آلمانی . وی نظریه‌ای جدید درباب کمیت مطلق آورده و در ۱۹۱۸ بدریافت‌جایزهٔ نوبل نایل‌آمده.

پویه، کلود (۱۷۹۱-۱۸۶۸م).

فیزیکدان فرانسوی ، اولین کسی که قوانین اهم را درفرانسه وانگلستان شناساند .

تالبوت، فوکس. Talbot (۱۸۰۰ - ۱۸۷۷ م) .

دانشمندفیزیك‌ومتخصص آثارعتیق ووکیل مجلس انگلستان بود که‌درعین‌حال عکس منفی رااختراع‌کردکه‌بکمك آن میتوانست بر خلاف روش «داگر» چندین تصویر از یك‌منظره ایجادکند.

توریچلی ، اوانجلیستا TORRICELLI (۱۶۰۸-۱۶۴۷ م) .

فیزیك‌دان ایتالیایی ، یکـی از شاگردان گالیله . وی کاشف هوا سنج (بارو متر) و نتایج حاصل از فشار جو است .

تومسون ، ویلیام THOMSON W (۱۸۲۴-۱۹۰۷ م) .

در بلفاست متولدگردیدوتحصیلات

خودرا درکمبریج باتمام رسانید. بمحض اینکه دیپلم خود راگرفت بپاریس رفت ودرآزمایشگاه‌فیزیك‌دان‌بزرگ «رینو» کارکرد . سپس عازم انگلستان‌گردید و دراین‌کشور بسمت استاد (فلسفهٔ‌طبیعی) دردانشگاه‌گلاسکو منصوب گردید .

پنج‌سال بعد یعنی‌درسال ۱۸۵۱ در اثر بزرگ خود بنام «در بـارهٔ تئوری حرکتی‌آتش » اصل«کارنو» را ازنوزنده کرد . در همین زمـان نیز «کلوزیوس» مستقلاً آنرا یافت و پیشنهاد میکرد که مقیاس مطلقی‌برای حرارت‌درنظر‌گرفته شود و چنین توضیح‌میداد :

بموجب تعلیمات‌گیلوساك هربارکه حرارت‌گازی یکدرجه تنزل‌کند درحجم ثـابت بقدر $\frac{1}{273}$ از فشـار آن کاسته میگردد ؛ بنابراین اگرحرارت مفروض ۲۷۳ درجه تنزل‌کند گاز مزبور مطلقاً دارای‌فشار نمیباشدوازیکعده‌مولکولهای بیحرکت تشکیل میگـردد . پس «صفر مطلق» حرارت درجهٔ یخ نمیباشد بلکه۲۷۳درجهٔپائین‌تراز آن‌است. این مقیاس مطلق در ترمـودینامیك اهمیت اساسی بدست‌آورد .

تومسون ، سرجوزف ، جون Themson.s.j.j (۱۸۵۶-۱۹۴۰ م) .

فیزیـك‌دان انگلیسی بودکـه در بیست‌وهشت سالگی مـدیر آزمـایشگاه «کاوندیش»شده بود توانست‌بکمك‌آیینهٔ دواری سرعت سیر اشعـه را حساب کند وآنرادرحدود ۵۰هزار‌کیلومتردر هر ثانیه دانست و این مقدار در مقابل سرعت امواج نـورانی‌آنقدر ضعیف بود که درموج بودن این اشعهٔ تردید بسیار کردند .

چادویك،جیمز Chadwick.j (متولد ۱۸۹۱م) .

دانشمند انگلیسی‌بودکه درکمبریج از همکاران (روترفورد) بشمار میرفت . وی ذرات جدیدی را کـه مورد تحقیق دانشمندانی چون ؛ (والتر بوت) و (ه. بکرل) و(فردریك‌ژولیو) و(ایرن‌ژولیو) واقع شده بود مورد مطالعه قرار داد و اظهار داشت‌که این ذرات ازلحاظ جرم مساوی با (پروتون)میباشند امـا حامل الکتریسیته‌نیستند واین‌ذرات‌جدیدخنثی را «نوترون» نامید وباخذ جایزهٔ نوبل سال ۱۹۳۵ نائل‌آمد .

دالتون، جان . DALTON (۱۷۶۶-۱۸۴۴ م) .

فیزیك‌دان وشیمی‌دان و طبیعی‌دان انگلیسی که میتوان او را موجد فرضیهٔ اتمی دانست . قانون نسبتهای متکثررا درشیمی ، واختلاط گازها را در فیزیك وی کشف‌کرده . همچنین تغییرات نیك و بدی راکه از حس رنگها تولید میشود درخود مطالعه‌نموده وتحقیقات او درین باب بنام وی «دالتونیسم» نامیده شده.

داگر ، لوئی‌ژاك Daguerre (۱۷۸۷-۱۸۵۱ م) .

نقاش منظره‌سازومخترع فرانسوی، داگرئوتیپ از اختراعات او است.

دنلپ ، جان‌بوید، DUNLOP (۱۸۴۰-۱۹۲۱ م) .

دامپزشك اسکاتلندی کـه به سبب اختراع تایرهوادار معروفست .

دانیل ، ژوزف‌فردریك Daniell.j.F (۱۷۹۰-۱۸۴۵م) .

ازفیزیکدانهاوشیمیدانهای‌انگلیس وعضو شورای‌علمی‌سلطنتی‌واستاددانشگاه لندن، چنداختراع‌مهم‌داردکه‌مشهورترین آن پیل الکتریکی دانیل است .

دوبروی ، پرنس‌لویی de Broglie.L (متولد ۱۸۹۲ م) .

در «دی‌یپ» متولدگردید ابتداز دانشگاه پاریس لیسانسیه درتاریخ شد . اما بتأسی از برادر سی وپنجسالهٔ خود که فیزیکدان مشهوری بود قدم در راه علم‌گذاشت ودر سال ۱۹۱۳ دراین‌رشته هم موفق باخذ لیسانس گردید .

وی درآزمایشگاه برادرش اوقات خودرا صرف مطالعه در اشعهٔ X کرد و دربارهٔ تئوری (کوآنتا) مطالعات عمیق نمود وبخصوص مسئلهٔ‌تشعشع سیاه‌که‌فکر «کوآنتا» را به «پلانك» الهام‌کرده‌بود افکار اورا بخود جلب‌کرد و ناگهان در سال ۱۹۲۳الهام خدایی فکراوراروشن کرد.

پس‌از چهل سال تـوانست بنای با عظمت مکانیك مـوجی را بنیان‌گـذارد تئوری جدید تمام نتایج غیرعادی را که درآن هنگام‌بدست‌آمده بودتوجیه‌میکرد وماده‌وتشعشع‌راتحت‌تأثیرقوانین مشترکی قرار میداد . نه فقط فوتون یعنی رقیب سابق موج میدیدکه مزایای اوراتصدیق کرده‌اند بلکه‌ذات‌مادی‌ازقبیل‌الکترون وپروتون‌نیز موجی بمنزلهٔ فرشتهٔ‌راهنما همراه خود داشتند وعمل این موج آن بودکه هریك ازآنها را بحرکت‌درآورد وطول‌آن در حدود طول امواج اشعهٔ X بشمار میآید . ازآن پس فقط مجموعـهٔ قوانین واحـدی به‌جهان حکـمفرمایی میکردکه‌گاهی‌آن راموج‌وزمانی‌برحسب اوضاع واحوال ذره میخواندند.

سه‌مقالهٔ مختصر که درسال ۱۹۲۳ ضمن‌گزارشهای‌هفتگی‌آکادمی‌علوم‌منتشر شد درسال ۱۹۲۴ بصورت رسالهٔ دکترا درآمد ومکتشف‌این اثر بزرگ‌بلافاصله استاد تئوریهـای فیزیك در دانشگاه پاریس‌گردید و در ۱۹۲۹ جایزهٔ نوبل فیزیك را باو تقدیم‌کردند .

دوپلر ، کریستیان Doppler· ch. (۱۸۰۳-۱۸۵۳ م) .

استاد دانشگاه وین و از اهـالی سالسبورگ‌آلمان بود . باخود میگفت، هنگامیکـه قطار راه‌آهن بمن نزدیك میشود صدای سوت‌آن بتدریج ریـز تر میگردد ووقتیکه دور میگردد این‌صدا بم میشود . فهم این موضوع بسیار سهل است . امواج صوتی در مورد اول بیشتر فشرده میشوند وصوت بلندتر میگردد و حال‌آنکه درمورد دوم این امواج از هم باز میشوند و صوت به‌پستی میگراید . برای امواج‌نورانی نیزباید وضع‌بهمین منوال باشد .

هنگامیکه منبع نورانی بمانزدیك میشود امواجی‌کـه از آن صادر میشود بیش‌از پیش فشرده میگردند ونوربسمت آبی‌کشیده میشود و حال‌آنکه در مورد منبع نورانی که درحال دور شدن است باید نورآن متمایل به‌قرمز‌گردد بهمین دلیل است‌که بعضی ستارگان قرمزرنگ هستند وبعضی دیگر رنگ‌آبی دارند .

دوپویی، دولوم ، ستانیسلاسDupuy (۱۸۱۶-۱۸۸۵ م).

مهندس نیرودریایی فرانسه، نخستین کشتی زره‌دار فرانسوی را ساخت .

دولاریو ،اوگوست (۱۸۰۱-۱۸۷۳م).

فیزیکدان سوئیسی که کار اورستد دانشمند فیزیك دانمارکی راتکرارکرد وتوجه‌آراگو ، فیزیکدان فرانسوی را جلب‌کرد وبه این وسیلـه تکمیل این دانش را بدست‌آمپر انجام داد .

دوگلاس‌کاك رافت، جان

او نخستین‌کسی بودکه ماشین شکاف



جوزف تومسون



دالتون



دنلپ


رئومور

دهندهٔ اتـم را ساخت . در سال ۱۹۳۲ بوسیلهٔ الکترون‌ها اتم را بمباران کرد وهسته را شکافت.

مقام اودراین‌زمینه برابراینشتاین، فرمی و اوپنهایمر است . امروز بخاطر زحمات‌این مرد . انگلیس بعنوان‌کشور دارندهٔ سلاح اتمی‌وبمب‌های اتمی‌شناخته میشود .

رئومور، رنه‌آنتوان‌فرشود RÉAUMUR (۱۶۸۳ـ۱۷۵۷ م)

فیزیك‌دان‌فرانسوی‌میزان‌الحراره‌ای اختراع‌کردکه بنام او معروفست و نیز حکاکی روی فلـزات را آسان ساخت . وی دربیست سالگی‌آثاری درباب‌هندسه منتشرکرد . در بیست‌وپنج‌سالگی وارد آکادمی علـوم شد . وی طـریقهٔ ساختن شیشهٔ سفید تار را کشف کرد ، که بنام «چینی‌رئومور» نامیده میشود .


رامان

رالی .Raleigh (۱۸۴۲ـ۱۹۱۹ م) .

در دانشگاه‌کمبریج درس خواند و بعد در املاك خود یك آزمایشگاه برپا کرد وهمانجا مشغول کار علمی شد . از ۱۸۷۹ تـــا ۱۸۸۴ استاد دانشگـــاه کمبریج بعد از ماکسول شد . کتابهای مهمی نوشته است‌که ازجمله‌کتاب نظریهٔ صوت او از کتابهـای کلاسیك فیزیـــك میباشد .

کتابهای دیگرش راجع به‌هیدرو ـ دینامیك‌وپاشیدگی‌نورو کشف‌گازآرگون است . درسال ۱۹۰۴ جایزهٔ نوبل باو داده شد .

رامان سرچاندراسکاراونکاتا RAMAN بسال ۱۸۸۸ متولد شد . وی پس ازپایان‌تحصیلات‌درچندین‌دانشگاه‌بتدریس پرداخت وکتاب‌های متعدد به انگلیسی نوشت ولی شهرت او بیشتر برای کشف اشعهٔ رامان است که بسال ۱۹۲۸ کشف گردید.چندین‌جایزه ازکشورهای‌خارجی گرفت‌و از جمله یکی جایزهٔ‌نوبل‌فیزیك بسال ۱۹۳۰م میباشد .


روترفورد

رایت، اورویل ـ ویلبر. Wright (۱۸۷۱ـ۱۹۴۷ م)

بـرادران اوریـل وویلبـر رایت (۱۸۶۷۱ـ ۱۹۱۲) که در آمریکــا زاده شـده بـودنـد در دسامبـر ســال ۱۸۰۳ نخستین‌پروازموفقیت‌آمیزخودرا که بارتفاع ۶۰قدم وبرای‌مدت۵۹ثانیه بود ،نمودند . بسال۱۹۰۵ویلبور رایت مسافت ۲۴ میل را طی کرد ومدت ۳۸ دقیقه در فضا ماند و طولانی ترین پـرواز او یك‌ساعت و ۱۵ دقیقه طـول کشید و باین ترتیب این دو برادر دروازهٔ آسمان را بروی بشر گشودند .

رانکین، ماکورن Rankine.M (۱۸۲۰ـ۱۸۷۲ م)

ازاهل‌اسکاتلندواستاددانشگاه‌گلاسکو وحاصل مطالعات خود را دربارهٔ معادل مکانیکی‌حرارت‌به‌جامعهٔ پادشاهی‌ادیمبورك تقدیم کرد واین اثر پیش در آمد اثر بزرگتری بودکه در سال ۱۸۵۲انتشار دادودرآن‌مابین‌انرژی‌حرکتی(سینتیك) وانرژی ذخیره (پتانسیل)امتیازی‌قائل گردید . باینطریق‌ترمود ینامیك بوجود آمد .

رنار، شارل Renard. ch (۱۸۴۷ـ ۱۹۰۵ م)

صاحبمنصب‌ومخترع‌فرانسوی.سازنده نخستین بالنهای قابل هدایت .
«فرهنگ‌معین»

روترفورد، ارنست . RUTHERFORD .E (۱۸۷۱ـ۱۹۳۷م)

در «نلسون» متولدگردید وبعداز اینکه تحصیلات مقدماتی را در دانشگاه زلاند جدید انجام داد به‌کمبریج رفت و طبعاً بسوی آزمایشگاه «کاوندیش» که «سرجوزف توموسون» آنرا تبدیل بیکی ازمراکز بزرگ علمی جهان کرده بود جذب‌شد «روتر فورد» باتفاق‌این‌دانشمند بزرگ درصدد برآمد تشعشع‌رادیواکتیو را ازبیخ‌وبن مورد تجزیه وتحلیل قرار دهدابتداسه‌شاخهٔ اشعه رانامگذاری‌کرد: اشعهٔ‌آلفا،اشعهٔ‌بتا ، (مقصود اشعهٔ گی‌یزل وبکرل است) واشعه گاما (که‌همان‌اشعهٔ ویلارمیباسد).درسال۱۸۹۸«روترفورد» بسمت‌استاددانشگاه‌مونره‌آل‌دررشتهٔ‌فیزیك معین گردید ومجبور شد کار خود رابا کمك «فردریك‌سودی » دنبال نماید .

«روترفورد » درسال۱۹۱۱ بمدد اسبابی که در نهایت استادی ساخته شده‌بوديك صفحهٔ نازك فلزی رابوسیله ذرات(آلفا) که از جسم‌رادیوآکتیوی صادر میشدند بمباران‌کردو ملاحظه نمودکه‌غالب‌ذرات بدون برخورد بمانعی از این فلز عبور میکننداماعدهٔ‌کمی انحراف‌میيابندوحتی تعدادی‌ازآنها به‌عقب‌برمیگردند .آنگاه «روترفورد» طرحی از اتم تهیه‌کرد که شباهت به منظومه شمسی داشت . گذشته ازاین«روترفورد» اظهار داشت که‌چون اتم از لحاظ بار الکتریکی خنثی است پس‌بایدبارمثبت‌هسته‌از لحاظ قدر مطلق مساوی با بار منفی مجموع الکترونها باشد. «روترفورد»درمرحلهٔ‌سوم‌او حیات علمی خویش موفق بکسب‌این افتخارشد که اولین‌فرد شکنندهٔ اتم‌درجهان‌محسوب شود . وی قطعهٔ کــوچکی از یك جسم رادیو آکتیف را در محیط ازتی قــرار میدهد وازت آلفا که‌ازجسم رادیوآکتیف صادرمیشدند درگاز بحرکت درمیآمدند وگاهگاه‌نیز باهستهٔ‌آزت‌برخوردمیکردند این هسته‌ها تحت تأثیراین تازیانهٔ شدید متلاشی میشدند ویکی از پروتونهای که در هر کدام‌آنهاموجود بود فرارمیکرد ودرعوض ذرهٔ‌آلفا به‌باقیماندهٔ‌آنها متصل میگردید وچون خوداین‌ذره‌ازدوپروتون تشکیل‌یافته‌بود مجموعاً‌آنهاهستهٔ‌جدیدی شامل هشت پروتون‌تشکیل‌میدادند«یعنی یك هسته اکسیژن‌حاصل‌میشدوباینطریق آزت تبدیل باکسیژن میگردید .

اینکار شجاعت‌آمیزدرسال ۱۹۱۹ انجام گرفت و دانشمند بزرگ بلافاصله در صدد بر آمدروش خودرا اصلاح کند و باینکاراحتیاج فراوان داشت ؛ زیرا ادعای اینکه هسته‌های اتمی را بوسیله ذرات آلفا بمباران‌کنند مثل این بودکه میخواهند با طپانچه روی‌نوك سنجاقهایی که‌بفاصلهٔ ده متر ازیکدیگر قراردارند تیراندازی نمایند گذشته از آن‌لازم‌بود که سرعت گلوله‌ها را نیز افزایش‌دهند تابتوانندبوضع‌مؤثرتری‌هسته‌هارابشکافد بهمین دلیل (روترفورد) ذره‌های‌آلفا را کنار گذاشت و پروتون را جانشین آن کرد . وی بعد ازاینکه در سال۱۹۲۷ استاد انستیتوی پادشاهی‌شد وعضومجلس اعیان‌گردید در سال ۱۹۳۱عنوان«لرد ـ روترفوردنلسون» باو اعطا گردید .

رولاند، هانری اوگوست Rowland.H.A (۱۸۴۸ـ۱۹۰۱ م).

در دانشگاه ییل و بعد در تروی درس خواند ومهندس‌کشوری شد ، مدت کمی با هلمهولتز درس خواند و استاد دانشگاه‌جان هوپکینز گردید. درریاضی ودر عملیات‌آزمایشگاهی مهارت داشت.

کارهای مهم‌اوعبارتنداز ساختن توری‌های پراش بسیار دقیق واندازه‌گیری معادل مکانیکی‌حرارت که هنوزهم مورد استفاده است وساختن اسبابهای دقیق فیزیکی و ماشین حفر شبکه .

رونتگن ، ویلهلم ، کوبارد RÖNTGEN G.C (۱۸۴۵—۱۹۲۳ م).

درآلمان متولدگردید ودرسوئیس و هلند تحصیل کرد . بعدازاینکه مدتی دردانشگاههای آلمان تدریس کرد و در یکی از ایام سال ۱۸۹۵ در این شهر هنگام تکرار تجربهٔ «لنار» با نمودی مواجه شدکه نزدیك بود ازشدت تعجب و حیرت بر جای خشك شود «رونتگن» لولهٔ «کروکس» خود را درکاغذ سیاهی پیچیده بود و با اینحال مشاهده کردکه پردهٔ آغشته بیك ماده فلوئورسنت که در نزدیکی لوله قرار داشت بدون علتی روشن‌میشود وبا تعجب ازخود سؤال کرد که کدام تشعشع غیرمرئی موجب این فلوئورسانس میشود ؛ این تشعشع قطعاً اشعهٔ کاتودی نیست‌زیرااین‌اشعه‌نمیتوانند ازشیشهٔ لوله عبور کند .... بعدازاینکه تجربه را چندبار متوالی تکرار کرد چنین‌نتیجه گرفت که این‌عامل‌اسرارآمیز از کاتد صادر نمیشود بلکه از صفحهٔ آلومینیوم یا «آنتی‌کاتد» ساطع میشود . رونتگن که فوق‌العاده به‌موضوع علاقمند شده بود باخودگفت :

ببینیم این اشعهٔ ناشناس که ازکاغذ سیاه عبور میکند قدرت عبور ازچوب‌را هم دارد یانه ؟ ولولهٔ خود را بطرف در اطاق متوجه کرد ویك صفحهٔ‌عکاسی‌تصویر در را با تمام خطوط داخلی چوب ثبت کرده بود ، آنگاه‌چون‌فهمید که‌اکتشاف او چه اهمیت اساسی در جهان علم پیدا خواهدکرد بتجارب متعدد پرداخت و عکس سکه‌های پول را از داخل کیف برداشت وحتی روزی موفق شدکه‌تصویر استخوانهای دست خودرا ازپشت گوشت دست تهیه کند .

روز بعد از نوئل سال ۱۸۹۵ این تصاویر حیرت‌انگیز را بجامعهٔ فیزیك برلن تقدیم کرد . حیرت و تعجبی که در حضار تولید شد وصف نکردنی است و بزودی شهرت آن تمام عالم را پر کرد .

«رونتگن» ازکشف‌اشعهٔ x (که آنرا اشعهٔ رونتگن نامیدند) مشروع‌ترین پاداشها یعنی شهرت عام بدست آورد . وی بعدازاینکه تجربه رادرحضورویلهلم دوم تکرار کرد از قبول کرسی تدریسی که درشهر برلن باوپیشنهاد میشدامتناع نمود و بشهر خود در ناحیهٔ «باویر» بازگشت . درسال ۱۹۰۱ جایزهٔ نوبل باو تقدیم شد وازآن‌پس مدیرانستیتوی فیزیك شهر مونیخ گردیدوتاسال۱۹۱۹ درآنجا مقام داشت وچهارسال بعدازآن درتاریخ ۱۰ فوریهٔ ۱۹۲۳ وفات‌یافت .

ریتر ، ژان .Ritter.j (۱۷۷۶—۱۸۱۰ م) .

فیزیك‌دان آلمانی بودکه بااطلاع‌از اکتشاف «اسکیل»دایربا‌ینکه‌کلرورنقره دراثرنورسیاه‌میشود باهمکاری‌ولاستون‌باین فکر افتاده بودندکه طیف شمس راروی کاغذی‌که آلوده باین‌ماده باشد منعکس نمایند و ملاحظه کرده بودند که‌کلرور نقره درآنطرف‌نوربنفش‌نیز سیاه‌میشود. بنابراین با خود گفتندکه بموجب این تجربه تشعشعات فوق بنفشی وجود دارد که مرئی نیست و نمیتوان آنرا بوسیلهٔ گرما سنج مورد امتحان قرار داد وفقط دراثر عمل شیمیایی نور مشخص میشود. اما کاغذی‌که‌آلوده‌به‌کلرورنقره‌باشدبرای این تجربه وسیله‌ای بدوی است .

«فرهنگ معین»

زپیلین فردینا ندفن Zeppelin (۱۸۳۸—۱۹۱۷م) .

متخصص ومهندس هواپیمائی‌آلمان مخترع وسازندهٔ بالنهای‌بزرگ‌دیریژابل که بنام خود او نامیده شده است.

زایس، کارل ZEISS (۱۸۱۶—۱۸۸۸م).

از بزرگان دانش‌وصنعت‌آلمان که کارخانه‌های دوربین سازی ودستگاههای عکاسی‌تأسیس کرد که باسم خوداودرجهان شهرتی عظیم کسب کرده .

ژاکار، ژزف ماری JACQUARD (۱۷۵۲—۱۸۳۴ م) .

مهندس ومکانیسین فرانسوی مخترع طریقهٔ جدیدی درنساجی که بنام خود او معروف است ،

ژانسن، ژول J.A JANSSEN (۱۸۲۴—۱۹۰۷ ه ق.)

از نقاشان‌زبردست فرانسوی‌بشمار میرفت . درسن بیست‌وهشت‌سالگی‌صدای علم درگوش او زمزمه‌آغاز کرد . بعداز اینکه دکترای خودرا در علوم‌گذرانید بسمت استاد فیزیك در دانشکدهٔ‌معماری معین‌گردید .

«ژانسن» در خانهٔ خود رصدخانهٔ کوچکی برای تجزیهٔ طیفی‌ایجادکرد و بزودی توانست مأموریت مهمی بدست آورد یعنی کسوف‌کلی خورشید را در۱۸ اوت ۱۸۶۸ در هندوستان رصدکند و طی همین مأموریت موفق شد که بکمك اسپکتروسکوپ‌شعله‌های‌قرمزرنگ‌بزرگی راکه بطول ده‌ها وصدها هزارکیلومتراز جوخورشیدخارج میشوندو «پروتوبرانس» نام دارندمشاهده کند وطیف‌گازناشناسی را بدست‌آورد واین نتایج را بلافاصله به‌آکادمی علوم‌گزارش داد.

«ژانسن»همواره درمسافرت بود و در زیرآسمانهای متفاوت بآزمایش با اسپکتروسکوپ اشتغال داشت .

ژول، جیمزپریسکوت JOULE .P. (۱۸۱۸—۱۸۸۹م) .

ژول فرزند یکی‌ازتجارعمده‌فروش آبجو وشاگرد «دالتون» بود در تعقیب «اورستد» و«آمپر» و«فارادی» بمطالعه دربارهٔ مغناطیس‌والکتریسیته پرداخت . بعداز اینکه در سال ۱۸۳۸ یك موتور الکتریکی‌اختراع کرد درصدد برآمدکه میزان حرارت حاصل از عبور جریان الکتریسیته درسیمی را حساب‌کند ، و باینطریق درسال۱۸۴۱ توانست قوانین مشهوری را که «بقانون ژول» موسومند بیان‌کند .

ژول بیش‌از ده‌سال اوقات خودرا صرف تجربه‌کرد ودرسال۱۸۷۸ به‌نتیجه قطعی رسید . وی بخصوص‌ازظرف‌پرآبی که چرخ پره‌داری در داخل‌آن حرکت میکرد استفاده مینمود وحرکت چرخ‌از سقوط وزنه‌ای‌بوجود میآمد وکارمکانیکی حاصل از سقوط‌وزنه را اندازه‌میگرفت و آنرا با ازدیاد حرارت آب مقایسه میکرد وازآنجامعادل مکانیکی حرارت را بدست میآورد . عددی که باینطریق بدست آورد ۴۲۵ کیلوگرام متربود و آن بسیار نزدیك بعدد ۴۲۷ است که امروزه معمول میباشد .

ژولیو، فردریك JOLIOT-CURIE متولد—۱۹۰۰) .

بعداز آنکه «لیسه‌لاکانال» را تمام کرد وارد مدرسهٔ فیزیك‌وشیمی گردید و


رونتگن


زایس


ژاکار


ژانسن


ژول


ژولیو فردریك کوری



سومرفلد

افتخارشاگردی «پول‌لانژون» رایافت. پس ازچندی «پول‌لانژون» باو اطلاع دادکه «مادام‌کوری» احتیاج بدستیار خاصی دارد . باین‌ترتیب‌دانشمند بزرگ‌آینده باورود درآزمایشگاه فیزیك‌دان نامی درسیر خطصنایع (که مسیر ابتدائی وی بود) خارج ووارد قلمرو علوم‌گردید.

دراین هنگام (مادام‌کوری) دستیار دیگری نیز داشت‌کـه (ایرن کوری) نام‌داشت یعنی دختر خود دانشمند بود که در۱۲ سپتامبر ۱۸۹۷ متولد گردیده بود .



شاپ

هنوز بیش‌ازیکسال ازورود (فردریك ژولیو) نگذشته‌بود که (ایرن‌کوری) تبدیل (بەمادام ژولیو) گردید .

ایـن زن و شوهـر در انستیتوی (رادیوم) واقع در کوچه (پی‌یر کوری) مطالعات‌مربوط‌به‌رادیوآکتیویته واستحاله اجسام را ادامه دادند و در یکـی از روزهای سال۱۹۳۴ هنگام تکرارتجربه «روتررفورد» رازبزرگی برایشان‌کشف شد ازاینقرارکه صفحه‌ای از آلومینیوم را بوسیله اشعه آلفا بمباران میکردند و انتظار داشتندکـه در نتیجه این‌عمل آلومینیوم تبدیل بسیلیسیم شود . اما با کمال حیرت‌مشاهده کردندکه جسم‌حاصل نه فقط سیلیسیم نیست بلکـه عیناً مانند رادیوم خواص رادیوآکتیف‌از خودظاهر میسازد . بزودی فهمیدندکه جسم جدید فسفر است ، اما فسفر رادیو آکتیف یا رادیوفسفرمیباشد . و بزودی توانستند مکانیسم عمل را نیز کشف کنند . چون آلومینیوم را بوسیلهٔ اشعهٔ آلفا بمباران کنند تبدیل بفسفر رادیو آکتیف میشود وآنگاه این فسفر عیناً مثل جسم‌رادیو-آکتیف طبیعی بتدریج تجزیه وتبدیل‌به سیلیسیوم‌بیحرکت‌میگردد . آنان تجربهٔ خودرا تکرار کـردند و موفق به تهیهٔ رادیوآزت ورادیو منیزیم نیز گردیدند. مورد استعمال‌این‌عناصر فقط ازاین‌لحاظ نیست‌که درساختمان هستهٔ اتمی‌اطلاعات جدیدی میدهد ، بلکه‌چون عناصررادیو آکتیف مصنوعی‌همان تأثیر عناصررادیو آکتیف طبیعی را داراهستند وحتی‌شامل مزایایی میباشندکه درطب مورداستعمال فوق‌العاده دارند . آنگاه (ایرن‌کوری) استاد سوربون و (فردریك ژولیو) استاد کولژدوفرانس گردیدند وهردونفرآنان



شارل



فابری



فارادی

باخذ جایزهٔ نوبل سال ۱۹۳۵ نایل‌شدند وتهیه اجسام رادیو آکتیف مصنوعی در همه‌جهان شروع‌گردید .

سومرفلد، آرنولد SOMMERFELD .A . (۱۷٦۸-۱۹۵۱ م) .

استاددانشگاه مونیخ‌درسال ۱۹۱۵ باخود اندیشید؛ درروشنایی نسبیت‌چنین بنظر میرسدکه‌تئوری‌اتمی «بوهر»صحت مطلق‌نداردالکترونهایی‌که‌به‌هسته‌نزدیکتر هستند سریعتر از سایرالکترونهادوران میکنند بنابراین باید وزن آنها بیشتر باشد آنگاه محاسبه ثابت میکند کـه الکترونها نبایدخطوط‌طیفی‌واحدی‌صادر کنند بلکه باید مجموعه‌ای از خطوط طیفی‌ظریف ایجاد نمایند وساختمان این خطوط طیفی ظریف بخصوص درموردیکه بجای طیف‌اشعهٔ X راموردآزمایش قرار دهیم باید متراکم‌تر وشدیدتر باشد .

سکچی، آنژلو Secchi.A. (۱۸۷۸-۱۸۱۸ م) .

در ایتالیا متولدشد ودرکتاب‌خود که « خورشید ، بیان اکتشافات اساسی جدید» نام‌داشت ودر۱۸٦۷ انتشاریافت؛ خلاصه رصدهایی راکـه از سال ۱۸٦۰ انجام‌گردید توضیح داد وخودرابعنوان بنانهندهٔ فیزیك خورشید بهمهٔ جهانیان معرفی‌کرد. وبه‌سمت‌مدیریت‌رصدخانه‌ای که درکلیسای «سن‌اینیاس» ایجادگردید منصوب شد . درسال ۱۸۷۲ وی «جامعهٔ متخصصین‌اسپکتروسکوپی‌ایتالیا» رابرپا ساخت .

سلمن ، بنیامین (فوت ۱۸۸۵ م)

ازاولین پیشروان واشاعه‌دهندگان استخراج‌وبهره‌برداری صنعتی‌واقتصادی ازنفت میباشد وی ثابت‌کرد که نفت را علاوه بـراهمیت نظامی میتوان در راه بهبود زنـدگی بشر بکار بـرد . روغن موتوروپارافین‌که‌مقامی‌بس‌مهم درصنعت دارد از اکتشافات اوست .

سلمن در سال ۱۸۵۹ حفر اولین چاه خودرا بپایان رسانیدودرمدتی‌کمتر ازصدسال چاههای نفت ایالات متحده به ۴۸۲۰۰۰ حلقه بالغ‌گردید .

شاپ، کلود CHAPPE (۱۷٦۳ - ۱۸۰۵م) مهندس‌وفیزیکدان‌فرانسوی مخترع‌تلگراف‌هوایی‌است‌که‌درسال۱۷۹۴ برای اعلام تصرف «کنده‌سور ــ لسکو» افتتاح شد .

«فرهنگ معین»

شارل ، ژاك الکساندر CHARLES (۱۷۴٦-۱۸۲۳ م) .

فیزیکدان فرانسوی‌اولین کسی‌بود که ئیدرژن را برای بادکردن‌بالنها‌بکار برد . لامارتین در سرودن اشعاری بنام الویر همسرجوان این دانشمند رامنظور داشت .

شوکلی، ویلیام .

اوراپدر«ترانزیستوری»می‌خوانند. بعداز ده‌سال رنج‌ومطالعهٔ‌فراوان‌توانست رادیو وتلویزیون ترانزیستوری راکشف نماید . ازمخترعین معاصر است .

فابری، شارل Fabry .ch (۱۸٦۷-۱۹۴۵ م)

فیزیکدان معاصر فرانسوی‌وصاحب اکتشافات وتألیفات‌مهم در تمام مباحث فیزیك ، مخصوصاً مبحث نور می‌باشد .

فارادی، میشل Faraday .M (۱۷۹۱-۱۸٦۷ م).

در انگلستان متولد شد . سیزده ساله‌بود که دردکان‌صحافی‌بعنوان شاگرد مشغول‌کار شد وهنگام فـراغت به‌مطالعهٔ کتابهای‌موجوددردکان‌صحافی‌میپرداخت. مطالعهٔ یکی‌ازتألیفات شیمیدان سوئیسی **ژان‌مارسه** او را بخط سیر علـوم وارد نمود . فارادی ازآن پس درکلاس درس **سرهمفری‌دیوی** شیمیدان مشهور حاضر میشد ومقالاتی هم دراین‌باره مینوشت و برای استاد میفرستاد . در سال ۱۸۱۳ **سرهمفری دیوی** او را بعنوان دستیار خودانتخاب‌نمود.وی‌درسال۱۸۲۳هم‌ردیف شیمیدانان بزرگ قرارگرفت ودرهمین سال موفق شد بعضی ازگازها رابصورت مایع درآورد ، در سال ۱۸۲۵ بریاست «آزمایشگاه پادشاهی» منصوب گردید . او در سالهای ۱۸۳۱ و ۱۸۳۲ - اثر مهم خـود را که «الکتریسیته القائی» بود بجامعهٔ پادشاهی داد وهمین‌اثر بود که نام اورا دردنیا ابدی ساخت .

فارنهایت، گابریل دانیل .

Fahrenheit.G(۱٦۸۴ - ۱۷۳٦م) .

فیزیکـدان معروف آلمانی آلتی اختراع‌کردکه بتوسط‌آن وزن مخصوص مایعات را اندازه میگیرندونیز میزان‌الحراره‌ای ساخت‌که‌بنام خود اومعروف است .

«فرهنگ معین»

فرااونهوفر، زوزف . FRAUNHOFER (۱۷۸۷ـ۱۸۲۶م)

فرزند شیشه‌بر فقیری ازاهل باویر بودکه بساختن‌آلات بصری میپرداخت. درسال ۱۸۱۴ که بسمت مدیریت یکی از بنگاههای بزرگ‌مونیخ برای‌ساختن آلات بصری انتخاب‌گردید .

این شخص متخصص بزرگی بودکه بجستجوهای عالمانه‌ای درباره بهترین روش صیقلی‌کردن‌عدسیها‌دست‌زد وبرای این کارآنها را بوسیلهٔ دسته‌یی از انوار کاملاً متجانس روشن میساخت .

روزی این‌مطلب‌را پیش خودمطرح کردکه نور خورشیددرحال عادی‌متجانس نیست زیرا چنانکه نیوتون ثابت کرده است این‌نورازهفت رنگ‌که باهم‌مخلوط شده‌اند تشکیل یافته است . برای‌بدست آوردن نور متجانسی باید یکی از این هفت رنگ را اختیارکنیم . یعنی‌قبلاً آنرا بوسیلهٔ منشور از سایرین جدا نماییم . باین‌منظور نور خورشید را از شکافی باریك گذراند و روی منشوری انداخت وبوسیلهٔ یك‌منشور ویك ذره‌بین دستهٔ اشعه‌ای را که ایجاد میشد مورد مطالعه قرار داد و باین‌ترتیب توانست طیف خورشید راکه نوارهای تاریکی‌در داخل‌آن وجود داشت‌واین نوارهانسبت بیکدیگر وضع ثابتی داشتند کشف‌کندو طبق شمارش‌وی تعداد این نوارها۵۷۶ بوده است .

فره‌نل، گوستن. FRESNEL (۱۷۸۸ـ ۱۸۲۷ م)

درشامبره متولدشد .درهشت‌سالگی خواندن را خیلی بزحمت آموخت.بمدد قطعه‌ای‌ازمقوا‌ویك سیم‌میکرومتری‌برای خودتهیه کرد ویك عدسی خاص بوجود آورد در اواخر سال ۱۸۱۵ دو مقاله به آکادمی علوم فرستاد که درآنها از تئوری‌تموجات نورانی استفاده کرده واصول تداخل امواج نورانی را مستقل از یونگ‌یافته بود .

وی‌طی تجربه‌ای سایهٔ‌صفحهٔ‌کوچکی را روی پرده‌ای‌بدست آورد و نشان‌داد که در واقع‌مرکزاین‌سایه یك‌لکهٔ‌نورانی است وآکادمی جایزهٔ بزرگ‌خودرا در ریاضیات تقدیم‌او کرد . فره‌نل نمودهای انتشارمستقیم‌الخط، انعکاس انکسار، با تداخل و تفرق را توضیح داد و تنها نمودی که‌نسبت به تئوری جدید عصیان نشان‌می‌داد نمود قطبی‌شدن بود.در سال ۱۸۲۰ عدسی‌های‌نمونه‌ای‌اختراع کرد. دوست او آراگو مدال‌علمی رومفور را از طرف جامعهٔ پادشاهی برای‌اوآورد. ولی‌دیگربزحمت توانست تشکرکند .

فرمی ، انریکو. FERMI y.E. (۱۹۰۱ـ ۱۹۵۴ م)

از سال۱۹۲۶استادانستیتوی‌فیزیك شهر روم بود . از جمله اولین کسانی است که از سال ۱۹۳۴ (نوترونها) را بکاربرد.وی با خود اندیشیدکه‌درنتیجهٔ عمل استحالهٔ هرجسم‌میتوانیم‌جسم‌دیگری را که بعد ازآن درجدول مندلیف قرار گرفته است بدست آوریم . حال ببینیم که‌اگرعمل استحاله درموردداورانیوم که آخرین عنصر جدول مزبور است انجام گیرد چه اتفاقی روی خواهد داد ؟ و با شور و حرارت‌بیمانندی شروع بکارکرد وآلات و ابزار لازم برای این‌موضوع‌را تهیه کرد و در سال ۱۹۳۸ موفق شدکه خبر حیرت‌آوری را باطلاع جهانیان برساند زیرا توانسته بودپنج‌عنصر جدید سنگین‌تر از اورانیوم بر عناصر موجود جدول مندلیف بیفزاید .«انریکوفرمی» بزرگترین‌سهم‌رادر اکتشافات اتمی‌جهان وبخصوص‌در ساختمان پیل‌اتمی داراست.

فوکو، لئون . FOUCAULT (۱۸۱۹ـ ۱۸۶۸ م)

در پاریس متولدگردید بهیچوجه دانشگاه نرفته‌بود وفقط بطبیب خاطر در دکان‌پدرش که‌یکنفر کتابفروش‌بود‌بمطالعهٔ کتب‌اشتغال‌میورزیدفوکو در سال ۱۸۵۱ که سی‌ودوسال‌داشت از افکار (آراگو) الهام‌گرفت و بتفکرات عمیقی در باره دانش مکانیك پرداخت وبا خود چنین گفت . هنگامیکه آونگی را بنوسان درمی‌آورم این نوسانها درصفحهٔ قایمی انجام‌میگیرند ودرمکانیك‌ثابت میکنند که این صفحه درفضاثابت میماند .

وی‌نتیجه گرفت هرگاه‌فرفره را باسرعت‌نسبةً زیادی بحرکت در آوریم محور آن همواره متوجه امتداد معینی میشود و بکمك این فکر ژیروسکوپ‌را اختراع کرد و چنانکه میدانیم‌این‌آلت در هروضع که قرار گیرد همواره همان وضع را حفظ می‌کند واین خاصیت در زیر دریاییها و سفینه‌های کیهانی مورد استفاده‌واقع‌میشودوقطب نماهای‌ژیروسکوپی جانشین قطب نماهای معمولی گردید .

فیزو، هیپولیت FIZEAU.H (۱۸۱۹ـ ۱۸۹۶ م) .

فرزند یکی از استادان دانشکده طب پاریس‌بودتاآن‌تاریخ ارزش‌خویشرا بواسطهٔ اصلاحاتی که‌درصفحهٔ عکاسی‌داگر بعمل آورده وبواسطهٔ اکتشافاتی که در مبحث نور باتفاق «فوکو» انجام داده بهمگان ثابت کرده بود . فکر اساسی «دوپلر» در دستهای این شخص بصورت اصلی‌درآمدکه‌قابل‌بکاربردن‌در دستورهای ریاضی بود و درآینده منبع اکتشافهای بسیار مهمی گردید بطوریکه اصل : «دوپلر ـ فیزو» امروزه یکی‌ازپایه‌های فیزیك ستارگان‌میباشد وبمددتغییرمکان خطوط طیف میتوان سرعت ستارگان و سحابهای دوردست را معین‌کرد .

کاوندیش .Cavendish (۱۷۳۱ ـ ۱۸۱۰ م) .

فیزیکدان‌وشیمیدان‌بزرگ‌انگلیسی که هوا را تجزیه کرد و ترکیب آبرا شناخت هیدرژن را توصیف و ثقل کرهٔ زمین‌راکشف‌کرد .

کروکس، ویلیام .Crokes.W (۱۸۳۲ـ۱۹۱۹ م) .

در سال ۱۸۷۳ « رادیو متر » را اختراع‌کرد .

در سال ۱۸۷۸ تجربهٔ «پلوکرو ـ هیتورف» راتکرار وملاحظه‌کردکه اشعهٔ کاتودی نه‌فقط شیشهٔ لوله را فلوئورسنت میکند بلکه اگر سنگهای قیمتی در داخل لوله قرار دهند آنها را نیز روشن‌میکند وبالاخره‌به‌این‌نکته‌برخورد که اگر این اشعه را روی قطعه‌ای از طلای سفید بیندازنداین قطعهٔ طلاآنقدر گرم میشودکه سرانجام ذوب میگردد و ثابت‌کردکه اگربه‌جای طلای سفیدچرخ کوچکی نظیر چرخ رادیو متر در لوله قرار دهند شروع بدوران میکند عیناً مثل‌اینکه‌آنرا بوسیلهٔ پرتاب‌اجسامی با سرعت بسیار بزرگ بحرکت در آورده باشند . اماجسم‌پرتاب شده چیست‌مسلماً یك سلسله مولکولهایی است که ازکاتود صادر میشود زیرا خلاء در داخل لوله بسیار پیشرفته است تا جاییکه‌مولکولها بسیار رقیق هستندومیتوانند بدون‌ترس ازخطر تصادم بخط مستقیم حرکت‌کنند.


فرااونهوفر


فرنل


فرمی


فوکو


فیزو



پی یرومادام کوری

پس کاتودفورانی از مولکولها ایجادمیکند
که سنگهای قیمتی یا طلای سفیدویاچرخ
کوچك را در معرض بمباران شدیدقرار
میدهد. «کروکس» حداکثر حالت رقتی
راکه گاز باید اختیارکند تا تجربه قرین
موفقیت شود «حالت متشعشع» نامید.
درسال ۱۸۷۹ درکنفرانسی که داد
نتایج کار خودرا عرضه داشت و بزودی
این مسئله شهرت یافت. تمام آزمایشگاهها
خواستار تهیهٔ لولهٔ «کروکس» شدند و
تمام کتب شیمی «حالت متشعشع» را بعداز
حالت ثلاثهٔ جامد و مایع وگاز حالت
چهارم ماده دانستند.
«کروکس» تالیوم را نیز کشف
کرده بود.

کلوزیوس، رودولف Clausius R.
(۱۸۲۲–۱۸۸۸ م).
ازاهل پومرانی و در سال ۱۸۲۲
متولدگردید. هنگامیکه اصل «کارنو»
را ازخاك درآورد استاد فیزیك درمدرسهٔ
پولی تکنیك شهر برلن بود. در۱۸۶۴
از مجموعهٔ آثار وی کتابی بنام «تئوری
مکانیکی حرارت» تشکیل شدکه دانش
ترمودینامیك را برمبانی خود مستحکم
کرد. اوبرای اولین بارگفت:
انرژی عبارت ازشطی است که همواره
درجهت الکتریسیته حرارت، نورحرارت،
کار مکانیکی حرارت، انرژی شیمیایی
حرارت جریان مییابد و بعبارت دیگر
حرارت همیشه مقصد انتهایی و غیرقابل
بازگشت این مسیراست. بااین ترتیب اصل
«کارنو ـ کلوزیوس» باتعیین جهت تبدیلات
انرژی اصل بقای انرژی راکامل کرد.
«کلوزیوس» هرگازرا بمنزلهٔ اجتماع
ملیاردها مولکولی که دایماً در هیجان
میباشند در نظرگرفت و اساس تئوری
حرکتی گازها را تشکیل داد. و در
هنگام مرگ استاد دانشگاه بون بود.



ایرن کوری

کوری، ایرن Curie
فیزیکدان فرانسوی متولد سال
۱۸۹۷ میلادی همسر فردریك ژولیو
دخترمادام کوری دستیار شوهر خود در
تحقیقات اتمی بود که منجر به کشف
رادیوآکتیو مصنوعی گردید.



پی یر کوری

کوری، ماری اسکلودووسکا Curie. M.
(۱۸۶۲–۱۹۳۴ م).
«ماری اسکلودووسکا» درشهرورشو
تولدیافت.
«ماری» دربیست وسه سالگی برای
اخذ دانشنامهٔ لیسانس علوم از دانشگاه
سوربون پاریس، به فرانسه سفر کرد.
دراین دانشگاه بایکی از استادان فیزیك
وشیمی بنام «پیرکوری» آشنا شد. ودر
سال ۱۸۹۵ ازدواج او و «پیر» درشهر
پاریس سرگرفت.
«ماری کوری» برای گذراندن دورهٔ
دکترای خود بنا به پیشنهاد شوهرش در
صدد جستجوی اجسامی غیراز اورانیوم
که دارای همان خواص باشند برآمد.
«مادام کوری» مواد معدنی را مورد
آزمایش قرارداد وملاحظه کردکه تشعشع
یکی از مواد معدنی بمراتب قویتر از
اورانیوم است. «مادام کوری» وشوهرش
«پیر» هردو مشغول کار شدند و روزهای
هیجدهم وبیست وششم ژوئیهٔ سال ۱۸۹۸
به اکتشاف پولوتینوم و رادیم موفق
گردیدند.
درسال ۱۹۰۳ این زن وشوهرجایزهٔ
علمی نوبل راربودند درسال ۱۹۱۰ موفق
به تهیهٔ رادیوم خالص شد دراین زمان،
استاد سوربون وعضوآکادمی طب فرانسه
شد ودرسال ۱۹۱۸ دوباره جایزهٔ علمی
نوبل را بدست آورد.
مادام کوری در سال ۱۹۲۹ سفری
بهامریکاکرد و کنگرهٔ زنان امریکا یك
گرم رادیوم بقیمت ۱۰۰ هزار دلاربخاطر
تجلیل از خدمات اوبوی تقدیم کردند.
مادام کوری ۲۸ سال پس از مرگ
شوهرش جهان را بدرود گفت.

کوری، پی یر Curie .P (۱۸۵۹ – ۱۹۰۶ م).
«کوری» در سال ۱۸۵۹ در یك
خانوادهٔ طبیب متولد گردید. وی در
اندازه گیری طول موج اشعهٔ دون قرمز
ابداعات جالبی کرد و بخصوص در سال
۱۸۸۰ باتفاق برادرش «ژاك» موفق
بکشف «پی یزو الکتریسیته» [تهیهٔ
الکتریسیته بوسیلهٔ بعضی مواد متبلور
که تحت فشار قرار میگیرند] گردید.
درسال ۱۸۹۵ با دختر دانشجوی
لهستانی بنام «ماری اسکلودووسکا» که در
آزمایشگاه اوکار میکرد ازدواج کرد.
درآن اوقات که «ماری اسکلودووسکا»
«مادام پی یر کوری» گردید در صدد
جستجوی موضوعی برای رسالهٔ دکترای
خود برآمد؛ شوهرش باو چنین الهام
کرد: چرا در جستجوی این موضوع
برنمیآیی که آیا غیر از اورانیوم اجسام
دیگری که شامل خواص آن باشند وجود
دارد یانه؟
آنگاه «مادام کوری» باکمك روش
فنی مخصوصی که بوسیلهٔ شوهرش ابداع
شده بود شروع بکارکرد وسلسلهٔ متعددی
از مواد معدنی را موردآزمایش قرارداد
وروزی مشاهده کردکه یکی ازموادمعدنی
«پشبلاند» نیز منبع ایجاد تشعشعی متشابه
باتشعشع اورانیوم است وحتی تشعشع آن
چهارمرتبه قویتر میباشد. جای شك و
تردید نبود، این مادهٔ معدنی میبایست
شامل جسم رادیوآکتیفی بمراتب قویتر
از اورانیوم (بکرل) باشد.
آنگاه «پی یر کوری» و «ماری کوری»
مشترکاً شروع بکارکردند و طبق سفارش
آنان چندین تن «پشبلاند» از ناحیهٔ
«بوهم» حمل گردید وروز۱۸ و۲۶ ژوئیهٔ
سال ۱۸۹۸ اکتشاف متوالی «پولونیوم»
و«رادیوم» را بآکادمی علوم اعلام داشتند
وجسم اخیر ملیونها بار فعالتر و قویتر
از اورانیوم میباشد.
«پی یر کوری» هنوز به پنجاه سالگی
نرسیده بودکه در روز ۱۹ آوریل سال
۱۹۰۶ سه سال پس از اخذجایزهٔ نوبل در
نزدیکی پل جدید کامیون بزرگی، وجود
هنرمند اورانابود کرد،

کولمب، شارل Coulonb.ch
(۱۷۳۶ – ۱۸۰۶ م).
از افسران صنف مهندس بودوهمان
کسی است که استحکامات بوربون را در
مارتینیك ساخت وبا انتشار اکتشافاتی
که دربارهٔ ساختمان سقف در معماری و
همچنین دربارهٔ طنابهای کشتی کرده بود
مورد توجه واقع شد کولمب دراکتشافات
سال ۱۷۷۹ خود خواص عقربهٔ مغناطیسی
راکه تحت تأثیر میدان مغناطیس زمین
قرارگرفته باشد شرح داد.
در سال ۱۷۸۹ که مجموعهٔ آثار و
اکتشافات خودراکه یکی ازاساسی ترین
قوانین الکتریسیتهٔ ساکن نتیجه گردید
منتشر ساخت کولمب ثابت کردکه قانون
جاذبهٔ نیوتونی درمورد بارالکتریکی نیز
صحت داردوجسمی که دارای الکتریسیتهٔ
منفی باشد با جسم دیگری که دارای
الکتریسیتهٔ مثبت باشدیکدیگر رابنسبت
مستقیم بارالکتریکی خود ونسبت معکوس

مجذور فاصله جذب میکنند .

کیرشهوف، گوستاورو بر .GR. KIRCHHOFF (۱۸۲۴–۱۸۷۵م).


کیرشهوف

درگونیگسبرگ متولد شد واستاد فیزیك دردانشگاه هیدلبرگ بود وی برای مقایسه خطوط طیفی یك اسپکتروسکوپ اختراع نمودکه بکمك آن میتوانست خطوط طیفی رابوسیلهٔ مقیاس‌که با دقت تقسیم‌بندی شده بود باهم مقایسه کند.

« کیرشهوف » باتفاق همکارش «روبرگییوم بونزن» وبااستفاده ازدستگاه اختراعی وی بنام «منقاربونزن» و با شعلهٔ بسیارگرم مواد مختلف را سوزاندند و خطوط طیفی راکه باین وسیله ایجاد میشد یادداشت‌میکرد . وی‌ابتدامقداری نمك طعام یاکلروردوسدیم را سوزاند و ملاحظه کرد که خطوط طیفی زرددرنگی آشکار میگردد وباخودگفت ازاین‌تجربه چنین برمیآیدکه خطوطزردمشخص‌وجود سدیم میباشد . بنابراین اگر در طیف شعلهٔ غیر مشخصی‌رنگ‌زرد مشاهده‌کردم میتوانم یقین حاصل کنم که درآن سدیم وجود دارد . آنگاه‌لیتیوم‌راموردمطالعه قرار داد وطیف قرمز زیبایی مشاهده‌شد وهمین‌کار را درمورد اجسام دیگرکردو فهرستی از طیف اجسام مختلف تشکیل دادکه هریك ازآنها نمایندهٔ وجود جسم معینی بودند ، آنگاه‌نتیجه‌ای‌را که «آنگستروم» بدست‌آورده‌بود تأییدکرد واظهار داشت که خطوط طیفی بعضی از فلزات بر خطوط طیفی خورشید منطبق میگردد واز اینجاچنین نتیجه میشودکه کره خورشید شامل تمام فلزات یعنی سدیم ولیتیوم وغیره میباشد ... اما چرا این خطوط تاریك هستند ؟

درسال ۱۸۶۰ ازاین راز نیزپرده برداشت وتوانست قانون عمومی رابیان کند از اینقرار : وقتیکه شعاع نورانی قبل‌ازرسیدن به اسپکتروسکوپ‌ازداخل طبقه‌ای ازگاز عبورکند این‌گاز درطیف شعاع مزبور تشعشعاتی راکه خودآن در حال عادی ایجاد میکند جذب مینماید . مثال : کره خورشید شامل سدیم است بنابراین بایدطیف‌نورانی آن‌شامل‌خطوط زرد باشد . امانورخورشید قبل‌ازرسیدن بزمین باید از جو خورشید که شامل بخار سدیم است عبور کند وسدیم جوی خط درخشان طیفی را خاموش میکند و در جای آن فقط خلاء تاریکی باقی میماند . در واقع‌دانش جدیدی‌که همان تجزیهٔ طیفی باشد ایجاد شده بود و «کیرشهوف»و «بونزن» سال‌بعدآنرا در اثرخودبنام : «جستجوهایی دربارهٔطیف خورشید و طیف عناصر شیمیایی» منتشر کردند .

گاریر، ویلیس

درسال ۱۸۷۶ تولد یافت وی‌بیش از هرفرد دیگری صنایع تعدیل هوا را بوجود آورد او طریقهٔ ساختن و تعدیل کردن هوا را فراگرفت وبدین‌ترتیب‌در بسیاری ازصنایع دیگر انقلابی بپاکرد بدون اینکه‌بتوان هوای داخل‌کارخانه‌را تحت‌اختیار گرفت‌ممکن‌نبود امروزبتوان صنایع‌هواپیمایی داشت .

در هفده سالگی بسمت آموزگاری درحوالی شهر مشغول‌گشت و پدر خود کمك‌میکرددر۲۵ سالگی توانست دیپلم خودرا درمهندسی فنی بگیرد وی معتقد بود اگر بتوان با موفقیت هوارا سردتر کرددراینصورت‌میتوان‌آنراخشك‌ترنمود. هوا درصفردرجه حرارت،فقط مقدارکمی رطوبت را میتواننددرخودنگاهداردکمی هوای صفر درجه را در جای مقتضی نگاهداشته‌آنرا هفتاددرجه‌حرارت‌بدهید ویك‌مقدارآب درجایی‌که این‌هوا درحین گرم‌شدن بتواند بآن‌برسد برابرآنچه‌در صفردرجه‌آب‌می‌گرفت‌آب‌جذب‌می‌کند .

گالوانی ، لوئی. Galvani·L (۱۷۳۷–۱۷۹۸ م) .

فیزیکدان‌ایتالیایی ، براثرمشاهده آزمایشی‌که یکی‌ازدستیاران او درمورد قورباغه انجام میداد باین‌حقیقت‌پی‌برد که‌کلیهٔ حیوانات‌مقداری‌نیروی‌الکتریسیته مخصوص دربدن خودذخیره‌دارند وخود دراین‌باب آزمایشهای متعدد کرد وبه نتایج مثبت رسید وبیان او پایهٔ‌تحقیقات ولتادربارهٔسایر موادطبیعی قرارگرفت.

گرام، زنوب Gramme.Z (۱۸۲۶–۱۹۰۱ م)

کارگر بلژیکی بود که با ماشین الکتریکی «لاهور .Lahevr»کار میکرد القاءگیر حلقوی را ایجاد کرد واولین دینامو را بتصور درآورد واختراع‌خود رادر۱۷ ژوئیهٔ ۱۸۷۲ به آکادمی علوم تقدیم کرد ودر سال۱۸۷۳در نمایشگاه وین‌دراتریش‌ازآن‌استفاده نمود وانرژی ماشین بخاری را بفاصلهٔ دوکیلو متر از محل مزبور انتقال داد .

عجیب اینکه کشف «گرام» جلب توجه چندانی نکرد بعضی ازدانشمندان باآن دشمنی نشان دادند و اعلام‌کردند که ازنظر تئوری این‌ماشین‌نبایدحرکت کند . واهل‌صنعت‌نیز اخم‌کردندوگفتند این‌وسیله تهیهٔ انرژی،زحمت بسیاردارد وحال‌آنکه ماشین بخار قدیمی حاضر و آماده است . گذشته‌ازآن اهل‌فن‌اظهار داشتندکه انتقال انرژی فقط در صورتی ممکن است که‌فشار الکتریکی زیادباشد وماشین«گرام» فشار کم تولید میکند . جمعی دیگرجواب دادند «اینکه‌اهمیتی ندارد این‌فشارکم را بفشار زیاد تبدیل میکنیم » اینکار بوسیلهٔ « مبدل » یا ترانسفورماتورانجام گرفت‌که اولین‌نمونهٔ آن بسال ۱۸۸۴ در نمایشگاه «تورن» ظاهرگردید .

گریك، اوتودو . GUERICKE (۱۶۰۲–۱۶۸۶ م) .


گریك

آلمانی‌بود ، پس‌ازتحصیل‌ریاضیات در دانشگاه لید بفرانسه و انگلستان مسافرت کرد و سپس بکشور خود یعنی ماگدبورگ مراجعت نمود. باخود چنین اندیشیدکه برای تخلیهٔ هوای موجوددر ظرفی‌کافیست‌که یك تلمبهٔ تخلیهٔ‌هواتعبیه کنیم . سپس‌بوسیلهٔ یك سمبهٔ چرمی‌که ممکن بود آنرا ببالونی متصل کرد اولین ماشین تخلیهٔ هوا را بوجود آورد . برای تخلیهٔ هواکافی بودسمبه‌را بوسیلهٔ اهرمی بحرکت در آورند و باینطریق توانستند وجود فشار جو را عملاً ثابت‌کنند .

اتودوگریك درسال۱۶۵۴ درحضور انجمن راستون برای‌اینکارنمایشی‌ترتیب داد : باین طریق‌که دو نیمکرهٔ فلزی مجوف بقطر۴۰ سانتیمتر اختیارکرد بطوریکه ممکن بودآنها را بوسیلهٔمادهٔ مزجی‌بهم چسبانند ویك‌کره‌کامل تشکیل داد . پس‌گفت :

آقایان ملاحظه بفرمایید‌که این‌دو نیمکره‌را میتوان‌بیکدیگر متصل‌ساخت ولی چون فشارهوای‌داخلی بافشارهوای خارجی تعادل میکند من میتوانم با نهایت سهولت این دو نیمکره را ازهم جداکنم .

بعکس اگردرداخل‌کره خلاءایجاد



گوتمبرگ



لانژون



لاورنس



لو



لورانتز

کنم آنگاه ...

اتودوگریك بجای ادامهٔ سخن بعمل پرداخت وبعداز تخلیهٔ هوای داخل کره سعی کرد دونیمکره را از یکدیگر جدا کند ولی کوشش او بیفایـده بود زیرا فشار هوای خارجی بـا نیروی بدنی او مخالفت میکرد آنگاه اظهار داشت : من آنقدر قوی نیستم که بتوانم اینها رااز هم جـداکنم بهتر است بهر سمت اسبی ببندیم آنها را دردوجهت مقابل بحرکت درآوریم ولی کوشش اسبها نیز بیفایده بود واسبها را به شانزده رأس رسانیدتا توانست دو نیمکره را ازهم جدا و این مقاومت مهیب را خنثی کند .

گوتنبرگ، یوهان. Gutenberg

گوتنبرگ درسال **۱۳۹۸** در شهر مانیس آلمان بدنیا آمد .

گوتنبرگ برای اولین بار موفق شد ماشین چاپ بسازد وبا آن چندکتاب و ازجمله کتاب لغتی بنام «کاتولیکن» را چاپ کند .

گوتنبرگ با اختراع چاپ ،یك گام واقعاً بزرگ درراه ترقی وتعالی بشریت برداشت . واو باماشین خود دوانجیل را بطبع رساند .

گیسلر، هانری Geissler . H (۱۸۱۴–۱۸۷۹ م).

مکانیسینی بود که نوعی تلمبهٔ جیوه‌ای اختراع کرد که بوسیلهٔ آن میتوانست خیلی بهتر ازماشین قدیمی تخلیهٔ هوا ، ایجاد خلاء کندوازاین ماشین استفاده کرده گازها را بحد ممکن رقیق میساخت. از جمله اینکار را باگازآزت کرد ولوله‌ای را از آن پرنمود وبوسیلهٔ قرقره «رومکورف» عمل تخلیهٔ الکتریکـی در داخـل آن انجام داد .

لولهٔ «گیسلر» امروزه جزو لوازم تفریحات فیزیکی است وگـذشته ازآن این لولهٔ پرزادولدامروزه بصورت اعلان الکتریکی درهر کوی و برزن دیده میشود.

لانژون، پل LANGEVIN (۱۸۷۲–۱۹۴۶ م) .

مهندسی بود کـه با رتبهٔ اول در دانشسرا یعالی پذیرفته شده وچندسال در کمبریج با «سرجوزف تومسون» کار کرده بود ودر« کولژدوفرانس» تدریس میکرد. تئوری مغناطیس درنتیجهٔ مساعی او از صورت تئوری مجزا شد ووی توانست با نسبت دادن خـواص مغناطیسی بحرکت الکترونها مغناطیس را نیزیکی ازخواص ماده قلمدادکند .

«لانژون» پی باهمیت خارق‌العاده اکتشافات اینشتاین برد و همراه بـا او بتوسعهٔ نتایج آن پـرداخت . از جمله توانست موضوع وحدت مـاده را کاملاً روشن سازد وی باخود اندیشیدکه چهار اتم ئیدرژن بـا وزن اتمی **۱/۰۰۸** با یکدیگر ترکیب میشوند تـا یـك اتم هلیوم تشکیل دهند . جـرم اتمی هلیوم باید **۴/۰۳۲** باشد و حال‌آنکه بیش‌از چهار نیست . پس‌این **۳۲** هزارم باقیمانده قطعاً بـا نرژی تبدیل شده و حتماً تمام اجسام ازئیدرژن ساخته‌شده . باین‌ترتیب وحدت ماده بطور دقیق بوسیلهٔ علم‌ثابت گردید .

لانگلی. Langley (۱۸۳۴–۱۹۰۶م).

فیزیك‌دان آمریکایی بود که‌دستگاه «بولومتر» راکشف کرد . و این دستگاه که از روی تغییرات مقاومت الکتریکی فلزات در اثرحرارت درست شده آنقدر حساس است که تایك ملیونیم درجه‌حرارت را کشف میکند . بار دیگر کشف اشعهٔ دون قرمز فیزیك‌دانان را بخود متوجه ساخت و با خود اندیشیدندکه چون در آنطرف نور قرمز سرزمین طیفی وجود داردکه اصلاً وجودآن را حدس نمیزدیم بسیار محتمل است کـه در طرف دیگر بنفش نیز ناحیهٔ غیرمرئی دیگری موجود باشد .

لاورانس، ارنست اورلاندو LAWRENCE. E.a (متولد **۱۹۰۱**) .

مدیر آزمایشگاه تشعشعات دانشگاه کالیفرنی درسال **۱۹۲۹** «سیکلوترون» را اختراع کرد و آن دستگاهی است که عیناً مانند فـلاخن ذرات را بـا قدرت خارق‌العاده‌ای پرتاب میکند. سیکلوترون که مخترع‌آن باخذ جایزهٔ نوبل **۱۹۳۹** مفتخر گردید شهرت خارق‌العاده‌ای یافت زیرا مـوجب پیدایش کشف بزرگی در پاریس گردیدکه مـرکز آن در قلهٔ کوه «سنت‌ژنه‌ویو» میباشد .

لنارد ، فیلیپ Lenard. ph. (۱۸۶۲–۱۹۴۷ م) .

استاد دانشگاه هیدلبرگ بود . با خود چنین‌اندیشید ، اگرلولهٔ «کروکس» را باپنجرهٔ کوچکی از آلومینیوم مجهز سازم تشعشع ازاین پنجره عبورمیکند و خارج میشود . آیا ممکن است که این تشعشع درهوا نیز انتشار یابد ؟ در سال **۱۸۹۴** امتحانی از این موضوع بعمل آورد ونتیجه‌گرفت که اشعهٔ کاتودی‌ازاین پنجره استفاده‌کرده ازلوله فرارمیکنند و در هوا انتشار مییابند . این اکتشاف موجب شد که جایزهٔ نوبل سال **۱۹۰۵** را باو تقدیم‌کردند ودرحالیکه خود او دردانشگاه «کی‌یل» تدریس‌میکرد استادان تمام دانشگاهها را بموضوع عـلاقمند ساخت بطوریکه‌همهٔ آزمایشگاههای‌جهان خواستار تکرار این تجربه شدند .

لورانتز، هندریك، آنتون LORENTZ H.A (۱۸۵۳–۱۹۲۸ م) .

دانشمند بزرگ هلندی است‌که در «آرنهیم» متولدشده واستادفیزیك‌ریاضی دردانشگاه «لید» بود دامنهٔ آنرا بوضع خارق‌العاده‌ای وسعت داد .

تئوری او دومفهوم انقلابی بود :

اولاً_ وجودالکترون‌درداخل‌ماده.

ثانیاً _ کیفیت‌ذره‌ای الکتریسیته، زیرا در واقع الکتریسیته جز جـریان الکترون چیز دیگری نبود .

بوسیلهٔ این تئوری تمام خـواص معلوم نور و امواج الکتریکـی را باز یافتند ونمود انحراف نـورانی ، و اثر «دوپلرفیزو» وهمچنین نمود دیگری را که درسال **۱۸۵۱** بوسیلهٔ «فیزو»مشاهده شده بود باینوسیله توجیه کردند .

لو، ماکس ، فون LAUE M.V (تولد **۱۸۷۹**)

استاد دانشگاه برلن‌بودکـه اظهار داشت، دانشمندان درجستجوی شبکه‌ای هستند، که‌خطوط آن‌خیلی نزدیك بیکدیگر باشندتابتوانند امواج اشعهٔ **x** را اندازه بگیرند .

بسیـارخوب! چرا ازبلوراستفـاده نمی‌کنند؟ زیرا ازقراریکه «هاوئی» و

«براوه» تعلیم داده‌اند بلورجز توده‌ای ازمولکولهای‌منظم نیست‌که رویهم قرار گرفته وشبکه طبیعی بوجودآورده است. خوداو باتفاق همکارانش: «فریدریش» و «نیپیک» تجربه راانجام دادوباینطریق توانست ثابت کندکه اشعهٔ x عبارت از ارتعاشات الکترومانیتیک است که طول موج آن ازدرجهٔیك ده میلیونیم میلیمتر یعنی هزارمرتبه ازطول موج نور مرئی کوتاهترمیباشد.

کاریکه «فون‌لو» انجام داد نتایج متعددی داشت زیرا مقیاس‌اندازه‌گیری امواج‌را بمراتب‌طویلترمیکند. این‌مقیاس درابتدا محدودبطول موج اشعهٔ مرئی‌بود آنگاه بقلمروفوق‌بنفش ودون‌قرمز توسعه یافت.

ماخ، ارنست (۱۸۳۸–۱۹۱۶م).

فیلسوف فیزیکدان اتریشی‌اولین‌کسی‌که اصول مکانیك‌کلاسیك رامورد انتقاد قرار داد.

اورا باید یکی ازپیشقدمان ایجاد مکانیك نسبی‌دانست‌کتاب‌مهم‌او«مکانیك» بود دربسیاری ازنکات بااینشتاین‌اختلاف نظرداشت ومباحثات او با اینشتاین از جمله مهمترین تبادل فکر های‌علمی‌است که در پیشرفت دانش جدید مؤثر واقع گشت.

مارکونی MARCONI (۱۸۷۴–۱۹۳۷م)

دربولونی فرانسه متولد شد او اولین‌کسی‌بودکه از خود سؤال کرد آیا چگونه میتوان از هزاران‌کیلومترفاصله گفت وشنود کردمارکنی‌برای‌یافتن‌جواب شروع به‌یك‌سلسله‌آزمایشات کردوی‌ابتدا برای‌تکمیل‌اختراع‌کاشف امواج(برانلی) شروع بکارکرد وبالاخره این‌آلت عجیب راتکمیل نمود ودر ۱۸۹۹ ازطرف‌دولت فرانسه‌مأمورتشکیل‌انجمنی برای تکمیل تلگراف‌گردیدوتوانست برای اولین‌بار تلگرافی را ازبولونی به‌آنطرف‌انگلیس بفرستد.

ماریوت ، Mariotte (۱۶۲۰–۱۶۸۴م).

مانند گالیله وپاسکال به تجربه میپرداخت و مانند دکارت منطقی‌بود لوله‌ای بشکل U تعبیه‌کرد وآنرا از جیوه‌آکنده ساخت‌واندازه‌گیریهای‌دقیقی باآن انجام داد وباین نتیجه رسیدکه‌در حرارت متساوی حجم‌مقدارمعینی ازگاز به‌نسبت معکوس‌فشارآن تغییر میکند و این همان قانون مشهور ماریوت است‌که وی درسال ۱۶۷۶آن را درکتاب خود بنام «تجربه دربارهٔ ماهیت هوا» ذکر کرد.

ماریوت درسال ۱۶۷۸ چنین می‌نویسد: «غالباً یك تجربهٔ یك ساعتی پیش ازچندین سال استدلال، را رهبری می‌کند وچون‌درفیزیك دلایل‌غیرازآنچه که متکی برتجارب قطعی است وجود ندارد پس‌درموردیکه‌می‌توان‌نتایج قطعی وخالی ازاشتباه بدست آورد لازم نیست که درصدد تهیهٔ وسایل دیگری برای اثبات حقیقت برآییم.»

ماریونی، اپیولیت. (۱۸۲۳–۱۹۰۴م).

عالم فرانسوی مخترع ماشین چاپ رتاتیو (طریقهٔ جدیدی است برای چاپ روزنامه‌ها ومجلات کثیرالانتشار در این چاپ حروفچینی‌وچاپ همه‌بطوراتوماتیك انجام می‌شود ورانـدمان آن نسبت به ماشینهای چاپ معمولی چندین برابر میباشد.ابتدا شاگرد یکی از مؤسسات کوچك مکانیکی گردید بعدأرفته رفته صاحب مؤسسه شدوآن‌محل‌راتوسعهٔ‌بسیار داد وکارخانهٔ‌ساختن ماشین احداث نمود یك ماشین‌پنبه پاك‌کنی و ماشین‌تاکردن روزنامه ساخت و روز بروز اختراعات خود را تکمیل کردتاتوانست‌ماشین‌رتاتیو راکه ساعتی ۶۰۰۰۰ نسخه روزنامه چاپ می‌کند عرضه‌کند اختراع‌ماشین چاپ‌چند رنگ را نیز تمام‌کرده‌است.

ماکسول

به‌علمای ریاضی مراجعه شود.

مایکلسون ، آلبرت Maikes ond (۱۸۵۲–۱۹۳۱م).

در (استرلنو) واقع در لهستان متولد گردید، اما از دوسالگی ساکن‌کشورآمریکاگردید درسال ۱۸۸۱ درانستیتوی فیزیك برلن مستقر گردید ودستگاهی درست‌کرد که «ماکسول» سه ماه قبل اصول‌آنرا تعیین کرده بود از اینقرار: که‌یکدسته اشعهٔ نورانی رادریك جهت ودستهٔ دیگری از اشعهٔ نورانی را درجهت عمودبرآن بحرکت‌در میآورد و آنگاه دوباره‌آنهارا باهم یکی میکرد و تداخل تولید می‌نمود، امتحان‌نوارهای تداخل معلوم می‌کردکه اختلاف سرعت این دوشاخهٔ نور چه‌میباشد.

اما هنگامیکه تجربه را انجام داد بسیار متحیر و متعجب گردید، تجربه هیچ نتیجه‌ای بدست نمیداد یعنی چنین بنظر می‌رسیدکه سرعت نوردرهردوجهت یکی میباشد.



مارکونی

در سال ۱۸۹۴ که «مایکلسون» باتفاق «رنه بنوا» مدیردفتر بین‌المللی اوزان ومقادیر «سور» کار میکرد برای اولین باربوسیلهٔ همین دستگاه طول‌متر را برحسب طول امواج نورانی بدست آورد ونیز بااستفاده از تداخل امواج توانست درسال ۱۹۲۰ باتفاق «فرانسیس ژ. پیز» منجم رصد خانهٔ امریکایی «مون‌ویلسون» درکالیفرنی‌قطرستاره‌ایرا اندازه‌بگیرد.دستگاه را «انترفرومتر» نامیدند.

ملونی ، ماسه دونیو Meloni (۱۷۹۸–۱۸۵۴م).

فیزیك دان پرشوری ازاهل‌ایتالیا بودکه عقاید افراطی‌دست چپ داشت.

این‌شخص‌ازنمودهای ترموالکتریك که بوسیلهٔ «سیبك» کشف شده بوداستفاده کرد وتوانست‌یك چشم الکتریکی برای تشخیص تشعشعات نامرئی بوجود آورد. چنانچه این‌پیل‌بگالوانومتری وصل‌میشد میتوانست کوچکترین اختلاف درجهٔ حرارت‌را بوسیله‌تغییرات‌شدت‌الکتریسیته نشان دهد.

مورس، ساموئل‌فینلی‌بریس Morse (۱۷۹۱–۱۸۷۲م).

مخترع آمریکایی‌درچارلستون متولد شد. اوبزرگترین پسرخانواده بودوقبل ازپایان تحصیلات در دانشگاه ییل در ۱۸۱۰ بکارنقاشی درروی عاج پرداخت وتصمیم‌گرفت دراین مورد تحصیل کند ولی پدر و مادرش مخالفت کردند و بالاخره این مخالفت بادیدن نقاشی بی‌نظیر (فرودآمدن مسافرین در پلیموت) پایان‌یافت‌مورس درژوئن۱۸۱۱ بعنوان شاگردی به لندن رفت و پس از چهار سال به‌ایالات‌متحده بازگشت درچهاردهم ژانویهٔ ۱۸۲۶ آکادمی‌بین‌المللی‌هنرهای دستی بریاست اوتشکیل‌گردید وتانوزده سال دراین مقام بود وسخن‌رانی‌های بیشماری در زمینهٔ هنرایرادکرد درسال ۱۸۳۲ بمقام استادی نقاشی دردانشگاه



مورس

شهر نیویورك برگزیده شد درساعات فراغت باستفاده از سالنهای خلوت دانشگاه برروی پروژهٔ خود درمورد تلگراف کار میکردسرانجام بااستفاده ازراهنمائیهای جوان پرشوردیگری بنام آلفردویل موفق بکشف بیسیم مغناطیسی که بنام خودش مورس خوانده می‌شودشدوشهرت وموفقیت عظیمی کسب کرد وکشورهای اروپایی حاضر شدند امتیاز اختراعش رابه‌مبلغ ۴۰۰۰۰۰ فرانك بخرند.

میلر ، و.آ. Miller. W.V (۱۸۱۷ – ۱۸۷۰م).

هوگجینز، ویلیام را به‌بینید.

میلیکان ، روبر،اندریوز MILLIKAN . R.A (۱۸۶۸–۱۹۵۳م).

در۱۹۲۱ مدیرآموزشگاه فیزیك انستیتوی «پازادنا» درکالیفرنیا گردید. «میلیکان» برای انجام دادن منظور خود روش استادانه‌ای بکاربرد. وی بقطره‌ای از روغن بارالکتریکی داد وآنرامابین دونیروی‌متقابل یعنی‌نیروی ثقل وجاذبه یك جسم الکتریسیته دار دیگر در حال تعادل نگاهداشت. این تعادل بسیار ناپایدار بودوبارالکتریکی قطرهٔ مزبور بکمترین‌مقدارممکن، تغییر میکرد و این قطره یاتحت تأثیر نیروی ثقل ویا تحت تأثیر جاذبهٔ الکتریکی واقع‌میشد. اما (میلیکان) چنین نتیجه گرفت که(کمترین مقدار ممکن) دراینجا بارالکتریکی‌یك الکترون میباشد. بعبارت دیگراز جهش قطرهٔ مزبور دریك جهت یا جهت دیگر می‌توان‌اندازهٔ بار الکتریکی الکترون را بدست‌آورد بطوریکه اکنون میدانیم این‌بار برحسب آحاد الکتریسیتهٔ ساکن برابربا $۴/۸ \times ۱۰^{-۱۰}$ یعنی‌تقریباً‌معادل الکتریسیته‌ای‌است که درمدت‌یك‌میلیونیم ثانیه بوسیلهٔ جریانی‌مساوی‌باده میلیاردیم میلی‌آمپر انتقال میبابد.

نیوتون ، اسحق. Newton I (۱۶۴۳ – ۱۷۲۷ م).

در(دولس تورپ)متولدشد.درهیجده سالگی مجاناً وارد دانشگاه کمبریج شد ابتدا هندسهٔ اقلیدسی‌و سپس هندسهٔ دکارت را مورد مطالعه قرار داد.

در ابتدای زندگی هیچگونه هنری از خود نشان نداد ونمیشد او را جزء شاگردان‌ممتازقلمدادکرد وامتحانات‌او هیچوقت‌درخشان‌نبوددرحدوددسال۱۶۶۳ مرض طاعون شیوع یافت و دانشگاه دانشجویان خود را مرخص کرد.

نیوتون به زادگاه خود مراجعت نمود وهمین موقع بود که هوش واستعداد نابغهٔ بزرگ آشکارگشت‌زیرا تمام‌کتابها و جزوه‌های خود را در دانشگاه جا گذاشته بود. فکر خود را آزادگذاشت که بتنهائی از منابع خاص خود استفاده کند. دراین‌هنگام بیش ازبیست‌ودوسال نداشت ولی بیش‌از ارشمیدس ودکارت‌در بارهٔ‌معرفت‌ساختمان جهان‌دقیق‌شده‌بود.

ضمن‌دوسالی‌که در وولس تورپ‌بود (حساب‌عناصر بی‌نهایت‌کوچك)،(قانون جاذبهٔ عمومی) راکشف‌کرد و تئوری‌نور رابنیان‌گذارد درباره‌اش‌چنین‌میگویند:

«کتاب اصول نیوتون» بنای‌معظمی است‌که تاابد عمق دانش اورابجهانیان مدلل خواهد داشت.

لاگرانژ در بارهٔاو چنین‌میگوید،

نیوتون خوشبخت بودکه توانست دستگاه جهان را توصیف‌کند افسوس‌که در عالم بیش ازیك آسمان وجودندارد.

ولتر مشهورترین ستایندگان او چنین نوشته است:

«ای رازدار آسمانها و ای جواهر ابدی‌راست بگوتونسبت به‌نیوتون‌حسادت نمیورزی.»

نیوتون‌دربیستم‌مارس۱۷۲۷ به‌مرض سنگ مثانه درگذشت.

نی‌پس، نیسه‌فور.Niepece (۱۷۶۵–۱۸۳۳ م)

قسمت عمدهٔ زندگانی خودرا صرف اختراع‌موتورهایی که‌دارای‌احتراق‌داخلی باشند‌کردوبرای‌اینکارهمهٔ محصول‌وگله‌ها ومزارع‌قلعه‌های‌خودش‌رافروخت‌امااختراع این موتورها را به «بودوروش»و«دیزل» منسوب میکنند وشهرت «نی‌پس»بعلت اختراع عکاسی‌بودکه‌در آخرین‌سالهای زندگانی‌بعنوان سرگرمی درصدد برآمد بکمك جوهر اسطوخدوس تصاویری را که‌بوسیلهٔ‌خورشید رسم‌میشد روی‌صفحه‌ای که از زفت آغشته شده بود ثبت کند.

وات جیمس Watt. j (۱۷۳۶ – ۱۸۱۹م).

مکانیسین‌ومهندس‌انگلیسی‌در آکوس بدنیا آمد و چون بتحصیل پرداخت برشته‌های علمی‌کشانیده شد بطوریکه‌در ۲۸ سالگی در ردیف دانشمندان بنام انگلیس درآمدمهمترین نکته‌ای‌که‌وات کشف‌کرد آن بودکه‌موتورهای‌پیستون‌در استوانه‌ها‌کارلازم را انجام نمیدادند پس بایستی از (حرارت‌بخارفشرده) آنهاکاسته می‌شد او دستگاه فشردن بخاررا جدااز استوانه قرار داد و این پایه اصلی‌کار ماشین بخار است لکوموتیوهاوکشتیهای بخاری محصول همین اکتشافدقوهٔ بخار درحمل‌ونقل‌وماشین سازی‌انقلابی‌بوجود آوردکه اساس تمدن و صناعت امروزی بشر است.

وان‌روآین ، اسنل Vanroyen (۱۵۹۱ – ۱۶۲۶م.)

مشهور به‌اسنلیوس، یعنی همان‌کسی که مستقل از دکارت قانون انکسار نور راکشف‌کردبوده یك‌درجه ازطول‌نصف‌النهار را با وسایل بدوی اما با روشی کامل اندازه‌گرفت.

ولتا ، الکساندر Volta (۱۷۴۵–۱۸۲۷ م).

فیزیکدان معروف ایتالیایی در «کوم» متولدشد. او دربیست‌ونه‌سالگی معلم مدرسهٔ شبانه‌روزی «کوم» گردیدو در همین زمان ابزار و وسایل مختلف الکتریکی مانندالکتروفور – آب‌سنج‌الکتروسکوپ را با ساخت و شهرت بسیار بدست‌آورد. وی درسال ۱۷۷۹ باسمت استادی‌دردانشگاه«پاوی» مشغول کارشد.

در این زمان تجارب «گالوانی» استاد تشریح دانشگاه را در بارهٔ وجود عنصر الکتریسیته دربدن قورباغه تکرار نمود. وی سکه‌ای از نقره و قطعه‌ای از روی بکار بردوآنهارابوسیلهٔ پارچهٔ ابریشمی اسیددار ازهم جدا نمود وبدین‌ترتیب پیل‌الکتریکی تشکیل‌داد. این دانشمند بزرگ‌در روز بیست‌مارس ۱۸۰۰ ضمن نامه‌ای اکتشاف خود رابه جامعهٔ پادشاهی اطلاع داد وازهمین‌زمان نام او درسراسر اروپا معروف شد.

درسن ۸۲ سالگی‌درزادگاهش‌مرد.

وولاستون

ریتر را به‌بینید.

ویلارد، پل Villard (۱۸۶۰– ۱۹۳۴ م).

ازعلمای‌بزرگ‌فیزیك‌بودکه‌درفرانسه متولد شدوی کاشف اشعهٔ گامامیباشد.

ویلسون ، چارلز Wilson. ch (تولد – ۱۸۶۹ م).



میلیکان



نی‌پس



نیوتون



وات



ولتا

یکی از استادان دانشگاه کمبریج بود که توانست وسیلهٔ عکس برداری از مسیر الکترون اطلاع پیدا کند . امروزه «اطاق مرطوب ویلسون» در تمام آزمایش ـ گاهها وسیلهٔ بسیار عادیست و همهٔ متخصصین فیزیك اتمی دارای مجموعه‌ای از کلیشه‌های وی میباشند که روی آنها نه فقط مسیر الکترون را میتوان دید بلکه مسیر اتمها و نوترونها و پوزیترون‌ها و تمام گروه موجودات ظریفی را که به «اون» ختم میشوند میتوان مشاهده کرد .

«ویلسون» در سال ۱۹۲۷ باخذ جایزهٔ نوبل موفق گردید .

هرتز، هانری Hertz .H (۱۸۵۷ـ ۱۸۹۴ م) .

در آلمان متولد گردید ابتدا وارد خط مهندسی شد و در اوایل امر نسبت بعلوم مطلق قابلیت چندانی نشان نمیداد. استعداد او هنگامی بیدار شد که افتخار شاگردی «هلمهولتز» بزرگ را پیدا کرد واستاد لیاقت کافی در او یافت . در سال ۱۸۸۳ که در «کارلسروهه» استاد فیزیك مدرسهٔ عالی فنی بود در صدد برآمد افکار «ماکسول» را مورد مطالعه قرار دهد و صحت آنها را تحقیق کند .

پنج سال بعد از آن تاریخ کار انجام گرفته بود . واز تجربهٔ او تلگراف بی‌سیم ایجاد شد . اما «هرتز» بیچاره نتوانست ناظر این ترقیات شگرف صنعتی باشد . وی که در ۱۸۸۹ بسمت استاد دانشگاه «بن» معین شده بود پنج سال بعداز آن تاریخ، در اول ژانویهٔ ۱۸۹۴ براثر یکی از امراض استخوان وفات یافت .

هرشل، جان. Herchel (۱۷۹۲ ـ ۱۸۷۱ م).

فرزند منجم شهیر تجربه‌ای انجام میداد و میخواست شیشه‌های رنگی را برای رصد خورشید بوسیلهٔ دوربین امتحان کند ودرجستجوی آن بود که چه رنگی حرارت خورشید را کمتر از خود عبور میدهد . باین منظور صفحه‌ای از کاغذ را درالکل خیس کرد وطیف خورشید را بر آن تابانید وباخود گفت که هر قدر الکل زودتر خشك شود نشانهٔ آنست که ناحیه‌ای ازطیف که باآن برخورد میکند گرمتر میباشد . اما «هرشل» با نهایت حیرت ملاحظه کرد که تبخیر الکل در خارج از طیف ودر امتداد نور قرمز نیز ادامه دارد ، مگر روی چهار خط باریك که همچنان مرطوب باقی میمانند . و باخود گفت : این موضوع یکی از تجارب پدرم را بخاطر میآورد زیرا وی درسال ۱۸۰۲ هنگامی که میزان الحراره را روی طیف بحرکت درمیآورد باین نتیجه رسید که حداکثر حرارت قدری درآنطرف نور قرمز بدست میآید . بنابراین معلوم میشود که طیف فقط بهمین رنگها خاتمه نمییابد بلکه تشعشعات حرارتی دون قرمز نیز وجود دارد و حتی این تشعشعات دارای نوارهایی نیز میباشند . عدهٔ این نوارها چهاراست زیرا نقاطی که نور دون قرمز کاری انجام نمیدهند بوسیلهٔ چهار شیار مرطوب مشخص هستند .

هرون Heron

طبق اظهار هوپ Hoppe (فیزیك دان ومورخ قرن ۱۹ آلمان) درحدود ۱۳۳ قبل از میلاد مسیح میزیست ومدیر مدرسهٔ فنی ومهندسی اسکندریه بود . شاگردان این مدرسه تعلیمات معتدل علمی و فنی میگرفتند ؛ از یکطرف حساب وهندسه و نجوم میخواندند واز طرف دیگر باچوب و فلزات بمعماری و نقاشی و کارهای دستی میپرداختند ومدیر مشهور مدرسه کتب خودرا برای همین شاگردان نوشته‌است. وی نیز دستگاههای خودکار بسیار ابداع کرد که بعضی از آنها شراب تقسیم میکردند و برخی دیگر میرقصیدند و طیوری که میخواندند و میجهیدند و از همهٔ آنها جالب‌تر یکی چشمهٔ معروف هرون یعنی فواره‌ای که بکمك هوای متراکم کار میکرد ودیگری بنام ائولی‌پیل Eolipyle گلوله‌ای بود که تحت اثر فشار بخارآب که ازدیگ گرمی بیرون میآمد دوران سریع داشت ودرواقع هرون بنحوی پیشقدم پاپن بوده است . هرون در کتابی بنام «مکانیك‌ها» ماشین‌های ساده از قبیل : پیچ ، قرقره ، اهرم ، قرقرهٔ مرکب و چرخ چاه را توصیف میکند و درکتاب دیگر بنام کاتوپتریك اصول اساسی را که طبق آنها نورهمیشه از اقصر فاصله حرکت میکند شرح میدهد و بالاخره درکتاب دیگری بنام متریك طرق عملی برای تعیین مساحات بدست میدهد وحال آنکه دانشمندان بزرگ فقط از لحاظ نظری باین روشها توجه کرده بودند .

هلمهولتز هرمان فون HELMHOLTZ (۱۸۲۱ـ۱۸۹۴ م) .



هلمهولتز

در پوتسدام متولد شد . استادی که بیش از همه دراو تأثیر کرد حیات‌شناس معروف : «ژان مولر» بود که روش پسیکوـ فیزیك رابوی تعلیم داد . وی بعنوان دستیار در موزئوم تشریح برلن پذیرفته شد . در ۲۳ ژوئیهٔ ۱۸۴۷ اولین اکتشاف علمی خودرا بجامعهٔ فیزیك پایتخت آلمان تقدیم کرد . در این اثر که نام آن «در بارهٔ «بقاء نیرو» بود «هلمهولتز» .مسئلهٔ ترمودینامیك را بطورکلی مورد مطالعه قرار داد و چنین اظهار داشت: چون کار وحرارت والکتریسیته میتوانند بیکدیگر تبدیل شوند بنابر این معلوم میشود که همهٔ اینها صور مختلف چیز معینی میباشند که انرژی نام دارد .تمام طبیعت ازمقدار بزرگ و تغییر ناپذیر انرژی آکنده است که بصور مختلف بنظر میرسد وحال آنکه ازلحاظ کمیت یکیست. دانشمندان فیزیك با حیرت تمام نام «هلمهولتز» راکه در نتیجهٔ پیشرفت استادانه‌ای توانسته بود یکی ازموتورهای اسرارآمیز محرك جهانرا کشف کند باطلاع یکدیگر میرسانیدند .

وی کتابی درمبحث نوراز نظر فیزیولوژی انتشار داد ودرآن دستگاهی بنام «اوفتاـ لموسکوپ» راوصف میکند که قادر بامتحان قسمت داخلی چشم است . ونیز چون از علاقمندان پرشور موسیقی بود کتاب مهمی بنام «دورهٔ موسیقی از نظر فیزیولوژی» انتشارداد که در تاریخ مبحث صوت مرحلهٔ جدیدی بوجود میآورد.

کاراصلی هلمهولتز عبارت از توضیح طنین صوت میباشد . «هلمهولتز» اول کسی است که تئوری رویهم قرار گرفتن هارمونیك را بتصور درآورد و بدان صورت ریاضی داد . دراین هنگام وی بزرگترین فیزیك‌ـ دان آلمانی محسوب میشد ودرسال ۱۸۷۱ بتدریس فیزیك دردانشگاه برلن پرداخت و سپس بوی عنوان نجابت عطا گردید و مدیرانستیتوی فیزیك تکنیك این شهر شد .



هنری

هنری ژزف. Henry (۱۷۹۹ـ۱۸۷۸م.)

هنری درشهر آلبانی ایالت نیویورك بدنیا آمد در ۱۶ سالگی شروع به تحصیل در رشتهٔ فلسفهٔ طبیعی و تحقیق در آن کرد با این تصمیم به آکادمی آلبانی رفت و خود را بعنوان دانشجویی معرفی کرد از آن پس روزی ۱۶ ساعت کار میکرد هنگامیکه تحصیلات خودرادر آکادمی بپایان رسانید باسمت ناظر و مهندس درکانال ایری(رود

هودسن را بدریاچهٔ ایری وصل می‌کند) مشغول کارگشت درآغازسال ۱۸۲۹ هنری به تأثیرمغناطیس جریان برق‌واقف گشت یعنی آنچه امروز خود القانامیده میشود علاوه بر کشف مزبور باکتشافات‌دیگری هم موفق شد ولی متأسفانه بهیچ‌وجه نسبت بانتشارآنها اقدامی بعمل نیاورد هنری درآن روزگاران که هنوز درآلبانی بود دستگاه تقویت برقی رله‌را ابداع‌نمودو ازآن بمنظوراختراع اولین‌دستگاه‌تلفن الکترومغناطیسی استفاده کـرد و بدین ترتیب برساموئل‌مورس‌سبقت گرفت جوزف هنری دستگاه تلگراف بزرگی ساخت‌و علائم خبری را بوسیلهٔ سیم تـامسافت ۱۶۰۰ متری مخابره نمود .

هویگنز کریستیان.Huygens (۱۶۲۹ ـ ۱۶۹۵ م .)

ابتدا حقوق و ریـاضیات خواند . بواسطهٔ ثروت‌شخصی توانست عمرخودرا صرف تحقیق علمی بنماید . از ۱۶۶۶ تا ۱۶۸۱ که‌آغاز تأسیس آکادمی‌علوم‌فرانسه بود در پاریس‌بخرج دولت فرانسه‌اقامت میکرد وسالهای آخرعمرش را دراملاك خویش در هلندگذرانید . کارهای علمی او ازلحاظ عمل و تنوع فوق‌العاده است. تحقیقات عمیقی درمقاطع‌مخروطی‌ونظریهٔ احتمالات‌وساعت‌آونگی‌ومکانیك‌ودوربین نجومی‌ومیکروسکوپ‌ونظریهٔ‌نورانجام‌داد.

هوك،رابرتHook (۱۶۳۵ـ۱۷۰۲م)

قانون‌هوك (اندازهٔ نسبی‌تغییرشکل مکانیکی‌متناسب‌باتلاش‌است)ونتایج‌حاصل از آن از قوانین‌درجه‌اول‌فیزیك میباشد رابرت‌هوك‌در۱۸ ژوئیهٔ۱۶۳۵ در جزیرهٔ ویت پابعرصهٔ وجودگذاشت پدرش‌کشیش همان قریه‌ای بودکه اودرآن بدنیاآمد. هوك‌بسال۱۶۶۱ اولین اثرخودرا انتشار داد (نمودارهـای کشش سطحی) اولین اختراع هوك ساختن طبله بـرای ساعت بود انجمن سلطنتی بسال ۱۶۶۲ هوك را به‌سمت متصدی‌آزمایشگاه برگزیددر سال ۱۶۶۵ اثـربزرگ خود موسوم به میکروگرامینا (ذره نگـاری) را منتشر کرد دراین‌کتاب بـرای اولین بـار از انکسار سنج مایعات فشـار سنج فنری ، دماسنج الکلی ونم‌سنج سختی بمیان‌آمد هوك بحق بنیان‌گذارعلم هواشناسی‌بشمار میرود هوك در دوران عمر خودهیچگاه دست از فعالیت علمی برنداشت در سال ۱۶۷۴ رساله‌یی بـرای ثبت و تدوین ورصدستارگان بوجهی منظم تهیه کرد و برای اندازه‌گیری فاصلهٔ زاویه‌ای‌ذات‌ـ الربع جدیدی ساخت واین اولین اسباب نجومی بصورت تلسکوپ بـود . هوك در ۱۶۸۲ سمت خودراترك‌کرد ولی‌کماکان باانجمن سلطنتی رابطه داشت .

هوگنجنز، ویلیام Huggins.W. (۱۸۲۴ـ۱۹۱۰ م)

ثروتمندانگلیسی‌بودکه‌درآزمایشگاه بی‌مانند خـود ابتدا بمطالعه در بـارهٔ مغناطیس والکتریسیته پرداخت و سپس متوجه دانش نجوم شد. این شخص ازسال ۱۸۶۲ تاسال ۱۸۶۷ باتفاق دوست‌خود «و.آ. میلر .W A.Miller» (۱۸۷۰ ـ ۱۸۱۷ م) .

علم اسپکتروسکوپی ستارگان را بنیاد نهاد. ازسال ۱۸۶۴ هردونفرآنها در طیف دوستـارهٔ «الدبران» و«جوزا» خطوط طیفی ده‌فلز زمینی‌راکشف‌کردند. درهمین سال «هوگنجنز» که سحابی‌ها را آزمایش می‌کرد دربعضی ازآنها خطوط طیفی‌گاز مجهولی راکشف‌کردکه آنـرا «بنولیوم» نامید. وطبق‌پیش‌بینی «ویلیام هرشل» سحابی‌هارا بدودسته تقسیم بندی کـرد : یك عده‌راکه‌کاملاً ازگازتشکیل یافته‌اندودستهٔ‌دیگر که‌ازاجتماع‌ستارگان بوجودآمده‌اند .

یوکاوا، هیدکسی (تولد ـ ۱۹۰۷م)

دانشمند معاصـر ژاپنی اولـین دانشمندی است‌که فرضیه مربوط بوجود اجزائی ازاتم بنام (مزون) راکه‌دارای جـرمی ۲۰۰ بار قوی‌تر از الکترون میباشد بیان‌کرد و بخاطر همین فرضیه جایزهٔ نوبل ۱۹۴۹ را در رشتهٔ فیزیك اتمی دریافت کرد . این‌کشف وی در سن۲۸ سالگی صورت‌گرفت‌وبهمین‌جهت به‌نابغهٔ ژاپون موسوم‌گشت بکمك همین مزونها بودکه ثابت‌شد در اثرتشعشعات کیهانی ، تبادلی‌بین یك ذره ازپروتون ونوترون هستهٔ اتم صورت میگیرد .

یونگ، توماس (۱۸۲۹ـ۱۷۷۳ م)

از بزرگترین دانشمندان انگلیس بود ، در دوسالگی خواندن می‌دانست و درهشت سالگی خودبه تنهایی‌به‌آموختن ریاضیات پرداخت‌از۹ تا چهارده‌سالگی به آموختن زبان فرانسه و ایتالیایی و عبری و فارسی و عربی صرف کرد . در بیست سالگی‌درباره‌تئوری رؤیت‌مقاله‌ای به جامعه پادشاهی فرستاد ودر آن شرح دادکه‌چگونه می‌توان‌بوسیله‌تغییرانحنای زجاجیه چشم همواره تصویـر را واضح دید . درسال بعد دکتر درعلم طب‌شد . سپس واردمبحث‌نور شد . در ۱۲ نوامبر ۱۸۰۱ افکار خودرا به جامعه پادشاهی اعلام‌کرد ومورد توجه واقع نشد : خندهٔ تمسخر آمیزی درجواب او بلند شدکه چطورنور بعلاوهٔ نورتاریکی تولیدمی‌کند. یونگ بیچاره‌جواب داد . متأسفم‌که‌این نمود مخالف باافکار عمومی است.

کتب فیزیك

آزمایشهای‌اتمی برای‌همه: ریموند.ف‌بیتیس ،ترجمهٔ‌ناصرماهوتیان.

آزمایشهای‌فیزیك : (دانشگاه تهران) دکتر محمدباقر محمودیان .

آموزش‌مهندسی،استاتیك‌درافیك: س . معینی .

ابعادفیزیکی : (امیرکبیر) عارف قلی‌نیا

اپتیك‌هندسی: (دانشگاه تهران .) حبیب‌الله ایزدیان .

اتم‌چیست : (بنگاه ترجمه ونشرکتاب) فریمان ، ترجمهٔ محمود مصاحب .

اتم‌درخدمت‌بشر،امروزوفردای‌اتم: مارگارت . ا . هاید ، ترجمهٔ ناصر ماهوتیان .

اتم‌کشفیات‌بزرگ‌دانشمندایرانی: عبدالرحیم همایونفرخ .

اختراع تلفن : کاترین‌شیپن، ترجمهٔ سروان ابوطالب صارمی .

ازاتم‌تاستاره : پیرروسو ، ترجمهٔ رضا اقصی .

از اندیشهٔ پرواز تـا اقمار مصنوعی وامیدهای‌آینده: سرگردمرتضی‌طلوعی.

اسرار امواج رادار : مهندس منوچهر دولتشاهی .

اشعهٔ‌کیهانی:(سازمان‌نشرفرهنگ‌انسانی) ا.کاشون‌ول ، ژونو.وا،دودن. ترجمهٔ جواد رهنما ، فریدون علمی.

اصول‌الکتریسیته : (امیرکبیرتهران) حسینعلی‌انواری .

اصول‌رادیو: مهندس منوچهردولتشاهی.

اصول ساختمان و محاسبهٔ ماشینهای برق: مهندس سید احمد رضوی .
اصول علم فیزیک: علی محمد آصف الحکماء .
اصول صنعت رادیو: مهندس مهدی فرزان.
آکوستیک : (صوت ۲ جلد) . دکتر ضیاءالدین سراری .
الکترو آکوستیک (صوت) : دکتر ضیاءالدین سراری .
الکترون : (امیرکبیر) کوک گوردون، ترجمهٔ محسن جاویدان .
الکترونیک : مهندس محمدعلی مشیری .
الکترونیک : دکتر ناصرقلی قاجار رحیمی .
الکتریسیته : یثرب الملوک منصوری .
الکتریسیته : سروان عزیزالله شیبانی .
الکتریسیتهٔ صنعتی : مهندس مظفر زنگنه.
الکتریسیتهٔ مغناطیسی : مارسل مل ، ترجمهٔ احمد آرام .
الکتریسیته و موارد استعمال آن : مهندس عبدالله ریاضی .
اندازه گیری زمان : پروفسور زاولسکی ترجمهٔ مهدی تجلی پور .
انرژی آتومی : (امیرکبیر تهران) آ. بوزا. ترجمهٔ حسن صفاری .
بتون آرمه : مهندس عبدالحسین خلیلی .
بتون فولادی : مهندس عبدالحسین خلیلی.
بی سیم : روبر بورو ، ترجمهٔ رضا اقصی.
پیدایش و مرگ خورشید : ژرژ کاموف ، ترجمهٔ احمد آرام .
تأسیسات آبی : مهندس عبدالله ریاضی .
تئوری سینتیک گازها : دکتر امانت‌الله روشن.
ترمودینامیک صنعتی : (شرکت انتشار تهران) مهدی بازرگان .
تلفن شما چگونه کار میکند ؟ : شنیدر ، ترجمهٔ احمد آرام .
تلویزیون : عباس ایزدی بمشارکت اوغازی مقدم .
تلویزیون : مهندس مهدی فرزان .
تلویزیون : گریووپ هرنگ ، ترجمهٔ رضا اقصی .
جاذبه : (اندیشهٔ تهران) ژرژ کاموف ترجمهٔ محمود عرباف .
جدول تبدیل واحدها و مقیاسها : (دهخدا) بهمن لاریزاده .
جراثقال : کرشیش فرانسوی ، ترجمهٔ زکی میرزا مازندرانی .

جراثقال : دکتر هورفر ، حسین .
خودآموز مکانیکی: محمدرضا راه پیماراد.
خودآموز فیزیک و مکانیک : (اقبال) مهدی همایونفر .
دورهٔ الکتریسیته ، فیزیک : دکتر نصرت‌الله نصیری .
دورهٔ مختصری از علم فیزیک : محمدعلی فروغی .
دینامیک گازها : دکتر غفاری .
رادار : دکتر ضیاءالدین سراری.
رادیو: دکتر مهندس رحمت‌الله مرشدزاده.
رادیو الکتریسیته : دکتر ناصرقلی قاجار رحیمی .
رادیو بزبان ساده : مهندس امین رضا .
راهنمای عملی آزمایشگاهها : مرتضی قلی هشیوار شاهین .
ساختمان و انرژی اتم : دکتر غلامعلی بازرگان .
ساختمان و خواص اتم: (دانشگاه تهران) دکتر قاسم خدادادی .
سرگرمیهای فیزیک: (امیرکبیر تهران) ای ، پرلمان ترجمهٔ احمد تمدن.
سیر تکامل علم فیزیک یا خلاصهٔ فلسفی نظریهٔ اینشتاین : آلبرت اینشتاین و لئوپولد انیفلد ، ترجمهٔ احمد آرام .
شگفتیهای درون اتم: جان لنگدن دیویسی، ترجمهٔ دکتر منوچهر افضل .
شگفتیهای درون اتم : دکتر غلامعلی بازرگان .
شیمی فیزیک : دکتر غلامعلی بازرگان .
شیمی و فیزیک : علی اکبر توسلی .
صنعت تعمیر رادیو: مهندس مهدی فرزان.
صوت: برتاموریس پارکر ، ترجمهٔ علی محمد عامری .
عجایب علوم : (شعبده بازی باقوانین فیزیک) «مشعل اصفهان» تقی شکرانی .
فیزیک : غلامحسین مصاحب.
فیزیک عمومی ، الکتریسیته : (الکترو استاتیک و الکتروسینیتیک) «دانشگاه تهران» ا ، روشن .
فیزیک عمومی ؛ ترمودینامیک : (دانشگاه تهران) دکتر امانت‌الله روشن‌زائر .
فیزیک و فلسفه : (ترجمه و نشر کتاب) جینز ، ترجمهٔ علینقی بیانی .
فارماکودینامی : دکتر احمد عطایی .
فن تعمیر تلویزیون : مهندس مهدی فرزان .

فن تعمیر یخچال : مهدی ثابت خانی .
فولاد و عملیات حرارتی آن : مهندس هوشنگ خسرویار .
فیزیک : دکتر امانت‌الله روشن .
فیزیک : دکتر مهدی برکشلی .
فیزیک برای همه : غلامعلی لیاقتی .
فیزیک تابش کتاب چهارم : دکتر امانت‌الله روشن .
فیزیک ، ترمو دینامیک : دکتر امانت‌الله روشن .
فیزیک گاز : سیدعلی نصر .
فیزیک گرما : دکتر امانت‌الله روشن .
فیزیک متودولوژی : مهندس شفیع جوادی .
قمرهای مصنوعی و سفینه‌های فضایی : دیویددایتز ، ترجمهٔ محمود مصاحب .
کتاب دیزل : قدرت‌الله فردوس.
کارافزارها (ماشینها) : برتاموریس پارکر ، ترجمهٔ علی محمد عامری .
کتاب دستی ساختمان و تعمیرات رادیو : مهندس صالح خرم‌آبادی .
کلیات فیزیک : (دانشگاه تهران) . دکتر حبیب‌الله ایزدیان .
گیرندهٔ رادیو تلفونی : مهندس مهدی فرزان .
ماده، مولکول، اتم: (ابن سینا و فرانکلین تهران) برتاموریس، پارکر . ترجمهٔ ع . م. عامری .
ماشینهای خانگی: ژوزف لیمیتین، ترجمهٔ احمد رضاقلی زاده .
ماشینهای خانوادگی چگونه کار میکند : هرمن شنیدر ، ترجمهٔ احمد آرام .
ماوراءصوت : بیربیکار، ترجمهٔ رضا اقصی .
مدارهای ارتباطی : (دانشگاه تهران) دکتر رحمت مرشدزاده .
مدیکال رادیو : دکتر منوچهر وارسته .
مسافرت بکرهٔ زمین : ژول ورن ، ترجمهٔ محمدرضا امینی .
مسافرت بکرهٔ ماه : ج ولز ، ترجمهٔ محمدرضا امینی .
مفهوم نسبیت اینشتاین و نتایج فلسفی آن: برتراند راسل ، ترجمهٔ سرگرد مرتضی طلوعی .
مقاومت مصالح : مهندس ابوطالب گوهریان .
مکانیک : دکتر هورفر ، حسین .
مکانیک سینماتیک: دکتر احمد وزیری .

مکانیک کلاسیک: (باهمکاری فرانکلین) گلدستین. ترجمهٔ سیروس فرمانفرمائیان.
مکانیک نظری و علمی: (۲ جلد) مهندس عبدالله ریاضی.
موتورهای هواپیمایی و ساختمان کار آنها: علی‌اکبر سیاه‌پوش.
نسبیت برای همه: (امیرکبیر تهران). آ. جیمز. کولمن ترجمهٔ احمد آرام.
نظریهٔ نسبیت چیست: (امیرکبیر) لاندو و رومر، ترجمهٔ حسن نیرویی.
نظریهٔ نسبیت خصوصی: (سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی تهران) هربرت، دینگل، ترجمهٔ منوچهر تسلیمی.
نیمه‌هادیها و کاربرد آنها: (امیرکبیر تهران) ف. آ. یوفه ترجمهٔ، صمد خیرخواه.
نور: برتاموریس پارکر، ترجمهٔ علی‌محمد عامری.
هستهٔ اتمی: م. کورسونسکی، ترجمهٔ عباس گرمان.

اختراعات فیزیک و مکانیک

نام اختراع	سال اختراع	مخترع	ملیت
آفتومات	۱۹۰۴	وستینگهاوس	آمریکایی
آلومینیوم (استخراج با برق)	۱۸۸۶	هال	آمریکایی
آبکاری (برقی)	۱۸۰۵	بروک ناتلی	ایتالیایی
آبکاری (برقی)	۱۸۳۸	ژاکوب اسپنسر	انگلیسی
اتم (تئوری انفجار)	۱۹۱۹	روترفورد	انگلیسی
اتم و الکترون (تئوری)	۱۸۰۳	دالتون	انگلیسی
آنتن	۱۷۹۵	پوپوف (الکساندر)	روسی
اتوبوس (برقی)	۱۸۸۴	واندیل	آمریکایی
اتومبیل گازوئیلی	۱۸۸۷	دایملر	آلمانی
اتومبیل گازوئیلی (تکمیل)	۱۸۹۴	کرپ	آلمانی
اتومبیل (برقی)	۱۸۹۲	مورین	آمریکایی
اتومبیل با ماگنت	۱۸۹۹	دایملر	آلمانی
اتومبیل (با استارت خودکار)	۱۹۱۱	کزنیگ	آمریکا،
اتومبیل (با نیروی بخار)	۱۸۸۹	روبر	آمریکایی
اژدر (ساده.)	۱۸۷۶	بوشنل	آمریکایی
اژدر (هدایت‌شونده)	۱۸۷۶	برنان	انگلیسی
اژدر (باپروانه)	۱۸۶۸	وایتهد	انگلیسی
اسپکتروسکوپ	۱۸۵۹	کیرشهف و بونسن	آلمانی
استارت آسانسور	۱۹۲۶	لارسون	آمریکایی
اشعهٔ ایکس	۱۸۸۵	رونتگن	آلمانی
ارهٔ موتوری	۱۸۰۸	نیوبری	انگلیسی
الکتروموتور	۱۸۳۹	الکساندرسون و ادوارد	آمریکایی
الکترون (تئوری کامل)	۱۹۱۸	تامسون	انگلیسی
امواج الکتریکی (تئوری)	۱۸۸۸	هرتز	آلمانی
برقگیر	۱۷۵۲	فرانکلین	آمریکایی
بالون (اولین)	۱۷۸۲	مونگولفیه (اتین و ژوزف)	فرانسوی
بلندگو	۱۹۲۴	رایس کلوک	آمریکایی
پاندول	۱۵۸۱	گالیله	ایتالیایی
پروانهٔ کشتی	۱۸۰۴	استیونسن	آمریکایی
پل معلق (اولین)	۱۷۹۶	فینلی	آمریکایی
پیانو	۱۷۰۹	کریستوفوری	ایتالیایی
پیل ولتا	۱۸۰۰	ولتا	ایتالیایی
تانک	۱۹۱۴	سوینتن	انگلیسی
تراکتور	۱۹۰۰	هالت	آمریکایی
ترانسفورماتور (با جریان متناوب)	۱۸۸۵	استانلی	آمریکایی
ترانسفور موتور برای جریانهای مختلف	۱۹۳۰	کلارک	آمریکایی
ترمز آسانسور	۱۸۵۲	اوتیس	آمریکایی
ترمز بادی	۱۸۶۸	وستینگهاوس	آمریکایی
ترن برقی با جریان متناوب	۱۹۳۳	جونگ	آمریکایی
تفنگ (دوربین‌دار)	۱۸۹۱	فیسک	آمریکایی
تلسکوپ	۱۶۰۹	گالیله	ایتالیایی
تلسکوپ	۱۶۱۱	کپلر	آلمانی
تلفن بی‌سیم	۱۸۹۹	کالنس	آمریکایی
تلفن	۱۸۷۶	گراهام‌بل	آمریکایی
تلفن خودکار	۱۸۹۱	استراگر	آمریکایی
تلفن مغناطیسی (اولین)	۱۸۶۱	رایس	آلمانی
تلگراف	۱۷۳۲	مورس	آمریکایی
تلگراف دوطرفه	۱۷۶۳	چین‌تی	اتریشی
تلگراف (چندطرفه)	۱۸۵۴	ادیسون	آمریکایی
تلگراف بی‌سیم	۱۸۹۶	مارکونی	ایتالیایی
تلویزیون	۱۹۲۶	بیرد	اسکاتلندی
توربین (آبی)	۱۸۴۹	فرانسیس	آمریکایی
توربین (گاز)	۱۸۹۹	کورتیس	آمریکایی
توربین بخار	۱۸۹۴	پارسون	انگلیسی
جاذبهٔ عمومی زمین		نیوتون	انگلیسی
جریان الکتریسیتهٔ متناوب	۱۸۸۷	نیکل تسلا	یوگوسلاوی

نام‌اختراع	سال‌اختراع	مخترع	ملیت
جوشکاری (برقی)	۱۸۷۷	تامسون	آمریکایی
چاپ	۱۴۵۰	گوتنبرگ	آلمانی
چراغ برق زغالی	۱۹۲۳	الکساندرسن	آمریکایی
چراغ برق زغالی خودکار	۱۹۳۲	سن‌پیان‌لودویک	آمریکایی
چراغ (گازی)	۱۸۵۵	بونسن	آلمانی
چراغ‌اطمینان معدنچیان	۱۸۱۵	همفری‌دیوی	انگلیسی
چرخ خیاطی	۱۸۲۹	بارتلمی تیمونیه	فرانسوی
دستگاه اطمینان دیگ بخار	۱۶۴۰	پاپن	انگلیسی
دوچرخه	۱۸۴۲	مک‌میلان	اسکاتلندی
دوچرخه (تکمیل)	۱۸۸۴	استاری	انگلیسی
دوچرخه بطریق امروزی	۱۸۸۶	پوپ	آمریکایی
دوربین (سینما)	۱۸۹۵	لومیر	فرانسوی
دوربین‌سینما	۱۸۹۳	ادیسون	آمریکایی
دوربین‌سینما	۱۸۹۳	جین‌کینز	آمریکایی
دیفرانسیل اتومبیل	۱۸۹۵	بنز	آلمانی
دیگ‌بخار	۱۷۰۵	نیوکمن	انگلیسی
دینامو	۱۸۶۹	زنوب‌گرام	بلژیکی
دیناموباجریان مستقیم	۱۸۶۰	پیچی‌نوتی	ایتالیایی
دینامو بافرکانس قوی	۱۹۳۹	تامسون	انگلیسی
رادار	۱۹۲۲	تیلورویونگ	آمریکایی
رادیو (ابتدایی)	۱۸۹۵	مارکونی	ایتالیایی
رادیو(تلفن)	۱۹۰۲	پولسن	آمریکایی
رادیوآکتیویته	۱۸۹۶	بکرل	فرانسوی
رادیوم	۱۸۹۷	پیروماری‌کوری	فرانسوی‌ولهستانی
رآکتوراتمی	۱۹۴۲	انریکوفرمی	ایتالیایی
رزیستانس الکتریکی	۱۹۲۵	هیلیارد	آمریکایی
زیپلن	۱۹۰۰	زیپلین	آلمانی
زیر دریایی	۱۸۹۱	هالند	آمریکایی
ژیروسکوپ	۱۸۵۲	فوکو	فرانسوی
ساعت	۱۰۰ ق‌م	اندرونیکوس	آتن
ساعت دیواری (پاندول‌دار)	۱۶۵۷	هوگنس	هلندی
سرقلم‌آهن (بجای پر)	۱۷۸۰	هاریسون	انگلیسی
سلولوئید	۱۸۷۰	هیات	آمریکایی
سلوفان	۱۹۰۰	براندنبرگ	سویسی
سنجاق‌کاغذ	۱۹۴۹	هانت	آمریکایی

نام‌اختراع	سال‌اختراع	مخترع	ملیت
سوخت‌گاز	۱۷۹۲	مورداخ	اسکاتلندی
سیم‌داخلی‌لامپ		پاز	آمریکایی
سینما (دوربین)	۱۸۸۷	ادیسون	آمریکایی
سینما (سه‌بعدی)	۱۹۵۲	والر	آمریکایی
شیرخشک	۱۸۵۶	بردن	آمریکایی
فاصلهٔ‌خورشید اززمین	قبل‌ازمیلاد	هیپارک	یونانی
فونوگراف	۱۸۵۷	اسکوت	فرانسوی
قلم‌خودنویس (تکمیل)	۱۸۸۵	ویرت	آمریکایی
قلم (خودنویس)	۱۸۸۴	واترمن	آمریکایی
کاربراتور (گازوئیلی)	۱۸۷۶	رایمه	آلمانی
کاغذ (ازچوب)	۱۸۸۴	رال	آلمانی
کریتزن	۱۹۳۶	کندال	آمریکایی
کشتی (هوایی)	۱۹۵۲	ژیفار	فرانسوی
کشتی‌هوایی‌هدایت‌شونده	۱۸۹۸	سانتوس‌دومون	برزیلی
کشتی‌الکتریکی	۱۹۱۳	امت	آمریکایی
کشتی جنگی مونیتور	۱۸۶۱	اریکسون	آمریکایی
کشتی بخار (تکمیل)	۱۸۰۷	فولتون	آمریکایی
کشتی‌بخار (اولین)	۱۷۸۳	ژئوفرو	فرانسوی
کشتی بخارپروانه دار	۱۸۳۷	اریکسون	سوئدی
کمباین	۱۸۶۸	ولاسنکور	روسی
کندانساتور	۱۹۲۰	دنت	آمریکایی
کنتوربرقی	۱۸۷۷	فلت	آمریکایی
کوره (ذوب‌آهن)	۱۸۶۱	زیمنس	آلمانی
کوره (زغالی)	۱۸۹۳	هوفمان	اتریشی
کورهٔ مخصوص‌تجزیهٔ‌نفت	۱۸۹۱	گاوریلف	روسی
گالوانومتر	۱۸۲۰	سوای‌گر	آلمانی
گرامافون	۱۸۸۷	برلیز	آمریکایی
گراورسازی	۱۸۹۳	آیوز	آمریکایی
گوشی‌پزشکی	۱۸۱۹	لانه	فرانسوی
لاستیک بادی (دوچرخه)	۱۸۸۹	دانلپ	ایرلندی
لاستیک مصنوعی	۱۹۳۱	هیل	انگلیسی
لامپ اشعهٔ ایکس	۱۹۱۶	کولیج	آمریکایی
لامپ چراغ برق	۱۸۷۹	ادیسون	آمریکایی
لامپ رادیو	۱۹۱۳	لانگ‌ئور	آمریکایی
لکوموتیوآزمایشی	۱۸۱۴	جرج‌استیونسن	انگلیسی
لکوموتیو مخصوص آمریکایی	۱۸۳۰	کوپر	آمریکایی
لکوموتیو (اولیه)	۱۸۰۱	تروتیک	انگلیسی
لکوموتیو (برقی)	۱۸۵۱	ویل	آمریکایی
لکوموتیو (تکمیل)	۱۸۲۹	جرج‌استیونسن	انگلیسی
ماشین (نساجی)	۱۷۸۵	کلررایت	انگلیسی
ماشین محاسبه (اولین)	۱۸۳۴	بابیج	انگلیسی
ماشین‌لاینوتایپ	۱۸۹۵	مرگنتالر	آمریکایی
ماشین (کفشدوزی)	۱۸۶۰	ملک‌کی	آمریکایی

نام‌اختراع	سال اختراع	نام مخترع	ملیت
ماشین فشار هیدرولیک (اولین)	۱۸۶۱	هاسول	انگلیسی
ماشین سنجش دخل وخرج	۱۸۷۹	ریتی	آمریکایی
ماشین درو	۱۸۳۶	مور	آمریکایی
ماشین درووجمع - آوری خرمن	۱۷۸۸	مانسن	آمریکایی
ماشین خردکنندهٔ سنگ	۱۸۵۸	ویتنی	آمریکایی
ماشین (حساب)	۱۶۴۲	پاسال	فرانسوی
ماشین حساب نواری	۱۸۸۸	بورو	آمریکایی
ماشین حروفچینی خودکار	۱۸۸۶	اوتمارموگن‌تالر	آلمانی
ماشین (چمن‌زنی)	۱۸۶۸	هیلز	آمریکایی
ماشین چاپ (دوار)	۱۸۴۶	هو	آمریکایی
ماشین (تهیهٔ یخ)	۱۹۵۱	گوپل	آمریکایی
ماشین تهیهٔ کره از شیر	۱۸۸۰	دول‌لاوال	سوئدی
ماشین (تخلیهٔ گاز)	۱۸۲۳	براون	انگلیسی
ماشین (تحریر)	۱۸۶۴	هورفر	اتریشی
ماشین (بطری سازی)	۱۹۰۳	اونسن	آمریکایی
ماشین (بخار)	۱۶۹۸	ساوری	انگلیسی
ماشین بخار باپیستون	۱۷۰۵	نیوکامن	انگلیسی
ماشین بخار باپیستون	۱۷۶۹	وایت	اسکاتلندی
ماشین بخار	۱۷۸۰	وات	انگلیسی
ماشین بخارمرکب	۱۷۸۱	هورن‌بلوور	انگلیسی
ماگنت الکتریکی	۱۸۲۸	هنری	آمریکایی
ماگنت الکتریکی	۱۸۲۴	استرگون	انگلیسی
مته برقی	۱۷۷۴	ویلکینسون	انگلیسی
مسلسل	۱۸۶۱	کاتلنیگ	آمریکایی
مسلسل (تکمیل)	۱۸۷۲	هاچ‌کیس	آمریکایی
مسلسل ماکزیم	۱۸۸۳	ماکزیم	انگلیسی
مغز الکتریکی	۱۹۴۲	موچلی واکرت	ایتالیایی
موتور الکتریکی (اولین)	۱۸۲۳	بارلو	انگلیسی

نام‌اختراع	سال‌اختراع	نام‌مخترع	ملیت
موتورگازوئیل	۱۸۹۶	رایملر	آلمانی
موتورگازی (اولین)	۱۸۶۰	لئولد	بلژیکی
موتورکمپرسی	۱۸۸۳	رایملر	آلمانی
موتور سیکلت	۱۸۸۵	رایملر	آلمانی
موتور دیزل	۱۸۹۵	دیزل	آلمانی
موتور با استارت‌برقی	۱۸۸۰	بنز	آلمانی
موتور (باگاز زغال)	۱۸۷۷	اوتو	آلمانی
موتور برقی دوار	۱۹۰۷	استاسنگ	چکسلواکی
موتور برقی القایی	۱۸۸۹	تسلا	آمریکایی
موتوربرقی با جریان متناوب	۱۸۹۲	تسل	آمریکایی
میزان‌الحراره	۱۵۹۳	گالیله	ایتالیایی
میزان‌الحراره	۱۷۱۴	فارنهایت	آلمانی
میزان‌الهوا	۱۶۴۳	توریچلی	ایتالیایی
میکروسکوپ (مرکب)	۱۵۹۰	جانسون	هلندی
میکروفون	۱۸۷۷	برلیز	آمریکایی
نسبیت (تئوری)	۱۹۰۵	انیشتاین	آلمانی
نوترون (تئوری)	۱۹۳۲	چادویك	انگلیسی
هفت تیر (برونینگ)	۱۹۱۶	لانگسلی	آمریکایی
هفت تیر (خودکار)	۱۸۱۱	تورنتون‌هال	آمریکایی
هفت‌تیر (رولور)	۱۸۳۵	کلت	آمریکایی
هلیکوپتر	۱۹۱۶	برتان	انگلیسی
هلیکوپتر (تکمیل)	۱۹۳۹	سیکورسکی	آمریکایی
هواپیما (آبی)	۱۹۱۱	کورتیس	آمریکایی
هواپیمای (آزمایشی)	۱۸۹۶	اورویل‌ویلبررایت	انگلیسی
هواپیمای (موتوردار)	۱۹۰۳	رایت (برادران)	انگلیسی
هواپیمای جت	۱۹۳۰	ویتل	آمریکایی
نوار (سنجش‌دقت)	۱۸۹۴	کوپر	آمریکایی
نوترون (تئوری)	۱۹۳۲	چادودیك	انگلیسی
نورافکن (مخصوص‌تآتر)	۱۹۲۶	درومونه	انگلیسی
یخچال (برقی)	۱۸۶۸	دیوید	آمریکایی

کاشفین و مخترعین فیزیك

۱ - میشل فارادی، انگلیسی، قرون ۱۸و۱۹ «کاشف‌قانونی باسم‌خودش درفیزیك».

۲- گابریل‌فارنهایت، آلمانی‌قرون ۱۷و۱۸ «مخترع‌نوعی میزان‌الحراره».

۳- بنیامین‌فرانکلین آمریکایی‌قرن ۱۸ «مخترع برق‌گیر».

۴- اگوستین‌فره‌نل فرانسوی‌قرون ۱۸و۱۹ «اختراع‌عدسی‌های‌مدرج».

۵ - کلمان آدر فرانسوی قرون ۱۹ و۲۰ «سازندهٔ ماشین‌های سنگین‌تراز هوا».

۶ - رومینیك فرانسوا آراگو فرانسوی قرون ۱۸ و۱۹ «تحقیق‌کننده دربارهٔ‌سرعت صوت وانکسارنور».

۷- آدس‌دوآرسونوال فرانسوی‌قرون ۱۹ و۲۰ «تکمیل‌کنندهٔ‌گالوانومتر».

۸- آندره آمپر فرانسوی قرون ۱۸و۱۹ «موجدرشتهٔ الکترودینامیك».

۹- کارل داوید آندرسن آمریکایی قرن ۲۰ «کاشف الکترون مثبت».

۱۰ - آرتوراستانلی ادینگتون انگلیسی قرون ۱۹ و۲۰ «تکمیل‌کنندهٔ قوانین‌جرم وساختمان ستارگان».

۱۱ - نیل‌بوهر دانمارکی قرون ۱۹ و۲۰«واضع فرضیهٔ اتم».

۱۲- دنیس پاپن فرانسوی قرون ۱۷ و۱۸ «مخترع ماشین بخار».

۱۳- ژان پرن فرانسوی قرون ۱۹و۲۰ «واضع قوانین‌جدیداشعه».

۱۴- ماکس پلانك آلمانی قرون ۱۹ و۲۰ «واضع نظریهٔ جدید در بارهٔ کمیت مطلق».

۱۵- سرویلیان تامسون ایرلندی قرون ۱۹ و۲۰ «تحقیق کننده در بارهٔ انرژی‌آفتاب».

۱۶ - توریچلی ایتالیایی قرن۱۷ «کاشف نیروی فشار هوا».

۱۷- ژان دالتون انگلیسی قرون

۱۸ و ۱۹ «تحقیق کننده دربارهٔ رنگها واتم».
۱۸ ــ پل آدرین دیراك انگلیسی قرن ۲۰ «موجد مکانیك کمیتی».
۱۹ ــ رامان هندی قرون ۱۹ و ۲۰ «کاشف اشعهٔ رامان».
۲۰ــ رنه رئومور فرانسوی قرون ۱۷ و ۱۸ «مخترع نوعی میزان الحراره».
۲۱ــ ارنست روترفورد انگلیسی قرون ۱۹ و ۲۰ «تحقیق کننده دربارهٔ رادیواکتیویته».
۲۲ ــ ویلهلم کنرادفون رنتگن آلمانی قرون ۱۹ و ۲۰ «کاشف اشعهٔ ایکس».
۲۳ــ مادام وپیرکوری فرانسوی قرن ۲۰ «کاشف رادیوم».
۲۴ ــ ارویك شوردینگر اتریشی قرن ۱۹ «واضع مکانیك جدید»
۲۵ ــ رودلف گلازیوس آلمانی قرن ۱۹ «تحقیق کننده در رشتهٔ ترمودینامیك».
۲۶ ــ شارلز اوگوستین ــ دوکولومب فرانسوی قرون ۱۸ و ۱۹ «محقق رشتهٔ مغناطیس».
۲۷ــ ژوزف کوتیو فرانسوی قرون ۱۹ و ۲۰ «مخترع کالسکهٔ بخاری».
۲۸ــ گوستاور برت کیرشهف آلمانی قرن ۱۹ «تجزیه کنندهٔ نورخورشید».
۲۹ــ لوییجی گالوانی ایتالیایی قرن ۱۷ «کاشف نیروی الکتریستیه در بدن جانوران».
۳۰ــ کارل فردریك کاوسر آلمانی قرون ۱۸ و ۱۹ «محقق الکتریسیتهٔ مغناطیسی».
۳۱ ــ ژوزف لوئی گی لوساك فرانسوی قرون ۱۸ و ۱۹ «واضع قوانین انبساط گازها».
۳۳ــ هندریك آنتوان نورتز هلندی قرون ۱۹ و ۲۰ «محقق دربارهٔ الکترونیك».
۳۴ــ فردریك ژولیوکوری فرانسوی قرن ۲۰ «کاشف رادیو آکتیویتهٔ مصنوعی».
۳۵ ــ آلبرت اینشتاین آلمانی قرون ۱۹ و ۲۰ «واضع فرضیهٔ نسبیت».
۳۶ ــ ماکسول انگلیسی قرن ۱۹ «واضع فرضیهٔ نور والکترومغناطیس».
۳۷ــ ساموئل مورس آمریکایی قرون ۱۸ و ۱۹ «مخترع تلگراف مورس».
۳۸ــ ویکتور مه یر آلمانی قرن ۱۹ «محقق گازها وشیمی آلی».
۳۹ــ ولتا ایتالیایی قرون ۱۸ و ۱۹ «مخترع پیل ولتا».
۴۰ــ ورنرهایزنبرگ آلمانی قرن ۲۰ «اتم شناس معروف».
۴۱ــ هانریش رودلف هرتز آلمانی قرن ۱۹ «کاشف امواج الکتریکی هرتز».
۴۲ــ گوستاوهرتز آلمانی قرن ۱۹ «محقق تولید اشعهٔ نورانی».
۴۳ــ جان فردریك هرشل آلمانی قرون ۱۸ و ۱۹ «کاشف اشعهٔ مادون قرمز».
۴۴ــ هیدکی یوکاوا ژاپنی قرن ۲۰ «واضع فرضیهٔ اتمی».

هیأت آموزشی وپژوهشی مرکز اتمی دانشگاه تهران

استادان :

۱ ــ دکتر علی اصغر **آزاد** استاد فیزیك اتمی .
دکتر زین العابدین **ملکی** استاد رادیو بیولوژی .
۳ ــ دکتر **اخوان نیاکی** استاد شیمی و متالوژی هسته‌ای .

دانشیاران :

۴ــ دکتر مظفر **نامجو** دانشیار الکتریسیته.
۵ ــ دکتر کاظم **امیدوار** دانشیار فیزیك اتمی .

استادیاران :

۶ ــ خانم دکتر فخر ایران **ناظمی** .
۷ ــ دکتر عبدالرحیم **اشعری** .
۷ ــ دکتر جمشید **مقیمی**.
۹ ــ خانم مهیندخت **مدرس زادهٔ رحمانی**.
۱۰ ــ دکتر علی اصغر **زاهدی مقدم**.
۱۱ ــ خانم دکتر عزیزهٔ **مهدوی**.
۱۲ ــ دکتر محمد جواد **سقطچیان**.

محققان مرکز اتمی دانشگاه که دارای پایهٔ دبیری میباشند:

۱۳ ــ دکتر ابوالقاسم **قلمسیاه** .
۱۴ ــ دکترمحمد رحیم **اهرابی**.
۱۵ ــ دکتر مختار **تبریزی**.
۱۶ ــ دکتر صمد **فرخی** .
۱۷ ــ دکتر عبدالحمید **اردلان** .
۱۸ ــ دکتر مهدی **نظامی**.
۱۹ ــ حسن **پرنیانپور** .
۲۰ ــ عباس **اولیا** .
۲۱ ــ عمادالدین **فقاهتی**.
۲۲ ــ عبدالرسول **جواهری** .
۲۳ ــ خانم بتول **عبدربانی** .
۲۴ ــ احمد **نخلی**.
۲۵ ــ ناصر **ماهوتیان** .
۲۶ ــ یدالله **واجد سمیعی** .
۲۷ــ روح انگیز **معیری** .
۲۸ ــ محمد **شوشتریان** .
۲۹ ــ رضا **مجتهدزاده** .
۳۰ ــ خانم ثریا **سمیعی** .
۳۱ ــ مهدی **گلشنی**.
۳۲ ــ ارسطو **چوپاری** .
۳۳ ــ روح‌الله **نهاوندی** .

محققان مرکز اتمی دانشگاه که باعنوان کارمند فنی با پایهٔ اداری انجام وظیفه میکنند :

۳۴ ــ خانم دکتر افسر **سیار**.
۳۵ ــ حسین علی **امیر ارجمند** .
۳۶ ــ محمد رضا **حمیدیان**.
۳۷ ــ علی **پذیرنده** .
۳۸ ــ فریدون **دیده‌ور** .
۳۹ ــ خانم فرزانهٔ **محمدی**.
۴۰ ــ رقیهٔ **باقرزاده** .
۴۱ ــ محمد **پیشه‌ور** .
۴۲ ــ ناصر **روحانی زاده** .
۴۳ ــ مصفی **پیرنیا** .
۴۴ ــ پرویز **نیك پی اصل**.
۴۵ ــ حسن **رضایی دلفی**.
۴۶ ــ سهراب **بزرگ‌چمی** .
۴۷ ــ محمد **جهانبانی** .
۴۸ ــ یوسف **متولدی نوبر** .
۴۹ ــ خانم زهرهٔ **عابدین‌زاده** .
۵۰ ــ خانم نزهت **پیدای ساحلی**.
۵۱ ــ علی **افشار بکشلو** .
۵۲ ــ علی **یوسف‌خانی** .



دکتر ملکی

نوبل فیزیک

جوایز فیزیك از ۱۹۰۱ تا ۱۹۶۳ پنجاه و سه سال اهدا شده زیرا دربعضی از سالها بعلت جنگ توزیع آن امکان پذیرنبوده است. ازاین جوائز ۱۴ جایزه مشترکاً بدونفروسه‌جایزه‌مشترکاً بسه‌نفر اهداء شده است. از میان زنان یکنفر موفق‌گردیده است‌که جایزهٔ فیزیك نوبل را مشترکاً باشوهرش در یافت نماید. برندگان جوائز فیزیك‌نوبل عبارتنداز:

سال	برندهٔ جایزه	کشور	بخاطر
۱۹۰۱	ویلهلم‌کونراد رونتگن	آلمان	کشف اشعه‌ای که بعداً بنام وی نامگذاری‌شد.
۱۹۰۲	۱ـ هندریك انتوان لورنتز ۲ـ پیترزیمان	هلند هلند	تحقیقاتش دربارهٔ اثرمغناطیسم برروی پدیده‌های اشعه‌ای.
۱۹۰۳	۱ـ آنتوان هانری بکرل ۲ـ پیرکوری ۳ـ ماری‌کوری	فرانسه فرانسه فرانسه	کشف باارزش وی دربارهٔ رادیواکتیویته. تحقیقاتشان‌دربارهٔپدیده‌های اشعه‌ای‌که توسط هنری بکرل شده‌بود.
۱۹۰۴	لردجان ویلیام سترات رایلی	انگلیس	تحقیقات دربارهٔ غلظت‌گازهای مهم وکشف‌آرگون.
۱۹۰۵	فیلیپ ادواردآنتوان فون لنارد	آلمان	تحقیقاتش دربارهٔ اشعه‌کاتود.
۱۹۰۶	جوزف جان تامسون	انگلیس	تحقیقات تئوریك وعملی وی دربارهٔ هدایت برق توسط‌گازها.
۱۹۰۷	آلبرت‌آبراهام میکسون	آمریکا	ساختن دستگاههای دقیق مربوط به‌چشم وتحقیقاتش دربارهٔ طیف‌بینی وعلم اوزان ومقادیر.
۱۹۰۸	کابریل لیپمان	فرانسه	روش وی‌دربارهٔ بوجودآوردن رنگهادرعکاسی‌براساس پدیده وحالت.
۱۹۰۹	۱ـ گوگیلمو مارکونی ۲ـ کارل فردیناند بران	ایتالیا آلمان	توسعهٔ تلگراف بی‌سیم.
۱۹۱۰	یوهانس دیدریك واندروالس	هلند	تحقیقاتش پیرامون معادلهٔ حالت‌گازها ومایعات.
۱۹۱۱	ویلهلم‌وین	آلمانی	کشفیات وی دربارهٔ قوانین تابش حرارت.
۱۹۱۲	نیلسن گوستاودالین	سوئد	اختراع رگولاتور اتوماتیك برای دستگاه جمع کنندهٔ گاز و روشن کردن برجهای دریایی.
۱۹۱۳	هایکه‌کامولیك اونس	هلند	تحقیقاتش پیرامون خصوصیات ماده در درجهٔ حرارت‌کم (که منجر به تشکیل مایع‌گردید).
۱۹۱۴	ماکسن فون لوئد	آلمان	کشف انکسار اشعه توسط کریستال.
۱۹۱۵	۱ـ سرویلیام هنری براك ۲ـ ویلیام لاورنس براك	انگلیس انگلیس	تجزیهٔ ساختمان بلور توسط اشعهٔ مجهول.
۱۹۱۶	برای سال بعد محفوظ‌گردید.		
۱۹۱۷	سال ۱۹۱۷ نیز برای سال بعد محفوظ گردید. جایزهٔ رزروشدهٔ ۱۹۱۶ به‌صندوق مخصوص رسید. جایزهٔ سال۱۹۱۷که رزرو شده بودبه‌چارلزگلوور بارکلااعطاءشد	انگلیس	کشف خصوصیات بخش اشعهٔ رونتگن عناصر داده شد.
۱۹۱۸	ماکس کارل ارنست لودویك‌پلانك	آلمان	کشف انرژی‌کوآنتاکه به پیشرفت علم فیزیك‌کمك نمود.
۱۹۱۹	یوهانس ستارك	آلمان	کشف اثر دوپلر دراشعه کانالی وتجزیهٔ خطوط طیفی‌دربرق.
۱۹۲۰	ادواردشارل‌گیلویه	فرانسه	کشف بی‌قاعدگی‌های‌آلیاژهای نیکل وفولاد وبدینوسیله‌کمك‌باندازه‌گیری دقیق درفیزیك.
۱۹۲۱	جایزهٔ این سال برای سال بعد رزروشد.		
۱۹۲۲	جایزهٔ سال قبل نیز در این سال توزیع‌گردید.		
۱۹۲۱	آلبرت‌اینشتاین	آلمان	خدمات به‌فیزیك تئوریك بخصوص بخاطر کشف وی در قانون اثر فتوالکتریك.
۱۹۲۲	نیلسن بوهر	دانمارك	تحقیقاتش در ساختمان اتم وشعاعهایی‌که ازآنها ساطع میشود.

سال	برندهٔ جایزه	کشور	بخاطر
۱۹۲۳	رابرت‌اندروزمیلیکان	آمریکا	تحقیقاتش دربارهٔ شارژ اولیهٔ برق واثر فتوالکتریك .
۱۹۲۴	جایزهٔ فیزیك سال ۱۹۲۴ برای سال بعد نگاهداشته شد.		
۱۹۲۵	جایزهٔ سال۱۹۲۴که توزیع نشده بود دراین سال توزیع‌شد.		
	سال ۱۹۲۴ـ کارل مان جورج ـ زیگباهن .	سوئد	کشفیاتش دربارهٔ طیف بینی اشعهٔ مجهول .
	جایزهٔ ۱۹۲۵ برای سال‌بعدنگاه داشته شد .		
۱۹۲۶	جایزهٔ سال ۱۹۲۵ کـه توزیع نشده‌بود دراین‌سال‌توزیع گردید.		
	۱ـ جیمس فرانك ۲ـ گوستاوهرتز	آلمان آلمان	کشف قوانین مربوط به نقش الکترون درمقابل‌اتم.
	جایزهٔ‌سال۱۹۲۶به ژان‌باپتیست‌ـ پرن .	فرانسه	مطالعاتش دربارهٔ ساختمان مقطع ساده و بخصوص بخاطر کشف وی دربارهٔ تناسب وتعادل رسوب.
۱۹۲۷	۱ـ آرتورهولی‌کومیتون	آمریکا	کشف اثری‌که بنام خودش نامیده شد .
	۲ـ چارلزتامسون ریزوبلسون.	انگلیس	متد بوجودآوردن راههایی از ذرات حاوی برق‌که بوسیلهٔ بخارقابل رؤیت میشد .
۱۹۲۸	برای سال بعد نگاهداشته شد .		
۱۹۲۹	جایزهٔ سال ۱۹۲۸ نیزدراین‌سال داده شد .		
	۱۹۲۸ـاورن‌ویلیانس‌ریچاردسون.	انگلیس	مطالعاتش دربارهٔ پدیدهٔ ترمودینامیك‌وبخصوص بخاطر کشف‌قانونی‌که بنام خود وی نامیده شد .
	۱۹۲۹ـ پرنس لویی ویکتور ـ دوبروگلی .	فرانسه	کشف ماهیت الکترون‌ها .
۱۹۳۰	سرچاندر اسخارا ونکاتارامان .	هندی	تحقیقاتش دربارهٔبخش‌نوروبرای‌کشف اثری‌که بنام‌خودوی‌نامیده‌شد .
۱۹۳۱	جایزهٔ فیزیك این سال‌برای سال بعد رزرو شد .		
۱۹۳۲	جایزهٔ سال۱۹۳۱که توزیع نشده بود بصندوق مخصوص ریخته شد وجایزهٔ سال ۱۹۳۲ برای سال‌بعد نگاهداشته شد.		
۱۹۳۳	جایزهٔ سال ۱۹۳۲ نیز دراین‌سال داده شد .		
	سال ۱۹۳۲ ورنرهایسنبرگ	آلمان	بوجودآوردن مکانیك‌کوآنتام و استفاده ازآن‌که منجر بکشف اشکال الوتروپیك هیدرژن و استعدادهای‌گوناگون‌گردید .
	جایزهٔ۱۹۳۳ بەدونفر داده‌شد.		
	۱ـادوین شرودینگر.	اتریش	کشف شکلهای تولیدی جدید تئوری اتمی .
	۲ـ پول ادرین موریس دیراك	انگلیس	
۱۹۳۴	برای سال بعد نگاهداشته شد.		
۱۹۳۵	جایزهٔ سال قبل کـه توزیع نشده بود دراین سال یك سوم بصندوق اصلی ودو سوم بصندوق مخصوص		

سال	برندهٔ جایزه	کشور	بخاطر
	جایزهٔ صلح ریخته شد وجایزهٔ‌این سال به‌جیمس چادویك اعطاشد .	انگلیس	کشف نیوترون داده شد .
۱۹۳۶	۱ـ ویکتورفرانتزهس.	اتریش	کشف اشعه‌های کیهانی .
	۲ـ کارل دیوید اندرسون.	آمریکا	کشف پوزیترون .
۱۹۳۷	۱ـ کلینتون جوزف دیویسون.	آمریکا	کشف‌آزمایشی انکسارالکترون‌ها توسط کریستال .
	۲ـ جورج‌پاکت تامسون.	انگلیس	
۱۹۳۸	انریکو فرمی.	ایتالیا	تشریح وجودعناصرجدید رادیواکتیوکه توسط تشعشع نیوترون‌بوجود می‌آیدوکشف مربوطه درزمینهٔ آکسیونهای‌هسته‌ای‌که توسط‌نیوترونهای کند بوجود می‌آیند .
۱۹۳۹	ارنست‌اورلاندولاورنس.	آمریکا	اختراع وتوسعهٔ سیکلوترون ونتایجی‌که ازآن بدست آمد ـ بخصوص در زمینهٔ‌عناصر مصنوعی‌رادیواکتیو .
۱۹۴۰	جایزه توزیع نگردید ویك سوم آن بصندوق عمده و دو سوم آن بصندوق مخصوص جایزهٔ فیزیك ریخته شد .		
۱۹۴۱	به ترتیب فوق عمل شد .		
۱۹۴۲	به ترتیب فوق عمل شد .		
۱۹۴۳	برای سال بعد محفوظ گردید .		
۱۹۴۴	جایزهٔ‌سال قبل‌که توزیع نشده بود نیز دراین سال توزیع گردید .		
	سال ۱۹۴۳ـ اوتوسترن.	آمریکا	کمك وی بتوسعهٔ متداشعهٔ مولکولی وکشف لحظهٔ مغناطیسی پروتون.
	سال‌۱۹۴۴ـ ایزیدورآیساك‌رابی	آمریکا	متدارتعاش صدا برای ضبط خصوصیات مغناطیسی هستهٔ اتمی.
۱۹۴۵	ولفگانك‌پلی.	اتریش	اصل استثنا واخراج‌که ضمناً بنام اصل پلی معروف شده است .
۱۹۴۶	ویلیامزبر .	آمریکا	دستگاهی‌که فشار بسیار زیادی تولید می‌کرد وبرای کشفیاتی که در زمینهٔ فیزیك مربوط بفشارهای شدید نموده است .
۱۹۴۷	سرادواردویکتوراپلتون .	انگلیس	تحقیقاتش دربارهٔ فیزیك‌اتموسفر بالا بخصوص برای‌کشف طبقه‌ای که بنام اپلتون (بنام خودش) نامیده شد.
۱۹۴۸	پاتریك مینارد سیتوارت‌بلاکت.	انگلیس	توسعهٔ متد اطاق ابری ویلسون وکشفیاتش در زمینهٔ فیزیك هسته‌ای وتشعشعات‌کیهانی بوسیلهٔ متدمزبور .
۱۹۴۹	هیدکی‌یوکاوا.	ژاپن	پیش بینی‌وجود مزون‌ها براساس‌کارتئوریك برروی نیروهای‌هسته‌ای.
۱۹۵۰	سیسیل فرانك پاول.	انگلیس	توسعهٔ متدعکسبرداری درمطالعهٔ جریانات‌کارهسته‌ای وبرای‌کشفیاتش دربارهٔ مزون‌هائیکه بااین متددرست می‌شوند .
۱۹۵۱	سرجان داگلاس‌کوك روفت.	انگلیس	تحقیقاتش دربارهٔ تغییر ماهیت هستهٔ‌اتم باتسریع نمودن ذرات اتمی.
۱۹۵۲	۱ـ فلیکس بلوك	آمریکا	توسعهٔ متد جدید برای اندازه‌گیری دقیق مغناطیسم اتمی‌وکشفیاتشان در این زمینه .
	۲ـ ادوارد میلز پرسل.	آمریکا	
۱۹۵۳	فریتز (فردریك) زرنیك	هلند	تشریح‌متدتضاد مرحلهٔ‌بخصوص‌برای‌اختراع میکروسکوپ‌تضادمرحله.
۱۹۵۴	۱ـ ماکس‌بورن.	انگلیس	تحقیقات اساسی‌اش‌دربارهٔ‌مکانیك‌کوآنتوم بخصوص‌برای تفسیرآماری او ازطرز کار امواج .
	۲ـ والتر بوته.	آلمان	متد انطباق وکشفیاتش دراین‌زمینه .
۱۹۵۵	۱ـ ویلیس‌بوجین‌لم.	آمریکا	کشفیاتش‌دربارهٔ ساختمان ظریف ودقیق طیف‌هیدروژن
	۲ـ پولیکارپ‌کوش.	آمریکا	تعیین دقیق لحظهٔ مغناطیس الکترون .
۱۹۵۶	۱ـ ویلیام شاکلی.	آمریکا	کشفیاتشان دربارهٔ مواد نیمه‌هادی وکشف اثر ترانزیستور.
	۲ـ جان برادین.	آمریکا	
	۳ ـ ولترهاوزبراتین	آمریکا	

سال	برندهٔ جایزه	کشور	بخاطر
۱۹۵۷	۱ ـ چین نینگ یانگ . ۲ ـ تسونگ دائولی	چین چین	تحقیقات نافذ آنها دربارهٔ باصطلاح قوانین تساوی که منجر به کشفیات مهمی دربارهٔ ذرات ابتدایی شد .
۱۹۵۷	۱ ـ پاول الکسیویچ چونکوف ۲ ـ ایلیا میخایلوویچ فرانک ۳ ـ ایگوریگنیویچ تام	روسیه روسیه روسیه	کشف وبیان اثر چونکوف ؛
۱۹۵۹	۱ ـ امیلیوجینوسگره ۲ ـ اوون چمبرلن	آمریکا آمریکا	کشف ضد پروتون .
۱۹۶۰	دونالد آ. گلاس	آمریکا	اختراع اطاق حباب .
۱۹۶۱	۱ ـ دکتر رابرت هوفستادتر ۲ ـ دکتر رودلف موسباوئر	آمریکا آلمان	مطالعات دربارهٔ پراکنده‌شدن الکتریک هستهٔ اتمی . کشف اثری که بنام وی خوانده شده و دربارهٔ جذب انعکاس اشعهٔ گاما میباشد .
۱۹۶۲	لفداویدیچ لاندو	روسیه	تئوریهای پیشتازانهٔ او دربارهٔ مادهٔ غلیظ بخصوص هلیوم مایع .
۱۹۶	۱ ـ ماریا جیوپرت میر ۲ ـ هانس نیسن ۳ ـ یوگن	آمریکا آلمان آمریکا	تحقیقات در زمینهٔ تعیین ماهیت پوستهٔ اتمی .

استادان و معلمین رشتهٔ فیزیک و مکانیک دانشگاه :

مهندس محمدرضا **آریانا** معلم دستیار، آزمایشگاه هیدرولیک دانشکدهٔ فنی .

دکتر علی اصغر **آزاد** ، استاد فیزیک دانشکدهٔ علوم .

مهندس تقی **ابتکار** ، معلم دستیار کارگاه مکانیک دانشکدهٔ فنی .

دکتر ضیاءالدین **اسمعیل بیگی** ، استاد فیزیک دانشکدهٔ علوم .

دکتر عبدالرحیم **اشعری** ، استادیار دانشکدهٔ علوم .

مهندس حبیب الله **افروزیان** ،معلم دستیار آزمایشگاه برق . نقل ـ انرژی دانشکدهٔ فنی .

مهندس علی **انتظام** ، استاد دانشکدهٔ کشاورزی .

دکتر محمد رحیم **اهرابی**، دبیر دانشکدهٔ علوم .

دکتر حبیب الله **ایزدیان** ، استاد فیزیک دانشکدهٔ علوم .

دکتر مهدی **برکشلی**، استاد فیزیک پزشکی دانشکدهٔ دامپزشکی و فیزیک دانشکدهٔ علوم .

دکتر جهانگیر **بهارمست**، معلم ودستیار فیزیک پزشکی دانشکدهٔ دامپزشکی ودبیر دانشکدهٔ علوم .

مهندس ابوالحسن **بهنیا** ، استاد کارهای دریایی ، زیرسازی راه ، تأسیسات آبی و دریایی دانشکدهٔ فنی .

آقای صدرالدین **پاشا** ، دستیار آزمایشگاه مکانیک دانشکدهٔ فنی .

مهندس هادی **پورسعید**، معلم دستیار کارگاه مکانیک دانشکدهٔ فنی .

دکتر کمال **تابا** ، استادیار ، آزمایشگاه رادیو، دانشکدهٔ فنی .

مهندس عباس **تاد** ، استاد مقاومت مصالح دانشکدهٔ فنی .

دکتر مختار **تبریزی** ، دبیر دانشکدهٔ علوم .

دکتر فیروز **تربیت** ، استاد هیدرولیک دانشکدهٔ فنی .

مهندس تیمور **توکلی** ، دبیر دانشکدهٔ کشاورزی .

مهندس منصور **بهروزی**، دبیر دانشکدهٔ کشاورزی .

دکتر محمود **ثقفی** ، دانشیار دانشکدهٔ کشاورزی .

خانم **جعفری پارسا**، دبیر دانشکدهٔ علوم.

آقای رسول **جواهری** دبیر دانشکده علوم

دکتر هوشنگ **پاکزاد** ، دبیر دانشکدهٔ علوم .

آقای حسین **پرنیان پور**، دبیر دانشکدهٔ علوم .

آقای **صدیقی تفرشی**، دبیر دانشکدهٔ علوم.

دکتر محمد **ثبوتی** ، دبیر دانشکدهٔ علوم.

دکتر کمال الدین **جناب**، استاد فیزیک دانشکدهٔ علوم .

مهندس کاظم **جفرودی** ، استاد طرق عمومی ساختمان و کارهای آبی دانشکدهٔ فنی .

مهندس هوشنگ **جلالی** ، استاد اجزاء ماشین ، ماشینهای بالابر ، دانشکدهٔ فنی.

دکتر غفار **جهانگیری** ، معلم دستیار ، آزمایشگاه هیدرولیک ، دانشکدهٔ فنی.

آقای محمد **حاج کریمی**، دبیر دانشکدهٔ علوم .

مهندس احمد **حامی**، استاد، مصالح ساختمان روسازی راه ، روسازی راه آهن دانشکدهٔ فنی .

مهندس خیر **حبیب الهی**، دستیار آزمایشگاه مکانیک دانشکدهٔ فنی.

دکتر محمد علی **حدیدی** ، استادیار آزمایشگاه فیزیک پزشکی دانشکدهٔ پزشکی .

دکتر محمود **حسابی**، استاد ریاضی دانشکدهٔ علوم.

مهندس کاظم **حسیبی**، استاد ژئوفیزیک دانشکدهٔ فنی .

خانم آزرمیدخت **حضرتی** ، دبیر دانشکدهٔ علوم.

دکتر همایون **حقیقی**، معلم دستیار دانشکدهٔ فنی .

خانم نیره **حمزه**، دبیر دانشکدهٔ علوم .

آقای حسین **خادمی** دبیر دانشکدهٔ علوم.

مهندس عبدالحسین **خلیلی** ، استاد بتون فولادی و سدسازی دانشکدهٔ فنی.

دکتر علی‌اصغر **خمسوی**، استاد دانشکدهٔ علوم .

دکتر عباسقلی **خواجه نوری**، استاد دانشکدهٔ کشاورزی .

دکتر جعفر **دریابیگی**، استادیار آزمایشگاه فیزیک پزشکی دانشکدهٔ پزشکی .

مهندس پرویز **ذواشتیاق** ، معلم دستیار آزمایشگاه برق ــ نقل انرژی دانشکدهٔ فنی .

خانم دکتر **رحمانی**، استادیار دانشکدهٔ علوم .

دکتر ناصرقلی **رحیمی** قاجار ، استاد الکترو تکنیک دانشکدهٔ فنی .

مهندس مخاطب **رفیعی** ، استاد ماشینهای آبی دانشکدهٔ فنی .

دکتر امانت‌الله **روشن‌زائر**، استاد فیزیک دانشکدهٔ علوم .

دکتر **روحانی** ، استادیار دانشکدهٔ علوم.

دکتر مجتبی **ریاضی** ، استاد مکانیک دانشکدهٔ فنی .

دکتر **زاهدی‌مقدم**، استادیار دانشکدهٔ علوم

ومهندس محمد مظفر **زنگنه** ، استاد الکتریسیتهٔ صنعتی وسیم‌کشی و روشنایی نقل انرژی دانشکدهٔ فنی .

مهندس محمد حسین **سالمی** ، دانشیار ساختمان ماشینهای الکتریکی دانشکدهٔ فنی .

مهندس مسعود **سلطانی** ،دانشیار اندازه‌گیری الکتریسیته‌ـ الکتریسیتهٔ صنعتی دانشکدهٔ فنی .

مهندس عباس **سیاسی**، استاد دانشکدهٔ کشاورزی .

دکتر مهدی **شریفی**، استادیار ،آزمایشگاه فیزیک پزشکی دانشکدهٔ پزشکی .

ولی‌الله **شکرزاده**، معلم دستیار، آزمایشگاه برق ــ نقل انرژی دانشکدهٔ فنی.

مهندس علی‌اصغر **شکریان**، استاد ترمودینامیک صنعتی و تأسیسات ساختمان و تهویهٔ دانشکدهٔ فنی .

مهندس ایرج **شمس‌ملک‌آرا**، استاد نقشه‌برداری هوایی دانشکدهٔ فنی .

دکتر حسن **شمسی** ، استاد فیزیک صنعتی الکتروتکنیک صنعتی دانشکدهٔ فنی.

مهندس ابراهیم **شیرازی** ، معلم دستیار نقشه‌برداری و برآورد ساختمان راه و ساختمان دانشکدهٔ فنی .

آقای مرتضی **صدوقی‌نژاد**، دبیر دانشکدهٔ علوم .

دکتر ابراهیم **صفری** ، استاد فیزیک دانشکدهٔ فنی .

دکتر سیروس **ضیاء**، استادیار دانشکدهٔ علوم .

آقای ضیاء **طاهری**، دبیر دانشکدهٔ علوم.

خانم دکتر آلینوش **طریان**، استاد دانشکدهٔ علوم.

آقای حسین **طوفان**، دبیر دانشکدهٔ علوم.

دکتر محسن **عرفان** ، دانشیار مکانیک خاک و ساختمان فلزی دانشکدهٔ فنی .

دکتر ذبیح‌الله **عزیزی** ، استاد فیزیک دانشکدهٔ پزشکی .

مهندس محمد **غیاثی**، معلم دستیار عملیات ماشینهای حرارتی دانشکدهٔ فنی.

دکتر سیدمحمد **فاطمی** ، دبیر دانشکدهٔ علوم .

دکتر **فرخی**، دبیر دانشکدهٔ علوم .

دکتر رضا **فطوره‌چی**، استادیار آزمایشگاه فیزیک پزشکی ، دانشکدهٔ پزشکی.

آقای عمادالدین **فقاهتی**، دبیر دانشکدهٔ علوم .

دکتر اسماعیل **فیلسوفی**، استاد دانشکدهٔ کشاورزی .

دکتر مهدی **قالیبافیان** ، استادیار ، آزمایشگاه بتون فولادی دانشکدهٔ فنی.

مهندس علاءالدین **قزوینیان** ، استاد ماشینهای حرارتی وسیلیکات‌قند و نساجی دانشکدهٔ فنی .

دکتر ابوالقاسم **قلم‌سیاه**، دبیر دانشکدهٔ علوم.

دکتر محمدحسین **کاشانی ثابت**، معلم‌دستیار نقشه‌برداری و برآورد ساختمان دانشکدهٔ فنی .

مهندس جمشید **کامران**، دبیر دانشکدهٔ علوم.

دکتر حسین **کرباسی** ، استاد دانشکدهٔ کشاورزی .

دکتر خسرو **کریم پناهی** ، استادیار ، مقاومت مصالح دانشکدهٔ فنی .

دکتر حسین **کشی افشار**، استاد دانشکدهٔ علوم .

مهندس مجید **کوپایی**، دبیر دانشکدهٔ کشاورزی .

دکتر مرتضی **لاریجانی** ،استادیار فیزیک دانشکدهٔ فنی.

دکتر محمد قلی **محمدی** ، دانشیار فشار قوی الکتریسیتهٔ صنعتی دانشکدهٔ فنی.

دکتر باقر **محمودیان** ، استاد دانشکدهٔ علوم .

آقای ناصر **مقبلی**، دبیر دانشکدهٔ علوم.

دکتر حسن **مرشد** ، استادیار، آزمایشگاه رادیو ، دانشکدهٔ فنی .

دکتر رحمت‌الله **مرشدزاده**، استاد تلگراف رادیو تکنیک دانشکدهٔ فنی .

مهندس محمدعلی **مشیری**، استاد الکتروـ تکنیک تلفن دانشکدهٔ فنی .

دکتر مصفی **مزینی**، استاد تأسیسات آبی و دریایی ، دانشکدهٔ فنی .

مهندس عباس **مشایخی** ، استاد راه‌آهن مصالح صنعتی دانشکدهٔ فنی .

دکتر خلیل **معزز** ، استادیار آزمایشگاه فیزیک پزشکی ، دانشکدهٔ پزشکی .

دکتر جمشید **مقیمی** ، استادیار دانشکدهٔ علوم .

دکتر محمد **منجمی** ، استاد دانشکدهٔ کشاورزی .

دکتر فریدون **منوچهریان**، استاد دانشکدهٔ پزشکی .

دکتر محمد حسن **مهدوی**، استاد فیزیک دانشکدهٔ کشاورزی .

مهندس مرتضی **مهرآئین** ، معلم دستیار، آزمایشگاه شیمی دانشکدهٔ فنی .

دکتر مظفر **نامجو** ، دانشیار دانشکدهٔ علوم .

آقای مبین **نبویان**، دبیر دانشکدهٔ علوم.

دکتر مهدی **نظامی**، دبیر دانشکدهٔ علوم .

مهندس کریم **نیکو** ، استاد ، ماشین‌افزار موتور احتراق‌داخلی دانشکدهٔ فنی.

آقای ابراهیم **واحدیان** ، معلم دستیار، آزمایشگاه فیزیک، دانشکدهٔ فنی .

آقای وهاب **داورپناه**، دبیر دانشکدهٔ کشاورزی .

مهندس سجاد **هاشمی** ، معلم دستیار آزمایشگاه ماشینهای حرارتی دانشکدهٔ فنی .

مهندس کیومرث **هوشیار** ، معلم دستیار کارگاه مکانیک دانشکدهٔ فنی.



گذشتهٔ نجوم

نیاکان ما زمین خاکی را مرکز افلاك می‌پنداشتند، به تصور آنها خورشید وهمهٔ اجرام سماوی شبانه‌روز ، یکبار بدور زمین می‌گردند . و مسطح بودن زمین برای همه قابل قبول بود ولی یونانیان برای‌اولین‌بار ادعا کردند زمین کروی‌است‌واراتوستن (Eratosthenes) پیرامون کرهٔ‌زمین را بدقت اندازه گرفت. باحتمال‌قوی‌کرویت‌زمین‌با‌ندازهٔ‌زمان‌وجود (فیثاغورث)سابقهٔ تاریخی دارد . ممکن است کسی متعجب شود و بپرسد که چگونه فیثاغورث توانسته است بـاین نتیجهٔ متهورانه برسد ؟ احتمال داردکه وی‌از این‌راه پیش‌آمده باشدکـه سطح دریاها افقی نیست وخمیده است ، و دلیل وی شایدآن بوده است که چون کشتی ازدور میرسد ابتدا نوك دکل و بادبانهای آن دیده میشودوهرچه‌نزدیکتر شودقسمتهای دیگرآن مشهود میافتد .

ممکن است سایهٔ مدور زمین برماه در هنگام خسوف نیزسبب پیداشدن‌فکر کروی بودن زمین،شده باشد ، ولی‌چنین فرصتی مستلزم آنست که دربارهٔ خسوف‌و کسوف اطلاعات فراوانی دردست باشد ، وچنانکه میدانیم دراین‌باره تا قرن‌ششم اطلاعاتی در اختیار علمای نجوم نبوده است . احتمال بیشتر آنست کـه پس‌از مردود شدن فکرمسطح بودن‌زمین، توجه به‌کرویت‌آن تنها ازروی تجربه‌های‌خام وغیرکافی پیش‌آمده باشد آن مردم با خود گفته‌اند حالاکه زمین هموار نیست ناچار بایدکروی باشد ، مگر نه اینست که سطح ماه وخورشیدمدور است ؟ آیا هیچ حجم یا سطحی هست‌کـه از لحاظ تقارن وزیبایی بپای‌کـره برسد ؟ فکر اصلی فیثاغورثیان بیش ازآنکـه جنبهٔ استنتاج علمی داشته باشد جنبهٔ ایمان و اعتقاد داشته است . مگر هـر فرضیهٔ علمی ازهمین راه‌آغاز نمیشود ؟ باچنین فرضیه‌یی پیدایش نظریهٔ‌کسوف وخسوف امکان‌پذیر میشود ، وبرعکس بسط‌نظریهٔ کسوف و مشاهدهٔ کسوفهایی که‌پیاپی‌اتفاق می‌افتدفرض اصلی را تأیید میکند.

اعتقاد بکمال وزیبایی کره‌ونتایجی که ازآن درآفرینش‌جهان حاصل‌میشود هسته و مغز علم فیثاغورث را میسازد . ازاین فرض چنین نتیجه میگـرفتند که اجسام فلکی شکل‌کـروی دارند و در مسیرهای دایره‌یی حـرکت میکنند، یا به‌کراتی بستگی‌دارند. زمین‌طبیعتاً‌چنان فرض میشده‌که ساکن‌است ودر وسط‌این اجرام سماوی قرارگرفته و مرکزآنرا مرکز عالم میدانسته‌اند . حرکت تمام کرات مانند حرکت آسمانها حـرکت یکنواخت تصور میشده ، وچگونه‌ممکن بوده است این حرکت غیراز اینصورت را داشته باشد ؟

بابلیان به‌این‌خرسندبودندکه‌هرچه دقیق‌تر،حرکت‌سیارات‌را اندازه‌بگیرند وبرای‌آنهاجدول وزیجهای خاص‌ترتیب دهند . ولی (فیثاغورث)که بافیزیولوژی (میلتوسی) آشنا شده بـود نمیتوانست بتوصیف این‌حرکات خودرا راضی‌کند و خرسند بماند . وی درصددآن‌بودکه‌این حرکات را توضیح دهد و تـوجیه‌کند . سیارات ممکن نیست اجسام « متحیر و سرگردانی» باشند ، وناچار بایدحرکت دورانی یکنواختی مخصوص بخود داشته باشند . این طرزاندیشه رابه‌فیثاغورث‌و «الکمایون» هردونسبت‌میدهند وهرکس

صاحب چنین فکری باشد باید گفت گام مهمی در اصول اندیشهٔ مکتب‌فیثاغورثی برداشته است. ثوابت همانگونه که مثلاً در نیمکرهٔ شمالی دیده میشوند حرکت ساعتی دارند و با انتظامی شبیه انتظام عقربه‌های‌ساعت برآسمان‌جابجامیشوند؛ سیارات (یعنی‌خورشید وماه‌وسیارات‌ما) متحیرانه حرکت نمیکنند بلکه حرکت در خلاف جهت ساعتی، مخصوص بخود دارند ، و اگرکسی بتواند این حرکات درهم‌آمیخته را تجربه‌کند ممکن است آنها رابصورت حرکات‌یکنواخت‌دورانی درآورد . تمام علم نجوم یونانی ازاین عقیدهٔ بی‌دلیل سرچشمه‌گرفته است .

اعتقاد دیگری نیز بهمین ترتیب مبهم وتاریك واسرارآمیز جای خودرا درآنزمان بازکرد . ازقولی‌بوحدت‌مایه جهان‌که فیزیولوژیستهای میلتوسی بآن قائل بودند فرض تازهٔ دوگانگی مایه بیرون‌آمد . چنان می‌پنداشتند که میان جهان سماوی ازیك طرف و جهان زیر فلك‌ماه اختلاف اساسی موجود است ، جهان اول راابدی‌وقدسی وکامل‌ولایتغیر می‌پنداشتند که‌اجزای‌آن‌حرکت‌دایره‌یی خالی ازشتاب‌زاویه‌یی‌دارند، وجهان‌زیر ماه را درمعرض تغییرات بیشماروتجزیه وفساد ومرگ میدانستند که حرکت در آن تحت قاعده وقانونی نیست وازروی هوی وهوس صورت میگیرد . جهان‌برتر ازماه جهان خدایان وشاید جهان‌ارواح بود وجهان فروتر از ماه جایگاه اشیاء بیجان یا جاندار فناپذیر .

این ثنویت‌فیثاغورت‌تازمان‌گالیلئو وحتی پس‌ازوی‌برروی افکار علمی تأثیر داشت ، و بایدگفت‌که تأثیرآن در دین نیزکمتر ازتأثیرآن درعلم نبوده است، اکنون همین‌اندازه‌کافی است اشاره شودکه مذهب فلکی‌که هسته وخمیرمایهٔ علم احکام نجوم است ، نتیجهٔ ترکیب خیالبافیهای فیثاغورثیان و کلدانیان با یکدیگر است .

«ازکتاب تاریخ علوم؛ ترجمهٔ صفاری»

مقدمه‌ای برنجوم

نجوم تنها دانشی است‌که از ادوار گذشته بشربآن‌علاقمند بوده و دلبستگی داشته است . ستاره‌شناسی در عداد یکی از چند دانشی است که انسان در آن دلپذیرترین وشگفت‌آورترین نکته‌هارا درمی‌یابد ، میدان تحقیقات نجومی و آزمایشات مربوط به حوزهٔ فضا گرچه محدود وخارج از دسترس است ولی از حدود خیال‌واندیشه نیزگام فراترمینهد ومقیاسات‌آن غیرقابل تصور میباشد . جهان ما ، و جهان شناسی دلپذیرترین دانشهاست. بەشرط‌آنکه همهٔ‌آدمیان‌سعادت آنرا داشتندکه لحظاتی چند از زندگی را در اندیشهٔ شگفتی‌های جهان وخردی زمین بسرآرند .

« از نجوم جیبی، ترجمهٔ مسعود نعمتی »

سیارات خورشید

Planetes

از خانوادهٔ منظومهٔشمسی میباشند. این ستارگان در فواصل مختلف و با دوره‌های متفاوت‌بدورخورشید میچرخند از نظر درخشش وتابناکی عده‌ای بسیار پرنوروعده‌ای‌دیگر ضعیف‌وکم‌نور میباشند. تعداد سیاراتاگر زمین‌را بحساب آوریم جمعاً نه عدد است .

درمیان اینها عطارد وزهره‌اززمین بخورشید نزدیکترند در حالی که سایر سیارات بسیاردورتر میباشند . دوره‌های گردش‌آنها از ۸۸ روز در مورد عطارد تا۲۴۸ سال زمینی برای پلوتون‌که سیارهٔ‌دوردستی‌است‌متفاوت‌است. بنابراین یکسال عطارد ۸۸ روز ویکسال‌پلوتون ۲۴۸ سال زمین طول میکشد .

دستگاه‌منظومهٔشمسی‌بدوگروه جرم فلکی تقسیم میشود:چهار سیارهٔعطارد ، زهره ، زمین ، مریخ نسبتاً کوچك و نزدیك بخورشید قرار دارند . سپس سیارات‌کوچکی‌بنام‌آستروئید قرارداشته و پس ازآن سیارات غول پیکری بنام مشتری،زحل،اورانوس، نپتون‌قراردارند، وآخرین سیاره بنام پلوتون دارای جرم کوچکی است .

عطارد (تیر) Mercure

اولین‌سیارهٔ‌دورخورشید که۵۷/۸۵



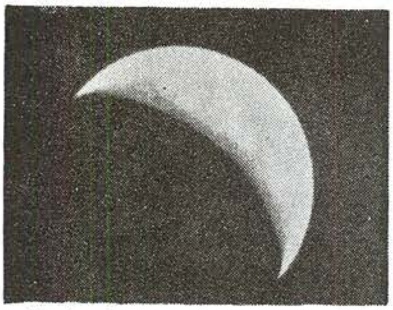
ملیون کیلومتراز خورشید فاصله‌دارد، دورهٔ گردش انتقالی آن ۸۷/۹۷ روز است .

سرعت متوسط‌آن ۳۸/۶ کیلومتر درثانیه است .

شعاع متوسط‌آن ۲/۴۱۵ کیلومتر میباشد .

زهره (ناهید) Venus

دومین سیارهٔ دور خورشید است که ۱۰۸/۱۰ ملیون کیلومتر از خورشید فاصله دارد و در نزدیکترین فاصله با زمین قرارگرفته است‌بنابراین بسیار پر



نور بنظر میرسد . مدت حرکت‌انتقالی این سیاره ۲۲۴/۷۰ روز است . اگر زهره درخاور خورشید باشد بنام ستارهٔ صبحگاهی و یا ستارهٔ شامگاهی معروف است . سرعت متوسط‌آن۳۵/۴ کیلومتر درثانیه میباشد شعاع متوسط‌آن ۶۰۵۰ کیلومتر است .

زمین Terre

سومین سیارهٔ دورخورشید است که بفاصلهٔ ۱۴۹/۵۰ ملیون کیلومتری‌آن قرار دارد قطبین زمین فرورفته واطراف آن را جو فرا گرفته است حرکت زمین رابدور خود وضعی‌و بدور خورشید انتقالی نامند شعاع متوسط کرهٔ زمین ۶۳۷۱ کیلومتر . محیط استوایی زمین ۴۰۰۷۵۷۲۱ متر و سطح آن ۵۱۰۰۶۵ × ۱۰^{۳} کیلومتر مربع و حجم‌آن ۱۰۸۳۲۰۵ × ۱۰^{۶} کیلومتر مکعب و وزن مخصوص‌آن ۵/۵ گرم و وزن تمام زمین ۵۹۵۷۹۳ × ۱۰^{۱۹} کیلوگرم‌است درجه حرارت‌آن حداکثر ۶۰° دراستوا و ۷۵°− درقطب می‌باشد زمین در ۳۶۵ روز و۲۵ دقیقه یکبار بدور خورشید میگردد یعنی در هرثانیه ۲۹/۸ کیلومتر حرکت می کند .

مدت حرکت وضعی‌زمین ۲۴ساعت

و ۵۶ دقیقـه است و دارای یـك قمـر می‌باشد

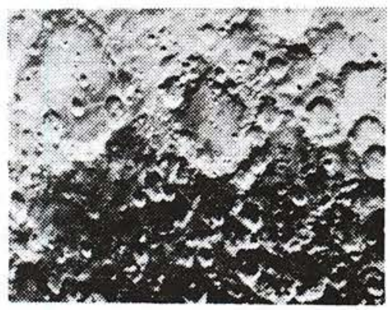
ماه : Lune

ماه بعد ازخورشید باشکوه‌ترین جسم آسمانی بنظر می‌رسد که حداقل فاصلهٔ آن تازمین ۳۵۰۶۸۰ کیلومتر وتنها قمرطبیعی‌زمین



است. ماه بدور زمین در مداری بیضی شکل دوران می‌نماید زمین در یکی از دوکانون این بیضی قرارگرفته است.

شعاع ماه ۱۷۳۷ کیلومتر است وزن اجسام دراستوای ماه ۰/۱۶۶ برابـر وزن اجسام‌دراستوای زمین‌است. حرکت



وضعی ماه درمدت ۲۷ روز و۷ ساعت و ۴۳ دقیقه و۱۱/۵ ثانیه یك دور کامل بدور خود می‌گردد .

سیارات ریز

که درحد فاصل مریخ ومشتری در گردشند. فاصلهٔ متوسط آنها از خورشید ۴۱۸/۶۰ میلیون کیلومترومدت حرکت انتقالی آنهـا بین ۳ تـا ۸ سال متغیر میباشد .

مشتری (برجیس) Jupiter

پنجمین سیـارهٔ دور خورشید کـه ۷۷۷/۶ میلیون کیلومتر ازخورشیدفاصله دارد .

مشتری دارای ۱۱ قمر است که‌قطر دوعدد از آنها معادل ۴۸۲۷ کیلومتر است. رنگ‌آن‌کمی زرد و درخشش آن زیاد است و اغلب با سایر سیارات وستارگان غیراز زهره‌اشتباه‌میشود مدت

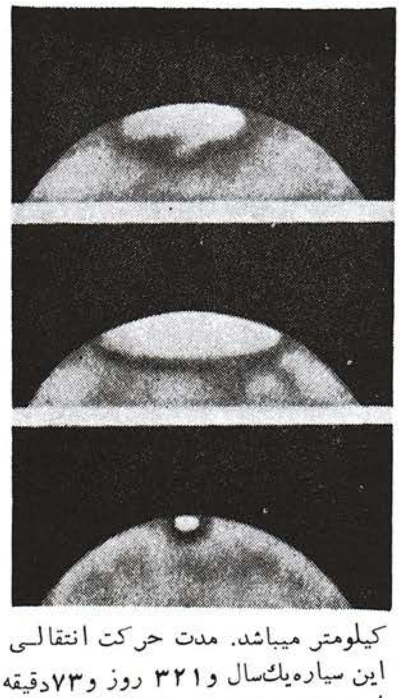




حرکـت انتقالـی مشتـری ۱۱ سال و ۳۱۴/۸۴ روز ومدت حرکت وضعی‌آن ۹ ساعت و۵۰ دقیقه است. شعاع متوسط آن ۶۹۰۲۵ کیلومتر و سرعت متوسط این سیاره ۱۲/۹ کیلـومتر در ثـانیه است .

مریخ (بهرام) Mars

چهارمین سیارهٔ دور خورشید کـه ۲۲۷/۷۲ میلیون کیلومتر از خورشید فاصله دارد شعـاع متوسط آن ۳/۳۹۵

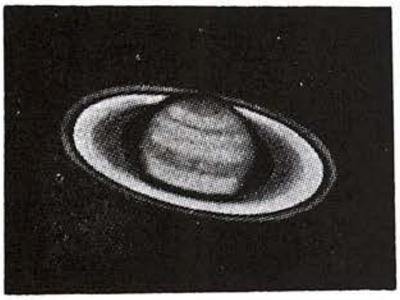


کیلومتر میباشد. مدت حرکت انتقالی این سیاره‌یك‌سال و۳۲۱ روز و۷۳دقیقه است.مدت‌حرکت‌وضعی آن۲۴ساعت و۳۷ دقیقه است. دارای دوقمرمیباشد وسرعت متوسط آن ۲۵/۴ کیلومتردرثانیه‌است.

زحل (کیوان) Saturne

ششمین سیارهٔ دور خورشید است‌که فاصلهٔ آن تا خورشید ۱۴۲۵/۶ میلیون کیلومتر ودارای یك حلقهٔ نورانی است که رنگ‌آن‌زردلیمویی‌است. مدت‌حرکت انتقالی زحل ۲۹ سال و۱۶۶/۹۸روز

و مدت‌حرکت وضعی‌آن ۱۰ ساعت و۱۴ دقیقه است . شعاع متوسط آن ۵۹۸۰۰ کیلومتروسرعت متوسط‌آن ۱۰/۵ کیلو متر درثانیه ودارای ۱۰ قمر میباشد.



اورانوس Uranus

یکی‌ازسیارات نه‌گانهٔ منظومهٔشمسی که از لحاظ فاصله‌اش نسبت بخورشید درردیف‌هفتم، یعنی‌پس‌اززحل‌قرارگرفته. فاصلهٔ متوسط این سیاره تا خورشید ، ۲۸۶۸/۱ میلیـون کیلـومتر است . کرهٔ اورانوس دارای ۴قمراست‌که دور آن‌درگردشند وبه‌اسامی: آریل_آمبریل تیتانیا_ ابرون‌خوانده‌میشوند. اورانوس در۱۳ مارس ۱۷۸۱ بوسیلهٔ‌منجمی بنام هرشل‌کشف‌گردید . این سیاره بـاچشم بدون سـلاح بزحمت دیـده میشود و از ستارگان قدرششم است و یکدور حرکت انتقالیش بدورخورشید۸۴ سال و۷/۴۵ روز طول میکشد محورحرکت وضعی‌این سیاره‌کاملا بامدار حرکت‌انتقالیش‌منطبق است وازاین لحاظ وضـع مشخصی را در منظومهٔ شمسی دارد. رنگ این‌سیاره از پشت‌دوربین‌نجومی‌بصورت‌قرص‌خاکستری است. ومدت حرکت وضعی‌آن ۱۰ساعت و۴۲ دقیقه،وشعاع متوسط‌آن ۲۴/۸۶۰ کیلومتروسرعت متوسط‌آن۶/۵ کیلومتر درثانیه‌میباشد.

نپتون : Neptune

هشتمین سیارهٔ دور خورشید کـه از خـورشید ۴۴۹۴/۱۰ میلیون کیلومتر فاصله دارد .

نپتون‌که در سال ۱۸۴۶ بوجودش پی‌برده شدبصورت‌قرص‌آبی‌رنگی‌نمودار میگردد مدت حرکت انتقالی این سیاره ۱۶۴ سال‌و۲۸۰/۳روز ومدت حرکت وضعی‌آن ۱۵ساعت و۸ دقیقه است.شعاع متوسط آن ۲۵/۵۵۰ کیلومتر و سرعت متوسط‌آن ۵/۶ کیلومتردرثانیه ودارای یك قمر میباشد.

پلوتن Pluton

در سال ۱۹۳۰ کشف شد دورهٔ حرکت انتقالی این سیاره ۲۴۷ سال و ۲۴۹ روز زمینی است این سیاره آخرین مرزهای منظومهٔ شمسی را اشغال کرده وفقط با تلسکوپ قابل دیدن میباشد. ـ فاصلهٔ متوسط آن ازخورشید ۵۹۲۰/۸ ملیون کیلومتروشعاع متوسط آن ۱۶۰۹ کیلومتر و سرعت متوسط آن ۴/۸ کیلومتر در ثانیه است.

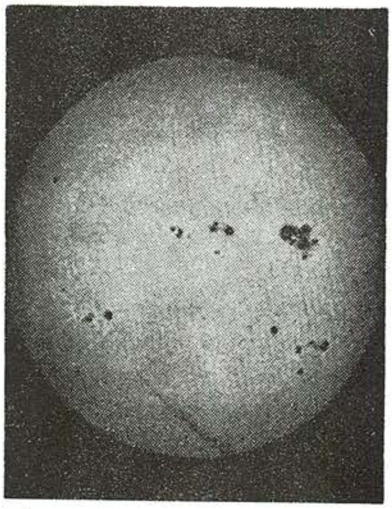


توده کره‌ای

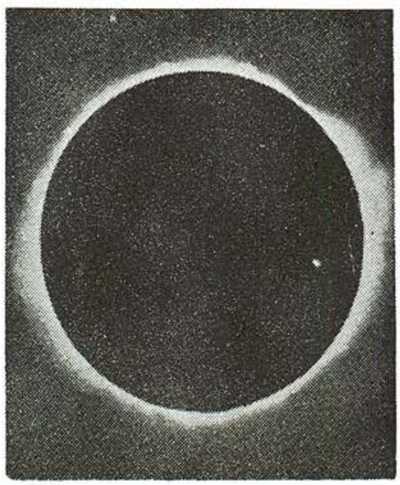
خبری چند ازخورشید

خورشید:

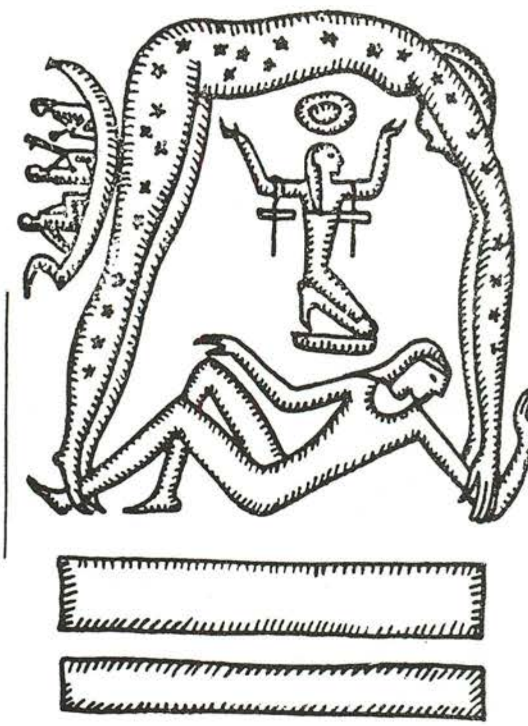
در قرون اولیه مردم براین پندار بودندکه خورشید از شرق طلوع کرده‌ودر غرب غروب میکند، در حالیکه عملا چنین



نیست، بلکه خورشید ثابت و حرکت از زمین است که دور آن میگردد. کپرنیک اهل لهستان اولین منجمی بودکه حرکت زمین را بدور آفتاب کشف کرد. اولین بار



گالیله با تلسکوپ اختراعی خودبوجود لکه‌هایی در روی خورشید پی‌برد. قطر خورشید ۱۰۸ر۵۶ و نسبت حجم آن ۱۲۸۴۰۰۰ ونسبت جرم آن ۳۲۴۰۰۰ برابر زمین است. وزن خورشید ۱۹۳۲×۱۰^{۲۷} کیلوگرم است. درجهٔ حرارت سطح خارجی خورشید تقریباً ۱۱۰۰۰ درجه‌فارنهایت است ولی حرارت مرکزی آن به ۷۰ ملیون درجهٔ فارنهایت میرسد. حرکت دورانی خورشید کندتر از زمین است و درحدود ۲۵ روز طول میکشد. اگر ماه بین خورشید و زمین واقع شود چند ثانیه‌ای خورشید پوشیده میشود و در واقع کسوف رخ میدهد ●



صور فلکی

مسیر یا مدار زمین‌را حول‌خورشید دایرهٔ شمسیه یا «دایرةالبروج» مینامند. دایرةالبروج را اززمان قدیم به دوازده برج تقسیم‌کرده وخورشید هرماه ازسال را در یکی ازبروج یاصورفلکی‌دوازده‌گانه بسر میبرند. برجهای مزبورعبارتند از: حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلووحوت.

تودهٔ کره‌ای:

مجموع ستارگانی راکه ازیك‌هسته جدا می‌شوندو یك‌سیستم راتشکیل‌میدهند توده کره‌ای گویند مانندانبساط کهکشان‌ـ ماکه از نظرتعداد ستارگان به هزاران هزارمیرسد. شناسایی انبساط کهکشان‌ها کمك بزرگی در تعیین فواصل‌ومختصات مکانی آن مینماید این محاسبات از آن جهت مورد نظراست که‌ازبعضی‌بیراهی‌های ریاضی در نجوم جلوگیری میکند.

این‌نوع انبساطها به زحمت باچشم بی‌سلاح‌قابل دیده‌میباشند.

مطالعهٔ آنها با نور مادون قرمز صورت میگیرد تا سال ۱۸۸۸ ازوجود چنین توده‌هایی‌اطلاع‌نداشتند نزدیکترین این توده‌ها یکی هیادHyadsودیگری پله‌یاد Pleiads است‌وتاکنون ۲۵۰ واحد از این توده شناخته شده است.

جهت‌یابی

برای جهت‌یابی و یافتن مسیر در مکان‌های ناشناس معمول این است که از نشانه‌ها و علایم برجستهٔ مشخص استفاده کنند.

درنجوم نیز ستاره‌هایی وجود دارد که مبداء شناسایی آسمان قرارمیگیرد.

معروف‌ترین این علائم در مناطق شمالی هفت ستارهٔ دب اکبر است که بعلت سهولت یافتن و بخصوص از این نظر که هیچگاه غروب نمی‌کنند و پیوسته بالای افق قرار دارند بهترین نقطهٔ مبداء می‌باشد ، در زمستان ازصور فلکی درخشان و آشکار جبار استفاده می‌کنند، زیرا صور فلکی جبار ازنظر مبداء جهت‌یابی بهتر آشکار است ومعروفترین صورجهت‌یابی عبارتند از :

دب اکبر، دب اصغر،زرافه ، سگان شکاری ، ذات‌الکرسی ، قیقاوس،اژدهای فلک ،سوسمار و سیاه‌گوش .

دب اکبر:

بنات‌النعش یا دب اکبر که قدیم‌تر از سایر صورفلکی شناخته شده است و بطلمیوس آنرادر عدادچهل‌وهشت صورت فلکی که‌میشناخته ذکر نموده‌است.

دب اصغر :

یکی ازصور فلکی است، این گروه چون شامل ستارهٔ قطبی «جدی» می‌باشد بسیار مهم ومشهوراست‌ستارهٔ مزبور کمتر از یکدرجه از قطب شمال آسمان فاصله داشته و راهنمای کهنسال دریانوردان‌عهد باستان بوده است .

زرافه :

این صورت‌فلکی ازصورتهای‌قدیمی نبوده‌برای‌اولین‌بار درنقشه‌های هولیوس که درسال ۱۶۹۰ ترسیم‌شده بآن‌برخورد میکنیم ولی احتمال داردکه پیش ازاین تاریخ‌نیزشناخته شده باشد .

سگان شکاری :

ازصورفلکی است ، این سیاره‌هادو سگ شکاری می‌باشند بنام : آستریون و کاراکه دب‌اکبر ودب‌اصغر را دور قطب آسمان دنبال میکنند .

ذات‌الکرسی یا عرش :

ازمعروف‌ترین صور فلکی نیمکرهٔ شمالی می‌باشد .

قیقاوس :

یکی ازصور فلکی‌شناختهٔ بطلمیوس بوده است .

اژدهای فلک

صورتی فلکی بشکل اژدها که بعربی‌آنرا رأس‌الذنب وتنین گویند .

سوسمار یا بزمچه :

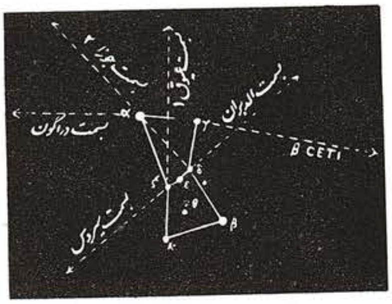
گروه کوچکی است که نزدیک صور فلکی قیقاوس قراردارد .

سیاه‌گوش :

صورت فلکی سیاه‌گوش بین‌دب و مراق از یك طرف وصورت فلکی جوزا (دوپیکر) ازطرف دیگر قرارداشته و دوستارهٔ درخشان‌صورت فلکی جوزا یعنی‌کاستور(رأس‌التوأم‌غربی) وپولوکس (رأس‌التوأم‌شرقی) آنراازیکطرف‌محدود کرده‌اند .

جبار یاشکارچی :

صورت فلکی جبار از نظر مبداء جهت‌یابی برای سایر صور فلکی بسیار مناسب است دوستارهٔ آن‌یدالجوزا بارنگ تقریباً سفیدوابطالجوزا بارنگ‌گلی‌مایل به‌نارنجی‌ازپشت‌دوربین بخوبی پیداست.



قطر سراسری این ستاره ۴۰۲۲۵۰۰۰۰ کیلومترمی‌باشدبنابراین این ستارهٔغول پیکر تمام فضای بین خورشید و زمین و تمام پهنهٔ مدار زمین رامی‌تواند دربرگیرد. غیرازابطالجوزا سایر ستارگان پرنور جبار‌بسیار داغ و سفید رنگ می‌باشند جالب‌ترین این ستارگان سه ستاره است که مجموعاً کمربند جبار را می‌سازند.

ممسك‌الاعنه‌یاذوالنعان :

ازگروه‌های اصلی می‌باشد . اندام صورت فلکی ممسك‌الاعنه تا اندازه‌ای شبیه به بادبادك بچه‌ها بوده‌که از ستارهٔ درخشان عیوق در زمینهٔ‌آسمان سه ستارهٔ کم نورتردیگرکه تشکیل مثلثی میدهند قرار دارندکه‌آن‌ها را بزغاله می‌نامند .

کلب‌اکبر یاسگ بزرگ :

سگ بزرگ نموداریکی ازسگهای همراه جبار یاشکارچی است‌که وفادارانه بدنبال صاحبش در سفر ابدی‌آسمانی‌در حرکت میباشد .

شعرای یمانی درخشان ترین ستاره در سراسرآسمان و در تمام عرضهای جغرافیایی بوده و بهمین علت بزودی شناخته میگردد. شعرای یمانی نزدیك‌ترین‌ستارهٔ‌درخشان‌منظومهٔ شمسی‌محسوب میشود . شعرای یمانی را عوام سگ ستاره مینامند و رنگ سفید درخشان‌آن در دوربین جلوه خاصی دارد . غیر از شعرای یمانی اجرام فلکی جالبی در کلب‌اکبر وجود ندارد .

کلب‌اصغر یا سگ کوچك:

یکی دیگر ازگروههای بطلمیوس است و نمودار سگ‌کوچکتر جبار یا شکارچی است . شعرای شامی ستاره‌ایست درخشان وبهمین جهت برجسته وبسهولت شناخته میشود . این ستاره نیز مانند شعرای یمانی دارای ستارهٔ مصاحب‌کم نوری است که‌فقط باتلسکوپ‌های‌نیرومند قابل دیدن میباشد . مصاحبین این دو ستارهٔ‌پرنورهردودارای‌وزن مخصوصهای بسیار زیاد بوده و بطرز عجیبی فشرده‌و سنگین میباشد .

نهر یارودخانه :

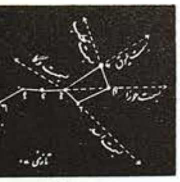
از ستارگان نخستین و اصلی است مطابق افسانه این‌گروه نمایندهٔ رودیست در ایتالیاکه اینك‌آنرا «پو» مینامند.

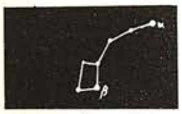
جوزایا دوپیکر :

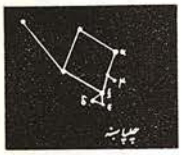
یکی ازگروههای چهل وهشت‌گانهٔ بطلمیوس و یکی از صورفلکی منطقة‌البروج میباشد . ستارگان کاستور و پولوکس (رأس‌التوأم غربی وشرقی) در این‌گروه قرار داشته وبهمین جهت‌آنرا دو پیکرمینامند . دوپیکرازبزرگترین‌و باشکوه‌ترین صور فلکی شمال میباشد ، جادهٔ شیری‌که از میان‌آن عبور میکند به‌اهمیت‌آن افزوده است . ستارگان یدالجوزا وابطالجوزا درجهت دو پیکر قرارگرفته‌اند و وسیلهٔ دیگری‌که برای یافتن این صورت بکار میرود استفاده از ستارگان مئزر و مراق در صورت فلکی دب‌اکبر میباشدکه در امتدادآن قرار دارند . از دوربین ، پولوکس بوضوح برنگ نارنجی وکاستور برنگ‌سفیددیده میشود . جوزا از غنی‌ترین صورفلکی آسمان است .

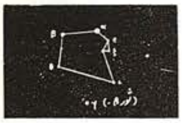
خرگوش یا ارنب :

خرگوش زیر صورت فلکی جبار قرارداشته ومحتوی اجرام فلکی جالبی است . نه بادوربین و نه با تلسکوپ


دب اکبر


دب اصغر


اژدها


ممسك‌الاعنه


کلب اکبر


کلب اصغر

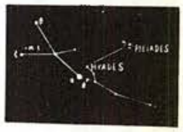

نهر یا رودخانه


جوزا

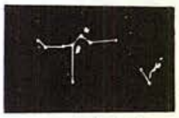

خرگوش



پرساووش



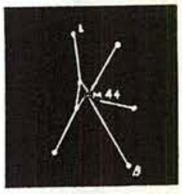
ثور



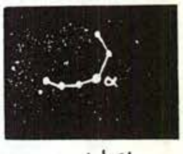
کبوتر



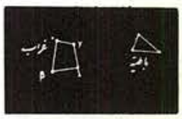
عواء



خرچنگ



اکلیل



غراب

کوچك قابل‌مطالعه نبوده و برای‌تحقیق در آنها باید از عدسی‌های نیرومندتری استفاده نمود.

وحیدالقرن :

مونوسروس در سال ۱۶۹۰ بوسیلهٔ هولیوس بـه‌نقشهٔ ستارگان اضافـه‌گشته است. مونـوسروس نمودار یـك «اسب شاخدار» افسانه‌ای است. ایـن صورت فلکی را میتوان در ناحیه‌ای بین‌شعرای یمـانـی، شعرای شامـی، دو پیکر وابطالجوزامشاهده نمود. جادهٔ شیری از آن میگذرد. بعلاوه اطراف ستارهٔ ۱۲ مونوسروس که خورشیدضعیفی است«تودهٔ خوشه‌ای» که با چشم‌ساده نیز قابل دیدن میباشد قرارگرفته است که بخوبی قابل مطالعه میباشد.

ثور یاگاو :

ازصور فلکی منطقةالبروج بوده و درنقشهٔ آسمان توسط بطلمیوس‌ترسیم شده است. ستارهٔ اصلی آن‌الدبران درامتداد کمربندجبارقرارداشته‌وبعلت‌درخشندگی زیاد و رنگ سرخ تندی‌که شبیه برنگ ابطالجوزامیباشدبسهولت شناخته‌میشود، از نظر ستاره، گروهی است بسیار غنی، تودهٔ‌ستارهٔ‌مشهور هفت دختران یا«خوشهٔ پروین» در این صورت فلکی قراردارد.

کوره :

این صورت فلکی در سال ۱۷۵۲ بوسیله منجم فـرانسوی «لاسی» معرفی شده است. نزدیك صور فلکی نهر قرار داشته و فاقد ستارهٔ درخشان و یا جرم فلکی جالب توجه میباشد.

کبوتر :

این صورفلکی نمودار کبوتری‌است که «نوح»ازکشتی‌معروف‌خویش‌رهانمود. محل‌آن درجنوب صورت فلکی خرگوش میباشد. کبوتر فاقد اجرام فلکی جالب است.

تیشهٔ‌حجار :

این‌گروه در سال ۱۷۵۲ بـوسیلهٔ «لاسی» معرفی شده و در نزدیك صورت فلکی‌کبوتر قراردارد. بطورکلی‌گروهی است غیر قابل توجه وهمراه باکبوتردر نقشه ترسیم شده است.

آرگو

آرگو از صور فلکی بطلمیوس‌است و تقریباً تمام این‌صورت‌فلکی درنیمکرهٔ جنوبی قرار داشته و درعرضهای شمالی بطورکامل قابل دیدن نمیباشد. قسمتهایی از دوصورت فلکی‌بسیارکم اهمیت وغیر قابل توجه‌که هیچ نوع ستارهٔ درخشان‌یا جالبی‌ندارند بنامهای؛ قطب‌نمای‌ملاحان و تلمبه نیز در این منطقه ازآسمان‌قابل جستجومیباشند. دوگروه مذکور رالاسی درسال ۱۷۵۲معرفی‌نموده‌است ناحیه‌ای از سفینهٔ‌آرگوکه درنیمکرهٔ شمالی قابل رؤیت میباشد همراه با صورت‌فلکی‌کلب اکبر دریك نقشه ترسیم شده است.

عواء یاگله‌چران :

ازگروههای اصلی‌ستارهٔ بهاری‌است درخشانترین ستارهٔ این‌گروه سماك رامح است‌که رنگ زیبای‌آن از پشت دوربین بسیار دلپذیرمیباشد. اگرانحنای‌دم‌خرس بزرگ (دب اکبر) را امتداد دهیم باین ستاره‌میرسیم. سماك‌رامح در شمال‌استوای سماوی یا معدل‌النهار قرار داشته و در تمام طول بهار وتابستان وپاییز درزمینهٔ آسمان‌میدرخشد.

خرچنگ یا سرطان :

این صورت ازگروههای‌ضعیف بوده ولی چون در منطقة البـروج قرار دارد دارای‌اهمیت‌کافی‌میباشد.جالب‌ترین‌اجرام صورت فلکی سرطان، تودهٔ «پرسپ» یا



کندوکه آنراسحابی نژه‌نیز مینامند کـه درکاتالوگ‌مسیه‌بشمارهٔ۴۴مشخص‌است.در شبهایی‌که ماه‌درآسمان‌نباشد این توده را بسهولت بـاچشم‌میتوان دید.اگرازخوشهٔ پروین‌صرف نظرکنیم این‌گروه ستارگان زیباترین«تودهٔ‌باز»قابل‌دیدن‌درعرض‌های شمالی میباشند.

موی ملکه‌برنایس:

این‌گروه‌توسط‌منجم‌مشهوردانمارکی تیکوبراهـه‌کـه در رصـدخانـه‌اش در اورانبورگ در نیمهٔ دوم قرن شانزدهم کشف ومعرفی‌گردید. تیکوبراهه‌دارای کاتالوگ معروف و معتبری از ستارگان میباشد. تودهٔ کومـا را ذات‌الشعورنیز مینامند. کوما ناحیه‌ای بین‌صورت فلکی عواء وسگان‌شکاری واسدرا اشغال‌میکند.

اکلیل یاتاج شمالی :

این‌گروه، صورت‌کوچك و زیبا و مشخصی را تشکیل میدهند که در تقویم بطلمیوس ذکر شده‌اند، اکلیل‌شمالی در عداد چندصورت فلکی است‌که دارای‌نام بامسمایی‌میباشد، زیراشکل‌وطرزاستقرار آن بشکل نیمتاجی ازستارگان است که فاصلهٔ‌کمی‌ازعواء قرار داشته ویافتن آن بسیار آسان است.

غراب یاکلاغ :

از صورفلکی میباشد که در تقویـم بطلمیوس‌آمده است. این ثوابت تشکیل چهارضلعی‌کوچك وبرجسته‌ای می‌دهند. صورت فلکی‌کلاغ درشبهای بهار درسمت جنوب آسمان دیده شده ویافتن‌آن‌آسان است. ستارهٔ قدراول سماك اعزل‌درصورت فلکی سنبله نزدیك‌آن قرار گرفته است وچیز قابل توجهی ندارد.

پرساووش :

ازصورفلکی اصلی است. پرساووش ازمشهورترین وبا شکوه‌ترین صورفلکی میباشد. بهترین‌وسیلهٔ یافتن‌آن دوستاره ازستارگان ذات الکرسی میباشد.

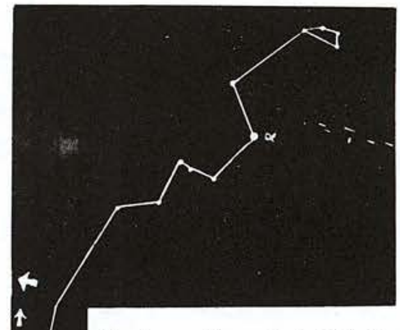
قسمتی ازجادهٔ شیری ازاین صورت فلکی عبور نموده. باچشم ساده میتوان دو تودهٔ گلبولـی در پرساووش تشخیص داد.

جام یا ساغر (باطیه):

این صورت فلکی بقـدری ضعیف و ناآشکاراست‌که وجودآن درصورت بندی بطلمیوس بسیارعجیب بنظر میرسد. این صورت فلکی چندان مهم نبوده و همراه صورت فلکی غراب ترسیم شده است.

شجاع :

این‌گروه ازستارگان اصلی‌میباشند کـه بطلمیوس آنهـا را در صورت بندی ستارگـان ذکـر نـموده است. شجـاع «ئیدر»قسمت وسیعی‌ازآسمان راپوشانده وستارگان آن در فواصل بسیار دوری‌از



هم‌قرار گرفته‌اند. علاوه براین از صورتهای فلکی ضعیف وکم نور است . سر شجاع نزدیك صورت فلکی سرطان قرار داشته و این مارعظیم الجثه قسمت تحتانی‌اسد، کلاغ وسنبله رادور میزند.اجرام فلکی درخشـان در ایـن صورت فلکی دیـده نمیشود .

اسد اکبر (شیربزرگ):

این‌گروه ازستارگان منطقةالبروج بوده ویکی ازگروه‌های اصلی است کـه بطلمیوس‌آنرا ذکرنموده‌است. این‌گروه بسیار درخشان وباشکوه بوده ودرشبهای بهاری ازنورانی‌ترین وبرجسته‌ترین‌صور فلکی در حدود جنوبی آسمان میباشد . ستارگان دب اکبر در یافتن این صورت فلکی راهنمای خوبـی میباشند . قلب‌ـ الاسد روشن‌ترین ستارهٔ «داس» میباشد، در حقیقت عده‌ای از ثوابت این صورت فلکی بشکل داس ویا اگر آنرا دوران دهیم و یا در آینه بنگریم بشکل علامت سؤال قرارگرفته‌اند .

اسد اصغر (شیرکوچك):

این گروه در نقشهٔ ستارگان توسط هولیوس در ۱۶۹۰ ترسیم شده‌است. این گروه‌فاقد ستارهٔ روشن‌ویامتوسط‌میباشد. مکان آن بین دب اکبر و داس اسد اکبر است .

سدس :

گروه ضعیفی است در نزدیکی اسد که هولیوس آنرا طراحی نموده است . گروهی است بسیار مبهم و کم نور و کم ستاره .

سنبله یاعذراء :

گـروهی است در منطقة البروج بنابراین از دستهٔ صور فلکی‌دوازده‌گانهٔ این منطقه میباشد . سماك اعـزل کـه درخشان‌تـرین ستارهٔ این صورت است بسهولت‌باامتدادخطی‌که دم خرس‌بزرگ را به سماك رامح درعواء وصل‌کند پیدا میگردد . ستارگان‌نسبتاً نورانی‌دیگری دراین‌گروه یافت‌میشود . بین‌سماك‌اعزل وذنب‌الاسددرصورت‌فلکی‌اسد شکلی‌مانند کاسه بوجود میآید .

عقاب :

عقاب یا شاهین یکی‌ازبرجسته‌ترین گروههای تابستانی بوده و ستارهٔ اصلی «نسرطاهر» برنگ سفید درخشانی است نسرطائر یکی از نزدیکترین ستارگان قدر اول بمنظومهٔ شمسی میباشد .

دجاجه‌یاماکیان :

از باشکوهترین صور فلکی استو در تقاویم بطلمیوس ذکرگردیده است . ماکیان را اغلب بعلت شکل خاص آن صلیب شمالی می‌نامند . این گروه‌بقدری جالب وبرجسته است‌کـه حتی در اولین نظر شناخته میگـردد . ذنب‌الدجـاجه بدرخشندگی نسرطائریا نسر واقع‌نیست زیرا فاصلهٔ آن ازما بسیار عظیم بوده و بطور استثنایی و خـارق‌العاده پرنور و تابناك میباشد و رنگ آن متمایل بزرد است . چون جادهٔ شیری از میان صورت فلکی ماکیان عبور میکند بنابراین‌تمام این‌گروه از نظر ثوابت بسیار غنی‌بوده وبا دوربین ویا تلسکوپ‌های متوسطاین تودهٔ عظیم ستارگان بطرز جالبی‌نمایان میشوند .

دلفین :

ازگروههای نخستین واصلی است. دلفین‌گروهی است کوچك و متراکم از ستارگان واز نسرطائر چندان دورقرار نگرفته است ، شناختن آن چندان ساده نمیباشد .

اسب‌کوچك یا قطعةالفرس :

این‌گروه همراه صورت فلکی‌دلفین در یك نقشه رسم شده است .

الجاثی‌علی‌رکبیه(هرکول‌نشسته بر زانو) :

از ستارگان اصلی بوده وهرکول‌که این‌صورت بنام او اسم‌گذاری شده و از مشهورترین قهرمانان اساطیری‌میباشد.با آنکه عجیب بنظر میرسد ولی این گروه معروف بهیچوجه درخشنده نیست. منطقهٔ وسیعی ازآسمان را پوشانیده وکم وبیش بین سماك‌رامح ونسرواقع قرار دارد ولی هیچ ستارهٔ درخشانی نداشته وفاقد شکل معینی است . معهذادر این صورت فلکی دوشیئی‌مهم وجود دارد.رأس‌الجاثی‌دارای حجمی عظیم بوده و درحقیقت‌ازستارگان غول‌پیکر کهکشان میباشد . جالب‌تر از ستارهٔ مزبور مسیهٔ ۱۳ میباشدکه با چشم معمولی درشبهای صاف‌بخوبی دیده‌میشود ولی با دوربین بنحو آشکارتری نمایان میگردد . این‌یك تودهٔ‌گلبولی است کـه ۱۰۰۰۰۰ خورشید درخشان میباشد ودر مسافات‌بعیدی از منظومهٔ‌شمسی‌قرارداشته و فاصلهٔ‌آن به ۳۴۰۰۰ سال‌نوری‌تخمین زده شده است .

باید دانست‌که درحدود ۱۰۰ تودهٔ گلبولی‌که اغلب آنها در نواحی جنوبی آسمـان قرار دارند شناخته شده‌اند و درخشـانتریـن و مشهورتـرین این توده‌هـا در عرض‌هـای شمالی میباشد، توده‌های‌گلبولی در پیرامـون مرزهای کهکشان مکان داشته وهمین طرز توزیع آن درمناطق خارجی‌کهکشان سبب شده است‌که منجم‌مشهورآمریکایی‌هارنوشیپلی بتواند ۴۰ سال قبل موضع خورشید را که در فواصل عظیمی از مرکز‌کهکشان قرارگرفته است حدس بزند .

میزان :

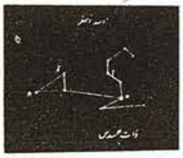
ازصور فلکی منطقةالبروج بوده و بوسیلهٔ بطلمیوس به‌نقشهٔ‌آسمان اضافه‌شده است‌ولی‌درآن موقع‌آنرا «چنگال‌عقرب» مینامیدند میزان‌گروهی است ضعیف و مبهم بین سماك اعزل و قلب‌العقرب‌قرار داشته و درشبهای تابستان تاحدی واضح دیده میشود .

شلیاق یا چنگ رومی .

ازگروههای نخستین واصلی است. علیرغم‌کوچکی ،گـروه بسیار جـالبی میباشد . شلیاق‌یـا چنگ رومی ، سازی است‌که‌آپولون‌آنرابه‌ارفه‌فرزندایگروس وکالیوپ هدیه‌کرد .

حوا :

این‌گروه توسط بطلمیوس در نقشهٔ عالم رسم شده است وگرچه قسمتی ازآن میان‌بروج عقرب وقوس درمنطقةالبروج قرار داردولی از ستارگان منطقةالبروج



سدس



عقاب



دجاجه



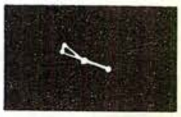
دلفین

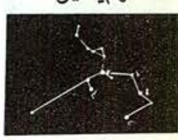


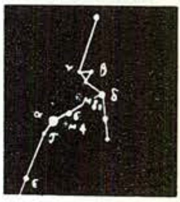
شلیاق

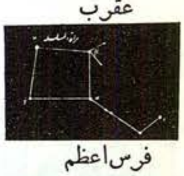


حوا


سهم یا تیر

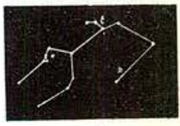

قوس یا رامی

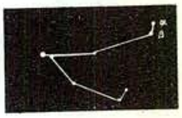

عقرب

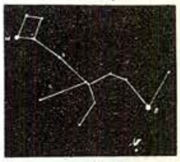

فرس اعظم

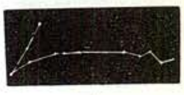

امرأة المسلسله


حمل


دلو


جدی


قیطس


حوت

محسوب نمیگردد . این صورت فلکی از گروههای بسیار وسیع بوده وبین نسر- واقع و قلب العقرب پهنهٔ آسمان‌را اشغال نموده است. رأس الحوا نزدیک رأس الجاثی در الجاثی علی رکبیه قرارگرفته‌است . علیرغم محوطهٔ وسیعی که این گروه از ستارگان در تصرف دارند گروه مزبور ضعیف و فقیر بوده و جرم فلکی جالبی درآن مشاهده نمیشود .

سهم یا تیر :

گروهی کوچک که بطلمیوس آنرا میشناخته‌است واغلب آنرا بعنوان خدنگ کوپیدوروایت نموده‌اند . این گروه بین عقاب و ماکیان قرار داشته و از نسر- طائر چندان دور نمیباشد . گروهی است متراکم و کوچک .

قوس یا رامی :

قوس جنوبی‌ترین صورت فلکی منطقةالبروج میباشد . در اکثر نقاط اروپا درکمترین اوج خود در جنوب آسمان قرار داشته وقسمتی ازآن درزیر افق قرار میگیرد. قوس دارای اجرام فلکی قابل توجهی است، «ابرهای ستاره‌ای» که بطرز باشکوهی در قوس جلوه گری دارند جهت وموضع مرکز کهکشان راکه پیوسته در پردهٔ ابهام باقیمانده است نمودار میسازد . در حقیقت مرکز کهکشان ما در صورت فلکی قوس قرار گرفته است .

عقرب :

هشتمین صورت فلکی ازصوردوازده- گانهٔ منطقة البروج و ازگروههای اصلی میباشد .

عقرب صورت فلکی درخشانی است ولی تمام عظمت آن در عرض‌های جنوبی مشاهده میشود و چندین ستارهٔ درخشان آن در عرض‌های جنوبی مشاهده میشود. قلب العقرب در شبهای تابستان از این مناطق نیز بخوبی دیده‌میشود. قلب العقرب بطرز خارق‌العاده‌ای وسیع وعظیم بوده و قطر آن ۵۶۳ر۱۵۰ر۰۰۰ کیلومتر برآورد شده است . این خورشید غول- پیکر نیزمانند نسرطائردارای دوستاره در جهات مقابل خود میباشدکه از آن کم نورتر بوده‌که با حروف نمایش داده میشود .

سپرسوبیسکی :

گروه کوچکی است که‌درسال ۱۶۹۰ بوسیلهٔ هولیوس بافتخارجان سوبیسکی پادشاه‌لهستان که‌ترکهارا پشت دیوارهای وین شکست داده بود نامگذاری و در نقشهٔ‌آسمان ترسیم گشت .

این صورت فلکی در واقع نمایندهٔ زره یا لباس رزم سوبیسکی میباشد . اسکوتوم نزدیك عقاب قراردارد .

ماریاحیه :

ازگروه‌های اصلی ولی با اینحال بسیار و مبهم و بی‌اهمیت میباشد.صورت فلکی مار همراه افیوکوس در یك نقشه طرح شده است . تنها جرم فلکی قابل توجه در صورت فلکی حیه‌ستارهٔ مزدوج زیبای θ میباشد که در دم مار و نزدیك ستارهٔ دلتا عقاب قراردارد . در حقیقت صورت‌فلکی‌عقاب‌بهترین‌راهنمای این ستاره میباشد .

روباه :

درسال ۱۶۹۰ بوسیلهٔ هورلیوس معرفی شده است . این گروه‌را «ولپکولا وآنزریز» بمعنای «روباه‌وغاز» مینامیدند ولی درزمان ماغاز فراموش شده وتنها روباه باقی مانده است . صورت فلکی روباه بین دلفین و دجاجه قرار داشته و همراه دلفین در یك نقشه ترسیم شده است .

فرس‌اعظم :

این‌صورت‌فلکی‌درسرآغازگروه‌های ستارگان پاییزی قرار دارد و درحقیقت صورت فلکی وازگروههای اصلی‌میباشد. گرچه این‌مربع‌چندان‌برجسته‌و درخشان نیست ولی بزودی در زمینهٔ آسمان پیدا میشود درشبهای پاییز دراوج خود در آسمان قرارگرفته‌است.

امرأةالمسلسله :

امرأةالمسلسله‌اساساً‌شامل خطی‌است که از ستارگان نسبتاً روشن تشکیل‌شده و از مربع بطرف صورت فلکی‌پرساووش امتداد دارد .

حمل یابره :

این گروه از ستاره گان اولین گروه از صورتهای دوازده گانهٔ منطقةالبروج میباشند. بدیهی است که برج‌حمل‌ازبروج اصلی میباشد . صورت فلکی حمل زیر امرأةالمسلسله‌قرارداشته‌وچندان‌برجسته نیست .

دلو :

ازگروه‌های اصلی و یازدهمین صورت فلکی منطقةالبروج میباشد . صورت فلکی دلو ضعیف و کم نور است ولی منطقهٔ وسیعی ازآسمان‌را میپوشاند. بطورکلی در دلو ستارهٔ جالبی‌که قابل رؤیت باشد وجود ندارد .

جدی یا بزغاله :

این نیز یکی دیگر از صور فلکی وسیع‌ولی‌کم نور درمنطقةالبروج‌میباشد. جدی فاقد ستارهٔ‌درخشان میباشد ویافتن آن بسهولت‌میسر‌نیست. تقریباً بین‌نسر- طائر و ستارهٔ قدراول نیمکرهٔ جنوبی فم‌الحوت قرارگرفته است .

قیطس یا نهنگ :

ازگروه‌های اصلی است ونمایندهٔ غول هیولا در افسانهٔ پرساووش میباشد . قیطس ازگروههای وسیع‌بوده ولی‌ضعیف میباشد . در زیرستارگان درخشانتر صورت فلکی امرأةالمسلسله قرار دارد. جالب‌ترین وتماشایی‌ترین جرم فلکی‌در این‌گروه ستارهٔ‌اعجوبه یا میرا (ستارهٔ اومیکرون قیطس) میباشدکه‌ازتمام ستارگان متغیرمشهورتر است. میرا،غول سرخی است با قطری عظیم و درفاصلهٔ ۲۵۰ سال نوری از ما قراردارد .

حوت یاماهی :

ازگروه‌های اصلی وآخرین صورت فلکی منطقةالبروج میباشد ، ولی باید دانست‌که برج‌حوت درزمان حاضر در نقطهٔ‌اعتدال‌بهاری قراردارد. حوت‌مرکب خطی است ازستارگان‌کم نورکه زیر مربع بزرگ قرارگرفته و تیره و غیر جالب میباشد .

حوت جنوبی :

یکی ازگروه‌های اصلی و نخستین است وتنهاستارهٔ درخشان‌آن«فم‌الحوت» یا دهان ماهی میباشد . رنگ فم‌الحوت سفید بوده و تقریباً منفرد و تنها است . حوت جنوبی‌غیراز این ستاره جرم‌جالب دیگری‌ندارد «تصویر درصفحه۸۳»

حجار :

این گروه نخستین‌بار بوسیلهٔ«لاسل» درسال ۱۷۵۲ شده و آنرا قلمتراش‌نام

داده‌اند. این‌صورت فلکی‌همراه‌با نهنگ در یك نقشه ترسیم‌شده است .

مثلث :

این گروه مجموعه‌ایست ازیك دسته ستاره‌که فضای کوچکی‌را نزدیك امرأة‌ـ المسلسله اشغال‌کرده و درجـزو جدول بطلمیوس ازآن نام‌برده‌شده است .چیز جالبی در اینصورت‌فلکی‌مشاهده‌نمیگردد و همراه نقشهٔ صورت فلکی حمل ترسیم شده است .

زنبور :

در سال ۱۶۰۳ بایر به‌نقشهٔ‌ستارگان خوددوصورت فلکی‌کوچك‌نیمکرهٔ‌جنوبی را اضافه نمود . یکی از اینهـا صورت فلکی زنبور و دیگری پرندهٔ بهشت بود صورت فلکی زنبورگروهی است ضعیف‌و بی‌اهمیت‌که نزدیك قطب جنـوب قرار دارد . این صورت فلکی همراه باصورت فلکی **اکتان** ترسیم شده است .

بوقلمون :

این نیز یکی دیگر ازگـروههای ترسیمی بایر بوده ودرمنطقهٔ صورت‌قبلی قرار داشته وحتی ازآن هم‌کم نورتر و ضعیف‌ترمیباشد .

شمشیر ماهی یا درادو :

درادو نیز توسط **بایر** معرفی شده است .

قسمتی از سحابی بزرگ یعنی«ابر بزرگ‌ماژلان» در این‌صورت فلکی‌قرار داشته ولی‌قسمت دیگراین ابری‌تاصورت فلکی«منزا یامیز»امتداددارد. این‌دوابری نزدیکترین کهکشان‌های‌خارج‌جادهٔ‌شیری میباشند . ابری بزرگ بصورت توده‌ای از ستارگان بنظر میرسد‌کـه از جـادهٔ شیری جـدا گشته اسـت وحتـی در نـورمهتاب باچشم بخوبی دیده میشود. با دوربین و یا‌تلسکوپ بطرز غیر قابل وصفی باشکوه و پرعظمت است .

نهر یا رودخانه :

صورت فلکی طویل وپیچ در پیچی کـه قسمتی ازآن بخوبـی درعرض‌های شمالی‌دیده میشود. آخرالنهر ازستارگان دور قطبی سرزمین‌های استرالیا وزلاند جدید میباشد .

ساعت :

گروهـی است‌کـه درسال ۱۷۵۲ بوسیلهٔ «لاسل» به‌کاتالوگ ستارگان‌اضافه شده است . درنقشهٔ صورت فلکی نهراین گروه نیزترسیم شده است .

مارکوچك :

توسط بـایر معرفی شده و در سال ۱۶۰۳ بسایر صورت‌ها اضافه گشته‌است.

منزا یامیز :

این‌گروه درسال ۱۷۵۲ وسیلهٔ لاسل معرفی شده است و نام قبلی آن MONS MENSAE بوده است ولـی اینك بطور خلاصه‌آن را **منزا**مینامند .

مگس :

گروهی‌که بین‌صورت فلکی‌بوقلمون وصلیب جنوب قرار دارد .

اکتان :

این‌صورت فلکی‌محتوی قطب‌جنوب سماوی‌است ولی ازنظر ستاره بسیارفقیر میباشد .

تور :

لاسل که در سال ۱۷۵۲ این‌گروه را معرفی‌کرده ابتدابه‌آن نام Reticulum Rhomboidalis یا «تور ـ لوزی شکل» داد ولی اینك‌آنرا خلاصه کرده بنام تور مینامند.

نقاش :

این‌گروه درسال ۱۷۵۲ بوسیلهٔ**لاسل** معرفی شده و اسم‌آن ابتدا (سه پـایـهٔ نقاشی) بوده است . صورت فلکی نقاش نزدیك ستارهٔ سهیل قرار داشته و همراه صورت فلکی سکان ترسیم شده است .

ماهی یاحوت جنوبی :

یکی‌ازگروههایی‌است‌که‌توسط **بایر** معرفی‌گردیده است و قبلاً آنرا حـوت جنوبی‌مینامیدند. این‌صورت فلکی‌نزدیك آرگـو قرار داشته و در حقیقت مشرف برصورت فلکی سکان میباشد .

محراب :

این گروه‌یکی‌ازگروههای نخستین‌و اصلی است قنطورس در امتدادآن قرار گرفته‌است. این‌صورت‌فلکی بشکل‌مشخص و متمایزی قرار دارد .

قنطورس :

ازستارگان‌نخستین واصلی میباشد. قنطورس یکی از باشکوه‌ترین صورفلکی آسمان است .

پرگار :

یکی دیگر ازگروههایی است‌که‌در ۱۷۵۲ بوسیلهٔ **لاسل** معرفی شده است .

اکلیل یا تاج جنوبی :

اکلیل جنوبـی‌یـکی ازگروههای بطلمیوسی‌است. ستارهٔ درخشان یااجرام فلکی‌قابل توجهی‌نداشته ولی شاید بعلت قوس یاکمان‌کمرنگ ستارگان محتوی آن تاحدی قابل اهمیت و پرارزش‌باشد. این‌گروه را بعلت شکل‌خاص‌آن‌بسهولت میتوان پیداکرد .

صلیب جنوبی :

این‌گروه ازمشهورترین صورفلکی نیمکرهٔ‌جنوبی‌آسمان است. نخستین بار در سال ۱۶۷۹ در نقشهٔ آسمان توسط **رویر** ترسیم شد در حقیقت صلیب‌جنوبی چندان شباهتی به صلیب نـداشته بلکه بیشتر مانندبادبادکی‌که مجاور قنطورس قرار دارد بنظر میرسد . صلیب جنوبی ازاطراف‌کم وبیش بوسیلهٔ‌قنطورس‌احاطه گشته است .

گرگ یاذئب :

یکی ازگـروههای بطلمیوسی است بین صورت فلکی عقرب وقنطورس قرار دارد . این‌گروه محتوی چندین ستارهٔ درخشان است ولی در عوض عاری از هرگونه‌اجرام‌فلکی‌جالب‌ازقبیل‌توده‌های گلبولی و ابری‌ها و یا ستارگان متغیر میباشد. «شکل درصفحهٔ بعد»

قانون :

ازگروههایی است‌که بوسیلهٔ **لاسل** معرفی شده است .

مثلث جنوبی :

بـوسیلهٔ **بایر** درسال ۱۶۰۳ به‌نقشهٔ آسمان‌اضافه‌شده‌است. سه‌ستارهٔ‌اصلی‌بشکل مثلثی‌استقراریافته‌اند. مثلث‌جنوب گروه اصلی‌سهل‌الوصولی‌بوده‌وبآسانی‌پیدامیشود. سه ستارهٔ اصلی‌آن‌کاملا درخشان‌میباشند ولی از نظر اجرام جالب وقابل ملاحظهٔ فلکی،چندان‌غنی نیست«شکل‌درصفحهٔ‌بعد.»

قوس یا رامی :

این صور فلکی بیشتر درعرض‌های شمالی‌طلوع‌کرده و قابل دیدن میباشد.

عقرب :

اگر صورت فلکی عقرب را بطور کامل مشاهده نماییم تا حدی شبیه همین جانورکه بنام‌آن نامیده شده ، میباشد . این گـروه از چند صورت فلکی‌کمیابی است‌که دارای اسم بامسمایی میباشد.


حوت جنوبی


شمشیر ماهی


نهر

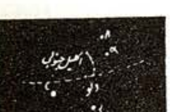

منزا


مگس


اکتان

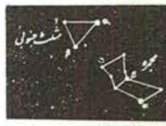

ماهی


قنطورس


اکلیل



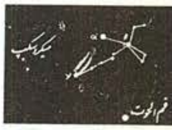
گرگ



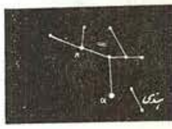
مثلث جنوبی



عقرب



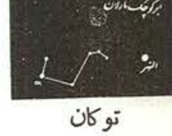
هندو



طاووس



عنقا



توکان

لك لك:

از درخشان‌ترین ستارگان نیمکرهٔ جنوبی بوده و مانند صورفلکی طاووس، عنقا وتوکان توسط **بایر** در سال ۱۶۰۳ معرفی و ترسیم شده است . این گروه نزدیك فم‌الحوت قرار داشته و مانند لك‌لکی که‌درحال‌پرواز است‌بنظرمیرسد.

هندو :

یکی دیگر ازگروههای ترسیمی **بایر** میباشد .

میکروسکوپ یا ریزبین :

ازگروههایی‌است که‌بوسیلهٔ**لاسل**معرفی شده وبسیار ضعیف و بی‌اهمیت میباشد .

طاووس :

این‌گروه‌دارای چندستارهٔدرخشان بوده و منطقه‌ای درحدود صورت فلکی مثلث جنوبی و محراب را اشغال نموده است .

عنقا :

نام صورتی‌که بنام پرنده‌ای از پرندگان‌اساطیری بوده وآن مرغی‌است که درآتش سوخته و مجدداً از خاکستر بوجود میآید .

توکان :

ازنظرسحابی‌هایی‌که‌داردجالب‌ترین وزیباترین صور فلکی نیمکرهٔ جنوبی میباشد.قسمت‌اعظم‌سحابی‌کوچك یاابری کوچك ماژلان درتوکان قرار دارد .

روشن‌ترین‌ستارگان‌آسمان:

اسم ستاره	صورت‌فلکی	رنگ
شعرای یمانی	کلب اکبر	سفید
سماك رامح	عواء	نارنجی
نسرواقع	شلیاق	آبی
یدالجوزا	جبار	سفید
عیوق	ممسك‌الاعنه	زرد
شعرای شامی	کلب اصغر	زرد
نسرطایر	عقاب	سفید
الدبران	گاویاثور	نارنجی
ابطالجوزا	جبار	سرخ
قلب العقرب	عقرب	سرخ
سماك اعزل	سنبله	سفید
فم الحوت	حوت جنوبی	سفید
رأس التوأم شرقی	دوپیکر یاجوزا	نارنجی
ذنب الدجاجه	دجاجه(ماکیان)	زرد
قلب الاسد	اسد اکبر	سفید

دانستنیهای نجومی

واحد نجومی

فاصلهٔ زمین تا خورشید : ۱۴۹۰۰۰/۰۰۰ کیلو متر است و این مقدار را بعنوان واحد نجومی اختیار کرده‌اند . نور خورشید بیش از هشت دقیقه وشانزده‌ثانیه بەزمین میرسد .

نورانیت‌مطلق:

عبارتست از درخشندگی حقیقی ستارگان وآن نورانیتی است که اگر تمام‌ستارگان درفاصلهٔقرار دادی۳۲/۶ سال نوری از زمین قرار داشتند دارا میبودند .

ستارگان‌دنباله‌دار:

تنهٔ ستارهٔدنباله‌دار از اجزاء جامد کوچکی ساخته‌شده که‌اطرافش‌راقشری‌از گازوبخارات‌رقیق‌احاطه کرده‌ودنبالهٔ‌آن نیز از همین‌گازها تشکیل شده یعنی در حقیقت همان چیزی است‌که در اصطلاح نجومی گردوغبارکیهانی نام‌دارد. ستارهٔ دنباله‌دار باسیارات‌کاملافرق‌دارد وجرم سخت وصلبی ندارد . این ستارگان نور اختصاصی ندارندومانند سیارات‌درخشش آن بعلت نور خورشید است . بنابراین جز درمواقعی‌که‌بەخورشید وزمین‌نزدیك هستند نمیتوانند دیده شوند. مطابق یك



ستارهٔ دنباله‌دار به‌لیا

تئوری‌که اینك قبول عام یافته مسیریك ستارهٔ دنباله‌دار اساساً از تکه‌های‌یخ تشکیل شده . وقتی ذوذنب به خورشید نزدیك میشودیخها تبخیر شده وبخارات آنهاتشکیل‌دنبالهٔستاره‌را میدهند.بدیهی است که‌یك ستارهٔ دنباله‌دار بشرطی‌که اصولا دنباله‌ای داشته باشد فقط وقتی بحوالی خورشید رسیدصاحب دم‌ودنباله میشود .

شهابهای‌ثاقب :

شهاب جسم کوچکی است که مانند یك سیارهٔ بسیار کوچك بدور خورشید میگرددوطبعاً بقدری ناچیز است‌که قابل رؤیت نیست ولی چنین شهابی هرگاه بەزمین نزدیك شوددرطبقات فوقانی جو بعلت سرعت زیاد خود وایجاد نیروی اصطکاك،حرارت شدیدی تولید کرده و گداخته میشود و از زمین به‌صورت نور آتشی دیده میشودکه لحظه‌ای بعدنابود شده ومحو میگردد.همین مرحله است‌که ما بنام تیرشهاب مینامیم ومسلم است‌که بین یك ستارهٔ حقیقی مانند خورشیدویك تیرشهاب که معمولاازدانهٔانگورکوچکتر است فرق از زمین تا آسمان است . شهاب‌ها را بنام صور فلکی که ازآن سرچشمه میگیرند نامگذاری کرده‌اند.

دربین ریزش‌های سالیانه شهاب ، ریزش‌-های شهابی زیر از همه معروفترند:

کوادرانتید از ۳ تا ۴ ژانویه، در چهارم‌ژانویه خیلی قوی است . **آکوارید** (حمل) از ۱ تا ۱۳ مه، شهابهای خیلی سریع بامسیر طولانی. **جمینید**(جوزا) از ۹ تا ۱۳ دسامبرریزش‌خوب‌وزیاددارد.

کوادرانتیدها در ناحیهٔ بین صور فلکی، دباکبروعواء(سماک‌رامح)ریزش نموده ونام آنهامشتق از یك صورفلکی قدیمی است که اینك ازکتابهای نجومی حذف شده است . سابقاً گمان میکردند که شهاب‌ها ازفضای بین ستاره‌ای‌میآیند ولی اینك تئوری مزبور ردشده است و آنها را از اعضـای منظومـهٔ شمسی و ستارگان دنباله‌دار میدانند .

از نجوم. . . .

نـزدیك‌تـریـن ستـارگـان شب ۲۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ میل‌از ما فاصله دارند.

نور درهر ثانیه ۱۸۶۰۰۰ میل‌یا ۳۰۰/۰۰۰ کیلو متـر راه می ـ پیماید مسافتي راكه نور دریکسال طی میکند بنام سال نوری‌وبه‌عنوان واحـد نجومی در فضاهای خارج منظومه‌ای‌بکار میرودبالغ بر ۵/۸۸۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ میل میباشد .

ستارهٔ‌قطبی‌که دارای‌زاویهٔ‌انحراف ۸۹°/۲ است‌کمتر از یکدرجه از نقطهٔ قطبی فاصله دارد .

مقیاس شرقی ، غربی در سطح زمین همان طول جغرافیایی است‌که نسبت به نصف‌النهار گرینویچ سنجیده میشودولی درکره آسمان آنرا « عروج مستقیم » Ascension— right می‌نامند.

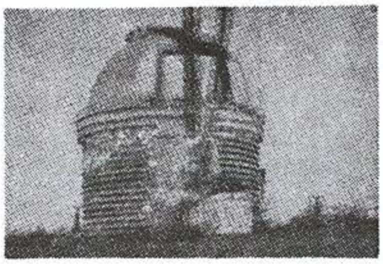
از زمان‌های گذشته ستارگان را به گروههایی تقسیم‌کرده‌اندکه هریك‌از آنهابنامهای‌یکی ازقهرمانان یاخدایان اساطیری مـوسوم میباشند . جبار ، پرساووش، قیقاووس‌بعضی بنام‌موجودات مختلف نام‌گذاری شده‌اند مانند : دب اکبر ، اسد وعقرب .

در سال ۱۸۱۴ فیزیکدان آلمانی «فرانهوفر»که در طیف خورشید مطالعه میکرد مشاهده نمودکـه زمینهٔ طیف در بعضی‌نواحی ازخطوط تیره‌ای پوشیده‌شده است وبدین‌ترتیب اولین«اسپکتروسکوپ نجومی» را بوجود آورد .

درسال ۱۸۵۹ **کیرشهف**علت وجود خطوط سیـاه را تـوضیح داد واسـاس «آستروفیزیك» یا فیزیك نجومی جدید را بنیان نهاد .

وسایل‌وتجهیزات‌رصدخانه:

بعضی از ترصدهای نجومی چندان احتیاجی به‌وسایل‌لازم ندارد ولی عموماً دوربین یا تلسکوپ ویا بعضی تدارکات ابتدایی برای اینگونه مطالعات مورد لزوم است . برای مطالعهٔ نور و روشنی ماه ویا ستاره ابتدا نور آنرا از عدسی



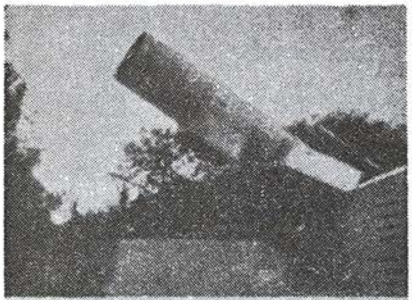
- گنبدآیینهٔ ۱۲۰ اینچی‌کریم

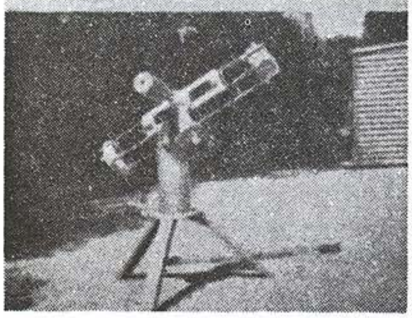
شیئی عبور داده وتصویر یانور آنرا در کانون مجتمع میکنند و بعد بوسیلهٔ‌عدسی کوچکتری بنام عدسی چشمی تصویر حاصل را بزرگ میکنند تا به وضوح رؤیت‌گردد . فاصلـهٔ بین عدسی شیئی و نقطهٔ‌کانون بنام فاصلهٔ‌کانونی عدسی‌نامیده میشود . بایك دوربین که عدسی شیئی



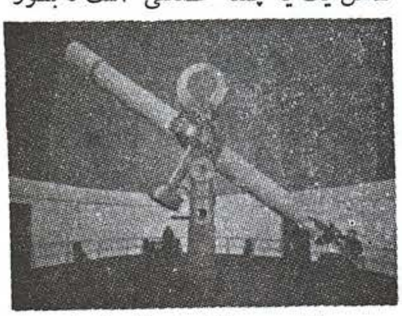
ستارهٔ دنباله‌دار هالی و زهره

آن دارای ۷/۵ سانتیمتر قطر بـاشد میتوان‌کوهها ودهانه‌های‌آتشفشانی ماه ، حلقه‌های‌زحل‌وماههای‌مشتری‌وصدهاستاره بارنگهای مختلف ، مزدوجهای ابریها و توده‌های‌گلبولی را بخوبی مشاهده نمود البته باید در نظر داشت‌که عدسی شیئی بعلت ضخـامتی‌کـه دارند،گاهی نوررا تجزیه کرده وتولید طیف نورانی‌میکنند بهمین جهت نورهای مختلف را درجهات





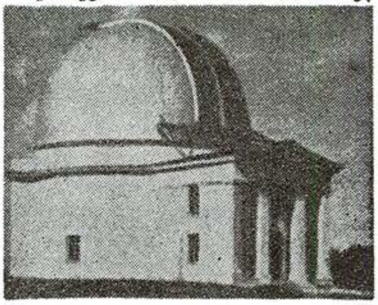
مختلف منکسر کرده وباعث خطای دیـد میگردد مثلا نور یك شیئی روشن مانند ستاره همراه بارنگهای کاذبی خواهدبود که هیچ ربطی‌به ستاره‌نداشته فقط‌مربوط به‌عدسی تلسکوپ است بـرای تخفیف و جبران این نقیصه بجای یك عدسی‌شیئی از یك سیستم عدسی استفاده میشودکـه شامل یك یا چند عـدسی است‌که‌بطور



تلسکوپ پولکووادرلنین‌گراد

مناسبی پهلوی هم قرار گرفته‌اند این عدسی‌هااز انواع‌مختلف‌شیشه‌های‌مخصوص مثلا (فلنیت) ساخته شده اند .

تلسکوپ‌های نجومی تصویر را معکوس نشان میدهند. در نجوم از انواع آینه‌ها استفادهٔ زیاد میکنند در قدیم آینه‌ها را از فلز می‌ساختند ولی امروزه از شیشه‌هایی که با نقره یا آلومینیوم و یا مادهٔ منعکس کنندهٔ دیگری پوشانده شده، استفاده میکنند. مزیت آینه‌ها



گنبد پولکووا در لنین گراد .

اینست که تمام اجزاء اشعه را بطور مساوی منعکس میسازد بنابراین خطای رنگی آن ناچیز است. لوله‌ها که وسایل اپتیکی نظیر آینه‌ها وعدسی‌ها، درداخل آن قرار میگیرند .

برای کارهای نجومی استحکام و ثبات تلسکوپ امری اساسی است . به‌علت گردش زمین به‌دور محورش باید پایهٔ لوله‌های دوربین در جهت حرکات جرم فلکی گردش کند تا آنرا گم نکند بنابراین لازم است لوله را در جهت خاورو باختر برای تعقیب مسیر و در جهت بالا و پایین برای تغییرات ارتفاع حرکت داد . معمولاً روی لولهٔ اصلی تلسکوپ یك تلسکوپ کوچکتر بنام یابنده، نصب مینمایند تا بتوان بآسانی ستارهٔ مورد نظر را پیدا نمود .

وسایل استحفاظی نیز ضروری است تا تلسکوپ از خطرات طبیعی از قبیل باد و باران ورطوبت و شبنم در امان باشد . رصد خانه را بصورت گنبدی با سقف گردان میسازند شکاف عریضی در آن تعبیه شده که میتواند ازهم باز وبسته شود . بزرگترین تلسکوپ دنیا متعلق به رصد خانهٔ **پالومار** در ایالت کالیفرنیا میباشد که قطر آینهٔ آن پنج متر است .
ورصد خانهٔ **لیك** آمریکا Lick که آینهٔ ۳ متری دارد .

تلسکوپ مونت ویلسون ۲/۵ متری است . رصدخانهٔ یرك در آمریکا دارای عدسی یکمتری است . رصد خانهٔ مودون Mudon که بین پاریس و ورسای قرار دارد دارای عدسی ۹۲٫۵ سانتیمتر است .

اختلاف ساعت‌های قانونی شهرهای مهم دنیا نسبت به‌ساعت ۱۲ ظهر تهران

نام شهرها	دقیقه	ساعت
تهران	—	۱۲
اسکندریه	۳۰	۱۰
بغداد	۳۰	۱۱
برلن	۳۰	۹
بروکسل	۳۰	۸
پاریس	۳۰	۸
لندن	۳۰	۸
ژنو	۳۰	۹
لیسبون	۳۰	۸
مادرید	۳۰	۸
رم	۳۰	۹
مسکو	۳۰	۱۱
استانبول	۳۰	۱۰
تل‌اویو	۳۰	۱۰
استکهلم	۳۰	۹
نیویورك	۳۰	۳
سانفرانسیسکو	۳۰	—
مکزیکو	۳۰	۱۱
بمبئی-دهلی-کراچی	—	۱۴
توکیو	۳۰	۱۷
کابل	۳۰	۱۳
مکه	۳۰	۱۱
بیروت	—	۱۱
آنکارا	—	۱۱
پکن	۳۰	۱۶
وین	—	۱۰
لاهه	—	۹
برن	—	۹

تقویم‌ها

تقویم انقلابی فرانسه :

تقویم رسمی فرانسه از ۲۴ نوامبر ۱۷۹۳ تا ۳۱ دسامبر ۱۸۰۵، که به‌موجب فرمان کنوانسیون در پنجم اکتبر ۱۷۹۳ مقرر گردید ولی مبدأ آن ۲۳ سپتامبر ۱۷۹۲ (روز اعتدال خریفی و روز پس از اعلام جمهوریت) قرار داده شد . سال منقسم به ۱۲ ماه ۳۰ روزه گردید و ۵ روز اضافی عید بوده که سال کولوتید خوانده می‌شد .

ماههای تقویم انقلابی فرانسه

پاییز :
۱ـ واندمیر (منسوب به انگورچینی)
۲ـ برومر (منسوب به مه)
۳ـ فریمر (منسوب به مه سرد و غلیظ)

زمستان :
۱ـ نیووز (منسوب به ابر)
۲ـ پلوویوز (منسوب به باران)
۳ـ وانتوز (منسوب به باد)

بهار :
۱ـ ژرمینال (منسوب به جوانه زدن)
۲ـ فلورئال (منسوب به گل)
۳ـ پره ریا (منسوب به چمن)

تابستان :
۱ـ مه‌سیدور (منسوب به درو)
۲ـ ترمیدور (منسوب به گرما)
۳ـ فروکتی دور (منسوب به میوه)

تقویم اوستایی :

تقویمی که در ایران قبل از اسلام و اقلا در عهد ساسانیان در ایران معمول بود و در آن، سال دارای ۳۶۵ شبانروز و مرکب از ۱۲ ماه ۳۰ روزه و ۵ شبانروز اضافی در آخر سال محسوب می‌شد . چون سال شمسی حقیقی ۳۶۵٫۲۴۲۲ شبانروز است لذا در هرچهار سال یك شبانروز یا بطور دقیقتر در هر ۱۲۸ سال ۳۱ شبانروز از سال شمسی حقیقی عقب می‌افتد .

«از کتاب دائرة المعارف فارسی غلامحسین مصاحب»

ماهها در تقویم اوستایی

۱ـ فروردین ۲ـ اردیبهشت ۳ـ خرداد ۴ـ تیر ۵ـ امرداد ۶ـ شهریور ۷ـ مهر ۸ـ آبان ۹ـ آذر ۱۰ ـ دی ۱۱ـ بهمن ۱۲ـ اسفندارمذ .

روزها در تقویم اوستایی

۱ـ هرمز ۲ـ بهمن ۳ـ اردیبهشت ۴ـ شهریور ۵ ـ اسفندارمذ ۶ـ خرداد ۷ـ امرداد ۸ـ دی‌بآذر ۹ـ آذر ۱۰ـ آبان ۱۱ـ خور ۱۲ـ ماه ۱۳ـ تیر ۱۴ ـ جوش ۱۵ ـ دی‌بمهر ۱۶ ـ مهر ۱۷ـ سروش ۱۸ـ رشن ۱۹ ـ فروردین ۲۰ـ بهرام ۲۱ ـ رام ۲۲ـ باد ۲۳ ـ دی‌

بدین ۲۴ ـ دین ۲۵ ـ ارد ۲۶ـ اشتاد ۲۷ـ اسمان ۲۸ـ زامیاد ۲۹ ـ ماراسفند ۳۰ ـ انیران .

تقویم جلالی یا ملکی :

تقویمی شمسی که درزمان جلال الدوله ملکشاه سلجوقی (قرن پنجم ه ق) تأسیس گردید ؛ مبدأ این تقویم روز جمعهٔ ۹ رمضان ۴۷۱ هق مطابق با اول فروردین ۴۵۸ هش است . سال جلالی از اول بهار آغاز می‌شود و مرکب از ۱۲ ماه ۳۰ روزه و ۵ یا ۶ روز اضافی به‌دنبال ماه دوازدهم است نام ماهها مطابق تقویم اوستایی و کبیسه معمولا هرچهار سال یك بار اجرا می‌شود و در هر ۳۳ یا ۲۹ سال یك بار کبیسه، ۵ سال یکبار اجرا می‌شود .

«با استفاده از فرهنگ معین»

تقویم رسمی ایران :

بموجب قانون یازدهم فروردین ۱۳۰۴ هجری شمسی برپایهٔ تقویم جلالی برقرار گردید . دراین تقویم : اول سال روز اول بهار و آغاز تقویم، هجرت حضرت محمد ص از مکه به مدینه است .

ماه و روز تقویم رسمی

بهار :

ماه	روز
۱ـ فروردین	۳۱ روز
۲ـ اردیبهشت	۳۱ روز
۳ـ خرداد	۳۱ روز

تابستان :

ماه	روز
۱ـ تیر	۳۱ روز
۲ـ امرداد	۳۱ روز
۳ـ شهریور	۳۱ روز

پاییز :

ماه	روز
۱ـ مهر	۳۰ روز
۲ـ آبان	۳۰ روز
۳ـ آذر	۳۰ روز

زمستان :

ماه	روز
۱ـ دی	۳۰ روز
۲ـ بهمن	۳۰ روز
۳ـ اسفند	۲۹ روز

درسال کبیسه اسفند ۳۰ روز است.

تقویم رومولوس :

قدیمترین تقویم رومیان ، تقویم رومولوس، فرمانروای رم، در ۷۳۸ ق م وضع شده است ، در این تقویم سال ۳۰۴ شبانروز و به ۱۰ ماه تقسیم می‌شود رومیها به ۶۰ شبانروز اضافی که دروسط زمستان می‌افتاد توجهی نداشتند و گاهی ماههای اضافی قرار می‌دادند بعدها آن دوماه را نیز برای تکمیل تقویم به آن افزودند . این تقویم نه تنها بی‌نظمیهای تقویم قمری ـ شمسی را دارد ، بلکه از وقتی که پونتیفکس ماکسیموس (سال ۲۰۰ ق م) اختیار تنظیم تقویم را بدست گرفت ، مطابق میل خود برای کوتاه کردن یادراز کردن دورهٔ تصدی مشاغل، آنرا تغییر می‌دادو تقویم قیصری اصلاح شدهٔ این تقویم است .

ماههای تقویم رومولوس

۱ـ مارتیوس .
۲ـ آپریلیس .
۳ـ مابوس .
۴ـ یونیوس .
۵ـ کوینتیلیس .
۶ـ سکستیلیس .
۷ـ ستمبر .
۸ـ اکتبر .
۹ـ نومبر .
۱۰ـ دکمبر .
۱۱ـ یانواریوس .
۱۲ـ فبرواریوس .

تقویم شمسی :

سال شمسی (اعتدالی) فاصلهٔ زمانی، دو عبور متوالی خورشید ، از اعتدال ربیعی ومساوی ۳۵۶ شبانروز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه ، طول متوسط سال اعتدالی در هر قرن ۵۳ ثانیه کم می‌شود . در قرن دوم قبل از میلاد **ابرخس**، منطقةالبروج را به ۱۲ قسمت تقیسم کرد و هریك را برج نامید و آغاز سال را از اعتدال ربیعی حساب کرده تا پیش از یازدهم فروردین ۱۳۰۴ اسامی ماهها برحسب برجها بود .

ماههای خورشیدی یا برجها

برج	روز
۱ـ حمل (بره) ،	۳۰ روز
۲ـ ثور (گاونر) ،	۳۱ روز
۳ـ جوزا (دوقلو) ،	۳۱ روز
۴ـ سرطان (خرچنگ) ،	۳۱ روز
۴ـ اسد (شیر) ،	۳۱ روز
۶ـ سنبله (خوشه) ،	۳۱ روز
۷ـ میزان (ترازو) ،	۳۱ روز
۸ـ عقرب (کژدم) ،	۲۹ روز
۹ـ قوس (کمان) ،	۳۰ روز
۱۰ـ جدی (بزغاله) ،	۲۹ روز
۱۱ـ دلو (ظرف آب) ،	۳۰ روز
۱۲ـ حوت (ماهی) ،	۳۰ روز

تقویم قیصری (یولیانی)

Julian calendar

تقویمی که درسال ۴۶ ق م در رم بوسیلهٔ یولیوس قیصر مقرر گردید ، و مدت سال را در ۳۶۵ شبانروز ، و هر چهارسال یکبار در ۳۶۶ شبانروز تثبیت میکرد ودرآن نام‌وترتیب وعدهٔ روزهای دوازده ماه سال کمابیش با آنچه اکنون دراروپا معمول است مطابق بود و تقویم قیصری بیش از ۱۵۰۰ سال رواج کامل داشت . در این تقویم سال بطور متوسط ۲۵ر۳۶۵ شبانروز حساب میشود که تقویم گرگوری اختلاف آنرا با تقویم شمسی اصلاح کرد .

تقویم گرگوری :

تقویمی که امروز در بیشتر ممالك متمدن رایج است ، و پاپ گرگوریوس سیزدهم در ۱۵۸۲ آنرا معمول ساخت . این تقویم از اصلاح یولیانی حاصل شده است، که در آن سال ۳۶۵ شبانروز محسوب می‌شود مگر هرچهار سال یکبار که آنرا ۳۶۶ شبانروز حساب می کنند ، یعنی کسر سال را بجای ۲۴۲۲ر. برابر ۲۵ر. شبانروز میشمارند .

خطای این تقویم درقرن ۱۶ میلادی به ۱۰ شبانروز بالغ شد و اعتدال ربیعی که در سال ۳۲۵ بعد از میلاد در ۲۱ مارس بود به ۱۱ مارس انتقال یافته بود. گرگوریوس ۱۰ شبانروز ازسال ۱۵۸۲ اسقاط نمود و مقرر کرد که ازآن سال به بعد سالهایی که شمارهٔ آنها به دو صفر منتهی می‌شود کبیسه محسوب نشود ، مگر اینکه این شماره به ۴۰۰ قابل قسمت باشد .

اسامی ماههای تقویم گرگوری

ماه	روز
۱ـ ژانویه	۳۱ روز
۲ـ فوریه	۲۸ یا ۲۹ «
۳ـ مارس	۳۱ «
۴ـ آوریل	۳۰ «
۵ـ مه	۳۱ «
۶ـ ژوئن	۳۰ «
۷ـ ژوییه	۳۱ «
۸ـ اوت	۳۱ «
۹ـ سپتامبر	۳۰ «
۱۰ـ اکتبر	۳۱ «
۱۱ـ نوامبر	۳۰ «
۱۲ـ دسامبر	۳۱ «

تقویم نجومی :

مبنای این تقویم ؛ دورهٔ متوسط دو عبور متوالی زمین از یك نقطهٔ آسمان و مدت آن ۳۶۵ر۲۵۶۳۶ شبانروز شمسی متوسط می‌باشد .

ماههای سال نجومی

۱ـ ایت‌ایل (سگ) ، ۳۱ روز
۲ـ تنگوزایل (خوك) ، ۳۱ روز
۳ـ اود ایل (گاو) ، ۳۱ روز
۴ـ بارس‌ایل (پلنگ) ، ۳۱ روز
۵ـ سیچقان‌ایل (موش) ، ۳۱ روز
۶ـ تخاقوی‌ایل (مرغ) ، ۳۱ روز
۷ـ توشقان‌ایل (خرگوش) ، ۳۰ روز
۸ـ پیچی ایل (میمون) ، ۳۰ روز
۹ـ قون ایل (گوسفند) ، ۳۰ روز
۱۰ـ نویت‌ایل (اسب) ، ۳۰ روز
۱۱ـ لوی ایل (نهنگ) ، ۳۰ روز
۱۲ـ ایلان‌ایل (مار) ، ۳۰ روز

تقویم‌هجری‌قمری:

تقویمی‌قمری ودینی ممالك اسلامی است .

مبدأتاریخ هجری اول محرم سالی است که حضرت محمدص‌ازمکه به‌مدینه هجرت فرموده است؛

تاریخ هجری مبتنی‌بردورهٔ حرکت قمر به دورزمین میباشد . سال قمری مرکب از ۱۲ ماه قمری است ، ۳۵۴یا ۳۵۵ شبانروز دارد . در نتیجه‌ماههای قمری با فصول ارتباطی ندارند وهرماه ازرؤیت هلال تا رؤیت هلال ماه دیگر طول می‌کشد و مدت آن هم هیچگاه از ۳۰ روز تجاوز نمی‌کند و از ۲۹ روز نیز کمتر نیست ومنجمین تقویم قمری متوسط رااعتبار می‌کنندکه درآن طول ماهها ثابت و از محرم‌به‌بعد؛ متناوباً ۳۰ و۲۹شبانروز است . چون‌طول سال‌قمری ۳۵۴/۳۶۷ شبانروز است و ۰/۳۶۷ شبانروز اضافی‌درطی۳۰سال۱۱شبانروز می‌شود ودرهر دورهٔ ۳۰ ساله ۱۱ روز را به ترتیب در سالهای ۲و۵و۷ و۱۰و ۱۳و۱۵ (یا۱۶) و۱۸ و۲۱ و۲۴و۲۶ و۲۹ کبیسه‌میکنند ؛ بدین ترتیب که‌در هریك از این سالها ، یك شبانروز به ذوالحجه اضافه می‌کنند تا ۳۰ شبانروز شود .

ماههای تقویم قمری :

۱ ـ محرم
۲ ـ صفر
۳ ـ ربیع الاول .
۴ ـ ربیع الثانی .
۵ ـ جمادی الاولی .
۶ ـ جمادی‌الاخری .
۷ ـ رجب .
۸ ـ شعبان .
۹ ـ رمضان .
۱۰ ـ شوال .
۱۱ ـ ذوالقعده .
۱۲ ـ ذوالحجه .

تقویم یهود :

تقویمی قمری ـ شمسی است و مبدأ آن ۳۷۶۱ ق م (تاریخ روایتی خلقت آدم) است و صورت کنونی آن از۳۶۰ بعد از میلاد است . اسامی‌کنونی‌ماهها‌از اصل بابلی و آشوری است ، ودر دورهٔ اسارت بابلی جایگزین اسامی قدیمتر شد . هر۱۹ سال‌یك دورهٔ قمری تشکیل میدهدکه ازآن سالهای ۳ م ، ۶ م ، ۸م ۱۱ م ، ۱۴ م ، ۱۷ م ، ۱۹ م کبیسه است سال ۵۶۸۲ اولین سال سیصدمین دورهٔ قمری است . سالهای معمولی را برحسب اینکه ؛ ۳۵۳ ، ۳۵۴ یا ۳۵۵ شبانروز داشته باشد ، ناقص ، معتدل‌و تمام مینامند.سالهای‌کبیسه یك‌ماه اضافی دارد ، ومشتمل بر۳۸۳ و۳۸۴ و۳۸۵ شبانروز است .

تقویم یهود به‌سبب قواعدگوناگونی که برای تنظیم‌اعیاد دینی دارد، پیچیده است. سال‌دینی از اول نیسان‌وسال‌عرفی از اول تشری آغاز می‌شود .

«ازدائرة المعارف‌غلامحسین‌مصاحب وفرهنگ‌معین.»

ماههای‌تقویم یهود

۱ـ تشری ۳۰
۲ـحشوان ۲۹ (معتدل و ناقص) یا ۳۰ تمام
۳ ـ کسلو ۲۹ (ناقص یا ۳۰ (معتدل‌وتمام)
۴ ـ طوت ۲۹
۵ ـ شباط ۳۰
۶ ـ آذار ۲۹ در سالهای کبیسه ۳۰
واذار ۲۹ (این‌ماه فقط در سالهای‌کبیسه می‌آید)
۷ ـ نیسان ۳۰
۸ ـ ایار ۲۹
۹ ـ سیوان ۳۰
۱۰ ـتموز ۲۹
۱۱ ـ آب ۳۰
۱۲ ـ ایلول ۲۹

مبنای‌تقویمها

تاریخ اسکندری :

همان‌تاریخ رومی است .

تاریخ رومی

مبنای این تاریخ ۳۱۲ ق م یعنی ۱۲ سال‌بعدازمرگ‌اسکندرملعون‌مصادف با سلطنت سلوکوس نیکاتور است و به تاریخ اسکندری نیزمعروف است .

تاریخ مسیحی :

مبنای این‌تاریخ ۴روز پس ازتولد حضرت عیسی‌ع‌میباشدکه درتقویم گرگوار استفاده شده است .

تاریخ‌هجری :

مبدأ این‌تاریخ روزجمعهٔ‌محرم‌سالی است که حضرت محمدص‌ازمکه به‌مدینه هجرت فرمود .

تاریخ‌یزدگردی :

مبدأاین تاریخ‌جلوس یزدگردیعنی روز سه‌شنبه بیست ودوم ربیع الاول سال یازده هجری‌قمری مطابق۱۶ ژوئن۶۳۲ میلادی است .

سالها

سال‌اعتدالی :

تقویم‌شمسی رابه‌بینید .

سال‌انحرافی :

مدت زمان ، بین دو عبور متوالی زمین از نزدیکترین‌وضع آن به‌خورشید ومدتش قریب ۳۶۵/۲۵۹۶۴ شبانروز متوسط است .

سال‌شمسی :

تقویم شمسی رابه‌بینید .

سال عرفی :

مدت زمانی است ، نزدیك به سال شمسی حقیقی ومشتمل برتعداد صحیحی شبانروز شمسی متوسط ، سال عرفی‌عادی ۳۶۵ شبانروز و سال عرفی‌کبیسه ۳۶۶ شبانروز می‌باشد .

سال‌قمری :

مساوی ۱۲ ماه هلالی و برابر ۳۵۴/۳۶۷۰ شبانـروز شمسی متوسط است .

سال‌نجومی:

تقویم نجومی رابه‌بینید.

تعطیلات رسمی

الف ـ ملی :

۱ فروردین ، عید نوروز.
۲ فروردین، عیدنوروز .
۳ فروردین ، عیدنوروز .
۴ فروردین ، عیدنوروز .
۵ فروردین ، عید نوروز .
۱۳ فروردین ، سیزده نوروز .
۱۴ امرداد ، جشن مشروطیت .
۲۸ امرداد ، قیام ۲۸ امرداد .
۴ آبان ، میلاد ، شاهنشاه آریامهر .
۲۱ آذر ، روز نجات آذربایجان .

ب ـ مذهبی :

۹ محرم ، تاسوعا .
۱۰ محرم، عاشورا .
۲۰ صفر ، اربعین .
۲۸ صفر ، رحلت حضرت محمدص. وشهادت حضرت امام حسن ع .
۱۷ ربیع‌الاول ، میلادحضرت‌محمدص.
۱۳ رجب، میلاد حضرت علی ع.
۲۷ رجب ، مبعث .
۳ شعبان، میلاد حضرت‌امام‌حسین‌ع.
۱۵ شعبان.میلادحضرت امام‌مهدی‌ع.
۱۹ رمضان، ضربت خوردن حضرت علی ع .
۲۱ رمضان، شهادت حضرت علی ع.
۱ شوال ، عید فطر .
۲۵ شوال، رحلت حضرت امام‌جعفر صادق ع .
۱۱ ذیقعده،میلادحضرت امام‌رضاع.
۱۰ ذیحجه، عیدقربان.
۱۸ ذیحجه، عید غدیر خم .

منجمین ایرانی

ابوالفتح‌اصفهانی :

ریاضیدان ومنجم قرن چهارم ، اثر مهم‌اوتحریری از(مخروطات آپولونیوس) میباشد .

ابوجعفرابن‌حبش (قرن چهارم‌هجری):

ابوجعفر محمدبن ایوب الطبری الحاسب، ازعلمای بزرگ‌ریاضی ونجوم قرن چهارم است که در اسطرلاب دستی داشته ودربارهٔ این وسیله ارصاد،کتابی بنام «شش فصل» به‌زبان فارسی نگاشته که براصول سؤال وجواب تنظیم‌گردیده. ازکتاب«شش فصل»طبری دربرخی ازمصنفات قدیمی یاد و بآن استناد شده است واهمیت این‌کتاب‌موجب آن‌شده‌که محمدطبری‌بعنوان«طبری‌صاحب‌اسطرلاب فارسی» معروف شود .

ابوحفص (عمربن فرخان طبری)

دانشمند ایرانی (نیمهٔ دوم قرن ۲ و۳ هجری) وی ازرؤسـای مترجمان و مطلعان علـم نجـوم بود . او درخدمت یحیی‌بن خالدبن برمك میزیست و سپس به روزگار مأمون،وزیرش فضل بن‌سهل ذوالریاستین ، عمربن فرخان را از شهر خویش فراخواست و اوبه‌خدمت مأمون درآمد وکتابهای بسیار بـرای مأمـون ترجمه کرد وخود نیز کتبی در فلسفه و نجوم نوشت ، از جمله کتاب « الاربعة بطلمیوس قلوذی» را تفسیر کرده است.

ابوسعید سجزی، احمدبن محمد ،
(متوفی بسال ۴۱۴ هـ ـ ق)
به علمای ریاضی مراجعه شود .

ابوسهل‌کوهی (متوفی‌بسال۴۰۵هـق)

ابن رستم‌کوهی، ازمنجمان معروف و صاحب نظر است . وی اهل طبرستان است اماقسمت بیشترعمرخودرا درحوزهٔ علمی بغدادگذرانیده ازآثار وی :کتاب «پرگار» دردومقاله و «صنعت‌اسطرلاب» دردومقاله و«دوایرمتماسه» و«استخراج ضلع مسبع در دایره» وچندکتاب ریاضی دیگرمیباشد«کوهی»بدستورمشرف‌الدوله پسرعضدالدولهٔدیلمی‌برصدکردن‌کواکب شروع‌کرد ودیری‌نکشید‌که‌مشرف‌الدوله درگذشت‌امااین‌رستم‌کار خودرا ادامه‌داد و در مدتی نزدیك به‌سی‌سال‌رصدی‌تنظیم کـرد کـه مـورد مطالعهٔ علمای زمـان واقع‌گردیدوهمه‌به‌صحت‌آن‌گواهی‌دادند.

ابوعلی خیاط (وفات ۲۲۰ هـ ق)

ابوعلی‌یحیی‌بن غالب مشهور بـه ابـوعلی خیاط از دانشمندان فـلکی و ریاضی دانـان و ستاره شناسان نیمهٔ اول قرن سوم هجری است ،موقعیت علمی او نزد اروپاییان محرز و نامش درکتب آنان Abohali می‌باشد .

وی در رشتهٔ تـخصص خـود دارای تألیفات مهمی است‌کـه از آنها است : « تحاویـل سنی‌العالم » « الدول » و « سرالاعمال » در بارهٔ مسائل فلکی و «الموالید» چند تألیف او بـه لاتین نیز ترجمه شده است.

بلخی،ابومعشر (متوفی ۲۷۲ هـ ـق)

به علمای ریاضی مراجعه شود .

ابونصر منجم قمی(قرن چهارم‌هجری):

ابونصر حسن‌بن عـلی منجم قمی ، مؤلف «کتاب‌البارع‌المدخل فی‌احکام‌ـ النجوم‌والطوالع»مشتمل‌بر‌پنج‌مقاله و۶۴ فصل است‌که به‌عربی تـألیف شده و بعداً بوسیلهٔ خودمؤلف‌به‌فارسی ترجمه‌گردیده است .

این‌کتاب در علم احکام نجوم‌شهرت داشته و مورد استفادهٔ بسیاری از علماء نجوم قدیم بوده است ودرنوشته‌های‌خود، ازآن یاد وبه‌آن استنادکرده‌اند.

سرخسی ، احمدبن‌مروان (زنده‌در ۲۸۵ هـ ق) :

علمای ریاضی را ببینید .

اسفزاری، حکیم ابوحاتم مظفر :
(۴۳۰ ـ ۵۱۳ هـ ق)

از منجمان بزرگ و در اسفزارکه شهرکـوچکی در قسمت شرقی خراسان قدیم بوده متولد شده است . مقام او در نجوم بجایی رسیده بـودکـه بروزگار جلال‌الدین ملکشاه سلجوقی از اودعوت شد تا باهمکاری « حـکیم‌عـمرخیام » و «عبدالرحمن خازنی» و «میمون بن‌نجیب واسطی» و «لـوکری» و چندتـن دیگر به اصلاح تقویم بپردازد واین‌دانشمندان هیجده سال‌کار‌کردند تا بفرجام نـوروز راکه در اواسط اسفند ماه بود و درهرـ سال نسبت بسال قبل تغییرمیکرد دراول فروردیـن تثبیت‌کردنـد و برای تقویم فارسی‌تعدیلی نمودندکه بهتر ازهرتقویم دیگر است : به‌حکیم اسفـزاری‌کتابهای متعدد نسبت داده شده‌که فقط سه رسالـه ازآنها باقی میباشد. یکی «اختصاراصول اقلیدس » و دیـگری«آثـار علوی یا کائنات جو»که به‌فارسی سلیس‌نوشته شده وسوم رسالهٔ «دانشکده».حکیم اسفزاری درفیزیك نیز مطالعات‌کافـی داشته و در ترازوی ارشمیدس مطالعات بسیاروسیعی نموده و ترازویی ساخته و پرداخته بود که میتوانست بـاآن عیار آلیاژهـا را تشخیص دهد وآنرا بسلطان سنجر تقدیم داشت .«عده‌ای‌این‌ترازورابه‌عبدالرحمن خازنی نسبت داده‌اند .»

بنی‌موسی(زنده در قرن سوم هـ ق):

موسی‌بن شاکر خراسانـی در علم

هندسه استاد بود، وسه فرزند او (محمد احمد ، حسن) از دانشمندان قرن سوم بشمار می‌آیند، ومحمد از همه مشهورتر است و (کتاب‌المخروطات) او شهرت تمام دارد. وفات‌محمددر ۲۵۹ ه ق‌است.

حبش حاسب (متوفی قرن ۳ ه ق) :

احمدبن‌عبدالله مروزی، ازمنجمین معروف بغداد در عصر مأمون و معتصم . مدت ۱۰ سال بـه رصد اشتغال داشت ، سه زیج تألیف‌کرد که مهمترین آنها زیج ممتحن است و اولین‌کسی است که ظل‌را وارد مثلثات‌کرد .

چغانی (متوفی بسال ۳۷۹ه ق) :

ابوحامد ، احمدبن محمد، ازمردم چغانه از توابع مرورود خراسان بوده ، تحصیلات خودرا مانند غـالب فضلای‌آن عصر درحوزهٔعلمی بغداد بپایان رسانیده و در همان شهربه‌تدریس ریاضی و نجوم پرداخته . چغانی درآلات رصد قدمـا ، تصرفاتی‌کـرده وآنها را بهبود بخشیده است به‌امرمشرف‌الدولهٔ دیلمی (فرزند عضدالدوله) درکار تعیین رصد و ایجاد رصدخانهٔ بغداد نظر داشته است .

خالد مرو رودی (قرن۲و۳ه ق).

خالدبن عبدالملك از مـرورود خراسان‌که درنیمهٔ دوم قرن دوم و نیمهٔ اول قـرن سوم می‌زیسته و در نـجوم و هیئت مقامی ارجمند داشته است .

درکارهای علمی‌دورهٔ خلافت مأمون دررصدشماسیهٔ بغداد وجبل‌قاسیون‌دمشق بایحیی‌ابن‌ابی‌منصور وسندبن‌علی‌مأموتی همکاری مؤثر داشته است .

فرزند خالد نیز ازمنجمان معروف بوده وکتابی درساختن اسطرلاب وکتاب دیگری درتعدیل‌کواکب از اوباقیمانده است .

خجندی (فوت ۳۹۱ ه ق) :

ابومحمود حامدبن خضر خجندی ، معاصر فخرالدولهٔ دیلمی بوده و درنزد وی تقرب داشته وکارهای علمی خود را بنام وی انـجام میداده است ؛ از جمله برای رصدکواکب و یـافتن طول فلکی اسبابی بنام «سدس فخری» ساخت .

خجندی باابوالوفاء بوزجانی که‌در زمرهٔ راصدان بزرگ‌بغداداست، هم‌عصر بوده‌است از خجندی‌کتابهایی درمثلثات خطی و مثلثات‌کروی باقی‌مانده‌است .

ابوریحان بیرونی درکتاب «مقالید علم هیئت» مینویسد خجندی مدعی بوده که شکل مغنی را در مثلثات‌کروی ،قبل ازامیرابونصر عراق(که مبتکر ومخترع شکل مذکورشناخته شده‌است) می‌شناخته وبه‌آن عمل میکرده است .

خازن ، ابوجعفر فوت ۴۰۰ ه ق:

ابوجعفر محمدبن حسین خراسانی معروف به ابوجعفر خازن ازفلك‌شناسان بزرگ اسلام‌است. وی‌به‌وسیلهٔ‌رصدهایش کمکهای‌زیادی به ابن‌العمید وزیرركن‌الدولـه کـرد . ابوجعفر از هندسه و ریاضیات اطلاعات بسیار سرشار داشت و او را در این رشته‌ها چندین تصنیف است‌که ازجمله‌کتاب «زیج‌الصفائح»است که مقداری ازنسخهٔ خطی آن باقی است واز تألیفات ابوجعفر است شرح کتاب اقلیدس و المسائل العدیده وچنانکه در شرح حال ابن هیثم فلکی معروف آمده است ازجمله تألیفات ابن‌هیثم‌کتابی‌است در شرح یکی از مقالات ابوجعفر بنام: « تفسیر المقالة العاشرة لابی جعفر ــ الخازن » .

خایل‌آملی :

از علمای رصد است که بنا به نوشتهٔ «تاریخ‌جعفری» اختراعجالبی‌برای شناساندن وقت داشته است بدین شرح:

«دومنارکوچك‌بردو طرف‌درمدرسهٔ رکنیهٔ یزد بناکرده بود و برسریکی‌مرغ روئین نهاده بودکه چون آفتاب طالـع میشودآن مرغ روبآفتاب‌میکند وهرچند که آفتاب برمیآید او روبآفتاب‌دارد بر آن‌جانب و درمیان رصد چرخی چوبین منقش نهاده و سیصد و شصت قسمت‌کرده و هرقسمتی درجه‌هاساخته و محل‌آفتاب هر روز در درجه‌ای می‌نمایدکه آفتاب درکدام درجه است و دوازده برج‌نموده و درجات در حروف ابجد نهاده ودرهر دایره‌که چهارگوشهٔ چرخ نهاده سی‌خانه ساخته و ماه ترکی و فارسی و عربی و رومی نموده‌که هر روز معلوم میشود که چندروزازماه‌گذشته است وبربالای چرخ دایره‌کشیده در موضوع قمروسی‌دایره‌بر گرد دایرهٔ قمرنهاده‌که هریك روزازماه بگذرد دایرهٔ سفید سیاه شود تاآخر ماه و دوازده خانه بریمین و دوازده خانه بریسار چرخ ساز داده‌که دوازده دایره یمین ، هریك ساعت‌که گذرداز دریچه‌که تحت او ساخته مرغی رویین سر بیرون کند و مهره‌ای از دهن در طاس‌که بزیر آن دریچه نهاده است‌بیندازد وآن‌چرخ بگردش درآید و یك‌تخته ازآن‌دوازده خانه یمین رصد سیاه شود، ساعتی‌گذشته باشد در وقت صبح وپیشین و پسین‌وشام و خفتن چون‌مرغ‌مهره درآن‌طاس‌اندازد آن چرخ بگردش درآید و در اندرون رصد طبل زده شود و برbالای‌آن مناره علمی ظاهر شود و علم فرو شود و آواز طبل باز نشیند .. وآن دوازده خانه‌که برابر دوازده ساعت روز و شب است در سوراخ‌کرده وهرشب وهر ساعت چراغی نهاده میشود وهرساعت‌که‌از شب‌میگذرد چراغی بازنشانده میشود ..»

ذوالفنون، حبیب‌الله. (۱۲۷۸-۱۳۶۷ ه . ق .) :

منجم فاضل ومستخرج تقویم بودو در ادبیات و ریاضیات و تفسیرنیز دست داشت . مدتی‌در دارالمعلمین مـرکزی مثلثات‌کروی‌ونیزدرمدرسهٔعالی‌سپهسالار تدریس میکرد .

رکن آملی ابن مشرف‌الـدین . (فوت ۸۰۰ ه‌ق) :

ازمنجمان قرن۸ ه ق وی‌کتابی‌در بارهٔ اسطرلاب بنام «پنجاه بابسلطانی» وکتابی درباب تقویم بنام «زیج مختصر زیجهای معروف» نگاشته‌است.

ساعاتی (قرن ۶ ه ق) :

محمدبن‌علی‌بن‌رستم‌خراسانی‌ساعت‌ساز مشهور، در هیئت‌ونجوم مهارت‌داشت و درمعرفت ساعت‌بی‌نظیـر بود . او از خراسان‌به‌شام رفت ودردمشق اقامت‌کرد و همانجا درگذشت .ساعاتی‌درعهدملك‌العادل‌نورالدین‌محمودبن زنگی‌ساعتهای باب جامع‌کبیر دمشق را ساخت و مورد تفقداوقرارگرفت و به‌ملازمت وی نایل آمد .

شرف‌الدین‌طوسی . (فوت ۶۰۹ ه ق)؛

ریاضی‌دان ومنجم‌که اصلاحاتی در اسطرلاب‌انجام‌داده وشرح آن‌رادرکتاب المسطح آورده است .

شمس‌الدین، محمد علی وابکنوی (قرن ۷ ه .) :

دانشمند و منجم ؛ از مردم حوالی

بخاراست و برصدکواکب مشغول بوده‌و نتیجهٔ تحقیقات خودرا در «زیج‌سلطانی» جمع‌آورده است.علمای ریاضی‌درمؤلفات خود به‌اقوال اواستنادکرده‌اند .

صوفی‌رازی، ابوالحسن‌عبدالرحمن.(۲۹۱ ۳۷۶ ه ق) :

از بـزرگان علمای هیئت و نجوم است .

عضدالدولهٔ دیلمی از وی حمایت میکرد نزد وی به‌تحصیل نجوم وریاضی پرداخت.

عبدالرحمن صوفی رازی در بارهٔ مطالعهٔ ثوابت‌وسیارات‌زحمت‌بسیارکشیده و چهل وهشت‌صورت‌فلکی از صور واقع در منطقة البروج با حدود آنها را در کتابی‌بنام «صورالکواکب» یا «الصور‌ـ السمائیه» یا «الکواکب الثابته»شرح‌کرده است .کتاب دیگری‌هم راجع باسطرلاب از او باقیست .

عبدالائمه : (قرن ۹ ه ق) :

سازندهٔ‌اسطرلاب واستاد رسم دوایر فلکی ،ازساخته‌های‌وی‌دواسطرلاب‌بزرگ در تهران موجود است .

عبدالله ، ابن‌حسن‌صیدلانی:

منجم معروف ؛ درهندسه و احکام نجوم و حساب و جبر و مقابله‌استاد بود از مؤلفات‌وی : شرح‌کتاب جبرمحمدبن یونس‌خوارزمی در جمع وتفریق وضرب و تقسیم است . مدت ۱۱۸ سال میانهٔ‌ابن ندیم و خوارزمی‌فاصله داشته، درهرحال درقرن سوم هجری میزیسته‌است .

فرازی ، محمدابراهیم :

اولین منجم دورهٔ اسلامی ، درنیمهٔ قرن دوم و اوایل قرن سوم و هندسه را برای منصور خلیفهٔ عباسی ترجمه‌کرد.

قطب‌الدین شیرازی(فوت ۷۱۰ تبریز.):

معروف به‌ابوالثناءدانشمند معروف نزد صدرالدین قونوی تلمذکرد وقاضی سیواس گردید و سپس درتبریزساکن‌شد و درامر رصدخانه‌با خواجه نصیرالدین همکاری داشت ؛ وی دراغلب علوم عصر مانند طب و نجوم و حکمت و موسیقی تبـحر داشت . شرح قانون ابن‌سینا از اوست. «توضیح‌بیشتردرعلمای‌ریاضی»

کرمانی ، علی بن‌ابراهیم :

از دانشمندان ریاضی قـرن پنجم است . هرچندکتابی ازاو دردست‌نیست، اما علمای نجوم و ریاضی دیگر باو و آثارش اشاره کرده‌اند. مثلا «مصطفی‌بن عبدالله‌کاتب» معروف به «حاجی خلیفه» در اثر بسیارنفیس‌خودبنام «کشف‌الظنون عن‌اسماءالکتب‌والفنون» به‌کتاب‌کرمانی اشاره میکند .

کمال منجم پسر جلال‌منجم یزدی(زنده در ۱۰۶۴هق) :

وی منجم و طبیب بوده و در سال ۱۰۴۱ همراه سپهسالار شاه طهمـاسب بگرجستان رفته و از آن پس غالباً در لشکرکشیها شرکت‌وبه‌نقاط‌مختلف‌ایران سفرکرده و دست‌کم ۲۳ سال‌از نزدیك شاهد حوادث بوده .

وی‌کتابی درتاریخ نوشته‌که قسمت مربوط بصفویهٔ‌آن‌که‌بسال ۱۰۶۴ پایان یافته به‌چاپ رسیده‌است.

ماهانی (قرن سوم):

ابوعبدالله محمدبن عیسی‌الماهان‌از علمای حوزهٔ علمی بغداد بوده ودرهیأت و نجوم و جبـر ، تبحر و تسلط داشته است .

تاریخ ولادت‌ووفاتش به‌درستی‌معلوم نیست، اما به‌احتمال قوّی‌درنیمهٔ‌دوم‌قرن سوم بوده است .

از جملهٔ‌آثاری‌که از اوباقی مانده کتابی درعرض سیارات وکتابی در بارهٔ شانزده شکل مقالهٔ اول بطلمیوس است.

میرك نجاری، شمس‌الدین:

یکی از منجمان بنام ایرانی بودو کتاب مشهور او (زیج شمس‌المنجم) در تاریخ نجوم میباشدکه ازیونانی به‌عربی ترجمه‌کرده بود .

نوبخت ، ابوسهل‌فضل‌بن :

از مشاهیر خـاندان نوبخت و از بزرگان اهل‌کلام‌است و این خاندان‌همه از شیعیان‌اهل بیت بودند و بامهارت‌در فلسفه وحکمت ، به‌امامت‌ائمهٔ‌علی‌علیهم‌ـ السلام اعتقاد داشتند .

فضل‌بن نوبخت‌درعهد هرون‌الرشید میزیست و خزانهٔ‌کتب خلیفه بوی‌سپرده شده بود ، و او بیشتر ،کتابهای فارسی را بعربی نقل و ترجمه میکرد.

ابوسهل در ریاضی ونجوم نیزاستاد بود ، و تألیفاتی در نجوم از وی نقـل کرده‌اند .

نوبختی، حسن‌بن‌موسی. فوت ۳۱۰ ه ق:

از آسمان شناسان و فلسفه دانان معروف عرب است .اصلا اهل بغداداست از تاریخ ولادتش اطلاع دقیقی در دست نیست‌اما تاریخ وفاتش‌بسال ۳۱۰هجری بوده است نوبختی در رشته‌های مختلف علوم عقلی وریاضی‌اطلاعاتی‌داشته‌وکتبی نوشته است و بیشتر به‌ترویج مذهب‌شیعه می‌پرداخت‌و تهمتهایی راکه‌گروهی‌بدان می‌بسته‌اند رد میکرده است . وی کتاب «الکون‌الفساد» ارسطو رامختصرکرده و کتاب بزرگی در بارهٔ لایتجزی (آتوم) نوشته است . و از جمله‌تألیفات اوکتاب «فرق‌الشیعه»است ونیز از آثار اوست : «الارآدو الدیانات» و «المرایا و جهة‌ـ الرؤیة فیها» و«الردعلی‌الغلاة» .

منجمین خارجی

آراگو، فرانسوا. Arago (۱۸۵۳ ـ ۱۷۸۶م) :



آراگو

منجم وفیزیکدان فرانسوی، مردی آزادیخواه‌ودارای‌تحقیقات دربارهٔ‌سرعت صوت‌وانکسارنور وتجربیات‌زیاد دربارهٔ الکترومانیتیسم بـود وپس از انقـلاب ۱۸۴۸ و برقـراری حکومت جمهوری موقت بوزارت جنگ و بحریـه منصوب شد .

آدامس ، جان. Adams .J. (۱۸۱۹ـ ۱۸۹۲م) :

دانشجوی دانشگاه‌کمبریج بودکه مسئلهٔ بی‌نظمی هـای اورانوس را مورد مطالعه قرار داد ودرجستجوی سیاره‌ای بر آمد کـه موجب اختـلالات مزبور میگردید .

در۱۸سپتامبر ۱۸۴۶ به‌منجم‌آلمانی «ژان‌گودفروآگال» چنین نوشت : چون رصدخانهٔ شمادارای دوربین‌بسیارقویست وشما این‌ناحیه ازآسمان‌رابادقت مطالعه کرده‌اید خواهشمندم ملاحظه فرماییدکه آیاستاره‌ای‌که روی کاتالوگ‌ها مشاهده نشده‌باشد در۳۲۶درجه و۳۲ دقیقه‌طول آسمانی وجود دارد یانه؟ بمحض اینکه نامه‌به «گال» رسید دوربین خودرامتوجه آسمان‌کرد وستارهٔ منظور را بـاتقریبی کمتر از یکـدرجه در مکان تعیین شده یافت .

آرگلاندر، فردریك‌گییوم : Argelander.Fr.G (۱۷۹۹ـ۱۸۷۵م)


ادینگتون

یکی ازشاگردن «بسل» بود که در سال ۱۸۳۷ رصدخانهٔ شهربون را افتتاح نمود وکاری‌راکه مورد توجهٔ «هیپارك و تیکوبراهه وبطلمیوس» شده بود از سر گرفت .
«آرگلاندر» کاتالوگی از ستارگان بوسیلهٔ جدیدترین آلات نجومی تهیه کرد واین اثر عظیم که شامل مختصات سیصد هزار ستاره است حتی امروز نیز در رصدخانه‌ها مورد استفاده میباشد .

آنکه. Encke (۱۷۹۱–۱۸۶۵م) :
یکی ازشاگردان «هالی» و منجم رصدخانهٔ سیبرگ بود ذوذنب متناوب (ستارهٔ دنباله دار)جدیدی کشف‌کرد که این ستاره سه سال به سه سال‌اززمین‌قابل رؤیت است


استروو

ابسقلائوس . Absalom (در حدود ۱۸۰ ق . م) :
از منجمان و ریاضی دانان دورهٔ عظمت اسکندر بود .
وی درتصاعداعداد مسطح و بعضی معادلات سیاله مطالعاتی داشته ومقاله‌ای راجع به‌کثیرالوجوههای منتظمه شامل هفت قضیه،بآخر اصول اضافه کرده است تقسیم محیط دایره‌به‌۳۶۰ درجه اززمان وی معمول شده است .

ادینگتون،آرتور EDDINGTON (۱۸۸۲– ۱۹۴۴م) :
منجم‌وفیزیکدان مشهورانگلیسی‌که تئوری جالبی در مورد ساختمان داخلی ستارگان وضع‌کرد. که طبق آن هرستاره دارای قوهٔ‌ثقل، فشارگاز وفشار تشعشع است (فشار تشعشع عبارت از فشار بی‌اندازه‌کوچکی‌است‌که بوسیلهٔ‌نور وارد میگردد).


براهه

اراتوستن ، Eratosthène (۱۹۲ – ۲۸۴ ق م)
ازطرف‌بطلمیوس‌سوم‌به‌سمت‌سرپرست ومعلم پسرش معین شد .
او را میتوان به‌عنوان یك منجم ، ریاضیدان و استاد دستور زبان، شاعر، خطیب وفیلسوف معرفی‌کرد. معاصرینش اورا افلاطون ثانی لقب داده‌اند .
«اراتوستن» اولین شخصی بود که به اندازه گیری زمین اقدام نمود وی محیط زمین را ۳۹۳۷۵ کیلومترمحاسبه نمود .


برونو

«اراتوستن» درپیری دچارنابینایی شد وچون ازبهبودی خویش‌مأیوس‌گردید ازگرسنگی خودرا هلاك‌کرد .

ارسطرخس ، Aristarque (۲۳۰ – ۳۱۰ ق م) :
منجم یونانی، وی نخستین‌کسی بود که فکر‌گردش زمین را به‌دور محورخود وبه‌دور آفتاب‌بیان‌کرد،وبه‌سبب‌این‌عقیده اورا محکوم کردندکه‌آرامش خدایان را برهم زده است .

ارِی، جرج‌بیدل (۱۸۰۱ – ۱۸۹۲م): Airy.G.B
دانشمندریاضی‌وعالم‌انگلیسی استاد هیئت‌دردانشگاه‌کمبریج . وی رصدخانهٔ کمبریج راتکمیل‌کرد ودر۱۸۳۵ مدیر رصدخانهٔ‌گرینویچ شد . از آثاراوست : رصدهای نجومی. مباحثی‌درباب قوهٔ ثقل وجاذبه، درباب هیئت، مثلثات، مکانیك، مناظر و مرایا، مغناطیس وغیره .

استروو ، اوتو STRUVE (۱۸۱۹ – ۱۹۰۵ م) :
منجم روسی‌بودکه عمل متشابهی را با«بسل» دربارهٔ‌ستارهٔ زیبای «نسرواقع» شروع‌کرد ونتیجه‌گرفت که فاصلهٔ «نسر واقع» اززمین بیش ازستارهٔ ۶۱ دجاجه است. درواقع اگرفاصلهٔ زمین تاخورشید را از «نسرواقع» مشاهده کنیم چنانست که مویی را از فاصلهٔ ۲۱۰مترنگاه‌کرده باشیم(یعنی اختلاف‌منظرسالیانه ۱۲۱/. ثانیه است) در نتیجهٔ اینکار شهرت و حیثیت زیادی بدست‌آورد وسال‌بعدازآن تزار، نیکلای اول‌ادارهٔ رصدخانهٔ زیبایی راکه روی‌تپهٔ«پولکروو» دربیست‌کیلو–متری سن پطرزبورگ ساخته بود بعهدهٔ او محول‌کرد .

انژسکچی :
منجم ایتالیایی‌درسال ۱۸۶۸ کتابی بنام «خورشید ، اکتشافات اساسی جدید» منتشر‌کرد که درآن ، در بارهٔ خورشید نظریه‌ای قطعی بیان‌کرد .

اولبرز ، هنری (۱۷۵۸–۱۸۴۰م) :
منجم‌آلمانی قضیه‌ای‌کشف‌کردکه با مطالعهٔ‌آن حرکات‌سیارات رابهترمی‌توان محاسبه نمود .

برادلی Bradly.J. (۱۶۹۳–۱۷۶۲م) :
برادلی دربیست وهشت‌سالگی‌استاد دانشگاه آکسفورد شده بود درآن‌هنگام منجم مشهوری بودکه مانند فلامستید و برخلاف هالی از اهل کلیسا محسوب میشد .
این شخص درساعات فراغت خود به «کیو» نزدیك شهرلندن میرفت‌که‌دوست وی ساموئل مالینو (Malynaux) در آنجا رصدخانه‌ای بپاکرده بود ودرهمین رصدخانه برای نخستین بارمشاهدکردکه یکی‌ازستارگان صورت«تنین» وضع‌عجیبی دارد پس‌ازتحقیق،وتجسس بسیار دربارهٔ نوسان ستارهٔ فوق قانون «انحراف نور» (۱۷۲۷م) راکشف نمود .
بیست سال بعد از این تاریخ،کشف نجومی بزرگ دیگری کرد و آن نمود « ارتجاع یا Nutation یعنی حرکت ترازویی حقیقی است‌که محور زمین در مدت ۱۸ سال عمل تقدیم اعتدالین را انجام میدهد .

براهه، تیکو BRAHE (۱۵۴۶–۱۶۰۱م):
منجم‌دانمارکی، مشاهدات وی‌موجب شدکه‌کپلر قوانین‌خودرا درباب سیارات تنظیم‌کند .

برون، ارنست Brown E.W(۱۸۶۶– ۱۹۳۸ م) :
ازشاگردان دانشگاهی«ژرژهوارد اروین» بودکه‌چون‌استاددانشگاه‌آمریکایی ییل گردید سه جلدکتاب بزرگ هر یك شامل ۶۰۰ صفحه دربارهٔ تئوری ریاضی قمر زمین نوشت .

برونو،جیوردانو .G. BRUNO (۱۵۴۸– ۱۶۰۰م)
متفکرایتالیایی‌که‌در۱۵۴۸ درناپل بدنیاآمد تا ۱۶۰۰ میلادی میزیست او با استفاده‌ازنظرکوپرنیك راجع به‌سیاره بودن زمین و گردش او بدور خورشید نتایجی فلسفی،گرفت که باتعالیم‌کلیسای کاتولیك وآیین ارسطو مباینت داشت .
برونو میآموخت‌که جهان لایتناهی است، خورشید مرکزجهان نیست و فقط منظومهٔ ماست. ومنظومهٔ ماخود یکی از منظومه‌های‌بیشمار کیهان‌است‌وسراسر کاینات ازیك قانون تبعیت میکنند .
برونودرتمام‌طول‌حیات‌مورد‌تعقیب‌کلیسا بود درسال ۱۵۷۵ از ناپل به رم گریخت ولی‌سرانجام‌در۱۵۹۲ ازطرف‌انگیزیسیون دستگیر شد وهشت سال در زندان ونیز و رم بسربرد. برونواز نظرات خوددست نکشید و بالاخره در هفدهم فوریهٔ سال ۱۶۰۰ او را در رم به‌آتش سوزاندند و

خاکسترش را به‌آب دادند .

بسل، فردریك Bossel (۱۷۸۴–۱۸۴۶م):
منجم آلمانی درسال ۱۸۱۲ تا ۱۸۱۳ در «کونیگسبرگ» رصدخانه‌ای ساخت که درآن توانست به‌سالهای ۱۸۲۴ تا ۱۸۳۳ بیش از ۷۵۰۰۰ رصد نماید .
درسال ۱۸۳۸ برای اولین‌بار بطور جدی و علمی فواصل بین ستارگان را اندازه‌گیری کرد .

بطلمیوس، کلود Ptolemeé (۱۶۸– ۲۹۰م) :
منجم‌ریاضیدان وجغرافیدان معروف حوزهٔ علمی اسکندریه ازقرن دوم‌میلادی اطلاعات و آراء پیشینیان و دانشمندان حوزهٔ اسکندریه را تنظیم وضبط کرد و برآنها افزود اثر مهم او کتاب مجسطی است و شامل هیئت بطلمیوس در توجیه حرکات‌آسمانی است .

بوده، جان‌آلبرت، BODE .J.e (۱۷۴۷– ۱۸۲۶م) :
درهامبورگ آلمان‌چشم‌به‌جهان گشود؛ وی از ستاره شناسان بنام آلمان بشمار میرود. اندازه گیری‌مسافت‌بین‌ستارگان ازقوانین اوست .

بوند، ویلیام‌کرانج BOND .(۱۷۸۹– ۱۸۵۹م)
دررصدخانهٔ‌آمریکایی‌هاروارد، برای اولین‌بار توانست‌ازستارهٔ‌نسرعکسبرداری نماید.

پیرسك، نیکلا، فابری‌دو Peiresc.N·F (۱۵۸۰–۱۶۳۷م):
مشاور پارلمانی **پرووانس** بود که درپادو تحصیل‌کرد وگالیله رامیشناخت و با او مکاتبه داشت .این شخص‌همچون پیغمبرخستگی‌ناپذیر علوم وعامل‌عمومی تجارب افکار ، با بزرگترین دانشمندان ارتباط‌پیداکرد وباشور وحرارت‌خارق‌العاده مکاتبات ایشان راجمع‌آوری نمود وبخصوص‌غیرت‌وحمیت او برای علم‌نجوم نتایج مفید ببار آورد .
پیرسك دوربین‌های نجومی راکه در آن زمان تازه اختراع شده بود خرید وبکمك آنها صحت اکتشافات دوست خودگالیله را تأییدکرد .

گاساندی، پی‌یر ، Gassendi : (۱۵۹۲ – ۱۶۵۵م)
مردی روحانی از اطرافیان‌پیرسک که‌دراسکاتلندفلسفه‌تدریس‌میکرد گاساندی بود. اماطولی‌نکشید که شور وحرارت او متوجه علم نجوم شد . عالیترین رصد گاساندی عبارتست ازعبورسیارهٔ عطارد ازروی خورشید در روزهفتم ماه نوامبر سال ۱۶۳۱ وچنین رصدی‌حتی تاکنون نیز تکرار نشده است تردیدی نیست که‌گاساندی در عین حال معلم زبردستی بود زیرا یکی ازستارگان درخشان علم نجوم بنام ژان پیکارد (Picard) و فیزیك‌دان‌بزرگ؛ ماریوت (Mariotte) وژان‌باپتیست‌پوکلن(Puquelin) ازجمله شاگردان‌وپرورش‌یافتگان‌مکتب‌او بودند.

تیسران ، فلیکس Tisserand (۱۸۴۵ – ۱۸۹۶م) :
دانشمند فرانسوی در سال ۱۸۸۹ یك‌دوره کتاب‌عظیم وجامع‌راجع‌به‌ریاضی قمرزمین‌تألیف‌کرد که‌میتوانستند نمودهای آسمانی را بانهایت‌دقت پیش‌بینی‌کنندو ستارگان دنباله‌دار را نیز درشبکهٔ مبهم محاسبات وارد سازند .

ثابت‌بن قره (۲۱۱–۲۸۷ ه ق)؛
درحران متولد شد ،درزمان‌معتضد خلیفهٔ عباسی می‌زیست درنجوم و ریاضی صاحب نظر بوده و کتب بسیاری را از زبان یونانی به عربی‌ترجمه‌کرد ازجمله «مأخوذات ارشمیدس» ،«الکرة‌المتحرکه تألیف اوطولوقوس» .

داروین، ژرژهوار، Darwin (۱۸۴۵– ۱۹۱۲م)؛
فرزند داروین طبیعی‌دان معروف انگلیسی‌دربارهٔ کیفیت تشکیل‌ساختمان ماه مطالعات بسیار کرد. سپس به زمین‌شناسی پرداخت و همین امـرسبب شدکه علت جزرومد را بیابد و ایـن موضوع راهنمای‌اوبرای‌کیفیت‌تشکیل وساختمان ماه شد . در ســال۱۸۷۳ به‌سمت استاد کرسی نجوم در دانشگاه کمبریج معین گردید .

دلامبر شوالیه باپتیست · DELAMBRE (۱۷۴۹–۱۸۲۲م) :
منجم فرانسوی بهمراهی مشن یك قوس نصف‌النهار را برای بکار بردن‌در دستگاه‌متری اندازه‌گرفت .

دراپر، هنری DRAPER. H (۱۸۳۷– ۱۸۸۲م) :
ازمنجمین آمریکایی ،اولین‌کسی‌که روی طیف ستارگان ،مواد متشکلهٔ آنها را شناخت .

دلونای، شارل(۱۷۱۶– ۱۸۷۲م) :
در مکانیك آسمانی تخصص داشت و در مورد حرکات ماه‌مطالعه می‌کردهم‌او اولین‌کسی است‌که به بی‌نظمی‌های‌حرکات ماه پی‌برد .

راسل‌هنری، نوریس: Russel.H.N. (۱۸۷۷–۱۹۵۷ م) :
منجم آمریکایی بسبب نظریهٔ خود درباب تکامل ستارگان معروف است ،در سال۱۹۱۴ درمورد تکامل‌ستارگان‌عقیدهٔ خود را اینطور ابراز نمود :
« درآغاز ستارهٔ غول آسای قرمز رنگی است‌که حرارت ضعیف ووزن‌نسبتاً کمی دارد وآنگاه بتدریج‌انقباض‌می‌یابد وگرمترمی‌شود و ازمراحل قرمزروشن، قرمز مایل‌به‌سفید ، زردآبی عبورمیکند و درین هنگام به‌حد اعلای حـرارت و روشنایی خود میرسد و ازآن پس شروع بسردشدن میکنداما ضمن سرد شدن نیز بتدریج کوچك می‌شود و بار دیگر از مراحل زرد وقرمز روشن بمرحلهٔ قرمز تیره میرسد ودرحالیکه‌بیك ستارهٔ‌کوچك تبدیل می‌شود عمرش پایان می‌یابد».

سلسیوس CELSIUS (۱۷۰۱–۱۷۴۴م):
منجم سوئدی دارای تحقیقات‌نجومی زیاد بوده فکر تهیهٔ میزان الحرارهٔ‌صد‌قسمتی ازایشان است.«شکل‌درصفحهٔ‌بعد»

شاپ‌دوترش،ژان،Chappe d'Auteroche,j (۱۷۲۸–۱۷۶۹ م) :
منجم فرانسوی‌که چندکتاب ارزنده از او بجا مانده است .

شیپلی، هارلو Shapley (متولد۱۸۸۵م):
منجم آمریکایی و مدیر رصدخانهٔ هارواردد‌رسال ۱۹۱۸ اعلام‌کردکه‌کهکشان به‌شکل‌نان‌کلوچه‌است‌که ۶۰ ملیارد ستاره دارد .

شلسینگر،فرانك Schlessinger (۱۸۷۱– ۱۹۴۳م) :
مدیر رصدخانه ییل،با روش مثلثاتی توانست چهار هزار فاصله از ستارگان بازمین را بدست آورد .

فای، هروه H. FAYE (۱۸۱۴–۱۹۰۲م):
دانشمند نجومی فرانسوی نظریه‌ای در تفسیر حدوث گرد باد پدید آورد و دانشمندان را برآن داشت که در عقیدهٔ لاپلاس راجع‌به تکوین جهان مجدداً بحث کنند . «شکل درصفحهٔ بعد»

فلاماریون ، نیکلاکامیل FLAMMARION (۱۸۴۲–۱۹۲۵) :


بطلمیوس


بوده


بوند


دلامبر


دراپر


سلسیوس


فای


فلاماریون


کاسینی


کپلر

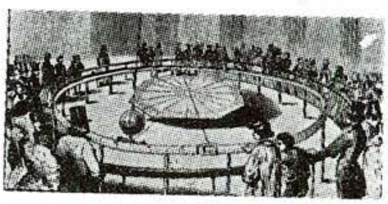
منجم فرانسوی رصدخانه‌ای شخصی، در ژوویزی تأسیس کرد (۱۸۸۲ م) . در بارهٔ ماه ،مریخ‌وستارگان مضاعف‌مطالعه کرد، سپس مجمع نجومی‌فرانسه رابنیاد نهاد مجلات نجومی را منتشر ساخت و مباحث هیئت ونجوم را بزبان قابل فهم درآثار خود طرح کرد: اوراست : نجوم عمومی ، اتمسفر، جهان پیش‌ازآفرینش بشر .

فلامستید،جان Flamesteed.j (۱۶۴۶-۱۷۱۹م) :

از جوانی بسوی علم نجوم جذب گردید واکتشافات خودرا دراین‌خصوص به‌جامعهٔ سلطنتی فرستاد. یکی ازافسران صنف مهندس حامی وی شد وهم او بود که فلامستید را به‌مدیریت رصد خانهٔ گرینویچ منصوب‌کرد ونیز باکمك همین شخص‌بود که توانست‌وسایل‌لازم رابرای رصدخانه فراهم‌آورد .

فلامستید از سال ۱۶۷۶ شروع به رصد ستارگان‌کرد چون تاآن روزمردم از فهرست‌تیکوبراهه‌برای رصدستارگان استفاده میکردند واین فهرست دیگر از مد افتاده بود همه با بی صبری منتظر انتشار فهرست او بودند .

بالاخره پس‌ازانتشارآثار خودوبعد ازسی سال مطالعه وفات یافت .


تجربهٔ فوکو

فوکو، لئون ، .Foucault .L (۱۸۱۹-۱۸۶۸م) :

«فوکو» در سال ۱۸۵۱ که سی‌ودو سال داشت‌از افکار «آراگو» الهام‌گرفت وبه‌تفکرات عمیقی دربارهٔ دانش مکانیك پرداخت وتجربهٔ جالب‌او در ابتدای‌سال ۱۸۵۱ درزیرطاق بلندووسیع «پانتئون» انجام‌گردید وآونگ مورد تجربه‌ازنخی تشکیل یافته بودکه ۶۷ متر طول‌داشت وگلوله‌ای بوزن ۲۸ کیلوگرام بانتهای آن آویخته بودند . برای اینکه تغییر مکان صفحهٔ‌نوسان معلوم باشد روی میزی شن ریخته بودند و سوزنی که بانتهای گلوله نصب شده بود ضمن عبور خراشی برصفحهٔ شن وارد میکرد . بعد ازآنکه گلوله را رها کردند ملاحظه شدکه این خراشها جای‌خودرا عوض‌میکنندومیزان انحراف مساوی یك‌درجه درهرپنج‌دقیقه است . این نتیجه در عین حال‌که وسیلهٔ تحقیق غیرقابل‌انکاری‌برای حرکت‌وضعی کرهٔ زمین بدست میدهد صحت قوانین مکانیك را نیز تأیید مینماید . او باخود گفت ، هرگاه فرفره را با سرعت نسبتاً زیاد به‌حرکت درآوریم محورآن‌همواره متوجه امتداد معینی میشود وبکمك این فکر « ژیروسکوپ » را اختراع کرد و چنانکه میدانیم این‌آلت در هروضع که قرارگیردهمواره همان‌وضع‌راحفظ‌میکند واین خاصیت در زیر دریاییها مورد استفاده‌واقع‌شدوقطب نمای«ژیروسکوپی» جانشین قطب‌نمای معمولی گردید .

«توضیح بیشتر درعلمای فیزیك.»

کاسینی ، ژان دومینیك دو . CASSINI (۱۶۲۵-۱۷۱۲م) :

در نزدیکی شهر نیس‌متولد شدودر سال ۱۶۵۰ در دانشگاه بولونی با مقام استاد نجوم جانشین‌کاوالیری شد .

وی‌بیشتر بارصادستارگان‌میپرداخت و درسال ۱۶۶۴ ، باحضور ملکه سوئد کریستین یکی از این ستارگان را رصد کردوبانهایت موفقیت‌خط‌سیرآنراپیش‌بینی و معین نمود «ملکه‌کریستین همان است‌که ازدکارت حمایت میکرد.»

کاسینی در سال۱۶۶۵ برای‌خسوف اقمار مشتری جداولی تهیه‌کردکه مورد استفادهٔ‌دریانوردان قرارگرفت.

کپلر ، ژان : Kepler .

در ۱۶ ماه مه ۱۵۷۱ درویل‌متولد شده بودوالدینش‌در دوك‌نشین‌باد،میخانهٔ کوچکی را اداره میکردند . وی‌اوقاتی راکه درمیخانهٔ پدرش‌کاری‌نداشت مجبور می‌شد به نگهداری حیوانات مشغول‌شود در سال ۱۵۸۴ مریض‌شد و چنین‌تشخیص دادندکه بکار مزرعه نمی‌خورد و او را به‌مدرسهٔ‌طلاب‌پروتستان فرستادنددرآنجا استعداد خود را نشان داد و بدانشگاه توبینگن اعزام شد درآنجا به ریاضیات توجه نمودو ازمحضر درس‌میشل‌موئسلن استفاده‌نمود ودرسال ۱۵۹۴ به‌سمت‌معلم ریاضیات‌مدرسهٔ شبانه روزی‌پروتستان در **گراتز** انتخاب‌گردید .

کپلر برخلاف کپرنیك زندگی رابه فقر و دریوزگی‌گذراند و سپس برخلاف میشل به نجوم پرداخت و اوقات سعد و نحس را معلوم می‌نمود و فقط‌گاهگاهی که فراغت می‌یافت به مطالعه وکاوش میپرداخت درنتیجه سی وپنجسال به‌رصد مشغول‌بود .

کوپرنیك، نیکولا COPERNIC (۱۴۷۳-۱۵۴۳م) :

درشهر«تورن»درلهستان‌چشم‌به‌جهان گشود وعمش قیم او شد و ویرا برای تحصیل‌به‌دانشگاه کراکودی فرستاد. اوبا شعف فوق‌العاده‌ای تمام دروس دانشگاه اعم ازهیئت و نجوم تانقاشی وعلم‌مناظر و مرایا را تعقیب‌کرد .

کوپرنیك در بیست وسه سالگی به ایتالیا رفت و در دانشگاه پاد بتحصیل طب پرداخت و درعین حال به‌تحصیل‌در رشتهٔ نجوم در دانشگاه بولونی اشتغال ورزید به‌مناسبت دارا بودن استعداد و بروز لیاقت به‌مدرسی دانشگاه نایل‌آمد ولی افسوس‌که عمویش او را احضارکرد و شغل کشیشی رسمی شهر را برایش در نظرگرفت .کوپرنیك‌درسال ۱۵۰۶ بآنجا بازگشت و تاآخر عمر در آنجا ماند و فقط مسافرتهای کوتاهی به توری و کراکودی میکرد . سپس دوران‌آرامش و استقلال در زندگانی او آغاز گشت و به‌معالجهٔ بیماران فقیر و دوستان خود پرداخت و چون ریاضی‌دان از معلومات خودبرای‌خدمت‌به‌کشورش‌استفاده‌مینمود چون منجم بوددرمقابل خانهٔ‌کوچك‌خود برجی برای رصدکواکب‌ترتیب داده‌بود اما چون در سواحل ویستول شبهاکمتر هوا صاف بود،کوپرنیك بجای آنکه در حرکت‌سیارات مطالعه‌کند ترجیح دادکه درآثار منجمین گذشته‌تفحص‌نماید.

در سال ۱۵۰۳ یا۱۵۰۴ با عقیدهٔ فیلولائوس وآریستارك موافق‌شد و قبول کردکه زمین در مدت ۲۴ ساعت یك‌بار به‌دور خود حرکت میکند ، وخورشید در مرکز کرهٔ سماوی ساکن است و زمین در مدت یکسال یك بار بدورآن حرکت میکند ، بعقیدهٔ او ستارگان نقاط درخشان‌ثابتی هستندوسیارات‌همگی مانند زمین‌بدورخورشید دوران‌میکنند.

مسلماً‌این‌کارجززنده‌کردن‌نظریه‌ای که هیجده قرن قبل از او اظهارشده‌بود چیز دیگری محسوب نمیشد و ازنوهمان



کوپرنیك



تابلوی سوگند گالیله



گالیله



لاکای



لالاند



لامبر

مشکلات سابق‌را پیش‌میآورد زیرا حرکات دورانی سیارات بدور خورشید باظواهر امر تطبیق نمیکرد پس کوپرنیك برای آنکه بتواند مابین این فرض و صورت ظاهر تطابق برقرار سازد ، همان روش بطلمیوس رادرپیش گرفت هیئت کوپرنیك نتوانست بهتر از بطلمیوس دلیل توقف و حرکت رجوعی سیارات راتوضیح دهد

گالیله ، گالیلئوگالیلـی (۱۵۶۴ ـ ۱۶۴۲ م) Galilée (g.g)

ایتالیایی است در شهرپیزا واقع‌در ایتالیاپای‌به‌عرصهٔ وجود نهادپدرش‌مردی مذهبی‌بودوازاین‌رواسم‌پسرش‌راگالیلی‌که ازکلمهٔ گالیلئو(این‌کلمه نام‌محلی‌است‌از فلسطین‌که عیسی‌مسیح درآن‌پای‌به‌عرصهٔ وجودگذاشته،مشتق‌می‌شود)نهادوقتی گالیله ۱۴ ساله بود پدرش را از دست داد و تکفل زندگی خانوادهٔ پرجمعیت خویش را برعهده‌گرفت . روزهاکار میکرد و شبها درس میخواند بطوریکـه در اندك مدتی در علوم نجوم ، ریاضی ، طبیعی‌و فلسفه معلومات فراوانـی کسب‌کرد . مردی حقیقت‌بین‌وحقیقت‌گو بودازاینرو همیشه میل داشت آنچه‌راکه به‌آن‌ایمان داشت بدون‌پرواب‌گوید و از ریا وتزویر بپرهیزد.

او در دوران جوانـی اختـراعات فراوانی‌کرد و همین اختراعات بود که او را بمقام استادی‌کرسی فیزیك ونجوم دانشگاه**پادوا** رسانید . مطالعه‌درقوانین پاندول ، جستجو و تحقیق در قوهٔ ثقل اجسام ـ اختراع ترازویی‌که بوسیلهٔ آن وزن‌مخصوص اجسام تعیین میشود وغیره از کارهـای او است و همچنین ماشین هیدرولیك را اختراع کرد کـه موجب شهرت اوگردید و سر وصدای زیادی‌در اروپای‌آنروز بوجودآورد . وی درسال ۱۶۰۹ یکی از بزرگتریـن اختراعات تاریخ را به بشر عرضه‌کرد وآن‌دوربین نجومی‌بود که‌بعدها به‌دوربین گالیله‌معروف گردیدکه دارای‌یك عدسی محدب و یك عدسی مقعر بود وگالیله برای اولین‌بار در تاریخ‌توانست‌بکمك دستگاهی که‌خود ساخته‌بود نقاط دور را تماشاکند. البته همزمان با او هلندیها دوربینـی نظیر دوربین گالیله‌ساختند ولی تصویری‌که‌در این قبیل دوربین‌ها تشکیل میشد به‌علت خطاهای فنی بسیار مات وناکامل بود .

و در سال ۱۶۱۰ توسط دوربین نجومی خویش کرهٔ ماه راتماشاکرد. وی اولین‌کسی‌بود که‌بادیدگان مسلح‌به‌تحقیق در احوال ستارگان پرداخت .

سه اکتشاف بزرگ نجومی او که‌در حقیقت‌جاودانی و تاریخی‌است عبارتست از : شرح مقیاس و وضع چرخش ستارهٔ زهره . مطالعه درحلقهٔ اطراف زحل که ثابت‌کرد ازتراکم‌گاز وبخارات‌شیمیایی است و مطالعه روی لکه‌های خورشید . وقتی‌کتاب معروف اوکه درحقیقت بحث روی‌عقایدکپرنیك،درمورد چرخش‌زمین وثابت بودن‌آفتاب بود ، درآمد غوغایی ناگفتنی‌بپاشد تاآنجاکه دولت‌آنراکه‌در رم‌طبع‌میشد سانسورکردوهنگامیکه‌کتاب «سخنانی چند دربارهٔ دوسیستم تحرك‌در کره زمین» بچاپ رسید ،آناً جمع آوری و خود او بدستورپاپ‌اعظم «اوبرانو» به رم‌خوانده شد تامحاکمه‌گردد . ودادگاه حکم تبعید او را صادرکرد .

وی درسن ۷۸ سالگی بدرودحیات گفت وآخرین‌جملاتش‌این‌بود : «فلسفه، درکتاب ضخیم و قطور طبیعت نوشته‌شده است . روی درختان ،گلهـا ، بـوته‌ها ، حیوانات ،آسمان‌وزمین و دریاهاجملاتی است‌پرمعنی‌ومفهوم، که‌میتوان‌بادیدهٔ بصیرت دید و آنها را ترجمه وتفسیر نمود.»

گینوزپ پیازی (۱۷۴۶ ـ ۱۸۲۶م) ریاضی دان ، منجم سویسی در اول ژانویهٔ سال ۱۸۰۱ به‌کشف سیارهٔ سرس (Ceres) که بین مریخ ومشتری‌بودموفق شد .

لاکای ، نیکلالویی LA CAILLE (۱۷۱۳ ـ ۱۷۶۲م)

منجم‌بزرگ فرانسوی‌پس‌ازمطالعات و تحقیقات بسیار با استدلال هندسی بس ساده‌ای اثبات نمودکه اگر دونفرناظر، یکی دربرلن ودیگری درردماغهٔ امیدنیك باشند می‌توان‌نتیجهٔ نجومی‌مطلوب‌درصد بدست آورد .

لذا خود بسوی کاپ وهمکارش‌لالاند بطرف برلن حرکت کـرد لاکای بعد از ۱۲۷ شب ، وضع بیش از ده هزارستاره رادرآسمان تعیین وطول‌قوسی ازنصف‌ـ النهاررا معین‌کرد ونقشهٔ ایل دوفرانس وجزایربوربون‌رافراهم‌ساخت‌وهنگامیکه باهمکارش دربازگشت ملاقات نمود حتی فاصلهٔ زمین‌تاماه را ۳۸۴۰۰۰ کیلومتر معین‌کرد .

لالاند ، ژوزف‌ژروم. LALANDE .J.J. (۱۷۳۲ ـ ۱۸۰۷م)

منجم فرانسوی دربارهٔ فرضیهٔ‌مربوط به سیارات‌وحرکات‌آنهاوبخصوص دربارهٔ عطارد (تیر)وستارگان‌دنباله‌دار تحقیقات فراوان‌کرده است .

لامبر، ژان هانری LAMBERT (۱۷۲۸ ـ ۱۷۷۷م)

صاحب افـکاری نو و بدیع بود از اکتشافات این دانشمند قضیه‌ایست که با آن مسیر ستارهٔ دنباله‌دار را می‌توان محاسبه کرد


لاپلاس


لوکییر


لووریه


نیوتون


لومتر


هالی

لاگرانژ ، ژوزف‌لویی .
به‌بخش ریاضی‌دانان مراجعه شود .

لاپلاس ، پیرسیمون (۱۷۴۹–۱۸۲۷م)
LAPLACE P.S

اولین‌مسالهٔ‌موردتوجه لاپلاس‌تعقیب کار «نیوتون» ریاضی‌دان و فیزیك‌دان انگلیسی‌بود زیرا نیوتون قانون اصلی مکانیك آسمانی را یـافته بود و لاپلاس میخواست این‌قانون را درمـورد اجسام منظومهٔ شمسی بکاربرد اوبه‌تعیین قوانین مکانیك‌سیارات اقدام‌کردتا نشان‌دهداین اجسام نیز مانند سایر اجسام تابع‌قوانین فیزیکی هستند .

لاپلاس این سؤال را مطرح‌کرد که آیا منظومهٔ شمسی ثبات دارد وبوضعی‌که داراست،می‌ماندیا بالاخره ماه روی‌زمین سقوط می‌کند و سیارات برجرم خورشید پرتاب شده ومعدوم می‌شوند ؟ «نیوتون» هم این سؤال را مطرح‌کرده بود وبه‌این نتیجه رسیده بود‌که باید گاهگاهی دست خداوند درکار آید و حرکات آنها را به جریان عادی بازگرداند . اما «لاپلاس» نتیجه‌گرفت که‌اگرچه وضع سیارات‌نسبت به‌خورشید تغییرمی‌کند، اما این تغییر تناوبی است نه اصلی .

«لاپلاس»اکتشافات خودرا درکتاب «مکانیك‌آسمان»منتشرکرداما چون‌مردم نفهمیدندکتاب ساده‌دیگری دراین‌زمینه نگاشت .

«لاپلاس» علاوه‌برنجوم درریاضیات استادی‌عالیقدربود ودربارهٔ‌انتشار امواج صوتی مطالعاتی‌کرد . از مهمترین آثار او «تئوری تحلیلی‌احتمالات»است .

آخرین جمله‌ای‌که هنگام مرگ‌بر زبان راند این بود «آنچه میدانم‌بسیار ناچیز وآنچه‌نمی‌دانم‌بسیار عظیم ووسیع است» .

فرضیهٔ‌لاپلاس‌دربارهٔ‌تشکیل و گردش منظومهٔ شمسی معروف است .

لوکییر ، نورمان LOCKYER (۱۸۳۶ – ۱۹۲۰م)

درروگبی‌متولدشد ؛دربیست سالگی هنوز عضو حقیـری در وزارت جنگ انگلستان بود . اولین اثرومطالعهٔ اودر بارهٔ تجزیهٔ طیفی نور خورشید بودکه‌از طرف جامعهٔ‌پادشاهی درسال۱۸۶۶منتشر شد ؛ لوکییرهلیوم‌راکشف‌کرددر۱۸۷۹ رصدخانهٔ‌فیزیك‌خورشیدرادرکنسینگتون‌جنوبی تأسیس ومدت چهل سال درآنجا کارکرد واثربیمانند خود را بنام«تکامل غیر آلی» انتشار داد . «لوکییر» یك رصدخانهٔ شخصی برای خودترتیب‌دادوتا آخر عمر درآن‌مشغول‌کاربود .

لووریه LE VERRIER (۱۸۱۱ – ۱۸۷۷م)

به‌تحقیق‌وبررسی‌درباب‌بی‌نظمی‌های حرکات اورانوس پرداخت ابتداپنداشت که باعث این بی‌نظمی‌ها زحل ومشتری است اما با محاسبات و بررسی‌های‌دقیق دریافت‌که بایستی ستاره‌ای وجود داشته باشد و چون‌تلکسوپ‌قوی نداشت درسال ۱۸۴۶ به متصدی‌تلسکوپ آلمان نوشت که در ۳۲۶ درجه و ۳۱ دقیقه‌ستاره‌ای وجود دارد متصدی رصدخانهٔ‌آلمان‌بایك درجه اختلاف ستاره‌ای راکه لووریه با محاسبات‌کشف‌نمودتأیید‌نمودسیارهٔ‌مزبور نپتون نام‌گرفت .

لومتر ژرژ LEMAÎTRE (متولد ۱۸۹۴م)

کشیش‌گمنامی‌بودکه‌بجهت‌نظریه‌ایکه ابتدا در سالنامهٔ جامعهٔ علمی بروکسل ابراز داشت بعنوان شجاعترین مـرد جهان علم شهرت‌یافت.وی درسال۱۹۳۱ تئوری خود را با تشریفـات « به‌جامعهٔ بریتانیایی برای پیشرفت علوم » تقدیم کرد با این نظریه : دیگر جهان، یعنی ملیونها‌سحابی‌که‌دردنیای‌منحنی اینشتاین جای داشتند صورت ظاهر دستگاه ساکن راازدست داد و بصورت توپی درآمدکه هردم درآن‌میدمند سرعت انبساط بحدی است‌که شعاع‌آن در مدت دو ملیارد سال دوبرابر میشود.

لویت ، میس Leevitt

در رصدخانهٔ «هاروارد»آمریکادر سال ۱۹۱۲ ثابت‌کردکه روشنایی مطلق ستارگان‌متغیریکنوع‌رابطهٔ عددی‌بادورهٔ تغییر نورشان دارد.

نیوتون .NEWTON I (۱۶۴۲–۱۷۲۷م)
به علمای فیزیك مراجعه‌شود.

ولف ، ماکس ، M . Wolfe (۱۸۶۳ – ۱۹۳۲م)
سیارات صغار راکشف‌کرد .

هالی ، ادموند Halley (۱۶۵۶ – ۱۷۴۲ م)

از مشهورترین منجمین‌انگلیسی‌آن دوست صمیمی نیوتون بـودکه از سال ۱۷۱۹ جانشین فلامستید‌گردید. ما باید نسبت به‌هالی‌ازدوجهت قدر شناس باشیم :

اولاازلحاظ اکتشافات درخشانی‌که خود او در علم نجوم انجام داد. دوم از لحاظ‌کوشش‌وفعالیتی‌که‌بکاربرد‌تا‌توانست نیوتون رابنوشتن‌کتاب اصول وادارسازد هنگامیکه چارلز دوم اورا وادارکردکه به‌جزیرهٔ‌سنت‌هلن‌برودوفهرستی‌ازستارگان نیمکرهٔ جنوبی تشکیل دهدجوان‌بیست‌ساله‌ای‌بیش‌نبوداما در مراجعت از آنجا آنقدر شهرت پیداکرده بـودکه هوك و هولیوس اورا به‌سمت حکم‌دربارهٔ‌اختلافی که داشتند معین‌کردند.

کشف بزرگ‌دیگراوستارهٔ‌دنباله‌دار هالی است‌کـه در هر ۷۶ سال یکبار در آسمان ظاهر میشود .

هراکلید Heraclide
فلاسفهٔ خارجی راببینید .

هرشل ، ویلیام HERSCHEL (۱۷۳۸ – ۱۸۲۲ م)

هرشل‌کاشف اعماق آسمان‌درها‌نوور ازمتصرفات انگلیس به‌دنیاآمد برحسب اتفاق‌به‌نجوم علاقمند شد ومباحث مربوط به نور وریاضیات‌را باکوشش زیاددنبال کرد .دیدارجهان‌ستارگان هرشل‌رابشوق آورد.درخانهٔ‌خودموفق‌به‌ساختن‌تلسکوپی گردیدکه فاصلهٔ‌کانونی‌آن۳۹پاوقطرآیینه‌اش ۱۴۷ سانتیمتر ووزن‌آن‌درحدود۱۰۰۰ کیلوگرم بود .

از سال۱۷۸۱موفق‌به رصدستاره‌ای شد کـه خـواص ستارگان نوع خود را نداشت .

هرشل از کاشفین معروف است ، و باکشف « اورانوس » دستگاه شمسی را که‌اززمان‌قدیم محدود به‌زحل‌می‌دانستند وسعت داد .

پس از چنـدی اعـلام کردکه همهٔ ستارگان‌ازجمله خورشیدجزوکهکشان‌ما (تودهٔ آسمانی)است. «شکل‌درصفحهٔ‌بعد»

هندریك اوئورت (ژان)

استاد دانشگاه‌لیدباهمکاری‌دانشمند سوئدی مدیر رصدخانهٔ استکهلم در سال ۱۹۲۵ کشف‌کردندکه‌کهکشان بدورخود میچرخد و طول یك‌دور گردش آن ۲۰۰ ملیون سال است وحجم‌کهکشان را۱۶۵ ملیارد برابر جرم خورشید پنداشتند .

هوبل ،ادون، پاول HUBBLE (۱۸۸۹– ۱۹۵۳م)

منجم شهیر که در سال **۱۹۲۴** ثابت کرد که تمام سحابی‌های خارج از کهکشان، اجتماع ملیاردها ستاره میباشند و نشان داد که هریك از این سحابی‌ها، کهکشان مستقلی هستند و توانست فاصلهٔ برخی از آنها را از زمین معین کند و این فواصل از هشتصد هزار سال نوری برای نزدیکترین آنها (سحابی صورت امرأة‌المسلسله) شروع و تا پانصد ملیون سال برای دورترین آنها میرسید بالاخره در سال **۱۹۲۹** توانست نمود حیرت آوری را واضح کند.

در سال **۱۹۱۲** (وستوملون سلیفر) مدیر رصدخانهٔ (لاول) ثابت کرد که طیف بسیاری از سحابی‌های مارپیچی بطرف قرمز تغییر مکان میدهد وچنین اظهار نظر کرد که این اجسام آسمانی از ما میگریزند. این فرار اسرارآمیز جلب توجه «هوبل» را نمود وخود نیز شروع به جمع آوری ده‌ها طیف از سحابیهای مارپیچی کرد و اعلام داشت که سحابیهای مارپیچی همگی از یکدیگر فرار میکنند و سرعت این فرار متناسب با فاصلهٔ آنها از یکدیگر میباشد.

هولیوس، زان Hevelius (۱۶۱۱ — ۱۶۸۷ م)

اهل دانزیك بود و نقشه‌ای از ماه تهیه کرد، از بهترین نظاره کنندگان آسمان بود که در اهلهٔ عطارد مطالعه وسحابی صورت **قوس** راکشف کرده بود و شروع به تهیهٔ فهرستی از ستارگان نمود. امامتأسفانه بخت و اقبال درستی نداشت ورصدخانه‌اش مورد حریق سهمناکی واقع شد ودانشمند بیچاره در نهایت ناامیدی جان‌داد.

هیپارك، ابرخس Hipparque

درحدود ۱۲۶ تا ۱۶۱ قبل ازمیلاد در **رودز** به‌دنیا آمده است.

او طول ماه‌قمری را (۲۹ روز ۱۲ ساعت و ۴۴ دقیقه و ۲٫۵ ثانیه) معین کرد. و سال نجومی را (۳۶۵ روز و ۶ ساعت ۱۰ دقیقه) محاسبه نمود.

هیپارك از مثلثات استفاده می‌کرد او را باید کاشف ستارهٔ جدید یا **نوو** دانست جمع ستارگان آسمان را ۱۸۰۰ دانست و ستارگان را از نظر روشنایی به‌شش‌قدر تقسیم کرد و این تقسیم بندی امروزه نیز معمول است.

او حرکت **تقدیم اعتدالین** یا رقص محوری را شناخت.

چند کتاب نجومی

اندازه‌گیری زمان پروفسور زاولسکی، ترجمهٔ مهدی تجلی‌پور.
امثلة‌الاعمال‌النجومیه: علی بن زید بیهقی.
انسان و کیهان: شارل نوئل مارتان، ترجمهٔ مهرداد رهسپار.
اصول علم هیئت: رضا نجمی تبریزی.
التفهیم: ابوریحان بیرونی.
الصورالسمائیه: عبدالرحمن صوفی.
بدایة‌النجوم درهیئت جدید: حاج میرزا عبدالنفار اصفهانی.
بیان‌النجوم: شرف‌الدین تفلیسی.
بیست باب در معرفت تقویم: ملاعبدالعلی بیرجندی.
تذکرهٔ نصیریه: خواجه نصیرطوسی.
تسخیرفضا: دکتر کشی افشار.
تشریح الکواکب: محمد مهدی بن جعفر.
جداول طلوع وغروب: محمدمسیح‌الدین‌خان بهادر کاکوروی.
جواهرالحدایق درعلم هیئت: عبداللطیف محیی‌الدین.
حدایق النجوم (۲ جلد): دبیرالملك هوشیار جنگ.
حسن‌المآب در هیئت جدید: میرزا محمود‌خان‌قمی.
خلاصهٔ هاشمی: هاشمشاه.
خورشید منبع انرژی و حیات: کوك، گوردون، ترجمهٔ محسن جاویدان.
درجوزة‌العبدالرحمن: عبدالرحمن صوفی.
دورهٔ اول علم هیئت: محمدعلی میرزا.
رساله در تسخیر کواکب: حمیدالدین ابومعین ناصرخسروقبادیانی مروزی.
رساله‌درهیئت: ملاعلی قوشچی.
رساله‌درهیئت: ترجمهٔ میرزا محمودخان.
رساله‌درهیئت‌جدید: فلاماریون، ترجمهٔ طالب‌اف به اهتمام جلال‌الدین طهرانی.
زندگی درسیارات دیگر: شخوف، ترجمهٔ عباسقلی جلی.
زیج سلطانی گورکانی یازیج الغ بیگی: میرزا الغ بیك گورکان.
ساکنان کهکشان: رابرت‌هارت‌لاین، ترجمهٔ محمود مصاحب.
سفر به کرهٔ ماه و پایگاه در کرهٔ ماه: نفیوو—چستر، ترجمهٔ مهین حصیبی.
سیارهٔ زمین: هارولدئی‌یورمی (ودیگران) ترجمهٔ رضا اقصی.
شرح بیست باب درمعرفت تقویم: ملامظفر محمدقاسم جنابذی.
شرح تشریح الافلاك: مولوی عصمت‌الله سهارنپوری.
شرح‌سی‌فصل درمعرفت تقویم: شرح میرزا عبدالعلی جاوجانی.
فضانوردی: دکتر علی‌اصغر آزاد.
کیهان‌شناخت: قطان‌مروزی.
ماه‌مصنوعی: جان لولین، ترجمهٔ احمد‌آرام.
مبدأ زمین و سیارات: لوین بوریس، ترجمهٔ فضل‌الله فروتن.
مجمل‌الاصول: اثر کوشیار گیلانی.
معرفت تقویم. میرزا عبدالعلی جاوجانی.
نجوم: ازپاتریك‌مور ترجمهٔ مسعود نعمتی.
نجوم به‌زبان ساده: دکتر عباس ریاضی کرمانی.
نجوم‌السماء: محمدصادق بن مهدی.
هیئت. رضانجمی تبریزی.
هیئت. دکتر عباس ریاضی به مشارکت سینا.



هرشل



هوبل



هیپارك



تاریخ کیهان نوردی

آرزوی بشر همواره این بود که مانند مرغان سبکبال برفراز ابرها به پرواز درآید این آرزو برای پیمودن ماوراءجو با وسایل کیهان‌نوردی در ۱۲ آوریل ۱۹۶۱ آغاز گردید وبرای اولین بار از کشور شورویسرگرد ۲۷ ساله‌ای بنام «یوری الکسیویچ گاگارین» روانهٔ فضا گردید ویس از گذشت ۱۰۸ دقیقه

سالم به‌زمین بازگردید .

اقدامات اساسی در زمینهٔ پرواز به آسمانها ابتداء به‌وسیلهٔ بالونها انجام گرفت . برادران «مونگلفیه» توانستند با پر کردن‌هوای گرم در بالونهای‌پارچه‌ای تا ارتفاع ۱۰۰۰ مترآنرا به‌هوا بفرستند بعد ژاك شارل به‌كمك «آن ژان روبر» بجای هوای‌گرم‌با استفاده‌ازگازهیدروژن این عمل را انجام دادند .

برای اولین بار در۱۹ سپتامبر ۱۷۸۳ یك گوسفند ویك مرغابی ویك خروس را باروش برادران مونگلفیه‌به هوافرستادندو۲۱ نوامبر ۱۷۸۳«پیلاتر دوروزیه»ودوستش«مار کی‌دارلاند» به‌وسیلهٔ بالون به‌فضارفتند .

پس‌ازچندسال‌هواپیمااختراع شد و برادران«رایت» توانستند باسرعت کم‌در زمان کوتاه پرواز نمایند پس ازگذشت ۳۶ سال ساختمان هواپیما ترقی بسیار کرد بطوریکه سرعت آن به‌سرعت‌صوت رسید وعلاقهٔ‌مردم به پرواز وسفر درفضا افزایش یافت‌مطالعات‌در امر فضانوردی با درنظر گرفتن تجربهٔ پروازهای قبلی مرتباً اصلاح شد و نتایج علمی زیاد در باب فضا وچگونگی سرما وگرما ووقوع طوفانهاومیدان‌مغناطیسی‌بدست‌آمدرفته‌رفته باساختن وپرتاب موشك و قمرهای مصنوعی فصل تازه‌ای در امر فضانوردی وکیهان شناسی‌بوجود آمد . برای‌تعلیم وتربیت فضانوردان وآشنا کردن‌آنها به ستاره‌شناسی ، ژئوفیزیك ، زیست شناسی طب‌کیهانی‌آزمایش‌های مختلف بادرنظر گرفتن شرایط فضا درزمین انجام‌گرفت.

فضانوردان



بالون‌شارل‌روبرت



بالون‌شارل



بالون‌مونگلفیه

آمارفضانوردی

	نام	ملیت	مدت پرواز	نام‌سفینه	تاریخ پرواز	دورها
ردیف	گاگارین ؛ یوری	شوروی	۱ساعت و۴۸ دقیقه	وستوك I	۱۲آوریل ۱۹۶۱	
۱	تیتوف	شوروی	۲۵ساعت‌و۱۸دقیقه	وستوك II	۱۶ اوت ۱۹۶۱	
۲	گلن ، جان	آمریکا	۴ ساعت و۵۵ دقیقه	دوستی VII	۲۰ فوریه ۱۹۶۲	۳ دور
۳	کارپنتر	آمریکا	۴ساعت ۲۲ دقیقه	طلوع VII	۲۴ مه ۱۹۶۲	۳ دور
۴	نیکلایف، اندریان	شوروی	۹ ساعت ۲۲ دقیقه	وستوك III	۱۱ اوت ۱۹۶۲	
۶	پوپویچ	شوروی	۷۰ ساعت و۵۷دقیقه	وستوك IV	۱۳ اکتبر۱۹۶۲	
۷	شیرا، والتر	آمریکا	۹ ساعت و ۵۷ دقیقه	سیگما VII	۳ اکتبر ۱۹۶۲	۶ دور
۸	کوپر، گوردون	آمریکا	۳۴ ساعت و ۲۰دقیقه	ایمان VII	۱۵ مه ۱۹۶۳	۲۲دور
۹	بیکوفسکی،والری	شوروی	۱۱۹ ساعت و ۶ دقیقه	وستوك V	۱۴ ژوئن ۱۹۶۳	
۱۰	ترشکوا ، والنتینا	شوروی	۷۰ ساعت و۵۰ دقیقه	وستوك VI	۱۶ ژوئن ۱۹۶۳	
۱۱	فئوکیتستوف	شوروی	۷۰ ساعت و۵۰ دقیقه	وستوك VI	۱۶ ژوئن ۱۹۶۳	
۱۲	کوماروف	شوروی	۷۰ ساعت و۵۰ دقیقه	وسخود I	۱۲ اکتبر۱۸۶۴	
۱۳	یگوروف	شوروی	۷۰ ساعت و۵۰ دقیقه	وسخود I	۱۲ اکتبر۱۹۶۴	
۱۴	بلیانف	شوروی	۲۶ ساعت و ۲ دقیقه	وسخود II	۱۸ مارس ۱۹۶۵	
۱۵	لئونف	شوروی	۲۶ ساعت و ۲ دقیقه	وسخود II	۱۸ مارس ۱۹۶۵	
۱۶	گریسام ، ویرجیل	آمریکا	۴ ساعت و ۵۳ دقیقه	جمینی III	۲۳ مارس ۱۹۶۵	۳ دور
۱۷	یانك	آمریکا	۴ ساعت و ۵۳ دقیقه	جمینی III	۲۳ مارس ۱۹۶۵	۳ دور
۱۸	مك‌دیویت ، جمس	آمریکا	۹۷ ساعت و ۴۸ دقیقه	جمینی IV	۳ ژوئن ۱۹۶۵	۶۲دور
۱۹	وایت ، ادوارد	آمریکا	۹۷ ساعت و ۴۸ دقیقه	جمینی IV	۳ ژوئن ۱۹۶۵	۶۲دور
۲۰	کوپر ، گوردون	آمریکا	۱۹۱ ساعت و ۳۲ دقیقه	جمینی V	۲۱ اوت ۱۹۶۵	۱۲۱دور
۲۱	کنراد، چارلز	آمریکا	۱۹۱ ساعت و ۱۷دقیقه	جمینی V	۲۱ اوت ۱۹۶۵	۱۲۱دور
۲۲	بورمن ، فرانك	آمریکا	۳۳۶ ساعت و ۱۷ دقیقه	جمینی VII	دسامبر ۱۹۶۵	
۲۳	لاول ،جیمز	آمریکا	۳۳۶ ساعت و ۱۷ دقیقه	جمینی VII	دسامبر ۱۹۶۵	۲۰۶دور
۲۴	شیرا، والتر	آمریکا	۴۹ ساعت	جمینی VI	۱۵دسامبر ۱۹۶۵	
۲۵	استافورد ، تامس	آمریکا	۴۹ ساعت	جمینی VI	۱۵دسامبر ۱۸۶۵	

خبری چند

اسپوتینگ اول Spouting I

در چهارم اکتبر ۱۹۵۸ ، از کشور شوروی ، به‌وزن ۸۳/۶ کیلوگرم پس‌از ۹۶/۳۷ دور گردش درحالیکه حداکثر فاصلهٔ آن ۹۴۷ وحداقل ۲۲۷ کیلومتر اززمین بود درچهارم‌ژانویهٔ ۱۹۵۸ متلاشی شد .

اسپوتینگ دوم Spouting II

درسوم‌نوامبر ۱۹۵۷ ازکشورشوروی باوزن ۵۰۸/۳ کیلوگرم‌پس‌از ۱۰۳/۷۴ دورگردش‌به‌دورزمین درحالیکه‌حداکثر فاصلهٔ‌آن ۱۶۷۱ وحداقل ۲۲۵ کیلومتر اززمین‌فاصله داشت در۱۳ آوریل ۱۹۵۸ متلاشی شد .

اسپوتینگ سوم Spouting III

در۱۵ مه ۱۹۵۸ از روسیه پرواز کرد،وزن‌آن ۱۳۲۷ کیلوگرم وحداکثر فاصلهٔ‌آن ۱۸۸۰ وحداقل فاصله‌اش از زمین ۲۲۵ کیلومتر بوده است .

اطلس Atlas

در۱۸ دسامبر ۱۹۵۸ ازآمریکابه فضا رفت وزن آن ۴۰۰۰/ کیلوگرم و حداکثر فاصله‌اش‌اززمین/ ۱۰۰۰ کیلو- متر وحداقل ۱۸۸ کیلو متر بود، ودر ۲۲ ژانویهٔ ۱۹۵۹ متلاشی شد .

تماس باکرات دیگر :

درفروردین ۱۳۴۴ تاس خبرگزاری رسمی شوروی اعلام‌کرد :

دانشمندان شوروی ، امواج الکترونیکی‌مرموزی‌راکه متعلق‌به‌جهان دیگر است ضبط کرده‌اند ، واین امواج را باید تلاش کرات دیگر در برقراری تماس باجهان بیکران دانست .

موشك شوروی در ماه منهدم شد :

در اردیبهشت ۱۳۴۴ ، ماه پنجم، برخلاف برنامهٔ پیش‌بینی شده ، درسطح ماه به‌آرامی فرود نیامد ، بلکه‌درمحل دریای ابرهاسقوط کردولی تاقبل از انهدام خبرهای جالبی به زمین مخابره کرده است .

سفینهٔ‌شوروی برسطح ماه نشست.

در بهمن ماه ۱۳۴۴ ، لونای-۹، بسوی ماه پرتاب‌شد ، بعداز انهدام‌چهار سفینه، برای اولین بار لونای -۹ آرام برسطح‌ماه‌فرودآمد.عکس‌های‌زیادی‌توسط لونای نهم مخابره شده است .

لونای ۱۰ :

روز ۱۵ فروردینماه ۱۳۴۵ لونای ۱۰ درمدار ماه قرارگرفت .

سفینه در زهره:

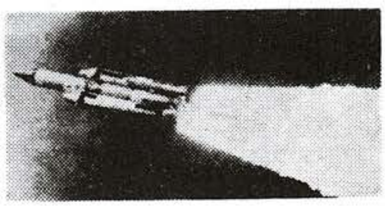
دراسفندماه ۱۳۴۴ ، یك سفینهٔ‌فضایی یك تنی برسیارهٔ‌زهره‌که سطح‌آن‌پوشیده از برف است فرود آمدوعلامت دولتی شوروی رادرآنجا مستقرنمود .

این سفینه ، ونوس -۳، نام دارد و فاصلهٔ زمین تازهره ۳۸ ملیون کیلومتر را درمدت سه‌ماه‌ونیم‌پیموده است .

عکسبرداری ازکرهٔ مریخ .

در تیر ماه ۱۳۴۴ ، سرانجام، ماه مصنوعی ، مارینر-۴ آمریکا پس از طی ۵۴۰ کیلومتر مسافت، ۲۱ عکس‌ازکرهٔ مریخ‌گرفته و به‌زمین مخابره‌کرد و این نخستین‌عکسهایی است که‌بشرازکرهٔ‌مریخ دارد .

تیتان - ۳

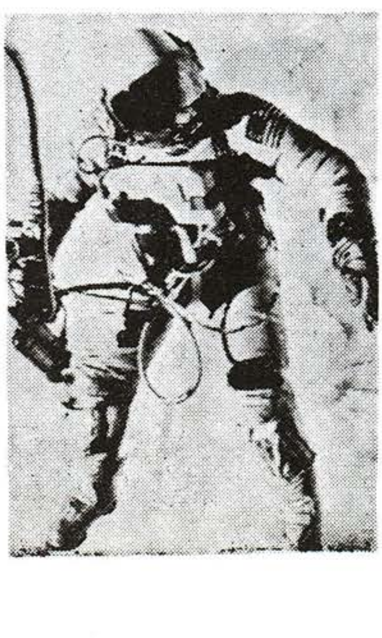


دردیماه ۱۳۴۴ نیرومندترین‌موشك آمریکا ، چهار قمر مصنوعی را با هم بفضا برد .

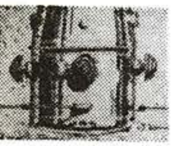
مشتی خاك.

در ۲۹ تیرماه ۱۳۴۵ فضانورد آمریکایی جعبهٔ غبارفضایی رابدست آورد .

پرش فضایی .



در سوم‌ژوئن ۱۹۶۵ ،ادواردوایت فضانوردآمریکایی طی پرواز فضایی‌خود ازسفینهٔ جمینی درآمد و به‌عنوان‌دومین فردی‌که در فضا شناور شد ، ۲۰ دقیقه بیرون‌ماند، درحالیکه بایك رشته‌طلایی به‌سفینه مربوط‌بود . این سرگرد۳۴ساله نیروی‌هوایی‌آمریکا، ۲۴۰ کیلومترمسافت روی اقیانوس آرام را درفضابود .



لونای ده

پرواز موفقیت آمیز دو فضا نورد آمریکایی :

در ۲۳ مارس ۱۹۶۵ ، سفینهٔ فضایی«جمینی»حامل‌دوفضانوردآمریکایی به نامهای ، ویرجیل‌گریسام وجان‌یانك به‌وسیلهٔ موشك عظیم تیتان به‌فضاپرتاب

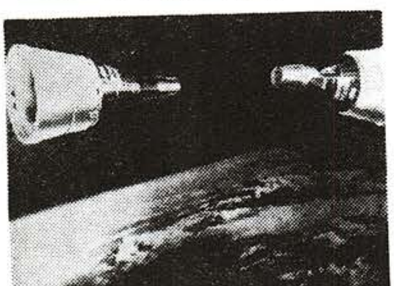


شدند ، در مداری‌باحداکثر فاصله ۲۲۵ کیلومتر وحداقل ۱۶۰ کیلومتربه‌گردش دورزمین پرداختند .

دیسکووریه اول Discovrier I

در ۲۸ فوریهٔ ۱۹۵۹ ازآمریکابه فضا رفت، وزن‌آن ۵۸۹/۷ کیلوگرم‌بود.

ملاقات تاریخی‌جمینی ۶ و ۷ درفضا.

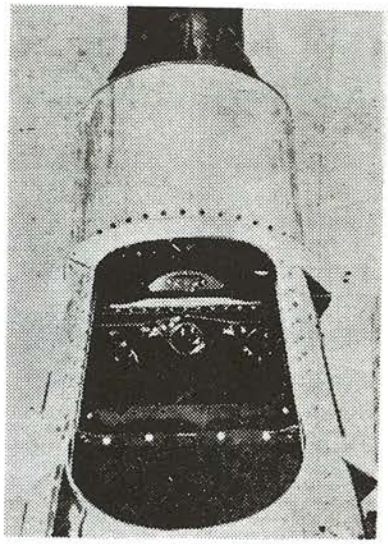


دراسفند ماه‌یکهزاروسیصد وچهل‌وچهار جمینی ۸ آمریکا به سرنشینی ، دیوید اسکات ، ونیل‌آرمسترونك ،درمدارزمین به سفینهٔ بدون سرنشین ، آجنا ، ملحق گردید .

نیرومندترین ماه مصنوعی .

در ۳۰ ژانویهٔ ۱۹۶۳ ، یکی از

بزرگترین موشکهای آمریکا به‌فضا پرتاب شد ، این موشك ساتورن ــ ۱ نـامیده می‌شود .



زنی در فضا .



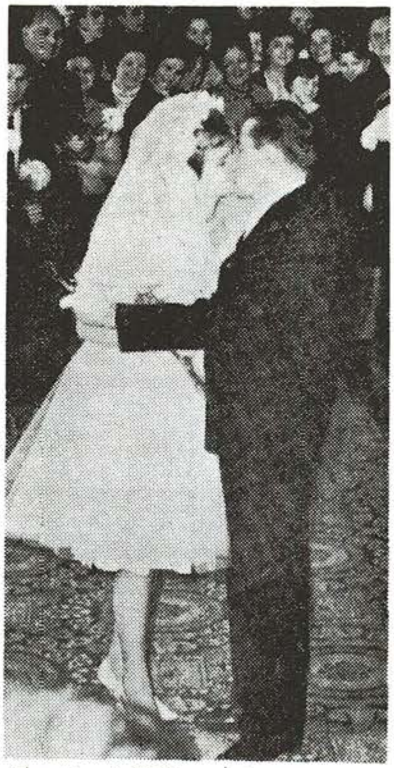
دوشیزه والنتینا ترشکوا ، ۲۴ ساله، برای نخستین بار درطول تاریخ باوستوك ششم به فضا رفت ، مداری که وستوك ششم طی می‌کرد ، حداکثر ۲۳۳ کیلومتر از زمین فاصله می‌گرفت و حداقل مدارش ۱۸۳ کیلو متر بود .

اتوبوس فضایی :



روز ۱۴ آبـانماه ۱۳۴۵ ، اولین اتوبوس‌فضایی آمریکا با سه قمرمصنوعی پرتاب شد .

ازدواج دوفضا نورد .



در سوم نوامبر ۱۹۶۳ ، اندریان نیکلایفو والنتینا ترشکوا قبل از ظهر مسکو، در کاخ‌ازدواج‌دفتر ازدواج راامضاء کردند .

فضانوردان مقتول آمریکایی:



ویرجیل گـریسام ، راجـر شفی ، ادوارد وایت ، سه‌فضا نورد آمریکایی‌در حادثهٔ فضایی‌هشتم بهمن‌ماه ۱۳۴۵ کشته شدند .

فرانسه و ماه مصنوعی .

برای اولین بار، درآذرماه۱۳۴۴ ماه مصنوعی‌فرانسه ازپایگاه‌فضایی‌صحرا (داماگوئیس) به‌فضا پرتاب شد . موشك سه‌طبقه‌ای الماس بطول ۱۹ متر و وزن ۱۸٫۴ تن. این‌موشك‌ماه‌مصنوعی(A-1) راروی مدار قرارداد.

کاشف اول Explorer I

در ۳۱ ژانویهٔ ۱۹۵۸ از آمریکا پروازکرد، این‌قمر که ۱۴ کیلوگرم‌وزن داشت درحالیکه حداکثر فاصلهٔ آن تا زمین۲۵۳۶ و حداقل ۳۶۰ کیلومتر بود پس‌از۹۵٫۱۱۴ گردش به‌دور زمین و۵ سال متلاشی شد .

کاشف سوم Explorer III

در۲۶ مارس۱۹۵۸ ازآمریکاپرواز کرد. این‌قمر به‌وزن۱۴ کیلوگرم، ۷٫۱۱۵ دور به‌دورزمین گردیددرحالیکه‌حداکثر فاصله‌اش۲۸۰۰ وحداقل ۲۰۰ کیلومتر از زمین بود در ژوئن ۱۹۵۸ متلاشی شد .

کاشف چهارم Explorer IV

در ۲۶ ژوئیهٔ ۱۹۵۸ از آمریکا پروازکرد وزن آن ۱۶٫۱ کیلوگرم و حداکثرفاصله‌اش۲۱۸۸ وحداقل‌فاصله‌اش ۲۸۳ کیلومتر است و چندین سال است همچنان‌به گردش مشغول است .

وانگارد اول Vanguard I

در۱۷مارس ۱۹۵۸ ازکشورآمریکا پروازکرداین‌قمر۴۶ کیلوگرم‌وزن‌داشت درحالیکه‌حداکثرفاصلهٔ آن‌بازمین۳۶۱۴ کیلومتروحداقل. فاصله‌اش۶۴۰ کیلومتر است و پیش‌بینی کرده‌اند۲۰۰ سال‌درفضا خواهد بود .

وانگارد دوم Vanguard II

در ۱۷ فوریهٔ ۱۹۵۹ از آمـریکا پرواز ، وزن‌آن۹٫۶ کیلوگرم‌وحداکثر ۳۳۳۸ و حـداقـل ۶۲۸ کیلـومتر از زمین فاصله داشته‌است وعمرآنرا ۱۵۰ سال تخمین زده‌اند.

آپولوی ۸

در ۲۱ دسامبر ۱۹۶۸ مـوشـك ساتـرن ۵ به فرمانـدهـی **بورمن ودو** فضانـورد : دیگـر آمـریکایی از کیپ‌کندی (فلوریدا) به‌مدار ماه روانه شد و ۱۰ بـار به دور مـاه گشت و در ۲۷ دسامبر به زمین بازگشت .

از تاریخ چاپ بخش فضا و فضانوردی ، بااینکه زمان کوتاهی می‌گذرد ، دانش فضا دچار تحولاتی شگرف شده و پیشرفت هایی عظیم کرده است ، از جمله آنکه انسان به‌کرهٔ ماه قدم‌گذاشت و خاك آن را از نزدیك لمس کرد و جیپ مه نورد شوروی سطح ماه را در نوردید ؛ به این‌جهت این متمم اضافه گردیده است .

خلاصه‌ای از جریان حرکت آپولو ۱۱

جزیرهٔ مریت با ۸ سال صرف وقت ویك میلیارد دولار پول به مرکز فضایی جان‌اف ـ کندی تبدیل شد . در وسط این جزیره سکوی پرتاب ۳۹ قراردارد که فضای آن‌بزرگترین فضای سرپوشیده جهان است. بطوری‌که اگرشب‌ها درهای آن را باز بگذارند ابرها سقف آن را می‌پوشاند ، این آشیانهٔ ۱۶۰ متری ۱۰۹ ملیون دولار هزینه برداشته‌است.

نخستین طبقهٔ موشك ساترن ـ ۵ ویژه آپولو ۱۱، ۱۰ مترقطرو۴۲ متر طول داشت ، وزن آن ۱۳۰ تن بود . ولی وقتی از مواد سوختی اکسیژن مایع و نفت سفید پر شد به ۲۲۶۵ تن‌رسید .

طبقهٔ دوم موشك ۱۰ متر قطر و ۲۵ متر درازا و ۳۶ تن وزن داشت که پس از پرشدن باسوخت ئیدروژن و اکسیژن مایع وزن آن به ۴۵۳ تن بالغ‌گردید . ۵ موتور طبقهٔ دوم موشك بیش از۴۵۳ هزار کیلوگرم‌وزن داشت.

طبقهٔ سوم، قریب ۷ متر قطر و۱۸ مترطول‌داشت،وزن‌خالص آن۱۲ تن بود که پس‌از سوختگیری با اکسیژن مایع و ئیدروژن وزن آن به۱۱۸ تن رسید. در این طبقه یك موتور قابل روشن و خاموش‌کردن وجود داشت که ۹۳۰۰۰ کیلوگرم‌کشش داشت .

طبقات‌موشك بر روی هم قرارداده و جفت شدند. سپس معاینات نهایی موشك بطور کامل آغاز شد . در این وقت دستگاه آمادهٔ پذیرفتن سفینه (آپولو) شد . خود آپولو از سه قسمت تشکیل‌شده بود: فرمان ،کپسول سرویس و کپسول ماه نشین . کپسول فرمان ، تنها قسمتی بودکه به‌زمین باز می‌گشت . فرمان خودبه سه‌قسمت مجزا بود؛ قسمت جلو، قسمت سرنشینان و قسمت عقب .

در تمام‌مراحل قاعده‌کپسول‌فرمان به سمت پایین بود و در جانبی سفینه پشت سرنشینان قرار داشت که بر روی تخت خوابهایشان دراز کشیده بودند . در هنگام خواب فضانوردان به‌کیسه‌های خواب بسته می‌شدند تا به‌اطراف پرتاب نشوند .

فضانوردان در آغاز پرتاب از مخلوطی از هوا تنفس می‌کنند ولی‌کم‌کم جای این‌هوای مخلوط را اکسیژن‌خالص می‌گیرد . درجه حرارت درون‌کابین ۲۴ درجه سانتی‌گراد است. افراد می‌توانند بدون لباس فضایی در کابین استراحت کنند ، جدار‌کپسول فرمان دولایه است، که بین آنهارا عایق های فیبرمانند پر می‌سازد . حرارت پوشش محافظ ممکن است‌تا ۶۵۰درجه سانتی‌گراد بالابرود. قسمت‌سرنشینان۶مترمکعب‌حجم‌دارددراین قسمت‌فرمان‌های‌سفینه،عقربه‌ها،درجه‌های نمایشگر وضع‌پرواز و تختهای‌سرنشینان وچند قفسه برای ادوات‌لازم قراردارد. درجانبی سفینه برای ورود و خروج در جلو به منظور رفت و آمد به کپسول ماه نشین‌مورد استفاده است . باپیچاندن یك دسته ازطرف داخل دوازده قفل‌آن باز می‌شود . اگر دسته ازکار بیفتدقفل‌ها را با دست می‌توان باز وبسته‌کرد . در از خارج باآچاری‌که هم در درون‌سفینه و هم در دست کارگران پایگاه است باز می‌شود. با شیری‌که در داخل درجانبی کارگذاشته شده هوای‌کابین قابل تخلیه است . در جلویی به شکل دایره است و دسته‌ای شبیه دستهٔ در جانبی دارد که ۶قفل این در را بازمی‌کند ،و باشیری که در آن‌تعبیه شده می‌توان هوای‌کپسول ماشین وکپسول فرمان را متعادل کرد .

کپسول فرمان ۵ پنجره دارد . یکی دروسط درجانبی دوتا در دوطرف در ،که درعین حال مجاور تخت های راست و چپ است و ویژه رصدکردن و عکسبرداری است . از همین پنجره ها تصاویر تلویزیونی زمین و ماه گرفته می‌شود . در بالای این دو پنجره کمی نزدیك تر به در جانبی دوپنجره رو به جلو قرار دارد که در مواقع ملاقات فضایی باکپسول ماه‌نشین ازآن استفاده می‌کنند. این پنجره‌ها مثلثی است‌کالینز درسفر آپولو ۱۱ و آرمسترانگ یعنی فرمانده سفینه ازآن‌ها استفاده‌می‌کردند و آلدرین خلبان کپسول ماه نشین از پنجره در جانبی استفاده کرده است . پنجره‌ها دارای سه‌جدارشیشه‌ای هستند، تا۱۵۳۷ درجه‌حرارت‌را‌تحمل می‌کند ، پشت شیشه‌ها کرکره‌برای جلوگیری از نورتعبیه شده است، دیوارهٔداخلی‌کپسول فرماندهی از قفسه های انباری محتوی تجهیزات‌کافی برای۱۴ روز زندگی در فضا است .

کپسول سرویس و فرمان در بیشتر مواقع بهم پیوسته‌اند ، فقط چند لحظه قبل از ورود به جو زمین از هم جدا می‌شوند . کپسول فرمان ۱۲۲ کیلوگرم سوخت در خود حمل می‌کند بار اصلی سوخت۱۹۰۰ کیلوگرم‌است،که‌درمخازن کپسول سرویس‌نگاهداری‌می‌شود. کپسول سرویس ۵ر۷ متردرازاو ۸ر۳ مترقطر دارد .

موتور اصلی وقتی روشن شد حرکت سفینه رابرای نزدیك شدن‌به‌ماه کند می‌کند . و آن را در مدار قرار می‌دهد .

طرح‌کپسول‌ماه‌نشین‌ویژه‌دوسرنشین و مسئول رفت و برگشت آنها به ماه وقسمت فرمان سرویس‌است .
این‌سفینه تنها ۴۸ ساعت‌می‌تواندبعنوان یك سفینهٔ مستقل عمل کند و حداکثر وقتی‌که فضانوردان در آن می‌گذرانند بیش از ۳۵ ساعت نباید باشد.

تعداد اجزاء ساترن ۵ ملیون‌قطعه است پانصدوپنجاه نفر بنام تیم حرکت به پشتیبانی پنج هزار نفر تکنیسین در حرکت سفینه شرکت داشته‌اند .

۵ساعت‌طول‌کشیدتا سوختگیری تمام شد . در این موقع هیچکس حق‌نداشت ازفاصلهٔ ۸۰۰ متری به‌موشك نزدیکتر شود ، قبل از طلوع‌آفتاب صبحانه صرف شد پس‌ازطی۱۱ کیلومتر به‌سکوی‌پرتاب A۳۹ رسیدند ، وارد آسانسور برج شدند و بعداز ۳۲ ثانیه به‌ارتفاع ۱۰۰ متری رسیدند، وارد سفینه شدند.دراین وقت فاصلهٔ مردم ازسفینه۵ کیلومتربود. وشمارش معکوس همچنان ادامه داشت . اکنون به‌اختصار‌گزارش‌های‌پایگاه‌توجه فرمایید :

«اینجا مرکز کنترل پرتاب آپولو ۱۱ ، شمارش معکوس از مرز ۶ دقیقه گذشته‌است، مدیر عملیات پرتاب گزارش آمادگی مثبت برای پرتاب را می‌دهد .

«سرپرست آزمایش ها به متصدی آزمایش موشك پرتاب اطلاع داد : شما آماده پرتاب هستید. اعضای گروه پرتاب برای سرنشینان آپولو ۱۱ آرزوی موفقیت کردند. آرمسترانگ جواب داد: خیلی متشکریم، می‌دانیم که پروازخوبی در پیش داریم . فرمان آتش صادر می‌شود .»

«کلیه موتورها کار می‌کنند، لحظهٔ خیزش ؛ موشك ازجا بلند شد»

موشك به ارتفاع ۴۲۰ متری رسید . در يك ثانیه بعداز پرواز ۱۳۲۲۶ متری سکوی پرتاب بودند. سرعت سفینه ۲۸۸۵ متر در ساعت .

در ۲ دقیقه بعداز پرواز به ۶۶۳۸۴ متری زمین با سرعت ۹۸۸۰ کیلومتر در ساعت در ۳ دقیقه و ۱۱ ثانیه بعداز پرواز، قسمت اتصالی طبقه اول و دوم رها شد،

در ۷ دقیقه و ۴۰ ثانیه بعداز پرواز ارتفاع ۱۷۹۳۸۶ و سرعت ۲۰۵۵۹ کیلومتر در ساعت در این لحظه موتور میانی در طبقه دوم خاموش شد .

در ۱۱ دقیقه و ۴۲ ثانیه درارتفاع ۱۸۸۴۷۶ متری زمین باسرعت ۲۷۹۶۴ کیلومتر درساعت ، سفینه آپولو ۱۱ در مدار قرارگرفت.

در دقیقه ۱۶ بعداز پرواز ، سرنشینان برای اولین باردستگاه فرستندهٔ تلویزیونی خود را روشن کردند .

درساعت دو وچهل وچهار دقیقه آغاز احتراق موتور بود تا سرعت آپولو به ۳۸۹۱۶ کیلومتر در ساعت برسد و سفینه بتواند از مدار زمین به سوی ماه برود .

در ساعت ۷ بعدازظهر پرواز (دو دقیقه بعداز نیمه‌شب بتهران)فضانوردان اولین غذای خود را صرف کردند .

در ساعت ۸۴ بعد از پرواز (۵ر۲ صبح روز ۲۹ تیر)، سفینه باسرعت شش‌هزار کیلومتر دور ماه می‌چرخید و ساعت ۱۰۲ و ۴۵ دقیقه بعداز پرواز یعنی در ساعت ۴۸ر۲۳ به وقت تهران عقاب درسطح ماه نشست .

پس از مذاکرات زیاد با مرکز اجازه يك توقف دوساعته راگرفتند لذا خود و دوستش آلدرین لباس پوشیدند. وقدم به سطح ماه گذاشتند

سطح ماه ازنظر آرمسترانگ :

«دشت نسبتاً مسطحی است، باتعداد زیادی دهانه های آتشفشانی به شعاع ۵ر۱ تا ۱۵ متر ، پشته هایی هم هست که حدس می‌زنم ۶ تا ۹ متر ارتفاع‌داشته باشند.

۱۶۰۰ متری باشد . منطقهٔ تعیین شده فرود به راستی ناهموار بود ... بی‌نهایت ناهموار پرازدهانه‌های آتشفشانی و تخته سنگ‌های بزرگ که شاید از ۲ تا ۳ مترهم بزرگتر بودند . به نظر من رنگ محلی سطح ماه با آنچه از مدار دهمین زاویه خورشید(هنگام طلوع) دیدیم بسیارقابل مقایسه است ، تقریباً بی‌رنگ است . سنگهای شکسته شده رنگ تیره تری دارند و نشانه سنگ های بازالت را دارند »

وقتی آرمسترانگ قدم به‌سطح ماه گذاشت گزارش داد :

« سطح ماه نرم وگرد مانند است، آن را می‌توانم با نوك پنجه‌ام جا به‌جا کنم ، به‌صورت لایه های نرم خاکه زغال به‌کف و اطراف پوتینم می‌چسبد ، فقط کمی شاید درحدود $\frac{1}{3}$ سانتی‌متر فرومی‌روم.ولی‌می‌توانم نقش کف پوتینهایم وراه راههای آن رادرذرات نرم وماسه‌ای به‌بینم، حرکت‌کردن به اطراف آن طورکه فکر می‌کردیم ، دشوار بنظر نمی‌رسد . حتی شاید از حرکت در محوطه های تمرین روی زمین که شرایط جاذبه $\frac{1}{6}$ مصنوعی داشت آسان تر باشد، اینطرف وآنطرف رفتن عملا زحمتی ندارد . موتور ورود بهیچ وجه حفره‌ای بوجود نیاورده‌است. در حدود ۳۰ سانتی متر. اساساً ما در نقطهٔ همواری هستیم ، من آثاری از شعاعهایی که ازموتور فرود زیر ماه‌نشین درخاك بوجودآمده می‌بینم . ولی مقدار بسیارناچیزی. خیلی‌خوب ما برای‌پایین آوردن دوربین حاضریم .

زمان نخستین قدم ۱۰۹ ساعت و ۲۴ دقیقه و ۲۰ ثانیه بعداز پرتاب یعنی ۶ر۲۶ دقیقه بامداد تهران بود .

بالاخره درساعت ۱۲۱ بعداز پرواز مجدداً آماده مراجعت و الحاق به‌سفینه مادر شدند . در ساعت ۱۲۷ بعد از پروازالحاق صورت گرفت و در ساعت ۱۳۵ سفینه آخرین گردش خود را به دور ماه به پایان رسانید در ساعت ۱۹۴ بعدازپرواز کپسول سرویس درفضا رها شد و کپسول فرمان به وزن ۵۵۴۹ کیلوگرم به سوی زمین حرکت می‌کرد درساعت ۱۳ر۱۹۵ دقیقه سه چتر اصلی در ارتفاع ۷۰۰۰ متری کاملا باز شده‌بود. درساعت ۵۲ر۱۷ر۱۹۵ یعنی در دوم مرداد ساعت ۲۰ر۲۰ به وقت تهران کپسول فرمان به‌آب افتاد . بالاخره‌این آرزوی بشر جامه عمل پوشید .

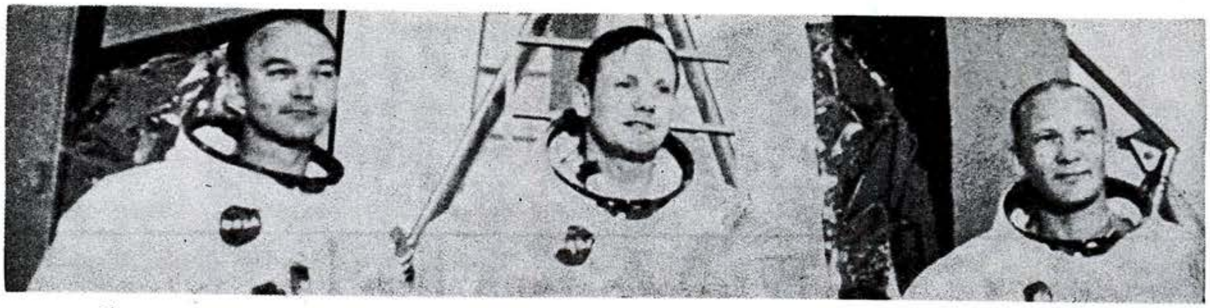
لونا ۱۶ شوروی

در شهریور ماه ۴۹ لونای ۱۶ سفینه بی‌سرنشین شوروی به سطح ماه نشست و پس از جمع‌آوری مقداری‌خاك به زمین بازگشت .

جیپ شوروی در ماه بحرکت درآمد

درساعت ۱۰ روز ۲۶ آبان ۱۳۴۹ برای اولین بار در تاریخ اکتشافات فضایی، لونا ۱۷ مه‌نورد شوروی به‌سطح ماه رسید ویك جیپ ۸ چرخه را درسطح ماه به حرکت درآورد. این جیپ ۲۵۰ کیلوگرم وزن دارد و بوسیله باطریهای برقی کار می‌کند و می‌تواند شش ساعت در يك شعاع ۸۰ کیلومتری حرکت‌کند. جیپ شوروی در واقع کار يك آدم مصنوعی را انجام می‌دهد . لونای ۱۷ فاقد موشك بازگشت است . این لونا که به **لونوخود** معروف است به دستگاه خودکاری مجهز است که حرکات او را در تمام مراحل و سطح های ناهموار متعادل می‌کند .

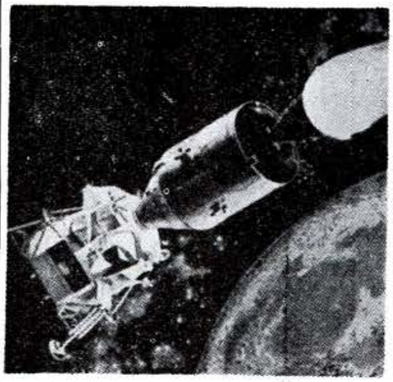
لونا ۱۷ در داخل يك دهانهٔ آتشفشان فرودآمد ولی مأمورین کنترل از زمین آن را از دهانه به سطح صاف هدایت کردند . رصدخانهٔ بوخوم به لوناخود لقب تراکتور مه‌نورد را داده است .



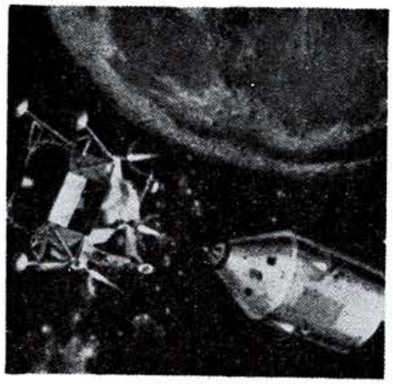
سرنشینان سفینه آپولو ۱۱

ازچپ به راست : **مایکل کالینز ، نیل آرمسترانگ ، ادوین آلدرین**

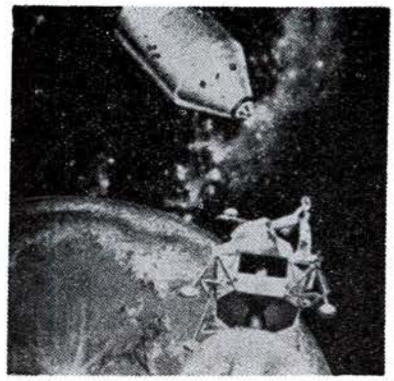
نمایش فرضی مراحل مختلف فرود در کره ماه و بازگشت از آن



۱



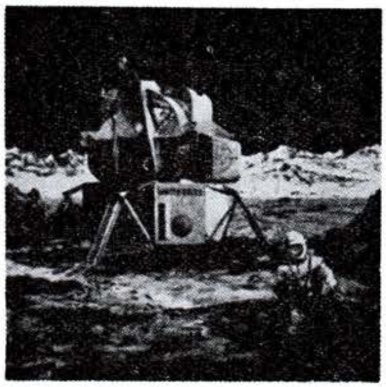
۲



۳



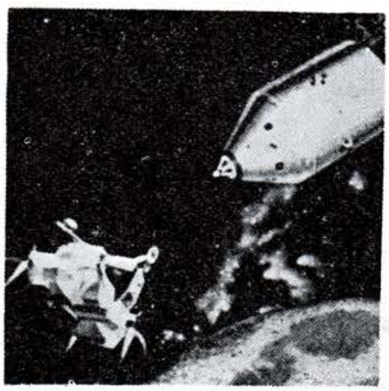
۴



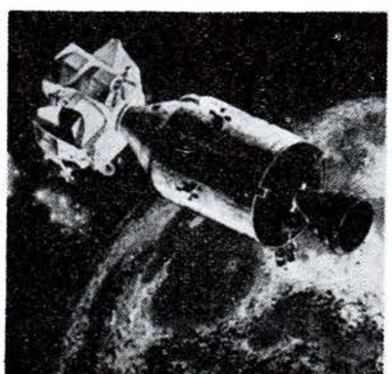
۵



۶



۷



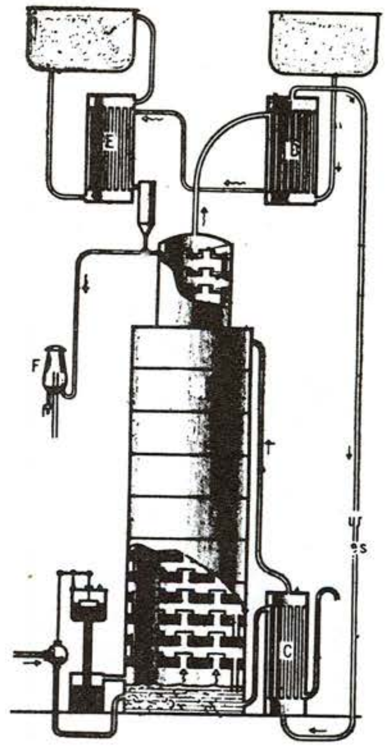
۸



۹

بقیهٔ آمار فضانوردی

ردیف	نام	ملیت	نام سفینه	تاریخ پرواز	دورها	اطلاعات اضافی
۲۶	آرمسترانگ ، نیل	آمریکا	جمینی ۸	۱۶ مارس ۱۹۶۶	۶	اولین الحاق فضایی باسفینه
۲۷	اسکات ، دیوید	آمریکا	جمینی ۸	۱۶ مارس ۱۹۶۶	۶	هدف منجر به فرود اضطراری
۲۸	استافورد ، توماس	آمریکا	جمینی ۹	۳ ژوئن ۱۹۶۶	۴۵	در آب
۲۹	سرنان ، یوجین	آمریکا	جمینی ۹	۳ ژوئن ۱۹۶۶	۴۵	
۳۰	یانگ ، جان	آمریکا	جمینی ۱۰	۱۸ ژوئن ۱۹۶۶	۴۳	
۳۱	کالینز ، مایکل	آمریکا	جمینی ۱۰	۱۸ ژوئن ۱۹۶۶	۴۳	
۳۲	کنراد ، چارلز	آمریکا	جمینی ۱۱	۱۲ سپتامبر ۱۹۶۶	۴۴	
۳۳	گوردون ، ریچارد	آمریکا	جمینی ۱۱	۱۲ سپتامبر ۱۹۶۶	۴۴	
۳۴	لاول ، جیمز	آمریکا	جمینی ۱۲	۱۱ نوامبر ۱۹۶۶	۵۹	
۳۵	آلدرین ، ادوین	آمریکا	جمینی ۱۲	۱۱ نوامبر ۱۹۶۶	۵۹	
۳۶	کوماروف ، ولادیمیر	شوروی	سایوز ۱	۲۳ آوریل ۱۹۶۷	۱۸	به علت نقص در سیستم
						چترهای فرود کشته شد
۳۷	شیرا ، والتر	آمریکا	آپولو ۷	۱۱ اکتبر ۱۹۶۸	۱۶۳	اولین پرواز آپولو پس از آتش
۳۸	آیزل ، دان	آمریکا	آپولو ۷	۱۱ اکتبر ۱۹۶۸	۱۶۳	سوزی ۱۹۶۷ که منجر به
۳۹	کنینگام ، والتر	آمریکا	آپولو ۷	۱۱ اکتبر ۱۹۶۸	۱۶۳	مرگ گریسام ، وایت و
						چافی شده است.
۴۰	بریگووی ، گئورکی	شوروی	سایوز ۳	۲۶ اکتبر ۱۹۶۸	۶۱	ملاقات فضایی باسفینهٔ بدون
						سرنشین
۴۱	بورمن ، فرانك	آمریکا	آپولو ۸	۲۱ دسامبر ۱۹۶۸	۱۰ بار بدور ماه	نخستین افرادکه ازجاذبه
۴۲	لاول ، جیمز	آمریکا	آپولو ۸	۲۱ دسامبر ۱۹۶۸	« «	زمین خارج شده و بدور
۴۳	آندرز ، ویلیام	آمریکا	آپولو ۸	۲۱ دسامبر ۱۹۶۸	« «	ماه گردش کردند .
۴۴	شاتالوف ، ولادیمیر	شوروی	سایوز ۴	۱۴ ژانویه ۱۹۶۹	۴۸	اولین الحاق دو سفینه و
۴۵	ولینوف ، بوریس	شوروی	سایوز ۵	۱۵ ژانویه ۱۹۶۹	۴۹	اولین مبادلهٔ سرنشین‌ها.
۴۶	یلی‌سی‌یف ، آلکسی	شوروی	سایوز ۵	۱۵ ژانویه ۱۹۶۹	۴۹	
۴۷	خرونف ، یوگنی	شوروی	سایوز ۵	۱۵ ژانویه ۱۹۶۹	۴۹	
۴۸	مك دیویت ، جیمز	آمریکا	آپولو ۹	۳ مارس ۱۹۶۹	۱۵۱	اولین پرواز کپسول ماه نشین.
۴۹	اسکات ، دیوید	آمریکا	آپولو ۹	۳ مارس ۱۹۶۹	۱۵۱	کپسول ماه نشین تا ۱۴۳۰۰
۵۰	شوایکارت ، رسل	آمریکا	آپولو ۹	۳ مارس ۱۹۶۹	۱۵۱	متری سطح ماه پرواز کرد.
۵۱	استافورت ، توماس	آمریکا	آپولو ۱۰	۱۸ مه ۱۹۶۹		
۵۲	سرنان ، یوجین	آمریکا	آپولو ۱۰	۱۸ مه ۱۹۶۹		
۵۳	یانگ ، جان	آمریکا	آپولو ۱۰	۱۸ مه ۱۹۶۹		نخستین انسانی که به ماه
۵۴	آرمسترانگ ، نیل	آمریکا	آپولو ۱۱	۲۰ ژوئیه ۱۹۶۹		قدم گذاشت .
۵۵	آلدرین ، ادوین	آمریکا	آپولو ۱۱	(۲۹ تیر ۱۳۴۸)		
۵۶	کالینز ، مایکل	آمریکا	آپولو ۱۱	۲۰ ژوئیه		



دستگاه تهیهٔ الکل

شیمی

گذشتهٔ شیمی:

نخستین قدم در پیشرفت شیمی با کشف آتش و استفاده از آن آغاز شده است. شاید پس از آتش سوزیهایی که بر اثر صاعقه درجنگلها روی می‌داد، به وجود بعضی از فلزها که از پاره‌ای سنگها بدست می‌آمد پی بردند.

در بین‌النهرین، مجسمه‌ای مسی بدست آمده که متعلق به ۶ هزار سال قبل است. اشیاء مفرغی بدست آمده، اغلب به چهار هزار سال پیش گواهی می‌دهد و این خود نشانه‌ای از کشف قلع و تهیهٔ آلیاژ از این دو فلز است. طلا نیز به‌علت خالص بودن از آغاز دردسترس بشر بود

کیمیاگری:

نام شیمی اولین‌بار درفرمانی از امپراطور، دیوکلسین در ۲۹۶ بعدازمیلاد آورده‌شده‌است. در این حکم آمده: کتابهای مصری (اسکندریه) دربارهٔ Chémia مربوط به ساختن (تقلیب) طلا و نقره سوزانده شود.

کیمیاگری را مصریـان قدیم هنر مقدس می‌خواندند قرنها دراختیار کاهنان مصر بود؛ این دسته باسوگندهای مرموز ووحشتناك متعهد می‌شدند که رموز این هنر راهمواره پنهان نگاه دارند و جز به‌صورت معماسخنی از آن به‌میان نیاورند کاهنان هنگام کار، ازخدایان خود، به‌صورت سحر وجادو واوراد یاری می‌طلبیدند.

این علم از اسکندریه به‌وسیلهٔ مسلمانان به ممالك عربی و از آنجا به ایران و اروپای غربی کشانده شده است.

اکسیر اعظم:

کیمیاگران به وجود جسم مرموزی به‌نام اکسیر یـاسنگ فیلسوفـان معتقد بودند و گمان می‌کردند کـه باکشف آن می‌توانند مس را به طلا وسرب را به‌نقره تبدیل کنند ولی دراین‌باره هرگز توفیق نیافتند.

طرز تفکر ارسطو، درتشویق کیمیا-گران بی‌اثر نبوده است وشاید نظر ارسطو دربارهٔ عناصر اربعه محرك کیمیاگـران بوده باشد.

بهرحال راه آنها دراین تلاش بی‌ثمر، اطلاعات وسیعی دراختیارشیمی قرارداد.

محمدزکریای رازی (۳۳۱-۲۵۱ هق) طبیب وکیمیاگر ایرانی در ضمن همین عملیات الکل را بدست آورد.

جابر بن حیان طرطوسی (۸۰۰ م۲) که در کوفه می‌زیسته کتابی بنام **(الرحمة)** درکیمیا نوشته ودرآن فصلی ازچگونگی تبدیل فلزها به طلا آورده است.

پاره‌ای از کیمیاگران از راه تقطیر وتصفیهٔ گیاهان خواستند اکسیر اعظم را بیابند ولی بکشف داروهایی نایل آمدند.

براند (Brand) کیمیاگر **هامبورگی** می‌خواست از تقطیر ادرار اکسیر بدست آورد، ولی فسفر راکشف کرد.

تاریخ معاصر:

تا اواخر قرن هفدهم هنوز، نظریهٔ ارسطو دربارهٔ عناصر اربعه، طرف توجه حکما قرارداشت وآن را درمدارس تدریس می‌کردند و هنوز علم شیمی جـزء علوم اسرارآمیز بشمار می‌آمد و کیمیاگران اثر سعد ونحس ستارگان ومیل و رضای خدایان رادرعملیات خویش دخیل ومؤثر می‌دانستند اولین کسی که بـا عقاید قدما دربارهٔ وجود عناصر چهارگانه مخالفت کرد روبرت بویل انگلیسی (R.Boyle) بود که عنصر رابطور روشن تعریف کرد و روش تجربی را مبنای مطالعهٔ اعمال شیمیایی قرار داد.

لاووازیه (Lavoisier) فرانسوی را باید پایـه گذار شیمی جدید **دانست**

داوی (Davy) فلزات **قلیایـی** را شناخت ووهلر آلمانی Wohler **آلمانـی** آلومینیوم راکشف کرد.

کاوندایش Cavendish انگلیسی خواص ئیدرژن را معلوم کرد.

پریستلی (Pristly) انگلیسی اکسیژن را شناخت. **وشئل** Scheele سوئدی کلر را کشف کرد و **برتـولـهٔ فـرانسوی** (Berthollet) ترکیب اسیدسیانیدریك و همچنین آمونیاك رامعلوم نمود ودرمورد اثر رنگ زدایی کلر وکلـراتهـا و هیپوکلـریتها تحقیقاتی بعمـل آورد.

در سال **۱۷۹۷ پروست** (Proust) فرانسوی قانون نسبت های ثابت رابیان کرد.

در اوایل قرن نوزدهم **آووگادرو** فیزیکدان ایتالیایی فـرض مولکولی و اتمی بودن گازهارا بیان‌داشت.

برزلیوس شیمیدان سوئدی علامت اختصاری رامعمول کرد.

دراواخرقرن نوزدهم **مندلیف** روسی Mendeleiev جدول عناصررا تنظیم کرد

تقسیم بندی علم شیمی

۱- **شیمی‌عمومی:** قوانین وتئوریهای شیمی.

۲- **شیمی معدنی:** فلزهـا و غیر فلزها.

۳- **شیمی آلی:** ترکیبات کربن.

۴- **شیمی پزشکی:** واکنش هـای داخلی بدن وعلل بیماریها و چگونگی معالجه.

۵- **شیمی دارویی:** تهیهٔ داروها.

۶- **شیمی کشاورزی:** طبیعت خاکها وکودها.

۷- **شیمی صنایع نفت:** مـواد سوختنی، پلاستیکی، کائوچوی مصنوعی.

۸- **شیمی تجزیه:** مـواد مرکب کننده‌و نسبت‌خلوص.

۹- **فیزیکوشیمی:** روابط چندی مواد باخواص فیزیکی.

۱۰- **شیمی‌صنعتی:** تهیـهٔ اجسام

به‌مقدار زیاد و ارزان.

۱۱ ـ رادیو شیمی : خواص‌اجسام رادیو اکتیو.

۱۲ ـ شیمی اتمی : ساختمان اتم عناصر وخواص‌آنها .

در راه طبقه بندی عناصر

دوبرینر(Dobreiner) برای‌اولین بار در سال ۱۸۲۹ به‌علت‌شباهت خواص شیمیایی‌کلروبرم وید ازطرفی وکالسیوم‌ـ وروبیدیوم‌واسترونسیوم‌وهمچنین‌وگوگرد وسلنیوم وتلور ازطرف دیگر ، آنهـا‌را دسته‌های سه‌تایی نامید .

جدول تانسیون:

این جدول را می‌توان نمودار میل ترکیبی‌فلزات نامید ودراین جدول‌فلزات برحسب میل ترکیبی نزولی ثبت شده‌اند وهرفلز ، فلززیری را از نمکش خارج می‌کند وجای‌آنرامی‌گیرد و چون هردو فلز از این جدول در محیط اسیدی پیل می‌سازندکه فلز فوقانی قطب منفی وفلز زیرین قطب مثبت است لذا آنرا جدول تانسیون گویند .

عناصر	پتانسیل برحسب ولت
K	+۲/۹۲
Na	+۲/۷۱
Ba	+۲/۹۰
Ca	+۲/۸۷
Mg	+۲/۳۴
Al	+۱/۶۷
Mn	+۱/۰۵
Zn	+۰/۷۶
Cr	+۰/۷۱
Fe	+۰/۴۴
CO	+۰/۲۸
NI	+۰/۲۵
Sn	+۰/۱۴
Pb	+۰/۱۳
H	۰/۰۰
Cu	−۰/۳۴
Hg	−۰/۸۰
Ag	−۰/۸۰
Au	−۱/۶۸

در اینجهت خاصیت احیاء کنندگی ومیل اکسید شدن عناصر زیاد میشود

اکسیدشان دراثر ئیدروژن احیاء نمیشود

اکسیدشان در اثر ئیدروژن احیاء میشود

اکسیدشان دراثر حرارت‌تنها‌هم‌تجزیه‌میشود

باآب‌سرد ئیدروژن آزاد میکند

تنها بطریقهٔ غیر مستقیم اکسید میدهند

سولفور غیرمحلول نمیدهند

باسولفورهای قلیایی سولفورغیرمحلول‌میدهندهم‌با SH_2 وهم‌باسولفورهای‌قلیایی‌رسوب‌سولفور میدهند

با بخار آب ئیدروژن آزاد می کنند (بکمک حرارت)

با اسیدها ئیدروژن میدهند

با اکسیژن مستقیماً اکسید میدهند (بکمک حرارت)

جدول نیولند :

درسال ۱۸۶۳ **نیولند**انگلیسی‌تمام عناصر شناخته شده را مطابق جرم اتمی صعودی‌مرتب‌کرد وبه‌دسته‌های هفت‌تایی تقسیم‌کرد و علت چنین تقسیمی شباهت عنصر هشتم باعنصر اول وعنصر نهم بـا عنصر دوم بود.

به‌این‌طریق‌قانون اکتاو(هشت‌تایی) رابنیان‌گذاشت .

عناصر هرستون از لحـاظ خواص شبیه‌هم هستند .

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
Li(۷)	Be(۹)	B(۱۱)	C(۱۲)	N(۱۴)	O(۱۶)	F (۱۹)
Na(۲۳)	Mg(۲۴)	Al(۲۷)	S(۲۸)	P(۳۱)	S(۳۲)	Cl(۳۵/۵)
K(۳۹)	Ca(۴۰)					

جدول مندلیف : مندلیف شیمیدان بزرگ روس بدون اطلاع از کار میر آلمانی جدولی ترتیب داد که ئیدروژن به‌تنهایی دریک ردیف (اول) و دو ردیف دوم وسوم هریک هفت عنصر ولی ردیف چهارم و پنجم وششم هریک دارای ۱۸ عنصرند ودرردیف هفتم ۴ عنصر دارد.

périodes	I A	I B	II A	II B	III A	III B	IV A	IV B	V A	V B	VI A	VI B	VII A	VII B	VIII	0
1	H 1															He 2
2	Li 3		Be 4			B 5		C 6		N 7		O 8		F 9		Ne 10
3	Na 11		Mg 12			Al 13		Si 14		P 15		S 16		Cl 17		A 18
4	K 19	Cu 29	Ca 20	Zn 30	Sc 21	Ga 31	Ti 22	Ge 32	V 23	As 33	Cr 24	Se 34	Mn 25	Br 35	Fe 26 Co 27 Ni 28	Kr 36
5	Rb 37	Ag 47	Sr 38	Cd 48	Y 39	In 49	Zr 40	Sn 50	Nb 41	Sb 51	Mo 42	Te 52	Tc 43	I 53	Ru 44 Rh 45 Pd 46	Xe 54
6	Cs 55	Au 79	Ba 56	Hg 80	terres rares 57 à 71	Tl 81	Hf 72	Pb 82	Ta 73	Bi 83	W 74	Po 84	Re 75	At 85	Os 76 Ir 77 Pt 78	Rn 86
7	Fr 87		Ra 88		Ac 89		Th 90		Pa 91		U 92					
عناصر شبیه لانتان			La 57	Ce 58	Pr 59	Nd 60	Pm 61	Sm 62	Eu 63	Gd 64	Tb 65	Dy 66	Ho 67	Er 68	Tm 69 Yb 70	Lu 71
عناصر شبیه اورانیوم				Np 93	Pu 94	Am 95	Cm 96	Bk 97	Cf 98	E 99	Fm 100	Mv 101	No 102			

مشخصات عناصر

نام عنصر	علامت	عدد اتمی	جرم اتمی	جرم مخصوص	نقطهٔ ذوب	نقطهٔ جوش	ظرفیت
آکتی نیوم	Ac	۸۹	۲۲۷		۱۰۵۰		
آلومینیوم	Al	۱۳	۲۶/۹۸	۲/۷۰	۶۵۹/۹	۲۲۷۰	+۳
آمریکیوم	Am	۹۵	[۲۴۳]		[۲۴۶۰]		
آنتی موآن	Sb	۵۱	۱۲۱/۷۶	۶/۷	۶۳۰/۵	۱۶۴۵	+۳
نقره	Ag	۴۷	۱۰۷/۸۸	۱۰/۵	۹۶۰/۵	۱۹۲۷	+۱
آرگون	A	۱۸	۳۹/۹۴۴	۱/۳۸	−۱۸۹/۳	−۱۸۵/۷	
ارسنیك	As	۳۳	۷۴/۹۱	۵/۷۳	۸۱۴	۶۳۳	
استات	At	۸۵	[۲۱۰]				
ازت	N	۷	۱۴/۰۰۸	./ ۹۶۷	−۲۱۰	−۱۹۵/۸	
باریوم	Ba	۵۶	۱۳۷/۳۶	۳/۷۵	۷۱۰	۱۵۳۷	+۲
برکه لیوم	Bk	۹۷	[۲۴۹]				
بریلیوم	Be	۴	۹/۰۱۳	۱/۸۶	۱۲۷۸	۲۹۷۰	+۲
بیسموت	Bi	۸۳	۲۰۹/۰	۹/۸۰	۲۷۱	۱۵۶۰	−۳
بر	B	۵	۱۰/۸۲	۲/۳	۲۳۱۰	(۲۵۵۰)	+۳
برم	Br	۳۵	۷۹/۹۱۶	۳/۱۸	−۷/۲	۸۵/۸	−۱و۳و۷
کادمیوم	Cd	۴۸	۱۱۲/۴۱	۸/۶۵	۳۲۱	۷۶۷	+۲
سزیوم	Cs	۵۵	۱۳۲/۹۱	۱/۹	۲۸/۶	۶۷۰	+۱

نام عنصر	علامت	عدداتمی	جرم اتمی	جرم مخصوص	نقطهٔ گداز	نقطهٔ‌قلیان	ظرفیت
کالسیوم	Ca	۲۰	۴۰/۰۸	۱/۵۵	۸۱۰	۱۴۴۰	+۲
کالیفورنیوم	Cf	۹۸	[۲۴۹]				
کاربون	C	۶	۱۲/۰۱۰	الماس ۳/۵۲ گرافیت ۲/۲۴	۳۸۴۵	[۴۲۰۰]	۴ـو۴+
سریوم	Ce	۵۸	۱۴۰/۱۳	۶/۹	۴۹۳	۳۹۶۰	
کلور	Cl	۱۷	۳۵/۴۵۷	۲/۴۹	ـ۱۰۱/۰	ـ۳۴/۱	۷تا۱+۱ـ
کروم	Cr	۲۴	۵۲/۰۱	۷/۱	۱۷۶۵	۲۶۶۰	۶و۳
کوبالت	Co	۲۷	۵۸/۹۴	۸/۹	۱۴۹۰	۲۹۰۰	+۲
مس	Cu	۲۹	۶۳/۵۴۲	۸/۹۴	۱۰۸۳	۲۳۳۶	۲+و۱+
کوریوم	Cm	۹۶	[۲۴۳]				
دیسپروزیوم	Dy	۶۶	۱۶۲/۴۶		۱۴۰۰		
انستنیوم	Es	۹۹	۲۵۳				
اربیوم	Er	۶۸	۱۶۷/۲۰				
اتن	Sn	۵۰	۱۱۸/۷۰	۷/۳۰	۲۳۱/۹	۲۲۶۰	۲+و۴
اوروپیوم	Eu	۶۳	۱۵۲/۰		۱۲۰۰		
آهن	Fe	۲۶	۵۵/۸۵	۷/۹۰	۱۵۳۵	۲۴۵۰	
فرمیوم	Fm	۱۰۰	[۲۵۵]				
فلوئور	F	۹	۱۹/۰۰	۱/۳۱	ـ۲۲۳	ـ۱۸۷/۹	۵و۳و۱ـ
فرانسیوم	Fr	۸۷	[۲۲۱]				
گادولی‌نیوم	Gd	۶۴	۱۵۶/۹۰		۱۲۰۰		
گالیوم	Ga	۳۱	۶۹/۷۲	۵/۹	۲۹/۸	(۲۳۰۰)	+۳
ژرمانیوم	Ge	۳۲	۷۲/۶۰	۵/۳۶	۹۵۹	۲۶۲۵	+۴
هافنیوم	Hf	۷۲	۱۷۸/۶۰	۱۱/۴	۲۲۰۷	۳۲۸۰	
هلیوم	He	۲	۴/۰۰۳	۰/۱۳۸	ـ۲۷۱/۴	ـ۲۶۸/۹۴	
هولمیوم	Ho	۶۷	۱۶۴/۹۴				
هیدروژن	H	۱	۱/۰۰۸	۰/۰۶۹۵	ـ۲۵۹/۲	ـ۲۵۲/۸	+۱
اندیوم	In	۴۹	۱۱۴/۷۶	۷/۳	۱۵۶/۴	۲۱۰۰	+۳
یود	I	۵۳	۱۲۶/۹۱	۴/۹۴	۱۱۳/۷	۱۸۴	۷و۵و۳و۱
ایریدیوم	Ir	۷۷	۱۹۳/۱۰	۲۲/۴	۲۴۵۴	>۴۸۰۰	
کریپتون	Kr	۳۶	۸۳/۸۰	۲/۸۷	ـ۱۵۷/۳	ـ۱۵۱/۸	۰
لانتان	La	۵۷	۱۳۸/۹۲	۶/۱۶	۸۱۲	۱۸۰۰	
لیتیوم	Li	۳	۶/۹۴	۰/۵۳	۱۸۶	۱۳۳۶	+۱
لوته‌سیوم	Lu	۷۱	۱۷۵/۰				
منیزیوم	Mg	۱۲	۲۴/۳۲	۱/۷۴	۶۵۰	۱۱۱۰	+۲
منگنز	Mn	۲۵	۵۴/۹۳	۷/۲	۱۲۷۴	۲۰۳۲	۷و۶و۲
مندلفیوم	Mv	۱۰۱	[۲۵۶]				
جیوه	Hg	۸۰	۲۰۰/۶۱	۱۳/۵۹	ـ۳۸/۸	۳۵۶/۹	۲و۱
مولیبدن	Mo	۴۲	۹۵/۹۵	۱۰/۲	۲۶۲۵	۴۵۱۰	+۱
نئودیم	Nd	۶۰	۱۴۴/۲۷	۷/۰	۸۱۰		
نئون	Ne	۱۰	۲۰/۱۸۳	۰/۶۹	ـ۲۴۸/۶	ـ۲۴۶	
نپتونیوم	Np	۹۳	[۲۳۷]		۶۴۰		
نیکل	Ni	۲۸	۵۸/۶۹	۸/۹	۱۴۵۵	۲۳۴۰	+۲
نیوبیوم	Nb	۴۱	۹۲/۹۱		۱۹۵۰	۳۰۰۰	
نوبه‌لیوم	No	۱۰۲	[۲۵۳]				
طلا	Au	۷۹	۱۹۷/۲۰	۱۹/۳	۱۰۶۳/۰	۲۶۰۰	۳و۱
اوسمیوم	Os	۷۶	۱۹۰/۲۰	۲۲/۴۸	۲۲۷۳	>۵۳۰۰	
اکسیژن	O	۸	۱۶/۰۰	۱/۱۰۵	ـ۲۱۸/۸	ـ۱۸۳	

مشخصات عناصر

نام‌عصر	علامت	عدد اتمی	جرم اتمی	جرم مخصوص	نقطهٔ گداز	نقطهٔ غلیان	ظرفیت
پالادیوم	Pd	۴۶	۱۰۶/۷۰	۱۱/۹	۱۵۵۴	۲۳۷۰	
فوسفور	P	۱۵	۳۰/۹۷۴	سفید۱/۸۳ سرخ ۲/۳۴	۴۴/۱ ۵۹۰	۲۸۰/۵	۵و۳و۳−
پلاتین	Pt	۷۸	۱۹۵/۲۳	۲۱/۴۵	۱۷۷۳	۴۳۰۰	+۴
سرب	Pb	۸۲	۲۰۷/۲۱	۱۱/۳۴	۳۲۷/۴	۱۷۴۰	۴و۲و۱
پولوتونیوم	Pu	۹۴	۲۴۲				
پولونیوم	Po	۸۴	۲۱۰		۲۴۶( )		
پوتاسیوم	K	۱۹	۳۹/۱۰۰	۰/۸۶	۶۳/۵	۷۶۲	+۱
پارازه اودیم	Pr	۵۹	۱۴۰/۹۲	۶/۵	۹۴۰		
پرومه‌تئوم	Pm	۶۱	۱۴۵				
پروتاکتی‌نیوم	Pa	۹۱	۲۳۱				
رادیوم	Ra	۸۸	۲۲۶/۰۵	(۴/۴۵)	۷۰۰	(۱۱۴۰)	۲
رادون	Rn	۸۶	۲۲۲	۷/۵۳	−۱۱۳	−۶۵	
ره نیوم	Re	۷۵	۱۸۶/۳۱		۳۱۷۳	۴۸۰۰	
رودیوم	Rh	۴۵	۱۰۲/۹۱	۱۲/۵	۱۹۴۰	۲۵۰۰	
روبیدیوم	Rb	۳۷	۸۵/۴۸	۱/۵۳	۳۹	۶۹۶	+۱
روته‌نیوم	Ru	۴۴	۱۰۱/۷۰	۱۲/۲	۲۵۰۰	۳۷۰۰	
ساماریوم	Sm	۶۲	۱۵۰/۴۳	۷/۷۵	۱۳۰۰		
اسکاندیوم	Sc	۲۱	۴۴/۹۶				
سه‌لنیوم	Se	۳۴	۷۸/۹۶	۴/۸	۲۲۰/۲	۶۸۴/۸	+۲
سیلیسیوم	Si	۱۴	۲۸/۰۹	۲/۴	۱۴۳۰	۲۳۵۵	۴
سودیوم	Na	۱۱	۲۲/۹۹۷	۰/۹۷	۹۷/۸	۸۸۰	+۱
گوگرد	S	۱۶	۳۲/۰۷	۲/۰۷β ۱/۹۶α	۱۱۲/۸ ۱۱۹/۳	۴۴۴/۵۵	۶و۴و۲−
استرونسیوم	Sr	۳۸	۸۷/۶۳	۲/۶	۷۷۰	۱۳۶۶	+۲
تانتال	Ta	۷۳	۱۸۰/۸۸	۱۶/۶	۳۰۲۷	۳۶۰۰	+۳
تکنسیوم	Tc	۴۳	۹۸/۹۱				
تلور	Te	۵۲	۱۲۷/۶۱	۶/۲۷	۴۴۹/۸	۹۸۹/۸	۶و۴و۲−
تربیوم	Tb	۶۵	۱۵۹/۲۰				
تالیوم	Tl	۸۱	۲۰۴/۳۹	۱۱/۸۵	۳۰۲	۱۴۵۷	
توریوم	Th	۹۰	۲۳۲/۱۲	۱۱/۷	(۱۸۲۷)	(>۳۰۰۰)	
تولیوم	Tm	۶۹	۱۶۹/۴				
تیتان	Ti	۲۲	۴۷/۹۰	۴/۵	۱۷۲۵	>۳۰۰۰	
تنگستن	W	۷۴	۱۸۳/۹۲	۱۹/۳	۳۳۷۰	(۶۷۰۰)	+۲
اورانیوم	U	۹۲	۲۳۸/۰۷	۱۸/۷	۱۰۹۰	(۳۵۰۰)	
واناديوم	V	۲۳	۵۰/۹۵	۵/۹	۱۷۱۵		
گزنون	Xe	۵۴	۱۳۱/۳۰	۴/۵۳	−۱۱۱/۰	−۱۰۸/۱	
ای‌تربیوم	Yb	۷۰	۱۷۳/۰۴				
ای‌تریوم	Y	۳۹	۸۸/۹۲		۱۴۷۷		
روی	Zn	۳۰	۶۵/۳۷۷	۷/۱۴	۴۱۹/۴	۹۰۷	+۲
زیرکونیوم	Zr	۴۰	۹۱/۲۲	۶/۴	۱۸۵۷	>۲۹۰۰	

اصلاحات شیمی

آلوتروپی Allotropie
اشکال مختلف گوگرد هشت سطحی و منشوری و بی‌شکل‌واجسامی که‌تنهادرخواص فیزیکی اختلاف دارند .

اترسل: Ether – Sel
ترکیباتی که از اثرآسیدها وکلرور آسیل‌ها ویدورآسیل‌ها و آنیدرید هـای آسیدآلی (زنجیری یاحلقوی) وآسیدهای معدنی برالکلها به‌دست می‌آیند .

اتریفیکاسیون یا اتری کردن
Etherification
هرگاه آسیدی برالکلی تأثیرکند ازاین‌عمل جسمی به‌دست می‌آیدکه‌شباهتی بـه نمك دارد و جسم حاصل را اترسل می‌گویند

اثر تندال
هرگاه جسمی را به‌شدت روشن‌کنیم وبا میکروسکوپ در جهت عمود برامتداد تابش نور به‌آن نگاه‌کنیم .

اسید Acide
هرجسمی که مزهٔ ترش‌داشته باشد و رنگ تورنسل بنفش را قرمز وهلیانتین زردنارنجی‌راقرمزکند وباباز‌ها وپاره‌ای ازفلزات‌نمك تولیدنماید اسید میگویند.

اصل پائولی
دو الکترون یك اتـم، نمی‌تـوانند چهار عددکوآنتمی یکسان داشته‌باشند.

الکترون Electron
قسمتی از اتم بوزن $\frac{۱}{۱۸۴۶}$ سبکترین اتمها (ئیدروژن) با مقداربسیارناچیزی بارالکتریسیتهٔ‌منفی.

الکترو والانس Electro–valence
فلزها و غیر فلز ها برای ترکیب الکترون می‌دهند یامی‌گیرند یعنی یونی می‌شوند .

امولسیون Emulsion
تفرق چسب مانند یك مایع درمایع دیگر .

انیدرید Amhydride
هرجسمی که هنگام ترکیب با آب تولیدآسید نماید . انیدریـد از ترکیب شبه فلزات وپاره‌ای ازفلزات با اکسیژن بدست می‌آید .

ایزوتوپها Isotopes
شکلهای مختلف یك عنصرکه تعداد پروتونهای هسته‌های‌آنها باهم برابر ولی تعداد نوترونهایشان متفاوت است .
دوایزوتوپ دارای خواص شیمیایی یکسان ولـی از لحاظ خواص فیزیکـی مختلفند . اختلاف وزن اتمی ایزوتوپهـا همیشه عدد صحیحی است .

ایزومورفیسم Isomorphisme
اجسامی که به‌یك شکل‌بلورمیشوند.

بم‌ها Baume
ترکیبی‌از رزین‌های روغنی‌بااسید‌های معطر .

پروتون Protone
قسمتی از اتم بوزن $\frac{۱۸۴۵}{۱۸۴۶}$ ئیدروژن
وبه حجم $\frac{۱}{۲}$ الکترون ، بابارالکتریسیتهٔ مثبت بسیار ناچیز (برابر الکترون).

پروتیدها Protide
دستهٔ مهمی ازمواد آلی . مهمترین مادهٔ تشکیل دهندهٔ اندامهای موجودات زنده که‌عناصر اصلی تشکیل‌دهندهٔ آن کربن، اکسیژن، ئیدروژن‌وازت‌وعناصراحتمالی، گوگرد، فسفور، آهن ، منیزیم، منگنز ، مس . .
از نظر شباهت به سفیدهٔ تخم مرغ مواد بیاض‌البیضی یاسفیده‌ای نیز نامیده می‌شوند. مادهٔ اصلی‌تشکیل دهندهٔ انواع پروتیدها اسیدآمینه است.این موادااقسام گوناگون دارد .

جرم اتمی Masse atomique
برابر عدهٔ پروتون‌ها ونوترون‌ها .

جرم ویژه Masse particulier
جرم یك لیترگاز. $D = \frac{M}{V}$
(V = حجم‌گاز　　M = جرم‌گاز)

چربیها Lipides
دسته‌ای ازموادآلی‌که در ساختمان مادهٔ زنده وجود داردازترکیب‌اسیدهای چرب با الکل حاصل می‌گردند .

چگالی Densité
نسبت جرم ، حجم معین ازگاز، به جرم هوای هم حجم .

$$d = \frac{m}{m'}$$

حرکت‌براونی Mouvememt Brown
حرکت میسلهای جسم چسب‌مانند، بروش تندال .

دیالیز Dialyse
تفکیك‌یك‌مادهٔ چسب مانند ازمواد بلور شدنی دریك محلول .

ظرفیت Valence
قدرت دفعی یا جذب الکترون هر اتم‌راگویند (باالکترونهای‌مدار خارجی مربوطاست).

عدداتمی Numero –Atomique
برابر عدهٔ پروتون‌های یك عنصر است .

عددکوآنتمی اسپین :
Numero – quantime spin
دوران وضعـی الکترونـی اسپین (اسپیـن‌گشتاوری استکـه برای تمام الکترونهایکی و برابریك است.)

عددکوانتمی سمتی(I)
گشتاور الکترون رانسبت به‌مرکز مدار مشخص می‌کند .

عددکوانتمی مغناطیسی(m)
وضع‌سطح مدار الکترونهارادر فضا نشان می‌دهد .

غلظت Viscosité
مقدارگرم درلیتر هرمحلول.

فاکتور Facteur
یاضریب غلظت. برابر خارج‌قسمت حجم‌محلول‌نرمال‌برحجم‌محلول‌غیرنرمال

$$F = \frac{V}{V'}$$

قندهای‌جور
قندهای مرکبی‌که جز (C. H. O) عنصر دیگری در ترکیب آنهانباشد .

قوت اسیدها
قدرت‌یونیزه‌شدن اسیدها.

کاتالیزور Catalyseur
با اثری‌فیزیکی، سرعت یك‌عمـل شیمیایی راچند مرتبه‌بزرگتریاکوچکتر می‌کند .

کراکینك
دراثر حرارت و فشار ، نفت‌چراغ وگازوئیل را تجزیه می‌کنند و بنزیـن اتوموبیل بدست‌می‌آورند .

کوئو والانس
یا ظرفیت مشترك و ترکیب‌بسته‌که یون بوجود نمی‌آورد .

محلول مولکولی:
یك مولکول از یك جسم خالص در یك لیتر آب خالص .

محلول نرمال:
یك والانس گرم از جسمی در یك لیتر آب .

مولکول Molecule
کوچکترین جزء هرجسم که دارای خواص آن جسم باشد .

مولکول گرم: Molecule - gramme
مجموع حاصلضرب های عدهٔ اتمهای مختلف یك مولکول در جرم اتمی آنها .

مومها Cires
موادی که از ترکیب اسیدها و الکلها بدست میآیند. تعداد کربن آنها معمولا از ۲۲ عدد متجاوز است .

نوترون Neutron
قسمت بسیار کوچکی از اتم بوزن پروتون بدون بار الکتریسیته .

والانس گرم Valence - gramme
جرم مولکولی تقسیم برظرفیت .

هالوژنه
به عناصر: فلوئور(F) و کلر(Cl) و برم (Br) و ید (I) و استاتین(At) گفته می‌شود.

معرف‌ها

تورنسل (جوهر آفتاب گردان)

$C_6H_3CH_3(OH)_2$ (۱ - ۳ - ۵)

اسیدها، تورنسل را قرمز وئیدراتها آنرا آبی می‌کنند .

چسب نشاسته $(C_6H_{10}O_5)n$
معرف ید که ترکیبات یددار را به‌رنگ آبی درمی‌آورد .

شوایتزر $Cu(NH_3)_4$
حلال و معرف سلولز .

فروسیانور پتاسیوم
$Fe\ (CN_6)k_4$
معرف ترکیبات آهن‌دار .

فنل فتالئین. $C_{20}H_{14}O_4$
بازهارا به‌رنگ ارغوانی درمی‌آورد.

فهلینك B
۱۷۳ گرم تارترات سدیم و پوتاسیوم و ۵۰ گرم سودسوزآور در ۵۰۰ cc آب .
این ماده معرف الدئیدها و قندها میباشند.

فهلینك A
۶۶ر۳۴ گرم سولفات مس متبلور در ۵۰۰ cc آب . که معرف الدئید و قند است .

هلیانتین :
اسیدها این ماده را جگری و بازها آنرا زرد و نارنجی می‌کنند

$$HO_3S-C_6H_4N=N-C_6H_4-N<{CH_3 \atop CH_3}$$

قانونهای شیمی

قانون رائولت :
این قانون درفرمول زیر خلاصه می‌شود:

$$\Delta t=\frac{K}{M}\times\frac{m}{m'}$$

(M وزن ملکولی جسم حل شده، m وزن جسم، m' وزن حلال، K ضریبی که فقط بحلال بستگی دارد و Δt صعود یا نزول نقطهٔ قلیان میباشد بشرطی که حلال و محلول بریکدیگر اثر شیمیایی نداشته باشند و یونیزه نشوند .

اگر اجسام یونیزه شوند فرمول عمل چنین است :

$$\Delta t=\frac{K}{M}\times\frac{m(1+I)}{m'}$$

(I درجهٔ یونیزاسیون جسم میباشد که از رابطهٔ زیر بدست میآید)

$$I=\frac{\text{عدهٔ ملکولهای تجزیه شده برحسب یون}}{\text{کل مولکولها}}$$

قانون پروست :
عناصر و اجسام شیمیایی برای تشکیل یك جسم شیمیایی معین همیشه بیك نسبت مشخص ترکیب می‌شوند .

قانون آووگادرو آمپر :
حجم هر ملکول گرم از گاز کامل در شرایط متعارفی (درجهٔ حرارت صفر و فشار ۷۶ سانتیمتر جیوه) ۲۲/۴ لیتر است .
مانند:

$$SO_4H_2,\ C\ ClH, Cl_2,\ H_2$$

قانون دالتن (نسبتهای اضافی):
هرگاه مقدار ثابتی از یك عنصر بتواند با مقادیر مختلف از عناصر دیگر ترکیب شده و اجسام متفاوتی را بوجود آورد نسبت بین مقادیر عناصر ثانویه کسر ساده‌ای را تشکیل میدهد .

$$C+\begin{cases} O \rightarrow CO \\ O^2 \rightarrow CO^2 \end{cases}$$

نسبت اکسیژنها در دو ترکیب $\frac{1}{2}$ است $(\frac{16}{32})$.

قانون گیلوساك :
ترکیب حجمی گازها همیشه به نسبت معین انجام می‌گیرد .

$$N_2+3H_2\rightarrow 2NH_3$$

$$22/4+3\times 22/4=2\times 22/2$$

قانون ریشتر
هرگاه a گرم از جسم A و b گرم از جسم B هرکدام با c گرم از جسم C ترکیب شود، هرگونه ترکیبی که بین دو جسم A و B صورت گیرد دررابطهٔ زیر صادق است:

$$\frac{A}{B}=\frac{a}{b}\times\frac{m}{n}$$

$\frac{m}{n}$ کسری ساده ، و یا عددی صحیح می‌باشد .

قانون دولن و پوتی
حاصلضرب جرم اتمی در گرمای ویژهٔ هرجسم مساویست با :

$$M\times C=6/4$$

قانون فانتف (قانون تأثیر گرما):
گرم کردن یك مخلوط بحالت تعادل سبب پیشرفت عمل درجهت گرماگیری می‌شود و بالعکس سرد کردن مخلوط عمل را درجهت گرمازایی سوق میدهد .

قانون لاووازیه:
درضمن اعمال شیمیایی جرم اجسام ثابت و هیچ جزء آن **بخودی خود ازبین** نمی‌رود .

قانون ماریوت:
دردرجهٔ حرارت ثابت ، حاصلضرب حجم درفشار هرگاز ثابت است .

$$PV=K$$

قانون ماریوت - گیلوساك
بین حجم ، فشار و درجهٔ حرارت هر گاز کامل رابطهٔ زیر برقرار است :

$$PV=P_0V_0(1+at)$$

(P فشار حاصل و V حجم حاصل و V_0 فشار اولیه و P_0 حجم اولیه و t درجه حرارت و $\alpha=\frac{1}{273}$ میباشد.)

قانون میچرلیخ :
اجسام ایزومورفیسم دارای ساختمان

مولکولی وخواص شیمیایی همانند می باشند.

قانون گولدبرك وواگك :

سرعت عمل شیمیایی ، بـا غلظت مولکولی تمام مولکولهای شرکت کننده درعمل نسبت مستقیم دارد.

قانون اثرجرمها (قانون دوم گولدبرگ و واگك)

اگرغلظت مولکولی هرجسم موجود دریك طرف تعادل را به‌قوهٔ ضریب آن جسم در فرمول شیمیایی رسانیده همه را در یکدیگر ضرب کنیم و حاصلضرب را برحاصلضربی که بهمان روش برای اجسام طرف دیگر تعادل مـی‌توان تشکیل داد تقسیم کنیم خارج قسمت عدد ثابتی خواهد شد .

قوانین برتوله :

الف : برای اجسام محلول :

اثر اسیدها وبازها ونمك‌های محلول بریك نمك محلولی وقتی آسان وکامل است که یکی ازاجسام حاصل در اثرفراربودن بصورت گاز خارج گردد و یادراثر غیـر محلول بودن بصورت درد ته‌نشین شود.

ب ـ برای اجسام خشك

اثر اسیدها ،بازها و نمك‌های خشك بریك نمك وقتی کامل است که یکی از اجسام حاصل در شرایط عمل فرارباشد .

سنجش‌ها

کلرورسنجی :

کلرغیر فلزیك ظرفیتی،از کرم که درکرمات عمل غیرفلزی دارد،قوی‌تراست پس وقتی کرمات بانیترات نقـره رسوب آجری می‌دهد؛ که کلرور تمام‌شده باشد یعنی خاتمهٔ عمل را نشان می‌دهد .

منگانیمتری :

تجربه‌های حجمی که بنا به‌خاصیت اکسید کنندگی پرمنگنات پتاسیم صورت می‌گیرد اغلب محلول دهم نرمال پرمنگنات ($\frac{1}{50}$ مولکول گرم درلیتر) بکار می‌رود و معرف رنگین هم لازم ندارد .

نقره‌سنجی :

با محلول دسی نورمال سولفوسیانور به‌این شرح؛ چون میل ترکیبی سولفوسیانور پتاسیوم بانیترات نقره بیشتر ازمیل ترکیبی آن باسولفات فریك است پس رسوب سرخ سولفوسیانور آهن وقتی تشکیل می‌شود که خاتمهٔ عمل رانشان بدهد یعنی نیترات نقره تمام شده باشد .

یدومتری :

تجربه حجمی ید با اجسامی است که برید اثرمی کنند سنجش ید بوسیلهٔ محلول دسی نورمال هیپوسولفیت دوسودصورت می‌گیرد.

آلیاژها

آلومینیوم ریخته‌گری.

بیش از ۸۰ درصد آلومینیوم ومقداری روی و مس ومنگنزدارد، سختی آن زیاد است .

انوار .

فولادی که در اثر حـرارت منبسط نمی‌شود و درآن۳۶٪. نیکل بکاررفته است.

آهن آیینه‌ای .

آلیاژی ازآهن ومنگنز که۵تا ۲۰ درصد منگنزدارد .

برنج .

مس وروی،دراین آلیاژ ۵۵٪.مس بکار رفته است .

پرمالوی .

آلیاژی مرکب از ۸۰٪. نیکل و ۲۰٪. آهن با خاصیت مغناطیسی .

چدن .

آهنی با ۵ درصدکربن وسیلیسیوم و منگنز و فسفر وگوگرد.

فولاد .

آهنی با ۲ر۵ درصد زغال.

مونل متال .

آلیاژی ازمس ونیکل که ۷۰٪. آن نیکل است .

ورشو .

مس ، روی ونیکل در این آلیـاژ ۵۷٪. مس و۲۴٪. نیکل و۱۹٪.روی بکار رفته است .

ستون میلی‌ترکیبی

ترتیب قرار گرفتن عناصربه‌ترتیبی که مشاهده‌می‌شود ، براساس جانشین‌شدن فلزات در محلول آنها تنظیم شده است. مثلاآهن، مس سولفات مس‌راجداکرده و جانشین آن می‌شود .

$$Fe + SO_4Cu \rightarrow SO_4Fe + Cu$$

Zn – Mn – Al – Mg – Ca – Na – K – Hg – Cu – H – Pb – Sn – Ni – Fe – Cr – Pt – Au – Ag .

آب و مشتقات آن

آب

آب‌خالص مایعی بیرنگ است که هرذرهٔ آن مرکب از دو اتم هیدروژن ویك اتم اکسیژن است ، نقطهٔ جوشش آن باازدیاد فشار محیط زیاد میشود درکنار دریا در ۱۰۰ درجه سانتیگراد می‌جوشد و در صفر درجه منجمد میشود وانجماد آن با ازدیاد حجم همراه است و در۴ درجـه حرارت حداکثروزن وحداقل حجم رادارد آب بین‌تمام‌مایعات وجامدات بزرگترین گرمای‌ویژه‌رادارااست‌ازاین‌رودرزمستان بکندی‌سرد وودرتابستان‌بآرامی گرم‌میشود وگرمای زمین راتنظیم میکند .

آب هنگام انجماد حجمش افزایش می‌یابد و چون وزن آب تقریبـاً ثابت مانده و حجم آن زیاد شده درنتیجه یخ سبکتر ازآب میشود .

آب حلال خوبی استزیـرا بیشتر مواد معدنی و پاره‌ای ازموادآلی راحل میکند . آب‌گرم پاره‌ای ازجـامدات و مایعات را بهتر وبیشتر از آب سرد حل می‌نماید ولی‌آب سردگازها را بهترحل میکند . سه‌چهارم سطح زمین راآب فرا گرفته ومنابع بزرگی ازآن‌نیز در زیر زمین وجود دارد ودرطبیعت بصورت‌مایع و بخار و جامددیده میشود.

آب آشامیدنی .

آب‌مشروب آبی است کاملاً بیرنگ، بی‌بو ،گوارا ، هوادار وجودگاز کربنیك بمقدارکم درآب سبب گوارایی وآسانـی هضم آن‌میشود .

آب آهك .

محلول ئیدروکسیدکالسیوم درآب ، برای‌مداوای سوختگی‌های ناشی ازاسید استعمال می‌شود.

آب اکسیژنه .

مایعی بی‌رنگ وبی‌ثبات ، مرکب از دو اتم اکسیژن و دو اتم‌ئیدروژن (H_2O_2) رنگبر ، میکروبکش است.

آب باریت $Ba(OH)_2$

بازی قوی که ازتأثیرآب بر اکسید باریوم بدست می‌آید .

آب تبلور .

آبی که در بعضی موادمتبلوربحالت ترکیب شیمیایی موجود است وباحرارت می‌توان آنرا از ماده‌خارج کرد .

آب تشکیل .

قسمتی ازآب تبلورکـه ماده آنرا سخت‌تر درخودنگاه می‌دارد.

آبجو .
یکی ازمشروبات الکلی،که معمولا ۳ تا ۶ درصد الکل‌دارد و محصول‌تخمیر جوانه‌های اولیهٔ جو است.

آب دریا .
آبی‌شورکه دارای ۶/. درصد‌مواد کلرور منیزیم، سولفات‌کالسیم نمک‌طعام، سولفات منیزیوم وکلرورپوتاسیوم‌است.

آب ژاول .
ازعبورگازکلردر سود سرد تهیه میشود بوی‌کلرو خاصیت‌کلرو اکسیژن ـ دهندگی دارد، رنگبر واکسیدان‌است .
درواقع‌محلول‌هیپوکلوریت‌سودیوم‌در آب می‌باشد ClNa و ClONa که برای گندزدایی‌ورنگ بری‌مصرف می‌شود .

آب سبك .
آبی‌که مواد محلول معدنی کم‌داردو صابون‌درآن کف‌می‌کند وآسان هضم‌شود.

آب سخت.
به‌علت‌وجودترکیبات‌کالسیوم‌ومنیزیوم وآهن‌درآن بصورت‌محلول، صابون‌فوری درآن‌کف نمی‌کند .

آب سلتز .
نوعی‌آب معدنی قلیایی.

آب سنگین .
مرکب ازدوآتم دوتریم (هیدروژن سنگین) ویك اتم اکسیژن‌است.

آب‌کلر:
عبارت از محلول‌گازکلر که خاصیت گندزدایی اکسیدانی ورنگ‌بری‌دارد .

آب لابارك.
بفرمول (ClK,ClOK)
از عبورگازکلر درپتاس سرد تهیه میشود ، بوی‌کلرو خاصیت کلرو اکسیژن دهندگی دارد رنگبرواکسیدان است.

آب‌لکه‌گیری اسپکترل .
این جسم از ۸۵ درصدکلرورکربن و۱۵ درصد بنزین سنگین درست‌شده‌است برای ازبین‌بردن لکهٔ چربی‌بسیارمناسب است زیرااثری‌ازلکهٔ‌چربی‌بجا نمی‌گذارد وخطرآتش سوزی هم‌ندارد .

آب معدنی .
آب چشمهٔ‌گرم یا سرد، شامل املاح معدنی .

آب مقطر .
آب‌خالصی که‌فاقدموادمعدنی محلول وغیر محلول باشد .

آب نیمه سنگین .
آبی است که ازیك اتم‌گرم‌اکسیژن ویك اتم‌گرم پروتونیوم(هیدروژن‌سبك) ویك‌آتم‌گرم دوتریوم (هیدروژن‌سنگین) تشکیل شده است .

ترکیب‌های‌گوگردی

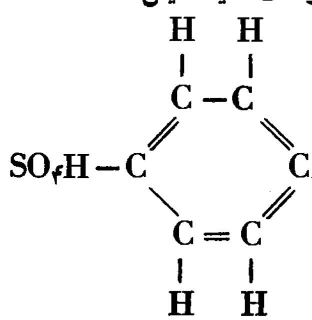
زاج سبز : ⟵ سولفات فرو

سولفات آلومینیوم :
$(SO_4)_3Al_2$

سولفات آمونیوم
$SO_4(NH_4)_2$

سولفات استانو
SO_4Sn

سولفات اسید انیلن



سولفات باریوم
SO_4Ba

سولفات پتاسیم
SO_4K_2

سولفات‌روی
SO_4Zn

سولفات دوسود
SO_4Na_2

سولفات سرب
SO_4Pb

سولفات فرو
SO_4Fe

سولفات‌فریك
$(SO_4)_3Fe_2$

سولفات‌کرومیك
$(SO_4)_3Cr_2$

سولفات‌مرکورو
SO_4Hg_2

سولفات‌مرکوریك
SO_4Hg

سولفات‌مس
SO_4Cu

سولفات منگنیك
SO_4Mn

سولفات‌منیزیوم
SO_4Mg

سولفات نقره
SO_4Ag_2

سولفات نیکل
SO_4Ni

سولفورآلومینیوم
S_3Al_2

سولفورآمونیوم
$S(NH_4)_2$

سولفورآهن
SFe

سولفور استانیك
S_2Sn

رسوبی زردرنگ

سولفور باریوم
SBa

سولفورجیوه
SHg

سولفور روی
SZn

سولفورسرب
Spb

سولفورکادمیوم
SCd

سولفورکوئیورو
SCu_2

سولفورمرکوریك
SHg

سولفورمس
SCu

سولفورنقره
SAg_2

سولفور نیکل
SNi

کات‌کبود ⟵ سولفات مس

هیپوسولفیت سدیم
$S_2O_3Na_2$

اسیدها

اسیدآدیپیك :
$COOH-(CH_2)_4-COOH$

اسیدآراشیدیك :
$C_{19}H_{39}COOH$

اسیدآسکوربیك:
$C_6H_8O_6$

ویتامینC‌ضد بیماری آسکوربوت ،جامد متبلور و سفیدرنگ در میوه‌ها وسبزیها فراوان .

اسید آمینو استیک

NH_2-CH_2-COOH

اسید آمینو بنزوئیک

$$\begin{array}{l} NH_2 \\ | \\ C_6H_4-COOH \end{array}$$

اسید ئیدروکسی پروپیونیک β

$CHOH-CH_2-COOH$

اسیدی آلی بی‌رنگ محصول تخمیر گلوکز.

اسید ئیدروکسی پروپیونیک α

$CH_3CHOH-COOH$

اسیدی آلی بی‌رنگ محصول تخمیر گلوکز.

اسید اتانوئیک ← **اسید استیک**

اسید استاریک

$C_{17}H_{35}COOH$

اسید استانو

SnO_2H_2

اسید استانیک

SnO_3H_2

اسید استیک

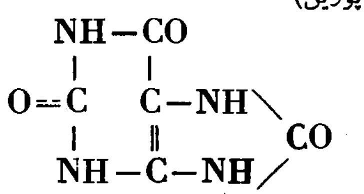
CH_3COOH

از ترکیب اکسید کربن و الکلات سدیم حاصل شده . مایعی بی‌رنگ با بوی تند است .

اسید استو استیک

$CH_3-CO-CH_2-COOH$

اسید اوریک (تری اکسی ۲ و ۶ و ۸ پورین)



اسید ضعیف، سفید، بی بو، متبلور محصول سوخت و ساز پروتئین .

اسید اولئیک

$C_{17}H_{33}COOH$

اسید بنزن سولفونیک

$C_6H_5SO_3H$

اسید بنزوئیک

C_6H_5COOH

اسیدی آلی جامد متبلور.

اسید بنزوکایین

$$\begin{array}{l} NH_2 \\ | \\ C_6H_4-COOC_2H_5 \end{array}$$

اسید بوتیریک

C_3H_7COOH

مایعی با بوی عرق بدن یا کرهٔ تند.

اسید بوریک

BO_3H_3

اسیدی ، ضعیف ، جامد که از بوره می‌گیرند

اسید پالمیتیک:

$C_{15}H_{31}COOH$

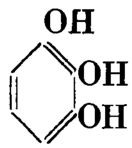
اسید پیروپیونیک :

C_2H_5COOH

مایعی بی‌رنگ با بوی ترش

اسید پیروگالیک :

فنولی بی‌رنگ متبلور ، تلخ مزه ، دوای ظهور عکاسی .



اسید پیروویک :

$CH_3-CO-COOH$

اسید پیرو لینیو.

مایعی تیره‌رنگ و مخلوط دو جوهر سرکه و الکل محصول تقطیر چوب .

اسید پیکریک

$C_6H_2(NO_2)_3OH$

اسیدی جامد متبلور، زرد کمرنگ قابل انفجار.

اسید تارتریک

$COOH-CHOH-CHOH-COOH$

اسید تاترونیک

$$\begin{array}{l} COOH \\ | \\ CHOH \\ | \\ COOH \end{array}$$

اسید تولوئن سولفونیک

$C_6H_4<\genfrac{}{}{0pt}{}{CH_3}{SO_3H}$

اسید ریسینولئیک

$C_{18}H_{34}O_3$

اسید ساخاریک

$COOH-(CHOH)_4-COOH$

اسید سولفانیلیک

$HO_3S-C_6H_4-N=N-OH$

اسید سولفوریک .

SO_4H_2

اسیدی قوی ، بی رنگ و سنگین و روغنی شکل .

اسید سولفیدریک.

SH_2

از گندیدن مواد آلی بدست می‌آید، بی‌رنگ و با بوی نامطبوع چگالی $\frac{34}{29}$ و در $-60/7°$ مایع می‌شود .

اسید سیانیدریک:

CNH

اسیدی ضعیف ، مایع بی‌رنگ فرار و سمی از حل کردن گاز چراغ در سود بدست می‌آید .

اسید سیتریک .

$C_6H_8O_7$

اسیدی آلی متبلور و سفید از تخمیر قند بدست می‌آید . و در لیموترش بطور طبیعی وجود دارد .

اسید فنیک ← **فنل**

اسید فورمیک

$HCOOH$

اسیدی آلی بی رنگ حاصل تقطیر مورچهٔ قرمز.

اسید فوسفوریک

PO_4H_3

اسیدی معدنی جامد متبلور که از ترکیب انیدرید با آب بدست می‌آید .

اسید کربولیک ← **فنل**

اسید کربونیک

CO_3H_2

اسیدی بسیار ضعیف و مایع محصول ترکیب انیدرید با آب .

اسید کرومیک

CrO_4H_2

اسید کلرواوریک

Cl_4AuH

اسید کلریدریک

ClH

اسیدی معدنی قوی و محرک.

اسید کلریک:

ClO_3H

اسیدی معدنی، محلول بی‌رنگ.

اسید گالیک

اسیدی آلی جامد بی‌رنگ متبلور از مازو گرفته می‌شود.

اسید گلیکولیک

$CH_2OH-COOH$

اسید گلوکونیک

$CH_2OH-(CHOH)_4-COOH$

اسید گلیسریک

$COOH$
|
$CHOH$
|
CH_2OH

اسید لاکتیک ← **ئیدروکسی پروپیونیک**

اسید لینولئیک

$C_{17}H_{31}COOH$

اسید لینولنیک

$C_{17}H_{29}COOH$

اسید مارگاریک

$C_{16}H_{33}COOH$

اسید متااستانیک

SnO_3H_2

اسید مزوکسالیک

$COOH$
|
$C=O$
|
$COOH$

اسید موریاتیک ← **اسید کلوریدریک**

اسید نیتریک

NO_3H

اسیدی معدنی قوی و بی‌رنگ و دود دهنده.

اسید هگزاکلرو پلاتینیک

$PTCl_6H_2$

الکل اتیلیک

C_2H_5OH

نقطه گداز ۱۱۴/۳ ـ و نقطه جوش ۷۸°/۳۵ است. چگالی ۰/۷۹۵. و کاشف آن رازی است.

الکل بنزیلیک

$C_6H_5CH_2OH$

الکل پروپیلیک

C_3O_7OH

نقطه گداز ۱۲۷ـ و نقطهٔ جوش ۹۷° است.

الکل سالیسیلیک:

$HO-C_6H_4-CH_2-CH_2OH$

الکل فنیل اتیلیک

$C_6H_5-(CH_2)_2OH$

الکل متیلیک

CH_3OH

نقطهٔ گداز آن ۹۷٫۸ـ و نقطهٔ جوش ۶۴٫۵° است

بوتانول.

C_4H_9OH

نقطهٔ گداز ۸۹٫۸ ـ و نقطهٔ جوش ۱۱۷°/۷ است.

پنتانول

$C_5H_{11}OH$

سالیژنین ← **الکل سالیسیلیک**

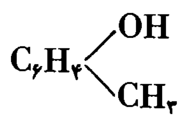
سربیتل:

$CH_2OH-(CHOH)_4-CH_2OH$

فنل

C_6H_5OH

کرزل



گلیسرین

$C_3H_5(OH)_3$

مایعی بی‌رنگ و لزج روغنی‌شکل بی‌بو، به چگالی ۱٫۲۹ در ۲۹۰ درجه می‌جوشد.

گلیکول

CH_2OH-CH_2OH

مایعی بی‌رنگ شربتی شکل، در ۱۹۷ درجه می‌جوشد و در ۱۱٫۵ـ درجه یخ می‌زند.

جوهرها

جوهر بادام تلخ.

قند مرکب و ناجور مغز بادام تلخ که به گلوکز و الدئیدبنزوئیک و اسیدسیانیدریک تجزیه می‌شود.

جوهر بوره ← **اسید بوریک**
جوهر پیه ← **اسید استاریک**
جوهر حسن لبه ← **اسید بنزوئیک**
جوهر درد ← **اسید تارتریک**
جوهر زیتون ← **اسید اولئیک**
جوهر سرکه ← **اسید استیک**
جوهر شوره ← **اسید نیتریک**
جوهر شیر

$CH_3-CHOH-COOH$

جوهر کتان ← **اسید لینولئیک**
جوهر کرچک ← **اسید ریسینولئیک**
جوهر کره ← **اسید بوتیریک**
جوهر لیمو ← **اسید سیتریک**
جوهر گوگرد ← **اسید سولفوریک**
جوهر مورچه ← **اسید فورمیک**
جوهر نخل ← **اسید پالمیتیک**
جوهر نمک ← **اسید کلوریدریک**

ئیدراتها

هیدرات آلومینیوم

$Al(OH)_3$

ماده‌ای راسب است.

ئیدرات آمونیوم

NH_4OH

ماده‌ای محلول است.

ئیدرات باریوم

$Ba(OH)_2$

بازی قوی محصول آب و اکسید باریوم.

ئیدرات پوتاسیوم

KOH

بازی قوی و جاذب گاز کربنیک؛

ئیدرات روی

$Zn(OH)_2$

ئیدرات روی راسب است.

ئیدرات سدیم

$NaOH$

جسمی سفید و نم‌گیر، در آب محلول و بازی قوی.

ئیدرات سرب

$Pb(OH)_2$

ماده‌ای راسب است.

ئیدرات فرو

$Fe(OH)_2$

جسمی راسب، رنگ آن درمجاورت هوا سبز است.

ئیدرات فریک

$Fe(OH)_3$

گردی قرمز آجری.

ئیدرات کالسیوم

$Ca(OH)_2$

در آب محلول و آب آهک نامیده می‌شود.

ئیدرات مس

$Cu(OH)_2$

ژلهٔ فیروزه‌ای رنگ در آب راسب و در آمونیاك محلول .

ئیدرات منیزیوم

$Mg(OH)_2$

بازی جامد و راسب و از آب دریا گرفته می‌شود .

آب آهك ← **ئیدرات کالسیوم**

آب باریت ← **ئیدرات باریوم**

پوتاس سوزآور ← **ئیدرات پوتاس**

سود ← **ئیدرات سدیم**

سودسوزآور ← **ئیدرات سدیم**

ترکیبات ستونی

استامید

CH_3CONH_2

استون

$CH_3-CO-CH_3$

استون بی‌سولفوتیك

$$\begin{array}{c} OH \\ | \\ CH_3-C-SO_3Na \\ | \\ CH_3 \end{array}$$

متیل اتیل ستون ← **بوتانون**

بوتانون

$CH_3COC_2H_5$

پروپانون ← **استون**

دی‌هیدروکسی‌ستون

$$\begin{array}{l} CH_2OH \\ | \\ C=O \\ | \\ CH_2OH \end{array}$$

اکسید کننده‌های مهم

$MnO_2 \rightarrow MnO$ و O

$NO_3H \rightarrow NO$ و O و H_2O

$SO_4H_2 \rightarrow SO_2$ و O و H_2O

$ClONa \rightarrow ClNa$ و O

$MnO_4K \rightarrow MnO$ و K_2O و O

$Cr_2O_7K_2 \rightarrow Cr_2O_5$ و K_2O و O

$Cl_2 + H_2O \rightarrow 2ClH + O$

$H_2O_2 \rightarrow H_2O + O$

احیاء کننده‌های مهم

در مجاورت اکسیدکننده‌ها :

$H_2 \longrightarrow H_2O$

$C \longrightarrow CO$ و CO_2

$S \longrightarrow SO_2$ و SO_3

$P \longrightarrow P_2O_5$

$Al \longrightarrow Al_2O_3$

$CO \longrightarrow CO_2$

$SO_4Fe \longrightarrow (SO_4)_3Fe_2$

$C_2O_4H_2 \longrightarrow CO_2$ و H_2O

$Cl_2Sn \longrightarrow Cl_4Sn$

اکسیدها

اکسید آلومینیوم

Al_2O_3

اکسید ازت

NO

اکسید باریوم

BaO

اکسید پلمبو

Pb_2O

اکسید جیوه

HgO

اکسید دتیل

$(C_2H_5)_2O$

اکسید روی

ZnO

اکسید سدیم

Na_2O

اکسید سرب

PbO

اکسید فرو

FeO

اکسید فریك

Fe_2O_3

اکسید کالسیوم

CaO

اکسید کربن

CO

اکسید کوئیورو

Cu_2O

اکسید مرکورو

Hg_2O

اکسید مرکوریك

HgO

اکسید مزیتیل

$$\begin{array}{l} CH_3-C=CH-CO-CH_3 \\ \quad\;\; | \\ \quad\;\; CH_3 \end{array}$$

اکسید مس

CuO

اکسید مغناطیسی آهن

Fe_3O_4

اکسید منیزیوم

MgO

اکسید نقره

Ag_2O

اکسید نیکل

NiO

پنتااکسید وانادیوم

V_2O_5

سرنج اکسیدی

Pb_3O_4

مردارسنگ ← **اکسید سرب**

انیدریدها

انیدرید ازتو

N_2O_3

انیدرید ازتیك

N_2O_5

انیدرید استیك

$(CH_3CO)_2O$

انیدرید پرکلریك

Cl_2O_7

انیدرید پرمنگنیك

Mn_2O_7

انیدرید سولفورو

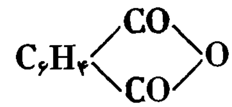
SO_2

انیدرید سولفوریك

SO_3

انیدریدسیلیسیوم
SiO_2

انیدریدفتالیك



انیدرید فسفورو
P_2O_3

انیدریدفسفوریك
P_2O_5

انیدریدکربنیك
CO_2

انیدریدکرومو
Cr_2O_3

انیدریدکرومیك
CrO_3

انیدریدکلرو
Cl_2O_3

انیدریدکلریك
Cl_2O_5

انیدریدمنگانیك
MnO_3

انیدریدهیپوکلرو
Cl_2O

بی‌اکسیدها

بی‌اکسیدازت
NO_2

بی‌اکسیدباریوم
BaO_2

بی‌اکسیدتیتان
TiO_2

بی‌اکسیدسدیم
Na_2O_2

بی‌اکسیدسرب
PbO_2

بی‌اکسیدقلع
SnO_2

بی‌اکسید منگنز
MnO_2

پراکسید باریوم ← بی‌اکسیدباریوم

پراکسیدسدیم ← بی‌اکسیدسدیم

پراکسید نیتروژن ← بی اکسیدازت

کاستیریت ← بی‌اکسیدقلع

ترکیبات کلر

اکسی‌کلرورفسفر
$POCl_3$

اکسی‌کلروکربن
$COCl_2$

پنتاکلرورفسفر
PCl_5

تری‌کلرواستون
CH_3COCCl_3

تری‌کلرورفسفر
PCl_3

کلمل ← کلرورمرکورو

کلروپرن
$CH_2=CH-CCl=CH_2$

کلروراستیل
CH_3COCl

کلرورآلومینیوم
Cl_3Al

کلرورآمونیوم
$ClNH_4$

کلرور اتیلن
CH_2Cl-CH_2Cl

کلروراستانیك
Cl_4Sn

کلرور استیل
CH_3COCl

کلرورباریوم
Cl_2Ba

کلرور روی
Cl_2Zn

کلرورسدیم
$ClNa$

کلرور فریك
Cl_3Fe

کلرورکالسیوم
Cl_2Ca

کلرورکرم
Cl_3Cr

کلرورکوئیورو
$ClCu$

کلرور کوئیوریك ← کلرورمس

کلرورمرکورو
Cl_2Hg_2

کلرورمرکوریك
Cl_2Hg

کلرورمس
Cl_2Cu

کلرورمنیزیوم
Cl_2Mg

کلرورنقره
$ClAg$

نشادر ← کلرورآمونیوم

چند آلدئید

آستالدئید
$CH_3\ CHO$

آلدئیداتیلیك ← استالدئید

آلدئیدات‌آمونیاك

$$\begin{array}{c} \quad\quad OH \\ \quad\quad | \\ CH_3 - C - NH_2 \\ \quad\quad | \\ \quad\quad H \end{array}$$

آلدئیدبی‌سولفوتیك
$CH_3CHO\ SO_3HNa$

آلدئیدگلیسیریك

$$\begin{array}{l} CHO \\ | \\ CHOH \\ | \\ CH_2OH \end{array}$$

آلدئیدگلیکولیك
$CH_2OH-CHO$

آلدئیدفرمیك
$HCHO$

آلدوهگزوز
$CH_2OH-(CHOH)_5-CHO$

بنزآلدئید
C_6H_5CHO

چند ترکیب نیتره

سنگ جهنم ⟵ نیترات نقره

نیترات باریوم

$(NO_3)_2Ba$

نیترات جیوه یك ارزشی

NO_3Hg

نیترات مرکوریك

$(NO_3)_2Hg$

نیترات سدیم

NO_3Na

نیترات سرب

$(No_3)_2Pb$

نیترات فریك

$(No_3)_3Fe$

نیترات نقره

NO_3Ag

ترکیبات آمونیاکی

آسنات آمونیوم

CH_3COONH_4

آستامید

$CH_3-CO-NH_2$

اگزامید

$$\begin{array}{l} CONH_2 \\ | \\ CONH_2 \end{array}$$

آمونیاك

NH_3

اکسالات آمونیوم

$$\begin{array}{l} COONH_4 \\ | \\ COONH_4 \end{array}$$

انیلین

$C_6H_5-NH_2$

اوره

$$O=C\begin{array}{l} \diagup NH_2 \\ \diagdown NH_2 \end{array}$$

بی اوره

$$\begin{array}{l} O=C\diagup NH_2 \\ \quad\quad \diagdown N-H \\ O=C\diagup \\ \quad\quad \diagdown NH_2 \end{array}$$

پروپیلامین

$CH_3-CH_2-CH_2-NH_2$

تری اتیلامین

$(C_2H_5)_3N$

تری بروموانیلین

$C_6H_2(Br)_3NH_2$ (۱-۲-۴-۶)

دی اتیلامین

$(C_2H_5)_2NH$

دی متیل اوره

$$O=C\begin{array}{l} \diagup NH-CH_2OH \\ \diagdown NH-CH_2OH \end{array}$$

سولفات دی اتیلامونیوم

$SO_4(C_2H_5NH_3)_2$

سیانات آمونیوم

$CNONH_4$

کلرور آمونیوم

$ClNH_4$

کلریدرات دانیلین

$ClH,C_6H_5NH_2$

متیل امین

CH_3-NH_2

منواتیلامین

$C_2H_5NH_2$

نیتروزامین

$$\begin{array}{l} C_2H_5 \diagdown \\ C_2H_5 \diagup \end{array} N-N=O$$

هگزامتیلن دیامین

$NH_2-(CH_2)_6-NH_2$

نامهای آشنا

آغوز .
مایعی که پستان هر حیوان پستاندار، در روزهای اول بعد از زایمان ترشح میکند .

آهك سبز .
سولفور کالسیومی که مقدار جزیی سولفور فرو دارد ایـن آهك سبزرنگ است وبیشتر درچرمسازی بکارمیرود .

اسانس ها.
عطرهایی کـه میتوان از نباتـات استخراج کرد مانند اسانس لیمو .

انگم ها.
یاصمغ‌ها، ترشحاتی که از شکافهای پوست درخت بیرون میآیند .

تریاك.
شیرابهٔ سفت‌شدهٔ میوهٔ نارس‌خشخاش که دارای الکالوئیدهای فراوان نظیر : مرفین، کودئین، تبائین، پاپاورین، لدانوزین، نارسئین‌ونارکوئین میباشد .

حشیش .
از فرآورده‌های شاهدانه کـه اثر مخدر دارد .

رزین‌ها .
اسانس‌ها در مجاورت هوا اکسیده شده وقسمت اکسیدشده؛ در خوداسانس، حل میشود ورزین بوجود میآورد .

سرشیر .
وقتی‌شیررامدتی بحال‌آرام‌بگذارند درسطح آن‌جمع می‌شود . وآن قسمتی‌از شیر است که سهم اعظم ذرات چربی‌شیردر آن مجتمع‌ومتراکم شده است .

قند شیر.
این‌قنددرشیرکلیهٔ‌جانوران پستاندار یافت‌میشودودراثرجذب‌آب به یك‌ملکول گلوکزویك‌ملکول گالاکتوز تجزیه‌میگردد

کلروفیل .
بفرمول $A=C_{55}H_{72}O_5N_4Mg$ نوع A نوع‌سبز آبی

$B=C_{55}H_{70}O_6N_4Mg$ نوع B نوع‌سبززیتونی

مادهٔ سبز رنگی‌که دربیشتر انواع گیاهان دیده می‌شود .کلروفیل دردرون یاخته‌های‌گیاهی‌درداخل‌اجسامی‌بنام‌کلرو- پلاست وجود دارد .

خاصیت اصلی سبزینه آن است که در برابر نور خورشید از عناصر ومواد ساده می‌تواند موادآلی تولیدنماید.این کیفیت که اساس حیات را در روی‌کرهٔ زمین تشکیل می‌دهد نور ساخت یافتو- سنتز نامیده می‌شود .

در ترکیب‌کلروفیل علاوه‌بر کربن، اکسیژن ، هیدروژن وازت ، فلزمنیزیم نیز بکار رفته است .

گزخوانسار .
مادهٔ قندی محصوصی که از درخت گز که‌براثرگزش‌حشره‌ای‌ترشح میشود .

مارگارین .
کلیهٔ چربیهای خوراکی شبیه کره دارای منشأ غیر حیوانی .

مازوها .
اجسام کلوئیدی که درواکوئل‌های

نباتات به‌مقدار زیاددیده میشوند وچون املاح آهنی به آنها برسد رنگشان سیاه شده ورسوب می کند .

مالتوز.

قند مرکب که کمتر بحالت آزاد یافت میشود ولی پیوسته از ئیدرولیز نشاسته بوجود آمده و تحت تأثیر ClH یا مخمرآبجو مقداری آب جذب می‌کند وبه‌دومولکول گلوکز تبدیل می‌شود .

نشاسته.

این‌دسته از قندها که‌فرمول کلی آنها $(C_6H_{10}O_5)n$ است ازترکیب و تراکم عدهٔزیادی قندهای ساده بدست می‌آید و از ذخایر گیاهی است .

نوش.

نوعی‌مادهٔ قندی که بعضی سلولهای گیاهی ترشح می‌کنند. وجود نوش سبب جلب حشرات است .

زهرهاوترکیبات‌پیچیده

آدنین.

جسمی سفید متبلـور در۵۴درجه، آب تبلور، خود را از دست میدهد در ۳۶۰درجه ذوب‌میشود. آنرا ازجوشاندن نوکلئین‌که درهستهٔ سلول حیوانی ونباتی وجود دارد تهیه میکنند درعصارهٔ چای هم یافت میشود .

آلرون.

پروتیدی همراه باموادکانی که در نتیجهٔ خشك شدن شیرهٔ و اکوئل سلول بوجودآمده واشکال‌متفاوت دارند.

آلیزارین.

ماده‌ای رنگی‌که در ریشهٔ روناس وجود دارد .

آنتراسن.

جسمی که‌درقطران‌زغال سنگ‌وجود دارد.خالص آن‌ورقه‌های بیرنگی‌است‌ولی فلوئورسانس بنفش دارد .

آنیلین.

این واژه از پرتقالی یا عربی بنام النیل‌گرفته شده وبنام کیانول‌هم گفته‌شده است . این جسم آبگونه، بیرنگ‌می‌باشد بواسطه مواد گوگردی در مجاورت هوا زرد میشود وزن مخصوص آن۱/۰۲۴ در ۱۸۴ درجه میجوشد بوی مخصوص دارد بخارآن سمی درآب غیرمحلول است .

اوسئین:

مادهٔ آلبومینوئیدی و به‌نسبت ۶۰تا ۷۰ درصدمادهٔ آلی استخوان رامی‌سازد.

اوروبیلین:

مادهٔ رنگی‌که ازاسترکوبیلین‌مشتق شده وپس ازجذب مجدد از روده‌هاوارد ادرارگشته آنرا رنگین‌می‌کند .

پاپاورین:

ازالکالوئیدهایی‌که‌درشیرابهٔ‌کپسول خشخاش فراوان یافت میشود .

تبائین:

ازالکالوئیدهایی‌که درشیرابهٔ‌کپسول خشخاش فراوان یافت میشود .

رآدین :

الکالوئیدی‌که در گل‌شقایق وجود دارد .

ساکارز:

این قند به مقدار زیاد درنیشکرو چغندر قند یافت می‌شود و بهترین ماده برای سوخت بدن است و از تجزیهٔ آن گلوکز وفروکتوز بدست می‌آید .

سینیگرین :

گلوکوزیدی‌که دردانهٔ خردل سیاه وجوددارد.

فیکوفئین:

مادهٔ خرمایی‌رنگ‌که درجلبك‌های قهوه‌ای وجوددارد.

کاروتن:

کربورهیدروژن‌برنگ‌نارنجی به‌فرمول $C_{40}H_{56}$ در برگ‌گیاهان موجود است.

کافئین :

این مادهٔالکالوئیدی دربرگ چای به‌مقدار فراوان یـافت میشود ومسکن خوبی است .

کربوکسی‌هموگلوبین:

ترکیب باثبات هموگلوبین خون‌را با اکسیددوکربن گویند .

کودئین:

ازالکالوئیدهایی‌که درشیرابهٔ‌کپسول خشخاش فراوان یافت میشود .

گزانتوفیل.

الکلی‌که‌ازکاروتن مشتق وماننداآن درکروموپلاست‌ها پراکنده شده وبی‌شکل است و در قطرات چربی‌های گیاهی نیز آنرا میتوان‌یافت. گاهی در بعضی‌اعضاء حیوانی نیز یافت میشود مانندمادهٔزرد-رنگ تخم‌مرغ‌بفرمول $C_{40}H_{56}O_2$.

گلوبین:

ازپروتیدهای‌تشکیل‌دهندهٔ‌استرهای گلبولهای قرمز است .

گلیکوژن

این دسته‌از قندهای‌مرکب که‌فرمول کلی‌آنها$(C_6H_{10}O_5)n$ است‌ازترکیب‌و تراکم عدهٔ زیادی قندهای ساده بدست می‌آید وازذخایر بافتهای جانوری‌است.

لدانوزین.

ازالکالوئیدهایی‌که درشیرابهٔ‌کپسول خشخاش فراوان یافت‌میشود .

مورفین .

ازالکالوئیدهایی‌که درشیرابهٔ‌کپسول خشخاش فراوان یافت میشود .

نارسئین.

ازالکالوئیدهایی‌که درشیرابهٔ‌کپسول خشخاش فراوان یافت میشود .

نارکوتین:

ازالکالوئیدهایی‌که درشیرابهٔ کپسول خشخاش فراوان یافت میشود .

چند نمك

آلومینات‌سدیم

AlO_2Na و AlO_3Na_3

استانیت‌پتاسیم

SnO_2K_2

اتیل‌مرکورتیوسالیسیلا سدیم

$C_2H_5HgSC_6H_4COONa$

بوتیرات‌اتیل

$C_3H_7COOC_2H_5$

بی‌کرمات‌پتاسیم

$Cr_2O_7K_2$

پرمنگنات‌پتاسیم

MnO_4K

تنگستات‌کالسیم

WO_4Ca

پلمبیت‌سدیم

PbO_2Na_2

زنکات‌سدیم

ZnO_2Na_2

سوپرفسفات‌کالسیوم

$(PO_4H_2)_2Ca$

سیلیکات‌آلومینیوم

$(SiO_3)_3Al_2$

سیلیکات کالسیوم
SiO_3Ca

شئلیت ⟵ تنگستات کالسیم

فرمیات سدیم
$HCOONa$

فرمیات کالسیوم
$(HCOO)_2Ca$

فسفات آمونیاکومنیزین
PO_4MgNH_4

فسفات کالسیوم
$(PO_4)_2Ca_3$

فولمینات جیوه
$(CNO)_2Hg$

کرومات سدیم
CrO_4Na_2

کرومات سرب
CrO_4Pb

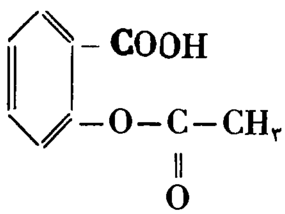
لاریل سولفات سدیم
$C_{12}H_{25}OSO_3Na$

مری‌تولات ⟵ اتیل مرکور تیوسالیسیلات سدیم.

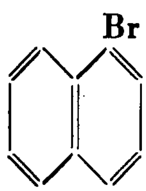
منگنیت پتاسیم
MnO_4k_2

ترکیبات بنزنی

آسپرین



α منوبرو نفتالین

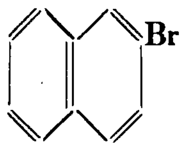


اترفنیلیک
$C_6H_5-O-C_6H_5$

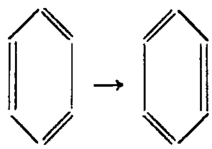
استانیلید
$C_6H_5-NHCOCH_3$

ئیدروکسی دی‌ازوبنزن
$C_6H_5-N=N-OH$

β منوبرومو نفتالین



بنزن



بنزن
C_6H_6

بنزن تری‌سولفونیک
$C_6H_3(SO_3H)_3$

بنزن‌دی سولفونیک
$C_6H_4(SO_3H)_2$

بنزن منوسولفونیک
$C_6H_5SO_3H$

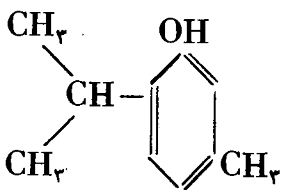
بنزوات کالسیوم
$(C_6H_5COO)_2Ca$

تری‌بروموفنل
$C_6H_2Br_3OH$

تری‌نیترو بنزن
$C_6H_3(NO_2)_3$

تولوئن ⟵ متیل‌بنزن

تیمول

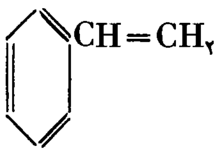


دیفنیل
$C_{12}H_{10}$

دی نیتروبنزن
$C_6H_4(NO_2)_2$

دی متیل‌بنزن ⟵ کزیلن

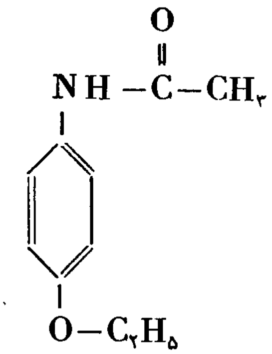
ستیرن



سولفامید
$C_6H_5SO_2NH_2$

فنات سدیم
C_6H_5ONa

فناستین



فنل سولفونیک
$C_6H_4 \langle {SO_3H \atop OH}$

کزیلن
$C_6H_4(CH_3)_2$

کلروربنزیل
$C_6H_5CH_2Cl$

کلرومتیل بنزن
$C_6H_4Cl-CH_3$

کینون
$C_6H_4O_2$

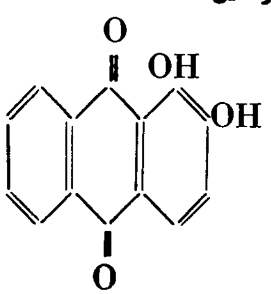
متیل بنزن
$CH_3-C_6H_5$

نفتولات سدیوم
$C_{10}H_7ONa$

نیتروبنزن
$C_6H_5NO_2$

بنیان ترکیبات آلی

آلیزارین



آلیلن ← پرپین
اکیلن
C_2H_4
الین ← استیلن
استیلن
C_2H_2
اکریل نیتریل
$CH_2=CH-CN$
انتراسن
$C_{14}H_{10}$
بنزن
C_6H_6
بوتادین
$CH_2=CH-CH=CH_2$
بوتان
C_4H_{10}
پروپین
$CH_3-C\equiv CH$
متان
CH_4
وینیل استیلن
$CH_2=CH-C\equiv CH$

مشتقات اسیداستیک

استات آمونیوم
CH_3COONH_4
استات امیل
$CH_3COOC_5H_{11}$
استات سدیم
CH_3COONa
استات فرو
$(CH_3COO)_2Fe$
استات فنیل
$CH_3COOC_6H_5$
استات کالسیوم
$(CH_3COO)_2Ca$
استات متیل
CH_3COOCH_3
استات مس
$(CH_3COO)_2Cu$
آبی پروس ← فروسیانورفریک
سیانور جیوه
$(CN)_2Hg$
سیانور سدیم
$CNNa$

سیانور مضاعف روی وسدیم
$(CN)_4ZnNa_2$
سیانور مضاعف طلا وسدیم
$(CN)_2AuNa$
سیانور مضاعف نقره وسدیم
$(CN)_2AgNa$
سیانوژن
CN
|
CN
فرو سیانور پتاسیوم
$Fe(CN)_6K_4$
فروسیانورفرو
$[Fe(CN)_6]_2Fe_4$
فرو سیانورفریك
$[Fe(CN)_6]_3Fe_4$

ترکیبات قندی

ساکارز
$C_{12}H_{22}O_{11}$
سلولز
$(C_6H_{10}O_5)n$
گلوکز
$C_6H_{12}O_6$
لاکتوز
$C_{12}H_{22}O_{11}$
لوولز
$C_6H_{12}O_6$
نشاسته
$(C_6H_{10}O_5)n$
مالتوز
$C_{12}H_{22}O_{11}$

کربناتها و بی کربناتها

بیکربنات سدیم
CO_3HNa
بی کربنات کالسیم
$(CO_3H)_2Ca$
کربنات آهن
CO_3Fe
کربنات اسید سدیم ← بی کربنات سدیم
کربنات اسید کالسیم ← بی کربنات کلسیم
کربنات پتاسیوم
CO_3k_2

نیکل تتراکربنیل
$Ni(CO)_4$
کربنات روی
CO_3Zn
کربنات سدیم
CO_3Na_2

چند سنك معدن

آزوریت
$2CO_3Cu$و$Cu(OH)_2$
آلومین ← اکسیدآلومینیوم
پیریت
S_2Fe
پیریت مس (شالکو پیریت)
$CuFeS_2$
سیدریت
CO_3Fe
سیلیس ← اکسید سیلیسیوم
شالکوسیت
Cu_2S
کوپریت
Cu_2O
لیمونیت
$2Fe_2O_3$و$3H_2O$
مالاشیت
CO_3Cuو$Cu(OH)_2$
مانیه‌تیت
Fe_3O_4
هماتیت
Fe_2O_3

کتب شیمی

آزمایشهای علمی : ززف لیمپتین
ترجمهٔ احمد رضا قلی زاده .
اسرار بمب اتمی : عزیز اللهٔ سامان.
اصول گداز واستخراج فلزات: دکتر هادی یگانهٔ حائر .
پتروشیمی. دکتر مهندس رحیم عابدی .
اصول شیمی وفیزیکی: «دانشگاه تهران».
فرخ فرحان .

تجزیهٔ سنگهای معدنی و برخی فرآورده‌های شیمیایی : مهندس محمدرضا رجالی.
الاسرار و سرالاسرار: ابوبکر محمدبن زکریا رازی به‌کوشش محمد تقی‌دانش پژوه .
تمرینات و تجربیات شیمی‌آلی : دکتر ابوالحسن شیخ .
جستجوی طلا: «امیرکبیر تهران» ای . ژرکوف ترجمهٔ عقیلی کاتبی .
حل‌المسائل شیمی و فیزیك : دکتر معزی .
دفترچه مشخصات موادا ولیهٔ غیرفلزی : خانبابا ایروانی .
دفترچه مشخصات موادفلزی: خانبابا ـ ایروانی .
دورهٔ علوم عملی گازهای جنگی. سروان ـ عزیزالله‌شیبانی .
زغال وچوب فرآورده‌های شیمیایی ـ آن : مهندس ناصر مجتهدی .
رساله در شیمی : (اعلم‌الدوله) دکتر خلیل ثقفی .
روش تجزیه : علی‌اکبر پریمن.
روش تهیهٔ موادآلی: دکتررضاصفوی ـ گلپایگانی.
روش شیمی‌تجزیه . دکتر فخرالدین خوشنویسان .
شگفتیهای شیمی. ایرا.م فریمن، ترجمه رضا اقصی .
شناختن‌کانیها بوسیلهٔ حرارت ومعرفهای ـ شیمیایی : « دانشسرایعالی تهران » . عبدالکریم قریب .
شناسایی موادآلی: یحیی عبده وشهاب.
شیمی : دکتر محمود شیمی .
شیمی : مهندس‌مرتضی‌قاسمی.
شیمی : دکتر علی امیر حکمت .
شیمی: حکیم اعظم دکتر علی پرتوی شیرازی.
شیمی: احمدرفیع‌زاده‌به مشارکت‌حاج‌ـ سیدجوادی و باروخ‌بروخیم.
شیمی : احمد رضا قلی‌زاده.
شیمی : علی‌اصغر نوروزیان.
شیمی‌آلی : (کلیات وایزومری) «دانشسرایعالی‌تهران» کیوان‌نجم‌آبادی.
شیمی آلی (ترکیبات آلی حلقوی یا معطر)، «دانشگاه تهران» رحیم‌عابدی.
شیمی آلی : هرمز فیروزبان.
شیمی‌آلی(جلد ۱ تئوری واصول‌کلی). دکتر مهندس رحیم عابدی.
شیمی آلی: دکترمحمود شیمی.
شیمی آلی : دکترنادر شرقی.
شیمی آلی: احمدرضاقلی‌زاده‌به‌مشارکت دکتر وارطانی.
شیمی‌آلی‌ارگانیك: دکتر ابوالحسن ـ شیخ .
شیمی آلی عملی: دکتر مهندس یحیی ـ عبده .
شیمی آلی عمومی دکترمهندس یحیی عبده .
شیمی تجزیه : علی‌اکبر پریمن .
شیمی تجزیهٔ کمی(مقداری)، فخرالدین‌ـ خوشنویسان .
شیمی تحلیلی: مهندس مرتضی‌قاسمی.
شیمی‌خاك : دکتر فخرالدین اربابی.
شیمی صنعتی : مهندس مرتضی قاسمی.
شیمی صنعتی : دکتر غلامرضا رادفر.
شیمی صنعتی (ترکیبات‌شبه فلـزی): « دانشگاه تهران » غلامرضا . رادفر
شیمی عملی : اسمعیل اضحی .
شیمی عمومی : مهندس مرتضی قـاسمی به‌مشارکت‌دکتر یلدا .
شیمی عمومی : مهندس علی سعیدی.
شیمی‌عمومی معدنی (۲جلد) دکتر فضل‌الله‌شیروانی .
شیمی‌عمومی معدنی: مهندس‌محمدرضا‌ـ رجالی .
شیمی عمومی، معدنی‌فلزات. «دانشگاه تهران». فضل‌الله شیروانی.
شیمی‌فنی‌خانه داری: احمد رضاقلی‌ـ زاده .
شیمی فیزیك . دکتر ایرج لاله‌زاری .
شیمی‌گیاهی : دکتر مهدی نامداربه‌ـ مشارکت دکتر مرتضی شاهرخ و دکتر مصطفی اولیایی
شیمی مختصر، آلی : علی‌اکبرپریمن.
شیمی معدنی. دکتراحمد یلدا.
شیمی معدنی (نا فلزات): دکترفضل‌الله شیروانی .
شیمی معدنی : دکترهاشم بری.
صنایع شیمی معدنی : مهندس‌مرتضی‌ـ قاسمی .
کلیات و قوانین مقدماتی علم‌شیمی : دکتر احمد یلدا .
گازهای جنگی: سروان‌عزیزالله شیبانی.
معالم‌التجارب درکیمیا: خوشحالی‌ولی.
نفت‌نامه : محمود والانژاد.
هیدرولوژی: دکتر محمدحسن‌مهدوی اردبیلـی .
هیدرولیك عمومی : مهندس‌عبـدالله‌ـ ریاضی .

علمای شیمی



آرنیوس

آرنیوس، اسوات. ARRHENIUS

(۱۸۵۹ ـ ۱۹۲۷م)

رئیس دانشگاه استکهلم بود و در سال۱۹۰۲ مدیر انستیتوی نوبل‌گردید تئوری«رائول» را درمورد اجسام‌معدنی محلول نیز، بسطداد و ثابت‌کردکه‌این اجسام برخلاف آنهایی‌که مورد مطالعهٔ « رائول» قرارگرفته بـودند جریـان الکتریسیته‌را هدایت‌میکنندلذاتوانست مفهوم واقعی الکترولیزرا تعریف‌کند.



اوربن

اوربن‌ژرژ. URBAIN . G

(۱۸۷۶ـ۱۹۳۸م)

درجدا کردن اکسیدهای فلزی و بالنتیجه‌کشف خاکهـای نایاب بیش از دانشمندان دیگر زحمت کشیـد و معروفترین آنها یعنی سنگ چخماق را بیشتر مورددقت ومطالعه قرارداد.



اونس

اونس ONNES . H. K.

(۱۸۵۳ـ۱۹۲۶م)

دانشمند هلندی که در گرونتیگ متولدگردیـد و در سال ۱۸۸۲ استاد دانشگاه «لید» شد و آزمایشگاه‌خاصی برای مایع‌کردن‌گازها ترتیب داد ودر

۱۹۰۴ در همین آزمایشگاه توانست مقدار زیادی هوای مایع ایجاد کنند .

اووگادرو، امه‌دئو ، Avogadro
(۱۷۷۶-۱۸۵۶م)

شیمیدان و فیزیکدان ایتالیایی ، ابتدا اودر موطن خود به‌تحصیل حقوق پرداخت ولی بزودی‌دریافت که‌استعداد بیشتری‌برای‌تحقیق ومطالعه‌علوم عملی دارد . براثر مطالعات خودقوانین‌مهمی در شیمی ـ فیزیك کشف‌کرد و استاد ریاضی دانشگاه‌ورسلی(Verceli)گردید بعداً به‌سمت استادفیزیك عالی دانشگاه تورن (Turin) منصوب شد و مطالعات او روی قوانین‌گازها امروزه‌نیزاهمیت کلی دارد .

بالارد، آنتوان‌ژروم . Balard.A.J
(۱۸۰۲-۱۸۷۶م)

شیمی‌دان فرانسوی وکاشف بروم در سال**۱۸۲۶**، وهم او سولفات‌دوسدیم رانیز از آب دریا استخراج کرده‌است.

بر تران :گابریل Bertrand .G.

شیمیدان فرانسوی متولد ۱۸۶۷ برای‌اولین‌بارنقش دیاستازها رادرنمود عمومی‌اکسیداسیون معین‌کرد.وهمچنین «لاکاز» رابدست‌آورد که‌این همان‌عاملی است که‌اگرچون‌سیب را ببریم ، آنرا قهوه‌ای رنگ میکند. وی‌اهمیت‌خارق‌العاده‌مقادیر کوچکی‌از بعضی‌مواد،مانند منگنز را درعمل اکسیداسیون روشن ساخت‌که در بعضی موارد رشدنباتات‌را به میزان چهل‌درصد می‌افزاید .

بر تلو،مارسلن Berthelot .M.
(۱۸۲۷-۱۹۰۷م)

شیمی دان معروف فرانسوی و سیاستمدار مشهور، مؤلف آثاری درباب ترکیب مواد آلی و دربارهٔ‌ترموشیمی ؛ وی عضوآکادمی‌فرانسه‌نیزبود.

بر تو له، کلودلویی. Berthollet
(۱۷۴۸-۱۸۲۲م)

شیمی دان معروف فرانسوی وی بکشف خواص رنگ زدایی‌کلرواستفادهٔ از آن برای سفیدکردن منسوجات وهم چنین استعمال زغال برای تصفیهٔ آب نایل‌آمد وتحقیقات‌متعددی‌دربارهٔ‌کلرور پتاس و املاح مختلف‌دارد .

بلاك ، ژوزف Black
(۱۷۲۸-۱۷۹۹م)

ژوزف‌بلاك برای‌تحصیل بدانشگاه ادیمبورك رفت و در دانشگاه همین‌شهر به‌مقام استادی‌رسید .دربیست ونه‌سالگی گاز کربنیك‌راکشف و آن‌را هوای‌ثابت نامید.بلاك ثابت نمود که (هوای ثابت) همان‌گازی است‌که انسان در حال‌بازدم تنفس‌خارج می‌کند .

بویل، دانیل . BOYLE

بیوشیمیست‌ایتالیایی‌درسال۱۹۰۷ در شهر(نوشاتل)پا به‌عرصهٔ‌حیات‌گذاشت ماده‌ای‌کشف‌کرد‌که اثر مضرهٔ برخی‌از عوامل را بربدن خنثی می‌کرد و روی عروق‌وعضلات‌بدن‌اثرمفیدبجامی‌گذاشت به‌این‌مناسبت‌در سال۱۹۵۷ برندهٔ‌جایزه نوبل شد .

پاستور، لویی. Pasteur.L
(۱۸۲۲ ـ ۱۸۹۵ م)

در ۲۸ماه‌دسامبر۱۸۲۲در «دول» متولدگردیدودربیست وشش‌سالگی‌استاد شیمی دانشگاه استراسبورگ شد.

وی تمام دانه‌های متبلور راست‌را ازآنهایی‌که سطحشان متمایل‌بطرف‌چپ بود جداکرد و ازهرکدام آنها محلول جداگانه‌ای‌ترتیب‌داد،عقدهٔ‌مشکلی‌که در مقابل‌او‌گشوده‌شد این بود که‌محلول‌مواد متبلورراست،نورقطبی‌شده‌را به‌سمت‌راست ومحلول مواد متبلورچپ‌این‌نوررا بطرف چپ منحرف میساخت و مخلوط این دو اصلا نور مزبور را منحرف نمیکرد . و شناخت که‌محصولات‌طبیعت، زنده‌روی نورقطبی شده‌تأثیرمیکنندامامحصولات معدنی بیحرکت وغیرفعال‌هستند .

درسال۱۸۵۷ پاستوررئیس‌دانشکدهٔ علوم شهرلیل بود و ثابت‌کرد‌که تخمیر شیرهٔ چغندر نتیجه‌عمل‌موجودات‌ذره‌بینی است‌که بصورت‌کفك میباشد و درتخمیر ناقص‌این‌کفك بانوعی دیگر همراه‌است که‌تولیداسیدلاکتیك‌یاجوهرشیرمیکند.

روزسوم‌اوت۱۸۵۷ پاستور رساله‌ای بنام «دربارهٔ‌تخمیر شیری» به‌جامعهٔ‌علوم لیل تقدیم‌کرد . در اینجا ثابت میکرد که مخمراحتیاج باکسیژن داردتابتواند زندگی کند واگر او را از اکسیژن محروم‌کنند مجبورمیشودکه این‌اکسیژن را ازمایعی‌که‌درآن‌زندگی میکندتحصیل نمایدونتیجهٔ‌این‌عمل عبارت‌ازتولیدالکل و ایجادگازکربنیك است .

هم‌او «میکودرم» را شناخت و راه نگهداری«میکودرم»راآموخت،میکروبها وقارچهاراکشت‌داد ومعلوم‌کردکه‌چگونه میتوان بوسیلهٔ «پاستوریزاسیون» بدون آنکه ویتامین‌هاازبین‌بروند،میکروبهای آنرا ازبین برد ثابت‌کردکه«میکودرم» سرکه در معرض‌هوا باآسایش زندگی می‌کند امامـوجودذره‌بینی دیگری‌بنام «ویبریون بوتی‌ریك»در مقابل هوامعدوم میشد . پاستوراظهارداشت‌که بعدازمرگ موجوداتی از این قبیل‌که برروی نعش وجود دارندازفقدان‌هوا استفاده‌و شروع بزاد وولدمیکنندو نعش‌رامتعفن‌میسازند.

پاستوردرسال ۱۸۵۹ ثابت‌کردکه میتوان شیروخون و آبگوشت وغیره‌را که در معرض هوا قرارگرفته است‌مدتها بدون خراب شدن‌محفوظ نگاهداشت‌فقط به‌این شرط‌که‌هوارااقبلا ازذرات‌وتخمهای زنده‌ای‌که درآن وجوددارد تصفیه‌کرد. درسال ۱۸۶۱ توانست راه حل‌قطعی و کامل‌نفی‌مسئلهٔ تولیدمثل‌خود بخودی‌را به‌آکادمی‌تقدیم‌کند .

پاولنیگ، لینسون‌کارل. Pauling.E U

در سال ۱۹۰۲ متولدگردید روی ارتباط شیمیایی‌اتمها مطالعه‌کرد وفهمید اتمها با نیروی مرموزی بهم متصل‌اندو این نیروهارامحاسبه‌کرد فرمول‌باارزشی بدست‌آورد این فرمول اجسام و مـواد پلاستیکی بوددر سال۱۹۵۴ برندهٔ‌جایزهٔ نوبل‌گردید.

پروست ژوزف‌لویی Proust
(۱۷۵۴-۱۸۲۶م)

شیمیدان فرانسوی ، در اسپانیا ، استاد شیمی و از سال ۱۸۷۹ درمادرید رئیس آزمایشگاه‌کارلوس چهارم بود .

قند انگور را کشف‌کـرد . قانون نسبتهای مشخص‌را وضع نمود .

پریستلی، ژوزف. PRIESTLEY .G.
(۱۷۳۳ ـ ۱۸۰۴م)

شیمی‌دان وعالم فیزیك وفیلسوف‌و حکیم‌الهی انگلیسی . وی ازت راکشف کرد و امر تنفس نبات را دریـافت و اکتشافات دیگر نیز دارد


اوو گادرو


برتلو


بر تو له


بویل


پاستور


پریستلی



تلیه



رائول،



داوی



دوار



دویل

تلیه ، شارل . TELLIER CH
(۱۸۲۸ ـ ۱۹۱۳م)
دانشمندفرانسوی بود که صنعت حفظ مواد بوسیلهٔ ایجاد سرما را بوجود آورد .

تیز لیوس آرن Tiselius. A.W
شیمیدان معاصر سوئدی استاد کرسی بیوشیمی در دانشکدهٔ اوپالاست. بخاطر تحقیقات خودروی دسته بندی پروتئین‌های خون برنده جایزهٔ نوبل **۱۹۴۸** شد.او روشی برای طبقه‌بندی پروتئین‌ها شناخت که امروزه نیز دربیمارستانها معمـول است .

جابر بن حیان (زنده در **۸۰۰**م)
ابوموسی جابربن حیان‌بن عبدالله کوفی،فیلسوف وشیمی‌دان معروف متولد کوفه بوده ولیکن اصلا از خراسان‌است وی بابرامکه درآمیخت و با جعفر بـن یحیی‌برمکی‌دوست‌شد. تصنیفهای‌جابربن حیان‌بسیاراست که تاپانصد تألیف‌وتصنیف برای اوگفته‌شده است ولیکن‌بیشتر آنها از دست رفته است. از تالیفات اوست: «اسرارالکیمیاء»وتصحیحات کتب افلاطون و«الخواص» و «صندوق‌الحکمة». جابر درکشورهای اروپایی بواسطهٔ تعدادی از کتابهایش که درآغاز رونسانس، ترجمه شد ،شهرت فراوان‌دارد کسی‌است که الکل راکشف کرد وآن را«زیت‌الزاج»نامید. کتب جابرمقداری ازترکیبات شیمیایی را در بر دارد که قبل ازوی‌مجهول بوده است وجابر نخستین‌کسی است کـه عمل شیمیایی‌تقطیر،وتبلوروسایرخواص‌فیزیکی را نوشته وشرح داده است.
جابربن‌حیان‌در طوس‌در گذشته ودر نوع نوشته‌هایش چنین‌تصریح کرده که در این‌علوم شاگردامام‌جعفرصادق(ع) بوده است .همه‌جا امام صادق رابعنوان «قال سیدی، جعفرالصادق» وامثال‌این‌عبارت‌و باتجلیل‌وارادتمندی‌فراوان‌تمام‌نام‌می‌برد.

داوی،سرهمفری . DAVY
(۱۷۷۸ـ۱۸۲۹ م)
فرزند خانوادهٔ فقیری بود که مادر بیوه‌اش برای نگاهداری پنج‌فرزند خود متحمل زحمات‌زیاد میشد ومهمانخانه‌ای را اداره میکرد در سال **۱۷۹۵** هاله‌ای از افتخارات بدور سراو تشکیل‌شدزیرا با نهایت جرأت پروتو اکسید ازت‌راکه پریستلی کشف کرده بود در بـارهٔ شخص خود امتحان کرد و با خـونسردی کامل احساسات حاصل را برای دیگران شرح میداد . چندی بعد با سمت‌استادی وارد انستیتوی پادشاهی گردید . مقارن همین ایام پیل‌ولتا شهرتی بدست‌آورد ودونفر از اعضای جامعهٔ پادشاهی آن را برای انجام دادن تجربهٔ مهم و جالبی مـورد استفاده قرار دادند همهٔ ایشان از خود سؤال میکـردند که از این تجربه چه نتیجه‌ای عاید میشود داوی جـواب داد (آب به‌عناصر تشکیل دهندهٔ خود تجزیه می‌شود)دراین‌اوقات‌اوضاع‌سیاسی‌نامساعد، و فـرانسه با انگلیس دشمن خونی‌بودبا این‌حال‌جهان‌علم‌آنقدرخالی‌ازغرض‌است که آکادمی فرانسه جایزهٔ بزرگ‌خودرا به داوی تقدیم‌کرد.
درسال **۱۸۱۵** چراغ اطمینانی را که مورد استفادهٔ معدنچیان است‌اختراع کرد ووسیلهٔ احترازازعمل شیمیایی‌آب دریا را روی بدنهٔ کشتیها بدست داد و چون‌به‌ایتالیا روانه‌شد تا نسخه‌های‌خطی هرکولاتوم‌راامتحان‌کنداسرارنقاشی‌های دوران‌عتیق‌راکشف‌کرداوهنگام‌مراجعت از ایتالیا ناگهان در شهر ژنو از دنیا رفت .

دوار ،سرجیمز DEWAR .S.j.
(۱۸۴۲ـ۱۹۲۳م)
استاد انستیتوی پادشاهی لندن‌بود که توانست در آزمایشگاه «داوی» و «فارادی» نیم‌گیلاس ئیدرژن مایع‌بدست آورد .

دوما، ژان‌باپتیست DUMAS j.B
(۱۸۰۰ـ۱۸۸۴م)
استاد کرسی شیمی پلی تکنیک ژنو درسال **۱۸۳۴** اکتشافات خویش‌راآغاز کرد . ابتدا«جوهرچوب» یا الکل‌چوب را باکمك شاگردخود کشف کردوملاحظه نمود که این‌جسم شباهت کامل با «جوهر شراب»داردودانشمند،این‌دوماده‌راازافراد یك خانواده دانست ومتعاقب این‌کشف ئیدروکاربورهایی چون‌آستیلن ،خانوادهٔ آلدئیدهاخانوادهٔ‌اسیدهای‌آلی ،خانوادهٔ اتراکسیدها (از قبیل اترمعمـولی)، خانوادهٔ فنل‌ها ، خانوادهٔ آمین‌هـا (از قبیل‌آنیلین وگنه‌گنه وغیره) شناخته‌شد.
درسال**۱۸۳۹**اصل‌جانشینی‌وتعویض راتحقیق‌کرد.



این دانشمند شهیرسوئدی انتشار جـداول اوزان آتومی‌رامنتشر کرد و در این جداول اوزان‌اتمی‌اجسام‌را باوزن‌اتمی‌اکسیژن سنجیده‌وبا استفاده از علایم دالتون فرمـولهای امروزی شیمی‌رانتیجه گرفت‌وازجمله‌آب‌رابوسیلهٔ H_2O نشان‌میداد.شیمی‌دانهایی که تحت قدرت اوبسرمیبردند تئوری وجداول‌او را پذیرفتند.

دویل،هانری‌سنت‌کلر. H.S.C. DEVILLE
(۱۸۱۸ـ۱۸۸۶م)
شیمی‌دان‌بزرگ‌فرانسوی که‌دریازدهم مارس **۱۸۱۸** در جزایر آنتیل متولد گردیده بود بشهر پاریس آمد و طبیب شد. بعدازآن‌به‌سمت‌علوم‌مطلق‌وبخصوص شیمی‌تمایل یافت ودر سال**۱۸۵۱** استاد دانشسرایعالی‌پاریس گردید .
درسال **۱۸۵۷** ملاحظه نمود که در درجات عالی حرارت بخار آب به‌عناصر متشکلهٔ خود یعنی اکسیژن وئیدروژن تبدیل‌میشود و آنگاه اگر حرارت را به‌تدریج‌تقلیل‌دهندوباره بخارآب‌تولید میشود اما در درجهٔ حرارت معینی این بخار آب مخلوط با مواد متشکلهٔ خود مشترکاً وجود دارد واین نمود راانفکاك نامید . طولی نکشید که مُعلوم شد این الهام وی چقدر پربرکت است ویکی‌از موارد استعمال مهم‌آن‌که عبارت ازاتری شدن ما بین یك اسید و یك الکل است بوسیلهٔ«برتلو» و«**پئان‌دوسن‌ژیل**» کشف گردید. بسیاری ازاکتشافات «دویل»در بارهٔ‌عمل حرارتهای قوی بود و توانست (بور،سیلسیم، مانیزیم ، طلای سفید) را تهیه‌کند .

رائول، فرانسواماری : Raoult. F.M.
(۱۸۳۰ـ۱۹۰۱م)
ابتدا در مدرسهٔ متوسطهٔ ریمس دبیرعلی‌البدل‌بودو بعدازآن‌استاددانشگاه گرنوبل‌گردید توانست دربارهٔ انجمادو تبخیر اجسام چرب‌مطالعاتی‌کندوبه‌کمك آن روش جدیدی بـرای تعیین اوزان مولکولی بدست آورد .

رازی،محمدبن‌زکریای.(۲۵۱ـ۳۲۰هق)
ابوبکرمحمدبن‌زکریای‌رازی‌پزشك وشیمی‌دان‌بزرگ‌ایرانی که‌یکی ازمفاخر

جهان بشمار میرود ، در ری چشم به‌دنیا گشود . دردوران‌جوانی به‌تحصیل‌موسیقی وفلسفه‌وادبیات‌وریاضیات ونجوم‌پرداخت بعدبه‌شیمی(کیمیا)وپس‌ازآن به‌طب‌متوجه گردیده ودرتمام رشته‌ها مقامی ارجمند یافته است .

رازی در سی‌سالگی به‌بغدادرفت و پس ازتسلط به‌علم طب به ری باز گشت و سرپرست بیمارستان ری شد و سپس ریاست بیمارستان مقتدر را در بغداد بعهده گرفت .

ازمهمترین آثار اویکی «الحاوی» است‌که بعضی آنرا از«قانون» ابن‌سینا مهمتر میدانند ـ این‌کتاب چندقرن تنها کتاب اصلی درسی طب بشمار میرفته‌اثر دیگر «رازی»«طب المنصوری» است که بنام منصوربن اسحق تألیف وتنظیم شده است‌که‌به‌زبان لاتین ترجمه وچاپ شده‌و مورد استفادهٔ اروپاییان قرارگرفته‌است.

کتاب « من لایحضره الطبیب» اثر دیگر وی است‌که شامل دستورهای ساده برای‌معالجات‌گوناگون‌است .کتاب‌دیگر او «برءالساعه» است.باید درعلم کیمیا رازی‌راس‌آمددانشمندان اسلامی‌دانست ازکارهای مهم اوکه متکی به‌آزمایشهای متعددبوده، کشف‌جوهر گوگردوالکل‌است.

رازی کتابهای‌متعدددرکیمیا به‌رشتهٔ تحریردرآورده‌است که‌ازآن‌جمله«کتاب‌ـ الاکسیر» و« کتاب التدبیر » را میتوان نام‌برد .

رازی درپایان عمر به‌سبب کثرت‌کار ومطالعه نابیناشد .

رامزی، ویلیام RAMSAY .W.
(۱۸۵۲-۱۹۱۶م)

استاد دانشگاه لندن‌که به‌دستیاری رایلی‌گازهای نادر راکشف‌کرد .

رایلی‌لورد. Rayleigh.L.
(۱۸۴۲-۱۹۱۹م)

استاد انستیتوی پادشاهی لندن و برندهٔ جایزهٔ نوبل سال ۱۹۰۴ باتفاق «ویلیام رامزی» استاددانشگاه لندن توانستندگازهای نایابی‌ازقبیل: آر گون کریپتون، گزنون، نئون را کشف کنند که استعمال این‌گازها امروزه دراعلانها وسرلوحه‌های نورانی مغازه‌هارواج‌کامل دارد .

روبینسون،سررو برت Robinson
(متولد ۱۸۸۶ م)

اوراپدرشیمی‌آلی میدانند رئیس آزمایشگاه‌های دانشکدهٔ آکسفورداست او تحقیقات خود را روی مادهٔ رنگی (هماتوکسیلین) شروع‌کرد و بعد تریاك و مرفین واستریکنین‌راموردمطالعه‌قرار داد . در سال ۱۹۱۷ از راه‌صنعتی،مادهٔ تروپینون را ساخت . این اکتشافات بزرگی بود زیرا بشر هیچگاه تاآنروز قادر نشده بود یك‌مادهٔ مخدر ویاآلی‌را رابطورمصنوعی‌بسازد. او درسال ۱۹۴۷ برنده جایزهٔ نوبل شد و یکی دیگراز اعمال بزرگ او داروهای یابندهٔامراض بدن انسانی است .

رنیو ، ویکتور Regnault.V.
(۱۸۱۰-۱۸۷۸ م)

مهندس مشاور کمپانی گاز بودکه اسبابها و فشارسنجها را تکمیل کرد و بانهایت‌دقت حدودارزش‌قانون‌ماریوت را معین نمود . هنگامیکه‌وی وفات‌یافت نظریه‌ای که «واندروالز» آخرین‌سنگ بنای‌آنراگذاشته بودبه‌مقام‌عمل‌درآمد و قانون«ماریوت»و«گیلوساك»که‌سابق‌براین صورت قانون‌دقیق‌علمی را داشت‌تاحدود قانون‌سادهٔ‌آمار پایین‌آمدکه فقطدرمورد تعداد بسیار زیادی از مولکولها ارزش داشت .

منظور اصلی ازمطالعه‌فشار واردبر گازها ، در واقع عبارت از تسهیل مایع‌کردن‌آنها بود زیرا فقط باازدیاد فشارگاز میتوانستند آنها رابحالت‌میعان درآورند .

ساباتیه ، پرل SABATIER .P
(۱۸۵۴ ـ ۱۹۴۱م)

شیمی‌دان فرانسوی‌بیشتر شهرت او بواسطهٔ تجربه‌های ممتدیست که در باب کاتالیزوراانجام‌داده‌است .اومدتهااستادی مدارس عالی راداشته و در۱۹۱۲به‌اخذ جایزهٔ‌نوبل‌نایل‌آمدودر۱۹۱۳ به‌عضویت فرهنگستان علوم فرانسه انتخاب گردید کتب‌متعدد درموضوعات‌شیمی‌تألیف‌کرده است .

سائح ، علی‌بن‌محمدعلوی خراسانی.
(فوت ۳۸۵ ه.ق)

معروف به‌ابوبکر، وی ازاحفادامام حسن(ع)بودوگویندکیمیاگری میدانسته و از ترس اولیای ملك همیشه از شهری به‌شهردیگر میرفته . از اوست:الاصول‌ـ الطاهرالخفی ،رسالةالیتیم ، کتاب‌ـ الحقیرالنافع،کتاب الشعروالدم‌والبیض، وغیره .

سلمن، بنیامین علمای‌فیزیك‌رابه‌بینید.

سودبرك ، تئودور Svdberg.Te

استاد سوئدی علم شیمی در سال ۱۸۸۴ به‌دنیاآمدکرسی‌فیزیك رانیزدر دانشگاه«اولیسالا»دارداومطالعات‌عمیقی در بارهٔ اتم و حرکت (برونی)هستهٔ اتم نمود و بخاطر همین مطالعات‌حیرت‌آور برندهٔ جایزهٔ نوبل سال ۱۹۲۶م شد.

شاپتال . ژان آنتوان CHAPTAL .J.A
(۱۷۵۶-۱۸۳۲ م)

شیمی دان و سیاستمدار فرانسوی مقدمات تهیهٔ زاج سفید ، شورهٔمصنوعی، انواع سیمان و رنگ ثابت جهت‌پنبه را فراهم آورد . شاپتال در زمان ناپلئون اول به‌وزارت رسید.

شورول.میشل، اوژن Chevreul.M.E
(۱۷۸۶ - ۱۸۸۹م)

شیمی‌دان‌فرانسوی روش تجزیهٔمواد چرب راکشف و شمعهای‌گچی رااختراع کرد .

شوتزنبرگر، پول Schutzenberger.p
(۱۸۲۹ - ۱۸۹۷ م)

شیمیدان‌فرانسوی‌انواع‌استات‌سلولز راکشف‌کرد .

شیل ، کارل ویلهلم Scheele . K .W
(۱۷۴۲ـ ۱۷۸۶ م)

شیمی‌دان‌سوئدی‌به‌کشف‌کلرومنگنز وگلیسیرین‌موفق شده‌است .

فارینا ، ژان‌ـماری Farina.J.M
(۱۶۸۵ - ۱۷۶۶م)

شیمی‌دان ایتالیایی در شهر کلنی اقامت‌گزیده وکارخانهٔ مشهور ادکلنی‌را تأسیس کرد .

فرمی ، ادموند. Fremy.E.
(۱۷۶۴ - ۱۸۱۴م)

شیمیدان فرانسوی، اوجانشین‌پلوز درمدرسهٔ پلی‌تکنیك‌وگیلوساك درموزئوم تاریخ طبیعی است .

در رشته‌های مختلف شیمی کارهای جالبی دارد و در رشتهٔ سیمان تألیف ارزنده‌ای بجاگذاشته است ویك دایرةـ المعارف شیمی نیز منتشرکرده است .

فیشر ، امیل‌هرمان Fischers.E.H
(۱۸۵۲ - ۱۹۱۸ م)

شیمیدان آلمانی ، ابتداء دستیار بایر درمونیخ‌بوده،سپس‌بسمت‌پروفسوری شیمی‌دانشگاه ورتسبورگ انتخاب شد. درآخر عمر استاد دانشگاه برلن


رامزی


شاپتا ل


سا با تیه


شیل


فرمی

شد، فیشر در ئیدراتهای کربن وفرمانها اکتشافاتی داردودرسال ۱۹۰۲ بهدریافت جایزهٔ نوبل نایل آمد .

Karrer.P. **کاره، پل**

درسال۱۸۸۹درمسکو بدنیاآمد و مدتی‌استاد دانشگاه زوریخ بود اومدتها روی ویتامین آ ـ ب وغیره مطالعه‌کردو در سال ۱۹۲۷ بهمراه نورمان هاورت (Haworth.G.B) برندهٔ جایزهٔ نوبل شد.

Calvin.M **کالوین،ملوین**

شیمیـــدان معـاصر آمـریکایـی و استاد کرسی دانشگـاه **برکلی** است . مطالعات عمیقی‌روی‌تأثیرات گازکربنیك درعمل فوتوسنتز دارد او درسال ۱۹۶۱ بخاطر یك سلسله تجربیات زیاد برانرژی ومقالات علمی مربوط بهجذب برندهٔ جایزهٔ نوبل شد .

کاوندیش. علمای‌فیزیك‌را بهبینید.

Cailletet.L.P. **کایوته.لویی‌پل**

(۱۸۳۲-۱۹۱۳ م)

دانشمند فرانسوی کـه فکر سرد کردن‌گازها رابهمرحلهٔ عمل در آورد . وی‌گاز را تحت‌فشار زیاد قرار میداد و بعد غفلتاً آنرا منبسط میکرد و اینکار موجب تولید سرمای شدیدی میگردید . بهاین ترتیب توانست چند قطرهٔ کوچك مایع ازگازهایی‌که‌سابق برآن‌گازابدی تصور میشدند تولیدکنند .

Kékulé.A. **ککوله،اوگوست**

(۱۸۲۹-۱۸۹۶م)

در هیدلبرگ تحصیل‌کرد . دانش شیمی را ضمن‌مسافرت‌آموخت.درسوئیس درس خواند ودر پاریس شاگرد «دوما» شد ودرلندن با «ویلیامسون»کارکرددور همین‌شهرفکروابسته‌بودن اتمهابیکدیگر در داخل جسم مولکول باو الهام‌گردید واین‌الهام موجب‌گردیدکه سال بعد تجسم ترکیب‌اجسام رابوسیلهٔ فرمولهای عادی مانند CH_4،SO_4H_2،H_2O بی معنی دانست‌گفت‌ترسیمهای‌خارق‌العاده‌ای‌باید مقام آنها را نسبت‌بهم‌نشان بدهد، نشان دادکه مقصود ازظرفیت اجسام چیست و چرا بعضی ازمواد نمیتوانند درعین حال جز بادو یاسه اتم ئیدرژن ترکیب شوند ومدعی شدکه حتی جسمی وجود داردکه با چهار اتم ئیدرژن ترکیب میشودوآن کربن است دراین اوقات‌گازمتان یاگاز معدن CH_4راکه‌مولکول‌آن ازچهاراتم ئیدرژن و یك اتم کربن تشکیل میشود خوب میشناختند وهمین کشف کربن‌چهار ظرفیتی موجب بالارفتن بنای با عظمت شیمی‌آلی گردید .مکتشف‌مزبور درهمین سال استاد دانشگاه «گاند» گردید.

Keesom W.H. **کسوم،ویلیم‌هندریك**

(۱۸۷۶-۱۹۵۴م)

استاد هلندی وجانشین (کامرلینگ اونس) بودکه در سال ۱۹۲۶ توانست گازهلیوم را منجمدکند .

Kolbe. A. **کولب**، آدولف .

(۱۸۱۸-۱۸۸۴م)

درسال ۱۸۴۹ عمل الکترولیز را درمورد اجسام چرب اعمال کـرد و در ۱۸۵۴ توانست ترکیب آسیدآستیك یا جوهر سرکه‌رابوسیلهٔ استفاده‌ازسولفورـ دوکربن عمل‌کنند .

Gay-Lussac **گیلوساك**

(۱۷۷۸-۱۸۵۰ م)

معـاون برتولـه و دانشیار مدرسهٔ پلی‌تکنیك،فرزندیکی‌ازقضات‌دادگستری بودکه درنتیجهٔ انقلاب ورشکست گردید گیلوساك باموفقیت‌کامل درامتحان پلی‌ـ تکنیك پذیرفته شد ودر سال ۱۷۹۷ از آن خارج گردید واولین اقدام اومطالعهٔ انبساط‌گازهابودوی‌ثابت‌کردکه‌این‌انبساط برای تمام‌گازهایکی‌است وبستگی‌به‌فشار گازنداردگذشته‌ازآن دوباربه‌وسیلهٔ‌بالن به‌هوا رفت وقتی دردفعهٔ ثانی۷۰۱۶متر بالا رفت وطی راه انواع تجارب‌علمی‌را انجام داد چهارسال‌بعدازآن‌که به‌عضویت آکادمی‌نیزمعین شده بود قانون شیمیایی اساسی ومهمی کشف‌کـرد در سال ۱۸۱۵ سیانوژن راکه‌گازی بسیارسمی بودکشف کرد .

Lavoisier **لاووازیه** ، انتوان لوران،

(۱۷۴۳-۱۷۹۴ م)

درپاریس‌ازپدرومادرثروتمندی‌زاده شد زیر نظر استادان نجوم وگیاه‌شناسی وشیمی وزمین شناسی به مطالعه پرداخت پس‌ازاتمام دورهٔ حقوق باردیگر به‌علوم گرایید و۳ سال بعد در آن هنگام‌کـه جوانی ۲۵ساله بودبه‌عضویت فرهنگستان سلطنتی علوم‌برگزیده‌شد ازجمله‌خطراتی که‌جان‌لاووازیه رابه‌مخاطره انداخته‌بود وبیشتر جنبهٔ سیاسی داشت هنگام انقلاب کبیرفرانسه درسال ۱۷۸۹ یعنی درآن هنگام‌که انقلابیون زمام امور پاریس را دردست داشتند رخ داد. لاووازیه رسالهٔ معروفی‌هم درباب‌اقتصادسیاسی‌داردموسوم به (ثروتهای‌زیرزمینی‌فرانسه) این‌کتاب یکی‌از مهم‌ترین‌کتبی‌است‌کـه در مبحث اقتصادنوشته شده‌است‌سرانجام‌این‌دانشمند عجیب است،زیرادرسال۱۷۹۴ دردادگاه انقلابی به‌جرم خیانت به‌ملت‌همراه چند تن دیگر تسلیم‌تیغهٔ‌گیوتین شد.

لایمری ،نیکولا .

(۱۶۴۵-۱۷۱۵م)

عطار مخصوص‌پادشاه فرانسه‌درسال ۱۶۷۵ کتابی‌به‌نام دورهٔ شیمی‌انتشارداد داد وقواعد دستورات تازه‌ای‌درآن‌کتاب ذکرکرد. این‌کتاب درنوع خود بی‌مانند بود وچنانکه‌فونتنل می‌نویسد «مردم‌این کتاب راماننند کتاب تفریحی و انتقادی خریداری‌میکردند وصرفنظر ازچاپهایی که بطور تقلبی و بی‌اجازهٔ مصنف منتشر می‌شود تقریباً هرسال چاپ جدیدی‌ازآن انتشار می‌یافت.»

Lebel. J.A **لوبل**،ژوزف‌آشیل .

(۱۸۴۷-۱۹۳۰ م)

اهل‌فرانسه وموضوع‌تقارن‌مولکولی دومحلول متفاوت‌آسیدتارتریك رادرسال ۱۸۷۴ توضیح داد و اظهار داشت کـه مولکولهـای متقارن‌را نمی‌توان بوسیلهٔ فـرمولهـای گسترده مورد مطالعه قرار داد واصولا فرمولهای مسطح‌کافی نیستند وبایدازفرمولهای‌فضایی‌استفاده‌کردوتعلیم دادکه‌چگونه‌می‌توان‌یك‌مولکول‌رابوسیله ساختمانی هرمی نمایش داد واین‌موضوع مبدأ پیدایش«استرئوشیمی» گردید.

Liebig I. **لیبیگ** ، یوستن .

(۱۸۰۳-۱۸۷۳ م)

فرزند دوافروشی ازاهل دارمشتات بود. دردکان‌پدربه‌علم شیمی‌علاقه‌پیداکرد کتب دانشمندان شیمی‌را به دقت مطالعه می‌کرد.چون شاگردآرامی‌نبود ازمدرسه اخراج شد.

پدرش ویرا نزددواسازی‌به‌شاگردی گذاشت اما جوان‌مزبور به‌این‌کار علاقهٔ چندانی ازخود نشان نداد و می‌خواست دانشمند شیمی‌شودنه‌داروساز.طولی‌نکشید که‌دانشجوی فعالـی در «بون‌وارلانگن» گردید تاجایی کـه حاضر شدند مخارج تحصیل‌اورا بپذیرند وبه‌پاریس روانه‌اش کنند .

درسال ۱۸۲۳«لیبیگ» اولین‌کشف خودرااعلام‌کردوملاحظه‌نمودکه‌فولمینات نقره باجسم دیگری‌بنام سیانات نقره‌که



فیشر



کاوندیش



گیلوساك



لاووازیه

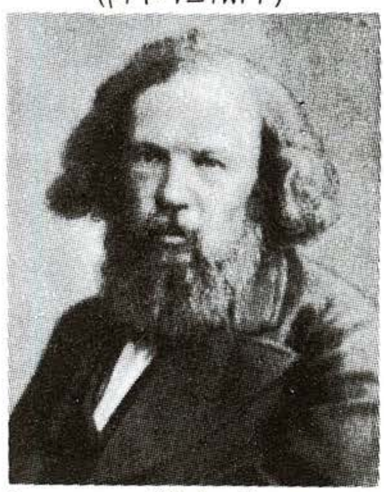
هموطن‌او «ووهلر» ساخته بود دارای ترکیب شیمیایی واحد می‌باشند.

همین موضوع تشابه اجزاء یکی از اسلحه‌های قوی برزلیوس برله‌اتم گردید وفریاد برآورد که‌چون مواد دوجسم‌یکی می‌باشند. اختلاف خواص به‌علت آنستکه وضع قرارگرفتن اتمها متفاوت است و خارج ازروش اتمی توضیحی برای این موضوع وجود ندارد.

موآسان، هانری. MOISSAN . H
(۱۸۵۲-۱۹۰۷ م)

مخترع کورهٔ الکتریکی است که در سال ۱۸۹۳ برای تولید الماس مصنوعی ازآن‌استفاده‌کرد ونیز بوسیلهٔ آن‌خاکهای نایاب راکشف‌کرد و مقصود ازآن یعنی اکسیدهای فلزی‌است‌که جداکردن آنها بسیارمشکل می‌باشد.

مندلیف، دیمتری، ایوانوویچ
Mendéléiev.D.j.
(۱۸۳۴-۱۹۰۷م)



درشهر(توبولسک) در روسیه متولد گردید، دوران‌زندگی کودکی‌اش‌حزن‌انگیز بود. درسی‌وپنج‌سالگی‌ازدواج کرد ودکتر علوم‌واستادشیمی‌دردانشگاه‌مسکو گردید.

دراین اوقات فقط شصت وسه‌جسم ساده را میشناختند وچندین بار کوشش کرده بودندکه آنها را باروش منطقی طبقه‌بندی‌کنند. ازمدتها پیش «برزلیوس» آنهارا به‌فلزات وشبه‌فلزات تقسیم‌کرده بود اما این تقسیم بندی کاملا مصنوعی مینمود وشیمی‌دانها علاقهٔ وافرداشتندکه تقسیم بندی نظیر طبقه بندی در تاریخ طبیعی‌انجام‌دهند. درسال ۱۸۶۰ «مندلیف» اظهارداشت: «به‌احتمال‌قوی‌خواص‌فیزیکی وشیمیایی اجسام تابع جرم اتمی آنها میباشد» آنگاه «مندلیف» جدول عجیبی درست‌کرد: به‌اینطریق‌که ورقهٔ‌کاغذی را بوسیلهٔ خطوط‌افقی‌وقایم‌به‌خانه‌هایی‌تقسیم کرد وشصت وسه عنصر ساده را بترتیب جرم اتمی آنها درآن جدول مرتب‌نمود باین ترتیب‌که از سبکترین آنها یعنی ئیدرژن شروع وبه سنگین‌ترین اجسام یعنی اورانیوم ختم نمود. وی این اجسام را روی شش سطرکامل غیرمنظم توزیع کرد. مثلا سطر اول فقط شامل هشت عنصر وسطر پنجم شامل سی و دو عنصر وسطر ششم شامل شش‌عنصر بوداما عنصری‌که خواص‌آنها نزدیك به‌یکدیگر بود. دریك‌ستون‌زیریکدیگر قرارداشتند مثلا لیتیوم وسدیم وپتاسیم‌دریك ستون‌و فلوئور وکلروبروم وید نیز دریك‌ستون بودند. این روش‌مرتب‌ساختن‌عناصر نشان میداد که‌خواص‌اجسام بستگی‌به‌وزن‌اتمی آنها دارد.

واضح است‌که بواسطهٔ نامنظم بودن گروهها، خانه‌های خالی‌فراوان درجدول وجود داشت (مندلیف) اعلام نمود این خانه‌هامتعلق‌به‌عناصر یست‌که‌هنوزمجهول لند اما وجود دارند وروزی کشف‌خواهندشد.

پیش‌بینی وجود نودودو عنصرساده درعالم هیچگونه دلیل قطعی نداشت اما پس ازکشف: گالیوم، اسکاندیم، ژرمانیم‌و سایر عناصر. وجایگرفتن درخانه‌های خالی جدول، سیل‌افتخارات را بسوی دانشمند بزرگ روانه ساخت.

ازآن‌اوقات تا امروزتمام خانه‌های جدول مزبور پرشد وآخرین خانه‌ای‌که بازمانده بود در سال ۱۹۳۸ با کشف آکتینیوم در پاریس پرشد.

میچرلیخ، ایلهارد. Mitsherlich .E.
(۱۷۹۴-۱۸۶۳ م)

شیمی‌دان‌آلمانی‌که در سال ۱۸۲۳ کشف‌کرد: اجسامی‌که‌به‌یك‌صورت‌متبلور میشوند دارای‌ساختمان شیمیایی‌متشابهی میباشند. برزلیوس‌نیزهمصدا با میچرلیخ فریاد برمیآوردکه هیچکس قادر نیست صحت این قانون را انکارکند.

نوبل، الفرد Nobel. A
(۱۸۳۳-۱۸۹۶م)

شیمیدان مشهور سوئدی که برای تسهیل کار کارگران معادن دینامیت را اختراع کرد وازاین راه ثروت‌سرشاری عایداوگردیدلیکن‌چون، برخلاف‌انتظار آرزوی او دینامیت در جنگها برای کشتار مردم بکار رفت‌این دانشمند بشر-دوست‌کلیهٔ دارایی وثروت خود را وقف پرداخت جایزهٔ سالانه به کسانی کردکه درزمینهٔ‌ادبیات‌وعلوم وتأمین صلح‌جهانی



خدمات مهمی انجام دهند و اکنون در پایتخت سوئد هرساله انجمنی طبق‌وصیت نوبل تشکیل میشود و جایزه‌هایی به مخترعین ومکتشفین ونویسندگان ورجال سیاسی خدمتگزار صلح بنا بر تشخیص‌آن انجمن داده می‌شود.



موآسان

نیپس (۱۷۶۵-۱۸۳۳ م)

شیمیدان‌فرانسوی‌ومخترع‌فن‌عکاسی.

وانتهوف، ژاکوب‌هندریك.
VAN T HOFF j H (۱۸۶۲-۱۹۱۱م)

اهل هلند بود و اظهار داشت که مولکولهای متقارن را نمیتوان به‌وسیلهٔ فرمولهای‌گسترده مورد مطالعه قرارداد واصولا این فرمولهاکافی نیستند وبایداز فرمولهای فضایی استفاده‌کرد ونشان‌داد که چگونه‌میتوان یك‌مولکول‌را به‌وسیلهٔ ساختمان هرمی نمایش داد واین‌موضوع خودمبداء پیدایش «استرئوشیمی» گردید.



وانت هوف

واندروالز، ژان‌دیتریش VAN DER WAALS
(۱۸۳۷-۱۹۲۳م)

دانشمند هلندی بودکه در ابتدای جوانی، استاد دانشگاه آمستردام شد و درسال ۱۹۰۰ باخذ جایزهٔ‌نوبل‌نایل‌آمد سهم او در اصلاح تئوری حرکتی گازها که در ۱۸۷۳ به‌صورت‌فرمول‌درآمد، یك قانون اساسی است که قانون ماریوت را دقت بیشتری میبخشد ومابین فشارگاز و حرارت آن رابطه‌ای برقرار میکند.

وان هلمون Van Helman
(۱۵۷۷-۱۶۴۴م)

اهل‌بروکسل‌بود، بعدازمطالعه‌درتمام علوم‌توجه‌خودرا به‌شیمی‌طبی‌معطوف‌ساخت این شخص‌به‌چهارعنصر ارسطو وسه اصل باراسیس معتقد نبود، ومی‌گفت که تنها ماده درجهان‌آب است و همهٔ اجسام به‌غیر ازهواتحت تأثیرعنصرمخصوصی‌بنام



واندر والز


وورتز


ووهلر

آلکاهست Alcahest قابل تبدیل به‌آب می‌باشندغالب شیمیست‌ها نیزازعقایدیکی ازاینها را باجزوی ازافکار دیگرمخلوط کرده‌وهمه را باچندعبارت مذهبی‌آمیخته وکوشش داشتندکه فعل وانفعالات‌خودرا در پرتو این مهملات بیقاعده توجیه و بیان‌کنند.

وورتز (آدولف) Wurtz . A .
(۱۸۸۴–۱۸۱۷ م)

از اهل استراسبورگ و درکرسی دانشکدهٔ طب پاریس تدریس می‌کرد و یکی از اتمی های متعصب بودکه تمام عمرخودرا صرف‌مطالعه درساختمان‌داخلی اتم‌کرد ورئیس این مکتب گردید.

شهرت اوفقط بواسطهٔ مباحثاتی‌که با پیروان مکتب تعادل داشت نبود بلکه بیشتر آن مدیون کشف آمین‌ها در سال ۱۸۴۹ وگلیکول‌ها درسال ۱۸۵۶ است واین اکتشاف مبدأ کار های دانشمندانی چون «اوگوست کاهور» مکتشف الکل آمیلیك و «اوگوست گییوم هوفمن» و «ویلیامسون» گردید .

«وورتز» درعین حال موضوع‌ظرفیت شیمیایی را که قبلا نیز بوسیلهٔ «گرهار» بیان شده بود انتشار داد .

ووهلر ،فردریك. WÖHLER . F.
(۱۸۸۲–۱۸۰۰ م)

هنوزدانشجوی‌جوان‌بیست‌ودوساله‌ای بود و می‌خواست تحصیلات شیمی خودرا درهیدلبرگ‌باتمام برساند که‌برای اولین بار موفق‌به‌ساختن اسیدسیانیك گردید و همین‌اسید شش‌سال بعدازآن‌تاریخ وسیلهٔ ترکیب اوره رابدست اوداد . بنابراین اولین ترکیب مواد آلی، دردانش‌شیمی، مدیون اواست.

شیمی دانها فریاد برآوردند که ووهلربرحسب اتفاق‌موفق به‌ساختن اوره گردیده است. زیرا اوره درسرحدشیمی آلی وشیمی معدنی‌قرارداد.

«ووهلر»باهمکاری«لیبیك»باستخراج موادآلی پرداختند و یك سلسله مشتقات شیمی‌آلی راتهیه‌کردند.

شناخته‌های شیمی

ماده	تاریخ	کاشف	ملیت
آب (تجزیه)	قرن ۱۸ و ۱۹	ژوزف‌پریستلی	انگلیسی
ارگن	۱۸۹۴	رامزی رایلی	انگلیسی
آمین‌ها	۱۸۴۹	ورتز	آلمانی
آنتی‌موان	قرن۱۵	بازیل والنتین	فرانسوی
اتر	۱۸۴۲	لانگ	آمریکایی
ازت	قرن۱۸و۱۹	پریستلی	انگلیسی
اسید سیانیك	قرن۱۹	ووهلر	آلمانی
الکل	قرن‌چهارم‌هجری	رازی	ایرانی
آلمینیوم	۱۸۲۷	ووهلر	آلمانی
باروت	قرون وسطی	روجر بیکن	انگلیسی
باروت بی‌دود	۱۹۲۱	فلارتی	آمریکایی
بروم	۱۸۲۶	بالارد	فرانسوی
بمب	۱۹۰۳	وانکه	سوئدی
بنزین بااکتان زیاد	۱۹۳۰	ایپاتیف	روسی
بنزین‌غلیظ (با **املاح‌سرب**)	۱۹۲۲	میج‌لی	آمریکایی
بنزین سبك (تجزیه۱۹۱۳ شده)		برتون	آمریکایی
تیتان	قرن۱۹	ژوستوس‌فول‌لای‌بیك	آلمانی
چسب‌باکلیت	۱۹۰۷	بکلاند	بلژیکی
د.د.ت	۱۸۷۴	زایدلر	آلمانی
دینامیت	۱۸۶۶	آلفرد، نوبل	سوئدی
رنگ‌آمیزی (روش قرن۱۸ فنی)		ماکروژان‌هلوپانکرو	فرانسوی
روبیدیوم	قرن۱۹	بونزن	آلمانی
زاج‌سفید	قرن ۱۸ و ۱۹	ژان‌شاپتال	فرانسوی
سود ازنمك	۱۷۹۱	لبلان	فرانسوی
سولفات‌دوسود (استخراج ازدریا)	قرن۱۹	بالارد	فرانسوی
سیانوژن	۱۸۱۵	گیلوساك	فرانسوی
سیمان	۱۷۵۶	اسمیتون ملاتی	انگلیسی
سیمان(صنعتی)	۱۷۹۶	پارکرز	انگلیسی
سیمان پرتلند	۱۸۴۵	آسپدین	انگلیسی
شمع‌گچی	قرن ۱۸ و ۱۹	میشل‌اوژن‌شورول	فرانسوی
عکاسی ، کاغذ	۱۸۹۸	سیکلاند	آمریکایی
عکس رنگی	۱۸۹۱	لیپمان	فرانسوی
کائوچو	۱۷۴۵	لاکندامین	فرانسوی
کبریت شیمیایی	۱۸۳۲	کامەر	آلمانی
کبریت ، سمباده‌ای	۱۸۲۷	جان واکر	انگلیسی
کبریت فسفری	۱۸۳۶	فیلیپس	آمریکایی
کریپتون	قرن۲۰	رایلی ورامزی	انگلیسی
کلر	قرن۱۸	کارل ویلهلم‌شیل	سوئدی
کلر،رنگ‌زدایی	قرن۱۸و۱۹	برتوله	فرانسوی
کلروفرم	۱۸۳۱	گوتری	آمریکایی
کنسرو	۱۷۹۵	نیکلاآپر	فرانسوی
کوزیوم	قرن ۱۹	بونزن	آلمانی
گازکربنیك	قرن ۱۸	ژوزف بلاك	انگلیسی
گاز مرگ‌آور	۱۹۳۰	روجرآدامس	آمریکایی
گراورسازی	۱۸۹۳	آیوز	آمریکایی
گزنون	قرن۲۰	رایلی ورامزی	انگلیسی
گلوکز	قرن۱۸و۱۹	ژوزف‌لویی‌پروست	فرانسوی
گلوله‌های‌انفجاری	۱۷۸۵	شراپنل	انگلیسی
گلیسیرین	قرن۱۸	شیل	سوئدی
گلیکوکول	۱۸۵۶	ورتز	آلمانی
گوگرد	قرن ۴ هجری	رازی	ایرانی
لاستیك‌چرخ، تکمیل	۱۸۸۹	میشلن	فرانسوی
منقاربونزن	قرن۱۹	بونزن	آلمانی
منگنز	قرن۱۸	شیل	سوئدی
نایلون سن‌تاتیك	۱۹۳۰	کاروتر	آمریکایی
نایلن	۱۹۳۷	لابراتواردوئن	آمریکایی
نئون	قرن۲۰	رایلی ورامزی	انگلیسی
نفت(تجزیه‌وتقطیر)	۱۸۹۱	دوار	آمریکایی
نیتروگلیسیرین	۱۹۴۶	سوبرو	ایتالیایی

نوبل شیمی

برندگان جوائز شیمی نوبل :

جوایز شیمی نوبل از ۱۹۰۱ تا ۱۹۶۳ فقط ۵۵ سال اهداء شده است زیرا در بعضی از سالها به علت جنگ جهانی توزیع آن مانند سایر جوایز نوبل امکان پذیر نبوده است. اما بطورکلی ۶۸ نفر موفق به دریافت جایزهٔ شیمی شده‌اند زیرا بعضی از سالها جوایز بین دو یا سه نفر تقسیم شده به این ترتیب که ۱۱ جایزه بین دو نفر و یك جایزه نیز میان سه نفر توزیع گردیده است بین ۶۳ نفر فقط یك نفر زن وجود دارد و بقیهٔ برندگان جایزه مرد بوده اند. برندگان عبارتند از :

سال	برندهٔ جایزه	کشور	بخـــــاطـر
۱۹۰۱	یاکوبوس هنریکوس **وانت‌هوف**	هلند	کشف قوانین دینامیکهای شیمی وفشار اوسموتیك در محلولها .
۱۹۰۲	هرمان امیل **فیشر**	آلمان	تحقیقاتش دربارهٔ ترکیبات مصنوعی قند وپورین .
۱۹۰۳	سوانته اوگوست **آرنیوس**	سوئد	کشف وی دربارهٔ تئوری تجزیهٔ الکترونیك (تحلیل برقی).
۱۹۰۴	سرویلیام **رمزی**	انگلیس	کشف عنصرهای غیرفعال گازی درهوا وتعیین مکان آنها درسیستم زمانی.
۱۹۰۵	یویان فریدریش ویلهلم آدولف فون **بایر** .	آلمان	تحقیقاتش دربارهٔ رنگهای اورگانیك وترکیبات هیدروآروماتیك .
۱۹۰۶	هانری **موآسان**	فرانسه	تحقیقات وی دربارهٔ عنصر فلوئورین وجدا کردن آن واختراع کوره برقی.
۱۹۰۷	ادوارد **بوکنر**	آلمان	کشف وتحقیقات پیرامون تخمیر بدون سلول.
۱۹۰۸	ارنست **روترفورد**	انگلیس	تحقیقات درتجزیه عناصر وشیمی مواد رادیو اکتیو.
۱۹۰۹	ویلهلم **اوستوالد**	آلمان	تحقیقات درباره کاتالیسین (اثرمجاورتی جسمی دریك فعل و انفعال شیمی) واصول اساسی حاکم برتناسب شیمیایی وسرعت عکس‌العملها.
۱۹۱۰	اوتو **والاش**	آلمان	کمك وی به شیمی اورگانیك وصنعت شیمیایی درزمینه ترکیبات آلی سیکلیك.
۱۹۱۱	ماری **کوری**	فرانسه	کشف عناصر رادیوم وپولونیوم ومجزا کردن رادیوم ومطالعه درماهیت وترکیبات این عنصر فوق‌العاده .
۱۹۱۲	۱ـ ویکتور **گرینارد**	فرانسه	کشف وی درشیمی آلی وکشف معرفی که بنام معرف گرینارد شده معروف است.
	۲ـ پل **ساباتیه**	فرانسه	کشف متد مخصوصی برای هیدروژنه کردن ترکیبات اورگانیگ .
۱۹۱۳	آلفرد **ورنر**	سوئیس	تحقیقات درباره ارتباط اتمها درمولکولها که تحقیقات سابق رادراین رشته روشن نمود وزمینه‌های تازه‌ای برای تحقیقات درشیمی غیر اورگانیك (کانی) بوجود آورده است .
۱۹۱۴	برای سال بعد نگاهداشته شد .		
۱۹۱۵	جایزه سال قبل نیز در این سال داده شد.		
	سال ۱۹۱۴ تئودورویلیام **ریچارد**	آلمان	تعیین وزن اتمی دقیق تعداد زیادی ازعناصر شیمیایی .
	سال ۱۹۱۵ ریچاردمارتین **ویلستاتر**	آلمان	تحقیقاتش درباره رنگهای گیاهی بخصوص کلروفیل .
۱۹۱۶	برای سال بعد محفوظ گردید.		
۱۹۱۷	جایزه سال قبل که توزیع نشده بود به صندوق مخصوص ریخته شد وجایزه این سال نیز برای سال بعد محفوظ گردید .		
۱۹۱۸	جایزه سال قبل که توزیع نشده بود به صندوق مربوطه ریخته شد و جایزه سال ۱۹۱۸ نیز برای سال بعد محفوظ گردید .		
۱۹۱۹	جایـزه سال ۱۹۱۸ در این سال توزیع شد .		
	سال ۱۹۱۸ برای فریتز **هابر**	آلمان	ترکیب آمونیاك ازعناصر آن .
	جایزه سال ۱۹۱۹ برای سال بعد محفوظ گردید .		
۱۹۲۰	جایزه سال قبل که توزیع نشده بود بـه صندوق مخصوص ریخته شد و جایزه این سال نیز برای سال بعد محفوظ گردید .		
۱۹۲۱	جایـزه ۱۹۲۰ نیز در این سال داده شد .		

سال	برنده جایزه	کشور	بخـــاطـر
۱۹۲۲	سال ۱۹۲۰ والترهرمان **نرنست** جایزهٔ شیمی سال قبل نیزهمراه با جایزهٔ این سال توزیع گردید .	آلمان	مطالعاتش در رشتهٔ شیمی حرارتی (ترموشیمی) .
	جایزهٔ سال ۱۹۲۱ فردریك **سودی**	انگلیس	خدمتی که به معلومات ما دربارهٔ شیمی مواد رادیواکتیو نموده و نیز برای تحقیقاتی که دربارهٔ اصل وماهیت ایزوتوپها نموده است .
	سال ۱۹۲۲ :فرانسیس ویلیام **آستون**	انگلیس	کشف ایزوتوپها درتعداد زیادی ازعناصر غیررادیوآکتیو .
۱۹۲۳	فریتس **پرگل**	اطریش	متد اختراعی وی برای میکروآنالیز مواد اورگانیك .
۱۹۲۴	برای سال بعدنگاهداشته شد .		
۱۹۲۵	جایزهٔ سال قبل که توزیع نشده بود دراین سال به صندوق مخصوص ریخته شد جایزهٔ سال ۱۹۲۵ برای سال بعد محفوظ گردید .		
۱۹۲۶	جایزه سال قبل نیز در این سال توزیع شد .		
	سال ۱۹۲۵ ـ ریچارد آدولف **ریگموند**	آلمان	تشریح ماهیت نامتجانس محلولهای سریشمی و برای متدهای وی درشیمی کولوئید مدرن جزو اصول قرار گرفت.
	وجایزهٔ ۱۹۲۶ ـ تئودور **سودبرك**	سوئد	تحقیقاتش دربارهٔ سیستمهای پراکنده .
۱۹۲۷	جایزه شیمی این سال برای سال بعد حفظ شد .	-	
۱۹۲۸	جایزهٔ سال ۱۹۲۷ نیز دراین سال داده شد.		
	۱۹۲۷ ـ هانریش اتو **ویلاند**	آلمان	تحقیقاتش دربارهٔ اسیدهای صفرا و مواد مربوطه.
	۱۹۲۸ ـ ادلف اتوراانیهولد **ویندوس**	آلمان	تحقیقاتش دربارهٔ تشکیل استرولها وروابط آنها باویتامینها .
	۱ ـ آرتور **هاردن**	انگلیس	تحقیقاتش دربارهٔ تخمیر شکر وآنزیمهای تخمیری .
۱۹۲۹	۲ ـ هانس کارل اگوست سیمون فون اولر **چیلپین**	سوئد	
۱۹۳۰	هانس **فیشر**	آلمان	تحقیقاتش دربارهٔ هماتین کلروفیل وبخصوص برای ترکیب هماتین
	۱ ـ کارل **بوش**	آلمان	کمکی که به اختراع وتوسعهٔ متدهای فشار شدید درشیمی نموده‌اند .
۱۹۳۱	۲ ـ فرید ریخ **برژیوس**	آلمان	
۱۹۳۲	ایرونیك **لانك موئیر**	آمریکا	کشفیاتش دربارهٔ شیمی سطحی .
۱۹۳۳	جایزهٔ این سال برای سال بعد نگاهداشته شد .		
۱۹۳۴	دوسوم جایزهٔ سال قبل که توزیع نشده بود به صندوق مخصوص جایزهٔ شیمی ویك سوم دیگر آن به صندوق اصلی ریخته شد و جایزهٔ این سال به هارولد کلیتون **اوری** داده شد	آمریکا	کشف هیدروژن سنگین داده شد .
۱۹۳۵	فردریك **ژولیو** وهمسرش ایرن **ژولیوکوری**	فرانسه فرانسه	ترکیب عناصر جدید رادیو اکتیو.
۱۹۳۶	پطروس ژوزفوس ویلهلموس **دبیه**	هلند	تحقیقاتش دربارهٔ لحظات دیپول وانکساراشعه‌های مجهول والکترون درگازها .
	۱ ـ والتر نورمن **هاورت**	انگلیس	تحقیقاتش دربارهٔ کاربوهیدراتها و ویتامین ث.
۱۹۳۷	۲ ـ پل **کاره** .	سوئیس	تحقیقاتش دربارهٔ کارتنوئیدها ـ فلاوین و ویتامینهای (آ) و (ب) .
۱۹۳۸	برای سال بعد نگاهداشته شد.		
۱۹۳۹	جایزهٔ سال ۱۹۳۸ که توزیع نشده بود دراینسال توزیع شد .		

سال	برندهٔ جایزه	کشور	بخاطر
	سال ۱۹۳۸ـ ریچارد **کوهن** مقامات نازی وی رامجبور کردند که جایزه را قبول نکند ولی‌بعد دیپلم ومدال آنرا گرفت .	آلمان	تحقیقاتش دربارهٔ کاروتنوئیدها وویتامینها .
	سال ۱۹۳۹ـ جایزه به‌تساوی‌بین دونفر تقسیم شد. ۱ ـ ادولف فریدریش یوهان **بوتناند** .	آلمان	تحقیقاتش دربارهٔ هورمون‌های‌جنسی(وی نیز مانندکوهن ابتدامجبور شد جایزه را نپذیرد) .
	۲ ـ لئوپولد **روزیکا**.	سوئیس	تحقیقاتش دربارهٔ پولی متیلین وترپنهای‌عالی .
۱۹۴۰	یك سوم ازمبلغ جایزهٔ این سال به‌صندوق‌اصلی جوایز پنجگانه و دوسوم‌آن به‌صندوق‌مخصوص‌جایزهٔ شیمی ریخته شد.		
۱۹۴۱	به ترتیب سال قبل عمل شد.		
۱۹۴۲	به‌ترتیب سال قبل عمل شد.		
۱۹۴۳	برای سال بعد محفوظ گردید.		
۱۹۴۴	جایزهٔ سال ۱۹۴۳ که‌توزیع نشده بود دراین سال توزیع گردید سال ۱۹۴۳ـ جورد **وهوسی**	مجارستان	تحقیقاتش دربارهٔ استفاده ازایزوتوپ‌ها برای مطالعهٔ اعمال‌شیمیایی.
	سال ۱۹۴۴ برای سال‌بعد محفوظ گردید .		
۱۹۴۵	جایزهٔ سال قبل‌که توزیع‌نشده‌بود دراین سال توزیع شد . سال ۱۹۴۴ ـ **اوهاهن**	آلمان	کشف‌راه شکافتن‌هستهٔ‌سنگین.
	۱۹۴۵ـ آرتوری‌ایلماری **ویرتانن**	فنلاند	اختراعاتش در زمینهٔ کشاورزی و شیمی تغذیه بخصوص برای متد حفظ‌علوفه .
۱۹۴۶	نیمی‌ازآن به‌اولی‌ونیمهٔ‌دوم‌مشترکاً بین‌دو نفردیگر تقسیم شده		
	۱ـ جیمس بچلر **سامر**	آمریکا	کشف این موضوع‌که انزیمها میتوانند بصورت بلور درآیند .
	۲ـ جان هاوارد **نورتروپ**	آمریکا	
	۳ـ وندل مردیت **ستانلی**	آمریکا	تهیهٔ‌آنزیم‌ها وپروتئین‌های ویروس بصورت خالص.
۱۹۴۷	سررابرت **رابینسون**	انگلیس	تحقیقاتش درباره‌آن دسته ازمحصولات‌گیاهی‌که اهمیت زیستی دارند و بخصوص دربارهٔ شبه‌قلیائی‌ها .
۱۹۴۸	آن ویلهلم‌کارین **تیسلیوس**	سوئد	تحقیقاتش دربارهٔ الکتروفورسیس وتجزیه وتحلیل التصاق وانقباض بخصوص برای‌کشفیاتش دربارهٔ ماهیت مرکب‌سوم بروزتئین‌ها .
۱۹۴۹	ویلیام فرانسیس **گیرك**	آمریکا	خدماتش .به زمینهٔ‌ترمودینامیکهای شیمیایی بخصوص درباره عکس‌العمل مواد در سرمای‌بسیارشدید .
۱۹۵۰	۱ـ اوتوپل‌هرمان **دیلز** ۲ـ کورت **آلدر**	آلمان	کشف وتوسعهٔ‌ترکیب‌دی‌ین .
۱۹۵۱	۱ـ ادوین‌ماتیسون **ماگمیلیان** ۲ـ گل‌تئودور **سیه‌آبورك**	آمریکا آمریکا	کشفیاتشان در زمینهٔ شیمی عناصر ماوراء اورانیوم .
۱۹۵۲	۱ـ آرچرجان پورتر **مارتین** ۲ـ ریچاردلورنس **میلینگتون‌سینگ**	انگلیس	اختراع دستگاه رنگی نویس‌بخشی(کروماتوگرافی).

سال	برندهٔ جایزه	کشور	بخـــــاطر
۱۹۵۳	هرمان **استودنژر**	آلمان	کشفیاتش درزمینهٔشیمی‌مولکولی .
۱۹۵۴	لانیوس**کارل پولینك**	آمریکا	تحقیقاتش دربارهٔ ماهیت پیوستگی شیمیایی واستفاده‌آن برای روشن نمودن ساختمان مواد مرکب .
۱۹۵۵	وینست **دووینو**	آمریکا	تحقیقاتش دربارهٔ سولفورکه ازلحاظ بیوشیمی اهمیت دارد وبخصوص برای اولین ترکیب یك هورمون پولی پپتید .
۱۹۵۶	۱ـسرسیریل‌نورمن **هینشلود** ۲ـنیکولای‌نیکولویویچ **سمیونف**	انگلیس روس	تحقیقاتشان دربارهٔ مکانیزم راکسیون‌های شیمیایی .
۱۹۵۷	سرالکساندر**تود**	انگلیس	تحقیقاتش دربارهٔ نوکلئوتیدها وهم‌آنزیم‌های نوکلئوتید .
۱۹۵۸	فردریك **سانژر**	انگلیس	تحقیقاتش دربارهٔ ساختمان پروتئین‌ها بخصوص پروتئین‌انسولین .
۱۹۵۹	یاروسلاو**هیرووسکی**	چك‌اسلواك	کشف وتوسعهٔ متد پولاروگرافی (استعطاب‌نویسی) تجزیه .
۱۹۶۰	ویلارد فرانك **لیبی**	آمریکا	متد برای استفادهٔ کاربن (ذغال)۱۴ برای تعیین عمرو قدمت اشیاءدر زمینه‌های باستانشناسی ـ زمین‌شناسی ـ فیزیك وسایر رشته‌های‌علوم.
۱۹۶۱	پروفسورملوین**کالون**	آمریکا	تحقیقاتش دربارهٔ جذب‌کاربن‌دی‌اکسید درنباتات .
۱۹۶۲	۱ـجان‌کادری**کندرو** ۲ـ ماکس فردیناند **پروتز**	انگلیس اطریش	مطالعاتشان دربارهٔ ساختمان‌های پروتئین‌های گلبولی .
۱۹۶۳	۱ـ پروفسور **زنگر** ۲ـ جیو **لیوناتا**	آلمان ایتالیا	تحقیق درزمینه پلاستیك .

عده‌ای ازاستادان ومعلمین‌شیمی دانشگاه

آقایی حسین : دبیر دانشسرایعالی

آریانو، اسمعیل، دبیرعملیات شیمی دانشکدهٔ فنی.

خانم**آصفی** : دبیردانشکدهٔ علوم .

دکتراحمد**احمدی**: دبیر، دانشکدهٔعلوم.

مهندس یوسف **ارباب زاده**: معلم دستیار عملیات شیمی معدنی‌دانشکدهٔ فنی.

آقای حمید **اسدی‌فرد** : دبیر دانشکدهٔ علوم.

اسمعیلی: خانم دکتر عارفه. دانشیار شیمی‌دارویی دانشکدهٔ داروسازی.

اعلم:دکترفتح‌الله. استادداروهای‌شیمیایی دانشکدهٔ داروسازی .

افشار :خانم‌دکترمهشید ، دستیار زهرـ شناسی دانشکدهٔ داروسازی.

دکتراحمد**افغان**،متصدی‌بخش‌آزمایشگاه بیمارستان‌وزیری .

دکتر عبدالعلی**امامی خویی** : دانشیار شیمی تجزیهٔدانشکدهٔ داروسازی.

خانم فخرالزمان **امیرغضنفری** ، دبیر دانشکدهٔ علوم .

آقای‌بهمن **انتخابی**: دبیردانشکدهٔعلوم.

دکتر ابراهیم**انگجی** : استاد شیمی‌کانی دانشکدهٔداروسازی.

اولیاءتهرانی، عباس .دبیرمتصدی‌عملیات آزمایشگاه شیمی‌تجزیهٔدانشکده‌علوم .

دکتر غلامعلی **بازرگان**: استاد شیمی‌ـ فیزیك دانشکدهٔ فنی .

باغدیانس : دکتر الکساندر . استاد بیوشیمی دانشکدهٔ داروسازی .

دکتر مظفر **بخرد** ، استاد شیمی‌آلی دانشکدهٔ دارو سازی .

مهندس اصغر **بدیع‌زادگان**: معلم‌دستیار آزمایشگاه شیمی آنالیتیك دانشکدهٔـ فنی .

دکتر ترابعلی **براتعلی** :دبیر دانشکدهٔ علوم .

دکتراحمدعلی**برادران‌رضایی**: استادیار آزمایشگاه فیزیك پزشکی ، دانشکدهٔ پزشکی .

دکترهاشم**بری**: استادشیمی‌کانی دانشکدهٔ داروسازی .

بقایی: مهندس شهباز. دبیر عملیات‌شیمی معدنی‌دانشکدهٔ فنی.

مهندس مصطفی **بنی‌جمالی** : استادیار ترمودینامیك شیمی وبیلان‌انرژی ومواد دانشکدهٔفنی .

مهندس‌حسین **پازند**، معلم دستیارعملیات شیمی‌فیزیك دانشکدهٔ فنی .

خانم‌دکتر فاطمه **پاشایی‌فرد مقدم**، دبیر دانشکدهٔ علوم .

پاکروان:دکتراحمد.دانشیارشیمی دارویی دانشکدهٔداروسازی.

دکتر علی‌اکبر**پریمن**: استاد دانشکدهٔعلوم.

دکترمنوچهر**پورملك‌لاهیجی**: استادیار بخش دارویی‌مأمورخدمت درآزمایشگاه شیمی پزشکی .

آقای هوشنگ **پیرالهی**: دبیر دانشکدهٔ علوم .

آقای رحیم **تدینی** : دبیردانشسرایعالی.

دکترپرویز **تسلیمی**:دانشیارشیمی‌عمومی و معدنی و آلی دانشکدهٔ دامپزشکی ودانشگاه جندی شاهپور .

تقوی ، دکتر حسن . استاد بیوشیمی دانشکده علوم.

دکترعلی‌اکبر**توسلی**:استاددانشکدهٔعلوم

توسلیان : خانم دکتر بدری . دستیار بیوشیمی‌دانشکدهٔ داروسازی .

دکترغلامحسین**ثنایی** دانشیارشیمی‌تجزیهٔ دانشکدهٔداروسازی.

دکترمحمدجواد**جنیدی** : استادآبشناسی دانشکدهٔ داروسازی .

دکتر **حاج‌سیدجوادی** : دبیردانشسرای عالی .

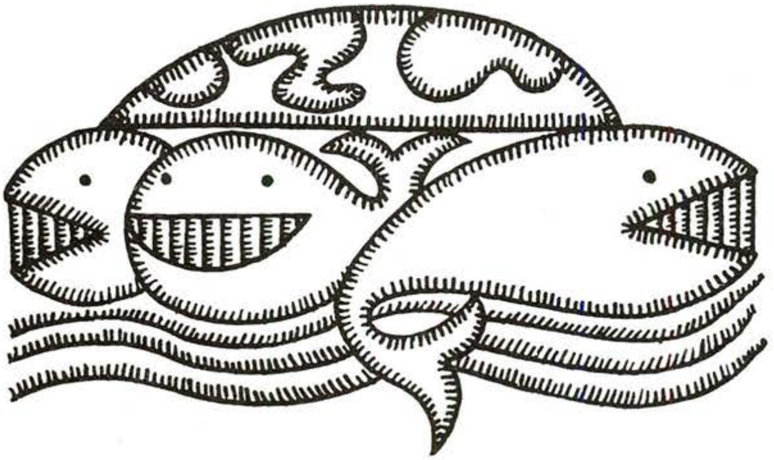
مهندس نورالدین **حبیبی**: معلم دستیار آزمایشگاه‌شیمی‌آنالیتیك دانشکدهٔفنی.

دکترعلی **خاتمی** : دبیردانشکدهٔ علوم.

مهندس‌ابوالحسن **خاکزادقمی** : دانشیار عملیات شیمی‌نفت ، تکنولوژی، پالایشـ

نفت وشیمی نفت وصنعت نفت دانشکدهٔ فنی .
دکترعلی **خالقی‌مقدم** : استادیار شیمی دانشسرایعالی .
دکترعباس **خدابنده** : دانشیار آبشناسی دانشکدهٔ داروسازی .
دکتر **خدادادی** : استاد شیمی دانشکدهٔ علوم .
آقای احمد **خراسانی** ، دبیر دانشکده علوم .
آقای **خردپور** ،دبیرشیمی‌دانشسرایعالی.
آقای‌مهدی **خرسندصهبایی**،دبیردانشکدهٔ علوم .
دکترحبیب‌الله **خرسندی** ، متصدی‌بخش بیو شیمی آزمایشگاه بیمارستان‌پهلوی.
دکتر مرتضی **خسرو فتح آبادی** ، دبیر دانشکدهٔ علوم.
خورسند ، دکتر مجید. استاد شیمی دارویی دانشکدهٔ داروسازی .
دکتر **خورگامی** . استادیار دانشکدهٔ علوم .
دکتر فخرالدین **خوشنویسان،** استاد شیمی‌تجزیه دانشکدهٔ داروسازی .
خیر، خانم دکتر عزت. دبیر دارو های جالینوسی دانشکدهٔ دارو سازی.
دکترعطاءالله **دانش‌راد،** استادیار شیمی صنعتی آلی دانشکدهٔ فنی .
آقای رئوف **درویش،** دبیر دانشکدهٔ علوم.
رادفر ، دکتر علی اصغر. استاد شیمی صنعتی دانشکدهٔ علوم.
دکترغلامرضا **رادفر** ، استاد دانشکدهٔ علوم .
دکترحسین **رادمرد،**استاد شیمی‌آنالیتیك دانشکدهٔفنی .
دکتر **رئیسی** استادیار شیمی دانشسرای عالی .
خانم‌مهندس **دیوشلی**. دبیر شیمی‌دانش‌ـ سرای عالی .
رجالی دکتر مهندس محمدرضا .دانشیار شیمی دانشکدهٔ علوم .
دکتر محمد **رحمتی** استاد شیمی صنعتی آلی وپلاستیك دانشکدهٔ فنی .
مهندس محمود **رخشانی** استادتکنولوژی شیمی ومهندسی نفت‌دانشکدهٔ فنی.
دکتر ابوالفضل **رسولی** دانشیار گروه فیزیك‌شیمی .
رضوی، دکترجواد.دبیر عملیات‌شیمی‌ـ آلی دانشکدهٔ فنی .
دکترامان‌الله **رفوآه** ؛متصدی آزمایشگاه بیمارستان زنان .
رفیع‌زاده،دکتر محمود. استاد داروهای جالینوسی دانشکدهٔ‌داروسازی .
دکتر هوشنگ **روشن‌آبادی** ، استادشیمی دانشکدهٔ پزشکی .
دکترنصرت‌الله **رهگذر**، رئیس‌آزمایشگاه شیمی کانی‌دانشکدهٔ داروسازی .
آقای احمد **زرگری**، دبیر دانشسرای عالی.
خانم دکترمهین **زهرایی**دستیاربیوشیمی دانشکدهٔ دامپزشکی.
دکتر مهدی **سادات منصوری** دانشیار شیمی آلی دانشکدهٔ فنی .
دکترقهرمان **سپهری**،متصدی آزمایشگاه بیمارستان امیر اعلم.
آقای‌محمد **سروقه‌رضوی**، دبیردانشکدهٔ علوم .
مهندس علی **سعیدی** استاد شیمی معدنی دانشکدهٔ فنی .
دکتر حسن **سلیمی وحید** دانشیارشیمی دانشکدهٔ دامپزشکی .
دکتر علی **سیدی** ؛ استادیار دانشکدهٔ علوم .
شاملو ، دکتریوسف. استادیار بیوشیمی دانشکدهٔداروسازی.
دکتر نادر **شرقی**استادشیمی‌آلی‌دانشکدهٔ داروسازی.
شرقی، خانم‌دکتر گلرخ.دانشیاربیوشیمی دانشکدهٔداروسازی.
خانم‌ماهرخ **شرقی** دانشیار شیمی تجزیهٔ دانشکدهٔ داروسازی.
دکتر محمود **شریعت** دستیار آبشناسی دانشکدهٔداروسازی .
دکترناصر **شریفی**سنجابی.دبیر دانشکدهٔ علوم.
آقای مهدی **شفایی** .دبیردانشکدهٔعلوم.
دکتر قهرمان **شمس** دانشیار موادغذایی دانشکدهٔ فنی .
دکترپرویز **شهبازی**،دانشیار آزمایشگاه شیمی پزشکی .
دکتر مسعود **شهیدزاده** دانشیار دانشکدهٔ علوم.
شیرزادگان،دکترمحمود .دانشیار کار‌ـ آموزی دانشکدهٔ داروسازی.
دکتر فضل‌الله **شیروانی**، استاد دانشکدهٔ علوم.
دکتر ابوالحسن **شیخ** ؛ استاد دانشکدهٔ علوم .
آقای ناصر **صادقی**؛ دبیر دانشکدهٔ علوم .
صدرایی. خانم دکتر زهرا . استاد یار شیمی دارویی دانشکدهٔداروسازی.
صدریمهندس رضا. دبیر عملیات شیمی وخاك‌شناسی دانشکدهٔ‌کشاورزی.
صرافی ،مهندس عباس .دبیر عملیات شیمی نفت دانشکدهٔ فنی.
دکتر بقراط **صفایی**، دانشیار علوم آزمایشگاهی دانشکدهٔ پزشکی .
دکتر رضا **صفوی**استادشیمی‌کشاورزی‌و شیمی بیولوژی دانشکدهٔ فنی .
دکتریحیی **صوفی**، دبیردانشکدهٔ علوم.
دکتر رحیم **عابدی** استاد شیمی عالی و پترو شیمی دانشکدهٔ فنی .
دکترمنصور **عابدینی** ؛استادیاردانشکدهٔ علوم .
عبدربانی دکتر محمد مهدی . دانشیار شیمی دارویی دانشکدهٔداروسازی.
دکتریحیی **عبده** استاد دانشکدهٔ علوم.
عطابخش ،دکتر جواد استاد زهرشناسی دانشکدهٔداروسازی.
غمخوار ، مهندس مهدی . دبیر عملیات شیمی وشیمی‌فیزیك دانشکدهٔ فنی.
مهندس‌عباس **موسوی ره‌پیما**، معلم‌دستیار آزمایشگاه شیمی آلی دانشکدهٔ فنی.
مهندس **قلی‌زادهٔ پاشا** معلم دستیار ـ آزمایشگاه‌شیمی‌بیولوژی‌دانشکدهٔ فنی .
قره‌پتیان، خانم دکتر آنایط .استاد یار بیوشیمی دانشکدهٔ داروسازی .
دکتر فرانکو **قایقران**،رئیس آزمایشگاه شیمی آلی دانشکدهٔ داروسازی .
مهندس‌مرتضی **قاسمی**،استادصنایع‌شیمی ـ معدنی دانشکدهٔ فنی .
قادری‌نژاد، دکتر رحیم . استاد شیمی آلی دانشکدهٔ داروسازی .
دکتر حسن **فرسام** رئیس‌آزمایشگاه‌شیمی کانی دانشکدهٔداروسازی .
کاراپتیان، دکترژیرایر .رئیس‌درمانگاه زهرشناسی دانشکدهٔ داروسازی .
کرباسی،دکترحسین . استاد شیمی وخاك

شناسی دانشکدهٔ کشاورزی .
دکتر محمدعلی **ناظمی**. استاد بیوشیمی دانشکدهٔ پزشکی.
دکتر **کوچصفهانی**.دبیردانشسرای‌عالی.
آقای علی **کرباسیان**،دبیردانشکدهٔعلوم.
کوشك‌آبادی، دکتر هوشنگ ، دستیار شیمی‌دارویی‌دانشکدهٔ داروسازی .
خانم دکتر هما **گل‌گلاب** استادیارشیمی آلی دانشکدهٔ داروسازی .
دکترایرج **لاله‌زاری** ، استاد شیمی‌آلی دانشکدهٔ داروسازی .
عباس **لاری لواسانی** دبیردانشکدهٔعلوم.
دکتر قاسم **محتاط** ؛ دانشیار آزمایشگاه شیمی پزشکی .
دکتر فرخ **محمدزادهٔفرحان** استادشیمی فیزیك دانشکدهٔ فنی .
دکتر حسن **محمدبها** استاد یار گروه شیمی پزشکی دانشکدهٔ پزشکی .
خانم مهندس پروین **مختاری** ، دبیر دانشکدهٔ علوم .
مدحت . دبیرشیمی‌ومتصدی آزمایشگاه دانشکدهٔ علوم .
دکتر شمس **مصباح** ، دانشیار شیمی صنعتی معدنی دانشکدهٔ فنی .
دکترمحمدرضا **مصطفوی‌رجالی**، استاد- دانشکدهٔ علوم .
دکتر جمشید **مفیدی**،دبیر دانشکدهٔعلوم.
مقبلی ، مهندس‌محمد جواد .دبیر شیمی دانشکدهٔ علوم.
مهندس‌منوچهر **مقبلی**،دبیردانشکدهٔعلوم.
خانم ثریا **منصور هاشم‌نجات** ، دبیر دانشکدهٔ علوم .
خانم‌ژیلا **منصورمؤید**،دبیردانشکدهٔعلوم.
مقدم، دکتر صادق . استاد داروشناسی جالینوسی دانشکدهٔ داروسازی .
آقای **ملاردی** ، دبیر دانشسرای عالی
دکتر رستم **مقصودی**،دانشیارشیمی‌تجزیهٔ دانشکدهٔ داروسازی .
میردامادی ، دکتر حسن .استاد سم- شناسی دانشکده پزشکی .
ناتان، دکتر منصور .دانشیار زهرشناسی دانشکدهٔداروسازی.
ناجی، مهندس ابراهیم .دانشیار شیمی وخاك شناسی دانشکدهٔ کشاورزی.
نجم‌آبادی ،دکتر کیوان: استادورئیس بخش شیمی دانشسرایعالی .
نظامی ،دکترهوشنگ .استاد داروسازی دانشکدهٔ داروسازی.
دکتر رضا **نفیسی** دانشیار شیمی پزشکی دانشکدهٔ پزشکی .
آقای محمد مهدی **نفیسی درجه** ،دبیر دانشکدهٔ علوم.
دکتر محمود **نوروزی** معلم دستیار عملیات شیمی تجزیه دانشکدهٔ فنی .
دکتر جعفر **نهانی** استادیار بیوشیمی دانشکدهٔ دامپزشکی .
دکترآرمائیس **وارطانی**،استاد دانشکدهٔ پزشکی .
وکیل‌زاده ، دکتر محمد . دبیرشیمی‌- دارویی دانشکدهٔ داروسازی .
هادی،خانم‌دکترخدیجهٔ،دانشیارداروهای جالینوسی دانشکدهٔ داروسازی .
هدایتی ،دبیر شیمی دانشسرایعالی .
دکتر محمد **منیری** استاد شیمی تجزیه دانشکدهٔ داروسازی .
هواکیمیان ،دکتر گاگیك .استاد شیمی تجزیهٔ دانشکدهٔ داروسازی .
مهندس عسکر **هورفر** ، معلم دستیار آزمایشگاه شیمی دانشکدهٔ فنی.
دکتراحمد **یلدا**،استادشیمی‌دانشکدهٔفنی.



علوم طبیعی

تاریخ طبیعی درباستان

آشنایی بابلیان باعدهٔ نسبتاًمعتنابهی ازگیاهان وجانوران ازروی اسنادمتعدد آشکار می‌شود **فادر شیل** که الواح‌دورهٔ **مشمشویی‌لونا** آخرین فرمانروای‌سلسلهٔ **لارسا** را موردمطالعه قرارداده، مقاله‌یی نوشته‌و درآن‌انواع‌ماهیهایی‌راکه‌دربازار **لارسا** بفروش می‌رسد بر شمرده است. مطابق نوشتهٔ او ماهیانی‌که درآن‌بازار بفروش می‌رسیده درحدود ۳۰ نوع‌بوده است، که دوازده‌قسم آنها عددی‌فروخته می‌شده‌وبقیه باکیل‌کردن‌درزنبیل. بهایی که برای ماهیان نوع اول‌ذکرشده‌طوری است‌که به‌دشواری می‌توان آنها رابـا یکدیگر مقایسه‌کرد ، ولی ماهیان نوع دوم به‌شش‌طبقه تقسیم می‌شوند که بهای ارزانترین‌آنها ده‌یك بهای گرانتـرین آنها بوده است . مردمی‌کـه در اواخر قرن دوازدهم در **لارسا** بسر می‌بردند ، این انواع مختلف‌ماهی رامی‌شناخته‌اند. مثلادربعضی لوحه‌هااسامی‌چندجانورذکر شده،واین‌نامها با خط‌میخی‌دردوستون‌ثبت است‌که ستون اول‌شامل اصطلاح **سومری** است وستون دوم‌معادل **اکدی** آن رانشان می‌دهد . در لوحه‌هایی اسامی گیاهان و

داروهای پزشکی کشف شده است و نام ۲۵۰ گیاه در لوحه‌های باستانی بدست آمده ولی هویت همهٔ آنها باقطعیت‌روشن نشده است به این معنی که علمای آشور‌شناسی‌می‌دانند فلان‌کلمه‌نام گیاهی به‌زبان سومری‌است‌ونیز می‌دانند که معادل‌اکدی آن فلان‌کلمه است ولی یقین ندارند که خود این‌گیاه چیست وامروز چه‌نام‌دارد بعضی ازنامهاکه ما امروز بکارمی‌بریم‌از نامهای سومری اشتقاق یافته ولی‌حتی‌در چنین‌حالات‌نیز معلوم‌نیست‌که مقصودما‌و مردم سومروآشور از این‌نامهای مشابه، گیاه واحدی بوده باشد.

مادراینجا چندگیاه‌رابه‌عنوان‌نمونه نقل‌می‌کنیم اصطلاح میخی را در پرانتز می‌نویسیم :

سنایاکاسیه	Cassia	(Kasu)
کاسنی‌یاسکوریا	Chicorg	(Kurku)
زیره یا کمون	Cumin	(Komunu)
زعفران	Crocus	(Kurkanu)
زوفا	Hyscoop	(Zupu)

بعضی ازفهرست‌بندی‌هاشامل‌یك‌نوع طبقه بندی نا پخته و ابتدایی است‌مثلا جانوران را به ماهیان (آنهایی که در آب‌زندگی می‌کنند) و مفصل‌داران‌و پرندگان وچهار پایان تقسیم کرده‌اند.

تاریخ‌علم‌ترجمه :احمدآرام .

فرضیه‌های‌خلقت

پیدایش‌آسمانی زندگی.

طبق این فرضیه زندگی ابتدا در سیارات دیگر بوجودآمده سپس به‌زمین انتقال یافته است .

این‌فرضیه برای اولین بار توسط **مونت‌ایوو** فرانسوی درسال ۱۸۲۱ عنوان شد ، درسال۱۸۶۵ **ریختر** آلمانی آنرا تأیید کرد .

فرضیهٔ موجودات‌آتشی .

بنابراین فرضیه، زمانی‌که زمین‌از خورشیدجداشد، به‌صورت تودهٔ مذابی‌بود که حرارت فوق‌العاده‌زیادی داشت پس ازملیونها سال زمین‌به‌تدریج‌حرارت‌اولیهٔ خود را ازدست داد وسطح آنراپوستهٔ جامدی فرا گرفت ، ولی هنوز دارای گرمای‌فوق‌العاده‌بوده. آن‌زمان‌موجوداتی که‌قادربه‌مقاومت‌وادامهٔ‌زندگی‌درآن‌حرارت زیاد بودندبوجودآمدندوکم‌کم جانوران وگیاهان اولیه‌جای‌خود را به جانداران امروزی دادند .

ثابتییون

بنابر این فرضیه : تمام جانداران روی زمین، از ابتدای خلقت تاکنون هیچگونه تغییری‌نکرده‌وبشکل امروزی خود خلق‌شده‌اند .

کوویه دانشمند بزرگ فرانسوی این نظریه را بوجود آورد .

کاتاستروفیسم

مطابق‌این‌نظریه: ازابتدای‌پیدایش کرهٔ زمین تاکنون ، چندین‌بار انقلابات ناگهانی‌حادث‌شده‌وتغییرات عمیقی‌برسطح زمین‌پدیدآورده‌است.ازجمله‌کلیهٔ‌موجودات زندهٔ هردوران به‌طور کامل نابود ومحو گردیده‌اند .کوویه دانشمند وطبیعیدان فرانسوی‌برای توجیه نظریهٔ فیکسیسم یا فرضیهٔ ثبوت انواع ، نظریهٔ‌کاتاستروفیسم یا انقلابات ناگهانی را پیش کشید .

لامارکیسم

مجموعهٔ فرضیه‌ها ونظریات لامارك وهواداران اولامارکیسم یامکتب‌لامارك نامیده می‌شود .

طبق این فرضیه : تمام‌موجودات زندهٔ‌کنونی، وانواع گیاهان و جانوران از چند نمونهٔ‌ابتدایی به وجودآمده‌اند . موجودات‌زنده درطبیعت درحال‌تغییرندو و از تغییرشکل آنها جانوران جدید و تکامل یافته‌ای ظاهرمی‌گرددتغییر شرایط محیط‌موجب‌این‌همه‌تغییراست‌زیرابا تغییر محیط وپیدایش‌نیازهای تازه، جانداران متحمل تغییراتی می‌گردند ودرآنهاعضو یا اعضای‌تازه‌ای‌ایجادمی‌گردد ویااینکه اندامهایشان تغییر شکل می‌دهد . هر عضوی که در اثر نیاز بیشتر بکار افتد نیرومندترمی‌شودو هرعضوی که دیگر به آن احتیاج نباشد ضعیف می‌گردد ویا به طورکلی ازبین میرود . موجودات زنده خودرا باتغییرشرایط‌محیط‌هماهنگ‌می‌کنند وسازش می‌یابند .

این تغییرات در جانداران ارثی بوده‌درنسل‌های بعدی‌نمایان‌ترمی‌گردد.

داروینیسم

جنگ ونزاع طبیعی پایان ناپذیر است وکیفیت تنازع بقاء همیشه ادامه خواهد داشت . نتیجهٔ آن انتخاب طبیعی یاباقی‌ماندن نیرومندترین ومناسب‌ترین موجودات زنده در طبیعت خواهدبود موجودات زندهٔ طبیعت درنتیجهٔ تغییر شرایط محیطی درطی زمانهای دراز وبه تدریج تغییر می‌کنند و این تغییر جنبهٔ تکاملی دارد. به‌مرور زمان ازموجودات زندهٔ ابتدایی جانداران عالیتروتکامل یافته‌تر به‌وجود آمده است . انسان و میمون که کاملترین جانوران هستند از جد مشترکی به‌وجودآمده ونتیجهٔ تغییرو تکامل حیوانات ابتدایی هستند .

ترانسفورمیسم← داروینیسم

میچورینیسم.

اگر یك‌موجودزنده را در محیط‌هایی باشرایط غیر عادی قرار دهیم، دو وضع پیش خواهدآمد ، یا آنکه تغییر شرایط ، نمی‌تواند نظم درونی موجود زنده را بهم بزند ، دراینصورت موجود زنده مانند اجداد خود با همان صفات‌و مشخصات بزندگی خود ادامه میدهد و بالاخره محیط نامساعد منجر به مرگ موجود میشود و یا شرایط‌محیط درنظم درونی موجود زنده تحولی مناسب‌ایجاد میکندکه موجد موجود جدیدی می‌شود.

فیکسیسم← ثابتییون

دستگاههای سنجش

اسفیگموسکوپ Sphygmoscope

دستگاه‌نشاندهندهٔ‌ارتعاشات‌شریانی.

اسفیگموگراف Sphygmographe

دستگاه ثبت‌کنندهٔ نبض شریانی .

اسمومتر Osmometre

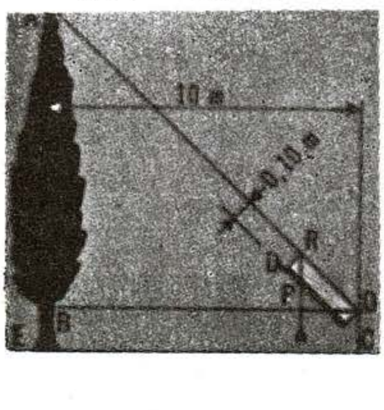
دستگاهی‌که فشار اسمزی رابوسیلهٔ آن اندازه میگیرند .

اوسیوگراف Osciographe

دستگاه ثبت فشار خون .

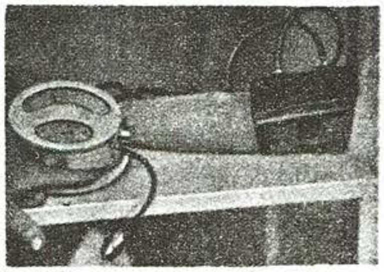
درخت سنج Dendrométre

دستگاهی‌که‌میتوان نموطولی درختان



جنگلی را بوسیلهٔ آن اندازه گرفت.

فشارسنج Oscillamettre



دستگاهی که فشار خون سیاهرگها را اندازه میگیرد.

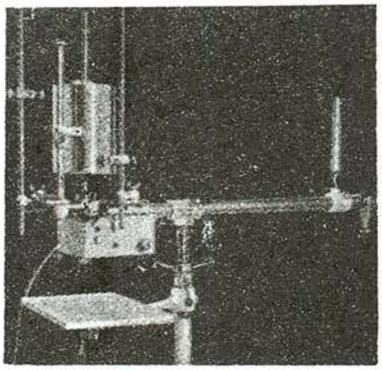
کاردیوگراف ماره Cardiographe Mary



یا طبل کاوش کننده برای ثبت حرکات قلب.

کیموگراف Kymographe

فشارسنجی که دستگاه ضدانعقاد داشته باشد.



کرسکوگراف Crescographe

ابزاری برای نشان دادن نمو گیاه که به وسیلهٔ بز (Bose) فیزیکدان هندی اختراع شده است.

گلبول شمار Hematimétre



دستگاهی برای شمارش گلبولهای خون.

همودروموگراف Hemodromographe

دستگاه ثبت سرعت گردش خون در سرخرگها.

سختی اجسام

تمام اجسام تشکیل دهندهٔ پوسته جامد زمین از نظر سختی به ده درجه تقسیم شده و مشخص هر درجه‌ای یک نوع بلور یا سنگ است.

۱ ــ تالک باسختی: **یك**، ناخن آنرا خط می‌اندازد.

۲ــ ژیپس باسختی: **دو**، ناخن آنرا خط می‌اندازد.

۳ ــ کالسیت باسختی: **سه**، تیغهٔ فولادی برآن خط می‌اندازد.

۴ ــ فلوئورین باسختی: **چهار**، تیغهٔ فولادبرآن خط می‌اندازد.

۵ ــ آپوتیت باسختی: **پنج**.

۶ ــ اورتوز باسختی: **شش**.

۷ ــ کوارتز باسختی: **هفت**.

۸ ــ توپاز باسختی، **هشت** برشیشه خط می‌اندازد.

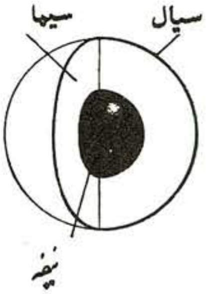
۹ ــ کورن دون باسختی: **نه**. بر فولاد خط می‌اندازد.

۱۰ ــ الماس «دیامانت»: باسختی: **ده** سخت‌ترین سنگها.



زمین شناسی

ساختمان زمین



زمین از خارج به داخل شامل طبقات زیر است:

۱ ــ طبقهٔ هوا
۲ ــ طبقهٔ آب
۳ ــ طبقهٔ جامد (سیال)
۴ ــ طبقهٔ آذر (سیما)
۵ ــ طبقهٔ سنگین (نیفه)

کرهٔ هوا Atmosphere

اطراف کرهٔ زمین راقشری گازی احاطه کرده که به نسبت ۷۵/۷ درصد ازت و ۲۳/۰۱ درصد آن اکسیژن و ۱/۲۸ درصد آن کربن وبقیه گازهای کمیاب است.

کرهٔ آب Hydrosphere

روی پوستهٔ جامد زمین فرو رفتگیهایی وجود دارد که آب در آنها جمع گردیده واقیانوسها را تشکیل داده است، درحدود $\frac{۴}{۵}$ سطح کره را می‌پوشاند حجم کلیهٔ آبهای موجود در سطح زمین درحدود یك ملیارد و سیصد و هفتاد ملیون کیلو متر مکعب است.

طبقهٔ جامد Lithosphere

طبقه‌ای به ضخامت ۵۰ تا ۱۰۰ کیلو متر مرکب از سیلیسیوم و آلومینیوم و آنرا سیال نیز می‌گویند.

کرهٔ آذر pyrosphere

طبقه‌ای که زیر کره سنگ قرار گرفته وضخامت تقریبی آن ۳۰۰۰ کیلومتر است این طبقهٔ مذاب و گداخته بوده و وزن مخصوصش تقریباً ۴ است. چون بیشتر از سیلیس و منیزیم تشکیل گردیده آنرا سیما نیز می‌گویند.

کرهٔ سنگین Baryiosphere

هستهٔ مرکزی زمین که به کرهٔ فلزات نیز معروف میباشد چون بیشتر از آهن و نیکل

تشکیل شده آنرا نیفه نیزمی گویند . ضخامت این‌کره تقریباً ۵۰۰۰ کیلو متر ووزن مخصوصش‌درحدود ۱۰ است.

دورانهای زمین

دوران

چندین‌دورهٔ‌زمین‌شناسی‌رایك‌دوران مینامند . کرهٔ زمین از ابتدای پیدایش تاکنون از چهـار دوران زمین شنـاسی گذشته است . ↓

تابلو مختصر دورانهای چهارگانه باذکر مشخصات هریك‌ازدورانها

دوران	دوره	گیاهان وجانوران مشخص	ضخامت ته‌نشینها	زمان‌هردوران
دوران‌چهارم	هولوسن پله‌یستوسن	انسان	دویست‌متر	یك‌ملیون‌سال
دوران سوم	پلیوسن میوسن اولیگوسن ائوسن	نهان دانگان دوکفه‌ایها شکم پایان پستانداران	چهارهزارمتر	۵۴ ملیون‌سال
دوران دوم	کرتاسه ژوراسیك تریاس	بازدانگان‌آمونیتها بلمنیتها،رودیستها پرندگان دندان‌دار خزندگان	شش‌هزارمتر	۱۳۵ملیون‌سال
دوران اول	پرمین کاربونیفر دونین سیلورین کامبرین	نهانزادان آوندی تری لوبیتها بازوپایان گراپتولیتها خارپوستان ثابت مرجانهای‌چهارتیغه ماهیهای زره دار	سی‌هزارمتر	۳۶۰ملیون‌سال
دوران آنته‌کامبرین		ائوزن کانادنسیس		۲۰۰۰ملیون‌سال

جغرافیای دیرینه

علمی‌که رخساره‌های مختلف ووضع خطوط ساحلی‌رادردوره‌های گذشتهٔ‌زمین‌شناسی مطالعه میکند .

رخساره .

مجموعهٔ خصوصیات سنگ شناسی‌و چینه‌شناسی هرسنگی ازنقطهٔ‌نظر پیدایش وتکوین،رخساره‌نامیده‌میشود واطلاعات رخساره‌ای بکار تعیین عمر زمین‌نمیآید.

اقسام رخساره‌های‌دریایی

۱ ــ ساحلی : قلوه سنگ ، آثار جانوران خشکی.

۲ ــ کم عمق : قلوه‌سنگ،مرجان نرمتنان ،شن وماسه .

۳ ــ عمیق : ماهیها ، آهك‌هـای تیره تك‌سلولیها .

۴ ــ بسیار عمیق : گلهای‌آهکی، گل رس‌قرمز .

اقسام‌رخساره‌های‌خشکی

۱ ــ رخسارهٔ بادی .
۲ ــ رخسارهٔ باتلاقی .
۳ ــ رخسارهٔ یخچالی .
۴ ــرخسارهٔ سیلابی یاآبرفتی .
۵ ــ رخسارهٔ رودخانه‌ای .
۶ ــ رخسارهٔ دریاچه‌ای .
۷ ــ رخسارهٔ کولابی .

ژئوسنکلینال

به‌معنی قشرهای باهم ، بزرگ‌ناو‌ــ دیسهایی هستند که به‌تدریج‌فرو میروندو تودهٔ عظیمی‌ازقشرهای‌هم‌رخساره بوجود میآورد و منشاء چین خوردگی‌های‌زمین میشوند .

چین و گسل



چین‌خوردگی

فشارهای جـانبی بر طبقات ژئوــ سنکلینال‌ها رسوبات را ازحـالت افقی خارج میکند .

گسل.

گسیختگی طبقات با اختلاف‌سطح.



اقسام‌چین

۱ ــ چین راست .

۲ ــ چین مایل .
۳ ــ چین خوابیده .
۴ ــ چین گسسته .

مهمترین‌چین خوردگیهای تاریخ عمر زمین

۱ ــ چین خوردگی **هورونین** یك ملیارد سال پیش .

۲ ــ چین‌خوردگی **کالدونین**. چهار- صد ملیون سال پیش .

۳ــ چین‌خوردگی **هرسی‌نین**. دویست وپنجاه ملیون سال پیش .

۴ ــ چین‌خوردگی **آلپ و پیرنه**‌سی- ملیون سال‌پیش.

اقسام رسوبات

تقسیم‌بندی رسوبات‌دریایی

۱ ــ رسوبات ساحلی(حد جزر و مد دریا) قلوه سنگ، ریگ ، شن،ماسه

۲ ــ رسوبات‌کم عمق(تا عمق ۲۰۰ متر) : شن ، ماسه ، آهك‌های‌شنی .

۳ ــ رسوبات‌عمیق(تاعمق ۱۰۰۰ متر) :دیاتومه‌ها،شعاعیان،روزنه‌داران.

۴ ــ رسوبات‌خیلی عمیق : بیش از ۱۰۰۰ متر، گل‌رس .

رسوبات‌دریایی‌از نظر منشأ

۱ ــ رسوبات زمینی : (عمق ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ متر) شامل موادتخریبی‌است.

۲ ــ رسوبات آلی وشیمیایی(بیش از ۱۰۰۰ متر) که شامل دیاتومه‌ها، شعاعیان وروزنه‌داران‌وهمچنین نمك، گچ، آهك شیمیایی است .

رسوبات‌خشکی

سنگهای رسوبی‌که بر اثر فرسایش خشکی‌های زمین‌بوسیلهٔ‌عوامل‌جوی‌حاصل گردیده‌اند وآنهارا رسوبات تخریبی‌نیز میگویند .

رسوبات‌حیاتی

سنگهای رسوبی که در اثر فعل‌و انفعال‌های بدن موجودات زنده تشکیل می‌گردد . مانندآهك‌های مرجانی .

رسوبات‌بادی

سنگهای‌رسوبی‌که‌بوسیله بادگذاشته میشوند؛ تپه‌های شنی ساحلی وصحرایی.

رسوبات‌آبرفتی

رودخانه‌ها مواد قابل انتقال سطح زمین را ازقسمت‌های‌کوهستانی و مرتفع به‌قسمت‌های‌پست حمل‌میکنند. ورسوبات آبرفتی تشکیل می‌دهند



عوامل‌تغییر دهندهٔ سطح زمین

الف ــبیرونی.
ب ــدرونی.

عوامل درونی‌تغییردهندهٔ پوسته زمین

۱ ــ زلزله .
۲ ــ آتشفشانی .

عوامل‌بیرونی‌تغییردهندهٔ پوستهٔ زمین.

I ــ هوا.
II ــ آب .
III ــ یخ .
IV ــ موجودات زنده .

عوامل جوی در تغییر پوسته‌زمین .

۱ ــ هوای‌ساکن .
۲ ــ هوای جاری.

عوامل‌جوی ساکن‌در‌تغییر پوستهٔ‌زمین

۱ ــبخار آب.
۲ ــ انیدریدکربنیك .
۳ ــ ازت .
۴ ــ اکسیژن .

هوای‌جاری (باد)

۱ ــ بادهای‌منظم.
۲ ــبادهای نامنظم.

آب در تغییر پوستهٔ زمین.

۱ ــ جاری .
۲ ــ ساکن .

آبهای جاری‌مؤثردرتغییرپوستهٔ زمین

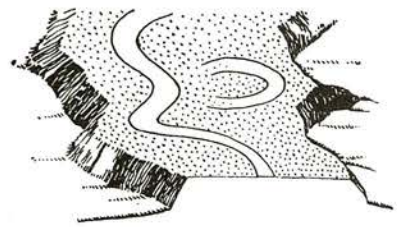
۱ ــجاری دایم.
۲ ــ جاری‌موقت.

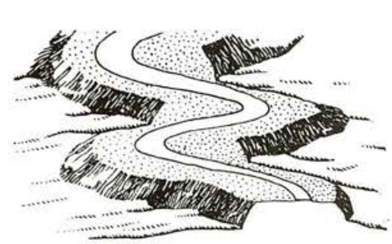
عمل‌آبهای جاری دایم(رودخانه).

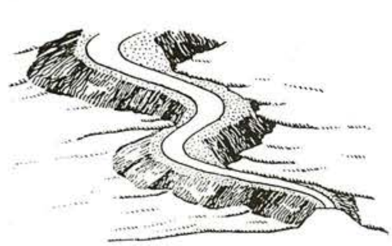
۱ ــ تخریب.
۲ ــ حمل .
۳ ــ ته‌نشین شدن

تخریب آبهای جاری دایم .

۱ ــ تشکیل درهٔ عمیق وتنگ در کوهستان .
۲ ــ تشکیل دره کم عمیق‌وعریض
۳ ــ تشکیل آبشار .
۴ ــ دریاچه .
۵ ــ مارپیچ .







۶ ــ برکه.
۷ ــ خلیج دهانه‌ای .

ته‌نشین آبهای جاری دایم .

۱ آبرفتهای پلکانی.
۲ ــ سد دهانه‌ای .
۳ ــ دلتا .

آبهای جاری موقت.

۱ ــ آبهای هرزه .
۲ ــ سیل .

اعمال سیل

۱ ــ تخریب .
۲ ــ حمل.
۳ ــ ته نشین کردن .

عمل‌یخ درتغییر پوستهٔ زمین

۱ــ تخریب .
۲ــ حمل .

۳- ته‌نشین کردن .

عمل تخریب یخچالهای طبیعی .

۱- تشکیل دره‌های عمیق .
۲- تشکیل مورنها .

عمل ته‌نشین کردن یخچالها

۱- مورنهای پیشانی وجانبی .
۲- سنگهای سرگردان .

عمل آبهای راکد (دریا)

۱- تخریب،
۲- حمل.
۳- ته‌نشین کردن .

عمل تخریب آبهای راکد

۱- درسواحل پست .
۲- درسواحل بلند ، تشکیل‌دریا-بار .

ته‌نشین درآبهای راکد

۱- رسوبات زمینی .
۲- رسوبات آلی .

رسوبات زمینی در دریاها

۱- رسوبات ساحلی .
۲- رسوبات کم عمق .
۳- رسوبات عمیق .
۴- رسوبات‌بسیار عمیق .



سنگ شناسی

مقدمه‌ای بر سنگ شناسی

داستان آشنایی‌بشر باسنگها، پیش‌تر از آن است که هیکل داودوموسی به‌دست هیکل آنژ تراشیده شود ویاهیاکل و خدایان یونانی ازمعابد دلوس «Delos» ودلفوس«Delphus» بیرون‌آیدوحتی‌خیلی پیش‌تر ازآن زمانی است که ابوالهول ، هیکل سنگی وقیافهٔ سرد خود را اززیر خاك نیل‌بیرون بکشد .

هیچ‌چیز‌به‌اندازهٔ سنگ‌نمی‌توانست در زندگی اجداد بی‌سلاح ما مؤثرولازم باشدوچه‌بساممکن‌است که‌همین‌تأثیرولزوم توجه‌اورا به‌محیط خودجلب‌کرده واورا با سنگها آشنا ساخته باشد . در هرحال آشنایی بشر باسنگ قبل ازهمه‌چیز بوده است گاهی‌ازآن به‌صورت آلت‌دفاع‌استفاده می‌کرده وزمانی آنرا وسیلهٔ ابراز هنر قرار می‌داده است .

قرنها گذشته‌است،هرروزاین‌آشنایی با اجسام بی‌جان طبیعت بیشتر می‌گردد زمانی بصورت خدایـان مورد پرستش قرار می‌گیرد وگاهی مانند پیامبری(۱) ازخورشید فرود می‌آید . و زمانـی هم بشکل حجرالاسود در خانهٔ خـدا مورد زیارت قرار می‌گیرد .

امروز سنگ‌وبخصوص آنچه که‌بنام سنگ‌معدن نامیده‌می‌شودنقشی درزندگی انسان بازی میکندکه نتایج آن بخوبی مشهود است .

مقدمه‌از: آقـای‌حسین- عرفانی

تعریف :

کلیهٔ مواد مشکله‌قسمت فوقانی‌کرهٔ زمین را چه مایع باشند وچه‌جامد سنگ مینامیم‌که به‌سه‌دستهٔ‌بزرگ تقسیم‌می‌شوند سنگ‌های رسوبی . سنگ‌های خروجی و سنگ‌های دگرگونی .

لیتولوژی

بیان چگونگی‌فعل وانفعال‌شیمیایی که‌بطور طبیعی در زمین انجام گرفته در نتیجهٔ آنهاکانی‌هـا و سنگ‌هـا تشکیل گردیده‌اند .

دسته بندی سنگها

سنگهای اگروژن

دسته سنگهایی‌که مطبق بوده و از عناصر ناشی از تجزیه وتخریب سنگهای قبلی تشکیل‌شده‌اند. شامل‌قسمت‌های‌زیر است :

۱ -سنگهای‌رسوبی‌تخریبی پیوسته.
۲-سنگهای‌رسوبی‌تخریبی‌ناپیوسته.

سنگهای رسوبی تخریبی ناپیوسته

شامل قسمت‌های زیر است :

۱- آبرفتها .
۲- واریزه‌ها .
۳- آرن‌های‌گرانیتی .
۴- مورن‌ها.

سنگهای رسوبی تخریبی پیوسته

شامل قسمت‌های زیر است :

۱-پودنگ‌ها.
۲-برش‌ها.

سنگهای رستی

سنگهای نا متراکم که به سه دسته تقسیم می‌شوند :

۱-رستی‌نامتراکم.
۲- رستی‌متراکم .
۳- رستی‌واجدبلور.

سنگهای رستی نامتراکم

که بطور کلی رست نامیده می‌شود انواع مختلف دارد :

۱- رستهای خالص .
۲- مارن.
۳-رستهای‌گلوکونی‌دار .
۴- رست‌آهندار .
۵- آرژیلیت.

شیست‌ها یا رست متراکم

سنگهای رستی که‌سخت شده‌اندانواع زیر درآن‌ها دیده‌می‌شود :

۱- شیست .
۲- کالکشیست .
۳- شیست زغالی.
۴-شیست‌آهندار.

فیلاد یارست واجد بلور

سنگی‌که‌تبلور، تاحدی‌آنرا ازحالت رستی‌یاشیستی دور کـرده است و انواع مختلف دارد :

۱ - فیلاد کوارتز دار .
۲ - سنگ لوح .
۳ - آردواز خال خال .
۴ - فتانیت .
۵ - فیلاد مانیتیت دار.
۶ - اولیژیست .
۷ - اوترلیت .
۸ - گرافیت .
۹ - فیلادسریسیت دار .
۱۰ - فیلادآهکی.

سنگهای شیمیایی

این‌سنگها بوسیلهٔ اعمال‌فیزیکی‌وشیمیایی

---

۱ - سنگی در سال ۴۶۷ ق م در AgosRotamoi فرودآمدوبنظرانکساغورس بعنوان‌پیامبری ازخورشید‌به‌زمین، بود .

و بیولوژیکی تشکیل‌شده‌اند شامل:
۱ ـ سنگ گچ .
۲ ـ نمك طعام .
۳ ـ نمکهای منیزیوم .

سنگ گچ
سولفات کالسیوم آبدار، ازسنگهای شیمیایی است .

سنگ نمك
کلرورهای سودیوم و پوتاسیوم که نمك طعام نیز نامیده‌می‌شوند ازسنگهای شیمیایی.

نمکهای منیزیوم
ازنمکهای شیمیایی و جاذب الرطوبت می‌باشند

سنگهای خروجی
یا سنگهای متبلور ؛ بلورها درطی انجماد ماده‌مذاب‌وهم موقعی که این‌سنگها دفعتأسرد‌شده‌اند تشکیل گردیده‌اند و به‌سه گروه بزرگ: اسید، قلیا، وخنثی تقسیم می‌شود .

سنگهای اسید
سنگهایی که دارای سیلیس بسیار زیادو به‌چهاردسته تقسیم‌می‌شوند:
تمام متبلور، میکـروگرونو، نیمه متبلور ، وکاملاشیشه‌ای .

سنگهای تمام متبلور اسید
از سنگهای اسیدو خروجی‌عمیق‌که بلورهای‌منظم‌دارند ، کوارتز آن اغلب دودی‌یاشیری،میکا درآن پراکنده است.

سنگهای اسیدمتبلورمیکروگرونو
از سنگهای اسید با بلورهای فوق العاده‌ریز است .

سنگهای اسید نیمه متبلور
ازسنگهای اسید ،دارای بلورهای مشخص می‌باشند .

سنگهای شیشه‌ای اسید
ازسنگهای اسیدبه‌رنگ‌روشن‌دارای بافت شیشه‌ای .

سنگهای قلیایی
شامل سنگهای سنگین وزن وتیره ومتراکم است بسیاری از کانیهای غیر سیلیکاته دراین‌سنگهاوجوددارد وبهمان نسبت اسیدیته‌سنگ کم می‌شودو به‌مقدار آهك وآهن‌آن‌افزوده‌میشود .

سنگهای تمام متبلورقلیایی
ازسنگهای‌قلیایی‌بامنظرهٔ‌پورفیروئید.

سنگهای قلیایی نیمه متبلور
ازسنگهای‌قلیایی ومشخص‌این‌گروه بازالت است .

سنگهای قلیایی شیشه‌ای
ازسنگهای‌قلیایی‌کاملاشفاف‌هستند.

سنگهای خنثی
سنگهایی که‌سیلیس درآنها بین۵۵ تا۶۵ درصداست‌وحدواسط‌سنگهای اسید و قلیا میباشند .

سنگهای نیمه متبلورخنثی
ازسنگهای‌خنثی‌ومشخص‌آنها‌اندزیت است .

سنگهای دارای‌بافت پوست ماری
ازسنگهای خنثی بابلورهای بسیار ظریف مخصوصاً اولیوین .

سنگهای‌تمام‌متبلورمیکروگرونو
ازسنگهای‌خنثی‌بامنظرهٔ پورفیریك و فلدسپات هایی که در خمیری از بلور های ریزویکنواخت‌قرارگرفته‌اند.

سنگهای تمام متبلور خنثی
ازسنگهای‌خنثی‌وبرحسب‌نوع‌عناصر رنگی تشخیص‌داده‌می‌شوند.

سنگهای آره‌ناسه
ازسنگهای‌سیلیسی‌بوده‌وذرات‌آن‌ها کم وبیش گرد هستند وبا ذره‌بین قابل تشخیص‌می‌باشند به‌دودسته‌تقسیم‌می‌شوند:
۱ ـ سنگهای ماسه‌ای.
۲ ـ ماسه سنگها.

سنگهای اصلی
سنگهای‌عادی ومعمولی وماسه‌ای‌که دارای‌عناصرفرعی‌هستند به‌چنددسته‌تقسیم می‌شوند :
۱ ـ ماسه‌های سیلیسی .
۲ ـ ماسه های‌گلوکونی دار.
۳ ـ ماسه‌های لیمونیت دار.
۴ ـ ماسه‌های میکادار.
۵ ـ ماسه‌های رستی .
۶ ـ ماسه‌های آهکی
۷ ـ خاك آجرولیمون .
۸ ـ لس .

ماسه‌های سیلیسی
ماسه‌های معمولی‌که خالصترین‌آنها منحصرأ‌کوارتزاست‌وانواع‌مختلف‌دارند:
۱ ـ ماسه‌های آبرفتی .
۲ ـ ماسه‌های رودخانه‌ای.
۳ ـ ماسه‌های‌دریایی.
۴ ـ ماسه‌های صحرایی .
۵ ـ ماسه‌های متحرك .
۶ ـ خاك ماسه .
۷ ـ خاکسترهای آتشفشانی.
۸ ـ ماسه‌های آتشفشانی .

ماسه‌های‌گلوکونی دار
از سنگهای اصلی دارای سیلیس باذرات گرد سبزرنگ.

ماسه‌های لیمونیت دار
ازسنگهای اصلی دارای سیلیس و ئیدرات آهن .

ماسه‌های میکادار
ازسنگهای اصلی‌که‌درآن‌ها سیلیس با ذرات زیاد پولك‌های میکا همراه است.

ماسه‌های رستی
ازسنگهای اصلی،درآن‌ها ماسه به نسبتهای‌مختلفی ازرست مخلوط است .

ماسه‌های‌آهکی
ازسنگهای‌اصلی، درآن‌ها سیلیس‌و کربنات‌کالسیوم‌مخلوط‌است ونوع‌مهم‌آن فالون است.

خاك آجرولیمون
ازسنگهای اصلی‌که‌ذرات سیلیس درآنها بسیارریزودارای‌مقدارکمی‌رست‌می‌باشند که‌باآب خمیر می‌دهندو به سه‌دسته تقسیم می‌شوند :
۱ـ خاك آجر.
۲ ـ لیمون .
۳ ـ خاك برگ .

لس
ازسنگهای اصلی‌خاکی است که در آن سیلیس به صورت ذرات خیلی ریز باآهك همراه است .

ماسه سنگها
سنگهایی‌که عناصـر آنها‌بوسیلهٔ سیمانی‌بهم‌مربوط‌می‌شوند وانواع‌مختلف دارند:
۱ـ ماسه‌سنگهای‌معمولی.
۲ـ کوارتزیت .
۳ـ ماسه سنگ کلوریت‌دار سری ، سیت‌دار، وآهن‌دار .
۴ـ ماسه سنگ میکادار .
۵ـ پسامیت .
۶ـ ماسه سنگ‌آهکی.

سنگهای بلوری برگه:
سنگهای مطبقی‌دارای‌عناصرمتبلور که‌دراثر مجاورت‌موادخروجی‌باسنگهای

قبلی بوجود آمده‌اندوشامل‌دسته‌های‌زیر است :

۱- گنیس‌ها .
۲- میکاشیست‌ها .
۳- لپتی‌نیت‌ها .
۴- آمفیبولیت‌هاوپیروکسنیت‌ها .
۵- کوارتزیت‌ها .
۶- آهکهای متبلور.
۷- متامورفیك‌مجاورتی .

گنیس : Gneiss.
از سنگهای بلورین برگه دارای فلدسپات، میکاوکوارتز. انواع خاکستری قرمزوگنیس‌گرانیت‌وغیره‌درآنهاتشخیص داده می‌شود .

میکاشیست : Micaschiste
ازسنگهای بلورین برگه وفاقدفلدسپات، کانی‌اصلی‌آن‌کوارتزومیکااست .

لپتی‌نیت : Leptynite
ازسنگهای بلورین برگه، کوارتز وفلدسپات زیاد ومیکا بسیارکم دارد .

آمفیبولیت‌ها وپیروکسنیت‌ها :
ازسنگهای‌بلورین برگه،موادرنگی کننده، مانند آمفیبول وپیروکسن، زیاد دارندوبه‌جای‌میکاانواع‌هورنبلاند جانشین شده‌است .

کوارتزیت : Quartzite
ازسنگهای بلورین برگه ، کوارتز مادهٔ اصلی آن و چون از اصل رسوبی تخریبی است عده‌ای‌آنراجزوماسه‌سنگ قرار داده‌اند .

آهکهای متبلور:
از سنگهای بلورین برگه ، دارای بافت‌های دانه درشت است .

سنگهای متامورفیك مجاورتی :
از سنگهای بلورین برگه بوده و کورنئن‌ها،شیست‌های‌گرهکداروآپوفیزها ودیك‌ها انواع آن است .

آهکها:
سنگهای اورگانوژن ، مرکب از کربنات کالسیوم وشامل :

۱ - آهك خالص.
۲ - آهك ناخالص.

آهك خالص:
سنگ آهك شامل :

۱ آهکهای نرم ونامتراکم .
۲ - آهکهای متراکم .
۳ - مرمرها.

آهك متراکم:
درمقابل‌ضربه‌مقاومت کرده،شکست ناصاف دارند شامل :

۱ - آهك تخریبی .
۲ - آهك شیمیایی .
۳ - آهك تخمی .
۴ - آهك‌بابقایای مشخص‌جانددار.
۵ - آهك رسیف ها.

آهکهای نرم ونامتراکم:
ازسنگهای آهکی شامل چنددسته:

۱ - گل سفید .
۲ - گل سفید گلوکونی دار .
۳ - گل سفید بیتوم دار .
۴ - گل نرم دان دان .

مرمرها:
ازسنگهای آهکی باخاصیت تبلور انواع مختلف دارد :

۱ - مرمرکاروئید .
۲ - مرمرکارار .
۳ - سیپولن‌ها .
۴- مرمرعقیق (بدل).
۵ - آهك پنتلیك.
۶ - آبی آنتیك .
۷ - سبز آنتیك .
۸ - سبز فلورانس .
۹ - کالسیفرها .
۱۰ - زرد آنتیك .
۱۱ - سنت آن .
۱۲ - آهك بلژیك .
۱۳ - مرمرفلورانس .
۱۴ - مرمر گریوت .
۱۵ - مرمر کامپاس.
۱۶ - مرمرسرولاس .
۱۷ - برشهای آله .
۱۸ - مرمربروکار .
۱۹ - گراند دویل .
۲۰ - پتی دویل .
۲۱ - برش اونیورسل .

آهك ناخالص :
این سنگها نمونهٔواسط بین آهکها وسایر سنگها به‌حسب نوع ومقدار مواد خارجی می‌باشند :

۱ - آهك رستی.
۲ - آهك سیلیسی .

سنگهای فسفاته Rohe Phosphatées
سنگهایی که‌در ترکیب‌آنهافسفات وجود دارد به‌سه دسته‌تقسیم می‌شوند :

۱ - فسفاتهای رسوبی .
۲ - گرهك‌های فسفات .
۳ - فسفاتهای منطقه‌ای .

فسفاتهای رسوبی:
ازذرات‌ریز خرمایی رنگ تشکیل شده که‌دریك‌خمیرمحاط‌گردیده ودارای سطح براقی می‌باشند.
وانواع آن :

۱ - ماسه‌های فسفاته .
۲ - رست های فسفاته .
۳ - کره یاآهك فسفاته .

گرهك های فسفات:
Phosphates noduleux
ازسنگهای‌فسفاته‌وبکلی ازدانه‌های ریز وگرهکهای‌فسفات‌کالسیوم تشکیل شده است :

فسفاتهای‌منطقه‌ای PhosphatesZonaires
ازسنگهای فسفاته،که منطقه منطقه بوده و همهٔ آنها از یك‌ته‌نشست‌شیمیایی می‌باشند.

سنگهای اورگانوژنز
سنگهایی که منشأ حیاتی دارند و به‌دودسته تقسیم می‌شوند :

۱ - سیلیسی .
۲ - سوختنی .

سنگهای سیلیسی اورگانوژنز
سنگهایی که در تشکیل آنها ، اورگانیسم‌دخالت دارد وبه‌دو دسته‌تقسیم می‌شوند :

۱ - تریپولی .
۲ - لیدین وفتانیت .

مواد سوختنی:
سنگهایی که‌بوسیلهٔ موادآلی‌وتجزیه آنهاتشکیل شده‌اند شامل دودسته‌اند :

۱ - زغال سنگ .
۲ - نفت .

جدول طبقه‌بندی سنگهای آذرین

طرز پیدایش	بافت	سنگهای محتوی فلدسپات				سنگهای فاقد عناصر سفید	
		محتوی فلدسپات پتاسیک		محتوی پلاژیوکلاز			
		کوآرتز زیاد	فاقد کوآرتز یا خیلی کم	پلاژیوکلاز اسید	پلاژیوکلاز قلیایی	محتوی اولیون	فاقد اولیون
		خانوادهٔ گرانیت	خانوادهٔ سیینیت	خانوادهٔ دیوریت	خانوادهٔ گابرو	خانوادهٔ پریدوتیت	
سنگهای آذرین درونی	دانه‌دار	گرانیتها	سیینیتهای نفلین‌دار	دیوریتها	گابروها	پریدوتیتها	پیروکسنولیتها و هورنبلاندیتها
	پوست ماری				دولریت		
سنگهای آذرین بیرونی یا آتشفشانی	میکرولیتیک	ریولیتها	تراکیتها و فنولیتها	آندزیتها	بازالتها و لابرادریتها	مبورژیتها	اوژی‌تیتها
	شیشه‌ای	پکستن و پرلیت	ابسیدین	پونس	تراکیلیت	گیسوی پله	

سنگهای حاصل از دگرگونی مجاورتی و ناحیه‌ای

سنگهای منشأ	رست	ماسه و ماسه‌سنگ	سنگهای آهکی	مارن	دولومی	زغال	سنگهای آذرین درونی	سنگهای آتشفشانی
سنگهای حاصل از دگرگونی **مجاورتی**	انواع شیستها: شیستهای خالدار، » آهک‌دار، » میکادار	انواع گرواکها: گرواکهای خالدار، » آهک‌دار، » میکادار		کالکشیست				
سنگهای حاصل از دگرگونی **مجاورتی** یا **ناحیه‌ای**	فیلاد	کوآرتزیت	مرمر		مرمر دولومیتی	گرافیت		آمفیبولیت کلریتوشیست
سنگهای حاصل از دگرگونی **ناحیه‌ای**	سریسیتوشیست کلریتوشیست میکاشیست پاراگنیس	لپتینیت		آمفیبولیت		آنترا-سیت	اورتوگنیس	تالکشیست سرپانتین

مراحل تغییر سنگهای مختلف در اثرعمل دگرگونی

اورتو	سنگهای آذرین درونی	اسید	گرانیت ← پروتوژین ← اورتوگنیس
		قلیایی	گابرو← پرازینیت ← آمفیبولیت وپیروکسنیت
	سنگهای آذرین بیرونی	اسید	ریولیت← پرفیروئید ← لپتینیت
		قلیایی	بازالت ← پرازینیت ←آمفیبولبت وپیروکسنیت
پارا	سنگهای رستی		رست ←آرژیلیت← شیستهای‌رستی← سنگ‌لوح ← فیلاد←سریسیت← میکاشیست میکاشیست دومیکایی ←گنیس←لپتینیت
	سنگهای‌سیلیسی		ماسه‌سنگ ←کوآرتزیت ←کوآرتزوفیلاد ← میکاشیست ← گنیس←لپتینیت
	سنگهای آهکی		آهك←مرمر ←سیپولن ←کالکشیست ← میکاشیست ←گنیس ←لپتینیت
	سنگهای کربندار		زغال‌سنگ← آنتراسیت ←گرافیت

طبقه‌بندی سنگهای آذرین برحسب بافت

سنگهای‌آذرین	متبلور	کاملاً متبلور	بافت گرونو	
			بافت اوفیتیك	بافت‌پرفیریك
		نیمه‌متبلور	بافت‌میکروگرونو	
			بافت میکرولیتیك	
	شیشه‌ای		بافت‌شیشه‌ای	

سنگهای مهم

آپاتیت: Apatite
ازسنگهای‌فسفاته منطقه‌ای ، بشکل منشورهای طویل .

آپلیت: Aplite
ازگرانولیت‌ها ،دارای بلورهای بسیار ریز می‌باشد .

آردواز: Ardoise
از سنگهای لوح بوده که به صورت لك‌های‌کوچکی‌است‌که مربوط‌به‌کنکر- سیونهاست .

آرژیلیت Argilite
سنگ رستی بسیا ربهم چسبیده که که‌باآب خمیر قابل ارتجاع نمی دهد .

آلیوسی
نوعی ماسه سنگ که‌بواسطه‌داشتن اسید هومیك سخت شده‌است.

آمفیبولیت :
این سنگها از آمفیبول وکوارتز تشکیل شده است.

آندزیت : Andesite
از سنگهای نیمه متبلور خنثی‌که سیلیس آن‌کم است.

آهك‌بلژیك: Calcaire de Belgique
ازآهکهای متراکم وریزدانه .

آهك پنتلیك : Calcaire pantalique
ازمرمرهای ساکاروئیدسفید،، نیمه‌شفاف دارای مناطق سبزرنگ اوپالی.

آهك تخریبی
سنگهای‌کاملاً مطبقی ، بادانه‌های ظریف ، محتوی ذرات صدفها.

جدول خلاصهٔ تقسیم سنگهای رسوبی ارنظرمنشاء وترکیب شیمیایی

منشاء / ترکیب	رستی	آهکی	سیلیسی	تبخیری	ئیدوکربور اکسیژن‌دار	ئیدروکربور بدون اکسیژن
سنگهای رسوبی **تخریبی**	خاك چینی رست مارن رستی	سنگهای درهم آهکی، سنگهای آبرفتی آهکی، مارنهای آهکی	ماسه ریگ ماسه‌سنگ، سنگهای درهم سیلیسی			
سنگهای رسوبی **شیمیایی**		سنگ آهك تخمی ونخودی- تراورتن وتوفهای آهکی	سیمان سیلیسی ماسه سنگها و سنگهای درهم سنگ آتشزنه تریپولی	نمك طعام گچ		
سنگهای رسوبی **کربندار**					زغال سنگها سنگهای صمغی	نفتها

آهك تخمی : Calcaire oolitique
آهك خشنی که از دانه‌های کروی شکل ومتحدالمرکز تشکیل می‌شود.

آهك رستی:
آهکی که دارای مواد رستی است.

آهك شیمیایی:
سنگ آهکی مطبق بامنظرهٔ قلوه مانند.

آهك گلوبولیتیك:
Calcaire globulitique
آهك خشن بادانه‌هایی بزرگ .

آهك متراکم:
آهك خشن باذرات ریز که با میکروسکوپ دیده می‌شود .

آهك نخودی: calpisolitique
آهك خشن که دانه‌های آن به درشتی نخود است .

استالاکتیت: Stalactite
رسوبات آهکی مخروطی شکل که به سقف غارهای آهکی چسبیده‌اند .

استالاگمیت: Stalagmite
رسوبات آهکی مخروطی شکل که به کف غارهای آهکی چسبیده‌اند .

اوبسیدین : Obsidienne
ازسنگهای قلیایی شیشه‌ای ، دارای جلای شیشه‌ای.

اوترلیت :
فیلادی ، دارای سیلیکات آهـن ، منیزیوم ومنگنز بهرنگ سبز یاخاکستری سیاه .

اوژیت : Augitie
نمونه‌ای ازسنگهای پیروکسنیت که دارای اوژیت فراوان است .

اولیژیست : Oligiste
فیلادی مرکب از پراکسید آهن که گل اخرا نیز گفته می‌شود .

بازالت : Basaltes
ازسنگهای قلیایی واجدبافت نیمه‌ـ متبلور محصول فورانهای دوران سوم وآتش فشانیهای کنونی .

برش: Breche
خرده‌سنگهایی بالبه‌های ناصاف که باسیمانی بهم چسبیده باشند(سنگهای درهم)

برش اونیورسل:
مرمری باتمام رنگها .

پرلیت Perlite
ازسنگهای قلیایی شیشه‌ای سبك وزن دارای شکستگی زیاد ورنگهای شبیه رنگ شکست مرواریددارد .

پروفیلیت Prophilite
ازسنگهای نیمه متبلور خنثی است وبه دوره‌های جدید تعلق دارد.

پریدوتیت Peridolite
از سنگهای تمام متبلور قلیایی است دارای بلورهای کوچك زیتونی بوده و شبیه گابروها است .

پسامیت Psammite
ماسه سنگی که سیمان آن دارای رست و نسبت زیادی از میکا است .

پلاسه‌ها Placers
ازپروفیلیت‌ها که به‌واسطه‌عمل تخریب از رگه‌های جد او راسب می‌شود .

پودنگ :
خرده‌سنگهایی بالبه‌های صاف که بوسیلهٔ سیمانی بهم چسبیده‌اند (سنگهای درهم) .

پورفیریت Porphyrite
ازگروناها، بصورت دیك‌ها یا توده‌ها است .

پوگماتیت Pogmatite
ازگرانولیت ها ،دارای بلورهای درشت .

پیروکسنیت Pyroxenite
ازسنگهای تمام متبلور قلیایی بوده برنگ قرمز یاخرمایی دیده‌می‌شود .

پیکریت Picrite
سنگهای قلیایی واجد بافت پوست ماری وازگروه پریدوتیت می‌باشند.

تراکیت Trachyte
از سنگهای اسید نیمه متبلور واز نظرصفات شبیه ریولیت می‌باشند .

تراورتن Travertin
سنگ آهك سبك ومحکم باحفره‌های فراوان که ساروج بخوبی می‌پذیرند واز سنگهای آهکی شیمیایی است .

توفهای آهکی:
ازآهك‌های شیمیایی باحفره هایی بشکل ساقهٔ گیاهان است .

خاك آجر:
مخلوطی ازماسه ورست .

خاك برگ :
یك نوع لیمون ازسنگهای اصلی ، به‌رنگ سیاه مخلوط بامقدارزیادی ازبقایای گیاهی است .

خاك‌پیپ:
نوعی رست قابل ارتجاع که سفید رنگ است .

خاك‌چینی :
گردی سفید رنگ (رست خالص) بسیار قابل ارتجاع و لمس چربی دار وباشدت‌بدزبان می‌چسبد .

خاك‌رس:
خاکی که‌درساختن کوزهٔ سفالی و آجرهای نسوز استعمال می‌شود ومقدار کمی آهك وماسه دارد .

خاك‌سفال :
نوعی‌رست‌قابل‌ارتجاع که‌رنگی‌است.

دولریت Dolerite
ازگابروهابوده دارای بافت پوست ماری‌است .

دولومی Dolomie
سنگ آهکی ، دانه‌دانه و متبلور وکربنات مضاعف‌کالسیوم‌ومنیزیوم‌است.

دونیت: Dunite
پیکریتی که‌دارای کرومیت باشد.

دیوریت: Diorites
از سنگهای تمام متبلور وخنثی و دارای‌عناصرسفیدوسبز وسیاه می‌باشد .

رتینیت : Retinite
از سنگهای شیشه‌ای اسید ، دارای سیلیس فراوان وازابسیدین کمرنگتر.

رست‌قابل‌ارتجاع: Argile plastique
خاك‌رس ناخالص‌باتمام‌خواص‌رست.

رست‌گلوکونی‌دار:
سنگ‌رستی که‌بواسطهٔ وجوددانه‌های گلوکونی برنگ‌سبز درآمده‌است .

ریولیت: Ryolite
ازسنگهای‌اسیدنیمه‌متبلورباکوارتز فراوان سنگی که‌اثر جریان رادارد و بعضی‌بلورهای بزرگ‌رادربرگرفته‌است.

سرپانتین :
از پریدوتیت ها بوده دارای کانی سرپانتین فراوان است .

سنگ آتشزنه :
سیلیسی‌باسختی‌ها وشکستکی صدفی که‌براثربرخوردباهم‌جرقه‌ایجاد می‌کند.

سنگ آسیا:
نوعی‌آهك سیلیسی که‌کربنات آن حل‌شده است .

سنگ پا Ponce
ازسنگهای شیشه‌ای‌اسید ومتخلخل.

سنگ‌تیز :
نوعی شیست ، سخت سیلیسی.

سنگ چاپ Cal · lithographique
ازسنگهای آهکی متراکم.

سنگ درهم:
قطعاتی از سنگهای خرد شده که به‌وسیلهٔ سیمانی‌بهم چسبیده‌اند .

سنگ سین Roche de syéne
نوعی‌گرانیت آمفیبول داراست.

سنگ‌لوح
ازفیلادها، مرکب‌ازذرات‌بسیار ریز ومتراکم بصورت‌ورقهای نازك‌بەرنگهای مختلف .

سنگ محك Lydite
فتانیتی است که‌دراثرداشتن مواد زغالی‌رنگش‌سیاه‌میباشدودرجواهرسازی برای تعیین آلیاژهای‌طلا و نقره بکار می‌رود .

سیپولن: Cipolin
مرمری بابلورهای مختلف(کالسیت تورمالین،گروناوگاهی فلس های‌میکا).

سینیت : Syenite
ازسنگهای‌تمام‌اسیدوبدون‌کوارتز.

شایل ها :
سیلکس‌های‌خرمایی رنگ‌مخصوص طبقات ژوراسیك .

شرتها:
توده‌های سخت آهکی که ناخالص می‌باشند .

شیست : Schiste
سنگ رستی متراکم ولی نرم ، بصورت صفحاتی‌کم وبیش درشت بآسانی تقسیم‌می‌شودودراثرتجزیه، قطعات‌کوچکی ایجاد می‌کند که آنها را بطور مطلق شیست می‌نامیم .

فالون : Falun
ازماسه های آهکی دارای صدف فراوان .

فتانیت :
شیست سیلیسی سیاه خرمایی یا سبزرنگ ، نوعی‌ژاسپ‌است .

فونولیت: Phonolite
ازسنگهای اسیدنیمه متبلور،واسطه سنگهای اسید وسنگهای قلیایی :

فیلاد : phyllade
سنگ متراکم‌وسختی که‌بەزحمت‌با ناخن خط برمی‌دارد ولی باچاقو مخطط می‌شود .

کائولن تجارتی: Kaolin
خاك چینی که‌ناخالصی‌دارد .

کائولنیت:
رست سفید رنـگ یا رست نرمی که‌ناخالصی هایی‌ازاکسیدهای‌آهن‌دارد.

کالکشیست :
ازشیست های آهکدار است .

کرسانتیت : Kersentite
دیوریت میکادارراگویند .

کره‌خشن:
ازگل‌سفیدبیتوم دار ،دارای‌بقایای کاملا مشخص‌جانداران، به‌مقدارفراوان.

کوارتزیت Quartzite
ازماسه سنگهای ، سیمانی نظیر دانه‌هااست وسنگ دارای شکست‌ناصاف وسختی‌زیاد است.

کورندون‌ها Corindon
شبیه سیلکس، نمونه‌ای ازکوارتز مخفی بلورکه بایدآنها را جزء سنگهای سیلیسی محسوب داشت .

کیمبریت Kimberite
سنگ‌زیبای‌پریدوداری‌که‌درنواحی الماس خیز افریقا فراوان است .

گابروها Gabros
ازسنگهای‌تمام متبلور خنثی است، تیره رنگ،دارای مقدارکمی‌عناصرسفید رنگ، اوژیت‌نیزدارد .

گرانولیت Granulite
ازسنگهای تمام متبلوراسیدبوده و دارای‌کوارتز،فلدسپات‌ومیکای‌سفیداست.

گرانیت Granite
ازسنگهای تمام‌متبلوراسید، دارای کوارتز، فلدسپات‌ومیکای‌سیاه‌وازسنگهای خروجی می‌باشد .

گنیس خاکستری Gneiss gris
از انواع‌گنیس ، میکای‌آن از نوع بیوتیت است .

گنیس قرمز Gneiss rouge
از انواع‌گنیس، دارای دونوع‌میکا؛ سیاه وسفید است .

گنیس‌گرانیت Gneiss granite
از انواع‌گنیس‌که بلورهای‌درشت‌وشکل منظمی دارد .

گل اخرا
اولیژیت را به‌بینید .

گل سفید .
سنگ آهکی نرم که با مالش اثر سفیدی باقی می‌گذارد، و با ناخن خط برمی‌دارد .

گل سفید بیتوم‌دار .
از سنگ آهك نرم وسیاه، پر از مواد زغالی .

گل سفید گلوکونی‌دار .
از آهك نرم ، دارای نقطه‌های سبز رنگ .

گل گیوه .
از آهك‌های خشن، دارای رنگ زرد یامایل به سبز است.

Latérite **لاتریت**
نوعی خاك رست ، مشخص نواحی گرم .

Lamprophyres **لامپروفیرها**
از سنگهای قلیایی دارای فلدسپاتوئید ، برنگهای تیره وسیاه دیده می‌شود .

Lithomarge **لیتومارژ**
نوعی کائولن ناخالص که بواسطهٔ ئیدرات آهن، قرمز رنگ است .

Limon **لیمون**
از سنگهای اصلی برنگ زرد، بوسیلهٔ آبهای جاری در دشتها و دره‌ها ایجاد می‌شود ودرمجاورت ماسه‌ها ورستها وجود دارد، دارای مقداری کربنات آهك است .

Marne **مارن**
سنگی که ازمخلوط شدن رست و آهك بوجود آمده باشد .

مارن حقیقی.
به رستهای آهکی گویند .

Sable Calculaire **ماسه سنگ آهکی**
ماسه سنگ که نسبتهای مختلفی از آهك در بردارد .

ماسه سنگ آهن‌دار.
ماسه سنگی که ذرات ریز اکسید آهن دارد .

ماسه سنگ سرسیت دار.
ماسه سنگی که سرسیت بصورت پولك‌های ریز با جلای ابریشمی ، سفید نقره‌ای ، زرد یاسبز رنگ درآن دیده می‌شود .

ماسه سنگ کلوریت‌دار .
ماسه‌سنگی که کانی کلوریت سبز رنگ، درآن دیده می‌شود .

ماسه سنگ معمولی .
دانه‌های ماسه دراین سنگ بوسیلهٔ خمیر سیلیسی بهم چسبیده‌اند و می‌توان آنرا از ذرات اصلی تمیزداد .

ماسه سنگ میکادار .
ذرات ماسه، با پولك‌های ریز میکا همراهند .

مرمر آبی آنتیك .
ازمرمرهای ساکاروئید، آبی خاکستری دارای مناطق سفید رنگ، غالباً لکه‌های بیتومینی تیره‌رنگ دارد .

مرمر بروکار
برشی به‌رنگ قرمزشرابی ، دارای قطعات زرد یا بنفش وذرات صدف .

مرمر پوتی‌دویل .
مرمرسیاهرنگ .

مرمرزرد آنتیك .
ازآهکهای متراکم که کمی ئیدرات آهن‌دارد .

مرمرساکاروئید.
مرمری با دانه‌های ریز ویکنواخت.

مرمرسبز آنتیك.
مرمری که بلور سرپانتین دارد .

مرمرسبز فلورانس .
مرمری با بلورسرپانتین .

مرمرسرولاس
آهکی مخلوط ازدورنگ : سفید و قرمز .

مرمرسنت‌آن .
ازآهکهای متراکم و ریزدانه .

مرمرعقیق
مرمری به رنگ زرد ، سبز وآبی‌در تشکیلات استالاکتیت دیده می‌شود .

مرمرفلورانس.
آهکی کاملا رستی .

مرمرکارار
مرمرسفید وخالص در ضخامت ۳۵ میلیمتر نیز شفاف است.

مرمرکامپانس
فیلادهای سبز یاخرمایی بارگه‌های آهك سفید .

مرمرکالسیفر .
مرمری با انواع بلورهای زرد ، خرمایی ، قرمزو بنفش رنگ

مرمرگراند دویل .
مرمر سیاهرنگ .

مرمرگریوت .
فیلادهایی که باآهك مجتمع می‌شوند.

مرمرلوماشل .
ازآهك لوماشل بوجود می‌آید.

Melaphyre **ملافیر**
از سنگهای قلیایی متبلور گروه بازالت .

Microsyenites **میکروسینیت‌ها**
ازسنگهای تمام متبلورمیکروگرونو فاقدکوارتز

Microgranulites **میکروگرانولیت‌ها**
ازسنگهای تمام‌متبلور میکروگرونو دارای کوارتز، فلدسپات ومیکای سفید .

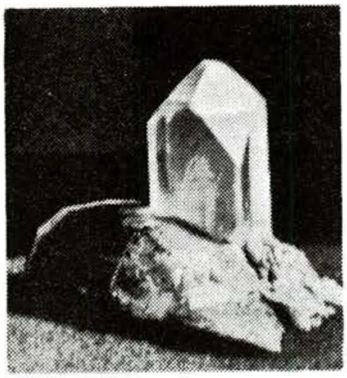
Microgranites **میکروگرانیت‌ها**
ازسنگهای تمام‌متبلور میکروگرونو دارای کوارتز، میکای سیاه وفلدسپات

Nephrite **نفریت**
ازهورنبلاندیت‌های بسیار سخت .

Norites **نوریت‌ها**
از سنگهای قلیایی دارای عناصر روشن فلدسپات می‌باشند .

Vitrophyres **ویتروفیر**
ازگروه سنگهای قلیایی شیشه‌ای ؛ اوبسیدینی که درآن بلورهای کوارتز یا فلدسپات دیده شود .

Hornblendite **هورنبلاندیت**
ازسنگهای تمام متبلور قلیایی‌بوده، منحصراً ازهورنبلاند تشکیل شده‌است.



کانیها

Adulaire **آدولر**
ازگروه‌اورتوپوتاسیك به‌رنگ‌سفید یازرد.

Asbeste **آسبست**
ازگروهٔ آمفیبول که برای ساختن مقواهای نسوز مصرف‌می‌شود وامیانت نیز نامیده می‌شود.

اکتی‌نوت Actinote
از گروه آمفیبول به رنگ سبز تیره یا سیاه، آهن زیاد دارد.

امیانت Amiante
آسبست را به‌بینید.

آلبیت Albite
ازفلدسپاتهای کالکوسودیك به‌رنگ سفید مایل به آبی‌است.

الماس Diamant
کربن خالص است درسیستم‌مکعب متبلور میشود. الماس‌ازهمهٔ اجسام‌سخت تر وسختی‌آن ۱۰ است. وزن مخصوصش ۲/۵ می‌باشد.
تراش دادهٔ المـاس به‌عنوان زینت مصرف دارد.

آمازونیت Amazonite
ازگروه‌بلورهای‌اورتوپوتاسیك‌است رنگ‌سبزآن فراوان‌است.

آندزین Andesine
ازفلدسپاتهای‌کالکوسودیك به‌رنگ سفیدگلی‌است،وسودیوم‌آن‌بیشتر ازکالسیوم است.

آنورتیت Anorthite
ازفلدسپاتهای کالکوسودیك‌است.

اوپال Opale
ازسیلیس‌ها به‌سختی۷ووزن مخصوص ۲/۶۵،قهوه‌ای‌روشن، دراثرحرارت،آب تبلور خودراازدست می‌دهد.

اورتوز Orthose
بلوری‌مرکب‌ازفلدسپاتهای‌پوتاسیوم به سختی ۶ و وزن مخصوص ۲/۵۶ به‌رنگ‌گلی‌وزردوسفید ودرسنگهای‌خارا دیده میشود.

اورنبلاند Orneblande
ازگروه آمفیبول‌به‌رنگ سبزتیره‌یا سیاه‌وآلومینیوم فراوان دارد.

اوژیت Augite
ازپیروکسن‌ها به‌رنگ‌سیاه.

اولیژیست Oligiste
یکی ازکانیهای‌آهن است وهماتیت نیزخوانده‌می‌شودوازعناصرفرعی‌سنگهای آذریـن‌است. وزن مخصوص‌آن ۵/۲ و سختی‌آن۵/۵ تا ۶/۵ است.

اولیوین Olivine
ازپریدوها ، درسیستم اورتورمبیك متبلور میگردد . سختی‌آن ۶/۵ وزن مخصوصش ۳/۲ تا ۳/۴ است رنگ‌آن مایل به‌سبز وجلای آن شیشه‌ای است. اسیدکلریدریك‌اولیوین را بزودی‌تجزیه میکند.

بیوتیت Biotite
یامیکای‌سیاه به‌سختی ۲ تا۳می‌باشد.

پیروپ Pirope
از عناصر فرعی آذریـن در دستهٔ گروناها‌جای‌دارد ورنگ‌قرمزآن‌فراوان است.

تالك Talc
ازمیکاها به رنگ سفید مایل به‌آبی در پزشکی مصرف می‌شود.

ترمولیت Trémolite
ازگروه آمفیبول به‌رنگ‌خاکستری وبه شکل منشورهای سوزنی‌شکل.

تریپولی Tripoli
از سیلیس‌ها ،که از پوستهٔ سیلیسی جلبك دیاتومه تشکیل شده وکاغذسمباده ازآن‌می‌سازند.

تورمالین Tourmaline
ازعناصرفرعی‌آذرین وبشکل‌منشور متبلور می‌شود.

دیالاژ Dialage
ازپیروکسن‌ها به رنگ سبززیتونی، آهن ومنیزیوم فراوان دارد.

ژاسپ jaspe
ازسیلیس‌ها،مقداری رس درترکیب خود دارد، به‌رنگ قرمز ـ آجری وسبز ودرجواهرسازی بکارمی‌رود.

سرپانتین Serpentine
ازاقسام‌نزدیك‌میکاو آهن داربه‌رنگ زرد تیره.

سری‌سیت Sericite
از اقسام نزدیك میکا به رنگ‌سبز.

سیلکس Silex
ازسیلیس‌ها ، مخلوطی از انیدرید سیلیسیوم واوپال به رنگ قهوه‌ای تیره در زمینهای آهکی کرتاسه دوران دوم فراوان است.

عقیق.
ازبلورهای گروه‌کوارتز باسختی۷ به‌رنگهای مختلف ، درجواهرسازی بکار می‌رود.

عقیق‌مودار Quartze atourmaline
کوارتزی است که درآن تورمالین نیز دیده می‌شود.

فایالیت Fayalite
سیلیکات آهن‌دار، به‌وسیلهٔ‌مغناطیس جذب می‌شود ومنظرهٔ شیشه‌ای‌دارد.

فلوگوپیت Phlogopite
میکای‌سیاه‌منیزیوم‌دار به‌رنگ‌قهوه‌ای.

کالسه‌دوآن Calcedoine
نوعی انیدرید سیلیسیوم است.

کرومیت Chromite
اکسید کروم‌دار، بصورت توده‌های متراکم ، دانه‌دان دیده می‌شود، درسطح شکست براق است ، وزن مخصوص آن ۴/۴ وسختی‌آن ۵/۵ است.

کلوریت Chlorite
از اقسام نزدیك میکا به رنگ سبز مایل به‌زرد.

گروناها Grenat
ازسیلیکاتها، درسیستم‌کوبیك‌متبلور شده،سختی‌آن۶/۵تا ۷ووزن مخصوصش ۳/۳ تا ۴/۳ است.

لابرادور Labradore
ازفلدسپاتهای‌کالکوسودیك درمقابل نور می‌درخشد.

لپی‌دولیت Lepidolite
از گروه میکا به رنگ‌گلی مایل به بنفش.

لوسیت Leucite
ازگروه شبیه‌فلدسپاتها‌است. دراثر باران تجزیه شده ، خاك چینی‌می‌دهد.

مانیتیت Magnétite
فرمول‌آن Fe_3O_4 وآهن‌آن‌تا ۷۲ درصدمیرسد . درسیستم‌کوبیك‌متبلورشده سختی‌آن ۵ تا ۶ وزن مخصوص‌آن ۵/۲ است.خاصیت مغناطیسی‌دارد ورنگش‌سیاه است.

موسکوویت Muscovite
ازگروه‌میکا به‌رنگ سفید، به‌عنوان شیشهٔ‌کوره‌ها مصرف‌می‌شود.

یاقوت قرمز Rubis
یاروبی‌ازاکسیدهاوجزءعناصرفرعی آذرین به‌سختی۹ وزن‌مخصوص۴ بفرمول Al_2O_3

یاقوت‌کبود Saphir
یاسافیر از اکسیدها و عناصر فرعی آذرین‌به‌سختی۹ووزن‌مخصوص۴و بفرمول Al_2O_3

زغـال سنگ

تعریف :
سنگی سوختنی که منشأ گیاهی‌دارد

اقسام متعدد آن برحسب مقدار کربون و رطوبت ومواد فرار تشخیص داده‌می‌شود.

انواع زغال سنگ:

الف ــ **تورب** ؛ کربن کمتری‌دارد و زغال سنگ نارس نامیده می‌شود ، از گیاهانی مانند خزه‌بوجود آمده، برنگ قهوه‌ای یا سیاه است .

ب ــ **لینییت** ؛ یا زغال قهوه‌ای از گیاهان مخروطی‌وسرخس‌ها ناشی‌می‌شود. اثر آن روی چینی بی لعاب قهوه‌ای رنگ است .

ج ــ **زغال‌سنگ معمولی** ؛ یازغال قیری ، به‌رنگ سیاه ، دارای آب‌کم و مواد فرار متوسط ، با شعلهٔ متوسط و بیدود می‌سوزد .

د ــ **آنتراسیت** ؛ زغال سنگ لاغر با۹۵ درصدکربن وحرارت زیادکه شعلهٔ کوتاه دارد . رنگ‌آن سیاه شبیه مرکب چین است .

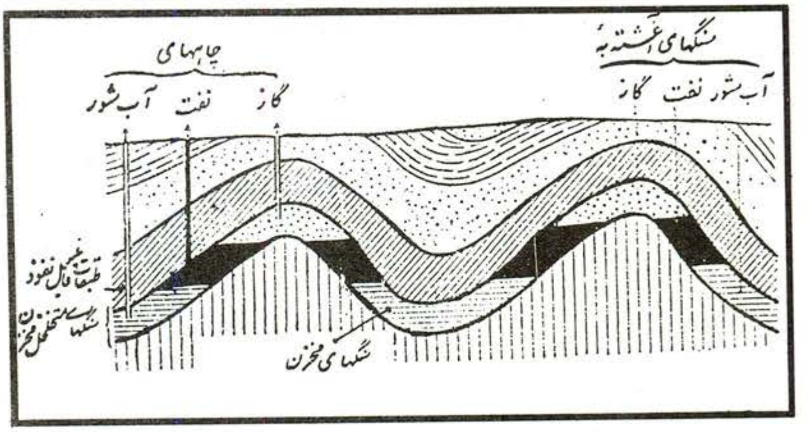
هـ ــ **گرافیت** ، زغالی متبلور به وزن مخصوص ۲/۰۹ تا ۲/۲۳ روی کاغذ اثر سیاهی می‌گذارد و برای تهیه مداد بکارمی‌رود.

و ــ **زغال قرع** ؛ از تقطیر زغال سنگ بانهشت سختی ، مرکب از کربن نسبتاً خالص و بیشکل است . در ساختن الکترودهای زغالی بکارمی‌رود.

ز ــ **الماس** ؛ کربن خالص و متبلور باسختی ۱۰ (سخت‌ترین ماده) و تراش دادهٔ آن بسیار قیمتی است .

مقدار درصد مواد مختلف درسنگهای کربندار

نوع سنگ کربندار	تورب	لینییت	کانل کوآل	زغال سنگ	آنتراسیت	کهربا	نفت
مقدار درصدکربن	۵۰تا۶۰	۷۰تا۷۵	۸۰تا۸۵	۸۲تا۹۳	۹۳تا۹۶		۸۵
مقداردرصدئیدروژن	۶	۵	۷	۵	۳		۱۲
مقداردرصدخاکستر	۸	۱۰		۵	۵		۰/۱۰۱
مقداردرصدموادفرار		۶۰	۴۰تا۶۰	۱۰تا۶۰	۸تا۱۰		
قدرت‌برحسب‌کالوری کیلوگرم	۴۲۰۰	۴۵۰۰	۴۵۰۰	۷۰۰۰	۸۰۰۰		۱۰۰۰۰



نفت و استخراج

نفت

مایعی قابل اشتعال به رنگ‌سیاه یا قهوه‌ای یازرد یاسبزوحتی قرمز ، درون مخازن بزرگ زیرزمینی ، دربین‌ذرات ماسه یا طبقات آهکی .

گاهی مخازن نفت درنزدیکی سطح زمین قرار دارند . نفوذ تدریجی مواد نفتی به‌سطح زمین آنجا را به‌نفت‌آغشته می‌سازد . چنین زمینهایی نشان می‌دهند که نفت در عمق آنها موجود است . مخازن سطحی نفت و تراوش مواد نفتی به‌سطح‌زمین نخستین‌بارانسان‌را ، متوجهٔ چنین مادهٔ سوختنی درزمین کرده‌است. ولی‌غالب‌مخازن نفت دراعماق زیادقرار دارند . در هر مخزنی ، مقدار زیادی گاز پرفشار روی نفت و مقداری آب شور درزیر آن هست .

برای استخراج نفت چاههایی حفر می‌کنند که درون آنها ، به منظور جلوگیری از ریزش دیوارهٔ چاه و نیز برای‌جلوگیری‌ازنفوذ آبهای زیرزمینی لولهٔ فلزی داخل می‌کنند . این لوله‌ها بخوبی بهم متصل میگردند ، بطوری که از دهانهٔ آنها تا انتهای‌چاه تقریباً یك‌پارچه می‌شوند وعمق بعضی از چاهها به ۳۰۰۰ متر هم می‌رسد ، وقتی چاه به نفت می‌رسد ، فشار گاز آن را به‌سطح می‌راند . پس‌از فوران نفت ابتدا چاه‌را مهار می‌کنند تا نفت بهدر نرود . سپس شیر مخصوصی روی‌چاه سوار می‌کنندکه بتوانند خروج نفت را کنترل کنند . نفتی‌که ازچاههای عمیق بیرون می‌آید گرم است ، زیرا چنانکه می‌دانیم ، دمای اعماق زمین زیاد است ، نفت را از شیر روی‌چاه به وسیلهٔ لوله به تصفیه خانه هدایت می‌کنند تا مواد گوناگون آنرا ازهم جداکنند .

موادی که از نفت می‌گیرند :

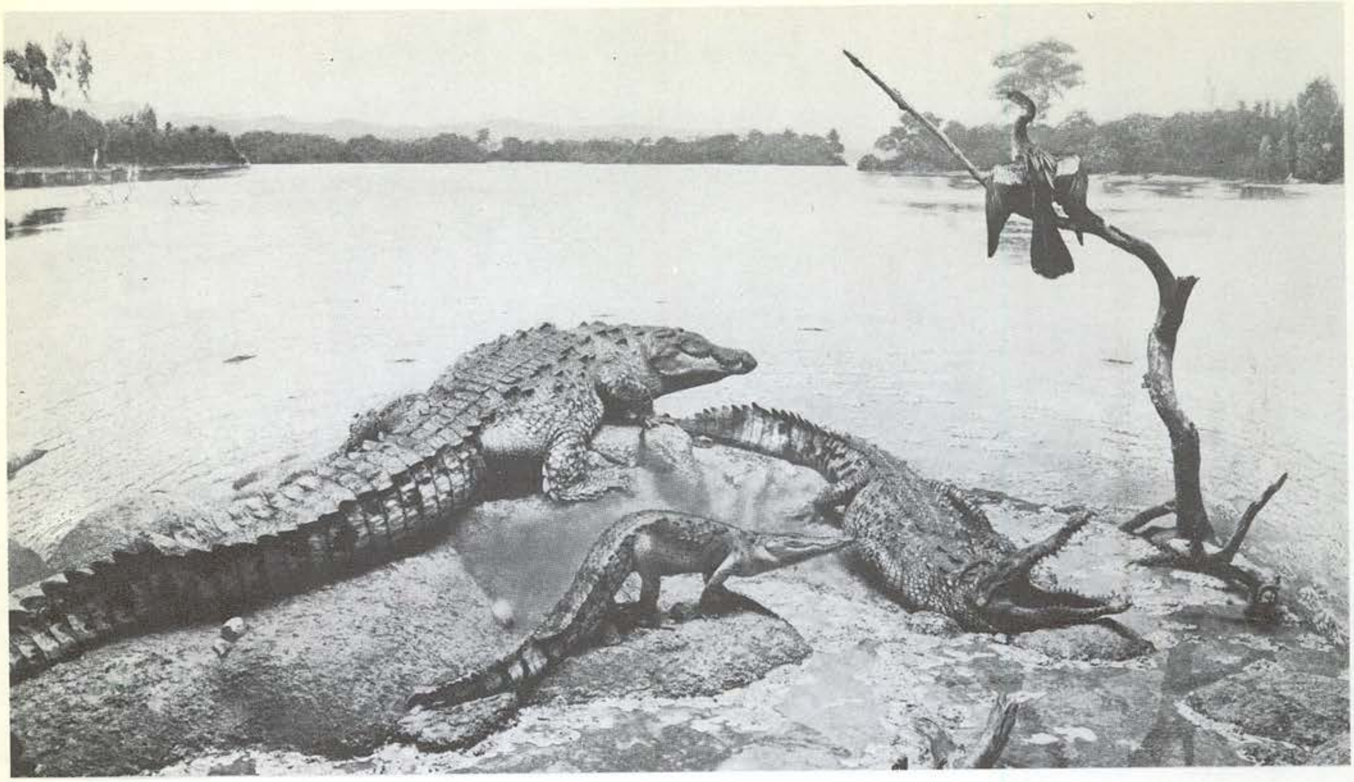
۱ ــ **اتر :** ماده‌ای به‌وزن مخصوص ۰/۶. وبسیار قابل اشتعال در دمای بین ۴۵ تا ۷۰ حاصل می‌شود .

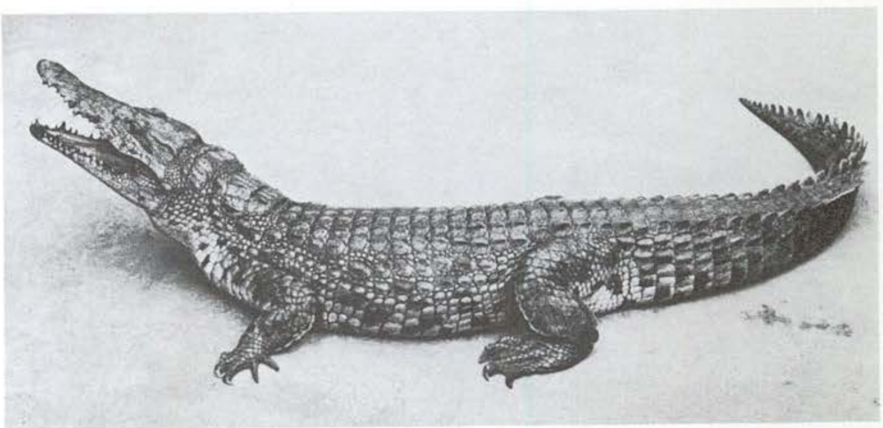
۲ ــ **اسانس‌نفت :** سوخت‌اتومبیلها و هواپیماها ، ماده‌ای به وزن مخصوص ۰/۷. که در دمای‌بین ۷۰ تا ۱۵۰ به دست می‌آید .

۳ ــ **نفت معمولی :** یانفت چراغ ماده‌ای به وزن مخصوص ۰/۸. که در بخاریها و چراغهای نفت سوزانده‌میشود ودر دمایی بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ بدست می‌آید .

۴ــ **مازوت :** ماده‌ی سیاه رنگ و باقیمانده بالاتر از دمای ۳۰۰ می‌باشد وبه مصرف سوخت می‌رسد وگرمای زیاد دارد .

تمساحان

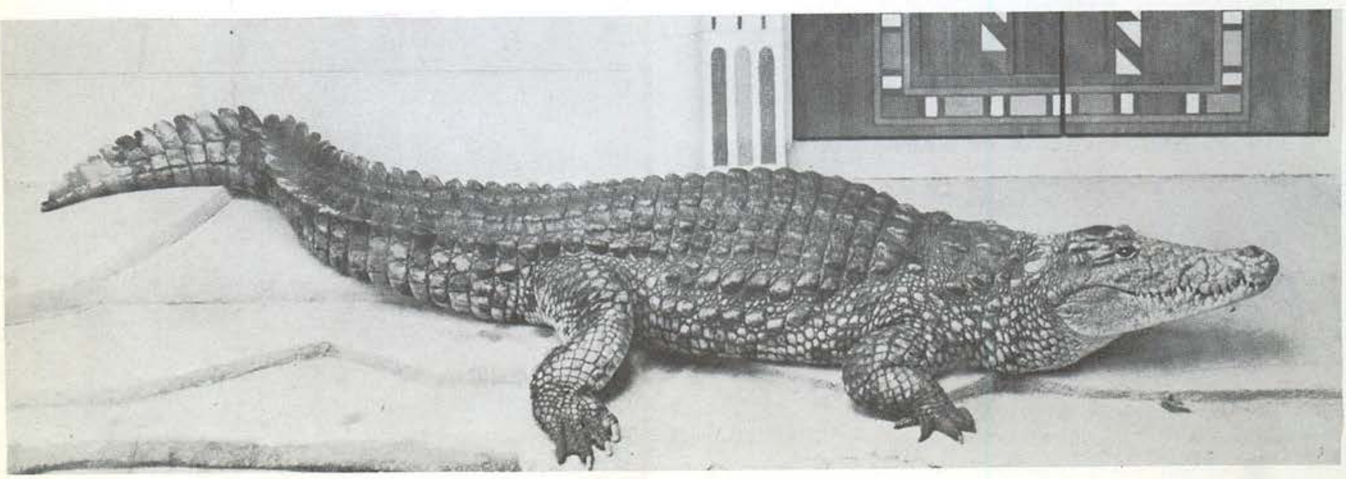




بالا- گروهی از تمساحان آمریکا: فلوریدای جنوبی، جزایر آنتیل، مکزیکوی جنوبی، کلمبیا و اکوادور .

راست- یکی از بزرگترین تمساحان استرالیای شمالی وسواحل هندوستان و فیلیپین .

پایین - تمساح نیل ، این تمساح در افریقا وسواحل مدیترانه یافت می‌شود .



۵ ــ روغن سنگین : ماده‌ای که با گرمای بیشتراز ۳۰۰۰ که از مازوت می‌گیرند .

۶ ــ پارافین : ازروغنهای‌سنگین.

۷ ــ وازلین : ازروغنهای‌سنگین.

۸ ــ قطران نفت : باقیمانده‌تقطیر نفت است ومانند اسفالت طبیعی است .



نفت ایران

درسال۱۳۰۲ یك شرکت انگلیسی بنام HOTS امتیاز استخــراج نفت در حــوزه دالکی را بــدست آورد . شرکت مختلط خارجی دیگری بنام The Persian mininy Corporation پنج سال بعد این امتیاز رااز آن‌شرکت خریدومشغول‌عملیات شدودوحلقه‌چاه‌حفر کرد که هیچکدام‌به‌نفت نــرسید . وکار شرکت‌پس ازچندی‌تعطیل‌شد . چندی‌بعد یکنفرازارمنیان ایران بنام‌کتابچی‌خان که از وجود نفت در جنوب ایران آگــاه شده بود خــود را بپاریس نزد Sir Nenry de Mondelf وزیــر مختار سابق انگلیس درایران رسانیدو بیاری‌او بایکی ازسرمایه‌داران‌انگلیسی بنــام William Knox Darcy آشنا شد و ماجرا را با او در میان نهاد . دارسی دو نفر متخصص بایران فرستادو چون گزارش آندو را رضایت‌بخش دید درسال ۱۹۰۱ امتیازاستخراج‌نفت‌ایران را از دولت تحصیل کرد (۱۳۱۹ ق.) درمقابل این امتیاز که برای مدت‌شصت سال اخذ شده بود بیست‌هزار لیره نقدو معادل بیست‌هزار لیره از سهام شرکت به‌دولت ایران واگذارشد . این شرکت چند ماه بعد مشغول عملیات شد ودرسال ۱۹۰۳ بــاولین منابع نفت دست یافت ، ولی توفیق‌وی درسال ۱۹۰۸ بودکه‌نفت درمسجد سلیمان‌کشف شد ، این شرکت کــه با سرمایه دارسی تشکیل و بدست سرمایه‌دار معروف‌دیگری بنام : Lord Strathcona صاحب امتیاز و مؤسس راه‌آهن سرتاسری کانادا باکمك شرکت‌انگلیسی دیگری بنام‌Company Bormah ـ Oil تقویت شده‌بود باتطمیع خانهای جنوب ایــران روزبروز قدرت اقتصادی وسیاسی خود را گسترش داد . در سال ۱۹۱۴ م . دولت انگلستان دو ملیون از سهام عادی و یکهزار سهم ممتاز شرکت را کــه بنام شرکت نفت انگلیس‌وایران معروف شده‌بود، خرید. اینعمل سبب اعتراض ایرانیان و حتی آزادیخواهــان انگلیسی شد و دولت انگلستان اعــلام داشت در کار شرکت دخالتی نخواهد کــرد Mac Donald Ramsay رهبر حزب کارگر انگلیس در پارلمان گفت : شرکت با دادن پول به بختیاریها وعربهای خوزستان قدرت حکومت مرکزی را متزلزل میسازد و حکومتهای خــان‌خانی وایلی را ترویج می‌نماید . در سال ۱۳۱۱ ش . دولت ایران قرارداد دارسی رالغو وسال بعد قرارداد دیگری باشرکت منعقد نمودکه سهام ایران راقــدری بیشترکرد و مدت قرارداد را نیز افزود . درسال ۱۳۲۹ اعتراض عمومی برعلیه‌این قراردادباوج شدت رسید . ومجلس لغو آن وملی‌شدن نفت رادر سراسر کشور اعلام‌نمود وسه ماه بعد در خــرداد ۱۳۳۰ از شرکت نفت ایران و انگلیس خلع‌یدکرد . در سال ۱۳۳۳ کنسرسیوم بین‌المللی نفت باامضاءقراردادی‌استخراج‌وبهره‌برداری نفت جنوب رابرمبنای ۴۹ ـ ۵۱ بعهده گرفت .

از کــوششهای دیگری کــه برای بهره‌بــرداری از نفت ایران شده نفت شمال است .

محمدولیخان سپهدار تنــکابنی در سال ۱۳۱۳ ق . امتیازاستخراج نفت‌را در تنکابن و کجور وکــلارستان بدست آورد وبیست سال‌بعد درسال ۱۳۳۴ ق. آنرا بیك نفر ازاتباع روسیه بنام: Akakij Medediyevteh Khoshtarya واگذار کرد .

این شخص طبق امتیاز دیگری در همین سال امتیاز استخراج مــواد نفتی تمام مناطق گیلان ومازندران وگرگان را بدست آورد، ولی بعلت تعطیل‌بودن مجلس شورایملی ازطرفی‌واز طرف‌دیگر سه‌سال بعد دولت شوروی تغییر رژیم و الغاء امتیازات سابقه را اعلام نمود (و در ۱۹۲۱ این مسئله رسماً در قرارداد فیمابین قیدشده) خوشتاریا موفق بانجام کاری نشد وامتیاز خودرا به‌شرکت نفت ایران‌وانگلیس واگذاشت . شرکت‌فوق درصددبهره‌برداری‌برآمد،ولی‌بااعتراض شدید دولت ایران ودولت آمریکامواجه شد . از آن پس آمریکاییها ، روسها و انگلیسها چندبار درصدد بهره‌برداری ازنفت‌ایران برآمدند اماتوفیق‌نیافتند.

چندی بعد خــوشتاریا امتیاز نفت کویرخوریان راکه‌دردست وراث حاجی علی‌اکبرامین‌معادن بود دستاویزتشکیل شرکتی قرارداد واقداماتی بعمل آورد ولی از آنهم نتیجه‌یی حاصل‌نشد ودکل شکسته وچاه ناتمام آن هنوز بحال خود مانده .

تا چند سال پس از ملی شدن نفت دولت ایران بتدریج قــراردادهایی با کنسرسیوم بین‌المللی نفت و شــرکت ایتالیایی سریپ وأخیراً بادولت شوروی برای لوله‌کشی وفروش گاز و با دولت رومانی‌برای فروش مازاد موادنفتی‌ونیز باکشورهای دیگر قراردادهایی برای استخراج وفروش مواد نفتی‌منعقدنمود . تشکیل شرکت صنایع پتروشیمی در دو سال‌اخیرامکان‌امیدواری‌برای‌پیشرفتهای وسیعی‌رادراین‌زمینه بوجودآورده‌است .

مراکز مهم استخراج نفت ایران عبارتند از :

۱ ــ مسجد سلیمان، میدان نفتون لالی درمشرق شوشتر.

۲ ــ حوزهٔ نفت سفید در مشرق مسجد سلیمان .

۳ ــ حوزهٔ هفتگل در جنوب‌شرقی مسجد سلیمان .

۴ ــ حوزهٔ آغــاجاری در مشرق خوزستان .

۵ ــ حوزهٔ پازنان در جنوب شهر بهبهان .

۶ ــ حــوزهٔ گچساران در جنوب شرقی‌بهبهان .

۷ ــ نفت شاه در کرمانشاه

۸ ــ نفت قم درقم .

۹ ــ نفت‌خوریان درکویرخوریان وسمنان .

محصول نفت ایــران سالانه ۳۲ ملیون تن است .

تولید نفت‌در جهان (حدمتوسط)

کشور تولیدکننده	مقدار بملیون تن متریك
آمریکا	
اتازونی	۲۷۷
ونزوئلا	۷۰
آسیا	
ایران (باجزایربحرین)	۴۱
عربستان سعودی	۲۰
اروپا	
اتحاد جماهیر شوروی	۳۲
رومانیا	۵

جدول ظرفیت‌وقدرت تصفیهٔ نفت‌درجهان

نام کشور تصفیه‌کننده	تعداد تصفیه خانه	ظرفیت به ملیون تن
آمریکا		
اتازونی	۳۹۲	۳۲۰
کانادا	۳۳	۱۴
اروپا		
شوروی	۲۵	۳۲
فرانسه	۱۵	۱۲
آسیا		
ایران	۲	۲۵
اندونزی	۸	۹

خواص سنگها

خواص سنگهای آذرین

۱ ــ از انجماد مواد مذاب درونی زمین‌که بسطح می‌آیند، تشکیل‌میشوند.

۲ ــ دارای عناصر متبلور و بلورهای متفاوتند.

۳ ــ بصورت توده و رگه بوده و لایه‌لایه درآنها تشخیص داده نمی‌شود.

۴ــ فاقدفسیلند.

خواص سنگهای رسوبی

۱ ــ عموماً لایه لایه هستند.

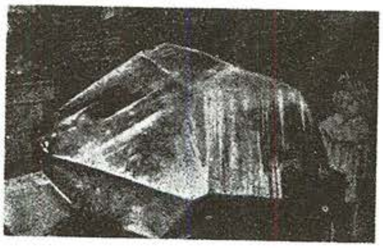
۲ ــ غالباً دارای آثار موجودات زنده (فسیل) می‌باشند.

۳ ــ اغلب بدون بلور بوده واگر متبلورباشند، همه از یك جنس و بیك اندازه‌اند.

خواص سنگهای دگرگونی

۱ ــ عموماً بلور دارند.

۲ ــ لایه لایه بنظر میرسند.



بلور شناسی

بلور

اغلب مواد پس از ذوب شدن هنگامیکه بآهستگی‌سرد ومنجمد شوند، شکل مشخص ومعینی بخود میگیرند که آنرا بلور نامند.

بلورهای اصلی

۱ـکوارتز Quartz

از انواع سیلیس، در سیستم رومبوئدریك متبلور می‌شود. وزن مخصوص‌آن ۲/۶۵ وسختی‌آن ۷ است. بی‌رنگ، خاکستری، دودی، آبی، سبز وبنفش وسیاه دیده شده است. در ۱۷۵۰ درجه ذوب می‌شود. اسید فلوریدریك بر آن اثرمی‌کند. درتاریکی براثر مالش از آن جرقه‌تولید می‌شود.

فلدسپات Feldspath

از سیلیکاتها است.

بدو دسته: فلدسپاتیدها و فلدسپاتوئیدها تقسیم شده است، که فلدسپاتیدها نیز بدو دستهٔ پطاس دار و سدیم‌دار وکالسیم‌دار تقسیم می‌شوند.

درسیستم‌های منوکلینیك وتری‌کلینیك وکوبیك وهگزاگونال متبلورمی‌شوند.

میکا Mica

سیلیکاتهای ئیدراته آلومینیم و پطاسیم و اغلب محتوی منیزیم و آهن است. در سیستم منوکلینیك متبلور شده و بەدو دسته میکای سیاه و سفید تقسیم می‌شود.

آمفیبل Amphibole

از بلورهایی است که نسبت $\frac{MgO+Feo}{CaO}$ در آن از ۲ تا ۳ تغییر می‌کند.درسیستم‌منوکلینیك‌متبلورمی‌شود.

پیروکسن Pyroxéne

سیلیکات‌کالسیوم منیزیم وآهن‌است که آلومینیم نیز ممکن است داشته باشد. اغلب درسیستم منوکلنیك متبلور می‌شود.

پریدو Peridot

سیلیکات آهن و منیزیم‌که برحسب نسبتهای Fe و Mg اقسام مختلفی دارد. این کانی در سیستم اورتورومبیك متبلور می‌گردد. سختی‌آن ۶/۵ وزن مخصوصش ۳/۲ تا۳/۴ است، اسیدکلریدریك بسهولت آنراتجزیه میکند.

زیست شناسی

اگرچه‌نام بیولوژی (زیست‌شناسی) نام جدیدی است، ولی دانش زیستی سابقه‌ای طولانی دارد، در واقع علمی است‌که هم قدیمی وهم جدید است.

بسیاری ازعلوم قدیمی مخصوص یونان بوده یا در آنجا تدوین شده‌اند؛ برای اولین بار هیپوکرات (Hippocrate) دردائرةالمعارف‌پزشکی خود نوشت:

پزشکان‌از پیشقدمان علم زیست‌شناسی‌هستند. ارسطو (Aristote) زیست شناسی را به‌تشریح و جنین‌شناسی وگیاه شناسی تقسیم‌کرد وبالاخره مبتکر روش تجربی درفیزیولوژی‌یعنی جالینوس‌حکیم (Galien) راه درستی برای این علم‌باز نمود.

درقرن ۱۷ میکروسکوپ‌ساخته‌شد، مالپیگی (Malpighi) واضع علم تشریح و لووان هوك Leewenhoek پدر علم سلول‌شناسی وباکتری شناسی با کارهای تجربی‌خودبه زیست‌شناسی جنبهٔ‌کاملاعلمی دادند.

تفسیمات زیست‌شناسی

علمی‌که از حیات بیش از ۳۵۰/۰ هزارجنس گیاه وبیش ازیك‌ملیون‌جنس جانور سخن می‌گوید، بەدو شاخه تقسیم می‌شود:

۱ ـ گیاه شناسی

۲ ـ جانور شناسی

و هرکدام از این دو شاخه به چند شاخه تقسیم می‌شوند:

۱ ـ شکل‌شناسی Morphologie

۲ ـ تشریح Anatomie

۳ ـ سلول‌شناسی Cytologie

۴ ـ بافت‌شناسی Histologie

۵ ـ جنین‌شناسی Embryologie

۶ـعلم‌وظایف‌الاعضاء Physiologie

۷ ـ علم‌شناسایی غدد داخلی Endocrinologie.

۸ ـ فسیل‌شناسی .Paleontologie.

۹ ـ طبقه بندی .Systematique.

۱۰ ـ فن پرورش حیوانات .Zootechnie.

۱۱ ـ کشاورزی .Agriculture.

دیاستازها

دیاستازها Diastases

یا آنزیمها در پرتو پلاسم و اجزاء درونی پروتوپلاسم جای گرفته وچون کاتالیزور یاانگیزهٔ وسیلهٔ تجزیهٔ مواد غذایی‌میشوند.

دیاستازها را برحسب نوع عملشان تقسیم‌میکنند.

ازیدازها Osidase

موجب‌تجزیه‌ازیدهای‌مرکب ی‌شوند، مانند ساکاراز که موجب تبدیل ساکارز به‌گلوکز و فروکتوز میشود.

آمیلاز Amylase

ازدیاستازهای‌شیره‌روده‌ولوزالمعده که مواد نشاسته‌ای گوارش نیافته یا تا اندازه‌ای گوارش یافته‌را به‌قند ساده تغییر میدهد.

پتیالین Ptyalin

دیاستازی که دربزاق وجود داردو درمحیط قلیایی عادی دهان عمل میکند ومواد نشاسته‌ای رابه‌مالتوزمبدل‌میسازد. اثر آن روی نشاستهٔ پخته سریعتراست.

ساکاراز Sucrase

از آنزیمهای شیره روده که قند نیشکر را به گلوکز و فروکتوز تجزیه میکند.

لاکتاز Lactase

از آنزیمهای شیره روده‌که لاکتوز رابه گلوکز و گالاکتوز تغییرمی‌دهد.

پروتئازها Protéase

موجب تجزیهٔ پروتئیدها میشوند و درشیره‌های‌گوارشی حیوانات‌فراوانند.

پپسین Pepsin

ازآنزیمهای‌معده‌است وتااندازه‌ای پروتئین ها را به پروتئوزها و پپتن‌ها تجزیه میکند.

تریپسین‌ها Trypsin

از آنزیمهای شیرهٔ لوزالمعده که بوسیلهٔ آنتروکینازفعال‌میشودوپروتئینهای دست‌نخورده یا تا اندازه‌ای تجزیه شده را باسیدهای آمینه مبدل میسازد.

اریپسین Erepsin

از آنزیمهای شیره‌ها روده‌که به ادامه یافتن گوارش معدی پروتئین‌ها کمک‌میکند، یعنی‌پروتئوزهاوپپتون‌هارا به اسیدهای آمینه مبدل می‌سازد.

پرزور Présure

از آنزیمهای معده‌که کازیین شیررا منعقد میسازد وآنرا بشکل دلمه یالخته درمی‌آورد. این‌ماده‌را از معدهٔ گوساله سالم‌بدست میآورند وبعنوان پنیرمایه در پنیرسازی بکار میبرند.

استرازها.

موجب هیدرولیز استرها میشوند، مثل لیپازها‌که اسیدچرب رااز‌گلیسرول جداکرده موجب صابونی‌شدن‌گلیسریدها میشوند.

لیپاز Lipase

ازدیاستازهای شیرهٔلوزالمعده‌وروده‌که مواد چربی را باسید چرب و گلیسرول تجزیه میکند.

کودیاستاز.

اجسامی‌که‌خودشان‌به‌تنهایی تأثیری ندارند ولی‌اگربا دیاستازی همراه‌شوند اثرآن‌را چندین برابر میکنند. مانند: اسپارازین‌که اثرمالتاز راتشدید‌میکند.

دزیدرازها

از دیاستازهای اکسیدکننده هستند که موجب سرعت انتقال هیدروژن از جسمی بجسم دیگر میشوند.

پراکسیدازها.

از دیاستازهای اکسیدکننده‌که در مجاورت بعضی مواد اکسید شدنی آب اکسیژنه را به اکسیژن و آب تبدیل میکنند. این دیاستازها در تمام گیاهان موجود و میتوان آنها را از شیره‌های گیاهی استخراج‌کرد.

اکسیدازها

مخلوطی از دیاستازهای مختلفند، مانند لاکاز‌که در شیرابه درخت لاک‌یافت میشود.

هورمون‌ها

هورمن Hormone

مواد آلی مخصوصی‌که در برخی‌از اندامهای بدن موجودات زنده به مقدار بسیارکم ساخته می‌شوند. این مواد بر روی اعضاء به‌خصوص، اثربسیار مهم و قابل‌توجهی به‌جا می‌گذارند. هورمن‌ها درنمو‌گیاهان‌نقش‌اساسی وعمده‌ای‌دارند. نمو و تکثیر یاخته‌ها، ایجاد ریشه، جنبشهای اندامهای‌گیاهی به‌سمت نوریا مواد غذایی، ایجادگل و میوه در اثر ترشح هورمن‌ها صورت می‌گیرد. هورمن‌های گوناگون را می‌توان از اندامهای مختلف گیاهان و جانوران استخراج‌کرد. در حیوانات هورمن‌ها از غدد داخلی ترشح می‌شوند. یاخته‌های غدد‌داخلی‌که هورمن‌ها راترشح‌می‌کنند، این مواد را مستقیماً وارد جریان‌خون می‌نمایند. هورمن‌های گوناگونی‌که هر یک اثر مخصوصی دارند، درغدد داخلی بدن‌که هرکدام نوع مخصوصی هورمن ترشح‌می‌کنند، ساخته می‌شوند. برخی‌از هورمن‌ها عبارتند‌از: انسولین، تیروکسین آدرنالین وتیمین.

آدرنالین Adrenaline

هورمن مترشحه ازبخش میانی غدهٔ فوق کلیوی از کار های آن: تبدیل فوری گلیکوژن کبد به‌گلوکز وتنگ کردن رگهای‌پوست و ترشح غدد عروقی در مواقع غیر عادی (گرسنگی شدید) و بالاخره تنظیم فشار خون است.

آلدوسترون Aldosterone

هورمن مترشحه غدهٔ فوق کلیوی، کارش ثابت‌نگهداشتن سودیوم وپوتاسیوم بدن است.

استره‌اوئید Streoides

هورمونهای غدهٔ فوق‌کلیوی وسایر غدد ازاثردیاستازها بر‌کلسترول‌به‌وجود می‌آید.

اکسین‌ها. Oxine

ترکیباتی‌که‌درمواقع لازم به‌مقدار مختصراز اندامهای‌گیاه ترشح شده‌روی یکدسته‌از سلولها اثر میکنند وازمحلی به‌محل دیگر منتقل میشوند.

انسولین Insuline

هورمون‌مترشحه‌جزایر لانگرهانس در لوزالمعده وکارش تبدیل قندخون به گلیکوژن ذخیره است.

پارهورمونها Parhormones

مواد مدفوعهٔ سلولهای تمام بدن؛ مانند CO^2 واوره.

پانکره آتوتروپیک Pancreatotropic

هورمون بخش قدامی هیپوفیز، محرک غدهٔ لوزالمعده.

پرولاکتین Prolactine

هورمون بخش قدامی هیپوفیز، محرک غدهٔ پستان.

تری‌یودو تیرونین
Triiodothyronine
هورمون مترشحه از غدهٔ تیروئید، کارش سوخت مواد وتولید انرژی‌است.

تستوسترون Testosteron
از هورمونهای مردساز ، غدد فوق بیضه‌ها، که عمل آن ظاهـر شدن آثار ثانویهٔ جنسی و آماده‌کردن محیط‌برای حرکت‌وفعالیت اسپرماتوزوئیدها است .

توکسین Toxine
موادی‌که‌اگردر مجاورت‌دیاستازها قرارگیرند اثر دیاستاز از بین میرود .

تیروتروفین Thyrotrophine
هورمون‌بخش‌قدامی هیپوفیز،محرك غدهٔ درقی است .

تیروکسین Thyroxine
هورمون مترشحه از تیروئید،کارش سوزاندن مواد در سلول و ایجادانرژی است .

رلاکسین Relaxine
یا هورمون شل‌کننده ، مترشحه از جفت وکارآن شل‌کردن بافتهادرماههای آخر حاملگی است .

سکرتین Secretine
هورمون‌مخاط دوازدهه،کارش‌تخلیهٔ شیرهٔ لوزالمعده است .

کورتیکوتروفین Corticotrophine
هورمون مترشحـهٔ بخش قـدامی هیپوفیز، محرك غدهٔ فوق‌کلیوی .

کوفرمان Coferment
هورمون حقیقی که محرك شیمیایی بـوده واز طحـال تـرشح مـی‌شود و تریپسینوژن لوزالمعده را به تریپسین تبدیل می‌کند .

گلوکاگون Glucagon
هورمون مترشحه از لوزالمعده ، کارش تبدیل‌گلیکوژن ذخیره به‌گلوکز است .

گلوکوکورتیکوئید Glucocorticoids
هورمونهـای تنظیم کنندهٔ مـواد قندی .

گونادوستیمولین
Gonadostimuline
هورمونی‌از جنس‌پروتئین، مترشحه از بخش قدامی هیپوفیزکه محرك غدهٔ جنسی است .

موسین Musine
که‌از ترشحات لولهٔ گوارشی استو توده غذایی را نرم‌و لیز میکند .

مینرالوکورتیکوئید
Mineralocorticoids
هورمونهای تنظیم‌کنندهٔ املاح .

نورادرنالین Noradrenaline
ازهورمونهای قسمت‌میانی غدهٔفوق کلیوی، کارمهم‌آن تنظیم فشارخون است.

هارموزونها Harmozones
ترشحاتی که در ساختمـان و نمو اعضاء بدن دخالت دارند. مانند ترشح غدهٔ درقی و غدهٔ تیموس و غدد تناسلی‌و هیپوفیز قدامی و جزایر لوزالمعده .

هورمون تخم‌ساز Oostrogen
هورمون مترشحه از تخمدان .

هورمون‌مردساز Androgen
هورمونهای جنسی‌مرد، مترشحه از غدد فوق بیضوی .

هورمون متابولیك
Hormones métaboliques
هورمونهایی که برای نگهداری و فعالیت حیاتی سلولها عمل می‌کنند ،

هیستامین Histamine
هورمون مترشحهٔ سلولهایی‌که‌مورد گزش حشرات قـرار می‌گیرند ، کارش زیادکردن قابلیت عبورمواد ازمویرگها وبازشدن آنها است .

هورمون شناسان

دانشمندانی کـه در کشف هورمونها دخالت داشتند

۱ ــ کلود برنارد Claude Bernard
۱۸۵۵ عمل قندسازی‌کبد .

۲ ــ برون سکوار Brown Sequard
۱۸۵۶ فوق‌کلیوی .

۳ ــ شیفر Schifer
۱۸۹۴ عصارهٔ غدهٔ فوق‌کلیوی .

۴ ــ اولیور Oliver
۱۸۹۴ عصارهٔ غدهٔ فوق‌کلیوی

۵ ــ آبل Abel
۱۸۹۷ آدرنالین .

۶ ــ گرافورد Grawford
۱۸۹۷ آدرنالین .

۷ ــ اوانس Evans
۱۹۳۵ هورمون نمو.

۸ ــ کام Kamm
۱۹۲۸ عامل‌بالابرندهٔ فشارخون.

۹ ــ دوازی Doisy
۱۹۳۹ هورمون فولیکولی

ویتامین‌ها

ویتامین :
مـواد آلی مخصوصی که در تغذیهٔ موجودات زنده اثر فراوانی دارند وبه مقدار کم در غذاهای گونـاگون وجود دارند ، ویتامین‌ها درکلیهٔ اعمال حیاتی بدن نقش عمده‌ای بـه عهده داشته و کمبود هریك ازآنها دربدن ناراحتی و بیماری مخصوصی‌را سبب می‌شود . بدن موجودات زنده قادر به‌ساختن و تولید ویتامین‌ها نیست ، ازاین نظر ورود این مواد از راه تنذیه الزامی است . فقط در شرایط مخصوص برخی از ویتامین‌ها ساخته می‌شوند (ویتامین D درپوست در اثرتابش نورآفتاب).

ویتامین‌ها انواع مختلفی دارند و مهمترین آنها عبارتنداز : ویتامین A ، ویتامین B ، ویتامین C ، ویتامین D ، ویتامین E ، ویتامین Pp و ویتامین K . کمبود هر یك از ویتامین‌ها بیماری و ناراحتی خاصی را سبب می‌گردد که باورودآن ویتامین به‌بدن عوارض مرض ازبین می‌رود .

خواص ویتامین‌ها :

ویتامین A : بـرای جلوگیری از امراض چشم ، رشد و نمـو بدن وتولید استقامت بدن درمقابل امراض مسریه .

ویتامین B : برای جلوگیری از بیماری بری‌بری (فلج‌ولمس قسمت‌پایین بدن ، ضعف قـلب) رشد و نمو بدن ، جلوگیری ازامراض‌جلدی وضعف‌عمومی.

ویتامین C : برای جلوگیری از ضعف و کم خونی ، خرابی گوشت لثه ، افتادن‌دندان ، ناخوشی معده وروده‌ها ، پوست بدن، سرماخوردگی وغیره .

ویتامین D : برای جلوگیری از نرمی استخوان و برای استخوان‌بندی و استقامت بـدن در مقابل امـراض سرماخوردگی .

ویتامینE : برای‌جلوگیری‌ازضعف قوهٔ باءوعقیم‌شدن‌و‌نیزتقویت‌قوای‌تناسلی.

ویتامین K : برای انعقاد خون .

غدد

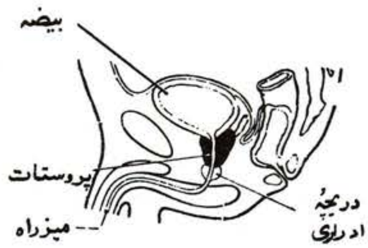
بزاقی ، غدد Salivaire - Glandes
غددی‌که ترشحات آنها وارد دهان شده ودر اولین مرحلهٔ هضم غذا دخالت دارند . وتعداد آنها سه‌جفت در انسان است : بناگوشی ، تحت‌فکی، زیرزبانی،

مقدار ویتامینهای مورد احتیاج روزانهٔ اشخاص در سنین مختلف

مشخصات	کالری	پروتئین گرم	کالسیوم م - گ	آهن م - گ	ویتامین A واحد	ویتامین B م ـ گ	ویتامین B م ـ گ	ویتامین C م ـ گ	ویتامین D واحد
مرد باشتغال روزانهٔ متوسط	۳۰۰۰	۷۰	۱	۱۳	۵۰۰۰	۱/۵	۱/۸	۷۵	
زن باشتغال روزانهٔ متوسط	۲۴۰۰	۶۰	۱	۱۲	۵۰۰۰	۱/۲	۱/۵	۷۰	
زن در دوران حاملگی	۲۴۰۰	۸۵	۱/۵	۱۵	۶۰۰۰	۱/۵	۲/۵	۱۰۰	۴۰۰
اطفال از ۱ تا ۳ سالگی	۱۶۰۰	۵۰	۱	۸	۲۵۰۰	۰/۸	۱/۲	۵۰	۴۰۰
اطفال از ۴ تا ۶ سالگی	۲۰۰۰	۶۰	۱	۱۰	۳۵۰۰	۱	۱/۵	۶۰	۴۰۰
اطفال از ۷ تا ۹ سالگی	۲۵۰۰	۷۰	۱/۲	۱۲	۴۵۰۰	۱/۲	۱/۸	۷۵	۴۰۰
دختر از۱۳ تا ۱۵ سالگی	۲۶۰۰	۸۰	۱/۳	۱۵	۵۰۰۰	۱/۳	۲	۸۰	۴۰۰
دختر از ۱۶ تا ۲۰ سالگی	۲۴۰۰	۷۵	۱	۱۵	۵۰۰۰	۱/۲	۱/۸	۸۰	۴۰۰
پسر از ۱۳ تا ۱۵ سالگی	۳۲۰۰	۸۵	۱/۴	۱۵	۵۰۰۰	۱/۵	۲	۹۰	۴۰۰
پسر از ۱۶ تا ۲۰ سالگی	۳۸۰۰	۱۰۰	۱/۴	۱۵	۶۰۰۰	۱/۷	۲/۵	۱۰۰	۴۰۰
زن در دوران شیردادن	۳۰۰۰	۱۰۰	۲	۱۵	۸۰۰۰	۱/۵	۳	۱۵۰	۴۰۰

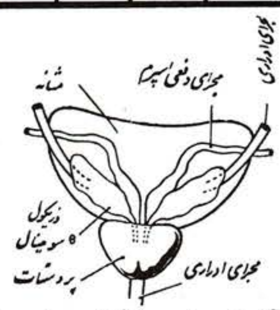
بناگوشی، غده.
به بزاقی مراجعه شود .

بیضه Testicule

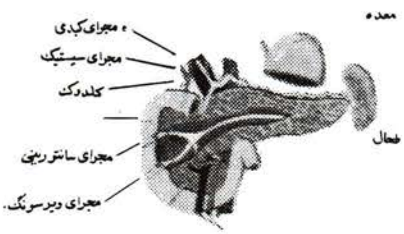


در حیوان نر دو غده (اغلب در خارج‌بدن) وجود دارد ، که کارش تولید گامتهای نر ، ترشح هورمونهای نری است . مهمترین هورمون این غده‌ها، تستوسترون میباشد .

پروستات Prostate
غده‌ای است سفید رنگ‌که اطراف بخش ابتدایی مجرای ادراری مرد را احاطه میکند. شکل غده شبیه میوهٔشاه‌ـ بلوط وبطرف مثانه کشیده شده‌است .در سنین بلوغ بحداکثر رشد خود میرسد و



ترشح آن که مایعی غلیظ و سفید رنگ است ، به‌مجرای ادراری میریزد .



پانکرآس Pancreas
یالوزالمعده غده‌ای منضم بدستگاه هاضمه است و دارای دو ترشح داخلی و خارجی می‌باشد . ترشح‌خارجی آن‌وارد اثنی‌عشر شده، درهضم غذا شرکت‌داردو ترشح داخلی آن انسولین است‌که برای تعادل قند بدن مصرف می‌شودو توسط جزایرلانگرهانس‌ترشح میگردد .

تحت فکی ، غده .
بزاقی را به‌بینید ،

پاراتیروئید ، غده Parathyroide
اندام‌کوچك و نرم قرمز رنگی‌که درنزدیکی‌غدهٔ تیروئیدقراردارد و تعداد آنها چهار است: دوعدد دربالا ودو عدد درپائین. فقدان آن موجب مرگ انسان یاجانور می‌گردد و اختلالات آن درد و تشنج ایجاد می‌کند .

تخمدان Ovariol
دو غده درحیوان ماده ، که علاوه برساختن تخمکها ، هورمونهای مربوط به‌جنس ماده‌رانیز ترشح‌می‌کنند ومعمولا درزنها هر ۲۸ روز یك تخمك خارج میسازند.



تیروئید Thyroide

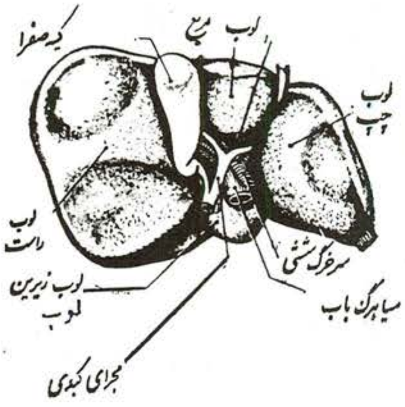
غدهٔ بزرگی درجلوی گردن ، مادهٔ مؤثر آن تیروکسین است ، فقدان آن ؛ اختلال عصبی ، ریختن مو ، ضخیم شدن پوست ، و بی‌نظمی ضربـان قلب ایجاد می‌کند .

تیموس ، غدهٔ Thymus

غده‌ای‌که درقسمت تحتانی‌گردن و ناحیه فوقانی سینه در جلـو نای قرار دارد. وزن وحجم‌آن تـاسن سه سالگی روبافزایش بوده پس ازآن بتدریج کم میشود و معمولا پس از سن ۲۵ سالگی مبدل به‌توده چربی میگردد. وزن‌آن تا سه‌سالگی هرسال دوگرم افزوده میشود ودر موقع نموکامل ۵ گرم است. طول‌آن ۵ سانتیمتر و عـرضش ۱۵ میلیمتر و ضخامتش یك‌سانتیمتراست . تیموس‌ازدو قطعه طرفی تشکیل شده‌که درخط وسط‌با یکدیگر متصل میباشد و ترشحی داخلی دارد.

جزایر لانگرهانس Ilots Langerhans

پانکرآس را به‌بینید .



جگر Foie

بزرگترین غدهٔ بدن به وزن ۱/۵

جدول تعیین مقدار کالوری مواد متشکله وویتامین مواد غذایی

شرح	کالوری	موادمتشکله‌از ۱۰۰ گرم مواد غذایی			ویتامین				
		چربی	قند	س (۱)	A	B	C	D	E
پنیر	۲۸۰	۱۵	—	۳۱	م	ك	ك	—	ك
تخم مرغ	۱۷۰	۱۱	۲	۱۲/۵	ز	م	—	ز	م
گوشت گاو	۲۹۰	۳	—	۱۸	م	ك	ك	—	ك
« گوسفند	۳۲۰	۲۵/۵	—	۱۶	م	ك	ك	—	ك
« گوساله	۱۲۵	۳	—	۲۱	ك	ك	ك	—	ك
« خوك	۳۷۵	۳۲	—	۱۴	ك	ك	ك	—	ك
ماهی دریا	۸۰	۱	—	۱۴	ك	ك	ك	—	ك
« دودی	۲۴۵	۱۴/۵	—	۱۷/۵	م	ك	ك	ك	—
« آزاد	۱۴۵	۹/۵	—	۱۴/۵	ك	ك	ك	—	—
کره	۷۶۰	۸۱/۵	—	۱/۵	ز	ك	—	ك	ك
روغن نباتی	۷۵۰	۸۱	—	۱/۵	—	—	—	—	ك
حبوبات	۲۵۵	۱/۵	۳۴/۵	۱۵/۵	ك	ك	م	—	ك
آردگندم سفید	۳۳۰	۲	۷۲	۸	—	—	—	—	—
« « سیاه	۳۱۵	۲	۷۰	۴/۵	—	—	—	—	—
برنج	۳۴۰	۲	۷۶	۴	—	—	—	—	—
نان سفید	۲۴۵	—	۶۰	۴	—	—	—	—	ك
نان سیاه	۲۱۰	—	۵۰	۴	ك	ك	—	—	ك
سیب زمینی	۸۵	۱	۲۰	۲	ك	م	ز	—	—
هویج‌فرنگی	۳۸	۱/۸	۵/۵	۱/۲	ز	ك	م	—	ك
شلغم	۳۸	—	۶/۵	۲/۵	ك	م	ز	—	ك
کلم‌سبز	۶۰	۱	۹	۳	ز	ز	ز	—	ك
اسفناج	۱۷	۱/۲	۲/۵	۱/۳	ز	ز	ز	—	ك
کاهو	۱۷	۱/۲	۱/۵	۱/۳	ز	ك	ز	—	ك
سیب‌و گلابی	۵۰	—	۱۳	۱/۸	—	ك	م	—	ك
گوجه فرنگی	۲۲	—	۳	۲	م	ز	ز	—	ك
شکلات	۴۸۰	۲۷	۵۱	۳	—	—	—	—	—
قند	۴۰۰	—	۹۹/۵	—	—	—	—	—	—
مغز گردو	۵۵۰	۶۰	۱۳/۵	۱۵	م	ك	—	—	ك
انجیر خشك	۲۷۵	۱	۶۰	۳	ك	ك	—	—	—
شیر گاو	۶۶	۳/۵	۴/۵	۳/۵	ز	م	ك	ك	ك
شیر بز	۷۳	۴	۴/۵	۴	ز	م	ك	ك	ك
شیر مادر	۶۹	۴	۳/۵	۴	ز	م	ك	ك	ك

(۱) س = سفیده

ز = زیاد م = متوسط ك = کم

کالوری عبارتست از واحـد مقدار حرارت وچنین تفسیر میشود . یك کالوری مقدار حرارت لازم جهت ازدیاد یکدرجـه گـرما برای یك کیلوگرم آب میباشد .

کیلوگرم ، درزیر حجاب حاجز ودرطرف راست شکم قراردارد. ترشحات خارجی آن صفرا است و هورمونهای مختلفی ترشح میکند .

چربی ، غدد

غدد خوشه‌ای که چربی ترشح میکنند و در تمام پوست بدن به استثنای کف دست و پا پراکنده‌اند، هریك دارای دو قسمت‌اند : یکی غدهٔ مترشحه و دیگری مجرای خروج چربی .

زیرزبانی ، غدهٔ

بزاقی را به‌بینید .

طحال Rate

طحال عضو لنفوئیدی منحصر بفردی است ، محل قرار آن ، درعمق شکم و قرارگاه‌خاصی است‌موسوم به‌مقام‌طحالی. مرکز این جایگاه زیر گنبد چپ حجاب حاجز پشت معده میباشد ، کاملا آزاد و متحرك در جای خود با معده و لوزالمعده بوسیلهٔ اپی‌پلون‌هامرتبط‌است. رنگش قرمزسیر، ظاهری‌پلاستیکی و شکننده دارد ، وزنش متغیر و معمولا بطور متوسط ۲۰۰/ گرم‌است به‌درازای ۱۲ سانتیمتر ، دارای شکلی نامنظم و امتدادی درجهت عمودی است. ازسوی محدب وچپ متمایل به‌خارج دیافراگم ، سطح خلفی و داخلی روی معده وسطح قدامی وداخلی‌آن روی کلیهٔ چپ‌تکیه کرده است .

عرقی ، غدد .

درتمام سطح بدن پراکنده‌اند ، فقط درروی‌لبهای‌کوچك وقسمت تحتانی لبهای بزرگ‌فرج یافت نمیشوند ، روی پلك‌ها وسطح خارجی لالهٔ گوش بمقدار کم موجودند. درتمام بدن تقریباً دو ملیون تعداد غدد عرقی است .

فوق کلیوی ، غده .

این غده در بالای کلیه‌های تمام جانوران‌گوشتخواروجوددارد. فقدان‌آن سبب مرگ فوری است . اختلالات ناشی ازآن‌عبارتند از : خستگی وضعف‌زیاد ، تشنج ، اختلالات تنفسی‌وگوارشی، کم‌شدن فشارخون و کم‌شدن حرارت بدن .

گناد Gonade

غددی که سلولهای جنسی بوسیله آن بوجود می‌آیند .گنادنررا بیضه و گناد ماده‌را تخمدان‌گویند .

لوزتین Amygdale

اعضاء لنفاوی‌کوچکی‌که دورتادور گلورا گرفته و کار عمدهٔ آنها ساختن سلولهای لنفاوی است .

لوزالمعده ← **پانکرآس**

مژگانی ، غدد Glandes ciliaires

غده‌های متصل به‌ریشهٔ مژگان‌که تعداد آنها دوبرابر عده مژه‌ها است .

هیپوفیز ، غده Hypophyse

یکی از مهمترین غدد داخلی بدن که‌هورمون‌های گوناگون‌بسیارمهمی‌وارد خون‌می‌کند. اندازهٔ‌آن‌تقریباً مساوی‌یك فندق. این‌غده به‌کمك ترشحاتش‌برروی سایر غدد اثر می‌گذارد : کمی ترشح یا ازدیاد ترشح هورمن‌های این غده اختلالاتی چون کوتاه‌قدی‌مفرط‌یا‌بلند‌قدی غیرطبیعی ایجاد می‌نماید .



جانور شناسی

تاریخ جانورشناسی

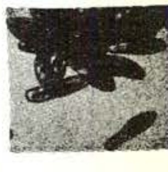
وجود جانوران دراطراف انسان ، می‌تواند دلیل روشنی باشد‌که این‌دانش قدمت بسیار دارد .

برای اولین بار ارسطو، علم‌جانورشناسی را ابتکار کرد او کلیه جانوران را به‌دوگروه بزرگ وبالاخره به‌۸دسته تقسیم‌کرد. اگرچه‌طبقه بندی‌ارسطو کاملا غلط بود، ولی‌تاقرون وسطی‌بدون‌چون‌و چرا پذیرفته می‌شد .

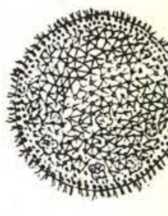
از قرن ۱۶ بزرگانی چون‌الدرواندی Aldrowendi و روندله Rondelet (۱۷۴۳ ــ ۱۸۲۹م) و ووتون Wotton و بلون Belon ، بکار تحقیق و کشت وکشف برآمدند .



اوگلنا



پارامسی



ولوکس



تریپانوزوم

و پزشکانی چون وزال Vesale و آمبروآز پاره Ambroise Paré و دیگران درفیزیولوژی کارکردند .

درقرن ۱۷ فیزیولوژیست بزرگ اسوامردام Swammerdam و عالم تشریح لووان ـ هوك Leewenhoek و مالپیگی Malpighi که برای اولین بار از میکروسکوپ در کارهای علمی استفاده کردند ؛ کارجانورشناسی ازصورت شکل شناسی خارج شد .

در قرن ۱۸ بزرگانی چون بوفون Buffon و رئومور Reaumur با مطالعهٔ حشرات، محیطرابرای طبقه‌بندی آماده کردند .

طبقه بندی بواقع در سوئد متولد شده است، ولینه Linnée برای‌اولین‌بار طبقه‌بندی درستی را اعلام کرد .

درآلمان وانگلستان نیز بزرگانی چون اون Owenو رای Ray به‌همکاران سایر کشورها پیوستند. ژئوفروی‌سنت‌هیلر Geoffroy Saint ـ Hilaire و لامارك Lamarck ولاترای Latreille لاسه‌پد Lacépède وکوویه Cuvier شاگردانی پروراندندکه هرکدام‌قسمتی‌ازاین‌تاریخ را روشن کردند .

جانورشناسی جدید بعداز کوویه بنیان گذاشته شده ، زیرا او اولین‌کسی بودکه فسیل‌ها را نیز طبقه بندی‌کرد و شاگردان این دانشمند شاهکار او را تکمیل کردند. ترجمه از: لاروس.

تعریف :

رشته‌ای از تاریخ طبیعی‌که موضوع آن مطالعهٔ جانوران است .

سلسلهٔ جانوری Animal Kingdom

به‌ترتیب زیر طبقه‌بندی میشود :

تك‌یاخته‌ایها Protozoa

گروه بزرگی از سلسلهٔ جانوری شامل یك شاخه است .

پروتوزوا Protozoe

شاخه‌ای از تك‌سلولیهاکه به‌دوزیر شاخه تقسیم می‌شود :

۱ ـ پلاسمودرما	Plasmoderma
۲ ـ مژکداران	Ciliophora

مژکداران :

از شاخه پروتوزوا ، در تمام یادر بعضی مراحل زندگی مژك‌دارند وبه دو راسته تقسیم می‌شوند :

۱ ـ انفوزوریا	Infusoria
۲ ـ مکنده‌ها	Suctoria

انفوزوریا

ازمژکدارانی که؛ همیشه‌مژه‌دارند. مانند اوپالینا Opalina ، پارامه سیوم Paramecium، وورتیسلا Vorticella

مکنده‌ها

از مژکداران ، درنوع جوان مژك داشته ودر بالغ شاخکهای مکنده دیده می‌شود. مانند ؛ پودوفریا Podophrya

پلاسمودرما

از شاخهٔ‌پروتوزوا اندامهای‌حرکت آنها ، تاژك یا پاهای کاذب بوده و یا اندام حرکت ندارند و به‌سه رده تقسیم می‌شوند :

۱ ـ تاژکداران	Flagellates
۲ ـ ریشه پایان	Rhizopoda
۳ ـ اسپورداران	Spurozoa

تاژکداران

ازگروه پلاسمودرماکه یك یاتعداد زیادی تاژك برای حرکت دارند.مانند: سراتیوم Ceratium . اوگلنا Euglena تریپانوزوما Trypanosoma . وولوکس . Volvox

ریشه پایان .

ازگروه پلاسمودرما، برای‌حرکت، پاهای‌کاذب دارند . مانند؛ اکتینوفریس Actinophrys گلوبیژه‌رینا Globigerina

اسپورداران .

ازگروه پلاسمودرما، اندام‌حرکتی ندارند و همه انگل هستند . مانند : مونوسیس تیس Monocystis ، ایمریا Eimeria پلاسمودیوم Plasmodium .

پرسلولیها Metazoa

جانوران پریاخته‌ای یا بافتی.بدن آنها از سلولهای بسیاری‌که معمولا به صورت لایه‌ها یا بافتها هستند تشکیل می‌شود .

مزوزوآ Mesozoa

شاخه‌ای‌ازجانوران باتقارن‌شعاعی، بدن باریك وکشیده ، کوچك ، یك لایهٔ خارجی از سلولهای هاضمه‌ای مژکدار یك یاچند سلول تکثیرکننده را احاطه می‌کند، انگل پا برسران و سایر بی ـ مهرگان می‌باشد . مانند دیسی‌اما . Dicyema

پوریفه‌را Porifera

شاخه‌ای‌از جانوران، به‌نام اسفنجها تقارن شعاعی، بدن استوانه‌ای ، کروی، منشعب، نامنظم؛ اسکلت داخلی، از سیخکهای کوچك یا از الیافی بنام اسپونژین ؛ سطح بدن دارای منافذ فراوانی است که به کانالهایی متصل می‌شوند و همچنین حجره‌هایی که به وسیلهٔ سلولهای یقه‌ای تاژکدار بنام کوآنوسیت آستر شده‌اند. یك یا چند مخرج بزرگ‌بنام‌اوسکولاکه انبری‌ثابت دارند وبه‌سه رده تقسیم می‌شود .

۱ ـ کالکارا . Calcarea

۲ـ هکزاکتینلیدا. Hexctinellida

۳ ـ دموسپونژیه. Demospongiae

کالکارا.

یا اسفنجهای‌آهکی‌از شاخهٔ‌پوریفه‌ـ را سیخکها آهکی ۱ ، تا ۴ شعاعی ، سطح بدن زبر وخار مانند ؛ دریایی در آبهای‌سطحی وکم‌عمق مانند: لوکوزولینا Leucosolenia اسکیفا Scypha

هکزاکتینلیدا .

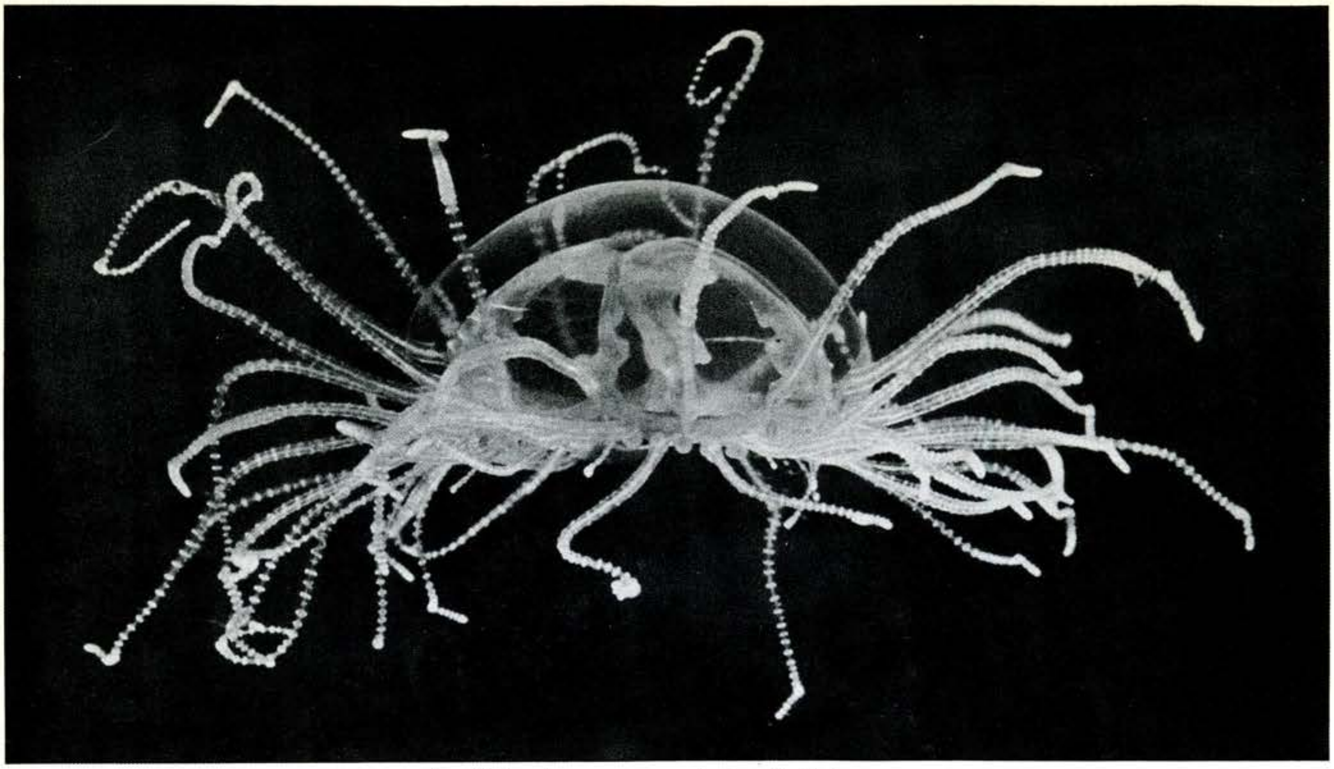
از شاخهٔ پریفه‌را، اسفنجها شفاف‌و سیخکها سیلیسی، شش شعاعی وباترتیب معین؛ دریایی، در عمق ۳۰۰ پایابیشتر مانند: هیالونما Hyalonema اوپلکتلا Euplectella

دموسپونژیه

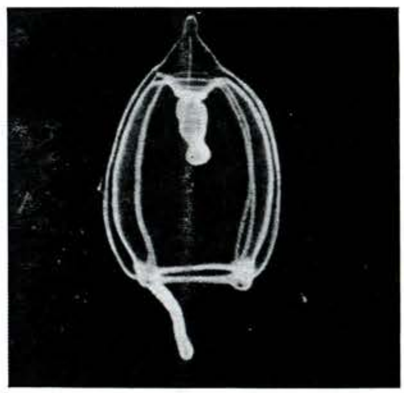
از شاخه پریفه را ، اسکلت از سیلیس ، از اسپونژین ، از هر دو یا هیچیك؛ مجاری پیچیده؛ بعضی بزرگ و درخشان؛ اکثرآدریایی.مانند: هالیزارکا Halisarca . اسپونژیلا Spongilla اسفنج آب‌شیرین Fresh ـ watersponge اسفنج حمام Bath sponge ، اسپونژیا Euspongia

کیسه تنان Coelenterata

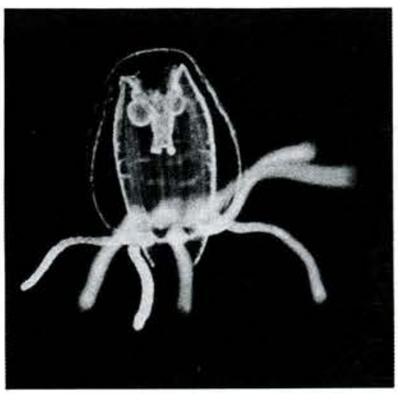
شاخه‌ای ازجانوران، تقارن‌شعاعی؛ افراد غیر مهاجر استوانه‌ای و غالباً بصورت کولونی ، ویا به‌شکل یك مدوز ناقوس مانند یا مزوگله ژلاتینی فراوان و بطور آزاد ، شناور ؛ کپسولهای نیش زننده یا نماتوسیست وجود دارد؛ حفره گوارشی کیسه‌مانند، گاهی منشعب؛دهان ازشاخکهای‌نرم احاطه شده است؛ مقعد، سرو سایردستگاهها موجودنیست. همگی آبزی ودریایی.به‌سه رده تقسیم‌می‌شوند:



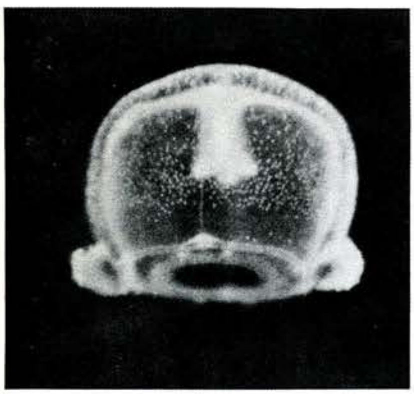
نمای ظاهری نوعی عروس دریایی (ماتور)



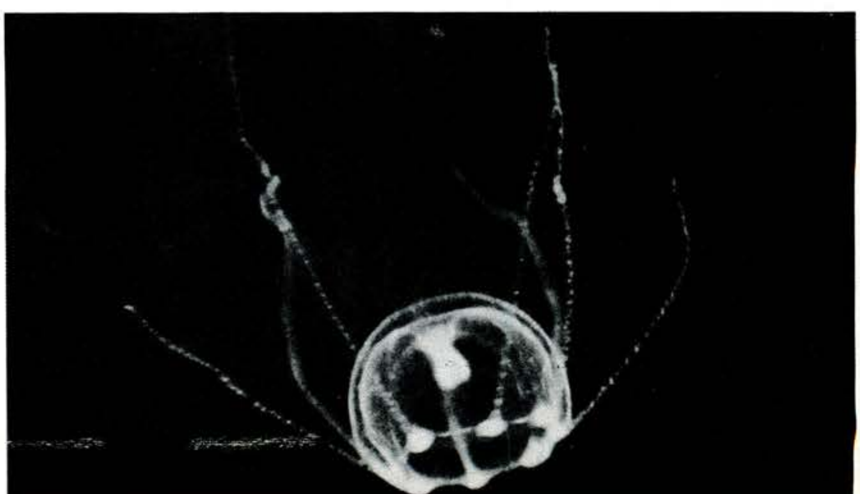
استینس‌تروپیانوتان ، یك زائدهٔ دهانی دارد



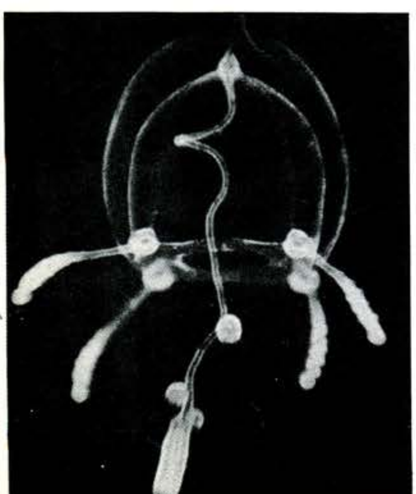
نوعی عروس دریایی بازنگولهٔ دهانه‌ای



اکوره ، از گروه ئیدر



عروس دریایی شبیه ئیدرآب شیرین



سارسیازمیفرا با بازوی بلند گره‌دار



عروس دریایی ، دریای شمال

۱ ـ هیدروزوآ ، Hydrozoa
۲ ـ سیفوزوآ . Scyphozoa
۳ ـ آنتوزوآ . Anthozoa

هیدروزوا.

از شاخهٔ کیسه‌تنان، دهان مستقیماً به‌داخل حفرهٔ گوارشی که فاقد دیواره‌ها یا تیغه‌های جداکننده و حد فاصل است بازمی‌شود ، مانند :
هیدرا ، Hydra ، اوبلیا Obelia مرجان نیش زننده Physalia .

سیفوزوا.

از شاخهٔ کیسه‌تنان ، کوچك تا بزرگ ، در این‌گروه جای دارند از مزوگلهٔ ژلاتینی و به‌شکل ناقوس یاچتر، بوسیلهٔ شاخکهای حساس حاشیه گذاری شده ، حفره گوارشی‌منشعب همگی‌دریایی مانند : اورلیا Aurelia .

آنتوزوا.

شاخه‌ای از کیسه‌تنان ، یك صفحهٔ دهانی پهن با شاخکهای حساس؛ دهان‌به قسمتی بنام گلوپامری متصل میشود ؛ حفرهٔ گوارشی به‌چند قسمت شعاعی‌تقسیم می گردد. این‌مرجانهادارای‌اسکلت آهکی هستند. همگی‌دریایی‌وچسبنده می‌باشند. بعضی به‌صورت دسته‌ای یا اجتماعی‌وجود دارند. مانند : متریدیوم Metridium شقایق دریایی Seaanemone گورگونیا Gorgonia .

کرمهای پیکانی

Chaetognatha

شاخه‌ای از جانوران پرسلولی ، کوچك، باریك وشفاف‌اند ، بدن ازسر، تنه ودم‌درست می‌شود. موهای زبروخشن یا قلاب در اطراف دهان دیده‌می‌شود. پرکهای زوج‌در تنه‌ویك پرك دم انتهایی برای حرکت دارند ؛ لولهٔ گوارش کامل است . سلوم از سه جفت حفره تشکیل می گردد هرمافرودیت‌اند؛ زندگی‌مستقل دارند . دریایی می‌باشند. مانند: سازیتا Sagitta .

کته‌نوفورا

Ctenophora

شاخه‌ای از جانوران ، بنام شانه‌داران، تقارن دوشعاعی؛ بدن شبه‌کروی و دارای مزوگله زیاد است و پهن می‌باشد. ۸ ردیف‌صفحات شانه‌ای‌مژکدار درخارج برای‌حرکت‌دارند؛ نماتوسیست وجودندارد؛ حفرهٔ گوارشی‌دارای‌کانالهای منشعب؛ مقعد موجود نیست ؛ دریایی ، منفردمانند: پله‌روبراکیا Pleurobrachia وستوم Cestum .

پلاتی‌هلمنت

Platyhelminthes

شاخه‌ای از جانوران، کرمهای‌پهن، بدن‌سست ، شل، نازك ، ظریف ونرم، به شکل برگ یاروبان، لولهٔ هاضمه‌منشعب و بدون مقعد است ؛ پارانشیم فضاهای واقع در میان اندامها را پر می‌کند. یك جفت عقدهٔ قدامی یا یك حلقه‌عصبی ویك تا سه جفت رشته‌های عصبی طولی دارند؛ معمولاً هرمافرودیت هستند به‌سه رده تقسیم می‌شوند :

۱ ـ توربلاریا. Turbellaria
۲ ـ تره‌ماتود Trematoda
۳ ـ سستوئید Cestoidea

توربلاریا .

یا کرمهای‌پهن. ازشاخهٔ‌پلاتی‌هلمنت بدن از نواری شکل تا صفحه‌ای شکل، اپیدرم مژکدار است ، قلاب و بادکش وجود ندارد ، دارای یك لولهٔ هاضمه ؛ دهان درقسمت شکمی است؛ بیشتردارای زندگی مستقل؛ دریایی، در آب شیرین، و یا زمینی وخاکزی. مانند: اوپلاناریا Euplanaria لپتوپلانا Leptoplana

تره ماتود .

یا کرم کبد ، از شاخه پلاتی‌هلمنت بدن غالباً بشکل برگ است . دارای کوتیکول ضخیم می‌باشد و مژك ندارد ؛ بادکش یاقلاب ویاهردودر قسمت شکمی وجود دارد؛ دهان معمولاً در قسمت جلو می‌باشد ، لولهٔ هاضمه دو شاخه‌ای ؛ همه انگل هستند، مانند: کرم کبد Fasciola .

سستوئید .

از شاخهٔ پلاتی‌هلمنت ، که به آن کرم کدو یاکرم نواری نیز می‌گویند . بدن باریك طویل و مسطح ، دارای یك اسکولکس یا قلاب و یك رشته ، مرکب از تعداد زیادی بند که هر یك با اندامهای تولید مثل کامل ، کوتیکول ضخیم، مژك وجود ندارد؛ لولهٔ هاضمه و دهان موجودنیست، همه‌انگل‌اند. مانند: تنیاTaenia ودیفیلیدیومDiphylidium

نمرتینه

Nemertinea

شاخه‌ای از جانوران یا کرمهای روبانی ؛ بدن باریك‌وکشیده‌ونرم‌وبسیار قابل ارتجاع است و از مژك پوشیده‌شده بندبند نیست؛دهان درقسمت جلو،دارای یك خرطوم برگرداندنی طویل می‌باشد؛ لولهٔ هاضمه کامل است؛ مقعد دارد ، یك دستگاه رگهای خونی ؛ فضاها پر از پارانشیم است ؛ سلوم موجود نیست ، دستگاه عصبی ، با عقده‌های قدامی وسه رشتهٔ‌عصبی طولی؛جنسها نرو ماده مجزا؛ زندگی آزاد، بیشتر دریایی، تعدادی‌در آبشیرین‌وخاکزی. مانند:سربراتولوس Cerebratulus و استیکوستما Stichostema .

آنتوپروکتا

Entoprocta

شاخه‌ای‌از جانوران، بسیار کوچك، منفرد یا بحالت کولونی ، هر یك روی یك ساقه یا پایه، دارای جام است که دایره‌ای از شاخکهای مژکدار فراوان را در بر دارد . فضای بدن تشکیل پسودوسل می‌دهد که پر از پارانشیم می‌باشد. یك جنسی یا دوجنسی است؛ به اشیاء یا جانوران در آبهای شور یا شیرین می‌چسبد . مانند : پدیسلینا Pedicellina واورناتلا Urnatella .



نمرتینه

آشلمنت

Aschelminthes

شاخه‌ای ازجانوران.اندازه؛کوچك یا بسیار کوچك ، بدن معمولاً باریك و کشیده، لولهٔ هاضمه کامل است، روده معمولاً مستقیم است و مقعد در قسمت خلفی قراردارد. چنین‌روتیفرها درقسمت جلو مژك‌ندارند. پنجرده درآن تشخیص داده‌اند :

۱ ـ روتیفرها Rotifera .
۲ ـ گاستروتریکا Gastrotricha
۳ ـ کینورنکا Kinorhyncha
۴ ـ نماتودها Nematoda
۵ ـ نماتومورفا Nematomorpha

روتیفر .

از شاخهٔ آشلمنت، جانوران بسیار کوچك و چرخی شکل‌که قسمت اعظم بدن‌آنهاراتنه‌تشکیل می‌دهد،دنبالهٔ‌باریك و نوکدار دارد . پاها دارای غده‌های مخصوصی است که مایع چسبنده ترشح می‌کند ، انتهای قدامی دارای صفحهٔ چرخی مژکدار است که برای حرکت و تغذیه‌بکار می‌رود، حرکت آنهابنحوی است که یك منظرهٔ چرخ مانند بوجود می‌آورد؛ نرآن بسیارکوچك است.مانند: هیداتینا Hydatina .

گاستروتریکا

از شاخهٔ آشلمنت ، طول آنها تا ۰/۵۴ میلیمتر، باریك ،کشیده و قابل انحنا است . سطح شکم پهن و با دو ردیف طولی مژك برای حرکت ، دهان قدامی وبوسیلهٔ موهای زبروخشن احاطه شده و آبزی است. مانند : کتونوتوس Chaetonotus .



تنیا

کینورنکا

از شاخهٔ آشلمنت ، طول تا یك میلیمترو استوانه‌ای است؛ سراز دوحلقه که به‌وسیلهٔ خارهایی احاطه شده است ؛ دهان‌دارای خرطومهای‌جمع شونده‌خار-داراست؛ بدن‌از ۱۱ تا ۱۲ حلقه‌تشکیل می‌یابد ، از کوتیکول قوی و خار دار پوشیده شده و جنسها از یکدیگر مجزا هستند؛دریایی می‌باشند. مانند:اکی‌نودرا . Echinodera

نماتود .

از شاخهٔ آشلمنت ، بنام کرمهای مدور یا لوله‌ای، مقطع عرضی‌بدن مدور یا گرد و در طول، نازك و دراز است که غالباً دردوانتها باریك‌و نوکدارمی‌شود؛ ازکوتیکول سخت پوشیده شده است ودر آنها فقط عضلات طولی وجود دارد که مولد حرکات‌چرخی وانحنایی‌است واین کرمها نمی‌توانند طویل یا جمع شوند ؛ یك حلقهٔ عصبی قدامی وشش رشته عصبی طولی دارند . جنسها از یکدیگر مجزا هستند ؛ زندگی مستقل در خاك یاآب یا بطور انگل است . مانند : اسکاریس Ascaris و نکاتور Necator .

نماتومورفا

یا کرم موی‌اسبی‌از شاخهٔ آشلمنت، بدن ریسمانی‌شکل استو نوکدارنیست، انتهای قدامی بی‌نوك و کلفت است؛ کوتیکول زبرو خشن است؛ فضاهای‌بدن از سلولها مفروش شده‌اند ؛ جنسها از یکدیگرمجزاهستند؛ لاروآنهاازحشرات انگل می‌باشد و بالغشان در آب بطور مستقل زیست می‌کنند مانند : گوردیوس . Gordius



واع کرمهای‌حلقوی

بریوزوآ

Bryozoa

شاخه‌ای از جانوران ، خزه‌ای، کلنی‌های منشعب وگیاه مانند دارند ویا بصورت قشرهایی بر روی صخره‌ها یا صدفها هستند، یا به شکل تودهٔ ژلاتینی می‌باشند و بسیار کوچکند ، تعدادشان زیاد است؛ هریك در خانه‌های جداگانه بسر می‌برند ، شاخکهای مژکدار در اطراف دهان دارند ؛ لولهٔ هاضمه بشکل U وکامل است. سلوم تکامل یافته است . هرما فرودیت و زندگی آنها مستقل و در آبهای شور یا شیرین است . مانند : بوگولاBugulaو‌پکتیناتلا Pectinatella

فورونیده

Phoronidea

شاخه‌ای از جانوران ، بدن کرمی شکل، استوانه‌ای، صاف وفاقدبنداست و درداخل یك لوله‌که‌خودآنراترشح‌کرده است،زندگی می‌کند.انتهای‌قدامی‌دارای شاخکهای مژکدار ویك دهان یا صفحهٔ دهانی می‌باشدکه به‌شکل‌نعل‌اسب است ؛ دهان‌لولهٔ هاضمه‌کامل‌و بشکلUاست‌دهان ومقعد درداخل صفحهٔ دهانی قراردارند، سلوم دارای شش قسمت وپوشش درونی است؛ رگهای خونی موجود است، هرما-فرودیت و دریایی‌است، مانند: فورونیس . Phoronis

اکانتوسفال

Acanthocephala

شاخه‌ای از جانوران، یاکرمهای سرخار دار، بدن در حالت زنده پهن و ناصاف و خشن و در حالت بیجان و نگهداری‌شده ، استوانه‌ای وصاف است ؛ کوتیکول نازك می‌باشد؛درانتهای قدامی خرطومهای‌جمع شونده ودارای ردیفهایی از خارهای برگشته می‌باشد؛ لولهٔ‌هاضمه وجود ندارد ، جنسها از یکدیگر مجزا و متمایزند . لارو آنها دربند پایان و بالغشان درمهره‌داران انگل می باشند. مانند:اکی‌نورنکوس Echinorhynchus ژیگانتورنکوس Gigantorhynchus .

بازوپایان

Brachiopoda

یا صدفهای فانوسی جانورانی که درخارج دارای قشرآهکی می‌باشند، بایك پایهٔ گوشتی به صخره‌ها متصل می‌شوند ؛ در داخل،دو بازوی مارپیچی دارند، لوله هاضمه دارای مقعد یابدون آن است؛ سلوم‌تکامل یافته و قلب‌کوچك است؛ جنسها متمایزند؛ دریایی هستند . مانند : تره براتولینا Terebratulina و لنگولا Lingula.

خارپوستان

Echinodermata

شاخه‌ای از پر یاخته‌ایها ، تقارن، نسبت‌به‌پیرامون محوری‌که‌ازدهان‌و نقطهٔ مقابل‌دهان می‌گذرد ،شعاعی و معمولا پنج قسمتی است ، بدن بند بند نیست ؛ دیوارهٔ بدن دارای صفحات آهکی است، که معمولا یك اسکلت داخلی سخت یا قابل انحنا با خارهای خارجی تشکیل می‌دهد؛ لولهٔ هاضمه بدون مقعد یادارای مقعداست؛ سلوم محتوی دستگاه رگهای آبی می‌باشد، در خارج پاهایی لوله‌ای برای حرکت وجود دارد، جنسهامعمولا متمایزند، همه دریایی‌هستند وبه‌پنج رده تقسیم می‌شوند :

۱ ـ لاله‌وشان Crinoidea

۲ ـ ستاره آسا Asteroidea

۳ ـ مارسانان Ophiuroidea

۴ ـ خارداران Echinoidea

۵ ـخیاران‌دریاییHolothurioidea

لاله وشان .

از شاخهٔ خارپوستان ، بدن بشکل گل‌است، یك صفحهٔ مرکزی داردکه در اطراف دارای‌بازوهای نازك شاخه شاخه می‌باشد بعضی ازگونه‌ها بر روی پایه یا ساقه مقابل دهان قرار دارند . مانند : آنته‌دون، Antedon .

ستاره‌آساها .

از شاخهٔ خارپوستان، بدن به‌شکل ستاره، دارای ۵ تا ۵۰ بازو است‌که از صفحهٔ‌گرد مرکزی چندان متمایز نیست؛ اسکلت قابل انحناو معمولا دارای‌پایه‌ها و خارهای کوتاه می‌باشد و در وسط هر بازو در سطح شکمی شیاریست به‌نام‌شیار آمبولاکرکه مخصوص بیرون آمدن پاهای لوله‌ای است وپاهای لوله‌ای دویا چهار ردیف می‌باشند . مانند آستریاس . Asterias

مارسانان .

از شاخهٔ خارپوستان، بدن با صفحهٔ گرد مرکزی و پنج‌بازوی باریك وبند-بند مشخص است . پاهای لوله‌ای در دو ردیف است ؛ مقعد وجود ندارد مانند : افیورا Ophiura .

خارداران .

یا خارپوستهای دریایی ، بدن به اشکال مختلف کروی یا نیم کروی یا به شکل‌صفحهٔ‌گرد یاتخم‌مرغی‌است. ودارای قشری ازصفحات‌جوش خورده‌است،دارای خارها و پایه‌های قابل حرکت می‌باشد ، لولهٔ هاضمه‌پیچاپیچ است. مانند: خار - پوستهای دریاییSeaurchins ، آرباسیا . Arbacia

خیاران دریایی .

یا راب ، رده‌ای از خارپوستان ، بدن طویل کرمی شکل با دیوارهٔ نرم وگوشتی؛ بازو و خار و پایه‌های کوچك

وجود ندارد ؛ دهان قدامی و بوسیلهٔ شاخکهای جمع شونده احاطه شده است؛ لولهٔ هاضمه بشکل S ، مقعد در قسمت خلفی مانند ، هولوتوریا Holothuria تیون Thyone .

نرمتنان

Mollusca

شاخه‌ای از حیوانات ، تقارن دو جانبی است ، بندبند نیستند، بدن نرم و از پوششی پوشیده شده‌که معمولاغلاف‌یا صدف‌آهکی ترشح می‌کند .

سر در جلو است و یك پای عضلانی در قسمت شکمی وجود دارد‌که برای حرکت می‌باشد؛ لولهٔ هاضمه کامل است؛ یك‌قلب ورگهای‌خونی دیده‌می‌شود؛ تنفس معمولا به‌وسیلهٔ برانشی صورت می‌گیرد؛ سلوم‌کوچك‌است؛ دستگاه‌عصبی شامل چند جفت عقده و منقسمات آن می‌باشد؛ جنسها متمایزند؛ درآب شور و شیرین زندگی‌می‌کنند وبعضی در خشکی هستند. نرمتنان به‌پنج‌رده‌تقسیم‌می‌شوند:

۱ ـ آمفی‌نور AmPhineura
۲ ـ اسکافوپود Scaphopoda
۳ ـ شکمپایان Gastropoda
۴ ـ بی‌سران Pelecypoda
۵ ـ پا برسران Cephalopoda

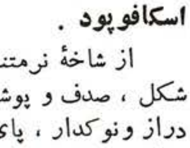
آمفی‌نور .

یاکیتونها، از دستهٔ نرمتنان ؛ بدن طویل وغالباً بیضی‌شکل است، صدف یا وجودندارد یامرکب ازهشت‌صفحه است. سر بسیارکوچك یاتحلیل‌رفته‌است؛شاخك حساس‌ندارد؛ دریایی‌هستند.مانند: کیتون Chiton .

اسکافوپود .

از شاخهٔ نرمتنان، صدفهای دندانی شکل ، صدف و پوشش لوله‌ای باریك و دراز ونوکدار ، پای مخروطی ، بدون برانشی. مانند: دانتالیوم‌Dentalium

شکمپایان .



یا نرمتنان یك‌کفه‌ای از گروه نرمتنان ، احشاء معمولا‌بی‌تقارن است، درصدف مارپیچی‌جای دارند(درعده‌ای صدف‌بتحلیل رفته است). سرمشخص، دارای یك یادو جفت شاخك؛ پابزرگ و مسطح. مانند: حلزون Helix حلزون بی‌صدف‌Limax هالیوتیس Haliotis .

بی‌سران.

یا نرمتنان دو کفه‌ای ، بدن در جوف صدفی از دو کفه جای دارد ؛ سرو فك ندارند ، پا غالباً بشکل تیشه یاتبر است، هنگام حرکت میان کفه‌ها کشیده می‌شود . مانند : اوستره‌آ Ostrea ، میا Mya وتردو Toredo .



پابرسران .

از نرمتنان، دریایی، باریك ودراز، ده بازو یا هشت بازو دارند . دو بازو ازبقیه‌بزرگترند. صدف‌داخلی یاخارجی یابدون صدف؛ سربزرگ دارای چشمان مرکب‌وبرجسته‌می‌باشند؛ دهان بافکهای شاخی‌که‌باهشت یاده بازواحاطه می‌شود، دریایی هستند . مانند : لولیگو Loligo اکتوپوس Octopus، نوتیلوس‌Nautilus.

کرمهای‌حلقوی

Annelida

شاخه‌ای از جانوران ، بدن دراز، حلقه حلقه، با خارهای موی مانندظریف برای حرکت، کوتیکول نازك؛ لوله‌ٔهاضمه کامل ولوله‌ای وسلوم‌معمولا بزرگ‌است؛ دستگاه‌گردش خون بسته است ؛ دستگاه عصبی‌ازمغز ویك‌رشتهٔ عصبی‌شکمی‌دارای عقده‌هاواعصاب جانبی‌درهرحلقه تشکیل می‌یابد ؛ غالباً زندگی مستقل دارند . به‌چهار رده‌تقسیم می‌شوند ؛

۱ ـ آرکی‌انلید Archiannelida
۲ ـ پرتاران Polychaeta
۳ ـ کم‌تاران Oligochaeta
۴ ـ زالوها Hirudinea

آرکی‌انلید .

ازکرمهای حلقوی، کوچك؛ ساختمان حلقه حلقه‌ای دارد، دریایی‌هستند وخار ندارند. مانند: پولی‌گوردیوس‌Polygordius.

پرتاران .

یاکرمهای‌شنی، از کرمهای‌حلقوی، که لوله‌ای نیزگفته می‌شوند؛ تقسیمات حلقه‌ای مشخص دارند، حلقه‌ها فراوان‌با برآمدگیهای جانبی که خارهایی در بردارند . ناحیهٔ سرمشخص ، دارای شاخکهایی می‌باشد ؛ جنسها معمولامجزا وبیشتر دریایی هستند . مانند ؛ نرئیس Nereis وکرم صدفی Clamworm .

کم‌تاران.

یاکرمهای‌خاکی‌که‌در دستهٔ‌کرمهای حلقوی‌جای‌دارند، تقسیمات حلقه درآنها واضح وبرجسته است؛سرو برآمدگیهای جانبی وجود ندارد ؛ معمولا در حلقه تعدادی خاردیده می‌شود ؛ هرمافرودیت هستند ؛ بویژه در آبهای شیرین و خاك مرطوب یافت می‌شوند . مانند:آنکیت‌ـ رئوس Enchytraeus ، لومبریکوس Lumbricus .

هیرودینه‌آ .

یا زالوها ، بدن تا اندازه‌ای پهن؛ حلقه‌ها نامشخص‌اند، هریك در خارج به چندین حلقه‌کوچکتر منقسم می‌گردند، خار یا برآمدگیهای جانبی یاپاراپدی وجود ندارد؛ یك مکندهٔ‌بزرگ درعقب وغالباً یك مکنده‌کوچکتر نیزدرانتهای قدامی دارند؛ سلوم‌کوچك وتحلیل رفته است؛ هرمافرودیت هستند؛ درآبهای‌شور وشیرین‌یاروی زمین بسرمی‌برند؛ مانند: هیرودو Hirudo و ماکروبدلا Macrobdella .

سیپونکولوئید

Sipunculoidea

شاخه‌ای از جانوران ، بدن باریك و به‌شکل‌کدو وبسیار قابل انقباض انتهای باریك به‌طرف داخل قابل‌کشیده شدن است، شاخکهای توخالی‌کوتاهی‌در اطراف دهان دارد. تقسیمات حلقه‌ای یا خار وجود ندارد ؛ لولهٔ هاضمه باریك مارپیچی است. مقعد در قسمت پشتی در قاعدهٔ تو رفتگی است ، سلوم بزرگ و بدون تقسیم ، مژکدار، محتوی خون و گلبول است ؛ عقدهٔ عصبی قدامی پشتی و رشتهٔ‌عصبی بطنی‌است؛ جنسهااز یکدیگر متمایزند ، دریایی‌هستند. مانند: سی‌پونکولوس Sipunculus وفاسکولوزوما Phascolosoma .

پریاپولوئید

Priapuloidea

شاخه‌ای‌ازجانوران، انتهای قدامی



اکتوپوس



کرم نرئیس

بدن دارای توکشیدگی است که در آن ردیفهای خار بطور طولی وجود دارد ؛ بدن باریکترو دارای خطوط عرضی (صاف یا بدون تقسیم) می‌باشد ؛ لولهٔ هاضمه مستقیم است؛ مقعد در انتهای خلفی بوسیلهٔ لوبهای برانشی احاطه شده است؛ سلوم بزرگ است ؛ بالغ آنها فاقد دستگاه گردش خون و نفریدی و اندامهای حس می‌باشد، جنس ازهم‌مجزا ودریایی هستند. مانند: پریاپولوس Priapulus .

اکی اورو ئید

Echiuroidea

شاخه‌ای از جانوران ، انتهای بدن دارای خرطوم غیر قابل انقباض، ناودانی شکل که به دهان ختم می‌گردد ، روده مارپیچی، مقعد در انتهای خلفی و به آن دو کیسه مقعدی متصل می‌شود ، دستگاه گردش خون از عروق پشتی وشکمی تشکیل می‌گردد ، یك تاسه جفت نفریدی و یك جفت خار شکمی بزرگ در زیر دهان است. بالغ آن حلقه حلقه نیست، لاروها پانزده اثر حلقه یا بند دارند؛ یك جنسی ودریایی. مانند، اکی اروس Echiurus و اورکیس Urechis .

بندپایان

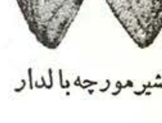
Arthropoda

جانوران بندپا، بدن بطور مشخص از سر، سینه وشکم ومجموعاً ازقطعات و حلقه های مشابه یا نامشابه که ازیکدیگر جدا یا بهم جوش خورده‌اند، درست می‌شود؛ چهار جفت یا بیشتر ضمایم مفصلی دارند. اسکلت برونی ، کیتینی وتمام قسمتها را می‌پوشاند، و پوست اندازی به تناوب صورت می‌گیرد؛ لولهٔ هاضمه کامل ومستقیم است. سلوم کوچك و تحلیل رفته، وفضاهای بدنی یك هموسل تشکیل می‌دهند؛ قلب در پشت، تنفس با برانشی ، نای و یا ششها است؛ مغز در قسمت پشتی ورشتهٔ عصبی درقسمت شکمی وزوج و دارای عقده‌هایی در هر حلقه است که ممکن است درناحیهٔ جگر متراکم باشد ؛ جنسها معمولا متمایزند؛ خاکزی یا آبزی هستند ، زندگی آزاد دارند، هم‌خوراك یاهمسفره یا انگل هستند، وبه هفت‌رده تقسیم می‌شوند :

۱ ـ سخت پوستان	Grustacea
۲ تریلوبیت	Trilobita
۳ ـ حشرات	Insecta
۴ ـ عنکبوتان	Arachnida
۵ ـ هزارپایان	Myriapoda
۶ ـ دیپلوپود	Diplopoda
۷ ـ اونیکوفور	Onychofora



شیرمورچه بالدار



شیرمورچه



میکال



تریلوبیت

سخت پوستان .

از بندپایان ، دوجفت آنتن ، یك جفت فك اسفل ودوجفت فك اعلی دارند؛ بدن غالباً دارای یك سپر یا کاسه سنگ درپشت است، ویك دم نیز به آخرین حلقه شکم ختم می‌شود؛ بعضی ازضمایم دوشاخه؛ تنفس معمولا بوسیلهٔ برانشی صورت می‌گیرد؛ بیشتر آبزی هستند. مانند : دافنی Daphnia، کك آبی Water flea کشتی چسب Balanus ، خرچنگ آب شیرین Crayfishes .

تریلوبیت .

از بند پایان فسیل است. مانند ؛ تریارتروس Triarthrus .

حشرات .

ازبندپایان ، بایك جفت آنتن و سر، سینه وشکم مشخص؛ سینه دارای سه جفت پا ودو جفت بال ، بیشتر خاکزی هستند . مانند :

ملخ Grasshopper ، مگس Musca وزنبور عسل Apis .

عنکبوتان .

از بندپایان بوده ، آنتن ندارند ، بدن ازسرسینه وشکم تشکیل شده ، شش جفت ضمیمه دارند ، یك جفت کلیسر و یك جفت پای آرواره‌ای وچهارجفت پا برای راه رفتن دارند، بیشتر زمینی. مانند: عنکبوت Spiders ، کـژدمها ـ Scorpions ، کرم ریز Mites کنه ها Ticks ، عامل جرب Sarcoptes .

هزارپایان .

از بندپایان، بدن شامل دوقسمت ؛ سر دارای یك جفت آنتن ، یك جفت ماندیبول ویك یادوجفت آرواره است ؛ یك یا دوجفت پا درهرحلقهٔ بدن می‌باشد.

شامل دو زیر رده می‌باشد :

۱ ـ کیلوپود .
۲ ـ دیپلوپود .

دیپلوپود

Diplopode

زیر ردهٔ هزار پایان . بدن دراز ، استوانه‌ای ؛ یك جفت آنتن دارند؛ سینه از چهار حلقه ترکیب می‌شود که هریك دارای یك جفت پااست ؛ شکم ازبیست یا بیشتر از صد جفت حلقه تشکیل می‌یابد کـه هریك دارای دو جفت پا هستند ؛ خاکزی می‌باشند . مانند :

ژولوس Julus ، اسپیروبولوس ـ Spirobolus .

کیلوپود

Chilopoda

از هزارپایان ، شکل دراز، سست وشل است، بیشتر دارای یك جفت آنتن است ، بدن از ۱۰ تا ۱۳۷ حلقه ترکیب میشود که هریك دارای یك جفت پاهستند؛ خاکزی‌اند . مانند :

لیتوبیوس Lithobius، اسکولوپاندرا Scolopandra .

اونیکوفور .

از بندپایان ، درازند ، سرندارند، ولـی انتهای قـدامی دارای آنتن‌های کوتاه وبرآمدگیهای کوچك دهانی است؛ بدن تااندازه‌ای استوانه‌ای وبدون تقسیم یا بدون حلقه است ؛ ۱۵ تا ۴۳ جفت پاهای بدون بند وکوتاه وکلفت دارند؛ خاکزی‌اند . مانند :

پریپاتوس Peripatus

عنکبوتان دریایی

Sea spiders

از بند پایان ، اندازهٔ آنها کوچك یا بسیار کوچك؛ بدن کوتاه، نازك؛ ازهفت جفت ضمایـم چهـار جفت پـای دراز ونازك است؛ دریایی می‌باشند. مانند ؛ پیکنوگونوم Pycnogonum .

پنتاستومید

Pantastomida

از بندپایان ،کرمی شکل ، نرم ، صاف یا بدون حلقه‌اند، ولی شکم حلقه‌ـ دار است؛ دوجفت ازقلابهای شکمی پهلوی دهان است؛ انگل مهره داران‌اند. مانند: لینگواتولا Linguatula وپوروسفالوس Porocephalus .

تاردیگراد

Tardigrada

از بندپایان، درازی تا یك میلیمتر، بدن استوانه‌ای و بدون حلقه و چهار جفت پاهای بدون بند یا مفصل کوتاه و کلفت با پنجه یاچنگك، درباتلاقها یا آبهای شیرین بسر می‌برند. مانند: اکی نیسکوس Echiniscus .

هزارپایان باغ

Garden Centipede

ازبندپایان، کوچك تاشش میلیمتر، باریك وسفید بدون چشم هستند؛ بالغ دوازده جفت پادارد، بعلاوه ضمایمی درسردارند که شامل آنتنها نیز می‌باشد؛ درجاهای مرطوب بسرمی‌برند. مانند: اسکوتی گرلا Scutigerella.

پوروپود

Pauropoda

از بند پایان ، بسیار کوچك، بدن استوانه‌ای وازیازده تادوازده حلقه ترکیب می‌شود نه تا ده جفت پا وشش صفحه خلفی

دارند؛ درجاهای‌مرطوب زندگی‌می‌کنند. مانند: پوروپوس pauropus .

مهره داران

Chordata

از جانورانی که دریك مرحله یادر سراسر زندگـی دارای قسمتهای زیر می‌باشند :

الف- یك‌ستون مهره‌ای نخستین‌بنام نوتوکورد .

ب - یك رشته‌عصب‌لوله‌ای درپشت.

ج - شکافهای تنفسی یا برانشی‌زوج میان حلق وناحیهٔ خارج .

به‌دودسته تقسیم میشوند :

۱ - بی‌سران	Acrania
۲ - جمجمه داران	Craniata

بی‌سران .

از مهره‌داران ، فکها، مهره‌ها یـا ضمایم زوج ندارند و به سه‌گروه تقسیم می‌شوند :

۱ - نیمه‌مهره‌داران	Hemichordata
۲ - اوروکورداتا	Urochordata
۳ -سفالوکورداتا	Cephalochordata

نیمه مهره‌داران .

یاکرمهای زبانی شکل،از بی‌سران بوده، انتهای قدامی معمولادارای‌خرطوم گوشتی وگریبان است نوتوکورد درجلو کوتاه بوده ، بافت عصبی پشتی و شکمی هردو در اپیدرم می‌باشند ، بسیاری از آنهاشکافهای تنفسی دایمی‌دارند ودریایی می‌باشند. مانند :

بالانوگلوسوس Balanoglossus ساکوگلوسوسSaccoglossus وسفالود - یسکوس Cephalodiscus .

اوروکورداتا .

ازبی‌سران ،کورداتای دریایی‌اولیه که دارای‌پوشش‌سختی‌هستند، لاروکوچك شبیه‌لارو قورباغه ؛ بـا شکافهای تنفسی ، دارای نوتوکورد ، ورشتهٔ عصبی در دم، شکل‌بالغها لوله‌ای،کروی یانامنظم واز پوستی سخت و شفاف پوشیده شده‌اند . شکافهای تنفسی‌زیاد،دستگاه عصبی‌کوچك وتحلیل رفته ودریایی هستند وبه‌سه رده تقسیم می‌شوند :

۱-آپاندیکولاریا	Appendicularia
۲ - اسیدیها	Ascidians
۳ - تالی‌آسته	Thaliacea

آپاندیکولاریا .

از اوروکورداتاها ، هر یك‌بشکل لاروهای‌کوچك و مقاوم ومجزا هستند و مستقلا شنامی‌کنند . نوتوکورد ، و رشتهٔ عصبی ودوشکاف تنفسی‌دارند. پوست‌آنها سخت‌ودایمی‌نیست.مانند؛ آپاندیکولاریا.

اسیدیها .

از اوروکورداتاها، اندازه و شکل مختلف ، منفرد یا دسته جمعی ، پس از دگردیسی، دم ، رشته عصبی و نوتوکورد ازبین‌می‌روند و بصورت یك‌عقده تحلیل می‌یابند ولـی شکافهـای تنفسی بسیاری باقی‌میماند قشر سخت بخوبی نمومی‌کند ودایمی‌می‌شود.مانند؛سیوناCionaمولکول Molgula وبوتری-لوس Botryllus .

تالی‌آسته .

ازاوروکورداتاها، اندازه‌مختلف ، بالغ آنها دارای زندگـی مستقل ، قشر سخت دایمی و دارای نوارهای عضلانی حلقوی. مانند؛ سالپا Salpa ، دولیولوم Doliolum .

سفالوکورداتا .

ازنیمه‌مهره‌داران‌بوده، بدن‌کوچك، باریك ، دراز (ماهی‌شکل) بطورمشخص قسمت‌قسمت؛ نوتوکورد ورشتهٔ عصبی در تمام طول بدن‌کشیده می‌شود و شکافهای تنفسی بسیاری در داخل یك محفظه‌جای دارند وهمه دایمی هستند مانند : برانکیوستومـا Branchiostoma ، آمفیوکوس Amphioxus .

جمجمه‌داران .

از مهره داران ، دارای جمجمه ، قوسهای احشایی، ستون نخاعی‌ومهره‌های جداگانه ، در اشکال پست‌تر غضروفی و عالیتراستخوانی، نوتوکوردازدم تاقاعدهٔ جمجمه ادامه دارد، انتهای قدامی‌طناب عصبی به‌مغز ختم‌می‌شود،ناحیه سر،دارای اندامهای حسی‌زوج، مجاری نیمدایره‌ای برای حفظ تعادل بدن دارند . دستگـاه گردش خون‌بسته، دارای قلب‌دو تاچهار محفظه‌ای وگلبولهای قرمز درخـون ، به دوگروه تقسیم می‌شوند :

۱ - بی‌آرواره‌ها.	Agnatha
۲ - مهره‌داران فك‌دار .	

بی‌آرواره‌ها .

از مهره‌داران، بی‌فك، آرواره‌های حقیقی یاضمایم زوج ندارند وبه دو رده تقسیم می‌شود :

۱ - ماهیان‌زره‌دار	Ostracodermi
۲ - دهان‌گردان	Cyclostomata

ماهیان‌زره‌دار.

از مهره‌داران بی‌آرواره، سروبدن از فلس‌های بزرگی‌که غالباً بصورت یك پوشش سرو سینه‌ای بهم‌جوش خورده‌اند. پـوشیده شده . مـانند : سفالاسپیس Cephalaspis، پترولپیس Pterolepis.

دهان‌گردان

از مهره داران بی‌آرواره یا بدنی استوانه‌ای، باریك، فقط دارای پرکهای میانی، پوست صاف‌وبدون فلس، قلب دو خانه‌ای، آبزی ، دهان مکنده ، دندانها شاخی، بینی آنها یك سوراخ دارد. ۶تا ۱۴ جفت‌کیسهٔ تنفسی دارندکه درپهلوی بدن آنها بازمی‌شود مانند : پترومیزون Petromyzon ، ماهی‌دراز Lamprey و میکزین Myxine

مهره‌داران فك‌دار.

یك جفت از قـوسهـای احشایـی بصـورت فکهـای جـونـده تغییرشکل می‌یابد، دوکپسولی‌یالولهٔ بینی،سه جفت مجاری نیمدایره ، ضمایم زوج (پرك یا اندام) جنسها ازیکدیگر متمایز، به دو گروه تقسیم می‌شوند :

۱ - ماهیان	Fishes
۲ - چهارپایان	Tetrapoda

ماهی‌ها.

از جانوران مهره‌دار و فك‌دار ، دارای پرکهای میانی وشعاعهای‌پشتیبان پرك، پرکها‌اغلب‌زوجند، پوست‌دارای‌فلس، محتوی مواد آهکی ،کپسول‌بینی‌به‌دهان مربوط نمی‌شود . قلب دارای‌یك دهلیز، تنفس بابرانشی‌صورت می‌گیرد وبه‌سه‌رده تقسیم می‌شوند :

۱ - پلاکودرمها	Placodermi
۲-ماهیان‌غضروفی	Cartilaginous
۳- ماهیان‌استخوانی	Osteichthys

پلاکودرمها.

از مـاهیان با فك‌های ابتدایی و استخوان لامی غیر اختصاصی، یك شکاف تنفسی کامل بدون خلل وفرج ، پـرکها زوج‌ومتنوع ، پوشش‌بدن از فلس‌یا صفحه استخوانی ، اسکلت‌استخوانی . مانند : کلیماتیوس Climatius ،آکانتودیان Acanthodian ، پترایکتیودس Pterichthyodes

ماهیان غضروفی .

از ماهیان بـا اسکلت غضروفی و نوتوکوردمقاوم ، پوست‌پوشیده‌ازفلسهای پهن بیشتر دریایی .

مانند: ماهی‌کوسه Shark ، ماهی چهارگوش Ray و سفره‌ماهی .



سفره‌ماهی



ماهی‌پولاد



ماهی‌تاس



شاه‌ماهی



شمشیرماهی



گاوماهی



ماهی‌برقی



ماهی‌پرنده

ماهیان استخوانی

از ماهیان ، اسکلت کم و بیش استخوانی ، دهان درانتها ، برانشی‌هااز سرپوش‌پوشیده، فلس‌هاشبیه‌دایره. مانند: سگ ماهی Sturgeon ، قزل‌آلا ، آزاد Saumon، خاردارPerch ، ماهی‌ریه‌دار Lungfish .

انواع ماهی‌ها

اره‌ماهی Poisson Scie

گونه‌ای از ماهی‌های سلاسین است که دارای اسکلت غضروفی میباشد .این ماهی دارای جثه‌ای بزرگ بوده وجزء سفره ماهی‌ها است .

اژدر ماهی Torpille

از ماهی‌های پهن است که دارای اسکلت‌غضروفی ودستگاه‌مولدالکتریسیته است . در طرفین سراین جانور دو عضو کلیوی شکل دیده میشودکه از صفحاتی مشابه پیل‌ولتا تشکیل شده که‌دریك سو دارای الکتریسیته منفی ودرسوی دیگر دارای الکتریسیته مثبت است. این‌ماهی در سواحل اقیانوس اطلس فراوان دیده میشود .

پروانه‌ماهی Heros Facetus

قداین ماهی تا ۱۶ سانتیمترمیرسد برنگ‌های سبزو قهوه‌ای مایل به‌زرد با خط‌های سیاه دیده میشود (وجه‌تسمیه) . گونه‌ای از ماهی‌های استخوانی است که که باله دمی‌گرد وقرمز رنگ وباله‌های سینه‌ای‌پهن‌دارد . این‌ماهی دررودخانه‌ها و دریاچه‌های آمریکای جنوبی زندگی میکند .

پولادماهی Borbus pulatmai

از انواع ماهی‌های‌دریای خزرکه‌از ماهی‌های استخوانی است .

تاس‌ماهی Esturgeon

گونه‌ای‌ماهی‌غضروفی وازگانوئیدها است . دارای جثه‌ای بزرگ بدرازای‌تا ۶ متر ووزن تا ۵۰۰ کیلوگرم است . برای‌تخم‌گذاری‌ازدریا برودخانه‌میرود. گوشتش لذیذ است و بمناسبت خاویاری که‌ازآن بدست میآید ماهی خاویار نیز گفته میشود . ازجدار مثانه شنای این ماهی سریشم ماهی تهیه میشود . ماهی خاویار دردریای خزر فراوان است .

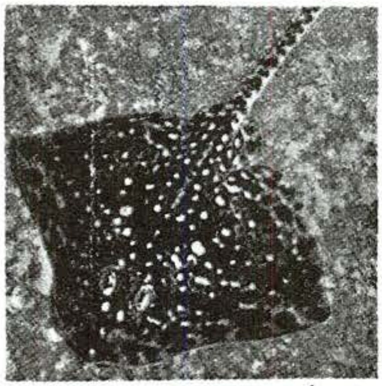
چلچله‌ماهی Polycanthe

مخصوص دریاچه‌های چین و مالزی است . قدش تاشش سانتیمتر و شکل‌دم و باله‌های شنای‌این ماهی شبیه پرستواست.

گونه‌ای ازماهی‌های استخوانی واز دسته آکانتوپتریژین‌ها است . ماهی‌نر با آب دهانش حبابهایی ازهوا در تـه‌آب میسازدکه ماهی ماده درآن‌ها تخم‌ریزی میکند . ۶۰ ساعت‌بعدنوزاد ازتخم‌خارج میشود . این ماهی‌گوشتخوار است .

خورشیدماهی Aureus

گونه‌ای ماهی استخوانی بـطول تا ۱۵ سانتیمتر وبرنگ‌های‌درخشان قرمز و طلایی دیده میشود (وجـه‌تسمیه) در رودها و دریاچه‌های آمـریکای شمالی زندگی میکند .



سفره‌ماهی Raie

سردسته‌سفره‌ماهی‌ها وازراسته‌سلاسین‌ها است .این حیوان روی شن‌های کف‌دریا میخوابد وبوسیله حرکات موجی باله‌شنا برمیخیزددرشنا دارای سرعت‌زیاداست .

سگ‌ماهی Requins

تیره‌ای از سلاسین‌هاکه جانورانی چابك وگوشتخوار وعظیم‌الجثه میباشند. اسکلت بدن این‌ماهی‌ها منحصراًغضروفی است .

شاه‌ماهی Rouget

از راسته تله‌اوستئن‌هاکـه در فك پایین دارای دوزایده ریش مانند است . این‌ماهی‌دریازی‌دارای اسکلت‌استخوانی و رنگ متمایل به قرمز ونقاط تیره در پهلوها ویك سطح‌تیره درپشت است .

شك ماهی Clupea Caspia

از راسته تله اوستئن‌ها ودر دریای خزر فراوان است .

شمشیرماهی Espadon

از راسته تله‌اوستئن‌ها که طولش‌تا پنج‌متر میرسد . قسمتی از استخوان فك بالای این‌ماهی طویل‌شده وبشکل‌شمشیر درآمده (وجه‌تسمیه). این‌ماهی‌استخوانی ودریازی‌بوده‌واز زائده‌شمشیرمانند، فك بالایش‌جهت‌دفاع‌استفاده‌میکند.این‌جانور سیف‌ماهی وماهی طلایی‌نیز نامیده‌میشود.

شیرماهی Cailleu – tassart

ازراسته‌تله‌اوستئن‌هاودر خلیج‌فارس صید میشود، دارای اسکلت استخوانی‌و قدی‌کوتاه میباشد .

گاو ماهی Gobie

ماهی استخوانی است واکثر انواع آن در رودخانه زندگی میکنند . ایـن ماهی ازتیرهٔ سیپرینیده‌هاو به‌ماهی سیاه رودخانه مشهور است .

ماش‌ماهی Aspius

از ماهی‌های استخوانی و از تیرهٔ سیپرینیده‌هاودر دریای‌خزرفراوان‌است. باله شنای پشتی‌کوتاه و نوك تیز وبدنی کشیده دارد .

ماهی‌آزاد Saumon

از ماهی‌های استخوانی واز راسته تله‌اوستئن‌هااست. کیسه‌هوایی شنابامری مربوط است، در دریاهای سرد و معتدل نیمکرهٔشمالی زندگی میکند ودر دریای خزرنیزوجوددارد. این‌ماهی ازحیوانات کوچك تغذیه میکند و فلس‌دار وحلال گـوشت است ، خوش هیکـل و زیبا و قدش تا دومتر میرسد این ماهی درآب شیرین تخم‌ریـزی و در آب‌شور زندگی میکند . یك‌ماهی آزاد ماده ۲۰ تا ۳۰ هزار تخم‌میریزد ویك هفته‌بعد نوزادها ازتخم خارج میشوند بچه‌ها تا دوسالگی در رودخانه باقی میمانند وبقیه زندگی رادر دریا میگذرانند .

ماهی‌برقی Gymnote

از ماهی‌های استخوانی راسته‌تله ـ اوستئن‌ها که شبیه مار ماهی است ، طول بدنش‌تا ۲ مترو $\frac{۴}{۵}$ آن دم‌است ودارای یك‌دستگاه مولدالکتریسیته میباشدکه‌تا ۸۰۰ ولت اختلاف پتانسیل دارد .

ماهی‌پرنده Exocet(poisson volant)

از ماهی‌های استخوانی فاقدکیسه هوایی یادارای کیسه هوایی تحلیل رفته است که به مری آنها ارتباطی ندارد . در دریاهای‌گرم زندگی میکنند ودارای باله‌های سینه‌ای بزرگ است‌که جانور بکمك‌آنها تاپنج متراز سطح‌آب ارتفاع میگیردو تاصدمتر پرواز میکند وباین وسیله ازدشمنان خود فرارمیکند.

ماهی‌جنگی Betta pugnax

از ماهی‌های استخوانی‌که قدش تا

۸ سانتیمتر و دارای باله‌شنای پشتی باریك است که بین هفت تاده تیغه استخوانی دارد. باله‌دمی بادبزن و اندام رنگارنگ دارد. درآبهای سوماتر، برنئو وجاوه و هندوستان زندگی میکند. درسیام آنرا تربیت کرده و جنگ آنرا با ماهیان دیگر نمایش میدهند.

ماهی حلوا Stromatée

ماهی استخوانی ازدسته آکانتوپتریژینها که در خلیج‌فارس فراوان‌است.

ماهی حمد Holacanthe

از ماهی‌های استخوانی از راسته تله‌اوستئن‌ها است. دارای سری زرد و پیشانی قهوه‌ای وبدنی آبی‌رنگ ومخطط است. این ماهی درخلیج‌فارس فراوان است.

ماهی حوض Carassin

ماهی استخوانی ازراسته‌تله‌اوستئنها برنگ‌های قرمز، طلایی، مایل به‌سفید که‌طولش تا ۲۰ سانتیمتر میرسد.

ماهی خار Baliste

ماهی‌استخوانی ازراسته تله‌اوستئنها که به‌محاذات بالهٔ شنای پشتی ودر جلو چندتیغهٔ استخوانی نوك‌تیز خارماننددارد (وجه تسمیه). فاقد باله شکمی است و روی دم وکمرش خطهای آبی دارد، گونه‌ای دیگر بنام ماهی خاردار رودخانه‌ای مخصوص رودخانه‌ها است. رنگش سبزمایل بزرد یاقهوه‌ای قرمز، طولش تا ۴۰ سانتیمتر و وزنش تا دو کیلوگرم است. در رودخانه‌های نیمکره شمالی زندگی میکند.

ماهی دراکول

ازگونه‌های ماهی خاویار و دارای پوزه‌ای باریك ودراز است.

ماهی درشت‌قنات Able

ماهی‌استخوانی‌ازتیره سیپرینیده‌ها که‌در قناتهای پرآب زندگی میکند، از فلس‌های این ماهی ماده‌ای بنام اسانس خاور تهیه میشود که ازآن مرواریدبدل میسازند.

ازحشرات ونباتات تغذیه میکند و رنگش سبزو سفید نقره‌ای است.

ماهی ریزقنات Goujon

ماهی استخوانی ازتیره‌سیپرینیده‌ها که‌قدش تا ده سانتیمترمیرسد ومخصوص قنات‌ها و رودخانه‌ها



است، کمرش قهوه‌ای خـال داروشـکـم و پهلوهایش نقره‌ای میباشند.

ماهی ریزه‌کولی Cluhea shrattus

ازگونه‌های‌شگ‌ماهی که‌قدش تا ۲۰ سانتیمترودرمرداب‌بندرپهلوی‌فراوان‌است.

ماهی ریش‌دار Barbeau

گونه‌ای ماهی استخوانی از تیره سیپرینیده‌ها که تاشش کیلوگرم وزن‌ویك متر بلندی دارد.



دوجفت رشته به‌فك بالای این‌جانور آویخته‌است (وجه‌تسمیه) این‌ماهی‌بنام ماهی سس‌نیز نامیده‌میشود.

ماهی سفید Ahlette de mer

گونه‌ای ماهی استخوانی از راسته تله‌اوستئن‌ها که گوشتش سفید وخوش‌طعم است، طولش درحدود ۵۰ سانتیمترودر دریای خزر فراوان است.

ماهی سوف Sandre

گونه‌ای ماهی استخوانی از راسته تله اوستئن‌ها کـه پوزه‌ای باریك و دو بالـه شنای پشتی دارد. وزنش تا ۱۵ کیلوگرم و قدش تا ۱/۲۵ متر میرسد، گوشت آن لذیذ و رنگش خاکستری و نقره‌ای وبیشتردرته آب زندگی میکند.

ماهی سیم Bréme

گونـه‌ای ماهی استخوانی از تیرهٔ سیپرینیده‌ها که فلس‌های درشت دارد. بدنش بیضی شکل وباله شنای مخرجیش طویل‌است. طولش‌تا ۵۰ سانتیمتروبیشتر درآبهای‌راکدرودخانه‌هازندگی میکند.

ماهی شیپ Acipenser shipa

ازگونه‌های خاویارکه دربحرخزر فراوان است.

ماهی قزل‌آلا Truite

گونه‌ای ماهی استخوانی از راسته تله اوستئن‌ها ومخصوص آب‌شیرین‌است. طول آن‌تا ۴۰سانتیمتر ورنگش تقریباً زیتونی است. دهـانش دنـدان دارد و گوشتش لـذیذ است. ماهی زرین نیز نامیده میشود.

ماهی کپور Carpe

گونه‌ای ماهی‌از راسته‌تله‌اوستئن‌ها



که در رودخانه‌ها و آبهای راکد زندگی میکند، طولش‌تا ۳۰ سانتیمترورنگش‌قهوه‌ای مایل به‌سبزاست.

ماهی کفال Muge

گونه‌ای ماهی استخوانی از راسته تله اوستئن‌ها که دراکثر دریاها زندگی میکند. فلس‌هایش گرد ودرشت وقدآن تا ۵۰ سانتیمتر میرسد.

ماهی کوله Rutilus rutilus caspicus

گونه‌ای ماهی استخوانی و شبیه به ماهی سفید است.

ماهی کوسه Carcharias

ماهی غضروفی از راسته سلاسین ها که‌بدنی‌سنگین وطویل‌دارد. حیوانی‌است درنده وگوشتخوارکـه تا ۱۳ متر طول دارد. این‌جانور در داخل دهان‌دارای دندانهای‌مخروطی نوك‌تیز وبسیاربرنده است وبه‌اکثرحیوانات‌دریایی‌وشناگران حمله میکند وقسمتی ازبدن را میبرد. شنای‌کـوسه ماهی بسیار سریـع وآرام است. گـونـه‌ای ازکوسه ماهی بطول حد اکثر ۲ متر در خلیج فارس فراوان است.

ماهی لقمه Pastenague

از اقسام سفره ماهی ودارای بدنی لوزی شکل بطول یـك متر میباشد. زایده‌ای برای‌حمله دارد ودارای‌ترشح سمی نیزهست. گونه‌هایی ازماهی‌لقمه‌در دریاهای جنوب ایران فراوان است.

چهار پایان

از مهره داران زمینی با چهار پا شامل چهار رده می‌باشد:

۱ ـ دوزیستان	Amphibians
۲ ـ خزندگان	Reptiles
۳ ـ پرندگان	Oiseaux
۴ ـ پستانداران	Mamifére

پستانداران

از چهار پایان.

بدن‌معمولا ازمو پوشیده شده‌است؛ تنفس باشش‌ها وقلب چهار قسمتی وخون گرم، ماده‌هـا دارای غده های پستانی بوده که‌شیرآن‌تغذیهٔ بچه‌هاراتأمین‌میکند.

مانند: اورنی تورنکوس_ Orni thorhynchus، کانگورو Kangoroo، ساریغ Opossum، هومو Homo، انسان Man، موش Rat، کانیس Canis، سگ Dag، اسب Harse.

پرندگان

ازچهار پایان، خون‌گرم، خاکزی یاآبزی، بدن پوشیده ازپر، اندام جلو متناسب پرواز، تنفس با شش‌ها، قلب چهارخانه‌ای دارند. مانند:

شترمرغ Ostrich، لاروس Larus مرغ‌نوروزی Gull، آناس، اردك Duck کلاغ Crow، گنجشك Sparrow.

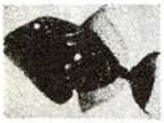
خزندگان.



حلوا ماهی



ماهی‌حمد



خارماهی



سوف ماهی



کوسه ماهی



ماهی قزل‌آلا



کانگورو

ازچهارپایان، بدن‌پوشیده ازپوست شاخی خشك ، معمولا دارای فلس یاسپر انگشتها به‌چنگال‌یاپنجه منتهی‌می‌شوند. پاها یااندامها کوچك وتحلیل رفته‌اند و پادربعضی وجود ندارند، تنفس باششها قلب چهارقسمتی وناقص وبیشترخاکزی وبعضی آبزی . مانند :

لاك‌پشت آبی **Turtle**، مارکوچك‌ـ بی‌آزار Garter snake ، الیگاتور Alligator .

دوزیستان .

از چهار پایان ، با پوست نرم و مرطوب وغده‌ای وقلب سه‌خانه‌ای. لارو‌ـ های آنها آبزی وبالغ خاکزی . مانند، سمندر Salamandre، بوفو Bufo رانا Rana ، قورباغه Frog .

نشانهٔ اخلاقی جانوران

آهو ، مظهر آزادگی وبیگناهی .
اسب، مظهرنجابت وشجاعت وهوشیاری.
باز ، مظهر چیرگی وسلطنت .
ببر ، مظهرآزار وضعیف‌کشی.
بره ، مظهر بی‌آزاری وبیگناهی .
بزغاله، مظهرشیطنت وبازیگوشی.
بلبل ، مظهر شیدایی وپاك بازی وحسن صوت.
بوتیمار ، مظهرحرص وخست.
بوقلمون ، مظهردو رنگی وبی‌ثباتی .
پرستو ، مظهربهار وفال‌نیك .
پروانه ، مظهرشیفتگی وپاکبازی.
پلنگ ، مظهر بلند پروازی و تکبر و جسارت .
جغد ، مظهر شومی و ویرانی .
خر، مظهرکودنی ونادانی.
خرس ، مظهر پرخوری ونادانی .
خرگوش، مظهرغفلت وبی‌خبری .
خروس، مظهر بیداری وشهوت ومیل.
روباه ، مظهرفریب‌وریا.
سگ ، مظهروفا.
سمندر، مظهرپاکبازی.
سیمرغ ، مظهربلند پروازی وهمت بلند ونایابی .
شتر، مظهرکینه وسرسختی وبردباری.
شغال ، مظهرتظاهر ودله‌دزدی.
شیر، مظهرشجاعت وبلندی‌طبع.
طاووس ، مظهرزیبایی .
طوطی ، مظهرتقلید وبیفکری.
عقاب ، مظهرغرور وتکبر.
کبك، خوش‌خرامی وطنازی‌وغفلت.
کبوتر، مظهرصلح وآرامش.
کرکس ، مظهرخودپسندی.
کلاغ ، مظهرقیل‌وقال وشومی.
گربه، مظهربیوفایی‌وچاپلوسی .
گرگ ،مظهردرندگی‌وتجاوزوستمگری.
لاك‌پشت ، مظهر کندروی.
لك‌لك ،مظهرشادی.
مورچه ، مظهرقناعت‌وسخت‌کوشی.
موش ، مظهرحقارت‌وموذیگری‌ودزدی.
میمون ، مظهرتقلید وشوخ‌طبعی.
هدهد ، مظهرفال‌نیك ومژده.
همای ، مظهر سعادت‌وقناعت.

جانورانی‌که نشانهٔ ملی‌کشورها شده‌اند

عقاب :


آمریکا


اندونزی


کلمبیا


آلمان


بولیوی


آلبانی


اتریش


سوریه


آرژانتین


اکوادور

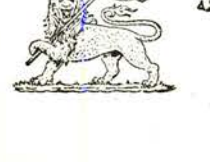

لهستان


مکزیک

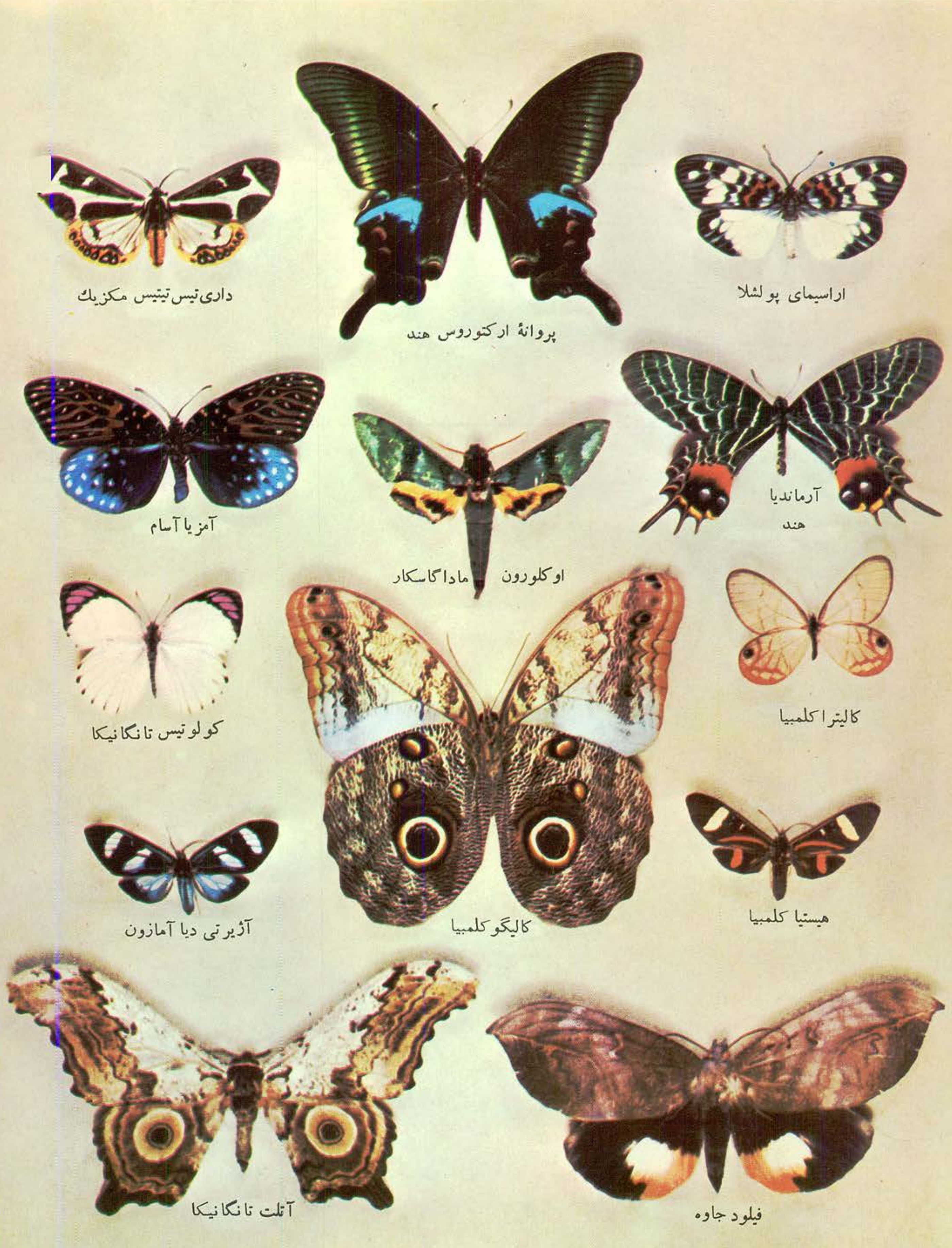
شیر :


ایران


بلژیك

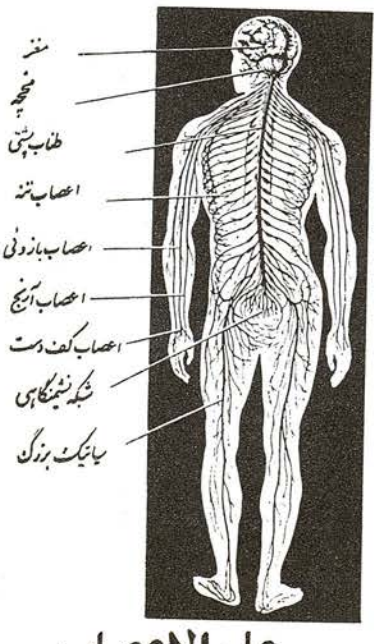

حبشه


سیمو تو
کنگو
تنو پالپوس هند
کریسیریدیا ماداگاسکار
اوسته‌رای گابون
تومانتیس هند
اوپلو گینهٔ نو
پرسی
ناتال
ترواد پریاموس هکوبا
پروانهٔ کیلدرنی کلمبیا
پروانهٔ ارلاس پرو
براهمه والیچی هند
هستیا مالاکا


داری‌تیس تیتیس مکزیك
پروانهٔ ارکتوروس هند
اراسیمای پولشلا
آمزیا آسام
اوکلورون ماداگاسکار
آرماندیا
هند
کولوتیس تانگانیکا
کالیترا کلمبیا
آژیرتی دیا آمازون
کالیگو کلمبیا
هیستیا کلمبیا
آتلت تانگانیکا
فیلود جاوه

جانورانی که تاریخی و تمثیلی‌شده‌اند :

آهو : حضرت رضاعلیه‌السلام.
اژدهای : حضرت موسی.
الاغ : ملانصرالدین.
بز: اخفش.
خر: دجال.
خر: حضرت‌عیسی.
خر: کریم شیره‌ای.
ذوالجناح : اسب حضرت امام حسین.
رخش : رستم.
روکو : خرگوش فضانورد.
سگ: اصحاب‌کهف.
سیمرغ : زال پدررستم.
شبدیز: خسروپرویز.
شتر: عایشه.
فیل: ابرهه سردار حبشی‌درجنگ مکه.
کلاغ: قابیل.
گاو: آپیس.
گرگ : یوسف.
گرگ: باروموس‌ورمولوس(بانیان‌شهررم).
لایکا : سگ فضانورد.
مار : ضحاك.
مار: حوا.
مارانگو : اسب ناپلئون.
ماهی : یونس.
ناقه : لیلی.
نانوا: میمون فضانورد.
هدهد: سلیمان.



علم‌الاعصاب

Corvoau

مغز

اسب:


اروگوئه


ونزوئلا


انگلستان.

گاو :


ایسلند.

کانگورو


استرالیا

شترکوهی


پرو.

کرکس :


شیلی .

کبوتر نامه‌بر:


لیبریا .


نروژ


هلند

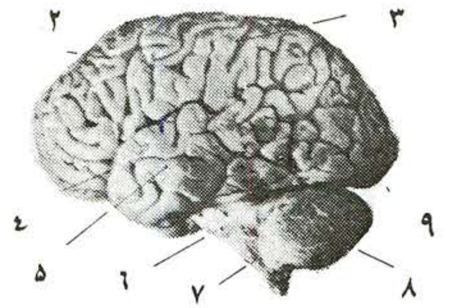

لوکزا-مبورك

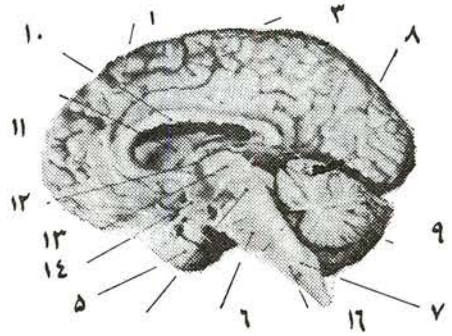

مراکش

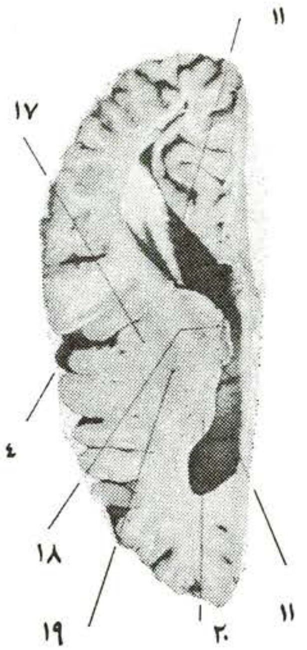

چکسلواکی


توگو


آراس







قسمت علیای انسفال و بخشی که درون جمجمه جای دارد و قسمتهای مختلف آن مطابق شکل عبارتند از :

۱ـ لوب پیشانی Lobe frontal
۲ـ شیاررولاندو Scissure de rolando
۳ـ لوب جداری Lobe parièțal
۴ ـ شیار سیلـویـوس Scissure de sylvius .
۵ـ لوب شقیقه‌ای Lobe temporal
۶ـ برجستگی Protuberance
۷ ـ پیاز مغز تیره Bulbe
۸ـ مخچه Cervelet
۹ـ لوب پس‌سری Lobe occipital
۱۰ـ جسم پینه‌ای Corps Calleux
۱۱ـ بطن جانبی Ventricule lateral
۱۲ـ سه زاویه‌ای Trigone
۱۳ـ بطن سوم 3e Ventricule
۱۴ ـ کیاسما Chiasma
۱۵ ـ پایـکهای مغزی Pedoncules cérébraux
۱۶ـ زیتون‌پیازی Olive bulbaire
۱۷ـ لوب Lobe de l'insula
۱۸ـ طبقه بینایی Couche optique
۱۹ ـ هسته عـدسی شکـل Noyau Lenticutlaire
۲۰ ـ هستهٔ دمی‌شکل Noyau caudé

اجسام نیسل Corps de nissl
ساختمانها غیر منظم و مجـزا از یکدیگر کـه در داخل سلولهای عصبی جای دارند و رنـگهای بازی را بخود میگیرند . تعداد آنها بعداز هرتحریك سلول عصبی زیادمیشود وباتحلیل سلول، کم میشود .

آستانهٔ تحریك Seuil de l'excitation
برای تحریك عصب حداقل شدتی لازم است که کمتراز آن نمی‌تواند محرك باشد وچنین شدتی برای عصب آستانـه تحریك است وبـه آن کمترین شدت یا رئوباز نیزمی گویند .

آکـون Axone
استطاله‌ای که جریانهای عصبی را از سلول عصبی بخارج میبرد .

انعکاس‌شرطی Reflexe conditionel
انعکاسی که در آن‌عامل‌معینی‌جانشین محرك اختصاصی آن انعکاس شده باشد واین‌عامل معین رامحرك‌شرطی مینامند.

برجستگی‌های‌چهارگانه Tubercules quadrijeminum
دوجفت برآمدگی دربالای پایه‌های مخی که‌قسمت‌مرکزآنها ازمادهٔخاکستری وقسمت خارجی‌آنها ازمادهٔ سفیدتشکیل شده است . قسمت قدامی باحس بینایی و قسمت خلفی با حس شنوایـی مربوط است .

پیاز مغزتیره Moelle allongée
ابتدای‌مغز تیره که مجرای اپاندیم درآن وسیع شده و وجود مراکز حسی وحرکتی سبب تغییرشکل وساختمان آن شده است ، اعصاب حسی حرکتی گردن وسر، اغلب ازآن ریشه میگیرند .

دندریت Dendrite
استطاله‌ای که تحرکات وتأثرات را بطرف جسم سلول عصبی منتقل میسازد.

رابط خاکستری Rameaux communicants gris
عقده‌های سمپاتیك رابه‌اعصاب‌مغز تیره متصل‌کرده وخود ازرشته‌های‌عصبی بدون میلین تشکیل شده است وبـه آن رشته‌های پس‌عقده‌ای نیز میگویند .

رابط‌سفید Rameaux Communicants blanchs
ازرشته‌های عصبی میلین‌دار تشکیل شده وازشاخه‌های رابط مشتق میگردد . بـه آنها رشته هـای پیش عقده‌ای نیز میگویند .

انعکاس (رفلکس) Reflexe
عکس‌العمل وپاسخی‌کـه اندامهای بدن جانوران دارای دستگاه عصبی در برابر محرك‌مخصوص خودنشان میدهند، انعکاس نامیده میشود . انعکاس‌را میتوان ساده‌ترین وطبیعی‌ترین عکس‌العمل یك عضو در برابر تحریك به‌حساب آورد . پاسخ حتمی غدد بزاقی بـه محرك حس چشایی ترشح بزاق است و جواب بدون تأخیر مردمك چشم به شدت و ضعف نور بصورت تنگ و یا گشاد شدن آن ظاهر میگردد . در عمل انعکاس اراده وتفکر هیچگونه‌دخالتی‌ندارد وپاسخ‌عضو گیرندهٔ تحریك همیشه یکسان وقابل پیش بینی است .

زردپی‌ها Tendons
زردپی‌هااز بافتهای‌پیوندی‌سخت‌است وماهیچه‌های مخطط رابه‌استخوانهامتصل میکند .

سلسله‌سمپاتیك
سلسله اعصاب غیر ارادی‌که بیشتر بکار اعمال نباتی می‌آیـد و عمل تغذیه مستقیماً تحت تأثیر این اعصاب است .

سلول عصبی (نرون) Neurone
واحد بافت عصبی سلول عصبی‌است که‌مجموعهٔ‌هسته وسیتوپلاسم‌واستطاله‌هایی است‌کـه از آن خارج میشونـد هسته و سیتوپلاسم آنهارا برحسب قرارداد جسم سلولی‌میگویند. نرون‌انواع‌مختلف‌دارد: نرونهای یك‌قطبی که‌مجموعهٔ‌استطاله‌های

آن ازیك نقطهٔجسم سلولی خارج‌میشوند **و نرون دو قطبی** که از دو نقطهٔ مقابل زائده‌های کوتاه (دندریت) و زائده‌های بلند (آکسول) خارج میشوند. **نرون‌ـ چندقطبی** که ازنقاط مختلف جسم‌سلولی زائده‌ها خارج میشوند ، **نوروگلی** که زائـده های آن باهم اختلاف ظاهـری ندارند وروابط سلولهای عصبی میباشند.

سلولهای دوقطبی .
سلول های عصبی کـه دارای یـك دندریت ویك‌آکسون هستند .

سلولهای چندقطبی .
سلول های عصبی کـه دارای چند دندریت ویك آکسون هستند .

سیناپس Synapse
کیفیت اتصال و پیوستگـی دو یـا چند یاخته عصبی به‌منظور هدایت‌جریان عصبی چگونگی انتقال جریان عصبی از یك یاخته عصبی بـه یاخته یا یاخته‌های دیگر و ادامهٔ جـریان عصبی در جهت مشخص ومعین .

طبقهٔ مشبك خارجی Plexiforme
محل پیونـد سلولهای مخروطی و میله‌ای با استطاله های صعودی سلولهای دوقطبی در شبکیه چشم .

عصب اشتیاقی Pathétque
یك جفت عصب حرکتی کـه کارش حرکت‌دادن ماهیچهٔ مورب بزرگ چشم است .

عصب‌بینایی Nerf optique
این‌دوعصب‌درمحلی‌که بنام‌کیاسمای بینایی نامیده میشود هرطرف یکدیگررا قطع‌کرده ومشترکاً به‌چشم میروند، عصب طرف راست ، قسمت خارج چشم راست‌و قسمت داخل‌چشم چپ‌را عصبی می‌کند و عصب طرف چپ ، قسمت خارج چشم‌چپ وقسمت داخل‌چشم راست‌را عصبی‌میکند. لذا هرگاه شاخه‌ای از عصب بینایی قبل ازمحل‌کیاسما آسیب ببیند ، هردو چشم نابینا میشود .

عصب پنوموگاستریك .
عصب ریـه ومعدی‌رابه‌بینید .

عصب بویایی Nerf olfactif
اولین زوج عصب کاسه سری‌کـه از سلولهای عصبی‌که درزیرمخاط شامه‌قرار دارند ، بوجود میآیـد . این‌سلولها در قسمت فوقانی جدارهای داخلی وخارجی حفره‌های بینی در پایین صفحه غربالـی استخوان پرویزنی واقعند .

عصب چهره‌ای Nerf Facial
یك‌جفت عصب‌مختلط (حسی‌وحرکتی) کـه انقباض ماهیچه‌های صورت‌را اداره میکنند ونیزشاخه‌ای حسی درمخاط‌گوش میانی ومجـرای شنوایی و شراع‌الحنك میفرستد وحساسیت آنهارا سبب میشود.

عصب حلقی ـ زبانی
Nerf glosso pharyngien
عصبی حسی‌که حس چشایی دوثلث زبان‌را به‌مراکز منتقل میکند .

عصب‌ریه معدی Pneumogastrique
یك‌جفت‌عصب‌مختلط (حسی‌وحرکتی) به‌قلب‌وشش وجگرومعده وسایراندامهای گوارشی میروند و مهمترین عصب‌پاراـ سمپاتیك محسوب میشوند .

عصب زیرزبانی Hypoglosse
یك‌جفت عصب حرکتی‌که ماهیچه‌های زیرزبان‌را تحریك میکند .

عصب سه شاخه‌ای Trijumeau
یك‌جفت عصب‌مختلط (حسی‌وحرکتی) که‌هریك سه‌شاخه دارد :

۱ـ شاخه بالایی : حسی، مخصوص پیشانی ودرون حفره‌های‌بینی وکرهٔ‌چشم وپلکها .

۲ـ شاخهٔ میانی : حسی ، مخصوص آروارهٔ بالایی وگونـه ولب بالایـی و دندانها است .

۳ـ شاخه پایینی : مخصوص‌آروارهٔ پایین و بخش پیشین زبان و ضمناً یـك شاخهٔ‌آن سبب حرکت ماهیچه‌های ماضغه وگیجگاهی وحرکات آروارهٔ پایین‌است.

عصب شنوایی Auditif
یـك‌جفت عصب حسی‌کـه احساس مربوط‌به‌شنوایی‌را ازدستگاههای‌گیرندهٔ گوش‌داخلی‌به‌مخ واحساس تعادل‌وتوازن رابه بصل‌النخاع هدایت میکنند.

غلاف‌شوان Gaine de Schwann
دنبالـه های طویل سلولهای عصبی وقتی ازمرکزاعصاب خارج میشوندغلاف نازك دیگری بنام غلاف‌شوان نیزآن را می‌پوشاند در واقع روی غلاف میلین را غلاف‌شوان‌می‌پوشاند، درفرو رفتگی‌های رانویه غلاف شوان مستقیماً روی زائده تکیه دارد .

عصب شوکی Spinal
یك‌جفت‌عصب حرکتی‌که بابخشی‌از عصب‌پنوموگاستریك‌همراه‌شده‌ماهیچه‌های حنجره وقصی‌ترقـوی ماستوئیدی را در تنفس اداره می‌کنند .

عصب محرك خارجی چشم
Moteur oculaire externe
یك‌جفت‌عصب حرکتی‌که‌ماهیچه‌های مستقیم خارجی چشم‌را تحریك میکنند .

عصب محرك مشترك چشم
Moteur oculaire commun
یك‌جفت عصب‌حرکتی‌که‌درماهیچه‌های مستقیم بالایی و مستقیم پایینی و مستقیم داخلی ومورب‌کوچك نفوذ میکنند .

غلاف میلین Gaine de myelıne
این‌غلاف مانند دانه‌های تسبیح‌دور عصب راگرفته ودرفاصله‌بین‌دانه‌ها فروـ رفتگی‌باریکی تشکیل میدهد‌که دورآن فرورفتگی غلاف‌شوان‌مستقیماً روی‌عصب چسبیده است. این فرورفتگی حلقوی را فرورفتگی رانویه می‌نامند .

قابلیت تأثر Irribtabilité
خصوصیت هرجانور درمقابل‌تحریکات خارجی‌که یکی‌از آثار حیاتی است .

باکتری شناسی

باکتریها Bacteries
موجودات‌ذره‌بینی‌که‌بواسطهٔ بیماریـ زایی مورد توجه علم پزشکی است . در این‌بخش‌برحسب حروف‌الفبا؛باکتریهای معروف آمده است .

تقسیم‌بندی باکتریها
باکتریها را به چهار طبقه تقسیم کرده‌اند :

۱ ـ اوباکتریه Eubactèriées
۲ ـ میکوباکتریه Mycobactériées
۳ ـ آلگوباکتریه Algobacteriées
۴ ـ پروتوزوئوباکتریه . Protozoobacteriées

اوباکتریه .
بدوبخش بزرگ تقسیم میشود :
۱ ـ اوباکتری آسپوروئه Eubacterie asporuées
۲ ـ اوباکتری اسپوروله Ebacterie sporlèes

اوباکتریه اسپوروئه .
به‌سه رده تقسیم میشود :
۱ ـ میکروکوکال Micrococcales
۲ ـ باکتریال Bacteriales
۳ ـ اسپیریال Spirillales

اوباکتری اسپوروله .
به‌چهار دسته تقسیم میشود :
۱ ـ باسیلال Bacillales
۲ ـ کلوستریدیال Clostridiales



استروپتوکوک



اسپریل



باسیل تیفوئید



باسیل کزاز



میکروب‌سل

۳ ــ پلکتریدیال Plectridiales
۴ ــ اسپورو ویبریونال SPorovibrionales

میکروباکتریه .
به‌دو بخش تقسیم شده است .
۱ ـ آکتینومیستال Actinomycetales
۲ـ میکسوباکتریال Myxobacteriales

آکتینومیستال .
به‌سه‌قسمت تقسیم میشود :
۱ ــ غیر مقاوم درمحیط اسیدی
Non acido - resistants
۲ ــ مقاوم در محیط اسیدی .
Acido resistants

آلگوباکتریه .
به‌سه قسمت تقسیم میشود :
۱ ــ کلامیدو باکتریال
Chlamidobactériales
۲ ــ کولوباکتریال Caulobacteriales
۳ ــ تیوباکتریال Thiobacteriales

پروتوزوئوباکتریه .
که‌یك‌بخش بزرگی بنام‌اسپیریل‌ها Spirochétales دارد .

اسپیریل Spirille
از اسپیریلها بایك‌یا دوپیچ .

استافیلوککوسها .
ازککوسها که بشکل خوشه انگور پهلوی یکدیگر قرار میگیرنـد. مانند: باکتریهای چربی .

استرپتوکوك Streptocoques
ازککوسها وبشکل دانه‌های تسبیح دنبال یکدیگر قرارگرفته‌اند .

باسیل‌ها Bacilles
ازدسته اوباکتریال‌ها بوده‌ومیکروبهایی هستندکه اندکی درازند و ممکن است دارای تاژك‌های‌گوناگون باشند. مانند: باسیل‌سیاه‌زخم، کزاز، کخ، وحصبه‌وغیره.

باکتری‌قرمز .
از باکتریهای کرموژن وبرروی‌نان مرطوب لکه‌های سرخ رنگ کاملاشبیه‌به خون میسازد .

باکتری‌کبود .
از باکتریهـای‌کرموژن و رنگ چرك‌ها را آبی میکند .

باکتریهای ترموژن .
باکتریهای گرمازا نیز نـامیده می‌شوند، موجب حرارت زیـاد میشوند بقسمی که میتوانند حرارت رابه ۹۰ درجه برسانند .

باکتریهای‌تخمیر .
که‌موجب اکسید کردن یا هیدرات کردن یا تجزیه‌کردن بعضی‌ازمواد آلی وپیچیده را بحالت مواد معدنی ساده‌از از قبیل آب و املاح و اسیدکربنیك در می‌آورند .

باکتریهای رنگ‌زا .
باکتریهای کرموژن را ببینید .

باکتریهای‌کرموژن .
باکتریهای رنگ زا نیز نامیده می‌شوند ،که از خود مواد رنگی ترشح میکنند. تعداداین‌باکتریها کم‌است. مانند: باکتری قرمز .

دیپلوکوك Diplocoque
ازککوس‌ها ودوبدو قرارگرفته‌اند مانند: مولد ذات‌الریه .

ککوس‌ها .
باکتریهایی‌که معمولا بشکل‌دانه ـ های‌کوچك‌کروی یااندك فشرده‌میباشند وهیچوقت هاك‌تشکیل نمیدهند. ککوس‌ها از دسته‌اوباکتریال‌ها هستند .

میکروککوس .
از ککوس‌ها و دارای یاخته‌هـای منفرد وپراکنده راست . مانند : باکتری‌اوره .

ویبریون Vibrion
اسپیریل‌هایی‌کـه دارای خمیدگی باشند. مانند: میکروب‌وبا .

ویروس‌ها Virus
باکتریهای‌کوچکی‌که پهناودرازای آنها به‌میکرون‌هم‌نمیرسد، بقدری‌کوچکند که‌از چینی‌های صافی میگذرند .

چند قارچ معروف

قارچها:
رستنی‌هایی بیگانـه خوارو فاقد کلروفیل که‌بحالت ساپرو فیت موادآلی در حال تجزیه میرویند و ممکن است همزیست رستنی‌های دیگر شوند . بعضی ازآنها موادمعدنی راممکن استازرمین بگیرند، ولی‌همیشه کربن‌آنها بایدازمواد اولیه دیگر تهیه‌شود .

اامیست‌ها Oomycètes
این‌قارچهاهم بوسیلهٔ‌تخم وهم‌بوسیلهٔ هاگ زیاد میشوند (گرچه اامیست‌ها به معنی قـارچهای تخم دار است) دارای انواع مختلف است .

اسکومیست‌ها Ascomycetes
قارچهایی هستندکه دارای آسك میباشند؛ آسك‌هاممکن استگاهی‌بصورت رشته‌هایی از انتهای‌کلافه قارچ بالاتر قرارگیرند وشبیه به‌کیسه نباشند. بالای بعضی ازکلافه‌های‌این قارچها قسمت‌های برجسته‌ای دیده میشودکه چندین هاگ بدنبال هم است .

امیست‌ها Omycetes
یاقارچهای‌طبقات‌عالیتریاقارچهای حقیقی،که درکلافه آنها تیغه‌های عرضی دیده‌میشود یعنی‌هریك ازرشته‌های‌آنها به بندهایی تقسیم میشود و دستگاه زایشی آن‌ها عمومـاً با کلافـهٔ رویشی‌اختلاف کلـی دارد و دستگاه زایشی آن شبیه بافت‌های نباتات‌گلدار ، ولی در حقیقت سلولهای آنها بی‌هیچ نظم‌وترتیبی پهلوی یکدیگر قرارگرفته وبافت‌نمدی‌تشکیل میدهند .

بازیدیومیست‌ها Basidiumycetes
قارچهایی‌که‌دارای پایه‌چتربه‌اشکال مختلف میباشند و دستگاه رویشی آنها کلافه‌ای است‌که زیر خاك‌گسترده‌شده و رشته‌های بسیار نازك میسازد، زیرکلاه این قارچهاورقه‌های نازکی است‌که‌آنها راهی‌منیوم گویند روی‌هی‌منیوم سلولهایی است‌که بالای آنهـا جوانه‌هایـی ساخته میشودکه بازیدی رابوجود میآورندوجه تسمیه این قارچها همین است. بازیدی‌ها دوهسته‌دارندکه باهم ترکیب شده‌تخم‌را میسازند وهاگ را بوجودمیآورند .

جاروب‌جادوگر .
قارچی‌که‌وقتی‌به درخت‌آلبالوحمله کرد،واکنش درخت این‌است که‌شاخه‌های انتهائی آنرا ریشه ریشه‌کرده و جاروب مانند میسازد .

سفیدك مو .
از قارچهایی‌کـه اوئیدیوم مونیز نامیده میشود ، از امریکا به‌اروپارسیده است .

سیفومیست‌ها .
یا قارچهای طبقات پست‌که بعلت شباهت به‌جلبك‌ها فیکومیست نیز نامیده میشوند. این‌قارچها کلافه‌ای فاقدتیغه‌های عرضی‌دارند، تکثیرغیرجنسی آنها بوسیله هاگ‌هایی انجام میگیردکه‌گاهی دارای تاژك میباشند.

کفك‌آبی .
پینسیلیکوم‌ایتالیکوم نامیده‌میشود،


یکروب‌ذات‌الریه


میکروب‌روده‌بند

ازقارچهای‌پینسیلیوم‌است عامل گندیدگی مرکبات بخصوص لیمو است .

مخمرآبجو Levure de biere

از قارچهایی کـه‌سلولهای‌بیضوی یا مدور دارند و محتوی ویتامینهای فراوان است .

میکودرما .

از لوورها ، شکل آنها کشیده و پروتوپلاسم پراز حفره‌های زیادودرسطح محیط‌مایع، پوششی‌چین‌دار تشکیل‌می‌دهد ، بعلت آنکه درحفره‌هاهوا جمع می‌شود، همیشه در سطح مایع‌باقی می‌ماند .

میگزومیستها Myxomycètes

یا قارچهای مخاطی‌غالباً روی‌چوب درحال تجزیه یـا برگ پوسیده بشکل توده‌های‌کوچك یاژله‌ای به رنگ زردیا قرمز یاسفید دیده می‌شوند این‌توده‌هارا پلاسمودمی‌گویند ، علت این نامگذاری وجود هسته‌های متعدددریك تودهٔ‌پروتو- پلاسمی است .

تاریخ‌فسیل‌شناسی

فسیل شناسی از ازمنهٔ قدیم مورد بحث‌وتوجه انسان واقع‌شده، حتی‌انسان- های دورهٔ پارینه سنگی، اکثر در صدد تجسس و تحقیق‌فسیل برمی‌آمده وآنهارا کلکسیون مینموده‌اند.عده‌ای‌دیگرازاین فسیل‌ها استفاده می‌کردند وآنهارابرای زینت‌بکار می‌بردند، این‌فسیلها که بتوسط انسان جمع‌آوری شده دراکثر غارها و مقابر فرانسه‌وبلژیك‌ومصر دیده میشود؛ مثلا : در فرانسه (ناحیهٔ آرسی‌سورکور Arcy – sur – cure)غاری است‌معروف به‌غار تریلوبیت‌که از حیث باستانشناسی اهمیت زیادی دارد . در این غار عدهٔ زیادی تریلوبیت پیداکرده‌اندکه اکثر آنها دارای دوسوراخ بوده وبرای‌زینت بکارمی‌رفته‌اند؛ این‌تریلوبیت‌هاازنواحی مختلف بوده‌است که‌توسط انسانهای‌اولیه جمع شده‌اند .

در چکوسلواك (ناحیهٔ مراوی) ، انسانی‌بنام انسان‌مراوی زندگی‌می‌کرده است، دریکی ازمقابرآنها ۶۵۰/ صدف دانتالیوم (Dentalium) پیداکرده‌اند که شبیه بگردن‌بند تعبیه‌شده‌اند .

چینی‌ها ومصریها نیز استخوانهای فسیل راجمع آوری میکردند ودر روی آنها حکاکی مینموده‌اند .

تقریباً تاشش قرن‌قبل‌از میلادمسیح، اطلاعات و اسناد درستی راجع بفسیل و علم فسیل‌شناسی دردست‌نیست، فقط‌بعضی افسانه‌هادراین باب‌گفته شده،ولی‌فلاسفهٔ قدیم‌مدارس یونان وروم، اولین اشخاصی هستندکه در موضوع فسیل وفسیل‌شناسی سخن رانده و سعی نموده‌اند تئوریهایی وضع‌کنند :

آناکسیماندر (Anaximandre) که درشش قرن قبل‌از میلاد می‌زیسته عقیده داشت: زمین‌دراثرتغییراتی بحالت‌کنونی درآمده، البته عقاید اومتکی باطلاعات فسیل‌شناسی وزمین‌شناسی بوده‌است.

فیثاغورث (Pythagore) چنـین می‌نویسد: قبول‌کنیدکه هیچ چیز دراین دنیا از بین نمی‌رود، بلکه تغییر صورت می‌دهد و باشکال دیگری در می‌آید ، کـوههای مـرتفع امروزی قعر دریا - های قدیمی می‌باشند و یافتن صدفهای دریایی دراین‌کوههادال‌براین امراست.

آمپدوکل(Ampedocle) که‌درپنج قرن قبل از میلاد می‌زیسته ، در سیسیل استخوانهای‌هیپوپوتام فسیل‌راجمع‌آوری نموده‌وتصورمی‌کرده‌است، این‌استخوانها متعلق‌بجانوران بزرگی‌بوده‌اندکه‌امروزه ازبین‌رفته‌اندوبعقیدهٔ‌او، جانوران‌تدریجاً از یکدیگر منشعب شده‌اند .

هرودت (Herodote) موقعی‌که‌از مصر گفتگو می‌کند چنین‌می‌نویسد: مصر ابتدا خلیجی بوده‌که آبهای مدیترانه وارد‌آن میشده و این‌آبها تا قلب حبشه پیش میرفته‌اند . البته یافتن صدفهای دریایی در روی کـوهها دال‌برین مطلب میباشد .

ارسطو (Aristote_) که چهارصد سال قبل ازمیلاد میزیسته، تحقیقاتی در جانورشناسی وتشریح مقایسه‌ای ورویان- شناسی‌کرده است، نامبرده عقیده دارد، که طغیان دریا در روی خشکیها باعث میشودکه فسیلها بوجـود بیایند. بعد از ارسطو دیگر علوم مورد توجهٔ رومیها نبوده است، فقط بعضی از شعرای آنها **لوکرس وهراس** راجع به‌تغییرات زمین سخن رانده‌اند .

اراتوستن (Erathosténe) که در ۲۷۶ قبل ازمیلاد میزیسته و یکـی از فلاسفهٔ‌مدرسهٔ‌اسکندریه‌بوده‌است، مینویسد که: یافتن صدفها در نقاط دوراز دریا، معلوم میداردکه تغییرات عمده در زمین روی داده‌و فکراین شخص ، شبیه بافکار علمای دینی مصری بوده است.که تصور میکردند فسیل‌های اطراف نیل در اثر طغیان و طوفانهـای پی در پی بوجود آمده‌اند .

در صورتیکه ، قدما ابداً شکی در طبیعت فسیل نداشتند و میدانستندکـه بواسطهٔ طغیان دریاها گـذاشته شده‌اند علمای قرن۱۶ تصور میکردندکه‌فسیل‌ها اتفاقاً این‌اشکال‌را بخودگرفته‌اند وآنها رابازی‌طبیعت‌میدانستند. یکی‌ازمنجمان بنام **مرکاتی** (Mercati) عقیده داردکه ستارگان درتشکیل‌فسیلها دخالت‌دارند.

فالوپ (Fallope) معتقداست‌که فسیلها در نتیجهٔ تخمیر زیـر زمینی تشکیل گردیده‌اند گرچه عموماً علمای قـرون وسطی تشکیل فسیل را درنتیجهٔ حوادث اتفاقی‌میدانند معهذا، بعضی ازدانشمندان بحقیقت فسیل پی‌برده و تشکیل آنرا بخوبی بیان‌کرده‌اند .

چنانکه پزشك وطبیعی‌دان معروف ایرانی**ابوعلی‌سینا** معتقد است، فسیلها حیوانات‌زنده‌ای‌بوده‌اندکه سابقاًدرسطح زمین میزیسته‌اند .

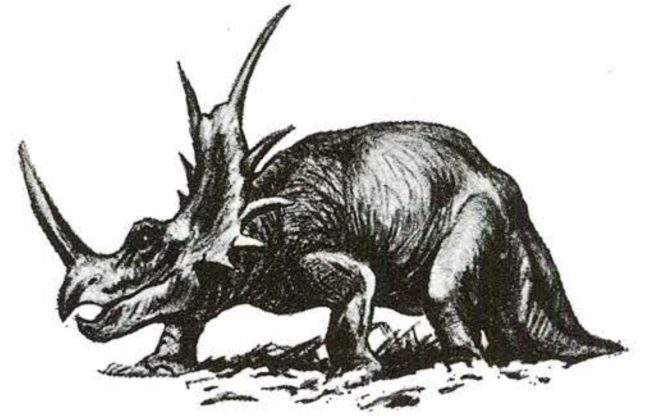
کاردان (Cardan) درسال ۱۵۵۲ اعلام‌کرد، صدفهائیکه در نواحی‌دور از دریا پیدا میشوند، معلوم میداردکه‌آن نواحی سابقاً بواسطهٔ دریا احاطه‌شده‌اند.

برنارد‌پالیسی(Barnard palissy) که‌کوزه‌گر بود در مقابل تمام علمای پاریس ادعاکردکه فسیلها بواسطهٔ بازی طبیعت درست نشده‌اند ، بلکه صدفهای فسیل صدفهایی هستندکه بواسطه دریـا گذاشته شده‌اند، وحتی جنسهائیکه‌سابقاً میزیسته‌اند، زیادتر ازامروز بوده‌اند.

ولتر(Voltaire) میگوید: زواریکه از سویس‌به‌ایتالیا میرفته‌اند، فسیل‌ها را ازکنار دریا جمع آوری‌کرده و در روی کوهها ریخته‌اند و عقیده دارد که زمین میتواند این فسیلها را ایجادکند .

بوفون (Buffon) کتابی بنام‌تئوری زمین نوشته وعقاید ولتر راسخت مـورد انتقاد قرار داده و سنگواره هارا رده- بندی‌کرده است و عقیده او بر این است که‌عدهٔ زیادی از جانوران در دورانهای گذشته درسطح زمین زیسته‌اندکه امروز بکلی از بین‌رفته‌انـد . بعد از **اوکوویه** (Cuvier) **ولامارك**(Lamarck) **وآدولف برونیار** (Abolphe Brogniart) ، این علم را تکمیل‌کردند .

مقدمه‌از: دکتر فریدون‌فرشاد



فسیل و فسیل شناسی

فسیل

آثار وبقایای‌موجودات زندهٔ‌قدیمی ونقوشی که‌از جانداران دورانهای‌گذشته زمین بـرروی سنگها و طبقات کـوهها باقی‌مانده‌وبالاخره‌تمام نشانه‌ها وآثاری که متعلق بموجودات زنـدهٔ دورانهای گذشته‌اند .

فسیل‌شناسی

دربارهٔ گیاهان وجـانورانی بحث می‌کندکه‌درسطح زمین‌زندگانی کرده‌اند و بقایای آنها در ته‌نشین‌ها دیده می‌شود واین علم بدوقسمت فسیل‌شناسی گیاهان وجانوران تقسیم میشود .

گیاهان فسیل .

به‌دودسته تقسیم می‌شوند :

۱ـ نهانزا Cryptogames
۲ـ پیدازا Phanerogames

نهانزا .

گیاهان این‌گروه به‌سه شاخه‌تقسیم میشوند :

۱ـ ریسه‌داران Thallophytes
۲ـ خزه‌ها Muscinées
۳ـ نهانزادان آوندی Cryptogames vasculaire .

ریسه‌داران .

ازنهانزاها دارای سه‌گروهند :

۱ـ جلبك‌ها Algues
۲ـ قارچها Champignons
۳ـ گلسنگ‌ها Lichens

جلبکها .

شامل چندین راسته اند :

۱ـ جلبك‌آبی Cyanophycées
۲ـ جلبك‌سبز Chlorophycées
۳ـ جلبك قهوه‌ای Phéophycées
۴ـ جلبك‌قرمز Floridées

جلبك آبی .

نوع باسیلوس‌آن فسیل است .

جلبك سبز .

دو تیره از این جـلبك هـا فسیل میباشند :

۱ـ سیفونه Siphonés
۲ـ شاراسه Characès

سیفونه‌ها .

از جلبکهای سبز دارای جنس‌های زیراند :

۱ ـ دیپلوپورا Diplopoıa
۲ـ اوولیت Ovulites
۳ـ اوته‌ریا Utéria
۴ـ آسیکولاریا Acicularia
۵ ـ لاروآریا Laıvaria
۶ـ نئومریس Néomerice
۷ـ داکتی‌لوپورا Dactylopora

شاراسه .

ازجلبکهای سبز ، فسیل در دوران سوم .

جلبکهای قهوه‌ای .

جنس مهم‌آن دیاتومه Diatomées می‌باشد .

جلبك قرمز.

مهمترین جنس آن لیتوتـامنیوم Lithotamnium می‌باشد .

قارچها .

مهمترین جنس فسیل ایـن ریسه ـ داران ؛ پرونوسپوریت، Pronosporite می‌باشد .

گلسنگها .

بحالت فسیل کمتر دیده شده‌اند .

خزه‌ها .

ازگیاهان نهانزا ، مهمترین جنس فسیل‌آن‌اسپوروزونیت Sporozonites است .

نهانزادان‌آوندی .

ازگیاهـان نهانزا و دستجات آن عبارتند از :

۱ـ دم اسبیان Equisetinéer
۲ـ اسفنوفیله Sphenophyllées
۳ـ پنجه‌گرگیان Lycopodinées
۴ـ سرخسها Filiciniées
۵ ـ سرخسهای دانه‌دار Pteridospermes

دم اسبیان .

ازنهانزادان آوندی‌که چند جنس آن معروف است :

۱ـ دم اسب Equiretum
۲ـ کالامیت Calamite
۳ـ ارکئوکالامیت Archeocalamite
۴ـ آنولاریا Annularia

اسفنوفیله

از نهانزادان آوندی جنس‌فسیل ومعروف‌آن : اسفنوفیلوم Sphenophyllum است .

پنجه‌گرگیان .

ازنهانزادان آوندی شامل‌جنسهای فسیل زیراست :

۱ـ لپیدودواندرون Lepidodendron
۲ـ سی‌ژیلاریا Sigillaria

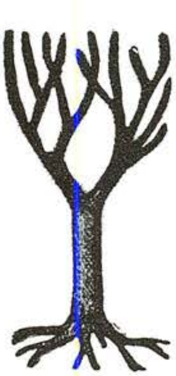
سرخسها .

ازنهانزادان آوندی شامل‌جنسهای مهم زیراند :

۱ـ اسفنوپتریس Sphenopteris
۲ـ پکوپتریس Pecopteris
۳ـ آله‌توپتریس Alethopteris
۴ـ ماریوپتریس Mariopteris
۵ـ ادونتوپتریس Odontopteris
۶ـ نوروپتریس Neuropteris
۷ـ تنیوپتریس Toeniopteris
۸ـ گلوسوپتریس Glossopteris
۹ـ گانگاموپتریس Gangamopteris
۱۰ـ سالوینیا Salvinia
۱۱ـ مارسیلیا Marsilia
۱۲ـ آزولا Azolla
۱۳ـ پیلولاریا Pilularia



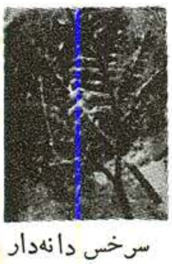
کالامیت



لپی‌دودا ندرون



زوروپتریس



سرخس دانه‌دار

پتەریدوسپرمەها Ptéridospermes
سرخس‌های دانه‌دار حدواسط گیاهان کم‌زاد و پیدازاد ، فسیل دوران اول .

گیاهان پیدازا :
این گیاهان به دو دسته تقسیم میشوند ؛
۱ ـ بازدانگان .
۲ ـ نهاندانگان .

بازدانگان .
از گیاهان پیدازا که بـه چند دسته تقسیم میشوند ؛

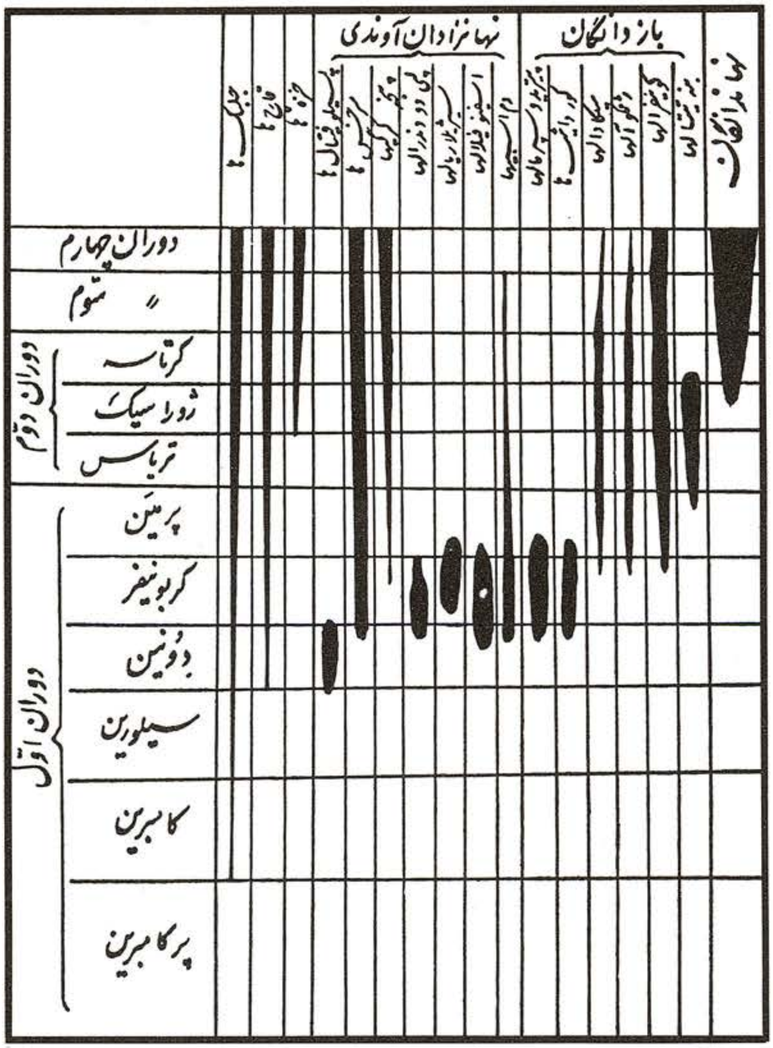
۱ ـ کوردائیت	Cordaites
۲ ـ سیکادینه	Cycadinées
۳ـ ژنگواسه	Ginkgoacée
۴ ـ ناژوئیان	
۵ ـ گنه‌تاسه	Gnetacaes

نهاندانگان .
از گیاهان پیدازا که به دو دسته تقسیم میشوند ؛
۱ ـ تک‌لپه‌ها .
۲ ـ دولپه‌ها .

تک لپه‌ها
از گیاهان نهاندانه که انواع فسیل آنها بقرار زیراست ؛
۱ ـ غله‌آسا .
۲ ـ سی‌پراسه Cyperacés
۳ ـ نخلها .
۴ ـ آلیسماسه .
۵ ـ زنبقها .

دولپه‌ها
از گیاهان نهانـدانه ، مهمترین جنسهای آن که بصورت فسیل شناخته شده‌اند ؛

۱ ـ کوپولیفر	Cupuliféres
۲ ـ سالی‌سینه	Salicinées
۳ ـ چنارها .	
۴ ـ فرفیون .	
۵ ـ گل‌سرخها .	
۶ ـ نخودها .	
۷ ـ لورینه	Laurinées
۸ ـ آمپه‌لیده	Ampèlidées



جدول نمایش تاریخ ظهور گیاهان درادوارمختلف زمین شناسی
ووسعت انتشار آنها در این دورانها

رده‌بندی جانوران
جانوران به دو شاخه بزرگ تقسیم می‌شوند ؛
۱ ـ بی‌مهرگان .
۲ ـ مهره‌داران .

بی‌مهرگان
ازجانوران که به دو قسمت تقسیم میشوند ؛

۱ ـ تک‌یاخته‌ها	Protozoares
۲ ـ پریاخته‌ها	Metazoares

تک‌یاخته‌ها
از بی‌مهرگان که بـه رده‌های زیر تقسیم میشوند ؛

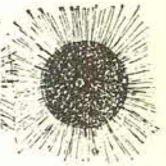
۱ ـ ریشه‌پائیان	Rhizopodes
۲ ـ خیسه‌ها	Infusoires
۳ ـ اسپورداران	Sporozoaires

ریشه پائیان
از تک یـاخته‌های جانوری که گروه فسیل آنها دودسته است ؛

۱ـ روزن‌داران	Foraminiferes
۲ ـ رخشیان	Radiolaire

روزن‌داران .
از ریشه پائیان که چندین تیره آن فسیل شده‌اند ؛

۱ ـ گرومیده	Gromidés
۲ ـ لاژه‌نیده	Lagenidés
۳ـ تکستولاریده	Textularidès
۴ ـ فوزولی‌نیده	Fusulinidés
۵ ـ اوربی‌توئیده	Orbitoidés
۶ ـ میلیولیده	Miliolidés
۷ـ نومولی‌تیده	Nummulitidés



گلوبیژری نیره

۸ـ گلوبیژری‌نیده Globigerinides
۹ـ اوربی‌توئیدیده Orbitoïdidés
۱۰ ـ روتالیده Rotalidés

رخشیان

از ریشه پائیان‌که گروههای فسیل آن بقرار زیر است :

۱ ـ اسپومه‌لر Spumellaires
۲ ـ ناسه‌لر Nassellaire
۳ ـ فئوداریه Pheodariès

پرسلوائیها

ازجانوران بی‌مهره که به‌گروههای زیرتقسیم می‌شود :

۱ ـ اسفنجها Spongiairs
۲ ـ کیسه‌تنان Coelenterès
۳ـ خارپوستان Echinodermes
۴ ـ کرمها Vermes
۵ ـ بازوپایان Brachiopodes
۶ ـ نرمتنان Mollusques
۷ ـ بندپایان Arthropodes

بریوزوئرها

Bryozoaires

ازجانوران پرسلولی‌کـه بدو دسته تقسیم می‌شوند :

۱ ــ آنتوپروکت .
۲ ــ اکتوپروکت .

اکتوپروکت.

از بریوزوئرها که بدودسته تقسیم می‌شود :

۱ ـ فیلاکتولم Phylactolemes
۲ ـ ژیمنولم Gymnoléme

ژیمنولم.

اکثر بریوزوئرهای فسیل در این دسته جای دارند :

۱ ـ سیکلوستوم Cyclostome
۲ ـ کیلوستوم Cheilostome

سیکلوستوم.

از ژیمنولم دارای جنس‌های فسیل زیر است :

۱ ـ فنستلا Fenestella
۲ ــ سریوپورا.
۳ ــ هته‌روپورا.
۳ ــ استوماتوپورا

کیلوستوم.

از ژیمنولم بوده و جنس‌های فسیل آن عبارتند از :

۱ـ مامبرانی‌پورا Membranipora
۲ ـ اسکارا Eschara
۳ ـ لونولیت Lunulites
۴ ـ سله‌پورا



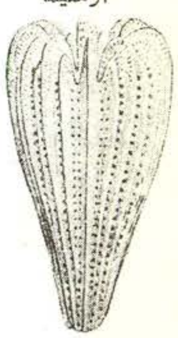
زافرانتیس



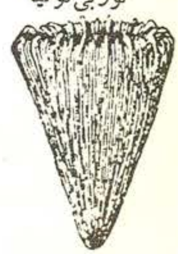
کالسولاساندلینا



اومفیما



توربی‌نولیا



اوپسامیا

۵ ـ کته‌نوستوم Ctenostomes

اسفنجها

ساده‌ترین بی‌مهرگان پریاخته‌است و انواع فسیل آنها بقرار زیرمی‌باشد :

۱ ــ آهکی
۲ـ سیلیسی

اسفنج آهکی.

گروههای‌فسیل آنها بقرارزیراست.

۱ ـ آسکون Ascon
۲ ـ لوکون Leucon
۳ ـ سیکون Sycon
۴ ـ فارترون Pharetrons

اسفنجهای سیلیسی.

گروههای‌فسیل‌آن بقرارزیراست :

۱ـ موناکتی‌نلید Monactinellides
۳ـ تتراکتی‌نلید Tetractinellides
۴ـ هگزاکتی‌نلید Hexactinellides
۵ ــ لی‌تیستیده Lithistiedes

کیسه تنان

از بی‌مهرگان پرسلولی است که انواع فسیل آن بقرار زیراست :

۱ـ ئیدرومدوز Hydromeduses
۲ ـ مرجانها Anthozoaires
۳ ـ مدوزها Meduses
۳ ـ کته‌نوفور Ctenophore

مرجانها.

از کیسه‌تنان که‌جنسهای فسیل آن بقرار زیر است :

۱ـ تتراکورالیر Tetracoralliaire
۲ـ هکزاکورالیر Hexacoralliaire

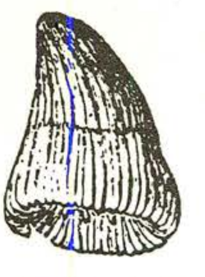
تتراکورالیر .

از مرجانها که گروههای فسیل آن بقرار زیراست :

۱ ـ زافرانتیس Zaphrentis
۲ـ سیاتوفیلوم Cyathophyllum
۳ ـ کالسئولا Calceola
۴ـ سیستی‌فیلوم Cystiphyllum
۵ـ گونیوفیلوم Goniophyllum
۶ ـ اومفیما Omphyma

هگزاکورالیر

ازمرجانها شش‌تیغه‌ای‌که مهمترین جنسهای فسیل‌آن عبارتنداز :



۱ ـ توربی‌نولیا Turbinolia
۲ ـ اوپسامیا Eupsammia
۳ـ اسفنوتروکوس Sphenotrochus
۴ ـ کاریوفیلیا Caryophyllia
۵ـ استفانوفیلیا Stephanophyllia
۶ ـ سیکلولیت Cyclolites
۷ـ تروکوسیاتوسی Trochocyathus
۸ ـ مه‌آندرینا Meandrina
۹ ـ استی‌لینا Stilina
۱۰ ـ مادرپورا Madrepora

ئیدرومدوز .



ازکیسه‌تنان که فسیل معروف آن جنس گراپتولیتها Graptolithes است.

گراپتولیت

ازئیدرومدوز که‌به دودسته تقسیم می‌شود :

۱ ـ ویرگولادار .
۲ ـ بدون‌ویرگولا Dendroides

گراپتولیت ویرگولادار .

بدودسته‌تقسیم میشود :

۱ـ مونوپریونید Monoprionides
۲ ـ دی‌پریونید Diprionides

مونوپریونید

ازگراپتولیتها که جنسهای فسیل آن‌بقرار زیراست :

۱ ــ مونوگراپتوس .
۲ ـ راستریت .
۳ ــ سیرتوگراپتوس.
۴ ــ دی‌دیموگراپتوس .

دی‌پریوئید

ازگراپتولیتها که‌جنس‌های فسیل آن بقرار زیر است :

۱ ــ دیپلوگراپتوس .
۲ ــ فیلوگراپتوس .
۳ ــ کلیماکوگراپتوس ،

گراپتولیت بدون‌ویرگولا .

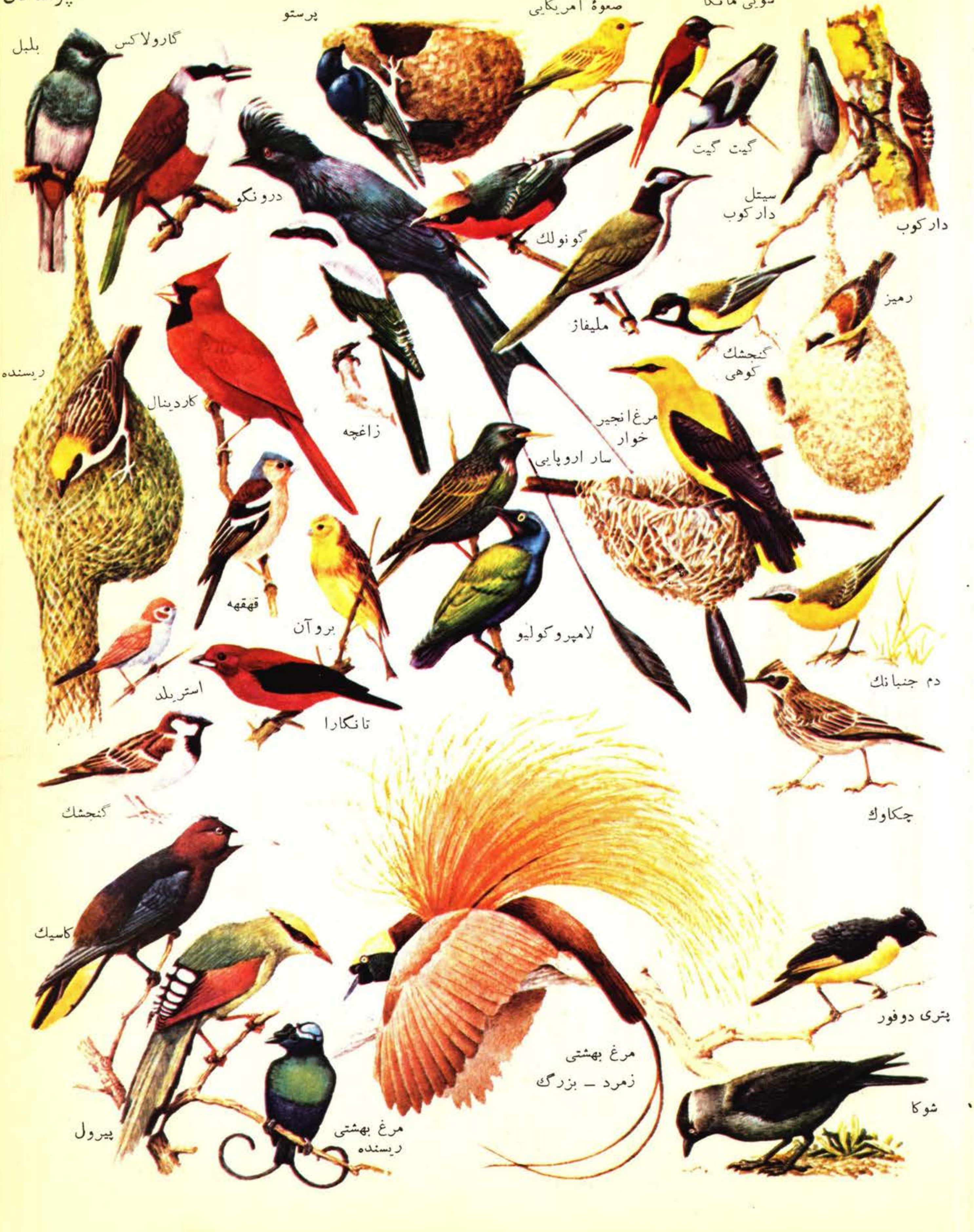
جنس مهم آن ؛ دیکتیونمـا Dictyonema است .

خارپوستان

خارپوستان

ازجانوران بی‌مهره وپرسلول‌که به

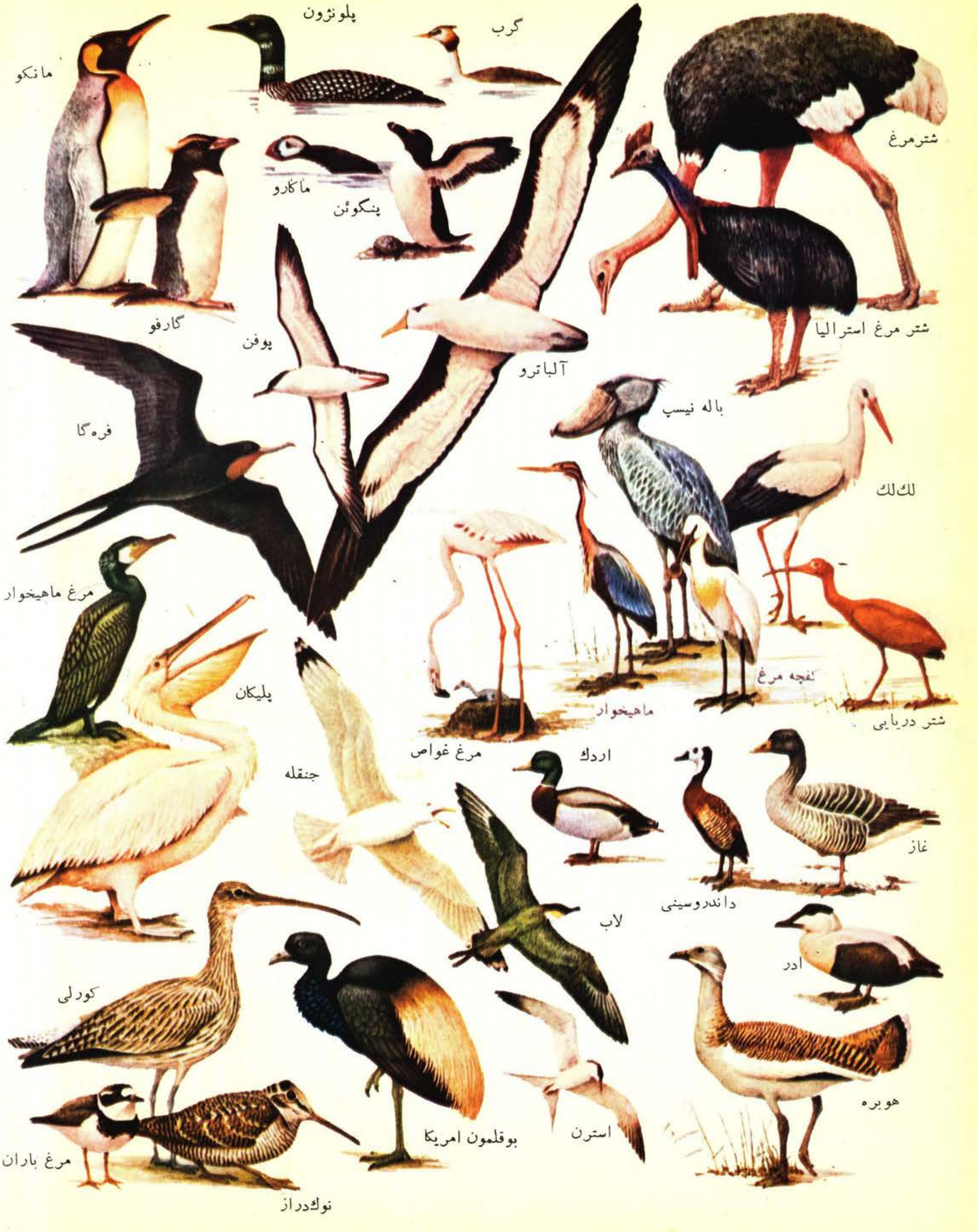
پرندگان


گارولاکس
بلبل
پرستو
صعوهٔ آمریکایی
سویی مانگا
گیت گیت
سیتل دارکوب
دارکوب
درونگو
گونولک
ملیفاژ
رمیز
گنجشک کوهی
ریسنده
کاردینال
زاغچه
مرغ انجیر خوار
سار اروپایی
قهقهه
بروآن
لامپروکولیو
دم جنبانک
استریلد
تانکارا
گنجشک
چکاوک
کاسیک
پتری دوفور
مرغ بهشتی زمرد ـ بزرگ
شوکا
پیرول
مرغ بهشتی ریسنده



مرغ چوپان فریب
مارتن آلین
روبی ـ تو پاز
مگس خوار
لسبی
اسپاتور
کولیو
هدهد
کوروکو
صیاد دریایی
لوفورنیس
نقرس پل
اوریلم
زاغ کبود
زنبور خوار
صیادآبی
موتمو
پیکوکول
کالائو
تیران
فورنیه
برو
تامنوفیل
زردك
خروس سنگلاخ
مانا کن
چیتره
مگس خوار
صعوه
تروگلودیت
شاهك
تراکه
باسترك
سینه سرخی


ژاکانا
کلنگ
هوکو
طاووس
خروس کولی
مکاپود
کبک
قرقاول
تینامو
قوش
مرغ سلطان
آبچلیك
شاهرخ
کرکس
قرقاول کاکل‌دار
عقاب
لاشخوار
کبوتر چاهی
کبوتر
لاشخور افریقا
ریشو
ژاکامار
جغد بزرگ
گراندوك
طوطی
توراکو
دارکوب
قهقهه
فاخته
توکان
جغد


مانکو
پلونژون
گرب
شترمرغ
ماکارو
پنگوئن
گارفو
پوفن
آلباترو
شتر مرغ استرالیا
فره گا
باله نیسپ
لک‌لک
مرغ ماهیخوار
پلیکان
کفچه مرغ
ماهیخوار
شتر دریایی
مرغ غواص
اردك
جنقله
غاز
داندروسینی
لاب
ادر
کورلی
هوبره
بوقلمون امریکا
استرن
مرغ باران
نوك‌دراز

دو گروه بزرگ تقسیم میشوند :
۱ ـ خارپوستان ثابت Pelmatozoaires
۲ـ خارپوستان متحرك Echinozoaires

خارپوستان متحرک .

انواع فسیل آنها عبارتنداز :

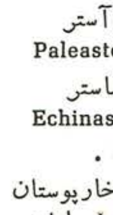


Holothurides

۱ ـ ستاره دریایی Stellérides
۲ ـ مارسانان Ophiurides
۳ ـ خیار دریایی
۴ ـ خارداران

ستاره دریایی .

ازخارپوستان‌ثابت ، جنسهای‌فسیل آنها عبارتند از :



۱ ــ پاله‌آستر Paleaster
۱ ــ اکیناستر Echinaster

مارسانان .

از خارپوستان متحرك ، فسیلهای مهم‌آن‌عبارتند از:



۱ـ اوفیورینا Ofhiurina
۲ ـ اونی‌کاستر
۳ ـ پروآستر

خیار دریایی .

از خارپوستان متحرك وانواع‌فسیل آنها بشرح زیر است :
۱ ــ سی‌ناپتید
۲ـ پلاگوتورید
۳ ــ هولوتوری‌ئیده

خارپوستان ثابت .

انواع فسیل‌آنها عبارتنداز:
۱ ــ سیستوئیدها Cystoides
۲ ـ غنچه‌سانان Blastoides
۳ ــ لاله‌وشان Crinoides
۴ ـ ستاره دریایی Stéllerides
۵ ــ مارسانان Ophiurides

سیستوئیدها .

از خارپوستان‌ثابت که انواع‌فسیل آنها عبارتند از :
۱ ــ آمفوریدها .
۲ ــ دیکوپوریت‌ها.
۳ ــ دیپلوپوریت‌ها .
۴ ــ کارپوئیت‌ها .
۵ ــ تکوئیدها.

غنچه سانان .

از خارپوستان ثابت‌که‌به پنج رده تقسیم میشوند :



۱ ــ بلاستوسیس‌تید
۲ ـ پانترامی‌تید
۳ ــ زیگوکری‌نید
۴ ـ کوداسترید
۵ ــ نوکلئوکری‌نید

لاله‌وشان .

از خارپوستان ثابت شامل چهار راسته است :
۱ ـ اسفه‌روئیدوکریناسه Sphèroidocrinacèes
۲ ـ فلکزی‌بیلیه Flexibiliés
۳ ــ ایناداونه Inadunès
۴ ــ آرتی‌کوله Arthiculès



لاله‌وش

خارداران .

ازخارپوستان که‌به‌دوگروه‌بزرگ تقسیم می‌شوند :
۱ـخارداران‌منظم Endocycle
۲ ــ خارداران‌غیر منظم Exocyle

خارداران منظم .

دارای ۷ جنس مهم فسیل است :

۱ ــ سیداریس	Cidaris
۲ ــ ترا سیداریس	Tetracidaris
۳ ــ رابدوسیداریس	Rhabdocidaris
۴ ــ ساله‌نیا	Salenia
۵ ــ همی سیداریس	Hemicidaris
۶ ــ گلیپ‌تیکوس .	
۷ـاستومه‌کینوس	Stomechinus

خارداران غیرمنظم .

دارای‌سیزده‌جنس فسیل مهم‌است :

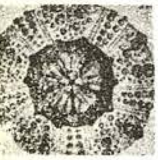
۱ ــ اکی‌نوکونوس	Echinoconus
۲ ــ هولکتی‌پوس	Holectypus
۳ ــ دیسکوئیدا	Discoidea
۴ ــ کلیپه‌ئوس	Clypeus
۵ ــ پی‌گوروس	Pygurus
۶ ــ هولاستر	Holaster
۷ــ همی‌پنوست	Hemipneustes
۸ ــ آنانکیت	Ananchytes
۹ ــ میکراستر	Micraster
۱۰ ــ توگزاستر	Toxaster
۱۱ ــ اکی‌نولامپا	Echinolampas
۱۲ ــ کلپیه‌آستر	clypeaster
۱۳ ــ اسکوتلا	Scutella



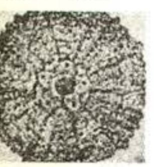
سیداریس



تتراسیداریس



همی‌سیداریس



گلیپ‌تیکوس



استومه‌کینوس



اکی‌نوکونوس



پی‌گوروس



توگزاستر

خارداران مشخص دوران دوم و سوم

خارداران منظم

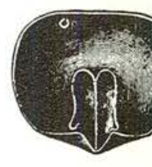
جنسها	صفات مشخص	دوره
سیداریس	هولوستوم ـ دوردیف پلمه‌انترآمبولاکر	تریاس تا امروز
تتراسیداریس	هولوستوم ـ چهارردیف‌پلمه‌انترآمبولاکر	کرتاسه
رابدوسیداریس	هولوستوم ـ دوردیف‌پلمه‌انترآمبولاکر	ژوراسیك تاامروز
ساله‌نیا	گلیفوستوم‌ـ مخرج بیرون از محور	کرتاسه تا امروز
همی‌سیداریس	گلیفوستوم‌ـ آمبولاکرابتدا نازك‌بعدوسیع	ژوراسیك‌تاکرتاسه
گلیپ‌تیکوس	گلیفوستوم‌ـ آمبولاکر نازك	ژوراسیك
استومه‌کینوس	گلیفوستوم‌ـ پریستوم بزرگ	ژوراسیك‌تاکرتاسه

خارداران غیرمنظم

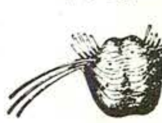
جنسها	صفات مشخص	دوره
اکی‌نوکونوس	مخرج درحاشیه ـ آمبولاکرساده	کرتاسه
هولکتی‌پوس	مخرج درزیر ـ پری‌پروکت بزرگ	ژوراسیك‌تاکرتاسه
دیسکوئیدآ	» » » کوچك	کرتاسه
کلیپه‌ئوس	» دررو ـ آمبولاکرگلبرگی‌شکل	ژوراسیك
پی‌گوروس	» درزیرـ » »	ژوراسیك‌تاکرتاسه
هولاستر	دستگاه‌اپیکال‌طویل‌مخرج‌درحاشیه‌ـقلبی‌شکل	کرتاسهٔ زبرین
همی‌پنوست	» » » » تخم‌مرغی »	کرتاسهٔ‌میانی‌وزبرین
آنانکیت	» » » درزیر »	کرتاسهٔ زبرین
میکراستر	» » مدور ـ دهان‌لب‌دار	» »
توگزاستر	» » » ـ دهان بدون‌لب	کرتاسه‌زبرین‌ومیانی
اکی‌نولامپا	آمبولاکرگلبرگی ـ مخرج درزیر ـ تخم‌مرغی‌شکل	ائوسن تاامروز
کلیپه‌آستر	» » ـ مخرج درزیرپنج گوش	اولیگوسن‌ومیوسن
اسکوتلا	» » » مدور	ائوسن تاامروز


لنگولا


کرانیا


لپته‌نا


استروفومینا


پرودوکتوس


اسپیریفر

بازوپائیان

ازجانوران پرسلولی دریایی که به دو راسته تقسیم میشوند :

۱ ــ این آرتیکوله .
۲ــ آرتیکوله.

این آرتیکوله .

از جانوران بازوپاکه جنس‌های فسیل آن عبارتند از :

۱ ــ لنگولا	Lingula
۲ ــ دیسینا	Discina
۳ ــ کرانیا	Crania
۴ ــ اوبولوس	Obolus
۵ ــ تری‌مه‌رلا	Trimerella

آرتیکوله .

از بازوپایان‌که مهمترین جنسهای فسیل آن عبارتند از :

۱ ــ اورتیس	Orthis
۲ ــ لپته‌نا	Leptaena
۳ ــ کونه‌تس	Chonetes
۴ ــ استروفومینا	Strophomena
۵ ــ پرودوکتوس	Productus
۶ ــ اسپیریفر	Spirifer
۷ ــ اسپی‌ریژه‌را	Spirigera
۸ ــ انسیت	Uncite
۹ ــ رنکونلا	Rhynchonella
۱۰ ــ تربراتولا	Terebratula
۱۱ ــ استرنکوسفالوس	Stringocephalus
۱۲ ــ پیگوپ	pygope
۱۳ ــ ماگاس	Magas
۱۴ ــ اودزیا	Eudesia
۱۵ ــ زله‌ریا	Zeilleria
۱۶ ــ اتریپا	Atrypa
۱۷ ــ تسیدا	Thecida

جنسهای مهم بازوپائیان

آرتیکوله

اورتیس	کامبرین ــ کاربونیفر
لپته‌نا	سیلورین ــ کاربونیفر
کونه‌تس	سیلورین ــ پرمین
پرودوکتوس	دونین ــ پرمین
اسپی‌ریفر	سیلورین ــ پرمین
آنسیت	دونین
رنکونلا	سیلورین‌تاامروز
تربراتولا	دونین تاامروز
استرنکوسفالوس	دونین
پیگوپ	ژوراسیك ــ کرتاسه
ماگاس	کرتاسهٔ زیرین
اودزیا	ژوراسیك
زله‌ریا	تریاس ــ کرتاسه
تسیدآ	کاربونیفر تا امروز

این آرتیکوله

لنگولا	کامبرین تاامروز
اوبولوس	کامبرین زیرین
دیسی‌نا	کامبرین تاامروز
کرانیا	سیلورین تا امروز
تری‌مه‌رلا	سیلورین

نرمتنان

ازجانوران پرسلولی، که به‌پنج رده تقسیم میشوند :

۱ ــ آمفی‌نر	Amphineures
۲ ــ ناوپائیان	Scaphopodes
۳ ــ بی‌سران	Acephale
۴ ــ شکم‌پائیان	Gastropodes
۵ ــ پابرسران	Cephalopodes

آمفی‌نر .

از نرمتنان ، مهمترین جنس فسیل آن‌کیتون Chiton است .

ناوپائیان .

از نرمتنان ، مهمترین جنسهای فسیل آنها عبارتند از:

۱ ــ دانتالیوم Dentalium
۲ ــ سیفونودانتالیوم .

بی‌سران

از نرمتنان و مهمترین راسته‌های آنها عبارتند از :

۱ ــ تاکزودونت	Taxodontes
۲ ــ هته‌رودونت	Hétérodontes
۳ ــ شیزودونت	Schizodontes
۴ ــ دیزودونت	Dysodontes
۵ ــ دسمودونت	Demodontes
۶ ــ پالئوکونك	Paléoconques

تاکزودونت .

ازبی‌سران،مهمترین فسیل‌های‌آنها عبارتند از :

۱ ــ نوکولا	Nucula
۲ ــ لدا	Leda
۳ ــ پالئونیلو	Palaeonilo
۴ ــ آرکا	Arca
۵ ــ کوکوله	Cucullea
۶ ــ ماکرودون	Macrodon
۷ ــ پکتون‌کولوس	Pectunculus

هته‌رودونت .

از نرمتنان بی‌سر ،کــه مهمترین فسیلهای آنها عبارتند از :

۱ ــ کاردی‌نیا.	
۲ ــ آستارت	Astarte
۳ ــ کاردیتا	Cardita
۴ ــ ورنه ریکاردیا	Vernericardia
۵ ــ کراساته‌لا	Crassatella
۶ ــ کاردیوم	Cardium
۷ ــ لوسینا	Lucina
۸ ــ کوربیس	Corbis
۹ ــ دوناکس	Donax
۱۰ ــ ته‌لینا	Tellina
۱۱ ــ ماکترا	Mactra
۱۲ ــ لوتراریا	Lutraria
۱۳ ــ کولته‌لوس	Cultellus
۱۴ ــ سولن	Solen
۱۵ ــ سیلیکوا	Siliqua
۱۶ ــ رودیست	Rudiste
۱۷ ــ دیسه‌راس	Diceras
۱۸ ــ روکیه‌نیا	Ruquienia
۱۹ ــ توکازیا	Toucasie
۲۰ ــ مونوپولورا	Monopleura
۲۱ ــ کاپرینا	Caprina
۲۲ ــ پلاژیوپ‌تیکوس	Plagiopticus
۲۳ ــ هیپوریت	Hippurite
۲۴ ــ پررادیولیت .	
۲۵ ــ رادیولیت .	
۲۶ ــ بی‌رادیولیت .	
۲۷ ــ اسفه‌رولیت .	
۲۸ ــ کاما .	
۲۹ ــ ایزوکاردیا .	
۳۰ ــ سیپرینا	Cyprina
۳۱ ــ سی‌ره‌نا	Cyrena
۳۲ ــ سیته‌را	Cytherea
۳۳ ــ ونوس	Venus
۳۴ ــ سیرس	Circe
۳۵ ــ تاپز	Tapese

شیزودونت .

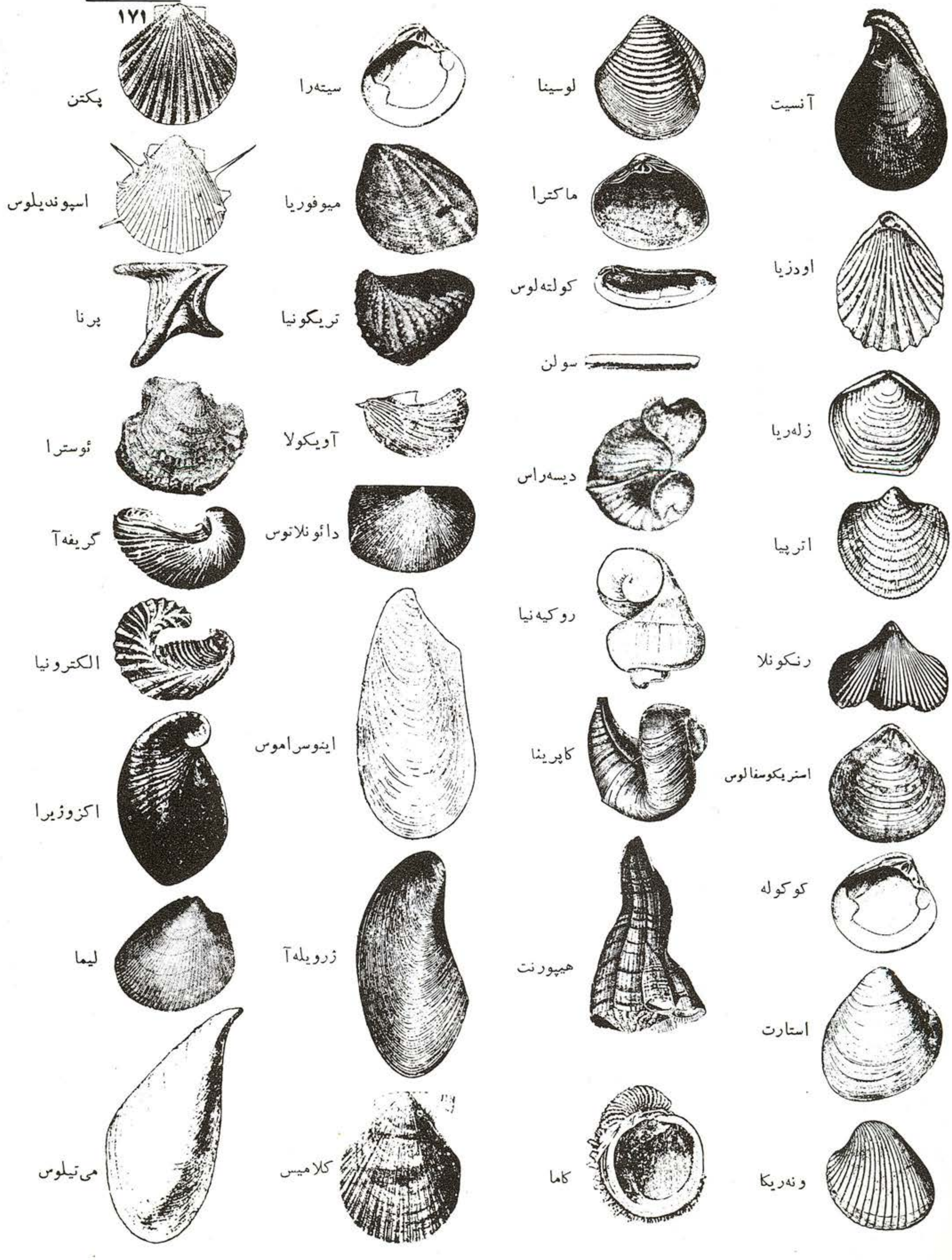
از نرمتنان بی‌سر ، جنس‌های مهم وفسیل آن عبارتند از :

۱ ــ میوفوریا	Myophoria
۲ ــ شیزودوس	Schizodus
۳ ــ تریگونیا	Trigonia

دیزودونت .

از نرمتنان بی‌سر، فسیلهای‌مهم‌آن عبارتند از :

۱ ــ کاردیولا	Cardiola
۲ ــ آویکولا	Avicula
۳ ــ دائونه‌لا	Daonella
۴ ــ پزودوموتیس	Pseudomonotis


آنسیت
اودزیا
زلەریا
اترپیا
رنکونلا
استریکوسفالوس
کوکولە
استارت
ونەریکا
لوسینا
ماکترا
کولتەلوس
سولن
دیسەراس
روکیەنیا
کاپرینا
هیپورنت
کاما
سیتەرا
میوفوریا
تریکونیا
آویکولا
دائونلاتوس
اینوسراموس
زرویلەآ
کلامیس
پکتن
اسپوندیلوس
پرنا
ئوسترا
گریفەآ
الکترونیا
اکزوژیرا
لیما
میتیلوس

Monotis	۵ ــ مونوتیس
Inoceramus	۶ ــ اینوسه‌راموس
Hoernesia	۷ ــ هرنزیا
Gervillea	۸ ــ ژرویله‌آ
Aucella	۹ ــ اوسه‌لا
Pecten	۱۰ ــ پکتن
Chlamis	۱۱ ــ کلامیس
Vola	۱۲ ــ وولا
Hinnites	۱۳ ــ هی‌نیت
Plicatula	۱۴ ــ پلیکاتولا
Spondylus	۱۵ ــ اسپوندیلوس
	۱۶ ــ پرنا
Pinna	۱۷ ــ پی‌نا
Lima	۱۸ ــ لیما
Ostrea	۱۹ ــ ئوسترا
Griphea	۲۰ ــ گریفه‌آ
Alectryonia	۲۱ ــ آلکتریونیا
Exogyra	۲۲ ــ اکزوژیرا
Mytilus	۲۳ ــ می‌تیلوس
Modiola	۲۴ ــ مودیولا
Anomia	۲۵ ــ آنومیا
Congeria	۲۶ ــ کونژه‌ریا
	۲۷ ــ لیتودوموس .

دسمودونت .

از نرمتنان‌بی‌سر، که راسته‌های‌مهم فسیل‌آن عبارتند از :

Corbula	۱ ــ کوربولا
Mya	۲ ــ میا
Phaladomya	۳ ــ فالا دومیا
Panopea	۴ ــ پانوپه
Anatina	۵ ــ آناتینا
Lyonsia	۶ ــ لیونسیا
Pandora	۷ ــ پاندورا
Clavagella	۸ ــ کلاواژه‌لا
Teredina	۹ ــ تەردینا
Teredo	۱۰ ــ تەردو

پالئوکونك .

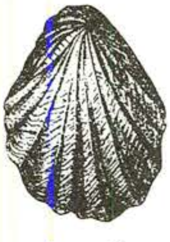
از نرمتنان بی‌سر، که جنسهای‌فسیل آن عبارتند از :

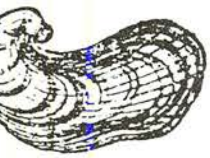
Posidonomya	۱ ــ پوزی‌دونومیا
Velasta	۲ ــ ولاستا
Praecardium	۳ ــ پره‌کاردیوم
Solenomya	۴ ــ سوله‌نومیا

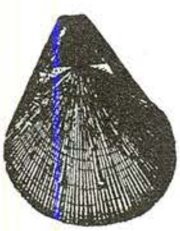
شکمپائیان

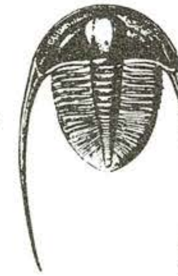
از نرمتنان که بــه سه دسته تقسیم میشوند :

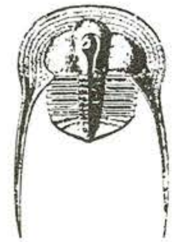
Prosobranches	۱ ــ پروزوبرانش

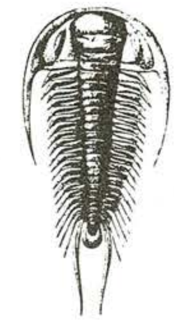

اینوسه‌راموس


اکزوژیرا


اسپوندیلوس


تری‌نوکلئوس

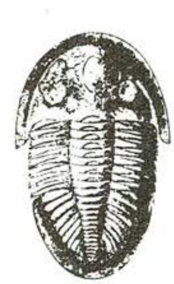

دیونید

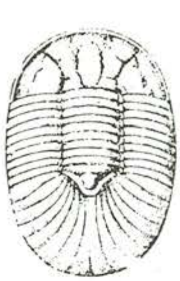

پارادوکسید


دالمانیت


کونوکوریف


هومالونوتوس


ازافوس


برونته‌ئوس

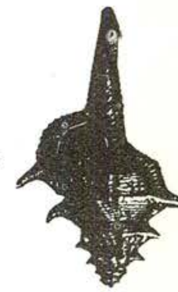

انله‌نوس

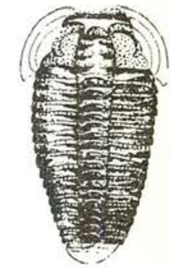

فیلیپسیا

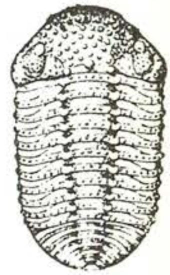

مودیوس


کونژه‌ریا


ولاستا


مورکس


سائو


فاکوپس


کالیمن

۲ ـ اوپیستوبرانش
Opisthobranches
۳ ـ پولمونه Pulmonés

پروزوبرانش

از شکمپائیان و به‌گروههای زیر تقسیم میشوند :

۱ ـ دیوتوکارد Diotocardes
۲ ـ هته‌روکارد Hétérocarde
۳ ـ مونوتوکارد Nonotocarde

دیوتوکارد .

از پروزو برانش‌هاکه به‌گروههای زیر تقسیم میشوند :

۱ ـ هومونفریدیه Homonephridiés
۲ ـ هته رونفریدیه
Heteronephridiés
۳ ـ مونونفریدیه Mononephridiés

هومونفریدیه .

از دیوتوکاردها ومهمترین‌فسیلهای آنها عبارتند از :

۱ ـ پلوروتوماریا Pleurotomaria
۲ ـ به‌له‌روفون Bellerophon
۳ ـ فیسوره‌لا
۴ ـ آمارژینولا
۵ ـ ریمولا
۶ ـ اسکوتوم Scutum

هته‌رونفریدیه .

ازدیوتوکاردها ومهمترین فسیلهای آنها عبارتند از:

۱ ـ هالیوتیس‌لا Haliotis
۲ ـ تروکوس Trochus
۳ ـ توربو .
۴ ـ دافینولا DelPhinula

مونونفریدیه .

از دیوتوکارد، که فسیلهای مهم آن عبارتند از :

۱ ـ نریتا Nerita
۲ ـ نری‌تینا Neritina
۳ ـ ولاتس Velates

هته‌روکارد .

از پروزوبرانش‌هاکه صدفی سروی شکل دارند .

مونوتوکارد .

از شکمپائیان پروزوبرانش که فسیل‌های مهم آن عبارتند از :

۱ ـ پالودینا .
۲ ـ لی‌تورینا .
۳ ـ بی‌تی‌نیا Bithinia
۴ ـ سیکلوستوما Cyclostoma
۵ ـ والواتا .
۶ ـ کاپولوس .
۷ ـ هی‌پونیکس .
۸ ـ ملانیا .
۹ ـ سری‌تیوم Cerithium
۱۰ ـ پوتامید Potamide
۱۱ ـ نرینه‌آ Nerinaea
۱۲ ـ توریتلا Turritlla
۱۳ ـ استرومبوس Strombus
۱۴ ـ آپورهز Aporrhaise
۱۵ ـ روسته‌لاریا Rostellaria
۱۶ ـ ری‌مه‌لا Rimella
۱۷ ـ پته‌روسر Ptérocere
۱۸ ـ تانیکا
۱۹ ـ آمپولینا .
۲۰ ـ سیپره‌آ Cypraea
۲۱ ـ اوولا Ovula
۲۲ ـ سولاریوم Sularium
۲۳ ـ اسکالاریا Scalaria
۲۴ ـ ورمه‌توس Vermetus
۲۵ ـ سیلیکوآریا Siliquaria
۲۶ ـ تریتون Triton
۲۷ ـ کاسیس
۲۸ ـ فیکولایا پی‌رولا .
۲۹ ـ تودیکولا .
۳۰ ـ فوزوس Fusus
۳۱ ـ لیوستوما Liostoma
۳۲ ـ آنسیلا Ancilla
۳۳ ـ مورکس Murex
۳۴ ـ ناسا Nassa
۳۵ ـ بوکسینوم Buccium
۳۶ ـ کانسه‌لاریا Cancellaria
۳۷ ـ ولوتا Voluta
۳۸ ـ میترا Mitra
۳۹ ـ مارژینه‌لا Marginella
۴۰ ـ پلوروتوما Pleurotoma
۴۱ ـ کونوس Conus
۴۲ ـ آکتئون Acteon
۴۳ ـ بولا
۴۴ ـ پته‌روپود Pteropode
۴۵ ـ تانتاکولیت .
۴۶ ـ کونولاریا Conulaia

پولمونه .

از شکمپائیان که به‌دو دستهٔ‌بزرگ تقسیم میشوند :

۱ ـ استیلوماتوفور
Stylommatphore
۲ ـ بازوماتوفور Basommatophore

استیلوماتوفور .

از پولمونه‌ها ، مهمترین جنسهای فسیل آنها عبارتند از :

۱ ـ حلزون Helix
۲ ـ کلوزیلیا Clausilia
۳ ـ پوپا .

بازوماتوفور .

از پولمونه‌ها ، دارای فسیل‌های زیر است :

۱ ـ اوریکولا Auricula
۲ ـ لیمنه‌آ Limnea
۳ ـ پلانوربیس Planorbis
۴ ـ آنسیلوس
۵ ـ فیزا Physa
۶ ـ آمفی‌بولا
۷ ـ سیفوناریا

پابرسران

از نرمتنان‌به‌دوگروه بزرگ‌تقسیم میشوند :

۱ ـ چهارآبششی‌ها
Tetrabranchiaux
۲ ـ ده‌آبششی‌ها Dibranchiaux

چهارآبششی‌ها .

از پا برسران‌که جنسهای معروف آن عبارتند از :

۱ ـ اورتوسراس، سیلورین تاتریاس.
۲ ـ آندوسه‌راس، سیلورین .
۳ ـ اکتی‌نوسه‌راس،سیلورین‌تاکاربونیفر
۴ ـ ژیروسه‌راس، سیلورین‌تاکاربونیفر.
۵ ـ نوتیلوس، سیلورین تاامروز .
۶ ـ لی‌توئیت، سیلورین .
۷ ـ اوفیدیوسه‌راس، سیلورین‌تا دونین.
۸ ـ آتوریا، ائوسن ومیوسن .
۹ ـ سیرتوسراس، کامبرین تاپرمین .
۱۰ ـ فراگموسراس، سیلورین‌تادونین.
۱۱ ـ آسکوسراس، سیلورین .

ده‌آبششی‌ها .

از پابرسران‌که به دو دسته تقسیم میشوند :

۱ ـ ده‌پاها Decapodes
۲ ـ هشت‌پاها Octopodes

ده‌پاها .

از ده آبششی‌ها بوده‌که انواع مهم آن عبارتند از:

۱ ـ ارگونت Argonaute
۲ ـ پولپ Poulpe
۳ ـ پیوور .



بلمنیت



اوله‌نوس



پارادوکسید

هشت‌پاها .

از ده آبششی‌ها و به چندین گروه تقسیم میشوند :

۱ ــ بلمنیت‌ها Bélémnitides
۲ ــ بلمنوتوتیده‌ها Belemnoteuthidés
۳ ــ اولاکوسراتیده Aulacoceratidés
۴ ــ به‌لوپتریده‌ها Beloteridès
۵ ــ سپی‌آده Sepiadés
۶ ــ اسپیرولیده Spirulidés
۷ ــ آمونه‌ها Ammonées

بلمنیت‌های‌مهم :

۱ ــ پاکی‌توتیس Pachyteuthis
۲ ــ داکتی‌لوتوتیس Dectyloteuthis
۳ ــ مگاتوتیس Megateuthis
۴ ــ بلمنوپسیس Bélemnopsis
۵ ــ پزودوبلوس Pseudobelus
۶ ــ بلمنی‌ته‌لا .
۷ ــ گونیوتوتیس Goniotauthis
۸ ــ اکتی‌نوکاماکس Actinocamax
۹ ــ دووالیا Duvalia

آمونیت‌های معروف .

۱ ــ آنارسس‌تس، دونین .
۲ ــ گلیفیوسه‌راس، کربونیفر .
۳ ــ پریسیکلوس، دونین‌وکربونیفر.
۴ ــ آگونیاتیت، دونین .
۵ ــ تونوسه‌راس، دونین .
۶ ــ آگانید، دونین، کربونیفر.
۷ ــ ژفیروسه‌راس، دونین .
۸ ــ به‌لوسه‌راس، دونین .
۹ ــ پرولکانیت، دونین، کربونیفر،
۱۰ ــ پرونوریت، دونین ، ترياس .
۱۱ ــ سراتیت، دوره ترياس .
۱۲ ــ تراکی‌سه‌راس، دورهٔ‌ترياس .
۱۳ ــ کوکلئوسراس، دوره ترياس .
۱۴ ــ مونوفیلیت، دوره ترياس.
۱۵ ــ آرسس‌تس، دوره ترياس.
۱۶ ــ کلادیسیت، دوره ترياس.
۱۷ ــ پیناکوسراس، دوره ترياس.
۱۸ ــ سازه سراس، دوره ترياس.
۱۹ ــ تروپیت، دوره ترياس.
۲۰ ــ پتی‌شیت، دوره ترياس.
۲۱ ــ سی‌بیریت، دوره ترياس
۲۲ ــ رابدوسراس، دوره ترياس
۲۳ ــ دیناریت، دوره ترياس.

بندپایان

ازجانوران‌پرسلولی‌که به‌شش بخش بزرگ تقسیم میشوند :

۱ ــ سخت‌پوستان Crustacés
۲ ــ مروستومه Merostomés
۳ ــ آراکنید Arachnides
۴ ــ هزارپایان Miriapodes
۵ ــ حشرات Insectes
۶ ــ اونیکوفور Onychophore

سخت‌پوستان .

ازبندپائیان آبزی‌بوده وبه‌دودسته تقسیم میشوند :

۱ ــ آنتوموستراسه Entomostracés
۲ ــ مالاکوستراسه Malacostracés

مالاکوستراسه .

از سخت پوستان‌که مهمترین جنس فسیل آنها عبارتند از :

۱ ــ فیلوکارید Phyllocarides
۲ ــ آمفی‌پود Amphipodes
۳ ــ ایزوپود Isopodes
۴ ــ دکاپود Decapodes

آنتوموستراسه .

از سخت پوستان که‌مهمترین جنس فسیل آنها عبارتند از :

۱ ــ برانکیوپود Branchiopodes
۲ ــ ئوستراکود Ostracodes
۳ ــ سیری‌پد Cirripedes
۴ ــ تری‌لوبیت Trilobite

تریلوبیت‌ها .

از سخت‌پوستان مالاکوستراسه‌بوده و جنسهای فسیل‌آن‌مشخص طبقات‌دوران اول است :

۱ ــ اوله‌نلوس Olenellus
۲ ــ پارادوکسید Paradoxides
۳ ــ اوله‌نوس Olenus
۴ ــ هیدروسفالوس Hydrocephalus
۵ ــ گریفه‌ئوس Gryphaeus
۶ ــ دالمانیت Dalmanites
۷ ــ الیپسوسفالوس Ellipsocephalus
۸ ــ کونوکوریف Conocoryphe
۹ ــ سائو
۱۰ ــ فاکوپس Phacops
۱۱ ــ کالیمن Calyméne
۱۲ ــ هومالونوتوس Homalonotus
۱۳ ــ آزافوس Asafus
۱۴ ــ اگلینا Aeglina
۱۵ ــ برونته‌ئوس Bronteus
۱۶ ــ ایله‌نوس Illaenus
۱۷ ــ فیلیپ‌سیا Phillipsia
۱۸ ــ تری‌نوکلئوس Trinucleus
۱۹ ــ هارپس Harpes
۲۰ ــ دیونید Dionides
۲۱ ــ آگنوستوس Agnostus

مروستومه .

از بندپائیان‌که به‌سه‌قسمت‌میشوند:

۱ ــ لیمولاسه Limulacés
۲ ــ گزیفوزور Xiphosures
۳ ــ ژیگانتوستراسه Gigantostracés

آراکنید .

از بندپائیان ، وبه پنج‌بخش تقسیم میشوند :

۱ ــ کژدمها .
۲ ــ تننده‌ها Araignées
۳ ــ آکارین‌ها Acariens
۴ ــ پدیپالپ‌ها Pedipalpes
۵ ــ آنتراکومارتی Anthracomarti

کژدمها .

قدیمی‌ترین جانوران خشکی از آراکنیدها که فسیلهای معروف آن عبارتند از :

۱ ــ پالئوفونوس .
۲ ــ پروسکورپیوس Proscorpius
۳ ــ سیکلوفتالموس Cyclophthalmus

تننده‌ها .

ازآراکنیدها بوده وازدورهٔ‌زغال‌سنگی تا امروز دیده شده‌اند .

آکارین .

از آراکنیدها بوده‌وفسیل آنهادر اولیگوسن دیده شده است .

پدیپالپها .

ازآراکنیدها بوده که‌جنس‌های‌فسیل آنهاعبارتند از :

۱ ــ ژرالی‌نورا Geralinura
۲ ــ تلیفونوس Telyphonus

آنتراکومارتی .

ازآراکنیدها بوده و فسیل‌معروف آن ائوفرینوس (Eophrynus) می‌باشد که در تشکیلات‌کاربونیفر پیداشده‌است.

هزارپایان .

از بندپایان‌بوده‌و به‌دو دستهٔ بزرگ تقسیم میشوند :

۱ ــ کیلوپود .
۲ ــ دیپلوپود .

حشرات .

از بندپائیان بوده که به‌گروههای زیر تقسیم میشوند :

۱ ــ تیزانور Thysanoures
۲ ــ راست بالان .
۳ ــ نیم‌بالان .
۴ ــ رگ‌بالان .
۵ ــ نیام‌بالان .
۶ ــ پشیزبالان .

۷ ــ هی‌منوپتر .
۸ ــ دوبالان .

مهره داران .

دستگاه عصبی آنها در پشت واقع شده، دارای استخوان بندی وعدهٔزیادی مهره میباشند و به‌پنج‌قسمت تقسیم‌میشوند:
۱ ــ ماهیها .
۲ ــ غوکان .
۳ ــ خزندگان .
۴ ــ پرندگان .
۵ ــ پستانداران .

ماهیان .

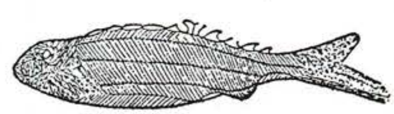
ماهیان‌فسیل‌به‌چهاردسته تقسیم میشوند :
۱ ـ دهان‌گردان Cyclostomes
۲ ــ سلاسین Sélaciens
۳ ـ تله‌اوستوم Téléostomes
۴ ــ دیپ‌نوست Dipneustes

سلاسین‌ها .

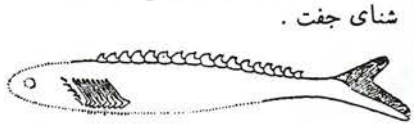
از مهمترین فسیل آنها میتوان‌نام برد .
۱ ــ کلادوسلاشه Cladoselaché
۲ ــ پلوراکانتوس Pleuracanthus
درکربونیفر پیدا شده‌است .
۳ ــ دیپلاکانتوس Diplacanthus
در دونین اروپا .
۴ ـ نوتی دانوس Notidanus
از ژوراسیك تا امروز
۵ ـ لامنا Lamna
دریزد، ازدوران دوم .
۶ ــ او دونتاس پیس Odontaspis
درکرتاسه پیدا شده است .
۷ ــ پتی‌کودوس Ptychodus

ماهیان‌زره‌دار .

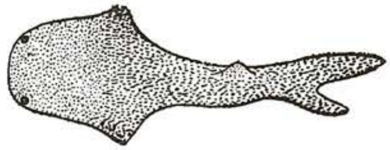
ازتیره مجاور دهان‌گردان بوده و فسیل‌های مهم‌آن عبارتند از :



۱ــ بیرکه‌نیا Birkenia
استخوان‌بندی بیرونی، بدون‌باله‌ شنای جفت .



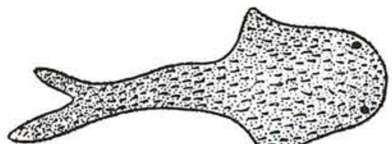
۲ــ لازانیوس Lasanius
اسکلت بیرونی بافلس‌های دراز و پشت‌آن خاردار است .



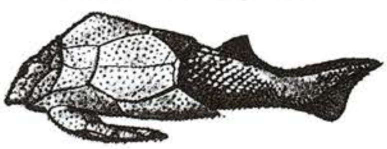
۳ــ ته‌لودوس Thelodus
شبیه سفره‌ماهی ، دارای بالهٔ‌پشتی، بدن پوشیده ازدانه‌های استخوانی .



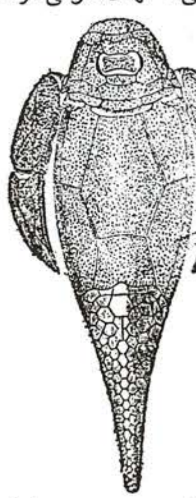
۴ــ پته راسپیس Pteraspis
مخصوص سیلورین زیرین . سپر پشتی ازهفت پلمه تشکیل‌شده‌است.



۵ ــ لانارکیا Lanarkia
دانه‌های نوك تیزی شبیه خار تمام بدن‌را پوشانیده است .
۶ ــ دره‌پاناسپیس Drepanaspis
سپرپشتی پلمه‌های زیاد دارد .
۷ــ سیاتاس‌پیس Cyathaspis
سپرپشتی چهار پلمه دارد .



۸ــ سفالاسپیس Cephalaspis
سپرپشتی‌شاخهای طرفی‌دراز دارد.
۹ــ کیه‌راس‌پیس Kieraspis
سپرپشتی‌شاخهای طرفی‌کوتاه‌دارد.



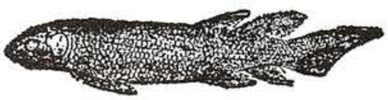
۱۰ــ پته‌ریك‌تیس Ptèrichthys

ضمایم سینه‌ای‌کوتاهتراز سپراست.
۱۱ــ بوتریولپیس Bothriolepis
ضمائم سینه‌ای قـدری بزرگتر یا مساوی سپراست .
۱۲ ــ آسته‌رولپیس Asterolepis
شبیه پته‌ریك‌تیس .

۱۳ ــ کوکوسته‌ئوس coccosteus
مخصوص دومین میانـی . دنـدان سروی شکل دارد .
۱۴ــ دی‌نیك‌تیس Dinichthys
سپربزرگ دارد .
۱۵ــ تی‌تانیك‌تیس Titanichthys
فاقد دندان‌ولی سپربزرگ دارد .
۱۶ــ پالئوسپوندیلوس Paleospondylus

دیپ‌نوست‌ها .

از مهمترین فسیلهای ایـن گروه میتوان نام برد :



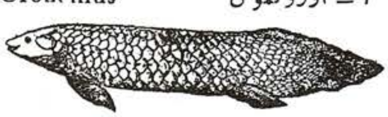
۱ ــ دیب‌ته‌روس Dipterus



۲ ــ فانه‌روپلورون Phaneropleuron



۳ ــ اوروNموس Uronemus



۴ ــ سراتودوس Ceratodus



۵ ــ اسکومناسیا Scaumenacia



۶ ــ پروتوپته‌روس Protopterus

۷ ــ لپی‌دوزیرون Lepidoziron

۸ ــ سیلیوم Scyllium
درکرتاسهٔ فوقانی .

۹ ــ شیمر Chimere
ازدورهٔ لیاس تاامروز .

۱۰ ــ اسکوآلوراژا Squaloraja
درلیاس انگلیس بدست آمده .

۱۱ ــ میریاکانتوس Myriacanthus
دردورهٔ لیاس .

۱۲ ــ ایسکیودوس Ischiodus
درژوراسیك پیداشده است .

۱۳ ــ اوکسیرینا Oxyrhina
دورهٔ کرتاسه .

۱۴ ــ کوراکس Corax
درکرتاسه شناخته شده‌است .

۱۵ ــ کارکارودون Carcharodon
دورهٔ میوسن .

۱۶ ــ آکرودوس Acrodus
دردوران دوم.

۱۷ ــ هیبودوس . Hybodus

۱۸ ــ رینوباتیس Rhinobatis
این جنس از دورهٔ ژوراسیك تا امروز یافت میشده است .

۱۹ ــ میلیوباتیس Myliobatis
دردریاهای‌دوران‌سوم‌پیداشده‌است.



سیلیوم



شیمر



رینوباتیس

تله‌اوستوم

این‌ماهیان‌به‌سه‌دسته تقسیم‌میشوند :

۱ـ کروسوپته‌ریژین‌ها Crossopterygiens

۲ ــ گانوئیدها Ganoïdes

۳ ــ تله‌اوسته‌ان‌ها Téléostéens

کروسوپته‌ریژین .

ازماهیان تله‌اوستوم بوده‌ومهمترین فسیل آن عبارتست از :



۱ ــ هولوپ تیکیوس Holoptychius
مخصوص دونین زیرین .

۲ ــ اوسته‌اولپیس Ostéolpis
در دونین .

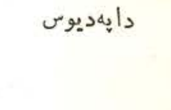
۳ ــ ریزودوس Rhizodus
درکاربونیفر پیدا شده است.

۴ ــ ماکروپوما Macropoma
در کرتاسهٔ زیرین کشف‌شده‌است .

۵ ــ لوژیا Laugia
دردورهٔ لیاس .

۶ـ تریستی‌کوپته‌روس Tristichopterus

داپه‌دیوس



میکرودونت

در دونین کشف شده‌است .

۷ ــ اندینا Undina

گانوئیدها .

ازمهمترین‌فسیلهای‌این‌گروه‌میتوان نام برد :

۱ ــ پاله‌اونیسکوس Paloeoniscus
در دورهٔ پرمین پیداشده .

۲ ــ آمبلی‌پته‌روس Amblypterus
با فلسهای‌نرم .

۳ ــ پلاتی زوموس Platysomus
در دورهٔ کاربونیفر و پرمین کشف گردیده است .

۴ ــ کیرودوس Cheirodus
دردریاهای دوران اول .

۵ ــ اورینوتوس Eurynotus
درکاربونیفرزیرین‌بدست‌آمده‌است.

۶ ــ کیرولپیس Cheirolepis
حدواسط‌کروسوپته‌ریژین‌وگانوئید.

۷ ــ لپی‌دوسته اوس Lepidosteus
ازپرمین تاامروز .

۸ ــ پیکنودوس Pycnodus
دوران دوم وسوم .



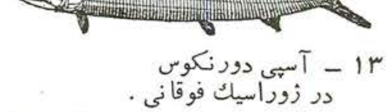
۹ ــ آکانته.



۱۰ ــ سمیونوتوس Semionotus
در تریاس آفریقا .

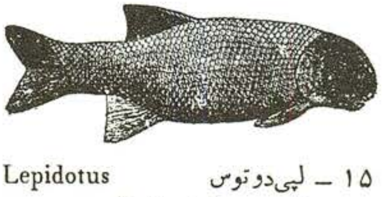
۱۱ ــ کاتوروس
در ژوراسیك فوقانی .

۱۲ ــ اوگناتوس Eugnathus
درلیاس زیرین انگلستان .



۱۳ ــ آسپی دورنکوس
در ژوراسیك فوقانی .

۱٤ ــ داپه دیوس Dapedius
در دورهٔ‌لیاس .



۱۵ ــ لپی‌دوتوس Lepidotus
مشخص دورهٔ ژوراسیك .

۱۶ ــ میکرودون Microdon

اواخر ژوراسیك .

۱۷ ــ مزودون Mesodon
دراوایل دورهٔ‌کرتاسه .

۱۸ ــ ژیرودوس Gyrodus
در ژوراسیك

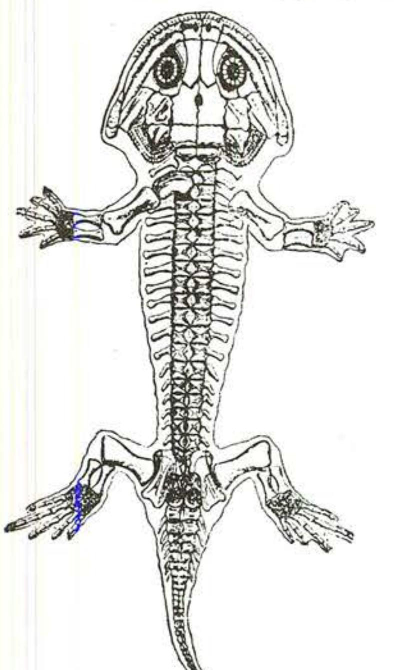
۱۹ـ آسپی‌دورنکوس Aspidorhynchus
دردریاهای ژوراسیك .

۲۰ ــ آمیا Amia
دوره پرمین .

دوزیستان

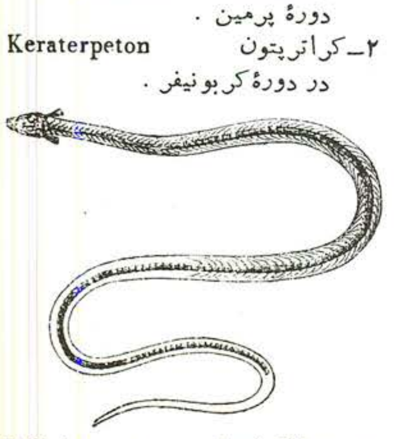
غوکان Amphibiens

غوکان فسیل‌را استگوسفال‌مینامند. از مهمترین آنها عبارتند از :



۱ـ برانکیوزوروس Branchiosaurus
دورهٔ پرمین .

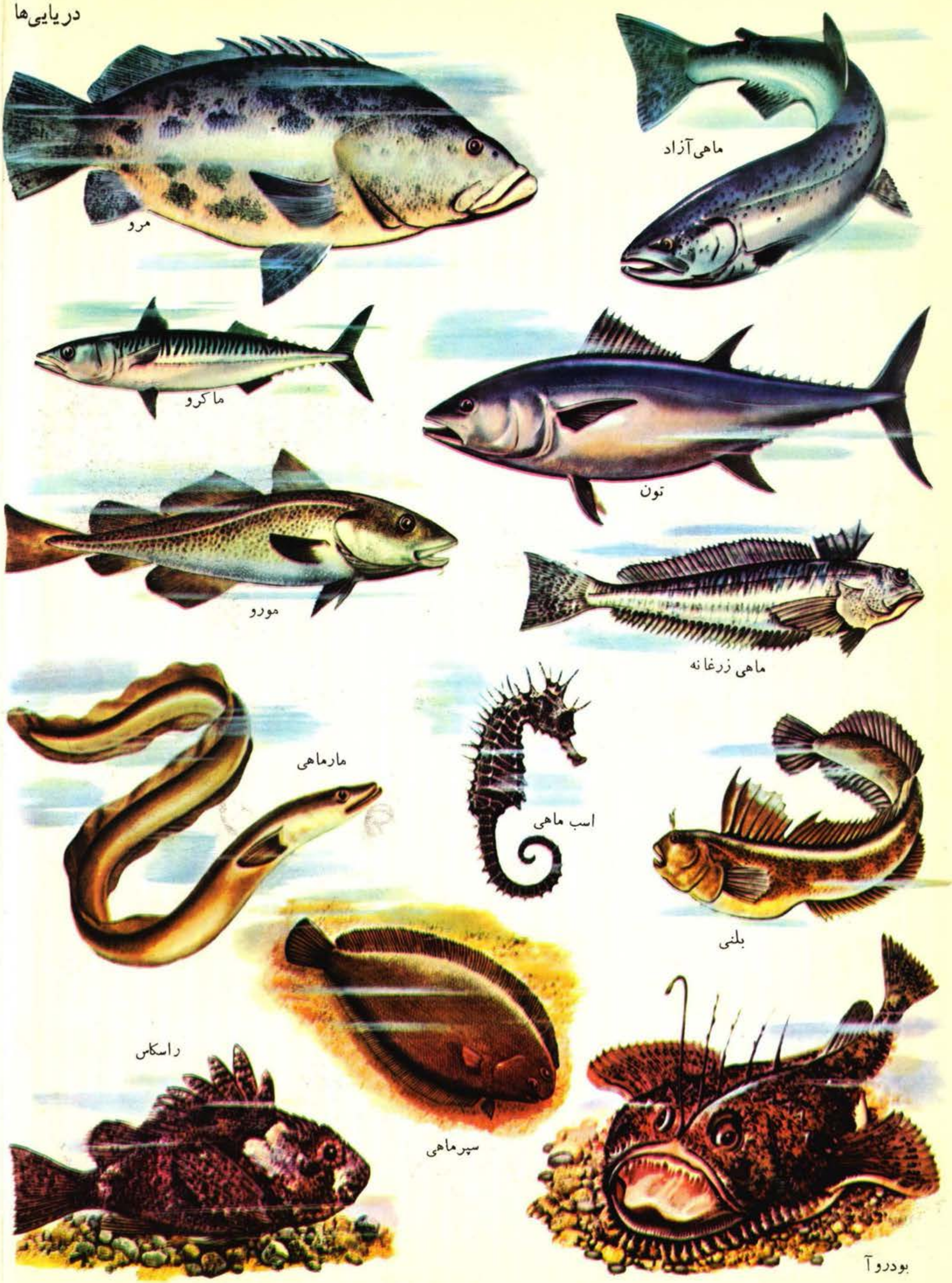
۲ـ کراترپتون Keraterpeton
در دورهٔ کربونیفر .

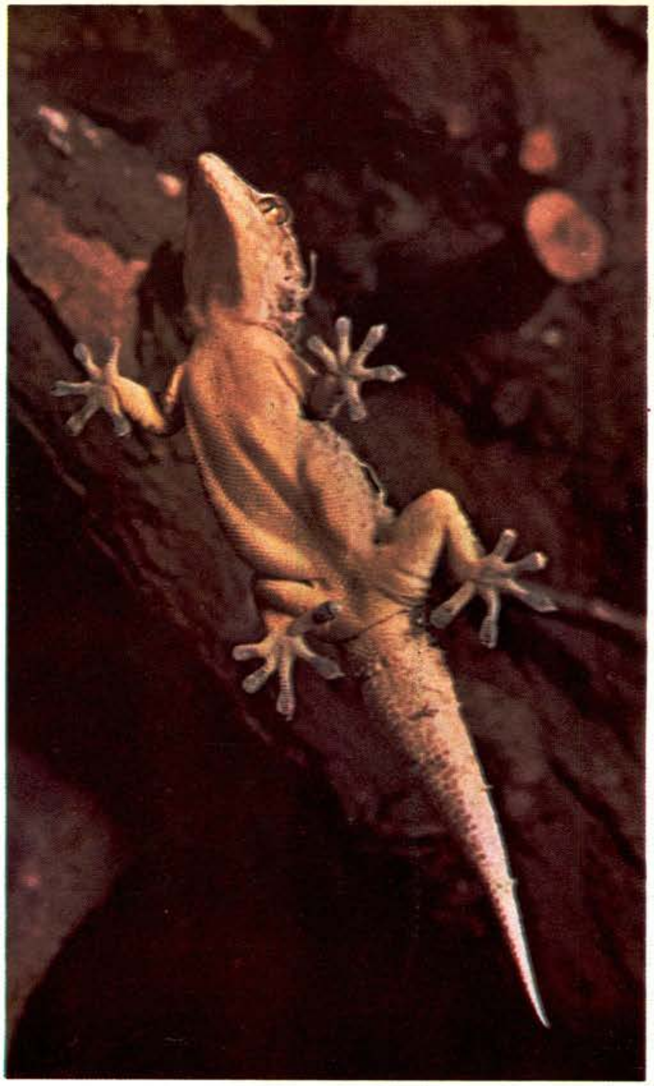


۳ـ دولیکوزوما Dolichosoma
درکربونیفر پیدا شده است .

سلاسین‌ها


ماهی سیاح
چکش ماهی
سفره ماهی شیخک
کوسهٔ آبی
اره ماهی
فرشتهٔ دریا
سفره ماهی بوکله
سفره ماهی تروپیل
پاستناگ


ماهی آزاد
مرو
ماکرو
تون
مورو
ماهی زرغانه
مارماهی
اسب ماهی
بلنی
راسکاس
سپرماهی
بودروآ



زیر تنهٔ یك نوع سوسمار یا ژکودیواری که در اسپانیا ویوگسلاوی زندگی می‌کند ، رگه‌های پای حیوان به او امکان می‌دهد که ازهر دیواری بالا برود .



Tokay (Gekko gecko) درشت‌ترین عضوخانوادهٔ gecko است . در مالزیای هند زیاد یافت می‌شود ، غالباً درمحل‌سکونت یا نزدیك محل سکونت انسان زندگی می‌کند .



یك نوع سوسمار استرالیایی معروف به اژدها .



نوعی آفتاب‌پرست افریقای جنوبی ؛ پشت اره‌ای و دم پهن .



کاملئون Meller درشت‌ترین نمونه‌ای‌که در افریقا یافت‌می‌شود .

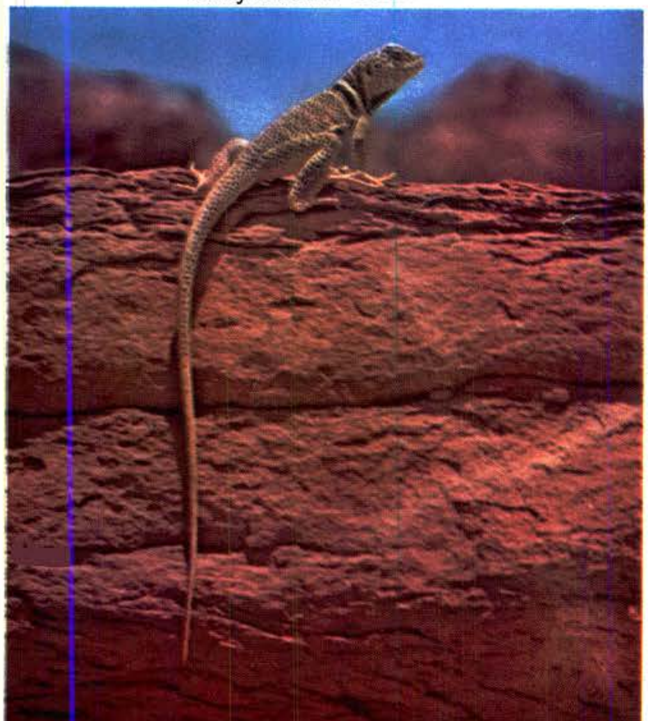
کاملئون‌های حقیقی در نیمکرهٔ شرقی یافت می‌شوند .



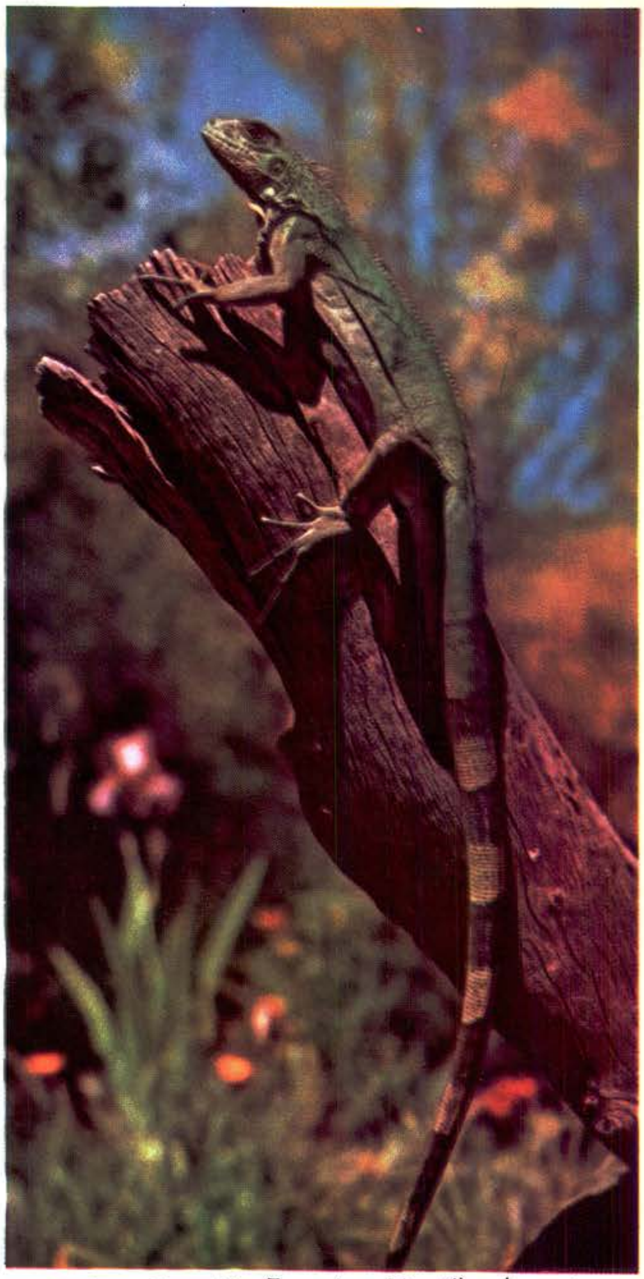
نوعی مارمولك تکزاس و مکزیکو شمالی بنام
Sceloporus Undulatus Consobrinus



نوعی مارمولك آمریکای جنوب‌غربی بنام
Phrynosoma Cornutum



نوعی مارمولك آمریکای غربی بنام
Crotaphytus Collaris baileyi



نوعی مارمولك مناطق حاره در آمریکای مرکزی بنام
Iguna iguana



نوعی مارمولك آمریکای مرکزی بنام
Sceloporus Undulatus Hyacin Thus

۴ــ اوروکردیلوس Urocordylus
زمینهای زغال‌سنگی ایرلند .
۵ ــ دیپلوورتبرون Diplovertebrun
۶ــ آرکه‌گوزوروس Archégosaurus
پرمین آلمان .
۷ــ آکتی نودون Achtinodon
پرمین آلمان .
۸ــ اریوپس Eryops
پرمین تکزاس .
۹ــ تری‌مرور اشیس Trimerorachis
پرمین تکزاس .
۱۰ ــ لیدکرینا Lydekkerina
۱۱ ــ کاپیتوزوروس Capitosaurus
در تریاس زیرین .
۱۲ــ تره‌ماتوزوروس Trematosaurus
درتریاس آلمان .
۱۳ــ انتر کوزوروس Anthrocosaurus
درکاربونیفر وپرمین .
۱۴ــ لابیرنتودون Labyrinthodon
۱۵ــ متوپوزوروس Metoposaurus
در تریاس آلمان .

خزندگان

رده‌بندی خزندگان .

مهمترین راسته‌های خزندگان‌فسیل عبارتند از :

۱ــ رنکوسفالها .
۲ــ ته‌رومورف‌ها .
۳ــ خزندگان دریایی .
۴ــ خزندگان هوایی .
۵ ــ دینوزورین‌ها .
۶ــ سنگ‌پشتان .
۷ــ کروکودیلها .
۸ــ مارها .
۹ــ سوسمارها .

رنکوسفالها

Rhynchocephales

گروههای متعددی را شامل است ؛ مهمترین آنها :

۱ــ هاته‌ریا Hatteria
۲ــ کامپ‌سوزوروس Champsosaurus
۳ــ رنکوزوروس Rhynchosaurus
۴ــ هومئوزوروس Homaeosaurus

ته‌رومورفها

Theromorphes

از خزنــدگان فسیل ، در اواخــر دوران‌اول واوایل‌دوران‌دوم میزیسته‌اند وبه‌سه دسته تقسیم می‌شوند :

۱ــ کوتی‌لوزورین‌ها Cotylosauriens
۲ــ پلیکوزورین‌ها Pelycosauriens
۳ــ سینودونت‌ها Cynodontes
۴ــ دی‌سینودونت‌ها Dicynodontes

خزندگان دریایی .

مهمترین خزندگان دریایی‌عبارتند از :



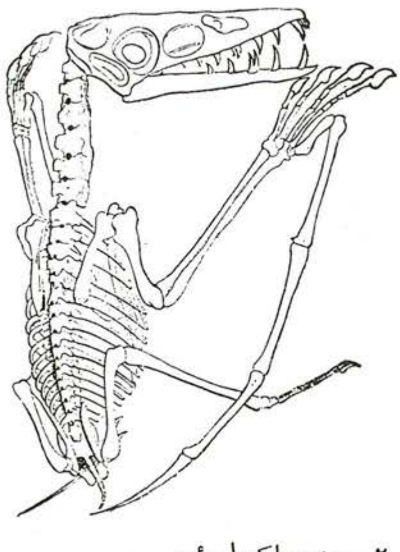
۱ــ ایکتیوزورین Ichtyosauriens
۲ــ پلزیوزورین Plesiosauriens
۳ــ موزازورین Mosasauriens

خزندگان هوایی

Ptérosauriens

برحسب اندازهٔ دم به‌دو دسته‌تقسیم می‌شوند :

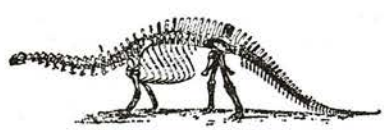
۱ ــ رامفورنکــوئید
Rhamphorhyncoides



۲ــ پته‌روداکتیلــوئید
Ptérodactyloide

دینوزورین‌ها

Dinosauriens



این خزندگان‌کــه بــه سوسماران مخوف معروفند،مشخص دوران دوم‌زمین‌شناسی‌میباشند وبه‌دودسته تقسیم میشوند:

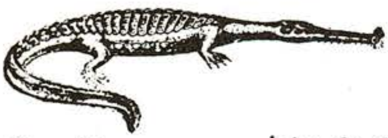
۱ ــ سوری پلوین Sauripelviens
۲ــ آوی‌پلوین Avipelviens

سنگ‌پشتان

Cheloniens

خزندگان بدون دندان‌که به‌چهار گروه تقسیم می‌شوند :

۱ــ کریپتودیرها Cryptodires
۲ــ پلورودیرها Pleurodires
۳ــ تریونی‌سیده‌ها Trionycides
۴ــ آمفی‌کلیدها Amphichelides



کروکودیلها Crocodiles

به‌دوگروه تقسیم میشوند :

۱ــ لونژی‌روسترها Longirostres
۲ــ بره‌وی‌روسترها Brevirostres

مارها

Ophidiens

ازخزنــدگان بدون پا وکمربند ، جنس فسیل‌آن : سیمولیوفیس ــ Symoliophis می‌باشد .

سوسماران

Sauriens

ازخزندگان‌که جنس معروف آن: ۱ــ ماسه‌لودوس Macellodus می‌باشد .

پرندگان فسیل

پرندگان را میتوان بــه سه قسمت تقسیم‌کرد :

۱ــ آرکه‌اورنیت Archéornithe
۲ــ راتیت Ratites
۳ــ کارینات Carinates

آرکئورنیت

دارای جنس‌های معروف :

۱ــ آرکه‌اوپته‌ریکس
۲ــ آرکه اورنیس

آرکئوپته ریکس Archaeopterix

سردسته پرندگان ارکئونیت ، حد واسط خزندگان وپرندگان فسیل‌مشخص دورهٔ ژوراسیك .

آرکئورنیس Archaeornis



از پرنــدگان آرکئورنیت کــه در



آرکئوپتریکس



ایکتیوزوروس



سراتوزوروس

آلمان کشف گردیده، از نظر پروساختمان سروسینه به‌پرندگان واز نظر دندان ودم شبیه خزندگان است.

راتیت

Ratites

ازپرندگان فسیل کـه به سه قسمت تقسیم می‌شوند:

۱ـ اودونتولس Odontolce
۲ـ آپته‌ریژیفورم Apterygiformes
۳ـاستروسیونیفورم Struthioniformes

اودونتولس.

ازپرندگان راتیت ومهمترین‌جنس آنها هس‌په‌رورنیس است.

هسپه‌رورنیس Hesperornis

ازپرندگان فسیل دورهٔ کرتاسه.

هسپرورنیس

آپته‌ریژیفورم.

ازپرندگان نوع‌راتیت که جنس‌های مهم‌آن عبارتند از:

۱ـ آپته‌ریکس. Apterix
۲ـ دینورنیس. Dinornis
۳ـ اپیورنیس. Aepyornis

آپته‌ریکس.

ازپرندگان فسیل دوران چهارم که در زلندنو پیدا شده است.

دینورنیس.



ازپرندگان فسیل دوران چهارم که در زلندنو پیدا شده است.

اپیورنیس.

بزرگترین‌پرنده‌ای است که تاکنون شناخته شده، تخم‌آن سه‌برابرتخم شترـ مـرغ است و کانن آن هشتاد سانتی‌متر می‌باشد، استخوانهای‌آن درته‌نشین‌های دوران چهارم درمـاداگاسکار پیدا شده است.

استروسیونی‌فورم.

ازپرندگان فسیل‌راتیت که دوجنس مهم دارد:

۱ـ گاستورنیس Gastornis
۲ـ رمیورنیس Remiornis

گاستورنیس.

ازپرندگان فسیل مشخص، ائوسن‌ـ زیرین.

رمیورنیس.

ازپرندگان فسیل، جزء راتیت‌ها در اشکـوب اسپارناسین پاریس کشف شده است.

کارینات.

ازپرندگان فسیل که جنس‌های مهم آنها عبارتند از:

۱ـ اودونتورمها Odontormes
۲ـ کبوتران Colombins
۳ـ ماکیان
۴ـ شکاریان
۵ـ گنجشکان
۶ـ درازپایان
۷ـ استگانوپود Stéganopode
۸ـ امپه‌نها Impennés

اودونتورمها.

ازکارینات‌های فسیل، جنس مهم‌آن ایکتیورنیس است.

ایکتیورنیس. Ichthyornis

از پرندگان فسیل دورهٔ کرتاسه.

کبوتران.

از پرندگان‌کارینات رافسیل که از جنسهای ازبین رفته‌آنهارامیتوان‌به‌شرح زیرنام برد:

۱ـ دیدوس Didus
۲ـ پزوفاس Pezophas

ماکیان.

از پرندگان‌کارینات‌کـه مهمترین جنسهای فسیل‌آن عبارتند از:

۱ـ فازیانوس Phasianus
۲ـ گالوس Gallus
۳ـ پالئوپته‌ریکس.

شکاریان.

از پرندگان کارینات که جنس‌های فسیل‌آن عبارتند از:

۱ـ میلووس Milvus
۲ـ آکوئیلا Aquila
۳ـ لیتورنیس Lithornis
۴ـ هارپاگورنیس Harpagornis
۵ـ بوبو Bubo
۶ـ استریکس

گنجشکان.

از پرندگان راتیت، فسیلهای آن عبارتند از:

۱ـ لوکسیا Loxia
۲ـ کورووس Corvus
۳ـ مونتاسیلا
۴ـ سیلویا Sylvia
۵ـ توردوس

درازپایان.

از پرندگان کارینات کـه جنس‌های معروف فسیل‌آن عبارتند از:

۱ـ تلماتورنیس Telmatornis
۲ـ سیکونا
۳ـ اسکولوپاکس
۴ـ رالوس
۵ـ وایبیس
۶ـ آنسه‌ریفورم Anseriformes
۷ـ آناس
۸ـ آنسر

استگانوپود.

از پـرندگان کارینات و دو جنس معروف‌آن بحالت فسیل‌پیدا شده است:

۱ـ پله‌کانوس
۲ـ سولا

امپه‌نها.

ازپرندگان‌کارینات که کمتر فسیل‌دارد.

پستانداران

Mammiféres

مهره‌دارانی کـه گـرمای بدن آنها ثابت وبچه‌زا(جزمرغسانان)، دندانهای ناجور، بدن مستورازپشم (جزآب‌بازان) گروه عظیمی ازجانورانندکـه بـه شرح زیررده‌بندی شده‌اند:

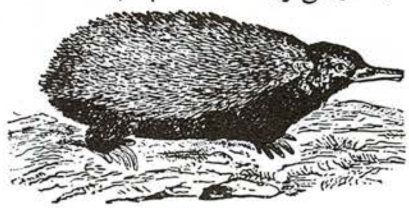
۱ـ مرغسانان Monatrèmes
۲ـ کیسه‌داران Marsupiaux
۳ـ کوندیل‌آرتر Gondylarthres
۴ـ آمبلی‌پود Amblypodes
۵ ـ خرطوم‌داران Proboscidiens
۶ـ هیراکوئید Hyracoides
۷ـ سیره‌نین Sireniens
۸ـ آب‌بازان Cétacés
۹ـ فردسمان Perissodactyles
۱۰ـ زوج سمان Artiodactyles
۱۱ـ بی‌دندانان Edentés
۱۲ـ حشره خواران Insectivores
۱۳ـ خفاشان Cheiroptères
۱۴ـ گوشتخواران Carnassiers
۱۵ـ پریمات Primates

مرغسانان.

ازپستانداران تخمگذار، دوجنس معروف دارد:



۱ـ اورنی‌تورنك — Ornithorynque



۲ـ اکیدنه — Echidnè

کیسه‌داران .

از پستاندارانی که نوزاد را ناقص بدنیا آورده و درکیسه تا رشدکامل نگهمیدارند و گروههای آنها عبارتنداز:

۱ـپولی‌پروتودونت — Polyprotodontes
۲ـدی‌پروتودونت — Diprotodontes

پولی‌پروتودونت

ازکیسه‌داران؛ مهمترین تیره‌هایش عبارتند از :

۱ـ دی‌دلفیده — Didelphydés
۲ـ دازیوریده — Dasyuridés
۳ـ پرامه‌لیده — Peramelidés

دی‌پروتودونت .

ازکیسه داران که عده‌ای از آنها در استرالیا زندگی می‌کنند و عده‌ای بصورت‌فسیل پیدا شده‌اند :

۱ـ فاسکولومیده — Phascolomydés
۲ـ فالانژیستیده — Phalangistidés
۳ـ ماکروپوریده — Macroporidés

کوندیل‌آرتر .

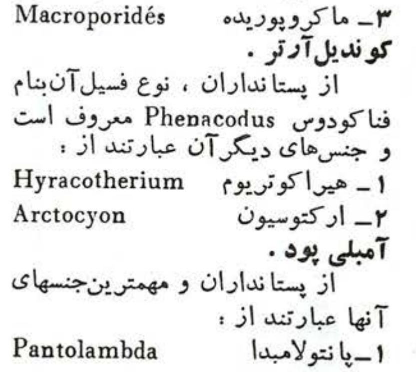
از پستانداران ، نوع فسیل‌آن‌بنام فناکودوس Phenacodus معروف است و جنس‌های دیگرآن عبارتند از :

۱ـ هیراکوتریوم — Hyracotherium
۲ـ ارکتوسیون — Arctocyon

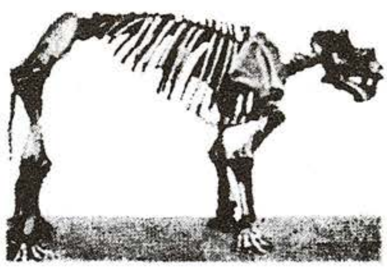
آمبلی پود .

از پستانداران و مهمترین‌جنسهای آنها عبارتند از :

۱ـپانتولامبدا — Pantolambda



۲ـکوریفودون — Coryphodon



۳ـ دینوسراس — Dinoceras
۴ـ لوکسولوفودون — Loxolophodon
۵ـگوبیاتریوم — Gobiatherium

خرطوم‌داران .

ازپستانداران ، سمدار ، علفخوار، گروههای فسیل و زندهٔ‌آنها به دسته‌های زیر تقسیم میشوند :

۱ـ مری‌ته‌ریده — Meritheridés
۲ـ ماستودونتیده — Mastodontidés
۳ـ فیلها — Eléphantidés
۴ـ دینوتریده — Dinotheridés

مری‌تریده .

از خرطوم‌داران‌که مهمترین جنس آن،مری‌تریوم Merithérium است .

ماستودونتیده .

از خرطوم‌داران،دارای چند جنس معروف است :

۱ـ پالئوماستودون
۲ـ تترابه‌لودون — Tetrabelodon
۳ـ پلاتی‌به‌لودون — Platybelodon
۴ـ ماستودون — Mastodon

فیلها .

ازخرطوم‌داران و جنس‌های‌معروف آن بشرح زیر است :

۱ـ استه‌گودون — Stegodon
۲ـ فیل — Eléphas
۳ـ ماموت — Mamouths

دینوتریده .

از خرطوم‌داران و جنس مهم آن دینوتریوم Dinotherium است .

هیرکوئید .

از پستانداران‌که دارای جنس‌مهم بشرح زیر است :

۱ـ ساگاتریوم — Saghatherium
۲ـ مگالوهیراکس — Megalohyrax
۳ـآرسینوتریوم — Arsinotherium

سیره‌نین .

از پستانداران علفخوار ، مخصوص دریاهای گرم،مهمترین‌جنسهای آن‌به‌شرح زیر است :

۱ـ ائوتریوم — Eotherium
۲ـ ائوزیران — Eosiren
۳ـ هالی‌تریوم — Halitherium
۴ـ متاگزی‌تریوم — Metaxitherium
۴ـ فلسینوتریوم — Felsinotherium
۶ـ لامانتن (امروزی).
۷ـ دوگونگ (امروزی).

آب‌بازان :

پستاندارانی که‌در دریا بسرمی‌برند:

۱ـ ارکئوست — Archaeocêtes
۲ـ اودونتوست — Odontocête
۳ـ میستی‌ست — Mysticétes
۴ـ پینی‌پدها — Pinnipédes

ارکئوست .

ازآب‌بازان ، مهمترین‌جنسهای‌آن عبارتند از :

۱ـ پروسه‌توس — Procetus
۲ـ زوگلودون — Zeuglodon

اودونتوست .

از پستانداران آب باز ، مهمترین تیره‌هایش عبارتند از :

۱ـ دلفی‌نیده — Delphinidés
۲ـ فیزتریده — Physeteridés
۳ـ پلاتانیستیده — Platanistidés

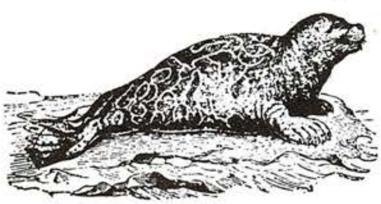
میستی ست .

از پستانداران آب باز و تیره‌های آن عبارتند از :

۱ـباله‌نیده — Balaenidés
۲ـباله‌نوپته‌ریده — Balaenopteridés
۳ـراشیانکتیده — Rachianectides

پینی‌پد .

گروهی ازآب بازان ،که جنسهای معروف‌آنها عبارتند از :



۱ـ سگ دریایی — Phoca
۲ـ اوتاری — Otarie
۳ـ شیردریایی — Morse

فردسمان

از پستانداران شامل ۵ دسته مهم می‌باشند :

۱ـ تاپیرها — Tapirs
۲ـکرگدن — Rinoceratidés
۳ـ تی‌تانوتریده — Titanotheridés
۴ـ شالیکوته‌ریده — Chalicotheridés



کانگورو



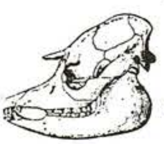
مری‌تریوم



پالئوماستودونت



دینوتریوم



تاپیر

۵ـ اسب Equidès

تاپیرها .

از پستانداران فردسم و فسیلهای مهم آن عبارتند از :

۱ ـ هپ‌تودون Heptodon
۲ـ لوفیودون Lophiodon

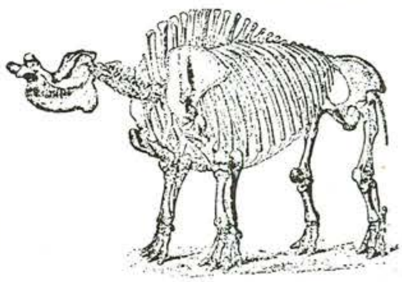
کرگدنها .

ازپستانداران فردسم ، که به‌سه‌تیره تقسیم میشوند:

۱ـ هیراکودونتیده Hyracodontidés
۲ـ آمینودونتیده Amynodontidés
۳ـ رینوسریده Rinoceridés

تی‌تانوتریده .

فرد سمانی هستند که فسیل‌های مهم آنها عبارتند از:



۱ـ تی‌تانوتریوم Titanotherium
۲ـ الاسموتریوم Elasmotherium
۳ـ لامبدوتریوم Lambdotherium
۴ـ پالئوزیوپس Palaeosyops

شالیکوتریده .

از فردسمان دارای جنسهای زیر می‌باشد :

۱ـ ماکروتریوم Macrotherium
۲ـ آنسیلوتریوم Ancylotherium

اسبها .

از پستانداران فرد سم ، دونده ، علفخوار ، جنسهای فسیل آن بقرار زیر است :

۱ـ هیراکوتریوم Hyracotherium
۲ـ اوروهیپوس Orohippus
۳ـ اپی‌هیپوس Epihippus
۴ـ مزوهیپوس Mesohippus
۵ ـ پاراهیپوس Parahippus
۶ـ مری‌کیپوس Merychippus
۷ـ پروتوهیپوس Protohippus
۸ـ پلیوهیپوس Pliohippus
۹ـ آنکی‌تریوم Anchitherium
۱۰ـ پالئوتریوم Palaeotherium
۱۱ـ هی‌پاریون Hipparion

پیدایش اجداد اسب در اروپا و آمریکا

اجداداسب در اروپا	اجداد اسب درامریکا	دورهٔ پیدایش
	اکی‌ئوس ↑	پله‌ئیستوسن
اکوئوس	پلیوهیپوس ↑	پلیوسن
	↑ پروتوهیپوس ↑	میوسن‌زبرین
هی‌پاریون	مری‌کیپوس ↑	میوسن‌میانی
	پاراهیپوس	میوسن‌زیرین
آنکی‌تریم	↑ میوهیپوس ↑	اولیگوسن‌زبرین
پالئوتریم	مزوهیپوس	اولیگوسن‌زیرین
پروپالئوتریم	↑ اپی‌هیپوس ↑	ائوسن‌زبرین
هیراکوتریم	اوروهی‌پوس ↑	ائوسن میانی
	هیراکوتریم ↑	ائوسن‌زیرین
فناکودوس	فناکودوس	

زوج سمان

ازپستانداران که به‌سه قسمت تقسیم میشوند :

۱ـ بونودونت‌ها Bunodontes
۲ـ بونوسله‌نودونت‌ها Bunosélénodontes
۳ـ سله‌نودونت‌ها Sélénodontes

سله‌نودونت .

ازپستانداران زوج سم که به‌تیره‌های زیرتقسیم میشوند :

۱ـ شترها Camelidés
۲ـ گوزنها Cervidés
۳ـ زرافه‌ها Girafidés
۴ـ کاویکورن Cavicornes

شترها .

از سله‌نودونت بوده وبه دوگروه تقسیم می‌شوند : یکی لاما (شترهای بی‌کوهان) دیگری شترهای‌کوهان‌دار که‌خود به‌دو دسته دوکوهان و یك‌کوهان تقسیم میشوند . وجنس‌های فسیل شترها عبارتند از :

۱ـ پروتی‌لوپوس Protylopus
۲ـ پبروتریوم Pebrotherium
۳ـ پروکامه‌لوس Prochamelus
۴ـ پلیوکنیا Pliauchenia
۵ ـ آلتی‌کامه‌لوس.

اجداد شتر درآمریکا ودورهٔ پیدایش

۱ـ کامه‌لوس (پلیوسن) .
۲ـ پلیوکنیا (پلیوسن) .
۳ـ پروکامه‌لوس (میوسن) .
۴ـ پبروتریوم(اولیگوسن).
۵ ـ پروتیلوپوس (ائوسن) .

گوزنها .

از سله‌نودونت‌ها که فسیل‌های آن عبارتند از :

۱ـ داما Dama



۲ـ مگاسروس Megaceros
۳ـ آلسس Alces
۴ـ رن Renne

زرافه‌ها .

از سله‌نودونت‌ها است که دوجنس ،



زرافـه (Girafe) و اوکاپی امـروزه در افریقازندگی میکنند، ولی فسیل‌های‌آن عبارتند از:

۱ــ هلادوتریوم Helladotherium
۲ــ ساموتریوم Samotherium
۳ــ سیواتریوم Sivatherium

کاویکورن .

از سله‌نودونت میباشد وشامل‌چهار تیره است:

۱ــ آنتی‌لوپیده Antilopidés
۲ــ اوویکاپریده Ovicapridés
۳ــ اووی‌بوویده Ovibovidés
۴ــ آنتی‌لوکاپریده Antilocapridés

بونودونت‌ها .

به‌معنی تپه‌ای‌مانند، ازپستانداران زوج سم وبه‌تیره‌های زیرتقسیم میشوند:

۱ــ هیپوپوتامیده Hippopotamidés
۲ــ خوکها Suidés

هیپوپوتامیده .

از بونودونت‌ها دارای جنس‌هـای معروف زیراست:

۱ــ آپروتودون Aprotodon
۲ــ که‌روپسیس Chaeropsis

خوکها .

از بونودونت‌ها و جنسهای معروف آن عبارتند از:

۱ــ خوك Sus
۲ــ پوتاموشر Potamochére
۳ــ پکاری Pecari
۴ــ بابی‌روسا Babiroussa
۵ ــ سبوکروس ، فسیل Cebochaerus
۶ــ آنته‌لودون ، فسیل Entelodon
۷ــ پالئوکروس ، فسیل Palaeochaerus
۸ــ هیوتریوم ، فسیل Hyotherium
۹ــ پرکروس ، فسیل Perchoerus
۱۰ــ پلاتی‌گونوس

گروه خانواده خوك

۱ــ گراز (هولوسن) .
۲ــ خوك (میوسن زیرین) .
۳ــ هیوتریوم (میوسن میانی) .
۴ــ پالئوکروس (اولیگوسن) .
۵ ــ سبوکروس (ائوسن) .

بونوسله‌دونت .

ازپستانداران زوج‌سم‌که به‌رده‌های زیرتقسیم میشوند:

ــ۱ آنتراکوتریده Anthracotheridés
۲ــ آنوپلوته‌ریده Anoplothéridés
۳ــدیکوبونیده Dichobunidés

آنتراکوتریده .

از بونوسله‌دونت ، وفسیل‌های‌کشف شده عبارتند از:

۱ــ انتراکوتریوم Anthracotherium
۲ــ مصری‌تریوم
۳ــ هی‌پوتاموس Hypotamus

آنوپلوتریده .

از بونوسله‌دونت‌که جنس‌های‌فسیل آن عبارتند از:

۱ــ آنوپلوتریوم Anoplotherium
۲ــگزیفودون Xiphodon

دیکوبوئیده .

از بونوسله‌دونت بوده و جنس‌های فسیل‌آن عبارتند از:

۱ــ دیکوبون Dichobune
۲ ــ هماکودون Hemacodon

اجداد نشخوارکنندگان .

۱ــ اورئودون Oreodon (اولیگوسن)
۲ــ هیه‌موسکوس Hyaemoscus
۳ــ تراگولوس Tragulus (پلیوسن)
۴ــ بلاستومریکس Blastomeryx (میوسن زیرین) .
۵ ــ آرکئومریکس Archéomeryx (ئوسن زیرین) .
۶ــ پرودرموتریوم Prodremotherium (دوران سوم) .
۷ــ ژلوکوس Gelocus (ائوسن واولیگوسن) .
۸ــ سمداران جنوب Notongulés (اوائل دوران سوم) .
۹ــ تیپوتریوم Typotherium (پلیوسن)
۱۰ــ ماکروکنیا Macrauchenia
۱۱ــ آستراپوتریوم Astrapotherium (میوسن) .
۱۲ــهومالودونتریوم Homalodontherium (میوسن) .
۱۳ ــ توگزودون Toxodon (پلیوسن)
۱۴ــ تریگودون Trigodon (پلیوسن)
۱۵ــ تئوزودون Theosodon (ائوسن- زیرین) .

بی‌دندانان .

از پستانداران وبه‌گـروههای زیر تقسیم میشوند:

۱ــ نومارترا Nomarthra
۲ــگزه‌نارترا Xenarthra

نومارترا .

ازبی‌دندانان‌که دوجنس‌مهم دارد:

۱ــ پانگولن Pangolin
۲ــ اوریکته‌روپ Orycterope

گزه‌نارترا .

از بی‌دندانان ،کـه به چهار بخش تقسیم میشود:

۱ــ برادی پود امروزی Bradypode
۲ــ ورمی‌لنگ امروزی Vermilingue
۳ــ دازی‌پود امروزی Dasypod
۴ــگراویگراد امروزی Gravigrade



۵ ــ مگاتریوم ، فسیل Magatherium
۶ــ میلودون Mylodon



۷ــ سلیدوتریوم Scelidotherium
۸ــ کلیپتودونت Clyptodontes
۹ــ پروپالئوهوپلوفوروس Propaléohoplophours
۱۰ــگلیپتودون Glyptodon
۱۱ ــده‌دیکوروس Dedicurus



پانگولن



۱۲ــ پانوکتوس Panochthus

حشره خواران.

از پستانداران بوده و به سه دسته تقسیم میشوند:

۱ــ پانتولستین Pantolestiens
۲ــ زالامبدودونت Zalambdodontes
۳ــ دیلامبدودونت Dilambdodontes



گلیپتودونت

پانتولستین .

ازحشره‌خواران وجنس معروف‌آن پانتولستس Pantolestesمی‌باشد .

زالامبدودونت.

از حشره‌خواران ، جنس مهم‌آن

گریزوکلوریس Chriysochloris

دیلامبدودونت.

از حشره خواران و جنس‌های مهم آن عبارتند از :

۱- تالپا Talpa
۲ـ اریناسئوس Erinaceus
۳ـسورکس Sorex
۴ـ میوگال Myogale



تارسیوس

خفاشان.

از پستانداران هوایی می‌باشند ، جنسهای معروف‌آن عبارتند از :

۱ـ وسپرتیلیو Vespertilio
۲ـ رینولوفوس Rhinolophus
۳ـپته‌روپوس Pteropus
۴ـزانیك‌تریس Zanycteris
۵ـوامپیر Vampir

گوشتخواران .

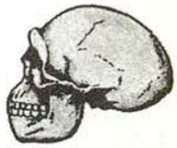
ازپستانداران‌که به‌دو دستهٔ‌بزرگ تقسیم میشوند :

۱ـگوشتخواران‌آغازی Créodontes
۲ـ فیسی‌پد Fissipèdes

گوشتخواران‌آغازی .

ازگوشتخواران دارای تیره‌های‌مهم زیر است :

۱ـ آرکتوسیونیده Arctocyonidés
۲ـمزونیکیده Mesonychidés
۳ـمیاسیده Miacidés
۴ـهیه‌نودونتیده Hyaenodontidés
۵ـاوکسیه‌نیده Oxyenidés



انسان‌چین

فیسی‌پد.

۱ـ سگها Canidés
۲ـ خرسها Ursidés
۳ـکفتارها Hyaenidés
۴ـ موسته‌لیده Mustellidés
۵ـ ویوریده Viverridés
۶ـگربه‌ها Felidés

پریماتها .

از پستانداران‌کف‌رو ، به سه‌بخش تقسیم میشوند :

۱ـ لمورها Lemuriens
۲ـ میمونها Simiens
۳ـ انسان Hominiens

لمورها.

از پریماتها ، مهمترین جنسهای آن عبارتنداز :

۱ـ لمور Lemur
۲ـآداپیس Adapis
۳ـ پلزی‌آداپیس Plesiadapis
۴ـ نوتارکتوس Notharctus
۵ـکیرومیس Chiromys
۶ـآناپتومورفوس Anaptomorphus
۷ـ نکرولمور Necrolemur
۸ـ تتونیوس Tetonius
۹ـ تارسیوس Tarsius

میمونها

از پریماتها بوده و به دوبخش بزرگ تقسیم میشوند :

۱ـ پلاتی‌ری‌نین Plathyrhiniens
۲ـکاتاری‌نین Catarhiniens

پلاتی‌ری‌نین .

از میمونهایی که جدار منخرین آنها پهن است ؛ جنسهای مهم‌آن‌عبارت است از :

۱ـ هاپال Hapal
۲ـ ساژو Sajou
۳ـ هومونکولوس Homunculus

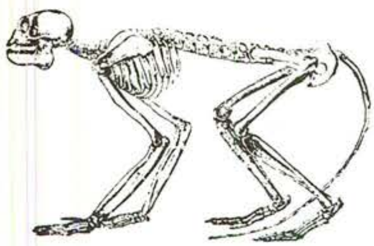
کاتاری‌نین .

ازمیمونها‌که تیغهٔ جداری منخرین آنها نازك‌است ، و جنسهای‌مهم‌این‌گروه عبارتند از :

۱ـ سینوسفالوس Cynocephalus
۲ـ سمنوپیته‌کوس Semnopithecus
۳ـ مزوپیته‌کوس Mesopithecus
۴ـ ماکاکوس Macacus
۵ـ دولیکوپیته‌کوس Dolichopithecus
۶ـ شمپانزه Chimpanzé



۷ـگوریلا Gorilla



۸ـ اورانگ‌اوتان Orang-outan
۹ـ ژیبون Gibbon
۱۰ـ پروپیلوپیته‌کوس Propliopithécus
۱۱ـئوسترالوپیته‌کوس Australopithecus
۱۲ـ دریوپیته‌کوس Dryopithécus

انسان .

از پریماتها ،که همیشه روی دو پا می‌ایستد ؛ و انسانهای فسیل به ترتیب قدمت عبارتند از :

۱ـکانستاد Canstadt
۲ـ پیته‌کانتروپوس Pithecanthropus
۳ـ انسان چین Sinanthropus
۴ـ انسان‌هایدلبرگ Homa-Heidelberg
۵ـ ائوانتروپوس داوسونی Eoanthropus Dawsoni



۶ـ انسان‌نئاندرتال Homo-Neanderthal
۷ـ انسان اسپی(شبیه نئاندرتال) Homo–Spy
۸ـ انسان‌کراپینا ، شبیه نئاندرتال
۹ـ بروکن هیل ، شبیه نئاندرتال Broken-Hill
۱۰ـ شاپل ئوسنت ، شبیه نئاندرتال Chapelle-aux Saints
۱۱ـگریمالدی Grimaldi
۱۲ـکرومانیون Cro-Magnon

۱۳ـ شانسلاد Chancelade

تیره‌های بازدانگان باواژه‌لاتین

ریش بز	Ephedraceae
ژنکگو	Gipnkgoaceae
سرخدار	Taxaceae
سرو	Cupressaceae
کاج	Pinaceae

تیره‌های تك لپه‌های نهاندانه با واژه‌لاتین

آگاو	Agavaceae
اختر	Cannaceae
اویارسلام	Cyperaceae
برگ‌بیدی	Commelinaceae
تیرکمان‌آبی	Alismaceae
ثعلب	Archidaceae
جگن	Juncaceae
خرما	Palmaceae
زنبق	Iridaceae
عدسك‌آبی	Lemnaceae
گرز یالویی	Typhaceae
گل حسرت	Colchinaceae
گل شیپوری	Araceae
گندم	Graminae
گل‌لاله	Libiaceae
مارچوبه	Asparagoideae
موز	Musaceae
نرگس	Amaryllidaceae

تیره‌های دو لپه‌ای های نهاندانه با واژه‌لاتین

آلاله	Ranunculaceae
اسفناج	Salsolaceae
اسفند	Lygophyllaceae
افرا	Aceraceae
انار	Punicaceae
انگور فرنگی	Saxifragaceae
بارهنگ	Plantaginceae
باقلا	Fabaceae
برگ‌بو	Lauraceae
بگونیا	Begoniaceae
بلوط	Fagaceae
بنفشه	Violaceae
بید	Salicaceae
پاپیتال	Arabiaceae
پامچال	Primulaceae
پسته	Anacardiaceae
پنیرك	Malvaceae
پیچ اناری	Bignoniaceae
تاج خروس	Amarnthaceae
ترشك	Oxalidaceae
توسکا	Betulaceae
جعفری	Umbelliferae
چای	Theaceae
چنار	Platanaceae
حنا	Lythraceae
خرزهره	Apocynaceae
خرفه	Portilacaceae
خرمالو	Ebenaceae
خشخاش	Papaveraceae
خواجه‌باشی	Dipsaceae
روناس	Rubiaceae
زبان مادرشوهر	Cactaceae
زرآوند	Aristolochiaceae
زرشك	Berbesidaceae
زموز	Menispermaceae
زیتون	Oleaceae
زیتون تلخ	Meliaceae
زیرفون	Tiliaceae
سنجد	Elaeagnaceae
سیاه‌ال	Gornaceae
سیب زمینی	Solanaceae
شاه‌بلوط	Sapindaceae
شاه‌پسند	Verbenaceae
شاه‌تره	Fumariaceae
شاهدانه	Cannabinaceae
شب‌بو	Cruciferae
شمشاد	Celastraceae
شمشاد فرنگی	Buxaceae
شمعدانی	Gerantaceae
شوند	Caprifoliaceae
شیرآور	Palygalaceae
شیرینك	Loranthaceae
عرعر	Simarubaceae
علف‌مار	Capparidaceae
عناب	Rhamnaceae
فرفیون	Euphorbiaceae
فلوکس	Palemoniaceae
فندق	Corylaceae
کاسنی	Compositae
کتان	Linaceae
کتوس	Asclepiadaceae
کدو	Cucurbitaceae
کنجد	Pedaliaceae
گردو	Juglandaceae
گز	Tamaricaceae
گزنه	Urticaceae
گل‌ابریشم	Mimosaceae
گل‌ارغوان	Caesalpinaecae
گل استکانی	Campanulaceae
گل‌جالیز	Orobanchaceae
گل‌حنا	Bolsaminaceae
گل‌راعی	Hypericaceae
گل‌سرخ	Rosaceae
گل کبوتر	Gentianaceae
گل که	Plumbaginaceae
گل گاوزبان	Boraginaceae
گل‌مغربی	Onagraceae
گل‌میمون	Scrophulariaceae
گل‌یخ	Calycanthaceae
لادن	Tropaeolaceae
لاله عباسی	Nyctaginaceae
ماگنولیا	Magnoliaceae
مو	Vitaceae
مورد	Myrtaceae
میخك	Caryophyllaceae
نارنج	Rutaceae
نارون	Ulmaceae
نازگوشتی	Crassulaceae
نرمو	Paronychiaceae
نعناع	Labiatae
نیلوفر	Convolvulaceae
نیلوفرآبی	Nymphaceae
والریاناسه	Valerianaceae
ورث	Resedaceae
هفت‌بند	Polygonaceae

گیاهان معروف

آزاد ، درخت *Zelkova*

درختی از تیرهٔ نارون ، برگهای متناوب و دندانه‌دار دارد ، گلها پلی‌گام هستند ، چوب‌این‌درخت‌بسیارپرمقاومت، از آن در نجاری استفاده میشود .

آفتاب‌پرست *Heliotropium. L.*

گیاهی علفی با برگهای ساده و گلهای غالباً سفید؛این‌گیاه از تیرهٔ گاوزبان است .

آقطی *Sambuscus, ebulus. L.*

گیاهی علفی از تیره شوید ، مغز ساقهٔ‌این‌گیاه‌به‌مصرف‌تهیهٔ‌برشهای‌میکروسکوپی‌گیاهی درآزمایشگاه می‌رسد .

آلاله *Ranunculus. L.*

گیاهی علفی یکساله دارای گلهای زرد یا سفید و شامل ۵ کاسبرگ و ۵ گلبرگ و تعداد زیادی پرچم . درنقاط مختلف ایران میروید .

آلو *Prunus,dvaricata.*

درختچه‌بزرگی‌ازگیاهان تیره گل‌ـ

سرخ است که میوهٔ شفت وخوراکی دارد. در اکثر نقاط ایران پرورش می‌یابد .

آلوچه *Prunus divaricata*

درختچه‌ای از گیاهان تیرهٔ گل سرخ برگهای متناوب دندانه‌دار وگلهای منظم سفیدرنگ دارد . مادگی آن یك برچه‌ای تخمهای یك‌خانه و میوهٔ آن شفت به‌رنگ مایل به قرمز است .

آماریلیس *Amaryllis. L.*

گیاهی زیبا از تیرهٔ نرگس که پرورش آن در غالب نقاط معمول و قطعات پوششی و اندام اصلی آن اغلب نامساوی است .

آناناس *Ananas*

گیاهی پایا، به ارتفاع درحدود پنج سانتیمتر پرورش آن به علت میوهٔ خوراکی مطبوعی که دارد در بعضی نواحی گرم مخصوصاً جزایر هاوایی و آنتیل معمول است . میوهٔ آناناس به صورت سته‌هایی است که به یکدیگرو به براکته‌ها و محور گوشتدار گل آذین پیوستگی دارند یعنی در واقع میوهٔ آن سته مرکب است . انواع پرورش یافتهٔ آن، میوه‌ای فاقد دانه دارند. میوهٔ آناناس طعمی شیرین مطبوع ، معطر وبسیار لذیذ دارد، مصرف کمپوت آناناس درکشور ما رایج است .

آنغوزه *Ferula, assa-foetida*

ازگیاهان تیرهٔ جعفری. این گیاه در پزشکی حایز اهمیت است . گیاهی به ارتفاع ۲ تا ۲/۵ متر دارای ریشهٔ ضخیم ومحتوی شیرهٔ شیری رنگ و بوی قوی است. ساقه آن ضخیم و استوانه‌ای برگهای آن پوشیده از تار وگلهایش به رنگ زرد می‌باشد با قطع ساقهٔ این گیاه، شیره‌ای از آن خارج میشودکه رزین مخلوطی با صمغ است و آنغوزه نامیده میشود .

آویشن *Thymus*

گیاهی پایا، دارای برگهای کوچك وگلهای ساده و سفید یا ارغوانی یا گلی مجتمع‌اند . این گیاه ازتیره نعناع است.

ارزن *Panicum miliaceum*

یکی ازگیاهان تیرهٔ گندم ، گیاهی یکساله وزراعت آن در غالب نقاط ایران معمول است .

ارغوان، درخت *Cercis, siliquastrum*

گیاهی که گلهای ارغوانی و زیبا دارد . برگهای آن ساده است و پرورش آن در غالب نقاط ایران معمول است .

ازگیل *Mespilus germanica*

ازگیاهان تیره گل سرخ . برگهای آن متناوب ساده زودافت. گلهایش منفرد و بزرگ است . میوه‌اش خوراکی است . ازگیل دارای تانن فراوان است . پس از رسیدن کامل طعم مطبوع پیدا میکند .

اسپیروژیر .

جلبکی که از ریسه‌هایی با رشته‌های مارپیچ سبز و سلولهای مشخص تشکیل شده است. در موقع تشکیل تخم دو رشته آنها موازی قرارمیگیرند، ولی همیشه پروتوپلاسم یکی از آن دورشته داخل دیگری میشود به قسمی که پس ازآمیزش یکی از دو رشته پراز تخم و یکی ازآنها خالی میماند .

استکانی ، گل *Campanula*

گیاهی علفی که گلهای آبی یا بنفش دارد ودرباغچه‌ها کاشته میشود .

اسفاگنوم *Sphagnum*

از خزه هایی که در آب ودر باتلاقهای نقاط معتدل سردمیروید. دستگاه رویشی آن ساقه‌ای است که از چند ردیف سلول درشت ساخته شده وتمام آنها مرده وخالی هستند وهریك ازآنها به وسیله سوراخی به‌دیگری مربوط شده وبرای انتقال آب بکار میرود. برگ آن از یك طبقهٔ سلول ساخته شده وشاخه‌های متعدد دارد .

اسفرزه *Plantago psyllium*

دانه‌هایش دارای لعاب فراوان و مصرف پزشکی دارد این گیاه از تیرهٔ بارهنگ است .

اسفناج *Oleracea*

گیاهی علفی از تیرهٔ چغندر ، که پرورش آن درهمه جا معمول میباشد ، دارای آهن واملاح مختلف و ویتامینهای A و B و C و D است . ماده‌ای به‌نام سکرتین دارد . برگ اسفناج به مصرف خوراك میرسد .

اسفند *Peganum harmala*

گیاهی از تیرهٔ سداب . دانهٔ اسفند دارای آلکالوئیدهایی به‌نامهای هارمالین و هارمین است . این گیاه را اسپند هم می‌گویند .

اطلسی *Petunia*

گیاهی علفی باگلهای قیفی شکل و زیبا و معطرکه اغلب به رنگ سفید ، بنفش وصورتی دیده می‌شود .

افدرا *Ephedra*

گیاهی دوپایه که ساقهٔ آن دارای انشعابات فراوان بوده وهمیشه سبز است. در هربند غلافی ازفلسها دیده میشود. گلهای نرآن به‌صورت شاتوتهایی است که درمحور ساقه قراردارد. گلهای ماده در انتهای شاخه‌ها به‌صورت منفرد یا دستجات دوتا سه تایی در براکته‌ها قرار دارند . در این گیاه ماده‌ای به‌نام افدرین *Ephédrine* وجود داردکه مصرف پزشکی دارد .

افرا *Acer, insigne*

گیاهی درختی درنقاط مختلف شمال ایران می‌روید ومیوهٔ آن بالدار است .

افسنطین *Artemisia absinthin*

گیاهی از تیرهٔ مینا که برگ آن مادهٔ تلخی به‌نام ابسنطین (*Absinthine*) دارد .

اقاقیا *Robinia psendo acacia*

درختی ازپروانه‌آسایان که برگهای مرکب وگلهای سفید و معطر خوشه‌ای دارد .

انار ، درخت *Punica granatum*

دارای شاخه‌های نامنظم وکم‌وبیش خاردار است. برگهای آن متقابل ، شفاف، ساده وگلهای آن به‌رنگ قرمز است که درون کاسهٔ چرمی‌شکل قرمزجای دارد .

انجیر *Ficus carica*

میوهٔ انجیر فندقه‌های متعددی است که درون نهنج کوزه‌ای‌شکل و گوشتدار قرار دارند. درغالب نقاط ایران خصوصاً نواحی شمالی فراوان وازگیاهان تیرهٔ توت است.

انگشتانه *Digitalis purpurea*

گیاهی دو ساله ، پوشیده ازکرك مخصوص اراضی سیلیسی، برگهای این گیاه ساده و دارای شبکهٔ برجسته از رگبرگها در پشت پهنك است، گلهای آن به‌رنگ قرمز، گلی دارای خالهای قهوه‌ای ودر برگ آن ماده‌ای دارویی به نام ـ دیژیتالین است .

اوکالیپتوس *Eucaliptus*

ازگیاهان تیرهٔ موزاست . درختی بزرگ ، که بعضی ازانواع آن دارای دو نوع برگ مشخص برروی یك ساقه‌دارند . کشت آن موجب ازبین رفتن پشهٔ آنوفل ومیکروبهای دیگر است . نوعی از آن درایران کشت میشود .

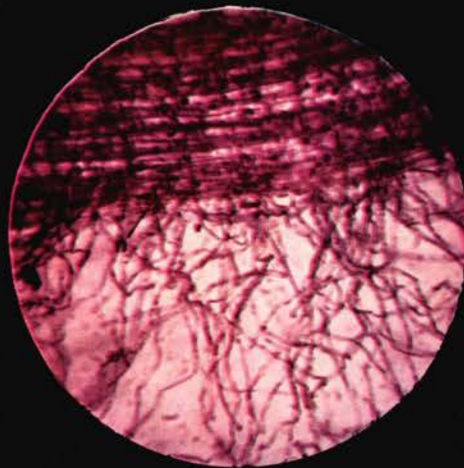
باباآدم *Arctium lappa*

گیاهی دو ساله از تیرهٔ میناکه برگهای بزرگ وکاپیتولهای کروی دارد. در ریشهٔ گیاه کلوکوزیدی به‌نام داپوزید وجود دارد .

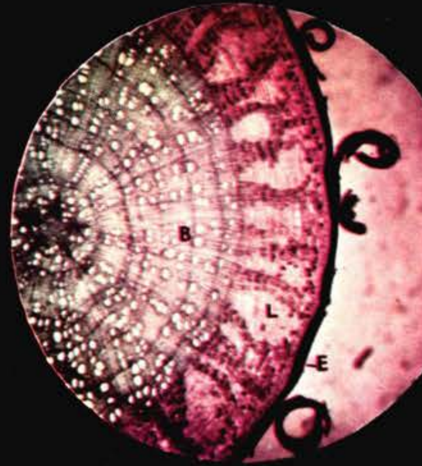


اسفناج

گیاهان گلدار : ساختمان داخلی



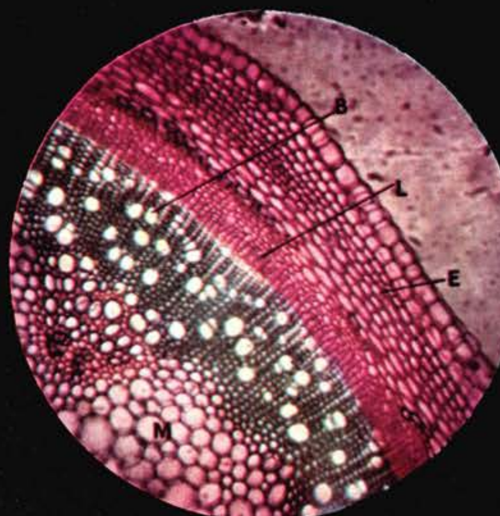
ریشهٔ گندم ۵۰ برابر ، باتارهای کشنده . n=هستهٔ سلولها. هر تارکشنده یک‌سلول بلند و زنده‌است .



ریشهٔ گیاه شیردار (٦ساله) [برش عرضی] ۱۵برابر . علائم دورشکل، پوست در حال کنده شدن، هرطبقه چوب‌ثانویه نشانهٔ یک‌سال است .



ریشهٔ زنبق(استوانه‌مرکزی)[برش‌عرضی] ٦۰ برابرشده E=پوست .e = دایرهٔ محیطیه. B= آوندهای چوبی . L= آوند آبکش بصورت متناوب .



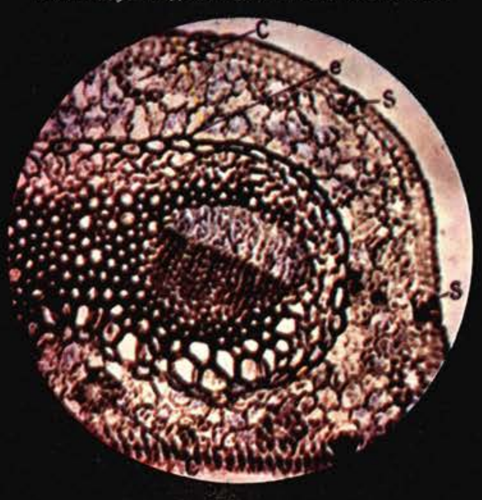
ساقهٔ اقطی (نوند)، برش عرضی، ۴۰برابر. دراین تصویر تشکیلات ثانویه؛ چوب وآبکش دیده می‌شود ومغز تقریباً تمام مرکزاستوانه را اشغال کرده است .



ساقه نعناعیان(برش عرضی.) ۴۰برابرn= پارانشیم مغزی co=کلانشیم . p=تارهای پوستی ساقه مجوف ، چهار گوش : در گوشه‌ها متراکم .



برگ دالوئس (برش عرضی) ٦۰ برابر. ناحیهٔ پوستی : ناحیهٔ کوتیکول غیرقابل نفوذ خارجی(c) ویک روزنه (s) اندام تنفسی گیاه.

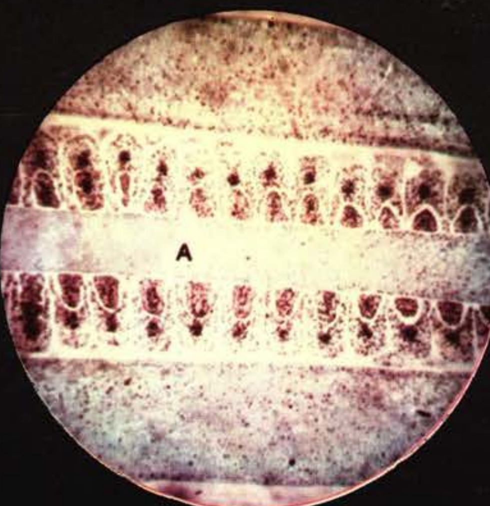


برگ سوزنی کاج (برش عرضی) ۶۰برابر s= روزنه در بخش پوستی ومجاری مترشحهٔ رزین‌که در پوست جریان دارند .

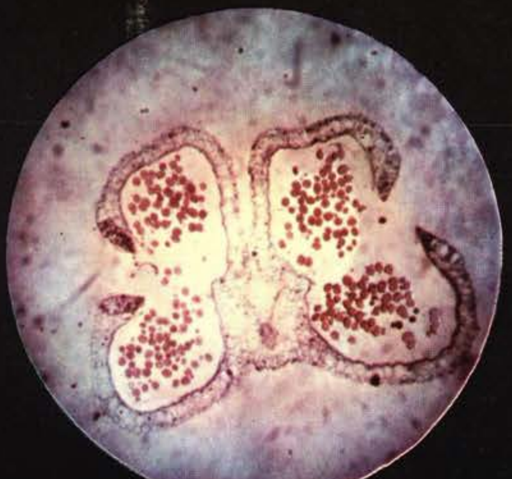


دمبرگ سرخس (برش عرضی) ۶۰ برابر؛ ساختمان چند سیلندری ؛ ۷ استوانه چوب و آبکش در دمبرگ وجود دارد که دراین تصویر یک سیلندر نشان داده شده است .

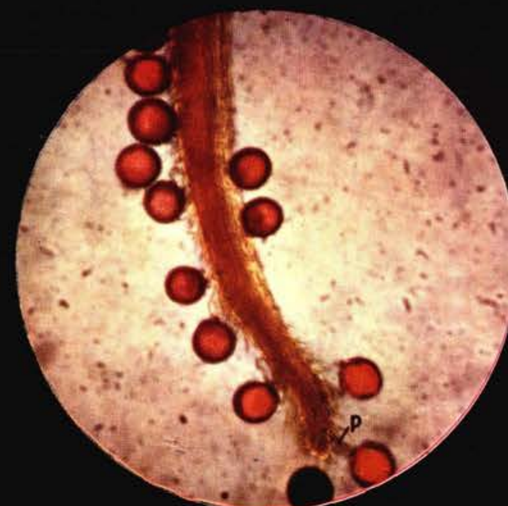
گیاهان گلدار: ساختمان تولیدمثل



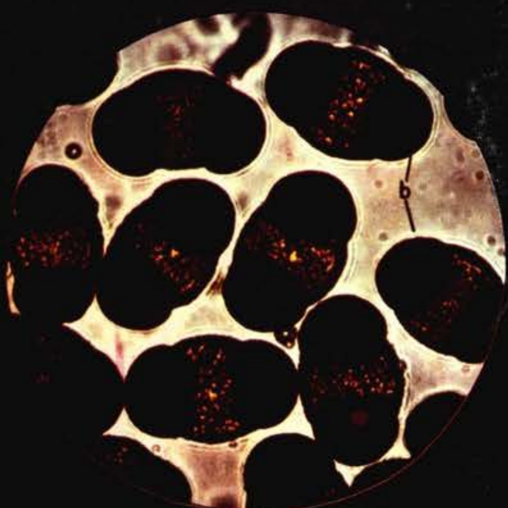
تخمدان سوسن : برش طولی ؛ ۱۵ برابر
A= محورکه در اطراف آن تخمک قراردارد



پرچم سوسن : بساک ؛ برش عرضی ۱۰ برابر شده. پرچم رسیده ؛ با دریچه‌های باز ؛ دانه‌های گرده درحال پخش.

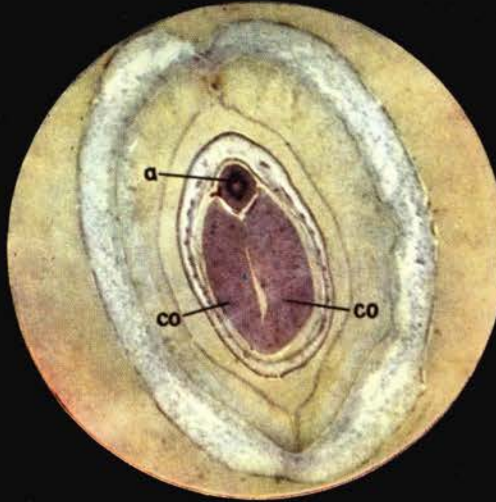


مادگی پنیرک: ۸۰ برابر ؛ برجستگی‌های چسبناک (p) آن دانه‌های گرده را جذب می کنند تا تخمک‌هایش را لقاح کنند.



دانهٔ گردهٔ کاج: ۲۰ برابر شده؛ بادکنک‌های اطراف (b) جالب است که به دانهٔ گرده سبکی لازم را جهت پروازمی‌دهد.

میوهٔ لوبیا: برش عرضی ؛ ۳/۵ برابر a= محور گیاهی و لپه‌هایش



دانهٔ انگور: خشك ؛ برش عرضی (بین دودانه) چوب ۱۰ برابر شده . scl= اسکلرانشیم



بادام ، درخت
Amygdalus Communis
درختی که‌ارتفاعش تادوازده‌مترمیرسد وبر گهای ساده ومیوهٔ شفت به‌رنگ سبز وپوشیده ازکرك دارد . دانهٔ‌آن‌ممکنست شیرین یاتلخ باشد . مغزبادام ازیك لایهٔ نازك قهوه‌ای پوشیده شده شامـل دو لپهٔ بزرگ وروغن‌دار است .

بادام زمینی *Arachis hypogea*
گیاهی از گیاهان پروانه آساکـه بر گهای آن‌سه تاچهار برچه‌ای ودارای‌دو گل‌زایا وغیرزایا میباشدگلهـای زایای آن کوچك‌است. میوهٔ آن ناشکوفامیباشد.

بادرنگ *Citrus medica*
ازگیاهان‌تیرهٔ سداب وجزومر کبات میباشدکه میوهٔ‌آن خوراکی است .

بادنجان *Solanum melongena*
گیاهی علفی، باگلهای‌بنفش‌بر گهای پهن، میوه‌اش‌استوانه به رنگ بنفش‌تیره ومحتوی دانه‌های فراوان است ، مصرف خوراکی دارد. بادنجان از گیاهان تیرهٔ سیب‌زمینی است .

بارهنگ *Plantago*
گلهای این‌گیاه به‌رنگ سفید مایل به خاکستری یا سفید نقره‌ای مایـل به قهوه‌ای ومجتمع است .

باقلا *Vicia faba*
گیاهی ازپروانه‌واران‌که درهمه‌جا پرورش میبابد ودانهٔ‌آن به‌مصرف‌خوراك میرسد .

بذرالبنج *Hyosyamus niger*
گیاهی دوساله گلهایش زرد رنگ‌با شبکه‌ای ازخطوط ارغوانی‌است. میوه‌اش پوشینه ومحتوی دانه‌های‌کوچك آتروپین وهیوسیامین فراوان‌دارد درشمال ومرکز ایران می‌روید . ازگیاهان تیرهٔ سیب ــ زمینی است‌که بنگدانه هم‌گفته میشود .

برگ‌نو *Ligustrum vulgare*
ازگیاهـان تیرهٔ زیتون درختچـهٔ کوچکی‌که‌بر گهای متقابل‌وپایا وگلهای سفید رنگ دارد در نواحی شمال ایران می‌رویـد . درآستارا مندارچـه نامیده میشود .

برنج *Oryza sativa L.*
گیاهیست یکسالـه از تیرهٔ گندم بـا ساقهٔ راست و مـاشـوره‌ای ، برگهایش باریك ونوك تیزاست. میوهٔ‌آن گندمـه وپوشیده از پوشینك‌هاست برنج عاری‌ازپوسته‌دارای‌دوازده‌تاسیزده درصد آب و۷۷تا ۸۰ درصدازئیدراتهای کربن‌و مقدارکمی مواد ازت دارد .

برنجاسف *Artemisia vulgasis*
از گیاهان تیرهٔ مینا ، گیاهی پایا به‌صورت بوته بااعضاء چوبی‌وکاپیتولهای کوچك مرکب از دونوع گل : لوله‌ای و زبانه‌ای .

بسفایج *Palypodium*
سرخسهای پایا دارای ریزوم ضخیم گوشتدار پوشیده از فلسهای بـه رنگ قهوه‌ای‌وبرگهای مرکب‌ازبرگچه‌ها که‌در پشت برگها کیسه‌هـای فـراوان قـرار گرفته‌اند .

بگونیا *Begonia*
گیاهی زمینی اعضاء گوشتدار دارد تکثیر آن از راه قلمه زدن و یـا قرار دادن برگی ازآن در خاك مرطوب صورت میگیرد. گلهای مجتمع به‌صورت گل‌آذین گرزن دارد .

بنفشهٔ سه رنگ *Viola tricolor*
گیاهی ازتیرهٔ بنفشه‌که نوع وحشی آن دارای گلهایی به رنگ زرد توأم با لکه‌های بنفش رنگ است . انواع زینتی آن گلهای‌درشت به‌رنگهای مختلف‌دارد.

بنفشهٔ معطر *Viola odorata*
گیاهی ازتیرهٔ بنفشه باگلهای‌منفرد به‌رنگهای‌بنفش‌آبی‌یاارغوانی‌ومعطراست.

بولاغ اوتی *Nasturtium officinal*
ازگیاهـان علفی تیرهٔ شب‌بو ، در غالب نواحـی مرطوب ومحل جریانهای ملایم آب میروید . بطور خام به مصرف خوراك میرسد .

بومادران *Achillea millefolium*
گیاهی‌ازتیرهٔ میناکه بیشتردرنواحی کوهستانی پراکنده است ومصرف‌دارویی دارد .

به ، درخت *Cydonia vulgaris*
ازگیاهان تیرهٔ گل‌سرخ کـه ارتفاع درخت‌آن تاهشت مترمیرسد ، برگهایش متناوب و ساده وگلهایش منفرد سفید یا صورتی است. میوهٔ آن‌پوشیده ازکرکهای پنبه‌ای به رنگ زرد دارای بوی مطبوع وطعم شیرین وقابض است دانهٔ آن لعاب چسبنده دارد .

به لیمو *Lippia citirodora*
گیاهی‌زینتی دارای شاخه‌های‌متعدد باگـل آذین خوشه‌ای وبرگهای معطرو ساده است . از برگهای این‌گیاه اسانس تهیه‌میکنند ازتیرهٔ گیاهان شاه‌پسنداست.

بید ، درخت *Salix*
برگها، باریك دراز وبعضی نوك‌تیز سنبله‌های گلهای‌نرو‌ماده برروی‌دودرخت جداگانه‌دیده‌میشوند. گلهای نردارای‌دو تاپنج پرچم وگلهای ماده مادگی مرکب از دوبرچه دارد . ازپوست تنهٔ درخت و شاخه‌های جوان این‌گیاه سالیسین‌گرفته میشود .

بید مجنون *Salix babylonica*
برگها باریك ودراز شاخه‌ها نرم و آویخته‌درکنار جویبارها می‌رویدبه‌وسیله قلمه تکثیرمی‌یابد ازگیاهـان تیرهٔ بید است .

بیدمشك *Salix aegyptica*
سنبله‌نراین‌گیاه‌دارای اسانس‌معطر بوده وازگیاهان تیرهٔ بید است .

پامچال *Primula acaulis*
گل‌آن به‌رنگ زرد ارغوانی وگلی مایل به بنفش مجتمع به‌صورت چترساده دارد. برگهای‌آن‌درسطح‌زمین گسترده‌اند درشمال و اطراف تهران میروید .

پرتقال ، درخت *Citrus*
ازگیاهان‌تیرهٔ‌سداب وجزومرکبات. چوب درخت پرتقال سفید ومغزچوب آن مایل‌به قرمز میوهٔ‌آن خوراکی وپوستش اسانس دارد.میوهٔ این‌گیاه دارای مقدار زیادی ویتامین C ، اسانس پرتقال‌که از پوست تازه تهیه شود، بوی مطبوع وملایم دارد ودرتهیهٔ برخی‌ادوکلن‌ها بکارمیرود.

پرسیاوشان *Adiantum. L.*
ازخانوادهٔ کرف است . این‌گیاه در ایران فراوان‌برروی دیوارهای مرطوب ودور حلقه‌هـای چاه‌کنار جویبارهـا و آبریزهای مناطق‌کوهستانی هم می‌روید.

پسته ، درخت *Pistacia vera*
درختی دوپایه بابرگهای متناوب‌و بی‌کرك، گلهاریزبدون جام‌گل ، میوهٔ‌آن به‌بزرگی‌زیتون دارای مغزخوراکی‌است.

پنبه *Gossypium*
گیاهی علفی با بوتـه‌ای مخصوص مناطق‌گرم. رگبرگها‌پنجه‌ای‌گلهامنفرد، کاسهٔ‌گل دارای‌سه‌براکته قلبی‌شکل میوهٔ پوشینه دانـه‌های آن پوشیده از تارهای سلولزی وازگیاهان تیرهٔ پنیرك است .

پنج انگشت *Vitex. agnus castus*
درختچه‌ای به‌ارتفاع دومتربا برگهای پنجه‌ای پوشیده ازکرك .گلهای‌آنها آبی مایل‌به بنفش ومجتمع میوهٔ‌شفت ومحتوی هسته‌ای یاچهارخانه‌است این‌گیاه‌ازتیرهٔ

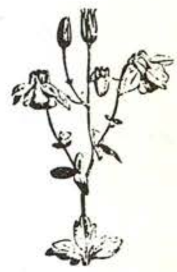

بگونیا


افرا


بید


پامچال


پنبه



تاج‌الملوك



توت فرنگی



چغندر

شاه‌پسند است .

پنیرك *Malva sylvestris*

گیاهی پایا با برگهای متناوب و مرکب از پنج تاهفت لب دندانه‌دار گلها به‌رنگ گلی مایل‌به‌بنفش با خطوط تیره‌ـ رنگ، برگ آن دارای ویتامین‌های A و B و C ومواد لعابی است .

پونه *Mentha arvensis*

این گیاه دارای‌ساقه چهار کنج بوده ودرطول ساقه‌اش دستجات گل‌وجوددارد، اما در انتهای ساقه نافـذ گل می‌باشند . این گیاه ازتیرهٔ نعناع است .

پیاز *Allium cepa*

گیاهی‌پایا دارای‌برگهای‌استوانه‌ای نوك تیز تو خالی وگلهایی به‌رنگ سفید ومجتمع به‌صورت نوعی‌چترباظاهر کروی شکل‌ریشه افشان. پیازدارای‌ویتامینهای مختلف است .

پیچ امین‌الدوله

Lonicera caprifolium

گیاهی‌زمینی ازتیرهٔ شوید که گلهای نامنظم وگل‌آذین گرزن دوسویه دارد ، دراکثر نواحی‌ایران‌پرورش داده‌میشود.

پیچك صحرایی *Convolvulus*

گیاهی‌دارای ساقه‌پیچنده و برگهای ساده موجدار و گلهای نسبتاً بزرگ بـه رنگ‌آبی ، سفید وسفید مایل به‌زرد .

تاتوره *Datura. stramonium*

گلهای درشت وقیفی شکل وسفید ـ رنگ وبرگهای پهن‌دارد میوهٔ پوشینه و خاردار وبا چهار شکاف طولی بازمیشود. تاتوره ازگیاهان تیرهٔ سیب‌زمینی است.

تاج‌الملوك *Aquilegia vulgaris*

از گیاهان علفی تیرهٔ آلاله گلهای آن گلبرگهای دنباله‌دار مولدنوش‌دارد. گیاهی زیبا وزینتی که درایران پرورش می‌یابد .

تاج خروس *Amaranthus*

گیاهی یکساله باگلهای مجتمع که به‌وضع متراکم درانتهای ساقه قراردارد به‌رنگهای قرمزو گلی دیده میشود .

تاجریزی *Solanum nigrum*

گیاهی علفی یکساله گلهای‌کوچك‌و سفیدرنگ ومیوهٔ سته وسیاهرنگ دارد . دربرگ ومیوه این گیاه ماده‌ای سمی به نام سولانین وجود دارد. تاجـریزی از گیاهان تیرهٔ سیب زمینی است . وآنرا تاجریزی سیاه نیزمی‌گویند .

ترب *Raphanus satinus*

ازگیاهان تیرهٔ شب‌بو ریشهٔ راست غده‌ای‌آن خوراکی، به‌این‌گیاه تربچه‌نیز گفته میشود .

ترتیزك *Lepidium sativum*

ازگیاهان تیرهٔ شب‌بو ، گیاهی‌علفی که‌منبع سرشاری ازویتامین A است بـه صورت خام‌مصرف‌میشود، به‌این‌گیاه شاهی هم‌گفته میشود .

تره *Allium*

ازگیاهان تیرهٔ لاله . ازگونـه‌های مفید وغذایی این تیرهٔ خود تره است‌که کوارنیز گفته میشود .

تمبرهندی *Tamarimdus indica*

گیاهی ازتیرهٔ گل ارغوان، برگهای شانه‌ای‌دارد ودربلوچستان‌می‌روید. میوهٔ آن به‌عنوان چاشنی مصرف میشود .

توت *Morus alba*

به‌منظور پرورش‌کرم ابریشم‌واستفاده از میوه‌اش پـرورش داده میشود . میوهٔ شیرین ومطبوع ومایل به‌سفید دارد . در غالب نقاط شمالی‌ایران پرورش میبابد، برگهای دندانه‌دار ومتناوب‌دارد به‌حالت طبیعی‌ارتفاعش‌تا۱۵ مترمیرسد، میوه‌اش مرکب ازفندقه‌هایی است‌کـه هریك در کاسه‌ای‌گوشتدار محصور میباشد .

توت فرنگی *Eragaria vesca*

گیاهی‌باساقه‌خزنده ازتیرهٔ‌گل‌سرخ براثرتماس ساقه‌های خزندهٔ آن با زمین ریشه‌های نابجا و در نتیجه‌گیاه جدید به وجود می‌آید . کاسه‌گل آن پنج‌کاسبرگ پایا باپنج‌کاسبرگ فرعی دارد. نهنج‌گل توت فرنگی قسمت خوراکی‌آنراتشکیل می‌دهد .

توتون *Nicotiana*

گیاهـی درختچه مانند بابرگهای ساده وکامل وگلهای قیفی سفید مایل به زرد و قرمز دارد . برگ توتون الکالـوئید سمی بنام نیکوتین دارد.این گیاه ازتیرهٔ سیب زمینی است وبرگهای آنراخشکانیده سپس‌ازآن به‌نام‌دخانیات استفاده‌میکنند«شرح بیشتردربخش‌اقتصاد».

تیرکمان آبی

Sagittaria sagittifolia

گیاهی‌آبزی‌دارای‌ریزوم که‌در گل‌ـ ولای استخرهای طبیعی یا آبهای راکد جای‌میگیرد.دارای‌سه نوع‌برگ(غوطه‌ور ـشناورـهوایی) است،درآبهای اطراف لاهیجان فراوان است .

جالیز *Orobanche*

گیاهی انگل،برگهایش فلس مانند و فاقـد کلـروفیل طفیلی ریشهٔ گیاهان نهاندانه میشود و قدرت تکثیر فراوان دارد .

جعفری *Petroselinum sativum*

گیاهی دو سالـه است ، برگ و ساقه‌های جوان‌آن به مصرف تهیهٔ اغذیه میرسد . ازسبزیهای مفیدبوده ، پرورش آن درغالب‌کشورها معمول است .

جلبك‌ها .

رستنی‌های سبزی‌که درآبهای‌شیرین وشوروودرزمین‌های مرطوب دیده‌میشوند و چون کلـروفیل‌دارند خـودخوارند. جلبك‌ها از ریسه‌داران هستند وعلاوه‌بر کلروفیل رنگهای دیگری دارندکه رده بندی آنها از روی این رنـگها صورت میگیرد .

جو *Hordeum*

گیاهانی غالباً یکساله ، به ارتفاع ۱۰ تا۱۵ سانتیمترالی یك‌متر میرسند، مقدار درصدمواد تشکیل دهندهٔ‌جوبطور متوسط بشرح زیراست :
٪۵۶ آمیدون ٪۱۳ آب٪۱۰ مواد آلبومینوئیدی ۶تا۷٪ موادقندی ٪۳ مواد معدنی ۲ تا ٪۴ دکسترین ٪۱/۷۸ مواد چرب وآنزیم.

جو دوسر *Avena sativa*

ازگیاهان تیرهٔ‌گندم ، علفی ، پایا دارای میوهٔ درازمنتهی به‌دونوك باریك و محفوظ درپوشینه‌هامقدار نسبی ذخایر نشاسته‌ای‌آن‌به ۶۰ درصد می‌رسد جوـ دوسربه مصرف تغذیه چهارپایان میرسد وازآردآن برای تغذیه‌اطفال‌بکارمیبرند.

چای *Thea sinensis*

درنواحی شمالی ایران بخصوص‌در لاهیجان پرورش می‌یابد . برگهای سبز آنرا در دستگاههای مخصوص بوداده و به‌مصرف خوراك میرسانند . چای‌دارای کافئین ولگومین ، اسانس ، تانن ومواد رنگی ومواد معدنی ویك اکسیداز بنام تئاز است .

چغندر *Beta vulgaris*

گیاهی‌علفی دوساله ریشهٔ متورم‌آن انـدوختهٔ فراوان قندی دارد ، برگ و ریشهٔ‌آن به‌مصرف تغذیه میرسد .

چنار، درخت *Platanus orientalis*

درختی بابرگهای پنجه‌ای متناوب

که درنقاط مختلف کاشته می‌شود گیاهی یك‌پایه است، گل‌نرتاهشت‌پرچم‌وگل‌ماده تاهشت‌برچه آزاد دارد . پوست تنهٔ آن میریزد .

چوبك *Acanthophyllum*
دارای اعضای چوبی وبرگهای منتهی به‌نوك تیز خار مانند . چوبك از گیاهان تیرهٔ میخك است .

حساس *Mimosa pudica*
گیاهی زینتی از تیرهٔ گل ابریشم ، اگربه برگهای آن ضربه زده شود فوراً برگچه‌های‌آن رویهم تامیشوند .

حنا ،گیاه *Lawsonia intermis*
ازگیاهان تیرهٔ حنا ،که در ایران برای رنگ‌کردن موی سروناخن بکار میرود.حنا ، ازرنگهای طبیعی وبی‌ضرر است،دربلوچستان وکرمان میروید .

حنا ،گل *Impatiens*
گیاهی علفی و یکساله جام‌گل آن از پنج‌گلبرگ نامساوی تشکیل شده‌که یکی ازگلبرگها بزرگتر و آزاد است ، میوه‌آن پوشینه‌گوشتدارکه پس‌ازرسیدن به‌شدت بازشده ودانه‌هارابه‌خارج پرتاب می کند. گل‌حنارابه‌واسطهٔ گلهای زیبایش پرورش می‌دهند .

حنظل *Cucumis*
ازتیرهٔ‌گیاهان کدو میوه تلخ مزه دارد ودرنواحی جنوبی ایران میروید .

ختمی *Althaea afficinalis*
گیاهی با ریشه دراز دوکی‌شکل ، برگهامتناوب‌گلهای‌آن برنگهای‌صورتی وگلی است . ریشهٔ و برگ وگل ختمی لعاب فراوان دارد . این‌گیاه از تیرهٔ پنیرك است .

خردل سفید *Sinapis alba*
ازگیاهان تیرهٔ شب‌بو ، دانه‌هایی به‌رنگ زرد داردکه شامل‌مواد روغنی، لعاب و گلوکوزید گوگرد داری بنام سینالوزید است .

خردل سیاه *Sinapis niger*
ازگیاهان تیرهٔ شب‌بو ، برگهای بی‌کرك وگلهای‌زرد رنگ‌دارد.میوه‌اش دانه‌ای تیره رنگ داردکه دارای مواد روغنی، لعابی‌وگلوکزیدی‌بنام‌سینیگرین یاسینیگروزید دارد. خردل‌محرك‌هاضمه وضدبیماری آسکوربوت است .

خرزهره *Nerium aleander*
درختچه‌ای‌که‌گلهای مجتمع آن به رنگهای سفید، صورتی وگلی‌دیده‌میشود. درمنطقه مدیترانه تاآسیا میروید .

خرفه *Portulaca oleracea*
ازگیاهان تیرهٔ خرفه دارای ساقه‌های علفی منشعب ، برگ وساقهٔ آن‌گوشتدار وگلهایش منفرد وزرد رنگ است .

خرما *Phoenix dactylifera*
میوه‌ایست سته وخوراکی ازدرخت خرماکه تمام قسمتهای میوه (درون‌بر- میان‌بر- برون بر) خوراکی است.هسته آن‌آلبومن شاخی دانه‌است. خرمادارای ویتامین C وE وA وB است، درجنوب به‌دست میآید .

خرمالو *Diospyros kaki*
گلهای نروماده روی دوپایه‌جداگانه قرار دارند. برگهای ساده وچرمی‌شکل، میوهٔ‌آن قرمز رنگ،دارای تانن ومواد قندی است .

خربزه *Cucumis melo*
یکساله وعلفی میوه‌آن‌گوشتدار و ماده قندی فراوان دارد ساقه . خزنده آن در زمین شنی رشد بیشتری دارد و میوه‌اش مصرف خوراکی دارد ازتیره کدو است .

خزه مخملی *Moussis*
ازخزه‌هاکه درسایه‌های دیوارها و دور حلقه های چاههای قنات فرش سبز مخملی‌تشکیل میدهند، زیراکه ساقه‌های آن چنان بهم نزدیك است‌که زمین را یکسره سبزمیکند .

خشخاش *Papaver somniferum*
گیاهی علفی‌که‌گلهایی برنگ‌قرمز وسفید دارد ازمیوه نارس‌آن تریاك‌تهیه میکنند. این‌گیاه‌برای‌تهیهٔ روغن‌خشخاش وتریاك پرورش داده میشود . درمیوهٔ خشخاش‌که‌گرز نامیده میشود تاسی‌هزار دانه بسیارکوچك وجود دارد که روغن خشخاش‌ازاین دانه‌هاتهیه میشود. روغن آن‌مصرف صنعتی دارد مرفین ،کدئین، تبائین، پاپاورین،لدانوزین ، نارسئین نارکوتین و غیره از مواد متشکله الکالوئیدها .

خیار *Cucumis sativus*
علفی یکساله با ساقه‌های خزنده و برگهای پهن‌بادمبرگ بلند روی برگها پوشیده ازکرکهای‌زبراست. گلهای نرو ماده جدا ازهم روی‌یك‌پایه قراردارند. خیار ازگیاهان تیرهٔ کدو است،میوه‌اش مصرف خوراکی دارد .

دارچین *Cinnammomum*
درختی به‌ارتفاع ۵ تا۷ مترکه پوست تنهٔ آن مولد بهترین دارچین بنام دارچین سیلان میباشد . درسیلان وهند میروید.

داودی ، گل *Chrysanthemum*
ازگیاهان تیرهٔ‌مینا، که‌گلهای سفید رنگ وبادوام دارد .

درمنه *Artemisia cina*
ازگیاهان تیرهٔ مینا ،که‌کاپیتولهای آن دارای ماده‌ای بنام سانتونین (*Santonine*) است .

دستنبو *Cucumis schemma*
علفی یکساله ازگیاهان تیره‌کدو ومیوه‌اش مصرف خوراکی دارد .

ذربین ، درخت
Copressus sempervirens
گونه‌ای ازدرختان سرو، درختهای پرشاخ وبرگ است درمنجیل و رودبار وپل ذغال درشمال زیاد است .

ذرت *Zea mays*
گیاهانی از تیره‌گندم بادو نوع سنبلك نر وماده ، سنبله‌های نربه‌صورت گل آذین پانیکول در قسمت انتهایی ساقه است ولی سنبلك‌های ماده در طول ساقه درکنار برگها داخل براکته قرار دارد .

رازك *Humulus lupubus*
گیاهی علفی دارای ساقه بالارونده وپوشیده ازتارهای‌خشن، برگهای‌متقابل ومرکب دارد . رازك‌گیاه دوپایه است، میوهٔ‌آن فندقه ودرآن تارهای ترشحی فراوانی وجود داردکه ماده‌ای بنام لوبوتون ترشح میکند . رازك درنقاط شمالی ایران میرویدوبه‌نامهای : لبلاب وگل خمل نیز نامیده میشود . این‌گیاه ازتیرهٔ شاهدانه است .

رازیانه *Foeniculum vulgare*
گیاهی ازتیره جعفری‌که‌گل آذین آن چترمرکب‌برگ وسرشاخه‌های‌جوان آن به مصرف تغذیه می‌رسد .

راش *Fagus sylvatica*
درختی‌به‌ارتفاع زیادکه‌کناره‌پهنك برگهای‌آن‌تارهای‌ظریف‌وابریشم‌مانندی دارد.میوه‌آن‌پس‌از رسیدن باچهارشکاف باز می‌شود . از چوب این درخت نوعی قطران بدست میآید وازتقطیر جزبه‌جز آن ماده‌ای بنام‌کرئوزوت تهیه میشود . این‌درخت درنواحی‌شمالی ایران‌میروید


خرزهره


خرما


خزه‌مخملی


خشخاش


ذرت


رازك



راش



درخت‌زیتون



گل‌ساعت



سرو



سنبل

و بنامهای راج ، مرس ، آلاس ، قزل‌گز موسوم است ، شجرة‌النبع نیز نامیده شده است .

روناس *Rubia. tinctorum*

گیاهی پایا که‌تـا یك مترهم میرسد. برگهایش متقابل وگلهایش زرد رنگ هستند .

ریواس *Rheumribes*

گیاهی‌علفی‌مخصوص‌مناطق‌کوهستانی ومناطق‌مختلف شمال‌ودرخراسان فراوان یافت میشود .

ریحان *Ocimum*

گیاهی علفی با برگهای متقابل و معطر وگلهای سفید صورتی‌وگاهی‌بنفش. گلهای این‌گیـاه بصورت مجتمع اطراف ساقه قرار دارند . این‌گیاه از تیره‌نعناع است .

زبان درقفا *Delphinium ajacis*

ازگیاهان زمینی تیرهٔ آلاله که‌زبان درقفا نیزگفته میشود .

زبان گنجشك *Fraxinus excelsior*

درختی که‌برگهای‌مرکب ازبرگچه‌ـ های فرد دارد • میوه‌آن سامار وبالدار است، گلهایش پلی‌گام ودوپـایه می‌باشند زبان‌گنجشگ ازگیاهـان تیرهٔ زیتون است

زردآلو، درخت

Armeniaca, vulgaris

ازگیاهان تیرهٔ‌گل سرخ ارتفاعش‌تا هشت‌مترمیرسد، برگهای نوك تیزوگلهای سفید رنگ دارد . میوه‌اش زرد دارای طعم مطبوع است . پـرورش‌آن در نقاط مختلف‌ایران معمول است .

زرشك *Berberis vulgaris*

درختچـه‌ای‌که بیشتر در منـاطق کوهستانی شمـال ومشرق ایران‌میروید. میوهٔ‌آن به‌مصرف خوراك میرسد .

زعفران *Crocus sativus*

گیاهانی پـایاکه منشأ آنها ازآسیا است.این‌گیـاه پیاز دارد و برگهای‌نازك و درازآن ازپیاز خارج میشود .گلهای آن به رنگ بنفش یا گلی یـا ارغوانی است . مادگی‌گلهای آن دارای‌کلاله سه شاخه است‌که این‌کلاله‌ها را جمع‌کرده‌به مصرف‌غذایی‌و دارویی می‌رسانندزعفران معطر و تلخ است .

زیتون ، درخت *Oléa. europaea*

درخت‌زیتون‌برگهـای بیضی‌وچرمی شکل و متقـابل با گلهـای سفید رنگ آویختهٔ درکناربرگ دارد. میوهٔ زیتون شفت‌گوشتداردارای‌هسته‌سخت و به رنگ سبز تیره است . میوه زیتـون میـان‌بر روغنی داردکه‌روغن‌آن به مصرف‌خوراك می‌رسد و در صنعت نیز از آن استفاده می‌کنند، چوب زیتون نیزدرصنعت مفید است .

درشمال‌ایران و اطراف‌شهررودبار فراوان است .

زیره‌ها *Carum*

گیاهـانی ازتیره جعفری دو ساله، گاهی پایا، برگها منقسم به‌قطعات باریك یا نخی‌شکل، گلهامعمولاسفیدرنگ‌هستند.

ساعت،گل *Passiflora*

گیاهی‌است‌پیچك‌دار، برگهای‌پنجه‌ای وگلهای منفرد دارد پرورش گونه‌هـای زمینی‌آن در ایران معمول است .

سپستان *Cordia myxa*

درخت‌زیبـایی‌که میوهٔ خوراکی‌آن مصرف‌درمـانی‌دارد، دربندرعباس‌میروید و به انبو موسوم است .

سپستـان ازگیـاهـان تیرهٔ‌گاوزبان است .

سرخدار *Taxus baccata*

درختچه یـاگیاهانی به ارتفـاع کم دارای شاخه‌های متعدد و منشعب.پوست آنها به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز و میوهٔ‌آن‌کاملا قرمز است .

سداب *Ruta graveolens*

گیاهی به ارتفـاع تـا ۸۰سانتیمتر دارای برگهـای‌منقسم به رنگ سبزمات وگوشتدار،میوه‌اش شـامل دانه‌های‌قهوه‌ای رنگ است از تمـام این‌گیاه بوی‌تهوع‌ـ آوری استشمام می‌شود .

سدر *Ziziphus spina _ christi*

گیاهی‌ازتیرهٔ عناب در جنوب‌ایران یـافت‌میشود ، و برگ‌آن مصرف‌دارویی دارد .

سروخمره‌ای *Cupressus*

ازگیاهـان تیرهٔ سروکه در نواحی مختلف کاشته میشودوبه‌نامهای سوروسرو سرو تبری سرو خمره‌ای موسوم است .

سروناز *Cupressus*

گونه‌ای از درختان سرو ، نمونـهٔ زینتی گیاهان مذکور است • قسمتهـای انتهایی‌آن‌کم‌کم باریك میشود . منظرهٔ زیبایی دارد و نـامهای دیگرکه از آن ثبت شده،عبـارتند از : سروکاشی ، سرو شیرازی است .

سفیدار

ازگیاهـان‌تیرهٔ بیدمیوهٔ پوشینه‌دارد. سنبله‌های‌گل‌آنها آویخته‌است.دانه‌پوشیده ازتارمی‌باشدبرگهایش قلبی‌شکل‌است •

سماق *Arus coriaria*

ازگیاهان‌تیرهٔ پسته‌میوه‌های‌مجتمع‌و ترش‌مزه‌داردوبه‌عنوان‌چاشنی‌مصرف‌می‌شود

سنبل *Hyacynthus*

گیاهی علفی از تیرهٔ لاله ، زیبا و معطر گلهای‌آن به‌صورت‌خوشهٔ‌درازاست.

سنبل‌الطیب *Valeriana officinalis*

این‌گیـاه ریشه‌ای معطر با اسانس مطبوع دارد و به علف‌گربه نیز موسوم است . مورد استعمال دارویی دارد.

سیاه‌دانه ، گل *Vigella arvensis*

ازگیـاهـان تیرهٔ‌آلاله.دانه‌های‌سیاه رنگ آنرا برای معطر ساختن نان بکار می‌برند . درنقاط‌مختلف ایران‌می‌رویدو به سیـاه تخمه نیز موسوم است .

سیب‌زمینی *Solanum tuberosum*

گیاهی‌علفی که‌میوهٔ‌سته‌آن‌دارای‌دانه‌ای باجنین‌خمیده‌است ، بساك پرچمها نزدیك بهم و پس از رسیدن دانـه‌های‌گرده از راه دوسوراخ‌رأس بساك خارج می‌شوند‌ـ غده‌هـای سیب زمینی‌که ساقه زیر زمینی هستند،مملو ازاندوخته نشاسته می‌باشند.

سیر *Album sativum*

گیاهی علفی ، بولب دار و شـامل برگهای‌باریك و درازوگلهایی‌برنگهای سفید ، سفیدکثیف همراه بـا لکه‌هـای کوچك وقرمز رنگ است . قسمت زیرـ زمینی و متورم‌آن‌که مرکب از قطعـاتی محصور در پوشش‌هـای نازك و ظریف است به‌مصارف تغذیه می‌رسد . پارانشیم قطعات زیرزمینی سیر دارای‌گلوکزیدی گوگرد داراست و اگرئیدرولیز گردد ، اسانس سیر و لولز ازآن نتیجه می‌شود وجود ویتامین C نیز در آن محقق شده است . ازگیاهان تیرهٔ لاله است .

شاه‌بلوط *Castanea sativa*

ازگیاهان تیرهٔ راش برگهـای‌آن ساده و دندانه‌دار است .گلهای نرآن‌به صورت شاتونهای دراز وگلهای ماده به به تعدادکم‌مجتمع‌می‌باشندگلهای ماده‌را پیاله‌ای پوشیده از خارهای دراز فرا ـ می‌گیرد. میوه شاه‌بلوط مصرف‌خوراکی دارد .

شاه‌پسند *Verbena officinalis*

گیاهی خودروکه‌گلهای‌آن به‌رنگ

سفید ،گلی و درکنار جاده‌ها و حاشیهٔ مزارع نقاط مختلف ایران‌می‌روید، گونهٔ زینتی آن گلهای‌مجتمع به‌صورت چتردارد

شاه‌تره *Fumaria*

گیاهی علفی از تیره شاه‌تره‌دارای ساقه منشعب .گلهای‌آن‌کوچك به رنگ سفیدیا گلی‌درنواحی‌مرطوب‌ایران‌میروید

شاه‌توت *Morus nigera*

ارتفاع‌این‌درخت‌تا پانزده‌مترمیرسد. برگهای‌آن تیره‌تر از برگ درخت‌توت و میوه‌اش ارغوانی‌با طعم ترش و شیرین در غالب نقاط ایران پرورش می‌یابد .

شاهدانه *Cannabis sativa*

گیاهی علفی دوپایه‌که در بیشتر مناطق ایران میروید، برگهای مرکب‌با دمبرگ‌دراز دارد. میوه‌اش فندوقه‌است. از این‌گیاه الیافی بدست میآیدکه در نساجی‌بکار میرود ، تارهای ترشحی گل‌آذین ماده این‌گیاه ماده رزینی‌فراوان با اثرمخدردارد که‌ازآن‌حشیش تهیه‌میشود

شبدر *Trifolium*

گیاهی علفی از تیره گیاهان‌پروانه آسا، دارای سه برگچه وگلهای سفید و زردوارغوانی. ازعلوفه‌مهم بشمارمی‌رود.

شب‌بو *Cheiranthus. Cheiri*

برگهای ساده و پوشیده ازکرك و گلهای‌زرد،بنفش وسفید دارد، ازگیاهان زمینی‌است که‌گلهای‌معطر با چهار گلبرگ چلیپایی دارد .

شراب،گل *Calycanthus*



گیاهی از تیرهٔ گل‌یخ باگلهای زیبا و معطر. پرورش‌آن درنقاط‌مختلف‌ایران معمول است .

شقایق
Papaver rhoeas

گیاهی یکساله از تیرهٔ خشخاش . گلهای‌منفرد، بزرگ وقرمزرنگ زودافت دارد. قاعده گلبرگها دارای رگهای سیاه رنگ و پرچمها نیزبه‌رنگ‌سیاه هستند . گل‌شقایق الکالوئیدی بنام رآدین همراه با مواد لعابی‌دارد .

شقایق‌نعمانی *Anemone*

گیاهانی پایا و دارای گلهای زیبا زیرکاسه‌گل رنگین‌آنها سه‌براکته‌مشاهده میشود ، براکته‌های زیر پوشش‌گل را میتوان‌کاسه‌گل‌و قطعات رنگین‌آنراجام گل دانست . این‌گیاهان در مناطق کوهستانی ایران یافت میشوند .

شکرتیغال *Echinops*

دارای‌کاپیتولهای خاردار بوده ومورد مصرف‌درمانی‌دارند،ازگیاهان‌تیرهٔ‌مینااست.

شلغم

ازگیاهان‌تیرهٔ شب‌بو ، ریشه‌غده‌ای آن‌به‌مصرف‌خوراك میرسدومنبع‌سرشاری از ویتامین‌ها است .

شنبلیله
Trigonella foenumgraecum

ازگیاهان علفی تیرهٔ پروانه‌آسا با برگهای سه برگچه‌ای، گلهای منفرد و میوهٔخمیده . از سبزیجات بسیار مفیدکه در غالب نقاط ایران‌کاشته میشود .

شنگ

گیاهانی علفی دو ساله یا پایا که گونه‌هایی از آنها در ایران میروید . گلهای‌آنها به‌رنگهای بنفش زرد وگلی است . از تیرهٔ‌گل مینا است .

شوکران‌کبیر *Coniummaculatum*

گیاهی از تیرهٔ جعفری‌که برگهای بزرگ و شفاف با بریدگیهای بسیار و گلهای‌کوچك و سفید رنگ دارد . بر روی‌ساقه و دمبرگ‌آن لکه‌هایی به‌رنگ قهوه‌ای و قرمز دیده می‌شود . این گیاه دارای الکالوییدی است بنام سیکوتین. عده‌ای از دانشمندان معتقدندکه سم این گیاه را یونانیان به محکومین به مرگ می‌دادند .

شوید *Anethum graveolens*

گیاهی‌از تیرهٔ جعفری یکساله‌بطور خودروپرورش‌یافته فراوان‌است.ساقه‌های جوان‌برگ‌شویددرتهیه‌اغذیه‌بکارمی‌رود. دانه‌های‌آن‌دارای۲ تا ۴ در صد اسانس قابل استخراج دارد . شوید خشك شده طعم ملایم و مطبوع به اغذیه می‌بخشد و شبت نیز گفته میشود.

شیپوری ،گل *Arum maculatum*

گیاهی‌علفی‌پایا دارای ریزوم‌متورم با اندوخته‌های‌نشاسته‌ای و میوه‌ای‌قرمز رنگ و سمی.

شیرپنیر *Galium*

اعضاءهوایی‌این گیاه‌از تارهای‌خشن پوشیده‌شده و به‌آن وسیله از تکیه‌گاهها بالا می‌رود . برگهایش بیضوی وگلهای آن اغلب سفید یا زرد و بصور مختلف مجتمع‌اند . این‌گیاه‌ازتیرهٔ روناس‌است.

شیرین‌بیان *Glycyrrhiza glabra*

گیاهی ازگیاهان پروانه‌آسا که‌ریشهٔ متورم وگلهای‌آبی دارد .

صدتومانی ، گل *Paeonia*

گیاهی‌علفی ازتیرهٔ‌آلاله ، درنواحی شمالی‌ایران به حالت‌وحشی یافت‌میشود. برگهای مرکب وگلهایی با کاسه و جام مشخص دارد .

عدسك‌آبی *Lemna*

ازگیاهان‌تیرهٔ عدسك‌آبی که‌کوچك وآبزی و یکساله‌است‌وبه صورت‌برگهای کوچك و سبز رنگ و عاری از دستگاه آوندی میشود .

عرعر،درخت *Ailanthus glandulosa*

درختی زیبا وزینتی ازتیرهٔ عرعر با برگهای‌درازمرکب از ۵ تا ۲۰ زوج‌برگچه با یك‌برگچهٔ انتهایی. گلهای‌آن‌پلی‌گام،دو پایه‌میوه‌اش‌خشك‌ناشکوفاو بالدار(سامار) است .

عروسك‌پشت‌پرده
Physalis alkekengi

یاکاکنج ،گیاهی از تیرهٔ‌سیب‌زمینی با ساقهٔ راست به رنگ مایل به قرمز ، دارای میوهٔ سته قرمز رنگ است ،پرده نازکی‌که از نموکاسهٔ‌گل حاصل میشود ، میوه را به صورت غشایی فرامیگیرد .

عشقه *Hedera helix*

ازگیاهان‌تیرهٔ زغال اخته به علت برگهای سبزوپایایی‌که داردآنراپرورش می‌دهند .

عناب *Ziziphus. vulgaris*

ساقهٔ راست و شاخه‌های ناهموار دارد، برگهای‌آن متناوب میوه‌اش‌شفت، به‌رنگ مایل به قرمز وبه بزرگی‌زیتون و خوراکی‌است . بویی ملایم طعمی‌لعابی وکمی شیرین دارد .

فراموشم‌مکن *Miosotis*

گیاهی‌علفی پوشیده از تارهای‌نسبتاً خشن‌گلها به‌رنگ فیروزه‌ای در دشتها و مناطق مرطوب می‌روید . فراموشم مکن ازگیاهان تیرهٔ‌گاو زبان است .

فرفیون *Euphorbia*

دارای‌گلهای‌نروگلهای ماده بامیوهٔ خشك شکوفا و تخمدان سه خانه‌ای است که‌هرخانه‌محتوی‌یك یا دو تخمك‌وازگون به وضع‌آویخته با تمکن محوری است.

درختی است ودرجنوب به دیدار—



سیاهدانه



شاه‌بلوط



گل‌شیپوری

و بیدار معروف .

فلفل‌سبز *Capsicum*

گیاهی از تیرهٔ سیب زمینی دارای میوه‌ای گوشتدار به رنگ سبز یا قرمز و گاهی نارنجی با طعم تند و سوزاننده .

فلوس *Cassia. fistula*

از گیاهان تیرهٔ گل ارغوان . طول برگهایش تا ۳۰ سانتیمتر میرسد . گلهای زرد رنگ دارد . میوهٔ آن نیام و تا ۶۰ سانتیمتر طول دارد درون میوه‌اش تیغه‌های عرضی متعددی آنرا به ۲۵ تا ۱۰۰ خانه تقسیم میکند ، درهرخانه یك دانه جای دارد . فلوس مورد استفادهٔ پزشکی است .



کافور

فندق *Corylus avellana*

درختچه‌ای که برگهای ساده دارد. گیاه یك پایه است گلهای نر آن شاتون‌های استوانه آویخته‌هستند گلهای ماده به تعداد کم و هریك از آنها در کنارهٔ یك براکته‌همراه‌با دو براکتئول دیده‌میشود و از اتحادبراکته‌ها پوشش جام مانندی بوجود می‌آید که اطراف میوه‌های تازه این گیاه دیده‌می‌شود دانهٔ فندق به‌مصرف خوراك میرسد .



کلم

قدومه *Alyssum campestre*

ازگیاهان تیرهٔ شب‌بو که میوهٔ لعابدار آن مصرف درمانی دارد .

قهوه *Coffea*

این گیاه از تیرهٔ روناس که دارای ماده‌ای به نام کافئین است و دانه بودادهٔ آن به مصرف خوراك می رسد .

قیسی.

میوهٔ درخت قیسی، هسته‌دار و رنگ پوست آن زرد و مزه‌اش شیرین است .

کاسنی *Cichorium. intybus*

گیاهی با ساقه خشن و برگهای پوشیده از کرك گلهای این گیاه آبی است ریشهٔ کاسنی رزینی دارد به‌نام سیکورین، که خاصیت درمانی دارد .



گل ابریشم

کاسنی‌زرد .

گیاهی پایا مخصوص مناطق معتدله وسرد. برگهای این گیاه برسطح زمین پخش است و دارای بریدگیهای نوك تیز است نام دیگر این گیاه گل قاصد است .

کاغذی ، گل
Bougainvillea spectabilis

گیاهی از تیرهٔ لاله عباسی ، که در ایران پرورش میدهند ، گل آذین زیبایی دارد که در آن آنولوکری ، مرکب از سه



گزنه دوپایه

براکتهٔ رنگین دیده میشود .

کافور *Cinnamomum camphora*

درختی‌زیبا و بلند از تیرهٔ برگ‌بو است . در همه اعضاء درخت سلولهای ترشحی مخصوصی پراکنده‌اندکه محتوی نوعی اسانس می‌باشند از اکسیداسیون نسبی این‌ماده‌کافور نتیجه می‌شود .

کاکوتی *Ziziphora*

یکی ازگیاهان تیرهٔ نعناع است .

کتان *Linum usitatissimum*

گیاهی علفی‌با گلهای درشت و زیبا اغلب به رنگ آبی‌میوهٔ آن‌پوشینه،محتوی دانه‌های روغن‌دار است، برگهای آن‌ساده به رنگ سبز مات است .

دانه آن دارای مواد لعابی چسبیده است و یك نوع گلوکوزیدی به نام لیناماروزید دارد که‌روغنی‌خشك‌شونده‌همراه تانن و املاح پتاسیم است .

کرچك *Ricinus communis*

گیاهی است پایا یك پایه با گلهای مجتمع بصورت خوشه. تخمدان آن سه‌خانه با تمکن‌محوری ، از تیرهٔ گیاهان‌فرفیون است .

کلم

گیاهی‌دو ساله از تیرهٔ شب‌بو است. برگهای‌بزرگ‌وضخیم داردکه به مصرف تغذیه می‌رسد .

کلم قمری ، کلم پیچ ، کلم‌بروکسل کلم‌گل از گونه‌های آن است .

کلماتیس *Clematis*

گیاهانی جداگلبرگ ، بالارونده از تیرهٔ آلاله‌میوه‌های آنها به‌صورت‌فندقه‌هایی که هر یك دارای تارهای ظریفی میباشند و مجموعهٔ‌زیبایی‌بوجودمیآورند.

کنجد *Sesamum indicum.*

گیاهی‌یکساله، برگهای‌ساده‌بیضوی، گلهای‌سفید یا قرمز ومیوهٔ‌پوشینه‌محتوی دانه‌های‌کوچك‌دارند . در دانهٔ‌آن مواد روغنی قابل استخراجی وجود داردکه به مصرف خوراك می‌رسد.

کنگرفرنگی *Cynara scolymus*

گیاهی‌از تیرهٔ‌میناست نهنج گوشتدار آن‌که مواد ذخیره ای فراوان دارد، پس از پختن به مصرف خوراك میرسد .

کوکب *Dahlia*

ازگیاهان‌تیرهٔ مینا ، اغلب به‌رنگ سفید ، قرمز و ارغوانی دیده میشود .

کیسه‌کشیش

Capsella bursa pastoris

گیاهی کوچك‌از تیرهٔ شب‌بو . گلهای سفید رنگ ومجتمع به‌صورت خوشه‌دارد. در غالب‌نقاط ایران یافت میشود .

گاوزبان *Borago officinalis*

گیاهی علفی پوشیده از تارهای خشن درآذربایجان و شمال غربی‌ایران می‌روید .

گردو ، درخت *Juglands regia*

ازگیاهان تیرهٔ گردو ، درختی زیبا ویك‌پایه، برگهای مرکب از برگچه‌های فرد و بزرگ ، سنبلهٔ گلهای نرآویخته است ، در حالیکه گلهای ماده به صورت ایستاده قرار دارند . درخت گردو از درختان‌صنعتی دو لپهٔ‌آن حجیم و غذایی است . برگ و قسمت گوشتدارمیوه‌علاوه بر تانن‌دارای‌مادهٔ رنگی است. از روغن و چوب گردو در صنعت استفاده میشود.

گزنه‌دوپایه .

این گیاه‌از تیرهٔ گزنه،علفی‌وپوشیده‌از تارهای گزنده‌میباشد. برگهای‌آن متقابل دندانه‌دار ندرنقاط‌مرطوب گیلان‌میروید. برگهای تازه و جوان‌آن به‌مصرف تغذیه میرسد ، ساقه الیافی داردکه در صنعت مورد استفاده است .

گشنیز . *Coriandrum sativum*

گیاهی از تیرهٔ جعفری‌که ساقه و برگ‌بی‌کرك‌و گلهای‌کوچك‌و سفیدرنگ دارد . میوهٔ‌آن بیضوی به رنگ مایل به زرد و دارای بویی نامطبوع شبیه بوی ساس هست .

گل ابریشم *Albizzia julibrissin*

درختچهٔ زیبایی‌که‌گلهای زیبا و معطر دارد در باغهای چای نواحی‌شمال پرورش می‌دهند .

گل سرخ *Rosea*

گیاهانی پایا دارای اعضای چوبی که‌نهنجی کوزه‌ای‌شکل باتخمکهایی‌متکی به‌جدارداخلی‌آن دارند . از بعضی‌انواع آن اسانس‌گل سرخ تهیه میشودکه در عطرسازی بکار میرود .

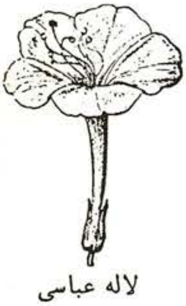
گلابی *Pirus communis*

درختی‌ازگیاهان‌تیرهٔ گل‌سرخ‌گلهای آن‌مجتمع به‌شکل دیهیم ومیوهٔ خوراکی دارد .

گلایل

گیاهانی‌زینتی‌دارای‌گلهای به‌رنگ گلی ، ارغوانی و سفید و قرمزکه‌گلهای مجتمع‌آن در داخل اسپات قراردارند. گلایل ازگیاهان تك‌لپه است .

گلپر *Heracleum. persicum*
ازگیاهان تیرهٔ جعفری و درمناطق کوهستانی ایران می‌روید .
گل‌ستاره *Aster*
ازگیاهان‌تیرهٔ‌مینا ،گونه‌های‌موجود در ایران در نواحی‌کوهستانی و مناطق دارای شوره یافت میشود .
گل‌گندم *Cousinia cyanus*
گیاهی‌ازتیرهٔ میناست ،گلهای آن آبی‌رنگ ودرهمه نقاط ایران میروید .
گوجه فرنگی
Lycopesicum sculentum
برگهای این گیاه مرکب از برگچه‌های نامساوی ومیوه رسیدهٔ آن قرمز رنـگ میوه‌آن‌خام وپخته مصرف‌می‌شود ودارای ویتامین K و C فراوان.این‌گیاه ازتیرهٔ سیب زمینی است .
گنه‌گنه .
این‌گیاه ازتیرهٔ روناس.پوست ساقه گیاه قرمز خاکستری یازرداست که‌مورد استفاده پزشکی است ، پوست ساقه گیاه دارای ماده‌ای به‌نام‌کینین است .
گیلاس *Cerasus*
درختچه‌ای از تیرهٔ‌گل سـرخ میوه گوشتدار خوشمزه‌ای داردکه محتوی‌یك هسته است. درنقاط مختلف‌ایران‌پرورش داده می‌شود.
لادن *Tropoealum majus*
گیاهی‌علفی‌یکساله‌دارای‌گلهای‌نرــ ماده‌میوه آن سه‌فندقه‌ای ودانه‌هایش‌بدون آلبومن است.پرورش این گل زینتی در ایران معمول است .
لاله عباسی *Myrabilis Jalapa*
برگهای پهن وبیضی ریشهٔ متورم و گلهای قرمز یاسفید دارد .
لوبیا *Phasae olus*
از پروانه واران ، که برگهای سه برگچه‌ای و گلهـایی مجتمع به صورت خوشه‌های ساده درمحور ساقه دارد. دانه آن مصرف خوراکی دارد .
لیموترش .
ازگیاهان‌تیرهٔ سداب‌وجزومرکبات، چوب این درخت محکم وجلاپذیر است. میوه ایـن‌گیـاه دارای اسید سیتریـك وسیتراتهای‌پتاسیم وکلسیم واملاح‌مختلف و ویتامین C فـراوان است. از فشردن لیموترش، آب‌لیموتهیه می‌شود که‌طعم‌ترش ومطبوع دارد وبرای‌ترش‌کردن اغذیه و تهیهٔ‌شربت‌های مفرح بکارمی‌رود.ازفشردن پوست لیموترش اسانسی‌بدست می‌آیدکه اثر میکروب کشی قوی دارد و بر روی عده‌ای ازباسیلها و میکروکوکها مؤثـر است .
مارچوبه *Asparagus*
گیاهی علفـی ساقه آن چـوبـی وبسیارمنشعب وریزوم‌آن در زمین بطور افقی است. برگهایش فلس مانند است و گلهای مختلف داردکه ممکن است نـر وماده دوپایه یاپلی‌گام باشند. گلهای‌آن برنگهای سفید یامایل به‌سبز، گل‌نرهمیشه حالت‌آویخته دارد .
ماش *Vicia sativa*
ازپروانه واران،که دانه خوراکی دارد وازعلوفه مهم بشمار میرود .
ماگنولیا
Magnolia grandifolia
درختی زیبا وزینتی وگلهای درشت و معطر دارد . در نقاط مختلف ایران خصوصاً نواحی شمالی پرورش می‌یابد.
ماميران . *Chelidonium majus*
گیاهی علفی ازتیرهٔ خشخاش‌گلهای زرد رنگ دارد،درنقاط شمالی ایران و اطراف تهران می‌روید.
ماهور *Verbascum*
گیاهی پایاازتیرهٔ‌میمون ودرنواحی غرب ایران می‌روید .
مرزنگوش *Origanum vulgare*
گیاهی ازتیرهٔ‌گیاهان نعناع است .
مریم‌گلی .
یکی ازگیاهان تیرهٔ نعناع است و درنواحی شمالی ایران می‌روید .
منداب .
گیاهی‌یکساله‌ازتیرهٔ‌شب‌بوبرگهایش بابریدگی‌عمیق وگلها به‌رنگ زردروشن باشبکه ظریفی ازخطوط بنفش در غالب مزارع ایران یافت میشود.
مو *Vitis vinifera*
ازگیاهان تیرهٔ موکه میوهٔ نـارس آن غوره نام دارد. برگهایش پنجه‌ای ، پرورش‌آن در غالب نقاط مساعد معمول است، میوهٔ‌آن (انگور) طعمی شیرین یا کمی ترش مطبوع دارد ، از آن الکل و شراب تهیه می کنند.
موچسب .
از گیان تیرهٔ مو بـرای تزئین و پوشاندن دیوارها بکار میرود ،
میخك *Dianthus plumarius*
برگهای باریك و متقـابل دارد ، گلبرگهای‌آن معطر برنگ قرمز، سفید ، گلی و صورتی زیبا میباشد .
میخك *Eugenia caryophyllata*
گیاهی‌ازتیرهٔ‌موردکه‌درماداگاسکار، زنگبار و جزایرآنتیل میروید ، غنچهـ های خشك شدهٔ آن به شکل میخ است . اسانس فراوان دارد ، مصرف‌آن بـرای معطرساختن اغذیه معمول است .
میمون ، گل *Antirrhinum majus*
گیاهی علفی پایا با برگهای‌متقابل وگلهای مجتمع بصورت خوشه به‌رنگهای ارغوانی ، نارنجی و مـایل به بنفش ، جام‌گل‌مرکب ازپنج لوب‌که برسرهم دو لب مشخص بوجود میآورد .
مینا *Bellis*
گونه‌هـایی از این‌گیاه در ایران یافت می‌شود . گیاهانی علفی ، دارای برگهای ساده و متناوب و منفرد است . گلهای این‌گیاهان‌سفید ،گلی و ارغوانی است .
نارگیل ، درخت *Cocos nucifera*
درختی‌که‌گاهی به ۴۰ مترمیرسد ، برگهـای‌آن به طول چند متر می‌رسد و درخت در تمام سال میوه دارد.میوهٔ آن نارگیل نامیده‌میشود،گیاهی ازتیره‌خرما است .
نارنج ، درخت *Citrus*
درختی مخصوص نواحی معتدله با برگهای بالدار ازتیرهٔ مرکبات و سداب است .
برگ وگل و قسمت خارجی‌پوست میوه‌دارای اسانس است،میوهٔ‌آن‌خوراکی است.چوب عده‌ای ازآنهـا در نجاری و منبت‌کاری‌اهمیت‌دارد ، چوب این‌درخت به رنگ سفید مایل به سبز است .
نارنگی *Citrus déliciosa*
ازگیاهان‌تیرهٔ‌سداب و جزومرکبات است .
نخل‌بادبزنی *Chamerops humilis*
برگهـای‌آن دارای پهنکی منقسم بشکل باد بزن است ، از تیرهٔ‌گیاهـان خرماست .
نخود *Cicer arietinum*
از پروانه‌واران ،که پرورش‌آن‌در همه‌جامعمول‌استودانه‌اش‌مصرف‌خوراکی دارد .
نسترن *Rosa canina*
گیاهی ازتیرهٔ‌گل سرخ‌که ارتفاعش


لاله عباسی


مار چوبه


نارنج


نخل بادبزنی

تا سه متر میرسد. گل‌های زیبا به رنگ گلی یا صورتی دارد.

نستک *Nostoc*
از جلبک‌های سیانوفیسه است که روی دیوارهای مرطوب بصورت ورقه‌های لعابی سبزکبود مایل به سیاهی دیده میشود و زیر میکروسکوپ بشکل تسبیح‌های بهم پیچیده مرکب ازیاخته‌های دنبال‌یکدیگر دیده میشوند که‌لعابی آنها را فراگرفته و بین سلول‌های آن سلول‌هایی زرد رنگ با دیوارهٔ ضخیم دیده میشودکه دو طرف‌آن دو تکمه و میان‌آن خالی است.

نعناع *Mentha*
دارای ساقه چهارگوش، برگهای متقابل پوشیده‌ازکرك باگلهای‌صورتی‌یا بنفش‌کمرنگ،دارای ماده‌ای‌است به نام مانتول‌که مصرف درمانی دارد.

نی‌شکر *Saccharum officinarun*
ازگیان‌تیرهٔ‌گندم، گیاهی پایادارای ساقهٔ هواهی بندبند مملوازقندساکارز، گل آذین‌آن مرکب ازسنبلك‌های فراوانی است‌که هریك ازدوگل نرماده تشکیل شده است. ۲۰ درصدآب نیشکر ساکارز خالص‌است وازآن‌قند متبلورتهیه‌می‌شود.

نیل *Indigofera*
گیاهی ازتیرهٔ پروانه‌آسایان‌که در بلوچستان‌می‌روید،ازبرگ‌وساقهٔ برگدار آن ماده‌ای بنام‌نیل استخراج می‌شودکه درصنعت اهمیت دارد.

نیلوفر *Ipomaea*
گیاهی‌پیچنده گلهای‌زیبایی به‌رنگهای مختلف داردازگیاهان‌تیرهٔ‌پیچك‌صحرایی است ونیلوفرپیچ‌هم‌گفته می‌شود.

نیلوفرآبی *Nymphaea alba*
گیاهی‌آبزی وپایا برگهای مواج و گلهای درشت منفرد برنگهای‌آبی،سفید ویاگلی‌روشن‌دارد ودرنواحی‌شمالی‌ایران دیده می‌شود.

والریان *Valerian*
گیاهانی‌اغلب علفی. برگهامتقابل، گلهایی شامل قطعات پنج تایی و معمولا بصورت‌گرزن دوسویه. تعداد پرچمها چهار و مادگی سه برچه. میوهٔ آنها فندقه،گاهی در انتهابه‌یك دسته تارختم می‌شود. دانه بدون آلبومن است.

والك *Allium akaka*
ازگیاهان‌تیرهٔ لاله ومصرف‌خوراکی دارد.

هلو، درخت *Persica vulgaris*
ازگیاهان تیرهٔ گل سرخ درختی با برگهای ساده وگلهای صورتی رنگ که قبل ازپیدایش برگها ظاهر می‌شود. میوهٔ شفت گوشتدار پوشیده از کرك دارای هسته‌ای درشت وشیاردار‌است،‌در نقاط مختلف ایران پرورش‌داده می‌شود.

همیشه‌بهار،گل *Calendula*
ازگیاهان‌تیرهٔ مینا،باگلهای زرد‌رنگ‌که مصرف پزشکی دارد.

هندوانه *Citrullus*
علفی یکساله یامیوه‌ای بزرگ که آبدار وقندی است هندوانه ازتیرهٔ کدو است و میوه‌اش مصرف خوراکی دارد.

هویج *Daucus carota*
ازگروههای‌معروف‌تیرهٔ‌جعفری‌که‌ریشهٔ منذی و سبز دارد. دارای ویتامین‌های مختلف ومواد رنگی است.

یاس بنفش *Syringa vulgaris*
درختچه‌ای بابرگهای متقابل‌وقلبی شکل وگلهای‌کم دوام که پس از شکفته شدن‌کامل پژمرده می‌شوند. از همین‌گونه یاس سفید رنگ نیز دیده می‌شود. یاس بنفش ازگیاهان تیرهٔ زیتون است.

یاس زرد *Jasminum fruticans*
برگهای‌آن مرکب از برگچه‌های شانه‌ای وگلهایش چند قسمتی‌است،میوه سته ومعمولا‌بایك شکاف عمیق به‌دوقسمت نامساوی تقسیم می‌شود. این‌گیاه ازتیرهٔ زیتون است و یاسمن زرد نیز نامیده می‌شود.

یاس سفید . *Jasminum officinal*
گلها‌پنج‌یاشش‌قسمتی، برگهامرکب. میوه سته ومعمولا بایك شکاف به‌دوقسمت نامساوی تقسیم می‌شود. یاس سفید از گیاهان‌تیرهٔ زیتون‌است ویاسمن سفیدهم گفته می‌شود.

یخ،گل *Chimonanthus praecox*
درختچه‌ای کوچك، گلهای‌آن در زمستان تااوایل بهار ظاهرمی‌شود.

یونجه *Medicago sativa*
گیاهی علفی ازتیرهٔ‌گیاهان پروانه آسا. دراکثرنقاط ایران‌کاشته می‌شود از علوفه مهم بشمار می‌آید.مواد ازته و ویتامین‌های مختلف فراوان دارد.

اصطلاحات گیاهشناسی

افشان *Fibreuse*
ریشه‌هاییکه نازك و طویل بوده و تفاوتی درشکل ریشهٔ اصلی وریشهٔ های فرعی آن‌نباشد.

برگچه *Foliole*
هریك از تقسیمات برگ مرکب با یك قطعه ازگریبان‌گلها.

برگه *Bractée*
برگ‌کوچکی که از لحاظ شکل و رنگ با برگهای معمولی اختلاف داشته ودر زیرگل دیده می‌شود ودرنوع‌مجتمع براکته نامیده میشود.

بساك *Anthére*
انتهای‌کیسه مانند پرچم که حاوی دانه‌های‌گرده است.

بند *Article*
بخشی ازیك اندام که از بخشهای دیگر به وسیلهٔ یك فرو رفتگی متمایز بوده و به‌سهولت ازآن جداشود، مانند بندهای میوهٔ ترب.

بی‌گلبرگ *Apétale*
نام راسته‌ای از گیاهان دانه دار، که گلهای آنها اغلب فاقد گلبرگ میباشند.

پاجوش *Turion*
ساقه‌های جوانیکه‌ازرشد جوانه‌های موجود روی‌قاعدهٔ ساقه‌های مسن بوجود می‌آیند.

پایا *Vivace*
گیاهانی‌که مدت‌زیادی‌درزمین‌زنده مانده هر سال، در فصل مساعد ساقه‌های جدید بوجود می‌آورند. مانند، چنار، تبریزی، گیلاس.

پرچم *Etamine*
عضویکه مولد دانه‌های گرده است واز دوقسمت میله وبساك بوجود میآیند. ودرحکم اندام جنسی نراست.

پهنك *Limbe*
بخش‌گسترده و پهن شده یك عضو. مانند: برگ وگلبرگ.

پیدازادان *Phanerogames*
این‌گیاهان عموماً گل‌دار و از آمیزش تخمك‌با دانه‌گرده دانه‌ای‌بوجود میآورندکه خود منشأ گیاه تازه است. مانند: همه‌گیاهان‌گلدار.

پیوسته‌گلبرگ *Gamopetales*
گیاهانی‌که‌گلبرگهای جام‌گل آنها به یکدیگر پیوسته هستند. مانند: گل گاو زبان، پامچال وگل نیلوفر.

تك‌لپه *Monocotyledone*
گیاهانی تك لپه که جنین دانه

قارچهای خوراکی




قارچهای غیر خوراکی
دنبلان تلخ
قارچ سرخ ضد
استفراغ
آرمیلر موسید
استروفر سبز خاکستری
قارچ درختی فروزنده
تریکولوم بادکرده
ژآستر لیفی
آنتوروس
ساتیر متعفن


قارچهای سمی وخطرناک
آمانیت فالوئید
آمانیت بهاره
آمانیت زهری،
آمانیت مگس کش
لپیوت قهوه‌ای
آمانیت پوزیلنگی
آنتولوم سربی
اینوسیب پاتویارد
کلی توسیب کنار جاده‌ها
پلوروت روغنی
کلاور قشنگ
دنبلان نف

آنها فقط دارای یك لپه باشد. مانند : نرگس ، خرما ، گندم .

تمکن *Placentation*
طرز قرار گرفتن تخمك‌ها را درون تخمدان تمکن نامندو به‌سه‌صورت محوری (زنبق) وکناری‌یاجانبی(بنفشه) مرکزی (گل نگونسار) دیده میشود .

جام *Corable*
درگیاهان گلدار مجموعهٔ گلبرگها جام گل نامیده میشودکه ممکن است به یکدیگر پیوسته باشند (مانند اطلسی) و یا از قطعات جدا از هم تشکیل شده‌باشد. مانند (میخك) .

جداگلبرگ *Dialypétales*
گیاهانی‌که گلبرگهای جام گل آنها از هم جدا هستند. مانند :آلاله، شب‌بو، بنفشه .

جوانه *Bourgeon*
اندامهایی‌که معمولا در انتهای شاخه ، یا بغل دمبرگ وجود دارند ، و باعث رشد طولی و جانبی آن میشوند . این‌جوانه‌ها در حقیقت‌شاخه‌های کوچکی هستندکه بوسیلهٔ برگهای‌فلس مانندپوشیده میشوند .

جوانه‌انتهایی *Bourgeon terminal*
جوانه‌های انتهای شاخه .

جوانه‌جانبی *Bourgeon laternale*
جوانه‌های بغل دمبرگ .

چندساله *Perennant*
گیاهانی‌که بیش از سه سال عمر دارند .

چهار فندقه *Tetrakène*
میوه‌هایی‌که پس از رسیدن به‌چهار قسمت‌تقسیم‌شوند و در هر یك ازبخش‌ها یك دانه دارند . مانند: پونه .

خامه *Style*
میلهٔ کوچکی‌که معمولا واسط بین کلاله و تخمدان است .

خودرو *Spontané*
گیاهانی‌که خود به خود و به‌حالت وحشی در ناحیه‌ای میروید .

خورجین *Silique*
میوه‌های خشك شکوفایی‌که باچهار شکاف طولی بازمی‌شوند. مانند:میوهٔ‌شب‌بو.

خورجینك *Silicule*
میوهٔ خشك شکوفایی‌که با چهار شکاف باز می‌شود . و نسبت طول‌آن به عرض از $\frac{3}{1}$ کمتراست.

دانه *Grain*
عضوی‌که حاوی جنین بوده و یکی ازوسائل بقاء نسل‌درگیاهان روشن زاد است .

درفش *Etendard*
نام‌گلبرگ فوقانی گلهای پروانه آسا که معمولا بزرگتر از سایرین بوده و روی‌آنها را می‌پوشاند .

درون‌بر *Endocarpe*
داخلی‌ترین بخش میوه چسبیده به دانه است‌که گاهی به‌صورت غشاء نازك (روی‌دانهٔ انگور) یا غذایی شده(قسمت خوراکی پرتقال) یا سخت وچوبی(هستهٔ هلو) میگردد .

دمبرگ *Pétiole*
رشته‌ای‌که پهنك را به ساقه متصل می‌کند .

دوپایه *Dioique*
گیاهانی‌که اندامهای نر و ماده آنهادر دوگل‌جداگانه‌و روی دو درخت به نامهای درخت نر و درخت ماده قرار دارند . مانند : بید ، خرما .

دوجنسی *Bisexué*
گلهایی‌که دارای پرچم و مادگی هستند .

دوساله *Bisannuel*
گیاهانیکه در حدود دو سال زنده هستند ، درسال‌اول‌گیاه دارای اندامهای رویشی و در سال دوم اندامهای زایشی نیزدرآن‌بوجودآمده‌که‌تولیددانه‌میکنند. مانند : جعفری ، چغندر .

دولپه *Dicotyledon*
گیاهانی راگویندکه جنین دانه‌آنها دارای دولپهٔ‌کاملا مشخص باشند و بیشتر گیاهان‌گلدارجزواین‌گروه‌هستند. مانند عدس ، باقلا.

دیم *Casual*
گیاهانی‌که‌نیمه‌وحشی‌بوده‌و به‌صورت معمولی‌کشت نمیشوند .

ریزوئید *Rhizoide*
سلولهای دراز شبیه تارکشنده‌که‌در خزه‌ها و پروتال نهانزادان‌آوندی عمل جذب مواد را به‌عهده دارند . در بعض هپاتیك‌ها ریزوئیدمنشعب می‌شود .

ریزوم *Rhizome*
که درزیرخاك شبیه ریشه‌اند ، ولی ازآنها برگ‌ها و ساقه‌های هوایی خارج میشود وریشه‌های اصلی در زیرآنهاست. مانند:ریزوم‌سرخس.

زودافت *Caduc*
اندامهایی‌که‌نسبت به‌دوام‌اندامهای مشابه زودتر می‌افتد .

ساقه‌آغوش *Amplexicaule*
برگهاییکه مستقیماً به‌وسیلهٔ پهنك خود بساقه چسبیده‌اند .

سامار *Samar*
میوهٔ خشکی‌که محتوی یك دانه و کناره‌آن نازك وبال مانند است. مانند : میوهٔ افرا .

سته *Baie*
میوه آبداری‌که محتوی دانه‌های پراکنده‌درقسمت‌گوشتی‌شده است. مانند: انگور .

سفت *Mieropyle*
سوراخی‌که‌بالای‌تخمك وجود دارد و به‌علت بهم نرسیدن پوسته‌های تخمك ایجاد میشود .

شفت *Drupe*
از میوه‌های آبدار و ناشکوفا که محتوی یك هسته سخت بوده و درآن‌یك دانه جای دارد مانند: زردآلو.

شکوفا *Déhiscent*
بساك یا میوه‌ای‌که پس از رسیدن در امتداد خطوط معین و مشخص شکاف برمیدارد .

طرح *Diagramme*
تصویر قسمتهای مختلف‌گل روی سطح افقی .

علفی *Herbacé*
گیاهان علفی فاقد اندام چوبی و سخت بوده و معمولاکم دوام میباشند . مانند:زبان در قفا ، تاج‌الملوك .

فندقه *Akène*
میوه‌های‌خشك ناشکوفایی‌که‌محتوی یك دانه‌آزاد باشند. مانند:میوهٔ‌آفتاب‌گردان .

کاسبرك *Sépale*
در خارج‌گلبرگها ومعمولا به‌رنگ سبز دیده میشوند، دربعضی‌گیاهان چون لاله به رنگ‌گلبرگ در میآیند .

کاسه‌گل *Calice*
مجموعهٔ‌کاسبرگها راکاسه‌گل‌مینامند که خارجی‌ترین پوشش‌گل است،ممکن است از قطعات جدا از هم یا پیوسته‌بهم تشکیل شود .

کپسول *Capsule*
میوهٔ خشك و شکوفاکه از اتصال چند برچه بوجودآمده‌که پس از رسیدن

از راه شکاف یا سوراخهـای حاصل در جدار، دانه‌های‌محتوی‌آن‌بیرون میریزد.

کلاهك *Clyptra*

قسمت‌انتهای ریشه‌که معمولارنگش باسایرقسمت‌ها اختلاف‌دارد ازسلولهایی تشکیل‌یافته‌که در برخورد با موادسخت در مجاورت رطـوبت حالت کلوئیدی به‌خودگرفته لغزنده میشود تا در خاك نفوذکند .

گرزن‌یکسویه *Cyme unipare*

گلازین گرزنی که به دو صورت مارپیچی و دم عقربی دیده می‌شود .

گرزن یکسویه دم عقربی *Cyme scorpioide*

همه انشعابهادریك‌طرف‌محورحاصل می‌شود و در نتیجه گل‌آذین شکلی نظیر دم عقرب پیدا می‌کند .

گرزن‌یکسویه مارپیچی *Cyme hélicoide*

در این نوع‌گرزن‌ازکناربراکته‌ای که در پایهٔ گل رأس محور قرار دارد انشعاب‌کوچکی جدا میشودکه بنوبهٔ‌خود به‌گل ختم می‌شود . ازکنار براکته گل اخیر نیزبهمین‌ترتیب ولی درجهت‌مخالف انشعاب دیگری حاصل می‌شودکه‌آن‌نیز به‌گل ختم می‌شود و مجموع آنها منظرهٔ مارپیچی تشکیل می‌دهند .

گل‌آذین *Inflorescence*

طرز قرارگرفتن‌گل‌هاروی‌دمگل .

گل‌آذین‌چتری *Ombelle*

در این‌گل‌آذین دمگلها مـانند میله‌های چتر به یك نقطه ختم میشوند . وجه‌تسمیهٔ‌آن نیزبه این‌جهت‌است مانند: (پامچال) اگر هر یك از شعاعهای چتر به نوبـهٔ‌گل‌آذین چتری دیگری منتهی شوند گل آذین را چتر مرکب مینامند (هویج) .

گل‌آذین خوشه *Grappe*

دم‌گل آن به دمگل‌های‌کوتـاهتر تقسیم می‌شود وگلها بر روی دم‌گلهای کوتاهتر قرار دارند .

گل‌آذین دیهیم *Corymbe*

در این نوع‌گل‌آذین‌دمگلها هرچهٔ به‌انتهای‌ساقه‌نزدیکترمی‌شوندکوتاهترند بطوریکه همهٔ‌گل‌ها در یك سطح به نظر میرسند.مانند :گل‌گلابی .

گل‌آذین سنبله *Epi*

نوعی‌گل‌آذین‌که‌گلهایی‌بی‌پایه‌روی‌محور مشترکی قرار میگیرند .

گلبرگ *Pétale*

هریك ازقطعات تشکیل دهندهٔ جام گل‌راکه‌معمولارنگین‌واغلب‌دارای‌اسانس نیز می‌باشند گلبرگ می‌نامند . مانند : قطعات سرخ‌رنگ ومعطر درگل سرخ.

گلبرگ مانند *Pétaloide*

ظاهراً شبیه‌گلبرگ‌می‌بـاشد.مانند: کاسبرگهای‌گل زبـان درقفا :

گندمه *Cāriops*

میوه‌های خشك‌ناشکوفایی‌که‌دارای دانهٔ منحصر بفرد هستند وجدار میوه به دانه چسبیده است یعنی بین دانه وجدار میوه فاصله‌ای موجود نیست.مانند: گندم.

گوشتخوار *Carnivores*

گیاهانی کـه از حیوانات (معمولا حشرات) تغذیه مینمایند. مانند: نپانتس.

لپه *Cotylédon*

اولین برگی که‌ازنموچنین‌دانه حاصل می‌شود و رویان دانه ممکن است دارای یك لپه یا دولپه باشد.

ماشوره *Chaune*

ساقه توخالی وبند بند که برگهای نیامی به آن متصل می‌باشد. مانند ساقهٔ گندم .

مجری *Pyxide*

میوهٔ پوشینه‌ای‌که قسمت انتهایی‌آن مانند سرپوشی بـازمی‌شود ودانه‌ها ازآن خارج میشوند. مانند : خرفه‌کپسولی که بوسیلهٔ جداشدن قسمتی ازآن (سرپوش) باز می‌شود. مانند: بارهنگ .

محور *Axis*

خط فرضی‌که ازوسط ساقه میگذرد.

میان‌بر *Mesocarpe*

بخش میانی میوه‌که بین درون برو برون‌برمیوه قرارمیگیرددربعضی‌مانند: گیلاس، هلو خوراکی شده ودربعضی‌چون مرکبات به‌صورت پوسته نازکی‌درمیآید.

میله *Filet*

بخشی از پرچم که حامل‌بساك بوده ودر آن‌گلها متفاوت است.

ناشکوفا *Indéhiscent*

میوه‌های خشکی که خود بخود باز می‌شوندتادانه ازآن خارج شود. مـانند: فندق .

نافه *Androceae*

مجموع پرچمها .

نهاندانگان *Angiosperme*

دراین‌گیاهان.تخمك‌ها درون‌محفظهٔ بستهٔ تخمدان جای داشته وپس‌ازلقاح به دانـه‌ای تبدیل کـه درون میوهٔ محفوظ میماند، مانند: سیب، گلابی، گیلاس.

نهنج *Receptacle*

انتهای دم‌گل راکه به‌اشکال مختلف بوده واجزای‌گل روی‌آن قرار دارند ، نهنج‌گویند .

هاگ *Spore*

عضو یك یا چند سلولی که پس از خروج ازهاگدان وقرارگرفتن در محیط مساعدگیاه‌یاجانورجداگانه‌ای‌ایجادکند. مانند:هاگ سرخس‌ها وخزه‌ها.

یکپایه *Monoique*

گیاهانی‌که اندامهای نرو ماده‌آنها در دوگل جداگانه بنام گلهای نرو ماده قـرار داشته و روی یك درخت هستند . مانند: گردو، فندق.

تاکتیسم
Tactisme

جنبشی کـه در بعضی ازرستنی‌هـای پست ویا بعضی از اجسام داخلی سلولها بخصوص پلاست‌ها بسمت یك عامل محرك میگرایند. این جنبش بانمو موجودزنده ارتباط ندارد .

ائروتاکتیسم *Aerotactisme*

تاکتیسمی‌که عامل محرك آن‌گازها مثلا گاز اکسیژن باشد .

اسموتاکتیسم *Osmotactisme*

تاکتیسمی‌که عامل محرك‌آن غلظت ترکیب شیمیایی می‌باشد .

ترموتاکتیسم *Termotactisme*

تاکتیسمی‌که عامل محرك آن‌گرما است .

تیگموتاکتیسم

تاکتیسمی‌که عامل محرك‌آن برخورد وتماس است .

رئوتاکتیسم *Reotactisme*

تاکتیسمی‌که عامل‌محرك‌آن‌جریان آب میباشد .

ژئوتاکتیسم *Geotactisme*

تاکتیسمی‌کـه عامل محرك‌آن قوهٔ ثقل‌زمین است .

شیمیوتاکتیسم *Chimiotactisme*

تاکتیسمی‌که عامل‌محرك‌آن‌ترکیبات شیمیایی است .

فتوتاکتیسم *Phototactisme*

تاکتیسمی‌که‌عامل‌محرك‌آن‌نوراست

گالوانوتاکتیسم *Galvanotactisme*

تاکتیسمی‌که‌عامل محرك‌آن‌جریان الکتریکی است .

هیدروتاکتیسم *Hydrotactisme*
تاکتیسمی که محرك آن آب است .

بافت شناسی

بافت شناسی Histologie
یا کالبد شناسی میکروسکوپیك که دربارهٔ ساختمان و نظم و ترتیب بافت‌ها در اندامها گفتگو میکند .

بافت Tissu
سلولهایی که‌از نظر ساختمان وعمل همانند هستند دریك دسته قرارمیگیرند و بافت را میسازند .

بافت‌آبکش‌یاغربالی Tissu Criblé
بافت‌هایی که شیرهٔ پرورده را هدایت میکنند .

بافت استحکامی.
این بافت در ساقه و برگ وشاخه‌های همه‌رستنی‌های‌آوندی‌داخل پارانشیم نرم‌پراکنده‌است ودرواقع استخوان‌بندی گیاه را تشکیل می‌دهد وآن بر دو نوع است:زنبوری سلولزی و زنبوری‌چربی .

بافت استخوانی Tissu osseuse
اسکلت مهره‌داران‌را تشکیل‌میدهد. ساختمان‌استخوان‌ازماده‌ای‌آلی‌ومتراکم‌با رسوبات مواد معدنی تشکیل‌شده است . قسمت‌معدنی‌استخوان‌درحدود۶۵٪ وزن آنراتشکیل می‌دهد. سلول‌های استخوانی اوستئوپلاست نامیده میشوندکه‌ماده بین سلولی و مواد سخت استخوانی را ترشح می‌کنند . سلول‌ها از یکدیگر جدا و بوسیله استطاله‌های کوچك پروتوپلاسمی با یکدیگر و بـا عروق خونی ارتباط دارند . استخوان از ضریع لیفی نازکی احاطه شده است .

بافت اسفرولیتی
Texture Sphérolitique
بافتی که در زمینهٔ شیشه‌ای آن دوایری با اشعهٔ تاریك و روشن دیده میشود .

بافت‌اوفی‌تیك Texture ophitique
حدواسط‌بافت‌های‌گرونومیکرولیتیك؛ در این بافت ، استوانه‌های طویلی از پلاژیوکلازها در جهات مختلف قرار گرفته‌اند و قسمت‌های خالی بین‌آنها را خمیر متبلوری پر کرده است .

بافت‌اسکلرانشیم Sclérenchyme
سلولهایی‌که دیواره‌های‌آنها ازهمه طرف ضخیم شده و سلولز دیواره‌ها به ماده چوبی تبدیل شده است .

بافت پارانشیم Tissu parenchime
شکل یاخته‌ها با یکدیگر اختلاف چندانی‌ندارند.اگرهسته‌ها و پروتوپلاسم تازه ساخته شده بـاشد ، بافت نوساز را تشکیل می‌دهند که‌کم‌کم تقسیم شده و فشرده‌میشوند و برش‌آنها شش‌گوشه‌های منظم یا نامنظم وشبیه به‌لانه زنبور است که‌اگرکلروپلاست‌داشته‌باشدآنراپارانشیم سبز و اگراندوخته مانند نشاسته یا قند یا لعاب داشته‌باشد زنبوری را ذخیره‌ای گویند .

بافت پشتیبان Tissu soutien
بافتهای‌پیوندی،غضروفی‌واستخوانی را بافت پشتیبان‌گویند .

بافت‌پوششی Tissu epithélial
بدن را از داخل‌وخارج میپوشاند، مانند: پوست‌و پوشش‌درونی‌دستگاه‌هاضمه. سلول‌های‌این‌بافت به‌طور ردیف و فشرده بهم، قرار دارند .
بافت‌پوششی ممکن است ساده باشد و سلول‌ها در یك لایه قرار گیرند یا سلول‌هاطبقه طبقه درچند لایه رویهم‌سوار شوند .

بافت‌پوششی ستونی ساده.
سلول‌های‌دراز این‌بافت‌ها از درازا پهلوی هم قرارگرفته‌اند. این بافت‌معده و روده مهره‌داران را میپوشاند .

بافت پوششی سنگفرشی‌ساده .
از انواع‌بافت پوششی و ازسلولهای پهن‌و نازك‌که مانندآجرفرش‌کف اطاق، تشکیل یافته است .

بافت پوششی سنگفرشی‌مطبق.
از انواع بافت پوششی و سنگفرشی است‌که از چند لایه سلول تشکیل‌شده، مانند:بافتی‌که حفره‌های دهان وبینی را می‌پوشاند .

بافت پوششی غده‌ای .
مواد یا فرآورده‌های لازم رابرای مصرف یك جانورترشح میکند و درسطح خارجی بدن‌کرم خاکی دیده میشود .

بافت پوششی‌گیاهی .
سطح خارجی اعضاء رستنی‌ها را میپوشاند . ساختمان شیمیـایی و شکل ظاهری سلول‌ها برای مقاومت در مقابل عوامل خارجی و انجام اعمال مخصوص تغییر کرده معمولاً نفوذناپذیرمیشوند .

بافت پوششی مکعبی مژك‌دار.
سلول‌های آن مژك دار ، مانند . بافتی‌که مجاری ناقل منی جانوران را میپوشاند .

بافت‌پوششی نگهدارنده .
Tissu protective.
جانوران را ازآسیب‌های درونی و عفونت‌حفظ میکند.این بافت در بسیاری از بی‌مهرگان یك لایه و در مهره‌داران زمینی ، مطبق میباشد .

بافت پیوندی پرده‌ای.
Tissu Membraneux
در این دسته از بافتهای پیوندی، خلاف بافت پیوندی تیغـه‌ای ، رشته‌های پیوندی وارتجاعی بدون‌ترتیب درجهات و طبقات مختلف ممتد میباشند وگاهی نیز بر روی هم تولید ورقه یا طبقهٔ ضخیمی رامی‌نمایند . مانند : جلد وقشر پوست .

بافت پیوندی تیغه‌ای .
Tissu lamelleux
این دسته ازبافتهابرای‌آسان‌کردن حرکت و لغزش اعضاء مختلف بر روی هم ساخته شده و از ورقه‌های نازك پهن متصل به یکدیگر بنا شده است‌که در ساختمان آنها رشته‌های نازکی از جنس رشته‌های پیوندی و ارتجاعی به‌کار رفته است .

بافت پیوندی ژلاتینی.
سلولهای‌این بافت دارای استطاله‌های منشعب است و فضای میانشان‌رایك ماده ژله‌مانند،پرکرده‌است.مانند: بند‌ناف پستانداران .

بافت پیوندی سخت .
Tissu fibro – hyalin
این بافت بیشتر در ساختمان غلاف رشته‌های عصبی انسان‌به‌کار میرود.بافتی است‌نسبتاًسخت و از نظرساختمان‌شباهت زیادی به بافت‌های رشته‌ای‌پیوندی‌دارد.

بافت پیوندی سست .
Tissu conjonction lâche
بافتی است‌که تمام فواصل‌آزاد بین اعضاء و بین بافتهای مختلف بدن را پر میکند و اطراف عروق و اعصاب وغیره را می‌پوشاند .

بافت‌پیوندی‌شبکه‌ای .
شبکه سلولهایی‌که دارای الیـاف کوچك پروتوپلاسمی هستند و درفواصل آنهاسلول‌های دیگرقراردارند.این‌بافت تشکیلات اولی اندامهای خونساز را بوجود میآورد. مانند: مغز استخوان .



بافت‌پارانشیم



بلور کوارتز

بافت پیوندی‌کیسه‌ای.

ستون‌مهرهٔ ابتدایی بدن‌را درمراحل اولیه‌رشدونمو بوجود میآورد . سلولهای آن چند پهلو و پر ازمایع میباشند،ولی ماده بین‌سلولی‌آن‌مختصراست .

بافت پیوندی‌لیفی.

از سلولهای‌پراکنده مدوریامنشعب درست شده و در فواصل بین سلولی‌آن الیاف ظریف جای‌گرفته است .

بافت ثانوی Tissu secondaire

بافتی‌که از تکثیر سلولهای طبقهٔ زایندهٔ گیاه حاصل میشود و تشکیلات ثانوی نیز نامیده شده است .

بافت چربی.

سلولهای‌آن مدور یا چند پهلو با دیواره‌های نازك‌اند و هسته در یك پهلو قرار دارد.دراین‌سلولها، قطرات‌کوچك چربی وجود دارد‌که پس از به‌هم‌پیوستن موجب غیرفعال بودن سلول میگردند .

بافت چشمی : Texture oeillée

اگر گره‌های بافت غده‌ای درمقطع، شبیه چشم‌باشند ، بافت را چشمی‌گویند.

بافت چوب‌پنبه.

بافت پوششی‌که‌سطح خارجی‌قسمت‌های چوبی شده‌گیاهان را میپوشاند و عبارت از یك یا چند طبقه چوب پنبه‌ای است‌که سلولهای‌آن به‌کلی خالی شده و گیاه را محافظت میکند .

بافت خونی .

خون و لنف‌که عهده‌دار انتقال و توزیع مواد درداخل بدن جانور میباشند از مایع پلاسما و سلولهای آزاد تشکیل میبابند .

بافت‌ژرمن .

دسته سلولهایی‌که در زاد و ولد موجود مؤثرند ودر اندام تناسلی بوجود آمده یا در حین نمو به دستگاه تناسلی منتقل‌میشوند این بافت زاینده با مرگ موجود بکلی از بین نمیروند واز نسلی به نسل دیگر منتقل میشوند و موجب پیوستگی مادهٔ زندهٔ نسلها میگردند.

بافت سوما .

یا بافت فناپذیر، دسته‌ای ازسلولها است‌که درساختمان قسمتهای مختلف‌بدن شرکت میجویند و در حال عادی ازبدن جدا نمی‌شوند و با مرگ سلول از بین میروند.وبه‌بافت رونده نیزمعروف‌است.

بافت سیال Texture pluidale

بافتی‌که درآن پدیدهٔ جریان مواد مذاب بخوبی مشاهده میگردد .

بافت‌شبکه‌ای جگر،

Reticulo _ endothèliale

از بافتهای جگری‌که سلولهـای ستاره‌ای شکل آن با زایده‌هـایی بهم مربوطند و اغلب عمل خوارندگی قوی دارند .

بافت‌شیستی Texture schisteuse

یکی ازبافت‌های‌سنگهای‌دگرگونی که درآن عناصری‌که مانند میکا به‌شکل ورقه‌های نازك هستند ، بطور موازی با یکدیگر قرارمیگیرند و درنتیجه‌سنگ، در جهت این سطوح متورق میگردد و عناصرمنشوری‌شکل‌به‌قسمی قرارمیگیرند که محورهایشان تقریباً در امتدادسطوح موازی هم باشند .

بافت‌شیشه‌ای Texture vitreuse

در این بافت‌هیچگونه عنصرمتبلور دیده نمیشود .

بافت عصبی.

این بافتهـا به‌منظور دریافت ، نگاهداری، انتقال، تخلیه و تأثیرات و تحریکات عصبی ناشی از داخل و خارج بدن اختصاص یافته‌اند .

بافت غده‌ای Texture glanduleuse.

ازانواع‌بافت‌های‌سنگهای‌دگرگونی که درآن توده‌های کوچکی از کانیهای مختلف به‌شکل عدسی‌یاگره‌هایی درآمده باشند . این گره‌هادر امتدادهای موازی با یکدیگر قرار میگیرند و در نتیجه سطح تورق اصلی در این سنگها گره‌دار است .

بافت‌غضروفی Tissu Cartilage

این بافت بی‌نهایت قابل ارتجاع و نسبتاً ضخیم میباشد . از بافت پیوندی منشعب شده و بافت پشتیبان سخت و ارتجاعی‌راتشکیل میدهد‌که درساختمان اعضاء زیادی از بدن بـرای نگهداری شکل خارجی‌آن به کار میرود . به چند دسته‌تقسیم‌میشود:غضروف‌شفاف، غضروف ارتجاعی ، غضروف لیفی .

بافت‌کلانشیم .

دیواره‌های سلولزی یاخته‌های آن از همه طرف ضخیم شده وآنرا بر روی رگبرگ‌های‌گیاهان میتوان یافت .

بافت‌گرونو Texture grenue

این بافت درسنگهایی مثل خاراکه در اعماق‌زمین به صورت توده‌های‌بزرگ انجماد یـافته‌اند دیده میشود . در این بافت ابعاد عناصر سنگ تقریباً بـه یك اندازه بوده و بلورهایی‌که‌زودترتشکیل شده‌اند دارای شکل هندسی و آنها که دیرتر انجماد یافته‌اند سایر‌بلورها را‌به هم چسبانیده‌اند . این بافت را خارایی نیز میگویند .

بافت‌گرهی Tissu nodal

درپستانداران،میوکارد دارای‌بافت ویژه‌ای‌است‌که‌میتوانیم‌آنرا بافت‌هدایت کننده به نامیم ، زیرا ارتباط فعالیتهای بین دهلیزی و بطنی را عهده‌دار است . به نام بافت‌گرهی است و ازنظر بافت‌شناسی از سلولهای دوکی شکل تشکیل شده و تفاوت زیادی با سایر بـافتهای میوکارد ندارد .

بافت ماهیچه صاف. Tissu lisse

سلولهای‌آن‌دوکی‌شکل و ظریف‌اند و هریك‌دارای یك هسته بیضی‌شکل‌واقع در مرکز و الیاف‌یکنواخت صاف‌هستند عضلات صاف در اندامهای داخلی یافت میشوند . و غیرارادی می‌باشند .

بافت ماهیچه قلب.

خطوط متقاطع و الیاف منشعبی است‌که شبکه بهم پیوسته‌ای را میسازند عضله قلبی مخطط ولی غیر ارادی است استراحت‌آن در سراسر عمر جانور فقط در فواصل انقباضات متوالی‌قلب‌است .

بافت‌متخلخل Tissu spongieux

عبارت از بافت استخوانی است که درآن‌مجاری هاورس به‌جای اینکه‌مانند بافت متراکم ابعاد میکروسکوپی داشته باشد بواسطه‌تعداد زیادتری‌که چندبرابر بافت‌متراکم‌است متخلخل‌به نظرمیرسند.

بافت متراکم. Tissu Compact

به شبکهٔ هاورس و شبکهٔ استخوانی گفته میشود .

بافت محاط . Protection

بافتهایی‌که سطح خارجی اندامها را می‌پوشانند .

بافت‌ماهیچهٔ مخطط . Muscles striés

از ماهیچه‌های ارادی که دارای سارکوپلاسم وسارکولموتارهای‌ماهیچه‌ای و رنگ قرمز و هسته‌های فراوان‌است .

بافت مریستم .

بافتی که سلولهای آن متشابه و تغییرشکل نیافته و به خصوص سیتوپلاسم آنها زیاد و واکوئولهای بسیار کوچك

بوده و فاقدآوند میباشد .

بافت‌میکروگرونو

Texture Microgrenue

این بافت در سنگهایی دیده میشود که دو زمان تبلور دارند ؛ در قسمتهای عمیق با تأنی سرد شده و در نزدیك یا در سطح زمین‌به سرعت‌منجمد گردیده‌اند. در این بافت بلور درشت در خمیره‌ای قرارگرفته وخمیره‌آن‌کاملامتبلوروموکب و از اجتماع یك عده عنصر یك اندازه میباشد .

بافت میکرولیتیك

Texture Microlitique

مانندبافت میکروگرونو اماقسمتی ازخمیره‌آن‌متبلور و قسمت‌دیگرشیشه‌ای میباشد . این بافت را نیمه شیشه‌ای نیز مینامند .

بافت نمدی Stroma

ریسه‌هایی‌که به‌صورت بافت‌های به‌ـ هم فشرده در آمده و شکل نمد به خود میگیرند.

بافت‌نوروگلی Neurglia

این بافت از سلولهای گوناگـون تشکیل یافته و چنین به‌نظر میرسدکه وظیفه‌آن نگاهداری سلولهای عصبی بصورت مجزا از یکدیگر است .

بافت‌هادی‌آبکش .

یا لوله‌های غربالی‌که شیرهٔ پروردهٔ گیاهی درآنها حرکت میکنند. آبکش‌ها: لوله‌هایی‌هستندکه سلولهای‌آنهاسربه‌سر قرارگرفته و هسته آنها از بین رفته و واکوئل بزرگی در آنها پدید آمده و دیواره‌مشترك‌سلولزی‌آنها سوراخهایی شبیه به غربال دارد‌که‌مواد درونی‌لوله‌ها از خلال همین غربال‌ها حرکت میکند.

بافت‌هادی‌چوبی .

لوله‌هـایی هستندکه داخل ساقه ، ریشه قرارگرفته و شیرهٔ خام در آنها روان است .

سلول شناسی

سلول Cellule

یا یاخته‌عبارت ازتودهٔ‌پروتوپلاسمی است‌که دارای یك‌هسته میباشد. استثنائاً گلبولهای قرمزخون پستانداران پس‌از رشد ونموهستهٔ خودرا ازدست میدهند و سلولهای عضلات مخطط وچندنوع سلول دیگرهریك بیش‌از یك‌هسته دارند .

اجسام‌گولژی Golgi bodies

درداخل‌سیتوپلاسم،شبکه‌ها یا گروه‌ـ های دانه‌داری هستندکـه تصور میشود در تولید ترشحات دخالت دارند .

اسپرماتوزویید Spormatozoïde

سلول‌جنسی نرکه درداخل بیضه‌های جانوران‌نرساخته‌میشود. یاختهٔ‌مخصوصی است‌که به تنهایی قادر به ادامـهٔ حیات نیست .

هراسپرماتوزویید n کروموزوم‌دارد ودرساختمان ظاهری‌آن سروگردن و دم قابل تمیزاست .

اوول Ovule

سلول‌جنسی ماده که‌درداخل‌تخمدانهای حیوانات مـاده ساخته میشود . یـاختهٔ مخصوصی است‌که به‌تنهایی قادر به‌ادامهٔ زندگی نیست و برحسب مواد ذخیره‌ای به‌سه‌دسته: هترولسیت تلولسیت و آلسیت تقسیم میشود .

پلاست‌ها Plastes

ازضمایم سلولی خاص‌گیاهان‌دارای مواد ذخیره‌ای نظیر نشاسته وسبزینه و رنگها می‌باشد وبه‌آمیلوپلاست وکلروـ پلاست وکروموپلاست،تقسیم میشود .

پروتوپلاسم Protoplasme

مادهٔ زنـدهٔ سلول تمام‌گیاهـان و جانوران این‌ماده ترکیب پیچیده‌ای از موادگوناگون‌ازقبیل:آب، املاح معدنی وبسیاری ترکیبات آلی است .

کروماتین Chromatine

یا مادهٔ رنگین که مهمترین قسمت هسته است وظاهراً از دانه‌های جداگانه تشکیل می‌یابد ولی‌عملا اجزاء رشته‌های مارپیچی به‌نام‌کروموتما می‌باشد .

کروموزوم Chromosome

رشته‌های نخ مانندی‌کـه در هستهٔ سلولهای حیوانی وگیاهی‌دیده می‌شوند. کروموزومها معمولا جفت‌جفت هستند و تعدادآنها درهرنمونهٔ‌گیاه یاجانورثابت است .

کوندریوکونت Chondrioconte

کوندریومهایی‌که رشته‌ای شکلند .

کوندریوم Chondriums

از ضمایم سلولها و بـه صورت میتوکندری‌وکوندریومیت وکوندریوکونت دیده میشود .

این ذرات درکلیه سلولهای‌جانوری وگیاهی‌هستند .

کوندریومیت Chondriomite

کوندریومهایی‌که به‌صورت‌دانه‌های‌ـ ریز چون دانه‌های زنجیر به دنبال هم قراردارند .

گامت Gamete

سلولهـای جنسی‌که n کروموزوم دارند .

واکوئول Vacuole

یاکریچه‌که در داخل سیتوپلاسم و حفره‌های‌کوچك پر از مایع می‌باشد .

هستك Nucléole

ذره‌ای‌کروی‌که یك عدد یا بیشتر درون هسته وجود دارد .

هسته Noyau

هسته معمولا بیضی یا کروی و در بعضی از انواع دراز یا تکه تکه و پهن می‌باشد هسته ممکن است در مرکز سیتوپلاسم یاکناریا انتهای‌آن قرارگیرد دور هسته را پرده‌ای به نام غشاء هسته احاطه میکند و در هر هسته‌کروماتین و ویك یاچند هستك وشیرهٔ هسته‌ای وجود دارد .

میتوکوندری Mitochondrie

دانه‌ها یا رشته‌های بسیارکوچکی در داخل سیتوپلاسم است .

سارکود Sarcode

نام قدیمی پروتوپلاسم ؛

سانتروزوم Centrosome

درنزدیکی‌هسته بسیاری ازسلولهای زنده‌به ویژه هنگام تقسیم ، ناحیهٔ‌روشن و متجانسی دیده میشودکه در مرکزآن دانه رنگ‌پذیری جای میگیرد .که این دانه رنگ پذیر را سانتریول میگویند. در اطراف دستگاه مزبور یك قسمت از پروتوپلاسم تغییر خاصیت‌میدهد و بشکل شعاعهای دایـره در اطراف دستگاه مزبور قرار گرفته که آستر را بوجود میآورد .

سانتریول. Centriole

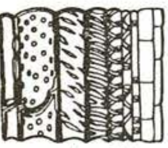
یك یا دو جسم مرکزی نقطه مانند درسانتروزوم راگویند .

سلول مژك‌دار .

سلولی‌که در سطح خارج دارای استطاله‌هایی بسیارکوتاه و موی مانند ، پروتوپلاسمی بنام مژك باشد .

سلولهای جسمی .

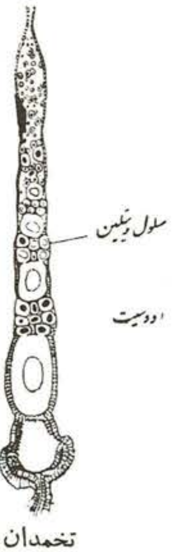
سلولهایی‌که‌جسم‌اصلی‌گیاه‌راتشکیل و پس ازاینکه ابعادشان به‌حدمعین‌رسید نموآنها متوقف میگردد .



بافت هادی



اسپرماتوزویید



تخمدان

سلول‌های‌حسی.
سلول‌های عصبی که تأثیرات خارج از بدن را دریافت می‌کنند .

سلول‌های رویانی.
سلول‌های مریستم که در شرایط مناسب تقسیم و سلولهای جدیدی بوجود میآورند .

سلولهای‌ششی.
این سلولها که سطح خارجی بدن و سطح داخلی حفره‌های درونی و غدد ترشحی‌رامفروش میسازندبرحسب‌موقعیت و عملی‌که مأمور انجام آن هستند اشکال مختلف به خود میگیرند .

سیتوپلاسم Cytoplasme
مجموع هسته و پروتوپلاسم .

تروپیسم
Tropisme

مجموع جنبش‌هایی‌که با نمو غیر عادی‌گیاه یا اندامهای‌آن وابسته است . مانند نمو ساقه و انحراف‌آن‌به‌سمت‌نور.

ارتوژئوتروپیسم Orthogéotropisme
درصورتی‌که جسمی‌مانع نموانتهای ریشه و ساقه نشود ریشه همیشه به‌سمت پائین و ساقه به‌سمت بالا نمو می‌کند و چون به‌حد نمو طولی خود رسید متوقف میگردد .

الکتروتروپیسم Electrotropisme
گالوانوتروپیسم را به‌بینید .

ترموتروپیسم Termotropisme
یاگرماگرایی ، تروپیسمی‌که عامل محرك‌آن حرارت است .

تروما تروپیسم Tromatropisme
یاآسیب‌گرایی تروپیسمی‌که‌از اثر ضربه و زخم درگیاه حاصل میشود .

تیگموتروپیسم Tigmotropisme
تروپیسمی‌که عامل محرك‌آن تماس و پیچیدن اندام‌گیاه به‌دورپایه یا شاخه درختان است .

دیاژئوتروپیسم Diagéotropisme
وضعی‌که ریشه‌های فرعی نسبت به محور اصلی و یا ساقه و شاخه نسبت به محور اصلی خود درکیفیت ژئوتروپیسم حاصل میکنند .

دیافتوتروپیسم Diaphototropisme
یا افقی‌نورگرایی‌که دربرگ دیده میشود ، برگ‌ها به‌وضع افقی وکم وبیش عمود بر امتداد شعاع‌های نور قرار میگیرند و نوربیشتر به‌سطح فوقانی‌آنها میتابد .

رئوتروپیسم Reotropisme
تروپیسمی‌که عامل‌محرك‌آن‌جریان آب میباشد .

رادیوتروپیسم Radiotropisme
تروپیسمی‌که عامل‌محرك‌آن اجسام رادیوآکتیف است .

ژئوتروپیسم Géotropisme
عکس‌العملی‌که اندامهای‌گیاهان‌در برابرنیروی جاذبه از خودنشان میدهند وزمین‌گرایی‌نامیده میشود .

شیمیوتروپیسم Chimiotropisme
یا داروگرایی ، تروپیسمی‌که‌عامل محرك‌آن مواد شیمیایی است .

فتوپریوریسم Photoperiorisme
اثری‌که‌تناوب منظم روز و شب در ریشهٔ‌گیاهان داردلذاگیاهان را ازلحاظ واکنش نسبت به مدت قرارگرفتن در مقابل نور و تاریکی به سه دسته تقسیم میکنند :
۱ــ گیاهان‌کوتاه روز ۲ــ گیاهان بلند روز ۳ــ گیاهان بی‌تفاوت.

فتوتروپیسم Phototropisme
یانورگرایی ، تروپیسمی‌که از اثر تحریك نور یك جانبی حاصل میگردد.

گالوانوتروپیسم Galvanotropisme
یا الکتروتروپیسم،تروپیسمی است که عامل‌آن جریان الکتریکی است .

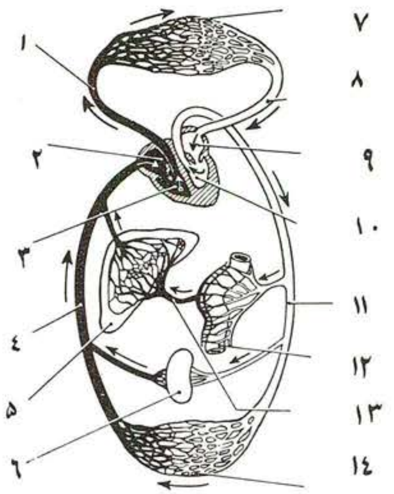
هاپتوتروپیسم Haptotropisme
تروپیسمی‌که عامل محرك‌آن تماس با اجسام سخت میباشد .

هلیوتروپیسم Heliotropisme
تروپیسمی‌که‌عامل‌مؤثردرآن‌حرکت نورآفتاب می‌باشد .

هیدروتروپیسم Hydrotropisme
یا نم‌گرایی تروپیسمی‌که عامل محرك‌آن رطوبت وآب باشد .

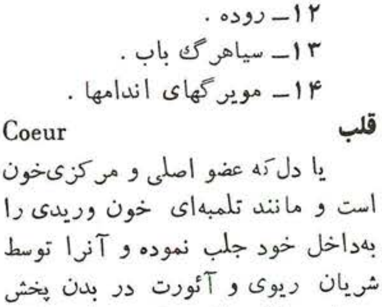
گردش خون و اندامها

دستگاه‌گردش‌خون



۱ــ سرخرگ ششی.
۲ــ دهلیزراست .
۳ــ بطن راست .
۴ــ سیاهرگ اجوف .
۵ــ کبد .
۶ــ کلیه .
۷ــ مویرگهای ششی .
۸ــ سیاهرگ ششی .
۹ــ دهلیز چپ .
۱۰ــ بطن چپ .
۱۱ــ آئورت .
۱۲ــ روده .
۱۳ــ سیاهرگ باب .
۱۴ــ مویرگهای اندامها .

قلب Coeur
یا دل‌که عضو اصلی و مرکزی‌خون است و مانند تلمبه‌ای خون وریدی را به‌داخل خود جلب نموده و آنرا توسط شریان ریوی و آئورت در بدن پخش مینماید . قلب از دو قسمت قلب راست دارای خون وریدی و قلب چپ دارای خون شریانی تشکیل‌شده و هرطرف‌قلب دو حفره؛ یکی دهلیز، دربالا و دیگری بطن، درپایین دارد . بین قلب راست و چپ دیواره‌ای موجود است‌که به‌دیوارهٔ بین دهلیزی و دیوارهٔ بین بطنی موسوم میباشد .



قلب

۱ــ آئورت.
۲ــ سرخرگ ششی .
۳ــ سیاهرگهای ششی چپ .
۴ــ بطن راست .
۵ــ سیاهرگ بین‌دوبطن.
۶ــ سرخرگ‌کورونر راست.
۷ــ کورونرچپ .
۸ــ سیاهرگهای ششی راست.
۹ــ سیاهرگ اجوف فوقانی.
۱۰ــ سیاهرگ اجوف‌تحتانی .

آئورت Aorte

درپشت سرخرگ‌ریوی ازبطن چپ مجزامیشود، که درنخستین مرحلهٔصعودی است بعداً انحنایی از چپ وعقب بوجود می‌آورد موسوم به قوس آئورت . پس‌از آن‌مثل‌اینکه سواربرشریان ریوی‌راست است بطورعمودی ازپشت‌قلب پایین‌می‌آید وتقریباً بهموازات ستون فقرات سرازیر می‌گردد ، در اینحال ازحجاب حاجز و حفرهٔصدری‌عبورکرده وارد حفره‌شکمی میشود، اینجاما نند یك‌چنگال‌دوشاخه‌ای به دو رشته تقسیم شده،شریانهای ایلیاك اولیه‌را بوجود می‌آورد .

بازوفیل .

از گلبول‌هــای سفید چند هسته‌ای است ،که رنگهای قلیایی میگیرند .

بطن‌چپ Ventricule gauche

شبیه مخروط پهن شده‌ای قلـهٔ آن همطراز نوك‌قلب وقاعـدهٔ‌آن دارای دو سوراخ است .

بطن راست Ventricule droite

جدار آن نسبت به‌جدار بطن چپ نازکتر بوده‌حجم‌کمتری دارد .

پلاسما .

مایعی‌کـه بیشترمــواد موجود در جریان خون‌را حمل‌ونقل میکند .

پلاکت‌های خون .

عناصر کوچکی درخون‌کـه دارای خاصیت شبیه آمیبی می‌باشند خیلی زود معدوم ومنعقد میشونـد ونقش مهمی در قبال جراحات وانعقادهای خونی دارند.

سبات Carotide

کـه دو شاخه ازانشعاب سرخرگ برنشیوسفالیك‌است که‌به‌طرف‌سر،ازگردن بالا میروند .

دریچهٔ میترال .

یا دریچهٔ دو زبانی یا دو لختی‌که سوراخ دهلیزی بطنی قلب چپ‌رامسدود میکند واین دریچه ازدو زبانــه چپ و راست تشکیل شده‌کـه این زبانــه‌ها از زبانه‌های دریچه‌سه‌لختی بلندتروضخیم‌تر میباشند .

دهلیز چپ Oreillette gauche

در جـدار خلفی دهلیزچپ، چهار سوراخ وریدهای ریوی قرار دارند. این سوراخهادو به‌دو واقع شده ازیك‌زوج‌چپ ویك‌زوج راست تشکیل شده‌اند .

دهلیزراست Oreillette droite

دربالا وعقب جـدار دهلیز راست سوراخ ورید اجوف فوقانــی جلب نظر مینمایدودرپائین‌وعقب‌آن‌نیزمصب‌ورید‌ـ اجوف تحتانی دیده می‌شود .

رگهای لنفاوی .

درطول‌رودهٔ‌باریك پخش وقسمتی‌از مواد جذبی (چربی) را به واسطه‌کبد به سوی قلب میبرند .

سرخرگ ششی Artère pulmonaire

به‌محض خروج ازبطن راست به‌دو شاخه‌تقسیم‌می‌گردد ؛ شاخهٔ راست‌به‌طول ۵ تا۶ سانتیمترکـه از زیرقوس آئورت عبور می‌کند وشاخهٔ چپ‌کوتاهترازاولی به درازای ۲ تا۳ سانتیمتر هریــك از شریانهای‌ریوی چپ‌وراست پس‌ازگذشتن ازجلوی‌برنش‌به‌ریه‌مربوطه‌وارد میشوند و به‌شریان ریوی نیز معروفند .

سیاهرگ اجوف تحتانی.

Veine cave inférieure

به‌طول۲۵سانتیمتروقطر۲سانتیمتر که‌خون قسمتهای زیرحجاب حاجز رابه دهلیز راست می‌رساند .

سیاهرگ‌اجوف فوقانی.

Veine cave superieur

تنهٔ عمومی وریدهای بالای حجاب حاجز است به‌استثنای وریدهای ریوی و کورونری بــه درازای ۶تا۸ سانتی‌متر مولودپیوستن تنه‌های وریدی برونشیوـ سفالیك چپ وراست می‌باشد .

شریان ریوی A. pulomonaire

سرخرك ششی‌را به‌بینید .

شریان زیرچنبری .

مبداء این‌شریان‌درطرف‌راست‌وچپ متفاوت‌است، درطرف‌راست ازتنه‌بازویی راستی ودرطـرف چپ از قوس آئورت شروع و تا وسط استخوان چنبر امتداد یافته‌و به‌شریان‌زیر بغلی‌مبدل میگردد.

شریان‌کورونر A. Coronaire

اولین انشعاب آئورت‌کـه در روی دریچه‌های سیگموئید قـرارگـرفته و مجراهای تنذیه‌ای بافتهای قلبی است .

شریان مهره‌ای .

شریانی‌کـه ازسطح فوقانی شریان زیرچنبری‌درنزدیکی‌مبداء قسمت‌داخلی گردنی‌آن مجزا شده وتا کاسهٔ سرامتداد دارد .

عروق شریانی .

یاشرایین؛ مجاری‌که‌خون‌را ازبطنـ های‌قلب‌به‌تمام بدن‌حمل‌مینمایدو به‌توسط دوتنه‌از قلب‌مجزامیگردند، یکی‌آئورت ازبطن‌چپ‌و دیگری شریان ریوی‌ازبطن راست که این شریان خون بطن راست رابطرف ریتین‌حمل مینماید .

عروق خونی .

مجاری‌غشایی‌هستندکه در تمام بدن پخش‌شده وشامل‌سه‌قسمت: عروق‌شریانی ، عروق وریدی وعروق شعریه است.

عروق شعریه Capillaires

یامویرگها ؛ عروق خیلی نازکـی هستندکـه انشعابات ریز شراین را بـه انشعابات وریدی مربوط می‌سازند و در این نقاط تحول تغذیه‌ای بوجود میآید.

عروق وریدی .

یا وریدها ؛ مجاری غشایی‌که خون عروق شعریه را جمع‌کرده وبه دهلیزها میرسانند . جدار وریدها قرمز و نسبت به جدار شراین نازکتر وانقباض‌کشش آنهاکمتراست. وریدها به‌دو دسته عمقی وسطحی تقسیم میشوند ؛ وریدهای عمقی غالباً همراه شراین وبرای هـرشریانی معمولا دو ورید موجود است و وریدهای سطحی مجزا از شراین بوده وبا وریـد عمقی پیوند میشوند .

فیبرین .

درمحیط‌مایع‌خون‌بصورت فیبرینوژن محلــول است با تغییراتی‌کـه با وجود ویتامین K ویون‌کالسیوم پیدا می‌کند به فیبرین تبدیل‌شده ورشته‌های مشبك‌بیـ رنگی شده که انعقاد خــون را موجب می‌شود .

گلبول‌های سفید .

درتمام‌جانورانی‌که دارای مایعات بدنی‌هستند یافت‌میشوند گروهها مختلف آنها از نظرساختمان وعمل‌با یکدیگر متفاوتند بعضی بیگانه خوار و عـده‌ای دیگرمستقلاً حرکت میکنندوتغییرشکل

میدهند آنها ازجدار عروق خونی عبور کرده به‌سایر بافت‌هاراه میبابند وعده‌ای از آنهایك‌هسته‌ای وعده‌دیگر چندهسته‌ای هستند .

گلبول‌های قرمز .

در خون مهـره‌داران وجود دارد رنگ قرمز این‌گلبول‌ها درنتیجه وجود هموگلوبین است که‌وظیفه انتقال‌اکسیژن را به‌عهده‌دارد گلبول‌های‌قرمز پستانداران بدون هسته‌ومعمولاً مدورند ولی درسایر جانوران‌هسته‌دار ودارای‌دوکناره‌محدب وبیضی شکل می‌باشند .

لنف .

از پلاسمایی تشکیل یافته که نسبت بـه‌پلاسمای خون دارای مقدار پروتئین کمتری است و دارای‌گلبول‌هـای سفید به‌ویژه لنفوسیت میباشد ولی فاقدگلبول قرمـز است . لنف از دیوارهٔ مویرگها ریزش‌میکند ودرپیرامون بافت‌هاجریان میبابد .

لنفوسیت‌ها .

نوعی‌گلبول سفید یك هسته‌ای‌گرد میباشندکه در رگهای لنفی وگـروه‌های لنفی فراوان هستند .

نوتروفیل .

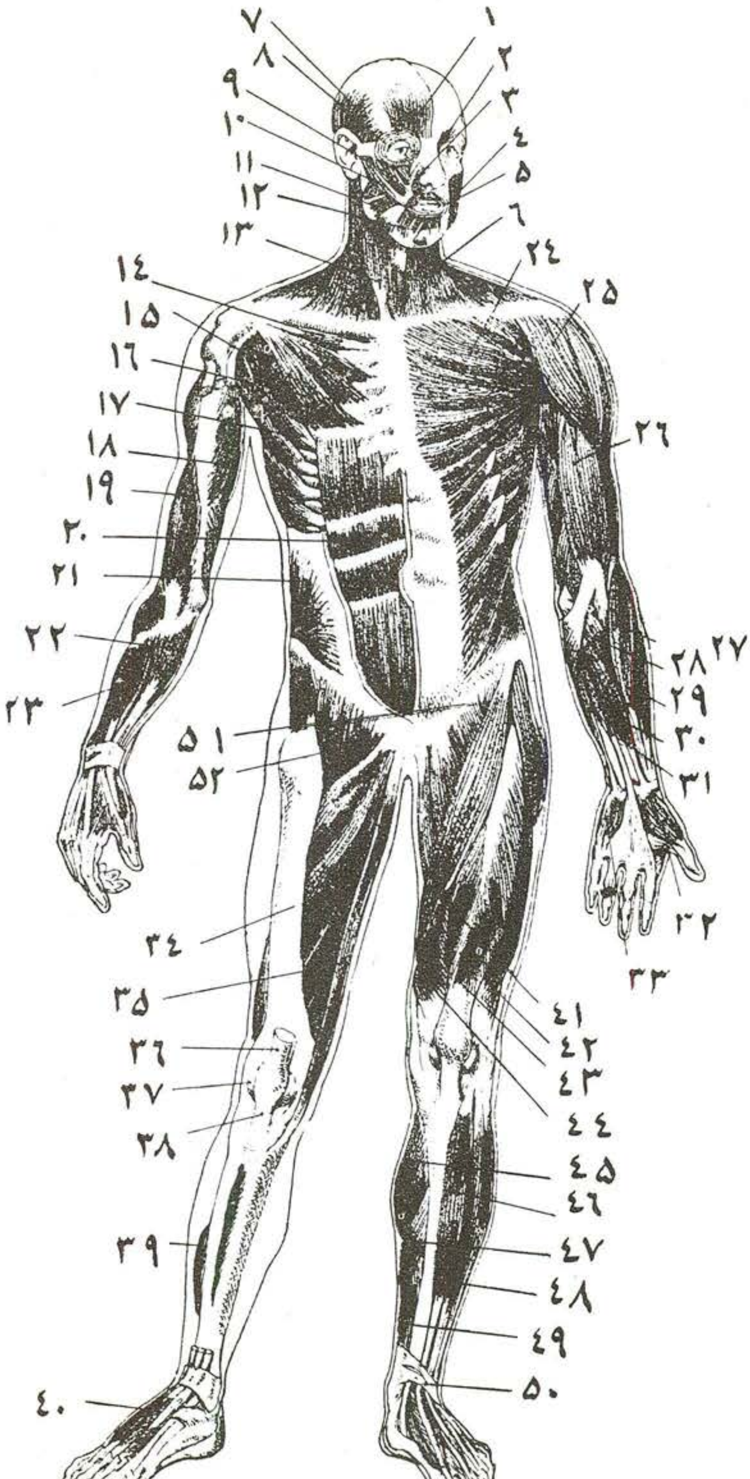
ازگلبولهای سفید چند هسته‌ای که ۷۰درصدلوکوسیتها است .

ورید وداج داخلی .

این ورید حامل خون‌داخل جمجمه وکاسهٔ چشم و قسمتی از صورت و قسمت عمده‌ای ازناحیه قدامی‌گردن میباشد .

هموگلوبین .

مـادهٔ پروتوئینی آهن داری‌که‌در گلبولهای‌قرمزخون جانوران مهره‌دار و برخی‌دیگراز حیوانات دیده می‌شود.



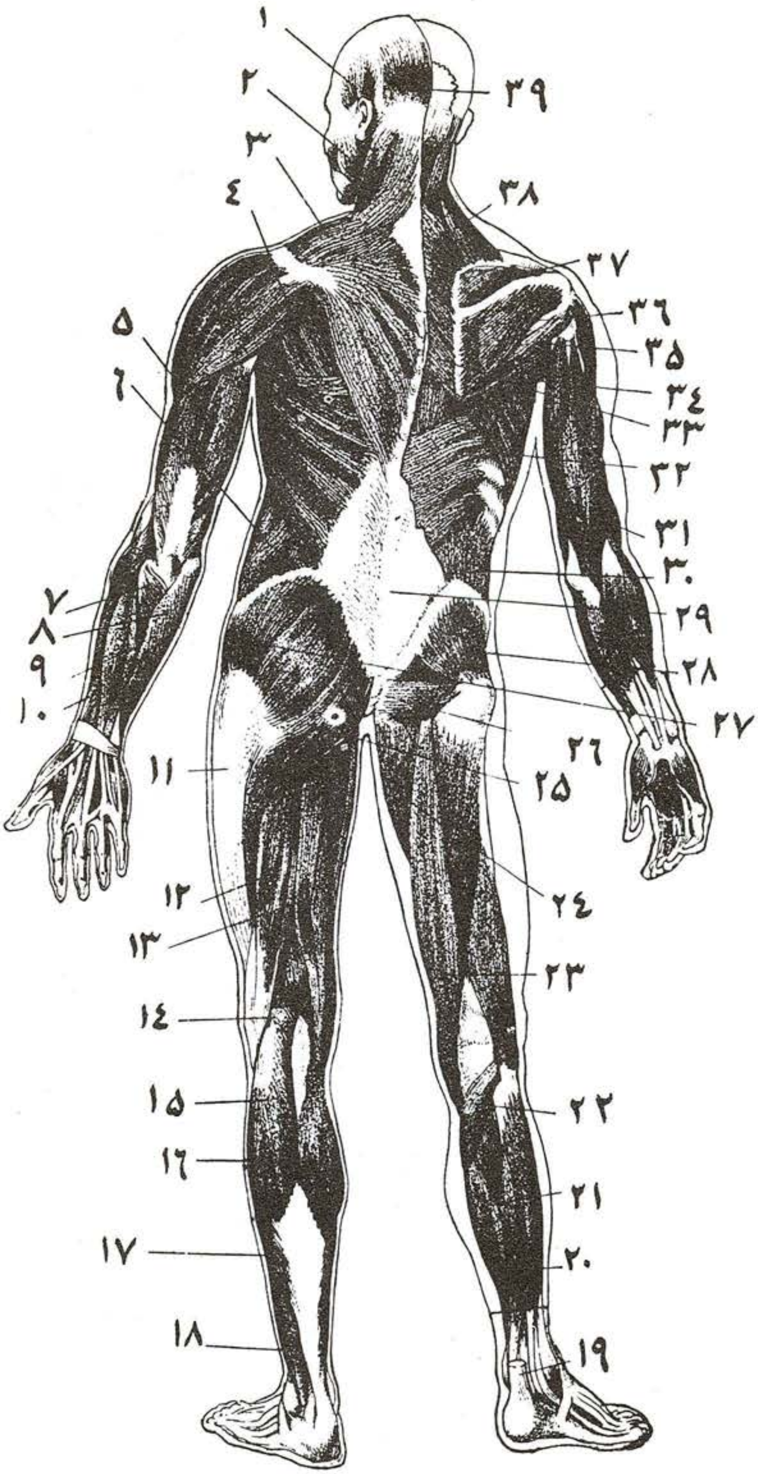
ماهیچه‌های بدن

ماهیچه‌های قدامی بدن

۱ـ پیشانی Frontal
۲ـ ابرو Sourcilier
۳ـ پهن‌کنندهٔ بینی Traverse du nez
۴ـ جویدن Masséter
۵ـ مدورلبها Orbiculaire des lèvres
۶ـ جلدی‌گردن Peaucier du cou
۷ـ شقیقه Temporal
۸ـ مدور پلك Orbiculaire des paupieres
۹ـ وجنی بزرگ Grand zygomatique
۱۰ـ وجنی‌کوچك Petit zygomatique
۱۱ـ خنده Risorius de santorini
۱۲ـ مثلث لبها Triangulaire des lèvres
۱۳ـ قصی ـ ترقوی ـ ماستوئیدی Terno — clèido — mastoïdién
۱۴ـ زیرچنبری Sous clavier



جلبکهای آب شیرین
دیاتومه
(۵۰۰ برابر)
سیکلوتلا
نیتزکیا
تابلاریا
ولوکس
(۵۰ برابر)
اودورینا
(۷۵ برابر)
اسپیروژیر
(۱۰۰ برابر)
باتراکوس سپرم
(۱۰ برابر)
جلبکهای دریایی
فوکوس
کلادوفورا
هتروسیفونیا
دیکتیوتا
ژلیدیوم
پادینا
لامینر
فلکسی کولیس
ژرامیوم
ساگاسوم
آسکوفیلوم
اولوا
پورفیرا
آنترومورفا
رودیمینا
کودافیلوم
کودیوم
لامینر



۱۵ ـ زیر کتف Sous Scapulaire
۱۶ـ سینه‌ای کوچك Petit pectoral
۱۷ـ مضرس بزرگ Grand dentelé
۱۸ـ غرابی‌بازویی Coraco brachial
۱۹ـ بازویی قدامی
Brachial anterieur
۲۰ـ مستقیم بزرگ Grand droit
۲۱ـ مورب کوچك Petit oblique
۲۲ـ تاکنندهٔ عمقی
Fléchisseur profond des doigts
۲۳ـ بازکنندهٔ انگشتان
Extensseur des doigts
۲۴ـ سینه‌ای‌بزرگ Grand pectoral
۲۵ـ دالی Deltoïde
۲۶ـ دوسربازو Biceps
۲۷ـ برون گردانندهٔ دراز
Long supinateur
۲۸ـ درون گردانندهٔ مدور
Rond pronateur
۲۹ـ خارجی زنداعلی
Radial externe
۳۰ـکفی بزرگ Grand palmaire
۳۱ـکفی کوچك Petit palmaire
۳۲ـ برآمدگی کفی خارجی
Eminence thénar
۳۳ـ برآمدگی کفی داخلی
Eminence hypothénar
۳۴ـ اولین نزدیك کننده
Premier adducteur
۳۵ـ راست داخلی Droit interne
۳۶ـ زردپی عضلهٔ سه‌سر
Tendon du triceps
۳۷ـ کشکك Peloton adipeux
۳۸ـ رباط زانو Ligament rotulien
۳۹ـ پسین ساقی Jambier postérieur
۴۰ـ پایی Pedieux
۴۱ـ خیاطه Couturier
۴۲ـ پهن خارجی Vaste externe
۴۳ـ راست قدامی Droit antérieur
۴۴ـ پهن داخلی Vaste interne
۴۵ـ عضلهٔ دوقلوی داخلی Jumeau
۴۶ـ قدامی ساق Jambier anterieur
۴۷ـ سولئر Soleaire
۴۸ـ بازکنندهٔ مشترك انگشتان
Extenseur commun des orteils
۴۹ـ تاکننده مشترك انگشتان
Fléchisseur commun des orteils
۵۰ ـ رباط چنبری مچ
Ligament annulaire du tars

۵۱ ـ پسوآ Psoas
۵۲ ـ شانه‌ای ران Pectiné

ماهیچه‌های پشتی بدن

۱ـ شقیقه Temporal
۲ـ جویدن Masséter
۳ـ ذوزنقه Trapese
۴ـ پشتی بزرگ Grand dorsal
۵ ـ سه سربازو Triceps brachial
۶ـ مورب بزرگ Grand oblique
۷ـ آنکونه Anconé

۸ــ آرنجی قدامی
Cubital anterieur

۹ــ آرنجی خلفی Cubital postérieur

۱۰ــ تاکنندهٔ مشترك انگشتان
Extenseur commun des doigts

۱۱ــ لفافه‌ای پهن Fascia lata

۱۲ــ دوسررانی Biceps crural

۱۳ــ نیمه رباطی Demi – tendineux

۱۴ــ کفی دراز Plantaire grêle

۱۵ــ دوقلوی‌خارجی Jumeau externe

۱۶ــ دوقلوی‌داخلی Jumeau interne

۱۷ــ سولئر Soléaire

۱۸ــ محرك انگشت خنصر پا
Peronier laferaux

۱۹ــ زردپی‌آشیل Tendon d'achille

۲۰ــ تاکنندهٔ انگشتان
Fléchisseur des orteils

۲۱ــ تاکنندهٔ دراز ، انگشتان
Long fléchisseur des orteils

۲۲ــ مثلثی شکل Poplité

۲۳ــ نیمه غشایی
Demi membraneux

۲۴ــ مقرب‌به‌بزرگ Grand adducteur

۲۵ــ لمبری بزرگ Grand fessier

۲۶ــ بند دندهٔ داخلی
Obturateur interne

۲۷ ــ لمبری متوسط Moyen fessier

۲۸ــ لمبری‌کوچك Petit fessier

۲۹ــ رباط پهن‌کمر
Aponeuvrose lombo – sacrée

۳۰ــ مورب‌کوچك Petit oblique

۳۱ــ بازویی‌داخلی Brachial interne

۳۲ــ دندانه‌ای‌بزرگ Grand dentelé

۳۳ــ رومبوئید Rhomboïde

۳۴ــ گرد بزرگ Grand rond

۳۵ــ گردکوچك Petit rond

۳۶ــ زیرــ خاری Sous – epineux

۳۷ــ روــخاری Sur–epineux

۳۸ــ بلندکنندهٔ شانه
Elevateur de l'epaule

۳۹ــ پس سری Occipito – frontal

دستگاه گوارش

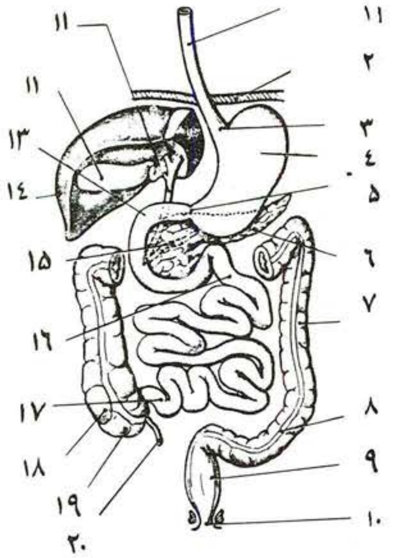
۱ــ مری Œsophage

۲ــ دیافراگم Diaphragme

۳ــ فم‌المعده Cardia

۴ــ معده Estomac

۵ــ باب‌المعده Pylore



دستگاه گوارش

۶ــ لوزالمعده Pancréas

۷ــ قولون چپ Côlon gauche

۸ــ قولون زیگما شکل
Côlon Sigmoïde

۹ــ راست روده Rectum

۱۰ــ مخرج Anus

۱۱ــ مجرای‌کلدوك Colédoque

۱۲ــ کیسهٔ صفرا Vesicule biliaire

۱۳ــ دوازدهه Duodenum

۱۴ــ کبد Foie

۱۵ــ مجرای ویرسونگ
Canal de Wirsung

۱۶ــ ژه‌ژونوم Jejunum

۱۷ــ ایلئون Iléon

۱۸ــ قولون راست Côlon droit

۱۹ــ رودهٔ کور Caecum

۲۰ــ آپاندیس Appendice Caecal

آپاندیس Appendice

این عضو به‌صورت دنبالهٔ استوانه‌ــ شکلی به‌طول چندین سانتیمتر است‌که کمی پایین‌تر از دریچهٔ رودهٔ کور قرار دارد .

آمپول‌واتر .

یاحباب‌واتر که‌درضخامت کارنکولای بزرگ واقع وسوراخهای مجاری‌کلدوك و ویرسونگ درآن‌بازمی‌شوند .

اثنی‌عشر Duodénum

اولین‌قسمت رودهٔ نازك‌که ازپیلور تا زاویهٔ اثنی عشر کشیده‌شد وعمقاً قرار گرفته ومجاورت نزدیك باکلدوك و لوزالمعده‌دارد . طولش به‌طورمتوسط ۲۵ سانتیمتر وقطرآن نسبت به‌محل ۳ تا ۴ سانتیمترمیباشدوماندحلقهٔ نیم‌بازی در جلوی‌ستون مهره‌واقع‌ودارای‌چهارقسمت میباشد .

باب معده Pylore

یا پیلور سوراخی که بین معده و اثنی‌عشرقراردارد .

بالوعه Cloaque

انتهای‌وسیع‌لولهٔ گوارشی‌دوزیستان‌و خزندگان وپرندگان‌که کلواك نیزگفته می‌شود .

پستانك .

سطوح‌کوچك برجسته‌ای‌که به قطر ۲تا۳میلیمتر که روی مخاط معده وجود دارنــد ودر موقع اتساع معده از بین نمیروند.

چینه‌دان .

قسمتی‌ازمری پرندگان‌به چینه‌دان تبدیل شده که‌محل ذخیره دانه است .

حفره‌گوارشی .

حفره‌ای درداخل‌بدن تك‌سلولیها‌که ذره غذایی‌را در برمی‌گیرد در پر سلولیهای پست‌نیز چنین حفره‌ای‌وجود دارد.

حلق.

یا گلو مجرایی عضلانی غشایی‌است که بطور عمود در وسط از قاعده کاسه سرتــا کنــار تحتانی ششمین مهرهٔ گردنی کشیده است . این مجرا در جلوی‌ستون مهره‌ای ودر عقب حفره‌های بینی‌وفضای دهان‌و حنجره قرارگرفته از طرفی‌دهان را به‌مری وازطرف دیگر حفره‌های‌بینی را به حنجره مربوط میسازد . بنابراین حلق محل‌عبورمواد غذایی و هوامیباشد.

حفره‌دهان Cavité buccale

دارای یك‌جدار فوقانی و دوجدار طرفی‌قدامی و فاقد جدار تحتانی‌وخلفی میباشد .

راست روده Rectum

انتهای رودهٔ فراخ‌که در عده‌ای از جانوران بعدازآن‌کلواك واقع میشود .

روده Intestin

قسمتی از لولهٔ‌گوارشی‌که معده را به مخرج میرساند و به دوقسمت : روده باریك(در انسان بین۶ تا۸متر) و روده فراخ‌تقسیم میشود . روده‌باریك‌در انسان به سه قسمت تقسیم میشود و روده فراخ (۱/۴۰ تا ۱/۷۰ متر در انسان)که

آن نیز بـه سه قسمت تقسیم می‌شود . اعمال گوارش وجذب غذا درروده صورت میگیرد .

روده باریك

قسمتی از لوله گوارش واقع بین معده و رودهٔ فراخ که طول آن به نسبت رژیم غذایی ممکن است . بلند یا کوتاه باشد . جذب وگوارش در این قسمت از لولهٔ گوارش صورت میگیرد .

روده بزرك .

قسمتی از لولهٔ‌هاضمه که دنبال روده نازك قرار میگیرد و از دریچه ایلئو ـ کولیك تـا مقعد کشیده می‌شود . و به سکوم ــ قولون صعودی ـ قولون عرضی ـ قولون خاصره‌ای لگنی و رودهٔ مستقیم تقسیم می‌شود .

روده بند Mésentère

یاروده‌بند ، پردهٔ صفاقی که ازطرفی روده باریك را به جدار متصل میکند و ازطرف دیگردر ضخامت آن عروق تغذیه روده قرار دارند .

سنگدان Gésier

معدهٔ پرندگان که دارای عضلات قوی است وسطح داخلی آن رایك طبقه شاخی می‌پوشاند .

چون پرندگان دندان ندارند عمل دندان در سنگدان انجام میشود .

فم‌معده Cardia

یا کاردیا ، بین معده و مری قرار دارد و در حقیقت حدفاصل بین دوکنار راست و چپ معده نیز میباشد . این نوع سوراخ به‌شکل بیضی و طول آن ازبالا به پایین و از چپ به راست کشیده شده و متوجه بالا وکمی جلومیباشد .

لولهٔ هاضمه Tube digestif

مجرایی که موادغذایی در آن تغییراتی پیدا نموده و قابل هضم میگردد ؛ این لوله جلوی ستون مهره‌ای قرارگرفته ، از دهان شروع و به مخرج تمام میشود . طول آن در شخص بالغ نه تا ده متر و شامل دهان ، حلق ، مری ، رودهٔ کوچك و رودهٔ بزرگ میباشد .

مری Œsophage

مجرای عضلانی غشایی که بین حلق ومعده قرارگرفته ومحل عبورموادغذایی می‌باشد .

معده Estomac

قسمتی از لولهٔ گوارشی به صورت کیسه درزیردیافراگم واقع بین مری و رودهٔ باریك . غذادرآن مدتی توقف کرده تا با شیرهٔ معده آغشته گردد . شیر در این انـدام بـه پنیر تبدیل شده و مواد سفیده‌ای ئیدرولیزمیشود . در نشخوارـ کنندگان معده چهار قسمتی، درپرندگان سه قسمتی است .

استخوان بندی

Squelette

اسکلت ، مجموعـهٔ استخوانهـایی میباشد که بوسیلهٔ مفصل‌بندی به یکدیگر مربوط شده‌اند و مانند اهرمهایی برای حرکات عضلات به‌کار میروند .

اپی‌فیز Epiphyse

دو سر استخوانهای دراز راگویند.

اوستئوپلاست Osteoplaste

سلولهای سازندهٔ بافت استخوانی راگویند .

استخوان آهیانه Pariétal

استخوانی چهارگوش زوج که در قسمت طرفی و فوقانی کاسه سر و درعقب استخوان پیشانی و در جلوی استخوان پشت سری ودربالای استخوان گیجگاهی قرار دارد .

استخوان انگشتان . Orteils

انگشتان دست و پا در مهره‌داران به تفـاوت از چندیـن استخوان کوچك درست شده است .

استخوان بازو Humérus

استخوان درازی که بوسیلهٔ استخوانـ های شانه به تنه وصل میشوند .

استخوان پروانه‌ای (شب‌پره).

استخوان فردی که قسمت وسط قاعدهٔ کاسه سر قرارگرفته واز جلو به‌استخوان غربالـی و استخـوان پیشانـی از عقب بـه استخـوان پس‌سری ودو استخـوان گیجگاهی مجاور میباشد .

استخوان ترقوه Calvicule

استخوانی دراز و جفت بطور افقی بین استخوانهای کتف و جناغ سینه واقع شده .

استخوان پشت سری Occipital

استخوانی فرد ومتناظر که درقسمت میانی وخلفی تحتانی کاسه سرقرار دارد.

استخوان تهیگاهی Os iliaque

قسمت جانبی لگن‌ها

استخوان تیغه Vomer

استخوانی فرد واقع در روی خط میانی بینی .

استخوان جناغ Sternum

استخوانـی که در قسمت جلوی تنه قرار داشته و دنده‌ها از سمت جلو به آن مربوط میشوند .

استخوان خاجی Sacrum

استخوانی که از پنج مهرهٔ چسبیده بهم بوجودآمده و نزدیك به‌انتهای ستون مهره‌ای قبل از استخوان دنبالچه واقع است .

استخوان ران Femur

استخوان درازی که بوسیلهٔ استخوانـ هـای لگـن و ساق وصل میشود . و در انسان بزرگترین استخوان است .

استخوان رکابی .

از استخوانهای صندوق صماخ که بین زایدهٔ عدسی استخوان سندانی و پنجرهٔ بیضی قرار دارد .

استخوان سندانی .

از استخوانهای صندوق صماخ است. در طرف داخل استخوان چکشی قرار گرفته و دارای یك تنهٔ دو شاخه است.

استخوان شرمگاهی

قسمت جلوی استخوان لگن.

استخوان غرابی Apophyse Corcoïde

از استخوانهـای کمربند جلویی (فوقانی).

استخوانهای فك اعلی

Maxillaire superieur

استخوانی زوج است که در تشکیل حفره‌های بینی وکاسه چشم و فضای دهان شرکت میکند .

استخوان کام .

در سطح خلفی سر ، استخوانهـای فك بالادر اطراف سوراخ حلقی حفره‌های بینی قرار دارد .

استخوان کامی Palatin

از استخوانهای صورت ؛ استخوانی مسطح وزوج که درعقب استخوان فك اعلی قرارگرفته است .

استخوان کتف Omoplate

استخوانهای زوج نازك و پهن و سه گوش که در عقب و بالای قفس سینه بین اولین و هشتمین دنده قرار دارد .

استخوانهای کف .

استخوانهـای کف دست و پا که در انسان در هریك به‌تعداد پنج عدد است.

استخوان گیجگاه (شقیقه) Temporal

استخوانی زوج که در قسمت تحتانی و طرفی کاسه سردر عقب استخوان شب‌پره

و در جلوی استخوان پشت سری و در پایین استخوان‌آهیانه قرار دارد .

استخوان‌لامی Os hyoïde
در ناحیه قدامی گردن بطور مجزا واقع شده است .

استخوانهای مچ پا Tarse
خرده‌استخوانهای‌مچ‌پا که در انسان به تعداد هفت هستند .

استخوانهای مخصوص بینی Os nasal
استخوانی زوج که در طرفین خط وسط بینی قرار دارد .

استخوان‌نشیمنگاهی Ischion
قسمت خلفی‌لگن‌ها .

استخوانهای سر .
از دو قسمت‌جمجمه و استخوانهای صورت تشکیل شده است .

استخوانهای‌صورت .
قسمتی از استخوانهای سر که از چهارده قطعه تشکیل شده است .

اسکلت برونی .
اسکلتی‌که یك‌قشر‌یا پوشش‌خارجی باشد مانند اسکلت‌برونی‌مرجان‌ها.

اسکلت درونی .
مانند اسکلت‌مهره‌داران‌که داخلی است .

اطلس .
یا اولین‌مهره گردن‌که با استخوان پشت‌سری مفصل میگردد .

جمجمه. Crâne
یا کاسهٔ‌سر که قسمتی از استخوانهای سر را تشکیل داده و شامل هشت قطعه استخوان است .

حلزون استخوانی.
به‌شکل مخروطی که‌قاعدهٔ آن‌درعقب مجاور عمق مجرای‌گوش داخلی قرار دارد و به طورمایل از عقب به‌جلو و از داخل به خارج‌کشیده شده است .

خاره Rocher
یا قسمت خاره‌ای صماخی ، قسمتی از استخوان‌گیجگاه و مانند هرم مربع‌القاعده‌ای‌است‌که رأسش درجلوو داخل و قاعده‌آن در عقب و خارج قرار دارد و چهارسطح و چهارکنار و یك رأس و یك قاعده دارد .

درشت‌نی Tibia
استخوان درازی‌که با نازك نی‌ساق را بوجود میآورند .

دنبالچه Coccyx
استخوانی‌که‌از چهار الی شش‌مهره بهم چسبیده تشکیل شده و در انتهای ستون مهره‌ای واقع است .

دنده‌ها Côtes
قوس‌های‌استخوانی‌که ازقسمت‌میانی ستون مهره‌ای جدا شده و تعدادآنهادر هرطرف دوازده است .

دیافیز Diaphyse
بدنهٔ استخوانهای دراز را گویند .

زردپی استخوانی
Ligament interosseux
موجب ارتباط مفاصل نیمه متحرك شده وازسطح مفصلی تاسطح مفصل‌دیگر کشیده شده وساختمان‌آن لیفی یالیفی‌غضروفی است .

ساروج .
بافت استخوانی مخصوصی‌که دو ریشه دندان‌را فرامیگیرد .

ستون مهره‌ای Colonne vertebrale
قسمتی‌ازاسکلت‌بدن‌که درخط وسط بطور عمومی قرار گرفته واز یك عده عناصرمشابه به‌نام مهره تشکیل‌شده وتا ۳۵ عدداست. قسمت‌پایین ستون‌مهره‌ای از دواستخوان بنام‌های خاجی ودنبالچه تشکیل شده است .

سلولهای استخوانی .
سلولهای دنباله‌داری‌که از تغییر شکل سلولهای پیوندی حاصل‌شده .

سوراخ پشت‌سری Trou occipital
سوراخ بیضی شکل‌نسبتاً بزرگی‌که مجرای مهره‌ای رابه‌حفره‌کاسه سرمربوط مینماید ودر استخوان پشت سری قرار دارد .

سیستم استوانه‌ای هاورس .
تیغه‌های‌کوچك‌لوله‌ای وهم‌مرکزی که درون دیواره استخوانی به‌ویژه‌در استخوانهای دراز دیده‌میشوند .

ضریع .
غشاء لیفی نازکی‌که استخوان را احاطه کرده‌وعضلات ووترها به‌آن اتصال میبابند .

قفسه سینه Thorax
فضای محدودی‌که دنده‌ها و قسمتی از ستون مهره‌ای و استخوان جناغ سینه را میسازند .

لگن Bassin
از اتصال استخوانهای خاصره در جلوبایکدیگر ودرعقب بااستخوان‌خاجی تشکیل میشود .

مفاصل‌ثابت Articulations immobiles
مفاصل غیر متحرك‌که به‌دو دسته : به‌التصاق غضروفی و به‌التصاق لیفی‌تقسیم میشوند .

مفاصل‌متحرك Articulations mobiles
این مفاصل دارای سطوح مفصلی و کپسول مفصلی و رباطها وکیسهٔ زلالی هستند .

مفاصل نیمه متحرك .
Articulations semi - mobiles
که‌سطوح مفصلی مسطح یامقعر بوده واز غضروف پوشیده شده‌اند و بوسیلهٔ رباطهای استخوانی ومحیطی‌با یکدیگر مربوط میگردند .

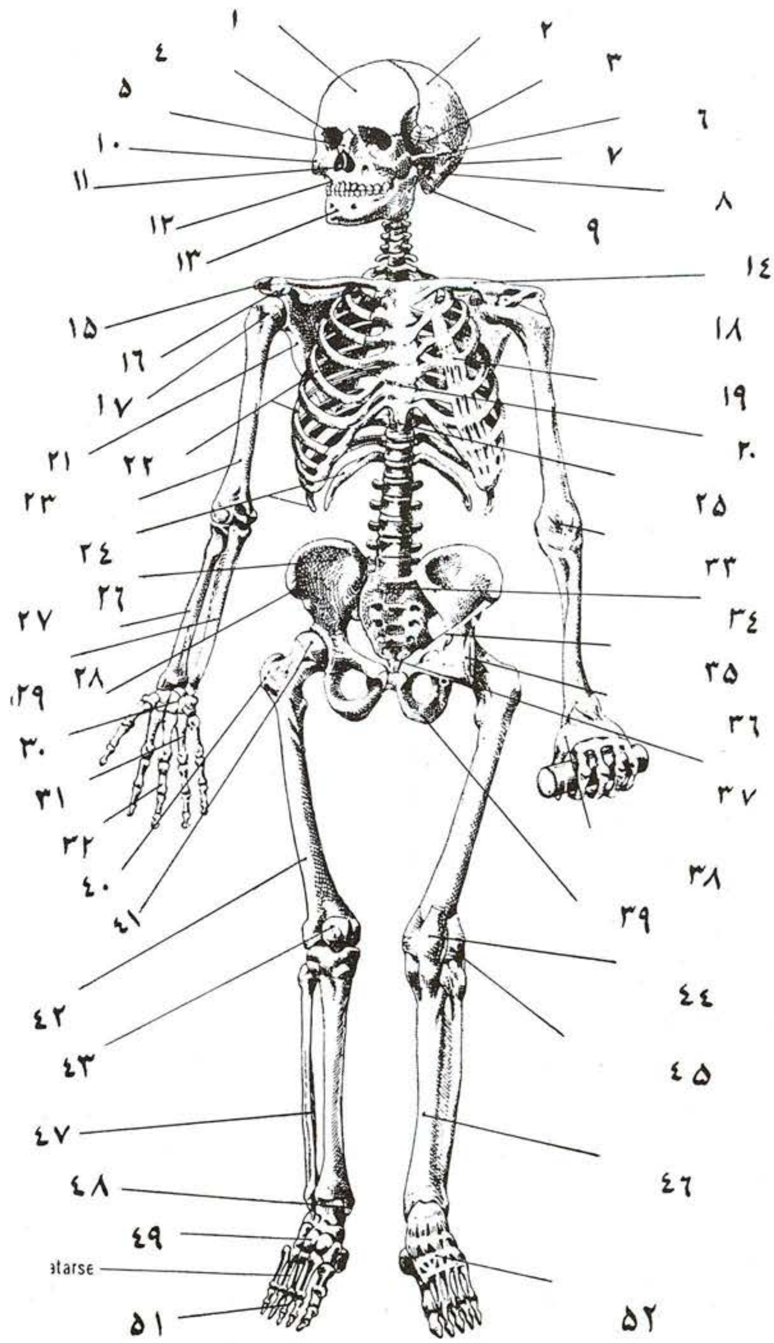
مفصل Articulation
یا بند ، عنصری راگویندکه دو یا چند استخوان را به یکدیگر مربوط مینماید . مفاصل به سه دسته : ثابت و متحرك ونیمه متحرك تقسیم میشوند .

نازك‌نی Peroné
استخوان درازی است‌که با درشت نی ساق پارا بوجود میآورند .

استخوانهای انسان

۱ـ پیشانی .
۲ـ آهیانه .
۳ـ گیجگاهی .
۴ـ حدقه .
۵ ـ استخوان بینی .
۶ـ زایدهٔ زیگوماتیك .
۷ـ پس‌سری .
۸ـ سوراخ سمعی .
۹ـ زایدهٔ ماستویید .
۱۰ ـ گونه .
۱۱ـ تیغهٔ میانی .
۱۲ـ آروارهٔ فوقانی .
۱۳ـ آروارهٔ تحتانی .
۱۴ـ ترقوه .
۱۵ـ زایدهٔ اخرم .
۱۶ـ زایدهٔ غرابی .
۱۷ـ سربازو .
۱۸ـ مفصل شانه وبازو .
۱۹ـ مفصل سینه .
۲۰ـ جناغ .
۲۱ـ کتف .
۲۲ـ دنده .
۲۳ـ بازو .
۲۴ـ دنده‌های ناقص .
۲۵ـ زایدهٔ جناغ .
۲۶ـ تهیگاهی .
۲۷ـ زنداعلی .

۲۸ــ زنداسفل .
۲۹ــ خاراستخوانی تهیگاهی .
۳۰ــ استخوانهای مچ دست .
۳۱ــ استخوانهای کف دست .
۳۲ــ انگشتان .
۳۳ــ مفصل آرنج .
۳۴ــ خاجی .
۳۵ــ قوس فالوپ .
۳۶ــ زردپی برتن .
۳۷ــ دنبالچه .
۳۸ــ مفصل کف دست .
۳۹ ــ نشیمنگاه .
۴۰ــ برآمدگی بزرگ ران .
۴۱ــ سراستخوان ران .
۴۲ــ ران .
۴۳ــ کشکك .
۴۴ــ زردپی زانو .
۴۵ــ مفصل درشت‌نی ونازك‌نی .
۴۶ــ درشت‌نی .
۴۷ــ نازك‌نی .
۴۸ــ قوزك خارجی .
۴۹ــ استخوانهای مچ پا .
۵۰ ــ استخوانهای کف پا .
۵۱ ــ انگشتان پا .
۵۲ ــ زردپی‌های پا .



علمای طبیعی

خارجی

آبدرهالدان، امیل Abderhalden, E
(۱۸۷۷ــ۱۹۰۵ م)
از علمای فیزیولوژی‌وشیمی حیاتی سویس وآزمون آبستنی از اوست .
«از دائرةالمعارف مصاحب»

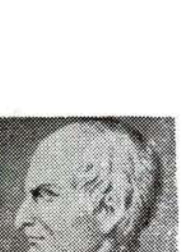


آگاسیز

آگاسیز، لویی Agassiz
(۱۸۰۷ - ۱۸۷۳ م)
دانشمند زمین‌شناس وسنگ‌شناس مشهور سویسی‌که تحقیقات بسیار دربارهٔ فسیلها واثریخچالها در روی زمین‌کرده است . «فرهنگ معین»

آگریکولا ،گئورگ بوئز Agricola
(۱۴۹۴ ــ ۱۵۵۵ م)
معدن شناس آلمانی مؤلف‌کتابی‌در معدن شناسی . «فرهنگ‌معین»

ابن‌بیطار : (فوت دمشق . ۶۴۴ ه.ق)
ابومحمد عبدالله‌ابن‌بیطار از مردم اندلس وگیاه شناس معروف،این علم را نــزد چندتن از گیاه شناسان مشهور از جمله ابوالعباس اشبیلی آموخت ودرسن بیست سالگی در جستجوی ادویهٔ مفرده به‌شمال آفریقا و مصر سفرکرد وآسیای صغیر وشامات را برای جستجوی‌گیاهان به‌پای طلب پیمود. ابن‌بیطار دراین علم دوکتاب دارد : یکی بنام : «المغنی» و دیگری بنام «الجامع» .
« فرهنگ معین »



اسپالانزانی

اسپالانزانی ، لازارو Spallanzani
(۱۷۲۹ ــ ۱۷۹۹ م)
طبیعیدان ایتالیایی. بخاطرتجربیات وآزمایشهایی‌که در مورد عمل‌گوارشی ، گــردش خون، جفتگیری درجانوران ، گیرنــده های حسی خفاش انجام داد ، شهرت فراوان یافت برروی چگونــگی ترمیم اعضاء بدن جانوران مطالعه‌کرد. از جمله دانشمندانی استکــه با فرضیهٔ تولید مثل خود بخودکــه در دوران او شهرت بسیارداشت به‌مخالفت پرداخت و این فرضیه‌را باطل وبی‌اساس اعلام‌کرد.

استاشی ، بارتولوم Eustachius
(۱۵۰۰ ــ ۱۵۷۴ م)

کالبد شناس ایتالیایی . یکی از بنیانگذاران کالبد شناسی نوین . برروی کلیه‌ها ، دندانها ، رحم ، قلب ، مجاری لنف و گوش مطالعات و تحقیقات فراوان انجام‌داد . مجرای استاشی که گوش‌میانی را به‌حلق وصل می‌کند وهمچنین دریچهٔ استاشی درقلب به‌نام اونامیده میشود .



انگلر

استانلی، وندل، مردیث Stanley
(متولد ۱۹۰۴ م)

درسال ۱۹۳۵ که درشیمی حیاتی‌کار میکرد اظهار داشت : (ویروسها) از نوع میکروبهای عادی نیستند بلکه از نوع مواد متبلورند ، مواد متبلوری که حیات دارند ...

« استانلی » دربارهٔ عوامل مولد امراض نباتی ازقبیل آفت توتون تجربه کرد وچنین نتیجه گرفت‌که عامل مولد مرض سلول نیست بلکه یك مولکول شیمیایی وازنوع پروتئین‌هایی است که‌در ساختمان هسته‌های سلولی دخالت‌دارند، وموضوع حیات آنها وقتی بخصوص‌تأیید گردید‌که آنها را ۱۵ بار متوالی در الکل حل‌کردند وباز مقاومت‌نمودند. کدام میکروب‌است‌که بتواندبعدازچنین اعمالی زنده بماند وبخصوص سمیت و صدمهٔ خودرا حفظ‌کند وکدام باکتری است که‌بتواندماننداین ویروسهای‌کوچك درحالت تبلور زندگی و تولید مثل‌کند؟ از بین مواد غیرآلی ودنیای موجودات زنده پلی‌ساخت ومولکولهای شیمیایی‌را باسلولها مربوط ساخت .



کلودبرنار

استراسبورگر ، ادوارد Strasburger
(۱۸۴۴ ــ ۱۹۱۲م)

استاددانشگاه(بن)بود‌که‌اکتشافات او‌بین سالهای ۱۸۷۵و ۱۸۸۲ به‌کمك فلمینك روش تولیدی سلول راکاملاروشن کرد وافکار غلط «اشلیدن» و«اشوان»را بکلی زیرو رونمود .

اسوامردام ، ژان Swammerdam
(۱۶۳۷ ــ ۱۶۸۰ م)

طبیعیدان هلندی. بخاطر تحقیقاتش درزیست‌شناسی بااستفاده‌ازمیکروسکوپ شهرت یافت. نخستین‌کسی است که‌گلبول‌های‌قرمزخون راتوصیف‌کرد. دریچه‌های رگهای لنفی راکشف‌کرد .

در بارهٔ ساختمان بدن حشرات از راه کالبد شناسی به مطالعه پرداخت . حشرات‌را با درنظر‌گرفتن جنبهٔ تکاملی آنها رده‌بندی نمود .

انگلر ،آدولف Engler. A
(۱۸۴۴ــ۱۹۳۰م)

ازگیاه‌شناسان‌آلمان ،که به نام استاد و مدیرباغ‌کیل Kiel معروف‌است، رده بندی او درگیاهان معروف است .

اوون ، ریچارد Owen. R
(۱۸۰۴ــ۱۸۹۲م)

جانور شناس انگلیسی . در تشریح مقایسه‌ای استاد بود . بر روی جانوران فسیل و زنده تحقیقاتی انجام داد . به عنوان جانشین کوویه در دیرین‌شناسی مهره‌داران شناخته‌شده‌است.

ایکمان ،کریستیان Eijkmann. Ch.
(۱۸۵۸ــ۱۹۳۰م)

طبیب هلندی و برندهٔ جایزهٔ‌نوبل ۱۹۲۱ودر سال۱۸۸۹ بعد از یك‌سلسله امتحانات چنین نتیجه‌گرفت‌که پوست دانهٔ برنج شامل یکی از اصول غذایی است‌که برای زندگانی لازم است . در سال ۱۹۱۱ حیات‌شناس لهستانی(فونك) گفتهٔ او را تأیید کرد و اظهار داشت که من این اصل جدید را جدا کرده‌ام و پیشنهادمیکنم‌که نام‌آنراویتامین‌بگذارند و ثابت‌کرد‌که با بکار بردن یکهزارم میلیگرام از این ویتامین میتوان مرض بری‌بری رامعالجه‌کرد.

باری ، مارتین Bary. M.
(۱۸۰۲ــ۱۸۵۵م)

طبیب و جنین‌شناس انگلیسی . بر روی چگونگی پیدایش ، تحول و تکامل جنین مطالعه‌کرد . چگونگی نفوذ سلول جنسی نر (اسپرماتوزویید) را به داخل سلول جنسی ماده (اوول) نشان داد .

براون ، رابرت Brown. R.
(۱۷۷۳ ــ ۱۸۵۸ م)

گیاه‌شناس اسکاتلندی . وی حرکت غیرمنظم اجزای بسیارکوچکی راکه در مایعات معلقند‌کشف‌کرده وحرکت‌مزبور رابنام‌او «حرکت براونی» نامیده‌اند.

برتران ، مارسل Bertrand . M .
(۱۸۴۷ ــ ۱۹۰۷ م)

زمین‌شناس معروف فرانسوی و استادمدرسهٔ معدن‌که تئوری‌او درتشکیل کوهها ، اساس‌کتاب زمین شناس معروف (ادوارد ، سوئس) بوده است به وسیلهٔ اکتشافات خود مطالب اساسی افزود و ثابت کردکه « قطعات انتقالی » یعنی قسمتهایی ازکرهٔ زمین‌که براثر شکست یك چین خوردگی جدا میشوند ومایع تحتانی به نقطه‌ای غیر از مبداء عزیمت خود منتقل میگردند چه نقش اساسی در تشکیل‌کوهها برعهده دارند .

برنارد ،کلود . Bernard. c.
(۱۸۱۳ ــ ۱۸۷۸م)

درسن‌ژولین متولدگردید وابتدا داروساز بود سپس به نمایشنامه‌نویسی پرداخت وبعد در دانشکدهٔ طب پاریس ثبت‌نام‌کرد ودر اینکار توفیق یافت . برنارد می‌گفت: «روش تجربی فقط‌باید مثل نوعی ازاستدلال باشدکه به‌کمك‌آن افکار خویش را تحت تجربه وآزمایش حقایق قراردهیم » .

درسال۱۸۴۷که درکولژدوفرانس به‌عنوان‌استاد تعیین‌شداین‌افکار رابه‌مقام عمل درآورد دوسال بعدازآن‌که‌آکادمی علوم‌کشف اورا درمورد لوزالمعده‌تقدیر کرد ووی‌رابه‌دریافت جایزه مفتخرنمود شهرت عام به‌دست آورد . مسلماً دراین اثرهمه چیزصحت نداشت امادربارهٔ‌روش هضم چربیها به‌سوی حقیقت متوجه شده بود. اوگفت‌که قند درداخل خودبدن ساخته میگردد . با یك سلسله تجارب استادانه ودقیق‌کشف‌کردکه خون هنگام واردشدن درکبد شامل قندنیست وحال‌اینکه هنگام خروج دارای قند است . بنابراین‌کبد قندرادرخود ذخیره‌میکند. این اکتشاف آنقدر اهمیت داشت که درسال ۱۸۵۱ به‌اخذ جایزهٔ بزرگ فیزیولوژی نایل‌آمدوضمناً حیات‌شناسی کلاسیك‌را بکلی تغییرداد .

کلودبرنارد اعلام‌کردکه مادهٔ‌سوختنی که‌به‌وسیلهٔ خون تهیه میگردد همان قند است .که درداخل بافتهای بدن میسوزد وخون این‌قندرابه‌ضمیمه اکسیژن‌به‌نقاط بدن حمل میکند . همین احتراق مبداء حرارت حیوانی است . او معلوم‌کردکه دستگاه سمپاتیك بزرگ تنظیم کنندهٔ عمل خون میباشد ومانند شیری است‌که درموقع لازم‌کم وبیش بازمیشود.

ومعلوم میداردکه بدن به‌میزان کمتر یا بیشتری احتیاج بـه حـرارت دارد . و وظیفهٔ خـون عبارتست ازاینکـه محیط داخلی مناسبی ایجاد کندکه درمقابل‌این تغییرات مقاومت نماید .

گـذشته از آن توانست روی هریك از اعضاء جداگانـه امتحاناتی بعمل آورد بدون‌اینکه به‌اعضای دیگرصدمه‌ای‌بزند واز جمله متوجه شدکـه سم مشهور بنام (کورار) که توسط سرخ پوستان برزیل تهیه میشود بخصوص روی عضلات تأثیر میکند و حـال آنکـه استرکنین روی استخوانهای‌ستون‌فقرات واکسیددوکربن روی‌گلبولهای قرمز خون مؤثر واقـع می‌شود .

درسال ۱۸۶۵ کتاب مشهور خـود بنام «مقدمه‌ای برطب تجربی» را نوشت که همچون‌کتاب مقدس طبیعی‌دانان‌است وبعداز سه‌ربع قرن هنوز ارزش واهمیت خودرا ازدست نداده‌است . وی درکتاب خود ثابت کـرد کـه نمودهای حیاتی تابـع نیروهای اسرارآمیز وهـوسهای قـوای ماوراءالطبیعه نیستند بلکـه از قوانین معینی پیروی میکنندکه بالاخره باشرایط فیزیکی وشیمیایی‌بستگی‌دارند.

بل ، چارلز Bell. Ch.
(۱۷۷۴ ـ ۱۸۴۲ م)
جراح اسکاتلندی بودکـه در لندن مستقرشد . طبق تئوری (بـل) قسمت جلوی نخاع مرکزیست‌که ایجاد حرکت میکند وخال‌آنکه قسمت عقب‌آن خاص حساسیت است .

بلینی ، لورنزه Bellini. L.
(۱۶۴۳ ـ ۱۷۰۴ م)
پزشك وکالبد شناس ایتالیایی‌کـه چگونگـی عمل واثر اعصاب رابرروی ماهیچه‌ها کشف‌کـرد برروی‌کلیه‌ها بـه مطالعات دقیق پرداخت مجاری بلینی‌در کلیه‌ها به‌نام اونامیده می‌شود .

بوفون ، ژرژ Buffon. G.
طبیعی‌دان‌ونویسندهٔ‌فرانسوی،مؤلف تاریخ طبیعـی و اعصار طبیعت‌کـه از ۱۷۴۹ تا ۱۷۸۹ انتشار یافته‌اند .
وی دانشمندی بود بانظری وسیع‌و عمیق‌کـه اطلاعات علمی عصرخودرا در دسترس عموم گـذاشت وفرضیهٔ تشکل و ارتقاء جهان‌را به‌وجود آورد . از سوی دیگرنویسنده‌ای‌بودکه به‌بیان افکارخود صابراحت ونجابت توجـه داشت . وی عضوآکادمی فرانسه بود .

بیدل ، جرج Biddle. J.
زیست‌شناس معروف آمریـکایی در سال۱۹۰۳ به‌دنیاآمد ودررشتهٔ«توارث» ازدانشگاه «کورتل» فارغ‌التحصیل‌شد.
او بخاطرمطالعات عمیقی‌که همراه دوست خود « تاتوم » روی مگس سرکه کردوبخاطراطلاعات‌ذیقیمتی‌که‌درجریان مطالعات خودراجع‌به‌توارث وکروموزوم به‌دست‌آورد برنده جایزهٔ نوبل ۱۹۵۸ گردید .

پاولوف Pavlov
(۱۸۴۹ - ۱۹۳۶ م)
روانشناسان رابه‌بینید ،

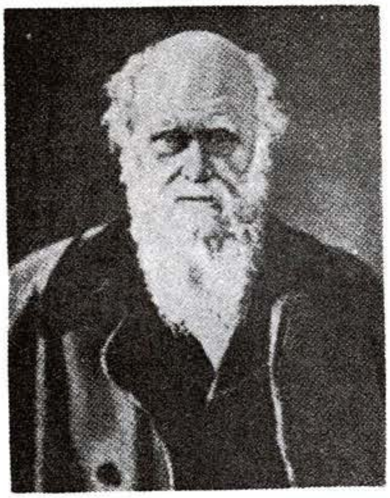
پلینی Plinius
(۲۳ ـ ۷۹ م)
معروف به‌پلینی بزرگ . طبیعی ـ دان ، مورخ ، جغرافی نویس رومی‌کـه مدتی در افریقا ، اسپانیا وآلمان بسر ـ برد . وی‌کتاب بزرگی بنام‌تاریخ طبیعی نوشته‌که‌آن رابایدنخستین‌دائرةالمعارف علوم طبیعی دانست (۳۷کتاب) پلینی کسی‌است‌که اطلاعات مکتوب‌از اروپای شمالی اقیانوس منجمده ، نروژ ، جزیرهٔ اسکاندیناوی ،گروئنلند ودریای بالتیك به‌دست میدهد . او درآتشفشانی معروف وزوو Vesuvius کشته شد .

تئوفراست Theophrast
(۳۷۰ ـ ۲۸۵ ق.م)
ازعلمای طبیعی باستان ،که‌گیاهان را از روی شکل ظاهری آنها رده‌بندی کرد .

چرماك ، سایزنك ، اریش
Tschermak Seysenegg
(متولد ۱۸۷۱ م)
کانی شناس اطریشی ، بـه خـاطر تحقیقاتش در مورد سنگها ، بلـورها و سنگهای‌آسمانی شهرت‌یافت ویکی ازسه کاشفین قوانین مندل‌است .

چیخاچف، پی‌یردو. Tchikhatchev. P.
(۱۸۱۲ - ۱۸۹۰ م)
زمین شناس وطبیعی‌دان روس .

داروین ، چارلز،روبرت
Darwin.C. R.
(۱۸۰۹ ـ ۱۸۸۲ م)
طبیعیدان‌بزرگ ومشهورانگلیسی.
یکـی‌از معروفترین دانشمندان جهان . نویسندهٔ‌کتاب مشهور «اصل‌انواع» ابتدا به‌تحصیل در رشتهٔ پزشکی پرداخت، اما



ذاتاً مناسب این کار نبود . پدرش مایل بودکه اوکشیش شود - امادارو ین‌به‌علوم طبیعی علاقمند شد . مدتی‌نزدیك به پنج سال به عنوان طبیعیدان باکشتی مشهور بیگل به‌مسافرت علمی پرداخت. دراین سفراز بسیاری ازنقاط دنیا دیدن‌کرد . پس‌از بازدید ازجزایر اقیانوس اطلس، به‌آمریکای جنوبی‌رفت وازجزایرساحلی آنجا دیدن‌کـرد . همچنین‌در زولندنو ، استرالیا وبرزیـل وبسیاری نقاط دیگر به‌مشاهدات‌ومطالعات‌علمی‌دقیقی‌پرداخت آثار وتجربیات این سفرطولانی‌تا پایان عمردراو باقی‌ماند. یادداشتهای‌فراوانی باخودبه‌همراه‌آورد وتاپایان عمرمشغول تنظیم ومطالعه وتحقیق برروی آنها‌بود. داروین معتقد به‌نظریهٔ تغییرانواع شد . افکارونظرات‌زمین‌شناس‌بزرگ‌انگلستان بنام چارلزلایل تأثیرزیادی دراوداشت. به‌علاوه نظرات همان زمین‌شناس موجب شدکه دانشمندان به‌عقایدوافکار داروین توجه‌کنند . داروین متوجه شدکه‌انسان بادخالت درتولیدمثل‌گیاهان وجانوران انواع قوی‌ومرغوب راحفظوتقویت‌میکند وبه‌این ترتیب نوعی انتخاب مصنوعی به وجود می‌آورد . به‌نظراو درجمعیت نیز انتخاب طبیعی صورت میگیرد . انتشار کتاب‌اصل‌انواع‌غوغاوهیاهوی‌فوق‌العاده‌ای درانگلستان وتمـام دنیا پدید آورد . گروهی هوادار جدی داروین شدنـد و گروهی نیزبه‌شدت‌بااوبه‌دشمنی‌ومخالفت پرداختند . درکتاب «نسل بشر» به‌شرح منشاء انسان پرداخت . در سال ۱۸۸۲ درگذشت‌ودرکلیسای بزرگ وست‌مینستر به‌خاك سپرده‌شد .



پاولوف



بوفون



دوگراف



دووری



ژان‌روستان



ژوفروی



سوئس

دبانتون‌لویی ، ژان ، ماری .
Daubenton. L.
(۱۷۱۶ - ۱۸۰۰ م)
طبیعی‌دان فرانسوی همکار بوفون درتألیف «تاریخ طبیعی» .

دوتون ،کلارنس‌ادوارد Dutton C. E.
(۱۸۴۱ - ۱۹۱۲ م)
زمین شناس آمریکایی . برروی فلاتهای آمریکای مرکزی‌تحقیقات‌فراوان کرد وکتابی دراین زمینه انتشار داد . کتابهای او ازجمله آتشفشانهای هاوایی وهمچنین زلزله‌درپرتو زلزله‌سنجی‌نوین شهرت یافتند .

دریش ، هاسمن Deriech.H.
(۱۸۶۷ - ۱۹۴۱ م)
طبیعی‌دان آلمانی واستاد دانشگاه لایپزیك یکعدد تخم جوجه تیغی‌دریایی رابدونیم کرد وبرخلاف تمام‌عقاید گذشته ملاحظه نمودکه هریك ازاین دو نیمه تبدیل به‌یك جوجه‌تیغی دریایی گردیده و ازاین موضوع چنین نتیجه‌گرفت‌که فقط عوامل مکانیکی در تولید موجود زنده دخالت ندارند ، بلکه بطورقطع نیروی حیاتی نیزدر داخل تخم موجود است‌که همیشه بسوی هدف معینی پیش میرود .

دوتروشه،رنه‌هنری Dutrochet. R.H.
(۱۷۷۶ - ۱۸۴۷ م)
فیزیولوژیست و فیلسوف طبیعی فرانسوی . این دانشمند برروی مراحل تغییروتکامل تخم‌پرندگان وساختمان پر درآنها مطالعات، دقیقی انجام داد .

دوگراف ، راینر (۱۶۴۱–۱۶۷۳ م)
پزشك وکالبدشناس هلندی. دربارهٔ آثار وواکنشهای موادترشحی لوزالمعده مطالعات فراوان‌کرد وآثاری در این زمینه انتشار داد . برروی دستگاه‌تولید مثل‌به‌تحقیق‌پرداخت. فولیکول‌دوگراف که‌به‌نام اونامگذاری شده از اکتشافات اوست .

دووری ، هوگو Devries. H.
(۱۸۴۸ - ۱۹۳۵ م)
گیاه‌شناس مشهور هلندی . استاد دانشگاه‌آمستردام یکی‌از نخستین‌کاشفان صحت آثار وافکار مندل . روش مطالعهٔ تکامل جانداران‌را ازطریق آزمایشهای مشاهدهٔجهش درجانداران بوجودآورد . روش ایجاد جهش را جایگزین انتخاب طبیعی‌کرد . بررسیها وتحقیقات برروی کیفیت اسمز وپلاسمولیز تحت رهبری اوانجام می‌شد .

ردی، فرانسیسکو Redi , F.
(۱۶۲۶ - ۱۶۹۷ م)
پزشك، طبیعیدان وشاعرایتالیایی. ازجمله نخستین‌کسانی است‌که در مورد فرضیهٔ تولید مثل خودبخود به تحقیق و آزمایش پرداخت . از راه تجربه و آزمایش متوجه بطلان و بی‌اساس بودن فرضیهٔ تولید مثل خودبه‌خود شد وباآن به‌مبارزه پرداخت .

روستان ، ژان Rostand. J.
(متولد ۱۸۹۴ م)
زیست شناس ونویسندهٔ فرانسوی ، او عمرخودرا صرف دو موضوع علمی و ادبی‌کرده است وتحقیقات او در وراثت وکارکروموزومها وتغییرات جنین براثر تغییرات‌کروموزومها بسیار مهم است کتابهای مهم‌او عبارتند از :
«نظریات جدید ژنتیك» «انسان»، « پارتنوژنز حیوانی» و «زیست‌شناسی» و ده‌ها کتاب دیگراست .

رومه ، دولیل Romé. D.
(۱۷۳۶ - ۱۷۹۰ م)
کانی‌شناس فرانسوی. نویسندهٔ‌کتاب کریستالوگرافی (بلور شناسی) . واژهٔ - کریستالوگرافی‌برای نخستین‌بار‌به‌وسیلهٔ اوبکاربرده شده . یکی‌از بانیان‌برجستهٔ علم کانی شناسی وبلور شناسی شمرده می‌شود . اکتشافات او دربلورشناسی با مخالفت شدید روبرو شد ولی عاقبت دانشمندان نظراورا پذیرفتند .

ریشه ، شارل Richet. ch.
(۱۸۵۰ - ۱۹۳۵ م)
به‌اطبای خارجی مراجعه شود .

ژاکمون ، ویکتور Jacquemont. V.
(۱۸۰۱ - ۱۸۳۲ م)
جهانگرد وطبیعی‌دان فرانسوی به سبب اکتشافات خود درهندوستان وتبت مشهور است .

ژوفروی، سن هیلر اتین
Geoffroy. S. H.
(۱۷۷۲ - ۱۸۴۴ م)
طبیعی‌دان فرانسه در۲۱ سالگی‌به سمت استادی جانورشناسی منصوب شد . واولین دورهٔ تدریس این‌فن‌را درفرانسه افتتاح وباغ نباتات‌را درآن‌کشورایجاد کرد. ژوفروی‌درسفر ناپلئون به‌مصرهمراه او بود .

ساکس ، ژولیوس فون Sachs. J. V.
(۱۸۳۲ - ۱۸۹۷م)
گیاه‌شناس آلمانی. بخاطرتحقیقات و مطالعاتش برروی متابولیسم‌گیاهان شهرت یافت . دربارهٔ اثر نورو حرارت برروی نموگیاهان تحقیقات بسیارکرد. برروی چگونگی‌وکیفیت نموگیاهان و طرز تشکیل‌گل مطالعات و تجربیات فراوان به‌عمل آورد .

سکار ، چارلز، ادوارد ، برون.
Sequard. Ch. E. B.
(۱۸۱۹ - ۱۸۹۴ م)
ثابت‌کردکه در بدن انسان‌که به منزلهٔ عالیترین‌کارخانه‌های شیمیایی‌است بعضی‌از دستگاهها‌کثافات فاسد خون را جدا می‌کنند واز بدن خارج میسازند و بعضی‌دیگر به‌تهیه‌محصولات وذخیره‌کردن آنها می‌پردازند و بالاخره ، عده‌ای از اعضاءکه‌آنهارا غددترشح داخلی‌مینامیم موادی ترشح می‌کنندکه عمل‌آنهاعبارت ازتأمین حرکت صحیح ماشین وروغنکاری چرخها ودنده‌هااست اودربارهٔ هورمون-های مترشحه‌ازغدد داخلی مطالعهٔفراوان کرد .

سوئس ، ادوارد Suess. E.
(۱۸۳۱ - ۱۹۱۴ م)
ادوارد سوئس درلندن، درخانواده‌ای که‌اصل ایشان ازیهودیان اطریش بود متولدشد وتحصیلات خود را در شهرهای وین وپراگ انجام‌داد. هوش سرشاراین جوان ازابتدای زندگی متوجه فسیلها گردید به‌همین‌دلیل‌در۲۱ سالگی‌به‌سمت دستیار درمؤسسه معدن شناسی وین معین شده‌ودر۲۶ سالگی‌استاد دانشگاه‌گردید وآنگاه کم‌کم‌ازدیرین‌شناسی به‌سوی‌زمین-شناسی‌متمایل‌شد.کتابی که درسال۱۸۶۳ دربارهٔساختمان زمینهای‌زیرین پایتخت اطریش نوشت موجب شهرت اوگشت چنانکه به‌عضویت انجمن شهرمفتخرشد . آنگاه «سوئس» آثار متعددی متوالیاً و بلاانقطاع منتشر‌کرد . وی توانست در سال ۱۸۸۳ اثرعظیم خود بنام «سطح - زمین» رامنتشرکند .

شرینگتون،چارلزاسکات Sherrington
(۱۸۵۷ - ۱۹۵۲م)
دانشمند وظایف‌الاعضاء انگلیسی به‌سبب تحقیقاتی‌که درسلسلهٔاعصاب‌کرده بود درسال ۱۹۴۲ م. به‌اخذجایزهٔنوبل نایل‌آمد .

فلمینگ ، والتر Flemming. W.
(۱۸۴۳ - ۱۹۱۵ م)

استاد دانشگاه کی‌یل بودکـه در سالهـای ۱۸۷۵ - ۱۸۸۲ اکتشافـات جالبی نمودوبه‌کمك استراسبورگر روش تولیدمثل سلول‌را روشن کرد .

فلورنس ، پی‌یر Flourens. P.
(۱۷۹۴ - ۱۸۶۷م)

در نوزده سالگی از دانشکدهٔ طب (مون پلیه) خارج گردید وبلافاصله به سراغ آکادمی علوم بـه‌پاریس رفت ودر سال ۱۸۴۰ آکادمی فرانسه‌اورا به‌عضویت خویش پذیرفت «فلورنس» اول کسی‌بود که‌ثابت‌کرد مغز مرکز هوش است .

کورانس، کارل‌اریخ Correns. K. E.

گیاه‌شناس آلمانی . استادفیزیولوژی وزیست شناس . دربـارهٔ کیفیت وراثت تجربیات وآزمایشهای‌فراوان انجام‌داد. همین‌تجربیات سبب‌شدکه درسال ۱۹۰۰ ازنو قوانین مندل راکشف‌کنند . دربارهٔ وراثت وپدیده‌های مربوط به‌آن آثاری منتشر کرد .

کوویه ، ژرژ . Cuvier
(۱۷۶۹ - ۱۸۳۲ م)



طبیعیدان بزرگ ومشهورفرانسوی بنیانگزاردانش تشریح مقایسه‌ای‌برخی او را بنیانگزار علم دیرین‌شناسی نیز شناخته‌انـد . مقالات وکتابهای بسیاری درزمینهٔعلوم طبیعی‌منتشر کرد. به‌عضویت آکادمی علـوم فرانسه رسید . قوانین و اصول تازه‌ای برای رده بندی جانوران بوجودآورد . تمام جانوران‌را به چهار گروه بزرگ تقسیم‌کرد . قوانین واصول تشریح‌مقایسه‌ای‌را درمطالعات وتحقیقات دیرین شناسی نیزعمومیت داد . دربارهٔ سنگواره‌های پستانداران و خزندگان ، تحقیقات ومطالعات بسیارکرد به فرضیهٔ تغییر و تکامـل جانداران عقیده نداشت شکل هرجـانداری را در تمام دورانها ثابت وبدون تغییرمی‌دانست به‌نظراو در هردوران زمین شناسی ، تمام جانداران روی‌زمین به‌طرز ناگهانی بطورکلی‌نابود شده‌انـد ودر دوران بعدی جانـداران تازه‌ای خلق گردیده‌اند .

گلژی ،کامیلو Golgi. C.
(۱۸۴۴ - ۱۹۲۶م)

پزشك ایتالیایی . اولین دانشمندی کـه به‌منظور مطالعات میکروسکوپی ، نیترات نقره‌رابرای ثابت کردن‌بافتهای عصبی بکاربرد . نشان دادکه اعصاب به خلاف آنچه تصور میشد شبکه بـه‌وجود نمی‌آورند بلکه به‌صورت بهم‌پیچیده‌یا بهم بافته هستند . در یاخته‌هـا ، اجسام گلژی به‌نام‌او نامیده می‌شوند . سه‌نمونه ازانگلهای بیماری مالاریا راکشف‌کرد. درسال ۱۹۰۶ به‌دریافت جایزهٔ نوبل‌در رشته پزشکی وفیزیولوژی نایل شد .

لامارك ، ژان باپتیست . Lamark
(۱۷۴۴ - ۱۸۲۹م)

طبیعیدان مشهور فرانسوی، بنیان‌گزار مکتب لامارکیسم . نخستین‌تدوین کنندهٔ حقایق در مـورد تکامل وتحول جانداران. نویسندهٔ‌کتاب مشهور «فلسفه جانورشناسی » ابتدا بـه مطالعات دینی پرداخت وسپس به‌ارتش پیوست درارتش موفقیت‌هایی به‌دست آورد ومدال ونشان گرفت دراثر بیماری‌ازارتش کناره‌گیری کرد وبه‌مطالعهٔ پزشکی پرداخت . رفته‌رفته به‌علم گیاه‌شناسی علاقمندشد. برروی گیاهان‌به‌مطالعات وتحقیقات دامنه‌داری پرداخت . نتیجهٔ مطالعات خـودرا در کتابی منتشر کرد. باانتشار این‌کتاب به عضویت آکادمی علوم‌فرانسه پذیرفته‌شد . بعدها تصدی باغهای‌گیاه شناسی شاهی‌را عهده‌دار شد. پس‌ازمدتی به‌علم جانور‌شناسی علاقمندشد .باوجود ضعف‌بینایی‌و پیری درحشره‌شناسی وکرم شناسی تبحر فراوان‌یافت درنتیجه‌مطالعات‌وتحقیقاتش متوجه شدکـه جانداران عالی از تکامل جانداران‌پست‌وابتدایی به‌وجودآمده‌اند، به‌نظراو نیازها واحتیاجات موجودزنده تغییراتی دراندامهای‌آن به‌وجودمیآورد این‌تغییرات ارثـی هستند ودرهـرنسل قوی‌ترونمایان‌تر می‌شوند مجموعهٔ عقاید لامارك درمورد چـگونگـی تغییرشکل جانداران‌وتکامل‌آنهادرطبیعت وپیدایش اندامهای تازه لامارکیسم نامیده‌می‌شود. نظرات لامارك دربسیاری از مـوارد با عقاید داروین در مورد شکل ، تحول و تکامل جانداران تفاوت دارد .



لایل ، چارلز Lyell. Ch.
(۱۷۹۷ - ۱۸۷۵ م)

آثار (ویلیام اسمیت) و (لامارك) اورا وادارکردکار وکالت را رهاکند به طبیعت وتغییرات‌آن‌توجه‌کندوبه‌فرسایش کوهها‌پی‌بردواین‌اکتشافات‌موجب‌گردید کـه‌درسال ۱۸۳۲ کرسی تدریس زمین‌شناسی درکالج پادشاهی اندن به‌او اعطا گردد . سال بعد دروس خودرا به‌عنوان: « اصول زمین شناسی » انتشار داد واین مطالب معنی‌دار رانیزبعدالعنوان برآن افزود :

مؤلف دراین‌کتاب مکتب‌سوانح یا (کاتاستروفیسم) راباشدت ردمی‌کـرد و اعلام می‌داشت : نه ! زمین در نتیجهٔ یك سلسله‌سوانح وبلایا به‌صورت‌فعلی‌درنیامده است ؛ زمین آهسته، به‌تدریج وبه‌وضع‌غیر محسوس وبه‌وسیلهٔ همان عللی‌که امروزه به‌چشم‌ما میرسد بـه‌صورت فعلی درآمده است .

لوب ، ژاك . Loeb. j
(۱۸۵۹ - ۱۹۲۴ م)

اهل استراسبورگ بودکه تحصیلات خودرا درآلمان تمام‌کـرد وازآنجا به شیکاگو رفت وتابع‌کشورهای‌متحدآمریکا گـردید . قسمت عمدهٔ زندگانـی‌او در انستیتوی روکفلر در نیویورك‌گذشت و



فلورانس



لوب

هـدف اصلی او از کار در آنجا آن بود که ثابت کند نمونه‌های حیاتی وحتی نمونه‌های روحی‌را می‌توان به‌وسیلهٔ حرکات و تغییرات مادهٔ داخلی‌سلول توجیه کرد .
وی‌با استادی قابل تحسینی تئوری «تروپیسم» را بنا نهاد که‌مبین‌عکس‌العمل‌های مادهٔ‌زنده درمقابل نور، نیروی‌ثقل، اصطکاك وتحریکات مکانیکی یاالکتریکی می‌باشد .



لوان هوك

لوان‌هوك ، آنتونی‌وان.
Leeuwenhoek
طبیعیدان هلندی . میکروسکوپ ساده‌ای ساخت وباکمك‌آن به‌اکتشافات بزرگی نایل‌شد. موفق به‌دیدن‌جانداران تك یاخته‌ای گردید . نخستین‌کسی است که‌گویچه‌های سرخ خون‌را به‌درستی‌شرح داده است مویرگهای خونی را مشاهـده کرد . سلول جنسی نریا اسپرماتوزویید راتوصیف‌کرد . عدسیهای متبلور چشم‌را مشاهده کـرد . موفق به دیدن باکتریها مخمرها وسایرجانداران بسیار ریز شد. فرضیهٔ‌تولیدمثل خودبه‌خود راباطل‌اعلام کردگیاهان تك‌لپه‌ای وگیاهان دولپه‌ای را ازهم مشخص‌کرد .



مالپیگی

لودویگ ، شارل Ludwig. Ch.
(۱۸۱۶ ـ ۱۸۹۵ م)
ابتدای‌کار اوباتدریس تشریح تطبیقی در دانشگاه ماگدبورگ آغاز گردید . بعدازآن مدیرمؤسسهٔ‌فیزیولوژی‌لایپزیك شد ومدت سی‌سال تمام در آنجا تدریس می‌کرد وی فیزیولوژی را درخط علـوم تحقیقی انداخت .

بنظر «لودویك» پیرو مکتب مکانیکی شدن فقط منحصربه این‌نبودکه شخص به نیروی حیاتی اعتقاد نداشته باشد بلکه می‌بایست قوانین مکانیك وفیزیك وشیمی رادرحیات‌شناسی بکاربرد وخوداو دراین راه‌پیشقدم شد وبرای مطالعه درترشحات از قوانین ترمودینامیك استفاده کـرد . همین موضوع موجب شدکـه توانستند به وسیله اسبابهای انـدازهٔ‌گیری نمودهای حیاتی‌را موردمطالعه قراردهند. شایـد بزرگترین هنراو همین بود وامروز نیز به‌این سبب ویرا واضع روش ترسیمی در حیات‌شناسی می‌شناسند .



مچنیکوف

اسبابهایی‌که او برای ثبت حرکات تنفسی اختراع‌کرد ازقبیل: گیموگراف و وسیله‌ای‌که برای تعیین تغییرات فشار خـون در شرایین به‌دست داد بزودی در همه‌جا معمول گردید .

لینه ،کارل‌ون Linné. C.
(۱۷۰۷ ـ ۱۷۷۸ م)



گیاه شناس مشهور سوئدی . کاشف روش تازه در رده‌بندی گیاهان.رده‌بندی کنونی‌با آنچه‌او انجام‌داداین‌تفاوت‌رادارد درطبقه‌بندی‌امروزی‌روابط‌تکاملی‌گیاهان رابایکدیگر نیزدر نظرمی گیرند.او بسیارزود به‌شهرت‌رسید. ازطرف انجمن‌شاهی‌مأمور بررسی و تحقیق برروی‌گیاهـان مناطق شمالی‌نروژ، سوئد وفنلاند شد. باانتشار کتاب « انواع‌گیاهان » دوران جدیدی در دانش‌گیاه شناسی به وجودآورد. در کتاب دیگراو به‌نام «گونه‌های‌گیاهان» برای‌نخستین‌بار نامهای‌علمی برای‌گیاهان درنظرگرفت. نخستین‌فردی بود که‌تعریف علمی‌گونه‌رابه دست داد .

ماری ، اتین‌ژول Marey. E. J.
(۱۸۳۰ ـ ۱۹۰۴ م)
استادکولژدوفرانس بود و«کاردیوگراف» راطرح ریزی‌کرد و« اسفیگموگراف» راکـه درسال ۱۸۵۵ به وسیله (شارل‌وی‌یرور) اختراع شده بود اصلاح نمود . « مـاری » عـلاوه برآن برای مطالعه در حـرکات انسان وحیوانات و تجزیه این حرکات ازعکاسی استفاده‌کرد و (سینماتوگرافی) را اختراع نمودکه بعدها برادران « لـومیر » آنرا صنعتی کردند .

ماژاندی ، فرانسوی Magendie
(۱۷۸۳ ـ ۱۸۵۵ م)
پدرش او را طبق تعالیم « روسو » پرورش داده‌بود وازکودکـی تحت‌تأثیر انضباط روحـی مستحکمی قـرارداشت تصمیم‌گرفت‌که عکس‌العمل نشان دهد و هیچ درسی‌را بدون‌وجود تجربه نپذیرد.
«ماژاندی» درکلاس درس خصوصی خودپروزه خویش‌را برای تهیه‌فیزیولوژی جدیدی‌که مطلقاً‌تجربی‌باشد شرح میداد این‌درس شهرت بسیارحاصل‌کرد وکتاب «خلاصهٔ فیزیولوژی» اوکه‌درسال۱۸۱۶ انتشاریافت درتأسیس مکتب فیزیولوژی جدید در فرانسه وآلمان بی‌تأثیر نبوده است .
موضوع‌اختصاصی کردن عمل‌اعصاب که اول بار «بل» بفکـرآن افتاده در خاطر «ماژاندی» نیزخطورکرده اماوی آنرا موضوع تجارب متعدد خود قـرار داد وباخودگفت : هرگونه تصورقبلی را بایدکناربگذاریم وفقط بر حقایق مسلم متکی شویم .

مالپیگی ، مارسلو Malpighi
(۱۶۲۸ ـ ۱۶۹۴ م)
کالبدشناس ایتالیایی . بنیانگزار مطالعات میکروسکوپ درکالبد شناسی . درزمان اومطالعات زیست‌شناسی‌به‌کمك میکروسکوپ‌تازه متداول‌شده‌بود برروی غدد ترشحی‌مطالعه‌وتحقیق‌کرد. چگونگی جریان موئینه‌ای را در ششها ومثانـه و قورباغه‌کشف‌کرد . بخش عمقی پوست به نام طبقهٔ مالپیگی از اکتشافات اوست . قسمتی‌ازساختمان‌کلیه‌نیزبنام‌او نامگزاری شده . ساختمـان ششهای انسان را شرح داد . به‌چگونگی تغییرات ونموجوجه‌در داخل تخم پی‌برد . ساختمان مغز ونخاع شوکی‌راموردمطالعه‌قراردادودگرگونیها وتغییرات پروانه‌کرم‌ابریشم‌را درمراحل مختلف نمو،شناخت.

مایسنر ، گئورگ .
فیزیولوژیست وکالبدشناس آلمانی. به خاطـر مطالعات وتحقیقاتش دربارهٔ ساختمان پوست‌بدن شهرت‌یافت. دربارهٔ اندامهای بینایی واعضاء تنفس مطالعه و تحقیق‌کرد . بن های مایسنرپوست بـه نام او نامیده می‌شوند .

مچنیکوف ، الی Metchnikov. E.
(۱۸۴۵ ـ ۱۹۱۶ م)
جانورشناس وزیست شناس روسی ، تحصیلات علوم طبیعی او در خارکوف و آلمان بوده و در سال ۱۸۷۰ پروفسور جانورشناسی اودسا «Odssa» گردید. در سال ۱۸۸۲ روسیه‌راترك‌گفت وبه‌پاریس آمد وبه کار تحقیق در انستیتوی پاستور

پرداخت وبالاخره معاون این‌مؤسسه‌شد. مطالعات او به صورت نشریات سالنامه انستیتومنتشرمیشد، ومسئلهٔ ریزه‌خواری گلبولها را اوکشف‌کرده است . در سال ۱۹۰۸ به‌همراهی‌ارلیخ Ehrlich برندهٔ جایزهٔ نوبل‌شد .

مندل ،گرگور Mendel. G.

(۱۸۲۲ - ۱۸۸۴ م)

فرزنددهقان فقیری ازاهالی‌سیلزی بود . راهب‌گمنامی بودکه در ۱۸۴۷ کشیش شد و وارد دیر «برون» گردید، اماچون‌حس کردکه ذوق‌دانش‌درو جودش بیدارمی‌شود برای تحصیل علم‌فیزیك به دانشگاه وین رفت وسپس این علمرا در صومعه خود تدریس کرد ودر باغ همین صومعه دست به یك سلسله تجاربی زدکه نامش‌را درپنج قاره جهان مشهورساخت قوانین‌ارثی مندل‌را اساس‌وراثت‌میدانند.

مورگان ، توماس ، هنت Morgan. T. H.

(۱۸۶۶ - ۱۹۴۵ م)



در(کنتوکی) متولدشد وبعداز ختم تحصیلات استاد دانشگاه کولومبیا گردید وازسال ۱۹۱۰ نبوغ اودراکتشاف عظیم قوانین وراثت بکار افتاد . وی دربارهٔ مگس سرکه مطالعه می‌کرد ابتداکشف کردکه هر(کروموزوم) از یك سلسله ذرات‌کوچکتر به‌نام «ژن» تشکیل یافته است‌که هرکدام ازآنها محمل‌مادی خلق یاکیفیت‌مشخص می‌باشند. آنگاه‌توانست بانهایت وضوح وروشنایی‌قوانین «مندل» راتعبیر کند .

این‌دانشمند نامی دراواخرعمر در انستیتوی‌تکنولوژی (پازادانا) کارمیکرد ودرعین‌حال یکی‌از بزرگترین محرکین آزمایشگاه‌حیات‌شناسی‌دریایی(وودزهول) بود . وی در ۴ دسامبر ۱۹۴۵ وفات یافت .

مولر، فرتیز Muller. F.

(۱۸۲۱ - ۱۸۹۷ م)

طبیعی‌دان بزرگی‌که‌به‌کشور برزیل مسافرت‌کرد ودرآنجا دربارهٔ تکامل‌نوع خرچنگ مطالعاتی‌کرد ونتایج آنرا در سال ۱۸۶۴ درکتابی به‌نام (موافق با داروین) انتشار داد .

مولر، هرمان ژوزف Muller.H. J.

زیست شناس آمریکایی ، یکی از دانشمندان برجستهٔ علم ژنتیك در دوران معاصراست‌این‌دانشمندموفق‌شدبه کمك اشعهٔ ایکس درژنها جهش مصنوعی تولیدنماید. درسال ۱۹۴۶ جایزهٔ نوبل به‌خاطر کارهایش درفیزیولوژی وپزشکی به‌اوتعلق‌گرفت .کتاب‌او به‌نام «اثراشعهٔ ایکس برروی ژنهاوکروموزومها» یکی ازمهمترین آثاراو شمرده می‌شود .

مولر، ژوهانس پتر. Muller. J. P.

(۱۸۱۰ - ۱۸۵۸ م)

فیزیولوژیست آلمانی. استادتشریح مقایسه‌ای برای اولین‌بار نظریهٔ نیروی مخصوص عصبی‌را به‌وجودآورد چگونگی احساس رنگهارا ازطریق فشار برشبکیه توضیح داد . آثاری درمورد درمان عمومی منتشرکرد . مطالعات وتحقیقاتی درخصوص خون ، لنف وچگونگی تولید صدا انجام داد مجرای مولری بنام اونامیده می‌شود چگونگی نر- مادگی‌را درجانداران توضیح داد .

مولر ، ژان . Muller. J.

(۱۸۰۱ - ۱۸۵۸ م)

فرزندکفاش‌فقیری ازاهل‌کوبلانتس بود. وی‌که ابتدا استاد دانشگاه بون و سپس استاد دانشگاه برلن‌گردید همه‌جا به‌عنوان‌رئیس مکتب زیست‌شناسی جدید آلمان شناخته‌شد درسالهای ۱۸۳۴ و ۱۸۴۰ کتاب فیزیولوژی خودراکه‌شهرت بیمانندی‌کسب‌کرد منتشر ساخت .

«مولر» چنین‌کشف‌کردکه اعضای خاص احساس معینی با هرنوع تحریك احساس واحدی دارند. مثلا چشم‌همواره احساس بینایی تولید می‌کند و گوش احساس شنوایی . برای امتحان صحت این موضوع کافیست چشمهارا با انگشت مالش‌دهیم ودرنتیجه انوار رنگارنگ به نظرمیرسد وعین‌این احساس بعدازضربتی که‌به‌چشم واردشود بدست می‌آید. قانون اختصاصی‌بودن انرژیهای عصبی‌ممکنست وسیلهٔ تجارب جالب توجهی شود

میچورین ، ایوان ولادیمیریوویچ Mitchourine

(۱۸۵۵ - ۱۹۳۵ م)



گیاه‌شناس وزیست‌شناس معروف‌روسی برروی‌گیاهان‌دو رگه‌تحقیقات‌وآزمایش‌های‌فراوان‌وپردامنه‌ای‌انجام‌داد. گیاهان دو رگهٔ بسیارایجادکردوتغییرات‌عمده‌ای در نباتات وبه‌خصوص در درختان میوه پدیدآورد . مجموعهٔ نظرات وفرضیه‌های اودر زیست‌شناسی‌میچورینیسم یا مکتب عقاید میچورین نامیده می‌شود .

نیدهام ، ژان توربروی Needham. J. T.

(۱۷۱۳ - ۱۷۸۱ م)

طبیعیدان‌انگلیسی. یکی‌ازهمکاران بوفون بود . در کارهای علمی ومطالعات گوناگون‌به‌بوفون مساعدت‌کرد. به‌تولید مثل‌خودبخود اعتقاد داشت .

وایزمان ، اگوست Weismann. A.

(۱۸۳۴ - ۱۹۱۴ م)

آلمانی بودکه باوراثت لامارك در بارهٔ کیفیات اخلاقی اکتسابی و لاحق مخالف بود ومی‌گفت‌که بدن ازدوقسمت متمایز تشکیل یافته‌است : اول مجموعه سلولهای مولدیاجوانه -که‌اخلاف‌موجود ازآن بوجود میآیند . ودوم بقیهٔ وجود حیوان . عامل پایدار ماندن وجود و نوع همان‌جوانه‌است وسایرقسمتهای بدن درواقع لفاف پژمرده شدنی‌آن میباشند وعمل‌آنها فقط جادادن این‌قسمت مولد است .

ورنر، آبراهام‌گوتلوب .

زمین‌شناس وکانی‌شناس آلمانی . از روی‌نظم‌وترتیب علمی‌کانیهارا طبقه‌بندی کرد. بنیان‌گزار فرضیهٔ تشکیل‌کوههادر آب‌است‌که مطابق‌این‌فرضیه‌تمام‌طبقات ، چینه‌ها وسنگها وکوهها درآب تشکیل



مندل



هرمان‌مولر



وایزمان

شده‌اند و آب عامل اصلی به‌وجود آورندهٔ آنهاست .

وزالیوس ، آندره Vesale.
(۱۵۱۴ - ۱۵۶۴ م)

جانورشناس و کالبدشناس بلژیکی . پس از پایان‌دوران قرون‌وسطی، نخستین دانشمندی بود که به تشریح جانوران و مطالعات علمی و آزمایشی پرداخت . کتاب او به‌نام « دربارهٔ ساختمان بدن‌ـ انسان» شهرت فراوان یافت . این کتاب از آن نظر اهمیت فراوان دارد که تمام مطالب آن از راه مشاهدهٔ مستقیم به‌دست آمده است. علم جانورشناسی، کنار گذاشتن گفته‌های فلاسفهٔ عهد باستان و پیش کشیدن تجربه و آزمایش‌را به‌او مدیون است .


هاروی

هائوی ، رنه‌ژوست . Hauy. R.
(۱۷۴۳-۱۸۲۲م)

کانی‌شناس فرانسوی. یکی از بنیان‌ـ گزاران دانش بلورشناسی . به مطالعهٔ کانیها و گلها علاقمند بود . در دوران انقلاب فرانسه زندانی شد و در زندان به مطالعهٔ نمونه‌هایی از کانیها که از پیش گردآورده بود پرداخت . وقتی دوران محکومیتش به سررسید حاضر به ترك زندان نشد و درهمانجا به‌مطالعات خود ادامه‌داد . هائوی هفت دستگاه یاهفت شبکهٔ اصلی تبلور برای کانیها در نظر گرفت که هم‌اکنون این هفت دستگاه مورد قبول کانی‌شناسان است درسال **۱۷۸۳** به عضویت آکادمی علوم فرانسه انتخاب شد، این‌دانشمند تألیفات زیادی دربارهٔ کانیها ازخود باقی گذاشته است .


هاکل

هاروی ، ویلیام Harvey. W.
(۱۵۷۸ - ۱۶۵۸ م)

موقعی که دانشجوی نوزده ساله‌ای بود به دانشگاه پادو راه‌یافت . در سال **۱۶۰۲** که به لندن مراجعت کرد به‌سمت استاد تشریح درمدرسهٔ پادشاهی اطباء انتخاب شد و درسال **۱۶۱۸** یعنی دوسال قبل از آنکه بیکون کتاب ارغنون جدید خودرا انتشار دهد به‌دربار ژاك اول راه‌یافت. طرح جریان خون راکه اول توسط میشل سروه عنوان شده‌بود تکمیل کرد .


هالر

هاکسلی، توماس‌هانری. Huxley. T. H.
(۱۸۲۵ - ۱۸۹۵ م)

زیست‌شناس انگلیسی، ازطرفداران فرضیه‌ها و نظرات داروین . در زمان حیات بسیار مشهور شد و به‌ریاست انجمن‌ـ شاهی انگلستان رسید . کتابهای زیادی دربارهٔ طبیعت وجانداران نوشت مهمترین اثر او «پیوستگی بشر با جانوران» نامیده می‌شود .

هاکل ، ارنست . Haeckel
(۱۸۳۴ - ۱۸۹۹)

درسال **۱۸۳۴** درپوتسدام متولدشد و با گوته اجداد مشترکی داشت این‌شخص درطب تحصیل کرد و درسال **۱۸۶۵** استاد حیوان‌شناسی در دانشگاه «نیا» گردید و این مقام‌را تاسال **۱۹۰۹** یعنی ده سال پس از مرگ خودهم دارا بود «هاکل» که قانون (فون بائر) آتش بجانش زده‌بود خود را روی افکار «مولر» انداخت و آنرا توسعه و تعمیم داد و درسال **۱۸۶۶** در کتاب جنین شناسی عمومی خویش منتشر کرد و آنرا درمورد تمام‌انواع بکاربردو فرمول عمومی زیررا به‌دست آورد :

«اوتوژنز (رشد فردی) عبارت از بیان‌اجمالی فیلوژنز (رشدنوع) میباشد» آنگاه سلسلهٔ انساب خارق‌العاده‌ای برای انسان درست کرد که ازماهیان دوران «سیلورین» شروع می‌شد و از ذوحیاتین عهد «کاربونیفر» و «مونوترم‌ها» وحیوانات کیسه‌دار وپستانداران وسپس ازمیمونها عبورمی‌کرد وبعد ازگذشتن از دوران انواع میمونهای آدم‌نما به‌دوران‌موجودی به نام انسان ــ میمون میرسیدکه هنوز گنگ بود وبالاخره به‌انسانی که قدرت حرف‌زدن داشت خاتمه می‌یافت. آنگاه بانهایت شادمانی اعلام داشت که :

«طرح عمومی‌سلسلهٔ انساب‌پستانداران که شامل میمون و انسان می‌باشند از قدیمترین ادوار عهد سوم تا انسان عصر حاضردر دوران سوم کاملاروشن می‌شود.»

هال ، جیمس Hall. J.
(۱۸۱۱ -۱۸۹۸م)

زمین‌شناس آمریکایی دانش زمین‌ـ شناسی‌تجربی‌را پایه‌گزاری‌کرد ازجمله نخستین دانشمندی بود که متوجه فرضیهٔ تعادلی پوسته زمین‌گردید واعلام کرد که نقاط سنگین‌زمین فرومی‌روند ونقاط‌سبك وزن بالامی‌آیند (فرضیهٔ ایزوستازی) .

هالر، آلبرشت وان Haller. A. V.
(۱۷۰۸ - ۱۷۷۷ م)

کالبدشناس ، فیزیولوژیست ،گیاه‌ـ شناس ، پزشك وشاعر سوئیسی ، دربارهٔ گیاهان کوههای آلپ مطالعه کرد در دانشگاه گوتنگن به‌عنوان‌استاد جراحی کالبدشناسی وگیاه‌شناسی تدریس کرد . اثراوعناصر فیزیولوژی انسانی‌نام‌دارد. نظریهٔ مربوطه به‌تحریك‌پذیری بافتها در این کتاب به‌وسیلهٔ او بیان شده‌است .

هالس ، استفن Hales. S.
(۱۶۷۷ - ۱۷۶۱ م)

فیزیولوژیست وگیاه‌شناس‌وشیمی‌دان انگلیسی تهویهٔ مصنوعی‌را متداول کرد . با بنیان نهادن علم فیزیولوژی گیاهی شهرت یافت.

هامبولت ، آلکساندرفون .
(۱۷۶۹-۱۸۵۹م)

طبیعیدان وجهانگرد آلمانی . به بسیاری ازنقاط جهان سفرکرد. دربارهٔ آب وهوا ونوع‌گیاهان مناطق مختلف مطالعه‌کرد. کتابی‌دربارهٔ انتشارجغرافیایی گیاهان انتشارداد . دربارهٔ کاهش تعداد نیروی مغناطیسی زمین از قطبها به‌سمت استوا مطالعه‌کرد . دربارهٔ آتشفشانها و پدیدهٔ آتشفشانی تحقیقات بسیار کرد و به‌منشاء سنگهای آتشفشانی ودرونی زمین پی‌برد .

هرینگ، اوالد Hering. E.
(۱۸۱۳ - ۱۸۳۴م)

فیزیولوژیست وروانشناس آلمانی. برروی‌کیفیت تنفس وبینایی مطالعات و تحقیقاتی انجام داد . قدرت حافظه را یکی‌از خواص وآثار مادی به حساب آورد . فرضیهٔ تازه‌ای دربارهٔ دیدرنگ به وجود آورد .

هلمونت ، ژان باپتیستا فون
Helmont. j. B. V.
(۱۵۷۷ - ۱۶۴۴ م)

پزشك وشیمیدان فلاماندری. برای نخستین‌بار واژهٔ «گاز» رابکار برد. آب را اصلی‌ترین‌عنصربه شمارآورد. به‌نظر او درنتیجهٔ عمل‌تخمیر، مواد غذایی در درون بدن ، تبدبل به‌گوشت وسایرمواد می‌گردند .

هنله ، فردریك ژاکوپ Henlé
(۱۸۰۹ - ۱۸۸۵ م)

کالبدشناس‌آلمانی. برروی‌ساختمان مو، خون ،کلیه ، ناخن ومراکز عصبی مطالعات و تحقیقات دقیقی انجام داد . برای‌نخستین‌بارفیزیولوژی‌ودرمان‌شناسی را ازشعبه‌های دانش،واحدی‌بشمارآورد.

هوپکنز ، فردریك‌گولند .
Hopkins.F.G
(۱۸۶۱ - ۱۹۴۷ م)

بیوشیمیست انگلیسی. رابطهٔ‌مقدار اسیدلاکتیك خون و انقباض عضلانی را

کشف کرد . به‌وجود واهمیت موادغذایی بسیار مهمی که‌بعدها ویتامین‌نامیده‌شدند پی‌برد . در سال ۱۹۲۹ جایزهٔ نوبل به خاطرمطالعاتش در پزشکی وفیزیولوژی به‌او تعلق‌گرفت .

هوتون ، جیمس Hutton. j
(۱۷۲۶ - ۱۷۹۷ م)

زمین شناس اسکاتلندی . باانتشار کتابهای فرضیهٔ زمین و بررسی اصول دانش به‌شهرت رسید . فرسایش وتخریب تدریجی زمین‌را دراثرعوامل فرسایش توضیح داد واعلام کرد که صدهاهزارسال ازعمرزمین گذشته است کتابهای‌اوازجمله نخستین تألیفات معتبر علم زمین شناسی به‌شمار می‌رود .

هوگ ، امیل Haug. E.
(۱۸۶۱ - ۱۹۲۷ م)

استاد (سوربون) بود فکرچین - خوردگی‌های زمین در داخل فرورفتگی (ژئوسنکلینال)راکه‌به‌وسیله «هال‌ودانا» ذکرشده‌بود تعمیم‌داد ودر دورهٔ زمین - شناسی خودآنرا اساس تئوری ساختمان قشرزمین قرار داد.«هوگ» سطح زمین‌را به‌دوقسمت‌مناطق‌مستحکم‌یاقاره‌هاومناطق ضعیف یا(ژئوسنکلینال‌ها) تقسیم‌بندی‌کرد.

تئوری «هوگ» نظرقدیمی راکه‌به موجب‌آن،کوههاماحصل‌چین‌خوردگیهایی هستندکه‌درنتیجهٔ سردشدن قشرجامدزمین به‌وجودآمده‌است بکلی نیست‌ونابودکرد.

کورنبرگ ، آرتور. Kornberg. A.

زیست‌شناس معروف آمریکایی در سال ۱۹۱۲ در بروکلین به‌دنیاآمد، ودر سال ۱۹۵۳ استادکرسی میکروب‌شناسی در دانشکده پزشکی «سنت لوئیز» شد. تخصص ومطالعات او درزمینه متابولیسم بینابینی و بیوسنتز مواد سفیده‌ای و نوکلئیدهاوآنزیم‌های‌موادسفیده‌ای‌است .

او درسال ۱۹۵۹ به همراه دوست دانشمند اسپانیولی خود (س-اوکوآ) برندهٔ جایزهٔ نوبل‌شد .

وینچی . لئونارد دو . Vinci. L.
(۱۴۵۲ - ۱۵۱۹ م)

نقاش و سنگتراش و مجسمه ساز و نویسنده وادیب و مهندس وبزرگترین دانشمند عصر خود در ایتالیا بود . این نابغهٔ علم‌وادب وهنرتقریباً به‌کلیه‌علوم و معارف وهنرهای زیبای عصر خود آشنا ودر غالب رشته‌های هنری وادبی استاد مسلم ودارای‌قریحه‌ای سرشار وقوه‌تخیل وابتکار وهوش‌تند وخارق‌العاده‌ای بودو قرن‌رنسانس ایتالیا متعلق‌به‌این‌دانشمند بزرگ‌است (اثرلبخند ژوکوند را او آفرید) درطبیعی نظریات جالبی دارد.

چندتن
ازعلمای‌طبیعی‌ایران

پارسا ، دکتراحمد .

درسال ۱۲۸۶ شمسی درتفرش‌متولد شدوتحصیلات ابتدایی خودرا دردبستان هدایت تهران ودورهٔ اول متوسطه را در مدرسهٔ الیانس فرانسه به‌پایان رسانید ، وبه‌اخذگواهینامه از مدرسهٔ مذکور نایل آمد ، ودورهٔدوم‌متوسطه‌را درداراالمعلمین متوسطه ولیسانس علوم طبیعی را در دارالمعلمین عالی‌تهران ودانشگاه رن و پواتیه فرانسه به‌پایان رسانیدوبه‌دریافت جایزهٔدرجهٔ اول‌بوره‌آ نایل‌شدوبه‌ترتیب مشاغل زیررا عهده‌دار بوده‌اند :

۱- درسال۱۳۱۳دانشیاردانشکدهٔ علوم ومؤسس باغ نباتات درتهران .
۲- استاد دانشگاه تهران .
۳- معاون‌دانشسرایعالی‌ودانشکدهٔ علوم وادبیات .
۴- رئیس فرهنگ‌تهران
۵- تأسیس‌موزهٔ‌علوم‌طبیعی‌درتهران.

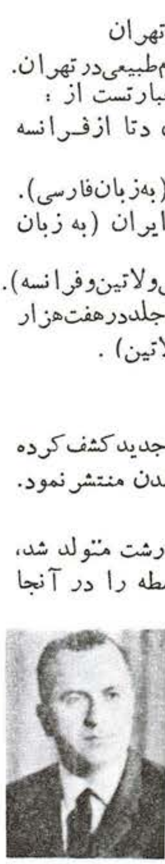
انتشارات ایشان عبارتست از :

۱- رسالهٔ دکترای دتا ازفرانسه (به‌زبان فرانسه) .
۲- تحقیق‌درگیاه (به‌زبان‌فارسی).
۳- گیاهان شمال ایران (به زبان فارسی) .
۴- دارونامه(فارسی‌ولاتین‌وفرانسه).
۵- فلورایران (۵جلددرهفت‌هزار صفحه به‌زبان فرانسه ولاتین) .
۶- تیره‌شناسی.
۷- اندام‌شناسی .

بیش‌ازچندصد گیاه جدید کشف کرده اندودرمجلهٔ‌معروف کیولندن منتشر نمود.

زرگری - دکترعلی .

درسال ۱۲۹۸ در رشت متولد شد، تحصیلات ابتدایی ومتوسطه را در آنجا بپایان رسانید .



در سال ۱۳۲۰ لیسانسیه‌علوم‌طبیعی از دانشسرایعالی گردید . در مهر ماه همین سال به سمت‌دبیرآزمایشگاه گیاه‌شناسی دانشکده پزشکی منصوب شد . مدت ۲ سال نیز تدریس علوم طبیعی را در دبیرستانها عهده‌دار بود . پس از طی خدمت نظام- وظیفه از مهرماه ۱۳۲۴ در آزمایشگاه گیاه شناسی موزه علوم طبیعی مشغول کار شدند . طی ۱۲ سال خدمت خود در موزه علوم طبیعی به‌تحقیق‌گیاهان‌مناطق مختلف ایران اشتغال ورزیدند وزمینه نگارش دوره کامل‌کتاب گیاهان دارویی ایران‌را فراهم ساختند . درسال ۱۳۲۷ موفق به‌اخذ درجه دکترا از دانشکده داروسازی شد و در سال ۱۳۳۲ که نگارش‌کتاب‌گیاهان دارویی ایشان به پایان رسید**به دریافت جایزهٔ سلطنتی بهترین کتاب سال نایل آمد** .

درسال۱۳۳۷ به‌سمت دانشیارگیاه شناسی دانشسرایعالی دردانشگاه تهران انتخاب شدند . در این هنگام به علت آشنایی‌کافی در بررسی وتشخیص‌گیاهان مأمور مطالعه رویشهای مناطق‌کویری و شوره‌زارایران‌گردیدند ودرتهیه‌گزارشی مربوط به‌گیاهان مناطق‌کویری ایران ، برای سمپوزیوم مناطق خشك شرکت جستند . در این تاریخ ازطرف سازمان بین‌المللی یونسکو به‌اروپا دعوت شدند ودرآنجا ضمن‌آشنایی به‌روشهای جدید تحقیق ، موفق به اخذ دکترای دولتی (اتا) از دانشگاه مونت پلیه با درجه بسیار افتخارآمیز گردیدند. ایشان‌ضمن بررسی گیاهان‌کویری ایران درموزه‌های گیاه‌شناسی پاریس ، لندن وژنو موفق‌به کشف ۳ گیاه‌تازه شدند . مشاهده‌گیاهان ایران در موزه‌های‌گیاه شناسی‌کشورهای اروپایی‌که‌درطی نزدیك‌به‌یك قرن‌توسط دانشمندان خارجی درایران جمع‌آوری شده‌بود ایشان‌رابرآن داشت که‌یادداشت کاملی از این‌گیاهان بردارند و زمینه نگارش‌کتاب جدید خود را به‌نام روش شناسایی‌گیاهان فراهم سازند. این‌کتاب که پس‌از مراجعت ایشان از اروپا به ایران در۳ جلد تدوین گردیده ونیز **در سال ۱۳۴۲ برنده جایزه سلطنتی بهترین کتاب سال‌گردید** .

فعلاایشان‌استادگیاه‌شناسی‌دانشکده داروسازی هستند وعلاوه برتدریس به مطالعه‌خود درمورد گیاهان مناطق‌مختلف ایران و تکمیل کلکسیونهای موزه علوم طبیعی که در دانشکده داروسازی جای دارد ادامه میدهند .



هوك



لئوناردووینچی

دکتر عبدالله شیبانی .

از مشهورترین اساتید دانشگاه تهران که به سال ۱۲۸۲ شمسی در تهران متولد گردید، ایشان پس از طی دورهٔ آموزش پست و تلگراف در سال ۱۲۹۸ بـه عضویت فنی آن منصوب شدند و درضمن کارداری تحصیلات متوسطه را به پایان رسانیدند .

در سال ۱۳۰۸ برای ادامهٔ تحصیلات عالی رهسپار فرانسه شده و به فراگرفتن علوم شیمی و طبیعی پرداختند و به اخذ درجهٔ لیسانس در رشته های نامبرده نایل آمدند.

دکتر شیبانی دورهٔ دکترای خود را نزد استاد بـزرگ پروفسور لاپیک معروف به پدر کرونـاکسی گذرانیدند. پروفسور لاپیک درطرز مطالعهٔ کار موجود زنده ومخصوصاً در سلسلهٔ عصبی تحول و انقلابی بزرگ به وجود آورده است .

دکتر شیبانی علاوه بر تلمذ نزد استاد لاپیک محضر اساتید بزرگ زیست‌شناسی و بیوشیمی مانند مولیار، بلارنگم ، دانژار و پروفان را که از مشاهیر جهان علم بشمار میروند درك فرموده اند .

در سال ۱۳۱۴ پس از ختم تحصیلات و گـذراندن رساله بـه ایران بازگشته و از آن تاریخ تاکنون تمام همّ خود رامصروف پیشرفت علم ، و تـربیت دانش پـژوهان و هدایت وارشاد آنـان نموده و دقیقه‌ای از خدمت باز نایستاده اند .

از آثار ایشان اصول فیزیـولوژی ، فیزیولـوژی سلول ، کتاب برای متوسطه ، کتاب فیزیك و شیمی (بخرج شخصی چـاپ کرده اند) وانتشار مقـالات در سال ۱۳۲۲ را میتوان نـام برد .

فاطمی ، دکترمصطفی .



درسال ۱۲۸۸ درمشهدمتولدگردید ولی‌اصلا نائینی‌است پس‌ازگذرانیدن دورهٔ ابتـدایـی و متوسطه‌ازطرف‌دولت ایران برای تکمیل تحصیلات‌به‌فرانسه‌اعزام‌گردیدودورهٔ‌لیسانس ودکترای علوم را در دانشکدهٔ مون‌پلیه گذرانید . در دورهٔ لیسانس به‌دریـافت شهادتنامه‌های جانور شناسی ، مایعات ـ شناسی ، حیات‌شناسی وزمین‌شناسی نایل شد .

در دورهٔ دکتری علاوه برتحقیق برروی پلانکتونها دارای‌دانشنامه‌تربیت کرم‌ابریشم بوده است .

پس‌ازمراجعت به‌ایران دربهمن‌ماه ۱۳۱۷ در دانشسرایعالی ودر فروردین ماه ۱۳۱۸ دردانشگاه‌به‌تدریس مشغول شد وپس ازطی دورهٔ دانشیاری به سمت استادکـرسی جانورشناسی در دانشکده علوم ودانشسرایعالی منصوب گـردید و علاوه برآن ریاست آزمایشگاه جانورـ شناسی به‌وی محول‌گردید . ونیز درسال ۱۹۵۳ درکنگره بین‌المللی‌حیوان‌شناسی ودرآبان ماه ۱۳۳۵ درکمیسیون کانون شکاربه‌نمایندگی دانشکده علوم ودرسال ۱۳۳۷ در کنفرانس علمی در پاکستان شرکت‌نمود وهمچنین موزهٔ جانورشناسی رادر دانشکده علـوم ودانشسرایعالـی تأسیس نمود .

اودرنظرداشت‌که باتهیه وجمع‌آوری جانوران‌ایران روی‌آنهامطالعات خودرا شروع‌نمایدمتأسفانه‌اجل‌به‌اومهلت‌ندادودر روز اول فروردین‌ماه ۱۳۳۸ کـه برای جمع‌آوری حیوانات به‌اصفهان‌رفته‌بـود چشم ازجهـان بربست ، شادروان‌دکترـ مصطفی فاطمی مردی‌کـم حرف وبسیار فروتن‌وبازیردستان مهربان‌بود درهنگام صحبت‌گزیده می‌گفت وازتظاهرگریزان ودرکار خویش جدی ومصمم بود ودرنزد شاگـردانش محبوبیت خاصی داشت .
از تألیفات او :کتاب جانورشناسی(جلد اول) ، دانشنامهٔ تربیت کـرم ابریشم ، رسالهٔ دکتری درباره پلانکتونها .

فرشاد ، دکترفریدون .

درسال۱۲۸۶شمسی درتهران‌متولد



شده‌انـد ؛ تحصیلات خود را در دبستان بصیرت و سلطانی ، دارالمعلمین‌متوسطه‌و دانشسرایعالی‌تهران و دانشـکدهٔ علوم پاریس‌در رشتهٔ‌زمین‌شناسی بپایان‌رسانیده دارای دیپلـم دکترای دولتی فـرانسه می‌باشد ، زبان انگلیسی وفـرانسه را بخوبی‌میداند. آثار ایشان‌کتابهای‌فسیل شناسی (دوجلد) ومقالات فارسی‌وفرانسه متعددی است‌که درفرانسه وایران‌به‌چاپ رسیده‌است . فعلا استاد ورئیس دانشکدهٔ علوم میباشند . .

حبیبی، خانم دکتر طلعت .

درسال ۱۳۰۵ درکرمانشاه متولد



گردید،دورهٔ‌ابتدایی و متوسطـه را در آنجاگـذرانید، در سال ۱۳۲۲ بـرای ادامهٔ تحصیل بـه تهران‌عزیمت‌ودرسال ۱۳۲۵ موفق به‌اخذ درجـهٔ لیسانس در رشته علوم‌طبیعی ازدانشکدهٔ علوم‌تهران گردید ودرسال ۱۳۳۸ به درجهٔ معادل دکتری از دانشگاه تهران نایل شد وی در ۱۳۴۲ به مقام استادی دانشگاه در دانشکده علوم رسید .

تصدی‌کرسی جانورشناسی دانشکدهٔ علـوم ریـاست آزمایشگاه و مـوزهٔ جـانورشناسی دکترفاطمی در دانشکده علوم و دانشسرایعالی ، تدریس جانورـ شناسی در دانشکده علوم دورهٔ لیسانس وفوق‌لیسانس ودانشسرایعالی«مسئولیت‌ـ های دانشسرایعالـی پس از قانون تمام وقت شدن دانشگاه ازعهدهٔ ایشان خارج شد » از تألیفات وکارهـای فوق برنامهٔ اوست :

جانورشناسی (جلداول‌ودوم) رسالهٔ تحقیقی روی‌عقـربهای ایران ، تهیه و انتشار نقشه عده‌ای ازپرندگان ایران، مطالعه وتحقیق روی پرندگان ایران ، توسعهٔ موزه جـانورشناسی در دانشکدهٔ علوم ، «این موزه اکنون بهترین محل برای‌تحقیق روی‌جانوران ایران میباشد ومورد استفادهٔ محصلین دورهٔ لیسانس و فوق لیسانس واشخاص عـلاقمندی است که‌ازخارج جهت مطالعات روی‌حیوانات ایران به این‌کشور مسافرت می‌نمایند ، ونیز همه سالـه در روزهای یکشنبه یا دوشنبه ۵۰ نفر ازمحصلین دبیرستانهای پایتخت ویا شهرستانهای نزدیك از این موزه بازدید بعمل می‌آورند» .

قریب ، دکترعبدالکریم .



درسال ۱۲۹۱ درقریهٔ گـرکان از توابع اراك متولد شده ، علوم قدیمی و دروس کلاسهای‌ابتدایی را تـاحـدودکلاس پنجم نزد پدرشان‌که از جملـهٔ مستوفیان بازنشسته قبل‌ازدورهٔ مشروطیت بوده‌اند

فرا گرفته و پس از فوت ایشان به تهران آمده‌اند. ابتدا دردبستان صفوی وسپس دردبیرستان علمیه بعددر دانشسرایعالی به تحصیل پرداخته و موفق به اخذلیسانس شده‌اند و ضمن اشتغال به کار دبیری در دانشکدهٔ علوم دررشته‌زمین‌شناسی به‌مطالعه پرداخته ودر این رشته چندکتاب تألیف و چاپ کرده‌اند و در نتیجه‌ازطرف‌شورای دانشگاه‌ودانشکدهٔ‌علوم‌تحصیلاتشان‌معادل دکترا شناخته شده‌است.

مشاغل ایشان دروزارت فرهنگ به ترتیب: دبیری‌دبیرستانهای‌اهواز، تهران، دانشکدهٔ علوم دانشگاه تهران، سپس دانشیار وبعداستاد زمین‌شناسی‌دانشسرای عالی‌بوده. فعلاایشان علاوه‌برسمت‌استادی دانشسرایعالی‌سمت‌های‌معاونت‌دانشسرای‌ـ عالی وریاست مؤسسهٔ تربیت دبیررا نیز عهده‌دار می‌باشند.

عدل، احمد حسین عدل.

(فوت ۱۳۴۱ ه. ش)

تحصیلات ابتدایی را در تبریز و متوسطه وعالی‌را در



فرانسه بپایان‌رسانید ودانشنامهٔ‌مهندسی‌را ازدانشکدهٔ کشاورزی گرینون دریافت کرد. درسال۱۳۰۲ به‌تهران بازگشت ومعلم‌گیاه‌شناسی در مدرسهٔ فلاحت تهران شد وسپس به‌مقام ریاست مزرعهٔ نمونهٔ‌کرج وریاست ادارهٔ امور فلاحتی درادارهٔ‌کل فلاحت نایل آمد. در سال ۱۳۱۶ کفالت ادارهٔ‌کل فلاحت را عهده‌دار شد. درسال ۱۳۲۰ وزیر کشاورزی گردید. وی در تصادف اتومبیل میان‌راه قم‌به‌تهران درگذشت. عدل‌دارای تألیفاتی به‌این شرح است.

۱ـ کتاب آب وهوای ایران.
۲ـ تقسیمات اقلیمی.
۳ـ رستنی‌های ایران.
۴ـ آبهای زیر زمینی در مناطق خشك فلات مرکزی ایران.

گل‌گلاب، حسین.

(متولد ۱۲۷۴ ه ش)

از استادان ممتاز دانشگاه، که در ۱۹۲۶ در دارالفنون به‌تدریس علوم طبیعی مشغول شده در سال ۱۳۴۵ به بازنشستگی نایل‌آمدند. استادگل‌گلاب در۱۲۹۵ یازدهمین نفری بودندکه به اخذدیپلم‌نایل‌آمدندودر۱۳۰۱ لیسانسیهٔ حقوق ودر ۱۳۱۳ به‌اخذ دکترای علوم طبیعی نایل‌شدند.

ازتألیفات این استاد:

۱ـ یك‌دوره علوم‌طبیعی‌دبیرستانی (۱۳۰۳)
۲ـ یکدوره جغرافیای دبیرستانی (۱۳۰۳)
۳ـ گیاه(گیاهان‌ایران) (۱۳۱۳)
۴ـ گیاه‌شناسی، برای دانشکدهٔ پزشکی. (۱۳۲۶)
۵ـ مشخصات‌گیاهان‌ایران، ترجمه از زبان‌روسی. (۱۳۳۶)
۶ـ گیاه چاپ دانشگاه (۱۳۳۹)

مسافرتهای استادگل‌گلاب بیشتربه کشورهای شرقی واتحاد جماهیر شوروی بوده ودوسفربه بلژیك وانگلیس‌رفته‌اند که‌آنهانیز جنبهٔ علمی داشته است.

در زمانی‌که پروفسور اوبرلین ـ Oberline فرانسوی رئیس دانشکدهٔ پزشکی بودند، استاد گل‌گلاب معاون دانشکده بودند درسال ۱۳۱۴ به سمت عضو پیوستهٔ فرهنگستان منصوب شدند. درسالهای۱۳۲۷، ۱۳۳۲ و۱۳۳۵مدیر کل‌دبیرخانه دانشگاه بودند.

وبه‌زبانهای خارجی فرانسه، روسی، انگلیسی وعربی تسلط دارند وبه عقیده استاد، هرچه رشته‌های دانشکده‌ها بیشتر تخصصی باشد، امیداینکه محیط‌تحصیلات عالیه‌ایران محیط تحقیق واکتشاف‌باشد بیشتر می‌گردد.

مافی، دکترمحمد حسن فرزندسعدالملك.

پس‌ازطی دورهٔ متوسطه به فرانسه رفت‌ودانشنامهٔ تحصیلات عالیه‌کشاورزی رابدست‌آورد بعداً رشته تحصیلی‌راتغییر داده به‌تحصیل شیمی پرداخت و به‌اخذ گواهی‌نامه‌موفق‌گردید پس‌ازآن‌بدریافت درجهٔ دکترا ازدانشکده علوم پاریس توفیق یافت در۱۳۱۶ به‌تهران‌بازگشته عهده دار مشاغل مختلفه گردید به سال ۱۳۴۴ ش درگذشت. آثارش ۱ـ اصول بهداشت تغذیه. ۲ـ شیمی بیولوژی.

اساتید علوم طبیعی

آزادی افشار دکتر فریدون.
دانشیار دیرین‌شناسی دانشکدهٔ علوم.

آزرم، دکتراسماعیل استادبیولوژی حیوانی دانشکدهٔ دامپزشکی و معاون دانشکده.

آقاجیانس، خانم دکترمائینا، استادیار گروه جراحی دانشکدهٔ دامپزشکی.

ابراهیم‌زاده، حسن. دبیردانشکدهٔ علوم.

احتشام‌زاده، مهندس قاسملو. معلم دستیار عملیات‌کارتوگرافی دانشکده‌ـ فنی.

احمدزاده، مهندس محمود هروی. معلم دستیار عملیات فسیل‌شناسی.

اردلان. خانم دکترمینو. دستیار گروه بیماریهای درونی گوشتخواران و یك‌سمی‌ها دانشکدهٔ دامپزشکی.

اسماعیلی، دکترمرتضی، استادیار گروه دانشکدهٔ کشاورزی، گیاه‌پزشکی.

اسکندری، مهندس فریور. دبیرـ گروه دانشکدهٔ کشاورزی‌گیاه پزشکی.

اشتیاقی، مهندس حسن. دبیر گروه گیاه پزشکی دانشکدهٔ کشاورزی.

اصفیا، مهندس صیفی استاد زمین‌ـ شناسی اقتصادی ایران، نقشه‌برداری و زمین‌شناسی دانشکده فنی.

اطمینانی، دکترعباسعلی. دستیار گروه بیماریهای‌درونی نشخوارکنندگان وخوك و طیور دانشکدهٔ دامپزشکی.

اعتصامی، دکتر سعید. استاد فیزیولوژی دانشکدهٔ داروسازی.

اعتماد، دکتر اسماعیل. دانشیار جانورشناسی‌دانشکدهٔ‌پزشکی‌ودامپزشکی.

اطمینانی، دکترعباسعلی. دستیار دانشکدهٔ دامپزشکی.

افشار، جلال. استاد حشره وجانور شناسی دانشکدهٔ کشاورزی.

افغان، دکترمحمد. استادیار (تمام وقت) گروه میکروبشناسی و بیماریهای واگیردام دانشکدهٔ دامپزشکی.

اقبالی، دکترعلی. استاد زمین ـ شناسی دانشکدهٔ علوم.

امامی، دکترمسعود. استادیارانگل شناسی دانشکدهٔ داروسازی.

امان پور، امان‌الله. دبیرمتصدی آزمایشگاه جانورشناسی دانشکدهٔ علوم.

امری، دکترعلی اکبر. دانشیار (تمام‌وقت) گروه آسیب‌شناسی دانشکدهٔ دامپزشکی.

امیرشاهی، دکترملك سیروس. دانشیار دانشکدهٔ کشاورزی.

انتظام، مهندس‌علی. دانشیارزمین

شناسی دانشکدهٔ کشاورزی .
انصاری ، دکترحسین. مدیرداخلی درمانگاه وبیمارستان شمارهٔ ۱ دانشکده واستادیارگروه مامایی‌وبیماریهای‌تولید مثل دانشکدهٔ دامپزشکی .
ایرانی ، احمد.دبیردانشسرایعالی.
ایزدی ، دکترجعفر استادزیست‌شناسی دانشکدهٔ علوم .
ایسامی ، دبیردانشسرایعالی .
ایلخانی ، دکتر اصغر . دانشیار گروه جراحی دانشکدهٔ دامپزشکی
باقری ، دکتر استاد علوم طبیعی دانشسرایعالی .
باقری زنوز ، مهندس ابراهیم . دبیرگروه‌گیاه‌پزشکی‌دانشکدهٔ کشاورزی.
بامشاد ، دکترناصرالدین. دانشیار بافت شناسی و رویان شناسی دانشکدهٔ پزشکی .
بریمانی ، مهندس احمد . معلم دروس ماهی‌شناسی‌دانشکدهٔ دامپزشکی.
بصیر ، دکترحسن . استادیار ، استخراج معدن دانشکدهٔ فنی .
بلورفروشان ، مهندس . دانشیار ، کریستالوگرافی ، زمین شناس عمومی دانشکدهٔ فنی .
بناگر، علی‌اصغر. دبیررشته طبیعی دانشکدهٔ علوم .
بهنیا ، دکتر. استادیار دانشسرای عالی .
پارسا ، دکتر احمد . استادگیاه‌ـ شناسی دانشگاه تهران .
پاکروان ، دکتر روح‌الله . استاد زیست‌شناسی دانشکدهٔ علوم .
پدرام، دکتربهمن. دستیار فارماکو‌ـ دینامی دانشکدهٔ داروسازی .
پزشکیان ، دکترابوالقاسم . استاد فیزیولوژی دانشکدهٔ پزشکی .
پورمعتمد ، فرامرز . دبیر زمین ـ شناسی دانشکدهٔ علوم .
تاج‌بخش دکترحسن گروه‌میکروب‌ـ شناسی وبیماریهای واگیردام دانشکدهٔ دامپزشکی .
توانا ، دکترجلال‌الدین . استاد حفاری وگل‌شناسی واستخراج نفت و مهندس مخازن دانشکدهٔ فنی .
ثابتی ، دکتر حبیب‌الله . استاد ـ دانشکدهٔ کشاورزی .
جهانسوز ، دکتر بهرام دانشیار فیزیولوژی دانشکدهٔ دامپزشکی .

حائری، دکترهادی. استادمتالورژی دانشکدهٔ فنی .
حاج غفوری، دکترعباس. دانشیار بیولوژی‌گیاهی دانشکدهٔ پزشکی .
حبیبی ، خانم دکترطلعت . استاد دانشکدهٔ علوم .
حبیبی ، دکتر عبدالله . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
حجازی ، مهرانگیز . دبیرزیست‌ـ شناسی دانشکدهٔ علوم .
حجازی، دکتررضا. دانشیارجنگل وچوب‌شناسی دانشکدهٔ کشاورزی .
حسینی، فرامرز . دبیرزیست‌شناسی دانشکدهٔ علوم .
حسینیون ، دکتر محمد. استادیار گروه‌جراحی دانشکدهٔ دندانپزشکی.
حشمتی ، منصور . دبیرزمین شناسی دانشکدهٔ علوم .
حکمتی ، دکتر پرویز . استادیار گروه‌جراحی دانشکدهٔ دندانپزشکی.
خاوری ، دکترهوشنگ . دانشیار، مسئول‌تهیهٔ مقدمات وکارهای عملی‌جانور شناسی دانشکده پزشکی ودندانپزشکی ودامپزشکی .
خبیری،دکترعزت‌الله.استادزیست‌ـ شناسی دانشکدهٔ علوم .
خدابنده، دکتر عباس . دانشیار آبشناسی دانشکدهٔ داروسازی .
خدایاری ، دکتر عبدالله . دبیر دروس‌عملی بیولوژی‌در دانشکدهٔ‌پزشکی ودندانپزشکی ودامپزشکی .
خرازی‌پاکدل ، مهندس‌عزیز. دبیر گروه‌گیاه‌شناسی دانشکدهٔ کشاورزی .
درویش ، محمدرئوف . دبیرزمین‌ـ شناسی‌دانشکدهٔ علوم .
درویش زاده ، علی . دبیر زمین ـ شناسی دانشکدهٔ علوم .
دفتری ، مهندس احمد . دبیرگروه گیاه‌شناسی دانشکدهٔ کشاورزی .
ذاکری ، دکترمرضیه دبیرگیاه‌ـ شناسی دانشکدهٔ داروسازی .
رادپورفلاتی ، دکترعلی . استاد‌ـ بافت شناسی و رویان شناسی دانشکدهٔ پزشکی .
راسخ ، دکترشاپور معلم دستیار در دانشکدهٔ پزشکی ودندانپزشکی .
راعی ، دکترمهدی . دبیرزیست ـ شناسی دانشکدهٔ علوم .

رحمانی ، دکتر طاهره . استادیار دبیر زیست‌شناسی دانشکدهٔ علوم .
رستگار، رشید. دبیرعملیات حشره وجانورشناسی دانشکدهٔ کشاورزی .
رضوانی ، دکتراحمد . دستیار فارماکودینامی دانشکدهٔ داروسازی .
رفاهی ، مهندس حسینعلی . دبیر‌ـ دانشکدهٔ کشاورزی .
رفیع ، دکتر جعفر . استادیار دانشکدهٔ کشاورزی .
رفیعی، دکترعزیز. رئیس‌دانشکده و استادگروه انگل شناسی و بیماریهای انگلی دانشکدهٔ دامپزشکی .
زاهدی ، دکتر اسمعیل . استاد زیست‌شناسی دانشکدهٔ علوم .
زاهدی ، دکترکاظم . دبیرگروه گیاه‌پزشکی دانشکدهٔ کشاورزی .
زرعیان ، دکترسیروس. استادزمین شناسی دانشکدهٔ علوم .
زرگری ، دکترعلی . استادگیاه ـ شناسی دانشکدهٔ داروسازی .
زرین‌دست دکترمحمدرضا دستیار فارماکودینامی دانشکدهٔ داروسازی .
زرین‌کفش ، دکترمنوچهر. استاد‌ـ یار دانشکدهٔ کشاورزی .
زمانی ، دکتر بشیر . دبیر متصدی آزمایشگاه‌گیاهان بیگل دانشکدهٔ‌علوم.
زنده روح کرمانی ، دکتررسول . دستیارآزمایشگاه فیزیولوژی دانشکدهٔ دامپزشکی .
سالارالدینی، دکترعلی اکبر.دبیر دانشکدهٔ کشاورزی .
سامیراد ، دکتر حسین . استاد ـ فیزیولوژی دانشکدهٔ داروسازی .
سبحانی،امین دبیردانشسرایعالی.
سبکبار، دکتررکن‌الدین. دانشیار جانور شناسی دانشکدهٔ دامپزشکی و پزشکی ودندانپزشکی .
سحابی دکتر یدالله استاد زمین‌ـ شناسی دانشکدهٔ علوم.
سرابی ، مهندس فریدون. دانشیار زمین‌شناسی‌عمومی وسنگ‌شناسی‌دانشکدهٔ فنی .
سعدآبادی ، حسن . دبیر زیست ـ شناسی دانشکدهٔ علوم .
سلیمی، دکترمحمدمهدی. استادیار فیزیولوژی دانشکده دامپزشکی .
سنجر، دکترمحمد . دانشیارگروه بیماریهای‌درونی گوشتخواران‌ویک‌سمی‌ها دانشکدهٔ دامپزشکی .
سیدخراسانی، یوسف. دبیرزیست‌ـ

شناسی دانشکدهٔ علوم .
شاه‌بهرامی ، پریچهر . دبیر زیست‌ـ شناسی دانشکده علوم .
شجاعی ، دکتر محمود . دانشیارـ حشره‌وجانورشناسی دانشکدهٔ‌کشاورزی.
شجاعی ، دکترمحمد . استادگروه گیاه پزشکی دانشکدهٔ‌کشاورزی
شریفی، مهندس عباس . دبیر گروه گیاه پزشکی دانشکدهٔ‌کشاورزی .
شفایی، دکتراحمد. استاد بافت ـ شناسی دانشکدهٔ پزشکی .
شکرایی، حسین . دبیرزیست‌شناسی دانشکدهٔ علوم .
شیبانی، دکتر امیرعلی . دانشیار بازدید زمین‌شناسی دانشکدهٔ فنی .
شیبانی ، دکترعبدالله . استاد و معاون تعلیماتی وتحقیقاتی دانشگاه .
شیخ نیا ، غلامعلی . دبیر متصدی آزمایشگاه دانشکدهٔ علوم .
شیمی ، دکتراحمد . دانشیار تمام وقت‌گروه میکروب شناسی و بیماریهای واگیردام دانشکدهٔ دامپزشکی .
صالح راستین، مهندس ناهید. دبیر دانشکدهٔ‌کشاورزی .
صالحیان ، دکترامان‌الله. استادیار گیاه‌شناسی دانشکدهٔ داروسازی .
صانعی ، دکترمحمد. دبیردانشکدهٔ کشاورزی .
صبایی خراسانی ، دکترملیحه(بانو) دستیارکرسی بافت‌شناسی وآسیب شناسی دانشکدهٔ دامپزشکی .
ضیایی ، دکترطاهری.استادفسیل‌ـ شناسی دانشکدهٔ فنی .
طاهباز، دکترفوزیه. دبیردانشکدهٔ کشاورزی .
طباطبایی ، مهندس . دبیر عملیات جنگل وچوب‌شناسی دانشکدهٔ‌کشاورزی.
ظفری . دکتر یدالله . دانشیار دانشکدهٔ کشاورزی .
عابدی، دکتر محمدجواد. دانشیار دانشکدهٔ‌کشاورزی .
عابدین ، محمود. دبیرزمین‌شناسی دانشکدهٔ علوم .
عرفانی ، حسین. دبیر زمین‌شناسی دانشکدهٔ‌علوم .
عرفان، دکترفاطمهٔ.دانشیار گیاه‌ـ شناسی‌دانشکدهٔ داروسازی .
عطایی، دکتراحمد استادفیزیولوژی دانشکدهٔ دامپزشکی .

علایی، دکتر رکن‌الدین. دانشیار دانشکدهٔ دامپزشکی .
علوی‌نائینی، دکترعلی. سرپرست دانشجویان واستاد گروه انگل شناسی وبیماریهای انگل دانشکدهٔ دامپزشکی.
عمید، مرضیهٔ . دبیر زیست شناسی ودانشکدهٔ علوم .
غفاری ، دکتر امیر نظام . استاد بیولوژی حیوانی‌دانشکدهٔ پزشکی .
فاطمی، دکترمصطفی. استادجانور شناسی دانشکده علوم .
فرخ‌سیر؛ دکتر مرتضی . استادیار گروه فیزیولوژی دانشکدهٔ پزشکی .
فرشاد، دکترفریدون. استادچینه‌ـ شناسی دانشکدهٔ‌علوم .
فرقانی ، دکتر عبدالحسین . استادیار زمین‌شناسی دانشکدهٔ‌علوم .
فرمانفرماییان ، دکتر الله‌وردی . دانشیار فیزیولوژی، دانشکدهٔ‌پزشکی .
فرمند، دکتر هوشنگ . دانشیار زیست‌شناسی دانشکدهٔ‌علوم .
فلاحیان، دکتر فتح‌الله . استادیار زیست‌شناسی دانشکدهٔ علوم .
فلاح، دکترعباس . دانشیار صنعت نفت‌دانشکدهٔ‌فنی .
فیاض، مهندس‌هاشم. دبیرزمین شناسی دانشکدهٔ‌علوم .
فیض،دکترعلی‌محمد.دبیردانشکدهٔ کشاورزی.
قربانلی(معتمد)، دکترمه‌لقا . استادیار دانشسرای‌عالی.
قریب ، دکتر عبدالکریم. استادو رئیس بخش علوم طبیعی‌ومعاون سازمان تربیت معلم ورئیس مؤسسه تربیت دبیر دانشسرایعالی .
قهرمان ، احمد . دبیرزیست‌شناسی دانشکدهٔ علوم .
کاتوزیان ، دکتر علی . استاد ـ فیزیولوژی دانشکدهٔ پزشکی .
کاشانی ، دکترمنیره . دانشیار ـ فیزیولوژی دانشکدهٔ دامپزشکی .
کار، دکترمحمد. استاد بافت‌شناسی دانشکدهٔ پزشکی .
کاشفی‌الاصل، دکترمحسن. دستیار فیزیولوژی دانشکدهٔ داروسازی .
کاوه ،دکترمرتضی.استاد(غیرتمام وقت)گروه میکروبشناسی و بیماریهای واگیردام دانشکدهٔ دامپزشکی .
کدخدازاده ، دکترسلیمان . معلم

دستیارکارهای تحقیقاتی‌بیوشیمی‌دانشکدهٔ دامپزشکی .
کوهستانی، دکترابراهیم. استادیار دانشکدهٔ‌کشاورزی .
کیمیایی ، دکترعباس . استادیار ـ زمین‌شناسی دانشکدهٔ علوم .
گریست ، مهندس رضا . استاد ـ دانشکدهٔ‌کشاورزی .
گل‌گلاب، استادحسین. استادگیاه‌ـ شناسی دانشکدهٔ داروسازی .
گوهریان، فاطمه . دبیرزمین‌شناسی دانشکدهٔ علوم .
گیتی، دکترعلیرضا. دبیردانشکدهٔ کشاورزی .
لسانی ، دکترحسین . دبیردانشکدهٔ کشاورزی .
مبین ، دکترصادق . استاد زیست‌ـ شناسی دانشکدهٔ علوم .
محسنین ، دکترحمید.استادانگل‌ـ شناسی دانشکدهٔ داروسازی .
محمدی ، دکترابراهیم . دوستدار دانشیار زیست‌شناسی دانشکدهٔ علوم .
محمودی ، مهندس نصرالله . استاد استخراج معدن ، دانشکدهٔ فنی .
مدنی ، دبیردانشسرایعالی .
مراد اسحقی ، مهندس محمدجواد. دبیرگروه دانشکدهٔ‌کشاورزی .
مستشفی ، دکتر پزشکپور . استاد دانشکدهٔ علوم .
مشکی ، دکتر یوسف . سرپرست درمانگاهها و بیمارستانهای دانشکده و استادگروه‌مامایی وبیماریهای تولیدمثل دانشکدهٔ دامپزشکی .
مظفری ، مهندس شاپور . معلم دستیار دانشکدهٔ فنی .
معتمد ، دکتراحمد. استادیارزمین شناسی دانشکدهٔ علوم .
معتمدی ، مهندس مصطفی . استاد کانی‌شناس دانشکدهٔ فنی .
معصومی ، دکتر علیمحمد . دبیرـ دانشکدهٔ‌کشاورزی .
وزیری ، معین.دبیردانشسرایعالی.
مفتاح ، دکترناصر. دانشیارگیاه‌ـ شناسی دانشکده داروسازی .
مقبلی، مهیندخت دبیرزیست‌شناسی دانشکدهٔ علوم .
مقتدر مژدهی ، دکتر عبدالحسین استاد زمین‌شناسی دانشکدهٔ علوم .
مقدم ، فاطمه . دبیر زیست شناسی

دانشکدهٔ علوم.

مقصودنیا، دبیردانشسرایعالی.

ملکزاده، دکتر فریدون. استاد زیست‌شناسی دانشکدهٔ علوم.

ملکی، دکترزین‌العابدین. استاد زیست‌شناسی دانشکدهٔ علوم.

منوچهری، دکترعلی. استادگروه گیاه پزشکی دانشکدهٔ کشاورزی.

موسوی غروی، دکتر ابراهیم. استاد فیزیولوژی دانشکدهٔ پزشکی.

مهتدی، دکترحسین. استاد آسیب شناسی‌وبافت‌شناسی‌دانشکدهٔ دامپزشکی.

مهدیون، دکترفریدون. دبیر گیاه‌شناسی دانشکده داروسازی.

میرافضلی، مهندس ابوالقاسم. استاد زمین‌شناسی اقتصادی، زمین‌شناسی نفت. زمین‌شناسی زیرزمینی دانشکدهٔ فنی.

میربابایی، دکترکریم. استادومدیر گروه کالبدشناسی دانشکدهٔ دامپزشکی.

میرشاه‌ولد، دکتر ابراهیم. دبیر دانشکدهٔ کشاورزی.

میرشمسی، دکتر. بیماریهای ویروسی دانشکدهٔ دامپزشکی.

میرمحمدی، دکترمحمد علی. استادیار، عملیات‌مینرالوگرافی وکانی‌شناسی‌دانشکدهٔ‌فنی.

میمندی‌نژاد، دکتر محمد جواد. استاد دانشکدهٔ کشاورزی.

مینویی، دکتر مرتضی. دبیر فیزیولوژی‌دانشکدهٔ‌علوم.

ناجی، مهندس ابراهیم. استاد دانشکدهٔ کشاورزی.

نامدار، دکتر پرویز. معلم‌دستیار بیولوژی در دانشکدهٔ پزشکی ودندان‌پزشکی ودامپزشکی.

نعمت‌اللهی، دکتر ابراهیم. استاد فیزیولوژی دانشکدهٔ پزشکی.

نظامی، دکترهوشنگ مدیر گروه و استادفارماکودینامی‌دانشکدهٔ‌داروسازی.

نقشینه، دکتررضا. استادیار گروه آسیب‌شناسی دانشکدهٔ دامپزشکی.

نگارستان، مهندس‌علی. دبیردانشکدهٔ کشاورزی.

نوحی، دکتر اشرف. استادیار دانشکدهٔ‌علوم.

نیکپورتهرانی، دکتر کریم. استادیار دانشکدهٔ‌دامپزشکی.

وارتان، دکتر. استاد زمین‌شناسی دانشکدهٔ علوم.

وامقی، ابوالقاسم. دبیر زمین‌شناسی دانشکدهٔ علوم.

وثوقی، دکتر جهانگیر. استاد دانشکدهٔ پزشکی.

وجدانی، دکتر صمد. استادگروه گیاه پزشکی‌دانشکدهٔ کشاورزی.

وحدت، دکتر عزیز. دانشیار میکروب شناسی دانشکدهٔ داروسازی.

ورزنده، دکتر مسعود. دانشیار گروه‌گیاه پزشکی دانشکدهٔ کشاورزی.

وقار، دکتر رامز. دانشیار، تهیهٔ موادمعدنی، عملیات متالورژی دانشکدهٔ فنی.

وکیلی، دکتر قنبرعلی. استاد دانشکدهٔ پزشکی.

یزداندوست، محمد. دبیر زیست‌شناسی دانشکدهٔ علوم.

یزدانیان. یدالله. دبیر زمین شناسی وسنگ شناسی دانشکدهٔ فنی.

یوسفی، مهندس‌کریم. معلم‌دستیار، عملیات سدیمانتولوژی، عملیات زمین‌شناسی صحرایی دانشکدهٔ فنی.

هوده‌ای، خلیل. دبیرزمین شناسی دانشکدهٔ علوم.

چند کتاب طبیعی

آب وهوا ورستنی‌های ایران: دکتر احمد حسین عدل.

آتش‌فشان وزلزله: فردریك‌پو. ترجمهٔ علی اصغرمهاجر.

آیا انسان زادهٔ میمون است: محمود بهزاد.

اجتماعات حشره‌ها: برتاموریس‌پارکر، ترجمهٔ علی محمد عامری.

استخراج معادن: (دانشگاه تهران). دکترنصرالله محمودی.

اسرار بدن؛ (ترجمه ونشرکتاب) برنارد گلمسر، ترجمهٔ محمود بهزاد.

اصول علم‌گیاه‌شناسی: علی‌ناظم‌العلوم.

اسرار دریا (امیرکبیر) ن. گرسکی. ترجمهٔ هوشنگ قربان نژاد.

اصول فیزیولوژی عمومی: هانری ـ فردریك، ترجمهٔ دکترعبدالله شیبانی.

اصول نامگذاری ورده بندی‌گیاهی: (دانشگاه‌تهران) دکترمحمدجوادمیمندی نژاد.

انتقاد از بیولوژی وعلم‌توارث‌کلاسیك غرب ازنظر میچورینیسم: دکترمهدی بهار.

اندام شناسی‌گیاهان: دکتراحمدپارسا.

انگل شناسی بند پاییان: دکتر عزیز رفیعی.

انگل شناسی،کرم شناسی: دکتر عزیز رفیعی.

بافت شناسی: (دانشگاه تهران) دکتر ناصرالدین بامشاد.

بافت شناسی: دکتر مصطفی حبیبی ـ گلپایگانی.

بافت شناسی: دکترعلی فلاتی.

باکتریها: دکترفرج‌الله شفا.

بحث دربارهٔ‌داروینیسم: جعفرسبحانی.

بدن انسان: ادیث سپرول، ترجمهٔ‌دکتر ا. شکی.

بدن من: دکترمحمود بهزاد.

بررسی مقاطع بافت‌شناسی: دکتراحمد شفایی.

بلور شناسی از نظر هندسی کانیها: دکتر عبدالکریم قریب.

بلورشناسی، اصول نامگذاری‌به‌روش هایویی، لوی‌ومیلنر: (دانشگاه‌تهران) سیروس زرعیان وعلی درویش زاده.

بهبودنسل بشراز نظر ژنتیك واصلاح محیط: دکتر محمدعلی مولوی.

بیماریهای‌گیاه قارچهای انگلی: دکتر عزت‌الله خبیری.

پیازهای گلدار: مهندس علی مفیدی.

پیدایش انسان: آ. ای. فارائیون، ترجمهٔ عزیز محسنی.

پیدایش‌انسان‌وساختمان منظومهٔ‌شمسی: عبدالله یوف، ترجمهٔ‌نصرالله نصراللهی به مشارکت م. حقیقت جو.

پیدایش وتحول حیات: مهندس‌منوچهر دولتشاهی.

پیدایش وتکامل موجودات: جورج ـ گیلوردسیمپسون، ترجمهٔ‌اسمعیل‌شایگان.

تاریخ طبیعی: دکتر مصطفی حبیبی گلپایگانی به مشارکت دکترسامی‌راد.

تاریخ طبیعی: دکترولی‌الله نصر.

تاریخ طبیعی: دکترسامی به مشارکت (دیگران)

تاریخ طبیعی: علی اکبر پیشوا.

تاریخ طبیعی: هاشمی، مرتضی.

تاریخ طبیعی: غلامرضا شیخ.

تاریخ طبیعی: حکیم اعظم دکتر علی پرتوی شیرازی.

تاریخ طبیعی زیست شناسی حیوان و انسان: دکتر زین‌العابدین شیدفر.

کارخانهٔ کاغذسازی رستنیها: برتاموریس پارکر ترجمهٔ ع. م. عامری.
کالبد شناسی توصیفی (۹ جلد) ؛ دکتر امیراعلم (و دیگران).
کانی شناسی : دکتر عبدالکریم قریب.
کلیاتی راجع به موجود زنده : دکتر اسمعیل آزرم.
گل، میوه ، تخم : برتاموریس پارکر، ترجمهٔ علی محمد عامری.
گلهای خوشبو : عزت پور.
گوسفندقره‌گل: «دانشگاه‌تهران» تقی‌ـ بهرامی‌ومحمودامین.
گیاهان‌شمال‌ایران: دکتراحمد پارسا.
گیاه شناسی « نهانزا » : دکتر ناصر مفتاح.
گیاه‌شناسی: «دانشگاه تهران» ، دکتر ناصرمفتاح.
گیاهان‌دارویی ایران: (۲جلد) «امیر کبیرتهران» دکترعلی زرگری.
گیاههای بافتنی : مهندس سید مصطفی (سید محمد صدر) شاه‌علایی.
لرزشهای‌قشرزمین: پرفسورعبداللهیان.
مبادلات انرژی درگیاه : دکتراسمعیل زاهدی.
مبانی فلزشناسی : (دانشگاه تهران) دکترهادی یگانهٔ حایری.
مبداء نژادهای انسان: « نشراندیشه » نستورخ ، میخائیل ، ترجمهٔ : نعیم و مشکین‌پور.
مقدمات علوم طبیعی : شعاع‌السلطنه منصور میرزابن مظفرالدین شاه قاجار.
ملخ : مهندس سید مصطفی (سید محمد صدر) شاه علایی.
منشاء انسان: «اندیشه تهران» میخائیل نستورخ ترجمهٔ محمد مشرف‌الملك ــ دهکردی ومحمد طهوری.
منشاء وتکامل حیات: (دهخدا) اپارین، ترجمهٔ نورالدین فرهیخته.
میکروبشناسی عملی: دکترفرج‌الله شفا.
میکروبها : اندره بورا ترجمهٔ دکتر احمد شیمی.
میگو،مرواریدوساردین‌درخلیج‌فارس: (دانشکدهٔ‌کشاورزی‌اهواز)دکتراسماعیل رستمی.
نباتات ایران : دکتراحمد پارسا.
نجات : ابوعلی سینا.
نزدیکترین همسایهٔ زمین : برتاموریس پارکر، ترجمهٔ علی محمد عامری.
نژاد بشر تا فرهنگ حیات انسانی : دینکرد، ترجمهٔ سلطان یدالله همایونفر.
نشانه‌شناسی‌اعصاب: دکترابوتراب‌نفیسی.
نشانه شناسی دستگاه تنفس و گردش خون : دکترابوتراب نفیسی.
نظری به طبیعت واسرار آن : لئون ـ برتن ترجمهٔ محمد قاضی.
نظریه های دانشمندان جهان در بارهٔ پیدایش وتکامل گیاهان : مهندس شفیع جوادی.
نقش‌کارازجریان تبدیل‌میمون‌به‌انسان: ترجمهٔ منوچهر روشن.
واژه نامهٔ گیاهی ، نام علمی گیاهان : (انگلیسی ، فرانسه ، آلمانی ، عربی ، فارسی) دکتراسمعیل زاهدی.
وراثت بیولوژی: دکترعزت‌الله‌خبیری.
ویروسها : دکتر فرج‌الله شفا.
هواشناسی شامل‌تشریح طبیعی انسان‌و حیوان وگیاه و زمین وهوا : مهندس شفیع جوادی.
هم‌آغوشی‌جانوران: «امیر کبیرتهران» مهدی تجلی‌پور.
هیدروژئولوژی : دکتر عبدالحسین مقتدر مژدهی.



پزشکی

معرفتی که‌درمورد گیاهان‌وداروهای نباتی به‌دست آمده مربوط به زمانهای بی‌نهایت درازگذشته‌است. آزمایش‌وخطا صدها وهزاران سال پی‌درپی ادامه‌یافته است . برای‌ما امکان ندارد که بفهمیم چگونه چنین‌تجربه‌های نامعلوم‌وتصادفی این‌اندازه، دنباله‌پیدا کرده ونتایج آنها از نسلی‌به‌نسلی دیگرانتقال یافته‌است‌ولی قدرمسلم اینست که نیاکان‌ما پیش‌ازتاریخ همچون مردم ابتدایی که هم امروز می‌توان آنها رامشاهده کرد ، گیاهان و چیزهای دیگر رامورد آزمایش قرار می‌داده و برحسب سود وزیان آنهارا به‌اقسام گوناگون تقسیم می‌کرده‌اند ؛ چوپانان‌بیابانگرد، راه‌ساده‌شکسته‌بندی وجا انداختن استخوان را می‌دانسته‌اند. درآن زمانهای دور بنا به ضرورت فن قابلگی درکاربوده وقابلگان هوشمندهنر خود را به دستیاران جوان خویش می‌آموخته‌اند ودرهمهٔ‌این حالات‌بهترین وسخت‌ترین آموزگاریعنی‌احتیاج پیوسته همراه آدمی‌بوده و وی را رهبری‌کرده است. اگربازوی‌مردی ازحملهٔ جانوری یا از فرو ریختن سنگ‌کوهی آسیب می‌دید، یاساق‌پایش‌می‌شکست، واگرزنی در ضمن انجام کارهای خویش دچار اختلالاتی‌می‌شد،پیوسته برای‌جلوگیری‌از چنین‌حوادث به سرعت می‌توانستند کاری انجام‌دهند. وهمچنین برای نابسامانیهای مرضی دیگر،راه حلهای مستقیمی وجود داشت‌پس به‌احتمال‌قوی، فن‌درمان‌کردن یکی‌از حرفه‌های‌بسیار کهن‌است. پاره‌یی ازاوقات‌چنان‌اتفاق می‌افتاد که‌کامیابیهای درمان کننده بیش‌از ناکامیهای وی‌مورد توجه قرارمی‌گرفت، به‌این‌ترتیب‌نام‌آور می‌شد ودیگران از روش وی تقلید می‌کردند.

پزشکی‌پیش‌ازتاریخ،جنبهٔ علمی‌نیمه تجربی و نیم جادویی داشته و پزشکان و جادوگران به آن می‌پرداخته‌اند.

امکان‌دارد که موفقیت فوق‌العادهٔ بعضی‌از آن جادوگران وابسته به قدرت روحی آنان، یا از آن‌جهت بوده که دیگران به چنین نیرویی درآنان اعتقاد داشته‌اند.

می‌توان چنین فرض کرد که معالجهٔ با ایمان وعقیده،لااقل دریکی‌از نقاط‌جهان درسپیده‌دم تمدن آغاز شده‌است .

بعضی‌از جمجمه‌های پیش از تاریخ که به‌دست مارسیده‌علاماتی‌دارد که نشان می‌دهددرآن زمانها برروی‌کاسه سرعمل جراحی وشکسته بندی صورت می‌گرفته است. خواننده‌ممکن‌است بپرسدکه: «از کجامی‌دانید که این‌عمل جراحی برروی کاسهٔ سر انسان زنده صورت گرفته و به اعمال‌مذهبی مربوط نیست که روی‌کاسه‌سر مرده‌انجام می‌داده‌اند ؟ »

دلیل‌ما بر اینکه‌چنین اعمالی‌برروی جمجمهٔ زنده صورت گرفته آنست‌که سوراخهای استخوان پرشده و استخوان تازه‌آن‌راپوشانیده واین‌خود دلیل‌آنست که‌عمل جراحی وشکسته بندی استخوان مربوط به‌استخوان سرزنده‌است. آیاچرا استخوان‌کاسهٔ سرراسوراخ کرده‌اند ؟ به چنین پرسش نمی‌توان پاسخ داد ، ولـی می‌توان احتمال داد که جراح این‌عمل‌را برای راحت‌کردن بیمار از رنج صدمات جانکاه فشار مغز سر، انجام داده‌باشد .

ممکن‌است کسی‌بپرسدکه چگونه‌این‌عمل جراحی‌صورت می‌گرفته است ؟ درجواب این سؤال باید گفت‌که صنعتگران دورهٔ پیش‌از تـاریخ بعضی از انـواع مته را می‌شناخته وبکارمی‌برده‌اند، وگواه‌براین مسأله‌سنگهای سوراخ‌شده ومته‌هایی است که در میان آثار اکتشاف شدهٔ ما قبل تاریخ، به‌دست‌آورده‌اند سوراخ کردن‌با مته‌سنگی کاری‌بسیار طولانی‌است و البته برای یك جراح سوراخ کردن استخوان جمجمهٔ‌آسان‌تراست، گواینکه تحمل‌چنین عملی برای مردی‌که استخوان سرش را سوراخ می‌کنند ناراحت کننده ودشوار است .

« تاریخ‌علم، ترجمهٔ احمدآرام »

پزشکی هومر .

معلومات‌پزشکی‌که دراشعار هومری موجوداست، همانطورکه انتظارمیرودازنوع اطلاعاتی است‌که از مردم هوشمند و جنگجـو انتظار میـرودکه تجربیات فراوانی درجنگ وزخم‌بندی ودرمانهای مربوط به اینگونه امور داشته‌اند . آن مردم میدانسته‌اندکه چگونه اندامـهای مجروح‌خودرا روغن‌مالی کنند.

در میان آنان کسانی که تیزبینی و حس مشاهده صحیح داشته‌اند، دریافته بودندکه زخمهای‌مختلف چه‌آثاری‌برجا میگذارد ونوبه‌های غش چه خصوصیاتی دارد. تشنجات‌آدمی درحال جان‌کندن‌از چه قبیل‌است . کسانی بـوده‌اندکه کار انحصاری ایشان طبـابت بـوده ومردم قدرشان‌را می‌دانسته‌اند — «یك‌پزشك‌بر مردم‌فراوان دیگرمزیت‌دارد» ولی‌همیشه چنین‌پزشکان دردسترس‌نبوده‌وجنگندگان ناچار درهنگام نیازخود به‌حال‌یکدیگر رسیدگی می‌کـرده‌اند . قسمت عمدهٔ‌کار پزشکی به‌جراحی اختصاص داشته ولـی درعین حال طبیبان به‌امراض داخلی نیز رسیدگی میکـرده و انواع داروهـای گوناگون به بیماران میداده‌اند. عده‌یی از زنان درامور پزشکی وارد بوده وکار پرستاری وتهیهٔ علفهای دارویی همچون مواد مخدر و خواب آور برعهدهٔ ایشان بوده وچنانکه روایت میکنند این‌کار را «هلن» ازیك زن مصری تعلیم گرفته‌است در تمام منظومه های هومری ۱۵۰ کلمهٔ مربوط به تشریح وجود دارد ، و قسمتی از فیزیولـوژی هومـری هنوز در زبان امروز ماهست . جوهرحیات رادرحجاب حاجز میدانستند وکلمات (Phrenetic) به‌معنی‌جنون وکم‌عقلی‌و (Phrenology) یعنی تشخیص نیروی عقل از روی شکل کاسهٔ سراز همین ریشه برخاسته است. در صورتی‌که مااکنون مرکزعقل وادراك‌را درحجاب حاجزنمیدانیم . در نوشته‌های « هومر » کلمات اشاره به اعضای دیگر مخصوصاً قلب‌وچیزهای مجاور آنست‌که آنرا مرکـزعقل میدانسته‌اند یونانیان قدیم همانگونه‌کـه ما امروز بدون دقت کلمهٔ « دل وقلب » را استعمال میکنیم ، کلمه (Phren) رابکار میبرده‌اند . همان گونه‌که مطالب جغرافیایی‌هومررا نباید جدی‌گرفت اطلاعات پزشکی‌که وی‌داده نیزچنین است .

پزشکی الکمایون ودموکدس .

قدیمترین مرکـز طب یونانی‌کـه بتوان به آن نام مکتب ومدرسهٔ نظری داد ، شاید همان باشدکـه درکـروتون تأسیس شده است . ممکن است مبدأآن مقدم‌برزمان فیثاغورس‌باشد، ولی‌احتمال بیشتر آنستکـه این مکتب بـا مکتب فیثاغورس معاصربوده باشد . نوشته‌های معلم‌اول‌یعنی«الکمایون کروتونی»ازبین رفته ولی‌آنچه برجای مانده‌اینست که‌وی یکی‌از شاگردان «فیثاغورس» بوده‌است بعضی افکار پزشکی‌را به خود فیثاغورس نسبت می‌دهند ، ولی ساده ترآنست کـه «الکمایون» رامعلم طب‌مکتب‌فیثاغورس بخوانیم .

عنوان مقالـهٔ الکمایون « درباره طبیعت» تأثیرمیلتوسی‌رابه خاطرمیآورد وممکن است‌که به‌کروتون‌مهاجرت‌کرده باشد . وی دربارهٔ اعضای حس به ویژه چشم تحقیقاتـی داشته ، و اگـر گفتهٔ — «خلکیدیوس» راباورکنیم، نخستین‌کسی است‌که درچشم عمل جراحی‌کرده است. اوچنان ادعاکرده است‌که مغزسر مرکز تمام حواس است وراهها ومجاری خاصی میان مغـز واعضای حس وجود دارد ، اگراین راهها قطع شود ومثلا به واسطه زخمی ارتباط میان مغـز واعضای حس متوقف‌گردد، حواس دیگرازکار خودباز می‌مانند . این‌طرز تفکربسیار عالی را، کـه نخستین تخم روان شناسی تجربی محسوب مـی‌شود ، یك قـرن بعد ازآن « امپدوکل» و معتقدان به مذهب ذرات (Atomists) توسعه دادند .

«الکمایون» را می‌توان مبتکریك عقیدهٔ روانشناسی دیـگر نیز دانست‌که فیثاغورسیان پس‌ازوی به‌آن‌کمال‌اهمیت را می‌داده‌اند . ارواح نیز مانند اجسام فلکی‌هستند وحرکت دورانی ابدی‌دارند وبه این ترتیب دوران وفناناپذیری دو مفهوم مساوی یکدیگرمی‌شود . ازطرف دیگر انسانها ازآن جهت میمیرندکـه نمی‌توانند به‌آغاز خود بازگـردند ، و دورهٔ زندگی به شکل دایره نیست بلکه به‌صورت منحنی‌نابسته‌یی است. این‌مسئله را اینطور می‌توان تفسیرکردکه زندگی جریانی به‌طرف‌سراشیبی است درصورتی که‌ستارگان‌وارواح به‌طرف پایین‌جریان ندارندوبه شکل جـاودانی دور می‌زنند مهمترین نظریه‌طبی (الکمایون) اینست که تندرستی را تعادل میان قوا در بدن می‌داند چون یکی‌از این قوا غالب شود تعادل بهم میخورد و حـالت حکـومت مستبده‌یی ایجاد می‌شود وآدمـی بیمار می‌گردد .

یکی دیگـر از پزشکان کـروتون

«دموکدس» پسر «کلیفون» نیز شهرت فراوان پیدا کرده است. وی در دربار «داریوش» درشوش صاحب مقام شدوقتی پای آن‌پادشاه درحین پیاده‌شدن ازاسب آسیبی دید وپزشکان مصری ازمعالجهٔ آن ناتوان ماندند، «دموکدس» به این کار پرداخت وبیماری شاه‌را درمان کرد واز شاه‌خواهش کرد تاازخون پزشکان مصری که درمعالجه عاجزمانده بودنددرگذرد. پس‌از آن‌«آتوسا» دختر «کوروش» و زن «داریوش» راکه از غده‌یی برروی سینه رنج می‌برد معالجه کرد.

پزشکی بقراطی

از لحاظ روشنی مطلب افکار بقراطی را در تحت چند عنوان مورد بحث قرار میدهیم:

۱- تشریح و وظایف‌الاعضاء. علم تشریح بسیار ابتدایی و مختصر بود. البته پزشکان بقراطی میبایستی اطلاعات کافی دربارهٔ استخوانهـا داشته باشند (مخصوصاً اگرکارشان جـراحی بود)، ولی معلوماتشان دربارهٔ اندامهای درونی و رگها و پی‌ها بسیار ناچیز و مبهم‌بوده است. با وجود این چون‌به‌راهنماییهای تشریحی و وظایف الاعضایی نیـازمند بودند، همان‌کاری‌راکه پزشکان فهمیدهٔ دیگر در اوضاع مشابهی میکنند کردند، یعنی یك علم وظایف‌الاعضای عمومی را وضع و اختراع‌کردند بـه عنوان اصل موضوع پذیرفتند.

فیزیولوژی کلی آنـان چیزیست که به‌نام‌نظریهٔ اخلاط نامیده میشد و تا چندقرن‌پیش معمول بود. واضح است‌که بدن‌آدمی (و بـدن حیوانات دیگرکه آسان‌تر قابل ملاحظه است) مشتمل بر مایعات مختلفی است‌که اهمیت فراوان دارند، مـانند خون و بلغم و صفرا. واغلب اختلالات‌مزاجی‌با ظهورترشحاتی همراه است، مانند ترشح مخاط لزج از بینی هنگام سرماخوردگی یا خارج‌شدن خلط ازسینه، یا دفع شدن‌مدفوع‌به‌شکل اسهالی در پاره‌یی امراض.

۲- پیشگویی در مقابل تشخیص. آن عبارت است از قـابلیت اینکه بتواند پیشرفت‌مرضی را پیشگویی کنند وحدس بزنندکه عاقبت آن خیر خواهد بود یاشر. باید بخاطر داشت که‌اگردر آن قرن تشخیص وجود داشته، به چند مرض معدود مربوط بوده است.

پیش‌گویی‌به طبیب توانایی آن را میدادکه‌مراحل مختلفی راکه دربیماری پیش‌آمد میکرد بشناسد و اگر تجربـهٔ بیشتری به‌دست‌آورده بود ازاین مراحل پیشگویی‌کند در مراحل اول(که امروز میتوان آنرا مرحلهٔ کمون مرض نامید) اخلاط به‌تدریج بهم میخورد و تعادل از میـان میرود. (بقراط) این مرحله را مرحله «نضج‌وپختن» نامیده و این‌تعبیر را از اصطلاح خـانگی پختن غـذا و جوشاندن شرابهـا عاریت‌گرفته است. پس از چند روز معین که عمل «پختن» تمام میشود«بحران» آشکار میشود و این مـرحلهٔ تعین تکلیف و قضاوت است. این قضاوت همیشه جنبهٔ قطعی و نهـایی ندارد؛ حتی‌درآنوقت‌هم‌که بحران‌شکل مساعدی‌داشته بـاشد ممکن است مواد فـاسد به‌شکل دمل آشکار شود. به‌علاوه بسیاری‌از بیماریهاکه در معرض مطالعهٔ پزشکان‌یونانی‌قرار گرفته شکل‌مالاریایی داشته و نظم عوارض اینگونـه تب‌ها را از زمانهای خیلی دور میشناخته‌انـد، یعنی بحرانهای جدیدی در «روزهـای بحرانی» بطور متنـاوب پیش میآمده است.

پزشك‌خوب آنستکه بتواند ازهمان آغاز پیشآمد بیماری، نظرکلـی دربـارهٔ آن پیدا کند و خطراتی را که در پیش است (روزهای بحرانی) بـازگوید و ارادهٔ بیمـار را بـر ضد آنهـا تقویت کند.

۳- پزشکان بقراطی‌کدام بیماریها رامی‌شناختند؟ دردرجهٔاول‌آنان به‌علایم برهم‌خوردن‌تعادل در بدن انسان‌آگاهی داشتند، و تب را علامت این بی‌تعادلی میدانستند، البته نمیتوانستند مانند ما درجهٔ گرمای بدن را انـدازه بگیرند، ولی‌میتوانستند آنرا تقدیـر کنند و در اینکارازماهم دقیقتر بودند، با مشاهدهٔدر پوست بدن و زبان و چشمـان و عرق و ادرار و مدفوع میتوانستند میان انواع مختلف تب بـا یکدیگر فرق گذارند، ممکنست‌که بعضی ازآن‌تشخیص‌ها، جنبه سطحی داشته، و نیزمحتمل‌است‌که‌بعضی ازآن علایم برای فرق گذاشتن میـان امراض‌مختلف‌به‌آنهاکمك میکرده باشد. آیا به‌سریع‌شدن نبض توجهی داشته‌اند؟ آنچه ازنوشته‌هابرمیآید اینستکه ظاهراً به‌این امرتوجهی نداشته‌اند یا توجهشان صریح و روشن‌نبوده است،این‌خود یکی از معماهای طب‌بقراطی است‌که به‌ندرت اشاره‌یی به نبض درآن شده است. باور کردن این مطلب دشوار است‌که پزشکان قدیـم یونـان نبض بیمـاران خود را نمی‌گرفته‌اند. چه مشاهده ضربان نبض در دست یا پا چیزی است‌که زود یادیر هر مرد هوشمندی‌را بخود متوجه‌میسازد این مسئله به قدری حایز اهمیت است که بایستی با دقت بیشتری دربارهٔ‌آن‌به گفتگو بپردازیم پزشکان باستانی مصراز نبض اطلاع‌کامل داشته‌اند. چطور شده است‌که این اطلاع به یونانیان نرسیده؟ درست‌است‌که «دموکریتوس» به‌ضربان نبض‌اشاره‌کرده ولی در مجموعهٔ‌بقراطی بیش از یکبار در مقالهٔ «خوراك» بـه این صورت بـه‌آن اشاره نشده است. «زدن رگها و دم زدن ریه‌ها بنا بر سن شخص، آهنگ‌دار و بـی‌آهنگ است، علامت بیماری و علامت سلامتی است، و علامت سلامتی، بیش از بیماری‌است، و علامت بیماری بیش از تندرستی‌است» از این نوشته چیز درستی به‌دست‌نمیآید آمیختن‌نبض‌با تنفس اسباب‌اشتباه‌میشود و شکل‌مرموز این‌بیان خوش‌آیندبه‌نظر نمیرسد.

تحقیق دربـاره نبض را به پزشك گمنامی‌ازدورهٔ‌بقراطی به‌نام«ایگیمیوس» الیسی و همچنین به «پروکساگوراس» کوسی نسبت میـدهند، ولی‌آنچه درآن شك‌نیست‌این است‌که عالم تشریح‌بزرگ هلنیستی «هروفیلوس» خلکدونـی در این بـاب‌کار فراوان‌کرده است. ازآن زمان به بعد علم یونـانی دربـارهٔ نبض پیوسته افزایش یافته است. نتـایج‌آن بحثها که بوسیلهٔ «جالینوس» درکتاب «نظرکلی درباره نبض» انتشار یافت، تا عصر جدید پایه و شالودهٔ نبض شناسی به‌شمارمیرفت.

پزشکان‌بقراطی‌با اینکه‌نمیتوانستند مانند ما درجهٔ تب را اندازه بگیرند و عدهٔ ضربان نبض را بشمارند از انـواع مختلف تب‌آگاهی داشتند. میان تبهـا از لحاظ پیشگویی، با یکدیگر تفاوت قایل‌میشدندچه هر تب دورهٔ تکامل‌خاص و ایام بحران معین داشته است.

میتوان‌فهمیدکه چرا درطب‌بقراطی به پیشگویی در برابر تشخیص‌آن‌اندازه

توجه شده است چه یك طبیب مجرب باید از شباهت موجود میان بیشتر ناخوشیها علیرغم نظم متغیر و اختلافات دیگر آنها آگاه باشد. به اینجهت است که بقراط برای مرض بطورکلی و عمومی بیش از انواع مختلف آن اهمیت قایل بود .

تبهایی که در مجموعهٔ بقراطی از آنها بحث شده . همه یا مالاریایی است، یا تبهایی است که ملازم با ذات‌الجنب و ذات‌الریه وسل میباشند . در آنجا اشاره‌یی به آبله و سرخك وتب مخملك و دیفتری و طاعون دملی و سیفلیس نشده است . آیا این بیماریها در یونان قدیم وجود نداشته است ؟

۴ــ بهداشت و درمان ــ بقراط بسیار محتاط و بسیار متواضع بود ، وسایل درمانی که در اختیار داشت بسیار کم و ناچیز بود و او به این نکته کاملا آگاهی داشت . وی در معالجات خود اقسام داروهای مسهل و قی‌آور و مقوی و مدر طمث و، حقنه‌ها و فصد و گرسنگی و پرهیز دادن برای تخلیه بدن وبخور دادن و حمام دادن و مشت و مال دادن و ماءالشعیروشراب وآب انگبین وسر که انگبین را برای بیماران تجویزمیکرده است .

به نظر بقراطیان درمان بیش از آنکه جنبهٔ دارویی داشته باشد جنبه پرهیزی دارد . بهترین وسیلهٔ تأمین سلامتی آنستکه‌رژیم خاصی برقرارسازند که شامل مقدار معمولی غذا و مقداری ورزش بدنی باشد .

۵ــ هواشناسی طبی ــ بحث در رابطهٔ موجود میان‌آب و هوا و تندرستی همیشه مورد توجه مورخان پزشکی بوده است و این توجه قسمتی در نتیجه مثالها و نمونه‌هایی است که در پزشکی بقراطی برجای مانده و قسمت دیگر نتیجه سنن مربوط به استحمام در آبهای معدنی است و اساس آن بر این تکیه دارد که عوامل جغرافیایی و اقلیمی در شیوع امراض واگیردارمؤثراست ،کاملا احتمال آنستکه بیمارانی در بعضی نواحی زودتر و بهتر از نقاط دیگرمعالجه شوند .

۶ــ جنبهٔ علمی تعلیمات بقراطی ــ اگر ازکسی بخواهند که پزشکی بقراطی را بساده‌ترین‌شکل تعریف کند ، بایستی بگوید که : این پزشکی، پزشکی‌علمی است ، و اگر در تمام جهان نبوده‌لااقل در یونان برای نخستین باربوده است، که این پزشکی علمی روی‌کار آمده‌است. (بقراط) برعهدهٔ خودگرفته بودکه‌مسایل طبی را از راه عقلی حل‌کند تاآنجاکه مورد اتهام قرارگرفت که‌گفتند وی به معالجات افرادآن اندازه که به‌خود علم توجه داشته نظر نداشته‌است ، وی چهل‌ـ و دو حالت را ذکرکرده‌که بیست‌وپنج ـتای‌آنها به مرگ‌بیمار خاتمه پذیرفته است .

طبیعت و ماهیت علمی نبوغ بقراط در مشاهدهٔ دقیق و قضاوت معتدل وعشق به‌حقیقت اوآشکار میشود و همین‌خاصیت وی به طریقی غیرمستقیم از اینکه وی موهومات را به دور ریخته و از فلسفه و معانی وبیانی‌که به امور طبابت‌ارتباطی ندارد خود را برکنار داشته نیز معلوم میشود .

۷ــ درمان روانی ـ درآنجا که بقراط به توضیح نخستین وظیفهٔ پزشك پرداخته وگفته است‌که باید طبیب به کمك نیروی شفابخش طبیعت برخیزد ، خودآگاه‌بوده است‌که این‌کمك‌به‌طبیعت همانگونه‌که جنبهٔ‌بدنی دارد جنبه‌روانی نیز دارد . تنهاکافی نیست‌که تن بیمار هراندازه‌که ممکن است بیاساید ، بلکه روح نیز باید راحت‌کند و با امید و خیالات خوش تقویت شود . پزشك باید با بیمار خود بسیار با مهربانی‌وظرافت رفتارکند .

مهمترین عملی‌که به دست بقراط صورت‌گرفته آنستکه طرز نگرش علمی‌و روش علمی را در معالجهٔ بیماریها وارد کرده است ، و زمان او را باید آغاز پیدایش ضبط و ثبت ادبیات طبی دانست . این نکته جالب توجه است‌که اندیشهٔ ثبت برداشتن وجمع‌آوری‌کردن گزارشهای بالینی‌کاریست‌که پس از او به‌آن ادامه داده نشد .

گرچه بقراط باآسیب‌شناسی‌عمومی بیش ازآسیب شناسی خصوصی سر وکار داشته با وجود این مشاهدات بالینی در خصوص سل و تب نفاسی و صرع از وی باقیمانده و از مرد محتضر یا مرده و همچنین ازکسی‌که درنتیجهٔ‌گرسنگی‌زیاد و حالت اسهال و سرقدم رفتن سخت ضعیف شده ، وصف دقیقی‌برجای‌گذاشته است و این منظره را هم اکنون «سیمای بقراطی» مینامند .

سوگندنامه بقراط

« من به‌آپولون پزشك ، به اسکلپیوس ، به هی‌گیائیا (Hygiaea) به پاناکیا(Panacia)وبه‌همهٔ خدایان‌سوگند یاد میکنم، وآنانراگواه خویش میسازم که‌تاآنجاکه بتوانم وآگاه باشم ، بدین سوگندنامه وفادار بمانم ، استاد خویش را در این فن ، با پدر برابر شمارم ، وی را در هستی خویش شریك سازم ، هرگاه‌که به مال نیازش افتد ، هر چه دارم بااودرمیان‌گذارم ، فرزندان‌وی‌را برادران خود بدانم ، و اگرکسب این هنر را خواستار شدند ، بی‌مزد و بدون عقد پیمان به تعلیمشان همت‌گمارم . سوگند یادمیکنم‌که دانسته‌ها،آموخته‌ها و اندرزهای خویش را از فرزندان خود و فرزندان‌استادخود و شاگردان‌سوگند خورده دریغ ندارم ، اماکسان دیگر را از این علم چیزی نیاموزم ، تا آنجاکه بتوانم وآگاه باشم ، دردهای بیماران را درمان خواهم کرد ، وهیچگاه دانش خود را به‌کارهای‌زشت وزیانبخش‌نخواهم گماشت ؛ اگر ازمن بخواهندکه‌کسی‌را زهر دهم ، هرگز چنان نخواهم‌کرد . و این‌کار را جایز نخواهم دانست داروی اسقاط جنین به‌زنان‌نخواهم داد و پیشه و زندگی خود را پاك و مقدس خواهم داشت . هرگز چاقو بکار نخواهم برد ، حتی اگرکسی راگرفتار سنگ مثانه به‌بینم و این کار را برعهده جراحان حاذق‌چیره‌دست‌خواهم‌گذارد. بهرخانه‌ای که قدم‌گذارم ، قصدم علاج درد بیماران خواهد بود، هیچگاه‌کسی را به‌عمدزیان وآسیب‌نخواهم‌رساند ؛ از بدنهای‌مردان و زنان ، آزادان و بندگان بنا حق سود نخواهم جست . هرگاه که در طی معالجات خود و یا در ضمن روابطی که با دیگران دارم ، برنکته‌ای‌آگاه شوم که‌پنهان‌داشتن‌آن‌واجب‌باشد ، هرگز آنرا فاش نخواهم‌کرد ؛ و اینگونه نکات را از رازهای‌مقدس‌خواهم شمرد . اینك اگر به سوگندنامه وفادار مانم وپیمان خویش را نشکنم ، شایستهٔ‌آن توانم بود که جاودانه در بین مردم ، با هنر و زندگی خود شهرت و نیکنامی به‌دست آرم ، و اگر نقض عهدکنم ، خلاف آن برمن روا باد . »

درمان و بهداشت در ایران

نخستین فعالیت جدی برای تعمیم بهداشت ایران با تأسیس مدرسه دارالفنون آغاز شد. در شعبهٔ طب این مدرسه دو طبیب خارجی به نام دکتر **طولوزان** و دکتر **فوریه** تدریس میکردند. در اواخر قرن سیزدهم **مجلس حفظ الصحه‌ای** به‌فرمان ناصرالدین‌شاه تشکیل شد تا مراقب قرنطینه در نقاط مرزی و مایه‌کوبی‌عمومی‌ برضد آبله ومعالجه بیماران تهیدست باشدولی این مؤسسه کوچك در مقابل فقر و جهل عمومی چندان کاری از پیش نبرد. نخستین بیمارستانها نیز در ایام ناصرالدینشاه تأسیس شد که از آن‌میان مریضخانهٔ دولتی تهران (محل فعلی بیمارستان سینا) و دارالشفای قم و مشهد و بیمارستانهای مبلغین آمریکایی در **اورمیه**، تبریز، همدان و اصفهان قابل ذکر است. نخستین سازمان بهداشتی بنام **ادارهٔ صحیهٔ کل** درسال ۱۲۹۹ ش. تشکیل که در سال ۱۳۲۰ به‌وزارت بهداری تبدیل گردید. اینك مؤسساتی که برای درمان عمومی فعالیت میکنند عبارتند از :

۱ ــ وزارت بهداری.
۲ ــ ادارهٔ کل بهداشت.
۳ ــ ادارهٔ بهداشت محیط.
۴ ــ شیروخورشید سرخ.
۵ ــ سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی.
۶ ــ سپاه بهداشت.

ونیز مؤسسات درمانی اختصاصی مانند :

۱ ــ بیمه‌های اجتماعی کارگران.
۲ ــ بیمهٔ کارمندان دولت.
۳ ــ بهداریهای ارتش و شهربانی.
۴ــ بهداریهای شرکت نفت وداد گستری و سازمان برنامه و امثال آن.

و سازمان سپاه بهداشت بافرستادن پزشکان و پزشکیاران به‌روستاهای دوردست که بیاری مردم‌درمانگاه میسازند و به مداوای مردم میپردازند و اصول بهداشت را به روستانشینان میآموزند گامی‌مؤثر در راه بهداشت همگانی برداشته‌شد. بااینهمه هنوز برای داشتن یك سازمان درمانی مجهز چندسال وقت لازم است.

کمك های اولیه

اتخاذ تدابیر موقتی جهت حفظ سلامت وحیات مصدومین و مجروحین و یا کسانی که ناگهان به‌یك بیماری دچار میشوند.

وسایل لازم برای کمك‌های اولیه

حداقل وسایل لازمی که کمك‌کننده باید جهت پانسمان زخم، بیحرکت نگاهداشتن عضوشکسته‌یادررفته‌وبند آوردن‌خونریزی وغیره در کیف مخصوص خود همراه داشته باشد عبارت است از :

۱ــ نوارچسب (لوکوپلاست) برای نگاهداری و استحکام پانسمان.
۲ــ تنزیب (گاز) جهت پانسمان زخم
۳ــ مشمع (امپلاتر) تنزیب آغشته به‌داروی ضد عفونی‌متصل به‌نوار چسب.
۴ــ پنبه آبکش (هیدروفیل) که ترشحات زخم‌را به‌خود جذب میکند.
۵ــ پنبه‌سلولزی‌جهت پوشاندن‌زخمی که خونریزی دارد.
۶ــ نوار (باند) جهت نگاهداری و استحکام پانسمان.
۷ــ نوار کش‌دار، درزخمی که‌خونریزی وریدی دارد به‌کارمیرود.
۸ــ نوارشریان بندلاستیکی (گارو) برای بند آوردن خونریزی از شریان زخم شده.
۹ــ بسته‌پانسمان‌فوری‌عبارت‌است‌از چندقطعه‌تنزیب‌استریل که‌ازدوطرف‌نواری بدان‌متصل است.
۱۰ــ پارچه‌های‌کتانی‌سه‌گوش برای استحکام‌پانسمان دست ویا و سر.
۱۱ــ تخته شکسته‌بندی (آتل) جهت بیحرکت‌نگاهداشتن‌عضوشکسته دررفته‌یا پیچ خورده.
۱۲ــ میزان‌الحراره.
۱۳ــ پنس و قیچی.

داروهای مورد احتیاج جهت کمکهای اولیه

۱ــ آب‌اکسیژنه (محلول ۰/۳٪) جهت پاك کردن‌زخم چرکی.
۲ــ تنتورید (محلول ۰/۵٪) برای‌تمیز کردن اطراف‌زخم.
۳ــ آمونیاك برای‌بهوش آمدن‌شخصی که در حال اغماء است.
۴ــ تنتوروالریان‌جهت‌تسکین‌اعصاب.
۵ــ قطره‌یاقرص‌مقوی‌مانندکورامین.
۶ــ قرص مسکن دردمانندآسپرین.

کمك‌های اولیهٔ عمومی

۱ــ نجات مصدوم و مجروح، اولین اقدام جهت نجات مصدوم و مجروح خارج ساختن‌اوازمحل حادثه وخلاصی‌از وضعی است که‌بدان دچارشده است ودراین‌اقدام باید مراقب‌بود که‌زیان‌بیشتری به‌او نرسد سپس کمك‌کننده عضو زخمی یا شکسته و شدت صدمه را تشخیص داده کمك فوری و لازم‌را به‌موقع‌اجرامیگذارد. بایدمتوجه‌بود که هنگام‌نجات مصدوم پیش‌بینی‌های‌لازم جهت‌حفاظت‌شخص‌کمك‌کننده ازهرگونه خطر که حین‌انجام‌کمك‌ممکن‌است‌متوجه او شود بعمل آید.

۲ــ نجات غریق : نجات غریق را باید شناگر باتجربه‌ای که آشنا به‌رموزآن باشد به‌عهده گیرد و بدین‌نکته‌توجه داشته باشد که غریق درحال اضطراب و هیجان به‌دست‌و‌پای‌نجات‌دهنده‌خودچنان‌می‌چسبد و او را بغل‌میکند که‌ممکن‌است‌باخود به ته آب‌بکشدلذاکمك‌کننده‌بایدهمیشه‌ازعقب به‌غریق‌نزدیك‌شودنه‌ازروبرو ویکدست‌خود را زیربغل‌غریق‌انداخته‌اورامحکم‌به‌خود بچسباندو بادست‌دیگر بطرف‌ساحل‌شنا کند موقعیکه‌یخ‌زیرپا بشکندوشخص‌در آب فرو رود کمك‌کننده‌بایدازروی‌نردبان‌بلندویا تختهٔ بالنسبه طویل با احتیاط ازساحل‌تا نزدیك سوراخ شکسته‌رفته غریق‌رانجات دهد. بکاربردن‌تخته‌یانردبان‌بدین منظور است که سنگینی شخص نجات دهنده فشار بیشتری‌به‌سطح یخ نیاورد و آنرا بیشتر نشکند تا نجات غریق دشوارتر نگردد. نجات دهنده به‌منظورحفاظت خود طنابی بکمرمی‌بندد وسرطناب را افرادی‌که در ساحل‌هستند دردست میگیرند.

۳ــ نجات حریق زده : جهت نجات حریق‌زده ازعمارت سوزان، کمك کننده باید روپوش‌تربرتن‌کند و یاپتوی‌ترروی سرودوش‌خود اندازد تاازخطرشعله‌هادر امان‌باشد وبرای‌جلوگیری ازداخل‌شدن دودو گاز به‌مجاری‌تنفس، درصورت‌نداشتن دسترسی بماسك هوای فشرده یا ماسك اکسیژن، یك‌قطعهٔ‌پارچه‌خیس‌کرده جلوی دهان وبینی به‌بندد. حریق زده‌ای راکه لباسش درحال اشتعال‌است‌بایدفوراً روی زمین‌انداخت‌ودرفرش‌یاپتوبپیچیدو یااورا بالباس سوزان روی‌زمین‌غلطاندتاشعله‌ها خاموش شوند.

۴ــ نجات برق گرفته : برای نجات برق گرفته احتیاطهای حفاظتی‌خاصی ضرورت دارد. البته‌باید فوراً جریان برق راقطع‌کرد وبرق‌گرفته را از اتصال‌برق جدانمود. درمواردیکه‌قطع‌جریان برق‌ممکن نشود کمك‌کننده‌قبل ازدست‌زدن به‌مصدوم، قطعهٔ شیشه، چینی، چوب‌خشك ویالاستیك،

زیر پای خود نهاده دستکش لاستیکی به‌دست کرده ویا پارچه ماهوتی خشکی را چندین بار به‌دور دست خود می‌پیچد تا خود را عایق کند سپس با چوب خشك سیم را از تن برق گرفته دور مینمانند.

۵ـ نجات مسموم از اطاق پر از گاز سمی : برای ورود به‌اطاق پر از گاز سمی و نجات شخص مسموم و مدهوش، شمع و چراغ نفتی وغیره را به‌علت خطر احتراق نباید همراه برداشت و کلید برق را نیز نباید باز کرد زیرا امکان تولید جرقه میرود کمك کننده باید به‌مجرد ورود به‌اطاق پنجره را باز کند تا هوای آزاد و تازه باطاق راه یابد و گاز سمی بیرون رود، سپس هرچه زودتر شخص مسموم و بی‌هوش را از اطاق پر از گاز خارج ساخته تنفس مصنوعی دهد .

۶ـ نجات مصدوم زیر آوار رفته: جهت نجات شخص زیر آوار رفته خواه در معدن وخواه درعمارت ویاهنگام سقوط در چاه . افراد کمکی بیشتر ووسائل حفاظی از قبیل طناب، چوب بست ، نردبام مورد نیاز است. درموقع خاك برداری با کلنگ وبیل باید با احتیاط پیش‌رفت تا زندگی مصدوم زیر آوار رفته بیشتر به‌مخاطره نیفتد .

۷ ـ بیرون آوردن لباس از تن مصدوم و مجروح : کمك کننده باید ابتدا لباس قسمت سالم بدن را بیرون آورد و بعد با احتیاط عضو مصدوم را برهنه کند . درمواقعی که استخوان شکسته وعضو متورم است ویا درسوختگی که قطعات لباس به‌زخم چسبیده است باید آنرا قیچی کرد و یا درزهای لباس را ازهم شکافت .

پیچیدن باند (بانداژ)

پیچیدن باند فن مخصوصی است که باید آنرا یادگرفت فن پیچیدن باند در کلاس به کمك کننده ها تعلیم داده میشود . جهت پانسمان زخمهای کوچك اغلب مشمع بکارمیبرند ودیگر احتیاجی به‌باند نیست . زخمهای بزرگ را پس ازپانسمان باباند می‌پیچند ویا با پارچهٔ سه‌گوش به‌دور آن می‌بندند . پیچیدن باند به‌دورعضو بادورهای موازی ویا برگردان است . باند را ازچپ به‌راست به‌دورعضومی‌پیچند و بازکردن آن از راست به‌چپ خواهد بود و سر باند را از یك‌دست بدست دیگرمیدهند . باند را نباید آنقدرمحکم‌پیچید که مانع‌جریان خون‌گردد ونه آنقدرشل که پانسمان‌روی زخم جابجا شود . درصورت زخمی شدن ورید وخونریزی از زخم، باند را باید محکم پیچید تا خون بند آید . بدین منظورمیتوان باندکشدار نیز بکاربرد .

درمواقع ضرب‌وپیچ‌خوردگی مفصل دست یا پا، باندکشدار به‌دور آن‌می‌پیچند تامفصل بی‌حرکت بماند و درد تسکین یابد و این در صورتی است که مفصل متورم نباشد .

چگونگی حمل مصدوم

قبل ازحمل مصدوم باید کمك‌های اولیه‌لازم انجام گرفته باشد، زخم‌پانسمان شده، شکستگی بخوبی تخته بندی گردد وازخونریزی‌جلوگیری به‌عمل آمده باشد. هنگام‌حمل باید متوجه زخم وشکستگی مصدوم بود تازیان بیشتری‌به‌او نرسد .

حمل‌مصدوم به‌وسیله یکنفر : حمل مصدوم به‌وسیله یکنفر کار دشواری است برای مسافت کوتاهی میتوان مصدوم را کول کرد ویاروی شانه انداخته حمل‌نمود حمل روی دودست دشوارتراست. علاوه براین بدن مصدوم مانع دید میشود .

حمل مصدوم به‌وسیله دو نفر : آسانترین روش‌است. دراین طریقه‌دو نفر کمك‌ازدوسوی‌بیماردستهارا‌از زیرشانه‌ها ورانهای مصدوم‌گذرانده مچهای‌یکدیگر را محکم نگاهمیدارند و مصدوم را از زمین بلندکرده حمل مینمایند . دردست گرفتن حلقه پارچه‌ای که شبیه چنبره طبق‌کش‌ها است مانع لغزیدن دستها میگردد. حمل به‌وسیلهٔ دونفرممکن‌است بدین طریقه‌نیز عملی‌گرددکه یکی پاها ودیگری تنهٔ مصدوم رامحکم بگیرد.

طریقهٔ آسانتر ، نشاندن مصدوم روی صندلی به‌وسیلهٔ دو نفرکاردشواری نیست ، صندلی را کمی به‌عقب متمایل کرده ازدوطرف آنرا بلند میکنند . با یك پتو ویك چوب بالنسبه بلند ومحکم نیز میتوان مصدوم را حمل کرد . بدین طریقه که‌اورا به‌آرامی روی پتوخوابانده دوگوشه بالا و پایین پتو را به‌دورچوب بیکدیگر گره زنند .

بایك پتو ودو چوب محکم و طویل میتوان تخت روان (برانکارد) ساخت. دوچوب را موازی یکدیگر به‌فاصله نیم متر ازهم، به‌یکدیگر طناب پیچ میکنند وروی پیچ‌های طناب توشك یا پتو پهن مینمایندویادوچوب راروی پتوی گسترده طوری قرارمیدهند که پتو به‌سه قسمت تقریباً مساوی تقسیم شود . بعد دوقسمت کناری را از هرطرف به‌دورچوبها تا کرده‌مصدوم‌راروی پتوی‌سه‌لامیخوابانند درحین حمل ، سنگینی وزن مصدوم‌مانع بازشدن پتومیگردد . با وجود این احتیاط را نباید از دست داد و هنگام حرکت باید متوجه مصدوم بود .

حمل مصدوم به‌وسیلهٔ چهار نفر : درحمل مصدوم به وسیله چهارنفرسه نفر به‌ترتیب قددریك‌سمت مصدوم قرارمی‌گیرند و نفر چهارم فرمانده است . با فرمان اوآن سه نفرزانو به‌زمین زده و دستها را با احتیاط زیرسر، پشت و پاهای مصدوم برده او را از زمین بلند کرده روی برانکاردمی گذارند،سپس هر گوشهٔ آن را یك نفر میگیرد . هنگام حرکت،چهارنفرحمل کننده نبایدیکسان گام بردارند بلکه موقعیکه دونفرجلو، پای راست را به زمین می‌گذارند، دو نفرعقب پای‌چپ‌را به‌زمین‌خواهندگذارد تا به مصدوم هیچگونه تکانی واردنیاید. هنگام عبورازمانع، مانند دیوار وغیره باید دقت‌کردکه مصدوم درحال افقی باقی بماند.

وضع نگاهداشتن مصدوم هنگام حمل : اگر مصدوم بیهوش و صورت او برافروخته وقرمزباشد سراورا باید بالا نگاهداشت تامانع فشاربیشترخون به‌مغز گردد و هرگاه صورت او رنگ پریده است سرباید با بدن دریك سطح قرار گیرد .

اگر پا زخم برداشته و خونریزی ازآن شدید است پا را بالا نگاه میدارند تا خونریزی تقلیل یابد . درصورتی‌که جدارشکم پاره شود وامتداد زخم ازبالا به پایین باشد بیمار را باید به پشت با پاهای‌کشیده خوابانند زیرا در این وضع لبه‌های‌زخم شکم‌ازهم‌باز نمی‌شودورودهها بیرون نمی‌ریزند واگر امتداد پارگی شکم افقی است دوپا راروی شکم تامی‌کنندتا کمرخم‌شودو کشش‌عضلات‌شکم‌ازبین رفته زخم بازنگردد ، مصدوم و مجروح همیشه وضعیتی را انتخاب می‌کندکه در آن وضعیت درد را کمترحس کند .

تنفس مصنوعی

هنگامیکه به‌علت مسمومیت باموادشیمیایی ،گاز اکسید دوکربن وگازهای سمی دیگر، غرق شدگی ، برق‌گرفتگی وغیره نفس بندآید، باید تنفس مصنوعی

داد. اغلب همزمان با بند آمدن نفس خطر ازکارافتادن قلب نیزموجود است. معمولاوقتی‌عمل تنفس قطع‌گردد قلب تا مدتی به‌فرمان خودادامه می‌دهد وچنانچه هوای محتوی اکسیژن بتواند فوراًداخل ریه‌ها شود ممکن است‌آسیب دیده را از خطرمـــرگ نجات داد. تنفس مصنوعی را باید اقلا ۲ تا ۳ ساعت ادامه دادتا مجدداً آثارحیات نمایان‌گردد و یاعلایم مرگ قطعی‌آشکار شود. مرگ قطعی را فقط پزشك می‌تواند تشخیص دهد.

درتنفس مصنوعی باید دوعمل‌پشت سرهم انجام شود یکـــی بهم فشردن سینه تا هوای داخل ریه به خارج رانده شود ودیگری رها کردن ناگهانی‌آن تا قفسهٔ سینه فراخ‌گردد و هوای خارج به داخل ریه فرورود.

قبل از شروع تنفس مصنوعی سینه شخص‌آسیب دیده‌را برهنه می‌کنند سپس او را به‌پشت خوابانده پتو یاالبسهٔ اورا تاکرده‌زیرتنه‌اش‌می‌گذارندتا سینه‌قدری بالاتر بـایستد، دندان عاریه را بیرون آورده زبان را با پارچه‌ای‌گرفته خارج ازدهان نگاه می‌دارند وسررا به‌یك‌طرف خم میکنند.

هنگام شروع تنفس مصنوعی بایدبه دنبال پزشك فرستاد و وسایل حمل را فراهم‌کرد. برای تنفس مصنوعی حدـ اقل دو نفرکمك لازم است‌که یکی فك را به‌جلوکشیده‌زبان را از دهان بیرون نگاهدارد ودیگری حرکات‌تنفس‌مصنوعی را انجام دهد. تعدادحرکات تنفس‌مصنوعی ۱۶ تا ۱۸ باردریك دقیقه است.

تنفس مصنوعی‌با حرکت دودست: تنفس مصنوعی با حرکت دودست بسیار متداول ونتیجه بخش است. کمك‌کننده بالای سرشخص‌آسیب دیده زانو می‌زند وبادست‌های‌خود ساعدهای اورا درحدود آرنج‌گرفته‌آن‌ها را از دو طرف به‌سمت بالا مـــی‌برد تا قفسهٔ سینه فراخ شود و هوا داخل ریه‌گردد و از همان مسیر مجدداً به‌پایین‌آورده روی دنده‌ها گذارده قفسهٔ سینه را بهم میفشارد تا هوای ریه بیرون رانده شود و این دو حرکت را یکی پس از دیگری تکرارمیکنند.

تنفس مصنوعی با حرکت یك دست: تنفس مصنوعی با حرکت یکدست در صورتی است‌که یك طرف جدارسینه مجروح شده باشد و یا شخص‌کمك‌کننده ضعیف‌وکم‌قوت‌باشدونتواند تنفس‌مصنوعی را با حرکت دو دست انجام دهد. کمك کننده شخص آسیب دیده را به‌یك پهلو خوابانده یك دست اورازیرسرش‌گذارده ودست دیگررا که‌آزاد است دردست‌خود می‌گیرد و حرکات طریقهٔ قبلی را انجام می‌دهد. اگرزخم سینه مانع نباشد بهتر است که آسیب دیده را به پهلوی راست خواباندتا قلب بالاقرارگیرد وهمزمان‌با حرکات دست وفشار به‌جدار سینه ماساژ قلب نیزداده شود.

تنفس مصنوعی بافشار دنده‌ها از پشت: تنفس مصنوعی با فشاردنده‌ها از پشت هنگامی است که دو طریقهٔ فوق به جهاتی ممکن نگردد. کمك‌کننده آسیب دیده را روی شکـــم خوابانده دو طرف سرین او زانو می‌زند و دودست خود را به چپ و راست ستون مهره ای روی دنده‌ها گذارده قفسهٔ سینه را محکم بهم می‌فشارد و سپس ناگهان دست‌ها را رها میکند تا فشار بر طرف شدهٔ سینه فراخ گردد. این طریقه تنفس مصنوعی رانزد خفه شدگان در آب پنج دقیقه به‌کارمیـ برند تاهم تنفس مصنوعی داده شود وهم آب نای وریه‌ها خارج گردد. اگرپس‌از این مدت غریق نفس نکشید باید طریق مؤثرتر یعنی تنفس مصنوعی با دو دست را بکاربرد.

تنفس مصنوعی با فشاردنده‌هااز جلو: تنفس مصنوعی با فشار دنده ها از جلو درصورتی استکه دستهای شخص آسیب دیده زخمی باشد و نتوان‌آنها را دردست‌گرفت. کمك‌کننده‌اورا روی‌پشت خوابانده دوطرف رانهای او زانومیزند ودستهای خود را ازدوطرف روی‌آخرین دنده ها گذارده قفسهٔ سینه را محکم بهم می‌فشارد و سپس دستها را ناگهان رها می‌کند.

تنفس مصنوعی با نوسان دادن تمامی بدن‌آسیب دیده: بدین طریق استکه‌کمك کننده بدون زحمت و انجام کارسنگین به وسیلهٔ جابجا کردن احشاء وامعای شکم ببالا و پایین حجاب حاجز را به‌حرکت‌درمی‌آورد تا تنفس مصنوعی خودبه‌خودانجام‌گیرد.

شخص‌آسیب دیده را روی یك‌تخت یالنگه در، دمرخوابانده‌اورامحکم بدان می‌بندند سپس وسط تخت را روی یك خرك یاشیئی‌شبیه به‌آن‌گذارده باحرکات موزون‌تخت‌راتازاویه ۳۰ و۳۵ درجه به بالا و پایین می‌آورند (مانند حرکات الاکلنگ).

تنفس مصنوعی به وسیلهٔ دمیدن هوا به دهان: این نوع تنفس مصنوعی در کودك بسیارمؤثراست. کمك کنندهٔ کودك را به‌پشت خوابانده فك پایین او را با دودست به جلو رانده و با دهان خود، دهان و بینی‌کودك را در برمی‌گیرد و به آرامی درآن نفس‌میدمد. دفعات‌دمیدن هوا بیست بار دردقیقه است.

کمکهای اولیه اختصاصی

الف ـ زخمها

۱ـ سوختگی: در نتیجهٔ تماس با اشیاء داغ، آتش، آب جوش، بخار داغ یا جریان برق‌به‌وجود می‌آید. سوختگی چهاردرجه دارد: قرمزی پوست، تاول زدن، مرگ همهٔ قشرهای‌پوست، سوختگی انساج عمیق و استخوان و تبدیل آن به زغال. در سوختگی $\frac{1}{3}$ تا $\frac{1}{2}$ سطح بدن، مرگ حتمی است.

کمـك‌کننده شخص آسیب دیده را باید به‌قسمی بخواباندکه به قسمت‌سوخته فشاری وارد نیاید وسرپایین قرارگیرد لباس او را باید با احتیاط بیرون‌آورد که تاول‌ها نترکد. سوختگی درجهٔ اول را می‌توان باماليدن‌محلول‌مرکورکروم پانسمان‌کرد. اما درسوختگی درجهٔ دوم وسوم وظیفهٔ کمك‌کننده‌فقط پوشاندن‌زخم باگازاستریل وقشری پنبه، پیچیدن‌آن‌با باند یا پوشاندن‌آن باپارچهٔ تمیز، دادن قرص مسکن درد وفرستادن مصدوم بـــه بیمارستان است.

۲ ـ سرمازدگی: اغلب در حال ضعف شدید، مستی یا خواب دست میدهد، یعنی‌موقعی‌که شخص سرما را حس نکند قسمت‌های لخت بدن مانندگوش، بینی‌و انگشتان بیشتر در معـرض سرمازدگی قرارمی‌گیرد. سرمازدگی سه درجه‌دارد قرمزی، تـاول و مـــرگ همهٔ قشرهای پوست.

کمك‌کننده بـاید ابتدا بدن شخص سرمازده راگرم‌کند، بدین‌منظورمشروب داغ‌ومقداری‌مشروب‌الکلی به‌اوخورانده پاهارا درآب‌گرم میگذارد تـا حرارت بدن تدریجاً بالا رود سپس عضو سرماـ زده را پس ازبرطرف شدن حالت‌خشکی

وسختی ماساژوحرکت میدهد ومعالجات دیگررا به‌عهده پزشك واگذار میکند.

۳ ـ زخم اسید یا قلیا : اسید یا قلیا پوست را می‌سوزاند ومی‌خورد.زخم اسید یا قلیا را باید فوراً باآب پاك به دفعات شستشو داد با مرهم اسیدبوریك پانسمان کردومصدوم‌رانزدپزشك‌فرستاد.

۴ ـ زخم در اثر فرورفتن جسم خارجی در پوست : تراشهٔ چوب ، خرده شیشه‌خاروغیره که به‌پوست فرورودتولید زخم وناراحتی میکند . اگرکمك‌کننده جسم خارجی را به‌بیند می‌تواند پس از مالیدن مرکورکروم‌یا تنتوريد آن را با پنس‌گرفته بیرون بکشد .کندوکاو کردن برای یافتن جسم خارجی وظیفه‌کمك‌کننده نیست . پس از خارج کردن خار ، شیشه ، تراشهٔ چوب وغیره محل آنرامجدداً مرکورکروم‌یاتنتورید مالیده پانسمان میکنند . تراشهٔ چوب کهنه میتواند ناقل میکروب کزاز وقانقاریای‌گازی بوده سبب سرایت آن گردد . برادهٔ فلز درپوست درد شدید دارد واغلب باچشم نمیتوان آنرا دید.

۵ ـ جسم خارجی در چشم : جسم خارجی از قبیل ذرات خاك ، ریزهٔ شن ، دوده ، خاکسترو یا حشرات ریزکه داخل چشم شود سبب تحریك ملتحمه وترشح اشك میگردد . ملتحمهٔ چشم قرمز شده التهاب‌پیدا میکند . در این موارد باید شخص‌را ازمالیدن چشم منع‌کرد چه ممکن‌است این‌عمل باعث فرو رفتن وثابت شدن جسم خارجی در ملتحمه‌گردد . برای‌یافتن وخارج‌کردن جسم خارجی ، پوست پلك زیرین‌را به پایین‌میکشند وباحرکت چشم به‌پایین و بالا محل آنرا یافته با قطعهٔ‌کوچك پنبه سرچوب‌کبریت و یاگوشهٔ پارچهٔ تمیز آنرا برمیدارند. بامرطوب‌کردن پنبه‌یا گوشهٔ پارچه بهترمیتوان جسم‌خارجی‌را دور ساخت . برگرداندن پلك‌فوقانی به‌دوریك‌میله‌چوبی‌یاشیشه‌ای جهت‌یافتن جسم خارجی کارکمك‌کننده‌مجرب است. گاه‌جسم‌خارجی ازقبیل‌برادهٔ فلزوخرده شیشه محکم در ملتحمهٔ چشم جایگیر میشود .کمك‌کننده نباید بافشار آنرا برطرف‌کند ، بلکه چشم را باپارچه‌ای پوشانده مصدوم را نزد پزشك‌میفرستد .

در صورتی‌که اسید یا قلیابه‌چشم پاشیده شود باید فوراً چشم را با آب تمیز نیمه‌گرم آنقدر شست تا اثرسوزش چشم برطرف‌گردد یا اقلاً تضعیف شود . هنگام شستن چشم باید دقت کرد که آب چشم ناخوش‌به‌چشم‌سالم‌نرسد. به‌همین جهت شستشوی چشم را باید از گوشهٔ داخلی شروع‌کرد .

۶ ـ جسم خارجی در بینی،گوش وحلق : در صورتیکه جسم خارجی در سوراخ‌بینی ،گوش یاحلق‌رفته باشدکمك کننده نباید اقدامی‌جهت خارج ساختن آن بعمل‌آورد. زیرا دستمالی وکندوکاو در حفره‌های مذکور موجب زیانهای دیگری میگردد . آسیب دیده را باید هرچه زودتر نزدپزشك فرستاد تا با ابزارهای مخصوص جسم خارجی بیرون آورده شود .

ب ـ پیچ خوردگی ، دررفتگی و شکستگی

۱ ـ پیچ خوردگی : بیشتر در مفصل مچ‌پا ، مچ دست و آرنج پس از یك‌حرکت شدید ازقبیل‌پرش ، فرورفتن پا در سوراخ ،گیرکردن پا در رکاب، پیچ دادن دست و غیره عارض می‌شود . پیچ خوردگی رباطهای مفصلی وکپسول آن ،کشش پیداکرده یا پاره میشودکه اغلب با خونریزی توأم است ، پوست اطراف مفصل به‌علت خونریزی‌کبود و حرکات مفصل محدود میگردد و درد شدید است . در پیچ‌خوردگی ساده‌بدون خونریزی‌وتورم‌پیچیدن باندکشداربدور مفصل پیچ خورده موجب بیحرکت نگاهداشتن آن وتسکین درد میشود. در صورت تورم ،کمپرس مرطوب میکنند و آنرا درآتل بیحرکت نگاهمیدارند . معاینهٔ پزشك ضروری است تا تشخیص زیانهای دیگرداده شود .

۲ ـ دررفتگی : در صورتی است که در اثرضربه یاسقوط،دوسر استخوان در مفصل ، اتصال طبیعی خودرا ازدست داده ازهم در رود . دررفتگی اغلب با پارگی رباطها وکپسول مفصل توأم است مفصل دررفته ازهم باز میماند و تغییر شکل میدهدکه بامقایسه مفصل سالم ، تشخیص آن‌آسان است . دررفتگی بیش، ازهمه درمفصل شانه ، آرنج وشست‌دست عارض میشود .کمك‌کننده بایدمفصل را باپارچه سه‌گوش ، آتل و غیره بیحرکت نگاهدارد و مصدوم را فوراً به پزشك برساند . اونباید مفصل در رفته را جا اندازد ویا جا انداختن آنرا آزمایش کند .

۳ ـ شکستگی استخوان : درنتیجهٔ سقوط یاضربه عارض میشود وعلایم آن درد، ورم ، خونریزی اطراف شکستگی، حرکات‌غیرعادی وتغییرشکل عضوشکسته است . اگرعلاوه برشکستگی استخوان، پوست وگوشت نیز زخمی وپاره شود و سراستخوان شکسته در زخم‌نمایان ویا ازآن خارج‌گردد شکستگی باز است . شکستگی استخوان ، بدون زخمی شدن پوست ، شکستگی بسته نام دارد . در صورت شکستگی باز کمك‌کننده اطراف زخم را تمیزکرده آنرا پانسمان‌میکند سپس بااحتیاط عضو شکسته را درآتل گذاشته بی‌حرکت نگاه‌میدارد ،کمك کننده‌باید ازهرگونه‌سعی درجاانداختن استخوان شکسته اجتناب ورزد ومصدوم را پس از بیحرکت نگاهداشتن عضو شکسته فوراً به پزشك یا بیمارستان برساند .

۴ـشکستگی‌استخوانهای‌بلند: میتواند بازیا بسته‌باشد،آتل‌یا تخته‌شکسته بندی ، یك‌قطعه‌تخته بشکل‌مستطیل‌وبه‌اندازه‌های مختلف‌است که‌درمواقع‌شکستگی‌استخوان‌ـ های‌بلندجهت‌بیحرکت‌نگاهداشتن عضوبکار میرود. بزرگی‌آتل‌بایدبه‌اندازه‌ای‌باشدکه مفاصل دوطرف استخوان شکسته را در برگیرد ، قبلا آتل را با قشری پنبه پوشانده آنرابانداپیچ میکنند سپس‌عضو مصدوم را روی آتل‌گذارده فضای خالی بین‌آن دورابا پنبه پرکرده باکمك‌شخص ثالثی‌به‌وسیله باند یاپارچه ، عضوشکسته رامحکم‌به‌آتل می‌بندندبه‌قسمی که‌مصدوم احساس درد نکند. بوسیلهٔ چتر ، عصا یاپتوی‌لوله‌کرده نیزمیتوان اندام‌شکسته راموقتاً بیحرکت نگاهداشت ومصدوم‌را به‌بیمارستان فرستاد .

۵ـشکستگی‌دنده: موجب‌دردشدید هنگام تنفس‌عمیق ، سرفه وعطسه‌میشود. دور تادور سینه‌را باید محکم‌با باند یا پارچه‌ای بست تاحرکات تنفسی دنده‌ها محدود گردد ودرد تسکین یابد . هنگام حمل باید مصدوم را روی دندهٔ ضربه خورده خواباند .

۶ـشکستگی‌استخوان‌چنبر: دراین

شکستگی شانه پایین می‌افتد بهمین جهت زیــر بغل سمت شکسته یك گلولــه پنبه میگذارند تاشانه بالا نگاهداشته شود و به‌محل‌شکستگی کشش وارد نیاید و درد نگیرد. سپس ساعدرا درآرنج خم‌نموده آنرا به سینه متصل میکنند و با بــاند یا پارچه‌سه‌گوش بیحرکت نگاه‌میدارند ومصدوم را نزدپزشك میبرند .

۷ـ شکستگی جمجمه: درنتیجهٔ‌سقوط یا ضربه است. علایم آن تهوع، استفراغ، وبیهوشی است و ضربان نبض ضعیف و آهسته میگردد . در شکستگی قــاعدهٔ جمجمه مقداری خون ازگوش ، دهان‌یا بینی‌جاری میشود .

شکستگی جمجمه باتکان مغزهمراه است لذا چنین‌مصدومی را بایدبااحتیاط زیاد جابجاکرده به‌بیمارستان فرستاد . سربایدهمیشه به‌یك‌سمت مایل‌باشد تــا استفراغ وارد مجاری تنفس نشود و مصدوم را خفه‌نکند .

۸ـ شکستگی‌ستون‌فقرات : در صورت سقوط یاضربهٔ شدیدبه‌کمرعارض‌میشود و ممکن است نخاع نیززخمی شود وبه‌آن فشار وارد آید ویــا قطع‌گرددکــه در صورت اخیر پاها فلج میشوند . مصدوم مشکوك به‌شکستگی ستون‌فقرات‌رانباید بلندکرد و نشاند بلکه بدون هیچگونه تغییر وضعی باید اورا روی تخت‌روان‌یا لنگه درگذارده به بیمارستان رساند .

ج ـ خونریزی

۱ ـ خونریزی شریانی : خون ـ ریزی ازشریان‌که دراثر زخمی‌شدن آن به‌وسیله‌چاقو، گلوله‌وغیره عارض میگردد به‌رنگ‌قرمزروشن بوده وجهش دارد و با ضربان‌قلب‌کم وزیاد میگردد . برای بندآوردن خون شریانی ، مسیرشریــان زخمی شده‌را قدری بالاتر ازمحل زخم به‌طرف قلب باشریان‌بندلاستیکی یا بــا انگشتان دست میفشارند . این فشار در نقاط بخصوصی‌که شریان سطحی ومجاور استخوان است وبهتر میتوان آنرا بــه استخوان فشارداد به‌عمل میآید . اگــر خونریزی ازناحیهٔ سرو بالای چشم‌باشد فشار وارده بایدروی شریــان شقیقه در ناحیه‌شقیقه‌انجام‌گیرد. چنانچه‌خونریزی درصورت‌باشد شریان صورت رادرجلوی زاویه فك فشار میدهند . در خونریزی ناحیهٔ‌گردن فشار وارد باید روی‌گردن کنار نای بــاشد . درخونریزی شانه و بالای بازو ، به‌انتهای خارجی‌استخوان چنبر، چسبیده به‌اولین‌دنده فشارمیدهند درخونریزی قسمت پایین بازو ، ساعدیا دست باید شریان بازورا درقسمت وسط بازو فشار داد .

در مورد خونریزی‌ران ، ساق‌پا و پا ، شریان رانی را در کشالهٔ ران زیر لگن‌خاصره فشار میدهند .

درخونریزی دست وپا ، فشار بــا شریان بند لاستیکی عملی‌تــر است در خونریزیهای قسمت‌های سروگردن فقط فشار باانگشتان میتواند ازخــونریزی جلوگیری‌کند .

پس ازبستن شریان بند وبندآمدن خون ، زخم را پانسمان‌کرده و هرچه زودتر مصدوم را به‌پزشك و بیمارستان میرسانند اگرشریان‌بندلاستیکی محکم نباشد وفقط جریان وریدهای سطحی را سدکند رنگ پوست انــدام‌کبود میشود شریان بندرا بایدبه‌اندازه‌ای محکم‌کرد که شریان فشرده شود وجریان خون‌بند آمده رنگ پوست انــدام سفیدگردد و نبض دیگر حس نشود. مدت فشارنباید ازدوساعت تجاوزکند . اگربیش ازاین مدت‌ادامه‌فشارضروری باشدبایدشریان‌ـ بندرا برای مدت کوتاهی سست‌کرد و مجدداً آن‌را محکم‌نمود .

اگربه‌شریان بندلاستیکی دسترسی نبود میتوان یك‌پارچه‌سه‌گوش یادستمالی را دوباربه‌دورعضو پیچید وآنرا محکم گره زد وقطعه چوب‌کوچك یاکلیدی را لای‌گره قرار داد وچندبار آنراپیچاند تــافشار بیشتری به‌شریان واردآیــد و خونریزی قطع‌گردد . پیچیدن نخ نازك یــا سیم به دور عضو خطر سیاه شدن و غانقرایای انتهای عضو را دارد .کمك کننده باید برای اطلاع پزشك دقیقه و ساعت فشار به‌شریان را روی یك ورقه نوشته‌آنرا به‌شریان بند با چسب متصل کند .

۲ ـ خونریزی وریدی : در صورتی است‌که ورید زخمی شود خون‌ـ ریزی‌زخمهای سطحی اغلب‌وریدی‌است، خونریزی ازدگمه‌های زخم شده بواسیر ویــا واریس زخمی شده نیز خونریزی وریدی‌است. خون‌وریدی‌قرمز تیره‌رنگ است‌وبایك جریان دایم امااملایم اززخم تراوش میکند . پانسمان ضخیم باگازو پنبه زیادوفشار مستقیم روی‌زخم‌به‌وسیله پیچیدن محکم باند ، خون‌وریدی‌را بند میآورد گذاردن تارعنکبوت روی‌محل خونریزی خطرسرایت‌میکروب وعفونت بیماری‌کزاز را دربردارد وباید ازآن اجتناب‌کرد .

۳ ـ خونریزی اعضای درونی بدن : در خونریزی از سینه خون قرمز روشن‌وکفدار بــاسرفه از دهــان خارج میشود. بیمار بایدنیمه نشسته استراحت کند وپزشك را باید فوراً مطلع‌ساخت.

درخونریزی ازمعده استفراغ‌خون قرمزتیره وسیاه‌رنگ دست میدهد. بیمار را به‌پشت میخوابانند وهیچگونه‌خوراك یا مشروبی به‌او نمیدهند تا پزشك اورا معاینه‌کند .

خونریزی‌داخل‌شکم درنتیجه ضربه کندوشدیدی است‌که‌به‌شکم وارد آید و عضو یا رگی داخل شکم پاره شود ، در اینصورت رنگ مصدوم پریده و سفید ، نبض آهسته وضعیف میگردد وحال‌تهوع واستفراغ دست‌داده و بــالاخره بیهوشی عارض میشود . مصدوم را بایدفوراً بــه بیمارستان فرستاد زیرا فقط عمل فوری میتوانداورا ازمرگ حتمی نجات‌دهد و آن عبارت است‌ازبازکردن شکم ،یافتن محل پارگی وخونریزی ودوختن‌آن .

۴ ـ رعاف یا خون دماغ : در نتیجهٔ انگشت‌کــردن دربینی ، سقوط ، ضربه ، فشارخون ویا بیماریهای خــون است .کمك اولیه برای بندآوردن‌خون فشردن پره‌های بینی بیکدیگر، ریختن آب‌سرد روی سرو پشت‌گردن و کمپرس مرطوب سرد پشت‌گردن‌است واگرخون بند نیاید میتوان تویی‌گاز و پنبه‌آغشته بــه‌محلول ده درصــد آنتی‌پیرین داخل سوراخ بینی فرو کرد . این تویی نباید تنها ازپنبه باشد بلکه پوشش تنزیب‌نیز لازم داردودرصورت ادامه‌خونریزی‌باید به‌پزشك مراجعه‌کرد .

د ـ گرمازدگی ، آفتابزدگی و غرق شدگی

۱ ـ گرمازدگی: درصورتی است که بدن انسان زیاده از حدگرم شود و تعریق وپس دادن‌حرارت‌به‌علت رطوبت زیاد هوا دشوارگردد .

گرمازدگی درمناطق‌گرم ومرطوب

فراوان عارض میشود . اگر حرارت بدن به ۴۳ تا ۴۴ درجه برسد شخص ناگهان بهسرگیجه و تهوع دچار شده بهحال اغماء میافتد و تشنج پیدا میکند، رنگ صورت قرمزآبی ، ضربان قلب بسیار سریع و تنفس سطحی میشود .

۲ ـ آفتابزدگی : درنتیجهٔ تابش مستقیم آفتاب روی سر و پشت گردن است که موجب تحریك پردههای مغز و نخاع میگردد ، ابتدا سردرد و سرگیجه ، بعد حالت اغماء و بیهوشی دست میدهد . بیمار گرمازده ویا آفتابزده را بایدفوراً به محل خنك در هوای آزاد برد ، سر را بالا نگاهداشت ، یقه و دکمههای تنگ البسه را بازکرد و آب سرد روی سر و سینه او پاشید و باپارچهٔ مرطوب سر و سینه اورا مالشداد و قلبرا تقویت کرد .

۳ ـ غرق شدگی : پس از بیرون آوردن غریق از آب ابتدا باید آبیراکه بهمجاری تنفس او داخل شده خارج ساخت کمك کننده غریق را باشکم روی ران و زانوی تاشده خود انداخته، بادست بهپشت اومیزنند . کثافات حلق اورا با پنبهٔ سر پنس پاك میکنند واگرغریق دندان عاریه دارد آنرا ازدهان بیرون آورده سپس تنفس مصنوعی میدهد . وقتی مصدوم به نفس کشیدن افتاد و بهوش آمد اورا در رختخواب گرم خوابانده قهوه ، چایداغ وقدری مشروب الکلی جهت تحریك جریان خون بهاو میدهند.

هـ ـ مسمومیت

مسمومیت علل مختلف دارد . در مسمومیت غذایی ودارویی بیماررا بهوسیلهٔ فروبردن انگشت درحلق یا خارش دادن زبان کوچك با پرمرغ وادار بهاستفراغ میکنند تامواد سمی حتیالامکان ازمعده خارج گردد ومایعات زیاد باومیخورانند تامجدداً استفراغ کند. درمسمومیت گاز، آسیبدیده رافوراً ازاطاقی که گاز درآن جمعشده است بیرون میبرند و در هوای آزاد تنفس مصنوعی میدهند .

و ـ بیهوشی حمله غش و تشنج

۱ ـ بیهوشی سبك یا سنکوپ : (Syncope) درصورتی است که یكمرتبه حالت ضعف عارض شود ، چشمها سیاهی رود و شخص برای مدت کوتاهی بیهوش شود . در حال بیهوشی رنگ میپرد و نبض وتنفس ضعیف و آهسته میگردد . سنکوپ درنتیجهٔ کمخونی مغز ، خستگی وناتوانی بهحد اعلا، خونریزی زیاد ، درد فوقالعاده شدید و یا کمی اکسیژن هوا است . مصدوم را بایدفوراً درهوای آزاد بهپشت خوابانده ، پا ها را بالا نگاهداشت یقه کراوات ودکمههای گردن وسینه وبندکمررا بازکرد ، پنبه آغشته به آمونیاك یاادوکلن جلوی بینی آسیبدیده نگاهداشت وآبسرد بهسینه وصورت او پاشیده ودست وپایاورا باکیسهٔ زبر یاماهوت پاك کن مالشداد . هیچگونه مشروبی درحالت بیهوشی نباید دردهان بیمار ریخت ، پسازبهوش آمدن قطرهٔ تقویت قلب برای تحریك جریان خون مفید است .

۲ ـ بیهوشی سنگین یا کوما (Coma) : مانندحالت سنکوپ است و دارای همان علایم میباشد فقط حالت بیهوشی عمیقتر ومدت آن طولانیتر است. کوما درائر سکتهمغزی ، آفتابزدگی ، گرمازدگی ، مسمومیت ، ازدیادقندخون وازدیاد اورهخون عارض میگردد . در کوما، نبض بهاندازهای ضعیف میشود که بهزحمت میتوان آنرا حس کرد . تنفس خیلی سطحی وحتیگاهگاه قطع میشود. فوراً باید بهپزشك مراجعه کرد ودر صورت قطع تنفس ، تنفس مصنوعیداد .

۳ ـ حملهٔ غش و تشنج : در صورتی است که بیمارناگهان بیهوششده تمام عضلات بدنش تشنج پیداکند،حمله غش بردونوع است : حمله صرع وحمله هیستری . حملات تشنجی صرع قویتر و شدیدتر است .

حملهٔ صرع : در حملهٔ صرع بیمار ناگهان فریاد زده ، بیهوششده بهزمین میافتد ، دستوپا وتمام بدندرحال تشنج دارای حرکات قوی وشدید است . دهان کفمیکندو کف دهان خونی است . زیرا بیمار درحال تشنج زبان خودرا گاز میگیرد ومردمك چشم درمقابل نور واکنش نشان نمیدهد. بیمار مبتلابهحملهٔ صرعرا باید بهپشتخوابانده اورامحکم نگاهداشت ومراقبت کردکهبهخود زیانی نرساند . معمولا ازحمله صرع نمیتوان جلوگیری بعمل آورد یاحملهرا زودتراز موقعقطع کرد . بهمین جهت باز کردن مشت بیمار و بیرون کشیدن شست ، کار بیهوده وزیانآوری استزیرا فشارزیاد بهانگشتان برای باز کردن مشت سبب شکستگی یادررفتگی انگشتانمیگردد. اگرکمك کننده ازابتدای شروع حملهٔ صرع حضورداشته باشد میتواند سعیکند یكدستمال یاکهنه بین دندانهای بیمار بگذارد تا بیمار زبانخودرا گازنگیرد. پس ازچندد قیقه ازشدت حملهصرع کاسته میشود ، بیمار آرام میگیرد و چشمان خودرا بازمیکند ، اوازجریان حمله و چگونگیشروع آنچیزی بهخاطر نمیآورد وخودرا خستهوکوفتهحس میکند . بیمار را پس ازبهوش آمدن بایدنزد پزشك یا بهخانهخودراهنمایی کرد .

حمله هیستری : اکثراً پس از ناملایمات روحی و عصبانیت عارض میگردد بیمار ازابتدای شروع حمله ، خودرا آهستهبهزمین میاندازدبقسمیکه زخمینگردد ، سپس باهیجان دست وپا میزند و عضلات خودرا شدیداً منقبض میکند . هنگام حملهٔهیستری ، هوش و حواس کاملاازبین نمیرود و مردمك چشم درمقابل نورواکنش نشانمیدهد . مدت حملهٔ هیستری بیش ازحملهٔ صرع است. پس ازختم حملهٔ هیستری معمولا گریه عارض میشود .

فتق : عبارتازبرآمدگیاست کهدر جدارشکم وکشالهٔ ران بهعلتفشارشدیدی کهدرعضلات ودرنقاط ضعیف آن وارد می شودایجادمیگردد. اگربرآمدگیبتدریج بزرگ شودبایدپزشکی احضارنمایید . تا رسیدن پزشك بیمار رابهپشت خوابانده و زانوهای او راتاکنید و به ناحیهٔ فتق کمپرس سرد بگذارید .

استفراغ : اگرزیاد باشد میتوان باخوراندن یخ ویاتنقیهباآب گرم ازآن جلوگیری نمود ، استفراغ ممکن است علامتآپاندیسیت، انسدادرودهمسمومیت و یاآغاز یكبیماری مسری باشد . اگر استفراغ ادامه پیدا کند حتماً پزشك را احضار نمایید .

قولنج رودهای : اززیادخوردن و یاخوردن موادیکهخوب هضمنشدهحاصل میشود. چند قطرهٔ آسانس نعناع رادرآب گرم ریخته وبهبیماربخورانید وبهپزشك رجوع کنید .

ح ـ گزش مار

گزش بعضی ازانواع مارهااز قبیل

افعی و بعضی‌از مارهای دیگر خطرناك است و بایـد بلافاصله در ضمنی کـه درمان شروع می‌شود هرچه زودتر پزشك نیز احضار گردد .اگردر نزدیکی بیمار سرم‌ضدمارو‌جودداشته‌باشد فوراً جهت تهیهٔ آن‌اقدام و به‌محض‌اینکه‌حاضرشد، تجویز نمایند. بیمار باید به پشت بخوابد ودر حالیکه ریسمانی به‌بالای زخم بسته شده به‌اندازهٔ کافی بپیچانند تاجریان‌خون قطع گردد.ممکن‌است‌از یك دستمال‌ویاحوله نیز استفاده کرد، باید هر۱۵ دقیقه‌یکبار آن رابازنمود وبعداً بایك‌تیغ ویاچاقوی استریل زخم رابطورمتقاطع برید . زخم ایجادشده بـا یدیك سانتیمترطـول ونیم سانتیمترعمق‌داشته‌باشد(برای‌بعضی‌مار-های بزرگ‌باید طول برش۱/۵ سانتیمتر باشد). درصورتی‌که در دهان زخم‌نباشد بادهانتان‌یا اگروسیلهٔ مکیدن دردسترس است‌زخم‌را بمکید . درهرساعت۱۵ دقیقه زخم را همچنان بمکید واینکار راتا۱۵ ساعت‌ادامه‌دهید ، درفاصلهٔ زمانیکه‌زخم رامی‌مکید . پانسمان استریل بایك ضد عفونی‌ملایم بعمل بیاورید.هیچوقت زخم‌را محکم‌نبندید.اگرتورم بیشترشده وبالاتر رفت در این صورت‌کمی بالاتر ریسمان ببندید.دوباره‌برش مجددی بدهید.ضمناً فراموش‌نکنید که‌به‌شخص گزیده‌شده باید مقدار زیادمایعات‌تجویز نمایید .



بیماریها

آب مروارید Cataracte

آب مرواریدعبارت‌است‌از کدرشدن عدسی‌چشم.این‌بیماری میتواندمادرزادی یااکتسابی باشد .آب مروارید اکتسابی ممکن است دراثرضربه‌وآسیبی که‌به‌چشم وارد آمده‌است تولیدشود،در بیماری‌تتانی و بیماری قند نیز آب مـروارید عارض میگردد وهمچنین‌درسن پیری عدسی کم کم کدر وخاکستری رنگ میشود.عدسی کدر وتارمانع دیده‌میشود.موقعیکه‌بیمار فقط روشنایی وتاریکی‌راازیکدیگر تمیز دهد میتوان آب مروارید را عمل کرد .

آسم‌ریه.

دراین بیماری نایژه‌های‌کوچك در اثر تورم مخاط وانقباض‌ناگهانی‌عضلات صاف جدارآن تنگ شده تنگی نفس را موجب‌میگردد . آسم‌یك‌بیماری‌آلرژیك است وعلت بروزحمله‌تنگی‌نفس ، گردهٔ گلها ، استشمام‌بوی‌بعضی‌حیوانات‌وبعضی گلها ، خوردن‌گوشت ماهی توت فرنگی وغیره است .

آمبولی Embolie

در صورتی است‌که قطعه‌ای ازخون بسته‌شده داخل‌گردش‌خون‌گردد ودریك رگ‌گیر کند ومانع رسیدن‌خون‌به‌ناحیه‌و یا عضوی ازبـدن شود .آمبولـی‌همیشه ناگهانی‌است.آمبولی‌شریانهای ریه، مغز و قلب خطرناك است .

برفك Muguet

اغلب نزدیك کـودکان شیرخوار که به‌سوءتغذیه دچاربوده‌وضعیف ونحیف‌اند دیده‌میشودوگاه‌نیزدربزرگسالان که‌قوای آنها به‌علت‌یك‌بیماری‌ممتدتحلیل‌رفته‌است ظاهرمیگردد. برفك به‌شکل‌دانه‌های سفید رنگی است که‌به‌زودی‌به‌تمام مخاط دهان گسترش می‌یابد ،مولد برفك نوعی‌قارچ میباشد .

برونشیت Bronchite

التهاب نای ونایژه‌ها را برونشیت مینامندکه‌یاحاداست ویامزمن. برونشیت میتواند خودیك‌بیماری مستقل‌ویاعارضهٔ بیماری‌گریپ، سیاه سرفه،سرخك وغیره باشد.

بیماری باحس‌خارش وزخم‌درگلوو پشت جناغ‌سینه و سرفه‌های خشك شروع میشود، ازروز سوم وچهارم‌سرفه‌ها نرم و اخلاط‌بلغمی وچرکی‌میگردد .

در برونشیت مزمن سرفه و اخلاط ادامه پیدا میکند وتنگی‌نفس‌بدان‌اضافه میشود.

بواسیر Hemorrhoïde

بواسیر یا خارجی است یا داخلی. اتساع سیاهرگ‌های اطراف مقعد بشکل یك یاچند دگمه‌برجسته‌آبی‌رنگ‌بواسیر خارجی‌نام دارد .

بواسیر داخلی در صورتی است که سیاهرگ‌های‌رودهٔ مستقیم متسع‌گردد‌که هنگام فشاربه‌شکم‌ازمقعد خـارج وبهتر نمایان میشود.

یبوست مزمن، نشستن‌دایم ، چاقی و آبستنی‌مهمترین علل‌پیدایش‌بواسیرهستند.

تراخم Trachone

تراخم،التهاب مزمن ملتحمهٔ چشم، بیماری‌واگیرداری‌است که مولدآن‌نوعی ویروس‌میباشد.این‌بیماری‌بیشتردرمناطق گرمسیردیده‌میشودازعلایم‌مشخص‌تراخم، دانه‌های تراخم میباشدکه‌بیشتر درسطح داخلی پلك فوقانی‌وچین‌فوقانی‌آن پدید میآید . دانه‌ها کم‌کم‌نرم شده محتوی‌آن خارج‌میگردد وخودبه‌نسج التیامی‌تبدیل میشودومجدداً دانه‌های‌تازه‌تولیدمیگردد. التیام دانه‌هاسبب‌انسدادمجاری غده‌اشك و درنتیجه خشـکی‌چشم وآسیب قـرنیه میگردداز‌طرف‌دیگرمژه‌ها به‌قرنیه‌ساییده شده‌آنراتحریك میکند.

سرطان‌رحم.

سرطان رحم‌تومور بدخیم مخاط‌رحم است‌که‌آهسته نمو میکند و پس از مدت بالنسبه‌زیادی‌متاستاز تولیدمینمایدوغالباً زنان۴۵تا ۵۰ ساله‌بدان مبتلامیگردند. علایم‌سرطان رحم‌خونریزی‌نامنظم‌وترشح چرك وخون‌از دهانهٔ رحم‌است‌که‌به مهبل سرازیرشده بوی‌تهوع‌آوری دارد .

سرطان روده .

ایـن سرطان بسیار نـادر است . سرطان روده‌فراخ ورودهٔ مستقیم بیشتر دیده میشود . عـلامت مهم‌سرطان روده تناوب اسهال ویبوست است .

در سرطـان رودهٔ مستقیم،مـدفوع باریك‌شده‌وگاه باخون توأم استوبیمار ضعیف ولاغروکم‌خون میشود.

سرطان ریه.

این‌بیماری اغلب ازنایژه سرچشمه میگیرد . سرطـان ثانـوی ریـه اکثراً متاستاز سرطـان کلیه و پستان است . این‌بیماری بـا تأنی پیشرفت میکند و علامت اولیهٔ آن‌سرفه بااخلاط‌کم است که‌گاه خونی میباشد.کانون سرطانی ریه مـوجب التهاب پـردهٔ جنب‌مجاور آن

میگردد ، ازراه لنف درعقده‌های لنفاوی زیر بغل و گردن وازراه خون در کبد ، کلیه ، استخوان و مغز متاستاز تولید میکند . مهمترین علت تولید سرطان ریه استعمال دخانیات است .

سرطان معده .

این بیماری نسبتاً زیاد دیده میشود، التهاب مزمن مخاط معده زمینه را مساعد میسازد . پولیپ خوش‌خیم معده و زخم مزمن وطولانی ممکن است به سرطان تبدیل گردد . درابتدای بیماری ، شخص مبتلا فقط بی اشتها است ، از ضعف و سستی شکایت دارد ، حس سنگینی درناحیهٔ معده میکند وبعضی اوقات از گوشت متنفر است . سپس علایم کم خونی ، لاغر شدن واستفراغ ظاهر میگردد. مردان دو برابر بیش از زنان به سرطان معده دچار میشوند .

سنکوپ Syncope

هنگام خونریزی ویا کمی اکسیژن هوا ، کم شدن آب بدن بعد از استفراغ واسهال شدید و یا خارج شدن پلاسمای خون درسوختگی ، قوای بدنی ناگهان تقلیل می‌یابد ، پریدگی رنگ وعرق سرد عارض میگردد ، دست وپا یخ میکند نبض سریع وضعیف شده و بیمار به‌حال اغما میافتد اینحالت پس ازاقامت درگرمای شدید نیز دیده شده است.

سنگ ادرار .

سنگ ادرار میتواند درکلیه ، لگنچه حالب ویامثانه تولید گردد وآن در اثر رسوب املاح اورات، اکسالات ویافسفات است التهاب کلیه و مخاط داخلی مجاری ادرار زمینهٔ مساعدی را برای رسوب املاح فراهم میکند .

همین که هستهٔ اولیهٔ سنگ بوجود آمد در اثررسوب املاح بیشتر ، دایم بزرگتر میشود . علایم مشخص سنگ کلیه حملهٔ دردهای قولنجی بسیار شدید است که از کلیه به‌طرف مثانه ، پیشابراه و بیضه ممتد میگردد واغلب بااستفراغ ، کمی ترشح ادرار ویاقطع آن همراه است.

گاهی سنگ کلیه به‌مثانه رانده میشود علایم سنگ مثانه سوزش ودرد هنگام ادرار کردن است .

سنگ صفرا.

سنگ صفرا ترکیبی است ازکلسترین مادهٔ رنگی صفرا وآهک که درکیسهٔ صفرا ومجاری آن رسوب میکند . اغلب تورم والتهاب کیسه صفرا واختلال در سوخت و ساز بعضی مواد در بدن موجب پیدایش سنگ صفرا میگردد . زنان پنج برابر بیش ازمردان به‌این بیماری مبتلا میشوند این بیماری اغلب تولید ناراحتی نمیکند و گاهی ممکن است تعداد زیادی سنگ درکیسه صفرا باشد و هیچگونه عارضه‌ای تولید نکند. اگر سنگ‌ها به‌حرکت درآیند حملهٔ درد شدید قولنجی تولید میگردد که درناحیهٔ کبد شروع و به‌جانب شانه راست کشیده میشود وباحال تهوع و استفراغ همراه است .

سینوزیت حاد Sinusite

التهاب پوشش مخاطی درون سینوس های بینی را سینوزیت گویند عفونت مخاط بینی درزکام حاد ممکن است به‌مخاط درون سینوس‌ها سرایت کند . سینوزیت حاد بالرز و تب شدید ، سردرد . پیشانی درد ودردگونه شروع شده پس از چندروز ترشح چرکی ازبینی جاری میگردد .

سینوزیت مزمن .

در صورتیکه سینوزیت حاد کاملا معالجه نشود ، شکل مزمن پیدا میکند علایم سینوزیت مزمن سردرد مختصر در بعضی ساعات روز و ترشح چرکی متعفن، ازبینی است. هنگام خواب ترشح چرکی بینی به‌حلق سرازیر شده آنرا تحریک میکند موجب خارش گلو ، گرفتگی صدا و سرفه میگردد . التهاب مزمن سینوس تولید پولیپ بینی نیز میکند که روزبه‌روز بزرگترشده راه تنفس بینی را مسدود میسازد .

شوک Choc

شوك ضعف ناگهانی ازهول ، تکان و ضربه است که دراثر اختلال نظم دستگاه عصبی عارض میگردد . ضربهٔ شدید به شکم ، بیضه وگردن که دارای اعصاب فراوان است نیز تولیدشوك میکند. علایم آن شبیه سنکوپ است اما بیمار به‌حال بیهوشی نمیافتد .

واریس Varice

واریس اتساع ورید را میگویند که اکثراً در پا دیده میشود . علل پیدایش واریس پا سستی عضلات ساق‌پا ، ایستادن دایم وآبستنی است. بیمارمبتلا به‌واریس پاهنگام حرکت حس سنگینی، کشش ودرد پا میکنند .

یرقان Ichtére

این بیماری یکی ازعلایم بیماری کبدی است درهرضایعه وزیانی که به‌سلول‌های کبدی برسد ویاانسداد مجاری صفرا، صفرا واردخون میشود وماده رنگی آن بنام بیلیروبین زیر پوست رسوب کرده موجب زردشدن آن میگردد سفیدی چشم نیز زردمیشود وادرار رنگ قهوه‌ای بخود میگیرد وچون صفرا داخل روده نمیشود ویا بسیارکم داخل آن میشود ، رنگ مدفوع سفیداست. یرقان همیشه باخارش شدید پوست همراه میباشد .

یرقان در بیماریهای عفونی نیز عارض میگردد .

بیماریهای ناشی از عمل غدد داخلی

آدیسون Addison

نتیجهٔ فقدان ترشحات قسمت قشری غده فوق کلیوی است وعلت آن اکثراً سل این غده میباشد .علایم بیماری ضعف، ناتوانی وسستی فوق‌العاده است . بیمار زودخسته میشود ، پوست ومخاط رنگ قهوه‌ای پیدا میکند ،بی‌اشتهایی ، حال تهوع واستفراغ عارض میگردد ، فشارخون پایین میآید، جذب ودفع آب بدن مختل میشود ومقدار کلرورسدیوم وقند خون نقصان میبابد .



آکرومگالی Acromégalie

اگرقسمت قدامی غده هیپوفیز پس ازسن بلوغ ورشدکامل بدن به‌تومور نیک‌خیم مبتلاشود انسان به‌بیماری آکرومگالی دچار میشود . ترشح بیش از اندازه هرمون رشد ونمو در بزرگسالان ، سبب بزرگ شدن خارج ازاندازه انتهای اندامها میشود وزبان نیز بزرگ میگردد ومیدان

دید چشم را کم میکند .

بلوغ زودرس.

تومور قسمت قشری غدهٔ فوق کلیوی یعنی ازدیاد هورمون‌های آن در پسران قبل از سن بلوغ موجب میشود که بلوغ پیش افتد ، علایم مردی زودتر از موعد معین ظاهر گردد ، پسر ۷ - ۸ ساله ریش وسبیل درآورد ودستگاه تناسلی او بزرگ شده بکار میافتد .

بلوغ زودرس دختران نیز در نتیجهٔ ازدیاد ترشح قسمت قشری این غده است اما این بلوغ زود رس با تغییر جنسیت و پیدایش آثار وعلایم مردی توأم است .

تتانی Tetanie

در نتیجهٔ فقدان ترشح پارات هورمون است که یا مادرزادی بوده ویا به دنبال یك بیماری عفونی عارض میشود . دراین



بیماری در نتیجهٔ کم شدن یون‌های کالسیم خون ، قلیای خون زیاد میشود و تشنج عضلات دست وپا وگاه عضلات تنفس و حنجره ظاهر میشود . کدر شدن عدسی (آب آوردن چشم) نیز یکی از عوارض تتانی است .

تغییر جنسیت زن Virilisme

اگر به جهاتی قسمت قشری فوق کلیوی ترشح بیشتری نماید ، درزن بالغ صفات زنانگی از بین میرود ، صدا کلفت شده بر چهره زن ریش وسبیل ظاهر میگردد و ازدیاد ترشح آن موجب تغییر جنسیت زن میگردد .

دیابت بیمزه Diabéte insipide

گاه به علت آسیب رسیدن به سر و مجروح شدن غدهٔ هیپوفیز ترشح هورمون آنتی دیورتین نقصان می‌یابد و بیماری دیابت بیمزه عارض میگردد که علایم آن عطش دایم و ادرار زیاد است ، واین بیماری اغلب با نقصان فعالیت دستگاه تناسلی توأم است . وجه مشترك این بیماری بادیابت حقیقی تنها عطش وادرار زیاد است .

رکلینگ هاوزن Recklinghausen

براثر افزایش ترشح غده‌یا غدد وراء درقی عارض شده، مقدار کالسیم وفسفر استخوان نقصان می‌یابد دراین بیماری حفره‌هایی دراستخوان پدید میآید که در آن نسج استخوانی از بین رفته جای آنرا نسج هم بند میگیرد .

سیموند Simmonds

به علت نارسایی قسمت قدامی هیپوفیز وفقدان هورمون‌های مختلف آن پس از سن رشد عارض میشود. علامت این بیماری لاغری مفرط میباشد .

غول پیکری Gigantisme

در نتیجهٔ ازدیاد ترشح قسمت قدامی غده هیپوفیز درسن طفولیت است. دراین



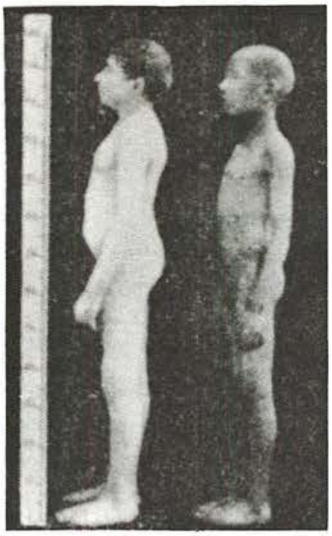
بیماری دستگاه تناسلی رشد نکرده کوچك میماند وگاه برعکس رشد فوق العاده‌ای را نشان میدهد .

فرولیش Frohlich

دراثر فقدان ترشح هورمون جنسی غده هیپوفیز درسنین بلوغ است . اعضای تناسلی کوچك مانده وعلایم ثانوی جنسی ظاهر نمیشود .

کودك نمایی Infantilisme

اگر درسنین کودکی ترشح قسمت قدامی هیپوفیز نقصان یابد رشد قد متوقف



میگردد واعضای تناسلی نیز به حالت کودکی باقی مانده هوش وفعالیت دماغی کم میشود .

کودنی وکوتاه قدی Crétinisme

درصورت فقدان هورمون غده درقی



درسنین کودکی پدید میآید ، رشد کودك متوقف میشود ، استخوان قد نمیکشد و کودك کودن میگردد.

گواتر Goitre

یاغمباد، بزرگی غده درقی (تیرویید) است. درگواتر ساده حجم غده بزرگ اما عمل آن طبیعی بوده و در مقدار ترشح تیروکسین تغییری حاصل نشده است.

درگواتر اکزوفتالمیك غده درقی

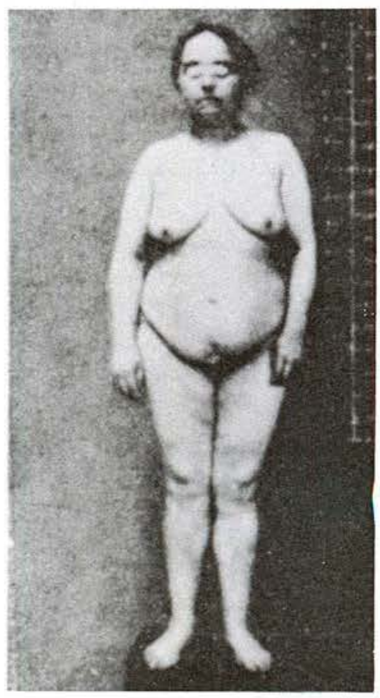
بزرگ وترشح زیاداست ودرنتیجه زیاد
شدناین هورمون تجزیه و احتراق مواد



غذایی درسلول‌های بدن زیاد میشود ، حرارت بدن بالامیرود، عرق زیاد، اسهال، طپش قلب ،عصبانیت ، ناراحتی ، لرزش دستها، بی‌خوابی وریزش موعارض میگردد و بیمارلاغرمیشود.

میکزودم Myxoedéme

در صورتی عارض میشود که درسنین بین ۲۰ و ۶۰ سالگی ترشح غده درقی نقصان



یابد.در این بیماری پوست بدن خشک‌شده پوسته میاندازد صورت پف آلودمیگردد، زبان ضخیم و بزرگ شده ازدهان بیرون میافتد وخمودگی درفکر وحرکات ظاهر میگردد و نبض کند میشود .

بیماری‌های عفونی

بیماری عفونی همیشه بوسیلهٔ میکروب تولید میشود لذامسری و واگیرداراست. میکروب های مولد بیماری عفونی ویروس ها، ریکتزیاها، باکتری‌ها، قارچهای ذره‌بینی و موجودات یك سلولی هستند.

آبله Variole

مولد بیماری نوعی ویروس است. سرایت ازانسان به‌انسان بوسیلهٔ تماس با بیمارو البسه‌او وقطرات ترشح دهان و بینی است.

انسان درهرسنی ممکن است به‌آبله دچارشود. مدت نهفتگی آن ۱۴ روزاست. بیماری باسردرد ، کمردرد و ناراحتی عمومی شروع میشود، ناگهان لرزوتب شدید ظاهرمیگردد وروزسوم لکه‌های قرمزدر پوست ومخاط بیرون میریزد که بزودی برجسته شده تاولهایی راتشکیل میدهد که محتوی آنها ابتدامایع زلال بوده و بعد که‌رو چرکی میگردد وباچرکی شدن تاولها تب بالامیرود. سپس چرك خشك شده دلمه می‌بندد و میافتدوجای دلمه درپوست بشکل فرورفتگی باقی میماند. مدت مراحل مختلف آبله ۵ تا ۶ هفته است .

برای پیشگیری از بیماری، مایه کوبی آبله انجام میگیرد.

آبله مرغان Varicelle

بیماری عفونی بسیار سبك کودکان است، مولد آن یك نوع ویروس بوده وسرایت آن بوسیلهٔ ترشح وقطرات آب دهان میباشد دورهٔ نهفتگی سه هفته وسپس درمخاط دهان حبابهای کوچك پدید میاید بعد تمامی پوست بدن را لکه‌های کوچك قرمزفرا میگیرد که بزودی به‌دانه‌های برآمده به‌بزرگی ته‌سنجاق تاعدس، محتوی مایع زلال تبدیل میگردد مایع زلال پس از یك روز کدر وسپس خشك شده دلمه می‌بندد دلمه‌ها پس از ۲ـ۳ هفته ازپوست سالم جداشده میافتد. آبله‌مرغان بیماری بی‌خطری است ومعالجه لازم ندارد .

آنژین Angine

التهاب و آماس لوزه‌های کامی است. سرماخوردگی زمینه را آماده میسازد . سرایت میکروب به‌وسیله ترشحات دهان بیمارمبتلا به آنژین به‌عمل میاید. درآنژین ساده لوزه‌هاقرمز و متورم است .آنژین چرکی باگلودرد وحس زخم درگلوشروع میشود وکم کم درد رو به‌شدت گذارده عمل بلع دردناك میگردد . بیمارتب میکند و سرددرددارد .لوزه‌ها وقوس‌های آن قرمز و متورم است وروی سطح لوزه‌هاودرفرورفتگی‌های آن نقطه‌های چرکی دیده‌میشود و عقده‌های لنفاوی گلو متورم و دردناك میگردد.

اسهال آمیبی .

مولد بیماری نوعی آمیب است که تولیدالتهاب روده فراخ وزخمهایی درجدار آن مینماید.علایم اسهال آمیبی مانند اسهال باسیلی است فقط رنگ بلغم دراسهال آمیبی قرمز است.

اسهال خونی .

اسهال خونی بردونوع است : یکی اسهال باسیلی ودیگری اسهال آمیبی است .

اسهال باسیلی .

مولد بیماری باسیل است و وسیلهٔ سرایت آن آب و اغذیهٔ آلوده وسبزیجات خام میباشد . این بیماری بیشتردرفصل تابستان دیده میشود. علایم آن سستی، بی اشتهایی، اسهال ودردهای قولنجی شکم است. بیمار احساس زورپیچ در روده مستقیم میکند دفعات اجابت مزاج تا ۳۰ مرتبه بلکه بیشتردرروزمیرسد ودرمدفوع خون و بلغم دیده میشود.در روزهای اول بیماری تب مختصری وجود دارد. بدن بی آب وخشك میگردد وبطورسریع لاغرمیشود .

اسهال باسیلی درصورت درمان پس از ۸ تا ۱۰ روز بهبودی کامل می‌یابد.

التهاب غده بناگوشی Oreillons

بیماری عفونی کودکان وجوانان است پسران بیشتر بدان مبتلامیشوند .مدت نهفتگی آن ۲ـ۳ هفته و علایم بیماری ، آماس دردناك غدهٔ بناگوشی یك طرف وتب میباشد. گاه عارضه ورم بیضه درجوانان بالغ پدید میآید و بیمارعقیم میگردد .معالجهٔ اوریون استراحت و کمپرس گرم غدهٔ متورم است.

انسفالیت همه‌گیر

Encephalite epidemiquè

بیماریی است که جوانان ۲۰ـ۳۰ ساله بیشتر بدان مبتلا میگردند. دراین بیماری هسته‌های خاکستری مغز مورد هجوم ویروس قرارمیگیرد. دورهٔ نهفتگی ۲ تا ۱۰ روز است. بیماری باتب، سردرد، درد پاو کمرشروع میشود، گیجی، اختلال

درعمل عضلات چشم و بینی ظاهر میگردد. علامت مشخصه بیماری انسفالیت میل بهخواب است و بههمین جهت آنرا انسفالیت خوابآور نامیدهاند. پس از اتمام مرحلهٔ حادعوارض مزمن بیماری نمایان میگردد، حرکات بیمار آهسته وسنگین انجام میگیرد سختی وجمود عضلات عارض میگردد اعمال انعکاسی نیز رکود پیدا کرده رعشهٔ دستها و گاه تنه پدید میآید، قدرت فکر وتمرکز بیمار نقصان یافته و زود خسته میشود .

بادسرخ.

میکروب مولد بیماری، استرپتوکوك است که ازیك زخم سطحی و یازخم عمل در نسج زیرجلد داخل شده نمو میکند. دراین بیماری تب و لرز عارض میشود، پوست قرمز و برآمده ودردناك میگردد و حدود قرمزی آن پیشروی میکند .

بیماری خواب .

مولد بیماری بوسیلهٔ نیش پشه تسه تسهٔ ابتدا درخون سپس درمایع نخاع ومغز داخل شده موجب تورم مغز و نخاع وعارضهٔ خواب میگردد. این بیماری مخصوص مناطق حارهٔ افریقا است.

تب راجعه Fievre recurrente

مولد بیماری نوعی اسپیروکت است که توسط شپش و ساس بهانسان سرایت میکند و مدت نهفتگی آن ۵ـ۷ روز میباشد شروع بیماری با تب و لرز، درد کمر و درد پا است. تب ۵ تا ۷ روز ادامه دارد بعد بیمار عرق میکند و تب قطع میشود. پس ازیك هفته تب از نو با شدت کمتری عارض میگردد وممکن است بهفاصله چند روز حملات سوم وچهارم تب آشکار شود.

تب زرد Fievre jaune

بیماری عفونی خطرناکی است که مختص مناطق حاره میباشد ومولد آن ویروسی است که با نیش پشه مخصوصی بهانسان سرایت میکند. علایم بیماری لرز و تب شدید یرقان، استفراغ سیاه، مدفوع خونی، خونریزیهای زیرجلدی وضعف و ناتوانی قلب است .

تب مالت .

بهوسیلهٔ شیر نجوشیده ،کره وپنیر گوسفند و گاو بیمار بهانسان سرایت میکند و مولد آن نوعی باکتری دراز است. از مشخصات این بیماری تب مختصر میباشد که ممکن است ماهها ادامه یابد، بدون اینکه حالت عمومی چندان تغییری نماید، فقط بیمار اغلب از یبوست شدید و دردهای رماتیسمی شکایت دارد، کبد وطحال بزرگ میشود، گاه عوارض بیضه، التهاب ضمیمه بیضه، التهاب وریدو ذات الریه دیده میشود .

تب هفت روزه Dengue

یك بیماری ویروسی است که بهوسیلهٔ نوعی پشه بهانسان سرایت میکند و در نواحی گرمسیر شایع است . پس از لرز و تب ، روزچهارم لکههای شبیه سرخك و مخملك در پوست بیرون میریزد سیر بیماری سبك است وعوارضی ندارد .

جذام Lepre

جذام یك بیماری عفونی مزمن است که درهمه نقاط دنیا کموبیش شیوع دارد میکروب آن شبیه بهمیکروب سل میباشد درشکل جذام گرهی، برآمدگیهای جلدی مانند گره بخصوص درپوست صورت پدید میآید ، موی ابرو میریزد وزکام مزمن عارض میشود .



درشکل دیگر جذام بهنام جذام عصبی ـ لکهها ، تاولها وزخمهای جلدی پدید میآید که بهخوره تبدیل میگردد و انتهای اندامها بدون احساس درد بمرور ازبین میرود . مدت نهفتگی میکروب جذام چندین ماه بلکه چندین سال است. بیمار جذامی معمولا پس از ۱۲ تا ۱۵ سال میمیرد .

حصبه Typhoïde

حصبه بیماری دستگاه لنفاوی لولهٔ هاضمه است که درآن صفحهها وفولیکولـ های لنفاوی جدار روده تورم پیدا کرده زخم میشود . سرایت بیماری بهوسیلهٔ آب، شیر وغذای آلوده بهمیکروب بهعمل میآید. بیماری حصبه باسستی وخستگی ، سردرد استخوان درد و بی اشتهایی شروع میشود، تب کم کم بالا میرود درآخرهفته اول به ۴۱ درجه میرسد و دوهفته درهمین حدود باقی میماند. درهفته چهارم تب کم کم پایین میآید . درمدت شدت تب زبان باردار، قرمز وخشك است و بیمار فاقد هوش و حواس میگردد و کسی را نمیشناسد .

درهفتهٔ دوم لکههای قرمز کمرنگ بهبزرگی دانهٔ برنج گرده یا عدس روی شکم ، سینه وپشت ظاهر میشود .

عوارض حصبه درهفته سوم ، التهاب وچرك گوش میانی، ذات الریه، خونریزی روده وگاه سوراخ شدن روده بهداخل حفره شکم است که موجب التهاب عفونی پردهٔ صفاق گردیده و بسیار خطرناك میباشد .

دیفتری Diphterie

بیماری عفونی و مولد آن باسیلی است که در مخاط حلق ، حنجره ، بینی نشوونما کرده یك غشاء کاذب تولید میکند که مشخص بیماری است . سم این باسیل داخل بدن میگردد و بهویژه بهقلب، گردش خون واعصاب زیانهای سختی میرساند . اغلب کودکان ۱ ـ ۵ ساله بهدیفتری مبتلا میگردند .

دیفتری گلو وحلق با گلو درد ، سردرد ،کوفتگی شروع میشود ، بلعیدن مشکل میگردد و لوزهها که در ابتدا قرمز ومتورم است ازیك غشاء سفید پوشیده میشود .

دردیفتری بینی ترشح خونابه چرکی ازبینی جاری است .

دردیفتری حنجره (خناق) علایم تنگی نفس و گرفتن صدا ظاهر میشود غشاء کاذب شکاف صوت را تنگ و گاه آنرا مسدود ساخته سبب خفگی میشود .

روماتیسم.

التهاب و آماس مفاصل وعضلات همراه بادرد را روماتیسم مینامند که هم بهشکل حاد وهم بهشکل مزمن میتواند پدید آید. علت ظاهری روماتیسم تأثیر رطوبت وسرما است اما علت حقیقی آن نفوذ سم میکروب استرپتوکوك ازطریق خون به مفاصل و عضلات میباشد .

روماتیسم حاد اغلب بهدنبال گلودرد ویازکام آشکار میشود . علایم روماتیسم حاد

عبارت است از دردشدید مفصل ، قرمزی وآماس آن توأم با تب درحـدود ۵ر۳۹ درجه . بیمار مفصل دردنـاك را خمیده نگاه‌میدارد مفاصل یکی پس‌از دیگری مبتلا میشوندو به‌همین‌علت است که ایـن بیماری راروماتیسم نامیده‌اند .

مهمترین‌عارضهٔ‌روماتیسم‌حادالتهاب و آماس غشاء درونی قلب است که‌ضایعهٔ دریچه‌های قلب‌را به‌دنبال‌خواهدداشت.

در روماتیسم‌مزمن بیشتر مفاصل قرینه بدان دچـار میشونـد ، درد و محدودیت حرکات مفصلی به‌تدریج زیـاد میگردد . تب بسیار جزیی است‌وگـاه اساساً وجودندارد ومفاصل بمرور زمان سخت و خشك شده غضروف‌های مفصلی روبزوال میروند .

سرخجه Rubèole

مولد سرخجه یك‌نوع ویروس است سرایت ازطریق هوا ویامستقیم ازانسان به‌انسان‌صورت میگیرد دورهٔ‌نهفتگی‌آن ۲ ـ ۳ هفته است.

سرخجه تب‌مختصر دارد وبـا نزله بینی وحلق‌شروع میشود رنگ‌لکه‌هـا زودمیپرد . بیماری سرخجه بسیارسبك است وهیچگونه‌عوارضی ایجاد نمیکند .

سرخك Rougeole

مولد بیماری‌سرخك یك‌نوع‌ویروس است که محل نمو و تکثیرآن ازاول تـا آخردورهٔ بیماری درمخاط بینی و حلق و ترشحات‌آن‌میباشد . تقریباًهمهٔ‌کودکان به‌این بیماری مبتلا میشوند . کودك‌شیر-خوار تاماه ششم از این بیماری مصون است .

دورهٔ نهفتگی‌میکروب سرخك، ده روز است پس‌ازآن مخاط بینی ، حلق و مـلتحمهٔ چشم التهاب پیدا کرده زکام ، سرفه،قرمزی چشم و ریزش اشك عارض میشود.صورت برافروخته وتب درحدود ۳۹ درجه ۳ تا۴ روز ادامه دارد . روز دوم بیماری دانه‌های سفید کوچك در مخاط گونه‌ظاهر میگردد.دانه‌های‌جلدی به‌شکل لکه‌های‌قرمزگردوکمی برجسته روزچهارم وپنجم بیماری‌بیرون میریزد. پس از گذشت ۵روز رنگ لکه‌هـا کمی می‌پرد به‌قهوه‌ای متمایل میشود و پوسته ریزی شروع میگردد .

عوارض سرخك بیشتر به‌علت‌عفونت ثانوی است که بدان اضافه میشود .

سل .

میکروب سل‌بیش ازهمه ازراه هوا داخل‌بدن شده ریه را مبتلا میکند .پس از ریـه استخوانهـا ومفاصل میباشند . کودکان بیشتر ازجوانان به‌سل‌استخوان‌و مفصل دچار میشوند ، روده ، پردهٔ‌جنب پرده صفاق ، عنبیه چشم ، ضمیمه بیضه وپوست نیزمیتوانند به‌سل‌دچارشوند .

سیاه زخم Charbon

مولدبیماری باسیل مخصوصی است که‌به‌واسطه تماس مستقیم باپشم و پوست گاو و گوسفند مبتلا ، به‌انسان سرایـت میکند . دورهٔ نهفتگی بیماری ۲ ـ ۳ روز است و محل دخول میکروب مانند جای گزیدگی ساس ظاهر میشود . این لکه‌به‌زودی‌بزرگ‌وبرجسته شده‌وسط‌آن سیاه و سخت می‌گردد ، درد نـدارد و اطراف آنرا هالهٔ‌قرمز ومتورمی‌احاطه میکند تب‌شدید واستفراغ ومدفوع‌خونی عارض میگردد پس ازدوهفته نسج‌سیاه و مرده ازنسج سالم پوست‌جداشده‌می‌افتد .

سیاه‌سرفه Coqueluche

این‌بیماری باعلایم زکام‌وبرونشیت شروع می‌شود ، کودك خسته وبی اشتها است. پس ازیکی دوهفته حمله‌های‌شدید سرفه‌های متوالی ظاهرمیگردد . هنگام حملهٔ سرفه‌فروبردن نفس‌به‌سختی‌وباسرو صدااست . حتی لحظه‌ای تنفس بندآمده کودك‌کبود میشود و زبـانش را بیرون میآورد ، زیرا تارهای صوتی ونایژه‌هـا منقبض شـده‌تشنج پیدا میکنند . سپس مقداری بلغم بافشارخارج میشود و یـا استفراغ دست‌میدهد . گاه‌به‌واسطه‌سرفه-های‌شدید ، خونریزی ازبینی و ملتحمهٔ چشم‌عارض میگردد .

بیماری سیاه سرفه ۶ ـ ۱۲ هفته طول میکشد ومصونیت برای تمام عمر باقی‌میماند.استنشاق‌هوای‌آزادواکسیژن هنگام حملات سرفه وداروی مسکن‌مفید است .

شبه حصبه Paratyphoïde

دو نوع بیماری پاراتیفویید وجود دارد: پاراتیفویید A وپاراتیفویید B و میکروب مولد هردوشبیه میکروب‌حصبه است .

حیوانات‌هم‌پاراتیفویید میگیرند و انسان باخوردن شیر وگوشت نپخته آن حیوان‌ویاآشامیدن‌آب‌آلوده بدان‌دچار میگردد .

در پـاراتیفویید A؛ تب، سردرد ، کمردرد التهاب گلو وحلق وملتحمهٔ‌چشم عارض می‌شود وروز پنجم وششم لکه‌های سرخ‌درپشت وشکم بیرون میریزد .

درپاراتیفویید B؛ تب با دلدرد ، اسهال متعفن مخلوط بابلغم وخون،تهوع واستفراغ توأم است . تب در هـردو پاراتیفویید تـا۳۹درجه میرسد و اغلب تبخال هم‌بیرون میزند .

طاعون Peste

میکروب مـولد بیماری از طریق پوست یامخاطداخل‌بدن‌شده ازراه‌مجاری لنفاوی به‌عقده‌های لنفاوی رسیده‌موجب التهاب وتورم آنها میگردد و طاعون



خیارکی‌تولید می‌نمایدکه باتب شدید و حالت عمومی بسیار بـد تـوأم است . عقده‌های‌لنفاوی‌کشالهٔ‌ران بیش ازدیگر عقده‌های بدن دچار طـاعون می‌شوند . عقده‌های متورم بی‌اندازه بزرگ شده و بسیار دردناك است .

طاعون‌ریوی نتیجهٔ انتشارمیکروب ازعقده‌های طاعونی‌به‌ریه‌است‌که روزدوم وسوم حالت اغماء دست میدهد و بیمار تلف میشود .

فلج نخاعی‌کودکان Poliomyélite

یك‌بیماری عفونی است‌که بیشتردر کودکان دیـده میشود . عـامل بیماری ویروسی است‌که ازطریق مخاط مجاری فوقانی تنفس‌داخل‌بدن‌گردیده درامتداد اعصاب به‌نخاع رسیده‌به‌سلول های عصبی حرکت درستونهای قدامی سر تـاسری نخاع زیان میرساند . سرایت بیماری به وسیلهٔ قطرات ترشح بینی‌وحلق بیمار و

یاافراد سالم ناقل ویروس است .
فلج نخاعی کودکان باتب ، التهاب مجاری فوقانی تنفس واختلال جهازهاضمه شروع و به زودی علایم التهاب پرده‌های مغز باسردرد ، درد عضلات دست و پا ، سختی عضلات گردن ظاهر میشود و پس از چندروز فلج پدید میآید و بیشتر فلج در پاها عارض میگردد .
فلج کودکان معالجهٔ قطعی ندارد با معالجات فیزیکی ازقبیل ماساژ، حرارت و حمام بهبود مییابد .

کزاز Tetanos

میکروب مولد بیماری در خاک کود وکثافات یافت میشود و در زخم بدن



داخل شده تکثیر مییابد وسم آن درامتداد اعصاب به مراکز نخاعی ومغزی میرسد . علایم اولیهٔ بیماری کزاز ناراحتی و بی‌خوابی است . به‌زودی عضلات فك وزبان تشنج پیدا میکند و بیمار قدرت باز کردن دهان را برای حرف‌زدن نداشته جویدن غیرممکن می گردد. سپس عضلات فك وزبان ، صورت ، گردن ، ساعد ، دست و پا و بالاخره کمر نیزمتشنج میشود تشنج عضلات صورت سبب پیدایش قیافه خندان بنام لبخندکزازی و تشنج عضلات کمر موجب خمیدگی آن به‌جلو میگردد. کوچکترین صدا موجب بروز تشنج عمومی می‌شود . تب درحدود ۳۸ درجه است . بیماری کزازازچند روز تاچند هفته طول میکشد و بالاخره سبب مرگ بیمار می‌شود .

گریپ Grippe

یاآنفلوانزا بیماری همه گیر ومولد آن نوعی ویروس است . سرایت به‌وسیلهٔ ترشحات دهان و بینی انجام میگیرد .نوع خفیف آن باتب زکام ، التهاب حلق و مجاری تنفس وملتحمه چشم ، دردکمر ومفاصل شروع می‌شود ؛ پس‌ازچند روز صدا میگیرد ، سرفه‌عارض میشود وگاه نیزعوارض‌معده وروده توأم‌بااستفراغ و اسهال‌ظاهر میگردد .
درنوع شدید عارضهٔ سینه پهلو و ناتوانی قلب درعرض چندروز بیمار را ازپای درمیآورد .

مالاریا Malaria

یاتب نوبه که مولدآن جانور تك سلولی است و ناقل آن به انسان پشهٔ آنوفل ماده میباشد جانور تك‌سلولی هماتوزوئر نامیده‌میشود که بر سه نوع است .

بیماری‌مالاریا درهرنوع خودبالرز شروع میشود ، تب‌به۴۱ درجه میرسد که مدت آن ۴ تا ۸ ساعت است . سپس بیمار عرق میکند .گاه هنگام تب حال اغماءبه بیمار دست میدهد .کم‌خونی و ناتوانی قلب نیزازعوارض مالاریااست، طحال درمالاریایی‌بزرگ میشود . در مالاریای مناطق گرمسیر وحاره مقدار زیادی گلبول قرمز ازهم متلاشی وتجزیه می‌شود وهموگلوبین آن با ادرار خارج گردیده رنگ آنرا تیره و سیاه میکند

محرقه Typhus exanthèmatique

بیماری خطرناکی است که در ایام جنگ ودوران فقرو فلاکت وعدم‌رعایت بهداشت‌به‌شکل همه گیر انتشار مییابد . میکروب بیماری به‌وسیلهٔ‌شپش لباس،از یکی‌به‌دیگری سرایت میکند .
پس‌از۱۰ تا۱۴ روز دورهٔ‌نهفتگی، ناگهان؛ باتب، سردرد وکوفتگی‌عارض میشود وحرارت بدن به۴۰ درجه بلکه بیشتر میرسد علایم دیگربیماری ورم ملتحمهٔ چشم ، تهوع استفراغ‌است . روز چهارم تاششم لکه‌های سرخ‌کم‌رنگ به بزرگی ته‌سنجاق تاعدس در شکم ، پشت بازو ، ساعد ، ران و ساق پا بیرون میریزد وطحال‌بزرگ می‌شود . تب‌شدید است وبا التهاب ، ناراحتی ، هذیان ، رؤیاهای کاذب توأم میباشد .
دوره بیماری ۲ تا۴ هفته است .

مخملك Scarlatine

کودکان بیشتر درسنین ۲ تا ۱۰ سالگی به‌مخملك دچار میشوند . سرایت بیماری به‌وسیلهٔ قطرات ترشح دهان و حلق بیمار ویاانسان ناقل میکروب به عمل میآید.
دورهٔ نهفتگی بیماری یك‌هفته است وناگهان لرز ، تب ، استفراغ وگلودرد عارض می‌شود . حلق‌قرمز ، زبان‌باردار است‌وبعد ازیکی‌دوروز دانه‌های مخملك از پوست بیرون میریزد . دانه‌ها به‌رنگ قرمزآتشی ، به‌اندازهٔ ته‌سنجاق ، قدری برجسته ، بسیار متراکم و تقریباً متصل بهم است ، فقط دراطراف دهان و بینی رنگ‌پوست قدری پریده است . درهفتهٔ دوم یاسوم بیماری پوسته ریزی به‌شکل قطعات بزرگ‌شروع میشود .

مشمشه Morve

مولد بیماری نوعی باکتری دراز است‌که ازطریق‌زخم مختصر پوست از اسب‌به‌انسان سرایت‌می‌کند . این‌بیماری باتب شروع ودرمحل دخول میکروب‌در پوست تورم ، قرمزی‌وزخم ظاهرمیگردد وعقده‌های لنفاوی مربوطه نیزتورم‌پیدا می‌کند . بیماری مشمشه موجب بروز آماس‌های التهابی دردناك پوست‌وزخم‌های‌چرکی‌شده‌وروزدهم بثورات درپوست ومخاط‌بخصوص مخاط‌بینی بیرون‌میریزد که به‌تاول‌های چرکی تبدیل می‌گردد . چرك درخون وارد شده و موجب مرگ بیمار میشود .

مننژیت همه‌گیر

Meningite épidemique

بیماری یك‌عفونت چرکی پردهٔ‌نرم شامه مغزونخاع است وسرایت‌بیماری به وسیلهٔ ترشحات بینی‌ودهان بیمارمیباشد. علایم مننژیت‌عبارت‌است ازتب که به۴۱ درجه‌میرسد ، سردرد ، استفراغ و حالت اغما وتشنج عضلات بدن . سر به‌علت انقباض‌وتشنج‌عضلات قفا به‌عقب برمیگردد وکمرکمانی می‌شود . در صورت تمرکز بیماری‌مننژیت درقاعدهٔ‌مغز اعصاب چشم

وگوش فلج می‌شود . مننژیت سلی هنگامی است که میکروب سل به پردهٔ مغز ونخاع برسدکه بسیار خطرناك است .

وبا Choléra

بیماری همه‌گیری است که از راه دهان به‌وسیلهٔ آب آشامیدنی و یـا اغذیهٔ آلوده به‌میکروب ویاتماس با بیمار است وخیلی سریع اشاعه می‌یابد .

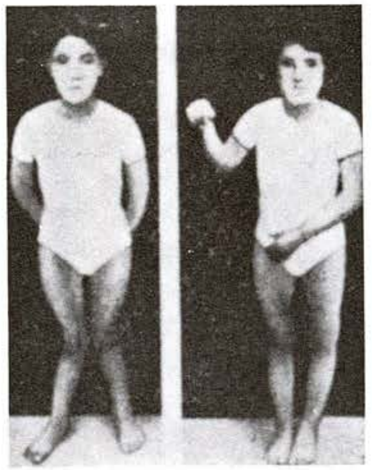
علایم وبا تب ، استفراغ و اسهال شدید است ، دفعات اجابت‌مزاج به‌روزی ۳۰ ـ ۴۰ مرتبه میرسد ومدفوع شبیه آب برنج میگردد . به‌علت کم‌شدن سریع آب بدن؛ بیمار، به‌منتهی درجه لاغر میشود.

هاری Rage

مولد بیماری ویروسی است که بـه وسیلهٔ گازگرفتن سگ ، گربه ،گرگ و روباه ، به‌انسان سرایت مـی‌کند . مدت نهفتگی ۱۲ روزتادوماه است بیماریهای هاری با سردرد وقرمزی وتورم اطراف زخم‌شروع می‌شود . ابتدا یکی دو روز حالت گرفتگی ، افسردگی ،گوشه‌گیری‌و ترس به‌بیمار دست می‌دهد ، سپس‌حالت تحریك ، بـی‌خوابی وتشنج عضلات بلع ظاهر میگردد . تشنج‌عضـلات بلع بـا دیدن آب شدت مییابد . بزاق دهـان بیمار به‌شدت جاری‌است . تشنج کم‌کـم به‌عضلات کمر ودست‌وپا منتقل‌شده‌حالت تحریك روبه‌شدت میگذارد ومـدام در حرکت وجهش بوده‌فریاد میزنند ،حمله میکنند وبالاخره‌فلج کامل و مرگ‌عارض می‌شود .

یرقان عفونی Ictére enfectieux

مولد یرقان عفونی‌نوعی اسپیروکت است که در بدن موش نشوونماکرده با ادرار حیوان داخل‌آب می‌شودوازطریق پوست ویا مخاط به‌انسان سرایت‌میکند. بیماری باتب ولرز ، درد مفاصل و ساق پا شروع‌می‌شود وروز سوم یاچهارم‌یرقان پدید میآید . ویتامین k کمبودپیدامیکند وخونریزی زیرجلدی ، معده ، روده و کلیه عارض میشود .



بیماریهای بی‌ویتامینی

فقدان‌ویتامین A .

موجب بیماری نرمی قرنیه ، شب‌ـ کوری وامراض‌جلدی میگردد وهمچنین ازقدرت مقاومت ودفاع بـدن در مقابل بیماریهای‌عفونی میکاهد .

فقدان‌ویتامین B_1 .

موجب التهاب وتورم اعصاب‌نوریت و بیماری بری‌بری میگردد .

بری‌بری به‌دو شکل خشك وترشح‌ـ دار ظاهر می‌گردد .علایم بری‌بری‌خشك ضعف وسستی عمومی‌ودردهای عصبی‌است در بری‌بری ترسحی فضای جنب ،کیسه قلب ونسج زیرجلدی آب میآورد .

فقدان ویتامین B_2 .

تولید نوعی‌بیماری‌میکند .که‌علایم آن‌التهاب پوست ، اسهال وکودنی است.

فقدان ویتامین B_6 .

موجب ناتوانی ، عصبانیت و بی ـ خوابی می‌شود .

فقدان ویتامین B_{12} .

موجب بروزکم خونی خطرناك و اسپرو میگردد .

اسپرو یکنوع اسهال‌کف‌دار با کم خونی ، آتروفی وسوزش زبان است .

فقدان ویتامین C .

در نوزادانی که‌باشیر جوشیده‌تغذیه می‌شوند سبب بروز بیماری مولربارلـو می‌گردد . دراین بیماری خون ازجدار عروق شعریه به‌خارج نشت میکند و از کلیه‌ها نیز خون ریزش میکند .

فقدان این‌ویتامین در جوانـان و سالمندان، بیماری آسکوربوت‌را بوجود میآوردکه علایم آن‌خستگی ، پریدگـی رنگ ، آماس دست وپا ، زخم لثه ، لق شدن دندانها ، بـوی تعفن از دهان و خونریزی ازلثه وزیرجلد است . سستی وخستگی درفصل بهار وکم شدن قـوای دفاعی بدن درمقابل بیماریهای عفونـی نیز درنتیجه کمبود ویتامین C میباشد .

فقدان ویتامین D .

سبب‌میشودکه‌کالسیوم وفسفردربدن جذب‌نشودوبه‌استخوانها نرسد . کودکان درصورت محرومیت از ویتامین D بـه بیماری نرمی استخوان‌یاراشیتیسم دچار می‌شوند . ودندانها مضرس میگردد .

زنـان بـاردارکـه تمامی ذخیره ویتامین D بدن خودرابه‌جنین می‌دهندبه استئومالاسی‌که‌نرمی‌استخوان‌بزرگسالان است مبتلا میگردند . به مادران باردار ونوزادان‌بایدکلسیوم‌وویتامین D خوراند تاازنرمی‌استخوان‌مادرونوزاد پیشگیری شود .

فقدان ویتامین E .

درزن سبب سقط جنین ونوزادمرده می‌گردد ودرمرد قوه باء راتقلیل‌می‌دهد زیرا نسج‌بیضه‌به‌مرور رو به‌زوال‌میرود .

فقدان‌ویتامین K .

درصورت فقدان این‌ویتامین خون‌ـ ریزی بندنمیآید زیراکبد بدون‌ویتامین K قادربه‌تولیدپروترومبین نیست‌وبدون پروترومبین انعقادخون به‌عمل نمیآید .

بیماریهای تغذیه

آلکاپتونوری Alcaptonurie

در ایـن بیماری بدن قادر نیست بعضی از اسیدهای‌آمینه را تجزیه‌نماید.

استخوان دردازگرسنگی.

در نتیجهٔ محرومیت ازگوشت وشیر مقدارکالسیوم وفسفراستخوانهای‌بدن‌نیز کم‌می‌شود ودردکمر،پشت‌واندامهاعارض می‌گردد . معالجهٔ‌بیماری خوردن‌گوشت شیر وچربی به‌مقدار کافی به‌اضافه روغن ماهی و ویتامین D است .

بادآوردن ازگرسنگی.

نرسیدن‌موادآلبومینی به‌بدن‌موجب می‌گرددکه آب‌خون‌زیرجلد ودر انساج دیگر داخل شده‌بدن بادکند . علایم‌این

بیماری ضعف وناتوانی جسمی و فکری شدید وآب آوردن تمام بدن میباشدعلایم دیگرآن کم خونی ، ضعف نبض ، ادرار زیاد وحالت اسهالی است ومعالجهٔ آن رفع گرسنگی ، خوردن گوشت ، شیر ، مخمرآبجو و ویتامین D میباشد .

بیماری قند Diabete

نتیجهٔ اختلال عمیق ودایمی درسوخت وسازمواد نشاسته است .وراثت واستعداد دوعامل مهم درپیدایش این بیماری میباشد .

انسولین عامل مهم در سوخت وساز مواد قندی است . از علایم بیماری قند تشنگی و گرسنگی زیاد است . بیمار به مقدارزیادآب میآشامد وبه مقدار زیاد ادرار دفع میکند . بیمار دیابتی لاغر می‌شود واغلب به بیماریهای جلدی دچار میگردد . بیماران دیابتی باید مواظب خودباشند که سرما نخورند ، به بیماریهای عفونی دچارنشوند . زخم بیمار مبتلا به مرض قند به سختی التیام پیدا میکند ویك زخم مختصر می‌تواند حتی به فساد منتج گردد .

پورفیری Porphyrie

دراین بیماری ماده‌ای بنام پورفیرین که از تجزیهٔ هموگلوبین حاصل میگردد درخون زیادشده از ادرار خارج میگردد و رنگ ادرارقرمزمایل به سیاه می‌شود .

نقرس Goutte

یك بیماری تغذیه‌ای است که درآن املاح اسیداوریك در مفاصل وغضروفها رسوب می‌کند و موجب ضایعات مفصلی میگردد .

درنقرس درد شدید یکی از مفاصل به خصوص انگشت شست پا و تب عارض می‌گردد . حملهٔ درد اغلب شبها اتفاق می‌افتد. مفصل ورم کرده قرمز ودردناك می‌شود. به مرورزمان پس ازحملات مکرر برآمدگیهایی درمفصل پیدا شده حرکات آنرا محدود میسازد .

بهداشت فردی

بهداشت بطور کلی قسمتی از علم پزشکی است که دربارهٔ چگونگی حفظ سلامتی واجتناب ازبیماریها بحث میکند رعایت بهداشت موجب تندرستی افراد یك جامعه وادامهٔ زندگی سالم آنها ونیز مانع مرگ زودرس می‌شود واز پیدایش وتوسعهٔ بیماریهای واگیر دار وتأثیرات زیان آور محیط درافرادجامعه جلوگیری میکند .

بهداشت یافردی است یا همگانی. دربهداشت فردی اصول بهداشتی ازنظر کار، خوراك، خواب ، تفریح وغیره باید مراعات گردد .

وظیفه بهداشت همگانی در درجهٔ اول پیشگیری بیماریها ودر درجهٔ دوم درمان آنها است . میتوان گفت بهداشت همگانی بدون بهداشت فردی وبهداشت فردی بدون بهداشت همگانی منظور اصلی راکه حفظ سلامتی افراد یك جامعه است تأمین نمی‌کند و این دومکمل یکدیگرند .

بهداشت فردی درجلوگیری از بیماریهای غیر میکروبی اهمیت بسزایی دارد . وبارعایت اصول آن می‌توان از بیماریهای جهاز هاضمه وبیماریهای قند، نقرس ، سنگ کلیه وهمچنین بیماری قلب وتصلب شرایین وروماتیسم جلوگیری به عمل آورد .

۱ ـ خواب

سلولهای قشر خارجی مغز دایم تحت تأثیرات و تحریکات محیط خارج قرار دارند وچون پس از مدتی خسته میشوند بایداستراحت نمایند .

خواب مانع رسیدن تحریك‌های خارج به سلولهای مغزاست . ممانعت از رسیدن تحریك ابتدا دریك ناحیهٔ کوچك مغزصورت عمل به خود میگیرد اما اگر عمل ممانعت ازرسیدن تحریکات به تمامی مراکز وسلولهای قشرخارجی مغزتوسعه یابد انسان بخواب میرود .

باید دانست که حتی درموقع خواب عمیق ، ارتباط مغز بامحیط خارج کاملا قطع نمیگردد . مخصوصاً اگرآن ارتباط مهم وحیاتی باشد مانندناله ضعیف کودك دربیدارکردن مادری که در خواب عمیق است .

پس ازکار فکری یا بدنی شدید خواب عمیق بهترین داروی تجدید قوا است .

خواب آلودگی.

انسان سالم معمولا در عرض چند ثانیه به خواب میرود اگرمدت خواب رفتن طولانی گردد، خستگی رو به شدت گذارده انسان خواب آلود می‌شود وبعد ناگهان حالت ازهم وارفتگی وخواب دست میدهد این جریان یعنی نوسان بین حالت خواب و خواب آلودگی می‌تواند چندین بار تکرارگرددودراین حالت خواب آلودگی است که اندیشه‌های بی سروته بر اساس خطای حس به مغز هجوم می‌آورد که در حالت خواب محومیگردد .

خواب دیدن .

انسان گاه در خواب بقایای وقایع روزانه را خواب می‌بیند وگاه امیال و حتی امیال ناآگاه او در خواب مجسم می‌شود . درصورتیکه خواب سبك باشد جریان خواب دیدن را میتوان به یاد آورد . کسانیکه بامعده پرمی‌خوابند و یا به تب و بیماری قلبی دچارند بیشتر خواب می‌بینند .

علت خواب .

علت خواب در درجهٔ اول خستگی است . بر طرف کردن هرگونه تحریك خارج و تلقین به خود نیز سبب خواب می‌شود .

درخستگی‌های شدید که تمامی قوای بدن مصرف شده باشد انسان فوراً به خواب می‌رودوهیچگونه تحریکی نخواهدتوانست در او واکنشی ایجادکند .

خستگی میتواند آنقدر شدید باشد که بیدار ماندن ممکن نگردد . بیدار نگاهداشتن برای مدت مدید سبب مرگ میشود .

عصبانیت شدید ، معده پروپاهای سرد و گاه آشامیدن قهوه موجب میگرددکه انسان دیر بخواب رود وخواب عمیق نداشته باشد .

خواب سنگین و خواب سبك .

پس از یك خواب سنگین و عمیق خستگی رفع شده وانسان حس آرامش و راحتی میکند . عمق خواب را میتوان با فشار موی زبر خوك به پوست و تولید درد اندازه گرفت ومنحنی خواب رارسم کرد ، نزد اشخاص کم خواب ، خواب یکی دوساعت اول عمیق است سپس سبك می‌گردد و نزد پرخوابها عمیق‌ترین موقع خواب نزدیك صبح است امابه عمق خواب کم خوابها نمی‌رسد .

مدت خواب .

انسان یك ثلث زندگی خودرا در خواب می‌گذراند مقدار خواب شبانه‌روز باسن تغییر میکند :

کودك شیرخوار تاسن یك‌سالگی‌در تمامی مدت ۲۴ ساعت به‌استثنای مواقع شیرخوردن خواب است .

تاسن۲سالگی مدت‌خواب از۱۸ تا ۲۰ ساعت .

ازسن ۲تا۶ سالگی مدت‌خواب از ۱۲تا۱۸ ساعت .

ازسن۷ تا۱۸سالگی مدت‌خواب‌از ۱۰تا۱۲ ساعت .

ازسن ۱۹تا۶۰ سالگی مدت‌خواب از۱۰تا۱۲ ساعت .

و از سن ۶۰ سالگی به‌بالا مدت خواب از۴ تا۶ساعت است.

بیدار شدن و بیدارکردن .

بیدار شدن سریع انجام میگیرد و انسان فوراً پس‌ازبیداری به‌موقعیت‌خود پی میبرد . بعضی اشخاص موقع معین و سرساعت بیدار میشوند . بیدار کردن معمولا با تحریك یکی ازحواس‌به‌عمل میآیدو بعضی‌اوقات‌برعکس‌قطع تحریکات سبب بیداری میگردد . بیدارکردن با تکان دادن شدید یاصدای بلندزیان‌دارد وباید ازآن خودداری‌کرد .

وضع انسان‌درخواب .

انسان دریك خواب ۸ساعته تقریباً ۳۰ تا ۱۰۰ مرتبه وضعیت خودرا تغییر میدهد واین‌طبیعی‌است زیرابدین‌ترتیب هرعضله‌ای چندین‌بارکاملا به‌حال‌آرامش وسستی در میآید . بهترین و سالمترین نوع‌خواب ، به‌خواب رفتن‌سریع وخواب عمیق است. پس ازصرف شام نبایدفوراً خوابید . فاصله ۳ساعت بین‌صرف شام و هنگام خواب‌رابابد مراعات‌کرد .

شام باید مختصر وسبك باشد . از آشامیدنیهای محرك مانند چای و قهوه وهمچنین‌ازقرائت‌نوشته‌های هیجان‌انگیز قبل از خواب باید خودداری‌کرد . در مورد بی خوابی باید به پزشك مراجعه نمود. دراستعمال داروی خواب‌آورنباید زیاده روی کرد و مشروبات الکلی را نباید به‌عنوان‌داروی خواب آور مصرف نمود .

۴ - بهداشت بدن

زندگانی‌دریك شهر بزرگ طوری است که اغلب هفته‌ها میگذرد و انسان قادر نمیشود حتی پنج دقیقه در هوای آزاد تنفس نماید یا در معرض تابش مستقیم‌نورخورشیدقرارگیرد .به‌این‌دلیل شهرنشینان‌احتیاج‌زیادبه‌هوای‌آزادو نور خورشید دارند وبایدبه‌وسیله ورزش عدم حرکت‌خود را جبران کنند . ورزش را باید از دوران‌شیرخوارگی شروع‌کرد ، حتی سالخوردگان نیز احتیاج‌به‌ورزش دارند.

ورزش‌صبح : پس‌ازبیدارشدن‌چند حرکت ورزش سبك مانند خم کردن زانوها ، تاب دادن دست‌ها ، تمرین تنفس عمیق ، خم‌کردن کمر و غیره جمعاً ۳ - ۵دقیقه خستگی را از بدن بیرون میراند و خون را بهتر به‌جریان می‌اندازد . ورزش صبح را نیمه لخت مقابل پنجره باز باید انجام داد .

شست وشوی‌صبح : پس از ورزش صبح تمامی بدن را با آب سرد شست و شو میدهند و کیسه‌زبر به‌بدن‌میکشند تا اعصاب تقویت شود . پوست طراوت پیدا کند و بدن در مقابل گرماوسرما مقاوم گردد .

اگر دوش دردسترس نباشد با لگن آب‌سرد نیزممکن است‌خود را شست‌وشو داد وآب‌لگن راچند مرتبه‌تعویض‌کرد.

ریش‌تراشی : تراشیدن ریش‌با تیغ ممکن‌است‌صورت‌رازخم‌نماید و میکروب در زخم نفوذ کرده موجب بیماریهای جلدی مختلف گرددریش‌تراشهای برقی سالم ترین وسیله ریش تراشی است زیرا احتیاج‌به‌صابون‌ندارد وصورت را زخمی نمی‌کند.

بهداشت دهان و دندان : پس‌از هرخوراك لازم است لای‌دندانها راخلال کرد . با خمیر دندان یا گرد دندان ، دندانها را مسواك زد و دهان را شست. با صرفه ترین گرد دندان جوش شیرین مخلوط با نمك طعام است .

مالش‌مسواك روی‌لثه بایدعمودی از بالا به‌پایین و برعکس در جهت عروق لثه انجام شود تا جریان خون در لثه تقویت گردد . اگر به پاکیزگی دندانها توجه نشود دندانها به‌زودی فاسد شده موجب بروز بیماریهای جهازهاضمه میگردد .

مراقبت موی سر : بروس موی‌سر باید نه خیلی زبر باشد و نه خیلی نرم دندانه‌های شانه‌ٔ سر بایدکند باشد زیرا تیز بودن دندانه‌سبب زخمی شدن پوست سر میگردد . معمولا هفته‌ای یك مرتبه شستن موی سر با صابون‌کافی است . در صورتیکه چربی مو زیاد باشد بیش‌از آن لازم است .ریختن تمامی موی سر و بدن ویا قسمتی‌از آن در اثر مسمومیت تالیوم ، کلمل ، ترکیبات گوگرد و غیره و پس ازبیماری‌های عفونی مانند: حصبه‌وبیماریهای عصبی عارض‌میگردد . ریختن موی سربه تنهایی در نتیجهٔ شورهٔ سر وبیماریهای قارچی است . عوامل نژادی، ارثی ، جنسی (زن ومرد) نیز درریختن موی‌سر تأثیر دارد .

بهداشت چشم : طبیعت‌مراقب‌است که حتی‌المقدور صدمه‌ای به چشم نرسد. اشك چشم مانند دوش آب مدام سطح چشم را شست وشو میدهدو بهم گذاردن پلکهاوا کنش خودبه‌خودی‌دارد درمقابل هرگونه خطرخارجی‌است که‌به‌چشم‌نزدیك شود .

فاصلهٔ دیدچشم‌سالم‌درموقع خواندن، نوشتن و یا کار دقیق۳۰ سانتیمتر است درساعات تاریك روشن‌نباید خواندزیرا چشم خسته میشود . نور روز از سمت چپ بتابد بهتر است .

اشخاصی‌که مادرزاد نزدیك‌بین‌اندفاصلهٔ دور را نمی‌بینند و برای دید در فاصلهٔ دور احتیاج‌به‌عینك مقعردارند. کسانیکه دوربین مادرزادهستند درصورت دید نزدیك به‌عوارضی از قبیل حس فشاردر چشم ، سردرد و دید غیرمشخص دچار میشوند ، عینك‌محدب هنگام‌دید نزدیك عوارض مذکور را برطرف می‌سازد . اشخاص‌مسن قادربه‌عمل‌تطبیق‌عدسی چشم دردید نزدیك نیستند ، این‌قبیل اشخاص برای خواندن و کار دقیق باید عینك محدب به‌چشم بزنند .

بهداشت پوست : پوست‌عضو مهمی است‌وسلامتی بدن بستگی‌زیاد به‌بهداشت آن دارد. شستن روزانه پوست تمام‌بدن موجب بر طرف شدن ترشحات عرق ، چربی وقشر سطحی پوست وازاله ذرات گرد و خاك ومیکروبهای آن میگردد تاخلل و فرج‌پوست بازشوداز نوطراوت وتازگی خود رابه‌دست آورد .

البسهٔ زیررا باید زودبه‌زودتعویض کرد شست وشوی بدن باآب سردومالش باپارچه یاکیسهٔ زبر علاوه برپاکیزگی سبب ازدیاد مقاومت‌بدن‌درمقابل سرماخوردگی و عفونت‌های دیگر میشود .

از تصلب شرایین جلوگیری کرده‌و طراوت‌وتازگی پوست را حفظ میکنند. هفته‌ای‌یك تا دوبار باید‌حمام گرم گرفت‌و تمام بدن رابا آب‌گرم و صابون شست. حمام بر دو نوع است حمام‌دوش حمام وان. حمام‌دوش ارزانترو مناسبتر است ومقدار آب مصرفی‌آن‌برای یکنفر ۳۰ تا ۶۰ لیتر است. حمام‌وان گرانتر تمام میشود زیرا آب‌مصرفی وان ۱۵۰ لیتر می باشد.

شنا دراستخرروباز یاکناردریاجهت عمیق‌کردن تنفس، تسریع‌جریان خون و تقویت عضلات مفید است.

بهترین صابون جهت شستن بدن صابونی است که قلیا واسید آن یکسان و بدون عطر باشد.

بهداشت دست وناخن : دستها را باید قبل از صرف غذا و بعد از اجابت مزاج با آب و صابون شست.

دستهای خیلی چرکین یا دست‌ترك دار را با آب گرم شسته و خشك‌کرده سپس کمی کرم بدان میمالند. ناخن های بلندرا باید چید اما نه‌خیلی‌کوتاه. کثافت زیر ناخن‌را بانوك ناخن پاك‌کن پاك میکنند و پوستهٔ روی ریشهٔ ناخن راعقب میزنند اما آنرا نمی‌چینند. لاك‌ناخن ولاك پاك‌کن ممکن است سبب ترك ناخن‌گردد دراین صورت بایدآنرا تعویض کرد.

بهداشت‌پا .

پاکیزه نگاه داشتن پـا مهم است زیرا پا ازتمامی‌اعضای دیگربدن‌بیشتر عرق می‌کند. پارا بـاید هرروز صبح هنگام شست‌وشو با پارچهٔ زبر و صابون شست. شبهانیزلازم است پارا شست‌وشو داده وخشك‌کرد. کفش باید راحت به پا رود. کفش توری برای پایی‌که زیاد عرق‌میکند مناسب‌تر است. جوراب را باید زودبه‌زودتعویض‌کرد ناخن‌های‌پا را باید زود بەزود چید تـافشار کفش سبب کج ومعوج شدن‌آن نگردد.

همیشه‌کنارناخن چیده شده رابابد باسوهان مخصوص سایید.

۳ ـ بهداشت‌تغذیه

دربهداشت‌تغذیه نه‌فقط نوع ومقدار غذا، بلکه وقت و چگونگی مصرف آن نیزاهمیت‌دارد. مقدار غذایی‌که‌مصرف می‌شود هم باید بدل مایتحلل باشد وهم حرارت‌بدن و نیروی‌لازم کاررا تهیه‌نماید که‌آن‌را باکالری اندازه می‌گیرند‌مقدار کالری لازم برای‌شخصی‌که ۷۰ کیلوگرم وزن دارد در۲۴ساعت بقرار زیراست :

در استراحت‌کامل :
۱۶۰۰ ـ ۱۸۰۰ کالری
کارفکری درحال‌نشستن :
۲۲۰۰ ـ ۲۴۰۰ کالری
کار دستی درحال نشستن:
۲۶۰۰ ـ ۲۸۰۰ کالری
کار عضلاتی سنگین :
۳۰۰۰ ـ ۳۶۰۰ کالری
کار بسیار سنگین :
۴۰۰۰ ـ ۵۰۰۰ کالری

کیفیت مواد غذایی .

درانتخاب نوع غذا باید ارزش آن را ازنظر ساختمانی و از نظر تهیهٔ نیرو وحرارت مورد توجه قرار داد. برای اینکه پروتوپلاسم سلول‌های بدن مرتب تجدید ساختمان‌کند باید موادآلبومینی درغذا موجود باشد. چربی تولید‌کننده نیرو و حرارت است. مواد نشاسته یـا قندی نیز تولید نیرو و حرارت می‌کند و مقدار مصرف آن بستگی به‌مقدارکار بدنی‌دارد.

بدن انسان به مواد معدنی مختلف مـانند کلسیوم، فسفر، سدیـم، کلر، گوگرد، آهن، ید و غیره نیز احتیاج دارد. بالاخره مواد ویتامینی نیز باید درغذا وجود داشته باشد زیرا ویتامین‌ها محرك‌فعل وانفعالات‌حیاتی بدن‌میباشند.

چگونگی نگاهداری غذا : طرق وتدابیر علمی نگاهداری غذا به منظور جلوگیری از فساد و خرابی آن برای مدت معین عبارت است از خشك‌کردن، دوددادن، شورکردن، شیرین کردن، سردکردن، اضافه‌نمودن مواد شیمیایی ونگاهداری غذا درخلاء.

تغذیهٔ سالم : پـر ارزش‌تـرین و سالم‌ترین غذا، غذای‌طبیعی وخـام انسان های اولیه‌است. وهراندازه‌غذای‌مصرفی به غذای طبیعی نزدیکتر بـاشد سالم‌تر است. غذای سالم‌باید مخلوطی از مواد نباتی‌و حیوانی باشدتا تمامی‌موادغذایی لازم به بدن برسد.

غذارا باید خوش طعم تهیه نمود و در ظروف تمیز سرسفره حاضرکرد تابا میل و رغبت تناول شود. غذا را باید خوب‌جویدو به‌آرامی بلعید. در خوردن غذا نباید تعجیل کـرد و هنگام صرف غذاکتاب یاروزنامه خواند، عصبانی‌شد ویاصحبت‌های جدی‌کرد.

تعداد دفعات خوراك در ۲۴ساعت بستگی‌به‌کار، آب وهوا، قدرت‌هضم‌معده ونوع غذا دارد.

زیان‌های تغذیه .

علاوه بر زیانهاییکه از مسمومیت غذایی حاصل می‌شود، پر خوری وکم‌ـ خوری نیز تعادل بین احتیاج و مصرف غذارا بهم‌زده عوارضی ایجاد می‌کند. زیاده روی درصرف مشروبات الکلی و استعمال دخانیات‌زمینه را برای پیدایش بیماریهای‌مختلف‌معدی مساعد مینماید.

نیکوتین، مواد مخدره، مشروبات الکلی : نیکوتین‌مادهٔ‌اصلی برگ توتون است واستعمال آن‌خون را در مغز بهتر و بیشتر به‌جریان‌انداخته موجب حالت سرور و نشاط مـی‌گردد. نیکوتین سم است‌و زیانهای بسیاری‌به‌انسان میرساند با ۳ ـ ۴ میلی‌گرم نیکوتین مـی‌توان یك سگ راکشت. یـك سیگار محتوی ۲ ـ ۸ میلی‌گرم‌نیکوتین‌است، اماقسمتی ازآن می‌سوزد وقسمت‌دیگر بادود‌به‌هوا میرود و فقط یك‌چهارم مقدار نیکوتین سیگارداخل‌بدن می‌شود. استعمال دایم نیکوتین به‌قلب، رگهای خون، جهاز ـ تنفس وجهاز هاضمه زیان‌میرساند.

مطابق آمارتعداد مبتلایان‌به‌سرطان ریه نزد معتادین‌به‌سیگار به‌مراتب بیش ازغیر معتادین‌است. استعمال دخانیات بسیار مضر است وباید باآن جدأمبارزه کرد.

مشروبات الکلی‌که مصرف آنهاروز به‌روز زیادتر می‌شود موجب فلج کردن سلول‌های قشرخارجی مغزمیگردد.

بانوشیدن یك‌گیلاس مشروب‌انسان سست می‌شود ودنیا و اشخاص را باچشم مهربان و دوست داشتنی می‌بیند و اگر مشروب بیشتری نوشیده شود سلول‌های قشر خارجی مغزکم‌کم فلج شده شخص‌به حالت هیجان درآمده خشمناك می‌شود و درعده‌ای دیگر برعکس‌حالت رقت‌انگیز وگریه حادث‌می‌شود ودر صورت‌نوشیدن نوشابهٔ الکلی زیادتر تعادل حرکات‌را از دست داده، خستگی شدید برشخص‌چیره شده‌به‌حالت‌بیهوشی‌می‌افتد ودراین‌حالت دردرا حس نمیکند.

زیاده‌روی‌درمشروبات الکلی‌موجب مسمومیت وامراض خطرناك عصبی ، روانی ،گوارشی وکبدی میگردد .

مواد مخدره ، که مهمترین آنها تریاك و مشتقات مورفین‌وهرویین است . تعداد مبتلایان به‌مواد مخدره بعد از جنگ‌جهانی‌اخیر دایم‌روبه‌ازدیاد است. اصولاً اعتیاد به مواد مخدره ازهر نوع که باشد موجب تحلیل روزافزون قوای بدن ورخوت اعصاب می‌گردد واستقامت وپشتکار را درهم شکسته اراده‌را نابود می‌سازد .

۴ - بهداشت رابطهٔ جنسی

جنس نرینه یامادینه درهمان‌لحظه لقاح وبارور شدن‌تخمك، تعیین‌میگردد.

معمولا کودکان تا سن ۹ سالگی‌در امور جنسی بی‌علاقه ولاقیدند ، اما از سن ۱۰ سالگی‌به‌بعد به‌امورجنسی توجه بیشتر معطوف می‌دارندکه به‌تدریج با احساسات جنسی توأم می‌گردد .

دختران اکثراً در سن ۱۴ سالگی برای اولین‌بار قاعده می‌شوند ودر مورد پسران نیزدرهمین سنین حالت‌انزال‌روی می‌دهد . درسن۱۸ سالگی میل‌به‌نزدیکی کردن وآمیزش جنسی در جوانان پیدا میشود .

هنگام برقراری‌رابطهٔ‌جنسی ، طرز برخورداولیهٔ دخترو‌پسر بایکدیگرتأثیر فراوان درشکل دادن‌به‌نظریات بعدی آنها درامور جنسی‌وبه‌خصوص در امر زناشویی دارد . صداقت و بی‌پرده فاش کردن‌مسایل جنسی به‌پسران و دختران موجب می‌شود که تمایلات جنسی آنها در مجرای صحیح و طبیعی خود هدایت شود .

جوانان هردو جنس‌پس ازسن‌بلوغ به‌جلب تمایل پیدا میکنند و بدین طریق است که‌شهوت جنسی خودرا فرو می‌نشانند .

آمیزش‌جنسی درسنین بلوغ‌خطرات ومشکلاتی نیز در بردارد . مانند خطر سرایت بیماریهای آمیزشی .

ازآمیزش جنسی جوانان‌نمی‌توان‌با منع‌ومحدودیت جلوگیری‌کرد بلکه‌باید باترتیب جنسی صحیح قبل از سن بلوغ به‌وسیله‌پدران،مادران ، مربیان‌وپزشکان ازخطر بیماریهای آمیزشی و از عواقب شوم افراط یا انحراف در امور جنسی جلوگیری‌کرد .

رابطه جنسی درزناشویی .

رابطهٔ‌جنسی درزناشویی نباید فقط برای دفع شهوت یکطرف انجام گیرد ، بلکه باید آمادگی طرف دیگر را شرط رابطهٔ جنسی‌کامل و صحیح دانست و مقدمات این‌آمادگی را قبلافراهم‌کرد.

منحنی تحریك جنسی در مرد بایك‌شیب تند به‌سرعت بالا میرود وپس از مدت کوتاهی ناگهان‌به‌صفرمیرسد ، اما درزن چنین‌نیست . منحنی تحریك جنسی زن‌با تأنی سیرصعودی راطی میکند ومدت‌آن معمولا طولانی‌تر ازمنحنی مرد است.مرد باید به‌این موضوع توجه مخصوص داشته باشدو زن‌را ابتدابانوازش‌های‌گوناگون به‌شوق‌آوردو تحریك‌کندسپس‌تکنیك‌عمل آمیزش رابه‌نوعی بکار بردکه هیجان شهوت هردو همزمان خاتمه‌یابد . پس‌از اطفای‌شهوت،زن به‌ادامهٔ نوازش احتیاج دارد و این نکته‌را همیشه باید در نظر داشت‌طرز رفتارمرد پس‌ازانزال شاخص ونشان‌دهندهٔ میزان علاقهٔ‌او‌به‌زن است و فقط به‌این‌وسیله می‌توان عشق حقیقی را از شهوت‌رانی تمیز داد .

علت ضعف و ناتوانی جنسی مرد و انزال سریع اکثراً بیماری عضوی‌نیست. ملکه بیشتر نتیجهٔ اختلال روانی ، حس تقصیر ونداشتن علاقهٔ حقیقی‌به‌طرف‌خود میباشد . سردی و بی‌حسی زن هنگام آمیزش جنسی نیزممدآن‌است.

رابطهٔ جنسی‌آزاد .

رابطهٔ جنسی‌آزاد گرچه مخالف اصول اجتماع ، اخلاق و وجدان‌است، بیش‌ازرابطهٔ جنسی‌زناشویی رواج‌دارد. این نوع آمیزش بیشتر درشرایط ومحل نامناسب و باناراحتی همراه است و جریان طبیعی آمیزش را مختل‌میسازد.

خودداری ازآمیزش جنسی .

خودداری ازآمیزش جنسی درهیچ سنی زیان‌آور نیست . زنان در ماههای آخر بارداری وهفته‌های‌اول پس‌ازوضع حمل بایستی از عمل‌آمیزش‌جنسی‌خود-داری‌کنند .

انزال‌درخواب مرد مجردهیچگونه ضرر وزیانی‌به‌سلامتی‌او نمیرساند.

پیشگیری ازحاملگی .

پیشگیری از آبستن شدن نه فقط مجاز است بلکه بعضی ممالك آن‌را از نظر اجتماعی‌وتقلیل تعداد نفوس‌تشویق میکنند .

جلوگیری ازآبستن شدن یا توسط مردویا توسط زن ویاهردو به‌عمل‌میآید وسیله‌ای‌که برای جلوگیری بکار میرود باید بسلامتی اعضای بدن‌زیان نرساند .

ساده ترین وسیله،استعمال روکش (کاپوت) درمرد وکلاهك انسدادی در زن است . کلاهك انسدادی از مادهٔ پلاستیکی است و شکل نیمکرهٔ مجوف داردکه‌گلوی رحم را محکم میپوشاند . پزشك مطابق اندازهٔ گلوی رحم‌کلاهك انسدادی مناسب را انتخاب میکند و طریقهٔ استعمال آن‌رابه‌زن‌میآموزد .

وسیلهٔ دیگر پیش‌گیری ، قرص محتوی داروی‌کشندهٔ نطفهٔ مرد است‌که زن قبل ازمقاربت آنرا در عمق مهبل داخل میکند .

خودداری از مقاربت در روزهای معین ، طریقهٔ دیگرپیش‌گیری ازباردار شدن است . تخمك زن معمولا ۱۵ روز پس ازشروع خونریزی قاعدگی از تخمدان‌کنده شده‌به مجرای‌لولهٔ‌شیپوری میرسد وتا ۶۲ ساعت زنده میماندکه آمادهٔ لقاح است . مقاربت در ۳ روز پس ازختم خونریزی قاعدگی ودر۴روز مانده به شروع آن خطرآبستن شدن‌را دربرندارد.

طریقهٔ خودداری ازانزال درمهبل به اعصاب و سلامتی مرد و زن زیان می‌رساندونباید به‌این‌عمل‌مبادرت‌کرد .

داروهای خوراکی روش‌جدیدجلو-گیری ازحاملگی است که اخیراً بسیار شیوع پیدا کرده است . این داروها از هورمون‌های جنسی زن ساخته شده‌که از تخم‌گذاری‌زن‌جلوگیری به‌عمل‌میآورد .

بیست قرص برای مصرف یك ماه کافی است به‌این ترتیب که زن از روز پنجم قاعدگی‌هرروز یك قرص برای مدت۲۰ روزمیخورد وبعد صبرمی‌کند تاقاعدگی بعدی شروع شود و دوباره از روز پنجم قاعدگی شروع بخوردن قرص میکند .

نازا بودن : نازابودن‌می‌تواند علل مختلف‌داشته‌باشد که پزشك‌متخصص پس از معاینهٔ زن‌ومرد به‌علت آن پی‌خواهد برد . اغلب اتفاق افتاده که در چنین مواردی مقاربت در روزهای قابلیت باروری ، زن‌را باردارکرده است .

بارورکردن مصنوعی زن باتزریق

منی یك‌مرد غریبه در رحم که دربعضی ممالك رایج است ، از نظر حقوقی و اصول اخلاقی قابل قبول نیست .

انحرافات جنسی

۱ـهموسکسوالیته Homosexualité

نزدیکی به‌هم جنس به شکل نزدیکی مردان به‌یکدیگر وزنان به‌یکدیگر انحراف جنسی است که علت آن از یك طرف، آمادگی و استعداد فردی ، از طرف دیگر تأثیر عوامل خارجی ومحیط است .

۲ ـ سادیسم Sadisme

لذت و تمتع جنسی ، آمیخته با زجر و شکنجهٔ طرف‌خود میباشد . سادیسم گاهی منتج به‌جنایت‌و آدم کشی‌ودیدن خون در نشئه‌شهوت‌میگردد .

۳ ـ مازوخیسم Masochisme

برعکس سادیسم ، تمتع جنسی در زجر خود شخص است . این منحرفین‌خودرا درمعرض شلاق ، شکنجه‌وتحقیردیگران قرار می‌دهند تا پس‌از زجر و تحقیر مجامعت‌عادی صورت‌گیرد ویاهمان‌زجر سبب انزال شود .

۴ ـ فتی‌شیسم Fetichisme

منظره یکی ازاعضای زن یا لباس، کفش وزینت آلات‌اوایجادنعوذوانزال‌می کند . گاه ممکن است عیب و نقص خلقتی ویا اکتسابی زن ازقبیل ، چشم چپ ، قوز آبله موجب تحریك شهوانی مردگردد.

۵ ـ بستیالیته Bestialité

عمل‌مجامعت باحیوانات‌راگویند .

۵ ـ بهداشت لباس

لباس انسان را ازتأثیرات مختلف محیط ، گرما ، سرما ؛ باد ، باران ، رطوبت اشعهٔ شدید خورشید ، نیش حیوانات وغیره محفوظ‌نگاه می‌دارد و تأثیر فشار وضربه نیز با پوشیدن لباس کمتر میگردد .

پارچه‌های پشمی وخز انسان را از سرما محافظت می‌کند زیرا در رشته‌ها و تاروپود این نوع پارچه‌ها حفره‌های هوا وجود دارد وهوا عایق حرارت‌است چلوار ، پارچه‌کتانی وابریشم مصنوعی بدن‌راگرم نمی‌کند . زیرا فاقد حفره ـ های هوا بین تاروپود است . لباس لاستیکی،روغنی ، برزنتی‌رطوبت‌ناپذیر است وفقط در مواقع بارانی باید آنرا پوشید .

پارچهٔ لباس : پارچهٔ لباس یا از مواد حیوانی ویاازمواد نباتی است .

در سال‌های اخیرپارچه از الیاف مصنوعی یعنی‌ترکیبات شیمیائی مانند: نایلون و پرلون مصرف فراوان پیدا کرده است .

پرلون یك‌ترکیب چند اسیدی‌است وبرسایر الیاف مصنوعی رجحان دارد زیرا قابل‌انعطاف بوده واستحکام‌بیشتری دارد . درجراحی‌نخ پرلون برای‌دوخت و دوز مورد استعمال فراوان دارد . جوراب ولباس‌نایلونی وپرلونی رانباید جوشانند ، آن را باآب سرد و صابون می‌شویند .

رنگ وبرش‌لباس : انتخاب‌رنگ لباس‌باید مناسب بافصل باشد درزمستان لباس تیره‌رنگ‌می‌پوشند تا اشعهٔ‌خورشید و گرمارا به‌خود جذب نماید . البسهٔ روشن اشعهٔ خورشید را منعکس‌می کند . به‌همین‌جهت‌برای فصل تابستان‌مناسب‌تر است .

برش لباس باید طوری باشدکه به هیچ نقطه‌ای ازبدن فشار وارد نیاورد زیرا فشاردایم‌سبب‌تحریك جلدوعوارض دیگر خواهد شد. کرست تنگ به‌اعضای درونی شکم فشار وارد می‌آورد و فشار بند جوراب سبب تراکم خون درورید ـ های پا وپیدایش واریس‌می گردد .

لباس‌ناقل‌میکروب‌است : میکروب مولد بیماری به‌لباس می‌چسبد وبا آن به‌همه‌جا منتقل می‌شودو موجب انتشار بیماری می گردد .میکروب‌حصبه ۲۷ روز روی‌لباس‌زنده‌میماند.میکروب‌مولد چرك ۲۰ روز ، میکروب بادسرخ ۱۸ ساعت ومیکروب وبا تا۳روززنده‌است. میکروب سیاه‌زخم تا یك سال هم روی پارچهٔ کتانی زنده میماند .

نوع لباس : نوع‌لباس‌بایدمتناسب باآب وهوا وشغل‌انتخاب‌شود ونبایدمانع رسیدن هوابه‌پوست‌بدن‌گردد . لباس‌زیر رابا‌ید زودبه‌زود تعویض‌کرد ، لباس‌زیر مبتلایان‌به‌روماتیسم‌بایدپشمی‌باشد. بهترین لباس خواب پیراهن‌گشاد وبلند است . پوشش سر جهت حفظ سراز تغییرات‌جوی و اشعهٔ خورشید است . افرادی که تمام روز برآفتاب‌کارمی‌کنند باید حتماً کلاه لبه‌دار سبك‌به‌سر داشته‌باشند .

کفش باید همیشه راحت به‌پا رود.

بهداشت خانه و مسکن

خانه و مسکن جهت حفاظت انسان از تغییرات جوی‌است ، علاوه بر این محل سکونت نیز میباشد .

مطابق آمار یونسکو در روی‌کرهٔ زمین ۲۸۰ملیون‌نفر بدون مسکن بوده وکولی‌وار زندگی‌میکنند ،۷۱۰ ملیون نفردر کلبه‌ها و ۱۳۰۰ ملیون نفر در خانه‌هاسکونت دارند .

شرایط عمومی مسکن : سکنی گزیدن چندین نفر در یك اطاق محقر خطرات بسیاری‌در بردارد ، بیماریهای سل ، دیفتری ومننژیت به‌وسیله‌ترشحات دهان از یکی‌به‌دیگری سرایت میکند و تنگ هم‌خوابیدن موجب سرایت بیماری های جلدی و مقاربتی میگردد .

آنچه که کمال‌مطلوب است یك‌منزل برای هر خانواده ، یك اطاق برای هر نفر و یك حمام برای هر منزل است .

مسکن‌باید‌خشك ، هوادار ، روشن و پاکیزه باشدبه‌سهولت بتوان آنراگرم کرد و از اطراف آن بوی بد استشمام نشود بی سر و صدا بوده وازخطر آتش سوزی و زمین لرزه مصون باشد .

مسکن مرطوب سبب زیانهایی از قبیل روماتیسم وسرماخوردگی میگردد.

اغذیه در اطاق مرطوب زود فاسد میشود ، حشرات درهوای مرطوب بهتر زیست و نمو میکنند ، اطاق‌مرطوب‌دیر گرم میشودومصرف سوخت بیشتری‌لازم دارد .

شرایط بهداشتی اطاق مسکونی : اطاق مسکونی باید آفتاب‌رو باشد اگر پرده مانع تابش خورشید است باید آن را عقب زدوگلدان را از مقابل پنجره برداشت‌تا آفتاب بیشتری به‌داخل‌بتابد شیشهٔ پنجرهٔ اشعهٔ ماوراء بنفش را بخود جذب میکند .

موقعیکه هوا ملایم است پنجره را باید بازگذاشت واز اشعه‌مستقیم آفتاب استفاده کرد .

اطاق خواب : اطاق خواب باید روشن ، فضادار و بی‌سر صدا باشد ، به‌آسانی تهویه شود و تاریك نمودن‌آن ممکن گردد .

فضا و هوای لازم‌برای هر فردبالغ ۱۶متر مکعب است زیرا یك فرد بالغ در هر ساعت ۳۲ متر مکعب هوا لازم دارد و هوای هر اطاق با وجود بسته

بودن در و پنجره دریك ساعت دو مرتبه تعویض میشود.

تختخواب‌رابايد درمحلی قرار داد که انتهای فوقانی آن به‌دیوار بچسبد و نور آفتاب‌بدان‌بتابد. چسباندن کنار تخت به‌دیوارصحیح‌نیست‌زیرا سرما و رطوبت دیوار زیـان میرسانـد . تختخواب را متصل به پنجره نیز نباید گذاشت چون پنجره اطاق خواب‌را باید هنگام شب‌باز یا نیمه بازنگاهداشت . کف اطاق‌خواب را نباید با قالی و قالیچه مفروش کرد تا بتوان‌آنرا همه‌روزه بدون برپاکردن گرد و خاك تميز نمود .

انبار آذوقه و آشپزخانه : باید به‌سمت شمال‌پنجره‌داشته‌باشد . پنجره‌های انبار و آشپز خانه باید تور سیمی‌داشته باشد تا از ورود مگس جلوگیری بعمل آید . اثاثیهٔ‌آشپزخانه ، محل ظرفشویی شکاف ظروف ،فر آشپزخانه و میزکار بایدبه‌آسانی دردسترس زن خانه‌دارباشد تا از حرکات‌خم وراست‌شدن و راه‌رفتن بیهوده اجتناب شود .

حمام : حمام درخانه تجمل نیست بلکه از لوازم زندگی‌است . داشتن‌دوش کفایت میکند .

مستراح: مستراح‌بايدبه‌خارج‌پنجره داشته باشد و مدام تهویه گردد نظافت مستراح برای حفظ بهداشت اهالی خانه اهمیت مخصوصی دارد . برس مستراح پاك کنی را همیشه در ظرف مخصوص محتوی محلول ضد عفونی‌میگذارند . کف مستراح راهمه روزه شسته، ومحلول لیزول میپاشند .

رنك اطاق : رنگ اطاق باید نور را بخوبی‌منعکس کند ودرروحیهٔ ساکنین اطاق تأثیر مطلوب داشته باشد لذارنك های تیره را نباید انتخاب کرد . رنك های زرد ، آبی‌روشن وسبزروشن‌فرح‌بخش است. اگر کف‌اطاق با آجرسمنتی و یا مشمع مفروش باشد شستن آن سهل است . مشمع را نباید واکس زد زیرا سبب لغزیدن‌وشکستن استخوان میگردد قالی گسترده طنین صدا را کم میکند، به‌اطاق‌شکل مطبوع و زیبایی میدهد اما گرد وخاك‌رادرخودنگاهمیدارد، لذاباید زودبه‌زودآن را تکان داد وشست یا با جاروب برقی گرد و خاك‌آنرا گرفت. هنگام پاك‌کردن‌بخاری باید دقت به‌عمل آید که خاکستر و دودهٔ آن به‌اطراف پراکنده نشود .

روشنایی چراغ وقتی‌که ازسقف‌بتابد همه‌جای‌اطاق رایکسان‌روشن میکنداگر دیوارهای اطاق رنك روشنی‌داشته باشد نوربهترمنعکس میشود واطاق روشن تر بنظر میرسد . نور چراغ نباید چشمها را خیره کند .

گـرم کـردن اطاق مسکونـی : حرارت اطاق مسکونی بايد۱۸ تا۲۰ درجه باشد ، در موقع خواب ۱۲ درجه حرارت کافی است . بخاری دیواری با سوخت هیزم‌سالمترین طریقهٔ گرم‌کردن اطاق‌است زیرا گازهای‌تولیدشده‌به‌وسیله دودکش خارج میگـردد. بخاری زغالی به‌صرفه نزدیك‌تر است اما سرخ شدن جدار بخاری‌موجب خارج‌شدن اکسیدو‌کربن شده هوای اطاق را فاسد و مسموم‌میکند . بخاری نفتی مقدارزیادی اکسیژن هوا را مصرف میکند . بخاری برقی سالمترین بخاری است اما گران تمام میشود . کرسی از همه با صرفه‌تر است،اما چون مقدار زیادی اکسیدوکربن از احتراق زغال متصاعد میشود ایجاد مسمومیت‌می‌کند .

۷ - استراحت و تفریح

قوای داخلی بدن باید درهرلحظه از زندگی باقوای خارج موازنه وتعادل داشته باشد تاسلامتی برقرار بماند ، در صورت برهم‌خوردن موقت یا دایم ایـن تعادل،انسان بیمار میشود . انساج بدن به‌علت‌کاردایم خسته می‌شوند واحتیاج‌به استراحت دارنـد تـا هنگام استراحت تجدید قوا نموده قدرت خودرا از نـو به‌دست‌آورند . کار دایم‌بدون‌استراحت سبب‌ضعف انساج وبالاخره فسادوتخریب آن می‌گردد .

ساعـات استراحت روزانه پس از کار وهفته‌ای‌یك‌روز تعطیل برای تجدید قوا بسیارلازم است . مرخصی وتعطیلات سالیانه برای‌حفظ سلامتی اهمیت‌وارزش فراوان دارد .

معمولاکسی‌که شغلش حرکت و کار بدنی است باید ساعات آزاد خودرا با قرائت ، موزیك ، رادیـو ، تلویزیون بگذراند .کسی‌که‌به‌کارفکری مشغول‌است باید ساعات‌آزاد را،به‌گردش در هـوای آزاد و ورزش بپردازد .

سرگرمی وکارهای ذوقـی از قبیل نواختن آلات موسیقی ، نقاشی ، عکاسی ماهیگیری ، گل‌کاری نیز موجب‌آسایش جسم‌و فکر وتجدید قوا میگردد .

مطالب پزشکی و بهداشتی با استفاده از «دانستنیهای پزشکی» استادگرانقدردکتر مرتضی یزدی تنظیم شده است .

پزشکان ایرانی

ابن ابی‌الصادق ، ابوالقاسم.

ملقب به بقراطالثانی . از طبیبان معروف‌قرن پنجم‌واستاداسماعیل‌جرجانی بود. ازآثاراو«شرح فصول‌بقراط وشرح مسائل‌جنین»است.

ابن سینا ،(۳۷۰ ــ ۴۲۸ ه ق)

فلاسفهٔ ایران‌را به‌بینید .

ابن‌ماسویه ،ابوزکریا(فوت۲۴۳ه ق).

ازتربیت یافتگان دانشگاه‌جندی‌شاپور واز پزشکان معروف ایرانی ومعلم حسین‌ابن اسحاق است‌که ازعهد هارون‌الرشید به‌بعد به‌تعلیم طب و ترجمهٔ‌کتب طبی‌دربغداد اشتغال داشت ومدتی‌ریاست بیت‌الحکمة‌که مرکز تألیف وترجمه‌بود برعهدهٔ وی‌بودابن‌ماسویه‌علاوه‌برترجمه، کتب متعددی تألیف‌کرده است .

ابن ماسویه در زمان مأمون‌ومعتصم و واثق به طبابت اشتغال داشت وپدراو نیز درجندی شاپور عطار بود . خودوی شاگرد جبرایيل بختیشوع بود .

ابن‌ماسویه‌درکناردجله مکانی برای تشریح بوزینگان فراهم‌ساخته‌بود .

ازآثار او می‌توان‌کتابهای «دغل‌العین،النوادرالطبیه» رانام‌برد.

ابوسهل مسیحی ــ (وفات درحدود سال ۴۰۳ه ق).

طبیب بزرگ قـرن چهارم هجری است . او علم طب را در بغداد آموخت و در دربار خلفای عباسی مقامی بلند و منزلتی ارجمند یافت اما عاقبت بغداد را ترك‌گفت وبه‌دربار مأمون بن محمود خوارزمشاه رفت . زمانی‌کـه ابن سینا شانزده ساله بود ، به صلاحدید ابوسهل به تحصیل طب پرداخت .

مشهور است‌که زمانی‌که ابوعلی ــ سینا عزم گرگان داشت ابوسهل همراه وی‌رفت ودر راه در خوارزم درگذشت.

کتاب معروف ابوسهل «صدباب» یا «المائة فی‌الصناعة‌الطبیه» است‌که شامل همهٔ مطالب طبی آن عصراست این‌کتاب مدتها بعد از مرگ وی مورد استفادهٔ کسانی بوده‌که تحصیل طب‌میکرده‌اند.

ابوسهل درعلوم دیگر، خاصه حکمت ونجوم نیز دست داشته است .

ابومنصور ، موفق بن علی هروی .

وی ظاهراً دراواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم میزیسته وکتاب «الابنیه عن حقائق الادویه» ازوست .

حکیم احسان ، علی بن شیرعلی
(۱۲۲۹ ـ ۱۲۹۴ هـ ق)

در احمدآباد نادره ساکن بوده در قصبهٔ سلون متولد شده درطبابت مهارتی کامل داشت و تمام عمر وکالت دولت انگلیس را در **فتح پور وبانده** به‌عهده داشت در (۱۲۹۴ ق) دربانده وفات یافت . از آثار او «نکات احسانی» است .

افشار ، حاجی بابا .

ازنخستین ایرانیانی که برای تحصیل علم طب وشیمی در سال ۱۲۲۶ هـ . ق به‌همراهی **سرهرفردجونز** وزیرمختار ـ انگلیس به‌انگلستان رفت و به تحصیل پرداخت در ۱۲۳۴ هـ . ق به‌ایران باز ـ گشت وبه سمت حکیمباشی در دستگاه عباس‌میرزا راه یافت. وی تا اواخر سال ۱۲۵۴ هـ . ق هنوز طبیب محمدشاه بود تاریخ فوت او معلوم نیست . نـویسندهٔ کتاب «حاجی‌بابا» به انگلیسی نام وی را برای عنوان کتاب خود برگزیده بود واو ازین معنی دلتنگ بود .

ایلاقی ، محمدبـن یـوسف . مقتول در ۵۳۶ هـ ق .

معروب به شرف‌الزمان ، طبیب و عالـم‌نظری ، شاگرد بهمنیار صاحب کتاب‌های معروف : «الحیوان ، الفصول الایلاقیه وسلطان‌نامه ودوست نامه».

ابوسعید عبیداله(متوفی به‌سال ۴۵۰هـق)

ابوسعید عبیداله‌بـن جبرایل از پزشکانی است که درعلوم‌طبیعی و دارو ـ سازی نیز پیشرفت زیادکرده است .

پدر ابـوسعید «جبرایل» طبیب مخصوص عضدالدوله دیلمی بود وبعد به وسیلهٔ این پادشاه به‌بغداد احضار گردید تا درزمرهٔ پزشکانی کـه «بیمارستان ـ عضدی» بغداد را اداره‌می‌کردند ، قرار گیرد .

ابوسعید در رشته‌های مختلف‌طبیعی آثار معتبری‌دارد ازجمله : «الروضة ـ الطبیعیه،لغت الحیوان ومنافعه ـ طبایع الحیوان وخواصها ومنافع اعضائها» .

برزویهٔ طبیب

پزشك بزرگ‌ایرانی‌پیش از اسلام معاصر باخسرو اول انوشیروان ساسانی، به‌سرپرستی هیأتی از طـرف خسرو اول مأمورشدکه‌به‌سرزمین‌هند برودوکتابهای طبی واخلاقی (از جمله کتاب معروف داستانهای بیدپای هندیا کلیله‌ودمنه)را به‌ایران بیاورد .

بطوریکه ابن‌مقفع (روزبه پارسی) می‌گوید ، شرح زندگانی برزویه ، به‌قلم خوداوباقی‌مانده‌وابن‌مقفع آن رادرمقدمهٔ کلیله ودمنه خود آورده است ؛ در این مقدمه ، برزویه می گویدکه :

پـدرش از سپاهیان و مـادرش از خانواده‌های مغان بودنـد . وی فرزند سوگلی خانـواده بوده و تربیتی صحیح داشته ودر هفت‌سالگی به آموختن‌خواندن و نوشتن آغاز کرده و سپس متوجه علوم گردیده است .

برزویه چنان شیفتهٔ علم طب شدکه هرچه بیشتر می‌خـواند راغبتر می‌شد . می‌گوید از طب ممکن است یکی ازاین چهارچیز راانتظارداشت ؛ ثروت ، مقام شهرت ، پاداش‌خیرازطرف خدا .برزویه پاداش‌خیر را بر ثروت و مقام و شهرت ترجیح داده واختیارکرده وهیچگاه در صددگردآوردن مال‌نبوده است .

برزویه توجه خسرو اول را به‌خود جلب کرده‌به‌سمت پزشك مخصوص شاه ، منصوب شد ومنزلتی بلندیافت .

رازی درنوشته‌های خود به‌اواشارهٔ کرده است .

معروف است که‌نتیجهٔ مشاهدات‌خود را درهند درکتابی نوشته است که بعدها به‌عربی‌وسپس (در ۱۰۷۰ میلادی)به‌یونانی ترجمه شده‌است .

برزویه به‌مقامی رسیدکه نامش در میان مردم ایرانی مشهورگشت، و مانند مشاهیردیگر، داستانهایی‌دربارهٔ‌اوابداع کردند ومنتشر ساختند .

می‌گویند بازی‌شطرنج راهم‌برزویه باخودبه‌ایران آورد و این بازی ازاین سرزمین به‌مغرب رفت .

ثابت ، ابن‌ابراهیم‌بن زهرون (۲۸۳ ـ ۳۶۹ هـ ق) .

پدرش ابراهیم طبیب حـاذق بود و بدین‌سبب ثابت‌نیزبه‌این‌شغل علاقمند شد و به‌دنبال تحصیل‌آن رفت پس‌از اتمام تحصیلات . طبیبی حـاذق و دانشمند و مشهورشدعبیدالله بن جبریل گویددرایامی که عضدالـدولـه دیلمی وارد بغداد شد ابوالحسن ثابت‌بن‌ابراهیم دربغداد مقیم وسرآمداطبای‌آن‌دیار بود در روز ورود عضدالدوله‌اولین‌طبیبی که‌نزد عضدالدوله رفت ثابت‌بن‌ابراهیم وسنان طبیب‌بودند عضدالدوله‌ازمعرف‌حال‌آنان‌پرسیدمعرف عرض کرد کـه طبیب معتبر شهر بغداد می‌باشند عضدالدوله‌گفت بحمدالله ما در کمال صحتیم‌ومحتاج آنهانیستیم والتفاتی به‌آن دو طبیب نکرد وهردو با خجلت به‌خانه‌بازگشتند سنان طبیب‌که از لحاظ سنی کوچکتر ازثابت‌بن‌ابراهیم‌بودگفت، این سخن به‌سرماگران‌آمد وباعث خفت است‌که باچنین‌علم ووفور دانشی‌به‌زاری ازبارگاهش‌بیرون‌آمدیم اگر اجازت‌دهی باز میگردیم تا جـوابی مناسب دهیم . ثابت‌بن‌ابراهیم موافقت‌کرد وهردوپیش عضدالدوله‌رفتند سنان عرض‌کرد؛ همانا که موضوع علم مـا حفظ صحت است و ملك حاجتمندترین تمام‌مردم است‌بدان موضوع،عضدالدوله را این تقریـر خوش آمد وفرمود صدقت یاحکیم سپس‌آن دو طبیب را درجرگهٔ اطبای حضور خویش نمود میگـویند یکسال قبل از آنکـه عضدالدوله به‌اختلال حواس دچار شود ، ثابت‌بن‌ابراهیم این‌موضوع را پیش‌بینی کرده بود .

از تألیفات این طبیب یکی اصلاح مقالات « یوحنابن ترابیون » و دیگری «اجوبهٔ‌مسائلی» میباشد .

جرجانی ، سید اسماعیل .
(۴۳۴ ـ ۵۳۱ هـ ق)

ابو ابراهیم مشرف‌الدین «یازین ـ الدین» اسماعیل‌بن حسن جرجانی ، از پزشکان نامی ایران است . وی علم‌طب را نزد طبیب مشهور «ابوالقاسم عبد ـ الرحمن علی‌بن‌ابی‌الصادق» آموخته‌بود.

جرجانی‌نخستین‌کسی است‌که زبان عربی را درتألیفات خود بیك‌سو نهاد و کتاب‌های خود را به‌فارسی‌تألیف‌کرد . جرجانی درخدمت «قطب‌الدین‌خوارزم‌ـ شاه» و پسرش «علاءالدولـه» بود . وی علاوه برطب درسایر علوم زمان خـود نیز استاد بوده است.

ازجرجانی آثار بسیاری برجای مانده که از میان آنها «خفی‌علایی» و «الطب الملوکی» و «زبـدة الطب» را می‌توان نام برد معروف‌ترین کتاب او

ذخیرهٔ خوارزمشاهی» است که آنرا به سال ۵۰۴ به نام قطب الدین محمد خوارزمشاه نوشته و در زمرهٔ بزرگترین کتب طبی مانند «حاوی محمد زکریای رازی» و «قانون ابن سینا» به شمار میرود وهمهٔ مباحث طبی را که در آن زمان شناخته شده بود، به زبان سلیس فارسی نوشته است.

این کتاب در قدیم دایرة المعارفی بود که همه اطلاعات طبی در آن جمع بود و خواننده را از مراجعه به کتابهای دیگر که همه عربی بود بی نیاز میکرد. ذخیره در ۱۲ مجلد است. جرجانی در اواخر عمر ذخیره را به عربی ترجمه کرد و بعدها کتاب وی به عبری و ترکی نیز ترجمه شد.

حسن قطان مروزی (۴۶۵ - ۵۴۸ ه‍ ق)

ابوعلی حسن بن محمد بن ابراهیم قطان مروزی بخارایی، از دانشمندان بزرگ قرن ششم هجری است که در طب وسایر علوم وادبیات ولغت، مهارت داشته در آغاز کار سرگرم فقه و حدیث بود، اما بعد پیشهٔ خودرا طبابت قرار داد.

او در رشته‌های مختلف تألیفاتی داشته که دو کتاب به نام «کیهان شناخت» و «اختر شناخت» از آنها باقیست.

حنین ابن اسحاق، (۱۴۹ - ۲۶۴ ه‍ ق)

از عیسویان حیره و بزرگترین مترجم کتب طب است که کتابهای بسیاری را از یونانی وسریانی به عربی درآورد. وی بیش از همهٔ اطبایی که در خدمت خلفای اسلامی کار می کردند مشهوراست وی تألیفات متعددی داشته که مهمتر از همه **المسائل و کتاب العین** است که از جملهٔ کتب معتبر طبی در اوایل تمدن اسلامی است. وی شاگرد ابن ماسویه بوده است.

رازی، محمدبن زکریا.

علمای شیمی را ببینید.

ربیع

ابن احمد اخوینی (یا اجوینی) نجاری معروف به ابوبکر یا ابوحکیم، شاگرد ابوبکر محمدبن زکریای رازی ومؤلف «هدایة المتعلمین فی الطب» است.

سابور، ابن سهل (فوت ۲۵۵ ه‍.ق).

پزشك عیسوی کشیش ایرانی پدرش سهل کوسج نیز طبیب بود وچون ازمردم اهواز است به خوزی معروف می باشد. وی مقدم اطبای بیمارستان جندیشاپورومورد توجه متوکل بالله خلیفه واخلاف او بود ودر طب واکثر علوم بر پدرخودتفوق داشت. ازاوست، «قرابادین الکبیر» وچند کتاب دیگر که مهمترین کتاب او همان «قرابادین» است که تا تألیف قرابادین امین الدوله بسیارمتداول بود.

سعدالدوله، ابن صفی الدوله (مقتول ۶۹۰ ه‍ ق).

طبیبی ازمردم ابهر زنجان وی در عهد ارغون ایلخان مغول درعداد اطبای ایلخانی درآمد ودر بغداد میزیست ودر آنجا بامردم آمیزش داشت و چند زبان آموخته بودودرضمن به کیفیت حال عمال ومتصرفان اموال بغداد وعراق اطلاع کامل یافت. اطبای دیگر یهودی که در دربار بودند وسیلهٔ احضار اورا ازبغداد فراهم آوردند. اتفاقاً دراین ایام ارغون رامختصر مرضی رسید که به معالجه سعدالدوله بهبودیافت واومقرب شد وبا جلب حاکم به وزارت رسید ولی با روشی استبدادی نارضایتی مسلمانان را فراهم کرد وکشته شد.

سلطان الحکما، حاجی میرزا ابوالقاسم (فوت ۱۳۲۲ ه‍ق).

طبیب مشهور قرن ۱۳ و ۱۴ ه‍. به سبك قدیم بود که بسیاری ازاطبای اواخر قاجاریه ازشاگردان اوبودند.

وی دردربار ناصرالدین شاه احترام بسیار داشت و ازاطبای حضور وی بود. مدتی درمدرسهٔ دارالفنون به تدریس طب ایرانی اشتغال داشته وکتابی دراین رشته بنام «ناصرالملوك» تألیف کرده. وی در سن ۹۹ سالگی به مرض وبا درگذشت.

سهراب، (۱۲۷۱ - ۱۳۳۸ ه‍ ق).

دکتر حسین سهراب در اصفهان متولد شد تحصیلات دبیرستانی را در دارالفنون به پایان رسانید در ۱۳۰۴ به مدرسه طب تهران وارد وپس از ۴ سال تحصیل برای ادامهٔ تحصیلات جزء دانشجویان اعزامی به اروپا رفت. پس از طی دورهٔ تحصیلات پزشکی در لیون و پاریس به سال ۱۳۱۶ به دریافت دانشنامه دکتری دورهٔ عالی میکروب شناسی نایل شده به ایران بازگشت به سمت دانشیاری وسپس به استادی دانشکدهٔ پزشکی تهران نائل آمدوازسال ۱۳۲۷ معاون دانشکدهٔ پزشکی تهران بود و به سال ۱۳۳۸ درگذشت.

تألیفاتش،

۱ - امکان آلوده کردن آبهای مشروب به وسیلهٔ میکروب.

۲ - میکروب شناسی.

شرف الزمان طاهر مروزی (زنده در ۵۱۴ ه‍ق)

طبیب دربار ملکشاه سلجوقی بوده و عمری دراز داشته. کتاب مفصلی به نام «طبایع الحیوان» نوشته که درآن اطلاعاتی دربارهٔ شاهان، دانشمندان مشایخ و صوفیان ونیز تاریخ وجغرافیای ایران، ترکستان، چین، هند، عربستان، بیزانس ودیگر نقاط به دست میدهد.

قسمتی از این کتاب به نام «ابواب فی الصین والترك والهند» با ترجمهٔ انگلیسی آن به چاپ رسیده است.

شفایی، حکیم شرف الدین حسن. (فوت ۱۰۳۸ ه‍ ق)

طبیب وشاعر خاص وندیم شاه عباس اول بود. علاوه برغزلیات و هجویات، يك مثنوی ازو باقی است موسوم به «نمکدان حقیقت» که به تقلید «حدیقة الحقیقهٔ سنایی» سروده است.

طبری (ابوالحسن علی بن سهل بن ربن).

ابوالحسن علی بن سهل بن ربن طبری ازپزشکان عالیقدر ومشهور اواخر قرن دوم ونیمهٔ اول قرن سوم هجری است.

گذشته از طب در ادب و حکمت و منطق و علوم طبیعی نیز استاد بوده است. ابن ربن مدتی در خدمت مازیار ابن قارن بود، سپس به دستگاه خلفای عباسی راه یافت ونزد الواثق والمتوکل قدر ومنزلتی پیدا کرد.

از آثار مهم او «فردوس الحکمة» است. روشی که دراین کتاب به کار رفته بسیار منطقی است و بعدها دانشمندان بزرگ مانند ابن سینا نیز این روش را به کاربسته اند. فردوس الحکمة شامل تمام اطلاعات طبی زمان است و در آن از اطلاعات پزشکان بزرگ گذشته مانند، جالینوس وبقراط واطبای بزرگ هندی ونیز ازآثار پزشکان نزدیکتر مانند، حنین بن اسحاق استفاده شده است. در مقدمهٔ کتاب بحث مفصلی دربارهٔ علوم طبیعی زمان شده وازمسایل مهمی مانند کون وفساد وفصل وفعل وانفعال وتأثیر اقلیم وآب وهوا بسیار مطالب دیگر سخن رفته است.

ابن ربن کتابهای دیگری در طب وداروسازی وغیره داشته است که ازمیان آنها به کتاب «حفظ الصحة» و «کتاب

الدین والدولة» میتوان اشاره کرد .

طبری ، ابوالحسن احمد .

یکی از اطبای قرن چهارم طبیب رکن‌الدولهٔ دیلمی بودکتاب مشهورش به نام «المعالجة البقراطیه» دردست است . این کتاب در ده جزء و حاوی معالجات انواع امراض‌دراعضاء مختلف آدمی‌است وعلاوه بربحث در امراض وکیفیت‌علاج آنها به تشریح اعضاء هم در آن توجه شده واین رسم درجمیع کتب بزرگ‌طبی اسلامی مراعات گردیده است . ظاهراً این‌کتاب بایداصلابه فارسی‌تألیف‌وبعداز آن به عربی‌گردانده شده باشد .

عاملی، کرکی. (۱۰۷۶ ه ق)

فاضل‌وحکیم‌ماهر‌وطبیب‌شاعرمنشی که‌مدتی دراصفهان ساکن بود ، سپس به حیدر آباد دکن رهسپار شده وچندسالی درآنجا بود و در ۱۰۷۶ وفات یافت.

کتاب او«عقودالدرر فی‌حل‌ابیات‌ـ المطول‌والمختصر» می‌باشد.

علی،ابن عباس‌مجوسی فوت(۳۸۴ ه ق)

ازبزرگترین پزشکان جهان اسلامی شاگرد ابوماهر موسی‌بن سیار قمی بود ودرموارد متعدد، ازاوبا احترام‌وتکریم یـادکرده است علی مجوسی اهوازی ، طبیب مخصوص عضدالدولهٔ دیلمی بوده وبزرگترین اثرخود «کامل الصناعة» یا «کتاب الملکی»رابه‌نام‌وی تألیف کرده است .

ایـن‌کتاب درسال ۱۴۹۲ میلادی به‌لاتین ترجمه ودر ونیز «ایتالیا» و سی سال پس از آن در لیون فرانسه چاپ گردیده .

از تألیفات مهم دیگراو «کناش عضدی» است .

عیسی، ابن صهار بخت (قرن سوم ه ق)

ازعیسویان گندی‌شاپور وازپزشکان و داروشناسان مشهور بغداد . وی بعض رسایل جالینوس را به‌عربی ترجمه‌کرده است .

غنی ، دکتر قاسم .

(وفات ۱۳۳۱ خورشیدی)

دکتر درطب ، اهل‌خراسان،علاوه برطبابت، درادبیات‌فارسی وفرانسه‌دست داشته وبه‌وزارت بهداری و فرهنگ‌نیز رسیده است . مدتی نیز سفیرکبیر ایران در ممالک مصروترکیه بوده است .

غیاث‌الدین ، علی‌بن‌کمال‌الدین حسین‌ـ کاشانی (اواخر قرن ۱۰ ه ق)

طبیب معروف ایرانی به سال ۹۸۷ ه ق . ازسید حسین مجتهدکرکی اجازهٔ طبابت‌گرفت .

مجوسی‌اهوازی،(متوفی‌به‌سال۳۸۴ه ق)

علی‌بن عباس اهوازی ، که چـون زردشتی بود«مجوسی» شهرت یافته بود. علی‌ابن‌عباس مجوسی‌را ببینید.

میرزا نصیر اصفهانی ،

(متوفی به‌سال ۱۱۹۱ ه ق)

میرزا نصیر جهرمی ،که بـه سبب اقامت‌ممتددراصفهان ، به‌اصفهانی‌مشهور شده ، پزشك مخصوص کریم‌خان زنـد بوده ودرحکمت وفلسفه و ریاضیات و طبیعیات دست داشته وپزشکی حاذق و مشهور بشمار می‌آمده . معروفست کـه نقشهٔ مسجدوکیل ازاوست .

آثار او عبارتست از :

جام‌گیتی‌نما (در حکمت) ، جام‌ـ گیتی‌نما (در ریاضی) ، مشکلات قانون (درطب) ، مرآت‌الحقیقه واساس‌الصحه. میرزا نصیر شعرهم میسروده است.

ناظم‌الاطباء ، میرزاعلی‌اکبر

(۱۲۶۳ـ ۱۳۴۳ ه ق)

فرزنـد میرزا محمد حسن طبیب کرمانی است. وی درکرمان متولد شده وازشاگردان مدرسهٔ دارالفنون است و گذشته‌ازطب ، درادبیات ولغت نیزتبحر داشته و دارای تألیفاتی است‌که از بین آنهامی‌توان فرهنگ نفیسی‌را نام‌برد .

مرحوم استاد سعید نفیسی فـرزند ناظم‌الاطباء است .

نجاری، ابومنصور.

ازاطباء بسیار معروف اوائل قرن چهارم بوده است‌که پیری او مصادف‌بود باجوانی ابوعلی‌سینا ونوشته‌اندکه ابن‌ـ سینا چندی درخدمت او علماً وعملاً به تعلیم علم‌طب اشتغال داشت ازاوکتابـی بنام«غنی ومنی»درسه‌مقاله دردست‌است (مقالهٔ اول فی‌امراض‌الحادثه من‌الفرق الی‌القدم. مقالهٔ دوم فی‌العلل‌الظاهرة ـ مقالهٔ‌سوم : فی‌الحیات) .

نجیب‌الدین سمرقندی ،

(مقتول به سال۶۱۰ ه ق)

نجیب‌الدین‌سمرقندی پزشك‌عالی‌ـ قدریست کـه‌کتابهای متعدد در بـارهٔ داروها نوشته‌ومهم‌ترین‌کتاب او«الاسباب والعلامـات» است‌کـه بعد ازیك قـرن «نفیس‌بن عوض‌کرمانی» شرحی به زبان عربی برآن نوشت وبه «شرح الاسباب» موسوم ساخت و تفسیری‌نیز به‌فارسی بر این‌کتاب نوشته‌که نام‌آن «طب‌اخباری» است وبه‌وسیلهٔ «محمداکبر لاریجانـی» تنظیم شده وبه‌سال ۱۰۸۳ به«عالمگیر» پادشاه هندوستان تقدیم گردیده است .

نجیب‌الدین درحمله‌ای‌که چنگیز مغول به‌سال ۶۱۰ به‌هرات‌کردواین شهر آباد را باخاك یکسان نمود ، کشته‌شد.

نصر ، دکتر سید ولی‌الله .

(۱۲۹۳ ـ ۱۳۲۴ شمسی)

فرزند دکتر سیداحمد نصرالاطباء در شهرکاشان متولـد شده ، در دوازده سالگی به تهران آمده وبه‌تحصیل فلسفه وطب و حکمت و علوم اسلامی پرداخته واز مدرسهٔ دارالفنون در رشتهٔ پزشکی موفق به‌اخذ درجهٔ دکتری‌گردیده است. وی دردورهٔ اول مجلس شورای ملی به نمایندگی انتخاب‌شد ودر دورهٔ حیات‌به کارهایی ازقبیل تدریس درمدرسهٔ علوم سیاسی و مدرسهٔ طب و معقول ومنقول و ریاست مدرسهٔ علوم سیاسی و دانشکدهٔ پزشکی ومحاکمات مالیه وثبت اسناد و املاك و کفالت وزارت دادگستری و ریاست‌کل فرهنگ‌کشوری ومدیریت‌کل وزارت فرهنگ اشتغال داشته است .

دکتر نصر به‌زبان‌های فرانسه‌وعربی تسلط داشت وتألیفاتی داردکه از میان آنها می‌توان : مجموعهٔ مقالات**دانش و اخلاق**،**جغرافیایی ایران** ، **وجغرافیای اقتصادی عالم**را نام برد . وی در اثر ابتلای به بیماری قلبی وفات یافت و در امامزاده عبدالله مدفون گردید .

پزشکان‌خارجی

آدامس ، روجر Adams ،

(تولد ـ۱۸۸۹ م)

دربوستون متولد شد ، بسیاری از مؤسسات علمی آمریکا را سرپرستـی می‌کرد یاشاگردانی راکه تربیت‌کرد و تعلیم داد عهده‌دار سرپرستی مؤسسات علمی شدند. وی بوتین‌را کشف‌کردکه در جراحی‌چشم ودندان‌مهم است .داروهایی برای‌معالجهٔ‌سرطان‌وجذام‌رانیز کشف‌کرد. گازهای مرگ آور را درجریان جنگ دوم اختراع کرد . وی تاکنون ۳۵۰ جزوهٔ علمی چاپ ومنتشرکرده است .

آلکمئون Alcméon
(زنده در قرن ۶ ق م)
طبیب و فیلسوف یونان باستان‌قبل از بقراط‌میزیسته‌است در مدرسهٔ‌پزشکی (کروتون) به تحصیل این علم پرداخته و بعدها بپزشکی مشهور گردیده است از اولین کسانی است که به کالبد شکافی حیوانات دست‌زده وتحولی‌درعلم‌پزشکی به‌وجود آورده است . او ثابت‌کرد که مرکزعقل‌وهوش وحس، مغز میباشد و تمام حرکات بدن به وسیلهٔ مغز تنظیم می‌گردد . آلکمئون کشفیات دیگری هم کرده‌که بعدها به وسیلهٔ بقراط تکمیل شده است .

آلن ، فرانسوا گودار دو . Allaines
(متولد ۱۸۹۲ م)
از جراحان مشهور بیمارستانهای پاریس واستاد دانشکدهٔ پزشکی پاریس جراح مخصوص سرطان و بیماریهای‌قلبی است وبرای اولین‌باررو‌ی دریچهٔ‌میترال عمل جراحی‌کرده است .

ابرت، کارل . Eberth . K
(۱۸۳۵ - ۱۹۲۶ م)
طبیب و میکروب شناس آلمانی که میکروب تب حصبه را مورد مطالعه و تحقیق قرار داد . تحصیلات این طبیب در ورتسبورگ‌بوده وبعداً استاددانشگاه زوررویخ‌وهال‌بود،مطالعات‌اوروی‌بیماری نرمی استخوان نیز فوق العاده ارزنده است .

اراسیستراتوس Erasistratos
(قرن سوم ق م)
طبیب وعالم تشریح ومؤسس‌مدرسهٔ طب اسکندریه .

ابن‌ابی اصیبعه ، (۶۰۰ - ۶۶۸ ه ق)
درعلم طب متبحر بود واین علم‌را از پدرش که طبیب چشم و کحال بود آموخت . سپس در بیمارستان ناصری قاهره به‌تکمیل معلومات خود پرداخت از اوکتابی بجامانده به‌نام«عیون‌الابناء فی‌طبقات الاطباء »که درآن از معروف‌ترین دانشمندان طب نام برده و شرحی ازعقاید ونظریات آنان رانیز نقل‌کرده است .

ابوالعلاء. (وفات ۵۲۵ ه ق)
معروف به‌ابن زهر کـه در السنهٔ اروپایی‌به‌آون زوآر Avenzoarمعروف است . ازبزرگترین اطبای‌اسلام وپزشك بالینی‌است . ازآثار وی«کتاب التیسیر فی‌المداواة »به‌زبان عربی‌ولاتینی‌ترجمه شده ومدتها ازمراجع علمی برای‌علمای اروپا بوده . وی ازجملهٔ‌استادان‌ابن‌رشد معروف است. و اهل‌اندلس‌بوده‌است .

ارلیخ ، پاول . Ehrlich . P
(۱۸۵۴ ــ ۱۹۱۵ م)
میکروب شناس آلمانی‌که در سال ۱۹۰۸ به مناسبت تحقیقاتش در مورد مصونیت‌ها، سهمی ازجایزهٔ نوبل۱۹۰۸ را در فیزیولـوژی و طب بـه دست آورد ، سالوارسان‌ونئوسالوارسان‌برای معالجهٔ سیفلیس ازکشفیات اواست .

اسقلبیادس Asclebiades
(۱۲۴ــ۴۰ ق م)
پزشك معروف یونانی . وی‌نخست در یونان وسپس در روم به‌طبابت‌اشتغال داشت و در شهر روم مکتبی تأسیس‌کرد که شهرت یافت . اورقیب روش بقراطی و اصل ترقب (انتظار بـروز و ظهور علامات قطعی پیش ازتجویز دوا) بود و خود داروهای سهل و مطبوع را تجویز میکرد، قطعاتی ازآثار اوردست است.

اندرس ، جان‌فرانکلین. Enders . T . F
کاشف‌واکسن‌ضدبیماری‌سرخك در سال ۱۸۹۷ دریك فامیل سرشناس‌به‌دنیا آمد . پدرش از صاحبان بزرگ‌صنایع بوداو نیزمیخواست مثل‌پدردر راه‌تجارت و صنعت قدم بر دارد ولی در این راه موفقیت اندکی نصیب او شد. از آن‌روز رشته میکروبیولوژی را دنبال کرد و متخصص رشته زیست شناسی شد . چون ثروت‌زیادی‌به‌ارث برده بود آزمایشگاه شخصی درست‌کرده و با خرج خودشروع به تحقیق و مطالعه کرد . و توانست به کمك همکاران‌خـود مثل **توماس‌ولیر** ویروس بیماری سرخك را جدا سازد . او به‌خاطر اکتشاف خود درسال ۱۹۵۴ برندهٔ‌جایزهٔ نوبل شد که قسمتی ازآنرا بین همکاران خود تقسیم کرد .

اوریباس Oribase
(۳۲۵ ــ ۴۰۰ م)
از اطبای یونان قدیم و دربار امپراطور ژولین بودکه او نوشته‌های طبیبان گذشته را جمع کرده است .

برنارد ، کلود Bernard . C
(۱۸۱۳ ــ ۱۸۷۸ م)
به علمای طبیعی مراجعه شود .

بره تونو، پی یر Bretonneau . P
(۱۷۷۸ ــ۱۸۶۲ م)
استاد و پزشك بیمارستان عمومی **تور** بود و شاگرداناونیزاطبای‌مشهوری شده‌اند . مطالعهٔ این طبیب روی تب ، حصبه ودیفتری و بیماریهای عفونی‌بوده و طرح اصلی داروهای تب بر و ضد عفونی روده وخون‌از اوست ،آثار مهمی در پزشکی به‌جا گذاشته است.

بلاك ، ژوزف ، Black . j
شیمی دانان را ببینید.

بقراط Hippocrate
(۴۶۰ ــ ۳۷۷ق‌م)
بزرگترین‌طبیب بالینی دنیای‌قدیم معروف به پدر طب در شهرکوس به‌دنیا آمد و در دورهٔ پریکلس مدرسهٔ طبی بنا نهاد . او مجموعهٔ اطلاعات پزشکی‌دورهٔ خود و قبل از آن را جمع آوری کرد و به‌بهترین وجهی صورت‌های عملی‌آنها را بکار بست . در واقع بقراط را باید با ارزشترین شخصیت درکلینیك پزشکی دانست . امروزه تئوریهای فوق‌العاده ارزنده‌ای بنام‌وی در پزشکی موردقبول است . باوجودیکه تا زمان‌بقراط ترسیم اندامهای‌داخلی‌متداول‌نبوده وی‌بطریقی عملی و هنرمندانه‌کار اندامها ومکان‌آنها را تعریف کرده و تألیف‌های او قرون متمادی بدون کمترین‌تغییری‌تدریس‌می‌شده است . سوگند بقراط که محصلین طب در موقع گرفتن عنوان دکتری یاد میکنند نشانهٔ تفکر بلند او در باب چگونگی‌رفتارطبیب‌و آیین پزشکی‌است بقراط در لاریسا در گذشت .

بهرینگ، امیل، فون . Behring
(۱۸۵۴ ــ ۱۹۱۷ م)
پزشك و میکروب شناس آلمانی است در سال ۱۸۹۳ استاد انستیتو ودر سال۱۸۹۴ استاد دانشگاه هال‌شد . و مدتها رئیس انستیتوهای ماربورك ،بود، بعد سرم دیفتری را برای اولین بار کشف کرد .

پاراسلس، فیلیپ Paracelese
(۱۴۹۳ ــ ۱۵۴۱ م)
پدر شیمی ــ پزشکی است. برای اولین بار ، کرسی شیمی ــ پزشکی را تأسیس‌کرد و با انتشار کتابهای خود کتابهای جالینوس ، ابوعلی‌سینا ورازی راکه‌تاآن‌وقت ازکتب‌درسی‌بودبه‌کناری

گذاشت .

پاره، آمبرواز. Paré A.
(۱۵۱۷ ـ ۱۵۹۰م)

وی ابتدا باسمت شاگرد سلمانی در مریضخانه خدمت می‌کرد به‌تدریج جراح قابلی‌شد و روش معالجهٔ زخمهای حاصل از اسلحهٔ گرم راکه درآن زمان معمول بود منع‌کرد و به جای آنکه با آهن‌گداخته وروغن‌جوشان، ازخونریزی جلوگیری‌کند روش نوار پیچیدن را به کار برد .

وی‌درابتدای‌کاربه‌واسطهٔ خلق‌خوش ودانایی وفراست واستادی درعمل‌شهرت بسیار به‌دست‌آورد وجراح سلطنتی‌شد ، تا آنکه همکارانش نقص بزرگی در او یافتند : زبان لاتین نمی‌دانست بنابراین هایهوی‌به‌پاشد ومدرسهٔ سن‌کوم‌در۱۵۵۴ رساله‌ای‌که اوبه‌زبان‌فرانسوی‌نوشته بود نپذیرفت و از قبول وی به سمت جراح امتناع‌کرد .

پاستور به‌علمای شیمی مراجعه‌شود.

تروسو ، آرماند . Trouseau
(۱۸۰۱ ـ ۱۸۶۷م)

پزشك فرانسوی ، شاگرد بره‌تونو در سال ۱۸۳۹ به پاریس‌آمد ومطب بازکرد .

تروسو ، در بخش مداوا ، شاید از طبیبان‌کم نظیر باشد که‌کتاب «عمل ـ تداومی» Traité de thérapcutique او، ازبهترین‌کتب‌دراین رشته است .

تیلر ، ماکس . Theiler

دانشمندآفریقایی‌رئیس بنیاد طبی راکفلر و استاد دانشگاه‌هاروارد‌که در سال ۱۹۵۱ به‌خاطر کشف واکسن‌ضد تب زرد برندهٔ جایزهٔ نوبل شد .

جنر ، ادوارد . Jener .E
(۱۷۴۹ ـ ۱۸۲۳ م)

در انگلیس متولد شد پدرش که مردی مذهبی بود اورا برای تحصیلات مقدماتی به‌مدرسهٔ محلی فرستاد ،ادوارد به‌زودی علاقه‌اش را درشناسایی‌زیست‌ـ شناسی نشان داد ودر رشتهٔ طب‌به‌تحصیل پرداخت درسن۲۱ سالگی به بیمارستان (سنت‌جرج) لندن رفت تا تحت نظر (جان‌هانتر) تحصیل وکارکندمخصوصاً به مطالعه وتحقیق درموردبیماری‌آبله که‌در آن روزبی‌رحمانه مردم را به دیار عدم می‌فرستاد پرداخت، شب و روز در راه کشف سلاح ضد آبله کوشید و به دنبال این کوششها به‌کشفیاتی هم‌نایل گردید هنگامی‌که کشفیاتش‌را انتشار دادبعضی ها جنگ با تقدیر و طبیعت را مغایر با موازین دینی دانستند و مبارزات اورا علیه بیماری‌آبله تقبیح کردند به‌هرحال عقاید‌گوناگونی‌درموردنظریات اوابراز شد همینکه هیجان‌مردم فرونشست، جنر به‌آرامی نظریات‌وکشفیاتش را به‌اثبات رسانید ومتعاقب آن شهرت وموفقیت از همه سوی دنیا برایش به‌ارمغان آمد ، ادوارد جنر پس از احراز این موفقیت ازلندن برگشت تاباقی عمررا درمزرعهٔ شخصی‌اش بگذراند .

جالینوس ، Galien .C

در سال ۱۳۱ م متولد شده و از ۱۷ سالگی به تحصیل طب پرداخت .

جالینوس درعین‌حال‌که‌مشرك بودومذهب قدیم را داشت ؛ برای خود يك مذهب شخصی به وجود آورده بود که بعد ها روحانیون قرون وسطی را فریب داد و برای نوشته‌ها وآثار او احترامات‌بسیار قایل شدند .

امپراطور **مارك‌اورل** به اوپیشنهاد کرد به سمت طبیب مخصوص امپراطور با وی به میدان جنگ برود .جالینوس محتاط‌تر ازآن بود که این پیشنهاد را قبول‌کند آخرین چاپ آثار او شامل بیست‌جلدقطور وبا قطع بزرگ است‌ولی هنوز شامل تمام آثار اونیست . وی‌در سال ۲۰۱ م‌در شهر روم وفات یافت . می‌توان جالینوس را از بنانهندگان‌علم فیزیولوژی دانست . وی خوك وگوسفند وگاووفیل‌ومیمون راتشریح‌کرد ومتوجه شباهت‌ما‌بین‌ساختمان‌بدن‌انسان ومیمون گردیدو استخوان‌هاو استخوان بندی را توصیف کرد و عمل اعصاب را در بدن انسان تشخیص‌داد و حتی با قطع کردن آن موفق شد که فلج‌مصنوعی‌ایجادکند.

حارث (فوت ۱۳ ه ق)

ابن کلدةبن عمروبن أبوعلاج ثقفی مکنی‌به ابووائل‌از مردم طائف، از بطن ثقیف مولای‌ابوبکرهٔ ثقفی ، طبیب‌مشهور عرب،معاصررسول(ص)وی‌طب‌رادرایران در بیمارستان جندیشاپور آموخت و گویند دوباربه‌ایران‌آمد ودر این‌کشور به طبابت پرداخت و بعضی از بزرگان ایرانی‌را معالجه کرد واز این راه‌مالی گردآورد‌گفته‌اند‌که؛ رسول(ص) کسانی رابرای معالجه نزد او فرستاد.

دام،هنریك . Dam. H
(متولد ۱۸۹۵ م)

پزشك‌دانمارکی وی برای کارهای خود دربارهٔ بیوشیمی و ویتامینها به‌اخذ جایزهٔ نوبل نایل آمده (۱۹۴۳ م.) .

دوپویی‌تران ، گییوم Dupuytren
(۱۷۷۷ ـ ۱۸۳۵ م)

جراح معروف فرانسوی . که در سال ۱۸۱۲ به‌سمت استاد جراحی‌انتخاب شد . در سالهای ۱۸۱۵ و ۱۸۲۳ به ترتیب‌به استادی‌کلینیك جراحی‌وعضویت آکادمی‌پزشکان منصوب شده . دوپویی‌ـ تران . نیمی از اوقات خود را صرف مطالعات امراض و نیم دیگر را صرف حرفهٔ اصلی خود جراحی کرده است و کتب سودمندی در هر دو زمینه به‌جا گذاشته است .

دیسقوریدس، پدانیوس. Dioscoride
(قرن اول بعد از میلاد)

طبیب یونانی قرن اول میلادی ، مؤلف « مواد طبی » (۵ جلد) که در مدت ۱۵۰۰ سال در گیاه شناسی و ادویه حجت شناخته میشد .

ریشه ، شارل Richet . Ch.
(۱۸۵۰ ـ ۱۹۳۵ م)

درسال ۱۸۸۸ اصول‌تزریق سرم‌را اختراع‌کرد وآن عبارت از روش‌مصون ساختن اشخاص از ابتلای به مرض است نه به وسیلهٔ تلقیح خود میکروب بلکه به‌کمك تزریق خونی‌که میکروب درآن پرورش یـافته است . در واقـع هنگام واکسن زدن ، خون بدن وسایل دفاع برعلیهٔ‌میکروب‌را تهیه می‌کند امادراین روش وسیلهٔ دفاع ساخته شده را به دست او می‌سپارند .

شارل‌ریشه‌درسال۱۹۰۲ آنافیلاکسی یا ازدیاد حساسیت اعضاء بدن درمقابل تزریقات متوالی زهرها راکشف‌کرد و این‌عمل‌که بدن را برای قبول زهرهای میکروبی‌آماده میکردنقطهٔ مقابل‌تزریق واکسن‌باید دانست.

زامنهوف Zamenhof
(۱۸۵۹ ـ ۱۹۱۷م)

پزشك لهستانی از اهالی ورشو

زبان بین‌المللی اسپرانتو را وضع کرد، سپس به‌دکتر اسپرانتو معروف‌شد.
زهراوی ' ابوالقاسم خلف‌بـن عباسی قرطبی. (۴۰۰ ــ ۴۳۶ هـ ق)

پزشك وطبیعی‌دان وجراح اسلامی وی در قرطبه به زمان عبدالرحمن سوم طبابت می‌کرد. ازآثاراوست :التعریف لمن‌عجز عن‌التألیف(که در۱۷۷۸م .با ترجمهٔ لاتینی‌درآکسفورد به‌چاپ‌رسیده) «المقالة في‌عمل‌الید» (درجراحی).
ساباتیه، آرمان. Sabatier . A
(۱۸۳۴ ــ ۱۹۱۰م)
دانشمند وپزشك فرانسوی تألیفات متعدد درطب ازو به یادگار مانده‌است.
شارکو، ژان‌مارتن. Charcot . J. M
(۱۸۲۵ ــ ۱۸۹۳م)
پروفسور تشریح و عضو آکادمی پزشکی‌فرانسه درسال ۱۸۷۳، و درسال ۱۸۸۳ بـه عضویت آکادمی علوم نیز انتخاب شد.
شهرت اصلی او بـرای تخصص و تحقیق‌اودرامورتشریح‌وتشخیص بیماریها بود. درمورد بیماریهای‌عصبی‌نیزمطالعه کرد موضوع‌درس‌اودرسالهای ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۴ به تمام زبان های زنده ترجمه ومنتشر شد.
شاناق Chanakya
(قرن سوم و چهارم ق م)
حکیم وپزشك مشهورهندی ووزیر چندراگوپتا یکی ازکتب‌طبی اودرسموم در عهد هارون‌الرشید برای یحیی‌بن‌ــ خالد برمکی ازهندی به‌فـارسی ترجمه شد.
شانتمس، اندره. Chantemesse
(۱۸۵۱ ــ ۱۹۱۹م)
آندره‌پزشك‌میکروب‌شناس‌فرانسوی درسال ۱۸۸۵ به‌سمت پزشك‌بیمارستان پاریس تعیین‌شد. و درسال ۱۹۰۱عضو وابسته‌آکادمی‌واستاد‌انستیتوی‌میکروب‌ــ شناسی‌بود. مطالعهٔ خـاص او به‌روی میکروب‌ها به ویژه میکروب حصبه بود.
شوایتزر، آلبرت. Schweitzer . A
درسال ۱۸۷۵ درآلزاس متولدشد اوبرای گذرانـدن دورهٔ دبیرستان نزد عموی خودکه درشهری واقع درنزدیکی مرز سویس‌بودرفت‌سخت‌گیریها وتشویق‌ــ های زن‌عمویش که فرزندی نداشت سبب گردیدکه آلبرت نواختن پیانو را بـه خوبی فراگیرد. وی پس از موفقیت در امتحان الهیات به تحصیل در دانشگاه سوربن‌پرداخت، درسال۱۸۹۹ به‌خدمت کلیسایی در استراسبورگ منصوب وسال بعد معاون‌کشیش‌ناحیه شد مدتی بعدوی در الهیات وفلسفه درجهٔ دکتراگرفت و آن‌گاه به وعظ وتدریس ونوازندگی و نویسندگی‌پرداخت درسال۱۹۱۳آلبرت با زنش به آفریقا رفت و بـا زحمات فراوان توانست نخستین بیمارستان‌رادر قلب جنگل سیاه برپاکند در جنگ اول فرانسویان اورا دستگیر وجـزو اسرای جنگی قرار دادند در نـوامبر ۱۹۱۸ یعنی هنگامی‌که پیمان متارکـهٔ جنگ منعقدگردید آزادگشت، سرانجام‌در سال ۱۹۲۴ همراه بایك دانشجوی‌انگلیسی دوباره به آفریقا رفت بـه این ترتیب شوایتزر سالها در آفـریقا زیست و به بومیان آن سرزمین‌کمك‌کـرد در سال ۱۹۵۲ شوایتزر نوبل‌صلح دریافت‌کرد ودرسال ۱۹۶۵ درگذشت.
صاعد، ابن یحیی‌بن هبة‌الله. (مقتول ۶۲۰ هـ ق)
معروف به ابـوالکرم از اطباء و رجال عهد ناصرالدین‌الله در طبابت حاذق وازجوانمردی وامانت برخوردار بود و در زمان خلافت ناصرالدین‌الله منزلت وزراء یافت وی‌به دست دوسپاهی به‌قتل رسید.
صهاربخت (قرن ۳ هـ ق)
لقب ابویزید طبیب‌شاگرد حنین‌بن اسحاق وی‌کناش جورجیس بن جبریل‌بن بختیشوع راکه استادش حنین‌بن اسحاق ازسریانی‌به‌عربی ترجمه‌کرده بود، شرح کرده است.
علی‌بن عیسی (قرن سوم هـ ق)
شاگـرد حنین و پزشك معتمد خلیفهٔ‌عباسی بودوکتاب «منافع‌الحیوان» از اوست.
فلوری، سرهاورد، Florey.S.H
(تولد ۱۸۹۸ میلادی)
پزشك انگلیسی‌که بـه‌کمك دکتر فلمینگ وچاین موفق به‌کشف پنی‌سیلین گردیدند، فلوری در ۱۹۴۵ به‌اخـذ جایزهٔ نوبل نایل‌آمد.
فینسن، نیل ریبرگ Finsen.N.R
(۱۸۶۰ ــ ۱۹۰۴م)
پزشك وزیست شناس دانمارکی به سبب تحقیقاتی‌که در معالجات به وسیلهٔ نورکرده بود در ۱۹۰۳ م. به‌دریافت جایزهٔ نوبل نایل‌آمد.
کارل، الکسی. Carrel .A
(۱۸۷۳ ــ ۱۹۴۴ م)
جراح‌ومتخصص‌فیزیولوژی‌فرانسوی است.
کار مهم او تحقیق در طرز تغذیهٔ عضلات درخارج ازبدن بودکه برای او افتخار دریافت جایزهٔ نوبل ۱۹۱۳ را کسب‌کرد.
اثرمهم‌او: انسان، موجودناشناخته است.
کوخ، روبرت. Koch.R .
(۱۸۴۳ ــ ۱۹۱۰ م)
در هارتز متولـد شد و تحصیلات خودرا در(گوتینگن) به‌انجام رسانید. وقتی‌که مرض سیاه‌زخم در احشام افتاد (کوخ) از روی‌کنجکاوی خون حیوانات مبتلا را موردامتحان قرار داد وباکمال تعجب مشاهده کرد که باسیل‌هایی کـه (داون‌وابرت) وصف‌کرده‌بودند دراینجا وجـود دارد، آنگاه به‌این موضوع علاقمند شد و به‌کمك این باسیل‌ها سرم سیاه زخم را تهیه‌کرد واین اولین بـار بود که میکروب مرض را در خارج از بدن حیوان پرورش میدادند. (کوخ) تمام مراحل تکامل میکروب رادر زیر میکروسکوپ‌تعقیب کردوآن را بانهایت دقت توصیف نمود ودر سال ۱۸۷۶ اثر خودرا به‌نام«درجستجوی‌علل سیاه‌زخم» منتشر کرد.
اکتشافات او دارای اهمیت‌اساسی بوده‌اند، کوخ ابتدا تعلیم دادکه‌چگونه می‌توان بارنگ‌کردن‌میکروبها به‌وسیلهٔ رنگ‌های‌آنیلین‌آنهارادرزیرمیکروسکوپ مشاهده‌کرد وآنگاه نشان‌دادکه چگونه می‌توان آنهارادرداخل بعضی‌عصاره‌های شفاف‌کشف‌کـرد. ایندو روش مـوجب گردیدکه وی‌درسال۱۸۸۲ موفق‌به‌کشف میکروب مرض‌سل‌شود. دوسال بعدازآن تاریخ،توانست میکروب‌مرض‌وبا راجدا سازد ودرسال ۱۸۹۳ درکشورهای مصر هندوستان دربـارهٔ آن مطالعات عمیق کرد. آنگاه تمام امراض مناطق حاره ازقبیل مالاریا ومرض خواب وجذام و غیره را مورد مطالعه قرار داد. امـا تمام این زحمات و همهٔ این مسافرتهای خسته‌کننده اورا ازپادرآورد وبه‌مرضی

که خود آن را کشف کرده بود یعنی به مرض سل مبتلا گردید ودر ۱۹۱۰ وفات یافت درحالی که‌ریاست انستیتوی‌امراض عفونی راکه در سال ۱۸۹۱ به‌خاطر او تأسیس کرده بودنداشت ودرسال ۱۹۰۵ جایزهٔ نوبل پزشکی را به‌دست آورده بود .

لائنک ، رنه تئوفیل هیاسینت .
Laennec .R T. H.
(۱۷۸۱ - ۱۸۲۶ م)

پزشك فرانسوی که تحصیلات‌خودرادر مدرسهٔ پزشکی **نانت** گذراند ، سپس به پاریس آمد و در **کورویزار** مشغول شد و بزرگترین جایزهٔ پزشکی و جراحی را به دست آورد . از سال ۱۸۰۵ که به‌سمت پزشك بیمارستان **نکر** Necker منصوب شد . کشفیاتی در زمینهٔ شناسایی بیماریهاوحالات‌مختلف‌زندگی میکروبها کرده‌است‌و درسال ۱۸۲۲ کرسی‌پزشکی را در کولژدوفرانس بدست آورد و بهر حال او را بیشتر پزشك امراض داخلی میشناختند .

ماکلئود، جان‌جیمس‌ریچارد. Macleod
(۱۸۷۶ - ۱۹۳۵ م)

از پزشکان معروف کانادا می‌باشد . اگراین دانشمند جوان نمی‌بود اکنون تمام‌افرادی که مبتلا به‌مرض قند هستند از میان میرفتند . او ۱۱ سال تمام در گوشهٔ آزمایشگاه خود مطالعه کرد و ماده‌ای را که فقط غدهٔ پانکراس بشر می‌تواند بسازد داخل‌شیشه آزمایش کرد این ماده انسولین نامیده میشود که در سال ۱۹۵۸ به‌خاطر این کشف بزرگ برندهٔ جایزهٔ نوبل شد .

وزال ، آندره Vesale. A
(۱۵۱۴ - ۱۵۶۴ م)

عالم تشریح از مردم فلاندر ، پس از گذراندن دورهٔ دانشگاه **لوون** (Louvain) به مونت پلیه‌آمد ، دورهٔ پزشکی آنجا را دید و به‌کار تحقیق در تشریح‌پرداخت‌بعداز ۱۸ سال‌استادتشریح لوون شد. در سال ۱۵۴۰ کرسی‌تشریح را در پادو به دست آورد و با انتشار کتب‌مهمی‌دراین‌زمینه‌شهرت‌فراوان‌یافت.

ویدال ، فرناند . Widal . F
(۱۸۶۲-۱۹۲۹م)

استادپزشکی‌دانشکدهٔ پزشکی‌پاریس بود . او تمام عمر خود را صرف تحقیق در پزشکی وزیست شناسی کرد وداروی باسیل ابرت را کشف کرد .

هاروی ، ویلیام . Harvey
(۱۵۷۸ - ۱۶۵۷ م)

در فولکستون انگلستان متولد شد پدرش توماس هاروی ۷ پسر و ۳ دختر داشت و رویهم رفته زندگی خوش و مرفهی را میگذراندند . ویلیام در سال ۱۵۸۸ وقتی ده ساله بود به مدرسهٔ پادشاهی کانتربوری وارد گردید در ۱۵ سالگی به کالج کینگ واقع در شهر کمبریج رفت و با علاقه در این رشته نامنویسی کرد پس ازمدتی‌به کالج‌معروف پادو که مرکز تحقیقات علمی وپزشکی بود و بوسیله گالیله و سالیوس شهرت پیدا کرده بود رفت متأسفانه وسالیوس از میان رفته بود و کم‌کم تحقیقات پرارزش‌و گرانبهایش درعلم (بیولوژی) به‌دست فراموشی سپرده میشد و هاروی به‌ناچار تحت‌تعلیمات‌کهن (جالینوس) قرار میگرفت بهرحال او بسیارمتأسف بود که نمیتواندسایرین را قانع کندکه تحقیقات‌وسالیوس تا چه حد پر ارزش است بالاخره درجهٔ دکترایش راگرفت وبه‌لندن بازگشت وفرصتی یافت تاآنچه را که از طریق کتاب آموخته بود عملا آزمایش کنددرهمان‌اوقات‌به‌سمت‌استادی کرسی‌طب دانشگاه کمبریج برگزیده‌شد سه سال در این پست بود تا اینکه به ریاست بیمارستان معروف (سن‌بارتلمو) انتخاب‌گردید. به‌زودی‌موقعیت و شهرت خوبی درکارش به‌دست آورد و با سمت دکتر رسمی دربار **چارلز اول** مشغول‌کار شد . زندگی او پر از حوادث بود به طوریکه دوران خدمتش‌در دربارچندان طول نکشید و چارلز اول در نبرد با پارلمان شکست‌خورد وبه‌دست دشمنانش مقتول گشت خوشبختانه هنگامیکه سر چارلز را میبریدند هاروی مدتی بودکه از دربار کناره گرفته بود و به تحقیق و تتبع دراکسفوردمشغول‌بود. بزرگترین و مهم ترین‌حادثهٔ زندگی‌او کشف‌گردش خون بود که برایش‌شهرت جهانی‌به‌دست آورد ووی‌راجزومشهورترین‌دانشمندان عالم قرار داد .

اکتشافات پزشکی

اکتشاف	مکتشف	سال اکتشاف	ملیت
آبله ، واکسن ،	جنر	۱۷۹۸	انگلیسی
آسپرین	ژرارد	۱۸۵۳	آلمانی
آسپرین ، خاصیت،	رادزس	۱۸۹۹	آلمانی
اتر ، برای بیهوشی،	لانگ	۱۸۴۲	آمریکایی
استرپتومایسین	واکس‌من	۱۹۴۵	کانادایی
اشعهٔ ایکس	رونتگن	۱۸۹۵	آلمانی
انسولین	بنتینگ‌وبست	۱۹۲۱	آلمانی
اورومایسین	دوگار	۱۹۴۸	آمریکایی
پنی‌سیلین	فلمینگ	۱۹۲۸	انگلیسی
سل ، واکسن ،	کالمت ـ گرن	۱۹۲۰	فرانسوی
سولفامید	دماگ	۱۹۳۴	آلمانی
سیاه زخم ، واکسن	پاستور	۱۸۸۰	فرانسوی
فلج ، واکسن ،	سالك	۱۹۵۳	آمریکایی
میکروب	پاستور	۱۸۶۰	فرانسوی
میکروب جذام	هانس‌روبرت	۱۸۷۴	نروژی
میکروب حصبه	ابرت	۱۸۸۰	آلمانی
میکروب دیفتری	لوفلر،فردریك	۱۸۸۰	آلمانی
میکروب سل	روبرت‌کخ	۱۸۸۲	آلمانی
میکروب سیاه زخم	داون	۱۸۴۰	فرانسوی
میکروب طاعون	یرسن ، الکساندر	۱۸۹۴	فرانسوی
میکروب وبا	روبرت‌کخ	۱۸۸۳	آلمانی
میکروب هاری	پاستور	۱۸۷۵	فرانسوی
میکروب‌کزاز	نیکولایر	۱۸۸۴	آلمانی

نوبل پزشکی

برندگان جوایز پزشکی نوبل

جوایزپزشکی نوبل از ۱۹۰۱ تاسال۱۹۶۳، ۵۳ سال‌توزیع‌گردیده‌و جمعاً ۸۲ برنده داشته است . مدت ده سال به‌علت جنگ جهانی جوایز مزبور توزیع نشده ولی بعضی از سالها دو یاسه برنده داشته است . مجموعاً ۱۳ جایزه بین‌دو نفر و ۸ جایزه میان سه‌نفر توزیع گردید یك نفر ازمیان زنان‌برنده جایزهٔ طب شد ، که جایزه‌را مشترکاً باشوهرش تصاحب نموده است . برندگان جوایز نوبل در رشتهٔ طب عبارتنداز :

سال	برندهٔ جایزه	کشور	بخاطر
۱۹۰۱	امیل‌ادولف فون ، **بهرینگ**	آلمان	تحقیقاتش دربارهٔ سرم شناسی بخصوص ضد دیفتری که به‌آن وسیله اسلحه مطمئنی دراختیار اطباء گذاشت .
۱۹۰۲	سررونالد ، **روس**	انگلیس	تحقیقاتش‌دربارهٔمالاریا که‌نشان‌داده‌است‌میکروب‌مالاریاچگونه‌وارد بدن می‌شود وکار تحقیق در بارهٔ خود مرض و طرق مبارزهٔ باآن را آسان نموده است .
۱۹۰۳	نیلسون ریبرك ، **فینسان**	دانمارك	کشف‌وی دربارهٔ معالجهٔ امراض بخصوص مرض ویونس ولکاریس توسط اشعهٔ متمرکز شدهٔ‌نور .
۱۹۰۴	ایوان پتروویچ ، **پاولوف**	روسیه	تحقیقاتش دربارهٔ ساختمان دستگاههای جهاز هاضمه .
۱۹۰۵	روبرت ، **کخ**	آلمان	تحقیقات وکشفیاتش دربارهٔ سل.
۱۹۰۶	۱ ـ کامیلو ، **گولگی** ۲ ـ رامون **ایکایگال**	ایتالیا اسپانیا	تحقیقاتشان دربارهٔ ساختمان سلسله اعصاب .
۱۹۰۷	شارل‌لویی الفونس، **لاوران**	فرانسه	تحقیقاتش‌دربارهٔ‌نقشی‌بوده‌که‌پروتوزارهادرتولیدامراض‌دارند.
۱۹۰۸	۱ ـ پل **ارلیخ** ۲ ـ ایلیاایلیچ ، **مچنیکف**	آلمان روسیه	مطالعات آنها دربارهٔ مصونیت بدن در مقابل امراض.
۱۹۰۹	امیل‌تئودور ، **کوخر**	سوئیس	مطالعاتش دربارهٔ فیزیولوژی غدهٔ‌تیروئید .
۱۹۱۰	آلبرخت ، **کوسل**	آلمان	کمك وی به‌آگاهی بشر دربارهٔ شیمی سلولها ، تحقیقاتش دربارهٔ پروتئین ومواد نوکلئیك .
۱۹۱۱	آلوار ، **گولستراند**	سوئد	مطالعه‌اش دربارهٔ دیوپتریك چشم .
۱۹۱۲	الکسیس ، **کارل**	آمریکا	تحقیقاتش‌دربارهٔ بخیه آوندی وجابه‌جاکردن رگها و اعضای بدن (از بدن یك‌نفر به بدن دیگری) .
۱۹۱۳	شارل روبر . **ریشه**	فرانسه	تحقیقاتش در بارهٔ آنافیلاکسی .
۱۹۱۴	ربرت ، **بارانی**	مجارستان	تحقیقاتش‌دربارهٔعلوم‌اعضاء ومرض‌شناسی مربوط‌به دستگاه‌دالانی .
۱۹۱۵	برای سال بعد محفوظ گردید .		
۱۹۱۶	مبلغ جایزهٔ سال ۱۹۱۵ در این سال به صندوق‌مخصوص‌جایزه‌طب ریخته شد وجایزهٔ سال۱۹۱۶ نیز برای سال بعد محفوظ گردید .		
۱۹۱۷	برای سال بعد محفوظ گردید .		
۱۹۱۸	تقسیم‌نشد .		
۱۹۱۹	تقسیم‌نشد .		
۱۹۲۰	جایزهٔ سال قبل که‌توزیع‌نگردیده بود نیز دراین سال اعطاء شد . سال ۱۹۱۹ ژول ، **بورده**	بلژیك	کشفیاتش دربارهٔ مصونیت‌افراد درمقابل‌امراض .

سال	برندهٔ جایزه	کشور	بخاطر
	سال ۱۹۲۰ استین ، **کروق**	دانمارك	کشفی که دربارهٔ سلسلهٔ شعری اندام انسان نمود .
۱۹۲۱	برای سال بعد نگاه‌داشته شد .		
۱۹۲۲	جایزهٔ سال قبل که توزیع نشده بود به صندوق مخصوص ریخته شد و جایزهٔ این سال برای سال بعد محفوظ گردید .		
۱۹۲۳	جایزهٔ سال قبل نیز در این سال توزیع شد .		
	۱۹۲۲ بین دو نفر تقسیم شد.		
	۱ـ آرشیبالد ویویان ، **هیل**	انگلیس	پی بردن به تولید حرارت در عضلات.
	۲ ـ اوتوفریتز ، **مایرهوف**	آلمان	کشفوی دربارهٔ رابطهٔ ثابت ودایم بین مصرف اکسیژن وهضم ومصرف اسیدلاکتیك درعضله .
	جایزه‌سال(۱۹۲۳) نیز به تساوی میان‌دو نفر کانادایی تقسیم شد .		
	۱ ـ فردریك گرانت ، **بانتینگ**	کانادا	کشف انسولین.
	۲ ـ جان‌جیمس ریچارد، **ماکلئود**		
۱۹۲۴	ویلهلم، **آینتهون**	هلند	کشف ساختمان الکتروکاردیوگرام (ثبت حرکات قلب توسط برق).
۱۹۲۵	برای سال بعد نگاه داشته‌شد .		
۱۹۲۶	مبلغ جایزهٔ طب سال قبل به‌صندوق مخصوص ریخته شد و جایزهٔ این سال نیز برای سال‌بعد نگاه‌داشته شد .		
۱۹۲۷	جایزهٔ سال قبل نیز در این سال داده شد .		
	۱۹۲۶ ـ یوهانس ؛ **فیبی گر**	دانمارك	کشف آماس سرطانی اسپیروپترا.
	۱۹۲۷ـ جولیوس،**واگنرژورگ**	اطریش	کشف ارزش تشخیص تلقیح ضدمالاریا درمعالجهٔ دیوانگی، فلجی.
۱۹۲۸	شارل‌ژول هانری ، **نیکول**	فرانسه	تحقیقاتش دربارهٔ تیفوس .
۱۹۲۹	جایزه به‌تساوی میان‌دو نفر تقسیم شد .		
	۱ ـ کریستیان **ایکمان**	هلند	کشف ویتامین ضدبیماری‌های عصبی
	۲ ـ سرفردریك گولند،**هوپکنس**	انگلیس	کشف ویتامین‌های محرك رشد .
۱۹۳۰	کارل ، **لاندستاینر**	اطریش	کشف گروههای خون بشر .
۱۹۳۱	اوتو ، **واربورك**	آلمان	کشف ماهیت وشیوهٔ عمل آنزیم‌های تنفسی .
۱۹۳۲	جایزه به تساوی‌بین دو نفر تقسیم شد .		
	۱ـ سرچارلزسکات ، **شرینگتون**	انگلیس	کشفیاتشان دربارهٔ طرزکار سلولهای‌عصبی .
	۲ـ ادگارددا گلاس ، **آدریان**		
۱۹۳۳	توماس هانت **مورگان**	آمریکا	کشفیاتش دربارهٔ نقش کروموزوم‌ها دروراثت.
۱۹۳۴	جایزه مشترکاً به‌سه‌نفر آمریکایی داده شد .		
	۱ ـ جورج‌هویت ، **ویپل**		کشفیاتشان دربارهٔ تشخیص کبد در بیماریهای کم خونی.
	۲ ـ جورج ریچارد ، **زماینوت**		
	۳ـ ویلیام پاری **مورفی**		
۱۹۳۵	هانس . **اسپمان**	آلمان	کشف اثر رشدی توسعهٔ نطفه.

سال	برندهٔ جایزه	کشور	بخاطر
۱۹۳۶	جایزه مشترکاً به دو نفر داده‌شد.		
	۱ـ سرهنری هالت **دیل**	انگلیس	کشفیاتش دربارهٔ انتقال شیمیایی محرکهای عصبی
	۲ـ اوتو **لوئوی**	اطریش	کشفیاتش دربارهٔ رابطه اختراق حیاتی به ویتامین ث و اثر مجاورتی .
۱۹۳۷	آلبرت‌سنت‌گیورگی‌فون **ناگیراپولت**	مجارستان	فعل و انفعالات شیمیایی‌اسیدفورمالیك .
۱۹۳۸	برای سال بعدمحفوظ گردید.		
۱۹۳۹	جایزه سال۱۹۳۸ که توزیع‌نشده بود، نیزدر این سال توزیع شد .		
	۱۹۳۸ـ کورنیل ژان **هیمان**	بلژیك	کشف نقشی‌که ساختمان سینوس‌هاوآئورتیك در تنظیم تعریق‌بازی میکنند .
	۱۹۳۹ـ گرهارد ، **دوماك**	آلمان	کشف اثرات ضد باکتری مادهٔ پرونتوسیل (وی توسط دولت خود مجبورشدابتداجایزه‌را نپذیردولی‌بعدها مدال‌ودیپلم آن‌را گرفت.)
۱۹۴۰	توزیع نگردید بلکه یك‌سوم‌مبلغ جایزه به صندوق‌کل ودو سوم‌آن به صندوق مخصوص جایزه طب ریخته شد .		
۱۹۴۱	توزیع نشد.		
۱۹۴۲	توزیع نشد.		
۱۹۴۳	برای سال بعد محفوظ گردید .		
۱۹۴۴	جایزهٔ سال‌قبل‌که‌توزیع نشده‌بود نیز دراین سال توزیع گردید . جایزهٔ سال ۱۹۴۳ بین دو نفر تقسیم شد .		
	۱ ــ هنریك‌کارل پیتر**دام**	دانمارك	کشف اهمیت شیمیایی ویتامین K.
	۲ ــ ادوارد ادلبرت ، **دویزی**	آمریکا	
	جایزهٔ سال ۱۹۴۴ مشترکاً به دو نفر داده شد .		
	۱ ــ جوزف **ارلانگر**	آمریکا	کشفیاتشان‌دربارهٔ اعمال و وظایف‌کاملا متفاوت‌هردانه ازفیبرهای عصب .
	۲ ــ روبرت سی **گاسر**		
۱۹۴۵	جایزه مشترکاً به‌سه نفر انگلیسی داده شد .		
	۱ ــ سرالکساندر ، **فلمینگ**		کشف پنیسیلین واثرشفابخش آن دربیماریهای مختلف عفونی.
	۲ ــ ارنست بوریس ، **چین**		
	۳ ــ سرهاوارد والتر ، **فلوری**		
۱۹۴۶	هرمان جوزف ، **مولر**	آمریکا	کشف تولید دگرگون اشعهٔ‌مجهول .
۱۹۴۷	جایزهٔ طب این‌سال نیز بین‌سه‌نفر تقسیم شد به این ترتیب‌که نیمی از آن میان دو نفر آمریکایی و آرژانتینی داده شد .		
	۱ ــ کارل فردیناند، **کوری**	آمریکا	کشف جریان تبدیل مجاورتی گلیکوژن .
	۲ــ جرتی ترا ز**کوری** (همسر کارل)		
	۳ــ برنارد وآلبرتو ، **هوسی**	آرژانتین	کشف نقشی‌که هورمونهای پره‌های بلغمی پیشین درتجزیه وهضم قند دارند .

سال	برندهٔ جایزه	کشور	بخاطر
۱۹۴۸	پل هرمان ، **مولر**	سوئیس	کشفیاتش دربارهٔ کارآیی قابل ملاحظهٔ د ــ د ــ ت به عنوان سمی که حیوانات متعددی دراثرمجاورت آن مسموم می‌شوند .
۱۹۴۹	جایزه به‌تساوی میان دونفرتقسیم شد .		
	۱ ـ والتررودلف ، **هس**	سوئیس	کشف اینکه سازمان عملی‌مغزداخلی تنظیم‌کنندهٔ فعالیتهای اعضاء داخلی بدن می‌باشد .
	۲ـ آنتونیوکیتانودوآبروفریراگاس **مونیز**	پرتقال	کشف ارزش درمان‌شناسی لیوکوتومی دربعضی اختلالات دماغی .
۱۹۵۰	مشترکاً به‌سه نفر داده شد .		
	۱ ــ ادواردکالوین ،**کندال**	آمریکا	کشفیاتشان دربارهٔ هورمون‌های قشرروگرده‌ای (آدرنال‌کورتس)و ساختمان واثرات زیستن آنها .
	۲ ــ تادیوس ، **رایخستان**	سوئیس	
	۳ ــ فیلیپ شوالتر**هنچ**	آمریکا	
۱۹۵۱	مـاکس ، **تیلر**	آمریکا	کشفیاتش دربارهٔ تب زردوطرق مبارزهٔ باآن .
۱۹۵۲	سلمن‌ابراهام ، **وایزمن**	آمریکا	کشف استرپتومایسین اولین داروی آنتی‌بیوتیک که بر ضد امراض مؤثر بود .
۱۹۵۳	جایزه به‌تساوی‌بین دونفرتقسیم شد .		
	۱ ــ هانس لیپمان‌ادولف ، **کرب**	انگلیس	کشف خانوادهٔ اسیدسیتریک .
	۲ ــ آلبرت**لیپمان**	آمریکا	کشف‌آنزیم واهمیت آن‌برای دگرگونی با واسطهٔ فرتیز .
۱۹۵۴	جایزه مشترکاً به‌سه نفرآمریکایی داده شد .		
	۱ ـ جان فرانکلین**اندرس**		
	۲ ــ توماس‌هاکل **ولر**		کشف توانایی ویروسهای بیماری فلج اطفال بـرای رشد ونمو در انواع بافتها .
	۳ ــ فردریك چیمن . **رابینس**		
۱۹۵۵	اکسل‌هوگوتئودور ،**تئورل**	سوئد	کشفیاتش دربارهٔ ماهیت وطرزکار آنزیمهـای اکسیداسیون .
۱۹۵۶	جایزه مشترکاً به سه‌نفر داده شد.		
	۱ ــ اندره فردریك ،**کورنالد**		
	۲ ــ ورنر**فورسمان**	آلمان	کشفیاتشان‌دربـارهٔ‌میل‌فروکردن به‌قلب وتشخیص امراض‌دردستگاه گردش خون .
	۳ ــ دیکنون **ریچاردرجونیور**	آمریکا	
۱۹۵۷	دانیل**بووت**	ایتالیا	کشفیــاتش در بارهٔ ترکیبات مصنوعی که مانع عمل برخی ازمواد بدن‌می‌شود و به‌خصوص عمل آن‌ها درسیستم عروقی‌وعضلات‌استخوان بندی .
۱۹۵۸	جایزه به دو قسمت تقسیم شد و نیمی ازآن به‌دونفر اولی و نیم دیگر به‌نفر سومی‌داده شد .		
	۱ ــ جورج ولز ، **بیدل**	آمریکا	کشف‌اینکه ژنها به‌وسیلهٔ تنظیم نمودن‌بعضی‌اعمال‌شیمیایی‌کارخودرا انجام میدهند .
	۲ ــ ادوارد لوری ، **تاتوم**	آمریکا	
	۳ ـ جوشـائا ، **للدربرگ**	آمریکا	کشفیاتش دربارهٔ ترکیب ژنها .
۱۹۵۹	جایزه مشترکاً به دونفر داده‌شد.		
	۱ ــ سورو**اوکوآ**	آمریکا	کشف‌مکانیزمها وساختمانهای ترکیبات مصنوعی بیولوژیکی اسید‌ریبونوکلئیك و اسید دیوکسید پیونـوکلئیك .
	۲ ــ آرتور ، **کورنبرگ**	آمریکا	

سال	برندهٔ جایزه	کشور	بخاطـــــــــــر
۱۹۶۰	جایزه مشترکاً به دونفرداده‌شد.		
	۱ ـ سرفرانك مكفارلين **بورنت**	استراليا	کشف مصونیت اکتسابی.
	۲ ـ پیطر برایـان . **مداوار**	انگلیس	
۱۹۶۱	جورج‌فون ، **بکزی**	آمریکا	کشفیاتش دربـارهٔ ساختمان صوتی‌گوش و ساختمـان فیزیکی‌تحرك درآن .
۱۹۶۲	به‌یك‌آمریکایی‌ودوانگلیسی‌داده‌شد.		
	۱ ـ جیمس دیویی **واتسون**	آمریکا	کشفیاتی‌که دربارهٔ ساختمان مولکولی اسیدهای نوکلئیك‌کرده‌اند.
	۲ ـ فرانسیس‌هاری کومپتون ـ **کریك** .	انگلیس	
	۳ ـموریس **ویلکینس**	انگلیس	
۱۹۶۳	۱ ـ الن‌لوید **هوچکین**	انگلیس	تحقیق در زمینهٔ سلولهـای عصبی و کشف طرز انتقال ، محرك‌های عصبی دراعصـاب محیطی ومرکزی .
	۲ ـ آندره فیلدینك ، **هاکسل**	انگلیس	
	۳ ـ سرجان **کارواکلس**	استرالیا	

جدول چگونگی امراض مسری کودکان

اسم مرض	تاریخ‌ابتلاء	دوران‌بیماری	سرایت	دوران‌نقاهت	ملاحظات پرستاری
سیاه سرفه	تیرماه	از۲ تا۱۲روز	مستقیـم ، مخصوصـاً در هفته‌های اول‌مرض‌به‌وسیله ترشحات‌سرفه.	۳۰ روز بعداز سرفه‌های اولیه	کودك مریض را بـاید کاملا از اطرافیان‌مریض‌دورنگهداشت، مخصوصاً ازاطفال، لباس‌های مریض‌بایدضدعفونی شود .
دیفتری	از آبان تا فروردین	از۲تا۵ روز و گاهی بیشتر	مستقیم ، مریض حتی در دوران نقاهت مرض را باخود حمل میکند. بطور غیرمستقیم لباسهای‌مریض هم موجب سرایت میشود .	۳۰ روزبعد از معالجه	انزوای مطلق مریض‌ازاطرافیان، ضد عفونی کردن تمام وسایل مریض و محل سکونت او .
تیفوئید و پاراتیفوئید	مرداد-شهریور مهر	از۶تا۱۴ روز وگاهی بیشتر	مستقیم، براثرتماس مریض با اشیاء حامل میکروب و غیر مستقیم‌به‌وسیلهٔ آب ، غذا ، مگس وغیره .	۱۸ روز بعداز معالجه	انزوای مریض ـ ضدعفونی‌کردن وسایل مریض (بهتر است مریض در بیمارستان بستری شود) .
فلج	تیر ـ مرداد ـ شهریور	از۷تا۱۴ روز	مستقیم‌به‌وسیلهٔ‌تماس‌مریض یاحامل‌ویروس‌وغیرمستقیم بوسیلهٔ آب و گل ولای و مواد گندیده.	۳۰روز بعد از آغاز مرض	انزوای بیمار ـ ضدعفونی کردن مریض ومحل سکونت او ـ قدغن‌کردن شنا در استخر.
سرخك	از آبان‌تاآخر فروردین	از۱۰ تا۱۴ روز.	مستقیم به وسیله ترشحات بینی ودهان	۱۸ روز بعداز آغاز مرض	انزوای مریض ، دور نگاهداشتن او از حرارت و تلقیح اطرافیان .
مخملك	ازدی تاآخر فروردین	از۲تا۸ روز.	مستقیم به‌وسیلهٔ ترشحات مریض‌وغیرمستقیم به‌وسیله اشیاء آلوده.	۴۰ روز بعداز آغاز عفونت	انزوای مریض ـ ضدعفونی کردن محل سکونت و تلقیح اطرافیان .
آبله‌مرغان		از۱۴ تا ۲۱ روز.	مستقیم ، ازخود مریض و غیرمستقیم ازاشیاءولوازم وآب دهان بیمار	۶ روز بعد از آغاز مرض	
اوریون		از۶تا۲۱ روز وگاهی تا۳۰ روز.	مستقیم از تماس با مریض	۱۵ روز بعداز آغاز مرض	انزوای مریض ـ استراحت‌کامل ـ حرارت‌لازم، تلقیح‌اطرافیان خردسال ـ ضد عفونی وسایل .

اسامی قدیم و جدید بعضی از امراض

جدید	قدیم
آنفلوآنزا	مشمشه
تیفویید	حصبه
تیفوس	تب راجعه
جذام	خوره
دیفتری	خناق
زخم معده	دل درد کهنه
سرطان	خنازیر
سل	تب لازم
سوزاك	آتشك
مالاریا	تب نوبه‌ای
مننژیت	سرسام

کتب پزشکی

آبستنی و زایمان : (دانشگاه تهران) نیکلسون ایستمن و لویس‌هلمن، با نظارت و اصلاحات جهانشاه‌صالح ، ترجمهٔ بهرام محیط .
آدنوکانسر کبد ومشاهدات بالینی آن در بیمارستانها: دکترمحمد علوی‌زاده.
آسیب شناسی: (تشریح مرضی) دکتر مصطفی حبیبی گلپایگانی .
آفتاب درمانی‌یامعالجهٔ با آفتاب: دکتر نورالدین‌هادی .
آلرژی و بیماریهای‌ناشی از آن : دکتر نورالدین هادی .
آنچه‌که یك پزشك باید ازرادیوتراپی بداند : سعید راد .
ابن سینا و امراض عصبی و روانی : دکتر ابوالحسن فرهودی .
استخوان‌شناسی: دکتر نعمت‌الله کیهانی.
اسرارالاطباء: شهاب‌الدین‌ثاقب‌دهلوی.
اصول‌بیماری‌ارثی‌انسان: دکترمحمدمولوی.
اصول شیمی‌وپزشکی : دکتر آرمائیس وارطانی .
اصول‌طب‌جدید: سیدرضاصدیق‌الحکما.
اصول معالجات ساده با آب و نباتات مطابق اقوال ابن سینا : ژرژ کنپ ، ترجمهٔ شعیت طالب العالم .
اصول‌معالجهٔ‌سیفلیس‌وطریق‌جلوگیری از سرایت آن: دکتر اسماعیل نوذری.
الابنیة عن حقایق الادویة : ابو منصور موفق هروی .
الکتروکاردیوگرافی : دکتررضامحمد‌زاده به‌مشارکت‌دکتر سیف‌الدین‌نبوی .
الکتروکاردیوگرافی : دکتر سیف‌الدین نبوی .
الکتروکاردیوگرافی : دکتر ابوالقاسم پزشکان .
الکتروکاردیوگرافی بر پایهٔ‌الکترو‌فیزیولژی : دکتر ابوالقاسم پزشکیان.
امراض اعصاب محیطی و نخاع: دکتر سید ابراهیم چهرازی .
امراض حلق و بینی: دکتر غلامحسین علیم مروستی .
امراض دهان و دندان : دکتر محمود سیاسی .
امراض عصبی :(۲جلد). کریزل ترجمهٔ دکتر علیخانی همدانی .
انگل‌شناسی‌در طب: دکترناصرانصاری.
اورام ملتحمه : دکتر نصرالله باستان .
بررسی بالینی و درمان سیروزها : دکتر مهدی شرف‌الدین .
بررسی‌و تجربیات علمی دررفع‌نقایص پاها، پاهای‌کج و دردناك : دکترامیر کیا .
برق زدگی وچارهٔ آن : دکتر منوچهر بهمنیار .
بواسیر،سبب تولید و علایم و معالجهٔ آن: دکتر طومانیانس.
بیماری روحی و عصبی : هانری‌باروك ترجمهٔ دکترنا نومهرانگیز منوچهریان.
بیماری سل در ایران : دکتر احمد دانشور .
بیماری هاری واقسام آن: دکترمهدی قدسی .
بیماریهای اعصاب : دکتر صادق صبا .
بیماریهای‌پوست‌ودرمان‌آنها: (۲جلد) محمد علی ملکی .
بیماریهای‌تغذیه و روماتیسم: دکترعلی وکیلی .
بیماریهای چشم و درمان آن : دکتر نصرت‌الله باستان .
بیماریهای خون : دکتر یحیی پویا .
بیماریهای خون : دکتر علی وکیلی .
بیماری جذام : مرتضی فروزان .
بیماریهای دستگاه گوارش : دکتر نورالدین هادی .
بیماریهای دستگاه گوارش : دکترعلی وکیلی .
بیماریهای دستگاه تنفس : دکتر علی وکیلی .
بیماریهای دندان (اثرضربه‌بردندانها) «امیرکبیر تهران»،کاظم سیمجور.
بیماریهای دندان ودرمان آن : دکتر محمود سیاسی .
بیماریهای‌صفرا : دکتر علی وکیلی .
بیماریهای عفونی : م . ن . مژدهی .
بیماریهای عفونی : دکتر مهدی آذر.
بیماریهای‌عفونی : دکتر منوچهراقبال.
بیماریهای عفونی و تفسیرآن: دکتر‌نصرالله مقتدر معروف به مژدهی .
بیماریهای‌عمومی‌و تجربی‌غدد مترشح داخلی و بیماریهای‌آن: دکترنصرت‌الله کاسمی ساروی متخلص بـه نصرت .
بیماریهای کبد : دکتر علی وکیلی .
بیماریهای‌کبد و مجاری صفرا: دکتر‌نورالدین هادی .
بیماریهای کودکان : جان هندرس ، ترجمهٔ حسن مرندی .
بیماریهای‌گوش‌وحلق و بینی‌وحنجره: دکتر نصرت‌الله باستان‌به‌همکاری دکتر‌مصطفی بهشتی شیرازی .
بیماریهای لوزالمعده، کبد ، دستگاه صفراوی: سیسیل‌لوب‌و بیستون‌ملك‌درموت ترجمهٔ شهمیرسردار و هراندآبکاریان .
بیماریهای مجاری ادرار ، اورولوژی عمومی : دونالد اسمیت ، ترجمهٔ مظفر سالمی، ایرج‌رضوانی ومهدی‌خانمحمدی.
بیماریهای‌مغز وپی : دکتر سیدابراهیم چهرازی .
بیماریهای‌موو پوست سر: ودود سیدی.
بیماریهای‌واگیر : (۲ جلد). دکتر غلامعلی بینشور .
بیماریهای‌گوش‌وحلق‌و‌بینی جلداول :

تألیف دکترجمشیداعلم

بیماریهای اعصاب (جلد نخست)
دکترصادق صبا

پاتولوژی : دکتر ابوالحسن تفرشی .
پاتولوژی بیماریهای زنان و مامایی : امیل نواك ، ترجمهٔ دکتر عبدالمحمود شمسا با همکاری دکتر صغری آزرمی .
پزشك‌خانواده : اسماعیل اژدری .
پزشکی‌پیشگیری: دکتروارتکس‌نهاپیتان.
پزشکی‌علمی: دکترابوالقاسم‌نجم‌آبادی.
پزشکی قانونی : دکتر هوشنگ رشید یاسمی .
پند نامهٔ اهوازی یا آیین پزشکی : علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی ، ترجمهٔ دکتر محمود نجم‌آبادی .

راهنماییهای پزشکی :«امیرکبیر تهران» آ . سایتکف ، ترجمهٔ صادق سرابی.
راهنمای بیماران دیابتی :محمد علی- مولوی .
راهنمای بیماریهای گوناگون یامسایل گوناگون پزشکی : (۳ جلـد). دکتر محمدعلی مولوی .
راهنمای کالبد شکافی : دکتر مرتضی حکمی و به مشارکت دکتر رحمت‌الله- برجیان .
رسایل طبی محمدبن زکریای رازی : محمدبن زکریای‌رازی ، به‌اهتمام‌فخر- الدین نصیری‌امینی .
رسالهٔ دفاع از امراض تناسلی : دکتر یحیی پویا .
رگ شناسی:ترجمهٔشیخ‌ضیاءالدین‌دری.
روانپزشکی‌کودك :«دانشگاه تهران» محمدگیلانی .
روشهای‌نوین‌سرم‌شناسی‌وتفسیرکلینیکی آنها : دکترغلامرضا نظری .
ریزشهای‌قلبی‌یاا گیترکونس‌تی‌توسیونل نیك‌فرجام : دکتر سیف‌الدین نبوی.
زایمان بدون‌درد : دکتر منصورعطار.
زینت‌الابدان درامراض‌جلدی ، دکتر شلیمر
سرطان (تشخیص و پیش‌رسی سرطان در زنان) : (امیرکبیر تهران) ؛ ایرج افنانی .
سؤالات ومسابقات‌انترنی‌بیمارستانهای تهران:دکترمحمدعلی‌مولوی‌به‌مشارکت دکترمژدهی .
سالك : دکتراحمد امامی .
سردرد علل‌وطرق معالجهٔ آن : دکتر سید ابراهیم چهرازی .
سرطان : سیمون لابوزد، ترجمهٔ دکتر- احمد شیمی .
سخنرانی‌پزشکی وسؤالات‌مسابقه‌انترنا: دکترم . م . رفعت .
سوزاك، درمان وطرز جلوگیری‌آن : دکتر نادر شرقی .
سوزاك : دکتر سید نورالله ستوده .
سیاست‌نامه : زکریای رازی
شیمولوژی اعصاب: دکترسیدابراهیم- چهرازی .
سلامتی‌وبیماری‌کودکان : دکترسامی‌راد.

سیمولوژی : (۳ جلد) . دکتر صادق پیروز عزیزی .
شفائیه در طب : دکتر شلیمر ، ترجمهٔ میرزا عبدالکریم یزدی طهرانی .
شکسته‌بندی : دکتر امیرکیا .
شیمی‌حیاتی‌وپزشکی: دکترآرمائیس- وارطانی به مشارکت دکتر رضانفیسی.
شیمی درمانی سرطانها: (دانشگـاه تهران) بقراط صفایی .
طب‌اطفال : لارنس اسلوبادی ، ترجمهٔ ایوب خدادادی وایرج دردشتی.
طب‌الملوك : زکریای رازی
طب‌المنصوری : محمد زکریای رازی.
طب‌پیشگیری و بهداشت‌عمومی: دکتر- سید نورالله ستوده .
طب‌تجربی : دکتر ناصرگیتی .
طب تجربی و فیزیولوژی تجربی : دکتر ناصرگیتی .
طب جدید : عیسی‌عمیدخراسانی.
طب‌قانونی : دکتر علی فلاتی .
طب وروانشناسی : ابراهیم نیك‌سیر .
طرزاستعمال آنتی‌بیوتیك‌ها دردرمان سل ریوی : دکتر عزت‌الله راسخ .
طریق‌رهایی ازامراض وبایی: دکتر- ابراهیم سعید فرزند محمد .
طریقهٔ رهایی ازامراض‌وبایی : دکتر سید ابراهیم چهرازی .
عضله وزیبایی پلاستیك : دکترنعمت- الله کیهانی .
علاج‌الامراض:حکیم‌محمدشریف‌دهلوی.
علاج‌الامراض و دستورالعلاج : میرزا عبدالکریم یزدی طهرانی .
فهرست‌کتابهای‌چاپی‌فارسی‌طبی : دکتر محمود نجم‌آبـادی .
فیزیولوژی بالینی : دکترناصرگیتی.
فیزیولوژی‌هورمونها:(دانشگاه‌تهران) سعید اعتصامی .
قابلگی: استراتن، ترجمهٔع. ابواسحق.
قانون : ابوعلی‌سینا
قانون‌العلاج، طاعون : سیدعلی موسوی تبریزی مرعشی .
کالبد شکافی : دکترنعمت الله‌کیهانی.
کالبدشکافی : (تشریح عملی‌سروگردن. سلسلهٔ اعصاب مرکزی) دکترنعمت‌الله- کیهانی .
کالبد شکافی : (تشریح عملی قفسهٔ‌سینه وقلب وریه) دکتر نعمت‌الله‌کیهانی .
کالبد شناسی انسانی (سروگردن) :

(دانشگاه تهران)؛منوچهرحکیم‌وحسین- گنج‌بخش بامقدمهٔ ه . روویر .
کالبد شناسی بالینی(حفرهٔشکمی‌لگنی اعضاء داخلی‌صفاقی):(دانشگاه‌تهران)؛ منوچهر حکیم .
کالبدشناسی دستگاه گوارش : دکتر- منوچهرحکیم .
کالبد شناسی موضعی : دکتر منوچهر- حکیم .
کالبد شناسی و فیزیولوژی : سرهنگ نصرت‌الله نیك‌نفس .
کامل الصناعه : علی‌بن عباس‌مجوسی .
کشف علل و تداوی سرطان: منصور- جلیلی .
کلیات طب فرنگی : دکترشلیمر.
کوفت وآتشك‌ودرمان‌آنها:محمدعلی- ملکی.
کیمیا پزشکی : دکتر نصرت‌الله‌باستان.
کیمیاپزشکی‌پنی‌سیلین‌ومواردا ستعمال آن : دکتر سیدابوالقاسم قائمی .
گریپ ؛ رساله درمرض آنفلوآنزا : عبدالحسین زنوزی تبریزی .
گروه‌بندی و انتقال خون: دکتریحیی پویا .
گنجینهٔ دارو و درمان : حکیم اعظم دکتر علی پرتوی شیرازی .
مالاریا : دکتراحمد امامی .
مایه‌کوبی‌برضد سل‌بوسیلهٔ ب . ث. ژ: دکترمهدی قدسی .
مبارزهٔ اجتماعی باسوزاك: دکتررضا- هشترودی .
متابولیسم آب‌والکترولیتها نزدکودکان: (دانشگاه تهران) مسعود عزیزی.
مخزن‌الادویه‌درطب : ناظم‌الاطباءموسی ابن سیدعقیل .
مرگ‌وکالبدگشایی‌درپزشکی قانونی: دکترمرتضی‌حکمی .
مسائل‌روان‌تنی درکودکان :(امیرکبیر) تهران ؛ لیوکانر ترجمهٔ مسعودمیربها.
مسایل‌گوناگون پزشکی : دکترمحمدعلی مولوی .
مسائل مشکل‌طب کودکان: (دانشگـاه تهران) محمدقریب وحسن‌اهری.
من‌لایحضره‌الطبیب:محمدزکریای‌رازی.
مواد دندانی (مواد سازندهٔ دندانهای مصنوعی): (دانشگاه‌تهران) دکترحسن دستوری.

میکروب‌شناسی: (دانشگاه‌مشهد) محمد میردامادی.
میکروب‌شناسی بالینی و علمی: دکتر وارتکس نهاپتیان.
میکروب‌شناسی وزینهارشناسی‌عمومی: دکتررضارستگار (به‌مشارکت‌دیگران).
نتیجهٔ دومین کنگرهٔ بین‌المللی بیماری های قلبی درواشنگتن: دکتر سیف‌ـ الدین نبوی.
نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب: دکترـ صادق صبا.
نشریات انجمن‌مبارزه باتریاك والكل: دکتر سیدابراهیم چهرازی.
نوزادو بیماریهای آن:(دانشگاه‌تهران) احمد قانع‌بصیری.
وبای آسیایی: دکتر علی مستشفی به مشارکت دکتررضابصیر.
هزار اسرار از مشاهیر حکمای سالفه درتدبیرتقویت باه: کمال‌الدین‌اسمعیل‌ـ ابن محمد یونس‌کمال هروی.
هورمونهاوزندگی‌شما: دکترهوشنگ‌ـ دولت‌آبادی.

کتب بهداشت

اسرار‌تندرستی: مهرداد مهرین.
اسرار خوراکیها(خودشناسی):(امیرـ کبیر تهران) غیاث‌الدین جزایری.
اعجاز خوراکیها: (امیرکبیر تهران) ؛ غیاث‌الدین جزایری.
بهداشت: دکتر نصرت‌الله نصیری بـه مشارکت دکترعباس نفیسی.
بهداشت‌اطفال: گارلاگر،روزول ترجمهٔ عبد علی جمشیدی.
بهداشت‌برای‌همه‌یاراهنمای تندرستی: دکتر احمد شیمی.
بهداشت چشم: دکتر منوچهردانشگر.
بهداشت دورهٔدوم‌ودورهٔ سوم‌کودکی: دکتر شفاءالدوله میرخانی.
بهداشت‌روانی خانواده: آپله‌بوم‌وبرت ونیهر، ترجمهٔ حیدردانش دوست وعلی اکبر شعاری نژاد.
بهداشت عمومی و بهداشت مدارس: سیاوش‌آگاه.
بهداشت غذایی‌کودك: موثقی‌وروح‌الله کیهان.
بهداشت غذایی یا منافع الاغذیه و مضارها: ابوبکرمحمدبن‌زکریای‌رازی، ترجمهٔ عبدالعلی علوی‌نائینی.
بهداشت‌کبد ورژیم آن: دکتر ناصـر مالك.

بهداشت‌کودك: علی اصغرسعادت.
بهداشت‌کودکان: فتحعلی صبا خراسانی.
بهداشت نوین: سیاوش‌آگاه.
بهداشت و بازرسی‌خوراکی‌ها: دکترـ محمدعلی شمس.
بهداشت‌وکمك‌های نخستین‌درکوهستان: عبدالکریم انواری
بهداشت‌همگانی به وسیلهٔ شناسایی و بازرسی خوراکی‌ها: دکتر علی محمد برافروخته.
بهداشت‌یاعلم‌تندرستی،اگرمی‌خواهید تندرست و سالم باشید: دکتر احمد دانشور.
تأمین تندرستی کودکان ودانستنی‌های لازم برای مادران: دکترشفاء الدوله‌ـ میرخانی.
تغذیهٔ‌کودك: علی‌پریور
تغذیه و تأثیر آن و سلامت و بهداشت: (امیرکبیر تهران) شکوه‌گوهریان.
تندرستی و زیبایی: جرالدین‌بریانت ترجمهٔ اقدس‌فرشته (آذر).
حفظ الصحة: سیدرضا صدیق‌الحکما.
حفظ‌الصحه: محمد علی مظفری.
حفظ‌الصحه: علی‌اکبرنفیسی.
حفظ‌الصحه: سیدعلی نصر.
راهنمای بهداشت خانواده و پرورش کودکان: مرضیهٔ دانش.
راهنمای تندرستی و درمان طبیعی: مهرداد مهرین.
رمز زیبایی و بهداشت: اولگاگلبیك.
سیگار وتندرستی: (شمس و فرانکلین تبریز): پتمك‌گردی‌ترجمهٔ‌عبدالامیرـ سلیم، به‌انضمام سیگاریا انتحارتدریجی ازعلی مقدم.
طب‌فامیل یادوست خانه: دکترآقاخان طوب.
فرهنگ خواص خوراکی‌ها: احمـد سپهر خراسانی.
مادر و کودك شیرخوار: اسمعیـل صحاوی.
مواد خوراکی: (دانشگاه‌تهران) ؛فتح الله اعلم.

کتب دامپزشکی

آسیب شناسی دامپزشکی: (دانشگاه‌ـ تهران) علی‌اکبر امری.
اسب شناسی: ترجمهٔ سرلشکرمهدیقلی علوی مقدم.
امراض‌سمی، نعلبندی: ستوان یکم علی‌زوبین.
اندام شناسی اسب: دکترمحمودیزدی‌ـ زاده.
انگل شناسی (کرم شناسی، کرم‌های گرد یا نخی‌شکل):(دانشگاه تهران) عزیز رفیعی وعلی عاوی نائینی.
بازرسی‌گوشت: (دانشگـاه تهران) ابوالقاسم افشار وحسن‌علی نشاط.
بافت‌شناسی‌دامپزشکی:(دانشگاه‌تهران) علی‌اکبر امری.
بیماریهای ماکیان‌وکاملترین‌روش‌پیش گیری و درمان‌آنها: ترجمهٔ علی‌رضاـ رستمی.
بیماریهای واگیر دام: دکتر رضاـ رستگار.
پرورش بوقلمون ومرغداری: محمد مشیری.
پرورش‌زنبور عسل: سرهنگ‌خدایار.
پرورش گوسفند: (دانشگاه تهران) محمودیزدی‌زاده ومحمدتابش.
تربیت زنبور عسل: نوذر بنایی.
تشخیص بیماریهای دام: دکتر علی‌ـ محمد برافروخته به مشارکت سرهنگ‌ـ دوم‌شریف.
تشخیص‌کلینیکی آبستنی درگاو: علی محمد بهنیا.
تعریف بعضی‌امراض مسریهٔ‌گوسفند: خلیل هاشم‌زاده فلاح.
تغییرات‌کالسیوم خون درزمان آبستنی ماده‌گاو: هوشنگ‌ممتاز.
تلقیح مصنوعی دام و طیور: (سازمان دامپروری‌کل‌کشور تهران) فیروزعدل وجواد قدوسی.
تهیه و توزیع منی‌گاو وگوسفند در ایران: خسرو فروزش.
دامپروری جدید، پرورش گاو و گوساله: (کانون دامپروران ایـران، تهران) پرویز مزینی.
سگان، حفظ الصحه و تربیت و طرز معالجه: دکتر مرتضی‌گل‌سرخی.
شناسایی دام و دد: نجف قلی‌میرزاـ معروف به‌آقا سرداربن ابراهیم میرزاـ معزی.
عالم‌حیوانات: نجف‌قلی میرزا معروف به‌آقا سرداربن ابراهیم میرزا معزی.
علاج الطیر، معالجهٔ پرندگان: دکتر مرتضی‌گلسرخی.

معالجهٔ ورم‌عفونی رحم‌گاو به وسیلهٔ ابلت اورومایسین : اسماعیل میلانی .

اساتید دانشکدهٔ پزشکی

آدریسیان ، دکتر غلامحسین . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
آذر ، دکترمهدی .استاد بالینی‌پزشکی. دانشکدهٔ پزشکی .
آذری‌نژند ، رئیس درمانگاه بخش جراحی‌فك‌وصورت‌دانشکدهٔ دندانپزشکی.
آراکلیان ، دکتر باکدان . رئیس درمانگاه‌بخش‌پروتزکامل باحق‌آموزشی. در دانشکدهٔ دندانپزشکی .
آرمین ، دکترکمال‌الدین. استادآسیب‌ـ شناسی دانشکدهٔ پزشکی .
آریا ، دکتر خلیل . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
آزاد خراسانی، دکتر حسین .استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
آزادی ، دکتر پرویز . استادیار ، بیماریهای دهان دانشکدهٔ دندانپزشکی.
آزرمی ، خانم دکتر صغری . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
آژیر ، دکتر احمد . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
آشتیانی پور ، دکتر حسن . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
آصفی ، دکتر سعید.استادیاردانشکدهٔ‌ـ پزشکی .
آفاق‌عدل‌طباطبایی،دکترقدس .دانشیار بخش تشخیص دانشکدهٔ دامپزشکی .
آمیغی ، دکتر جمشید . رئیس‌درمانگاه دندانپزشکی اطفال .
آهی ، دکتر عبدالحمید . استاد مامایی بالینی دانشکدهٔ پزشکی .
ابراهیمی ، دکتر محمد علی . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
ابوالقاسم پرنیا ، دکتر احمد . استادـ دانشکدهٔ پزشکی .
اتحادی ، دکتر نادر . استادیار بخش پروتزکامل دانشکدهٔ دندانپزشکی .
احمدی سجادی، دکتر مجتبی‌الحسینی. استاد دانشکدهٔ‌پزشکی .
ادهم ، دکتر علینقی لقمان . دانشیار دانشکدهٔ‌پزشکی.
ادیب،دکتر محمدحسین. استادپزشکی‌ـ قانونی دانشکدهٔ پزشکی .
ادیب‌فر،دکترپرویز.استادیاردانشکدهٔ‌ـ پزشکی .
اردلان ، خانم دکتر مینو . دستیار دانشکدهٔ دامپزشکی .
اردلان ، دکتر اسماعیل. استاددانشکدهٔ دامپزشکی .
اردوبادی، دکتر محمد حسین. دانشیار بیماریهای داخلی دانشکدهٔ پزشکی .
اردهالی،دکترمصطفی استادیاردانشکدهٔ پزشکی .
ارفع، دکتر فریدون . دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
آقایی‌کلیمی ، خانم دکتراستر.استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
اسکندری: مهندس‌فریور. دبیردانشکدهٔ کشاورزی .
اسکویی ، دکتر محمد کاظم . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
اسلامبولچی ، دکتر هادی . استادیار بخش جراحی دانشکدهٔ دندانپزشکی .
اسلام دوست ، دکتر احمد . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
اسماعیلی ، دکتر مرتضی . استادیار دانشکدهٔ‌کشاورزی .
اشرفی ، دکتر اصغر . استادکالبدشناسی دندان ، دانشکدهٔ دندان پزشکی .
اشتیاقی ، مهندس حسن. دبیردانشکدهٔ‌ـ کشاورزی .
اصانلو ، دکتر سیروس.استاددانشکدهٔ‌ـ پزشکی .
اصلانی، دکترپرویز . دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
اعتبار ، دکترحمید . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
اعتصام ، دکتر فریدهٔ . دستیار بخش کالبدشناسی‌دندان دانشکدهٔ‌دندانپزشکی.
اعتضاد مظفر ، دکتر اسدالله . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
اعلم ، دکتر جمشید . استاد گوش و گلو و بینی دانشکدهٔ پزشکی .
افراسیاب ، دکتر علی اصغر . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
افشار، دکترابوالقاسم . خرقانی‌دانشیار دانشکدهٔ دامپزشکی .
افشاری ، دکتر رضا . دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
افغان، دکترمحمد. استادیار دروس‌عملی میکروبشناسی دانشکدهٔ دامپزشکی .
افلاطونی ، دکتر مهدی . استادیار آزمایشگاه بیمارستان رازی .
اقبال ، دکتر منوچهر . استادبیماریهای عفونی دانشکدهٔ پزشکی .
اقراری ، دکتر روح‌الله استادیار بخش میزراه دانشکدهٔ پزشکی .
اقصی ، دکتر مصطفی . استاد درمانگاه جراحی دانشکدهٔ دامپزشکی .
امامی ، دکتر احمد . استاد بخش‌درونی دانشکدهٔ دندانپزشکی .
امری، دکترعلی‌اکبر. دانشیار دانشکدهٔ دامپزشکی .
امیرلو ، دکتر رحمت‌الله . دستیار بخش پروتز ثابت ، دانشکدهٔ دندانپزشکی .
امیری‌قراگزلو، دکترعلیرضا .استادیار گروه علوم بهداشتی دانشکدهٔ پزشکی .
امینی ،دکتر فریدون . دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
امینی ، دکتر هوشنگ . متصدی بخش جراحی دانشکدهٔ دندانپزشکی .
امینی سلیمانی ، دکتر هوشنگ . رئیس درمانگاه بیماریهای دندان دانشکدهٔ دندانپزشکی .
انصاری، دکتر ناصر.استاد انگل‌شناسی دانشکده پزشکی .
انصاری، دکترحسین. استادیاردانشکدهٔ دامپزشکی .
اهری ، دکتر حسن . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
ایروانی ، دکتر حسین استادیار بخش جراحی دانشکدهٔ دندانپزشکی .
ایزدپناه ، تیمسار سرتیپ دکترعباس ـ معلم بیماری‌های بالینی و جراحی اسب دانشکدهٔ دامپزشکی .
ایلخانی ، دکتر اصغر دانشیاردانشکدهٔ دامپزشکی .
باستان ، دکترنصرت‌الله استاد دانشکدهٔ پزشکی .
باستی ، دکتر هوشنگ استادیار بخش عفونی دانشکدهٔ پزشکی .
باسقی ، دکتر حسن استاد. دانشکدهٔ پزشکی .
باقری ، مهندس ابراهیم ،دبیرـ دانشکدهٔ‌کشاورزی .
باکی‌هاشمی،دکترموسی رئیس‌درمانگاه بیماریهای دهان دانشکدهٔ دندانپزشکی.
بامشادعلوی ، دکتر ناصرالدین استاد دانشکدهٔ پزشکی .
بختیاری ، دکتر عمران رئیس بخش پروتز کامل‌دانشکدهٔ دندانپزشکی.

بداغی، دکتراسفندیار. استادیار کودکان دانشکدهٔ پزشکی .
برادران ،دکترجلیل. استادیارجراحی دانشکدهٔ پزشکی .
برجیان،دکترهوشنگ.استادیاردندان‌ـ پزشکی اطفال .
برخورداری،دکترزهرا رئیس‌درمانگاه دندانپزشکی اطفال .
برخورداری ، دکترقدسی.دانشیاربخش دندانپزشکی عملی .
برلیان ،خانم دکتر فروزنده. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
بریمانی ، مهندس معلـم صنایع مـاهی. دانشکدهٔ دامپزشکی .
بریمانی ، دکترجـلال.استادیار اعصاب دانشکدهٔ پزشکی .
بصیر ، دکتر فیروز دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
بصیریان ،دکتر حسن. رئیس‌درمانگاه بخش جراحی دانشکدهٔ دندانپزشکی با حق‌آموزشی .
بنی‌کریم ، دکتر پرویز استادیار بخش پروتزثابت‌دانشکدهٔ دندانپزشکی.
بنی‌هاشمی ،دکتر احمد رئیس‌درمانگاه بخش‌جراحی دانشکدهٔ دندانپزشکی بـا حق‌آموزشی .
بوسینا، دکترامیر رئیس درمانگاه‌بخش دندانپزشکی بیمارستان امیراعلم.
بهادری ، دکترمسلم. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
بهرامی ،دکترغلامرضا.دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
بهزاد ، دکترپرویز.دانشیارفیزیولوژی دانشکدهٔ پزشکی .
بهشتی ، دکترسیدمحمد.استاد دانشکدهٔ پزشکی .
بهشتی ، دکتر محمد.استادیـار ؛ بخش پروتز کامل دانشکدهٔ دندانپزشکی.
بیژن ، دکتـر حسین استاد دانشکدهٔ پزشکی.
بیگدلی ، دکتر مهدی.استادیار اعصاب دانشکدهٔ پزشکی.
بینا . دکترشکرالله.دستیار . بیماریهای دهان ؛ دانشکدهٔ دندانپزشکی .
بینا ، دکتر منصـور دستیار ؛ بخش بیماریهای‌دندان‌دانشکدهٔ دندانپزشکی.
بینش ، دکتر استادیـار ؛ بخش پیورهٔ دانشکدهٔ دندانپزشکی .
بینش‌ور، دکترغلامعلی استاد دانشکدهٔ پزشکی .
پایا ،دکترکاظم.استادیارکودکان‌دانشکدهٔ پزشکی .
پذیرنده،دکترمحمود.استادیاردانشکدهٔ پزشکی .
پروانه،خانم‌دکترویدا.استادیاردانشکدهٔ دامپزشکی .
پروهان ،دکتر رضا .رئیس درمانگاه بخش پروتزثابت‌دانشکدهٔ دندانپزشکی.
پرهامی، دکترماشاءالله.رئیس درمانگاه بخش پروتزکامل بـا حق آموزشی در دانشکدهٔ دندانپزشکی .
پرویزعلام ،دکتر علی رضا. استادیـار بخش قلب بیمارستان پهلوی .
پزشکمهر ، دکتر احمد استاد دانشکدهٔ پزشکی .
پزشکان ، دکترمهـدی. استاد دانشکدهٔ پزشکی .
پناهنده ، دکترجواد دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
پیراسته ، دکترمحمد.استادیار بخش ـ کودکان ؛ دانشکدهٔ پزشکی .
پیرزاده ، دکترمحمدحسن.استادیارچشم پزشکی دانشکدهٔ پزشکی .
پیروزعزیزی ، دکتـرصـادق . استاد بالیتی پزشکی دانشکدهٔ پزشکی .
پیشوا ، خانم دکتر نـاهید. استادیـار آزمایشگاه آسیب‌شناسی .
تاج‌بخش ، دکترآفریده.استادیار؛بخش دندانپزشکی عملی .
تاج‌بخش ، دکتر حسن.همکـار دروس عملی‌میکروب‌شناسی‌دانشکدهٔ‌دامپزشکی.
تسلیمی دکتـر محسن . متصدی بخش جراحی فك وصورت ، دانشکدهٔ دندان‌ـ پزشکی .
تشید . دکتر اسماعیل.دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
تولی ، دکتر سیاووش اصل ؛استادیـار بخش قلب‌دانشکدهٔ‌پزشکی.
تیموریان ، دکتر غلامعلی. استادیـار رادیولوژی دانشکدهٔ پزشکی .
ثقةالاسلامی ، دکترمحمدعلی.استادیـار رادیولوژی دانشکدهٔ پزشکی .
ثابتی ،دکترحمید استادیار بخش‌گوش وگلو وبینی دانشکدهٔ پزشکی .
ثمری ، دکتر محمدعلی.استاد دانشکدهٔ دامپزشکی .
جلالی ، دکترغـلامحسین. مسلم‌دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
جلالی‌موسوی ، دکتر یوسف. استادیار بخش داخلی دانشکدهٔ پزشکی .
جهانس ، دکتر هنری.استادیـار بخش پلاستیك دانشکدهٔ پزشکی .
جهانشاهی ، دکترامـان‌الله. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
جهانگیری ، دکتر بیژن. استادیـار آزمایشگاه‌طب‌تجربی دانشکدهٔ‌پزشکی .
چهرازی ،دکترسیدابراهیم.استاداعصاب دانشکدهٔ پزشکی .
حایری ، دکتر عباس.استادیاردانشکدهٔ دندانپزشکی .
حاجیان جهرمی ، دکتر احمد . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
حجازی ، دکتر رضا.استادیـار بخـش کالبد شناسی دندان ؛ دانشکدهٔ دندان‌ـ پزشکی .
حجازی ، دکتـرنصرت‌الله. استاد یـار آزمایشگاه‌آسیب‌شناسی‌دانشکدهٔ‌پزشکی.
حسابی ، دکترمحمد . استاد پرتوشناسی دانشکدهٔ پزشکی .
حسابی ، دکتر عبدالله .استادیار بخش بیماریهای‌دندان‌دانشکدهٔ دندانپزشکی.
حسینیون،دکترمحمد.استادیاردانشکدهٔ دامپزشکی .
حفیظی ، دکترمحمدعلی.استاددانشکدهٔ پزشکی .
حکمت ، دکترحسین. استاد دانشکدهٔ پزشکی .
حکمت ، دکترسعید . معلم‌حق‌التدریسی طب قانونی دانشکدهٔ‌حقوق .
حکیم ، دکتر منوچهر . استاد کالبد ـ شناسی موضعی دانشکدهٔ پزشکی .
خامنه‌ئیان ، دکتر حسینعلی.استاد یـار دانشکدهٔ دندانپزشکی .
خاکسار ، دکترحسین.استادیار بخش ـ پروتز کامل . دانشکدهٔ دندانپزشکی .
خامنه‌ای ، دکتـر مهدی تقوی.دانشیار دانشکدهٔ دامپزشکی .
خرازی ، مهندس‌عزیز. پـاکدل دبیر ـ دانشکدهٔ‌کشاورزی .
خسروشاهی ، دکتر کریـم. استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
خسروی، دکتر همایون استادیار بخش گوش وگلو و بینی دانشکدهٔ پزشکی .
خواجوی ، دکتـرعطاءالله استادیـار دانشکدهٔ‌پزشکی .

خوشبین ، دکتر منصور.دانشیاررادیوـ گرافی دانشکدهٔ دندانپزشکی .
خویی، دکترباقر.استاد پیوره دانشکدهٔ دندانپزشکی .
داداللهی ، دکتر حسن. استادیار بخش ارتدنسی دانشکدهٔ دندانپزشکی .
دادمنش ، دکترجعفر.استادیـار بخش پروتز کامل دانشکدهٔ دندانپزشکی .
داروگر، دکترسهراب.دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
دانشمند ، دکتر حمید. استادیار بخش کالبد شناسی دندان ؛ دانشکدهٔ دندانـ پزشکی .
داودیان ، دکتر هـاراطـون. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
درفشی ، دکترمحمد.استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
درقراپطیان ، دکتر سرکیس. اصفهانی دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
دریابیگی، دکتر پرویز.دستیاردانشکدهٔ دندانپزشکی .
دستوری ، دکتر حسن. استادیار بخش مواد دندانی ، دانشکدهٔ دندانپزشکی .
دفتری ، مهندس احمد. دبیر دانشکدهٔ کشاورزی .
دلیل التجاری ، استاد یـار دانشکدهٔ پزشکی .
دواچی ، دکتر عباس.استاد دانشکدهٔ کشاورزی .
دولت‌آبادی ، دکتر هوشنگ.دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
دولتشاهی ، دکتر هوشنگ. دستیار ؛ دانشکدهٔ دندانپزشکی .
دهشیری ، دکتر کمال الدین.استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
دهگان ، دکتر محمد ابراهیم.دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
دیبایی ، دکتر ناصر. استادیار پـروتز پارسیل دانشکدهٔ دندانپزشکی .
دینیاری، دکترخدایـار،رئیس‌درمانگاه بخش ارتدنسی دانشکدهٔ دندانپزشکی .
رازی ، دکتر غـلامحسین ، استادیـار دانشکدهٔ پزشکی .
راك ،دکترهمایون.استادیارانگل‌شناسی دانشکدهٔ دامپزشکی .
رامین‌فر،دکتر.استادیار ؛ پروتزپارسیل دانشکدهٔ دندانپزشکی .
رئیس‌بهرامی ، دکتر خدارحـم.استاد دانشکدهٔ پزشکی .
رجحان ، دکتر محمدصادق. استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
رحمتیان ، دکترحسین.استاد سرطان ـ شناس دانشکدهٔ پزشکی .
رستگار ، رشید ، دبیر دانشکدهٔ کشاورزی .
رستگار ، دکتررضا . رئیس دانشکده و استادمیکروب‌شناسی‌وسرم‌شناسی‌دانشکدهٔ دامپزشکی .
رشد امامی ، دکتر حسین . استادیـار دانشکدهٔ پزشکی .
رشیدیاسمی ، دکتر هـوشنگ .اسـتاد دانشکدهٔ پزشکی .
رضاعی ، دکترحسین .استادبیماریهایـ روانی دانشکدهٔ پزشکی .
رضایی‌زاده، فیروزآبادی‌دکتر محمدـ مهدی.استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
رفعت ، دکتر عبد الصمد . دانشیار ـ پزشکی بالینی‌بیمارستان‌پهلوی‌دانشکدهٔ پزشکی.
رفیعی ، دکتر عزیز.استادانگل شناسی دانشکدهٔ دامپزشکی .
روحانیان ، دکتر.استادیار بخش‌کالبدـ شناسی دندان؛ دانشکدهٔ دندانپزشکی.
رهبر ، دکترمنوچهر.استادیاردانشکدهٔ پزشکی .
رهبری ، دکتر غلامحسین .استادیـار دندانپزشکی مأمور درآزمایشگاه‌فیزیك پزشکی .
ریاض،دکترحسن.استـاد بخش ارتدنسی دانشکدهٔ دندانپزشکی .
زاهدی،دکترکاظم.دبیردانشکدهٔ‌کشاورزی.
زرین ، دکتر پروین،رئیس درمانگاه ـ دندانپزشکی اطفال .
زمانی ، دکتر احمد.دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
زندافشار ، دکتـر عطاءالله.استادیـار دانشکدهٔ دامپزشکی .
زندوکیلی ، دکتر علـی اکبر.دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
زهتاب،دکترحسینقلی.دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
زهرایی ، دکترمنوچهر. دستیار بخش پروتز ثابت دانشکدهٔ دندانپزشکی .
سادات اخوی ،دکتر مرتضی. استادـ دانشکدهٔ پزشکی .
سامی‌کرمانشاهی ،دکتر داریوش.استاد یار دانشکدهٔ پزشکی .
سپاسگزاریان،دکترحسین. استاددانشکدهٔ کشاورزی .
سپهر ، دکتر ابوالقاسم.ـاستاددانشکدهٔ پزشکی .
سجادپور ، دکتر کمال‌الدین.استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
سدیفی ،دکتر ناصر.استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
سرخوش ، دکتر حیدر.استاد بخش ـ دندانپزشکی عملی .
سرکیسیان ، دکتـر سرکیس. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
سعادت‌دامغانی، دکترهوشنگ،استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
سعادت‌زاده،دکترحسین.دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
سعیدی ، خانم دکتر پـروین. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
سلامتیان،دکترمحمود.استادیاردانشکدهٔ پزشکی .
سلطانی ، دکتر ابوالقاسم. استـادیـار دانشکدهٔ پزشکی .
سلیمانی ، دکترمحمد.استادیاردانشکدهٔ پزشکی.
سهراب،دکترحسین.استادمیکروب‌شناسی دانشکدهٔ دندانپزشکی .
شمویل، دکترسمرحایی رهبر.استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
سمیعی ، دکتر خسرو.دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
سمیعی ، دکتر ابراهیم.استاد دانشکدهٔ پزشکی .
سمیعیان ، اسکویـی.خانم‌دکتر بهدخت استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
سنجر ، دکتر محمد. دانشیار دانشکدهٔ دامپزشکی .
سیاح ، دکتـرمحسن. استاد بیماریهای دهان دانشکدهٔ دندانپزشکی .
سیاسی ، دکتر محمود. استاد دندان ـ دانشکدهٔ دندانپزشکی .
سیدقرشی، دکترجلال‌الدین. استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
سیدی ، دکتر حسین. استادیاددانشکدهٔ پزشکی .
سیروس ، دکتـرحبیب‌الله.استاد یـار انستری دانشکدهٔ پزشکی .
سیمجور ، دکتر کاظم استاد بیماریهای دندان دردانشکدهٔ دندانپزشکی .
شاهرخ ، دکترمـرتضی.استاد مفردات پزشکی دانشکدهٔ داروسازی .

شاهوردیانی، دکتر باقر. دانشیار بخش دندانپزشکی عملی.
شجاعی، دکتر محمد. استاد دانشکدهٔ کشاورزی.
شجیعی، دکتر عبدالرضا. استادیار دانشکدهٔ پزشکی.
شرافت، دکتر سیروس. استادیار دانشکدهٔ پزشکی.
شریعتمداری، دکتر تقی. دانشیار آزمایشگاه سرطان.
شریفی، مهندس عباس. دبیر دانشکدهٔ کشاورزی.
شعاعی، دکتر نصرت. استادیار دانشکدهٔ دندانپزشکی.
شفا، دکتر فرج‌الله. استاد میکروب‌شناسی دانشکدهٔ پزشکی.
شفایی، دکتر احمد. استاد دانشکدهٔ پزشکی.
شفق، دکتر ایرج. دستیار بخش پروتز ثابت دانشکدهٔ دندانپزشکی.
شفیع‌زاده، دکتر قاسم. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی.
شمس، دکتر محمدقلی. استاد چشم‌پزشکی دانشکدهٔ پزشکی.
شمس‌الدین‌معنوی، دکتر محمد حسین. دانشیار انگل‌شناسی دانشکدهٔ پزشکی.
شمس‌تربقان، دکتر شریعت. دانشیار آزمایشگاه سرطان.
شهراسبی، دکتر حمزه. استادیار دانشکدهٔ دامپزشکی.
شهیدی، دکتر حسین. استادیار دانشکدهٔ پزشکی.
شیبان، خانم دکتر فاطمه. استادیار دانشکدهٔ پزشکی.
شیخ، دکتر غلامرضا. استاد بیماریهای قلب دانشکدهٔ پزشکی.
شیمی، دکتر احمد. دانشیار میکروب‌شناسی دانشکدهٔ دامپزشکی.
صادق، دکتر عباس. استادیار بخش کالبدشناسی دندان، دانشکدهٔ دندانپزشکی.
صادق‌زادهٔ‌اسکویی، دکتر. استادیار دانشکدهٔ پزشکی.
صادقیان، دکتر ایرج استادیار دانشکدهٔ پزشکی.
صادقی‌نژاد، دکتر هوشنگ. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی.
صادقی‌میبدی، دکتر جمال. استادیار دانشکدهٔ پزشکی.
صالح، دکتر جهانشاه. استاد بیماریهای زنان دانشکدهٔ پزشکی.
صالحی، دکتر علی. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی.
صباغیان، دکتر حسین. استادیار گروه علوم بهداشتی دانشکدهٔ پزشکی.
صبایی، خانم دکتر ملیحه. استادیار دانشکدهٔ دامپزشکی.
صدری، دکتر جواد. استاد پوست و آمیزشی دانشکدهٔ پزشکی.
صدیق، دکتر منوچهر. استادیار بخش ارتدنسی، دانشکدهٔ پزشکی.
صفائیان، دکتر صادق. دستیار بخش پروتز ثابت دانشکدهٔ دندانپزشکی.
صفایی، دکتر بقراط. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی.
صفویان، دکتر مرتضی. استادیار بخش جراحی فك و صورت دانشکدهٔ دندانپزشکی.
صنعتی، دکتر عباس. استادیار گروه علوم بهداشتی دانشکدهٔ پزشکی.
صنیع، خانم دکتر آذر. دانشیار بیماری‌های دهان دردانشکدهٔ دندانپزشکی.
ضرابی، دکتر مسعود. استاد دانشکدهٔ پزشکی.
ضیاء شمسا، دکتر عبدالمحمود. استاد سرطان شناسی دانشکدهٔ پزشکی.
عابدین زاده، دکتر غلامحسین. استادیار بخش چشم‌پزشکی دانشکدهٔ پزشکی.
عامری، دکتر بهادر. استادیار بخش دندان‌پزشکی عملی.
عاملی، دکتر محمد. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی.
عاملی، دکتر نصرت‌الله. استاد دانشکدهٔ پزشکی.
عاملی‌تهرانی، دکتر محمدرضا. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی.
عباس‌زاده، دکتر سعید. استادیار بخش گوش، گلو و بینی دانشکدهٔ پزشکی.
عباسعلیوند خویی، دکتر. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی.
عدل، دکتر یحیی. استاد جراحی دانشکدهٔ پزشکی.
عدل، پروفسور یحیی. استاد دانشکدهٔ پزشکی.
عراقی‌زاده، دکتر مهدی. یگانه استادیار جراحی عمومی دانشکدهٔ پزشکی.
عرفان، خانم دکتر رقیه. استادیار بخش چشم پزشکی دانشکدهٔ پزشکی.
عرفانی، دکتر امیر. استادیار بخش کودکان دانشکدهٔ پزشکی.
عزیزی، دکتر مسعود. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی.
عزیزی، دکتر پیروز. استاد دانشکدهٔ پزشکی.
عسکری، دکتر حسین. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی.
عسکری، دکتر منوچهر. استادیار گروه علوم بهداشتی دانشکدهٔ پزشکی.
عسکری‌شیرازی، دکتر حسن. استادیار گروه رادیولوژی دانشکدهٔ پزشکی.
عسکریه، دکتر زهره. دستیار بخش دندانپزشکی عملی.
عطابخش، دکتر جواد. دانشیار زهرشناسی دانشکدهٔ داروسازی.
عطایی، خانم دکتر پوراندخت. استادیار دانشکدهٔ دامپزشکی.
عطری، دکتر عباس. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی.
علاءالدین‌خطیر، دکتر حسام. استادیار بخش جراحی پلاستیکی دانشکدهٔ پزشکی.
علاقمند، دکتر عباس. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی.
علوی، دکتر احمد استادیار بخش پروتز کامل دانشکدهٔ دندانپزشکی.
علوی، دکتر حسن. استاد دانشکدهٔ پزشکی.
علوی‌نائینی، دکتر علی دانشیار کرسی انگل‌شناسی دانشکدهٔ دامپزشکی.
علیمحمدی، دکتر علی. استادیار بخش جراحی اعصاب دانشکدهٔ پزشکی.
غروی، دکتر جعفر. دانشیار مامایی دانشکدهٔ مامائی.
فامیلی، دکتر حسن. استادیار بخش - پزشکی بیمارستان پهلوی.
فر، دکتر علی. استاد دانشکدهٔ پزشکی.
فراورپی، دکتر سهراب. رئیس درمانگاه بخش تشخیص دانشکدهٔ دندانپزشکی.
فرخنده، دکتر عباس. استادیار دانشکدهٔ دامپزشکی.
فردوس، دکتر ژینوس. استاد بخش - دندانپزشکی عملی.
فرزانفر، دکتر ناصر. رئیس درمانگاه با حق آموزشی، پروتز پارسیل دانشکدهٔ دندانپزشکی.
فرزاد، دکتر فتح‌الله. استاد بالینی پزشکی دانشکدهٔ پزشکی.

فرزین، دکتر فریدون. استاد بخش تشخیص دانشکدهٔ دندانپزشکی .
فرشیدپور، دکتر جواد. استادیار بخش رادیولوژی دانشکدهٔ پزشکی .
فروزین، دکتر طهمورث. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
فرهادمعتمد، دکتر احمد. استاد دانشکدهٔ پزشکی .
فرهاد ، دکتر مجید. استادیار بخش ــ رادیولوژی بیمارستان پهلوی .
فضلعلیزاده ، دکتر یوسف . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
فقیه ، دکتر محمدعلی. استاد دانشکدهٔ پزشکی .
فیروز آبادی ، دکتر عباس. استادیار آزمایشگاه آسیب‌شناسی دانشکدهٔ پزشکی.
فیلسوفی ، دکتر جواد. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
قائمی، دکتر محمد. استادیار آزمایشگاه آسیب‌شناسی دانشکدهٔ پزشکی .
قائمی، دکتر کمال. استادیار بخش جراحی مغزوپی دانشکدهٔ پزشکی .
قائمیان ، دکتر باقر. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
قاسمی، دکتر محمد. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
قاضی نوری، دکتر احمد. دستیار بخش دندانپزشکی عملی .
قدسی، دکتر صادق. استادیار آزمایشگاه سرطان دانشکدهٔ پزشکی .
قدمی ، دکتر علی اصغر نصر. استادیار انستزی دانشکدهٔ پزشکی .
قدیرزاده . دکتر بیوك. استادیار بخش جراحی دانشکدهٔ پزشکی .
قره گزلو ، دکتر محمد علی . استاد ــ دانشکدهٔ پزشکی .
قریب ، دکتر محمد . استاد بیماریهای کودکان دانشکدهٔ پزشکی .
قزوینیان ، دکتر رحیم. دانشیار دانشکدهٔ دامپزشکی .
قضایی ، دکتر صمد. استادیار آزمایشگاه پزشکی قانونی وطب کار دانشکدهٔ پزشکی.
قوام صدوقی، دکتر محمد هادی. استاد ــ چشم‌پزشکی دانشکدهٔ پزشکی .
قوامیان ، دکتر مهدی. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
طاهرزاده ، دکتر خلیل. استادیار بخش تشخیص دانشکدهٔ دندانپزشکی .

طباطبایی، دکتر محمود. استاد دانشکدهٔ پزشکی .
طباطبایی، دکتر حسن. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
طباطبایی ، دکتر کاظم . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
طبیبی ، خانم دکتر ملیحه . استادیار آزمایشگاه بیمارستان پهلوی .
طبیبی، خانم دکتر وحیده. استاد یار آزمایشگاه بیمارستان پهلوی .
طبیبیان ، دکتر یحیی. استادیار گروه جراحی دانشکدهٔ پزشکی .
ظهیرالاسلام، دکتر نورالدین. استادیار بخش گوش و گلو و بینی ، دانشکدهٔ پزشکی .
کار، دکتر محمد. استاد دانشکدهٔ پزشکی.
کاسمی، دکتر نصرت‌الله. استاد بیماریهای همگانی دانشکدهٔ پزشکی .
کاشانی، دکتر تأیید استادیار دانشکدهٔ دندانپزشکی .
کاظمی ، دکتر جلال . استادیار بخش اعصاب دانشکدهٔ پزشکی .
کاظمی ، دکتر داود. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
کاوسی، دکتر نادر. استادیار دانشکدهٔ پزشکی.
کاوه ، دکتر مرتضی . استاد میکروب ــ شناس دانشکدهٔ دامپزشکی .
کریمی‌نژاد، دکتر محمدحسن. استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
کمالیان، دکتر ناصر. استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
کوثریان، دکتر حسین. استاد دانشکدهٔ پزشکی .
کهنه‌شهری، دکتر مجید. استادیار کالبد ــ شناسی دانشکدهٔ دامپزشکی .
کیا ، دکتر محمد تقی. استاد دانشکدهٔ پزشکی .
کیافر، دکتر خداوردی. استاد بیماریهای جراحی دانشکدهٔ پزشکی .
کیهانی ، دکتر نعمت‌الله . استاد کالبد ــ شناسی دانشکدهٔ پزشکی .
ساروخانیان ، دکتر گاراگین . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
هاراطونیان ، دکتر گاگیك. استاد بخش پروتز ثابت دانشکدهٔ دندانپزشکی .
گلستانه ، دکتر روح‌الله . دستیار بخش پروتز ثابت دانشکدهٔ دندانپزشکی .
گنج بخش ، دکتر حسین . استاد کالبد ــ شناسی موضعی دانشکدهٔ پزشکی .

گیتی، دکتر ناصر. استاد دانشکدهٔ پزشکی.
لسانی، دکتر محمود . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
لطفی‌زاده ، دکتر. استادیار بخش پیوره دانشکدهٔ دندانپزشکی .
لقمان‌ادهم ، دکتر علی . استاد درمان ــ شناسی دانشکدهٔ پزشکی .
مادروسیان ، دکتر هاسمیك . استادیار بخش پروتز ثابت دانشکدهٔ دندانپزشکی.
مافی ، دکتر احمد . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
مالك ، دکتر سعید . استاد میزه‌راه دانشکدهٔ پزشکی .
مالك ، دکتر حسنعلی . استاد میکروب ــ شناسی دانشکدهٔ پزشکی .
مبرهن ، دکتر حسام‌الدین . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
مثقالی ، دکتر احمد . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
مجتبایی، دکتر عطارد. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
مجلل ، دکتر محمد . استاد گرمسیری دانشکدهٔ پزشکی .
مجیدی آهی ، دکتر عبدالحمید . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
محبیان ، دکتر محمد ابراهیم. استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
محسن‌زاده ، دکتر محسن کرمانی . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
محسنین ، دکتر عبدالحمید . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
محققی ، دکتر پاشا. دانشیار بیماریهای پوست دانشکدهٔ پزشکی بیمارستان پهلوی.
محمدی گرگانی، دکتر یوسف. استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
محمدیها ، دکتر حسن. استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
مختارزاده ، دکتر صادق. استاد دانشکدهٔ پزشکی .
مدرسی ، دکتر علینقی . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
ملك مدنی، دکتر امیر. دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
مراداسحقی ، مهندس محمدجواد . دبیر دانشکدهٔ کشاورزی .
مرادی ندیمیان، دکتر امیر . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .

مرتضوی، دکترعبدالله.دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
مرتضوی ، دکتر جواد . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
مرشد ، دکتر علی اکبر . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
مستشار ، دکتراحمد. استادیاردانشکدهٔ پزشکی .
مستقیم ، دکتر . دستیار ، بیماریهای دهان ، دانشکدهٔ دندانپزشکی .
مسروپ‌یکیازاریان، خانم دکترآناهید. استادیار ، دانشکدهٔ پزشکی .
مسعودی ، دکتر مسعود . دانشیار پیوره دانشکدهٔ دندانپزشکی .
مسیح ، دکتر مهدی . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
مشکی ، دکتریوسف . استاد درمانگاه دانشکدهٔ دامپزشکی .
مشیری ، دکتر ملك ایرج دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
مصباح ، دکتر امین‌الله . استاد پزشکی همگانی دانشکدهٔ پزشکی .
مصدق ، دکتر غلامحسین . استاد نظری مامایی دانشکدهٔ پزشکی .
مصری ، دکتر صمد . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
مصفی ، دکتر مرتضی . دانشیار پروتز پارسیل دانشکدهٔ دندانپزشکی .
مظاهر ، دکتر محسن . استاد بالینی دانشکدهٔ پزشکی .
مظاهری، دکتر. استادیار پروتزپارسیل دانشکدهٔ دندانپزشکی .
معتبر ، دکتر منصور . دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
معتضدی ، دکترفضل‌الله . استاددانشکدهٔ پزشکی .
معتمد ، دکتر کریم . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
معتمد ، دکتر منوچهر . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
معنوی ، دکتر عزالدین . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
معین‌زاده ، دکترمرتضی. استادیاربخش جراحی دانشکدهٔ دندانپزشکی .
مفیدی ، دکتر شمس‌الدین . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
مقتدر مژدهی ، دکتر نصرالله . استاد بیماریهای عفونی دانشکدهٔ پزشکی .
مقصودلو ، دکتر هوشنگ . دستیار دانشکدهٔ دامپزشکی .
مقصودی ، دکتر سارا . رئیس بخش وابستهٔ پروتزکامل‌دانشکدهٔ‌دندانپزشکی.
مقصودی ، دکترروزا . رئیس درمانگاه بخش پروتزثابت دانشکدهٔ‌دندانپزشکی.
ملك ، دکتر محمد . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
ملکومیان، دکتر رازمیك دانشیاربخش پروتز ثابت دانشکدهٔ دندانپزشکی .
ملکی، پروفسور عباس . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
ملکی ، دکترمحمدعلی . استاد پوست و آمیزشی دانشکدهٔ پزشکی .
ملکینیان ، دکتر . معلم دستیار بخش کالبدشناسی‌دندان،دانشکدهٔ‌دندانپزشکی.
ملی ، دکترمحمد . استادیار دروس‌عملی دانشکدهٔ دامپزشکی .
منصور ، دکتر محمد حسین . دانشیار جراحی دانشکدهٔ پزشکی .
منوچهری ، دکترعلی . استاد دانشکدهٔ کشاورزی .
منوچهری ، دکتر حسنعلی . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
منوچهری ، دکتر علاءالدین . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
موحدی ، دکتر امیر . دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
مؤدب نفیسی ، دکترعباس.استاددرمان-شناسی دانشکدهٔ پزشکی .
موسوی‌زاده ، دکتر تقی . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
مؤمن‌زاده ، دکتر هوشنگ . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
مهدی ، دکترفریدون دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
مهدوی ، دکتر منصور . استادیار بخش پروتزثابت دانشکدهٔ دندانپزشکی .
مهدوی اناری ، دکتر سید اسدالله . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
مهدوی ، دکترناصر. استادیاردانشکدهٔ پزشکی .
مهران ، دکتررضا . استادبخش جراحی دانشکدهٔ دندانپزشکی .
مهردوست، دکترمحمد حسن . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
مهرداد ، دکترکاظم. دستیاردندانپزشکی اطفال .
میثمی‌وکیل، دکترمحمد مهدی.استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
میر ، دکتر محمود . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
میراحمدی ، دکتر سید علی . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
میرانی ، دکترمهدی. استاددندانپزشکی اطفال .
میرایروانی ، دکتریوسف . استادبالینی جراحی دانشکدهٔ پزشکی .
میرایروانی ، دکترمحمدعلی . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
میرایروانی ، دکتر محمد . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
میربابایی، دکترکریم .استادکالبدشناسی و کالبد شکافی دانشکدهٔ دامپزشکی .
میردامادی ، دکترحسن .استاددانشکدهٔ پزشکی .
میرزادهٔجواهری، دکتراحمد.استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
میرزاحسابی، دکترعبدالحمید.استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
میرزایانس ، خانم دکتر آراکسیا . استادیارانگل‌شناسی‌دانشکدهٔ‌دامپزشکی.
میرسپاسی ، دکتر عبدالحسین . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
میرعلاء ، دکتر جهانگیر . دانشیار (کارهای عملی کرسی بیماریهای قلب) دانشکدهٔ پزشکی .
میمندی‌نژاد ، دکترمحمد حسین. استاد درمانگاه داخلی دانشکدهٔ دامپزشکی .
مؤدب‌نفیسی ، دکترعباس . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
میرعلاء ، دکترجهانگیر.دانشیارکارهای عملی کرسی بیماریهای قلب دانشکدهٔ پزشکی .
میربابایی، دکترکریم. استادکالبدشناسی وکالبدشکافی دانشکدهٔ دامپزشکی .
ملکی ، دکترمحمدعلی . استاد پوست و آمیزشی دانشکدهٔ پزشکی .
مقصودلو ، دکتر هوشنگ . دستیار و رابط گروه (مامایی و بیماریهای تولید مثل) وکتابخانهٔ دانشکدهٔ دامپزشکی .
مقتدر مژدهی ، نصرت‌الله . دانشیار بیماریهای عفونی دانشکدهٔ داروسازی.
مظاهر ، دکترمحسن . استاد بالینی پزشکی دانشکدهٔ پزشکی .
مصدق ، دکترغلامحسین. استاددانشکدهٔ پزشکی .
مصباح‌مسنن، دکترناصر. رئیس‌درمانگاه بخش ارتدنسی دانشکدهٔ پزشکی .

مشکی ، دکتر یوسف . استاد درمانگاه دانشکدهٔ دامپزشکی .
مرتضوی ، دکتر عبدالله . دانشیار انستزیولوژی دانشکدهٔ پزشکی .
مجلل ، دکتر محمد . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
مالك ، دکتر حسنعلی . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
نائینی، دکترعبدالرضا . استاددانشکدهٔ پزشکی .
ناصرقدسی ، دکتر محمدعلی . دانشیار دانشکدهٔ پزشکی .
نامدار ، دکتر مهدی . استاد مفردات پزشکی دانشکدهٔ داروسازی .
نبوی‌نوری ، دکترصدرالدین . دانشیار جراحی‌بیمارستان سینا،دانشکدهٔ‌پزشکی.
نجم‌آبادی ، دکتر ابوالقاسم . استاد پزشکی عملی دانشکدهٔ پزشکی .
ندیم، دکترابوالحسن. دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
نشاط ، دکترحسنعلی . دانشیاردانشکدهٔ دامپزشکی .
نشروی ، دکتر محمد علی . استاد سل دانشکدهٔ پزشکی .
نصیرپور ، دکتر محمدباقر . دانشیار بیماریهای جراحی دانشکدهٔ پزشکی .
نصیرزاده ، دکترمحمدحسن . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
نظام‌مافی، دکترصادق. دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
نظری ، دکتربیژن . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
نظری، دکتر غلامرضا. استادسرم‌شناسی دانشکدهٔ پزشکی .
نظری ، دکترغلامرضا . استاد دانشکدهٔ پزشکی .
نفیسی ، دکترحسن . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
نقش‌تبریزی ، دکتر فیروز . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
نقشینه ، دکتر رضا . استادیار دانشکدهٔ دامپزشکی .
نقوی، دکترمحمد استادیاربخش‌جراحی دانشکدهٔ دندانپزشکی .
نقوی‌خامنه ، دکترمهدی . دانشیار سرویس‌کالبدشناسی دانشکدهٔ‌دامپزشکی.
نواب ، دکتر حسین . استاد پروتز کامل دانشکدهٔ دندانپزشکی .

نوایی ، دکتر بهرام . استادیار بخش مواد دندانی ، دانشکدهٔ دندانپزشکی.
نوبان ، دکتر ملك منصور . استاد بخش درونی دانشکدهٔ دندانپزشکی .
نوربخش، دکترجواد. دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
نیاك ، دکترعلاءالدین . استادیارانگل‌ـ شناسی ، دانشکدهٔ دامپزشکی .
نیك‌زادجاویدثابت ، دکتر . استادیار بخش پروتزکامل دانشکدهٔ دندانپزشکی.
نیلفروشان ، دکترکریم . استادیاربخش مواد دندانی ، دانشکدهٔ دندانپزشکی .
واجدسمیعی ، دکتر ناصرالدین . استاد بخش دارو و درمان شناسی دانشکدهٔ دندانپزشکی .
وجدانی ، دکتر احمد . استادیار بخش ارتدنسی دانشکدهٔ پزشکی .
وجدانی ، دکترصمد . استاد دانشکدهٔ کشاورزی .
ورقا ، دکترمهدی . دانشیار ارتدنسی ، دانشکدهٔ دامپزشکی .
ورزنده، دکتر مسعود. دانشیاردانشکدهٔ کشاورزی .
وصالی جعفرآبادی ، دکتر مهربان . استادیار دانشکدهٔ پزشکی .
وفا، خانم دکتر.استادیار، پروتزپارسیل دانشکدهٔ دندانپزشکی .
وفایی ، دکترمحمد . استادیار بخش جراحی بیمارستان سینا .
وکیلی، خانم دکترمنیژه. استادیاربخش کودکان، مأمورخدمت‌دربیمارستان‌رازی.
وکیلی ، دکترقنبرعلی. استادبیماریهای درونی پزشکی دانشکدهٔ پزشکی .
ولی‌زاده ، دکتریوسف . استادیار بخش جراحی سرطان ، دانشکدهٔ پزشکی .
وهابزاده ، دکترحسین . استادیاربخش ۳پزشکی ، بیمارستان پهلوی .
هادوی ، دکترنورالدین.استاددانشکدهٔ پزشکی .
هاراطونیان ، دکترآشوت. استادسروتز دانشکدهٔ دندانپزشکی .
هاشمی ، دکتراسمعیل استادیار پروتز پارسیل ، دانشکدهٔ دندانپزشکی .
هاشمیان ، دکتر حسن . استاد جراحی عمومی‌کرسی سرطان دانشکدهٔ پزشکی.
هدایت ، دکتر انوشیروان . استادیار بخش‌جراحی بیمارستان سینا .
هدایت ، دکترشعاع‌الله . استادیارگروه علوم بهداشتی ، دانشکدهٔ پزشکی .
هنجن ، دکتر هاشم . استاد فك وصورت دانشکدهٔ پزشکی .
هنربخش ، دکترباقر. دانشیاردانشکدهٔ پزشکی .
هوده، دکترامیرمسعود . استادیاربخش میزراه بیمارستان‌پهلوی .
هوسپیان ، دکتر بارویر . استاد پروتز پارسیل دانشکدهٔ دندانپزشکی .
یاسمی، دکترهوشنگ . استاد طب‌قانونی دانشکدهٔ پزشکی .
یزدی ، دکتر اسمعیل . دانشیار آسیب شناسی بیماریهای دهان ، دانشکدهٔ دندانپزشکی .
یغمایی ، دکتر غلامرضا . استادیار تمام وقت مسئول انستزی اطاقهای عمل ۱و۲ بیمارستان پهلوی .
یلدا ، دکتر علیرضا . استادیار بخش عفونی بیمارستان پهلوی .

چند مجلهٔ طبی

۱ ــ بهداشت روانی .
مدیر ؛ حسین رضاعی ، سردبیر مهدی جلالی .

۲ ــ بیوشیمی .
مدیر : احمدآژیر ، سردبیر : گاگیگ هواکمیان.

۳ ــ پزشك‌خانواده .
مدیر: محمدحسین حاجی.

۴ ــ تندرست .
مدیر : احمد سیدامامی .

۵ ــ داروپزشکی .
مدیر : عبدربانی .

۶ ــ رامین .
مدیر : منوچهر طراز

۷ ــ سلامت فکر .
مدیر : ابراهیم‌چهرازی . سردبیر ناظر زادهٔ‌کرمانی .

۸ ــ طب ودارو .
مدیر :درویش.



فلسفه و منطق

تعریف فلسفه

این لفظ از دوکلمهٔ یونانی مشتق می‌شود فیلو به‌معنی عشق وسوفیا به‌معنی حکمت وبنابراین فلسفه یعنی عشق به حکمت وفیلسوف‌یعنی دوستدارحکمت.

در تعریف فلسفه می‌توان گفت : «علم یامطالعهٔ حیات درونی وروابط آن باحیات کلی وجهانی است».

حکمت (فلسفه)

حکمت‌درلغت به‌معنی دانش ، داد، خرد وحکم عادلانه‌ای است که مبتنی بر معرفت واقعی برحقیقت قضایا باشد . از این‌رو ، هرنوع معرفت واقعی برحقیقت حکمت خوانده شده است ، و لفظ حکمت در قرآن، غیرازمعانی مذکور ، درموردعلم دین‌وحقیقت ، وگاه درمعنی کلام خدا وقرآن نیزبه‌کار رفته‌است . صوفیه وباطنیه وغالب اهل‌تأویل، باطن وحقیقت تعالیم دین وقرآن را به‌لفظ حکمت تعبیرمیکنند .

فلاسفهٔ قدیم معرفت و تعلیم خودرا حکمت‌خوانده‌اند ، یا بدان‌سبب که‌آن را معرفت‌واقعی برحقیقت احوال موجودات می‌دانسته‌اند ، ویا از آن‌رو که‌آن معرفت‌را نوعی الهام ووحی تلقی می‌کرده‌اند، لذامقدس‌ومحترم‌میشمرده‌اند. درهرحال ، نوعی ازفلسفه نزدمسلمین‌از قدیم، حکمت اشراقی‌خوانده می‌شده است .که درمقابل حکمت مشایی‌است . حکمت مشایی‌مسلمین‌که منسوب به‌ارسطو پنداشته شده است ، غیراز تعالیم ارسطو ازتعالیم حکمای اسکندریه نیز بهره دارد ، حکمت اشراقی ، که حکمت ـ مشرقیه وحکمت نوریه‌هم خوانده‌می‌شود، نیز ازتعالیم حکمای اسکندریه نشأت دارد ، و در واقع عبارتست از نوعی فلسفهٔ عرفانی نو افلاطونی ممزوج با بعضی عناصر ازتعالیم منسوب به‌هرمس‌و فیثاغورس و نیزبعضی اقوال منسوب به حکمای فهلویون‌مجوس ، و این مجموعه درقدیم نوعی‌حکمت‌سری شناخته می‌شده است ، و در نزد مسلمین بیشتر به‌وسیلهٔ شیخ‌شهاب‌الدین سهروردی مقتول انتشار یافته است . اما حکمت در اصطلاح مشاییان‌اسلام، و به‌موجب‌یك‌تعریف‌مشهور عبارتست ازعلم‌به‌احوال‌اعیان موجودات بروجهی‌که مطابق واقع باشد ، و البته بقدری که در حد طاقت بشری است . تعریفات‌دیگر مثل‌اینکه «حکمت‌عبارت است ازاینکه انسان‌عالمی عقلی‌شودشبیه به‌عالم عینی» یااینکه «حکمت عبارتست از مانندگی به خداوند در احاطه‌ای به کلیات وتجرد ازمادیات» در واقع‌تعریف نیست ، واصلابیشتر به‌قواعد حکمت‌ناظر است تا به ماهیت آن . ونیز تعریف مشهور دیگرکه به‌موجب آن « حکمت عبارتست ازخروج نفس به کمال ممکن خویش دردوجانب علم‌و عمل» درتعریف ماهیت حکمت وافی نیست .

نزد **صوفیه** حکمت قسم باطنی علم دین است ، وآن‌را عبارت می‌دانند ازوصول به‌معرفت حق و منتهای آن . به‌این تعبیر ، عرفان صوفیه نیز حکمت خوانده می‌شود ، اما حکمت آنها از لحاظ اساس معرفت ازنوع اشراقی‌است ، وازحیث مقاصد و مباحث شباهت به‌علم کلام دارد .

حکمت در نزد فلاسفهٔ اسلام

منقسم است به حکمت نظری و حکمت عملی، چون ، اعیان موجودات که احوال آنها موضوع بحث اهل حکمت است ، یا به قدرت واختیار ما هستند (موضوع ـ حکمت عملی) ویا ازقدرت واختیار مـا بیرونند (موضوع حکمت نظری) .حکمت نظری را شامل حکمت ریاضی ، حکمت طبیعی، وحکمت الاهی دانند ، وحکمت عملی را شامل اخـلاق تدبیرمنزل ، و سیاست مدن می‌شناسند . دراینکه منطق که آلت و «صناعت آلی» است ، حکمت شناخته می‌شود یا نه بحث است ، و بعضی آن را ازحکمت می‌شمارند .

اهل حکمت را حکیم می‌خوانند که جمعش حکماء یاحکما (صورت فارسی شدهٔ همان) است لفظ حکیم ، به‌سبب کثرت تداول درمورد اهل حکمت طبیعی ازخیلی قدیم برای طبیب نیز بکار رفته است، که جمعش اطباء یااطبا است کیمیا- گران قدیم نیز صنعت خـودرا حکمت می‌خوانده‌اند .

«دائرة المعارف مصاحب»

اقسام حکمت

ازنظر ارسطو :

۱ ـ صناعیات Sciences poétiques
۲ ـ عملیات Sciences Pratiques
۳ ـ اخلاق Morale
۴ ـ مدن Politique
۵ ـ اقتصاد Economique
۶ ـ نظریات Sciences théoriques
۷ ـ طبیعیات Physiques
۸ ـ ریاضیات Mathêmatiqua
۹ ـ الهیات Theologie

مراحل سه‌گانه مهم و فلسفه ازنظر اوگوست کنت مرحلهٔ فلسفی آنست که عقل انسان برتجرید و انتزاع توانا باشد . و به سه‌قسمت می‌شود :

۱ ـ مرحلهٔ ربانی Etat théologique که مرحله‌ای تخیلی است .
۲ ـ مرحلهٔ فلسفی Etat mètaphysique که منحصراً تعقلی است .
۳ ـ مرحلهٔ علمی Etat Scientifique که مرحله‌ای تحققی است .

طبقه‌بندی علوم ازنظر اگوست کنت :

۱ ـ ریاضیات .
۲ ـ هیئت ونجوم .
۳ ـ طبیعی (فیزیك) .
۴ ـ شیمی .
۵ ـ جانشناسی(زیست‌شناسی).
۶ ـ علم مدنیت .

آشنایی بافلسفه

حکمت دریونان .

یونانیان برای موجودات عالم وآثار طبیعت شخصیت قایل بودند و عده‌ای را خداوندوشایستهٔ پرستش وعده‌ای رادرخور پرهیز میدانستند و هر خداوند ، حالات نفسانی خاصی را درکمال شدت دارا بود.

حکمت از مشرق .

اروپائیان، حکمت را ازملل مشرق که دیرتر پاییده‌اند ، آموختند ، در قالب ذوق وهنر خودریختند و به‌جهان عرضه کردند .

فلسفه کلیات عقلی

Philsophie du concept

دراین فلسفه برای هرمنظور شواهد و امثال فراوان از امور جاری میآورند و مورد تحقیق قرارمیدهند و ازجزئیات به‌کلیات میرسند و پس از بدست آوردن قاعدهٔ کلی ، آنرا باموارد خاص نیز تطبیق میکنند یعنی شیوهٔ آنها استقرا میباشد و مؤسس این فلسفه سقراط است .

مثل افلاطونی .

هرامری (مادی و معنوی) جوهری حقیقی داردکه نمونهٔ کامل آن امر است وآنرا مثال گویند ؛ مانند مثال بزرگی ، مثال بـرابری و انسانیت .که مثل جمع آنست .

مراتب مثل.

درسیرو سلوك ، ماده‌و معنی به‌سوی کمال و غـایت میرسند که غایت همه ، نیکویی وزیبایی‌است وحقیقت مطلق خیر است .

اشراق و عشق .

روح انسان در عالم مجردات پیش از ورود به دنیا حقیقت زیبایی و حس مطلق یعنی خیر را بی‌پرده وحجاب دیده است • دراین دنیا ، از آن یاد میکند و هوای عشق او را برمیدارد چنین عشقی او را به‌معرفت جمال حقیقت وخیرمطلق میرساند .

عرض Accideant

وجود آن قایم به‌جوهراست .
ونه قسم است،

ماده و صورت .

ماده همان وجود بالقوه است کـه چون صورت گرفت فعلیت میابد .

هیولی

لفظ یونانی ماده است .

فلسفهٔ اولی.

بنا به‌تعریف ارسطو:
علم به‌وجود ، بـه‌طور مطلق و علم به‌حقیقت وجود و مبادی و علل واحوال و اوصاف اصولی‌آن.

قوه Puissance

امکان واستعداد برای بودن چیزی.

فعل Acte

بودن و تحقق چیزی •

جوهر Substance

وجود حقیقی مستقل قایم به‌ذات را جوهر گویند •

علة‌العلل ـ یا محرك اول که خود ساکن مطلق‌است و علت محرك ندارد و به‌زعم افلاطون:زیبایی‌یاخیرمطلق‌و به‌قول ارسطو: فکریاعقل مطلق .

مذهب تثلیث Trini

این مذهب‌را،فیلون(Philon) کاهن یهود بنیاد نهاد وفلوطین هم از تحقیقات او به‌تثلیث‌آشنا شد .

دراین مذهب‌عقیده‌دارندکه‌خداوند بدون ضرورت و اجبار ، از راه محبت و از روی اختیار عالم‌راازعدم به‌وجود آورد، ودر عین یگانگی سه وجوداست• پدر (Pére) و پسر (Pıls) وروح‌القدس (Le Saint Esprit) که اقانیم سه‌گانه میباشند •

پدر وجود مطلق‌است و منشأقدرت و پسر کلام اوست باعقل‌که به‌آن وسیله مخلوق را آفریده و روح‌القدس رابطهٔ میان پدر و پسر و جنبهٔ محبت است .

اسکولاستیك.

چون در قرون وسطی بحث علمی و حکمتی تقـریباً یکسره منحصر بود بـه آنچه در مدارس، دیر و کلیسا واقع میشد و دستور اولیای دین مسیح را در مدرسه به‌زبان‌لاتین اسکولا میگفتندلذا، علم و حکمت آن دوره را اسکولاستیك گویند •

که خلاصه‌آن عبارتست از :

۱ـ ایمان برعقل مقدم است .
۲ـ استقلال و آزادی رأی معنی ندارد •
۳ـ هنر فیلسوف باید در جدل و گفتگو باشد و بازار لفظ‌گرم بود•

و نخستین حکیـم اسکولاستیك اریژن (Erigéne) است که مدعی است،

که حکمت حقیقی با دیانت حقه مخالف نیست ، حکم خدا آنست که عقل به‌آن حکم میکند .

فلسفهٔ اسپینوزا.

اسپینوزا ، اصحاب اسکولاستیك را رها کرده و روش دکارت را برگزیده ، یعنی اصول و مبانی او را در علم گرفته و حتی اصطلاحات او را اختیار کرده و مقولات ده‌گانه وکلیات پنجگانه را کنارگذاشته وهیولی‌وصورت و صور جنسیه و نوعیه و آن حدیث‌ها را ترك‌گفته ، فقط ذات وصفات‌وعوارض را موضوع نظر ساخته و محسوسات را بی‌اعتبار دانسته و معقولات را اساس قرار داده است ، راست است و نیزباید تصدیق‌کردکه در فلسفهٔ دکارت‌هم وحدت وجود نهفته و تخمی است‌که آنجا کاشته شده است شایداگراسپینوزا فلسفهٔدکارت را نمی‌دید به‌این خط نمی‌افتاد ، ولی فلسفهٔ دکارت نیست چون باهم تامقداری سیرکرده‌اند و از آنجا هرکدام به‌راهی جدا رفته‌اند .

اسپینوزا پایان عمر را در فلسفهٔ اولی بسربرده و حال‌آنکه دکارت‌بذکر اصول اکتفاکرده است و فلسفهٔ اسپینوزا کتاب اخلاق است چون‌تنها برای‌حصول علم آنرا برنگزیده بلکه برای سعادت خود ودیگران راه را هموارکرده‌است .

گفتار اسپینوزا بطور خلاصه :

۱ ــ من جویای خیرحقیقی و خوشی دایمی‌گردیدم ودیدم خوشی و ناخوشی‌بسته به‌این است‌که شخص به‌چه چیز دل‌به‌بندد .

۲ ــ انسان علم را به چهار وجه حاصل می‌کند ، یکی از افواه مردم ، یکی به تجربهٔ اجمالی ، یکی از رابطهٔ علت ومعلول ودیگری از وجدان وشهود که علم‌اخیر خطا ندارد .

۳ ــ ذات‌باری ، روشن‌ترین‌حقایق است .

۴ ــ از صفات بیشمار جوهر فقط دوصفت را دریافته‌ام ؛ یکی بعد (مبدأ جسمانیت) دیگری‌علم(مبدأ روحانیت).

۵ ــ آنچه درانسان آزاد ومختار است عقل او است .

فلسفهٔ لایبنیتز.

درجسم غیر از بعد چیزی هست‌که حقیقت است‌جسم وروح دوحقیقت‌نیست بلکه یك‌حقیقت است .

جوهر فرد ، دنیای‌کوچکی‌است‌که کل جهان‌دراو هست زندگی حال‌طبیعی موجودات است ، چون همه‌جان دارند و موجودات جاندار همواره در معرض تغییرند واجزاء تبدیل‌می‌کنند . ادراکات به دو دستهٔ آشکار ونهان تقسیم‌میشوند. نظام عالم محتاج وجودی باعلم وقدرت وکمال نامتناهی است تا برقرارشده باشد.

حکمت ازنظر دکارت.

فلسفه یعنی خردمندی ، خردمندی گذشته ازعقل عبارتست از : معرفت‌کل آنچه انسان می‌تواند بداند ، خواه برای پیشرفت کارزندگی باشد ، خواه برای حفظ تندرستی یا اختراع فنون .

جزء اول آن مابعدالطبیعه و جزء دوم آن طبیعت است .

دکارت می‌گوید ؛ می‌اندیشم پس‌ــ هستم. (Je pense donc Je suis)

مجامع فلسفی

آزادفکران Libre penseur

فیلسوفان قرن ۱۸ فرانسه به مسایل حکمت نظری چندان توجه نداشتندوبیشتر به‌مسایل سیاسی‌واخلاقی پرداخته‌اند، وحکمت‌راباادب‌آمیخته‌اند اغلب‌نسبت به‌فلسفه اولی بی‌اعتقادبودند عده‌ای یکسره مادی و منکر روحانیت بودند وبرای اطلاع بیشتر باید به‌تاریخ ادبیات فرانسه مراجعه‌کرد .

حکمای آزاد فکر عبارتند از : ــ فونتنل (Fontenell) منتسکیو Montesquieu ولتر (Voltaire) روسو (Rousseau. J. J) دیده‌رو Dideroe کندیاك (Condillac)

التقاطیون Eclectique

عده‌ای ازفلاسفه ، بدون توجه به ملیت بزرگان‌گذشته مفاهیمی‌که ازآنها به‌دست می‌آوردندباهم تلفیق‌داده‌ومفهوم واحدی به‌دست می‌آوردند، این‌حکمارا التقاطیون‌گویند .

اهل‌سنت درفرانسه Traditionalistes

درآغاز قرن نوزده ، پس‌ازانقلاب درفرانسه افکار پریشان شد ، بعضی به مذاهب قدیم فلسفی برگشتند و عقایدی اختیارکردندکه با تعلیمات دین مسیح مخصوصاً کاتولیك سازگار نبود .

این جماعت را درفرانسه اهل‌سنت گویند .

حکمای الئات Eléates

حکمایی‌که شیوهٔ ایشان تعقل و استدلال عقلی‌بودوکسینوس ، برمانیدس وزینون ازاین‌گروهند .

رواقیان.

سلسله‌ای ازفلاسفه‌که سردستهٔ آنها زینون است ووجه‌تسمیهٔ آن محل‌تشکیل جلسات وحوزهٔ آنها دریکی ازرواقهای شهرآتن است .

رواقیان عقیده دارند : ذهن‌انسان لوح ساده‌ای است‌که همهٔدانستنیهارا از خارج می‌گیرد و فهم انسان را به چهار درجه تقسیم می‌کنند: ۱ ــ وهم. ۲ــ‌گمان ۳ ــ ادراك. ۴ ــ علم .

سوفسطاییان Sophistiens

جماعتی‌که جستجوی حقیقت‌رالازم نمی‌دانستند وشاگردان خودرا درفن جدل ومناظره ماهرمی‌کردند تا برخصم غالب آیند . بزرگان این قوم عبارتند از ؛ افرودیقوس Piodicos وگورکیاس Gorgiasوپروتاغورس Protagoras .

شکاکان Sceptique

جماعتی از حکماکه می‌گویند ؛ برای‌کسب علم واعتماد به‌اطلاعات‌هیچ‌ــ گونه میزان ومأخذ درستی نیست ، حس خطامی‌کند عقل‌ازاصلاح خطای‌آن‌عاجز است ویك‌فرد درشرایط مختلف جسمی و روحی‌ادراك مختلف‌خواهدداشت، مؤسس آن پیرهون Pyrrhon است .

عرفان فلوطینی.

فلوطین فیلسوفی بودکه بامصاحبت **امونیوس ساکاس** وبه‌برکت همدمی‌اوبه حکمت وعرفان‌گراییدوبه‌شرق سفرکرد واهل‌خرد ایران وهندرا زیارت نمود و درویشی‌برگزید.روشی‌مرتاضی وترك‌دنیا انتخاب‌کرد ورسالات نه‌گانه Ennèades ازاوست . دراین فلسفه به‌وحدت‌وجودی اعتماد دارند ، واحدیت را ، اصل و منشأکل‌وجود می‌شمارند وهمهٔموجودات را تراوش وفیضانی از مبدأ نخستین و مصورکل میانگارند .

کارتزین‌ها Carteziens

فلاسفهٔ قرن‌هفدهم وپیروان‌دکارت‌را به‌این‌نام می‌شناسند ،که مهمترین آنها، پاسکال (Pascal) و مالبرانش Malebranche می‌باشند .

کلبیها .

یکی ازشاگردان سقراط به نام انتیس‌طینس Antisthène شیوهٔزندگانی

سقراط را روش زندگانی خود قرار داد وراه افراط رفت وفضیلت را در ترك همهٔ برخورداریهای جسمانی و روحانی دانست چون محل زندگی این حکیم (سگ‌سفید) نام‌برده می‌شد پیروان اورا کلبی گویند. فرد کامل این جماعت **دیوجانس** (Diogéns) است .

مادیون Mathématiceins
علمای مادی به‌هر صورت‌وجودماده وجسم را اصل می‌دانند ودرپی توجیه و کشف چگونگی آثار آن میباشند و معروف‌ترین آنها هرقلیطوس است که حرکت وتبدل را اصل قرار داده‌است .

شیوه‌های فلسفی

شك Scepticisme
دراین‌شیوه عقیده‌براینست که‌انسان قادر به درك حقیقت ذات نیست و برای معرفت و دانش ارزشی قایل نیستند.
چون خطای ادراك برآدمی مسلط است، لذاهیچ‌حقیقتی را نمیتواندبشناسد و از دلایل‌آنها تضادها و اختلاف‌نظرها بین‌افراداست، هرکس بادیگری‌هم‌عقیده نیست،حتی در زمانهای مختلف خود آن شخص یك‌رأی ندارد .
شکاکان عقیده دارند ، برای اثبات قضیه‌ای اگر ازقضیهٔ دیگر کمك خواسته شود ، چنین استدلالها نمیتواند درست باشد ، زیرا دور و تسلسل را در فلسفه باطل میدانند .
اگر حقیقتی است باید واحد باشد و تمام همان استنباط را داشته باشند .

یقینی Dogmatise
در این شیوه عقیده بر اصالت حقیقتی است که بشرقادر به‌درك آن‌است.

اصالت تصور Idealisme
ازشیوهٔ یقینی مشتق شده‌ولی‌حقیقت را امری ذهنی میدانند .

نفی ماده Immaterialise
از سیستم اصالت تصور مشتق شده و پیروان‌آن عقیده دارند ، حقایق‌مادی فقط اندیشهٔ ما است و پدیده‌های نفسانی میباشند و الا خود ماده وجود ندارد .
در این سیستم عده‌ای عقیده دارند جز حالات نفسانی‌درجهان چیزی نیست که این‌عده‌پیروان **نمود** میباشند .
وعده‌ای میگویند هم‌ماده و هم‌روح هردو وجود دارند و آدمی صورت ظاهر ماده را تشخیص میدهد و حقیقت آنرا نمی‌شناسد که پیروان فلسفهٔ **بود و نمود** میباشند .

تحققی Positivisme
دراین شیوه عقیده دارند ، انسان به درك حقیقت اشیاء نایل نمیشود، پس باید به مطالعهٔ‌ظاهر اکتفاکند و خود را بزحمت نیندازد

حقیقی Reabise
در این شیوه ، حقایق اشیاء را قابل لمس و درك میدانند وهیچگاه‌ذهن را خالق آنها نمی‌شناسند .

نسبیت :
در این شیوه ، برای ماده وجود خارجی قایلند ولی به‌علت تغییر ذوق و محیط تربیت‌آدمی وحتی‌ساختمان بدنی به‌ادراك یکسان‌آن اعتقادندارند.

اصالت عمل Pragmatisme
موافقت ذهن باواقع و نفس امر اساس این شیوه است ، چیزی راحقیقت میدانند‌که در عمل مفید است .

اصالت ماده Mecanisme
شیوه‌ای که پیروانش عقیده دارند تمام قوای موجود میتواند به‌یك قوه تبدیل شود و همه‌چیز از اتم تشکیل‌شده است . و میگویند ، آنچه درك میشود عیناً در خارج نیست .

اصالت روح Dynamisme
پیروان این شیوه به‌وجود روح و نیروی نامریی آن اعتقاد دارند تمام پدیده‌ها را تظاهر آن میدانند .

مکتب‌های فلسفی وسیاسی

آپولوژیسم Apologisme
فرقه‌ای‌که‌به استدلال اعتقاد دارند .

آگنوس‌تی‌سیسم Agnosticisme
این‌مکتب به‌فلسفهٔ نمیدانم ترجمه شده‌که درآن‌همه‌فلسفهٔ اولی‌را به‌نمیدانم پاسخ می‌گویند .

آمپیریسم Empirisme
عقیده براینکه؛ هرایمانی باید بر تجربه متکی باشد .

آنارشیسم Anarchisme
سیستمی‌که درآن حکومت را لازم نمی‌دانند .

آنتی‌انتلکتوالیسم Anti – Intellectualisme
یافلسفهٔ ضداصالت هوش .

آبسولوتیسم Absolutisme
حکومت مطلقه که زمامدار آن ، قدرت نامحدود دارد .

اپورتونیسم Opportunisme
مردمی که‌به اقتضای‌زمانه‌تغییرروش می‌دهند .

اپیس‌کوپالیسم Episcopalisme
مردم منسوب به **کالون** ، فیلسوف مذهبی فرانسه در قرن ۱۶ است و بر استقلال و مزیت مقامات روحانی بر دستگاههای اداری تکیه داشت .

اپیکوریانیسم Epicurianisme
طرفداری از عقاید **اپیکور** یعنی طرفداری ازمادیت واصول‌تکامل‌وخوش‌بینی به‌نوع‌بشر وانکار وجودخدا ، حفظ منافع فردی وانکارعدالت وبرادری‌تمام جهانیان و تأمین هر چه بیشتر لذت می‌باشد .

اوپتی‌میسم Optimisme
فلسفهٔ خوش‌بینی .

اوتوکراسی Autocratie
اعتقاد به‌قدرت فردی،وشخص‌رئیس حکومت هیچگاه ازطرف ملت‌تعیین‌نشده باشد .

اراستیانیسم Erastianisme
مسلکی‌که‌به محدود بودن قوای روحانی ودولتی اعتقاد دارد وهیچکدام را آسمانی ونامریی نمی‌داند .

ارسطویی Aristotlianisme
اعتقاد به‌فلسفهٔ‌ارسطو.

آریستوکراسی Aristocratie
دراین نظام عده‌ای محدوددستگاه اداری یك‌جامعه‌را دراختیار دارند .

اسکاپیسم Escapisme
پیروان این‌مکتب ، از قبول‌کارهای اجتماعی ومقام امتناع دارند.

اسکولاستیسم Scholastisme
فرقه‌ای مذهبی درتأییدکلیسا ،قبول کارهای اجتماعی که مورد قبول کلیسا باشد .

اصالت هوش Intellectualisme
اعتقاد به‌اینکه علم زادهٔ عقل‌است وعقل منبع دانش .

اکسپانسیونیسم Expansionisme
دراین مکتب ، افراد میل‌جهان — گشائی وبسط اراضی‌کشور دارند .

اکونومی‌کلاسیك Economie classique
دراین‌مکتب‌جامعهٔ اقتصادی عبارت ازسیستم فردی وسیستم طبقاتی است .

اگوئیسم Egoisme
عقیدهٔ خویشتن پرستی و خودخواهی است .

امپریالیسم Imperialisme
باهدف ایجاد امپراطوری و تعصب در تشکیل کشور بزرگ .

انابابتیسم Anabaptisme
یا فلسفهٔ کمونیسم مسیحی .

انترناسیونالیسم Internationalisme
اعتقاد به اینکه باهمکاری بین‌ملت‌های جهان‌خیر وسعادت نوع‌بشر تأمین می‌شود .

انتلکتوآلیسم Antellectualisme
یا اصالت هوش .

انتی‌کواریسم Antiquarisme
کهنه‌پرستی واعتقاد به‌اصالت آنچه قدیمی است .

اندوستریالیسم Industerialisme
اعتقاد به صنعتی کردن زندگی انسان .

اندیویدوآلیسم Individualisme
عقیده به‌اصالت فرد .

اوبژکتیویسم Objectivisme
در این فلسفه حقایق از نظر حسی نگریسته و برای آن تفوق فوق العاده قایلند .

اوتارکی Autarkie
مسلکی که‌اعتقاد دارند، هر کشوری باید احتیاجات خودرا ، خودش تأمین کند .

اوتوپیانیسم Utopianisme
اعتقاد به‌جامعهٔ ایده‌آلی .

اوتوریتانیانیسم Autoritanianisme
مسلکی‌که باانتقال قدرت به دولت موافق است . (دولتی که برگزیدهٔ ملت است)

اوتیلیتاریانیسم Utilitarianisme
اعتقاد به فلسفهٔ انتفاعی یعنی‌حد‌اکثرخوبی‌برای حداکثر تعداداشخاص.

اوکامیسم Occamisme
اعتقاد به‌پروردگار وعقیده به‌اصل فناناپذیر بودن .

اولترا اندیویدوآلیسم
Ultra-individualisme
عقیده به‌فردیت افراطی .

اولیگارشی Oligarchie
حکومتی که‌ازچند نفرمعدودتشکیل میشود .

اومانیتاریانیسم Humanitarianisme

اعتقاد به اینکه طبیعت انسان به خودی‌خود میتواند به‌کمال برسد.

اوولوسیونیسم Evolutionisme
اعتقاد به‌تکامل .

اوونیسم Owenisme
اعتقاد به‌مشی‌رابرت‌اوون، کارخانه‌دار انگلیسی ،که درواقع پایه گذار سوسیالیسم نوین بوده است .

ایده‌آلیسم Idealisme
به‌معنی خیالپرسی ، دراین‌مکتب ، عقیده‌دارند که‌سیاست‌باید غایت آرزوهای انسانی باشد .

ایراسیونالیسم Irrationalisme
فلسفه‌ای‌که مبنای آن‌شورش‌برعلیه عقل است .

ایزولاسیونیسم Isolationisme
سیاستی‌که درآن‌ملت‌به‌کناره‌گیری ازهمکاری باملل‌دیگر تشویق میشوند .

بارباریسم Barbarisme
عقاید وطرزسلوك کلیهٔ اقوام‌وحشی است .

باکونی‌نیسم Bakuninisme
دراین عقاید ، انکار خدا ، لزوم تخریب دولت، حفظ‌حقوق فردیت‌افراطی است و مؤسس آن باکونین (Bakunin) می‌باشد .

برگسونیسم Bergsonisme
یاعقیدهٔ درون بینی‌که به**هانری‌برگسون** منسوب است.

بنتهامیسم Benthamisme
فرقه‌ای‌ازلیبرالیسم‌که نوعی‌لیبرالیسم افراطی است و به **جرمی بنتهام** منسوب است .

بولشویسم Bolchevisme
مکتبی ازمارکسیسم‌که به رهبری لنین تشکیل شد .

پاتریوتیسم Patriotisme
یافلسفهٔ میهن‌پرستی .

پاراللیسم Parallelisme
دراین‌فلسفه اعتقاد‌به‌تأمین‌احتیاجات اولیهٔ انسان‌وحفظ‌کشور وجامعه‌وحکومت برکشور دارند .

پارتیکولاریسم Partcularisme
اعتقاد به‌حفظ شعایر ورسوم‌محلی .

پارلمانتاریسم Parlemantarisme
رژیمی‌که درآن‌قوهٔ‌مجریه دراعمال خود مسؤل قوهٔ مقننه است .

پاروشیالیسم Parochialisme
نوعی محدود ازپارتیکولاریسم .

پاسی‌فیسم Pacifisme
صلح طلبی رفع اختلافات بدون توسل به‌قوهٔ زور .

پان‌پنوماتیسم Panpneumatisme
عقیده به افکار ادوارد هارتمان (Hartman) .

پراگماتیسم Pragmatisme
فلسفهٔ اصالت‌عمل .

پروبابی‌لیسم Probabilisme
عقیدهٔ Carnéade که به‌فلسفهٔ‌احتمال معروف است .

پرووَنسیالیسم Prorvincialisme
عقیده به‌عدم تمرکز امورکشور در پایتخت .

پری‌می‌تیویسم Primitivisme
اعتقاد به‌لزوم برگشت انسان به حالت سادگی عهد بدویت .

پسی‌میسم Pesimisme
بدبینی‌وبیزاری‌ازجهان که‌ماکیاولی فرقه‌ای از آن است .

پلاتونیسم Platonisme
فلسفهٔ منسوب به افلاطون است .

پلوتوکراسی Plutocratie
حکومتی‌که به دست ثروتمندترین افراد یك‌جامعه اداره می‌شود یاحکومت اغنیا .

پلورالیسم Pluralisme
مسلك اکثریت .

پوریتانیسم Puritanisme
فلسفهٔ آیین خالص‌پروتستان.

پوزیتیویسم Positivisme
فلسفهٔ مثبته‌که به‌محسوسات اهمیت فراوان‌میدهد . واضع **آن‌اگوست‌کونت** است .

پیرونیسم Pyrrhonisme
مسلك **پیرون** فیلسوف‌شکاك‌یونانی.

تائوئیسم Taoisme
فلسفهٔ مکتب فیلسوف بزرگ چین لائوتسه .

تئوکراسی Théocratie
رژیم حکومتی‌که بزرگانش علمای دینی باشند .

ترادونیونیسم Trade unionisme
عقیده به‌بهبودوضع‌کارگران‌باتشکیل ترادــ‌اونیون .

ترادیسیونالیسم Tradisionalisme
اعتقاد به‌اصالت اخبار ولزوم‌حفظ سنت وخصایص ارثی .

تروتسکیسم Trotskisme

عقیده تروتسکی: «کمونیسم درهیچ کشور محدود، قابل بقاءنبوده مگر آنکه انقلاب برضد دشمنان کمونیسم در تمام کشورهای دیگرجهان مخصوصاً کشورهای مهم‌عالم تقویت‌وتحریك گردد.»

تروریسم Terrorisme
عقیده به‌لزوم آدم‌کشی .

توتالیتاریانیسم Totalitarianisme
فلسفهٔ حکومت‌جمعی .

تومیسم Thomisme
فلسفهٔ **توماس‌داکسن** .

تیموکراسی Timocratie
حکومتی‌که رهبران‌آن فقط برای شرف وافتخارکار میکنند .

دپارتمانتالیسم Departemantalisme
سیستم حکومتی‌که‌به درجات‌مختلف وایالات، استقلال داخلی‌بدهند.

دترمینیسم
Economique Determinisme
مکتبی اقتصادی ازفلسفهٔ کارل – ماکس .

دسانترالیسم Decentralisme
انتقال نظارت وکنترل از قدرت مرکزی به‌واحدهای محلی .

دسپوتیسم Despotisme
حکومتی مطلقه به‌دست حاکمی مستبد .

دموکراسی Democratie
حکومت مردم برمردم .

دوگماتیسم Dogmatisme
یافلسفهٔ جزمی ، تبعیت‌کورکورانه ازسنت .

دیالکتیك Dialetique
باروش فلسفی موضوعی‌را به‌صورت سؤال وجواب طرح‌کردن .

دیکتاتوری Dictator
سیستم حکومتی مطلقه که فرمانها بدون چون وچرا اجرا می‌شود .

رادیکالیسم Radicalisme
عقایدی‌که خواهان تغییرات‌اجتماعی وتأسیس‌مؤسسات‌اجتماعی‌وسیاسی‌شایسته‌تراست .

راسیونالیسم Rationalisme
فلسفهٔ اصالت‌عقل .

رئالیسم Realisme
واقع پرستی ، مسلکی که حقیقت جهان و محیط جامعه‌را می‌شناسد .

رئالیسم Realisme
درهرمورد، برای‌کل وجمع‌واقعیت قائلند .

ژئوپولیتیك Geo_politique
مطالعه وتحقیق در روابط بین جنرافی وحیات قدرتهای سیاسی.

رواقیون Stoïcisme
مؤسس‌این‌مکتب زنون ، وجه‌تسمیهٔ آن ، تشکیل جلساتشان‌دریکی ازایوان های‌آتن است ، دراین فلسفه منافع‌فردی فدای جامعه است و افرادرا عضو جامعهٔ جهانی می‌دانند وبرای‌آنهاحقوق‌مساوی قائلند وبه اصالت ماده اعتقاد دارند .

رولاتیویسم Relativisme
اعتقاد به نسبیت درکلیهٔ امور.

رویالیسم Royalisme
طرفداری‌سلطنت‌درمقابل‌جمهوری‌خواهی .

ریتوالیسم Ritualisme
آداب‌پرستی .

رویوزیونیسم Revisionisme
سوسیالیستی متعادل‌که با تکامل تدریجی حاصل شود . بانی‌آن ادوارد برنشتین (E . Bernstein) بوده‌است .

سانترالیسم Centralisme
عقیده به‌انتقال قدرتهای محلی به حکومت مرکزی .

سانسوآلیسم Sensualisme
فلسفهٔ کوندیاك (Condillac) .

سپتیك Sceptique
فلسفهٔ شك .

سرمونیالیسم Cermonialisme
اعتقاد کامل به انجام تشریفات و آداب ورسوم مذهبی مسیح .

سزاریسم Czarisme
رژیم قیصری .

سکولاریسم Secularisme
اصالت امور دنیایی .

سندیکالیسم Syndicalisme
عقیده‌به‌تشکیل‌سندیکابرای‌جلوگیری ازطغیانهای کارگری .

سوبژکتیویسم Subjectivisme
فلسفه‌ای‌که میگوید : مغزبه‌مطالبی توجه میکند که وجدان آدمی را بیدار کند .

سوسیالیسم Socialisme
کنترل تمام شؤن حیاتی اعضاء جامعه به‌نفع مردم .

سوسیالیسم‌پارلمانتر
Socialisme parlementère
نوعی سندیکالیسم .

سوسیالیسم تکاملی
Socialisme evolutionaire
تبدیل و ملایم کردن مارکسیسم .

سوسیالیسم‌علمی
Socialisme Scientifique
سوسیالیسمی‌که به‌تحقیقات اجتماعی وآماروارقام وشواهدواسنادمتکی‌باشد.

سوسیالیسم‌لیبرال Socialisme liberale
اعتقاد به‌کنترل وسایل تولیدی.

سوسیالیسم‌مارکس Socialisme Marx
اعتقاد به‌کنترل تولید و توزیع.

سوفیسم Sophisme
زبان بازی و مغلطه .

سیسم Schisme
مسلك اعتزالی .

شوونیسم Shauvinisme
مبالغه در میهن پرستی .

ضد اصالت هوش
Anti - Intellectualisme
یك‌نوع سنت‌فلسفی غیرعقلی، معتقد به‌وحی الهام .

فابیانیسم Fabianisme
سوسیالیسم تدریجی .

فاشیسم Fascisme
روشی از حکومت‌که به‌حد افراط، حالت استبدادی و دسته جمعی و انقلابی دارد .

فاکسیونالیسم Factionalisme
حزب‌پرستی و عقیده به‌لزوم‌احزاب سیاسی .

فاناتیسم Fanatisme
اعتقاد تعصب‌آمیز ، اعم از مذهبی یاسیاسی یااخلاقی و اقتصادی .

فئودالیسم Feudalisme
حکومت ملوك‌الطوایفی ، هرحوزه به‌دست یك‌مالك اداره میشود .

فورمالیسم Formalisme
ظاهرپرستی ، اعتقاد افراطی به‌حفظ ظاهر .

فیزیوکراسی Physiocratie
مسلك‌فرانسواکوئسنی Francois Quesnay و پیروان او .

کاپیتالیسم Capitalisme
سیستم سرمایه داری ، وسایل عمدهٔ تولیدکه با سرمایه‌های شخصی فراهم‌شده است .

کاتاکلیسم Cataclysme
عقیده به‌حوادث بزرگ سیاسی .

کالوینیسم Calvinisme
فلسفهٔ ژان‌کالون Jean Calvin

کرافت‌او نیونیسم Craft - uuionisme
مسلك اتحادیه‌های صنفی .

کلبی Cynisme
پیروان انتیس‌تن (Antisthenes) که در محلهٔ سگ سفید حوزه داشتند .

کمونیسم Communisme
مذهب اشتراکی ، اعتقاد به‌لزوم کنترل جامعه نسبت به‌کل حیات‌اقتصادی اجتماع، بالاخص‌مالکیت‌کل.مشترك‌عامه، نسبت به‌وسایل تولیدی ماننده‌کارخانجات صنعتی ، ماشین‌ها ، راه‌آهن ، اراضی بانکها و غیره .

کمونیسم مسیحی Anabaptisme
طرفداری از اصلاحات اجتماعی و مذهبی که‌درزمان‌لوترظاهرشد «انابا پتیسم را به‌بینید .»

کنکوردانسیا Concordantia
اعتقاد به‌همکاری‌قوای‌سه‌گانه، پاپ، شورا وکالج‌کادینالها .

کنوانسیونالیسم Conventionalisme
افراط در پیروی از آیین‌های قراردادی و کنوانسیونها .

کولکتیویسم Collectivisme
اعتقاد به‌ارادهٔ جمعی درجامعه .

کونسپتوالیسم Conceptualisme
مسلکی از اسکولاستیك که هم‌برای فرد و هم برای جامعه اهمیت قایلند.

کونسرواتیسم Conservatisme
نظریهٔ محافظه‌کاری، درکلیه موارد : مذهبی ، سیاسی و اجتماعی .

کونستی‌توسیونالیسم
Constitutionalisme
عقیده به مشروطیت ، اینکه قدرت حکومت برمردم باید مشروط باشد .

کونسی‌لیاریسم Conciliarisme
اعتقاد به‌تشکیل شورای عام، جهت ادارهٔ‌کلیسا .

کونگره‌گاسیونالیسم
Congregationalisme
فرقه‌ای‌که معتقدند ؛ اصلاح‌کلیسا بدون‌توسل‌به‌دستگاههای سلطنت‌ودستگاه مذهبی و دستگاه دیگر میسرمیباشد .

کیه‌تیسم Quietisme
مسلك سکوت وتحمل ودرویشی .

گوبی‌نیسم Gobinisme
اعتقاد به‌تبعیض نژادی، مؤسس‌آن ژرژگوبینو (Gobineau) میباشد .

لگالیسم Legalisme
عقیدهٔ اصالت قانون ؛ اصول‌قضایی وحقوقی ودولت‌را مخلوق قانون‌دانستن.

لنینیسم Leninisme
شکلی از مارکسیسم، منسوب به‌لنین پیشوای انقلاب روسیه .

لیبرالیسم Libralisme
اعتقاد به‌آزادی انسان ، لذابه‌آن فلسفهٔ آزادی طلبی نام‌گذاشته‌اند .

ماتریالیسم Materialisme
مکتب‌اصالت ماده و اعتقادبه‌اینکه فقط ماده وجود دارد وهیچ‌چیزدیگر در ماوراءالطبیعه وجود ندارد .

مارکسیسم Marxisme
مکتب فیلسوف‌آلمانی‌کارل‌مارکس، که کمونیسم جدید است .

ماکیاولیسم Machiavellisme
مکتب‌استبداد جدید، فلسفهٔ‌فیلسوف ایتالیایی به‌نام ماکیاول .

ماله‌برانشیسم Malebranchisme
فلسفهٔ منسوب به‌نیکلادوماله‌برانش Malebranche فرانسوی .

مانشویسم Menchevisme
تبعیت‌از سوسیالیسم معتدل وتکاملی جزئی .

مرکانتالیسم Mercantalisme
اعتقاد به‌فزونی صادرات‌برواردات برای بهبود جامعه .

مکانیکیسم Mechanicisme
مترادف مکتب ماتریالیسم .

موبوکراسی Mobocratie
حکومت مردم نادان .

مونارشی Monarchi
اعتقاد به‌رژیم سلطنتی .

مونیسم Monisme
اعتقاد به‌فلسفهٔ وحدت وجود .

مه‌دیه‌والیسم Medièvalisme
اعتقاد به‌واحد بودن حالت‌وطبیعت قرون وسطایی .

میستی‌سیسم Mysticisme
اعتقاد به معما بودن و رمز بودن مسایل متافیزیکی .

میلیتاریسم Militarisme
اعتقاد به‌سپاهیگری و تشکیل نظام و آمادگی برای جنگ .

ناسیونالیسم Nationalisme
اعتقاد به اعتلای ملت وتفوق آن نسبت به‌تمام ملل .

نئوپلاتونیسم Neo - platonisme
فلسفهٔ شرك دنیای غرب و به‌معنی افلاطونی جدید است .

نئومارکسیسم Neo - Marxisme
اعتقاد به‌انقلاب به‌وضعی افراطی مؤسس این مکتب **ژرژسورل** است .

نومینالیسم Nominalisme
فرقه‌ای از اسکولاستیك که به‌افراد جامعه اهمیت بیشتری میدهند و اعتقاد به‌اینکه تصورات مجرد و مجردات دارای وجود واقعی نیستند و آنچه در دنیاست از نامها تشکیل شده است .

نیهیلیسم Nihilisme
اعتقاد به‌اینکه در عالم هیچ‌چیزرا نمیتوان شناخت .

ویتالیسم Vitalisme
اعتقادبه‌فلسفهٔ آزادی‌واستقلال‌نفس.

ویگیسم Vhigisme
اعتقاد به‌مرام عقاید حزب ویگ.

هگلیانیسم Hagelianisme .
اعتقادبه‌فلسفهٔ هگل‌فیلسوف‌آلمانی.

هومانیسم Humanisme
اعتقاد به‌انسانیت و فلسفهٔ شیللر Schiller.

هومیسم Humisme
اعتقاد به‌فلسفهٔ دیویدهیوم .

فلاسفهٔ ایرانی

ابن‌سینا - ابوعلی‌حسین‌بن عبدالله بن‌حسین‌بن‌علی‌بن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ه‌ق)



در افشنه متولد ودر بخارا بتحصیل علم پرداخت‌وقرآن وریاضیات ومنطق‌ونجوم وفلسفه آموخت . چندی دردربار نوح-

سامانی بود . ازآنجا بگرگانج وپس از چندیعازم گرگان شد وسرانجام پس از سفرهای بسیار بههمدان رسیدوشمسالدوله ویرا وزارت داد . دراینکار دیری نپایید وروانهٔ اصفهان گردید ودرخدمت علاء ــ الدوله درآن شهر بسربرد . عاقبت در همدان بیمار ودرآن شهردرگذشت .

کمتر رشتهیی ازعلومزمان رامیتوان شناخت که توجهابنسینارا بهخود جلب نکردهواورا بهتحقیقدرآن وادارننموده باشد . وی بیش ازیکصدکتاب درطب و فلسفه وریاضیات نوشته که ازآن میان : **شفا ، قانون و اشارات** شهرتی تمام دارنددرجشنهزارهٔویدر ۱۳۳۱ ش بودکه دربیشتر کشورها برگزارشدآثار وی به طرز شایستهدرتهران بهچاپ ودرمعرفی اونیز کتابهایی منتشرگردید .

ابنمسکویه ، ابوعلی.
(متوفی ۴۳۱ هجری)

ازمشاهیر فلاسفه ونویسندگانایران درقرن چهارم هجری محسوب است . ابوعلیدرعلومعقلی اطلاع ومهارتبسیار داشتوازآن جمله بهفلسفه وطبوکیمیا بیشاز همهمایل بوده واز نویسندگان بزرگ ومورخان مشهوراسلامی در عهد خود شمرده میشد. از جملهٔ آثار فلسفی اوکتاب «الطهارة» درعلم اخلاقوکتاب «تهذیبالاخلاق» وجاویدان‌است .

ابنهندو ، ابوالفرج .
(فوت ۴۱۰ یا ۴۲۰ ه ق)

فیلسوف وشاعر وطبیب ایرانی زمانآلبویه ، کهچندیمنشی عضدالدوله دیلمی بود. درطبرستانمتولدودرگرگان وفاتیافتهاست. «کتابالنفس»، «مفتاح‌ـ الطب»، «الکلمالروحانیهفیالحکمیونانیه» ازآثار اواست .

ابوریحان بیرونی.

به علمای ریاضی مراجعهشود .

ابوزید ، احمدبنسهل .
(فوت ۳۲۲ ه ق)

فیلسوف ایرانی ، اهلخراسان که دارایکتابهای معتبری درفلسفه وعلوم وکلام است . ازتألیفات اوکتاباخلاق‌ـ الامم ، حدود الفلسفه ، صورالاقالیم ، وما یصح مناحکامالنجوم است .

ابوسلیمان سجستانی .

درعهد عضدالدولهٔ دیلمیفناخسرو، در بغداد میزیست و در منطق و اقسام فلسفهاستادبود، نزد«متیبنیونس» واقران اوحکمتآموخت وکتاب ارسطورا شرح کرد . رسایلی چند بهنام عضدالدوله در متون مختلف نوشت که یکیاز آنهاکتابی در مراتب قوای انسان است . وبههمین جهت نزد این پادشاه مقامی عظیم یافته بود .

یکی از شاگردان او « ابوحیان ــ توحیدی» مقالات بسیار ازگفتار و آراء وی درکتاب « امتاع و مؤانسه » آورده است . از خواص عقاید او که ابوحیان نقلکرده است اینکه : خورشیدسیارگان را سوی خویش جذب میکند .

ابوسلیمان اعور و ابرص بود و از خانه بیرون نمیآمد ، اما پیوستهسرایش ملجاء دانشجویان و مجمع علماء بود .

اثیرالدینابهری (زنده درقرن ۷ ه ق)

فیلسوف و ریاضیدان ایرانی ، شاگردامام فخررازی، مؤلفزیج مشتمل، هدایةالحکمه ، کتاب ایساغوجی و شرح هدایه میبدی است .

بزرگمهر حکیم .

بنا برمندرجاتمنابعشرقی، بزرگمهر وزیرانوشیروانوگویندوی درآغاز معلم هرمزفرزندانوشیروانبود،چونشاهدانایی ولیاقتشرادیداورا بهوزارتبرگزید.

درباب عقل وکفایت این وزیر داستانهای بسیار است وبسیاریازسخنان حکیمانه و کلمات قصار رابهاو نسبت میدهند .

بوذرجمهر در زمان خسروپرویز و بهامراو بقتل رسید.

بهمنیار . (متوفی بهسال ۴۵۸ ه ق)

بهمنیاربن مرزبان آذربایجانی، از شاگردان شیخالرئیسابوعلیبنسینااست. گویند ابوعلی ، بهمنیار را در کودکی نزدآهنگری یافت کهآتش میخواستچون صاحب دکان از اوظرف خواست وی پس از اندکی تفکر مشتی خاکستر برکف دست ریخت و آتش را رویآن قرارداد چون ابوعلی این فطانت بدید شگفت آمدش، وکودکرا بهملازمت خویشخواند و تربیتکردوبهدست ابوعلی مسلمانشد (خاندانش زردشتیبودند).

از تصانیف وی کتابی در منطق و طبیعی و الهی است که برای خال خود «ابومنصوربن بهرامبن خورشیدبنایزد ـ یارمجوسی» بهعربی تألیف کرده است و گویند این کتاب را خود او یادیگری بهفارسی ترجمه کردهاند .

« سید غیاثالدین منصور » گوید : بهمنیار نزد «ابوالعباس لوکری» که از شاگردان ابنسینابوده تحصیل کردهاست.

حسنبنسوار. (تولد ۳۳۱ ه ق)

حسنبنسوار در بغداد منطقوفلسفه را نزد « یحییبنعدی» آموخت از آثار ویترجمهٔچندکتابازرزبانسریانیبهعربی است و از تصانیف وی که نام بردهاند : کتابی در تفسیرماده ، و دوکتابدرشرح کلیات خمس، وکتابی در آثار جواست.

خفری، شمسالدینمحمد. (فوت ۹۶۰ ه ق)

از شاگردان ملاصدرایشیرازیبود که درعلوم ریاضی، فلسفه و نجوم مهارت بسزایی داشت برخی ازآثارش عبارتست از : رسالهٔ حلمالاینحل منتهیالادراك ، و رسالهٔ اثبات واجب میباشد . وی در کاشان میزیست وشرحی هم برکتاب هیأت خواجه نصیرالدین طوسی نوشته است .

خواجه نصیرالدین طوسی .
(۵۹۷ ـ ۶۷۲ ه ق)

ریاضیدان و فیلسوف الهی.
علمای ریاضی ایران را ببینید .



خط خواجه نصیرالدین طوسی ،
یک صفحه ازآخر کتاب تحریر اقلیدس

کنگرهٔ خواجه نصیر طوسی

درسال ۱۳۳۵ شمسیدانشگاهتهران برای اولینباربهتجلیل یکی ازنوابغ بزرگ علم وادب ایران یعنی خواجه‌ـ نصیرالدینطوسی فیلسوفومتکلم وادیب ومنجموریاضیدان قرنهفتم مبادرتکرد وکنگرهای بهمناسبت هفتصدمین سالدر‌ـ گذشت آن دانشمند عالیقدر تشکیلداد و برای حضور درجلسات کنگره ومعرفی آثار وفعالیتهای آنمرد بزرگ از دانشمندان کشور وهمسایه ونمایندگان



مؤسسات علمی و فرهنگی کشورهای خارجی که در تهران نمایندگی دارند دعوت به عمل آورد .

تاریخ تشکیل کنگره در ابتدا هفتهٔ آخر اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۵ شمسی در نظر گرفته شده بود ولی چون در آن موقع آقای دکتر اقبال که ریاست کنگره به عهدهٔ ایشان محول شده بود در آمـریکا بسر میبردند برای امکان شرکت ایشان در کنگرهٔ مزبور تاریخ تشکیل کنگره بتعویق افتاد و مدت آن از پنجم تا دوازدهم خـرداد ۱۳۳۵ معین گردید .

برای شرکت در کنگرهٔ مـزبور از ۱۱ نفر از دانشمندان و ایران شناسان کشورهای همسایه به شرح ذیل دعوت به عمل آمد :

۱ ـ پاکستان	۲ نفر
۲ ـ هندوستان	« ۲
۳ ـ افغانستان	« ۱
۴ ـ عراق	« ۱
۵ ـ ترکیه	« ۱
۶ ـ روسیهٔ شوروی	« ۱
۷ ـ سوریه	« ۱
۸ ـ لبنان	« ۱
۹ ـ مصر	« ۱

دعوت شدگان برای مدت سیزده روز مهمان دانشگاه تهران بودند ، یك هفته مدت تشکیل کنگره سه روز قبل از تشکیل آن و سه روز پس از خاتمهٔ جلسات کنگره .

دولت هندوستان از اعزام نماینده خودداری کـرد ولی به آقـای دکتـر تاراچند سفیر کبیر خود در تهران مأموریت داد کـه بـه نمایندگی از طـرف دولت متبوع خـود در جلسات کنگره شرکت نمایند . از کشور مصر نیز نمـایندهٔ فرهنگی آن کشور در تهـران در کنگـره شرکت کـرد . جز این دو کشور بقیه کشورها رسماً نمایندهٔ اعزام داشته بودند بـا این تفاوت که از کشورهای شوروی و افغانستان به جای یکنفر، دو نفر برای شرکت در جلسات کنگره اعزام و معرفی شده بودند .

فهرست این مهمانان خارجی که در اجرای دعوت دانشگاه در جلسات کنگره شرکت کرده بودند و موضوع سخنرانی هریك از آنان به این شرح است :

کشور	سخنران	سمت	موضوع سخنرانی
پاکستان	پروفسور محمدباقر	استاد و رئیس شعبه زبان فارسی دانشگاه پنجاب	بررسی نسخه‌های خطی از آثار خواجه طوسی در کتابخانهٔ دانشگاه پنجاب (فارسی)
ترکیه	پروفسور آیدین صاییلی	استاد تاریخ در دانشگاه آنکارا	خواجه نصیر طوسی و رسد خانهٔ مراغه (فارسی)
«	پروفسور زکی ولیدی طوغان	استاد دانشگاه اسلامبول	مجموعهٔ رسائل ریاضی در کتابخانهٔ معنیسا (فارسی)
عراق	دکتر مصطفی جواد	استاد دانشسرای عالی	اهتمام نصیر الدین الطوسی به نشر العلوم فی العالم اسلامی (عربی)
لبنان	دکتر فواد افرام بستانی	رئیس دانشگاه بیروت	نصیر الدین الطوسی و المصطلحات العلمیة العربیه (عربی)
روسیه ـ شوروی	پروفسور دوریس نیکلا ایوانیازاخودر	پرفسور علوم تاریخی ـ در دانشگاه مسکو	تحقیقات در بـارهٔ بعضی از آثار خطی قدیم خواجه ـ نصیر طوسی در کتابخانه‌هـای شوروی (روسی)
«	خانم پرفسور ماریا نیکلا ـ اوینا ایوانوا	دانشیار کرسی علوم تاریخی ـ در دانشگاه مسکو	مطالعات دانشجویـان اتحاد جماهیر شوروی دربارهٔ عصر و زندگی و آثار خواجه نصیر الدین طوسی (روسی)
افغانستان	پروفسور دکتر محمد ـ انس خان	مشاور وزارت فرهنگ افغانستان و استاد دانشکدهٔ علوم کابل	نقش طوسی در وقایه تنظیم و تعمیم ریاضیات و نجوم (فارسی)
افغانسنان	آقای سرور گویای اعتمادی	رئیس ادارهٔ انتشارات ـ وزارت فرهنگ افغانستان	خواجه نصیر طوسی درمیان دوست و دشمن (فارسی)

همچنین سایر کشورها که در تهران نمایندگی فرهنگی و سیاسی دارند نیز نمایندگانی برای شرکت در کنگره اعزام و معرفی کرده بودند ، فهرست این نمایندگان به این شرح است :

کشور	نام	سمت
آلمان	آقای فون باس ویزت (H . J . Von Basse wizt)	وابستهٔ مطبوعاتی سفـارت کبرای آلمان
اطریش	آقای اگن بورش (M . Ie . Dr . Eugen Buresch)	مستشار سفارت اطریش

کشور	نام		سمت
آمریکا	آقای بارت‌پارکر	(M . Barret Parker)	رایزن‌فرهنگی سفارت‌کبرای امریکا
انگلستان	آقای درك تراورسی	(M . Drek Traversi)	نمایندهٔ شورای فرهنگی‌بریتانیا
اندونزی	آقای جان‌مارامیس	(M.John B.P.Maramis)	دبیر اول‌سفارت‌اندونزی
ایطالیا	آقای لوئیجی پناکیو	(M.Luigi Pennechio)	دبیردوم سفارت ایطالیا
چکوسلواکی	آقای دکترجان‌مایر	(M.le.Dr.Jan Maier)	دبیر سوم سفارت‌چکواسلواکی
چین	آقای شیه	(M.K.T.Shier)	دبیرسوم‌سفارت چین
روسیه‌شوروی	آقای میخائیل‌کارپوویچ	(M.T Kach.Mihail) Kerpovitch)	دبیردوم‌سفارت شوروی
رومانی	آقای می‌هه پلسکو	(M.Mihai Plescou)	دبیر سوم‌سفارت رومانی
سوئیس	آقای‌گانز	(S. Exc.M.Ganz)	وزیر مختار سوییس
فرانسه	آقای ژان‌کامبورد	(M.Jean Camborde)	رایزن فرهنگی سفارت فرانسه
لبنان	آقای دکترحسیب‌العبدالله	(M.Ie.Dr.Hassib_al_ Abdollah)	دبیر اول‌سفارت لبنان
لهستان	آقای ژان‌میچیکو	(M Jan Miecieczko)	عضو سفارت لهستان
مصر	آقای دکترمحمدحسن‌الزیات	(M.le.Dr.M.H.Al Zayyat)	رایزن فرهنگی سفارت مصر
واتیکان	آقای دکترژاك اشترایت	(M.Rév.Jacques Streit)	وابستهٔ نمایندگی پاپ
هندوستان	آقای دکتر تاراچند	(S.Exc.M.le.Dr.Tara _ chand)	سفیرکبیر دولت هندوستان
هندوستان	آقای ورانت علی‌قدوایی	(M.V.A.Kidwai)	وابستهٔ سفارت هندوستان
هنگری	آقای زولتان سیلاژی	(M.Zoltan Szilagyi)	وابستهٔ فرهنگی هنگری
یوگوسلاوی	آقای‌ولادیسلاوارسن‌جویك	(M.Vladislav Arsenijevic)	دبیر سوم سفارت یوگوسلاوی

فهرست استادان و دانشمندان ایرانی باموضوع سخنرانی هر یك‌که قبول ایراد سخنرانی درکنگرهٔ مزبور کرده‌اندبه‌شرح‌ذیل است :

نام	موضوع سخنرانی
آقای دکتر هشترودی	رسالهٔ شافیه خواجه نصیرطوسی .
« مدرس رضوی	آثار خواجه نصیرالدین طوسی .
« مجتبی مینوی	نکاتی دربارهٔ خواجه نصیرالدین ونسخ‌خطی تألیفات‌او.
« دکتر خانلری	ملاحظات‌خواجه‌نصیرالدین‌طوسی‌دربارهٔ‌تلفظ زبان‌فارسی
« دکتر معین	خدمات نصیرالدین به‌زبان وادب‌فارسی.
« سیدمحمد مشکوة	حمایت خواجه نصیر ازفلسفهٔ ابن‌سینا.
« دکتر خطیبی	نثرفارسی دورهٔ خواجه نصیرطوسی وارزش آثار فارسی اودراین‌دوره.
« دکتر صفا	وجوه اهمیت خواجه‌نصیرالدین طوسی درادامهٔ‌کارحوزه های علمی ایران.
« علی‌اصغرحکمت	نظر خواجه نصیرالدین‌طوسی درتربیت وتعلیم.
« دکترمحمودنجم‌آبادی	نظری به‌عقاید وآثارطبی‌خواجه‌نصیر.
« محمدتقی‌دانش‌پژوه	پیوستگی منطق وریاضی نزدخواجه‌طوسی.
« دکترمینوچهر	خواجه نصیرالدین طوسی‌وامام فخررازی .
« سعیدنفیسی	اشعارفارسی خواجه‌نصیر طوسی.
« دکترجلال‌مصطفوی	اطلاعات خواجه‌نصیر طوسی درمبحث‌نور .
« قاسم تویسرکانی	کارهای سیاسی ودیوانی خواجه‌نصیرطوسی وهدف‌آن .
« اکبرداناسرشت	بحث دربعضی ابتکارات ریاضی خواجه .
« جلال همایی	خواجه‌نصیرالدین‌طوسی از نظرریاضیات.
« صبحی‌مهتدی	داستانهای خواجه‌نصیرطوسی.
« محیط طباطبایی	زیج ایلخانی.
« دکترعلی‌اکبرفیاض	کتاب تجوید واهمیت‌آن.
« دکتر هدایت‌الله خاقانی	پزشکی‌درزمان خواجه‌نصیرالدین طوسی.

دوانی ، جلال‌الدین محمدبن اسعد. (۸۳۰ ــ ۹۰۸ هـ ق)
ازبزرگان فلسفه وکلام بودکه در دوران فارس چشم‌به‌جهان گشود سلطان یعقوب‌ترکمان‌دربزرگ‌داشت‌اومیکوشید این‌دانشمند دارای تألیفات فراوانی به فارسی وعربی است‌که ازجمله «لوامع ـ الاشراق»که به «اخلاق جلالی» معروف میباشد ، و«اثبات‌الـواجب القدیـم» و «اثبات‌الواجب‌الجدید» .

زکریای رازی ، به‌علمای شیمی مراجعه شود .



سرخسی ، احمدبن محمد مروان‌طبیب، به‌علمای ریاضی مراجعه شود .

سهروردی ، شهاب الدین ،
(۵۴۹ ــ ۵۸۷ ه ق)

درسهرورد (اطراف زنجان) تولد یافت و درنامش اختلاف است عده‌ای از مورخان یحیی‌بن حبش‌بن امیرك ــ نوشته‌اند .

وی درمراغه پرورش یافت و به‌حلب سفرکرد. میان‌او ودانشمندان‌روزگارش اختلاف نظریاتی پیدا شد تاجایی‌که برای‌خونش‌حرقی‌ندانستند وملك‌ظاهر ــ غازی اورا حبس‌کرد ودرهمان زندان حلب اورا ازبین برد .

به‌هرحال سهروردی ازمتفکران و فیلسوفان بود ودرفلسفه تابع مکتب اشراق بود و در تألیفاتش این فلسفه را نوشت واین‌مکتب را معرفی کرد . گویند درنظافت بدن ولباس بسیار سهل انکار بود ولباسهای بی‌بها می‌پوشید و اثرمعروف او کتاب « حکمة الاشراق» است .

شریف ، علی‌بن محمد جرجانی .
(۷۴۰ ــ ۸۱۶ ه ق)

دانشمند ایرانی که درعلوم ادبی‌و حکمت وعرفان دست‌داشت ازطرف‌شاه‌شجاع مظفری مأمور تدریس درمدرسهٔ دارالشفاء شیراز شد . پس‌از فتح‌شیراز به‌دست تیمور، به‌سمرقند رفت و پس از مرگ تیمور به‌شیراز بازگشت. مقبرهٔ‌او درمحلهٔ سروزك شیراز است .

رسالهٔ «الکبری‌فی‌المنطق» ازآثار اوست .

عامری، ابوالحسن‌محمد (فوت۳۸۱ه ق)

حکیم‌معروف‌ایرانی‌شاگرد ابوزید احمدبن سهل بلخی و استاد ابوعلی ــ احمدبن محمد مسکویه است .

وی درخراسان حکمت‌آموخت و سپس به‌خدمت‌ابن‌الحمیدرسید ودرصحبت اوبه‌سال ۳۶۴ ه ق. به‌بغداد رفت وپنج سال هم در ری اقامت‌گزید ودرین‌مدت ابوعلی‌مسکویه درمجلس درس اوحاضر می‌شدولی‌به‌گفتهٔ‌ابوحیان‌توحیدی‌کلمه‌ای از او استفاده نکرده وی شارح فلسفهٔ ارسطوست وکتابهای «الابصار و المبصر والنسك‌العقلی»از اوست .

«فرهنگ‌معین»

غزالی، امام‌محمد. (۴۵۰ ــ ۵۰۵ه ق)
درطوس متولد ودرهمان شهرجهان



را بدرود‌گفته است . مقدمات صرف و نحو وعلوم دینی را درطوس فراگرفت ، سپس به‌گرگان رفت‌تادر خدمت‌ابونصر اسماعیلی تحصیلات خود را تعقیب‌کند . چندی بعد به‌طوس بازگشت وپس‌از سه سال به نیشابور رهسپار شد و مدتی نزد امام‌الحرمین ابوالمعالی جوینی دانش و ادب آموخت تادر ادبیات و منطق‌کلام وفقه واصول‌وحدیث استاد شد و شروع به تألیف کتاب کرد . غزالی به‌خدمت خواجه نظام‌الملك رسید وازمقربان اوو‌ملك‌شاه سلجوقی شد. در ۴۸۴ استاد نظامیه بغداد شد . در۴۸۸ بغدادرا ترك‌کرد ومدت ده‌سال در شام وبیت‌المقدس وحجاز به‌سیروسیاحت و تفکر وکشف حقیقت پرداخت . تاسرانجام حقیقت را درتصوف وعرفان‌یافت غزالی در ۴۹۸ به‌طوس بازگشت عدهٔ آثار اورا تا ۱۳۰ برشمرده‌اند ، که معروفترین آنها ، کیمیای سعادت و «نصیحة‌الملوك» ، «تهافت‌الفلاسفه»، «والمنقذ من‌ضلال»است: غزالی برای تربیت‌تأثیر زیاد قایل است وگویدکه: دل‌پاك کودك «چون‌گوهری نفیس‌ونقش پذیراست‌چون موم واز همه نقشها خالی است و چون زمینی‌پاك.است که‌هرتخم‌که درآن‌افکنی بروید .

غیاث‌الدین ، منصور
(فوت بین ۹۴۰ تا ۹۴۹ ه ق)

فیلسوف ایرانی ، که‌در حکمت و کلام وفقه دست داشت در ۲۰ سالگی از تحصیل‌علوم‌فراغت یافت‌ودرزمان‌سلطنت شاه طهماسب صفوی به‌صدارت نایل‌آمد. پس ازاستعفا از صدارت به شیراز رفت ومدرسهٔ منصوریه‌را تأسیس کرد . از مهمترین تألیفات وی میتوان«اخلاق ــ منصوری»«جام‌جهان‌نما»درحکمت «اللوامع والمعارج»درهیئت، «معالم‌الشفاء»درطب « خلاصة‌التلخیص » در معانی و بیان «التجرید»درحکمت ، «تعدیل‌المیزان» درمنطق‌را نام برد .

فارابی ، ابو نصر .
(۲۶۰ ــ ۳۳۹ه ق)

محمدبن‌محمدطرخان ، ازبزرگترین فلاسفهٔ اسلام‌که به‌اتفاق اهل این‌علم بعد ازارسطوکسی به‌پایه فارابی نرسیده واز این جهت ارسطورا «معلم اول» وفارابی را «معلم‌ثانی» گفته‌اند وی برای تحصیل علوم‌به‌بغدادرفت ودر حران منطق فراگرفت وبه‌بغدادبازگشت‌وبه‌تکمیل‌فلسفه پرداخت . فارابی همهٔ‌کتب ارسطورا به دقت مورد مطالعه قرار داد ودر شرح و تفسیر آنها مهارتی‌خاص یافت . فارابی ازبغداد به‌مصر وازآنجا به‌خدمت سیف‌الدوله ابوالحسن حمدان پادشاه حلب و دمشق وشام درآمد و به تعلیم وتألیف مشغول شد .

اهمیت فارابی بیشتر درشرحهایی است‌که‌برآثار ارسطو نوشته‌است .

وی می‌کوشید بین‌عقاید افلاطون و وارسطو را التیام دهد وکتاب «الجمع‌بین‌رایی‌الحکیمین:افلاطون‌الالهی‌وارسطو طالیس»را در این‌باب تألیف‌کرده‌است فارابی ازهمهٔ علوم عهد خود مطلع بوده ودرآنها صاحب‌تصانیفی است،اطلاعات وی در ریاضیات خوب ، در طب متوسط و در موسیقی بسیار بوده است . روش فلسفی اورا باید یك روش‌نو افلاطونی اسلامی‌نامید،به‌نظرفارابی سعادت‌وعظمت مقام فیلسوف‌درترك علایق وگوشه‌گیری است . اثر وی در فلسفه بسیار بوده اما مورد انتقاد بعضی ازفلاسفه مانند ابن‌رشد قرارگرفته است .

فارابی درحدود صد تألیف داردکه مهمترین آنها عبارتند از :

فصوص‌الحکم، احصاءالعلوم ،عیون المسایل ، رسالة فی‌مبادی آراء اهل ــ المدینه‌الفاضله،رسالةفی‌اثبات المفارقات کتاب‌النجوم ، واغراض‌مابعد الطبیة»که ابن‌سینا گوید: تاچندصفحه ازاین‌کتاب‌را نخواندم حکمت‌را نفهمیدم.

فارابی درموسیقی یدطولایی داشت وحکایات افسانه‌ای‌ازمهارت اودرموسیقی نقل‌کرده‌اند .

۲۷۸

فخرالدین رازی، امام.
(۵۴۳ ـ ۶۰۶ م)
محمدبن عمربن حسین‌بن ابوالفضل معروف به‌ابن‌الخطیب، جامع علوم زمان خویش و به‌کثرت‌علم، ضرب‌المثل بود. درشهر هرات وفات کرد ودرهمان شهر مدفون شد.
چندی ازعراق آهنگ‌خراسان کرد وبه ماوراءالنهر رفت و«محمدبن تکش‌ـ خوارزمشاه» مقدم اورا غنیمت‌شمرد.
در علم فقه طریقت شافعی داشت، ودراصول‌روش‌اشاعره‌پیشه‌کردودرهرعلم تصنیف دارد. ازکتب فلسفی اوست: «مباحث مشرقیه» که‌کتابی است‌باعبارات ساده وروان وجامع مطالب، و«شرح ـ عیون‌الحکمة» و«کتاب‌المطالب‌العالیه» و«کتاب شرح‌الاشارات». و ازکتب او به‌زبان فارسی است: «کتاب البراهین ـ النهایة» و«کتاب‌الخمسین‌فی‌اصول‌الدین» و«کتاب تهجین» و «تعجیزالفلاسفة».
غیرازکتب فلسفی تألیفات بسیاردر اصول دین وفقه وتفسیر و طب و ریاضی وامثال آن دارد.

فریدالدین، عمربن غیلان بلخی.
(قرن ششم ه ق)
حکیم ایرانی درنیمهٔ اول‌قرن‌ششم هجری‌که مدتی درمرو وزمانی‌درسمرقند زندگی‌کرده است، آثارمهم‌او«التوطئة لتخطئه» و «حدوث‌العالم» و«التنبیه‌علی تمویهات‌کتاب‌التنبیهات» است. وی در فلسفه شاگرد ابوالعباس لوکری است.

فضل‌بن نوبخت، ابوسهل.
به‌علمای نجوم مراجعه شود.

فندرسکی، ابوالقاسم.
(فوت ۹۷۰ ـ ۱۰۵۰ه ق)
فیلسوف، که‌درحکمت‌الهی وریاضی و همهٔ علوم عقلی تبحر داشته و تدریس قانون وشفای‌او درآن‌زمان مورداستفاده افاضل قرارمیگرفته‌است. میرفندرسکی به‌هندوستان‌نیزسفرکرد ودر نزد ملوک هند بسیار محترم بود وفات وی در اصفهان اتفاق افتاد و درتکیه‌ای به‌نام تکیهٔ میر مشهوردرقبرستان فولادمدفون است. وی‌گاهی به‌سرودن‌اشعارحکیمانه وغزل‌نیزمیپرداخت. تألیفات‌میرفندرسکی عبارت‌از: «تحقیق‌المنزلة، رسالهٔصناعیه» در تحقیق حقیقت علوم وذکر جمیع موضوعات صنایع، تاریخ الصفویه، شرح کتاب‌المهارة» ازکتب حکمای هند. «مقولة‌الحرکة‌والتحقیق فیها».

قطب‌الدین شیرازی ـ به‌علمای ریاضی مراجعه شود.

کاتبی قزوینی، علی.
(فوت ۶۷۵ ه ق)
حکیم‌ودانشمندکه درحکمت ومنطق وریاضیات وهندسه‌تبحر داشت وی‌شاگرد خواجه نصیر طوسی واستاد علامه حلی بود.
«جامع‌الدقائق فی کشف الحقائق» درمنطق و«عین‌القواعد»درمنطق‌وحکمت و«بحرالفواعد فی‌شرح عین‌القواعد» از آثار اوست.

ملاصدرا، (صدرالدین).
(متوفی به‌سال ۱۰۵۰ ه ق)
صدرالدین محمد ابراهیم شیرازی مشهوربه‌ملاصدرا پس‌از خواجه‌نصیرالدین طوسی بزرگترین فیلسوف ایران است. واورا صدرالمتالهین نامند.



«خط ملا صدرا»
«از ریحانة‌الادب»

درحکمت‌وعلوم شاگردمیرمحمدباقرـ داماد بود و علوم شرعی را از شیخ ـ بهاءالدین عاملی فراگرفت و در علوم ریاضی نیز مهارت داشت.
طریقهٔ او در حکمت بعدها توسط اکثرحکما پیروی گردید.
ملافیض‌کاشانی‌وملاعبدالرزاق‌لاهیجی از جمله‌شاگردان اوهستند که‌به‌دامادیش مفتخرشدند.
ازکتب معروف او:
«اسفار ـ اربعه ـ شواهدربوبیه ـ مبدأ و معاد ـ مشاعر ـ عرشیه ـ شرح هدایهٔ‌اثیریه»(درحکمت‌مشاء) ازکتابهای فلسفی ملاصدراست
شرح اصول کافی و تغییرچندسورهٔ قرآن ازکتب دینی اواست.
حاجی ملاهادی سبزواری فلسفهٔ او را به‌نظم در آورد و شرح کرده است. که فعلامتداولترین‌کتب فلسفهٔ‌شرقی است.

سبزواری، ملاهادی (حاجی).
(۱۲۱۲ـ۱۲۹۰ه ق)
ازفلاسفه‌بزرگ ومعاصر ناصرالدین شاه قاجار بوده است. اثر معروف او شرح‌منظومه‌ای‌است که‌درآن‌فلسفهٔ‌ملاصدرا به‌نظم کشیده وخودشرح‌کرده است واین کتاب او و متداولترین کتب فلسفهٔ شرقی است. کتاب«اسرارالحکم» نیز ازتألیفات اوست.

میبدی، میرحسین.
(۹۰۹ ه ق وفات)
متخلص به‌منطقی و معروف به‌قاضی میبدی وازشاگردان برجسته دوانی‌است.
جوانی‌رادر شیراز به‌تحصیل‌گذراند و پس‌ازآن قاضی‌زادگاه خود، میبد شد.
میبدی، فیلسوف، شاعر و نویسنده بودکه‌بواسطهٔ اختلاف مذهبی به‌امرشاه‌ـ اسمعیل صفوی کشته شد.
«جام‌گیتی‌نما، حاشیه‌برطلوع، شرح گلشن‌راز، شرح دیوان حضرت علی» از آثار اوست.

میرداماد، محمدباقر. (۱۰۴۰ه ق وفات)



«خط میرداماد»
«از ریحانة الادب»

در زمان شاه عباس اول و نزد این پادشاه منزلتی داشت وی پسرداماد و معروف به میرداماد بود که در فلسفه و علوم دینی دست داشت ، وی در زمان سلطنت شاه‌صفی درسفر بین کربلا و نجف درگذشت،«قبسات، حبل‌المتین، جذرات» از آثار اوست .

هفت خردمند

هفت خردمند یونان :

دانایانی که به‌قرن ششم قبل‌ازمیلاد تعلق دارند :

۱ـ بیاس	Bias de Priène
۲ـ کیلون	Chilon de Lacédémone
۳ـ کله‌اوبول	Cléobule de Lindos
۴ـ پەریاندر	Periandre de Corinthe
۵ـ پیتاکوس	Pittacos de Mytiléne
۶ـ سولون	Solon d' Athénes
۷ـ تالس دومیله	Thalés de Milet

بیاس Bias

(زنده ۵۷۰ ق م)

او در دفاع از پرین (Priéne) در مقابل حملهٔ ایرانیان کشته شد و جملهٔ او است : من همهٔ ثروتم را باخود حمل میکنم .

(Je porte avec moi tout mon bién)

پیتاکوس Pittacos

(۶۵۰ـ۵۶۹ق م)

یکی از خردمندان هفتگانه‌است . هم‌او بود که جنگ خونین ملی یونان را پایان داد .

کیلون Chilon

(زنده در قرن ششم قبل‌از میلاد)

یکی ازحکام اسپارت درقرن ۶ ق م ویکی از خردمنداں هفتگانه که موجب پیشرفت مردم اسپارت شده است .

کله‌اوبول Cleobule

یکی‌ازخردمندان‌هفتگانه‌وشخصیتی مرموز از دنیای قدیم یونان است که شهرت او بیشتر در طرح مسایل نامفهوم و معما مانند بوده است .

پەریاندر Periandre

(۶۲۷ ـ ۵۸۵ ق م)

پادشاه مقتدر کورنت (Corinthe) بانی هنر باستان‌شناخته شده است. وقتی در خشم شد ، دستور داد، سراز تن‌زنش جدا کنند .

سولون Solon

(۶۴۹ ـ ۵۵۸ ق م)

قانون‌گذار آتن و ازحکمای سبعهٔ یونان که مردی خوش ذوق و آزموده و دانا بود . او برای آتن قوانین جدیدی ترتیب داد و پس‌از اینکه آتنی‌ها را سوگندداد که ده سال‌پیروقوانین وی‌باشند به‌آسیای صغیر ومصروقبرس رفت وچون به‌آتن بازگشت آن شهر را گرفتار مخالفت‌احزاب مختلف‌دید وچون‌کوشش وی‌دربرقراری‌نظم به‌جایی‌نرسیدبه‌جزیرهٔ قبرس رفت و همانجا مرد . او طبع شعر هم داشت و به‌همین جهت یونانیان او را مهبط‌الهام خداوندان میدانستند .

طالس Thalês

(۶۳۷ ـ ۵۴۸ ق م)

از فلاسفهٔ یونان قدیم و معروف به ابوالحکماء است . در « ملطیه » از شهرهای آسیای صغیربه‌دنیاآمد وبه‌مصر مسافرت‌کرد علم‌هندسه‌را درمصر آموخته واز کارهای او در مصر ، اندازه گرفتن ارتفاع اهرام مصری از طول سایه آنها و حساب کردن دوری یك‌کشتی به‌وسیلهٔ انجام ملاحظاتی در دونقطهٔ خشکی بود.

انتساب فرضیهٔ « تشابه » به طالس درست نیست. وی‌کسوفی رادرسال۵۸۵قم قبل از وقوع خبرداد ، از خاصیت‌کهربا آگاه بود و رطوبت را مادةالمواد می‌پنداشت .

خردمندان روم

از دانشمندان روم‌کسانی که به‌سبب قدرت قلم یا قوت نفس و احوال اخلاقی مشهور شده‌اند :

۱ـ لوکرسیوس	Lucréet
۲ـ سیسرون	Ciceron
۳ـ سنکا	Sénéque
۴ـ اپیکتیتوس	Epictéte
۵ـ مارکوس‌اورلیوس	Marc_Auréle

فلاسفهٔ خارجی

آبلار، پی‌یر Abelard ·P.

(۱۰۷۹ـ۱۱۴۲ م)

حکیم الهی وفیلسوف اسکولاستیك فرانسوی‌به‌سبب محبت مفرط به‌هلوئیز و بدبختیهای خویش شهرت یافته است.

آرخلائوس Archélaos

فیلسوف یونانی قرن پنجم ق . م و یکی از پیشوایان سقراط است .

آرنولد ، آنتوان . Arnauld .A .

(۱۶۱۲ـ۱۶۹۴ م)

معروف‌به‌آرنولدکبیر،دکترسوربن‌و حکیم الهی فرانسوی ازژانسنیست‌ها در مقابل‌یسوعیان‌دفاع کرد. آرنولدبه‌همراهی «لانسلو» در۱۶۶۰ «دستور زبان‌عمومی و مستدل» را تألیف‌کرد وسپس‌به‌همراهی «نیکول» «منطق پررویال» و در۱۶۶۷ «عناصر جدید هندسه» راانتشار داد رسالهٔ این فیلسوف برضدیسوعیان سبب اخراجش از دانشگاه سوربون شد ، در آخر عمر منزوی شد وبه‌تألیف پرداخت .

آریستیدس Aristide

(قرن ۲ میلادی)

فیلسوف آتنی و مؤلف قدیمترین «ستایش» دین مسیح .

«فرهنگ معین»

آگری‌پا Agrippa.M.V

(قرن اول و دوم میلادی)

از فلاسفهٔ شکاك یونان‌که در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم میزیست .

آلامبر (دالامبر) :

به‌علمای ریاضی مراجعه شود .

آلبرت بزرگ Albert le Grand

(۱۱۹۳ـ۱۲۸۰م)

از فلاسفهٔ آلمان است که بهترین معرف و مروج فلسفهٔ ارسطو در اروپا بوده و خود او ارسطوی قرون وسطی خوانده شده و تألیفات بسیار مبتنی برتعلیمات آن دانشمند خصوصاً دررشتهٔ طبیعیات دارد .

آمونیوس‌سقاس Ammonios Saccas

(قرن دوم و سوم میلادی)

فیلسوف معروف اهل اسکندریه .

او مبدع مکتب افلاطونیان جدید است و شاگردانی‌مانند «افلوطین»،و«اوریگن»و «لونژن» داشته است .

آناکارسیس Anacharsis

فیلسوف سکایی . وی در حدود ۵۸۹ ق م . در آتن ظهورکرد و دوست سولون و پریاندرکرنتی گردید .

«فرهنگ معین»

آناکساغورس Anaxagore

(۵۰۰ـ۴۲۸ ق م)

فیلسوف مکتب ایونی ، از اشراف بود ودرجوانی درجرگهٔ‌دوستان پریکلس درآمد ، اوعقیده داشت همه چیزازهمه‌چیز ساخته شده و اینکه دنیا از شیٔ واحدی ساخته شده صحیح‌نیست و عناصر هم‌بی‌شمارند. پریکلس و سقراط‌ازمحضر او استفاده‌کرده‌اند . آناکساغورس‌برای نخستین بار به‌اطلاع آتنیان رساند که خورشید وماه و ستارگان آنطورکه‌آنها تصور میکنند ، موجودات الهی نیستند



آگری‌پا



آلبرت بزرگ



آرنولد ،

بلکه اجسامی نظیر زمینند . همچنین اضافه کرد که خورشید سنگ سرخ آتشینی است .

آناکساغورس در علوم طبیعی و تشریح و طب همدست داشت . طبق تعالیم او ماده از روح (عقل) جداست ، تمام اشیاء مخلوطی از ذرات سایر چیزها هستند به غیر از روح که از جملهٔ اشیاء پاکتر و خالصتر و لطیف‌تر است .

آنتیسطنس Antisthéne
(۳۶۵ _ ۴۴۴ قم)

فیلسوف یونانی ، از شاگردان سقراط که در آتن متولد شد. وی شیوهٔ زندگانی استاد را پیشنهاد خود ساخت ولی راه مبالغه پیمود . آنتیسطنس غایت وجود را فضیلت و فضیلت را در ترك لذات جسمانی و روحانی میدانست . او مؤسس و بنیان‌گذار سلسله‌ای از حکماست که ایشان را «کلبی» (کلبیون) میگویند. پیروان آنتیسطنس نیز راه افراط پیش گرفتند ، از زندگانی متمدن دست کشیدند ، با لباس کهنه و پاره و موی ژولیده و سر و پای برهنه میان مردم میرفتند و هرچه برزبان نشان میگذشت میگفتند . «فرهنگ معین»

آنسلم، سنت . Anselm S.
(۱۰۳۳_۱۱۰۹ م)

وی در قرن یازدهم میلادی در اروپا زندگی میکرده ، در نزد کاتولیکان از اولیای دین محسوب میشده و به او لقب «پاك» داده‌اند . او تصریح کرده که اول باید به حقایق دینی ایمان آورد و سپس در آنها تعقل کرد . مشرب فلسفی آنسلم نزدیك به اگوستین است و به همین مناسبت اورا اگوستین دوم لقب داده‌اند . یادگاری که از آنسلم باقی مانده مجموعهٔ براهینی است که برای اثبات وجود خداوند آورده واز همهٔ آنها پیداست که افکارش تحت تأثیر مثل افلاطونی بوده است .

ابن باجه ، ابوبکر محمدبن یحیی.
Avenpâke (فوت ۵۳۲ ه ق)

معروف به ابن الصائغ . فیلسوف مسلمان اسپانیایی صاحب کتب و رسایل متعدد در منطق و فلسفه، مهمترین کتاب او «تدبیر المتوحد»، «رسالة الاتصال» در باب کیفیت اتصال انسان به عقل فعال و چند رساله در منطق است . علاوه براینهاوی چند کتاب از ارسطو و فرفریوس و فارابی را شرح کرده است وی را نخستین کس از فیلسوفان مغرب دانسته‌اند که توانسته است از آثار حکیمان مشرق استفاده کند . ابن باجه درجوانی مسموم و مقتول شد .

ابن خلدون ، عبدالرحمن.
(۷۱۱ – ۷۸۵ هجری)

در تونس متولد شد و در آندلس به ریاست دیوان رسائل گماشته شد . وی فیلسوف ، مورخ و فقیه بزرگی بود . علاوه برآن بسیاری از کشورها راسیاحت کرد . این دانشمند دارای افکار مترقی و پیشرفته‌ای بود ، مخصوصاً در فلسفهٔ اجتماعی کتاب عظیم و با ارزشی تألیف کرده بود که جزمقدمهٔ آن معروف به مقدمهٔ ابن خلدون بما نرسیده است و متن عربی آن بزبانهای مختلف از جمله به فارسی ترجمه شده است .

ابن رشد، ابوالولید. (۵۲۰-۵۹۵ ه ق)
فیلسوف عرب اسپانیایی، که اهل قرطبه است و در نزد اروپائیان به Averroes معروف است. ابن رشد گفتار ارسطو را مورد دقت و توجه قرار داد و آنها را به عربی ترجمه کرد و مسائل بسیاری در فلسفه برآنها افزود و خود در حدود ۵۰ جلد کتاب تألیف و تصنیف کرد که از جمله آنهاست کتاب « فلسفهٔ ابن رشد » و «فصل المقال فیما بین الحکمته و الشریعته من الاتصال» از جملهٔ کتابهای او «تهافت التهافت» است .

ابن رشد درفقه واصول وطب ونجوم نیز اطلاعات فراوان و تألیفات بسیار داشت تألیف فقهی معروفش «بدایته المجتهد و نهایته المقتصد» است و کتاب «الکلیات» او درطب بزبانهای لاتین و اسپانیایی و عبری ترجمه شده است. ابن الابار میگوید: ابن رشد طوری بود که فتوایش در طب مرجع همگان بود چنانکه درفقه نیز نظر و فتوای او چنین بود . وی در مراکش فوت کرد و در شهر قرطبه بخاك سپرده شد .

ابن طفیل، ابوبکر محمد (۴۹۴-۵۸۱ ه ق)
فیلسوف و ادیب و طبیب مسلمان اسپانیایی که در مراکش درگذشت وی طبیب ابویعقوب یوسف ابن عبدالمؤمن سلطان مراکش بود، امادر سنین پیری از اینکار کناره گرفت . او در انواع علوم الهی و طبیعی دارای تصنیفهایی بوده است . و رساله‌ای در بارهٔ معرفت النفس (خودشناسی) نوشته است . معروفترین اثر وی داستان فلسفی حی بن یقظان است . که بخامهٔ آقای فروزانفر به فارسی ترجمه شده است .

ابن کمونه ، عزالدوله .
(فوت ۶۸۳ تا ۶۹۰ ه ق)

فیلسوف معروف اسرائیلی بغدادی که «شرح تلویحات سهروردی ، شرح اشارات ابن سینا، شرح الصحایف سهروردی» از آثار اوست .

ابرقلس Proclus
(۴۱۰_۴۸۵ م)

فیلسوف نو افلاطونی قرن پنجم م . وی شرح مشهوری بر کتاب « طیماوس » نوشته است .

ابوالبرکات ، هبةالله (فوت ۵۴۷ ه ق)
دارای کتابهای معروف «التفسیر» و «النفس» و «المعتبر» وملقب به اوحد الزمان فیلسوف که به اسارت مسعود سلجوقی درآمد وازدین یهود به اسلام گروید. وی ازمخالفان ابن سینا بود .

ابوالعلا معری (۳۶۳ _ ۴۴۹ ه ق)
شاعر وفیلسوفی مشهور ، ابوالعلااز نوابغ فلسفه وشعر ادب عرب است وی در کودکی نابینا شد و در ذهن به اندیشه پرداخت وباوجودنابینایی ازانواع علوم به خصوص لغت وادبیات اطلاعات سرشار کسب کرد ، ابتدا به شیوهٔ متنبی شعر می گفت، ولی سپس صاحب طریقهٔ مستقل شد. ابوالعلادرانزوا وگوشه گیری زیاده روی کرد وبیشتر مردم را به پرهیزو تقوی وقناعت می خواند .

درسال ۳۹۹ به بغداد رفت اما بیش ازیکسال ونیم درآنشهر نماند وتقریباً دلسرد از آنجا بیرون آمدو بمعرة النعمان زادگاه خویش بازگشت .

ازابوالعلاء آثاری چند بنظم و نثر مانده است از جمله دیوان «سقط الزند ولزومیات و رسالة الفقران وکتاب الفصول والغایات» است. خلاصه‌ای ازاین دوکتاب بوسیلهٔ حسین خدیو جم به فارسی ترجمه شده است .

ابوالهذیل ، حمدان بن الهذیل العلاف.
(۱۳۵ _ ۲۳۵ ه ق)

ساکن بصره وازعلماء معتزله است که ازفلسفهٔ نوافلاطونی و عقاید مسیحی اطلاع مبسوط داشت و کوشید تا طریقهٔ اعتزال را بصورت منطقی درآورد . او میگفت صفات جزء ذات الهی است و اینکه می گوییم خداوند عالم است علم جزء ذات اوست . ارادهٔ خدا جزء ذات

او نیست، بلکه مخلوق او است وخدارا دونوع قول‌است یکی امر تکوین ودیگری تکلیف آدمی دردنیا که‌قادراست(اعتقاد قدری) ودرآخرت‌مجبور (اعتقادجبری) قدرت آدمی مخلوق خداست ولی افعال او ازخود او صادر می‌شود وخدارا در آن دخالتی‌نیست. برهر کس واجب‌است که به دلیل؛ جویای معرفت خدا باشد وگرنه‌عقوبت بیندطاعت اگرهم به‌منظور قربت بخدا نباشد عبادتست عمر هر کس معلوم و اجلش محتوم است یعنی اگـر کسی دروقتی معین‌کشته نشود بـاز در همان‌وقت خواهد مرد . اقامت حجت‌در غایب ممکن‌نیست‌مگر به‌قول بیست‌تن‌که دست‌کم یکی ازآنان اهل‌بهشت باشد . وزمین هرگز ازولی،خالی‌نیست. مردمی که اولیاءالله نباشند و معصوم هم‌نباشند دروغ گویند .

ابوحیان توحیدی ، علی‌بن محمد .
(فوت ۴۰۰ ه ق)

فیلسوف وادیب معتزلی کـه اورا جاحظ ثانی‌لقب داده‌اند،زیرا در حسن تنظیم مطالب‌عربی بسیارماهر بوده‌است. ازآثار مهم اوکتاب «البصائر ، کتاب‌ الهوامل والشوامـل‌وکتاب المقابسات» است .

اپیکتتوس Epictéte
(قرن اول‌و دوم میلادی)

اصلا یـونانـی ودر روم ابتدا از بندگان بود بعدهـا آزادشد . درفلسفه تنها متوجه اخلاق بود وشیوهٔ رواقیان‌را پسندیده، تعلیماتش را یکی‌ازمعتقدانش دریك‌کتاب ویك‌رسالهٔ مختصر به‌زبـان یونانی‌جمع‌آوری‌نموده . بنیاد تحقیقات او اینست که امور دنیا بردوقسم است : قسمی‌که دراختیار ماهست و قسمی‌که در اختیار مانیست کـه اولی فکر و اراده خودماست، پس‌اگر برنفس خویش‌مسلط باشیم آزاد ومستقل خواهیم بود و سایر چیزها ازمانیستند وازاختیار مابیرونند ونباید جزآن توقعی داشته‌باشیم توجـه به‌این‌نکته مایهٔ‌آسایش‌خیال وفراغ‌خاطر ما خواهدبود .

اپیکور Epicure
(۳۴۲ ـ ۲۷۰ قم)

فیلسوف‌نامدار یونانی در«ساموس» ازجزایر دریای اژه چشم به‌دنیاگشود و در آتن جان‌سپرد .

هنگامی‌که دانش‌اندوزی وی‌پایان یافت ، برآن شد که اندیشه‌های خویش را درقالب‌های‌فلسفی بریزد،همان‌فلسفه‌ای‌که امـروز آن‌را «اپیکوریسم» یـا مکتب« پرستش لذت» می‌خوانندوهرکس به‌فراخور دانش خویش ، تعبیری ازآن دارد .

اپیکور درسال ۳۰۶ قبل از میلاد مسیح، درباغی واقع در حومهٔ شهر آتن رحل اقامت افکند . متدرجاً این بـاغ به‌صورت‌پایگاه «اپیکور» ومرکزپخش‌و انتشار اندیشه‌های فلسفی‌وی درآمد .

«اپیکور» مردی بود آزاد اندیش تهی ازهرگونه تنگ‌نظری وتعصب‌هـای زمان وازاین روی‌بودکه برای‌نخستین‌بار درتاریخ‌فلسفهٔ یونان به زنان اجازه داد در مکتب درسش حضوریابند .

اندیشهٔ او برگـرد محور پرستش لذت دور می‌زد . امالذتی‌که او میطلبد برخلاف آنچه‌گروهی می‌پندارند برپایهٔ هوس‌های‌زودگذر وناپایدارنبود،اپیکور لذت پایدار را ازآن‌کسی می‌دانست‌که رنجهای جانفرسای حیات‌را به‌جان‌خرد وشکنجه هستی‌را مردانه تحمل‌کند .

«اپیکور» به‌دوست‌داران‌ش‌می‌آموخت که هدف اخلاقیات لذت است امالـذتی که درخور احترام است‌که از دل رنجها ومحنتهای دیرپا وطولانی بیرون‌کشیده شده باشد . وی ازمحضردرس افلاطونی نیزاستفاده‌کرده است .

ادلارد Adelard
(قرن۱۲ه ق)

فیلسوف ومترجم انگلیسی ، اولین کسی‌که‌آثار مهم‌عربی مانند: زیج وجبر محمدموسی خوارزمی را به لاتین ترجمه کرد .

ارخوطس Archytas
(زنده درقرن پنجم ق م)

ریاضی‌دان و فیلسوف فیثاغـوری «ازعلمای ریاضی ارکیتاس‌را به‌بینید».

اراسم ، دیدیه. Érasme.D
(۱۴۶۹ ـ ۱۵۳۶ م)

در روتردام متولد گـردید مؤلف «مناظرات» و«ستایش دیوانگی» است . نوشته‌هایش بیشتربه‌زبان‌لاتین وازبانیان ومسبـان رنسانـس است . وی دارای اندیشه‌ای جامع‌بود ومسایل اجتماعی و مذهبی را با احتیاط معقولی موردبحث قرار می‌داد . اراسم در شهربال در ـ گذشت .





ارسطو Aristote
(ارسطاطالیس) (ارسطوطالیس)

حکیم نامدار یونانی ، پـدر وی طبیب‌پادشاه‌مقدونیه بود ، ونیقوماخس نام‌داشت ارسطوکه در کودکی از پدر یتیم ماندبه‌آتن رفت‌ودرمحضر افلاطون به‌کسب علم پرداخت افلاطـون اورا از همهٔ شاگردان خود برتر می‌دانست .پس از مرگ استاد وی‌یك چند درشهرهای مختلف میزیست وعاقبت به‌مقدونیه‌رفت وتربیت اسکندرمقدونی بدو سپرده‌شد. وبدین وجه تااواخر عهداسکندرارتباط حکیم باآن‌جهانگیر کمابیش بـرقرار بود .

پس ازمرگ‌اسکندر وی ناگزیربه حرکت‌از آتن‌شدودر«خالکیس»سکونت گزید وهمان‌جا درگذشت . آثارارسطو بسیار متنوع وشامل‌جمیع معارف وعلوم یونانی (جزریاضی) است .

ارسطیفس Aristippe
(قرن پنجم ق م)

اپیکور



ارخوطس

فیلسوف یونانی، متولد دراوقورینا ازشاگردان سقـراط ومـؤسس مکتب قورینایی کـه سعادت را مبتنی برحظ و لذت می‌دانست . «فرهنگ معین»

اریجنا، جان‌اسکاتس J.S. Erigena

درایرلند به‌دنیا آمد ودرفلسفه و ادبیـات یونـان تبحر داشت یـکی از بزرگترین متفکرین‌واقعی درتمام‌قرون وسطی بوده درحدود ۸۴۰ میلادی بـه دربار «شارل» ملقب به «طاس» پـادشاه فرانك‌رسید وآثار دنیس، آریوباغوس-کاذب و صوفی قدیمی دیگری بـه نـام «ماکسیموس» اقرارنیوش راکه ازطرف امپراطور قسطنطنیه «میخائیل» الکـن برای‌پادشاه فرانسه فرستاده شده بوداز زبان یونانی به‌لاتین ترجمه کرد .

ارسکین Erskine

(۱۶۸۰ – ۱۷۵۴م)

حکیم الهی اسکاتلندی ، یکـی از مؤسسان کلیسای اسکاتلندی .



اسپنسر ،

اسپنسر ، هربرت . SPENCER H.

(۱۸۱۹ – ۱۹۰۳ م)

یکی از مهندسان «دربی» بودکـه خط‌کش محاسبه‌راکنارگذاشت وبه‌روز-نامه نگاری پرداخت پس‌ازچندی آن‌را رها وبه‌مطالعهٔ فلسفه وتفکر پرداخت . کتاب «اصـول روانشناسی» اوعبارت از اولین‌محصول این‌تفکرات بود ودرهمین هنگام«داروینیسم» پیدا شد واسپنسر را شیفتهٔ‌خودکرد به‌طوریکه در صددبرآمد فلسفه‌ای‌ایجادکند که‌قانون تکامل‌داروین اصل واساس آن‌بـاشد . وی چنین تصور کردکه همه‌چیزدرجهان به‌تدریج ازحالت ابهام و تجانس به‌سوی حالت اختلاف و تمایز میل‌میکند مثلا «سحابـی‌لاپلاس» ابتدا به‌صورت‌حلقه‌های متمایزی‌درآمد وآنگاه این حلقه‌هـا تبدیل به‌سیارات مشخص گردیدنـد . مـوجودات زنـده ابتدایی که‌صورت نـاهم‌آهنگ وبـدوی داشتندکم‌کم ازیکدیگر متمایز واصلاح گردیدنـد و حیـوانـات را بـه‌وجود آوردند. مردم ماقبل تاریخ‌که به‌صورت افرادچادرنشین متفرق‌بودند کم‌کم‌مشخص ومتمایز شدندوقبیله‌ها واجتماعات‌معینی ایجادکردند .



اسپینوزا

فلسفهٔ اسپنسرکه درکتب متعدد از قبیل : «اصول‌حیات شناسی» و«اصول – روانشناسی» و«اصول‌جامعه‌شناسی»منتشر گردید باآغوش‌بازمورد قبول علماواقع شد .

اسحاق‌ابن سلیمان‌اسرائیلی،ابویعقوب.

(فوت ۳۲۰ه ق)

فیلسوف وطبیب یهودی‌که در مصر متولدشد ودرتونس کاراو بـالاگرفت و درصدسالگی درگذشت . اولین‌کسی‌است که یهودیان را بـه علم وفلسفهٔ یونـان جلب‌کردآثار اوبه‌زبانهای‌مختلف‌ترجمه شده است .

اسپینوزا ، پاروخ Spinoza P.

(۱۶۳۲ – ۱۶۷۷م)

پاروخ اسپینوزا ابتدا دریك‌مدرسهٔ یهودی پرورش یافت ودوران طفولیت و جوانی را درجامعهٔ‌مهم‌یهودی آمستردام گذرانید. شهرت وی‌به‌عنوان یك‌فیلسوف آزاد اندیش درسال ۱۶۵۶منجر به‌طرد رسمی اواز جامعه‌یهودگردید . وی‌معتقد بودکه ازراه خدا شناسی مـی‌توان بـه خویشتن‌شناسی ودیگرشناسی رسیدوقایل بودکه خـدا سرچشمهٔ دانش است اولین اثراو به‌نام«اصل‌فلسفهٔ دکارت»وضمیمه‌ای به‌نام افکار مابعدالطبیعی درزمان‌حیاتش به‌چاپ‌رسید. اسپینوزا تألیفاتی ازقبیل «الهیات‌وسیاست»،«تفکرات‌متافیزیك»و «رساله‌علم‌اخلاق»نیزداشت که‌پس‌ازمرگش به‌چاپ‌رسیدند .

اسکندرافرودیسی

Alexander of Aphrodisias

(قرن دوم وسوم میلادی)

ازفلاسفهٔ‌مشایی یونانی وشارح‌آثار ارسطو است .

اسکوتس ، دنس . Scotus D.

(۸۱۰ – ۸۷۷ م)

فیلسوف‌انگلیسی‌ومعتقدبود که‌فلسفه خادم‌دیانت‌نیست‌بلکه‌دیانت‌بایدتابع‌تعقل باشد . واحکام عقل معتبرتر از ظـاهـر عبارات تورات وانجیل‌است . به‌عقیدهٔ‌او افعال الهی واعمال انسان محکوم عقـل نیست بلکه مشیت‌خداواارادهٔ انسان‌مطلقاً آزاد می‌باشد وهیچ‌نوع‌قیدوبندی‌ندارد.

این‌فیلسوف به‌کلیسا انتقادات‌سختی نمودوازاین‌جهت به‌دست‌راهبان خانقاهی که رئیس آن بودکشته شد .

اسمیت ، آدام . Smith.A

(۱۷۲۳ – ۱۷۹۰ م)

فیلسوف اسکاتلندی که در دانشگاه گلاسکو و آکسفورد تحصیل کـرد ودر ادمبورك رحل اقامت افکند . در۱۷۵۱ استاد منطق و درسال بـعداستاد فلسفهٔ دانشگاه گلاسکو شد . بنیادکنندهٔ علـم ثروت ملل یـاسیاست اقتصادی است و تصنیف او دراین فن‌ازکتاب‌هـای‌نـامی دنیاست عنوان‌این‌کتاب تحقیق‌درطبیعت وعلل ثروت ملل‌است .

اسمیت قبل‌ازمرگ‌خویش‌دستورداد کلیهٔ نسخ آثـارش را به جز چند مقاله بسوزانند . کتاب‌ثروت‌ملل اوکه‌ازآثار کـلاسیك جهان به‌شمار میرود به وسیله «کندورسه» به فرانسه‌ترجمه شد .

افلاطون Platon



به‌سال۴۲۸ق‌م در آتن به‌دنیا آمد ؛ پدرش (اریستون)و مادرش(پریکیتون) ازخاندانهای اشراف بودند، ووی‌پیوسته به‌این ریشهٔ اشرافی خانواده خود توجه داشت. تاآنجاکه برای یك‌آتنی‌ثروتمند امکان‌تعلیم وتربیت موجودبود، افلاطون هم درس‌خواند ، ودرآن هنگام‌که‌تقریباً بیست‌ساله بود (سقراط) را ملاقات کرد ومدت هشت‌سال به‌شاگردی وی‌پرداخت چون استادراکشتند ، افلاطون و دیگر شاگردانش‌به«مکارا» (تقریباً وسط راه آتن و کورنت) پناه بـردند . افلاطون مدت درازی در آنجا ماند ، و دوازده سال پس‌ازآن مسافرتهای‌درازی‌دریونان ومصر وایتالیا وسیسیل انجام‌داد .

درسال۳۸۷ق‌م‌پادشاه‌مستبدسوراکوز یعنی «دیونوسیوس» کـه خودرا فیلسوف می‌دانست ، مقدم‌افلاطون‌راگرامی‌شمرد. درمدت اقامت درسوراکوز با «دیـون» سوراکوزی‌و«ارخوتاس» تارنتومی‌دوست شد . هنگام‌مراجعت افـلاطون گـرفتار دزدان دریایی‌شدواورا به‌غلامی‌فروختند-ودر«اگنیا» باپرداخت پـول آزادی او باز خریده شد . کمی پس ازآن درسال ۳۸۸که درآن هنگام چهل‌ساله بـود ، افلاطون به تعلیم درآکادمی پـرداخت . به‌جز مدت‌های کوتاه به‌خاطر مسافرت ، افلاطون‌باقیمانده عمرخودرا درآکادمی به‌سرآورد . درسال۳۴۷ به‌سن هشتاد و یك سالگی دیده ازدیدن جهـان فرو-بست .

آکادمی‌افلاطون : افلاطون وقتی

فهمیداستعدادآموزگاری‌داردنمیخواست درمیدانها وخیابان‌ها مانند سقراط به تعلیم مردم‌بپردازد ، بلکه چنان دوست داشت که آموزشگاه‌وی درجای دوردستی باشد واز غوغای اجتماع برکنار بماند . برای اینکارقطعه‌زمینی‌را در«کفیسوس» برگزید . این‌زمین در اصل متعلق به قهرمانی به‌نام (اکادموس) بود وبه‌همین جهت مدرسهٔ افلاطون (اکادمیا) نامیده شد به‌جهت‌همان‌انتخاب‌زمین (اکادموس) توسط افلاطون است که‌کلمهٔ (آکادمی) تقریباً درهمه زبانهای اروپایی‌واردشده است .

اکیناس، توماس . Aquinas
(۱۲۲۵–۱۲۷۴م)

ازشاگردان‌آلبرت‌بزرگ و به‌حکیم آسمانی معروف‌بود. درنزدیکی ناپل به‌دنیا آمد ویکی ازبزرگترین‌قدیسان کاتولیك‌ها بود. وی درمونته‌کاسینوو ناپل تحصیل‌کرد. اکیناس جوانی خاموش و گوشه‌گیر بود به‌طوریکه رفقایش اورا «گاوزبان‌بسته» لقب داده‌بودند. پس از چندسال‌تحصیل‌درجهٔ‌اجتهادگرفت وجزء ناطقان زبردست درآمد ومدتی درکلن ، پاریس ، بولونیا ، رم وناپل به‌تدریس الهیات و فلسفه پرداخت . توماس معتقد بودکه الهیات و علوم نمیتوانند متناقض باشند زیرا حقیقت قابل تجزیه نیست. براساس‌این فکردست به‌کار تلفیق فلسفه ارسطو با عقاید مسیحی‌شد. ترکیبی که ازاین دوبه‌عمل‌آورده‌است ازبزرگترین کارهایی است که درفلسفه صورت‌گرفته است.

اگوستین، سنت . Augustin.S
(۳۵۴–۴۳۰ م)

درتاگاست(Tagaste) نزدیك شهر تونس درمتصرفات آفریقایی روم به‌دنیا آمد وباسمت‌اسقف شهرهیپو Hippo در الجزایر درگذشت اگوستین درکودکی بسیار باهوش بود ووالدینش اورا برای تحصیل در مدرسهٔ متوسطه به‌شهر **مادورا** و بعدها به قرطاجنه فرستادند درآنجا عاشق‌شد وچنین نوشت‌که فلسفه را نیزهمانجا کشف‌کرده است. درنوزده سالگی عاشق حکمت شد وسپس مانوی گشت. مانی‌معتقدبه‌وجود دوگوهرمتضاد جاودان**نوروظلمت** بودوا گربشربتواند جزیی ازملکوت نوربشودبرجسم خویش فایق‌خواهدآمد واگرتوفیق حاصل نکند درسطحی پایین‌تر درقالب‌حیوان وحشی متجسد خواهد شد . اگوستین کم‌کم‌کیش مانی را پرخلل یافت وپس‌از نه‌سال‌که شاگرد مکتب مانی‌بود مانویان را ترك کرد وبه روم‌رفت‌وپس‌از مدت‌کوتاهی‌در میلان تعمیدیافت وبه‌دین مسیح درآمد، گرویدن به‌کیش عیسی برای اگوستین آغاز زندگی فلسفی‌بود زیرا اویکی‌از بزرگترین فلاسفهٔ‌کثیرالتألیف شده‌بود در موضوع‌های مختلف چیز نوشت‌که در همهٔ‌آن میتوان فلسفه‌اش راجست .

امرسون، رالف‌والدو. EMERSON .R.W
(۱۸۰۳–۱۸۸۲م)

فیلسوف‌آمریکایی دربوستون متولد شد وی‌مؤسس‌مکتب‌جدیدی درفلسفه‌است به‌نام‌ترانسانداناتالیسم‌که‌باید آنرافلسفهٔ فوق‌الطبیعه‌نامید.«نمایندگان‌بشریت» از آثار اواست.

انباذقلس Empédocle

ازفلاسفهٔ قرن‌پنجم قبل ازمیلاد یونان،که عالم‌راترکیبی ازعناصرچهارگانه آب وبادوخاك‌وآتش‌میداند وجمع وتفریق عناصرراکه مایهٔ‌کون‌وفساد عالم است نتیجه مهروکین میخواند واین‌دو مؤثر به‌نوبهٔ خودغالب ومغلوب می‌شوند انباذقلس خودرا سزاوار پرستش مردم می‌دانسته است .

انکساغورس Anaxagore

اناکساغورس را به‌بینید .

انکسیمانوس Anaximéne
(۵۵۰–۴۸۰ ق م)

ازشاگردان تالس‌که هوارا مادهٔ‌المواد‌میداندوقبض وبسط‌آنراموجدعناصر دیگر می‌پندارد . به‌نظراوآتش هوای رقیق‌شده،آب‌هوای‌متراکم وخاك وسنگ هوای خیلی متراکم است‌درنظر این فیلسوف زمین شبیه یك میزگردترو-تمیزی است‌که‌هوا اطرافش‌را فراگرفته وآن‌را پابرجا نگاه داشته است.

انکسیمندروس Anaximandre
(۶۱۰–۵۴۷ ق م)

شاگرد تالس‌ملطی‌ومعتقد بوده‌است که اصل‌موجودات چیزی‌است‌غیرمتشکل بی‌پایان وبی‌آغاز وبی‌انجام وجامع اضداد خشکی‌وتری وگرمی وسردی و هرگاه اضدادازیکدیگرجدا شوندظهور وبروز وتولد وحیات روی‌میدهد.وچون باز باهم مجتمع میگردند مرگ وکمون ظاهرشده ودرواقع‌رجوع‌به‌اصل میشود.



برکلی

انگلز (انگلس) Engels.F
(۱۸۲۰–۱۸۹۵ م)

فیلسوف عالم اقتصاد وسیاستمدار



آلمانی ، دوست‌کارل مارکس‌که باوی «خانوادهٔ مقدس» و «اعلامیه حزب کمونیسم» راتنظیم‌کرد وی پس‌ازمرگ مارکس موجب انتشارکتاب «سرمایه» اوشد .



امرسون،

اوکام ، ویلیام . Ockam.W
(قرن چهاردهم)

فیلسوف‌انگلیسی،که‌برای‌کلیات‌حقیقتی جز درذهن قایل نیست وحقیقت‌را در افراد واشخاص می‌داند ومعتقد است‌که درتحقیق‌علمی هرچه‌کمتر به‌چیزهاییکه بایدبرای آنها درذهن وعالم‌تصور وجود فرض‌کرد متوسل شویم بهتراست . بنیاد اسکولاستیك را متزلزل ساخته وبرای تحقیقات تازه راه بازکرده است .

باشلار ، گاستون Bachelard . G
(متولد ۱۸۸۴م)

فیلسوف‌ومورخ معاصرفرانسوی تا سال۱۹۵۸استادتاریخ‌وفلسفه‌دردانشکدهٔ ادبیات پاریس ورئیس انستیتوی تاریخ علوم درآن کشور بوده است . مهمترین تألیفات وی‌عبارتست از :

پیدایش فکر علمی (۱۹۳۸) فکر علمی‌جدید (۱۹۳۴).



اگوستین،

برکلی ، جرج . BERKELEY . G
(۱۶۸۵ – ۱۷۵۳م)

فیلسوف‌انگلیسی‌وفکرش‌درآغازجوانی


برگسن

بەرشد رسیده ودر بیست وچهار سالگی شروع بەنگارش‌فلسفه‌کرده است. گذشته ازفلسفه بەجغرافیاوباستان‌شناسی وامور اقتصادی نیز توجه داشت ، مسافرت بسیار کرده ومردی‌بزرگوار و باکرامت‌نفس بوده‌است . مهمترین کتابهایش «چگونگی‌ابصار» و «مبادی‌علم انسان» و«مکالمات‌هیلاس‌وفیلونوس» و«السیفرون یاخرده‌فیلسوف» و«آب‌قطران» میباشند.

برکلی همدوقسم بودن‌موجودات و هم دوقسم بودن‌خاصیت‌های جسم‌رامنکر شد باتصدیق بەاینکه علم‌انسان‌منحصر بەتصوراتی است‌که ازراه حس برای او حاصل می‌شود .

برگسن ، هانری. Bergson . H

(۱۸۵۹ ـ ۱۹۴۱م)

درپاریس بەدنیاآمد ودر ریاضیات استعداد فراوان نشان داد ، اما در دانشسرایعالی ، ادبیات فلسفه‌را اختیار کرد ودر بیست ودو سالگی استادشد ، درسی‌سالگی درفلسفه درجەدکتری‌گرفت رساله‌ای‌که برای‌دریافت دکتری تصنیف کرد بنیاد فلسفهٔ اختصاصی اواست . در چهل‌سالگی بەمدرسی مهمترین مدرسهٔ عالی فرانسه وبەعضویت فرهنگستان فرانسه برگزیده شد ، علاوه برمقام فیلسوفی نویسنده‌ای زبردست نیزبود .

کتب مشهورش، «معلومات بیواسطه خودآگاهی» که همان رساله دکتری است و «آنچه نفس بەاوعلم حضوری ـ دارد» و «ماده و حافظه» و«خنده» و «تحولی‌اخلاق» و«استمرار و مقارنه» و «دوسرچشمهٔ اخلاق ودین» نام‌دارند .

برگسن را درفرانسه بعد ازدکارت و در سراسر اروپا پس‌ازکانت میدانند .

برگسون‌درسال ۱۹۲۸ جایزهٔ‌نوبل گرفت .


بیران

پرمانیدس . Parménide

(۵۴۰ـ۴۵۰ ق م)

شاگرد کسینوفانوس‌ومعتقدبەسکون ودوام‌وثبات است می‌گوید وجودنه‌آغاز دارد نه‌انجام .

پرمانیدس ظاهراً نخستین حکیمی است‌که برای کشف‌حقیقت ادراکات‌حسی وظاهری راکنار‌گذاشته ومجرد تعقل را کافی دانسته است‌بی‌اینکه آنرامبتنی‌بر تجربیات ومشاهدات نماید .


بیکن

سقراط افتخار میکرد که شاگردش بوده‌وافلاطون‌هم قسمتی‌ازفلسفهٔ خودرا از او الهام گرفته است . وی اگر چه «پدر ماتریالیسم» خوانده شده است ولی روش او در بررسی حقیقت بیشتر مبتنی براستدلال‌بوده وکمتر بەمطالعات‌فیزیکی متوسل گشته است . از آثار پارمنیدس منظومه‌ای است تحت عنوان « دربارهٔ طبیعت» که درآن عالم‌را ابدی، واحد ، مداوم و غیرمتحرك معرفی‌کرده است .


بوترو

بوترو ، امیل. Boutroux . E

(۱۸۴۵ ـ ۱۹۲۱م)

ازاستادان بزرگوارفلسفه‌دردانشگاه پاریس بوده‌که زندگانیش صرف تعلیم فلسفه وتصنیف‌کتاب‌گشته است . رأی او دربارهٔ قوانین‌طبیعت بسیار بدیع‌است . نظراختصاصی اودردو‌کتاب کوچك‌بیان شده وبحث درحقیقت قوانین طبیعی و چگونگی‌آنها است .

بوسوئه ، ژاك‌بنی . Bossuet . J . B

(۱۶۲۷ ـ ۱۷۰۴م)

ازفلاسفهٔ فرانسه‌که ازدکارت‌پیروی میکرده . اثری‌که ازاومی‌توان مرتبط



به فلسفه دانست‌کتابی‌است درفن منطق و رساله‌ای درمعرفت خدا ونفس واین‌دو کتابرابرای‌تربیت ولیعهدیعنی‌پسرلوبی چهاردهم نوشته‌است .

بوئتیوس . Boethius

(۴۸۰ـ ۵۲۴ م)

ازفلاسفه‌ای‌که قصدداشت تمام‌آثار افلاطون وارسطورا بەلاتین برگرداند و برآنها تفسیربنویسد امافقط ترجمهٔ‌آثار مربوط بەعلم ومنطق ارسطو را بەپایان رساند . چندرساله‌ازخود راجع‌بەالهیات نوشت و«تسلی‌فلسفه»راکه درتمامی‌دورهٔ قرون وسطی‌یکی ازدوکتاب پرفروش بود، بەرشتهٔ تحریر درآورد . بوئتیوس بحث‌هایی‌راکه اگوستین آغازکرد ادامه می‌دهد وسبك ساده وباروح اودر نوشتن ونیز روشنی افکار اوباعث شده‌است‌که آثارش‌هنوزهم ارزش‌زیادی‌برای‌خواندن داشته‌باشد .

تئودوریك‌پادشاه‌گت‌ها بوئتیوس‌را ابتدا درپاویا بەزندان انداخت وبعددر ۵۲۴ م اعدام‌کرد درایام‌محبس‌درفاصلهٔ میان‌محکومیت ومرگ بود که «تسلی ـ فلسفه»را نوشت‌که‌چندین بار بەتمام زبانهای اروپایی ترجمه شد .

بیران ، مندو. Biran.M

(۱۷۶۶ ـ ۱۸۲۴ م)

برخلاف‌اکثرعلمااهل‌مدرسه وتعلیم نبود بلکه ازرجال‌حکومت شمرده‌میشد ولیکن طبعش بەسیاست رغبتی نداشت ، باآنکه درآغاز عمر زیردست‌کشیشان پرورده‌شده‌بود ابتدا اعتنایی بەتعلیمات دینی نداشت وهرچه درمراحل زندگی پیش‌رفت، بیشتر متوجه‌دین واموریاطنی گردید . اومطالعات فلسفی را برای تهذیب وتکمیل نفس‌می‌کرد وهمواره‌در این جستجوبودکه نفس باید بەچه‌متکی شود ، وی‌معتقد بودکه ذهن‌لوحی است مانندشیشه عکاسی و تأثیرات واحوال خارجی برآن‌وارد می‌شود، بعضی‌میمانند وبعضی محومی‌گردد ونفس‌عبارت ازاین احوال است .

بوبر ، مارتین Buber . M .

(متولد۱۸۷۸ م)

فیلسوف‌یهودی‌که دروین متولدشده ودرآلمان فلسفهٔ یهودی‌تدریس میکرد. درسال ۱۹۳۸ ازآلمان‌اخراج شد و استاد دانشگاه عبرانی اورشلیم‌گردید .

بودن ، ژان . Bodin

(۱۵۳۰ ـ ۱۵۹۶ م)

فیلسوف‌سیاسی واجتماعی‌فرانسه . کتاب او بەنام شش‌کتاب‌جمهوری اولین کوشش‌به منظور تنظیم فلسفهٔ علمی‌تاریخ است .

بیکن ، فرانسیس. Bacon .F

(۱۵۶۱ـ۱۶۲۶ م)

بیکن فیلسوف‌بزرگ ورجل دولتی انگلیس است . در زمانیکه بورژوازی رشد یافته انگلستان مناسبات فئودالی‌را از هم میگسیخت و در برابر مقاومت پاپ‌ها که‌میکوشیدند علوم و فلسفهٔ‌مترقی جوان را ازتکامل بازدارند راه رابرای جهان‌بینی‌تازه‌ای هموار‌کرد. این‌جهان‌بینی همان فلسفهٔ مادی بود و فرانسیس

بیکن که پدر واقعی ماتریالیزم محسوب میشود نماینده برجستهٔ این عقیده بود.
بیکن خاطر نشان میساخت که علم باید برمبنای بررسی ماتریالیستی جهان وطبیعت قرار گیرد اوشیوهٔ استدلال وتعقل ارسطویی را مردود دانست و بهجای آن روش استقرا را که بر اساس مشاهده و تجربه قرار دارد بنیان نهاد ؛ او معتقد بود که جهان را میتوان شناخت وعقیده داشت کـه علم باید در تغییر طبیعت و تبدیل اجسام بهکاررود . او میکوشید تا علم را از قید کلیسا وفلسفهٔ ارسطویی نجات دهد.
از نوشتههای معروف او «درستاخیز کبیر» و «ارغنون تازه» است که بهعلت گرفتاریهای دولتی ناتمام مانده است.
بیکنمدتی مهردار سلطنتی ورئیس دیوان کشور بود ولیدر سال ۱۶۲۰ اورا به رشوه خواری متهم کردند و پارلمان مسئولیتهایدولتیاورا گرفت. ویپنجسال پسازآن درگذشت .

پارمنیدس Parmenide
(۵۴۰ ـ ۴۵۰ ق م)
پرمانیدس را بهبینید .

پاسکال Pascal. B
(۱۶۲۳ ـ ۱۶۶۲ م)
بهریاضیدانان مراجعه شود .

پروتاگوراس Protagoras
(۴۸۵ ـ ۴۱۱ ق م)
ازسوفسطائیان یونان واوایلباربر بود . و بالشکی اختراع کرد که تعادل بار را نگاه میداشت . نزد ذیمقراطیس فلسفه آموخت و از راه تدریس ثروتی فراوان گـرد آورد . کتابی در بـارهٔ «خدایان» نوشت کـه مـوجب شد او را بهبیدینی محکومساختند و تألیفات اورا سوزاندند . پروتاگوراس مجبور بهترك آتنشد ودر سفردرگذشت کتب «مباحث در بارهٔ خطاهای بشر» و «تناقض افکار» و « تنازع » و « عقبی » و «خطابهها در تهافت» و«سیاست»را بهاو نسبتدادهاند.

پستالوزی، هاینریش PESTALOZZI-G H.
(۱۷۴۶ـ۱۸۲۷ م)
فیلسوف و مربی سوئیسی ،که ابتدا بهتحصیل علوم عقلی و حقوق و تـاریخ پرداختولی علم اقتصاد بیشتر توجهاورا جلب کرد و باخواندن کتاب امیل و آشناییبهافکارتربیتیروسو یکبارهمنقلب شد خواست روشی ابداع کند که بتواند خواستههای اجتماعی را در تربیتکودك آنچنانکـه در اصالت روح او تغییری ایجاد نکند ، بهکار برد پستالوزی پس از جدایی منطقهای از سویس ازفرانسه، بهکمك دولت مدرسه و یتیمخانهای دایر کردکه در آنجا اصول فلسفی و تربیتی خودرا بهکاربست .

پوانکاره ، هانری .
بهعلمای ریاضی مراجعه شود.

تئوفراسطس Théophraste
(۳۷۲ـ۲۸۷ ق م)
از فلاسفهٔ بزرگ یونان باستان که جانشین ارسطوشد. ازآثار اوسجایاجالب توجه است .

جیمز، ویلیام. James.W
(۱۸۴۲ـ۱۹۱۰ م)
فیلسوف آمریکایی،ودانشمندیبزرگوار بود . در انگلستان و فرانسه و سویس تحصیلمقدماتی کرد ودرجوانی بهآمریکا بازگشت درآنجاعلوم پزشکی فراگرفت وبهمقام استادیناپلشد. نگارش وتصنیف بسیاردارد ازجمله کتابی در روانشناسی، ورسالهایبهعنوان«انواعسیرباطنیانسان» وکتابی بهنام پراگماتیسم یافلسفهٔاصالت عمل.مسایلیکه ویلیامجیمز بهآنهااشاره میکند، یکی حقیقت داشتن یـا نداشتن جوهرجسمانی و روحانی و مسألهٔ مادیت و روحانیت است ، دیگری مسألهٔ اثبات یانفی حکمت داشتنکارهای جهان، سومی مسأله جبر و اختیار است .

دکارت ، رنه. Descartes . R
(۱۵۹۶ ـ ۱۶۵۰ م)
فیلسوف ، ریاضیدان و فیزیكدان فرانسوی وی پسازآنکه دورهٔ تحصیلات خودرا در فلسفه و ریاضیات بهسر برد ، مدتی در نظام خدمت کرد ، و در جنگها شرکت نمود . عاقبت بهپاریس برگشت و به مقام استادی دانشگاه رسید . سپس به سیاحت و سفرپرداخت ومدت ۲۰سال از عمرخود را در هلند بهعزلت ومطالعه گذرانید در ۱۶۴۹ ملکهٔ سوئد وی را بهاستکهلمدعوت کرد ودکارتاجابتنمود، ولی آب و هوای آن شهر بهمـزاج وی ناسازگار بود واو پس از چند ماهاقامت درگذشت . جنازهٔ اورا بهپاریس بردند و درکلیسای «سنتتن» دفن کردند .
از آثار او کتب ذیل را باید نـام برد : ۱ـ قواعدی برای رهبری فکر . ۲ـ بحث دربارهٔ روش.۳ـ تفکراتمابعد طبیعی. ۴ـ اصول فلسفه. تفکـرات وی موجب ایجاد مـابعدالطبیعهٔ جدید شد ، و اساس مکتب اسکولاستیك را ویـران کرد، و روشینو برای رهبری عقلابداع نمود . این روش که بهناماودکارتزیانیسم نـامیده میشود در عبـارت ذیل تلخیص میگردد : «برای وصول بهحقیقت، باید یكبار در زندگی خود ، خویشتن را از همهٔ عقایدی که پذیرفتهاند خلاص کرد و از نو ، راز پایه، همهٔ دستگاههایمعارف خود را بنیاد نهاد» .
«توضیح بیشتر درعلمایریاضی»

دیدرو ، دنی . Didero.D
(۱۷۱۳ـ۱۷۸۴ م)
فیلسوف فرانسوی یکی از موجدان دائرةالمعارف فرانسه (۱۷۵۱ م) است وباوجود اشکالاتبسیاررهبرینویسندگان دائرةالمعارفراتاپایانکار بهعهدهداشت.
دیدرو رمـانهـایـی مشحون از تخیلات شگفتآور نوشته است .
نمایشنامههایی بهنام «پسرحرامزاده»و «پدرخانواده» نوشته است .

دیوجانس Diogène
(۴۱۳ـ۳۲۳ ق م)
فیلسوف یونانی و پیرو مکتبکلبی، این دانشمند نسبت بـهامـور و آداب اجتماعی بیاعتنا بود و نسبت بهدنیا و زندگی کمال سادگی را رعایت میکرد و گویند درمیانچلیکی یاخمرهای زندگی میکرد .
ازمردمدوری میجست وبرایاینکه مردم از او گریزان باشند بـهپرخاش و بد زبانی میپرداخت ، دیوجانس روزی روشن چراغ در دست در کوچههای آتن میگشت ومیگفت«من انسانرا میجویم».
«بخشیاززندگیوکارهایدیوجانسدرتوضیح دیوجانس علمای ریاضی آمده است».

دیویی، جان . Dewye.J
(۱۸۵۹ـ۱۹۴۲ م)
فیلسوف و مربی بزرگ آمریکا که در شهربرلینگتون متولدشد پس ازپایان تحصیلات استاد دانشگاه کلمبیا گردید. مدتی نیز در چین به سر برد . وی پیرو فلسفـهٔ اصالت عمل و معتقد بـهآزادی شاگـرد بـود و آثـار مهمی از جمله: «آموزشگاههایفردا ، مدرسه و اجتماع، نوسازیدرفلسفه،رشدشخصیت»، بهجاگذاشت.

ذیمقراطیس Démocrite
از فلاسفهٔ قـرن پنجم قبل از میلاد یونان ،که درجمیع رشتههای حقایق،غور کـرده و دارای مقام ارسطو در قـرن چهارم بوده است. او جهان و همهٔاجسام را مرکب از ذرات بسیارکوچك بیشمار دارایابعاد ولیکن تجزیه ناپذیرمیداند


پستالوزی


دیدرو


جیمز

و معتقد است که ذرات همه یکجنس‌اند و تفاوت آنها همانا اختلاف شکل و اندازه و وضع ذرات آنها نسبت به‌یکدیگر است. ذیمقراطیس به‌بخت و اتفاق قایل نیست، به‌عقیدهٔ او منشاء ادراکات حس است و حس ناشی از آنست که از اشیاء و اجسام چیزهایی صادر شده و در فضا سیر نموده به اعضاء حس انسان میرسند و آنها را متأثر میکنند.



راماکریشنا

راسل، برتراند آرتور ویلیام: Russell.A W
(متولد ۱۸۷۲م)



فیلسوف معاصر انگلیسی پس از فراغ از کمبریج چند ماه به‌عنوان وابستهٔ سفارت انگلیس در پاریس گذرانید و چند ماه نیز در برلین به‌مطالعهٔ کارسوسیال‌دمکراتها مشغول شد و باز به انگلستان برگشت و درحوالی هاسلمر اقامت گزید و یکسره به‌مطالعهٔ فلسفه پرداخت. درسال ۱۹۰۰ کتابی به‌عنوان «عرضه‌ای انتقادی از فلسفهٔ لیبنیتز» و در سال ۱۹۰۳ کتاب «اصول ریاضیات» را منتشر کرد. واز سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۳ سه‌جلد کتاب درین موضوع به‌نام «اصول ریاضیات» انتشار داد و در سال ۱۹۰۸ به‌عضویت انجمن سلطنتی انگلستان انتخاب شد. پس از شروع جنگ جهانگیر اول، راسل به‌سبب اعلامیه‌ای که انتشار داد به ۱۰۰ پوند جریمه محکوم گردید و کتابخانه‌اش توقیف شد. در سال ۱۹۱۸ نیز به‌جهت مقاله‌ای که برضد جنگ **تریبونال** نوشته بود به ۶ماه حبس محکوم گردید. درزندان اثر ممتع خود را به‌نام «مقدمه‌ای بر فلسفهٔ ریاضی» را نگاشت، در ۱۹۲۰ «عمل و نظریهٔ بلشویسم» را پس از سفری کوتاه به‌روسیه نوشت، و در همان سال به‌چین رفت و یك‌سال در دانشگاه **پیپنگ** در مباحث فلسفه سخنرانی کرد و سپس به انگلستان بازگشت و به‌نوشتن کتب عامه فهم پرداخت. در ۱۹۳۸ به‌آمریکا رفت و در نیویورك به‌سبب بعض نظرات اخلاقی از تدریس فلسفه محروم شد. وی از ۱۹۴۴ به‌بعد بخش اعظم عمر خود را در انگلستان گذرانید در ۱۹۵۰ به‌اخذ جایزهٔ ادبی نوبل نایل آمد. از آثار معروف او «قدرت»، «تاریخ فلسفهٔ غرب» و «آرزوهای نو برای جهان متحول» را باید نام برد. در فلسفهٔ راسل منطق اهمیت دارد. وی فلسفه‌اش را به‌نام ذره‌گرایی منطقی می‌نامد. به‌نظر او با تجزیه و تحلیل منطقی همواره می‌توانیم به‌ذرات نهایی که هریك مستقل از دیگری است راه یابیم.
(فرهنگ معین)

راماکریشنا، گاداوارا RAMAKRISHNA .G
(۱۸۸۶-۱۸۳۴ م)

فیلسوف و متصوف هندی، که در بنگال به‌دنیا آمد و در کلکته در گذشت، وی مروج طریقت خیراندیشی و خدمت به‌خلق و مخالف سکون و ترك نفس بود و عقیده داشت که تمام ادیان یك هدف دارند و آن وصول به‌حق است وی‌مریدان بسیار حتی در مغرب زمین پیدا کرد.



رنان

رنان، ارنست، Renan.E
(۱۸۹۲-۱۸۲۳م)

فیلسوف فرانسوی، نویسنده و بسیار باذوق و بیشتر متوجه تاریخ است، در آغاز عمر در رشتهٔ دیانت کارمی کرد ولیکن از آن رو گردان شد مشرب فلسفی او نزدیك به مشرب هگل است ومیتوان گفت اصالت تصوری است وخدا را همان مطلوب تصوری معقول غیرمحسوس می‌داند حقیقتی که در کل است ادراکی است که در متن جهان نهفته است. ارنست رنان در فلسفهٔ تعلیمات تازه ومخصوصی نیاورده با اینهمه آثار ادبی که ازاو مانده اورا درشمار حکمای عالی‌مقام می‌آورد کتابهایی به نام «یادگارهای کودکی و جوانی» و «آینده علم» و «حدیث نفس فلسفی» و «مکالمات وقطعات فلسفی» نگاشته است.



رنوویه،

رنوویه، شارل. RENOUVIER .Ch
(۱۹۰۳-۱۸۱۸م)

وی پس از انجام دورهٔ تحصیل به‌تدریس نپرداخته اما به‌وسیله تألیف وتصنیف دیرگاهی دانش‌پژوهان را مستفید ساخته واز حکمای معتبر فرانسه در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم بشمار رفته است و از تعلیمات او فلسفه‌ای تأسیس شد که آنرا **تجدید فلسفهٔ نقادی** نامیده‌اند.

رنوویه میگوید، اصل عدم تناقض را نمی‌توانیم ازدست بدهیم و ناچاریکی دو امر متناقض را باید بپذیریم. وی ازروی تعقل ونیز بنابر ذوق وعاطفه، فلسفه دوم را اختیار کرد و فلسفهٔ عقلی واستدلالی را بافلسفهٔ ذوقی واخلاقی متلازم ساخته است.

رنوویه پیرو **کانت** است با این قید که ذوات رامنکر است و نیز در تعیین وشمارهٔ مقولات با او اختلاف دارد ومعتقد است که رأس مقولات تصور شخصیت است.

روسو، ژان‌ژاك. Rousseau.J.J
(۱۷۷۸-۱۷۱۲م)

درژنو به‌دنیا آمد مادرش زود ازدنیا



رفت روزگارش به بی‌خانمانی گذشت، نتوانست تحصیل مرتبی بکند وفضل و کمال فراوانی نیاموخت او یکی از بزرگترین نویسندگان فرانسه ومردی حساس و با ذوق بود گفته‌هایش اغلب با عقاید متعارف و احکام ظاهر عقل مخالفت دارد. تا نزدیك چهل سالگی اثر مهمی از او ظاهر نشد تا اینکه انجمن ادبی یکی ازشهرهای فرانسه مسئله‌ای میان دانشمندان طرح کرد که درآن باب رساله بنویسند ومسئله این بود: «آیا تجدید عهد علم و ادب وهنر برای تهذیب مردم سودمند بوده یازیان رسانیده است»؟

روسو دراین مسابقه شرکت کرد و جایزه را بردو آوازه‌اش بلند شد. گفتار او مبتنی بود براینکه علم‌وادب ظاهر مردم را آراسته می‌کند اما باطن را فاسد می‌سازد طبع را منحرف می‌کند و به‌دل ودماغ حالتی مصنوعی می‌دهد مختصر اینکه مردم عالم هنرمند می‌شوند اما آدم نمی‌شوند. روسو عقاید خود را در تنظیم هیأت اجتماعی در کتابی بیان کرده است که «پیمان اجتماعی» نام دارد. دیگر کتب مشهور او «امیل» و «اعترافات» می‌باشند.

زنون ایلیایی - Zenon d'elée

(تولد ۴۷۵ ق م)
از فلاسفهٔ بزرگ یونان بــه شمار میرود ودارای برهانهای خاصی از قبیل انکار حرکت است .
او می‌گوید : هرگاه تیری ازکمان پرتاب‌کنیم برحسب ظاهر روان‌می‌شود، اما درواقع‌ساکن است ، زیرا درهرآن که آن‌را درنــظر بگیریم قسمتی ازفضا یامکان را شاغل است و شاغل بودن‌مکان جزسکون چیزی نیست ودرآن‌نمی‌توان تیر را غیرشاغل‌مکان فرض‌کرد پس‌هیچ‌گاه نمی‌توان آن‌را درحرکت دانست.

زنون ، سیتیومی. Zénon C.
(متولد قرن‌چهارم ق م)
فیلسوف یونانی و مؤسس مکتب رواقی میباشد . عقاید فلسفی زنـون ترکیبی‌ازفلسفه وجهان‌شناسی‌هراکلیتوس، منطق‌ارسطو واخلاق کلبی‌می‌باشد .

ژامبلیک Jamblique
(قرن‌چهارم میلادی)
فیلسوفی پیرو طریقهٔ افلاط‌ـونیان جدید . «فرهنگ‌معین»

ژان ایتالس Italos J.
(قرن ۱۱ م)
فیلسوف یونانی . در ایتالیا متولد ودر قسطنطنیه‌نشوونمایافت، آثارافلاطون وارسطو و فرفوریوس و برقلس را شرح کرد ولی متهم به بی‌دینی گردید وتکفیر شد .

ژانسنیوس، کرنلیوس . JANSÉNIUS C.
(۱۵۸۵ - ۱۶۳۸م)
عالم‌کلامی هلندی وبه‌طریق‌ایپرس، اثر مهم وی اگوستینوس است‌که درآن نظریهٔ غفران سنت اگوستین را مطابق رأی ونظر خود در امر عفو وغفران و اختیاروقدر شرح داده‌است. همین‌نظریه است‌که‌به‌نام وی‌به‌ژانسنیسم‌معروف‌است.
«فرهنگ‌معین»

ژراندو، (بارون‌دو ژوزف‌ماری).
Gérando B.J.M
(۱۷۷۲ - ۱۸۴۲ م)
عالم و فیلسوف، پیروکندیاك .

ژیلسون ، اتین . Gilson . E
(متولد۱۸۸۴م)
فیلسوف فرانسوی که‌درپاریس‌متولد شده‌ومؤلف«تاریخ‌فلسفه درقرون وسطی» است .

سارتر، ژان‌پل. Sartre J.P.
(تولد ۱۹۰۵)
فیلسوف فرانسوی که در پــاریس متولدشده وتحصیلات ابتدایی‌رادرمدرسهٔ هانری‌چهارم گذراند .
رشتهٔ فلسفه‌را در دانشسرایعالی به پایان رسانید وسپس باسمت استادی به



تدریس فلسفه پرداخت ، در سال۱۹۳۶ چندمقاله در تشریح عقاید ویژه خویش نگاشت‌که درکتابی به‌نام «تصور» جمع‌آوری گردید. وی درسال۱۹۴۳ نمایش‌نامه‌ای به‌نام «مگس‌ها» نوشت‌که درآن نازیسم رابه‌شدت موردحمله قرار داد وی از رهبران اگزیستانسیالیسم است فلسفهٔ او تحت تأثیر عقاید «هایدگــر» فیلسوف آلمانی است با این تفاوت‌کــه سارتر واقعیات زمان‌را درفلسفهٔ خویش وارد کــرده است . امــا تجربهٔ اساسی هایدگررا دلهره تشکیل میدهد . کتب «هستی‌ونیستی» ، «روسپی بزرگوار» ، «دیوار» «غثیان» ازآثار اوست .

سانتایانا، جرج. SANTAYANA G.
(۱۸۶۳ - ۱۹۵۲م)
فیلسوف آمریکایی در اسپانیا چشم به‌جهان‌گشود . وی ازفــلاسفهٔ بزرگــی است‌که علیه مادی‌گری قیام ودر واقع‌بینی ودرك حقیقت ورد‌باطل اقـدام و کوشش فراوان‌کرد . همچنین معتقد به اولویت روح‌آدم میباشد . از تألیفات‌مهم این‌فیلسوف‌می‌توان«زندگی‌عقل»،«خودخواهی درفلسفهٔ آلمانی»، «شك وایمان حیوانی»،«بادهای‌عقاید»و«شاعر فلسفی» را نام برد .

سقراط ، Socrates
(۴۶۹ - ۳۹۹ ق م)
فیلسوف یونانی ، استاد افلاطون و یکی‌ازبزرگترین فلاسفهٔ جهان شمرده می‌شود . پــدرش سوفرونیسکس‌سنگتراش ومادرش‌قابله بود.

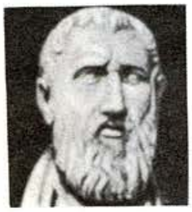


اما او عمر خودرا وقف برانــگیختن عشق به حقیقت و فضیلت و مجادله باسوفسطائیان‌کرد .
جوانان از بحث‌هــای فلسفی او لذت می‌بردند وگردش جمع می‌شدند وایــن موجب‌شدکه اورا به‌جرم بدعت دردین‌به مرگ‌محکوم کردندوباجامی ازشوکران زندگیش‌را پایان بخشیدند . گزنوفون بااحترام ازاویاد می‌کند، آریستوفانس بعضی‌ازمعایب سوفسطائیان را به‌اونسبت می‌دهد .
روش‌سقراطی،طریقی‌است‌درتعلیم‌که درآن‌استادبا سؤالات‌متعددومناسب‌متعلم را وادار به جواب‌های صحیح می‌کند . سقراط معتقد بودکه فضیلت معرفت‌است ومعرفت به‌وسیلهٔ تعریف حاصل‌می‌شود و به‌همین دلیل یافتن تعریــف صحیح در فلسفهٔ اواهمیت‌خاص دارد .
گفته‌اندکه‌شیوهٔ سقراط‌دست‌انداختن واستهزاء بوداماآنچه‌راکه‌استهزاءسقراطی نامیده‌اند طریقه‌ای بودکــه برای‌اثبات سهو وخطا ورفع شبهه از اذهان بــه‌کار می‌برد . سقراط می‌گفت‌کــه مــن‌مانند مادرم فن مامایی دارم اوکودکان را در زادن مدد می‌کرد ومــن نفوس‌را یاری می‌کنم‌که‌زاده شود؛یعنی راه‌کسب‌معرفت را بیابند . سعی سقراط بیشتر مصروف اخلاق‌بوده وبنیاد تعلیمات اواینست‌کــه انسان جویای‌خوشی وسعادت است وجز این‌تکلیفی نداردوخوشی به‌وسیلهٔ جلوگیری از خواهشهای نفسانی بهتر میسر می‌گردد . به‌عقیدهٔ سقراط انسان فاعل مختارنیست، مگراینکه پیروی از عقل کندکــه درآن صورت نیکی و خــیررا اختیار می‌نماید . وجه‌اعتقاد به‌خدا در نظرسقراط این‌بودکه همچنانکه‌درانسان قوهٔعــاقله‌ای هست در عــالم نیز چنین قــوه‌ای موجـود است خــاصــه اینکه می‌بینیم عالم‌نظام دارد وبی‌قاعده وبی‌ترتیب نیست وهرامری را غایت است . وذات باری خود غایت وجودعالم است .

سن‌برنارد Bernard , Saint
(۱۰۹۰ - ۱۱۵۵ م)



سانتایانا،



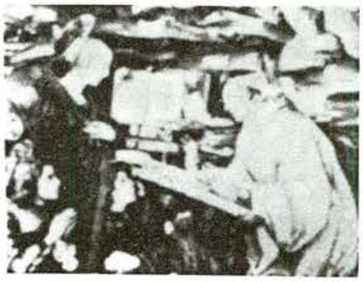
زنون



ژانسنیوس،



ژیلسون



مردی متفکر و انسانی خونگرم ، ازشخصیت‌های بزرگ عـالم مسیحیت و مخالف طرفداری اصالت عقل بود . در سال ۱۱۱۲ در صـومعهٔ سیتو به حلقهٔ راهبان بندیکت پیوست و دیرکلرو را دایر نمود ودر دومین جنگ صلیبی در آنجا وعظ کرد آثارزیادی‌ازاودرحکمت الهی به‌جای مانده است .

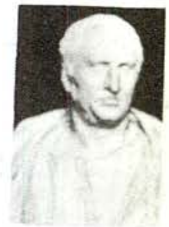
سنکا d. SENEQUE
(۴ق م ـ۶۵ م)
پسرمارکوس‌سنکا،فیلسوفی‌که‌تربیت نرون امپراطور روم‌را به عهده داشت . ومعتقدات اخلاقـی سنکا معروف است . عده‌ای رفتار خوب‌نرون‌را درآغازکار ، مـربوط بـه‌حسن تربیت ایـن فیلسوف دانسته‌اند وهم او به‌فرمـان نرون رگ خویش‌رابرید ورشتهٔ زندگی خوداقطع کرد .

سودنبورگ، امانوئل . Swedenborg
(۱۶۸۸ ـ ۱۷۷۲م)
علمای مذهبی را به‌بینید .

سیسرون Ciceron
از رجال بزرگ سیاسی روم و از بزرگان دنیا است . متمایل‌بـه حکمت آکادمی، امادراخلاق‌شیوهٔ رواقیان‌دارد. رسائلش در اخلاقیات‌گرانبها است . در قرن اول پیش ازمیلاد می‌زیسته است .

شلینگ Schelling
(۱۷۷۵-۱۸۵۴ م)
نـزدیك بـه‌هشتاد سال روزگـار گذرانیده واوقـاتش همه بـه‌تحصیل و تصنیف و تدریس‌گذشته . قبل از بیست سالگی دست‌به‌نگارش برد ودر بیست و سه سالگی به مدرسی دانشگـاه شهر ینا پذیرفته شد.درسی‌سالگی حـکیمی‌معتبر ونامی بود ولی‌ازآن‌زمان به‌بعد چندان آثاری ازخود منتشر ننمود . وی ذوق‌و طبع شاعری‌وعرفان‌نیزداشت وپیروکانت وفیخته بود . تفاوت‌عمدهٔ فلسفهٔ‌شلینگ


سنکا


سیسرون


شلینگ


فوریه


فونتنل

بافیخته اینست‌که فیخته جهان محسوس وبرون ذات‌را بـی‌حقیقت مـی‌شمارد و شلینگ‌برای‌جهان‌هم، حقیقت قائل‌است. شلینگ معتقد است‌که جهان و طبیعت ویابرون ذات بادرون ذات یعنی‌روح از یك جنس و منشأ است وهیچ‌کدام خالق ومخلوق یکدیگر نیستند .

شوپنهاور ،آرتور . Schopenhauer. A
(۱۷۸۸ ـ ۱۸۶۰ م)
دردانتزیك متولدشد، پدرش تاجر



و مادرش نویسنده بود . مادرش بـه او مهری نداشت و به‌زودی ازاو جداشد و اینکه شوپنهاور مهر مادری نچشیده در احوال وعقاید او تأثیرداشته است . در سی‌سالگی‌کتاب اصلی خودراکه«جهان‌ـ نمـایش و اراده» نـام دارد منتشر نمود امـاکتاب او طرف تـوجه واقـع نگردید . طبیعتی بی‌آرام و پرسوء ظن داشت . متأهل نشد و زندگانی را بـه تنهایی‌به‌سربرد درسال‌های آخـرعمرش اشتهار یافت واین‌اشتهار پس از مرگ قوت‌گرفت . به عقیدهٔ شـوپنهاور جنبهٔ ادراکی انسان یعنی حس‌وعقل‌که علم‌از آن حـاصل مـی‌شود ذات حقیقی نیست عرضی است‌وماننداموردیگرجزء جهان نمایش وتصور است وفرع است نه‌اصل ، آنچه اصل‌است اراده است کـه نه تنها حقیقت وجود انسان است، بلکه حقیقت کلیه جهان است .

فخنر ، گوستاو، تئودور. Fechner . G . T
(۱۸۰۱ ـ ۱۸۸۷ م)
پزشك‌واستاد علوم طبیعی ،آلمانی بود، اما ضعف‌چشم، اورا اززحمات‌علمی بازداشت پس‌به‌تفکر در حقایـق فلسفی پرداخت . تصانیف چند داردکه ازجملهٔ یکی ازآثار فلسفی‌مهم‌خودرا زنداوستا نامید .

فخنرصریحاً‌وکاملاداراى‌عقیده‌به وحدت روحی‌است وهمهٔ موجودات‌رادارای‌روح می‌داند وارواح جزیی را از اجزاء یك روح‌کلی می‌خواند .

فلوطین Plotin
(۲۰۵ ـ ۲۷۰ق م)
اصلاً رومی بوده ودراسکندریه‌درك خدمت امونیوس ساکاس‌کرده و خواهان آشنایی باحکمت ایـرانیان وهندیهـا گردیده است . وقتی‌تقاضاکردندبگذارد شمایل اورا نقش‌کنندگفت تن اصلی‌چه شرافت‌داردکه بدلی هم‌برای اوبطلبیم. برای آشنایی با حکمت ایرانیان بـه ایران‌آمد ودربازگشت به روم‌رفت ودر آنجادرگذشت. فلوطین تامدتی به‌تصنیف کتاب نپرداخت‌عاقبت به‌اصرار دوستان فلسفهٔ‌خودرا درپنجاه و چهار رساله بـه تحـریـر در آورد ، او حقیقت را واحد می‌داند واحدیت‌را اصل و منشاء کل وجود می‌شمارد .

فوریه ، ماری‌شارل Fourier.M.Ch.
(۱۷۷۲ ـ ۱۸۳۷م)
فیلسوف و عالم اجتماعی فرانسوی پسرتاجر ماهوت فروشی بود . در سال ۱۸۰۴ کتابی به‌عنوان «هماهنگی‌جهان» نوشت ودرآن می‌خواست آرزوهای بشر را به‌طریقی متوجه سازد که ازآن‌فایدهٔ عمومی‌حاصل شود . وی معتقد بود کـه یگانه وسیلهٔ سعادت بشر«کار»است ، و چون برآن بودکه‌کار تابه‌اجتماع‌صورت نگیرد سودمند نتواند بود ، می‌گفت‌که عموم اجتماعات‌کوچك‌کارگران را باید باهم‌متحد ساخت ، وازایشان اجتماعـی بزرگ پدید آورد وباتعمیم کار بشر را به‌سعادت رهبری‌کرد .

فونتنل ، برنارد . Fontenelle B.
(۱۶۵۷ ـ ۱۷۵۷ م)
فرانسوی‌ومردی فاضل وخوش‌ذوق ونویسنده‌ای شیرین‌سخن بود .

در علـم وحکمت پیرو دکارت بود ولیکن‌به‌فلسفهٔ اولی‌رغبت‌نداشت‌ودربارهٔ منشاء علم‌انسانـی روش اصحاب حس و تجربه‌را می‌پسندید . تأثیر عمدهٔ اونشر علم‌بود که نوشته‌هایش هم به‌فضلا سـود می‌بخشید. معروف‌ترین‌کتاب او «گفتگو

در تعددعوالم‌مسکون» واز نخستین کتاب‌ـ
هایی است که هیئت جدید را پی‌برده و
به‌زبانی بسیار شیرین بیان‌نموده است.
فونتنل از حکمایی بود که فلاسفهٔ
قدیم‌را برجدید مزیت میداد .

فویرباخ ، لودویك Feuerbach.L
(۱۸۰۴ ــ ۱۸۷۲م)
فیلسوف‌آلمانی ، صاحب کتابهای
تجدید نظردرفلسفه ، اصول فلسفهٔ جدید



می‌باشد ،که نظریات او درافکارکارل ــ
مارکس وانگلس‌درطرح فلسفهٔمارکسیسم
مؤثر بوده است .

فویه ، آلفرد Fouillée A.
(۱۸۳۸ ــ ۱۹۱۲م)
ازحکمای بزرگ فرانسه ، سراسر
عمرخودرا به‌تحقیق و تألیف وتصنیف
مشغول‌بودوآثارفراوان‌بجاگذاشت،استفادهٔ
این‌حکیم‌ابتدا ازافلاطون وسپس‌ازکانت
ومندوبیران بوده‌است .
وی درامرجبر واختیار نظرش‌این
بودکه نبایدعنوان مسأله را این قسم
کرد که بگوییم انسان مختار است یا
بگوییم مجبوراست ، بلکه‌بایدگفت‌اعمال
انسان موجب‌است اما در راه اختیارسیر
می‌کند .

فیثاغورث



Pythagore
به‌بخش‌علمای
ریاضی‌مراجعه‌شود.

فیخته ، یوهان‌گتلیپ.
Fichte J.G.
(۱۷۶۲ ــ ۱۸۱۴م)
دردهکده‌ای ازآلمان به‌دنیا آمده



ودرکودکی غازچرانی می‌کرد . در
هیجده‌سالگی به‌عنوان دانشجوی الهیات
دردانشگاه پذیرفته شد وپس از تحصیل
علم به‌معلمی خصوصی‌پرداخت و این‌امر
اورا به سویس کشانید وآنجا بادختری
که‌خواهرزادهٔ کلوپستك Klopstock شاعر
بزرگ‌آلمانی‌بودآشناشدوبرای‌شایستگی
همسری آن زن عهدبست‌که خودرا به
مقامی‌بلند برساند . سپس ازسویس به
آلمان برگشت وبه‌فلسفه‌کانت آشناشد و
باکانت ملاقات‌کرد و برطبق فلسفهٔ آن
حکیم دراساس دیانت رساله نگاشت و
کانت آن‌رساله را ترویج‌کرد در همان
اوقات در شهر ینا از شهرهای
آلمان به‌استادی‌دانشگاه برگزیده شد .
وی درآغاز سال۱۸۱۴ به مرضی
که ازبیماران‌جنگ‌به‌او سرایت‌کرده‌بود
درپنجاه‌دوسالگی‌درگذشت . ازتصنیفات
مهم اوآنچه مهم‌است یکی‌کتابی است به
نام «بنیادتحقیق درعلم» ودیگری به‌نام
«حقوق‌طبیعی» ونیزکتابی‌به‌نام«سرنوشت
انسان» ودیگری در«احوال ضروری ــ
دانشمند» . فلسفهٔ فیخته بر فلسفهٔ کانت
تکیه داد . وی پس‌ازآنکه به تحقیقات
کانت آشنا شد اساسش را پسندید ذهنش
بیشتر متوجه‌به یکتایی شد و قبول تعدد
حقیقت‌را روا نمی‌داشت .

فیلوستراتس Philostrate
(۱۷۵ ــ ۲۴۹ م)

اهل‌آتن واز سوفسطاییان یونان
بود درآتن معانی وبیان تدریس‌میکرد.

فیلولائوس . Philolaus
(قرن ۵ ق م)
فیلسوف یونانی ، از بزرگترین
فلاسفهٔ فیثاغوری است .

قسطا ، ابن لوقای بعلبکی .
(فوت ۳۱۰ه ق)
رومی‌الاصل، فیلسوف ومترجم،معاصر
مقتدر عباسی بود ودرزبان‌های عربی و
یونانی مهارت داشت و عده‌ای ازکتب
طب‌وریاضی وفلسفه‌وعلم‌فلك‌را ازیونانی
به‌عربی ترجمه‌کرد وتصانیف‌بسیاردارد،
ازجمله:«الفلاحةالیونانیة»،«ثلاث‌مقالات
فی‌رفع‌الاجسام‌الثقیلة» .

کانت ، امانوئل . Kant I.
(۱۷۲۴ ــ ۱۸۰۴ م)
درکنیگسبرگ از شهرهای آلمان
متولدشده ، پدرش شغل سراجی داشت .
تمام مدت زندگانی‌خودرا به دانشجویی



وتألیف وتصنیف‌گذرانید وحتی‌مسافرت
هم‌نکرد در آغاز به تدریس خصوصی
مشغول شدبعدها دردانشگاه شهر خود
به‌دانشیاری وسپس به‌استادی‌پذیرفته‌شد
ودر رشته‌های‌مختلف علوم‌را می‌آموخت
اما ریاضیات و طبیعیات وهیئت و نجوم
وفلسفه اولی را فنون اختصاصی خود
ساخته وعمرخویش را وقف‌علم وحکمت
نموده بود. متأهل نشد وزندگی منظمی
برای خود ترتیب‌داده بودگشاده‌رو وبا
مهر ومحبت ونیکوکاربود .
نوشته‌هایش غالباً دشوار است .
فلسفه‌اش در روزگار خود اودر سراسر
خاك آلمان موردقبول عامه‌یافت و به
زودی به‌کشورهای دیگرنیز تجاوزکرد

آثارقلمی اوشامل هفتاد هشتاد رساله و کتاب بزرگ و کوچك است دراکثرمسایل علمی وریاضی وطبیعی وجغرافیای‌طبیعی وزمین‌شناسی وهیئت ومنطق وسیاست و دیانت چیز نوشته‌است . وی‌معتقد بـود که انسان به معرفت ذوات نمی‌تواند دست بیاید وباید به‌بحث در عوارض و حوادث اکتفا کند . کانت چون بنیاد فلسفهٔ اولی‌را سست‌یافت درباب علم‌خود را قانع‌کردبه‌اینکه ازدرك حقیقت‌ذوات دست برداشته وبه‌معرفت ظواهر امـور خرسند باشد .


کنت

کسینوفانوس .

اواخرقرن ششم واوایل قرن پنجم قبل‌ازمیلاد می‌زیسته . اوکاملاموحداست وهمگنان خودراکه قایل به‌خداونـدان چندند استهزاء میکند .


کندیاك

کنت ، اگوست . Comte A.
(۱۷۹۸ – ۱۸۵۷ م)

حکیم فرانسوی‌کـه تعلیماتش در افکارمردم‌تأثیرکلی‌داشته ودارای‌استعداد علمی فوق‌العاده بوده است . در هیجده سالگی درریاضیات استادبود وبه‌تدریس پرداخت، دربیست وهشت‌سالگی‌مجلس‌ـ درسی درخانهٔخود فراهم کردکه عقایـد علمی و فلسفی خـویش‌را بیان نماید . پس‌ازچندی‌آن درس‌هارا به‌چاپ رسانید وآن‌کتاب بزرگی به‌نام «دورهٔ فلسفهٔ ـ تحققی» است .

اگوست‌کنت دارای عزم راسخ و استقامت وفکرمستقل وخیرخواه عـالم انسانیت بود . و اصل منظور او اصلاح مدنیت است .


کوزن

کنت علوم‌را به‌شش‌قسم طبقه بندی کردودراین طبقه‌بندی درنظر داشته‌است که علوم‌ساده وبسیط رابرآنهاکه‌ترکیب وتفصیلشان بیشتر است مقدم‌بدارد. وی پس‌از تقسیم‌بندی یك‌یك‌علوم مزبور را مورد بحث قرار داده و شیوه و روش اصول‌کلیات آنهارا بیان میکند .


گاساندی

کندیاك ، اتین بونو. Condillac.E.B
(۱۷۱۵ – ۱۷۸۰م)

فرانسوی ، ودر صنف‌کشیشان بود اما به‌کشیشی عمل نمی‌کرد. مردی‌فاضل ونویسنده ویك‌چند مربی یکی ازشاه ـ زادگان ایطالیا بود . دوکتاب مشهوراو یکی «رساله‌ای درمنشاء عـلم انسان» و دیگری«کتاب دراحساسات»است. فلسفهٔ کندیاك دنبالهٔفلسفهٔلاك است یعنی‌تحقیق


لاك،

دراینکه علم برای انسان چگونه دست می‌دهد .

کندیاك مذهب‌اهل‌حس را به‌کمال رسانید و مبداء عـلم‌را منحصر به حس دانست وجمیع اعمال عقلی ونفسی‌را هم به تبدلات احساسات بیان کرد .

کنفوسیوس Confucius
(۵۵۱ – ۴۷۹ ق م)

مشهورترین فیلسوف‌چینی که موجد طریقهٔ اخلاقی‌بود که‌اساس‌آن برصمیمیت نسبت به‌سنن ملی وقومی است .



وی درسن چهل وهفت سالگی وارد ادبیات‌شد وتوانست افکارسیاسی خود را موردآزمایش قرار دهد . چینیان اورا فقطراهنماوآموزگار دانـا و روشنفکر می‌شناسند . پایهٔعلوم کنفوسیوس روی‌پنج رابطه بناشده‌که عبارتند از :

رابطهٔ بین‌زن وشوهر ، پدروپسر ، دوست بزرگتر و دوست کوچکتر ، کار- فرما وکارگر ، برادر بزرگتر وبـرادر کوچکتر. طبق تعالیم اودرجهان دونوع روح وجود دارد . ارواح مفید به نام «شن» وارواح مضر به‌نام «کویی» . وی می‌گوید خوشحالی را درکوه وخط‌مشی زندگی‌رادررودخانه پیداکنید. هما کنون کنفوسیوس درحدود ۴۰۰ ملیون‌تن‌پیرو دارد .

کوزن ، ویکتور . Cousin V.
(۱۷۹۲ – ۱۸۶۷ م)

استـاد دانشگاه و سپس رئیس دانشسرا وعضو شورای‌عالی فرهنگ شد وبه‌وزارت فرهنگ‌دولت‌فرانسه‌نیزرسید، مردی متبحر ودر نویسندگی و سخنوری نیز زبردست بود در تدریس بیانی شیوا داشت . وی‌معتقد بودکه حکما آنچه را اثبات‌کرده‌اند درست است وقتی به‌خطا رفته‌اندکه چیزی را نفی کرده‌اند ونیز گمان داشت‌که درحقایق هرمعلومی‌باید به‌دست‌آید، آمده است وحکمای پیشین را می‌توان‌به‌چهارمذهب اصلی‌درآورد . یکی‌مذهب‌اصحاب‌تصور،دوم‌مذهب‌اصحاب حس ، سوم مذهب شك وتـردید چهارم مذهب اهل‌باطن. ویکتورکوزن به‌تاریخ فلسفه اهمیت بسیار می‌داد و در میان

فرانسویان اورا بنیادکنندهٔ تاریخ‌فلسفه دانسته‌اند .

کوندورسه ، نیکولا
Condorcet . M . J . A . N.
(۱۷۴۳ – ۱۷۹۴)

فیلسوف ، ریاضی‌دان ومـردسیاسی فرانسه ، شانزده‌ساله بودکه‌تئوری‌ریاضی او دربارهٔانتگرالها منتشرشد (۱۷۶۵) و درسال ۱۷۶۷ کتاب دیگری دربارهٔ «مسئلهٔ سه جسم» منتشر کرد . نظریات علمی اوموجب شدکه به عضویت‌آکادمی علوم پاریس پذیرفته شود .

باانتشار کتاب‌اقتصاد سیاسی شهرت او درتمام‌کشورهای فرانسه زبان‌رسید ، کوندورسه کتاب‌های‌متعددی درزمینه‌های فلسفی وعلمی‌دارد .

گاساندی ، پی‌یر Gassendi .P
(۱۵۹۲ – ۱۶۵۵م)

فیلسوف منجم‌وریاضی‌دان‌وفیزیك‌ـ دان فرانسه . ریاضی‌دانان خارجی‌را به بینید .

گالیله . Galileo Galilei
(۱۵۶۴ – ۱۶۴۲ م)

منجمین‌را به‌بینید .

گرگیاس Gorgias
(زنده درقرن پنجم)

درشکاکیت ازپروتاگوراس پافراتر نهاده وجودحقیقت مطلق را انکاروبرای اثبات‌نظریهٔخود سه‌قضیه رامطرح‌می‌کند که عبارتند از:

قضیهٔاول : همه چیز وجود ندارد . قضیهٔ دوم : اشیاء موجود قابل شناسایی نیست . قضیهٔ سوم : حقیقت قابل انتقال نیست .

لاك، جان . Lacke J.
(۱۶۳۲–۱۷۰۴م)

درنزدیـکی بریستول به‌دنیاآمد و در۲۶سالگی ازدانشگاه‌آکسفورد درجهٔ فوق لیسانس گـرفت وتا سال۱۶۸۳در درهمانجا زندگی می‌کرد . سال۱۶۸۳ چهارسال قبل از **انقلاب باشکوه**است‌که عقاید وافکارخودلاك‌تأثیرزیادی‌درپدید- آمدن آن داشت. لاك‌را به‌اتهام همدستی در دسیسه‌های هـواداران پارلمـان و خصوصاً ارباب او،لرد شافتس‌بری که‌لاك مشاور سیاسی وپزشك اوبـود، اخـراج کردند.

لاك به‌هلندگریخت وپس‌ازبـه‌تخت نشستن ویلیام اورانژ بازگشت‌درپانزده

سال آخر عمر خود رسالات عظیم خود را دربارهٔ فلسفه و سیاست منتشر ساخت که نحوهٔ اندیشهٔ بشر را تغییر دادند.

لاک مردی آرام و مهربان و بی‌دشمن و مورد علاقه و احترام عموم بود.

لاک را پدر سنت فلسفی و سیاسی عمدهٔ دنیای غرب خاصه در آمریکا شناخته‌اند. لاک مانند هابس انسان را همچون شیئی در طبیعت می‌بیند که اساساً با سایر اشیاء طبیعی اختلافی ندارد و می‌توان او را با روشهای علم طبیعی روان‌شناسی توصیف کرد. آثار لاک ساده و روان نوشته شده و نخستین رسالهٔ او حاکی از فروتنی و گیرایی فلسفی خاص نویسنده است.



لامنه،

لامنه، فلیسیته روبرت.
Lamennais.F.R
(۱۷۸۲-۱۸۵۴م)

از حکما و فلاسفهٔ فرانسه که از نویسندگان بزرگ محسوب می‌شود. فلسفهٔ او مأخوذ از اصول و اساس مسیحیت است با عقاید عرفانی و ذوقی، و اینکه وجود دو نحوه دارد نحوهٔ نامحدودی که متعلق به ذات باری است و نحوهٔ محدودی که متعلق به مخلوق است. وجود مطلق وجود مخلوقات را دربرداشته و خلقت همانا ظهور آنهاست.

لایبنیتز، گوتفرید ویلهلم.
Leibnitz.G.W
(۱۶۴۶-۱۷۱۶م)

آلمانی، از بزرگترین حکمای اروپا است. پدرش معلم و مشاور حقوق بود و شش سال پس از تولد او درگذشت. لایبنیتز از کودکی شوق مفرط به خواندن کتاب داشت و از همهٔ علوم و فنون بهره برد، اما تحصیل رسمی او حقوق و فلسفه بود. در بیست سالگی در حقوق به درجهٔ دکتری رسید، گوشه‌نشینی را دوست نداشت و با امرا و بزرگان مربوط شد. یکی از افکار بلند او رفع اختلاف از کاتولیک‌ها و پروتستانها بود ولی کوشش‌هایش بجایی نرسید. چهار سال در فرانسه به‌سر برد و از ایشان بهره‌مند گردید و علم خود را در ریاضیات تکمیل کرد و اختراعاتی نمود که مهمتر از همه حساب فاضله و جامعه و محاسبهٔ بی‌نهایت خرد است. لایبنیتز در زمان اقامت در فرانسه به انگلیس هم رفته و با دانشمندان آن سرزمین نیز ارتباط یافته است. یکی



از آثار وجودی او انجمن ملی برلن است که تأسیس آنرا به پادشاه پروس توصیه کرد و خود او به ریاستش برگزیده شد که بعدها اهمیت تام یافته و آکادمی علوم نامیده شده است. نوشته‌های لایبنیتز فراوان است در حکمت چندین رساله نگاشته که همه شامل اصول عقاید او است از رساله‌های تصنیفی او آنچه بیشتر معروف است کتابی است که مونادولوژی یعنی معرف جوهر فرد خوانده می‌شود. دیگر کتابی موسوم به «تحقیقات تازه در بارهٔ فهم و عقل انسانی» و دیگر کتابی است به نام «تحقیقات در عدل خداوند».

او شاعر و ادیب و زباندان و مورخ و فقیه و الهی و منطقی و ریاضی و طبیعی و فیلسوف بوده است و در همه علوم نظر فلسفی به کار برده است از سخنان بزرگ او این است که «حکما درحقایق آنچه اثبات کرده‌اند درست است و در آنچه نفی کرده‌اند به خطا رفته‌اند».

«در علمای ریاضی شرح کارهای ریاضی مطالعه شود.»

لوتسه، هرمان (۱۸۱۷-۱۸۸۱م) Lotze.H

دانشمندی آلمانی که پزشکی و علوم طبیعی آموخت و در این فنون و نیز در فلسفه به استادی پذیرفته شد. لوتسه برحکمای رمانتیك اعتراض داشت که دستگاه طبیعت را منظور نظر نداشته‌اند و بر فلاسفهٔ مادی ایراد می‌کرد که تنها صورت و قشر وجود را منظور می‌دارند و او خود معتقد است که این هر دو وجه از وجود را باید مورد تأمل قرارداد شك نیست که عالم حقیقتی دارد معنوی و معقول که همهٔ برای او است و از پی آن حقیقت باید بود، اما آن باطن را در امور ظاهر می‌توان جست و روح را در جسم می‌توان یافت.

لوکرسیوس Lucréet

در نیمهٔ اول قرن اول پیش از میلاد در روم می‌زیسته، اثری منظوم از او باقی مانده به نام «طبع اشیاء» یا طبیعت که دلیل بر کمال قدرت طبع شاعری اوست و سراسر حکمت است و از آثار مهم ادبی و فلسفی به شمار می‌رود.

لیتره، امیل. Littré.E
(۱۸۰۱-۱۸۸۱م)

طبیب و ادیب و فیلسوف فرانسوی و اثر بزرگش کتاب فرهنگی است که برای زبان فرانسه تألیف کرده است. در فلسفه پیرو اگوست کنت است.

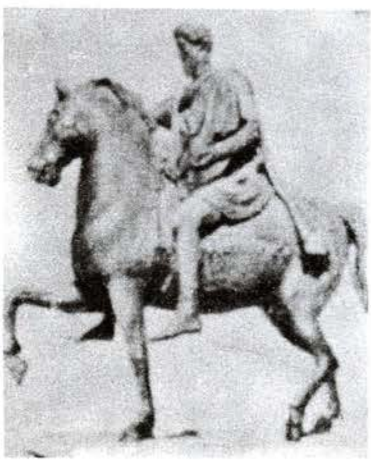
مارکس، کارل هنریخ Marx.K.H
(۱۸۱۸-۱۸۸۳م)

از علمای اقتصاد و فلسفه و سیاسی



آلمانی بود که کتاب معروف او سرمایه نام دارد وی از طرفداران کارگران بود و شیوهٔ فلسفی او امروز طرفداران فراوانی دارد.

مارکوس اورلیوس Marc – Auréle
(قرن دوم میلادی)



از امپراطوران روم بود ومذهب و طریقت او همـان شیوهٔ رواقیان بـوده است . سراسر زندگـی را برطبق اصول حکمت به‌سر برده و وظایف سلطنت را برحسب تکلیف‌ادا می‌کرد. کتابی از او به‌زبان‌یونانی باقی‌مانده که«درباره‌ٔخود» نام دارد .



مالبرانش،

ماری‌گویو، ژان . Marie Guyau .J
(۱۸۵۴–۱۸۸۸ م)

شاگردآلفردفویه وپسر زن او بود، دربیست سالگی ازحکمابه‌شماررفت، اما مسلول بود ودر سی و چهارسالگی مرد، دراین مدت‌کوتاه آثارفراوانی به‌شعر و نثر ازخود باقی‌گذاشت تحقیقات مهمش دراخلاق و دیانت وزیبایی شناسی است. دوکتـاب مشهورش «اخلاق بـی‌تکلف و پاداش» و «بـی‌دینی آینده» نـام‌دارد. بنیاد عقایدگویو همان بنیاد نیچه است. نظرگویو این است‌کـه درجهان اصل و حقیقت همانـا زندگـی و حیات است و حیات درسراسرجهان پراکنده‌است‌حتی جمادات‌هم جانی ضعیف‌دارندکه فرتوت است یا هنوز رشد نکرده‌است.



مترلینگ ،

مالبرانش، نیکلا . . Malebranche N
(۱۶۳۸–۱۷۱۵م)

درپاریس به‌دنیاآمده وپس‌ازاتمام تحصیـلات درصف‌کشیشان داخـل‌شده و سپس‌ازخواندن‌کتابهای دکارت به‌حکمت دلبستگی یافته وتا پایان عمر درمباحث حکمتی‌کارکرده است. وی درنویسندگی نیزمقـامی بلند دارد . نخستین تصنیف نامی او «جستجوی حقیقت» نام دارد و مصنفات مهم دیگرش«تفکرات مسیحی» و«گفتگو درمابعدالطبیعه» و «رساله‌ای دراخلاق» است .

آراء فلسفی مالبرانش ازدکـارت گرفته‌شده ودر مابعدالطبیعه به افلاطون نزدیك شده تا آنجاکـه او را افلاطون مسیحی لقب داده‌اند.



میل

وی معتقد بودکـه علت اصلی خطا کردن انسان این است‌که روح وعقل‌او گرفتارتن‌شده‌است وبه‌واسطهٔ تن دارای قوهٔ احساس وتخیل و همچنین تمایـلات و نفسانیات‌گـردیده ودر فهم وتعقل او تن مداخله یـافته و ازهمهٔ ایـن راهها برای او خطاها دست می‌دهد .

مترلینگ ، موریس Maeterlinck. M
(۱۸۶۲ – ۱۹۴۹ م)

نویسندگان خارجی‌را به‌بینید .

مونتسکیو ، شارل .
Montesquieu .Ch.
(۱۶۸۹ – ۱۷۵۵ م)

فیلسوف‌فرانسوی‌ازخانواده‌ای‌محترم‌ودر **بردو**‌ازرؤسای‌دیوانخانه بودهنوز به‌چهل سالگی نرسیده ازشغل رسمی‌کناره‌گیری کرد وبه تحقیق و تصنیف مشغول‌شد وبه



جهانگردی نیزپرداخت ، ازتصنیف‌های معروف او یکی کتابی است موسوم به «نامه‌های ایرانی» وآن‌نامه‌هایی است‌از قول چند نفر ایرانی فرضی‌که به‌فرانسه مسافرت‌کرده‌اند . دیگرکتابی درفلسفهٔ تاریخ و تحقیق در علل ترقی و تنزل رومیان ، مونتسکیو ازاولین‌کسانی‌است که درتاریخ به‌نظرفلسفی نگریسته و در امور تاریخی‌رابطهٔ علت ومعلول‌تشخیص داده‌است .

اثربزرگ‌مونتسکیوکه‌اورادرحکمت عملی وسیاست‌مدن در ردیف فیلسوفان می‌آوردکتابی‌است به‌نام «روح‌القوانین» که درواقع فلسفهٔ‌قوانین وشرایط قانون‌گزاری است و پس‌از تحقیقات افلاطون وارسطو معتبرترین‌کتابی است‌که‌دراین موضوع نوشته شده‌است .

مونتسکیوطبعی معتدل وآرام‌داشته وعقایدسیاسی‌او بیشتر ازلاك اقتباس‌شده و کلیهٔ اوضاع انگلستان را می‌پسندیده است .

وی معتقد بودکه چون‌انسان باید باهم‌جنسان‌خودبه‌اجتماع‌زندگی‌کندچاره جزاین‌نیست که‌روابطمیان‌مردم‌به‌حکم‌قانون مشخص شود خواه قانون نوشته و مدون باشد و خواه‌برحسب‌آداب وعادات‌مقرر شود .

میل ، جان‌استوارت . Mill . J . M
(۱۸۰۶ – ۱۸۷۳ م)

پسرجمزمیل انگلیسی ، که پدرش اورا به‌مدرسه نفرستاد و جزعلوم چیزی به‌او نیاموخت واورا مطابق سلیقهٔ خود پرورش‌داد. درده‌سالگی‌کتابهای‌افلاطون رامی‌خواند دربیست سالگی به‌شعروادب وموسیقی وماننـد آن‌پرداخت. در چهلو پنج‌سالگی متأهل‌شدو نزدیك به‌شصت‌سال به‌نمایندگی ملت‌منتخب گردید . به‌کار ـ های علمی اشتغال داشت اما به تدریس نپرداخت .

بنیادفلسفه استوارت میل‌همانا نکته است‌که‌وسیلهٔ انسان درتحصیل معلومات همانا حس وتجربه است . یعنی علم به کلیات‌را هم که معمولا کار عقل میدانند استورات میل منتسب به حس میکند و می‌گوید: آنچه‌را ادراك کلیات میگویند نیست مگرجمع و ترکیب معلومات‌جزیی که به حس و وهم برای ذهن حـاصل می‌شود .

نیچه ، فردریك . Nietzche.F
(۱۸۴۴ – ۱۹۰۰ م)

فیلسوفی‌آلمانی،درخانواده‌ای‌پرتستان



متولدشد، اورا به‌تحصیل‌الهیات‌گذاشتند امااو ازمسیحیت روگردان‌شد ودرزبان یونانی وعلوم‌ادبی‌تبحریافت‌ودردانشگاه بال اورابه‌استادی‌پذیرفتند وی تصانیف متعدددارد‌که مشهورترازهمه کتابی است به‌عنوان «زردشت‌چنین می‌گفت» وکتاب

دیگری که ناتمام مانده و «خواست توانایی» نام دارد درهردو کتاب مطالب را به عبارات بریده وتعبیرات شاعرانه اداکرده‌است از اینرو فلسفهٔ نیچه به دشواری به بیان علمی در می‌آید.

نیچه به‌خلاف‌همه،خودپرستی راحق دانسته‌وشفقت‌را ضعف‌نفس وعیب‌پنداشته است . عقیده شوپنهاور راکه می‌گفت اصل درجهان خواست هستی‌است تصدیق کرده ولی می‌گوید ؛ وجود طالب هستی است وبایدباشد وخواست‌هستی در واقع همان خواست توانایی‌است .

نیچه در جوانی گرفتار ضعف مزاج بود ودر اواخر عمر مدت یازده‌سال به مرض جنون مبتلی بود . وی با اشعار حافظ آشنایی داشت و او را درشعرزیبا وپرشوری ستوده است .

وانی‌نی، لوسیلیو . Vanini L.
(۱۵۸۵–۱۶۱۹ م)

فیلسوف‌بزرگی بودکه در دورهٔ قدرت پاپها به‌جرم روشنفکری،بی‌دینی و جادوگری به‌آتش سوزانیده شد .

ولتر Voltaire
(۱۶۹۴ – ۱۷۷۸م)

ژان‌فرانسواماری‌آروئه که‌خود نام ولتر را بدان افزود مشهورترین فرد قرن هیجدهم وشاعر ونمایشنامه‌نویس و مورخ وداستان‌نویس وفیلسوف وآماتور علمی بود وعلت جاودان ماندن نامش نبوغ جدلی وقدرت سخره‌ای است‌که در



آن،هیچکس‌تاکنون برابراونشده است. وی دشمن سرسخت دستگاه مسیحیت کلیسایی بود و محبوب‌ترین و وحشت – انگیزترین نویسندهٔ قرن‌به‌شمار می‌رفت و درعالم فکر وعلم‌الجمال‌دنیای متمدن زمان‌خودحاکم مطلق بود. ولترفیلسوفی اصیل نبود امـا تأثیر بسیار درافزایش حیثیت وفهم‌فلسفهٔ اصالت تجربهٔ جدید داشت، وی معتقدبود که‌با به‌کاربردن‌دقیق روانشناسی تکوینی ؛ هر چند آن را بدین‌نام نمی‌خواندند ، عمل هرچیز در انسان وطبیعت قابل توضیح است و خاتمه‌ای‌است برتمامی‌آن اسرارظلمانی که به‌نامهای معرفت‌الله وبعدالطبیعات و سایر احکام مختفی یا خرافات رواج داشت .

هابس، توماس . Hobbes.T
(۱۵۸۸ – ۱۶۷۹ م)

• دریکی ازشهرهای کوچك انگلستان زاده شد و پس ازانجام تحصیل معلم و ندیم بزرگزادگان شد. ادبیات را در مدرسه فراگرفت.امافلسفهٔ اسکولاستیك را نپسندید وبابیکن ودکارت درخراب کردن اساس‌آن همکاری کرد . درچهل سالگی به‌ریاضیات وطبیعیات پرداخت و درحدود پنجاه‌سالگی به‌فلسفه مایل و بیشتر به حکمت عملی متوجه شد . تصنیف‌مهم‌اویکی«لویاتان» به‌زبان‌انگلیسی ودیگری «اهل‌شهر» به‌زبان لاتین‌است.

تعریفی‌که هابس‌ازفلسفه میکنداین است : شناخت معلولها به‌علت و شناخت علت‌ها به‌معلولشان‌به‌وسیلهٔ استدلال‌درست و استدلال وفکردرست یعنی جمع‌کردن معلومات باهم یا جداکردن آنها از یکدیگر.

هارتمان ، ادواردفون. Hartmann.E
(۱۸۴۲ – ۱۹۰۶ م)

فیلسوفی‌آلمانی،اصول‌عقایدشوپنهاور رااختیارکرد . دراهمیت‌اراده وبدبینی نسبت به‌امرزندگانی تصرفی‌درآن نمود یعنی دراین مورد به هگل نزدیك شد ازآنروکه علم را تابع اراده قرار نداد وآن دو را در عرض یکدیگردانست و اصل وجود را مجموع این دوپنداشت و آن اصل را «بی‌خود» نامید .

هراکلیت Heraclite
(متولد ۵۰۴ق م)

درطول‌زندگی افسوس‌می‌خوردچرا به‌دنیا آمده است .

این‌فیلسوف بدبین‌که به «فیلسوف گریان» معروف می‌باشد یك اشرافی روشنفکربودوتوده‌را به‌چشم‌حقارت‌نگاه می‌کرد . این فیلسوف‌آتش‌را مادهٔ‌اعداد می‌انگاشت ومعتقد بودکه دنیا برطبق قانون‌ازلی در تغییر است واگر چیزی دراین دنیا تغییر پذیرنیست همانا خود تغییراست ؛ چون آدمی اسیر این‌قانون ازلی است بهتراینستکه بی‌جهت نکوشد خود را جاودان وتغییرناپذیر بیانگارد بلکه بهتر آن است‌که فوراً بدون چون و چرا از این قانون ازلی متابعت‌کرده زندگی خود را بااین‌قانون تطبیق‌کند.

ازگفته‌های اوست: «همه‌چیزدرعین حال‌هم وجود دارد وهم وجود ندارد . زیرا همه چیز روان است. همه‌چیزدر تغییردایمی است. همه‌چیز پیوسته در حال‌به‌وجودآمدن واز بین رفتن است.»

باز درجای دیگر فلسفه دینامیك خود را اینطور تشریح می‌کند: «نه‌تنها هرروز بلکه هرلحظه ، خورشید خودرا تازه می‌گرداند. هرروزخورشیددیگری طلوع می‌کند . ولی درعین حال همین خورشیدی‌که هرروز ازنو ، نو می‌شود ، همان خورشید قدیمی است .» هراکلیت در دوران جوانی زیاد مسافرت‌کرد و پس ازاینکه مسافرتهای‌خود را به‌پایان رساند، به‌زادگاه خویش مراجعت‌کرد . کتابی مهم با عبارات پرپیچ وتاب نوشت .



هگل

هگل، ژرژ ویلهلم فردریك. Hegel
(۱۷۷۰ – ۱۸۳۱ م)

معاصر فیخته و شلینگ بود . نخستین تصنیف‌او در سی وهفت‌سالگیش منتشر شد. درشهرهای مختلف آلمان تدریس‌کرده ودر چهل وهشت‌سالگی در دانشگاه برلن به‌جای فیخته مدرس شد، وی به مرض وبا درگذشت . ازتصانیف معتبری‌که از او باقی‌مانده یکی‌کتابی است به‌نام «معرفت‌آثار روح» ودیگری «علم منطق» وسومی‌به‌نام «فلسفهٔ حقوق» در فلسفهٔ تاریخ وفلسفهٔ دیانت و معرفت زیبایی نیز تصانیف‌چند ازاو باقی‌مانده است .

آثار هگل به‌دشواری مهم معروف است . هگل معتقد بودکه حقیقت وخود هستی به جز عقل یا علم چیزی نیست و درون ذات وبرون ذات همه مظاهراودر حالات او ومخلوق اوهستند پس‌مذهب‌او را **اصالت عقل** یا **اصالت علم مطلق** گفته‌اند .



هیوم

هیوم ، دیوید . Hume D.
(۱۷۱۱–۱۷۷۶ م)

درخانوادهٔ اسکاتلندی شریفی در ادینبورو متولد شد و به‌خلاف خواست

پدرش به مطالعه فلسفه ومعلومات‌عمومی مشغول گشت‌درسال ۱۷۳۴ به‌فرانسه رفت وشاهکارفلسفی خود راکه به «رساله‌ای درطبیعت بشری» موسوم است انشاءکرد آن‌کتاب درسال‌بعد منتشرشد و به‌عبارت خود هیوم «ازمطبعه مرده به‌دنیا آمد».
نخستین رسالات خود را در سال ۱۷۴۲ منتشر ساخت. درسال ۱۷۵۲ به ادینبورو نقل مکان‌کرد وچند رسالهٔ سیاسی منتشرساخت وبه انتشارکتاب مشهورخود «تاریخ انگلستان» دست زد وشهرتی‌که ازاو به‌عنوان فیلسوف روی برتافته بود به‌عنوان مورخ بدوروی‌آور شد بطوری‌که درسال ۱۷۶۱ درسراسر گیتی به‌نام بود وبه‌مشاغل‌مهم دولتی در آمد وپس‌از متقاعدشدن مجدداً درزادـ وبوم خودبه‌سربرد. ودرسال ۱۷۷۶ مرد. اومردی با حلم وحوصله، قابل صمیمیت ومحبوب عموم دوستان بود. آثارفلسفی هیوم‌کمتر محتاج‌تفسیراست. تصورخاص او از فلسفه به عنوان‌علم تجربی انسان آغاز حقیقی فلسفهٔ معاصراست.

کتب فلسفه و منطق

آثارالباقیه : ابوریحان بیرونی .
آراء وعقاید : گوستاولوبون ، ترجمهٔ عباس شوقی .
ابواب حکمت میزانیه و اسامی هریك ازآن‌ابواب به لسان‌حکمای یونان : آقاعلی‌زنوزی .
ابو حامد غزالی : حاج سید محمود مرعشی .
اجوبةالمسائل : خواجه نصیر طوسی .
اجوبةالمسائل : قطب الدین‌محمود بن‌ـ مسعودکازرونی .
اجوبةالمسائل : ملاصدرا.
اخلاق یاحکمت عملی : علی‌اکبرقویم.
ادیان‌شرق‌وفکر غرب:(دانشگاه‌تهران) راداکریشنان ترجمه وحواشی از صادق رضازاده شفق.
ارادهٔ معطوف به‌قدرت: فردریك نیچه ترجمهٔ دکترهوشیار .
اسفار اربعه: ملاصدرا.
اصول تعالیم فلاسفهٔ بزرگ : علی حمیدی همدانی .
اصول‌حکومت‌آتن: (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی تهران)ارسطو .ترجمهٔ و تحشیه محمد ابراهیم‌باستانی‌پاریزی .
اصول منطق مقدماتی منطق نظری و متولوژی : سعید عزیزی .
اصول فلسفهٔ جدید : دکتر ا . س . ـ راپوپورت ، ترجمه سرتیپ هـ . س . ر . علی‌دشتستانی .
اعتقادات‌صدوق : ترجمهٔ سیدمحمدعلی حسینی قلعه‌کهنه .
اعتقادالحکما : شهاب الدین سهروردی.
افکارسهروردی وملاصدرا یاخلاصهٔ‌از حکمةالاشراق واسفار: اکبردانا‌سرشت (صیرفی) .
افکارشوپنهاور: ترجمهٔ مشفق همدانی.
افکارکوچك و دنیای‌بزرگ: موریس‌ـ مترلینگ ، ترجمهٔ ذبیح‌الله منصوری .
اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر : (تهران‌مروارید) ژان‌پل سارتر، ترجمهٔ مصطفی رحیمی .
الاختیارات‌العلائیه : امام فخر رازی.
السیرةالفلسفیه، به‌تصحیح ومقدمهٔ‌پول کبراوس : (یونسکو تهران) ابوبکر محمدبن زکریارازی، ترجمهٔ عباس‌اقبال به‌انضمام شرح احوال وآثار وافکار،از مهدی‌محقق .
امیدهای‌نو: برتراندراسل،ترجمهٔ علی شایگان .
اندیشه‌های فلسفی : رضا فلسفی .
اندیشه‌های یك‌مغز بزرگ : (۴جلد) . موریس‌مترلینگ، ترجمهٔ‌ذبیح‌الله‌منصوری.
اوگوست‌کنت : (صفیعلیشاه) آندره ـ کرسون ترجمهٔ‌کاظم عمادی .
بدایع‌الحکم در مسائل‌مشکلهٔ حکمیه : آقاعلی زنوزی .
بدایع‌الحکمة : حکیم طولوزان، ترجمهٔ سیدمصطفی علوی‌اصفهانی .
بدیهیات اولیه : سیداحمد رضوی‌ادیب پیشاوری .
بنیاد انواع در فلسفه : چارلزداروین، ترجمهٔ عباس شوقی .
بنیادنوع درفلسفه : جان‌دیویی، ترجمهٔ محمدصالح ابوسعیدی .
پرتوی ازفلسفهٔ ایران باستان : دینشاه ایروانی .
پنج‌رسالهٔ (شجاعت ، دوستی . ایون ، پرتاغوراس ومهمانی) : «بنگاه‌ترجمه و نشر کتاب» افلاطون ، ترجمهٔ محمود صناعی .
تاریخ از نظرفلسفهٔ مادی : گ . و . پلخانف ، ترجمهٔ دکترمهندس نورالدین کیانوری .
تاریخ فلسفه : مهندس محمودهومن.
تاریخ فلسفه: ویل‌دورانت ، ترجمهٔ‌عباس زریاب‌خویی .
تاریخ‌فلسفه در اسلام : (عطایی‌تهران) ت ـ ج . دی‌بور، ترجمهٔ عباس‌شوقی .
تاریخ‌فلسفهٔ‌غرب : برتراندراسل، ترجمهٔ نجف دریابندری .
تاریخ مختصرفلسفه ازآغاز تاامروز : ص . موحد .
تجرید العقلاء: خواجه نصیرالدین‌طوسی
تحقیق‌درحقیقت علم (علم‌هوشیاری): (دانشگاه تهران) مجموعهٔ پایان نامهٔ دکتری عبدالمحسن مشکوةالدینی .
تنویرتدابیر در فلسفه : حکیم عبد ـ العلیم ناظم فوجداری حیدرآباد .
جامع الحکمتین : ناصرخسرو .
جبرواختیار : محمدتقی ، جعفری .
جمهوریت: به‌قلم‌افلاطون، ترجمه‌مهندس‌ـ رضامشایخی (فرهاد) .
جمهوریت افلاطون : ترجمهٔ احمد ـ توکلی .
جواهر الحکمه : دکتر علیخان‌همدانی.
جهان واینشتن: بارنت، ترجمهٔ احمد ـ بیرشك .
چهاررسالهٔ‌افلاطون: ترجمهٔ‌دکترمحمود صناعی .
حاشیه بر کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم : مرتضی‌مطهری .
حجة الحق ابوعلی‌سینا : دکتر سعید صادق‌گوهرین .
حرکت‌واستیفای اقسام‌آن : (دانشگاه تهران) حسن‌ملکشاهی .
حقیقت‌فلسفه و اخلاق فلاسفه:مهرداد ـ شوشتری مهرین .
حکمت بوعلی‌سینا : (۷جلد) شیخ‌محمد صالح بارفروشی مازندرانی .
حکمت‌سقراط به‌قلم‌افلاطون : (۲جلد) ترجمهٔ محمدعلی فروغی .
دانایی شارمیدس : به‌قلم افلاطون ، ترجمهٔ دکتررضاکاویانی .
دانش‌نامهٔ علایی : ابن‌سینا .
دانش وجهان‌نادیده ادینگتون .آرتور استانلی ترجمهٔ مصطفی‌مفیدی.
دریچهٔ‌اخلاق با سه‌مقالهٔ‌مخصوص: علی مستوفی ، مخصوص .
دیانت (اوتیفرون) : افلاطون ، ترجمهٔ رضا کاویانی و محمدحسین لطفی .
دیباچه برفلسفهٔ وجود : محمود رضا ـ الهی .

دین و فلسفه : توفیق الطویل ، ترجمهٔ محمدعلی طهرانی خلیلی.
راز وجود ، تئوری بعدشم : رحمت‌الله عبیر.
راهنمای حکمت: شیخ ضیاءالدین‌دری.
ردکتاب‌تصوف‌وردکتاب حکمة‌الاشراق: دکترموسی جوان .
رسالهٔ تحفه: ترجمهٔ‌شیخ‌ضیاءالدین‌دری .
رساله در جواب ۹۹ سئوال فلسفی : حمیدالدین‌ابومعین ناصر خسروقبادیانی مروزی .
رسالهٔ نورالانوار درمنطق : شیخ‌محمد علی مدرس فتحی دزفولی .
رسائل ابن‌سینا: ترجمهٔ شیخ‌ضیاءالدین‌دری .
روابط حکمت اشراق و فلسفهٔ ایران باستان : هانری‌کربن فرانسوی ،ترجمهٔ احمد فرامرزی به مشارکت عبدالحمید گلشن .
روح یا ماده : (خودشناسی) (تهران ــ شرکت تعاونی هماهنگ «اسلامی»)رضا اصفهانی .
رهبر خرد در منطق : شیخ محمود شهابی .
زبدةالحکمهٔ ناصری : دکتر بازیل ، ترجمهٔ سیدمصطفی علوی‌اصفهانی .
زندگی و فلسفهٔ ابونصرفارابی : داود رسایی‌به‌مشارکت مهرداد مهرین .
زندهٔ بیدار (حی‌بن یقظان) : « بنگاه ترجمهٔ ونشرکتاب»ابن‌طفیل ترجمهٔ‌بدیع الزمان فروزانفر .
سقراط : (صفعلیشاه)آندره کرسون ترجمهٔ‌کاظم عمادی .
سیرحکمت دراروپا: محمدعلی فروغی.
سیرةالفلسفیه : ترجمهٔ عباس اقبال آشتیانی .
شرح‌اشارات ابوعلی‌سینا : خواجه‌نصیر طوسی .
شرح‌حکمة‌الاشراق :قطب‌الدین‌شیرازی.
شرح فصوص فارابی : شیخ‌مهدی الهی محیی‌الدین قمشهٔ .
شفا : ابن‌سینا .
شناخت حقیقت از نظر فلسفهٔ یونان : طالس تازنون رواقی ، ترجمهٔ مهرداد شوشتری مهرین .
شناخت روش علوم یا فلسفهٔ علمی : (دانشگاه‌تهران) فیلیسین ، شاله ترجمهٔ یحیی مهدوی .

شناخت زیبایی: فلیسین‌شاله، ترجمهٔ علی اکبر بامداد .
علم‌کلی فلسفهٔ مابعدالطبیعه : مهدی حایری یزدی .
فردریك نیچه : آندره‌گرسون، ترجمهٔ کاظم عمادی .
فصوص فی‌الحکمه : ابونصر فارابی .
فلسفه :سیسیل‌آنکراند ، ترجمهٔ دکتر یحیی‌مهدوی .
فلسفهٔ اجتماع : والترلیپمن ، ترجمهٔ محمود فخرداعی .
فلسفة الانسان : علی اکبر هزار جریبی حایری زاده .
فلسفةالاعتماد (۲جلد) .شیخ ضیاءالدین دری .
فلسفهٔ اولی ومابعدالطبیعه : حاج‌میرزا ابوالحسن شعرانی تهرانی .
فلسفهٔ ایران‌باستان : مهرداد شوشتری مهرین .
فلسفهٔ‌خلقت : خسرومهیار .
فلسفهٔ شرق : مهرداد شوشتری مهرین .
فلسفهٔ‌علمی: (۲جلد) . ترجمهٔ‌سیدعبدالله انوار (ودیگران) .
فلسفهٔ‌علمی : لوکرسیوس‌کوپرنیك ، بیکن ، دکارت ، کنت ، داروین .ترجمهٔ منوچهر تسلیمی به مشارکت تقی‌زاده ، فروغی ، دکترشفق ، ابوطالب صارمی ، محمود بهزاد .
فلسفهٔ‌فلوطین رئیس افلاطونیان‌اخیر: رضاعلیشاه سلطانحسین تابنده گنابادی
فلسفهٔ ماوراء طبیعت : نصرالله‌فاریان .
فلسفهٔ‌نسبیت اینشتین : برتراندراسل ، ترجمهٔ محمدعلی طلوعی .
فلسفهٔ نظری؛ منتخب آثار فلاسفه : ترجمهٔ منوچهر بزرگمهر ، محمد تقی بهرامی ، ابوطالب صارمی .
فلسفهٔ نوین یا نجات بشر ، تکامل‌فن اصول عام وخاص : حاج شیخ احمد کلباسی اشتری آیةالله‌زاده .
فلسفهٔ‌نیچه : مهرداد شوشتری‌مهرین .
فلسفه و فلاسفه : مهرداد شوشتری مهرین .
فلسفه و فواید آن : مهرداد شوشتری مهرین .
فلسفه‌های بزرگ: پی‌یردوکاسه، ترجمهٔ احمدآرام .
فلسفه‌های لایب‌نیتز: دکترذبیح‌الله‌صفا
فنون‌فلسفه : عبدالله جودت

کلیات‌زیباشناسی: بندتو،کروچه ترجمهٔ فواد روحانی .
کنزالحکمه (۲جلد) : شیخ‌ضیاء الدین دری .
کنزل المسائل فی اربع رسائل : شیخ ضیاءالدین دری .
گفتار در روش راهبران عقل : رنه‌ــ دکارت ، ترجمهٔ‌محمدعلی فروغی .
گفتاردر روش راه بردن عقل : رنه دکارت ، ترجمهٔ دکترهوشیار .
گفت وشنودفلسفی در زندان‌ابوالعلاء معری : طه حسین‌ترجمه خدیوجم .
لذات‌فلسفه :ویل‌دورانت، ترجمهٔ‌عباس‌ــ زریاب خویی .
ماجراهای‌جاودان درفلسفه:«امیرکبیر تهران» هانری توماس ودانالی توماس ترجمهٔ انوشه‌سارا .
مبانی‌فلسفه : علی‌اکبر سیاسی .
متافیزیك: فیلیسین‌شاله ،ترجمهٔ دکترــ عبدالحسین زرین‌کوب .
محاکمهٔ سقراط ، اپولوژی : به قلم افلاطون ، ترجمهٔ دکتررضاکاویانی .
مرام‌الحکمه : حاج محمدعلی موحدــ شیرازی .
مسائل‌فلسفی : برتراندراسل ، ترجمهٔ اردوباری .
معنی‌زیبایی: اریك‌نیوتن‌ترجمهٔ،پرویزــ مرزبان .
مفهوم‌نسبیت‌اینشتین ونتایج‌فلسفی‌آن: «امیرکبیرتهران» برتراندراسل، ترجمهٔ مرتضی طلوعی .
مقاصدالفلاسفه : امام فخرغزالی.
مقام ملا صدرای شیرازی در فلسفهٔ ایران: هنری، کربن‌ترجمهٔ حسین‌نصر .
مقدمهٔ برفلسفه : ازوالدکولپه ، ترجمهٔ احمدآرام .
مقدمهٔ بر فلسفهٔ آموزش و پرورش : دکترا . ح . آریانپور .
مقدمه‌ای‌برفلسفهٔ معاصر: حمید، حمید.
مقولات‌وآراء مربوط‌به‌آن : «دانشگاه تهران» محمدابراهیم آیتی(پایان‌نامهٔ دانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی).
مکتب فلسفی اگزیستانسیالیسم :مهرداد مهرین .
منشأعدم‌مساوات: ژان‌ژاك روسو،ترجمهٔ دکترسیروس ذکاء .
منطق : شیخ محمود شهابی .
منطق : عبدالرسول خاوری‌خراسانی .
منطق: دکترناصرالدین‌صاحب‌الزمانی.

منطق العشاق : اوحدی مراغه‌ای .
منطق المشرقين : ابن‌سینا .
منطق‌مقدماتی : عزیزسعیدی .
منطق‌نظری : (اصفهان‌تأیید) غلامحسین آهنی .
منطق‌واخلاق : ناصربن‌محمد دهاقانی .
منطق وروش‌شناسی: علی اکبرسیاسی.
منطق وفلسفه : علی‌اکبر سیاسی .
مهمانی(سمپوزیون) : افلاطون ترجمهٔ رضاکاویانی ومحمدحسین لطفی .
میزان اندیشه یامنطق : مصطفی‌ستاریان
نازیسم‌وریشه‌های فکری وتاریخی‌آن: «امیرکبیرتهران» ویلیام شایرر ترجمهٔ محمد مربوط ومحمدباقر مؤمنی .
نهایةالادراك : قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی .
نهایةالعقول: امام فخررازی .
نهایةالکمال : امیرخسرو دهلوی .
ودایع الحکم فی‌کشف خدایع بدایع الحکم : شیخ محمد صالح بار فروش مازندرانی .
هفتاد ویك مقالهٔ معرفةالروح : دکتر خلیل ثقفی (اعلم‌الدوله) .

لغات و اصطلاحات فلسفه وحکمت

فارسی «فرانسه به‌فارسی»

Abstrait انتزاعی ، مجرد
Absolu مطلق،کامل ، تام
Abstraction انتزاع،تجرید
Accident عرض.عارضه
Action عمل،فعل (مقابل‌انفعال)
Action réflée عمل‌انعکاس
Actitvité فعل،فعالیت
Affirmatif موجب(مقابل سلبی)
Agent عامل
Analogie غیرخواهی ، غیرپرستی ، نوع‌پرستی
Altruisme قیاس(حکم بر چیزی برحسب مشابهت بادوچیز دیگر)
Analytique تحلیل
Antcipation de la perception جنبهٔ قبلی ادراك
Anthropomorphisme قیاس به‌حال‌یا به‌کار بشر.
Antionomie تنازع‌احکام
Antithése برابرنهاد ، تضاد تقابل، نقیض قضیه .
Antitypie مایهٔ عدم تداخل، مادهٔ نخستین
Aperception ادراك آشکار
Apodictique واجب ، ضروری
Appetit شهوت ، اشتها
Appetition شوق
Archéologie باستان‌شناسی
Architecture صنعت ساختمان
Aristocratie حکومت‌خواص
Art فن،علم،صنعت
Athéisme انکارخدا
Assertorique تحقیقی
Association d' idée تداعی معانی
Atome جزء لایتجزی
Attribut مسند ، صفت، محمول
Axiomes اصول متعارضه ، علم متعارفه
Beauté زیبایی ، جمال
Bién خیر،نیکی
Bien (Souverain) خیرتام ، خیرکل
Biologie زیست‌شناسی
Bonheur خوشی ، سعادت
Calcule des probilités محاسبهٔ احتمالات
Calcul des fluxions محاسبهٔ امورتدریجی‌الحصول
Calcul differentiel et intégral محاسبهٔ فاضلهٔ وجامعه
Calcul infinitésimal محاسبهٔ مقادیر بی‌نهایت‌خرد
Caractéristique universelle زبان عمومی
Catégories مقالات
Categorique حملی،قطعی مطلق
Causalité علیت
Cause علت
Cause déterminante علت موجبه
Cause efficiente علت فاعلی
Causc immanente علت‌درونی ، علت‌لازم
Cause occasionnelle علت عرضی ، علت سببی .
Cause transivité علت متعدی
Cercle دور ، دایره
Charité رحمت،محبت،رأفت
Chimisme شیمیایی
Chose شیئی
Chose en soi ذات ، ذات مستقل
Coexistence همبودی ، مقارنه
Communauté مشارکت، یکسانی
Comparaison سنجش ، مقایسه ، تشبیه
Composer باهم نهادن، مرکب‌کردن
Composition ترکیب
Concentation تراکم
Concept مفهوم
Concept de la raison pure صدر معقول
Concert متحقق
Concordance توافق
Condition شرط ، علت
Conditionné مشروط ، معلول
Connaissance شناخت، معرفت،علم،شناسایی، معلوم.
Connaissance à priori علم‌یامعلوم‌قبلی
Connaissance à postériori علم یامعلوم بعدی .
Conscience وجدان،ادراك،شعور،استشعارخودآگاهی، تنبه، مشعر ، وجدان .
Conscient مقرون‌به‌شعور
Conséquence نتیجه
Contiguité مجاورت
Contingence امکان مقابل وجوب
Contingent ممکن (مقابل واجب)
Continuité پیوستگی ، اتصال
Contradiction اصل امتناع تناقض
Contradictoire متقابل ، متناقض
Copie رونوشت
Corporelle جسمانی
Cosmologie جهان‌شناسی
Cosmologique برهان‌جهانی
Cosinos جهان ، عالم
Criticisme فلسفهٔ نقدی
Critique نقد ، انتقاد ، نقادی
Deductino قیاس ، استنتاج
Déiste خدایی ، خداپرست
Démonstration à priori برهان‌لمی
Demonstration à Pritériori برهان انی
Désir میل ، خواهش
Despotisme حکومت دلخواهانه ، حکومت‌خودسرانه
Détérmine معین
Déterminisme وجوب‌ترتب معلول برعلت
Devenir شدن ، گردیدن
Dialectique جدل، مناظره، مباحثه،روش، سلوك‌عقلی
Dieu personnel خدای متشخص ، خدای‌شخصی
Difference اختلاف ، فصل
Differentiation تنوع ، اختلاف
Discernement تشخیص، تمیز

Discernement تشخیص ، تمیز
Discontinuité ناپیوستگی . انفصال
Disjonctif منفصل
Diversité غیری،تشتت
Dogmatisme فلسفهٔ جزمی
Dogmatiste فیلسوف،جزمی،جازم
Douleur الم،ناخوشی،درد
Durée استمرار ، مدت
Dynamique حرکتی ، قوهٔ
Dynamisme
نیرویی،نیروکاری،اصالت نیرو .
Economiste دارای مسلك اقتصادی
Effet معلول ، اثر ، نتیجه
Egoïsme خودخواهی ، خودپرستی
Elan Vital
نشاط حیاتی ، نیروی حیاتی
Emission de la lumieré (Theorie)
فرض‌فیضان نور
Empirisme
تجربهٔحسی، مسلك‌تجربی ، اصالت‌تجربه
Empiriste ازاصحاب تجربه
Energie کارمایه ، نیرو
Entendement فهم،عقل
Eratalité جبر،قضا
Espace مکان ، بعد، فضا
Espece نوع
Esprit ذهن،روح،نفس
Essence ماهیت،حقیقت
Esthétique شناخت زشت وزیبا
Esthétique transcendantale
شناخت برترین‌حس
Etendue بعد
Ether اثیر
Etre هستی،وجود
Etre en soi وجودذاتی ، وجودمستقل
Evolution تحول وتکامل
Evolutionisme مذهب تکاملی
Existence هستی،وجود
Excitation تهییج
Experience تجربه ، آزمایش
Experimental آزمایشی . تجربی
Fin غایت،گران، نهایت، انجام وپایان
Finalisme اعتقاد به‌وجود غایت
Finalité غائیت
Foi ایمان
Force نیرو ، قوه
Forme صورت
Génie دها،نابغه
Harmonie préetablie همسازی پیشین

Héterogénéité ناهمجنسی ، اختلاف
Homogenité همجنسی،یکسانی،تشابه
Hypothétique شرطی ، مشروط، فرضی
Idéal کمال مطلوب ، تصوری
Idéalisme اصالت تصور
Idéaliste معتقد به‌اصالت تصور
Idée تصور، صورت، مفهوم ، معنی، علم
Idée-force تصور نیرو
Idée inadequate
علم غیرمنطق ، علم نـــاتمام
Idée innée مفهوم فطری ، معلوم فطری
Identité مساوات
Ideologie بحث درتصورات ومفهومات
Image تخیل
Inadquate علم‌منطق ، علم‌تمام
Imagination خیال
Immanent درونی
Impénétrabilité
امتناع‌تداخل ، عدم‌تداخل
Imperatif catégorique
امرمطلق ، امرقطعی
Impératif hypothétique امر مشروط
Impossibilité عدم امکان ، امتناع
Impression تأثیر ، حس
Inconnaissable ندانستنی، نشناختنی
Inconscient
غیرمقرون به شعور،بیخود، ناخودآگاه
Indifference بی‌تفاوتی
Individualisme مذهب انفراد
Individuel شخصی ، فردی
Induction استقرا
Industriel پیشه‌وری ، صنعتی ، پیشه‌ور
Indiluence du milieu تأثیرمحیط
Inhérence چسبیدگی ، عرضیت
Instinct غریزه ، فطرت .
Instinctif غریزی،فطری
Intelligenco عقل ، قوهٔعقلیه
Inteligible معقول ، قابل‌تعقل
Introspection درون‌نگری
Intuition
اشراق ، ادراك ، وجدان ، شهود ، علم حضوری ، حدس ، الهام ، درون بینی ، جان‌بینی .
Joie شادی
Jugement قضیه ، حکم
Leberté اختیار ، آزادی
Liberté d' indifference
آزادی مطلق ، اختیار بی‌وجه
Libre penseur آزادی‌فکر
Limitatif حصری ، تحدیدی ، تضییقی
Limitation تحدید ، حصر

Logique منطق ، منطقی
Logistique منطق ریاضی
Lutte pour la vie
کشمکش زندگانی ، تنازع حیات
Mal بدی ، شر
Manifestation نمایش
فلسفهٔ مادی ، مادیت
Materialisme
Materialiste معتقدبه‌فلسفهٔ مادی
Materiel مادی ، جسمانی
Matiére مادی
Matiere premiere
هیولای اولی ، مادهٔ نخستین
Mécanique
علم به‌قواعدحرکات وقوای محرکه ، علم حیل ، ماشینی
Mécanisme دستگاه ماشینی
Memoire حافظه ، یاد
Mesure اندازه
فلسفهٔ اولی ، بعدالطبیعه ، فلسفه،فلسفی
Metaphysique
Militaire جنگی،نظامی
Militarisme روح‌جنگی
Mode
جهت یاماده ، حالت یاعوارض جوهر.
Monade
جوهر فرد ، جوهر ، واحد
Monadologie معرفت‌جوهر، فرد
Monarchie حکومت پادشاهی
Moniste وحدت
Morale
اخلاق ، حالت‌اخلاقی ، روحی‌ومعنوی
Motif داعی
Mysticisme
توجه به‌باطن ، مذهب اهل باطن
Nature طبع ، طبیعت، ذات، نوع، جنس
Nature naturante ذات ، ذات‌سازنده
Nature naturée ذات ، ذات‌ساخته
Nébuleuse ابری ، ستارهٔ سحابی
Necessaire واجب
Necessité وجوب ، ضرورت ، اضطرار
Negatif منفی،سلب
Negation نفی،سلب
Néo-criticisme فن تجدید فلسفهٔ‌نقدی
Non—être عدم ، نیستی
Non—déterminé نامعین
Notion تصور ، مفهوم ، معلوم ، علم
Noumène ذات ، ذات‌معقول
Objectif عینی ، برون‌ذاتی
Objet چیز ، شییء، عین، موضوع
Objet pensé شییء معلوم

Ondulation — تموج
Ontologie — معرفت وجود ، هستی‌شناسی، ذات شناسی
Opposer — برابر نهادن .
Optimisme — خوش‌بینی
Optimiste — خوش‌بین
Ordre — نظم،انتظام
Panthéisme — وحدت‌وجودی ، همه‌خدایی
Paralogisme — استدلال غلط
Particulier — خصوصی ، جزیی
Passif — انفعالی
Passion — انفعال ، نفسانیت،عشق
Peinture — پیکرنگاری ، نقاشی
Pendule — آونگ
Pensée — فکرواندیشه ، علم
Perception — ادراك
Personealité — شخصیت
Pessimisme — بدبینی ، یأس
Pessimiste — بدبین ، مأیوس
Phalange — جمعیت ، دسته
Phalanstére — محل ، جمعیت
Phénoméne — پدیده،ظهور،نمود،عارضه
Philosophe — حکیم ، فیلسوف
Philosophie — حکمت ، فلسفه
Physiologie — علم کلیات احوال بدن ، علم‌وظائف‌الاعضاء
Plaisir — لذت،خوشی
Pluralite — کثرت
Poesie — شعر
Point de vue — نظرگاه، دیدگاه
Point métaphysique — نقطهٔ فلسفی
Point substantiel — نقطهٔ جوهری
Poser — برنهادن ، وضع کردن
Positif — تحققی ، تحقیقی
Positivisme — فلسفهٔ تحققی
Possibilité — امکان
Possivité — انفعالیت
Pragmatisme — اصالت‌عمل
Principe — اصل ، قاعده ، دستور ، مبدأ
Problamatipue — احتمالی
Progrés — ترقی
Proportion — تناسب
Proprieté — خاصیت
Psychologie — روانشناسی،معرفت‌نفس ، خودشناسی
Psycho-Phyque — علم‌رابطهٔ‌تن وروان
Puissance — قدرت ، قوه (مقابل‌فعل)
Qualité — کیفیت ، چونی ، صفت
Quantité — کمیت،چندی

Raison — عقل ، دلیل ، علت
Raisonnement — استدلال
Rationalisme — مذهب اصالت‌عقل
Rationaliste — ازاصحاب عقل
Rationnel — عقلی ، معقول
Réalité — حقیقت ، تحقق ، ایجاب
Réciprocité — تقابل
Réel — حقیقی
Reflexion — انعکاس ، فکر
Relatif — نسبی ، اضافی
Relation — نسبت‌اضافه
Relativité — نسبیت
Religieux — دینی ، مذهبی
Religion — دیانت ، دین . مذهب
Religion de l'humanité — دین‌انسانیت
Renaissance — تجدید حیات علمی و ادبی
Representation — تصویر و نمایش
Republique — جمهوری ، دولت
Residus — بقایا
Ressemblance — مشابهت
Retention — نگاهداری ، حفظ
Romantique — شعری ، تخیلی ، فلسفهٔ شاعرانه
Sainteté — عصمت
Savant — دانشمند ، دانا .
Scepticisme — مذهب‌شك وتردید
Sceptique — شکاك ، سوفسطایی،منکر
Schéme — تصویر
Science — علم
Scientifique — علمی
Scolastique — شیوهٔ مدرسهٔ اسکولاستیك
Sculpture — پیکرتراشی، مجسمه‌سازی
Selection naturelle — انتخاب‌طبیعی
Sens — حس
Sensation — حس ، احساس ، تأثر
Sensible — محسوس
Sensibilité — حس ، حساسیت
Sensualisme — مذهب اصحاب‌حس
Sensualiste — ازاصحاب‌حس
Singulier — مفرد ، مخصوص
Socialiste — دارای مذهب اجتماعی
Société — جمعیت،مجمع،انجمن،مدنیت‌هیئت‌اجتماعیه
Sociologie — علم‌مدنیت
Solidité — جمود ، استحکام ، جرم
Spéculatif — نظری
Spiritualisme — فلسفهٔ روحی
Spirituel — روحی ، روحانی

Spiritualiste — روحی معتقد به‌روح
Statique — سکونی
Subjectif — ذهنی . درون‌ذاتی
Subliminal — ناخودآگاه
Substance — جوهر ، ذات
Subsistane — وجود ، ذاتیت
Succession — توالی
Sujet — موضوع ، نفس ، درون ذات
Sujet pensant — نفس‌عالم
Surhomme — مرد برتر ، فوق‌انسان
Survivance de plus apte — بقای‌صلح
Synthétique — ترکیبی ، جامع
Syllogisme — قیاس
Symbolique — کنایه
Sympathie — همدردی
Synthéique — ترکیبی
Table rase — لوح مجرد
Téléologique — برهان علت‌غایی
Téléologie — نظر درعلت غایی
Temps — زمان ، وقت
Théologie — خداشناسی،علم‌الهی، الهیات
Thése — قضیه ، حکم ، ادعا
Totalité — کلیت ، کل
Traditionalistes — اهل‌سنت
Transcendent — فوق ، فوقانی ، برتر ، فایق ، مشرف
Transcendantal — برترین
Transformisme — تبدل انواع
Travail — کار
Unité — وحدت ، یگانگی ، واحد
Univers — عالم ، جهان
Universel — کلی، جهانگیر ، عالمگیر .
Université — جامعهٔ علمیه ، دانشگاه
Varietion concomitantes — مقارنهٔ تغییرات
Variété — صنف
Verité — حقیقت راستی
Vertu — فضیلت
Vision — رؤیت ، ابصار
Volonté — اراده
Vouloir-vire — مهر زندگی

لغات و اصطلاحات فلسفی
«فارسی به فرانسه»

ابداع — Crèation
ابصار — Vision
اتصال — Continuité
اتفاق. — Union hasar d'un animité
اثیر — Ether
احساس — Sensatin .
اختیار — Lébérté.

اخلاق Caractére morale éthique
ادراك Perception
اراده Volonté
اراده‌جزافیه Liberté d'indifférence
استقراء Induction
اشراق Intuition illumination
اصل Regle principe
اصل موضوع Postulat
اصول متعارفه Axiomes
اضافه Rélation
افلاك Cieux
اقمار Satellites
الم Douleur
الهیات Théodicée theologie
انتزاعی Abstrait
انفصال Discontinuité
انفعال Passion
ایمان Foi
این نه‌آنی Diversité
اینهمانی Identité
بالفعل En acte
بالقوه En Puissance
باهم نهاد (ترکیب) Synthèse
باهم نهادن (مرکب کردن) Composer
بدی La Mal
برابرنهاد Antithèse
برابرنهادن Opposer
برتر Transcendant
برترین Trascendantal
برنهاد Thèse
برنهادن (وضع‌کردن) Poser
برون ذات (شیئی موضوع ، عین) Objet
برون ذاتی Objectif
برهان Démonstration
برهان آنی Démonstration à Postériori
برهان لمی Demonstration à priori
بعد Espace étendue
بیخود Inconscient
بیکران Infini
بیکوانی Infinité
پیوستگی Continuité
تأثیر impression
تبدیل Changement , Transformation
تجرید Abstraction
تجزیه ، تحلیل Analyse Décomposition
تحقق Existence Réalisation
تخیل Imagination
تدابیر منزل Economie domestique
تداخل (عدم) Impénétrebilité
ترکیب Synthèss Composition
تساوی Egalité identite
تصدیق Jugement
تصور Notion Idée
تصویر Représentation
تضایف Relation
تعدد Pluralite
تعریف Définition
تعقل Pensée jugement intelligence , Raisonnement
تعین Dêtermination
تغییر Changement
تفکر Meditation Reflexion
تفوض Liberte
تقدیر Fatalite destin
تناسخ Metempsychose
تناقض Contradiction
توهم Illusion , Inagination
ثابت Stable , Fixe
ثبات Stabilité Fixite
ثنوی Dualiste
جان‌بینی ، درون‌بینی Intuition
جان‌شناسی Biologie
جاوید Eternel
جاویدی Perennite , Eternite
جبر Fatalisme , Contrainte
جزء Partie
جزمن Non-moi
جزیی Particulier , Partiel
جسم Corps
جسمانی Corporel
جنس Genre
جهانشناسی Cosmologie
جهت Mode , Direction Sens
جوهر Substance , Essence
حافظه Memoire
حالت Etat , Monde
حرکت Mouvement
حرکت انتقالی Translation
حرکت وضعی Changenen de Position
حسن Sensation , Sens , Sensibilité
حقیقت Realité , verité
حقیقی Reel , Veritable , Vrai
حکم Jugement , Sentencc
حکمت Philosophie , Sagesse
حکیم Philosophe , Sage
حیل (علم) La Mecanique
خاصیت Qualité propriéte Caractéristique
خطا Illusion , Erreur
خلاء Vide
خود Soi , Moi
خودآگاه Conscient
خودآگاهی Conscience
خود هستی Chose en soi , être en Soi
خیال Imagination
خیر Le bien
دال Signifiant
درك Perception , Comprehension
درون بینی ، جان بینی Intuition
درون ذات Sujet
درون ذاتی Subjectif
دلالت Signification
دلیل Raison , signe
دوتاپرست Dualiste
دوتاگو Dualiste
دوحقیقتی Dualiste
ذات Essence Substance
ذاتی Essentiel
ذاکره Rappel , Souvenir
ذوق Sentiment Gout
ذهن Exprit
ذهنی Ideal , Subjectif
روانشناسی(معرفةالنفس) Psychologie
روح Esprit , Ame
روحی Spiritualiste Spirituel
زمان Temps
ساکن Entrepos
سکون Sepos
سوفسطایی Sophiste , Sceptique
سیارات Planètes
سیاسات Sciences politiques.
شخصی Personnel Individuele
شر Le mal.
شرط Conditoin
شعور Intelligence , Conscience
شناخت Connaissance
شوق؛ Désir , Amour Appétition Passion
شهود Vision Intuition
شیوه Manière Méthode
صفت Attribut , Qvalité
صورت Image , Forme , Idée

صوری (علت)	Causė , Formelle
ضروری	Nêcessaire
طبع	Nature
طبیعی	Physiqve Naturel
طفره	Saut
عالم	Univers , Monde Cosmos
عالم صغیر	Microcosme
عالم کبیر	Macrocosme
عدم	Inexistence Néant
عرض	Phénomène Accident
عرضی	Accidentel
عقل	Intelligence Sagesse Pensée Raison
علت	Raison Cause
علم	Art Science Connaissance Notion Pensée Conscience
علم‌حضوری	Connaissance, Imédiaté, Intuition , Conscience
علیت	Causalilé
عمل	Action
عملی	Pratique
عنصر	Elément
غایی (علت)	Cause Finale
غایت	Fin But
غریزه ، فطرت	Instinct
فائق	Sublime , Supérieur, Trancendant
فاعلی (علت)	Cause Efficiente
فرض	Supposition , Hypothèse
فصل	Différences Pécifique
فضا	Espace
فضیلت	Vertu
فطری	Naturel Inné
فعل	Effet , Action
فعلی	Enact , Actuel
فکر	Réflexion Pensés
فلسفه	Philosophie , Métaphysique
فلسفهٔ اولی	Philosophie première, Métaphysique
فلك	Sphère , Céleste , Ciel
فن	Science , Art
فهم	Entendement
قائم بذات	Existaut , Ensoi
قدرت	Puissance , Pouvoir , Autoritê, Force
قصد	Dessein
قضا وقدر	Destin , Fatalité
قضیه	Proposition
قوه	Facultè Puissance Force
قیاس	Analogie , Syllogismc
کارمایه	Énergie
کامل	Parfait
کثرت	Pluralité
کلی	General , Universel
کمال	Entelechie , Perfection
کمیت	Quantitė
کون‌وفساد	Generation et Corruption, Production et Destruction .
کیفیت	Qualité
گل‌چینی	Eclectisme
لذت	Plaisir
مابعدالطبیعه	Métaphysique
ماده	Matière
مادی	Materiel
ماهیت	Quidite Essence
متخیله	Imaginatioin
متعین	Determine
متغیر	Variable changeant
متناهی	Fini
مثبت	Affirmatif , Positif
مثل	Idées
مجبور	Contraint
مجرد	Immateriel , Abstrait
محدود	Determine , Borne
محسوس	Sensible
محصور	Limite
محمول	Attribut
مختار	Libre
مخصوص	Particulier , Singulier
مخیل	Imaginaire
مدلول	Signification Sens Signifie
مذمت ، نقادی	Criticisme
مردبرتر	Surhomme
مستدیر	Circulaire , Rond
مستقیم	Droit
مسند	Attribut
مسندالیه	Sujet
مشاهده	Observation
مشروط	Condition
مطلق	Pur , Absolu
معقول	Intelligible Raisonnable
معلول	Conditionné , Effet , Cause
معنوی	Ideal , Moral
مفهوم	Idée , Concept , Notion
مقارنه	Simultraneite , Coexistence
مقدر	Suposé Virtuel Fatal Destiné
مقدم	Premisse
مقوله	Categorie
ملاء	Le Plein
من	Moi , Ego
منطق	Logique
منفعل	Passif
منفی	Negatif
موجب	Affirmatif,Positif,Determine
موجب	Determinant , (Cause)
موجود	Etre , Existant
موحد	Monothéiste
موضع	Endroit , Lieu
موضوع	Sujet
موهوم	Irreel , Imaginaire , Imagine
ناخودآگاه	Inconscient
ناقص	Imparfait , Incomplet
نامحدود	Infini, Illimite
نتیجه	Consequence
نسبت	Rapport , Relation
نظری	Speculatif , Théorique
نفس	Ame , Soi , Conscience
نفس	Ame , Soi
نفسانی	Affectif
نفسانیات	Affection , Passions
نفی	Negatoin
نقادی	Critique
نقص	Imperfection
نوع	Espece
واجب	Necessaire
وجدان	Intuition , Conscience
وجوب	Necessité
وجود	Etre Existence,Substance
واحد	Unite un
وحدت	Unité
وحدتی	Moniste
وحدت وجود	Pantheisme
وهم	Imagination
همبودی (مقارنه)	Simultaneité
همه خدایی	Panthéisme
هیولی(ماده)	Matiére
یقین	Convicton , Certitude
یکتاپرست	Monothéiste
یك حقیقتی	Monite
یکی‌گو	Moniste , Monoteiste

استادان و معلمین فلسفه ومنطق

امیرهوشمند، دکترفتح‌الله. استادفلسفهٔ آموزش وپرورش دانشسرای عالی.

بقائی‌کرمانی، دکتر مظفر. دانشیار گروه فلسفهٔ دانشکدهٔ ادبیات.

حایری، مهدی. معلم گروه‌فلسفهٔ‌دانشکدهٔ ادبیات.

جلیلی، دکترسید محمدحسن. دانشیار گروه فلسفهٔ دانشکدهٔ ادبیات.

خوانساری دهکردی، دکترمحمد.دبیر گروه فلسفهٔ دانشکدهٔ ادبیات.

دانش پژوه، دبیردرایه‌دانشکدهٔ معقول ومنقول.

داودی، دکترعلیمراد. دبیر گروه‌فلسفهٔ دانشکدهٔ ادبیات.

راشد، حسینعلی. مدیر گروه (فلسفه و حکمت‌اسلامی) واستاد دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی.

سپهری، دکتر برزو. دانشیار اخلاق، متون فلسفی دانشکدهٔ ادبیات.

شفق، دکترصادق. استاد فلسفهٔ جدید دانشکدهٔ ادبیات.

شهابی، محمود. استاد فلسفه واصول دانشکدهٔ معقول و منقول.

صدیق اعلم، دکترعیسی، استادفلسفه وآموزش و پرورش دانشگاه.

صدیقی، غلامحسین. استاد تاریخ فلسفهٔ دانشکدهٔ معقول و منقول.

صناعی، دکتر محمود. استاد فلسفه.

عصار، محمدکاظم. استادکلیات منطق وفلسفه دانشکدهٔ ادبیات.

علی‌آبادی، دکتراحمد. دانشیار فلسفهٔ آموزش و پرورش دانشسرایعالی.

عمید، دکترموسی. استاد تاریخ فلسفهٔ دانشکدهٔ معقول و منقول.

فاضل‌تونی، محمدحسین. استاد فلسفه قدیم دانشکدهٔ ادبیات.

فردید، دکترسیداحمد. دبیر گروه فلسفهٔ دانشکدهٔادبیات.

فروزانفر، بدیع‌الزمان. استاد تاریخ فلسفه‌دورهٔ‌دکتری‌دانشکدهٔ معقول‌ومنقول.

کیان، دکتر غلامرضا. دانشیار تاریخ عقاید سیاسی دانشکدهٔ حقوق.

مجتهدی، دکتر کریم. دبیر گروه‌فلسفهٔ دانشکدهٔ ادبیات.

مجید شیبانی، دکترنظام‌الدین. استاد تاریخ تمدن دانشکدهٔ ادبیات.

مدرس رضوی. استاد فلسفهٔ دورهٔ دکترای دانشکده معقول و منقول.

مشکور، دکتر محمدجواد. دانشیار سازمان تربیت معلم دانشکدهٔ ادبیات.

موسوی نسل ادیب، محمدحسین. معلم کلام(فلسفه)منطق‌دانشکدهٔ معقول‌ومنقول.

مهدوی، دکتر یحیی. استاد فلسفه دانشکدهٔ ادبیات.

نصر، دکتر سیدحسین. رئیس‌کتابخانهٔ دانشکده و استادگروه فلسفه دانشکدهٔ ادبیات.

نوربخش، سیدکمال‌الدین. دبیرمنطق (کلام) دانشکدهٔ معقول و منقول.

هاشمی،محمدباقر، معلم منطق دانشکدهٔ معقول ومنقول.

منطق نظری

Logique

تعریف منطق وتقسیمات آن

درقدیم درتعریف منطق میگفتند: عبارت است از «علم به حقیقت» یا «حقیقت‌شناسی» امااین‌تعریف نارساست زیراکارمنطق بررسی و تعیین روشهایی است‌که سایرعلوم برای وصول‌به‌حقیقت باید به‌کار برند. منطق را «علم قوانین ذهن» نیزخوانده‌انددرحالی‌که بحث منطق از ذهن برای آن است‌که عملیات آن را تحت‌اصول وقوانین‌معین درآورد وچنان‌کند که جریان افکار برطبق آن قوانین صورت‌گیرد. در تعریف منطق بایدگفت:«عبارت‌ازعلم‌درست‌اندیشیدن» یا «مجموع قواعد وقوانینی است‌که مراعات آنها ذهن را ازخطا درفکر مصون می‌دارد» یا «علمی است‌که از قوانین ذهن آدمی درمناسبات آن با حقیقت بحث میکند» ولی ازآنجاکه حقیقت عبارت‌است ازموافقت ذهن هم باخود وهم با موادی‌که موضوع فعالیت آن واقع‌می‌شوند منطق دوقسمت خواهد داشت: **منطق نظری** یا **صوری ومنطق عملی** یا **روش شناسی**.

تصورات.

تمام «منطق نظری» تابع یك اصل کلی است وآن عبارت است ازمبدأهویت که دراین جمله خلاصه می‌شود «حمل شیئ برنفس ضروری‌است» یا «هیچ‌چیز نمی‌تواند جزآنچه‌هست باشد» ازاین‌رو هربرهان قیاسی که‌طبق اصول‌معین‌صورت گرفته باشد نتیجه‌اش‌را ذهن ما ناچار درست و معتبر خواهد دانست. منطق نظری ازهمهٔ ادراکات‌بحث‌نمی‌کند بلکه تنها سه‌کیفیت‌رامورد گفتگو قرارمی‌دهد که عبارتنداز: تصوروتصدیق و استدلال.

تصور: عبارت ازصورتی است‌که ازچیزی در ذهن حاصل می‌شودبی‌آنکه به ایجاب یاسلب‌اسنادی به‌آن داده‌شود.

اقسام تصورات: تصورات را به اعتبار مبدأ وموضوع وارزش علمی و مفهوم وکمیت یامصداق‌وکیفیت می‌توان تقسیم‌کرد.

الف ــ تصورات به‌اعتبار اصل و مبدأ که یاضروری وبدیهی هستند ویا نظری وکسبی.

ب ــ به‌اعتبار موضوع‌که یا ذوات را می‌رسانند، یا ازحالاتند و توسط صفات بیان‌می‌شوند.

ج ــ به‌اعتبار ارزش‌علمی، که یا روشن ومتمایزند ویاتاریك‌وغیرمتمایز.

د ــ به‌اعتبار مفهوم، که یا بسیط هستند یا مرکب.

هـ ــ به اعتبارکیفیت، که‌یا مثبت هستند ویامنفی زیرا یا برحضور صنعتی دلالت می‌کنند ویا عدم حضورآنرا می‌رسانند.

و ــ به‌اعتبارکمیت یا مصداق‌یعنی ازنظر فرد یا افرادی‌که شامل می‌شوند برسه‌گونه‌اند: جزیی‌حقیقی‌وجزیی‌اضافی وکلی.

کلیات خمس:

منطقیان معانی‌کلی یا تصورات‌کلی را ازپنج‌قسم‌خارج‌ندانسته آنها راکلیات خمس خوانده‌اند این کلیات عبارتنداز:

۱ ــ **جنس**، کلی است‌که دلالت‌کند بر افرادی‌که دارای حقیقت مختلف هستند.

۲ــ **نوع**، حقیقت‌کلی‌است‌که دلالت کند برافرادی‌که ازحیث‌حقیقت متفق هستند.

۳ــ **فصل**، که یاممیزجوهری‌نوع،از جنس‌است ویا ممیزانواع یك‌جنس‌است.

۴ــ **عرض‌خاص**، ممیزعرضی است که اختصاص‌به یك نوع دارد.

۵ ــ **عرض‌عام**، ممیز عرضی‌است مشترك میان دویا چندنوع.

مفهوم و مصداق: درهرکلی دو امر تشخیص داده‌می‌شودکه عبارتند از:

۱ ــ **مفهوم**، عبارت از مجموع صفات مشترکی است‌که معنی‌کلی ازآنها تشکیل‌گردیده است.

۲ ــ **مصداق**، برهمهٔ افرادی‌گفته می‌شودکه می‌توانند تحت عنوان آن‌کلی قرارگیرند.

مقولات عشر

موجودات عالم یا جوهرند یا عرض. جوهر ماهیتی است که درمرحلهٔ وجود، ازموضوع بی‌نیاز باشد وعرض درست برعکس آن، یعنی احتیاج بـه موضوع دارد وجودش بسته به‌آن است. به‌گفتهٔ ارسطو نه قسم عرض وجود دارد که عبارتند از:

۱ـ **کم**، که‌عرضی‌است‌قابل تقسیم.

۲ـ **کیف**، عرضی‌است غیرقابل‌تقسیم که یا محسوس است یا غیر محسوس.

۳ـ **این**، هیئت چیزی است از بودن درمکان.

۴ـ **وضع**، هیئتی‌است کـه چیزی به‌خود گرفته است.

۵ـ **ملك**، نسبتی است‌که چیزی به چیزی دیگر دارد.

۶ـ **متی**، بودن چیزی است در زمان معین.

۷ـ **فعل** یا ان‌ینفعل، تأثیرچیزی است در چیزی دیگر.

۸ـ **انفعال یا ان‌ینفعل**، تأثیرـ پذیری چیزی است از چیزی دیگر.

۹ـ **اضافه**، ماهیتی است‌که‌تصور آن منوط به تصور چیزی دیگراست.

جوهر واین نه عرض **مقولات عشر** را تشکیل می‌دهند.

لفظ ومعنی

بحث منطقی با لـذات از معانی و بالعرض ازقالب آنها، یعنی‌الفاظ است توضیح‌آنکه تصورات یا معانی اموری هستند نفسانی، یعنی‌مجرد وغیرمحسوس، و فقط معلوم ذهنی هستند که عارض‌آن شده‌اند، ازاین‌رو مردمان برای آگاهی ازما فی‌الضمیر یکدیگر ناچارند از اینکه علایمی محسوس به‌کار برند که بر آن معانی دلالت داشته باشند؛ معنی غیرمحسوس **مدلول**، وچیزمحسوس که علامت آن است **دال** خوانده می‌شود.

اقسام دلالات: دلالت بر سه‌قسم است:

۱ـ **وضعی**، که‌مبنای آن غالباً‌وضع وقرارداد است.

۲ـ **طبعی**، کـه طبیعت سبب دلالت است.

۳ـ **عقلی**، که عقل حکم به دلالت می‌کند.

هریك ازاین دلالت‌ها نیز یا لفظی است یا غیرلفظی بنابراین دلالت شش قسم خواهد بود:

۱ـ دلالت وضعی لفظی.

۲ـ دلالت وضعی غیرلفظی.

۳ـ دلالت طبعی لفظی.

۴ـ دلالت طبعی غیرلفظی.

۵ـ دلالت عقلی لفظی.

۶ دلالت عقلی غیرلفظی.

بعضی ازعلمـای منطـق، تضمن و التزام را دلالت عقلی لفظی می‌دانند.

تضمن، دلالت لفظ‌است‌برجزء‌معنای آن. **التزام**، دلالت لفظ است بـرغیر ازآنچه برای آن وضع شده ولی با آن ملازمت دارد.

تعریف و تقسیم

تحلیل تصوراز‌لحاظ مفهوم، **تعریف** خوانده می‌شود و تحلیل آن از لحاظ مصداق، **تقسیم** نام می‌گیرد. تعریف یك تصور به‌وسیلهٔ‌تصورات‌دیگری‌که معلومند صورت می‌گیرد که این تصورات معلومه **معرف** یا **قول‌شارح** نام دارند ویکی از دو رکن اصلی منطق هستند. رکن‌دیگر این فن **حجت** یعنی معلومات تصدیقی است‌که ما را درراه‌کشف مطالب مجهول رهبر واقع می‌شوند.

معرفت یا **قول‌شارح**: معرف چهار قسم است:

۱ـ **حدتام**، معرفی کـه معنی را روشن و متمایز بسازد و آن‌مرکب است‌ازجنس بعید و فصل قریب.

۲ـ **حدناقص**، تعریفی‌است‌که‌مرکب باشد از جنس‌بعید وفصل قریب.

۳ـ **رسم تام**، مرکب‌است ازجنس بعید وعرض خاص.

۴ـ **رسم ناقص**، مرکـب است از جنس بعیدوعرض خاص.

شرایط تعریف

باید دانست که فقط چیزهایی قابل تعریفندکه مرکب باشند ودر تعریف سه قاعده یاسه‌شرط نیز باید رعایت شود که عبارتند از:

۱ـ تعریف باید حتی‌الامکان‌کلی و به‌وسیلهٔ حدتام باشد.

۲ـ تعریف در عین کلیت بـایـد اختصاصی معرف باشد یعنی «تعریف‌باید جامع ومانع باشد».

۳ـ تعریف باید حتی‌المقدور از ذاتیات فراهم آیدنه‌از عرضیات، و در تعریف‌باید ازبه‌کار بردن‌مجاز واستعاره والفاظ غریب ومشترك خودداری شود.

تصدیقات (قضایا)

تصدیق‌یاحکم ذهنی عبارت است‌از دریافتن وبرقرارکردن رابطهٔ میان دو تصور. تعبیرلفظی تصدیق **قضیه** خوانده می‌شود وآن مرکب ازسه جزء است: محکوم علیه، محکوم‌به ونسبت‌حکمیه.

تقسیم‌تصدیقات: تصدیقات‌رامیتوان به‌شش دسته تقسیم‌کرد:

۱ـ **به‌حسب مفهوم**: تصدیقات یاتحلیلی‌هستندیاترکیبی، تصدیق‌تحلیلی‌است وقتی‌که‌محکوم‌به‌آن‌جزء مفهوم‌محکوم‌ـ علیه باشد. تصدیق ترکیبی‌است‌هنگامی که «محکوم به» جزء مفهوم محکوم‌علیه نیست بلکه معنی‌تازه‌ای است‌که بـرآن اضافه شده است.

۲ـ **به حسب مصداق یاکمیت:** تصدیقات یاکلی هستند یاجزیی یاشخصی. کلی در صورتی است‌که محکوم علیه همهٔ مصداقش منظور است. جزیی آن است که قسمتی‌ازمصداق محکوم علیه درنظر است شخصی آن‌است‌که مصداق‌محکوم‌ـ علیه منحصر به‌فرد باشد.

۳ـ **به حسب‌کیفیت**: بـرحسب اینکه محکوم به‌را به‌محکوم علیه‌استناد بدهند، یـاازاوسلب‌کنند ایجابی‌یاسلبی هستند.

۴ـ **به‌حسب‌کیفیت‌وکمیت‌تواماً:** تصدیقات چهارگونه‌اند:

کلی‌ایجابی، کلی سلبی، جزیـی ایجابی، جزیی‌سلبی.

۵ـ **به‌حسب اضافه**: تصدیقات سه‌گونه‌اند: حملیه‌ـ شرطی‌متصل‌ـ شرطی منفصل.

۶ـ **به‌حسب جهت**: تصدیقات‌سه قسمند: یـا ضروری ذاتی هستند، یا ضروری‌به‌شرط محمول هستند ویاامکانی وشکی.

قضایایی که‌درعلوم معتبرند.عبارتنداز: **موجبهٔ‌کلیه و سالبهٔ‌کلیه و موجبهٔ جزئیه و سالبهٔ جزئیه**.

حجت (استدلال)

تصدیقات‌معلومی‌که ذهن‌رابه‌تصدیق مجهولی میرسانند دلیل یاحجت خوانده می‌شوندکه‌رکن دوم فن‌منطق است.حجت برسه قسم است.

۱ـ **قیاس**: به آنگونه استدلال

گویند که ذهن را از حکمی کلی به حکمی جزیی ، یا از اصل به نتیجه و از قانون بـه موارد اطلاق آن میرساند .

۲ ـ **استقرا :** به استدلالی گویند که ذهن را از امور جزیی به قوانین و اصول کلی رهبری کند ، یعنی سبب شود که ذهن از جزیی به کلی پی ببرد .

۳ ـ **تمثیل :** استدلال از حکم جزیی به حکم جزیی دیگر است .

مشابهت که پایهٔ استدلال تمثیلی است بر دو گونه است زیرا یا میان دو دسته از امور است و یا مربوط به نسبتی است کـه میان دو امر یا دو دسته از امور برقـرار است .

عکس و تقابل

استنتاج : بر دو گونه است بیواسـطه و باواسطه . استنتاج بیواسطه یـا مستقیم آن است که از قضیه‌ای مستقیماً قضیهٔ دیگری بیرون آید .

استنتاج باواسطه، یا قیاس آن است که برای رسیدن از قضیهٔ اول به قضیهٔ آخر یا نتیجه ، متوسطی لازم باشد .

استنتاج مستقیم دو شکل دارد : **عکس و تقابل** و عکس نیز خود بر دو نوع است :

۱ ـ **عکس مستوی** ، آن است کـه مـوضوع قضیه‌ای را محمول و محمول را موضوع سازیم بر وجهی که به ارزش قضیه خللی نیاید . قضیهٔ نخست را اصل و قضیهٔ تازه را عکس می‌نامند .

۲ـ **عکس نقیض** ، به نظر منطقیان متأخر عبارت از آن است که نقیض محمول را موضوع قـرار دهند و عین موضوع را محمول کنند .

تقابل : آن است کـه از قضیهٔ معین صدق یا کذب قضیهٔ مقابل آن گرفته شود. قضایای متقابل یا غیر متوافق چهار گونه اند؛ متناقضان ــ متضادتان ــ داخلتان تحت تضاد ــ متداخلان.

۱ ــ دو قضیه **متناقضند** هر گاه هم در کم وهم در کیف مختلف باشند .

۲ــ دو قضیه **متضادند** هر گاه هر دو **کلیه** باشند وفقط در کیف بـاهم اختلاف داشته باشند .

۳ ــ دو قضیه **داخل در تحت تضاد** هستند وقتی که هر دو جزئیه باشند وفقط در کیف اختلاف داشته باشند .

۴ ــ دو قضیه **متداخل** هستند وقتی که فقط در کم باهم اختلاف داشته باشند و در این حال چهار صورت پیش می‌آید .

الف ـ کلیه صادق است وجزئیه هم به طریق اولی صادق است .

ب ــ کلیه کاذب است وجزئیه شاید صادق باشد وشاید کاذب .

ج ـ جزئیه کاذب است وکلیه هم به طریق اولی کاذب است .

د ـ جزئیه صادق است وکلیه شاید صادق باشد وشاید کاذب .

اقسام قیاس

۱ ــ **قیاس اقترانی :** که نتیجه یا نقیض نتیجه بالفعل درمقدمات مـذکور نباشد و بر دو گونه است ، یا حملی است یا شرطی . حملی درصورتی است که فقط از قضایای حملیه تألیف یافته باشد؛ درغیر اینصورت شرطی خواهد بود

۲ ــ **قیاس استثنایی :** که نتیجه یا نقیض نتیجه بالفعل درمقدمات مذکـور باشد وآن بر دو گونه است .

۱ـ **قیاس استثنایی متصل** که مقدمهٔ اول در آن شرطی متصل باشد .

۲ـ **قیاس استثنایی منفصل** که مقدمهٔ اول آن شرطی منفصل باشد .

اشکال چهارگانهٔ قیاس

شکل قیاس عبارت از موقعیتی است که حد اوسط نسبت به دو حد دیگر یعنی اصغر واکبر دارد وچون برای حد اوسط درمقدمات چهار مـوقعیت مختلف متصور است ازاین رو قیاس دارای چهار شکل خواهد بود که عبارتند از :

۱ ــ وقتی که حـد اوسط در صغری محمول ودر کبری موضوع باشد .

۲ـ وقتی که حد اوسط در هر دو مقدمهٔ محمول باشد .

۳ـ وقتی که حد اوسط در هر دو مقدمهٔ موضوع باشد .

۴ ــ وقتی که حد اوسط در صغری موضوع ودر کبری محمول باشد.

ازاین چهار شکل فقط سه شکل اول طبیعی و نزدیك به ذهن ، وازاین سه شکل اول بدیهی الانتاج است وکاملترین و بهترین انواع قیاس بشمار میرود .

ضرب : ضرب از چگونگی ایجاب وسلب وکلی وجزیی بودن مقدمات نسبت به یکدیگر حاصل میشود ، ازضرب چهار حالت صغری در چهار حالت کبری ۱۶ حالت به وجود میآید که هریك ازآنها را ضرب نامند وچون هر شکلی را ۱۶ ضرب است مجموع ضربهای هـمهٔ اشکال ۶۴، میشود که بسیاری از آنها عقیم‌اند و نتیجه‌ای ازآنها حاصل نمیشود .

صناعات خمس

قیاس را به اعتبار ماده پنج قسم دانسته‌اند وآنها را صناعات خمس خوانده‌اند. این صناعات عبارتند از :

۱ ــ **برهان :** درصورتی که همـهٔ مقدمات قیاس از امور یقینی باشند آن قیاس را برهان خوانند و یقینیات شش گونه‌اند؛ اولیات ـ مشاهدات ـ مجربات ـ حدسیات ـ متواترات ــ فطریات .

۲ ــ **جدل :** قیاسی راگویند کـه مقدماتش از مشهورات ومسلمات مشهورات قضایایی هستند که همه یا بیشتر مردم به آنها اعتراف دارند ومی‌پذیرند، مسلمات مشهورات قضایایی هستند که در جای دیگر به اثبات رسیده‌اند یا طرف مقابـل قبول دارد ولـو آنکه مورد انکار متکلم باشند.

۳ ــ **خطابه :** قیاسی است کـه مقدماتش مرکب از مقبولات ومظنونات باشد ، مقبولات قضایایی هستند که نه از روی قطع ویقین بلکه ازروی ظن وگمان مورد تصدیق ذهن واقع میشوند .

۴ـ **شعر :** قیاسی است که از مخیلات مرکب باشد ، مخیلات قضایایی هستند که اگرچه مورد اعتقاد وایمان شخص نیستند ولی متأثر ومنفعلش میسازند وعواطفش را برمی‌انگیزند .

۵ ــ **مغالطه :** قیاسی است کـه مقدمات آن مرکب ازوهمیات وشبهات باشد وهمیات قضایایی هستند که به واسطهٔ قیاس با امـور محسوس و یقینی مسلم پنداشته شوند وحال آنکه درستی آنها مورد تصدیق عقل نیست، مشبهات نیز به واسطهٔ مشابهت باقضایای صـادقه خـود صادق انگاشته می‌شوند درصورتی که کاذبند . خطاها یعنی افکاری که باواقع مطابقت ندارند وباعث مغالطه میشوند یا از روی قصد واختیار سرمیزنند یا ازروی قصد واختیار نیستند.

بیکن این خطاها را **بت** میخوانند و چهار گونه می‌داند ، ازاین قرار :

۱ ــ **بت‌های طایفه‌ای :** یعـنی خطاهایی که ناشی از طبیعت نوع بشر هستند تصادفات را علت واقعی امور پنداشتن وقیاس به نفس کردن ازاین گونه خطاهـا هستند.

۲ــ **بت‌های شخصی :** یعنی خطا ـ

هایی که‌ناشی ازشخصیت اختصاصی‌افراد انسانی هستند .

۳ ـ بت‌های میدانی یابازاری : یعنی‌خطاهایی‌که درنتیجهٔ‌اجتماع‌مردمان و معاشرت آنان بایکدیگر پیداشده‌اند

۴ ـ بت های نمایشی : یعنی خطاهایی‌که ازتعالیم فیلسوفان ومشاهیر جهان ناشی‌هستند .

علل عمده‌ای کـه موجب سفسطه میشوند عبارتند از :

۱ ـ اشتراك واجمال درالفاظ .

۲ ـ ترکیب‌الفاظ به‌وجهی که‌موجد فساد گردد و آن یا به صورت ترکیب معضل ویابه صورت تفصیل مرکب است.

۳ ـ ابهام انعکاس و آن‌هنگامی‌است که‌قضیهٔ‌کلیه‌ای را منعکس‌کرده مقدمـهٔ قیاس قراردهند ، درصورتی که عکس‌آن قضیه صادق نباشد .

۴ ـ تجاهل نسبت به‌موضوع،یعنی سعی در اثبات چیزی کـه مورد بحث نیست .

۵ ـ مصادره‌به‌مطلوب‌و آن‌درصورتی است که‌چیزی‌راکه اثباتش موردنظراست ثابت‌شده، پندارند .

منطق عملی

معرفت حسی و معرفت سطحی و معرفت علمی : نخستین‌گامی که انسان درراه شناخت ومعرفت جهان برمیدارد به‌واسطهٔ حواس ظاهره است .

عمل‌طبیعی این‌حواس احساسات و صوری حاصل‌می‌کنندکه باهم‌ترکیب‌شده وبرروی هم‌مرحلهٔ نخست علم را تشکیل داده و **معرفت حسی** نام میگیرند . اما آدمی به‌این مرحلهٔ ابتدایی علم قناعت نمیکند ، بلکه قوهٔ اندیشهٔ خودرا نیز به‌کار می‌اندازدتا روابط‌امور را دریابد این‌تحقیق اگر برپایه‌ای‌کافی‌استوارنباشد و‌به‌ترتیب‌صحیح‌وروش‌علمی صورت‌نگیرد **معرفت سطحی**یاعامیانه ودرغیراینصورت **معرفت علمی** را نتیجه میدهد بنابراین وقتی‌که ذهن ازمعرفت‌حسی امورتجاوز کرده وبه علل‌قوانین آنها دست یـافت گوییم به‌مقام معرفت علمی نایل‌گردیده است .

معرفت علمی‌سه‌خاصیت ممتازدارد که عبارتست از :

تحویل‌کثرت به وحدت ـ تحویل جزیی به‌کلی ـ تحویل ممکن‌به‌واجب .

تعریف علم

علم‌عبارت‌است‌ازمساعی‌منظم‌ومستمر ذهن برای‌کشف علل‌وقوانین بایکدیگر به‌وجهی که تشکیل یك سیستم‌بدهند .

علت و معلول : ماهیچ امری را موجه نمیدانیم مگرآنکه کیفیت ماقبل آن راکه شرط واجب آن است مکشوف بداریم این‌کیفیت علت‌نام دارد. نشانهٔ علت این است‌که ظهور نمیکند ، تغییر نمی‌یـابد و ناپدید نمیشود مگر آنکه معلولش نیز به‌تبع‌اوظاهرشود، تغییریابد، یا ناپدیدگردد .

قانون یا ناموس طبیعی : عبارت است ازنسبت ثابت و واجبی‌که علت و معلول‌را به‌هم مربوط می‌سازد .

سیستم : عبارت است از مجموعـهٔ اجزاء وعناصری‌که وابسته به‌یکدیگرند و برروی هم چیز واحـدی را تشکیل میدهند .

طبقه‌بندی علوم

درقدیم یك‌علم بیشتر وجودنداشت وآن‌فلسفه یاحکمت‌خوانده میشد وشامل همهٔ علوم‌بود. توسعهٔ معلومات بشرتجزیه علوم‌را ایجاب‌کرد و این‌مرتبه به‌تدریج صورت‌گرفت . طبقه‌بندیهایی‌که از علوم شده همگی ناقصند زیرا طبقه‌بندی‌کامل درصورتی میسر خواهد بودکه علوم‌بـه درجهٔ‌کمال‌خودرسیده باشند وچیزی‌باقی نمانده باشدکه‌آدمی آن‌راندانند. طبقه‌ـ بندیهایی‌که در زمان‌باستان ، ارسطو و رواقیان و در قرون وسطی مدرسیون Scolastiques از علوم کرده‌اند ، نظر به‌محدودیت معلومات درآن ادوار نقص فراوان دارند . طبقه‌بندی‌های دورانها جدید ومعاصربسیار متعددندولی‌می‌توان همهٔ‌آنهارا به‌سه‌طبقه‌بندی معروف به‌شرح زیرتحویل نمود :

الف ـ **طبقه‌بندی بیکن :** بیکن علوم‌را ازنظرقوای‌ذهنی تقسیم‌بندی‌کرد وچون به‌اعتقاد اوقوای‌ذهنی عبارتنداز: حافظه ومتخیله و عقل ، علوم وابستهٔ به آنهانیز برسه‌گونه خواهندبود . طبقه‌ـ بندی زیرمنسوب به بیکن است .

طبقه‌بندی‌علوم ازروی قوای نفسانی

۱ ـ حافظه : تاریخ

طبیعی، مدنی، سیاسی، مذهبی

۲ ـ متخیله : هنرهای زیبا

شعر، موسیقی.
نقاشی، پیکرسازی (حجاری).

۳ ـ عقل : فلسفه

طبیعت،فیزیك،ریاضیات،بیولوژی‌ـ انسان،روانشناسی،منطق،اخلاق‌خدا، فلسفهٔ‌اولی ، الهیات.

ب‌ـ **طبقه‌بندی اگوست‌کنت‌ـ** وی علوم را ازنظرعینی یاخارجی طبقه‌بندی کرده معتقد است که‌ظهوروتوسعهٔ‌تدریجی علوم‌برطبق‌اصل«ترکیب متزاید وکلیت متنازل»صورت‌گرفته‌وشش‌علم اصلی‌به‌این ترتیب تشکیل گردیده است :

۱ ـ ریاضیات ۲ ـ نجوم
۳ـ فیزیك ۴ـ شیمی ۵ـ زیست‌شناسی
۶ـ جامعه شناسی .

ج ـ **طبقه بندی آمپر :** وی در طبقه‌بندی‌علوم‌هم‌به‌موضوعات مختلف‌آنها وهم به‌اینکه آن موضوعات به‌چه اعتبار ملحوظ هستند نظرداشته است ، وعلوم‌را به‌دودستهٔ بـزرگ تقسیم میکند ، علوم مربوط به‌ماديات ، یاعلوم جهانی وعلوم مربوط به‌معنویات یاعلوم عقلانی ، و از آنجاکه هریك ازاین‌موضوع‌ها شاید از چهار جهت مختلف منظور باشند هریك چهاردسته ازعلوم را ایجاد میکند . از یك‌سو علوم ریاضی و فیزیك‌وطبیعی و طبی واز سوی دیگر علوم فلسفی و علوم مربوط به‌لغت وادب . علوم‌سیاسی وعلوم نژادی‌که هریك ازاین‌علوم نیز به‌چهار دسته‌تقسیم وهرقسمت به‌چهار علم دیگر منشعب می‌شود به قسمی‌که بر روی هـم ۱۲۸ علم مخصوص‌که‌شامل‌همهٔ معلومات بشری است‌موجودخواهدبود. عیب‌بزرگ این‌طبقه‌بندی اصرار زیادی است‌که در تقسیم‌چهار به‌چهار علوم‌به‌خرج داده‌شده است .

طبقه‌بندی معمول : درساده‌ترین وکلی‌ترین طبقه‌بندیهای علوم آنهارا به سه‌دسته بزرگ‌به‌شرح‌زیرتقسیم می کنند:

۱ ـ علوم ریاضی کـه موضوعشان اندازه‌گیری مقادیر است .

۲ ـ علوم فیزیك و شیمی و طبیعی که ازخواص‌کلی ماده وازکیفیات‌مربوط به‌حیات بحث میکنند .

۳ ـ علوم اخلاقی‌کـه موضوعشان انسان است ، خواه فی‌نفسه ، خـواه در مناسباتی‌که باهمنوعان دارد و خواه در

نشو و نما و تصورات او در اعصار مختلف.
مزیت این طبقه‌بندی‌ها این است که با هیچیك از آنها منافات ندارد.

روش علوم

برای اینکه بتوانیم در مطالعه و تحقیق امور زودتر و مطمئن‌تر به نتیجه مطلوب برسیم باید راههای معینی را تعقیب و از قواعد خاصی پیروی کنیم. مجموع راهها و قواعدی که در هر علم به کار می‌رود طریق یا روش آن علم نام دارد.

اهمیت و لزوم روش نمی‌تواند مورد انکار باشد زیرا تحقیقات اگر از روی ترتیب و قاعدهٔ صحیح نباشد یا بی‌نتیجه خواهد ماند یا خسته‌کننده خواهد بود. چند قاعدهٔ مهم اساسی وجود دارد که مبنای همهٔ روش‌ها بوده و رعایت آنها در هر گونه تحقیق علمی ضرورت دارد، این قواعد همان دستورهای چهارگانه **دکارت** است و عبارتند از:

۱ ـ **بداهت**: دستور نخست دکارت این است: «هیچگاه نباید هیچ چیز را به عنوان حقیقت پذیرفت مگر اینکه روشن و بدیهی باشد یعنی وجدان آن را به شهود دریابد».

۲ ـ **تحلیل**: دستور دوم دکارت این است که: باید هریك از مسائل و مشکلات را تا آنجا که ممکن است به اجزای کوچکتر تجزیه کرد و هریك را جداگانه مورد بررسی قرارداد و حل کرد.

۳ ـ **ترکیب**: دستور سوم دکارت به این عبارت است: «باید افکار خود را به ترتیب به کار انداخت و از ساده‌ترین و آسان‌فهم‌ترین آنها امور را آغاز کرد و به تدریج خود را به معرفت پیچیده‌ترین و مرکب‌ترین آنها رسانید» ترکیب مکمل تحلیل برای آن است که برساند چگونه روابط و بستگی اجزا وجود امر ملحوظ را نتیجه میدهند.

۴ ـ **شمارهٔ امور و استقصا**: شمارهٔ امور باید چنان کامل، و بازدید مسایل چنان کلی و جامع باشد که اطمینان حاصل شود که چیزی از نظر دور نمانده و فراموش نشده است.

روش علوم ریاضی

علوم ریاضی یقینی‌ترین علوم هستند حقایقی که توسط برهانهای ریاضی به دست می‌آیند کلی و ضروری‌اند، موضوع ریاضیات عبارت از تعیین بستگی و روابطی است که مقادیر با یکدیگر دارند یا به عبارت دیگر کار ریاضیات اندازه‌گیری مقادیر، یعنی اعداد و اشکال و حرکات است. علوم ریاضی فقط موجب پرورش ذهن نمی‌شوند بلکه چون کلی‌ترین قوانین جهان را که مربوط به مقدار و فضا هستند بدست می‌دهند فواید عملی نیز دارند.

مبادی و استدلال: در هر روشی دو چیز متمایز تشخیص داده می‌شود: یکی مبادی یا اصول و دیگری استدلال. مبادی و اصول در علوم ریاضی عبارتند از:

۱ ـ **علوم متعارفه**: «علم یا اصل متعارف» قضیه‌ای است خود به خود بدیهی، که نسبتی ضروری را بین مقادیر نامعین بیان میکند و از آنجا است که فقط قضایایی تحلیلی خواهند بود.

۲ ـ **اصول موضوعه**: حقایقی هستند که مقبولیت عامه دارند ولی بداهت و وجوب اصول متعارفه در آن‌ها نیست.

۳ ـ **تعاریف**: تعریف قضیه‌ای است که ذاتیات یا ماهیت چیزی را برساند. تعاریف ریاضی آنهایی هستند که دربارهٔ مقادیر و اشکال بیان معانی کلی میکنند و بدین وسیله ذاتیات مقادیر را میرسانند یا خاصیتی را که ممیز آنها از یکدیگر است تعیین میکنند.

برهان: استدلال معمولی در ریاضیات آن است که از مبادی و اصول کلی معین نتایج قطعی و یقینی بیرون میآورد این گونه استدلال، قیاس خوانده میشود و از آنجا که مقدمات این قیاس از مبادی قطعی و یقینی یا از قضایای ضروری ترکیب یافته‌اند آن را باید برهان نام داد.

پس استدلال معمول در ریاضیات برهان است.

تحلیل و ترکیب در برهان ریاضی: برهان ریاضی یا به وجه تحلیل و یا به وجه ترکیب صورت میگیرد. درصورتی به وجه تحلیل است که از مجهول به معلوم رود و درصورتی به وجه ترکیب است که از معلوم متوجه مجهول گردد.

برهان خلف: همان برهان تحلیلی است که به طور غیر مستقیم صورت میگیرد. به این معنی که بطلان نقیض قضیهٔ مطلوب را مدلل میدارد.

روش علوم مربوط به طبیعت

چون اموری که موضوع علوم طبیعت هستند وجودشان درخارج برای ما محرز و مشخص است باید تحقیق در آنها را از مشاهده آغاز کنیم و از طریق استدلال استقرایی قوانینی را که حاکم بر آنهاست مکشوف داریم و از آن قوانین به وسیلهٔ استدلال قیاسی نتایجی بیرون آوریم.

پس روش تحقیق با استقرا آغاز میشود و استقرا خود سه مقدمه دارد که عبارتند از: مشاهده، تجربه، ساختن فرضیه.

به طور کلی روش علوم را میتوان مشتمل بر شش مرحله دانست، بدین قرار:

۱ ـ مشاهده ۲ ـ طبقه‌بندی امور ۳ ـ ساختن فرضیه ۴ ـ تجزیه ۵ ـ استقرا ۶ ـ قیاس.

۱ ـ **مشاهده**: عبارت از آن است که حواس ظاهره را از روی دقت و فهم برای شناختن طبیعت به کار بریم. برای آنکه مشاهدهٔ علمی درست صورت گیرد باید چند وسیلهٔ مادی و معنوی در اختیار داشت، وسایل مادی یا طبیعی هستند یا مصنوعی، وسایل طبیعی مانند حواس ظاهره و وسایل مصنوعی مانند آلات و ادواتی که حدود عمل حواس را وسعت میدهند یا بر دقت مشهودات حس میافزایند و یا قائم مقام محقق میشوند و امور مورد مطالعه را به دقت تمام رسم مینمایند.

وسایل معنوی مانند کنجکاوی و دقت صبر و استقامت، فراست و باریك بینی، بیطرفی و بیغرضی.

۲ ـ **طبقه‌بندی**: عبارت از این است که اشیاء و امور از روی مشابهت‌هایی که با یکدیگر دارند دسته دسته شوند. طبقه‌بندی یا مصنوعی است یا طبیعی. طبقه‌بندی مصنوعی است درصورتی که مبنایش فقط چند صفت صوری و نمایان باشند، در طبقه مصنوعی صفات اصلی موجودات و حوادث هرچند که برجستگی نداشته باشند مأخذ کار قرار میگیرند.

۳ ـ **فرضیه**: پس از آنکه امور به دقت مشاهده شدند برای توجیه و بیان آنها پژوهنده از خود چیزی برآنها میافزاید که به حواس نمی‌آید و **فرضیه** نام دارد فرضیه مبداء تجارب علمی است و چنانچه در کار نباشد از مشاهده، هیچ نتیجه علمی حاصل نخواهد شد.

شرایط فرضیه: فرض وقتی جنبهٔ علمی پیدا میکند و فرضیه نام میگیرد که حایز شرایط زیر باشد:

۱ ـ پایه‌اش بر امور واقع گذاشته شده باشد.

۲ ـ قابل تحقیق باشد.

۳ ـ نقیض هیچ امر واقع نباشد.

۴ـ با مبادی مسلم عقلی مخالفت نداشته باشد .

۵ـ بااصول علمی که حقیقت آنها به ثبوت رسیده متناقض نباشد.

۶ـ ساده باشدزیرا احتمال صحت آن خیلی بیشتراست .

۴ ـ تجربه : مشاهدهٔ بررسی و مطالعهٔ امور است، آنچنانکه در طبیعت جریان دارند بدون هیچگونه دخالت و تصرف درمقدمات وشرایط حصول آنها و ساختن فرضیه برای بیان آنها . هرگاه چنین دخل و تصرفی درکار باشد مشاهده تغییر شکل پیدا کرده و تجربه خوانده میشود .

۵ ـ استقرا : استدلالی است که درعلوم مربوط به طبیعت به‌کار میرود و ما به‌وسیلهٔ آن ازامرمعین جزیی خودرا به قانون کلی میرسانیم . این استدلال مرکب‌ازدوعمل است : یکی یافتن‌امری که‌با امر ملحوظ دارای مناسبات‌منظم و ثابت است، یعنی علت. ودیگربرقراری قانون کلی ، یعنی‌تعمیم نتیجهٔ آزمایش.

۶ ـ قیاس : باروش استقراخودرا ازموارد معین‌جزیی به‌قانون‌کلی‌می‌رسانیم وبرای اینکه صحت وقطعیت این قانون را مدلل‌بداریم ، وازآنجاکه این‌قوانین مجرد غیرمحسوسند نخست‌باید به‌استدلال قیاسی بپردازیم سپس‌درستی یا نادرستی این‌مواردرا باتجربه بسنجیم.

روش روان‌شناسی

روش‌تحقیق درروان شناسی‌مشاهده و تجربه است ، ولی در اینجا مشاهـده بردوگونه است : یکی داخلی یا ذهنی، و دیگری خارجی یاعینی روش تـجربی نیز به‌چهار وجه‌صورت‌میگیرد که‌عبارتند از : روش روان و ماده ، روش روان ، وتن ، روش مطالعهٔ بیماریهای روان ، وروش تست. دربه‌کاربستن روش تجربی دواصل مهم باید‌رعایت شود : یکی‌لزوم بیطرفی‌کامل‌آزماینده، که باید ملاحظات خودرا به‌دقت یادداشت‌وثبت‌نمایدوشخصاً از هرگونه دخالت خودداری‌کند. دیگر لزوم تکرار است ، به این معنی که‌چون کیفیات‌نفسانی غالباً بایکدیگرآمیختگی و پیچیدگی دارند نمیتوان به یکی دو تجربه قناعت‌کرد .

روش‌علوم اجتماعی

علوم‌اجتماعی، اجتماعات‌راچنانکه هستند مـورد مطالعه قرار میدهند یـا چنانکه بـاید باشند . از قرن هیجدهم پاره‌ای ازدانشمندان‌به‌این‌فکرافتادند‌که اجتماعات را چنانکه واقعاً بوده و یـا اکنون هستند مطالعه‌کنندوازاین‌مقدمات واقعی خودرا به قوانین‌کلی برسانند ، و در تحقیقات‌روش مشاهده وتجربه استقرا به‌کاربرند.مونتسکیو نخستین‌کسی‌بود که‌به این طریق عمل‌کرد . اوکـوشیده است نشان دهدکه چگونه قوانین و اصولی که در هرجامعه برقرار است متناسب بـا مقتضیات مختلف همان جماعت است از آن پس معلوم شدکه امور اجتماعی هم مانندحوادث‌طبیعی‌دارای قوانین‌مخصوص هستند . این روش‌علمی سبب توسعهٔ علوم اجتماعی‌گردیده وهرشعبهٔ‌آن علم مستقل وسیعی‌تشکیل‌داد که‌مهمترین‌آنها،زبان‌ـ شناسی ، علم حقوق ، علم اقتصاد، حقوق بین‌الملل وسیاست است .

به‌نظر اگوست‌کنت مهمترین علوم اجتماعی ، علم‌به‌قوانین است‌که‌برجوامع حکومت‌دارند وسیرتکاملی‌آنها راهدایت می‌کنند . این‌علم ازطرف واضع‌آن،علم‌ـ اجتماع یاجامعه‌شناسی خوانده شده‌است.

روش جامعه شناسی : جامعه‌شناسی پایه‌اش برمشاهدهٔ امور وآزمایش‌گذاشته شده است . دراینجا چنانچه منظورامور اجتماعی‌گذشته‌باشد؛تاریخ‌وسیلهٔ‌کارخواهد بود و درصورتی‌که منظور اموراجتماعی زمان حال‌باشد؛ جامعه‌شناسی ازعلم‌آمار استفاده میکند .

البته‌مشاهده‌وآزمایش اموراجتماعی مقدمهٔ استقرا خواهند بود و امور پس‌از اینکه با هم سنجیده شدند مـا را توسط استدلال استقرایی به‌قوانین‌کلی‌می‌رسانند.

روش علوم‌تاریخ

چون وقایع‌تاریخی مربوط به‌گذشته هستند وبکلی نابود شده‌اند، برای‌بررسی و مطالعهٔ‌آنهانمی‌توان به مشاهدهٔ مستقیم پرداخت ، بلکه ناچار باید به مشاهدهٔ غیرمستقیم یعنی به‌بررسی‌وتحقیق‌آثاری که ازگـذشته بـاقی مانده است متوسل گردید این آثارگاهی در ذهن پاره‌ای مردمان‌گذاشته‌شده وتوسط بیانشان‌ابراز گردیـده و شهادت نام دارد وگاهی در نوشته و مدارك رسمی وابنیهٔ تاریخی به یادگارباقی‌مانده ومورد استفادهٔ‌مورخان واقع می‌شود .

فلسفهٔ تاریخ: نظریه‌هاوفرضیه‌های‌ـ کلی راجع به‌تاریخ وبه‌قوانینی‌که‌برطبق آنها وقایع جریان دارند فلسفهٔ تـاریخ خوانده می‌شود .



موضوع روانشناسی

روانشناسی Psychologie

کلمهٔ روانشناسی به‌معنای علم‌به‌روح یا روان وشناسایی احوال‌آن‌است .علم‌ـ الروح یا علم‌النفس به ظاهر با مطالعهٔ رفتاروسلوك‌آدمی‌مغایرت ومنافات دارد. امـا در روانشناسی از نفس یا روح یا روان‌معنای دینی‌آن موردنظر نیست‌بلکه مقصود ذهن یا خویشتن افراداست، پس‌در پرتو چنین مقصودی بین مطالعهٔ روح و روان و مطالعهٔ رفتار وسلـوك آدمیان اختلاف و مغایرتی در بین نیست.

روانشناسی عامیانه

که‌درآن‌اعتقاد‌به‌کف شناسی وستاره شناسی وقیافه شناسی وجمجمه‌شناسی‌اساس کاراست وازطرزنگاه‌وظاهرشخص دربارهٔ احوال درونی وروحیات وخصایص افراد قضاوت میشود .

انگیزهٔ روانشناسی

این‌اصطلاح به‌جای‌غریزه‌به‌کارمیرود وآن‌کششی است‌که اساس‌آن تااندازه‌ای موروثی یا حاصل حوایج جسمانی است اما از نظرظهور وبروزتحت تأثیرعوامل محیط قرار میگیرد .

مطالعه ذهن

یا روانشناسی ، این نامگـذاری بنا به اعتقاد عده‌ای است که بعضی از فعالیت‌هارادرداخل نفس یاذهن‌میدانند.

روش‌های مطالعهٔ‌روانی

۱ـ روش‌مشاهده : گرچه مشاهده مقدمه و مرحلهٔ ابتدایی روش‌های علمی

بمراتب دقیق‌تری است ، اما گاهی تنها روشی است که در تحقیقات مربوط به روانشناسی حیوانات و اطفال و در مردم شناسی میتواند مورد استفاده قرار گیرد. مانند فعالیت‌های اجتماعی میمون‌ها و علاقه‌ای که به تقلید از یکدیگر دارند با نهایت دقت مشاهده و ثبت شده است .

۲ ــ روش تکوینی : عبارت از مطالعه و مشاهدهٔ جریان رشد و نمو است اگر گروه معینی از اطفال در دوره‌ای از زندگانیشان مثلا از کودکستان تا دانشگاه مورد مشاهده قرار گیرند و رفتارشان از طریق ثبت وقایع و اجرای تست‌ها و آزمایش‌های روانشناسی ضبط گردد این روش را ارتقایی مینامند . اما چون این روش احتیاج بزمان طولانی دارد غالباً از روش مقطعی استفاده میشود و دراین روش بجای مشاهدهٔ گروه معینی از اطفال درطول سالیان متمادی گروه نمونه‌ای از اطفال سنین مختلف که در حقیقت مقطع یا نمایندهٔ اطفال هر سن میباشند مورد مشاهده قرار میگیرند . و با مقایسهٔ تغییرات در رفتار اطفال سنین مختلف جریان رشد اطفال تعیین و اندازه‌گیری میشود .

۳ ــ روش‌های آمار و تستی : در بعضی از مطالعات کشف تفاوت بین افراد یا بین گروههایی از افراد از لحاظ استعدادهای ذهنی یا خصایل شخصی مورد نظر است . دراین موارد اگر متغیرهای مستقل یعنی عوامل آزمایشی را دراینگونه تحقیقات وارد کنیم و تأثیر آنها در اختلافات فردی یا گروهی ملاحظه نماییم روش‌های آزمایشی و آماری را با یکدیگر تلفیق کرده‌ایم .

۳ ــ روش بالینی: که آنرا روش تذکره‌ای نیز مینامند . معمولا در مورد شخص واحد بکار میرود و مقصود از بکار بردن این روش تشخیص و معالجه است. اگر چه در این روش سروکار روانشناس با شخص واحدی است، اما لازم است از احوال و طرز پاسخ دادن افراد دیگر بهمان سؤالات و تست ها باخبر باشد تا بتواند آنچه دربارهٔ شخص مورد نظر بدست آورده نسبت بوضع سایرین بسنجد زیرا در این قبیل موارد معمولا شرح حال و تاریخچهٔ فرد از طریق مصاحبت و سؤال‌های مختلف ثبت میشود و بعد انواع تست‌های مختلفی را که ضروری باشد درمورد آن شخص اجرا میکنند. از این روش بیشتر در مطالعهٔ شخصیت افراد وعلل اعمالی که از آنها سرمیزند استفاده میشود .

مقاصد و هدفهای روانشناسی

اولین هدف روانشناسی علمی برقرار ساختن اصول و کشف حقایقی است که سبب میشود رفتار و سلوك را بهتر بفهمیم . یکی ازموارد استعمال روانشناسی، شناختن احوال شخصی و فرق گذاشتن بین محرکات واقعی و محرکات ظاهری است .

فهمیدن اصول روانشناسی موجب بهتر شناختن مسایل اجتماعی و ملی میشود . معرفت به احوال شخصی سبب میشود که بهتر بتوانیم رفتار را پیش‌بینی و کنترل نماییم.

فرضیه

عبارت از حدس صائب شخص محقق دراینکه عقیده یا رابطه یا مطلبی صحت و حقیقت دارد یا ندارد . فرضیه باید دارای اساسی منطقی باشد .

تعریف علم

علم عبارت از هیکلی است از معارف و اطلاعات که طبق اصول و قوانین معین و مشخص به یکدیگر مرتبط گشته ، معنی و مفهوم خاصی را بیان میکند .

گروه آزمایشی

درمقابل گروه کنترل، درهر آزمایش علمی از آن استفاده میشود این دو گروه باید حتی‌الامکان مانند یکدیگر باشند وکمال مطلوب اینست که تنها تفاوت میان دو گروه این باشد که گروه آزمایشی تحت تأثیر عامل تجربی قرار میگیرد . فایدهٔ گروه کنترل اینست که تحت تأثیر عامل آزمایشی قرار نمیگیرد و درنتیجه میتوان بامقایسه این دو گروه بایکدیگر میزان کیفیت تأثیر عامل آزمایشی را معین کرد . عامل آزمایشی را متغیر مستقل مینامند .

شعور : آگاهی و علمی که ما از حالات نفسانی خود داریم و در واقع جزء ذاتی آنهاست شعور یا وجدان نفسی نامیده میشود .این علم بهمهٔ آن حالات همواره یکسان نیست چنانکه پاره‌ای از آنها صریح وروشن وپاره‌ای دیگر تاریك و مبهم هستند ، دستهٔ اول را .وجدانیات **صریحه** ودستهٔ دوم را وجدانیات **مغفوله** مینامیم. وشعور راهم درصورتی که بدستهٔ اول اطلاق شود **شعور ظاهر یا خودآگاه**، وچنانچه ناظر بدستهٔ دوم باشد **شعور باطن** یا **ناخودآگاه** میگویند .

رشد و بلوغ

مطالعهٔ رشد و بلوغ از آن جهت مورد توجه روانشناسان است که علاقمندند بدانند در بدو زندگانی چه نوع حرکاتی از کودك سرمیزند و این فعالیت‌ها چگونه بامرورزمان تغییر وتکامل مییابد .

منظور از اصطلاح تکامل یا بلوغ در این مورد هم حالت نمو است و هم جریان نمو .

تجربیاتی که دربارهٔ حیوانات بعمل آمده نشان میدهد که برای ظهور هر رفتار حصول حداقلی در تکامل و آمادگی برای اجرای آن رفتار لازم است .

دوران کمال در نوزاد انسان معمولا از فعالیت‌های مبهم و عمومی شروع شده و بالاخره به پاسخ‌های مشخص و معلوم منتهی میشود .

تغییرات مربوط به رشد از لحاظ جسمانی و فکری و خصایل شخصیت بادقت تمام مورد مطالعه قرار گرفته ومنحنی پیشرفت فعالیت‌های مختلف با افزایش سن برای استفاده موجود است.

مسألهٔ وراثت ومحیط

تأثیر نسبی وراثت ومحیط و یافطرت و تربیت در میزان اکتسابات افراد از مدت‌ها قبل و در بیشتر مباحث روانشناسی مورد توجه بوده‌است. آیا آنچه ما به‌ارث میبریم سرنوشت و میزان اکتسابات ما را تعیین میکند، یا پشتکار فوق‌العادهٔ ما و محیط مناسب ؟

رویهم رفته بیشتر روانشناسان امروزی معتقدند که محیط اثر زیادتری از آنچه قبلا تصور میکرده‌ایم دارد .

توارث ومحیط هر دو در آنچه که مادر دوران زندگی کسب میکنیم سهیم میباشند مثلا رنگ موی سر و چشم بچه نتیجه وراثت، وزبانی که به آن تکلم میکند اثر محیط است . ولی باز هم میتوان اضافه نمود که رنگ موی سر وچشم و پوست بدن هم که عامل اصلی آن توارث است تا اندازه‌ای بهوا وغذا ومحیط بستگی دارد در حالیکه تکلم به زبان مخصوصی فقط اثر محیط است .

توارث و سلول‌های نطفه‌ای

در سلول‌های نطفه‌ای هر موجودی تمام عوامل موروثی که از اجداد آن

موجودبه‌او رسیده وجود دارد و میراث بیولوژیك اورا تشکیل میدهد . عوامل اصلی توارث که درسلولهای نطفه‌ای‌وجود داردژن نامیده میشود. ژنهاخیلی کوچك و در رشته‌های کروموزوم قرار دارند . تعداد کروموزومهادر موجودات گوناگون مختلف و در موجودات همانند ، تعداد آنها مساوی است . در هرسلول انسان ۴۸ کروموزوم به‌صورت ۲۴ جفت دیده میشود. ژنهاخیلی کوچك واخیراًمطالعه درباره آنها بامیکروسکوپهای‌الکترونی آغاز شده ودرنتیجهٔ این تحقیقات تعداد ژنها را در انسان بین ۲۰ تا ۴۰ هزار تخمین زده‌اند .

هرانسانی ۲۴ کروموزوم ازپدر و ۲۴ کروموزوم از مادر به‌ارث میبرد به ترتیبی که‌هرجفت‌ژن یك‌لنگه‌اش ازطرف مادر و یك لنگه‌اش از طرف پدر به‌او رسیده به‌طوریکه میتوان گفت که تقریباً نصف عوامل ارثی ازمادروپدرو $\frac{1}{4}$ ازپدربزرگ ومادر بزرگ و $\frac{1}{8}$ ازوالدین آنها است و به‌همین ترتیب تا به‌سایر اجداد برسیم .

ترکیب ژنها دراطفال‌یك‌خانواده مختلف است‌به‌طوریکه رنگ موی سر و چشم و خصوصیات بدنی و فیزیولوژیکی خواهران و برادران عین‌یکدیگر نیست.

مطالعات‌مربوط به‌وراثت‌نشان‌میدهد که‌خصلت مکنون اگر به‌وسیله خصلت بارزی عقب رانده شود ممکنست‌همواره مستوربماند وممکنست‌ازترکیب‌مخصوص دو ژن یا تغییر بیسابقه آنها خاصیت یا خصلت تازه‌ای‌به‌وجود آید .

نتیجه‌مطالعه و آزمایشات مربوط به‌وراثت ومحیط

۱ـ توارث‌کاملا نوع‌خصوصیات‌خلقی را تعیین نمیکند ، یادگیری وتجربه در محیط اثرقابل ملاحظه‌ای در خصوصیات خلقی دارد .

۲ـ توارث در بعضی از خصایص بیشتر از خصایص دیگر اثر دارد . مثلا میزان هوش و خصوصیات بدنی زیادتر تحت تأثیر تـوارث قرار میگیرد در حالیکه عادات ورفتار وعقاید ومعتقدات بیشتر تابع محیط است .

۳ـ محیط بد، ممکن‌است بعضی‌از عوامل مفید وراثت را عقب براند و یا کاملاعقیم‌گذارد ولی محیط خوب‌متأسفانه جانشین وراثت خوب نمیشود .

درنتیجه‌وراثت را میتوان عـامل اصلی وتعیین کنندهٔ حدود اکتسابـات موجودات دانست درحالی‌که محیط‌آنچه راکه‌آدمی در دوران زندگی‌به‌انجام‌آن موفق میگردد تعیین میکند و البته این اعمال انجام شده نمیتوانند از حدودی‌که وراثت برای آن تعیین‌کرده است تجاوز نماید .

ادراك و یادگیری

عمل درك نمودن با یـادگیری و آموختن‌بستگی‌نزدیك وغیرقابل تفکیك دارد. شخصی‌که برای تفاوت‌گذاشتن بین اشیاء معینی مثلا نباتات یا ستارگان تربیت نشده اختلاف بین‌آن اشیاء مشابه رانمی‌بیندیاقادرنیست‌ازملاحظه‌اختلافات طوری نتیجه‌گیری نمایدکه‌بین‌آن اشیاء تفاوت مشخص و صحیحی راتشخیص دهد. یادگیری ازطریق تجرید وتبعیض‌موجب میشودکه تجارب حسی جدید براساس معلومات قبلی تعبیر وتفسیرشود و مورد تمثل قرارگیرد .

ادراك وزیباشناسی

مشاهدات روزانه‌به‌ما نشان میدهد که بعضی از رنگها ، بوها ، طعمها و صداها برای ما مطلوب‌تر ازرنگها و بوهاوطعمها وصداهای دیگرجلوه‌میکنند. درزیبایی‌شناسی تجربی‌کوشش میشود تا اشکال ورنگها وترکیبات زیباواثرات حسی‌دیگری‌که درمااثرمطلوب‌میگذارند وهمچنین عواملی‌که درانتخاب وقضاوت زیبایی مؤثراند کشف و مطالعه شود .

روشهای زیبایی شناسی تجربی

در آزمایشهای زیبایی‌شناسی دو روش‌اساسی‌به‌کار میرودکه عبارتند از: ترتیب تقدم ومقایسه ازواج . در روش ترتیب تقدم ؛کلیهٔ اشیایی‌که باید مورد قضاوت قرارگیرندبه‌ترتیب‌ازمطلوبترین تا نامطلوبترین پشت سرهم قرار داده می‌شوند . این‌روش هم ساده وآسان‌است وهم‌ممکن است با محاسبات آماری تا اندازه‌ای تکمیل وتهذیب شود .

درروش‌مقایسهٔ‌ازواج اشیاءیامطالبی که مورد نظراست جفت‌جفت بایکدیگر مقایسه میشود تامعلوم شودکه درهرزوج کدامیك بهتر یا مطلوب‌تر از دیگری است .

رنگ

در اثر آزمایشهای روانشنـاسی معلوم شده‌که اغلب مردم رنگ‌قرمز را به‌سایر الوان‌ترجیح میدهند و ارغوانی سیر،رنگی‌است‌که‌کمتر ازسایررنگهابه نظرمردم‌اعم ازرن ومرد، مطلوب جلوه میکند .

بعد ازرنگ قرمز،رنگ‌آبی مورد علاقه‌زن‌ومرد است . چون رنگهای‌آبی وسبز را رنگهای آرام و آرامش‌بخش میدانند وغالباً اطاقهای خواب واطاق - های بیمارستانها را به‌این رنگها در میآورند . در آزمایش های مربوط به ترجیح الوان معلوم شده که رنگهای مکمل بیشتر مورد توجه وعلاقه‌میباشند چون عناصر متضاد را دربردارند .

صوت

اصوات موزون وتااندازه‌ای ملایم بیشتر ازاصوات نازك و بلند جیغ مورد پسند واقع میشود . همچنین اصوات با آهنگهای موزون وآرام برآهنگهای ناموزون وناجور برتری دارد .

اشکال و اشیاء

قرینه‌سازی‌دراشکال واشیاءمحصول نظم وتوازن درقرار دادن اجزاء است . تساوی‌اجزاء معمولاًمطلوب به‌نظرمیرسد وعامل مهمی در قضاوت زیبایی شناسی است .

آزمایشهاییکه در زیبایی‌شناسی دربارهٔ اشکال و صوربه‌عمل آمده نشان میدهدکه‌بسیاری ازمردم‌تناسب‌رابه‌قرینه سازی‌ترجیح‌میدهند.وطرحهایی‌راکه‌دارای هردو اصل زیبایی یعنی تناسب و تقارن است بیش‌از سایرطرحها مطلوب و زیبا میدانند .

عوامل درونی ادراك

عمل دقت وعطف توجه اغلب‌معلول عوامل وحالات درونی انسان است .این عوامل عبارتند از :

رغبتها ، انتظارات وزمینه‌های ـ ذهنی ، تلقینها، احتیاجات و ارزشها.

شاگردی‌که درکلاس به درس معلم توجهی ندارد پس ازاینکه رشتهٔ سخن‌به موضوع جالبی‌کشیده شد دقتش به‌سخنان معلم جلب خواهد شد .

رانندهٔ اتوموبیل‌آمادگی‌ذهنی‌خاصی برای درك تغییر رنگ چراغهای‌عبورو مرور دارد .

تأثیر تلقین درادراکات امری یقین است.

حوایج‌وارزش‌های‌افراد فهم‌وادراک آنان را جرح و تعدیل میکند و بنا بر مقتضیات وموقعیت موجودجریان‌ادراکات را دگرگون میسازد.

عوامل متشکل‌کننده در ادراک

عواملی‌که به ادراکات ما تشکیلات و معنی خاصی می‌بخشند بسیارند. بعضی از این عوامل درداخل وبرخی درخارج از شخص قراردارند.

در بسیاری از موارد این عوامل متشکل کننده درچگونگی ادراکات ما نسبت به خود ودنیای خارج وظیفهٔ‌مهمی را به‌عهده‌دارند.

ادراکات مبهم

خطاهای ادراکی اساساً جز سوء تعبیر و مبهم بودن ادراکات چیزدیگری نیست. اشکال وتصاویری‌که موجب‌خطای حواس‌میشوددر آزمایشگاههای‌روانشناسی مورد مطالعات دقیق قرارگرفته و ایـن اشکال نشان میدهدکه چگونه مدرکات محصول شخص‌مشاهده کننده‌است نه‌واقعیت شیئی یا محرك خارجی.

خطای ادراك‌گاهی در اثر اختلاط و در هم‌آمیختگی چندین محرك حاصل میشود، مثلا چـون انعکاس صدا از جهت مخالف میآید اغلب ما جهت صوت‌رانیز از همانسوی میدانیم.

انفعالات و عواطف

برخورد بااشیاء واشخاص‌وموقعیت‌های‌گوناگون درما حالاتی ایجادمیکند کـه‌گاهی لذت بخش و مطبوع وگاهـی تألم‌انگیز و نـامطبوع است این حالات خوشی یـا رنج را در مقابل احساسات یاادراکات‌حسی‌انفعالات مینامیم. به‌عبارت دیگر ادراکات مـا همواره دارای اثرات انفعالی مطبوع ویانامطبوعی است‌که‌روی محور،لذت،بی‌تفاوتی والم تغییرمینماید. در صورتیکه احساسات و ادراکات حسی ازنظربعد وجهت‌شدت، تغییر میکندیعنی یا بسیار ضعیف یامعتدل و یا بسیارقوی.

منشاء انفعالات

بعضی محرکهـا از قبیل شیرینی‌ها و رنگ‌هـای روشن و نواهای موزون، دوست داشتنی و مسرت‌آورند و تلخی‌ها ورنگهای‌تاروصداهای ناموزون‌رنج آور. قدر مسلم اینکه تأثرات انفعالی ناشی‌از اشیاء وموقعیت‌های‌گوناگون‌قابلیت‌تغییر داشته و بـاسن و تجربـه جرح و تعدیل میبابد.

دردبالنفسه‌باعث‌آزردگی وناراحتی میشود ولی درد ملایم اغلب براساس‌اصل نسبیت مطبوع ولذت‌بخش احساس‌میشود.

دروغ یاب

دستگاهی است مرکب از چندین ابزار ثبت‌کننده که روانشناسان برای اندازه‌گیری تغییرات فیزیولوژیك بدن به‌کار میبرند و چون این دستگاه در بازجویی‌های جنایی مورد استفاده قرار میگیرد به‌دروغ‌یاب معروف‌گشته است.

این دستگاه در آن واحد تنفس و فشار خون و مقاومت الکتریکی پوست بدن را اندازه میگیرد و گاهی تغییرات فیزیولوژیك دیگری رانیز اندازه‌گیری میکند. آنچه در این دستگاه مهم‌است همان اندازه‌گیری مقاومت الکتریکی پوست بدن است زیرا هنگام هیجانـات روحی و عاطفی در اثر ازدیاد تعرق از میزان مقاومت پوست‌بدن در برابرعبور جریان الکتریسیته کاسته میشود و این تغییرات‌دردستگاه دروغیاب‌ثبت‌میگردد.

برای دروغ‌یابی از آزمایش شونده پشت‌سرهم‌سؤالاتی‌میکنند وازاومیخواهند که برای هرسؤال اولین جوابی راکه از خاطرش میگذردر بگوید ؛ فرض‌براینست که شخص مجرم دربرابربعضی ازسؤالات دچارهیجانات روحی شده و این‌هیجانات درتنفس وفشار خون ومقاومت‌الکتریکی پوست تغییراتی به‌وجود میآورد که در دستگاه ثبت میگردد. بین سؤالات‌مطالب عـادی نیز گنجانیده شده تـا تغییرات فیزیولوژیکی بدن بهتر مشاهده گردد.

عواملی که در حرکات عاطفی مؤثرند

حرکات عاطفی براثر خستگی و گرسنگی تشدید و تقویت میشود. کودکی که بیش از حد تهییج شده و خسته باشد مستعد و آماده خشم وکج خلقی است. همچنین عدم تندرستی و نامساعد بودن شرایط زندگی و وضع محیط در بروز حالات وتشدیدحرکات عاطفی مؤثراست.

کنترل عواطف

رعایت‌اصول‌زیر برای کنترل‌عواطف مفید و مؤثر است ؛

۱ـ از موقعیت‌هایی‌که موجب‌بروز عواطف نامطبوع میشود احترازکنید.

۲ـ به‌خاطر داشته باشید که مقابله به مثل، برشدت عواطف میافزاید.

۳ـ درجستجوی موقعیت‌هایی‌باشید که عواطف مطبوع به‌وجود بیاورد.

۴ـ برای‌خودسرگرمی‌هاوفعالیت‌های جالب توجه به‌وجود آورید.

ادراك و دقت

ادراك‌فعالیتی است ذهنی که‌به‌وسیلهٔ آن‌به‌هویت اشخاص و اشیاء مختلف پی میبریم.

دقت‌کردن رفتاری‌است‌فعال‌وعبارت ازجریان اخذ وعطا بین‌انسان و محیط میباشد. دقت میکنیم‌که فعالیت اعضاء حواس‌و به‌طورکلی وجود ما، متمرکز و متوجه به‌آن محرك معین‌باشد.

بااینکه عمل دقت‌ارادی وانتخابی است‌معذلك اغلب اتفاق میافتدکه تعیین جهت دقت ازکنترل ماخارج میگردد.

عواملی‌که‌درجلب وتعیین جهت دقت‌مؤثرند

۱ ـ شماره وترتیب.

اشیایی‌که‌به‌طور طبیعی گروه بندی شده یابرحسب نظم‌وترتیب‌خاص‌وموزونی مرتب شده باشند بیش از اشیاء شلوغ و درهم جلب توجه مینمایند.

تعداد تأثرات مشخص ومجزایی‌که در هرلحظه ممکنست مورد دقت ماواقع شود از پنج تاشش تأثر مختلف تجاوز نمیکند. این‌امر را **حیطهٔ ادراك** یـا **میدان دقت** مینامند. میدان‌ادراك‌بصری وسیع‌تر ازادراك سمعی است. اگرمدت زمانی‌که‌برای تماشای محرك بصری‌معین شده است به‌اندازه‌ای‌باشدکه بتوان‌چشم را ازشیئی به شییء دیگر متوجه ساخت تعداد اشیایی‌راکه درآن مدت میتوان شناخت**میدان تشخیص** یا **حیطهٔ‌تشخیص** مینامند.

۲ـ شدت وتضاد.

شدت‌محرك را باید ازموجبات‌مؤثر جلب دقت،دانست تضادنیزجالب وجاذب توجه است. مانند نوری که درتاریکی بدرخشد.

۳ ـ تغییرو جنبش.

اشیایی‌که در حال حرکت و تغییر باشند زودترتوجه ما را به خود معطوف میدارند تا هنگامیکه آرام و ثابت در گوشه‌ای قرارگرفته باشند. تکرارنیزدر

جلب توجه بی اثر نیست مانند زنگ در منزل که چندین مرتبه به صدا درآید .

انگیزش و سازش

نیازمندی‌های جسمانی وطرز تفکر و رغبت‌ها انگیزه‌هایی بشمار میرود که شخص را وادار به انجام عملی مینماید وموجب رجحان یافتن رفتاری نسبت به رفتار دیگر میشود . انگیزه ، کشش یا تمایل هدایت کننده‌ای است که دردرون موجود قرار دارد. انگیزه‌های وظایــف الاعضایی، احتیاجات جسمانی وعضوی یا اشتیاق زیاد، از مطمئن ترین ومنظم ترین کشش‌های انسانی است. که عبارتند از: ۱ ــ گرسنگی و تشنگی ۲ ــ فعالیت جنسی ۳ ــ استراحت و خواب ۴ ــ سایر احتیاجات بدن .

غریزه به‌عنوان انگیزه

در قدیم هر رفتار موروثی یا غیر اکتسابی را غریزه مینامیدند. اما امروز دیگر اصطلاح غریزه برای شرح و بیان ورفتار بشر به‌کار برده نمیشود و به‌جای این کلمهٔ اصطلاح **انگیزه روانشناسی** بکار برده میشود که مقصود کشش است که اساس آن تا اندازه موروثی یا حاصل حوایج جسمانی است . اما ازنظر ظهور وبروز تحت تأثیر عوامل محیط قرار میگیرد . انگیزه‌های روانشناسی ، ازلحاظ اهمیت وتأثیر درزندگانی روزانه با نیازمندیهای جسمانی برابری میکند .

عواطف به‌عنوان انگیزه‌ها: عواطف کشش های نیرومندی هستند که رفتار آدمی را هدایت میکنند ، عواطف نامطبوع موجد ضرورت وحالت گریز میشود. خشم وترس هردوازاین قبیل عواطف محسوب میشوند .عشق وعلاقه، غم وشادی هم دارای جنبهٔ فیزیولوژی وهم دارای جنبهٔ روان‌ــ شناسی هستند عکس العمل‌هایی که درمقابل عواطف نشان داده میشود ازاین قرار است:

۱ ـ خشم ⟵ تقلا
۲ ـ ترس ⟵ فرار
۳ ـ غم وغصه ⟵ گریه وزاری
۴ ـ عشق، ⟵ پاسخ‌های محبت آمیز
۵ ـ خوشی ⟵ هیجان، آرامش

بعضی از تمایلات شدید روانشناسی که اهمیت یادگیری وشرایط اجتماعی را در رفتاری که به‌وسیلهٔ انگیزه ایجاد میشود تأیید میکند وعبارتند از :

۱ ــ اثبات وجود یا «انگیزه آقایی» که این انگیزه به‌صورت تمایل به‌غلبه ویا تسلط برمردم واشیاء ظاهر میشود .

۲ ــ **قبول عام** (تصویب اجتماعی): تمایل به‌کسب شهرت بین رفقا و اقوام و مورد تحسین قرارگرفتن، از قوی‌ترین انگیزه‌های اجتماعی است .

۳ ــ جمع‌دوستی: یعنی تمایل به‌زیستن وبودن باهمنوعان ،که این حالت ورفتار درحیوانات هم وجود دارد.

۴ ــ همدردی و حمایت : غرایز والدینی وفرزندی .

همدردی برای کسانی که احتیاج به آن دارند انگیزهٔ متداول اجتماعی است. شوق وکشش پدری ومادری متضمن همدردی وشفقت نسبت به‌نوزاد کوچك وناتوان است که موجب غروری می‌شود که دراثر تملك و تصویب اجتماعی واثبات وجود حاصل میشود.

۵ ــ بقای نفس: تمایل به احترازاز گزنددر مقابل خطر، بدون شك انگیزهٔ بسیار نیرومندی است که حکم ضرورت و اجبار دارد. وبرای همین است که میگویند بقای نفس اولین قانون طبیعت است.

رغبت‌ها

رغبت ما به‌اشیاء و مردم به‌دوعامل بستگی دارد . یکی اینکه ما به‌آنچه که میتوانیم انجام دهیم علاقه ورغبت داریم و دیگر اینکه ما به‌چیزهایی راغبیم که موردتوجه وپسند اجتماع است. زمانیکه رغبت‌ها توسعه وتکامل یابند تمام فعالیت‌های زندگی ما را تحت‌الشعاع قرارمیدهند .

اندازه‌گیری، رغبت های حرفه‌ای به‌وسیلهٔ تست‌ها انجام میگیرد که درتعیین و شناختن رغبت‌های عمدهٔ هرکس کمك مؤثری بشمار میرود .

موانعی که در سرراه انگیزه‌ها قرار میگیرند عبارتند از :

الف ــ انگیزه‌های متضاد.
ب ــ اصول مذهبی ومقررات اخلاقی و عقاید وعادات مخالف،
ج ــ موانعی که به‌واسطهٔ موقعیت‌های مختلف سرراه فرد قرار میگیرند .

هنگامی که کشش نیرومندی مورد منع قرار میگیرد احساس محرومیت در شخص ظاهر میشود واغلب منجر به **کشمکش وتضاد درونی** میگردد .

طرق مختلف برای رفع کشمکش‌های عاطفی

۱ ــ سازش با کشمکش به‌وسیلهٔ اقدام مستقیم یا به‌وسیلهٔ مصالحه ، یعنی کشف علت تردید و انتخاب یکی از پاسخ‌های متضاد . به‌طورکلی تصمیمی که از طریق مصالحه اتخاذ میشود برای سلامت فکر و جسم به‌مراتب بهتر از تصمیم مستقیم و فوری است .

۲ ــ سازش با کمشکش به وسیلهٔ غیر مستقیم و طفره رفتن ، کشمکش هایی که از طریق مستقیم یا از راه مصالحه حل نمیشوند سبب اینگونه کشمکش میگردند، روش‌های غیرمستقیمی وجود دارد که مشکل را قدری خفیف‌تر میکند و عبارتند از:

الف ــ پاسخ به کشمکش به‌وسیلهٔ انصراف یا تسلیم .
ب ــ پاسخ به کشمکش ازطریق توجیه و سایر تدابیر استحفاظی .
ج ــ پاسخ به کشمکش از طریق تسلیم و تغییر جهت .
د ــ پاسخ به کشمکش به‌وسیلهٔ سرکوبی غیرارادی .

۳ ــ معالجهٔ کشمکش ازطریق روانی که دو روش معالجهٔ روحی که توأم با تدابیر طبی میباشد به‌کار برده میشود که اگر کشمکش به‌حداعلا وجود داشته باشد باید از معالجهٔ طبی استفاده نمود ولی اغلب چنین امری لازم نیست زیرا آنچه لازم است، تجدید یادگیری و یا خودشناسی و معرفت برنفس بهتراست . ودر اینموارد روانشناسان بالینی ومشاوران روانشناسی برای کمك مفید واقع میشوند .

یادگیری

یادگیری برای انسان تجربه‌ای است عمومی ودایمی، غالباً یادگیری را جریانی خوانده‌اند که در نتیجه ممارست وتجربه موجب پیدایش پاسخ های تازه یا تغییر پاسخ‌های کهنه میگردد . یعنی بهتر است بگوییم یادگیری جریانی است که به‌وسیله آن ما پاسخ‌های خودرا به‌صورت رفتارهای تازه متشکل میسازیم .

یادگیری مستلزم تشکیل تداعی و ایجاد پیوستگی بین محرك وپاسخ است. پاسخ‌های ما در برابر محرکات، ممکن است کلامی یاعضلانی یا وضعی یاغده‌ای باشد. اگر پاسخ‌ها قابل رؤیت باشند آنها را «علنی» واگر نباشند آنها را «مستتر» مینامند .

به‌موجب قوانین تداعی معانی چهار اصل برای یادگیری عنوان شده است :

۱ ــ مشابهت ۲ ــ تضاد ۳ ــ مجاورت ۴ ــ مجاورت زمانی .

اصول اساسی یادگیری

این اصول را میتوان تحت چهار عنوان خلاصه کرد: ۱ـ انگیزهٔ نخستین یاآمادگی. ۲ـ پاسخ‌های متعددیا آزمایش وخطا. ۳ ـ تحکیم یا قانون تأثیر. ۴ـ تکرار یا قانون ممارست.

روش‌های یادگیری

برای متشکل ساختن رفتارتا به‌حال چندین‌طریق مشخص و معین‌شده است که همهٔ آنها حتی‌درساده‌ترین موقعیت‌یادـ گیری مؤثر ودرکار هستند.

الف ـ یادگیری مابازایی.

۱ ـ انعکاس مشروط که آزمایش مربوط به انعکاس مشروط نمونهٔ دقیقی ازآن است.

۲ ـ پاسخ مشروط که نشانهٔ توسعهٔ دامنهٔ یادگیری مابازایی است. باحصول این‌توسعه محرکات بیشتر و پاسخ‌هایی متنوع‌تراز‌آنچه در رفتار انعکاسی‌موجود است واردمفهوم پاسخ مشروط میگردد.

ب ـ یادگیری‌آزمایشی، هنگامیکه آموزنده با مسألهٔ غامضی روبرو میشود حتی اگر انگیزهٔ او قوی باشد باید به اقدامات‌آزمایشی وتجربی متوسل‌گردد تابتواند راه‌حلی پیداکند.

۱ ـ آزمایش وخطا در یادگیری حیوانات، دودستگاهی که دراین‌گونه مطالعات بیشتر به‌کار می‌روند عبارتنداز:

جعبه معما وشبکه، دردستگاه‌شبکه حیوان بایداز شبکه‌ای عبورکند و به محفظهٔ‌غذابرسد ودستگاه دوم‌جعبه‌معمای معمولی‌است‌که برای آزمایش یادگیری گربه‌ها به‌کار برده‌میشود.

۲ ـ یادگیری مکنون درحیوانات که ادعاشده‌مقداری‌یادگیری‌بدون‌تحکیم وتقویت صورت میگیرد.

۳ ـ آزمایش وخطا در یادگیری انسان، که ازهمان ماههای‌اولیهٔ زندگی آشکار میشود.

ج ـ یادگیری باتمهید مقدمه واز روی‌هدف، عده‌ای ترجیح میدهندیادـ گیری خودشان را بیشتر فراگیری با تمهید مقدمه‌وبا هدف قلمداد کنند نه یادگیری‌ماشینی‌وبدون‌دخالت‌فهم‌شخصی، نباید چنین تصور کرد که‌این‌نوع‌یادگیری تماماً هوشمندانه وفراگیری مابازایی وآزمایش وخطابه‌کلی‌کورکورانه است. همهٔ‌انواع یادگیری جنبه‌های مختلف و جریان متشکل‌کننده واحدی هستند و هرچه فردی هوش‌وفهم وتجربه بیشتری دریادگیری‌بکاربرد آزمایش وخطا کمتر خواهدبود.

د ـ یادگیری‌به‌وسیلهٔ تقلیدوارائه نمونه، که مربی از آموزنده بخواهد که عملی رابامشاهدهٔ رفتارمربی تکرار کند.

هـ ـ یادگیری از راه بصیرت، وقتی حاصل می‌شودکه آموزنده ناگهان‌رابطهٔ موجود درمسألهٔ موردمطالعه‌رامشاهده و بیدرنگ مسأله‌راحل میکند.

سهم تعلیم در یادگیری

روانشناسان در آزمایش‌های خود دستگاهی به‌کارمیبرند‌که هربارچندکلمه یاچندعدد را نشان میدهد. افرادی که به‌ایشان تعلیم داده می‌شود باید کلمات روی صفحه‌را به‌ترتیب یاد بگیرندوپس ازچندآزمایش‌متوالی‌کار را بدون‌اشکال زیاد انجام میدهند. اما گروه دیگری که‌فقط به‌دستگاه‌تماشا میکردندوبه‌آنها نگفته‌بودندچیزی یادبگیرند، خیلی‌کم یادمیگرفتند. این آزمایش ساده‌اهمیت تعلیمات روشن ومشخص‌را در یادگیری مجسم میسازد.

مقایسه یادگیری حیوان وانسان

الف ـ انسان برای انجام تکالیف خاص زودترترغیب میشود.

ب ـ انسان بهتر مشاهده میکند، تعلیمات را سریع‌تراخذمیکند وتداعی‌ـ های مرتبط را بهتردرك میکند.

ج ـ انسان تسلط‌بیشتری‌برعواطف خود دارد و وقت و نیروی‌بیشتری به یادگیری وانتخاب پاسخ‌های‌تحکیم شده تخصیص میدهد.

د ـ انسان ازنظرتوانایی‌دراستفادهٔ ازعلایم مزیت‌بسیار بزرگی برحیوانات دارد.

پاداش وتنبیه در یادگیری

اگرمشوق یادگیری‌بقدرکافی‌نیرومند باشد دراین‌صورت ممکنست آموزنده پاسخی را انتخاب‌کندکه به‌کلی‌خالی از لطف است ولی اگر تنبیه سبب تسریع یادگیری شود این امر ازدوراه انجام میگردد:

۱ ـ بامجبور ساختن آموزنده به اینکه پاسخ‌هایی را که دارای عواقب نامطلوب است‌ترك گوید.

۲ ـ با وادار کردن آموزنده به پذیرفتن سریع‌پاسخ‌هایی که دارای‌عواقب مطلوب است. پاداش یاتحکیم به‌صورت تشویق ملایم مؤثرتراز‌تنبیه‌به‌صورت‌دل‌ـ سرد ساختن‌ملایم است، وتحکیم به‌صورت پاسخ‌های پاداش‌یافته به‌تقویت پاسخ‌های تنبه‌شده سرایت میکند.

اطلاع بر نتایج: آگاهی یادـ گیرنده بر آنچه که انجام میدهد مشوق نیرومندی است‌که اورا به‌کوشش بیشتر وادار میسازد.

سازش منفی: نوعی یادگیری‌است که به موجب آن آموزنده پاسخ‌های سودمندرا انتخاب وپاسخ‌های مزاحم را طردمیکند، سازش منفی یکی‌از مهمترین خواص مغز ودستگاه عصبی‌است‌وازجملهٔ یادگیری‌های پاسخ‌مشروط‌شمرده‌میشود.

اصل‌ممارست

اصل ممارست یا تمرین‌برای بیان وسایل‌یاروش‌هایی‌به‌کارمیرفت که به‌موجب آنها:

۱ ـ یادگیرنده به‌عوامل تحکیم کننده مجال میدهد تاواردعمل شده وبه تدریج تعمیم محرك وتبعیض محرك را میسر سازند.

۲ ـ یادگیرنده پس‌ازاینکه‌پاسخ‌ـ های تحکیم‌شده را انتخاب‌کرد در ادای آنها به‌مرحلهٔ‌مهارت وروانی‌میرسد.

عادت‌ها وتشکیل عادت

اصطلاح عادت‌را برای رفتاری‌به‌کار میبرندکه درائر تکرار فراوان‌به‌صورت اعمال خودکار آمده است. کلمهٔ عادت برای بعضی ازمردم دارای معنی‌ناخوش‌ـ آیندی است درواقع عادت بیشتراوقات، برای رفتارناخوش‌آیند اصطلاح میشود تا برای رفتار خوب و سودمند. برای جانشین‌ساختن عادات خوب‌به‌جای‌عادات بد چند روش پیشنهاد شده که عبارتند از:

۱ ـ عادت جدیدرا باید باتمام‌قوا به‌کاربست.

۲ ـ احتراز ازاستثناء وبازگشت به‌عادت نامطلوب.

۳ ـ ترك عادات‌غیرارادی‌باتمرین‌ـ های ارادی.

۴ ـ جانشین‌ساختن پاسخ‌نو، به‌جای پاسخ گذشته به‌وسیلهٔ روش‌پاسخ‌مشروط.

۵ ـ تعیین مشخصات صریح برای عادت جدید.

فنون مطالعه

تنظیم برنامهٔ مطالعه: تنظیم برنامه و پیروی کردن از آن غالباً برای ایجاد عادات منظم برای مطالعه سودمند است و شخص را موفق میسازد که از وقت و نیروی خود استفادهٔ کامل نماید.

تکالیف درسی باید باجدیت کامل انجام شود: آموزنده باید مطالب درسی را تا آنجا که ممکن است بااستفاده از حواس گوناگون فرا بگیرد. هرچه در آموختن مطلبی تداعیهای بیشتری حاصل شود هنگام یادآوری امکان بازگشت یا فعالیت یك تا چند تداعی بیشتر خواهد بود.

رکود درجریان یادگیری

آموزندگان معمولا در بارهٔ مطالبی که یاد میگیرند از پیش کمابیش اطلاعی دارند، بعد که به تدریج موضوع دشوارتر میشود یك دوره عدم پیشرفت و رکود یادگیری پیش میآید که آن مرحله را در منحنی یادگیری «فلات» مینامند و علت پیدایش آن درمنحنی ناشی ازعلل ذیل است:

۱ ــ یأس یا کاهش علاقه یا خستگی وملالت.

۲ــ گاهی ناشی ازوجود عادتهایی است که برای مدتی مؤثر بوده ولی بعدها به صورت مانعی در برابر پیشرفت در ــ آمده‌اند.

۳ ــ گاهی درجریان ایجاد عادت‌های جامع یا مرکب ازعادتهای سادهٔ بسیط نیز فلات پدیدار میشود. درچنین موارد فلاتها نمایندهٔ دورهٔ کمون یادگیری هستند.

تقسیم اوقات مطالعه؛ احتراز از انباشتن مطلب برای یك جلسه: آموزنده‌ای که پس از به‌پایان رسیدن هر دورهٔ کوتاه خواندنی‌های خودرا از راه ذهنی یا ازراه بحث مرور میکند تا حد زیادی ازکاهش یادگیری که ازفراموشی حاصل میشود، جلوگیری میکند.

پیش آموزی و پرسش های راهنمایی کننده: گاهی پیش آموزی فراموشی را تقلیل میدهد و کنترل می‌نماید.

خواندن سراسری

سودمندترین روش یادگیری، خواندن تمام تکلیف درسی از آغاز تا انجام است پس از اینکه آموزنده نظری کلی نسبت به موضوع مطالعه پیدا کرد آنگاه می‌تواند دقت و توجه بیشتری به قسمت‌های مشکل‌تر مبذول دارد.

این روش تشخیص حدود و دامنهٔ مطالب را **یادگیری کل** مینامند و باروش قدیمی **یادگیری اجزاء** فرق دارد. یادــ گیری کل فرصتی برای فهمیدن معانی و روابط موجود در بحث مورد یادگیری فراهم میسازد وازهمان آغاز تداعیها در مسیر صحیح ومنطبق با ترتیبی که باید در آینده عمل کند تشکیل می‌شود. در روش کل، بهتر است که نخست چندین بار تمام جریان تمرین شود آنگاه تمریــن قسمت‌های دشوارتر ومجدداً باید به روش کل بازگشت، که این روش یادگیری «کل جزء ــ کل» نامیده شده است. مطالعات تجربی اطلاعاتی دربارهٔ روش‌های کل و جزء فراهم ساخته که ازاین‌قرار است.

۱ ــ کودکان باهوش روش کل را بهتر ازکودکان متوسط به‌کارمیبرند.

۲ ــ در صورتیکه مطلب آموختنی دشوار ومطول باشد روش کل مزیت خودــ را ازدست میدهد.

۳ ــ گاهی روش کل به‌علت اینکه آموزنده به‌روش جزء عادت کرده بی‌ارزش به‌نظر میرسد.

استفاده ازکلیه مؤیدات سودمند برای مطالعه

۱ ــ عادت به‌استفاده ازکتاب لغت.
۲ ــ جدول و نمودار.
۳ ــ خلاصه کردن.
۴ ــ یادداشت برداشتن.
۵ ــ فورمولها وقواعد.

استقبال ازتست و امتحان: بدیهی است که امتحان غالباً برای ارزشیابی معلومات ویکی ازوسایل اساسی ملاحظهٔ میزان پیشرفت است. به‌علل زیرامتحان سبب می‌شود که یادگیری افزایش‌یابد:

۱ــ امتحان محرك ومشوق خوبی‌است و دانش‌آموز را به‌مطالعه و دوره‌کردن معلومات وادار میسازد.

۲ــ امتحان به‌طور مؤثر به‌دانشــ آموزمیفهماند که آیا به‌مطالعهٔ بیشتری احتیاج دارد؛ ودرصورت احتیاج چــه قسمت‌هایی را باید بیشترمطالعه‌کند.

۳ ــ امتحان وسیلهٔ بسیار خوبــی است که‌فرد را برای امتحانات مهم زندگی آماده میسازد.

۴ ــ اطلاع برنتایج سبب تقویت و ثبات علاقه می‌شود و انگیزه‌ای ایجاد می‌کندکه یادگیری را فزونی میبخشد.

ازبین‌بردن موانع مطالعهٔ مؤثر و مفید: بیماری، نقص عضوی، ضعف بینایی، مشکلات مالی واوضاع‌واحوال نامساعد خانوادگی همگی موانعی‌هستند که آموزنده شاید نتواند خودرا ازچنگال آنهارهایی بخشد.

۱ ــ **کند خواندن:** آموزنده‌ای که پی‌میبرددرخواندن ازدیگران کندتر است، نخستین اقدامش باید مراجعه به‌چشم پزشك باشد تادرصورت لزوم عینك مناسب برای او تجویز گردد.

۲ــ**خستگی وملالت:** روانشناسان دو نوع خستگی تشخیص داده‌اند، خستگی جسمانی وخستگی روانی. وقتیکه فردی ازنظر جسمانی خسته باشد انجام دادن هــرکاری بــرای او دشوار میشود. خستگی روانــی کــه خستگی واقعی شمــرده نمی‌شود از تزلزل رغبت و علاقه نسبت به‌تکالیف دشوار یا خالی از لطف ناشی میشود. غالباً کنار گذاشتن چنین تکالیفی به‌طور موقت سبب رفع ملالت میگردد.

۳ــ **گرم شدن:** بــرای بعضــی آموزندگان سر گرم‌شدن به‌کارجدی دشوار است و تا وقتی بطور جدی به‌کار مشغول شوند مدتی وقت تلف میکنند.

۴ــ کندذهنی وفقدان استعدادهای خاص: بعضی از محصلین به‌واسطه کندی ذهن نمیتوانند تکالیف خودرا مانند دیگران انجام‌دهند‌اینددسته بهتراست‌وارد تعلیمات حرفه‌ای شوند.

۵ ــ هیجانات عصبی و عاطفی، مشکلات مالی وگرفتاریهای خانوادگی: این‌مشکلات تحصیل‌را دشوارمیسازند غم و ترس ونابسامانیهای عاطفی کار فکری را مختل‌می‌کنند، برای‌اجرای هر نقشهٔ خوب بایداز عوامل‌هیجان‌انگیزومحرك‌عواطف دوری گزید.

بخاطرسپردن و فراموش کردن

یادگیری تابع‌تغییراتی است که در سازمان اعصاب وعضلات ما صورت‌میگیرد ومدتی نگاهداری میشود وسپس در اثر وجودمحرکات مناسب‌درنفس‌ما برانگیخته یا بیدار میگردد.

برای رعایت آسانی مطالعه پدیده

حافظه را دارای چهارجنبه شمرده‌اند: ۱ـ تثبیت. ۲ـ حفظ یا نگاهداری. ۳ـ یادآوری یا تذکار ۳ـ بازشناسی.

تثبیت عبارتست از اقدام جدی وارادی برای حفظ کردن و پذیرفتن تأثرات خارجی. نگاهداری عبارتست از حفظ تأثرات برای مدتی که در افراد مختلف و حتی درشخص واحدمتغیراست. یادآوری وبازشناسی هردو مستلزم تجدید یا فراخواندن پاسخ‌های آموخته شده‌ای هستند که به‌موجب محرکات مناسب برانگیخته میشوند.

مطالعات تجربی دربارهٔ حفظ کردن

مواردیکه درآزمایش حافظه به‌کار برده میشود : غالباً از هجاهای بیمعنی تشکیل شده است . هجاهای بی‌معنی بین سه تاشش و به‌طورمتوسط چهار حرف انتخاب شده است . در بسیاری از مطالعات نیز از مواد بامعنی گوناگون استفاده شده است . استفادهٔ از اینگونه مواد برای سنجش حافظهٔ کودکان مفیدتر از بزرگسالان است .

روش‌های مطالعهٔ حافظه : برای آزمایش حافظه روش‌های عینی متعددی به‌کار میرود که ازاینقرارند :

۱ـ **حیطهٔ حافظه** ؛ مراد از این آزمایش آنست که آزمایش‌دهندگان پس از اینکه مطلبی چند بار به‌آنها تعلیم شد بتوانندهرچه بیشتر آموختنی‌های خودرا بازگو کنند .

۲ ـ **روش صرفه جویی** ؛ آزمایش دهنده درسی را یادمیگیرد که ممکنست عبارت از فهرستی ازلغات و یاهجاهای بیمعنی باشد . یادگیری باید تا آن حد صورت گیرد که درپایان آن فرد بتواند فقط یك یادوبار مطلب راازحفظ بخواند، مدت لازم برای یادگیری‌را ثبت‌میکنند، بعداز فاصلهٔ زمانی معینی آزمایش دهنده مجدداً با روش قبل یادمیگیرد ودوباره وقت وشمارهٔ دفعات تعلیم لازم ثبت‌میشود، تفاوت زمان لازم برای یادگیری نخستین و یادگیری مجدد صرفه‌جویی شده‌است.

$$\text{نسبت صرفه‌جویی} = \frac{\text{زمان صرفه‌جویی}}{\text{مدت یادگیری اولیه}}$$

۳ـ **ازدواج متداعی** ؛ دراین روش مطالب آموختنی ازکلمات ، هجاهای بی‌معنی واشکال و تصاویر تشکیل شده‌که هردسته از آنها دوبه‌دوتنظیم میشوند . هرجفت باید همراه یکدیگر آموخته‌شود تا هرگاه عضو اول از یك جفت ارائه‌شد آزمایش دهنده بتواند عضودوم رابازگو کند

۴ـ **روش‌یادگیری** ؛ که بسیارقابل انعطاف است و میتوان در آن فهرست کلمات یا عبارات نثر وهجاهای بی‌معنی بکار برد .

۵ ـ **روش بازشناسی** ؛ یکدسته بیست عددی تصویر یا آگهی ارائه میشود بعد اینها را بابیست عدد محرك جدید برمیزنند و ازآزمایش دهنده میخواهند تاآنها راکه قبلا دیده است تعیین کند .

حافظهٔ عارضی .

تجاربی‌هستند که انسان برای به‌خاطر سپردن آنها به‌مشاهدهٔ خاص نیازمندنیست.

فراموشی .

یاعجز حافظه، تجربه‌ای است‌عمومی و شاید از بی‌دردسرترین بهانه‌هایی‌باشد که در اختیار بشرقرار دارد .

نظریه‌هایی‌دربارهٔ فراموشی.

۱ـ **فسادومداخله**، بسیاری‌ازمردم برآنندکه فراموشی ازفساد روز افزون آثار حافظه در مغز و دستگاه اعصاب ناشی میگردد . این استدلال برای‌بعضی از انواع فراموشی کافی است بعضی از روانشناسان‌معتقدند که‌هیچیك‌ازخاطرات که‌آموخته‌شده‌هرگز به‌معنای کلمه‌فراموش نمیشوند اگر چه بازگشت آنها ممکنست دشوار باشد .

۲ـ **فراموشی‌عمدی‌در مقابل‌یادگیری انتخابی :** بنابراین عقیده‌انسان عالماًو عامداً خاطراتی‌راکه‌تذکارش‌سبب آشفتگی عاطفی وشرمندگی میشود سرکوبی‌کرده بدست فراموشی میسپارد . به‌موجب این نظریه ما مطالبی را به یاد میآوریم که در اصل رضایت‌آور بوده است . وآنچه رادراصل نـامطلوب‌بوده به‌دست‌فراموشی می‌سپاریم . فراموشی وقایع ناگوار را میتوان‌به‌عنوان‌نیروی‌فعال‌سرکوبی‌کننده وتقویت متغیر توجیه کرد.

پرورش حافظه

ازآنجاییکه تذکار وبازشناسی‌خوب تابع تثبیت کافی‌است‌ازاینروکلیه‌روش‌هایی که برای‌بهبودحافظه‌طرح گردیده‌ناگزیر بیش از هرچیز با تثبیت سروکار دارد ، پرورش حافظه اساساً باافزایش وتقویت تداعیها و پیوستگی‌های بین‌محرك وپاسخ بستگی دارد، روش بهبودحافظه درصورتی سودمند است که تداعیهای اضافی طوری تشکیل گردندکه بامعنی و مربوط باشند اما اگر این روش مستلزم تشکیل تداعی‌های‌پیچیده گردد حفظ کردن‌مستقیم مطلب بسیار بهتر از به کار بردن روش بهبود حافظه است . روش‌هایی نیز برای بهبود تذکار مستقیم محفوظات سودمند تشخیص داده شده‌که از اینقراراست:

۱ـ تدابیرکمکی برای‌حافظه ، از قبیل نصاب‌الصبیان‌که در گذشته معمول بود .

۲ـ دسته بندی وقافیه .

۳ـ تداعیهای ثانوی ، گاهی از برگه‌های‌تصورفضایی برای کمك‌به‌تشکیل تداعیها استفاده میشود .

تفکر

تفکر را میتوان به‌عنوان رفتاری تعریف‌کرد‌که غالباً تلویحی ودرونی‌است درونی‌است ازآن نظر که‌نمیتوان‌به‌آسانی آنرا مشاهده نمود . این فعالیت درونی به‌وسیله‌علایمی‌ظاهرمیشودکه مشهورترین آنها علایم‌گفت وشنوداست.علایم‌دیگری که درتفکر انسان به کار میروند به نام مرایا خوانده شده‌اند . مرایا ممکنست عبارت باشند ازمناظر ، بوها ، اصوات، حرکات واندیشه‌ها‌که مفاهیم وفرمول‌های ریاضی وکلامی را تشکیل میدهند .

استدلال

تفکری‌که هدف‌یامنظوری راتعقیب کند استدلال گفته میشود. دریادگیریهای دشوار و پیچیده‌که پای تجارب‌گذشته و تنظیم‌وسازمان دادن‌پاسخ‌ها به‌میان‌میآید استدلال جای مهمی دارد . در جریان استدلال مراحل ذیل را میتوان تشخیص داد :

۱ـ داشتن هدفی‌که بایدتحقق یابد یا وجود مسأله‌ایکه باید حل‌شود .

۲ ـ عنوان کردن فرضیه‌ها یا استنباطهایی‌که‌برای رسیدن به‌هدف‌یاحل مسأله به‌کاربرده شوند .

۳ـ انتخاب پاسخ‌های‌خاص‌وتعقیب راه حل‌آزمایشی معین.

تشکیل مفاهیم : بشربرحسب‌عادت در استدلال‌کردن ازمفاهیم یااندیشه‌های کلی استفاده میکند ، تشکیل مفاهیم جریانی است‌که باید باطی‌کردن مراحل تعمیم وتجرید صورت‌گیرد. تشکیل‌مفاهیم در واقع عبارتست از یادگیری .

آزمایش‌های روانشناسی نشان‌داده است که‌صدمات وارده برمغزسبب ازدست

رفتن قدرت تفکر در بارهٔ مجردات میگردد وحال آنکه ممکنست بر توانایی شخص در موردتفکری که مستلزم تأثرات حسی آنی است خدشه‌ای وارد نیامده باشد.

برای تشریح وظیفه ذهن در تفکر و استدلال دو نظریهٔ مهم عنوان شده که یکی ازآنها به «نظریهٔ مرکزی» معروف است. طرفداران این نظریهٔ معتقدندکه تفکر درخود مغز انجام میگیرد. نظریهٔ دوم‌به‌نام «نظریهٔ پیرامونی» یا «نظریهٔ تحرکی» مشهوراست. به‌موجب این‌نظریهٔ مغز فقط جزیی ازجریان تفکررا به‌عهده دارد ودرحقیقت انسان باتمام بدنش‌فکر میکند.

تعلیم تفکر واستدلال

برای بهبود بخشیدن به‌تفکر نخست باید حقایق و مطالب آموختنی را بهتر و عمیقتر درك کردو برعلل وجهات‌مختلف و همچنین نتایج قضایا احاطه کافی پیدا کرد، سپس روش‌های مثبت و قبول شده را در استدلال خود به‌کار برد. قدرمسلم اینکه بایدفهم‌خودرا دربارهٔ هرموضوعی از راه مطالعه، بحث و تجارب علمی زیاد کرد.

تفکرواستدلال‌درست: تفکر قیاسی یااستدلال برمبنای‌صغری‌و کبری که‌جریان استدلال‌ازقضایای‌کلی به‌سوی استنتاج‌های جزیی‌سیرمیکند. طریقهٔ کلاسیك تفکر قیاسی را بااصطلاحات مشهور صغری و کبری ونتیجه توجیه کرده‌اند.

واسطه در استدلال قیاسی: در استدلال قیاسی غالباً درستی نتیجه تابع کفایت واسطه یا عامل ارتباط دهنده است. واسطه در واقع حکم یکی‌را دارد که‌دوقضیه‌موردمقایسه‌را به‌یکدیگرمتصل میسازد.

استدلال استقرایی: در تفکر استقرایی استدلال از حقایق جزیی‌شروع و به‌استنتاج‌کلی ختم میگردد.

تفکردسته جمعی: درعمل مشاهده میگردد بسیاری از تصمیم‌هایی‌که رفتار روزمرهٔ ما راتعیین میکند بیش از آنچه تابع تفکر فردی باشد تابع تفکر دسته جمعی است.

موفقیت‌گروه در تصمیم‌های خود یعنی درجهٔ موافقت و اتفاق نظر آنهادر آراء خویش‌تابع چند عامل به‌قرار زیر است:

۱ـ ترتیبهای‌صوری.
۲ـ محیط دوستانه‌وغیررسمی.
۳ـ شرکت دررهبری.
۴ـ نقشهٔ‌قاطع‌ومشخص برای‌مذاکره.
۵ـ قابلیت انعطاف دستورجلسه.
۶ـ موافقت درتصمیم نهایی.
۷ـ مشارکت‌آزاد.
۸ـ رضایت ازتصمیم نهایی.

اشتباهات معمول در استدلال

۱ـ حدس‌وتصور: قضاوتی که‌برای آن شواهد محسوس‌کمی وجود دارد ولی با اعتقاد راسخ عنوان میگردد.

سفسطهٔ تذکرهٔواحد،هنگامیکه‌حدس و تصوربه‌صورت استنباط و پیش‌بینی‌هایی جهت وقایع‌آینده به‌کاررود احتمال غلط بودن‌آن بسیار زیاد است و باید با نظر تردیدبه‌آن نگریست.

۲ـ تفکرکودکانه ودلیل تراشی: یکی از مشاهدات مکرر ما در زندگی اینست‌که بسیاری از مردم در سیاست و زندگی‌روزمره به‌اموری اعتقاد دارندکه دلخواه ایشان است.

«دلایل خوب»که ازراه دلیل‌تراشی ساخته و پرداخته میشود در واقع تملقی است که خود برای غرور خویشتن تهیه می‌بینیم نه «دلایل‌واقعی»که برمحسوسات عینی استواراست.

۳ـ استعمال‌کلمات به‌طور مبهم: کلماتی‌که دارای‌رنگ‌عاطفی‌هستندتفکر را منحرف میسازند.

۴ـ سفسطهٔ تذکرهٔ واحد: یکی‌از وسائل اشتباه زیاد در استدلال استقرایی عبارت است از سفسطه تذکر واحدکه بسیاری ازمردم وسواس دارندکه ازروی نتیجه مثبت واحد، قانون‌کلی ساخته و موارد منفی را نادیده بگیرند.

۵ـ استدلال تمثیلی، ازاشتباههای متداولی‌است‌که‌ممکنست‌در تفکراستقرایی مداخله‌کند.

تخیل

هرگاه اشیاء با حواس مواجه‌باشند، صورتیکه از آنها در ذهن پیدا میشود احساس یا ادراك حسی خوانده میشود، هرگاه‌باحواس مواجه نباشند صورت‌ذهنی آنها **خیال یا تصویر جزیی** نام دارد. بنابراین تخیل عبارت‌خواهد بودازاحیاء احساسات در غیاب موجبات یا مقدمات خارجی آنها.

اقسام تخیل: تخیل بردونوع است:

۱ـ تخیل حضوری: در صورتی است‌که اموری که سابقاً ذهن را عارض شده‌اند باهمان ترکیب قبلی خودشان در ذهن حاضرشوند.

۲ـ تخیل‌اختراعی: ترکیبات‌بدیع وساختمانهای نوینی است‌که از صور و معانی درذهن پیدا میشوند، این ترکیب گاهی‌بی‌دخالت‌عقل‌واراده وتنهابه‌فرمان دل صورت میگیردکه میتوان‌آنرا **تخیل انفعالی** نام‌دادوگاهی‌برعکس عقل‌واراده در چگونگی ترکیب دخالت دارند و میتوان آنرا در مقابل تخیل انفعالی، **تخیل ادراکی** نامید.

اقسام تخیل انفعالی، عبارتند از: خیالبافی، رؤیا، حرکت درخواب طبیعی، حرکت در خواب غیر طبیعی، توهم و جنون.

تجرید و تعمیم

درعمل تفکیك نشدنی ذهن هستند، **تجرید** به‌آن عمل ذهن‌گویندکه‌یك‌صفت از صفات چیزی یا یك جزء از اجزاء معانی را به‌نظر آورده، سبب میشود که سایرصفات‌واجزاء موردغفلت‌قرارگیرند، درصورتی‌که آن‌جزء یاآن‌صفت‌به‌تنهایی و مستقلا نمیتواند وجود داشته باشد.

تجرید یاارادی است یاغیرارادی، تجرید غیرارادی‌آنست‌که توسط حواس صورت میگیرد. تجرید ارادی آنستکه مستلزم توجه وعمل مخصوص نفس بوده تصور معانی را مانندکم وکیف و اضافه میسر میسازد.

هرگاه ذهن صفت یا صفاتی راکه از اموری انتزاع شده‌است عنوان‌گروهی افراد نامحدودقرارداده‌ومفهوم‌کلی‌بسازد گوییم‌به‌عمل **تعمیم** پرداخته‌است.

حکم

حکم‌عقلی‌به‌آن‌عمل‌ذهن‌گفته می‌شود که‌رابطه‌ای‌رامیان دوچیزادراك وتصدیق می‌کند، لیکن‌چگونگی‌این امر از دونظر ممکن‌است‌موردبررسی وتحقیق قرارگیرد، ازنظر منطقی، واز نظر روانشناسی.

استقراء: به استدلالی گویند که ذهنرا از امورجزیی به‌قوانین‌کلی رهبری کند یعنی سبب شود که از جزیی به‌کلی پی‌ببرد.

تمثیل: به‌آن عمل ذهن گفته‌میشود که از حال جزیی به‌حال جزیی دیگر پی‌میبرد. فرق استقراء وتمثیل در این است‌که استقراء مستلزم ادراك مشابهات

مهم وعمیق است درصورتیکه تمثیل به مشابهات سطحی قناعت کرده آنها را دال برمشابهات عمیق میدانند .

هوش

مفهوم **هوش عمومی** فوق العاده وسیع است ولیکن روانشناسان برای استفادهٔ عملی ازاین مفهوم سه نوع فعالیت برای هوش تشخیص داده اندکه عبارتند از : **انتزاعی ، مکانیکی و اجتماعی** . هوش انتزاعی حاکی ازقدرت ما برای علایم مختلف است . شخصی که از هوش مکانیکی برخوردار باشدمیتواند به آسانی درامور فنی تبحر پیداکند ، سیاستمداران فروشندگان و پیشوایان مذهبی میبایست از هوش در امور اجتماعی برخوردار باشند . میزان این سه جنبه هوش در اشخاص متفاوت و در شخص واحد هم در موارد مختلف فرق میکند . روانشناس‌ها این نکته را کشف کرده‌اند که استعدادها به‌طورمثبت به‌هم مربوطند یعنی به‌طورکلی باموفقیت افراد در تمام کارهایی که میکنند ازحد متوسط کمتر ویا بیشتر است .

سنجش هوش : تست‌های هوشی که فعلا به‌کار برده میشود هوش انتزاعی را می‌سنجد ، همچنین چند نمونه تست برای سنجش هوش مکانیکی تعبیه شده است. هوش اجتماعی نیز گاهی به‌وسیلهٔ تست اندازه گرفته میشود و از روش‌های دیگر مانند سؤالیه مدرج وفهرست‌های مقیاس‌شده هم استفاده میگردد .

تست‌های ابزاری هوش سنجی

این تست‌ها مخصوصاً برای هوش‌سنجی کودکان قبل ازسنین مدرسه وبیسوادان واشخاص کند ذهن وکسانیکه به‌زبان خارجی تکلم میکنندویا نمیتوانند درست صحبت کنند بسیار مفیداست . این تست‌ها «سن ذهنی» را تعیین میکنند واغلب آنها خارج قسمت هوشی هم به‌دست میدهند. تست‌های ابزاری بسیاری ازاستعدادهایی را که تست‌های کلامی اندازه گیری میکنند مورد سنجش قرار میدهنداما هر گز عین آنها نیستند . بنابراین این تست‌ها را میتوان به‌عنوان مکمل تست‌های کلامی به‌کار برد .

تست‌های هوش چگونه ساخته میشوند ؟

اصول ومقرراتی که روانشناسان در ساختن تست‌های هوش ازآن پیروی می‌نمایند :

۱ ــ مواد وسؤالات تست باید نماینده وآزمایندهٔ صحیحی از هوشیاری باشد.

روایی هرتست را در اثرمقایسه آن تست به املاك‌ها وضابطه‌های مختلف به‌دست می‌آورند .

۲ ــ مواد و سؤالات تست طوری انتخاب میشود که فعالیت‌های مختلف ذهن را موردآزمایش قرار دهد.

۳ ــ سؤالات تست برحسب آسانی و مشکلی درجه‌بندی میشوند و به‌نحوی در تست مرتب میگردندکه هرچه جلوتر برویم سؤالات مشکلتر باشند .

۴ ــ امتحانات هوشی باید قبلاً در مورد تعدادزیادی ازکودکان وبزرگسالان آزمایش شود تا مقیاسهای آزمایش شدهٔ صحیح به‌دست آید .

۵ ــ تعلیمات لازم برای اجرای امتحانات هوش بایدبه‌دقت تدوین وپیوسته با نهایت امانت وصداقت به‌کاربسته شود.

مراتب ودرجات هوش

امتحانات هوشی که ازکودکان به‌عمل میآید اختلاف و تفاوتی که از لحاظ استعدادهای ذهنی بین مردم وجود دارد به‌بهترین وجهی نمودارمیسازد.

عدهٔ کودکان بسیار تیزهوش و بسیار کودن، نسبت به‌عدهٔ کودکان متوسط خیلی کمتر است .

کم هوشی: روانشناسان به‌طورکلی کسانی راکم‌هوش مینامندکه خارج‌قسمت هوشی آنها از ۷۰ کمتر باشد ، هوش این افرادبه‌اندازه‌ای نیست که به‌تحصیل بپردازند معمولا ضعف عقل وکم‌هوشی را به‌سه درجه تقسیم میکنندکه عبارتند از : سفاهت ، حماقت، کودنی.

سفیه به‌کم هوش‌ترین اشخاص گفته میشودکه خارج قسمت هوشی این افراد معمولا از ۲۵ کمتر است .

احمق به افرادی گفته میشود که خارج قسمت هوشی آنها بین ۲۵ و ۵۰ است .

کودن‌ها دارای خارج قسمت هوشی ۵۰ تا ۷۵ هستند و نسبت به‌احمق‌ها از عهدهٔ کارهای پیچیده‌تر برمیآیند .

تیزهوشی : کودکانی که خارج قسمت تست هوش آنها از ۱۲۰ بیشتر باشد با هوش وآنهایی که خارج قسمت هوشی‌شان از ۱۴۰ بیشترباشدبسیار باهوش نامیده میشوند . این کودکان هم ازلحاظ قوای روحی وهم‌ازنظر قوای جسمی از سایر کودکان جلوتر هستند .

هوش متوسط : اکثر کودکان از نظر هوش، متوسط هستند بدین معنی که خارج قسمت شصت‌وپنج در صدآنها بین ۸۵ و ۱۱۵ میباشد .

نمرات هوش	چند درصد جمعیت	تقسیم‌بندی
۱۴۰ یا بیشتر	۱/۵	بسیارعالی
۱۲۰ ــ ۱۳۹	۱۱	عالی
۱۱۰ ــ ۱۱۹	۱۸	بالاترازمتوسط
۹۰ ــ ۱۰۹	۴۷	متوسط
۸۰ ــ ۸۹	۱۴	پایین‌ترازمتوسط
۷۰ ــ ۷۹	۶	درسرحد کم‌عقلی
کمتر از ۷۰	۲/۵	ناقص‌العقل
	۱۰۰	

ثبات خارج قسمت هوشی: خارج قسمت هوشی مقیاس ذکاوت است یعنی درجهٔ هوش کودك را باهمسالانش مقایسه میکنند، ومیتوان گفت که این خارج قسمت بالنسبه ثابت میماند معمولا کسی که درکودکی کم هوش باشددر سراسر زندگی کم‌هوش باقی خواهدماند وبالعکس .

سن ذهنی اندازه‌ای است که موقعیت طفل را نسبت به‌همسالان خودمعین میکند. خارج‌قسمت هوشی نشان میدهد که پیشرفت ذهنی طفل سریع ، معمولی یا بطیٔ است.

وراثت و هوش

متأسفانه هنوز نمیتوان به‌این سؤال پاسخ قطعی دادکه هوش درافراد تاچه‌حد ذاتی وتاچه‌حد اکتسابی است . باهمهٔ مشکلاتی که در این مورد وجود دارد روانشناسان معلوم داشته‌اندکه ۷۵ تا ۸۰ درصد نمرات هوش بستگی به‌وراثت وبقیهٔ آن بستگی به محیط دارد .

نخستین تست‌های بینه : اولین تست انفرادی هوش توسط آلفرد **بینه** استاد روانشناسی دانشگاه سوربن پاریس تنظیم شد که تاکنون چندبار مورد تجدید نظر قرار گرفته است. پرفسور لویی **ترمن** روانشناس معروف آمریکایی که دردانشگاه استنفورد تدریس میکرد بیش‌ازهرکس برای تکمیل تست‌

های‌بینه کوشش به‌خرج‌داده این‌تست‌های تجدید نظر شده‌را تست‌های استنفورد-بینه میگویند .

زبان

زبان عبارت ازمجموعهٔ نشانه‌ها و علاماتی است که به‌کارنمایش و بیان‌حالات مختلف نفسانی میرود .

مجموع علامات‌طبیعی‌را زبان‌طبیعی ومجموع علامات وضعی‌را زبان وضعی‌نام داده‌اند .

زبان طبیعی : که «زبان عواطف» نیز نامیده میشود عبارت ازحرکات و تغییراتی‌است‌بدنی که خود به‌خودهیجانات روحی را مصاحب بوده و بر وجودآنها دلالت میکنند .

زبان وضعی : زبان را در صورتی وضعی‌میخوانند که علامات آنها ناشی از نیت‌واراده‌باشند. عنوان‌زبان‌غالباً به‌زبان وضعی اختصاص‌داده‌میشود یعنی‌به‌مجموع علاماتی‌که به‌اراده برای رساندن‌مقصود به‌کار میروند .

مناسبات لفظ ومعنی : شکی‌نیست که‌میان لفظ‌ومعنی مناسبات بسیارنزدیك موجوداست واین‌دو دریکدیگر تأثیرات متقابل دارند .

۱ـ زبان وسیلهٔ تفهیم وتفهم است.
۲ ـ لفظ ومعنی‌باهم‌ملازمت‌دارند.
۳ـ لفظ برصراحت‌معنی میافزاید
۴ ـ لفظ از زحمت ذهن میکاهد.

شهوت

شهوت میلی است که‌شدتش از حد معمول‌گذشته سایرمیل‌ها را تحت‌الشعاع قرار میدهد وتمام توجه شخص‌رامنحصراً به‌موضوع‌خود جلب‌میکند . شهوات‌بسیار مختلف و متنوعند لیکن وجه‌مشترك‌همهٔ آنها اینست که درزندگی‌روحانی‌وحدتی ایجاد میکنند وتمام فعالیت شخص‌را به جانب غرضی معین توجه میدهند .

اقسام شهوات : اصولاهرمیلی‌قابل تبدیل به‌شهوت است؛ بنابراین به شمارهٔ امیال ، شهوات وجود خواهدداشت ؛

۱ ـ شهوات مربوط به تمایلات شخصی یا به‌خود پرستی ، مانند«شهوت- پرخوری» .

۲ ـ شهوت‌اجتماعی ، مانند تعصب خانوادگی که‌دراصل‌همان‌مهر ودلبستگی طبیعی است که‌افرادیك‌خانواده نسبت‌به یکدیگر دارند ولی به‌حد افراط رسیده است .

۳ ـ شهوات عالی،مانندعلاقهٔ‌مفرط بـه تحقیقات علمی و فلسفی و فنی و اخلاقی .

شخصیت

شخصیت هرکس عبارت از مجموع نفسانیات اوخواهد بود .

هرکس خویشتن‌را میشناسد یعنی ذات‌خویش‌راتعقل‌کرده ، ملتفت‌شخصیت خود بوده میداندکیست ، این‌تعقلی که هرکس ازذات خوددارد متضمن دومعنی است که ارکان‌دوگانهٔ شخصیت‌هستندیکی **وحدت** ودیگری **هویت .**

وحدت هرکس ازاین جهت است‌که نفسانیاتش سلسلهٔ واحدی را تشکیل میدهند و او میتواند چندین معنی‌را با یك‌عمل ذهنی باهم‌مقایسه‌کند .

هویت‌ازاین‌روست‌که وحدت‌مزبور درطول‌زمان‌محفوظ‌میماند وشخص‌همواره حس‌میکندکه همانست که بوده و خواهد بود .

امراض شخصیت : وجوه مختلف امراض شخصیت را میتوان برسه‌گونه دانست :

۱ ـ تزلزل شخصیت. ۲ ـ تعدد شخصیت. ۳ـ فساد شخصیت.

منش

هرفردی‌ازافراد بشردرمواقع‌مختلف پندار وگفتار، رفتاری نسبتاً یکسان از خود ظاهر میسازد تا جایی‌که دربارهٔ او میتوان به‌پیش‌بینی پرداخت‌وحکم‌کردبه اینکه در برخورد با فلان پیش‌آمد و اوضاع و احوال معین‌چه رفتاری خواهد داشت این‌کیفیت ثابت‌ادراك وانفعال و فعل‌راکه ممیز اشخاص ازیکدیگر است **منش** میخوانیم . به عبارت دیگر منش همان‌شخصیت خواهدبوداز‌نظرخصوصیتی که درهرفردی پیدامیکند .

عوامل تشکیل دهندهٔ منش

۱ ـ خصوصیات جسمانی وتمایلات موروث .

۲ ـ تمایلات اکتسابی یاعادات.

اقسام منش : از منش تقسیماتی کرده‌اندکه هیچیك نمیتواند قرین دقت وصحت‌کامل باشد ، درقدیم بقراط و جالینوس منش‌را تابع مزاج قرارداده و قائل به چهارنوع مزاج بودند ، بدین قرار :

دموی، صفراوی ، بلغمی، سوداوی.

«کابانیس» (طبیب‌فرانسوی قرن - هیجدهم) تقسیم قدمارا پذیرفته و برای کامل‌کردن آن‌دوطبقهٔ دیگر برآن‌اضافه کرده است ، یکی «عصبی‌ها» و دیگری «عضلانی‌ها» .

ریبو مردمان‌را ازاین‌حیث برهفت دسته تقسیم‌کرده است :

۱ ـ مردمان بی‌اراده .
۲ ـ مردمان متلون .
۳ ـ مردمان حساس .
۴ ـ مردمان‌فعال .
۵ـ مردمان راحت‌طلب .
۶ ـ مردمان‌فکور .
۷ ـ مردمان معتدل.

اخیراً روانشناسان اشخاص را بر دو دسته بزرگ **اهل‌برون و اهل‌درون** تقسیم میکنند .

اصطلاحات روانکاوی

اطاعت خودکار .

تمکین واطاعت‌کورکورانه .

بازتاب شرطی .

بازتابی‌که‌دراثر تمرین وتکرار و همراهی باتحریك معین به‌وجود میآید. مثال: سگی‌راغذا میدهیم ودرهمان حال زنگی‌را به‌صدا درمیآوریم .پس‌ازتکرار کافی چون‌زنگ‌را به‌صدا درآوریم‌بدون اینکه به‌سگ غذا بدهیم بزاق دهان سگ‌که واکنش درمقابل غذاست شروع به‌ترشح مینماید . (آزمایش‌پاولف) .

بزرگ نمایی.

عقیدهٔ توهمی‌که شخص‌راجع‌به‌ثروت قدرت ومطلق‌العنان بودن داشته‌باشد .

بی‌اشتهایی عصبی .

بی‌اشتهایی توأم با از دست دادن وزن‌وسایر عوارض عصبی است‌که دارای ریشهٔ احساساتی وعواطفی میباشد . این بی‌اشتهایی ممکنست‌حتی‌به‌بیزاری‌ونفرت از غذا بینجامد .

بی‌حسی جنسی .

بی‌حسی جنسی‌ویاعدم وجود نیروی محرك جنسی .

پرتو افکن.

مکانیسم‌روحی ناخودآگاه‌که شخص بعضی خصوصیات خودرا طرد نموده وبه دیگران نسبت دهد . دراین حال شخص احساسات وتمایلات ناخواسته خودرا به دیگران منسوب مینماید .

«تابو» تحریم .

درنظرفرویدریشهٔ‌ممنوعیت وتحریم

معمولا دینی ، جادویی ویاخرافاتی‌است وبه‌این وسایل آزادی‌شخص در اجتماع محدود گردیده و امور قدغن گردیده است .

توجه عقلانی .
کوشش آگاهانه‌ای‌که شخص‌بخواهد ازطریق‌تعقل پاره‌ای ازاحساسات‌مزاحم را مطرودنماید ؛ چنانچه‌این‌عمل‌ناخود-آگاه باشد میتوان‌آنرا مکانیسمی‌روحی دانست .

تلقین‌پذیری .
تغییر سریع‌رأی ، تمایل ویا رفتار براثر آنچه که شخص دیگری تلقین نماید .

تکرار طوطی‌وار .
تکرار خود به‌خود کلمات یاجملات به‌وسیلهٔ بیمار . این اختلال دربرخی از بیماران مبتلا به «شیزوفرنی» مشاهده میشود .

تقلید میمون‌وار .
تقلید خود به خودی فردازحرکات ورفتار اطرافیان .

جبران .
جریان آگاهانه‌ای‌که شخص سعی مینماید جبران نقص‌های داخلی یا تصویری بدنی و یاروانی خودرا بنماید.

خستگی عاطفی .
یك‌نوع‌خستگی‌که تقریباً شایع‌بوده و ریشهٔ آن عواطف واحساسات میباشد.

خودآزاری .
۱ ــ لذتی‌که ازدرد روحی‌یاجسمی حاصل‌شود .این‌نوع لذت‌جویی‌غالباًریشهٔ جنسی دارد .
۲ ــ حالتی‌که‌تلذذ جنسی تنهاوقتی حاصل‌میشودکه‌توأم بادرد ورنج ، تحقیر وبدرفتاری‌باشد . این‌حالت‌اگر آگاهانه باشد انحراف‌جنسی‌است ومقابل‌دیگر-آزاری خواهد بود .

خود مرکزی .
خودپرستی وارزیابی‌بیشترازاندازه خویشتن و جلب منفعت شخصی‌به‌قیمت قربانی نمودن دیگران .

خود نمایی .
نشان دادن تن وبدن خود و آلت تناسلی به جنس مخالف . براثر این کار اقناع جنسی دست میدهد .

درون‌گرایی .
اشتغال به‌خویشتن‌وکاهش علاقه‌نسبت به‌جهان خارج .

شبیه سازی.
مکانیسمی روحی که شخص به‌طور ناخودآگاه سعی مینماید خود را چون دیگری‌نمایدوکوشش کندکه‌به‌جلددیگری رودوهمچون‌او گردد. شبیه سازی و به‌جلد دیگری شدن غالباً باعث ایجاد وجدان ، تمایلات و موازین شخص میگردد ، اگر این عمل به‌طورآگاه باشد آنرا تقلید گویند .

فراموشی .
این‌کلمه برای فراموشیهایی‌که مرض میباشد بکار برده میشود . در این‌گونه فراموشی معمولا قسمتی‌ازحافظه وتجارب قبلی بیمارمجزا گردیده وبه‌خاطرآوردن آن تجارب وخاطرات غیر مقدور میشود فراموشی ممکن است مخصوص روان و یامخلوط باشد.اگرفراموشی دربارهٔامور جدیدالاتفاق باشد آنرا«فراموشی‌اخیر»، واگر فراموشی در مورد خاطرات‌گذشتهٔ دور باشدآنرا «فراموشی‌بعید»میخوانند.

کاتاتونی.
نوعی ازبیماری (شیزوفرنی-تجزیه شخصیت) است .
دراین‌بیماری‌غالباً بی‌جنبش‌وحرکت بوده وعضلات درحال سختی و محکمی و عدم انعطاف‌میباشندوبهرحالتی‌که‌آنهارا نگاهدارندبه‌همان حالت باقی میمانندو حالات هیجان و حرکت زیاد نیز دیده میشود .

کشمکش با برون .
این‌نوع‌کشمکش روانی‌شامل‌عوامل خارجی نیز میشود • یعنی کشمکش بین نفسانیات وعالم خارج و محیط .

کشمکش اندرونی .
این قسم‌کشمکش در اندرون و در نفس شخص‌به‌وقوع میرسد .

نوع‌کاتاتونیك .
دراین‌نوع بیماری‌درفعالیت‌وحرکت اختلال‌مشاهده‌میشود. یا بیماربی‌حرکت وثابت‌است ویافعال وپرحرکت میباشد .

نوع هبه فرنیك .
در این نوع احساسات نامتناسب ، حرکات نامربوط غالباً عادات شخصی و اجتماعی روبه‌زوال‌میرود .

نوع پنهان .
استعدادابتلای‌به‌بیماری«شیزوفرنی» در صورت وجود فشار وصدمهٔ‌کافی .

نوع پارانید .
تفکرات غیرحقیقی‌وتوهمات‌آزار-دهنده وخود را محکوم نمودن، موجود میباشد . رفتاروسلوك غیرقابل پیش‌بینی بوده‌توهم‌وحرکات خصمانه‌وتجاوزمشاهده میشود .

واخوردگی .
مکانیسم روحی که بدان وسیله احساسات وافکار تألم انگیز وشرم آور و ناراحت‌کننده ازعرصهٔ ضمیرناخود-آگاه رانده میشود و نمیتوان با اراده وبه‌آسانی این‌احساس ویا تجزیه تألم-انگیزرامجدداً به‌خاطرآورد .این‌مکانیسم یکی از شایعترین‌مکانیسمها بوده و این تجارب و احساسات واخورده به‌طور «سمبولیك»رمزی‌وکنایه‌ای‌متن‌ومحتویات رؤیاها را تشکیل میدهد .

وارفتگی پیش رس .
اصطلاح قدیمی‌برای‌تجزیهٔ شخصیت (شیزوفرنی).

هذیان .
هذیان ممکنست در اثر عوامل و ریشه‌های شیمیایی و یا روانی‌باشد.

هم جنس بازی .
میل ورغبت به‌داشتن روابط جنسی بین دو هم جنس •

انحرافات

درکودکی: کودکی‌که‌بیش‌ازحدلزوم فرصت مکیدن پستان یا پستانك داشته باشددرسن رشددرکاربوسیدن ونوشیدن و دودکشیدن افراط خواهدکرد و حتی در شرایط مساعد ، دهان و زبان خود را مانند اعضاء خاص جنسی به کار خواهد برد(وجه‌مثبت)یادرکارهای خودمخصوصاً درکار مهرورزی خشن وسیع خواهد بود (وجه منفی) • طفلی که نمیتواندبه‌قدر کفایت پستان یا پستانك بمکد و لب و دهان خودرا ارضاءکند برای جلب‌مهرو محبت مردم رفتاری غیر عادی خواهد نمود . یاخشونت ووقاحت و ستیزه‌جویی خواهدکرد (وجه منفی) ویا شرم و حیاء فراوان ابرازخواهد داشت (وجه‌مثبت).

جماع با حیوانات‌دوجنسی: معمولا از این کلمه دو جنسی مراد میشود ، یعنی شخصی که هم خصوصیات و تمایلات فعال جنسی مردانه و هم تمایلات منفعل زنانه را داشته باشد .

جنون تحرکی :
۱ ــ بیماری‌که‌نشانه‌های‌آن هیجان،

تقلا ، سریع شدن جریان تفکر وصحبت کردن و شاد بودن میباشد . متعاقب اینگونه حمله‌های هیجانی ممکنست حالات افسردگی دست دهد .

۲ــ حالت هیجان مرضی . این نوع « مانیك دپریسو » باحالت افسردگی و واماندگی روانی و کندشدن تفکر وفعالیت وروانی‌جسمانی شخص میگردد تیپ این نوع از «مانیك دپریسو» با پرچانگی کردن، داشتن ایده‌ای بسیار سریع ووسیع وزیادشدن حرکات وفعالیت‌های بدنی مشخص است.

سادیسم: سادیسم واژه‌ایست مأخوذ از نام (Marquis de Sade) که‌درقرن هیجدهم به‌جرم شکنجه کردن و مسموم ساختن جفت‌های خود به‌زندان باستیل افتاد . وی در زندان داستانهایی وقاحت‌آمیز، نوشت‌و برای ناپلئون فرستاد عاقبت‌اورا دیوانه شمردند واز زندان به تیمارستان بردند. بیماران سادیسمی که‌از تخریب و تصدیع و ایجاد مزاحمت متلذذ میشوند، بـه جـای نـاز و نـوازش جفت جنسی خود ، ویرا می‌آزارد وحتی در مواردی به قتلش میرسانند و بی‌پروایی وسبقت‌ـ طلبی ورقابت جویی خواهدگردید ؛ ولی سادیسم شدید ، قساوت واجحاف وتعدی به‌بارخواهدآورد .

عقده اخته شدن .

۱ــ ترس ازصدمه دیدن آلت تناسلی.
۲ــ معمولا این اصطلاح مربـوط بترس خودآگاه، ازصدمه دیدن‌یا ازدست‌دادن بیضه‌ها است.

عقدهٔ اودیپ .

احساسات موافق بچه نسبت به ولی غیر هم جنس خود ودرعین حال‌احساسات متجاوزانه نسبت به ولی هم جنس خود ؛ این احساسات غالباً دراثر احساس ترس مجازات ازطرف ولی هم جنس سرکوبی وفشرده میشود . ازاین عقده معمولاعلاقه پسربه‌مادر واحساس‌خصومت نسبت‌به‌پدر مراد میشود .

عقدهٔ الکترا .

پیوستگی روانی کودك مؤنث به‌پدر وترسها و نتـایج عواطفی آن .

عقدهٔ حقارت .

احساس حقارت در اثر احساس نقص‌ها وکاستی‌های جسمی و یا اجتماعی به‌صورت حقیقی یاتصوری. دراین صورت فرد مبتلی به‌اضطراب ویااقدام به‌جبران مبالغه آمیزاین عقده به‌وسیلهٔ رفعت‌طلبی و مهارت و موفقیت درمواردی‌که غالباً شخص ضعیف بوده است مینماید .

فتی‌شیسم .

انحرافی‌است که بیشتر گریبان‌مردها را میگیرد مبتلایان به‌این‌انحراف‌روانی به‌جای آنکه‌جفت‌خودرا کلادوست بدارند. به‌یکی ازاعضای اودل میبازند ومثلا مو یاچشم‌یاپاهای اورا مانند بت‌می‌پرستند. جوانانی‌که تاری ازگیسوان دلدار خود را همراه دارند و باآن مغازله میکنند، ازاین انحراف‌برکنار نیستند. ممکنست حرکات ، اختصاصات یا مملوکات معشوق یا اشیاء و امکنه‌ای کـه بااو ارتباطی دارند، به‌صورت بت درآیند. ازاین‌قبیل است طرز راه‌رفتن‌و بوی بدن ودستکش وسگ وگربه وهمنشینان‌ومنزل‌معشوق ..

کثیرالشهوة بودن .

میل زیاد وافراط در عمل جنسی.

لبیدو .

۱ــ میل‌وانرژی جنسی. ۲ــمحرك روانی که معمولا مربوط به‌غریزهٔ جنسی است (غریزه جنسی را بایستی به‌معنی اعم آن منظور داشت) حتی ممکن است این‌کلمه راوسیع‌تر درنظرداشت وازآن نیروی روانی‌که مربوط به‌غریزه به‌طور ـ کلی است مراد نمود .

مازوشیسم :

مازوشیسم‌یاشهوت خود آزاری‌نوعی از آزار دوستی است.سادیست‌ها ازآزار شدن. منبع مازوشیسم‌همان سابقهٔ‌تخریب است که‌ازآغازکودکی قسمتی‌ازآن‌متوجه عـالم خـارج میشود و سادیسم را پدید میآورد، وقسمتی دیگر«خود» رادرمیان میگیرد و مازوشیسم را به‌وجود میآورد. اماچون کودك دچار محدودیت‌های‌طبیعی و اجتماعی است ، فرصت چندانی برای ارضای سادیسم خودندارد و مثلانمیتواند به‌دلخواه خویش شیشه‌های خانه‌رابشکند یاسرگربه را ازتن جدا سازد . ازاینرو مجبور است سادیسم خود را وا بزند یابرتر سازد . اینهم‌کاری است دشوار و بیرون ازتاب و توان‌کودك ؛ پس‌سادیسم را از خارج بـه‌داخل میآورد و تبدیل به‌مازوشیسم‌میکند ... مازوشیسم‌وهمچنین سادیسم مبتلایان فراوان دارد . گذشته ازمرتاضان، بسیاری مردم از « بیدردی» گریزانند،ازرفع‌آلام‌جلوگیری‌مینمایند، برای خود درد و رنج می‌آفرینند، در پاره‌ای موارد به‌پیشتاز شکنجه و مرگ میروند و مواقع خطر و بدبختی به‌جای اقدام به‌انتقام وکشتن دیگران(سادیسم) خودرا می‌کشند .

میل به‌جنس مخالف .

روابط جنسی طبیعی بین مذکر و مؤنث .

خواب از نظر روانکاوی

آدم بیدار، خودآگاه است وموافق مقولات منطقی می‌اندیشد و مثلا کل را بزرگتر از جزء میشمارد یاجمع دو امر متناقض مانند شب وروز را نمی‌پذیرد . ولی رؤیاء ناموس و هنجاری دیگردارد وازمقولات عقلی برکناراست. از اینرو است که عالم خواب بـه عالم بیداری عجیب می‌نماید وتعبیر وتفسیر آن‌به‌زبان زمان بیداری (الفاظ) بسی‌دشوار است. منطق‌خودآگاه‌بیداری‌میگوید؛اضدادجمع نمیشوند؛امامنطق‌رؤیاء وبرروی‌هم‌منطق ناخودآگاه اضداد و تناقضات را جمع میکند . در رؤیاء «نفی» یعنی «نه»معنی ندارد. بیماری میگوید : «پرسیدید در خواب‌کرا دیدم ؛ نمیدانم. اما «مادرم نبود »؛ از لحاظ پسیکانالیز معنای این سخن اینست‌که بیمارعلیرغم افکار خود ، مادرش را در خواب دیده و تکذیب‌بلاـ مقدمه او درحکم تصدیقی ضمنی است...

هرخوابی‌که می‌بینیم‌حاکی ازمیلی است نـاخرسند . تشنه، خـواب، آب و گرسنه . خواب‌نان می‌بیند ؛ چنانکه بسا بیماران بستری خواب می‌بینند که سالم وبرومندند . پس تار و پود رؤیاهای ما کام‌های وازده ماست ـ هم‌کام‌های تازه‌وهم کامهای‌کهنه طفولیت .

برتری طلبی

انواع برتری‌طلبی‌ها :

برتری ــ طلبان را میشود به‌سه دسته تقسیم‌کرد :

۱ــ نارسیس‌ها .
۲ــ تکاملی‌ها .
۳ــ منتقم‌ها .

شخص مبتلا به‌نـارسیسم درو جـود خودش‌یك‌مقدار صفات عالی و یك‌مقدار قدرت‌ها و استعدادهایی تصور میکندکه حقیقت وجود ندارد و یااقلا به‌مقداری که او تصور میکند وجود ندارد ولی او

به‌آن وجود خیالی و تصوری بسیارعالی بەدیدهٔ احترام مینگرد . . . تیپ تکاملی کسی است‌که برای اعمال و اقناع حس برتری‌طلبی خود یك‌نمونهٔعالی‌وبی‌نقص، یا بهتربگوییم ، یك قالب «کاملی» در ذهن خود بـرای تمام اطوار و رفتار و گفتار خود ساختـه و سعی دارد تمـام فعالیت‌ها و احساسات و گفتار و رفتار خود را مطابق آن قالب ساختگی در آورد. مثلا به‌خود میگوید شخصی‌به‌شأن من «باید» اتومبیل آخرین سیستم‌داشته باشد ، « باید » در طالار پذیرائیش بار آمریکایی ومشروب فرنگی یافت شود ، «باید » اولادش مؤدب و مطیع و شاگرد اول‌باشند، «باید» در مهمانی‌های‌مجلسش وکیل و سناتور و وزیـر دعـوت داشته باشند ، «باید» برفلان حریف غلبه کند «باید» لباسش از دست گرانترین خیاط بیرون‌آمده‌باشد ، «باید» زن او شیك‌ـ تـرین لباس را بپوشد ، بـاید و باید و باید ... جزو تیپ‌های برتری‌طلب ،تیپ منتقم از همه ناراحت‌تر ، نقشه کش‌تر ، فعال‌تر وموذی‌تر است ... این تیپ‌غالباً بسیار حسود و بخیل میشود ، دلش‌مملو ازحس رقـابت میگـردد ، بـه‌طوریکه نمیتواند به‌بیند هیچکس در هیچ کاری از او بهتر و ماهرتر وقویتراست . تیپ منتقم به‌آسانی عهد خودرا میشکند جر میزند و از درستکاری منحرف میشود ، و برای اجحاف و تعدی نقشه میریزد و حیله میکند ... و بیشتر اعمالش مخرب است نه‌سازنده .

تیپ برتری‌طلب : آدم بـرتـری طلب روحیـه‌اش طـوریست کـه‌احتیاج دارد یعنی «بایـد» احساس کنـد کـه (به‌غلط یاصحیح) ازهرحیث بر دیگران برتری دارد . و هروقت موجباتی پیدا شودکه خودرا «برتر» از دیگران‌نبیند، این احساس به‌قدری برایش دردناك و غیر قـابل تحمل است‌کـه مجبور میشود به‌هروسیله‌ای متشبث شود تاکمبود آنرا جبران‌نماید . . شخص‌برتری‌طلب غالب فعالیت‌ها ، نقشه‌ها ، بیانات ، نوشته‌ها ، معاشرتها دوستی‌هـا و حتی هنرهـایش به‌منظور کسب برتـریست ، پول زیـاد میخواهد ، نه‌برای آسایش و رفاهی که باپول میشود خرید ، بلکه بیشتر برای اینکه پول در نظر او موجب خودنمایی وبرتریست . مقام بلند وقدرت میخواهد نه‌بمنظور اینکه آن‌قدرت را صرف‌انجام یك هـدف ونقشه عـالی نماید ، بلکـه خود مقام و قدرت وسیله‌ای است برای اثبات برتری . . . بـرتری طلب طبعاً از مبارزه وجـدال و هرچه بتواند اورا به سوی غلبه بردیگران به‌کشاند خوشش میآید ... شخص برتری طلب بـه‌عکس مهـر طلب ، از تمسخر و تخطئه زیـاد نمی‌تـرسد چون صفات و توانایی خود را غالبا به قـدری بلند می‌پندارد کـه نقصی در خود نمی‌بیند ...

وظیفهٔ من‌برتر : من برتر ، کـه پس ازتشکیل من یعنی بعـد از تفکیك «خـود» از « جز خـود » بـه وجـود میآید ، مأمـور تقویت و نظارت اعمال من است . از این جهت در مقابل او به مساعدت من برمیخیزد ، ازمن خرده میگیرد وکردار من‌را داوری و مکافات میکند هرگاه من‌اسیراوشودوازفرامین من برترسرپیچیدازطرف من‌برترتوبیخو مجازات‌میشود،احساس‌شرم‌ونگرانی‌وگناه میکندوبرای‌آنکه‌ازترکتازی‌احساس‌گناه واضطراب‌بەرهد،به‌استقبال‌کیفرومجازات میرود.هرگاه «من» به‌خواهدهم‌ازنگرانی درونی وهم از مجازات اجتماعـی خود برهد باید یـاگناه را به‌گردن دیگران اندازد و خود را تبرئه‌کند یانگرانی‌را وازند وگناه را موقتاً از نظردور دارد ویاگناه‌را برعهده گیرد ، به‌آن اعتراف کند و درصدد جبران و ترمیم خطاهای خود برآید . با اندکی مسامحه میتوان من‌برتر یا بلکه جنبهٔ خودآگاه آنرا ، همان وجدان اخلاقی دانست . فرویددر مقابل مدعیانی که نظریه‌اش را دور از اخلاق می‌پنداشتند ، من‌برتـر را عرضه داشت و چنین گفت : «اینك‌که ازتحلیل من فارغ‌آمده‌ایم، میتوانیم پاسخ‌مخالفین خود را بدهیم .کسانی بـه‌دفـاع اخلاق برخاسته و زبان به‌شکایت‌گشوده‌اندکـه بـاید درنهاد آدمی ذاتی والاتر از من نیزباشد . به‌اینان میگوییم .کاملا درست است ،آن ذات والاترازمن کمال‌مطلوب من‌یا من‌برتر میباشد .»

«من» و «او» و «من‌برتر» :

... فروید هرگاه میخواهد تضـاد نیروهای روانی را برساند، به‌جای‌خود- آگاهی و ناخودآگاهی ، ازمن و او نام میبرد ، شخصیت خودآگاه و جامعه‌پسند ماست ؛ او، ذات غریزی و وحشی درون ماست . من علانیه و آشکار است ؛ او ازمن وهمه‌کس مخفی است . من‌زمام او را در دست دارد ؛ تنهاگاهگاهی اولگام گسلی میکند ، اختیار را از من بـه‌در میآورد و من را به‌کارهایی وامیدارد که خلاف‌مصالح من است ومنجر به‌شرمساری و پشیمانی من میشود . به‌قـول **فروید،** من درحکم‌سوارکار واو به‌منزلهٔ‌اسب‌است. معمولا اختیار اسب باسوارکار است ،اما گـاهـی اسب بنای سرکشی میگذارد ، میرمد و سوارکار را باخود میبرد . من وظیفهٔ دشوار دارد ، زیرا هم بـاعـالـم خـارج مصادف است و هم بـا او « من کوشاست‌تامیان‌دنیا واومیانجی‌شود،اورا با مطالبات دنیا هم‌آهنگ سازد .» والا شهوترانی و کام‌جویی بـی‌کـرانهٔ او ، ارگانیسم‌را از واقعیات دورمیدارد وبه تباهی ونابودی میکشاند . اگر چه‌قبول تحمیلات‌عالم خارج برای‌من دشواراست ولی‌فرونشاندن‌طغیانهای اودشوارتراست زیرا اواصل ومنشأ مـن است و بـه‌تمام امکانات وتدابیر و شیوه‌هـای من آشنا است .

گذشته ازمن و اوکـه در رزمگاه روان درکشمکشند ، عامل سومینی‌نیزپا درمیدان کارزار روانی‌میگذاردکه مـن برتربدان‌نام میدهیم . درتوجیه من‌برتر باید‌گفت‌که من‌یاخودآگاهی بخشی است ازاو یاناخودآگاهی است‌که تحت فشار ضرورت‌های عالم خـارج از او تفکیك می‌شودولذت‌جویی بی‌حد اورا تعدیل و سلامت روانی‌را تأمین‌میکند وازاختلال واضمحلال ارگانیسم جلو میگیرد . امـا تحمیلات عالم خارج‌چنان شدید ومکرر است‌که تحملش ازقدرت من خارج‌است. من نمیتواند طابق‌النعل بالنعل بنابر اوامرونواهی‌اجتماع‌عمل‌کند وچنان‌باشد که اجتماع‌توقع‌دارد، به‌بیان دیگر‌کمال مطلوبی‌که‌جامعه برای‌سکوت آدمی‌ارائه میکند ، هیچگاه برشخصیت هیچ‌انسانی انطباق کامل نمی‌یابد . ازاین‌رو کمـال مطلوب ومطالبات عالی اجتماعی درذهن افراد ، آثاری بجامیگذارد . بخشی از من‌را اشغال میکند وکمال مطلوب‌من یا من‌برتراتشکیل میدهد . من‌برترقشری ازمن‌که مانند من‌هم پیوسته اواست وهم وابسته به‌عالم خارج است میکوشد تامن را درمقابل او مدد وباواقعیات سازگار کند ...

شخصیت در روانکاوی

تجزیه شخصیت : گـروهـی از بیماریهای شدید روحی کـه در بلوغ و جوانی و پس‌ازآن مشاهده گردیده‌و بیمار دوراز واقعیات و حقایق زیسته ، دارای سلوك تـراجعی و زوال و نقص عواطف میباشد انواع بیماری شیزوفرنی طبق طبقه‌بندی جدید به‌قرار زیر میباشد :

تیپ عزلت طلب : علامات مشخصهٔ تیپ عزلت‌طلب عبارت است ازاینکه :

اولا ــ نسبت به‌زندگانی خـودش نقش‌یك تماشاچی‌بی‌علاقه‌را بازی‌میکند یعنی به‌جای اینکه خودرا واقعاًمربوطو مسئول وعامل وذی‌نفع درجریانات‌زندگی خود بداند. عیناً مثل شخصیست که بلیط تماشاخانه‌ای‌را خریده‌ودرصف‌جلو نشسته، وبه‌نمایش زندگانی یك‌فردی ازافـراد (که‌هم اسم‌اوست) باسردی نظاره‌میکند. به‌عبارت دیگر او ابداً احساس نمیکند که‌ذی‌نفع ومسئول وبازیگر وشریك در این نمایش است .

ثانیاًــ درعزلت طلب میل به‌انجام رسانیدن کار و میل کوشش‌خیلی ضعیف است غالباً کارهـایی که شروع میکند به‌پایان نمیرساند ، وازهرکاریکه کوشش وجدیتی لازم داشته بـاشد فراریست .

ثالثاًــ این‌تیپ‌ازنقشه وهدف‌مشخص ومعین‌گریزان‌است .

رابعاًــ عزلت طلبان دست و پـای آرزوهای‌خودراچنان‌بسته‌اند که‌تمایلاتشان قـدرت جنبیدن‌ندارند .

درواقع هیچ‌چیزرا آن‌قـدر طالب نیستند که‌آرزو کنند وازفقدانش‌رنج‌زیاد ببرند ... خلاصه شعار تیپ«عزلت‌طلب» اینست‌که زندگی‌باید آرام‌باشد ،کوشش نخواهدکرد وحتی‌المقدورکسی مخل و مزاحم‌گوشه‌گیری وآرامـش اونشود و البته شرط اول یك‌چنین‌زندگانی‌محدود ساختن‌تمنیات وخاموش‌کردن ذوق‌وشوق وشور وشعلهٔ دل‌است .

تیپ مهرطلب: بارزترین‌وآشکارترین احتیاجات‌این‌تیپ‌اینست‌که به‌شدت عطش مبالغه‌آمیزی‌برای‌جلب‌محبت وتصویب و رضایت دیگران دارد ، هرطورهست‌باید کاری کندکه دیـگران اطوار ورفتار و گفتارش‌را بپسندندوتصویب کنند.احتیاج مهم دیگری‌که آزارمهرطلبی در انسان ایجاد مـی‌کند خفض جناح اجبـاریست به‌این معنی که شخص احتیاج واجبار دارد به اینکه هرگز خود را بالاتر ازدیـگران‌نبینید و خودرا برتر تصور نکند ... خفض‌جناح و کوچکی و تحت تسلط وحمایت دیگران قرار گرفتن از احتیاجات‌ضروریست. این‌احتیاج‌به‌قدری شدید و ضروریست‌که غـالباً دیـده شده است‌شخص مهرطلب‌حتی در بازی ورزش هم، ولومهارت زیادداشته‌باشد ،نمیتواند وجرئت وجسـارت این‌را نـداردکه از دیگران پیش بیافتد . درنتیجهٔ وجـود این احتیاج «بـرتر وبهتر از دیگران نبودن» مهرطلب عصبی،برای خودنه‌حق زیادی قائل است‌ونه لیاقت وفضل وهنر زیادی می‌بیند به‌همین‌جهت است که‌غالباً ازمطالبه حق‌مسلم رمشروع‌خودشرم‌دارد واگرهم بنابه‌احتیاج، حق خودرامطالبه کند بانهایت‌عذرخواهی مطالبه‌میکند... یکی دیگر ازخصوصیات آزارمهرطلبی اینست که‌قدرت‌مقاومت ومبارزه‌وخصومت علنی‌راازانسان سلب میکند. البته‌نباید تصور کرد که مهرطلب‌چون اساس‌رویه‌اش مبنی بـرمهربانی و جلب مهربانی است دلش ازعناد وکینه وخصومت مصفاست ، نه این‌طور نیست ؛ غالباً پس‌ازروانکاوی مفصل به‌خوبی دیده میشود کـه دراعماق قلب این‌نوع اشخاص ، درمخازن‌مخفی‌و مستور روحیه‌آنها ، مقدار هنگفتی‌کینه وعداوت انباشته‌است‌که ابداً خودشان‌از وجود آن‌خبر ندارند ولـی‌چون شخص مهرطـلب طبیعة از کشمکش ومجادلـه گریزانست از هرحـرفی یاهرعملی‌کـه کشمکش ومجادله ایجادنمایـد احتراز میکند ونهایت‌کوشش‌را داردکـه‌کینه و وعنادش ظاهر نشود . خلاصه شخص مهر طلب ، به‌حکم مهرطلبیش ازهرچیزی‌که درنظرش خصومت باشد ، از هرچیزیکه درنظرش «پز» وخودنمایی جـلوه‌کند ، به شدت احتراز دارد و متأسفانه چـون بسیارنـد کارهـایی‌کـه در نظر شخص مهرطلب بی‌جهت خصومت‌وخودخواهی و خودنمایی جلوه‌میکند، بنابراین‌هرشخص مبتلا بـه«مهرطلبی» از مقدار زیادی کار مفید دوری میجویـد و بـه‌ناچار صحنهٔ فعالیتش خیلی‌محدود وتنگ‌میشود و از استعدادهایش استفاده نمیکند ودیگرنه قدرت‌دفاع ازحق‌خودرا دارد ونه‌شجاعت ابراز عقیدهٔ صریح نه‌جداً درصددبهبود وضع‌خود برمیآید نه درفکر استفاده از استعدادهای خود می‌افتد .

شخصیت نارسا : شخصیتی که در مقابل‌تحریکات عقلی، عاطفی ، اجتماعی وجسمی‌پاسخ وواکنش کافی و مناسب از خودنشان نداده وازلحاظ‌جسمی و روانی نیز بنیه‌کافی ندارد .

شخصیت دورانی : این‌نوع‌شخصیت غالباً در اثر حـالات متناوب شادی و نشاط و غم‌واندوه شناخته می‌شود . خلق وی در اثر محـرکات دارای نـوسانات بی‌قاعده‌وخارج ازاندازه میباشد. حالات نشاط و اندوه در چنین شخص بیشتر در اثر عوامل روانی درونی است تا عوامل خارجی هرچندکه‌عواملا خارجی میتواند نقش عمده‌ای را داشته باشد.

شخصیت دوگانه: یك‌حالت‌نـادر که شخصیت بیماردوگانگی یافته وبیمار از شخصیت دومـی خودآگاهی ندارد وهریك‌ازاین‌دوشخصیت درغیبت دیگری می‌تواند به‌خوبی وباکمال استقلال انجام وظیفه‌نماید .

شخصیت شکاف یاترك برداشته : معمولا‌این‌اصطلاح‌رادرمورد‌بیماری «شیزوفرنی» به‌کار میبرند .

شخصیت هیستریـکی : شخصیت هیستریك دارای گروهـی از خصایص منجمله تلون مزاج و احساسات تلقین پـذیری رفتار اضـطراری ، جـویای توجه ، عدم رشد وبه‌خود مشغول بـودن می‌باشد.

سه‌نوع (خود) : باید دانست‌که در هر شخص سه «خود» وجـود دارد ، یك «خـوداصلی » یك «ایده‌آلی» ویك «خودفعلی» ، «خود ایـده‌آلی» عبارت از خـودی است کـه مطابق ایـده‌آل شماست یعنـی شما تصور مـی‌کنید تمام صفات‌آن شخص‌عـالیقدر دروجود شمـا موجود است . مثلا ممکنست شماخودرا بسیار شجاع ، بسیار باهوش‌وخیلی‌درست کار بدانید ، وجداً معتقد باشید به‌اینکه این‌صفات به‌حدکامل درشما وجود دارد. به‌عبارت‌دیگریك«خود» تصوری و«ایده‌ـ آلـی» برای وجـودتان ساخته وآن‌را حقیقت پنداشته‌ایـد . «خـودفعلی» آن وجودیست بـاصفات معین ومشخص‌کـه فعلا وحقیقتاً درشخص‌شما وجود دارد . یعنی‌همان شخصی‌که درخیال خودرا بـا هوش وشجاع وردستکار میداند و«خود ــ ایده‌آلی» را به‌آن‌تصویر می‌بینند ، خود

فعلیش هم، کنست به‌عکس آدمی کودن وترسو ونادرست باشد . خـوداصلی آن ذات حقیقی واصلی است که نه اینست و نه آن و با هردو اینها دایـم درکشمکش است .

روانشناسان

آدلر، آلفرد ADLER . A
(۱۸۷۰ – ۱۹۳۷م)

در چـهار سالگی سینه درد سختی گرفت به‌طوریکه پزشك خانواده نومیدانه به‌پدرش گفت «کودك شما از دست رفته است» درهمین سن بـود که آدلـر تصمیم گرفت پزشك‌شـود . دردبستان شاگـرد متوسطی محسوب می‌شد ودردبیرستان‌در ریاضیات ضعیف بود آدلر پس‌ازگرفتن دیپلم‌دبیرستان‌دردانشگاه وین به‌تحصیل پزشکی پرداخت‌ودرعین‌حال درکلاسهای روانشناسی‌وفلسفه نیزشرکت میکردولی آدلردر ۱۸۹۵ درامتحان نهایی‌پزشکی موفق شد ودریکی ازبیمارستانهای وین به‌کار پرداخت . آدلـر در سال ۱۹۰۷ کتابی‌دربارهٔ اهمیت روانی‌نقایص‌عضوی منتشرکرد در ۱۹۱۱ هنگامی‌که فروید خواست‌که نظریهٔ جنسی او را بپذیرد با هفت‌تن دیگر ازانجمن روانکاوان‌خارج شد ودربارهٔ نظریهٔ‌جنسی فروید انتقادبه عمل‌آورد .

آلاژوآنین ، تئوفیل .Alajouanine
(متولد۱۸۹۰م)

پزشك معروف‌بیمارستان پاریس‌در ۱۹۲۶ ودرسال ۱۹۴۷ کرسی اعصاب‌را به‌دست‌آورد. تحقیقات‌جدید دانش‌اعصاب برمطالعات اومتکی است .

ارنفلس، کریستیان‌فون. Ehrenfels
(۱۸۵۹ – ۱۹۳۲م)

ازفیلسوفان وروانشناسان اطریش‌و استاد دانشگاه پراك بوده کـه مکتب هیکل‌بینی‌را در روانشناسی‌تأسیس کرده است.

بریل ، ایبرهم‌آردن Brill
(۱۸۷۴ – ۱۹۴۸ م)

آمریکایی،متخصص‌بیماریهای‌روانی، که‌برای‌اولین‌بار بسیاری‌ازآثارعمدهٔ‌فروید ویونگ‌را به‌زبان‌انگلیسی‌ترجمه‌کرد، و ازفعال‌ترین متخصصین‌پسیکانالیز بود .

بین ، الکساندر Bain
(۱۸۱۸ – ۱۹۰۳م)

فیلسوف اسکاتلندی‌که‌سالهادردانشگاه ابردین تدریس می‌کرد . درپی ریـزی روانشناسی جدید سهم به سزایی دارد . وی‌جنبهٔ‌روحانی روانشناسی‌را حـذف و به جنبهٔ فیزیولوژیکی آن‌پرداخت .

بینه ، آلفرد Binet.A
(۱۸۵۷ – ۱۹۱۱م)

پزشك‌وروانشناس‌وروانکاوفرانسوی که به‌سمت‌مدیریت آزمایشگاه‌روانشناسی وروانکاوی‌دانشگاه سوربن‌پاریس انتخاب شد ، وی درسال ۱۸۹۵ به‌اتفاق بونیس Beaunis کتابی بـه‌نام «سال روانکاوی» تألیف‌کرد . ازبینه آثار زیادی برجای مانده‌که‌همه مبتنی برتجارب روانشناسی اوست .



درسال۱۹۰۵ بینه باهمکاری‌پزشك فرانسوی به‌نام تئودورسیمون‌برای‌اولین بار تستی‌را که‌اکنون به «هوش‌آزمای‌ـ بینه، سیمون» موسوم است منتشرکرد. ازاوکتابهایی بنام «مانیتیسم حیوانی» «روح وجسم» و «عقاید تازه در مورد ـ بچه‌ها» باقی مانده است .

روسو ، ژان‌ژاك .
فلاسفه‌را به‌بینید .

ریبو ، تئودول . Ribot . T
(۱۸۳۹ – ۱۹۱۶م)

درسال ۱۸۸۹ به‌سمت استادروان‌ـ شناسی تجربی درکـولژدوفرانس معین گردید.کتاب‌او به‌نام«روانشناسی‌انگلیسی معاصر» درکشور فرانسه منتشرگردیـد «ریبو» دراین‌کتاب سفارش میکردکـه روانشناسی‌ذهنی ومجرد یعنی‌آن روان‌ـ شناسی‌راکه فقط متکی برتجزیه وتحلیل امور بـه‌وسیلهٔ تفکر است بـه‌کلی‌کنار بگذارندو به‌عکس‌روانشناسی عینی‌ترتیب دهندکه شباهت با روانشناسی جـدیدی داشته‌باشدکه‌او روشهای‌خـودرا از آن اخذکرده‌است . وبخصوص پیشنهادکرده که امراض‌ذهنی ازقبیل امراض اراده و امراض حافظه و شخصیت ودقت‌را مورد مطالعهٔ عمیق قراردهند، به‌نظر اومرض عبارت‌از: «یك‌دستگاه بزرگ‌کردن‌است که نمودطبیعی‌را شدت‌میبخشد » .

لاپیك ، لویی Lapicque
(۱۸۶۶ – ۱۹۵۲م)

درفیزیولوژی عصبی مفهوم جدیدی به‌نام«کروناکسی»را واردکردکه‌امروزه کاملا کلاسیك شده است و به موجب آن چون عوامل عصبی «نورونها» انفصالـی می‌باشند عبور سیالهٔ خاص عصبی ازیکی به دیگری‌به‌وسیلهٔ نوعی‌تطابق‌وهم‌آهنگی مخصوص انجام میگیرد واین عبور فقط درصورتی‌امکان‌پذیر است‌که دو«نورون» دارای‌مدت عمل‌یا«کروناکسی» واحدی باشند .

ژانه ، پی‌یر JANET
(۱۸۵۹ – ۱۹۴۷م)

طبیب‌وروانشناس‌فرانسوی که‌از۱۹۰۲ استادروانشناسی‌تجربی‌وتطبیقی‌درکولژـ دوفرانس بود . درتـوسعه وتکمیل علم معالجات روانـی وکشف علت هیستری مخصوصاً به‌وسیلهٔ به‌کار بردن هیپنوتیسم سهمی‌به‌سزا دارد. ژانه‌مؤسس‌روانشناسی اتوماتیك است ونخستین‌کسی است کـه بیماری پسیکاستنی‌راتعریف‌وتوصیف‌کرده است .

پاولوف ایوان پتروویچ.
PAVLOV . I . P
(۱۸۴۹–۱۹۳۶ م)

در «ریازان» درکشور روسیه‌متولد ودر ۱۸۹۷ استاد انستیتوی طب‌تجربی درمسکوگردید درواقع یکی‌ازآخریـن مریدان‌دقیق «کلودبرنار» محسوب‌میشود و بزرگترین اکتشاف او عبارت از موضوع اعمال غیر ارادی است و از جمله ریزش‌اشك ازچشم هنگامیکه‌گردو خاکی وارد آن میشود یا ترشح بـزاق وقتیکه غذارا وارد دهان می‌کنیم ویـا پرش ساق پا هنگامیکه ضربه‌ای برکنار استخوان‌زانو وارد می‌کنند وغیره‌همگی اعمال غیر ارادی می‌باشند . حـال‌فرض کنیدکه غذای لذیذی‌را بـه‌سگی نشان دهید ، بلافاصله بزاق ازدهان اوجاری می‌شود بعد ازآن‌تصمیم بگیریدکه هـر روز قبل‌ازدادن غذا به‌سگ‌زنگی‌را نیز به‌صدا درآورید . پس ازچندی ملاحظه خواهیدکردکه به‌محض صداکردن زنگ اگرچه غذایی هم دربین‌نباشد ترشح‌بزاق ازدهان‌سگ‌شروع‌می‌گردد . درواقع‌این ترشح بزاق نوعی‌عمل غیر ارادی شرطی می‌باشد . «پاولوف» این نمود رادرسال



آدلر



آلاژوآنین



ژانه



پاولوف

۱۸۹۱ ملاحظه کرد و بعد از آن ثـابت کرد که برای شیرهٔ معدی نیز حال به همین منوال است وممکن است صدای زنگ با ایجاد نور مخصوصی و یا هر عامل دیگری موجب تحریک آن گردد اگرچه غذایی در بین نباشد .

«پاولوف» این نمود را که درواقع مانند پل رابطی بین وظـایف الاعضاء و روانشناسی بود تعمیم داد وثابت کرد که آنچه ما به خیال خودنام اراده ، اختیار دقت وغیره بر آن نهاده ایم درواقع عبارت از اعـمال غیر ارادی شرطی جـدیدی هستند که به مراتب پیچیده تر از نمود سابق‌الذکر می باشند و به تدریج ضمن تعلیم و تربیت درما پدید آمده است .

این تئوری در سال ۱۹۰۴ جایزهٔ نوبل را نصیب پاولوف کرد .

پینل ، فیلیپ Pinel,Ph
(۱۷۴۵ - ۱۸۲۶م)



پینل

پزشکی نیکوکار ازمردم فرانسه ، پس از اتمام تحصیلات پزشکی دردانشگاه مونت پـلیه (Montpellier) در رشتهٔ اعصاب و بحرانهای روانی به مطالعه و تحقیق پرداخت .

فروید ، زیگموند Freud. S.
(۱۸۵۶ - ۱۹۳۹م)



پایه گزار مکتب روانکاوی، دراطریش بـه دنیا آمد ودر انگلستان درگذشت فـروید اصلا کلیمی بـود . در رشـتهٔ پزشکی تحصیلاتی کرد، سپس به فرانسه رفـت و از محضر چند استاد علم الروح استفاده کرد. ازاین زمان درذهن فروید جوان اندیشه های تازه وشگرفی پـدیـد آمد . این اندیشه ها به مرور ایام تکامل یافت ومکتب مشهور روانکاوی را بنیاد نهاد . این مکتب که هریک از پدیده های اسرارآمیز روان را به نحو تازه ای تعبیر وتوجیه می کند انقلابی در روان شناسی پدیدآورده است .

فروید ضمیرناخودآگـاه را کشف کرد وهمهٔ تظاهرات عجیب وغریب روح‌های بیمار را بـه آن منسوب داشت .

فروید درتکمیل وتعمیم عقایـد خـود دچار دشواری‌ها و ناراحتی‌های فراوان گردید، ازیک طرف فشارسنگین بررسی‌های دشوارروانی وازسوی دیگرمخالفت وعناد مردمی که مکتب نوبنیاد روانکاوی وتجزیه و تحلیل روح را یك دکان تازه میدانستندواورارنج میداد. فرویدریشه‌های مکتب نوظهور روانکاوی را در آثار دو فیلسوف بزرگ آلمانی شوپنهاور ونیچه باز یافت وآن‌دو را نخستین کسانی خواند که از«ضمیر ناخود آگاه» بطورمبهم سخن گفته‌اند وکلیدبسیاری ازرموز روانکاری را به‌دست‌او سپرده‌اند .

فرویدخیلی وسواس داشت وکوشش میکرد در بنیادگزاری مکتب خودازتأثیرافکار وایده‌های دیگران برکنار ماند اماخود میگوید ، هرگز نتوانستم از زیر تأثیر اسرارآمیز نیچه بگریزم. اویک روانکاوغیر حرفه‌ای بوده‌است. فرویددرتفسیرخواب‌های گوناگون ، در احوال بیماران روحی درآرزوهای ساده و پیچیده بشر ازابتدا تازمان خویش دقت‌های روانکاوی خاصی مبذول داشت وکشفیات عجیبی کرد .

فروید دریافته بود که فشارهای شدید قوانین اجتماعی وفرامین مذهبی انگیزه‌ها وآرزوهای وحشی که ازنقطهٔ نظر تمدن عوامل مخرب وغیرقابل قبولی تلقی شده‌اند درضمیرناخودآگاه اجتماع میکنندجرأت و ظهور ندارند . اما درخواب یا درحالات خواب به‌طور گوناگون از دریچهٔ ممنوع عبورمیکنند وپای به‌وجدان بیداریاضمیر خودآگاه میگذارند و خواب را آشفته میسازند، سکون بیداری‌را به‌هم میریزند فشار دنیای اسرارآمیزضمیر ناخودآگاه میتواند شخص را به‌بیماری روحی دچار سازد. نوابغ وصاحبان افکار بلندوسازندگان ایده‌های عجیب وغریب بلاشك اسیرضمیر ناخودآگاه خویش هستند. ضمیر ناخودآگاه بـا پیشرفت تمدن در اعماق روح مخفی‌تر میشود و بیشتر به آزار انسان میپردازد . فروید میگوید نـاراحتی‌ها و گرفتاری‌هـای روانی گذشتهٔ اشخاص به ضمیر نـاخـودآگاه رخنه کرده‌اند وفراموش شده‌اند. اگرباروش مخصوصی سؤال و جواب نـاراحتی فراموش شده اشخاص‌بیمار را به‌یادشان آوریم بیماری آنها بهبودمییابد .فرویدریشهٔ همهٔ علت‌های روانی را در ناراحتی‌های جنسی جستجو میکند. اودرکتابهای «توتم وکلان» تفسیر خواب ـ چندسخنرانی دربارهٔ تحلیل روح و آینده یك توهم ـ چندتحلیل روانی وجزوه‌ها وکتب فراوانی که خود باهمکاری شاگردانش نوشته است به‌تفصیل مکتب روانکاوی را ازجنبه‌های مختلف وازروایای دیدگوناگون موردبررسی وتشریح دقیق قرارداده‌است.

وبر، ارنست‌هانری Weber .E.H.
(۱۷۹۵-۱۸۷۸ م)

استاد دانشگاه لایپزیك قدم جدیدی برداشت ودرسال ۱۸۴۶ قانونی وضع کرد که به کمك آن میتوان ادراکات وتأثیرات را به‌نحوی اندازه‌گیری کرد .

مثال زیرچگونگی این قانون را که امروزه نیزمورد قبول است مشخص میکند. فرض کنیم ازما بخواهندکه دوشیئ را که هر کدام درحدودصدگرم وزن دارند به‌دست گیریم ومعین کنیم که کدامیك سنگین‌تر است فقط درموردی وجود این اختلاف محسوس است که میزان مثلادرحدود ۵درصدیا ۵ گرم باشد حال اگروزن این اجسام درحدود دوهزار گرم باشد بازهم اختلاف وقتی قابل‌درك است که درحدود ۵درصدوزن یعنی ۵۰ گرم باشد .این ۵ گرمها و ۵۰ گرمها را «آستانهٔ بروز اختلاف» مینامند وقـانون «وبر» به‌این‌وسیله مشخص میگردد .

وونت ویلهلم Wundt .G.
(۱۸۳۲-۱۹۲۰م)

اهل لایپزیك، با به‌کاربردن روشی که مخصوص «هلمهولتز» بود روانشناسی را وارد آزمایشگاه کرد واین موضوع را مورد امتحان قرارداد که مدت انعکاسات غیر ارادی ما برحسب حالات ذهنی، بر حسب اینکه دقیق‌هستیم یا گیج، برحسب اینکه سریع‌التأثریم یاخون سردو . . . چگونه تغییر مییابد .

فخنر، گوستاو، تئودور Fechner.G.T
(۱۸۰۱-۱۸۸۷ م)

فلاسفهٔ خارجی را به‌بینید .

هرینگ ، اوالد Hering. E.
(۱۸۱۳-۱۸۳۴ م)

علمای‌طبیعی‌را به‌بینید .

کتب روانشناسی

آئینه اخلاق : محمدشجاعتعلی واجد .
آنسوی چهره‌ها : ناصرالدین صاحب‌الزمانی.
آیندهٔ یك توهم : زیگموند فروید ،

روانشناسی کودک : دکتر مهدی جلالی .
روانشناسی کودک : لستر کرو (و) آلیس کرو ، ترجمهٔ مشفق همدانی.
روانشناسی کودک : محمدعلی دانشور.
روانشناسی و دشواریهای تربیتی : ترجمهٔ منوچهر نیستانی .
روانکاوی و تحریم زناشویی بامحارم : زیگموندفروید، ترجمهٔ ناصرالدین صاحب ـ الزمانی .
روانکاوی و زندگی من : زیگموند ـ فروید، ترجمهٔ محمودنوایی.
روانکاوی یاطریقهٔ سهل برای شناختن احساسات مخفی خودودیگران : ابراهیم خواجه‌نوری .
روح انسان : ویکتورهوگو، ترجمهٔ سروان ابوطالب صارمی .
روح انسان : علی‌اکبر فروتن .
روح بشر : دکتر ناصرالدین صاحب ـ الزمانی .
روح نا بسامان ما (پژوهشی در بارهٔ بهداشت روانی درایران): ناصرالدین ـ صاحب‌الزمانی .
روح و اخلاق یاحقیقت آدمیت : ناصر ـ زادهٔ واعظ .
روش علمی تلقین به نفس : پل.ت.ژاگو، ترجمهٔ محمود نوایی .
روش مردم شناسی: پی‌یربسنیه ،ترجمهٔ علی‌محمدکاردان .
ریاض المحبین دراخلاق : رضاقلی نوری (هدایت) .
سحر و جادو از نظرروان شناسی : ادگاریش ، ترجمهٔ ناصرموفقیان .
سراج المنبر دراخلاق : محمد شریف مازندرانی .
سه امتحان دربارهٔ نظریهٔ میل جنسی : زیگموندفروید، ترجمهٔ رضاسیدحسینی.
سه رساله دربارهٔ تئوری میل جنسی : زیگموندفروید، ترجمه و تحشیهٔ هاشم رضی.
شالودهٔ روانی تربیت درجهان امروز : پیاژه . ترجمهٔ دکتر محمودمنصور.
شخصیت: ج.لویی آرتون، ترجمهٔ مسعود ـ برزین .
شما خیلی بهتر ازآن هستیدکه خیال میکنید : دورا آلبرت، ترجمهٔ یدالله همایونفر .
شناخت خویشتن : آرتوت جوسیلد ، ترجمهٔ محمدتقی براهینی به مشارکت غلامحسین ساعدی .
شناخت زیبایی : فیلیسین شاله ، ترجمهٔ علی‌اکبر بامداد .
صلح الاخلاق : سید داود افندی نقش ـ بندی .
ضیاءالاخلاق : شیخ ضیاءالدین دری .
طرح روانشناسی طبقات اجتماعی : موریس هالبواکس ، ترجمهٔ علی محمد کاردان .
عشق یعنی چه : امرسن ، ترجمهٔ صبور قرچه‌داغی .
علم اخلاق نظری وعلمی : علی اکبر سیاسی .
علم اخلاق یاحکمت عملی : محمدعلی بامداد .
علم الاخلاق : عبدالرحیم نبهی .
علم الاخلاق یاحکمت عملی : علی اکبر بامداد .
علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید : علی‌اکبر سیاسی.
علم النفس یا روانشناسی از لحاظ تربیت : علی‌اکبر سیاسی .
علم قیافه شناسی : کاسلانت، ترجمهٔ محمود مصاحب .
عودارواح: گابریل دلان، ترجمهٔ رفیع ـ الملک رضاقلی بن رفعت الملك .
فروید چه میگوید : نصرالله باب ـ الحوائجی .
فرویدوفرویدیسم: فلیسین شاله، ترجمهٔ اسحق وکیلی .
فرویدیسم با اشاراتی به ادبیات و عرفان: دکتر.ا .ج.امیرحسین آریان‌پور.
فلسفهٔ اخلاق: لوماریه ، ترجمهٔ دکتربانو مهرانگیز منوچهریان .
قانون وشخصیت تحقیقی درروانشناسی اجتماعی ایران:(تهران دانشگاه)پرویز صانعی .
قدرت اراده : پل ژاگو ، ترجمهٔ کاظم عمادی .
قیافه شناسی: فرانسیس بو، ترجمهٔ مهرداد رهسپار .
قیافه شناسی : جرجی زیدان، ترجمهٔ احمد سیاح .
کتاب روح بشر : پیش گفتار وفهرست به انگلیسی ناصرالدین صاحب الزمانی .
کف شناسی : علی‌اکبر امین‌زاده .
کلیدآگاهی در عالم روحی : آلبو ـ بوشار ، ترجمهٔ وحیدالدوله محمودوحید سعد .
کلیددلها در پرورش روح : ابراهیم بنی‌احمد .
کلید کامیابی یامغناطیس شخص : پل ـ نیلسن، ترجمهٔ مشفق همدانی ربیع(فرزند داود).
کودکان دبستان را چگونه بشناسیم : ادیت کریروجورج‌راتر، ترجمهٔ سیدمهدی حبیبی‌امین .
گلشن درحکمت و اخلاق : حاج محمد رحیم‌خان کرمانی .
لذت والم : سرتیپ ه . س . ر . علی دشتستانی .
مبانی جامعه‌شناسی : علی‌اکبر ترابی .
مبانی روانکاوی : فرانتز الکساندر ترجمهٔ فرید جواهرکلام .
مسائل روانشناسی: حمید شمس‌المعالی.
مسائل روان تنی در کودکان : ترجمهٔ : دکتر مسعودمیربها.
مقدمات روانشناسی : محمود زمانی .
مقدمه‌ای برروانشناسی: احمداردوبادی.
مقدمهٔ روانشناسی : (دانشگاه تهران) مهدی جلالی .
نظریات فروید : محمود نوایی .
نغمهٔ خوش‌بین ، روانشناسی : مارك ـ کریستین ، ترجمهٔ سرتیپ هدایت‌الله سهرابی .
و نمیدانید چرا : ناصرالدین صاحب ـ الزمانی .
هذیان و رؤیا درگرادیوا: زیگموند ـ فروید ، ترجمهٔ محمودنوایی .
هنر وجنون : نصرالله معمایی .
هوش وخرد : علی‌اکبر سیاسی .
هیپنوتیزم : کنرادی لایتنر ، ترجمهٔ احمدعلایی .
هیپوتیزم مصور: ویلا بلوو ، ترجمهٔ ناصرالملوك شریف .

استادان و معلمین روانشناسی

آذر ، جاوید. دبیرعلوم تربیتی وروان ـ شناسی دانشسرایعالی .
السّتی، دکترمرتضی. معلم گروه روان ـ شناسی وعلوم تربیتی دانشکدهٔ ادبیات .
امیرهوشمند ، دکتر فتح الله . استاد علوم تربیتی روانشناسی دانشسرایعالی.
امین، خانم فخرالسادات ، دبیرعلوم تربیتی وروانشناسی دانشسرایعالی .
ایمن ، دکترایرج . استادعلوم تربیتی و

روانشناسی دانشسرایعالی.
توسلی ، دکترغلامعباس .استادیـارعلوم تربیتی وروانشناسی .
جلالی ، دکتر مهدی استاد گـروه روانشناسی و عـلوم تربیتی دانشکدهٔ ادبیات .
خلعتبری ، خـانم دکتر پروین ، استاد علوم‌تربیتی وروانشناسی دانشسرایعالی.
خواجه نوری ، دکترعباسقلی .دانشیار روانشناسی‌مؤسسهٔ‌تحقیقاتی‌علوم‌اجتماعی.
داهی(بانو) .دبیرآزمایشگاه دانشکدهٔ ادبیات .
راسخ ، دکترشاپور . دانشیـارروان‌ـ شناسی مؤسسهٔ‌تحقیقاتی علوم اجتماعی .
راسخ، خانم‌دکتر مهرانگیز . استادیار گروه روانشناسی وعلوم تربیتی‌دانشکدهٔ ادبیات .
رضوی ، مسعود . دبیرعـلوم تربیتی و روانشناسی دانشسرایعالی .
رهنما ، خانم‌دکترآذر دبیرعلوم‌تربیتی وروانشناسی دانشسرای‌عالی .
سپهبدی، دکترعیسی . استادروانشناسی جزایی دانشکدهٔ ادبیات .
سپهری، دکتربرزو. استادگروه‌روان‌ـ شناسی وعلوم‌تربیتی دانشکدهٔ ادبیات.
سروری ، خانم‌مهین . دبیرعلوم تربیتی وروانشناسی دانشسرایعالی .
سیاسی ، دکترعلی‌اکبر. رئیس‌دانشکده واستاد روانشناسی عـمومـی دانشکدهٔ ادبیات .
شاملو ، دکتـرسعید . استادیارگـروه روان‌شناسی و علوم تـربیتی دانشکدهٔ ادبیات .
صدیق‌اعلم، دکتر . استادگروه روان‌ـ شناسی وعلوم‌تربیتی دانشکدهٔ ادبیات .
صناعی‌عراقی ، دکترمحمود،استادگروه روانشناسی‌وعلوم‌تربیتی‌دانشکدهٔ‌ادبیات.
فردید ، احمد . دبیر روانشناسی دورهٔ دکتری دانشکدهٔ‌معقول ومنقول .
کاردان ، دکتر علی‌محمد . استادگروه روانشناسی‌وعلوم‌تربیتی‌دانشکدهٔ‌ادبیات.
کنی . دکتر علی . استاد و مدیر گروه روانشناسی‌وعلوم‌تربیتی‌دانشکدهٔ‌ادبیات.
مهندسی ، دکترخسرو ، دانشیـارعلوم تربیتی وروانشناسی دانشسرایعالـی .
ناظر، خانم دکترمینا. دبیرعلوم تربیتی وروانشناسی دانشسرایعالی .
نبهی ، عبدالرحیم . دبیر روانشناسـی دانشکدهٔ حقوق .
نجاحی ، دکترمصطفی . دانشیار روان‌ـ شناسی عمومی دانشکدهٔ‌ادبیات .
نصفت ، دکترمرتضی . استادیارگـروه روان‌شناسی و علـوم تربیتی دانشکدهٔ ادبیات .
نقیب‌زاده، دبیر علوم‌تربیتی‌وروانشناسی دانشسرایعالی .
وزیری ، علینقـی . استاد زیباشناسـی دانشکدهٔ ادبیات .
هاشمی ، دکترابراهیم . استادیار علوم تربیتی وروانشناسی دانشسرایعالی .
هومن ،دکتراستاد،علوم تربیتی‌وروان‌ـ شناسی دانشسرایعالی .

علم اخلاق

ارسطو و اخلاق.

ارسطوکه بانی‌منطق و چندین‌شاخه از علوم‌طبیعی بوده ، بانی و مؤسس علم اخلاق نیزبه‌شمار میرود،کتابهای‌اخلاقی که منتسب به‌این حکیم‌است، قدیمیترین کتابهای رسمی است کـه دراین‌موضوع نوشته شده است .

در مجموعهٔ ارسطویی چهـار کتاب اخلاق وجود دارد. نخستین وبزرگترین آنـها «اخلاق نیکو مـاخوسی» نـام دارد و تقریباً اصالت آن کتاب محقق است . سه‌کتاب دیگرعبارتست از«اخلاق اودموسی» که محتمل است خلاصه‌یی از همان‌کتاب اول باشدکه دیگران ازروی آن‌فراهم آورده‌اند. دیگر«اخلاق‌کبیر» که دیرتر نوشته شده و قسمتی از آن‌دو ازکتاب سابق‌الذکر اقتباس گردیده . و چهارمی «مقالهٔ مختصـری در فضیلت و رذیلت» که متعلق‌به‌زمان متأخرتروشاید بسیار متأخرتری بوده باشد .کتاب اول از مجموع سه‌کتاب دیگر بزرگتراست . چون کسی بخواهـد در اخلاق ارسطو مطالعه‌کند و بیشتر به‌سهم ارسطودر آن نظر داشته باشد ، کافی است‌که به‌کتاب «اخلاق نیکو ماخوسی » مراجعه کند و چون بخواهیم در اخلاق مشائی تحـقیق بیشتری‌کنیم باید : «اخلاق‌اودموسی» و «اخلاق‌کبیر» رامورد مطالعه قراردهیم. « اخلاق نیکو مـاخـوسی » از آنجهت میگویند به‌این اسم‌نامیده شده‌که ارسطو آنرا به‌نام «نیکوماخوس» که‌شاید پسر وی از زن دومش «اپولیس» بوده نوشته است .غرض ارسطوآن بوده است‌که‌نشان دهد چه شکلی از زندگی بیشتر مطلوب و بهتر است و به‌عبارت دیگر میخواسته است عالیترین خیرآدمی راتعیین‌کندتا چون‌این خیرمعلوم شده وظیفهٔ وی‌دنبال کردن‌آن‌باشدعالیترین‌خیرانجام‌مأموریت بشریست ، و آن‌عبارت ازتکمیل‌فضایلی است‌که نفس شایستگی آنها را دارد و به‌آنوسیله میتواند به‌سعادت‌دسترس پیدا کند (مقصود سعادت واقعی است) تملك خیرهای‌خارجی به‌آدمی کمك میکندولی اینهاعنوان واصل واساس‌ندارند. فضیلت قابل ستایش است ، ولی مقام سعادت از مدح و ستایش بالاتر است. فضیلتها‌به‌دو دسته بزرگ قسمت میشود ، یکی‌اخلاقی مانند شجاعت و اعتدال و بلند همتی و عدالت ، و دیگری عقلی و روحی مانند حکمت و تأمل و تدبر در حقیقت .

ارسطو در‌کتاب خود مدعی است‌که فضیلت نه‌فطری‌است ونه‌از معرفت نتیجه میشود ، آنرا ملکه‌یی از نفس میداند که اکتسابی‌به‌دست میآید وبه‌حد کمال میرسد . عالیترین ملکه عبارت‌از به‌کار انداختن قسمت‌الهی‌نفس‌یعنی‌عقل‌اوست.

در مورد عنوان کتـاب « اخلاق اودموسی»میگویندممکن‌است‌ارسطوآنرا نوشته وبه‌شخصی به‌نام «اودموس» هدیه کرده‌باشد یا چنین‌کسی نویسنده یا ناشر آن بوده باشد .

اگر بتوانیم کتاب « اخلاق کبیر» را بطور قطع از ارسطو بدانیم ، فرض‌ها بر زمینهٔ مستحکم استوار خواهد بود . این کتاب تقریباً به حجم کتاب «اخلاق اودموسی» وخلاصه‌یی از دوکتاب اخلاق «نیکوماخوسی» و «اودموسی» است ولی به‌شکل‌برجسته‌یی‌تازه‌تراز آن‌دومی‌باشد.

تعریف علم اخلاق

اخلاق‌علم‌وفنی‌است‌که‌به‌انسان‌چگونه زیستن را میآموزد ، علمی است‌که‌معنی بد و نیك ، خیر و شر را تعلیم و نشان میدهد‌که‌رفتارانسان‌نسبت به‌خودودیگران چگونه باشد ، هدف نهایی چیست وراه رسیدن به‌آن را نیزروشن میکند.

موضوع این علم‌اعمال ارادی‌انسان است و سروکار ما با افعالی است‌که از روی اختیار و آزادی‌از بشرصدور یابد.

مطالعهٔ این علم سبب ازدیاد ایمان وشوق‌افراد‌به‌مراعات‌قوانین‌اخلاق‌میشود.

تقسیم علم اخلاق

علم‌اخلاق‌به‌نظری‌وعملی‌تقسیم‌میشود، در قسمت اخلاق نظری ، تکلیف‌واوصاف عمومی حیات اخلاقی را مطالعه میکنند

و در قسمت اخلاق عملی وظایف مختلف انسان مانندوظایف شخص نسبت بهخود و خانواده و دولت و جامعه بشری را مورد مطالعه قرار میدهند .

خوب و بد : اعمالی که سبب خیر و سعادت فرد و جامعه میگردندپسندیده و خوب و قابل ستایش نامیده میشوند، و هرچیز که ما را ازکمال مطلوب دور میکند ناپسند وبد بهشمار میرود .

وجدان خلقی : ارزش‌اعمال‌انسان را تعیین میکند و خوب و بد را تمیز میدهد . وجدان‌خلقی قبل‌از عمل‌دستور میدهد و پس از انجام عمل ،به قضاوت میپردازد وجدان اخلاقی علاوه بر درك حالات نفسانی ارزش خوبی وبدی‌آنهارا نیز تعیین میکند .

وجدان‌اخلاقی‌دارای‌سه‌جنبهٔ‌ادراکی‌ـ ارادی و انفعالی‌است‌به‌سبب‌جنبهٔ‌ادراکی خوب و بد را تمیز و وظایف و تکالیف اخلاقی انسان را تشخیص میدهد. جنبهٔ ارادی آن‌سبب میشود پس‌از تعیین‌وظیفه اخلاقی شخص دست به‌کار اجرای تکلیف شود . جنبهٔ انفعالی همان انبساط خاطر و سرافرازی پس‌از اداءوظایف‌یاندامت و سرافکندگی بر اثر غفلت ، از انجام وظیفه‌است . برخی‌از دانشمندان‌وجدان خلقی رافطری، وعده‌ای‌اکتسابی‌میدانند علمای علم‌الاجتماع‌عقیده‌دارندکه‌وجدان اخلاقی نه‌فطری و نه اکتسابی، نه‌مولود تمایلات شخصی است بلکه تجلی و پرتو وجدان اجتماعی است .

جامع شناسی اخلاقی

هریك‌ازجوامع‌مختلف بشری‌اخلاق وآداب ورسومی مخصوص به‌خود داردو خوب وبد درتمام جوامع انسانی یکسان نیست • درجامعه‌شناسی اخلاقی بامقایسهٔ اخلاق چند جامعه با یکدیگر وشناختن موارد اختلاف ، علل این اختلاف را کشف میکنند ورابطه‌وتأثیری که‌مؤسسات اجتماع دراخلاق یك جامعه داردمشخص میسازند . جامعه شناسی اخلاقی‌علاوه بر مطالعهٔ تأثیر جامعه درافراد و روحیات ورفتارواخلاق ایشان، روابط وپیوستگی جوامع مختلف وتأثیر متقابل آنهاراکه سبب تحول افکارواحساسات وباعث‌دگرـ گونی مظاهر حیات اجتماعی یکدیگر و افراد میشود مطالعه‌میکند وعلل‌تاریخی واجتماعی‌رفتار وکردارو گفتارواندیشه‌ـ های‌اخلاقی‌جوامع‌مختلف‌راتعیین‌مینماید.

توجیه رفتار بشر

تمام اعمال انسان رامیتوان به‌یکی‌ازسه محرك ، خودپرستی ، عاطفه و عقل‌نسبت داد، بنابراین‌لازم‌است که‌نظریات‌طرفداران اصالت لذت و اصالت عقل مورد مطالعه قرار گیرد .

اخلاق مبتنی بر لذت : دسته‌ای‌از فلاسفهٔ یونان‌عقیده‌داشتندکه موجودزنده همیشه دنبال لذت میرود زیرا جستجوی لذت امری‌طبیعی‌وقانون‌کلی‌است.اپیکور برای تشخیص لذاتی‌که مقدمهٔ رنج والم نباشد تمایلات انسان را به‌سه‌دسته تقسیم میکند :

۱ ـ تمایلات طبیعی و لازم مانند میل به‌غذا و خواب.

۲ ـ تمایلات طبیعی و غیر لازم مانند ریاست‌طلبی .

۳ ـ تمایلات غیر طبیعی وغیرلازم مانند میل‌به‌مشروبات الکلی .

اخلاق مبتنی برنفع : عده‌ای از محققان‌که دستور جلب لذت را ناقص دیدند اجرای آنرا با شرایط وحدودی توصیه کرده‌اند چنانکه **جان استوارت** میل لذت را به‌مادی و معنوی ومفید و مضر تقسیم نموده و جلب لذات معنوی و مفید را لازم می‌دانست .

اخلاق مبتنی برعاطفه : پیروان مذهب اصالت عاطفه توصیه مینمایند که انسان دراعمال وگفتاربا عاطفهٔ خویشتن مشورت نماید و عملی را انجام دهدکه مورد تصدیق‌عاطفه قرارگرفته باشدزیرا عاطفه سبب میشودکه انسان از شادی و رنج دیگران شاد و غمگین گردد . از پیشوایان این دین ومذهب آدام‌اسمیت و هربرت اسپنسرمیباشند .

اخلاق مبتنی بر عقل : کانت فیلسوف آلمانی عقیده داشت‌که خوبی‌و بدی اعمال تابع تکلیف و وظیفه است یعنی هرعملی‌که انجام‌آن وظیفه وتکلیف باشد خوب است. و هر عملی‌که به‌حکم عقل انجام آن واجب گردد خوب و اخلاقی است. عملی‌خوب و اخلاقی است که بدون درنظرگرفتن قید و شرط فقط به‌نام‌احترام‌به‌قانون‌اخلاقی‌وبرای‌اجرای دستور عقل وانجام وظیفه وتکلیف‌صورت گیرد .

قانون اخلاقی

عبارت‌ازبیان وتوضیح‌وظیفه وتکلیف انسان‌است، به‌عبارت دیگرقانون اخلاقی بیان طریقهٔ حفظ ارزش شخصیت‌معنوی و عظمت حیثیت انسانی و معرف وسایل تأمین سعادت فردی و اجتماعی است . قوانین اخلاقی مانند هر قانون دیگر واجب‌الاجرا است . قانون اخلاقی یك دستور عمومی وکلی است و تمام کسانی که دارای موقعیت شبیه به‌هم هستند از نظر اخلاق موظف به‌انجام وظیفه معین میباشند. قانون اخلاقی مقید به‌قیدی و مشروط به‌شرطی نمیباشد وتنها شرط و قید قوانین اخلاقی اطاعت از عقل‌وانجام وظیفه میباشد .

امرمطلق و امر مشروط

دستوری‌که بدون‌قید وشرط‌باشدبه‌نام فرمان و امر مطلق و دستور که مقید و مشروط باشد بنام فرمان و امر مشروط نامیده شده است .

حق : عبارت از قدرت و امتیازی است‌که شخص در مقابل اشخاص دیگر دارد.

تکلیف : درمقابل‌حق‌قرارمیگیرد.

مکافات : عبارت از یك سلسله پاداش‌هاو مجازات‌هایی است‌که به‌منظور عملی‌کردن قوانین تعیین میشوند .

سرافرازی‌وسرافکندگی : وجدان اخلاقی اعمال شخص را مورد ملاحظه قرار میدهد و برای آنها ارزشی تعیین میکنددر صورتیکه‌عمل منظورنظرموافق قانون اخلاقی باشد اجرای آنرا توصیه مینماید وانجام دادن‌افعال غیراخلاقی‌را منع میکند . عمل‌انجام یافته را وجدان خلقی نیز مورد قضاوت قرار میدهداگر منطبق بر موازین اخلاقی باشدبه‌انسان رضایت خاطر دست‌میدهد و اگرنه‌شخص دچار یك‌نوع سرافکندگی و خجلت درونی خواهد شد .

مسؤولیت : عبارت از آنست که شخص درمعرض بازپرسی درآید وحساب اعمال‌خود رابازدهد تا آنچه‌لایق اوست بستاند .

ارکان مسؤولیت عبارتند ازعقل و قصد و اراده و آزادی .

عقل : شخص عاقل‌که عمل خود را ازروی علم‌به‌نتیجهٔ‌آن و آگاهی‌از تکلیف اخلاقی و قانونی خویش انجام دهد مسؤول عمل خود خواهد بود .

اراده : **شخص باید ارادهٔ انجام کار راداشته باشد تامسؤول‌آن‌کارشناخته شود .**

آزادی : انسان اگردر انجام‌عمل خود آزادی عمل نداشته باشد و قوه‌ای خارجی اورا به ارتکاب عمل وادار کند شخص مسؤول نخواهد بود .

اقسام مسؤولیت : اقسام مسؤولیت عبارتست از :

۱ــ مسؤولیت‌اخلاقی.

۲ ــ مسؤولیت قانونی.

۳ ــ مسؤولیت اجتماعی وتضامنی.

تکالیف انسان نسبت به‌تن خود:

تکالیف‌نسبت به‌تن به‌دودسته تقسیم‌میشوند، دستهٔ اول اعمالی هستند که باید انجام شوند و دستهٔ دوم کارهایی میباشند که خودداری ازآنها واجب است ، تکالیف دستهٔ اول‌که به‌نام‌اوامر خوانده میشوند عبارتند ازحفظ صحت و نظافت و تناول غذای مناسب وحرکت وورزش به‌اندازهٔ لزوم‌وتقویت وتربیت‌اعضاء بدن‌به‌اندازهٔ کافی . تکالیف دستهٔ دوم یعنی نواهی که عبارتند ازخودکشی وافراط وتفریط در زندگی وبه‌خطرانداختن تن یاقسمتی از بــدن . **تکالیف مردم نسبت به روح و نفسانیات خویش :** چون انسان دارای نفسانیات متعــدد است نسبت به‌هر یك تکلیف ووظیفهٔ خاصی داردکه بایدانجام دهد وبطورکلی باید درتربیت و تقویت هریك ازامور نفسانی خود بکوشد .

حکمت : مهمترین تکالیف هر فرد آنست‌که از فراگرفتن اوهام کــه مضر به‌استنباطات عقلی‌است خودداری‌کند و درراه درك حقیقت به‌صداقت وعشق قدم نهد و پردهٔ خودخواهی وتکبر را بدرد وحقیقت را جستجوکند .

حقیقت پرستی : انسان باید سعی کند ازراه علوم وحکمت وعرفان‌حقایق راکشف‌کند و از دل و جان حقیقت را دوست بدارد، حقیقت راطلب‌کنداگرچه تلخ‌وناگوار یامخالف‌منافع‌ومصالح‌او باشد.

شجاعت : انسان باید شجاعت را که لازمهٔ پیشرفت و نتیجهٔ اراده است در خود تقویت نماید تا در موقع انجام تکالیف‌اخلاقی جرأت لازم راداشته باشد.

صیانت ذات : زنــده بودن شرط اساسی و لوازم تکامل شخصیت و انجــام تکالیف اخلاقی واجتماعی انسان است . از این رو حفظ حیات مهمترین تکلیف اخلاقی هرفرد میباشد .

اعتدال : میانــه روی دراعمال و رفتار پسندیده‌ترین کارها است و اگر انسان میانه‌رو نباشد هر آن دستخوش میل شدید جدیدی میگردد .

مناعت طبع : صاحبــان همــت و مناعت طبع چشم به مال مردم ندارد و دست بنــدگی پیش این و آن بر سینه نمی‌نهند .

حلم : عبارت است از بردباری و تحمل ناملایمات غیر قابل اجتناب و جلوگیری از ظهور غضب و خشم است . حلم براثر ممارست حاصل میگردد .

انتخاب‌کار : کار عبارت ازفعالیت منظمی است کــه برای رسیدن به هدف مشروع ومعینی انجام میگردد .کارهوش وفکرانسان را تقویت میکند .

پس‌اندازی : نگاهــداری مازاد محصول‌کاررا گویند .

تقویت اراده : شخص بــایــد در تقویت اراده خود بکــوشد زیرا اراده بزرگترین عامــل اخلاقی است ، اراده باید احکام عقل‌را اجرا نماید وازانجام درخواستهای‌هوی‌وهوس جلوگیری‌کند.

فضیلت : رواقیون فضیلت و خیر را منحصر در نیت دانسته‌اند ، سقراط فضیلت را علم به‌خیر و رذیلت را جهل و نادانی تعریف کرده است بنابــراین تعریف، فضیلت را قابل تعلیم میدانست، افلاطون معتقد بود کــه خیر خود ایجاد کنندهٔ شوق‌است واگرکسی برآن اطلاع حاصل‌کند بی‌اختیار طالب آن میگردد.

حقوق موضوعه

قواعدی است‌که ازطرف خودافراد بشروضع میشود ، حقوق موضوعه ممکن است به‌صورت عرف وعادات و یاحقوق مدون باشد .

حقوق عادی : یــا حقوق موسومه که ابتدا ازروابط چندنفرکه میخواهند باهم معاملاتی داشته باشند ایجاد میشود و بعد متدرجاً در بین سایر مردم معمول میگردد .

حقوق مدون : قانون بوسیلهٔ قوهٔ مقننه وضع میشود و حقوقی‌که مبتنی بر قانون‌باشد حقوق مدون‌نامیده شده‌است.

اقسام حقوق موضوعه

حقوق موضوعه به‌حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی تقسیم میشود و حقوق بین‌المللی نیزبه‌حقوق بین‌المللی‌خصوصی وحقوق بین‌المللی عمومی تقسیم‌میگردد. وحقوق داخلی‌به‌حقوق عمومی وخصوصی تقسیم شده است.

حقوق اساسی : قــوای اســاسی مملکت وروابط‌آنها را بایکدیگرتعیین میکنند .

حقوق جزا : از تعیین جــرم و تشخیص‌مجرم ونوع‌مجازات بحث‌مینماید.

حقوق اداری : وظــایف دولت و چگونگی حفظ منافع متقابلهٔ دولت و افراد ورابطهٔ ادارات دولتی با مردم را تعیین میکند .

حقوق خصوصی‌داخلی: ازروابط بین مردم بحث مینماید و دارای شعب مختلف مانند حقوق‌مدنی وحقوق‌تجارت وحقوق صنعتی میباشد .

حقوق مدنی : از دارندهٔ حق‌یعنی شخص وقدرت وتوانایی شخص در مقابل دیگران بحث میشود .

ملت : عبارت از یکعده افراد و خانواده است که دارای تاریخ و منــافع مشترکی‌باشندوازحکومت واحدی‌اطاعت کنند، بعضی‌از دانشمندان عقیده دارند که ملت عبارت است از دسته افرادی‌که دارای وحدت نژاد ــ وحــدت زبان ، وحدت‌زمین ــ وحدت‌حکومت ــ وحدت مذهب وتاریخ وآرزوهای مشترك باشند.

دولت: ارسطوعقیده داشت‌که‌انسان بالطبع اجتماعی است و بدون تشکیل دولت نمیتواند زندگی‌کند و دولت را یك‌اجتماع‌کامل وعالی‌ومستقل‌میدانست.

ازنظرحقوق بین‌المللی‌دولت‌عبارت ازجمعیتی است‌که درسرزمین معین‌مطیع یك قدرت عالیه باشد پس ارکان دولت ازاینقرار است : قلمرو، جمعیت، قدرت عالیه .

ازنظر حقوق داخلی دولت عبارت ازمجموع مؤسسات رسمی وادارات‌عمومی است .

حقوق فردی

قانون حقوق وتکالیف افرادرامعین میکندومردم تحت‌حمایت‌دولت ازحقوق خود برخوردار میگردند . حقوق فردی اقسام‌متعدددارد که‌مهمترین‌آنهاعبارتنداز:

حق مالی ، حق غیرمالی ، عینی‌یا نسبی ، منجز یامعلق ، مؤجل یا حال ، موقت یادایم .

کتب اخلاق

آداب‌نوین معاشرت: مهدی‌توحیدی‌پور

آئین دوست‌یابی : دیل‌کارنگی، ترجمهٔ رشید یاسمی .

آئین زندگی : دیل کارنگی ، ترجمهٔ : جهانگیر افخمی .
آئین سخنرانی و رمز نفوذدردیگران: دیل‌کارنگی ، ترجمهٔ عباسقلی خواجه‌نوری .
الاخلاق‌الاشراف: عبید زاکانی.
اخلاق‌النبی : حافظ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن جعفربن حیان اصفهانی .
اخلاق ایران باستان : (۲ جلد) . دینشاه ایرانی .
اخلاق جلالی یا لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق: جلال‌الدین دوانی.
اخلاق‌محتشمی:خواجه‌نصیرالدین‌طوسی.
اخلاق محسنی: ملاحسین کاشفی.
اخلاق‌ناصری :خواجه‌نصیرالدین‌طوسی.
اعتمادبنفس : ساموئیل‌اسمایلز، ترجمهٔ علی دشتی.
بامداد حیات : جوزف آلفرد کانول ، ترجمهٔ عنایت‌الله‌سهراب.
پدر و فرزند : محمد تقی حکیم.
پرتو شادکامی در زندگی زناشویی : حسین غیوری.
پیروزی فکر : اوریزن‌اسوت، ماریون. ترجمهٔ رضا سیدحسینی.
در آغوش خوشبختی : آویبوری ، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده با مقدمهٔ محمد حجازی «مطیع‌الدوله» .
راه خوشبختی : ویکتور پوشه ، ترجمهٔ نصرت‌الله کاسمی .
راه زندگی : خلیل معظمی‌گودرزی .
رمز خوشبختی : مهرداد مهرین .
رمز زندگی : ترجمه داود امیر قاسمی.
علم اخلاق : (تهران ــ امیرکبیر) عبدالرحیم نبهی .
علم موفق زیستن : جیمس ولکوس ، ترجمهٔ ربیع مشفق همدانی .
فلسفهٔ زندگی : لئون تولستوی ، ترجمهٔ جلال دادگری .
ما و فرزندان ما : ترجمهٔ منیر جزنی (مهران) .
وجه دین : ناصرخسرو .
هنر زندگی کردن : آندره موروا ، ترجمهٔ اسماعیل اسعدی .

اشخاص نیکوکار

آبستمیوس Abstemius
بشر دوست ایتالیایی قرن ۱۶ م . مؤلف افسانه‌های ایتالیایی .
«فرهنگ معین»

احمد خان (۱۷۱۸ــ۱۸۹۸م)
از مصلحان هند ، مدتی در خدمت شرکت هند شرقی‌بود،کتابی به‌نام‌بناهای قدیمی دهلی نوشت که به‌زبان فرانسه ترجمه شد. تمام‌وقت خودرا صرف‌بهبود وضع‌مسلمانان‌کرد.کالج اسلامی‌انگلیسی و شرقی درعلیگر از تأسیسات اوست . وی‌معتقد بودکه درطریق اخذتمدن‌غربی ناچاربایددرافکارمذهبی تجدیدنظر شود. احمد خان از دوستان انگلستان بود و از آن دولت‌القاب وعناوین‌گرفت.

بوید اور ، جان Boyd , orr
(متولد ۱۸۸۸م)
تحصیلات‌ابتدایی‌خودرا دردانشگاه گلاسکو آغاز نمود ولی بعد تغییر رشته داده دررشته تغذیه متخصص شد . او در این رشته موفق به تحقیقات جامعی شد و در جنگ جهانی دوم از این راه کمك شایانی‌به‌بقا وزندگی سربازان انگلیسی کرد جایزهٔ نوبل ۱۹۵۹ به‌همین سبب به‌او تعلق‌گرفت .

پرسون ، لستربولز Pearson.L. B.
یکی ازمردان سیاسی کاناداست‌که در سال ۱۸۹۷ به دنیا آمد مدتی وزیر خارجه وسپس‌رئیس‌هفتمین دورهٔ‌اجلاسیه سازمان ملل‌متحد شد . اودر طی ریاست خودکوشش‌پی‌گیری جهت برقراری‌صلح به‌کاربست‌وبه‌همین دلیل‌بودکه‌جایزهٔ‌نوبل ۱۹۵۷ به‌اوتعلق‌گرفت .

پن، ویلیام . Penn.W
(۱۶۴۴ــ۱۷۱۸م)
درلندن متولد شد وچون مبلغی از دولت انگلستان بستانکار بود از طرف دولت‌ازاراضی پنسیلوانیای آمریکابه‌وی داده شد واوبه‌آنجا رفت وبه‌خدمت‌مردم پرداخت . پن یکی‌ازخادمان ومصلحان بزرگ بودکه درراه‌آزادی عقیده‌مذهبی ورهانیدن مردم از تعصبات دینی‌کوشش فراوان کرد . وی‌را از مدرسه به‌واسطه پیروی از مسلك کواکرها (Quaker) اخراج کردند . پن جنگجویی دلیر و نویسنده‌ای توانا ودر راه آزادی عقیده شجاع‌بود ودرمدتی‌که به‌زندان افتاد دو کتاب «نه صلیب ، نه‌تاج» ، و «بیگناهی باچهرهٔ‌گشاده» را نوشت .

پیر ، جرج Pire.G
(متولد۱۹۱۰م)
یکی از روحانیون بلژیکی است . اوکشیش فرقهٔ دومینیکان است . او ازکارهای عمده‌ای که‌کرد این بودکه به کمك فراریان سیاسی‌رسید وباپناه‌دادن ایشان باعث شد بعد از رفع بحران‌های بین‌المللی‌آنها زندگی آرام وسعادتمند خود را بازیابند . این شخص روحانی برندهٔ جایزهٔ صلح۱۹۵۸م شد

حاتم طائی:
حاتم بن عبدالله‌بن سعدطائی مکنی به‌ابوسفانه مردی‌شاعر،جوانمرد ودلاور وبخشنده بود ودرعرب سخاوکرم‌بدومثل میزدند . دیوان‌کوچکی منسوب به‌حاتم طائی در سال ۱۸۷۲م‌در لندن به چاپ رسیده است . وی در ادبیات عرب به صورت شخصیتی محبوب جلوه‌گرمیشود. حسین واعظ‌کاشفی شرح زندگی وکارهای اورا به‌اختصاردر«قصص وآثارحاتم‌طائی یارسالهٔ حاتمیه» آورده است .

دلشاد خاتون بنت دمشق خواجه.
(ــ۷۵۵ ه ق)
درسال ۷۳۳ به‌عقدسلطان ابوسعید درآمد وچون بعدازسه سال ایلخان‌مغول درگذشت وی همسر شیخ حسن ایلکانی شد (۷۳۶) وازسال ۷۴۰ که شیخ‌حسن برعراق ومغرب‌ایران تسلط‌یافت‌دلشادخاتون اورا درادارهٔ قلمروش یاری‌کرد وبه‌ایجاد ابنیه وآبادی شهرها و تشویق فضلا پرداخت و ممدوح شاعران قرار گرفت (بسیاری ازاشعار سلمان ساوجی درمدح اوست) .

دونان ، هانری Dunant. H
(۱۸۲۸ــ ۱۹۱۰ م)
تاجری جهانگرد ازمردم سویس ، درجنگ بین‌اطریش وفرانسویها، شاهد،

زخمیها و کشته‌های فراوانی بود که در کوچه وخیابان ریخته بودند. بیادبانوی چراغ به‌دست افتاد وبه اقدامات وسیعی برای نجات آنها دست زدبه‌هرطرف نامه نوشت، درمصرف کمکهایی که میشدشخصاً نظارت میکرد . در سال ۱۹۰۱ برندهٔ صلح نوبل شد .

روت ، الیو Root. E
(۱۸۴۵ - ۱۹۳۷ م)

اوپس ازاتمام‌تحصیلات بدواً به‌شغل معلمی پرداخت و در اوقات بیکاری بـه تحصیل حقوق مشغول بود، بعدازدریافت دانشنامه به‌کار وکالت دعاوی سرگرم شد درسال ۱۸۹۰ ازطرف مك‌کینلی رئیس جمهوروقت به‌سمت وزارت دفاع منصوب شد ودر زمان روزولت وزیرخارجه شد ودرسال ۱۹۱۰ به‌گروه کارنگی پیوست ومنشأ خدمات بزرگی‌شد ودرسال۱۹۱۲ برندهٔ نوبل صلح شد . پس از ۹۱ سال زندگی بدرود حیات‌گفت .

دولت آبادی ، حاج میرزا یحیی.
(۱۳۱۸-۱۳۷۹م)

شاعرونویسنده وازپیشقدمان‌آزادی ومروج فرهنگ جدید بودوچند دوره‌در مجلس‌شورای ملی‌سمت نمایندگی‌داشت. وی مؤسس‌مدرسهٔ سادات‌است‌کتب «علی» برای کودکان و تاریخ معاصر از آثار اوست .

طلحه، ابن‌عبدالله. (قرن‌اول هق)

از بخشندگان معروف عـرب در روزگار خویش بخشنده‌ترین فرد اهل بصره بود و به بنی‌امیه تمایلی داشت و مورد اکرام مردم بود و از جانب **زیاد** به‌حکومت سیستان منصوب شد .

فاطمه (قرن دوم ه ق)

دختر عبدالملك‌بن مروان زوجهٔ عمربن عبدالعزیز و عمزادهٔ اوست . در ترك اسباب تجمل و حشمت پیروی از شوهر خود می‌نمود و گویند در آغاز خلافت شوهرش ، به‌دستور اوورضای‌خود تمام زینتها وجواهر خودرا به‌بیت‌المال بخشید .

فیروزآبادی (فوت ۱۳۴۴ ه ش)

ازعلمای روحانی معاصر ازمردان خیرعصر بود و بیمارستان فیروزآبادی درشهر ری به‌همت وی تأسیس شده .

کارنگی ، آندره. Carnegie. A
(۱۷۳۵-۱۹۱۹م)

دراسکاتلند به‌دنیاآمد وسه‌سال بعد همراه خانواده‌اش به‌آمریکا رفت آندره کوچك‌درآغاز به‌کار قرقره‌پیچی بعدبه‌کار توزیع تلگراف سپس به شغل مخابره تلگراف پرداخت بعد از چندی یکی از مدیران راه‌آهن شد . پس از سرمایه‌گذاری دریك شرکت حمل‌ونقل ثروتی به‌دست‌آورد وبا آن در چندین شرکت فولادسرمایه‌گذاری نمودتااینکه‌داراییش به۲۵۰میلیون دلار رسیدآنگاه به‌کارهای جدیدپرداخت ۲۲۵۰ کتابخانه‌وچندین مؤسسه‌علمی‌مفید تأسیس‌کرد. وی‌میگفت «درآمد ثروتمندان پس از کسر مخارج ضروری‌شخصی‌باید به‌خودمردم‌برگردد».

نوبل ، آلفرد برنهارد. Nobel. A.
(۱۸۳۳- ۱۸۹۶ م)

شیمی‌دان سوئدی فرزند مهندسی به‌نام امانوئل بود ، که تا ۱۶ سالگی تحصیلات منظمی نداشت وبدون تحصیل مدارك لازم ، درسن ۲۱ سالگی به‌عنوان یك شیمی‌دان معروف شد .

توجه عمیق او متوجه ترکیبات انفجاری بودکه درسال ۱۸۷۵ منجر به ساختن دینامیت شد و۱۲ سال بعدبرای اولین‌باربارووت بی‌دود (نیتروگلیسرین) را ساخت .

هدف اواز ساخت دینامیت‌کمك به کارگران دراستخراج معادن وحفرتونل بود ولی وقتی دید از اختراع او برای آدم‌کشی استفاده میکنند سخت متأثرشد وتمام سرمایه واختراعش را وقف‌کردتا باآن به‌برگزیدگان علم واخلاق سالیانه پاداش بدهند .

او مردی گوشه‌گیر و منزوی بود و هرگز متأهل نشد .

(شیمی‌دانان را به‌بینید)

وصیت‌نامهٔ نوبل

نوبل درسال ۱۸۹۵ یعنی یك سال قبل‌ازمرگ خود وصیت‌کرد؛ که سرمایهٔ اورا (۲۵۰ ملیون تومان) را به‌صورت وجه‌نقد درآورند ، وبه‌صورت سرمایه‌ای به‌کاری گذاشته شود ، وسود آنرا برای بهترین افراد مفید جامعه جوایزی‌تعیین کنند ، و این افرادکسانی خواهند بود که‌درزمینه‌های پزشکی، ادبیات وفیزیك و شیمی و یا صلح خدمت بزرگی انجام داده باشند . ونوبل برای دریافت این جوایز به‌ملیت توجه نداشت و گفت از هرنژاد وملیتی‌میتوانند باشند امرتوزیع به‌سه مؤسسه سوئدی ویك‌کمیتهٔ مخصوص پارلمان نروژ واگذار شده است .

اکنون اجرای وصیت‌نامهٔ نوبل به عهدهٔ سوئداست . درسال۱۸۹۷ وصیت‌نامه‌نوبل‌بازشد وکاررسیدگی به‌ثروت او ۴ سال به طول انجامید و پس از حل اختلافات خانوادگی ، در سال ۱۹۰۰ توسط پادشاه سوئد درشورای سلطنتی به تصویب رسید ودرسال ۱۹۰۵ بنیادنوبل تأسیس شد وبرای تعیین افرادی‌که‌باید جوایز دریافت دارند هیئت بی غرضی تعیین شد، که‌بدون هیچگونه غرض‌ورزی وصیت‌نامهٔ‌آن مردبزرگ راعمل‌میکنند.

نایتینگل ، فلورانس Nightingale. F
(۱۸۲۰ - ۱۹۱۰ م)

زنی‌که عقیدهٔ مردم‌را نسبت به‌شغل پرستاری تغییرداد ، آنچیزی‌که تا قبل از نایتینگل پست شمرده میشد بعد از آن بااحترام نگریسته شد .

این بانو در جنگهای کریمه شب‌ها چراغ به‌دست زخمیها را جمع میکرد و ازچنگال‌مرگ نجات میدادوحق‌الزحمه نمی‌پذیرفت .

تولد اودر فلورانس ومرگ او در انگلستان بود .

«کسانی‌که خدمت فراوان‌به جامعه انسانیت‌کرده‌اندکم نیستند.ولی به‌علت مشاغل سیاسی و غیره از ذکر نام‌آنها خودداری شد.»

نوبل صلح

برندگان جوایز صلح نوبل

ازسال۱۹۰۱ یعنی‌ازبدو اعطاء جوایزصلح‌نوبل‌تاسال۱۹۶۳ مجموعاً ۵۸نفر مفتخر بدریافت‌این‌جوایزشده‌اند. یعنی ۱۳جایزه به‌دونفر داده شده‌است . طی‌این مدت‌هفت مؤسسه۸جایزه صلح‌را برده‌اند زیرا مؤسسهٔ صلیب سرخ دومرتبه برندهٔ جایزهٔ صلح شده‌است . ازمیان‌زنان چهارنفر مفتخر به‌دریافت این‌جایزه گردیده‌اند . رویهمرفته فقط ۴۵سال‌جوایز صلح اعطاء شده است و بقیهٔ سالها به‌علت‌جنگ‌جهانی،توزیع جوایز متوقف بود . برندگان جوایزصلح نوبل‌عبارتند از:

سال	برندهٔ جایزه	کشور
۱۹۰۱	۱ ـ ژان‌هانری**دونان** مؤسس کمیتهٔ بین‌المللی صلیب‌سرخ درژنو وبه‌وجودآورندهٔ کنفرانس ژنو .	سوئیس
	۲ ـ فردریك**پاسی** مؤسس‌ورئیس انجمن‌صلح فرانسه .	فرانسه
۱۹۰۲	۱ ـ الی**دوکومون** دبیرافتخاری دائمی‌دفتربین‌المللی.	سوئیس
	۲ ـ چارلز آلبرت**گوبات** دبیر کل اتحادیهٔ پارلمانی .	سوئیس
۱۹۰۳	سرویلیام راندال **کرمر** عضو پارلمان انگلیس ودبیراتحادیه داوری بین‌المللی .	انگلیس
۱۹۰۴	**انستیتوی حقوق بین‌المللی**تأسیس۱۸۷۳م.	بلژیك
۱۹۰۵	بارونس‌برتاسوفی فلیسیتا**فون ساتنر**رئیس‌دایم‌دفتربین‌المللی‌صلح ونویسندهٔ اثر (اسلحه‌هایتان‌را زمین‌بگذارید .)	اطریش
۱۹۰۶	تئودو**لاروزولت**رئیس‌جمهورآمریکا برای‌خدماتش در راه انعقاد مجاهدات صلح.	آمریکا
۱۹۰۷	۱ ـ ارنستو تئودور **مونتا** رئیس اتحادیهٔ صلح لومبارد .	ایتالیا
	۲ ـ لوئی**رنو** پروفسور درحقوق بین‌المللی دردانشگاه‌سوربون پاریس .	فرانسه
۱۹۰۸	۱ـ**آرنولدسون**نویسنده وعضوسابق‌پارلمان‌سوئد ومؤسس‌اتحادیه‌داوری‌صلح‌سوئد.	سوئد
	۲ ـ فردریك **باجر**عضوپارلمان‌دانمارك رئیس‌افتخاری‌دایمی‌دفتربین‌المللی صلح درشهربرن .	دانمارك
۱۹۰۹	۱ـ اوگوست‌ماری فرانسوا**بیرنائرت** نخست‌وزیرسابق‌وعضو پارلمان بلژیك‌وعضو دادگاه بین‌المللی داوری‌لاهه	بلژیك
	۲ ـ **بالوادستورنل دوکنستانت** سناتورومؤسس‌کمیتهٔ دفاع‌حقوق ملی‌وآشتی‌بین‌المللی مؤسس‌ورئیس‌گروه‌پارلمان فرانسه برای‌حکمیت داوطلبانه.	فرانسه
۱۹۱۰	دفتردائمی بین‌المللی‌صلح ، تأسیس۱۸۹۱ دربرن .	سوئیس
۱۹۱۱	۱ـ توبیاس‌مایکل‌کارل**آسر** نخست‌وزیرهلندوبانی‌کنفرانس‌های‌بین‌المللی‌حقوق‌های خصوصی درلاهه .	هلند
	۲ـ آلفردهرمان**فرید**روزنامه‌نگارومؤسس‌یك‌نشریه مربوط به‌صلح به‌نام‌دی‌فریدنسوارنه .	اطریش
۱۹۱۲	جایزه برای‌بعد محفوظ ماند .	
۱۹۱۳	جایزهٔسال ۱۹۱۲ نیز دراین‌سال داده‌شد .	
	سال۱۹۱۲ـ الیهورت **روت** معاون‌سابق وزارت‌امورخارجهٔ آمریکا بوجودآورندهٔ معاهدات داوری‌گوناگون .	آمریکا
	سال۱۹۱۳ هانری**لافونتین**سناتورورئیس‌دایم دفترصلح بین‌المللی درشهربرن .	بلژیك
۱۹۱۴	جایزهٔ این‌سال برای‌سال‌بعد محفوظ ماند .	
۱۹۱۵	مبلغ‌جایزهٔ سال۱۹۱۴ به‌صندوق‌مخصوص این‌جایزه ریخته‌شد وجایزهٔ۱۹۱۵ نیز برای سال‌بعدمحفوظ شد .	
۱۹۱۶	جایزهٔسال قبل‌که توزیع‌نشده بود دراین‌سال‌به‌صندوق مخصوص‌صلح ریخته‌شد و جایزهٔ این‌سال نیز برای‌سال بعدمحفوظ گردید .	
۱۹۱۷	جایزهٔسال قبل دراین سال به صندوق مخصوص صلح ریخته‌شد وجایزهٔ این‌سال به	

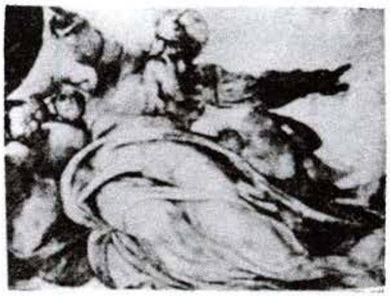
سال	برندهٔ جایزه	کشور
	کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ درژنو که در سال **۱۸۶۳** تأسیس شده بود، داده‌شد.	
۱۹۱۸	جایزهٔ این‌سال برای‌سال بعد نگاه‌داشته‌شد .	
۱۹۱۹	جایزهٔ‌سال قبل‌که توزیع‌نشده‌بود دراین‌سال به‌صندوق‌مخصوص این‌جایزه‌ریخته‌شد وجایزهٔ این‌سال نیز برای سال‌بعد محفوظ گردید .	
۱۹۲۰	جایزهٔ‌سال قبل‌دراین‌سال توزیع گردید .	
	سال **۱۹۱۹** ـ توماس وودرد **ویلسون** رئیس‌جمهور آمریکا ومؤسس اتحادیه‌ملل.	آمریکا
	سال **۱۹۲۰** ـ لئون **بورژوآ** وزیرامورخارجهٔ سابق‌فرانسه ـ رئیس‌سنا ـ رئیس شورای اتحادیه ملل .	فرانسه
	جایزهٔ این‌سال‌بین دونفر به‌تساوی تقسیم گردید .	
	۱ ـ کارل‌یالمار **برانتینگ** نخست‌وزیر سوئدو نمایندهٔ‌سوئد درشورای‌اتحادیهٔ‌ملل	سوئد
۱۹۲۱	۲ ـ کریستان‌لوس **لانژ** دبیرکل‌اتحادیهٔ پارلمانی .	نروژ
۱۹۲۲	فویت‌ژوزف **نانسن** که دانشمند کاشف ونمایندهٔ هیئت نروژی جامعهٔ‌ملل‌وبـه وجود آورندهٔ‌پاسپورت **نانسن** (برای پناهندگان) بود .	نروژ
۱۹۲۳	جایزهٔ این‌سال برای‌سال‌بعد محفوظ گردید .	
۱۹۲۴	مبلغ‌جایزهٔ صلح‌سال‌قبل به‌صندوق‌مخصوص‌ریخته شدوجایزهٔ‌این‌سال‌نیز برای‌سال‌بعد محفوظ گردید .	
۱۹۲۵	به‌همان ترتیب‌فوق جایزهٔ‌سال‌قبل‌که‌توزیع نشده‌بود به‌صندوق مخصوص‌صلح ریخته شد وجایزهٔ صلح‌این‌سال نیز برای سال‌بعد محفوظ گردید.	
۱۹۲۶	جایزهٔ‌سال قبل‌نیز دراین سال‌بین‌دونفر توزیع‌شد .	
	۱ ـ سراوستن‌**چمبرلن** وزیر امورخارجه و یکی از به‌وجود آورندگان معاهدهٔ لوکارنو.	انگلیس
	۲ ـ چارلز گیتس **داوس**‌معاون رئیس‌جمهور آمـریکا ـ رئیس کمیسیون بهبودی و متحدین وبه‌وجود‌آورندهٔ نقش داوس .	آمریکا
	جایزهٔ سال‌۱۹۲۶ نیز به دونفرمشترکاً داده شد .	
	۱ ـ آریستید **بریاند** وزیرامورخارجهٔ فرانسه .	فرانسه
	۲ ـ گوستاو **استرس‌من** وزیرامورخارجهٔ آلمان ویکی ازبانیان معاهدهٔ لوکارنو.	آلمان
۱۹۲۷	۱ ـ فردیناند **بوئیسون** پروفسور دانشگاه سوربن‌پاریس ومؤسس‌ورئیس اتحادیهٔ حقوق‌بشر .	فرانسه
	۲ ـ لودویک **کوئید** پروفسور دانشگاه‌برلن‌وعضو پارلمان آلمان‌وشرکت‌کننده‌در کنفرانسهای‌مختلف صلح .	آلمان
۱۹۲۸	جایزهٔ‌این‌سال برای سال بعد نگاهداشته شد.	
۱۹۲۹	جایزهٔ سال‌قبل‌که‌توزیع نشده‌بود به‌صندوق‌مخصوص ریخته‌شدوجایزهٔ **۱۹۲۹** برای سال‌بعد ماند .	
۱۹۳۰	جایزهٔ‌سال **۱۹۲۹** نیز دراین سال‌داده شد .	
	سال**۱۹۲۹** فرانك‌بیلینگر **کلوگ** وزیر امورخارجهٔ سابق‌آمریکا.	آمریکا
	سال **۱۹۳۰** ناتان‌**سودربلوم**‌اسقف‌اعظم، رهبرنهضت وابسته‌به‌قاطبهٔ‌مسیحیان‌جهان.	سوئد
۱۹۳۱	۱ ـ خانم جین‌**ادمس**‌جامعه شناس ـ رئیس‌بین‌المللی‌اتحادیهٔ‌جهانی‌زنان برای‌صلح وآزادی .	آمریکا
	۲ ـ نیکولا مورای‌**باتلر** .	آمریکا
۱۹۳۲	جایزهٔ این‌سال‌برای‌سال بعدنگاهداشته شد .	
۱۹۳۳	جایزهٔ سال‌قبل کـه‌توزیع نشده‌بود دراین‌سال به‌صندوق مخصوص ریخته‌شدوجایزهٔ **۱۹۳۳**ـ برای‌سال بعدنگاهداشته شد .	
۱۹۳۴	جایزهٔ سال‌قبل نیزدراین سال داده شد .	
	۱۹۳۳ سرنورمان(رالف‌لین) **انگل**‌وزیرامور خارجهٔ سابق‌ورئیس‌کنفرانس خلع سلاح سال ۱۹۳۲.	انگلیس

سال	برنـــــدهٔ جــــــایزه	کشور
۱۹۳۵	جایزهٔ این‌سال برای‌سال بعدنگاهداشته شد .	
۱۹۳۶	جایزهٔ سال‌قبل‌که توزیع نشده‌بود دراین سال‌به‌کارل‌فون **اوسیتزگی** داده‌شد .	آلمان
	جایزهٔ ۱۹۳۶ نیز به‌کارلوس **ساآدورالاماس**وزیراموزخارجه.ومؤسس اتحادیهٔملل‌و میانجی‌به‌اراگوئه وبولیویا داده‌شد .	آرژانتین
۱۹۳۷	ویسکونت‌سسیل**چلوود**نویسندهٔ مهردارسلطنتی ومؤسس‌رئیس نهضت‌بین‌المللی‌صلح.	
۱۹۳۸	**دفتر بین‌المللی نانس** برای‌پناهندگان‌ژنوکه برای‌کمك به‌پناهندگان‌درسال ۱۹۲۱ توسط **فریدیتوف‌نانس** به‌وجودآمد.	
۱۹۳۹	جایزهٔ سال۱۹۳۹ اصلا توزیع نگردید وحتی‌برای سال بعدنیز محفوظ نشد،بلکه به صندوق اصلی‌جوایز ریخته‌شد .	
۱۹۴۰	توزیع‌نشد ومبلغ جایزه به‌صندوق بزرگ‌ریخته شد .	
۱۹۴۱	به‌ترتیب فوق عمل‌شد .	
۱۹۴۲	برای‌سال بعدمحفوظ شد .	
۱۹۴۳	جایزهٔ سال‌قبل‌که توزیع نشده‌بود به‌نسبت یـك‌سوم به صندوق عمده و دوسوم بـه صندوق مخصوص جایزه صلح ریخته شد .	
۱۹۴۴	جـایزهٔاین سال نیزبرای سال بعد محفوظ گردید	
۱۹۴۵	جایزهٔ سال‌قبل‌که توزیع‌نشده‌بود نیزدراین‌سال توزیع گردید .	
	جایزه‌سال۱۹۴۴م به**کمیتهٔ بین‌المللی‌صلیب‌سرخ**ژنوتأسیس‌درسال۱۸۶۳م داده‌شد.	
	سال۱۹۴۵م به‌کوردل**هال** وزیراموزخارجه سابق‌یکی‌ازشرکت کنندگان‌برجسته‌در به‌وجودآوردن سازمان‌ملل متحد .	آمریکا
۱۹۴۶	۱ ــ خانم امیلی‌گرین **بالش** رئیس‌افتخاری بین‌المللی زنان‌برای صلح وآزادی.	
	۲ ــ جان‌رالی**موت** رئیس‌شورای مذهبی‌بین‌المللی ورئیس‌اتحاد جهانی جوانـان مسیحی مشترکاً به‌دومؤسسه داده شد .	آمریکا
۱۹۴۷	۱ ــ**شورای خدمات دوستان** (جمعیت‌کرایکرها)لندن تأسیس۱۶۴۷.	
	۲ ــ**کمیتهٔ خدمات دوستان‌آمریکایی** ، واشنگتن.	
۱۹۴۸	جایزهٔسال‌قبل‌که‌توزیع‌نگردیده‌بود دراین‌سال به‌نسبت‌یك‌سوم ودوسوم به‌صندوقهای اصلی وخصوصی‌ریخته شد .	
۱۹۴۹	لردجان **بویداور** یکی‌ازافراد برجسته به‌وجودآورندهٔ سازمان‌غذایی‌وکشاورزی ومدیر کل‌آن و رئیس شورای‌ملی صلح‌واتحادیه جهانی‌سازمانهای صلح .	انگلیس
۱۹۵۰	رالف**بنچ** رئیس‌قسمت‌قیومیت سازمان‌ملل‌متحد ومیانجی فعال‌درمسئلهٔ فلسطین در سال ۱۹۴۸ .	آمریکا
۱۹۵۱	لئون **ژوهو**رئیس کنفدراسیون بازرگانی رئیس شورای‌ملی اقتصاد وکمیتهٔ بین ــ المللی شورای‌اروپا وچندسمت مشابه‌دیگر .	فرانسه
۱۹۵۲	برای‌سال بعدمحفوظ‌گردید .	
۱۹۵۳	جایزهٔ سال‌قبل‌که توزیع نشده‌بود نیزتوزیع‌گردید . .	
	سال ۱۹۵۲ ــ آلبرت **شوایتزر** جراح میسیون مذهبی مؤسس بیمارستان لامباریه (آفریقای‌استوایی فرانسه متولدسال ۱۸۷۵) .	فرانسه
	سال ۱۹۵۳ جورج‌کاتلت**مارشال** ژنرال ارتش‌آمریکا رئیس‌صلیب‌سرخ‌آمریکامعاون سابق‌وزارت‌اموزخارجه ووزارت دفاع‌آمریکا ــ نمایندهٔ‌آمریکا درسازمان‌ملل‌متحد وبوجود آورندهٔ برنامهٔ‌مارشال متولد سال ۱۸۸۰ .	
۱۹۵۴	برای‌سال بعدمحفوظ گردید .	
۱۹۵۵	جایزهٔ سال قبل‌که‌توزیع نگردیده‌بود دراین‌سال توزیع‌شد.	
	سال۱۹۵۴ **دفتر کمیسیونرعالی‌پناهندگان سازمان ملل** درژنوکه یك سازمـان بین‌المللی‌برای‌کمك به‌پناهندگان میباشدوتوسط ملل‌متحد درسال ۱۹۵۱ تأسیس شده‌است جایزهٔ سال۱۹۵۵ برای سال‌بعد محفوظ ماند .	
۱۹۵۶	جایزهٔسال قبل‌نیز به‌نسبت‌یك‌سوم ودوسوم درصندوق‌های اصلی ومخصوص‌ریخته‌شد.	

سال	برندهٔ جایزه	کشور
	وجایزهٔ سال۱۹۵۶ نیز برای سال‌بعد محفوظ گردید .	
۱۹۵۷	جایزهٔ سال‌قبل که‌توزیع نشده‌بود دراین سال‌به‌نسبت‌یك‌سوم و دوسوم به‌صندوقهای اصلی ومخصوص ریخته‌شد .	
	جایزهٔ سال ۱۹۵۷. لستر بولز **پیرسن** وزیرامورخارجهٔ سابق‌کانادا - رئیس‌هفتمین جلسهٔ مجمع‌عمومی سازمان‌ملل‌متحد . متولد۱۸۹۷ .	کانادا
۱۹۵۸	**ژرژپی‌یره** به‌وجودآورندهٔ‌فرمان‌دومینیك ورهبرسازمان‌اروپایی کمك‌به‌پناهندگان	بلژیك
۱۹۵۹	فیلیپ نوئل **بیکو** عضو پارلمان انگلیس که سراسردرعمرخود مجدانه برای‌صلح و همکاری بین‌المللی کوشید .	انگلیس
۱۹۶۰	برای‌سال بعدمحفوظ گردید .	
۱۹۶۱	جایزهٔ سال‌قبل که توزیع نشده‌بود دراین‌سال توزیع گردید .	
	جایزهٔ سال۱۹۶۰ ـ آلبرت‌جان **لوتولی** .	آفریقای‌جنوبی
	۱۹۶۱ داك **هامرشولد** دبیرکل فقید سازمان ملل‌متحد ـ برای خدمات‌خستگی‌ناپذیر وگرانبهای وی‌به‌صلح جهانی .	سوئد
۱۹۶۲	جایزهٔ صلح این‌سال اعطاء نشد و برای سال‌بعد منظور گردید که چنانچه‌کسی واجد شرایط باشد درسال‌بعد به‌اوداده‌شود .	
۱۹۶۳	لینوس **پاولینگ** آمریکایی به‌خاطر کوششهایی که‌در راه قطع آزمایش‌های‌اتمی‌نمود.	

خدایان و فرشته‌ها

اساطیر



خدایی‌که جهان را آفرید به‌قلم میکل‌آنژ

اساطیر

افسانه‌ها و داستانهای خدایان و پهلوانان‌ملل قدیم ،که‌ازنسلهای متوالی به‌صورت روایت به‌زمان مارسیده است.

اساطیر باافسانه‌های دینی‌مربوط است‌وعده‌ای آن‌را جعل و تعبیر حقایق میدانند درهرصورت شایدبیان و توضیح جهان‌باشد .

کسانی مانند **ائوهمروس** اساطیر را سرگذشتهای‌مبالغه‌آمیز اقوام واقعی میدانند .

آئوروپه Europe

شاهزاده‌خانم‌فنیقی، زئوس به‌صورت گاونری درآمد واورا فریب داد واز



آمیزش آنها، مینوس‌به‌وجود آمد.

آبان

ایزد نگهبان‌آب .

آپولون Apollo

ملقب‌به‌فویبوس ، ازخدایان‌اولمپی پسر زئوس ، دردلوس متولدشد خدای درمان‌وکمك ومجازات‌وموسیقی وشعر و غیب‌گویی بوددرمجسمه‌های آپولون‌اورا به‌صورت جوانی فوق‌العاده زیبا بااندام نیرومند ومناسب‌درحالیکه صورتش‌هیچ مو نداشت مجسم میکردند . و چیزهاییکه همیشه بااو بودکمان وتیرکش و چوب‌دست چوپانی وچنگ‌بود ، اختراع چنگ‌را به‌اونسبت داده‌اند .

آترئوس Atrée

پادشاه میسنا ، پسرپلوپس‌که در اساطیر یونانی بـه سبب‌کینهٔ شدید ضد برادرخویشتن تیستس وانتقام موحشی‌که ازوگرفته شهرت دارد .

وی‌دوفرزند برادررا کشت‌وگوشت آنان‌را درضیافتی به‌برادرخورانید .

اگیستوس پسردیگر تیستس ، آترئوس‌را به‌قتل رسانید .

«فرهنگ معین»

آتنا (مینرو) Athena

الههٔ حکمت . نگهبان آتن ، که معمولا باکلاه خودوزرهی باکلهٔ مدوسا نمایش داده‌میشود . وی‌دختر خدای خدایان بود .

آدراس Adrast

ازاساطیر یونان ، پادشاه افسانه‌ای آرگوس که‌سرکردهٔ مخالفان هفتگانهٔ‌تب بود .

آدمتوس Admetus

از اساطیریونان، پادشاه تسالی‌بود که آپولون نزد او خدمت کرده ، زن آدمتوس ، عمر خود را داد تاشوهرش جاودان بماند و هرکول زن او را از **هایدس** نجات داد .

آراکنه Arachne

دختری‌که به‌افسون آتنه به‌عنکبوت مبدل شد .

آرتوسا Arethusa

از پریانی‌که **آلفیوس** عاشقش‌شد، آرتمیس اورا به‌چشمه‌ای تبدیل کردولی آلفیوس خدای رودخانه به‌اوملحق شد.



اپولون



اتنا

آرس ۳۳۴

دراساطیر یونان‌خدای المپی‌جنگ پسر **هرا و زئوس** وشوهر **آفرودیت** که در جنگهای **تروا** طرفدار اهل‌تروا بود و رومیان اورا مطابق بامارس شمرده‌اند.

آرتمیس Artémis



یکی از بزرگترین خدایان‌یونان باستان،دختر **زئوس‌ولەتو** و خواهر آپولون،مجهز به تیرکمان وبه‌الههٔشکار، معروف است خود وملازمانش، باکره هستند، این‌الهه همانند دیاناخدای رومیان است .

آریان Arian



خواهر فدر Phédre و دخترمینوس وپاسیفه‌اوکه در غاری گرفتار غول شده‌بود به کمك تزه با یسمانی از غار نجات‌یافت ولی‌تزه اورا درجزیرهٔ ناکسوس تنها رهاکرد .

آریستئوس Aristée

پسرآپولون‌وسیرن،مظهرکشاورزی، زیرا به‌مردم‌کشت‌انگور وپرورش زنبور عسل‌را آموخت .

آشیل Achille



مظهرشجاعت، پسر تتیس و پله‌وازمشهور ترین‌قهرمانان یونان‌باستان است ، ونقطهٔ ضعف‌اوپاشنه پایش بودکه با اصابت تیری مسموم کننده به آن نقطه از پای درآمد .

آژاکس Ajax



شجاعی از مدافعین تروا پادشاه سالامین یك‌روز تمام با هکتورمقابله‌کرد بعدازمرگ‌آشیل برای تصرف شمشیر اوبااولیس جنگید و مغلوب‌شد. سرانجام خودکشی کرد .

آژی :

یکی ازشیاطین‌که تمام‌آبهارا فرو برد، وبرقلهٔ کوهی نشست **ایندرا** بااو جنگید وآبهارا ازشکم او خارج‌ساخت.

آکه‌لوس Achelous

پسر اوکتائوس و تتوس ، خدای رودخانه .

آگاممنون Agamemnon



پسر اتره Atrèe وبرادر منلاس ـ (Ménélas) او با خواهر هلن به نام کلیتمنستر Clytem_nestre ازدواج کرد ولی‌چون‌یکی ازفرزندانش‌بنام‌ایفی ژنی را برای فرو نشاندن خشم‌خدای باد ، قربانی‌کردبه‌دست زنش‌کشته شد .

آمفیتریون Amphtryon



پسرآلسه ، پادشاه‌تیرنت، شوهرآلکمن. زئوس‌آلکمن را بفریفت و از وصل او برخوردارشد هراکلس‌ازین وصلت پدید آمد .

آستره Astrée

دختر زئوس وتمیس . وی در عهد طلایی ، بین مردها زندگی میکرد و سپس بین ستارگان رفت و به صورت سنبله درآمد .

آلستیس Alceste

دخترپلیاس وزن‌آدمت . وی‌برای نجات شوهر ، تن‌به‌مرگ‌داد . هراکلس به دوزخ رفت تا اورا بازگرداند .

آمون Amon

خدای‌مصری‌که‌رب‌النوع «تبس»بود وپس‌ار ازدواج با خدای خورشید نام «آمون‌رع» را گرفت . در شهر کارناك معبدی به‌نام اوساخته بودند .

آنتیگون Antigone

درافسانه‌های یونانی دختراودیپ ، که راهنما ورهبر پدرکور خودگردید. وچون برخلاف امر **کرئون** برادرخودرا به‌خاك سپرد اورا زنده‌بگورکردند .

آمازونها Amazones



زنان‌سلحشور آسیای صغیر که‌ضد یونان وبه‌نفع تروا به جنگ پرداختند و از سواحل دریای سیاه دفاع کردند و مظهر وطن‌پرستی‌محسوب می‌شوندواز اساطیریونان می‌باشند .

آندروماك Andromache



زن‌هکتور و مادر آستیاناکس درافسانه‌های یونانی،ایلیاد اورا نمونهٔ عشق‌وزناشویی میدانند .

آنوبیس Anubis



دراساطیر مصری،خدای مقابر ، وی پسراوزیریس بود و شکل شغال داشت.

ائوس Eos

مظهرسپیده‌دم، مادر بادهاوستارگان خواهر هلیوس وزن تیتونوس ، اوهرروز به اقیانوس میرود و از آسمان سر بر میآورد .

ائوفروسین Euphrosyne

یکی ازسه‌خدای رحمت .

ائومنیدس Eumenides

ازخدایان‌انتقام ، که دردین‌یونان معمولا به‌صورت سه‌دختربالدار بامارهایی درگیسوانشان تصویر میشوند .

ابوالهول Abu_l_hawl



حیوانی که‌در نزدمصریان قدیم‌مظهر آفتاب محسوب می‌شد ، وآن‌بدن شیر و سر انسان‌داشت . ابوالهول بزرگ که‌در جیزهٔ (مصر) جای دارد ، از صخره‌ای تراشیده‌شده ، ۱۷متر ارتفاع و ۳۹متر طول دارد .

ادونیس Adonis



رب النوع فنیقی که گرازی وی را به‌سختی مجروح کرد، آفرودیت‌او را به‌صورت لالهٔ نعمانی درآورد.وی از مـردم بیبلوس‌وبسیار زیبا بود .

ادیپ Oedipe



پسرلایوس پادشاه تبس که‌پدرش‌اورا برفراز کوه سیترون ـ گـذاشت ، چوپانان‌اورا نزد پادشاه کرنت بردند و پادشاه مذکور به‌تربیت او همت‌گماشت ادیپ‌بزرگ شد و وقتی ازکرنت‌دورمی‌شددر راه به‌پدرش که‌اورا نمی‌شناخت برخوردکرد ودرنزاع وی‌را کشت ، دراین‌زمان اسفنکس حوالی‌تبس زادگاه‌اورا بایرکرده‌بود وجانشین‌لایوس وعدهٔ‌تاج وتخت‌را به‌قاتل اسفنکس داده بود، ادیپ‌که معمارا حل‌کرده‌بودپادشاه شد وبامادرش ازدواج‌کرد (بدون‌اینکه بداند) . وقتی وقایع را غیبگو فاش‌کرد مادرخودرا به‌دارآویخت وادیپ‌چشمان خودرا درآورد وتبس‌را ترک گفت .

اراتو Erato

یکی‌از نه ربةالنوع صنایع است ، دخترزئوس ومنه‌موزین(Mnêmosyne) اوشعر را به‌شعرا آموخت .

ارد .

به‌معنی‌راستی ، یکی‌ازایزدان،خدای مال وجلال وخوشی دینداری در دنیای امروزوپاداش دهندهٔ نیکوکاری درجهان فردا

اردیبهشت.



اراتو

وی‌درجهان‌مینوی نمایندهٔ پاکی و تقدسی وقانون ایزدی اهورامزداست‌ودر جهان‌خاکی‌نگهبانی‌آتش‌بدوسپرده‌است. موکل بـر روز سوم هرماه شمسی (اردیبهشت‌روز)ماه دوم هر سال شمسی (اردیبهشت‌ماه) است .

ارفئوس Orphee

پسرآگر ، پادشاه تراکیه ، ومادر اوموزکالیوپ و به عقیدهٔ عده‌ای فرزند آپولون وکلیو می‌باشد . وی‌مشهورترین موسیقی‌دان ازمنهٔ قدیم است‌آهنگهای او به‌قدری دلربا بودکه حیوانات وحشی‌را به‌خود جلب‌میکرد و از حالت درندگی بازمیداشت .

وی مصر را هم دیدن کرد . زنش اوریدیس‌را در همان روز جشن عروسی ماری‌گزید . ارفئوس وارد دوزخ‌شد وبا تصنیفها و آوازهای‌خودشیاطین‌را سر-گرم‌ومسرورساخت وآنان‌موافقت کردند که‌زنش‌را پس‌دهند به‌شرطی که‌تاازدوزخ خارج‌نشود به‌عقب بازنگردد وزن‌خودرا نگاه‌نکند . اواین‌شرطرا انجام نداد و درآخرین‌لحظه قبل‌ازخروج به‌اوریدیس نظرافکند . زئوس وی‌را گرفتار صاعقه کرد وبه‌قولی توسط‌طرفداران بـاکوس قطعه‌قطعه شد .



ارفئوس

اروپا Europa

دختر پادشاه فنیقیه . زئوس اورا در ربود وبه‌شکل گاونر مسخ‌کرد و بـه (کرت) فرستاد . اروپا درآنجامینوس-سارپدون ورادامانت را زایید .

اروس Eros

خدای‌عشق، نزدیونانیان، که برخی اورا ازکهن‌ترین خدایان‌می‌دانستند او به‌صورت جوانی بالدار و طفلی مسلح به تیر وکمـان، ودردورهٔ رومیان‌به‌صورت طفلی‌نمایش داده می‌شد .



اروس

ازوپ = ازوپس Aesop

افسانه‌گوی یونانی که ابتدابنده‌بود و سپس‌آزادگردید . وی‌را گوژپشت و زشت‌والکن معرفی کرده‌اند .

ازوپ‌شخصیتی‌نیم‌افسانه‌ایست بسیاری ازداستانهای اخلاقی یاهجایی مربوط‌به حیوانات به‌اومنسوب است.

ازیریس Osiris

رب‌النوع مصرقدیم ، حامی اموات شوهرایزیس وپدرهوروس .

اژدها Dragon



جانورشگفت‌ـ پیکری که‌هم خزنده وهم پرنده‌است، وعموماً بـا بالهای‌عقاب، چنگالهای‌شیر ، دم‌مار ودم‌آتشین‌تصویر می‌شود . چنین مخلوقــی در افسانه‌های غالب‌ملتها واقوام جهان از دورهٔ دولت باستانی بابل دیده می‌شود . نقش‌اژدها علامت امپراطور چین بوده وامروز نیز آرم‌کشور ویلز است . کشتن‌اژدهــا در افسانه‌های همهٔ‌ملتها همواره ازپیروزی‌ـ هایی‌است‌که تنها به‌دست قهرمانان‌بزرگ انجام‌می‌پذیرد .

اژه Egée

پسرپـاندیون ، پادشاه آتن . وی چون‌تصورمیکرد‌پسرش (تزه) رامینوتور بلعیده ، خودرا دردریایی‌که بعدها بـه نام‌او خوانده‌شد غرق‌کرد .

اژیست Egisthe

یکی‌ازخدایان افسانه‌یی یونان‌که به‌فسق وفجوروآدم‌کشی معروف می‌باشد. پدرش‌تیستس ومادرش(پلوپیا) است .

اسپندارمذ .

یکی ازامشاسپندان ، نمایندهٔ‌برد‌ـ باری وسازش اهورا مزدا و واسطهٔ بین آفریدگار وآفریدگان است . درجهـان خاکی نگهبانی زمین بااوست .

وی موکل به‌روزپنجم هرماه شمسی ودوازدهمین ماه هرسال‌شمسی است.اورا اسفند واسپند هم خوانند .

اسرافیل .

فرشتهٔ‌صور ، یکی‌ازفرشتگان‌مقرب خدا ، که‌برطبق روایات اسلامی مأمور دمیدن صور است وباصدای آن‌مردگان زنده می‌شوند .

اسفندیار .

جهان‌پهلوان ایرانــی . وی پسر گشتاسپ‌پادشاه‌کیانی بودو به‌دست‌زردشت رویین‌تن گردیده وپیروزی‌ها یـافت و عاقبت درجنگ‌رستم براثر تیغ دوشاخه گزین‌که به‌چشم‌او اصابت‌کرد درگذشت.

اسقلبیوس Asclépios



وی‌رب‌النوع و درعین‌حال قهرمان‌طب یونان‌به‌شمار مــی‌رفت . اوپسرافولون (آپــولون) است.

وی‌مردگان‌را هم‌زنده مــی‌نمود . چون دوزخ نزدیك بود ازسکنه خــالی گردد . هادس خدای دوزخ از زئــوس چاره خواست وزئوس خشمناك گردید و اسقلبیوس را دچــارصاعقه‌کرد .

اشتاد .

ایزدی مؤنث دردین زردشتی است که راهنمای جهانیان ومینویان‌است‌روز بیست‌وششم هرماه شمسی‌به‌نام این ایزد است .

اطلس Atlas

پسرکلیمن و ژاپه وپــدرهیادس و وپلیادس وهسپرید .

قهرمان غول پیکری که مجبورشد دراثر جنگیدن‌با«زئوس» دنیارا بردوش گیرد .

اکو Echo



ازپریان،که به طرفـداری ازعشق زئوس باهراپرحرفی میکرد تااو متوجه کارزئوس نشود .

الکمن Alcmene

زن‌آمیفتریون . زئوس‌اورا به‌فریفت ووی مادر هرکول‌است .

اوزیریس Osiris

رب النــوع مصر بـاستان نگهبان مرده‌ها. «ازیریس رابه‌بینید».

ایریس Iris



الههٔ رنگین کمان ، قاصد خــدایان و راهنمای ارواح جهنمی‌است .

ایندرا Indra

خدای‌آسمان و طوفــان کــه بــه آژی مسلط شد وباران‌را فرستاد.

بعل Baal

نام‌خدای سامی‌ها . مخصوصاً مردم سوریه وفلسطین درباستان ، بعل‌فنور و بعل‌زبوب معروفند .

پرستش بعل باقربانی انسان‌همراه بود .

بله‌روفون Bellerophon



پسرپوزه‌ایدون ، یکــی از پهلوانان اساطیری یونان‌کــه ناخواسته برادرش‌را کشت‌وبــه‌یــکی از شاهزادگان‌پناه بردو زن‌آن شــاهزاده به اوتهمت زد ناچــار سوار اسب پگاس‌شد وازآنجا گریخت .

باکانت‌ها Bacchantes

در دینهای یونــان قدیــم ، زنان پرستنده **باکوس** یا دیونوسوس راگویند که مناسك‌پنهانی‌آنها متضمن میگساری وموسیقی‌گرم و هیجان‌انگیز بود .

باکوس Bacchus

در اساطیر یونان و روم مطــابق **دیونوسوس**، خدای‌شراب ، خدای‌بار‌ـ آوری و زندگی نباتی بود .

بس Bes

از خدایان‌مصرقدیم که‌آنرانگهبان رقص وموسیقی وخوشگذرانی‌میدانستند واورا به‌صورت مردکوتــاه قد ودرشتی نمایش میدادندکه‌تاجی ازپربرسردارد.

پرسه‌ئوس Perséus

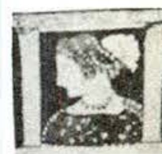
در اساطیریونان پهلوان‌وپسرزئوس است . چون غیب‌گویان به‌پادشاه‌ارگوس گفته بودندکه به دست پرسه‌ئوس کشته میشود ، اوپرسه‌ئوس رادرصندوقی کرده



ازیریس



اژدها



الکمن



بعل

به دریا انداخت، پادشاه جزیره **سریفوس** آنهارا نجات‌داد ، بس‌ازمدتی ، پرسه‌ئوس را مأمور آوردن‌سر **مدوسا** کرد، پرسه‌ئوس مدوسارا کشت ، **اطلس** اورا به‌کوهی‌از سنگ مبدل ساخت .

پروزرپین Proserpine



ملکهٔ دوزخیان زن‌پلوتون ، از اساطیر روم‌که مشابه‌آن در نزد یونانیان‌پرزه‌فون Persephone نامیده‌میشود .

پرومته Promethées

پرومته ازقهرمانان‌افسانه‌ای‌یونان‌و یکی از تیتان ها بود که آتش را از جایگاه خدایان ربود و طرز استفاده‌از آنرا به انسان آموخت . زئوس خدای خدایان به‌جرم این‌جسارت اورا مجازات کرده و در کوهسارهای قفقاز به‌صخره‌ای به زنجیر بست ، عقابی هرروز جگراو را از سینه‌اش بیرون میکشید ولی شب هنگام جگر او دوباره پدیدار میشد و عقاب نیزکار خود را از سر میگرفت و این‌مجازات همچنان‌دوام داشت تا سر-انجام پرومته نجات یافت .

در ادبیات جهانی پرومته به نام دوستدار فداکار باخرد ونیرومندانسانها تعبیر شده و آثار بسیاری به نام او به‌وجودآمده‌که ازآن‌میان‌میتوان آثار ، آشیل ،گوته ، بایرون، شلی ، ریلی‌یفو بتهوون را نام برد .

پلوتون Pluton



یکی‌ازنامهای اعظم خدای رومیها به نام هادس(hadés) که خدای دوزخیان نیز نامیده می‌شوند .

پوزه‌ایدون poséidon



خدای‌دریاها پسر‌کرونوس و ره‌آ .

جبرییل Gabriel

یکی‌ازفرشتگان مقرب، رابط میان خدا و پیغمبران به روایت‌کتاب مقدس، بر دانیال ، زکریا و مریم ظاهر شد روایات مسیحی،جبرییل‌را دمنده درسور هنگام قیامت‌میدانند و حال آنکه روایت اسلامی اسرافیل را مأمور این کار می-شناسد و روح‌الامین از القاب دیگر او است .

دان Dan

نام‌پادشاهان افسانه‌ای‌دانمارك، وجد اعلای مردم دانمارك امروز .

دانائوس Danaüs

ازاساطیریونانی،پادشاه مصروسپس پادشاه ارگوس ،که ۵۰ دختر وبرادرش آیکوتیوس ۵۰ پسر داشت . دختران دانائوس با پسران آیکوتیوس ازدواج کردند و دانائوس دختران‌خود رامأمور کشتن شوهرانشان‌کرد . جملگی چنین کردند جز هوپرمنستراکه شوهرش را نکشت و روایت شده‌که همین داماد پدر زن خودرا به‌قتل رسانید .

دیانا Diana

ربة‌النوع رومی،دخترژوپیترولاتون، خدای ماه ، جنگل ها و حیوانات که با آرتمیس یونانیان یکی‌است، وی بدستور پدر نمیبایست ازدواج‌کند . دیانا در معبدش در رم به‌عنوان الههٔ باکره مورد احترام بود.



دیانا

دیرکه Dircé

در اساطیر یونان ، دختر هلیوس ،که آمفیون و زئوس وی‌و شوهرش رابه‌قتل رسانیدند .

دیومدس Diomedes;

پادشاه اساطیری‌تراکیه ، که بسبب شقاوتش مشهور است او اسب‌های خودرا ازگوشت‌آدمی غذا میداد و به‌دست هرکول به قتل رسید .

دیونوسوس Dionysos



خدای بار آوری‌وشراب از مهم‌ترین خدایان یونانیان ،که در سرزمین های مختلف سیر میکرد که به مردم پرورش رز و اسرارپرستش آن‌رامی‌آموخت آیین‌پرستش‌وی‌هیجان-انگیز و همراه با میگساری بود طرفدارانش رقص ومیگساری و خوردن راوسیلهٔ اتحاد بااو میدانستند. دیونوس حامی ادب و هنر نیز شناخته شد.

رافائل . Raphael

یکی‌ازفرشتگان‌مقرب‌مذکوردر عهد عتیق . اوطوبیا رابه‌کشور ماد هدایت کرد.

رستم .

بزرگترین‌پهلوان‌داستانهای‌حماسی‌و ملی ایران ،فرزند زال و رودابه، کشیده بالا ، بزرگ تن و قوی‌اندام بود لقب او تهمتن واز زمان منوچهر تاعهدبهمن بزیست . دیو سفید رادر مازندران‌کشت وکیکاوس رانجات‌داد . خصایص‌افسانه-ای او از اینقرار است : چنان درشت-اندام بودکه یکروزه یکساله مینمود و ده دایه او را شیر میدادند . هرگاه که بر سنگ راه میرفت هر دوپایش‌بسنگ فرو میشد ،به اندازهٔ پنج مرد غذا می-خورد . اسب غول پیکرش رخش همه جا با او بود .گویندکه اسفندیار بااو می-جنگید ولی مغلوب وی میشد . عاقبت شغاد برادر رستم ، رستم و رخش را به گودالی پر از نیزه و شمشیر میکشد ، رستم در دم مرگ تیری ازکمان رها میکندکه شغاد و درختی راکه بدان‌پناه برده بود به‌هم‌میدوزد . وی در جنگ با سهراب پسرش، ندانسته او رابکشت .

زئوس Zeus

خدای خدایان دردین یونان، پسر کرونوس ورئاو شوهرخواهر خود هرا . رعد وبرق را دراختیارداشت و به‌وسیلهٔ آنها حکمفرمایی میکرد برباران‌مسلط

بود وسرکشان را تنبیه میکرد . زئوس



قریب هفتصد عنوان ولقب دارد ورومیان اورا باپوپیتر مطابق میدانستند، آپولون آفرودیت ، آرتمیس هرمس ، از جملهٔ فرزندان اوهستند .

زال کوفه.

پیرزنی درزمان نوح ۴ که طوفان معروف ازتنورخانهٔ اوظاهر شد .

«فرهنگ معین»

زامیاد .

درآئین زردشتی ، ایزد موکل بر زمین وموکل به‌روز بیست وهشتم هرماه شمسی .

زاوش (سیارهٔ‌مشتری).

خدای‌خدایان یونان باستان،معادل زوپیتر (زئوس).

«فرهنگ معین»

ژانوس Janus

اولین‌پادشاه شهرژانی‌کولوس واقع بر ساحل رودتیبر ، مقابل شهر روم . رومیان‌اوراچون خدایی‌پرستش‌میکردند وگمان داشتندکه مراسم دینی رااوبنیان نهاده است .

ژوپیتر Jupiter

خدای‌افسانه‌های مردم،پسرساتورن ورآ ، معادل زئوس خدای یونانی‌است.

ژونو Junon

الههٔ بزرگ روم ،دختر ساتورن و رئا وزن ژوپیتربود . اورا ملکهٔ‌آسمان و الههٔ روشنایی و زناشویی میخواندند ژونورا باهرا الههٔ یونانی یکی‌دانسته و به‌نام اومعابدی بنا کرده‌اند .

ساتورن Saturne

خداوند زمان نزد یونانیان و رومیان بود وستارهٔ زحل‌مظهرآن به‌شمار میرفت .

ساتی Sati

مصریان اورا فرشتهٔ مراقب ارواح میدانند .



ژوپیتر



ژونو



سارتون



ساتیر



سراپیس

ساتی Sâti

فرشته‌ای که هندیان عقیده دارند همسر شیوا بوده و چون شوهرش توسط پدرش تحقیرشد خودرا سوزانید .

ساتیر Sstyre

مظهر غرایز خشن و شرارت که دایم به‌میگساری ونای زنی مشغول است وازخدایان یونانی است .

ساراسواتی Sarasvati

از فرشتگان هندی ، مادر همهٔ موجودات وپشتیبان علم‌سخنوری وهمسر براهما .

سارپدون Sarpèdon

در افسانه‌های یونانی پسرزئوس و ائوروپه وبرادر مینوس . پادشاه لیکیه. طبق روایت «ایلیا» سارپدون به‌دست پاترکلس‌کشته شد .

سارداناپال Sardanapale

پادشاه‌اساطیری‌که‌به‌روایت‌مورخان یونانی پادشاه آشور است . ساردانا پال مظهر ونمونهٔ‌شاهزاده‌ای عیاش وهوسران است . زندگانی افسانه‌یی اومورد توجه اروپاییان وموضوع‌آثار معروفی گردیده است . گویند مادها او را مدت ۲ سال در حصارگرفتند و چون تاب مقاومت نیاورد کاخ شاهي را آتش زد و خود و دربارش را درآتش سوزاند .

سامسون Samson



قاضی‌عبرانیان وی مردی زورمند و دلیر بود و رمزشجاعت او را در موهایش میدانستند. بعدهازنی‌زیبا به‌نام‌دلیله باغوای‌فلسطینیان این راز راکشف‌کرد وشب هنگام که او درخواب بود، موهای او را تراشیدند و سپس وی را دستگیر کردند . سامسون مدت ۲۰ سال در میان قوم اسراییل قضاوت میکرد .

سراپیس Sarapis

ازخدایان مصرقدیم ، که به‌نام او معبد بناکرده‌اند .

سرس Ceres



دختر سارتون و سیبل، الههٔ گندم‌ومظهر حاصلخیزی است ، که اورابادمتر یونانی‌تطبیق کرده‌اند ، در یونان ، برای این الهه اهمیت خاصی قایل بوده و سالی یکبار جشن بزرگی برپا میکردندکه تنها کاهنه‌ها و دخترانی‌که در خدمت معبد الهه بودند حق شرکت درآنرا داشتند .

سروش.

درآیین زردشتی ، یکی ازایزدان وموکل برروز هفدهم هرماه شمسی‌است. وی درروز رستاخیزبه‌امرحساب ومیزان گماشته شده، سروش مظهرفرمانبرداری از اوامر اهورمزدا و نشانهٔ‌رضا وتسلیم است .

شیوا. Civa



شیوا به‌معنی‌خجسته وازخدایان شریعت‌هندوئیزم میباشد. او مظهر انهدام ودر عین‌حال‌خدای تولید نسل است و این نشانهٔ‌آنستکه هندوئیزم خیر وشررا متعادل میداند وتصورمیکند که ویرانی وآفرینش دوش به دوش هم پیش میروند وتولد گناهی است که آنرا باید بامرگ کیفردادنیروی خلاق طبیعت شیوا همنوا با جهانی میرقصد که مدام شکلی تازه میگیرد ، سپس از هم میپاشد وازنوشکلی دیگر میگیرد ، همچنانکه مرگ جزای تولد وتولد نیزشکست مرگ است. ودر

نظرهندو، همان خدایی که مظهرویرانی است نمایندهٔ شهوت توالد نیزهست که از راه‌ادامهٔ نسل برمرگ انفرادی‌سبقت‌میگیرد.

پرستش شیوا یکی ازقدیمیترین و نجیبترین و مخوفترین شرایع هند است ومرتاضان وجوکی‌ها که اغلب درصفحات جنوبی هند زنـدگی میکنند اعتقادی سخت به شیوا دارند . مقدسین این قریه باخاکستر تپالهٔ گاو بربالای ابروی‌خود خطوط افقی میکشند و «لینگا» راکـه نشانه‌ای ازمردی‌است بربازو میبندند .

ضحاك = اژی‌دهاك .

پادشاه افسانه‌ای‌که پس از جمشید درایران به‌سلطنت رسید،وی پسرمرداس بودکه اهریمن اورا بفریفت وپدرش را کشت . سپس اهریمن به صورت جوانی آشپزضحاك‌شد وگوشت انواع چهارپایان ومرغان را به‌خورد اومیداد تااو را به خون ریختن دلیر کند . روزی اهریمن کتف ضحاك را بوسید وناپدید شدآنگاه دومار سیاه ازدوکتفش برست . پزشکان ازمعالجهٔ اوعاجز ماندنداهریمن به‌صورت پزشکی نزد اورفت ودستورداد‌که مارها بایدازمغزانسان تغذیه‌کنندوبه‌این‌ترتیب هرروزدوجوان رامیکشتند ومغزسرشان را به آنها میدادند . در اینوقت ضحاك به‌ایران آمد ودوخواهرجمشید رابه‌زنی گرفت . دراین‌هنگام مردم ازظلم‌ضحاك به‌جان آمده بودند دو جوان همداستان شدند وبه‌عنوان طباخ نزد اورفتند وهر روز ازدوجوان یکی را میکشتند و مغز اورا بامغز گوسفند مخلوط میکردند و بدین‌ترتیب‌هرماه ۳۰ نفرنجات می‌یافتند وی‌به‌دست فریدون‌مغلوب‌شد. واورابکوه دماوند بردند و دستش را به‌تخته سنگ بستند .

عزاریل .

طبق‌روایات یکی‌ازسه‌فرشته(هاروت وماروت وعزاریل)که خداآنان را بهـ کرهٔ‌زمین فرستاد تاماننداًدمیان زندگی کنند وازمحرمات بپرهیزند و الا تنبیه شوند، عزاریل پس‌ازچندی چون‌احساس عجزکرد ازاین مأموریت عذرخواست و معاف شد، ولی‌آن دوتن به‌مأموریت‌خود ادامه دادند وپس ازچندی اززنی به‌نام (زهره‌یاناهید)فریب‌خوردندوشراب‌نوشیدند واسم اعظم را بدان زن‌گفتند و به‌خاطر این‌کردار درچاه بابل معلق شدند و تا روزرستاخیز بدین‌حال خواهند ماند.
«فرهنگ معین»

عزراییل.

به‌عقیدهٔ مسلمانان ، یکی از چهار ملك‌مقرب درگاه الهی‌که به‌ملك الموت معروف است .

عزی .

یکی ازدوبت معروف طایفهٔ قریش درعهد جاهلیت .

فورتون Fortune



رب‌النوع تصادفات و امور غیرمترقب گاه او را به صورت زنی نیمه عریان مجسم میکردند که چشم وی با پارچه‌ای بسته شده، بادست راست زر می‌ریزد و در دست چپ تازیانه‌ای دارد و پای راست را بر گردونه‌ای بالدار گذاشته .

کاساندر Cassandre

دختر پریامس و اکـوب ، وی از آپولون موهبت پیشگویی را دریافت و بعد چون مورد خشم آپولون قرارگرفت کسی به‌پیشگویی او اعتماد نکرد و پس از پیشگویی بیهوده در مورد شهر تروا به‌دست آگاممنون اسیرشد .

لات .

یکی‌ازدوبت معروف قریش درعهد جاهلیت .

مارس (آرس). Mars



خـدای جنگ ، پسر ژوپیتـر و مـادرش هرا بود.یونانیان او را جوانی قـوی هیکل وخوش اندام وبرهنه‌که‌گاه کلاه‌خودی بر سر ونیزه‌ای بر دست دارد میدانستند ، در نگاهش حالت جنگجـویی و پیکار طلبی احساس می‌شود .

ماروت.

یکی از فرشتگان کـه خدا برای زندگی‌عادی‌اورابه‌زمین‌فرستاد(به‌عزاریل رجوع شود.)

مرکور (هرمس) Mercure

پسرژوپیتر و خدای سفر و تجارت یونان است، وی خدای فصاحت وبلاغت وخدای هادی ارواح مردگان و همچنین از طرف زئـوس سمت قاصدی داشت ، ورزشکاران یونان اورا حامی خود می‌دانستندچنانکه درمدخل میدان معروف ورزش « اولمپیاد» که مرکـز مسابقات المپیك بود مجسمه‌اش را نصب کـرده بودند . مرکوردارای اندامی ورزیده و موزون ، موهایی کوتاه و انبوه وکفشی بالدار است. دردست اونیزعصایی‌بالدار دیده میشودکه دومار برآن پیچیده‌اند.



مرکور

میکاییل.

به‌عقیدهٔ مسلمانان ؛ یکی از چهار ملك مقرب درگاه الهی است .

وستا (هستیا) Vesta

خدای‌آتش وهستهٔ مرکزی‌خانواده به‌شمار میرفت ، وی وقاروشکوه وعفاف فراوان داشت . درمعبد اودر رم عده‌ای دوشیزه به‌نگهبانی دایمی آتش اشتغـال داشتند . مقام هستیا بلند و سرپرستی خانواده‌ها را به‌عهده داشت .

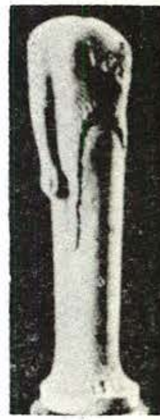
ونوس (آفرودیت) Venus



از فرشتگان عشق ، مظهر کامل تناسب اندام‌وزیبایی مظهرکامل زنانگی مجسمه‌ای‌که ازاین فرشته به‌دست آمد متعلق به چند قرن قبل‌ازمیلاد است و در مـوزهٔ لـوور محفوظ است .

وولکان (هفائیستوس) Vulcan

خدای آتش ، پسر زئوس و هرا و شوهر آفرودیت بود . این خدا زشت‌رو


هرا


وستا


ولکان


هلیوس

و بدقیافه بود و از هر دو پا می‌لنگید، مادرش وقتی اورا به‌دنیا آورد اززشتی‌اش ناراحت شد، اورا به‌دریا افکند، دختر دریااورا ازمرگ نجات داد. وی‌دایماً با کوره و آتش سروکار داشت، همچنین وی خدای‌آهن وبرنج‌ونقره نیزمیباشد.

دردست وولکان چکشی‌دیده‌میشود، کلاهی کارگری ومخروطی شکل برسرو جامه‌ای ساده که بازو و شانهٔ راستش از آن بیرون است برتن دارد. بر خلاف سایر خدایان، وی دارای ریش انبوهی است.

هاروت.

یکی ازفرشتگان سه‌گانه‌که خدا برای زندگی عادی به زمین فرستاد (به عزاریل‌رجوع‌کنید).

هرا (یونون) Hera

ملکهٔ آسمان، الههٔ زنان جهان و درعین حال الههٔ ازدواج و زناشویی و مادری نیز محسوب میشد، او سرپرستی بیوه‌زنان را نیزعهده‌دار بود. برپیشانی اوتاج زیبایی نهاده شده بود و بر تن جامه‌ای بلند داشت عصای جواهرنشانی که فاختهٔ‌کوچکی بربالهای آن بود در یك‌دست و دردست دیگر اناری داشت. برای هرا سه معبد بر پا کردند، یکی برای دوران دوشیزگی، دیگری برای دوران شوهرداری و سومی دورهٔ الهه بودنش، رومیان اورا یونون میگفتند.

هرکول Heraclès



مشهورترین قهرمانان یونان ومظهر قدرت و رومیها به‌آن هرکول میگویند و حال آنکه یونانیان‌اورا هراکلس‌می‌شناسند.

مهمترین کارهایش قهرمانیهای دوازده‌گانه اوست که‌عبارتند از:


۱ــ سربریدن شیرنمه (Némée)


۲ــ سربریدن مارهفت سر، (Hydre de Lerne)

۳ ــ مسخرکردن غزال سرینی (Cerynie)

۴ ــ غلبه بر گراز اریمانت (Erymanthe)

۵ ــ تار و مارکردن پرندگان آبگیر استیمفال (Stymphale)

۶ ــ پاك‌کردن اصطبلهای اوگیاس (Augias)

۷ ــ تسخیر گاووحشی مینوس (Minos)


۸ــ سربریدن اسب دیومه (Diomède)

۹ ــ به‌دست آوردن کمربند آمازون هیپولیت (Amazone Hyppolyte)

۱۰ ــ سربریدن گریون (Geryon)

۱۱ ــ چیدن سیب طلا ازباغ هسپرید (Hésperides)


۱۲ ــ سفر به‌دوزخ- (Cerbère)

هلن Héléne



زن زیبای منلاس پادشاه اسپارت، که موجب تمام کشتارهای سهمگین تروا شد. وی عشاق فراوان داشت اما نسبت به‌شوهرش وفاداربود، روزی پسرپادشاه تروا به‌دربار اسپارت رفت هلن‌عاشق او شد وباهم به تروا رفتند. منلاس‌به‌کمك پهلوانان وشاهزادگان یونان روانهٔ‌تروا شد ودر آنجا جنگی درگرفت‌که مدت دهسال ادامه یافت و پس از این مدت طولانی یونانیان باتوسل به‌حیله به تروا راه یافتند وشهررا آتش زدند. وهلن‌را به‌اسپارت بازگرداندند.

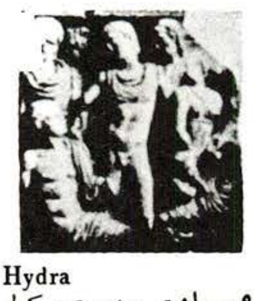
هلیوس Hélios

فرشته‌ای ازخدایان یونانی، مظهر خورشید ونور، فرزند هیپریون ویتا و برادر ائوس و سلن‌که عشقهای مختلف به‌اونسبت میدهند.

هیپریون Hyperion

پدرخدای خورشید (هلیوس).

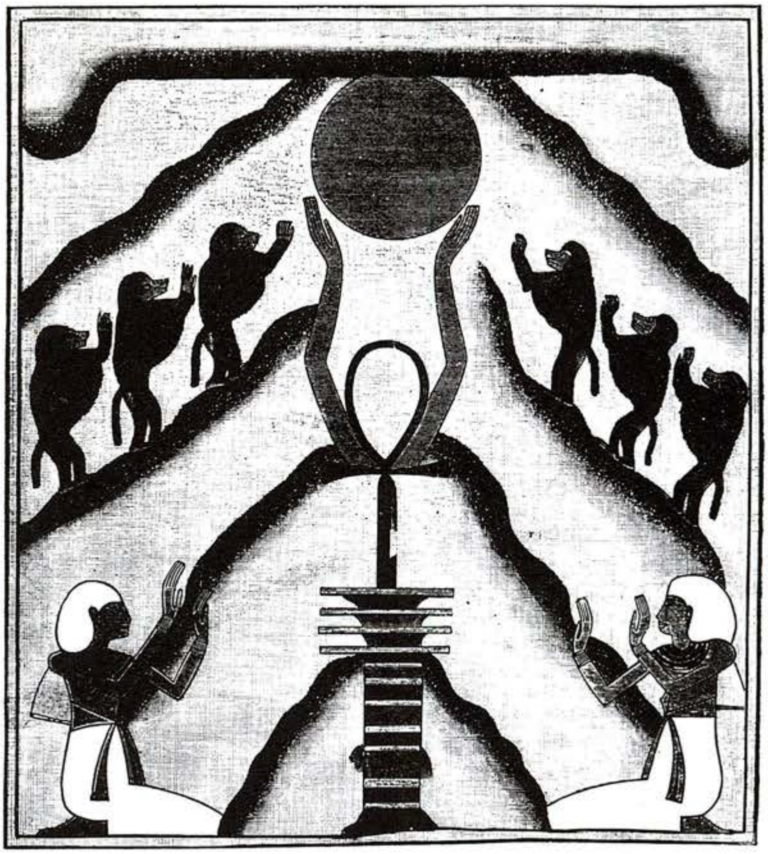
هیپولیت Hippolyte



پسر تزه پادشاه آتن، ملکه آمازونها، دافع تروا.

هیدرا Hydra

غولی‌که۹سرداشت وبه‌دست‌هرکول به‌قتل رسید.



فلسفهٔ دینی

دین در ایران

آیین ایرانیان قبل از ظهور زرتشت

قبل ازآوردن اوستا و تأسیس کیش مزدیسنا و قبل ازتشکیل سلطنت مادبین بومیان غیر آریایی ایران «آیین‌مغان» معمول بود و کلمهٔ مغ در اوستا در یك جا ذکر شده وآنرا به‌معنی خادم وچاکر استعمال‌کرده است و از اینجا معلوم می شودکه بعد از غلبه آریان های شمالی مهاجم؛ساکنین بومی‌را بفرمانبرداری و چاکری خودگماشته بودند .

مغان در فنون جادوگری وساحری مهارت داشته‌اند ایرانیان قبل از ظهور زرتشت یزدانی چون میترا و آناهیتارا می‌پرستیدند .

مهرپرستی .

مهر فرشتهٔ راستی و جنگجویی بر ضد ، نادرستی است . صفات فرشتهٔمهر: راستی، نیرو، بزرگی، برتری وپیروزی است . به عقیدهٔ ایرانیان مهریا میترا،



یکی از ایزدان است‌که با اهورمزدا یاری میکند و با اهریمن میجنگد ، و ایرانیان باستان ، مهررا نگهبان‌روشنی وتاریکی‌رااز‌همکاران‌اهریمن‌میدانستند.

مهرپرستی را یونانیان ازایرانیان به تمام دنیا رسانیدند و تا قبل از قرن چهارم میلادی در تمام آثارکشورپهناور یونان و روم آثار مهرپرستی‌دیده‌میشد.

اثر مهرپرستی درعیسویت‌کم نیست و بیش از همه در دین زرتشتی نمودار شده است . و پادشاهان ایران فتوحات خود را مدیون او میدانستند .

در طاق‌بستان، تصویر مهر(میترا) پشت سر اردشیر شاهد پیمان اواست .

فدیه ، رستاخیز ، پل‌صراط ، بهشت و برزخ و دوزخ و حساب در مذاهب مختلف از مهرپرستی ناشی شده است .

آیین مانی .

مانی تحت تأثیر فراوان فرقه‌های مبتدعه مسیحی به خصوص گنوستیك ها (Gnostics) بود او اعتقاد به ثنویت داشت و معتقد بود که روشنی (روح) و تاریکی(ماده) دو وجودجداگانه هستند. روح را با خوبی و ماده را بابدی یکی میدانست . بنابراین معتقد بودکه آنچه مادی و مربوط به ماده است بد و روح و آنچه مربوط به اوست خوب میباشد . این جهان کنونی ترکیبی است از ماده و روح . مثل انسان‌که هم شامل جسم (مادی) است و هم روح و روشنی‌که متعلق به‌جهان روشنی‌است . فرق اساسی ثنویت مانوی و زرتشتی در این است‌که در دین مانی‌تضادی میان‌روح (روشنی‌و خوبی) و ماده (تاریکی و بدی) وجود دارد در حالیکه در دین زرتشتی‌تضادی از نظر خوبی و بدی میان روح و ماده نیست و در این دین ماده برابر (بدی) به‌شمار نمیآید . داستان آفرینش به‌طور خلاصه دردین‌مانی چنین‌است : در آغاز نور از ظلمت جدا بود . جایگاه نوردر شمال‌بهشت‌بودوتاریکی‌دردوزخ‌ودرجنوب قرار داشت . اهریمن (تاریکی) به سر- حد روشنایی آمد و خواست به روشنایی حمله‌کند . (پدر عظمت) (یازروان) که پادشاه‌قلمرو نوربود برای‌حمایت جهان نور خدایان را متجلی ساخت (آفرید) این خدایان در سه مرحله‌آفریده شده- اند : خدایان آفرینش نخست عبارتند از : مادر نخستین زندگی و پسر او (نخستین مرد) ، (نخستین مرد) برای جدال با «نیروهای تاریکی» به سر حد نورو ظلمت‌میرود ولی‌شکست میخورد و بعضی‌ازاجزاء نوربه‌دست تاریکی‌میافتد، و این اجزاء را می بلعند «پدر عظمت» برای نجات «نخستین مرد» خدایان خلقت دوم را میآفریند . اینها عبارتند از «دوست روشناییها» «بنای بزرگ» و «روح زنده» . «روح زنده» «نخستین مرد» را نجات‌میدهد و نیروهای‌تاریکی

را در هم میشکنند . از بدن‌های دیوانی که‌کشته است ۸ زمین و از پوست آنها ۱۰ آسمان را میسازد . بعضی دیگر از دیوان را به‌زنجیر در آسمان می‌بندد . از نوری‌که دیوان بلعیده‌اند و آلوده نشده است خورشید و ماه را میسازد و از نوری که کمی آلوده‌شده است ستارگان را میسازد .جهانی که «روح‌زنده» ساخته در این مرحله بدون حرکت است «پدر عظمت» خدایان خلقت سوم رامیآفریند که به این جهان حرکت دهند . اینها عبارتند از : «پیامبر سوم » و « دوشیزهٔ نور» . این دو خداخود را به دیوانی که در آسمان بسته شده اند ، برهنه نشان میدهند . دیوان نرکه دوشیزهٔ نور را می‌بینند از خود منی تراوش میکنند و نطفهٔ آنها به زمین میافتد و در این نطفه نوری‌که بلعیده بودند وجود دارد. قسمتی ازاین نطفه‌ها به‌زمین فرود میآید و درختان وگیاهان را تشکیل میدهد . دیوان ماده که از دوزخ حامله بوده‌اند بدن برهنهٔ « پیامبرسوم » را می‌بینند و سقط جنین میکنند و بچه‌های سقط شده به‌زمین؛ تشکیل پنج‌نوع موجوداهریمنی میدهند «بنای‌بزرگ» «بهشت‌نوع» را میسازد که ذرات نور که به‌تدریج آزاد میشوند در آنجا جمع میگردند .

خلقت انسان : ماده‌که متوجه می‌شود ذرات نور با این تدبیر ازحیطهٔاو خارج میشوند دست به اقدامی میزند که از جدا شدن ذرات نور از تاریکی جلوگیری کند بدین معنی که دو دیورا وادار میکند که زادهٔ حیوانات دیگر را بلعیده و بدینطریق تمام نور رادر بدن خود نگاه دارند . سپس ایندو جفتگیری میکنند و آدم وحوا از آنان به وجود میآیند ، شکل آدمی همان شکل دو خدایی است که دیوان آنهارا برهنه بر آسمان دیده اند ، بنابراین آدمی مخلوطی‌است از نور (روح‌آدمی؛ و ظلمت (جسم آدمی) و صفات نفسانی؛ مانند آز وحرص و غیره ، برای جدایی ذرات نورکه دربدن انسان محبوس‌شده‌اند مانی‌توصیه‌میکندکه بایدپرهیزگاری پیش‌گرفت وکوشش‌کردکه به‌عمر این جهان‌مادی‌که ذرات‌نور در آن محبوسند پایان داد . تا حد امکان‌باید از خوردن گوشت پرهیزکرد و زن نگرفت . باید به‌کمترین حدبه‌مال‌دنیا توجه‌کرد.

پایان جهان : مانی معتقد بود که در پایان جهان هنگامی‌که تمام اجزاء نور ازظلمت جدا میشوند ، خدایانی‌که آسمانها و زمینها را نگاه میدارندآنها را رها خواهندکرد و آتش بزرگی در خواهدگرفت و آخرین ذرات نور به «بهشت‌نو» خواهند رفت . مانویان به‌دو دستهٔ «برگزیدگان» و «نیوشاگان» (یا شنوندگان) تقسیم میشوند . این‌تقسیم‌بندی بر مبنای پرهیزگاری و ترك دنیا بوده است . برگزیدگان دارای وظیفهٔ دینی‌سخت‌تری‌بوده‌اند. برای‌برگزیدگان روزی هفت‌نوبت عبادت‌وبرای نیوشاگان چهار نوبت عبادت واجب بوده است . دعاها بایستی درروز به‌طرف خورشید و درشب به‌طرف ماه خوانده میشد . از کتابهای مانی‌شاپورگان‌که آنرابه‌فارسی برای شاپور پادشاه ساسانی نوشته بود، و اردهنگ معروفند . قسمتهایی ازکتاب شاپورگان به‌فارسی میانه دردست‌است .

آلبی ژانسها Albigenses

فرقه‌ای دینی ، پیرو ثنویت مانی و به ظاهر بدعت‌گذاران در دین مسیح که

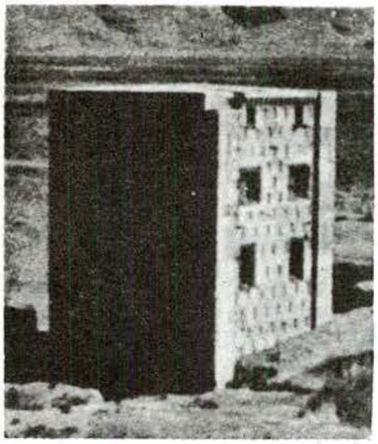


ظهور آنها درقرن یازده‌میلادی و شهرت و توسعهٔ آنها در قرن دوازده و سیزده میلادی بوده است. پیروان این‌عقیده ، مردمی زحمت‌کش ودانا بودند و مبلغین توانای آنها ، بزرگان‌کشور را جلب میکردند و کار بجایی رسیدکه به‌فرمان پاپ جهادآغازشد↑و کاتولیك‌ها، جماعت این‌فرقه را متلاشی‌کردند .

پیروان‌این‌عقیده میگویند، داستان زندگی عیسی(ع) خیالی وساختگی بوده و حقیقت؛ گفتار مانی‌است، که‌جهان‌را از خیر و شر میداند .

زرتشتی .

دین منسوب به زردشت و مبتنی بر اصول ثنویت‌که زمانی دین رسمی ایران باستان بود . این دین ابتدا از شمال شرقی ایران شروع شد و سپس به جانب جنوب و مغرب‌گسترش یافت ، واززمان اردشیر اول‌تا فتح‌ایران به دست‌اسکندر



کعبه زرتشت

دین رسمی‌شاهان هخامنشی بود، درزمان اشکانیان توجهی به دین زردشتی نشداما اواخرآن عهد این دین رونق یافت. در زمان قباد ساسانی مزدك طلوع‌کرد ولی خسرو انوشیروان پسر قباد مزدکیه را بر انداخت و اوستا را جمع آوری‌کرد پس از آن سلسلهٔ ساسانی رو به افول گذاشت‌تادر ۶۴۱ به‌دست مسلمانان‌برافتاد. در آنوقت مردم‌به اسلام‌گرویدندوجمعی نیز در آیین‌زرتشتی‌باقی‌ماندند. گروهی از زرتشتیان نیز به‌هند مهاجرت‌کردند امروزه این‌آیین در پاره‌ای نقاط مانند یزد وکرمان برجای مانده است .



کتاب مقدس زرتشت اوستا است ، در نظر زرتشتیان نیکی‌از بدی جداست و ممکن نیست‌یکی از دیگری پدیدآید و انسان‌که باید در این جهان با هر چه شر و اهریمنی است پیکارکند ، حربه‌اش راستی است دراین‌آیین اهورمزداخدای بزرگ است ، هفت امشاسپند وگروه بسیاری از ایزدان مجری ارادهٔاوهستند اهریمن روان خبیث و اهل شر است **وکماریکان**وگروهی‌ازدیوان‌یاراهریمنند سه‌رکن مهم‌دین زرتشت منش‌نیك، کردار نیك، وگفتارنیك است . اعتقاد به‌جهان دیگر و صراط و میزان وداوری‌وبهشت و دوزخ دراین‌آیین آشکار است.پیروزی از آن راستی ، و انسان باید درراه‌این پیروزی بکوشد .

خرم‌دینان

فرقه‌یی انقلابی از پیروان مزدك بودکه در اصفهان و ری و آذربایجان هواداران بسیار داشت و رئیس آن در آذربایجان **جاودان بن‌سهل** بودکه آغاز قیام‌ویرادر سال **۱۹۲** درحوالی اردبیل نوشته‌اند . پس‌از جاودان ریاست خرم‌دینان به **بابك** رسید و او برآذربایجان و قسمتی از ارمنستان و اران دست‌یافت و بیست‌سال باسپاه خلیفهٔ عباسی جنگید تا عاقبت از **افشین** سردار ایرانی‌فریب خورد وگرفتارشده ودربغداد به‌قتل‌رسید خرم‌دینان‌که به سبب عمامه‌های سرخ به **محمره** معروف شدند مانند مزدکیان پیرو اصول‌اشتراکی‌وتقسیم ثروت‌وحذف طبقات بودند به نور و ظلمت ومظهریت این دو عقیده داشتند و عبادات اسلامی را بیهوده میدانستند وازآزارزیردستان و همسایگان پرهیزمیکردندورؤسایشان نوعی عقیده حلولی را تبلیغ مینمودند .

به آفریدیه .

منسوب‌به **به‌آفرید**،ایرانی‌خراسانی، که در زمان ابومسلم خراسانی آیینی جدید آورد و مبنای آن همان دیانت زردشتی بود . او دستور داد پیروانش خورشید را پرستش کنند و هنگام نماز به هر سمتی‌که‌خورشید باشد متوجه‌شوند ثروتشان نمیبایست از چهار صد درهم تجاوزکند و مکلف بودند که در آبادی راهها و ساختن پل هاکوشش‌کنند و یك هفتم دارایی خود را در این راه صرف نمایند . مؤبدان زرتشتی با به آفرید مخالف‌بودند ، شکایت‌نزد ابومسلم بردند وگفتند وی نه مسلمان است نه‌زردشتی و موجب‌اخلال‌هردوآیین‌است، سرانجام‌وی را به امر ابومسلم درکوههای بادغیس بگرفتند وکشتند .

اسلام

یکی ازچهار دیانت بزرگ عالم و دین رسمی ایران است‌که‌ازطرف‌حضرت محمدبن عبدالله یازده سال قبل ازهجرت درمکه اعلام شد وپیروان آن امروز در ممالك عربستان ، یمن ، عراق ، مصر ، سوریه، اردن ، لبنان ، الجزایر،تونس، مراکش،سودان،ترکیه،ایران،افغانستان، پاکستان واندونزی اکثریت را تشکیل میدهند ودرجنوب شرقی آسیا و ممالك آفریقایی وجنوب شوروی و شبه‌جزیرهٔ بالکان نیز فراوانند و بر۴۵۰ ملیون نفر بالغ می‌شوند .

مسلمانان به‌فرق‌بسیارمنشعب‌شده‌اند که از آنجمله دو مذهب تشیع وتسنن پیروان‌بیشتری دارند. البته‌پیروان‌تشیع وتسنن نیزدرداخل‌خودبازبه‌فرقدیگری تجزیه گردیده‌اند . همهٔ مسلمانان در چند مطلب متفقد از آنجمله :

۱ ــ یگانگی خداوند .
۲ ــ پیغمبری حضرت محمد(ص).
۳ــ نمازگزاردن بسوی مکه.
۴ ــ قبول قرآن (فرق مختلفی در نزول قرآن پیدا شده) .

امامیه .

فرقه‌یی‌ازاسلام که‌پیروان‌آن‌میگویند پیغمبر اسلام علی را وصی وجانشین خود قرارداد . امامیه به‌فرق بسیار (بیش از ۳۰) منشعب شدند ولی آنچه امروز پیروانی‌داردومعروف‌میباشدسه‌فرقه‌است :

۱ ــ زیدیه .
۲ ــ اسمعیلیه .
۳ ــ اثنی‌عشریه .

زیدیه .

منسوب‌به **زید**بن‌علی‌بن‌حسین‌بن‌علی علیه‌السلام است . زید درسال **۱۲۱** در کوفه‌قیام ومردم را به‌خلافت خویش‌فراخواند وجمعی‌بسیار ازآنجمله **ابوحنیفه** باوی بیعت کردند ولی عاقبت این قیام شکست خورد واو در همانسال شهید شد ولی مدتی بعد فرزندان‌وی‌که دراکناف عالم اسلام پراکنده بودند حکومتهایی پدیدآوردندکه ازآنجمله دولت علویان طبرستان وادارس‌مراکش وزیدیه‌یمن‌که امروزهم‌امام‌آن‌باجمهوریخواهان میجنگد. زیدیه‌می‌گویند.لازمه‌امامت‌شش‌خصلت‌است:

۱ــ علم . ۲ــ زهد . ۳ــ شجاعت . ۴ــ سخاوت. ۵ــ دعوی امامت . ۶ــ از اولاد فاطمه (ع) بودن .

اثنی عشریه .

یادوازده امامی ، مذهب طایفه‌ای از شیعهٔ امامیه که معتقد به دوازده امام هستند . این طایفه منتظر ظهور امام دوازدهم هستندکه پس از یك دورهٔ ۶۹ ساله غیبت صغری در مرحلهٔ غیبت کبری به‌سرمیبرد . طایفه اثنی‌عشری در اصول وفروع ، همه‌مذهب جعفری دارند و این مذهب هم اکنون مذهب رسمی ایران است .

اسمعیلیه .

امام جعفرصادق‌ابتدا پسرش‌اسمعیل رابه‌جانشینی خود انتخاب ولی‌چون‌دراو شایستگی امامت را ندید پسر دیگرش موسی را ولیعهدکرد . اسمعیل در سال **۱۴۳** درگذشت . واز اینجا اختلافی‌در میان پیروانش پدید آمد .

۱ــ جمعی انتصاب جدید را قبول کردندکه به مؤید معروفند .

۲ــ جمعی دیگر گفتند: امامت‌بعد از امام حسین از برادر به‌برادر منتقل نمیشود از اینرو محمد پسر اسمعیل را جانشین امام دانستند .

والبته اختلافات دیگری نیز پیش آمد که چون اینك منتفی شده قابل ذکر نیست .

اسمعیلیه‌نیز به‌فرق‌مختلف تقسیم‌شده که‌ازآنمیان‌فاطمیان‌مصروقرامطه بحرین واسمعیلیه ایران است .

مذهب اسمعیلیه درمصر یك مسلك اجتماعی مطابق مرسوم زمان بود که بیشتر برروی مسئله امامت و جانشینی تکیه داشت. برعکس قرامطه‌که درابتدا خود را به‌اسمعیلیه بسته بودند به‌تدریج به‌یك قدرت ضد مذهبی شبیه انقلابیون سوسیالیست قرن نوزدهم اروپا تبدیل شدند.واسمعیلیه‌ایران به‌یاری‌فلسفه‌به‌ایجاد دین نوی پرداختندکه‌انعکاس‌آن تازمان حاضر ازمیان‌نرفته است .

اسمعیلیه‌که به‌نامهای‌سبعیه،ملاحده، قرامطه، باطنیه،تعلیمیه، حشاشین،صباحیه وعناوین دیگر معروف شده‌اند معتقد بودندهرچیز را به‌یاری ضدآن ودرمقام قیاس باآن‌میتوان شناخت‌وهرمتعلمی‌را معلمی وهرصاحب علمی‌را امامی لازم‌که اومظهر خداونداست ونیز به‌معادجسمانی معتقد نبودند ومیگفتند هرپیغمبری از نتیجه مکملی ناچار بوده چون موسی و هارون‌وعیسی‌وبه‌این‌طریق‌محمدوعلی‌ونیز میگفتندکلمات قرآن را معانی دیگردر باطن است‌که فهم‌آن از عهده هرکس بر نمیآید مگرآنکه اورا معلمی باشد وهر اسمعیلی‌که به‌این دین میگروید مراتب مختلفی رامی‌پیمود .

اسمعیلیه ایران.

تاریخ پیدایش اسمعیلیه در ایران دقیقاً معلوم نیست ، ولی ماکسانی راکه به‌اسمعیلی‌بودن معروفند ابتدا درغرب و

جنوب ایران (مانند قرامطه که به دروغ دعوی‌اسمعیلیه داشتند) ودرشرق وشمال ایران (مانند ابـوعلی سیمجور و نصر سامانی)درقرن چهارم می‌بینیم ، ناصر- خسروابن‌عطاش داعیان‌معروف اسمعیلی درقرن پنجم راه را برای پیروزی **حسن صباح** هموار کردند . حسن صباح درسال ۴۸۳ بادست‌یافتن‌برقلعه الموت ومرتبط ساختن‌همهٔ قلاع‌اسمعیلی ایران‌بایکدیگر وبه‌دست‌گرفتن رهبری‌اسمعیلیان‌سلسله‌یی ازافراد اسمعیلی‌را تأسیس‌کردکه ۱۷۵ سال برجمع کثیری از مردم با ایمان و پاکباز روحاً حکومت کردند . و غالباً برسرنوشت حکومتها اثرگذاشتند . این نهضت‌که درابتدا به‌یاری و برای ارضاء اغراض خلفای فاطمی مصرپدیدآمده‌بود خودرا ازسلطهٔ ریاست‌آنان رهانید و در اندک‌مدتی‌اکثراسمعیلیان را تحت‌فرمان خویش درآورد .

پس‌ازسقوط‌قلاع‌اسمعیلیه(۶۵۴ه‌ق) پیروان این‌فرقه روبه‌نقصان نهادند ولی یکباره ازمیان نرفتند. درزمان محمد- شاه قاجاررئیس ورهبراین فرقه آقاخان بود که اعتبار نفوذ زیـادی داشت وی متأسفانه بازیچهٔ سیاست انگلیس شد و به‌هم پشتی آندولت قیام‌کرد وقلعه بم را متصرف شد(۱۲۵۳ه ق) ولی مقاومتش درهم شکست وپس‌ازآن مورد عفو قرار گرفت . درسال بعد باردیگرعلم طغیان برافراشت(۱۲۵۵ه ق)وپس‌ازیکسال‌شکست خورد وبه‌قندهار واز آنجا به‌هندوستان گـریخت واز حمـایت دولت انگلیس برخوردار شد . آخرین رهبر اسمعیلیه پرنس صدرالدین نوهٔ‌کریم‌آقاخان است که درحدود ۲۵سال دارد وغالب‌اوقات خودرادراروپاوآمریکابه‌سرمیبرد. تعداد پیروان اسمعیلیه درایران هرروز کاهش میبابد ومرکزتجمع عمدهٔ ایشان‌شهرهای جنوب شرقی ایران وتهران است.

حروفیه.

یکی ازفرق اسمعیلیه‌کـه در قرن هشتم‌هجری به‌دست **فضل‌الله‌استرآبادی**- بن‌ابومحمدتبریزی پدیدآمد او به‌فرمان امیرتیموروبا دست پسرش میرانشاه در تبریز سر بریده شد و تیمورکشته‌اش را طلب‌کرده سوزانید (۷۰۴ه‌ق) .حروفیه جهان‌را قدیم‌وخلقت را مکررمیدانستند و برای حروف الفباء خواص الهی قائل بودند وآنها را هفت به هفت به عناصر اربعه تقسیم میکردند و با منازل قمر و کواکب سبعه تطبیق مینمودند . ائمهٔ یازده‌گانه شیعه بر حق بودند و فضل‌الله امام آخرین ومظهراله‌بود . خدا ممکن است درآدمی متجلی شود زیرا اورا به صورت خودش آفریده است این فرقه به‌زودی رواج ورونقی بسیار یافت‌ویکی ازپیروان‌آن‌شاهرخ راکارد زد. شاه‌عباس کبیربابیرحمی بسیار به‌قلع وقمع‌حروفیه پرداخت وآنان درهندوستان وعثمانی و عراق متواری شدند. **حزین**معاصرنادر- شاه از حـروفیه در جنوب ایران خبر میدهد .

بکتاشیه.

پیروان **بکتاش‌ولی**که درسال ۸۶۰ از خـراسان به قونیه رفته، فرقه‌ای از حروفیه‌اند کـه صاحب بستان السیاحه آنانرا ازشیعیان عالی دانسته وگوید ، لباس وتاج سفید مخصوص آنهاست اما مستلزم صلوة و سایر عبادات نباشند لیالی جمعه را محترم دارند و مراسم تعزیه وروز عاشورا را به‌عمل‌آورند .

تسنن.

یکی ازفرق مهم دین اسلام است و پیروان‌آن به‌اهل سنت و جماعت و عامه معروفند زیرا دراجرای احکام شرع به سه چیز معتقدند :

۱- قرآن. ۲- سنت. ۳-اجماع‌امت.

وگویندانتخاب امام به‌اجتهاد است ونه‌به نص وتعیین . امام باید ازقریش‌و عادل و عـالم و صاحب سیاست باشد ، مرتکب‌گناه‌کبیره نشودودرارتکاب صغیره اصرار نورزد . ایمان در سنت تصدیق خدا ورسول است دردل ، وایمان جز به کفر زایل نمیشود . قتل مسلمان فقط در مورد ارتداد ، قصاص و زناء محصنه جایز است . صفات خداوند ازلیست و غیر از خدا هرچه هست حادث و مخلوق اوست . خدا جسم نیست ومکان ندارد و محدود نیست . معاد و حشر و بهشت و دوزخ محقق است . مؤمن گناهکار برای ابد در دوزخ نمیماند ولی‌کافر را عذاب دوزخ جاودانی خواهد بود . خلفای راشدین بـرحـق و واجب التعظیمند . معاویه وطلحه و زبیرخاطی‌اند ولی کافر نیستند . در حکمیت علی برحق بود و حکمین درخلع اوناحق .

اهل سنت وجماعت به فرق مختلف تقسیم شده‌اندکه معروفترین‌آنها فرق : شافعی – حنفی – مالکی ، حنبلی میباشد .

شافعی.

پیروان**ابوعبدالله** (محمدبن‌ادریس عباس‌بن‌عثمان‌شافعی هاشمی‌قرشی‌مطلبی). عقاید پیروان این‌فرقه به‌شرح زیرخلاصه میشود : اصل درفتوی ، کتاب و سنت و اجماع وآثار وقیاس‌برآنها است‌وقیاس هم‌جزباعلم به‌کتاب‌الله واطلاع ازاقاویل وسنن‌گذشتگان واجتماع مردم واختلاف آنان میسر نیست .

کتابهای معتبر این فرقه متعلق به پیشوایشان ابوعبدالله (۱۵۰-۲۰۴ه‌ق) است‌که عبارتند از: «الام» و«المسند» و «احکام القرآن» و«السنن» و«الرساله»و «اختلاف الحدیث» است .

حنفی .

یکی از مذاهب چهارگانـهٔ تسنن است ، مذهب **ابوحنیفه** بوسیلهٔ‌دوتن از اصحاب او بین غالب اقوام و بلاد مثل خراسان وماوراءالنهر، سند وهند رواج بسیار یافت. درباب مشاهیرعلمای حنفیه کتابهای متعددی تألیف شده است ، از کتب مشهور حنفیه درفقه میتوان «جامع صغیر شیبانی» و «فرائض سجاوندی» را نام برد . ازمختصات مذهب حنفیه اتکاء آن برقیاس است ،

مالکی .

یکی از فرق تسنن ، پیروان **مالک ابن‌انس** (۹۴-۱۹۹م) کتاب او اساس عقاید این فرقه است ، و اساس تعلیمات آنها براحادیث واخبار متکی است .

حنبلی .

پیروان دین حنبلی یکی از چهار مذهب مشهور اهل سنت است . مذهب احمدبن حنبل به‌وسیله ابویعقوب اسحاق الکوسج و بعدها به‌وسیلهٔ ابوبکر خلال تدوین و مرتب گشت . مذهب حنبلی تا حدی ظاهری و قشری مانده و به سبب اعتقادبه‌ضرورت‌اجتناب ازهرگونه‌بدعت، درتکریم معاویه ویزید مبالغه‌کرده‌است.

مذهب حنبلی در اغلب بلاد اسلام منتشرشده ولی در فلسطین و شام رواجی مخصوص داشته است .

معتزله .

در وجه‌تسمیه ایشان‌گفتگوی‌بسیار کرده‌اند ولی مسلم‌آنکه اینان درآغاز اهل عزلت وگوشه‌گیری وعبادت بودندو ازاولین‌معتزله**واصل‌بن‌عطاء وعمروبن**-

عبید را نام برده‌اند . معتزله مخالف استقلال صفات الهی بودند بلکه آنها را جزء ذات او میدانستند و نیز عقیده‌داشتند قرآن‌حادث ومخلوق‌است . بیشترشهرت این طریقه اززمان مأمون آغاز شد و او وچندتن ازجانشینانش به‌معتزله گرویدند واهل سنت راکه میگفتند قرآن ازلی و صادر است‌آزارها کردند واحمدبن‌حنبل را تازیانه زدند و به زندان افکندند و جمعی راکشتند .

جبائیه .

فرقه‌ایست ازمعتزله ومنسوبست به **ابوعلی‌محمدبن‌عبدالوهاب**ا زمردم‌جباء بصره (۲۳۵ـ۳۰۳ هق) که معتقد بود به‌اصالت عقل و آزادی اراده و پسرش **ابوهاشم** (متوفی به‌سال ۳۲۱) عقایدپدر را توضیح کرده است .

حابطیه .

فرقه‌ای از معتزله پیروان **احمدبن حابط** که از اصحاب نظام بود . آنان گویند جهان را دوآفریننده است، یکی قدیم، وآن خدای حقیقی است،ودیگری محدث وآن عیسی است که در روز جزا محاسبهٔ اعمال بندگان بااوست.

خیاطیه

از فرق معتزله است منسوب به‌ـ **عبدالرحیم بن محمدبن‌عثمان‌خیاط** (در نام‌او‌اختلاف‌است) متوفی به‌سال ۳۰۰هق است‌که میگفت: شییء چیزیست‌که توان دانست خبر توان‌داد وعدم چیزی دلیل نفی‌آنست زیراآتش اگرهم نباشد آتش است وسیاهی در صورت عدم باز سیاهی است وجوهردرعدم، جوهراست وعرض‌در عدم عرض فقط هر چیزکه معدوم باشد فاقد صنعت وجود وحدوث وصفات لازمهٔ آنست . (شاید چنین تعبیر بتوان کرد که فی‌المثل اگر در خانهٔ ما آتش نیست نمی‌توان ذات آتش را نفی کرد و انکار نمود .) عبدالله‌بن‌احمد کعبی بلخی از شاگردان او و مؤلف‌کتاب مقالات است که همهٔ محققین ملل ونحل‌ازآن استفاده کرده‌اند (متوفی ۳۱۹هق).

معمریه

ازفرق معتزله و منسوب به**معمربن عباد سلمی** (متوفی ۲۱۵هق) که‌گوید : خداوندا‌جسام راآفریده واعراض‌مخلوق نیستندبلکه ازاجسام ظاهرمیشوند مانند طعم شورکه درطبع نمك وحرارت‌که در آفتابست،عرض را نهایت نیست. حرکت وسکون را باذرات مخالفتی نیست بلکه تفاوت آن‌دوفقط در معنی است . افعال آدمی‌معطوف‌به‌اراده است ولاغیر.حقیقت آدمی جوهریست غیر از جسد که عالم و قادروحکیم‌وکامل ونامتناهی وغیرمتمکن است (شاید بتوان این عقیده را مأخذ اشراق وعرفان ایرانی دانست) خداوند قدیم نیست‌زیرا قدیم رااقدم باشد واین ممکن نیست .

نظامیه .

فرقه‌ایست ازمعتزله منتسب بهـ **ابوالاسحق‌ابراهیم‌بن‌سیار بن‌هانی‌نظام** (متوفی ۲۳۱) که‌علم‌ازابوالهذیل‌آموخت وحافظ ازشاگردان اوست . مردی بوده آگاه‌به‌فلسفه یونان‌کنجکاو خالی‌ازتعصب چندانکه او را به سست اعتقادی متهم کرده‌اند. واین حد اعتلاء فیلسوف‌است.

نظامیه‌گویند ، خدا قادر به شر و ظلم و قبح نیست و او چیزی را ذخیره نکرده چون اگرذخیره‌کند خلقت‌کامل نخواهد بود واورا قدرت آن نیست‌که عذاب اهل دوزخ یانعمت اهل بهشت را زیادت‌کند زیراقبلا بنده را به‌عمل‌فعلی یا ترك فعلی مجبور کرده است . اراده خداوند ازلیست ولی متواتر نیست افعال مردم حرکت است وحرکت از نیست و عدم صادر و علم و ادراك حرکت نفس است. انسان نفس است وروح وبدن‌آلت نفس است . درنفی جزء لایتجزی معتقد بطفره‌است یعنی میگوید جسم یاموجودی برای‌پیمودن مسافتی‌ناچاربه‌پیمودن تمام اجزاء آن نیست بلکه قسمتی را بمشی (رفتار) وقسمتی را بطفره (جهش) طی میکند . عرض ازجوهر جسم جدا نیست یعنی‌بوی‌گل‌نیز از(نوع‌یاجسم) خودگل وطعم نمك ازنمك و.... است .

جهان خلق‌الساعه‌است وتقدم‌وتأخر فقط مربوط به ظهور وکمون میباشد . اعجاز قرآن‌درفصاحت وبلاغت‌آن‌نیست بلکه درخبردادن ازگذشته‌وآینده است. درشرع‌فقط قول امام حجت است. امامت فقط به‌نص وتعیین‌صحیح می‌باشدیعنی‌امام بایدقبلاتعیین شده وصریحاً اعلام‌گردیده باشد .

عقایدنظامیه رابعداًدرآثاراسمعیلی به‌صراحت می‌بینیم وتأثیر آن درآن در آثار آیندگان‌کاملا مشهود بوده .

صفائیه .

فرقه‌یی را گویندکه معتقد به‌وجود صفات‌درخداوندباشند مانند علم، قدرت، سمع ، بصر ، اراده ،کلام و امثالهم و اینان مخالفان معتزله‌اند صفاییه به فرق مختلف تقسیم شده‌اندکه معروفترین‌آنها اشاعره . مشبهه .کرامیه ، میباشند .

اشعریه (اشاعره) .

بزرگترین فرقه‌صفاییه است‌که‌به‌نام مؤسس آن **ابی‌الحسن علی‌بن اسمعیل‌ـ اشعری**(۲۶۰ـ۳۲۴هق) ازمتکلمان‌بزرگ و صاحب کتاب مقالات اسلامیین که بر معتزله قیام کرد . اشعری معتقد است ، قدرت بزرگان حادث و حادث را بـر احداث‌توانایی نیست و ازبنده‌فقط فعلی به ظهور آیدکه مکتسب‌از قدرت حادثه است . هر موجودیکه صحیح باشد قابل رؤیت است وچون‌خداصحیح است رؤیت او ممکن‌خـواهد بود ولی نه به‌جهت و مکانی وصورت ومقابله بلکه براثرتأثیر درمـدرك. ایمان مسلمانی را کـفایت می‌کند وقول‌وعمل فروع مسلمانی‌باشند هیچ‌مؤمن‌درجهنم ابدی نیست وسرانجام گناهش بخشوده شود .

معرفت خدا به‌عقل حاصل شود وبه سمع‌واجب‌و واجبات‌عقلی‌نیست‌سمعی‌است. خداوند درفرستادن نیکوکاران به‌بهشت بدکاران بـه جهنم‌ودرقبول توبه مجبور نیست ونسبت ظلم بـه‌او نمی‌توان داد . امامت‌به‌اتفاق واختیارات‌است‌نه‌بنص‌ویقین تأثیر اشعری درفقها و علماء اهل سنت وسیع ودرعین‌حال پایدار بوده‌است .

کرامیه(مجسمه) .

فرقه‌ئی منشعب‌ازصفاییه‌اند منتسب به ابوعبدالله محمدبن **کرام** سیستانـی (متوفی ۲۵۵ه ق) که‌گوید:خداوندرااعضاء وجوارح‌است وبرعرش مقیم‌است و باشد که فرود آید ویاحرکت کند .

مشبهه .

فرقه‌ایست ازصفاییه‌که برای‌خداوند جوارح واعضاء قائلند وگویند ،

خدارا دراین‌عالم می‌توان دیدوبا اومعانقه ومصافحه کرد . پیغمبران‌صوت خدارا شنیده‌اندکه مـانند صدای کشش زنجیری‌بوده. قرآن قـدیم وازلیست و کلام‌خداست وبعضی‌افراط‌کـرده‌اند در تشبیه خدابه‌انسان‌تابه‌حدی‌که به‌اونسبت گریستن وغیرآن داده‌اند . خداوندگاه ممکن است‌به‌صورت موجودی بـرآدمی ظاهرشود .

جبریه.

فرقه‌ای گویند که معتقدند صدور فعل ازخداوندان وبنده‌را درآن‌اختیار نیست . جبریه به فرق گوناگون تقسیم شده‌اند که از آن جمله‌اند:

جهمیه.

نجاریه .

ضراریه .

که‌هرکدام‌جداگانه معرفی شده‌اند. درمقام توضیح بایدگفت‌که احتمالا هیچ مسلکی‌به‌اندازهٔ مسلك جبریه درادبیات وروحیات‌متفکران ایران به‌خصوص‌بعداز مغول تأثیر نکرده است .

جهمیه .

فرقه‌ایست ازجبریه منتسب به‌جهم- ابن‌صفوان‌ترمذی‌که درسال ۱۲۸هق در خراسان کشته‌شد. وی‌گویدخداوندرا به صفات بندگان موصوف نمی‌توان کرد . زیرا این تشبیه است .

انسان‌را ازخود درظهور افعال اختیاری‌نیست واعمال‌ظاهری او جزء ذات اوست مانند میوه دادن درخت و سوزاندن آتش . بهشت دوزخ‌جاودانی نیستند وپس‌از ورودآدمیان بدانها همه نابود می‌شوند وچیزی جزخدا باقی نمی‌ماند. اگرعارفی انکار خداوندکند کافرنمی‌شودزیرا انکار، معرفت‌اورازایل نمی‌کند . ایمان به خدا را درجاتی نیست وتفاوتی‌میان‌ایمان‌بندگان واولیاء نمی‌باشد .

ضراریه.

پیروان ضراربن عمررا گویند که‌از جبریه بود وگفته‌است: اینکه‌گوییم خدا قادر است یعنی عاجز وجاهل نیست و خداوندرا ماهیتی‌است‌خاص، بندگان را حواس،ششمی‌است‌دربهشت که به‌کمك آن‌قادر بدیدن خداوند باشند. «ضراریه‌اخبار‌را ردکنند ودر مسائل شرع معتقد به‌اجماع باشند وامامت غیرقرشی را جایز دانند حتی‌اگر نبطی باشد وحال آنکه معتزله امامت نبطی راجایز ندانسته‌اند».

نجاریه .

ازفرق جبریه ومنتسب است به حسین‌بن‌محمدبن‌نجار (که‌مردی‌پیشه‌ور) بود اورا مصری وکرمانی نوشته‌اند (متوفی به‌سال۲۳۰ه ق) که‌عقیده‌داشت‌وی عقایدجبریه‌را تعدیل کردو گفت خداوند خالق افعال است‌ازنیك وبدونفع وخیر وبندگان مکتسبند ودرکسب‌افعال‌مجبور نیستند ونیز کوشید تاعقاید معتزله رابا اهل‌سنت تلفیق کند .

خوارج.

درسال ۳۷ هجری وقتی میان سپاه حضرت علی ومعاویه در صفین جنگ در گرفت وعدهٔ بسیاری ازهر دوطرف کشته شدند عاقبت‌کاربه‌حکمیت انجامید وچون درحکمیت نمایندهٔ حضرت علی، فریب خورد جمعی ازشیعیان‌آنرا قبول‌نکردند وجمعی‌دیگرازسپاه وی‌خارج‌شده‌وگفتند انتخاب خلیفه باید توسط همهٔ مسلمانان باشد وآنان حق دارند هرکه را از هر ملتی‌که مایل باشند خلیفهٔ‌خود سازند . این نهضت که‌هرگزسازمانی منظم واصول وعقایدی مدون نداشته‌درقرون بعد قوت یافت وپیروانش فتنه‌ها انگیختندوخونها ریختند . خوارج به‌فرق بسیار منقسم که ازآنمیان :

۱ـ ازارقه .
۲ـ اباضیه .
۳ـ صفریه .
۴ـ بیهسیه.
۵ـ بخدات .

معروفترند . اول بار ما خوارج را درسال۴۰هجری‌می‌بینیم که‌مصمم به‌قتل‌علی ومعاویه‌وعمروعاص شده‌اند .

ازارقه .

فرقه‌یی ازفرق خوارج ومنسوب به ابی‌راشد نافع‌بن‌ازرق‌که درزمان‌یزیدبن معاویه ظهورکردوپیروان بسیار دراهواز وکرمان وفارس براوجمع شدند، نافع‌در سال۶۵ هجری بقتل‌رسیدولی‌هوادارانش مدتها بامخالفان به‌جنگهای‌خونینی دست زدند. ازارقه معتقدبودند هرکس‌مرتکب گناه‌کبیره‌یی شود کافر است . تقیه جایز نیست ونیزمقالات‌درمدح عبدالرحمن‌بن ملجم وذم حضرت علی‌پرداختند .

اباضیه .

ازفرق خوارج‌ومنسوب به‌عبدالله‌بن اباض که درزمان‌خلافت‌مروان‌بن‌محمد- اموی ظهور ومعتقد بود : افعال بندگان مخلوق‌خداوند ومرتکب گناه‌کبیره کافر نعمت است‌نه‌کافرامت‌وامرالهی‌عام‌ومؤمن وکافر، به‌آن مأمور.

خلقت‌خوددلیل‌توحید الهی‌وپیغمبر رامعجزه‌واجب نیست‌ونبوت‌بدان‌مشروط نمیباشد . پیروان این فرقه هنوز در افریقای شرقی وجود دارند .

صفریه .

فرقه‌یی ازخوارج‌منسوب به‌زیادبن اصفرکه گویند: تقیه درقول جایز است نه فعل . اطفال مشرکان رانباید کشت ، مرتکب‌گناهی‌که حد شرعی‌دارد؛ چون، قتل وزنا وسرقت کافرنیست، ولی‌تارك- الصلوة وعامل هرگناه‌دیگرکه‌حد شرعی نداردکافر است .

بیهسیه .

یکی از فرق خوارج ومنسوب به ابی‌بیهس هیصم‌بن جابردر زمان‌ولیدبن یزید خلیفهٔ‌اموی به‌فرمان وی‌گرفتار و توسط حاکم مدینه دست‌وپایش‌را بریدند وخودش را درآتش سوزانیدند . بیهسیه گویند خریدوفروش‌امت روانیست وعلم بر امور شریعت واجبست وبایدکه‌مؤمن برآنچه بدان جاهل است اقدام نکند و ایمان به‌علم است واقرار (عمل) وچون امام‌کافر شود همهٔ‌امت‌ازحاضروغایب‌کافر گردد واطفال‌کافران تا وقتی بالغ‌نشوند کافر شمرده نمیشوند .

بخدات عاذریه .

فرقه‌یی از خوارج که منسوب به بخدةبن عامر . وی بالشکری از یمامه عازم پیوستن به رافع بن ازرق بوده، اصحابش وقتی درراه ازکشته شدن رافع باخبر میشوند(۶۵) با او بیعت‌میکنند. بخدة در سال ۶۹ به‌دست یکی ازهوا- دارانش‌که بروی خروج‌کرده بود کشته شد (متولد۳۶ ق.).

بخدات راعقیده براینستکه داشتن امام واجب نیست . تقیه در قول و عمل جایز است . زانی و شارب خمر وسارق اگر درکار خود مصر نباشندکافرنیست .

اگرکسی در انجام گناهی جاهل باشد براو بخشوده میشود مگر جهل‌بر خداورسول وحرمت‌خون‌مسلمان واوامر الهی‌که جهل درانیموارد پذیرفته‌نیست.

شیخیه .

فرقه‌یی منسوب‌به‌شیخ احمداحسایی که در زمان فتحعلی شاه به‌تعلیم پاره‌یی مطالب عرفانی از قبیل معراج و معاد روحانی پرداخت یکی از شاگردان وی موسوم به‌سیدکاظم رشتی بر اساس عقاید استادش به‌پاره‌یی‌تأویلات عرفانی‌پرداخت که این تأویلات در ذهن سید علیمحمد باب موجب‌تشویش وانقلابی شدکه سر-

انجام ویرا به‌دعوی باب ویا خودمهدی موعود بودن‌کشانید . شاگردان سیدکاظم را شیخیه میگفتند واینان پس از مرگ سید کاظم رشتی به‌دو دسته‌شدند و جمعی بزعامت‌حاج‌کریمخان‌کرمانی ازتعلیمات وی عدول‌کردندکه به‌متشرعه‌یا کریمخانی معروفند وبا شیخیه به‌مباحثات و حتی جنگهای خونین پرداختند دسته دیگر درکیش خود باقی ماندند .

بابیه

پیروان سیدعلیمحمدشیرازی‌معروف به باب راگویند. سیدعلی محمدگاه‌خود را باب مهدی موعود وگاه‌خود مهدی و باب علم الهی معرفی میکرد . ازاو کتابهای بسیار‌به‌جا مانده ازقبیل:

«رسالةالعدلیه‌فی‌الفرائض‌الاسلامیه، تفسیر سورهٔ یوسف ، تفسیر سورة العصر ، تفسیر سورهٔ‌کوثر ، نبوت خاصه ، قیوم الاسماء ، ادلهٔ‌سبعه،بیان»که اساسی‌ترین کتاب او غالباً محتوی فرامین ودستور- های آیین اوست وبه‌عربی وفارسی نوشته شده وشامل ۱۱باب از ۱۹ باب است و بقیه ناتمام مانده . معذلك‌دعوی اوفاقد صراحت‌است. گاه خود را برترازمحمد وگاه مبشر کسیکه بعداًخواهدآمدمینامد عقایدوی مخلوطی ازعقاید اسمعیلیان و حروفیه ایران وعقاید شیخیه است. آنچه درخور توجه میباشد تسهیل عبادات و فرایض، تحریم تعددزوجات و تنبیه‌بدنی واعمال‌خشونت‌آمیز واصرار وتأکید در نظافت است .

اینك‌اصطلاح بابی‌منسوخ است‌زیرا پیروان‌اوآنچه‌به‌عقاید اووفادارمانده‌اند به‌نام جانشینش‌صبح ازل «**ازلی**» و آنچه به‌بهاءالله‌گرویده‌اند بهایی‌نامیده میشوند آنقدرکه از ستون تواریخ‌استنباط‌میشود باب شخصاً مردی اصلاح طلب بوده که تحت تلقین شیخ حسین بشرویه‌یی وبراثر آنچه شیخ‌احمداحسایی‌وسیدرشتی‌درمدت قریب به‌نیم‌قرن درباره ظهور امام‌زمان منتشرکرده بودندبه‌چنین‌کاری‌اقدام‌کرد.

ازلی

پیروان میرزا یحیی صبح ازل راکه درسال۱۲۶۵هجری‌سیدعلیمحمدباب‌اورا به‌جانشینی خود تعیین‌کرد، ازلی‌گویند. پس از کشته شدن باب همهٔ هوادارانش ریاست میرزا یحیی را پذیرفتند . میرزا یحیی‌گاه درشمیران وگاه در نور به‌سر میبرد وبرادر ناتنی‌اش میرزا حسینعلی ملقب به بهاءالله پیشکار او بود .

وقتی‌درسال۱۲۶۸هجری چندتن‌بابی درصددکشتن ناصرالدینشاه برآمدند بر اثرکشتار بابیان، صبح ازل به بغداد گریخت و بهاءالله گرفتار وبه‌علت انکار مذهب‌خودزندانی‌گردیدتا پس از چهار ماه براثر تشبث سفیرروس به‌عراق تبعید شد .پس ازده‌سال دولت عثمانی ایندورا باهمهٔ‌بابیان‌به‌استانبول‌کوچانید(۱۲۷۹هق) وازآنجا به **ادرنه** فرستاد . درادرنه‌بهاء دعوی خودرا صریحاً اعلام داشت وگفت **من‌یظهره‌الله** موعودباب،کسی‌جزاونیست وباب واسطه ومبشر او بوده‌ومیرزایحیی نیز غاصب است . جمعی بدوگرویدند و کشاکش درمیان هواداران دوبرادربر- خاست وکار به‌جنگ‌وجدال رسید ناچار دولت عثمانی بهاء را با پیروانش به عکا وازل را بایارانش به‌قبرس‌فرستادوباهر دسته چهارتن از گروه مخالف راهمراه کرد ولی بهاییان‌سه‌تن‌مخالف رابه‌زودی ازمیان برداشتند.درعکاکاربهاءکه مردی هوشیارواهل تقیه‌بودبالاگرفت وتوانست عمدهٔ بابیان ایرانرا هوادارخود سازد وحال‌آنکه‌ازل‌به‌تدریج‌ازیارانش‌جداشد.

دیگرآنکه‌هم‌روسها ازبهاءپشتیبانی می‌کردند وهم‌بهاء خودرا مطیع دولت وقت وحکومت‌حاضر اعلام میکرد وقیام واقدام‌راتحریم می‌نمود، برعکس‌کسانی از مشروطه‌خواهان را درسلك‌هواداران ازل می‌بینیم وغالباً‌کسانی‌را که‌آزادی- خواه واصلاح‌طلب بودند به‌علتی نامعلوم مخالفانشان‌آنانرا بابی‌وازلی‌خوانده‌اند.

به‌هرحال‌هنوزجمعی ازلی درایران هستندکه عدهٔ‌آنها بسیارکمتر ازبهاییان ولی ازخانواده‌های قدیمی‌وغالباً مردمی مهذب هستند. آنچه قابل ذکراست‌اینکه دولت‌انگلیس درابتداء به‌هم‌چشمی‌دولت روسیه ازازلیان پشتیبانی می‌کرد ولی پس‌ازفوت صبح ازل وانقلاب اکتبر با بهاییان‌کنارآمد ونسبت به ازلیان روش بی‌طرفی اتخاذکرد .

ذکراین نکته‌لازمست‌که اروپائیان براثر پاره‌یی مطالب نسبت به بابیه و جانشین آن‌خوشبین هستند وعلل‌آن از این‌قرار است :

۱ ــ مقاومت بعضی ازبابیان .

۲ ــ اغراض سیاسی‌دولت‌های‌روس وانگلیس .

۳ ــ تضعیف‌کردن اسلام .

بهایی .

پیروان میرزا حسین علی نوری ملقب به‌بهاءالله راگویند

میرزا حسینعلی پیشکار برادرناتنی کوچکترش صبح‌ازل جانشین باب بود . پس‌ازتیراندازی بابیان به‌شاه گرفتار و چون همبستگي خودرا با بابیان انکار کرد وسفیرروسیه نیز پادرمیانی نمود دولت ایران اورا به‌عراق تبعیدکرد . میرزاحسینعلی‌درعراق‌خودرا**من‌یظهره‌الله** و مهدی موعود باب‌اعلام نمود ولی‌وقتی موقعیت را مساعدندید برای‌مدتی عدول کرد . وقتی دولت‌عثمانی بابیان را به ادرنه فرستادکه آنجا میرزا حسینعلی دعوی خودرا بیشتر تأکیدکردوجمعی‌از سران بابی این‌بار ازاو پشتیبانی‌کردند میان‌هواداران او (بهاییان) وهواداران برادرش (ازلیان) جنگ وکشمکش‌بر- خاست ودولت‌عثمانی آندو برادر را به محاکمه کشانیده بهاییان را به‌عکا و ازلیان را به‌قبرس فرستاد . میرزا حسینعلی باهوش سرشار وقدرت مدیریت وتقیه وسیاست خودوایجاد ارتباط مرتب بابابیان ایران وبرخورداری ازمساعدت دولت روسیه در احراز ریاست توفیق یافت .

از وی **الواح** بسیار ونیز **کتاب‌اقدس** که‌کتاب دینی بهاییان است‌به‌جای مانده‌که درآن می‌گوید «شما ای‌علماء این‌کتاب را نباید با قواعد زبان عربی بسنجید بلکه قواعد زبان را باید بااین قیاس نمایید» پس‌ازفوت‌بهاءالله (۱۳۱۲ ق .) میان پسرانش عباس ومحمدعلی برسر جانشین اختلاف افتاد ولی‌سرانجام عباس‌افندی‌ملقب‌به‌عبدالبهاء توفیق‌یافت. درسال ۱۴۲۸ ق . به‌مصر واروپا و آمریکا سفرکرد وکنفرانس‌هایی دادوبا خبرنگاران مصاحبه نمود . پس ازمرگ وی شوقی افندی نوهٔ دختری وی رئیس بهاییان شد (۱۳۴۰ ق.)

میرزا حسینعلی بهاءالله به‌طوریکه گفته‌شدخودرا من‌یظهره‌الله‌وکسی‌میدانست که‌باب معتمد ونایب او بوده است . وی مذهب بابی‌را ازصورت انقلابی ومتعدی بیرون‌آورد وآن‌رابه‌یك نهضت متشکل اخلاقی و اجتماعی مبدل کرد . بهاییان خودرا به‌اطاعت‌ازقوانین‌مملکتی و تقیه وعدم خشونت . در عین حال تبلیغ ملزم می‌دانند .

درهرجاکه بیش از نه نفر بهایی باشد یك بیت‌العدل تشکیل و رئیسی ازمیان خود انتخاب می‌کنند بهاییان می‌گویند (هرعصری اقتضایی داردکه پیغمبری به اقتضای آن‌عصر مبعوث می‌شود وبعد از هزار سال پیغمبر دیگری می‌آید) همانطورکه هرمسیحی حضرت موسی و دین اورا وهرمسلمان حضرت عیسی‌را برحق می‌دانند باید دینی‌راکه هم‌بعد از آن می‌آید قبول کند . مبلغان بهایی غالباً کسانی‌هستندکه کتابهای‌دینی‌مذاهب مختلف‌را خوب ازبرکرده‌اند وبااصحاب هردین مطابق‌کتابهای‌دینی مورداعتقاد- شان صحبت می‌کنند .

پس‌ازدرگذشت شوقی ادارهٔ بهاییان به‌عهدهٔ بیت‌العدل و هیئت منتخب آن می‌باشد .

حلولیه

فرقه‌ای از مسلمانان‌که به تناسخ عقیده دارند ، و به‌فرق سبائیه ، بیانیه، مغیریه ؛ حربیه ، رزامیه ، راوندیه ، مقنعیه وحلمانیه‌تقسیم می‌شوند .

سبائیه.

اولین فرقه ازغلاة حلولیه پیروان عبدالله‌بن سبا که معتقد بالوهیت علی گردیدگویند عبدالله درزمان‌علی(ع)این دعوی‌راکرده‌علی(ع)پیروانش‌را به‌سختی تعقیب‌کرد اما خود عبدالله فرارکرد .

بعضی ازسبائیه تصور می‌نمودندکه علی(ع)درمیان ابرها پنهانست ، اینان عقیده‌دارندعلی(ع)درآخرکار ازآسمانها نزول وهمهٔ‌جهان‌را تصرف‌خواهد کرد .

بیانیه.

دسته‌ای ازحلولیه‌که معتقدند روح خداوند درانبیاء واردگشته تابه‌بیان‌بن سمعان رسیده‌است .

مغیریه.

فرقه‌ای ازحلولیه‌که پیرو مغیرة‌بن سعیدالعجلی بودند ، آنها به‌مهدویت محمدبن‌عبدالله‌بن حسن‌بن علی اعتقاد داشتند و اعضاء خداوندرا به‌حروف‌هجا تشبیه‌کرده‌اند .

حربیه.

ازفرق حلولیه ، پیروان عبدالله‌بن عمروبن حرب کندی می‌باشندکه اعتقاد دارند روح خدا در انبیا ورسولان‌حلول می‌کند .

رزامیه.

این‌فرقه درمرو سکونت‌داشتند در حق‌ابومسلم غلوکردند به‌طوریکه‌خلافت را بعداز عبدالله سفاح حق اومی‌دانستند تاجایی‌که معتقدبه‌الوهیت‌ابومسلم شدند.

راوندیه.

درخراسان وعراق ساکن ومعتقدبه حلول ارواح هستند .

این‌فرقه منسوب به عبدالله راوندی وخلافت وامامت‌را بعدازپیغمبر به‌ارث حق عم او عباس بن عبدالمطلب و فرزندانش‌می‌دانند وآل‌عباس‌نیزخوانده می‌شوند .

مقنعیه یامبیضه.

یا سپیدجامگان ، فرقه‌ای‌ازحلولیه پیرو مقنع‌که‌لباس‌سفید می‌پوشیدندومدت چهارده‌سال درحدود بخارا وسغدموجب آزار و کشتار مسلمانان بودند . این فرقه مقنع‌را خدا می‌دانستند وخودمقنع نیز مدعی بودکه خداست ودر صورت آدمی‌جلوه‌کرده است تاخلق‌را به‌بینند . بعدازخودکشی‌مقنع پیروانش درماوراء- النهر باقی ماندند .

ابن‌العبری در تاریخ مختصرالدول می‌گوید که مقنع‌به‌پیروان خویش وعده دادکه‌روح‌وی درقالب مردی خاکستری موی‌که سوار براسبی خاکستری رنگ است ظهورخواهدکرد وهمهٔ عالم‌را به تصرف درخواهدآورد .

حلمانیه.

منسوب‌به‌ابن‌حلمان‌الدمشقی‌میباشند که عقیده داشت‌خدادراشخاص زیباحلول می‌کند وروی همین‌اصل پیروانش نیز صورت زیبا را سجده می‌کردند.

فرق فرعی اسلام

احمدیه.

فرقه‌ای‌که‌توسط غلام احمدقادیانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۶ ه ق) تأسیس شد .

درسال ۱۷۵۵ دعوی پیامبری‌کرد وازمردم بیعت گرفت . در سال ۱۷۵۵ دعوی‌مسیحیت‌کرد ، مسلمانان‌ومسیحیان با اودشمن‌شدند ، بعدازمرگ او،مولوی نورالدین به‌عنوان خلیفه انتخاب شد و اکنون ، بشیربن محمود احمد (متولد ۱۳۰۶) رهبر قوم است .

حربیه.

پیروان عبدالله بن‌عمروبن حرب - الکندی که اعتقاد به‌حلول روح‌خدا در انبیاء وابوهاشم‌عبدالله‌بن محمدبن‌حنفیه واز اوبه عبدالله‌بن حرب دانستند .

شعوبیه.

اعراب متعصب بعد از اسلام‌که می‌خواستند همه چیز ملل مغلوبه رنگ عربی به‌خودبگیرد ایرانیان یاهرقوم دیگری‌راکه به‌آداب وسنن قومی و ملی خود دلبستگی نشان می‌دادند شعوبیه می‌خواندند .

قدریه .

یکی‌ازفرق فرعی اسلام‌که پیروان آن معتقدند آدمی در ارتکاب اعمال‌نیك یابد مختار وخداوندرا در آن دخلی نیست .

نخستین قدری‌که درتاریخ اسلام می‌شناسیم معبدبن عبدالله بصری است‌که درسال ۸۰ درمدینه به‌فرمان حجاج‌بن یوسف‌کشته شد .

مرجئه.

فرقه‌یی‌راگویندکه معتقدند دربارهٔ مرتکب‌گناه‌کبیره حکم‌کفرنمی‌توان داد مگر درروز قیامت ونیز حضرت علی‌را خلیفهٔ چهارم‌دانسته ونیزگویند نیت بر عمل‌مقدم‌است.مرجئه‌به‌فرق‌گوناگون‌تقسیم شده‌اند که واصل‌بن‌عطاءبصری (۸۰- ۱۳۱هق) نخستین کتاب رادربارهٔ‌توصیف عقاید صنوف‌ایشان به‌نام اصناف‌المرجئه نوشته است.

هشامیه .

معتقدان به‌هشام بن‌الحکم الرافضی که معتقد به‌تشبیه وتجسیدبود ، میباشند دستهٔ دیگر هشامیه پیروان هشام‌بن‌سالم جوالیقی‌که اعتقاد شدیدبه‌تجسیم وتجسید داشت،هستند .

غلات .

به‌طور اعم کسانی‌راگویند که امام خود را به‌مرتبهٔ خدایی رسانیده و مظهرالله دانسته‌اند و غلاة شیعه غلو کنندگان در مرتبت حضرت علی (وامامان دیگر) راگویند از این فرقه جماعت علی‌اللهی هنوز درمیان عشایر غرب ایران دیده‌می‌شوند .

فرقه‌های غلات عبارتند از :

جناحیه ، رجعیه ، بزیعیه ، شریکیه علیاویه ، غمامیه ، مخطئه ، موسویه ،

یعقوبیه ، نمیریه ، میمیه ، نصیریه ، مفضلیه ، محمدیه ، غرابیه ، طیاریه ، شلمغانیه ، شریعیه ، ذمیه ، تمیمیه ، امریه، اسحاقیه، ازدریه ، بیانیه، بلالیه، بشریه ، حارثیه ، خطابیه ، ذمامیه ، سلمانیه ، سبائیه ، عنیعیه ، عمریه ، لاعنیه ، کودیه ، کسفیه ، مغیریه ، معمریه .

دین در ژاپن

شینتو (راه‌خدایان) Shinto

دین اکثریت مردم ژاپن منشعب ازادیان کنفوسیوس و بودایی می‌باشد. این آیین که براساس پرستش قوای طبیعی خصوصاً نفوس وارواح اجداد استواراست درقرن ششم میلادی درژاپن برای مقابله با بودایی که درآن سرزمین رواج یافته بود ، به‌وجود آمد .

پیروان شینتو معتقدند که دوخدای نرو ماده از طرف خدایان مأموریت یافته‌اند که جهان را خلق کنند وجزایر کشور ژاپن زاییدهٔ عشق آسمانی این دوالهه می‌باشد . به نظر پیروان این آیین ژاپون کشور خدایان ومشهورترین خدایان، آفتاب است .

آنیمیسم Animisme

از ادیان دوره‌های ابتدایی تمدن بشری است دراین دین برای تمام اشیاء طبیعت جان وشعور قایل بودند . و تمام خیرو شر را از ارواح موجودات عالم می‌دانستند . ومعتقد بودند ، این ارواح بایدراضی باشند و ارواح اجداد خودرا نیز همیشه ناظرکارها می‌دانستند .

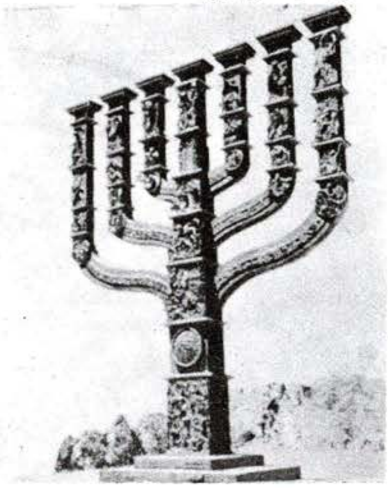
درژاپن پیروان شینتوهنوز به‌بعضی اصول آنیمیسم اعتقاد دارند .

توتمیسم Totemisme



درکیش آنیمیسم، شیء توتم شمرده می‌شودکه معمولا از حیوانات است و شخص بااحترام فوق‌العاده به‌آن‌مینگرد ورابطهٔ خاصی‌بین خودوآن قایل است .

توتمها انواع مختلف دارند ، افراد هر قبیلهٔ توتمی دارندکه خودرا از نسل آن می‌دانند ، نبایدآن‌را بخورند یا بکشند. بعضی قبایل توتمهای جنسی دارند یعنی افراد ذکور، یك توتم وافراداناث توتم دیگری دارند. پیروان این کیش بیشتر درمناطق بدوی‌نشین استرالیا ، آمریکا ، اقیانوسیه و افریقا زندگی می‌کنند .



کیش بنی‌اسرائیل

یهود Juif

دین یهودی ، ۱۳ قرن قبل‌ازمیلاد در سرزمین فلسطین به رسالت حضرت موسی (ع)ظاهر شد .

کتاب مقدس‌این دین تورات **عهد عتیق** است که شامل ۵ بخش است :

۱ــ سفرپیدایش .
۲ــ سفر خروج .
۳ــ سفرلاویان .
۴ــ سفراعداد .
۵ــ سفرتثنیه

اساس این‌دین مبتنی بر۱۰ فرمان است که به‌موسی (ع) در کوه سینا نازل شد . ده فرمان عبارتست از:

۱ــ منم‌یهوه خدای‌تو که‌ترا ازخانهٔ غلامی ومصربیرون آوردم .
۲ــ بت پرستی مکن وترا خدایان دیگر مباد .
۳ــ نام مرا به‌باطل مبر .
۴ــ به‌پدر ومادر خود احترام‌کن.
۵ ــ روزشنبه دست ازکار بشوی و آنرا تقدیس‌نما وشش روزدیگررامشغول باش وهمهٔ کارهای‌خودرا به‌جای‌آور.
۶ ــ قتل مکن .
۷ــ زنا مکن .
۸ــ دزدی مکن .
۹ــ شهادت دروغ مده .
۱۰ــ برمال وخانه و زن وغلام و کنیز وکار و الاغ دیگران حسد و طمع نداشته باش.

اسینیان Essenes

به‌معنی مقدسین ، گروهی ازپیروان موسی (ع) که از دو قرن قبل از میلاد فرقهٔ خودرا تشکیل دادندوباوجودی‌که به‌فناناپذیری روح اعتقاد داشتند منکر روز قیامت بودند وکتابخانهٔ آنها درسال ۱۹۴۷ میلادی‌درغاری کشف‌شد.

دین در چین

کونفوسیوئیسم Confuciuisme



آیینی که فیلسوف اخلاقی‌بزرگ چین کونفوسیوس (به فلاسفه‌خارجی مراجعه‌شود) بنیاد نهاد . کتابهای این‌حکیم‌بنام کنگ(king) معروف‌است. وچینی‌ها پیرو آیین کونفوسیوس معتقدند ، کنگهای پنجگانه ، مرشدشان تمام گفتنی‌ها را دربر دارد ، به‌طوریکه کتاب اول را مربوط به علوم زمینی، کتاب‌دوم؛ تاریخ‌چین، کتاب سوم سرودها ، کتاب چهارم؛ آداب و مراسم مذهبی، کتاب پنجم؛سیر تکامل موجودات میباشد . اساس تعلیمات این حکیم ، در بی‌اعتقادی به‌روز واپسین وجزا وحساب بوده ومردم را به صبر و شکیبایی در مقابل مشکلات دعوت میکند. اوهیچگاه خودرا پیامبرمعرفی نکرد ولی پیروانش اورا به‌حد خدایی رسانیدند .

مذهب تائو Taoisme



شش قرن قبل از میلاد در سرزمین چین پیداشده که اصل آن ازکتاب تائوته ــ کینگ منسوب به لائوــ تسه



یك کاهن شینتو



نوعی توتم



کونفوسیوس

ناشی‌شده وچوانگ - تسه درروشن‌کردن اصول آن سهیم بوده است . پیروان تائو باید از کوشش دست بردارند ، هدف عالی وی آنست که با مشاهدات عرفانی، ازوهم‌و غرور وآرزوی نفس بگریزد . دراین مذهب خدایان متعدد است .

دین در هند

برهمایی Brahmanisme

دین‌اجتماعی واکثریت‌هندیهااست؛ این دین منحصراً ریشهٔ هندی دارد.شاید آغاز این دین ۸۰۰ سال قبل از میلاد باشد بزرگان و کاهنان برهمایی برهمن نامیده میشوند تثلیث ازبرهمایی شروع شده(ویشنو، برهما، شیوا) است. به‌همین دلیل خدای‌خودرا به‌صورت انسانی سه‌ـ سر انتخاب کرده‌اند . رسالت این دین با براهما (Brahma) است‌که اززندگی آن جزافسانه‌ای بیش نمانده است .



بودا

بودایی Bouddhisme



آیینی است‌که‌پیروان‌آن تابع بودا هستند ، این دین ابتدا شبیه به برهمایی ولی ظاهرپردازی آن‌کمتر بود . وآن مبتنی است براینکه حیات رنج است و ازهوس‌زاید وترک نفس‌تنها وسیلهٔ‌رهایی ازهوی وهوس‌است. کمال‌مطلوب بودایی عبارتست ازوصول به‌نیروانا ویانابودی.

درآیین بودا چهار اصل زیر بسیار مهم شمرده میشود :

۱ـ جهان سراسررنج وعذاب‌است.

۲ـ ریشه واصل تمام رنجهادرتمنا است .

۳ـ هشت راه برای از بین بردن دردورنج وجوددارد به‌این شرح :



کاهن بودایی



ایمان درست، ارادهٔ درست، گفتار درست ، کردار درست ، معیشت درست، آگاهی درست ، اندیشهٔ درست ، خلسه وحال درست .

این‌آیین درسیلان و برمه به شکل پاکتروساده‌تر وبه‌نام **هینیانه** باقی‌مانده، درکره وژاپن به نام **مهایانه** و در تبت **لاما** نام دارد .

به‌نظرپیروان این مذهب روح بودا در پیکر شخصی به‌نام دالایی‌لاما حلول کرده است .

درهندوچین مذهب جدیدی بـه‌نام آیین‌کائودا یا بودایی جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می‌شمارد .

جین ، آیین Jainisme



ازمذاهب هندی که در قرن‌ششم قبل از میـلاد ، همزمان بـا پیدایش آیین بودا به‌ظهور رسید. اصول اخـلاقی این آیین مبتنی براین دستور است که بـه هیـچ نـوع جـانـداری هیچگونه‌بدی وآزاری نباید روا داشت . آیین جین‌از پیروان خود زهد و خـود فرامـوشی و رهبانیت‌طلب میکند و برای روز ارزش فوق‌العاده قایل است . هـر کس برای رستگاری باید سه‌گوهر معرفت ، ایمان وتقوی را راهنمای خود قرار دهد، هر چیزی درعالم(حتی ماده) جاویداست .

سیک‌ها Sikhs

یکی از مذاهب ملی هندکه رسالت آن با **ناناک** میباشد. که جمعیت متشکلی درپنجاب تشکیل داده است . اساس‌این مذهب سه‌چیزاست، اصول‌مذهب برهمایی، دستورات اخلاقی‌اسلام ومبانی‌کامل‌میهنی جنبهٔ سیاسی این مذهب برروحانیت آن برتر است .

مسیحیت

کاتولیک .

آیینی‌که بااعتقاد به‌وحدانیت‌خدا، آفریدگارآسمان و زمین . رسالت این



دین‌باحضرت عیسی(ع) است.که‌پیروانش اورا پسر خدا ، میدانند یعنی برای او هم الوهیت قایلند و روح القدس را نیز به‌درجهٔ الوهیت میرسانند. مسیحیان در اعیاد مقدسهٔ خود ، دعـای اعتقاد نامهٔ ثالوث (پدر وپسر وروح‌القدس) را می‌ـ خوانند . کاتولیک‌ها ، بـه اصل تعمید کلیسای روم اعتقاد دارند، وعبادت‌آنرا هرصبح‌وشام تکرارمیکنند واعتقادنیقیه، نیز در موقع انعقاد عشاء ربانی تلاوت میشود .

کتاب مقدس‌دین مسیح شامل‌تورات عهدعتیق وانجیل‌چهارگانه (متی،مرقس، لوقا ویوحنا) عهد جدید است .

آغاز این‌دین ، سی‌سال بعدازمیلاد مسیح درسرزمین اسراییل بوده است .

پاپ کیست ؟

پاپ‌که ازکلمهٔ یونانی «پاپاس» بـه معنای پدرآمده است درمشرق اروپا به عدهٔ زیادی از اسقفها وکشیشان اطلاق میشد امادرمغرب‌کم‌کم لقب خاص اسقف روم‌گردیده‌بود . ازبدوتأسیس روحانیت «اسقف روم» برکلیهٔ اسقفها حق‌تقدم‌داشت زیرا روم پایتخت امپراطوری و از این گذشته به موجب سنن قدیمه اسقف روم جانشین «پطروس» حواری بودکه‌بالاتر

ازسایرین بود . هرسال صدها هزارزوار ازنژاد و ملیت‌های مختلف به‌رم میروند وغالباًازطریق مختلف‌بی به‌اوضاع دربار پاپ میبرند ومشاهده میکنندکه در این جهان پرجوش وخروش ازاینهمه مصائب روزانه‌به‌تنگ‌آمده است، مفهوم کامل و واقعی یك اجتماع روحانی و روحانیت چیست ؟. روحانیتی‌که قریب بیست قرن ازعمرآن میگذرد وبرای آن به وجود آمده‌است که اصول برابری را درمیان بشر برقرار سازد . هرکس به‌زیارت‌پاپ دراین‌شهرمذهبی رفته باشد قطعاًمشاهده نموده که«پاپ» درچه شرایطی‌قرارگرفته ووجه امتیازکسی‌که‌ریاست فائقهٔ‌روحانی برجامعهٔ مسیحییت دارد چیست؟.

شروع قدرت پاپ .

باید دانست قدرت پاپ‌ها از زمان سلطنت شارلمانی به‌بعد شروع شد . تا این‌زمان پاپ ودربارآنها چندان‌قدرتی نداشتند.شارلمانی‌به‌سال ۷۷۱ میلادی‌پس‌از مرگ «گارلمان» به‌تنهایی‌برتخت‌سلطنت فرانسه تکیه‌زد. درآنموقع پادشاه‌لمبارد که دشمن پاپ وبه‌نام «دیدیه» بود بر- ایتالیا حکومت داشت. شارلمانی به‌مقر حکومت لمباردها لشکرکشید وآنجا را محاصره نمود درحین محاصره به روم شتافته عهداتحاد خودراباپاپ محکم‌کرد به‌قراریکه در «پاپ‌نامه» آمده هنگامی که قشون شارلمانی جلوی مقر پادشاه لمبارداردوزده بودند شارلمانی میل‌کرد به‌زیارت آستانهٔ حواریون بیایدمخصوصاً که عید فصح هم نزدیك میشد . چون‌به یك میلی رم رسید « پاپ آورین اول » کلیهٔ سپاهیان وطلاب مدارس‌را به‌استقبال او فرستاد . پیشوازکنندگان شاخهٔ نخل وزیتون دردست داشتند وپادشاه فرانك را به‌فریادبلند ثنا میگفتند . شارل‌چون ازدور چشمش به‌صلیب‌ها وتصاویرمقدس افتاد ازاسب پیاده شد و پای پیاده به- کلیسای «سن‌پیر» روآورد. این‌صلیب‌ها و تصاویر مقدسه همان بود که معمولاً جلوی والی ایتالیا و خلیفهٔ اعظم روم میبردند . پاپ در کلیسای مزبور روی پلکان منتظر مقدم شارل بود. شارل‌پله‌ها را یکی‌یکی بوسید وچون به‌رواق رسید پاپ را درآغوش‌کشیده دست اوراگرفت وبه‌این‌ترتیب وارد کلیسا شد . سپس هر دوبه بقعهٔ پطروس رفتند ودرآنجا هردو قسم یادکردند . بعد ازآن پاپ به‌پادشاه فرانك روکرده به‌لحنی پدرانه آنچه را که پدرش «پپن» نیاز «پطروس حواری» کرده بودیادآوری نمود وشارل بارغبت بدان رضا داد ... چند ماه پس ازاینکه «دیدیه» شکست‌خورد راه دیری راپیش گرفت وشارل تاج آهنین را برسر نهاده عنوان پادشاه لمباردیافت.چون‌لئون‌سوم پاپ روم شد ، کلیدهای بقعهٔ پطروس و پرچم شهررا برای شارلمانی‌فرستاد. در طی فرمانی‌که از جانب‌شارلمانی به سال ۷۸۵ صادرشده چنین آمده است : هر کس به‌قصد استخفاف دین نصاری روزه بزرگ رااحترام نکندکشته خواهد شد.

هر کس جسد مرده‌ای را به رسم مشرکین طعمهٔ آتش‌کند مجازاتش اعدام است ! هرکس ازمردم ساکس که غسل تعمیدنکند ومشرك باشد محکوم به‌اعدام خواهد شد ، هرکس به‌عنف وارد نماز- خانه‌ای شود کشته خواهدشد . تمام‌اطفال را باید در سال تولد تعمید دهند . هر کس در این امر قصور ورزد و چنانچه بدون‌جلب رضایت‌روحانیون باشدجریمه خواهد شد . شارلمانی در اواخر سال ۸۰۰ به‌دعوت پاپ «لئون سوم» به‌روم آمد تادرمقابل مدعیان ازپاپ دفاع‌کند چون درآنجا به‌سمت سرحکم تعیین شد حق را به‌جانب پاپ داد . در این موقع حادثه‌ای اتفاق افتاد که در مردم آن عصر بسیار اثر کرد وآن اینکه در شب میلاد مسیح هنگامی که شارلمانی در کلیسای «سن پیر» مشغول عبادت بود ، پاپ تاج امپراطوری را برسروی‌گذاشت این واقعه را در سالنامه‌های دولتی آن زمان نگاشته‌اند : «در عید مسیح هنگام نماز جماعت ، شارلمانی به‌زانو درآمده در برابر محراب پطروس عبادت کرد . چون برخاست پاپ لئون ، تاجی بر سر اوگذاشت وازمردم روم هرکه حاضربود به‌فریاد بلندگفت : شارل فرخنده‌که تاج را از خداوند دارد و امپراطور صلحجو همواره قرین عزت‌باد . بعدازاین شاد- باش به‌رسم امپراطوران قدیم بر او دعا کرد و از آن به‌بعد او را امپراطور همایونی خواندند ... دعای پاپ به رسم امپراطوران قدیم از آن جهت بودکه شارلمانی‌جانشین‌قیاصره ولقب «همایون» یافت . قبل از اینکه شارلمانی تاج امپراطوری‌به‌سرگذاردخلیفهٔ‌بیت‌المقدس کلید صندوق تربت عیسی را به خدمت اوفرستاد زیرا شارلمانی را رئیس‌جهان مسیحیت می‌دانست. ازاین‌به‌بعدشارلمانی هم رئیس روحانیت وهم مدیر اموردولت شد ، یا به‌عبارت دیگر دین وسیاست را به‌هم‌آمیخت وبرای امورمذهبی ودولتی قانون می‌گذاشت . در مجالس مشاوره اعضای دین و صاحب‌منصبان دولتی را مشترکاًطرف‌شورقرارمی‌دادودرمأموریتها یك مأمور دولتی را بایك روحانی برای تفتیش به‌شهرستانها می‌فرستاد ، مشیر و مشاور اودردربار یکنفر پیشکارحکومتی ویك نفرروحانی به‌عنوان خزانه‌دارآثار متبرکه بود . اینها و بسیاری اقدامات دیگرسبب تثبیت قدرت واحترامات پاپ شد . شاید بتوان‌گفت از دوران سلطنت این‌پادشاه بودکه قدرت پاپ پایه‌گذاری شد ومقر پاپ ، قبلهٔ‌آمال فقیر و غنی و رعیت و پادشاه گردید .

پاپ چگونه انتخاب میشود ؟:

انتخاب پاپ تحت قوانین ومقررات متعدد وبسیاردقیقی صورت می‌گیرد ولی برای انتخاب شونده چندان شرایط زیادی موردلزوم‌نیست مثلاطبقهٔ‌اجتماعی پاپ چندان ملاك عمل‌نیست وهمچنین به ملیت اوتوجهی‌نمیشودفقط بایستی‌دارای ملیت یکی‌ازچهارده‌کشور باشدکه‌قانون کلیسا اجازه داده است . درجه و منصب روحانیت اوشرط نیست و چه بساکشیش عادی‌هم می‌تواندبه‌این‌سمت انتخاب‌شود. عدم‌سلامتی مزاج نیزمانعی برای‌انتخاب شدن او نیست‌حتی‌گاهی‌بیماری درانتخاب پاپ‌کمك مؤثری به‌شمارمی‌رود مثلاموقع انتخاب «لئون » دوازدهم اگر او بیمار نبود مسلماً انتخاب نمیشد و بالاخره بر خلاف آنچه که در انتخابات عمومی نمایندگان یاسناتورها یااعضای انجمن شهرداری هر کشوری حداقل و اکثری برای سن انتخاب شوندگان پیش بینی شده ، در مورد انتخاب پاپ و مقامات درباری‌پاپ چنین‌محدودیتی وجودندارد. لیکن سنین جوانی متوسط سد و حایلی برای انتخاب پاپ است، زیرا تقوی و تجربه دواصلی است که درمورد انتخاب پاپ حتماً بایستی مراعات شود، ازاینرو مرد جوان را هرگزبه‌این سمت انتخاب نمی‌کنند . لیکن درقرون وسطی، درآن ایام شوم و تیره‌ای که تاج امپراطوری «سن‌پیری» به دست خانواده‌های بزرگ و فئودالهای رم بود مشاهده میشود که

بسیاری از جوانان برمسند «پاپ» تکیه زده‌اند تاجاییکه می‌بینیم جوان شانزده ساله‌ای مانند «جان دوازدهم» و حتی کودك دوازده ساله‌ای‌مانند «بنوای‌نهم» به مقام پاپی رسیدند. «گرگوار پنجم» جوانی بیست وسه ساله و نوهٔ امپراطور بود که‌به‌سعی‌وکوشش‌عموزاده‌اش «اوتون سوم» موقع اخذ رأی پیروز شد، ولی همین جوان بااینکه بیش ازسه سال در این مقام نبود کارهایی انجام داد. پس ازاصلاحاتی‌که درقرن‌یازدهم به‌عمل‌آمد ازآن به‌بعدمراعات سن‌پاپ رامی‌کردند مسلماً «کاردینال دوسینی» که بعدها پاپ «اینوسان سوم» میبایستی بشود. باسی و هشت سال سنی‌که داشت در نظر بسیاری جوان می‌نمود ولی چون به تاریخچهٔ زندگی‌وکارهای او نظر می‌افکنیم‌می‌بینیم که ازپیرمردان‌کارآمدتر ومجرب‌تر بود. لئون دهم سی و هشت سال و «گرگوار» یازدهم چهل سال داشتند. ولی چون به این طرف قضیه بنگریم ملاحظه می‌کنیم که«بونیفاس‌هشتم» درحین انتخاب‌هفتادو هفت ساله و «سستن سوم» هشتاد و پنج ساله و«گرگوار نهم» هشتادوشش‌ساله و «هونوریوس سوم» نود ساله بودند. عمر دونفر ازپاپ‌ها از صد سال تجاوزکرد. اولی «سستن سوم» متوفی سال ۱۱۹۸ ودیگری «هونوریوس سوم» متوفی‌به‌سال ۱۲۲۷ بود. ازآغاز قرن نوزدهم‌انجمن کاردینالها غالباً کسانی را به مقام پاپی انتخاب‌کرده‌اندکه سنشان بین ۶۰و۶۸ سال بود (البته به استثنای پی‌نهم‌که در سن ۵۴ سالگی وجان بیست وسوم که‌در هفتاد وشش سالگی انتخاب شدند).

پاپ درچه شرایطی قرار گرفته ؟

اول ـ عقیده و ایمان او به مذهب کاتولیك است. پاپ درحقیقت نائب‌مناب وقائم مقام مسیح است بدین‌معنی‌که پاپ فعلی دویست وشصت‌و چهارمین جانشین «پی‌یر حواری» است که‌عنوان «مقدس»و لقب «شاهزاده حواریون» را دارد.

دوم ـ پاپ رئیس‌کلیسا یااسقف رم است وبه‌همین دلیل ریاست عالیه برکلیه کلیساهای‌کاتولیك جهان دارد.

سوم ـ پاپ‌برجامعهٔ عظیم مسیحیت که درپنج‌قارهٔ‌کره ارض متجاوزازپانصد میلیون نفرمیباشد ریاست روحانی‌دارد.

چهارم ـ پاپ ریاست‌کشیشها وکلیهٔ روحانیون کلیساهای کاتولیك جهان را که شامل۸۵کاردینال، ده‌نفرخلیفهٔ‌اعظم، پنج نفر نایب مناب، ۴۲ اسقف، ۸۸۳ کشیش‌اعظم، ۱۲۳۲ کشیش ۷۹صاحب‌ـ منصب درباری‌که مجاز به پوشیدن لباس بنفش رنگ هستند، ۱۲ مدیر جانشین و۱۹ مناسك درملل‌آسیایی، ۲۰۶ قائم‌ـ مقام، ۱۲۲ مسطران، هفت هیئت‌عالی، ۳۶۵ هزارکشیش معمولی درحدود یك ملیون زنان راهبه و ۲۷۰ هزار مردان تارك دنیا میباشد به‌عهده دارد.

پنجم ـ پاپ یگانه حافظ دیانت مسیح ومنبع‌کشف والهام است او وظیفه داردکه کتب مقدس و اناجیل اربعه را ازنسلی به‌نسل دیگر برساند.

ششم ـ پاپ مجتهد جامع الشرائط مسیحیت ومعلم اول کلیساست هنگامی‌که به‌سخن می‌آید یعنی‌وقتی به‌تعلیمات‌امور دین مسیحیان می‌پردازد و یا یکی از مسایل دینی‌واخلاقی مسیحیت را شرح و توصیف می‌کند هیچکس‌نباید ونمی‌تواند گمان وخطا واشتباه برگفته‌های او برد واین‌بدانمعنی‌است‌که تفسیرات وتأویلات پاپ بطلان ناپذیر است، اما او مجاز نیست به‌عنوان کشف و الهامات آسمانی فرضیه های تازه‌ای به مذهب بیفزاید، چه دوران‌کشف وشهود الهامات آسمانی پایان یافته است.

هفتم ـ پاپ دارای دولت‌وحکومت است. اوبرکشوری حکومت می‌کند که کلیه دول‌حکومت اورا به‌رسمیت شناخته‌ـ اند. باید دانست که حتی شورویها هم اورا به‌عنوان رئیس‌کشوربه‌رسمیت می‌ـ شناسند وبرای اولین بار به‌سال ۱۹۵۶ کاردارسفارت شوروی درایتالیا به‌عنوان سفیر شوروی دردربار واتیکان نزدخلیفهٔ اعظم (کاردینال اول‌که در حقیقت وزیر امور خارجه پاپ است) رفت. وی از طرف دولت متبوع خود مأموریت داشت که درباره طرح خلع سلاح عمومی‌باپاپ به عنوان رئیس دولت و کشور واتیکان وارد مذاکره شود وموافقت او را جلب کند.

هشتم ـ از نقطه نظر تاریخی پاپ وارث وجانشین مقام مذهبی روم است و اسقفها درامور مشکل به‌دامن عنایت او متوسل‌میشوند. بعدازقسطنطین‌امپراطور بزرگ روم خلایی در آن امپراطوری ایجاد شده بود وفقط مقام ومناصب پاپی بود که توانست آنرا پرکند. مؤسسات دینی از روی دوایر امپراطوری مرتب گردید و حوزهٔ روحانیت با تقسیمات مملکتی منطبق گشت.

نهم ـ پاپ یابهتربگوییم این مقام بزرگ روحانی بوتهٔ زرگری است‌که در آن بوته جریانات روحانیت و مذهبی و جهان منجمله عالم عبری آسیا، دنیای مصر، جهان یونان وژرمن بایکدیگردر آمیخته وآنچه که امروزه به‌نام کلیسای روم مشهور است اختلاط و امتزاج‌همین معنویات است‌که افکار لاتینی آنرا تصفیه ومعطرساخته است.

دهم ـ وبالاخره پاپ‌کلید این گنبد مقدس است.

سن پیر و جانشینانش

تاکنون۲۶۳پاپ‌وعده‌ای‌مقدسین‌دیگر بردنیای‌مسیحیت فرمان‌روایی کرده‌اند. پاپ‌پل ششم دویست وشصت وسومین جانشین سن‌پی‌یراست. اسامی سایرپاپ‌ها ونایاپها یعنی جانشین سن‌پی‌یر به‌ترتیب عبارت است از:

ترتیب	نام	دوره‌پاپی و ناپاپی
۱	پتروس‌مقدس	فوت ۶۷ م
۲	لینوس مقدس	۶۷ ـ ۷۶ م
۳	کلتوس‌مقدس (اناکلتوس)	۷۶ ـ ۸۸ م
۴	کلمنس مقدس‌اول	۸۸ ـ ۹۷ م
۵	اواریستوس‌مقدس	۹۷ ـ ۱۰۵ م
۶	آلکساندرمقدس‌اول	۱۰۵ ـ ۱۱۵ م
۷	سیکستوس مقدس‌اول	۱۱۵ ـ ۱۲۵ م
۸	تلسفوروس‌مقدس	۱۲۵ ـ ۱۳۶ م

ترتیب	نام	دوره‌پاپی و ناپاپی
۹	هوگینوس مقدس	۱۳۶ ـ ۱۴۰ م
۱۰	پیوس‌مقدس اول	۱۴۰ ـ ۱۵۵ م
۱۱	آنیکتوس‌مقدس	۱۵۵ ـ ۱۶۶ م
۱۲	سوتروس مقدس	۱۶۶ ـ ۱۷۵ م
۱۳	الثوتریوس مقدس	۱۷۵ ـ ۱۸۹ م
۱۴	ویکتور مقدس اول	۱۸۹ ـ ۱۹۹ م
۱۵	زفورینوس مقدس	۱۹۹ ـ ۲۱۷ م
۱۶	کالیکستوس مقدس اول	۲۱۷ ـ ۲۲۲ م
۱۷	هیپولوتوس مقدس(ناپاپ)	۲۱۷ ـ ۲۳۵ م
۱۸	اوربانوس مقدس‌اول	۲۲۲ ـ ۲۳۰ م
۱۹	پونتیانوس‌مقدس	۲۳۰ ـ ۲۳۵ م
۲۰	آنتروس مقدس	۲۳۵ ـ ۲۳۶ م
۲۱	فابیانوس‌مقدس	۲۳۶ ـ ۲۵۰ م
۲۲	کورنلیوس مقدس	۲۵۱ ـ ۲۵۳ م
۲۳	نوواتیانوس (ناپاپ)	۲۵۱ ـ
۲۴	لوکیوس مقدس اول	۲۵۳ ـ ۲۵۴ م
۲۵	ستفانوس مقدس اول	۲۵۴ ـ ۲۵۷ م
۲۶	سیکستوس مقدس دوم	۲۵۷ ـ ۲۵۸ م
۲۷	دیونوسیوس مقدس	۲۵۹ ـ ۲۶۸ م
۲۸	فیلکس مقدس‌اول	۲۶۹ ـ ۲۷۴ م
۲۹	ائوتوکیانوس‌مقدس	۲۷۵ ـ ۲۸۳ م
۳۰	کایوس مقدس	۲۸۳ ـ ۲۹۶ م
۳۱	مارکلینوس مقدس	۲۹۶ ـ ۳۰۴ م
۳۲	مارکلوس مقدس اول	۳۰۸ ـ ۳۰۹ م
۳۳	ائوسبیوس مقدس	۳۰۹ یا ۳۱۰ م
۳۴	ملکیادس مقدس	۳۱۱ ـ ۳۱۴ م
۳۵	سولوستر مقدس	۳۱۴ ـ ۳۳۵ م
۳۶	مارکوس مقدس	۳۳۶
۳۷	یولیوس مقدس‌اول	۳۳۷ ـ ۳۵۲ م
۳۸	لیبریوس	۳۵۲ ـ ۳۶۶ م
۳۹	فلیکس‌دوم (ناپاپ)	۳۵۵ ـ ۳۶۵ م
۴۰	داماسوس مقدس‌اول	۳۶۶ ـ ۳۸۴ م
۴۱	اورسینوس(ناپاپ)	۳۶۶ ـ ۳۶۷ م
۴۲	سیریکیوس مقدس	۳۸۴ ـ ۳۹۹ م
۴۳	آناستاسیوس مقدس‌اول	۳۹۹ ـ ۴۰۱ م
۴۴	اینوکنتیوس مقدس اول	۴۰۱ ـ ۴۱۷ م
۴۵	زوسیموس مقدس	۴۱۷ ـ ۴۱۸ م
۴۶	بونیفاکیوس مقدس‌اول	۴۱۸ ـ ۴۲۲ م
۴۷	ائولالیوس (ناپاپ)	۴۱۸ ـ ۴۱۹ م
۴۸	کلستینوس مقدس‌اول	۴۲۲ ـ ۴۳۲ م
۴۹	سیکستوس مقدس‌سوم	۴۳۲ ـ ۴۴۰ م
۵۰	لئوی مقدس اول	۴۴۰ ـ ۴۶۱ م
۵۱	هیلاریوس مقدس	۴۶۱ ـ ۴۶۸ م
۵۲	سیمپلیکیوس مقدس	۴۶۸ ـ ۴۸۳ م
۵۳	فلیکس مقدس‌سوم (دوم)	۴۸۳ ـ ۴۹۲ م
۵۴	گلاسیون مقدس‌اول	۴۹۲ ـ ۴۹۶ م
۵۵	آناستاسیوس دوم	۴۹۶ ـ ۴۹۸ م
۵۶	سوماکوس مقدس	۴۹۸ ـ ۵۱۴ م
۵۷	لاورنتیوس (ناپاپ) ۴۹۸	۵۰۱ ـ ۵۰۵ م
۵۸	هورمیسداس مقدس	۵۱۴ ـ ۵۲۳ م
۵۹	یوآنس مقدس‌اول	۵۲۳ ـ ۵۲۶ م
۶۰	فلیکس‌مقدس چهارم(سوم)	۵۲۶ ـ ۵۳۰ م
۶۱	بونیفاکیوس دوم	۵۳۰ ـ ۵۳۲ م
۶۲	دیوسکوروس (پاپ یاناپاپ)	۵۳۰
۶۳	یوآنس دوم	۵۳۳ ـ ۵۳۵ م
۶۴	آگاپتوس مقدس اول	۴۳۵ ـ ۵۳۶ م
۶۵	سیلوریوس مقدس	۵۳۶ ـ ۵۳۷ م
۶۶	ویگیلیوس	۵۳۷ ـ ۵۵۵ م
۶۷	پلاگیوس اول	۵۶۶ ـ ۵۶۱ م
۶۸	یوآنس‌سوم	۵۶۱ ـ ۵۷۴ م
۶۹	بندیکتوس اول	۵۷۴ ـ ۵۷۹ م
۷۰	پلاگیوس دوم	۵۷۹ ـ ۵۹۰ م
۷۱	گرگوریوس مقدس‌اول	۵۹۰ ـ ۶۰۴ م
۷۲	سابینیانوس	۶۰۴ ـ ۶۰۶ م
۷۳	بونیفاکیوس سوم	۶۰۷ ـ
۷۴	بونیفاکیوس مقدس‌چهارم	۶۰۸ ـ ۶۱۵ م
۷۵	دئوسدیت مقدس‌اول (آدئوداتوس‌اول)	۶۱۵ ـ ۶۱۸ م
۷۶	بونیفاکیوس پنجم	۶۱۹ ـ ۶۲۵ م
۷۷	هونوریوس اول	۶۲۵ ـ ۶۳۸ م
۷۸	سورینوس	۶۴۰ ـ
۷۹	یوآنس چهارم	۶۴۰ ـ ۶۴۲ م
۸۰	تئودوروس اول	۶۴۲ ـ ۶۴۹ م
۸۱	مارتینوس مقدس‌اول	۶۴۹ ـ ۶۵۵ م
۸۲	ائوگنیوس مقدس‌اول	۶۵۴ ـ ۶۵۷ م
۸۳	ویتالیانوس مقدس	۶۵۷ ـ ۶۷۲ م
۸۴	آدئوداتوس دوم	۶۷۲ ـ ۶۷۶ م
۸۵	دونوس	۶۷۶ ـ ۶۷۸ م
۸۶	آگاتو مقدس	۶۷۸ ـ ۶۸۱ م
۸۷	لئوی مقدس دوم	۶۸۲ ـ ۶۸۳ م
۸۸	بندیکتوس مقدس دوم	۶۸۴ ـ ۶۸۵ م
۸۹	یوآنس مقدس پنجم	۶۸۵ ـ ۶۸۶ م
۹۰	کونون	۶۸۶ ـ ۶۸۷ م
۹۱	تئودوروس (ناپاپ)	۶۸۷ ـ
۹۲	پاسکالیس(ناپاپ)	۶۸۷ ـ
۹۳	سرگیوس‌مقدس اول	۶۸۷ ـ ۷۰۱ م
۹۴	یوآنس ششم	۹۰۱ ـ ۷۰۵ م
۹۵	یوآنس هفتم	۷۰۵ ـ ۷۰۷ م
۹۶	سیسینیوس	۷۰۸ ـ
۹۷	کنستانتینوس‌اول	۷۰۸ ـ ۷۱۵ م
۹۸	گرگوریوس مقدس دوم	۷۱۵ ـ ۷۳۱ م
۹۹	گرگوریوس مقدس سوم	۷۳۱ ـ ۷۴۱ م
۱۰۰	زاکاریاس	۷۴۱ ـ ۷۵۲ م

ترتیب	نام	دوره‌پاپی و ناپاپی
۱۰۱	ستفانوس‌دوم	۷۵۲
۱۰۲	ستفانوس سوم (دوم)	۷۵۲ ــ ۷۵۷ م
۱۰۳	پاولوس مقدس اول	۷۵۷ ــ ۷۶۷ م
۱۰۴	کنستانتینوس دوم (ناپاپ)	۷۶۷ ــ ۷۶۹ م
۱۰۵	فیلیپوس (ناپاپ)	۷۶۸ ــ
۱۰۶	ستفانوس چهارم (سوم)	۷۶۸ ــ ۷۷۲ م
۱۰۷	هادریانوس اول	۷۷۲ ــ ۷۹۵ م
۱۰۸	لئوی مقدس سوم	۷۹۵ ــ ۷۱۶ م
۱۰۹	ستفانوس پنجم (چهارم)	۸۱۶ ــ ۸۱۷ م
۱۱۰	پاسکالیس مقدس اول	۸۱۷ ــ ۸۲۴ م
۱۱۱	اٹوگنیوس دوم	۸۲۴ ــ ۸۲۷ م
۱۱۲	والنتینوس	۸۲۷ ــ
۱۱۳	گرگوریوس چهارم	۸۲۷ ــ ۸۴۴ م
۱۱۴	یوآنس (ناپاپ)	۸۴۴ ــ
۱۱۵	سرگیوس دوم	۸۴۴ ــ ۸۴۷ م
۱۱۶	لئوی‌مقدس چهارم	۸۴۷ ــ ۸۵۵ م
۱۱۷	بندیکتوس سوم	۸۵۵ ــ ۸۵۸ م
۱۱۸	آناستاسیوس (ناپاپ)	۸۵۵ ــ
۱۱۹	نیکولاوس مقدس‌اول	۸۵۸ ــ ۸۶۷ م
۱۲۰	هادریانوس‌دوم	۸۶۷ ــ ۸۷۲ م
۱۲۱	یوآنس هشتم	۸۷۲ ــ ۸۸۲ م
۱۲۲	مارینوس اول	۸۸۲ ــ ۸۸۴ م
۱۲۳	هادریانوس مقدس‌سوم	۸۸۴ ــ ۸۸۵ م
۱۲۴	ستفانوس‌ششم (پنجم)	۸۸۵ ــ ۸۹۱ م
۱۲۵	فورموس	۸۹۱ ــ ۸۹۶ م
۱۲۶	بونیفاکیوس ششم	۸۹۶ ــ
۱۲۷	ستفانوس‌هفتم ،(ششم)	۸۹۶ ــ ۸۹۷ م
۱۲۸	رومانوس	۸۹۷ ــ
۱۲۹	تئودوروس دوم	۸۹۷ ــ
۱۳۰	یوآنس نهم	۸۹۸ ــ ۹۰۰ م
۱۳۱	بندیکتوس چهارم	۹۰۰ ــ ۹۰۳ م
۱۳۲	لئوی پنجم	۹۰۳ ــ
۱۳۳	کریستوفوروس (ناپاپ)	۹۰۳ ــ ۹۰۴ م
۱۳۴	سرگیوس سوم	۹۰۴ ــ ۹۱۱ م
۱۳۵	آناستاسیوس سوم	۹۱۱ ــ ۹۱۳ م
۱۳۶	لاندونیوس	۹۱۳ ــ ۹۱۴ م
۱۳۷	یوآنس دهم	۹۱۴ ــ ۹۲۸ م
۱۳۷	لئوی ششم	۹۲۸ ــ
۱۳۹	ستفانوس هشتم (هفتم)	۹۲۷ ــ ۹۳۱ م
۱۴۰	یوآنس یازدهم	۹۳۱ ــ ۹۳۵ م
۱۴۱	لئوی هفتم	۹۳۶ ــ ۹۳۹ م
۱۴۲	ستفانوس نهم (هشتم)	۹۳۹ ــ ۹۴۲ م
۱۴۳	مارینوس دوم	۹۴۲ ــ ۹۴۶ م
۱۴۴	آگاپتوس دوم	۹۴۶ ــ ۹۵۵ م
۱۴۵	یوآنس دوازدهم	۹۵۵ ــ ۹۶۴ م
۱۴۶	لئوی‌هشتم	۹۶۳ ــ ۹۶۵ م

ترتیب	نام	دوره‌پاپی و ناپاپی
۱۴۷	بندیکتوس پنجم	۹۶۴ ــ ۹۶۶ م
	(یکی ازاین دوپاپ بودند)	
۱۴۸	یوآنس سیزدهم	۹۶۵ ــ ۹۷۲ م
۱۴۹	بندیکتوس ششم	۹۷۳ ــ ۹۷۴ م
۱۵۰	بونیفاکیوس‌هفتم(ناپاپ)۹۷۴،	۹۸۴ ــ ۹۸۵ م
۱۵۱	بندیکتوس هفتم	۹۷۴ ــ ۹۸۳ م
۱۵۲	یوآنس چهاردهم	۹۸۳ ــ ۹۸۴ م
۱۵۳	یوآنس پانزدهم	۹۸۵ ــ ۹۹۶ م
۱۵۴	گرگوریوس پنجم	۹۹۶ ــ ۹۹۹ م
۱۵۵	یوآنس‌شانزدهم (ناپاپ)	۹۹۷ ــ ۹۹۸ م
۱۵۶	سولوستردوم	۹۹۹ ــ ۱۰۰۳ م
۱۵۷	یوآنس‌هفدهم	۱۰۰۳ ــ
۱۵۸	یوآنس هیجدهم	۱۰۰۴ ــ ۱۰۰۹ م
۱۵۹	سرگیوس چهارم	۱۰۰۹ ــ ۱۰۱۲ م
۱۶۰	بندیکتوس هشتم	۱۰۱۲ ــ ۱۰۲۴ م
۱۶۱	گرگوریوس (ناپاپ)	۱۰۱۲ ــ
۱۶۲	یوآنس نوزدهم	۱۰۲۴ ــ ۱۰۳۲ م
۱۶۳	بندیکتوس نهم	۱۰۳۲ ــ ۱۰۴۴
		۱۰۴۵،۱۰۴۷ ــ ۱۰۴۸ م
۱۶۴	سولوسترسوم (پاپ‌یا ناپاپ)	۱۰۴۵ ــ
۱۶۵	گرگوریوس‌ششم(پاپ‌یاناپاپ)	۱۰۴۵ ــ ۱۰۴۶ م
۱۶۶	کلمنس دوم(پاپ‌یاناپاپ)	۱۰۴۶ ــ ۱۰۴۷ م
۱۶۷	داماسوس دوم	۱۰۴۸ ــ
۱۶۸	لئوی‌مقدس نهم	۱۰۴۹ ــ ۱۰۵۴ م
۱۶۹	ویکتور دوم	۱۰۵۵ ــ ۱۰۵۷ م
۱۷۰	ستفانوس دهم (نهم)	۱۰۵۷ ــ ۱۰۵۸ م
۱۷۱	بندیکتوس دهم (ناپاپ)	۱۰۵۸ ــ ۱۰۵۹ م
۱۷۲	نیکولاوس دوم	۱۰۵۹ ــ ۱۰۶۱ م
۱۷۳	آلکساندر دوم	۱۰۶۱ ــ ۱۰۷۳ م
۱۷۴	هونوریوس دوم (ناپاپ)	۱۰۶۱ ــ ۱۰۷۲ م
۱۷۵	گرگوریوس‌مقدس (هشتم)	۱۰۷۳ ــ ۱۰۸۵ م
۱۷۶	کلمنس سوم (ناپاپ)	۱۰۸۰ ــ ۱۱۰۰ م
۱۷۷	ویکتور سوم	۱۰۸۶ ــ ۱۰۸۷ م
۱۷۸	اوبانوس دوم	۱۰۸۸ ــ ۱۰۹۹ م
۱۷۹	پاسکالیس دوم	۱۰۹۹ ــ ۱۱۱۸ م
۱۸۰	تئودریکوس (ناپاپ)	۱۱۰۰ ــ
۱۸۱	آلبرتوس (ناپاپ)	۱۱۰۲ ــ
۱۸۲	سولوسترچهارم (ناپاپ)	۱۱۰۵ ــ ۱۱۱۱ م
۱۸۳	گلاسیوس دوم	۱۱۱۸ ــ ۱۱۱۹ م
۱۸۴	گرگوریوس هشتم (ناپاپ)	۱۱۱۸ ــ ۱۱۲۱ م
۱۸۵	کالیکستوس دوم	۱۱۱۹ ــ ۱۱۲۴ م
۱۸۶	هونوریوس دوم	۱۱۲۴ ــ ۱۱۳۰ م
۱۸۷	کلستینوس دوم (ناپاپ)	۱۱۳۰ ــ ۱۱۴۳ م
۱۸۸	اینوکنتیوس دوم	۱۱۳۰ ــ ۱۱۴۳ م
۱۸۹	آناکلتوس‌دوم (ناپاپ)	۱۱۳۰ ــ ۱۱۳۸ م
۱۹۰	ویکتور چهارم (ناپاپ)	۱۱۳۸ ــ
۱۹۱	کلستینوس دوم	۱۱۴۳ ــ ۱۱۴۵ م

ترتیب	نام	دوره‌پاپی و ناپاپی
۱۹۲	لوکیوس دوم	۱۱۱۴ ـ ۱۱۴۵ م
۱۹۳	ائوگنیوس سوم	۱۱۴۵ ـ ۱۱۵۳ م
۱۹۴	آناستاسیوس چهارم	۱۱۵۳ ـ ۱۱۵۴ م
۱۹۵	هادریانوس چهارم	۱۱۵۴ ـ ۱۱۵۹ م
۱۹۶	آلکساندر سوم	۱۱۵۹ ـ ۱۱۸۱ م
۱۹۷	ویکتور چهارم (ناپاپ)	۱۱۵۹ ـ ۱۱۶۴ م
۱۹۸	پاسکالیس سوم (ناپاپ)	۱۱۶۴ ـ ۱۱۶۸ م
۱۹۹	کالیکستوس سوم (ناپاپ)	۱۱۶۸ ـ ۱۱۷۸ م
۲۰۰	اینوکنتیوس سوم (ناپاپ)	۱۱۷۹ ـ ۱۱۸۰ م
۲۰۱	لوکیوس سوم	۱۱۸۱ ـ ۱۱۸۵ م
۲۰۲	اوربانوس سوم	۱۱۸۵ ـ ۱۱۸۷ م
۲۰۳	گرگوریوس هشتم	۱۱۸۷ ـ
۲۰۴	کلمنس سوم	۱۱۸۷ ـ ۱۱۹۱ م
۲۰۵	کلستینوس سوم	۱۱۹۱ ـ ۱۱۹۸ م
۲۰۶	اینوکنتیوس سوم	۱۱۹۸ ـ ۱۲۱۶ م
۲۰۷	هونوریوس سوم	۱۲۱۶ ـ ۱۲۲۷ م
۲۰۸	گرگوریوس نهم	۱۲۲۷ ـ ۱۲۴۱ م
۲۰۹	کلستینوس‌چهارم	۱۲۴۱ ـ
۲۱۰	اینوکنتیوس چهارم	۱۲۴۳ ـ ۱۲۵۴ م
۲۱۱	آلکساندر چهارم	۱۲۵۴ ـ ۱۲۶۱ م
۲۱۲	اوربانوس چهارم	۱۲۶۱ ـ ۱۲۶۴ م
۲۱۳	کلمنس چهارم	۱۲۶۵ ـ ۱۲۶۸ م
۲۱۴	گرگوریوس دهم	۱۲۷۱ ـ ۱۲۷۶ م
۲۱۵	اینوکنتیوس‌پنجم	۱۲۷۶ ـ
۲۱۶	هادریانوس پنجم	۱۲۷۶ ـ
۲۱۷	یوآنس بیست‌ویکم (بیستم)	۱۲۷۶ ـ ۱۲۷۷ م
۲۱۸	نیکولاوس سوم	۱۲۷۷ ـ ۱۲۸۰ م
۲۱۹	مارتینوس چهارم	۱۲۸۱ ـ ۱۲۸۵ م
۲۲۰	هونوریوس چهارم	۱۲۸۵ ـ ۱۲۸۷ م
۲۲۱	نیکولاوس چهارم	۱۲۸۸ ـ ۱۲۹۲ م
۲۲۲	کلستینوس مقدس پنجم	۱۲۹۴ ـ
۲۲۳	بونیفاکیوس هشتم	۱۲۹۴ ـ ۱۳۰۳ م
۲۲۴	بندیکتوس یازدهم	۱۳۰۳ ـ ۱۳۰۴ م
۲۲۵	کلمنس پنجم	۱۳۰۵ ـ ۱۳۱۴ م
۲۲۶	یوآنس بیست‌ودوم	۱۳۱۶ ـ ۱۳۳۴ م
۲۲۷	نیکولاوس پنجم (ناپاپ)	۱۳۲۸ ـ ۱۳۳۰ م
۲۲۸	بندیکتوس دوازدهم	۱۳۳۴ ـ ۱۳۴۲ م
۲۲۹	کلمنس ششم	۱۳۴۲ ـ ۱۳۵۲ م
۲۳۰	اینوکنتیوس ششم	۱۳۵۲ ـ ۱۳۶۲ م
۲۳۱	اوربانوس پنجم	۱۳۵۲ ـ ۱۳۷۰ م
۲۳۲	گرگوریوس یازدهم	۱۳۷۰ ـ ۱۳۷۸ م
۲۳۳	اوربانوس ششم	۱۳۷۸ ـ ۱۳۸۹ م
۲۳۴	کلمنس‌هفتم(ناپاپ)(آوینیون)	۱۳۷۸ ـ ۱۳۹۴ م
۲۳۵	بونیفاکیوس نهم	۱۳۸۹ ـ ۱۴۰۴ م
۲۳۶	بندیکتوس‌سیزدهم(«آوینیون» «ناپاپ»)	۱۳۹۴ ـ ۱۴۲۳ م
۲۳۷	اینوکنتیوس هفتم	۱۴۰۴ ـ ۱۴۰۶ م
۲۳۸	گرگوریس دوازدهم	۱۴۰۶ ـ ۱۴۱۵ م
۲۳۹	آلکساندرپنجم («پیزا» «ناپاپ»)	۱۴۰۹ ـ ۱۴۱۰ م
۳۴۰	یوآنس بیست‌وسوم(«پیزا» «ناپاپ»)	۱۴۱۰ ـ ۱۴۱۵ م
۲۴۱	مارتینوس پنجم	۱۴۱۷ ـ ۱۴۳۱ م
۲۴۲	کلمنس‌هشتم («آوینیون» «ناپاپ»)	۱۴۲۳ ـ ۱۴۲۹ م
۲۴۳	بندیکتوس‌چهاردهم(«آوینیون» «ناپاپ»)	۱۴۲۵ ـ ۱۴۳۰ م
۲۴۵	فیلکس پنجم (ناپاپ)	۱۴۳۹ ـ ۱۴۴۹ م
۲۴۶	نیکولاوس پنجم	۱۴۴۷ ـ ۱۴۵۵ م
۲۴۷	کالیکستوس سوم	۱۴۵۵ ـ ۱۴۵۸ م
۲۴۸	پیوس دوم	۱۴۵۸ ـ ۱۴۶۴ م
۲۴۹	پاولوس دوم	۱۴۶۴ ـ ۱۴۷۱ م
۲۵۰	سیکستوس‌چهارم	۱۴۷۱ ـ ۱۴۸۴ م
۲۵۱	اینوکنتیوس هشتم	۱۴۸۴ ـ ۱۴۹۲ م
۳۵۲	آلکساندر ششم	۱۴۹۲ ـ ۱۵۰۳ م
۲۵۳	پیوس سوم	۱۵۰۸ ـ
۲۵۴	پولیوس دوم	۱۵۰۳ ـ ۱۵۱۳ م
۲۵۵	لئوی دهم	۱۵۱۳ ـ ۱۵۲۱ م
۲۵۶	هادریانوس ششم	۱۵۲۲ ـ ۱۵۲۳ م
۲۵۷	کلمنس هفتم	۱۵۲۳ ـ ۱۵۳۴ م
۲۵۸	پاولوس سوم	۱۵۳۴ ـ ۱۵۴۹ م
۲۵۹	پولیوس‌سوم	۱۵۵۰ ـ ۱۵۵۵ م
۲۶۰	مارکلوس‌دوم	۱۵۵۵ ـ
۲۶۱	پاولوس چهارم	۱۵۵۵ ـ ۱۵۵۹ م
۲۶۲	پیوس چهارم	۱۵۵۹ ـ ۱۵۶۵ م
۲۶۳	پیوس مقدس پنجم	۱۵۶۶ ـ ۱۵۷۲ م
۲۶۴	گرگوریوس سیزدهم	۱۵۷۲ ـ ۱۵۸۵ م
۲۶۵	سیکستوس پنجم	۱۵۸۵ ـ ۱۵۹۰ م
۲۶۶	اوربانوس هفتم	۱۵۹۰ ـ
۲۶۷	گرگوریوس چهاردهم	۱۵۹۰ ـ ۱۵۹۱ م
۲۶۸	اینوکنتیوس‌نهم	۱۵۹۱ ـ
۲۶۹	کلمنس هشتم	۱۵۹۲ ـ ۱۶۰۵ م
۲۷۰	لئوی‌یازدهم	۱۶۰۵ ـ
۲۷۱	پاولوس پنجم	۱۶۰۵ ـ ۱۶۲۱ م
۲۷۲	گرگوریوس پانزدهم	۱۶۲۱ ـ ۱۶۲۳ م
۲۷۳	اوربانوس هشتم	۱۶۲۳ ـ ۱۶۴۴ م
۲۷۴	اینوکنتیوس دهم	۱۶۴۴ ـ ۱۶۵۵ م
۲۷۵	آلکساندر هفتم	۱۶۵۵ ـ ۱۶۶۷ م
۲۷۶	کلمنس نهم	۱۶۶۷ ـ ۱۶۶۹ م
۲۷۷	کلمنس‌دهم	۱۶۷۰ ـ ۱۶۷۶ م
۲۷۸	اینوکنتیوس یازدهم	۱۶۷۶ ـ ۱۶۸۹ م
۲۷۹	آلکساندر هشتم	۱۶۸۹ ـ ۱۶۹۱ م
۲۸۰	اینوکنتیوس دوازدهم	۱۶۹۱ ـ ۱۷۰۰ م
۲۸۱	کلمنس یازدهم	۱۷۰۰ ـ ۱۷۲۱ م

ترتیب	نام	دوره‌پاپی و ناپاپی
۲۸۲	اینوکنتیوس سیزدهم	۱۷۲۱ ــ ۱۸۲۴ م
۲۸۳	بندیکتوس سیزدهم	۱۷۲۴ ــ ۱۷۳۰ م
۲۸۴	کلمنس دوازدهم	۱۷۳۰ ــ ۱۷۴۰ م
۲۸۵	بندیکتوس چهاردهم	۱۷۴۰ ــ ۱۷۵۸ م
۲۸۶	کلمنس‌سیزدهم	۱۷۵۸ ــ ۱۷۶۹ م
۲۸۷	کلمنس چهاردهم	۱۷۶۹ ــ ۱۷۷۴ م
۲۸۸	پیوس‌ششم	۱۷۷۵ ــ ۱۷۹۹ م
۲۸۹	پیوس هفتم	۱۸۰۰ ــ ۱۸۲۳ م
۲۹۰	لئوی دوازدهم	۱۸۲۳ ــ ۱۸۲۹ م
۲۹۱	پیوس‌هشتم	۱۸۲۹ ــ ۱۸۳۰ م
۲۹۲	گرگوریوس شانزدهم	۱۸۳۱ ــ ۱۸۴۶ م
۲۹۳	پیوس نهم	۱۸۴۶ ــ ۱۸۷۸ م
۲۹۴	لئوی سیزدهم	۱۸۷۸ ــ ۱۹۰۳ م
۲۹۵	پیوس‌دهم	۱۹۰۳ ــ ۱۹۱۴ م
۲۹۶	بندیکتوس پانزدهم	۱۹۱۴ ــ ۱۹۲۲ م
۲۹۷	پیوس‌یازدهم	۱۹۲۲ ــ ۱۹۳۹ م
۲۹۸	پیوس‌دوازدهم	۱۹۳۹ ــ ۱۹۵۸ م
۲۹۹	یوآنس‌بیست‌وسوم	۱۹۵۸ ــ ۱۹۶۳ م
۳۰۰	پل‌ششم	۱۹۶۳ ــ

دربار پاپ :

قرن‌چهارم درتاریخ کلیسا اهمیتی خاص واستثنایی دارد .

معاریف مشایخ کلیسا دراین دوره زندگی می‌کردند و به‌همین‌دلیل اشخاص مذکور دارای این‌عنوان بودند‌که آیین عیسوی را تثبیت نموده ودر مجادله با اهل‌بدعت وضلالت موفقیت یافته‌بودند . همان موقعی‌که روم افتخارات خودرا از دست داده بـود . وسنای روم مفقود و ملتش نابودشده‌بود ، شهربی‌سکنه رو به انهدام می‌رفت ومقر امپراطوری‌مضمحل شده‌بود . اماچون قبلهٔ دین‌مسیح وخانهٔ پاپ درآنجا قرارداشت مرکزیت خودرا تااندازه‌ای حفظ‌کرد .

ازآغاز قرن‌چهارم محل‌خلافت پاپ به‌قصر امپراطوری «لاتران» نقل مکان نمودومجمعی‌که‌درسال۳۴۴میلادی‌از اسقفها تشکیل‌شد ، پاپ‌را به رسمیت شناخت و امپراطورنیزدر۴۴۵ این مقام را رسمی اعلام‌کرد . پس از هجوم قبایل وحشی ویرانی‌هایی‌که درحین تاخت و تاز در شهرها وارد ساختند، مردم‌رغبتی به‌زهد و ورع‌ورهبانیت پیداکرده وبسیاری از مردم به‌دیر وکنشت می‌رفتند وعمرخود را به‌عبادت صرف می‌کردند . «سن‌بنوا» یکی از بزرگ‌زادگان ایتالیا بود که ازدنیا دست‌کشیده ودرغاری نزدیکی‌رم روزگار به‌سر می‌برد . کم‌کم عده‌ای از رهبانان‌دور اوراگرفتند واوبرای رفع احتیاج رهبانان تشکیلاتی به‌وجودآورد ونظاماتی وضع‌کرد . درواخرقرن ششم یکی ازهمین رهبانـان به‌نام«گرگوار» که بعدهم‌لقب «کبیر» به‌او دادندخدمات بزرگی به‌کلیسا نمود .

وی درجوانی ازمشاهدهٔ ناملایمات زندگی وهجوم‌قبایل‌وحشی به‌ایتالیاملول شد ودنیارا ترک‌گفت . و دارایی خودرا وقف بنای چندین صومعه در روم نمود. صمیمیت و پرهیزکاری او به اقطار عالم رسید به‌قسمی‌که پس‌ازمرگ پاپ‌پلاژدوم اهل‌علم وملت روم به اتفاق مقام پاپ را به‌او تفویض‌کردند . و چون درآن سال طاعون سختی به‌شهر رومتلفات سنگینی واردکرده بود وی بادسته‌ای ازراهبین‌و مردم درهمان روزکه به‌مقام پاپی رسیده بود به‌مصلی رفت وتا یك‌هفته‌بعدتصادفاً طاعون رفع‌شد وازاین‌رو اعتقاد مردم‌به اودوچندان‌گردید. تازمان پاپ‌گرگوار ـ کبیر تمام پاپ‌ها خودرارعیت امپراطور روم می‌دانستند، اونیز مانند اسلاف‌خود همه جا خودرا فرمان بـردار امپراطور خواند . لیکن‌شأن شخصی اومقام اورا ازاسقف‌های روم بالاتربرد وچون‌ایتالیا درنتیجهٔ هجوم اقـوام وحشی مخصوصاً «لمبارد»ها ازهم پاشیده وامپراطوراسمی بدون مسمی بود ، اغلب‌بلاد ایتالیا خود مختار شدند . گرگوار در این موقـع تدبیری به‌کاربرده وبه‌روم آذوقه‌رسانید و وسیلهٔ دفاع فراهم‌کرد و سربازان را مواجب‌دادوبادسته‌های لمبارد‌که‌شهر را تهدید می‌کردند وارد مذاکره‌شد. جامعه روحانیت روم درایتالیا دارایی بسیاری داشت‌که اهم آنها « موقوفات پطروس» بودگرگوار ادارهٔ اموال مزبور را بـه عمالی‌ازاهل‌علم واگذاشت وبه‌این‌ترتیب حکومت وی برمردم ایتالیاکه خارج از حصارروم بودند نفوذ یافت و مردم پاپ را به‌ریاست خود شناختند و «گرگوار» را باید بانی‌این‌قدرت دانست . وی‌برای جلب مؤمنین‌کوشیدکه عبادات راررونقی بدهد وحتی‌الامکان برشکوه وزیبایی و تأثیر مراسم مذهبی مخصوصاً به‌تشریفات نماز جماعت بیفزاید .

به‌همین‌لحاظ درموسیقی نمازخانـه ترتیل راکه‌معروف بـه آوازگرگواری می‌باشد مقرر داشت وازآن‌جاکه همه با هم به‌لحن واحد می‌خوانند لذا در سامعه اثری ازوقار وآرامش باقی می‌گذارد . گرگوار نفوذ خودرا به‌طرق مختلفه در سایر کشورها ازقبیل اسپانیا (که‌قلمرو ویزیگت‌ها بود)وکشور فرانسه آن‌روز (قلمروگلواها) گسترش داد بطوری‌که ملکهٔ «تئودلنید»که از خانوادهٔ سلطنت باویر بود پسر ارشد خودرا غسل تعمید داد وملکهٔ «بـرنهو» ازکشور گل‌با او مکاتبه‌داشت وبرای‌اوبعضی اشیاء متبرکه فرستاد وبه‌این ترتیب کاری‌که اساس‌آن را گرگوار ریخته‌بوددرقرن هشتم‌خاتمه یافت، به‌این‌معنی‌که‌ازجنبهٔ مذهبی‌نه‌فقط تمام مردم‌مغرب وخاك ژرمن به اطاعت پاپ در آمده بودند بلکه حـوزه‌های مختلف روحانیت نیزمطیع پاپ‌گردید و درطول دوقرن یعنی زمان پاپ «اوربن» هشتم وپاپ «پی» هفتم(که اولی به سال ۱۶۴۴ و دومـی در ۱۸۲۳ وفـات یافته‌اند)کلیسا موفق‌شد مخارج‌عمومی‌را تحت‌قاعده ونظم ثابتی‌درآوردبدون‌آنکه مجبور باشندهرلحظه‌درآن‌تغییراتی‌دهند.

امروزحکومت کلیسا به‌عهدهٔ‌مأمورینی است‌که به‌سه دستهٔ اصلی‌تقسیم می‌شوند : دستهٔ‌اول، **اعضاء انجمن**. دستهٔ‌دوم، **قضات** و دستهٔ‌سوم، **اعضاء دفتر**می‌باشند. ولی‌کلیهٔ تصمیمات درکلیهٔ‌امور جزیی و کلی از ناحیهٔ شخص پاپ اتخاذ میشود. این تشکیلات به‌وسیله‌یك«دفتر مخصوص» اداره میشودکه شامل «دبیر خانه‌کل» و درحقیقت چشم وبازوی پاپ است‌وتحت نظریکنفر‌کاردینال‌که درعین حال« نخست وزیر» ووزیر امور خارجه ووزیرکشور محسوب میگردد قرار‌گرفته است . این سازمان درقدیم به‌صورت‌فعلی نبود بلکه از یکقرن‌ونیم‌پیش به‌اینطرف‌به‌اینصورت درآمده است .

کاردینالها تکیه‌گاه و نقطهٔ اتکاء پاپ میباشند وگاهی پاپ کلیهٔ مسؤلیتها را به‌دوش آنان میگـذارد بدیهی است تشکیلات وسیع پاپ و دربار او احتیاج

به‌عده کثیری دربازی داشت. از ۱۲۴۵ به‌بعد کلاه این درباریان قرمز بود علاوه برآن‌ها کارکنان دفتر پاپ که امر رسائل را در دست داشتند و خزانه که مالیات را ضبط میکرد در شمار درباریان بودند. بدیهی است نگاهداری این عدهٔ کثیر وابهتی که در نتیجهٔ سیاست پاپ برای کلیسا و مقام روحانیت ایجاد شده بود خرج بسیار داشت به‌این لحاظ پاپ برای تدارك وجه درصدد چاره‌جویی برآمده و خواست بوسایلی بودجه درآمد کلیسا و ممر عواید پاپ را افزایش دهد. عوارض بیشماری از قبیل عشریه عواید کلیهٔ متصدیان مشاغل روحانی و همچنین کسانی که با دوایر پاپ کار داشتند وضع کرد. زیرا عوایدی که از سایر ممالك میرسید تکافوی مخارج اورا نمی‌کرد و بدین‌جهت شکایات بیشماری از وضع این عوارض همه روزه می‌رسید ولی توجهی بدانها نمیشد. لیکن امروزه وضع دربار پاپ به‌صورت دیگری درآمده است.

سابقاً ثبت‌وقایع (تولد ـ ازدواج ـ فوت) که امروز در دفاتر سجل احوال صورت میگیرد در اختیار کلیساها و کشیشها بود زیرا در قرون وسطی هنوز شناسنامه در اروپا معمول نشده بود و همچنین قسمتی از امور قضایی نیز به‌عهده کلیسا بود.

اسقفها و مأموریت آنها.

فرانسوای اول پادشاه فرانسه در سال ۱۵۱۶ معاهده‌ای با پاپ بست که حق انتخاب اسقفهای کلیسای فرانسه از پاپ منتزع و به‌شاه محول شود ولی تصویب شغل کماکان با پاپ باشد. کم‌کم سایر کشورها نیز به‌فرانسه تأسی کردند و این اختیار از پاپ منتزع گردید ولی هر پنج سال یکبار کلیهٔ اسقف‌ها مکلف بودند (و هنوز هم هستند) که به سر منزل «پطروس و پولس حواری» سفر کنند و گزارش مشروحی از وضع قلمرو خود را در اختیار هیئت عمومی کاردینالها بگذارند. ولی اسقفهایی که در قاره‌های دیگر سکونت دارند موظفند هر ده سال یکبار این وظیفه را انجام دهند.

کاردینالها.

برخی از روحسانیون اولیه وحتی پاره‌ای از روحانیون قرون وسطی به‌جمع مال و تمرکز آن در يك نقطه عقیده نداشتند بلکه برعکس معتقد بودند که ثروت بایستی خرج شود تا کسانی که از مال دنیا بهره‌ای ندارند نیز بهره‌مند گردند. لیکن آن فروتنی و استغنا و بی اعتنایی به‌مال دنیوی که کاردینال «بلی» از آن صحبت میکند و آن‌را الازمهٔ مقام کاردینالی میدانند در اکثر کاردینالها وجود نداشته است، مثلا در کنار کاردینال «بوروموئه» که برای خدمت به‌خلق در میان طاعونیهای شهر «میلان» زندگی میکرد و از مرگ مطلقاً هراسی نداشت و حیات خویش را برای نجات بیماران به‌خطر می‌افکند میتوان کاردینال «کارافا» را نام برد که بدون شك جنایتکاری بیش نبوده است؛ به‌طوریکه «پل» چهارم میگفت: «دست او تا مرفق به‌خون آلوده است» کاردینال کارافا تنها کاردینال بدنام و بدسابقه نبود میتوان بسیاری از کاردینالهای دیگر از نظیر او نام برد.

امروز هریك از کاردینالها در دربار پاپ وظایف خاصی به‌عهده دارند و هر کدام بنحوی در حکومت پاپ شرکت میجویند. یکی از این کاردینالها در امور مربوط به‌روحانیت کمك میکند بدینمعنی که چون پاپ امور دینی شهر رم را به‌عهده دارد کاردینال مزبور قسمتی از این امور را انجام میدهد تا بار سنگین «پاپ» سبکتر شود. این کاردینال به‌نام «کاردینال قائم مقام» خوانده میشود.

کاردینال دیگری مأمور شرکت در هیئت کشیشانی است که برای دادن امتیازات یا معافیت و همچنین توبه دادن و غیره تشکیل میشود، کاردینال سومی مراقبت و نظارت اشیاء مقدس و متبرك را به‌عهده دارد.

کاردینالهای «کالج مقدس» در تصادفات غیر مترقبه مانند مرگ پاپ عهده‌دار کلیهٔ امور میباشند.

درچنین موقعیتی یکی از همین کار ـ دینالها که به‌نام «کاردینال اعظم» میباشد امور واتیکان را به‌دست میگیرد و کارهای جاری را انجام میدهد.

وی وظیفه دارد که از کاردینالهای «کالج مقدس» دعوت کند تا برای انتخاب پاپ جدید تشکیل جلسه بدهند. بعضی از کاردینالها در دورهٔ فترت موظفند تا وقتی پاپ جدید انتخاب نشده است رشته‌ای از امور را انجام دهند ولی پاره‌ای دیگر مسئولیت کمتری دارند و فقط وظیفهٔ آنها انتخاب پاپ جدید است. برای نیل به‌درجهٔ کاردینالی مراسم خاصی اجراء میگردد.

پاپ شخصاً در انجمنی که از خلفا و مسطرانها تشکیل شده نام کاندیدا را اعلام میکند و درصورتیکه پاپ بیمار باشد کافی است که در اطاق خود با حضور دو نفر کاردینال داوطلب را اعلام نماید. و در ـ صورتیکه از طرف پاپ نام وی برده نشود ولو اینکه انجمن رأی به‌کاردینالی او بدهد بهیچوجه اثری ندارد و به‌مقام کاردینالی نخواهد رسید.

درادوار گذشته کاردینالها از بین شاهزادگان انتخاب میشدند بدین‌معنی که «شاهزادگان کلیسا» در عین حال «شاهزادگان جامعه» نیز بودند.

امروز طبق يك پروتکل بین‌المللی شاهزادگان بلافصل یا فرزندان رؤسای کشورها هم میتوانند به‌مقام کاردینالی برسند درمواردیکه فرزندان رؤسای جمهور به کاردینالی انتخاب شوند عنوان «پسرعموی من» بدیشان اطلاق میگردد ولی نبایستی وضع داخلی خانه‌های ایشان از حد معینی تجاوز نماید. مثلا طبق یکی از مقرراتی که پاپ وضع کرده این قبیل شاهزادگان که به‌مقام کاردینالی میرسند نبایستی بیش از دویست نفر خدمتکار داشته باشند. یکی از همین کاردینالها در حالیکه آه میکشید میگفت:

«افسوس نمیدانم این چه مقرراتی است، به‌عقیده من صد نفر مستخدم هم زاید است.».

درقرن دوازدهم و سیزدهم قدرت روحانیت حد و اندازه نداشت و در واقع سلطنتی بود که به‌پاپ با دو حربهٔ «تکفیر» و «تحریم» با قدرت کامله برآن تکیه زده و همه‌کس را از فقیر تا پادشاه به‌اطاعت و تعظیم واداشته بود.

اززمان گرگوار هفتم مرسوم شد که پاپ از میان اطرافیان خود سفرایی با اختیارات تام باطراف و اکناف بفرستد و خلفا و اسقفها در برابر این سفرا ناچار به‌تسلیم محض بودند.

باید گفت که کاردینالها عضو «کنگره یا انجمن» در حقیقت وزیران کلیسا به‌شمار میآیند که هریك در رشته‌های مختلف از قبیل الهیات، رسوم مذهبی، امور کلیسای شرق و رشته‌های مختلف دیگر فعالیتهای شایانی دارند. سازمان انجمن‌ها شکل و هیئت واحدی دارند. بدین معنی که در رأس هر انجمنی يك «کاردینال جانشین» یا «کاردینال اعظم» قرار گرفته است. فقط سه انجمن از این قاعده مستثنی است و ریاست این سه انجمن را پاپ برای خود محفوظ نگاه داشته که عبارتند از انجمن‌های «خدمات مقدس»، «مجمع روحانیون» و «امور کلیساهای شرق».

کاردینالهای دیگری هستند (که تعدادشان متغیر و غالباً به‌بیست نفر میرسند) که پاپ شخصاً آنها را تعیین نموده است و

باخود پاپ انجمن را تشکیل میدهند . وبالاخره کاردینالهای دیگری که عنوان دفتری» دارند واین دسته را «کاردینال اعظم» منصوب میکنند که امور دبیری ، سردبیری ، بایگانی ، خزانه‌داری ، محاسبات، امور بیت‌المال وغیره به‌عهدهٔ آنان تفویض شده است . در کنار این مأمورین، روحانیون عالیقدر دیگری هستند که بصیرت تام و کامل در امور مختلف داشته و هریك واجد سجایای اخلاقی ومزایای بیشماری میباشند وپاپ آنها را انتخاب کرده و رسماً سمت «مشاور» به‌آنان اعطاء نموده است این دسته‌را «مشاورین‌مخصوص پاپ» مینامند. قسمت اعظم کارها به‌وسیلهٔ دبیران انجام میگیرد که همگی آنان زیر نظر یك سردبیر انجام وظیفه میکنند . کلیهٔامور جاری به‌وسیلهٔ این دسته تنظیم میشود چنانچه درعمل‌به‌مسایل مشکلی برخورد کنند در جلسات‌هفتگی که ازکاردینالهای عالیرتبه‌تشکیل واختصاصاً به‌نام«کنگره» نامیده میشود مطرح میگردد . حال‌اگر درکنگره نیز موفق به‌حل آن نشدند آنرا ارجاع به«هیئت عمومی‌کاردینالها» میکنند و ده روز قبل از تشکیل جلسه برگهای مخصوص «موافق» و « مخالف» به‌اعضای هیأت تسلیم میکنند تا پس از تشکیل جلسه و بحث کامل در اطراف مسئله رأی خود را به‌وسیلهٔ آن برگها ابراز دارند . رأی اکثریت موقعی قابل اجراء است که پاپ آنرا تأیید و امضاء نماید ودر غیراینصورت رأی اکثریت به‌هیچوجه ارزشی ندارد . «کنگره عالی مقدس » همان هیأت تفتیش عقاید است که‌هنوزهم وجوددارد» (منتها نه‌به‌صورت قرون وسطایی) . این کنگره از موقعی به‌وجود آمدکه پاپ تصمیم گرفت دربارهٔ زندقه وارتداد روش تازه‌ای‌پیش گیرد و شدت‌عمل‌نشان‌دهد.


لوتر

«با استفاده ازاطلاعات‌سالانه»

سالزینها.

در سال ۱۸۱۴ میلادی درتورینو، یکی از شهرهای شمالی ایتالیا، کشیشی نیکوکار و روشن‌بین ، انجمنی احداث کردکه هدفش تعلیم عده‌ای از غنچه‌های نورس‌اجتماع‌وراهنمایی‌آنهادرزندگی‌بود.

افرادی‌که این انجمن نیکوکاری‌را تشکیل دادند ، گروه از خود گذشته و خیرخواهی بودندکه به‌سبب ایمان راسخ به‌خداوند و خدمت به‌خلق ، از مظاهر فریبنده و لذت بخش زندگی و مزایای بسیاری‌که‌دیگرمردم‌ازآنها برخوردارند گذشته . زندگی خود را وقف این هدف عالی‌کردند؛ ازاین‌رودر نتیجهٔ‌روشن‌بینی مؤسس انجمن وایمان و ازخودگذشتگی افراد آن درعرض مدت‌کمی؛ انجمن‌های دیگرآن‌نیز درنقاط مختلف دنیا تأسیس شده و مورد استقبال قرار میگیرند .

ژان‌بسکوی مقدس (۱۸۱۴ـ۱۸۸۸م) مؤسس فرقهٔ سالزینها در مورد پیشرفت فعالیتهای فرقهٔ سالزینها در جهان گفته بود: بیشتر مراکز سالزینها بین‌مدارات ۳۰ و ۴۰ درجهٔ شمالی که کمربندی به‌دور جهان تشکیل میدهند ، به‌وجود خواهد آمد .

هرسال ۱۲۰۰ نفر برتعداد پدران روحانی‌سالزینهاو۱۳۰۰ نفربرخواهران سالزینها افزوده میشود، دولتهای‌مختلف در تسهیل پیشرفت این جمعیت اقدامات مفیدی میکنند .

اساس‌تعلیمات آنها، شناختن‌خصایل وصفات‌برجستهٔ‌کودك وتقویت‌آنها است .

امروز هزارها مؤسسهٔ فرهنگی و فنی و ده‌ها دانشگاه به‌وسیلهٔ این گروه تأمین شده و اداره میشود .

دبیرستان اندیشه تهران یکی از شعب آنهاست .

استقلالیان Independents

فرقه‌ای‌از پیروان حضرت مسیح‌که خود را از فرامین کلیسایی بی‌نیاز میدانند که رهبر آنها رابرت براون (Brown) بود .

پروتستان

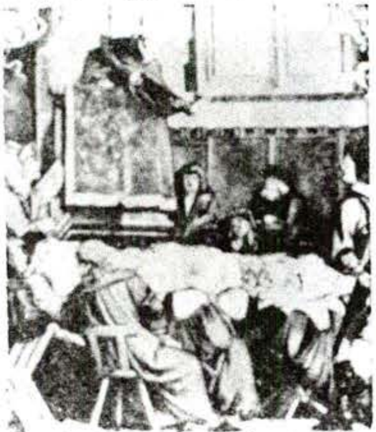
Protestantisme

آیینی‌که « لوتر » و طرفداران اصلاحات دینی در قرن شانزدهم پدید آوردند فرقی که آنرا ایجاد کردند کاتولیکانی‌بودندکه‌ازکلیسای‌روم‌جداشدند وبه‌فرقه‌های مختلف تقسیم‌گردید ، فرقهٔ انگلیکن ، فرقهٔ‌کالونی یاپرسبی‌تری ، فرقهٔ‌کنگرگاسیونی ، فرقهٔ متدی ، فرقهٔ مراو .

اختلاف اساسی پروتستانها را با کاتولیك‌ها درسه موضوع می‌توان تلخیص کرد :

۱ ــ تعریف ایمان . ۲ــ خصایص باطنی عقیدهٔ دینی . ۳ــ آئین و رسوم ظاهری مذهب .

۱ ــ کلیسای کاتولیك خودرا یگانه حافظ وقاضی حقیقی‌که در کتاب مقدس مسطور است و توسط سنت حفظ شده ، می‌دانند. برعکس پرتستانها مقیاس‌ایمان راکتاب مقدس دانند ولی «عقل فردی»


یك‌جلسه درس‌پروتستانها

را معبر ومفسرآن شمارند وگویند» در اموری‌که مربوط‌به‌اوامر خدای تعالی و موجب نجات ارواح است هرکس مسؤل خویشتن است.»

۲ ــ دراعتقادات مذهبی‌بزرگترین اختلافات‌درفرقهٔ‌مذکوردرمسئلهٔ‌گناه‌است.

کاتولیکان معتقدندکه‌نجات به‌وسیلهٔ قربانی‌ها و فدیه‌ها شامل‌حال همهٔ کسان خواهد شد وعفو الهی‌هیچ‌کس رامحروم نمی‌گذارد، ولی‌پروتستان‌ها «وبخصوص کالونی‌ها» مسئلهٔ‌گناه آدمی را اصلی و


دانشگاه علوم‌الهی پروتستانها

مقدر دانند وگویند عقیدهٔ به‌عفو ولطف الهی موجب آن‌شودکه آدمی از عذاب دوزخ فرارکند .

تعداد مراسم‌غسل تعمید و استعمال افخارستیا معدودگردیده است .

۳ ــ ازنظر رسوم وانتظامات‌دینی مراجع‌مذهبی‌پاستورها (کشیشان‌پروتستان) هستند وهمهٔ شعب پرتستان به صورت انتخابات ، تنظیم می‌شوند . کلیساهای پروتستان‌ممالك‌مختلف‌مستقل‌ازیکدیگرند

آیین پروتستان دراروپا، آلمان شمالی، دانمارك ، سوئد ، نروژ ، انگلستان ، هلند ودرآمریکا رواج دارد .

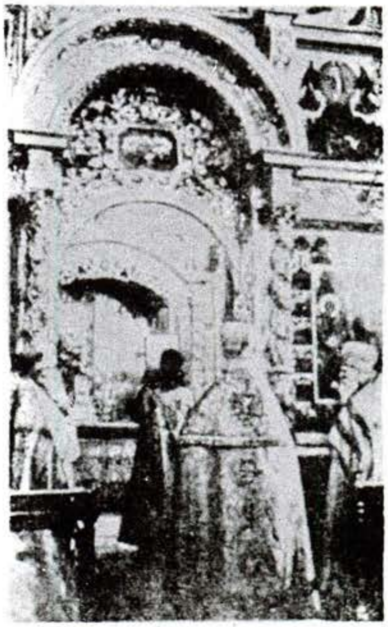
مذهب پروتستان شعبه‌ای از دین مسیحی است که در ممالك زیر رواج دارد :

۱و۲ــ آلمان‌غربی وآلمان‌شرقی .
۳ ـ ایسلند .
۴ آندورا .
۵ ـ استرالیا .
۶ ـ انگلستان .
۷ ـ اسکاتلند .
۸ ـ ایرلندشمالی .
۹ ـ دانمارك .
۱۰ ـ سوئد .
۱۱ ـ سوئیس .
۱۲ ـ تایلند .
۱۳ ـ فنلاند .
۱۴ ـ فیلیپین .
۱۵ ـ گروئنلند .
۱۶ ـ نروژ .
۱۷ ـ هلند .

آناباپتیست‌ها Anabaptistes

عده‌ای ازپروتستانها که به‌غسل‌تعمید دوباره اعتقادداشتند ، لوتر باآنهامخالف بود ، ازرهبران بزرگ‌آنها ؛ مونتسرو یوهان لیدنی‌بودند .

اورتودوکس Orthodox



کلیسای ارتودوکس درمسکو

اولین تجزیهٔ مذهب مسیحی‌است ، پیروان این‌کیش درسال ۱۰۵۴ به‌طور نهایی ازکلیسای روم جدا شدند .

اختلافات آنهارا به‌طورخلاصه‌میتوان به‌شرح زیرتعریف‌کرد :

۱ـ ارتودوکسها بزرگان‌کلیسا را معصوم نمی‌دانند وآن‌ها را ازگناه‌مبرا نمی‌شناسند .

۲ـ اورتودوکسها، بارداری‌حضرت مریم (ع) رابی‌شائبه نمیدانند .

۳ـ دراین‌مذهب‌کشیشها درانتخاب همسرآزادند .

۴ ـ عبادات را به‌زبان رسمی هر-کشور مجاز می‌دانند .

صائبی (صبی‌های خوزستان) .

دین طایفه‌ای‌که پیرو یحیی‌معمدان هستند ، مفسرین‌قرآن ومورخان اسلامی آنهارا ازبقایای‌ستاره‌پرستان‌قدیم‌کلدانی وبابلی پنداشته‌اند ولی‌پیروان‌کنونی‌این مذهب، که درخوزستان وجنوب عراق‌به‌سرمی‌برند خودرا به‌نام صبی می‌خوانند نه‌صائبی ، ودراکثریت کتب اسلامی هم دانشمندان معاصر، بین‌صائبی‌ها وصبی-های خوزستان جدایی قایل‌شده آنها را دوطایفه وپیرو دو مذهب دانسته‌اند. به‌هر حال صبی‌های‌کنونی‌را باید پیروان‌یحیی معمدان دانست که مقارن ظهور عیسی یهودیان‌را کنار رود اردن ، برای‌توبه وپاکیزگی غسل تعمید می‌داد ، چه‌آنکه صبی‌های کنونی براین‌عقیده ومناسك و آداب دینی آنهاکه بیشتر همراه باغسل تعمید انجام می‌پذیرد دلیل این مدعی است .

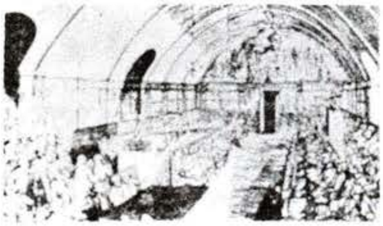
بعضی‌عقاید ومناسك صبی‌ها.

صبی‌هاویحیویان‌کنونی دارای‌عقاید وآداب‌پیچیده‌ای هستند ومیکوشندعقاید وآداب خودرا ازبیگانگان پنهان‌دارند ولی‌آنچه ازعقاید و مناسك آنها معلوم شده چنین است:

ستارگان آسمان وبه‌ویژه خورشید وسیارات هفت‌گانه را درتمشیت وتنظیم امورجهان وطالع مردم مؤثر می‌دانند ؛ خورشید را سلطان ستارگان و منبع‌نور می‌دانند ؛ برآنند که ستارگان قدیم و ازلی هستند وهرکدام درامور مربوطهٔ خود موجب ومجبورند ؛ ازاین‌رو برای ستارگان احترام ونظر پرستش دارند . بیشتر عبادات ومناسك دینی‌صبی‌ها در ضمن‌غسل وهمراه باآب معمول می‌شود ، روی این اصل است ، که‌آنها ازقدیم در کنار رودها، مانند : دجله، فرات،کارون وشط‌العرب مسکن‌می‌گزیده‌اند . غسل تعمید یکی ازمناسك مهم آنها است ؛ بر هرتازه وارد به‌دین آنها واجب است ، که‌آنرابه‌جای آورد ؛ عید فصح‌یهودیان ورسم ختستان آنها را معمول می‌دارند ؛ باعیسی مسیح وپیروان اوکینه و دشمنی سخت دارند و می‌گویند مسیح‌همان‌یحیی بودکه عیسی مقام‌اوراغصب‌کرد ، معابد خودرا درکنار رودهای جاری‌قرارمی-دهند ، تادرعبادات خود دچارکمبودآب نشوند .

دمینیکن.

یا برادران واعظ ، فرقهٔ مذهبی مسیحی ، که‌به‌سال ۱۲۰۶ م . درتولوز توسط (دمینیك وگوزمان) سن‌دمینیك برای مقابله با رافضیان‌آلبیژوا تأسیس



کلیسای فرقه دمینیکن

شد ودرسال ۱۷۹۲ منحل‌گردید ولی مجدداً توسط لاکردر دایر شد . غالباً دومینیکن‌هارا به‌نام‌صومعهٔ آنان‌که در خیابان سن‌ژاك (پاریس) واقع است ، ژاکوبن Jacobins (یعقوبین) مینامند . تشکیلات این‌فرقه‌درقرن چهاردهم‌توسط سنت‌کاترین‌سینی (ایتالیا) تجدیدشد .

آدونتیست‌ها Adventists

فرق متعددی از پیروان حضرت عیسی (ع) می‌باشندکه‌به بازگشت او به زمین اعتقاد دارند مهمترین دستجات آنها :

۱ ـ آدونتیست‌های روزدوم.
۲ ـ آدونتیست‌های روزهفتم .

آدونتیست روز دوم

رهبر این‌گروه **ویلیام میلر** است که سال ۱۸۴۴را روز بازگشت مسیح می‌دانستند ولی‌چون خبری‌نشد ، روز رجعت را نامعلوم اعلام‌کردند .

آدونتیست‌های روز هفتم.

بانووایترا پیامبر می‌دانند و هر آن منتظرظهور حضرت مسیح هستند و روزشنبه‌راتعطیل میکنند .

آنتینومیانیسم Antinomianism

عقیده‌ای درمسیحیت مبنی براینکه مسیحیان چون‌به‌توسط مسیح نجات یافته وباایمان‌برائت حاصل نموده‌اند، نیازی به‌پیروی ازقوانین اخلاقی (خاصه‌قوانین عهد عتیق) ندارند .

آناباتیستها یگانه‌فرقهٔ بزرگی‌است که ازاین عقیده پیروی میکنند .
(دایرة المعارف مصاحب)

حواریون حضرت مسیح

عنوان۱۲ تن شاگردان عیسی‌مسیح که فرستادگان او جهت تبلیغ مسیحیت بودند، اسامی‌آنان‌بدین‌قرار است:

۱ ــ پطروس مقدس.
۲ ــ قدیس آندرئاس .
۳ ــ یعقوب‌حواری (کبیر).
۴ ــ یوحنای حواری .
۵ ــ تومای‌حواری .
۶ ــ یعقوب‌حواری (صغیر).
۷ ــ یهودای‌حواری .
۸ ــ فیلپس حواری .
۹ برتولماوس .
۱۰ ــ متی .
۱۱ شمعون‌قانوی .
۱۲ ــ متیاس حواری.

آمار پیروان ادیان

دین	امریکای شمالی	امریکای جنوبی	اروپا	آسیا	افریقا	اقیانوسیه	جمع
کلیهٔ‌مسیحیان	۱۹۴،۹۷۹،۰۰۰	۱۴۰،۳۷۹،۰۰۰	۴۹۶،۱۴۴،۰۰۰	۵۰،۸۴۶،۰۰۰	۳۸،۷۳۴،۰۰۰	۱۱،۹۷۳،۰۰۰	۹۳۳،۰۵۵،۰۰۰
کاتولیک‌رومی	۱۱۴،۴۷۹،۰۰۰	۱۳۷،۶۵۶،۰۰۰	۲۵۱،۸۰۰،۰۰۰	۳۸،۵۰۱،۰۰۰	۲۶،۲۲۰،۰۰۰	۳،۲۷۱،۰۰۰	۵۷۱،۹۲۷،۰۰۰
ارتدوکس‌شرقی	۳،۴۳۴،۰۰۰	۴۲،۰۰۰	۱۲۹،۶۳۶،۰۰۰	۲،۶۲۲،۰۰۰	۴،۹۶۸،۰۰۰	۷۷،۰۰۰	۱۴۰،۷۷۹،۰۰۰
پروتستان	۷۷،۰۶۶،۰۰۰	۲،۶۸۱،۰۰۰	۱۱۴،۷۰۸،۰۰۰	۹،۷۲۳،۰۰۰	۷،۵۴۶،۰۰۰	۸،۶۲۵،۰۰۰	۲۲۰،۳۴۹،۰۰۰
یهودی	۵،۸۸۰،۰۰۰	۶۸۱،۰۰۰	۳،۹۰۷،۰۰۰	۲،۱۶۰،۰۰۰	۳۱۸،۰۰۰	۷۰،۰۰۰	۱۳،۰۱۶،۰۰۰
مسلمان	۳۸،۰۰۰	۳۷۲،۰۰۰	۱۳،۱۲۴،۰۰۰	۳۳۸،۷۲۶،۰۰۰	۹۳،۵۸۰،۰۰۰	۱۰۹،۰۰۰	۴۴۵،۹۴۹،۰۰۰
زردشتی	—	—	—	۱۴۵،۰۰۰	—	—	۱۴۵،۰۰۰
شینتو	—	—	—	۷۸،۶۳۲،۰۰۰	—	—	۷۸،۶۳۲،۰۰۰
تائو	۱۵،۰۰۰	۱۷،۰۰۰	۱۲،۰۰۰	۵۱،۲۶۱،۰۰۰	—	—	۵۱،۳۰۵،۰۰۰
کنفوسیوسی	۹۰،۰۰۰	۱۰۰،۰۰۰	۱۲،۰۰۰	۳۴۲،۳۱۳،۰۰۰	۸،۰۰۰	۵۴،۰۰۰	۳۴۲،۵۷۷،۰۰۰
بودایی	۱۷۱،۰۰۰	۱۴۱،۰۰۰	۱۰،۰۰۰	۱۵۸،۳۷۰،۰۰۰	—	—	۱۵۸،۶۹۲،۰۰۰
هندو	۲۹،۰۰۰	۳۲۴،۰۰۰	—	۳۵۸،۵۴۵،۰۰۰	۶۶۷،۰۰۰	۱۱۸،۰۰۰	۳۸۶،۶۸۳،۰۰۰
متفرقه یا بی‌مذهب	۷۹،۳۷۶،۰۰۰	۱۴،۱۷۶،۰۰۰	۸۴،۶۴۱،۰۰۰	۴۰۶،۲۰۹،۰۰۰	۱۴۰،۰۸۹،۰۰۰	۳،۸۱۶،۰۰۰	۷۲۸،۳۰۷،۰۰۰
جمع	۲۸۰،۵۷۸،۰۰۰	۱۵۶،۱۹۰،۰۰۰	۵۹۷،۸۵۰،۰۰۰	۱،۸۱۴،۲۰۷،۰۰۰	۲۷۳،۳۹۶،۰۰۰	۱۶،۱۴۰،۰۰۰	۳،۱۳۸،۳۶۱،۰۰۰

پیامبران ومدعیان



آدم‌وحوا



آدم .

نخستین انسان و پدر نوع بشر طبق روایات‌ادیان سامی مــعادل گیومرت ایرانیان .

خداوند وی را خلق‌کرد ودربهشت جای‌داد و«حواء»را خلق‌کرد و زوجهٔ‌او گردانید . چون‌آدم وحوا سیب یاگندم‌را ، که ممنوع بـود خوردند ازبهشت‌اخراج شدند؛ابوالبشر.

ابراهیم ، خلیل .

پیغمبری ازبنی‌سام ملقب به‌خلیل، جد اعلای بنی اسراییل وعرب مستعربه وانبیای یهود . در روایات اسلامی اورا پسرآزربت‌تراش دانسته‌اند وبه‌ابن‌تارخ



یا تارح یاترح معروف است .

وی درحدود دوهزارسال پیش از میلاد درقریهٔ «اور» ازتوابـع کلده در مشرق بابل به‌دنیا آمد . ابراهیم طایفهٔ خویش‌را به‌خدای‌یگانه‌دعوت‌کردو نمرود فرمان دادآتشی بزرگ افـروخته اورا درآتش‌افکند، ولی‌آتش براو سردشد و وی سالم ماند . لوط برادرزادهٔ اوست ، ابراهیم سفری به‌مصر وفلسطین‌کرد ودر صد وبیست‌سالگی‌به‌ختان (ختنه)خویش مأمورگشت . وخانهٔ‌کعبه ساختهٔ اوست . خداوند به‌ابراهیم فـرمان داد پسرخود اسماعیل (به‌روایت مسلمانان غالباً) ویا اسحاق (به‌روایت یهود) را قربان‌کند و آنگاه‌که به‌اجرای امر خدا می‌پرداخت به‌ذبح‌گوسفندی به‌جای پسر فرمان داده

شد . گویند که وی درصدوهفتاد سالگی درگذشت

ادریس Enoch

یکی ازپیامبران که مانند خضر و الیاس‌حیات جاودانه یافت واورامخترع قلم ولباس می‌دانند.

ارمیای نبی Jérémie



یکی از پیامبران بزرگ بنی‌اسراییل که زمان یوشیا مردم‌راموعظه می‌کرد ، شکست سیاست خارجی‌یهودرا پیش‌بینی کرد ومردم‌را ازمقاومت باز می‌داشت لذا به‌زندان افتاد وپس‌ازسقوط اورشلیم آزادشد. کتاب‌های مهم‌او: کتاب «مراثی، کتاب‌باروخ، وکتاب ارمیای‌نبی» است .

اسحاق Isaac

وی پسرابراهیم‌خلیل وساره بوددر هنگامی که‌پدرمی‌خواست‌اوراقربانی‌کند،



فرشته‌ای اورا نجات داد .

وی با(ربکا) ازدواج‌کرد و ازاین وصلت عیسی ویعقوب متولد شدند.

اسحق ترک Isaac

(۱۳۶ ـ ۱۵۸ه ق)

پس از قتل ناجوانمردانه ابومسلم خراسانی به‌دست خلیفهٔ دوم عباسی ، کسانی درخراسان به خونخواهی او قیام کردند وازآن جمله اسحق‌ترك بود که خودرا ازاولادعلی(ع) می‌دانست ودعوی امامت‌داشت ومی‌گفت‌کهابومسلم‌پیغمبری بوده ازجانب زرتشت و معتقدبود که زرتشت‌یك‌موجود جاودانی است وروزی ظاهر می‌شود و دین خود را بر قرار می‌سازد .

اسحق وپیروانش دراندك مدت به دست‌عمال خلفای‌عباسی درشمال افغانستان نابود شدند .

اشعیا Isaïe

(زنده در۷۱۰ ق م)



یکی‌ازپیامبران بزرگ‌مذهب یهود است وکتاب‌او بیشتر جنبهٔ سیاسی داشته و اشاراتی از ظهور مسیح درآن‌آمده است .

الیاس ، ایلیا Elie

(زنده ۸۷۵ ق م)



پیامبر یهوددرزمان(آخاب‌وایزابل) شاگرد وی‌بود . وقایعی از زندگانی او نقل میکنند . ازجمله :

تغذیه معجزآسای الیاس به‌وسیلهٔ کلاغان ، زنده‌کردن پسرزن‌بیوهٔ سارتپا، صعودبه‌آسمان به‌وسیلهٔ گردونه‌ای‌آتشین. جبه‌ای‌الیاس‌به‌الیشع‌شاگردخود بخشیده تا او نیز بتواند معجزات وی‌را انجام‌دهد.

دراسلام‌وی‌یکی‌ازچهار نبی‌جاویدان به‌شمار رفته‌است وکار مهم الیاس ازبین بردن بعل‌پرستی‌که ایزابل رواج داده بود .

الیشع Elisée



از پیامبران بنی‌اسراییل که درحدود ۸۷۵ قبل از میلاد حیات داشته است. وی اقدامات ایلیا را در زمان‌جانشینان اخاب‌دنبال‌کرد، ازمعجزاتی‌که‌به‌اونسبت می‌دهند زنده‌کردند اطفال مرده وشفا دادن جذام نعمان وکومك‌کردن به بیوه زن‌وام دار. نام آن‌حضرت دوجا با نام پیغمبران آمده است .

باب ، سیدعلی محمدبن رضاشیرازی.

(۱۲۳۵ـ۱۲۵۶ه‌ق)

بانی‌آیین بابیه است . وی مدتی‌در کربلا نزدسیدکاظم رشتی تحصیل میکرد ولی بسیار زود آنرا رهاکرد و چندی



به‌ریاضت وانقطاع مشغول شده وازآن‌جمله گویند مدت چهل روز در تابستان بوشهر زیر آفتاب نشسته . در آن ایام بیش ازسی سال بودکه جمعی از مردم و ملایان بخصوص شیخ احسائی وسید کاظم رشتی سخن ازتمام‌شدن‌هزاره غیبت‌مهدی موعود وظهور قریب‌الوقوع‌او می گفتند. سیدعلی‌محمددرسال۱۱۶۳ هق‌دعوت‌آشکار کرد وبرای اعلام‌آن به‌جهانیان به مکه رفت وشیخ حسین بشرویانی را برای گردآوردن‌هواداران وخروج به‌خراسان فرستاد ولی چنین پیداست که سید در مکه نتوانست سخنی از دعوت به میان آورد. وقتی به‌شیراز بازگشت جمعی بر اوگردآمدند ودرنتیجه ملایان به‌مخالفت برخاستند . حاکم باب را توقیف‌کرده‌و تازیانه زد و او در منبرگفتار خود را انکار کرد . چندی بعد سید به‌خواهش منوچهرخان گرجی معتمدالدوله حاکم اصفهان نزد وی رفت و از حمایت او برخوردار شد . ولی‌معتمدالدوله بزودی درگذشت و باب را به‌دستور محمد شاه



الیاس نبی

یاحاج میرزاآقاسی به‌تهران فرستادند، سید خواست شاه را به‌بیند درباریان صلاح ندانستند واو نامه‌ای به‌شاه نوشت شاه نامه‌یی درجواب او نوشت‌که فعلا در آذربایجان باشد تاازمسافرت برگردم. درنتیجه باب را به‌تبریزوازآنجا به‌ماکو بردند و چندی بعد در قلعهٔ چهریق در حوالی اورمیه منتقل‌کردند، چون روز به‌روز سروصدا ازاطراف او برمیخاست ناصرالدین میرزا ولیعهد اورا به‌دستور شاه به‌تبریز آورد ودر حضور جمعی از ملایان وطرفدارانش محاکمه کرد. در این‌محاکمه ازادعای سیدچیزی حاضرین درك نکردند. وعدم‌اطلاع سید ازصرف ونحو مقدماتی عربی نیزکار اورا خراب کرد. سپس سید نامه‌یی درقدرت خارق‌العادهٔ خود نوشت ولی نتیجه‌یی نگرفت واورا باردیگربه‌زندان‌بردند. اماسید حسین بشرویه‌یی که مردی شجاع بود دعوت اورا همه‌جا منتشرکرد ودر فارس وزنجان ومازندران قیامهای خونینی‌بر پا شد و بابیان مانند همهٔ مردم نوکیش حرارتی‌به‌خرج می‌دادند. ازطرف دیگر قرائن‌نشان می‌دهدکه شاه وحاجی‌میرزا آقاسی‌وغالب‌امراء وحکام درصحت وسقم دعوی باب‌شك داشتند ومی‌ترسیدندمبادا دعوی‌اوراست‌باشد وآنان براثرمخالفت باامام زمان‌مستوجب عذاب ابدی شوند. تاسرانجام ناصرالدینشاه‌که خود باب‌را دیده بود بر تخت نشست و مردی چون امیرکبیرزمام‌کاررا به‌دست‌گرفت ومصمم شد یکباره به‌این شورشها پایان بخشیده باب‌را به‌تبریز آوردند وازملایان حکم تکفیر اوراگرفتند آنگاه اورا به‌چوبی بسته وتیرباران‌کردند چون دود باروت تمام شد اورا درجای خودندیدند. پس ازجستجو اورا دراطاقی درآن نزدیکی یافتند ومعلوم شد براثر باز شدن طناب گریخته. درنتیجه باردیگراوراتیرباران کردند وجسدش‌را درخندق شهرافکندند تااگر احیاناً ازاولیا باشد معلوم گردد (زیراعقیده‌داشتند سباع ووحوش به‌جسد امام نزدیك نمیشود).

گویا بابیان شبانه‌آنرا ربوده ودر محلی دفن‌کرده‌اند (عقاید وی در بابیه ذکرشده).

بابك خرم دین (فوت ۲۲۳ ه ق)

رئیس فرقهٔ خرم دینان، در زمان دوتن ازخلفای عباسی (مأمون و معتصم) میزیسته است، پدرش **مرداس**، روغن فروشی ازاهل مداین بود. عده‌ای نسب اورا به‌ابومسلم می‌رسانند.



قلعه‌جمهور

قیام‌اوعلیه بیگانگان بویژه‌اعراب بود، درمقابل‌دین‌اسلام‌داعیهٔ‌رسالت‌داشت. مرکزقیام‌اوآذربایجان وقلاع‌محکم کوههای اطراف آن بود، سرانجام کاراو پس ازکشتار بیش ازپانصد هزار سرباز خلیفهٔ عباسی، به‌حیلهٔ افشین، اسیرشد، وخلیفه اورا باشکنجهٔ فراوان بکشت و مرده‌اش‌را به‌دار‌آویخت طرفداران‌بابك به‌سرخ پوشان معروفند، بین اوومازیار مرد دلیرطبرستان سابقهٔ مودت بود.

برهما Brahma



برهما از خدایان هندوست‌که باویشنو و شیوا تثلیث هندویی را تشکیل می‌دهد. برهما خالق است، شیوا مخرب وویشنوحافظ. پیروان این فرقه برهما را انسانی مجسم‌میکنند که چهارسروچهاردست دارد ودردستهای خودنسخه‌ای **ازودا**ویك‌کوزه ویك‌قاشق ویك تسبیح نگاهداشته است. شهرمقدس پیروان برهما **بنارس** وکتب قانونگذار هندو **ودا** ازآثار اوست.

بودا Bouddha

(۵۶۳ـ ۴۸۳ ق م)

پیامبر دین بودایی، مردی از خانواده‌یی ثروتمند، که در جوانی به



سه‌بدبختی بشر (بیماری، پیری ومرگ) پی برد وپس ازملاقات راهب زنده دلی درسن **۲۹** سالگی به‌همهٔ خوشیها پشت‌پا زدوبااحساس عمیق بشردوستی به‌ریاضت کشانیده شد. سرانجام پس از هفت سال ریاضت در زیردرخت‌انجیرمعبد، حقیقت براوآشکارشد وبه‌ارشاد مردم پرداخت. وآیینی آورد که امروزه قریب دویست ملیون نفر پیرو آن هستند ودرسن **۸۰** سالگی درگذشت.

به‌آفرید (فوت۱۳۱ ه ق)

رئیس فرقهٔ معروف به‌آفریدیه، از ایرانیان‌مقیم‌خراسان، درزمان ابومسلم (اواخر بنی امیه) مدعی نبوت شد. به‌آفرید، پسرماه‌فروردین بودکه‌سیاحت فراوان کرده‌است. کتاب اوتجدیدنظری ازدیانت زرتشت است و چون حضرت زرتشت را به نبوت قبول داشت عده‌ای به‌او پیوستند. واودستورداد تاپیروانش به‌هرسمت‌که‌خورشید است‌نمازبخوانند.

به‌شکایت عده‌ای ازبزرگان دین زرتشت به‌ابومسلم‌شکایت‌بردندواودستور داد تااورا بکشند.

بهاءالله، حسینعلی میرزا.

(۱۲۳۳ ــ ۱۳۰۹ه ق)

درسال ۱۲۶۰ ه ق به‌واسطهٔ ملاحسین بشرویه‌یی‌درتهران‌خبردعوت باب‌راشنید وبه‌یاری اوقیام‌کرد درواقعهٔ‌سال **۱۲۶۸** بهاءالله باگروهی از بابیان **دستگیرو**



زندانی گردید .

پس‌ازچهارماه‌بهاءالله به‌عراق تبعید شد ، ومدت یازده‌سال دربغداد به تبلیغ بابیه مشغول بود . درسال۱۲۷۹ اورابه استانبول وپس‌ازچهارماه به‌ادرنه و پس ازپنج‌سال‌به‌عکا (فلسطین) نفی کردند واو درسربازخانهٔ بیرون‌عکا زندانی بود تا درگذشت .

وی‌دربغداد خودرا «من یظهره‌الله» و«موعود» بیان‌خواند . ازآثار اوست : «ایقان ، اقدس، جواهرالاسرار ، هفت‌وادی، کلمات مکنونه».

جینا Jina

(زنده درقرن پنجم ق م)



پیامبر دین ژاپی‌نیسم ، از زندگی او جز مشتی افسانه‌دردست نیست ، ولی معلوم است‌که درزمان‌حیات بودا چشم از جهان‌فروبسته است.

دریکی از نواحی بنگال به‌دنیا آمده،او وزن ودخترش‌زندگی شاهانه‌یی داشتند . ۲۸ ساله بود که مقام و عزت و خانه‌را گذاشت با جامه‌ای درویشی ، بیرون آمد .

بعداز۱۳ماه زندگی‌اوکاملا گدایی شد ، بعداز۱۳ سال درزیر درختی به‌نام سالا Cala به‌او الهام شد . از آن تاریخ اوبه‌نام ژینا، فلسفهٔ پیامبری‌خودرا‌عنوان کرد ومدت سی‌سال تعلیم میداد .

حبقوق، نبی Habacuc

(زنده ۵۰۰ ق م)

ازانبیای بنی‌اسراییلی . وی ظاهراً درزمانی‌که‌بنی‌اسراییل دراسارت‌بابلیان بوده می‌زیسته . کتاب نبوت او که سفر سی‌وپنجم از اسفار عتیق است محتوی سه باب است وتخمیناً درحدود ۶۰۰ ق م تحریر شده واکثر آن دربارهٔ بابلیان است‌که‌چگونه یهودیه‌را فتح‌خواهندکرد وازآن پس بابل‌منهدم خواهدگردید و زمان نجات قوم خدا فراخواهد رسید .

حزقیل Ezéchièl

(زنده درقرن ۶ ق م)



پسر **بوزی** کاهن ، یکی ازچهارپیامبر بزرگ‌عبرانی در یهودیه متولد شد . در سال۵۹۸ ق‌م. بخت‌نصر وی‌را اسیر کرده به‌بابل برد .

دانیال Daniel

(قرن ۷ ق م)



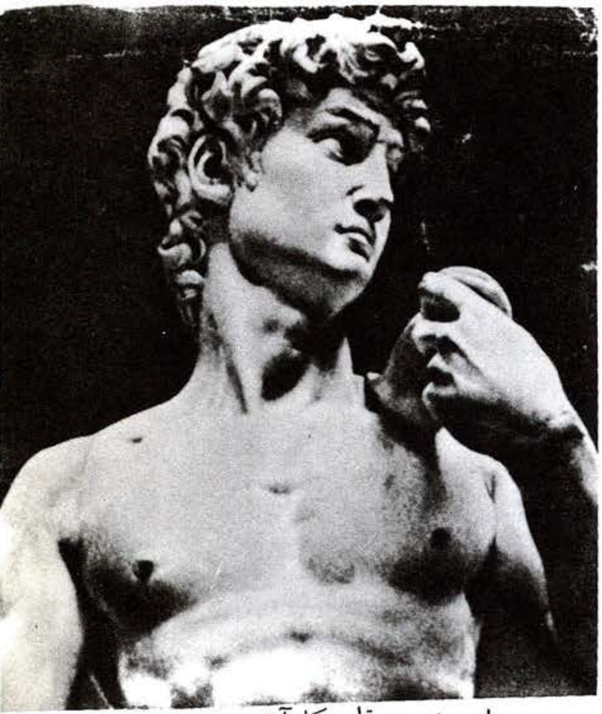
یکی از چهارپیغمبر بزرگ‌بنی‌اسراییل و یکی از اسراییلیان جوان بودکه آنانرابااسارت به‌بابل‌بردند.

او به‌سبب هوش وذکای خود نزد نبوکدنصر (بخت‌نصر) وجانشینش **اویل‌مردخ** تقرب یافت . روحانیون از توجه‌پادشاه نسبت‌به‌اوخشمگین گشتند واورابه‌گودالی که شیران درآن بودند ، افکندند، ولی روز بعد اورا سالم یافتند . در روایات اسلامی دانیال مخترع «رمل» به‌شمار میرود .

داود (ع)

(۱۰۱۰-۹۷۰ ق م)

پادشاه اسراییل جانشین شاعول شد و برفلسطینیان غلبه و بیت‌المقدس را



داودپیغمبر به‌قلم‌میکل‌آنژ

تأسیس‌کرد . او شاعر و پیغمبر بود واز خود «مزامیر»ی به‌جاگذاشته‌که مشحون از الهامات غنایی است . طبق توراة‌وی تنها باجالوت غول جنگید و او را بایك ضربهٔ فلاخن کشت .

ذوالحمار.

لقب اسود یا (عبهله) عنسی‌کذاب ، متنبی‌که در سال ۱۰ ه‌ق. در یمن‌نبوت دعوت‌کرد، ودرسال۱۱کاروی‌بالاگرفت، و رسول (ص) به‌فیروز (یا فیروزان) دیلمی رئیس ابنای فارس که مسلمانی پذیرفته بود - نوشت تا او را از میان بردارد ، و وی ذوالحمار راکشت. واین لقب‌ازآن به‌وی داده‌اندکه خری داشت، چون به‌وی می‌گفت : (اسجدلربك)سجده میکرد و چون میگفت «ابرك» می‌خفت.

رحبعام Roboam

(۹۳۵-۹۱۴ قم)

پسر و جانشین سلیمان درسن ۴۱ سالگی به‌تخت سلطنت یهود نشست . در زمان حکومت او یهود به‌دو قسمت‌شدند تنها دو طایفهٔ یهودا و بن یامین تحت

اطاعت اوباقی ماندند و ده‌طایفهٔ دیگر سراز اطاعت او پیچیده و یـاربعام را به‌شهریاری برگزیدند .

زرتشت

زرتشت که اورا زرتشت، زره‌تشت، زردهشت وزرتشتره گویند ، ازخاندان «سپیتمه» یا «سپیتمان» وپدرش «پوروشسب» ومادرش «دغدو» است ونسبش به‌فریدون میرسد .

درششم فروردین ماه وهمزمان بـا پادشاهی «شاه گشتاسب» در آذربایجـان حوالی‌دریاچهٔ رضائیه مجاور «گزن‌شهر» یا «شیز» تولد یافت.



دربیست‌سالگی به‌پناه غاری‌دربالای کوه سبلان رفت ومدت ده‌سال به ستایش خداوند ومطالعه در رازآفرینش پرداخت وآنگاه که به‌اسرار بزرگی آگاه گشت نبوت خودرا که پایه‌اش بـر یکتاپرستی نهاده شده بود ، بـه جهانیان اعـلام نمود .

چون‌اهـالی‌زادگاهش عوامل‌طبیعت را می‌پرستیدند ، برعلیه او شوریدند و درصدد قتلش برآمدند . ازینرو به‌سوی شرق یعنی بلخ که در آنجا شاه گشتاسب سلطنت می‌نمود ، روانه گشت و تعالیم و پیام‌پیامبری‌خودرا درآنجا اعلام داشت ودرخت سرو معروف‌کاشمررا دربرابـر کاخ شاهی کاشت.

بنا به‌فرمان‌شاه گشتاسب،دانشمندان آنزمان با زرتشت بـه بحث و گفتگـو پرداختندوبالاخره پس‌ازمباحثات‌طولانی تمام آنها دربرابر تعالیم و احکام آن پیامبر سرتعظیم فرودآورده به دین وی گرویدند .

آنچنانکه در «گاتاها» آمده‌است، شاه گشتاسب و «کتایون» شهبانو، نخستین کسانی بودند که به آیین وی ایمـان آوردند .

سرانجام تعالیم این پیامبر پرستش خدای‌یگانه «اهورامزدا» می‌باشدکه‌معنی آن ، هستی‌بخش بزرگ داناست ، وپایه واصول اخلاقی دین او به‌راستی و نیکی وپرهیزکاری نهاده شده است منش‌عالی سه‌گانهٔ : اندیشهٔ نیك ، گفتار نیك ، کردارنیك ، ازدستورات آن‌پیامبربزرگ است .

برای‌حل‌مسئلهٔ‌خیروشر ، یعنی‌نیکی و بدی ، فلسفه ای به نام سپنتامینو (مظهرنیکی) و انگره مینو (مظهربدی) که ازفکرواندیشهٔ انسانی سرچشمه می‌گیرد ، به‌بشرتعلیم‌فرمود وبا این‌ترتیب موضوع‌غامض خیروشر که ممکن‌بود بر‌دامن‌کبریایی پروردگـاه که منشأ خیرو نیکی محض است ، گردی‌بنشیند ؛ حل نمود .

همچنین وسیلهٔ نیل‌به سعادت را ، کار و کوشش فرمود و ازآن‌گذشته بقای روح‌واعتقاد به‌جهان‌دیگربه‌نام «گروسمان» یا کشور جاودانی اورا را برای‌نخستین بار ، این پیامبر به‌بشر تعلیم داد وپاداش ومجازات اعمال نیك وبد انسانی را در این‌دنیا و اجر ومکافات در جهان دیگر را قانونی تغییر ناپذیردانست.

تعالیم واصول آسمانی که به‌زرتشت الهام‌گشت به‌زبان اوستایی که‌ازباستانی‌ترین زبانها وهمزمان سانسکریت است، به‌نظم سروده شده و «گاتاها» نام‌دارد و بنا به‌امر شاه‌گشتاسپ آنرا بـردوازده هزار پوست‌گاو، بازر نوشتند ونسخه‌ای ازآن در «گنج شایگان» (محل‌آتشکدهٔ آذرگشسب) ونسخهٔ‌دیگری در «دژنبشته» کوشك‌شهریاری پارس نگاهداری‌می‌شده است‌وآنرا بیست‌ویك نسك یعنی ۲۱ جلد هم نوشته‌اند .

زمان این‌پیامبر را دانشمندان‌قدیم یونان‌مانند «دیوژنس‌لرتیوس» و «خسانتوس» و همچنین «افلاطـون» و شاگردانش : «ارسطو» و «ادکسوس» و «هرمدروس» شش‌هزار سال قبل‌ازجنگ «سرویا» یعنی ۸۲ قرن پیش نوشته‌اند ؛ ولی مستشرقین بعدی عدد شش‌هزاررا به شش‌صد تقلیل داده وتا ۱۱۰۰ سال پیش ازمیلاد مسیح ذکر کرده‌اند .

اکثریت‌نویسندگان قدیم وجدیدرا عقیده برآنست‌که زرتشت هنگام دومین حملهٔ تورانیان به‌ایران ، در ۷۷ سالگی باهفتادتن ازپیروانش درپرستشگاه‌بلخ حین‌نماز و ستایش خدای یگانه به‌دست شخصی بنام «براتور» تورانی به شهادت رسیده است .

زکریا. Zacharie

(قرن ۶ ق م)



یکی‌ازآخرین انبیای عهد قدیم درعهد ترمیم هیکل اورشلیم ،که به امر نبوکد نصرمنهدم‌شده بود،میزیست «نبوت‌زکریا» ازوست ، و وی‌به‌تجدیـد روحانیت اسراییل درعهد مسیح بشارت داده است .

زکریا ، مقدس Zacharie



پدر یوحنای معمدان و شوهـر الیصابات‌وکاهن‌معبد بیت‌المقدس بـود قصهٔ‌زکریاونگهداری وپرستاری اوازمریم در محراب معبد در قرآن نیزآمده‌است زکریا پس‌ازکشته شدن‌پسرش، به‌درختی‌پناه می‌برد، درخت بازمی‌شود، وزکریا به‌درون آن می‌رود، اما گوشهٔ جامه‌وی‌بیرون‌می‌ماند . ابلیس مردم‌را خبرمی‌دهد وآنان‌درخت را اره می‌کنند و بدین‌گونـه زکریا به شهادت میرسد .

سلیمان Salomon

(۹۷۳ ــ ۹۳۵ قم)

پادشاه‌یهود پسروجانشین داود بود ودراسلام ازانبیای بنی‌اسراییل محسوب می‌شود .اوبرای تعمیربیت‌المقدس اقدام کرد . عقل‌وکیاست وی مشهور وزبانزد عموم است . امثال‌وحکم سلیمان درعهد



عتیق معروفاست درروایات وی‌حاکم برجن وانس شناخته شده‌است .

شعیب.

پیغمبری ازنسل‌ابراهیم خلیل (ع) که‌طبق روایات‌پس‌از هود وصالح‌واندکی پیش‌ازموسی (ع) می‌زیسته . منازل‌قوم‌او نزدیك تبوك بین‌مدینه وشام بود . نام شعیب وقوم او(بنی‌مدین) درقرآن آمده است .

شیث Seth

سومین پسر آدم وحوا ، که به‌عقیدهٔ مسلمانان مقام‌نبوت داشت .

صاحب‌الزمانی ، سیدحسن .

(۱۲۸۸-۱۳۵۵هق)

وی اصلا اهل‌یزدبود ولی‌درتهران تحت‌تربیت وتعلیم حاج شیخ‌هادی‌نجم‌آبادی و ابوالحسن جلوه وشیخ فضل‌الله نوری‌وحسن آشتیانی قرارگرفت.او در علوم متداول‌ازحکمت‌وکلام وفقه‌وحدیث وتفسیرمتبحربود، وجه‌شهرت‌او به‌صاحب‌الزمانی این بودکه‌وی در آغاز جوانی به‌تحریك شیخ احمد کرمانی در حدود همدان‌وکرمانشاهان‌ادعاکردکه‌صاحب‌الزمان موعود شیعه است و چون علاوه برسیادت منظری‌خوش و هیئتی مطبوع و شبیه به‌تصاویر خیالی‌که‌نقاشان از بعضی امامان میکشند داشت . جمعی‌کثیر بدو گرویدند ازطرف‌دولت اورا باشیخ‌احمد مزبورتوقیف وروانهٔ تهران‌کردند وپس ازورود بدین شهر به‌زندان افکندندشیخ احمد درزندان‌درگذشت ولی سید حسن به‌وساطت یکی از اعیان‌دولت مستخلص شد وازدعاوی پیشین توبه‌کرد دراواخر عمر درمشهدتوطن داشت .

صاحب الزنج (مقتول ۲۷۰ ه ق)

درزمان خلافت معتمد عباسی‌شخصی به‌نام‌علی‌خروج کردابتدابا بعض‌اطرافیان منتصر متصل بود وایشان‌را مدح‌میگفت وصله میستد. سپس‌درسال ۲۴۹ه ق، از سامرا به‌بحرین رفت و خود را علی بن عبدالله‌بن‌محمدبن‌فضل‌بن‌حسین‌بن عبیدالله بن عباس‌بن ابی‌طالب خواندودر«هجر» مردم‌را بطاعت خود دعوت کرد وجمعی کثیر او را متابعت کردند ومیان ایشان دودستگی پدیدشد مردم‌بحرین‌وی‌راچون پیغمبرمی‌دانستند و او از ایشان خراج گرفت‌وفرمان وی‌ازآنجا نافذ شدچنانکه با اصحاب سلطان به‌جنگ برخاست واز مردم بحرین‌گروه بسیارکشته‌شدند.

صاحب الزنج ناچار به‌احساء رفت و نزد **بنی‌شماس** طایفه‌ای ازبنی سعدبن تمیم اقامت جست وتنی‌چند ازبحرینیان با او بودند وی گروهی را به‌فریفت وبه **ردم**(ناحیه‌ای‌ازبحرین)حمله‌بردوجنگی سخت‌کرد ولی شکست یافت وبسیاری‌از یاران وی‌کشته شدند واوبه‌بصره‌نزدبنی ضبیعه رفت وجماعتی در آنجا پیرو وی شدند چون‌ورود اوببصره‌مصادف‌باجنگ دوطایفهٔ بلالیه وسعدیه‌گشت‌وی‌دریکی‌از این دوطایفهٔ طمع‌بست وکس نزد ایشان فرستاد اما مردم دعوت او نپذیرفتند و ابن‌رجاء بطلب او برخاست واو باتنی چند به بغداد گریخت‌چون صاحب‌الزنج ویاران‌وی‌به‌زمین بطیحه رسیدندعمیربن عمار مأمور آن ناحیه ایشانراگرفته‌نزد محمدبن عوف عامل‌واسط فرستاد ولی صاحب‌حیله‌ای کرد واز چنگ اورهایی یافت و با یاران خود به‌بغداد شد ویك سال درآن‌شهر بماند ودر آنجا خود را محمدبن عیسی‌بن زید خواند دربن اثنا محمدبن رجاء ازولایت بصره معزول شد وبزرگان بلالیه‌وسعدیه زندانها بگشودند وزندانیان را رها ساختندکه ازآن‌جمله زنان وفرزندان صاحب بودند وی چون این‌خبر بشنیددررمضان ۲۵۵ به‌همراهی چندتن از یاران به‌بصره رفت و غلامان زنگی بصره‌را به‌کیش‌خود خواند چون عدهٔ سپاهیان بسیار شد قایدانی ازطرف خود برایشان‌گماشت و قریهٔ جعفریه را غارت‌کرد ومردم‌آنرابکشت وبعضی‌هارا اسیرکرد وبالشکربصره نبردنمودوآنرا شکست داد رئیس بصریان که عقیل نام داشت باکشتی بگریخت و صاحب الزنج به‌دنبال‌اورفت وکشتی‌های‌وی بگرفت و قریهٔ مهلبیه را غارت‌کرد و بسوزانید و سپس درکنار نهریان بایکی از سران ترك به‌نام‌ابوهلال که ۴۰۰۰ جنگجوبا خود داشت روبرو شدوجنگی سخت‌درگرفت‌زنگیان‌برعلمدارترك حمله‌کردند واو را ازپای درآوردند .

ابوهلال ولشکریان اوبگریختند و گروهی‌کثیر از ایشان کشته شدند سپس چون‌صاحب شنید که زینبی برای‌مقابلهٔ اوآماده میشود و بلالیه وسعدیه هم مهیا میگردند علی‌بن‌ابان‌را با صدتن‌بفرستاد تا خبر گیرد علی با گروهی روبرو شدو آنانرا شکست‌داد وغلامان ایشان به‌علی پیوستند واو دستهٔ‌دیگررا روانه‌ساخت‌تا بموضعی‌رفتندکه ۱۹۰۰ کشتی‌بامستحفظان درآنجا بودند نگاهبانان چون‌سیاهان‌را بدیدند بگریختند وزنگیان کشتیها را گرفتندونزد صاحب خویش‌بردندبتدریج کاراوبالاگرفت‌ومکرربا بصریان‌ولشکریان خلیفه‌جنگیدوگاهی‌مغلوب‌وغالبأغالب‌میشد وبسیاری‌ازشهرهای‌خوزستان‌وبین‌النهرین را به‌تصرف درآوردموفق خلیفه عاقبت لؤلؤ را به‌جنگ صاحب الزنج فرستاد اوآمادهٔ جنگ شد و باابوالعباس فرزند موفق ازچند سوبزنگیان حمله‌بردصاحب که‌شکست خودرا مشاهده کرد بگریخت ولؤلؤ ازپی اوشتافت و سرانجام صاحب به‌قتل‌رسید وفتنهٔ اوبپایان‌آمد.

صالح (پیغمبر).

طبق روایات وی برقوم ثمودنبوت میکرد اورا از فرزندان سام‌بن نوح نوشته‌اند .

صفنیا، ابن‌کرشی . (۴۳۰ ق م)

نهمین انبیای اصغر . در ابتدای سلطنت یوشیای پادشاه وقبل از شروع اصلاحات آن‌شاه به‌نبوت آغازکرد . نبوتش‌مشتمل‌بردومطلب‌ودرسه‌باب‌مندرج است . ازآن جمله‌نبواتی است‌که ضدبت پرستان یهود وبت‌پرستان‌حوالی‌آن‌یعنی موآب وعمون وحبش ونینوا وهم ضد رؤساوکاهنان‌وپیغمبران دروغین می‌باشد. طوایف‌رابه‌توبه وانابه‌دعوت میکند.سبك عباراتش به‌عبارات‌یرمیا (ارمیا) شباهت دارد ، زیراکه در سالهای اول بایرمیا معاصر بود .

علی ابن‌محمدبن‌فلاح .

(مقتول ۳۵۴ ه ق)

مشهور به‌ابن‌مشعشع‌ازامرای‌خاندان

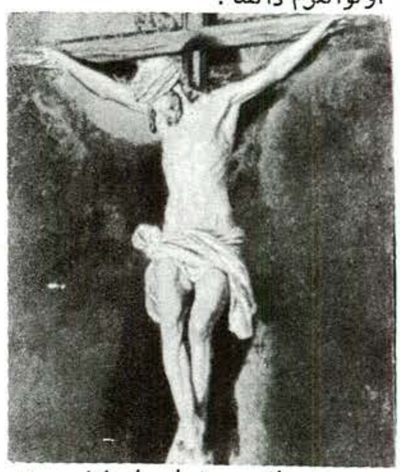
مشعشعی دراهواز وحویزه باپدر خوددر بسیاری ازجنگهای او با ترکمانان، که برعراق مسلط بودند ، شرکت کرد ، و دراواخر عمر پدر، زمام امور را بدست گرفت وابتدا ادعاکردکه روح علی(ع) ابن ابی‌طالب دراوحلول کرده،سپس ادعای الوهیت نمود و براماکن مقدسهٔ عراق حمله بردوآن نواحی را غارت‌کرد. در سال ۸۵۷ ه ق . متعرض حجاج شد و اموال آنانرا به‌یغمابرد وبه‌ستم‌خودادامه دادتا به‌تیر یکی ازترکان درکوهگیلویه واقع دربهبهان به‌قتل رسید، در حالیکه پدرش‌هنوز زنده بود .

عیسی jesus

(۶۲۲–۶۵۲ ق م)

ابن‌مریم‌ناصری‌ملقب به‌مسیح‌مسیحیان ویرا به‌لقب christ خوانندو غالباً او را پسرخدا نامند .

مسمانان او را در زمرهٔ پیغمبران اولوالعزم دانند .



عیسی‌ازمریم‌عذرا دراصطبلی متولد شد . وچون ازجانب هرودس والـی‌روم مورد تهدیدبود، خانوادهٔوی‌او را به‌مصر بردند .

عیسی پس از بازگشت در «ناصره» مستقر گردید وجوانی خود را در آنجا گذرانید .

دراین اوان درکارگاه یوسف نجار به‌کارمشغول‌بود. به‌سن‌سی‌سالگی‌در«جلیل» شروع به‌تبلیغ‌عقیدهٔ خود کرد وسپس‌در اورشلیم مشغول تبلیغ شد . در شهراخیر وی مـورد عداوت روزافـزون بـود یکی از حواریون وی ،یهودا ، درمقابل سی‌سکه نقره بـدوخیانت کـرد . پس‌از محاکمه ویرا به‌صلیب آویختند .

مسیحیان معتقدندکه‌چندتن اززنان قدیسه ویرا دفن‌کردند ووی سه روز بعد دوباره زنده‌شد وپس از ۴۰روزبه‌آسمان صعودکرد .

حواریون وی برای تبلیغ مسیحیت به‌اقطار جهان پراکنده شدند .

عمراو را ۳۳سال نوشته‌اند . طبق روایات اسلامی هنگامی‌که مریم از اهل خود دور شد، روح‌القدس به‌صورت‌بشری بدو ظاهر گردید روح به‌مریم‌گفت : من فرستادهٔ‌خدایم وپسری به‌تو بخشم. مریم گفت : چگونه ممکن است در حالی که بشری مرا لمس نکرده ومن‌بدکارنیستم. روح پاسخ داد :

خدا برای‌نشان‌دادن‌رحمت‌خودچنین فرموده . پس‌روح‌درمریم دمیدواوآبستن شد ، ولی این واقعه را از مردم مخفی داشت تا هنگام زادن فرا رسید . درد زاییدن مریم را سخت رنـج میداد واو آرزوی مرگ میکرد . از شدت درد به‌درخت خرمای‌خشکی پناه برد .

از جانب خدا ندا رسیدکه درخت خشك‌را حرکت ده تا برای تو خرمایی تازه ریزد ، وچنین شد . پس‌عیسی‌متولد گردید . قوم مریم اززادن چنین کودکی ازمریم دوشیزه درعجب‌شدند وگفتند:ای مریم پدرومادرت هردو ازنیکان بودند، چگونه چنین‌کاری ازتـوسرزد . پدراین کودك کیست ؟ .

مریم ازجانب خدا دستور داشت‌که باکس سخن نگوید، پس به‌سوی گهوارهٔ کودك اشاره‌کرد . کودك زبان گشود و گفت : من‌بنده‌وفرستادهٔ‌خدایم.پپرهیزید از خداوند به‌جهت‌توهینهای ناروایی که به‌مادرم میکنید.

غلام احمد قادیانی.

(۱۸۳۵ – ۱۹۰۸م)

مؤسس فرقهٔ احمدیه یا قادیانی‌کـه خودرا مهدی موعود ومظهر رجعت‌مسیح خوانده و رسالت خود را به‌عموم اعلام کرد. «قصایداحمدیه» و «مواهب‌الرحمن» ازآثار اوست .

لائوتسه Lao—Tseu

(زنده‌درقرن‌ششم ق م)

حکیم‌چینی معـاصر کوروش کبیر بود . این‌حکیم‌پدیدآورندهٔ آیینی است به نام تائوئیسم‌که اگرچه‌امروزه‌چندان نفوذی درچین‌نداردمعذلك‌بجاست ازاین آیین ذکر کنیم زیرا اکثر متصوفین در واقع ازآئین «تائو» پیروی می کنند



لائوتسه ، بنیان‌گزار آئین‌تائو درهمـان زمان می‌زیست که کنفوسیوس تعالیم‌خود را در چین اشاعه میداد .

یعنی‌درقرن‌پنجم قبل‌ازمیلاد زندگی می‌کرد . کتابی از خودبه‌یادگار گذاشت به‌نام Tao—Teh — King،است‌این‌کتاب پر از اصطلاحات مبهم‌عرفانی است . از جمله لغت تائو دراین‌کتاب بدین‌گـونه تفسیر شده :

«تائو» مانندظرف تهی‌است‌که بـا اینکه تهی‌است می‌توان ازآن‌آب بیرون کشید . تائومانندظرفی‌است که‌محتویاتش تمام نشدنی وعمقش بی‌نهایت است . در تائو ، هرتیزی‌کند می‌شود وهرگرهی‌باز می‌گردد . درتائوهرگونه درخشندگی ، درخشندگی خودرا ازدست می‌دهد . در تائو هرچه‌سخت‌است نرم می‌شود . تائـو مانند آب‌گیر عمیقی است‌که هرگزخشك نمی‌گردد .

هدف‌انسان باید آن‌باشدکه درتائو مستهلك شده وباآن یکی شود . لائوتسه کراراً پیروان خودرا بـه پرهیزکاری و ریاضت‌کشی می‌خواند . این گفتهٔ عجیب اومعروف است : با هیچ‌کار نکردن تمام کارها انجام پذیرد ؛ شعار لائـوتسه ایـن بـود کـه « هیـچ کار مـکن » منظور لائوتسه از هیچ‌کار نکردن آنست که‌باید وظایف خودرا به‌همان طریق‌ساده وطبیعی انجام داد که سایرموجودات‌انجام می‌دهند . اومی‌گوید :«بگذار همه‌چیزها راه طبیعی خودرا سیرکند . درکار آنها مداخله مکن» .

لائوتسه‌مانند اغلب‌متصوفین‌به‌دانش بانظر تحقیرنگاه‌می‌کند وحتی‌آنرابرای بشرمضرمی‌داند . درنظراوزندگی‌مقرون به‌سعادت در پرورش عقل‌نیست بلکه در تأمل درطبیعت و بیرون ازطبیعت است. دانش فضیلت به‌بار نمی‌آورد بلکه‌موجب ازدیاد فساد ورذالت می‌شود . لائـوتسه اعتقاد داشت ضعف عین‌توانایی وقوت‌عین ناتوانائی است وبرای اثبات ایـن‌عقیده چنین استدلال می‌کردکه آدمی درهنگام تولدفوق‌العاده نرم‌ولطیف‌ولی‌هنگام‌مرگ

خشك وسخت می‌گردد. تمام اشیاءهمین‌طورند . درختها درآغاز لطیفند وبعدهر چه سخت‌تر وخشن‌تر ویا به‌اصطلاح‌توانا تر می‌شوند علامت‌فرسودگی‌وفساد بیشتری درآنها آشکار می‌شود. سنگینی ریشه سبکی است ؛ سکون ، اساس حرکت و سکوت آغاز خردمندی است . مختصر آنکه‌لائوتسه‌نوعی تصوف وعرفان‌را‌تعلیم می‌دهد ازهمان نوعی که درهند و ایران وسایرکشورهای شرقی در روزگار ضعف و بدبختی رواج داشته است .

مانی

مانی در۱۴ آوریل۳۱۶ میلادی‌در بابل شمالی‌که جزو ایالت آشورستان از ایالات اشکانی محسوب میشد متولد گردیده . پدرش پتیگ Patig یا Patèg نام داشته وگفته‌اندکه اهل‌همدان بوده ومادرش مریم ازخاندان کمسرگان (Kamsaragan) از خویشان وخاندان سلطنتی اشکانی بوده است .

بنا برروایت ابن‌الندیم پتیگ از همدان به‌مدائن دربابل رفت . روزی در معبدی‌که هرروز بدانجا می‌رفت‌صدایی شنیدکه به‌او توصیه مـی‌کرد از شراب و گوشت وزن پرهیزکند او این‌دعوت‌را پذیرفت و مداین‌را ترك وبه‌فرقهٔ مغتسله پیوست . درهمین زمان مانی‌متولد شد . بنا به‌گفتهٔ خود مانی‌که‌آنرا بیرونی‌نقل کرده درکودکی‌روحی(که‌آنرا نرجمیك «دوقلو» می‌خواند) براو ظاهرشد وبه‌او حقایق الهی را‌آموخت. این‌روحی درسال دوم سلطنت اردشیر بودکه درسال ۲۲۴ یا (۲۲۶) اشکانیان‌را برانداخته بود . ۱۲ سال پس ازوحی اول دراواخر دورهٔ سلطنت اردشیر نرجمیك دوباره بـراو ظاهرشد به‌او توصیه‌کردکه حقایق الهی را به‌بشر بیاموزد .

مانی نخست دین‌خـودرا به‌اعضای خانوادهٔ‌خود تبلیغ‌کرد . پس‌ازآن‌ازراه دریابه‌توران‌ومکران (بلوچستان‌کنونی ایران) مسافرت‌کرد . درآنجا بودکـه شاه توران وعده‌ای ازاطرافیان‌اوراپیرو دین‌خودکرد . شاید در سال ۲۳۹ (یـا ۲۴۱)که سال برتخت نشستن شاپورپسر اردشیر بابکان بود مانی از سفر خود به‌فارس بازگشته است .

مانی ازفارس به‌میشان (دردهانهٔ دجله) وازآنجا به‌بـابل رفت . از بابل دوباره‌به‌فارس بازگشت واز آنجابه ماد رفت . درهمین اوان بود که تـوانست فیروز برادرشاپور را به‌دین خودبخواند وفیروز وسایل دیدار مانی را بـاشاپور فراهم‌کرد . شاپورسه‌بارمانی‌را پیش‌خود خواند وبار سوم به‌او اجازه دادکه دین خودرا تبلیغ‌کند .

مانی همچنین شهرت‌پزشکی داشته‌و به‌طبابت‌نیزمی‌پرداخته‌وخود اشاره‌کرده که بسیارکسان را ازبیماری نجات‌داده حذاقت پزشکی‌اش نیزکمکی بـه رواج دین اوکرده است . درسال ۲۶۲ میلادی مانی میرشاه شاه‌میشان برادردیگرشاپور را نیز مانوی‌کرد .

مانی چند میسیون مذهبی به‌نقاط مختلف‌ایران وخارج ازایران میفرستاد. میسیونی زیر نظر ادا وپتیگ‌بـه مصر فرستادکه‌تا اسکندریه پیش‌رفت. میسیون دیگر ازحلوان (بین‌بابل وهمدان) بـه رهبری‌امو(Ammo) فرستادواموتاشمال شرقی امپراطوری ساسانی یعنی تاپارت ومرو نزدیك‌سرحدشاهان کوشان پیش‌رفت . میسیون دیگرتحت رهبری‌ابزجیا Abzzâga به کرکوك فرستاد.

شاپور در۲۷۰ یا۲۷۳ درگذشت . درزمان بهرام اول مانی به‌هرمزداردشیر (اهواز) سفرکرد وازآنجا می‌خواست به ایالات شمال‌شرقی امپراطوری برود ولی اورا منع‌کردند واومجبوراً به‌میشان‌رفت. درهمین‌اوان‌بودکه بهرام‌اورا به‌بیل‌آباد (گندی‌شاپور) خواند .

دراینجا اورا محاکمه‌ودرغل وزنجیر به‌زندان انداختند ودرزندان بود تامرد (۲۷۴ یا ۲۷۷ ق.م) .

مزدك بامدادان Mazdak

دربارهٔ مزدك و مزدکیان متأسفانه اطلاع‌اندکی دردست است . هیچ‌نوشته‌ای ازمزدك یا پیروان او تـاکنون به‌دست نیامده است وآنچه دربارهٔ دین مزدکی می‌دانیم اطلاعاتی است‌که ازمخالفان‌او به‌دست مارسیده است . بنابرقول طبری، مزدك در «مدریا» (مادرایا) درساحل شرقی‌دجله به‌دنیا آمده‌است .نویسندگان دیگر‌بعضی‌تبریزوبعضی‌اصطخررامحل تولد اودانسته‌اند. نام پدراوبـامداد نوشته‌اند

عقاید مزدك : مزدك ظـاهراً‌پیرو شخصی به نام بندس (Bundos) رئیس فرقـه‌ای بـه نـام « درست دینان » بوده است بندس مانوی بوده و عقایـد مبتدعه دراین دین اظهار می‌داشته است بنابراین مزدك ازعقاید مانوی متأثـر بوده است . وشاید به همین‌دلیل است‌که بسیاری‌ازنویسندگان قبادرا پیرومذهب مانی‌دانسته‌اند آنچه نویسندگان دربارهٔ عقاید مزدك اظهار داشته‌اند ، پرازکینه و غـرض است . تقریباً همهٔ‌نویسندگـان اظهارنظر می‌کنندکه مزدك برآن‌عقیده بوده‌است‌که زنان واموال باید به طـور مساوی تقسیم‌شوند .

به‌همین‌دلیل بسیاری ازنویسندگان معاصر دین‌مـزدك را نـوعی‌کمونیستی محسوب داشته‌اند . مزدك مانند مانـی معتقد به ثنویت بوده است . دو نیروی روشنی وتاریکی درنظر او مبدأخیروشر بوده‌اند .

درنظر مزدك خداوند سه‌عضوداشته است‌که‌عبارتنداز :

آب وآتش وخاك(درمذهب مانوی خداوند دارای ۵عضو است) وی‌برتختی درعرش نشسته‌است مانند پادشاهی،که‌در نزد اوچهار «قدرت» حضوردارند. این چهار قدرت عبارتنداز :

دریافت هوش ، یادوشادی همچنان که درپیش شاه چهارکس حضور دارند (موبدان موبد، هیربد بزرگ، سپهبد و رامشگر) این‌چهارنیروگیتی‌رابه‌وسیلهٔ هفت‌وزیرادارهمی‌کنند.این‌هفت‌وزیرمیان دوازده موجودروحانی حرکت می‌کنند چنانکه‌ازمطالب بالابرمی‌آید مزدك‌بر‌خلاف تصور ، درباری و طرفدارسلطنت بوده‌است . درمورد جدایی نورازظلمت مزدك معتقد بود که این امر بر حسب اتفاق وبـدون‌مداخلهٔ هیچگونـه اراده انجام‌خواهدگرفت.

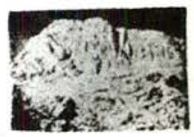
ولی‌درهرحال‌بایدبرای‌رهایی‌نوراز ظلمت به‌وسیلهٔ اعمال خود یاامساك‌کمك نمود . بدین‌جهت است‌که خوردن‌گوشت حیوانات نزدمزدکیان حرام بوده‌است. باید ازشهوات‌پرهیزکرد تاروان زودتر رهایی‌پیداکند. زن وخواسته باید مانند آب وآتش وچراگاه ، به تساوی تقسیم گردد . عقاید اجتماعی مزدك که جنبهٔ انقلابی داشت ، سبب شدکه بسیاری از مردم‌که‌ازوضع موجود درزمان‌ساسانی به تنگ‌آمده‌بودند بدو بگروند وحتی‌خود قباد وبسیاری ازدرباریان به‌آیین‌مزدك معتقد شدند . ولی موبدان ساسانی‌کـه قدرت فراوان داشتند به‌مخالفت با قباد

برخاستند . و سرانجام قباد درزندان افتاد ولی مدت زیادی درزندان نبود و به کمك طرفداران خود اززندان رهایی یافت ونزد هیاطله گریخت ودوباره به سلطنت نشست در ۴۹۸ یا ۴۹۹ قباد دوباره پادشاهی‌را به‌دست‌آورد . پس‌از آن‌ازبیم تاج‌وتخت‌خودنسبت به مزدك روش سردی را پیش‌گرفت درسال ۵۱۹ مسألهٔ جانشینی پادشاه مورد توجه‌قرار گرفت.قبادمایل‌بود پسرش خسروجانشین اوگرددولی‌مزدکیان علاقمند به‌جانشینی کاوس پسر دیگر او بودند که مزدکی بوده . ازاینجا اختلاف‌شاه ومزدك‌علنی شد ومزدك‌وبسیاری ازپیروان اودرجلسهٔ مناظره‌ای که برعلیه آنان ترتیب داده شده‌بودکشته شدند.اگرچه عقاید مزدکی موفقیت کامل‌به‌دست نیاورد ولی‌سبب شد که قباد وپس‌از او خسرو انوشیروان اقدامات‌مهمی‌دربارهٔمالیات‌ها واصلاحات ارضی بنمایند .

محمدبن‌عبدالله (ص) .

(تولد ۵۷۰ م . رحلت ۱۱ هجری ق)

درمکه متولد شد . پدرش پیش از تولد وی‌در دیارغربت درگذشت . تحت سرپرستی عمویش بزرگ شد .کودکی‌و جوانی‌وی‌باکارهای‌سخت ووضع پرمشقتی سپری‌گشت . باسرمایهٔ دیگران در قبال اخذحق‌الزحمه‌به‌تجارت‌پرداخت وچنان امانت داری از خودنشان دادکه‌به‌محمد امین ملقب شد .



کوه‌تور

به‌شام وعراق‌سفرکرد وبا ادیان و عقاید ملل مختلف‌آشنایی‌یافت . در ۲۴ سالگی باخدیجه‌زن‌ثروتمند مکه‌که‌چهل سال داشت ازدواج کرد وپس از چندی بگوشه‌نشینی‌وتفکرپرداخت درچهل‌سالگی به پیغمبری‌مبعوث ونبوت خود رااعلام کرد همسرش‌وپسرعمویش‌علی‌بن‌ابیطالب وپس ازآن جمعی اندك به‌وی‌گرویدند. ولی‌بزرگان‌قریش به‌مخالفت بااوبرخاستند سرانجام‌به‌مدینه‌مهاجرت‌کرد . درمدینه جمع‌بسیاری اسلام‌آوردند وکارمسلمانان بالاگرفت .

درحملاتیکه‌کافران کردند توفیقی نیافتند سرانجام پیغمبربه‌مکه‌آمد وکعبه راازبتها تهی‌کرد وحج‌به‌جاآورد. آنگاه بمدینه‌بازگشت واندکی‌بعدبدرودزندگی گفت.شهامت واعتماد به‌نفس وی‌آنچنان بودکه یکه‌و تنها درمیان بت‌پرستان‌مکه دعوت خود را اظهار میکرد .

درسال ششم هجرت نامه‌ها به‌سلاطین ایران وروم و(گویا) چین وحاکم مصر فرستاد وآنانرابه‌اسلام دعوت‌کرد . در جنگ‌وکارهای عمومی خود پیشقدم بود. کار را دوست‌میداشت‌از زیباییهای‌طبیعت لذت میبرد بسیار نظیف بود . در ۶۳ سالگی‌زندگی‌را بدرودگفت .

موسی(ع). Moïse

(قرن‌سیزده ق م)

نجات دهنده وقانونگزار اسراییل فرزند عمران، پیامبرمرسل‌صاحب‌کتاب تورات میباشد .



موسی‌به‌قلم میکل‌آنژ

درسالی‌که موسی به دنیا میآمد ، فرعون دستورداد ، همهٔ نوزادان ذکور قوم اسراییلی‌را بکشند . لذا پدرومادر موسی اورا درسبدی گذاشته به‌آب‌نیل سپردند ، دختر فرعون آن سبد رایافت وبه‌کودك آن‌علاقمند شد ، وازصمیم‌قلب به‌تربیت اوهمت گماشت . وقتی اوظلمی دیدویکی ازمصریان‌را بکشت وناگزیر به صحرای سینا گریخت .

در این وقت‌اوکسان خودراشناخت وخواست آنها را به‌کنعان هدایت‌کند ، فرعون از عزیمت‌آنها باخبر شد با همهٔ لشکریان به تعقیب آنها پرداخت ، وقتی به دریای سرخ رسیدند، به‌فرمان موسی قوم بنی اسراییل ازآب‌گذشتند ولی فرعونیان‌که‌به‌تعقیب‌آنها بودند،غرق‌شدند.

درکوه سینا ، به موسی الهام‌شد، و فرمان‌خدا را به‌قوم خود ابلاغ‌کرد،ولی آنها به‌زودی از فرمان سرپیچیدند وبه



گوساله‌پرستی پرداختند،لذا ، مدت‌چهل سال‌درکویر سرگردان ماندند، سرانجام خدا ازگناهان آنهادرگذشت وراه‌کنعان بازیافتند وآنرا ارض‌موعودنام نهادند، وموسی پس‌از ۱۲۰ سال زندگی درجانب مشرق رودخانهٔ اردن‌جان سپرد.

موسی (ع)، یکی ازچهره‌های‌عظیم دینی تاریخ‌است. اوقوم‌خود را ازاسارت رهانید وراه خدای واحدرا به‌آنهانشان داد وعیسی‌مسیح میگوید : « من‌نیامدم دین‌وقانون‌اجداد خود راخراب‌کنم‌بلکه خواسته‌ام‌آنرا تکمیل‌کنم » .

نانك Nanak

(۱۴۶۹–۱۵۳۸ م)

پیامبر دین سیکها . درلاهوربدنیا آمد ، کیش او مرکبی از برهمایی و اسلام است ، اساس تعلیمات خود را بر میهن‌پرستی و تقویت جنبش‌های میهنی قرارداد .

کتب‌مقدس

آلاماس .

ازکتب مقدس آیین‌جین، شامل ۴۶ دفتر ومهمترین متون مذهبی می‌باشد.

آگاهاما .

ازکتب‌مقدس کیش‌جین‌حاوی‌قوانین.

ارمیای‌نبی ، کتاب.

کتابی به‌زبان عبری، ازکتب‌مقدس یهود ، درشرح حال‌ارمیای‌نبی‌که درآن اشاراتی از ظهورمسیح دیده میشود .

انجیل Gospel

نام‌کتب مقدس مسیحیان‌که اهم‌آن انجیل متی ، انجیل مرقس ، انجیل‌لوقا وانجیل یوحنا است . درسه انجیل اول داستان‌زندگی‌حضرت‌عیسی‌آمده وانجیل چهارم رساله‌ای فلسفی در رسالت عیسی است . تلاوت‌منظم‌روزانه سه انجیل اول دراکثر کلیساها صورت میگیرد .

انجیل مانی.
کتابی مذهبی ازمانی که انجیل زند، یا انجیل بزرگ نیز گفته میشودوارتنگ ضمیمهٔ آن بوده است. گویند مطالب آن مخالف انجیل مسیحیان میباشد.
قطعاتی از آن در آثار تورفان به دست آمده که شامل ۲۲ قسمت است وظاهراً یك جلد آلبوم تصاویر که مبین ونشـان دهندهٔ مطالب کتاب بوده‌ودر یونانی به اسم ایقون، درزبان پارتی اردهنگ‌ودر پـارسی ارتنگ ودر قبطی ایقونس ودر کتب مانوی‌چینی تصویر دو اصل بزرگ نامیده میشودکه ضمیمهٔ آن بوده است.

ارژنگ، یا ارتنگ
نام جزوه‌ایست که مانی‌رسم کرده و در ادعای پیغمبری آنرا معجزهٔ خودقرار داده است‌وگویند نسخه‌ای از انجیل است که مصور بوده است.

شاپورگان.
یکی از کتابهای مانی که‌در آن عقاید خود را به‌فارسی میانه برای شاهپورشرح داده‌است، قطعاتی از کتابی به‌فارسی میانه درتورفان (ترکستان) به دست آمده که دانشمندان آنها را صفحاتی ازشاپورگان دانسته‌اند.

انجیل السبعین.
ازکتابهای مذهبی منسوب به‌مانی.

اوستا.
نـامهٔ دینـی و مقدس زرتشتیـان است که مجموعه‌ای‌است ازمطالب اساسی دربارهٔ دین وسرودها ودعاهای‌دینی. این نامه کهن‌ترین عقاید دینی ایرانیان را بازگو می‌کند.
نام«اوستا» ازاصطلاح پهلوی«اوستاك Avistak» گـرفته شده کـه در دوران ساسانیان‌به‌کار میرفته‌است. شاید«اوستا» مانند واژه‌هندی«ودا» به‌معنی‌خرد،دانش یا نامه دانش باشد که از ریشه Vaid به معنی دانستن‌گرفته شده است.
اوستایی‌که امروزه در دست است، تنها جزیی است ازرشته‌ای بس‌بزرگتر، وآن‌هم متأسفانه به‌صورت پراکنده‌ای‌در دست است.
بطوریکه حتی یك‌نسخهٔ خطی‌وجود ندارد که تمام‌متون موجودرا دربرداشته باشد. آن چه راکه از اوستا در دست داریم نتیجهٔ گردآوری این مطالب از نسخه‌های‌گوناگون وکناریکدیگرچیدن آنهاست. بنابه‌سنتهای زرتشتی‌اوستای اصلی بـا آب طلا بر پوست گاو نوشته شده ودرگنج نبشتهٔ شاهنشاهی در استخر امانت بود.
این‌نوشته‌گرانبها که‌شامل ۱۲/۰۰۰ پوست‌گاو میشده‌است به‌دست اسکندر ملعون ازمیان‌رفت‌وتنها $\frac{1}{3}$ از آن‌درحافظهٔ موبدان به‌جای ماند.
زبانی که اوستابدان‌نوشته شده‌است زبانی است ایرانی که‌درشرق ایران‌بدان سخن میگفته‌اند. کهنه‌ترین‌بخش اوستا، گاههای‌زرتشت است‌که واژهٔ اوستایی‌آن Gatha — گاتا به‌معنی سرود دینی‌یاآواز است، این‌بخش‌راسرودهٔ‌زرتشت‌میدانند. مطالب اوستا رامعمولا به‌شرح زیرتقسیم میکنند:
۱ـ یسنه که شامل‌گاهان زرتشت نیز میشود.
۲ـ ویسپه رد.
۳ـ یشت‌ها.
۴ـ متن‌های‌کم اهمیت‌تر، از آن جمله نیایش‌ها، گاه‌ها وغیره.
۵ـ وندیداد.
۶ـ تکه‌های‌بازمانده‌ازبعض‌نسکها،
این‌تقسیم بالاخودبه‌دوگروه‌تقسیم‌میشود. گروه‌اول که‌شامل‌وندیداد ویسپه‌ردویسنه باشد معمولا درمراسم ستایش دینی بکار میرودوبخش‌اساسی‌اوستارا تشکیل‌میدهد درنسخه‌های خطی اوستا این نوشته‌ها یا به‌همراه متن پهلوی می‌آیند و یا مستقلا بی ترجمهٔ پهلوی. اگراین سه‌متن‌درنسخ خطی به‌صورت‌بخش‌های جدا از یکدیگر بیایند درکنار خودمتن پهلوی خویش‌را نیز دارند، ولی از آنجاکه معمولا این سه متن مستقل از یکدیگر نمی‌آیند و فصلهایی ازیك‌کتاب یا فصلی یافصلهایی ازکتاب دیگر برای اداء مراسم مذهبی به‌هم‌آمیخته میشوند ترجمه‌ای پهلوی‌نیز به‌همراه ندارنـد. این‌صـورت دوم را «وندیدادساده» میخوانند.
گروه‌دوم ازدعاهاازویشتها تشکیل شده است که خود خرده اوستـا خوانده میشود. قسمت اعظم متن‌های‌گروه دوم فاقد ترجمهٔ پهلوی است.

خرده اوستا.
یکی از بخش‌های پنجگانهٔ اوستا کـه مطالب آن از اوستای بـزرگ استخراج شده وقسمت عمدهٔ آن به‌زبان پازنداست‌وبرای‌نیایش، گاه‌ها، ایام‌متبرك ماه وادعیه وستایش‌هایی‌است‌که هرروز، یا درمواقع خاصی خوانده میشده است.

یسنه:
یسنه به معنی قربانی وستایش‌است ومهمترین اثری است‌که درمراسم دینی به‌کار می‌رود.
این‌نوشته به‌طور عمده‌شامل مطالب ستایش‌آمیزودعاهااست‌که درمیان‌بخش‌های‌آن‌گاهان راجای داده‌اند.
گاهان: (دراوستا gatha = گاثا) نام‌اشعاری است‌که زرتشت‌خود سروده‌است وکهنه‌ترین بخش ادبیات اوستایی وکهن‌ترین اثر ادبی ایرانی‌است‌که تاکنون به‌دست آمده است.
یسنه از ۷۲ فصل تشکیل می‌شودکه هرفصل‌رایك«ها» یا «هائیتی» می‌نامند. اینها متنهایی است‌که موبدان در مراسم دینی فرامی‌خوانده‌اند.
این مراسم«نیرشن» خوانده‌می‌شده است. کتاب یسنه تقریباً به‌سه‌بخش‌مساوی تقسیم می‌شود:
الف‌ـ بخش اول که‌بادعاهایی دربارهٔ ایزدان، هرمزد ودیگرموجودات‌مقدس آغاز می‌شود وشامل متنهای خاصی‌برای تبرك آب‌مقدس یادسته شاخه‌های مقدس است، وهمچنین شامل‌متنهایی برای‌تهیهٔ **هوم**است‌که شیرهٔ‌گیاه خاصی است وهمچنین در آن متنهایی است برای تهیه و پخش‌نان‌مقدس که**درون** خوانده می‌شودو گوشت مقدس.
درمیان این بخش مطالبی‌نیزیافته می‌شودکه ارتباط مستقیمی بامراسم‌دینی نداردازینها یسنه‌های۱۲و۱۹ تا ۲۱ است.
بـ بخش دوم‌گاهان زرتشت است که از فصل ۲۸ تا ۵۳ را شامل‌می‌شود.
این اشعار هجایی شامل آموزش‌ها، اندرزها والهامات زرتشت است.
زردشت ضمن آنها مردم را به‌دور کردن نیروهای پلید ازخود وبرگزیدن نیکی وراه‌نیك برمی‌انگیزاندوازایشان میخواهدکه روشنی را برتاریکی‌رجحان نهند وبرگزینند. زبان‌گاهـان زردشت سخت‌کهن است ومی‌توان‌آن‌را به خوبی از زبان دیگر قسمتهای اوستا تشخیص داد. می‌توان‌گفت‌که بطور عمده تنها پنج «گاه» موجوداست‌واین‌تقسیم برپایهٔ‌وزن هجایی‌آنها است وهر یك بنا برنخستین واژهٔ شعر نامگذاری شده است.
گاهان شامل ۱۷ سرود است(یسنه

۲۸_۳۴_۴۳ تا ۴۶،۴۷ تا ۵۰و۵۱تا ۵۳) واین سرودها در مراسم دینی بـه آواز خوانده می‌شوند .

درمیان گاهان(فصل۳۵تا۴۲) یسنهٔ هفت فصل را داخل نموده‌اند . این یسنه به نثر نوشته شده وشامل‌دعایی است دربارهٔ هرمـزد و امشاسپندان و روان پرهیزگاران ، آتش ، آب وزمین.

زبان این بخش از گاهان از نظر کهنگی بلافاصله بعد از گاهان زرتشت قرار دارددولی مطالب‌آن تغییرات‌جالبی را درآیین زردشت می‌رساند.

پ ـ بخش سوم یایسنهٔ بعدی شامل سرودهای ستایش‌آمیزوسپاسگزاری‌هایی نسبت به‌ایزدان است .

یشت‌ها .

واژه‌ایست‌که به‌همان معنی‌یسنه‌است وباآن هـم ریشه میباشد، به‌معنی‌ستایش ونیایش است. یشتها شامل‌ستایش هرمزد وامشاسپندان وایزدان است و ۲۱ یشت داریم . هریك ازیشتهای بزرگ دارای چندیـن فصل‌است .

مهمترین یشتها مربوط است به اردویسور ؛

آبها (یشت ۵) تیشتر؛ (یشت ۸) که یکی ازاختران‌است مهر؛ یا ایزدـ پیمان (یشت ۱۰) فره‌وشی‌ها یا روان پرهیزگاران (یشت ۱۳) بهرام ؛ (یشت ۱۴) وفره‌کیانی (یشت ۱۹) .

یشتها بیشتر به‌صورت‌شعرساخته شده و ارزش شعری عظیمی دارد و بسیاری مطالب میتولوژیك و تـاریخی در آنها است‌که بعدها در شاهنامهٔ فردوسی از‌آن می‌بینم . هریك از روزهای ماه‌به‌نام‌ایزد خوانده میشده ودرآن روزیشتی راکـه مربوط بآن‌ایزد بوده است میخوانده‌اند ازآن‌جمله درنخستین روز هرماه‌هرمزد خوانده میشد وروزهای هشتم و پانزدهم وبیست‌وسوم هرماه که‌دی نام‌داشته‌هرمزد یشت را می‌خوانده‌اند. دربعضی ازیشتها مطالبی راجع به ایزدی‌که نام او برآن یشت نهاده شده نیست، ازآن جمله است اشتاد یشت‌که مطالب‌آن مربوط به‌اشتاد نیست ، ودربارهٔ فرآریایی است . یشتها از جهت عبارات وصحت انشاءبایکدیگر تفاوتهایی دارند و این قدمت بعضی و تازه‌تربودن بعضی دیگررا میرسانند .

یشت‌های‌دوم (دربارهٔ امشاسپندان) وسوم (اردیبهشت‌یشت) وچهارم (خردادـ یشت) باید یشتهای تازه‌ای باشدکه از روی مطالب قدیمی وپراکنده دریشتهای دیگرتدوین‌شده‌اند.

وندیداد.

به‌معنی «قانونی‌برضد دیوها» شامل یك رشته قوانینی است‌که موبدان وضع کرده بودند مرکب از ۲۲ فصل‌که‌آنها را «فرگرد» میخوانند. بخش‌های‌وندیداد در زبانهای مختلفی نوشته شده است و دارای سبك نثرمختلفی میباشد .

بیشترمطالب آن متأخر‌به‌نظرمیرسد و شایـد بعضی از بخشهای آن حتی در دوران اشکانیان نوشته شده باشد .

نخستین فرگرد وندیداد در بارهٔ آفرینش‌است.

فرگرد دوم در بـارهٔ افسانهٔ جم (Gima) ، و زمان اواست، ودر رسیدن زمستانی سخت‌که ازجهتی باافسانهٔطوفان نوح‌قابل قیاس‌است . فرگرد سوم دربارهٔ برکتی است‌که‌ازکشاورزی‌میرسدفرگرد- چهارم دربارهٔ مسایل قانونی ، از جمله شکستن پیمان است فرگردهای ۵ تا ۱۲ در بارهٔ مردگان و ناپاکی آنها است . فرگردهای ۱۳ تا ۱۵ در بـارهٔ سگ است . فرگردهـای ۱۶ و۱۷ وبخشی از ۱۸ در بارهٔ پاکیزه ساختن و«کردادن» آنچه‌که‌آلوده شده .

دربخش فرگرد ۱۹ مطالبی دربارهٔ زرتشت و پیامبری اواست . فرگردهای ۲۰ تا ۲۲ دربارهٔ طب سخن میگوید .

ویسپه‌رد.

ویسپه‌ردشامل‌اضافاتی‌است‌بربخش‌های یسنه ازنظرزبان و شکل نیز مطالب آن بامطالب یسنه هماهنگ است . ویسپه رد شامل ۲۴ بخش است که کرده خـوانده میشود واز نظربزرگی $\frac{1}{7}$ یسنه است، در مراسم دینی‌فصل‌های ویسپه‌رد رادرکنار فصل‌های‌یسنه‌قرارمیدهندو بصورت‌آمیخته فرا میخوانند این بخش ازاوستا شامل ادعیه وستایش‌هایی به‌همه «رد»هااست.

باروخ ،کتاب Baruch

کتابی از عهد قدیم‌که از شاهزادهٔ یهودی‌به‌نام باروخ ، منشی‌ارمیای نبی‌به جا مانده‌است.

برهماناها.

ازکتب مقدس برهمایی‌دارای‌تفاسیر دینی هندو .

اوپانیشادها .

ازکتب مقدس‌کیش برهمایی دارای مبادی فلسفی .

پنج‌کینگ .

ازکتب مقدس‌آئین‌کنفوسیوس حاوی مجموعه اطلاعات‌آن‌روز ودستورزندگی.

آنالکیز.

ازکتب مقدس‌آیین‌کنفوسیوس .

پوراناها .

از کتب مقدس آیین هندو حـاوی افسانه‌های باستانی‌است.

رامایانا .

ازکتب مقدس‌آیین هندو ، در شرح حال راما (خدای نگهبان) نگاشته شده است .

مهابهاراتا.

ازکتب مقدس‌کیش هندو ، شامـل حکایات رزمی و اخلاقی.

مانو.

ازکتب مقدس‌کیش هندو ؛ شامـل قوانین مذهب.

تائوتسه کینگ .

کتاب‌مقدس‌آئین‌تاتو، تألیف‌لائوتسه و کوچکترین کتب مذهبی جهان است ، هشتاد ویك قطعه شعر به‌صورت کلمات قصار می‌باشد .

اساس‌کتاب درهماهنگ‌کردن‌مردم با اصل نظم جهانی است.

تری‌پی‌تاکا .

کتاب مقدس‌آیین بوداوبه‌معنی (سه زنبیل‌خرد)میباشد.این‌کتاب‌پیچیده‌ترین و مشکل‌ترین کتب مذهبی دنیاست . از (سه زنبیل خرد) اولی شامل قواعـد رهبانیت ، دومی شامل طرق نجات‌وسومی شامل مطالب‌فلسفی ومخصوصاًروانشناسی است . این‌کتاب درسال۲۴۵ قبل‌ازمیلاد به‌وسیلهٔمریدان بوداپس‌از مرگ‌اوتنظیم شده است .

سه زنبیل خرد.

تری‌پی‌تاکا را به بینید .

تورات .

نام‌پنج‌کتاب‌اول‌عهد عتیق (تکوین، خروج ، اجبار ، عدد وتثنیه) معروف به شریعت موسی یا اسفار خمسه‌که به‌اعتقاد یهودیان درکوه سینا برموسی نازل شده است . تورات با وصف ابتدای آفرینش شروع وبابیان مرگ‌حضرت‌موسی‌خاتمه میپذیرد . دستورات اصلی‌آن مربوط به راه ورسم زندگی اخلاقی وجسمانی‌است

احکام عشره.

خلاصهٔ احکام الهی که در کوه سینا برموسی نازل شد . این احکام از اهم اصول اخلاقی یهود ، مسیحیت ، و اسلام به‌شمار میروند وعبارتند از :

خدای واحد را پرستش کن ، از پرستش تمثال‌ها احتراز کن ، نام خدا را بباطل مبر ، شنبه‌را مقدس دار ، پدر و مادر خودرا احترام کن ، قتل مکن ، زنا مکن ، دزدی مکن ، شهادت دروغ مده ، به زن همسایه طمع مورز ، برمال همسایه طمع مکن .

عده‌ای دوحکم اول‌وعده‌ای دوحکم آخر را یکی میشمارندودر نتیجه مجموع احکام ده میشود .

قرآن .

کتاب آسمانی که برمحمدبن‌عبدالله(ص) نازل شد وکتاب مقدس کلیهٔ فرق اسلامی است وجمع‌آوری‌آن بعداز حضرت‌محمد صورت گرفته است درزمان حضرت‌رسول چهار نفراز صحابه به‌اسامی ابی‌بن‌کعب. معاذ بن جبل ، زید بن ثابت ، ابو زید انصاری هر‌کدام مجموعه‌ای از آیـات قرآن را جمع آوری‌کرده بودند . در زمان ابوبکرجمع‌آوری‌آیات موردتوجه واقع‌شدواینکار به زید بن ثابت‌واگذار گردید . عمرنیزدر اینکار نظارت داشت وفقط آیاتی‌را می‌پذیرفت که مکتوب‌بوده و دو نفر شاهد آنرا تأیید می‌نمودند . در نسخهٔ جـمع آوری شده ابتدا سورهٔ فاتحه نوشته شد و سوره‌ها به ترتیب درج گردید . این کتاب شامل ۱۱۴ سوره است .

نی‌هونگی.

ازکتب مقدس‌آیین‌شین‌تو که به‌سال ۷۲۰ میلادی نوشته شده ووقایع‌تاریخی ژاپون را شرح میدهد .

کوژیگی.

مهمترین متون مذهبی آیین‌شین‌تو است که در ۷۱۲ میلادی نوشته شده و شامل معتقدات بسیار قدیمی است.

مراثی، کتاب

کتاب‌مقدس، ازکتب یهود، منسوب به ارمیای نبی،که‌دررثای سقوط‌اورشلیم گفته شده است .

وداها.

نام‌چهار کتاب مقدس هندیان(ریگ ودا، ساماودا ، یاجورودا واتهرواودا) میباشد .

امامان شیعه

امامان دوازده‌گانه

بنا برعقیدهٔ شیعیان دوازده امامی علی بن ابیطالب داماد و پسرعم پیغمبر اسلام پس از وفات وی عهده‌دار رهبری مسلمانان بوده و این سمت‌را پس از او اولادانش به‌عهده گرفته‌اند آغاز امامت هریك به‌شرح‌زیراست .

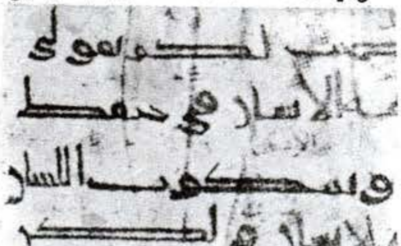
۱ـ علی‌بن‌ابیطالب	درسال	۱۱ هجری
۲ـ حسن بن علی	«	۴۰ «
۳ـ حسین‌بن‌علی	«	۵۰ «
۴ـ علی بن حسین	«	۶۱ «
۵ـ محمد بن علی	«	۹۴ «
۶ـ جعفر بن محمد	«	۱۰۵ «
۷ـ موسی بن جعفر	«	۱۴۸ «
۸ـ علی بن موسی	«	۱۸۳ «
۹ـ محمد بن علی	«	۲۰۸ «
۱۰ـ علی بن محمد	«	۲۲۰ «
۱۱ـ حسن بن علی	«	۲۵۴ «
۱۲ـ محمد بن حسن	«	۲۶۰ «

بعضی‌ازسنوات‌موردِاختلاف‌مورخان است آنچه دراینجا آورده شده تقریباً نظر اکثریت است .

علی‌بن‌ابیطالب(ع).

(فوت ۴۰ه‍ ق)

علی پسرعم‌وداماد پیغمبر ونخستین مردیست‌که مسلمان‌شد . او۲۳ سال‌قبل



نمونهٔ‌خط حضرت‌علی(ع)

ازهجرت درمکه به‌دنیا آمد . سر پرستی وی‌رامحمد(ص) به‌عهده گرفت‌وعلی‌ازاوان بلوغ‌باوفا ترین یار ودوست وی‌شد و در همهٔ جنگهای‌زمان پیغمبر شرکت کرد . درسال۳۵هجری به‌خلافت رسید . معاویه درشام وطلحه وزبیر درعراق به‌دشمنی‌با وی برخاستند .

علی‌به‌سرکوبی‌آنان‌قیام‌کرد وطلحه وزبیر را از میان برداشت ولی معاویه همچنان‌برجای ماند وپیش‌ازآنکه‌مهلت وی برسد علی‌هنگام نماز درمسجدکشته شد . درزمان وی مرکز خلافت به کوفه منتقـل ونخستین فرقه به‌نام خوارج پدید آمد .

دنیای اسلام براثر حوادثی کـه از ایام عثمان آغازگشته بود یك پارچگی خودرا ازدست‌داد . علی‌مردی بودشجاع وفصیح که همهٔعمر به‌سختی‌زندگی‌کرد .

کار بدنی را دوست‌داشت ، مهربان بود ، تعصب ملی‌نداشت. ولی‌بسیارمتدین وچندان عادل بودکه‌گفت تاوقتی نمرده است ضارب‌را نبایدبکشند . اوامام اول شیعیان بود .

امام‌حسن بن علی‌بن‌ابیطالب (ع).

(۳ ـ ۵۰ه‍ ق)

پس ازحضرت علی‌مردم‌کوفه با وی بیعت‌کردند ، وی بامعاویه جنگید ولی سپاهش باپول معاویه تطمیع وپـراکنده شدند .

امام‌حسن بامعاویه صلح‌کرد قرار شد خلافت بعد از معاویه با امام حسن باشد . آنگاه ازخلافت‌کناره گرفت و سرانجام به‌دست یکی اززنـانش مسموم گردید .

امام حسین‌بن‌علی‌بن ابیطالب(ع).

(۴ـ۶۱ ه‍ ق)

امـام سوم شیعیان است . پس از معاویه برای‌تصدی خلافت قیام‌کرد وبه دعوت مردم‌کوفه‌ازمدینه عازم آنجا شد لیکن مردم‌کوفه قبل ازرسیدن‌امام‌حسین ازسپاه یزید ترسیده خودرا کنار کشیدند وسپاهیان یزید درنزدیکی‌کوفه راه‌رابر آن حضرت بستند واورا به‌متابعت‌یزید دعوت‌کردند ، امام‌حسین(ع)قبول‌نکردو گفت مرا مردمی برای‌حکومت خودشان دعوت‌کردندوحال‌که‌نمی‌خواهند بگذارید به‌خانهٔ خود بازگردم ولی‌آنان‌نپذیرفته وامام‌حسین با جمعی کمتر از صـدتن همراهانش، مردانه جنگید وکشته شد و خانواده‌اش‌را به‌اسیری به شام بردند .

امام‌زین‌العابدین (ع).

(۳۸ـ۹۴ه‍ ق)

ابن‌حسین‌بن‌علی‌بن ابیطالب.

امام‌چهارم شیعیان فرزند امام‌حسین ازشهربانو دختر یزدگرد سوم است .

امام‌محمدباقر (ع).

(۵۷ـ۱۰۵ ه‍ ق)

ابن زین‌العابدین حسین‌بن علی‌بن ابیطالب . امام‌پنجم شیعیان‌بدست خلیفهٔ اموی مسموم‌شد .

امام‌جعفر صادق (ع).
(۸۰ ـ ۱۴۸ هق)

ابن‌محمدباقر بن زین العابدین‌بن‌ـ حسین بن علی بن ابیطالب . امام ششم شیعیان ، واضع وبانی‌فقه ومذهب امامیه وعالم شیعی بود ، عیار اولین سکه‌های اسلامی واصول‌ضرب آن‌را وی‌معلوم کرد. وی به‌امر منصورخلیفهٔ‌عباسی مسموم شد.

امام موسی کاظم (ع).
(۱۲۸ ـ ۱۸۳ ه ق)

ابن جعفر صادق بن محمد باقر بن زین‌العابدین‌بن حسین‌بن‌علی‌بن‌ابیطالب. امـام هفتم شیعیـان اثنی عشره است . ازمدینه به‌بغداد آمد ودر عهد هارون ـ الرشید زندانی و مسموم گردید .

امام رضا (ع).
(۱۴۸ ـ ۲۰۸ ه ق)

علی‌بن موسی‌الـرضا وقتی مأمون به‌حکومت رسید، وی‌را به‌خراسان آورد و ولیعهد خودساخت‌ولی‌امام‌رضا(ع)پیش ازمأمون درگذشت یامسموم شد .

امام محمدتقی(ع).
(۱۹۵ ـ ۲۲۰ ه ق)

ابن موسی‌الرضاامام‌نهم شیعیان‌است به امر معتصم خلیفهٔ‌عباسی مسموم شد در کاظمین‌مدفون است .

امام علی‌النقی(ع).
(۲۱۴ ـ ۲۵۴ه ق)

ابن‌محمد بن علی‌بن موسی‌الرضا . امام دهم شیعیان است . در مدینه متولد ودرسامره وفات یافت .

امام‌حسن عسکری(ع) .
(۲۳۱ ـ ۲۶۰ ه ق)

ابن علی‌بن‌محمدبن علی‌بن موسی‌ـ الرضا. امام یازدهم شیعیان‌است درمدینه متولدشدو به‌سبب شرکت درجنگ برضد رومیان به‌عسکری معروف شد.

مهدی موعود (ع).
(تولد ۲۵۵ ه ق)

امام محمد بـن الحسن بن علی‌بن محمدبن علی‌بن موسی‌الرضا .

برطبق مدارك‌شیعی‌وی‌درپنج‌سالگی هنگام‌مرگ‌پدر ازانظار غایب‌شده وفقط چهارتن نایب باوی تماس داشته‌اند پس ازوفات نایب چهارم به‌نام علی‌بن محمد سمری‌درسال۳۲۹ وی‌غیبت‌کبری نموده وروزیکه‌کفر وگناه روی‌زمین را فـرا گیرد وکار بر مسلمانان یك باره سخت شود واصحاب‌دجال‌عرصهٔ عالم‌را متصرف شوند ظهور خواهدکرد وکفروستم‌را از جهان برخواهداند‌اخت تا کنون بارهـا کسانی درسراسردنیای مسلمان پیداشده ودعوی مهدویت‌کرده‌اند .

نواب خاصه

عثمان‌ابن سعید .

ابو عمر ، عثمان بـن سعید اسدی عمروی ، که به‌قبیلهٔ بنی عمربن حریث ویاعمربن‌عامربن ربیعه، انتساب داشته، اولین نایب خاصه ازنواب اربعه بـوده است .

در تحیة الزایر حاج میرزا حسین نوری می‌نویسدکه :

عثمان‌بن سعید درسال ۲۵۶هجرت به‌سفارت‌ونیابت حضرت امام‌عصر منصوب ودرحدود۲۵۷هجرت وفات یافته‌وقبرش درجانب غربی بغداد واقع‌است .

محمدبن عثمان.

ابوجعفر محمدبن عثمان بن سعید اسدعمروی، دومین‌نایب ازنواب‌مخصوص که بعد از فوت پدرش ، عثمان‌بن سعید در سال ۲۵۷ هجری به نیابت منصوب گردیده ودرحدودچهل‌وهشت‌سال‌متصدی این‌امر بوده، تااینکه درماه جمادی‌الاول سال ۳۰۴ ویا۳۰۵هجری دربغدادوفات یافته است .

قبر وی درنزدیك در سلمان ، در میان اهالی بغداد، به‌شیخ‌خلانی معروف است .

حسین‌ابن روح نوبختی .

ابوالقاسم ، حسین بن روح‌بن ابی بحر روحی بحری نوبختی ، سومین‌نایب خاص ازنواب چهارگانه است‌که بعد از فوت‌محمدبن عثمان‌بن‌سعیددرسال۳۰۴یا ۳۰۵ هجری‌قمری‌به‌نیابت منصوب‌گردیده است .

کتاب التأدیب از او است ودر ماه شعبان سال۳۲۶ هجری قمری درگذشته است وقبر وی دربغداد مشهوراست .

علی ، ابن محمدسمری.
(فوت۳۲۹ه ق)

معروف به‌ابوالحسن ، چهارمین و آخرین نواب اربعه .

وی‌پس‌ازوفات شیخ‌ابوالقاسم‌حسین‌ـ بن روح درسال۳۲۶ ه ق . به‌نیابت‌امام دوازدهم شیعیان منصوب‌گردید . مدفنش درجوار قبرکلینی است . باوفات وی‌باب وکالت ونیابت‌خاصه‌وسفارت‌مسدود‌گردید وغیبت‌کبری شروع شد .

اصحاب پیغمبر

ابوبکر ، ابن ابی‌قحافه .
(فوت۱۳ ه ق)

ازقدمای صحابهٔ رسول(ص) و پدر عایشه زوجهٔ‌پیغمبر ونخستین خلیفهٔ‌اسلام وازاولین خلفای راشدین .

ابوایوب‌انصاری (فوت۵۲ ه ق)

ازبزرگان ومعروفان‌اصحاب‌پیامبر اکرم بود ، وی درچندین جهاد اسلامی ازجمله بدر و احدوخندق شرکت‌داشت. وی‌مردی دلاور وشجاع‌وپرتوان وشکیبا وپرهیزکاربود جهاد در راه دین‌رادوست می‌داشت ودرآن‌شرکت‌میکرد تاروزگار خلافت بنی‌امیه زندگی‌کرد ودرسال ۵۲ که همراه سپاهی اسلام به‌قسطنطنیه رفته بود ، در همانجا مریض‌شد ودرگذشت و طبق وصیت خودش درهمان‌جا در پـای دیوار دژ قسطنطنیه بـه‌خاك سپرده شد وفاتش به سال۵۲ هجـری اتفاق افتاد دوران عمرراپس‌ازآنکه مدت‌هادرمدینه بود درشام‌گذراند .

ابوذر غفاری ، جندب‌بن جناده .
(فوت ۳۲هق)

از صحابهٔ پیغمبر و به زهد وتقوی معروف بود .

وی به‌اسراف و تبذیر بیت‌المال و ارجاع‌مشاغل‌ومناسب به‌غیر ذیحق‌اعتراض میکرد ومیکوشید مانع انحراف حکمـ رانان ازشیوهٔ سوسیالیسم اسلامی شود . معاویه وی‌را ازشام و عثمان از مدینه راندند واو سرانجام دربیابان جان داد ودخترش‌کاروانیانی راکه ازراه‌میگذشتند به‌کفن ودفن وی فرا خواند .

ارقم. (فوت۵۵ه ق)

یکی ازصحابه رسول‌اکرم که‌هنگام سختی‌روزگارمسلمانان ، درخانهٔ خودرا به‌رویشان‌گشود .

جابر بن عبدالله انصاری .
(فوت ۸۹ ه ق)

ازصحابه پیغمبر وازراویان حدیث است. درنود وچهارسالگی درمدینه‌وفات یافت .

حذیفه ، ابن یمان .
(فوت۳۶ ه ق)

معروف به‌ابوعبدالله‌ازمشاهیرصحابهٔ پیغمبر اسلام. اودرجنگ نهاوند شرکت داشت وازجانب عمربه‌حکمرانی نصیبین منصوب‌گشت . وی در مداین‌وفات‌یافت.

خالدبن ولید (فوت ۲۱ ه ق)
ازصحابه پیغمبر وازسرداران‌معروف مسلمانان‌است. درسال ششم‌هجری‌مسلمان شد . در فتح شام فرمانده مسلمین بود . درحمص‌وفات‌یافت .

زبیربن العوام (فوت ۳۶هق)
ازصحابهٔ پیغمبر وپسرعمهٔ او بود . درسال سوم‌قبل ازهجرت در ۲۵ سالگی مسلمان شدپس‌ازبه‌خلافت رسیدن‌حضرت علی باطلحه وعایشه برعلیه وی به‌منازعه برخاست ودرجنگ جمل کشته‌شد .

زید ، ابن‌حارثه‌بن شراحیل .
(شهید۸ ه ق)
بنده‌ای بودکه خدیجه اورا خریدو به پیغامبر (ص) هدیه داد وآن حضرت وی‌را آزاد کرد وبه‌فرزندی پذیرفت . او ازنخستین کسانی است که اسلام‌آورد، ودروقعهٔ‌مؤتی لوای اسلام‌را حمل‌میکرد ودرهمان وقعه کشته شد .

زید ، ابن‌ثابت بن ضحاك .
(فوت ۴۵ ه ق)
ازانصار رسول(ص). وی به‌سن ۱۱ سالگی به نزد پیغامبر شد ، ودبیر آن حضرت و نویسندهٔ وی بود . دریوم تبوك رایت را او حمل می‌کرد .
زید یکی ازسه‌تن است که قرآن‌را به‌امرابوبکرجمع کردند. عمرچون‌به‌حج می‌شداورا‌جانشین میکرد.وی‌متولی‌تقسیم غنایم یرموك شد .

ذکوان ، ابن‌عبدالقیس .
(شهید ۳ ه ق)
معروف به‌ابوالسبع از مردم مدینه بود وقبل‌ازهجرت به‌مکه رفت وبه‌شرف اسلام نایل‌آمد وسپس بارسول(ص) به مدینه هجرت‌نمود وغزوات بدرواحد را درك‌کرد و در هردو ، شبها پاسبانی رسول(ص) را به‌عهده داشت ودر غزوهٔ احد به‌دست ابوالحکم‌بن الاخنس‌شهادت یافت .

سائب ، ابن‌یزیدبن سعیدکندی .
(۲۰ ـ ۸۰ ه ق)
معروف به‌ابویزید صحابی‌درحجة‌الوداع باپدرخودحضورداشت ، ازجانب عمر مأمور سوق‌مدینه گردید وآخرین کس ازصحابه است‌که پس‌ازسال ۸۰ درددورهٔ عبدالملك‌بن مروان درگذشته‌است .

سعدبن‌ابی‌وقاص (۱۷ـ۵۵ه ق)
ازمسلمین اولیه وصحابهٔ پیغمبر و سرداران نامی‌اسلام است .
وی در جنگهای قادسیه وجلولا و نهاوند فرمانده سپاه اسلام بود . گویند به‌دست‌معاویه مسموم شد ودرآن‌هنگام قریب نودسال داشت . پسرش‌عمربن‌سعد قاتل امام حسین‌است .

سعد ، ابن عبادة‌بن‌دلیم .
(فوت ۱۵ه ق)
معروف به ابوثابت ازصحابهٔ رسول (ص)اوازمردم‌مدینه ورئیس‌خزرج ویکی از اشراف امرا درعهد جاهلیت و اسلام بود . درعقبه با ۷۰ تن ازانصار شرکت کرد وهمچنین دراحدوخندق‌وغیره‌حضور یافت .
سعدیکی ازنقبای دوازده‌گانه‌است‌و هموست‌که‌باسعد‌بن‌معاذجراحت‌پیامبر(ص) را پس از وقعهٔ احدضماد‌گذاشت، وچون پیغمبروفات یافت اوطمع درخلافت‌بست وبا ابوبکر‌بیعت‌نکرد وبه‌زمان‌عمر‌بشام مهاجرت‌کرد ودر حوران درگذشت.

سعد، ابن معاذبن نعمان.
(فوت۵۵ هق)
ازصحابه‌واانصاررسول(ص)وازشجاعان آن‌عهد وی ازمردم مدینه بود وسیادت **اوس**‌را داشت ولوای اسلام را در وقعهٔ بدر اوحمل میکرد . در احد هم حاضر شد . هم اوست که‌بیاری سعدبن عباده‌پس ازین‌وقعه‌جراحت‌پیامبر(ص)راضمادنهاد وی حکمی مبنی براسارت یهود خیبر گرفت وبقتل‌مردان واسارت‌زنان‌وتقسیم اموال ایشان فرمان داد . او در خندق جراحت برداشت‌وبراثرآن‌درگذشت‌ودر بقیع دفن شد . عمراو ۳۷ سال بود.

سلمان‌فارسی، (فوت۲۷ ه ق)
ازصحابهٔ پیغمبر ، اصلش را ازجی اصفهان‌و‌نامش‌رابه‌اختلاف‌دادبه، ذادویه‌ـ روزبه‌نوشته‌اند . حمدالله مستوفی‌ماهویه بن بدخشان بن آذرگشسب آورده گویا وی‌نخست مذهب زرتشتی‌یا مانوی داشته سپس‌مسیحی‌شده، بعدازآن به‌غلامی‌مردی یهودی‌درآمده وپیغمبر ویراازآن‌یهودی خریده وآزادکرده است. سلمان‌به‌زهدو تقوی وتدبیر معروف است .
حفر خندق در جنگ خندق در اطراف‌شهر به‌دستور وی بوده. در زمان عثمان به‌حکومت‌مداین منصوب وهم در آنجا درگذشت .

صعب ، ابن جثامته (فوت۲۵ ه ق)
ازدلاوران صحابه،در غزوات عصر پیغمبر (ص) حاضربود و درفتح اصطخر شرکت داشت .

صهیب ، ابن‌سنان‌بن‌مالك.
(فوت۳۲ ه ق)
معروف به‌ابویحیی صحابی وازتیراندازان معروف عرب ازبنی‌نمربن‌قاسط واز سابقان در اسلام است . پدر او از اشراف جاهلیت است .
کسری او را برابلهٔ بصره ولایت داد. منازل کسان‌اودرسرزمین‌موصل برشط فرات (ازجانب جزیره وموصل) بودو صهیب بدانجا متولد شد ، رومیان آنان را غارت نمودند وصهیب را اسیر کردند یکی‌ازبنی‌کلب وی‌را گرفت وبه‌مکه‌آورد عبدالله جدعان تیمی اورا خرید . سپس آزادکرد واو درمکه به‌تجارت پرداخت وچون اسلام ظاهر گشت او مسلمان شد. چون‌مسلمانان‌عازم حبشه شدند ، صهیب مالی‌فراوان به‌دست آورد ، مشرکان از مهاجرت اوممانعت کردند و گفتندتو گدایی‌پست بودی و اکنون که مالی فراوان یافته‌ای ارادهٔ رفتن داری ؛ گفت : اگر مال خویش بدهم مرا دررفتن‌آزادمی‌کنید؟ گفتند: آری. وی همهٔ مال بدیشان داد . چون این‌خبربه پیغمبررسیدگفت :
صهیب سودبرد صهیب درجنگ‌بدر واحدودیگرغزوات‌حاضربودودرصحیحین ۴۰۷ حدیث ازاوآمده، وی به‌سبب زهد وپارسایی شهرت دارد .

ضحاك، ابن‌سفیان (شهید۱۱ ه ق)
معروف‌به ابوسعید، ازصحابهٔ‌پیغمبر ومردی شجاع‌نخست‌ازجانب رسول‌مأمور دریافت‌زکاة و عامل برصدقات بنی‌کلاب بود . سپس به سیافی برگزیده شدوبالای سرپیغمبر(ص) میایستادباشمشیری‌حمایل کرده . عاقبت درقتال با اهل‌رده ازبنی سلیم شهادت یافت .

طلحة‌بن عبیدالله (فوت ۳۶ هق)
ازصحابهٔ پیغمبر و عمزاده پدری ابوبکر صدیق‌بود. در۲۳ سالگی‌مسلمان شد(سال‌سوم‌قبل‌ازهجرت) پس‌ازبه‌خلافت رسیدن حضرت علی بازبیر و عایشه بر علیه‌وی‌به‌جنگ برخاست ودرجنگ‌جمل کشته شد.«توضیح‌بیشتردرمروجین»

عبدالرحمن ، ابن‌عوف
(۴۴ق‌ه ـ ۳۲ه ق)
یکی ازبزرگان صحابه و از عشرهٔ مبشره واصحاب شوری‌وازسابقین‌دراسلام است . گویندوی‌هشتمین‌کس بودکه اسلام آورد . نام او درجاهلیت عبدالکعبه‌بود وپیغمبر(ص) اورا عبدالرحمن‌نامید.در

جنگهای بدرواحد شرکت کردودرجنگ احد ۲۱ جراحت براووارد شد . او در یك روز سه برده آزاد کـرد . شغل وی تجارت وخرید وفروش بود .

عبدالله، ابن جعفر بن ابوطالب (۱ ـ ۸۰ ه ق)
وی صحابی است ودرحبشه متولدشد. او نخستین مولود مسلمانان درحبشه است مردی کریم بودوشعراویرا مدح میگفتند درجنگ صفین از امیران لشکر علی (ع) بود.

عبدالله ، ابن عمر بن خطاب.
(فوت ۷۳ ه ق)
صحابی وازمعروفترین خانواده‌های قریش بود. باپدرخود به‌مدینه هجرت کرد ودرفتح مکه حاضر بود مدت ۶ سال در اسلام فتوی‌داد پس ازقتل عثمان گروهی نزد وی آمدند که با او به‌خلافت بیعت کنند نپذیرفت . وی دو بار در جنگ افریقا شرکت جست. نخست به‌همراهی ابن ابی‌ـ سرح وباردوم بامعاویة بن حدیج. او آخرین صحابی است که به‌مکه در گذشت ، از او ۲۶۳۰ حدیث در صحیحین روایت شده است .

عثمان .
دامادحضرت‌محمد(رقیه وام کلثوم) و سومین خلیفه از خلفای راشدین بود عثمان در ۸۱ سالگی پس از ۱۲ سال خلافت در سال ۳۵ هجری به‌قتل‌رسید.

عماربن یاسر .
(فوت ۳۷ ه ق)
از صحابهٔ پیغمبر و نخستین کسی است که‌دراسلام‌مسجد ساخت وی‌به‌وفور نقوی و قوت ایمان معروف و در جنگ صفین از یاران علی‌بود وبه‌دست سپاهیان معاویه کشته شد .

عمر ابن خطاب .
(فوت ۲۲ ه ق)
از صحابهٔ رسول(ص)ودومین‌خلیفهٔ اسلام ازخلفای راشدین.
در زمان خلافت او عراق ، ایران مصر ، شام به‌دست مجاهدان اسلام فتح شد . وی مردی مدبر وباهوش بود و در مدت اندك خلافت خود فتوحات عظیمی را سبب‌شد وتأسیسات مفیدی مانندتاریخ هجری، بیت‌المال، دفاترمالیاتی(به‌تقلید ایرانیان) وبنای شهرهای تـازه مانند کوفه و بصره اقـدام کرد . وی به‌دست فیروز معروف به ابولؤلؤ کشته شد .

عمرو بن عاص.
(فوت ۴۳ه ق)
ازصحابهٔ پیغمبرواز نویسندگان‌وسرداران اسلام است . درسال ششم هجری مسلمان شد. مردی سیاستمدار و حیله‌گر بود . وی فاتح‌مصر وحاکم آنجاست درمبارزهٔ حضرت‌علی ومعاویه جانب‌معاویه‌راگرفت واورا در رسیدن به‌قدرت‌یاری‌کردی تا مقام خودش نیز مصون بماند . در موقع وفات بیش از نود سال داشت .

علی بن ابیطالب ، امام اول شیعیان
(امامان شیعه را به ببینند.)

امامان اهل‌سنت

ابوحنیفه ، نعمان‌ابن ثابت.
(۸۰ یا ۸۲ ـ ۱۵۰ ه ق)
فقیه ودانشمند مشهورویکی ازائمه چهارگانه اهل سنت و مـؤسس مذهب حنفیه است ، جد او ایرانی و اهل کابل بوده وخودش درکوفه ولادت یافت وی دراوایل عمرخود سرگرم مباحث کلامی بوده و ازطرف دیگر در امور اجتماعی هم وارد بوده است ؛ ابوحنیفه بعلویان تمایل داشت و از شاگردان مشهور وی ابویوسف است . وی‌گر چه بـه تعلیم و تدریس فقه اهتمام نمود امـا از قبول عنوان قاضی که به‌او پیشنهاد شده بود همواره اباکرد ودرقبول‌احادیث‌سختگیر بود، چنانکه‌از مجموع احادیث‌بیش از قریب ۱۷ حدیث را قبول نداشت.
ابوحنیفه دراواخرعمرموردسوءظن خلیفهٔ عباسی واقع شد ودربغدادبه‌زندان افتاد و درزندان وفات یافت .

مالك بن انس.
(۹۵ ـ ۱۷۹ ه ق)
ابو عبدالله مالك بن انس رابرخی عربی الاصل و بعضی‌از موالی‌دانسته‌اند، در مدینه به دنیا آمده وازبزرگان دینی آن شهر فقه‌آموخته است .
مهمترین اثر مالك‌کتاب الموطاکه درآن احادیث وسنن اهل مـدینه را به تـرتیب فقهی مرتب نموده است . وی در مدینه وفات یافت و در بقیع مدفون است.
مذهب او یکی از مذاهب‌چهارگانهٔ اهل‌سنت است .

شافعی ـ محمد بن ادریس.
(۱۵۵ـ۲۰۴ه ق)
چندی درمکه تحصیل کـرد آنگاه به‌مدینه به‌خدمت مالك بن انس‌رفت. پس ازآن‌چندی دریمن‌بسربرد ودرسال ۱۹۵ روانهٔ بغـداد شد وبا عقاید ابـوحنیفه آشنایی یافت‌وبه‌تلفیق وتحقیق‌عقایداین دوامام‌پرداخت ونظرات خودراکه‌اساس مذهب شافعی است در رسالاتی فـراهم کرد .

احمد ، ابن‌محمدبن حنبل .
(۱۶۴ ـ ۲۴۱ه ق)
یکی ازائمهٔ چهارگانه اهل‌سنت و مؤسس مذهب حنبلی است .
دربغدادبه‌دنیا آمد وتوجه اوبیشتر به‌علم حدیث‌بود . درطلب حدیث کوفه‌و بصره ومکه ومدینه‌ویمن‌وشام والجزیره را دید . ویك‌چند نزد شافعی تلمذنمود با معتزله وعقایدآنهادرباب خلق‌قرآن مخالفت‌کرده قول‌آنهارا بدعت شمرد . هرفتوی راکه ازصحابه نقل‌شده بودقبول داشت مأمون خلیفه اورا به‌زنجین‌کردو معتصم عباسی‌اورا شکنجه‌کرد ودر دورهٔ متوکل عباسی‌حرمت ونفوذتمام یافت .
ازاحمدبن حنبل کتابی باقی‌نمانده بلکه‌آنچه ازاو درفقه‌روایت شده‌عبارت است ازپاسخ‌هایی که‌به‌سؤالات مردم داده است وشاگردان اوآنهارا مرتب‌ومدون کرده‌اند .

مروجین ادیان

خوندزاده‌خراسانی

آخوند زادهٔ خراسانی .
(۱۲۵۵ ـ ۱۳۲۹ ه ق)
ملامحمدکاظم‌خراسانی ، ازبزرگان علمای امامیه است درطوس متولد شد و محضر بزرگانی چـون ؛ شیخ مرتضی‌ـ انصاری و میرزا محمد حسن شیرازی را درك‌کرده است، ازمراجع‌تقلیدامامیه بوده‌که به‌خلع محمد علی‌شاه‌قاجار حکم قطعی‌داد .
از تألیفات او ؛حاشیه بر اسفارملا صدرا است .

آذربد مهر سپندان .
(قرن ۴ ق م)
موبدموبدان درعصر شاپورذوالاکتاف خرده اوستا وقسمتی ازاوستاراجمع‌کرد ورساله‌ای‌به‌نام اندرز ازاو به‌زبان‌پهلوی باقی مانده است .

آذر فرنبغ .
(زنده درقرن ۹میلادی)
ازموبدان‌دورهٔ مأمون‌خلیفهٔ عباسی صاحب‌کتاب دینکرت .

آذرکیوان .
(فوت ۱۰۲۷ ه ق)
مؤسس آیین «آذرکیوان» ، معاصر شاه‌عباس کبیر ، با گروهی ازمریدان‌خود به‌هند سفر کرده‌ودرپتنه درسن ۸۵ سالگی درگذشت ، آیین‌او ترکیبی از اسلام ، زرتشتی ، یهودی ، مانوی ، مزدکی و بودایی است .
دراین کیش به‌اشراق شیخ‌شهاب‌الدین سهروردی توجه‌می‌شد .

آرمینیوس ، یاکوبوس Arminius
(۱۵۶۰ – ۱۶۰۹م)
ازعلمای الهی‌هلند وبانی نهضت‌ضد کالونی که‌طریقهٔ‌او وبعدها به‌آیین آرمینیوس معروف شد .

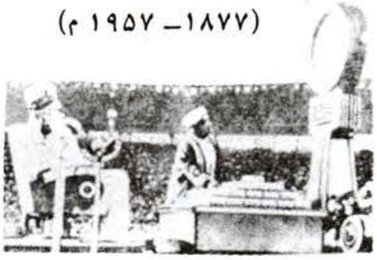
آریوس Arius
(۲۵۶ – ۳۳۶م)
کشیش‌مشهورومؤسس فرقهٔ آریانیسم که درلیبی‌یا اسکندریه متولد شد و در قسطنطنیه درگذشت .
وی می‌گفت که خدا قبل از خلقت کائنات‌فرزندخودعیسی را به‌وجودآورد، ولی‌عیسی نه‌با پدر برابر است ونه‌چون اوابدی است . این‌عقیده رواج‌یافت و باعث‌مناقشاتی شدکه‌وحدت عالم‌مسیحیت را متزلزل ساخت .

آشتیانی ، حاج میرزا حسن .
(فوت ۱۳۱۹ ه ق)
ازمجتهدین بزرگ وفقهای‌معروف عهد ناصری ، وحاشیهٔ اوبر رسایل‌شیخ مرتضی انصاری درفقه مشهور است . آشتیانی درتهران وفات یافت‌وجنازهٔ او را به‌نجف بردند ودرمقبرهٔ شیخ‌جعفر شوشتری دفن‌کردند .

آقاخان ، ابن‌شاه خلیل‌الله .
(۱۸۰۰ – ۱۸۸۱ م)
رئیس فرقهٔ اسماعیلیه‌که بعدازقتل پدرموردلطف فتحعلی‌شاه قاجار واقع‌شد وشاه یکی‌ازدختران خود را به عقد او درآورد . آقاخان به‌سبب تحریکات‌بعضی درباریان‌وخصوصاً توطئه‌های‌حاج میرزا آقاسی‌درسال ۱۲۵۶ سربه‌شورش برداشت اما‌کاری‌ازپیش نبردو به‌سندرفت‌وازآنجا به بمبئی‌رفت و درآنجا سکونت یافت وی بمبئی رامرکز فرقهٔ خویش کردوتا زمان مرگ رئیس‌فرقهٔ اسماعیلیه بود .

آقاخان دوم .
(۱۸۰۴ – ۱۸۸۵ م)
علیشاه ، پسرآقاخان اول که پس‌از پدر جانشین اوشد

آقاخان سوم .
(۱۸۷۷ – ۱۹۵۷ م)



پیروان‌آقاخان به‌وزن‌اوطلا وجواهرمی‌دهند

سلطان‌محمدشاه، تنهاپسر آقاخان‌دوم که درسن ۸ سالگی جانشین پدرشد. وی درطی عمردراز خویش شهرت وجاه و مکنت فراوان یافت ودرژنو وفات‌یافت وبرحسب‌وصیت وی‌نوه‌اش کریم‌خان به آقاخان‌چهارم به‌امامت فرقهٔ اسماعیلیه رسید .

آقاخان چهارم .
(تولد ۱۹۳۶ م)
کریم‌خان، فرزند ارشد علی‌خان‌و نوهٔ آقاخان سوم است .
وی درژنو متولد شده و در سویس ودانشگاه هاروارد تحصیل کرده است تشریفات رسیدن‌او به‌مقام امامت‌درشهر دارالسلام تانگانیکا به‌عمل‌آمد. پرنس کریم‌خان‌هم‌اکنون‌پیشوای فرقهٔ‌اسماعیلیه است .

آمدی ، سیف‌الدین ابوالحسن .
(۵۵۱ – ۶۳۱ ه ق)
یکی ازفقهای مذهب حنبلی وسپس شافعی‌که دربغداد ، دمشق ومصر اقامت داشت . ازتألیفات او «ابکارالافکار» و «احکام فی‌اصول‌الاحکام» میباشد .

آندریاس ، قدیس Andrew
یکی از ۱۲ حواری ، برادرپطرس وشغلش ماهیگیری وقبل از ایمان از شاگردان یحیی تعمید دهنده بود . در آسیای‌صغیرومقدونیه وروسیه تبلیغ‌کرد وگویند بر صلیب مخصوصی به‌شکل × مصلوب شد .

آیت‌الله اصفهانی، آقا سیدابوالحسن.
(۱۲۳۷ – ۱۳۲۵ ه ش)
از بزرگان‌علمای‌امامیه وازمراجع تقلید بود .
کتب‌ورسالات متعدد ازایشان به‌جا مانده وازکرم‌وبزرگواری‌ایشان‌مخصوصاً درمورد عفوقاتل فرزند ، سخنها گویند .

آیت‌الله بروجردی ، حاج آقا حسین طباطبایی .
(وفات ۱۳۴۰ ه ش)
دربروجرد متولدشد و نزد والد خود وعلماءآنجا به‌تحصیل اشتغال‌داشت



ودر سنه ۱۳۱۰ ق برای ادامهٔ تحصیل به‌اصفهان ودرآنجا به‌تحصیل مشغول‌شدو در ضمن به‌تدریس اشتغال داشت به سال ۱۳۱۸ ق به نجف مهاجرت نمود ودر آنجا بادرجهٔ اجتهاد به‌درس‌آخوندملا محمدکاظم خراسانی وارد گردید و در ۱۳۲۸ ق به‌اخذ اجازهٔ اجتهاد ازعلماء آنجا به بروجرد مراجعت نمود ومرجع تقلید اهالی غرب‌وجنوب ایران وقسمتی ازخراسان و عراق واقع‌گردید در سنهٔ ۱۳۶۴ ق به‌قم مراجعت نمود و بعد از وفات سیدابوالحسن‌اصفهانی مرجع‌تقلید عموم واقع‌گردید. و در سال ۱۳۸۰ ه ق درقم درگذشت .
انیس‌المقلدین ، اصول دین برای تعلیم وتعلم ادعیهٔ مسافرت و مناسک حج ، البدر الزاهر فی‌صلاة الجمعه و المسافر(عربی) توضیح‌المسایل ، جامع الفروغ ، حاشیه علی عروة الوثقی . صراط‌النجاة‌ترجمه وسیلة‌النجاة ، مجمع الفروغ ، مختصرالاحکام، مصابیح‌الفروع یاکلیات جامع‌الفروع،مناسک‌حج،وسیلة النجاة .

آیت‌الله شیرازی ، محمدحسن‌بن‌محمود ابن‌اسمعیل .
(۱۲۳۰ – ۱۳۱۲ه ق)
درجوانی درنجف وکربلا مقیم‌بود. ودرنزد شیعیان اعتبارتمام‌داشت. درسال ۱۳۰۹ پس از واگذاری انحصارتوتون



آیت‌الله آشتیانی



آقاخان چهارم



آیت‌الله اصفهانی

وتنباکو به‌یك‌شرکت انگلیسی‌نوشت :
امروز استعمال تنباکو و توتون به هرصورت درحکم ، جنگ با امام زمان است . این‌حکم چندان نافذ بودکه‌حتی زنان حرم ناصرالدینشاه ازآوردن‌قلیان برای‌شاه امتناع کردند وتظاهرات‌سراسر ایران رافراگرفت‌ومنجربه‌لغوامتیازشد. آیت‌الله شیرازی در سامره درگذشت .

ابراهیم ادهم .
(مقتول ۱۶۰ یا ۱۶۱ ه‍ ق)

زاهد وعارف مشهور ایرانی‌که از امیرزادگان بلخ‌بود ، وی ازبلخ به‌مکه رفت و مجاورگردید . ابراهیم ادهم در طریقهٔ تصوف مقام بزرگ‌یافت و درمکه به‌صحبت چندتن ازاولیا مانند فضیل‌بن عیاض وسفیان‌ثوری رسید ، سپس به‌شام رفت‌وتا پایان‌عمرآنجا بود. درکتاب‌های صوفیه‌حالات وکرامات بسیاربه‌وی منسوب شده است . وی درجنگ دریایی ضد بیزانس به‌شهادت رسید .

ابن اخوة ، قرشی .
(زنده در ۵۰۰ ه‍ ق)

ازعلمای بزرگ اسلام معروفترین کتاب او«معالم القرابة فی‌امورالحسبة» است‌که نزد اهل‌فن معروف‌می‌باشد . او درفقه‌شافعی‌استادبوده‌واشاعهٔ‌مذهب‌شافعی میکرده است .

ابن‌ادریس ، حلی .
(وفات۵۷۸ ه‍ ق)

نوادهٔ‌دختری شیخ طوسی ازعلمای شیعه . وی‌تبیان‌شیخ‌طوسی‌رامختصرکرده ونسخهٔ آن در دستست، وکتاب«السرائر الحاوی التحریرالفناوی» و «مسائل‌ابن ادریس» ازوست .

ابن‌الاثیر ، عزالدین ابوالحسن‌علی .
(۵۵۵ ــ ۶۳۰ ه‍ ق)

دارای اطلاعات‌وسیع‌درفقه وحدیث واصول وادب بوده است . مورخ معروف عرب‌است ، درموصل وبغداد تحصیل‌کرد و در موصل به تألیف پرداخت . آثار معروف اوعبارتند از :

«کامل‌ابن‌اثیر» که‌تاریخ عمومی‌عالم است. «اللباب» تلخیصی‌ازکتاب‌الانسان سمعانی‌است . کتاب « اسدالغابه » در تراجم‌احوال‌صحابه، کتاب«تحفةالعجایب» «وطرفةالغرائب»و«کتاب تاریخ‌اتابکان». ابن‌اثیر دربغداد وفات یافت‌وقبرش درنزدیکی مرقدکاظمین است .

ابن‌الجوزی ، ابوالفرج عبدالرحمن .
(۵۱۰یا ۵۰۸ ــ ۵۹۷ ه‍ ق)

محدث و واعظ ودانشمند حنبلی ، که‌ازاعقاب محمدبن ابوبکرصدیق‌است. زندگی او در بغداد می‌گذشت و مورد احترام بیشتر فرق بود وی درحدیث و تاریخ وتفسیر وبعض علوم دیگر دارای تألیفاتی است‌که از مهمترین آنهاکتاب «المنتظم» و«تلبیس ابلیس» است.

ابن‌الزبیر ، ابوبکر عبدالله .
(مقتول ۷۳ ه‍ ق)

پدر او زبیربن‌عوام قرشی ازصحابهٔ رسول ومادرش‌اسماء دختر ابوبکراست. ابن‌الزبیرازراویان پیامبر (ص) بود و شهامت وشجاعتش معروف است .

ابن بابویه ، ابو الحسن علی‌بن‌حسین .
(فوت ۳۲۹ ه‍ ق)



مرقد ابن‌بابویه

فقیه معروف شیعی درشهر قم‌علم‌فقه آموخت ودرهمین‌شهر به تجارت اشتغال داشت و درسال ۳۲۸ به‌خدمت حسین بن روح رسید تألیفات متعدد دارد و ابن الندیم معتقد است‌که‌دویست‌کتاب درعلم فقه تألیف‌کرده‌است‌که ازآن جمله‌کتاب «الشرائع»وکتاب«الرساله»رابایدنام‌برد مزار او در شهرقم قرار دارد و از دیر باز زیارتگاه شیعیان است .

ابن‌بابویه، ابوجعفرمحمدبن‌علی‌بن‌حسین.
(فوت ۳۸۱ ه‍ق)

ملقب به‌صدوق فقیه و محدث‌معروف شیعه ، ازاساتید بسیار، ازجمله‌پدر خود ومحمدبن حسن ابن‌الولید ادب وفقه را فراگرفت . وی باسلاطین وبزرگان‌شیعه زمان خود آمیزش داشت.

کتاب«من‌لایحضره‌الفقیه» که‌ازکتب اربعه ومعتبر شیعه است ازاوست . ابن‌بابویه درری‌درگذشت ومقبره‌اش‌درآنجا معروف میباشد .

ابن شهرآشوب ، محمدبن علی .
(۴۸۸ ــ ۵۸۸ ه‍ق)

فقیه و محدث و واعظ وادیب‌شیعه، مازندرانی ملقب به رشیدالدین بود مقام علمی اودرمیان علمای‌شیعه همچون مقام خطیب بغدادی درمیان اهل سنت است وی در حلب وفات یافت ، از تألیفات اوکتب «مناقب آل‌ابی‌طالب» و «معالم‌العلماء» و«اسباب‌نزول القرآن»، معروف است.

ابن کثیر ، اسماعیل‌بن عمردمشقی .
(۷۰۲ ــ ۷۷۴ ه‍ ق)

مدتی درمدرسهٔ اشرفیه‌شام‌به‌تدریس مشغول سرانجام‌ازکارکناره‌گرفت‌وبتألیف آثار خود پرداخت ، وی ازفقهای نامی مذهب‌شافعی‌وکتابی‌درتاریخ‌بنام**البدایة‌والنهایه** دارد که محتوی شرح حوادث تاریخی ازآغازخلقت تاسال ۷۳۸هجری است .

ابوالحسن، علی‌بن‌اسماعیل اشعری.
(۲۶۰ ــ ۳۲۴ ه‍ ق)

مؤسس مذهب اشاعره، نخست‌مذهب معتزله داشت ودرحدود چهل سالگی از این طریقه دست برداشت و باقی حیات را درمبارزه باآنان‌گذراند وکتب‌بسیار دراثبات روش خود نوشت . از تصنیفات اوکتاب «الموجز»، «مقالات‌المسلمین»، «ایضاح‌البرهان»رامیتوان‌نام‌برد

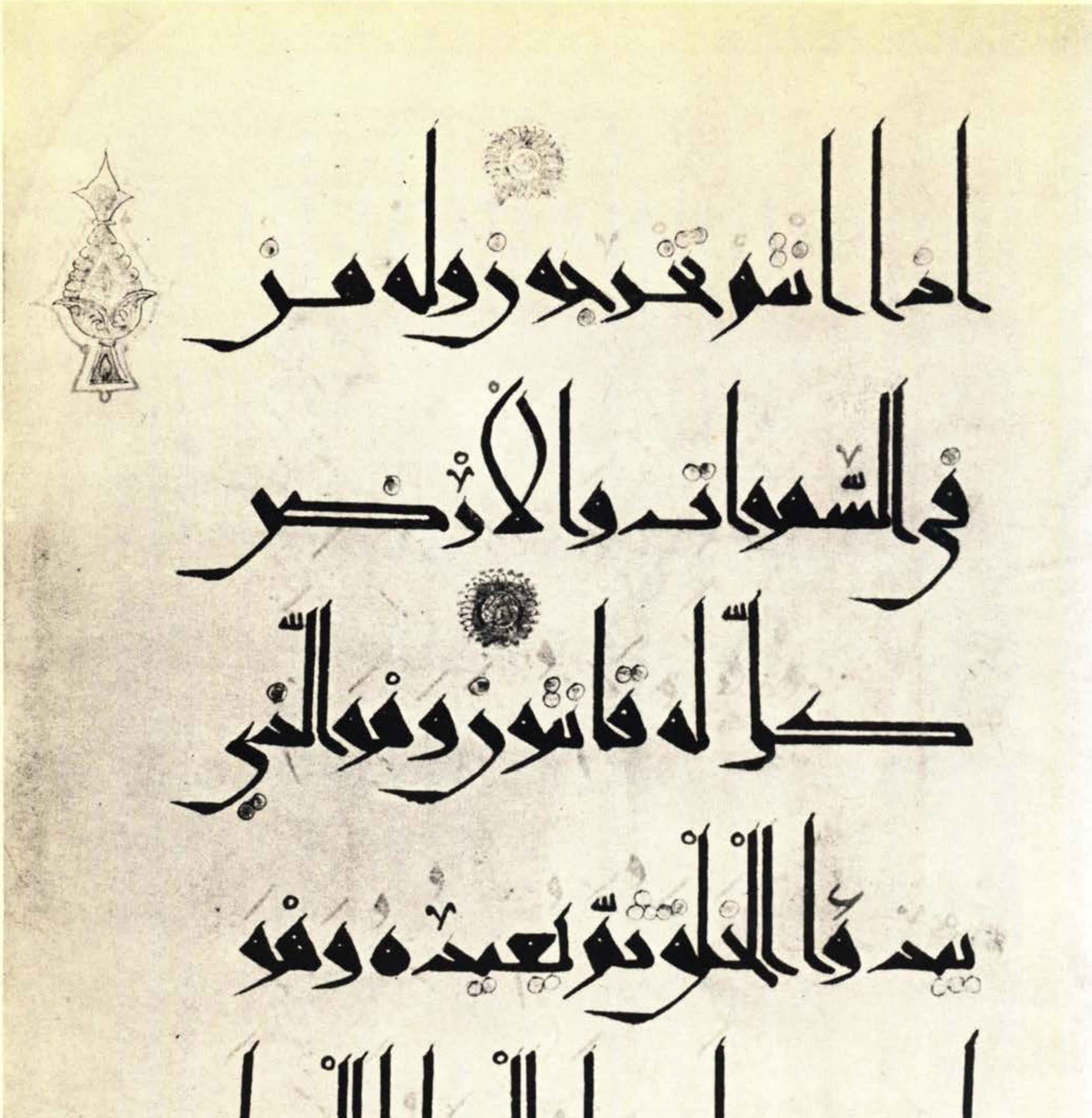
ابوالفتوح رازی، جمال‌الدین حسین.
(زنده در ۴۸۰ــ۵۲۵ ه‍ ق)

مفسروعالم مشهور شیعه‌که اصلا از ازنیشابور بود ولی درری‌زندگی‌میکرد تفسیرمعروف«ابوالفتوح»،ازتفاسیرجامع و معتبر قرآن است، ابوالفتوح برحسب وصیت خودش درصحن امامزاده‌حمزه‌در جوار حضرت عبدالعظیم مدفون است.

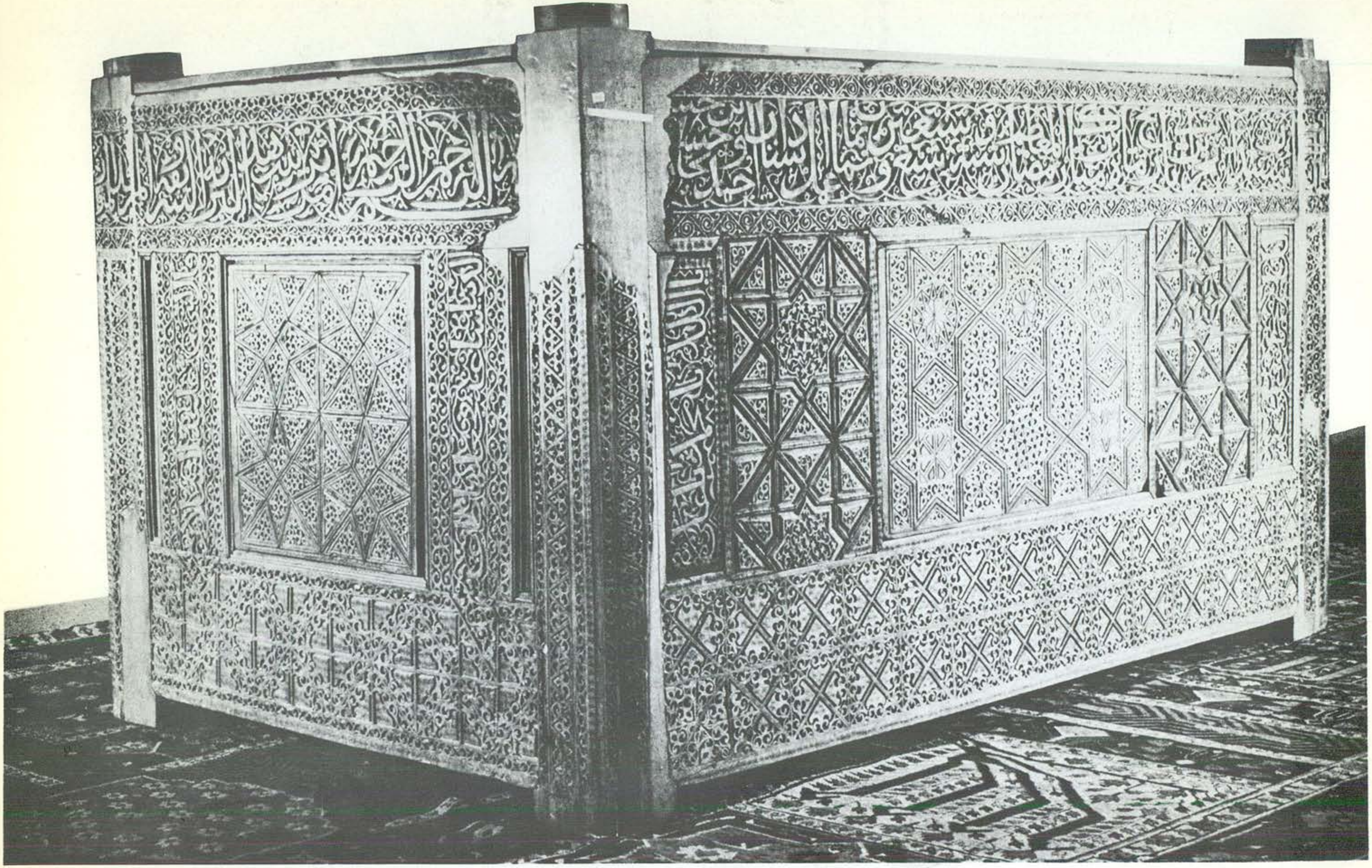
احسایی، شیخ‌احمدبن‌شیخ‌زین‌العابدین
(۱۳۴۲ ه‍ ق)

ازعلماء و متفکرین قرن سیزدهم است‌که‌کوشیده مذهب شیعه را با فلسفه یونان سازش دهد. پیروان او را شیخیه نامند . وی بعلم وتقوی معروف بوددر غالب ممالك‌اسلامی‌شاگردان وهواداران بسیار داشت. وقتی‌به‌تهران‌آمد فتحعلی‌شاه شخصاً به‌استقبالش شتافت. عقایدتازه او سبب اعتراض دیگر علما شده موجب شورش وآشوب دربعضی ازشهرهای‌ایران شد. شیخ‌احمد ناچار به‌مدینه رفت و در همانجا درگذشت. درسالهای اخیر بابیه استناد به‌عقاید وی کرده‌اند.

ابوداود ، سلیمان بن اشعث .
(۲۰۲ــ ۲۷۵ ه‍ ق)



صفحه‌ای از قرآن ، قرن پنجم ، ارتفاع ۲۷ سانتیمتر
مجموعهٔ اریک شرودر



صندوق‌گور ، منبت‌کاری ، بتاریخ ۸۷۷ هجری . با نام هنرمند . طول ۱۸۳ سانتیمتر
مدرسه طراحی رود آیلند

حافظ حدیث ، و ازبزرگان علمای اهل سنت است ، وکتاب سنن او ازکتب صحاح ستهٔ آنان می‌باشد، می‌گفت ۵۰۰ هزار حدیث از رسول اکرم ضبط‌کردم و از آن میان فقط ۴۸۰۰ حدیث صحیح وشبه صحیح را انتخاب و در کتاب سنن روایت‌کردم .

اتین قدیس Étienne Saint
(۲۵۴ – ۲۵۷ م)

نخستین‌شهیدمسیحیت، که‌دراورشلیم کشته شد . ذکران وی ۲۶ دسامبر است.

احمد ، ابن موسی‌بن جعفر.ع.

معروف بـه سیدالسادات . پدرش موسی‌کاظم(ع)ویراپس‌ازرضا(ع) گرامی‌تر میداشت، چنانکه‌ضیعهٔ‌معروف به«یسیریه» را بدوبخشید وهمواره بیست تن ازحشم خویش‌را به‌خدمت وی‌گماشته داشت . او بسیار**با** نماز و باورع و قانع وثقه بود . خوارزمی در مفاتیح‌العلوم گـوید : فرقهٔ احمدیه ازفرق شیعه منسوب بدویند وپس از موسی بن جعفر احمد را امام دانند. کتاب انساب‌آل‌الرسول و واولادالبتول، کتاب‌الحلال و الحرام،کتاب الادیـان و الملل ازوست . گروهی از علمای شیعه ویرا همان شاه چراغ مدفون در شیراز دانند . «فرهنگ معین»

ادی، مری بیکر. Eddy.
(۱۸۲ – ۱۹۱۰ م)

بانوی‌آمریکایی ، مـؤسس مکتب «معرفت مسیحی » که طرفداران زیادی داشت.

ارداویراف .

از موبدان پارسای‌زردشتی‌که‌سفری روحانی‌به‌جهان مینوی‌کرد.

السیدالشریف،ابوالحسن علی.

معاصر امیر تیمور گورکان بوده ، درمباحثاتی‌که ما بین وی وتفتازانی‌اتفاق افتاد ، غلبه با سیدشریف بود. شهرت‌وی حتی در حال حیاتش هم به اطراف عالم اسلامی رسیده بود . ازمشهورترین آثار وی‌کتاب تعریفات است . در سال ۸۱۶ در شیراز وفات یافته است .

ایروینگ ، ادوارد. Irving . E
(۱۸۹۲ – ۱۸۳۴ م)

مؤسس‌فرقهٔ‌کاتولیک‌حواری‌که درسال ۱۸۳۳ از کلیسای اسکاتلند اخراج شده از مبلغین مسیحی است .

براون ، رابرت Brown . R.
(۱۵۵۰ – ۱۶۳۳ م)

ازروحانیون انگلیسی ورهبرمذهبی استقلالیان، که برای اولین بـار ادعا کرد، میتوان‌بدون فرامین بزرگان‌کلیسا دیندار بود .

برتلما.

از حواریون ، پسرتـولماوس . او بهندوستان وعربستان مسافرت‌کرد و به تبلیغ مسیحیت پرداخت ودرمراجعت از بحرعمان عبورکرد ودرایران نیز شروع به تبلیغ‌کرد و تا ارمنستان رفت وحاکم آنجا را بـا عائله‌اش تبلیغ کرد . ولی برادر پادشاه برضد او قیام‌کرد ۰ او را دستگیر کردند و زنـده پوست از تنش کندند .

بکت ، توماس . Becket . T
(۱۱۱۷–۱۱۷۰ م)

روحـانـی شهید انـگلیسی ، از خانواده‌ای اصیل بود وبه‌خدمت ثیوبالد اسقف اعظم‌کنتربری پیوست ،دردانشگاه پاریس ودربولونی تحصیل‌کرد و پس از جلوس‌**هنری‌دوم** به‌صدارت عظمی‌منصوب شد . دراین مقام، دوست نزدیك ورایزن شاه و دومین مرد مقتدر مملکت‌گردید . و با اصرارهنری ، اسقف اعظم کنتربری شد در این راه هم خودرا مصروف امور کلیساکرد و بین او و **هنری** کشمکش‌ها پدیدآمد . هنری‌بآزار توماس‌پرداخت ، ووی به اروپاگریخت ، درغیاب اوهنری دوم پسرخویش‌را به‌دست اسقف‌اعظم‌یورك تاجگذاری‌کرد ، درسال ۱۱۷۰ صلحی ترتیب‌داده‌شدوتوماس‌به‌انگلستان‌بازگشت، ولی نامهٔ پاپ را دایر بتعلیق اسقف‌هایی که در مراسم تاجگذاری هنری شرکت کرده بودند منتشرکرد. این امر روابط شاه وتوماس‌را بیش ازپیش تیره ساخت. در ۲۹ دسامبر ۱۱۷۰ دسته‌ای ازمردان مسلح به‌کلیسای جامع ریختند وهمانجا توماس را به‌قتل رسانیدند.

مقبرهٔ اودرکنتربری‌زیارتگاه‌است.

بتون ، دیوید . Beaton
(۱۴۹۴ – ۱۵۴۶ م)

کشیش‌کاتولیك وازمخالفین‌سرسخت اصلاح دینی بود. درسال ۱۵۳۸ کاردینال و اسقف اعـظم ودر۱۵۳۹ نخست‌کشیش اسکاتلند شد .

توما.

در جلیل متولد شد ودرنهایت میل به‌مسیح گرویدودر گروه‌حواریون درآمد، توما شخصی بود دیرباور و تاچیزی را مشاهده نمیکرد نمی‌پـذیرفت . اوبرای نشر مسیحیت به‌ایران و سیبری مسافرت کرد ، توما درهندوستان به‌ضرب نیزه‌از پای درآمد .



اتین‌قدیس

توماس داکن Thomas d'Aquin
(۱۲۲۵ – ۱۲۷۴ م)

حکیم الهی‌کاتولیك ، مؤلف مباحث ضد نجبا ، و مباحث حکمت‌الهی که رسماً به عنوان مبانـی حکمت الهی کلیسای کاتولیك پـذیرفته شده. افکار وی به‌نام تومیسم خوانده میشود .

ثقةالاسلام، میرزا علی‌بن میرزا موسی.
(۱۲۷۷ – ۱۳۳۰ ق .)

در تبریزمتولد ودرجوانی به‌عتبات رفت وپس از تحصیل علوم دینی‌به‌تبریز بازگشت‌وبجای‌پدررئیس‌شیخیه آذربایجان شد . در قیام مشروطیت به‌آزادیخواهان پیوست پس ازبه‌توپ بستن مجلس‌وحمله مستبدین تبریز از این‌شهربیرون نرفت ومجاهدین‌را به‌مقاومت تشویق‌ومستبدین را از خونریزی منع میکرد .



بکت توماس

وقتی روسها به تبریز آمدند او را نیز مانند جمعی ازآزادیخواهان‌گرفتند وازاو خواستند به‌نویسدکـه اول‌آزاد– یخواهان‌به‌سربازهای روس تیرانـدازی کرده‌اند وچون ثقةالاسلام به‌چنین کاری حاضر نشد ویرابه‌دار کشیدند .

ثقة الاسلام قلمـی شیـوا داشت و بخواهش امیر نظام گـروسی قسمت سوم تاریخ یمینی‌را به‌فارسی ترجمه کرد که به **بث‌الشکری** موسوم است.

حایری (متولد۱۳۷۶ ه ق)

آیةالله‌حاج‌شیخ عبدالکریم‌بن‌محمد جعفر مهرجردی یزدی ، مـرجع تقلید شیعیان وی‌درعتبات نزد حاج‌میرزامحمد حسن شیرازی ، میرزا محمدتقی‌شیرازی، شیخ فضل‌الله نوری ، آخونـد ملاکاظم خراسانی وسیدکاظم یزدی تلمذکردواز محضر سید محمد فشارکی استفاده‌نمود. پس ازبازگشت به‌ایران‌حوزهٔ علمیهٔ‌قم‌را تشکیل داد . ازآثار اوست :



توماس‌داکن

۱–تقریرات،وآن تحریرتقریرات سید محمدفشارکی است.
۲–دررالفوایدفی‌الاصول.
۳–کتاب‌الرضاع (ع).
۴– کتاب الصلوة.
۵– کتاب‌المواریث.
۶–کتاب‌النکاح .

حر عاملی، محمدبن حسن .
(۱۰۳۳ـ۱۱۰۴ هق)

از علمای معروف امامیه که در اصفهان ملامحمدباقر مجلسی وشاه سلیمان صفوی را ملاقات کرد دوبار به حج رفت وسپس به عراق وخراسان رهسپار گردید و به منصب شیخ الاسلامی وقاضی القضاتی مشهد منصوب شدو هم درمشهد وفات یافت واورا درصحن آستانهٔ قدس نزدیك درمدرسهٔ میرزاجعفر دفن کردند. وی تألیفات دینی فراوان دارد ازجمله رسائل الشیعه، امل الآمال ، الاثنی عشریه فی رد الصوفیه را میتوان نام برد .

آرمان رانسه

حسن بصری. (۲۱ـ۱۱۰ ه ق)

ابوسعید حسن بن یسار بصری ازفقها وزهاد وفصحای مشهور عهد حجاج بن یوسف وعمر بن عبدالعزیز است. حسن در مدینه به دنیا آمد ودربصره اقامت گزید و بزودی بسبب زهدوتقوی وفصاحت وشجاعت اخلاقی خویش شهرت یافت . حسن در مسجد بصره حلقهٔ درس داشت . صوفیه اورا ازقدمای مشایخ خویش میشمرند. حسن بصری درترویج فکر زهد نیز سهم بسیارداشته است .

حسین ابن خلیل . حاجی میرزا .
(فوت ۱۳۲۶ ه ق)

مجتهد معروف، ویکی ازارکان سه‌گانهٔ مشروطه درعتبات عالیات است.وی درحدود ۹۰ سالگی درگذشت .

خارجه ، ابن زید بن ثابت انصاری.
(فوت ۱۰۱ ه ق)

از تابعین جلیل القدر و از فقهای معروف ساکن مدینه وی درك زمان عثمان را نیز کرد . پدرش زیدبن ثابت از بزرگان صحابه است .



رشید رضا

خطیب دمشقی (فوت ۷۳۹ ه ق)

جلال الدین محمد بن عبدالرحمن شافعی قزوینی خطیب جامع دمشق ودانشمند ازآثار اوتلخیص المفتاح وایضاح است.

خوانساری (۱۰۱۶ـ۱۰۹۹ ه ق)

حسین بن محمدبن حسین اصفهانی از علمای فقه واصول وی مؤلف مشارق الشموس وچند کتاب دیگر است .

داود ظاهری (فوت ۲۷۰ ه ق)

ابوسلیمان داودبن علی بن داود اصفهانی معروف به داودظاهری ازفقیهان بزرگ، وی مؤسس فرقهٔ داودیه است.فقه را نزد شافعی فراگرفت ولی مذهب مستقلی به نام مذهب ظاهریه آورد . مذهب او نقیض مذهب حنفی است یعنی به کلی منکر قیاس بود واعتقاد داشت که تنها اکتفا بظواهر کتاب و سنت کافی است . مذهب ظاهری درفارس واندلس رایج بود ومخصوصاً درعهد سلطنت عضدالدولهٔ دیلمی بسبب اعتقادی که آن پادشاه بائمهٔ این مذهب داشت، کارآنان رونق گرفت.

داور، شیخ محمدمفید.
(۱۲۵۱ـ۱۳۲۵ هق)

پسر محمد نبی بن محمد کاظم بن عبدالنبی شیرازی ، امام جماعت شاهچراغ درشیراز ومردی فاضل وی استادفرصت بود . افادات اودر باب اشعار حافظ در حواشی دیوان حافظ چاپ قدسی مندرج است قبرش درقبرستان «درسلم» درجنوب شیراز است .

درزی (فوت ۴۱۱ ه ق)

یکی ازداعیان باطنیه واز یاران الحاکم بامرالله خلیفهٔ فاطمی وی رساله‌ای نوشت که درآن مدعی بودروح آدم به علی (ع) بن ابیطالب وسپس بهالحاکم حلول کرده است . مردم قاهره براو شوریدند والحاکم درزی رابه سوی شام فرستاد.وی درلبنان وسوریه اقامت گزید وبه انتشار مذهب خویش پرداخت و امرای تنوخی (ساکن لبنان) آمادگی خودرا برای قبول این مذهب اظهار کردند. فرقهٔ **دروز** بدو انتساب دارد .

دومینیك دگوزمان (۱۱۷۰ـ۱۲۲۱م)
Dominique de Guzman

مؤسس فرقهٔ دومینیکن به سال ۱۲۰۶م پاپ اینوسان سوم اورا برای منازعه با رافضیان آلبیژوا به لانگدوك فرستاد . ذکران وی ۴ اوت است.

رافعی ، ابوالقاسم عبدالکریم
(فوت ۶۲۳ ه ق)

ازعلمای حدیث وتفسیر، ازمؤلفات او «التدوین فی علماء قزوین»، «شرح مسند الشافعی» و «المحرر» رامیتوان نام برد. در قزوین درگذشت ودرهمانجا مدفون است.

رانسه، آرمان Rancé.A
(۱۶۲۶ـ۱۷۰۰م)

کشیش مجددآیین تراب مؤلف آثار متعدد درباب معتقدات خویش .

راوندی ، ابوالرضافضل‌الله .
(فوت ۵۸۰ ه ق)

ازفضلای شیعه، ازآثار اوست : ضوء الشهاب، ادعیة السر، شرح الرسالة الذهبیة.

رشتی ، حاج میرزا حبیب‌الله.
(فوت ۱۳۱۲ ه ق)

از شاگردان شیخ مرتضی انصاری ، و فقیه واز مراجع تقلید شیعه در عراق عرب است . گروهی بسیار از مجلس درس او استفاده کرده به مقام اجتهادرسیده‌اند. از تألیفات اوست : الاجاره . اجتماع الامروالنهی ، الامامة ، مسألهٔ غصب ، والتعادل والتراجیح. وی درنجف درگذشت.

رشید رضا.
(۱۸۶۵ ـ ۱۹۳۹ م)

ازتجدید نظرطلبان در مذهب اسلام است ، مقیم مصر بوده مؤسس «المنار» میباشد. رشیدرضا از مریدان خاص شیخ محمد عبده بوده و پس از وفات ایشان شرح حالی مبسوط ازاو وآراء وعقایدش را در سه جلدبه‌نام «تاریخ الاستاذ الامام الشیخ محمد عبده» تألیف و منتشر کرد . او کوشش داشت اسلام را با پیشرفتهای علوم روزو آزادیهای زن و مرد تطبیق بدهد .

رعینی ، ابوعبدالله محمد .
(۹۰۲ ـ ۹۵۴ ه ق)

معروف به خطاب ، درطرابلس غرب وفات یافت. ازتألیفات او «تحریرالکلام فی مسائل الالتزام» و «متممه الاجرومیة» را میتوان نام برد .

ریدلی ، نیکولس Ridley
(۱۵۰۰ ـ ۱۵۵۵ م)

کشیش انگلیسی وازشهدای پروتستان است .کشیش نمازخانه واسقف لندن بود. دراصلاح دینی فعالیت داشت. اورا به عنوان بدعت دردین سوزانیدند .

زراره، ابن اعین.
(فوت ۱۵۰ ه ق)

مؤسس فرقهٔ زراریه .

زوزنی، ابو عمرواحمد بن محمد
(فوت ۳۷۴ ه ق)

وی فقیه به مذهب ابوحنیفه بود . او سالها درباب غدره سکونت داشت وسپس به زوزن رفت و هم آنجادرگذشت .

زهری، محمد بن مسلم.
(۵۱ ـ ۱۲۴ ه ق)

معروف به ابن شهاب از بنی زهر تابعی و محدث مشهور .

وی ده تن از صحابه را دیدار کرد وقریب ۲۰۰۰ حدیث از آنان وگروهی کثیراززن ومرد از اشراف و موالی فراگرفته ونخستین کس است که حدیث راتدوین

کرده . اودرشام سکونت داشت.

زیاد ، ابن‌الاصفر.

مؤسس «صفریه» ازفرقه‌های خوارج است .

زید ، ابن‌علی بن‌حسین.

(مقتول ۱۲۱ ه ق)

که فرقهٔ زیدیه بدو انتساب‌دارند . زید شاگرد واصل بن عطا مؤسس معتزله و درعقاید خود میانه‌رو بود .

زیـد برهشام بن عبدالملك اموی خروج‌کرد و درسال ۱۲۱ ه . مقتول و مصلوب شد وپس‌ازوپسرش یحیی باخلیفه به‌مخالفت برخاست.

ژاك قدیس Jacques Saint

(تولد ۱۲ قبل ازمیلاد وشهید ۴۴ م)



مشهور به‌ژاك کبیر، ازحواریون عیسی‌و برادریوحنای انجیلی ذکران‌وی ۲۵ ژانویه است.

ژان Jean

(۱۳۷۰ ـ ۱۴۲۱ م)

مشهور به‌پرمونتره رئیس‌طرفداران عقایدمذهبی درپراگ.

ژرمن ، قدیس Saint - Germain

(۳۹۰ـ۴۴۴ م)

وی کشیش «اکسر» بود و به بریتانیای کبیررفت تا بارفض پلاژ ستیزه‌کند.

ژنویو قدیسه Geneviève

راهبهٔ فرانسوی‌وقدیسهٔ‌حامی‌پاریس، به نیکوکاری شهرت داشت، و گویند در اثر نمازها وروزه‌های او بودکه آتیلا از حمله به پاریس‌منصرف شد. ذکرانش سوم ژانویه است .

سالم ، ابن ابی‌الجعد.

(فوت ۱۱۰ ه ق)

محدث معروف وی از ابوالدردا و عبدالله بن عبدالرحمن از او نقل حدیث کرده است .

سجاوندی ، محمدبن عبدالرشید.

(فوت ۴۷۰ ه ق)

حنفی معروف به ابوطاهر و ملقب به سراج‌الدین از بزرگان علما وفقهای قرن پنجم.

از تألیفات اوست: کتاب « فرائض سجادیة» که چندبار در لندن ،کلکته و مصر به‌طبع رسیده و شروح بسیار برآن نوشته‌اند .

سجاوندی، ابوالفضل محمدبن‌ابویزید.

(فوت ۵۶۰ ه‌ق)

از دانشمندان علم قرائت در قرن ششم ازآثار معروف وی‌کتاب وقوف‌است در شرح موارد وقف در قرآن ، کتاب الوقف‌والابتداء درشرح‌انواع وقف،کتاب الموجز درشرح بعضی انواع وقف،کتاب انسان عین‌المعانی درتفسیر سبع‌المثانی، نسخ همهٔ کتابهای مذکور دردست است.

سحنون ، ابوسعید عبدالسلام.

(۱۶۰ـ۲۴۰ ه ق)

دانشمند وفقیه مالکی متولی قضای قیروان بود وکتاب «المدونتة‌الکبری » را در مذهب امام مالك تألیف کرد و فتاوای مالك‌توسط اودر بلادمغرب‌انتشار یافت .

سخاوی ، ابوالحسن علم‌الدین علی.

(۵۵۸ ـ ۶۴۳ ه ق)

عالم فقه واصول و لغت و تفسیر و قرائت . اصل اوازسخا (مصر) است ودر دمشق سکونت گزید و همانجا درگذشت. ازاوست : « جمال القراءوکمال‌الاقراء» در تجوید ، « هـدایة المرتـاب »که منظومه‌ایست درمتشابـه کلمات قرآن مـرتب بحروف معجم «شرح المفصل» ، «سفرالسعادة»«شرح‌الشاطبیة»، «الکوکب‌ـ الوقاد » در اصول دین، و « الجواهرـ المکللة» در حدیث .

سفیان ، ثوری

(فوت ۱۶۱ ه ق)

معروف‌به‌ابوعبدالله ازفقیهان‌بزرگ ومؤسس مذهب ثوریه است.

نسبت او به ثور بن عبدمناةمیرسد. مذهب وی در اواخر قـرن دوم هجری شهرت داشت . اساس این مذهب آن‌بود که در استخراج احکام بـاید به‌احادیث تمسك‌کرد .

سفیان، ابن عینیه.

(۱۰۷ـ۱۹۸ ه ق)

ابومحمد هلالی تابعی وی در مکه اقامت‌گزید و هم بدانجا درگذشت.

سخنانی حکیمانه درجمله‌های قصار ازو معروفست. سفیان ۹ برادر داشته‌که چهارتن ازآنان محدث بودند .

محمد ، ابراهیم ، آدم وعمران.

سلیمان ، ابن‌اشعث.

(۲۰۲ ـ ۲۷۵ ه ق)

ابو داودرا به‌بینید.

سودنبورگ ، امانوئل Swedenborg

(۱۶۸۸ ـ ۱۷۷۲ م)

فلاسفه را به‌بینید.

سیوطی : جلال‌الدین.

(۸۴۹ـ ۹۱۱ ه ق)

ازدانشمندان‌ومؤلفان پرکارومعروف سیوطی اهل سیوط مصر است ودر قاهره بزرگ شده وتربیت یـافته است وی‌در پنجسالگی ازپدر یتیم‌شد . و هنگامیکه چهل ساله‌شدازهمهٔ مردم حتی‌شاگردانش کنارگرفت و به‌تنهایی خوکرد و بیشتر کتابهایش را در اینحالات نوشت هر چه اعیان‌ووزیران‌میکردندهدایاشان‌رانمی‌ـ پذیرفت و هرچه سلطـان او راخواست بحضورنرفت ودر آن حال انزوا بود تا به‌سال۹۱۱ درگذشت.

سیوطی‌درنحووصرف‌ولغت و تاریخ‌و تفسیروحدیث وفقه وشعر واخبارواطلاعات فراوان داشت وتألیفات‌ارزنده‌ای‌به‌وجود آورداز کتابهای معروفش«شرح‌السفیه‌بن مالك»است که‌در دورهٔ ادبیات عرب‌درسی است‌ونیز کتاب «الاتقان‌علوم القرآن»،و «المزهـر» درلغت و«الـدرالمنشور»و «تاریخ‌الخلفاء» وده‌هاکتاب دیگر.

شابو،فرانسوا . Choabot.F.

(۱۷۵۶ـ۱۷۹۴م)

عضوکنوانسیون‌راهب کبوشی،کشیش وابسته به‌قانون‌اساسی روحانیت، دردورهٔ ترور سراورا بریدند .

شاشی ، حسین بن حاجب بن حمید .

(قوت ۳۱۴ ه ق)

معروف‌به‌ابوعلی‌درطلب‌علم‌بخراسان وعراق‌وحجاز وجزیره وشام سفرها کرد وازعلی‌بن‌خشرم‌واسحاق‌بن منصورویونس ابن‌عبدالاعلی‌مصری و جـزآنان روایت حدیث‌کرده وگروهی از اوروایت‌دارند.

شاشی، اسحاق‌بن ابراهیم

(فوت۳۲۵ ه ق)

شیخ‌ودانشمند اصحاب ابوحنیفه‌وی کتاب‌الجامع‌الکبیر را از زیدبن‌اسامة‌بن ابی سلیمان‌جوزجانی روایت میکردواز ثقات‌محسوب‌میشد. «اصول‌الشاشی»درعلم اصول ازمصنفات اوست .



ژرمن‌قدیس

شاشی، محمدبن‌احمد. (۴۲۹ ـ ۵۰۷ هق)
معروف به‌فخر الاسلام مستظهری، رئیس شافعیهٔ عراق وی ازسال ۵۰۴ هق تا آخرعمر درمدرسهٔ نظامیهٔ بغداد بتدریس مشغول بوده، اوراست: حلیةالعلماء مشهور به المستظهری درفقه (به‌نام مستظهر باالله) العمدة فی‌فروع الشافعیة .

شاشی، محمدبن‌علی. (۲۰۱ ـ ۳۶۶ هق)
معروف به‌ابوبکر، عالم‌تفسیروحدیث وفقه ولغت، فقیه‌شافعی وی‌فقه را از ابن سریج بیاموخت، واوراکتابی دراصول‌فقه است .

شاشی ، هیثم‌بن‌کلیب. (فوت ۳۳۵ ه ق)
معروف به ابوسعید ، ادیب ومحدث ماوراءالنهر وی از ابوعیسی ترمذی و ابوعیسی‌بن‌احمدعقلانی وجزآنان‌روایت حدیث‌کرده وگروهی از اوروایت‌دارند اوراست‌کتاب«المسندالکبیر» .

شاطبی ، احمدبن محمد مالکی .
(تولد ۴۵۴ هق)
معروف به‌ابوالعباس‌از بزرگان‌قاری قرآن برای تحصیل‌علم به‌بلادمشرق سفر کرد وفنون قرائت را از بزرگان قراء دمشق‌بیاموخت‌وکتاب‌المقنع رادرقراآت سبعه تألیف‌کرد .

شاطبی ، عبدالعزیز بن عبدالله .
(فوت ۴۶۵ هق)
معروف‌به‌ابومحمد، دانشمندومحدث وی‌برای تحصیل علم ازمولد خود شاطبه به‌شام وعراق‌رفت‌وازعلماء استماع‌حدیث کرد . شاطبی کتاب‌غریب‌الحدیث‌ابوعبید قاسم‌بن‌سلام‌را به‌ترتیب‌حروف تهجی‌مرتب کرده است .

شاطبی، قاسم‌بن‌فیرة. (۵۳۸ ـ ۵۹۰ هق)
معروف‌به‌ابومحمدوابوالقاسم مشهور به‌امام‌القراء از دانشمندان علوم ادبی و شرعی ومخصوصاً علم قرائت درقرن‌ششم است، ازآثاروی خصوصاً دوقصیدهٔ‌لامیه‌و آئینه‌اودرعلم قرائت شهرت بسیاریافت وشروح متعدد درقرنهای‌ششم‌وهفتم‌وهشتم برآن‌ها نوشته شد .

شاطبی، محمدبن‌سعید. (فوت ۶۷۵ ه ق)
ملقب به‌فخرالدین ومشهوربه ابن‌ـ جنان ومعروف به ابوالولید ، فقیه‌حنفی وادیب‌وشاعر، نخست مذهب مالکی‌داشت وبه‌ارشادکمال‌الدین ابن‌العدیم و پسرش قاضی‌القضاةمجدالدین، مذهب‌حنفی اختیار کرد . شاطبی‌مدرس مدرسهٔ اقبالیه بود .

شریف رضی.
(۳۵۹ ـ ۴۰۶ ه ق)
ابوالحسن محمدبن موسی علوی حسینی‌موسوی ، معروف به‌الشریف‌الرضی وسیدرضی . از برجسته‌ترین شخصیتهای تاریخ اسلام‌است. وبااینکه نسبت‌به‌سایر شئون‌جنبهٔ‌شاعریش‌تحت‌الشعاع‌قرارگرفته اوبزرگترین‌وتواناترین‌شاعرآل‌ابوطالب است، باآنهمه شاعر بزرگ وتوانا که در طالبین بوده است .

ازبزرگان‌واشراف وسادات بزرگ بود وی درحال حیات پدر به‌مقام‌نقیب‌ـ الطالبین رسید یعنی رئیس تمام علویین جهان و نیز امیرالحاج شد از طرف خلیفهٔ عباسی‌معاصرش‌شریف‌رضی‌تألیفاتی داردکه ازجمله مجازات القرآن است . ودیوان شعر اوست در۲جلدکه چندنوبت چاپ شده است مشهورترین اثرش کتاب شریف وعظیم نهج‌البلاغه است‌که‌آن‌رااز سخنان وخطبه‌ها و نامه‌های امام علی بن ابیطالب «ع» جمع آوری‌کرده است . و تا ابد حق‌او به‌گردن انسانیت وفضیلت‌و اخلاق باقی است .

تا نهج‌البلاغه در اجتماعات بشری همچون مشعل جاوید سر راه انسانیتها پرتو افکند شریف رضی‌آن‌انسان‌اخلاقی وملکوتی بزرگ‌نیز زنده وجاویداست .

شفتی ، حجة الاسلام .
(فوت ۱۲۶۰ ه ق)
سید محمد باقربن‌تقی موسوی شفتی از بزرگان علمای امامیه.وی فقیه‌اصولی ادیب نحوی ، رجالی وریاضی و شاگرد بهبهانی و بحرالعلوم سید مهدی وکاشف الغطاءشیخ‌جعفروملامهدی‌نراقی ومیرزای قمی وغیره بودآثار عمدهٔ او عبارتنداز: آداب صلوةاللیل و فضلها ، الاجازات ، الاستقبال‌فی‌شرح مبحث‌القبله من‌التحفه، اصحاب‌الاجماع ، اصحاب‌العدةللکلینی ، تحفةالابرار در احکام شرعی (فارسی) تمییز مشترکات‌الرجال ورساله‌های بسیار در تحقیق حال رجال حدیث امامی.

شمس‌الدین آملی، محمدبن‌محمود.
(زنده در ۷۵۳ ه ق)
مردی دانشمند وشیعی مذهب بودو باامرالجایتو در مدرسهٔ سلطانیه تدریس میکرد . مدتی از عمر خودرا به‌سیاحت گذرانیده وبعضی کتب‌مانندقانون‌ابن‌سینا و مختصر ابن حاجب را شرح کرده اثر نفیس‌وی **نفایس‌الفنون و عرایس‌العیون** نام داردکه دربارهٔ هریك ازعلوم‌متداول عصروتاریخ و مشاهیرآن‌بحث نموده،این کتاب فارسی وچاپ شده است.

شمعون قانوی .
او پس ازایمان به مسیح در ردیف حواریون در آمد و در اودسا به تبلیغ پرداخت به موصل و ایران نیز مسافرت کرده ودرعراق‌کشته شد .

شوشتری ، جعفربن حسین .
(۱۳۰۳ ه ق)
عالم وفقیه، وی در موعظه و ارشاد مردم‌یدی‌طولایی‌داشت. ازشاگردان‌صاحب فصول وصاحب ضوابط وصاحب جواهر و شیخ انصاری وشریف‌العلماءبود .درپایان عمربرای‌زیارت مشهد رضا (ع) به‌ایران آمد ودرتهران ناصرالدین‌شاه اورامورد احترام وتکریم قرارداد ووی در مسجد ناصری (مسجد عالی سپهسالار) امامت کرد. درهنگام بازگشت‌به‌عتبات درکرند درگذشت وجنازهٔ اورا به نجف بردند . اوراست :

«اصول‌الدین‌یاالحدائق فی‌الاصول»، « خصایص الحسنیه» ، « مجالس‌البکاء »، «منهج‌الرشاد ».

شهرستانی ، عبدالکریم .
درنیمهٔ دوم قرن پنجم هجری تولد یافت علوم بحث ومناظره و فقه و اصول را نزد استادانی چون ابوالمظفر خوافی قاضی‌طوس، ابونصر قشیری، امام ابوالقاسم‌سلمان‌بن‌ناصرانصاری‌وابوالحسن علی‌بن‌احمد مدینی‌محدث بزرگ‌آموخت و دراین علوم استاد شد ودرزمرهٔ‌مشاهیر در آمد. مدتی در خوارزم بسر برد و سه سال در بغداد بزیست و بعد از بازگشت از بغداد باقی عمررا درمولدش خراسان‌گذرانید ومدتی ملازم‌مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب از سادات ترمذ بود ودوکتاب‌خود الملل والنحل والمصارعة را به‌نام‌اوتألیف‌کرد وسپس بخدمت‌سلطان سنجرپیوست‌وآنگاه‌به‌شارستان(شهرستان) رفت‌وهمانجا بودتادرسال ۵۴۸ درگذشت .

ازآثار مهم‌اومیتوان«نهایةالکلام» درعلم‌کلام«المصارعة»درردبرهفت مسئله ازمسائل‌الهی‌ابن‌سینا والملل والنحل در بحث ازملل ونحل را نام‌بردکتاب اخیر یکبار درقرن نهم‌توسط صدرالدین ترکهٔ اصفهانی‌وباردیگر درسال ۱۰۲۰ به‌فارسی برگردانده شده‌است.

شهید اول.

(۷۳۴ـ۷۸۶ ه ق)

شیخ اجل افقه ابوعبدالله محمد جمال‌الدین مکی از قدمای محققین شیعه است که پس از محقق، افقه فقهای آفاق شمرده میشود و برای اهمیت وی همین بس که کلیهٔ طرق اجازهٔ فقهای شیعه بوی میپیوندد.

شهید اول در آغاز شباب نزد شاگردان علامه به تحصیل پرداخت و «فخر المحققین» پسر «علامه حلی» درسال ۷۵۱ به او اجازه داد.

همچنین از «عمیدالدین» و «شمس الائمه کرمانی شافعی» وعده‌ای دیگر اجازه دارد و گویند از هزار نفر اجازه اجتهاد داشته.

شهید اول در دمشق، به تاریخ ۷۸۶ به فتوای دوتن از قضاة آن شهر کشته شد و به شهید اول معروف گردید. از تألیفات او: «غایة المراد» کتاب ذکری، دروس شرعیه، جامع، شرح تهذیب الاصول، بیان ـ رساله ـ لمعه، اربعین، حدیث، رسالهٔ الفیه، رسالهٔ تکلیف، کتاب قواعد، مزار، رسالهٔ اجازات، حواشی برقواعد علامه، وغیر اینها.

شهید ثانی.

شیخ اجل زین‌الدین علی بن احمد عاملی جبلی، معروف بـابن الحجة یا شهید ثـانی، از فقها و علمای محقق و متبحر و پرهیزگار شیعه است.

ابتدا نزد پدرخود تعلم نمود وسپس ازمحضر اساتید بزرگ زمان خود استفاده کرد درسال ۹۳۷ به مصر واز آنجا عازم حج گردید.

در سال ۹۵۱ به ممالك عثمانی و قسطنطنیه آمد و سلاطین عثمانی مدرسه «نوریه» بعلبك را باو تفویض کردند که درآن به تدریس فقه مذاهب خمسه مشغول بود تا آنکه حسودان به علت شهرت وی نزد سلطان سلیم خان دوم خلیفه عثمانی از او بدگفتند وسر او درقسطنطنیه بریده شد به شهید ثانی معروف گردید.

شهید خیلی پرکار بود و شمارهٔ کتب مؤلفهٔ اورا دوهزار نوشته‌اند که صد جلد آنها را بخط خود نگاشته اینك نام محدودی از کتب اورا دراینجا ذکر میکنیم:

شرح لمعه در دو مجلد، مسالك، شرح ارشاد، شرح الفیه، حاشیه برمختصر نافع، رسالهٔ اسرار الصلوة، کتاب رجال و نسب، رسالهٔ اسلامبولیه، رسـاله در تحقیق اجماع، و غیر اینها.

شیخ العراقین، ابن شیخ زین‌العابدین

(فوت ۱۳۴۰ ه ق)

فقیه و حکیم (فوت در عراق عرب به سال ۱۳۴۰ ه ق.).

شیخ طوسی

(۳۸۵ ـ ۴۶۰ ه ق)

ابوجعفر محمد بن حسن بن علی طوسی، که او را گاه «شیخ طوسی» و گاه «شیخ الطایفه» خوانند یکی از سه محمدی است که اصول اربعهٔ شیعه را گرد آورده‌اند. وی از بزرگان فقها در عهد خود و رئیس مذهب امامیه بوده است.



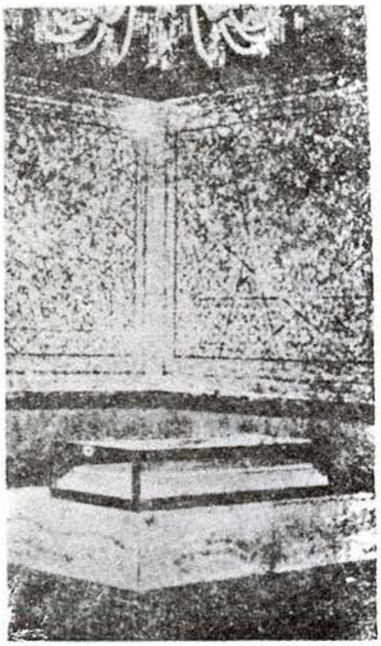
در بیست و سه سالگی ببغداد آمد، واز آنجا به نجف رفت وسکونت گزید.

شیخ طوسی، ابتدا نزد «شیخ مفید» وبعد نزد «سید مرتضی علم الهدی» و «ابن غضائری» تلمذ کرده است. تألیفات عمدهٔ وی عبارتست از:

دو کتاب «تهذیب» و «استبصار»، هردو از کتب اربعهٔ شیعه میباشند. کتاب نهایه، کتاب مفضح در امامت، فهرست کتب شیعه، کتاب عمده درعلم اصول، کتاب رجال، کتاب مبسوط در علم فقه، تبیان در تفسیر در بیست مجلد، رساله در تحریم فقاع، هدایة المسترشدین دراصول عقاید، کتاب مقتل الحسین، کتاب اخبار مختار بن ابی‌عبیده ـ کتاب غیبت، کتاب اختیار الرجال.

شیخ بهایی.

شیخ بهاءالدین، محمد عاملی: معروف بـه شیخ بهایـی دانشمند عهد شاه عباس بود. و بیش از ۸۸ جلد کتاب تـألیف کرده است که ازمثنوی فارسی او «نان و حلوا» و «شیر وشکر» معروف همه است و چند کتاب دیگر او عبارتند از: «جامع عباسی» از فقه و «خلاصة الحساب» و «تشریح الافلاك» و کشکول میباشند. قبر او در مشهد است.



مقبرهٔ شیخ بهایی

شیخ مفید.

(۳۳۹ ـ ۵۲۳ ه ق)

شیخ المشایخ امامیه، ابوعبدالله محمد ابن نعمان بن عبدالسلام خازنی بغدادی ملقب به مفید یا ابن المعلم، از علمای معاصر عضدالدولهٔ دیلمی و یکی از اکابر متکلمین و فقهای جامع فقه شیعه است، که بسیار تیزهوش و حاضر جواب بوده ودرمناظره وجدل یدی طولایی داشته است.

شیخ مفید اخلاقاً متواضع و کریم بوده وسردستهٔ علمای اصولی شیعه به شمار میرود. وبیشتر اوقات خودرا به تألیف و مطالعه و عبادت میگذرانیده است. قبرش در بقعهٔ کاظمیه قرار دارد ودرتشییع جنازه ونماز براو، گویند هشتادهزار نفرحضور یافتند.

ازاستادان وی یکی ابوعبدالله ودیگر ابویاسر، و از شاگردان معروفش سید مرتضی عـلم الهدی و شیخ طوسی و شیخ نجاشی وامثال اینها بوده‌اند.

درحدود دویست کتاب ازتألیفات او نام برده‌اند که ازآنهاست:

ارشاد، ایضاح در امامت، افصاح در امامت، کتاب العیوب و المجالس، کتاب الرد علی الجاحظ، کتاب نقض المروانیة، کتاب نقض فضیلة المعتزلة، کتاب فی المتعة، کتاب مختصر فی الغیبة، کتاب اصول الفقه، کتاب ایمان ابیطالب، کتاب الکلام فی وجوه اعجاز القرآن، کتاب الاعـلام، کتاب البیان فی تألیف القرآن وغیر اینها.

شیخو ، لویس .
(فوت۱۸۵۹ ـ ۱۹۲۷م)
دانشمند مسیحی. وی‌سفری به‌اروپا کرد ودرمدارس یسوعیان مبادی علوم وزبانهای یونانی ولاتینی و فرانسوی را آموخت وسپس به‌بیروت رفت ودرسلك‌ آباء یسوعی درآمد وبه‌تألیف بعضی‌کتب پرداخت .
مفیدترین تألیف وی‌که‌خالی از اکاذیب است « الآداب العربیة فی‌القرن التاسع عشر والربیع الاول من‌القرن ـ العشرین» میباشد.
صائغ ، ابراهیم‌بن میمون .
(مقتول۱۳۱ ه ق)
معروف به‌ابواسحاق از مردم مرو (مقتول ۱۳۱ ه ق) .
وی‌فقیهی فاضل وآمر به‌معروف‌بود ابومسلم خراسانی اورا بکشت .
صادق ، ابن‌خلف‌بن صادق .
(فوت۴۷۰ه ق)
عالم حدیث وی‌سفری به‌مشرق‌کرد وحدیث‌شنید وروایت نمود ومراسم حج به‌جای‌آورد وبه‌بیت‌المقدس رفت‌وعاقبت دربرغش سکونت‌جست .
صادق ، فحام اعرجی .
(فوت ۱۲۰۴ه ق)
ازعلمای مقیم نجف. وی استادشیخ جعفرکاشف‌الغطاست شرح‌شواهدقطرالندی حاشیه برشرح قطر ازاوست .
صاعد ، ابن‌عبدالرحمن .
(فوت۳۲۴ه ق)
معروف به‌ابوالقاسم و بصری نحاس وابن‌برادمحدث معروف اورا ازگروهی مانندابوزرعهٔ دمشقی واقران وی‌روایت کند وجماعتی ازاو روایت‌دارند .
صافی ، ابن‌ابراهیم .
(فوت۵۲۷ه ق)
معروف به ابوالبرکات محدث . وی تعبیرخواب می‌کرد وسپس به‌حدیث روی آورد وازعلی عاقولی و ابراهیم مقدسی خطیب،حدیث فراگرفت.
صافی ، ابن‌عبدالله .
(فوت۵۳۸ه ق)
معروف به ابوالحسن محدث . وی از نصر بن ابراهیم زاهد حدیث فرا ـ گرفت .
صالح ، ابن‌احمد .
(فوت۳۱۶ ه ق)
معروف به‌ابوالحسن بزاز وقیراطی محدث، اصل‌وی ازهرات‌است‌وازمحمدبن معاویة‌بن‌مالح ویعقوب‌بن ابراهیم‌اورقی ویوسف‌بن موسی قطان وگروهی دیگر روایت دارد و جماعتی از او روایت کنند .
صالح ، ابن‌احمد .
(۲۰۳ ـ ۲۶۵ ه ق)
معروف به‌ابوالفضل محدث و فقیه پدر احمدبن حنبل اورا بسیار دوست می‌داشت وچون وی‌ازآغاز جوانی پابند عیال‌شد از پدر چندان روایتی ندارد . صالح از ابوالولید طیالسی و ابراهیم‌بن فضل دارع و علی‌بن مدینی روایت‌کند . وی چندی دراصفهان قضاوت‌می‌کرد .
صالح ، ابن‌احمد .
(۷۹۵ ـ ۸۲۵ ه ق)
محدث‌وی درمجلس ایدغمش‌حاضر می‌شد و ازابن صدیق روایت‌شنید و از نحو عربی بهره‌گرفت صالح‌مردی‌محتشم ومحبوب‌بود وبه‌مرض‌طاعون درگذشت .
صالح ، ابن‌احمد مرتینی .
(۱۲۱۸-۱۲۸۲ هق)
ابن‌احمد مرتینی ادیب و محدث . وی درزادگاه خود نشأت یافت ونزدپدر ودیگر علمای ادب علم فراگرفت و در نظم ونثر عربی رنج‌برد ازنثر لطیف‌وی رساله‌ایست دراحوال ابراهیم پاشا والی مصر واعمال او دربلاد مصر صالح به‌سال ۱۲۶۲هق‌درحلب‌ساکن‌شدودرجامع‌اموی و مدرسهٔ صلاحیه به تدریس حدیث پرداخت .
صباح ، حسن‌ابن‌صباح .
(فوت۵۱۸ ه ق)
ازجملهٔ پیروان فرقهٔ نزاریه نسبت اورا به‌قبیلهٔ حمیر رسانیده‌گویند پدرش صباح ازیمن به‌کوفه واز آنجا به‌قم‌وری آمد و حسن در ری ولادت یافت ، اوبه دعوت‌چندازباطنیان‌ری‌به‌مذهب‌اسماعیلی درآمد.در۴۶۴ه ق.که عبدالملك‌عطاش به ری رفت اورا بیاموزد ونیابت دعوت بدو داد واشارت‌کردکه به‌مصر برود . وی در۴۶۹ به زمان خلافت‌المستنصر فاطمی به‌اصفهان وآذربایجان رفت واز راه شام به‌مصرشتافت ودر۴۷۱ به مصر رسید وقریب یك‌سال ونیم آنجا اقامت کرد .درآن هنگام‌بین دوپسر مستنصر ، نزارومستعلی‌اختلاف‌بود.حسن‌طرفدارامامت نزاربود.وی‌در۴۷۳ به‌ایران‌رسیدوچندی درخوزستان واصفهان ویزد وکرمان و دامغان ودیگر نواحی سرگرم دعوت‌بود ودرهمان حال داعیانی به‌دیلمان وبعضی از نواحی‌کوهستانی طبرستان والموت فرستاد ، و بسیاری را به‌مذهب خود در آورد . نظام الملك حاکم ری‌را مأمور دستگیری اوکرد ، واو از نزدیك شدن بدان‌شهراباداشت .در رجب ۴۸۳حسن به‌حیله قلعهٔ الموت را به‌دست‌آورد واز این‌زمان دعوت خودرا وسعت داد ودر بسیاری از نقاط کوهستانی دیلمان و طبرستان قلعه‌هایی بنیاد نهاد ویکی از داعیان‌خودرا به‌نام حسین قاینی‌به‌قهستان فرستاد واو بعضی از نواحی وقلاع آن سامان‌را به‌تصرف درآورد .
سلجوقیان‌ازعهدهٔ جلوگیری‌پیروان او برنیامدند وحسن کردکوه (دامغان) ولمسر (لمبسر)(رودبار الموت)را تسخیر کرد وپس از کامیابی‌ها در ربیع الآخر ۵۱۸ درگذشت .
وی مردی‌زاهد ودیندار بود، فرقهٔ صباحیه بدو انتساب دارند . او پس از خود،کیابزرگ امید راکه‌محتشم لمبسر بود جانشین‌کرد .
صدر ، سیداسماعیل .
(فوت۱۳۳۷ه ق)
ازبزرگان‌علمای‌امامیه قرن۱۴هق وازمراجع تقلید،مردی پرهیزگاروعابد بود . درسن شش‌سالگی پدرش درگذشت وبرادرش سیدمحمد علی معروف به‌آقا ـ مجتهد تربیت اورا به‌عهده‌گرفت .
صدر مقامات واندکی ازسطوح را نزدبرادر فراگرفت ودیری نیزنزدشیخ محمدتقی صاحب هدایةالمسترشدین به تعلم‌پرداخت‌ودروس سطح‌راپیش‌اوخواند وبه‌فراگرفتن درس‌خارج مشغول‌شد . در سال۱۲۸۱ه ق . اموال‌خودرابه‌برادران واگذاشت وبه عتبات رفت وفقه‌واصول‌را نزد حاج میرزا محمدحسن شیرازی‌وشیخ راضی‌فراگرفت وهم بدانجا به‌علوم‌منقول پرداخت وپس ازرحلت میرزای شیرازی به‌کربلارفت وبه‌تدریس اشتغال جست و گروهی از فحول‌علما از شاگردان‌او محسوبند .
صدر ، سیدحسن .
(فوت۱۳۵۴ ه ق)
معروف به‌ابومحمد وملقب به‌صدر ـ الدین ، ازبزرگان علمای امامیه . وی پیش ازرسیدن به‌سن بلوغ ازصرف‌ونحو

ومعانی وبدیع ومنطق فراغت یافت ودر کاظمین به‌فراگرفتن فقه واصول پرداخت ودر۱۸ سالگی به‌نجف‌رفت وکلام‌وحکمت را ازشیخ‌محمدتقی گلپایگانی فراگرفت وخارج فقه‌را نزدشاگردان‌صاحب‌جواهر و خارج اصول را نزد شاگردان شیخ انصاری آموخت وعلم حدیث‌ورجال و ریاضیات وعلم‌الحروف‌را نزدفضلای‌عصر خواند وبخشی ازعلوم غریبه‌را نیز از شیخ عبدالحسین هندی تعلیم گرفت . در سال ۱۲۹۷ ه ق . ازنجف به‌سامرا رفت ونزد حاج‌میرزا حسن شیرازی تلمذکرد وبه‌سال ۱۳۱۵ ه‌ق. به‌کاظمین بازگشت وبه‌تألیف وتدریس پرداخت . از آثار اوست :

احیاءالنفوس بادب‌السیدبن‌طاوس ، بغیه‌الوعاة فی‌طبقات مشایخ ، الاجازات، تأسیس‌الشیعة الکرام‌لفنون‌الاسلام ،تبیین الاباحة للمصلین، تحصیل الفروع‌الدینیة فی‌فقه‌الامیة و غیره .

صدر ، صدرالدین‌بن اسماعیل عاملی ـ الاصل .

(۱۲۹۹ ـ ۱۳۳۲ه ق)

ازعلمای امامیه‌ومراجع تقلیدنسبت اوبه‌ابراهیم‌اصغرفرزندموسی‌بن‌جعفرمنتهی می‌گردد . صدرفقیه، اصولی.ادیب‌وشاعر ودرفنون ادب ماهر بود ، ادب عربی و علوم ریاضی را ازاستادان وقت فراگرفت ومدتی درحوزهٔ درس‌پدر خویش‌وآخوند ملامحمد کاظم خراسانی وسیدکاظم یزدی تحصیل‌کرد وبه‌اجازات آنان نایل‌آمد، وچون‌به‌ایران بازگشت مدتی‌درخراسان اقامت‌کرد وسپس به‌قم رفت وبه‌تدریس‌و رعایت حال‌طلاب حوزهٔ علمیهٔ آن شهر پرداخت . اوراست : اصول‌دین ،حاشیه برکفایةالاصول ، خلاصة الفصول ، حکم ماءالغساله،المهدی ردبعض‌شبهات‌وهابیه، مختصرتاریخ‌الاسلام .

صدوق . (قرن سوم ق م)

رئیس‌کاهنان. یهود. سلیمان بعداز عزل ابی‌یاثار اورا به‌جایش تعیین‌کرد و فرقهٔ‌صدوقی بدوانتساب دارند .صدوقیان گروهی اندك بودند وقدرتی نداشتند و اغلب به‌فلسفه‌متمایل بودند . افکارایشان دربارهٔ‌دین‌ظاهری بود ، وبه‌همین‌مناسبت در میان عوام شهرت نیافتند . تعلیمات آنها دارای ۴مادهٔ عمده بود :

۱ ـ انکار نوامیس وشرایع سماعی.
۲ ـ قبول تعلیم‌موسی به تنهایی.
۳ ـ انکار قیامت اموات .
۴ ـ اعتقاد بر وجود آزادی و مختاریت مطلق .

صرصری ، ابوالقاسم اسماعیل .

(فوت۴۰۳ه ق)

محدث ثقه وصدوق ازابوعبدالله حسین بن اسماعیل و محمدبن عبیدالله بن العلاء ، کاتب و ابوالعباس احمد کوفی وابوعیسی احمدبن اسحاق الخاطی وجز ایشان روایت دارد وگروهی ازاو روایت‌کنند .

صفیه .

(فوت ۷۴۰ ه ق)

دختر شرف الدین احمدبن احمد مقدسی و زوجهٔ شیخ‌بهاءالدین‌ابن‌العز ، ازمشاهیر محدثات مدتی‌درموطن‌خودعلم حدیث‌را تدریس میکرد .

صیمری ، حسن‌بن علی .

(فوت۴۶۳ ه ق)

معروف به‌ابوعبدالله ، فقیه حنفی . وی ازابوبکر مفید وجز او روایت‌کند. مردی‌راستگو،بسیارخرد ، نیکومعاشرت وعارف به‌حقوق اهل‌علم بود .

ضحاك ، ابن‌مراحم .

(۱۰۵ ه ق)

معروف به‌ابوالقاسم ، محدث‌ومفسر ونحوی . وی‌معلم اطفال بود ، وصحبت ابن‌عباس و ابوهریره را دریافت و از سعیدبن‌جبیر تفسیررافراگرفت ، اوراست؛ کتابی درتفسیر .

ضرار ، ابن‌عمر .

معروف به‌ابوعمر و رئیس فرقهٔ ضراریه، بشربن‌معتمر راکتابی است در رد وی‌میباشد.اودرسن۷۰سالگی‌درگذشت.

ضیاءالدین ، ابن‌سعدبن محمد .

(فوت۷۸۰ ه ق)

وی در تفسیر ومعانی وبیان وفقه ماهر بود به‌تدریس اشتغال داشت .

ضیاءالدین ازپدر خود و عضدی و بدرتستری وخلخالی علم آموخت و بدانجا رسیدکه سعدالدین تفتازانی از جملهٔ شاگردان اوبود .

وی بسیار متواضع بود . اوبه قاهره رفت ودرشیخونیه ومدرسهٔ‌بیروسیه به‌تدریس فقه شافعی‌پرداخت .

طالب‌الحق ، عبدالله‌بن یحیی حضرمی .

(مقتول۱۳۰ه ق)

ازامامان فرقهٔ اباضیه ازمردم یمن است . وی‌ازفرمانبری مروان‌بن محمد سرپیچی‌کرد و مردم با او بیعت خلافت بستند وکار وی بالاگرفت وابوحمزه‌ازو تبعیت‌کرد . مروان سپاهی به‌فرماندهی عبدالملك‌بن‌محمدسغدی‌بسوی‌آنان‌فرستاد. عبدالملك با ابوحمزه در وادی‌القری روبروشدواورا به‌قتل‌رسانید وباسپاهیان خود به‌یمن‌رفت .

طالب‌الحق‌بایاران خود درنزدیکی صنعاءبااوروبروگردیدوبه‌جنگ‌پرداختند. سرانجام طالب کشته‌شد وعبدالملك‌سراو را نزد مروان برد .

طالقانی ، ابواسحاق .

(فوت ۲۲۵ه ق)

محدث‌ودانشمند دربغداد ساکن‌بود واز سفین ، ابن‌عینیه‌وجریربن‌عبدالحمید وجزآنان روایت دارد وگروهی ازو روایت‌کنند . وی‌ثقه وپرهیزگار بود.

طالقانی ،ابوالحسن عباد .

(فوت۳۳۴ه ق)

محدث و دانشمند . از ابوخلیفه فضل‌بن حباب بصری و ابوبکر محمدبن یحیی‌مروزی بغدادی وجعفربن محمدبن حسن قربانی ومحمدبن حبانی مازنی و گروهی ازبغدادیان سماع دارد واو پدر صاحب‌بن عباد وزیر است .

طالقانی ، ابوبکر .

(فوت۲۲۴ ه ق)

محدث ودانشمند ازابن مبارك و حمادبن زید وهیثم‌بن‌بشیر ونصربن‌شمیل و وکیع‌بن‌جراح‌وابوتمیله یحیی‌بن‌واضح وابوبکربن عیاش روایت‌دارد وگروهی ازاو روایت‌کنند .

طالقانی ، ابومحمد .

(فوت۲۵۰ ه ق)

دانشمند ومحدث دربغداد سکونت داشت‌وازیزیدبن‌هارون وعبدالله‌بن‌مبارك وفضل‌بن عیاض‌وابن عینیه ونصربن‌شمیل و وکیع‌بن جراح استماع حدیث‌کرد و گروهی ازاوسماع دارند . وی‌درسن۹۰ سالگی درگذشت .

طالوت ، ابن‌عباد صیدنی .

(فوت۲۳۸ه ق)

محدث بیش از۹۰سال زیسته‌است .

طالوت ، ابن‌عبدالله .

(۶۸۳ ـ ۷۳۳ ه ق)

محدث، وی از عمربن قواس سماع‌و نقل حدیث‌کرده است .

طاهر ، ابن‌حسن .

(فوت۸۰۸ه ق)

محدث‌معروف‌از ابراهیم‌بن شهاب‌ـ

محمود و دیگران سماع حدیث کرده واز مؤلفات اوست : مختصری در علم اصول درة الاسلاك فی تاریخ الاتراك، که ذیلی است بر تاریخ پدرش .

طاهر ، ابن عبدالرشید .
(فوت ۵۴۲ ه ق)

معروف به افتخار الدین ، دانشمند حنفی مذهب بوده ، خلاصة الفتاوی ، نصاب الفقیه ، خزانة الفتاوی از اوست .

طاهر ، ابن نصر . (فوت ۵۹۶ ه ق)

معروف به مجدالدین دانشمند وفقیه وزاهد ازجمعی روایت حدیث کرده و کتابی درفضل جهاد به نام نورالدین از سلاطین ایوبی مصر تألیف نموده ، در حلب در مدرسهٔ نوریه تدریس می کرد . طاهر اول کسی است که درقدس شریف درمدرسهٔ صلاحیه درس گفته ونخستین از اولادبنی جهبل ازفقیهان دمشقی است وی وبرادرش زین الدین عبدالملك بر شیخ سهروردی شوریدند و رسید بدو آنچه رسید . طاهر در سن ۶۴ سالگی درگذشت .

طباطبایی ، سیدعلی .
(۱۱۶۱ - ۱۲۳۱ ه ق)

دانشمند بزرگ شیعه شاگرد علامه بهبهانی بود . اوراست : شرح برمفاتیح که کتاب الصلوة آن ازمسوده بمبیضه نقل شده ودرآن جمیع اقوال فقها را گرد آورده ، شرح برنافع به نام «ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل» . رساله‌ای مختصر دراصول پنجگانه شریعت .

طباطبایی ، امیرفیض‌الله .
(قرن یازدهم)

ازعلمای شیعه در قرن ۱۱ ه ق . وی شاگرد مقدس اردبیلی واستاد محمد تقی مجلسی بود . اوراست : حاشیه بر مبحث الهیات شرح تجرید .

طبرانی ، ابوالقاسم سلیمان .
(فوت ۳۵۰ ه ق)

دانشمندومحدث . ابونعیم اصفهانی ازاو روایت کند . وی درطلب حدیث به حجاز ویمن ومصر وعراق وفارس سفر کرد و سه « معجم » در حدیث تصنیف نمود : کبیر ، وسط ، وصغیر واز جملهٔ کتب دیگر اوباید از«تفسیر» و «الاوائل» و«دلائل النبوة» نام برد .

طبرسی.
(۴۶۲ ـ ۵۵۲ ه ق)

امین الدین ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی ، ازعلماء ومفسران بزرگ وثقهٔ قرن ششم هجری شیعه است که جملهٔ فرق اسلامی به فضلش اذعان دارند . «ابن شهر آشوب» و «برهان الدین محمد» نزد وی تلمذ کرده‌اند .

ازمؤلفات مهم او یکی کتاب تفسیر معروف «مجمع البیان» است درده مجلد . دیگر تفسیر «الوسیط» درچهار مجلد که هنگام شروع به تألیف آن بیشتر ازشصت سال داشته . دیگر «جامع الجوامع» و «اعلام الوری» و«الوجیز» می‌باشند .

طبرسی، احمدبن علی بن ابیطالب.
(قرن ۶ ه ق)

از ثقات محدثان و علمای شیعه، با ابوالفتح رازی وفضل بن حسن طبرسی معاصر بود . شهید اول غایة المراد ، فتاوی و اقوال اورا بسیار نقل می‌کند. اوراست: الکافی درفقه، الاحتجاج مفاخر الطالبیة، تاریخ الائمة ، فضائل الزهراء و غیره بعض متأخران وی را به ساری منسوب دانسته، شاید منشأ این شبهه آن باشد که وی چندی درآن شهر زیسته است . سال وفاتش معلوم نیست .

طبرسی حاج میرزا حسین .
(فوت ۱۳۲۰ ه ق)

از ثقات علمای شیعه در اوایل قرن ۱۴ ه .وی راثالث مجلسین دانسته‌اند واو از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و حاج ملاعلی کنی وحاج میرزا محمدحسن شیرازی است .

تألیفاتش بسیار است ، ازآن جمله، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل در احادیث واخبار، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب ، حاشیهٔ منتهی المقال ابوعلی درعلم رجال ، النجم الثاقب وغیره.

طبری، احمدبن عبدالله.
(فوت ۹۱۴ ه ق)

ملقب به محیی الدین، فاضل اوراست، الاحکام فی الحدیث، شرح التنبیه، المناسك. وی درشهر قوس نزدشیخ مجدالدین قشیری فقه آموخت . مظفر صاحب یمن اورا برای سماع حدیث طلب کردو وی ازمکه به سوی مظفر رفت وچندی نزد او اقامت گزید . اوراست : خلاصة السیرفی بیان احوال سیدالبشر، الریاض ، النصرة فی مناقب الاصحاب العشرة .

طبری ، عبدالقادر.
(۹۷۶ ـ ۱۰۳۳ ه ق)

پیشوای ایمهٔ حجاز، درمکه نشوونما کرد ودر ۱۲ سالگی قرآن را ازبرداشت وچند متن مانند اربعین نووی واشاراتی راکه برآن نوشته‌اند ، وعقاید نسفیه،و الفیهٔ ابن مالك،وثلث منهج تألیف زکریای انصاری راحفظ کرد ودرسال ۹۹۱ ه ق. همهٔ محفوظات خویش را بر مشایخ عصر عرضه داشت و بأخذ اجازهٔ روایت آن محفوظات نایل آمد ودرهمان سال به تألیف وتصنیف پرداخت ونیك ازعهده برآمد.از آن جمله است: مقامه‌ای به نام«درة الاصداف السینیة فی ذروة الاوصاف الخفیة»،«عیون المسائل»که مشتمل برسی فن است،شرح برردریدیه .

طحاوی ، ابوجعفر احمد .
(۲۲۹ـ۳۲۱ ه ق)

ازمذهب شافعی به حنفی برگشت و ریاست حنفیان مصررا یافت . اوراست: بیان السنة ، المحاضر والسجلات ، شرح مشکل احادیث رسول‌الله، احکام القرآن.

طرابلسی، ابراهیم برهان الدین.
(۸۴۳ـ۹۲۲ ه ق)

دانشمند مقیم قاهره او راست: الاسعاف فی الاحکام الاوقاف.

طلحه ، ابن عبیدالله بن عثمان .
(تولد ۲۸ ق‌ه. مرگ ۳۶ ه ق)

معروف به طلحة الجواد وطلحة الجود ملقب به ابومحمد . ازکبار اصحاب رسول وازعشرهٔ مبشره . وی یکی ازافرادمعدود قریش بود که به نوشتن آشنایی داشت . طلحه دربرخی ازغزوات ودر جنگهای احد و تبوك (پیامبر که مجروح گردید) شرکت داشت . درحجة الوداع نیز حضرت رسول را همراهی کرد وهمچنین وی یکی از اصحاب شش گانهٔ شوری است پس ازفوت عمر که به دستور اوبرای تعیین جانشین وی تشکیل گردید . پس ازآنکه عثمان رافرو گرفتند وعلی قبول خلافت نکرد ،گروهی از مصریان سوی طلحه شدند تاخلافت بپذیرد واو نپذیرفت زیرا می‌دانست که هنوزخلاف است ، وچون بار دیگرمردم برعلی «ع» اجتماع کردند علی گفت : یاران پیغمبر بیایند ، نخست مهاجر وانصار، که ایشان ابتداکنند . پس رفتند واصحاب پیغمبررا آوردند مگرطلحه و زبیر که ایشان پیغام فرستادند که هرکه مسلمانان پسندند ، مانیز پسندیم .

علی گفت: نخست ایشان بیایند و خواست برخیزد . مردم نگذاشتند .پس مالك بن اشتر نزدیك طلحه شد وگفت : فردا مسلمانان را بی امام خواهی کرد و

درمیان مسلمانان خلاف خواهی افکند . مردم بصره بدرتو آمدند چرا بیعت نکردی ، امروزکه مردم بر یك تن گرد آمده‌اند اختلاف کردن چراست . اگربا من بیرون نیایی سرت بردارم ، و حکم نیز همچنین گفت ، زبیروطلحه‌را نزدعلی بیاوردند. علی گفت :مرا درین کار رغبت نیست ومردم بی‌امام مانده‌اند . هرکه‌از شما خواهید دست بازکنید تا من اورا بیعت کنم واز همه توای طلحه دست بازکن تا ترا بیعت کنم .

طلحه گفت معاذالله آنجاکه توباشی وسابقیت تو ، من که باشم؟ پس‌مالك‌بن‌اشتر علی‌را گفت : دست بازکن‌ونخستین کسی‌که دست بردست علی‌نهاد طلحه‌بود. پس‌زبیربن عوام ودیگران بیعت کردند، پس‌ازآن‌طلحه وزبیر غالباً نسبت به‌علی راه خلاف می‌پیمودند وسپس به‌عایشه پیوسته ودر مسجدبصره خواستندعلی‌را خلع کنند وطلحه به خلافت نشیند . غوغایی برخاست . طلحه وزبیر و عایشه درجنگ‌جمل شرکت کردند وطلحه‌درین واقعه‌جان‌بداد. وی‌مال‌وافر اندوخته‌بود.

طهطاوی، احمد رافع
(تولد ۱۲۷۵ه ق)

ازدانشمندان،وی درمولدخود نشوونما یافت و سپس در **جامع‌ازهر** ازسال ۱۲۸۷ هق. برای‌مدت ۱۲ سال‌نزددانشمندان واستادان بزرگ مانند محمد علیش‌و محمدحضری‌وشمس‌الدین‌انبانی‌ودیگران به‌کسب‌دانش‌اشتغال‌ورزیدو تا سال ۱۳۴۴ ه ق . در حیات بود، او راست : بلوغ السؤال بتفسیر لقدجاء کم‌رسول تفسیر آیهٔ مذکور .

ظهیرالدین، ابوالحسن‌علی‌بن‌ابوالقاسم.
(۴۹۰-۵۶۵ ه ق)

ازعلمای مشهور قرن۶ وی‌درصغرسن زمان عمرخیام رادریافته و به‌مجلس اوحاضرشده است. پدر ویرا به‌مکتب‌سپرد وسپس خانوادهٔ اوبه‌ناحیهٔ ششتمدهجرت کرد. ظهیرالدین‌درکودکی کتاب‌الهادی للشادی تألیف**میدانی**والسامی‌فی الاسامی همان‌مؤلف‌ومصادر**زوزنی**وغریب‌القرآن **عزیزی** واصلاح‌المنطق والمنتحل**میکالی** واشعار **متنبی** وحماسه وسبعیات‌وتلخیص درنحو ومجمل‌درلغت رابه‌قول خود حفظ کرد . در سال ۵۱۴ دردرس ابوجعفر مقری‌درنیشابورحاضر شد وتاج المصادر اورا حفظ کردو نحوابن فضال وفصلی از کتاب مقتصدوامثال ابوالفضل‌میکال‌رانزد آن استاد خواند .

درسال ۵۱۶ به‌درس‌احمدبن محمد **میدانی** رفت والسامی‌فی الاسامی تألیف وی‌ومصادرقاضی‌ومنتحل وغریب‌الحدیث **ابوعبید**واصلاح المنطق ومجمع الامثال تألیف‌خود میدانی وصحاح‌اللغهٔ**جوهری** را نزداوفراگرفت ودرین اثنا درمحضر ابراهیم **هراز متکلم** رفت وآمد میکرد و از اوکلام‌می آموخت وازمحمد**فراری** غریب الحدیث خطابی وجزآنرا استماع کرد. پدرش به‌سال ۵۱۷ درگذشت واو درسال ۵۱۸ به‌مرورفت وبه‌خدمت تاج‌القضاة ابوسعد یحیی بن‌عبدالملك‌بن‌صاعد پیوست واز لفظ او کتاب‌زکات‌و مسایل خلافی و دیگر مسایل را تعلیقه کرد وضمناً درهمان اوان‌درمدرسهٔ‌جامع وغیره مجلس وعظ داشت .

درسال ۵۲۱ ازمروبازگشت وبه‌نیشابور رفت‌وازآنجا برای‌زیارت مادر به مسقط رأس خود بیهق شد و سه ماه آنجابود سپس به نیشابور مراجعت کرد ومجدداً به بیهق درآمد وبدامادی‌شهاب الدین‌محمدبن‌مسعودمختارکه سابقاًوالی‌ری بود وسپس‌مشرفی‌مملکت‌داشت‌نایل‌آمد .

درسال ۵۲۶ قضاء بیهق را بدو دادند . درسال ۵۲۶ به‌قصد ری حرکت کردودرین زمان پدرزنش والی‌ری بود واو تاسال ۵۲۷درآن شهر زیست‌ودرین مدت تنها به‌حساب وجبر ومقابله وقسمتی از احکام نظر داشت و چون به خراسان مراجعت کردنزد**عثمان‌بن‌جادو** کاربه‌اتمام این‌علوم پرداخت ، کتبی ازاحکام‌بدست آورد ودراین‌صنعت‌مشارالیه‌شد . درسال ۵۲۹ به‌نیشابوربازگشت‌وهنوز درحکمت پخته نبود ازآنجا به بیهق درآمدوسپس به‌سرخس‌رفت و نزد قطب الدین محمد‌مروزی مشهور به **طبسی‌نصیری** حکمت آموخت وسپس به نیشابور بازگشت واز آنجا به بیهق شد وچون ازحسادت خویشاوندان درآزار بود در سال ۵۳۷ به‌نیشابور مراجعت کرد ودرآنجا مجلس میگفت وتا سال ۵۴۹ درآنجامقیم‌بود. آنگاه‌برای‌زیارت‌مادرخویش‌به‌بیهق رفت‌و رحلت‌کرد ومادروپسرش احمد درین‌اثنا بمردند. تألیفات متعددی‌دارد‌که مهمترین آنها لباب الانساب و درةالوشاح است .

عازر.

خاخام بزرگ یهودیان ، پسر و جانشین‌هارون .

عباس‌قمی ، شیخ (فوت۱۳۵۹ه ق)

عالم‌ومحقق‌درعلوم‌دینی ازشاگردان حاج‌میرزاحسین‌نوری‌بودوصاحب‌تألیفات بسیار است ازآن‌جمله : سفینةالبحار(۲ جلد)است .

عبدالبها : عباس افندی .
(۱۲۶۰-۱۳۴۰ه ق)



میرزا حسینعلی بهاءالله‌پیشوای‌فرقه بهائیه‌که اتباع‌اورا ثابتین می‌گویند. او دوبار به‌مصر ویك باربه‌آمریکا واروپا؛ سپس به‌حیفابازگشت، جنازه وی درجنب مزارباب است ،کتابهای او : «تفسیر حدیث‌کنت‌کنزاًمخفیا» ، «مقالهٔ سیاح» مفاوضات عبدالبها» والواح بسیار است.

عبدالحسین، شرف‌الدین .
(۱۲۹۰-۱۳۷۷ه ق)

دانشمندومتکلم شیعی.وی‌نزدمحمد کاظم خراسانی وشریعت اصفهانی ومحمد کاظم یزدی تحصیل‌کرد . از مؤلفات او تنزیل الآیات ، معروف است .

عبدالله ، مازندرانی .
(۱۲۵۹-۱۳۳۱ه ق)

ازفقهای معروف واز مراجع تشیع اصل وی ازقریهٔ دیوشل(لنگرود) بود ولی درمازندران نشأت یافت ونزدسید‌علی قزوینی و شیخ انصاری وحبیب‌الله‌میرزای رشتی تلمذکرد . وی یکی از سه‌تن‌مرجع تقلیداست‌که‌مشروطیت‌ایران را تنفیذکردند . از آثارش عبارتند از: شرح رهن شرائع ،کتاب الطلاق ورساله عملیه است .

عبدالله، ابن‌اباض تمیمی قرن اول.
مؤسس«اباضیه» ازفرق‌خوارج‌است.

عبدالله، ابن میمون.
(قرن۲ ه ق)

دربارهٔ اصل ونسب عبدالله وطریقه ومذهب وعصر او اختلاف عظیمی است، درعموم‌کتب رجال شیعه تقریباً بلااستثنا عبدالله بن‌میمون‌قداح را ازجملهٔ اصحاب امام‌جعفرصادق‌علیه‌السلام واززمرهٔ‌روات احادیث ازآن حضرت شمرده‌اند ونسبت او را عبدالله بن میمون ابن اسود قداح مکی از اهل مکه از موالی بنی مخزوم ضبط‌کرده وگفته‌اندکه **وی‌تیرتراش‌بوده** به‌این مناسبت به‌قداح معروف شده . در هیچیك‌ازکتب‌رجال‌شیعه‌بهیچوجه‌اشاره‌ای

نشده که صاحب ترجمه ازاسماعیلیه بوده است . درکتب معتبر احادیث شیعه نیز آمده که عبدالله خودآن احادیث را بـلا واسطه ازحضرت صادق روایت کـرده و بنابرین وی معاصر آن حضـرت بود . اسماعیلیان نیزعبدالله را ازدعات بزرگ اسماعیلیه می‌پندارند ومحققان این ادعا را ردکرده‌اند چه مورخان ومؤلفان ملل ونحل که درحدودسیصدهجری می‌زیسته‌اند به‌کلی ازذکر نام اوساکت اندامـا غالب روایات اهل‌سنت در باب عبدالله مجعول می‌نماید .

عبدالله ، ابن وهب .
(۱۲۵ ــ ۱۹۷ هـ ق)

از شاگردان مشهور مـالك‌بن‌انس است . فقیه و از ائمه وصاحب عبـادت و حدیث بوده . ازکتب اوست: الموطأ ــ کبیروصغیر در حدیث .

عبدالله ، ابن سبا.
(قرن اول هجری)

مؤسس غلات وی اصلا از یهودیان یمن ومخالفان جدی عثمان ومبلغ‌خلافت وامامت ووصایت علی‌دربلاد اسلامی‌بوده است . مدتی در بصره و چندی درکوفه مشغول تبلیغ بود و سپس به مصر رفت . مهمترین اصول تعالیم‌وی وصایت ورجعت بود و درین موضوع‌اخیر نخست به‌رجعت محمد(ص) وسپس به‌رجعت علی(ع) قایل گردید، وچون‌علی(ع)شربت‌شهادت‌چشید وخبر به‌عبدالله بردند ،گفت : اگر هزار بار خبرقتل اورا بیاورند، باورنمیدارم، واو نمیمیرد تا آنگاه‌که جهان راپر از عدل ودادکند.

عتیق ، جلال الدین. (فوت قرن هشتم)

دانشمندوخطیب‌وواعظ. وی‌مصاحب خواجه‌رشیدالدین‌فضل‌الله بود .درفصاحت وبلاغت مقامی بلند داشت‌وغالباً درغیاثیهٔ تبریز(که از ابنیهٔ غیاث‌الدین محمدبـن خواجه رشیدالدین بود) وعظ می‌کرد . فرزندان وی‌نیز معزز و محترم بوده‌اند. عتیق به انواع فضایل و کمالات آراسته بود . دیوان بزرگی از او کـه در سال ۷۴۴ هـ ق استکتاب شده در کتابخانهٔ استانبول موجود است .

عزرا .
(قرن ۵ ق م)

کاهن و رهبر عبرانیان وکاتب دینی یهود. که‌درداربارایران صاحب جاه ومقام بود. درسال ۴۵۷ ق م. به سرکردگی و پیشوایی عدهٔ بسیاری از اسیران یهود که ازبابل به‌اورشلیم‌باز می‌گشتند برگزیده شد و در اورشلیم به‌اصلاح دین و تلاوت متون مقدس اشتغال داشت و همچنین بـه نوشتن تاریخ وکتاب معروف «عزرا» و قسمتی از«نحمیا»سرگرم بود .گویندهمهٔ کتب عهد عتیق‌را وی‌جمع کرده است .

علاف ، محمدبن هذیل .
(۱۳۵ ــ ۲۳۵هـ ق)

ازعلماء اعتزال وی دربصره‌متولد شد وبه‌علم کلام شهرت یافت . درجدل و آوردن‌دلیل‌مهارت‌داشت ودارای‌حافظه‌ای بسیار قوی‌بود . دراواخر حیاتش نابینا گردیدودرسامرا درگذشت. وی‌رامقالات ومناظرات ومجالسی‌درمذهب‌اعتزال‌است و مهمترین‌تألیف اوکتاب میلاس‌می‌باشد که‌آن‌را به‌نام مجوسی‌که به‌دست وی‌اسلام آورده نامیده است .

علامهٔ ثانی ، محمدباقر .
(۱۱۱۶ ــ ۱۲۰۶ هـ ق)

معروف‌به‌آقای‌بهبهانی . ازبزرگان علمای‌امامیه. وی‌ازشاگردان سیدصدر ــ الدین‌قمی‌بود ؛ ومدتی دربهبهان‌سکونت گزید واواخر عمررا درکربلاگذرانید. اوراست:ابطال‌القیاس، الاجتهادوالاخبار در رد اخباریـان ، احکام العـقود ، الاستصحاب ، اصالةالبراءة ، اصول‌الاسلام والایمان الامامة .

علامهٔ حلی .
(۶۴۸ ــ ۷۲۸هـ ق)

ابومنصور آیةالله جمال‌الدین‌حسن ــ ابن یوسف مشهور به‌علامهٔ حلی یاعلامه، ازعلمای بـزرگ شیعه ومتولد در ۲۹ رمضان ۶۴۸هق‌درحله‌می‌باشد.

علامه ازکودکی‌به‌جودت ذهن‌معروف بوده ونزد پدر خویش و بعدپیش «سید جمال‌الدین طاوس» و «سید رضی‌الدین علی‌بن طاوس» ودیگران به‌تحصیل علوم عقلی ونقلی پرداخت و بـه‌سرعت شهرت یافت ودرزمان الجایتو به‌سلطانیه آمدو بـه ترویج و اشاعهٔ مذهب شیعه اشتغال ورزید .

یکی ازوجوه اهمیت علامه اینست که تجدید بنای مذهب‌شیعه قبل ازصفویه درنتیجهٔ کوشش‌های خوداو وشاگردانش صورت وقوع یافته .

علامه بیش‌ازهفتاد جلدکتاب درفقه واصول‌وکلام ومنطق‌ورجال تألیف‌نموده که معروف‌ترین آنها عبارتند از : تبصرةالمتعلمین ، انوار الملکوت‌و خلاصةالاقوام است .

علم‌الهدی ، محمدبن محسن‌فیض .
(فوت۱۱۱۲ هـ ق)

ازعلمای شیعه‌صاحب، اصول‌الدین، تحفةالابرار فی‌العقاید و الاخلاق .

علم‌الهدی ، قیصرمحمد .
(فوت۱۲۵۵ هـ ق)

مشهوربه‌سیدقیصر، ازفقهای متأخر شیعه صاحب‌کتاب اعلام الوری .

علم‌الهدی ، رازی .
(زنده درقرن ۵ و۶)

معروف به‌ابوتراب و ملقب‌به‌صفی ــ الدین وعلم‌الهدی ، ازعلمای‌بزرگ‌شیعه او راسـت : تبصرة ، العوام فـی معرفة مقالات الانام .

علی ، ابن‌اسد .
(قرن ۵ هـ ق)

معروف‌به ابوالمعالی ، وملقب بـه عین‌الدولة والدین زین‌الملة فخرالامة ، امیربدخشان ومعـاصر ناصرخسرو .

وی ظاهراً پیرو آیین‌اسماعیله بود، و جواب سؤالات ابوالهیثم جرجانی را ازناصرخسرو درخواست‌کردونامهٔ‌ناصر ــ خسروراشرح‌دادوبه‌نام«جامع‌الحکمتین» نامید .

علی ، بن‌حسین واعظ‌کاشفی .
(فوت۹۳۹هـ ق)

ملقب‌به‌فخرالدین‌دانشمند،اوراست: رشحات عین‌الحیاة .

علی ، قمی .
(فوت۳۲۹هـ ق)

معروف به ابوالحسن ومشهور بـه شیخ اقدم ، مفسر وفقـیه شیعی . کلینی شاگرد وی بوده‌است. اوراست : اخبار ــ القرآن وروایاته .

عمادالدین ، ابوالمظفر شاهپور .
(فوت۴۷۱هـ ق)

ازعلمای شافعی و ازنویسندگـان صاحب تفسیری به‌نام«تاج‌التراجم» .

عمار ، خارجی .

پس ازحمزه (بن‌آذرك) بزرگترین پیشوای خوارج سیستان بودکه در عهد خلافت متوکل‌علی‌الله از نـاحیت«کش» برخاست ودر سیستان نفوذیافت وظهور او و مصادف باآغازکار یعقوب‌بن‌لیث‌صفار بود وبه‌دست همین‌امیرکشته شد .

عمر ، ابن‌مسعود .
(قرن‌ششم هـ ق)

ملقب به‌برهان الاسلام تاج‌الدین ،

ازعلمای مشهور وفقیهان ماوراءالنهراز آل برهان معاصر قلج طمغاج خان ابراهیم‌بن‌حسن وپسرش قلج ارسلان‌خان عثمان است‌ واو یکی از استادان عوفی‌میباشد.

عمر ، ابن‌عبدالعزیزبن مازه .

(مقتول ۵۳۶ هق)

ملقب به‌حسام الدین ، از علمای مشهور وفقیهان بزرگ ماوراءالنهر از خاندان آل‌برهان وی‌پس‌ازغلبهٔ گورخان‌ختایی درجنگ قطوان و هزیمت‌سلطان سنجربه‌امر گورخان کشته شد .

عیاض ، فضیل.

(فوت ۱۸۷ هق)

ولادت او ظاهراً در سالهای اول قرن‌دوم‌هجری(از ۱۰۱ تا ۱۰۵) به‌سمرقند اتفاق افتاده وخود چنین گفته است‌که : «ولادت من درسمرقند ونشأتم در ابیورد بوده» فضیل عیاض درکوفه حدیث‌شنیده وازسلیمان‌تیمی‌ومنصوربن‌معتمر ومحمد‌ابن اسحق وامام جعفرصادق علیه السلام وچندتن دیگر حدیث شنیده است ، واز یحیی بن‌قطان وحسین بن علی جفعی و اسحق بن منصور و جمعی دیگر روایت حدیث کرده‌اند .

چنین گفته‌اند که « فقه را از امام ابوحنیفه‌گرفته وامام شافعی ازاوروایت کرده» و از این راه است که در شأن او آورده‌اند .

«او خودازامامی‌عظیم گرفته‌وبامامی عظیم سپرده است ».

شریك‌قاضی درصفت‌او گفته‌است‌که «فضیل عیاض حجت اهل زمان بود» . و ذهبی آورده است که : « فضیل بی‌نزاع ازثقات روات بود.» بخاری ومسلم‌نیزدر دوکتاب خود از اونقل حدیث‌کرده‌اند.

او را با هارون خلیفهٔ عباسی اتفاق ملاقات افتاده است .

معروفست درجواب سؤال‌هارون‌که پرسید ، از خود زاهدتر سراغ داری ؟ جواب داد «تو، چه زهدمن ازدنیای‌فانی است وزهد تو درآخرت باقی».

سفیان ثوری از او نقل‌کرده است که : «یك شب براو رفتم‌جملهٔ شب‌آیات واخبار وآثار می‌گفتم ، چون برخاستم گفتم اینست مبارك شبی‌که دوش بود ، واینست ستوده نشستی‌که این شب بود ، هما ناکه این نشست بهترازوحدت .فضیل گفت اینست شوم شبی‌که دوش بود و اینست نکوهیده نشستی که نشست دوش بود .

گفتم چرا چنین‌گویی ؟ گفت جمله شب تو دربندآن بودی تاسخنی نیکو از کجا گویی‌که مراخوش آید ومن بستهٔ‌آن بودم تاجواب نیکو ازکجا پسندآید ،هر دو به‌یکدیگرو به‌سخن‌یکدیگر ازخدا باز مانده‌بودیم. تنهایی رادان بهترومناجات باخدا».

فضیل بیشتر عمرخودرادرمجاورت خانهٔ خدا بسر برده و بیش ازهشتاد سال عمر کرده و در محرم سال ۱۸۷ هجری درشهرمکه در گذشت و همانجا مـدفون گردیده است .

پسری‌به‌نام علی داشته‌که او نیز از زاهدان به‌نام بوده و در همان مکه در گذشته است . پاره‌ای ازبزرگان عرفاو علما چون شیخ نجم‌الدیـن اصفهانی از اکابرصوفیهٔ اواخر قرن‌هفتم واوایل‌قرن هشتم، در جوار او به‌خاك رفته‌اند .

مأثورات‌اورا بیشتر کتب‌صوفیه‌چون حلیة‌الاولیاء ابونعیم اصفهانی و تذکرة‌الاولیاء شیخ عطارآمده است .

عیاشی (قرن سوم)

ابونصر محمدبن مسعود عیاشی از علمای بزرگ امامیه علم حدیث است . درحدود ۱۰۰ جلدکتاب تألیف نموده ، مشهورترین‌آثاراوکتاب تفسیری است‌که به‌نام «تفسیرعیاشی» معروف است،گویند میراث پدری خود راکه در حدود ۳۰۰ هزار دینار بوده ، درراه تحصیل علم و حدیث انفاق‌کرد، وخانهٔ او بسان مسجد مجمع اهل فضل وادب بود

غزالی طوسی ، امام محمد .

فلاسفهٔ ایران را به‌بینید .

غزالی، عبدالباقی .

(فوت ۵۱۳ هق .)

معروف به‌ابومنصورمحدث‌دانشمند. وی معاصر امام غزالی و شاگرد کیای هراسی بود و ابوطاهر سلفی ازاوروایت میکند .

غزنوی، احمدبن محمد.

(فوت ۵۹۳ هق)

فقیه واصولی. صاحب‌کتاب روضه‌اختلاف‌الفقهاء ، میباشد .

غزی، محمد ابن احمد عامری.

(۹۰۴ ـ ۹۸۴ هق)

ملقب به بدرالدین فقیه وعالم‌اصول و تفسیر وحدیث. کتابهای متعددی نوشته که ازجملهٔ‌آنها سه‌کتاب تفسیر وحواشی وشروح بسیار دارد . او پدر نجم‌الدین است‌واین‌پسر‌اسماءکتب‌اورادرکتابی‌گرد آورده است. بـدرالدین‌در اواسط عمر گوشه‌نشین شد وبزرگان وحکام به زیارت او میرفتند . وی‌نیکوکار وبخشنده بودو به شاگردان خود مقرری ولباس میدادو عطایا می‌بخشید .

غلام نقشبند ، بن عطاءالله.

(فوت ۱۱۲۶ هق .) ،

دانشمند دینی ، صاحب تفسیر سور قرآن است .

غنیمی ، احمدبن محمد.

(۹۶۴ـ۱۰۴۴ هق)

ملقب به شهاب الدین ، فقیه ومتتبع مصری . وی حواشی و شروحی در بارهٔ اصول وزبان‌عربی‌ورسایلی‌درادب ومنطق وتوحید نوشته است

فارقلیط

کسی است‌که مسیح ظهور اوراخبر داده ، موعود مسیحیت .

فخرالمحققین .

(فوت ۷۷۱ هق)

پسر علامهٔ حلی معروف به‌ابوطالب و ملقب به«فخرالدین»فقیه ومتکلم شیعه که بعدها لقب «فخرالمحققین»به‌وی داده شد. پدرش‌علامهٔ حلی در دیباچهٔ برخی‌از تألیفات خود وی‌را ستوده است. این‌پدر و پسرهردو در دربار **خدابنده** ، محترم می‌زیسته‌اند، فخرالمحققین متون‌بسیاری ازتألیفات پدررا شرح وحاشیه کرده‌است وتحصیل‌النجاة والکافیة در کلام از خود وی‌می‌باشد، وی در سن ۸۹ سالگی در‌گذشته است .

فراء ، ابومحمد حسین‌بن مسعود.

(۴۳۶ ـ ۵۱۰ هق)

عالم مذهب شافعیه و مفسرومحدث. وی درعلوم تبحر داشت و فقه‌را ازقاضی حسین بن محمدکه یکی ازشاگردان‌قفال مروزی بودآموخت . در تفصیل کلام‌الله تصنیفی‌کرده و پاره‌ای ازمشکلات را از قول پیامبراکرم توضیح داده است .

وی‌ازراویان حدیث میباشد وکتب بسیاربه‌او منسوب است وجه تسمیهٔ فراء به‌مناسبت فروش فراء است .

ازآثاراودوکتاب«مصابیرالسنه»در حدیث و«معالم‌التنزیل» درتفسیرمعروف است، فراء در مرو درگذشت و درکنار استادش **قاضی‌حسین** به‌خاك سپرده‌شد.

فراشوشتر.
یکی از دو برادری که وزیران کی‌گشتاسب بودند ودرراه اشاعهٔ‌دین‌زرتشت بااو همراهی کردند. دختر وی به‌زوجیت زرتشت درآمد .

فضیل ، ابن عیاض .
(۱۰۴–۱۸۷ ه ق)
ولادت وی در سمرقند اتفاق افتاده و از سلیمان تیمی و محمدبن اسحاق و امام‌جعفرصادق علیه‌السلام وسفیان ثوری وچندتن دیگرحدیث شنیده است . فضیل بیشترعمرخودرا درمجاورت خانهٔ خدا به‌سر برده وبیش‌از هشتاد سال عمر کرده و درمحرم سال ۱۸۷ هجری درشهرمکه درگذشته و همانجا مدفون گردیده است . مأثورات‌او بیشتردر کتب‌صوفیه‌چون‌حلیة‌الاولیاءابونعیم اصفهانی وتذکرة الاولیاء شیخ عطارآمده‌است.

قابسی ، علی بن محمد.
(۳۲۴ _ ۴۰۳ هق)
دانشمند ومحدث وی نابیناواصلش از قیروان بود . فقیه اصولی و مالکی مذهب بود و درافریقا زندگی میکرد و احادیث و رجال و اسناد حدیثها را از برداشت . اوراست المهد درفقه، المنقذ من شبه‌التأویل .

قاسم ، ابن ابراهیم.
(فوت ۲۶۴ ه ق)
ازایمهٔ زیدیهٔ یمن مؤسس «قاسمیه» و مؤلف‌کتبی در رد رافضیه ورد‌کتابی منسوب به ابن‌المقفع است.

قرمط.
مؤسس فرقهٔ قرمطیان که در اسم و اصل‌اواختلاف کرده‌اندوغالباًاوراحمدان الاشعث دانند اصل وی از خوزستان است و او در کوفه بسال ۲۵۸ ه ق . مشهور شد و به زهد و تقوی تظاهر داشت. گروهی گرد او جمع شدند . وی‌در حدود سال ۲۷۵ مفقودالاثر گردید.
بعضی نوشته‌اند حاکم رحبه او را به‌سال۲۹۳ گرفت ووی‌به‌امرمکتفی‌خلیفهٔ عباسی به‌قتل رسیده است.

قس ، ابن‌ساعده.
(فوت ۶۰۰ ه ق)
اسقف نجران ، از بلغای عرب در بلاغت بدومثل زنند ووی تاقبل ازبعثت رسول (ص)حیات‌داشته وآن‌حضرت اورا دیده است .

قشقایی، میرزا جهانگیرخان .
(فوت۱۳۲۸ ه ق)
دانشمند ایرانی از خوانین قشقایی وازاهالی‌**دره‌شولی**.وی‌ساکن‌دهاقان‌بختیاری و جامع معقول ومنقول‌بودوبسیاری از بزرگان‌قرن‌اخیر ازمحضراواستفاده کرده‌اند. ازشاگردان او آیةالله بروجردی ، سید حسین‌مدرس ، فاضل‌تونی، وحیددستگردی هستند. وی‌درمدرسهٔ صدراصفهان‌تدریس می‌کرد .

قطب‌الدین ، راوندی .
(فوت ۵۷۳ ه ق)
معروف به‌ابومحسن یاابوالحسن ، محدث ومفسرمعروف شیعه .
وی ازشیخ طبرسی وعمادالدین طبری وسیدمرتضی وسید مجتبی رازی‌و پدرنصیرالدین طوسی‌وجمعی‌دیگرروایت کرده وخود از مشایخ ابن‌شهرآشوب و شیخ‌منتخب‌الدین است . اوراست :آیات الاحکام .

قطب‌الدین ، کیدری .
(فوت۷۷۶ه ق)
معروف‌به‌ابوالحسن،دانشمندمعروف صاحب‌کتاب : الاصباح فی‌فقه‌الامامیه .

قطب الدین ، رازی.
(فوت ۷۷۶ ه ق)
معروف به علامهٔ رازی دانشمند معروف ایرانی . وی از شاگردان مبرز علامهٔ حلی است و قواعد علامه رابه‌خط خود استنساخ‌کرده وعلامه در پشت‌همان نسخه به‌سال۷۱۳ه ق درقصبهٔ‌ورامین‌برای او اجازه نوشته است. پس‌از وفات او را در مقبرهٔ صالحیهٔ دمشق دفن کردند و سپس به موضعی دیگر بردندکتب زیادی ازاوباقی‌مانده‌که معروفترین آنها :
شرح‌تفسیر کشاف ، تحریرالقواعد‌المنطقیه درشرح شمسیه .

قطب‌الدین ، اشکوری.
(فوت ۱۰۷۵ ه ق)
دیلمی ، فقیه ودانشمند ، ازعلمای امامیهٔ قرن ۱۱ هق.
وی شاگرد میرداماد و معاصر حر‌عاملی بود . صاحب ثمرة الفؤاد حاوی اسرار احکام‌دینی‌وحقایق‌اعمال، رساله‌ای درباب عالم مثال ، محبوب القلوب.

کالون Calvin
(۱۵۰۹ _ ۱۵۶۴م)


کالون

درژنو می‌زیست‌ورهبر رفورم‌مذهبی سویس وبنیان‌گزار نوع خاصی ازپروتستانیسم بودکه باشکل‌زندگی‌سرمایه‌داری این‌کشور مطابقت داشت ، کالون می‌آموخت‌که مأموریت مردمان از پیش به‌وسیلهٔ خداوند مقدر شده وانسان در هرمقامی‌که باشدبایدبرای احرازموفقیت تلاش‌کند زیرا انسان برگزیدهٔ خداوند است . اومی‌گفت بهره‌کشی ازکارگران مزدور امری خدا پسنداست .
کالون نظام جمهوری تازه‌ای که برای‌سیادت بورژوازی مناسب بود در کلیسای خود برقرار ساخت در رأس‌هر جامعهٔ کلیسایی شورایی‌ازریش‌سفیدان پرسبیترها Presbytére قرار داشت واز این‌رو کلیسای‌کالونی راگاهی **پرسبیترین** هم می‌گویند . در جامعهٔ کالونی قدرت اصلی به‌سرپرستان تعلق‌داشت واینها معمولا ازمیان افراد متمکن ومتنفذبرگزیده‌می‌شدند . چون‌دراین‌زمان‌کلیسای کاتولیك باپروتستانها به‌جنگ برخاست کالونیسم به سازمان جنگی پروتستانها بدل‌شد .
کالون‌درژنو مقررات سختی برقرار ساخت ومانندپاپ کسانی راکه مانند او نمی‌اندیشیدندازکلیسای‌خودطردوبه‌زندان وتبعید واعدام محکوم می‌ساخت .
اومی‌گفت همانطورکه خداوند به برخی اقوام رحم‌نکرد بایدملحدان‌را نابود ساخت. مخالفان کالون‌اورا به‌طنز «پاپ ژنو» می‌خواندند .

کلینی .
(متوفی۳۲۹ه ق)
شیخ اجل‌ثقةالاسلام‌ابوجعفرمحمدبن یعقوب‌ابن‌اسحق‌کلینی رازی ، ازبزرگان علما وفقهای شیعه‌در دوقرن سوم‌وچهارم هجری می‌باشد ، که درایام غیبت‌صغری ازمروجین مذهب‌شیعهٔ اثنی‌عشری وبه قول ابن‌اثیر ، مجددمایهٔ سوم آن‌مذهب بوده است .
کلینی ازفقهای بسیار موثق شیعه و نخستین‌کسیست‌که اخبارراً مبوب‌ساخته‌و در بغداد در سال تناثرنجوم (۳۲۹ه) وفات یافت . وقبرش دربازار آنشهر نزدیك‌جسر مشهور و زیارتگاه می‌باشد. تألیفات وی عبارتنداز :
کتاب «کافی»که مهمترین کتابهای او وازکتب اربعهٔ شیعه میباشد وبرای تألیف‌آن‌بیست‌سال رنج برده‌است ،کتاب رسائل الائمة، کتاب‌رد برقرامطه ،کتاب تعبیر رؤیا، کتاب رجال، کتاب‌اشعاری که درمدح ائمه‌گفته است و غیراینها.

کنی، حاج ملاعلی .
(۱۲۲۰ ـ ۱۳۰۶ ﻫ ق)
حاج‌ملاعلی تهرانی رازی‌کنی ، از علمای‌قرن‌چهاردهم هجری است ، حوزهٔ درس بزرگانی چون صاحب جواهر و صاحب ضوابط را دیده واز مخالفان میرزا حسین‌خان سپهسالار بود . تألیفات اومتعددومهمترین آنهاعبارتنداز :
الاستصحاب ، الاوامر ، تلخیص ـ المسایل ، الصلوة ، الطهارة وغیره‌است. قبروی درحضرت عبدالعظیم ودر اطاق ناصرالدین‌شاه قاجاراست .

لوتر مارتین Luther.M
(۱۴۸۳ ـ ۱۵۴۶م)
درزمان حیات او درآلمان جنبشی برای‌اصلاح‌کلیسا به‌نام«رفورم» درگرفته بود یکی‌ازکارهای کشیشان‌این‌بودکه با گرفتن مبلغی پول ازمردم‌گناهان آنهارا می‌بخشیدند وگوشه‌ای ازبهشت‌را به‌آن ها میفروختند . لوتر ابتدا برای‌بر ـ انداختن‌این رسم‌به‌پاخاست. خروج لوتر مواجه‌جنبش‌وسیعی درآلمان شد .
لوتر خود مردی معتدل بود ولی عصیان مردم آلمان‌به‌او جرأت بخشیدتا از کلیسای کاتولیك ببرد . پاپ او را طردکرد ولی اودست‌خط پاپ‌را درآتش انداخت ورفورم را جان تازه‌ای داد . امیران ، مردم شهرها وحتی دهات‌دور دست به‌جنبش رفورم پیوستند .
درسال ۱۵۲۴ شورش دهقانی‌بزرگی درگرفت ولوترازاین‌جنبش دچاروحشت شد وبرای سرکوبی آنان بـاامیران ، اشراف‌وشهرنشینان متمول‌همدست‌گردید قیام دهقانان دردریایی ازخون غرقه‌شد. صدهاهزاردهقان نابودگشت وهزاران‌ده در آتش‌سوخت، لوتربه‌جانب زورمندان لغزید وآنان‌را تشویق‌میکرد که(بکشید خفه سازید وقطعه قطعه‌کنید دهقانان را همچون سگان‌هار) .
جنبش ضدکاتولیکی که‌لوتردر رأس آن‌قرار‌گرفت به‌نام«پروتستان» نامیده شد وسرانجام امپراطور آلمان به‌وجود شریعت «پروتستانی» تن درداد و بدین ترتیب‌کلیسای پروتستان رسمیت یافت و اکنون بیش‌از سی‌میلیون نفرپیرو کلیسای لوتری هستند .

متی .
ازشاگردان مسیح‌است‌وهمیشه‌همراه و ملازم مسیح بود . اوبه‌شهرهای ایران سفرکرده وبه‌افریقا نیزرفته وعاقبت در حبشه شروع بـه‌تبلیغ دین مسیحیت‌نمود ولی‌برادر پادشاه‌به‌مخالفت بااوبرخاست واورا بـه‌قتل رسانید ، عـده‌ای عقیده دارندکه دریهودیه‌تبلیغ‌میکردتا یهودیان اورا سنگسارنمودند . انجیل‌متی‌منسوب به‌اوست .

مجلسی ، ملامحمدباقر .
(۱۰۳۷ ـ ۱۱۱۰ﻫ ق)
ازبزرگان علمای شیعه، فرزندملا ـ محمدتقی مجلسی است .
یك‌سال قبل‌ازمرگ شاه‌عباس‌کبیر به‌دنیا آمد ودربیست‌و هفتم رمضان۱۱۱۰ وفات یافت‌ودرجامع‌عتیق اصفهان‌مدفون است .
مهمترین اثراو : بحارالانوار فی ـ الاخبار الائمةالاطهار است .

محقق‌اول .
(۶۰۲ ـ ۶۷۶ﻫ ق)
ابوالقاسم نجم‌الدین جعفربن حسن معروف به«محقق‌اول» یا «محقق حلی» سردستهٔ فقهای متأخرین شیعه است ،که درعلم وفضل ودقت نظرمقام شامخی‌دارد وکتبش محل‌رجوع فقهای شیعه‌است .



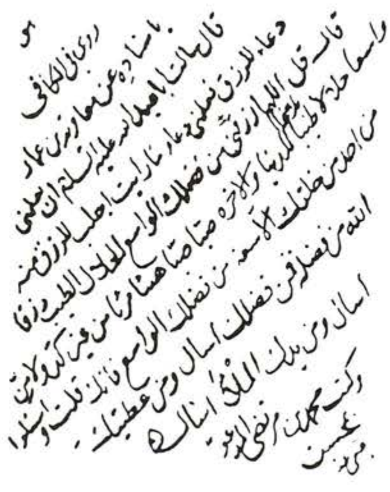
معاصر استادالبشر خواجه نصیر ـ الدین‌طوسی‌بوده وعلامهٔ حلی ازاواجازه گرفته است .
مرگش‌را برخی درائر افتادن از بام دانسته‌اند ، وسنش‌را ۷۶سال‌مینویسند قبرش درنجف اشرف است.
بیشتر تألیفات این‌فقیه بلند قدر ، مورد توجه فقهای شیعه است که همگی حائزاهمیت وازاینقرار است :
شرایع الاسلام ، که شروح‌متعددی برآن نگاشته‌اند وکتاب درسی است .

محقق‌ثانی .
محقق‌کرکی‌را به‌بینید .

محقق‌کرکی .
(متوفی به‌سال۹۴۰ ﻫ ق)
نورالدین‌ابوالحسن‌علی‌بن عبدالعال عاملی‌کرکی ، ملقب« به‌شیخ‌العلایی» یا «محقق ثانی» یا«محقق‌کرکی» یکی از علمای بزرگ‌شیعه است‌که وی رامجدد ـ مذهب شیعه دراوایل‌قرن دهم گفته‌اند و باشاه‌طهماسب‌اول صفوی معاصربوده ودر ترویج‌مذهب‌شیعه‌درایران خیلی کوشیده.
اجازهٔ محقق‌کرکی دراجتهاد ، از شیخ«علی‌بن‌هلال‌جزایری»و«ابن‌المؤذن» می‌باشد «وشهید ثانی» شاگرد اوست .
ازتألیفات‌وی : جامع‌المقاصد (در شرح‌قواعد علامه) درشش مجلد، رسالهٔ ـ جعفریـه ، رسالهٔ رضاع ، رسالهٔ صنیع ـ عقودوایقاعات ، حاشیهٔ شرایع ، رسالهٔ ـ جمعه ، شـرح‌الفیه شهید اول، حـاشیهٔ ـ ارشاد در دومجلد ، رسالهٔ سبحه وغیره میباشد .


لوتر

ملامحسن‌فیض کاشانی .
(متوفی به‌سال۱۰۹۱)
نامش محمدحسن‌ونام‌پدرش مرتضی است و از عـلمای بزرگ دورهٔ صفوی است .



ملامحسن فقیهی متأله بود و نـزد «ملاصدرای‌شیرازی»و«سیدماجدبحرانی» تلمذکرده جامع علوم ومعقول و منقول بوده‌است ودرکاشان به‌افادهٔ علوم‌اشتغال

داشته ومدتی در اصفهان وشیراز به‌سر برده‌ودراواخرعمر به‌کاشان آمده‌وبالاخره درآنجا بدرود حیات گفته .

این‌دانشمند نویسنده‌ای پرکار بوده قریب ۲۰ کتاب تألیف کرده که معروف‌ترین آنها عبارتنداز :

تفسیر اصفی ، کتاب وافی ، شافی مفاتیح ، محجة‌البیضاء ، رساله کلمات مکنونه ، رساله‌اسرارالصلوة ، علم‌الیقین تشریب‌سفینة‌النجاة - شرح‌صحیفه‌سجادیه‌ ابواب‌الجنان ، ترجمهٔ الصلوة (بفارسی) ترجمهٔطهارت‌ترجمهٔ عقاید ، فهرست‌علوم دیوان اشعار (درحدود۱۲ هزاربیت) و غیره .



حمدکاظم یزدی

میدانی .

ابوالفضل احمدبن محمدنیشابوری معروف به‌میدانی (میدان محله‌ای بوده درنیشابور) ازبزرگان علم‌ادب است ،از حیث فضل ودرایت‌وذکاء سرآمد اقران‌و تألیفات اودر علم ادب مورد توجه اهل فضل است مهمترین تألیفات او کتاب ــ انموذج‌درنحو ومفضلیات ، مجمع‌الامثال السامی فی‌الاسامی است .

میرداماد ، میرمحمد باقر .

فلاسفهٔ ایران‌را به‌بینید .

میرزای شیرازی

(۱۲۷۰ ــ ۱۳۳۸ه ق)



یرزای شیرازی

میرزامحمدتقی ، فرزند حاج‌میرزا محبعلی‌بن‌میرزامحمدعلی گلشن‌شیرازی ازعلمای‌شیعه وازشاگردان فاضل‌اردکانی وحاج میرزا محمد حسن شیرازی بوده است این‌فاضل شعرنیز می‌سروده ومدتها متصدی ادارهٔ حوزهٔ علمی سامره و بعد نجف ومرجع تقلید اکثر شیعیان قرار گرفته است .

تألیفات ایشان زیاد و به عنوان نمونه ازچندکتاب نام میبریم :

منظومهٔ رضاعیهٔسیدصدرالدین‌عاملی

شرح مکاسب‌شیخ مرتضی انصاری .

نوری‌تهرانی ، شیخ‌فضل‌الله .

(مقتول ۱۳۲۷ه ق)

مجتهد ، فقیه وعالم شیعی درفقه و حدیث‌ورجال‌متبحر وشاگردحاج‌میرزا ــ محمدحسن شیرازی‌بود ودرتهران‌مرجعیت داشت . وی‌را بعض انقلابیان مشروطیت در دورهٔ «هیئت‌مدیره» به‌اتهام ضدیت با مشروطه بدارآویختند . اوراست. صحیفهٔ مهدویه (یاصحیفهٔقائمیه) که درآن‌ادعیهٔ امام منتظررا جمع‌آورده .

مدفن‌نوری درصحن حضرت‌معصومه (قم) میباشد .

یزدی ، سیدمحمد کاظم .

(۱۲۵۶ ــ ۱۳۳۷ه ق)

سیدمحمدکاظم‌بن‌عبدالعظیم‌طباطبایی یزدی . ازبزرگان‌علمای امامیه درقرن چهاردهم است ومرجع تقلید شیعه‌وحوزهٔ درس اودر نجف، اشرف معروف بود و محضر بزرگانی‌چون؛ آقاشیخ محمدباقر ــ نجفی وسیدمحمدباقر خوانساری وحاج ــ میرزا محمدحسن شیرازی‌را درك کرده است . ازتألیفات ایشان : بستان‌نیاز ، تعادل و تراجیح ، حاشیهٔ مکاتب شیخ مرتضی انصاری و چندین کتاب دیگر است .

یعقوب .

اهل‌صیدا و پسر زبدی است برادر یوحنای حواری است که باهم به شغل ماهیگیری مشغول‌بودند.

پس‌ازایمان به مسیح در ردیف حواریون قرار گرفت و در اورشلیم و یهودیه به‌تبلیغ‌وانتشار مسیحیت‌پرداخت او درسال ۴۴میلادی درزمان هرودیاس فرمانروای‌فلسطین‌دستگیر شد وبه‌دستور هردریاس به‌قتل‌رسید .

یوحنا .

پسرزبدی‌است . مادرش‌سالومه‌خاله مسیح است .

یوحنا بابرادر خود یعقوب به‌شغل ماهیگیری‌اشتغال‌داشته وازشاگردان‌یحیی تعمید دهنده بود . پس ازایمان به‌مسیح در ردیف‌حواریون قرارگرفت اودارای شهامت وسخاوت بسیار بود درسال ۹۵ میلادی‌دومیشیانس امپراطورروم‌اورا به جزیرهٔ پطمس تبعیدکرد ، او درآنجا مکاشفات خودرا به‌رشتهٔ تحریر کشید و برای کلیسای هفتگانهٔ آسیای صغیر فرستاد .

یوحنا درسن ۹۵ سالگی درسال‌سوم سلطنت تراژان امپراتور روم درافسوس درگذشت .

یهودا .

ملقب به‌لبعی یعنی‌شجاع . درانجیل لوقاباب ۶ وباب ۱ اعمال رسولان اورا برادر یعقوب یادنموده‌اند و معلوم‌نیست یعقوب‌بن حلفی است . یا یعقوب‌برادر مسیح به‌قرار مذکور باشمعون قانوی‌در ایران بوده و باهم در عراق عجم کشته شده‌اند .

یهودا اسخریوطی .

اوفرزندشمعون است ودر اسخریوط متولد شده. ازبین‌شاگردان مسیح اوجزو حواریون انتخاب‌شد وبرای‌خدمت‌جمع‌آوری اعانات معین‌شده بود ازطرف‌قیافا وحنا بوی وعده پول زیادی داده‌شد وتا محل‌اجتماع مسیح وشاگردانش‌را به‌آن‌ها نشان‌دهد یهودا فریب خورد و محل اجتماع‌را نشان‌آنهاداد وچون‌تسلیم‌کردن مسیح منجربه صلیب کشیدن او گردید یهودا ازکردهٔخود پشیمان شد وبه‌وسیلهٔ طناب خودرا خفه‌کرد .

استادان ومعلمین علوم دینی دانشگاه

آریان‌پور ، دکتر امیرحسین . دانشیار دانش‌سرای عالی و دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی .

آیت‌الله زادهٔ شیرازی ، سید مرتضی . معلم دانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی .

ابن‌الدین ، عبدالحسین . معلم‌دانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی .

اجتهادی ، دکتر ابوالقاسم . دانشیار دانشکدهٔ الهیات و معارف‌اسلامی .

احراری، احمد. دانشیاردانشکدهٔالهیات ومعارف‌اسلامی .

الهی قمشه‌ای ، مهدی. استادکلام‌وعرفان دانشکدهٔ معقول ومنقول .

امام ، سیدمحمدکاظم. معلم‌دانشکدهٔالهیات ومعارف اسلامی .

بدیع‌الزمانی ، عبدالحمید. معلم‌دانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی .

تشکر(حکیم) ، محمدعلی معلم‌دانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی .

تقوی‌بهبهانی ، ضیاء الدین . دانشیار دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی.

حائری ، حاج میرزا مهدی . دانشیار دانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی .

حریری فارس ، دکتر ابراهیم . معلم دانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی .

حمیدی ، دکترمهدی . استاد تمام وقت دانشکدهٔالهیات ومعارف‌اسلامی .

خراسانی ، دکترحسین . دبیردانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی.

دانش‌پژوه ، محمدتقی . معلم دانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی.

ذوالمجدین ، زین العابدین . استاد فقه دانشکدهٔ معقول ومنقول .

راشد ، حسینعلی . استادفقه دانشکدهٔ

معقول ومنقول .
زرین‌کوب ، دکترعبدالحسین . استاد دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی.
زمانی، دکترعباس.دبیردانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی .
ستوده ، دکترمنوچهر . دبیر دانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی .
سرداری ، دکتررضا . دانشیارتاریخ‌فقه دانشکدهٔ‌معقول ومنقول .
سنگلجی ، محمد.استادفقه سالهای‌دوم و سوم‌قضایی دانشکدهٔ‌حقوق .
شادمان ، دکتر سید فخرالدین . استاد تمام وقت دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی .
شهابی ، محمود.استاد تمام‌وقت‌دانشکدهٔ حقوق ومدیرگروه فقه‌واصول .
شهابی ، دکتر علی اکبر . دانشیار دانشکدهٔ حقوق‌ودانشکدهٔ‌الهیات‌ومعارف اسلامی .
صفایی ، سیداحمد،معلم‌دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی .
عبده ، محمد.معلم اصول‌دانشکدهٔ معقول ومنقول دورهٔ دکتری .
علامهٔ وحیدی، محمدعلی.مدرس‌افتخاری دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی .
غفرانی ، دکترمحمد.معلم‌دانشکدهٔ‌الهیات ومعارف‌اسلامی .
فردید، دکتراحمد،معلم دانشکدهٔ‌الهیات ومعارف اسلامی .
فرزانه ، کاظم .دبیر دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی .
فروزانفر ، بدیع الزمان . استاد تمام وقت ومدیرگروه (عرفان وسیرآن در ادبیات)ورئیس دانشکدهٔ الهیات‌ومعارف اسلامی .
فرهودی، دکترحسین. استاد دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی .
فیض ، دکترعلیرضا . معلم دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی .
گرجی ، ابوالقاسم. دبیردانشکدهٔ‌الهیات ومعارف اسلامی .
گلشن . دکترعبدالحمید. دانشیارملل و نحل‌دانشکدهٔ معقول ومنقول .
گونیلی ، دکترحسین .استاد تمام وقت دانشکدهٔ‌الهیات ومعارف‌اسلامی .
مجیدی فیاض ، دکتر علی‌اکبر . استاد ملل و نحل‌دانشکدهٔ‌معقول ومنقول.
محدث ، دکترجلال . دبیردانشکدهٔ‌الهیات ومعارف‌اسلامی .
محققی،محمد.معلم‌اصول‌دانشکدهٔ معقول ومنقول .
محمدی ، دکترمحمد . استاد تفسیر دانشکدهٔ معقول ومنقول .
مدرس‌رضوی، محمدتقی‌استاددانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی .
مشکوة ، سید محمد . استاد تمام وقت دانشکدهٔ‌حقوق‌ومدیر گروه‌ادیان‌ومذاهب غیراسلامی .
مصطفوی ، دکترجواد . معلم‌دانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی .
مصلح ، دکترجواد. دانشیار دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی.
مطهری فریمانی، مرتضی.معلم‌فقه‌وفلسفهٔ دانشکدهٔ معقول‌ومنقول .
معزی ، محمدکاظم.معلم اصول دانشکدهٔ معقول ومنقول .
ملکشاهی، دکترحسن. استادیاردانشکدهٔ الهیات و معارف‌اسلامی .
مناقبی ، دکترجواد.معلم دانشکدهٔ‌الهیات ومعارف اسلامی .
مولوی عربشاهی (سبزواری) ، سید محمدباقر . معلم فقه دانشکدهٔ معقول و منقول .
مهتدی،عبدالرحمن . دانشیار دانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی .
مهدوی ، دکتراحمد،معلم‌دانشکدهٔ‌الهیات ومعارف اسلامی .
مهذب ، دکترعلی . استادیار دانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی .
مینوی ، مجتبی،استاد تمام‌وقت‌دانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی .
نجات ، دکترعبدالرحیم. دبیر دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی .
نشأت ، صادق . معلم‌دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی .
نصیری ، یحیی . استادیار دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی .
نوربخش.سیدکمال‌الدین. دبیردانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی .
وحیدی‌آل‌آقا ، حکمت.دبیر دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی .
هاشمی‌بابکی ، محمدباقر.معلم‌دانشکدهٔ الهیات ومعارف‌اسلامی .
یزدگردی ، دکتر امیرحسین . دانشیار تمام وقت دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی .

کتب مذهبی

آیینهٔ‌اسلام، درتاریخ: مختارحسین‌هندی.
آیین‌توحید : علاءالدین مجتبوی .
آیین‌جعفری : میرزاهادی نوری.
آتش‌وآتش‌پرستی : رشید شهمردان .
آثارمقدس: حاج‌میرزا خلیل‌کمره‌ای.
آوازجبرییل: شهاب‌الدین سهروردی.
ابراهیم بت‌شکن یا قهرمان توحید : مصطفی‌زمانی .
ابواب‌الجنان : قزوینی .
اپرا ، وعدهٔ زرتشت : میر سید علی آذری .
اثبات الحجة علایم الظهور: ابراهیم‌موسوی زنجانی .
اثبات‌الواجب: شیخ طوسی .
اثبات وجودخدا: به‌قلم چهل‌تن از دانشمندان بزرگ‌معاصر، ترجمهٔ احمد آرام ، دکتر علی‌اکبر مجتهدی ، سید مهدی‌امینی .
احتیاج‌بشربه‌پیغمبر : ابوالفضل حاذقی جهرمی .
احیاء الحق : مسعود غزنوی .
ادبیات مزدیسنا(یشتها): ابراهیم پور داود .
ادوارفقه: شیخ محمود شهابی .
ادیان‌بزرگ جهان: هاشم‌رضی .
ارمغان رسالت برای انسانها : محمد طالقانی . ترجمهٔ محمدمهدی جعفری .
اساس‌التوحید : مهدی‌آشتیانی .
استبصار : محمدحسن‌بن علی‌طوسی .
اسرار التوحید : دکتر ذبیح‌الله صفا.
اسرارالتوحید ، شرح و ترجمهٔ‌کتاب توحید : محمدعلی فاضل‌اردکانی .
اسرارالصلوة : علی‌اکبر کرمانی .
اسرارحج: حاج میرزا خلیل‌کمره‌ای.
اسلام‌درنظرگاه دانشمندان‌عرب : علی اصغر حکمت .
اسلام‌ازنظرولتر : جواد حدیدی .
اسلام پیشرو نهضتها: محمد مصطفوی‌کرمانی وغلامحسین حقانی تهرانی زیر نظرمحمد مفتح .
اسلام‌جوان : مهدی‌بازرگان .
اسلام صراط مستقیم: کنت مورگان . ترجمهٔ امین ، بحر العلومی ، رضایی و دیگران .
اسلام مکتب مبارز و مولد : مهدی بازرگان .

اسلام و تبعیضات نژادی، با مقدمه‌ای ازمهدی بازرگان: علی حجتی کرمانی.

اسلام و جوانان: مهندس مهدی تبریزی بازرگان تهرانی.

اسلام و دیگران: محمدعلی کاظمینی بروجردی.

اسلام و صنعت: جوهریزاد.

اسلام و مالکیت: محمود طالقانی.

اسلام و مستمندان: حاج میرزا مهدی بروجردی.

اسلام و مشکلات اقتصادی: ابوالاعلی مودودی. ترجمه ونگارش ازهادی خسروشاهی.

اسلام و موسیقی: دکتر اسدالله رویین مبشری.

اسلام و نابسامانیهای روشنفکران: محمد قطب. ترجمهٔ محمدعلی عباسی.

اسلام و همزیستی مسالمت آمیز: عباس‌علی عمید زنجانی.

اسلام یا آیین کلیسا: مصطفی زمانی.

اشا وهیشا یا پیام زرتشت: مهرداد شوشتری مهرین.

اصول دین: شیخ مهدی نجفی مسجدشاهی اصفهانی.

اصول دین: حاج شیخ محمدرضا شریعتمدار دامغانی.

اصول عقاید: حاج سید اسدالله میرسلامی خرقانی.

اصول کافی: محمدبن یعقوب کلینی رازی باترجمهٔ وشرح جواد مصطفوی.

اصول وفروع دین یا نماز فرمان خدا: هدایت‌الله مسترحمی جرقویه‌ای.

اطلاعاتی در بارهٔ مسلمانان هندوکشمیر: هادی خسروشاهی.

اعجاز قرآن: علی‌اصغر هلالیان.

اعجاز اسلام از نظر اخبار: سید مهدی مرتضوی لنگرودی.

اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی: یدالله نیازمند.

افسانه‌های دینی درمصر قدیم: موسی جوان.

اقتصاد از دریچهٔ اسلام: رضا اصفهانی.

اقوال اروپاییان در بارهٔ قرآن: ابوالقاسم تفرشی سحاب.

اقوال الائمه علیهم السلام: علی اکبر واعظ موسوی.

الاربعین فی اصول دین: امام فخر رازی.

الفبای فکری حسین (ع): محمدرضا صالحی کرمانی.

الکافی: محمد یعقوب کلینی.

المناجات الالهیات علی بن ابیطالب (ع): به‌خط عبدالحق سبزواری.

المیزان فی تفسیر القرآن: محمدحسین طباطبایی. ترجمهٔ محمد باقر موسوی همدانی.

الناسخ والمنسوخ: ابن متوج. شرح از عبدالجلیل الحسینی القاری با تصحیح و تحشیه و تعلیق ازمحمدجعفر اسلامی.

امت و امامت: سیدهبة‌الدین شهرستانی، ترجمهٔ علیرضا میرزاخسروانی.

امثال قرآن: علی اصغر حکمت.

اندرز آذر بد مارسپندان: دکتر یحیی ماهیار نوابی.

اندرز دانایان به مزدیسنان و اندرز خسرو قبادیان: دکتر یحیی ماهیار نوابی.

انسان و خدا: مهدی بازرگان.

انیس العلماء: محمدحسن نخبة الفقهایی لاری.

اولین دانشگاه و آخرین پیامبر: ر. پاک‌نژاد.

باد و باران در قرآن: مهدی بازرگان.

بازرگان حدیث شیخ المضیره ابو هریره: محمود ابوریه: ترجمهٔ محمد وحید گلپایگانی.

بت پرستی و مسیحیت کنونی: محمدطاهر تیتر، ترجمهٔ حاج شیخ محمدرضا شریعتمداری دامغانی.

بررسی تاریخ عاشورا، با مقدمهٔ علی اکبر غفاری: محمد ابراهیم آیتی.

بررسیهای تحقیقی در بارهٔ آئین یهود و مسیحیت: یحیی نوری.

بررسی یسنا: (ترجمه وتفسیر اوستا) سرگرد مراد اورنگ.

برگزیدهٔ سخنان علی علیه‌السلام از نهج البلاغه: مترجم جواد فاضل.

برنامهٔ انقلاب اسلامی: ابوالاعلی مودودی.

برهان الحق: نورعلی الهی. به‌کوشش، تقی تفضلی.

برهان قرآن: (امیرکبیر، تهران). صدر الدین صدربلاغی.

برهان لامع: میرزا ابوالفضل گلپایگانی.

بسوی اسلام یا آیین کلیسا: مصطفی زمانی.

بسوی جهان ابدی: زین‌العابدین قربانی لاهیجی.

بسوی خانهٔ خدا: فخرالدین خال اسیری شیرازی.

بسوی کعبه: اکبرفرد.

بشنو یددر فقه حنفی: امیر الملک ابوالطیب مولوی.

بنیاددین و خداشناسی: دکتر منوچهر خدایار محبی.

بودا درهند: محمدامین ادیب طوسی.

بهاییت یا پیدایش مذهب باب و بهاء: حاج سید مهدی رضوی قمی برقعی.

بهداشت اسلام از نظر علوم امروزی: محمد جواد نجفی.

بیت المقدس و تحول قبله: حاجی میرزا خلیل کمره‌ای.

بیداری امت در اثبات رجعت: سید محمد مهدی اصفهانی، ترجمهٔ ابوالقاسم تفرشی سحاب.

بینهایت کوچکها (باسه مقاله دیگر): مهدی بازرگان.

پاسخ ما: عبدالکریم هاشمی نژاد وحسن ابطحی.

پاسخ ما: حسن ابطحی خراسانی.

پرتوی از قرآن: حاج سید محمود طالقانی.

پرسش از سید عبدالحسین دستغیب شیرازی: عبدالحسین دستغیب شیرازی. پرسش و تنظیم محمد خالصی.

پندار پروری: رضا اصفهانی.

پیامهایی از بیت المقدس: علی اکبر تشید.

پیشرفت سریع اسلام: لورا واکچیا واگلیری ترجمهٔ غلامرضا سعیدی.

پیک مزدیسنا: دینشاه ایرانی.

پیشگوییهای علمی قرآن: دکتر صادق تقوی شمیرانی.

پیشنهاد تأسیس کانون یکتاپرستی جهانی: محمد مطهری.

پیمان جوانمردان: غلامرضا سعیدی.

تأثیر قرآن کریم و احادیث نبوی علوی و امثال تازی در مثنوی و معنوی: عسکر حقوق.

تاریخ جامع ادیان: جان ناس — ترجمهٔ علی‌اصغر حکمت.

تاریخچه وقف دراسلام: علی‌اکبر شهابی.

تاریخ دو اقلیت مذهبی یهود و مسیحیت درایران: محمد علی تاج‌پور.

تاریخ دیانت مسیح: محمدعلی فیضی.

تاریخ سیر ترجمهٔ قرآن دراروپا و آسیا: جواد سلماسی‌زاده.

تاریخ مقدس انبیاء: شیخ موسی لاریجانی به‌همکاری ع. نریمانوف تفلیسی.

تاریخ وهابیه: شیخ ضیاءالدین دری.

تجلی نور، تذکرهٔ مشاهیر جونپور: ابوالبشارات سیدنورالدین ظفرآبادی—

راه حیات : دیل‌والین روتون . ترجمهٔ ط . میکائیلیان .
راه‌خداشناسی یا اصول عقاید : فخرالدین‌ـ امامت کاشانی .
راه رستگاری یا آیین شیعهٔ جعفری : ابوالفضل خمسی.
راه صلیب : روی حشون . ترجمهٔ ط . میکائیلیان .
راه طی شده : مهدی بازرگان .
راهنمای زندگی یا اطلاعات عمومی دینی و اجتماعی : علاءالدین مجتبوی.
راهنمای گنجینهٔ قرآن : دکتر مهدی‌ـ بیانی .
راهنمای گنجینهٔ قرآن : دکتر مهدی بهرامی.
رستاخیز حسینی : علی هاشمی حایری.
رسالهٔ تابعیت وحقوق بیگانگان در اسلام: علی اصغر نیری.
رسالهٔ توضیح المسایل : محمد صالح‌ـ حائری .
رسالهٔ در اصول دین: میرزاعبدالمحمد کرمانشاهی .
رسالهٔ درحقیقت وجود : علی‌میرسید‌ـ شریف جرجانی .
رسالهٔ در متشابهات قرآن: حاج سید‌ـ اسدالله میرسلامی خرقانی.
رسالهٔ غدیریه : ملا جعفر قاری (خط کلهر) .
رسالهٔ غدیریه : سیدهبة‌الدین‌شهرستانی، ترجمهٔ؛ علیرضامیرزاخسروانی .
رسالهٔ معرفت : شیخ نجم‌الدین‌کبری، احمد خوارزمی.
رسالهٔ نوریه، تفسیر آیهٔ نور: حاج‌محمد‌ـ رحیم خان‌کرمانی .
روزه با احکام وادعیهٔ مخصوص ماه‌ـ رمضان : عباس مصباح زاده .
روضهٔ فیض: ابوالفیض سهانپوری، ناظم‌ـ فیض .
رهنمای قرائت قرآن ، در تجوید : سرهنگ‌احمدآملی‌فرسیواخگرلاریجانی.
ریشهٔ شیعه و پایه‌های آن : محمدحسین آل‌کاشف‌الغطاء نجفی ترجمهٔ علیرضا‌ـ میرزا خسروانی.
زراتشت نامه : زردشت بهرام پژود.
سبیل‌الرشاد فی‌اثبات‌المعاد : آقاعلی‌ـ زنوزی استادلاساتید .
سخنان‌حسین بن‌علی(ع) : (ازمتن‌عربی باترجمهٔ وشرح فارسی) مهدی سهیلی.

سخنان‌سجاد(ع): دکتر ناصرالدین‌صاحب‌ـ الزمانی .
سخنان سجاد(ع)، زین‌العابدین: سرتیپ شمس‌الدین رشدیه .
سخنان محمد(ص): (کلمات‌قصار با ترجمه) ابوالقاسم پاینده.
سخنان محمد: گردآورنده‌صابر کرمانی.
سخنان نغز علی بن ابیطالب (ع) : به‌اهتمام صابر کرمانی.
سخنرانیهای صدرایی در رادیو : سید محمد علی صدرایی اشکوری .
سددر: (منتخبی‌اززند وپازند)سرگرد‌ـ مراد اورنگ .
سراج الشیعه‌فی‌آداب‌الشریعه: مامقانی.
سراکبر درتفسیر سورهٔ‌فجر: سیدرجبعلی خان بهادرحسنی.
سرالبیان‌فی‌علم‌القرآن: حسن بیگلری.
سرچشمهٔ هستی : جعفر سبحانی.
سرمجوس: اندره‌لوری ، ترجمهٔ یمین‌ـ الملك مکرم‌الدوله میرزامهدیخان.
سرودهای دینی یارسان : (امیرکبیر تهران) ماشاءالله سوری(مترجم).
سیاست‌نامهٔ حضرت علی (ع) : سید علی اکبر برقعی(کاشف).
سیری درتعالیم اسلام : محمود شلتوت، ترجمهٔ خلیل خلیلیان.
سیستم حکومت اسلامی : یحیی‌نوری .
سی و شش صحیفه ومسایل حکمت و تأویلات بعض آیات قرآن : سیدمهراب ولی بدخشانی .
شأن‌نزول‌آیات‌قرآن: صدرالدین محلاتی‌ـ شیرازی .
شاهراه توحید و اخلاق مسمی بتاج حیات : علیرضا احتشامی.
شخصیت حضرت‌رضا(ع): احمدخوشنویس (عماد).
شرح امثله: علی میرسیدشریف‌جرجانی.
شرح دعای صباح : شیخ عزیزالله‌ـ خراسانی .
شرح صحیفه : ملامحمد صالح روغنی.
شرح صحیفه : آقاهادی مازندرانی.
شرح صحیفه : ترجمهٔ بعضی‌از اصحاب .
شرح صمدیه : شیخ بهایی ، شرح حاج میرزا محمدطاهر اردبیلی.
شرح فارسی مصباح الشریعه و مفتاح‌ـ الحقیقه‌با نضمام‌رسالهٔ نیت جمال‌الدین خوانساری، بامقدمه‌و تعلیقات‌به‌تصحیح

جلال‌الدین‌محدث (ارموی) عبدالرزاق گیلانی .
شرح‌کافیه (عربی وفارسی): ابن‌حاجب، ترجمهٔ علی‌میرسیدشریف جرجانی.
شفاء الصدورفی‌شرح زیارت‌العاشورا : ابوالفضل طهرانی .
شگفتیهایی از تاریخ اسلام و جهان : وحید دامغانی .
شناسایی علی ازنهج البلاغه : طلعت‌ـ آملی .
شیعه چه میگوید با اصلاحات و تجدید نظر ازهادی خسروشاهی: مهدی‌سراج‌ـ انصاری.
شیعه‌کیست و تشیع چیست: محمدجواد‌ـ مغنیه. ترجمهٔ علی‌اکبر کسمایی.
شیعه وزمامداران‌خودسر: محمدجواد‌ـ مغنیه. ترجمهٔ‌مصطفی زمانی .
شیعه وعاشورا : محمد جوادمغنیه. ترجمهٔ فیروز حریرچی .
صدفهای شکسته : نعمت‌الله قاضی (شکیب) .
طبقات الایات : خلیل‌الله‌صبری.
عدالت اجتماعی در اسلام : سید قطب، ترجمهٔ سیدعبدالهادی‌خسروشاهی بهمکاری علی‌گرامی .
عذرتقصیر به‌پیشگاه محمد(ص) وقرآن: پورت ، جان دیون . ترجمهٔ غلامرضا سعیدی .
عشق وپرستش یاترمودینامیك انسان : مهدی بازرگان .
عشق و عصمت یا تفسیر سورهٔ یوسف : سیدابوالفضل ریحان سعیدی.
عصر اوستا : سن‌جانا واشپیگل‌وگیگرو ویندرشمن ترجمهٔ مجیدرضی.
عصرمزدك سیاوش: محمدامین رسول‌ـ زاده .
عظمت حسین بن علی (ع) : شیخ‌الاسلام حاج میرزا ابوعبدالله زنجانی.
عقاید جمعی ازدانشمندان مغرب زمین بدین : علی‌اکبر فروتن .
عقایدفلاسفهٔ‌غرب‌راجع بتوحیدوروش اخلاق از نظر قرآن: مهدی مهدوی‌ـ شهرضایی .
علم و دین : مارسل‌کاشن ، ترجمهٔ علی‌ـ مستوفی .
علوم روز وقرآن‌یا پیروی‌علوم‌امروز از اسلام : جواد افتخاریان.

معراج السعادة : احمدبن مهدی نراقی.
مفاتیح الجنان : حاج شیخ عباس قمی .
مفتاح الجنان : ملارحمت‌الله معروف به آقاشیخ کرمانی .
مفتاح الجنان : محمدشفیع صالح .
مفصل در شرح مطول فن سوم بدیع : ابومعین سیدعلی‌موسوی هاشمی‌خراسانی.
مقالهٔ ریاح. عبدالبهاءوعباس افندی .
مقایسه‌ای چند از اسلام وجهان‌متمدن امروز : محمد تقی فلسفی.
مقدمات تفسیر : حاج یوسف‌بن حاج‌عبدالستار شعار.
مقدمه‌ای بر فلسفهٔ اصول اسلامی : محمدتقی‌جعفری .
ملل و نحل شهرستانی : تصحیح‌سیدمحمدرضا جلالی نایینی .
مناسك: سیدابراهیم حسینی اصطهباناتی مشهوربه میرزاآقا .
مناسك یاراهنمای اعمال حج : محمد تقی حکیم .
منتهی الآمال: عباس قمی .
من لایحضرة الفقیه: ابن‌بابویه وشیخ‌صدوق .
نامهٔ مینوی آیین زردشت (ازمتن اوستا) ازگزارش ابراهیم پور داود : جلیل دوستخواه .
نابغهٔ جهان، علی علیه‌السلام: نیرالدین‌دادگستری (شهپر).
ناسخ التواریخ : میرزا محمد تقی‌سپهر .
نبردهای محمد: نصرت‌الله‌بختورتاش .
نخستین انسان: عباس‌محمود عقاد. ترجمهٔ؛ خلیل‌خلیلیان .
نشریهٔ انجمن اسلامی‌دانشجویان : مهندس مهدی تبریزی بازرگان‌تهرانی به‌مشارکت فلسفی .
نظری به‌انجیل و تعلیمات مسیحیت : عبدالرحیم‌عقیقی‌بخشایشی .
نظری در تاریخ ادیان : علی اکبر‌ترابی .
نظریهٔ مسیحیت(مسیحیگری‌وفرویدیسم) محمدقطب . ترجمهٔ ضیاءالدین روحانی وهادی خسروشاهی .
نمازفرمان‌خدا : علی‌مصطفوی .
نهج‌البلاغه : علی‌بن‌ابیطالب . ترجمه و شرح: علینقی فیض‌الاسلام .
نهج‌البلاغه وجنگ: حاج‌میرزاخلیل‌کمره‌ای .
نهج‌البلاغه و خلقت : حاج میرزاخلیل کمره‌ای .
نهج‌الفصاحه : محمدبن‌عبدالله (ص) . مترجم‌وفراهم‌آورنده : ابوالقاسم‌پاینده.
نهضت‌اسلام‌درمیان‌سیاهان‌آمریکا: سیدعبدالهادی خسروشاهی .
نهضت‌های انبیاء علیهم‌السلام : جلال‌الدین فارسی .
نه‌گفتار در تاریخ ادیان : علی اصغرحکمت .
نیروی دعا : م . باوندی . ترجمهٔ ی . ن .
وحی‌محمد(ص): محمدرشیدرضا، ترجمهٔ محمدعلی طهرانی خلیلی .
ورجاوندبنیاد: سیداحمدحسینی‌کسروی تبریزی .
وعدهٔ راست: (امیرکبیر تهران) . طه حسین . ترجمهٔ احمد آرام .
وفاةالنبی یحیی (ع): علی‌بوری‌بحرانی.
ویسپرد(آخرین پیغمبر؛زردشت ـ آتش هفت‌کشور ـ سوگند نامه) ازگزارش ابراهیم پور داود : ویسپرد (از متن اوستا) به‌کوشش بهرام فره‌وشی.
هدف اصلی کتاب مقدس : م . اچ . فینلی .
هفتادگفتار در توحید و نبوت : سید مصطفی‌سرابی خراسانی .
هم‌بستگی‌دراوستا : (ترجمه وگزارش واژهٔ اوستایی : خواتودته) . سرگرد مراداورنگ .
یادداشتی دربارهٔ آرامگاه‌زرتشت‌دربلخ: دکتر صادق‌کیا .

کتب‌شرح‌حال بزرگان ادیان

ابوذرغفاری : «شرکت‌انتشار» ؛علیرضا اللهیاری .
ابوذرغفاری خداپرست سوسیالیست : «یگانه‌مشهد» ، عبدالحمید جودةالسحار. ترجمه ونگارش:علی‌شریعتی .
امام‌علی، صدای عدالت انسانیت : «فراهانی تهران»؛ جرج جرداق ترجمه وپاورقی از هادی‌خسروشاهی .
انتقام‌کربلا ـ قیام‌مختار : « امیرکبیر تهران» ؛ضیاء شاکر . ترجمهٔ رضا سیدحسینی .
پیامبر ، زندگانی حضرت‌رسول اکرم «ص»: (دوجلد). زین‌العابدین رهنما.
پیشوای‌هشتم‌شیعیان : «دیانت مشهد» ؛ محمدباقر ساعدی .
چهارده‌معصوم : جوادفاضل .
حسین‌بن علی‌را بهتر بشناسیم : محمد یزدی .
حسین‌پیشوای‌انسانها : «جعفری‌مشهد»؛ محمود اکبرزاده .
خونخواهان‌حسین : «پدیده تهران» ؛ جرجی‌زیدان، ترجمهٔ احسان .
خون و خورشید در شرح حالات نبی اکرم ـ حسین‌بن‌علی و. . . . . نعمت‌الله قاضی (شکیب) .
داستان راستان : مرتضی مطهری .
دلیران‌کربلا: علی‌رضی‌زاده .
زبدة التواریخ یاستارگان درخشان : «اسلامیه‌تهران» ؛ محمدجواد نجفی .
زندگانی‌امام حسن مجتبی‌علیه السلام: صابرکرمانی .
زندگانی امام‌رضا علیه‌السلام : صابر‌کرمانی .
زندگانی امام‌زین‌العابدین‌علیه‌السلام : صابر کرمانی .
زندگانی حضرت‌فاطمه : صابرکرمانی.
زندگانی سید الشهداء علیه السلام : صابرکرمانی .
زندگانی‌علی : صابرکرمانی .
زندگانی حضرت محمد : غلامرضا سعیدی .
زندگانی‌محمد(ص): صابرکرمانی.
زندگانی‌محمد(ص): دکترمحمدحسین‌هیکل ، ترجمهٔ : ابوالقاسم‌پاینده.
زندگانی محمد یاتاریخ حیات پیغمبر اسلام : کارلایل توماس‌انگلیسی ؛ترجمهٔ محمدافندی سباعی به‌زبان‌عربی ، ترجمهٔ به‌فارسی توسط شیخ‌الاسلام حاج میرزا ابوعبدالله زنجانی .
زینب بانوی‌قهرمان‌کربلا : «امیرکبیر تهران» ؛ بنت‌الشاطی . ترجمه ونگارش

حبیب‌چاپچیان«حسان»ومهدی آیت‌الله‌زادهٔ نایینی.
سلمان‌پاك‌ونخستین شکوفه‌های‌معنویت اسلام: ماسینیون ، لویی. ترجمهٔ علی‌شریعتی .
سیمای سلمان از بردگی تا زمامداری ابراهیم وحیددامغانی .
شهادت ولی‌خدا: جرجی‌زیدان. ترجمهٔ احسان .
شهسواراسلام : « امیر کبیر تهران» ؛ گابریل دانگیری. ترجمهٔ : کاظم‌عمادی.
شهید رمضان : جرجی زیدان ، ترجمهٔ جوادفاضل .
شهیدان‌راه حق : جرجی‌زیدان. ترجمهٔ احسان .
صدیقهٔ‌کبری فاطمهٔ‌زهرا : «مسجدجامع شیراز» ؛ عبدالحسین دستغیب .
طلوع اسلام : جرجی زیدان . تـرجمهٔ احسان .
عایشه بعد از پیغمبر: کورت فریشفره ، ترجمهٔ ذبیح‌الله منصوری .
عایشه‌همسر پیغمبر (ص) : ابوت نبیا . ترجمهٔ : غلامرضا سعیدی .
عبدالله‌بن سبا : مرتضی‌عسکری. ترجمهٔ احمدزنجانی قهری.
علی‌پیشوای شناخته‌شده: نعمت‌الله‌قاضی (شکیب) .
علی‌والزهراء سرچشمهٔ آب‌حیات:حاج‌میرزا خلیل‌کمره‌ای .
کودك نیل یا مرد انقلاب : مصطفی‌زمانی .
محمدپیامبر و سیاستمدار : «اسلامیه‌تهران»؛مونتگمری‌وات. ترجمهٔ‌اسماعیل والی‌زاده .
محمدپیغمبری‌که ازنو باید شناخت : گیورگیو، کونستان ویرژیل . ترجمهٔ : ذبیح‌الله منصوری .
محمد«ص»فرستادهٔ خدا : محمد علـی مولانا . ترجمهٔ ، احسان .
مردنامتناهی‌علی بن ابیطالب‌علیه‌السلام: «امیرکبیر تهران»؛حسن‌صدر .
مردوفا(مجموعهٔ‌داستانهای اسلامی) : رضا صدر .

آرامگاهها

آبش‌خاتون، شیراز .
آخوند، مقبره؛ قرن۱۱ ، جیرفت کرمان .



ابن‌سینا ، همدان .



اتابك،مقبره. قرن۸هجری، کرمان



ادیب‌الممالك ؛ شهری .

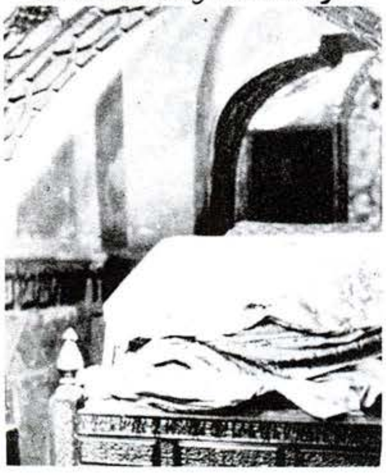
آرامگاه‌سلجوقی(برج‌دوم)، ۴۸۶ ه ق. قزوین .



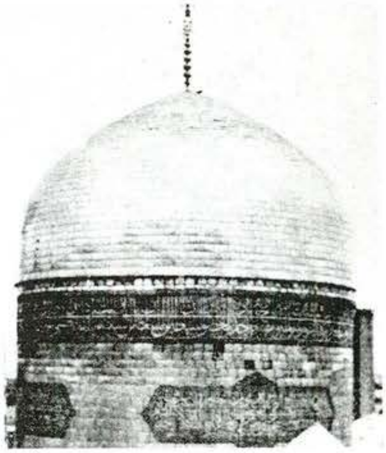
آرامگاه‌سلجوقی، برج.۴۶۰ه ق. خرقان قزوین .



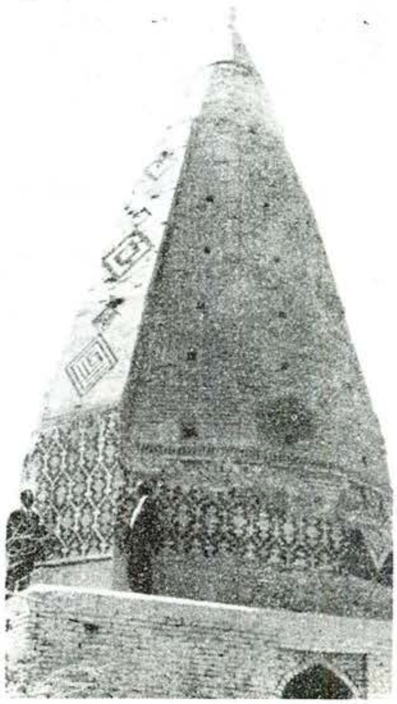
استر، آرامگاه، قرن۷ه ق، همدان.



امام‌رضا(ع)؛ (آثاری از قرن‌ششم تا قرن۱۲ هجری قمری) مشهد .



امامزاده‌اباذر، قـرن۷ هق، ۲۰ کیلومتری قزوین .
امامزاده‌ابراهیم، ۸۵۷هق‌با بلسر.
امامزاده‌ابراهیم (ع) . ابو محمد ابراهیم۹۲۵ه ق. آمل .
امامزاده‌ابراهیم(ع)۷۲۱ه ق،قم.
امامزاده‌ابوالفتوح ، فرزند امام موسی‌کاظم (ع)«قرن۱۰هق» قریهٔواستان کلپایکان‌ـخوانسار .



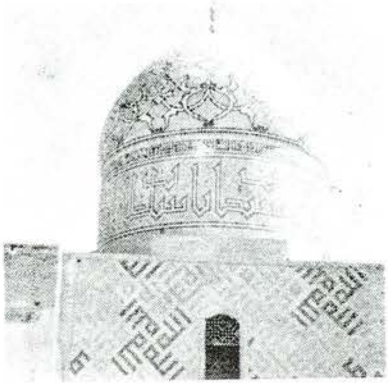
امامزاده‌ابوالفضل(ع) دورهٔ منول محلات .



امامزاده‌احمد ، اصفهان .
امامزاده‌اسحق۸۶۷۰هق، گرگان.



امامزاده‌اسماعیل ، گنبد و مسجد شعیا (سلجوقی) اصفهان .

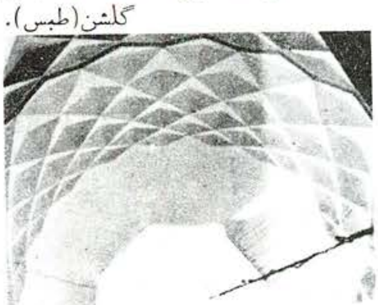


امامزاده‌اظهر بن‌علی (ع) قرن۸و ۱۰و۱۱ . رزن‌ـ همدان.

امامزاده‌پنجه‌شاه، مناره. سلجوقی، کاشان .
امامزاده‌جعفر، (۷۲۵هق) . اصفهان.



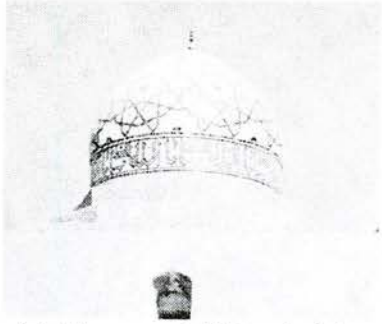
امامزاده‌جعفر (ع)۷۱۷هق‌بروجرد.
امامزاده‌جعفر(ع)(قرن۷و۸)دامغان
امامزاده جعفر (ع) ۹۵۶ ه ق پیشوا ـ تهران .
امامزاده‌حبیب‌ابن‌موسی (ع) قرن ۷ه ق کاشان .
امامزاده‌حسین ساختمان۴۴۹هجری گلشن(طبس).



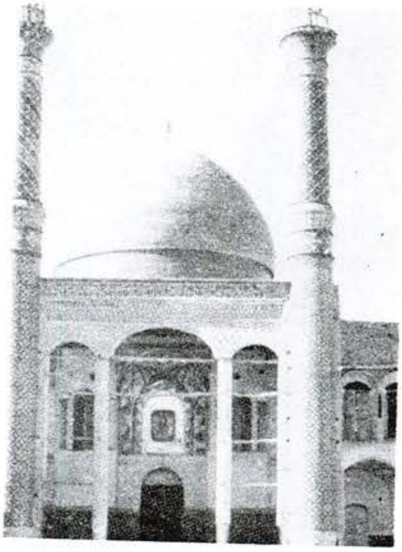
امامزاده‌حمزه(قرن‌دهم)بوانات‌فارس
امامزاده حمزه ری
امامزاده‌روشن ۸۶۵هق.
گرگان‌ـ بندرشاه .



امامزاده زید(ع) ۹۲۰ هق. بازار تهران

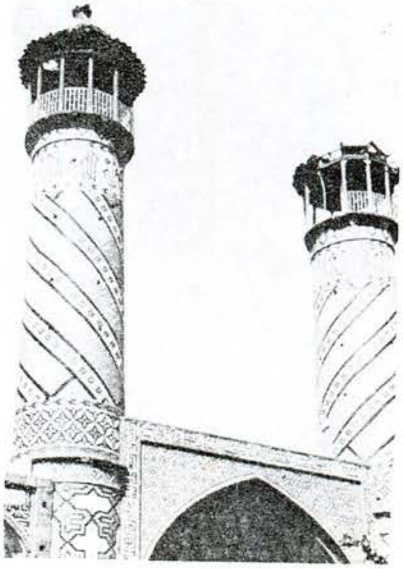


امامزاده سلطانعلی بن محمد باقر(ع) (مشهد اردهال)، مغول، صفویه، قاجاریه. کاشان.



امامزاده سلطان میر احمد، ۹۴۱ هق کاشان.

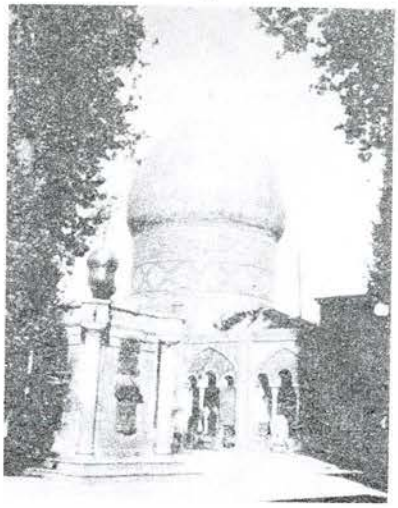
امامزاده سیداسماعیل (ع) ۱۲۶۲ ه ق. خیابان سیروس. تهران.



امامزاده شاه‌حسین(ع) صفوی؛ کرمان.

امامزاده صالح(ع) قرن ۷و۸و۱۳ هق تجریش تهران .

امامزاده طاهر ری



امامزاده عباس(ع) ۸۹۷ هق، ساری.

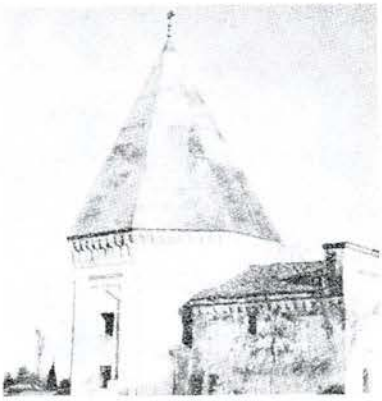
امامزاده عبدالمهیمن . بنادر خلیج فارس.

امامزاده عبدالله ۶۲۹ هجری قمری بانی المستنصر بالله خلیفه عباسی؛ شوشتر.

امامزاده عبدالله (برج لاجیم) ۴۱۳ ه ق ؛ شاهی.

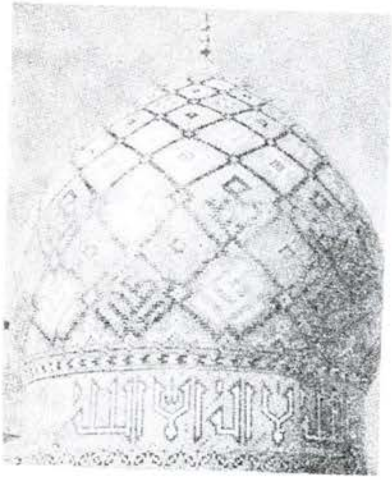
امامزاده علی بن جعفر قرن ۸ هق؛ قم.

امامزاده قاسم(ع) (۸۹۰ هق) بابل.



امامزاده قاسم(ع) قرن ۸و۹؛ جاپلق بروجرد .

امامزاده قاسم(ع) ۹۳۰-۹۸۴ هق شمیران .

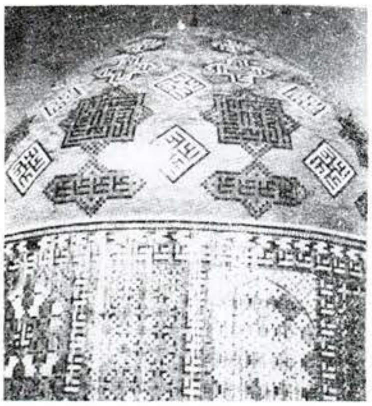


امامزاده محمد (دورهٔ شاهرخ تیموری) دامغان .

امامزاده محمد ابن زید شهداد؛ کرمان.

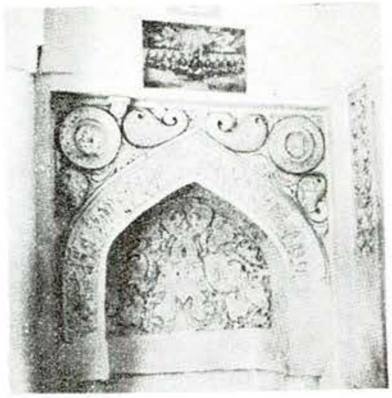


امامزاده محمد محروق (محمد بن-



محمد بن زید علی الحسین(ع)) قرن ۱۰ هجری؛ نیشابور .

امامزاده نور ، گرگان .



امامزاده هود؛ قرن ۸ رزن_همدان.



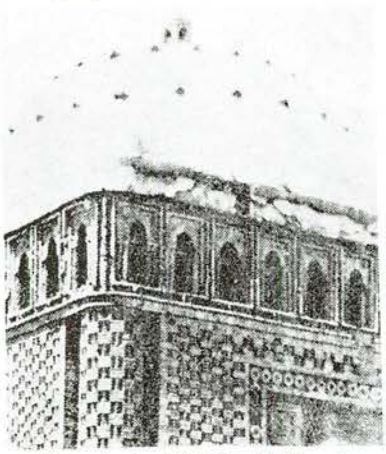
امامزاده یحیی ۷۰۷ هق؛ ورامین_تهران
امامزاده یحیی (ع) دورهٔ مغول محلات
امامزاده یحیی ۸۴۹ ه ق ، ساری
بانی: خواجه حسن.



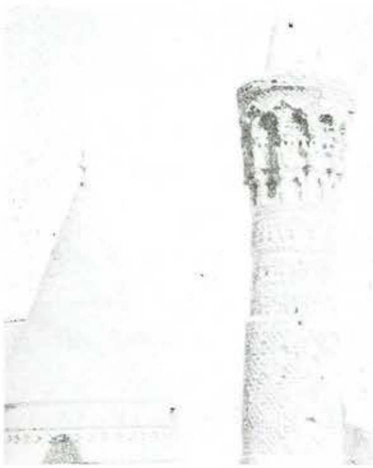
امامزاده یحیی (ع) دورهٔ مغول، تهران.



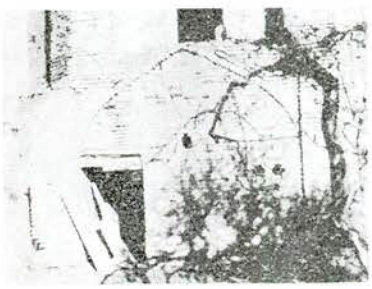
امیر اسماعیل سامانی ، آرامگاه
بخارا .



امیر افغانی، آرامگاه؛ ۸ ه ق، بسطام.



امیر حیدر ، **مقبره** (گورخانه)
صفویه. دولت آباد اسفندقه کرمان.

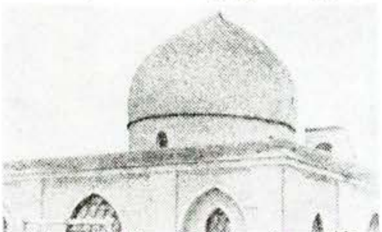


امیر عمیدالدین شمس الدوله ابی‌علی
هزار اسب (ساختمان ۴۴۸ هق) در گنبد
علی . ابرقو (فارس) .
امیر کبیر ، آرامگاه کاشان .
انوری ، آرامگاه بلخ.
اوحدالدین اوحدی، آرامگاه مراغه.

ایاز مقبره . (قرن چهارم) سنگ
بست . (جادهٔ مشهد به فریمان)



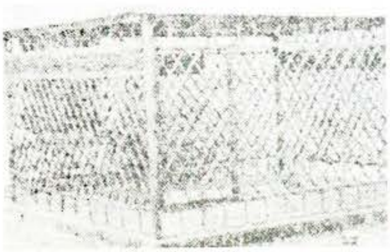
ایرج میرزا ، آرامگاه تهران .
باباافضل، بقعه قرن ۸ ه ق . مرق
بابارکن‌الدین ، **مقبره** ، ۱۰۳۹
ه ق ، اصفهان .
باباطاهر عریان ، درهمدان .



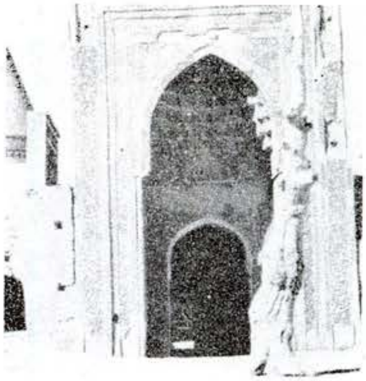
باباقاسم، (بقعه) (۷۱۴هق) اصفهان.



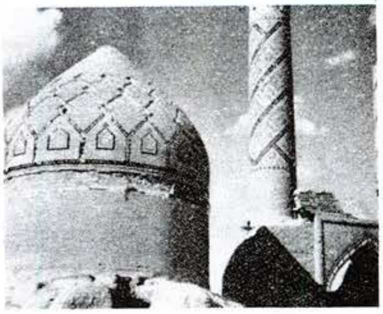
بایزید بسطامی؛ آرامگاه؛ بسطام .



بایزید بسطامی، صومعه؛ قرن۸ه ق
بسطام .



بخت‌آغا ، **سلطان** (زوجهٔ سلطان
محمود آل مظفر) ۷۶۹ ه ق اصفهان .



بی‌بی‌شهربانو، بقعه؛ آل‌بویه–صفویه
قاجاریه. امین‌آباد تهران .



بیرونی، آرامگاه درغزنین.
پروین اعتصامی، آرامگاه قم .
پیربقعه ، قرن ۶ ه ق ؛
تاکستان قزوین.

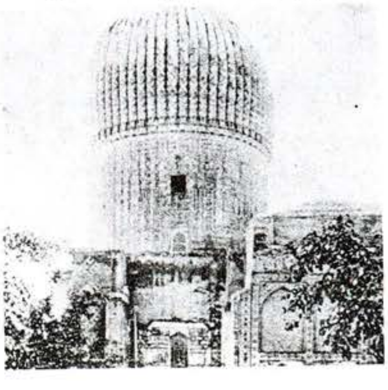
پیربابامسافر (پیرآغوس‌یا ناقوس)،
شهداد کرمان .



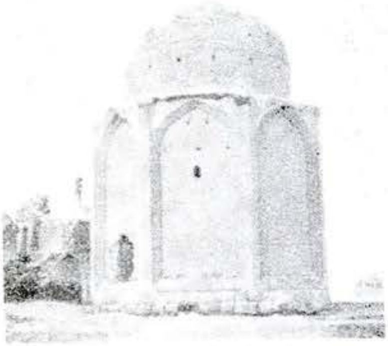
پیربرحقجارسوز، بقعه، قرن‌هفتم؛
سیرجان .



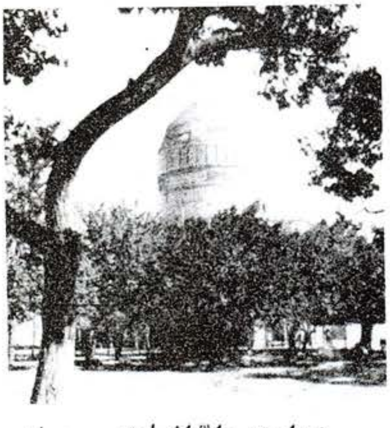
پیرپیکران ، مقبره ،
پنج فرسنگی اصفهان .
پیرحمزه‌پوش ، مزار . ساختمان
۵۰۰ هجری. ابرقو .
پیرداود، بقعه«دورهٔ‌صفوی» قمصر.
پیرعلمدار، آرامگاه، ۴۱۷ ه ق.
دامغان .
تاج‌الدین درمسجدگنبد ؛
سنگان جنوب مشهد .
تیمورلنگ، مقبرهٔ . سمرقند .



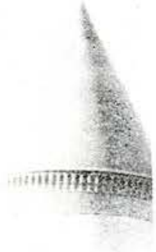
جامی، آرامگاه. هرات.
جعفرابن‌علی ، بقعه ، آستانه‌اراك.
چلبی‌اوغلی ، مقبره؛ قرن‌هشتم‌ه‌ق
سلطانیه .



چهار پادشاه (بقعه) ۷۹۱ ه ق
لاهیجان .
حافظ ، مقبرهٔ شیراز .
حسن‌بن‌کیخسرو ، مقبره(۲۵متر)
دورهٔ‌مغول . ابرقو.
حسن‌صباح ،آرامگاه. قزوین.
حکیم‌مؤمن (شیخ‌محمد) «درگنبد سبز»
صفویه؛ مشهد.
حمدالله مستوفی، آرامگاه؛ قرن۸ ه ق
قزوین .
خاقانی ،آرامگاه . تبریز.
خدابنده، گنبد. سلطانیه
خواجوی‌کرمانی؛آرامگاه.شیراز.
خواجه‌اباصلت ؛ مشهد.
خواجه‌خضر ، بقعه؛ بوشهر.
خواجه‌ربیع؛ قرن‌یازده مشهد
(خط‌کتیبه‌ها ازعلیرضاعباسی).



خواجه‌عبدالله‌انصاری ؛ هرات .
خواجه‌نظام‌الملك؛ تربت‌حیدریه .
خیام ؛ آرامگاه . نیشابور
داریوش؛آرامگاه.درتخت‌جمشید .

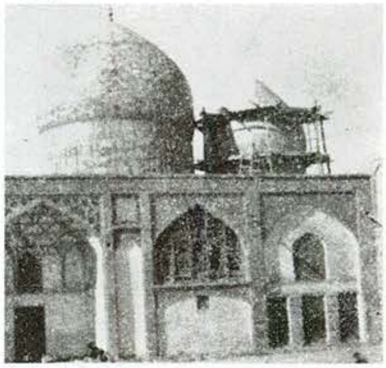


آرامگاه
حمدالله مستوفی

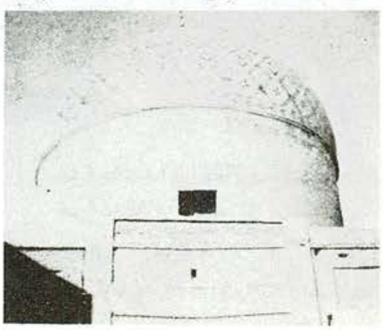
دانیال ، **مقبره**: شوش(خوزستان).



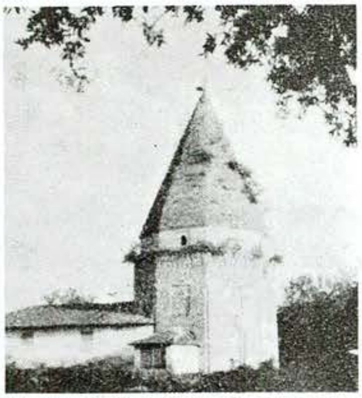
دختراتابك ؛ آرامگاه شیراز .
درب‌امام (مقبرهٔ دوامامزاده‌ومادر جهانشاه قراقویونلو) ه ق «۸۵۷» اصفهان .



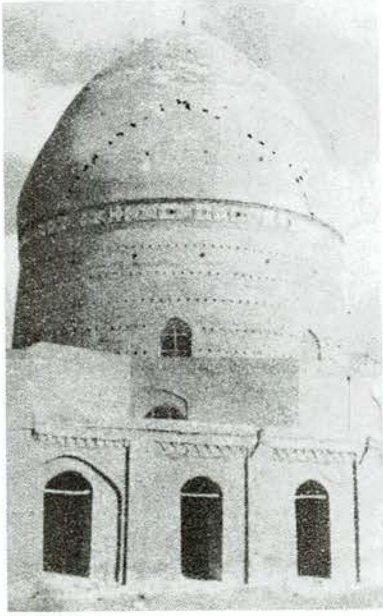
دوازده‌امام، مقبره.۴۲۹هق‌یزد .
رشید وطواط آرامگاه. خوارزم.
رضاشاه‌کبیر ، آرامگاه. شهرری .
ستی‌فاطمه وشاهزادگان، بقعه؛ اصفهان .
سعدی؛ مقبره شیراز .
سلطان‌زین‌العابدین (قرن‌نهم) ساری
سلطان‌سنجر ؛ اصفهان .
سلطان‌محمدرضا(قرن۱۳هق) ساری
سلطان محمد عابد ، امامزاده ؛ ساختمان ۹۶۰هجری؛ کاخك گناباد .



سلطان‌محمدطاهر، بقعه؛ ۸۵۷هق بابل .

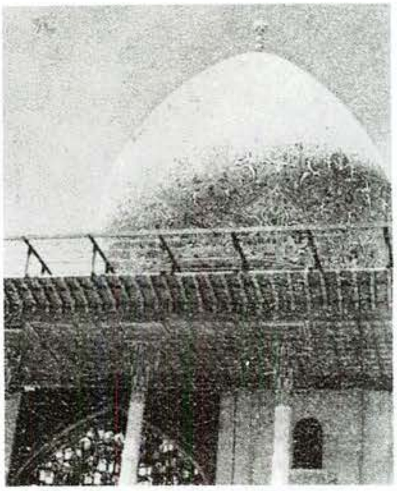


سنایی، آرامگاه. غزنین .
سهل‌ابن‌علی(غ) ، بقعه؛ ۷۷۲ه ق آستانهٔ اراك .

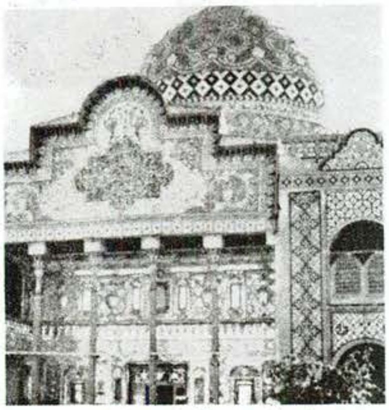


سید اسحق ، مقبره ؛ ۶۷۶ ه ق ساوه .
سید خورکیا(چهارپادشاه) ۶۴۷ ه ق . لاهیجان.
سیدرضا(چهارپادشاه) قرن‌هفتم لاهیجان .
سیدرضی‌کیا (چهارپادشاه) ۸۲۹ ه ق لاهیجان .
سیدعلی‌کیا (چهار پادشاه) قرن هفتم ، لاهیجان .
سیدرکن‌الدین ، بقعه . (۷۲۵هق) یزد .
سیدشمس‌الدین ، بقعه؛ ۷۶۷ ه ق یزد .

سیدمحمد، مقبره‌پیر برحق‌جارسوز را به‌بینید .
شاه‌چراغ (میرسیداحمد ع) بنا : قرن۶؛ **شیراز .**



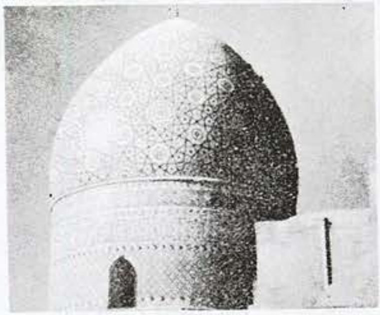
شاهزاده‌ابراهیم(ع)، بقعه؛ **۱۲۱۲** ه ق؛ کاشان .
شاهزاده حسین (ع) دورهٔ مغول ورامین-تهران.
شاهزاده‌حسین ، بقعه؛ **۹۶۷**ه ق (فرزندامام‌رضا ع) قزوین .



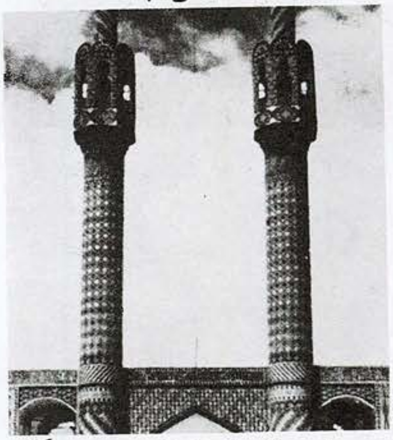
شاهزاده‌عبدالعظیم (ع) **۷۲۵**هق فرزندامام‌حسن «ع». شهرری.



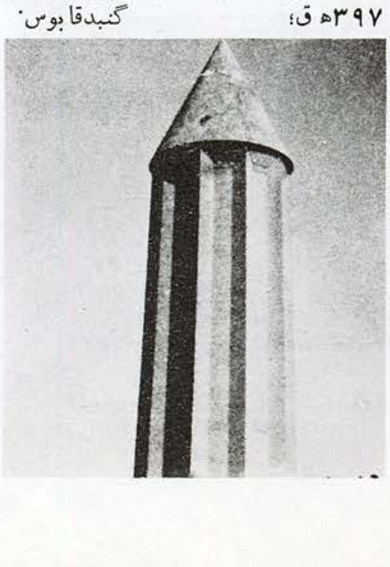
شاه زید، امامزاده علی بن الحسین (ع) ۹۹۴ه ق؛ اصفهان .



شاه سلطان حسین صفوی، آرامگاه؛ آستانه قم.
شاه سلیمان صفوی، آرامگاه؛ آستانه قم.
شاه صفی اول، صفوی آرامگاه؛ آستانه قم.
شاه عباس اول صفوی. آرامگاه؛ در مقبره امامزاده حبیب بن موسی؛ کاشان.
شاه عباس دوم صفوی، آرامگاه؛ آستانه قم .
شاه میرعلی ابن حمزه؛ بنای اصلی ازدیلمیان؛ دروازهٔ قرآن . شیراز
شاه نعمت الله ولی، بقعه. ماهان .



شمس المعالی قابوس بن وشمگیر ۳۹۷ه ق؛ گنبدقابوس.



شمس تبریزی؛ آرامگاه . آمل .
شمس طبرسی: آرامگاه؛ قرن نهم؛ آمل .



شهرضا، بقعه. شهرضا .

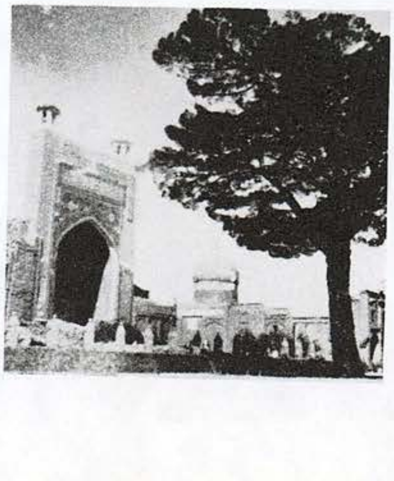


شیخ ابوالقاسم نصرآبادی؛ ۸۵۴ه ق اصفهان .

شیخ ابومسعود ، بقعه؛ ۸۹۵ ه ق اصفهان .

شیخانور (آرامگاه شیخ زاهد گیلانی) ۸۲۲ه ق . لاهیجان .

شیخ جام، مزار شیخ الاسلام احمد جامی (ساختمان ازقرن ۸ هجری). تربت جام .



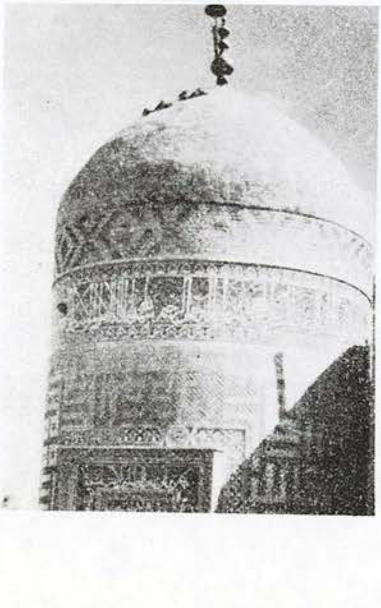
شیخ جبرییل ، مقبره «پدر شیخ صفی الدین». اردبیل .



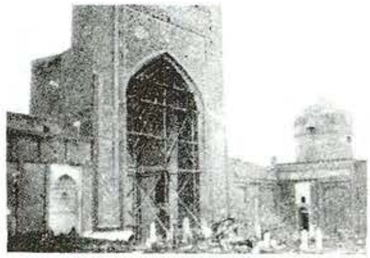
شیخ جنید ، مقبره (سلجوقی) یزد.
شیخ حیدر؛ دورهٔ سلجوقی.
کوکن کاشمر.
شیخ زاهد گیلانی. آرامگاه؛ ۷۲۲ ه ق. لاهیجان .



شیخ صفی الدین ، مقبره. اردبیل



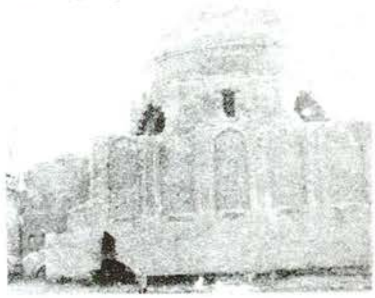
شیخ زین الدین، مولانا (بانی آن پیر احمد خوانی وزیر شاهرخ تیموری) «سال ۸۴۸ هجری» تربت جام .



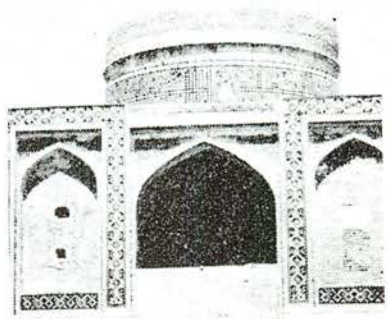
شیخ عبدالصمد اصفهانی ، خانقاه ؛ (۷۰۷ ه ق). نطنز .

شیخ علاءالدوله، خانقاه مزار ؛ سمنان.

شیخ لقمان بابا، مقبره . قرن ۸. سرخس (مشهد)



شیخ محمد حکیم مؤمن (در گنبدسبز) صفویه ؛ مشهد.

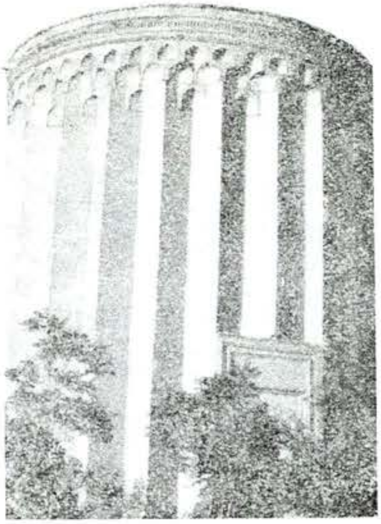


شیخ یوسف سروستانی، مزار ؛ هفتم ـ هجری. شیراز

صائب تبریزی ، آرامگاه . اصفهان .

طالب بن علی، بقعه ؛ آستانه، اراك

طغرل اول، آرامگاه، قرن ۵ ه ق ؛ ری



عارف قزوینی آرامگاه . همدان.
عباس میرزا، آرامگاه . مشهد .
عطار، مقبره. نیشابور.
علاءالدین، برج ۶۸۰ ه ق ؛ ورامین تهران.



عمادالدین محمود بن خواجه شبلی ، آرامگاه ؛ مسجد میدان . کاشان .
غزالی. طوس .
عمو عبدالله، آرامگاه ؛ (منارجنبان) «۷۱۶ ه ق» اصفهان



فارابی؛ آرامگاه . دمشق .

فتحعلیشاه قاجار، آرامگاه ؛ صحن عتیق ـ قم .

فردوسی، آرامگاه. طوس.

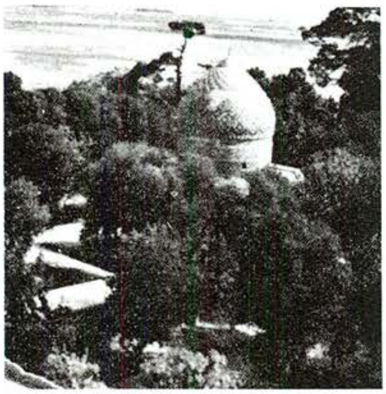
قائم مقام فراهانی؛ آرامگاه تهران.

قابوس بن وشمگیر ۳۹۷ ه ق ؛ گنبدقابوس .

قراختائیان ، آرامگاه ؛ قرن نهم. کرمان .

قدمگاه ابوالفضل؛ بوشهر .

قدمگاه، بقعه ۱۰۹۱ ه ق ؛ مشهد.

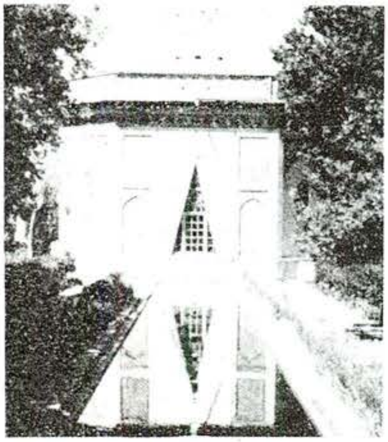


قطب الدین شمس الدین فیروزآبادی ؛ مسجد میدان . کاشان

قطب الدین حیدر، مزار ۹۸۷ هجری ؛ کاشمر.

قیدار نبی؛ بقعه ؛ ۶۹۱ ه ق ؛ سلطانیه.

کریمخان زند ، آرامگاه ؛ شیراز .



کشمار ، مقبره (۱۸ متر) قرن هفتم
کمال الملك ، آرامگاه . نیشابور

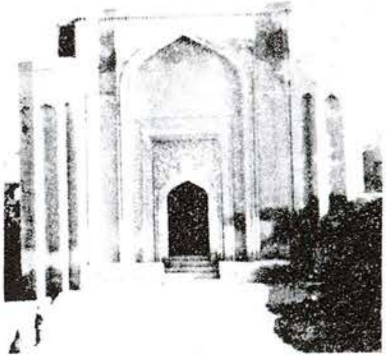
کوروش، آرامگاه (۱۳ متر) پاسارگاد فارس.



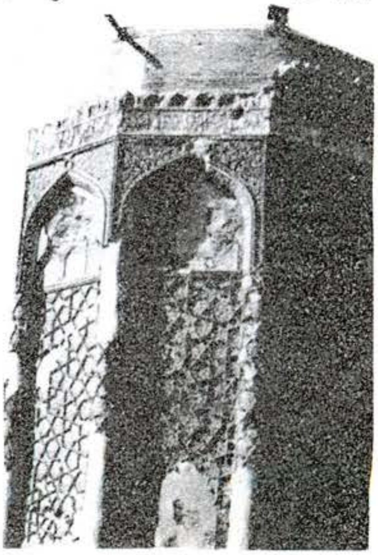
کیااسماعیل ابوالفوارس شهریاربن عباس(امامزاده‌عبدالله). شاهی.

گنبدسبز، قراختائیان، آرامگاه‌را به‌بینید.

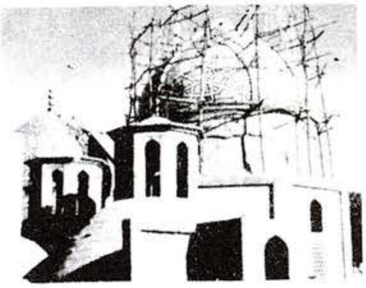
گنبدعلویان، آرامگاه؛ قرن۵هق همدان.



گنبدکبود (قبرمادرهلاکو) «سال ۵۹۳هـق» مراغه.



گنبدمشتاقیه (مزار مشتاقعلی‌شاه) قاجاریه. کرمان.



لطفعلیخان‌زند، آرامگاه؛ بازار. در مقبرهٔ امامزاده زید تهران،

مجدالدین‌مکی، بقعه. اوایل‌اسلام. ساری.

محمدشاه‌قاجار، آرامگاه. صحن‌عتیق قم.

مرد خای، مقبره. قرن ۷ هـ ق؛ همدان.

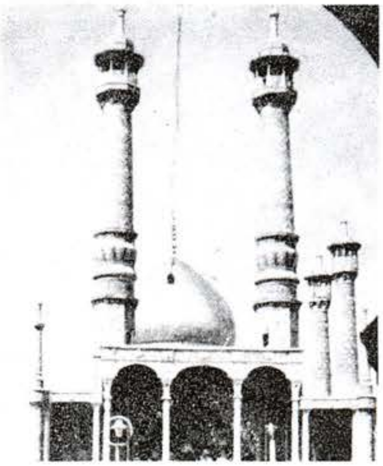
مشتاقعلی‌شاه(گنبدمشتاقیه)قاجاریه؛ کرمان.

مشهداردهال؛ کاشان.

معصوم زاده. مقبره. ۴۹۰هـ ق دامغان.

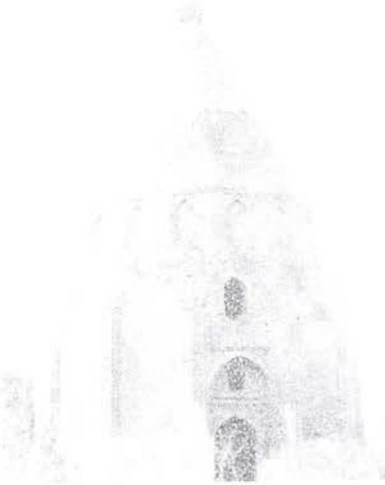


معصومه(ع) قرن۴ و ۵ و ۶ و ۱۰ و ۱۱هق. قم.

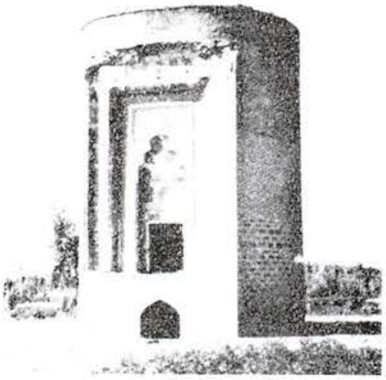


مقبره‌اول؛ قرن۶هـ ق، (مقابر دروازهٔ کاشان). قم

مقبره‌سه‌برادر، ۷۲۹هـ ق؛ (مقابر دروازهٔ کاشان). قم



مقبره‌سه‌گنبد «۵۸۰هق» رضائیه.



مقبرهٔ دوتن ۷۶۱ هق؛ (مقابر دروازهٔ کاشان). قم



ملامحسن شیرازی، مقبره؛ قرن هشتم؛ سلطانیه .

ملک الشعراء بهار؛ تجریش تهران .

ملکشاه؛ آرامگاه اصفهان.

مولوی؛ آرامگاه قونیه .

میر بزرگ ، مشهد؛ یازده هجری؛ آمل .

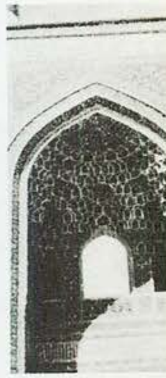


میرحیدر ، بقعه؛ قرن ششم هجری؛ آمل .

میرعماد خطاط، در مسجد مقصود-بیک . اصفهان .

میرفندرسکی؛ اصفهان .
میرقوام الدین مرعشی آرامگاه؛ آمل.
میرمحمد ، بقعه . خارک .
نادرشاه؛ آرامگاه مشهد .
ناصرالحق، گنبد؛ **۳۰۴** هق؛ آمل.
ناصرالدین شاه قاجار ، آرامگاه ؛ شهرری .
نظامی آرامگاه گنجه
وحشی بافقی؛ آرامگاه یزد.
هاتف اصفهانی؛ آرامگاه قم .
هفتاد و دو تن، آستانه، قرن ۶ هـ ق؛ ساروق. اراک .



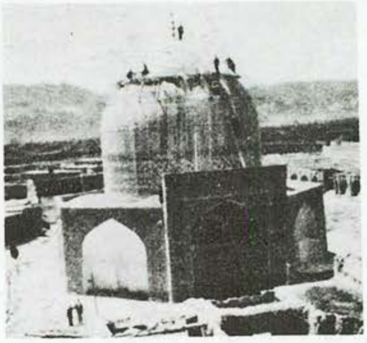


مردرب جامع کبیر



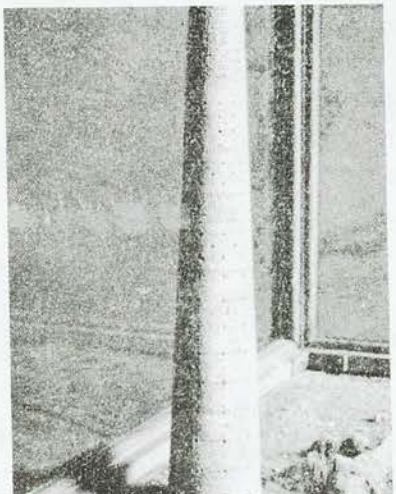
محراب جامع کبیر

هفت تن؛ بقعه؛ زندیه، بانی: کریم خان- زند . شیراز.
هفده تن، بقعه. قرن ۱۱ هق ؛ اصفهان بانی : امام قلیخان .



مساجد تاریخی ایران

تاریخانه (خدای خانه) قرن دوم هجری دامغان .



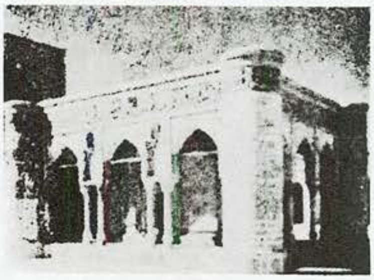
تکیهٔ میرچقماق ۸۳۰ هـ ق یزد .



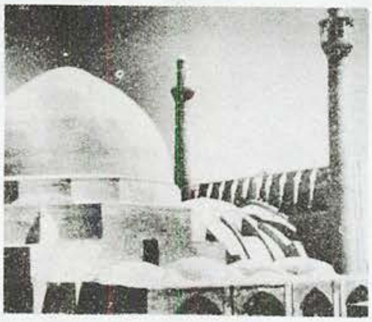
جامع کبیر ۶ هـ ق یزد ،



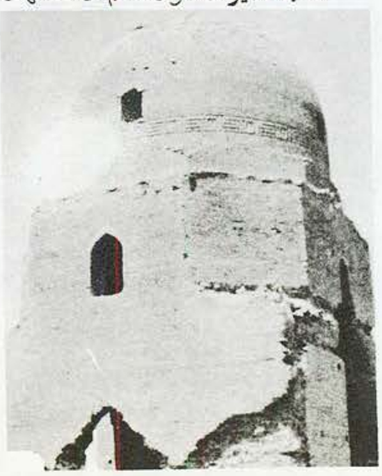
جامع مظفری ۲۵۰ هجری. کرمان
حسینیهٔ امینی ۱۲۹۵ هجری بانی: محمدرضا امینی . قزوین
خداخانه (درمسجد جامع عتیق) ۷۵۲ هـ بانی : ابواسحق اینجو. شیراز



صفه صاحب قرن ۱۰ هجری اصفهان



مسجد ازیران «قرن هشتم هق» اصفهان.



مسجد امام حسن (ع) قرن۶ه ق

مسجد ابوسعید قرن۵ ه ق؛ مرند– آذربایجان .

مسجد ایج قرن۶ه ق؛ نیریز–فارس.

مسجد ایلچی، صاحب سلطان بیگم دختر نظام‌الدین حکیم‌الملك ایلچی در سال۱۰۰۷ ه ق، کتیبه به‌خط‌محمد رضا امامی‌است. اصفهان .

مسجد باباعبدالله (قرن۷ه ق) به‌امر شمس‌الدین عبدالله . نایین

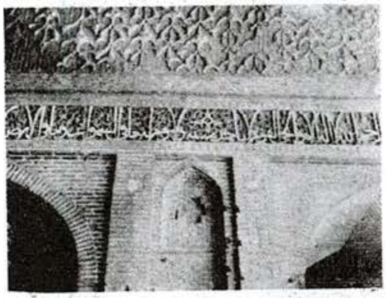
مسجد بروجردی؛ قم .

مسجد بزرگ گز. دورهٔ سلجوقی. اصفهان .

مسجد پامنار قرن هشتم ؛ به‌امر سلطان عمادالدین آل مظفر کرمان .

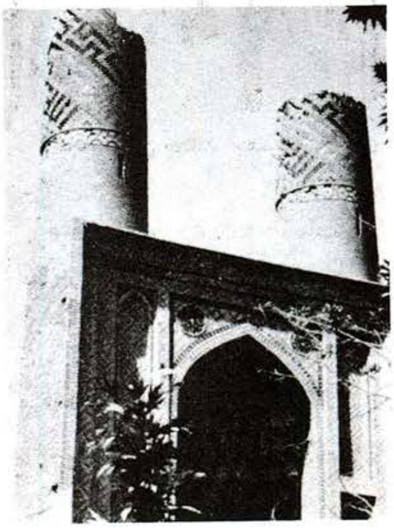
مسجد پامنار ۴۷۱ هق؛ بانی‌مسجد ابوطاهرحسین فرزند غالی فرزنداحمد. اردستان.

مسجدجامع اردستان «بانی‌ابوطاهر حسن» ۵۵۵ه ق؛ اردستان.



مسجدجامع ازیرون قرن۸هق اصفهان

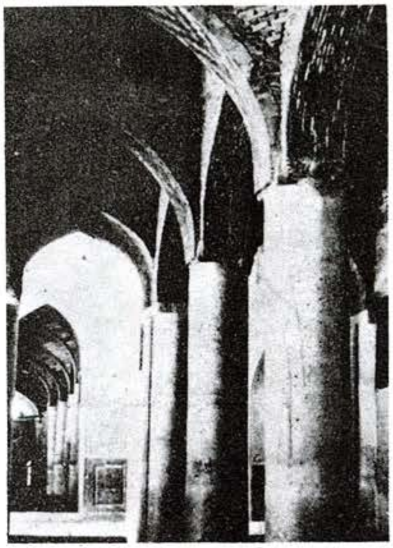
مسجد جامع اشترجان (۷۱۵ه ق) اصفهان .



مسجدجارچی قرن۱۱هق؛ اصفهان.

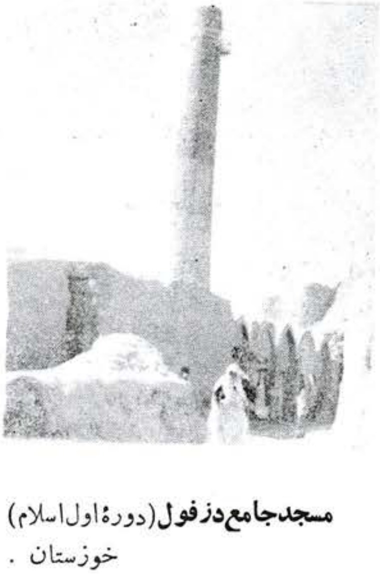
مسجد جامی سلجوقی ابرقو

مسجد جامع اصفهان ، قرن۲تا۱۳ ه ق؛ خیابان‌هاتف . اصفهان .



مسجدجامع بروجرد. دورهٔ‌سلجوقی. بروجرد.

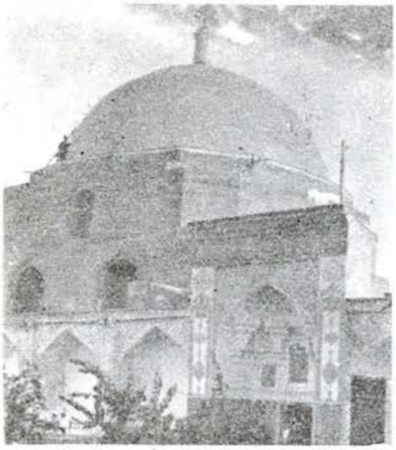
مسجد جامع دامغان، ۴۵۰ ه ق. دامغان .



مسجدجامع دزفول (دورهٔ‌اول اسلام) خوزستان .

مسجدجامع دماوند سلجوقی، تیموری صفویه . تهران.

مسجدجامع رضائیه ، «۶۷۶» ه ق آذربایجان غربی .



مسجدجامع زواره «قرن ۶ ه ق» اردستان .

مسجد جامع سرآور «۹۷۹ه ق» گلپایگان .

مسجدجامع سوریان، قرن۵ هجری. فارس .

مسجدجامع سین قرن۶ه ق؛اصفهان.

مسجدجامع شوشتر قرن‌سوم هجری خوزستان .

مسجدجامع عتیق ۲۷۱ ه ؛ بانی ؛ عمرولیث ، شیراز.

مسجد جامع قائن، بانی‌آن‌جمشید– ابن قارن‌بود، درسال۷۹۶هجری‌بناشده، بیرجند .

مسجدجامع قروه ۴۱۳ه ق؛ابهر– تاکستان.

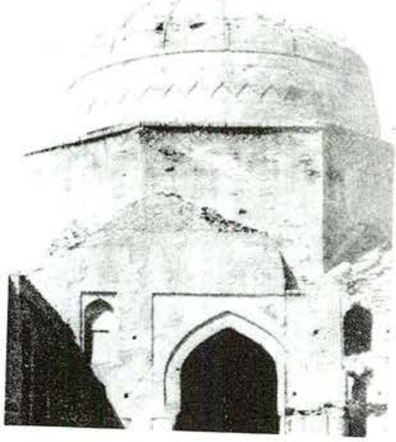


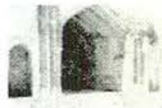
مسجدجامع کاشان قرن۶ه ق؛کاشان.

مسجدجامع کرمان قرن۶هق؛کرمان.

مسجدجامع گرگان ۹۰۸هق؛ گرگان.

مسجد جامع گلپایگان (۴۹۸ـ۵۱۱ ه ق) گلپایگان .



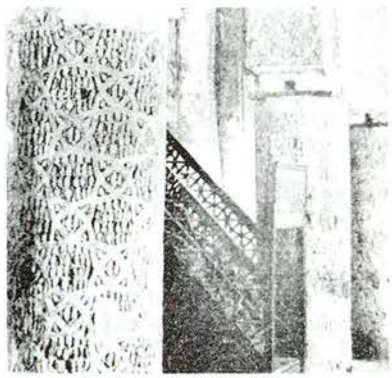


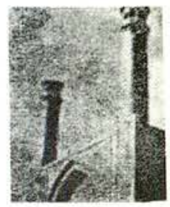
مسجد گناباد

مسجد جامع گناباد ۶۰۹ هجری خراسان .

مسجد جامع لار (۱۰۲۸ه) لار

مسجد جامع نایین ، قرن ۴ ه ق نایین .



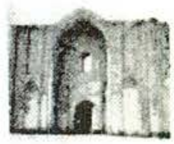


مسجد جمعه قزوین

مسجد جامع نیریز ۳۶۳ هق، نیریز.

مسجد جامع ورامین (۷۲۲ه ق) ورامین ـ تهران .





مسجد جامع ورامین

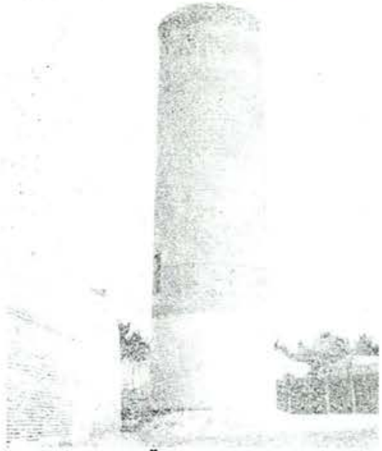
مسجد جامع یزد، قرن ۸ هق. یزد.

مسجد جمعه اردبیل؛ دورهٔ سلجوقی آذربایجان شرقی .

مسجد جمعهٔ برسیان قرن ۵ هق. اصفهان.

مسجد جمعه تبریز مغول ـ قاجار تبریز .

مسجد جمعه ساوه ۹۲۷ه ق. ساوه



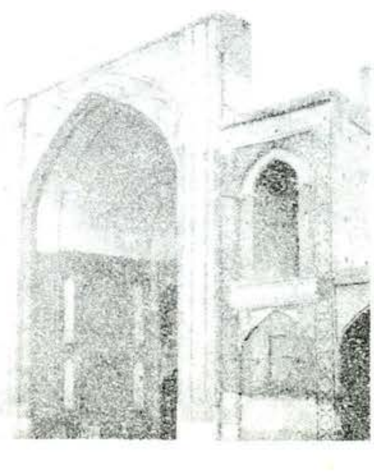
مسجد جمعه سلجوقی، قرن ۵ه ق. دماوند .



مسجد جمعه سمنان ، ۸۲۸ ه ق. سمنان .

مسجد جمعه شوشتر ، قرن سوم هجری. شوشتر .

مسجد جمعه قزوین، ۵۰۷ـ۵۱۴هق.



مسجد جمعه قم ، ۵۲۹هق . قم

مسجد جمعه گرگان قرن ۹ تا ۱۲ هق گرگان .

مسجد جمعه نطنز، قرن ۸ه ق. نطنز

مسجد جمعه نیریز قرن ۵هق. فارس

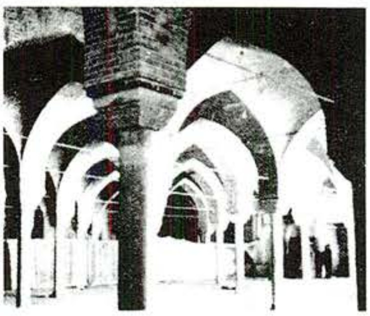
مسجد جمعه نیشابور، (۸۸۹ ه ق) نیشابور .



مسجد جورجیر قرن چهارم ه ق. اصفهان .

مسجد حاج رجبعلی ۱۲۶۲ه ق. خیابان بوذرجمهری . تهران.

مسجد حاج علی آقا (چهلستون) ۱۳۲۸ه ق؛ کرمان .



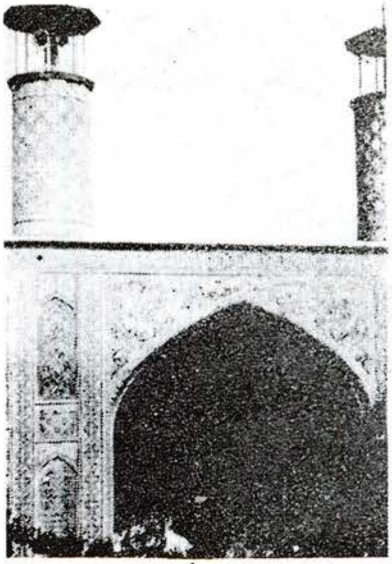
مسجد حاج محمد جعفر آباده‌ای قرن ۱۳. اصفهان .

مسجد حکیم، ۱۰۶۸ه ق؛ اصفهان بانی آن ، محمد داودحکیم.

مسجد خان ، به‌دستور شیخ علیخان زنگنه درسال ۱۰۹۰ هق؛ اصفهان .
کتیبه‌ها به‌خط محمدحسن امامی است.

مسجد دارابگرد قرن ۷ ه ق؛ فارس

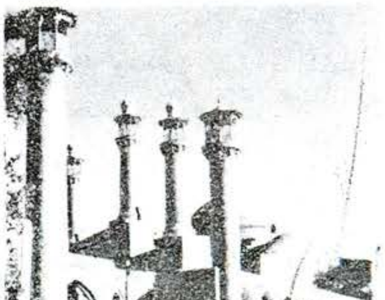
مسجد دارالاحسان، ۱۲۲۸ ه ق
بانی: امان‌الله‌خانی. سنندج.



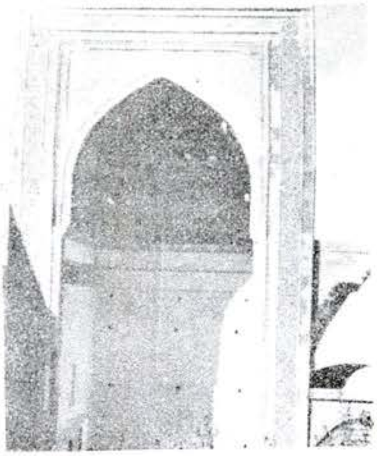
مسجددرب جویاره، قرن ۱۰ ه ق
اصفهان.
مسجددروازه (مسجد وزیر) صفویه
کاشان.
مسجد دشتی، گنبد. قریهٔ براآن.
اصفهان.



مسجدساروتقی، (به‌نام‌وزیرشاه‌عباس دوم) «۱۰۵۳ه ق».
اصفهان.
مسجدسپهسالار(مدرسه) ۱۲۹۶هق.
تهران.



مسجد سرخی، قرن یازده ه ق.
اصفهان.
مسجدسرکوچه ۴و۵ه ق؛ نایین‌یزد.
مسجدسلجوقی، ۵۱۴ هق. شاهرود.



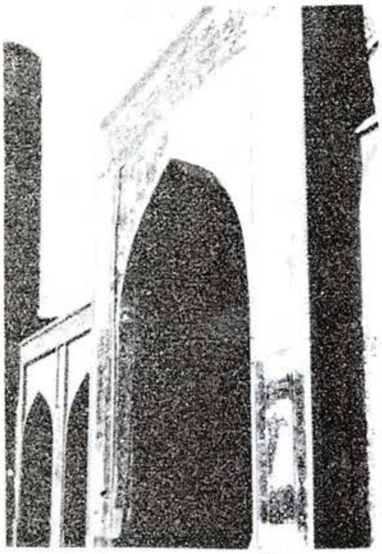
مسجدسلطانیقرن۱۳ه ق‌بروجرد.
مسجدسلطانی (مسجد شاه) ۱۲۴۰ ه ق؛
تهران.



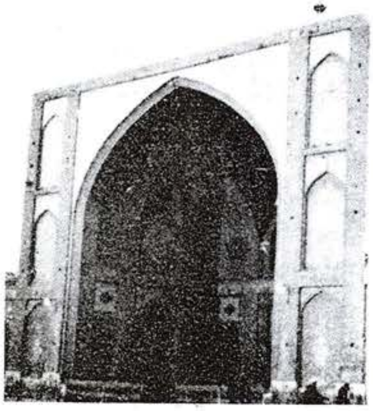
مسجدسلطانی ۱۳ ه ق؛ سمنان.
مسجدسنگی، ۶۵۲ه ق؛ دارابگرد.
فارس.
مسجدسیدعزیزالله، (۱۲۱۱-۱۲۵۰ ه ق؛) بازار چهارسوق-تهران.
مسجدسید، قرن۱۳ه ق؛ بیدآباد-اصفهان
بانی آن آیت‌الله شفتی است.
مسجد شاه (سلطانی) «۱۰۲۱ تا ۱۰۴۰».
اصفهان.



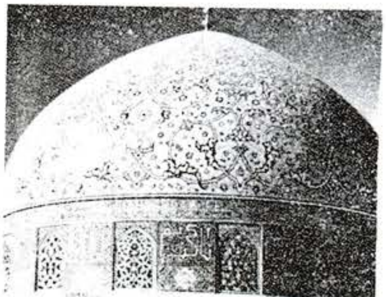
مسجدشاه، ۸۵۵۰ هجری؛ مشهد.
معمار، شمس‌الدین محمد تبریزی.



مسجدشاه، دورهٔ فتحعلیشاه قاجار.
۱۲۴۰ه ق. تهران
مسجدشاه‌صفوی، قاجار؛ قزوین.



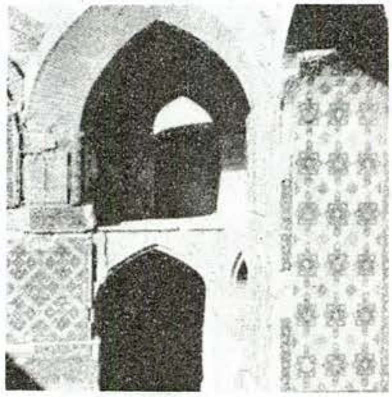
مسجدشعیا ۶تا ۱۱ه ق. اصفهان
مسجدشیخ بسطامقرن۶هق. شاهرود.
مسجدشیخ‌عبدالحسین ۱۲۷۰ ه ق
بازار-تهران.
مسجدشیخ‌لطف‌الله ۱۰۱۱ تا ۱۰۲۸ ه ق.
اصفهان.

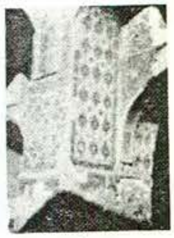




مسجدشاه اصفهان

مسجدظلمات، قرن‌یازده‌ه‌ق. اصفهان.
مسجدعلی، قرن۱۰ ه ق؛ اصفهان .
مسجدعلیشاه، قرن۸ ه ق؛ تبریز.
مسجد علیقلی‌آقا ، «۱۱۲۲ ه ق» اصفهان .
مسجدفرومد، قرن۷ ه ق. بسطام.
مسجدقطبیه، دورهٔ‌صفویه؛ اصفهان
مسجدکاج دوران مغول؛ اصفهان
مسجدکبود . تبریز



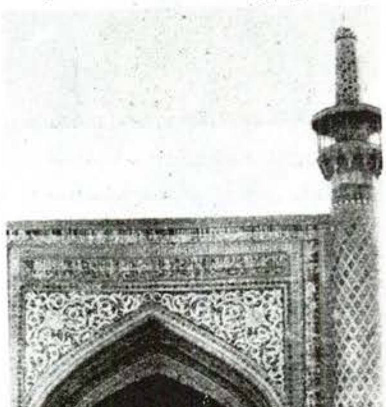


مسجد کبود

مسجدکوچه‌میر، قرن۶ه ق؛ نطنز .
مسجدکوفی ؛ بوشهر.
مسجدگنبدسوم‌هجری؛سنگان‌جنوب مشهد .
مسجدگنجعلی‌خان، صفویه؛ کرمان.
مسجدگوهرشاد؛ بانی گوهرشادآغا زوجهٔ شاهرخ‌تیموری؛ «۸۲۱هق»معمار قوام‌الدین‌شیرازی» . مشهد.



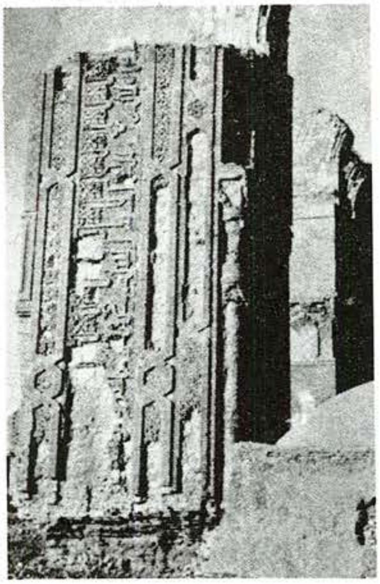
مسجد نو



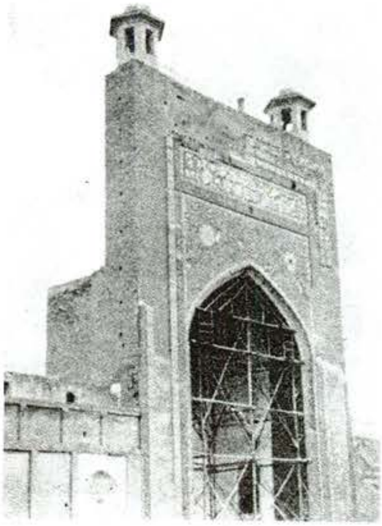


مسجد وکیل

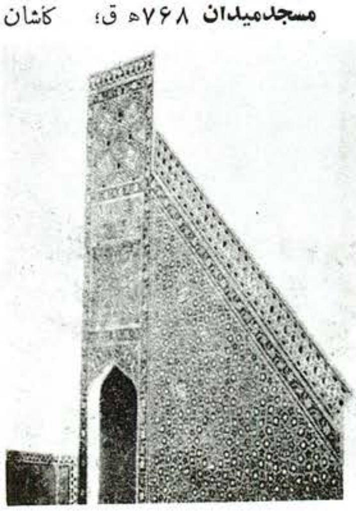
مسجدلنبان، «۱۰۸۰ هق» اصفهان
مسجدمحمدیه، قرن۴ه ق ؛ نایین
مسجد مصری (جوباره) بانـی آن محمدمصری‌در۱۰۶۱ه ق؛ اصفهان
مسجدملک، قرن۵ ه ق؛ کرمان
مسجد ملک‌زوزن، ۶۰۰و۶۱۰هق؛ خواف زوزن‌درخراسان.



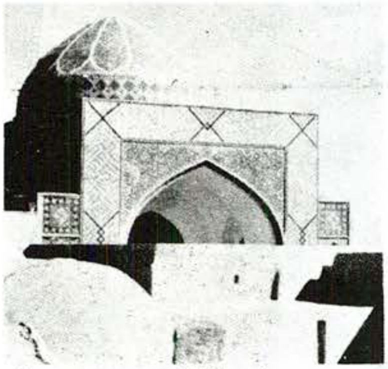
مسجدمولانا،۸۴۸هق؛تایبادخراسان.



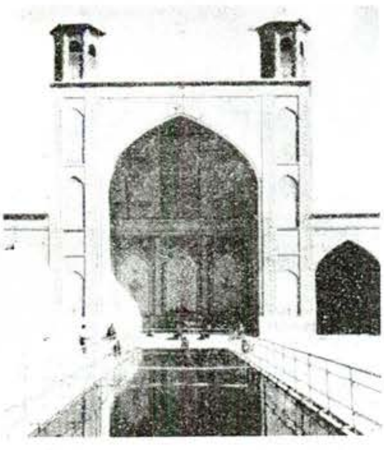
مسجدمیدان ۷۶۸ه ق؛ کاشان



مسجدمیدان، مناره۴۵۳هق.ساوه.
مسجدمیانده (۷۰۱ هق) قهرود.
مسجدمیرچقماق، به‌سعی‌بی‌بی‌فاطمه همسر امیرچقماق؛ یزد.

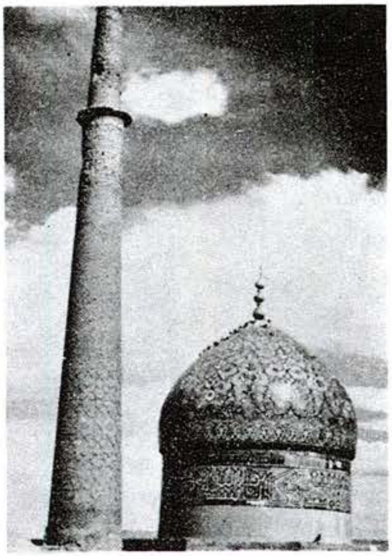


مسجدنصیرالملک۱۳هجری؛شیراز.
مسجدنو (مسجد اتابکی) (۶ه ق) شیراز؛ بانی: اتابك سعدبن زنگی.
مسجد وزیر(مسجد دروازهٔ)صفویه کاشان .
مسجد وکیل ۱۱۸۷آ ؛ شیراز بانی :کریم خان‌زند.



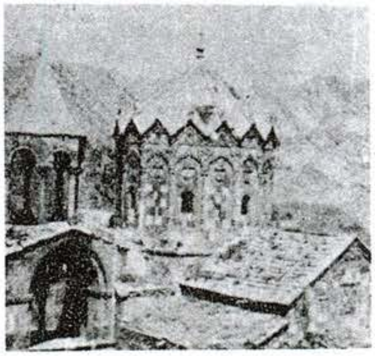
مسجدهفت‌شویهقرن۸ه ق؛اصفهان.
مسجدهلاکو ۸۴۸ ه ق؛ ری (جای اولیه مقبرهٔ ناصرالدین‌شاه)
مصلی قرن دهم؛ یزد
مصلیقرن۹ه ق طرق– مشهد.
مصلی عهد صفویه . مشهد.

هارون‌ولایت و منارهٔ مسجد علی، (سلجوقی) اصفهان.



کلیساهای تاریخی ایران

قره کلیسا (کلیسای طـاطاووس) قرن۷و۱۳ه ق. ماکوآذربایجان
کلیسای‌دره‌شام (استپانوس مقدس) قرن‌هشتم هجری جلفا ــ آذربایجان.
کلیسای‌سنت‌استپانوس؛ قرن ۸ ه ق ؛ جلفا ــ آذربایجان.



کلیسای طاطاوس (قره‌کلیسا) قرن ۷ و۱۳هق ؛ ماکو ــ آذربایجان.



کلیسای‌گیورگ؛ جلفا ــ اصفهان.

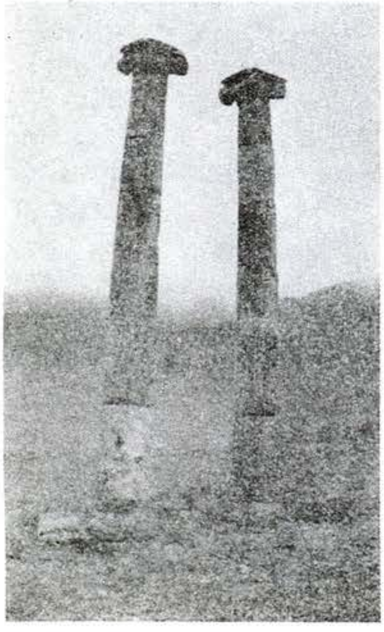
کلیسای‌مریم، صفویه؛ جلفا ــ اصفهان.
کلیسای‌وانك (سن‌سور) عهدصفوی جلفا اصفهان.
کلیساهای‌کوپ، صفویه؛ جلفا ــ اصفهان.

آتشکده‌ها و معابد

آتشدان سنگی.
از آتشکده‌های عهدساسانی کـه در تخت‌جمشید باقی‌مانده است.
آتشدان سنگی.
ازآتشکده‌های عهدساسانی کـه در فیروزآباد فارس‌به‌جا مانده است.
آتشدان سنگی.
ازآتشکده‌های‌عهدهخامنشی که آثارش درسمیرم بختیاری ازاستان اصفهان‌باقی مانده است.
آتشکدهٔ سنگی.
آتشکده‌ای درپاسارگادفارس‌متعلق به‌دورهٔ هخامنشی.
آتشکدهٔ‌آتشکوه.
آتشکده‌ای درمحلات‌که بـه دورهٔ ساسانیان تعلق‌دارد، ستونهای‌سنگی‌این معبد هنوز برپا است.



آتشکدهٔ آذربرزین‌مهر.
آتشکـدهٔ مخصوص کشاورزان در خراسان، یکی‌ازسه آتشکدهٔ دورهٔساسانیان.
آتشکدهٔ‌آذرفرنبغ.
آتشکده‌ای معروف‌درفارس ویـژهٔ موبدان درزمان ساسانیان بود.
آتشکدهٔ‌آذرگشسب.
آتشکده‌ای درآذربایجان شرقی، مخصوص لشکریان؛ ازعهـد اشکانیان و ساسانیان که به‌نام تخت سلیمان معروف شده است.
آتشکدهٔ ایذه.
درایذه ازشهرهای‌چهارمحال‌بختیاری آثارآتشکدهٔ دوران‌اشکانی وساسانی‌یافت شده‌است.
آتشکدهٔ بازه‌هور.
بین‌مشهد وتربت‌حیدریه درمحل‌رباط سفید **چهارطاقی واقع شده** کـه جـزء آتشکده‌های **دورهٔساسانی‌است‌دردوطرف** آن‌دوقلعه(پسرودختر) برفرازکوهستان بناشده است.
آتشکدهٔ‌بیشاپور.
درشاپور فارس آتشکده‌ای بـه‌نام بیشاپورازدورهٔ ساسانی به‌جامانده‌است.
آتشکدهٔ تخت رستم.
بقـایای آتشکدهٔ سنگی‌عهداشکانی‌و ساسانی‌که شامل صفهٔ‌بزرگی دردامنهٔ‌تپه‌ـ ای به‌ارتفاع **۴۰**متر‌باگنبد **واطاقی‌کـه** هنوز درکرج باقی‌است.
آتشکدهٔ تخت‌سلیمان.
همان‌آتشکدهٔ‌آذرگشسب که ازآثار دورهٔ‌اشکانی وساسانی **است.**
آتشکدهٔ جره.
بین راه‌کازرون و فراش‌بند بنای چهارطاقی آتشکده‌ازدورهٔ‌ساسانی‌برجای مانده است.
آتشکدهٔ‌چهارطاقی.
آتشکده‌ای ازدورهٔ‌ساسانیان بین‌راه اصفهان وشیراز وجود داردکه به مسجد تبدیل شده است.
آتشکدهٔ‌چهارطاقی‌برزو.
آتشکده‌ای در دوازده‌کیلومتری راهجرد اراك می‌باشدکه‌ازآثارساسانیان است.
آتشکدهٔ‌چهارطاقی.
درخیرآباد ــ اهواز، آتشکده‌ای‌است که‌به‌دوران ساسانی‌تعلق دارد.
آتشکدهٔ‌دره‌خورهه.
آتشکده‌ای ازدورهٔ اشکانی درخمین درهٔ‌خورهه‌که امروزفقط دوستون‌آن‌باقی مانده است.



آتشکدهٔ دژ ماربین.

درحال حاضر باقیماندهٔ بنای آتش‌گاه برروی قلهٔ کوه سنگی شامل دیوارهای خشتی پهن وضخیم ویک رشته ویرانه‌های دیگری میباشد که معرف ساختمان آتشکده‌ای ازدوران ساسانیان است.

آتشکدهٔ قلعه کهنه؛ آتشکدهٔ شهر اردشیر.

درقلعه کهنهٔ کاشان چهار طاقی از آتشکده‌های دورهٔ ساسانی کشف شده است.

آتشکدهٔ کازرون.

بقایای چهارطاقی آتشکده‌ای از دورهٔ ساسانی درکازرون برجای مانده‌است (۱۰ کیلومتری جنوب‌شرقی).

آتشکدهٔ کتارسیاه.

بین‌فیروز آباد وبندرطاهری فارس آثار آتشکده‌ای‌متعلق به‌دورهٔ ساسانی بجا مانده است.

آتشکدهٔ کرکوی.

بقایای آتشکده‌ای در سیستان در ناحیهٔ کرکوی‌وجوددارد که به‌دورهٔ ساسانیان تعلق دارد.

آتشکدهٔ کوشك.

در نطنز ازچهارطاقی وگنبدسنگی آتشکدهٔ چهارپایه و دودهانهٔ طاق آن باقیمانده، ساختمان این آتشکده‌ازسنگ وگچ میباشد.

آتشکدهٔ کوه خواجه.

دروسط دریاچهٔ هامون کوه خواجه به‌ارتفاع ۹۰۰ مترمانند جزیره‌ای‌است، بالای‌کوه آثارکاخ وآتشکدهٔ عظیمی نمایان است، اطاق‌مرکزی آتشکده‌طاق کوچکی داردکه روی‌محوطهٔ‌چهارگوشی ساخته شده است.

ساختمان‌آن در حدود قرن‌اول میلادی‌ساخته شده‌است.

آتشکدهٔ گنبددار.

درخارج شهرکازرون، در محل فراش‌بند، آتشکده‌ای‌ازدورهٔ ساسانی‌باقی مانده است.

آتشکدهٔ مسجد سلیمان.

آتشکده‌ای برفرازصفهٔ‌سنگی‌متعلق به‌دورهٔ اشکانی وساسانی.

آتشکدهٔ موك.

بین فیروزآباد و بندر طاهری، آتشکده‌ای ازدورهٔ ساسانی به جا مانده است.

آتشکدهٔ میل اژدها.

ازآتشکده‌های دورهٔ‌اشکانی (۲۲۴ـ ۲۵۳م) که در نورآباد ــ محسنی قرار دارد.

آتشکدهٔ نیاسر.

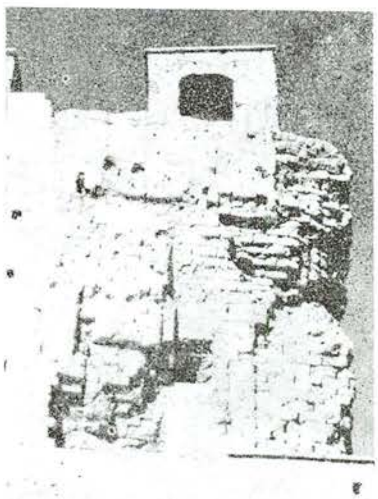
این‌آتشکده درکاشان کشف شده و تقریباً سالم‌مانده‌ونمونهٔ‌کاملی ازمعماری آتشکده‌های دورهٔ ساسانی است.

آتشکده نیمور.

درنیمور از توابع دلیجان فارس آتشکده‌ای متعلق به دورهٔ ساسانی باقی مانده است.

آتشگاه.

آتشکده‌ای ازدورهٔ ساسانی ومغول در اصفهان.



پایهٔ آتشدان.

ازآتشکده‌های بزرگ که در نقش رستم فارس باقی مانده است.



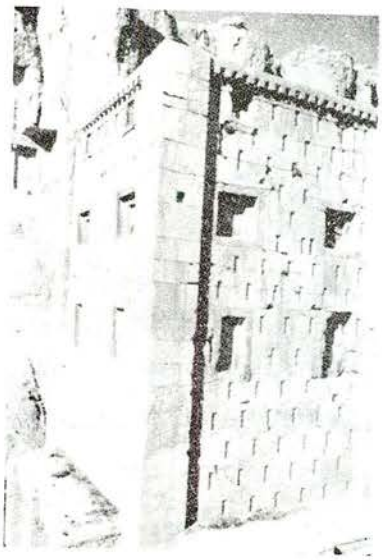
تنگ کرم.

درفسا ازشهرهای لار آتشکده‌ای از دورهٔ ساسانی به‌جا مانده است.

چهار طاقی آتشکده.

درقریهٔ فیشور ازتوابع‌لار، آتشکده از دورهٔ ساسانی به‌جا مانده‌است.

کعبهٔ‌زرتشت. نقش‌رستم شیراز.



معبد آناهیتا، ازدورهٔ‌اشکانی کنکاور (همدان کرمانشاهان).

معبد بدر نشانده.

آتشکده‌ای درمیدان نفت مسجد سلیمان متعلق به‌دورهٔ اشکانی.

معبدجغازنبیل (به‌طول ۱۵ متر) (۱۲۵۰ قم)

دردزفول که‌مخصوص‌خدای‌اینشوشیناك بود.

معبدخورهه.

معبدی‌متعلق به‌دورهٔ آشوردرخورهه محلات به‌جامانده است.

معبدسلوکی.

معبدی از۱۹۳ سال‌پیش از میلاد درهمدان که سنگ نبشته‌های آن مربوط به‌آنتیوکوس پادشاه سلوکی‌است.

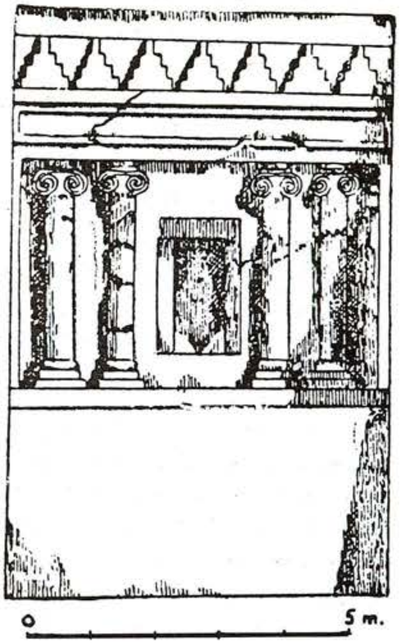
دخمه وگورستانهای ایرانیان باستان

بغستان (مکان‌خدایان ۵۵۹ ـ ۲۵۹ قم)

بیستون کرمانشاهان.

پاسارگاد، دورهٔ‌هخامنشی، شیراز.

داودختر فهلیان ـ حسین‌آباد؛ ازمقابر دورهٔ مادی (قرن۶ قم)



دخمهٔ اسحق‌وند (سکاوند) مادها. هرسن ـ دنده؛ کرمانشاهان.

دخمهٔ اطاق‌فرهاد؛ دورهٔ‌ماد؛ سرپل ذهاب. کرمانشاه.

دخمهٔ دربند؛ ۷۰۱ـ۵۵۰قم. صحنه آبشار کرمانشاه.

دخمهٔ دکان‌داود؛ دورهٔ ماد؛ سرپل ذهاب. کرمانشاه.



دخمهٔ سکاوند (اسحق‌وند) مادها. هرسین ـ ده‌نو؛ کرمانشاه.

دخمهٔ‌مادی، «فقرگاه» یا (قوم‌قلعه) (۵۵۰-۷۰۸قم) مهاباد.



فقرگاه (دخمهٔ سنگی) دورهٔ ماد، مهاباد.

قصرابونصر (تخت مـادرسلیمان) دورهٔ‌هخامنشی. شیراز.

گوردختر؛ دورهٔ هخامنشی. سرمشهدفارس.

گورقدیم دورهٔ‌ساسانی؛فیروزآباد. فارس.

مقبرهٔ‌ستون‌دارمادی،(مادی)؛شیراز.



تصوف

طریقه‌ای معنوی ،کـه پیروان آن معتقدند ، به‌وسیلهٔ تصفیهٔ باطن و تزکیهٔ نفس‌انوار حقایق برقلب شخص اشـراق کند . این‌طریقه‌درادیان هندی(برهمایی وبودایی)، یهودیت. مسیحیت، مانویت‌و اسلام وجود دارد . دراسلام طریقهٔ‌مذکور ازاواخرقرن‌دوم ظهور کردو به‌تدریج‌راه کمال سپرد .

تصوف‌اسلامی‌ایران به‌دو روش‌تجلی کرده: منفی ،که‌عبارت‌است از: اعراض از دنیا ، ریاضت ؛ ترك علایق اختیار قناعت و پشمینه‌پوشی .

مثبت،که‌عبارتست ازسلوك ، طلب ، طی مراحل اخلاص؛ ایثـار، خدمت بـه خلق، تربیت‌نفس، محبت ، کسب‌معرفت و وصول به‌مقام عشق‌الهی .

مقامات‌تصوف

اول‌توبه ، دوم‌ورع ، سوم زهـد ، چهارم‌فقر ، پنجم‌صبر ، ششم‌توکل وهفتم رضا .

درمقابل هریك ازمقامات و حالات نفسی درسالك . اثری‌باطنی پیدامی‌شود که **حال** میگویند ومجموع آنها احـوال نامیده می‌شوداحوال به‌نام‌حقایق‌متصوفه آمده است .

مقامات ازامور اکتسابی‌ودراختیار وارادهٔ سالك است درحالی‌که احوال از مقولهٔ‌احساسات وانفعالات در اختیار انسان‌نیست‌وحال‌دوام وبقاءندارد.

حقایق‌متصوفه

انس.

حقیقت انس آنست‌کـه روح‌قرب، برجان عاشق مقرب مستولی شود وجان وصال برروح سالك واصل ، دست‌یابد.

بسط.

حقیقت بسط‌آنست‌که واردی‌برجان سالك درآید وسلطان‌آن بردلش‌تصرف یابد وقلبش‌را ازگرفتگی بازدارد و به انبساط،مخصوص گرداند. حصول‌بسط زیر برسه‌گونه است :

۱ ـ واردی برقلب تسلط یابدکه موجب انبساط گردد وبساط جلوه‌ای بر ساحت‌دل بگسترده‌اند .

۲ ـ واردی‌کـه موجب فیض است منقطع شود .

۳ ـ واردی دردل‌بروزیابدکه‌مژدهٔ رحمتی یامشعر بـرقطع عقوبتی وظهور عنایتی باشد .

بهرصورت‌قبض‌برهرکس ، برمقتضای بسط وی وبسط هرسالکی بروفق قبض‌او است .

بعد.

حقیقت بعدآنست‌که انسان به‌سبب مخالفت با اوامر و موافقت بـانـواهی پروردگار وجفا درآن حضرت‌که چشمهٔ هرصفایی است ازدرگاه دورافتد .

بقاء .

حقیقت بقاء آنست‌کـه بعد ازفناء رسوم بشری خدای‌باقی جلوه فرماید . چون سالك باتمام صفات‌وعلم ومعرفتش راه‌فنـاءپوید‌حضرت معلوم‌که حق‌مطلوب است خیمهٔ‌عزت برزند ، شهود زایـل و وجود خدای فایق‌آید .

بواده .

حقیقت برآنست‌که ناگاه واردی‌از غیب‌بردل سالك‌آگاه، درآید. این‌وارد بردونوع است :

۱ـ آن؛که مایهٔ غم واندوه‌گردد.

۲ ـ آن ،که باعث سرور و شادی شود .

تجلی.

حقیقت تجلی آنست‌که پرده‌برافتد

شاید غیبی جلوه آغاز کند و انوار اقبال ازافق ذات برعالم جان سالك اشراق فرماید وجلوه گری نماید .

تلوین .

حقیقت تلوین آنست که چون سالك درراه باشد ومنزل به منزل طی طریق کند، هروقت به مناسبت حال وبه مطابقت مقامی که درآن سیر دارد واقامت می نماید بـر رنگی باشد ، از حالی به حال برتر رود وازمقامی به مقام والاتر ارتقاء یابد.

تمکین .

حقیقت تمکین آنست کـه سالك از التفات به غیر حق بازپردازد وهمت بلند و عزم ارجمندش برانگیزد تابا محبوب به وفا بسازد ، نورشهود آن وجـود عزیز به درخشش درآید ، انوار الهی جان با صفایش را احاطه کند، ازحجاب طلب بگذرد پردهٔ خواهش خویش رابردرد ، وبه مطلوب واصل آید .

تواجد.

حقیقت تواجد ، آنست که سالکی آنچه را که تواند ضبط کند ودرجان خود نهان دارد هویدا نماید ، وابراز داردیا آنکه به تکلف حالـی برخود بندد کـه مشابه وجد واجدین باشد ، ظهور تواجد به اعتبار صاحب آن برسه گونه است:

۱ ــ جماعتی که به تکلف صفتی ابراز می دارند وحالی بـرخود می بندند ، در صورتی کـه موجب وجد بـاشد اقـدام نکرده اند .

۲ ـ گروهی کـه ظاهر خودرا بـا اعمال شرعی آراسته وبـرای وصول بـه حقایق برخاسته اند ولی هنوز قدمی استوار ندارند وحالی پردوام نیافته اند .

۳ ـ قومی که ازضبط جوارح وکتمان حال خویش عاجز مانده وبرحمل آن تاب نیارند و به جهت رهایی ازآنچه درآن هستند پای کوبند و دست افشانند . این دسته ازسالکین اهل حقیقت هستند ولی چون درآغاز طریق تحقیق اند ، لاجـرم مبتدی می باشند .

جمع .

حقیقت جمع آنست که سالك راه الهی خدای را بی خلق بیند وبدون لحاظ اغیار درحضرت دلدار نشیند ، دویی زایل شود، رنگ ها باطل آید . رسم آب وگل ازمیانه برخیزد وحضرت حق تعالی درآن محضر برجای این رسوم نشیند ، راهرو ، چشم ازهمه فروبندد وسرای جان را به جلوهٔ جمال دلدار آراسته بیند .

حال.

حقیقت حال معنایی است که بدون تعهد سالك وبی آنکه درجلب آن بکوشد ودرکسب آن سعی نماید بـر قلبش وارد آید . باطن حال ، همانند ظاهر اسمش بود یعنی همچنانکه حال به قلب حلول می نماید دروقت نیززایل می شودو قرار نمی پذیرد .

حضور.

حقیقت حضور آنست که سالك دل را به حضرت پروردگار نیاز سازد، جان را به درگاه جانان اندازد از خلق غیبت گیرد و به حضور با حق در سازد . این حضور را محاضره وحضور به حق گویند که مرتبهٔ آن فوق غیبت است و به مقتضای حال سالك باغیبت مناسبت تام دارد .

حقیقت.

حقیقت،حقیقت آنست که کار سالك به شهود الهی پیوندد ، نسیم تصرفات ربانی از فضای احدیت برجان سالك بوزد و مشاهدهٔ قضاوقدر ونهان وآشکار حضرت سبحانی دست دهد .

خواطر .

حقیقت هرخاطری ازخواطر،خطابی است که از جانب نفس ، شیطان ، ملك قلب یاحق برضمیر سالك وارد آید .لذا با توجه به مبداء خاطر ، خواطر برپنج قسم اند :

۱ ــ حدیث نفس .

۲ ــ القاء شیطان که وسواس بود.

۳ ـ وارد قلب که الهام یقینی بود.

۴ ــ الهام ملك که پس ازوصول به مرحلهٔ نجات قطعی دست دهد.

۵ ــ خاطر حق که آنرا الهام ربانی نیز خوانده اند . ازآن حضرت تبارك و تعالی بردل صافی فرود آید ، راه بنماید و گره از کارفروبسته ، بگشـاید .

خوف .

حقیقت خوف آنست که سالك به واسطهٔ نومیدی ازحصول مطلوب یاانتظار وقوع مکروهی درآینده ، از اطمینان حال بی بهره شود، وبه اضطراب گرفتار آید . خوف آنگاه حصول یابد که سالك وعید پروردگار را که توسط رسول اکرم «ص» ابلاغ شده بپذیرد ودراعتقاد گیرد . حال خودرا مراقبت کند وازمآل کار وسرانجام روزگار خویش غفلت نورزد . لغزش های خودرا فراموش نکند وپیوسته مراقب حال ومتذکر گناهان خویشتن باشد .

ذوق .

حقیقت ذوق آنست که چون سالك معامله صافی کند ، به ادراك مکاشفات سر- افراز آید و ازآثار و برکات کشف ذوق معنی یابد . چنین سالکی را که ذوق کند ، ذایق گویند وهرذایقی پیش ازآنکه به حقیقت سکر دست یابد ، پای کوبد واظهار مستی کند .

رجاء .

حقیقت رجاء آنست که سالك به سبب آرزوی حصول مطلوب ووصول به محبوب یاعدم انتظار وقوع مکروهی ، در آینده مطمئن شود و از اضطـراب و آشفتگی خلاص یابد . چون سالك ازخوف به رجاء افتد آرامش یابد وسکون وراحت پذیرد.

ستر .

حقیقت ستر آنست که خداوند پرده فرو اندازد و جلوه ها را پوشیده دارد ستر برای عوام صوفیه باعث رنج واندوه، ولی برای خواص موجب راحت است زیرا دوام تجلی غالباً باعث تلاشی جسم وذهاب جان سالك عارف میگردد .

سکر.

حقیقت سکر ومستی آنست که سلطان طرب، درمیدان جان سالك برسپاه صبر غالب آید ، درعین آنکه مرغ دلش درهوای صاحب شریعت پرمیزند . تاب پرداختن به اخبار واحادیث ندارد ، حجاب ازهم گسسته وزندان غفلت به بازوی همت شکسته است .

شاهد.

حقیقت شاهد آنست که درقلب سالك حاضر بودو برفضای فؤادش غالب گردد. چنان یادش جان رهرو رافراگیرد که گویی علی الدوام اورا می بیند وبدو می نگرد.

شرب.

حقیقت شرب آنست که چون سالك در منازلهٔ وفاومعاملهٔ صفاوافی وصافی شود درهرمشهد که فرود آید حق آن به درستی نهد؛ یعنی آرام نگیرد .

شریعت.

حقیقت شریعت آنست که سالك از جانب حق تعالی به توسط رسول خدامأمور گردد تا جهت وصول به عبودیت ، احکام

الهیه ملتزم شود . پس شریعت مجموعهٔ تکالیف‌خلایق و برهان‌مکتوب‌تعیین‌وظایف عباداست ، شریعت راه عبادت مینماید و بنده رامأمور میکند تا به اوامـر ربانی قیام نماید .

صحو .

حقیقت صحووهوشیاری آنست‌کـه سالك ازانتظار جلوهٔ دلدار خلاصی‌یابد وبه‌شهودیار به وادی سرافرازی شتابد ، چون به مطلوب خویش برسد دست از طلب بدارد وچون پرده‌های جلای وی‌را مکشوف نموده ، به حق هوشیار ودور از اغیار درحضرت دلدار باشد .

طریقت.

حقیقت طریقت آنست‌که‌سالك‌احکام شریعت را برخود نهد ، درحفظ امانات خدا ورسول بکوشد ، قرآن بریك‌دست گیردوبادست دیگربه‌دامان عنایت‌عترت نبوی درآویزد تا به سرچشمهٔ آب حیات سرمدی‌که ولایت اهل بیت احمدی است راه یابد .

طوارق .

حقیقت طوارق‌آنست‌کـه ازراه‌سمع مطالبی ازدقایق برجان اهل‌حقایق وارد شود .

طوالع.

حقیقت طوالع‌آن نور بودکه چون حجاب قلب‌به غایت رقیق‌گردد واندکی ازآن پردهٔ نازك نیز پاره شود وازمیان رود ، طلوع نماید . مکث‌آن بسیارباشد جان را دراهتـزازآرد ، وانیس سالك گردد .

علم‌الیقین،عین‌الیقین، حق‌الیقین .

حقیقت یقین علمی است که آلایش شك‌نپذیرد ورنگ‌ریب وشبهه نگیرد . لذایقین راهی صاف‌وطریقی استوار است که‌مطابق حال هرسالکی، منزلی ارزنده دارد . یقین دارای سه‌مرحله است :

۱ــ علم‌الیقین، این است‌که سالك معارف الهی واحکام شرعی راکه به‌توسط رسول اکرم (ص) تبلیغ شده به صدق دل پذیرد .

۲ــعین‌الیقین ، این است‌که سالك چون از مرحلهٔ اول ارتقاء یابد ازنقل‌و استدلال بی‌نیازگرددوچون به‌معاینه‌دست یابد ازخبر مستغنی‌شودوآنگاه‌که شهود معلوم ، روزی شود حجاب علـم را پاره کند .

۳ــ حق‌الیقین ، این است‌که هستی سالك،که همچون‌شب تیره ، تاریك است دربرابر درخشش نور صبح حقیقت تاب نیارد وفانی شود .

غیبت .

حقیقت‌غیبت‌آنست‌که‌سالك ازغایت اخلاص وتوجه به‌مقصود دست از تعلقات بردارد وپای از موانع برکشد تابـدرك حقایق نایل‌آید . ازرسوم علم غایب‌شود وسلطان حال بروقتش‌مستولی‌گردد. چون حجاب ازپیشش برخیزدسعی وکوشایی‌را ازخدابیندوخودرا درمیانه‌نبینند .

فرق.

حقیقت فرق‌آنست‌که سالك وجودو موجود را تفاوت‌نهد وبرحسب بشریت‌در سبیل‌عبودیت سیرکند .

فنا.

حقیقت فناء آنست که سالك به‌علم یقینی دریابدکه حق‌تعالی،عین‌وجوداست وجز خدا هرچه باشد عدم مطلق است .

خدای را بخدای دریافت‌کند وجز پروردگار احدی‌را به‌رسم وجود نشناسد تاحقیقت هویدا گردد .

قبض.

حقیقت‌قبض‌آنست‌که‌واردی‌برسالك درآید وبر قلبش احاطه یابـد ودلش‌را گرفته وافسرده سازد . حصول قبض‌برسه وجه است :

اول، آنکه واردی که موجب بسط است قطع‌گردد وجلوه‌ای‌که انبساطی‌ــ بخشد نهان‌شود .

دوم : آنکه واردی بردل رهسپار طریق‌تسلطیابدکه‌موجب‌انقباض‌وگرفتگی قلب باشد .

سوم : آنکه واردی بر قلب دست تصرف اندازدکه مشعر برعتابی، یامبین استحقاق تأدیبی باشد .

قرب .

حقیقت قرب‌آنست‌کـه سالك روی به‌حضرت حق‌تعالی‌کند وخدای را برای خدا جوید ؛ بلکه ازخود درگذرد واین راه را به‌جذب اوپوید .

لحظ.

حقیقت لحظ‌آنست‌که سالك عارف، نظر ازهمه بردوزدونهانی‌گوهری از آن جمال دل افروزدرگنجینهٔ جان اندوزد .

لوائح .

حقیقت لوائح آن‌نور باشدکه‌بردل بتابد ، آنگاه‌که هنوز قلب محجوب بود ولی حجاب اندکی رقیق شده باشد . به همین جهت این درخشش بسیار بی‌دوام بوده و مدت قلیلی پس از طلـوع غروب میکند .

لوامع .

حقیقت لوامع نوری است که چون حجاب قلب‌اندکی‌نازك‌ترشود وروبه‌رقت رود بردل بتابد . هرچند بیش از لوائح مکث نمایدولی این‌نیز دوام‌نیابد .

محاضره .

حقیقت محاضره‌آنست‌که حضوردل بهم رسد وقلب سالك بدان حضرت جلت عظمة حاضر آید . پرده برافتد،وسلطان ذکر بردل مستولی‌شود .

محبت .

حقیقت محبت‌آنست‌که سالك عاشق دل، ازهمه بازگیرد و به حضرت معشوق نیازمند ، وقلب‌خود رامنحصراً به‌محبوب متعلق دارد .

محو واثبات.

حقیقت محوواثبات‌آنست‌که سالك، اوصاف رذیله‌را ازنفس خویش محوکند وبرجای‌آن صفات حمیده را مستقرنماید بیگانگی ازخودبرداردوباحق‌تعالی‌آشنا شود ، بیگانگی رامحوکند وآشنایی را اثبات نماید .

مشاهده .

حقیقت مشاهده آنست که حجاب‌به کلی ساقط شود، جمال جانان متجلی‌شود وشهود عین ذات‌الهی دست دهد.وبقایای رسوم‌وجود سالك‌رخت به سامان‌فناکشد.

معاینه.

حقیقت معـاینه‌آنست‌که سالك‌پس‌از مقام مشاهده که به‌معـرفت به شهودذات محبوب راه یـابد ، و به دیده خـویش درعیان محض حضرت مطلوب را دیدار کند ، به‌چشم دل‌که به‌نور خدامنورگشته وبه‌معرفت سرافرازی‌یافته آن حضرت‌را به‌بیندوبدیدهٔ روح‌که ازخود فانی‌شده و درسرچشمهٔ‌آب بقاء تطهیریافته به خلعت هستی الهی مخصوص گشته است .

معرفت .

حقیقت‌معرفت‌آنست‌که‌سالك به‌عین شیئی احـاطه یابد وحقیقت ذات وصفات آن‌را ادراك نماید .

معرفت ازلحاظ تعلق به‌عارف برسه گونه است :

۱ــ معرفت عام که عرفان عباد و علمای علوم رسمی‌را شامل میشودوبدون شرایط یقین احرازنمیشود .

۲ـ معرفت خاص که عرفان صاحبدلان واصحاب جلوات آسمانی واربـاب شهود حضرت الهی راشامل میشود.

۳ـ معرفت خاص الخاص ،یاعرفان اخص ،که عرفان شاهدان تجلیات ذات و شاهبازان ساعد سلطان کائنات را شامل میشود .

مقام.

حقیقت مقام ، اینست که سالك ،به لحاظ مواظبت ،برآداب درطریق تصرفی یابد و بهمطلوبی واصل آید و براین جمله متحقق شود .

لذامقام هرکس همان است که درموقف آن اقامت گزیده وجهت وصول به آستانش ریاضت کشیده است .

نفس (بهفتح ن و ف).

حقیقت نفس آنست که سالك دل را بهلطایف غیبی ترویج دهد و جـان را به روائح لاریبی جلوه‌ای تازه بخشد.

نفس (فساکن).

حقیقت نفس(فساکن) جوهری است مفارق ومجرد که به جسم تعلق یابدنفس در حدوث جسمانی و در بقای روحانی است .

وارد.

حقیقت وارد آنست که ازعنایت الهی حالی یاخطابی بردل سالك فرود آید واو را بهخود مشغول نماید .

وجد.

حقیقت وجد آنست که بی تکلف حالتی برقلب سالك درآید وبـرجانش تصادف کند ، واورا برانگیزد .

وجود.

حقیقت وجود آنست که سلطان حقیقت ظاهر آید ، صفات بشری پژمردگی گیرد، آفتاب وجود حق درسرجان سالك،منتهی ازگریبان ازل طالع شود وهـرچه جزاو منزل عدم گزیند .

وقت .

معنی وقت آن است که درزمانی،حالی برجان سالك احاطه یا بدیاجلوه‌ای ساحت دلش رافرو گیرد .

ولایت.

حقیقت ولایت توسعهٔ ایجاد وجود حق است برمستعدان ازلی،وقابلان لم یزلی براین وجه که بهقدرت ولایت ولی مطلق آنکه شایستگی دارد ازتیرگی خودبینی و هستی موهوم خویش که درواقع کدورت نیستی است، خالص شود وبهجلوه ونور و صفای وجود حق حقیقی پاك وتابناك گردد.

هجوم.

حقیقت هجوم آنست که بدون تصنع واختیار سالك ، ناگهانی بهحالی درافتد و واردی بهقلبش درآید که درطلب مطلوب پای ازسرسازد سرهمچون گوی درمیدان عشق اندازد واگرمیان او ومحبوبش دریایی ژرف فاصله باشد خویشتن را بدان بحر اندازد باشد تا بهحضرت دلدار رسد.

هیبت.

حقیقت هیبت آنست که جلال حضرت محبوب مقربان بارگاه را غالب آید وسلطان حضور برجان عاشق تصرف فرماید واورا ازخویش وبیگانه غایب دارد .

عرفا وصوفیان

آذرطوسی ، نورالدین حمزه .
(فوت ۸۸۶ ق)

نسب وی به احمد بن محمدزمجی هاشمی مروزی می‌رسد .

او ازپیشوایان متصوفه وازدانشمندان وادیبان وشاعران بهنام قرن نهم هجری است . وجه تسمیهٔ وی بنا بهقول خود او بهجهت تولد اودرمـاه آذر است . آذری تغییرحالی یافت ودرسلك درویشی درآمد وصحبت محیی‌الدین غزالی طوسی یافت و از او اخذ طریقت وحدیث کرد . سپس بدرگاه احمدشاه بهمنی درآمد و بـه سرودن بهمن‌نامه مشغول شد .

ابراهیم ، خواص .
(وفات ۲۹۱ ه ق)

اصلاً ایرانی وپدرش از مردم آمل بود. چون تولد وپرورش ابراهیم دربغداد بود بهبغدادی مشهور شده‌است .

ابراهیم چندی به تحصیل پرداخت و پس ازآن به تصوف متمایـل‌شد، وی معاش خودرا ازبافتن بوریاوزنبیل‌ومانند آن می‌گذرانید . ابـراهیم پیوسته در سفر بوده‌است و حکایاتی کـه از اونقل میکنند ، غالباً راجع بهسیاحت یـاحج است . او در بین عرفا شهرت بسزایـی دارد .

ابن ابی‌الربیع

شاطبی‌را بهبینید .

ابن‌العربی ، محیی‌الدین ابوبکرمحمد.
(۵۶۰ـ ۶۳۸ ه ق)

ازبزرگان متصوفهٔ اسلام وقایل بهوحدت وجود بود . او درسال ۵۶۸ به اشبیلیه‌رفت ، وسی‌سال درآنجا بزیست. حدیث وفقه‌را دراشبیلیه وسبته فراگرفت سپس سفری بتونس کرد.وآنگاه به‌کشورـ های شرق‌شتافت ، اوهمه‌جا مورداحترام بود . عاقبت در دمشق مقیم‌شد و همانجا درگذشت ، او ازپیروان طریقهٔ ظاهریه، وتابع اصولی بود که ابن‌حزم ، عارف معاصرش وضع‌کرده بود . ازآثارمهم‌وی فصوص‌الحکم،تاج الرسائل وکتاب‌العظمه رامی‌توان نام‌برد .

ابن بزاز ، درویش.
(قرن ۸ ه ق)

کتاب‌الصفوة‌الصفاء درمناقب‌واحوال شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی ، تألیف اوست . ابن‌بزاز معاصر ومعاشر باخودشیخ‌بود.

ابن‌سقا (قرن ششم هجری)

ازفقهای معروف، که ابتدادربغداد می‌زیسته ودرسال ۵۰۶ که یوسف‌بن ایوب همدانی فقیه وعابد معروف بهبغدادرفته ازو پرسشی کرده‌ویوسف‌بن‌ایوب‌باو‌گفته: «خاموش‌شو که‌ازدهانت‌بوی‌کفر‌میشنوم» ابن‌سقاء پس‌ازمدتی‌به‌روم رفته‌ودرآنجا نصرانی شده است. بعضی‌اورا‌همان‌شیخ‌ـ صنعان میدانند .

ابواسحاق، ابراهیم بن‌شهریار.
(فوت ۴۲۶ ه ق)

معروف به شیخ مرشد تـولد او در قریهٔ«نورد» کازرون، پدرش‌شهریارزردشتی بودکه مسلمان شد .

گویند ، ۶۴ خانقاه تأسیس کردو گروهی بسیار اززردشتی‌ویهودی بدست اومسلمان شدند . چون باکافران‌مبارزه میکرد اوراشیخ غازی خواندند . مدفن او اکنون‌درکازرون‌زیارتگاه است .

ابوالحسن، شاذلی رابه بینید .

ابوالعباس، قصاب آملی را بهبینید .

ابوالفیض، ذوالنون‌را بهبینید .

ابوالمکارم ، علاءالدولـه سمنانـی را بهبینید .

ابوسعیدابی‌الخیر، فضل‌الله‌بن ابی‌الخیر
(۳۵۷ـ ۴۴۰ه ق)

عارف وشاعر ایرانی‌که درمیهنه از قراءخاوران بهدنیاآمد وپس از فراغت ازتحصیلات ادبی‌ودینی چندی درسرخس ونیشابوروآمل بهریاضت وسلوك سرگرم بود ؛ وی درعلوم تفسیر ؛ حدیث ،فقه و تصوف تبحرداشت ؛ در ۸۳ سالگی در میهنه درگذشت . وی ازقدیمترین‌کسانی است‌که اصول‌تصوف را درخراسان‌اشاعه داد،جملات‌ورباعیاتی‌عارفانه‌دارد .

ابوعقال، غلبون ابن حسن.
(فوت ۲۹۱ هق)

متصوف، ادیب وعالم حدیث. از اهالی قیروان‌بود، به‌مشرق رفت ودرمکه استقرار یافت وازملازمان‌حرم گردید.

اسفراینی، شاه‌علی؛ (قرن‌نهم‌هجری)

ازائمه ولایت‌ومعرفت‌است؛ که‌خرقهٔ طریقت وتلقین ذکر وآداب سلوك راه معرفت را ازشیخ رشیدالدین‌محمدبیداوازی‌کسب‌کرد وپس از وصول به‌مراتب اعلای معرفت به دامادی شیخ سرافراز آمده و پس از وی برمسند ارشاد نشسته ازشیخ‌کتاب ورساله‌ای بدست نرسیده و اگر هم تألیفی داشته ازدستبرد روزگار درامان نمانده‌است.

اسفراینی؛ عبدالرحمن.
(۶۳۹-۷۱۷ه ق)

ازجمله بزرگان صوفیه، که دراوان جوانی انجمن‌آرای ولایت‌وارشادشد، وی سی‌ساله بودکه به‌تخت ارشاد برآمد. در عنفوان‌شباب‌به خدمت‌شیخ احمدجوزقانی پیوست، ومدتده سال طریق سلوك‌پیمود. وی در اسفراین متولد، و در بغداد ارتحال‌یافت‌ودرآنجامدفون گردید.

اصطهباناتی، شیخ علی‌نقی.
(درحدود ۱۰۵۰-۱۱۲۶ه ق)

مفخر عرفا واولیاء بود؛ وی خرقهٔ فقروآداب‌سلوك‌طریقت‌وتلقین ذکررا از شیخ نجیب‌الدین‌تبریزی‌کسب‌کرده، وپس ازرحلت وی درمسند خلافت مرشد خود حاضر بود وپس ازنیل به‌درجات کمال‌و وصال به‌دامادی‌وی افتخاریافت. وی از سال ۱۱۰۸ تاسال ۱۱۲۶ برمسند ارشاد به‌دستگیری‌طالبان‌وراهنمایی‌گم‌گشتگان پرداخت.

شیخ‌دراصطهبانات‌درگذشت‌ومرقدش مزارعموم است

انوار، قاسم. (۷۵۷-۸۳۷ ه ق)

ملقب به‌معین‌الدین ومتخلص به‌قاسم ومعروف به‌شاه قاسم عارف وشاعرایرانی درطریقت شاگرد شیخ صدرالدین‌موسی‌و اوحدی‌کرمانی‌بودصحبت‌شاه‌نعمت‌الله‌ولی را نیز دریافت. دربلاد مختلف به‌سیرو سیاحت‌پرداخت ودرهرات به‌ارشاد خلق مشغول شد پس ازترك هرات مدتی در بلخ وسمرقندگذرانیدوعاقبت به‌خراسان بازگشت‌ازآثاراوتذکرةالاولیاءیامقامات العارفین، انیس‌العاشقین، ودیوان‌شعراو را میتوان نام‌برد.

امینی، مولانای اصفهانی‌را به‌بینید.

باباافضل، کاشانی.
(۵۸۲یا۵۹۲-۶۵۴یا ۶۶۴ ه ق)

شاعر و عارف ایرانی، ازصحابه نزدیك خواجه نصیرالدین طوسی بود؛در حکمت وعرفان پایه‌ای بلند داشت؛ از آثارش، جاودان نامه، سازوپیرایه، سه گفتار، انجام نامه، ایمنی ازنفس‌در پناه خرد، وگشایش نامه میباشد.

باباکوهی، ابوعبدالله محمدبن عبدالله.
(فوت ۴۴۲ ه ق)

ازقدمای مشایخ‌ایران‌است که‌سفرها کرده ودرنیشابور با ابوسعید ابی الخیر ملاقات‌کرده وسپس‌به شیرازبازگشته‌است ودرغاری ازکوههای‌صبویه شمالی اقامت کرده ودرآنجا وفات یافته و در همانجا نیز مدفون گردیده است.

بایزید بسطامی، طیفورابن‌عیسی.
(فوت ۲۶۱ یا۲۶۴ ه ق)

ازمشایخ‌بزرگ صوفیه وازمشهورترین عرفای ایران است.

درحدود سال ۱۸۸ هجری در شهر بسطام‌درخاندانی‌زاهدومتقی‌ومسلمان‌چشم به‌جهان‌گشود چنین‌می‌نمایدکه بایزید در تصوف استادنداشته وخرقهٔ ارادت ازدست هیچیك ازمشایخ نپوشیده است.

گروهی معتقدندکه‌بسیاری ازحقایق بر او کشف میشد وخود نمیدانست و گروهی دیگر نقل‌کرده‌اندکه سیصدوسه استاد دیده‌است.

بایزید معتقد به وحدت وجود و نخستین‌کس دراسلام بودکه قایل‌به‌فنابود پیروان اورا طیفوریه وبسطامیه گویند.

بایزیدبعدازمدتها سیاحت‌وریاضت کشیدن به‌بسطام بازگشت ودر همانجا درگذشت. مقبره‌اش زیارتگاه صوفیان و مردان خدا است.

مهمترین‌مراجع سخنان وی‌عبارتند از:طبقات الصوفیه، از ابوعبدالرحمان سلمی. تذکرة الاولیاء از شیخ عطار؛ وحلیةالاولیاء از ابونعیم اصفهانی.

بدلیسی، عمار.
(فوت ۵۸۲ه ق)

شیخ عمارابن یاسر بدلیسی؛ در بدلیس ولادت یافت وگویند بالغ‌برهفتاد سال عمریافته وقریب بیست‌سال برمسند ارشاد استقرار داشته، وی به‌تألیف‌کتاب نیزپرداخته ودقایق‌طریقت را بیان‌داشته است. ازجمله رسالات‌شیخ، کتاب‌صوم‌القلب وبهجةالطائفه را میتوان‌نام‌برد.

برزش‌آبادی: سیدعبدالله.
(قرن‌هشتم ونهم ه ق)

امیر سیدعبدالله، سلطان عارفان و یگانهٔ زمان‌خود بود،ودرحل ونقداسرار سلوك وعرفان به‌کلام‌موجزومختصردستی قوی داشت.

میراز شاه قاسم انوارکسب رسوم طریقت‌کرده؛ ولی مرتبهٔ کمال وصول و تکمیل وی در خدمت خواجه ابواسحق‌ختلانی حاصل‌آمده است.

وی پس از طی‌مراتب اعلای‌معرفت به‌دامادی خواجه ابی اسحق افتخاریافت وبعداز رحلت‌خواجه؛خلافت‌وسلسله‌داری به وی تعویض‌شد. وی متجاوز ازهفتاد سال زندگی‌کرده‌ودراین‌مدت‌رسالات‌بسیار تدوین نمودکه‌مطالب گوناگون ازحقایق ولایت واسرارحقیقت‌وآداب طریقت‌افاده فرمود.

برهان‌الاولیاء.

شیرازی؛ سید ابوالقاسم رابه‌بینید.

بشرحافی، ابونصر.
(۱۵۰-۲۲۷ه ق)

دریکی ازقرای مرومتولد شده‌ودر بغداد زندگی کرده است. اوپای برهنه راه میرفت وبدین جهت به حافی مشهور شد. حدیث‌بسیارمیدانست؛لیکن‌روایت نکرده است. گویند ابتدا به لهوولعب مشغول بود وبعد بر اثر تذکر موسی بن جعفر «ع» توبه‌کرد. مأمون‌خلیفه‌درحق وی‌احترام تمام داشت و احمدبن حنبل به‌اوارادت میورزید. گویند از راه زهد وتقوی غلهٔ بغداد را نمیخورد. افکار و حالات‌وشرح زندگی اودربسیاری ازکتب صوفیه‌آمده است.

بغدادی، مجدالدین.
(زنده درقرن ششم وهفتم‌ه ق)

مرید وشاگرد شیخ نجم‌الدین‌کبری است در بغدادك خوارزم متولد شد وبه فرمان‌سلطان محمدخوارزمشاه به‌جیحون افکنده شد. درطبابت نیزدستی‌داشت از آثار اویکی«رسالهٔ سفر» و چند مکتوب است.

بهاءالحق.

زکریا، مولتانی را به‌بینید.

بیداوازی، محمد.(قرن‌نهم ه ق)

شیخ رشیدالدین محمد بیداوازی، ازبزرگان اقطاب‌وارباب تربیت است‌که

درمعرفت مقامی بس بلندداشت، وی‌اخذ خرقه وتلقین از میرسید عبدالله مشهدی کرد وپس ازمرشد خود به مسند ارشاد مستقر شد .

شیخ پس‌ازطی مراتب کمال‌وتکمیل‌در خدمت مرشد روحانی خود به دامادی‌او سرافراز گشت .

شیخ‌را غزلیاتی شیرین است‌که به مقتضای ظهورحالات معنوی وطی‌مقامات معرفت انشادکرده است .

پیر پالاندوز .

کارندهی را به‌بینید .

جنید بغدادی، ابوالقاسم جنیدابن‌محمد.

(احتمالاً ۲۰۷ ــ ۲۹۷ ه ق)

ملقب‌به‌سیدالطائفه‌که دربغدادمتولد شد . سی‌بار پیاده به‌حج رفته ودربغداد نیز درگذشت .اصل‌وی ازنهاوند بوده و به شغل شیشه سازی اشتغـال داشته ، جنید فقه‌را نزدابراهیم‌بن‌خالدبن یمان آموخته است .درکتاب‌های‌صوفیه حالات و سخنان جالب و مؤثر ازاونقل شده و گویندکه‌برجنازهٔ وی شصت‌هزار نفرنماز کرده‌اند.

جوزقانی ، احمد.

(فوت ۶۶۹ه ن)

شیخ‌جمال‌الدین بدرالدجی ، احمد جوزقانی ، ازشاهبازان تیر پرواز عرفان است ، که درتربیت طالبان‌دستی قـوی داشت . وی‌کتابی تألیف نکرده ، ولـی کلمات‌عالی ازوی‌منقول است.

حاتم اصم، ابوعبدالرحمان‌حاتم‌بن‌یوسف.

(فوت۲۳۷ ه ق)

عارف‌وصوفی‌مشهورخراسان‌وازیاران شفیق بلخی بـوده . وفاتش در واشجرد بلخ اتفاق افتاده است . درکتاب‌هـای صوفیه‌اقوال‌وآراء مؤثری‌ازاو باقی‌مانده است وسعدی نیز دربوستان ازاو ذکـر کرده است .

حارث‌محاسبی ، ابوعبدالله.

(۱۶۵ ــ ۲۴۳ ه ق)

زاهدوعارف‌مشهورکه دربصره‌متولد شد ودربغداد وفات یافت .

درمراقبت نفس و رعـایت فرایض اهتمام تمام‌داشت . از آثـارش کتابهای الوصایا، التوهم، والرعایة‌الحقوق‌الله باقی مانده‌است .

حیدر ، قطب‌الدین .

(فوت ۶۱۸ ه ق)

ازعرفای معروف‌ایران بود، کـه تربت حیدری، به‌مناسبت آرامگاه وی، بدین نام‌خوانده شده ، وطایفهٔ حیدری ، بدومنسوب است .

خبوشانی ، حاجی‌محمد .

(وفات ۹۳۸ ه ق)

شیخ حاجی محمد خبوشانی ، ملقب به‌مقتدای اعظم ، یکه‌تازمیدان ولایت و عرفان است .

وی ازایام‌جوانی به‌تحمل ریاضیات‌و انجام عبادات اشتغال داشته و به‌تحصیل علوم‌رسمی‌نیز مشغول‌بود‌تادرفنون‌مختلفه به‌حدکمال رسید. وی‌به‌اخذخرقه وکسب تلقین ذکر وآداب سلوك ازحضرت شیخ شاه‌علی اسفراینی توفیق یـافت . وپس‌از نیل بـه‌مراتب اعـلای‌کمال و وصال و اکمال به‌دامادی شیخ‌شاه افتخار یافت و بعدازرحلت او به‌خلافتش مستقرگردید.

به‌مناسبت آنکه زمان ارشاد شیخ، مصادف بااوان ظهور شاه‌اسمعیل‌صفوی‌و اوایل اظهار وابراز رسمی مذهب شیعه بود، مجالس‌خود را به ذکرفضایل علی‌ــ علیه‌السلام زینت می‌داد . این موضـوع موجب تشدید غضب مخالفان شد تاآنجا که شیخ‌را به‌جرم تشیع ، بند برگـردن نهاده، به‌هرات بردند وکار شیخ به سختی کشید ، تاحدی‌که بیم‌کشتن وی می‌رفت سرانجام باشفاعت میرمحمد یوسف هروی ازقتل نجات یافت .

ختلانی ، ابواسحق .

(۷۴۰ ــ ۸۲۶ه ق)

خواجـه ابواسحق ختلانی ، دست پروردهٔ میرسید علی‌همدانی است .

شیخ ختلانی پس‌ازطی مراتب‌کمال درخدمت مرشدحقـانی خویش، دختر او را به زوجیت‌گرفته وبه دامادی پیرخود سرافرازگشت . مدت‌ارشاد شیخ ختلانی بالغ برچهل‌سال است .

خرقانی ابوالحسن ، علی‌بن‌جعفر.

(۳۴۸ ــ ۴۲۵ هق)

ازبزرگان مشایخ طریقت ، پدراو دهقان بود .

ابوالحسن ابتدا به تحصیل علـوم دینی همت‌گماشت ، ودرآن سرآمد عصر گردید . سپس به‌طریقت مایل‌شد ، و با مجاهدت وریاضت به‌کمال رسید ، گویند ابوسعید ابوالخیر یکباربه‌دیدار اورفت، و وی‌را به‌ولایت‌عهد خویش برگزید .

خواجه عبدالله‌انصاری .

(۳۹۶ ــ ۴۸۱ هق)

ابواسماعیل‌بن محمدانصاری هروی باشش‌واسطه به‌ابو ایوب انصاری صحابی می‌رسد . به‌شیخ‌الاسلام مشهور است،شعر فارسی و عربی نیکو می‌سرود ، در حفظ حدیث‌مشهوربود . درفقه پیرواحمدحنبل بوده‌ودرتصوف پیرو وجانشین‌ابوالحسن‌ــ خرقانی بود .

کتب معروف اوعبارت استاز :

«انس‌المرید » و «انوار التحقیق» و «شمس‌المجالس» و«مناجات‌نامه»است.

خواجه‌یوسف همدانی.

(وفات۵۳۵ ه ق)

ابویعقوب یوسف‌بن ایوب‌همدانی‌در طریقت ، شاگرد ابوعلی فارمدی طوسی بود .

وی پس‌ازطی‌مراحل علمی وعرفانی به‌مقام ارشاد رسید ، وبه‌ریاضت وعبادت وارشاد پرداخت . وی سرسلسلهٔ طریقهٔ خواجگان بود .

خوارزمی‌تبادگانی ، تاج‌الدین .

(قرن دهم و یازدهم)

شیخ تاج الدین حسین تبادکانـی خوارزمی ، دراوایل جوانی به‌ظاهردنیا مشغول بود، ولی‌درهرکاری ازاموردنیوی استقامتی شگرف داشت تا به مردی از اهل علم برخوردکرد ، ازحسن بیان و وسعت معلومات او به تحصیل علوم نایل شد و نزد وی بـه کسب فضایل ظاهری پرداخت .

معلم دانشمند به‌مدلول علم خویش عمل نداشت و این معنی باعث رنجش خاطرشیخ وروگردانی ازمعلم بی‌عمل‌شد ازآن رو دست ازتعلم ظاهری کشیدوروی به‌جانب‌خداکرده به‌عبادت وزهد مشغول شد . وپس‌ازمدتی به شرف صحبت شیخ‌ــ عمادالدین فضل‌الله مشهدی نایل آمد . شیخ اورا به‌درك خدمت مقتدای اعظم‌به اخذ خرقه‌وتلقین ذکر وکسب‌آداب‌سلوك طریق‌معرفت توفیق‌یافت ولی‌به‌دست‌مولاناــ شیخ‌غلامعلی نیشابوری‌به‌مرتبهٔ‌کمال‌وصال نایل‌شد ودختر شیخ‌نیشابوری را به زنی گرفت‌وپس‌ازشیخ برجای اوبرمسندخلافت قرارگرفت .

شیخ در تبادکان رحلت‌یافته ودر آن‌جامدفون شده است .

داراشکوه ، محمدبن شاهجهان .

(۱۰۲۴ ــ ۱۰۶۹ه ق)

برای تصرف تاج وتخت جنگید ،

ومغلوب گردید و به‌اتهام زندقه محاکمه و اعدام شد.

داراشکوه مردی عالم ومتقی بود. ازمؤلفات اودرعرفان اسلامی، «سفینة‌الاولیاء»، «سکینة‌الاولیاء»، «حق نما» و«حسنات العارفین»، و در عرفان هند «مجمع‌البحرین»، «سرالاسرار» یا «سر اکبر» است. دیوان‌شعری به‌نام «اکسیر اعظم» ازوی، به‌جا مانده است.

درویش‌شیرازی، محمدهاشم.
(۱۱۰۹-۱۱۹۹هق)

آقامحمد هاشم بن میرزا سمیعا، مجذوب سالك ومقتدای عارفان بود. وی در اوان کودکی ازپدر یتیم مانده و تا رسیدن به‌سن بلوغ به تحصیل کمالات ظاهراشتغال داشته است. دراوایل‌شباب به‌شغل‌استیفاء مشغول شد ومدتی بعد به وزارت فارس رسید وبردیوان استیفاء ریاست یافت. سال‌ها بعد آقا کم‌کم از امور دنیاکناره‌گیری کرد و درشیراز در مدرسهٔ نظامیه اقامت گزید وگاهگاهی از صحبت‌وخدمت‌میرزااحمد نسابه برخوردار می‌شد.

وی‌درسال ۱۱۵۸ هجری به‌شرف‌زیارت سیدقطب‌الدین محمدنیریزی رسید و از دستش خرقه پوشید وبه‌دامادی وی نیز مفتخرشد. آقا ۶۱ساله بودکه به امر مرشد خویش، اساس‌ارشاد بنیاد نهاد و آخر عمربه‌هدایت خلایق اشتغال داشت. مقبرهٔوی‌دربقعهٔحافظیه بالای‌مزارخواجه حافظ شیرازی، درقسمت شمالی است.

ذکایی، مصطفی افندی.
(فوت۱۲۲۷ ه ق)

ازمشایخ شعبانیه وازشعرای متأخر عثمانی‌که دراسکدار متولدشد. وپس‌از فراگرفتن‌مقدمات‌علوم‌به‌سیاحت پرداخت ودرخدمت شیخ حسن‌افندی خرقه‌پوشید. ذکایی دیوانی شامل اشعار صوفیانه دارد.

ذوالریاستین، حاج میرزا عبدالحسین.
(۱۲۹۰-۱۳۳۲ه ق)

ملقب به‌مونس‌علی شاه ومتخلص‌به مونس‌بن علی‌ذوالریاستین وفاعلی شاه‌بن آقامحمد منورعلی‌شاه، پیشوای فرقه‌ای از سلسلهٔ نعمة‌اللهیه، که در۷ سالگی به مدرسه رفت، ودر۹سالگی نزدسیدمحمد نبی‌کرمانی به‌تحصیل‌پرداخت. مقدمات فارسی وعربی وصرف‌ونحووفقه و اصول را ازاو فراگرفت، وبیان ومنطق‌را از حکیم‌نصرالله درمدرسهٔ منصوریه، حکمت ریاضی وبخشی‌ازهیئت، حساب، فیزیك وشیمی وجبررا نزد میرزاعبدالله رحمت نوادهٔ وصال، وحکمت‌الهی‌را از میرزا آقای جهرمی‌ومحمدهادی شاگرد حکیم مزبور وشرح فصوص‌الحکم وغیره را از حسین‌سبزواری مکاسب وطهارت وریاضی را ازشیخ محمدباقر اصطهباناتی و حاج شیخ‌عبدالنبی شیرازی، وعلم‌تفسیر ولمعه وبیشتر تعلیمات دینی‌را نزد علی وپا علی‌شاه وشیخ‌جعفر محلاتی آموخت، مدتی‌نزدپدربه‌مجاهده‌وسیروسلوك‌پرداخت.

وی دربدو نهضت‌مشروطه به‌تأسیس انجمن‌های اسلامی وانصار پرداخت، و سپس به تأسیس مدرسهٔ مسعودیه ایجاد مطبعهٔ پارس، و انتشار روزنامهٔ **احیا** اقدام‌کرد.

ذوالریاستین‌پس‌ازفوت سیداسماعیل اجاق صادقعلی‌شاه کرمانشاهی‌که جانشین پدرش بودبه پیشوایی‌سلسله رسید.

ذوالنون، ثوبان‌بن ابراهیم.
(فوت۲۴۵ه ق)

ملقب به‌ابوالفیض ازمردم نوبه‌بود. وی‌یکی ازعارفان به‌نام، وبافصاحت و حکمت به‌شمار می‌رود. اورا به زندقه متهم‌کردند، متوکل عباسی وی‌را احضار کرد وکلام‌او بشنید، سپس‌وی‌را رها کرد، واو به‌مصر بازگشت، و همان‌جا درگذشت.

رازی، نجم‌الدین.

نجم‌الدین رازی‌را به‌بینید.

رحمت‌علی‌شاه، حاج زین‌العابدین.
(فوت۱۲۷۸ ه ق)

ازبزرگان سلسلهٔ نعمة‌اللهیه، در علوم ظاهری وباطنی‌مقامی ارجمندداشت و به‌دلالت زین‌العابدین شروانی دست ارادت به‌مجذوب علی‌شاه داد، وپس از شروانی مقتدای درویشان نعمة‌اللهی گردید. وی ازجانب محمدشاه‌لقب‌نایب‌الصدریافت، و وظایف فارس دراختیار اوگذاشته شد.

رضی‌الدین، ابن‌عبدالرحمن.
(فوت۱۰۴۱ه ق)

ازمتصوفه که‌عده‌ای ازکتب‌رامختصر کرد. رساله‌ای درترجمهٔ شیخ‌اکبر به‌نام «شذرة ذهب» دارد.

رودباری، شیخ‌ابوعلی.
(فوت۳۳۲ هق)

احمدبن محمد، ازکبار مشایخ و شعرا وعلمای‌صوفیه است. ابتدای‌حالش ازبرکت سخن جنیدبود وکمالش نیز به دست وی میسر شد، وهم به‌جای وی بر مسندارشادنشست. شیخ ازبزرگزادگان بوده ونسبش‌به‌کسری میرسد.

روزبهان، مصری.
(قرن۶ ه)

عارف‌معروف به‌شیخ‌کبیر، که‌کازرونی‌الاصل بوده، ولی درمصر اقامت داشته است. نجم‌الدین کبری به‌صحبت‌وی‌رسیده است.

روزبهان، ابومحمدبن ابونصر.
(۵۲۲-۶۰۶ه ق)

عارف‌بزرگ مشهور به‌شیخ شطاح، که‌زندگی اوبیشتر درشیراز به‌مجاهده و وعظ وتذکیر گذشت. اودرعلوم قرآنی و تفسیر وحدیث و فقه و عرفان تبحر یافت، ومدت ۵۰سال درجامع‌عتیق‌شیراز موعظه‌کرد. آرامگاه‌اودرمحلهٔ «بالاکفت» شیراز است. ازآثار اودرتفسیر: «لطائف البیان فی‌تفسیرالقرآن» میباشد.

زاهدگیلانی، تاج‌الدین‌ابراهیم
(۶۱۵-۷۰۰ه ق)

ازعارفان به‌نام ایران، مرید سعید جمال‌الدین‌بود، وازطرف اورتبهٔ ارشاد یافت غالب‌اوقات‌شیخ‌زاهددرگیلان گذشته است. وی سفری به‌شروان وبعضی نقاط آذربایجان‌کرد. وی در اواخرعمر در **سورمرده** (ازنواحی گشتاسفی شروان) می‌زیست، و همانجا درگذشت. جنازهٔ اورا به‌گیلان بردند. درمحل مقبرهٔ او اختلاف‌است. مشهور آن‌است، که وی‌در قریهٔ شیخانور(لاهیجان)که بقعه‌ای عالی دارد مدفون است. ولی برخی احتمال می‌دهند، که آنجا خانقاه شیخ بوده است.

زراوندی، حاتم
(۱۰۱۳-۱۰۵۷ ه ق)

شیخ‌حاتم‌زراوندی خراسانی‌خواهرزادهٔ شیخ درویش محمد، دراندك مدتی به‌ارشاد نشسته است.

درسن هیجده‌سالگی به‌خدمت شیخ درویش محمد آمده و با آداب و رسوم طریقت به‌سلوك درسبیل الهی مشغول شد وبه‌اخذتلقین ذکروخرقه‌ازدایی‌خودفائض گردید. وی‌به‌سمت‌دامادی‌دایی‌خود نیز افتخار یافت وپس ازوی برمسند ارشاد متمکن‌شد. شیخ‌حاتم‌درمشهد رحلت‌کرده

ودر آنجا مدفون است .

زکریا ، مولتانی .

(فوت ۵۶۵ ه ق)

مشهور به بهاء الحق ، پیشوای طریقهٔ سهروردی .

در بغداد، به حلقهٔ ارادت شیخ شهاب‌الدین سهروردی درآمد ، وبعدها خلیفهٔ او گردید . زکریا در مولتان اقامت گزید ودر آنجا آرامگاهی مجلل برای خود ساخت ، وی در جنوب غربی پنجاب و سند شهرتی عظیم کسب کرد .

زین‌الدین ، طاهر بن مظفر بن محمد .

(قرن ۸ ه ق)

دانشمند وعارف معروف ، به دانش وپرهیزکاری متصف بود، و به تدریس اشتغال داشت. سالیان درازمردم را در راه خدا موعظه می‌کرد . اورا مجموعه‌هایی است در تفسیر وحدیث وفقه وتصوف وتاریخ ، و دارای اجازه‌نامه‌هایی عالی ازپدرش بود شبی براثر تیری درگذشت .

زین‌الدین خوافی.

(فوت ۸۳۸ ه‌ق)

ازعرفا ومشایخ خراسان که یک‌چند درمصر وعراق به‌خدمت مشایخ اشتغال داشته واواخر عمردر خراسان میزیسته است . دریک وبای عام فوت کرده و قبر وی درعیدگاه هرات زیارتگاه معتبری شده است. وی در نزدیک هرات صاحب محراب بوده ومریدان بسیارداشته است .

زین‌العابدین ، شروانی .

(فوت ۱۲۵۳ ه ق)

ملقب به مست علی شاه ، از سلسلهٔ نعمةاللهیه است . او پس ازمجذوب علی شاه به ارشاد درویشان پرداخته است . ازتألیفات او «بستان‌السیاحه» وریاض‌السیاحه وحدائق‌السیاحه را میتوان نام برد .

سری سقطی.

(فوت ۲۵۱ ه ق)

شیخ ابوالحسن ، سری بن المفلس السقطی ، ازکبار مشایخ است ، که در حلاجی کلمات عرفان دستی قوی داشت ، گویند که در بغداد سخن تصوف نخست او گفت .

سعادتعلی‌شاه.

(فوت ۱۱۹۳ ه ق)

پیشوای فرقه‌ای از نعمةاللهیه ، که مرید رحمتعلی‌شاه بود . پس ازاو برمسند ارشاد نشست ، درحدود ۱۲۸۱ ه ق . سفری به خراسان رفت ، وسپس از مولد خود (اصفهان) مجبور به مهاجرت شد، و در تهران اقامت گزید. درسال ۱۲۸۹ ه ق به مکه ومدینه مشرف گردید درسال ۱۲۹۰ به نجف وکربلا رفت ، وازآنجا به تهران بازگشت. در ۱۲۷۰ ه ق ، سلطان محمد گنابادی (سلطانعلیشاه) به حلقهٔ ارادت وی درآمد . جسد اورا درزاویهٔ حرم حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند.

سعدالدین کاشغری .

(فوت ۸۶۰ ه ق)

ازمشایخ معروف طریقهٔ نقشبندیه ، که ابتدا به کسب علوم مشغول بودوچندی بعد به تصوف گرایید ، در هرات مریدان بسیارداشت وعبدالرحمن جامی مرید و شاگرد وی بود .

سلطان‌المشایخ.شیرازی،

سیدعبدالنبی را به بینید .

سلطانعلیشاه ، گنابادی .

(۱۲۵۱ – ۱۳۲۷ ه ق)



مؤسس سلسلهٔ گنابادی، که ازکودکی درداما مادر وتحت مراقبت برادر بزرگتر خود نشوونما یافت ، و از ۶ سالگی به تحصیلات مقدماتی پرداخت . سپس درمشهد به آموختن فقه ، تفسیر و حدیث مشغول شد ، و آنگاه به سبزوار رفت. مدتی درمحضر درس حاج ملاهادی سبزواری به تحصیل حکمت پرداخت . وی چون به دیدارسعادتعلیشاه اصفهانی نایل آمد . ترک علوم ورسوم ظاهر کرد ، و درپی او به اصفهان شتافت، وبه هدایت وی وارد طریقت شد ، وازدست اوخرقهٔ ارشاد پوشید . پس از مراجعت به «بیدخت» ، به رهبری ودستگیری خلق پرداخت. سپس سفری به مکه رفت . وی باوجود مخالفت ظاهریان ، گروه بسیاری را تربیت کرد. سلسلهٔ گنابادی به دست اوتأسیس شده است .

وی درسن ۷۶ سالگی ، هنگام سحر که برای وضو برلب جوی آبسرای خود رفته بود . به تحریک دشمنان به دست چند تن ازاشرار هلاک گردید ، ودرتپهٔ مجاور بیدخت به خاک سپرده شد. وی تألیفات زیادی دارد .

سلطان ولد، بهاءالدین محمد .

(۶۹۳ – ۷۱۲ ه ق)

پسرجلال‌الدین رومی و از مشایخ سلسلهٔ مولویه بود،درقونیه ودمشق تحصیل کرده وصحبت صلاح‌الدین زرکوب، شمس‌تبریزی، وحسام‌الدین چلبی رادرک کرد. درزمان حیات پدر مسند تدریس داشت بعد ازفوت پدر ووفات حسام‌الدین عنوان شیخی وخلافت مولویه به وی تعلق یافت ونزدیک ۳۰ سال صاحب این مقام بود . سه مثنوی ازاو باقی است که معروفترین آنها مثنوی **ولد** یا **ولدنامه** در تفسیر معانی عرض است که به چاپ رسیده ، وی اشعاری نیز به ترکی دارد. اورا درتربت پدرش مولوی دفن کردند .

سلمی ، محمدبن حسین .

(۳۲۵ – ۴۱۲ ه ق)

صوفی وعارف مشهور ، که صاحب احوال ومقامات بود . کتابی به نام «طبقات‌الصوفیه» تألیف کرده که اصلش از بین رفته ولی خواجه عبدالله انصاری مضامین آنرا درهرات به هنگام وعظ املاء کرده و به نام «طبقات انصاری» معروف است ودر افغانستان به چاپ رسیده . آثاردیگرش ، آداب‌الصحبه ، اربعین، و رسالةالملامتیه است . وفاتش درنیشابور اتفاق افتاد .

سمنانی ، علاءالدوله .

(۶۵۹ – ۷۳۶ ه ق)

شیخ رکن‌الدین، علاءالدوله سمنانی ازملوک سمنان است .

گویندوی بزرگی بود به صفت ابراهیم ادهم ، ودرتربیت مریدان بی‌نظیر . شیخ درسمنان متولدشد وبعدازتحصیل مقدمات درپانزده سالگی به خدمت سلطان غازان‌خان مغول درآمد، در ۲۹ سالگی در بغداد به صحبت وخدمت شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفراینی فائض شد . وازسال ۷۲۰ به ارشاد اشتغال داشت. وی دربرج احرار صوفی‌آباد سمنان رحلت نمود ودرحظیرهٔ عمادالدین عبدالوهاب مدفون شده‌است.

سیدالطایفه.

جنیدبغدادی را به بینید .

سیف‌الدین باخرزی ، ابوالمعالی.

(۵۶۷ – ۶۵۹ ه ق)

مشهور به شیخ عالم ، عارف وصوفی

مشهور مذهب حنفی، که درباخرز به‌دنیا آمد ودرهرات به تصوف گرایید . وی مرید نجم‌الدین کبری بود واز دست او خرقه پوشید . سلاطین‌وامرای مغول‌غالباً باوی به حرمت رفتار می‌کردند .

سیف‌الدین رباعیات فارسی‌خوب سروده‌ازآثار اورساله‌ای فارسی درمعنی عشق«شرح‌اسماءالحسنی»و«رسالة وصیة‌ـ السفر» به‌عربی‌را می‌توان‌نام برد.

سهروردی، ابوالنجیب.
(۴۹۰ ـ ۵۶۳ ه ق)

ازمشایخ بزرگ صوفیه‌وازمریدان احمد غزالی است در نظامیهٔ بغداد به تحصیل فقه واصول پرداخت وازمحدثین مهم‌عصر حدیث‌آموخت اماغالباً به‌عزلت و عبادت اشتغال داشت مصنفات بسیار بدو نسبت داده‌اند ، طریقهٔ سهروردیه به‌وی وبرادرزاده‌اش شهاب‌الدین‌منسوب است .

سهروردی ، شهاب‌الدین .
(۵۳۹ ـ ۶۳۲ ه ق)

ازمشایخ معروف‌صوفیه که‌درسهرورد زنجان به‌دنیاآمد ودربغداد نزد عموی خویش ابوالنجیب سهروردی‌تربیت‌شد و به‌تحصیل فقه و حدیث پرداخت ، شیخ خرقه واستاد اوعمویش‌بود .

شهاب‌الدین دربغداد شهرت‌فوق ـ العاده یافت وغالباً مجالس‌وعظ او محل ازدحام عام‌بود . وی‌هم فقیه وصاحب‌فتوی وهم‌شاعر وعارف بود .

سعدی دربوستان ازوی به‌تعظیم‌یاد می‌کند . ازجملهٔ آثار او رشف‌النصایح ، عوارف‌المعارف ، را می‌توان نام‌برد ، شهاب‌الدین ازتندرویها وگزافه‌گوییهای متداول بعضی ازصوفیان اباداشته است .

سید الاصفیاء .
شیرازی ، مجدالاشراف‌را به‌بینید .

شاذلی ، علی‌بن عبدالله .
(۵۹۱ ـ ۶۵۶ ه ق)

معروف به‌ابوالحسن پیشوای صوفیهٔ شاذلیه پس‌از تکمیل‌علوم شرعی‌درتونس به‌ارشاد پرداخت ، وسپس به‌اسکندریه رفت‌وتاپایان عمردرآنجا اقامت‌کرد در آخرین‌سفرخودبه‌مکه ، درصحرای‌عیذاب درموضع‌موسوم به‌حمیثره درگذشت‌وهمان جامدفون‌شدوقبراوزیارتگاه‌عمومی‌است.

شاطبی ، محمدبن سلیمان .
(۵۸۵ ـ ۶۷۲ ه ق)

مشهور به‌ابن ابی‌الربیع‌عارف‌مشهور درشاطبه‌متولد ودراسکندریه درگذشت، وی قرآن‌را باقرآآت سبعه می‌خواند . شاطبی معروف به‌زهد وتقوی‌بود .

شاه‌نعمت‌الله ولی ، امیرسیدنورالدین.
(۷۳۰ ـ ۸۲۷ ه ق)

پسرسید عبدالله‌کرمانی ماهانی، از اکابرعرفا واعاظم مشایخ شیعه و پیشوای اهل سلوک است. او پس‌ازکسب علوم مقدماتی‌وبلاغت واصول‌فقه به‌مکه‌عزیمت



کرد و سال‌ها به ریاضت وتزکیهٔ نفس مشغول‌بود وبه‌دست شیخ عبدالله شافعی خرقه‌پوشید . چندی دریزد ساکن شد و سرانجام‌درقصبهٔ‌ماهان‌کرمان اقامت‌گزید درتصوف مؤسس سلسلهٔ‌معروف‌نعمت‌اللهی است وفاتش در زمان شاهرخ پسرامیرـ تیمور گورکان ، درقصبهٔ ماهان‌کرمان اتفاق افتاد ودرهمانجا مدفون گردیده است .

شبستری ، شیخ سعدالدین محمود.
(فوت ۷۲۰ ه ق)

ازبزرگان عرفا ومشاهیر مشایخ‌است که درزمان‌اولجایتو درتبریز می‌زیسته‌و مرجع خاص وعام‌بوده است .

شبستری درجواب سؤالات‌میرحسینی سادات‌هروی‌عارف‌خراسانی مثنوی‌گلشن رازرا به‌نظم درآورد . ازآثار وی‌علاوه برگلشن‌راز میتوان‌سعادت‌نامه ومرآت‌ـ المحققین‌را نام برد .

شبلی ، ابوبکر دلف‌بن‌جحدر .
(۲۴۷ ـ ۳۳۴ ه ق)

اصل‌وی ازاسروشنهٔ‌خراسان‌وپدرش حاجب‌بزرگ خلیفهٔ عباسی وخودوی‌نیز حاجب‌موفق بوده‌است . زمانی هم‌حکومت دماوندداشته وعاقبت درمجلس خیرنساج ازبزرگان صوفیه توبه کرده و مصاحب جنید بغدادی شده است . شبلی غیر از صنایع وعقار، شصت‌هزار دیناری از پدر به‌ارث برد که‌همه‌رادر راه‌خدا انفاق‌کرد ظاهراً ازشدت مجاهدت واعمال خارق ـ العاده مردم وی را دیوانه پنداشته و به‌تکراراورا به‌تیمارستان برده‌اند . او ۸۷ سال‌عمرکرد کالبد اورا دربغداد در مقبرهٔ خیزران به‌خاک سپرده‌اند .کلمات وعبارات‌عارفانهٔ‌اوفراوان ودرغالب کتب صوفیه به‌آنها استناد جسته‌اند .

سعدالدین حمویه ، محمدبن مؤید .
(فوت ۶۵۰ ه ق)

ازمریدان وخلیفهٔ نجم‌الدین کبری، که‌ابتدادردمشق وسپس‌درخراسان‌اقامت گزید .

وی مؤلف‌کتب محبوب ، سجنجل ـ الارواح وچندکتاب دیگر است .

شقیق بلخی، ابوعلی‌بن ابراهیم.
(مقتول۱۹۴ ه ق)

ازاهالی بلخ بوده وگویند نخستین کسی است‌که درخراسان در علم طریقت وباطن صحبت‌کرده‌است . وی‌نزدقاضی‌ـ ابویوسف فقه‌آموخت وبیست‌سال در فهم قرآن روزگار به‌سربرده است .

وی استادحاتم‌اصم ومصاحب‌ابراهیم‌ـ ابن ادهم‌بود . دراثنای‌سفر مکه‌دربغداد بنا به‌درخواست هارون‌خلیفهٔ عباسی‌بااو ملاقات‌کرده‌است . آثاراودرکتب صوفیه به‌تفصیل آمده‌ومورد استناد محققین‌اهل فن میباشد.وی‌درجنگ‌باترکان درکولان یاواسجرد ازبلاد ماوراءالنهر به قتل رسیده است .

شمس تبریزی ، محمدبن علی .
(۵۸۲ ـ ۶۴۵ ه ق)

عارف معروف ازمردم تبریز بود. شمس به‌گفتهٔ خود جملهٔ ولایت‌هارا از ابوبکر زنبیل باف یافته است . وی در اقطار مختلف به‌سیاحت پرداخت و به خدمت چندتن ازابدال‌واقطاب‌رسیدشمس گاهی درضمن سیروسلوک مکتب داری می‌کرد واجرت نمی‌گرفت وی در اثنای سیاحت ازشیخ اوحدالدین کرمانی‌دیدار کرد .

شمس‌الدین به‌حدود ظاهر بی‌اعتنا

وبه‌رسوم‌پشت‌پازده‌بود . وی‌در۲۶ سالگی جمادی‌الآخر سال۶۴۲ به‌قونیه رسید . دربارهٔ برخورد مولوی بدو روایات مختلف است ، به‌هرحال مولوی مجذوب او گردید وازسرمجلس‌درس وبحث ووعظ درگذشت . مردم قونیه شمس را ساحر خواندندوی‌رنجیده‌خاطر گشت‌وبرفت‌مولا نامه‌به‌طلب‌اوفرستادوبه‌قدم جد ایستاد تا خبریافت که‌دردمشق‌است نامه‌های‌متواتر فرستاد وفرزند خودرابا ۲۰ تن به‌دنبال او روانهٔ‌دمشق‌کرد، شمس خواهش‌مولانا پذیرفت و عازم قونیه گردید . خاطر مولانا شکفته‌گردید وچندی با اوصحبت داشت‌بازمردم قونیه به‌خشم آمدند وبد-گویی‌شمس آغازکردند . مولانارادیوانه وشمس‌راجادوگر خواندند ازین‌روشمس دل ازقونیه برکند ومولانا دوسال درطلب شمس بود ودوبار به‌دمشق سفرکرد ولی اثری ازاوپیدا نشد وسرانجام کارش‌پیدا نیست.سال‌غیبتش‌را ۶۴۵ دانسته‌اند.

شمس‌العرفا ، سیدحسین حسینی .

(۱۲۸۸ ـ ۱۳۵۳ ه ق)

درتهران متولد شده در عنفوان جوانی به تحصیل علوم شریعت پرداخته دوران تحصیلی‌خودمرید شیخ‌عبدالقدوس-کرمانشاهی شده‌ودرنتیجه به‌منصب‌هدایت وارشاد نایل‌گردید پس ازوفات مرشد خود به‌عتبات رفته به‌ملاقات شیخ‌عبد-الکریم عریان‌شیرازی نایل‌آمد سپس به ایران مراجعت‌نمود وبسیاری از نقاط ایران‌را سیاحت نمود وازطریق مشهدبه روسیه رفته‌وازراه تبریز به‌تهران‌بازگشت درتهران وفات یافت.

خانقاهش درجنب سقاخانهٔ‌نوروزخان مسجدشاه تهران و ازآثار معروف او : رساله‌ای به‌نام «شمسیه» درسیرو سلوك است . جنازهٔ اورا در امام زاده عبدالله دفن‌کردند .

شیخ‌الاسلام .

خواجه عبدالله انصاری‌را به‌بینید،

شیخ‌تاج‌الدین .

خوارزمی تبادکانی‌را به‌بینید .

شیخ شطاح.

روزبهان ، ابومحمدبن ابونصر را به‌بینید .

شیخ صنعان.

ابن‌سقارا به‌بینید .

شیخ عالم.

سیف‌الدین باخرزی‌را به‌بینود .

شیخ کبیر.

روزبهان مصری‌را به‌بینید .

شیخ مرشد.

ابواسحق‌را به‌بینید .

شیرازی ، سیدابوالقاسم .

(۱۲۰۲ ـ ۱۲۸۶ ه ق)

برهان الاولیاء ، آقا میرزا بابا ابوالقاسم‌بن عبدالنبی حسینی‌شیرازی ، درشیراز متولدشد . فقه واصول وتفسیر قرآن‌را نزدشیخ محمد حسن قزوینی و سایر علوم‌را ازمحضراساتید دیگراستفاده کرد.پس از مدتی به‌خدمت آقامحمد کازرونی ساکن‌شیراز که ازمریدان آقا محمد هاشم درویش‌بود فیض‌یافت وآقا محمد او را به حضور سلطان‌الاولیاء که پدرخودآقامیرزا بابا بود هدایت‌کرد. آقا پس ازسال‌ها ، سربرآستانهٔ مرشد حقانی‌خویش نهاد وآنچه‌دربیرون می‌جست دراندرون خانهٔ‌خویش یافت . وی‌پس‌از رحلت‌پدروپیر خود برجای وی برمسند تمکین ولایت مستقرگردید . وی به‌سال ۱۲۸۶ که مرض وبا درایران‌شیوع‌داشت به‌سوی شیراز عزیمت‌کرد و در محل مورچه‌خورت اصفهان به‌انقلاب حال‌در-افتاد وزندگی‌را بدرودگفت .

جسدوی درایوان طلای‌ناصری‌مشهد مدفون است . آقاکتب ورسایل بسیاری ازنظم ونثردرفضایل خاندان‌پیغمبر و مطالب معرفت‌وولایت تألیف‌کرد .

شیرازی ، سیدعبدالنبی .

(حدود ۱۱۵۰ ـ ۱۲۳۱ ه‌ق)

سلطان‌المشایخ ، آقامیرزا عبد-النبی بن‌ابوالقاسم حسینی‌شریفی‌شیرازی سلطان اولیاءکبار و مفخرعرفاء نامدار بود. وی‌به‌سال ۱۱۷۱ خدمت آقاهاشم‌را درك‌کرده ، به‌کسب آداب‌طریقت و اخذ خرقهٔ اهل‌حقیقت ازدست وی‌توفیق یافت وبه‌دامادی وی‌نیز مفتخر گردید .

سلطان‌المشایخ پس از مرگ پدر مدت هفتادسال تولیت بقعهٔ مبارکهٔ شاه چراغ‌بود .

جسدسیدعبدالنبی درحافظیهٔ‌شیراز سمت‌شرقی ، نزدیك مزار حافظ مدفون است .

شیرازی ، مجدالاشراف ،

(۱۲۴۶ ـ ۱۳۳۱ ه ق)

سیدالاصفیاء ، مولانا جلال‌الدین محمدبن ابوالقاسم شیرازی ، از مفاخر زمان و مرشد یکه‌تازمیدان ولایت و عرفان‌بود .

وی‌درشیراز متولد شد، وازکودکی به‌تحصیل ادبیات پرداخته ، ریاضیات را ازحکیم باشی فسایی وسایر علوم را از محضرپدر استفاده برد .

مجدالاشراف به‌امر پیروپدر خود غسل‌توبه‌بجاآورده واخذتلقین‌ذکرنموده وبه‌کسب‌خرقه ازدست‌مرشد خویش‌توفیق یافت وسرانجام به‌مرتبهٔ ارشاد رسیدوبه جانشینی پدرمستقرگردید .

وی مدت ۴۵ سال به‌ارشادپرداخت وسرانجام در حال اشتغال به‌روزهٔ‌سه‌ماهه هنگام استحمام درحمام به زمین افتاده جراحتی‌به‌پایش رسید که‌بهبودکامل‌نیافت وچندی بعد بدرودحیات‌گفت .

مرقدآقای مجدالاشراف در ایوان شاهچراغ، جنب‌حرم مقدس ، روبه‌مشرق واقع‌است . وی درتألیف‌کتب ، معرفت‌و تنظیم اشعار بی‌نظیر بودوچندین قصیده وغزل وتعدادی‌کتب عرفانی ازاوبرجای مانده است .

صادق‌خان.

(فوت ۱۰۰۶ ه ق)

یکی ازمشایخ‌معروف هندوستان‌که مرشد اکبرشاه پادشاه هندوستان‌بود و مقبرهٔ اودرشهر اگره است .

صالح علیشاه،حاج محمدحسن.

دربیدخت‌گناباد تولد یافته و نزد اساتید آنجا به‌تحصیل فارسی و ادبیات پرداخت‌بعد‌نزدپدروجدخودکسب فضایل صوری‌ومعنوی نمود ومدتی‌نیزدراصفهان تلمذ نمود پس‌ازتحصیلات صوری‌نزدپدر علوم‌معنوی وروحی‌آموخت وبه‌ریاضیات مشغول‌گردیددرسال۱۳۲۹ق ازجانب‌پدر به‌صالح علیشاه ملقب‌گردید وپس‌ازفوت پدرجانشین وی شدتامرداد ۱۳۴۵ قطب سلسلهٔ گنابادی نعمت‌اللهی‌بود. ودرمرداد ماه یکهزارسیصدوچهل وپنج‌وفات‌یافت.

ازآثار او : پندصالح معروف‌است.

صدرالدین ، موسی‌بن شیخ صفی‌الدین .

(۷۰۴ ـ ۷۹۴ ه ق)

عارف معروف ایرانی‌که در سن ۱ سالگی جانشین پدرشد و تا ۵۰ سال به راهنمایی‌مریدان اشتغال داشت. به‌واسطهٔ توسعهٔ دایرهٔ نفوذشیخ دراردبیل، صدر-الدین موردسوءظن متنفذان اطراف‌واقع شد ، چنانکه ملك‌اشرف اورا به تبریز برد وقریب سه‌ماه درآن‌شهرتحت‌الحفظ

نگاه‌داشت و سپس اورا مرخص کرد .
صدرالدین ، قونیوی .
(فوت ۶۷۱ ه ق)
عارف ودانشمند معروف درعلوم ظاهری وباطنی‌فنون عقلی و نقلی دست داشت . ابن‌العربی بامادر اوازدواج کرد وصدرالدین‌را تربیت نمود واوازبزرگان شاگردان ابن‌العربی گردید ، وی‌مذهب شافعی داشت و بین‌او ونصیرالدین طوسی دربعضی مسایل حکمی مکاتباتی است . آثارزیادی ازاو به‌جا مانده است.
صفا ، قنبرعلی‌شاه .
(۱۲۱۲ - ۱۲۹۱ هق)
میرزا صفارا به‌بینید .
صفی‌علی شاه ، حاجی‌میرزا محمد حسن اصفهانی .
(۱۲۵۱ - ۱۳۱۶ ه ق)
عارف ایرانی ومؤسس فرقهٔ صفی - علیشاهی پس از آموختن مبادی علوم دربیست‌سالگی برای‌ملاقات «حاج‌میرزا کوچك رحمت‌علی‌شاه» به شیراز رفت و همراه‌وی مدتی درکرمان اقامت گزید پس‌ازرحلت حاج‌میرزا کوچك به‌هندوستان رفت وازآنجا به‌زیارت‌مکه شتافت‌وسپس به‌هندوستان‌مراجعت کرد. درطی این‌سفر کتاب «زبدةالاسرار» را به نظم درآورد سپس به‌ایران بازآمد ودرتهران مقیم‌شد وبه‌ارشاد سالکان پرداخت . درجوانی از مریدان رحمت علی‌شاه بود وپس‌ازوفات اومریدحاج آقامحمدشیرازی‌ملقب به‌منور- علی‌شاه گردید، یکی ازخواص مریدان‌او قطعهٔ‌زمینی به‌مقدار دوهزار ذرع به وی تقدیم‌کرد واو در آنجا خانقاهی وسیع بنا نمود وقریب۸ سال‌درآن به‌سربرد ، وپس‌ازوفات درهمان‌خانقاه‌مدفون گردید این‌خانقاه‌هنوز برقرار است (درخیابان خانقاه منشعب ازخیابان صفی‌علی‌شاه) . وی‌مردی داناوسخن سنج ونیك محضر و خوش صحبت بود وطبعی‌روان داشت . گروه بسیاری بدو ارادت می‌ورزیدند و هنوز پیروان او سلسلهٔ وی را محفوظ داشته‌اند .
صفی‌الدین اردبیلی ، ابوالفتح اسحاق.
(فوت۷۳۵ ه ق)
ازمردم اردبیل وازابتدا به امور دینی توجهی خاص داشت . وی درشیراز شیخ سعدی شاعرمعروف‌را دیدار کرد و معاشرتش پسند خاطروی نیفتاد .
همچنین به‌خدمت شیخ زاهد گیلانی رسید و ۲۲ سال یعنی تاپایان عمرشیخ در خدمتش به‌سربرد. پس‌ازفوت شیخ زاهد وی‌به‌مقام ارشاد رسید وپس‌از ۳۵ سال جای خودرا به‌پسرش صدرالدین داد.
شیخ صفی‌الدین اشعاری به لهجهٔ گیلانی وابیاتی به‌زبان‌فارسی‌سروده‌است. وی‌درتوسعهٔ‌سلسلهٔ‌تصوف‌خود بسیار کوشید ودرآذربایجان وگیلان ومغان و آسیای صغیرنفوذی بهمرسانید شیخ صفی‌بادختر شیخ زاهد ازدواج‌کرد ، وسلاطین‌صفوی ازاخلاف اوهستند . مقبرهٔ او دراردبیل است .
صلاح‌الدین زرکوب ، فریدون .
(فوت۶۵۷ ه ق)
ازعرفای بزرگ وازمردم قونیه است . درآغاز مرید برهان‌الدین محقق بود ودوستی وپیوستگی او به‌مولوی در بندگی‌وارادت برهان آغاز گردید .
روزی درشهرقونیه درمجلس تذکیر مولاناحاضر شد . مولانا شورهای عظیم می‌نمود وازسیدمعانی بی‌حد نقل میکرد شور وی درصلاح‌الدین اثر کرد نعره‌ای زد وبرخاست و برپای مولانا بوسه زد. صلاح‌الدین به‌مولانا ارادت می‌ورزید و مولاناهم عنایت ازوی دریغ نمی‌داشت . زمانی که‌مولانا ازدیدارشمس نومید گشت به تمامی‌دل‌وهمگی همت‌درصلاح‌الدین آورد واورا به‌شیخی‌وخلیفتی منصوب فرمود . صلاح‌الدین مردی‌امی بود ودر قونیه روزگار به‌شغل‌زرکوبی‌می گذرانید وحتی درست‌سخن‌نمی گفت . به‌این‌جهت‌مریدان سراز فرمان اوپیچیده به‌دشمنی صلاح - الدین برخاستند هرچه برارادت مولانا صلاح‌الدین افزوده می‌شد دشمنی یاران هم فزونی‌می‌گرفت . تا برآن شدند که صلاح‌الدین‌را ازمیانه بردارند این‌خبر به‌گوش‌صلاح‌الدین رسید، ناچارمریدان ازدر توبه درآمدند وعذرخواهان به‌نزد مولاناآمده ازگناه وقصد بدعذرخواستند پس ازده سال‌تمام‌صحبت مولانا وصلاح- الدین ، ناگهان‌صلاح‌الدین رنجور شد و به‌مرگ تن‌درداد.
وی‌زاهد ومتعبد بود و در رعایت دقیق شریعت نهایت مراقبت به عمل می‌آورد .
صلاح‌الدین ، صادق‌بن عبدالرحمن .
(۱۱۳۳ - ۱۲۰۵ ه ق)
عارف و رئیس فرقهٔ اخلاصیهٔ حلب ابوعبدالفتاح‌محمدبن‌حسین وابوالسادات طه‌بن‌مهناجبرینی وابوالعدل قاسم وابو- محمد عبدالکریم تحصیل کرد در سال ۱۱۴۴ هجری به‌حلب‌رفت وبارؤسای آن‌شهر ملاقات‌کرد وبه‌طریقهٔ خلوتیان پیوست‌و پس از فوت ابوعبدالله جمال الدین محمد ابن‌احمدبه‌جای‌او رئیس خلوتیان شد ودرتکیهٔ اخلاصیه نشست .
صهبا قمشه‌ای ، آقا محمدرضا .
(فوت ۱۳۰۶ ه ق)
دانشمندمدرس‌کتب عرفانی ازقمشهٔ اصفهان‌ومردی‌زیرك بود . حکمت‌وکلام رانزد حاجی‌محمد جعفرلاریجانی‌ومیرزا حسن‌نوری فراگرفت ودرعرفان شاگرد حاجی‌سیدرضی بود ازشاگردانش صفای اصفهانی شاعرمعروف است .
وی برسبیل تفنن اشعار عرفانی می‌سرود ، رسالات وآثاری‌چندازاو باقی مانده است .
ظهورعلی‌شاه ، اسدالله یزدی.
(فوت ۱۲۳۸ هق)
ازسادات حسینی ، اهل سیستان و ساکن‌یزدکه‌ازعرفای‌طریقت نعمت‌اللهیه است . درصحن‌امامزاده‌عبدالله (شهرری) مدفون گردیده است .
ظهیرالدوله ، علی‌بن محمد .
(۱۲۸۱ - ۱۳۴۲هق)
درشمیران متولد شد. درسال۱۲۹۶ وزیر تشریفات و ملقب به ظهیرالدوله گردید وسال‌بعدبه‌دامادی ناصرالدین‌شاه درآمد . درسال ۱۳۰۳ به صفی‌علیشاه پیوست وصفاعلیشاه‌ملقب شد وجانشین‌وی گردید (۱۳۱۶). درسال ۱۳۱۰ عهده- دار حکومت مازندران شد ولی براثر مجادله‌باآخوندها ناچار به‌استعفا گردید و به‌شغل پیشین بازگشت در سال ۱۳۲۴ به‌عنوان‌حاکم‌به‌همدان‌رفت.وانجمن‌فوائد عامه را تأسیس‌کرد باقحطی مبارزه‌نمود واولین انتخابات را در شهرستانها انجام داد .
وقتی مأمور سرکوبی سالارالدوله شد او را باملایمت وادار به‌تسلیم‌کرد و محترمانه به‌تهران‌فرستاد واز آن پس کرمانشاه نیز درقلمرو حکومت وی در آمد. درسال ۱۳۲۵ به‌تهران‌آمد وپس ازچندی‌به‌حکومت گیلان‌فرستاده شد.روز به‌توپ بستن مجلس خانه‌اش مورد غارت قرارگرفت.درسال۱۳۲۶ حاکم‌مازندران وسال‌بعد حاکم کرمانشاه‌شددرسال۱۳۳۳ سه‌بار حاکم تهران‌گشت . وی عرفان و


صفی‌علیشاه

درویشی را وارد مرحلهٔ تازه‌ای کرد و آنرا درخدمت اجتماع در آورد و مردم را به‌یاری مظلومین، ملکات اخلاقی و نشر فرهنگ فراخواند.

عبدالرزاق، ابن عبدالوهاب بن شیخ عبدالقادر. (۵۲۸-۶۰۳ ه ق)

عارف معروف و جانشین برادرش عبدالسلام و رئیس فرقهٔ قادریه بود.

عبدالسلام، ابن عبدالوهاب بن شیخ عبدالقادر. (فوت ۶۱۱ ه ق)

عارف‌معروف‌وجانشین‌پدرورئیس‌فرقهٔ‌قادریه.

عبدالسلام، دوست گیلانی. (قرن۲ ه ق)

فرزندعبدالقادربن‌صالح‌بین جنگی؛ دربغداد میزیست و از خاندان تصوف و زهد بود. چون‌به‌علم‌حکمت‌و فلسفه‌رغبت داشت بیشتر همت خویش بر تکمیل آن گماشت وکتابخانه‌ای ازعلوم عقلی‌فراهم کرد وشهرت کامل یافت.

به‌عهداوناصرالدین‌الله عباسی‌خلافت میکرد وجماعتی ازدشمنان برشهرت وی حسدبردند وبه‌الحادش منسوب داشتند و کتابخانهٔ اوراتفتیش‌کرده آنچه درعلوم عقلی بودبه‌بغدادبردند ودر حضور مردم سوختند وخود عبدالسلام را نیز به‌زندان افکندند.

اما چیزی نگذشت که دشمنان وی ازملامت مردم بستوه‌آمدند و ازکردهٔ خویش پشیمان‌شده عبدالسلام‌را اززندان رها ساختند (درتاریخ‌چهاردهم‌ربیع‌الاول سال۵۸۹ هجری)وهرچه‌ازکتب‌اومانده‌بود بازدادند.

عبدالقادرگیلانی،محیی‌الدین. (۴۷۱-۵۶۱ ه ق)

عارف بزرگ که‌نسب خرقهٔ او باپنج واسطه به ابوبکر شبلی میرسد. وی از بزرگان‌صوفیه‌ومؤسس‌مذهب قادریه‌است. وی علوم عربی‌را نزدابوزکریای‌تبریزی وفقه واصول را دربغداد آموخت فتاوای اوموافق هردومذهب شافعی وحنبلی‌است ازآثاراوست: ملفوظات‌قادریه،ملفوظات‌گیلانی ،طریق‌الحق، فتوح‌الغیب‌وچندین اثر دیگر.

عبدعلیشاه، محمد حسن. (فوت ۱۳۰۲ ه ق)

ازمریدان رحمتعلی شاه ومجاز از مستعلیشاه است.

عبدالوهاب، ابن‌عبدالقادر گیلانی. (۵۵۲ - ۵۹۳ ه ق)

رئیس فرقهٔ‌قادریه ، جانشین شیخ‌عبدالقادر.

علاءالدوله سمنانی، رکن‌الدین احمد. (۶۵۹-۷۳۶ ه ق)

معروف به ابوالمکارم ، پس ازکسب علم‌ودانش درخدمت‌یکی ازخانهای‌مغول بودکه ناگهان به‌تصوف‌وانزوا گرایید و خرقهٔ تصوف را از شهاب‌الدین ابوحفض گرفته وبه‌بغداد رفت. بیشتر عمروی در خانقاه‌سکاک‌سمنان‌به‌ارشاد وعبادت‌وانزوا گذشت.

ثروتش راوقف صوفیه وفقرا کرد. قریب ۲۷۰ چله درخانقاه به‌جای‌آورد. مدفنش درصوفی‌آباد سمنان است.

عدی، ابن مسافراموی. (فوت ۵۵۷ ه ق)

ازمشایخ‌معروف، مؤسس فرقهٔ‌عدویه که‌بعدها به‌نام یزیدیه خوانده شدند،وی درقریهٔ بیت قار ازبلوك بعلبك درسوریه متولد شد ودرکوهستان هکاریه از توابع موصل‌سکونت گزید. او درسنی‌قریب ۹۰ سالگی درگذشت‌ودرزاویهٔ خود درهکاریه مدفون گردید.

عدی قسمتی ازعمرخود رابه‌ریاضت ومجاهده گذرانیدسپس‌اززاویهٔ‌خودبیرون آمدوبارشادوهدایت‌خلق‌پرداخت. درآن زمان عادات لعن وسب دربین مردم‌شیوع داشت. شیخ عدی دستورداد‌لعن‌رامطلقاً ترك‌کنند حتی لعن بر ابلیس. پس‌از وفات شیخ، این عقیده به‌جایی رسید که شیطان را شریك خدا در خلق انسان میدانستند.

علی، ابن‌صدرالدین. (فوت ۸۳۰ ه ق)

عارف‌معروف‌ودومین‌جانشین‌شیخ‌صفی‌الدین است‌وپس ازفوت‌پدرش صدرالدین جانشین اوگردید و به‌سرپرستی‌مریدان مشغول شد، به‌زبان فارسی شعر میسرود ومقداری ازاشعاراودرسلسلة‌النسب‌آمده، قبر اودر فلسطین به‌مدفن‌شیخ علی‌عجمی معروف است.

علی‌ثانی.

همدانی ، سیدعلی را به‌بینید.

علیشیر نوایی (امیر). (۸۴۴-۹۰۶ ه ق)

درهرات متولد شده وهم درآن‌شهر وفات یافته ومدفون‌گشته است.

زندگانی سیاسی‌وی درآن سرزمین ودرآن‌دورهٔ‌پرآشوب‌استثنائاً قرین‌سکون وآرامش است ودوستی و اعتماد سلطان ابوالغازی حسین بایقرا‌راکه با اورفیق ایام طفولیت و هم دبستان بوده درزمان سلطنت نیزجلب‌نموده است.اورابه‌جاه و جلال دنیوی‌ومکانت‌سیاسی‌اعتمادواعتنایی نبود وبه‌میل وطبع ازآن اعراض کردتا به‌فراغت نفسانی ومطالعات‌ادبی‌بپردازد وهم‌چنین مادام‌العمر تأهل اختیارنکرد و به‌هدایت استاد زمان‌خود جامی وارد طریقهٔ نقشبندیه‌شد.



ازآثار معروف او: خمسهٔ نوایی که به‌تقلیدازخمسهٔ‌نظامی‌سروده‌وتاریخ‌ملوك‌عجم ومحبوب‌القلوب وتاریخ‌الانبیاءاست.

عین‌القضاةهمدانی، ابوالمعالی‌عبدالله. (۴۹۲ - ۵۲۵ ه ق)

ازبزرگان‌مشایخ‌صوفیه ودانشمندان که شافعی‌مذهب ودرطریقت شاگرداحمد غزالی بود. وی به‌تحصیل‌حکمت‌وعرفان وکلام وادب عربی‌پرداخت. احمدغزالی اورا «قرة‌العین» خطاب میکرد.

یزدان شناخت درمسایل‌حکمت‌الهی وعلوم‌طبیعی که‌درسه‌باب‌به‌نام‌عزیزالدین‌مستوفی نوشته ، وزبدة‌الحقایق از آثار اوست. وی رباعیاتی عرفانی هم به‌زبان فارسی سروده است.

وزیر سلطان محمود ابن محمد و سلطان‌سنجرکه باعزیزالدین‌دوست‌عین‌القضاة دشمنی‌داشت، نقشهٔ قتل‌عین‌القضاة راطرح‌کرد وبا دسته‌ای ازحسودان‌وبدخواهان‌توطئه چیدووی‌را به‌کفرمتهم‌کرد وفقهانیز به‌قتل‌این جوان دانشمندفتوی دادند.پس‌اورابه‌بغدادفرستادندوبه‌همدان بازگردانیدندوبردار کشیدند. کلام‌عین‌القضاة‌پرسوزوگدازوعاری‌ازتکلف وتصنع است.

غزالی، احمدبن‌محمد.
(فوت ۵۲۰ ه ق)
فقیه وعارف ایرانی، برادر کوچك محمدغزالی، مقدمات تحصیل‌علوم دینی رانزد احمدرادکانی آموخت. وی ازجملهٔ فقهای‌شافعی بودو به‌وعظ‌علاقه داشت‌ومدت ۱۰ سال‌به‌جای‌برادر به‌تدریس درنظامیهٔ بغداد اشتغال داشت. در طریقت پیرو ابوبکر نساج بود. بحرالحقیقة، مکاتیب رسالهٔ عشقیه ازآثار اوست.

غیاث‌الدین چلبی.
(فوت۹۲۷ه ق)
ازدانشمندان عثمانی،معاصربایزیدخان‌که متمایل به تصوف بوده و رسالاتی دربارهٔ علوم‌متداول نوشته است. وی مدتی هم‌به‌تدریس پرداخت.

فضل‌الله‌استرآبادی، نعیمی‌بن‌ابومحمد.
(۷۴۰_۸۰۴ ه ق)
مؤسس طریقهٔ حروفیه‌که وسیلهٔ‌کسب معاش او طاقیه دوزی بود. چندی در ایران وعراق وحجازگردش‌کرد وبه‌نشر عقاید خویش‌پرداخت. اوآیات‌قرآن‌را بابیان معانی تازه‌تفسیر می‌کرد واساس تفسیرهای‌او براصالت‌حروف‌بود. به‌همین سبب اورا حروفی‌وپیروانش را حروفیه میخوانند. وی‌به‌فتوای عده‌ای ازعلما و به‌فرمان‌امیرتیمور به‌قتل‌رسید ومیرانشاه پسرتیموراوراگردن زد. تنش‌را درکوی وبرزن‌گردانید وسپس‌جسدش‌را درآتش سوزاندند. کتب‌عرش‌نامه، جاودان‌نامه، نوم‌نامه، ومحبت‌نامه ازاو باقی مانده است.
یکی از فرق حروفیه درایران‌فرقهٔ نقطویه است.

قاسم
انوار، قاسم. را به‌بینید.

قشیری، ابوالقاسم.
(۳۷۶_۴۶۵ه ق)
درنیشابور به‌دنیا آمد و در علوم اسلامی تبحر فراوان حاصل‌کرد تاجایی که به‌زین‌الاسلام، شیخ‌المشایخ استاد جماعت، مقدم طایفه شهرت یافت و در تصوف‌مقامی‌رفیع داشت وازطریقه‌به‌جنید ومعروف‌کرخی‌میرسد از ابوعبدالرحمن‌سلمی استفاده‌کرده بود ازآثار قشیری آداب‌الصوفیه، لطایف‌الاشارات،اربعین می‌باشد.

قصاب، آملی.
(قرن‌چهارم ه ق)
معروف به‌ابوالعباس، عارف‌معروف وشیخ طبرستان. مرید محمد بن‌عبدالله طبری بود.
قصاب با ابوالحسن خرقانی صحبت داشته ودیری در خانقاه او گذرانیده است.

قطب‌الدین، عبدالله‌بن محیی.
(قرن۹ ه ق)
ازعرفای معروف ومقیم‌شیراز بود. ابواب‌الخیر و تخمین‌الاعمار از آثار اوست.

قنبرعلی‌شاه.
میرزا صفارا به‌بینید.

کارندهی، درویش‌محمد.
(فوت۱۰۳۷ ه ق)
شیخ درویش محمدکارندهی، در معرفت آیتی‌شگرف بود. وی ازعنایت تاج‌الدین خوارزمی فیض‌یاب شد و از خدمت‌او به‌اخذ تلقین ذکر وخرقهٔ طریق وکسب‌آداب سلوك راه‌خدا توفیق یافته و به‌دامادی شیخ سرافراز آمد. وی به شغل‌کفش‌دوزی اشتغال‌داشت. مرقدشیخ درمشهدمقدس‌بقعه وگنبددارد وبه‌عنوان پیرپالاندوز، زیارتگاه‌عموم است.

کرمانی، اوحدالدین.
(فوت۶۳۵ ه ق)
شاعروعارف ایران، که از طرف خلیفه‌به‌سمت شیخی‌رباط‌مرزبانیه‌منصوب گردید. روش وی درتصوف مبتنی برعشق به‌مظاهربود. ازآثارفارسی‌اورباعیات‌است ویك‌مثنوی به‌نام مصباح الارواح‌نیزبه‌او منسوب میباشد.

گرگانی، ابوالقاسم.
(قرن‌پنجم ه ق)
ابوالقاسم‌علی‌گرگانی، جانشین‌شیخ ابوعثمان مغربی‌است.وی‌درتربت‌حیدریه کنارکوه دربقعهٔ‌مخصوص‌نزدیك بقعهٔ‌امام زاده‌ای دربوری‌آباد مدفون‌است.

لالا، رضی‌الدین.
(فوت۶۴۲ ه ق)
شیخ رضی الدین علی‌بن سعیدبن عبدالجلیل‌لالاالغزنوی، ازبزرگان‌تصوف واعاظم اولیاء است. مدفنش درحوالی اصفهان وبه‌گنبد لالا مشهور است ولی سال‌ولادت‌ومدت‌عمرش معلوم‌نیست.مرشد وی شیخ مجدالدین بغدادی است.

مجدالاشراف.
شیرازی رابه‌بینید.

مرتضوی تبریزی، آقامیرزا احمد.
(متولد۱۲۸۶هجری)
وحید الاولیاء، امام ائمهٔ روزگار است.وی‌درتبریزمتولدشد وپس‌ازهشت‌سال‌ساکن اراضی‌گیلان‌گردیده وپس از مدتی در معیت والدین به اردبیل وارد شده است درآوان‌کودکی مدتی‌به فراگرفتن درس فارسی اشتغال داشت وبعد مدتی به‌تحصیل ادبیات عربی پرداخت، ونزدیك دوسال به‌آموختن صنعت‌تذهیب ونقاشی به‌سربرد. درهمان اوان‌به‌تکمیل خطوط نسخ وثلث ونستعلیق مشغول‌شد. ودرسال ۱۳۰۸ به‌قفقازوروسیه مسافرت کرد. درآن سامان به نگارش کلام‌الله اشتغال یافته ودوسال بعد به‌اردبیل بازگشت. ایشان در حسن خط وتندنویسی نیزممتاز بودندتاجایی که‌روزی‌هزاربیت می‌نگاشتند.
وحیدالاولیاء ازصحبت آقای‌مجدالاشراف برخوردارشده وهشت‌ماه بعدبلاواسطه ازخدمت مرشدخویش به‌کسب آداب سلوك طریق معرفت اشتغال به اذکار مرسوم اهل‌طریقت روزگاربردندو به‌اجازهٔ پیرخویش به‌سمت اردبیل کوچ کردندوسه‌سال‌بعدبه‌شیرازعزیمت‌فرمودند.
یك‌سال بعدمجدداً به جانب اردبیل روی‌آور شدند وتاسال۱۳۲۶در اردبیل سکونت داشتند.
درسال ۱۳۳۱ پس ازرحلت‌مجدالاشراف، وحیدالاولیاء برتخت ارشاد برآمد وبه‌راهنمایی طالبان حق اشتغال ورزید.

مزدقانی، محمود.
(قرن هشتم ه ق)
شیخ ابوالمعالی، نظام‌الدین‌محمود اصم‌بن عبدالله مزدقانی، ازمربیان بزرگوار ومشایخ‌عالی مقدار است که خرقه وتلقین‌ذکر وآداب سلوك مسالك عرفان‌را ازشیخ علاءالدوله سمنانی‌کسب کرده وپس‌ازرحلت شیخ‌به‌جای وی به مسند دستگیری مشتاقان مستقرگردید.

مست علیشاه.
زین‌العابدین شروانی‌را به‌بینید.

مصری، ابوعلی.
(قرن چهارم ه ق)
ابوعلی حسن‌بن احمد کاتب‌مصری، ازمشایخ بزرگ می‌باشدکه مورد تعظیم بزرگان طایفه قرارگرفته. وی مرید و جانشین شیخ ابوعلی رودباری بوده

است .

مظفرعلی‌شاه، میرزا محمدتقی بن محمد کاظم .

(فوت ۱۲۱۵ ه ق)

درعلوم عقلیه وحید ودرفنون نقلیه فرید وآباء واجداداوهمواره درکرمان به‌طبابت مشغول ودرنهایت‌عزت واحترام میزیسته‌اند وخود نیز درحکمت الهی و طبیعی به‌غایت جامعیت داشته و جمعی تلمذ می کرده‌اند چون‌ازعلم ظاهرباطنی ندید طالب باطنی گردید ، با آن‌حال و کمال‌مقید واسیرمشتاق علی‌شاه‌میگردید وازاجازه از رونق علیشاه‌کرمانی گرفت بعدازشهادت‌مشتاق‌علیشاه درسنهٔ ۱۳۱۶ هجری‌درکرمان دیوانی به‌نام‌وی‌ساخت‌در سنهٔ ۱۲۱۵ق درکرمانشاه وفات‌نمود . آثارش :

۱ ــ بحرالاسرار . ۲ ــ جامع ــ البحار مجمع‌البحار .

معروف‌کرخی ، ابومحفوظ .

(فوت ۲۰۰ ه ق)

ازبزرگان‌صوفیه وسرسلسلهٔ‌معروفیه اصلا ایرانی وساکن بغداد بوده و نزد علی‌بن موسی‌الرضا اسلام آورده است . پیروانش فیروزان ازموالی حضرت‌علی‌ـ ابن موسی‌الرضا بوده و خودنیزدربانی امام میکرده است . ازبکربن حبیش و ربیع‌بن صبیح استماع حدیث‌کرده و با داود طایی مصاحب بوده است . چندبار به‌زیارت‌خانهٔ‌خدارفته ودرتمام‌طول‌حیات به‌ریاضت ومجاهدت اشتغال داشته است. دراجرای قواعددین به‌راه ارشاد میرفته وخشکی اهل‌ظاهر را تابع نبوده‌است . درعلت مرگ اوگفته‌اندکه چون‌در خانهٔ‌امام‌پرده‌داری میکرد، روزی‌تابعان امام بردرخانهٔ اوازدحام‌کردند، دنده‌ـ های‌اوشکسته‌شد ومرد ودربغداد مدفون است . حکایات وآثار او در اکثر کتب معروف صوفیه باقی‌مانده ومورد استناد است .

معین‌الدین .

انوار، قاسم. را به‌بینید .

مغربی ، ابوعثمان .

(فوت‌احتمالا ۳۷۳ ه ق)

سعیدبن‌سلام مغربی ، ازاجلهٔ‌مشایخ متقدمین است‌که درعزلت وریاضت ، ممتاز بود . ولی از اهالی قیروان (بندری‌درجزیرهٔ صقلیه) بحرالروم‌است. که‌مدتها درموطن اصلی خودبود، سپس به‌بغداد رفته واواخر ، رخت‌اقامت به نیشابورکشیده است. مرقدش درنیشابور جنب قبر ابوعثمان حیری و ابوعثمان نصیبی قرار دارد .

مقتدای اعظم .

خبوشانی، حاجی‌محمد. رابه‌بینید.

ملامحسن فیض‌کاشانی .

(۱۰۰۶ ــ ۱۰۹۰ ه ق)

حکیم وعارف‌عهد صفویه‌که‌درشیراز نزدصدرالدین‌شیرازی به‌تحصیل حکمت پرداخت ودرعرفان وحکمت‌دست یافت. فیض مورد بغض شیخ احمد احسایی بود واو وی‌را به‌جای محسن «مسیء» خطاب میکرد واورا اخباری صرف‌میدانست . فیض شاعر نیزبود وهدایت در مجمع ــ الفصحاء تعداد ادبیات وی‌را شش‌الی هفت‌هزارنوشته، مؤلف‌قصص‌العلماءتعداد کتب ورسایل‌اورامتجاوز از ۲۰۰دانسته ونام ۶۹عددآنهارا ذکرکرده . ازآثار مهم اوست :

کلمات مکنونه، ابواب الجنان ــ (مؤلف به‌سال۱۰۵۵ه ق.)، تفسیرصافی، تفسیر اصفی ، کتاب‌وافی (درشرح‌کافی) شافی ، مفاتیح ، محجة البیضاء (در اخلاق) ، رسالهٔ اسرار الصلواة ، علم ــ الیقین در اصول‌دین، تشریح (درهیئت)؛ سفینة‌النجاة ، شرح‌صحیفهٔ‌سجادیة، ترجمهٔ الصلوة (به‌فارسی)، ترجمهٔ طهارت(به فارسی) ، ترجمهٔ عقاید (بفارسی)، فهرست علوم؛دیوان‌اشعار (حدود۱۲هزاربیت).

منصور حلاج ، حسین‌بن .

(۲۴۴ ــ ۳۰۹ه ق)

ازمردم بیضاء از توابع فارس‌بود . درکودکی باپدر به‌واسط رفته ودرآنجا تحصیل‌کرد . آنگاه روانهٔ بصره شده و درآنجا ازدواج‌کرده . درسال۲۷۰ به زیارت مکه‌رفت وازآنجابه‌اهواز آمد و ازاهواز به‌خراسان رفت . پس‌ازپنج‌سال ازآنجا عازم اهواز وسپس‌بغداد شد و با چهارصدتن مریدانش به‌مکه رفت و حج به‌جای‌آوردوبارديگر به‌سیاحت‌پرداخت وبماوراءالنهر وهندوستان و چین‌رفت و پس‌از چندی‌به‌بغداد بازگشت وبرای‌بار سوم به‌حج رفت . آنگاه دربغداد مقیم‌و به‌وعظ وتبلیغ‌عقاید خویش‌پرداخت . در انقلابی‌که درسال ۲۹۶ در بغداد وقوع یافت وی‌به‌تحریك مردم متهم شدوناچار به‌اهواز رفت . پس‌ازسه‌سال ویراگرفتند ودربغداد به‌زندان افکندند نه‌سال در زندان به‌سربرد. آنگاه‌محاکمه‌اش‌کردند وفتوی برالحادش‌دادند وقتلش‌را واجب شمردندسپس‌مثله‌اش‌کردندوبدارآویختند وپس ازسه‌روز جسدش‌را سوختند .

مؤذن سبزواری، شیخ محمدعلی،

(فوت ۱۰۷۸ ه ق)

ابن فرخ مقری خراسانی ، ازکبار مشایخ وجامع علوم ظاهر وباطن بوده ، شیخ پس‌ازتکمیل علوم‌ظاهری به‌خدمت پیرمرشد خود فیض‌یاب شد وبه‌اخذآداب سلوك راه‌معرفت وتلقین ذکروخرقهٔ‌اهل ولایت ازشیخ حاتم توفیق یافت . شیخ مؤذن درخدمت پیرخود مراتب‌کمال را حائزگشت ولی‌هنوز به‌اعلی درجهٔ‌مقصود نرسیده شیخ‌حاتم درگذشت ؛ شیخ مؤذن که داماد شیخ‌حاتم بود به‌خلافت‌وی نیز نامزدگشت وشیخ‌حاتم اتمام‌کار وی را به دوسال‌ونیم‌بعداز ارتحال خود بشارت‌داد و پس‌ازانقضاء مدت موعود شیخ‌مؤذن به کمال‌حال خویش‌نایل‌گردید .

مدت ارشاد وی‌بیست ویکسال و مزارش درمشهد مقدس‌رضوی است .

شیخ‌مؤذن‌وپدرش‌مؤذن آستان‌رضوی بودند .

مولانای‌اصفهانی، فضل‌الله‌بن روزبهان.

(فوت۹۲۸ه ق)

صوفی‌ملقب به‌امینی ظاهراً مولد و منشأ اواصفهان بود و در اوایل دورهٔ صفوی‌هنگامی‌که محمدخان شیبانی به به‌خراسان تسلط یافت براثر تعصب به مذهب‌تسنن‌ملازمت اورا اختیارکرد وبه ماوراءالنهر رفت ، وچندتاریخ به‌نام محمدخان مزبور تألیف‌کرد .

مونس‌علی‌شاه.

ذوالریاستین را به‌بینید .

میرزاصفا، حاجرضا قلی‌بن محمدحسن.

(۱۲۱۲ ــ ۱۲۹۱ ه ق)

ازخانواده‌های سوادکوه بود . در جوانی برای‌تحصیل به‌عتبات رفت وچند سال درعراق بود آنگاه جامهٔ درویشی پوشید وبه‌حجاز رفت وسالها در مکه و مدینه به‌ریاضت مشغول‌شد. سپس به‌مصرو سودان‌رفت‌وچندی‌دردمشق وبیت‌المقدس مقیم‌شد وزمانی‌به‌اسلامبول‌رفت درهمه‌جا مریدان‌بسیاریافت ودرنشر تعالیم‌اخلاقی کوشید. وی درعین درویشی‌مردی‌میهن‌ـ دوست بود ودرکشور عثمانی وحجاز و عراق برای‌جلوگیری ازایجاد مزاحمت برای ایرانیان وبی‌اثرساختن تبلیغات

علیه ایران سعی بسیار میکرد ودر نزد مردم مهذب وفهمیده چه‌درایران و چه درکشورهای دیگر معزز ومحترم بود . وی تاآخر عمر زن نخواست وعمرخودرا به‌مطالعه وسیاحت وارشاد مردم مصروف داشت . در اواخر عمر به‌تهران آمد ودرهمین‌جا درگذشت. به‌دستور ناصر ـ الدین‌شاه برایش‌مقبرهٔ باشکوهی‌ساختند که‌به‌صفائیه معروفست .

نجم‌الدین رازی .

(زنده درقرن ششم وهفتم)

شیخ‌نجم‌الدین‌عبدالله‌بن محمدرازی ازمشاهیرمتصوفهٔ‌ایران، مولدش تهران و شهرتش «دایه» وکنیه‌اش ابوبکرمیباشد ازمریدان نجم‌الدین‌کبری بوده وهنگام خروج چنگیزخان به‌سوی روم وآسیای صغیر شتافت وباصدرالدین قونیوی و مولانا جلال‌الدین بلخی رومی در قونیه ملاقات‌کرد وبه‌هنگام نماز امام ایشان شد،وفاتش‌درسال ششصدوپنجاه و چهار هجری‌قمری دربغداد اتفاق افتاد ونزدیك مزار جنید بغدادی مدفون گردید ،کتاب معروف‌او «رصادالعباد» است.

نجم‌الدین‌کبری .

(زنده در قرن ششم وهفتم)

ابوالجناب‌احمدبن‌عمرخوارزمی،از بزرگان‌صوفیه که خرقهٔ‌ارشاد،ازشیخ‌اسماعیل گرفته‌است.درسن۸۷ سالگی به‌دست‌لشکریان منول‌کشته شد . بزرگانی چون : نجم ـ الدین رازی ، مجدالدین‌بغدادی ، سیف الدین‌باخرزی وبهاءالدین ولد پدرمولوی ازمریدان وی بوده اند .

ازتألیفات او ؛ رسالةالخائف‌الهائم عن‌لومةاللایم وفواتح الجمال ومنازل ـ السایرین ومنهاج السالکین میتوان نام برد .

نجیب‌الدین تبریزی ، محمدرضا .

(۱۰۴۷ ـ ۱۱۰۸ ﻫ ق)

ازاولیاء کبار وعرفای عالیمقدار روزگار است . اصلش ازتبریزبوده ودر اصفهان ولادت یافته است . پدرش‌ابو ـ المحامد محمدبن محمد تبریزی‌اصفهانی است . ابتدای سلوك وی سال ۱۰۶۱ هجری‌وقمری وزمان‌وصولش سال ۱۰۷۱ بود. شیخ مؤذن درسال۱۰۷۵ جهت او حکم ارشاد رقم‌زد و به‌دامادی خویش مفتخرش‌ساخت . وی درسن سی ویك ـ سالگی برمسند ارشاد مستقرشد وسی‌سال دراین مسند باقی‌بود .

نساج ، ابوبکر .

(قرن‌پنجم ﻫ ق)

نامش عبدالله واصلش ازطوس بود، شیخ‌را درتصوف شأنی بلند بوده وازائمه ونوادر مشایخ است . امام احمد غزالی تربیت یافتهٔ اواست .

نقشبند ، خواجه‌بهاءالدین محمد .

(۷۱۸ ـ ۷۹۱ ﻫ ق)

درده‌ی درنزدیکی بخارا متولدشد وی از عارفان وصوفیان بزرگ بودکه مؤسس طریقهٔ نقشبندیه بود ومریدان و دوستداران‌فراوان‌داشت به‌سفرهای‌فراوان ازجمله به‌حج رفته‌بود. طریقهٔ این‌صوفی بزرگ‌به‌بایزیدبسطامی‌میرسد ازآثارش: «دلیل‌العاشقین»، «حیات نامه»میباشد .

نوربخش ، محمدبن محمد .

(۷۹۵ ـ ۸۶۹ ﻫ ق)

درقاین متولد و درنزد ابواسحق ختلانی درس‌طریقت آموخت وخلیفه او شد. پس‌ازاوابواسحق به‌قلعه‌ای درختلان رفت واصحاب پیرامونش گردآمدند . وی‌به‌قیام برعلیه شاهرخ گورکانی متهم شد واوراگرفته‌به‌هرات بردند و زندانی کردند . پس‌ازآزادی‌به‌بغداد رفت واز آنجا عازم کردستان وسپس‌گیلان شد . درخلخال اوراگرفته به‌هرات فرستادند، پس‌ازچندی ازآنجا به‌تبریزش بردند چون‌آزادشد به‌شیروان‌وازآنجا به‌گیلان وسرانجام درسولقان ازقراءشهرری در ـ گذشت . وی‌مؤسس فرقهٔ‌نوربخشیه‌ومؤلف «انسان‌نامه» و«شجرهٔ‌مشایخ» است .

نورعلیشاه ، محمدعلی .

(فوت۱۲۱۲ﻫ ق)

فرزند عبدالحسین فیض‌علیشاه در اصفهان به‌دنیا آمد ولی‌اصلش ازیکی ازقراءتون وطبس می‌باشد نورعلیشاه‌و پدرش هردو ارادتی‌خاص به‌علیشاه‌دکنی داشتندازآثار مهم‌نورعلیشاه رسالهٔ‌جامع الاسرار اصول‌وفروع، تفسیرسورهٔ‌بقره‌به نظم‌کشیده است‌گویند وی‌را همسری‌بود **حیاتی** شهرت‌داشته حیاتی‌دارای طبعی موزون بوده ومضامین عرفانی را برشتهٔ نظم‌کشیده، ازوی‌قریب‌ده‌هزار بیت شعر به‌یادگار مانده‌که تمام‌مشتمل برمطالب عرفانی است .

نیشابوری ، شیخ‌غلامعلی .

(قرن دهم هجری)

شیخ‌غلامعلی‌نیشابوری، قطب‌دوران بود و درتربیت سلاك نظیر نداشت کسب آداب سلوك ، واخذتلقین اذکار وخرقهٔ فقر ازمقتدای اعظم‌کرده وپس ازوصول به‌غایت مقصود، به‌دامادی وی‌نایل‌آمد و بعدازفوت اوبرمسندخلافت‌ومحل‌سلسله ـ داری استقرارگرفت وی‌ازمریدان‌حاجی محمد خبوشانی بود .

نیریزی شیرازی ، قطب‌الدین‌محمد .

(۱۱۰۰ ـ ۱۱۷۳ﻫق)

سید قطب الدین محمدبن ابیطالب نیریزی شیرازی ، امام اهل‌طریقت و جامع‌علوم بود . نسبش با بیست و هشت واسطه به‌امام‌علی‌بن ابیطالب میپیوندد . سید چون ازتکمیل‌علوم رسمی و تألیف بعضی رسالات در فنون گوناگون تسکین قلبی‌نیافته ، به‌انجام عبادات وتحمل ریاضیات بدنی مشغول گردید . وی از دست شیخ علی‌نقی اصطهباناتی خرقه پوشیده وبه‌تلقین ذکر واکتساب‌آداب و رسوم طریقت‌پرداخته است وبه‌دامادی وی‌مفتخرگردیده است. سید درشهرهای بسیار سیرکرده وبدین‌طریق بر وصیت مرشدخویش‌عمل‌کرده وبه‌تربیت بسیاری ازمستعدان وسالکان همت‌گماشته‌است. سیدراکتب ورسایل بسیار است‌که ازآن جمله به‌شمس‌الحکمة ، منهج‌التحریر ، قصیدهٔ عشقیه ، صفیرالعارفین، وافاضهٔ ـ روحیه‌را می‌توان نام‌برد .

سید مریدان وشاگردان بی‌شماری را تربیت‌کرده‌که بزرگترین آنها آقا ـ محمدهاشم درویش شیرازی است .

وحیدالاولیاء .

مرتضوی تبریزی، آقامیرزا احمد را به‌بینید .

همدانی ، سیدعلی .

(۷۳۱ ـ ۸۷۶ﻫ ق)

سیدعلی‌بن شهاب الدین همدانی ، ملقب‌به‌علی‌ثانی، ازاعاظم‌اولیاء ومفاخر عرفا است . نسبت سید ازجانب مادر با هفده واسطه به پیغمبر علیه‌السلام منتهی می‌گردد . سیدعلی‌همدانی در دوازده ـ سالگی‌پای به‌دایرهٔ سلوك نهاد وخرقه و تلقین ازشیخ شرف‌الدین محمود ، نظام ـ الدین مزدقانی گرفت . از جمله کتب ورسالاتی‌که ازسید باقی‌مانده می‌توان ؛ «فصوص‌الحکم، ذخیرةالملوك ، شرح ـ اسماءالله ، اخبارالمهدی رانام‌برد .

همدانی‌کبابیانی ، حسین‌بن‌رضا .

(حدود۱۲۷۰ ـ ۱۳۲۲ﻫ ق)

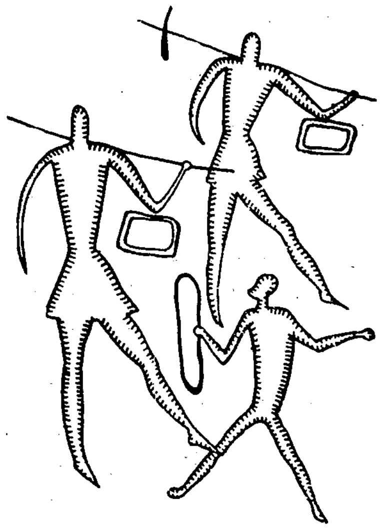
درهمدان تولد یافته واوایل‌جوانی

را مدتی به‌تحصیل علوم‌دینیه پرداخته بعداً ذوقش به‌طریقهٔ سیروسلوك تمایل یافت وتمام‌هم خودرا به‌مجاهدات نفسانیه وتکمیل مراتب‌مصروف میداشت . وی‌در همدان وفات یافت .

کتب تصوف و عرفان

آداب‌السالکین : علی‌احمد .
آیة‌العشاق: ظهیرالدوله صفاعلیشاه علی قاجار (صفا) .
احوال‌مولانارومی: تصحیح سعیدنفیسی.
ارزش‌میراث‌صوفیه : عبدالحسین‌زرین‌کوب .
ارمغان خانقاه : محمدتقی‌رهبراصفهانی.
اسرارالتوحید فی مقامات : ابی‌سعید .
ازجنین تاجنان : محمدعنقا .
اسرارالعارفین : شیر محمدخان صاحب قندهاری .
اسرار محبت درتصوف : محمد ظهیرالدین بلگرامی .
اسلام و تصوف : نیکلسن ترجمهٔمدرس نهاوندی .
اصطلاحات‌الصوفیة: خواجه‌شمس‌الدین.
اصول‌تصوف: دکتر احسان‌الله‌استخری.
اللمع فی‌التصوف : ابونصرسراج.
اوصاف‌الاشراف: خواجه نصیرطوسی .
بهین سخن در عقاید و اعمال پنهانی
برهان‌الحق : نور علی الهی به کوشش دکترتقی‌تفضلی .
صوفیان : منصور علیشاه حاج‌ملاعباس‌علی‌کیوان قزوینی .
تاریخ فلسفه وتصوف یامناظرهٔ دکتربا
سیاح‌پیاده : شیخ‌علی نمازی‌شاهرودی .
تحصیل‌الحق : امام فخررازی .
تحفة‌الاخبار یاتجزیه وتحلیلی‌درعقاید وآراء متصوفه: ملامحمدطاهر نجفی‌قمی.
تحفة‌العراقین : خاقانی .
تذکرة‌الاولیاء : شیخ عطار.
تصوف چه بود و چه باید بشود : پروفسور عباس‌مهرین .
تنبیهات والاشارات : ابن‌سینا .
تنبیه‌الغافلین‌وتذکرة‌العارفین : ترجمهٔ ملافتح‌الله شریف‌کاشانی .
جامع‌الاسرار : محمدعلی‌نور علی شاه اصفهانی .
جنات‌الوصال (مثنوی) : محمدعلی نور علیشاه اصفهانی .
جواهرنامه : شیخ عطار .

حق‌الیقین : شیخ‌عطار .
حقایق‌ومعارف‌القدر: میرسلامتعلی‌خان.
خانقاه‌فقیر به‌سبك‌بوستان : میرزا علی فقیر اصطهباناتی .
خرابات‌فقیر به‌سبك‌گلستان : میرزاعلی فقیر اصطهباناتی .
درویش‌نامه : سیدعلی حسینی همدانی (سیاهپوش) .
دیوان شعر : محمد علی نور علی شاه اصفهانی .
رازگشا دراسرار صوفیان: منصورعلی شاه حاج ملاعباس‌کیوان قزوینی.
ردتصوف و ردحکمت اشراق : دکتر موسی جوان .
رسالهٔ چهل‌اسرار: سیدعلی‌حسینی‌همدانی سیاهپوش .
رساله درتصوف : شیخ‌شاه سلیمان .
ریاض‌العارفین : رضاقلی‌خان هدایت .
ریاض‌العارفین : ناصرخسرو .
زادالعارفین: خواجه عبدالله انصاری .
زبدة‌الاسرار : صفی‌علیشاه .
زهد وتصوف دراسلام : گولد تسهیر ؛ ترجمهٔ محمدعلی طهرانی خلیلی .
سبحهٔ‌صفا (شعر):ظهیرالدوله صفاعلیشاه علی‌قاجار(صفا) .
سرچشمهٔ‌تصوف درایران : سعیدنفیسی.
سعادت‌ناصر : شیخ عطار .
سلوك السلوك : خواجه ضیاء الدین بخشی بدیوانی .
سیری در دیوان شمس : علی دشتی .
شاهدنامه : شیخ‌عطار .
شیفته وحسرتی: شیفتهٔ دهلوی.
صالحیه ، رساله درتصوف: حاج ملاعلی گنابادی .
صوفیگری : سید احمد حسینی‌کسروی تبریزی .
طبقات‌الصوفیه : عبدالرحمن محمدبن سلمی .
طرایق‌الحقایق : معصوم علیشاه .
طریق‌التحقیق : سنایی .
عرفان‌الحق : صفیعلی شاه با توضیحات عبدالله انتظام واحسان‌الله استخری .
عرفان‌نو : منوچهر بزرگمهر .
عنوان‌المعارف : حاج‌شیخ علی‌معصومی بیدختی‌گنابادی .
عوارف المعارف : سهروردی .
فصوص الحکم و فتوحات مکیه : محی‌الدین اعرابی .
کشف‌الاسرار و وعدة‌الابرار : رشید الدین میبدی .
کشف‌المحجوب: ابوالحسن‌علی بن‌عثمان ابن علی‌الجلابی‌الغزنوی الهجویری .
کنز الاسرار : محمدعلی نورعلیشاه اصفهانی .
کنوزالفوائد : حاج ملا عباسعلی‌کیوان قزوینی .
کیمیای درویش : مظفرعلیشاه کرمانی علی‌دبیری رندی باهمکاری‌غلامحسین‌عدالت‌پور(توتیا) .
کیوان‌نامه ، حج‌نامه ، عرفان‌نامه : حاج ملاعباسعلی‌کیوان قزوینی .
گلشن‌راز : شیخ‌عطار .
گلشن‌راز : شیخ شبستری .
لسان‌العارفین : ملامحمد برغانی .
لمعات : عراقی .
مجموعهٔ‌نکات فقروتصوف : منیرالدین احمد سندیلاوی مظاهرعلی علوی .
محبوب‌العارفین : خواجهٔ عزیزان ، علی رامتینی .
مرآت‌العارفین: مجذوب‌علیشاه‌حاج‌میرسلام‌الله موسوی طریقی (مجرم) .
مراحل‌السالکین : مجذوبعلی شاه .
مصیبت‌نامه : شیخ‌عطار .
مقاصدالسالکین یا گلستان‌تصوف: شاه ضیاءالله .
مقاله درویش‌فی‌جواب‌التفتیش: محمد ملك‌صالحی (قوام) .
مناقب‌العارفین : افلاکی .
منطق‌الطیر : شیخ‌عطار .
مظفرطریقت : سیدشاه سیدالدین‌حسینی نقشبندی .
منظومهٔ‌کبری در منطق : محمدعلی‌نورعلیشاه اصفهانی .
نابغهٔ‌علم وعرفان شرح‌حال‌سلطانعلیشاه: رضا علیشاه سلطانحسین تابندهٔ‌گنابادی.
نغمهٔ‌عشاق‌درعرفان : مولوی‌نورالله‌چشتی صابری قدوسی رحمانی .
نفحات‌الانس : عبدالرحمن جامی .
نقشی ازحافظ: علی‌دشتی .
نگاهی به‌تصوف وکرامتهای صوفیان : محمدجوادمغنیه، ترجمهٔ محسن‌بهبهانی و محمد حسن جعفریان.
نورالهدایة درعرفان: شیخ نجیب‌الدین رضا زرگر تبریزی اصفهانی .
ولایت‌نامه : سلطان‌محمدگنابادی‌سلطان علیشاه .
یك خطابه و یك سخنرانی : خانقاه نعمت‌اللهی ،



اقتصاد

گذشتهٔ اقتصاد
از معاملات ابتدایی مردم

شواهدی دردست است که روشن‌ترین آنها آثاروعلایم دادوستدکهربا است. بهترین نوع این ماده آن است که از سواحل دریای بالتیك به‌دست‌می‌آید، ولی‌بقایایی ازاین ماده‌که درقبرهای نواحی مختلف جهان کشف شده چنان فراوان وروشن است که می‌توان نقطهٔ خطسیر معاملات این‌کالا را رسم کرد، چون کهربا مادهٔ ارزنده وحمل ونقل آن‌آسان بوده‌است، مردم اسکاندیناوی می‌توانسته‌اند بادادن آن کالاهای گوناگون از جنوب به‌چنگ آورند. تجارت در آن روزها مانند امروز وسیلهٔ مبادلهٔ کالا به‌شمار نمی‌رفته ویکی ازاسباب انتقال تمدن ازناحیه‌ای به‌ناحیهٔ دیگر بوده است. دردورهٔ سنگ چخماق برای ساختن افزار وآلات پی برند، وچون نوع خوب این سنگ‌که اگرشکسته شود، خاصیت‌برندگی‌فراوان دارد، همه‌جا یافت نمی‌شد، استخراج و حمل ونقل وفروش سنگ چخماق یکی از انواع معاملات بین‌المللی را تشکیل می‌داد، طلای رسوبی‌را از زمانهای‌کهن می‌شناختند و آنرا برای ساختن زینت‌آلات به‌کار می‌بردند. محتمل است که نخستین کانیهای فلزی بهره برداری شده ازنوع سولفور مس‌وآنتیموان بوده باشد که به‌آسانی فلزآن جدا می‌شود وبه‌این ترتیب است‌که آدمی به‌مس وآنتیموان دست یافته است.

هنگامیکه توانستند دانه‌های کاستریت را احیاءکنند قلع را به‌دست آوردند،ویکی‌ازکسانی که‌درفن‌استخراج معادن هوشمندی خاصی‌داشت دریافت‌که چون اندکی ازاین فلزرا بامس مخلوط و ذوب‌کند فلز سخت تر و کارآمدتری به‌دست خواهدآمد وچنین بودکه برونزو مفرغ پیدا شد، ودر هرنقطه‌که این فلز فراهم‌آمد یاازجای دیگری به‌آن رسید دورهٔ سنگ پایان پذیرفت ودورهٔ مفرغ آغازشد. دورهٔ سنگ وهمچنین دوره‌های مفرغ وآهن درهمه‌جای دنیا بایکدیگر همزمان نیستند، وممکن‌است درنقطه‌یی هریك ازاین دوره‌ها دیرترآغازکند ویا زمان بیشتری طول‌کشد، درآمریکا دورهٔ سنگ آن اندازه طول‌کشیدکه پایان‌آن را باید هنگام فتح این قاره به‌دست اروپاییان دانست. دوره‌های مختلف به‌شکل دقیق ومحدودی ازیکدیگر جدا نشده‌اند وافزارهای سنگی درعصرمفرغ وافزارهای‌مفرغی درعصرآهن به‌کاررفته است بعضی‌اوقات‌استعمال ادوات دوره‌ای در دورهٔ دیگر جنبهٔ مذهبی و تشریفاتی به‌خودمی‌گرفته وازاین‌قبیل است‌استعمال کاردهای سنگی برای ختنه‌کردن درمصر وفلسطین واستعمال افزارهای ساخته شدهٔ باسنگ یشب درچین.

«تاریخ علم
ترجمه؛ احمدآرام»

تعریف اقتصاد

اقتصاد یکی از رشته‌های علوم اجتماعی‌است‌که دراطراف‌کیفیت فعالیت وروابط اقتصادی افرادجامعه بایکدیگر واصول‌وقوانینی‌که برامورمزبورحکومت می‌نماید ووسایلی‌که باید درعمل باتوجه به‌مقتضیات زمان و مکان اتخاذ شود تا موجبات سعادت و ترقی جامعه و رفاه و آسایش افراد آن تأمین گردد بحث می‌نماید.

مکتب‌های اقتصادی

آزادی طلبی.

در این مکتب، بادخالت دولت در اموراقتصادی مخالفت می‌شود وعقیده بر اینست‌که نفع شخصی و ابتکار خصوصی افراد بهترین وسیلهٔ محرك و مفیدترین عامل پیشرفت‌اقتصادیات یك‌کشور است. دانشمندان‌این‌مکتب: **مارشال، سینیرو، بولیت ماك‌کولچ** قابل ذکرند.

اصالت فرد.

آدام‌اسمیت، معتقد بودکه محرك فعالیت اقتصادی هر فرد، منفعت شخصی خود اواست وآزادی اقتصادی بهترازهر قانون ومقرراتی، مصالح جامعه‌را تأمین می‌کند.

اقتصادنگاران.

مور، دانشمند اقتصادی مؤسس‌این مکتب‌است. دراین‌مکتب مسایل‌اقتصادی ازراه‌به‌کاربردن‌فورمولهای‌ریاضی وآمار بررسی میشود.

اقتصاد ملی.

دراین مکتب، اقتصاد از نظر ملی مورد بررسی قرار می‌گیردکه جهت رشد صنایع ملی روش حمایت و ایجاد سدهای گمرکی پیشنهاد می‌شود. مؤسس این مکتب **لیست** آلمانی وکتاب معروف این مکتب «**روش‌اقتصاد ملی**» است‌که ملت را واحد اقتصادی‌به‌شمارآورده‌است.

تقسیم‌کار.

آدام اسمیت، معتقد است: جهت افزایش‌بازده‌کار، درمشاغل بایدتقسیم‌کار به‌عمل‌آید.

اومثال میآوردکه: ده‌نفرکارگر بر اثر تقسیم‌کار می‌توانند در یك کارخانه سنجاق‌سازی‌میزان‌تولیدسنجاق‌را روزانه از۲۰۰عدد به ۴۸۰۰۰ برسانند.

آدام اسمیت، این‌افزایش‌را معلول مهارت درکارها وجلوگیری ازاتلاف‌وقت وتخصص درکارها میداند.

سوداگری.

دراین مکتب‌ثروت حقیقی‌را جمع آوری‌فلزات بهادارمی‌دانستند دراواخر قرن۱۵ میلادی، کشورهای‌اسپانیاوفرانسه وانگلیس‌باممنوعیت صدورفلزات‌گرانبها وتوسعهٔ صنایع و بازرگانی و دریانوردی درصدد جمع‌کردن فلزات‌گرانبها شدند.

سوسیالیسم.

در این مکتب مساوات اقتصادی، عدالت اجتماعی مورد توجه بوده و با اختلاف طبقاتی مخالفت می‌شود. در این مکتب ادعامیشودکه‌جامعه شخصیتی غیر ازشخصیت افراد دارد وباید نفع عمومی را برنفع شخصی ترجیح داد. از اقسام آن **سوسیالیسم دولتی و سوسیالیسم ارضی‌وسوسیالیسم‌علمی** قابل‌ذکراست.

سوسیالیسم ارضی.

جــان استوارت میل ، پیرو این مکتب وطرفدار ضبط در آمد اراضی به نفع اجتماع بود. **وهنری جورج** پیشنهاد مالیات واحد ارضی‌را داد. وعده‌ای نیز با پیشنهاد ملی کردن اراضی موافقت داشتند.

سوسیالیسم دولتی.

در این مکتب عقیده دارند اقتصاد باید دردست دولت باشد. **فردیناندلاسال** و **روبرتوس** ازپیروان این مکتب‌اند .

سوسیالیسم علمی (مارکسیسم).

مؤسس این مکتب **کــارل مــارکس** صاحب کتاب **سرمایه** ، است کـه نظریات اورا به‌طور خلاصه درموارد زیرمی‌توان یافت ،

الف- روبناوزیربنای جوامع بشری.

ب- تئوری ارزش وارزش اضافی .

ج- فلسفهٔ مادیت تـاریخ و مبارزهٔ طبقاتی .

او معتقد بود که رژیم سرمایه داری موجب از بین رفتن طبقهٔ متوسط و طبقهٔ کارگر خواهد گشت وقتی سرمایه‌هــا در دست عدهٔ معدودی متمرکزشود خودبه‌خود بحرانهای اقتصادی‌را درپی خواهدداشت وهمین‌امر علت قیام کارگران خواهد شد.

فیزیوکراتها .

مؤسس آن **دکتر کنه** و کتاب آن «جدول اقتصادی» است. دراین مکتب ، زمین‌را منبع اصلی ثروت وزارع‌را مولد ثروت می‌دانند وبه‌قوانین اقتصادی جنبهٔ مذهبی می‌دهند .

کلاسیک‌ها .

بانــی این مکتب **آدام اسمیت** و کتاب معروف آن «ثروت ملل» است ، دراین مکتب مسائل اقتصادی ازمسایل مذهبی جدا است وعقیده‌دارند که قوانین اقتصادی مثل قوانین طبیعی ثابت وکلی هستند .

ماکرو اکونومی (Macro _economics)

سیستمی که مسایل اقتصادرا ازنظر کلی‌موردبحث قرارمیدهد مانند کل‌درآمد کل سرمایه گذاری ، قیمت کل، استخدام کل . . .

مداخله‌طلبان.

مـؤسس این مـکتب **سیسموندی** و کتاب آن «اصول علم اقتصاد» است . در ایـن مکتب برای حمایت از کارگـران دخالت دولت‌را پیشنهاد می کنند .

مکتب تاریخی.

مؤسس آن **روش** آلمانی وکتاب آن «اصول‌علم اقتصاد» است. ودراین مکتب عقیده براینست که علمای اقتصاد برای کشف قـوانین اقتصـادی باید به تاریخ مراجعه کنند .

مکتب ریاضی.

بانی آن **کورنو** اقتصاددان فرانسوی است. در این مکتب علم اقتصاد را علم معاوضه ومبادله خوانده‌اند ومسایل آنرا بابکاربردن منحنی‌هاوفورمولهای ریاضی ثابت می کنند .

میکرواکونومی. (Micro_economics)

سیستمی که مسایل اقتصادی‌را ازنظر جزیی موردمطالعه وبررسی قرار میدهد.

قوانین و اصطلاحات

استاندارد Standard

نمونهٔ قابل قبولی که عنوان مقایسه قرارگیرد .

برات رجوعی .

برات رجوعی براتی‌است که دارنده برات‌اصلی پس‌از اعتراض، برای‌دریافت وجه‌آن و مخارج صدور اعتراض نامه و تفاوت نرخ به‌عهدهٔ برات دهنده یایکی ازظهرنویسها صادر می‌کند.

بودجه.

صورت درآمد ومخــارج یك‌کشور یابنگاه یامؤسسه ایست کـه برای مدتی معین که معمولا یکسال‌است تنظیم میگردد.

بهرهٔ مالکانه.

ریکاردو میگوید: درنتیجهٔ افزایش جمعیت محصولات زمین‌های زیــرکشت کفاف تقاضارا نمیدهد لذا باید ازطریق کشت عمقی‌ویاازطریق آبادنمودن زمین‌ـ های بایر میزان محصولات‌کشاورزی را افزایش داد. کشت عمقی بامانع بزرگی بنام قانون بازده‌نزولی مواجه می‌گردد.

ناچار باید زمین‌های درجه دوم وسوم‌را آبادکرد ، ولی آباد نمودن این اراضی به‌تناوب وضع آن‌ها مستلزم تحمل‌هزینه‌ـ های زیاد می‌باشد لذا یك‌محصول درتمام این زمین‌ها به‌یك میزان هزینه نخواهد داشت واز این‌جاست که صاحبان اراضی مرغوب (که‌هزینهٔ کمتری‌متحمل‌می‌شوند) نسبت به‌صاحبان اراضی درجه دوم وسوم (که‌هزینهٔ‌بیشتری‌داشته‌اند) نفع‌زیادتری به‌دست میآورند .

ریکاردو این‌اضافه درآمدرا بهرهٔ مالکانه میگوید .

بیلان یاترازنامه .

عبارت ازصورت دارایی وموجودی وقروض یك‌شرکت ویا یك‌فرد تـاتاریخ معین میباشد.

پول.

پول چیزی است که برحسب عـادت یاقبول عامه واسطهٔ مبادله یامعیارومأخذ ارزش بشمار میرود.

تاجر.

کسی که شغل‌خودرا معاملات‌تجاری قرار بدهد .

ترازپرداخت‌ها.

پرداختهای معین ووامهای دریافتی خرید، بایدباوامهای پرداختی موازنـه داشته باشد درصورت عدم موازنه، کشور موظف است مابه‌التفاوت را طلاپرداخت نماید .

تراست .

اتحادیه‌ای مرکب ازچندشرکت که استقلال اقتصادی خود را بـرای بوجود آمدن تراست‌ازدست می‌دهند . منظوراز تشکیل تراست ایجاد انحصار و تنظیم تولید است .

تملك واسباب‌آن .

مالك شدن چیزی‌را برای استفاده تملك‌گویند .

قانون مدنی ایران میگوید: تملك بچهارطریق حاصل میشود:

۱ـ بااحیاء اراضی موات وحیازت اشیاء مباحه .

۲ـ بوسیلهٔ عقود وتعهدات.

۳ـ بوسیلهٔ اخذ بشفعه .

۴ـ بوسیلهٔ ارث.

جعاله .

عبارتست‌ازقراردادن اجرتی برای انجام عملی . خواه انجام دهنده معلوم باشدیاخیر، مانندا ینکه میگویندهرکس کیف مرا پیدا کرد فلان مبلغ مژدگانی دریافت میدارد .

چك.

نوشته‌ای است که بموجب‌آن صادر کننده وجوهی‌راکه درنزد محـال علیه دارد کلاًیابعضاً مستردیابدیگری واگذار مینماید .

حق‌العمل‌کاری (کمیسیون).

حق‌العمل‌کارکسی‌است که به‌اسم‌خود ولی بحساب دیگری (آمــر) معـاملاتی

کرده و در مقابل حق العملی دریافت میدارد .

حیازت مباحات.

مقصود ازحیازت ، تصرف و وضع ید ویامهیا کردن وسایل تصرف و استیلاء است .

مقصود از مباحات اشیایی است که مالک معین ومشخص ندارد .

لذا حیازت به تصرف اموال مباح اطلاق میشود .

درآمدسرانه .

مقدار درآمدی است که هر کس در مدت یکسال بدون احتساب مالیات وعوارض بهدست می‌آورد .

دلال .

دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطهٔ انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهدمعاملاتی نماید طرف معامله پیدا میکند . اصولا قرارداد دلالی تابع مقررات وکالت است .

سطح زندگی .

میزان وچگونگی استفاده ازاموال مصرفی درمدت معین سطح زندگی گروهی را نشان میدهد . بنا بر این هرچه کالاهای مصرفی بیشتر به‌کار رود وتأمین بهداشت و وسایل آموزش وپرورش وخوراك و پوشاك و مسکن بهتر انجام بگیرد سطح زندگی به‌همان نسبت بالاخواهد بود .

سیستم فلزی پول .

سیستمی است که در آن ، واحد پول قابل تبدیل به‌طلا و نقره باشد .

فته‌طلب «سفته».

فته‌طلب سندی است که به‌موجب آن امضاء کننده تعهد می‌کند مبلغی درموعد یا عندالمطالبه دروجه حامل یاشخص معین ویا به حواله کردآن شخص کارسازی نماید.

قانون بازارها .

پول در بازار جز وسیله‌ای برای معاوضه ومبادله نمی‌باشد وخود کالا به‌محض تولید بازار می‌یابد .

قانون بازده‌صعودی .

هرقدر بر میزان تولید کالاهای صنعتی اضافه‌شود قیمت تمام شدهٔ کالاها کاهش می‌یابد درنتیجه درآمد بیشتر می‌شود .

«نظر علمای کلاسیك»

قانون بازده‌نزولی .

درهر قطعه‌زمین ، می‌توان حداکثر مقدار معینی کار وسرمایه به‌صورت بذر و کود وماشین آلات مصرف نمود واگر از این حداکثر تجاوز نماییم میزان محصول به‌نسبت هزینه‌های اضافی کمتر می‌شود .

کارتل .

اتحادیه‌ای که‌ازاجتماع و توافق چند شرکت برای حفظ استقلال مالی وفنی هر یك از آنها به‌وجود می‌آید .

مال منقول.

مالی را گویند که آنرا بتوان از محلی به‌محل دیگر انتقال داد بدون اینکه به‌آن وبه‌محل آن صدمه و آسیبی وارد شود .

مال غیرمنقول .

مال غیرمنقول آنست که ازمحلی به محل دیگر نتوان نقل نمود اعم از اینکه استقرار آن ذاتی باشد یا به‌واسطه عمل انسان به نحویکه نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یامحل آن شود مانند پردهٔ نقاشی که دردیوار کارگذاشته شده باشد .

مالیات.

مبلغی که دولت به نسبت درآمد افراد از آنها جهت اداره حکومت و مخارج عمومی اخذ می‌نماید.

مالیات به‌دوصورت اخذ میگردد :

۱ ـ مالیات مستقیم، ۲ ـ مالیات غیرمستقیم.

۱ ـ **مالیات مستقیم** آنستکه رأساً به‌جهت درآمدافرادی از مؤدی دریافت میشود .

۲ ـ **مالیات غیر مستقیم** برروی قیمت اجناس قرار میدهندمانند مالیاتی که از انحصارات مثل قند و شکر و یا ماشین وسیگار دریافت میشود .

متصدی حمل و نقل.

متصدی حمل ونقل کسی است که در مقابل دریافت اجرت حمل اشیاء را به‌عهده میگیرد .

مزارعه .

عقدی است که به‌موجب آن یکی از طرفین زمین را برای مدت معین به‌طرف دیگر میدهد که آن را زراعت کرده و حاصل را به‌نسبت مشاع تقسیم کنند.

مساقات .

معامله‌ایست که بین صاحب درخت و امثال آن باعامل ، در مقابل حصه مشاع معین از ثمره واقع می‌شود، ثمره اعم از میوه وبرگ وگل وغیرآن است.

مضاربه .

عقدیست که به‌موجب آن یکی ازمتعاملین سرمایه میدهد باقید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریك باشند صاحب سرمایه مالك وعامل مضارب نامیده می‌شود .

معاملهٔ پایاپای .

چنان معامله‌ای است که به‌جای پول کالاها باهم مبادله و معاوضه میشوند و پول مورد مبادله قرار نمیگیرد .

ودیعه.

عقدی است که به‌موجب آن یك نفر مال خودرا به‌دیگری میسپارد برای آنکه آن‌را مجاناً نگاهدارد ودیعه‌گذار، مودع و ودیعه‌گیرنده رامستودع، یاامین ومال مورد ودیعه‌را مال ودعی میگویند .

وقف .

عبارتست ازاینکه عین مال حبس و منافع آن درموارد معینی تسبیل شود.

سازمان برنامه

تاریخچهٔ سازمان برنامه.

پس از جنگ جهانی دوم اوضاع آرام وراحت کلیهٔ کشورهای جهان دستخوش ناملایمات قرارگرفت وکشور ایران هر چندمستقیماً درجنگ شرکت نداشت ولی غیرمستقیم متحمل مصائب و سختیهای جنگ گردید و فعالیتهای اقتصادی که قبل از شهریور ۱۳۲۰ آغاز شده بود در نتیجهٔ جنگ راکدماند وبه‌تدریج بیکاری ورکود درکلیهٔ شئون اجتماعی واقتصادی کشور ظاهرشد وسال به‌سال میزان واردات افزایش یافته وازصادرات کاسته میشد . جدول آماربازرگانی این حقیقت‌را با ارقامی چند به‌این شرح نشان میدهد میزان صادرات سال ۱۳۱۸ مبلغ ۸۰۳ ملیون ریال و واردات ۶۱۲ ملیون و در سال ۱۳۲۷ صادرات ۱۸۰۲ ملیون ریال و واردات ۴۲۱۸ ملیون ریال بوده است. ازمقایسهٔ ارقام بالا به‌این نتیجه میرسیم که درظرف مدت چندسال صادرات که دو ملیون ریال برواردات افزایش داشت تقریباً به‌نصف واردات کاهش یافت، در این موقع تمام محافل اقتصادی واجتماعی کشور صحبت از بهبود زندگانی مردم و فکر تولید و افزایش میزان صادرات و حمایت ازصنایع داخلی به‌گوش میخورد، اولیاء امور دولتی تحت تأثیر اوضاع موجود و افکار جدیدی که دردنیا پیدا شده بود وهمهٔ مردم بهداشت، فرهنگ ، نان وکارمیخواستند به‌فکر ایجادراه حلی افتادند و سرانجام تصمیم گرفتند یك برنامهٔ عمرانی برای مدت ۷ سال تدوین

کنند . لذا در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ اجازهٔ تنظیم لایحهٔ قانونی برنامهٔ هفت سالهٔ اول را به مجلس شورای ملی بردند .

این لایحه در شهریور ماه ۱۳۲۷ ضمن گزارش مفصلی به مجلس تقدیم و در ۲۶ بهمن ماه ۱۳۲۷ به تصویب رسید و پس از توشیح ملوکانه به صورت قانون در آمد .

قانون مزبور شامل ۶ فصل: کشاورزی، صنایع، معادن، ارتباطات، تلگراف، نفت و اصلاحات اجتماعی و شهری بود و اعتبار کل فصول ۶ گانه ۲۱۰۰ ملیون ریال بود. برای اجرای قانون مزبور دستگاه مستقلی به نام سازمان برنامه به وجود آمد که دارای سه رکن اساسی: مدیر کل، شورای عالی و هیئت نظارت بود. مدیر عامل در حکم رئیس قوهٔ مجریه و شورای عالی در سمت قوهٔ مقننه و هیئت نظارت عهده دار نظارت امور مالی و مجامع برنامه ها بود .

مدیر عامل و شورایعالی بنا بر پیشنهاد دولت و به موجب فرمان ملوکانه منصوب و هیئت نظارت بنا بر پیشنهاد دولت و تصویب مجلس انتخاب میگردند .

وزارت صنایع و معادن

وزارت صنایع و معادن دنبالهٔ تشکیلات یك یا دو دستگاه قدیمی دولتی به شمار می‌رود . زمانی هردو باهم و گاهی مستقلا امور صنعتی و معدنی و بازرگانی را به عهده داشته و تا آبانماه ۱۳۳۴ به نامها و عناوین مختلف خوانده میشدند و سازمان آنها به مقتضای زمان و احتیاجات روزپیوسته در معرض تغییر و تحولهای گوناگون بوده است .

ازاین رو برای مطالعهٔ تاریخچهٔ وزارت صنایع و معادن لازم است به شرح مختصری از فعالیتها و طرز پیشرفت هریك از سازمانهای مربوطه بپردازیم .

ناصرالدین شاه پس از بازگشت از سفر فرنگ به فکر ایجاد رابطهٔ میان دولت و بازرگانان افتاد .

لذا برای نخستین بار در سلطنت ایشان وزارت تجارت تشکیل شد . کار این وزیر، ایجاد رابطه میان بازرگانان و دولت بوده و معلوم است که وزارت بازرگانی در آن زمان با سنجش وضع کنونی آن اسم بی‌مسمایی بوده است .

از آغاز مشروطیت یعنی از سال ۱۲۸۵ هجری شمسی تا چندی پیش به جز وزیر تجارت به نام وزیر فواید عامه نیز برمیخوریم که هریك از این دو وزیر گذشته از کار مربوط به تجارت و فواید عامه امور وزارتخانهٔ دیگری را هم به عهده داشته است ، چنانکه در سال ۱۲۸۸ هجری شمسی مرحوم صنیع الدوله نخستین وزیر فواید عامه بود و در همان موقع وزارت معارف را هم وی به عهده داشت ، تا سال ۱۲۹۴ شمسی نیز وزیر معارف ، امور وزارت تجارت را سرپرستی میکرده است.

در سال ۱۲۹۴ شمسی تشکیلات این دو وزارتخانه با هم یکی شده و وزارت فواید عامه و تجارت نامیده شد و عنوان این وزارتخانه تا چند سال پس از جنگ جهانی اول هم باقی بود . یکی از ادارات تابع این وزارتخانه، ادارهٔ معادن نامیده می‌شد که از کارهای مهم آن اجاره دادن معادن کهك و سنگ گچ و زرنیخ بوده است.

به موجب قانون مصوب هشتم مهرماه ۱۳۱۶ شمسی وزارت تجارت جایگزین اداره کل تجارت شد و اداره کل صناعت ، عنوان خود را به وزارت صناعت و معادن داد و از آن تاریخ امور مربوط به صنایع و معادن (به جز صنعت نفت) به وزارت صناعت و معادن واگذار شد .

در سال ۱۳۱۸ بنا به پیشنهاد فرهنگستان ایران وزارت تجارت به نام وزارت بازرگانی و وزارت صناعت و معادن به نام وزارت پیشه و هنر خوانده شد.

واقعهٔ سوم شهریور ۱۳۲۰ اوضاع اقتصادی و صنعتی کشور را آشفته کرد و فعالیت دربارهٔ امور بازرگانی و پیشه و هنر ایران محدود شد .

از این رو به موجب قانون مصوب ۲۸ دیماه ۱۳۲۰ تشکیلات و سازمانهای دو وزارتخانهٔ بازرگانی و پیشه و هنر یکی شدند . و این وضع تا اوایل سال ۱۳۲۵ ادامه داشت . در بیستم اسفندماه ۱۳۳۱ لایحهٔ قانونی سازمان صنایع کشور به تصویب رسید.

مطابق این لایحه ، سازمان صنایع برای این تأسیس یافت که تولید کارخانه ‑ های داخلی را افزایش دهد و وسایل لازم را برای پیشرفت صنعت کشور فراهم و تکمیل کند ، ریاست عالیهٔ سازمان با نخست وزیر و مسئولیت ادارهٔ آن با یکی از وزرا و بودجه سالانهٔ آن بالغ بر ۲/۰۵۳/۰۰۰ ریال بوده و کارمندان مورد لزوم از دیگر وزارتخانه‌ها انتخاب می‌شدند و بطور کلی تشکیلات سازمان صنایع کشور عبارت بود از دو قسمت فنی و اداری و یك شورای عالی صنعتی .

در اواخر کابینهٔ سپهبد زاهدی یعنی در آذرماه ۱۳۳۷ خورشیدی ، وزارت اقتصاد ملی به سه دستگاه نیمه مستقل بازرگانی ، صنعتی و معدنی تجزیه شده سازمان صنایع کشور و ادارهٔ کارخانه‌های غیردولتی و وزارت اقتصاد ملی ، قسمت صنعتی و ادارهٔ معادن همان وزارتخانه ، قسمت معدنی را تشکیل دادند.

وزرای صنایع معادن از آغاز تا کنون

۱ ـ **دکتر اردلان** : از ۲۹ آبانماه ۱۳۳۴ تا دوم دیماه همان سال .

۲ ـ **غلامحسین فروهر** : از ۱۸ دیماه ۱۳۳۴ تا ۲۰ بهمن همان سال.

۳ ـ **مهندس رضا گنجه‌ای**: از ۲۷ فروردین ۱۳۳۵ تا ۱۴ فروردین ۱۳۳۶ .

۴ ـ **مهندس جعفر شریف امامی**: از ۲۵ فروردین ماه ۱۳۳۶ .

۵ ـ **مهندس فریور**.

۶ ـ **مهندس تقی سرلك**.

۷ ـ **دکتر طاهر ضیایی**.

۸ ـ **دکتر علینقی عالیخانی**.

شورای عالی اقتصاد .

کشور ایران از ابتدای جنگ جهانی دوم مانند بسیاری از کشورهای جهان دچار مشکلات اقتصادی بیشماری گردید و احتیاج به وجود سازمانی که برای حل این مشکلات اقدام نماید و با نظارت و ایجاد هم آهنگی زمینهٔ مساعدی برای توسعه و نمو اقتصادی کشور فراهم آورد ، بیش از پیش محسوس گردید و بالاخره هیئت دولت برای تأمین این منظور درصدد ایجاد شورایعالی اقتصاد برآمد و اساسنامهٔ آنرا در تاریخ سوم مردادماه ۱۳۲۳ به موجب این اساسنامه شورایعالی اقتصاد تشکیل میشد از ۲۶ نفر که ۱۸ نفر آنرا هیئت وزیران بنا به پیشنهاد نخست وزیر از اشخاص بصیر و مطلع در امور اقتصادی و اجتماعی و فنی برای مدت سه سال انتخاب می‌نمود و شش نفر دیگر به اکثریت $\frac{2}{3}$ آراء ۱۸ نفر مزبور برای همان مدت تعیین میگردند. رؤسای بانك ملی ، بانك رهنی و بانك کشاورزی و شرکت بیمه ایران جزء ۱۸ نفر اول تعیین میشدند . ریاست شورایعالی اقتصاد با نخست وزیر و نایب رئیس شورا با اکثریت تام از بین اعضای شورا انتخاب میشد .

در ۱۸ دیماه ۱۳۲۳ قانون لغو

اختیارات اقتصادی دکتر میلیسپو از مجلس گذشت و به‌موجب تبصره ۳ قانون مزبور دولت مکلف گردید تا هرچه‌زودتر شورا یعالی اقتصادی‌راکه طرح آن قبلا ریخته شده‌بود با اصلاحاتی که‌لازم‌بداند تشکیل دهد ودرظرف سه‌ماه از تاریخ تصویب قانون‌مزبور نقشهٔ‌اقتصادی، علمی متناسب بااحتیاجات‌فوری‌کشور راتنظیم و به‌مجلس‌شورای‌ملی تقدیم‌دارد ومتعاقب آن تصویبنامه شماره ۶۸۸ـ۱۵ر۱ر۲۴ هیئت‌وزیران راجع بـه اساسنامهٔ شـورا صادرشد. درصورت‌این‌تصویبنامه‌ازلحاظ موضوع واعضاء ووظایف تفاوت چندانی باطرحی که‌قبلاوجود داشت به‌وجودنیامد فقط تعداد اعضاء شورا از۲۴ نفربه ۲۵ نفر افزایش یافت و به‌علاوه‌تصریح شدکه وزراء دارایی، پیشه‌وهنر وکشاورزی و رؤسای سازمانهای اقتصادی‌دولت، بانك ملی، بانك‌کشاورزی، بـانك رهنی و شرکت بیمهٔ ایـران ورئیس هیئت اطاق بازرگانی ورئیس انجمن شهربه مناسبت شغلشان عضوشورا میباشند.

در این اساسنامه پیش‌بینی شد کـه اعضاء شورا به‌تناسب تخصص وبصیرتشان به‌کمیسیونهایی تقسیم‌می‌شوند.



پول

پیدایش سکه.

سکه یك‌قطعه فلز به‌وزن معین‌است که‌روی‌آن‌علامت رسمی‌دولت‌ویاحکومتی که‌عیار وزن‌آنرا تعهد کرده نقش شده باشد.

پولوکس Pollux مورخ‌دورهٔ‌امپراطور **کومود** و مؤلف نامی **کتاب لغت** می‌نویسد: **فیدون** Phidon پادشاه **آرگوس** اولین‌کسی است‌که سکه ضـرب‌کرده و علامت سکه‌های او، تصویـر لاك پشت دریایی است.

فیلوکور Philochore از مورخین آتن، عقیده‌دارد:

مخترع‌سکه **تزه** (Thesèe) قهرمان افسانه‌ای است.

گزنفون (Xenophane) مینویسد: لیدیها مبتکر، ضرب‌وانتشارسکه هستند.

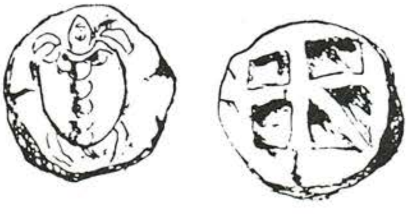
هرودوت (Herodote) مورخ‌بزرگ یونانی عقیده‌دارد:

لیدیهااولین مردمی هستند که‌سکه‌های نقره وطلاضرب‌کرده‌اند.

سکه شناسان به عقیدهٔ **هرودوت** اعتقاد بیشتری دارند.

قدیمی‌ترین سکه‌های لیدی به‌شکل قطعهٔ‌پهن ونامنظمی است کـه از مخلوط طلاونقره تشکیل‌شده ودر روی‌آن شیارهای موازی و درپشت‌آن فرو رفتگـی مخصوصی است‌که اغلب‌نقش حیوانی‌شبیه روباه دارد.

درمعبد **هرا** (Hera) سکه‌هایی‌پیدا شده‌که شکل‌لاك پشت دریایی را دارد و به ۶۷۰ ق م. تعلق دارد از مسکوکات آرگوس است.



اولین سکهٔ حقیقی بامشخصات‌کامل سکه ازجمله جنبهٔ‌هنری وتعهد و تضمین عیار وغیره در دورهٔ **کرزوس** ضرب شده است. یك‌طرف سکه این‌دوره؛ نقش‌نیم تنهٔ گاومیش وشیر درحال‌حمله و طرف دیگر دومربع فرورفته قرار دارد.



درایران برای اولین‌بار، داریوش اول به‌ضرب سکه‌های‌طلا ونقره‌اقدام‌کرد.

درمصر به‌عقیدهٔ هرودوت؛ **آریاندس ساتراپ** داریوش اول به‌ضرب‌سکه اقدام کرده است.

ولی دردورهٔ اسکندر مجموعه‌ای‌از سکه‌های اسکندر درمصر رایج بود.

در هند، سکه‌هایی به‌شکل مستطیل کشف‌شده‌که به ۵ یا۶ قرن‌قبل از میلاد تعلق دارد ویك طرف‌این‌سکه‌ها نقشهایی ازقبیل حیوان، درخت و غیره داشته و طرف دیگرآن صاف‌بوده است.

«تاریخ‌سکه: خانم‌ملك زاده‌بیانی»

تاریخچهٔ پول کاغذی

نخستین‌بار درقرن نهم میلادی در چین **چاو** که نوعی اسکناس بود به چاپ رسید. و در اروپا برای رقمهای درشت اسکناس منتشر کردند ولی در قرن ۱۸ رسماً اسکناسهای ریز رایج شده‌است.

تاریخچهٔ اسکناس.

درزمان انقلاب فرانسه مجلس ملی آن‌کشور، قانونی‌وضع‌کردکه به موجب آن، کلیهٔ‌اراضی متعلق به‌کلیسا به‌تصرف دولت‌درآمد وملی‌گردیدو به‌وثیقهٔ‌اراضی مزبور، دولت پول‌کاغذی منتشر کرد که **آسینیا** نامیده میشد ومفهوم‌آن این‌بود که‌کاغذهای مزبور به‌امضای دولت‌رسیده وتضمین شده است. چندی بعدکـه در روسیه هم پول کاغذی رواج گرفت، لغت فرانسوی‌آسینا برای پول‌کاغذی انتخاب شد و با مختصر تحریفی در تلفظ آن، اسکناس‌شد. این‌لغت اسکناس در زمان فتحعلی‌شاه به‌ایران واردشد و نام پول کاغذی گردید.

درسال۱۸۸۹ میلادی درایران‌بانك شاهنشاهی تشکیل‌شد وپول‌رایج مملکت، مسکوك نقره‌وطلا بود. درآن‌سال بـه موجب فصل سوم امتیازنامهٔ بانك، نشر اسکناس‌درسرتاسر ایران‌منحصراً به‌بانك شاهنشاهی‌ایران تعلق‌گرفت، و به‌موجب همین‌فصل‌مقدارآن‌نبایستی‌از ۸۰۰/۰۰۰ لیرهٔ انگلیسی تجاوزکند درسال ۱۸۹۰ اسکناس‌جدید بانك باسرلوحهٔ فارسی و علامت‌شیروخورشید وعکس‌ناصرالدین‌شاه وذکر ارزش‌آن نشرشد.

مجموعاً بانك شاهنشاهی چهل سال درایران اسکنـاس منتشرکرد، تااینکه درتاریخ۲۳اردیبهشت ۱۳۰۹ حق‌انتشار اسکناس از آن بانك‌سلب و در مقابل ۲۰۰/۰۰۰ لیره‌به‌بانك‌ملی‌ایران‌واگذار شد. اسکناسهای بانك ملی‌ایران درسال ۱۳۱۰ رواج یافت و اولین اسکناس با عکس‌رضاشاه کبیروامضای‌دکتر **لیندنبلات** (مدیرکل بانك)ودکتر **علامیر** (بازرس دولت) به‌جریان‌گذاشته‌شد.

«ازدایرةالمعارف مصاحب»

اسکناس امروز.

کاغذ رایجی که بانك مرکزی به‌جای مسکوك طلا و نقره در دسترس مردم میگذارد، ومعادل آن پشتوانه‌ای درخزانهٔ خود تحت نظر اولیای دولت نگاه‌میدارد. در اصلاح حقوقی اسکناس سفته‌ای است به‌عهدهٔ بانك که به‌رؤیت دروجه حامل است، ومشمول مرورزمان نمیشودوسودی هم بر آن تعلق نمیگیرد. بانکی که اسکناس صادر میکند، معادل مبلغی که روی آن ذکرشده مدیون‌میباشد، ومتعهد است آنرا بافلزی که‌رواج قانونی دارد، تبدیل کند.

مناطق پول

الف- **استرلینگ.**

انگلیس وکشورهای مشترك‌المنافع (بجز کانادا) مستعمرات انگلیس، عربستان سعودی، عراق، یمن، ایرلند، ایسلند، لیبی وسیام.

ب- **دولار.**

اتازونی، مستعمرات آمریکا، کانادا، لیبریا، فیلیپین، پاناما، کوبا، نیکاراگوئه، هائیتی، گواتمالا، کولومبیا و ونزوئلا.

ج- **فرانك‌فرانسه.**

فرانسه، سار، آفریقای استوایی، گویان، مارلی‌نینگ، آفریقای غربی فرانسه، ماداگاسکار، کامرون، الجزیره، موناکو.

د- **روبل.**

شوروی، چکوسلواکی، چین کمونیست، لهستان، آلمان شرقی، بلغارستان، رومانی.

ه- **اسکودو.**

پرتقال، گینه، دماغهٔ‌سبز، مزامبیك.

واحد و اجزاء پول

دانق.

سکه‌ای معادل ۱/۶ دینار یا درهم میباشدکه برابر ۴ طسوج یا۱/۶ مثقال است واعراب آنرا ازنظروزنی به۸حبه تقسیم کرده‌اند.

دراخمه.

واحدوزن پول‌نزد یونانیان باستان وزن دراخمه ۴/۳۶ گرم بود وسکه‌های نقره‌ای دراخمه آتن شهرت و اعتبار بیشتری داشت.

درهم.

سکه‌ای نقره‌ای متعلق به دورهٔ ساسانیان، وقتی اسکندر ایران‌را فتح کرد، این‌سکه در بین مردم رایج شد در واقع‌رومیها آنرا به‌ایران آوردند. اردشیر نیز سکه‌هایی به‌نام‌درهم را رایج کرده‌بود ومسلمانان نیز به‌تقلید ازسکه‌های‌ساسانی فقط باتغییرکلمات‌سکه زدند.

وزن‌درهم ساسانیان، بین ۴/۱۱ و ۴/۱۵ گرم بود.

وزن درهم اسلامی ۳/۹۸ گرم بود.

وزن درهم بعداز عبدالملك ۲/۹۷ گرم شد.

دریك.

اولین سکهٔ ایرانی‌که داریوش اول آنرا ضرب‌کرده دریك است‌که ازطلای خالص به‌وزن ۸/۴۱ گرم بودکه برروی این‌سکه نقش مردتیراندازی دیده میشود که زانوزده وزه کمانی‌را می‌کشد.

دینار.

واحد پول طلا درآغاز کار اسلام و اولین دینار متعلق به‌اواخر قرن اول است‌که دردمشق ضرب شده، دارای‌نقوش اسلامی است.

وزن دیناردراوایل ۴/۵۵ گرم‌بود ولی عبدالملك‌آنرا در۴/۲۵ گرم ثابت کرد. عیار دینار اغلب ۹۸٪ بود و گاهی به‌صد درصد نیز رسیده است.

درایران نیز تادورهٔ قاجاریه به‌هر یك ریال سکهٔ نقره ۱۰۰۰ دینارمیگفتند که اکنون معادل ۱۰۰ دینار است و در عراق هردینار ۱۰۰۰ فلس است.

تالان هخامنشی.

ازمسکوکات دورهٔ هخامنشی مادی ۶۰ مین که در آشور و بابل و هند رایج بود ولی تالان دیگری به‌وزن ۵۰ مین درایالات داخلی رواج داشت.

سیکل.

سکهٔ نقره دورهٔ‌داریوش اول به‌وزن ۵/۶۰ گرم‌که نصف سکه‌های نقره‌ای ۱۱/۲۱ گرمی است وهر ۲۰ عدد سیکل مساوی ۱۱۲ گرم نقره ومعادل یك دریك یعنی ۴۱ گرم طلامی‌باشد.

تقسیمات مسکوکات کرزوس

نوع اول:

استاتر	۸/۲۷ گرم
نیم استاتر	۴/۰۸ گرم
$\frac{1}{3}$ استاتر	« ۲/۷۲
$\frac{1}{6}$ استاتر	« ۱/۳۶
$\frac{1}{12}$ استاتر	« ۰/۶۷

نوع دوم:

استاتر	۱۰/۸۹ گرم
نیم استاتر	« ۵/۴۴
$\frac{1}{3}$ استاتر	« ۳/۶۳
$\frac{1}{6}$ استاتر	« ۱/۸۱
$\frac{1}{12}$ استاتر	« ۰/۹۰

تناسب طلاونقره برابر او $\frac{1}{3}$ ۱۳ بوده است.

تقسیمات سکهٔ کلده و آشور

تالان = ۶۲۸ گرم

مین = $\frac{1}{60}$ تالان

سیکل = $\frac{1}{60}$ مین = ۱/۶۰ من.

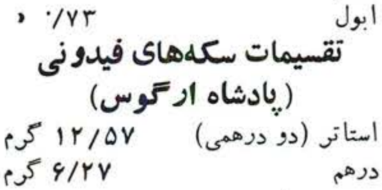
تقسیمات سکه در دورهٔ اسکندر

مین ابوئیك	۴۳۶ گرم
چهار درهمی	« ۱۷/۴۶
دودرهمی (استاتر)	« ۸/۷۳
درهم	« ۴/۳۶
ابول	« ۰/۷۳

تقسیمات سکه‌های فیدونی (پادشاه ارگوس)

استاتر (دو درهمی)	۱۲/۵۷ گرم
درهم	۶/۲۷ گرم
اوبول ($\frac{1}{6}$ درهم)	۱/۰۴ گرم

چندسکه از ادوار تاریخی



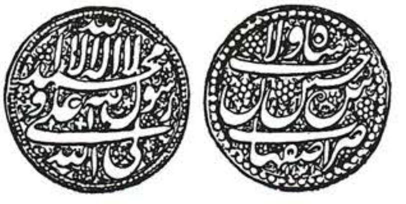
سکهٔ دهشاهی محمدشاه



سکهٔ محمد شاه


سکهٔ مأمون و امام رضا


سکهٔ آغامحمدخان


سکهٔ شاه سلطان‌حسین




سکهٔ ارغون


سکهٔ طغرل بیگ


سکهٔ ناصرالدین‌شاه


سکهٔ شاه اسماعیل اول


سکهٔ محمد علی‌شاه



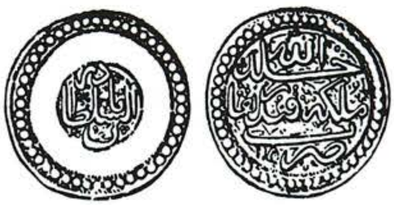

سکهٔ الب ارسلان

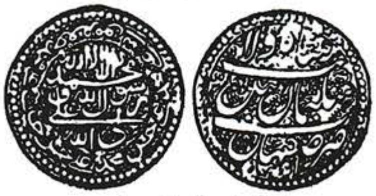

سکهٔ تیمور


سکهٔ فتحعلی شاه


سکهٔ محمود غزنوی

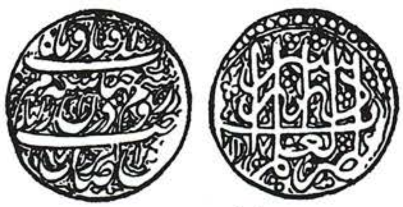

سکهٔ هولاکو


سکهٔ نادرشاه


سکهٔ شاه‌سلیمان صفوی


سکهٔ مظفرالدین شاه


سکهٔ منگو


سکهٔ کریم‌خان


سکهٔ زنون



سکهٔ روم



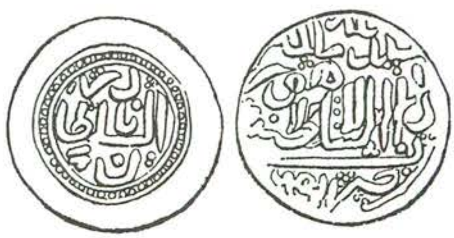
سکهٔ فیروز اول



سکهٔ داریوش‌سوم



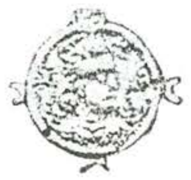
سکهٔ داریوش‌دوم



سکهٔ نادر



سکهٔ شاه سلطان‌حسین



سکهٔ خسروانوشیروان



سکهٔ مهرداد دوم



سکهٔ اشرف



سکهٔ یزدگرداول



سکهٔ آشوری



سکهٔ شاپوردوم



سکهٔ اردشیر



پشت و روی‌سکهٔ احمدشاه



سکهٔ بطلمیوس



سهٔ آل‌بویه



سکهٔ خوارزم

واحدپول کشورهای جهان

کشور	واحدپول	اجزاء	برحسب‌دولارآمریکا
آرژانتین	پزو	۱۰۰ سنت	۰/۰۰۸
آلبانی	لك	۱۰۰ کنتار	
آلمان	مارك‌آلمانی	۱۰۰ فینیك	۰/۲۵
آمریکا(ایالات‌متحده)	دولار	۱۰۰ سنت	۷۵/۷۵ ریال
آندونزی	روپیه	۱۰۰ سنت	۰/۰۰۳
اتریش	شیلینگ	۱۰۰ گروشن	۰/۰۳۸۴
اتیوپی(حبشه)	دلاراتیوپی		۰/۴۲
اردن‌هاشمی	دینار اردنی		۲/۸
اسپانیا	پستا	۱۰۰ سنت	۰/۰۱۶
استرالیا	لیره	۲۰ شیلینگ	۲/۲۴
اسرائیل	پونداسرائیل	۱۰۰۰ میلس	۰/۳۳
اسکاتلند	لیره		
آفریقای‌جنوبی	راند		۱/۴۰
آفریقای‌مرکزی	فرانك آفریقای‌مرکزی		۰/۰۰۴
افغانستان	افغانی	۱۰۰ پول	۰/۰۲۲
اکوادور	سوکر	۱۰۰ سنت	۰/۰۵۵
الجزایر	فرانك‌الجزیره	۱۰۰ سنت	۰/۰۰۲
الدورادو	سرکو		۰/۵۵
اندونزی	روپیه		۰/۰۰۳
انگلیس	لیره(پوند)	۲۰ شیلینگ	۲/۸
اوراندی	فرانك		۰/۰۲
اوروگوئه	پزو	۱۰۰ سنت	۰/۱۳۵
اوگاندا	شیلینگ‌آفریقای‌شرقی		۰/۱۴
ایتالیا	لیره	۱۰۰ سنت	۰/۰۰۱۶
ایران	ریال	۱۰۰ دینار	۰/۰۱۳
ایرلندآزاد	پوند	۲۰ شیلینگ	۲/۸
ایرلندشمالی	پوند	۲۰ شیلینگ	۴/۸
ایسلند	گرونا		۰/۰۲۳۲
برزیل	کروزیرو	۱۰۰ سنت	۰/۰۰۲
برمه	کیات		۰/۲۱
بلژیك	فرانك	۱۰۰ سنت	۰/۰۲
بلغارستان	لو	۱۰۰ اشتوتینگی	
بوتان	روپیه		
بولیوی	پزو	۱۰۰ سنت	۰/۰۸
پاراگوئه	گورانی	۱۰۰ سنت	۰/۰۰۸
پاکستان	روپیه	۱۶ آنه	۰/۲۱

کشور	واحدپول	اجزاء	برحسب دلار آمریکا
پاناما	بالبوآ	۱۵۰ سنتیموس	۱
پرتقال	اسکودو	۱۰۰ سنتاس	۰/۳۴۷
پرو	سول	۱۰۰ سنت	۰/۰۳۷
تانگانیکا	شیلینگ		۰/۱۴
تانزان	شیلینگ		
تایلند	باهت نات	۱۰۰ ساتانگ	۰/۰۴۸
ترکیه	لیرهٔ ترک	۱۰۰ قروش	۰/۱۱۱
توگو	فرانک		۰/۰۰۴
تونس	فرانک	۱۰۰ سنت	۱
جامائیکا	پزو		
چاد	فرانک آفریقای مرکزی		۰/۰۰۴
چکوسلواکی	گورونا	۱۰۰ هلر	
چین کمونیست	یوآن		۰/۴۰۶
چین ملی	دلار تایوان		۰/۰۲۵
دانمارک	کورون	۱۰۰ اوره	۰/۱۴۲
داهومی	فرانک آفریقای مرکزی		۰/۰۰۴
دومینیکن	پزو		۱
روآندا	فرانک		۰/۰۲
روسیه	روبل نو	۱۰۰ کوپك	۱/۱۱
رودزیا	لیره	۲۰ شیلینگ	
رومانی	لی	۱۰۰ بانی	۰/۱۶۶
زامبیا	لیره	۲۰ شیلینگ	۲/۳۰
زلاندجدید	لیره	۲۰ شیلینگ	۲/۷۸
زنگبار	شیلینگ	۱۰۰ سنت	۰/۱۴
ژاپن	ین	۱۰۰ سنت	۰/۰۰۲۷۷
ساحل عاج	فرانک آفریقای مرکزی	۱۰۰ سنت	۰/۰۰۴
سالوادر	کولون	۱۵۰ سنتاوس	۰/۴
سان مارینو	لیره		
سنگال	فرانک آفریقای مرکزی		۰/۰۰۴
سوئد	کورونا	۱۰۰ اوره	۰/۱۹۳
سودان	لیرهٔ سودانی	۲۰ شیلینگ	۲/۸۷
سوریه	پوند سوریه	۱۰۰ پیاستر	۰/۴۵
سومالی	شیلینگ سومالی		۰/۱۴
سویس	فرانک	۱۰۰ سنت	۰/۲۳
سیام	بات		۰/۰۴۸
سیرالئون	لیرهٔ آفریقای غربی	۲۰ شیلینگ	۲/۸
سیلان	روپیه		۰/۲۱
شیلی	اسکودو	۱۰۰ سنت	۰/۳۱
عراق	دینار عراقی	۱۰۰۰ فلس	۲/۸
عربستان سعودی	ریال سعودی	۱۰۰ پیاستر	۰/۲۲۲
غنا (گانا یا ساحل طلا)	لیرهٔ غنا	۲۰ شیلینگ	۲/۸
فرانسه	فرانک	۱۰۰ سنت	۰/۲۰۲
فنلاند	مارکا	۱۰۰ سنی	۰/۳۱۲
فیلیپین	پزو	۱۰۰ سنت	۰/۵
قبرس	پوند قبرس	۲۰ شیلینگ	۲/۸
کامبوج	ریل		
کامرون	فرانک آفریقای مرکزی		۰/۰۰۴
کانادا	دولار کانادا	۱۰۰ سنت	۰/۹۲۵
کرهٔ شمالی	هوان		
کرهٔ جنوبی	هوان		
کستاریکا	کولون	۱۰۰ سنت	۰/۱۵
کلومبیا	پزو		۰/۱
کنگو	فرانک کنگو		۰/۰۲
کنیا	شیلینگ آفریقای شرقی		۰/۱۴
کوبا	پزو	۱۰۰ سنت	۱
کویت	دینار		۲/۸۰
گابن	فرانک		۰/۰۰۴
گروینلند	کورون		
گواتمالا	کتزال	۱۰۰ سنت	۱
گینه	فرانک گینه		۰/۰۰۴
لائوس	کیپ		۰/۰۱۲۵
لبنان	لیرهٔ لبنانی	۱۰۰ پیاستر	۰/۴۵
لوکزامبورگ	فرانک	۱۰۰ سنت	۰/۰۲
لهستان	زلوتی	۱۰۰ گرز	۰/۲۵
لیبریا	دولار لیبری		۱
لیبی	پوند لیبی		۲/۸
مائیتی	گورو		۰/۲
ماداگاسکار	فرانک	۱۰۰ سنت	
مالزیا	دلار مالایایی		۰/۳۲
مالگاش	ماکروش فرانک		
مالی	فرانک مالی		۰/۰۰۴
مجارستان	فورینت	۱۰۰ فلر	۰/۰۸۵
مراکش (اسپانیا)	پزیا	۱۰۰ سنت	
مراکش	درهم		۰/۲
مراکش (فرانسه)	فرانک	۱۰۰ سنت	
مصر	لیرهٔ مصری	۱۰۰ پیاستر	۲/۸۷
مغولستان	توگریك		
مکزیك	پزو	۱۰۰ سنت	۰/۰۸
موریتانی	فرانک موریتانی		۰/۰۰۴
موناکو	فرانک		۰/۲۰۲
نپال	روپیه		
نروژ	کورون	۱۰۰ اوره	۰/۱۴
نیاسالند (مالاوی)	لیره	۲۰ شیلینگ	۲/۸
نیجر	فرانک		۰/۰۰۴
نیجریه	پوند نیجریه	۲۰ شیلینگ	۲/۸
نیکاراگوآ	کوردوبا	۱۰۰ سنت	۰/۱۴
واتیکان	لیره		
ولتای علیا	فرانک		۰/۰۰۴
ونزوئلا	بولیوار	۱۰۰ سنت	۰/۲۹۸
ویتنام جنوبی	پیاستر		
ویتنام شمالی	دونگ		
هاییتی	گورد		۰/۲
هلند	گیلدر	۱۰۰ سنت	۰/۲۷۶

کشور	واحدپول	اجزاء	برحسب‌دلارآمریکا
هند	روپیه	۱۶آنه	۰/۲۱
هندوچین	پیاستر	۱۰۰ سنت	
هندوراس	لمپیرا	۱۰۰ سنت	۰/۵
یمن	ریال نقره		۰/۸
یوگسلاوی	دینار	۱۰۰ پارا	۰/۰۰۱۳
یونان	دراخما	۱۰۰ لپتا	۰/۰۳۳

مسکوکات‌فعلی ایران

مشخصات	عیار	وزن‌به‌گرم غیرخالص	وزن‌به‌گرم خالص
طلا :			
پنج‌پهلوی	۹۰۰۰هزارم	۴۰/۶۷۹۹۰	۳۶/۶۱۱۹۱۰
دو ونیم‌پهلوی		۲۰/۳۳۹۹۵	۱۸/۳۰۵۹۵۵
یك‌پهلوی		۸/۱۳۵۹۸	۷/۳۲۲۳۸۲
نیم‌پهلوی		۴/۰۶۷۹۹	۳/۶۶۱۱۹۱
ربع پهلوی		۲/۰۳۳۹۹۵	۱/۸۳۰۵۹۵۵
خسروی$\frac{1}{8}$ پهلوی		۱/۰۱۶۹۹۷۵	۰/۹۱۵۲۹۷۷۵
نقره :			
ده‌ریالی	۶۰۰هزارم	۱۶/ـ	۹/۶۰
پنج‌ریالی		۸/ـ	۴/۸۰
دوریالی		۳/۲۰	۱/۹۲
یك‌ریالی		۱/۶۰	۰/۹۶
نیکل:			
ده‌ریالی	نیکل ۲۵٪ مس ۷۵٪	۱۲	
پنج‌ریالی		۷	
دوریالی		۴	
یك‌ریالی		۲	
نیکل‌جدید :			
ده‌ریالی	نیکل ۲۵٪ مس ۷۵٪	۹	
پنج‌ریالی		۵	
دوریالی		۳	
یك‌ریالی		۱/۷۵	
برنز:			
۵۰دیناری جدید	مس ۷۵٪	۲/۵۰	
۵۰دیناری	آلومینیم ۸/۵٪	۳/۴۹	
۲۵دیناری		۳	
۱۰دیناری		۲/۶۸	
۵دیناری		۱/۶	
مس :			
۵۰دیناری		۳/۴۹	

چندکتاب راجع به‌پول

تاریخ‌سکه ازقدیمیترین ازمنه تا دورهٔ اشکانیان : بانوملك زاده بیانی .

پدیده‌های پول : عبدالحسین بهنیا

پول : امیرمحمود هاشمیان‌پور .

قیمت و پول : سید علـی اکبر مدنـی طباطبایی .

مسکوکات افغانستان در عصر اسلام : احمدعلی‌کهزاد .

وزارت کار وامور اجتماعی

نخستین بار به‌مسئلهٔ کارگر از طرف دولت ایران درسال۱۳۱۵ش. توجه‌شد. دراین هنگام آئین‌نامه‌ای تنظیم واجراء آن‌باداره‌کل‌صناعت‌ومعادن‌محول گردید. پس‌ازآن‌رسیدگی به‌امورکارگری‌در عهدهٔ وزارت پیشه و هنر قرارگرفت ودر سال ۱۳۲۵ وزارت کار و تبلیغات تشکیل و قانـونی برای ساعات‌کار و دستمـزد و سندیکای کارگری تدوین شد. این قانون در سال ۱۳۲۸ بااصلاحـاتی تصویب و وزارت کار اجرای‌آنرا به‌عهـده گرفت سه‌سال‌بعد قانونی‌برای بیمه‌های اجتماعی کارگران‌به‌وجود آمد و در سال ۱۳۳۸ قانون‌کار باردیگر مورد تجدیدنظرقرار گرفت .

درقانون‌کار ایران‌کارکردن‌کودکان ممنوع است. ساعت‌کار ۸ساعت درروز و ۴۸ساعت درهفته است. بـرای هرساعت کاراضافی ۳۵٪ مزداضافی بایدپرداخت شود. کارگرهرهفته یکروز ودر سال ۱۲ روز مرخصی بااستفاده از حقـوق دارد (به‌استثنای‌تعطیلات رسمی) کارگر زن و مرد برای‌کار مساوی باید مـزد مساوی دریافت دارند .

کارگران حق دارند اتحادیه‌هـای صنفی تشکیل دهند ولی حق دخالت در امور سیاسی‌را ندارند .

حداقل مزدکارگر باید برای‌تأمین زندگی یك زن و مرد و دوکـودك کافی باشد .

اختلاف میان کارگر وکارفرمـا در هیئت حل‌اختلاف‌که کارگر وکارفرمـا و وزارت‌کار هریك سه نماینده دارند باید حل شود .

ومنشور شاه و ملت برای کارگران حقوق بیشتری از جمله سهیم‌شدن درسود کارخانه‌ها ایجاد کرد .

بازرگانی ایران

وزارت تجارت: در اواخر سلطنت ناصرالدینشاه‌ونیز درزمان‌مظفرالدینشاه قاجار امور تجارت‌ایران دردست شخصی بود که عنوان«وزیر تجارت»را درددربار داشت، درآغاز مشروطیت ضمن نخستین

کابینه‌ای که به‌مجلس شورای‌ملی معرفی گردید، دو وزیر به‌نام‌وزیر فواید عامه‌و وزیر تجارت عضویت داشتند. ولی درسال ۱۲۹۳ ه. ش.این‌دو وزارتخانه یکی گردید، وسازمانی‌به‌نام وزارت تجارت و فلاحت به‌وجود آمد .

درسال ۱۳۰۷ به‌موجب قانونی که به‌تصویب مجلسین‌رسید وزارت تجارت و فلاحت و شوارع وطرق به‌وزارت طرق و شوارع ووزارت اقتصادملی تجزیه گردید که امورتجارت‌وفلاحت‌نیز به‌عهدهٔ وزارت اخیر بود.درخرداد ۱۳۱۰ به‌موجب‌قانونی که‌به‌تصویب مجلس‌رسید به‌جای وزارت اقتصاد ملی سه اداره مستقل‌به‌نام‌های اداره کل‌تجارت، اداره کل‌فلاحت واداره کل صناعت تشکیل شد . درسال ۱۳۱۶ اداره کل‌تجارت به‌وزارت‌بازرگانی تبدیل گردید . پس از شهریور ۱۳۲۰ وزارت تجارت و وزارت صناعت یکی‌شد وبعداز چندسال مجدداً به‌دو وزارتخانه بازرگانی وصنایع ومعادن تفکیک گردید. وزارت بازرگانی‌شامل‌ادارات‌زیراست: واردات، آمار و مطالعات اقتصادی ، پایاپای ، صادرات ، استانداردها ، نمایشگاهها ، تثبیت قیمتها وغیره .

اطاق بازرگانی تهران

درسالهای ۶ـ۱۳۰۵ه. ش. تأسیس شد، ودر سالهای ۱۳۰۹ ـ ۱۰ بر طبق قانون موجودیت رسمی وشخصیت حقوقی یافت، وانتخابات‌آن‌به‌صورت رسمی و دو درجه‌یی انجام شد. وطبق قانون مصوب ۱۳۳۳ ازآغاز سال ۱۳۳۴ انتخابات قانونی یك درجه‌یی انجام‌گرفت . اطاق بازرگانی سوای اعضای منتخب رسمی، اعضای عمومی نیز دارد، تعداداین‌اعضاء درسنوات گذشته بین ۲۹۰۰ تا ۳۵۰۰ بود وهمه‌ساله روبه تزاید است، ازپیشه‌وران تهران تاکنون۲۵ صنف وابستگی خودرا به‌اطاق بازرگانی اعلام داشته‌اند.

وابسته‌های بازرگانی در تهران

اتریش، وابستهٔ‌بازرگانی. تهران، خیابان ایرانشهرتلفن: ۶۱۱۳۲۶.

ایتالیا، وابستهٔ بازرگانی تهران ، خیابان‌فرانسه تلفن۴۹۵۰۸ .

بلغارستان ، وابستهٔ بازرگانی . تهران خیابان میکده‌کوی شقایق پلاك ۶۶تلفن: ۶۲۶۹۲۷ .

پاکستان ، وابستهٔ‌بازرگانی. تهران خیابان پهلوی ، کوی غفاری، تلفن: ۶۲۴۲۳۸.

ترکیه ، وابستهٔ بازرگانی .تهران خیابان فردوسی ، تلفن:۳۰۳۵۹۲.

چکوسلواکی، وابستهٔ بازرگانی . تهران ، خیابان ایرانشهر ، پلاك ۹۰ تلفن :۶۸۸۵۶ ـ ۴۲۰۰۴ .

چین ، وابستهٔ بازرگانی . تهران خیابان جلال بایار ، طاهباز . تلفن : ۶۲۳۰۶۸.

رومانی ، وابستهٔ بازرگانی.تهران خیابان شاهرضا ، لاله زار نو ، تلفن : ۶۹۱۹۰ .

سوئد ، وابستهٔ بازرگانی. تهران، خیابان‌سوم‌اسفندپلاك ۲۸،تلفن:۳۷۶۶۶ و۳۳۶۶۴.

شوروی، وابستهٔ بازرگانی.تهران پامنار ، تلفن:۳۶۲۸۱ ـ۳۸۰۳۴.

فرانسه ، وابستهٔ‌بازرگانی . تهران خیابان روزولت پلاك ۱ تلفن ۴۰۰۸۱ وخیابان فرصت ۶۲ تلفن: ۴۹۵۴۷ و ۴۹۶۵۴ .

کویت ، وابسته . تهران ، امیرآباد خیابان‌رستم: ۶۲۹۷۵۹.

لهستان ، وابستهٔ بازرگانی.تهران خیابان بهار ، کوی سمنان ، تلفن : ۸۲۹۴۶ ـ۷۲۹۴۵

مجارستان ، وابستهٔ بازرگانی . تهران ، خیابان رودسر کوی انصاری ۷۶ تلفن ۴۶۷۶۰ و ۶۶۰۴۳.

دفاتر تجارتی

دفترثبت تجارتی

دفتری است که از طرف وزارت دادگستری‌درنقاط مقتضی تأسیس‌می‌شود وتجار وظیفه دارند درمدت معینی در دفترثبت نمایند .

دفتردارایی .

تاجر هرسال صورت جامعی ازتمام دارایی منقول وغیرمنقول و قرضها و مطالبات‌گذشتهٔ خودرا دردفتری به‌نام دارایی تاپانزدهم فروردین ماه سال بعد باید ثبت‌نماید .

دفتر روزنامه .

دراین دفتر ، همه‌روزه مطالبات‌و دیون وداد‌وستد ومعاملات اوراق‌تجارتی وتمام واردات و صادرات تجارتی خودرا حتی‌وجوهی که‌برای مخارج شخصی‌برداشت می‌کند بایدثبت نماید .

دفترکپیه .

تاجرکلیهٔ مراسلات و مخابرات و صورت حساب‌های صادرهٔ خودرا در آن به‌ترتیب تاریخ ثبت می‌نماید.

دفترکل .

کلیهٔ معاملات تقریباً هفته‌ای یك‌بار باید ازدفترروزنامه استخراج و هرنوع آنرا درصفحهٔ مخصوص در دفترکل‌بطور خلاصه ثبت‌نماید .

گمرك ایران

گرفتن‌عوارض‌گمرکی‌ازروزگاران قدیم درایران معمول بوده . ولی‌صنعت دولت ایران دراواخرقرن‌گذشته درآمد گمرك ایران‌را کاهش داد وبیگانگان‌را درآوردن کالاهایشان به بازار ایران آزادگذاشت‌وبه‌زودی‌درآمدگمرك‌ایران درگرووامهای‌ایران‌ازروسیه وانگلستان قرارگرفت . درسال ۱۳۲۱ ق . دولت ایران مستشارانی‌ازبلژیك برای اصلاح امورگمرك ایران استخدام کرد ولی اینان‌که رئیسشان‌مردی به‌نام‌نوز Nause بود جزدرجهت حفظ منافع دولت روسیه کاری‌نکردند وخشم‌ونفرت آزادیخواهان ایران را برانگیختند .

ادارهٔ‌گمرك ایران تاسال ۱۳۱۳ش دراختیارمستشاران بلژیکی بود ولی از همین‌اوان دولت ایران‌کارگمرك را خود به‌دست‌گرفت‌واینك یکی از ادارات وزارت اقتصاد است ودولت‌سعی میکندبا محدودیت ورود اجناس مشابه کالاهای ایرانی ووسایل تجملی‌به‌وسیلهٔ بالابردن حقوق‌گمرکی هم‌صنایع ایران‌را تقویت نمایدوهم‌درآمدگمرك‌رابالاببرد. درآمد گمرك ایران در سال ۱۳۴۲ ش . بالغ برده ملیارد ریال بوده .

شرکتها

شرکت‌های تجارتی :

۱ـ شرکت‌سهامی .
۲ـ شرکت بامسئولیت محدود .
۳ـ شرکت‌تضامنی .
۴ـ شرکت مختلط غیرسهامی.
۵ـ شرکت مختلط سهامی .
۶ـ شرکت‌نسبی .
۷ـ شرکت‌تعاونی تولید ومصرف .

شرکت‌سهامی .

شرکتی‌که برای امور تجارتی‌تشکیل

وسرمایهٔ آن به‌سهام تقسیم شده ومسئولیت صاحبان سهام محدود به‌سهام آنهااست.

شرکت بامسئولیت محدود .

شرکتی بین دویاچند نفربرای امور تجارتی وهریك ازشرکاء تامیزان سرمایهٔ خوددرشرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است .

شرکت تضامنی .

شرکتی است تحت اسم مخصوصی برای امور تجارتی بین‌دویاچند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود ، اگر تمام‌دارایی شرکت برای پرداخت تمام قروض‌کافی نباشدهریك از شرکاء مسئول پرداخت تمام‌قروض است .

شرکت مختلط غیرسهامی .

شرکتی‌که برای امور تجارتی بین يك ياچندنفرشرکت ضامن و يك ياچند نفرشریك بامسئولیت‌محدود بدون‌انتشار تشکیل می‌شود، شریك ضامن مسئول کلیهٔ قروضی است‌که ممکن‌است علاوه‌بر دارایی شرکت پیداشود شریك‌بامسئولیت محدودکسی است‌که‌مسئولیت‌او فقط تا میزان‌سرمایه‌ای است‌که‌درشرکت گذاشته است .

شرکت مختلط سهامی.

شرکتی است ، بین یک‌عده شرکاء سهامی ویك‌یا چندنفرشریك‌ضامن‌تشکیل می‌شود ، و مسئولیت‌افراد تامیزان‌سرمایه فردی است. شریك ضامن کسی است که‌سرمایهٔ او‌به صورت سهام درنیامده و مسئول‌کلیهٔ قروض است .

شرکت‌نسبی .

شرکتی‌که برای امور تجارتی بین دویاچند نفر تشکیل‌ومسئولیت‌هریك از شرکاء به‌نسبت سرمایه‌ایست‌که درشرکت گذاشته‌اند .

شرکت‌تعاونی‌تولید .

شرکتی بین‌عده‌ای از ارباب مشاغل وتمام شرکاکه نتیجهٔ‌کارهای خودرا برای تولید و فروش اشیاء یا اجناس به کار میبرند .

شرکت‌تعاونی‌مصرف .

شرکتی‌که‌برای مقاصدذیل تشکیل می‌شود :

۱ ــ فروش اجناس لازمه برای مصارف‌زندگی ، اعم‌ازاینکه‌اجناس‌مزبور را شرکاء ایجادکرده یاخریده‌باشند .

۲ ــ تقسیم نفع‌وضرر بین‌شرکاء به نسبت خریدهریك ازآنها .

بانك

تاریخچهٔ‌بانکداری.

بانك‌به‌معنی نیمکت،وجه تسمیهٔ‌آن نیمکتی است‌که صرافان روی پیش روی خود داشتند. اما معاملات نزولی، خیلی پیشتر از زمان وضع کلمهٔ بانك بوده و حتی یهودیان و فینیقی‌ها برای این کار خود قوانینی‌داشته‌اند، ودرمعابد بزرگ بابل، اشیاء گرو، قبول میکردندومبلغی وام میدادندکه بعداز انقضای مدت با ربح پس میگرفتند .

قریب ۳۹۰۰ سال پیش **حمورابی** قوانینی دربارهٔ معاملات واستقراض‌وضع کرده است .

ازقرن دوم میلادی ، رومیان عملا به‌کار بانکداری پرداختند، ولی درهر حال برای اولین‌بار بانکداری دراختیار یهودیان بود .

درسال ۱۶۳۸ اولین‌بار درایتالیا بانك به‌معنی واقعی تأسیس شد.

درسال ۱۸۰۰ درفرانسه و درسال ۱۶۸۹ درانگلیس نیزبانك‌رسمی گشایش یافت .

صرافی و تاریخچهٔ آن

تازمان آغازانقلاب‌صنعتی دراروپا، ایران دارای صنایع‌دستی‌قابل ملاحظه‌ای بود . این صنایع تا آنجا اهمیت یافته بودندکه محصولات‌آنها حتی‌دربازارهای جهان عرضه میشدند . صنایع ایران، به‌خصوص‌صنعت نساجی ، موجب توسعهٔ تجارت‌خارجی‌ایران‌گردید وباعث‌ارتباط ایران باخارج وبرقراری رابطهٔ بیشتر بین بازرگانان ایرانی با بازرگانان خارجی‌شد. برقراری‌ارتباط‌تجارتی‌موجب طرح مسایل پولی‌گردید وازجمله مسئلهٔ مبادلهٔ انواع پولها بایکدیگر و تعیین وزن و عیار آنها به‌وجود آورد . این ضرورت یعنی احتیاج روزانه به تعیین وزن و عیار مسکوکات گوناگونی‌که در مبادلات‌جریان داشتندعلت اصلی‌پیدایش و توسعهٔ شغل صرافی بوده است، زیرا با رواج پولهای مختلف، بدون‌آشنایی به‌ــ مشخصات آنها وبدون اطلاع از رابطهٔ ارزش فلزات بایکدیگر، کسب و معامله ممکن نبود. برای‌رفع این‌احتیاج وجود کسانی‌که از خصوصیات پولهای مختلف بااطلاع باشند لازم بود. بااین علت از زمانهای قدیم صرافی در ایران رواج داشته و عده‌ای‌به‌این‌کار مشغول بوده‌اند.

تازمان تشکیل‌بانك درایران، این صرافان درجنب معاملات ساده صرافی ازقبیل خرید وفروش جواهرات‌وپولهای خارجی عملیات بانکی‌را برعهده داشتند بدین معنی‌که پول‌ازنقطه‌ای‌به‌نقطه دیگر حواله میکردندوهمچنین درمقابل وثیقه نیز پول‌به‌قرض میدادند .

درزمان صلح ودرزمانی‌که راههای مبادلاتی امن و امان بود وتجارت رونق داشت، کارصرافی نیز رونق پیدا میکرد وعدهٔ زیادی‌به‌انجام شغل‌صرافی مبادرت میکردند زیرا صرافی بستگی شدید به‌تجارت داشت و نوسانات‌حاصله در امر تجارت باعث بروز تغییر در توسعه ویا رکورد امر صرافی میگردید. مثلا ثبات وضع در زمان صفویه ورونق تجارتی‌این زمان، صرافی درایران‌راکه دراثرحملهٔ مغول لطمهٔ فراوان‌دیده بود، دوباره‌نیرو داد. دراین‌زمان تجار ایرانی، آژانس‌ــ هایی درخارج داشتند (ازجمله درسوئدو چین) که بوسیله آنها کالاازخارج دریافت و به‌وسیلهٔ آنها کالا به‌خارج صادر مینمودند در این زمان استفاده از برات و سفته معمول‌بود ودیگر احتیاج به‌حمل‌پول‌نقد رای انجام معامله نبود.

کارت رایت Cartwright که در سال ۱۶۰۱ درقزوین بوده است دربارهٔ رونق صرافی دراین شهر مینویسدکه در قزوین درمیدانی محل مخصوصی برای صراف‌ها تعیین گردیده است.

دراینجا۱۲ نفر صراف نشسته‌اندکه کارشان خرید وفروش مروارید وصدف و جواهرات‌وپولهای طلاونقره‌است‌وپولهای اسپانیارا در مقابل پول ایران معاوضه مینمایند. این‌عده‌درمقابل وثیقه قرض‌هم میدهند .

لردکرزن نایب السلطنه و وزیر خارجه اسبق انگلستان در بارهٔ اهمیت صرافی در مشهد که مرکز **مهم** تجارت مشرق ایران بود مینویسد :

«... در این‌شهر۱۴۴ صراف وجود دارندکه سرمایهٔ آنها بالغ‌بر۹۳۱۰۰۰ تومان ویا۲۶۶۰۰۰ لیرهٔ‌انگلیسی است. دونفر ازآنها هرکدام۱۰۰۰۰۰ تومان ویا ۲۸۵۷۰لیره وسه نفرآنها هرکدام ۵۰۰۰۰تومان ویا۱۴۲۸۵لیره و ۲ نفر هریك۳۰۰۰۰هزارتومان‌ویا ۸۵۷۰لیره سرمایه دارند. بقیه صرافانی کوچك و

رباخوار هستند ...»

دراین زمـان نرخ بهره زیاد بوده است، بدین‌معنی‌که برای تجار۱۲درصد وبرای دیگران تا۲۴درصد بالغ میشده است .

یکی از مشخصات بارز صرافی در این‌زمان پراکندگی وعدم تمرکـزمالی است.به‌این معنی‌که صرافان در شهرهای مختلف پراکنده بودند و بدون اینکه ارتباط دائمی ومحکمی‌بین آنها برقرار باشد تابتوانندرموقع ضرورت از قدرت مالی یکدیگر استفاده نمایند ، هرکدام باتکاء سرمایه‌خود ودرحدود قدرت مالی خود انجام امور صرافی اشتغال داشتند. کار به‌صورت‌دستجمعی و یا ایجاد شرکت معمول نبود وهمکاری میان‌سرمایه‌ها فقط به‌ندرت‌آنهم درمیان افراد یك خانواده دیده میشد .

علت اساسی عدم وجود تمرکـز در حرفهٔ صرافی‌را باید عدم وجـود وسایل ارتباطی بین شهرها وهمچنین عدم وجود یك‌مرکز تجارتی درآنزمان دانست .

صرافـان این دوره را میتوان از نقطهٔ نظر حوزهٔ کارشان به‌سه‌دسته تقسیم کرد :

۱ــ صرافانی‌که دریك‌حوزهٔ کوچك و یـا یك شهر به‌عملیات صرافـی اشتغال داشتند .

۲ــ صرافانی‌که نه‌تنها در یك شهر بلکه درتمام مملکت فعالیت داشتند.

۳ــ بالاخره مؤسسات وصرافانی‌که درخارجه، به‌خصوص درکشورهای‌همجوار ایران امور صرافی را عهده دار بودند. دستهٔ اخیر باباز کردن حساب دربانکهای خارج وفرستادن نماینده به‌مراکز عمده تجارت‌آنروز، رابط مراکزصرافی‌ایران بادنیای خارج گردیدند. مثلا در حدود سال ۱۸۵۰ صرافان ایرانـی در بیشتر شهرهای تجارتی آن‌روز از جمله هرات، عشق آباد ، بغداد ، استانبول ، بمبئی و هنگ‌کنگ و لندن و پاریس نمـاینده داشتند .

ازخصوصیات‌دیگرصرافی این‌زمان در ایران ، عدم تخصص و جدا نبودن صرافی ازکارهای دیگربوده است. به‌این معنی‌که این تنها صرافان نبودندکه بهــ مبادلهٔ پولهای مختلف بایکدیگر وخرید وفروش سفته و انجام سایر امور صرافی مشغول‌بودند، بلکه هرزمان که موقعیت مناسب بود واین‌کار سودی‌به‌همراه داشت تجارایرانی وحتی تجار خارجی‌که به‌کار تجارت باایران مشغول بودنـد، در کار صرافی نیز دخالت مینمودند. مثلا تجار هلند درجزایر خلیج‌فارس وتجار ونیزی در تبریز ، تجارتخانه‌های مهمی داشتند که نه‌تنها امور تجارتی‌راانجام میدادند؛ بلکه خریدوفروش براتهای خارجی‌راهم متصدی میشدند .

بمرورزمان و به‌موازات‌توسعهٔ‌تجارت و رونق کار و کسب عدهٔ بیشتری در کار صرافی واردگـردیدند و باوجود اینکه همچنان عدهٔ‌زیادی‌به‌مبادله پولهای فلزی ویا دادن قرض درقبال امـوال منقول و غیرمنقول مشغول بودنـد ولی کار عمدهٔ صرافان انجام امور بازرگانی و تنزیل برات وتصفیه محاسبات بـازرگانان در داخل‌وخارج‌کشور، کاراصلی‌صرافرا در این زمان تشکیل میداد .

هر یك از کسانی‌که به‌نحوی باکار تجـارت درارتباط بودند، برای انجام امور حسابداری خود بـاصرافی سروکار داشتند واین صراف طلبهای تاجر طرف محاسبه خودرا وصول میکرد وبدهی‌های اورا میپرداخت و،برای اینکه محاسبات بازرگانان‌همیشه‌روشن‌باشد،صراف‌دفتری تهیه میکردکه اقلام مربوط‌به‌طلب‌وبدهی تاجر درآن ثبت میگردید.

شاید بتوان این طریق نگهـداری حساب را باحساب جاری امروزی تشبیه کرد ، فقـط بااین تفاوت که اقلام این حساب‌را طلبهاوبدهی‌های‌تاجر‌که‌به‌وسیله صراف وصول و یـا پـرداخت میگردید تشکیل میدادند .

دراین‌زمان چك وجـود نداشت و برای‌نقل وانتقال‌پول ازحواله‌های دستی وخطی استفاده میگردید. این حوالهـا که‌فقط‌تکه‌کاغذی‌فاقد شکل‌وفرم‌بخصوص بودند رواج کاملی‌داشتند علت‌رواج‌آنها اعتماد فراوانی‌بودکه بین‌مردم بخصوص بین‌بازرگانان وجود داشت این اعتماد و اطمینان متقابل آنچنان قـوت داشت که‌اغلب‌به‌اتکاء قول شفاهی، معاملات‌عمده واقع میشدبدون‌اینکه درابتدا پولی‌ردــ وبدل‌گردد ویا حتی مبالغ قابل توجهی بدون دریافت رسید درنزد صرافان بهــ امانت سپرده میشد.

استفاده ازبـرات وتنزیل درایـن زمان به‌این‌شکل بود که تاجر در موقع خریدکالابه‌فروشنده براتی‌مدت‌دار به‌عهدهٔ صرافی‌که طرف محـاسبه او بـود صادر میکرد وآنرا به‌فروشنده میداد. دارنده برات میتوانست‌قبل ازسررسید، براترا درنزد صرافی‌که برات به‌عهده او صادر گردیده است نزول نموده وپول خود را نقد دریافت نماید .

برای قبولـی برات لازم نبود کـه حتماً صادرکنندهٔ برات درنـزد صراف پول داشته باشد بلکـه او میتوانست از اعتبار و حسن شهرتی‌که در نزد صراف داشت استفاده نموده وبه‌عهده او بـرات صادرکند وبعداً بدهی خودرا ازاین‌بابت بااو تصفیه نماید .

اعتباری‌که به‌این‌ترتیب در اختیار بازرگانان‌گذارده میشد به‌مدتهای‌طویل بود وگـاه مدت آن به‌پنجسال میرسید. توسعهٔ صرافی درایران باعث رواج‌سندی بنام «بیجك» درمعاملات گردید. بیجك عبارت‌ازسندی‌بودکه صرافان به‌وسیلهٔ‌آن وصول‌مبلغی‌رااعلام‌داشته وتعهدمیکردند که به‌وعدهٔ‌کوتاه‌ویاحتی‌عندالمطالبه وجه آنرا بپردازند. بیجك دربعضی ازشهرها بخصوص در شهرهای تجارتی ایران‌چون مشهد، تبریز واصفهان ظرف‌مدت‌کوتاهی پس‌از انتشار رواج‌یافت ویکی ازوسایل مهم پرداخت‌گردید. بیجك بوسیلهٔ مردم بنابر معروفیت وحسن‌شهرت صادرکننده آن‌مورد خریدوفروش واقع‌میشد. بیجك دروضع پولی‌آنروز ایران نیزاثرشایان توجه داشت زیرا اکثر معاملات به‌وسیلهٔ آن‌انجام میگردید و وسیله‌ای برای‌رفع مضیقهٔ پولی بود.

برای نشرورواج‌بیجك‌ابداًمقرراتی وجود نداشت وتنهاعرف وعادت صرافی که درطول‌زمان به وجودآمـده بـود و همچنین‌اعتماد مردم به‌صرافان وصرافان بیکدیگرباعث رواج این‌وسیلهٔ پرداخت که ازمشخصات‌نضج صرافی درایران‌بوده است‌گردید .

دراینجا این‌سؤال طرح‌میگردد که باوجوداینکه مقرراتی‌به‌جای صدوربرات و بیجك وجود نداشت و قانونی جریان آنرا نظارت نمیکرد وصراف وتاجر در صدوربرات وقبول آن‌آزاد بودند وبه‌هر مبلغ کـه میخواستند میتوانستند بیجك که به‌منزلهٔ اسکناس بودصـادر نمایند ، چگونه این اسناد مورداعتماد مردم‌واقع گردیدند ودرمیان آنها رواج یـافتند.

دلیل‌وعلت‌اصلی این‌امررا بایددرشرایط اجتماعی‌آنروز ایران جستجو نمود، یعنی این امررا معلول اعتماد متقابل و عرف وعـادتی دانست‌که در میان مردم رواج داشت وهمچنین مقید بودن صرافان بهـ حفظ نام و شهرت خود، دلیلی بـررواج این اسناد بود این‌عوامل باعث گردیدند کـه اعتماد مردم به صادر کنندگان اینگونه اسناد و بخصـوص بیجك جلب گردیدواین‌اعتماد وهمچنین‌علاقهٔ صرافان به‌جلب اعتماد مردم به‌جای‌قانون ضامن حسن جریان این اسناد بود.

به‌اقتضای‌وضع‌اقتصادی‌وبمرورزمان تاحدودی درکلیه مبالغ‌پول‌هاوعدهٔ دیگر فقط به‌دادن وام درمقابل دریافت وثیقه وعـدهٔ دیگـری نیزکـه کارشان رونق بیشتری داشت به‌خرید وفروش وتنزیل بروات‌میپرداختند. دستهٔ اخیرنیز تقسیم کاررا مراعات‌کرده بودند به‌این‌معنی‌که بعضی‌فقط‌بروات‌خصوصی‌وبرخی‌دیگر‌بروات دولتی وآنهاکه باتجارت‌خارجی سروکار داشتند، به‌خرید و فروش‌بروات خارجی میپرداختند. درقرن۱۹ صرافان ایرانی درتبریزکه باتجار روسیه وترکیه سر و کار داشتند تاحدود معینی بروات داخلی وخارجی میفروختند و ودایع‌را نیزقبول مینمودند.

دراواخرقرن۱۹که رابطهٔ تجارتی ایران باکشورهای اروپایی توسعه پیدا کرد، صرافان دیگرقادربه‌رفع‌احتیاجات پول‌آنروز ایران‌نبودندو بااینکه صرافی ایران در حدود ۵۰ سال رشد و توسعه یافته واحتیاجات‌عادی مملکت‌را برطرف نموده بـود ، برای مقابله بااحتیاجات تازه لزوم ایجاد بانکـی به‌صورت جدید محسوس‌گردید ولازم آمدکه یك سازمان بانکی‌به‌شکل معمول درکشورهای غربی ایجاد گردد. زیرا صرافان نمیتوانستند ارزبه‌میزان‌لازم‌تهیه نمایندوازاین‌گذشته سود پول حتی درامورتجارتی بسیارزیاد ودرحدود ۲۴ درصد بود.

بطوریکه از مطالعهٔ اجمالـی وضع صرافی‌درایران مستفاد میگردد ، صرافی درایران به سرعت پیشرفت نموده و نه تنها احتیاجات پولی‌عـادی مملکت را تأمین میکرد بلکه‌توانست عهده‌داراانجام معاملات‌صرافی باخارج‌گردیده واهمیت قابل‌توجهی درکشورهای همجوار ایران کسب نماید.

صرافان ایرانی توانستند تامدت‌ها علاوه برایجادتسهیل‌درامر ارتباط پولی درداخل وخارج‌کشور، اعتباراتی نیزدر اختیار بازرگانان‌گذارده وبادر جریان گذاردن بیجك به‌رفع مضیقه پولی‌کشور نیزکمك نمایند . بااینهمه سیستم‌صرافی ایران با خصوصیاتی‌که‌داشت از جـمله پراکندگی وعدم‌تمرکز مالـی و انجام اموری‌که ابداً باصرافی ارتباطی نداشت ولی‌نفعی ازآن‌عاید می‌گردید و از همه مهمتر عدم استفاده از روش‌های نـوین بانکداری ، جوابگوی احتیاجات جدید کشور نبود و بـا شرایط اجتماعی واقتصادی ایران مطابقت‌نمیکرد .ایران برای‌اینکه بتواند به‌ایجاد صنایع‌ماشینی بپردازد، احتیاج به‌سرمایهٔ فراوان‌داشت که‌تأمین‌آن ازعهدهٔ‌صرافان ایرانی‌خارج بود و درنتیجه ایجاد و تأسیس مؤسسات پولی‌که با این شرایط جدید تناسب و مطابقت داشته‌باشد لازم وضروری‌بود .

ازخصوصیات بارز صرافی درایران یکی‌هم این‌بودکه قانون ومقرراتی‌برای تنظیم امورصرافی وجودنداشت و دولت مطلقاً دراینگونه فعالیت‌ها دخالت‌نمی‌کرد وفقط عرف وعادت بر امور صرافی حاکم‌بود و صرافـان در قبول بروات و صدور آنها آزادبودند وتنها سنت‌صرافی واعتمادزیادی‌که مردم به‌صرافان‌داشتند وتوجه صرافان به‌اینکه نام‌وشهرت‌نیکو به‌دست‌آورده‌وازاقدام به‌عملی‌که‌بمعروفیت آنها لطمه‌زند شدیداً خودداری نمایند ، حدودکار صرافان‌را معین می‌کرد. صحت عمل صراف وتوجه او به افکار عمومی و اعتماد عمومی به‌صراف ، به‌جای‌قانون و مقررات‌حسن‌گردش‌کار را تضمین میکرد تا آنجا که‌کمترخطری‌متوجه سرمایهٔ‌مردم وکارهای اعتباری می‌گردید. صحت‌عمل صرافان را دراین دوره باید یکـی از دلایل اصلی پیشرفت صرافی در ایـران دانست واین‌امر یکی‌ازخصوصیات بارز صرافی‌درایران بوده است.

بازار آزادپول .

وامهایی‌که دربازار آزادایران‌رد-وبدل‌میگردد برحسب نوع وثیقه در سه دسته گروه‌بندی می‌شود :

۱ ــ وامهایی‌که در مقابل سپردن سفته‌که دارای یك ویادو امضاء میباشد، اعطاء میگردد .

۲ــ وامهایی‌که‌وثیقهٔ‌آنهارا مستغلات واراضی تشکیل میدهند و غالباً تقاضا-کنندگان بازرگان نیستند .

۳ــ وامهایی‌که‌برای دریافت آنها یااصولا وثیقه‌ای‌سپرده نمی‌شود وفقط به سپردن یك‌رسید دستی اکتفا می‌گردد و یا اشیاء خانگی بـه عنوان وثیقه قبول میگردند .

نرخ‌بهره دربازار آزاد .

۱ــ تهران ۱۲تا ۲۴
۲ــ اصفهان ۱۲تا ۳۰
۳ــ تبریز ۱۲تا۲۴
۴ــ رشت ۱۲ تا ۲۷
۵ــ شیراز ۱۲تا۲۴
۶ــ کاشان ۱۵تا۲۱
۷ــ یزد۱۰تا۲۰
۸ــ قزوین۱۸ تا ۲۴

بانك مرکزی

بانکهای مرکزی مؤسساتی هستند که‌به‌منظورکنترل وتنظیم‌امور مربوط به عرضه ، ارزش ، ومصرف پول‌ایجاد می‌شوند ؛ وتأمین رفاه‌عمومی وثبات اقتصاد ملی وبین‌المللی یکی ازنخستین هدفهای اینگونه بانکها به شمار میرود . تمرکز امور‌بانکی دربانکهای مرکزی ،که‌آنها را **بانك‌بانکها** نیزمی‌نامند ،ازخصوصیات مهم اقتصاد امروز جهان محسوب‌میشود، فرق عمدهٔ بانکهای مرکزی بـا سایـر مؤسسات بانکی‌اینست که‌ازنظر بانکهای مذکور تأمین‌منافع‌عمومی مقدم برانتفاع مادی ازعملیات بانکی می‌باشد . اهم وظایف بانکهای مرکزی‌را میتوان‌تحت چندعنوان به‌شرح زیرخلاصه نمود :

۱ ــ نشراسکناس وحفظ ذخیرهٔ کافی‌به‌عنوان پشتوانهٔ‌آن .

دراکثرکشورها ابتدا نشر پول در اختیار چندبانك قرار داشت لکن بعداً این‌اختیار در انحصاریك‌بانك قرارداده شد . در حال حـاضر غالب بـانکهای مرکزی‌دارای حق‌انحصاری‌نشراسکناس میباشند .

۲ ــ دخالت در تغییرات حجم و ارزش واستفاده ازوسایل‌پولی .

به‌وسیلهٔ اعمال سیاست‌های بانکی‌و پولی ، توسعه یاتحدید عملیات بانکی ، وتغییر درمقدار پشتوانه ، ترقی یاتنزل نرخ‌بهره ، اقدام درخرید وفروش‌اوراق بهادار دولتی ونظایرآنها .

۴ـ دخالت در نحوهٔ استفاده از وسایل پولی .

با ایجاد و اجرای مقررات مربوط به‌اعطای اعتبار و وام و تجدید نظر در آنها .

۵ ـ انجام خدمات مختلف برای سیستم بانکی‌کشور.

مانند تصفیه حساب‌چکها (Check-Clearence)، انتقال وجوه وایجادرابطه بین بانکهای محلی و بانکهای‌خارجی .

۶ ـ نظارت در اجرای صحیح قوانین بانکی درکشور .

امروزه، اکثرکشورها دارای‌بانک مرکزی‌می‌باشند ؛ وانجام وظایف فوق‌در برخی‌ازممالك به‌یك بانك واگذار شده است ، مانند: بانك انگلستان (Bank-of England) درکشور انگلستان‌که از از اواخر قرن هفدهم فعالیت‌های بانکی خودرا آغازکرد، وبانك‌فرانسه(Banque de France)درفرانسه که درزمان ناپلئون اول تأسیس شد ؛ و در بعضی دیگر از کشورها مجموعهٔ متمرکزی از بانکهای متعدد نقش بانك مرکزی را به عهده‌دارند ، مانند سیستم فدرال رزرو (Federal Reserve System) در ایالات متحدهٔ امریکای شمالی .

«مقدمه ازدکتر عزیز نبوی»

آغاز کار بانك درایران

بانك درایران .

جنگهای ایران وروس درنیمهٔ اول قرن‌سیزدهم ازنتایجی که بارآورد رونق تجارت‌خارجی بود ، رونق تجارت سبب رواج کارصرافی شد وصرافیهای بزرگ که‌دراغلب شهرهای‌بزرگ ایران وقفقاز وعثمانی وپایتخت‌های‌اروپا شعبه وطرف معامله داشتند بوجودآمدنـد . به‌زودی رونق‌کار صرافی توجه خارجیان‌را جلب کرد واول‌بار یك‌نفر فرانسوی به نـام Jean. Savalax درسال ۱۸۶۴ درصدد تأسیس‌بانك درایران برآمدولی‌باتقاضایش موافقت نشد . در سال ۱۸۸۸ اولیاء **بانك‌جدید شرقی**NewOriental Bank بدون‌کسب امتیاز وانجام هیچ‌تشریفاتی یکی ازشعب خودرا در تهران تأسیس و به‌زودی فعالیت‌خودرا درشهرهای دیگر ایران هم‌گسترش داد . ولی‌یکسال بعـد رقیب نیرومندی پیداکرد زیـرا درسال ۱۸۸۹ بارون جولیوس‌رویتربا امتیازات اقتصادی بسیاروسیعی‌که از دولت‌ایران کسب‌کرده بود **بانك شاهنشاهی‌ایران** Imperial Bank of Persian راتأسیس وبه‌زودی انحصارنشر اسکناس‌را به‌دست آورد وهم‌رقیب‌خودرا ازمیدان بدرکرد واین‌غم‌انگیزترین‌حوادث‌تاریخ ایـران است‌که دراین‌کشور بانك دولتی ایران باتابعیت دولت انگلستان تـأسیس شد و اجازهٔ انحصاری تـأسیس بانك و نشر اسکناس واستخراج وبهره‌برداری‌معادن ساختن راه درسراسرکشور و همه‌گـونه کارهای بازرگانی‌به‌دست‌آورد. پس ازاین روسها به‌تأسیس بانك‌پرداختند . درسال ۱۸۹۰ ژاك پولیاکوف Paliakoff اجازهٔ تأسیس شرکتی به‌نام **انجمن استقراضی ایران**راتحصیل‌که بعداً به **بانك‌استقراضی** موسوم‌شدودراختیار دولـت‌روسیه‌درآمد (۱۸۹۸) . از مؤسسات صرافی معروف ایـران باید تجارت‌خانهٔ‌تومـانیانس را نام بردکه به‌پایمردی‌یك ارمنی تبریزی به‌نام هاراطون تومانیانس پدید آمد و چهارپسرانش آنـرا چنان توسعه دادند که در اغلب شهرهای شمالی ایران و تهران وقفقاز ومسکووحاجی طرخان و وین ولندن‌وپاریس شعبه ، نماینده ، یا طرف حساب‌داشت وسرمایهٔ آن در سال ۱۹۱۸ درایران‌به‌سه ملیون‌تومان‌میرسید (۷۵ملیون تومان به پول امروز) ایـن تجارتخانه هم به‌کارهای صرافی وهم بـه استخراج معادن ، کشت پنبه ، تـولید ابریشم، صادرات و واردات ،کشتی‌رانی وکارهای انتفاعی دیگرمی‌پرداخت .

یکی دیگر از مؤسسات صـرافی تجارتخانهٔ جهانیان است‌که به‌همت پنج برادر زرتشتی ازمردم‌یزد درسال ۱۲۷۴ شمسی تشکیل‌شد وبـه امور صادرات و تجـارت و کارهای صرافی پـرداخت . برادران‌جهانیان در مبارزات‌مشروطه‌خواهی وفعالیت‌برای تشکیل بانك ملی فعالانه شرکت‌داشتند و درکار احـداث خطوط تلفن‌سرمایه‌گذاشتند اماسرانجام رقابت‌های خارجی وتوطئه‌ها و تشبثات موجب‌کشته‌شدن یکی از آنـان وتبعید دیگری به‌اروپاوانحلال‌تجارتخانهٔ‌ایشان گردید .

دراینجا بایدازتجارتخانهٔ جمشیدیان (۱۲۶۵ ـ ۱۲۹۵ ش .) کمپانی فارس (۱۲۷۵ ـ ۱۲۸۳ش .) شرکت اتحادیه (۱۲۷۶ ـ ۱۲۹۱ ش .) شرکت عمومی ایران (۱۲۷۸ـ۱۲۹۳ش) نـام برد . اغلب‌این‌مؤسسات‌براثرحیله‌های‌اقتصادی بانکهای روس وانگلیس شکست خورده وازهم پاشیدند .

درسال ۱۳۰۱ ش. بـانك عثمانی شعبی در تهران و شهرستانهای شمالی و غربی ایران تأسیس‌کرد.

درسال ۱۳۰۴ ش. نخستین بـانك دولتی ایـران‌به‌نام **بانك پهلوی قشون** تأسیس‌گردیدکه‌بعداً به **بانك‌سپه** موسوم گردیدوسپس مؤسسه رهنی ایران وبانك روس‌وایران درسال۱۳۰۵ بوجودآمدند.

بانك‌ملی ایران‌که باید بانك‌دولتی و حافظ منافع اقتصادی ایران باشد پس ازآنکـه مدت پنجاه سال میهن پرستان ایران برای ایجادآن‌کـوشش بردند در درسال۱۳۰۷ش. رسماً شروع‌به‌کارکرد.

درسال ۱۳۲۸ ش. یك بـانك خصوصی ایرانی بنام **بانك بازرگانی ایران**به‌کار آغازکرد .

درسال ۱۳۳۱ بـانکهای خصوصی به‌نام‌بانك عمران ، بانك توسعهٔ صادرات ومعادن ایران، بانك پارس، بانك بیمهٔ بازرگانان تـأسیس و بانکهـای دولتی دیگری نیز دراینمدت به‌نام‌هـای بانك برنامه (۱۳۳۰) بـانك توسعهٔ صادرات (۱۳۳۱) بانك ساختمـانی (۱۳۳۱) به‌وجودآمد .

یکی‌دیگر ازبانکهای دولتی بانك کشاورزی است‌که‌درسال ۱۳۰۹ به‌عنوان ضمیمهٔ بانك ملی تأسیس گردید ولی بعد استقلال یافت .

از سال ۱۳۳۴ تـأسیس بانکهای مؤتلف ایرانی وخارجی رواج یـافت و اینك قریب سی‌بانك دولتی وغیر دولتی در ایـران بـه کار مشغولند که غیر از بانکهای‌مذکور درفوق ازبانك‌کار، بانك بیمهٔ ایران، بانك اصناف، بانك‌تهران، بانك ایران‌وهلند، ایران وژاپن، ایران وایتالیا، معادن وتوزیع، اعتبارات باید نام برد .

بانك ملی ایران نیز به دو بـانك مرکزی وبانك ملی ایران تقسیم شده‌که اولی ناشراسکناس و عهده‌دار اجـرای سیاست پولی دولت و دومی مشغول امور بانکداریست .

بانك‌های ایران

بانك استقراضی‌ایران.

در سال ۱۲۶۸ روسها در مقابـل

انگلیسیها برای سازمان بانکی درایران ازدولت امتیازی گرفتندودر تهران بنگاهی موسوم به «بانک استقراضی ایران» تشکیل دادند که به‌تدریج دربعضی شهرهای شمال شعب آن نیز دایر گردید. قصد دولت روسیهٔ تزاری از تأسیس بانک توسعهٔ نفوذ آن دولت در ایران خصوصاً دربرابر انگلیسها بود. و بانک استقراضی یک دستگاه کاملا رسمی دولت روسیه بود و برای رقابت با بانک شاهنشاهی ایران خودرا درمعاملات استقراضی وغیره بسیار سخاوتمند نشان میداد وبدینجهت مبالغ هنگفتی به‌درباریان واعیان و اشراف و ارباب نفوذ بیش‌از اعتبار مالی‌آنان وام میداد. به‌طوریکه در سال ۱۲۸۳ معلوم گردید که از ۳۰ ملیون منات سرمایهٔ اولیهٔ بانک فقط ۳ملیون‌منات درصندوق‌های آن باقی مانده‌است. این بانک درسال ۱۳۰۵ مقارن تأسیس بانک روس در ایران منحل گردید.

بانک اصناف ایران.

درسال ۱۳۳۷ تأسیس شد. درابتدا باسرمایهٔ یکصد ملیون ریال و شرکت اکثریت افراد اصناف بوجود آمد و در حدود پنجهزار تن صاحب سهام آن میباشند.

هدف اساسی‌آن تقویت قوهٔ مالی کسبه واصناف است. طبق‌اجازهٔ مخصوص مجاز درمعاملات ارزی است وباموسسات بزرگ بانکی دراکثرنقاط اروپاوآمریکا طرف حساب است.

بانک اعتبارات‌ایران.

در۱۳۳۷ باسرمایهٔ دویست ملیون ریال تأسیس شد. علاوه برصاحبان سهام بانکهای معروف فرانسوی نیز در آن شریک هستند وشعبات آنها درسرتاسر جهان با بانک اعتبارات ایران اشتراک مساعی دارند.

بانک اقتصادی ایران

در ۱۳۳۸ بایکصد ملیون ریال سرمایه (صددرصدایرانی) تأسیس گردید این بانک رسماً مجاز برای‌معاملات ارضی شناخته‌شده وهرنوع معاملات بانکی اعم از ارزی و ریالی را انجام میدهد و در اکثرکشورهای اروپایی و آمریکایی و آسیایی کارگزارانی دارد.

بانک انگلیس درایران وخاورمیانه.

این بانک در ابتدا به‌نام «بانک شاهنشاهی‌ایران» درسال ۱۸۸۹ به‌موجب امتیازی‌که اعتبارآن مدت ۶۰ سال بوده ازطرف یک مؤسسهٔ تجارتی انگلیس با سرمایهٔ یک‌ملیون لیرهٔ نقد و یک ملیون لیرهٔ تعهدشده تشکیل‌یافت ومتدرجاً شعبی هم درکلیهٔ شهرستانهای مهم ایران دایر کرد وحق‌انحصاری چاپ ونشراسکناس به‌موجب امتیازنامهٔ مذکوربدین بانک داده شد. ولی بعداً در ۱۹۳۰ این حق به‌بانک ملی واگذار گردید وحق‌الامتیاز بانک شاهنشاهی معادل ۰/۶٪ سود خالص وحداقل‌آن ۶۰۰۰ لیره درسال تعیین شد امتیازنامهٔ‌این‌بانک‌دردهم‌بهمن‌ماه ۱۳۲۷ منقضی گردید و از آن پس به‌نام «بانک انگلیس درایران و خاورمیانه» مانند یک بنگاه عادی بازرگانی مشغول کار شد وعاقبت درمردادماه ۱۳۴۱ بعد از ۶۳سال منحل گردید.

بانک‌ایرانیان.

باسرمایهٔ یکصد وشصت ملیون‌ریال که پنجاه درصدآن پرداخت شده است و درسال ۱۳۳۸ رسماً آغاز به‌کارکرده. بانک مذکور برای انجام معاملات ارزی درسراسر جهان آماده است.

بانک ایران وانگلیس.

شرکت سهامی است‌که به‌موجب‌مادهٔ ۲۱ قانون تجارت تشکیل‌شده‌وسرمایهٔ‌آن مبلغ۲۰۰ ملیون ریال‌نقد است‌که تماماً پرداخت‌شده. ازمجموع سهام این بانک ۰/۵۱٪ متعلق به اتباع دولت شاهنشاهی ایران است‌وبقیهٔ‌آن ۰/۴۹٪ ازطرف دو بانک معروف‌انگلیس «چارترد بانک» و «ایسترن‌بانک» خریداری‌شده است.

بانک‌ایران‌وانگلیس درسال۱۳۳۷ درتهران‌گشایش یافته و هرنوع معاملات ارزی‌را انجام‌می‌دهد وبرای‌خریدوفروش ارزخارجی به‌مسافران و محصلان خارج کشورنیز آماده می‌باشد.

بانک ایران‌وخاورمیانه.

دراسفند۱۳۳۷ تأسیس ودراردیبهشت ۱۳۳۸افتتاح شد. سرمایهٔ پرداخت‌شده ۲۵۰ملیون ریال. نسبت به‌مشارکت۴۹ درصد انگلیسی‌و۵۱درصد ایرانی‌است.

بانک‌بازرگانی ایران.

اولین بانک‌غیردولتی درایران‌است که باسرمایهٔ‌دویست ملیون‌ریال‌که تماماً پرداخت‌شده دردوم‌بهمن‌ماه ۱۳۲۸ دایر گردیده‌وبرای‌همه‌گونه معاملات ارزی‌در سراسرجهان آماده‌است.

بانک برنامه.

این بانک ازطرف سازمان‌برنامه به منظور تسهیل امورمالی واجرای برنامهٔ تولیدی وتمرکزوجوه درآمد سازمان ـ برنامه وشرکتها و واحدهای تابعهٔ آن در۱۳۳۰ باسرمایهٔ ۱۵۰ ملیون‌ریال‌که سازمان‌برنامه تعهدکرده ودوثلث آن پرداخت‌شده‌به‌وجودآمده.

بانک بیمهٔ‌ایران.

ازاول‌خرداد ۱۳۳۷. با سرمایهٔ ۲۵۰ میلیون‌ریال‌که تمام‌آن پرداخت شده دایر گردیده وبعداً بر اثرمعاملات، سرمایهٔ‌بانک به چهارصد میلیون ریال افزایش‌یافت‌کاربانک بیمهٔ‌ایران همه‌گونه عملیات مجاز بانکی اعم ازارزی‌وریالی که‌عبارتست‌از تنزیل‌بروات سفته، اوراق اعتباری، نقل وانتقال‌وجوه در داخله کشور، قبول‌نمایندگی وانجام‌هرگونه تسهیلات بانکی برای‌مشتریان بانک‌بیمهٔ ایران ـ بااغلب‌ممالک‌آسیایی، اروپایی‌و امریکایی ارتباط دارد.

بانک‌بیمهٔ بازرگانان.

این‌بانک‌که به‌صورت شرکت سهامی اداره‌می‌شوددرسال ۱۳۳۱ برابر۱۹۵۲ میلادی‌در تهران‌تشکیل‌شد، سرمایهٔ بانک‌در ابتدا پنجاه ملیون‌ریال بوده ولی بر اثر توسعهٔ عملیات بانکی در۱۳۳۲ سرمایهٔ بانک به۱۱۰میلیون‌ریال بالغ گردید.

بانک بین‌المللی ایران وژاپن.

این‌بانک در۱۳۳۸ درتهران‌باشرکت «بانک‌آف توکیو» تأسیس شدوشروع به کارکرد و برای انجام دادن هرگونه عملیات ارزی وریالی آماده است. این بانک کارگزاران متعدد دراغلب‌شهرهای دنیا دارد.

بانک پارس.

درسال ۱۳۳۱ به‌ثبت‌رسید و با سرمایهٔ یکصد ملیون ریال شروع به‌کار کردکه تماماً‌پرداخت‌شده. درشهرستانها نیزدارای شعبه است ویک‌نمایندگی در شهرژنو (سویس) دارد بانک‌پارس‌دارای اجازهٔ‌معاملات ارزی است وازکارهای‌آن حساب‌تأمین آتیه‌است.

بانک‌تجارتی ایران وهلند.

این‌بانک درسال ۱۳۳۷ به صورت شرکت سهامی‌به‌وسیلهٔ جمعی‌ازبازرگانان ایران باشرکت بانک‌هلندی (ندرلندش‌ـ هاندل‌ماچاپی) درتهران تأسیس گردید و در ۱۳۳۸ رسماً‌مشغول‌کارشد.

سرمایهٔ بانک تجارتی ایران وهلند یکصد ملیون ریال است که ۵۱٪ آن متعلق به شرکای ایرانی و ۴۹٪ درصد متعلق به بانک هلندی است .

بانک توسعهٔ صنعتی ومعدنی ایران

این بانک با پیشقدمی دولتهای ایران، آمریکا ، انگلستان وپنج کشور ازممالک اروپای غربی که جمعاً ۴۰ درصد سرمایهٔ بانک را قبول کرده‌اند به صورت مؤسسهٔ خصوصی ایرانی تشکیل گردید ودر ۱۳۳۸ رسماً افتتاح شد . هدف بانک توسعهٔ امور صنعتی ومعدنی ایران وتشویق و ترویج سرمایه‌گذاری خصوصی در امور مذکور است در اجرای این هدف بانک اقدام به اعطای وام‌دادن، کمکهای فنی ، انجام دادن مطالعات مربوط به فعالیتهای صنعتی و معدنی ، تشویق سرمایه‌های خارجی برای کار در ایران و کمک و راهنمایی درطرحهای جدید توسعه و تجدید کارخانه‌های موجود مینماید .

بانک تهران .

این بانک با سرمایهٔ ۲۰ ملیون ریال درابتدای تأسیس در سال ۱۳۳۲ مشغول کار شد . در حال حاضر سرمایهٔ بانک به یکصد و پنجاه ملیون میرسد . چند بانک معتبر وخارجی با این بانک شریك شده‌اند . ۶۰ درصد سهام ایرانی و ۴۰ درصد آنها خارجی است.

بانک روس و ایران.

درسال ۱۳۰۵ مقارن باسال انحلال بانک استقراضی ایران باسرمایهٔ یکصد ملیون ریال تأسیس شد وتاکنون به کار خود ادامه می‌دهد .

بانک رهنی ایران .

این بانک بموجب قانون مصوب دی ماه ۱۳۱۷ درتهران تشکیل شد(فروردین ۱۳۱۸) بانک رهنی مکلف استدر برابر رهن املاك غیرمنقول به اشخاص وام بدهد واین وام با اطلاع و نظارت بانک به مصرف ساختمان و عمران وآبادی ملك می‌رسد .

درظرف ۱۰ سال اول کار خود،موفق شده است که قریب ۷۰۰ ملیون ریال به متقاضیان وام بدهد . درمادهٔ اول قانون تأسیس بانک رهنی سرمایهٔ آن ۲۰۰ ملیون ریال پیش‌بینی شده که با مشارکت بانک ملی افتتاح یابدوهرموقع که مقتضی بداند تا ۴۹ درصد سهام این بانک به اتباع ایران انتقال داده شود،

بانک سپه

درفروردین ماه ۱۳۰۴ بنگاهی به نام «بانک پهلوی قشون» باسرمایه‌ای بالغ بر ۳۸۸۳۹۵۰ ریال که از کسور بازنشستگی افسران تشکیل شده بوددر تهران تأسیس گردید و معاملات آن باافسران انجام میشد. دراوایل سال ۱۳۰۵ این مؤسسه مالی بنام «بانک پهلوی ایران» موسوم گردید ودرسال ۱۳۱۶ بنام «بانک سپه» وازسال ۱۳۲۱ به نام (بانک تعاونی سپه) خوانده شد. سرمایهٔ کنونی ۶۸۵ ملیون ریال است .

بانک صادرات ومعادن ایران.

این بانک درشهریور ۱۳۳۱ باسرمایهٔ یکصدوپنجاه ملیون ریال درتهران تأسیس شد و کلیهٔ عملیات مجاز بانکی را انجام میدهد، ونسبت به پیشرفت امور اقتصادی گامهایی برداشته است .

بانک کار

این بانک در ۱۳۳۷ باسرمایهٔ دویست و پنجاه ملیون ریال در تهران تأسیس گردید که پنجاه درصد آن پرداخت شده .

بانک کارگشایی .

بانک کارگشایی که به نام «مؤسسهٔ رهنی دولتی» موسوم بودبه‌موجب قانون ۱۰ آبانماه ۱۳۰۵ برای دادن وامهای جزیی درمقابل گرو بعضی اشیاء مانند قالی، طلا، نقره آلات تأسیس یافت وتا شهریور ۱۳۱۰ تحت نظارت وزارت دارایی اداره میشد .

پس از تأسیس بانک ملی ایران به بانک مزبور ضمیمه گردید فعلا تحت نظر بانک ملی اداره میشود . سرمایهٔ بانک کارگشایی درابتدای تأسیس ازمحل وجوه تقاعد کارمندان دولت معین شده بودوفعلا باسرمایه‌ای که از طرف بانک ملی به آن داده‌شده اداره میگردد .

بانک کشاورزی .

درخرداد ۱۳۱۲ قانون اجازهٔ تأسیس بانک فلاحتی و صنعتی به تصویب مجلس شورایملی رسید. به‌موجب قانون مزبور بانک کشاورزی وپیشه‌وهنرایران به‌صورت شرکت سهامی باسرمایهٔ بیست‌ملیون ریال درتیرماه ۱۳۱۲ افتتاح یافت.

فعلاسرمایهٔ بانک بالغ بر ۴۵۰ ملیون ریال میباشد .

بانک مرکزی ایران.

ازانشعاب بانک ملی ایران درمرداد ماه ۱۳۳۹ به‌وجود آمده، این بانک مادر بانکهای دیگر محسوب شده و هدایت دستگاه پولی واعتباری کشور به‌عهدهٔ اوست وهمچنین نشراسکناس و نظارت درارز و اعتبارات بانکهای دیگررانیزاو عهده‌دار است .

بانک ملی ایران.

دراردیبهشت ۱۳۰۶ قانونی ازمجلس شورایملی گذشت که به‌موجب آن دولت مأمور تأسیس بانکی برای پیشرفت امور بازرگانی وکشاورزی وپیشه‌وهنر گردید. سرمایهٔ این بانک طبق قانون ۱۵۰ ملیون ریال پیش بینی‌شده بودکه ازمحل فروش‌جواهرسلطنتی وخالصجات میبایستی تأمین شود. لیکن موضوع فروش جواهر سلطنتی عمل نگردید.

ازفروش خالصجات نیزسرمایهٔ کافی بدست نیامد. به‌همین جهت دولت تصمیم گرفت که ۲۰ ملیون سرمایهٔ مقدماتی بانک داده‌شود. پس‌از تصویب این تصمیم بوسیله کمیسیون دارایی مجلس ، بانک ملی‌ایران در ۱۳۰۷ رسماً افتتاح‌یافت، چون امتیاز چاپ ونشر اسکناس به‌بانک شاهنشاهی داده شده بود براثرمذاکرات واقداماتی که‌صورت گرفت دراسفند ۱۳۱۰ حق انتشاراسکناس از بانک شاهی گرفته وبه‌بانک ملی داده‌شد. ازاین تاریخ‌بانک مذکور سیاست پول کشور را در دست گرفت .

سرمایهٔ فعلی‌بانک ۳۰۰ ملیون ریال میباشد. درسراسر کشور شعباتی دارد. یکی ازاقدامات مفید این بانک ایجاد صندوق پس‌اندازاست. بانک مذکور در مرداد ۱۳۳۹ به‌دو قسمت مجزا تقسیم گردید؛ نخستین بانک به‌نام «بانک ملی ایران»ودوم به‌نام «بانک مرکزی‌ایران» نامیده شد. بانک مرکزی بانک‌مادراست که بمنظورهدایت‌دستگاه پولی واعتباری کشور ایجاد شده وناشراسکناس و ناظر ارز و اعتبارات بانکهای دیگرمیباشد.

کتب مربوط به‌بانک

اصول بانکداری: عباسقلی‌اردلان .
بانک: (تهران ۱۳۱۸) دکترعبدالحمید- اعظم‌زنگنه کرمانشاهی .
بانکداری علمی: «ابن‌سینا . تهران» عبدالحسین بهنیا .

۴۴۶

بانکداری، معاملات ریالی و ارز: (۲جلد). علی‌اکبر خسروپور.

بانک‌شاهی‌وامتیاز: عبدالحسین‌دانشپور بابلی.

پول‌و بانکداری: (تهران۱۳۰۹) مصطفی‌فاتح.

تاریخ اختناق‌ایران: (بمبئی۱۳۴۰هق) مرگان شوستر.

تاریخچهٔ سی سالهٔ بانک ملی ایران: (بانک ملی).

سازمان بانک‌ملی ایران: (مؤسسهٔ عالی حسابداری) دکترولی‌الله محمدی.

سیستم‌فدرال‌رزرو: «بانک‌مرکزی» مؤسسهٔ عالی‌حسابداری دکترعزیز نبوی.

قانون‌بانکداری: (تهران).

گنج شایگان: جمال‌زاده.

اختصارات معمول اقتصادی

اشتباه مرجوع میشود	S.E.O
امانت‌پستی	C.P.
بارنامهٔ پستی	P.O.O
بانك	bK.
بانکداری	bkg.
برات	b.C.
برات‌حواله	dft.
به‌این معنی	I.e.
به‌حساب	C/a
به‌وسیله	C/o
بیمه بدون‌باربری	C.&I.
تتمه حساب	Sde
تحویل تاداخل ترن	f.O.r.
تحویل‌کشتی	f.O.B.
تخفیف	fSe.
تنزیل	eSC.
جواب‌قبول	R.P.
چك	C.h.
حساب	ACC.
حساب‌جاری	C.ct.
خسارت‌دریایی	A/C.A.F
درصد	٪
درهزار	٪۰
دروجه، به‌حواله‌کرد	I/o/
دوجین	dz.
رطل (۴۵۳ر۵۹گرم)	Lb.(Libre)
سفارش	C.dc.
سفارشی	R.
سودوزیان	P.P.
صورت‌حساب	Fre.
قابل‌دقت	N.B.
قیمت	P.R.
کنارکشتی (بدون‌بارگیری)	F.A.S.
گمرك	C.H
مبلغ	amt.
مخارج‌حمل‌بیمه‌نامهٔ‌نزولی	C.I.f.&.c.
مخارج حمل تابندر مقصد (بدون‌بیمه)	C.&.f.
وزن‌خالص	n.wt.
هزینه‌های عمومی	F.G

بازارهای‌جهان

بازار مرکزتجمع کالابرای دادوستد عرضه به نقاط مختلف جهان است‌و اغلب بازارها نزدیك‌بندرگاهها واقع‌شده است. بازارهای مهم دنیا به‌قرار زیر است:

۱- بازار ابریشم.
شانکهای: درچین.
کانتون: در چین.
لیون: درفرانسه.
ژن: درایتالیا.

۲- بازار پشم:
سیدنی: دراسترالیا.
ملبورن: دراسترالیا.
اوکلند: درزلندنو.
ولنگتون: درزلندنو.
بندر الیزابت: افریقای جنوبی.

۳- بازار پنبه:
اورلئان جدید: دراتازونی.
بمبئی: درهند.
اسکندریه: درمصر.

۴- بازار توتون:
لویزویل: اتازونی.
سویل: اسپانیا.
تولوز: فرانسه.
ازمیر: ترکیه.
سامسون: ترکیه.
اسکندریه: مصر.

۵- بازار چای:
کلکته: درآسام.
کلمبو: درسیلان.
هنك‌کنگ: در چین.
کانتون: درچین.
شانکهای: درچین.

۶- بازارچوب:
اتاوا: در کانادا.
برگن: نروژ.
ریگا: درلیتونی.
ارخانگل، درروسیه.
رانگون: دربرمه.
پرت: استرالیا.

۷- بازارغلات:
وینی‌پك: کانادا.
شیکاگو: اتازونی.
بوخالو: اتازونی.
نیویورك: اتازونی.
مونره‌آل: کانادا.
فیلادلفی: اتازونی.
بوستون: اتازونی.
بالتیمور: اتازونی.
ادسا: روسیه
ملبورن: استرالیا.
کراچی: سند.
رنکون: بیرمانی.

۸- بازارقند:
هامبورگ: آلمان.
آنور: بلژیك.
جورج‌تون: گویان.
باتاویا: جاوه.
اسکندریه: مصر.

۹- بازار قهوه:
ریودوژانیرو: برزیل.
مدرس: هندوستان.
باتاویا: سوماترا.
سنگاپور: جاوه.
عکا: یمن.
جیبوتی: حبشه.

۱۰- بازارگوشت:
سیدنی: استرالیا.
ملبورن: استرالیا
نیویورك: اتازونی.

۱۱- بازار ماهی:
کلیهٔ بندرهای دریای‌شمال وسواحل آمریکا.

۱۲- بازارنفت:
نیویورك: اتازونی.
فیلادلفی: اتازونی.
بوستون: اتازونی.
بالتیمور: اتازونی.
باطوم: قفقاز.
آبادان: ایران.
حیفا: مدیترانه.
طرابلس: مدیترانه.
دانکون: برمه.
بندرهای مکزیك.

۱۳- بازار الماس نتراشیده:
الماسهای نتراشید: کیمبرلی.

الماسهای تراشیده ، آمستردام .

۱۴ـ بازار میوه‌جات :

سیب ، نیویورك

سیب ، ملبورن.

پرتقال ، الجزایر

۱۵ـ بازارکبریت:

کبریت ، اسلو .

۱۶ـ بازار زغال سنگ :

درنیوکاسل وکاردیف .

۱۷ـ بزرگترین بازارهای دنیا:

لندن ، انگلستان.

نیویورك ، آمریکا.

بیمه

تاریخ بیمه.

دربین اقوام قدیم ، بابلیهـا اولین مردمی بودندکه نوعی بیمه برای‌جبران خسارتهای مالی داشتند .

درقرن‌چهاردهم بیمهٔدریایی تقریباً عمومی شد .

در ۱۵۸۳ بیمهٔ عمر در انگلستان معمول شد .

درقرن نوزده دولتها برای حفـظ ملت، به‌بیمه‌های‌اجتماعی پرداختند.

در ایران از اوایل قـرن بیستم ، نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی به‌کار بیمه پرداختند و درسال ۱۳۱۴ شرکت سهامی بیمهٔ ایران بـه کار مشغول شد و قوانین‌آن درهفتم اردیبهشت ۱۳۱۶ه ش به‌تصویب رسید .

تعریف‌بیمه.

قراردادی‌که به‌موجب آن **بیمه‌گر** متعهد میشود خسارات مالی‌یاجانی یاهر چیزدیگرقیدشده‌درقراردادراجبران‌کند وبیمه‌گزار طبق‌آن قرارداد سالیانه یـا ماهیانه یاچند سال وچند ماهه، مبلغی به عنوان حق‌بیمه میپردازد.

بیمهٔ اتکایی.

بیمه‌ای است‌که یك طرف (بیمه‌گر اتکایی) در مقابل دریافت تمام یاقسمتی ازحق‌بیمه یاچندبیمه نامه معادل تمام یا قسمتی ازتعهداتی‌که طرف دیگر (بیمـه گروگذارنده) درمورد آن بیمه نامه یا بیمه‌نامه‌ها دارد به‌عهده می‌گیرد.

انواع قراردادها دربیمهٔ اتکایی

قرارداد مشارکت Quote part

ساده‌ترین قرار دادهای اتـکایی و قدیمی‌ترین آنهاست .

در این قرار داد بیمه‌گر در مقابل بیمه‌گزار متعهد است و سایر بیمه‌گران در مقابل آن بیمه‌گر متعهد است ، این نوع قرارداد ناظر یـك دسته بیمه نامه مشخص است.

دراین قرارداد بیمه‌گر اتکایی در کلیهٔ بیمه‌نامه‌های صادره توسط بیمه‌گـر واگذارنده به‌محض صدورآنها بـه‌نسبت توافق‌شده سهیم میشودو به‌همان نسبت‌حق بیمهٔ آنها را دریافت و خسارت آنها را میپردازد .

قرارداد مازاد خطر

Excedent de risque

نوع‌کاملتر از بیمهٔ اتکایی است، در این قرارداد، بیمه‌نامه‌های‌کوچك‌تا حدی که قبلا تعیین شده صد درصد متعلق بـه واگذارنده‌است وبیمه‌گر اتکایی دربیمه‌های بزرگتر .

قرارداد مازاد خسارت

Excedent de sinisistre

دراین قرارداد بیمه‌گرنسبت به‌یك یك بیمه‌نامه‌ها ذینفع نیست‌بلکه به‌ازای دریافت سهمی ازمجموع حق بیمه‌ها مثلا ده درصدآن تعهدمی‌کند هرگاه خسارتی پیش‌آمدکه میزان‌آن ازحد مشخص مثلا ازیك ملیون‌ریال تجاوزکرد مازاد آنرا بپردازد اگر درضمن سال خسارتی‌که از حد فوق تجاوزکند وجود نداشت تعهدی ندارد .

قرارداد مازاد زیان

Excedent de perte.

در این قـرارداد بیمه گر اتـکایی هیچگونه تعهدی ندارد مگر آنکه وضع غیرعادی در مجموع فعالیت‌های یکساله بیمه‌گر واگذارنده‌پیش‌آید. مثلاتازمانی که نسبت خسارات به‌حق بیمه به‌۷۰ در صد نرسیده است کلیهٔ خسارات اعـم از کوچك وبزرگ به‌عهدهٔ بیمه‌گرواگذارنده استواگردرائر وقوع‌چندخسارت بزرگ ویا تعداد غیرعادی خسارت‌کوچك نسبت خسارت ازحق‌بیمه ازرقم‌فوق تجاوزکرد مازادآن توسط بیمه‌گر اتکایی پرداخت میشود .

قراردادهای ترکیبی.

ازترکیب قرارداد مشارکت‌وقرارداد مازادخسارت ابتکار شده‌که به‌سرعت رواج یافته است .

دراین قرارداد بیمه‌گر اتکایی‌علاوه بر آنکه سهم معینی مثلا ۸۰ در صد هر خسارت‌را میپردازد، ضمناً تعهد می‌کند درصورتی‌که‌درهرخسارت‌سهم واگذارنده ازحد معینی‌مثلاصد هزارریال تجاوزکرد مازادآن را بپردازد .

قرارداد اتکایی حق بیمهٔ خطر .

این قرارداد مخصوص بیمـهٔ عمر است، که بیمه‌گراتکایی درقسمت‌سرمایه‌گذاری بیمه‌ها مداخله نمی‌کند، بلکه به موجب جدولی‌که تعیین‌شده هرسال برای هربیمه‌شده‌درمقابل‌خطرفوت اعم‌ازاینکه بیمهٔ‌نامه‌او به‌شرط فوت‌باشدیا بیمهٔ مختلط به‌تناسب سرمایهٔ درمعرض‌خطریا باتوجه به‌سن بیمه شده در آن سال حق بیمه‌ای دریافت میدارد درصورت وقوع فوت بیمه شده‌سرمایهٔ مذکوررا میپردازد، حق‌بیمه سال به‌سال تغییر می‌کند زیرا ازیك‌طرف سرمایه درمعرض خطرکاهش میابد واز طرف دیگر نرخ‌خطرفوت بابالا رفتن‌سن بیمه شده ترقی می‌کند .

بیمهٔ بهداشت .

بیمه‌گزار به‌موجب‌قانون‌بیمهٔ‌بهداشت ماهیانه مبلغی به‌بیمه‌گر می‌پردازد و در مقابل هزینهٔ داروطبابت‌او به‌عهدهٔ بیمه‌گر خواهد بود .

درسال ۱۸۸۳ اولین‌بار **بیسمارك** آن‌را درآلمان‌معمول‌کرد ، بعدازجنگ جهانی اول در سایر کشورهـای جـهان متداول شد .

درانگلستان وبعض‌دیگر ازکشورهای جهان بیمهٔ بهداشت اجباری است .

ودرکشورهای‌دیگر مؤسسات‌خصوصی دراین‌کار دخالت دارند .

بیمهٔ دریایی .

درقرن نوزده کنفرانسی درآنورس تشکیل‌شد وقوانینی‌درمورد بیمهٔ دریایی تصویب گردیدکه هنوز هم دراروپا عمل می‌شود .

بیمهٔ زمان بیکاری.

طبق‌قوانین این‌بیمه‌که‌گاهی ممکن است اجباری باشد ماهیانـه مبلغی از حقوق‌کارگر کسرمیکنند وبه‌صندوق‌زمان بیکاری می‌ریزند تاهنگام بیکاری کارگر تأمین داشته‌باشد .

درقرن۱۹ برای اولین بار این‌بیمه دراروپا شروع شد .

بیمهٔ عمر .

به‌موجب قانون بیمهٔ‌عمر ، درمقابل حق‌بیمهٔ‌بیمه‌گزارو به‌نسبت مبلغ‌پرداختی پس‌ازمرگش بیمه‌گر مبلغ‌معینی به‌وارث قانونی یاشخص یااشخاصی‌که معین‌کرده میپردازد .

بیمه‌های اجتماعی کارگران.

درسال ۱۳۲۲ قانونی بـه تصویب رسید که به‌موجب آن مقرر شد که کارگران قسمت مهم کارخانه‌های کشور از طـرف شرکت سهامی بیمهٔ ایران بیمه شوند این قانون دراواخر سال ۱۳۲۴ به‌موقع اجرا گذارده شد. قانون بیمه های اجتماعی کارگران در ۱۳۳۳ مورد تجدید نظر قرار گرفت وازشهریور ۱۳۳۴ به‌وسیلهٔ سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران به‌موقع اجرا گذاشته شد به‌موجب این قانون حق بیمه از ۱۲ درصد به ۱۸ درصد افزایش یافت. ازطرف دیگرمقررات بیمهٔ کارگران شامل عده‌ای ازطبقات دیگـر نیز شد. ایـن سازمان علاوه بربیمارستان‌ها ودرمان‌ـ گاههای مـجهزی کـه در کـلیهٔ شعب و نمایندگیهای خود دارد در غالب آنها داروخانه‌های مجهزی‌هم به‌وجودآمد.

بیمهٔ ایران.

مؤسسه (شرکت سهامی) ایست که از ازطرف دولت ایران درسال ۱۳۱۴ شمسی با سرمایهٔ ۲۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰ ریال تأسیس شدو اکنون یکی از بزرگترین مؤسسات اقتصادی کشـور میباشد ودر ۳۷ شهرستان دارای شعبه‌است.

بانك بیمهٔ ایران از تشکیلات این شرکت است.

انواع حق بیمه

ازلحاظ پرداخت وبارگزاری حـق بیمه‌ها ۵ نوع تشخیص داده‌می‌شد: حق بیمهٔ واحد، حق بیمهٔ سالانه، حق بیمه خالص، حق بیمهٔ اتواتر، حق بیمهٔ تجارتی.

۱ـ حق بیمه واحد.

حق بیمه‌ایست که بیمه‌گزار به‌جای پرداخت یك‌جا؛ درزمان شروع‌قرارداد درابتدای‌هرسال بیمه‌ای خود، پرداخت می‌کند.

۲ ـ حق بیمهٔ سالانه.

حق بیمه‌ای است که بیمه‌گزار به جای پرداخت یك‌جا، در زمان شروع قرارداد، درابتدای هرسال بیمه‌ای‌خود، پرداخت می‌کند.

۳ ـ حق بیمهٔ خالص.

حق بیمه‌ای است که براساس قوانین آماری ومحاسبات احتمالات به‌دست آمده وبیمه‌گر می‌تواند بادریافت آن خطر را تضمین و تعـهدات خـودرا انجام دهد، بدیهی است؛ دراین حـق بیمه فقط سـه عامل: مرگ ومیر، پس‌انداز و بهـرهٔ دخالت میکند.

۴ـ حق بیمهٔ اتواتر.

حق‌بیمه‌ای است که با اضافه کردن بار هزینه‌های اداری به‌حق بیمهٔ خالص به‌دست آمده است.

بنابراین حـق‌بیمه نه‌تنها تعهدات بیمه‌گر، بلکه‌هزینه‌های اداری‌اورا نیز جبران می‌کند.

۵ـ حق بیمهٔ تجارتی.

حق بیمه‌ای است که بـه حق بیمه اتواتر بارهای‌مربوط به‌کارمزد نمایندگی و وصول‌حق بیمه‌های‌اجتماعی‌تحصیلداری واحیاناً نفع‌بیمه‌گـر افزوده شده‌است، بنابراین حق بیمهٔ تجارتی علاوه برـ تعهدات بیمه‌گر. کلیهٔ‌هزینه‌های اورا، اعم ازهزینه‌های اداری وکارمزدی‌تأمین وتکافو می‌نماید.

روش محاسبهٔ حق‌بیمه

حق بیمه‌های عمر به‌دو طریق قابل محاسبه است: محاسبهٔ امید ریاضی، بیمه شدگان فرضی.

محاسبهٔ امید ریاضی.

مبلغ پرداخت (سرمایه) × احتمال وقوع حادثه (پرداخت سرمایه) = امید ریاضی.

متخصصین بامحاسبهٔ دقیق از طریق علم احتمالات، حق‌بیمه‌های عمرراحساب می‌کنند ودر جدولی میآورندکـه برای مأمور ویژهٔ این کار دشوار نباشد. زیرا ازروی جدول‌حساب می‌کنند. راه ساده‌تر و بدون فورمولی نیز هست و آن به‌این طریق‌است که فرض می‌کنند، تمام افراد گروه زنده مانده‌اند، جدول مرگ و میر که سنشان باسن مورد نظر برابر است، بیمه‌ای یك‌نواخت باهمان‌شرایط اختیار کنند. وجوهی که‌هریك ازافرادزنده‌مانده درطول‌مدت‌قراردادمیپردازند ووجوهی که بیمه‌گر بابت‌تعهدات‌خودبه‌آنان‌میپردازد باتوجه به‌بهرهٔ پول محاسبه و بـامساوی قرار دادن پرداختها ودریافتها سهم هر بیمه‌شده حساب می‌شود.

کتب بیمه

بیمه: تاج بخش.
بیمهٔ عمر، اصول ریاضیات: محمدحسین کعبی‌نژادیان.
راهنمای بیمهٔ عمروحوادث: ا. شفازند.
بیمه‌ونقش آن‌درتأمین خسارت: علی‌ـ اصغر هدایتی.

سفر در باستان



مسافرت‌درگذشته دشوارتر وکندتر اززمان حاضربوده‌است. ممکن‌است‌کسی به‌این نتیجهٔ غلط برسد که مردم ابتدایی بسیارکم جابجا می‌شده وازپناهگاه خود به‌گردش درنقاطدیگری می‌پرداخته‌اند، ولـی باید دانست که چنین استنتاجـی صحت ندارد، باید درنظرداشت که صدو چند سال‌قبل که‌دورهٔ بخارشروع‌شد، تقریباً سرعت جابجاشدن ازلحاظ مادی چندان پیشرفتی حاصل نکرده بود و انسانهای ابتدایی به‌همان سرعت می‌تـوانستند نقل مکان کنند که ارتش ناپلئون توانایی آن را داشت، بلکه گاهی‌هم ازایشان‌سریعتر جابجامی‌شدند تاآنجاکه تحقیقات علمی به‌آن‌رسیده، معلوم‌شده‌است که مسافرتهای فردی وقبیله‌ای قابل اهمیتی درزمانهای دور صورت‌گرفته است. مثلا آمریکا را مردمی از سیبریه اکتشاف‌کرده‌اند کـه ازراه تنگهٔ برنك به‌این قاره‌آمده‌اند و به‌همین جهت‌باید‌گفت که بومیان آمریکا ریشهٔ آسیایی دارند.

احتمال‌می‌رودکه پیش‌از پیدا شدن فن‌کشاورزی مهاجرت بیشتر و فراوانتر بوده بـاشد، چه مردم کشاورز آسایش طلب‌تر وترسوتر می‌شوند، شایدمهمترین مرحلهٔ تاریخ نـوع بشر همـان مرحلهٔ گذشتن اززندگی بیابانگردی به‌زندگی مستقر دریك نقطه باشد واین مرحله را باید از انتقال از دورهٔ سنگ بـه دورهٔ مفرغ یاازدورهٔ مفرغ به‌دورهٔ آهن مهمتر دانست، ومی‌توان آنرا انتقال ازمرحلهٔ گردکردن‌خوراك به‌مرحلهٔ تولیدخوراك نامید. انسان‌نمی‌تواند‌در نقطه‌یی‌جایگزین شود، مگرآنگاه‌که از دشمن ایمن باشد، واین خود مستلزم آنست کـه مردم با یکدیگراجتماع‌کنند وشکلی ازحکومت برقرارسازند، ونیزآنگاه این‌عمل میسر است‌که آدمی از احتیاج وفقر نترسد و این‌خود مستلزم‌آنست که درمحل‌سکونت جستن، بتواند برای خـود وخـانواده و چهارپایانش خوراك فراهـم کند، و از همین‌جا صناعت‌کشاورزی و امور وابستهٔ

به‌آن پیدا می‌شود.

حتماً باید درنظر داشت‌که تکامل و ترقی نوع بشر در همه جای جهان به‌یك اندازه و در یك زمـان صورت نگرفته است. بعضی ازملتها پیشرفته‌تر ازملتهای دیگرمی‌شوند وهمه‌لازم نیست ازمراحل مشابهی از پیشرفت و تمدن عبورکنند. گذشتن ازمرحلهٔ بیابان‌گردی به‌مرحلهٔ جایگزینی برای بعضی از نقاط جهـان هزاران سال طـول کشیده است و هنوز بسیاری از بدویان عرب در همین حالت بیابانگردی به‌سرمی‌برند، انسان فرزند پیش‌آمدها و اوضاع و احـوال است، و چون محیط افرادبشر درنقاط مختلف‌با یکدیگر بسیارتفاوت‌داشته، آدمی‌ناچار درجاهای مختلف زمین به‌اشکال‌گوناگون ترقی وپیشرفت‌کرده است. انسان‌که به کاشتن زمین راه یافت به تدریج بامالك شدن اشیاء فراوان مقدستر (وملعونتر) شد، در رشته‌های محکمتری اورا به‌زمین پابندکرد این مردم نیز مانند برادران بیابانگرد خویش‌که در جستجـوی شکار بهتری به‌این‌سو وآن‌سو می‌رفتند، به‌طور متناوب به سرزمین‌های معین می‌آمدند، ولی تنها عـادت و اقدام به اهلی کردن حیوانات بودکه‌آنان‌را به‌این‌کار وا می‌داشت. بیابانگردان واقعی بی‌آنکه به‌خط سیر خود توجهی داشته باشند به‌جهانگردی می‌پرداختند ومثل‌آن‌بودکه می‌خواهند هرچه بیشتر زمین‌را زیرپای خود بگذرانند.

تمایز میان مردم جایگزیده دریك نقطه، بامردم نیم بیابانگرد وبیابانگرد ظاهراًچنین‌بنظرمی‌رسدکه ازجنبهٔ‌حرکت آنان برروی زمین معین شده است، ولی حقیقت آنست‌که چنین تمایزی در مورد مردم جابه‌جا شوندهٔ برروی‌آب نیزصحت دارد. هیچ قوم وحشی نیست‌که چون در کنار آبی ساکن‌باشد قابلیت‌کشتیرانی را پیدا نکند، منتهی بعضی ازاین اقوام حالت استقرار بیشتری دارند، و بعضی دیگرتقریباً به‌طور منظم برروی‌آب به‌نقل مکان می‌پردازند.

محتمل است‌کـه قایق از کهنترین اختراعات بشری وحتی کهن‌ترازتیر و کمان بوده است. شاید در جـاهایی‌کـه وسایل ساختن قایق فراهـم بوده است، نزدیك سی‌هزار سال پیش نخستین قایق راساخته باشند؛ البته ساختن کشتی‌های دریانورد پس ازآن اتفاق افتاد و تاریخ اختراع‌آن‌ازچندهزارسال بالاترنمیرود. بنابراین‌اظهارباستانشناس‌نروژی **بروگر** عصر طلایی کشتیرانی براقیانوس مربوط به‌دوره‌یی است‌که زمان آن‌را از ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش‌از میلاد مسیح تخمین می‌زنند، و این زمان بردوران فینیقیان پیشی دارد.

کشتیرانی همانگونه کـه امروز و همیشه مردم جوان و نیرومند را به‌خود دعوت می‌کند، در زمان قدیم نیز چنین بوده، ودربعضی نقاط جهان بیشتر ترقی کرده است. دراین میدان مانند میدان‌های دیگراختراع تنها اختراع‌کشتی در کارنبوده، بلکه هزاران اختراع دیگر با آن‌همراه بوده‌است وداستان این‌اختراع درواقع پایان ناپذیراست وازشاهکارهای صنعت‌کشتی سازی ابتدایی باید قایقهای دریاهای جنوبی و زورقهای ایرلندی و قایقهای نفوذ ناپذیر اسکیموها را نام برده ساکنان قدیم سواحـل شمال غربی اروپا از اکتشاف اقیانوس طوفانی ومه‌آلوداطلس بیم نداشته‌اند، ومردم‌جزایر دریای جنوب درتمام جهات‌اقیانوس‌آرام به‌کشتیرانـی می‌پرداخته‌اند. مثلا مردم پولینزی از آن باك نداشته‌اندکه فاصلهٔ ۲۴۰۰ میل دریایی موجود میان‌جزایر تاهیتی وهاوایی‌را باکشتی درنوردند.

«تاریخ علم؛ ترجمهٔ احمدآرام»

وزارت راه

روز۲۹ اسفند ۱۲۸۵ شمسی‌اولین کابینهٔ‌قانونی ایران پس‌از تغییرحکومت «استبدادی به‌مشروطیت» تشکیل‌گردید. وزارت فواید عامه عـلاوه بر وظائـف قانونی‌دیگر امور نگاهداری وساختمان را نیز برعهده داشت.

به‌مرورزمان‌اهمیت راهسازی مورد توجه‌قرارگرفت ووزارت فوایدعامه در صدد‌تأمین‌مدرسهٔ مهندسی برآمد وعده‌ای محصل نیز برای تحصیل در رشته‌هـای راهسازی و ساختمان بـه‌اروپا اعـزام گردیدندواداره کل‌طرق وشوارع که‌جزء وزارت فواید عامه‌بود براین امورسرپرستی ونظارت می‌نمود. در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۰۸ شمسی قانونی از مجلس شورای‌ملی‌گذشت وبه‌موجب آن وزارت طرق وشوارع تأسیس‌شد ودرسال۱۳۱۵ نام‌آن به‌وزارت‌راه تبدیل‌گردید.

درحال‌حاضر ادارات‌کل هواپیمایی کشوری، راه‌آهن‌دولتی- اداره‌کل‌هواشناسی‌نیزعلاوه برادارات داخلی وتابعه وزارت راه جزء سازمان این وزارتخانه بوده وزیـرنظر وزارت‌راه انجام وظیفه می‌نمایند.

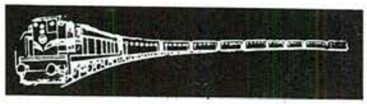
راهسازی درقدیم

ایران بااینکه کوههای بلندتسخیرناپذیر دارد، معذلك ازلحاظ سوق‌الجیشی خیلی برای دشمن‌مناسب بـوده است زیرااین‌کوهها ازهم‌خیلی دورواقع شده ومانع‌پیشرفت‌قشون‌دشمن‌نمیگردیده چیزدیگری‌که درگذشته، امر پیشرفت درایران‌را برای دشمن آسان می‌کـرد وجود راههای صاف و هموار درایران‌و اطراف‌آن‌بود. این‌راهها راکه داریوش بزرگ وخشایـارشا ساختند، ازلحاظ خوبی، نظیرجاده‌های معروف‌روم بود و تازمانی‌که‌ایران‌قوی بود، مورداستفاده قرار می‌گرفت. ولی وقتی که ایران ضعیف‌می‌شد، همین‌راهها بلای‌جان ایران می‌گشت. ازنقاطی‌که ازلحاظ سوق‌الجیشی برای دشمن خیلی‌مناسب بود، خراسان وآذربایجان بود، اغلب‌حملات ازاین‌دو منطقه صورت‌می‌گرفت یعنی این‌راههاکه ازیك طرف منبع عایدات بود، ازطرف دیگرمنبع مخاطرات محسوب‌می‌شد. زیرا ازهمین‌راهها دشمن می‌توانست به‌راحتی به‌ایران حمله‌کند. براثر داشتن ایـن خصوصیات، ایران شاهراهی برای‌عبور ومرورملل‌شرق وغرب برای انتقال‌افکار وعقاید مختلف به‌آسانی درایران رخنه کرده وازآن‌جا به‌شرق یا غرب انتشار می‌یافت. ایران‌بیش‌از ۱۰۰۰ سال‌واسطهٔ خیلی مهم شرق وغرب برای انتقال‌افکار تازه وبکربود.

داریوش میخواست‌یك‌واحدمتمرکز ازملل‌گوناگون‌به‌وجودآوردودرعین‌حال آزادی‌داخلی به‌کشورهای زیردست‌بدهد. برای‌ایجاد چنین‌وحدتی، به‌ساختن‌جاده‌های بزرگ پرداخت. این جاده‌ها به قدری‌خوب‌ساخته‌شده بودکه سالیان‌دراز بی‌نقص‌وعیب‌ماندند. آثاریکی ازاین‌جاده‌هاکه به‌«راه‌شاهی» معروف‌بود و ازشوش آغاز شده ودرسارد پایان می‌یافت هنوز باقی است. طول این‌جاده ۱۶۷۷ میل بود و۱۱۱ ایستگـاه داشت‌کاروانها در نهایت آسودگی، درعرض ۶۰ روز این

جاده‌را طی‌می کردند . مأمورین شاهی همین‌جاده‌را با اسب‌های راهوار خود در عرض یك‌هفته می‌پیمودند . به‌جای راه قدیمی که بابل‌را به‌مصر می‌پیوست ، داریوش بزرگ جادهٔ دیگری ساخت که ازهمدان عبورمی کرد . این‌جاده بعداًاز طرف‌مشرق تاکابل ودرهٔ‌سند امتدادیافت علاوه برجادهٔ اساسی‌فوق‌الذکر جاده‌های کوچك‌تری هم بود که تمام نقاط مهم امپراطوری‌را به‌هم وصل‌می کرد ، دربین این‌جاده‌ها یك‌جادهٔ‌مخصوص برای‌رفت‌وآمد در دربارشاهی بود که‌شوش‌را به استخر وصل‌می کرد . دربین‌چیزهایی که موجب‌تقویت بنیهٔ مالی دولت هخامنشی گردید ، یکی‌وجود همین‌راهها بودکه موجبات تسهیل رفت‌وآمد مردم و حمل کالاهارا فراهم‌می کرد . این‌راهها علاوه بروصل‌کشورها، پایتخت‌های متعددایران راهم‌به‌هم‌وصل‌می کرد. پارسگرد، استخر، هگمتانه‌همه‌به‌هم وصل‌بودند .

وسائط‌نقلیه



راه‌آهن

مقدمهٔ راه‌آهن‌را باید ازراه چوبی دانست .

ریلهایی‌که ازبقایای راه **آپیان** به‌دست‌آمده نشان می‌دهد‌که یونانیان و رومیان ازازمانی‌دور . برای‌سهولت بار-کشی از ریل استفاده میکرده‌اند .

تاسال ۱۷۵۶ میلادی‌درآلمان‌ازریلهای چوبی برای‌کشیدن‌کالسکهٔ اسبی استفاده می‌کرده‌اند درسال ۱۷۶۷ درانگلیس به‌جای ریل‌چوبی ازریل‌فولادی استفاده شد .

در سال ۱۸۰۴ **تره‌ویثیك** برای اولین‌بار نوعی‌ارابه بخاری‌را روی‌ریل آهن‌کشانیدودرسال ۱۸۰۸ یك‌لوکوموتیو واقعی ساخت‌که ۳۲ کیلومتر درساعت سرعت داشت در سال ۱۸۱۳ **هدلی** لوکوموتیوی‌ساخت‌که بدون‌لغزش‌زغال-کشی‌می کرد .

جرج استفنسن . درسال ۱۸۱۳ لوکوموتیوی‌شبیه ماشین‌هدلی ساخت‌ودر سال ۱۸۱۷ ماشین او ۷۰ تن زغال‌را با سرعت ۱۰ کیلومتر درساعت‌حمل‌میکرد. وتاسال ۱۸۲۹ استفنسن تعداد ۱۶ دستگاه‌لوکوموتیو به‌سفارش‌سرمایه‌داران ودولت‌ساخت .

مارك سکن مهندس فرانسوی با تغییرماشین‌بخاراستفنسن به‌سرعت‌آن‌افزود. **راسل‌کرامپتون** لوکوموتیوی‌ساخت که ۵۰۰ اسب‌نیرو و ۱۰۰ کیلووات‌سرعت داشت .

درسال ۱۸۲۸ اولین راه‌آهن در آمریکااحداث شد .

ودرسال ۱۸۳۶ درپنسیلوانیااولین واگن‌تخت‌خواب‌دار ساخته‌شد . در سال ۱۸۶۹ **جرج‌وسینگهاوس** ترمزی برای لوکوموتیو برپایهٔ‌هوای‌فشرده‌ساخت ودر همین سال **نیکولاریگنباخ** برای مناطق کوهستانی راه‌آهن زنجیری‌ساخت .ودر سال ۱۸۹۰ نخستین لوکوموتیو سریع-السیربه‌کار افتاد .

راه‌آهن ایران

تاریخچه .

احداث‌راه آهن ایران ، آرزوی مردم روشنفکر وتجار بود ولی‌به‌علت موقعیت خاص‌این سرزمین ودخالت‌های خارجیان درزمان قاجاریه تحقق نیافت اول‌کسی‌که امتیاز احداث راه‌آهن رابه دست‌آورد‌مهندس‌بواتان Boital فرانسوی بود‌که درسال ۱۸۸۶ میلادی امتیاز راه آهن تهران به ری‌را برای ۹۹سال از ناصرالدین‌شاه گرفت وبه‌همراهی چندنفر بلژیکی، شرکتی‌بنام**راه‌آهن‌وتراموای ایران**تشکیل‌داده شد وراه‌آهن تهران‌به ری را به‌طول ۸۷۰۰ متر احداث‌کرد.

ازآن‌تاریخ‌تا ۱۳۰۴ که مقدمهٔ‌ایجاد راه‌آهن سراسری فراهم‌گردید چندرشته خطوط کوتاه درایران‌کشیده‌شد مانند: راه‌آهن آمل‌به‌محمود آباد وراه آهن زاهدان به‌میرجاوه وجلفا تبریز و بندر شرفخانه و راه‌آهن بوشهر به‌برازجان‌و شرکت نفت‌سابق‌نیز قریب ۱۶۰ کیلومتر راه‌آهن‌کشیده بود .

رضاشاه‌کبیر ، باقانون انحصارقند وشکروچای از۱۳۰۴ ومالیاتی برقرار هر ۳ کیلو گرم شکر ۲ ریال هر ۳ کیلوگرم‌قند۶ریال‌هزینهٔ‌آنراتأمین کرد. (۱۸۸۴۴۴۷۶۲) گرم طلایعنی‌معادل ۲۲۰ملیون تومان) وعمل ساختمان۱۱ سال به‌طول انجامید ودرسال ۱۳۱۷ از ایستگاه سفیدچشمه(فوزیه) به‌یکدیگر متصل‌شد .

مسیر راه‌آهن سراسری ایران

بندرشاه ــ بهشهر ــ ساری ــ شاهی-گردنهٔ فیروزکوه ــ جلگهٔ گرمسار ــ ورامین ــ تهران ــقم ــ اراك ــ دزفول اهواز ــ بندرشاهپور درکنار خورموسی تمام می‌شود.

طول راه‌آهن‌سراسری‌ایران۱۳۹۴ وعرض‌آن ۱۴۳۵ میلیمتر .

مرتفع‌ترین نقطه‌راه‌آهن شمال‌تونل گدوك باارتفاع۲۱۱۲ متر وبزرگترین پل‌فلزی آن پل‌کارون دراهواز ۱۱۰۰ متر ومهمترین‌پل‌آن‌پل‌ورسك‌که یکی‌از شاهکارهای صنعت پل‌سازی است.

راه‌آهن‌سراسری‌درطول‌مسیرخود ۹۰ ایستگاه دارد .

راه‌آهن بندرشاه‌گرگان .

به‌طول۳۶ کیلومتر که‌درسال ۱۳۴۰ ساختمان‌آن‌پایان پذیرفت .

راه‌آهن اهواز ــ خرمشهر

این‌راه‌آهن‌درایام جنگ‌ساخته‌شده وخرمشهر را به‌اهواز درنتیجه به‌راه‌آهن سرتاسری ایران وصل‌کرده است .

راه‌آهن قم ــ یزد.

قم ــ کاشان ــ یزد .

فعلاقم تا کاشان‌که۹۸ کیلومتر است دایراست .

راه‌آهن‌تهران ــ تبریز.

تهران ــ زنجان ــ میانه ــ مراغه تبریز.

طول‌این‌راه‌آهن۷۴۲ کیلومتراست.

راه‌آهن تهران ــ مشهد.

تهران ــ ورامین ــ گرمسار ــ سمنان ــ دامغان ــ شاهرود ــ سبزوار- نیشابور ــ مشهد .

طول‌این‌خط :۹۲۶ کیلومتر و ۲۸۰ متر است

ساختمان‌این‌خط از۱۳۲۳ آغاز تا دیماه ۱۳۳۵ پایان یافت .

ازتهران تامشهد۵۰ایستگاه وجود دارد. بیش از ۳۰۰۰ پل‌داردکه ۸۰ پل آن‌بزرگ است.

تاریخچهٔ اتوموبیل

سیمون ستوینهلندی درقرن هفده اولین‌ارابه‌بادبانی را با۲۸سرنشین۶۸ کیلومتر راه‌برد .

درسال ۱۸۴۰ ارابه‌های فنری در فرانسه آزمایش شدکه به علت سرعت خطرناك به‌کارنیفتاد.

ویلیام سیمینگتن، ارابه‌ای ساخت که‌با‌نیروی بخارکارمی کرد .

تره ویثیك . دراوایل قرن‌نوزده ارابه بخاری‌جالبی باسرنشینان زیاد به راه انداخت .

لنوآ درسال **۱۸۶۳** اولین اتوموبیل باموتور انفجاری‌را ساخت .

آلفونس بودوروشاس ، در سال **۱۸۶۲** موتور انفجاری چهار هنگامه ساخت .

نیکلااوگوست‌اوتو ،درسال **۱۸۷۸** موتوری چهار هنگامه به‌سبك آلفونس ساخت که به‌مراتب عملی‌تر وبا صرفه بود .

درسال **۱۸۸۲** یك‌مهندس فرانسوی موتوری‌ساخت‌که سوپاپ داشت .

جرج برایتون ، آمریکایی در سال **۱۸۷۲** موتور انفجاری دوزمانه‌اختراع کرد .

درسال **۱۸۸۹** اولین موتوربنزینی به‌کارافتاد .

زیگفرید مارکوس ، آلمانی در سال **۱۸۸۵** اولین‌موتور نفت سوز را اختراع کرد .

گوتلیپ دایملر در **۱۸۹۰** اولین اتوموبیل واقعی‌را عرضه داشت ، این اتوموبیل دونفره **۲۵** کیلومتر در ساعت سرعت‌داشت .

پرون درسال **۱۸۲۶** موتورالکل‌سوز ساخت .

گرنی ، درسال **۱۸۲۷** اتوموبیلی ساخت‌که مدتها عملاکار میکرد .

درسال **۱۹۰۷** اتومبیل **بنز** درقارهٔ افریقا ازبندر **دارالسلام** تابندر **سواکپموند** را پیمود .

درسال **۱۹۰۸** یك‌اتوموبیل بروتوس ساخت آمریکا از **پطرزبورك** تا بندر **ولادی وستك** را پیمود.

شارل دی‌تنز در سال **۱۸۳۴** ماشینی ساخت‌که با بخارکار می‌کرد و بین‌پاریس وسن‌ژرمن رفت‌وآمد داشت.

آمده‌بوله درسال **۱۸۷۵** ارابه‌ای ساخت که‌بین پانتا و پاریس را **۱۷٫۵** ساعت طی‌کرد.

کارل بنز، آلمانی‌درسال **۱۸۸۳** موتور دوزمانه را اختراع‌کرد وامتیاز ساختن موتورهای چهارچرخه را به‌دست‌آورد ، اتومبیل‌های اولیهٔ‌کارخانه او **۱۵** کیلومتر سرعت داشت .

درسال **۱۸۹۲** **رودلف دیزل** موتور دیزل‌را ساخت .

هوگرچونگرز آنرا تکمیل‌کرد.

درسال **۱۹۰۴** اتوموبیل‌های فورد آلمانی به‌سرعت **۱۵۰** کیلومتر درساعت رسیدند.

ودرسال **۱۹۱۱** سرعت اتومبیل‌بنز به **۲۳۰** کیلومترهم رسید .

راههای‌کشور ایران

ساختن راههای آسفالته از **۱۳۲۰** آغازشد ، درحال‌حاضر از **۳۳۸۲۸** کیلومتر راه‌آسفالته وخاکی **۱۲۱۵۶** کیلومتر راه شنی و **۱۲۱۷۲** کیلومتر راه خاکی‌و **۸۵۰۰** کیلومتر راه اسفالتی‌است که **۶۰۰۰** کیلومتر ازراههای اسفالته فعلا مورد استفاده است‌و **۲۵۰۰** کیلومتر آن دردست ساختمان است .

الف_ راههای‌اصلی ایران.

۱ ــ تهران ــ عراق : تهران ــ کرج ــ قزوین ــ همدان ــ کرمانشاه ــ قصرشیرین ــ مرز عراق . (۷۵۷ کیلومتر).

۲ ــ تهران‌ــ‌شوروی : تهران ــ کرج ــ قزوین ــ زنجان ــ میانه ــ مرند‌ــ جلفا ــ مرزشوروی (۶۲۶ کیلومتر) .

۳ ــ تهران ــ ترکیه : تهران ــ کرج‌ــ قزوین‌ــ زنجان ــ میانه ــ مرند خوی ــ ماکو ــ بازرگان مرز ترکیه.

۴ــ تهران ــ بندرپهلوی: تهران کرج ــ قزوین ــ رشت ــ بندر پهلوی (۳۷۹ کیلومتر) .

۵ ــ تهران ــ نوشهر : تهران ــ کرج ــ کچسر ــ تونل‌کندوان ــ نوشهر (۲۱۹ کیلومتر) .

۶ ــ تهران ــ بابلسر : جادهٔ‌هراز (آمل‌بابلسر) .

۷ ــ تهران ــ بابلسر : تهران ــ فیروزکوه ــ بابل ــ شاهی ــ بابلسر .

۸ ــ تهران ــ مشهد : تهران ــ سمنان ــ دامغان ــ شاهرود ــ سبزوار ــ نیشابور ــ مشهد (۹۴۵ کیلومتر) .

۹ــ تهران ــ آبادان: تهران ــ قم اراك ــ ملایر ــ بروجرد ــ خرم‌آباد‌ــ دزفول‌ــ اندیمشك ــ اهواز ــ خرمشهر‌ــ آبادان (۱۱۰۷ کیلومتر) .

۱۰ ــ تهران ــ بندر بوشهر : تهران ــ قم‌ــ اصفهان ــ شهرضا ــ آباده شیراز ــ کازرون‌ــ بندربوشهر‌ــ (۱۱۸۱ کیلومتر) .

۱۱ ــ تهران ــ بندرعباس: تهران قم‌ــ اصفهان‌ــ نایین ــ یزد ــ رفسنجان‌ــ سیرجان ــ بندرعباس (۱۶۷۸ کیلومتر).

ب ــ راههای فرعی‌ایران :

۱ ــ **کناره** : استارا ــ بندرپهلوی‌ــ رشت ــ لاهیجان‌ــ لنگرود ــ شهسوار‌ــ بابلسر ــ بابل‌ــ شاهی ــ ساری ــ بندر شاه (دارای ۲۹ پل‌فلزی) .

۲ ــ مشهد ــ بندرشاه : مشهد ــ قوچان ــ شیروان ــ بجنورد ــ گرگان بندرشاه .

۳ ــ زاهدان ــ زابل .

۴ ــ زاهدان ــ کرمان (که‌از بم می‌گذرد) .

۵ــ زاهدان‌ــ چاه‌بهار : زاهدان‌ــ خاش ــ ایرانشهر ــ بندر چاه‌بهار.

۶ ــ شیراز ــ اهواز : شیراز ــ بهبهان ــ اهواز .

۷ ــ شیراز ــ بندرلنگه: شیراز‌ــ فسا ــ جهرم ــ لار ــ بندرلنگه .

۸ــ اهواز‌ــ آبادان .

۹ ــ اهواز‌ــ بندرشاهپور.

۱۰ــ اهواز ــ دزفول ــ شاه‌آباد‌ــ قصرشیرین .

۱۱ــ اهواز ــ اندیمشك ــ دهلران‌ــ مهران ــ ایلام ــ کرمانشاه ــ سنندج.

۱۲ــ تبریز ــ اردبیل ــ آستارا.

۱۳ ــ تبریز‌ــ رضاییه .

۱۴ــ تبریز ــ مراغه ــ مهاباد ــ سنندج .



تاریخچهٔ کشتی رانی

شاید بشر اولیه تنه و شاخه‌های درختان‌را به آب می‌افکند وسوار آنها شده ازرود ، شط وبحر میگذشت .

وبرای اینکه خشك ومحفوظ بماند تنهٔ درختان‌را خالی‌می‌کرد ابتدا شایدبا دست یاچوب وبالاخره پارو ، کشتی را به‌جلووعقب وچپ وراست میراند .

اختراع کشتی بادبانی‌شاید ازعجایب اختراعات باشد ولی‌برای اولین‌بار در قرن شانزده**واسکودوگامای**اسپانیایی، نوعی‌کشتی پروانه‌دار ساخت‌که سرعتی بیش ازکشتی بادبانی داشت ولی مدتها استفادهٔ آن‌معمول نبود .

تکامل‌کشتی را باید مدیون سوداگران ودریانوردان دانست .

پاپن ، کاشف‌قدرت بخار، بازحمت تمام توانست طرح‌ماشین بخار را ریخت وبادست خود دستگاهی ساخت وبرقایقی بست ودرمقابل دیدگان متعجب مردم قایق درآب به راه افتاد، ولی‌قایقرانان به‌اومهلت ندادند، محصول‌عمری زحمت را ازبین‌بردند .

نیوکومن ، راهی‌تازه برای‌استفادهٔ نیروی‌بخار پیشنهادکرد وماشین‌را به ارابه‌ای نصب کرد و برای اولین‌بار ارابه‌ای آتشین به‌راه افتاد ، این‌ارابه بعدها به‌دانشگاه گلاسکو واگذارشد .

وات ماشین‌بخار را تکمیل‌کرد و راندمان‌کاررا بالابرد. درسال ۱۷۸۴ ، ارابه‌ای‌که **ویلیام مردرك** انگلیسی ساخت، هم‌به‌صرفه بود هم قابل‌استفاده، لذا ازآن استقبال شد .

اولیویه اوانس،آمریکایی نیز در بهترشدن این‌دستگاه دست داشته وارابهٔ اومورد توجه فراوان قرارگرفت .

ریچارد وبویان‌تره‌ویتیك ازطرح اوانس استفاده‌کردند وارابه‌ای باسرعت ۱۷ کیلومتر درساعت ساختند .

درسال ۱۷۷۸ **جان‌فیچ** آمریکایی کشتی بخاری ۱۲متری خود را به‌آب انداخت، این کشتی قریب ۴۰۰میل‌راه را پیمود.

ویلیام سیمینگتون، درسال۱۷۸۸ به‌کشتی پرده‌دار خود ماشین بخار نصب کرد اختراع او توجه سرمایه‌داران راجلب‌کرده بود

کلود فرانسوای‌دوکزیرون ازمردم فرانسه‌کشتی‌جالبی‌ساخت‌ولی‌کشتی‌بخاری او به‌سرنوشت‌کشتی پاپن دچارشد.

کلوددوژوفروا ، در سال ۱۷۸۳ کشتی بزرگی به طول ۴۶ و عرض ۴ر۵ متروارتفاع ۹۵سانتیمتر به‌آب انداخت وبرخلاف جریان رودسن به‌راه افتاد.

ودرسال‌بعداین‌آزمایش‌را درپاریس انجام داد ولی‌کسی به‌اهمیت اختراع او پی‌نبرد تااودرکمال فقرجان‌سپرد.

فولتون ، برای اولین بار کشتی بخاری خود را به‌آب انداخت باوجودی که همه اورا مسخره‌میکردند چندین‌بار طول‌رودخانه‌ای‌را پیمود ودرسال ۱۸۱۱ باکمك مالی یکی از دوستانش شرکت کشتیرانی تأسیس‌کرد .

فولتون اولین طراح زیر دریایی است‌که در ۱۸۰۱ باموفقیت آزمایش کرد .

ژوزف راسل، درسال۱۸۲۹ کشتی بخاری خودرا باسرعت ۱۲ کیلومتردر ساعت به راه انداخت، راسل‌که مخترع کشتی بخاری باپروانه است نتوانست‌از کارش سودی ببرد.

پتی‌سمیتز، مهندس انگلیسی با استفاده ازاختراع راسل‌کشتی بخاری با پروانه‌ای‌ساخت که‌نتیجهٔ بهتری از آن گرفت .

ویلکینستون، درسال ۱۸۲۱ یك کشتی بخاری‌آهنی‌بزرگ به‌آب‌انداخت. ازاین‌تاریخ دستگاهها ودولتها به‌تقویت این مخترعین و استفادهٔ از این نیرو پرداختند .

اولین‌کشتی اقیانوس پیما متعلق به بریتانیای‌کبیر بود باقدرت ۱۲۰۰ اسب وظرفیت ۲۷۴۰۰تن وطول ۲۲۸متر و بلندی ۲۸متر در دریا به‌کارمشغول شد.

بنادروکشتیرانی(ادارهٔ کل).

دربهمن ۱۳۰۶ شمسی‌تأسیسات بندر پهلوی که به‌توسط روسیه‌ساخته شده بود تحویل دولت‌ایران‌گردید ودولت‌نیز نگاهداری وبهره برداری ازآنرابوزارت راه محول کرده‌مقارن‌شروع‌ساختن‌راه‌آهن‌سراسری، بندرشاه و بندرشاهپوردرمنتهی‌الیه شمالی وجنوبی راه‌آهن احداث‌گردید. ودرسال ۱۳۱۳ ساختن‌بندر بوشهردرساحل بحر خزر آغاز شد ودر بندر خرمشهر نیز تأسیسات بندری به وجودآمد. تا اواخر ۱۳۱۴ ادارهٔ امور بنادر پهلوی و شاه و شاپورکه دارای تأسیسات بندری و جزو تشکیلات وزارت راه بودند در مرکز وزارتخانه تمرکز نداشت . ادارهٔ بندر پهلوی مستقیماً و ادارات بندر شاه و شاهپور بتوسط راه‌آهنهای‌شمال وجنوب وزارتخانه مذکورارابطه داشتند .

دربهمن ۱۳۱۴ ادارهٔ کل‌بنادر در آن اداره متمرکز گردید و بتدریج تأسیسات بندری، در بنادر ایران توسعه یافت .

درسال ۱۳۲۸ بنگاه کل بنادر و کشتیرانی دروزارت‌راه تشکیل شد، ولی درآغاز سال۱۳۳۲ بنگاه مزبور مجدداً به‌ادارهٔ کل‌بنادرتبدیل واموراًن بادارهٔ کل‌گمرك وراه‌آهن واگذار گردید ودر ۱۳۳۸ بوزارت گمرکات و انحصارات منتقل و مجدداً در ۱۳۴۰ که وزارت گمرکات منحل شدجزو تشکیلات وزارت بازرگانی درآمد .

الفـ راههای آبی داخلی.

بـ راههای آبی دریایی

الف ـ راههای‌آبی داخلی.

اغلب رودهای ایران به علت عمق کم وناصافی مسیر قابل‌کشتیرانی نیست فقط رودکارون ازخرمشهرتاشوشتر قابل کشتیرانی است وکشتیهای شرکت ملی نفت ایران درآن رفت وآمد می‌کند و درقسمت سفلای شط‌العرب نیزبین‌ایران وعراق‌مشترك می‌باشد رفت‌وآمد میشود.

درقسمت سفلای بعضی ازرودهای گیلان و مازندران میشود با کرجی (قایقهای چوبی کوچك) برای حمل مسافر و بار استفاده کرد .

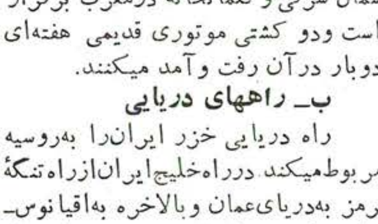
دریاچهٔ‌رضاییه.

یك خط‌کشتیرانی بین شرفخانه در شمال شرقی وگلمانخانه درمغرب برقرار است ودو کشتی موتوری قدیمی هفته‌ای دوبار درآن رفت وآمد میکنند.

ب ـ راههای دریایی

راه دریایی خزر ایران‌را به‌روسیه مربوط‌میکند. درراه‌خلیج‌ایران‌ازراه‌تنگهٔ هرمز به‌دریای‌عمان وبالاخره به‌اقیانوس‌های‌جهان‌مربوط میشود. مهمترین‌ارتباط تجاری است .

تاریخچهٔ هواپیمایی



بشر همواره آرزوی پروازداشته و برای تحقیق آنها اقدامات خطرناکی کرده است .

درچین ، یکی از امپراطوران امر کرد تاآژدهایی ازپارچه بسازند ودرون آنرا ازدود پرکنند چنین اژدهایی به‌آسمان رفت .

درایران ، **کیکاووس** هوس پرواز کرد وداستان مرغان و تخت روان او ، معروف است.

دووینچی بالهایی ساخت‌که با آن ازارتفاعات نزول میکرد .

برادران **مونگلفیه** اولین بالون‌را به‌هوا فرستادند.

بالونی‌که آکادمی علوم پاریس به فضا فرستاد، ازئیدرژن انباشته شده بود ولی دربالای‌ابرها منفجرشد ولاشه‌اش در ۲۰ کیلومتری پاریس به‌زمین نشست.

درسال ۱۷۸۳ یك مرغابی وخروس توسط بالون برادران مونگلفیه به‌فضا فرستاده شد .

برای اولین‌بار، **پیلاتر دو روزیه ومارکی دلانه** درنوامبر ۱۷۸۳ با بالون مونگلفیه به‌فضا رفتند. وپس از ۱۰۰۰ مترصعود سالم به‌زمین نشستند .

شارل ، بالونی ساخت که دریچهٔ اطمینان داشت و باآن ۳۰۰۰ متر بالا رفتند .

در ۱۷۸۵ **ژان‌پیر بلانشکار** فرانسوی و **جفری** انگلیسی به‌فضا رفتند و ۳۱ کیلومتر راه پیمودند.

گیلوساک ۱۷۹۵ با بالونی ۷۰۱۶ متری زمین پرواز کرد ۱۳۰ کیلومتر راه طی‌کرد.

ژان‌باپتیست موسینه، برای اولین بار طرح هدایت بالون‌را با نصب پروانه پیشنهادکرد ولی‌موفق به‌عملی‌کردن آن نشد .

در ۱۸۸۳ **گاستون و ابرتیساندیر** که باهم برادر بودند بالونی دو کی‌شکل باموتور الکتریکی به‌کارانداختند ولی به‌علت سنگینی موتور و کمی قوهٔ آن توفیقی نیافتند.

کاپیتن شارل‌رنار در ۱۸۸۴ بالونی به‌وزن ۵۶۵ کیلوگرم و ۸/۵ قوهٔ اسب را به‌حرکت درآورد و ۸ کیلومتر مسیر دایره‌ای‌را طی‌کرد.

ولفرت آلمانی، درسال ۱۸۹۷ با موتوری‌که درزیر بالون کارگذاشته بود پروا زکرد ولی آتش موتور بالون را سوزانید .

آلبرتوسانتودومون ، در سال ۱۹۰۹ بالونی‌ساخت‌که‌با بنزین کارمیکرد.

آلبرت‌ژولیو،درسال ۱۹۰۳ بالونی با ۱۳ مترطول و ۵ر۱۲ متر قطر بکمك موتوری به قدرت ۱۲۰ اسب به‌پرواز درآورد .

گانز ویندت ، طرحهای جالبی برای هلی‌کوپتر و موشك عرضه‌کرد.

زیپلن آلمانی در ۱۹۰۰ دریژابلی ساخت‌که بادو موتورکه جمعاً ۳۲ اسب قدرت داشتند حرکت میکرد .

ساموئل هنسون ، در سال ۱۸۴۲ هواپیمایی به‌طول ۵۰ مترساخت.

جان استرینگفلو ، درسال ۱۸۸۴ برای نخستین‌بار باهواپیمای موتوری پرواز کوتاهی‌کرد .

آلفونس پنو، فرانسوی هواپیمایی ساخت‌که‌چهل‌کیلومتردرفضا پروازکرد.

کلمان‌آدر، درسال ۱۹۰۰ باموتوری بدون‌کمك بالون به‌هوا پروازکرد .

برادران **رایت** در ۱۹۰۸ طرح هواپیمای خودرا افشا کردند.

پول‌کورنو درسال ۱۹۰۸ هلی‌کوپتر را اختراع‌کرد .

هانری فابر ، در ۱۹۱۰ اولین هواپیمای دریایی‌را ساخت .

در ۱۹۱۰ **جئوچاوز** برزیلی جان خودرا درپرواز ازدست داد .

برلیو ، فرانسوی در سال ۱۹۰۹ ازدریای مانش عبورکرد.

رایت، درسال ۱۹۰۸ تاارتفاع ۱۲۷ متری پروازکرد .

هوارلاثام، درسال ۱۹۰۸ به‌ارتفاع ۱۱۰۰ متری رسید.

لوگانیو، درسال ۱۹۰۸ تا ۳۴۱۰ متری زمین پروازکرد.

هواپیماهای جدید سرعتی قریب ۸۰۰ کیلومتر دارند وتا ارتفاع ۲۵ کیلومتری پرواز میکنند.

فرودگاههای دنیا

کشور	شهر	نام فرودگاه
آلمان‌غربی	بن	Clognewahn کلون‌واهن
آمریکا	نیویورك	Jahn.F,Kennedy جان.اف.کندی
آرژانتین	بوینس‌آیریس	Aeropargur ایروپارگو
اسپانیا	مادرید	Barajas باراجاز
استرالیا	سیدنی	Kings Ford کینگزفورد
اسراییل	تل‌آویو	Lod لاد
انگلستان	لندن	Heathrow هیثرو
ایتالیا	روم	Leonard.da.Vinci لئوناردداوینچی
ایران	تهران	Merabade مهرآباد
برزیل	ریودوژانیرو	Cangonhas کانگوناس
بلژیك	بروکسل	National ناسیونال
پاکستان	کراچی	Civil سیویل
ترکیه	آنکارا	Esenboga ایسن‌بوقا
هونگ‌کنگ	هونگ‌کنگ	Kai – tak کای‌تاك
دانمارك	کپنهاك	Kastrup کاستروپ

کشور	شهر	نام فرودگاه
روسیه	مسکو	Sherenl Tyevo شرن‌تیوفو
ژاپن	توکیو	Homedu هومدو
سوئد	استکهلم	Arolanda ارلاندا
سوریه	دمشق	Damasco دمشق
عربستان سعودی	جده	Jaddah جده
فرانسه	پاریس	Orly اورلی
فنلاند	هلسینکی	Helsinke هلسینکی
کانادا	اتاوا	Montreal مونتریال
کویت	کویت	Kuwait کویت
لبنان	بیروت	International انترناسیونال
مصر	قاهره	Caire قاهره
مکزیك	نیومکزیکو	Central سانترال
نروژ	اسلو	Fornebu فورنبو
هلند	آمستردام	Nethevland نیثولند
هندوستان	دهلی	Sentecrus سانتاکروز

سدهای ایران (ساخته شده)

نام‌سد	محل‌سد یا نام رودخانه	ارتفاع‌سد به‌متر	وسعت اراضی زیر کشت به هکتار	تاریخ بهره برداری
اسدخانی	لرستان	۳	۱۲۰	۱۳۳۰
الوند	قصرشیرین	۱/۸	۴۶۰	۱۳۳۷
امیرکبیر	کرج	۱۸۰	۵۲۰۰۰	۱۳۴۰
بمپور	ایرانشهر	۳/۵	۵۰۰۰	۱۳۳۴
چغلوندی	لرستان	۲/۲	۱۰۰۰	۱۳۴۰
حشمت‌رود	لاهیجان	۲/۲۲	۶۰۰۰	۱۳۲۶
داریوش‌کبیر	(درودزن)	۵۸/۵	۳۶۸۷۰	—
روان‌سر	کرمانشاه	۵/۵	۵۰۰۰	۱۳۱۹
زهك	زابل	۸/۳	۸۰۰۰۰	۱۳۳۵
شاه‌اسماعیل	گلپایگان	۵۲	۴۰۰۰	۱۳۳۶
شبانکاره	شبانکاره	۳/۵	۱۴۰۰۰	۱۳۲۰
شهبانوفرح	منجیل	۱۰۵	۱۲۰۰۰۰	۱۳۴۱
شهنازپهلوی	همدان	۵۳	۲۰۰	۱۳۴۲
صیقلان‌رودبار	رشت	۲/۳	۳۵۰	۱۳۲۶
فرحنازپهلوی	جاجرود	۱۰۴	۳۶۰۰۰	۱۳۴۶
کرخه	اهواز	۴/۵	۴۰۰۰۰	۱۳۳۴
کوهرنگ	اصفهان	۱۲/۱	۳۵۰۰	۱۳۳۲
کهك	زابل	۶/۳	۴۰۰۰۰	۱۳۳۵
محمدرضاشاه	دزفول	۲۰۳	۳۷۵۰۰۰	۱۳۴۱

سدهای دردست ساختمان یامطالعه

نام‌سد	محل‌سدیا نام‌رودخانه	ارتفاع‌سد به متر	وسعت اراضی زیر کشت به هکتار
کارون شمارهٔ ۴	کارون	۱۶۰	—
کارون شمارهٔ ۵	کارون	۲۱۵	—
کارون شمارهٔ ۶	کارون	۱۶۰	—
کارون شمارهٔ ۷	کارون	۱۶۵	—
کرخه شمارهٔ ۱	کرخه	۱۷۰	—
کرخه شمارهٔ ۲	سیمره	۱۰۰	—
کرخه شمارهٔ ۳	سیمره	۸۰	—
کوروش کبیر	میاندوآب	۳۹	۵۹۰۰
نادرشاه	مارون	۱۹۰	۸۰۰
وشمگیر	گرگان‌رود	۱۷/۵	۲۰۰۰۰
بختیاری	بختیاری	۱۲۰	—
تونل وسدطالقان	طالقان	۶۲	۵۱۰۰۰
داریوش کبیر	فارس	۵۸/۵	۳۶۸۷۰
رضاشاه کبیرشمارهٔ۱	کارون	۱۸۰	—
رضاشاه کبیرشمارهٔ۲	کارون	۱۹۵	—
زهره	جراحی	۱۵۰	—
ساوه	ساوه	—	—
شاپور	مهاباد	۱۶۰	۲۰۰۰۰
شاه‌عباس‌کبیر	اصفهان	۱۰۷	۱۱۶۰۰۰
عباس‌آبادقم	قم	۳۵	۲۵۰
کارون‌شمارهٔ ۳	کارون	۱۵۰	—

راههای هوایی ایران

راههای هوایی ایران‌از ۱۳۰۶ه‌ش دایر شد ودر سالهای اخیر پیشرفت قابل توجهی کرده ودرتوسعهٔ آن اقدامات مهم به‌عمل آمده است.

غیر از مؤسسات هوایی نظامی و فرودگاه قلعه‌مرغی کلیهٔ امور هواپیمایی کشوری دراداره مستقلی تمرکز دارد و زیرنظروزارت راه میباشد.

در ایران علاوه بر شرکت سهامی هواپیمایی‌ملی‌ایران، چندشرکت‌خارجی نمایندگی دارند که هواپیماهای‌آنها درکشورها رفت وآمد می‌کنند.

فرودگاههای ایران

۱ــ فرودگاه مهرآباد	تهران
۲ــ فرودگاه آبادان	جنوب
۳ــ دزفول	
۴ــ همدان	
۵ــ کرمانشاه	
۶ــ شیراز	
۷ــ یزد	
۸ــ اهواز	
۹ــ قلعه مرغی	تهران

اطلاعاتی دیگر ازسدهای ایران

۱ ــ سد حشمت رود ۱۰ دریچهٔ متحرکی به‌عرض ۱۰۰ متروارتفاع ۲/۲۲ متردارد .

۲ــ سدمحمدرضاشاه درنزدیکی‌شهر اندیمشك یکی ازبلندترین سدهای‌جهان است وبه‌سد دز نیزمعروف است .

۳ــسدزهك دارای۸ دهانه است‌که هریك ۵/۸۰ متر ارتفاع و ۸/۳۰متر طول دارند .

۴ــ سدشهبانوفرح که‌به‌سد سفیدرود نیزمعروف است ، ازنظرحجم در ردیف ۲۰سد اول جهان است .

۵ــ سد شبانکاره بر روی رودخانهٔ شاهپوربنا شده‌است .سدانحرافی‌آن۱۱۰ متر طول‌دارد .

۶ــ هزینهٔ سدشهناز دویست‌وهفتاد ملیون‌ریال بوده و مرکز برق‌آن ۲/۵ ملیون‌کیلوواتی است .

۷ــ سد صیقلان‌رودبار ، شش‌دهانه داردکه‌هریك به‌عرض ۳/۱۰ مترمیباشند و ارتفاع دریچه‌های متحرك آن۲/۲۰ متراست .

سدهای جهان

نام سد	نام رود	بلندی سد فوت	آب ذخیره آکر-فوت	سال افتتاح	نوع استفاده
آدامنیابی	اکوم بن (استرالیا)	۳۹۰	۳۵۰۰،۰۰۰	۱۹۵۹	
آسوان	نیل (مصر)	۴۵متر	۷۰۰ملیون متر مکعب	—	آبیاری
آلپه گر	ایتالیا	۱۷۸متر	—	۱۹۴۴	
آلدر	نیس کوالی (واشنگتون)	۳۳۰	۳۳۲،۰۰۰	۱۹۵۲	
آن سپیا	تروئینا (ایتالیا)	۳۶۸	۲۴۳۶۰۰	۱۹۱۵	
اروروك	بواز (ایداهو)	۳۵۰	۲۸۶،۰۰۰	۱۹۲۶	
اکس چکر	مرسد (کالیفرنی)	۳۲۶	۲۸۱،۳۰۰	۱۹۴۸	
ال پالمیتو	نازاس (مکزیك)	۳۰۲	۳/۲۶۲/۷۰۰	۱۹۱۶	
الفنت بوت	گراند (نیومکزیکو)	۳۰۱	۲،۱۸۵،۴۰۰	۱۹۶۱	
امیرکبیر	کرج (ایران)	۱۸۳متر	۲۵۰۰۰۰۰۰۰ م.مک	۱۹۵۰	
اندرسون ریخ	بواز (ایداهو)	۴۵۶	۴۹۳،۲۰۰	۱۹۵۳	
اوبه رار	آر (سویس)	۳۴۰		۱۹۳۶	
اوشانسی	تولومند (کالیفرنی)	۴۳۰	۳۶۰،۳۶۰	۱۹۶۰	
اووی هی	اووی هی (اورگون)	۴۱۷	۱،۱۲۰،۰۰۰	—	
اینگوری	روسیهٔ شوروی	۳۰۱	—	۱۹۵۷	
بخمه	عراق	۱۶۸متر	—	—	
براتسک	روسیه شوروی	—	۱۶۹۰۰۰۰۰۰م.مکعب		
برون لی	اسفیك (مار) ــ ایداهو	۳۹۵	۱،۴۷۰،۰۰۰	۱۹۵۹	
بماکرا	سوتلگ (هند)	۷۴۰	۷۴۰۰۰۰۰	۱۹۶۰	
بوفالوبیل	شوشون ــ ویومینگ	۳۲۵	۴۳۹،۸۰۰	۱۹۱۰	
بولدر	ایالت اریزونا ــ آمریکا	۲۲۰متر	۴۵۰۰ ملیون متر مکعب	—	آبیاری و تولید انرژی
بهاکرا	هند	۲۲۶متر	—	۱۹۶۲	
بیکرعلیا	بیکر ــ واشنگتن	۳۰۱	۲۹۸،۰۰۰	۱۹۵۹	
بین العویدین	وادی العبید ــ مراکش	۴۴۰	۱،۲۰۰،۰۰۰	۱۹۵۴	
پارکر	کلرادو ــ اریزونا ــ کالیفرنی	۳۲۰	۷۱۶،۰۰۰	۱۹۳۸	
پاین فلت	کنیگر ــ کالیفرنی	۴۳۰	۱،۰۰۰،۰۰۰	۱۹۵۴	
پردی	موکه لومنه ــ کالیفرنی	۳۵۸	۲۲۲،۰۰۰	۱۹۲۹	
پورت	ایالت دوردونی ــ فرانسه	۱۲۰متر	۴۰۰ ملیون متر مکعب	—	تولیدانرژی
تاکی ین	تاکیا ــ تائیوان	۷۸۰		۱۹۶۱	
تری نتی	تری نیتی ــ کالیفرنی	۵۳۷	۲،۵۰۰،۰۰۰	۱۹۶۰	
تسیملیانسک	روسیه شوروی	—	۳۳۹۰۰۰۰۰۰م مکعب	۱۹۵۲	
تینی	دایرز ــ فرانسه	۱۸۱متر		۱۹۵۲	
چری ولی	چری کریك ــ کالیفرنی	۳۳۰	۲۶۸،۲۰۰	۱۹۵۶	
داریوش کبیر	ایران	۵۸/۵متر		—	آبیاری
دیترایت	سانتیام شمالی ــ اورگون	۴۵۴	۴۵۵،۰۰۰	۱۹۵۳	
درودزن (داریوش کبیر)	کر ــ شیراز ــ تنگه درودزن	۵۸/۵متر	—	—	آبیاری
دکان	زاب کوچك ــ عراق	۳۰۸	۵،۵۰۹،۶۵۰	۱۹۶۲	
دنیپرودزرژینسك	روسیه شوروی	—	۲۷۵۰۰۰۰۰۰م.مکعب	—	
دوورشاك	ایالات متحدهٔ آمریکا	۲۰۴متر	—	—	
دیابلو	سکاگیت ــ واشنگتون	۳۸۹	۶،۰۰۰،۰۰۰	۱۹۳۰	

سدهای جهان

نام‌سد	نام رود	بلندی‌سد فوت	آب‌ذخیره آکر ـ فوف	سال‌افتتاح	نوع‌استفاده
رأس	سکاگیت ـ واشنگتون	۵۴۰	۱۴۰۵،۰۰۰	۱۹۴۹	
رضاشاه کبیر	کارون (ایران)	۱۹۵متر	—	—	
رنی‌سیات	رون ـ فرانسه	۳۴۵	۴۰۰،۰۰۰	۱۹۴۸	
زهك	شهرزابل ـ استان سیستان	۸/۳متر	—	—	
ساریار	سکریار ـ ترکیه	۳۶۰	۱،۵۴۰،۰۰۰	۱۹۵۶	
سالت‌اسپریزگز	موکلومنه ـ نارك قورك	۳۲۸	۱۳۹،۰۰۰	۱۹۳۱	
سسکچوان جنوبی	کانادا	—	۳۰۶۰۰۰۰۰م.مکع	—	
سفیدرود(شهبانوفرح)	سفیدرود ـ گیلان	۱۰۵ متر	۱۶۸۸ملیون‌مترمکعب		آبیاری ـ تولیدبرق
سلطان‌شمارهٔ ۱	سلطان ـ واشنگتن	۳۱۰	۲۳۴،۳۰۰	۱۹۵۲	
سن‌گلاکومودیفرائل	آدآ ـ ایتالیا	۳۰۰	۵۲،۰۰۰	۱۹۵۰	
سوتی	دراك ـ فرانسه	۳۹۴	۱۰۶،۰۰۰	۱۹۵۳	
شاستا	ساکرامنتو ـ کالیفرنی	۱۸۳متر	۴،۵۰۰،۰۰۰	۱۹۵۴	
شامبون	رومانش ـ فرانسه	۴۵۰	۱۳،۰۰۰	۱۹۳۴	
شاه اسماعیل	گلپایگان (ایران)	۵۲متر	۲۸۰۰۰۰۰۰م.مکع	—	
شاه عباس‌کبیر	ایران (اصفهان)	۱۰۷متر	—	—	آبیاری
شبانکاره	شاهپور ـ فارس	۳/۵متر	—	—	
شهناز	در ۱۱ کیلومتری همدان	۵۴متر	۲۰میلیون‌مترمکعب	—	آبیاری
فرح (شهبانو)	منجیل (ایران)	۱۰۵متر	۱۶۶۸ملیون‌مترمکعب	۱۹۶۳	آبیاری
فرحنازپهلوی(جاجرود)	جاجرود (ایران)	۵۳متر	—	۱۹۶۸	آبیاری
فریانت	شن‌جوشیم ـ کالیفرنی	۳۲۹	۵۲۰،۵۰۰	۱۹۴۲	آبیاری
فورت‌پك	ایالت‌مونتانا ـ آمریکا	۷۴متر	۳۰۰۰ملیون‌مترمکعب	۱۹۴۰	کشتی‌رانی وتنظیم‌آب
فورت‌رندل	ایالات متحدهٔ آمریکا		۳۸۴ملیون‌مترمکعب	۱۹۵۶	
فولسوم	آمریکا ـ کالیفرنی	۳۴۰	۱،۰۱۰،۰۰۰	۱۹۵۵	
فونتانا	تنسی‌کوچك ـ کارولینای‌شمالی	۴۸۰	۱،۴۴۴،۳۰۰	۱۹۴۵	
کاخوفکا	روسیهٔ شوروی		۳۵۶ملیون‌مترمکعب	۱۹۵۵	
کاریبا	زامبزی ـ رودزیای‌جنوبی	۴۲۰	۱۳۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۹۶۰	
کاماراسا	موگرئرایاللاررا ـ اسپانیا	۳۳۸	۸۹،۰۰۰	۱۹۲۰	
کبان	ترکیه	۲۰۵متر	—	—	
کرج(امیرکبیر)	کرج ـ تهران	۱۸۰متر	۲۰۵میلیون‌مترمکعب	۱۹۶۱	
کرخه	کرخه ـ اهواز	۴/۵متر		—	تولیدبرق
کرمنچوگ	روسیهٔ‌شوروی	—	۲۷۸ملیون‌مترمکعب	۱۹۵۹	
کمر(بکسرکاف‌ومیم)	الك‌کای ـ ترکیه	۳۶۰	—	۱۹۵۹	
کوروبه	ژاپن	۱۸۶متر	—	—	آبیاری
کوروش‌کبیر	ایران	۳۹متر	—	—	
کونترا	سویس	۲۳۵	—	—	
کوهرنگ	شیخ‌علی‌خان ـ ایران	۱۲/۱متر		—	آبیاری
کوی بیشف	روسیهٔ شوروی	—	۳۳۹ملیون‌مترمکعب	۱۹۵۵	
کیف	روسیهٔ‌شوروی	—	۴۵ملیون‌مترمکعب	—	
کینگزلی	ایالات‌متحدهٔ آمریکا	—	۳۴/۵ملیون‌مترمکعب	۱۹۴۲	
گاتون	پاناما	—	۱۷/۶ملیون‌مترمکعب	۱۹۱۲	

سدهای جهان

نام‌سد	نام‌رود	بلندی‌سد فوت	آب‌ذخیره آکر ـ فوت	سال‌افتتاح	نوع‌استفاده
گاستلودوبوده	ززر ـ پرتقال	۳۷۷	۸۹۳/۲۰۰	۱۹۵۱	
گراس	بولدرکریك جنوبی ـ کلرادو	۳۴۰	۴۲،۰۰۰	۱۹۵۵	
گراندیکسانس	سویس	۲۸۴متر	—	۱۹۶۲	
گراندکولی	کلمبیا ـ واشنگتون	۱۶۸	۹،۴۰۲،۰۰۰	۱۹۴۲	
گریسن	ایالات متحدهٔ آمریکا	—	۵۰/۸ملیون‌مترمکعب	۱۹۵۴	
گریمسل	آر ـ سویس	۳۷۳	۸۱،۰۰۰	۱۹۳۱	
گلپایگان (شاه‌اسماعیل)	گلپایگان ـ ایران	۵۲متر	۲۸میلیون‌مترمکعب	—	
گلن‌کنین	ایالات متحدهٔ آمریکا	۲۱۶متر	—	۱۹۶۳	
گورکی	روسیهٔ شوروی	—	۴۴/۳ملیون‌مترمکعب	۱۹۵۵	
لتیان (فرحناز)	هراز ـ تهران	۱۰۴متر	۹۵میلیون‌مترمکعب	—	
لکی‌پیك	بواز ـ ایداهو	۳۴۰	۳۰۶،۰۰۰	۱۹۵۶	
لوئربیکر	بیکر ـ واشنگتن	۴۶۵	۱۳۰،۰۰۰	۱۹۴۵	
لوزون	سویس	۲۰۸متر	—	۱۹۶۴	
لیم‌برگ	سالزاخ ـ اطریش	۳۹۴	۶۶،۵۰۰	۱۹۵۱	
لی‌ین	رن ـ سویس	۵۲۵	—	۱۹۵۶	
ماسی‌راك	ایالات‌متحدهٔ آمریکا	۱۸۰متر	—	—	
مانگلا	جلوم ـ پاکستان	۳۶۵	۳،۵۰۰،۰۰۰	—	
ماینکواگان	کانادا	۲۲۶متر	—	۱۹۶۲	
متور	متور ـ هند	۷۳متر	۳۲۰ ملیون‌مترمکعب	—	آبیاری
محمدرضاشاه	دز ـ دزفول	۲۰۳متر	۳۰۵ ملیون‌مترمکعب	—	آبیاری ـ تولیدبرق
مدمونتین	وایت ـ واشنگتن	۴۲۵	۱۰۶،۰۰۰	۱۹۶۳	
مروین	لویس ـ واشنگتون ـ اورگان	۳۱۳	۶۵۰،۲۰۰	۱۹۴۹	
موریس	سن‌گابریل ـ کالیفرنیا	۳۷۵	۳۵،۱۷۱	۱۹۳۱	
مووو‌ئازن	درانس ـ سویس	۲۳۷	—	۱۹۳۵	
میانکنگی	هیرمند ـ زابل	۶/۳متر	—	۱۹۵۸	
ناواجو	سن‌ژوان ـ نیومکزیکو	۳۸۳	۱۰۷۱۲،۰۰۰	—	
نورك	روسیهٔ شوروی	۳۰۰	۴۵۰ملیون‌مترمکعب	۱۹۶۰	
نوهو	ایالات‌متحدهٔ آمریکا	—	۲۰/۵ملیون‌مترمکعب	—	
واتوکا	واتوکا ـ تنسی	۳۱۸	۷۷۸،۸۰۰	۱۹۶۳	
واراگامبا	ویلز جنوبی جدید ـ استرالیا	۴۵۰	۱،۴۱۱،۶۹۲	۱۹۴۹	
وایونت	پیاو ـ ایتالیا	۲۶۲متر	—	۱۹۶۰	
ولگاگراد	روسیهٔ شوروی	—	۲۵/۲ملیون‌مترمکعب	۱۹۶۱	
هارس‌سا	سالت ریور ـ اریزونا	۳۰۵	۲۴۵،۱۰۰	۱۹۵۸	
هنگری‌هارس	فلت‌هد ـ مونتانا ـ امریکا	۱۷۲متر	۳،۴۶۸،۰۰۳	۱۹۳۷	
هوم	ایالت ویلز جدید ـ استرالیا	۶۰متر	۳۰۰ ملیون‌مترمکعب	۱۹۵۳	آبیاری
هوور	کلرادو ـ اریزونا ـ نوادا	۲۲۱متر	۲۹،۸۲۷،۰۰۰	—	
هیراکود	هندوستان	—	۲۰/۶ملیون‌مترمکعب	۱۹۶۳	
هیلزکریك	ویلامت ـ اورگون	۳۳۸	۳۵۶،۰۰۰	۱۹۵۷	
هیواسی	هیواسی ـ کارولینای شمالی	۳۰۷	۴۳۸،۰۰۰	۱۹۶۱	
ییل	لویس ـ واشنگتون	۳۲۲	۵۹۰،۲۸۹	۱۹۴۰	



کشاورزی

دامپروری.

کشور ایران ، یکی از مراکزمهم دامپروری آسیا است . دردامنهٔ کوههای غربی ودامنهٔشمالی رشته جبال البرز ، مراتع سرسبزوخرم فراوان است و ده‌نشینان وایلات در آن مشغول دامپروری هستند . محصولات دامپروری از جملهٔ ارقام صادراتی بزرگ کشور ، محسوب می‌شود ودر دنیا حسن‌شهرت‌دارد ، دام‌هایی‌که بیشتر مورد توجه دامپروران ایران است‌عبارتنداز :

۱ ــ **گوسفند :** پرورش گوسفنداز سایر دامها بیشتر است ومراکز مهم آن عبارتند از :

آذربایجان ، کردستان، بختیاری، فارس ، زنجان ، مازندران وگرگان‌که **تعداد تقریبی گوسفند ۲۲ ملیون‌رأس است .**

۲ــ **بز:** حیوانی قانع‌که درنواحی خشک‌وکم علف هم‌می‌تواند زندگی‌کند وتعداد تقریبی آن ۸ملیون رأس است .

۳ــ**گاو:** دراکثر نقاطایران به‌ویژه، مازندران، گیلان ، زنجان ،آذربایجان، لرستان ، خوزستان تربیت می‌شود ، **تعدادگاو وگاومیش در ایران به۳/۵ میلیون رأس‌میرسد .**

۴ــ **اسب :** بیشتر در آذربایجان، کردستان ،لرستان‌فارس‌وگرگان‌پرورش می‌یابد . **فعلا درحدود ۵۰۰هزار رأس اسب درایران است .**

۵ــ**الاغ:** درهمه‌جای‌ایران به‌ویژه دردهات وقصبات برای‌بارکشی به کار می‌رود ، الاغهای تندرو دربنادر خلیج فارس مخصوصاً دربندر بوشهر تربیت می‌شود ، **تعداد الاغ به۱/۵ ملیون‌رأس میرسد .**

۶ــ **شتر:** دربلوچستان ، کرمان‌و نواحی خراسان وکناره‌های خلیج‌فارس و دریای عمان پرورش داده می‌شود . **جماز**که نوعی‌شتر پرطاقت وسریع‌السیر است‌که دربلوچستان پرورش‌داده‌می‌شود **تعداد شتر در ایران به ۱۰۰ هزار میرسد .**

محصولات دامپروری .

محصولات مهم دامپروری عبارتند از :

۱ ــ **پشم** ــ سالیانه ۱۵ هزار تن محصول به دست میآید .

۲ ــ**پوست** ــ بهترین‌پوست ، پوست بره قره‌گل سرخی‌وکبود شیراز است.

۳ ــ **روغن** ــ محصول سالیانهٔ آن ۱۲۵۰۰ تن است .

۴ ــ **روده .**

۵ ــ**کرك .**

۶ ــ **مو .**

استادان و معلمین دامپروری

افقهی ، دکترسیدعلی . دبیر گروه‌دام ــ پروری دانشکدهٔ کشاورزی .

امین ، مهندس‌محمود. دبیر گروه‌دامپروری دانشکدهٔ کشاورزی .

امین‌الصحه ، خانم دکتر ژاله . مدرس تلقیح‌مصنوعی‌دانشکدهٔ دامپزشکی.

بحری ، دکتر حسینعلی . استادگروه دامپروری دانشکدهٔ کشاورزی .

بهرامی ، دکتر تقی . استاد دامپروری دانشکدهٔ کشاورزی .

تابش ، دکتر محمد ، مدرس پرورش گوسفند دردانشکدهٔ دامپزشکی .

بحری ، دکترحسینعلی. استاددامپروری دانشکدهٔ کشاورزی .

حسنین ، دکترعلی‌اصغر . دانشیارگروه دامپروری دانشکدهٔ کشاورزی.

رضی‌فرد، دکتررضی.مدرس‌دروس‌نظری وعملی دامپروری برای‌سال‌اول‌دانشکدهٔ دامپزشکی .

زهری ، دکترمراد علی.مدرس پرورش طیور دردانشکدهٔ دامپزشکی .

ستاری ، دکترمحمد.مدرس‌پرورش اسب برای‌سال دوم‌دانشکدهٔ دامپزشکی .

شاهرخشاهی ، دکترحسام الدین . دبیر گروه دامپروری دانشکدهٔ کشاورزی .

غدیری ، مهندس مجتبی . دبیر گروه دامپروری دانشکدهٔ کشاورزی .

فروغ ، دکتر . استادگروه دامپروری دانشکدهٔ دامپزشکی .

کاشانیان ، دکتر ناصر . استادیار گروه دامپروری دانشکدهٔ کشاورزی.

مدرسی ، دکترفروغ فرآورده‌های دامی دانشکدهٔ دامپزشکی .

مدرسی ، دکتر رضی پرورش‌گاو در دانشکدهٔ دامپزشکی .

مفیدی ، مهندس علی . دانشیار باغبانی دانشکدهٔ کشاورزی .

میرحیدر ، مهندس.درس‌بیواستاتیستیك برای‌سال دوم‌دانشکدهٔ دامپزشکی .

یزدی‌زاده،دکترمحمود. استاددامپروری دانشکدهٔ دامپزشکی .

استادان و معلمین اقتصاد دانشگاهها

ابوالضیاء . دکتر ضیاءالدین . استاد اقتصاد دانشکدهٔ کشاورزی .

اقتداری ، دکترعلی محمد . دانشیار قوانین مالیه و مالیهٔ عمومی دانشکدهٔ حقوق .

پورهمایون،دکترعلی‌اصغر . استاد پول وارز واعتبارات دانشکدهٔ‌حقوق.

پیرنیا ، دکترحسین. مدیرگروه‌اقتصاد مالی‌واستاد مالیهٔ‌عمومی- ریاضیات‌برای اقتصاد .

جزایری، دکتر سیدشمس‌الدین .مدیرــ گروه اقتصاد اجتماعی واستاد بیمه ، حقوق‌کار و اقتصاد اجتماعی دانشکدهٔ حقوق .

جهانشاهی ، دکتر عبدالعلی . استاد اقتصاد ایران دردانشکدهٔ حقوق .

خطیبی، دکترنصرالله . دانشیار اقتصاد دانشکدهٔ کشاورزی .

خلیل عالمی ، دکتر ابراهیم . استاد مالیهٔ دانشکدهٔ حقوق.

رحمانی ، دکترمحمد . استادیاراقتصاد دانشکدهٔ کشاورزی .

زند حقیقی ، دکتر منوچهر . استاد اقتصادکلی و پول‌وتجربیات‌پولی‌دانشکدهٔ حقوق .

ساعدلو، دکترهوشنگ. استادیاراقتصاد دانشکدهٔ کشاورزی .

صدقی ، دکترعباس . دانشیار بانك و بانکداری دانشکدهٔ حقوق .

عدل‌طباطبایی، دکترعبدالرضا . استاد اقتصاد روستایی دانشکدهٔ حقوق .

علی‌آبادی ، دکتر محمدحسین . استاد تاریخ حقوق ، پول و بانك دانشکدهٔ حقوق .

علی‌آبادی ، دکتر عبدالحسین . استاد تاریخ عقاید اقتصادی ، سیاست کیفری دانشکدهٔ حقوق .

فرهنگ ، دکترمنوچهر . معلم حق ــ التدریسی نظامها وبنیانهای اقتصادی ــ برنامه‌ریزی دانشکدهٔ حقوق .

کیان ،دکترغلامرضا. استاد مالیهٔ عمومی ایران‌دردانشکدهٔ حقوق.

کیهان ، دکتر محمود . استاداقتصادسال دوم دانشکدهٔ حقوق .

مشکوة ، دکتر محمد . دانشیار توسعهٔ اقتصادی ـ تاریخ تحولات اقتصادی دانشکدهٔ حقوق .

معظمی گودرزی ، دکترابوالحسن . دانشیار اقتصاد دانشکدهٔ کشاورزی .

مهدوی ، دکتر اصغر . استاد اقتصاد دانشکدهٔ حقوق .

مینایی . دکتراحمد. معلم‌حق‌التدریسی اقتصاد ایران‌دانشکدهٔ حقوق .

نهاوندی ، دکترهوشنگ . معلم حق ــ التدریسی تاریخ‌عقایداقتصادی دانشکدهٔ حقوق .

هدایتی ،دکترهادی . استادتاریخ‌عقاید اقتصادی دانشکدهٔ حقوق .

هومن ، دکتر احمد . استاد اقتصاد و حقوق روستایی دانشکدهٔ کشاورزی .

یاراحمدی، دکترفتح‌الله استادیاراقتصاد دانشکدهٔ کشاورزی.

محصولات غذایی ایران

مهمترین محصولات غذایی ایران عبارتند از :

۱ ــ گندم: بخش گندم‌را درهمین فصل‌به‌بینید .

۲ــ جو : محصول‌سالیانهٔ جو در ایران‌به ۸۰۰ هزارتن می‌رسد و مراکز کشت‌آن دامنهٔ کوهها ، کنارمزارع‌گندم است .

۳ ــ ذرت: مخصوص مناطق‌گرم و مرطوب ومحصول‌آن درایران چندان زیادنیست .

۴ ــ ارزن : مخصوص‌نواحی‌سرد‌ـ سیر و کوهستانی ، برای مصرف خوراك اهالی وطیورکاشته میشود .

۵ــ سیب زمینی: بخش‌سیب‌زمینی را درهمین فصل بـه بینید .

۶ــ برنج . بخش‌برنج‌را در همین فصل‌به‌بینید .

۷ ــ حبوبات : مـانند ، نخود ، لوبیا، عدس ، باقلا ، خلر وماش‌دراکثر نواحی‌ایران‌کاشته‌می‌شودوسالیانه‌مقداری هم صادرمیگردد .

۸ ــ سبزیجات . ازقبیل کاهو ،کلم، کرفس ، اسفناج ، سیر ، پیاز ، هویج ، گوجه‌فرنگی ، جعفری ، نعناع بیشتر در دهات ایران کاشته می‌شود و به مصرف اهالی‌می‌رسد ولی اخیراً دراطراف‌شهرـ های بزرگ به کشت وسیع سبزیجات پرداخته‌اند .

۹ــمیوه‌ها ، شامل ، انگور،خرما، مرکبات ، خشکبار ، زیتون است کـه مناطق کشت انگور (فارس ، اصفهان ، همدان ، قزوین ، آذربایجان ، تهران وخراسان) میباشد .

خرما : مخصوص‌مناطق‌گرم وخشك جنوب ایران است نخلستانهای وسیعی درخوزستان ودرنواحی جنوب فـارس و کرمان‌وجود دارد وخرمای بعضی‌مناطق مانند : بم درکرمان وجهرم در فارس ، بسیارشیرین وخوش‌طعم ومعروف است .

خرما یکی ازمحصولات صادراتـی ایران است .

مرکبات در شمال و در نواحی جنوب فراوان‌است. تنها محصول لیموـ ترش در ایران سالانه به ۳۵ هزار تن می‌رسد .

خشکبار: مانند پسته، بادام،فندق، گردو ، قیسی ، گوجه و انجیر خشك و کشمش‌وامثال‌آن‌ها دراغلب نواحی‌کشت می‌شودوپسته‌که‌مخصوص‌آب وهوای‌معتدل است در دامغان ، خراسان ، قزوین و کرمان و فندق‌که مخصوص نواحی سرد است درقزوین‌وزنجان فراوانتراست .

خشکبار یکی ازصادرات مهم‌ایران است .

زیتون: در دره سفیدرود مخصوصاً در رودبار ومنجیل پرورش داده میشود وازمنابع پرسود استـکه هرساله مقدار زیادی ازدانه‌های زیتون به‌شوروی‌صادر می‌شود .

برنج

برنج Oryza, sativa. L.

گیاهی یکساله ، به ارتفاع ۰/۷۰ تا ۱/۶۰ متر ، دارای ساقـهٔ راست و ماشوره‌ای وبرگهای باریك‌نوك‌تیز‌بدون دمبرگ میوهٔ آن پوشیده از پوشینك‌ها است . گل برنج ۶ پرچم دارد .

منشأ برنج آسیا است. برنج بدون پوسته ۱۲ تا۱۳ درصدآب و ۷۷ تا۸۰ درصد ئیدرات کربن و مقدار کمی مواد ازته دارد .

برنج و پوشینك‌های آنـرا رویهم شلتوك میگویند .

کشت برنج .

برنج مخصوص مناطق مرطوب و پرباران است ، زیرا تامدت زیادی باید زیربوته‌های برنج آب باشد .

برای‌آماده کردن‌زمین‌آنرابه‌قطعات کوچك یابزرگ تقسیم میکنند ، وزمین آنرا چندین بار شخم زده و خاکش را نرم میکنند به طوریکه با آب و خاك ، محلول تقریباً غلیظی تشکیل دهد .

سپس بهترین شلتوك را انتخاب کرده درگونی ریخته چند روز در رودخانه یا جوی آب قرار میدهند تا از هرشلتوك تیغهٔ کوچك‌سفیدرنگی‌خارج شود. (گاهی برای سرعت عمل باآب‌نیم‌گرم شلتوك‌ها را روزانه میخیسانند) این شلتوك را بهمزرعهٔ نمونه یاخزانه‌که قبلا ذکر شد میآورند وبادست یاماشین درسطح‌خزانه که‌کاملا مسطح شده پخش میکنند.

چون محلول‌غلیظ خاك خزانه‌بسیار نرم است، شلتوك ها به‌اندازهٔ وزن خود کمی درخاك فرو می‌نشینند، سپس ۴۸ ساعت به‌خزانه آب نمی‌رسانند تا تیغه‌ها (ریشهٔ‌اولیه) به زمین‌بنشیند، سپس‌جریان آب‌باریکی به‌خزانه میرسانند ومزرعه‌های اولیه (خزانه) را طوری ساخته‌اند که آب ازآنها عبورکند، پس ازیکماه برنجها به‌صورت‌جوانه‌های چندسانتیمتری شده‌که باید به‌مزرعهٔ اصلی منتقل‌شوند.

مسئلهٔ انتقال نشاء به‌زمین اصلی‌از مسایل مهم‌کشت برنج است.

قبلا زمینهای اصلی را به‌قطعات تقریباً بزرگ تقسیم کرده و پس از چند بار شخم. آب گرفته اند و تقریباً خاك آنرا هم شبیه خاك خزانه به‌محلول‌غلیظ یکنواختی تبدیل‌کرده‌اند سپس سطح آنرا کاملا صاف می‌کنند. آنگاه، برنج را از خزانه به‌آنجامنتقل مینمایند.

باچاقوهای مخصوصی، جوانه‌ها را از خاك به‌طریقی جدا می‌کنند که ریشه و مقداری خاك همراه جوانه‌باشد.

آنگاه، هرچند جوانه را باهم در زمین‌اصلی‌میکارند. فاصله‌از ۲۰ سانتیمتر نباید کمتر باشد.

سه روز بعد از نشاء کردن مزرعه را به‌قسمی آب میدهند که آب تاارتفاع چند سانتیمتر پای بوته باقی بماند.

۱۵ روز بعد نخستین وجین‌کاری شروع میشود که‌دراین وجین‌کاریها علفهای هرزه را ازبین میبرند.

۱۵ روز دیگر دومین وجین‌کاری شروع میشود در تمام این مدت وتامدتی که دانهٔ برنج شیری شود باید آب پای بوته باشد.

۱۰ تا ۱۵ روز پیش از سخت‌شدن دانهٔ برنج ازآب‌دادن‌به‌مزرعه خودداری می‌کنند.

از نشاءکردن تارسیدن برنج‌سه‌ماه طول میکشد.

برداشت محصول.

وقتی که برگ و ساقهٔ برنج رو به زردی میرود، آب را قطع میکنند. ۱۰ تا ۱۵ روز بعد، یعنی پس از سخت شدن دانه‌ها، آنرا درومیکنند، بوته‌های درو شده را دسته دسته می‌کنند وآنهارا مدت ۲۴ ساعت درآفتاب قرار می‌دهند، سپس دسته‌ها را به‌جاهای محفوظ انتقال می‌دهند و کوبیدن تدریجی آنها راآغاز می‌کنند.

عمل‌جداکردن پوشینه‌ها ازشلتوکها با **پادنگ** یا ماشینهای مخصوص برنج ـ کوبی صورت میگیرد.

انواع برنج.

۱ــ دم‌سیاه؛ برنجی‌بلند، استخوانی سفید.

۲ــ صدری؛ برنجی تقریباً بلند.

۳ــ گرده؛ برنجها کوتاه وکلفت.

۴ــ عنبربو؛ برنجهای‌کلفت وکمی بلندتر از چمپا.

۵ــ چمپا، که پست‌ترین نوع‌برنج کوتاه ونازك.

آفات برنج.

۱ــ زنگ برنج.

۲ــ نازاشدن.

مبارزه‌باهردونوع‌آفت پایین‌آوردن سطح‌آب مزرعه است.

مورد استفاده.

۷۵ درصد برنج نشاسته و ۷ درصد آن پروتید است.

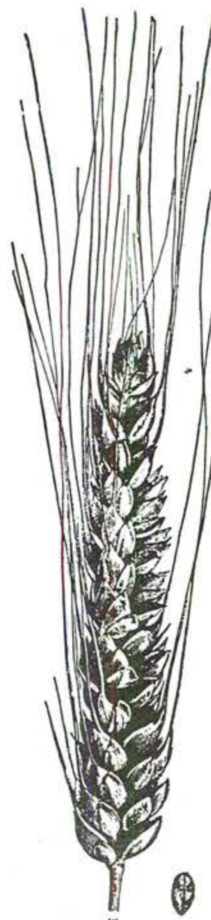
علاوه برکته، چلو، پلو، آش در شیرینی پزی برای تهیهٔ نان‌برنجی نیز به‌کار میرود و یکی از منابع مهم تهیهٔ نشاسته است.

مناطق کشت برنج.

مراکز اصلی‌کشت برنج‌عبارتنداز: گیلان، مازندران ومقدارکمی‌دراصفهان و خوزستان رضاییه و بعضی‌نقاط فارس.

محصول برنج درایران.

محصول سالیانهٔ شلتوك ایران بیش از ۷۰۰ هزار تن است که قسمتی از آن به خارج صادر میشود.



۳

گندم

گندم Triticum

گیاهانی تك‌لپه، باساقهٔ ماشوره‌ای ریشه افشان وبرگ‌کرکدار بلند وبدون دمبرگ گل‌آذین آن‌سنبلهٔ مرکب است که‌درهرسنبله چند سنبلك وجود دارد.

گل‌گندم دربرگ سبز به‌نام‌پوشینك وسه پرچم و يك مادگی‌کرکدار دارد. بساك‌پرچم گل‌گندم به‌شکل × است‌وکلالهٔ آن دوشاخه‌ای وپر مانندمیباشد.

آنچه به نام‌گندم معروف شده میوهٔ آن است‌که خشك و ناشکوفا است.

آفات‌گندم.

۱ ــ فساد خوشهٔ‌گندم: پرشدن‌دانه ازهاگهای‌قارچ‌که راه‌مبارزهٔ باآن‌به‌این طریق است‌که:

دانه‌هاراقبل ازکاشتن درمحلول‌يك درصدکات‌کبود قرار دهند، سپس روی آنها آهك‌مرده بپاشند.

۲ ــ سیاهك‌گندم: پرشدن دانه از

هاگهای سیاهرنگ و کوچک مانندسنبله که روش مبارزهٔ با آن نیزگندزدایی از بذر است .

۳ ـ زنگ گندم : قارچی که زنگ گندمرا به‌وجود می‌آورد ، پس از رشد روی برگ گندم به‌زمین می‌ریزد و در خاك رشد کرده سپس به درخت زرشك منتقل می‌گردد ویك سال روی‌آن باقی مانده تا دوباره به‌گندم برسد.

آسانترین راه‌مبارزهٔ بااین آفت‌از بین بردن‌بوته‌های‌زرشك اطراف مزارع گندم است .

انواع گندم از نظر آرد.

۱ ـ گندمهای‌سخت : سنگینی این گندم ازسایرانواع‌بیشتر وآردآن نیزبه رنگ زرد یازردمایل به‌خاکستری است به‌علاوه‌دارای گلوتن زیاداست. درقنادی به مصارف تهیهٔ انواع نان‌های شیرینی می‌رسد .

گندمهای سخت درافریقای شمالی، سیسیل، آرژانتین‌ونقاط گرم آسیاپرورش می‌یابد .

۲ ـ گندمهای نیمه سخت : قسمت خارجی آلبومن این گندمها به رنگ خاکستری ولی‌قسمت داخلی آنها سفید است . ازدو قسمت‌مذکور دونوع‌آرد به دست می‌آید ، یکی به رنگ مایل به خاکستری که‌دارای گلوتن زیاد است و دیگری به‌رنگ سفیدکه ازقسمت‌مرکزی آن‌تهیه می‌شود ، این‌نوع‌گندم درنواحی جنوبی‌کشور فرانسه پرورش‌می‌یابد .

۳ـ گندمهای سفید ، این‌نوع‌گندم سبك‌وزن‌تر ازسایر انواع و دارای آرد سفیدرنگ است ، مقدار گلوتن آن کم ولی از نظر تهیهٔ نشاسته ، قابل اهمیت است ودرشمال فرانسه و روسیه پرورش می‌یابد .

کشت گندم .

زمین‌های‌رستی که روی‌طبقات‌آهکی باشند ، برای‌کشت مساعدترند زمین را قبل ازکشت‌باید به‌طورعمقی شخم زد، و تابذر افشانی این‌عمل دوبار بایدتکرار شود . بذر افشانی ممکن است دستی یا ماشینی‌باشد . درهرحال بهترین فصل‌آن پاییز است .

قبل از سرمای زمستان گندمها به صورت بوته‌های‌کوچك سبزمی‌شوند ، و درسرمای‌زمستان‌رشد آنها متوقف‌میشود ولی باآغازبهار رشد آنها سریع‌میگردد گاهی‌باغلطك‌ساقه،زدن‌ساقه‌های جوان‌را می‌خوابانند تاریشه‌های جانبی به‌تقویت ساقه کمك‌کند .وجین‌کاری ازعوامل‌مؤثر افزایش محصول است .

گندمهای مناطق‌کوهستانی که فقط از آب باران استفاده می‌کنند **دیمی** ، مزارع مناطق پست که آبیاری می‌شوند **آبی**نامیده می‌شوند .

برداشت محصول .

خردادماه‌فصل‌گل‌دادن‌گندم است، سنبله‌ها ، شش هفته بعد دانه تولید می‌کنند .

گندم را کمی‌پیش از رسیدن کامل درو می‌کنندتادانه‌هایش‌هنگام درونریزد خوشه‌های چیده‌شده را در جای مسطحی درمزرعه خرمن‌می‌کنند، سپس‌باخرمن‌ـ کوب به‌تدریج می‌کوبند ودانه‌هارا آزاد می‌کنند وسپس‌بادمی‌دهند تاکاه وپوسته‌از گندم جدا شود ودانه‌های حاصل‌را الك می‌کنند و برای تهیهٔ آرد بـه آسیاب می‌فرستند .

موارد استفادهٔ گندم .

گندم ۶۵ درصد نشاسته و۱۲ در پروتیدی به‌نام گلوتن دارد .

آردگندم‌را برای تهیهٔنان و نان‌ـ شیرینی به‌کار می‌برند .

ازآرد آن‌نشاستهٔ خالص‌نیزبه‌دست می‌آورند .

زمین زیرکشت .

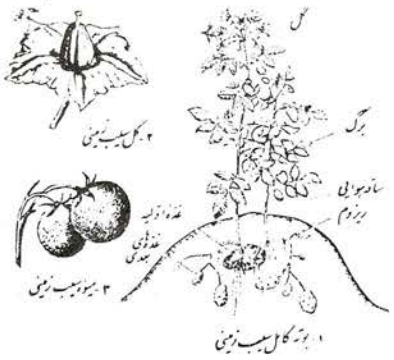
زمین‌زیرکشت‌گندم‌درایران‌نزدیك به۴ ملیون هکتار می‌رسد .

مراکزکشت‌گندم در ایران .

جلگه‌های‌سیستان، گرگان، خراسان، آذربایجان، کردستان، فارس، کرمانشاهان تهران ، اراك و اصفهان .

محصول‌گندم ایران .

اگرچه مقدارگندم درایران چون اغلب دیمی‌کشت می‌شود به تناسب‌باران سالیانه متغیر است‌ولی به‌طور متوسط سالیانه ۳ میلیون تن‌گندم در ایران به دست می‌آید .



سیب زمینی

سیب‌زمینی، Solanum tuberosumL.

گیاهی علفی‌که پرورش آن امروزه همه‌جا معمول است ولی منشأ آن **ازپرو** است .

غده‌ها یاساقه‌های غده‌ای‌آن‌که‌درزیر زمین‌قرار دارند ، مملو از اندوخته‌های نشاسته‌ای است .

این‌گیاه‌نمونه‌هایی داردکه هنوزهم بعضی از آنها به حالت وحشی در منطقهٔ وسیعی از آمـریکای جنوبی ، بـه‌ویژه درشیلی شمالی و آرژانتین میرویند.

نوع پرورش یافته به‌دو گروه تقسیم میشوند :

۱ ـ زودرس (سه‌ماهه‌محصول‌میدهند).

۲ـ دیر رس (۵ مـاهـه محصول میدهند) .

آفتهای سیب‌زمینی .

۱ـ نوزاد سوسك طلایی .

۲ـ میلدیو (Mildew) : روی برگ سیب زمینی لکـه قهوه‌ای ایجاد می‌کند .

۳ـ ویروس : رشد ساقه را متوقف میسازد .

در مبارزه بامیلدیو از کات کبود استفاده کرده وتنها راه مبارزه‌باویروس کشت دانهٔ سیب‌زمینی است .

کشت سیب زمینی .

سیب‌زمینی بادانه هم زیاد میشود ، ولی معمول‌ترین روش‌کاشتن غده است .

برای‌کاشتن‌سیب‌زمینی‌ابتدازمینهای سبك (شن و ماسه و رس) را به‌طورعمقی (دوبار) شخم می‌کنند و غده‌های متوسط (از نظر اندازه تقریباً ۵۰ گرمی) راکه هیچگونه علایم بیماری و یا تغییر رنگ نداشته‌باشند درمحلولهای رقیق‌ضدعفونی کننده وارد میسازند تا اگرهم قارچهای

موذی وجود داشته باشند از بین بروند . سپس آنها را در فاصلهٔ ۵۰ سانتیمتری از یکدیگر میکارند .

اگرغده بزرگ باشد آنرا از طول دو قسمت میکنند . ودر محل سایه قرار میدهند تا سطح مقطع بخشکد (والا در زمین‌میپوسد) سپس‌میکارند، بهترین وقت کشت آن اواسط اسفند یا فروردین ماه است وجین‌کاری درهر ۱۵ روز یك بار لازم است .

وقتی بوته‌های‌سیب‌زمینی به‌حدکافی رشد کرد؛مقدار زیادی خاك به‌پای آن میریزند تا غده‌های بیشتری ایجادکند. بهترین کودبرای‌سیب‌زمینی خاکستراست که مقاومت گیاه را در مقابل آفت زیاد میکند .

زمینی که قبلا درآن شبدر ویونجه کاشته باشند نیز برای کشت سیب زمینی مساعد است .

برداشت محصول .

بهترین موقع برداشت محصول ، وقتی‌است که‌ساقهٔ‌هوایی گل وبوته‌خشکیده باشد . سپس با بیلچهٔ آهنی عمیقاً زمین رامی‌کنند وسیب‌زمینی‌ها راجمع‌میکنند. بایدکوشش کرد روزهای آفتابی محصول برداشته‌شود چه در غیراینصورت باید تا قبل ازخشکیدن آنها را انبارنکرد .

موارد استفادهٔ سیب زمینی.

سیب‌زمینی قریب ۷۸ درصد آب و ۱۹ در صد نشاسته و دو در صد مواد پروتیدی و یك‌درصد مواد کانی دارد .

این محصول علاوه برخوراك وتهیهٔ نشاسته به‌کار تهیهٔ الکل نیز می‌آید .

استادان و معلمین بهداشت‌غذایی

آشتیانی ، دکتر جواد . استاد بهداشت دانشکدهٔ پزشکی .

اردلان ، دکتر اسماعیل . استاد گروه بهداشت و صنایع مواد غذایی دانشکدهٔ دامپزشکی .

اعتمادیان ، دکترمحمود . استادبهداشت دانشکدهٔ پزشکی .

اعلم ، دکتر فتح‌الله . مدیر گروه‌و استادمواد خوراکی‌دانشکدهٔ داروسازی.

افشارخرقانی، دکتر ابوالقاسم. دانشیار گروه بهداشت و صنایع مواد غذایی دانشکدهٔ دامپزشکی .

اهری، دکترحسن.دانشیاربهداشت کودکان دانشکدهٔ پزشکی .

برال ، دکتر موسی . استاد مواد خوراکی دانشکدهٔ داروسازی .

بصیر ، دکتر عبادالله . دانشیار بهداشت آموزشگاههای دانشسرایعالی .

پروانه، خانم دکترویدا . استادیارگروه بهداشت و صنایع مواد غذایی دانشکدهٔ دامپزشکی .

ثمری ، دکترمحمدعلی (پزشك) استاد بهداشت انسان و بیماریهای بومی ایران دانشکدهٔ دامپزشکی .

زورین ، دکتر محمود . استاد بهداشت دانشکدهٔ‌کشاورزی .

صدیق ، دکتر فضل‌الله . استاد بهداشت دانشکدهٔ پزشکی .

عاملی ، دکتر توحید . استادیار مواد خوراکی دانشکدهٔ داروسازی .

فرخنده ، دکتر عباس . استادیار گروه بهداشت و صنایع مواد غذایی دانشکدهٔ دامپزشکی .

فرهی ، دکتر فرج‌الله . دانشیار مواد خوراکی دانشکدهٔ داروسازی .

قزوینیان ، دکتر رحیم . دانشیار گروه بهداشت و صنایع مواد غذایی دانشکدهٔ دامپزشکی .

کمانگر ، دکتر تیمور . استادیار مواد خوراکی دانشکدهٔ داروسازی .

کهنه‌شهری، دکتر مجید. استادیارگروه بهداشت و صنایع مواد غذایی دانشکدهٔ دامپزشکی .

مطهری، دکتر احمد . دانشیار مواد خوراکی دانشکدهٔ داروسازی .

ملی، دکترمحمد. استادیارگروه‌بهداشت و صنایع‌موادغذایی‌دانشکدهٔ دامپزشکی.

نشاط ، دکتر حسنعلی . دانشیار گروه بهداشت و صنایع مواد غذایی دانشکدهٔ دامپزشکی .

گیاهان صنعتی ایران

نباتات‌مهم صنعتی‌ایران عبارتنداز،

۱ـ توتون .
۲ـ تنباکو .
۳ـ پنبه .
۴ـ کنف .
۵ـ نیشکر .
۶ـ چغندر .
۷ـ درخت توت .
۸ـ خشخاش .
۹ـ چای .



دخانیات

توتون و تاریخ پیدایش آن

توتون که امروزه بالنسبه رل قابل ملاحظه‌ای در اقتصاد جهانی دارد و با اشکال مختلف درکنار لب‌پیر وجوان و زن ومرد مشاهده میگرددو با بسته‌بندی‌های زیبا و متنوع و مشتری پسند عرضه می‌شود و ممالك توتون خیز سعی وافر دارند با تغییرات مصنوعی در کیفیت و افزودن‌مواد‌شیمیایی به‌آن‌بر تعدادمصرف‌کنندگان خویش بیفزایند برای‌سیر تکامل خود راههای دراز و پرمانعی را پیموده تا به‌این‌شکل در صورت فعلی عرض وجود نماید .

نام توتون و پیدایش آن در دنیای تمدن باکشف‌قارهٔ آمریکا وقهرمان‌کاشف آن **کریستف‌کلمب** همراه است زیرا سال ۱۴۹۲ میلادی درحدود یکصدو بیست‌تن دریانوردبی‌باك‌ومشهور تحت‌فرمان‌مردی بااراده و ماجراجو به نام کلمب‌از بندر پالوس(palos)جنوب‌شرقی‌اسپانیا با کشتی‌هایی به‌نام نینا (nina) ، پینتا (pinta) و سنتاماریا (Santa maria) به‌تصور خویش به‌سوی هندشرقی حرکت نمودند. کریستف توانسته بوداین‌کاروان عظیم‌را باجلب‌محبت‌وکمك‌مادی‌ایزابلا(Isabella) ملکهٔ‌اسپانیا تدارك ببیندمیگویندحرکت این‌کاروان بیباك و سلحشور دریایی روز سوم ماه اوت‌بود موقع حرکت که‌قهرمان این داستان پرماجرا ساحل را ترك می‌گفت دریانوردان باتجربه‌وکارآزموده و اهل فن که عمری را برروی آبهای متلاطم و خروشان اقیانوسهای بیکران گذرانده‌بودند از بیباکی و جسارت‌کلمب متحیر‌وامکان‌موفقیت‌وی‌رامحال‌میدانستند هفتاد روز جز ستارگان درخشان‌آسمان واشعهٔ سوزان خورشید وامواج کف‌آلود

پهنهٔ اقیانوس ندیده و نشنیدند مسافرت یکنواخت و ناپیدایی مقصد ورنج وتعب سفر پرمخاطره همهٔ کارکنان کشتی را به ستوه آورد وزمزمهٔ اعتراض آغاز گردید همه تصمیم به بازگشت داشتند فقط یك مرد آهنین اراده ناترس با زحمات فراوان آنان را بـه اطاعت و انقیاد واداشت و دورنمای آیندهٔ درخشانی را در صورت موفقیت جهت آنان ترسیم مینمود پرواز اولین مرغ خاکی برفراز کشتیها برای دریانوردان بمنزلهٔ بزرگترین مژده و بشارتی محسوب میشده که عظمت آن جز برای گمشدگان مأیوس متصور نیست ، زیرا نوید بهسررسیدن منزل مقصود را میداد .

باری در صبح روز جمعه دوازدهم اکتبر کشتیها به کرانههای گوانـاهانی (Guanahani) رسیدند . کلمب به خیال خویش و باحساب قبلی به تصوراینکه بدهند رسیده بومیها را هندوان نامید ازآنجا نیز گذشت به کوبا (Cuba) رسیدند. دراین یادداشت چون غرض ازتوتون و پیدایش آن است بهمسافرت سایر مناطق کاروان کاری نداشته واز حوصلهٔ این مقال خارج است درکوبا بومیان ضمن تقدیم سایـر هدایا بهمهمانان ناخوانده برگهای خشك گیاهی را نیز هدیه میکردند که بیشك اروپاییان از موارد استعمال آن بیخبر بودند دوتن از دریانوردان درجزیرهای مشاهده کردند که اهالی این برگها را لوله مینمایند ویکسر آنرا مشتعل کرده وطرف دیگررا بادهان مکیده (میکشیدند) و دود آن را از بینی و دهـان خارج میسازند و یابرگهای این گیاه را خورد نموده مثل معتادین امـروز کـه هـریك بهفراخور قوطی سیگاری همراه دارند، آنان نیز برگ خورد شده را در کیسه نموده و همه جا همراه داشته در مواقع لازم مقداری از آن رادریك نی یا استخوانی جای داده آتش زده و می کشیدند؛ برای مسافرین تازه وارد مشاهدهٔ این اوضاع بسی غریب مینمودناچار باحزم واحتیاط آزمایشهایی نمودند طولی نکشید که معتاد شدند و از نشئهٔ دود آن احساس لذت میکردند این گیاه و برگ خشك همان تنباکو یاتوتون امروزی است .

در جنگهای بعدی بین بـومیان و اروپاییان مشاهده شد کـه بومیان نوك پیکان خودرا آغشته بهسم نموده و مانند جنگهای قدیم که پهلوانان تیر یا تیغ خود را زهرآلود میساختند تا مضروب را درعین حال که مجروح میسازندمسموم هم نمایند معلوم گشت سم مذکور را از شیرهٔ توتون بهنام نیکوتین تهیه مینمودهاند.

در سفرمجدد کریستف کلمب به آمریکا کشیشی ویراهمراهی میکرد، شخص مزبور در سال ۱۴۹۷ شرحی در مورد تنباکو بههائیتی (haiti) نوشت و با برگهای تنباکو به اسپانیا فرستاد در سال ۱۵۰۱ مرسلهٔ وی بهکشور اسپانیا رسید شاید درزمانی کمتر از یك قرن استعمال آن همهٔ اروپا را فراگرفت و بعدها روش استفادهٔ آن بهشکل سیگار چپق، قلیان و غیره رواج پیدا نمود. در سال ۱۵۶۰ سفیرفرانسهدر پرتقال مقداری از بذر تنباکو را از لیسبن (lissbon) جهت ملکهٔ خود **کاترین** بهارمغان فرستاد، چون فرستندهٔ ارمغان نامش ژان نیکوت بود بههمین جهت آنرا نکوتینا و شیرهٔ آنـرا نکوتین نامیدند این گیاه درمدت ۵ سال از فرانسه به آلمان و سپس بـه انگلستان و بعدها به هلند و بلژیك وسایر نقاط اروپا رسید و اوایل قرن هفدهم بههند و سرزمینهای شرقی و در زمان سلطنت شاه عباس کبیر بهایران رسید .

حالیهٔ تنباکو در زبان فارسی به توتونی گفته میشود کـه صرفاً بهمصرف قلیان میرسد و توتون باشیئی بهنام چپق مورد استعمال دارد که نوع فرنگی آن پیپ نامیده میشود و سیگارهم بهاشکال و صورمختلف که همه دیده ومیدانیم .

بعضی از محققین توباکو یا تاباکو را نام محلی در جزیرهٔ هائیتی میدانند ولی قدر مسلم آنست که بومیان این گیاه راپتون (peton) میگفتند.

توتون در زبان فارسی عبارت از تنباکوی سیگار و چپق است کلمهایست ترکی که آنرا تتن هم گفتهاند؛ این کلمه در تـرکی معنی دود را نشان میدهد سابق بر این در گیلان تـوتون را پاپیروس میگفتند که شاید از تلفظ روسی گرفته شده ولی پـاپیروس نام گیاهی است کـه مصریـان قدیم یك نوع کاغذی از آن میساختند . ولی سیگار ازکلمهٔ اسپانیایی سیگارو گرفته شده که اروپاییان آنـرا سیگارت میگویند ، در حالیکه سیگار بهمعنی سیگار بـرگ است و در واقع همان سیگاری است که بومیان آمریکا برگها را بهمپیچیده ودر غلاف لفافهٔذرت گذارده میکشیدند و در عـربی آنـرا جیگاره و در آذربایجان سابقاً چقالا میگفتند .

قلیان یاغلیان از عربی گرفته شده و جوشش را نشان میدهد و در سرزمین عجایب هند حقه و در سوریه نفس و در ترکیه وعراق نارگیله گفتهاند علت انتخاب این لغت آناست که محتویات داخل جوز هندی یا نارگیل را خالی کرده وازآن کوزهٔ قلیان میسازند . هنوز در گیلان و مازندران نـوعی کدو را کـه دارای دستهٔ بلندی است و به شکل صبوحی میماند ، حالی کرده و آنرا به کوزهٔ قلیان تبدیل میکنند ، سابقاً در دشتهای دور افتادهٔ مازندران وگیلان وقسمتی از آذربایجان مشاهده میشد بعضی ازمعتادین قلیان چون نمیتوانستندقلیان را باخود حمل نمایند درمحل کارخود بهوقت ضرورت درسطح زمین دوسوراخ کوچك بهفاصلهٔ ده سانتیمتر تعبیه واین دوسوراخ را اززیر باایجاد سوراخ ونقب بهم ارتباط داده دریك سوراخ مقداری خاك توتون ریخته وآتش میگذاشتند ودرسوراخ دیگریك نی توخالی بهشکل چوب سیگار بـهطور عمودی جای میدادند تاقدری از کف زمین بلندتر شودحتی برای تقلیدصدای قلیان مقداری آب در دهان ریخته وبرو میخوابیدندضمنمکیدن نیوکشیدن دود آبدهان را بهطریق مخصوص مثل قلیان بهصدا در میآوردند . عدهٔ دیگری نیز در دشت گرگان خصوصاً ترکمه خـاك توتون را بامقداری مواد دیگرآهك و غیره مخلوط نموده درقوطیهایی نظیرشاخ حیواناتجای میدادهودرشال کمرمینهادند درمواقع لازم یك کف از آن گرد مخلوط را بهکمك دست ویك حرکت ناگهانی به دهان منتقل وزیرزبان جای میدادنداین کار را ناس انداختن میگفتند وپس از چند دقیقه تفاله را باآب دهان خارج می کردند .

دریانوردان انکلیس بهسال ۱۶۱۵ توتون را بهکشورهای ترکیه و یونان و سوریه ومصر واردولـی استعمال آن از طرف دولتهای متبوعه مواجه با اشکال وموانع گردیدمحدودیت استعمال دخانیات واهمیت آن همینقدربس که سلطان مراد عثمانی پادشاه وقت ترك فرمان دادبینی مرتکبین بهاستعمال دخانیـات را سوراخ

نموده وبه‌انواع آزار و شکنجه متوسل می‌گشتند معهذا روز بروز بر وسعت کشت واستعمال آن افزوده گردید تاجایی‌که بمرزهای خاوردور چین و ژاپـن نیز سرایت نموده‌ودرزمان‌سلطنت شاه عباس کبیر اوایل قرن‌هفدهم میلادی تـوتون وسیلهٔ هندوان‌به‌ایران‌واردشد؛ ایرانیان باحرص و ولع زیـادی دراستعمال آن کوشیدندبا آنکه شاه‌عباس کبیردرمتروك ساختن این عادت نهایت سخت‌گیری را مرعی داشت و مانند شاه مراد عثمانی معتادین را به‌شکنجه‌های طاقت‌فرسا وا-می‌داشت یکی از بازرگانان توتون‌را با امتعه‌اش‌طعمهٔ‌حریق‌ساخت‌تاشایدازاین‌راه استعمال مواددخانیه متروك‌گردد چون منع‌آن میسر نگشت ناچاربه‌فکرعوارض ومالیات‌آن افتادند تا بدین‌وسیله‌علاوه برازدیاددرآمدخزانه افزایش نرخ‌مواد دخانیه سبب‌شود ازتعداد عاشقان دل ـ سوخته آن‌کاسته‌گردد هیچیك ازاین‌نقشه ـ ها به‌ثمرنرسید . داستان جالبی دراین باره به‌شاه‌عباس‌کبیر منسوب است می ـ گویندروزی‌برای اینکه درباریان معتاد خودرا بیازماید وقبح عمل استعمال را علناًخاطرنشان سازد درمحفلی‌که‌آراسته شده بود محرمانه‌فرمان‌دادبه‌جای‌تنباکو درحقهٔ قلیان پهن‌خشك اسب‌گذاردند و آتش‌نهند وبه‌دست حـاضرین بسپارنـد حاضران بی‌خبر از ماجرا بنا به‌عرف و عادت پس‌از استعمال هریك به‌نحوی از کیفیت‌توتون‌مورد استعمال‌خاصه‌مرحمتی شاه تعریف وتمجید نمودند دراین موقع شاه باخشم فراوان ضمن لعن و نفرین‌به مسببین توسعهٔ این‌گیاه اظهار داشت‌مادهٔ مورد علاقه و عشق شماکه‌حتی تمیز آن ازپهن اسب امکان پذیرنیست چه‌لطف و صفائی دارد ؟

رفته‌رفته‌کشت توتون درجنوب و مغرب ومرکزایران(توتون‌چپق‌وتنباکو) متداول‌شدواهمیت اقتصادی ملی‌یافت‌بذر توتون‌سیگارامروزی به‌سال۱۸۷۵ توسط شخصی‌به‌نام**دکتر استپان‌هاراطونیانس** که درگیلان به(حکیم‌فانوس) معروف است باتوصیه‌وتشویق محمودخان ناصرالملك همدانی فرمانفرما به ایران واردشدبذر این‌توتونها ترابوزان، سامسون‌بودکه‌از ترکیه‌وارد وبه‌روش روسیه وترکیه‌کشت آن معمول‌گردید وبعدازاویك‌نفریونانی بذر نوع سامسون را دربابل مازندران کشت‌کرد ابتداءکشت وخرید و فروش آن آزاد وبه‌طورنامنظم درایران عملی میشد . درعصر سلطنت ناصر الدین شاه قاجار امتیازخرید وفروش‌وساختن‌داخل وخارج کل توتون‌ایران‌به‌انحصارشخصی انگلیسی‌به‌نام**ماژورتالبوت**واگذارشدولی با عصیان‌مردم‌وشورش‌های موضعی‌روبرو گشته دامنهٔ اختلاف تا دربار ومتنفذین آن‌روزکشانیده‌شدچون‌تجارو وابستگان آنها از اعتراضات وهیاهو نتیجه‌به‌دست نیاوردندمتوسل به‌آیت‌الله شیرازی‌که از اعاظم مجتهدین شیعهٔ اثنی‌عشری بودنـد گشته تحریم‌مذهبی‌استعمال‌آن‌ازطرف‌آن مرحوم‌اعلام‌وتعصب‌شدیدعمومی درپیروی از فرمان مرجع تقلید پیمان مذکور را پس‌از کشمکش‌های‌طولانی کان‌لم‌یکن‌نمود ومجدداً بصورت تجارت آزاد درآمـد بدیهی‌است بااین‌ترتیب‌امتیازمذکورلغو وبنا به‌فرمان‌آیت‌الله که ازصدورفرمان ـ های اخیرالذکر منظوری جزحفظ منافع عامه نداشته استعمال وتجارت آن آزاد گردیدهرروزه به‌وسعت‌کشت وتجارت‌آن به‌خصوص درنواحی‌گیلان ، مازندران ، آذربایجان ، کردستان افزوده‌شد تجار درمناطق توتون خیز با احداث‌کارخانه ـ های‌کوچك توتون‌بری‌وسیگارسازی‌همت گماشته انواع‌واقسام سیگارهارا دربازار عرضه می‌کردند.

عدم‌آشنایی‌کامل‌کشاورزان به‌نحوهٔ کشت وبرداشت‌محصول توتون ومشکلات فقدان سرمایه‌گذاری درامر تولیداکثراً کشاورزان توتون را تهدید نموده بـه خصوص‌درموقع‌تحویل‌محصول‌تجاربه‌دلخواه خود بدون توجه به هزینهٔ تهیهٔ محصول به‌خریداقدام می‌نموده‌اند با پهن کردن بساط دلالی و شل و سفت‌کردن نرخ و تشبث به نیرنگ‌هـای مختلـف محصول دهقانان را می‌خریدند وخریداران بـا احتکاروسایرفنون‌منافع‌بی‌شماری‌می‌بردند دراین‌موقع‌که آفتاب دودمان بلند همت پهلوی آسمان تیره وتار ایران‌کهن را منور ساخته بود وضع نامطلوب کشت توتون‌موردتوجه قائد توانا وبنیان‌گزار ایران‌نوین شاهنشاه عظیم‌الشأن رضاشاه کبیرقـرارگرفت فقید سعید کـه وارث اوضاع‌آشفته و نابسامان‌گذشته بودنددر هرگوشهٔ ازمملکت خرابی‌های صد ساله انباشته بود بادست توانا واندیشهٔ بلند مشغول اصلاحات و آبادانـی بودند در نتیجه روزپنجم مهرمـاه **۱۳۱۶** شمسی مؤسسهٔ‌بزرگ‌تولیدی‌کشور یعنی‌دخانیات ایران‌را افتتاح وفرمان بهره‌برداری‌را صادر فرمودند تهیه‌وتولید وپخش‌توتون ومشتقاتش کلا به‌انحصار دخانیات‌ایران محول‌گردید این‌چرخ عظیم اقتصادی از آن‌روز بگردش در آمده وهرروز نسبت به روزگذشته منظم‌تر و کامل‌تر انجـام وظیفه‌مینماید دخانیات ایـران بـه امر شاهنشاه فقید مطلعین وکارشناسانـی از نقاط توتون خیزدنیاکه نسبت به ایران ازنظرزراعت توتون‌قدمت بیشتری‌داشته مثل کشور یونان با تنظیم قـراردادی احضاروشالودهٔ‌کشت‌وبرداشت‌ونگهداری را براساس تازه‌تری بنیان نهادند طولی نکشید علاوه براینکه دخانیات ایـران توانست‌باتهیهٔ سیگارهای متنوع‌ومطلوب حتی‌برای‌جلب‌سلیقهٔ‌مشکل‌پسندان‌اقدامات مؤثر ومفیدی معمول دارد برای رفـاه کشاورزان توتون از هیچ سعی و کوششی مضایقه‌ننمود،پرداخت وامهای بدون‌ربح درسراسر فصل‌کشت، وامهـای‌بدون‌بهره برای احداث‌اماکن‌توتون انبار، تلمبار، گرمخانه به‌طورطویل‌المدة‌کمك به‌مکانیزه نمودن‌کشاورزی از راه پـرداخت وام تراکتوروام حفرچاه‌احداث‌قنات وخرید پمپ‌آب تهیه سم وسمپاشی‌جهت‌دفع‌آفات اغلب برنصف‌قیمت‌خریدتوتون‌بادرجات معقول‌وبهای عادلانهٔ دنیاپسند وپرداخت مازاد بهاء بدون هیچگونه وقفه اعـزام مأمورین‌مطلع‌وکارشناسان‌ومهندسین‌بصیر به‌مزارع برای ارشاد و بهبود وضع‌آنان وصدها اقدامات مفید دیگر .

دخانیات ایران توانست بـاایجاد مزرعهٔ نمونه و آزمایشگاههای علمی و عملی‌در تیرتاش‌مازندران واحمدگوراب گیلان«دونقطهٔ پراهمیت‌توتون‌خیز»مثل سایرملل‌راقیه آخرین اطلاعات‌رابه‌طور عملی درمزارع نمونهٔ تجربـه ودر تهیهٔ بذرسالم‌واصیل همت‌گمارد مزرعهٔ سومی برای‌رضاییه دردست اقدام است .

مزرعهٔ آزمایش تیرتاش علاوه بر وظایف فوق‌از بدو تأسیس تاکنون هردو سال یك‌نوبت ۳۰نفر ازجوانـان مستعد شهرستانهای خصوصاً توتون‌خیز که‌لااقل دارای‌گواهینامهٔ سیکل‌اول متوسط‌باشند به‌عنوان‌کارآموزشبانه‌روزی‌به‌خدمت‌گرفته ودرمدت دو سال که مقارن با کشت و برداشت ۲ بارمحصول است‌کارآموزان‌را

به‌تمام‌فنون تخصصی کشت و نگاهداری و دفع آفت آشنا ساخته بعد ازپایان دورهٔ دوساله پس‌ازآزمایشهای لازم به وسیلهٔ مؤسسهٔ کل انحصاردخانیات‌ایران باصدور حکم فارغ‌التحصیلان را به‌نقاطی که‌مورد نیاز است به‌نام‌کمك‌کارشناس یاکارشناس توتون‌اعزام‌می‌نمایندا‌ین‌طبقه‌ازمأمورین از فعالترین وزحمت‌کش‌ترین‌مأمورین دخانیات‌هستند درقراء ومزارع وصحرا برای‌ارشاد و راهنمایی‌کامل توتون‌کاران وکنترل عملیات آنان مشغول‌انجام‌وظیفه اند توتون ایران توانسته درنمایشگاه‌-های بین‌المللی جایی‌برای خودبازنموده وموفق‌به‌اخذ مدال طلا گردد.اینك علاوه برتأمین‌قسمت‌مهمی‌ازبودجهٔ‌کشوردخانیات درتأمین‌زندگی یك‌ملیون نفر توتونکار وکارمند وعامل فروش‌وکارگروخانوادهٔ آنهانقش بسیاربزرگی‌را ایفاءمی‌نماید .

غرفهٔ مؤسسهٔ دخانیات ایران در نمایشگاههای کالای‌ایران‌درآبان۱۳۴۴ که‌به‌طرز باشکوهی از ابتدای‌کشت تا تهیهٔ سیگار آراسته شده بود که مورد بازدید شاهنشاه آریامهر قرار‌گرفت و بی‌نهایت موردتوجه ایشان واقع گردید مطبوعات‌معتقدندکه غرفهٔ‌دخانیات پس‌از شرکت‌نفت جالبترین‌غرفهٔ موجودشناخته شددخانیات‌ایران‌توانسته‌راندمان‌محصول را چه ازنظر کمیت وچه‌کیفیت در سطح واحد به‌میزان قابل‌توجهی افزایش دهد ومصمم است آنی ازاین پیشرفت فرو نگذارد برای تهیه و تکمیل کادر فنی علاوه برآموزشگاه تیرتاش هروقت به حکم ضرورت کلاسهای دیگری برای دفع آفات وعمل ارزیابی توتون دایر و به‌وسیلهٔ معلمین‌کار آزموده وبا تجربه مأمورین را ارشاد وارائه طریق‌مینماید زیرا یکی ازعوامل بسیارحساس ودقیق امور دخانیاتی ارزیابی آن است،صحت این‌ادعاموقعی‌به ثبوت می‌رسدکه بدانیم برای رنگ و شکل و کیفیت توتون درجاتی تعیین‌ومقررشده‌که به‌طوراختصار دردوازده درجه تقسیم‌بندی شده وبرای مثال یك‌کیلو توتون درجه‌یك‌نوع باسما ۹۲ریال و یك‌کیلو توتون پست‌ترین درجه‌همان نوع‌خورده‌برگ ۲ریال‌ارزش دارد این‌اختلاف بهاء خود بهترین‌دلیل اهمیت ارزیابی است ونشان می‌دهدکه ارزیابهای تعلیم یافته و مجرب مؤسسهٔ انحصار دخانیات‌ایران باچه دقت وبی‌-طرفی ورعایت حق وعدالت انجام‌وظیفه نموده ودرتعیین‌درجه و بها یا درحقیقت تعیین سرنوشت مادی دسترنج هزار ها توتونکار وخانواده درسال درکمال‌قناعت طبع وتسلط به فن اقدام می‌نماید .

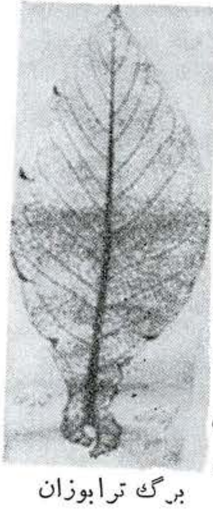
کشت وبرداشت ونگهداری توتون

برخلاف تمام‌زراعت‌های‌متداول‌که هر-یك به‌نوبت درسال محصولی بیش ازچند مرحله تغییر ماهیت نمیدهند مراحلهٔ عدیدهٔ بی‌شماری داردکه هرمرحله‌برای بیننده کاملا تازگی دارد اینك اجمالی در مورد دورنمای‌کشت و برداشت و نگهداری‌به‌طور موجز واختصار :

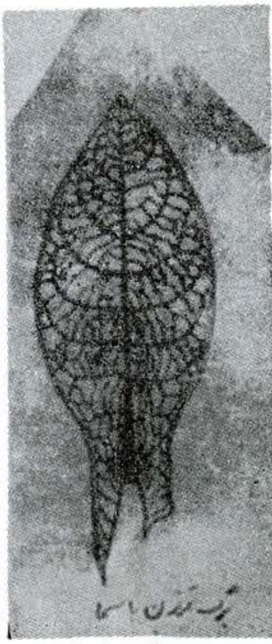
۱ ــ تهیهٔ بذر اصیل ونژادخالص.

از بدو تأسیس مزارع نمونه کوشش فراوانی در امور تهیهٔ بذر مرغوب به‌کار برده شده و چون توتونکاران محلی ، هنوز نتوانسته‌اندبا وسایل علمی وفنی به تهیهٔ بذر اقدام نمایند انجام این امرمهم‌به‌عهدهٔ‌مزارع نمونه محول‌شده و بذر خالص ومرغوب با بسته بندیهای‌صحیح درفصل معین‌به‌طور رایگان‌بین‌توتونکاران توزیع‌میگردد.سابق براین‌درتمام نواحی‌گیلان و مازندران وآذربایجان انواع توتون شرقی‌ترابوزان باسما ، تیکلاك ، سامسون . وغیره‌کشت می‌شده ولی باورودآفت بزرگ پرونسپورا (سفیدك ــ دروغی) به ایران‌وحملهٔ شدید آن‌به مزارع نوع مذکورقدرت مقاومت‌نداشته وتوتونکاران ومؤسسه‌دچار خسران‌زیادی شدند تاجایی که از ادامهٔ کشت‌وفعالیت متوحش‌گشته ولی مؤسسهٔ دخانیات ایران‌برای جلوگیری ازاین‌ضایعه بیکارننشست وباتهیهٔ بذر مقاوم‌تنها ازنوع‌ویرژینیا (توتون‌غربی) واخیراً یك نوع ترابوزان هم که مقاوم تهیه شده موردآزمایش است،تاحدزیادی ازنگرانیها کاست فعلادرگیلان اکثریت قریب به‌اتفاق از کشت ویرژینیای‌مقاوم استفاده نموده وراندمان محصول‌به طرز بی‌سابقه بالارفته وکاملارضایت‌بخش‌است که‌حتی مورد توجه واقع‌شده است.

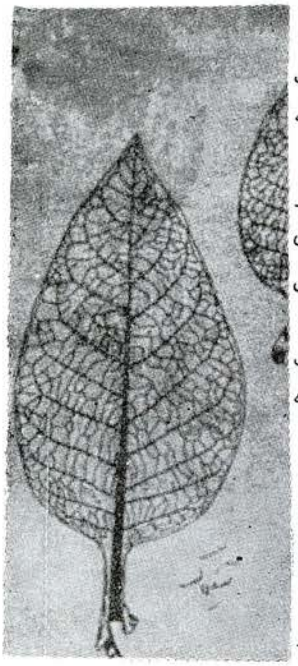
۲ــ تهیه خزانه نشاء ، بذرافشانی، از اواسط اسفند تااوایل فروردین‌برای هرهکتار کشت زمین اصلی از انواع



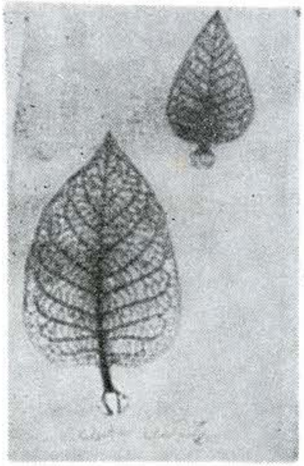
برگ ترابوزان



برگ باسما



برگ تیکلاك



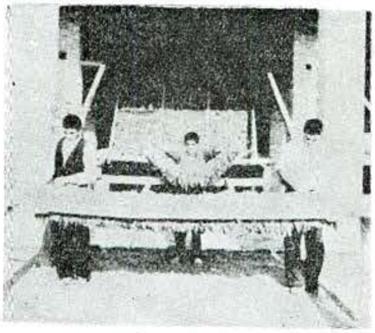
برگ سامسون

غربی چهل تا پنجاه مترمربع وجهت انواع شرقی یکصد تا یکصد و بیست مترمربع خزانهٔ نشاء مورد احتیاج است.خزانه‌ها بادقت کافی و مراقبت شدید نگهداری شده و حتی در مواقع سرما و بارانی با پوشش نایلونی محفوظ میمانند و پس از سبزشدن هرهفته دوبار به‌اسم زنیب که‌در پیشگیری آفت سفیدك دروغی مؤثراست سمپاشی میگردد،دخانیات ایران نیز از نظر احتیاط در مناطق به‌خصوصی کـه کشتکاران‌زیادی دارد باکارشناسان تحت اختیار مزارع نشای احداث ودر صورت کمبود نشاء بـا بهاء عادله در اختیار توتونکاران واجدشرایط میگذارد.

۳ـ شخم و آماده کردن زمین:معمولا یك‌بار قبل از فرارسیدن سرمـا اراضی شخم و بار دوم در اواخر اسفند عملی میگردد با نزدیك‌شدن فصل نشاء بارسوم دیسك زده و کلوخه‌ها را نرم مینمایند سابق‌براین‌کارهای مذکور بادست و بیل انجام میشد ولی مدتهاست عملیات شخم و دیسك را به وسیلهٔ تراکتور انجام میدهند .

۴ـ نشاءکاری : فصل نشاءکاری در نقاط مختلف مملکت ایران باتوجـه به اوضاع‌واحوال‌جوی‌متفاوت‌است درگیلان ومازندران‌زودتر ولی‌درمناطق‌آذربایجان و کردستان که آب و هوای‌بهاری‌دیرتر آغاز می‌شود دیـرتـر انجام می‌پذیرد بدیهیست کار بذرپاشی‌وتهیهٔ خزانهٔ‌نشاء هم درآن‌مناطق‌تابع‌این‌شق‌است،ولی‌درگیلان معمولا اواسط اردی‌بهشت مـاه حداکثر خـرداد شروع و خـاتمه میدهند کشت توتون چون‌برخلاف اکثر زراعتهاردیف کاری است.بنابراین با ایجاد خیابانهای منظم و خطوط مستقیم بافواصل خاصی که در مورد انواع توتون شرقی و غربی متغیر بادست نشاء می‌شود.

۵ـ وجین‌ها و خاکدادن : عملیات وجین‌ها و خـاکدادن پس از خاتمهٔ نشاء برحسب ضرورت از سه‌تا ۵ بار هم‌ممکن است‌به‌وسیلهٔ کارگر دهقانی باآلاتی‌به‌نام **بلوك** درگیلان **وهوکا** در مازندران (به فارسی تیشه میگویند) انجام میگردد .



بستن نخهای توتون به‌واگن

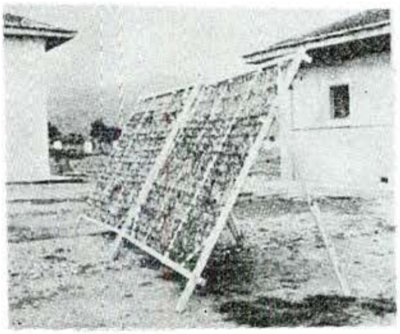
۶ـ برگ‌چیدن وخشکانیدن‌توتون سیگار : اوایل‌تابستان آغاز جمع‌آوری برگهای توتون است کارگران با دقت و حوصلهٔ خاصی از پایین بوته که ارتفاع آنها بین یك و۶ر۱ متر است شروع به بهره‌برداری‌مینمایند.درپای‌هربوته‌معمولی از ابتداء جمع‌آوری تاخاتمهٔ فصل‌لااقل ۶ نوبت‌به‌تفاوت حاضرمی‌شوند تابتوانند چین‌های مختلف برگ را که به ترتیب از پایین به بالا **پابرگ، پشت پابرگ ، کمر برگ‌اول، کمر برگ‌دوم ، زیر لچه برگ، لچه‌برگ** نامیده می‌شوند بچینند وهرچین محتوی ۳ تا ۴ برگ است که به‌اقتضای‌رسیدن‌برگ‌که دهقانان‌ورزیده از مشخصات‌آن مطلعند.برگ‌ترچیده‌شده را در محلی بـه نام تلمبار متمرکز در آنجاکارگران برگ‌تـر را بـا سوزنهای مخصوص ۳۰ یا ۳۵ سانتیمتری کـه در دمبرگ فرو می‌کنند به نخ می‌کشند . (نخ قندکنفی) .

سپس هرده یاپانزده نخ را در یك واگن چوبی که از چهار چوبی تشکیل شده می‌بندند و بعد واگنهای آماده را در ساختمانی که به‌نام گرمخانه به‌ابعاد معین و مشخصی‌به نسبت کشت طبق نقشهٔ دخانیات‌احداث شده به طبقات مختلف



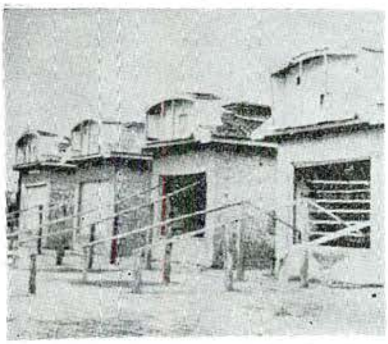
سوزن زدن ونخ‌کشی

ریل نصب شده جـای میدهند . آنگاه باترتیب مخصوصی که احتیاج به مهارت فراوانی دارد شروع به‌عمل خشك‌کردن توتون مینمایند. حرارت داخل‌گرمخانه از درجه ۲۸سانتی‌گراد شروع‌وبه‌تدریج درمدت سه‌الی‌چهار روز بستگی به‌انواع برگ وچین‌های مختلف دارد به ۷۵الی ۸۰ میرسد بازکردن دریچه‌ها وبستن‌آن نیز مبحث مفصلی دارد کـه در کیفیت خشك نمودن فوق‌العاده مؤثر است .



خشکانیدن توتون در آفتاب

پایان جمع‌آوری توتون از مزرعه بلافاصله بوته‌های فاقدازبرگ‌رادهقانان از ریشه درآورده و بـه خـارج منتقل می‌کنند زیـرا هم مانع از آن می‌شوند که بی‌جهت مواد غذایی زمین نصیب ساقه های بیمصرف گردد و نیز تمرکز بوته‌ها در زمین اصلی پناهگاه حشرات موذی و آفات نباتی خواهدبود .



خشکانیدن توتون در گرمخانه

۷ـ دسته‌بندی و عدلبندی برگهای توتون سیگار : ابتداء فصل پاییز زمان دسته بندی توتون است کارگران دهقانی خصوصاً زنها در انبار تمرکز یـا منازل شخصی روزها برگ خشك‌شده را از نخ مجدداً خارج ساخته تمام برگها را روی زمین یا پا صاف نموده البته برحسب

رنگ و چین و اندازه بین ۷ تا ده طبقه جور مینمایند و هر رنگ وجور نیز باید دریك عدل که بوسیلهٔ صندوقهایی مخصوص بسته می‌شود چیده گردد بطوریکه وزن عدلها از ۲۵ کیلو کمتر و از ۳۵ کیلو تجاوز ننماید لفاف این عدلهارا که گونی تشکیل میدهد ، دخانیات برایگان در اختیار مردم میگذارد .

پس از عدلبندی توتونکاران عدلهای آماده را با اخذ پروانه از دخانیات بمراکز خریدیکه قبلا مؤسسهٔ دخانیات آماده نموده حمل و بـه مصرف فروش میرسانند کـرایـهٔ حمل را نیز مؤسسهٔ دخانیات باتوجه بـه مسافت مزرعهٔ محل خرید مـی‌پردازد . در اینجا وظایـف توتونکاران در بارهٔ کشت و برداشت و تحویل خاتمه‌یافته است .

۸ ــ تقویت اراضی با کودشیمیایی، ازچندسال باینطرف باراهنمایی مأمورین فنی، توتونکاران توجه وعلاقهٔ خاصی به تقویت زمین پیدا نموده زیرا دانسته‌اند که در دنیای امروز باید ازسطح واحد بهره‌برداری بیشتری نمایند خصوصاً ابتکار مؤسسهٔ دخانیات ایران درتوزیع و تقسیم کودشیمیایی رایگان برای یك سال، افکار عمومی کشاورزان را به این نکتهٔ اساسی معطوف ساخت واکنون عده‌زیادی درتهیهٔ کود وتقویت زمین‌های زیر کشت اقدام می‌نمایند .

۹ ــ دفع آفات و امراض نباتی : روش دفع آفات وامراض نباتی با ترتیب مخصوص که دربین توتونکاران رایج است احتمالا هنوز درسایر زراعتها تااین‌پایه پی‌گیرو اساسی‌معمول نگردید زیرامؤسسهٔ دخانیات ایران باتوزیع وفروش سمپاش‌های کوله پشتی با تقسیط ۷ ساله و در اختیار گذاشتن سموم مختلف به‌قیمت‌های بسیار مناسب وارشادوراهنمایی کارشناسان ازبدو تهیهٔ خزانه نشاء تا آخرین روز برداشت محصول که دهها نوع آفت وامراض بزارع حمله می‌کند با کمال سهولت دفع می‌نمایند درواقع یکی ازارکان اساسی کشت محسوب می‌شود .

۱۰ ــ نگهداری توتون درانبار : نگهداری توتون و تخمیر آن که یکی از مراحل مهم این محصول می‌باشد به‌عهدهٔ مؤسسهٔ انحصار دخانیات ایران است زیرا توتون قبل ازدوران تخمیر دارای خصوصیات ذایقه‌پسند نیست لذا دخانیات ایران در نقاط مختلف توتون خیز و همچنین در مرکز انبارهای بسیاروسیع احداث نموده توتونهای خریداری شده به‌این انبارها منتقل‌وزیر نظر کار شناسان بصیر و کارگران نگهداری می‌شود تا پس‌ازتخمیر کامل که کمتر ازمدت دوسال انجام پذیرنیست برای تبدیل به سیگار آماده گردد .

اخیراً موسسهٔ دخانیات درصددبرآمد توتونهای نوع غربی راکه نگهداری وتخمیر آن‌مشکل است باوسایل علمی‌در مدت‌بسیار کوتاه تخمیر نماید .

۱۱ ــ فرآورده‌های مؤسسهٔ دخانیات ایران .

اشنو کاغذی ۱۰ عددی ، اشنو ویژه ۱۰ عددی. اشنو ویژه ۲۰ عددی، جیگاره، گرگان گرد، گرگان بیضی ، همای‌نمره ۳ ، همای بامشتوك ، همای ته‌طلایی ، مهرگان ، خیام،زر، آپادانا، فروردین، ایران ، زبده ، شکوفه ، ستاره ،فیروزه، ری، گلبرگ، تاج‌وانواع‌توتون‌چپق‌ونیم‌کوب و انواع تنباکو وتوتون‌پیپ .

۱۲ ــ مراکز کشت توتون چپق و تنباکو .

کردستان ، همدان، کرمانشاهان، وخراسان ومشهد .

۱۳ ــ مراکز کشت توتون .

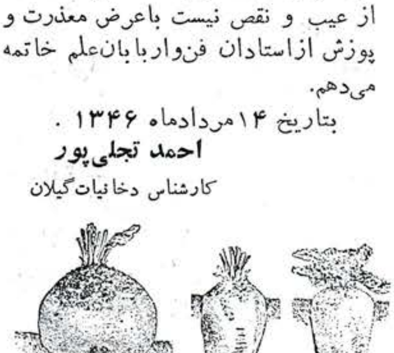
گیلان ، مازندران ، آذربایجان‌غربی وشرقی .

درپـایان به‌یادداشت‌های خود در موردتوتون و گسترش آن که بی‌شك‌عاری از عیب و نقص نیست باعرض معذرت و پوزش ازاستادان فن‌وارباب‌علم خاتمه می‌دهم .

بتاریخ ۱۴ مردادماه ۱۳۴۶ .

احمد تجلی‌پور

کارشناس دخانیات‌گیلان



چغندر

چغندر Beta vulgaris. L.

گیاهی علفی ، دو ساله‌که منشأ آن به‌نواحی‌جنوب اروپا مربوط است .ریشهٔ متورم آن اندوخته های فـراوان‌قندی دارد .

این گیاه در سـال‌اول ریشه‌اش را اندوخته کرده‌وسال‌دوم که گل‌ومیوه‌میدهد از ذخایر ریشه استفاده می‌کند .

آفات چغندر .

۱ ــ حشره‌ای قاب‌بال ،که مبارزه باآن‌کاشتن نوع‌زود رس است .

۲ ــ نوزاد سوسك طلایی ، آفت ریشهٔ چغندر است .

۳ ــ پروانه‌ها ، مخلوط کادکبود و شیرآهك برای‌حشره‌است .

۴ ــ شته‌ها ، برای‌مبارزه با ایـن آفت‌ازمحلول سولفات دوکینین استفاده می‌شود .

کشت‌چغندر .

زمین‌های مناسب کشت، درچغندرکاری ، زمینهای سبك‌ونرم وپرقوه‌است، وبرای‌هرهکتار آن‌بطور متوسط ۴۰ تن کود لازم است . دربهترین زمین نباید بیش‌۱۰ تا ۱۲ بوته درمترمربع‌نگهداشت اگر به مسئلهٔ آبیاری و تنك‌کردن ، وجین‌توجه شودکشت چغندر ضررخواهد کرد .

برای تهیهٔ بذر خوب‌باید دقت‌کرد ازبهترین‌نمونه‌ها انتخاب شود وسال اول برگهای‌آنرا برید بطوریکه‌جوانه سالم بماند .

سال‌بعد باتوجه‌بیشتری از بوته‌ها و حذف ساقه‌های اضافی‌گل ودانه دور از ریشه ، دانه‌های‌نزدیك‌به ریشه راتقویت نمود وقتی ساقـه‌کاملا خشکید آنها را بریده ومیکوبند تادانه جداشود .

بعداً زمین مورد لزوم را شخم‌کاری کرده ، سپس به‌تنـاسب آب و هوا در اوایل اسفند یا اواخر فروردین بذرافشانی‌میکنند .

باید بذرهارا روی‌خطهای موازی‌با فاصلهٔ‌کافی‌از یکدیگردرعمق‌۳ سانتیمتری نشانید .

برداشت محصول .

ریشهٔ چغندر را معمولا از اواخر شهریور تا اواسط آبان از زمین بیرون می‌آورند وبلافاصله بـه‌کارخانه منتقل می‌کنند .

موارد استفادهٔ‌چغندر .

چغندر انواع مختلف داردکه بـه عنوان غذای انسان(لبو)یاعلوفه(مصرف

چهارپایان) یا استفاده ازقندکشت می‌دهند .

چغندرقند ، بین ۱ تا ۱۸ در صد قند (ساکارز)دارد . که‌ازآن قندو شکر معمولی‌را به‌دست‌می‌آورند .

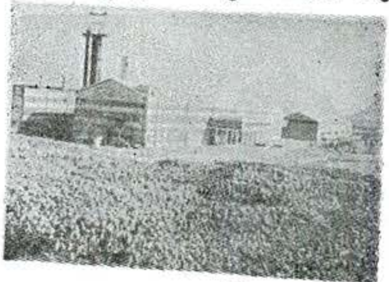
محصول‌چغندر درایران .

محصول چغندر درایران روز‌به‌روز درحال‌افزایش‌است‌و‌به‌طورمتوسط میزان آن تا۲ ملیون تن رسیده است .

مراکزکشت چغندر .

مهمترین‌مراکزکشت‌چغندرعبارتند از :

خراسان ، فارس ، آذربـایجان ، تهران ، اراك ، کرما نشاه و کرمان.

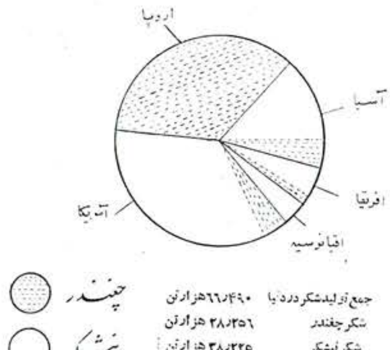


شکر

اگر قبول کنیم‌که غذای بشراولیه میوه‌های جنگل بوده است ، ذایقهٔ بشر ازآغازخلقت به‌شیرینی عادت داشته و حتی‌هنگامی که به‌کشت وزرع پرداخته و آذوقهٔ خودرا با محصولات‌کشاورزی و گوشت شکار تأمین میکرده است . هـر چیزکه طعم‌شیرین داشته ، مورد علاقـهٔ خاص اوبوده است .

این‌علاقه درطی صدها هزارسال به صورت غریزه‌درآمده که‌گویاترین مظاهر آن‌علاقهٔ‌وافر کودکان به‌خوراك‌های‌شیرین مزه است . اولین غذایی‌که‌کودك از آن لذت می‌برد و با ولع می‌خورد ، شیرینی است . شدت علاقهٔ انسان به‌شکر تا آن درجه است‌که ازآن‌یك تعبیر تجریدشده ساخته ودر اکثر زبانهای جهان و شاید همهٔ‌آنها ، شیرینی باکمال‌مطلوب‌وزیبایی مترادف است ، حتی اگـر زندگی نیز شیرین‌نباشد ، بی‌ارزش است !

همین علاقهٔ بی‌حد و حصر بشر را وادارکرد به‌جستجوی شیرینی‌های تـازه بپردازد . زمانی‌کندوهارا تاراج‌کرد ، هرگیاهی‌راچشید تا به‌نیشکر رسید ودر آن مطلوب خودرا یافت و ایـن‌کوشش برای یافتن‌قند وشیرینی همچنان ادامـه داشت تا بالاخره درقرن شانزدهم برای اولین‌بار مطلوب خودرا در چغندر نیز کشف‌کرد .



تولید شکر درسال ۶۷-۱۹۶۶ دردنیا

اما اولین‌کسی‌که‌موفق به‌گرفتن‌قند ازچغندرشد یك‌شیمی‌دان آلمانی به نام **مارك‌گراف** بود. شکری که مارك‌گراف ازچغندر به‌دست‌آوردشباهت‌زیادی‌به‌قند نیشکـر داشت . ولـی چـون وسایـل تهیهٔ شکر چغندر در مرحلهٔ‌ابتدایی‌بود، نزدیك بـه پنجاه سال طول‌کشید تا یك شیمیدان‌فرانسوی به‌نام**اشار**که‌درآلمان می‌زیست ، توانست‌شکرسفید بلوری ،یا اصطلاح فنی«کریستال» بسازد .

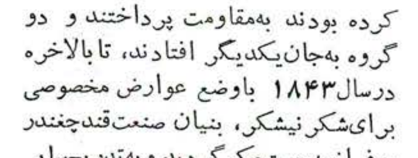
خوشبختی «اشار» دراین‌بودکه در زمان سلطنت **فردریك کبیر** ، پـادشاه **پروس** زندگی میکرد .

فردریك‌کبیر گذشته‌ازاینکه‌پادشاهی بزرگ و بنیان‌گذار امپراطوری پروس بود . فرانسه‌وفرانسویان‌را دوست‌داشت موفقیت «اشار» مورد توجه خاص‌اوقرار گرفت و دستور داد‌کلیهٔ‌کمـکهای لازم برای تأسیس کارخانهٔ قندشکر چغندر به کاشف فرانسوی بشود . در واقـع اولین کارخانهٔ‌قندچغندردرجهان‌به‌دستورفردریك‌بزرگ درشهر «**شلزین**» تأسیس گردید و پس‌ازآن یك‌کارخانهٔ دیگر نیزآماده به کارشد .

باتأسیس اولین‌کارخانهٔ قند چغندر مبارزات‌بین‌تجارنیشکروچغندرآغازگردید وبازرگانان شکر ، مانندکارتلهای نفتی امروزی، جنگ‌اقتصادی راشروع‌کردند اولین اقدام آنها تطمیع «اشار» بود . لیکن او از قبول ثروت هنگفتی‌که‌به‌او پیشنهاد شده‌بود ، امتناع ورزید وآنها ناچار به‌تبلیغات دامنه‌داری برضد شکر چغندر دست زدند و حتی دست‌به‌دامان کلیسا شدند که مصرف شکر چغندر را تحریم‌کند . لیکن‌چون ازاین اقدامات نتیجه‌ای حاصل‌نشد ، مقدار زیادی‌شکر نیشکربه‌قیمت ارزان‌به بازارهای اروپا واردکردند ، اما در همین‌زمان ناپلئون بناپارت انگلستان را درحلقهٔ محاصرهٔ اقتصادی قرار داده بود وانگلستان‌نیز درمقام معارضه به‌مثل ازورودشکر بـه فرانسه جلوگیری نمودواین تصادف‌باعث رونق‌کارخانه‌های قندچغندرگردید .

درآن‌زمان فرانسه‌هرسال۲۵۰۰۰ تن‌شکر واردمیکرد و برای تأمین این مقدار چاره‌ای جز تأسیس کارخانه‌های متعدد نبود . به‌فرمان ناپلئون اعتباری به‌مبلغ‌یك ملیون فرانك برای مطالعات وتحقیقات به‌منظور افزایش تولید شکر چغندر اختصاص داده‌شد ودرعین حال تولید داخلی ازپرداخت هرگونه‌عوارض ومالیات معاف‌گردید، بالنتیجه‌سرمایه‌ها در جهت توسعهٔ صنعت قند به‌کارافتـاد و درظرف یکسال ۴۰ کارخانهٔ قنددرفرانسه تأسیس‌شد و به‌فاصلهٔ‌کوتاهی ایـن‌رقم ده برابر شد و ظرفیت این کارخانه‌ها بـه ۵۰۰۰۰ تن شکر درسال میرسید .

باشکست‌ناپلئون بازرگانان شکر نیشکر مجدداً به‌قدرت رسیدند و بـازار اروپا را از شکرهای مستعمراتی اشباع نمودند لیکن این‌زمان سرمایه‌دارانی‌که درکارخانه‌های قندچغندر سرمایه‌گذاری کرده بودند به‌مقاومت پرداختند و دو گروه به‌جان‌یکدیگر افتادند، تابالاخره درسال۱۸۴۳ باوضع عوارض مخصوصی برای‌شکر نیشکر، بنیان صنعت‌قندچغندر درفرانسه مستحکم‌گردید و به‌تدریج‌سایر کشورهای اروپا نیز اقدام‌به‌کشت‌چغندر و تأسیس کارخانه‌های قند چغندر نمودند



تولیدچغندر در سال۱۳۴۵

تحول صنعت‌قند درایران بی‌شباهت به‌تاریخ این‌صنعت‌در فرانسه‌نیست .

هفتاد و سه سال پیش اولین کارخانهٔ قند ایران با ظرفیت روزانه ۸۰ تن چغندر در کهریزك تأسیس گردید و بازرگانان بین‌المللی شکر بااستفاده ازهمان روش‌هایی که دراوایل قرن نوزدهم دراروپا به کار برده بودند به مبارزه برخاستند و برای تحریم شکرچغندر بـه روحانیون متوسل شدند ودراین کار نیزموفق گردیدند بدین ترتیب کارخانهٔ قندکهریزك پس از سه سال بهره‌برداری تعطیل شد.

سی سال بعد از تعطیل کارخـانهٔ قند کهریزك، صنعت قندایران بادست توانای رضاشاه کبیر، بنیان گذار ایران نوین، همزمان با اصلاحات اساسی کشور پایه‌گذاری گردید وازسال ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۷ جمعاً هفت کارخانهٔ دولتی درنقاط مختلف کشور نصب شدو تولیدسالانهٔ این کارخانه‌ها به‌تدریج افزایش‌یافت تا درسال ۱۳۱۹ جمعاً به ۵۰/۰۰۰ تن شکر بالغ گردید.

وقایع ناگوارجهانی باعث شد کـه جنبش صنعتی ایران در مرحلهٔ ابتدایی دچاررکودشود. ازسال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۶ هیچ نوع پیشرفتی دراین زمینه حاصل نشد وپس ازآن تاسال ۱۳۳۵ پنج کارخانـهٔ جدید دولتی تأسیس گردید که جمعاً در سال ۸۰/۰۰۰ تن شکر تولید می‌نمود.

در سال ۱۳۳۵ شاهنشاه آریامهر هنگام افتتاح کارخانهٔ قند **چناران** «آخرین کارخانهٔ قند چغندر دولتی» لزوم فعالیت بخش خصوصـی را در صنعت قند تأکید فرمودند و فرمایشات ملوکانه به‌سرمایه‌داران امکان داد تا دراین صنعت حیاتی که تا آن‌زمان در انحصار دولت بـود، فعالیت نمایند.

امروز، پس ازیازده سال، اهمیت فرمایشات شهریار دیراندیش و خردمند ایران کاملا مشهودگردیده است و بخش خصوصی با تأسیس ۱۴ کارخانهٔ قند بـا ظرفیت ۱۴۰۰۰ تن چغندر درروز نزدیك به ۲۰۰ هزارتن یعنی بیش از یك سوم شکرمصرفی کشور را تأمین می‌نماید و با توسعه‌ها و نصب کارخانه‌های جدیدی کـه مقدمات آنها فراهم شده است، تا سال ۱۳۴۹ این رقم دوبرابر خواهدشد که با محصول کارخانه‌های دولتی، شکرمصرفی کشور تأمین خواهدگردید.

با افزایش روزافزون جمعیت ومسلم شدن خواص وارزش غذایی قند، امروز شکر به‌صورت یکی از مواد غذایی درجهٔ اول درآمده است وکلیهٔ کشورهای جهان به‌نسبت موقعیتی که ازنظر تولید ومصرف دارند، ازسیاست مخصوصی پیروی‌می‌کنند. لیکن اهمیت صنعت قند تنها از این‌جهت نیست که یکی از حیاتی‌ترین موادغذایی بشررا تولیدمیکند، بلکه‌از این‌نظر که در رونق کشاورزی و اقتصاد کشورها نقش مؤثری را اجرا می‌کند، همواره ازتوجه وحمایت مخصوص‌دولتها برخوردار می‌باشد.



کارخانه‌های قند ایران

کارخانه‌های خصوصی

نام‌کارخانه	تاریخ تأسیس	ظرفیت روزانه
۱ کارخانهٔ تصفیهٔ شکر اهواز	۱۳۳۶	۲۰۰ تن شکرخام در روز
۲ « « قند فریمان	۱۳۳۶	۱۲۰۰–۴۰۰۰ تن چغندر در روز
۳ « « شیروان	۱۳۳۷	۱۰۰۰ – ۱۵۰۰ «
۴ « « کوار	۱۳۳۸	۱۰۰۰–۱۵۰۰ «
۵ « « بیرجند	۱۳۳۸	۵۰۰–۷۵۰ «
۶ « « همدان	۱۳۳۹	۱۰۰۰ «
۷ « « شاهرود	۱۳۴۰	۷۵۰ «
۸ « « کرمانشاه	۱۳۴۱	۱۰۰۰–۱۵۰۰ «
۹ « « اصفهان	۱۳۴۱	۱۵۰۰–۴۰۰۰ «

نام‌کارخانه				تاریخ تأسیس	ظرفیت روزانه	
۱۰	«	«	شیرین	۱۳۴۵	۲۵۰۰ـ۴۰۰۰	«
۱۱	«	«	قزوین	۱۳۴۵	۱۰۰۰ـ۲۰۰۰	«
۱۲	«	«	ممسنی	۱۳۴۵	۱۰۰۰	«
۱۳	«	«	نیشابور	۱۳۴۵	۱۰۰۰	«
۱۴	«	«	یاسوج	۱۳۴۵	۱۰۰۰	«

کارخانه‌های دولتی

نام‌کارخانه	تاریخ‌تأسیس	ظرفیت روزانه
۱ کارخانهٔ‌قندکرج	۱۳۰۱	۱۰۰۰ـ۴۰۰تن چغندر در روز
۲ « « ورامین	۱۳۱۲	تبدیل به‌تصفیه خانه شده است (روزانه ۹۰تن شکرخام)
۳ « « شازند	۱۳۱۱	۶۰۰ تن چغندر در روز
۴ « « شاه‌آباد	۱۳۱۲	۶۰۰ « «
۵ « « مرودشت	۱۳۱۲	۱۰۰۰ « «
۶ « « آبکوه	۱۳۱۴	۱۶۰۰ « «
۷ « « میاندوآب	۱۳۱۳	۶۵۰ « «
۸ « « رضاییه	۱۳۲۸	۷۰۰ « «
۹ « « تربت‌حیدریه	۱۳۱۹	۷۰۰ـ۱۲۰۰ « «
۱۰ « « فسا	۱۳۳۱	۳۵۰ـ۸۰۰ « «
۱۱ « « کرمان	۱۳۳۲	۱۰۰۰ « «
۱۲ « « چناران	۱۳۳۳	۱۰۰۰ « «
۱۳ « « هفت‌تپه	۱۳۳۸	۳۰۰۰ نیشکر در روز



پنبه

پنبه Gossypium

گیاهی علفی یا به صورت بوته‌هایی با اعضاء چوبی و مخصوص مناطق گرم است . برگهای آنها از برگهای‌مشخص بارگبرگهای پنجه‌ای و گلهای‌آنهامعمولا منفرد و واقـع در محور ساقـه است . کاسهٔ‌گل پنبـه از سه‌بـراکتهٔ قلبی شکل خارجی احاطه شده ، ۵گلبرگ و تعداد فراوانی پرچم دارد .

میوهٔ آن پوشینه شامل ۴تا ۵ خانه است‌که درآن‌دانه‌های پوشیده ازتارهای سلولزی‌جای دارند.

آفات پنبه .

۱ــ نوزادقاب‌بال: که برای‌مبارزهٔ باآن از ارسنات‌کالسیوم‌استفاده می‌کنند.

۲ــ پروانه: پروانه روی بوتهٔ پنبه تخم می‌گذارد و نوزاد آن دانه‌های‌پنبه را خراب می‌کند . مبارزهٔ‌باآن پاشیدن ارسنات کالسیوم به بوته است .

۳ـ باکتریها : چون بـاکتریها ، غوزه‌رافاسد می‌کنندلذا به‌وسیلهٔ‌محلولهای گندزدا باید آنها را معدوم کرد .

زراعت پنبه .

زمینهای رستی دارای شن و آهك برای رشد پنبه مساعد است . و بهترین کود آن ترکیبات آهن و پتاسیوم‌است . وقتی زمین پنبه را در پاییز به‌عمق ۲۵ سانتیمتر شخم‌زدند تمام فصل‌زمستان را به‌حال خود میگذارند . وقتی خطرسرما رفع‌شد ، دانه‌را میکارند .

پنبه پس از کاشتن احتیاج زیادی به‌آب دارد وبرای تقویت‌بوته‌های‌خوب وکامل باید بعضی ازبوته‌های ضعیفـراکه موجب تراکم شده‌کنند .

نزدیك رسیدن پنبه نباید آبداد.

برداشت محصول .

وقتی به‌برداشت محصول پنبه اقدام می‌کنند که دیوارهٔ غوزه‌هاشکاف برداشته و تارهای‌پنبه ازآن میان بیرون‌زده‌باشد واگر تأخیری شود بـاد همهٔ دانه‌ها را پراکنده خواهدکرد . چون غوزه‌ها باهم نمی‌رسند باید محصول تدریجی برداشته شود .

برداشت محصول پنبه درسه یا چهار چین صورت می‌گیرد . فاصلهٔ بین دو چین یك یك‌ماه ولی فاصلهٔ میان چین ۳ و۴ به تناسب‌گرمای هوا وعوامل دیگرفرق دارد .

پس‌از جمع‌آوری پنبه ، دانه‌ها را باماشین‌مخصوصی‌جدامی کنند وپنبهٔ‌حاصل را بسته‌بندی می‌نمایند .

موارد استفادهٔ پنبه .

پنبه از نظرتهیهٔ نخ و انواع‌پارچه‌های نخی و بسیاری مصارف دیگراهمیت دارد . دانـهٔ پنبه هم به مصرف خوراك چهارپـایـان می‌رسد و هم چربی آنرا می‌گیرند و به‌صورت روغن نباتی‌معمولی درمی‌آورند .

روغنی‌که ازدانهٔ پنبه میگیرندسیال وبیرنگ است،که درکارخانه پس‌ازتصفیه به‌وسیلهٔ ئیدرژن اشباع میکنند تـا نیمه جامد شود .

روغن پنبه درصابون‌سازی نیزمصرف میشود .

مراکز کشت پنبه در ایران .

مهمترین مـراکز کشت‌پنبهٔ ایران عبارتنداز :

کرمان ، فارس ، خوزستان ، یزد، اصفهان ، کاشان ، خراسان وجلگه‌هـای گرگان و مازندران .

محصول پنبه درایران .

محصول پنبهٔ ایران به‌طور متوسط بالغ بر۱۰۰ هزار تن است‌که ۵۰هزار تن‌آن صادر میشود .

چای

افسانهٔ هندی

بودهیدارما ، تـارك دنیای‌هندی، خواست ۹ سال نخوابد ، تاتن ازپلیدیها بیرون‌کند و به نیروی جان بیفزاید ، سه سال از تاریخ بیداری او گذشت ، شبی نیروی عجیب خواب برهمهٔ قوای‌اومسلط شد و ناگهان او را در ربود چون بیدار

شد، از قدرت جسم و تسلط آن بر روحش خشمگین شد و باقیچی مژه‌های خود را چید، هندیها معتقدند: به‌جای مژگان آن زاهد بوته‌ای رویید که برگهایش مایهٔ بیداری شده است و برای چای، چنین افسانه‌ای قایلند.

افسانهٔ چینی.

شن‌نونگ، قریب ۲۷ قرن قبل از میلاد میزیست، روزی ازشکارگاه، جامی پراز آب‌گوارا به‌کف‌اوسپردندتاخواست به‌سر کشد برگی از درختی جدا شد و در جام افتاد، بوی دلاویز آن مطبوع آمد وآنرا چای نام نهاد.

تهٔیسم.

لائوتو، قریب ۶۰۰ سال قبل از میلاد میزیست، هم زمان کنفوسیوس و بودا بوده، ولی ازنظر فلسفی کاملا با آنها مخالف بود.

روزی هرسه باهم به بوتهٔ چایی میرسند و هرکدام برگی ازآن در دهان گذاشته و میچشند، کنفوسیوس آنرا ترش، بودا آنرا تلخ ولی لائوتو آنرا شیرین تشخیص میدهد.

در ژاپن، مردم مذهبی، اطاق مخصوصی برای‌صرف‌چای‌دارندکه‌واردین باحالت‌تواضع‌داخل میشوند وصرف‌چای را درکمال سکوت برگزار میکنند.

تاریخچهٔ ورود چای به اروپا و آمریکا

بی‌تردید، منشأ اصلی چای چین و هندوستان است، وسیاحان اروپایی‌شاید برای اولین بار، یاد ولذت این‌نوشیدنی رابرای اروپاییان‌بیان‌کرده باشندوپیش از همه شهرت دارد که، سیاحی به‌نام **رابوریو**، ازمردم ایتالیا درسال ۱۵۵۹ به‌چین سفر کرده و در سفرنامهٔ خود از این نوشابه سخن‌ها گفته است، دو تاجر هلندی برای اولین بار در سال ۱۶۱۰ مقداری چای‌به‌اروپا آوردند ولی‌به‌علت آشنا نبودن ذائقه‌ها، استقبالی از آن به‌عمل نیامد.

تاچندسال بعد شخصی به‌نام **گاروی** مقدار زیادی چای وارد انگلیس کرد و برای آشنا کردن مردم تبلیغات وسیعی را آغازکرد و سرانجام باوجودمخالفت پارلمان و عده‌ای از متعصبین، مردم بالذت‌چای آشناشدند، واز این‌نوشیدنی گرم استقبال نمودند و در کشورآمریکا باوجودی که از نظر شرب اشکالی نبود ولی گرانی قیمت موجب اعتراض عموم بود به طوریکه اولین بارآمریکاییها با هجوم به‌کشتیهای‌حامل‌چای به‌قیمت‌چای وحکومت انگلیسی‌ها اعتراض کردند. حتی‌برای محکوم‌کردن‌حکومت‌انگلیسی در تمام‌ایالات سیزده‌گانه، توسط وطن‌پرستان شرب‌چای ممنوع شد.

تاریخچهٔ ورود چای به‌ایران

مصرف چای درایران خیلی زودتر از اروپا معمول بوده ولی تاریخچهٔ‌کشت وبرداشت محصول آن به‌این شرح است: در سال ۱۳۰۲ ه ق،در زمان سلطنت ناصرالدین شاه، برای‌اولین‌بار، محمدحسین اصفهانی‌اقداماتی برای‌وارد‌کردن تخم وبوتهٔ‌چای به‌عمل آمد ولی به‌نتیجه نرسید.

در سال ۱۳۱۹ ه ق،محمد میرزا‌کاشف‌السلطنه، چهار هزار نهال چای و چندین صندوق بذرآنرا از **کالکتا** ازراه سرحدات شمالی هند به‌بمبئی و از آنجا به بوشهر و بالاخره به تنکابن و دامنهٔ کوههای لاهیجان رسانید. اگرچه اودر سفربعدی براثر تصادف اتوموبیل به‌دره سقوط‌کرد و کشته شدولی باید به حق اورا پدرچای ایران نامید.

عده‌ای‌کارشناس‌چینی که‌کاشف‌السلطنه به همراه آورده بود، در شمال ایران مشغول به‌کار شدند اگر چه هنوز در راه تکمیل است ولی باید اقرارکرد، فوق‌العاده پیشرفت‌کرده است، زیرا محصول داخلی امروزه، احتیاجات اکثریت را تأمین میکند.

چای Thea sinensis. L.

درختچه‌ای است که به‌حالت وحشی در خاور دور، هندوستان و چین‌میروید، ارتفاع‌نوع وحشی‌آن به ۱۰ مترمیرسدولی نوع‌پرورش‌یافتهٔ‌آن‌بوته‌ای‌است. برگهایش متناوب، دندانه‌دار به رنگ سبز تیره وگلهای منفرد آن به‌رنگ سفید ومعطر است. میوه‌اش پوشینه ومحتوی دانه‌های روغنی است. پرورش چای بیشتر در نواحی شمال ایران به‌ویژه در لاهیجان معمول است.

چای دارای موادی نظیر: کافئین، اسانس، تانن، لگومین، مواد رنگی، مواد معدنی و یك اکسیداز به نام تئاز میباشد.

کشف چای.

چای درمناطق مرطوب در زمینهای شیب‌دار و آفتاب‌رو، بهتر رشد میکند، و نوع خاکهای رسی شنی که قابل نفوذ باشد مناسبتر است. اگر آب پای بوتهٔ چای جمع‌شود بوته‌اش‌رشد نمیکند.

کاشت آن به صورت، بذر و قلمهٔ معمول است ولی درحال حاضرکاشتن‌بذر بیشتر رواج دارد. هرچه دانه‌های چای برای‌کاشتن بزرگتر و سالمتر باشد بهتر است. زمینی که انتخاب میکنند باید **کردبندی** شده باشد ودانه‌ها را ازفاصلهٔ ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتری ازهم بکارند.

فصل‌کشت دانه،پاییز است. ۶ تا ۷ ماه بعد یعنی در بهار، بوته‌های نهال به ۲۰ تا ۵۰ سانتیمتری می‌رسند آنها را از خزانه کنده به زمین اصلی منتقل مینمایند. در زمین اصلی فاصلهٔ بوته‌ها نباید از ۱/۵ مترکمتر باشند وچاله‌های چای هم باید تقریباً ۵۰ سانتیمتر عمق داشته باشند، برای رشد بهتر، باید بوتهٔ‌چای کمی کود حیوانی و خاکستر اضافه‌کرد.

وجین‌کاری در هر دوماه یکبار در مزرعهٔ چای اجباری است.

آفتهای چای.

از مهمترین آفتهای چای میتوان به‌شرح‌زیر نام برد:

۱ـ گلسنگ، لکه‌های خاکستری رنگ‌روی برگهای بوته‌های پیر.
۲ـ ساس درختی.
۳ـ ملخ.
۴ـ شته.

سمپاشی تنها راه مبارزهٔ باحشرات بوتهٔ چای میباشد.

برداشت محصول.

محصول‌چای برگهای آنست که‌هرچه لطیف‌ترو نورسته‌تر باشد چای‌آن‌مرغوبتر است.

از بوته‌های چهار ساله محصول برمیدارند وهنگام‌کندن‌برگها باید‌کوشید که بوته حرکت نکند و صدمه نبیند و برگهای نو رسته را با همهٔ تازگی باز به‌دسته‌های‌مختلف‌تقسیم‌کردتا باهم‌مخلوط نشوند.

به عمل آوردن چای.

برگهای تر وتازه را از بوته جدا میکنند وتحت ۷مرحله آنراآماده‌برای

استفاده میکنند.

۱ـ پلاساندن ، برگهارا در سایه، روی میز پهن میکنند تا پلاسیده‌شوند.

۲ـ مالش دادن : برگهای پلاسیده را با نیروی دست یا ماشین مالش میدهند تاآب قهوه‌ای رنگی ازآن خارج شود و کوشش‌میکنند آن آب دوباره در خود برگهای مالش داده جذب شود .

۳ـ فشار : برگهای مالش داده را جمع میکنند وروی آن چیزهای سنگین قرار میدهند تا مدتی تحت فشار باقی بمانند .

۴ـ تخمیر : برگهای تحت فشار را کمی از هم باز میکنند تا عمل تخمیر صورت‌گیرد .

۵ـ لوله‌کردن : مرحله‌ای‌که‌برگها تحت اثرگرمای معین جمع شده و لوله میشوند .

۶ـ خشك کردن : در دستگاههای مخصوصی برگهاراخشك‌میکنند وکم‌کم رنگ قهوه‌ای آن به سیاهی تبدیل میشود .

۷ـ جور کردن: باغربالهای‌مخصوص چای را جور میکنند و انواع قلمی ، شکسته و باروتی را از همجدا میسازند. چای قلمی از سایر چایها مرغوبتر است .

مناطق کشت چای .

مهمترین‌مراکزکشت چای‌درایران عبارتند از : لاهیجان ولنگرود .

محصول سالیانهٔ چای‌ایران .

اگرچه محصول چای مرتب در حال بهبود وافزایش‌است ولی فعلا سالیانه در حدود ۳۰ هزارتن‌محصول‌به‌دست می‌آید.

کارخانه‌های چای سازی ایران

۱ـ کلارآباد .
۲ـ بی‌بالان .
۳ـ گیلان چای .
۴ـ قلعه‌گردن .
۵ـ اتحاد .
۶ـ ممتاز .
۷ـ جهان.

محصول سالیانه این کارخانه‌ها بیش از ۲۶۰۰۰تن است.

صید مروارید

خلیج فارس ، که یکی از دریاهای بزرگ‌است‌دارای ذخایرفراوان‌مروارید میباشدوساکنان بنادرآن‌اغلب ازاین‌راه اعاشه می‌کنند.مرواریدهای خیلج فارس سفید و کمی مایل به سرخی است و مرغوبترین آنها مروارید سفید است که به‌غلتان معروف است .

مراکز صید مروارید .

جزایر قشم، هرمزوکیش، مخصوصاً بحرین‌که‌اغلب باهمان وسایل اولیه‌صید می‌کنند . و مرکز صدور مروارید بندر **لنگه** است .

پرورش زنبور عسل

زنبورعسل Apis melifera

زنبور عسل از حشرات هیمنوپتر (Hymenoptére) واز خانوادهٔ آپیده (Apidés) است .

ساختمان بدن آن از سه قسمت سر، سینه و شکم تشکیل شده سر زنبور مرکب از : دو چشم بزرگ و مرکب . دستگاه مکنده ودوشاخك حسی وسه‌چشم کوچك میباشد .

سینهٔ زنبورعسل،ازسه‌بندوسه‌جفت‌پا ویك‌جفت‌بال‌تشکیل‌شده‌است‌که‌پاهای‌عقبی به‌قسمت مجوفی به‌نام سبد ختم میشود.

شکم‌زنبور عسل ، سه‌بند دارد که آخرین آن دارای نیش بلند وکج‌است، دستگاه ساختمان موم بین بندها قرار داردکه از آن برای خانه‌سازی استفاده می‌کند .

خانوادهٔ زنبور عسل .

خانوادهٔ چندهزارنفری زنبورعسل مرکب از سه‌طبقه است :

۱ـ طبقهٔ ممتاز یاملکه .
۲ـ طبقهٔ زحمتکش یاکارگران.
۳ـ طبقهٔ مفتخوران یا نرها .

کار ملکه در تمام مدت زندگی تخمگذاری است ، اغلب درهرکندو یك ملکه زندگی‌میکند ،که در سال‌دوپرواز دارد ، پرواز عروسی و پروازمهاجرت.

پرواز عروسی ، معمولا در بعداز ظهرروزی آفتابی (اغلب‌تابستان)صورت میگیرد که ملکهٔ جوان از کندو خارج شده به‌آسمان صعود می‌کند به‌دنبال او نرهای کندو خارج میشوند ، ملکه که لحظه‌به‌لحظه بیشتر تحت‌تأثیر محیط‌آزاد قرار میگیرد ، بـه سرعت پرواز خود می‌افزاید، نرهای کندویکی‌پس‌ازدیگری از پرواز باز مانده و جان را در طلب معشوق ازدست داده وسرنگون میشوند.

در لحظه‌ای که فقط یك زنبور نر به‌تعاقب ملکه است یا تنها یك‌زنبور از خیل‌زنبوران فاصله‌گرفته خودرا به‌ملکه رسانده عمل جفتگیری او دور از چشم بیگانگان صورت میگیرد .

باعمل‌جفتگیری‌عمراین‌نرهم‌به‌پایان میرسد . «همآغوشی‌جانوران، امیرکبیر تهران»

وملکهٔ بارور شده به‌کندو مراجعت می‌کند. وبااحترام وعزت پذیرفته‌میشود وکارگران به‌دور اوجمع‌شده ، جاوغذای مناسب‌وکافی برایش فراهم می‌کنند .

ملکه قدیم پرواز مهاجرت انجام میدهد، باگروهی‌ازکارگران ازلانه‌خارج شده تاپیدا کردن جای مناسبی به‌صورت خوشه‌ای به‌دورهم جمع میشوند ، دراین وقت اغلب مربی زنبورآنهارا به‌کندوی جدید منتقل می‌کند .

ملکهٔ‌جوان‌پس‌از۴۸ساعت‌استراحت به‌تخمگذاری میپردازد .

محصول تخمگذاری ملکه سه نوع زنبور است :

نوع اول:تخمهایی‌که‌کشنیده‌شده‌اند ماده‌ها و ملکه را میسازند . نوع دوم ، تخمهای لقاح نشده است کـه نرهـا را میسازند.

ملکه روزانه بین ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ تخم می‌گذارد ملکهٔ جوان ، به طرزی منظم و خستگی ناپذیر در داخل هریك حجره،یك‌تخم میگذارد.

ملکه غذای‌خودرا ازدهان‌کارگران میگیرد وکارگران‌بارغبت‌به‌این‌عمل‌تن‌در میدهند .

ترکیبات عسل .

عسل‌شهدی است که زنبور از گلها غارت می‌کند و شامل ساکارز و گلوکز است که دستگاه تبدیل زنبور آنها را تجزیه کرده و تمام شیرینی را به‌گلوکز ولوولز تبدیل می‌کند .

تقریباً بیش‌از۷۵ درصد عسل‌ازقند میوه ونیشکر تشکیل شده و ۲۲ در صد آن آب است وبقیه از مواد مختلفه‌مانند مواد معدنی، صمغ گرده‌ها قندهای‌دیگر است .

زنبور داری .

۱ـ بهترین فصل خریداری زنبور فصل‌بهار است که هرچه جنبش زنبوران بیشتروورن‌کندو سنگین‌ترباشدبهتراست.

۲ــ محل نصب کندو باید خشك و آرام باشد .

۳ــ کندورادر محلی‌میتوان گذاشت که سایه‌بوده و سردهم نباشد .

۴ــ کندو نباید درسطح زمین گذاشته شود و باید مطمئناً کمی بلند تر ازسطح زمین قرار بگیرد .

۵ــ درجایی‌میتوان کندوراقرار داد که در حوالی آن باغ‌نباتات باشد.

۶ــ کندو باید کاملادر محیطی‌مسطح قرار بگیرد .

۷ــ در حمل کندو باید دو نکته رعایت شود یکی اینکه باپارچهٔ نازگی روی‌کندو را بپوشانیم تا زنبورها خارج نشوند. دوم اینکه ، درحین حمل به‌خود کندو حرکت ندهیم .

۸ــ در انتقال زنبور ازیك‌کندو که **شان** آن تکان خورده‌یاعسل‌آن آب شده یا به‌هرتقدیرتغییرجا لازم آمده، باید‌عمل زیررا انجام داد : ابتدا کمی دود وارد کندوکرده بعدسرآنرا بازمی‌کنند، سپس زنبیلی‌بالای سربازآن به‌طور موربقرار میدهند و به‌آهستگی ضرباتی به دوطرف کندووارد میآورندتازنبورها واردزنبیل شوند ، سپس‌زنبیل‌را روی‌کندوی‌تازه‌ای که درنظر دارند قرار میدهند .

۹ــ اگردرکندویی عیبی ایجاد شده و ملکه از بین برود و عده‌ای زیاد از زنبوران تلف‌بشوند لازم است‌که یاکندو را تمیز کنند یـا زنبوران را به‌کندوی دیگر منتقل نمایند .

۱۰ــ اگرزنبور به‌غذای‌کافی‌دسترسی نداشته باشد باید در زیـرشان شربت قندقرار داد و بهتر است این کار شبهـا انجام شود .

۱۱ــ باید مقداری عسل در کندو باقی بماند تـا زمستان زنبورهـا تلف نشوند .

۱۲ــ در موقع‌گرفتن اردو (بهره) باید در توقف اول‌زنبور اقدام‌کرد؛مثلا اگر روی شاخه‌ای آویزان باشند باید سبدی‌که‌داخلش شیره مالیده‌اند زیرآن نگهداشت یااگر روی زمین یاشاخه‌باشد باز باید لبهٔ‌سبد را نزدیك‌کرد .

۱۳ــ باز از بین بردن عوامل غارت زنبوران مجاور باید از پاشیده شدن زنبوران یك‌کندو جلوگیری کنیم. مثلا باید‌کوشید‌که دوبدنهٔ‌کندو نپوسدیاشکاف وترك برندارد‌تا بوی‌مطبوع عسل‌دعوتی از همسایه‌ها نباشد و یا درموقع بازدید نباید مدت زیادی سر کندو بازباشد یـا نباید شیره یاعسل‌کنار کندو ریخته باشد و یاهنگام ظهر که زنبوران در پروازند نباید‌به‌یك‌کندوغذاداد که‌این‌خودموجب جلب زنبوران بیگانه است .

۱۴ــ در موقع غارت باید درورود را مسدود ساخت وپس ازیك ربع‌ساعت به‌آهستگی‌آنرا بازکرد ویااز داروهای ضد غارت استفاده‌کرد .

(بااستفاده ازکتاب پرورش زنبور محمدمشیری)

مراکز عمدهٔ پرورش زنبورعسل .

کوههای سهند و سبلان و البرز ، بختیاری و نواحی مغرب ایران .

شیلات

تاریخچهٔ شیلات .

تاقبل‌از تأسیس‌شرکت‌شیلات‌ایران، امتیاز صید ماهی در شمال به‌یك شرکت مختلط‌ایران‌وشوروی (برادران‌لیانازوف) واگذارشده بود . ولی باپایان دورهٔ۲۵ سالهٔ امتیاز این شرکت « از ۱۳۰۵ تا ۱۳۳۱» واعلام ملی‌شدن شیلات‌درایران در سال ۱۳۳۱ ، دربهمن ماه همان سال شرکت سهامی شیلات ایران رسماً تأسیس وشروع به‌کار نمود .

بعد از چندی ، در سال ۱۳۳۹ به موجب مـادهٔ واحده و تصویب هیئت وزیران ، شیلاتهای شمال و جنوب رسماً به‌یکدیگر ملحق شدند وبهره‌برداری‌از کارخانهٔ‌کنسروسازی بندرعباس، که‌تاآن زمان در اختیار سازمان برنامه بود به‌شرکت شیلات واگذار گردید . شرکت شیلات ایران ، مؤسسه‌ای است دولتی وابسته‌به‌وزارت‌دارایی‌که عهده‌داروظایف ذیل میباشد :

۱ــ صیدماهی دردریای خزر،خلیج فارس،دریای‌عمان،رودخانه‌هاومردابهای شمالی .

۲ــ تهیهٔ خاویار و انواع محصولات ماهی به صورت کنسرو،ساردین وآرد‌ــ ماهی .

۳ــ انجام کلیهٔ معاملات ، مربوط به‌صنعت ماهی در داخل و خارج کشور مهمترین فعالیت شرکت سهامـی شیلات ایران ، تهیهٔ خاویار و ترتیب صدورآن به‌بازارهای جهان است. که باصید ماهی **استورژن** و سایر عملیات مربوط به آن انجام میگیرد.

محصول ماهی .

۱ــ محصول‌ماهی دریای‌خزرسالیانه بالغ بر۲۰ هزار تن است .

۲ــ محصول‌ماهی خلیج‌فارس از ۳۰ هزار تن تجاوز می‌کند که میتوان‌مقدار آنرا تا۲۰۰ هزار تن رسانید .



تربیت کرم ابریشم

تاریخچه .

بدون شك‌کرم ابریشم قبل‌ازانسان و شاید در دوران اول پـا به‌گیتی نهاده است . برای اولین بـار امپراطور **فوه** (Fauhe) ابریشم را در آلت موسیقی‌که خود اختراع‌کرده بود به‌کار برده‌است . کلمهٔ ابریشم درکتاب **اود** (oeds) اثر فیلسوف معروف‌چین **کنفوسیوس**، وقتی‌از ملکهٔ معروف آن سرزمین هسی‌لینگ‌شی (Hsiling-shi) همسر امپراطوربزرگ به‌نام هوانك‌تی (Hoang – ti) گفتگو می‌کند، آورده است ، مطابق نوشتهٔ‌این کتاب در آن زمان رشته‌های ابریشم را از پیله جدا می‌کردند . و از زمانهـای دور، پرورش‌کرم‌ابریشم چون‌آداب‌مقدس مذهبی به‌صورت‌رازی ناگفتنی‌نزدعده‌ای محفوظ ماند ، کمترین مجازات آنهایی که میخواستند این راز را فاش‌کنند ، شکنجه و مرگ‌بود به‌این علت مدت سه هزار سال این کالا منحصراً در چین تهیه می‌شد . ولی‌سرانجام این‌راز به‌ایران و ژاپن رسید ممالك نامبرده هم در حفظ رازآن ازهرگونه‌کوششی دریغ نکردند.

در زمان **ژوستی‌نین** ، امپراتور بزرگ یونان ، دوکشیش مأمور شدند تا برای تبلیغ به‌اطراف‌کوههای آتوathos بروند تا دین مسیح را بین دشمنان‌دولت ژوستی‌نین (پارسیها) منتشر‌کنند .این‌دو کشیش هنگام مراجعت در عصای دستی

خود که از جنس خیزران بود مقداری تخم کرم ابریشم وبذر درخت توت مخفی کرده بودند . وآنرا به‌دربار ژوستی‌نین تقدیم کردند .

درقرن سیزده پرورش کرم ابریشم در فرانسه ودر قرن ۱۶ در روسیه‌معمول شد .

«.ازکتاب تلاش برای‌زندگی ، امیرکبیر تهران»

در ایران .

ایران‌در ادوار گذشته‌یکی‌ازمراکز مهم تربیت کرم‌ابریشم محسوب‌می گردید. دردورهٔ‌صفویه به‌طوریکه شاردن‌جهانگرد معروف‌فرانسوی می‌نویسد ازصادرات‌مهم ایران بود . از عصرصفویه به‌بعد به‌علت شیوع بیماری پبرین و عدم توجه مردم‌و دولت به‌تدریج‌رو به‌تنزل گذاشت مخصوصاً در جنگ‌جهانی اول دراثرخسارت‌وارده به این محصول ، بنگاههای‌تربیت کرم‌ـ ابریشم تعطیل واز کار افتاد ولی پس از جنگ و مخصوصاً در سالهای اخیردولت نسبت به‌تهیهٔ نوغان (تخم‌کرم‌ابریشم) و نگاهداری آن از بیماریها و راهنمایی روستاییان‌وایجادتوتستانها، اقدام‌مؤثری به عمل آورد ، و همین امر سبب‌شده که محصول ابریشم ایران مجدداً رونقی‌پیدا کند .

مراکز تربیت کرم ابریشم .

استانهای‌کنارهٔ‌دریای‌خزروخراسان، آذربایجان، کاشان و یزد و اصفهان و نطنز .

محصول ابریشم .

در سال ۱۳۴۰ قریب ۳۴۵۰۰۰ کیلوگرم پیلهٔ‌تر به‌دست‌آمد .

صنایع غذایی

اغلب نقاط کشور ایران از لحاظ محصول میوه استعداد کم‌نظیری دارد ، برای بهره برداری از این استعداد ۵ کارخانهٔ کنسرو و بسته بندی خشکبار و ضد عفونی خرما تأسیس شده است که به‌شرح عده‌ای میپردازیم .

۱ ـ **کنسرو مشهد :** محصول این کارخانه عبارت است ازکمپوت ، مربا و کنسرو میوه و سبزیجات درهر ۸ ساعت قریب ۳۰۰۰ قوطی‌کمپوت‌میوه‌و ۱۵۰۰ قوطی مربا میدهد .

۲ـ**کنسرو واصفهان:** محصول‌کارخانهٔ انواع کمپوت وکنسرو میوه و سبزیجات میباشد و ظرفیت آن درهرساعت کار در حدود ۳۰۰۰ قوطی کمپوت و کنسرو است .

۳ـ **کنسرو آذرشهر :** محصول و ظرفیت‌این‌کارخانه مانندکارخانجات‌مشهد است.

۴ـ **بسته‌بندی خشکبار درمراغه :** این‌کارخانه‌سالانه‌درحدود۶هزارتن‌انواع و اقسام خشکبار را تهیه و بسته‌بندی و طبق اسلوب فنی‌ضد عفونی میکنند.

۵ـ **خرمای خرمشهر :** محصول‌این کارخانه عبارت است ازانواع خرماوآرد هستهٔ خرما و ظرفیت تولید سالیانهٔ آن ۱۰ هزارتن است .



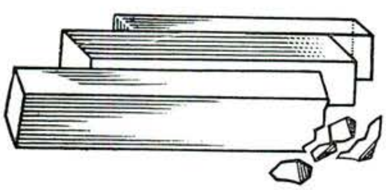
یخچالها

یخچالهای طبیعی .

از پانصدسال‌پیش درشهرهای‌ایران اقدام به‌گرفتن یخ طبیعی کرده‌اند ، در ابتدای‌کاروضع یخچالهای‌طبیعی به‌صورت فعلی نبود و تکمیل آنها طی ادوار و قرون متمادی عملی شده است . صنعت یخچال‌داران طبیعی، به‌این سابقهٔ‌تاریخی صنف خودکمال علاقه را دارند و برای پیشرفت و تکمیل هرچه بیشتریخچالهای طبیعی اقدامات‌اساسی‌مینمایند. درتهران، بیش از ۳۰ یخچال‌طبیعی‌فعالیت‌مینماید ، این یخچالها برخلاف گذشته‌کاملا به‌خارج از شهرانتقال‌یافته واز دسترس افراد و اجتماعات‌دوراست. این‌امربه‌دنبال‌افزایش جمعیت وتوسعهٔ شهرتهران صورت گرفته زیراکم‌کم، یخچالهای موجوددرحومهٔ‌شهر در معرض‌آلودگیهایی واقع شده‌ویخچال داران‌ناگزیر تأسیسات‌خودرا به‌تدریج‌به خارج‌ازشهرانتقال‌دادند ، اکنون‌بسیاری ازمحلات‌وکوچه‌های‌تهران در محل‌همان یخچالهای قدیمی‌بناشده‌و به‌همین‌مناسبت در جنوب وشرق وغرب تهران کوچه‌های فراوانی وجود داردکه به‌نام کوی‌یخچال نامیده میشود .

یخچال‌های موجود تهران نیمی در شرق ونیم‌دیگر درغرب شهرودرمنطقه‌ای واقع در خارج ازحدود فعلی واقع شده ویخچالهای‌قسمت‌غربی درحوالی‌مهرآباد واقع شده و یخ‌گیری در حوضچه‌هایی‌که اطراف آن دیوارکشی شده وآب آن از چاه عمیق تأمین میشود به عمل می‌آید . در این حوضچه‌ها کارگران آب را در موقع معین در نتیجه برودت به‌یخ‌تبدیل و سپس از محفظه هایی که به سردابهای عظیمی منتهی میشودبرای ذخیره‌هدایت مینمایند .گاه ظرفیت برخی از یخچالها از ده‌هزارتن تجاوزمی‌کند واین‌سردابها در حقیقت یك نوع سردخانه های طبیعی میباشندکه‌در تمام مدت تابستان‌موجودی عظیم یخهارا نگاهداری مینمایند. نمونه این سردابهادرغرب وشرق تهران‌فراوان است .

در فصل تابستان‌کارگران به‌تدریج یخهـا را از سرداب بیرون میآورند و آنها رادر دسترس فروشندگان جزءقرار میدهند. سحرگاه‌تابستان‌کاروان‌اتوموبیل و گاری و چهارپا به‌طرف یخچال روان است و یخها به‌وسیلهٔ آنهابرای استفاده روزانهٔ مردم‌به‌شهرحمل میشود. وبیشتر درمغازه‌های بستنی فروشی ازآن‌استفاده مینمایند.درهرحال‌بایدبه‌این‌نتیجه‌رسید که‌رقم‌بزرگ یخ‌طبیعی دربستنی‌فروشیها و نوشابه فروشیهای غیر الکلی است .



شرکت سهامی تولید یخ مصنوعی و کارخانجات وابستهٔ به‌آن

باتوجه به‌اینکه مصرف یخ مصنوعی در روزهای‌گرم در تهران ازدو هزارتن تجاوز می کند ارزش واهمیت‌کارخانه‌های یخ‌معلوم‌میشودبابکارافتادن‌کارخانه‌های ششصد تنی یخ مصنوعی در تهران ، کلیهٔ یخ‌موردنیازاهالی‌تهران وحتی‌شهرستانهای مجاور در تهران تهیه‌خواهدشد .

مصرف یخ مصنوعی موجب تأمین بهداشت و جلوگیری از امراض فصلی و عفونی تابستان است .

صادرات ایران

۱ـ نفت .
۲ـ قالی و قالیچه.
۳ـ سنگ‌های معدنی .
۴ـ غلات.
۵ـ حبوبات .
۶ـ پنبه .
۷ـ توتون .
۸ـ تنباکو .
۹ـ خشکبار .
۱۰ـ کتیرا .
۱۱ـ دانه‌های روغنی .
۱۲ـ گیاهان دارویی .
۱۳ـ حنا .
۱۴ـ زیره .
۱۵ـ زعفران.
۱۶ـ خرما .
۱۷ـ دامهای زنده .
۱۸ـ پوست .
۱۹ـ پشم .
۲۰ـ مو .
۲۱ـ کرك .
۲۲ـ روده .
۲۳ـ ماهی .
۲۴ـ خاویار .
۲۵ـ کنسروماهی .
۲۶ـ پیلهٔ کرم ابریشم .
۲۷ـ خاك سرخ .
۲۸ـ نمك .

واردات ایران

۱ـ کارخانه .
۲ـ اتوموبیل.
۳ـ دوچرخه .
۴ـ موتور سیکلت .
۵ـ چرخهای دوخت.
۶ـ لوازم یدکی ماشین‌آلات .
۸- پارچه‌های پشمی‌و پنبه‌ای‌ابریشم وابریشم مصنوعی .
۸ـ مصالح ساختمانی.
۹ـ لوازم الکتریکی .
۱۰ـ اسباب خرازی .
۱۱ـ کاغذ .
۱۲ـ دارو .
۱۳ـ لاستیك اتوموبیل .
۱۴ـ قند وشکر .
۱۶ـ آلات و ادوات جنگی .

مشتریان اجناس ایران

۱ـ شوروی .
۲ـ فرانسه .
۳ـ آلمان غربی .
۴ـ چکسلواکی .
۵ـ ایتالیا .
۶ـ ژاپن .
۷ـ لهستان .
۸ـ مجارستان .

فروشندگان کالا به ایران

۱ـ آمریکا .
۲ـ انگلیس .
۳ـ آلمان غربی .
۴ـ فرانسه .
۵ـ شوروی .
۶ـ ژاپن .
۷ـ ایتالیا .
۸ـ هلند .
۹ـ لهستان .
۱۰ـ چکسلواکی .
۱۱ـ بلژیك .
۱۲- سوئد .
۱۳ـ سویس .

وزرای کشاورزی ایران

۱ـ **بیات**، صمصام الملك.	اولین رئیس ادارهٔ کل فلاحت
۲ـ **فرخ**، سید مهدی .	دومین » » » »
۳ـ **تاج بخش**، تیمسار سرتیپ.	سومین » » » »
۴ـ **رخشانی**، شاهزاده .	چهارمین » » » »
۵ـ **رام**، مصطفی‌قلی.	پنجمین » » » »
۶ـ **خلعتبری.**	اولین وزیر کشاورزی
۷ـ **نخعی**، دکتر.	دومین » »
۸ـ **اعتمادی**، نصرالدوله .	سومین » »
۹ـ **امیرعلایی**، شمس‌الدین .	چهارمین » »
۱۰ـ **عدل**، احمد حسین.	پنجمین » »
۱۱ـ **شاهرودی**، باقر .	ششمین » »
۱۲ـ **بوشهری**، امیرهمایون.	هفتمین » »
۱۳ـ **مقبل**، دکتراحمد .	هشتمین » »
۱۴ـ **شادمان**، دکترسیدفخرالدین ،	نهمین » »
۱۵ـ **طالقانی**، مهندس .	دهمین » »
۱۶ـ **عطایی**، مهندس منصور.	کفیل وزیر کشاورزی
۱۷ـ **تاج‌بخش**، محمود.	یازدهمین » »
۱۸ـ **فرهمند**، ضیاءالملك .	دوازدهمین »
۱۹ـ**ناصری** ، مصدق‌الدوله.	سیزدهمین» »
۲۰ـ **اخوی**، تیمسارسرلشکر.	چهاردهمین »
۲۱ـ **مهدوی**، مهندس ابراهیم.	پانزدهمین» »
۲۲ـ **آموزگار**، دکتر.	شانزدهمین »
۲۳ـ **ارسنجانی**، دکترحسن.	هفدهمین » »
۲۴ـ **ریاحی**، تیمسار سپهبد.	هیجدهمین» »
۲۵ ـ **زاهدی** ، دکتر	نوزدهمین» »

استادان و معلمین دانشکدهٔ کشاورزی

اتر D. Etter، دکتر. استاد خارجی موسسهٔ جنگل، دانشکدهٔ کشاورزی.

اجلالی ، مهندس محمود. دبیر صنایع کشاورزی دانشکدهٔ کشاورزی .

احمدیان، مهندس‌پریچهر، دبیردانشکدهٔ کشاورزی .

اردوخانی، مهندس ناصر. دبیردانشکدهٔ کشاورزی .

اسماعیلی، مهندس‌هوشنگ. دبیرآبیاری دانشکدهٔ کشاورزی .

عزیزاصلی، مهندس. استاد یار مؤسسهٔ جنگل ،دانشکدهٔ کشاورزی.

برومند ریاحی‌چاشتری، مهندس‌محمود دبیر عملیات صنایع کشاورزی دانشکدهٔ کشاورزی .

پوربیك ، مهندس حسین . دبیرمؤسسهٔ جنگل دانشکدهٔ کشاورزی .

ترگوبوفDr. Tregubov استادخارجی مؤسسهٔ جنگل دانشکدهٔ کشاورزی .

تمدنی،دکترقدرت‌الله. استادبخش‌زراعی

دانشکدهٔ کشاورزی.
توکلی، مهندس منصور ، دبیر دانشکدهٔ کشاورزی.
جناب ، مهندس عبدالله . دبیر آبیاری دانشکدهٔ کشاورزی .
جوانشیر ، مهندس . دبیر جنگلداری دانشکدهٔ کشاورزی .
حجازی، دکتر رضا. استاد جنگل دانشکدهٔ کشاورزی .
حکمتی، مهندس مجید. دبیر مؤسسهٔ جنگل دانشکدهٔ کشاورزی .
حکمتی، دکتر جمشید. استادیار صنایع کشاورزی دانشکدهٔ کشاورزی .
خبیری، دکتر عزت‌الله. استاد بیماریهای نباتی دانشکدهٔ کشاورزی.
خدابنده ، مهندس ناصر . دبیر گروه آگرونومی دانشکدهٔ کشاورزی.
خسروشاهی، مهندس غلامرضا. دبیر گروه آبیاری و آبادانی دانشکدهٔ کشاورزی .
خصوصی، دکتر محمد. استادیار باغبانی دانشکدهٔ کشاورزی .
خطیبی، پرویز . دبیر صنایع دانشکدهٔ کشاورزی.
خلیقی ، مهندس احمد . دبیر باغبانی دانشکدهٔ کشاورزی .
خیاطزاده، مهندس محسن. دبیر باغبانی دانشکدهٔ کشاورزی .
داغستانی، دکتر مصفی. دبیر دانشکدهٔ کشاورزی.
درویش، دکتر محمد. استاد گروه تغذیه و کشاورزی دانشکدهٔ دامپزشکی.
دواچی، مهندس غلام عباس. استاد دفع آفات نباتی دانشکدهٔ کشاورزی.
دوستدار، مهندس محمد ابراهیم . دبیر عملیات بیماریها در دانشکدهٔ کشاورزی.
دوو Dr. E-Deveaun دکتر . استاد خارجی مؤسسهٔ جنگل دانشکدهٔ کشاورزی.
دیانتی، مهندس امین‌الله. دبیر مؤسسه جنگل دانشکده کشاورزی .
زهبر، محمود . دبیر صنایع کشاورزی دانشکدهٔ کشاورزی .
ریاحی، مهندس ابراهیم . استاد صنایع کشاورزی دانشکدهٔ کشاورزی .
زاهدی، مهندس. دبیر عملیات دفع آفات دانشکدهٔ کشاورزی .
زبیری، مهندس محمود. دبیر مؤسسهٔ جنگل دانشکدهٔ کشاورزی.
ساعدی، دکتر هوشنگ. دانشیار گروه تغذیه و امور کشاورزی دانشکدهٔ دامپزشکی.
سعادتی، مهندس کیانوش. دبیر دانشکدهٔ کشاورزی .
سلیمانی، دکتر پوران. استاد یار مؤسسهٔ جنگل دانشکدهٔ کشاورزی .
شریف مهندس جعفر. استاد صنایع کشاورزی دانشکدهٔ کشاورزی.
شعاع، دکتر محمود. استادیار گروه تغذیه و امور کشاورزی دانشکدهٔ دامپزشکی.
شیبانی، مهندس حسن. استاد دانشکدهٔ کشاورزی.
صدری، رضا . دبیر صنایع کشاورزی دانشکدهٔ کشاورزی .
صمدی، مهندس . دبیر عملیات زراعت و اصلاح نباتات دانشکدهٔ کشاورزی .
صمدی، دکتر اسماعیل . دانشیار گروه اگرونومی دانشکدهٔ کشاورزی.
طباطبایی، دکتر محمد. دانشیار مؤسسهٔ جنگل دانشکدهٔ کشاورزی .
عادلی، دکتر ابراهیم . استادیار مؤسسهٔ جنگل دانشکدهٔ کشاورزی .
عطایی، مهندس منصور. استاد زراعت و اصلاح نباتات دانشکدهٔ کشاورزی .
فرزانه ، مهندس روح‌الله . استاد بخش زراعی دانشکدهٔ کشاورزی.
فرزدقی، مهندس هادی. دبیر آبیاری دانشکدهٔ کشاورزی .
فیلسوفی، دکتر کاظم. دبیر باغبانی دانشکدهٔ کشاورزی.
قاضی، دکتر غلام. مقدم. دبیر مؤسسهٔ جنگل دانشکدهٔ کشاورزی .
گلایزر Dr. H. Glaser استاد خارجی مؤسسهٔ جنگل دانشکدهٔ کشاورزی .
لامع، مهندس حسن. دبیر صنایع کشاورزی دانشکدهٔ کشاورزی .
محتشمی، مهندس هوشنگ. دبیر صنایع کشاورزی دانشکدهٔ کشاورزی .
مخترع، دکتر فیروز. دانشیار دانشکدهٔ کشاورزی .
مصدق، مهندس احمد . استادیار مؤسسهٔ جنگل دانشکدهٔ کشاورزی .
مفیدی ، مهندس علی . استاد باغبانی دانشکدهٔ کشاورزی .
مقصود ، مهندس جواد . دبیر آبیاری دانشکدهٔ کشاورزی .
ملمد، دکتر ناصر. دانشیار صنایع کشاورزی دانشکدهٔ کشاورزی .
مهران، دکتر مصطفی. استادیار صنایع کشاورزی دانشکدهٔ کشاورزی .
مهرکاراصل، مهندس. استادیار آبیاری دانشکدهٔ کشاورزی .
میرابزاده، مهندس مهدی. دبیر آبیاری دانشکدهٔ کشاورزی .
نخجوانی، مهندس فیروز. استادیار مؤسسهٔ جنگل دانشکدهٔ کشاورزی .
نژادهاشمی ، میرمحمد علی. دبیر صنایع کشاورزی دانشکدهٔ کشاورزی .
نقی‌زاده ، خانم حکیمه . دبیر صنایع کشاورزی دانشکدهٔ کشاورزی .
نوربخش، دکتر کمال الدین. دانشیار باغبانی دانشکدهٔ کشاورزی.
نیستانی، مهندس محمود. دبیر آبیاری دانشکدهٔ کشاورزی .
نیکپور تهرانی، دکتر کریم. استادیار گروه تغذیه و امور کشاورزی دانشکدهٔ دامپزشکی.
نیلوفری ، مهندس پروین. دبیر مؤسسهٔ جنگل دانشکدهٔ کشاورزی .
وجدانی، دکتر صمد. دانشیار دفع آفات نباتی دانشکدهٔ کشاورزی .
ورزنده، دکتر. دانشیار دفع آفات نباتی دانشکدهٔ کشاورزی .
ولی‌زاده، محمدعلی. دبیر صنایع کشاورزی دانشکدهٔ کشاورزی .
هامبله Dr. P. Hamblet دکتر. استاد خارجی مؤسسهٔ جنگل دانشکدهٔ کشاورزی.
هدایت، عبدالصمد. دبیر گروه آگرونومی دانشکدهٔ کشاورزی .
یزدانیها ، مهندس عطاءالله دبیر گروه باغبانی دانشکدهٔ کشاورزی.

کتب کشاورزی

آفات پنبه در ایران و طریق مبارزه با آنها: سیازوف، ترجمهٔ علی‌اکبر خدابندهٔ نایینی.
آفات مهم گیاهان زراعی و طرز مبارزه با آنها: مهندس عباس دواچی.
آفات و بیماریهای نباتی: مهندس عباس دواچی .
آفت درخت گیلاس: مهندس سیدمصطفی شاه علایی.
آمارگیری نمونه از دهات طهران و دماوند: مهندس عباسقلی خواجه‌نوری.
اصلاح بذر گندم: (شورایعالی بررسیها و تحقیقات وزارت کشاورزی، تهران)؛ حسنعلی رضوانی .
اصول حفاظت خاک: (سازمان جنگلبانی ایران، تهران) ابراهیم انصاری.
اقتصاد کشاورزی: دکتر احمد هومن.
انرژی اتمی و رادیوایزوتوپها در خدمت تحقیقات علوم کشاورزی : (امیر کبیر

تهران)، ابراهیم بهداد.
بیماریهای گیاه و قارچهـای انگلی : (دانشگاه تهران)؛ عزت‌الله خبیری.
تحصیل کشاورزی در آلمان غربی: دکتر ناصرعلی معتضدی.
تحقیق در تاریخ قندسازی ایران: مهندس ابراهیم ریاحی .
جنگلداری علمی و عملی: مهندس غلامعلی بنان .
جوندگان مضر ایران و طرز مبارزه با آنها : (انستیتوی بررسی آفات و بیماریهای گیاهی وزارت کشاورزی؛ تهران) فیروز تقی‌زاده.
حشرات زیان‌آور ایران: مهندس عباس دواچی.
حشرات مفید به‌حال کشاورزی : مهندس سید مصطفی (سید محمدصدر) شاه‌علایی.
خواص بیماریها و آفات گلابی: مهندس سیدمصطفی (سیدمحمد صدر) شاه‌علایی.
درخت چای و تاریخچهٔ کشت آن: مهندس سیدمصطفی (سیدمحمدصدر) شاه‌علایی.
درخت خرما و فواید آن : مهندس سید مصطفی (سیدمحمد صدر) شاه‌علایی.
درخت سیب: مهندس سید مصطفی (سید محمد صدر) شاه علایی.
دستور زراعت زعفران : مـهندس سید مصطفی (سیدمحمد صدر) شاه‌علایی.
دستور کشت ذرت: محمدصادق اتابکی.
راهنمای باغداران: ا. ا. قزل‌ایاغ.
راهنمای چایکاری : ك. فنداك، ترجمهٔ هوشنگ فروردین.
راهنمای درختکاران در ایران : رضا صدقیانی .
راهنمای کشاورزی و باغداری : داود طراح .
روش نوین کشاورزی و باغداری : (امیرکبیر تهران) داودطراح .
روش نوین مرغداری: (امیرکبیر، تهران) دکترمحمداسماعیل اسماعیلی .
زراعت: مهندس منصورعطایی .
زراعت پنبه: ابوالقاسم ذوالریاستین.
زراعت خصوصی: علی‌اکبرهروی.
زراعت عمومی: علی‌اکبرهروی.
زنبور داری در ایران و دنیا : دکتر مصطفی خرمشاهی.
سبزیکاری: (امیرکبیر؛ تهران) محمد مشیری.
سبزیکاری: هیدی ، ترجمهٔ مهندس یحیی فیوضات .
سبزیکاری عملی: غلامرضا وزیرالهی.

صنعت تخم نوغان در ایران: سعید نفیسی.
طریق زراعت چغندر در ایران: مصطفی زاهدی.
علم سموم: دکتر عطابخش.
عمل نوغان: علی فخارزاده (رنجبر).
فلاحة الاندلیسه: عوام اشبیلی .
فلاحة النبطیه: ابن‌الوحشیه .
قند سازی از چغندر : مهندس ابراهیم ریاحی .
کاشتن و نگاهداری مرکبات: رضاقلی گلپیرا .
کلیات صنعت قندسازی : مهندس ابراهیم ریاحی.
کود و طرز استعمال آن: مهندس رحمت‌الله شیبانی .
گلکاری عملی: غلامرضا وزیراللهی.
مرغداری: دکتر نعمت‌الله روشنگر.
مرغداری مدرن: سعید عباس پور.
مزارع تعاونی یهود در ارض اسراییل: ادوین ساموئل، ترجمهٔ سیروس بی‌بیان.
ملخ در ایران و طریقهٔ دفع آن: سیازوف، ترجمهٔ علی‌اکبرخدابندهٔ نایینی.

صنایع

صنعت در ایران .

کارخانهٔ برق.

تاریخچهٔ تأسیس بنگاه برق تهران

درسال ۱۲۷۹ هجری قمری مرحوم حاجی حسین آقا امین الضرب که یکی از تجار ایرانی بود درصدد تأسیس کارخانهٔ برقی بر آمد که پس از مذاکره و موافقت ادارهٔ بلدیهٔ وقت، کارخانهٔ برق وارد ودر اول خیابان امیرکبیر (چراغ برق سابق) نصب و مورد استفاده قرار داد، وامور مربوط به روشنایی معابر در دایره‌ای به نام روشنایی شهر تهران که زیر نظر شهرداری بود اداره میشد .

قبل از ۱۳۱۳ اولیای اموربه‌ویژه شهردار وقت احساس نموده بودند که احتیاجات سکنهٔ شهر تهران روزافزون و زاید براین کارخانهٔ کوچك امین الضرب است .

لذا به پیشنهاد شهرداری و تصویب‌نامهٔ مورخ ۱۳۱۳/۴۲/۱۸ هیئت وزیران مقرر گردید درصدد توسعهٔ برق با وسایل کاملتری برآیند، در نتیجه اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر دستور خرید و نصب کارخانهٔ ششهزار کیلوواتی **اشکودا** صادر فرمودند تا عملی شود .

طبق تصویب نامهٔ مورخ ۱۳۱۳/۸/۱۸ هیئت وزیـران دایرهٔ روشنایـی آن زمان که تحت نظارت بلدیه اداره می‌شد به نام مؤسسهٔ برق تهران نامیده شد .

درسال ۱۳۱۸ طبق دستور وزارت کشور مؤسسهٔ برق به نام ادارهٔ کل برق زیر نظر شهرداری تهران تغییر نام پیدا کرد .

در تاریخ ۱۳۱۳/۷/۳ کارخانه‌ای به ظرفیت ۱۴۰۰ کیلووات مشتمل برچهار توربین به قیمت ۹۱۸۹۰ لیره که به اقساط نه گانه پرداخت شود توسط شهرداری تهران خریداری شدو فروشندهٔ کارخانه متعهد شده بود که درظرف ۲۲ ماه از تاریخ انعقاد قرارداد تحویل و نصب نماید شبکهٔ شهر و کابل کشی نیز به عهدهٔ کمپانی فروشندهٔ کارخانه واگذار گردید که در مدت سه سال به اتمام رسانده و آمادهٔ تحویل نماید .

در تاریخ ۱۳۱۶/۶/۲۵ کارخانه آماده وازآن شروع به بهره برداری شد ، چون کمپانی فروشنده ضمن عقدقرارداد پیشنهاد نموده بود که برای حسن جریان امورکارخانه سه نفر ازمهندسین خودجهت بخار برق و سیمکشی قوی و ضعیف برای مدت سه سال به کارگمارده شوند ، ایـن موضوع نیزعملی و پس از انقضاء مدت، کارکنان فنی چك کارخانه را به کارکنان فنی ایرانی واگذار نمودند .

در سال ۱۳۱۸ کمبود نیروی بـرق مشهود گردید ، بلافاصله به‌وسیلهٔ خطوط فشار قوی از برق کارخانجات سلطنت آباد وسیمان استفاده شد و مقارن آن سفارش یك کارخانهٔ ده‌هزار کیلوواتی دیگر بـه کمپانـی اشکودا داده شد که متأسفانه بروز جنگ دوم جهانی موانعی ایجاد نمود که تهیه و نصب کارخانه جدید به نتیجه نرسید .

علت خرید کارخانهٔ ۸ هزار کیلوواتی وستینگهاوس براثر همین پیشنهاد شهرداری تهران و موافقت نخست‌وزیر وقت و به‌موجب تصویب نامهٔ شماره ۷۱۸ مورخ ۲۲ر۱ر۱۳۲۵ هیئت‌وزیران مقرر گردید که ازنظر ضرورت و فوریت تأمین برق شهر یك کارخانه به‌ظرفیت هشت‌هزار کیلووات متعلق به ارتش امریکا که کمپانی وستینگهاوس آنرا ساخته و به‌شکل آماده به‌حمل موجود بود به‌مبلغ نهصدهزاردلار

آن به ارتش آمریکا و یکصد هزار دولار آن به کارخانهٔ سازنده پرداخت شود بدون تشریفات مناقصه خریداری و تا میزان ۲۰ ملیون ریال وام مورد نیاز را جهت خرید وحمل و نصب و تکمیل شبکه از بانک کشاورزی و پیشه و هنر دریافت نمایند.

درتاریخ ۱۶ر۲ر۱۳۲۵ قرار داد اخذ وام به ضمانت وزارت دارایی و بانک ملی ایران بین شهرداری تهران و بانک کشاورزی امضاء و به وزارت امورخارجه نیز اجازه داده شد که تلگرافی به سفیر کبیر همان وقت ایران در واشنگتون مخابره شود و اختیار داده شود به نمایندگی از طرف شهرداری تهران قرار داد خرید کارخانه را امضاء کند.

درتاریخ ۱۲ر۲ر۱۳۲۵ وزارت امور خارجه رونوشت تلگراف را مبنی بر انعقاد قرارداد ابلاغ سپس نسخه‌ای از قرارداد و مشخصات کارخانهٔ درج شده در پنج برگ به بنگاه رسید در ۱۴ مرداد همان سال قسمتی از ماشین آلات موجود در ایتالیا توسط کشتی **سیراکیوز** پس از چندی بقیهٔ ماشین آلات از آمریکا حمل گردید. ولی در نتیجهٔ مفقود شدن قسمتی از ماشین ها و روشن نبودن مسئولیت نصب آن عمل نصب و استفاده از آن به تأخیر افتاد. تا آنکه در اوایل سال ۱۳۲۶ تصمیم گرفته شد که این مشکل به دست مهندسین ایرانی حل گردد لذا با اقدامات ادارهٔ تسلیحات ارتش و مهندسین ادارهٔ کل برق کارخانه پس از یکسال و نیم نصب و در مهر ماه ۱۳۲۷ بهره برداری از آن شروع شد. ودر تاریخ ۹ر۵ر۱۳۲۸ قرار داد خرید دستگاه چهارم ژنراتور تکمیلی همان کارخانه به قیمت ۱۵۰/۰۰۰ دولار امضاء و تا پایان همان سال تحویل و نصب گردید.

از زمستان سال ۱۳۲۸ مشکل کمبود نیروی برق بار دیگر کارکنان بنگاه برق را به تلاش واداشت تا جاییکه ممکن بود از مازاد نیروی برق دولتی طبق قرار دادهایی (در ساعات اول شب از آن کارخانه ها نیرو اخذ میشد) استفاده میشود در آن حال کارخانهٔ دیگری به نظر نمی رسید تا بتوان از نیروی اضافی آن کمک موقتی گرفت لذا درصدد برآمدند که از دو دستگاه دیزل یک هزار کیلوواتی **نردبرگ** استفاده نمایند.

درتاریخ ۲۴ر۲ر۳۲ پیمانی به شمارهٔ ۲۸۱۹ با کارخانهٔ **نردبرگ** آمریکا به مبلغ ۲۸۱۱۸۹ر۳۲ دولار منعقد شد که پس از اخذ تخفیف و کسر تفاوت قیمت آن به دولار، کل قیمت تمام شده تا بندرخرمشهر بالغ بر ۲۸۲۶۶۲ر۱۶ دولار گردید و نیز قرار داد مدت ساخت و حمل و نقل و تحویل به بندر خرمشهر شش ماه و پرداخت مبلغ بالا در چهار ماه و چهار قسط تعیین شده بود.

بار دیگر یک دیزل ۱۹۰۰ کیلوواتی ازهمان کارخانه خریداری شد قیمت آن ۲۲۲۱۰۴ دولار شد ولی به علت صدمه‌ای که دید مدتی بهره برداری از آن به تأخیر افتاد و بالاخره در اوایل اردیبهشت ۱۳۳۵ بهره برداری آن آغاز شد.

در بهمن ماه ۱۳۳۴ قرار داد خرید یک کارخانهٔ ده هزار کیلوواتی وستینگهاوس جدید امضاء شد جمع بهای خرید ومخارج نصب آن بالغ بر ۱۳۹۵۱۱۴۰۵/۸۰ دولار شد. که در ۲۴ اسفند ۳۵ بهره برداری آن آغاز شد.

درسال ۱۳۳۶ کارخانهٔ پنجاه هزار کیلو واتی آلستوم کار گذاشته شد. این کارخانه شامل چهار توربین که هریک ۱۲۷۰۰ کیلووات نیرو است قیمت آن ۵۰۹۸۰۳۵/۹ دولار بود اکنون از برق سد کرج نیز برای روشنایی شهر تهران استفاده میشود.

نیرویی برابر ۸۰۰۰۰ کیلو وات به وسیلهٔ خط هوایی با ولتاژ ۱۳۰ کیلووات به تهران می رسد.

کارخانه‌های برق خصوصی.

جمع کل تعداد کارخانجات برق اختصاصی که در شهر تهران وحومه به فعالیت مشغولند بر بیست و سه کارخانهٔ کوچک و بزرگ بالغ است و جمع کل نیروی تولید این کارخانجات در حدود چهل هزار کیلووات است، این رقم از این لحاظ قابل توجه است که بنگاه برق تهران قبل از افتتاح کارخانهٔ برق آلستوم یک چنین نیروی فوق العاده‌ای را در اختیار نداشت، این کارخانجات در تمام نقاط و محلات شهر پراکنده شده و برخی از آنها سرتاسر یک محل و بعضی دیگر چندین محل را با شبکه‌های هوایی خود به یکدیگر مرتبط ساخته اند ولی کم کم به علت کافی بودن برق سد کرج آنها را جمع میکنند.

برق‌های خصوصی

۱ ــ **برق ادیسون**؛ میدان خراسان.
۲ ــ **برق ایران نو**؛ بریانک.
۳ــ **برق بامداد**؛ زعفرانیه.
۴ــ **برق بدر**؛ شمیران.
۵ــ **برق بین المللی**؛ خیابان نظام‌آباد.
۶ــ **برق پاریس**؛ خیابان شهباز.
۸ــ **برق توکل**، سلطنت آباد.
۸ــ **برق تهران نو**؛ تهران نو، ایستگاه دفتر.
۹ــ **برق جنوب**؛ میدان شوش.
۱۰ــ **برق جنوب قلهک**؛ قلهک.
۱۱ــ **برق جوراب**؛ بریانک.
۱۲ــ **برق داودیه**؛ داودیه.
۱۳ــ **برق دروس**؛ دروس.
۱۴ــ **برق رباط کریم**؛ درخیابان رباط کریم.
۱۵ــ **برق روشنایی**؛ مجسمهٔ شاه‌رضا.
۱۶ــ **برق شوش**؛ دروازه غار.
۱۷ــ **برق فردوس**؛ محمودیهٔ شمیران.
۱۸ــ **برق گرگان**؛ آخر خیابان گرگان.
۱۹ــ **برق فروزان**؛ سلسبیل.
۲۰ــ **برق فیروز**؛ شرق شهباز وحشمتیه.
۲۱ــ **برق مرکزی**؛ خیابان چراغ برق.
۲۲ــ **برق مهران**؛ جوادیه.
۲۳ــ **برق میهن**، جوادیه.

پتروشیمی

ایجاد صنعت پتروشیمی در ایران با توجه به اوضاع و احوال اقتصادی مملکت وامکانات خاصی بوده است که کشور ما دارای آنست. ذخایر عظیم گاز ایران که در ردیف بزرگترین ذخایر جهان شناخته شده است و هیدروکربورهای مختلفی که پالایشگاه آبادان تولید مینماید مادهٔ اولیهٔ صنایع پتروشیمی ایران را تأمین میکنند و با ایجاد این رشته از صنایع قسمتی از گازی که تاکنون سوزانده میشد به مصرف تولید موادی خواهد رسید که به آن نیاز واقعی موجود است. مسئلهٔ دیگر اینست که از لحاظ نیروی انسانی وزمینهٔ صنعتی صنایع پتروشیمی می توانند از متخصصان کاردان صنعت نفت و همچنین وسایلی که این صنعت در جنوب کشور در عرض بیش از نیم قرن ایجاد کرده است، استفاده کند. صنایع پتروشیمی احتیاج به صنایع تابعه

دارد که موادی را که تولید میکنند تبدیل به‌اشیاء مصرفی نماید . این مسئله باعث سرمایه‌گذاری بعدی و ایجاد کار در کشور خواهد شد . از نظر توازن صادرات و واردات نیز ایجاد صنایع پتروشیمی در ایران نقش عمده‌ای به‌عهده خواهد داشت. زیرا علاوه بر آنکه از خرج مقدار معتنابهی ارز جلوگیری میشود باصدور محصولات پتروشیمی کسب ارز اضافی برای کشور نیز خواهد شد . گذشته از نکات یادآوری شدهٔ در بالا ایجاد صنایع پتروشیمی کمك مؤثری به‌هدف عمومی صنعتی کردن کشور خواهد کرد وموجب تکمیل و بهره برداری هرچه بیشتر از صنعت نفت خواهد شد .

باوجوداین، ایجاد صنایع پتروشیمی در ایران با اشکالاتی مواجه بود که اهم آن به‌قرار زیر است :

۱- محدودیت بازار داخلی: این یکی ازمهمترین مشکلات ایجاد صنایع پتروشیمی در ایران محسوب میگردید . زیرا تولید مواد پتروشیمی درصورتی به‌قیمت تجارتی و قابل رقابت امکان پذیر است که به‌میزان بیش از احتیاجات داخلی کشور باشد .

۲- مشکلات صدور محصولات : در این رشته از صنایع رقابت شدیدی در بازارهای بین‌المللی حکمفرماست وورود کشوری که تازه میخواهد وارد بازار بین‌المللی شود به‌آسانی امکان‌پذیر نیست.

۳- کمبود سرمایهٔ لازم به خصوص ارز : پتروشیمی از صنایعی است که احتیاج به سرمایه گذاری نسبتاً زیاد دارد .

۴ - کندی توسعهٔ صنایع ثانوی : و دیگر مشکلات موجود . با وجود این به‌علت دلایلی که در بالا به‌آنها اشاره‌شد ایجاد صنایع پتروشیمی در ایران لازم به نظر میرسید و بایست این مشکلات به‌طرقی از میان برداشته میشد .

وقتی در امتثال اوامر شاهنشاه آریامهر در اواخر سال ۱۳۴۳ شرکت ملی صنایع پتروشیمی تشکیل شد، این شرکت موظف گردید در اسرع وقت برای مشکلاتی که در بالا اشاره‌شد ودر سرراه ایجاد صنایع پتروشیمی در ایران وجود دارد راه‌حلی بیابد . این راه حل پیداشد وطبق قانون توسعهٔ صنایع پتروشیمی مصوب تیر ماه ۱۳۴۴ به‌شرکت ملی صنایع پتروشیمی اجازه داده شد باشرکتهای واجدشرایط داخلی و خارجی برای تولید محصولات پتروشیمی وفروش وصدور این محصولات مشارکت کند .

همانطور که گفتیم محدود بودن بازار داخلی از یکطرف و رقابت شدید در بازار-های صادراتی مهمترین مشکل ایجاد صنایع پتروشیمی بود که مشارکت با شرکتهای معتبر خارجی آنرا حل میکرد. زیرا این شرکتها :

۱- دارای تجربیات فنی و تخصص فنی هستند .

۲- بازار فروش محصولات را دارند.

۳ - میتوانند در سرمایه گذاری سهیم شوند .

پس از تصویب این قانون با راهنمایی-های خردمندانهٔ شاهنشاه آریامهر وهدایت رئیس هیئت مدیرهٔ شرکت ملی صنایع پترو-شیمی ومجاهدات مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی گامهای بزرگی در راه ایجاد صنایع پتروشیمی برداشته شد. دراین مدت نسبتاً کوتاه سه شرکت به‌وجود آمده است که جمعاً ۲۲۸ ملیون دولار سرمایه گذاری خواهند کرد. علاوه براین مذاکره برای ایجاد مشارکتهای دیگر نیز در جریان است که در آتیهٔ نزدیك نتیجهٔ آن اعلام خواهد شد .

مشارکت‌هایی که قطعی شده وشروع به ساختمان تأسیسات آن گردیده است عبارتند از :

۱- مشارکت باشرکت آمریکایی **آلاید کمیکال** و تشکیل شرکت سهامی شیمیایی-شاهپور که قسمتی از محصولات مورد نظر را تولید خواهد کرد . هم اکنون پیمانکار مربوطه در بندر شاهپور مشغول ایجاد تأسیسات این شرکت است وتا سال ۱۳۴۸ تکمیل و بهره برداری از این تأسیسات آغاز خواهد گردید .

مدیرعامل این شرکت آقای جی. آر. **هامیلتون** و ریاست هیئت مدیرهٔ آن با آقای مهندس باقر **مستوفی** است.

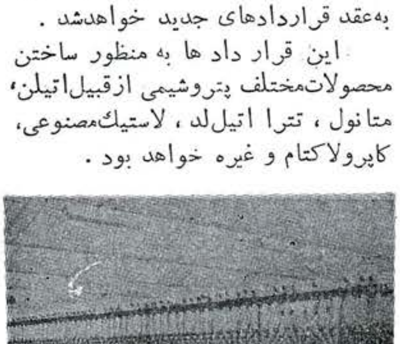
این شرکت براساس ۵۰-۵۰ تشکیل شده و میزان سرمایه گذاری آن ۱۷۰ ملیون دولار است . موادی که این شرکت خواهد ساخت عبارتند از روزانه ۱۵۰۰ تن گوگرد -۱۰۰۰ تن آمونیاك -۵۰۰ تن اوره- ۱۳۲۰ تن اسید سولفوریك - ۴۵۵ تن اسید فسفریك و ۳۰۰ تن دی آمونیم فسفات .

۲- امضای قرارداد و مشارکت با شرکت آمریکایی بی. اف. گودریچ به‌منظور ایجاد مجتمع پتروشیمی آبادان که سالیانه ۲۰٫۰۰۰ تن مادهٔ پلاستیك پی. وی. سی و ۱۰٫۰۰۰ تن دترجنت دی. بی. و ۲۴۰۰۰ تن سود سوزآور تولید خواهد کرد. مدیر عامل این شرکت آقای دکتر عباسقلی بختیار است. میزان سرمایه گذاری برای این مشارکت ۲۸ ملیون دولار است که سهم شرکت ملی صنایع پتروشیمی ۷۴ در صد و سهم بی. اف گودریچ ۲۶ در صد است . برای اجرای این طرح ، شرکتی به‌نام «شرکت سهامی پتروشیمی آبادان» در خرداد ماه ۱۳۴۵ به‌ثبت رسیده‌است و فعالیت خود را آغاز کرده است . این شرکت نیز در سال ۱۳۴۸ شروع به بهره-برداری از کارخانجات خود خواهد کرد.

۳- تشکیل شرکت دیگری با مشارکت **آموکو** به منظور تولید گوگرد وگاز مایع درخارك که براساس ۵۰-۵۰ تشکیل شده و در آن ۳۰ ملیون دولار سرمایه گذاری خواهد شد. محصولات این مشارکت روزانه ۵۰۰ تن گوگرد و ۶۰۰۰ بشکهٔ گاز مایع خواهد بود. تاریخ شروع بهره برداری سال ۱۳۴۸ تعیین شده‌است.

علاوه براین مشارکتها شرکت ملی صنایع پتروشیمی مطالعات و مذاکرات زیادی با شرکتهای ذیصلاحیت به عمل آورده است که در آتیهٔ نزدیکی منجر به‌عقد قراردادهای جدید خواهد شد .

این قرار داد ها به منظور ساختن محصولات مختلف پتروشیمی ازقبیل اتیلن، متانول ، تترا اتیل لد ، لاستیك مصنوعی، کاپرولاکتام و غیره خواهد بود .



سالن ریسندگی کارخانهٔ جدید شاهی

صنایع جدید در ایران

از نخستین کارخانه‌هاییکه به‌ایران وارد شده کارخانهٔ چلوار بافیست در سال

۱۲۸۵ ق . ولی این کارخانه پس‌ازچهار سال تعطیل شد .

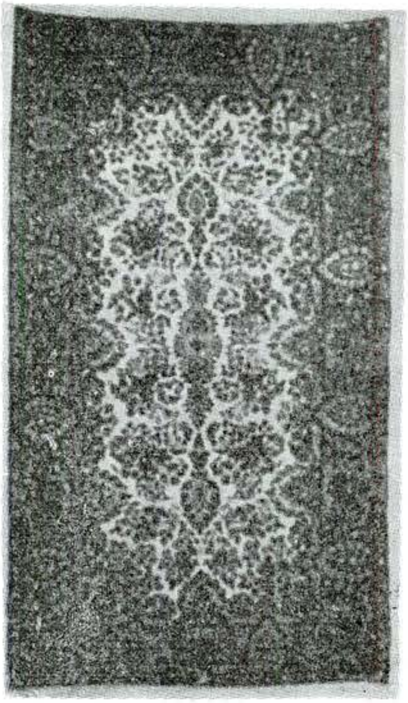
در اواخر سلطنت ناصرالدینشاه صنیع‌الدوله فعالیت پرشوری برای‌ایجاد چند کارخانه آغاز کرد . یك کارخانهٔ ریسمان‌ریسی و چلواربافی به‌راه انداخت (۱۳۱۲ ق.) ویك کورهٔ آهن‌تراشی دایر کردو کوشیدتا کارخانهٔ کبریت‌سازی‌امین‌الدوله و کارخانهٔ قند حصارك را به‌راه اندازد ولی توفیقی نیافت . درهمین‌ایام دراصفهان‌حاج‌محمدحسین‌کازرونی‌به‌ایجاد کارخانهٔ پارچه‌بافی پرداخت. توجه جدی به‌مسئلهٔ ایجادکارخانه‌های صنعتی از سال ۱۳۱۰ آغاز شد ودولت به‌خرید ونصب کارخانهٔ سیمان، قند ، پارچه ، واسلحه‌سازی(که مقدمهٔ‌آن از زمان عباس‌میرزا نایب‌السلطنه‌بود) اقدام‌کرد .

صاحبان همت وسرمایه نیز ازآغاز این قرن درصنایع کبریت‌سازی، نساجی، چرم‌سازی، مواد غذایی و رشته‌های‌دیگر صنایع تولیدی‌کارخانه‌هایی ایجادکردند. درسال۱۳۳۶ش.فعالیتهای صنعتی‌صورتی استوار و مداوم به‌خود گرفت و تأسیس کارخانه‌ها هرسال مضاعف گردید اینك‌با اقداماتی که برای تأسیس‌کارخانهٔ ذوب‌آهن و صنایع پتروشیمی به عمل میآید آیندهٔ رضایت بخشی برای صنایع ایران پیش‌بینی میشود .

صنایع دستی

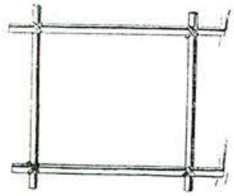
صنایع دستی عبارتند از :

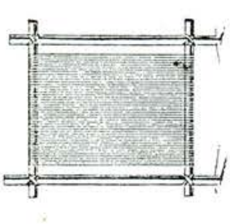
۱ــ معماری .
۲ــ سنگ‌تراشی .
۳ــ کاشی‌کاری .
۴ــ اسلحه‌سازی .
۵ــ پارچه‌های پشمی وابریشمی .
۶ــ قالیبافی .
۷ــ نقاشی .
۸ــ منبت‌کاری .
۹ــ زردوزی .
۱۰ــ گلدوزی .
۱۱ــ خاتم‌کاری .
۱۲ مینیاتورسازی .
۱۳ــ قلمزنی.
۱۴ــ منبت‌کاری.



قالی‌بافی و تاریخچهٔ آن

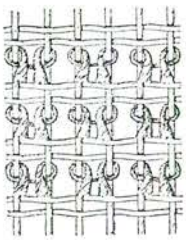
قالی برروی‌چهارچوبی بافته‌میشود که به آن « دار » می گویند .تار یاچله های قالی به‌دوسر این‌داراستوار میشود . دار قالی اقسام مختلف دارد که ساده ترین آن‌دارافقی و بهترین‌آن‌دار تبریزی‌است. تاروپود قالی معمولا از نخ پنبه‌ای‌است مگردرنواحی روستایی‌که پشم آسانتر به‌دست‌میآید.

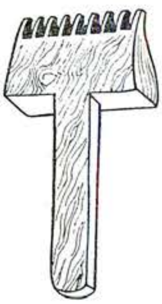












در یك‌قالی‌هزاران گــره از نخ پشم برچله‌ها به هم‌بسته میشود. این‌گره‌ها ترکی‌باف‌وفارسی‌باف نامیده‌میشود. انتهای قالی را بانخ میبافند و سرنخها را به‌هم بافته گره میزنند و کنارهای قالی را بانخ‌پشمی نوار دوزی میکنند تا زود پاره نشود. قالی را از روی نقشه‌ای‌که قبلا تهیه شده وآنرا به‌چند قسمت افقی تقسیم کرده‌اند ، میبافند. برای اینکار محل گره‌ها را بر روی دار علامت‌میگذارند واستاد ازروی نقشهٔ رنگ‌ونقش‌هرقسمت را تعیین میکند .

نخ‌قالی را پیش‌از به‌کار بردن‌رنگ میکنندورنگهایی‌که در قالی‌ایران به‌کار میرود عبارتست از : روناس و قرمزدانه (رنگ سرخ) اسپرك، برگ‌مو ، گندل پوست انار (رنگهای زرد) مازو (فیلی) نیل (لاجوردی) پوست گردو(قهوه‌ای).

قالی‌اقسام‌گوناگون‌دارد که‌معروفترینش قالی، قالیچه ، کناره ، سجاده ، قجری، خرجین ، دیوارکوب‌است .اندازهٔ‌معمولی قالیهای ایران ۴×۳ ونیز ۳×۲ متر است . قالیچهٔ معمولی ۲×۱٫۳۵ متر میباشد ، عرض‌کناره معمولا ۱٫۲۵ تا ۱ متروطول آن ۴ تا ۳ متر است . سجاده روزبروزطالبین‌کمتری دارد .

قالی درایران.

قالی ایران هرگز رقیب و نظیری نداشته است.زیبایی‌نقش‌ها، خوش‌آیندی طرحها ، ظرافت گره‌ها وبافت‌ها ، چشم‌

گیری‌وپایداری رنگها وبیش‌ازهمه‌حالت خیال‌انگیز ومرموز قالی ایران آن‌را صدرنشین قالیهای جهان ساخته است.

قالی‌ایران نمایندهٔ سرگذشت،فلسفه وهنر ایران‌است وطراح آن از میراث هزاران‌هنرمند ناشناس که‌فشارهای‌مذهبی سیاسی واقتصادی‌را با مشربی صوفیانـه تحمل‌کرده‌اند تجربه آموخته‌است .

او نقاش طبیعت نیست،بلکه نقاش احساس خویشتن از رویدادهای طبیعی است‌وناتورالیسم‌راهمراه باکیش‌زرتشتی قرن‌ها پیش‌رها کرده‌است‌ونیزمانندقالی‌بافان ترك به اشکال هندسی دلبستگی چندانی‌ندارد پانصد سال است که‌ازگوشه وکنگره‌وستیغ‌گریزانست‌وبه‌پیچ‌وخمهای کمانی و به‌شاخه‌هایی‌که ازجایی ناشناس سربرآورده‌ودرگوشه‌یی جادویی سرنهان کرده‌اند می‌اندیشد .

کهنه‌ترین‌قالی‌از زمان هخامنشیان به‌دست‌آمده‌است . ازدوران اشکانی نیز تکه‌های‌کوچك یك‌قالی پیدا شده. خبرهایی ازقالیهای روزگار ساسانیان نیز داریم از قالی‌های دوران اسلام خبرهای فراوان‌است قالی‌هایی‌که اززمان‌صفویان مانده‌زینت‌بخش‌موزه‌هاست‌ونشانهٔ‌آخرین پیشرفت این‌هنر ملی‌است .

از اواخر قرن‌گذشته‌که طی صدور قالی ایران‌به‌اروپا فراوان‌شد رنگ‌های صنعتی‌درقالی‌ایران‌به‌کار رفت‌وموادّاولیهٔ نامرغوب‌به‌کار گرفته شد وطرحها اصالت خودرا ازدست داد . برای حمایت فرش ایران‌شرکت‌فرش‌ایجادگردید وکوشش‌هایی‌برای‌جلوگیری ازتباهی صنعت‌فرش ورواج‌فرشهای‌خوب وتهیهٔ طرح‌وآموزش قالیبافان وصدور قالی‌های خوب به عمل آمد .

جنگ‌جهانی دوم و ازآن‌پس ورود وحتی ایجادکارخانهٔ فرش‌ماشینی ، ایجاد بازارمشترك اروپا ، عدم توجه به‌بازاریابی تازه ونگهداری و توسعهٔ بازارهای سابق همه‌مانع ترقی این‌صنعت شد . با این‌همه اینك با توجه به‌پاره‌ای آمارها بیش‌ازسیصد هزار‌تن‌درایران به‌کارقالی‌بافی مشغولند ونزدیك به‌دوملیون تن‌از این رشتهٔ صنعتی منتفع می‌شوند ، ازاین روست‌که می‌توان قالیبافی‌را گذشته از یك‌هنرملی بزرگترین رشتهٔ‌صنعتی‌ویکی ازپایه‌های اقتصاد ایران‌دانست .

مراکز قالیبافی ایران

۱ـ آذربایجان :

تبریز- هریس ـ گوراوان ـ مهربان قره‌جه ـ سراب ـ بخشایش ـ مرند ـ اردبیل

۲ـ عراق‌عجم:

جوشقان ـ ساروق.



کاشان،



ساوه .

اراك ـ همدان ـ سمنان ـ تهران قم ـ ملایر ـ قزوین ـ نایین ـ سرابند اصفهان.



فراهان.

لرستان .



بختیاری.

۳ـ کرمان وفارس:

کرمان ـ آباده ـ یزد ـ افشار قشقایی





شیراز.

۴ـ خراسان:

قاین ـ بیرجند ـ مشهد ـ درگز، تربت‌حیدریه .



ترکمن

۵ـ کردستان.

بیجار ـ سنندج .



صحنه .

کرمانشاه .



۶ـ بلوچستان

ترکستان .

ترکستان به‌سرزمین پهناوری اطلاق می‌شود که از کرانه‌های شرقی خزر تا تبت گسترده شده و شهرهـای فراوان آن روزگاری ازمدنیت پرشکوه سامانیان ، سلجوقیان ، خوارزمشاهیان و گورکانیان برخوردارشده وازسوی دیگر آزوجنون جهانگشایان ، خشکی دایم التزاید این اقلیم‌وطوفان‌ریگ‌روان بسیاری‌ازشهرـ ها وآبادیهایش‌را به نابودی کشانده‌است هنوزهم‌اقوام نزدیك کسانیکه درآزمایش‌ـ گاهها ، انستیتوها،دانشگاههاوکارخانه‌ـ های ترکستان به‌کار مـی‌پردازند ، در کوهستان وصحرا به‌چراندن گله‌های‌انبوه گوسفند ، بز وشتر مشغولند و زنانشان در خانها و اوبه‌های‌کم جمعیت قالیچه‌ها وجاجیم‌هایی میبافندکه تنها از ۲۰ سال‌به این‌طرف به‌بازار عرضه می‌شود وپیش‌از آن تنهاکالای مصرفی بود نه صادراتی ؛ وبا این‌همه‌اگرگاه‌به‌دست می‌آمد ارزش فراوانی داشت .

بافته‌های ترکستان ، هم ازهنرچین وهم‌هند وایران متأثر شده ازتلفیق این هرسه نقشهایی با شخصیت هنری مستقل پدید آورده است . نقشهای ترکستانی غالباً دارای اشکال هندسی است که بیش ازهمه،اشکال هشت ضلعی درآن به چشم می‌خورد .

جاهاییکه‌درآنها قالیبافی‌میشود:

یموت ، بشیر ، هچلو ، ارسـاری ، بـاریك ، تکه ، قیزیل‌آچـاك،سـالور ، چووال، جولان ، سمرقند، ختن ،کاشغر، یـارکند .

ترکیه.

قـالیبـافی در سدهٔ ششم وهفتم در قونیه‌رونق یـافت ومسجدهـا ، مقبره‌هـا و کاخهای بـا شکوه سلجوقیان روم را آراست ، کردان وارمنیـان که‌درشمـال، و شمال غربی و مغرب این امپراطوری جای داشتند قالیبافان چیره‌دستی بودند وما اینك نمونه‌های زیبـایی از کارهـای گذشتگانشان‌رادرموزه‌هـا می‌توانیم‌دید.

پس از جنگ جهانی اول ، حال دگرسان شد.یونـانیان‌به‌کشورشان‌رفتند؛ ارمنیان بر اثر کشتارهـای هـولناك و مهاجرتها خانه تهی‌کردند وکردان نیز به سبب پیش‌آمدهای‌سیاسی و دگرگونی

وضع اجتماعی به‌کارشان چندان‌دلبستگی نشان ندادند و اینجاست‌که مابار دیگر جای‌پای حوادث تاریخی را درصنعت و هنرباز می‌یابیم .

ازحدودسال ۱۸۶۰ میلادی که‌بازرگانی این‌کشور بااروپاگسترش یافت ، رفته‌ـ رفته قالی ترکیه شکلی بازاری به خود گرفت‌وخصوصیات قدیمی‌آن‌که برزمینه‌ـ ای ثابت قرار داشت اصالت خودرا از دست‌داد. سجاده مشخص‌ترین نوع‌محصول قدیمی است وشکل ورنگ‌آن بر حسب جایی‌که بافته می‌شود متفاوت است . طرحهای‌ترکی‌عبارتست ازشکلهای‌هندسی ونقش‌های‌گل وبوته. نقاشی تصویرانسان وحیوان حرام است . بـا وجود این‌در قیصریه وبروسه پاره‌ای قجریها ازسالها پیش‌تهیه‌می‌شودکه قالی‌هایی دارای‌هردو نقش انسان وحیوان است .

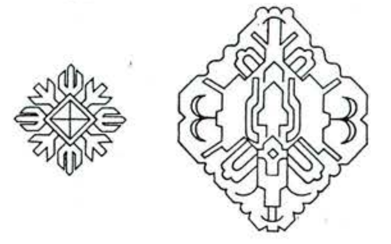
شهرهایی‌که درآنها قالی‌به سبك قدیم بافته میشود :

پاندرما، میلاس ، مکری،غیوردس، برگاما ، کولا ، اوشاك ،کیرشهر،قونیه، موجور ، سیواس، لاذق، قیصریه،یوروك، حرکه ، صف .

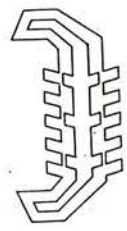
شهرهایی‌که‌درآنها قالی به سبك جدید بافته میشود :

اسپارتا ، اسکی‌شهر ، گیوردس ، اوشاك ، بورلو .

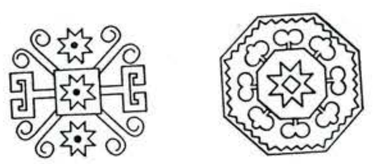
طرح و نقشهٔ قالی‌ترکیه



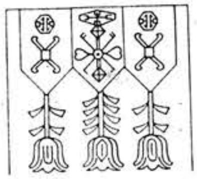
شکل ۱ــ گل وسط با طرح ذغلی درشت‌ورز



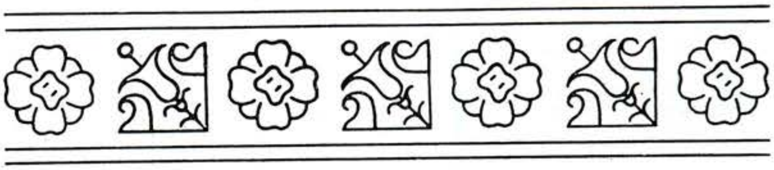
شکل ۵ــ طرحی به شکل برگ



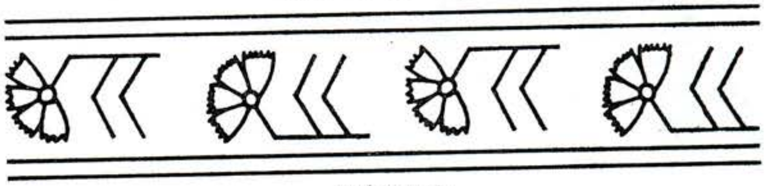
شکل ۲ــ نمونهٔ ترکی‌گل وسط هشت‌گوش



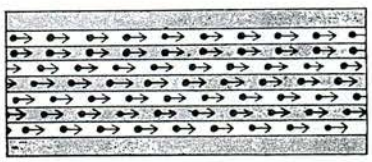
شکل ۶ــ طرحی از سجاده‌های لاذق



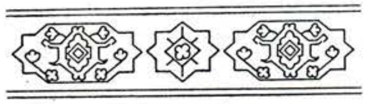
شکل ۳ــ حاشیه با نقش لاله وگل سرخ



شکل ۴ــ حاشیهٔ میخکی



۷ــ حاشیهٔ‌مخصوص «کوله» که‌ممکن‌است تادوازده ردیف موازی درآن به‌کاررودواین حاشیه همچنین درقالیهای غیوردس دیده میشود.



حاشیهٔ معروف به «زیبن بورگر»



چین

به نظر میرسد صنعت قالیبافی چین ازکشورهـای دیگرخاور زمین جوان‌تر است ، هرچند ازدوهزارسـال‌پیش قالی‌ـ بافی دراین‌کشور وجود داشت ، رونـق آن‌زمان‌امپراطوری مغول وکشورگشایی قوبیلای‌قاآن آغاز شد.

قالی‌بافی‌از راه ترکستان وآسیای میانه‌به‌چین راه یافت ، مصالح وابزارکار همانست‌که درجنوب آسیا به‌کار می‌رود، ولی چین بسیار زود شیوه‌های گوناگون را درهم آمیخت وشخصیت‌هنری خود را بدان تحمیل‌کرد . اوگرهٔ ترکی‌رابرای حاشیه وگرهٔ فارسی‌را برای زمینه به‌کار گرفت ، گـاه‌به‌جـای رنگ آمیزی از رنگ‌طبیعی پشم‌ها استفاده‌کرد و زمانی تصاویر را به‌صورت برجسته‌تر نمایـان ساخت .

قالی‌های چینی طرحهای گوناگون دارند. قالی معبدها دارای دو یاسه‌متن چهارگوش‌است‌که نقش واحدی درآن‌ها تکرار شده. قالیهای‌دیواری دارای‌نقش انسان ویا اژدهاییست که تمام زمینه‌را پوشانده وبرای آویختن‌به‌پایه‌هاوجرزـ هابه‌کار میرود وفاقد حاشیه است .

همهٔ‌نقشهاسمبولیك‌است وازمعتقدات پیروان دین بودا و یاتائوئی Taoisme

سرچشمه گرفته نقش اصلی قالی ها تصویر اژدهاست که علامت باستانی امپراطوری چین است . نقش صلیب شکسته نیز فراوان به‌چشم می‌خورد که به احتمال بسیار از قفقاز بدانجا راه یافته ، همانگونه که به آسیای صغیر ، اروپـای شرقی، آلمان و نیز به‌ایران آمده است ودر نزد چینیان نشانهٔ درازی زندگانی ، نمایندهٔ دل بودا وعلامت عدد ده‌هزار است . ازسمبول‌های تائوئی **درنا** (پرندهٔ معروف) **ققنس** (مرغ آتشخوار) وگوزن است که به‌ترتیب نشانهٔ درازی عمر، جاودانگی وخوشبختی می‌باشند . سمبول دیگر دین بودا شیر ، نگهبان معبد است . نقش حاشیهٔ قالی‌ها غالباً تجسم هندسی کوهها ، ابرها وامواج است . قالی‌های چینی بیشتر برای قصرهای بزرگان ومعبدها و مخصوصاً برای آویختن به‌دیوارها بافته می‌شد ومـانند جنوب آسیا به‌صورت اثاثهٔ منزل نبود .

هنگامی که از نیمهٔ دوم قرن نوزدهم راه دادوستد چین با اروپا بازشد ، قالی چین به‌سبب ثبات رنگ وشگفتی و ابهام نقش خود مشتریان فراوانی یافت . ولی آشفتگی های سیاسی که یکقرن تمـام دامن‌گیر مردم چین بود ازرونق کارقالی‌بافی کاست . گمان می‌رفت پس ازانقلاب کمونیستی چین قالی‌بافی یك‌باره ازمیان رفته باشد ولی پاره‌ای اخبارحاکی ازآن است که دولت چین حتی به‌ایجاد هنرستان قالیبافی پرداخته است تا این صنعت را همچنان به‌صورت هنری ملی نگاهدارد . متأسفانه نمونه‌هایی ازقالیهای تازهٔ چینی در دست نداریم تا بتواند معیاری برای قضاوت باشد .

مراکز قالیبافی چین به‌سبك قدیم:
نینگ‌سیا ، پائوتو ؛ پکن .

مراکز قالیبافی به‌سبك جدید :
تی‌ین شیان ــ پکن ــ تسی‌نانفو ــ کالگان .

مراکش

قالیبافی در مراکش از قرن یازدهم هـ . و پس از افتادن این سرزمین به‌دست عثمانیان رواج یافت و هنوزهم طرح و بافت آن تقلید ناخوشایندی از آسیای صغیر است و اغلب بافت و گره‌های درشتی دارد که باچشم دیده میشود . رنگ قالیها سیاه وسفید و یاقهوه‌ای تیره‌است و نوعی قالی سفید نیزبافته میشود که به‌یك لحاف ویا پتوشباهت بیشتری دارد .

در این میان تنها قالیچه‌های قبایل صحرانشین بـربر است کـه تاحدی از ویژگیهای یك صنعت هنرمندانهٔ ملی برخوردار است .

افغانستان

قالیهای افغانی که بیشتر در شمال این‌کشور و به‌دست قبایل شبان و کوه‌نشین بافته میشود بسیار شبیه به قالیهای ترکستانست و به‌سبب سادگی نقش ، یك نواختی زمینه و ارزانی ، در بازارهای اروپا مشتریانی دارد . این قالیها که بـا آرایش هرخانه‌ای میتواند هماهنگ شود . دارای زمینهٔ سرخ است که براثر شسته شدن و آفتاب خوردن و گذشت زمان به رنگ زرد برنزی درمیآید .

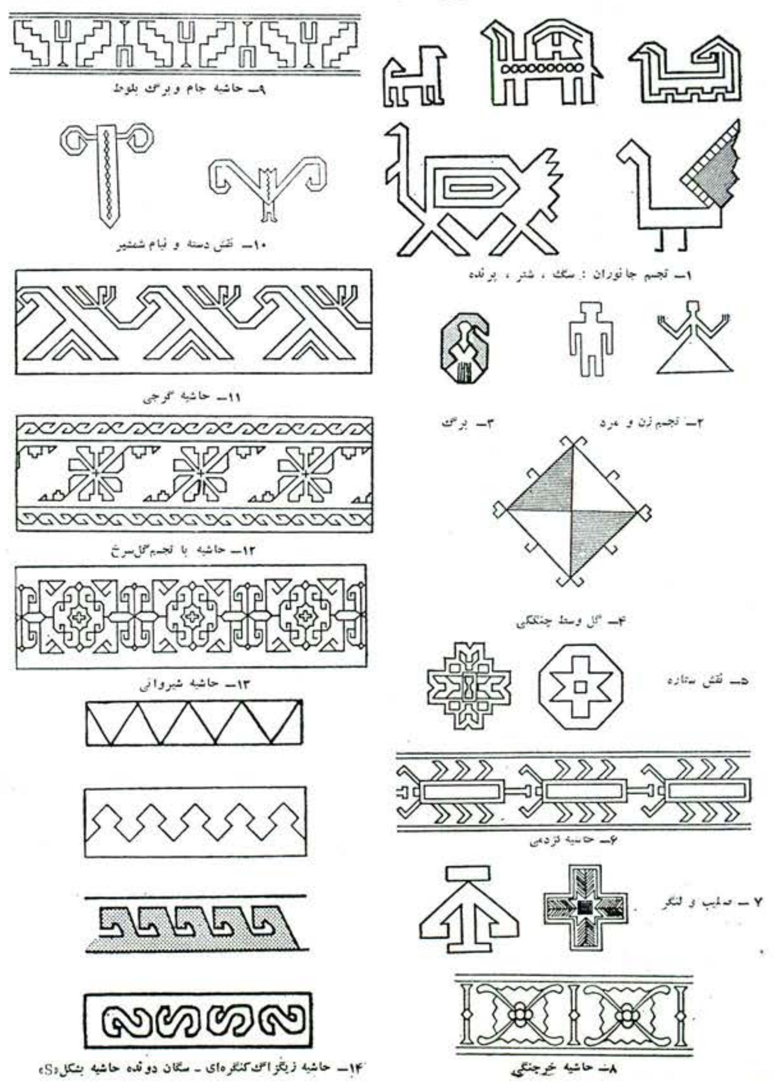
این قالیها باپشم گوسفند ویابز بافته میشود و غالباً میتوان آنها را گلیمهای خوش نقش و محکمی به شمار آورد که بافت‌ریزی‌دارد (درحدود ۳۵ تا ۵۵ گره).

هندوستان و پاکستان

قالیبافی از قرن دهم هـ . و براثر مهاجرتهای پیاپی‌ایرانیان به‌شبه‌قارهٔ‌هند در شهرهای مسلمان نشین این سرزمین به‌وجود آمد ، زیرا در این زمان‌بودکه بسیاری از هنرمندان ایرانی بـر اثر فشارهای مذهبی صفویان و نیز به‌امید حمایتی که از بزرگان هند چشم‌داشتند، رخت سفربربستند ورموز صنعت‌قالیبافی را باخود به‌هند بردند . از اینرو طرح و بافت قالیهای هند هنوز هم ایرانیست.

صدورقالی‌ازقرن‌هیجدهم‌میلادی‌آغاز شد واین خودسبب توسعه ورشد قالیبافی گردید . امروزه به‌علت گسترش صنعت قالیبافی درهند به‌ویژه درپاکستان ، در بازارهای دنیا، اروپاییان ازآن‌استقبال کرده‌اند .

طرح قالیهای قفقاز



۱ـ تجسم جانوران : سگ ، شتر ، پرنده
۲ـ تجسم زن و مرد
۳ـ برگ
۴ـ گل وسط چنگکی
۵ـ نقش ستاره
۶ـ حاشیه اژدهی
۷ ـ صلیب و لنگر
۸ـ حاشیه خرچنگی
۹ـ حاشیه جام و برگ بلوط
۱۰ـ نقش دسته و نیام شمشیر
۱۱ـ حاشیه گرجی
۱۲ـ حاشیه با تجسم گل سرخ
۱۳ـ حاشیه شیروانی
۱۴ـ حاشیه زیگزاگ کنگره‌ای ـ سگان دونده حاشیه بشکل «S»

از مراکز مهم قالیبافی پاکستان مولتان ولاهور و از شهرهای قالیبافی هندوستان سرینا گار ، امریتسر ، دهلی، گره ، جیپور و جیبول است .

قفقاز

قالیهای قفقازی شامل سجاده و نیز قالیهایی باگل وسط و یا نقشهای مکرر است . وقتی نقش وسط بزرگ باشد نقشهای کوچکی برای پرکردن جاهای خالی به‌کارمیرود . طرحها عموماً هندسی است.شکل گل یا جانداران نیز حالت تجسمی جالبی‌دارد .

قفقاز که درزمانی دور، سرزمین مردمان آسیایی خاصی بوده که در نزد باستانشناسان‌به‌نژاد قفقازی معروف‌است در هزارهٔ اول قبل از میلاد محل‌سکونت و تاخت‌وتازآلان‌ها ، هون‌ها ، آوارها، خزرها، گرجیان ، ارمنیان و ایرانیان، ترکان و تازیان شده و در این‌میان‌تسلط و نفوذ ایرانیان بسیار دیرپا بوده‌است. از روزگارکوروش تا دوران ما ارتباط سیاسی و فرهنگی ایران وقفقاز بااندك فترتهایی همیشه دوام داشته و تجربیات فرهنگی و صنعتی مردم آذربایجان و قفقاز با یکدیگر مبادله میشده است . قفقازیان چیره‌دستی و هنرمندی‌قالیبافان آذربایجانی و ارمنی را به‌کار گرفته‌اند و در قلمرو کوهستانی خویش قالی‌ها ، قالیچه‌ها و جاجیم های خوش نقش و بادوامی تولیدکرده‌اند .

تسلط‌دولت روسیهٔ‌تزاری‌وازآن‌پس بهره‌برداری‌ازچاههای‌نفت‌باکو،انقلاب‌اکتبر وصنعتی شدن‌این سرزمین یکچند از رونق کار قالیبافی کاست ولی چنین پیداست که از نیمهٔ دوم قرن بیستم بار دیگر دولت شوروی درصدد زنده کردن این صنعت درخشانست .

شهرهای قفقازکه درآنهاقالیبافی میشود :

قوبا، کیروف‌آباد(گنجه)، شیروان، قره‌باغ، باکو ، ایروان ، دربند، آختی.

چندنمونه ازقالیچه‌های کشورهای دیگر



قالیچهٔ افغانستان



قالیچهٔ موصل



قالیچهٔ بخارا

صنایع دستی دیگر

بافت پارچه‌های دستی وگلدوزی‌از قدیم در ایران معمول بوده و هنوز هم متداول است. بهترین مصنوع پارچه‌ای وصنایع‌دیگرعبارتند از:

۱ـ برك : درخراسان تهیه میشود وازپشم شترمی‌بافند.
۲ـ شال : مخصوص‌کرمان.
۳ـ ترمه : ازصنایع‌دستی یزداست.
۴ـقلمکار : کارهنرمندان‌اصفهان‌و معروف است.
۵ـ مخمل : کاشان ویزد.
۶ـ زردوزی: کاشان ویزد .
۶ـ گلدوزی روی ماهوت: گیلان.
۸ـ منبت‌کاری : آباده، گلپایگان وخوانسار .
۹ـ نقاشی : اصفهان،شیراز.
۱۰ـ مینیاتورسازی:اصفهان،شیراز.
۱۱ـ خاتم‌کاری : اصفهان، شیراز، تهران .

صنایع کارخانه‌ای

صنایع‌کارخانه‌ای عبارتند از :
۱ـ ریسندگی وبافندگی.
۲ـ صنایع فلزی .
۳ـ صنایع غذایی.
۴ـ صنایع شیمیایی .
۵ـ صنایع متفرقه.

تاریخچهٔ ریسندگی و دوزندگی

شاید اولین پوشاك انسان ، پوست حیوان بوده وروزی‌که توانست از پشم،

مو، پنبه و کتان نخ بریسد ولباس ببافد، به‌توفیق بزرگی دست یافته بود.

در کاوشهای باستان شناسی، وسایل ریسندگی جالبی از سرزمین‌مصر به‌دست آورده‌اند که قدیمترین‌ابزارکارمحسوب میشود .

درریسندگی بادوك وچرخ‌وپارچه‌بافی بادست و کارگاه دستی مدتها تنهـا وسیلهٔ تهیهٔ لباس بود، و برای اولین‌بار. **لئونارد دووینچی** طرحی برای ماشین ریسندگی پیشنهادکرد .

درقرن ۱۸ کارخانه‌ٔریسندگی‌مخصوصی دایرشد که باالاغ کارمیکرد و ۲۵۰دوك داشت .

برای‌اولین‌باردرسال ۱۷۸۳ میلادی دستگاه ریسندگی ومکانیکی اختراع‌شد. **ماکو** را برای اولین‌بار **لئونارد**پیشنهاد کرده بود ولی **جان‌کی** انگلیسی تکمیل ووارد کرد .

دستگاه ریسندگـی درسال ۱۷۳۸ تـوسط دو نفر **جان ویات** انگلیسی و **لودویك‌پائول** آلمانی ساخته‌شد.

جیمزهارگریوز دستگاهی ساخت که‌هر نفردرآن‌واحدمیتوانست۱۲۰رشته نخ تهیه کند .

توماس‌هایز دستگاه ریسندگی‌آبی اختراع‌کرد.

کارترایت انگلیسی چهـار حرکت متوالی دستگاه نساجی‌دستی‌را باهم،هم‌آهنگ‌کرد وبه‌کمك ماشین‌بخاروات‌آنرا به‌کارانداخت.

ژوزف ماری‌ژاکارد فرانسوی‌برای اولین‌باربافتن لباسهای‌رنگین‌را اختراع کرد .

دوژیرارد، برای اولین‌بار پارچه‌های‌کتانی‌را معمول‌کرد .

بارتلمی تیمونیه، درسال۱۸۲۹ به اختراع چرخ‌خیاطی نایل‌آمد .

الیاس هور آمریکایی‌آنرا تکمیل کرد.

صنایع نساجی ایران

۱ـ نخستین کارخانهٔ ریسمان‌ریسی‌ایران به‌وسیلهٔ مرحوم‌صنیع‌الدوله‌وارد شد و درشمال تهران احداث گردید، صنیع‌الدوله به‌واسطهٔ‌کوششی که برای‌صنعتی کردن کشور به‌خرج میداد مورد تهدید بیگانگان قرارگرفت . اوباوجودخطری که بالای‌سرش پرواز میکردکارخانجات قندکهریزك وکبریت سازی واسلحه‌سازی نیزواردکرد . صنیع‌الدوله بالاخره جان خود را در این‌راه باخت ودر ماه صفر ۱۳۲۹ قمری باتوطئهٔ خارجیان‌که خواهان‌عقب ماندگی‌کشور ما هستند شهیدشد. بافشار انگلستان و روسیهٔ تزاری‌کارخانجات مزبور تعطیل شد .

۲ـ درسال ۱۲۸۹ شمسی یك‌کارخانهٔ ریسمان ریسی ماشینی‌ویك‌کارخانهٔ نخ‌ریسی در قزوین احداث شد .

۳ـ درسال ۱۳۰۰ حاج‌محمد حسین‌کازرونی اولین‌کارخانهٔ بافندگی‌پشم را در اصفهان ایجادکرد و به‌دنبال این اقدام درطول چندسال ۲۴کارخانهٔ‌مختلف که ۱۳ باب‌آن ریسندگی‌وبافندگی پشم وپنبه است و هزاران دستگاه بافندگی و پنبه‌پاك‌کنی و زیرپیراهن و جوراب بافی در اصفهان برپاشد.کارخانجات بزرگ ایران عبارتند از :

کارخانجات ریسندگی کشور

اسم ومحل کارخانه	سال تأسیس	تعداد دستگاه دوك	محصول نخ به‌بقچه
۱ـ کارخانهٔ صنیع‌الدواه تهران	۱۲۶۶	۱۶۴۲	۵۴۰۰۰
۲ـ کارخانهٔ وطن	۱۳۰۰	۱۰۰۰۰	—
۳ـ کلکته‌چی تبریز	۱۳۰۵	۶۳۰۰	۹۰۰
۴ـ برق فارس‌شیراز	۱۳۰۹	۶۰۰۰	۴۹۰۰
۵ـ نساجی شاهی	۱۳۰۹	۲۵۷۰۰	۸۵۰۰۰
۶ـ ریسباف ریسی‌سمنان	۱۳۱۱	۱۴۰۰۰	۸۵۰۰۰
۷ـ ریسباف اصفهان	۱۳۱۱	۱۰۸۴۸	۳۶۰۰۰۰
۸ـ ریسندگی رحیمزاده اصفهان	۱۳۱۲	۶۴۳۶	۶۰۰۰۰
۹ـ درخشان یزد	۱۳۱۲	۱۴۰۰	۱۴۰۰۰
۱۰ـ نخ‌ریسی اقبال یزد	۱۳۱۳	۷۰۰۰	۱۱۲۰۲۳
۱۱ـ پشمباف اصفهان	۱۳۱۴	۳۳۵۰	۳۰۰۰۰
۱۲ـ نختاب	۱۳۱۴	۴۹۴۸	۸۰۰۰
۱۳ـ صنایع‌پشم	«	۴۳۰۰	۷۵۰۰۰
۱۴ـ ریسندگی خراسان	۱۳۱۴	۱۸۸۰۰	۱۵۰۰۰۰
۱۵ـ زاینده روداصفهان	۱۳۱۴	۱۱۱۰۰	۴۲۰۰۰۰
۱۶ـ خنجی بندرعباس	۱۳۱۴	۵۰۰۰	–
۱۷ـ شهرضا اصفهان	۱۳۱۴	۵۴۰۰	۱۶۲۰۰۰
۱۸ـ هراتی یزد	۱۳۱۴	۲۲۴۰	۵۰۰۰۰
۱۹ـ کاشان	۱۳۱۴	۱۲۸۰۰	۱۱۲۰۰۰
۲۰ـ خورشیدکرمان	۱۳۱۵	۴۹۹۲	۱۰۵۰۰۰
۲۱ـ ریسباف قم	۱۳۱۶	۴۶۰۸	۳۵۰۰۰۰
۲۲ـ خسروی مشهد	۱۳۱۶	۱۰۱۲۰	۱۲۰۰۰۰
۲۳ـ اتحاد شهرضا	۱۳۱۷	۹۵۴۸	۹۵۰۰۰
۲۴ـ چیت‌سازی بهشهر	۱۳۱۷	۳۲۴۰۰	۱۵۰۰۰۰
۲۵ـ اعتمادیه بوشهر .	۱۳۱۷	۳۲۲۶	۹۰۰۰۰
۲۶ـ خلیج‌فارس شیراز	۱۳۱۷	۵۰۰۰	۱۵۰۰۰۰
۲۷ـ نوراصفهان	۱۳۲۳	۹۵۰۰	۳۵۰۰۰
۲۸ـ بوستان تبریز	۱۳۲۳	۲۲۵۰	۷۰۰۰۰

اسم ومحل کارخانه	سال تأسیس	تعداد دستگاه دوک	محصول نخ به بقچه
۲۹ـ ناهید اصفهان	۱۳۲۶	۵۰۴۰	۱۸۰۰۰۰
۳۰ـ برق نجف آباد	۱۳۲۶	۳۲۶۰۰	۱۵۰۰۰۰
۳۱ـ شهناز اصفهان	۱۳۲۹	۲۰۰۰۰	۳۲۰۰۰۰
۳۲ـ ری تهران	۱۳۳۰	۲۰۰۰۰	۳۶۰۰۰۰
۳۳ـ بافندگی جنوب‌تهران	۱۳۳۱	۱۰۰۰	۲۰۰۰۰۰
۳۴ـ پارچه‌باف شیراز	۱۳۳۱	۱۲۰۰۰	۳۶۰۰۰۰
۳۵ـ سیدمحمدآقا یزد	—	۳۹۰۰	۱۰۰۰۰۰
۲۶ـ نساجی فارس	۱۳۳۲	۵۴۰۰	۶۵۰۰۰
۳۷ـ کارون		۱۲۰۰۰	
۳۸ـ نساجان یزد	۱۳۳۴	۵۰۰۰	

کارخانجات بافندگی نخی کشور

نام ومحل	تأسیس	تعداددستگاه‌بافندگی	محصول‌پارچه
۱ـ نساجی شاهی	۱۳۰۹	۲۵۰	۳۰۶۰۰۰۰
۲ـ پارچه‌بافی تهران	۱۳۱۴	۳۳	۱۷۱۰۰۰
۳ـ زاینده‌رود اصفهان	۱۳۱۴	۱۵۰	۶۰۰۰۰۰۰
۴ـ شهرضا اصفهان	۱۳۱۴	۱۳۰	
۵ـ هراتی یزد	۱۳۱۴	۴۰	۵۰۰۰۰
۶ـ ریسندگی‌کاشان	۱۳۱۴	۶۰۰	۹۰۰۰۰۰۰
۷ـ خسروی مشهد	۱۳۱۶	۱۵۰	۲،۳۱۰۹۳۹
۸ـ چیت‌سازی بهشهر	۱۳۱۷	۱۲۰۰	۱۴۰۰۰۰۰۰
۹ـ اعتمادیه بوشهر	۱۳۱۷	۱۵۰	
۱۰ـ چیت‌سازی تهران	۱۳۱۸	۱۴۰۰	۱۸۰۰۰۰۰
۱۱ـ بوستان تبریز	۱۳۲۳	۲۵	
۱۲ـ بافندگی ری تهران	۱۳۳۰	۸۰۰	۲۴۰۰۰۰۰۰
۱۳ـ جمعیت‌شیروخورشیدتهران	۱۳۳۰		
۱۴ـ اصلانیانس تهران	۱۳۳۲		
۱۵ـ نساجی فارس شیراز	۱۳۳۳	۱۰۰	۱/۲۰۰،۰۰۰

کارخانجات بافندگی پشم

اسم ومحل کارخانه	تأسیس	تعداد دوک پشم	مقدار محصول
۱ـ بافندگی وطن اصفهان	۱۳۰۰	۵۳۲۰	۸۰۰۰۰۰ پارچه‌ویتو
۲ـ ریسباف «	۱۳۱۱	۵۴۰۰	۷۵۰۰۰۰ مترپارچه
۳ـ درخشان یزد	۱۳۱۲	۱۳۲۸	۵۰۰۰۰ مترپارچه
۴ـ صنایع‌پشم اصفهان	۱۳۱۴	۳۲۴۰	۶۶۰۰۰۰ «
۵ـ پشمباف	۱۳۱۴	۶۴۲۰	۶۰۰۰۰۰
۶ـ ریسمند تبریز	۱۳۱۵	۳۵۸۴	۷۷۹۰۰

کارخانه‌های سیمان ایران

۱ـ سیمان ری	به‌ظرفیت	۶۰۰	تن در روز
۲ـ سیمان تهران	«	۶۰۰	« «
۳ـ سیمان شمال	«	۴۰۰	« «
۴ـ سیمان لوشان(گیلان)	«	۳۰۰	« «
۵ـ سیمان اصفهان	«	۵۰۰	« «
۶ـ سیمان درود	«	۶۰۰	« «
۷ـ سیمان شیراز	«	۲۰۰	« «
۸ـ سیمان مشهد	«	۲۰۰	« «

کارخانهٔ کبریت سازی .

در ایران ۳۶ کارخانهٔ کبریت‌سازی تأسیس‌شده که محصولات آنها بالغ‌بر ۲۰ ملیون قوطی است .

مهمترین آنها کارخانهٔ کبریت‌سازی ممتاز در تبریز است .

کنسرو سازی .

کارخانه‌های کنسروسازی ، در چند نقطه‌تأسیس‌شده که‌علاوه‌بر‌تأمین‌احتیاجات داخلی، سالیانه‌مقداری به خارج ارسال میشود :

۱ـ کنسروسازی بندرپهلوی .

۲ـ کنسروسازی غازیان .

۳ـ کنسروسازی بابلسر .

چرم سازی .

چرم‌سازی‌ازقدیم‌درایران‌معمول‌بوده واولین‌کارخانهٔ‌آن درسال ۱۳۰۸ هجری شمسی‌در‌تبریز‌به‌نام‌چرم‌سازی‌ایران‌تأسیس گردید ،بعدها‌به‌تدریج‌کارخانه‌های چرم‌ـ سازی خسروی در تبریز و **کارخانهٔ ـ اردشیر یگانگی** درهمدان و چرم سازی **شرکت‌سهامی میشن** درتهران . **وچرم‌ـ سازی مشهد** . دایر شد . اکنون شمارهٔ این کارخانه‌ها به۱۰ میرسد .

کارخانهٔ شیشه وبلورسازی .

شیشه‌سازی‌از قدیم در ایران‌معمول بود و شیشه‌گرها ، ظروف شیشه‌ای را باوسایل‌دستی میساختند، درسالهای‌اخیر کارخانه‌هایی به‌سبك جدید برای ساختن شیشه وبلور تأسیس گردیده‌که مهمترین آنها **شرکت سهامی بلورسازی تهران و کارخانهٔ ماك و کارخانهٔ خورشید** است .

کارخانهٔ دخانیات .

در مغرب تهران تأسیس شده و به وسایل‌لازم و جدیدترین ماشینها مجهز است وازلحاظ قدرت تولید درخاورمیانه بی‌نظیراست، دراین‌کارخانه‌توتون‌سیگار، چپق ، تنباکو و سیگار برگ ونیکوتین تهیه میشود و قسمتی به خارج صادر میگردد . ظرفیت سالیانهٔ این‌کارخانه ۸ ملیارد سیگار است .

کارخانهٔ مقوا سازی .

دوکارخانهٔ مقواسازی درکرج دایر است‌که مقواهای نازك وضخیم وجعبه‌های مختلف میسازد و احتیاجات داخلی را تأمین میکند .

کارخانهٔ کاغذسازی .

از سال ۱۳۳۵ برای اولین بار ،

یك کارخانهٔ کاغذسازی در کهریزك نزدیك تهران احداث شد و ظرفیت روزانهٔ آن ۲۰ تن است .

صنایع غذایی .

مهمترین کارخانه‌های غذایی ایران عبارتند از :

۱ــ قندسازی . (دربخش اقتصاد کشاورزی) .
۲ــ چای سازی . (در بخش اقتصاد کشاورزی) ،
۳ــ برنج پاك کنی .
۴ــ آردسازی. (بزرگترین کارخانه متعلق به‌سیلوی تهران است .)
۵ــ تهیهٔ خشکبار .
۶ــ نوشابه‌ها. (مهمترین کارخانه‌های نوشابه‌سازی در تهران ، شیراز، همدان، قزوین ، اصفهان ، رضاییه و تبریز است)
۷ــ کالباس سازی .
۸ــ کنسروسازی .
۹ــ روغن نباتی .

صنایع شیمیایی

صنایع شیمیایی ایران هنوز در مراحل اولیه است و مهمترین کارخانه‌های شیمیایی ایران عبارتند از :

۱ــ کارخانهٔ کرئوزوت سازی، شیرگاه.
۲ــ کارخانهٔ گودرن، مشرق تهران.
۳ــ کارخانهٔ قیراندود، شیرگاه .
۴ــ سرم‌سازی رازی، حصارك کرج.
۵ ــ کارخانهٔ جوهر نمك سازی ، مشرق تهران .
۶ــ کارخانهٔ اسیدسولفوریك‌سازی ، پارچین تهران .
۷ــ کارخانهٔ اسید کلریدریك سازی، امامیهٔ تهران.
۸ــ کارخانهٔ گلیسرین وصابون‌سازی، ری .
۹ــ کارخانهٔ کربنات دوسود سازی، امین‌آباد جنوب تهران .
۱۰ــ لاستیك‌سازی ، تهران .
۱۱ــ پلاستیك سازی ، تهران .
۱۲ــ کارخانهٔ کود شیمیایی، فارس.
۱۳ــ سازمان پخش‌داروی سلطنتی، تهران .
۱۴ــ کارخانه‌های تولیدارو، تهران.

منابع معدنی ایران

کانهایی که در ایران به‌وسیلهٔ خود دولت یا شرکتهای ملی استخراج شده و میشود عبارتست از :

۱ــ نفت .
۲ــ زغال سنگ .
۳ــ آهن .
۴ــ مس .
۵ــ سرب .
۶ــ منگنز .
۸ــ طلا.
۸ــ نقره .
۹ــ گوگرد .
۱۰ــ پنبهٔ نسوز .
۱۱ــ خاك سرخ .
۱۲ــ خاك‌نسوز .
۱۳ــ نوشادر .
۱۴ــ زرنیخ .
۱۵ــ سنگ مرمر .
۱۶ــ سنگ گچ و آهك .
۱۷ــ کرومیت .
۱۸ــ زاج .
۱۹ــ نمك طعام .
۲۰ــ آنتیموان .
۲۱ــ فیروزه .

مراکز استخراج نفت ایران

۱ــ مسجد سلیمان ؛ دامنهٔ کوههای بختیاری .
۲ــ میدان نفتون ؛ مشرق‌شوشتر.
۳ــ لالی ؛ مشرق شوشتر .
۴ــ نفت‌سفید؛ مشرق‌مسجدسلیمان.
۵ــ هفتکل ؛ جنوب شرقی‌مسجد سلیمان .
۶ــ آغاجاری ؛ مشرق‌خوزستان .
۷ــ پازنان ؛ مغرب بهبهان .
۸ــ گچساران؛ جنوب‌شرقی بهبهان.
۹ــ اهواز .
۱۰ــ کرنج .
۱۱ــ بی‌بی‌حکیمه .
۱۲ــ خارك .
۱۳ــ نفت‌شاه ؛ کرمانشاه .
۱۴ــ قم .
۱۵ــ خوریان ؛ کویرخوریان .

مراکز استخراج زغال

۱ــ شمشك ؛ شمال شرقی تهران .
۲ــ گاجره؛ کوههای شمال‌شمشك.
۳ــ الیکا ؛ نور مازندران .
۴ــ گلندرود ؛ مشرق چالوس .
۵ــ زیراب ؛ جنوب شاهی .
۶ــ بادامویه ؛ شمال‌غربی کرمان.

مراکز استخراج آهن

۱ــ اطراف سمنان .
۲ــ شمس‌آباد ، اراك .
۳ــ اطراف گلپایگان .
۴ــ بهرآسمان، کرمان .
۵ــ خراسان .
۶ــ آذربایجان .
۷ــ گرگان .

مراکزاستخراج مس

۱ــ انارك، یزد.
۲ــ جیرفت در کرمان .
۳ــ اطراف زنجان .
۴ــ اطراف سبزوار .
۵ــ مسگرآباد، تهران .
۶ــ کاشان .
۷ــ گرگان .
۸ــ آذربایجان .

مراکزاستخراج سرب

۱ــ انارك ، یزد .
۲ــ گلپایگان .
۳ــ خانهٔ سرمه ، اصفهان .
۴ــ اسفندقهٔ کرمان .
۵ــ زنجان .
۶ــ اطراف تهران .
۷ــ مشهد .
۸ــ دامغان .

مراکز استخراج منگنز

۱ــ رباط‌کریم ، تهران .
۲ــ انارك ، یزد .
۳ــ طالقان .

مراکز استخراج نقره

۱ــ بیرجند .
۲ــ بلوچستان .

مراکز استخراج طلا

۱ــ زردکوه ، جنوب دامغان .
۲ــ گلوگاه ، مازندران .
۳ــ زرشوران ، زنجان .

مراکز استخراج گوگرد

۱ــ سمنان ؛ که احتیاجات اسلحه‌سازی ارتش را تأمین می‌کند .
۲ــ بندر بوشهر .
۳ــ بندر لنگه .
۴ــ کوه‌تفتان .

مراکزاستخراج پنبهٔ نسوز

۱ــ انارك ، یزد .
۲ــ کاشان .
۳ــ گلپایگان .
۴ــ مشهد .

مراکزاستخراج خاك سرخ

۱ــ جزیرهٔ هرمز .
۲ــ کاشان .

مراکزاستخراج خاك نسوز

۱ــ امین‌آباد ، تهران .

مراکزاستخراج سنگ مرمر

۱ــ یزد .

مراکز استخراج نمك طعام

۱ــ جزایرخلیج فارس .
۲ــ سواحل خلیج فارس .

مراکزاستخراج نوشادر

۱ــ کرمان .
۲ــ بلوچستان .

مراکزاستخراج کرومیت

۱ــ اسفندقهٔ کرمان .
۲ــ عباس‌آباد، شاهرود .

مراکزاستخراج زرنیخ

۱ــ قزوین .
۲ــ زنجان .

مراکزاستخراج فیروزه

۱ــمعدن نزدیك نیشابور. بهترین فیروزهٔ جهان .

کتب صنعت

ازماشین بخار تا قمر مصنوعی : (نشر اندیشه، تهران) ، هاینز گارتمان ترجمهٔ حسن منوچهری و احمد تمدن .
اصول خط‌کش‌محاسبه وروش بکاربردن آن : (نیل تهران) ، م.ه . شفیعیها .
الکتریسیتهٔ عمومی برای کارگاهها: (پیروز وفرانکلین، تهران) ؛ ا.و.دراگو و ب.س. پورتر ، ترجمهٔعلی‌اکبرنوشین.
تاریخ صنایع ایران ، باستانشناسی . کریستی ویلسن ، ترجمهٔ دکتر عبدالله فریار .
تاریخ‌صنایع ایران: دکترمهدی‌بهرامی.
ترانزیستور : (امیرکبیر ، تهران) ؛ اوغازی مقدم و عباس‌ایزدی .
توربا‌ماشینهای آبی: (دانشگاه‌تهران)، عزت‌الله مخاطب رفیعی .
حرارت مرکزی و تهویهٔ مطبوع : (دانشگاه تهران) ؛ علی‌اصغرشکریان.
راهنمای اصلاح وازدیاد صنایع‌ایران: رضاصدری .
راهنمای صنایع‌اسلامی: ترجمهٔ دکترــ عبدالله فریار .
روشنایی فنی : (دانشگاه تهران) ، محمد مظفر زنگنه .
ساختمان‌رادیوهای‌کوچك ترانزیستوری لامپی : مهدی فرزان .
سازمان آب وبرق‌کرج : (سازمان آبو برق کــرج تهران) ؛ سازمان برنامه ، ایران .
سازمان‌صنعتی واداره‌ٔ آن : لورنس‌تبل (و) هاری ا.ستامکن ، ترجمهٔ نصرت‌الله مجتبایی .
سیاست‌صنعتی: مهندس ناصر.م.انصاری.
سیم‌کشی داخلی ساختمان مسکونی : (پیروز و فرانکلین تهران) ، کنارد- گراهام .
سیمکشی علمی و عملی (محاسبات سیم کشی): (دانشگاه تهران) محمد مظفرــ زنگنه .
صنایع ایران بعد ازاسلام: زکی محمد حسن ، ترجمهٔ محمدعلی‌طهرانی خلیلی .
صنایع ایران بعد ازجنگ: مهندس‌علی زاهدی .
صنعت‌ازنظراجتماعات: احمدالله‌کریمی.
صنعت‌تعمیر رادیو لامپی‌و ترانزیستوری: (امیرکبیر،تهران) ؛ مهدی فرزان .
صنعت نفت ایران : (تهران) ؛ شرکت ملی نفت ایران .
کاغذ: (سازمان‌جنگلبانی‌ایران،تهران)؛ یحیی نظیری .
گیرندهٔ رادیو (لامپی، ترانزیستوری): (امیرکبیر تهران) ، مهدی فرزان .
لزوم پروگرام صنعتی : مهندس علی- زاهدی .
ماشینهای افزار : (دانشگاه تهران) ؛ کریم‌نیکو .
ماشینهای‌محاسبه: (ایرانــمك گروهیل، تهران) ؛ دونون.ا.جانسون و ویلیام .ا. ج گلن ، ترجمهٔ محمود پایافر ،
مجموعهٔ صنایع‌آلمان: سیف‌آزاد شیخ- عبدالرحمن .
مدیریت صنعتی : «تهرانــ دانشگاه» ، عزت‌الله مخاطب رفیعی .
مصالح صنعتی : (دانشگاه تهران) ، عباس مشایخی .
مکانیك اتومبیل: (امیرکبیر، تهران)؛ مهندس قدرت‌الله‌فردوس.
مکانیك اتومبیل : (پدیده و فرانکلین، تهران) کانس‌ری ، ترجمهٔ سیروس نبوی.
مکانیك مصور اتوموبیل برای همه : (پدیده، تهران)؛ فیلیس لادیمان،ترجمهٔ محسن رمضانی .
نظامی صنعتی‌وانسان صنعتی : «تهران بنگاه ترجمه و نشرکتاب » کلارك‌کار ، جان‌دنلوپ،فردریك‌هاربیسون،چارلزمیرز ترجمهٔ ابوالقاسم طاهری .
وارسی وآزمون سیمانها، ملاتهای‌آبی وبتونها : (دانشگاه تهران)؛مرتضی- قاسمی .
هیدرولیك‌عمومی: (ابوریحان،تهران)، عبدالله ریاضی .

علمای اقتصاد

ارهارد ، لودویك Frhard, L.
(متولد۱۸۹۷ م)

در شهر فورت (Furth) نزدیکی نورامبرگ (Nuremberg) به‌دنیاآمد ، فرزند یك



کشاورز بود که‌بعدها‌تغییر شغل داد و بــه تجارت پارچه اشتغال ورزید ، در سن۲۰سالگی به‌هنگام‌جنگ جهانی اول درپیر(Ypre) زخمی‌شد و در حالیکه بسیارضعیف بود نزد پدر بازگشت تا به وی در امر فروش پارچه‌کمك نماید ولی میل‌وعلاقهٔ به‌اقتصاد او را به‌سوی دانشگاه کشانید و بالاخره در دانشگاه فرانکفورت به تحصیل‌پرداخت ودکترای اقتصاددریافت نمود .

درسال۱۹۲۷ میلادی به‌سمت‌استاد انستیتوی‌مطالعات‌اقتصادی‌انتخاب گردیدو پس‌از شروع‌جنگ‌جهانی‌دوم، نازیها بسیار کوشش‌نمودندکه وی‌رابه‌صف دانشمندان طرفدار هیتلر بکشانند ، ولــی مــوفق نگردیدند . پس از فتح استالینگراد ، ارهاردمطمئن گردیدکه‌عمرحکومت‌هیتلر



روبرت اوون

رو به‌زوال است ، لذا طرحهایی برای اقتصاد آلمان پس‌از جنگ تنظیم نمود.

اکنون آنچه به‌نام معجزهٔ آلمان معروف است محصول اندیشه های تابناك ارهارد می‌باشد .

از : «دکترعلی‌الله همدانی»

استوارت میل ، جان Stuart Mill Jan
(۱۸۰۶–۱۸۷۳م)

صاحب کتاب اصول علم اقتصاد ، معتقد بود برای آسایش بشر بایدمحصول کار براساس عدالت تقسیم شود .

اسمیت ،آدام . Smith Adam
(۱۷۲۳ – ۱۷۹۰م)



لویی بلان



اقتصاددان معروف – اسکاتلندی . پس‌ازتحصیل در گلاسکو وآکسفورد به‌سال ۱۷۵۱ میلادی‌استاد منطق دانشگاه گلاسکوشد وسال‌بعد کرسی فلسفه‌رادرهمان‌دانشگاه‌اشغال کرد.

ازکتابهای اویکی «فرضیهٔ عواطف اخلاقی»ودیگر «تحقیق‌درطبیعت» و«علل ثروت‌ملل» است ازنظریات او، تقسیم‌کار ومولد بودن طبقات اجتماعی می‌باشد .



جان‌بودن

انگلس،فردریك . Engels.F.
(۱۸۲۰ – ۱۸۹۵م)

به‌فلاسفه مراجعه‌شود .

اوون ، روبرت. Owen. R.
(۱۷۷۱ – ۱۸۵۸م)

دهقان‌زاده‌ای ازمردم انگلیس‌بود که‌مدت زیادی از عمر خودرا درخدمت اربابان ثروت به‌کار و خدمت گذرانیده است. ولی‌سرانجام‌بامسافرتهای‌متعددی که به‌ایالات‌متحده کرد، ومطالعات‌عمیقی که شخصاً‌درکاراقتصاد داشت، بانی‌تحول اقتصادی وسیاسی کشورش‌شد .

باستیا، فردریك. Bastiat.F
(۱۸۰۱ – ۱۸۵۰م)



کنت پلگرینو رسی

صاحب نظراقتصاد سیاسی‌فرانسه – طرفدار آزادی‌مطلق اقتصادی، نظریات او درخصوص‌آزادی بازرگانی خارجی بسیارجالب توجه‌است . درخصوص‌مسایلی چون« نفع‌شخصی»،«رقابت» ومقام مصرف کننده دراقتصاد بابیانی بسیارشیوابحث کرده‌است .

ازآثار مهم‌وی«توهمات‌اقتصادی»و هماهنگی‌های اقتصادی را می‌توان نام برد .

بلان . لویی. Blanc L
(۱۸۱۱ – ۱۸۸۲م)

صاحب‌کتاب‌سازمان‌کارکه معتقدبود دولت باید درواحدهای تولیدی‌سرمایه‌گذاری کند .

اونظام اجتماعی جدیدی‌را ترویج کردکه‌مبنای آن‌روی این اصل قرار گرفته بود :

« ازهرکس به فراخور استعدادش بگیرید وبه‌هرکس‌طبق‌احتیاجش‌بدهید».

بودن ، جان . Bodin.J
(۱۵۳۰ – ۱۵۹۶م)

فیلسوف واقتصاددان بزرگ‌فرانسه پس‌ازآنکه به‌وکالت پارلمان فرانسه بر گزیده شد. ازفرانسوا لقب دوك دریافت کرد.

درواقع کارهای اقتصادی وسیاسی او از سال ۱۵۷۱ آغاز شد بیشتر فعالیتهای وی جنبهٔ‌تألیف وانتشارتئوریهای‌اقتصادی داشته‌است تألیفات اودربارهٔ‌حقوق‌سیاسی واقتصاد ازکتاب‌های مهم‌ومعروف‌جهان‌به شمار میآید .

اوبرای اولین‌بار اثرطلا و نقره‌را دراقتصاد مورد تجزیه وتحلیل قرارداده وکتابهایش‌شهرت جهانی دارند .

پارتو، ویلفردو Pareto — Vilfredo
(۱۸۴۸ – ۱۹۲۳م)

جامعه‌شناس و اقتصاددان ایتالیایی درسال ۱۹۰۹ «اصول‌علم اقتصاد» را به زبان فرانسه انتشارداد .

پارتو از انحصار انتقاد می‌نماید و آن‌را موجب ازبین‌بردن تعاون اقتصادی می‌داندومعتقد است که‌سیستم اقتصادآزاد مطلق وسیستم اقتصاد اشتراکی‌هردو غیر عادلانه بوده ومخالف طبیعت بشر می‌باشد .

پرودون ، پی‌یرژوزف. Proudhon.P
(۱۸۰۹ –۱۸۶۵م)

ازصاحب‌نظران‌فرانسوی، پیش‌قدم مکتب آنارشیسم ، طرفدار اعتلای مقام انسانی وکار ، و پایبند اخلاقیات بود . مالکیت‌رادزدی می‌پنداشت و می‌گفت: اساس نظام اجتماعی تعدیل‌مالکیت‌است، پول‌را یك‌اختراع مفید بشر می‌دانست ، و نیزپول‌را موجب بدبختی و تهی‌دستی معرفی‌میکرد . لذا معتقدبود ازاین‌عامل که دوجنبهٔ مثبت ومنفی دارد بایدازجهت صحیح آن استفاده کرد وبهترین‌راه را اعطای اعتبارات بانکی به‌صورت‌رایگان می‌دانست کتاب اوفلسفهٔ فقرنام داردکه آن‌را درسال ۱۸۴۸ میلادی‌منتشرنمود .

دارسی ، ویلیام‌فاکس .
D'arcy William Knox.

مردی استرالیایی‌که درسال ۱۳۱۹ ه ق.امتیاز نفت‌ایران‌را از دولت گرفت.

دارسی ابتدا امتیاز نفت‌تمام‌ایران رابه‌دست آورد،ولی‌بعداً‌بامخالفت روسها، دولت ایران نواحی آذربایجان ، گیلان ، مازندران ، گرگان وخراسان را منتزع ساخت . به‌موجب این امتیاز دارسی مبلغ ۲۰۰۰۰ لیره می‌بایست به دولت ایران بپردازد ومعادل‌همین مبلغ هم سهام‌به‌دولت اختصاص‌دهدوهمچنین‌از سود ویژهٔ خود سالانه۱۶٪ را به دولت بدهد .

مدت این امتیاز ازسال ۱۹۰۱ تا ۱۹۶۰ بود . به سبب اشکالاتی‌که برای سازمان‌دارسی پیش‌آمد ، ناگزیرگردید که اختیارات خودرا به‌کمپانی نفت‌برمه که شرکتی انگلیسی بود ، واگذارکند.

دورکیم ، امیل.
(۱۸۵۸ – ۱۹۱۷م)

ازفلاسفه و جامعه‌شناسان فرانسوی است‌که ارزش انسان‌را داشتن اخلاق و درجهٔ تربیت اومیداند .

مهمترین اثراو«تقسیم‌کار اجتماعی» است .

راکفلر ، جان‌داویسن. Rochefeller
(۱۸۳۹ – ۱۹۳۷م)

صنعتگر آمریکایی، مؤسس شرکت استاندارد اویل (۱۸۷۲م) و موجد مؤسساتی برای توسعهٔ معارف‌بشری .

رسی ، پلگرنیو (کنت)
Rossi Pellegrino,Conte
(۱۷۸۷ – ۱۸۴۸م)

سیاستمدار و عالم‌اقتصاد ایتالیایی که به‌تابعیت‌فرانسه درآمد ووزیر**پی‌نهم** بود .

رویتر ، پاول ، ژولیوس Reuter P.J
(قرن۱۹و۲۰م)

از اتباع انگلیس بود که امتیاز

تأسیس بانك شاهنشاهی ایران و کلیهٔ معادن ایران به‌غیر از فلزات و سنگ‌های گرانبها را از ناصرالدین‌شاه گرفت .
بعد امتیاز نشر اسکناس‌را هم از دولت گرفت ولی امتیاز معادنی‌را که گرفته بود لغو گردید .

ریکاردو Ricardo
(۱۷۷۲ _ ۱۸۲۳م)



صاحب کتاب اصول علم اقتصاد و مالیات است وعقیده داشت سطح دستمزدها باید در حدود قیمت حداقل معاش لازم برای زندگی تعیین گردد.

ژید ، شارل . Gide Ch
(۱۸۴۷ _ ۱۹۳۲م)



عالم اقتصادی فرانسوی آثار مهمی در رشته اقتصادسیاسی تصنیف واز **اصل تعاون** دفاع کرده ونقش بزرگی درنهضت ایجاد شرکتهای تعاونی داشته است .

سای ، ژان‌باتیست . Say J.B.
(۱۷۶۷_ ۱۸۳۲م)



صاحب کتاب دورهٔ کامل اصول اقتصاد، در شهر لیون متولد شد و عقیده داشت که مقام صنعت ازسایر رشته‌های اقتصادی بالاتر جای دارد .

سن‌سیمون Saint Simon
(۱۷۶۰ _ ۱۸۲۵م)

ازپایه‌گذاران سوسیالیسم فرانسوی می‌باشد. وی طرفدار حفظ شخصیت فردی بود نابرابری‌را دراجتماعات امری‌طبیعی‌می‌دانست. می‌گفت هر کس به‌قدر فعالیت‌خود باید ازمزایای اجتماع بهره‌مند شود . سن‌سیمون وپیروان او طرفدار مالکیت وسایل تولید به‌وسیلهٔ دولت بودند .
سن‌سیمون معتقد بود که بشر در طول تاریخ گاهی باتضاد منافع‌وزمانی با تعاون اجتماعی مواجه‌بوده‌است و تضاد منافع موجب آشوب ، وتعاون اجتماعی سبب ترقی و تعالی وهدایت گردیده،او می‌گوید در وهلهٔ آخر تحولات جامعه به جهتی میرود که‌مولدین ثروت وصاحبان صنایع طبقهٔ ممتازهٔ‌جامعه به‌حساب بیایند او**پیشنهاد**میکند که نفع‌جامعه اقتضا میکند که این طبقه حکومت را در دست بگیرند .

فورد ، هنری Ford . H
(۱۸۶۳ _ ۱۹۴۷م)

پدرش ویلیام فورد کفاش ایرلندی بود ، که به‌ایالات متحده روی آورد .



هنری یکی‌ازمشهورترین سرمایه داران ایالات متحدهٔ آمریکا است که تحصیلاتش در رشتهٔ **مکانیک** بوده ، در ۱۸۷۹ رسماً مشغول‌کارشد ودر ۱۸۸۲ به‌یك تعمیرگاه ماشین‌های کشاورزی‌واردشد، پس از آنکه شرکت‌تجارتی او توفیقی نیافت ازسال ۱۸۹۳ به‌ساختن قطعات یدکی‌اتومبیل‌پرداخت‌وبالاخره موتوری ساخت که موقع‌کارکردن به‌کمك آب سرد می‌شد .

فوریه ، شارل . Fourrier. Ch

ازجنبه‌های خشن‌کار انتقاد می‌کند ومعتقد است که کار باید دل‌انگیز باشد هم او معتقدبود که باید اجتماعات‌تعاونی به‌وجود بیاید .

کسنای، فرانسوا . Quesnay,F
(۱۶۹۴ _ ۱۷۷۴م)

پزشك و اقتصاددان بزرگ فرانسه پسر یکی از وکلای پارلمان پاریس‌بود. بدواً دررشتهٔ‌پزشکی موفقیت‌های بزرگی کسب‌کرد به‌طوریکه رئیس‌بخش جراحی بزرگی دریکی از بیمارستانهای پاریس شد . ودر سال ۱۷۳۰ کتابی در زمینهٔ تجربیات ومشاهدات خودمنتشر کرد که‌در آن بخشی به‌اقتصاداختصاص داشت ودر سال۱۷۳۶ کتابی به‌نام «تجربهٔ‌عمل‌روی اقتصاد حیوانی» منتشر کرد . در سال بعد به عضویت آکادمی جراحی پذیرفته شد . در سال ۱۷۵۲ پادشاه در آپارتمان‌خوددرقصر **ورسای** کلیه‌اقتصاددانهاوسیاسیون‌را جمع‌کرد که «کسنای» نیز بابزرگان‌دیگر اقتصاد افتخارحضور داشت وبه مناسبت مباحثات اقتصادی‌که پیش آمد نام‌کسنای در همه جا مشهور **شد** .


سن‌سیمون

کلارك ، جان موریس . Clarke J.M
(۱۸۸۴ _ ۱۹۵۸م)

از اقتصاددانان آمریکایی و استاد دانشگاه‌کلمبیا،معتقد بود که حالت‌طبیعی اقتصادی عدم تعادل و جنبش است نه حالت تعادل و سکون‌که **والراس** بیان میکرد . کلارك هزینه‌های تولید را دو قسمت می‌نماید .
۱ـ هزینهٔ ثابت .
۲ـ هزینهٔ متغیر ودر ضمن اثرات هزینهٔ تولید را در سطح قیمت‌ها بیان **می‌کند** .


فرانسوا کسنای

کینس ، جان مانیارد ، بارون‌اول
Keynes,J.M.
(۱۸۸۳ _ ۱۹۴۶م)

از اقتصاددانهای بزرگ انگلیس است ، تحصیلات خودرا زیرنظر**مارشال** درکمبریج انگلیس گذراند سپس دوسال دورهٔ‌اختصاصی‌دید ، اولین‌کتاب‌اومربوط به‌اقتصاد هند است که‌درسال۱۹۱۳ منتشر شد ، بعدبه‌سمت‌استادی دانشگاه‌کمبریج انتخاب گردید .
در جنگ‌جهانی اول مدتی توقیف بود ودر این مدت به‌کارهای سیاسی نیز توجه فراوان پیدا کرد وانتقادهایی که‌از اقتصادانگلستان می‌نمود باعث‌دردسری می‌شد.درسال ۱۹۴۲ به‌لقب لردی مفتخر گردید، کنفرانسهای‌متعددی‌که درمجامع عمومی میداد طرحهای ویرا به‌دولت و ملت انگلستان معرفی‌کرده است .


جان مانیارد کینس

لوپله ، فردریك . Leplay . F
(۱۸۰۶ _ ۱۸۸۲م)



صاحب کتاب‌های : سازمان‌کار و کار گران اروپایی . لوپله مهندس معدن بود واعتقاد داشت که باید اخلاقیات همگام توسعهٔ اقتصادی پیش‌برودوروش اورامنوگرافی گویند .



فردریك لیست

لیست ، فردریك . List, F .
(۱۷۸۹ – ۱۸۴۶م)

اقتصاددان آلمانی صاحب‌کتاب و روش اقتصاد ملی ، معتقد بودکه جوامع برای تحول ملی ازمراحل‌زیرمی‌گذرند: توحش ، شبانی ، کشاورزی و صنعتی و بالاخره‌اقتصاد جامع‌که‌شامل‌کشاورزی و صنعتی وبازرگانی است .

ژرمن مارتن ، لویی
Germain,Martin,L.
(۱۸۷۲ – ۱۹۴۸م)



عالـم اقتصادی و سیاستمدار فرانسوی ، آگروژهٔ حقوق شد و مدتها استادحقوق **دانشگاه‌دیژون** (Dijeon)ومونت پلیه وپاریس‌بود،اغلب جزء جناح‌چپ تشکیلات دولتی بودویك دفعه‌هم‌وزیر‌بست گردید(۱۹۳۰م)وکتاب تاریخ اقتصاد فرانسهٔ او شهرت جهانی دارد .



کارل مارکس

مارشال ، آلفرد . Marshall.A
(۱۸۴۲ – ۱۹۲۴م)

صاحب‌کتاب ، اصول‌علم اقتصاد و مؤسس‌کتب رفاه انسانی است . نظریهٔاو دربارهٔ مسألهٔ قیمت‌جالب توجه است .

مارکس ، کارل ، هنریخ. Marx
به‌فلاسفه مراجعه شود .

مالتوس ، توماس روبرت .
Malthus,T .
(۱۷۶۶ – ۱۸۳۴م)



ازعلمای مکتب کلاسیك اقتصاد است که ازافزایش نفوس‌نگران بـود ، و افـزایش محصولات غذایی‌راکافی نمی‌دانست .

مور.

واضع‌رابطهٔ بین‌پول وقیمت‌ومؤسس مکتب اکونومتریس که اساس‌آن تلفیق ریاضیات وآمارهای اقتصادی است .

والراس ، لئون. ماری .
Walras, L . M.
(۱۸۳۴ – ۱۹۱۰م)

صاحب‌کتاب معروف: «مبانی علم اقتصاد محض» ، نظریهٔ پول، مطالعات اقتصاد اجتماعی‌ومطالعات اقتصادتجربی می‌باشد .

وی مؤسس مکتب اقتصاد ریاضـی است .

وایت ، دوپن . White Dupont

صاحب‌کتاب ، **فردودولت** ، با وجودیکه به‌آزادی واصالت‌فرد به‌دیدهٔ احترام می‌نگرد ، لزوم‌دخالت دولت را جهت رفاه اجتماعی لازم می‌داند .

ویلرمه ،دکتر.

طبیبی‌که وضع‌کار وزندگی‌کارگران را مطالعه‌کرد وبه‌دولت پیشنهاد تعطیل اجباری‌را برای‌کارگران داد .

وبلن Veblen
(۱۸۸۷ – ۱۹۴۳م)

بنیان گزار مکتب مؤسساتی . از اقتصاد دانان‌آمریکا . عقیده داشت کـه یك‌فرد اقتصاددان باید مسائل اقتصادی را بدون‌دخالت نظرات ومعتقدات‌شخصی مورد مطالعه‌قرار بدهد . وی از نظریهٔ «نفع شخصی» که توسط‌کلاسیك‌ها عنوان شده‌انتقادمینماید.

اساتیدصنعت‌دانشگاه

اربابی ، مهندس. استاد روسازی‌راه‌آهن دانشکدهٔ فنی.

اعتصامی ، مهندس محمد امین . دبیر عملیات‌نقشه‌برداری دانشکدهٔفنی .

اعلم ، مهندس عبدالمجید. استادبرآورد– ساختمان.ساختمانهای‌فلزی‌وپلهای‌سنگین دانشکدهٔفنی .

افروزیان ، مهندس‌حبیب . دبیر مکانیك عملیات الکتریسیتهٔ دانشکدهٔ فنی.

بابلویان، مهندس‌خاجیك . دبیربرآورد و نقشه‌برداری دانشکدهٔ هنرهای زیبا .

بهنیا ؛ مهندس ابوالحسن. استاد زیر– سازی راه ، کار های دریایی دانشکدهٔ فنی .

جلالی ، مهندس‌هوشنگ . دبیر اجزاء ماشین دانشکدهٔ فنی .

جفرودی ، مهندس کاظم . استاد . طرق عمومی ساختمان ،کارهای آبی‌دانشکدهٔ فنی .

حامی ، مهندس احمد . استاد مصالح ساختمان – روسازی‌راه دانشکدهٔ فنی .

خلیلی، مهندس عبدالحسین. استاد بتن– سازی، سد سازی ، ساختمانهای چوبی ، دانشکدهٔ فنی.

خویی ، مهندس خلیل . دبیر عملیات نقشه‌برداری ، مقاومت مصالح دانشکدهٔ فنی .

زاهدی، احمد . دبیرعملیات نقشه‌برداری دانشکدهٔفنی .

شمس ملك آرا ، مهندس ایرج . استاد نقشه برداری ، ساختمان و راه سازی دانشکدهٔ فنی .

شمسی ، دکترحسن.دانشیار فیزیك،نقل انرژی‌دانشکدهٔ فنی .

گوهریان،مهندس ابوطالب. استادمقاومت مصالح دانشکدهٔفنی .

قزوینیان ، مهندس علاء الدین . استاد ساختمان‌ماشینهای حرارتی وصنایع‌مکانیك دانشکدهٔ فنی .

گنجه‌ای، مهندس‌رضا . استادماشین‌سازی دانشکدهٔفنی .

محمدی ، مهندس‌عباس. دانشیار مقاومت مصالح دانشکدهٔ فنی.

مرشد زاده ، دکتر رحمت الله . استاد الکتریسیتهٔ‌صنعتی،اندازه گیری‌الکتریك وتلگراف‌دانشکدهٔفنی .

مشایخی ، مهندس عباس . استاد مصالح صنعتی دانشکدهٔ فنی .

مشیری، مهندس‌محمدعلی.استادالکترو– تکنیك دانشکدهٔفنی .

مظفری ، زنگنه . مهندس محمد. استاد الکتریسیتهٔ دانشکدهٔ فنی.



سیاست

گذشتهٔ دور

افلاطون و سیاست .

تعلیمات افلاطون درآکادمی بیشتر مصروف به‌مسائل سیاسی یعنی سیاست و اخلاق بوده ، واین دو موضوعی است که پیوستگی بسیار نزدیك بایکدیگر داشته وخواهد داشت .

افلاطون‌سه‌اثرمربوط به‌سیاست‌دارد، ولی رویهمرفته این سه‌رساله‌مقدارزیادی از نوشته‌هـای افلاطون را در بردارد . افکار سیاسی دوران متوسط عمر وی در کتاب «جمهوریت» بیان شده ؛ پس ازآن بعضی از افکار سیاسی او به‌صورت دقیقتر در کتاب « سیاستمدار » آمده است ؛ و کتاب طولانی «قوانین » را افلاطون در اواخرعمرخودنوشته‌است . کتاب«قوانین» بـرای تطبیق عملی احلام و آرزوهای سیاسی وی باضعف بشری تألیف شده، در اینکتاب مقدار فـراوانی مـواد مربوط به‌تنظیم اشکال مختلف زندگی عمومی و خصوصی جمع‌آوری شده و به‌همین جهت آن کتاب در قانونگزاری «هلنیستی» و «رومی» تأثیر فراوان‌کرده است . پیش از افلاطون‌کسی به‌فلسفهٔ قـانون توجـه نداشته، وبنابراین افلاطون را بایدبانی و مؤسس فن قانونگزاری و فقه دانست.

جمهوریتی کـه افلاطون بـه‌عنوان نمونهٔ عالی انتخاب‌کرده بسیارکوچك و از آتن هم کوچکتر است . ساکنان این کشور به‌سه‌دسته‌تقسیم‌میشوند؛ فرمانداران سربازان یاپاسبانان و باقی مردم . باقی مردم لااقل ۸۰درصد جمعیت را تشکیل میداده است در کتاب «جمهوریت» این سه‌طبقه‌به‌سه‌روحی‌که بربدن‌آدمی‌حکومت دارد مقایسه شده است : عقل و روح و شهوت .

درکتاب «سیاستمدار» فرمانروایان کشور را به‌چوپانان تشبیه‌کرده است‌که رعایت حال مردم به‌دست ایشان است .

سیاست و ارسطو .

میگویند : ارسطو کتاب «سیاست » خود رابنابرملاحظات زیست‌شناسی‌نوشته ولی‌آنچه درآن شك‌نیست اینستکه چنین ملاحظاتی به‌فکر ارسطو مدد میرسانیده است .

درآنجا که‌از انواع مختلف‌حکومت سخن میراند ، انواع مختلف حیوانات‌را مورد مقایسه قرار میدهد ، هـرحیوان مرکب از اعضای‌گوناگون است؛ اعضای مختلف یـا ترکیبات مختلف این اعضاء طبیعتاً، انواع‌مختلف را به‌وجودمیآورد. به‌همین‌ترتیب هراجتماع‌از فرمانبرداری متقابل چندین نوع انسان ساخته شده‌که وظایف مختلفی مانندکشاورزی و صنعت وبازرگانی وسربازی و قضاوت وعضویت شوری و نظایرآنها را دارند .

ارسطوتنهانخستین‌کسی‌است که‌حکومت را باوجودانسان وپیکرسیاسی رابا‌پیکر آدمی مقایسه کرده بلکه همانگونه کـه علمای طبیعی در زمینهٔ عمل خود تحقیق میکنند ، وی نیز در بارهٔ سیاست چنین کرده است. وی دربارهٔ نزدیك به‌دویست حکومت موجود در یونـان نیز مقایسه به‌عمل آورده که متأسفانه از این تاریخ سازمانهای حکومت بیش ازیکی به‌دست مانرسیده ، منتهی آن یکی‌ازهمه مهمتر است .

ارسطو تنها به‌این بس نکرده است که سازمان دولتی آتن را همانگونه که در زمان وی بوده شرح دهد بلکه‌تاریخ تحول وتکامل این‌سازمان را از زمانهای گذشته تا زمان خود توضیح داده است .

کتاب‌اول «سیاست» ارسطو دربارهٔ‌تعریف و ساختمان دولت وحکومت بحث‌میکند: «دولت آفریده‌یی طبیعی ، وانسان طبعاً جانوری سیاسی است».

درکتاب سوم‌از اهل‌کشور وفضیلت مدنی و جسم مدنی و طبقه‌بندی سازمانها و انواع حکومت مانند : دموکراسی و حکومت مطلقه و شاهی و اشکال مختلف استبداد سخن میراند .

در کتاب چهارم از تغییرات اشکال برجستهٔ سازمانهای حکومت وازبهترین نوع حکومت به‌طور کلی یادر اوضاع و احوال خاص واینکه چگونه‌بایدحکومت مشروطه طرح ریزی می‌شود (قوای‌مقننه و قضاییه و اجراییه) بحث میکند. کتاب پنجم مخصوص است به‌بیان انقلابهاوعلل اساسی‌آنها . کتاب ششم اصول تشکیلات دموکراسی وحکومت مطلقه درکتاب‌هفتم ازخبر اساسی از لحاظ افراد و دولت. ودرکتاب‌هشتم بحث دربارهٔ تعلیم‌وتربیت ادامه پیدا میکند واز موسیقی و ورزش بدنی سخن به‌میان میآید .

مفهوم کلمهٔ سیاست ، باتوجه به‌ریشهٔ لغوی آن .

لغت سیاست ، معادل‌کلمهٔ فرانسوی (Politque)است که‌ازکلمهٔ یونانی پولیس (Polis) به‌معنی‌شهروکلمهٔلاتین‌پولیتیکوس (Politicus)شده وبرحسب‌اینکه‌le حرف تعریف‌مفرد مذکریاحرف‌تعریف la مفرد مؤنث‌جلوآن‌به‌کاربرده‌شود مفهوم خاصی دارد .

LaPolitique به‌معنی رشته‌ای است که باامرحکومت‌واجتماع‌ودولت ارتباط دارد و le Poltique به‌مفهوم مردسیاسی است .

سیاست‌بنا به‌تعریف لیتره (Littre)

امیل‌لیتره‌لغت شناس‌شهیرفرانسوی طرفدار مکتب فلسفهٔ تحققی بود . و فرهنگ او برای جامعه‌شناسان ومحققان علوم سیاسی و دانشهای دیگر گنجینهٔ گرانبهایی است . به‌عقیدهٔ او سیاست‌علم حکومت دول است . لیتـره سیاست را علم میداند و موضوع دانش سیاست و جامعه‌شناسی‌ازنظر اومطالعهٔ امرحکومت براجتماع و دولت است .

این‌تعریف‌بامفهوم‌این‌کلمه‌درمحاورهٔ عادی امروز بیشتر تطبیق دارد . وحتی

برخی از اساتید مانند پروفسور **مارسل پرلو** (Marcel Prélot) سیاست راعلم‌شناسایی یك دولت‌یا تمام تشکیلات‌دولت میدانند.

تعریف سیاست از فرهنگ روبر

طبق‌تعریف‌روبر (Robert) «سیاست هنرو پراتیك حکومت اجتماعات‌انسانی است» تعریف ربر بررسی قدرت سیاسی کلیهٔ‌جوامع بشری وحتی اجتماعات‌بدوی را نیزشامل میشود.

اقتدار سیاسی پیش ازپیدایش‌دولت پدیدآمده و در همه اجتماعات از کلان تاقبیله و از جامعهٔ روستایی تا اجتماع شهری و از جوامع ورزشی و هنری تا بتکده ومیخانه اقتدار سیاسی وجوددارد و در این اجتماعات دسته‌ای فرمانروا و عده‌ای فرمانبر هستند ولی ممکن است در این جوامع دولت وجود نداشته باشد.

پیدایش دولت مرحلهٔ تکامل یافتهٔ زندگی اجتماعی است در حالی‌که درهر مرحله ولومقدماتی وبدوی و درهردرجه تمدن حتی شبانی و روستایی دسته‌ای فرمانروا، وعده‌ای فرمانبر هستندوقدرت سیاسی مصداق دارد.

سیاست ازنظر ژان‌ژاك شوالیه

پروفسورژان‌ژاك‌شوالیه‌استاددانشگاه پاریس، به‌این‌نکته استناد میکند که‌کلمهٔ پولیتیك (la Politique) مشتق ازکلمهٔ یونانی‌پولیس (Polis) به‌معنی‌شهرمیباشدو بنابراین‌طبق‌تعریف‌این‌استادتاریخ‌عقاید سیاسی علم‌سیاست باپیدایش جامعهٔ‌شهری دوران‌پراهمیت‌حیات‌خویش‌راآغازکرده است.

عقیدهٔ منو

طبق نظریهٔ پروفسور منو سیاست دانش‌مربوط به‌عوامل قدرت سیاسی‌است. این تعریف به تعریفی که فرهنگ روبر از سیاست میکند نزدیکتر است و علم سیاست به‌عنوان دانش بررسی عوامل گوناگون که در پیدایش قدرت سیاسی اثردارند شناخته میشود.

بنابراین موضوع علم سیاست‌ازنظر پروفسور منو تنها بحث در عناصر تشکیل دهندهٔ دولت یا روابط قوای گوناگون مملکت و دولت در جامعهٔ شهری نیست بلکه پدیده های مختلفی‌که در پیدایش قدرت سیاسی تأثیر دارند و درصحنهٔ نبرد سیاسی اجتماعات مختلف مؤثرند موضوع بحث علم سیاست است. بنابراین باتوجه به‌تعریف منو باید به دو نکته متوجه بود:

۱ــ موضوع علم سیاست محدود به جوامع خاصی و دوران معینی از زندگی بشر نیست.

۲ــ روش تحقیق در مسائل سیاسی و عواملی‌که درصحنهٔ نبرد سیاسی‌مؤثرند باید مبتنی‌براصول مربوط به‌علم‌جمعیت، عوامل‌جغرافیایی، ایده‌ئولوژی‌ها، پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و روانشناسی و سایرعلل اجتماعی باشد و کلیهٔ عواملی که در قدرت سیاسی مؤثرند مورد بررسی قرارگیرند.

نظریهٔ مارسل پرلو

طبق‌نظرپروفسور مارسل پرلواستاد جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه پاریس به کیفیت زیرتعیین نموده است:

۱ ــ سیاست علم شناسایی یك دولت.

۲ــ سیاست علم‌شناسایی‌کلیهٔ‌تشکیلات دولت.

پرلو بین علم سیاست وجامعه‌شناسی سیاسی قابل به‌ارتباط تام است‌ومیگوید: علم‌سیاست‌عناصر مختلف دولت رامطالعه میکند وجامعه‌شناسی سیاسی‌عوامل‌مربوط به‌این عناصررا بررسی مینماید.

سیاست ازنظر موریس دوورژه

طبق تعریف فرهنگ لغت آکادمی فرانسه که مورد استناد آقای دوورژه است:

«سیاست شناسایی اموری است‌که با هنرحکومت یك مملکت ارتباط دارد و نیز باادارهٔ روابط این کشور با ممالك دیگر مربوط است» با توجه به این تعریف:

«سیاست شامل مسائل داخلی‌مربوط به‌دولت و همچنین ناظر بر امور خارجی مملکت است» به‌عقیدهٔ پروفسوردوورژهٔ نباید بین علم سیاست و جامعه شناسی سیاسی تفکیك قایل شد. این دو علم دارای‌موضوع واحدی‌هستند ودواصطلاح معادل میباشند.

پروفسوردو **ورژه**درمقام‌حفظ‌عقیدهٔ خویش در مورد وحدت جامعه شناسی سیاسی وعلم سیاست اصرار فراوان دارد که در تقسیم‌بندی علوم مختلف اجتماعی چند دسته را ازهم تفکیك میکند:

۱ــ دانش هایی مانند جغرافیای انسانی و دموگرافی که اساساً ساخت خارجی گروههای اجتماعی آنهارا مورد مطالعه قرار میدهند و در این مورد دو ورژه معتقد است‌که دراین‌تقسیم‌بندی باید مورفولوژی را به معنی وسیع کلمه پذیرفت.

۲ــ سوسیولوژی های اختصاصی، مانندعلم سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی حقوق، جامعه شناسی مذهبی، جامعه ــ شناسی هنر ....

۳ــ رشته‌های جامعه‌شناسی‌کلی‌شامل رشته‌هایی مانند جامعه شناسی گروههای بدوی وواسطهٔ گروههای محلی‌ــ‌قوم‌شناسی جامعه‌شناسی عمومی.

بااین کیفیت دو ورژه وحدت علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی راحتی در تقسیم‌بندی علوم اجتماعی می‌پذیردواین امر در هریك از تعریف ها و نظریات پروفسور دو ورژه منعکس است.

دولت و حکومت از نظر پروفسور دو ورژه از دید جامعه شناسی سیاسی تعریف شده و در تألیف ها و آثار این استاد اعتقاد اوبه‌اصول نوین روش‌تحقیق در علم سیاست و جامعه شناسی سیاسی انعکاس دارد.

تعریف ژان‌دابن از سیاست

به‌عقیدهٔ ژان‌دابن «سیاست‌علم‌دولت است».

این تعریف‌را برخی از نویسندگان مورد انتقاد قرار داده وگفته‌اند دولت یك پدیدهٔ زودگذر و قابل تغییر است و علم نباید مبتنی برامری زودگذر باشد و شاید«حکومت‌جوامع یاعناوین‌دیگری برای تعریف علم سیاست رساتر باشد. دراین مورد استدلال میکنندکه در همین صدسال اخیر از نیمهٔ دوم قرن نوزدهم تاکنون چه دولت‌ها که مضمحل شده و چه دولت های نوینی‌که پدید آمده‌اند.

تعریف «ماکس‌وبر» ازسیاست.

«سیاست‌برای‌ماصعود به‌سوی‌شرکت در قدرت سیاسی یاداشتن نفوذ درتقسیم آن، خواه بین دول و خواه در داخل‌یك دولت، بین‌گروههای انسانی است».

تعریف ژرژ ژلنیك

طبق نظریه ژرژ ژلنیك : اصطلاح علم‌سیاست شامل مجموع‌دانشهای‌مربوط به‌دولت است» .

تعریف ژرژودل

بنابه تعریفی که ژرژودل رئیس و استاد دانشکدهٔ حقوق پاریس از سیاست میکند :

«اگر بتوان به اختصار علم سیاست راتعریف‌کرد باید گفت علم قدرت است موضوع‌آن پدیده‌های مربوط‌به‌فرمانروایی است‌که در جامعه‌ای‌ظاهر میگردند.»

نظریهٔ لئون دوگی

لئون دوگی حقوقدان فرانسه کـه کتـاب حقوق اساسی او از مهمترین تألیفات مربوط‌به‌حقوق اساسی‌قرن‌حاضر فرانسه است، دربارهٔ تعریف قدرت‌سیاسی معتقد است کـه قدرت سیاسی از تفکیك فرمانروایان وفرمانبران ایجاد میشود.

در هرگروه اجتماعی از یك‌طرف کسانی هستندکه فرمان میدهند واجتماع رارهبری میکنند و ازطرف دیگرگروه دیگری هستندکه فرمانبر میباشند و از فرمانروایان پیروی میکنند .

کلمهٔ قدرت درعین حال مبین گروه فرمانروایان و وظایف مربوط به‌اجرای حکومت است . بااین‌کیفیت علم‌سیاست، علم‌فرمانروایان‌ورؤساورهبران‌جامعه‌است وموضوع مطالعهٔ‌آن‌منشاء قدرت‌امتیازات قلمرو و اساس تبعیت از فرمانروایان است .

قدرت سیاسی نباید باپدیدهٔ‌مشابهی که برتری یا تسلط نامیده میشود اشتباه گردد . زیرا با قدرت سیاسی دو تفاوت دارد :

۱ــ برتری امری مادی است ، در صورتی‌که قدرت یك‌پدیدهٔ ایمانی‌ومعنوی است . قدرت مورد قبول قرار گرفته و چنانچه مورد قبول نباشد آنرا نامشروع معرفی‌میکنند وعلیه‌صاحب‌قدرت‌اعتراض وقیام مینمایند . همچنین دارندهٔ قدرت چنانچه از حد عادی خویش تجاوز کند به‌طرق گوناگون‌اعتراض‌میشودولی‌برتری را ناچار بیشتر تحمل میکنندو تشکیلات ووسایلی که‌برای قیام برضدصاحب‌قدرت سیاسی وجود دارد مشابه وسایلی که در اختیار ستمدیده بـرتری فـردی است نیست .

۲ــ قدرت سیاسی متشکل و دارای سازمان و نظمی است ، ولی برتری فرد برفردی دیگر دارای تشکیلات نیست . قدرت سیاسی مبنـای سازمـان دولت و حکومت است‌که رهبری‌جامعه رابرعهده میگیرد ، ولی‌برتری به‌آن نظم وترتیب دستگـاه حکومت نیست .

نظریهٔ بوریکو

به‌عقیدهٔ‌بوریکو «در سیاست سلسله مراتبی وجوددارد وسلسله مراتب‌سیاسی به معنی خاص کلمه،تنها مورد توجه یك گروه اجتماعی نیست . هرسازمان‌سیاسی نیاز به‌چندگروه‌داردکه تابع‌نظم‌مشترکی می‌باشند » . این تئوری بـه علم سیاست مفهوم عامی میدهد و مطالعهٔ‌علوم سیاسی را منحصر به‌مسائل دولت نمی‌سازد، بلکه آنرا شامل‌گروههای گوناگون اجتماعی مینماید .

نظریهٔ پروفسور رمون آرن

به‌عقیدهٔ‌پروفسوررمون‌آرن‌کلمهٔ‌فرانسوی پولیتیك (la Politique) معادل دوکلمهٔ انگلیسی Policy و Politics میباشد .

مفهوم‌کلمهٔ Policy نظر ، برنامه‌یا عمل سیاسی است و کلمهٔ Politics مبین صحنهٔ سیاست است .

یك فرد ، یـایك سازمان ، یا یك حزب ، یاگروه اجتماعی ضمن نطق یـا مقاله یااساسنامه یابرنامه‌ای نظر خودرا عنوان‌میکند ولی این Policy باید در صحنهٔ سیاست تجلی کند و بـه‌این طریق میتوان‌گفت که‌صحنهٔ سیاست مکانی است که‌اشخاص‌یادسته‌ها بانظرات‌وبرنامه‌های مختلف سیاسی درمیدان نبردسیاسی باهم روبرو میشوند ومورد موافقت یامخالفت قرار میگیرند و در امور جامعه‌ومملکت تأثیر می‌بخشند و بـه حکم قانون تنازع بقاء یامدتی مدید در صحنهٔ سیاست باقی میمانندویاشکست میخورند وطردمیشوند.

این‌دومعنی‌کلمهٔ سیاست هرچنداز‌هم مجزا هستند لکن در حقیقت لازم و ملزوم یکدیگرند .

اگر سیاست به‌معنی برنامه واقدام سیاسی بابرنامه‌های سیاسی دیگـر ، در صحنهٔ سیاست برخورد و رقـابت نکند مفهوم اساسی خویش‌را ازدست خواهـد داد . همچنین فلسفهٔ وجود صحنه سیاست ایجاب می‌کندکه دراین‌صحنه برنامه‌های سیاسی‌مختلف‌ونظرات وهدف‌های‌اجتماعی گوناگون بایکدیـگر رقابـت ومبارزه کنند ، زیرا صحنهٔ سیاست‌جـز برائـر رقابت ومبارزهٔ سیاسی ایجاد نمی‌شود ، اما درمیان‌این‌رقابت‌هاامکان برخی هم‌ــ گامی‌ها نیز وجـود دارد و در پـاره‌ای موارد ازاصــول کلی بین افـراد لازم می‌شود .

در هر جامعه افراد بـاید بدانند چه‌کسانی برآن‌ها حکومت‌میکنند؛

نحوهٔ انتخاب آنان چگونه است ؟ وبچه کیفیت اقتدار سیاسی اعمال‌واجرا می‌گردد؟ وافراد تحت سلطهٔ هرحکومت باید رژیم سیاسی کشور خویش‌رابشناسند وتا مادامی‌که‌افراد یك‌کشور از قوانین اساسی‌رژیم‌خویش اطلاع وشناسایی‌نداشته باشندموکراسی درآن مملکت مفهومی نخواهدداشت .

شناسایی ودرك مسایل سیاسی لازمهٔ سیاست است وپروفسور رمون‌آرن ایـن ارتباط را درتعریف علم‌سیاست هم بیان می‌کند ومیگوید :

«مطالعهٔ روابطمربوط به‌قدرت‌میان افراد وگروهها و بررسی سلسله مراتبی که‌قدرت‌سیاسی درداخل جوامع گوناگون و متعدد ایجاد می‌کند علم سیاست‌است.»

نظریهٔ برتراندوژوونل

به‌نظربرتراندوژوونل «معانی‌کلمهٔ سیاست به‌حدی‌مختلف ومتضادندکه بهتر است درموارد خاص‌بنا به‌تصمیم شخصی ، معنی معینی برای ایـن کلمه انتخاب کنیم.»

سیاست به‌معنی عام وسیاست به معنی خاص

الف ــ سیاست به‌معنی‌عام . سیاست به‌معنی عام مبین‌مجموع امـور جامعه و نحوهٔ تعاون وهمبستگی افراد در داخل اجتماع می‌باشد ، سیاست به‌معنی عام‌این است‌که اگردولت یافرد بگوید فرهنگ مملکت باید طبق‌آخرین سیستم آموزش وپرورش‌با توجه به‌مقتضیات خاص‌کشور اصلاح شود ، سیاست فرهنگی دولت یا فرد تشریح‌شده ، همچنین اگـر کشوری برای صنعتی ساختن خویش کوشش نماید سیاست‌آن‌کشوردرامرخاص‌معلوم گردیده است .

می‌گویند سیاست اقتصادی دولت انگلستان : سیاست خارجی یا داخلی

دولت آمریکا ، سیاست کشاورزی شوروی یاسیاست ژنرال دوگل درباب مدارس خصوصی فرانسه ، درهمهٔ این موارد سیاست به معنی عام استعمال شده است .

ب ـ سیاست به معنی خاص سیاست به معنی اخص، رشتهٔ خاصی ازاموراجتماع است که چگونگی حکومت‌ها و کیفیت اجرای قدرت را تعیین می کند . دراین بخش اززندگی اجتماعی حکومت کنندگان اقدام وعمل می‌نمایند . معهذا این رشته تمام روابط افرادبشررادراجتماع تعیین نمیکنند افراد در مساجد ، کلیساها ، محل کار و در خانواده روابطی دارندکه بوسیلهٔ سیاست به مفهوم خاص در این گونه موارد تعیین تکلیف نشده است .

مبارزهٔ احزاب ودستجات سیاسی ، نحوهٔ کارپارلمان ، سیستم حکومت کشور مسئلهٔ انتخابات، موضوع انتصاب وزیران یا متصدیان دیگر امور ، روابط قوای ثلاثهٔ مملکت ، درزمرهٔ مسائلی است که در قلمرو سیاست به معنی خاص قرار میگیرند .

سیاست به معنی خاص، یك رشته ازامور زندگی اجتماعی است و به عبارت دیگر رشته‌ای مربوط به جزیی از کل امورجامعه می‌باشد . دراستعمال کلمهٔ سیاست به معنی خاص رشتهٔ سیاست مانند قضاوت واقتصاد یا رشته‌ای مشابه دیگر بخشی از امور اجتماعی است که تحول آن درجوامع گوناگون انسانی به‌چشم می‌خورد .

حکمفرمایان تنها براحزاب یا پارلمان حکومت نمیکنند . بلکه می‌توانند دربارهٔ کلیهٔ شئون زندگی جامعه تصمیماتی اتخاذ کنند و به‌عبارت دیگر بین سیاست به معنی خاص وسیاست به معنی عام ارتباط وجود دارد . مثلاً ارتباط بین سیاست به معنی برنامهٔ عمل، باسیاست به معنی صحنهٔ سیاست دراین است که صحنهٔ سیاست محل برخورد برنامه‌ها واقدامات مختلف سیاسی است . رابطهٔ سیاست به معنی امرسیاسی ، و علم سیاست ، ناشی از اینست که شناسایی امور سیاسی جزء لاینفك امر سیاسی است . وهمچنین بین سیاست به مفهوم رشته‌ای ازاموراجتماع و سیاست مفهوم ادارهٔ مجموع امور جامعه ارتباط وجود دارد به‌دلیل اینکه سیاست به معنی خاص بر کل امور جامعه تأثیر نافذ دارد .

بنابراین سیاست به معنی خاص و سیاست به معنی عام در هرجامعه‌ای در یکدیگر نفوذ وتأثیردارند واین تأثیر و تأثر ناشی ازارتباطی است که بین آن‌ها وجود دارد .

«جامعه‌شناسی سیاسی ، دکتررضا علومی»

انواع حکومت

آبسولوتیزم Absolutisme

آبسولوتیزم که معادل فارسی آن «حکومت مطلقه» است شکل حکومتی است که درآن قدرت عالیه به طور کامل دراختیاریك فرمانروا (امپراطور، پادشاه تزار) متمرکز است .

حکومت مطلقه آخرین و آشکار ـ ترین دیکتاتوری طبقات فئودال واشراف می‌باشد . اشرافیت در مراحل انحطاط به‌منظور سرکوبی جنبش توده‌ها وتحکیم سیادت خودگرد مرکز قدرت جمع می‌شود .

درغالب کشورها پیدایش یك دستگاه متمرکز بوروکراتیك ، وضع مالیاتهای دایمی ثابت وارتش دایمی اجیرازخطوط مشخصهٔ دستگاه دولتی درشرایط حکومت مطلقه بشمار میرود .

در اروپا حکومت مطلقه در دوران تجزیهٔ فئودالیزم وپیدایش مناسبات سرمایه‌داری به‌حکومت سلطنتی اعتدالی مبدل شد . بورژوازی نوپدید آمدکه به ایجاد حکومت متمرکز علاقمند بود دراوایل، حکومت مطلقه را موردحمایت قرار می‌داد ولی آبسولوتیزم سرانجام در اثر انقلاب بورژوایی ازمیان رفت .

اتوکراسی.

نام سیستم حکومتی است که در آن کلیهٔ قدرت‌ها عملا دردست زمامدار قرار گرفته است. فرق این اصطلاح بااصطلاح اتوریتاریانیسم این است که در اتوکراسی تنها یك نفر مالك قدرت نامحدودوسیاسی است که ازمنبع خارجی مانندملت یا غیر آن ناشی نشده و بیشتر اطلاق برپادشاه می‌شود. امادر اتوریتاریانیسم ممکن است قدرت دردست یك پیشوا باشد یا چند دیکتاتور . الیگارشی ، ابسولوتیسم و اتوریتاریانیسم ازاین حیث مشترك اندکه هردوهم شامل شاه وهم دیکتاتور و پیشوا میگردد .

اریستوکراسی.

اریستوکراسی یاحکومت اشرافی نام سیستم حکومتی است که درآن قدرت و نظارت دراختیارعده‌ای ازطبقهٔ حاکمه است که مقام سیاسی آنهاممکن است براساس قدرت اقتصادی یعنی تمول وثروت یاقدرت نظامی ویا موقعیت اجتماعی یاروحانی، یاسن یا تربیت خاص باشد ولی این اصطلاح بیشتر به‌حکومت اشراف اطلاق می گردد . طبقهٔ حاکمهٔ چنان حکومت را اریستوکرات اصطلاح کنند .

اتوریتاریانیسم .

نام سیستم حکومتی که درآن آزادی فردی تحت الشعاع قدرت دولت قرار گرفته وقدرت دردست یك گروه معدود و کوچك متمرکز باشد .

استعمار .

سلطهٔ حکومتی یك دولت بیگانه بر یك کشور ، استعمار نامیده می‌شود .

استعمار ازقرون ۱۵ و۱۶ به‌سبب تراکم سرمایه در چندکشور اروپایی به وجود آمد و به ویژه پس ازکشفیات جغرافیایی این عصر گسترش یافت . در این دوران سیاست استعمار با تسلط اروپاییان درتجارت بین شرق و غرب و همچنین استعمار توأم باکشتار بومیان مشخص میشود .

دردوران اولیه ، مستعمره بازار مصرف عمدهٔ کالاهای خارجی ومنبع مواد خام برای صنایع سرمایه‌داری این کشورها است . این سیستم در پایان قرن نوزدهم به‌اوج رسید و سراسرجهان پهنهٔ سیاست استعماری سرمایه‌داری کشورهای پیش‌رفته شد وتقسیم نواحی کرهٔ ارض به پایان رسید .

پس ازاین دوران سیستم امپریالیستی استعمار به‌وجود می‌آید که کشورهای مستعمره ، نیمه‌مستعمره و وابسته را در برمی گیرد . سیستم «تحت الحمایگی» و «قیمومت» شقوق تکمیل کنندهٔ سیستم کلی استعمار امپریالیستی هستند . در این

دوران کشورهای مستعمره ، نیمه‌مستعمره و وابسته منطقهٔ صدور سرمایه ، ورود زایدهٔ موادخام کشاورزی کشور امپریالیستی منطقهٔ نفوذ اقتصادی انحصارهای امپریالیستی وسرانجام منطقهٔ استراتژیك می‌باشند . این سیستم، تکامل اقتصادی این کشورها را تحت نظارت می‌گیرد . وآنرا ازرشد مستقل بازمیدارد .

پس ازجنگ جهانی دوم سیستم استعمار امپریالیستی به‌ویژه دراثر پیدایش یك عدهٔ کشورهای سوسیالیستی دچار بحران می‌شود، جنبش استقلال طلبانهٔ مستعمرات اوج می‌گیرد و یك سلسله کشور های آسیایی واروپایی ازقیدسیستم استعماری آزاد می‌شوند ، ولی دستگاه‌های استعماری میکوشند تااین کشورهارا در بندهای اقتصادی نگاه دارند .

درجامعهٔ کنونی استعمار از طریق ایجاد جامعه‌هاوفدراسیون‌ها سلطهٔ سیاسی خودرا حفظمیکنند وتحت عناوینی مانند **کمك و همکاری و امنیت متقابل و پیمانهای نظامی** عمل میکنند .

کشوری که کمك دریافت میکند ناچار است مخارج نظامی خودرا به‌شدت افزایش دهد وقسمتی از منابع خودرا نیز صرف خرید اسلحه از کشور استعماری کند . اشکالات اقتصادی که از این طریق برای کشورعقب مانده به‌وجود می‌آیدعواملی است که به دوام سلطهٔ کشور استعماری کمك مینماید .

الیگارشی.

رژیم حکومتی که به‌وسیلهٔ چند نفر معدود اداره‌شود وکمیتهٔ قدرت حکومت دردست آن‌چندنفر متمرکز می‌باشد .

بالشویسم .

نام نوعی خاص‌یا مکتبی از مکاتب مارکسیسم است که به وسیلهٔ گروهی از انقلابیون‌روسیه‌در کشور اتحادجماهیر‌ شوروی تأسیس گردید. دیگر ازمکتب‌های مارکسیسم مکتب های سوسیال دمکرات و مکتب های جدید مارکسیسم است که باید بین آنها و بالشویسم‌فرق گذاشت . طبق فلسفهٔ بالشویسم ، پرولتاریا یاطبقهٔ کارگر باید به وسیلهٔ دستجات محلی که تابع انضباط شدید وتحت اختیار مرکز باشند هرچه زودتر قدرت سیاسی‌را به دست آورد و نباید طبق فرضیهٔ‌مارکس منتظرشود تاسیستم کاپیتالیست‌خودبه خود ضعیف وخسته‌شده وفسادآن آغاز گردد. اختلاف‌شدید بین‌مارکسیست‌های معتدل روسیه و دستهٔ رادیکالی **لنین** در سال **۱۹۰۳** درکنگرهٔ حزب سوسیال دمکرات‌روسیه‌به‌وقوع‌پیوست وافراطیون یارادیکالهادر کمیتهٔ‌مرکزی اکثریت‌پیدا کردند واین‌امر منتج به ظهور اصطلاح بالشویکی‌شد (یعنی‌متعلق به‌اکثریت)در برابر کمونیستهای‌معتدل‌موسوم به‌منشویکی (یعنی‌متعلق به‌اقلیت).

حزب بالشویك در نوامبر **۱۹۱۷** رژیم معتدل کرنسکی را برانداخته‌دولت اتحاد جماهیرشوروی‌را بانی گشتند.این گروه‌در**۱۹۱۸** نام‌خودرا حزب کمونیست گذاشت که تنها حزبی است که در روسیهٔ شوروی وجود دارد وعنوان‌دیکتاتوری‌ـ پرولتاریارا نیزگرفته ، ابتدا کارگران وسپس به‌تدریج دهقان‌را بـه‌خود ملحق نمود عدهٔ کثیری ازحزب منشویك نیزدر خلال انقلاب بلشویك وپس‌ازآن ، بـه اکثریت ملحق شده به حزب کمونیست پیوستند .

پارلمانتاریسم.

پارلمانتاریسم یا سیستم پارلمانی ، عبارت ازسیستم حکومتی است که درآن قوهٔ مجریه در اعمال خود مسئول قـوهٔ مقننه یعنی‌پارلمان‌می‌باشد . دراین‌سیستم رئیس‌قوهٔ مجریه مـانند نخست وزیر و وزرای وی‌یاعضو پارلمان میباشند و یا منتخب اکثریت آراء پارلمان می‌باشندو منتخب ودرهرزمان‌که پارلمان ازهیئت دولت یعنی‌رؤسای مجریـه سلب اعتماد کرد رییس‌قوهٔ مجریه‌یاباید استعفاء دهد ویا آنکه ازرییس‌کشور (شاه یا رییس‌ـ جمهور) انحلال پارلمان را تقاضا کند واجازه‌دهدکه مردم پارلمان جـدیـدی انتخاب نمایند و پارلمان ثانی‌نیز نظر اعتماد یـا عدم اعتماد خودرا به دولت اعلام دارد.

هرگاه در این مرتبهٔ ثـانـی نیز پارلمان‌رأی عدم اعتماد به‌دولت‌داد‌رییس دولت بـاید فوری‌استعفاء دهد و دولت ساقط است ودراین‌صورت رییس‌کشور از اکثریت‌پارلمان‌می‌خواهدکه دولت‌جدید را تشکیل‌دهدویا شخصی‌را برای‌تشکیل کابینهٔ جدید معرفی نماید .

درسیستم پارلمانـی معمولاً اعضاء کابینه هرکدام می‌توانند با ابتکار خـود قانون نوشته با تصویب‌کابینه به‌پارلمان پیشنهاد کنند ، بریتانیا دومینیون‌هـای انگـلیس و اکثـر کشـور های دموکراسی‌اروپا وعده‌ای‌ازکشورهـای آمریکای‌جنوبی این سیستم را معـمول می‌دارند. اما درکشورهای‌متحده‌آمریکا، رئیس‌جمهوری خود رییس **قوهٔ مجریـه** شناخته‌شده و مقننه نمی‌توانند بـا وجود عدم رضایت ازاعمال رییس‌جمهوری‌اورا عزل نماید،مگرآنکه اورا متهم به نقض قانون اساسی نموده و اتهام را اثبات نماید .

سوسیالیسم Socialisme

سوسیالیسم یك‌نظریهٔ‌اجتماعی ویك نظام اجتماعی است .

سوسیالیسم‌به‌عنوان‌یك‌نظریهٔ‌اجتماعی درآغاز جنبهٔ تخیلی‌داشت‌وسپس‌دردوران اعتلای سرمایه‌داری صورت علمی‌یافت . سوسیالیسم علمی برتحلیل قوانین تکامل جامعهٔ انسانی و پایه‌هـای واقعی ایـن قوانین مبتنی است . این علم تضادهای موجود درجامعه وطرق استفادهٔ از آن تضادهارا نشان می‌دهد وطبقات زجرـ کشیده‌رابرای استقرار نظام تازه‌هدایت می‌کند . سوسیالیسم علمی می‌آموزد که رژیم‌های برده‌داری، ملکداری‌وسرمایه‌ـ داری درطول تاریخ‌بشر جانشین‌یکدیگر شده‌اند . این تغییر تصادفی نبوده و بر اساس‌قوانین عینی‌صورت گرفته است .این تغییرشکل جاودانه است وبراساس‌تکامل ابزارتولیدتکامل‌صورت می‌گیرد . به‌این معنی‌که چون ابزار تولید تکامل یـافت شرایطضروری‌برای‌تغییر روابطاقتصادی وبالنتیجه نظام اجتماعی پدیدار میشود. نظام سرمایه‌داری‌خوددراثر تکامل‌ابزار تولید به‌وجودآمده وهمین‌تکامل ابـزار تولیدخودسبب ازمیان‌رفتن سرمایه‌داری وپیدایش‌سوسیالیسم میگردد .

نیروهای‌تولید درمرحله‌ای‌ازتکامل خودباشکل سرمایه‌داری ناسازگاری‌پیدا می‌کند، به‌این‌معنی‌که‌کاربرد ابزار تولید صورت اجتماعی می‌یابد . و حال آنکه مالکیت این ابزار جنبهٔ خصوصی دارد، وبنابراین نظام سرمایه‌داری باید جای خودرا به‌نظامی بدهدکه مالکیت ابزار تولید درآن همگانی باشد . واین‌نظام سوسیالیسم‌است. طبیعی است‌که این‌تغییر

خود به‌خود صورت نمیگیرد .

«مانیفست» که ایده های اساسی سوسیالیسم علمی در آن مندرج است از آن‌جاکه تاریخ جامعه‌را تاریخ مبارزات طبقاتی آن‌جامعه می‌داند معتقد است که سوسیالیسم جزبامبارزهٔ طبقاتی نمیتوانند ازطریق دیگری تحقق یابد واین‌مبارزه جدالی‌است که زحمتکشان به‌ضدسرمایه‌داری وبه منظور در هم شکستن اشکال بورژوازی‌استفاده ازنیروهای مولده‌دست به‌آن می‌زنند تابتوانند شرایط استفادهٔ اجتماعی‌ازنیروهای‌مولده‌را مستقرسازند زیرا زحمتکشان تنهاطبقهٔ انقلابی‌هستند که از نظر تاریخی این وظیفه بر عهدهٔ آنان‌گذاشته شده است جدال به خاطر استقرار سوسیالیسم باید زیرلوای حزب طبقاتی کارگران انجام‌گیرد وقبل ازهمه سازمان مدنی سرمایه‌داری را درهم می‌شکنند وبه‌این‌ترتیب دیده می‌شودکه یك عامل‌ارادی‌مشخص‌یعنی‌جنبش‌سوسیالیستی وازطریق مشخص یعنی ازطریق‌درهم‌شکستن نظام مدنی‌سرمایه‌داری‌ومناسبات اقتصادی آن می‌توان سوسیالیسم‌را برقرار ساخت .

سوسیالیسم‌به‌عنوان‌یك‌نظام‌اجتماعی، سازمان اجتماعی ، اقتصادی است که جانشین تاریخی سرمایه‌داری می‌شود و درآن مالکیت خصوصی ابزار تولید از میان رفته مالکیت اشتراکی به ابزار تولیدبرقرارشده ، توزیع محصول‌برعهدهٔ اجتماعی‌که درکاروتولید سهیمند انجام میگیرد . و استثمار انسان ازانسان یك سره منسوخ گردیده‌است .

در شرایط‌سوسیالیزم چون‌سطح‌رشد نیروهای‌تولید به‌مرحلهٔ‌کامل‌نرسیده‌هنوز اصل«ازهرکس‌به‌اندازهٔ استعدادش وبه هرکس به‌قدرکارش» مسلط است و طبق مرحلهٔ مقدماتی‌کمونیزم‌است درآن اصل فوق جاریست .

در سوسیالیزم اقتصاد و طبق نقشه صورت می‌گیرد ، احتیاجات فرهنگی و بهداشتی عموم اعضای‌جامعه تأمین‌می‌گردد و معیشت روزهای پیری تضمین می‌شود ، نابرابری زن و مرد از میان می‌رودوچون استثمارمنسوخ شده‌جنگهای استعماری‌وملی و هرگونه جنگ‌دیگری نیز منسوخ می‌شود . سوسیالیزم همچنان مداخله درسیاست ، تولید وفرهنگ را عمومی‌می کند .

نظام‌سوسیالیستی‌با نظامهای‌اجتماعی گذشته از ریشه تفاوت دارد؛زیرانظام‌های گذشته همیشه یك شکل مالکیت خصوصی‌را جانشین شکل خصوصی‌دیگر مالکیت واستثمار می‌کردند و حال‌آنکه سوسیالیسم اساساً مالکیت خصوصی را بروسایل تولید و استثمار را ازمیان‌برمی‌دارد استقرار سوسیالیسم تنها با دیکتاتوری پرولتاریاودراتحادپرولتاریا با دهقانان میسر است و تنها با همین وسیله است‌که می‌توان پایه‌های‌کمونیسم را بنا نهاد .

سوسیالیسم تخیلی

Socialisme Utopique

سوسیالیسم‌اوتوپیك(تخیلی)تعالیمی است دربارهٔ جامعهٔ ایده‌آلی که براساس ثروت اشتراکی ، کاراجباری ، ومساوات در دریافت‌محصولات تنظیم شده. اصطلاح «اوتوپیك» ازنام‌کتاب «اوتوپیا» تألیف **توماس‌مور** گرفته‌شده‌است.

سوسیالیزم تخیلی بیان آرزوی اجتماعی دهقانان و زحمتکشان شهری دردوران فئودالیزم‌واوایل سرمایه‌داری می‌باشد.در شرایطی به‌وجود آمدکه‌هنوز طبقهٔ کارگرنیرومندی وجود نداشت .

این‌مکتب اجتماعی تغییرجامعه را برمبنای آرزو واندرز قرار داده بود و عوامل وقوانین تحولات اجتماعی را در نظرنمیگرفت وبه‌همین‌سبب تخیلی‌نامیده شد .

این‌گونه سوسیالیست‌ها ازقرن ۱۵ تا۱۸ در سراسر اروپا پیدا شدند که برجسته‌ترازهمه؛**گوسکا**درچك**مونستر**در آلمان ، **توماس مورو** و **نیستنلی** در **انکلستان** ، **کامپانلا** درایتالیا ، **مابلی** و **مورلی** و **بابوف** درفرانسه را میتوان‌نام برد .

مهمترین‌اوتوپیست‌های‌قرن‌نوزدهم؛ **فوریه** و**سن‌سیمون** درفرانسه و **اوون**در انگلستان بودند که در ضمن انتقاد از سرمایه‌داری‌درجستجوی‌وسایل‌مسالمت‌آمیزی بودندکه آرمان‌های خود را در چهارچوب همان اجتماع تحقق بخشند . اینان درحالی‌که مبارزهٔ طبقاتی را نفی می‌کردند،امید داشتندکه طبقات حاکمه را به‌شرکت وهمکاری درتحقق طرحهای خود متقاعد سازند . در روسیه‌نیز بعضی اوتوپیست‌ها مانند**گرتسن** ، **بلینسکی** و **چرنیشفسکی**، وجودداشتندکه انتقال به سوسیالیسم‌را ازطریق‌کمون‌های دهقانی امکان‌پذیر میدانستند ونیروی انقلابی کارگران را به‌حساب نمی‌آوردند .

فاشیسم .

این‌رژیم درفاصلهٔ جنگ‌جهانی، به طورناگهانی وبی‌مقدمه به‌ظهور رسید ، مرام آن‌مرکب ازمرام ناسیونالیسم و بسط وتقویت آن‌که ازنظریهٔ **هگل** گرفته شد، مرام سوسیالیسم مأخوذه ازنظریهٔ **مارکس** وسوسیالیست‌های انگلیس وزور وشدت عمل‌رااز**ماکیاولی** وسندیکالیسم را از**ژرژسورل** واز نظریات **آلفردو‌روکلو** درنفی دموکراسی ولیبرالیسم و از نظریات **هوستون‌استوارت چمبرلن** درپذیرش عقیدهٔ برتری نژادی وقهرمان پرستی را ازتوماس **کارلایل** گرفتند .

بانیان این سیستم **موسولینی** در ایتالیا و **هیتلر** درآلمان‌بوده است .

اساس مرام فاشیسم‌را در۱۰ بخش میتوان خلاصه‌کرد :

۱ـ دیکتاتوری.
۲ـضدلیبرالیسم‌وضدپارلمانتاریسم.
۳ـ سیستم‌یك‌حزبی .
۴ ـ وحدت حزب .
۵ـ حفظ قدرت‌باخونریزی‌وتصفیه‌های مکرر .
۶ـ تلقین فرهنگی به‌تمام جمعیت کشور .
۷ـ دولتی‌کردن حیات‌اجتماعی .
۸ـمحدودکردن‌افکاربه‌ایده‌ئولوژی حزبی .
۹ـ سر سپردگی افراد به‌حزب.
۱۰ـ تقسیم‌ملت‌ها و دولت‌ها به‌دو دستهٔ غالب ومغلوب.

فئودالیسم.

یك نظام اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی است .که درآن ملاکان بزرگ ارضی از دسترنج روستاییان بی‌زمین معیشت‌می‌کنندوبرآنان فرمان میرانند، دراین نظام اجتماعی طبقات‌اصلی جامعهٔ زمین‌داران بزرگ(فئودال) و دهقانان سرف هستند .

فئودال‌ها طبقهٔ‌حاکم‌را تشکیل‌می‌دهند وقدرت‌سیاسی دست‌آنها است .

نظام فئودالی با خصوصیات نسبتاً متفاوت تقریباً درسراسرجهان‌وجودداشته وبه‌تناسب اوضاع‌واحوال تاریخی‌درهرجا رنگی خاص‌به‌خودگرفته .

دراروپای قرون‌وسطی زمین به وسیلهٔ سرف‌کشت می‌شد وزمین و سرف هردوملك ارباب‌بود. ارباب‌ها که **واسال** نامیده می‌شدند.در قبال این مالکیت موظف‌بود برای ارباب بزرگتریاسینیور سرباز تهیه‌کند وخدمات دیگری انجام بدهد،درابتدا این‌مالکیت‌مخصوص‌واسال‌ها بود وبعدموروثی‌گردید .

در نظام فئودالی سرف‌ها به‌طورعمده به‌نفع‌طبقهٔ حاکم‌کار می‌کنند.هرخانوادهٔ دهقانی زمین‌مزروعی و خانه‌ای خاص خود دارد،اما حق‌ندارد ازارباب جدا شود وباید هفته‌ای چندروز در زمین مخصوص ارباب کارکند ومایحتاج‌ارباب را فراهم‌آورد ودهقان سرف موظف بود ازعایدات‌مخصوص‌خود«منال» وسیورسات بدهد؛یعنی:غلات ، مرغ ، غاز، تخم‌مرغ، ماهی ، قماش وچهارپا وروغن به‌ارباب پیشکش بدهد . وچون مناسبات کالایی پولی به‌وجود آمد ، دهقان سرف موظف بود عوارض نقدی نیز به‌ارباب‌بپردازد.

در این شرایط اجتماعی مایحتاج زمین‌دار بزرگ‌ودهقان تماماً در چهار دیواری املاك فراهم‌می‌شود و اربابان و رعایا برای‌خرید و رفع احتیاجات‌اولیهٔ زندگی‌نیازی به‌بازار ندارند وفقط‌گاه‌گاه‌سینیورها اشیاء تجملی ازبازرگانان خریداری می‌نمایند . در نظام فئودالی (اقتصاد طبیعی) فرمانروایی می‌کند،به این‌معنی‌که هرواحد اقتصادی با وسایل موجود مایحتاج خودرا فراهم می‌سازد و تقریباً چیزی در آن خرید و فروش نمی‌شود .

نظام فئودالی در مقایسهٔ با نظام بردگی‌گامی به‌جلو محسوب می‌شود. در اینجادیگر فئودال ، مانند برده‌دارکه بردهٔ خودرا می‌کشت اختیار جان سرف را ندارد وفقط می‌تواند اورا با زمین بفروشدسرف‌ازخود خانه‌وزندگی‌وعلایقی داردکه بنده فاقد آن‌بود ولی‌به‌هر حال بهره‌کشی ازسرف ازلحاظ‌شدت وخشونت تقریباً مانند استعمار غلامان دربردگی بود .

در دوران‌فئودالیسم مبارزهٔ طبقاتی میان‌فئودالهای استثمار کننده وسرفهای استثمار شونده خط اصلی حیات‌اجتماعی راتشکیل می‌دهد . این‌مبارزه به‌صورت جنگهای‌خونین دهقانی درتاریخ ظهور کرده وثبت شده است .

فئودالیسم دراروپا باتکامل نیروهای مولده‌وپیدایش‌وگسترش‌مناسبات‌سرمایه‌داری بعضی خصایل خود را ازدست‌داد وتضعیف شد. سرانجام انقلاب‌بورژوازی ۱۹۷۸ فرانسه ضربت خردکننده براین نظام اجتماعی‌وارد آورد وآنرا متلاشی ساخت .

کمونیسم.

سیستم‌حکومتی‌مبتنی‌برعقایدمارکس وانگلس‌که پس‌از اعلامیهٔ کمونیست‌های جهان در ۱۸۴۸ برای رسیدن بدان کوشش‌فراوان‌شد. هدف‌کمونیست‌ها الغای مالکیت‌اراضی وبرقراری سیستم‌مالکیت دسته‌جمعی‌زمین‌وکارخانه‌ها وسایرثروتهای ملی است .

مارکس‌عقیده‌داشت‌که‌چنین‌حکومتی بایستی پس از انقلاب کارگری در تمام جهان به‌وجودآید .

امالنین‌بعدها باطرح امکان‌برقراری رژیم مزبور در یك کشور در عقیدهٔ او تجدیدنظرکرد .

کندومینیوم .

حکومت مشترك دویاچند قدرت بر یك‌سرزمین مانندحکومت‌مشترك انگلیس و مصردر سودان تاپیش ازاستقلال‌سودان و حکومت مشترك انگلیس و آمریکا و فرانسه‌در برلن باختری‌بعدازجنگ‌دوم.

کورپوراتیف .

دولت کور پوراتیف نام سیستمی حکومتی‌است براساس‌نمایندگی،براساس تقسیم جمعیت به‌صاحبان مشاغل‌وحرفه‌های مختلف‌به‌نام‌کورپوراسیونهاوانتخاب هیئت حاکمه از طرف آنها از میان نمایندگان خود ؛ این‌روش را موسولینی در نظرداشت در ایتالیا اجرا کند ولی عملی‌نشد .

ماندات .

نام سیستم قیمومت کشوری برکشور دیگردر اصطلاح قانون جامعهٔ ملل‌سابق طبق مادهٔ ۲۲ پیمان نامهٔ جامعهٔ ملل‌که در پیمان ورسای برای ادارهٔ امور مستعمرات آلمان و امپراطوری عثمانی مندرج‌گردید .

میلیتاریسم .

میلیتاریسم‌سیاستی است‌که به‌موجب آن دولت نیروهای مسلح خود را برای مهاجمه وتجاوز به‌دیگران مجهزوآماده میکند . سیاست میلیتاریستی قشربالایی ارتش را برهمه‌چیز مسلط‌میکند وروحیهٔ تفاخر به‌قدرت ارتش و فتوحات آنرادر میان سربازان و مردم تبلیغ میکند . میلیتاریسم همچنین معتقد است‌که‌یك‌ملت فقط از طریق جنگ میتواند مأموریت خودرا انجام دهد .

میلیتاریسم با افزایش روزافزون نیروهای مسلح مشخص میشود و غالباً بحران داخلی یابین‌المللی یك‌کشورسبب پیدایش آن میشود و برای غلبه براین بحران‌هاست‌که‌زمامداران به‌سیاست‌تقویت نیروهای مسلح وتهاجم به‌کشورهای‌دیگر دست میزنند .

میلیتاریسم در دورانهای مختلف اجتماعی‌ازجانب‌طبقات‌استثمارگربه‌وجود آمده‌است،مانندمیلیتاریسم‌روم و اسپارت در دوران برده‌داری و میلیتاریسم‌پروس در دوران فئودالیته و میلیتاریسم‌آلمان در دوران سرمایه داری . میلیتاریسم معاصر ازبحران‌سرمایه‌داری ناشی‌میشود وبه منظور سرکوبی جنبش های کارگری در داخل‌کشور و حفظ و تقویت استثمار داخلی و استثمار ملل دیگر به وجود میآید .

نازیسم .

کلمهٔ «نازی» تلخیص نام آلمانی حزب « ناسیونال سوسیالیست کارگری آلمان» و نازیسم اصول اجتماعی وشکل حکومتی آلمان در زمان صدارت هیتلر است. این اصول کاملادرکتاب (نبردمن) تألیف هیتلر توضیح داده‌شده . اصول‌کلی آن از فاشیسم ایتالیا اقتباس شده ولی نظرات نژادی آن ریشهٔ‌آلمانی‌داشت .

نازیسم معتقد بود که نژاد ژرمن برترین نژاد و آلمان مافوق همه‌است . نازیسم باید برجهان حکومت‌کند وباید فضای‌حیاتی خودرا درشرق‌اروپا گسترش دهد. میگوید دولت‌یك‌ساختمان‌نژادیست نه‌سازمان اقتصادی وباید مسلح باشد و دیگران را باجنگ منقاد خود سازد . جنگ و قدرت ضرورت و قانون اصلی زندگی وفقط‌آنکس حق زیستن دارد که

نیرومندتر است .

جهان و تمدن آن در جنگ ترقی میبابد و در صلح نابود میشود وفرهنگ کنونی زاییده غلبهٔ بشربرنژادهای پست مثل یهودیان واسلاوها هستند . سرنوشت میخواهد نژادهای ضعیف‌را تابع‌نژادهای قوی نماید .

درنازیسم دموکراسی‌چیزی‌بی‌معنی و به‌جای آن اصل «پیشوایی» و تبعیت همگان از پیشوا پیشنهادمیشود و بدین ترتیب پارلمان ورأی‌گرفتن در نازیسم مطلقاً مردوداست واختیار مطلق‌حکومت در دست پیشوا خواهد بود.

دولت‌آلمان در زمان هیتلرقبل از جنگ جهانی دوم از این اصول پیروی کرد در واقع نازیسم فلسفهٔ انحصاری بزرگ صنعتی ومالی آلمان بودکه میخواست بوسیلهٔ انحصار های بزرگ کشورهای‌امپریالیستی‌را بشکافد وبرجهان تسلط‌یابد، نازیسم‌آخرین سلاح سرمایه‌داری استعماری بود که از بعضی خصال تاریخی واجتماعی‌آلمان رنگ‌میگرفت.

چگونگی انتخاب زمامداران

برای انتخاب زمامدار یك دولت طریقه‌های بسیاری به‌کار میرودکه عبارت است از : وراثت ، انتخاب عمومی، تعیین جانشین ، قرعه‌کشی ، فتح و غیره . این طریقه را میتوان به دو دسته تقسیم کرد :

۱ـ طریقه‌هایی‌که نتیجهٔ آن‌انتخاب زمامداران به‌وسیلهٔ‌مردم‌است که‌طریقه‌های دموکراتیك خوانده میشوند .

۲ـ روش‌هایی‌که از انتخاب‌زمامداران به وسیلهٔ مردم جلوگیری میشود و طریقه های اتوکراتیك نامیده میشوند . این‌گونه‌حکومت‌ها که‌امروزتقریباً‌ازمیان همهٔ ملت‌ها رخت‌بربسته‌است .

انواع روش‌های اتوکراتیك

الف ـ فتح : بدون تردید به‌دست آوردن حکومت به‌وسیلهٔ فتح . اولین طریقهٔ تعیین زمامداران بوده است.

از نظر حقوقی فتح عبارت از یك واقعیت محض میباشد . وخود تجاوز از حدود به شمار میرود .

ب ـ وراثت : ازاین وسیله برای حکومت اتوکراتیك بیشتر استفاده میشود ، وراثت ، عموماً در خانواده یك نفر برقرار میگردد . از نظرسیاسی وراثت، امتیازات مسلمی‌دارد که‌از آن جمله استقرار دایمی رژیم ، سهولت تعیین‌جانشین، امکان تهیهٔ‌افرادی که شغل شاغل آنان فرمانروایی باشد به‌وسیلهٔ تعلیم و تربیت مخصوص،اختلاط منافع ملت بامنافع خصوصی یك‌خانواده که به‌سلطان شخصیت ممتازی می‌بخشدکه دایماً در فکرعظمت قلمرو خود باشد ، رامیتوان نام‌برد‌از معایب‌سلطنت‌موروثی خطر صغرسن ولیعهد و افتادن حکومت به‌دست شخص بی‌کفایت‌را نباید فراموش کرد .

ج ـ تعیین جانشین : عبارت است ازتعیین زمامداربعدی به‌وسیلهٔ زمامدار قبلی .

امپراطوری روم خصوصاً در قرن «آنتونن‌ها» بهترین نمونهٔ تعیین‌جانشین است. این‌ترتیب‌معایب‌بزرگی‌دربردارد. مانند اینکه میان جانشین‌های احتمالی ، چه در زمان حیات سلطان وچه پس‌ازاو ایجاد هم چشمی میشود . تعیین جانشین باعث رواج انقلاب درکاخ‌ها میگردد .

دـ قرعه‌کشی :

این روش‌تنها دربعضی ازبلادقدیمی برای تعیین مأمورین عالی مقام مورد استفاده بوده وامروز مورد استفادهٔ آن بسیار نادر است .

هـ ـ نصب‌به‌وسیلهٔ فرمانروای‌دیگر:

در این روش زمامداران منصوب ، نسبت‌به‌کسانی‌که آنها را نصب کرده‌اند، تاحدی جنبهٔ تابعیت دارند .

رژیم‌های دموکراتیك

دراین روش‌ها ، اساس حکومت برمبانی عقلی ومنطقی استوار است . از لحاظ تاریخی ، این‌رژیم‌ها در بلادیونان به‌وجود آمده و در آنجا ترکیب خاصی پیداکرده‌اند که دموکراسی مستقیم یا بیواسطه خوانده شده‌است . قدرت متعلق به‌مجمع‌عمومی بودکه درامور مهم‌تصمیم میگرفته و مأمورین عالی مقام را برای اجرای آن تصمیم‌ها و جهت‌حکومت تا تشکیل‌مجدد مجمع‌عمومی تعیین‌می‌کرده است .

در قرن هیجدهم ، انقلاب آمریکا ، وبعد انقلاب فرانسه، بااخذ سنت‌بریتانیا وبسط آن، شکل جدیدی از دموکراسی به‌وجود آوردند . که چون تمام افراد نمیتوانند شخصاً در امورحکومت شرکت کنند،ازمیان‌خودنمایندگانی‌برمی‌گزینند که آنها در مجمع ملی جای‌گزین شوند، پس‌تعریف رژیم دموکراتیك عبارت‌است از : انتخاب زمامداران توسط اداره شوندگان . اسلوب‌های انتخاباتی مانند عده وترکیب مجامع‌انتخاب شده‌وروابط آنها باقوهٔ مجریه ، ممکن است تغییر کنند. به‌محض‌اینکه‌انتخابات آزادوجود یابد . دموکراسی ایجاد شده است .

رژیم‌های‌دموکراتیك درسال۱۹۱۸ براثر پیروزی متفقین به‌حد اکثر توسعه رسید. پس‌از پیدایش‌دموکراسی باواسطه یابه‌وسیلهٔ نماینده دو تغییر شکل اساسی درآن واردگردید ، پذیرش آراء و پیدایش احزاب سیاسی‌متشکل .

رژیم‌های مختلط

وقتی به‌حکومتی مختلط گفته‌میشود که اعضای آن باروش‌هایی که حد وسط میان روش‌های دموکراتیك و استبدادی است ، انتخاب شوند . برحسب اینکه عناصر دموکراتیك و استبدادی چگونه باهم ترکیب شوند انواع زیر تشخیص داده‌میشود :

۱ـ رژیم‌های مختلط انضمامی.

۲ـ رژیم‌های مختلط ترکیبی.

۳ـ رژیم‌های مختلط امتزاجی.

در رژیم مختلط انضمامی‌دودستگاه حکومتی،یکی‌باصفات استبدادی‌ودیگری بامشخصات دموکراتیك درکنار هم‌یافت میشوند و انواع این رژیم عبارتنداز:

الف‌ـ انضمام یك‌مجمع دموکراتیك ویك‌سلطان مستبد .

ب‌ـ انضمام دومجلس دریك‌پارلمان که‌اعضاء یك‌مجلس انتخاب‌شوند واعضاء مجلس‌دیگر‌به‌یکی ازطریقه‌های‌استبدادی تعیین‌گردند .

ج ـ انضمام عوامل دموکراتیك و عوامل استبدادی در داخلهٔ یك مجمع عمومی .

در رژیم‌های مختلط ترکیبی خود اعضای حکومت به‌طریقهٔ مختلطی تعیین میشوندکه در عین حال از دموکراسی و استبداد پیروی میکنند .

در رژیم‌های مختلط امتزاجی‌زمامداران به‌وسیلهٔ عدهٔ بسیار کمی ازاداره شوندگان انتخاب میشوند .

دموکراسی سیاسی و دموکراسی اجتماعی

دموکراسی سیاسی عبارت از این است که زمامداران به‌وسیلهٔ یک انتخابات آزاد تعیین شوند.

دموکراسی اجتماعی عبارت از این است که قبل از آزادی، مساوات برقرار شود.

صرف‌نظر از مباینت اصولی، دموکراسی‌های سیاسی و اجتماعی مکمل یکدیگرند به‌قسمی که میشود فکر کرد دموکراسی واقعی تحقق نخواهد یافت مگر در صورتی که این دو باهم به‌کار روند.

وزارت در ایران

بعد از اسلام استعمال کلمهٔ وزیر با آغاز حکومت عباسیان شروع، و ابوسلمه خلال وزیر ایرانی منصور سفاح «وزیر آل‌محمد» لقب یافت.

تا اعلان مشروطیت حدود مسئولیت واختیارات یک وزیر هرگز به‌طور کامل و حتی نسبی معلوم نبوده وزراء گاه مانند نظام‌الملک و امیرکبیر قدرت فراوان داشته و ادارهٔ امور لشکری و کشوری را در دست گرفته بودند و گاه میرزاهای نوکرمانندی بودند که کارشان از رسیدگی به‌کارهای دفتری و ابلاغ اوامر شاه تجاوز نمیکرد. به‌طور کلی در اغلب اوقات وزیر عهده‌دار این مسئولیتها بود:

۱ـ وصول مالیات و نظارت بردخل وخرج «نظارت عالیه به‌دیوان استیفا».

۲ـ صدور فرامین وابلاغ دستورهای شاه به‌امراء وحکام (که اجرای آن به‌عهدهٔ دیوان رسایل بود).

۳ـ گزارش امور مملکت به‌شاه.

۴ـ پذیرایی و مذاکره باسفرای خارجی.

۵ـ مشاورت باشاه.

متأسفانه کمتر وزیری در دوران قبل از مشروطیت سرنوشت خوشی داشته. وزیران اکثراً مغضوب وغالباً کشته‌شده‌اند. از معروفترین وزیران ایران:

۱ـ ابوسلمه خلال.
۲ـ فضل‌بن سهل.
۳ـ برمکیان.
۴ـ ابن عمید.
۵ـ صاحب‌بن عباد.
۶ـ خواجه‌حسن میکال.
۷ـ ابوعبدالله‌جیهانی.
۸ـ ابوالفضل بلعمی.
۹ـ خواجه‌نصیرالدین‌طوسی.
۱۰ـ خواجه‌شمس‌الدین‌صاحبدیوان.
۱۱ـ خواجه محمود خوارزمی (محمود یلواج).
۱۲ـ خواجه‌رشیدالدین فضل‌الله.
۱۳ـ صدر جهان.
۱۴ـ امیر علیشرنوایی.
۱۵ـ قایم‌مقام فراهانی.
۱۶ـ امیرکبیر

در زمان ایلخانان مغول گاه‌دو وزیر باهم به‌امر وزارت اشتغال داشته‌اند و از زمان صفویه به‌بعد وزیر به‌معنی دیگری تعبیرشده مانند وزیر آذربایجان، وزیر مرو، وزیر رسایل ....

در زمان فتحعلی‌شاه در ایران چهار وزارتخانه به‌نام: وزارت خارجه، داخله، مالیه، فواید عامه به‌وجود آمد ولی این وزارتخانه‌ها هرگز شکل ثابتی نیافت.

تا آنکه در سال ۱۲۷۵ براثر آشفتگی وضع مملکت، فتحعلی‌شاه میرزا آقاخان نوری‌را معزول وکارهای کشور را میان شش‌وزارتخانه: داخله، خارجه عدلیه، مالیه، علوم و وظایف تقسیم کرد وریاست عالیهٔ آنرا خود به‌عهده گرفت ونیزدارالشورای کبرای‌دولتی‌را باشرکت وزیران و شاهزادگان و معاریف ورجال تشکیل‌داد. درسال ۱۲۸۹ وزارتخانه‌های: فواید عامه، تجارت و زراعت و دربار برآن افزوده‌شد وتعدادوزارتخانه‌ها به۹ عدد رسید وسپهسالار به‌عنوان صدراعظم ناظر براموراً آنها شد.

درسال ۱۲۱۹ وزارتخانه‌ها به‌شش تقلیل یافت ولی به‌اختیاراتشان افزوده شد.

ازآن پس‌شاه بسیار کوشید تاهم‌ازفرنگ تقلید کند وهم‌قدرت مطلقه را در کف‌خود نگاهدارد، لذاکاری‌ازپیش نرفت. با اعلان مشروطیت وضع تغییرکرد. وزیر کسی بود که به‌دست نخست‌وزیر (رییس‌الوزراء) انتخاب میشد و زیر نظر اوکار میکرد و قانوناً مسئول بود و با نخست‌وزیر و دیگر وزیران نیز همبستگی‌داشت. نخست‌وزیر از طرف شاه انتخاب میشد و مجلس این انتخاب را یعنی نخست‌وزیر ووزرایش‌را تأیید میکرد.

درصورت عدم‌تمایل رأی عدم‌اعتماد میداد.

از نخست وزیران معروف دورهٔ مشروطیت اشخاص زیر را میتوان نام برد:

۱ـ میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله (اولین نخست‌وزیر).
۲ـ میرزا حسن‌مشیرالدوله پیرنیا.
۳ـ مستوفی‌الممالك (حسن‌مستوفی).
۴ـ سردارسپه (رضاشاه پهلوی).
۵ـ سیدضیاءالدین طباطبایی.
۶ـ محمدعلی‌فروغی، (ذکاءالملك).
۷ـ قوام‌السلطنه (علی‌قوام).
۸ـ دکترمحمد مصدق.
۹ـ امیرعباس‌هویدا (نخست وزیر کنونی ایران).

وزراءکابینه‌نیز به‌تدریج بیشترشدند و وزارتخانه‌های تازه‌ای‌پدید آمد. در نخستین کابینه، وزراء عبارت بودند از: رییس‌الوزراء، وزیر خارجه، داخله، جنگ، عدلیه، مالیه، پست وتلگراف. واینك درزمان ماوزیران عبارتند از: نخست‌وزیر، وزیرکشور، خارجه، اطلاعات، کار، بهداری، فرهنگ، آموزش‌وپرورش، راه، آب و برق، آبادانی و مسکن، کشاورزی، دارایی، جنگ، بازرگانی، دربار، صنایع ومعادن، پست‌وتلگراف، علوم، و وزراء مشاور.

ترتیب ومدت حکومت

نخست‌وزیران دورهٔ مشروطیت

۱ـ **مشیرالدوله**، نصرالله. ۱۳۲۴ ه ش.

۲ـ **افخم**، علیخان؛ ۲۹ اسفند ۱۲۸۵ هجری شمسی.

۳ـ **اتابك اعظم**، میرزاعلی‌اصغرـ خان؛ ۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۶ ه. ش.

۴ـ **مشیرالسلطنه**، میرزااحمدخان؛ ۱۶ شهریور ۱۲۸۶ ه. ش.

۵ـ **ناصرالملك**، چهارم آبان ۱۲۸۶ ه. ش.

۶ـ **مافی**، نظام‌السلطنه؛ دیماه ۱۲۸۶ ه. ش.

۷ـ **مشیرالسلطنه**، میرزااحمدخان؛ ۱۷ خردادماه ۱۲۸۸ ه. ش.

۸ـ **ناصرالملك**، ۲ اردیبهشت‌ماه ۱۲۸۸ ه.ش.

۹ـ **سپهدار اعظم**، محمدولی‌خان؛ ۹مهرماه ۱۲۸۷ ه. ش.

۱۰ـ **مستوفی‌الممالك**، یکم‌مرداد

۱۲۸۹ ه.ش.
۱۱ـ **سپهدار اعظم**، ۲۰اسفندماه ۱۲۸۹ ه.ش .
۱۲ـ **صمصام‌السلطنه**، سوم مرداد ۱۲۹۰ه. ش.
۱۳ـ **علاءالسلطنه**، ۲۸ دیماه ۱۲۹۱ه. ش.
۱۴ـ **مستوفی‌الممالک**، ۲۶مرداد ماه ۱۲۹۲ ه. ش.
۱۵ـ **مشیرالسلطنه**، ۲۲ اسفندماه ۱۲۹۳ ه ش.
۱۶ـ **عین‌الدوله**، ۱۰اردیبهشت‌ـ ماه ۱۲۹۴ . ه ش.
۱۷ـ **مستوفی‌الممالک**، ۲۶مرداد‌ـ ماه ۱۲۹۴ ه . ش.
۱۸ ـ **فرمانفرما**، سوم دیماه ۱۲۹۴ ه.ش.
۱۹ـ **سپهداراعظم**، محمدولی‌خان؛ ۱۴ اسفندماه ۱۲۹۴ ه ش.
۲۰ـ **وثوق‌الدوله**، هفتم شهریور ۱۲۹۵ه. ش .
۲۱ـ **علاءالسلطنه**، ۱۵ خرداد ۱۲۹۶ه. ش.


وثوق‌الدوله

۲۲ـ **عین‌الدوله**، اول آذر ماه ۱۲۹۶ ه.ش.
۲۳ـ **مستوفی‌الممالک**، ۲۷دیماه ۱۲۹۶ه. ش.
۲۴ـ **صمصام‌السلطنه**، ۱۰اردیبهشت ماه ۱۲۹۷ه. ش.
۲۵ـ **وثوق‌الدوله**، ۱۵مردادماه ۱۲۹۷ه. ش.
۲۶ ـ **مشیرالدوله**، ۱۳ دیماه ۱۲۹۹ه. ش .
۲۷ـ **سپهدار اعظم**، پنجم آبانماه ۱۲۹۹ه. ش.
۲۸ـ **طباطبایی**، سیدضیاءالدین؛ سوم اسفندماه ۱۲۹۹ ه. ش.
۲۹ـ **قوام‌السلطنه**، ۱۴خردادماه ۱۳۰۰ ه.ش.
۳۰ـ **مشیرالدوله**، سوم بهمن ماه ۱۳۰۰ ه.ش.
۳۱ـ **قوام‌السلطنه**، ۱۷ خرداد ۱۳۰۱ه. ش.
۳۲ـ **مستوفی‌الممالک**، ۲۶ بهمن‌ماه ۱۳۰۱ ه. ش.
۳۳ـ **مشیرالسلطنه**، ۲۶ خرداد ۱۳۰۲ه. ش.
۳۴ـ **سردارسپه**(اعلیحضرت‌فقید)، ۶آبانماه ۱۳۰۲ ه.ش .
۳۵ ـ **فروغی**، محمدعلی، ۲۸ آذرماه ۱۳۰۴ه. ش .
۳۶ـ **مستوفی‌الممالک**، تیرماه ۱۳۰۵ ه.ش.
۳۷ ـ **مخبرالسلطنه**، یازدهم خرداد۱۳۰۶ه. ش.
۳۸ـ **فروغی**، محمدعلی؛ ۲۶شهریور ۱۳۱۲ه. ش.
۳۹ـ **جم**، محمود، یازدهم آذرماه ۱۳۱۴ ه. ش.
۴۰ـ **متین دفتری**، احمد؛ سوم آبانماه۱۳۱۸ ه.ش.
۴۱ـ **منصور**، علی؛ پنجم تیرماه ۱۳۱۹ه. ش .
۴۲ـ **فروغی**، محمدعلی؛ ۵شهریور ماه۱۳۲۰ ه.ش.
۴۳ـ **سهیلی**، علی؛ ۱۸ اسفندماه ۱۳۲۰ ه ش.
۴۴ـ **قوام‌السلطنه**؛ احمد؛ ۱۸ مرداد ماه ۱۳۲۱ ه ش .
۴۵ـ **سهیلی**، علی؛ ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۲۱ ه.ش.
۴۶ـ **ساعد**، محمد؛ هشتم فروردینماه ۱۳۲۳ه ش.
۴۷ـ **بیات**، مرتضی‌قلی؛ ۴آذرماه ۱۳۲۳ه. ش.
۴۸ـ **حکیمی**، ابراهیم؛ ۲۳اردیبهشت ماه ۱۳۲۴ه. ش.
۴۹ـ **صدر**، محسن، ۲۳خردادماه ۱۳۲۴ه. ش .
۵۰ـ **حکیمی**، ابراهیم؛ دوازدهم آبانماه۱۳۲۴ ه. ش.
۵۱ـ **قوام‌السلطنه**، ۲۵ بهمن ماه ۱۳۲۴ه. ش.
۵۲ـ **حکیمی**، ابراهیم؛ ۶ دیماه ۱۳۲۶ه. ش.
۵۳ ـ **هژیر**، عبدالحسین؛ ۲۷ خردادماه ۱۳۲۷ه. ش.
۵۴ ـ **ساعد**، محمد؛ ۲۵ آبانماه ۱۳۲۷ه. ش.
۵۵ـ **منصور**، علی؛۱۴فروردینماه ۱۳۲۹ ه. ش .
۵۶ـ **رزم‌آراء**، سپهبدحاجی‌علی؛ ۶ تیرماه ۱۳۲۹ه. ش.
۵۷ـ **علاء**، حسین؛ ۲۹اسفند ماه ۱۳۳۰ه. ش.
۵۸ـ **مصدق**، دکتر محمد؛ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ ه ش.
۵۹ـ **قوام‌السلطنه**؛ احمد؛ ۲۵تیر ماه ۱۳۳۱ه. ش .
۶۰ـ **مصدق**، دکترمحمد؛ ۴مرداد ماه۱۳۳۱ه. ش.
۶۱ـ **زاهدی**، سرلشکرفضل‌الله؛ ۲۸ مرداد۱۳۳۲ ه. ش .
۶۲ـ **علاء**، حسین؛ ۲۳خردادماه ۱۳۳۵ه. ش.
۶۳ـ **اقبال**، دکتر منوچهر؛ ۱۵ فروردین‌ماه ۱۳۳۶ ه.ش.
۶۴ـ **شریف‌امامی**، جعفر، ۹شهریور ماه۱۳۳۹ ه. ش.
۶۵ـ **امینی**، علی؛ ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ ه. ش.
۶۶ـ **علم**، اسدالله؛ ۳۰ بهمن ماه ۱۳۴۱ه ش.
۶۷ـ **منصور**، حسنعلی؛ ۱۷اسفند ماه ۱۳۴۲ ه . ش.
۶۸ـ **هویدا**، امیرعباس؛ ۶بهمن ۱۳۴۴ه ش .

نخست‌وزیران دورهٔ مشروطیت

اتابك اعظم، میرزا علی‌اصغرخان .
(۱۳۲۵-۱۲۷۵ه‌ق)
ملقب به‌امین السلطان، فرزند آقا



ابراهیم‌امین‌السلطان‌صدراعظم‌ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و محمد علی شاه بوده و در سال۱۳۲۵ ه ق، شب‌هنگام به‌دست **عباس‌آقا** عضوانجمن آذربایجان در سن پنجاه سالگی به‌قتل رسید .

افخم ، سلطانعلی خان بن محمدخـان ــ سالارالملك یزدی .
(۱۲۳۶ــ۱۲۸۷ م)



ازدرباریان مظفرالدین شاه که مدتی وزیر بقایا بود و پس‌از استعفای مشیرــ الدوله یکماه و نیم رییســ الوزراءشد. دومین رییســ الــوزرای ایران است.

اقبال ، دکتر منوچهر .
رؤسای دانشگاه را به‌بینید .

امین السلطان .
اتابك اعظم را به‌بینید .

امینی ، علی‌بن میرزا محسن‌خان امینــ الملك‌بن میرزا علی‌خان امین‌الدوله .
(متولد۱۲۸۴ هش)

در تهران به‌دنیاآمد . پس‌ازاتمام تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۰۵ برای



تحصیل حقوق به‌فرانسه‌رفت. درسال۱۳۱۲ به‌تهران‌بازــ گشت و در عدلیه‌به‌خدمت پرداخت. در سال۱۳۲۱ معاون‌نخستــ وزیر ، در دورهٔ‌پانزدهم نمایندهٔ‌مجلس شورایملی، درسال۱۳۲۹ وزیراقتصاد، درسال۱۳۳۲وزیردارایی‌و درشانزدهم اردیبهشتماه ۱۳۴۰ هجری شمسی بعد از استعفــای مهندس جــعفر شریف امامی نخست وزیر شد ودرسی‌ام بهمن‌ماه سال۱۳۴۱هجری شمسی پس‌از استعفا به‌طورکلی‌از صحنهٔ سیاست‌خارج گردید .

بیات ، مرتضی‌قلی‌خان سهام‌السلطان .
(۱۲۶۸ــ۱۳۳۰هش)



در اراك به‌دنیا آمد . در دورهٔ چهــاردهــم به‌نمایندگی مجلس‌شورا رسید. سپس وزیردارایی شد (۱۳۰۴) پس‌ازآن‌ده دوره وکیل مجلس بود. درسال۱۳۲۲ بازوزیردارایی ودرسال ۱۳۲۳ وزیرپست و تلگرافشد ودرهمان سال چندماه نخست‌وزیر بود . درسال ۱۳۲۴ نیز وزیرراه شد.

پیرنیا ، حسن خان مشیرالدوله .
(۱۲۵۲-۱۳۱۴ هش)

پسرمیرزانصرالله‌خان مشیرالدوله، از رجال دورهٔ اخیر قــاجاریه و اوایل پهلوی، که‌تحصیلات نظامی وحقوقی‌خود رادرمسکو‌به‌پایان‌رسانید. اومکرر سمت وزارت ، سفارت ونخست‌وزیری داشت . پیرنیا مؤلف‌کتب « ایران باستانی » و «ایران‌باستان» و«داستانهای‌قدیم‌ایران» است .

جم ، محمود مدیرالملك .
(متولد ۱۲۵۸ هش)



درتبریز به‌دنیا‌آمد. در مــدرسهٔ کاتولیك ها تحصیل‌کرد سپس برای تحصیل‌به‌اروپا رفت. پس‌از بازگشت‌وارد خدمات‌دولتی شد ودرسال ۱۲۹۹ به‌وزارت خارجه رسید . در سال ۱۳۱۲ باردیگر وزیر خارجه . در سال ۱۳۱۴ نخست وزیر شد . سپس مدتها سفیرایران در مصر بود وپس‌ازبازگشت وزیــر دربــار و سناتور انتسابی بوده است .

حکیمی ، ابراهیم .
رؤسای مجلسین را به‌بینید .

رزم‌آراء ، سپهبد حاجی علی .
(مقتول ۱۳۲۹ هش)

از صاحبمنصبان مطلع وفعال‌ایران وی به‌درجهٔ سپهبدی رسید و مدتی‌ریاست ستاد بزرگ‌ارتشتاران فرمانده راداشت وازتیرماه۱۳۲۹تااسفندهمان‌سال‌نخستــ وزیر ایران بود و به‌ضرب‌گلوله مقتول گردید .

رضاقلی‌خان ، نظام‌السلطنه .
(متولد۱۲۸۴ هش)



فرزند حیدر قلیخان برهان‌الدوله، در طهران متولد شد ، در سال ۱۲۹۵ پدرش از طرف ناصرالدینشاه به عنوان بیگلربیگی‌مشهدودیوان‌عدالت‌به‌خراسان مأمورگردید . به‌این دلیل رضا قلی‌خان تحصیلات‌مقدماتی رادرخراسان‌فراگرفت در سال ۱۲۹۹ رضا قلیخان برای ادامهٔ تحصیل به طهران آمد و تحت سرپرستی عموی خویش‌قرارگرفت وپس‌ازآموختن معلومات معمول زمان ، نماینده وپیشکار عمویش‌نظام‌السلطنه‌گردید.درسال۱۳۰۹ نایب‌الحکومهٔ‌بنادر وخلیج فارس‌گردید. در سال۱۳۱۲لقب مجیرالسلطنه‌گرفت‌و به نیابت‌حکومت بروجردولرستان‌مأمور شد . پس از قتل ناصرالدینشاه و تلاش رضاقلی‌خان برای جلوگیری از اختلال امنیت ، به‌پیشنهاد اتابك ، ازطرف شاه به‌اولقب‌سالار معظم‌داده‌شد.درسال۱۳۱۷

به‌پیشکاری ولیعهد و فرمانفرمایی کل آذربایجان‌منصوب گردید. ودر آذربایجان درجهٔ امیرتومانی گرفت وازطرف شاه یك قمهٔ مرصع به‌اوداده‌شد.

سالار در سال ۱۳۱۸ به حکومت مستقل بوشهروبنادر وجزایر خلیج‌فارس ودشتستان منصوب گردید. درآخرسلطنت مظفرالدینشاه، به استانداری خـوزستان منصوب گردید و درسال ۱۳۲۴ بپاداش خدمتی که بـه‌امنیت خوزستان نمود لقب سردار مکرم گرفت. درسال ۱۳۲۶ پس ازدرگذشت حسینقلی‌خان نظام‌السلطنه‌از شاه لقب نظام‌السلطنه گرفت و به‌ایالت کرمان‌منصوب گردید. چندی‌بعددردورهٔ زمامداری مستوفی الممالك بـه‌ناامنی راههای جنوب اعتراض شدورییس‌الوزرا برای استقرار امنیت، نظام‌السلطنه رابرای‌اینکار درنظر گرفت، نظام‌السطنه دراینکار نیزخدمتی بسزاانجام‌داد. لیکن مخالفت رییس‌دولت باوی موجب‌شدکه‌از شغل خود کناره گیری‌کند وبه‌ژنو نزددو فرزندش برود و قریب سه‌سال در آنجا بماند.

درسال ۱۳۳۲ نظام‌السلطنه به‌طهران آمد وپس ازملاقات‌بااحمدشاه برای‌رفع ناامنی‌لرستان‌عازم آن‌دیار گشت‌واقدامات زیادی درمورد بهبود وضع کشور به‌عمل آورددرشب جمعه ۱۵ فروردینماه ۱۳۰۳ درگذشت.

زاهدی، سپهبد فضل‌الله

(۱۲۷۶_۱۳۴۲ هش)



در همدان‌متولد شد. درديويزيون قزاق به‌خدمت پرداخت. در جنگهای کردستان وگیلان ولرستان شرکت کرد. درسال ۱۳۰۳ فرماندار نظامی‌خوزستان، در۱۳۰۷ رییس امنیه، در۱۳۲۰ رییس ژاندارمری و سپس فرمانـدهٔ لشکر اصفهان شد. در ۱۳۲۱ به سر لشکری رسید ودرهمین سال به اتهام شرکت در توطئه‌ای به‌نفع آلمانها، توسط متفقین بازداشت وبه‌فلسطین‌تبعیدشد. درسال ۱۳۲۴ به تهران بـاز گشت. فرماندهٔ قوای جنوب(۱۳۲۵)سناتورانتصابی(۱۳۲۸) وزیرکشور (۱۳۲۹) وی براثرحوادث ۲۳ تیر ۱۳۳۰ از طرف دکتر مصدق برکنار شد وازآن پس به مبارزهٔ باوی پرداخت تا در۱۳۳۲ به نخست وزیری رسید واز۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تافروردین ۱۳۳۴ برسرکاربود سپس مستعفی شد و سفیرکبیر ونمایندهٔدایمی ایران دردفتر اروپایی سازمان ملل گردید.

ساعدمراغه‌ای، محمد.

(متولد ۱۲۶۰ ه ش)



درکودکی باپدرش از مراغه‌به‌قفقاز رفت و در آنجاتحصیل کرد. سپس به خدمت کنسولگری ایران در باطوم‌درآمد پس‌ازچندین مأموریت سیاسی‌درقفقازوترکیه، به‌ترتیب استانداری رضاییه، وزیر مختار ایران در ایتالیا، سفیرکبیرایران درمسکو، وزیر خارجه (۱۳۲۰) ونخست وزیرشد (۱۳۲۳) در دورهٔ پانزدهم به مجلس رفت. درسال ۱۳۲۷ بار دیگر نخست وزیر شد. پس ازآن چندی سفیر ایران دردربار واتیکان وسناتور بوده است.

سپهدار اعظم، خلعتبری.

(۱۲۶۴_۱۳۴۵ ه ق)

محمد ولیخان سپهدار، فرزند حبیب‌الله‌خان ساعدالدولهٔ تنکابنی، در تنکابن(شهسوار) متولد شد. پدرش، جمعی سوار وتفنگچی زیرفرمان داشت وبیشتر اوقات دررکاب شاه بود. محمد ولیخان سواد فارسی‌را به‌اندازهٔ متعارف یك‌خان‌زاده‌فراگرفت، به‌شعرعلاقه داشت‌واشعار حافظ وفردوسی را ازبرمیکرد، در۱۲ سالگی به طهران‌آمد ووارد خدمت‌نظام شد وبزودی‌درجهٔ‌سرهنگی گرفت ومأمور حفاظت‌یکی‌از دروازه‌های‌تهران گردید. محمدولیخان مردی تندخو و خودسر و مغروربود ویك‌بار بروی سپهسالارشمشیر کشید. سالی پس از این حادثه به‌درجهٔ سرتیپی رسید ولقب «سرداراکرم» گرفت وحـاکم رشت وتنکابن شد. یکسال بعد مأمور دفع فتنهٔ استرآباد شد و در این مأموریت دلیری نشان داد و به‌همین‌مناسبت از طرف ناصرالدینشاه حاکم گرگان گردیدولقب‌معزالسلطنه‌به‌وی‌داده شد درسال ۱۴۰۴ قمری‌رییس‌ضرابخانه شد و یکسال بعد از اینکار کنار رفته وخانه‌نشین شد.

درسال ۱۳۳۱ وزیر خزانه‌وگمرك شد. درسال ۱۳۱۵ نسبت به‌میرزاعلیخان امین‌الدوله صدراعظم نافرمانی نمود و بهمین جهت شاه اورا ازمقام خود عزل کرد. درسال ۱۳۱۷ باسعی اتابك بـه حکومت‌گیلان منصوب گردید وچهارسال حاکم بود، درهمین مأموریت از طرف شاه به سرداری مخصوص انتخاب شد و لقب «سردارمعظم» گرفت. درسال ۱۳۲۱ به‌تهران‌آمده و یکسال بعد به پیشنهاد ولیعهد مأمور آذربایجان شد. در این مأموریت یك توپخانه و یك مدرسه در اردبیل‌ایجادنمود. درسال ۱۳۲۲ به‌طهران بازگشت ودر ۱۳۲۳ با سمت وزیرپست و تلگراف و امیر توپخانه و فرماندهی فوجهای قزوین‌وگیلان ومازندران مأمور حفظ پایتخت شد و لقب «سپهدار اعظم» گرفت‌باشاه وعین‌الدوله به‌اروپا رفتندو سپهدار زیرنظر ولیعهدمشغول‌کاربود.

وقتی محمدعلیشاه به سلطنت رسید، درروزجلوس‌وی درتالارموزهٔ‌کاخ‌گلستان سپهدار درصف‌اول‌سران‌کشور جای‌داشت لیکن پس‌ازچندی از امارت توپخانه و فرماندهی افواج‌برکنارگردید،وبه‌عنوان والی مأمورگیلان شد. در این مأموریت سپهدار جلو مشروطه خواهان رشت را گرفت. پس از قتل اتابك همهٔ رجال مستبد برای‌حفظ‌جان خود سخت طرفدار مشروطه شدند ویکی‌ازاین افرادسپهدار بود پس‌ازحکومت ناصرالملك،هنگامیکه مجلس بمباران شد، همزمان با قیام مشروطه خواهان‌تبریز،سپهداربه عنوان

فرماندهٔ کل قشون آذربایجان به‌تبریز اعزام شد . سپهدار مدتی با عین‌الدوله مشغول طرح نقشهٔ حمله به تبریز بود لیکن پس از آشنایی با ستارخان و باقرخان از حملهٔ به تبریز خودداری نمود و بسوی ملت گرایید و مشروطه خواه شد و از مأموریت آذربایجان استعفا کرد و به‌سوی تنکابن رهسپار گردید و به‌موجب قرار محرمانه‌یی که با مشروطه‌خواهان آذربایجان داشت پرچم مشروطه‌خواهی را برافراشت. دراین اوقات «کمیتهٔ ستار رشت» سپهدار را برای تصرف رشت دعوت کردند . وی در محرم ۱۳۲۷ وارد بندر غازیان شد و در آنجا خبر تصرف رشت را شنید . سپهدار در رشت ماند تا وقتی که شهر قزوین به تصرف مجاهدان درآمد به‌سوی قزوین حرکت کرد ودرآنجا بین سپهدار و سران مجاهد کدورتی پدید آمد.

در ۱۳۲۷ که تهران فتح شد و شاه خلع گردید و شاه نو جای او را گرفت سپهدار سر پرست کشور گردید . پس از رفتن محمدعلیشاه سپهدار رسماً مقام ریاست وزرا ووزارت جنگ راعهده دار گردید پس از افتتاح مجلس دوم نیز سپهدار همین سمت را داشت ولی بعد از چند ماه وزارت داخله را سپهدار به‌عهده گرفت و سردار اسعد وزیر جنگ شد . پس از انتخاب ناصرالملك به نیابت سلطنت سپهدار باردیگر به ریاست وزرا برگزیده شد که پس از خلع شاه برکنار شد .

درشعبان ۱۳۳۰ سپهدار به‌استانداری آذربایجان منصوب گردید و یکسال در این مقام بود . در ۱۳۳۳ برای دورهٔ سوم از زنجان وکیل شد ولی نپذیرفت،در همین سال به وزارت جنگ برگزیده ودر کابینهٔ فرمانفرما رسماً لقب « سپهسالار اعظم» به‌او داده‌شد. سپس رییس الوزرا گردید.

دولت سپهدار در ۱۳۳۴ کنار رفت و از این پس سپهدار واردخدمات دولتی نگردید ، و در محرم ۱۳۴۵ بر اثر ناراحتی های روانی با اسلحهٔ کمری دوگلوله به مغز خود شلیك کرد و به‌زندگی‌خویش خاتمه داد جسد وی در امامزاده صالح تجریش به خاك سپرده شد.

سردار سپه ، اعلیحضرت فقید .
رضاشاه کبیر، سلسلهٔ پهلوی در بخش تاریخ مطالعه شود.

سهیلی ، علی.
(۱۲۷۴-۱۳۳۷ه ش)

از رجال دورهٔ پهلوی . اولین شغل مهم او معاونت وزارت طرق بود و سپس در وزارت خارجه ریاست ادارهٔ شرق را به‌عهده گرفت درسال ۱۳۱۶ ه.ش.وزیر مختار ایران درلندن شد ودرهمان سال پس‌از فوت سمیعی به‌وزارت خارجه‌رسید و پس‌از برکناری‌درسال ۱۳۱۷ استاندار کرمان شد. درکابینهٔ‌فروغی وزیرخارجه بود وسپس به‌نخست وزیری منصوب شد آخرین شغل وی سفیر کبیری ایران در انگلستان بود ودر همانجا درگذشت .

شریف امامی ، مهندس جعفر .
رؤسای مجلسین را به بینید.

صدرالاشراف . محسن.
رؤسای مجلسین را به بینید.

صمصام‌السلطنه ، بختیاری ، نجفقلی .
(۱۲۶۹-۱۳۴۹ ه ق)

از سران ایل بختیاری و از رجال اواخر قاجاریه و مشروطه در قیام علیه استبداد و برقراری‌مشروطیت کوشش بسیار کرد.هنگامی که‌محمدعلی‌شاه باطرفداران مشروطیت به‌مخالفت برخاست‌مشروطه‌خواهان اصفهان درصدد برآمدند ازایل بختیاری یاری بخواهند . در این وقت به‌فرمان محمدعلی‌شاه صمصام‌السلطنه از حکومت بختیاری عزل شد و سردارظفر به‌جای‌او‌منصوب گردید. مشروطه‌خواهان نامه‌ای به صمصام نوشتند وازاواستمداد کردند . وی باهمراهی خوانین ایل‌علیه دولت قیام کرد . در ۹ ذی‌الحجه ۱۳۲۶ هق. بختیاریان‌وارداصفهان‌شدند. نمایندگان محمدعلی شاه‌کوشیدند وی و ضرغام را به بختیاری بازگردانند ولی مشروطه‌خواهان‌ازاقدامات‌آنان‌جلوگیری‌کردند. محمد علی‌شاه ازقیام بختیاریان ودیگر مردم ایران هراسان شده مجدداً فرمان انتخابات وتشکیل مجلس‌شورای ملی را صادر کردولی مردم‌چون اطمینان‌نداشتند نپذیرفتند وبختیاریها ازاصفهان‌وسپهدار ازرشت‌برای تصرف تهران‌عازم پایتخت شدند . محمد علی‌شاه امیرمفخم وسردار جنگ و سردار ظفر را مأمور ممانعت بختیاریها‌کرد ولی عمداً تعلل کردند که نمایندگان روس و انگلیس در بین راه باصمصام وسردار اسعد مذاکره کردند‌که درصورت مراجعت آنان ، ایشان ضمانت می کنند که‌محمدعلی‌شاه‌ازحکومت‌مشروطه تبعیت‌کند ولی‌خوانین نپذیرفتندومقارن طلوع‌آفتاب روز اول رجب ۱۳۲۷ه ق. قشون بختیاری از دروازهٔ یوسف آباد به‌تهران‌درآمد وبدون برخورد به‌مقاومت از خیابان‌شاه‌آباد وارد‌بهارستان گردید. سپس تصادماتی بین مجاهدان و قوای دولتی روی داد . دراین حال محمدعلی شاه ناگزیر شد به سفارت روس پناهنده گردد . پس‌ازفتح تهران صمصام‌السلطنه را به‌حکومت اصفهان فرستادند . بعدها وی به سمت ریاست وزراءایران‌انتخاب شد وکابینهٔ او در ۱۹ رجب ۱۳۳۶ ه ق . تشکیل شد. وثوق الدوله در ۲۹ شوال ۱۳۳۶ ه ق جانشین‌او شد ولی‌صمصام‌السلطنه‌استعفا نداد وازآن پس‌نیزخودرا رییس‌الوزراء می‌دانست .

طباطبایی : سیدضیاءالدین
(متولد ۱۲۷۱ ه‌ش)



سیدضیاءالدین فرزندآقاسید علی یزدی پس‌ازکودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ نزدیك به سه ماه نخست‌وزیر بود. آنگاه تبعیدشدوپس از استعفای اعلیحضرت فقید ازسلطنت ؛ مجدداً به‌کشور مراجعت‌کرد. و دوباره به‌فعالیت‌پرداخت‌وحزب **اراده‌ملی** را بنیان نهاد . سیدضیاء درشیراز روزنامهٔ «ندای اسلام» را انتشار میداد وچون به‌تهران آمد به نشر روزنامه‌های شرق ؛ برق و بالاخره رعد مبادرت ورزید . یکبارنیز ازیزد به‌نمایندگی‌مجلس‌شورایملی برگزیده شد . ازآن پس انزوا اختیار نمود .

علاءالسلطنه ؛ محمد علی‌خان .
(فوت ۱۳۳۶ ه‌ق)

پدر حسین علاء و میرزا مهدی مشیرالملك میباشدکه مدتهاسفیرایران در لندن وچند بار رییس‌الوزراء ووزیر خارجه شد .

علاء. حسین.
(۱۲۶۱-۱۳۴۳ ه‌ش)

پسر علاء السلطنه، ازرجال معاصر،



در تهران متولد شدو درانگلستان به تحصیل پرداخت‌وبه دریافت‌درجهٔ دکترای‌حقوق از دانشگاه کمبریج نایل آمد ؛ درسن بیست‌وهشت سالگی به‌ایران‌آمده وازآن زمان‌تاپایان‌عمردارای‌مشاغل‌حساس‌مملکتی بودکه مهمترین آنهاعبارتنداز: سفیرکبیر ایران در اسپانیا ، فرانسه ، انگلستان. ریاست باشگاه بین‌المللی‌لاینز. ریاست هیئت امنای دانشگاه پهلوی شیراز ، ریاست هیئت معتمدین دانشگاه ملی ، عضویت در چندکابینه ، و بالاخره وزیر دربار شاهنشاهی.

علم ، امیراسدالله بن شوکت الملك.
(متولد ۱۲۹۸ ه ش)

در بیرجند متولد شد . تحصیلات ابتدایی ومتوسطه را دربیرجندتمام‌کرد. در دانشکدهٔ‌کشاورزی کــرج به تحصیل پرداخت . سپس به‌آمریکارفت.

درسال ۱۳۲۹ وزیرکشاورزی، در ۱۳۳۵ وزیرکشور، درسال۱۳۴۱ نخست وزیر ، در سال ۱۳۴۲ رییس دانشگاه پهلوی و در سال ۱۳۴۵ وزیر دربــار شد .

علم مؤسس حزب مردم و دبیرکل سابق‌آن حزب و نیز نایب‌التولیهٔ بنیاد پهلوی است .

عین‌الدوله ، سلطان عبدالحمید میرزا.
(۱۲۶۱ــ۱۳۴۵ ه ق)

در دارالفنون تهران تحصیل‌کرد و به علت تنبلی اورا اخراج‌کردند، ونزد مظفرالدین میرزا به تبریز فرستادند ، خارج از مدرسه به تحصیل مشغول شد وخطی خوش‌یافت وانشاء او مقبول‌گشت. ولیاقت‌نشان داد به‌طوریکه در حکومت چند ولایت موردتوجه ولیعهدقرارگرفت وناصرالدین‌شاه‌نیزازاوراضی‌شدودخترش را به عقد او درآورد وبه‌لقب عین‌الدوله مفتخرش ساخت. چندی طول نکشیدکه‌به صدارت‌رسید . سرسختی واستبداد اویکی از محرکین مشروطه طلبان‌بود، پس از



چندی مبارزه سرانجام معزول شد، و در سن ۷۴ سالگی وفات یافت .

فرمانفرما ، حسین علی‌میرزا .
(۱۲۰۳ــ ۱۲۵۱ ه ق)

در ۱۲۱۴ ه ق. به‌حکومت فارس منصوب شد. ومدت ۲۶ سال حکمران‌آن ایالت بود . در اوایل سلطنت محمد شاه سرازاطاعت‌اوپیچید.ودرذی‌القعدهٔ ۱۲۵۰ دستگیروبه‌تهران‌آورده‌شد؛ وپس‌ازچندی درگذشت .

فروغی ، محمدعلی .
رؤسای مجلسین رابه‌بینید .

قوام‌السلطنه ،احمد.
(۱۲۴۹ــ۱۳۳۴ ه ش.)

احمد ملقب‌به‌قوام‌السلطنه دردربار مظفرالــدینشاه سمت دبیری مخصوص و ریاست دفتررا داشت وفرمان مشروطیت به‌خط او نوشته شده‌قوام دردورهٔ احمدــ شاه مدتی والی خراسان بود و پس از تشکیل‌کابینهٔ سیدضیاءمحبوس شد و سپس درزمان شاه مذکور نخست‌وزیر گردید، (۱۳۰۰ــ۱۳۰۱ ه ش.) ، وچون‌سردار سپه به‌نخست وزیری‌رسید ، قوام از کار برکنار شد و سپس مجبور به‌ترك ایران گردید . پس‌از شهریور۱۳۲۰ فعالیتــ های سیاسی را مجدداً آغازکرد و مکرر نخست‌وزیرشد(۱۳۲۱ــ۱۳۲۴ــ۱۳۲۵ــ ۱۳۲۶ــ۱۳۳۱) . آخرین‌بار فقط‌چهار روز نخست‌وزیر بود وبراثر حوادث ۳۰



تیر ۱۳۳۱ ازکاربرکنار شد . وی دراثر بیماری‌قلبی درگذشت .

مافی ، نظام‌السلطنه .
رضاقلیخان نظام‌السلطنه رابه‌بینید.

متین‌دفتری ، احمدبن محمدحسین عینــ الممالك .
(متولد ۱۲۷۷ ه ش)

در تهــران به‌دنیا آمد . تحصیلات متوسطه رادر مدرسهٔ ایران‌وآلمان انجام داد ودرکنسولگری آلمان‌به‌کارپرداخت



سپس وارد وزارت‌عدلیه شد وپس از مدتی برای تحصیل حقوق به‌اروپارفت ودر پاریس و لوزان و برلن تحصیل کرد . پس‌از بازگشت به‌عضویت فرهنگستان ووزارت دادگستری رسیدو درسال ۱۳۱۸ نخست وزیر شد .

در سال ۱۳۳۰ ریاست هیئت خلع ید ازشرکت سابق نفت‌رابه‌عهده داشت. وی از آغاز عضویت مجلس سنارا داشت و یــك دوره هــم رییس مجلس سناشد. دکتر متین دفتری استاد دانشکدهٔ حقوق بودودرسال۱۳۴۶ بازنشسته‌شد.او کتابهای

بسیار نوشته که از آنهاست. «آیین دادرسی مدنی و بازرگانی»، «روابط بین‌الملل»، «کلید استقلال اقتصادی ایران»، «مجموعهٔ رویهٔ قضایی».

مخبرالسلطنه هدایت، مهدیقلی.
(متولد ۱۲۸۰ هق)



فرزند علیقلی خان مخبرالدوله؛ تحصیلات مقدماتی خود را در ایران انجام داد و برای تکمیل اطلاعات به آلمان رفت و پس از بازگشت مشاغل و مقامات دولتی از قبیل استانداری و وزارت به‌عهده داشت.

هنگام سلطنت اعلیحضرت فقید مدت ۶ سال نخست وزیر بود. مخبرالسلطنه دارای تألیفاتی چند است که مهمترین آنها از این‌قرار است:

فواید الترجمان، تحفة الافلاک، تحفة الآفاق، سفرنامهٔ گرد کره، گزارش ایران باستان، دستور سخن؛ تحفهٔ مخبری و بستان ادب.

مستوفی‌الممالک، حسن بن میرزا یوسف مستوفی‌الممالک آشتیانی.
(۱۲۹۱ــ۱۳۵۱ هش)

از مردان لایق و نیکنام ایران است که در ده سالگی پدر خود را از دست داد و به‌جای وی مستوفی‌الممالک ایران شد. وی چندان مورد احترام عمومی بود که ناصرالدینشاه او را آقا خطاب میکرد. او گذشته از مشاغل گوناگون تنها یازده



بار نخست وزیر ایران بوده است.

مشیرالدوله، حسن‌خان پیرنیا.
پیرنیا را به‌بینید.

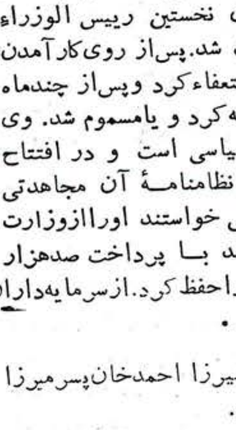
مشیرالدوله، نصرالله بن محمد بن ابوطالب ابن محمد بن حاج عبدالوهاب نایینی.
(۱۲۶۲ــ۱۳۲۵ق.)



در نایین متولد و در بیست سالگی روانهٔ تهران شد و برای امرار معاش چندی به‌عریضه نویسی پرداخت آنگاه باماهی دو تومان استخدام شد. سپس در خدمت وزارت خارجه در آمد. (۱۲۸۵) سه‌سال بعد به آذربایجان رفت. در سال ۱۲۹۷ به‌تهران آمد و نایب سوم وزارت خارجه شد و راه ترقی را چندان پیمود تا به‌وزارت رسید (۱۳۱۷) و مشیرالدوله لقب‌یافت. در ایام وزارت او قرضهٔ اول و دوم از روسیه و قرضه‌یی از انگلستان دریافت شد و عواید گمرکی در گرو آن رفت. امتیاز راه‌آهن شمال به‌روسیه واگذار شد. قرار داد نفت بادارسی منعقد گردید. در سال ۱۳۲۴ وی نخستین رییس الوزراء دورهٔ مشروطیت شد. پس از روی کار آمدن محمدعلیشاه استعفاء کرد و پس از چندماه خانه‌نشینی سکته کرد و یا مسموم شد. وی بانی مدرسهٔ سیاسی است و در افتتاح مجلس و تنظیم نظامنامهٔ آن مجاهدتی بسیار کرد. وقتی خواستند او را از وزارت خارجه عزل کنند با پرداخت صدهزار تومان مقام خود را حفظ کرد. از سرمایه‌داران شرکت نفت بود.

مشیرالسلطنه، میرزا احمدخان پسر میرزا محمد مشیرنظام.
(۱۲۵۹ــ۱۳۳۷ ق.)

در آمل متولد شد. در کودکی همراه پدر به تبریز رفت. پس از اندکی تحصیل وارد نظام شد و سرانجام به‌نیابت ایالت آذربایجان رسید ولی بر اثر بی‌کفایتی در دفع فتنهٔ شیخ عبیدالله مغضوب و روانهٔ



تهران گردید (۱۲۹۷) سپس حاکم گیلان و طوالش (۱۳۰۲) خانه نشین (۱۳۰۴) شد وزیر خزانه (۱۳۱۵) وزیر داخله و رییس دارالشوری (۱۳۲۱) تبعید به‌خراسان (۱۳۲۱) وزیر عدلیه (۱۳۲۴) رییس‌الوزراء (۱۳۲۵ و ۱۳۲۶) وی شده‌است از مسببین بستن مجلس و از هواداران استبداد بود.

مصدق ، محمد بن وزیر دفتر هدایت آشتیانی .

(۱۲۵۸-۱۳۴۶ ه ش)

تحصیلات متوسطه را در تهران و تحصیلات عالیه را در رشتهٔ حقوق در



فرانسه و سویس انجام داد . در سال ۱۳۰۰ وزیر مالیه در ۱۳۰۲ وزیر خارجه و در دورهٔ پنجم و ششم نمایندهٔ مجلس شد . سپس از سیاست کناره گرفت و به احمدآباد رفت .

در سال ۱۳۱۹ چندی زندانی شد. در دورهٔ چهاردهم و شانزدهم به نمایندگی مجلس انتخاب شد . در سال ۱۳۳۰ به نخست‌وزیری رسید. در سال ۱۳۳۲ معزول و زندانی شد . پس از اتمام محکومیت به احمدآباد رفت و در آنجا بود تا درگذشت. وی کتابهایی در حقوق نوشته که از آنهاست: «مدارک حقوق اسلامی»، «اصول قوانین مالیه» ، « حقوق پارلمانی » ، «کاپیتولاسیون و شرکت سهامی» .

منصور ، علی منصورالملک .

(متولد ۱۲۶۷ ه ش)

پس از اتمام مدرسهٔ علوم سیاسی وارد وزارت خارجه شد چندی والی



آذربایجان، در سال ۱۳۱۴ وزیر راه، در سال ۱۳۱۸ وزیر پیشه و هنر و در سال ۱۳۱۹ نخست وزیر شد . پس از آن سالها استاندار خراسان و آذربایجان گشت. در سال ۱۳۲۹ باردیگر به نخست وزیری رسید و پس از آن سفیر کبیر ایران در دفتر دایمی سازمان ملل شد .

منصور ، حسنعلی بن علی .

(۱۳۰۲-۱۳۴۳ ه ش)

در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات



متوسطه وارد مدرسهٔ نظام شد. سپس به اروپا رفت و به تحصیل حقوق پرداخت. در سال ۱۳۳۸ وزیر اقتصاد و در سال ۱۳۴۲ نخست وزیر شد . در سال ۱۳۴۳ به قتل رسید.

ناصرالملک ، میرزا ابوالقاسم‌خان پسر محمدخان سرتیپ قراگوزلو .

(۱۲۷۲-۱۳۴۶ ق .)

در سال ۱۲۵۹ برای تحصیل به انگلستان رفت و از دانشگاه آکسفورد در رشتهٔ حقوق سیاسی فارغ‌التحصیل شد . در ۱۳۰۱ در وزارت خارجه به کار پرداخت . در ۱۳۰۳ رییس قشون خراسان، در ۱۳۰۴ آجودان



شاه ، در ۱۳۰۵ وزیر دارالشوری و حاکم همدان در کابینهٔ امین‌الدوله وزیر مالیه ، در ۱۳۱۶ والی کردستان در ۱۳۲۱ وزیر مالیه ، در ۱۳۲۵ رییس‌الوزرا و در ۱۳۲۸ نایب السلطنه شد و در این دوران به دشمنی با آزادیخواهان و حمایت از ارتجاع پرداخت و خود را بدنام ساخت. در ۱۳۳۱ ق. به اروپا رفت و ۱۶ سال در آنجا بود . در ۱۳۴۶ ق (۱۳۰۶ ش) به تهران بازگشت و در همین شهر درگذشت .

نظام‌السلطنه ، مافی .

رضاقلیخان را به‌بینید .

وثوق‌الدوله ، حسن بن ابراهیم خان معتمدالسلطنه بن احمد خان قوام الدوله آشتیانی .

(۱۲۹۲ق-۱۳۲۹ ش)

پس از اکمال تحصیلات در ۱۳۱۳ق، از طرف ناصرالدینشاه مستوفی آذربایجان و در سال ۱۳۲۴ به نمایندگی مجلس از طهران انتخاب و نایب رییس مجلس گردید و در کمیسیون بودجه برای تعیین



حقوق کارمندان دولت و حذف رسوم و مستمریهای بیمورد کوشید در دورهٔ استبداد صغیر، عضو کمیتهٔ واسطه و پس از فتح تهران عضو هیئت مدیرهٔ موقت بود سپس وزیر عدلیه و بعد از آن نمایندهٔ تهران و وزیر مالیه و در ۱۳۲۸ مجدداً وزیر عدلیه و وزیر داخله شد . در همان سال در کابینهٔ صمصام السلطنه عهده دار وزارت خارجه گردید (۱۳۲۹) ولی بر اثر اخراج **شوستر** مورد نفرت مردم و سرانجام ناچار به استعفا شد (۱۳۳۰) در ۱۳۳۲ باردیگر وزیر امور خارجه و سپس وزیر مالیه و در ۱۳۳۴ مأمور تشکیل کابینه گشت. در سال ۱۳۳۶ باردیگر مأمور تشکیل کابینه شد و جمعی از یاغیان از آنجمله **نایب حسین کاشی** را از میان برداشت و قرار داد ۱۹۱۹ را با دولت انگلیس امضاء کرد (۱۳۳۷) . این قرارداد سبب خشم مردم و حتی دولتهای آمریکا و فرانسه شد .

وثوق‌الدوله جمعی از مخالفان را تبعید و زندانی و روزنامه‌ها را توقیف کرد. وی ۲۲۰ هزار تومان از اینقرارداد برداشت . در مجامع بین‌المللی و کنفرانس صلح باعث بی‌اعتباری ایران شد . در سال ۱۲۳۸ وثوق‌الدوله مستعفی و به اروپا رفت. در ۱۳۰۵ به ایران مراجعت و وزیر عدلیه و سپس نمایندهٔ مجلس شد از ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۱ در اروپا بود بعد

بهایران آمد وانزوا اختیارکرد . وی شاعری توانا بود و اشعارش در نهایت انسجام است .

هژیر، عبدالحسین بن محمد . (۱۲۷۶-۱۳۲۸ه‌ش)



پس‌ازاتمام دورهٔ مدرسه سیاسی به اروپا رفت و به‌تحصیل حقوق‌پرداخت در سال ۱۳۲۰وزیر پیشه‌وهنر و بازرگانی و در سال ۲۲وزیرراه در سال ۱۳۲۳ وزیر کشور ، در سال ۱۳۲۴ وزیر دارایی ، در سال ۱۳۲۷ نخست وزیر ودرسال۱۳۲۸ وزیردربار بود ودرهمین سال توسط فداییان اسلام کشته شد.

هویدا ، امیرعباس.

متولد ۱۲۹۹ه‌ش.فرزندحبیب‌الله، تحصیلات ابتدایی و متوسطهٔ خود را در مدرسهٔ فرانسوی‌بیروت به‌پایان‌رسانیده، سپس در دانشگاه بروکسل وپاریس به ادامهٔ تحصیلات پرداخته است . مشاغل او تاکنون عبارتند از : کارمند وزارت امور خارجه ، وابستهٔ سفارت شاهنشاهی درپاریس، دبیر نمایندگی‌ایران‌درآلمان غربی ، معاون روابط فرهنگی وزارت خارجه ، منشی مخصوص وزیر خارجه ، رییس‌ادارهٔ‌روابط کمیساریای‌عالی‌سازمان ملل در ژنو ، مستشار سفارت کبرای شاهنشاهی درآنکارا ، معاون رییس‌هیئت مدیرهٔ شرکت ملی نفت ایران ، مدیر شرکت ملی نفت ، سرپرست اداری و عضویت هیئت مدیره ، وزیردارایی و درششم‌بهمن۱۳۴۴ به‌سمت نخست‌وزیری ایران تعیین شد .

کابینهٔ کودتا

کابینه‌ای‌که درروزدهم‌اسفند۱۲۹۹ هجری شمسی سید ضیاءالدین طباطبایی به حضور احمد شاه قاجار معرفی‌کرد، بیش از سه ماه به طول نیانجامید و با دستخط احمد شاه قاجار باطل شد . این کابینه، به‌کابینهٔ سیاه معروف است. اعضاء آن به شرح زیر میباشند :

۱ ــ سید ضیاءالدین طباطبایی ؛ رییس الوزراء ووزیر داخله .

۲ــ ماژورمسعودخان‌کیهان؛ وزیر جنگ .

۳ــ مدیرالملک جم؛ وزیرخارجه.

۴ــ میرزاعیسی خان فیض ، وزیر مالیه .

۵ ــ دکتر مؤدب الدولهٔ نفیسی ؛ وزیر صحیه وخیرات عمومی.

۶ــ مشیرمعظم‌خواجوی؛ وزیرپست وتلگراف.

۷ــ میرزا محمودخان موقرالدوله؛ وزیر تجارت وفواید عامه.

۸ــ عدل‌الملک‌دادگر؛ کفیل‌وزارت داخله.

۹ــ منصورالملک‌عدل؛ کفیل‌وزارت عدلیه .

درهفتم اردیبهشت ۱۳۰۰ هجری شمسی؛ ماژور مسعود خان ، از وزارت جنگ استعفاداد و به سمت مشاور در کابینه باقی ماند ومقام وزارت جنگ به سردار سپه (اعلیحضرت فقید)که تا آن روز رییس دیویزیون قزاق بود محول گردید.

روز ۲۳ اردیبهشت نیز میرزا عیسی‌خان فیض ، برای معالجه به اروپا رهسپار گشت و مدیرالملک جم به‌جای وی وزیر مالیه شدومعزالدولهٔ نبوی به وزارت خارجه منصوب شد .

وزارت امور خارجه

وزارت امورخارجه.

وزارت‌امورخارجه‌ایران‌قدیمی‌ترین وزارتخانه‌ای است‌که‌دراین‌کشورتأسیس شده است وتاریخ تشکیل‌آن‌تقریباً بریک قرن ونیم‌پیش میرسد. دراوایل سلطنت فتحعلیشاه قاجارکه روابط‌خارجی‌ایران کما بیش توسعه یافته بود و سفیران خارجی به دربارایران‌آمده بودندبرای مراجعات مأمورین‌خارجی و بیگانگان مرجع مخصوصی مقرر گردید و میرزا رضاقلی نوایی منشی‌الممالک‌که درواقع وزیر داخله هم بوددرسال ۱۲۲۴هجری قمری متصدی امور خارجه شد . میرزا‌ـ عبدالوهاب‌اصفهانی‌معروف‌به‌معتمدالدوله نشاط درسال ۱۲۳۶ پس ازرضاقلی‌خان نوایی منشی‌الممالک به‌این سمت‌منصوب گردید.سازمان‌امورخارجه‌درزمان‌تصدی آنها به نامهای‌مختلفی چون «دفترخانهٔ غربا» و«دفترامورخارج»و«امور دول » وغیرآن نامیده میشد. ظاهراً اولین‌کسی که باعنوان « وزارت دول خارجه » متصدی امور خارجه گردید **حاجی میرزا حسن خان** شیرازی بودکه درسال ۱۲۳۹ هجری‌قمری‌هنگامیکه‌فتحعلیشاه دراصفهان بسر می‌برد اورا به‌این سمت منصوب‌کرد . وزارت امور خارجه تا مدتها کما بیش جزء امور صدارت عظمی و زیرنظرمستقیم شخص صدراعظم اداره میشد . این وضع تا سال ۱۲۸۱ هجری قمری ادامه داشت و دراین سال بودکه مقررات خاصی برای‌وزارت امورخارجه تنظیم‌یافت و به‌صورت وزارتخانهٔ مستقلی زیر نظر وزیر امور خارجه در آمد . اولین نظامنامهٔ اساسی‌که برای وزارت امور خارجه تدوین شد،در زمان میرزا سعیدخان در۱۲۹۹ هجری قمری و به‌امضای‌اومقرر وروی‌کاغذآمده است .

دردوره‌های مختلف‌بنا به‌احتیاجات ومقتضیات وقت نظامنامه و تشکیلات متعددی برای وزارت امور خارجه‌تنظیم کرده‌اندکه هیچکدام از آن نظامنامه‌ها وتشکیلات‌کامل وجامع نبوده وچندسالی هم دوام نیافته است . نظامنامه داخلی ۱۳۰۰ که تکلیف ادارات و دفاتررا دقیقاً تعیین‌کرده است ونظامنامه اساسی سال ۱۳۱۸ که در زمان وزارت میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله وضع شده‌است و دومین‌نظامنامهٔ اساسی‌وزارت‌امورخارجه به‌شمار میرود و نظامنامهٔ اساسی ۱۳۲۶ ونظامنامهٔ‌داخلی۱۳۱۲ ونظامنامهٔ‌داخلی ۱۳۱۸ هجری‌قمری‌که به‌توشیح مظفرـ الدین‌شاه قاجار نیز رسیده است ، برای وزارت امورخارجه مقررات‌تازه‌وسازمان جدیدی‌را پیش بینی می‌کرد . در همین نظامنامه برای اولین بار ورود به‌خدمت وزارت امور خارجه شرایط خاصی پیش بینی شده‌بود .

اساسنامهٔ فعلی‌وزارت امور خارجه در سال ۱۳۳۴ تنظیم وبه تصویب‌هیئت وزیران رسیدودرآن‌شرایط‌ورودبه‌خدمت وزارت امورخارجه ومقامات کارمندان و طرزاعزام‌آنان‌به‌مأموریت وغیرآن‌پیش‌ـ بینی‌گردیده‌است . سازمان‌مرکزی‌وزارت امورخارجه در حال حاضر جمعاً دارای ۱۸۷عضو سیاسی است‌که ازاین عده۱۵

نفرنیز درسازمانهای دولتی وخارج از سازمان‌مرکزی وزارت‌امورخارجه‌به‌کار مشغولند. با توجه به۲۳۰ عضو سیاسی وزارت امور خارجه‌که در نمایندگیهای شاهنشاهی‌درخارج به‌خدمت‌مشغولندتعداد کل‌کارمندان این وزارتخانه بر۴۱۷ نفر بالغ می‌شود. سازمان فعلی وزارت امور خارجه ازدو قسمت تشکیل شده است :

قسمت‌اول سازمان‌مرکزی درتهران وقسمت‌دوم‌سازمان‌نمایندگیهای‌شاهنشاهی درخارج است .

الف ـ سازمان‌مرکزی وزارت‌امور خارجه تشکیل شده‌است از:

وزیر امورخارجه ـ معاون‌سیاسی و پارلمانی ـ معاون ثابت اداری ـ معاون امور بین‌المللی و اقتصادی ـ مدیر کل سیاسی ـ مدیر کل اداری ـ مدیرکل امور بین‌المللی و اقتصادی ـ شورایعالی سیاسی ـ تشریفات ـ مشاورین حقوقی ـ دفترمخصوص وزیر امورخارجه ـ ادارهٔ رمز ـ ادارهٔ محرمانه ـ ادارهٔ کارگزینی. ادارهٔ اول‌سیاسی: عهده‌دار کشورهای‌عرب زبان. ادارهٔ دوم‌سیاسی : عهده‌داررسیدگی به‌کارهای‌اروپای شرقی واتحاد جماهیرـ شوروی. ادارهٔ سوم سیاسی : عهده‌دار رسیدگی به کارهای کشورهای اروپای غربی . ادارهٔ چهارم سیاسی : عهده‌دار رسیدگی به کارهای قارهٔ آمریکا . ادارهٔ پنجم سیاسی : عهده‌دار رسیدگی به‌کارهای‌کشورهای مشرق‌ایران وخاور دور . ادارهٔ ششم سیاسی : عهده‌دار رسیدگی به‌کارهای قارهٔ افریقا ، ادارهٔ خلیج فارس . ادارهٔ اطلاعات و مطبوعات . ادارهٔ امور اقتصادی. ادارهٔ روابط فرهنگی . ادارهٔ سازمانهای بین‌المللی . ادارهٔ عهود و امور حقوقی . ادارهٔ همکاریهای بین‌المللی . ادارهٔامور مرزی ونقشه‌کشی. ادارهٔ ترجمه ، ادارهٔ انتظامات . ادارهٔ دفتر وزارتی . ادارهٔ حسابداری . ادارهٔ کتابخانه . ادارهٔ تابعیت . ادارهٔ سجلات واحوال شخصیتی ادارهٔ گذرنامه‌وروادید هیئت‌بازرسی .

ب ـ سازمان‌نمایندگیهای شاهنشاهی درخارج: وآن ازدو قسمت تشکیل شده است :

یکی سفارت کبری ها و دیگری سرکنسولگریها .

سفارتخانه‌های شاهنشاهی در خارج عبارتند از :

۱ ـ آدیس‌آبابا ـ ۲ـ عمان ۳ـ الجزیره . ۴ـ آنکارا . ۵ـ آتن . ۶ـ بغداد . ۷ـ بانکوك . ۸ـ بلگراد . ۹ـ برن. ۱۰ـبروکسل. ۱۱ـبیروت.۱۲ـ بوینوس‌آیرس . ۱۳ـ کپنهاك . ۱۴ ـ لاهه . ۱۵ـ جده. ۱۶ـ کابل . ۱۷ ـ کراچی . ۱۸ ـ کلن . ۱۹ ـ کویت . ۲۰ـ لندن. ۲۱ـ مادرید. ۲۲ـ مسکو. ۲۳ـ دهلی‌نو . ۲۴ـ اسلو. ۲۵ـ آتاوا ۲۶ـ پاریس. ۲۷ـ پراك . ۲۸ـ رباط . ۲۹ـ ریودوژانیرو . ۳۰ـ رم . ۳۱ـ واتیکان . ۳۲ـ استکهلم. ۳۳ـتوکیو. ۳۴ـتونس. ۳۵ـورشو. ۳۶ـواشنگتن ۳۷ـ وین .

سرکنسولگریهای‌شاهنشاهی‌درخارج عبارتند از :

۱ـبغداد. ۲ـ بصره. ۳ـ بمبئی . ۴ـ داکا. ۵ـ ژنو. ۶ـ هامبورك . ۷ ـ هرات . ۸ـاستانبول . ۹ـ کربلا. ۱۰ـ میلان. ۱۱ـ مونیخ . ۱۲ ـ نیویورك . ۱۳ ـ کویت . ۱۴ ـ سانفرانسیسکو . ۱۵ـ طرابوزان .

سازمان نمایندگیهای شاهنشاهی در خارج عبارتنداز :

۱ ـ برلن غربی . ۲ـ نمایندگی دایمی ایران نزد دفترسازمان ملل‌متحد ژنو . ۳ـ نمایندگی دایمی ایران نزد سازمان‌ملل‌متحدـنیویورك. ۴ـنمایندگی اقتصادی‌ایران‌ـواشنگتون. ۵ـنمایندگی ایران در جامعهٔ اروپایی (بازار مشترك) بروکسل .

سفارتهای خارجی

در ایران

آمریکا ، سفارت .
تخت‌جمشید ، تلفن۹ ـ ۴۹۲۰۰ .

اتریش ، سفارت‌جمهوری .
تخت‌جمشیدابتدای‌فرصت تلفن۶۱۳۰۳۱و ۶۱۱۷۳۶ .

اردن‌هاشمی ، سفارت‌پادشاهی .
خیابان‌پهلوی‌زرتشت ، تلفن۶۲۱۱۹۳و ۶۲۱۶۲۴ .

اسپانیا ، سفارت‌کبری .
خیابان ویلا ، کوی خوشبین۲۹ . تلفن ۴۳۴۳۲ و ۴۷۴۴۱.

افغانستان، سفارت‌کبرای‌پادشاهی
خیابان‌ابن‌سیناشماره۱۶ تلفن۶۲۶۷۳۹

اندونزی ، سفارت‌جمهوری .
تهران‌خیابان‌تخت‌جمشید، تلفن۴۶۹۱۴و ۶۴۲۷۹ .

انگلیس ، سفارت کبری
تهران ، خیابان فردوسی ،تلفن : ۱۷ـ۴۵۰۱۱ .

ایتالیا ، سفارت کبری .
تهران ، خیابان فرانسه ؛ تلفن : ۴ـ۴۲۰۲۳۴ .

ایسلند ، کنسولگری .
چهارراه امیراکرم ، تلفن۴۰۱۰۹ .

برزیل،سفارت.
تجریش ، خیابان پهلوی ۶۹ ، تلفن: ۸۴۴۰۴ .

بلژیك ، سفارت‌کبری .
تهران ، پارك امین الدوله ، تلفن : ۳۴۲۶۶ .

بلغارستان ، سفارت‌جمهوری
تهران خیابان‌پهلوی ، امانیه ، خیابان مهناز، تلفن۸۵۰۱۶۸ .

پاکستان، سفارت کبری.
تهران ، خیابان‌ایرانشهر ۱۹۷ تلفن: ۶ـ۶۲۴۷۹۱ .

ترکیه ، سفارت کبری .
تهران، خیابان‌فردوسی ، تلفن۳۷۹۲۸ و۳۸۹۹۷ .

چکوسلواکی. سفارت‌جمهوری.
تهران ، خیابان فخررازی ۱۳۶ تلفن: ۶۴۵۶۹ .

چین ، سفارت کبری.
تهران خیابان پهلوی، کاووسیه، خیابان قبادیان:تلفن ۶۲۴۹۰۶ .

دانمارك ، سفارت‌پادشاهی .
تهران، خیابان‌سعدی‌ـکپنهاك ، تلفن : ۳۶۵۴۰ .

رومانی ، سفارت‌جمهوری .
تهران، خیابان‌فخرآباد، تلفن۷۵۹۳۰۹ و۷۵۹۸۴۱.

ژاپن ، سفارت کبری .
تهران، خیابان صبای شمالی‌شمارهٔ ۵۳. تلفن:۴۲۸۴۸ و۶۷۷۶۳.

سوئد ، سفارت‌پادشاهی .
تهران ، تخت‌جمشید نبش‌فرصت. تلفن: ۴۸۳۰۵و۴۱۰۷۷ .

سوریه ، سفارت جمهوری .
تهران ، تجریش ، مقصودبك تلفن : ۸۳۰۶۴و۸۴۶۳۰ .

سویس ، سفارت .
تهران، خیابان پاستور. تلفن۴۴۰۶۳و ۴۷۳۱۹ .

شوروی ، سفارت کبری .
تهران خیابان چرچیل تلفن:۴۴۹۰۱ و ۴۶۱۵۱ .

عراق ، سفارت جمهوری .
تهران ، خیابان پهلوی، جنب بلوار تلفن: ۴۴۴۶۱ و ۴۱۰۳۱

عربستان سعودی ، سفارت کبری
تهران ، خیابان ویلا ناصر ۲۹ تلفن: ۶۲۶۳۵۴ .

فرانسه ، سفارت کبری .
تهران ، خیابان فرانسه ، تلفن ۴۰۰۹۷ و۴۰۰۹۸ .

فنلاند ،کنسولگری .
تهران، قلهك دوراهی حجازی ، تلفن: ۸۵۱۲۱۱.

کانادا ، سفارت،
تهران، تخت جمشید، نبش فرصت خیابان برزو تلفن : ۴۸۳۰۶ و ۴۹۲۹۱.

لبنان ، سفارت جمهوری
تهران،خیابان ویلا۱۱۶ تلفن۴۴۱۶۹ و۶۵۷۲۴.

کویت ، سفارت.
تهران، خیابان پهلوی، بالای بلوار تلفن: ۶۲۳۹۸۵ .

لهستان ، سفارت جمهوری .
تهران، تخت جمشید۱۴۰ تلفن۴۵۰۵۲و ۴۵۰۹۰ .

مجارستان . سفارت جمهوری.
تهران،خیابان پهلوی، کوی نصیرزاده۳ تلفن:۴۳۷۷۷ و ۶۱۳۷۹۲ .

مراکش ، سفارت کبری .
تهران ، خیابان ویلا، کوی پناهی شمارهٔ ۵ تلفن:۶۱۲۰۲۹ و ۴۳۶۰۳.

نروژ ، سفارت کبرای .
تهران ، خیابان آبان۳ ، تلفن۶۴۰۱۹

واتیکان ، سفارت .
تهران، خیابان فرانسه چهار راه رازی. تلفن۴۳۵۷۴ .

هلند ، سفارت پادشاهی .
تهران، خیابان ویلا ، خیابان ناصر۲۱ تلفن ۶۲۶۱۶۴ و ۶۲۶۲۰۶ .

هند ، سفارت کبری .
تهران، خیابان پهلوی،مقابل الیزابت دوم تلفن:۶۲۴۸۲۳ و ۶۲۴۸۲۸ .

یوگوسلاوی ، سفارت جمهوری .
تهران ، خیابان ویلا کوی پناهی. تلفن: ۴۵۲۸۰ و ۶۶۷۴۳ .

یونان ، سفارت .
تهران ، خیابان ایرانشهر ۲۸۴ تلفن : ۶۲۷۶۵۴ و ۶۲۶۹۸۰ .

نشانیهای سفارتهای ایران

درخارج

سفارت شاهنشاهی ایران ـ آتاوا

Ambassade Imperiale de l'Iran,
The Sandringham,
Suite 562,
85 Range Road,
OTTAWA,
Canadn. Tel.233-7521

5, Crescent Road,
Rockcliffe Park,
OttAwa.
Tel. 749-0802

سفارت شاهنشاهی ایران ـ آتن

Ambassade Imperiale de l'Iran
rue AlKimachou 3
ATHENES. Grece
Tel: 716361
710766

rue Levidou 18,
Kifissia,
Athener
Tel. 012621

سفارت شاهنشاهی ایران ـ آدیس آبابا

Imperial Embassy of Iran
vis-a-vis Gandhi Memorial-
Hospital
P.O.Box 1144
ADDIS ABABA
Ethiopia
Tel. 47558

Patriot Street,
Addis Ababa
Tel. 16888

سفارت شاهنشاهی ایران ـ آنکارا

Ambassade Imperiale de l,Iran
KavaKlidere,
Tehran Gaddesi NO. 10
ANKARA
TurKey
Tel. 175187
126375

same address
Tel. 121057

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ـ استانبول

Consulat General de l'Iran,
Ankara Caddesi No. 2,
ISTANBUL,
Turquie. Tel. 224928

سفارت شاهنشاهی ایران ــ برن

Ambassade Imperiale de l'Iran,
38, Luisenstrasse,
BERNE,
Suisse.
Tel: 430801
430802
Elfenstrasse 16,
Berne.
Tel: 440002

سفارت شاهنشاهی ایران ـ بروکسل

Amdassade Imperiale de l,Iran
18 Avenue Emile Duray
BRUXEELES 5,
Belgique.
Tel: 477405
477306
15, Avenue Roosvelt,
Bruxelles, 5,
Tel: 492243

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ــ بصره

Imperial Consulat General of Iran
Palestin road,
BASRAH
Iraq.
Tel. 3429
same address
Tel. 6046

سفارت شاهنشاهی ایران ـ بغداد

Imperial Embassy of Iran,
Saadi Street,
Karradat Maryam
BAGHDAD,
Iraq.
Tel. 32171
32172

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ــ بغداد

General Consulate of Iran
Vaziryeh
Vis-a-vis Maghreb Street
BAGHDAD
Iraq.
Tel. 22037
22036
24205

سفارت شاهنشاهی ایران ــ استکهلم

Imperial Embassy of Iran,
Strandvagen 57,
STOCKHOLM O,
Sweden. Tel: 627068
627368
604330
Strandvagen 7 C
Stockholm.
Tel. 627069 - 672820

سفارت شاهنشاهی ایران ــ اسلو

Imperial Embassy of Iran
Huk Avenue No. 3
Bygdoy,
OSLO 2,
Norway. Tel. 557974
same

سفارت شاهنشاهی ایران ــ الجزیره

Ambassade Imperiale de l'Iran,
60, rue Didouche Mourad,
ALGER,
Algerie,
Tel. 631250
Vila «Golestan» 5 Rue No,3
La Paradou Hydra Alger
Tel. 602220

نمایندگی ایران نزد جامعهٔ اروپایی (بازار مشترك)
بروکسل

MISSION DU GOUVERNMENT
IMPERIAL DE L,IRAN AUPRES DES
COMMUNAUTES EUROPEENNES
18, Avenue Emile Duray
Bruxelles 5
Tel: 47.74.05-47.74.06

سفارت شاهنشاهی ایران ــ بانکوك

Imperial Iranian Embassy
197 Silom Road
BANGKOK
Thailand

نمایندگی شاهنشاهی ایران ـ برلن غربی

Delegation de l'Iran
Kurfurstendamm 50,
BERLIN W. 15,
Allemágne.
Tel: 915822
915823

سفارت شاهنشاهی ایران ـ پراك

Ambassade Imperiale de l'Iran
Na Zatorce 18.
PRAGUE 6.
Tchecoslovaquie.
Tel: 74373
same address
Tel. 74621

سفارت شاهنشاهی ایران ـ توکیو

The Imperial Iranian Embassy
NO. 10 – 32 , 3 – Chome,Minami –
AZABU
Minato – ku, TOKYO
JAPAN
Tel: 4734238
4734237
SAME Address 4734239

سفارت شاهنشاهی ایران ـ تونس

Ambassade Imperiale de l'Iran,
4, rue Dr. Burnet,
Belvedere,
TUNIS,
Tunisie. Tel: 282195

سفارت شاهنشاهی ایران ـ جاکارتا

Imperial Embassy of Iran,
Djalan Madiun No. 1,
Djakarta,
Indonesia

سفارت شاهنشاهی ایران ـ جده

Imperial Iranian Embassy
116 Madineh Road Kilo 3rd.,
JEDDAH,
Saudi Arabia,
Tel. 3243
same address
Tel. 3540

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ـ داکا

Consulate General of Iran,
Fairways Road No. 1,
Dhanmandi,
DACCA,
East Pakistan.
Tel. 4496

سفارت شاهنشاهی ایران ـ بلگراد

Ambassade Imperiale de l'Iran
Dòbracina 39,
BELGRADE,
Yougoslavie,
Tel. 629464
629497
Tolstojeda 23,
Belgrade,
Tel. 50681

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ـ بمبئی

Consulat General of Iran
Baldota Bahavan,
Queens road Fort 117
BOMBAY,1,
India
Tel: 242118
Nurmandi,
Carmichael Road,
Cumballa Hill,
Bombay. 26,
Tel: 74185

سفارت شاهنشاهی ایران ـ بوینوس‌آیرس

Ambassade Imperiale de l'Iran
Avda. Libertador Gral
San Martin 2257,
BUENOUS AIRES,
Argentine.

سفارت شاهنشاهی ایران ـ بیروت

Ambassade Imperiale de l'Iran,
Corniche Mazraa,
BEYROUTH
Liban
Tel: 229800
229700
Avenue Fouad Premier,
Villa Albert Pharaon.
Beyroutk,
Tel. 223201

سفارت شاهنشاهی ایران ـ پاریس

Ambassade Imperiale de l'Iran,
5, Rue Fortuny,
PARIS 17.
France.
Tel: CAR 8290–8291–8292
MAC 0274

سفارت شاهنشاهی ایران ـ دمشق

Ambassade Imperiale de l'Iran
Immeuble Naim Antaki,
Al-Jalaa Avanue (Abou Rumanah).
DAMAS,
Syrie.
Tel. 31537
Al-Jalaa Avenue,
rue Abi Djarach
Damas.
Tel: 30630

سفارت شاهنشاهی ایران ـ دهلی نو

Imperial Embassy of Iran,
Hailey Lane 1,
NEW DELHI,
India. Tel: 40482-45690
5, Barakhamba Road,
New Delhi.
Tel. 45485

سفارت شاهنشاهی ایران ـ رباط

Ambassade Imperiale de l'Iran,
7. rue Montaigne.
ROBAT
Maroc. Tel. 24252
Villa Magnolia,
7, rue Montaigne,
Robat.
Tet. 20664

سفارت شاهنشاهی ایران ـ ریودوژانیرو

Ambassade Imperiale de l'Iran,
Copacabana.
RIO DE JANEIRO.
Bresil. Tel: 37-5952
37, Anita Garibaldi
Copacabana,
Rio de Janeiro,
Tel. 37-5952

سفارت شاهنشاهی ایران ـ رم

Ambassade Imperiale de l'Iran
Via Bruxellds Oo. 57,
ROME,
Tel: 262494
862895
657 Via della Camilluccia
Rome.
Tel. 324295-324294

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ـ ژنو

Consulate General de l,Iran,
1-3, Chantepoolet
1200 Geneve Tel: 325577
317245

نمایندگی دایمی ایران نزد دفتر
سازمان ملل متحد ـ ژنو

Delagation Permanente de l'Iran
aupres de l'Office des
Nations Unies,
72 Chemin de Velours,
GENEVE,
Suisse
Tel. 356691-356692-357650
1, Promenade du Pin,
Geneve.
Tel. 360109 - 255507

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ـ سانفرانسیسکو

Consulate General of Iran,
3400 Washington Street,
SAN FRANCISCO 18,
California,
USA, Tel: F 16-8922
8923
Same Address
Tel. F,16-9100
921-3000

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ـ طرابوزان

Consulat General de l'Iran
Avenue Boztepe,
Rue Kiziltopark NO. 1
TRABZON
Turquie.
Tel: 1129

سفارت شاهنشاهی ایران ـ عمان

Imperial Iranian Embassy
Prince Mohammad Street,,
Jabal Amman.
AMMAN
Jordon
Tel. 41281
41282
Zahran Street,
Jabal Amman,
Tel. 41086

سفارت شاهنشاهی ایران ـ کویت

Imperial Iranian Embassy,
Share-el-Esteghlal, No. 24
KUWAIT,
Tel. 39236-39868-39870-39869

Besman,
Boyute Sheikh Jaber 5
Kuwait.

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ـ کویته

Consulate General of Iran
2/33 Phayre Road.
QUETTA.
Wett Pakistan.
Tel: 2054

Hibbert Road 3,
Quetta.
Tel. 2054

سفارت شاهنشاهی ایران ـ لاهه

Ambassade Imperiale de l'Iran,
Rust en Vreugdlaan 5'
Wassenaar,
La HAYE,
Hollande.
01751 -8124
8540

same aderess
01751 - 9633

سفارت شاهنشاهی ایران ـ لندن

Ambassade Imperiale de l'Iran'
50 Kensington Court,
LONDON, W.8.
Tel: Wes 5225-5226-5227-5228
6540-4503

26 Prince's Gate,
London, S. w. 7,
Tet. KEN 9606 - 9607
9458

سفارت شاهنشاهی ایران ـ مادرید

Ambassade Imperiale de l'Iran
6 Calle de Jerez,
Chamartin,
MADRID 16
Espagne.
Tel: 259-1917
259-0801

same address
Tel. 259 - 3445

قاهره

127 Avenue el-tahrir,
Dokhi,
CAIRO
Tel: 63240-63183-63298

57 Avenue al-Arouba,
Heliopolis,
Cairo.
Tel. 63399

سفارت شاهنشاهی ایران ـ کابل

Imperial Iranian Embassy.
Chirpour.
KABUL.
Afghanistan.
Tel. 20986-20510

same Address
Tel. 20545

سفارت شاهنشاهی ایران ـ کپنهاک

Ambassade Imperiale de l'Iran
Dag Hammarskjolds Alle 25,
COPENHAGUE, Tel: TR 1900
Danemark. 1251

Signesvej 2,
Hellerup,
Copenhagen.
Tel. Hell 4660

سفارت شاهنشاهی ایران ـ کراچی

Imperial Iranian Embassy,
Shahrah-e-Iran,
Clifton,
KARACHI.
Pakistan.
Tel: 53885-54139-54240-54238
51982-54494-55296

Same address
Tel: 54239

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ـ کربلا

Consulate General of Iran,
KERBELA,
Iraq.

سفارت شاهنشاهی ایران ـ کلن

Ambassade Imperiale de l'Iran,
5 KOLN
Marienburg,
Parkstrasse 5,
Allemagne.
Tel: 381642-381643

سفارت شاهنشاهی ایران ـ مسکو

Ambassade Imperiale de l'Iran
Pokrovsky Bauevard No. 7,
MOSCOU,
URSS. Tel: 972330-974719
same address
Tel. 972442 - 971350

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ـ مونیخ

Consulat General de l'Iran
MUNCHEN 27,
Mohlstrasse 35,
Allemagne.
Tel: 481587-481588
Munchen,
Gabrieel Maxstrasse 29,
Tel: 435197

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ـ میلان

Consulat General de l'Iran
Plazza Republica No. 10,
MILANO,
Italie. Tel: 650-888
Via Brera No. 20,
Milano.
Tel. 861 - 436

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ـ نیویورك

Consulate General of Iran,
630 Fifth Avenue,
International Building,
NEW YORK 20, N. Y.

نمایندگی دایمی ایران در ملل متحد ـ نیویورك

Permanent Mission of Iran
to the United Nations,
777 Third Avenue
26 th Floor,
NEW YORK N. Y. 10017
USA. Tel: 752-3223
125 East 72 nd. Street
Apt. 14-A
New york 21' N. y.
U. S. A.
Tel. 988.8527

سفارت شاهنشاهی ایران ـ واتیکان

Ambassade Imperiale de l'Iran,
Saint Siege,
Via Antonio Gramsci 9'
ROMA.
Tel: 879259
156 Via Archimede,
Roma.
Tel. 873432

سفارت شاهنشاهی ایران ـ واشنگتن

Imperial Embassy of Iran,
3005 Massachusetts Avenue N. W.,
20008 WASHINGTON 8, D. C.,
USA. Tel: DE-27001-1800
3003 Massachusetts Ave. N. W.
20007 Washington 8,D.C.,
Tel. DE-72000

نمایندگی اقتصادی ایران ـ واشنگتن

Iranian Economic Mission,
2233 Wisconsin Avenue N. W.,
WASHINGTON 7, D. C.
USA.

سفارت شاهنشاهی ایران ـ ورشو

Ambassade Imperial de l'Iran,
Rue Raszynska 54,
VARSOVIE,
Pologne.
Tel: 220108 - 220801 - 224222
Dabrowiecka 19,
Varsovie.
Tel. 108452 - 106251

سفارت شاهنشاهی ایران ـ وین

Ambassade Imperiale de l'Iran,
Argentinierstrasse 23,
VIENNE 4,
Autriche.
Tel: 652703 - 652704
Wenzgasse 2,
Wien 13,
Tel: 824256

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ـ هامبورك

Consulat General de l'IRAN
2000 HAMBURG 20,
Haynstrasse 2,
Allemagne.
Tel: 483055 - 482070
2000 HAMBURG 20,
Heilwigstrasse 39,
Tel: 473320

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران ـ هرات

Consulate General of Iran,
HARAT,
Afgkanistan.
Tel: Ask the Central

مشروطیت

مجموعهٔ حوادثی که منجر به ظهور وتکوین‌مشروطیت ایران گشت ، شاخص دوران نو در تاریخ ایران است . هدف انقلاب مشروطیت ایران متوجه‌هدف‌ــ هایی بود که‌پس ازشصت‌سال‌که از آغاز مشروطیت می‌گذرد جامعهٔ ایران هنوز به‌برخی ازآنها نایل نگردیده وبعضی‌را درنتیجهٔ تحولات به‌صورت دیگری حایز شده است . بدیهی است‌که برخی ازاین منظورها نیزکاملاحاصل گردیده وجنبشی که خود در نتیجهٔ حصول این‌هدف‌ها به وجود آمده و هم خود به حصول آن‌هــا مدد میرساند در ایــران‌کنونی مشهود است .

انقلاب مشروطیت ایــران ، نظیر دیگر انقلاب‌های عمدهٔ سیاسی در نتیجهٔ نوعی‌تغییرحالت‌وروحیه درافرادمملکت به‌وقوع‌پیوست . انقلاب مشروطیت‌ایران منتجهٔ نهضت فکری و تحول اجتماعـی ریشه‌داری‌است‌که دارای دو قرن و نیم سابقه می‌باشد . یعنی از زمانی‌که رونق کار وصنعت وتجارت رو به‌کاهش نهاد و به تدریج قدرت صنعتی و نظامی و سیاسی ایرانیان‌دربرابر اقتصاد وتمدن‌اروپایی به‌سوی انحطاط گرایید .

اعزام جوانان مستعد به فرنگستان توسط قایم‌مقام ، ومیرزا تقی‌خان‌امیرــ کبیر ، تأسیس‌دارالفنون ، و اشاعهٔ‌علوم وفنون غربی ، انتشار روزنامهٔ وقایع ــ اتفاقیه به وسیلهٔ‌امیرکبیر ، چاپ‌وانتشار کتب‌وجزوه‌هایی که‌ترجمهٔ آثارمتفکران غربی بود به‌تدریج موجب آگاهی بیشتر افراد مملکت ازکم وکیف پیشرفت‌های ملل اروپایی گردید .

انتشار مقالات ملکم‌خان ، انتشار روزنامهٔ‌قانون‌که به‌همت وی شانزده‌سال قبل ازانقلاب مشروطیت درلندن تأسیس شد ، وهمچنین قبلاروزنامهٔ **عروة‌الوثقی** که‌به وسیلهٔ سید جمال‌الدین اسد آبادی باهمکاری **شیخ محمدعبده** رجل‌انقلابی مصر درپاریس انتشار می‌یافت وروزنامهٔ **ثریا** که به وسیلـهٔ محمـد علی خــان شیبانی در قاهره مبلغ افکار جدید بود ، **حبل‌المتین** درکلکته. وکتب وتألیفات دیگرایرانیان‌ازقبیل‌عبدالرحیم‌طالب‌اف درقفقازومیرزاآقاخان‌کرمانی‌دراستانبول سبب‌شد که افکار جدید ازهرسو به داخل ایران رسوخ یابد .

مسلم است برخی افراد و طبقات اجتماعی برای‌پذیرفتن‌عقاید نوین‌انقلابی واجد زمینهٔ فکری آماده‌تری بودند هر چندانقلاب مشروطیت ایران‌را نمیتوان ازجمیع جهات انقلابی بورژوازی‌دانست زیرا درآن زمان هنوز وضع اقتصادی ایران به‌پایه‌ای نرسیده بود تا طبقه‌ای نظیر بورژوازی کشورهای اروپایی کـه عامل وهادی‌انقلاب‌های سیاسی قرون۱۸ ونوزده بود به وجودآید ، ولی می‌توان گفت‌که ازجهاتی‌دارای برخی‌خصوصیات اجتماعی است‌که تا حدی با بورژوازی اروپا درقرون بعد ازرنسانس قابل‌قیاس می‌باشد .

درروزگار صفویه‌که‌صنعت وتجارت رونق داشت منافع قابل توجهی عاید دستگاه دولت می‌شد ولی از اواخر این دوران‌به‌علت فقر وانحطاط صنایع‌نفوذــ های محلی‌قدرت‌خودرا بازیافتند وتجار وصنعتگران زیر دست و منکوب شدند. ودردوران‌قاجاریه نیزنتوانستندبه‌تجدید رونق واحیای‌صنعت وتجارت موفق‌شوند چون تجار ایرانی عادت داشتند بدنبال مال‌التجارهٔ خویش‌حــرکت‌کنند ،برای پیشرفت کارتجارت بـه‌کشورهای خارج سفرکردند وبازندگی وتمدن اروپایی‌از نزدیك آشنا شدند .

ازمیان این‌تودهٔ انبوه مجـاهدان قفقاز وفداییان برخاستند ودر سال‌های اول‌مشروطیت‌به‌سرکردگی **یپرم وحیدر عمواوغلی** به‌صورت پاسداران اسلحه به دست مشروطیت درآمدند .

انعقاد معاهدهٔ ترکمن چای وورود آزادانهٔ کالاهای روسی و سپس ســایر کشورهای اروپایی‌علاوه‌براثر اقتصادی، نتیجهٔ دیگرش آشنا شدن مردم‌به‌صنایع ومعادن جدید بود که بخصوص تجار و بازاریان را تحت‌تأثیر قرارداد . متحد بزرگ‌این طبقه، روحانیون بودند کـه حق‌مکتب واثبات‌حقوق این‌طبقه راشرع اسلام تأیید می‌کرد وروحانیون‌ازدیرگاه سمت رهبری معنوی‌را برآنها داشتند .

روحانیت شیعه که از زمان صفویه قدرت وقوام بسیار یافته بود از زمــان نادرشاه سلطهٔ گــذشته را از دست داده بود .

ازطرف دیگــر دولت قـاجاریه ، روحانیت‌راقدرتی‌قوی‌ورقیب‌خودمی‌پنداشت وباجداکردن‌امورشرعی‌ازعرفی‌واختصاص امورعرفی به‌دولت درصدد تضعیف‌قدرت روحانیت برآمد .

واقعهٔ رژی ومنع‌استعمال‌تنباکو به جرأت‌وجسارت سیاسی روحانیون افزود زیرا دراین واقعه روحانیون ازدوسلاح اجتماعی دین یعنی تحـریم در استعمال شیئ وتکفیر افــراد به‌غایـت استفاده کردند . ازعوامـلی‌کـه در سوق دادن روحانیت به سوی هدف‌های مشروطیت تأثیربسزا داشت علماءنجف‌بودندکه در برابر تجمل پرستی واهمال حــکومت قاجاریه قدعلم‌کرده شیعیان‌را به مبارزه با نفوذ روز افزون خارجی تــرغیب کردند .



ستارخان

دارالفنون ومدارسی که بعد ازآن توسط بعضی ازرجال اصلاح طلب‌ناصری ومیسیون‌های مــذهبی از اوایــل دورهٔ ناصرالدین‌شاه در تهران و ســایرولایات تأسیس شده بود موجب آشنایی طبقات مختلف با معارف وعلوم جدیــد بود و مأمورین وزارت امورخارجه‌که سال‌هــا درکشورهای خارج‌بسربرده بوندددارای تمایلات مشروطه طلبی گردیدند . عــدم موفقیت رجال روشنفکر و اصلاح طلب دوران ناصرالدین‌شاه ؛ از قبیل میرزا حسین‌خان سپهسالار ومیرزا یوسف‌خان مستشارالدوله‌که با رویهٔ‌اعتدالی درصدد وضع قوانین وبرقراری نظامات‌متناسب باروحیهٔ عصرجدیدبودندبه‌رسوخ‌وماهیت عقاید وافکارایشان می‌افزود . باپیشرفت این افکار عدهٔ قابل ملاحظه‌ای از اعیان واشراف نیز به‌تدریج طرفدار حکومت مشروطه‌گردیدند .

افزایش‌تعدادوقدرت‌افرادایل‌قاجار موجب عدم رضایت عشایر وایلات دیگر شد به‌طوریکه سران ایـل بختیاری نیز متمایل به مشروطه‌گشتند .

مجموعهٔ این‌عوامل وتأثیرنهضت ــ های آزادی‌خواهی‌کشورهای همجوار از قبیل حزب سوسیال دموکرات در روسیه وحزب‌اتحاد وترقی درعثمانی ، منجربه تکوین نهضتی شدکه مبدل به‌جنبش ملی گردید وهدف آن‌تنظیم وتفکیك قدرت واختیارات‌دولت‌وملت‌ونظارت‌نمایندگان ملت درامور عمومی‌بود .

مشروطه‌طلبان

آقاخان‌کرمانی .
(مقتول ۱۳۱۴ هق)



یکی‌از آزادی‌ـ خواهان بزرك‌مشروطه وازشاگردان جمال‌الدین اسد آبادی بود .
آقاخان در راه‌پیش‌ـ رفت مشروطه جان‌خودرا از دست‌داد . ازآثار او : «آیینهٔ سکندری»و «هفتادودوملت» به‌چاپ رسیده است .

احتشام‌السلطنه .
رؤسای مجلسین را به‌بینید .

باسکرویل ، هوارد .
(۱۸۸۲ ـ ۱۹۰۷م)



در۲۵ سالگی پس از اتمام تحصیل در دانشگاه پرینستون‌به تبریزآمدو در مموریال اسکول (مدرسهٔ آمریکاییها) به تدریس پرداخت ، درهنگام محاصرهٔ تبریز و قیام آزادیخواهان به‌آنان پیوست و به آموزش نظامی‌جوانان تبریزی پرداخت وسپس درجنگهای‌آزادی‌خواهانه‌شرکت جست وسرانجام در**شنبه غازان** هنگام جنگ باسپاهیان استبداد کشته شد .



ثقةالاسلام

باقرخان .
باقرخان ازمردم غیور آذربایجان و از رهبران دورهٔ انقلاب مشروطیت ایران‌است‌که به‌سالار ملی ، ملقب گردید وبارهبر دیگرمجاهدین آذربایجان‌یعنی ستارخان ، سردار ملی درتبریز نیروی اعزامی محمد علیشاه قاجار را شکست داد وبه‌قصد فتح تهران عازم پایتخت گردید .

پس از استقرار مشروطه مدتی در تهران به‌سربرد، امادرجنگ‌جهانی اول که‌عده‌ای به‌قصد مهاجرت ازتهران‌خارج شدند وی‌نیز باچند نفر همراه شد، اما شبی در دیهی نزدیك قصرشیرین باچند نفر از همراهانش ، جملگی به دست کردان مقتول شدند.



قاتلین، سر تمام آنها را درخواب بریدند تالیره‌هایی‌که خیال می‌کردند درتصرف آنهاست تصاحب کنند . این جریان درماه محرم ویاصفر سال **۱۳۳۴** هجری‌قمری اتفاق افتاده است .

باقرخان دراوایل ، یعنی موقعی‌که مظفرالدینشاه قاجار به‌عنوان ولیعهددر تبریز به‌سر می‌برد ، فراش دستگاه وی بود .

بهبهانی ، سید عبدالله‌بن اسمعیل‌بن‌سید نصرالله .
(۱۲۶۰ق. ـ ۱۳۲۸ ه ش)

علوم دینی‌را درنجف تحصیل‌کردو درسال **۱۲۹۵** به‌تهران بازگشت . در تظاهرات برضد عین‌الدوله و خواستن عدالت‌خانه‌درتهران پیش قدم شد و طباطبایی را نیزبه‌یاری مشروطه‌خواهان طلبید . وایندو درآغازکار رهبرمعنوی نهضت بودند . درتحصن حضرت عبدـ العظیم وقم شرکت‌کردند . در دورهٔ‌اول یهودیان به عنوان قدر دانی اورا به



نمایندگی خود به مجلس فرستادند،پس از به‌توپ‌بستن مجلس گرفتارش‌کردند و کتك‌زدند وبه‌نزد محمدعلیشاه بردند ولی‌شاه اورا بوسید و دوازده‌هزارتومان به‌وی داد وبا احترام به‌عتبات روانه‌اش ساخت .

بعد ازفرار محمدعلی‌شاه به تهران آمد وسال بعدکشته شد .

قتل وی را از طرف دموکرات‌ها دانستند با آنکه مبارزات وی را حمل براختلافهای‌شخصی واورا به‌فرصت‌طلبی وکمك به اعتدالیون وجاه‌جویی متهم کرده‌اند عظمت خدمت وی جوابگوی اینهمه تواندبود .

پیرنیا ، معاضدالسلطنه .
معاضدالسلطنه‌را به‌بینید .

تقی‌زاده ، سیدحسن .
رؤسای‌مجلسین‌را به‌بینید.

ثقةالاسلام ، تبریزی.
(۱۲۷۷ ـ ۱۳۳۰هق)
مروجین ادیان‌را به‌بینید .

جهانگیرخان شیرازی .
میرزا جهانگیرخان شیرازی ؛ فرزند آقارجبعلی‌مدیر روزنامهٔ صورـ اسرافیل است‌که به‌خاطرنام روزنامه‌اش به‌صور اسرافیل‌ملقب ومشهور گردید .

وی به‌سال **۱۲۹۲** هجری‌قمری در شیراز متولد شده بود . صوراسرافیل یکی از مبارزین و طرفداران سرسخت مشروطه ویکی از ارکان عمدهٔ مشروطیت



به‌شمار می‌رود . پس از اشغال مجلس شورای‌ملی توسط‌قزاقان، وی‌نیز با جمعی دستگیرشد ، اورا به‌باغشاه بردند وروز چهارشنبهٔ سوم تیرماه ۱۳۲۶ هجری قمری بر گردنش طناب انداختند« خفه کردند» باید متذکر شد که محمدعلی شاه‌قاجار دستور قتل آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان را داده‌بود ، پس‌ازاینکه‌صوراسرافیل به قتل‌رسید جسد اورا به‌خندق‌کنار شهر انداختند، اما پس‌ازچندروز به‌همت یکی ازآزادی‌خواهان در پشت‌باغشاه مدفون گردید .

خیابانی .
شیخ محمدبن حاج‌عبدالحمید تاجر خامنه‌یی .
(۱۲۶۶ ــ ۱۲۹۹ش)

درتبریز متولد ودرکودکی همراه پدر به‌قفقازرفت‌پس ازبازگشت به‌تحصیل علوم دینی پرداخت وامام مسجدکریم‌ــ خان شد .

درانقلاب مشروطیت شرکت و در استبداد صغیرمسلحانه جنگید و دردورهٔ دوم به‌نمایندگی مجلس انتخاب وپس‌از تعطیل مجلس به‌قفقاز واستانبول رفت و پس ازچندی به‌تبریزبازگشت و به‌تجدید فعالیت‌حزب دموکرات پرداخت و هنگام آمدن ترکها به‌تبریز توقیف وچندی در فارس زندانی شد . پس ازنجات‌به‌تبریز آمد وفعالیت راازسر گرفت به‌نمایندگی مجلس انتخاب ولیکن به‌مجلس نرفت ؛ ومردم‌رابه‌قیام برعلیه‌دولت وثوق‌الدوله دعوت‌کرد (۱۲۹۹) روشنفکران تبریز بدو پیوستند وبه‌زودی‌کارش بالا گرفت کابینهٔ وثوق‌الدوله سقوط‌کرد .

پیرنیاوالی‌جدیدی (مخبرالسلطنه) را به‌تبریز فرستاد و به‌کمک‌نظامیان و فئودالها به‌فعالیت پرداخت وباترور کردن خیابانی وکشته‌شدن جمعی از فداییان او ماجرا خاتمه یافت .

روحی ، شیخ احمدکرمانی .
(۱۲۶۳ــ ۱۳۱۴هق)



ازتعلیم یافتگان مکتب سید جمال‌الدین اسدآبادی و ازپیشوایان نهضت‌مشروطه است.

وی به همراهی‌میرزا آقا خان کرمانی با ایادی حکومت مطلقهٔ قاجاریه واستبداد شاهزادگان به‌مبارزه پرداخت و عاقبت دراین‌راه شهیدشد .

وی‌نویسنده وشاعر بود و در شعر روحی تخلص می‌کرد. ترجمهٔ **ژیل‌بلاس** ازفرانسوی به‌فارسی به‌قلم اوصورت‌گرفته وکتاب هشت‌بهشت از تألیفات اوست و نیز ترجمهٔ حاجی‌بابارا ازانگلیسی به فارسی بدونسبت‌دهند .

سالارفاتح .
وزیران‌وسرداران سیاستمدارایران را به‌بینید .

ستارخان ، پسر حاج حسن بزاز قره ــ داغی .
(۱۲۸۴ ــ ۱۳۳۲ ق.)

حاج‌حسن درسال ۱۳۰۴ پس‌ازکشته شدن اسمعیل به‌فرمان حاکم قره داغ با پسر کوچکش ستار به‌تبریزآمد . درهمین سال‌ستار بـه‌اتهام پناه دادن دوتـن از همشهریانش دستگیر ودراردبیل دوسال زندانی شد . سرانجام گریخت وبراه ــ زنی پرداخت چندی‌به‌خدمت قراسواران درآمد وچون شایستگی خودرا نشان‌داد ازتفنگداران خاصهٔ‌مظفرالدینشاه‌شد وبه تهران رفت وازآنجا بـرای سرکوبـی ترکمانان به‌مشهد فرستاده‌شد ؛ لیکن‌به زودی مغضوب فرماندهان‌گردید وناچار به‌تبریز وازآنجا به‌عتبات‌رفت . درسال ۱۳۱۲ بار دیگر به تبریز مراجعت و درسال ۱۳۱۹ باز عازم عتبات شد . پس از بازگشت چندی درسلماس مباشریکی ازمالکین بود. آنگاه‌در تبریز به‌خرید و فروش ودلالی اسب پرداخت ، درآغـاز مشروطیت به همراهی باقرخان هرکدام ده‌نفر سوارگرد آورده به خدمت پلیس پیوستند .

پس ازبه‌توپ‌بستن مجلس ازهر سو واز داخل‌شهر مورد حملهٔ مستبدین‌قرار گرفت وسران انجمن ایالتی یاگریختند ویا به‌سفارتخانه‌های خارجی‌پناهنده‌شدند.

دراین‌هنگام ستارخان بامردم‌محلهٔ امیرخیز به‌پاخاست وبه مشروطه‌خواهان جرأت داد ومساعی‌اوسبب‌شدتامشروطیت ازپای نیفتد. دراین دوره‌مدالی ساختند که بـر روی آن عکس ستار خـان و باقرخان بوده وبه مجاهدین می‌دادند.



سرداراسعد.
(۱۲۷۴ ــ ۱۳۳۶ق)

علی قلی‌خـان بختیاری ، فرزنـد حسینقلی‌خان‌ایلخانی در «چهارمحـال» متولدشد تحصیلات مقدماتی و تعلیمات سواری‌وتیراندازی‌ومقدمات عربی‌وزبان فرانسه‌را نزدمعلم شخصی فراگرفت. در سال ۱۲۹۸ به‌ملاقات‌ناصرالدین‌شاه‌نایل آمد وجزوکشیک‌خانهٔ سلطنتی شد ولـی چندی بعد به تقاضای ظل‌السلطان بـه بختیاری بازگشت .

در۱۲۹۹ برای دیدار ظل‌السلطان به‌اصفهان رفت ودرسال۱۳۰۵ که ظل ــ السلطان‌ازحکومت‌اصفهان معزول‌گردید علی‌قلی‌خان به تهران بازگشت ومـورد مرحمت‌شاه قرارگرفت وفرماندهٔ پنجاه نفر سوار بختیارشد .

پس‌ازحادثهٔ شوم قتل ناصرالدین‌ـ
شاه ، و تاجگذاری مظفرالدیـن شاه ،
علی‌قلی‌خان‌امتیاز راهسازی بین‌اصفهان
واهوازرا به‌دست‌آورد . درسال ۱۳۱۸
به‌خارج ازایران مسافرت‌کرد ودر سال
۱۳۲۰ به‌تهران‌بازگشت . درسال۱۳۲۳
ازطرف مظفرالدین شاه لقب «سردار ـ
اسعد» ونشان وحمایل به‌وی داده شد و
مأمور نظم لرستان‌گردید .

در ۱۳۲۴ بار دیگر به‌اروپا رفت
ودر پاریس به‌ترجمهٔ‌بعضی ازکتب‌فرانسه
دست‌زد . پس ازبمباران مجلس‌گروهی
ازنمایندگان و مشروطه‌خواهان فراری
ایران در پاریس انجمنی تشکیل دادند
وسردار اسعد را به‌آن‌کشاندند . دراین
اوقات ممتازالدوله‌که عضوانجمن‌طرف‌ـ
داران ایران بود ، سـردار اسعدرا از
تصمیم‌نهایی‌وزارت‌خارجهٔ انگلستان‌برای
خلع محمدعلیشاه‌آگاه ساخت . در این
موقع‌که عمدهٔ قوای محمد علیشاه گرفتار
فتنهٔ مشروطه‌خواهان تبریز بود حادثـهٔ
سقوط اصفهان پیش‌آمد. سردار دراروپا
رهبری قیام‌اصفهان را به‌عهده‌گرفت و به
ایران‌آمدورهسپاراصفهان‌شد وسرپرستی
اردوی بختیاری‌را عهـده‌دار گـردید ،
چندی بعد باعده‌ای سوار وارد قم شده
مشروطه‌خواهان ازآنان استقبال کردند
و شهر قم بـه تصرف اردوی بختیاری
درآمد .

در قم رابطـهٔ بین سردار اسعد و
سپهداربیشتر شدوتصمیم گرفتندکه‌اردوی
بختیاری بامجاهدان شمال بایکدیگـر
ملحق شوندومتفقاً به‌سوی‌طهران‌برانند.
بالاخره‌صبح‌روزسه‌شنبه۲۴جمادی‌ـ
الثانـی ۱۳۲۷ مهـاجمان وارد شهر
شدند ویکسره‌به‌بهارستان رفتند، نخستین
کسی‌که وارد بهارستان شد **یوسف خان
امیرمجاهد** وسپس سردار اسعد وسپهدار
بودند .

پس ازتحصن محمدعلیشاه‌درسفارت
روس ، سردار اسعد وسپهدار اعلامیه‌ای
منتشرکردند که تحصن شاه‌را به‌منزلـهٔ
کناره‌گیری او تـلقی‌کـرده همان شب
مجلس فوق‌العاده عالی تشکیل گردید د
خلع محمد علیشاه وسلطنت احمدشاه را
اعلام داشتند وعضدالملک‌به‌نیابت‌سلطنت
برگزیده‌شد .

شاه مخلوع روز ۲۳ شعبان۱۳۲۷
با۲۲ نفرهمراهان تحت‌حفاظت‌سربازان
روسی طهران را ترك گفت واز طریـق
رشت به بادکوبه وسپس به **ادسا** رفت .
پس از استقرار حکومت جدید سپهدار
رییس‌الوزراء شد و سردار اسعد وزیـر
داخله بود . پس ازترمیم کابینهٔ سپهدار
سردار اسعد وزیر جنگ شد و در این
اوقات اختلاف بین این دونفرآشکار شد
وعاقبت براثر تحریك شدید مخالفان ،
سپهدار مستعفی ومستوفـی‌الممالك بـه
ریاست وزرایی منصوب گردید .

سردار اسعد وسپهدار هم از طرف
مجلس به وکالت منصوب شدند . پس از
فوت عضدالملك نایب‌السلطنه سپهداربار
دیگرمأمور تشکیل کابینه‌گردید، سردار
اسعد از زمامداری مجدد وی آشفته شد
وراه اروپارا درپیش‌گرفت و قریب یك
سال‌در اروپا بود ، تا ناصرالملك تصمیم
مسافرت خودرا به اروپا به‌اطلاع سردار
اسعد رسانیده ؛ اورابرای‌نظارت درامر
حکومت به‌طهران دعوت کرد وبه ایـن
ترتیب سردار اسعد عملا قدرت نیابت
سلطنت‌را در دست داشت . سردار اسعد
باآنکه تمام قدرت حکومت‌را دراختیار
داشت برای‌گشودن مجلس‌سوم اقـدامی
نکرد زیرامجلس‌رامحل‌حکومت‌بختیاری
می‌دانست .

مدتی بعدکم‌کم بینایی سردارنقصان
یافت ودرسال ۱۳۳۲ به‌کلی باصرهٔ خود
را ازدست داد . درسـال۱۳۳۴ دچـار
سکته و فلج‌گردید و دوسال بعد درـ
گذشت .

جنازهٔ وی در مقبرهٔ خانوادگی در
تخت فولاد اصفهان مدفون‌گردید .

سلیمان میرزا ، ابن‌محسن میرزا .
(فوت۱۳۶۳ه ق)

کفیل‌الدوله و نوادهٔ محمد طاهرـ
میرزا مترجم معروف، ازرؤسای معروف
انقلابیون و از وکلای حزب دموکرات
در چند دوره‌ازمجلس وکیل بود و یك
بارهم به‌وزارت‌معارف منصوب گردید .

در دورهٔ اول‌مشروطیت روزنامه‌ای
به‌نام «حقوق»منتشرکردوپس از شهریور
۱۳۲۰ ه ش. لیدری حـزب تـوده را
داشت .

سیدجمال‌الدین اسدآبادی ، پسر سید
صفدر .

(۱۲۵۲ـ۱۳۱۴ ق.)

مولد او یقیناً معلوم نیست ولـی
احتمال در آن **است**که از اسدآباد کابل



است . ایام‌کودکی را درکابل‌گذرانیده .
درجوانی سفری به مکه‌کرد وپس ازباز
گشت در سلك درباریان امیر دوست‌ـ
محمدخان‌درآمد. در ایام سلطنت پسرش
شیر علی‌خان وزارت‌یافت . پس‌ازچندی
به‌همدستی بامحمد اعظم‌خان رقیب امیر
متهم‌شد ناچار وزارت‌کابل را ترك وبـه
هند رفت ازآن‌جا به‌سبب مقالاتی‌که در
حبل‌المتین می‌نوشت تبعید و بـه‌قاهره
رفت . درمصر به‌تدریس پرداخت وبعد
به استانبول‌رفت(۱۲۸۷) افکارش‌مقامات
مذهبی‌را به‌مخالفت وا داشت ناچـار به
قاهره رفت و مجدداً به‌تدریس پرداخت
وانجمن فراماسونری‌را تأسیس و بر ضد
انگلستان به تبلیغ پرداخت . سرانجام
جمعی به تحریك انگلیسی‌ها خانه‌اش را
غارت واو به‌هندگریخت .

چندی درحیدرآباد وکلکته به‌سر
برد واز آنجا به‌آمریـکا وسپس به‌لندن
رفت وبعد عازم پاریس شد درآن‌جا بـا
شیخ محمدعبده دانشمند مصری روزنامه
(عروة‌الوثقی) را به‌عربی وفرانسه‌منتشر
کردند،پس‌ازسه سال به‌دعوت‌ناصرالدین‌ـ
شاه به‌ایران‌آمد ولی درمیان دسته‌بندی
های درباری‌کاری ازپیش نبرد در سال
۱۳۰۴ به روسیه رفت وازآن‌جا عـازم
انگلستان وفرانسه‌گشت . درسال۱۳۰۷
باردیگربه‌دعوت ناصرالدین‌شاه به‌ایران
آمد چون‌هواداران زیادی پیداکرده‌بود
اورا به شاه‌عبدالعظیم تبعید و سرانجام
وی‌راتاسربازارکشان‌کشان‌بردند وکشف‌ـ
العورة سوار براسبش‌کردند وبـه بصره
تبعیدنمودند ۱۳۰۸ .وی‌به‌لندن رفت و

به نوشتن مقاله در مجلهٔ **ضیاءالخافقین** پرداخت‌در سال **۱۳۱۰** به‌دعوت سلطان عبدالحمید به استانبول رفت و تا آخر عمر در آنجا مقیم شد و انجمن اتحاد اسلامی‌راتشکیل ودر روزنامهٔ اخترمقاله نوشت ومردم ایران‌را به‌قیام‌برضدناصر ـ الدین‌شاه برانگیخت. وقتی‌میرزا رضا ـ کرمانی قاتل ناصر الدین‌شاه راگرفتند معلوم‌شد باسید مربوط بوده وازقصدوی خبرداشته .

سیدجمال‌الدین یك‌سال پس‌ازمرگ ناصرالدینشاه به‌مرض سرطان درگذشت ویا بـه‌اشاره سلطان عبدالحمید مسموم شد .

سیدجمال‌الدین سخنوری ماهر بود. زبان‌های فـارسی ، انگلیسی ، تـرکی عربی ، فرانسه ، روسی‌را می‌دانست بـه بیداری فکر درایران‌کمك‌کرد.درعوض مردی جاه‌طلب‌بود وبرای نیل به‌منظور هروسیله‌را مجاز میدانست . این‌کلام‌از اوست :

«من‌باظالم ومظلوم هردو مخالفم ، ظالم‌را برای‌ظلمش ومظلوم‌را برای‌تحمل ظلم»

سیدجمال اصفهانی.

(۱۲۷۹ ــ ۱۳۲۶ق)

سید جمال‌الدین واعظ‌همدانـی ، فرزند سید عیسی صدر عاملی است کـه نسب اوبه‌سادات جبل‌عامل میرسد . وی درهمدان به‌دنیا آمد ودرتهران‌خواندن ونوشتن‌را فراگرفت ، مدتی به‌بافندگی مشغول بود،لیکن‌پس‌از چندی حـرفـهٔ دستی را رهاکرد و به‌کسب دانش همت گماشت وصرف ونحو ومقدمات عربی را تکمیل نمود . در بیست‌سالگی بـرای تحصیل رهسپار اصفهان‌شد و به افاده و استفادهٔ علمی پرداخت پس از آن‌کـه تحصیلات‌وی‌درمعارف اسلامی قریب بـه اجتهاد شد تمایل به وعظ وخطابه اورا به‌سلك اهل‌منبر درآورد ودرصف روضه خوانها درآمد .

سیدعلاوه برآنکه درمنبر تازه‌کار بود به‌علت دوستی باچندنفر بابی وازلی به بابیگری متهم شد وبه همین مناسبت دراصفهان بیش ازچند مجلس‌روزه بـه دست نیاورد وبه‌ناچار به‌شیراز بازگشت در شیراز کتابـی به‌نام « لباس‌التقوی» نوشت‌که به‌خط **نستعلیق وچاپ سنگی به** طبع رسیده‌است .

سید درسال **۱۳۲۰** قمری رهسپار تبریز شد و به‌حضور محمد علی میرزا ولیعهد ، باریافت ومورد علاقه وی قرار گرفت .

درسال **۱۳۲۱** وی به‌طهران بازـ گشت و پس‌از یکسال اقامت در طهران منبر مسجدشاه دراختیار او قرارگرفت وچون ساده‌حرف می‌زد وباب ذوق مردم موعظه می‌کرد منبر او رونق‌کم نظیری به‌دست‌آورد.

درشوال**۱۳۲۳** به‌دنبال واقعهٔ‌تنبیه بازرگانان‌محتکرازطرف حکومت‌تهران سیدمحمد طباطبایی وسیدعبدالله بهبهانی وجمعی ازروحانیان وبازرگانان‌به‌عنوان اعتراض به‌رفتار علاءالدوله حاکم‌تهران به‌دعوت امام‌جمعه درمسجدشـاه حضور یافتند وبه‌سید جمال الدین اشاره‌کردند که برمنبر رفته ، واقعهٔ تنبیه بازرگانان رامطرح نماید .

سیدبه‌اصرار امام‌جمعه به منبررفت وسخنانش‌را به‌اینجا کشانیده‌که«اعلیحضرت اگر مسلمان است باعلمای دیـن همراه خواهد شد وعرایض بی‌غرضانهٔ ایشان را خواهدشنید والا...»

همین‌که‌حرف بـه‌اینجا رسید بـه دستور امام جمعه‌که پی‌بهانه میگشت ، جمعی باچوب وچماق وقمه به‌مسجدهجوم آوردند . سیدجمال در دالان مسجد شاه مخفی‌شدآقاعبدالهادی طباطبایی اورااز مهلکه نجات‌دادوبه‌خانهٔ طباطبایی‌رسانید شب‌بعدناظم‌الاسلام کرمانی‌محررطباطبایی وی‌را به‌خانهٔ خود برد و نزدیك یك‌ماه ازوی نگاهداری می‌نمود .

چنـدروز قبل از خـاتـمـهٔ تحصن روحانیان درحضرت‌عبدالعظیم ، سید ــ جمال درلباس مبدل‌شبانه‌به حضرت‌عبدـ العظیم وبه‌پناهندگان ملحق شد لیکن‌از منبر رفتن وی جلوگیری‌کردند واو در خانهٔ‌معتمدالتولیه منزوی بود . درمحرم آن‌سال، سیدجمال‌الدین به‌قم تبعیدشدتا از موعظه‌های‌تحریك‌کنندهٔ وی‌جلوگیری به‌عمل آید . سید ایام‌عاشورا را در قم به‌حال انزوا گذرانید وروزنهم محـرم تلگرافی ازطرف عین‌الدوله به‌سیداجازهٔ بازگشت داده شد . سید در**۱۴**محرم به طهران واردشد ومـورد استقبال قـرار **گرفت .**

پس‌ازصدور فرمان مشروطیت بـه وسیلهٔ مظفرالدین‌شاه وفوت وی محمدـ علی‌شاه به‌اریکهٔ سلطنت جلوس‌کرد،سید جمال‌الدین‌که قبلا ازخوان احسان‌شاه‌نو برخوردار شده‌بود خودرا به‌او نزدیـك کرده در روز تاجگذاری خطبهٔ‌مخصوص جلوس شهریار تازه‌را ایراد نمود.

درسال**۱۳۲۵** هنگامی‌که سیدجمال باکالسکهٔ سلطنتی ازنیاوران بازمیگشت کالسکه برگشت وپای سیدشکست و در اثراین‌حادثه تاآخرعمر یك‌پای اولنگ بود .

همین‌که واقعهٔ سوءقصد به محمدـ علی‌شاه پیش‌آمد ودوصف‌موافق ومخالف مشروطه آمادهٔ مبارزه شدند ، سیدجمال درصف اول مشروطه‌خواهان جای‌گرفت و وقتی‌که اختلاف بین شاه ومجلس بـه مرحلهٔ دشواری رسید در مجلس‌متحصن شد و مدافعان مجلس‌را به‌مقاومت‌تشویق می‌کرد . پس ازبـمباران مجلس ، سید خودرا به‌پارك امین‌الدوله رسانید و از آنجا شبانه فرارکرده وبه‌منظور سفر به نجف عازم همدان‌شد . درآنجـا دستور رسید که‌سیدرا به‌بروجرد بفرستند. سید دربروجرد زندانی شد و بعد ازچندی‌به دستور امیرافخم‌حاکم‌بروجرد ولرستان اورا خفه‌کردند .

مقبرهٔ سیدجمال‌الدین‌درکنار شهر بروجرد واقع‌است .

شیخ‌الرییس قاجار .

(۱۲۶۳ ــ ۱۳۳۸ق)



ابوالحسن میرزا ، پسر محمد تقی میرزا حسام السلطنه می‌باشد . وی در سه‌سالگی مبتلای آبله شد و یك‌چشمش نابیناگردید ، درپنجسالگی به‌مرض وبا

گرفتار شد ومعلوم نیست این بیماری در اوچه اثری گذاشت که چشم نابینایش بهبود یافت .

شیخ الرییس درهفت سالگی به مکتب سپرده شدودرمدت پنجسال قرآن خواندن و نوشتن فارسی ومقدمات صرف را فراگرفت، دریازده سالگی به تهران آمد وبه تکمیل تحصیلات خویش پرداخت ، چهارده ساله بود که پدرش به سمت معین التولیه عازم خراسان شد ، بنابراین درمشهد به ادامهٔ تحصیل مشغول شد وپس ازچندی بر اثر فوت پدرش به طهران بازگشت . و وارد مدرسهٔ نظام شد وسپس ازچندی مدرسهٔ نظام را ترك گفت و به اتفاق برادرش که مقام معین التولیه را احراز کرده بود به خراسان رفت . ازآن پس شیخ الرییس به کسب علوم وادبیات پرداخت ودرآغاز شاعری کرده و«حیرت» تخلص نمود وبرای تکمیل تحصیلات به طهران آمد . و دو سال به تحصیل حکمت الهی کوشید و از فلسفه طرفی کافی بست .

درسال ۱۲۸۸ به خراسان بازگشته به تکمیل علوم منقول توجه نمود . در ۱۲۸۹ به عتبات رفت وحوزهٔ درس علمای بزرگ شیعه را دید . درسال ۱۲۹۲ سفر حج کرد ودر ۱۲۹۴ اجازهٔ اجتهاد گرفته وبه ایران بازگشت وبه خدمت ناصر ـ الدینشاه بار یافته ولقب شیخ الرییس گرفت وپس ازچندی مأمور خدمت در آستان قدس ـ رضوی گردید . درآغاز ورود به مشهد درمدرسهٔ فاضلیه مجلس درسی ترتیب داد و درهمان جا امامت مسجدرا به عهده گرفت .

درسال ۱۳۰۱ که آصف الدوله شیرازی به سمت والی ومتولی باشی رهسپار خراسان شدبین او وشیخ الرییس ناسازگاری شدید شد وبالاخره شیخ الرییس نتوانست درمشهد بماند وناچار نزد امیرحسین ـ خان شجاع الملك حاکم قوچان رفت . شجاع الملك شیخ الرییس را محترم داشت وبه او سخت مهربانی نمود . لیکن پس از چندی قوچان را به عزم عشق آباد ترك گفت وپس از سه ماه به زیارت خانهٔ خدا رفت وازآنجا رهسپار استانبول شد و بیش ازدوسال درآنجا بود .

درسال ۱۳۰۴ به امر شاه ناچار به بازگشت به ایران شد وبار دیگر مأمور آستان قدس گردیدلیکن چون بار دیگر رکن الدوله به حکومت خراسان مأمور گردید، شیخ الرییس راه عشق آباد پیش گرفت . و پس ازچند ماه رهسپار قفقاز شد ؛ چهار ماه بعدعازم استانبول گردیددرآنجا برای روشن کردن افکار ایرانیان و ترویج آزادی مجلس درس وایراد وعظ وخطابه ترتیب داد . در این سال ها شیخ الرییس باسید جمال الدین افغانی آشنا شد .

ازسال ۱۳۲۲ شیخ الرییس به طور دایم مقیم طهران شد . پس از آغاز نهضت مشروطه شیخ درصف مشروطه خواهان درآمد . شیخ بی پروا دربارهٔ آزادی و فواید حکومت ملی و ریشهٔ اسلامی این افکار داد سخن می داد . پس از بمباران مجلس ، شیخ الرییس درصف گرفتاران بودوی را درباغشاه به زنجیر کشیده زندانی کردند، شیخ الرییس پس ازیك هفته آزاد گردید . و متعهد شدکه دیگر برمنبر نرود، او در تمام یك سال حکومت استبداد صغیر خانه نشین بود . پس از استقرارمجدد مشروطه در انتخابات دورهٔ دوم به نمایندگی مازندران برگزیده شدوقریب بیست ماه درمجلس بود وعاقبت ازجنجال مجلس کناره گیری کرد، وبه خراسان رفت درسال ۱۳۳۵ به طهران آمد وبر اثر ضعف وناتوانی خانه نشین شد وپس ازسه سال درگذشت .

وی درایوان مقبرهٔ ناصرالدین شاه به خاك سپرده شد .

صمصام السلطنه بختیاری ، نجفقلی .

نخست وزیران ایران را به بینید .

صنیع الدوله هدایت.

رؤسای مجلسین سنارا به بینید.

صوراسرافیل ، میرزا قاسم خان .

(۱۲۹۹ ـ ۱۳۶۸ هـ ق)

ازرجال دورهٔ مشروطیت و پهلوی با همکاری جهانگیرخان صوراسرافیل و علی اکبر دهخدا روزنامهٔ صور اسرافیل (صوراسرافیل) راتأسیس کرد وباانتشار مقالات مستندضدمخالفان مشروطه کوشید ودرجوانی ازطرف مردم طهران به نمایندگی مجلس رسیدودردورهٔ اول وکیل بود . پس از بمباران مجلس به اروپا رفت و سه سال درآنجا توقف کرد تاآزادی خواهان برمحمد علی شاه غلبه کردند واو به تهران بازگشت وی در ۱۳۲۴ هـ ق . ۱۳۰۳ هـ ش . در اولین کابینهٔ رضاشاه پهلوی به کفالت وزارت داخله منصوب شد ودراول ذی الحجه ۱۳۴۵ درکابینهٔ مخبر ـ السلطنه ابتدا کفیل و سپس وزیر پست تلگراف گردید، در ۱۳۵۲ هـ ق. (۱۳۱۲ هش).والی اصفهان و مدتی هم حکمران گیلان شدودر ۱۳۵۸ هق . شهردار تهران گردید .

طباطبایی . سیدمحمد بن سید صادق بن سیدمهدی بن میرسیدعلی کبیر.

(۱۲۵۷ـ ۱۳۳۹ق)

درکربلا متولد ودر دوسالگی به همدان ودرهشت سالگی به تهران آورده شد . درمحضر کسانی چون میرزا ابو ـ الحسن جلوه وشیخ هادی نجم آبادی تحصیل کرد .



درسال ۱۲۹۹ به حج رفت . پس از آن ده سال درسامره اقامت نمود . درسال ۱۳۱۱ به تهران بازگشت. درسال ۱۳۲۳ باکمك برادرش مدرسه ای بااصول جدید بازکردودرهمین سال درمبارزات سیاسی شرکت جست . درحضرت عبدالعظیم وقم در رأس مهاجران بود . در دورهٔ اول ارامنه اورابه وکالت خود انتخاب کردند پس از به توپ بستن مجلس اورا توقیف وکتك زدند وبه نزد محمدعلی شاه بردند. شاه اورا بوسید و عذرخواست وسه هزار تومان به وی داد . سیدچندی درشمیران بسر برد آنگاه به خراسان رفت وانجمن ایالتی آنجارا تشکیل داد .

درایام مهاجرت به استانبول رفت و مدتی درآنجا بود آنگاه به تهران آمد (۱۳۳۶) وسه سال پایان عمر خودرا در انزوابسر برد . وی پاکدل ومیهن دوست واز قهرمانان مشروطیت ایران است .

عضدالملك ، قاجار .

به‌بخش وزیران وسیاستمداران و سرداران مراجعه‌شود .

عمواوغلی، حیدر(خان).

مشهور به چراغ‌برقی یا بمبیست (بمب‌ساز) . نام‌اصلیش«تاری‌وپردیوف» بود . وی‌یکی ازارکان عمدهٔ مجاهدان خارجی یعنی غیرایرانی (مانندقفقازیان گرجیان ، ارمنیان) است‌که در اوایل مشروطهٔ ایران داوطلبانه بدین‌کشور آمد وبا مستبدان به مبارزات شدیدی پرداخت عده‌ای از رؤسای استبداد به دست او کشته شده‌اند .

عمواوغلی در زمان مظفرالدین‌شاه به‌توسط‌میرزا علی‌اصغرخان صدراعظم‌به عنوان مهندس چراغ برق در باکو استخدام شد و اورا برای‌دایرکردن چراغ‌برق مشهد به‌آن شهرفرستادند : پس‌ازیك‌سال ونیم وارد تهران شد ودر کارخانهٔ حاجی‌حسین‌آقا امین‌الضرب به خدمت پرداخت .

وی درتمام اوقات بیکاری ضد استبداد وبرای قتل‌رجال مستبد مشغول توطئه بود . چنانکه بمبی که سر راه محمدعلی‌شاه انداختند وبمبی که‌درخانهٔ میرزا احمدخان علاءالدوله افکندند به‌دستوراوبود . پس‌ازاستقرارمشروطیت وی‌مدتی درپاریس‌بود و درجنگ بین‌المللی اول دربرلین به سرمی‌برد . در سال ۱۳۴۰هق . ازطرف ترکان قفقازو بلشویکها به‌گیلان رفت وبااتباع‌میرزا کوچك‌خان جنگلی مأنوس‌گردید ، ولی چون اورا مظنون تشخیص دادند در همانجا ویرا کشتند وی مردی دلیر و بی‌باك،انقلابی وجدی‌بودوسراسرزندگی او درمخاطرات‌گذشت .

مستوفی‌الممالك .

نخست‌وزیران‌را به‌بینید .

مشیرالدوله ، نصرالله‌خان .

نخست‌وزیران‌را به‌بینید .

معاضدالسلطنه‌پیرنیا .

(۱۲۴۵ — ۱۳۱۸ش)

ابوالحسن پیرنیا ، فرزند میرزا باقرخان نایینی ، درنایین متولد شده و تحصیلات متداول زمان را در زادگاه آموخت ، درهیجده سالگی عازم عتبات شد وپس‌ازیکسال به تهران آمد و به خدمت وزارت خارجه درآمد و کارمند کارگزاری‌گردیدوازسال ۱۳۱۰ متصدی دفتر محرمانه ورمز ولیعهد شد . پس‌از قتل‌ناصرالدین‌شاه به‌خدمت ولیعهد رسید وهمین‌که شاه نو عازم طهران‌شد،پیرنیا هم درموکب شاه‌بود .

در سال ۱۳۱۶ مأمور تنظیم دفاتر نمایندگی‌های ایران درقفقاز شد وسپس به‌کارمندی وبعداً به عضویت مقدم سر — کنسولگری تفلیس منصوب‌گردید . پس ازآن در سال ۱۳۲۲ کنسول بادکوبه شد . در آن تاریخ بیش از سی هزار ایرانی در بادکوبه سکونت داشتند . معاضدالسلطنه در آنجا یك مدرسهٔ ایرانی تأسیس‌کرد که تا قبل ازانقلاب روسیه دایربود ومرکز ترویج زبان و فرهنگ ایرانی در قفقاز به شمار میرفت .

خدمات معاضدالسلطنه موجب‌شد که اورا به‌مقام‌سرکنسولگری تفلیس ارتقاء دهند . اماچون وزارت‌امورخارجهٔروسیهٔ تزاری‌باانتصاب اوموافقت‌نکرد، اوایل سال ۱۳۲۴ برای‌بازدید نمایشگاه‌بین‌المللی لندن به‌انگلستان رفت‌وسپس‌در پاریس اقامت‌نموده‌به‌تحصیل زبان‌فرانسه پرداخت،ازآن‌پس هدف‌سیاسی‌واجتماعی تازه‌یی‌اختیارکردواندیشه‌اش‌به‌سوسیالیسم ملی‌گرایید وباندای مشروطه‌خواهان ایران‌نیز هماهنگ‌شد .

معاضدالسلطنه در سال۱۳۲۵ به ایران‌آمد وازطرف‌مجلس به‌نمایندگی وکارپردازی انتخاب‌گردید ودراین‌دوره تاآنجاکه مجلس قبول‌می‌کرد از بودجهٔ مجلس وآن جاکه بودجهٔ مجلس تکافو نمی‌نمود از اندوخته‌های شخصی خود با کمال سخاوتمندی برای تشکیل نیروی ملی کمك های شایانی نمود و وسایل دفاع و پایداری مجاهدان مشروطه را فراهم‌کرد . وخود نیز در پیشاپیش‌صف پاسداران حکومت مشروطه به‌کوشش و تلاش‌برخاست .

پس‌ازبمباران مجلس معاضدالسلطنه ازمجلس‌گریخت ودرخانه عمهٔ‌خودمخفی شد ، دولت‌برای دستگیریش جایزه‌تعیین کرد اما معاضدالسلطنه باکالسکه به سفارت انگلیس رفت ودرآنجا پناهنده شد و۲۲روز در آنجا متحصن بود وپس ازآن ایران‌را ترك‌گفت . مدت کوتاهی درانگلستان بود وسپس رهسپار پاریس شد ودرآن‌جا عملارهبری‌آزادی‌خواهان راگرفت‌ودرهمانجا روزنامهٔصوراسرافیل را منتشرکرد. که بیش ازسه‌شماره‌منتشر نشد . دراین اوقات خبرسقوط اصفهان‌و سپس‌گیلان، آزادیخواهان‌را امیدوار نموده از پاریس به قفقاز و استانبول کوچیدند .

معاضدالسلطنه هم به‌سوی استانبول رهسپارشد . بالاخره تلاش‌ها وسازش دو دولت‌روس‌وانگلیس با تمهیداتی‌ظاهر— فریب محمدعلی‌شاه رابرکنار نمود و تبعید شدگان و آزادیخواهان وفراریان سیاسی همه به‌ایران بازگشتند .

معاضدالسلطنه پس ازبازگشت به ایران درانتخابات دورهٔ دوم ازگیلان‌به نمایندگی‌مجلس برگزیده شد.

درسال ۱۳۲۹ درکابینهٔ صمصام — السلطنه به‌وزارت پست‌وتلگراف‌منصوب شد وازوکالت استعفا داد .

درسال ۱۳۳۱ به‌حکومت یزد و کرمان مأمورشد .

درحکومت‌کودتای ۱۲۹۹ معاضد— السلطنه خانه‌نشین بود ودردولت‌قوام— السلطنه برای تصفیهٔ گیلان از نیروی بلشویك مأموریت یافت . درسال ۱۳۰۰ به‌حکومت‌یزدوکرمان مأمورشد .

پس‌ازآنکه‌سردارسپه ۱۳۰۲ نخستین کابینهٔ خودرا تشکیل‌داد معاضدالسلطنه به‌وزارت دادگستری منصوب‌شد . و در ۱۳۰۳ که دورهٔ پنجم رسمیت یافت‌به مجلس رفت ؛ درسال ۱۳۰۶ چند ماه به‌حکومت مازندران وگرگان منصوب گردید وبه‌زودی‌استعفاکرد . در مرداد ماه ۱۳۰۸ به‌استانداری کرمان‌منصوب گردید . دردورهٔ هشتم باردیگربه‌وکالت اهالی نایین به مجلس رفت . درسال ۱۳۱۱ به استانداری‌کرمان منصوب‌شد. درسال ۱۳۱۸ استاندار فارس گردید . ودرهمان‌جا به‌طور مشکوك ومرموزجان سپرد یعنی‌جسد بیروح اورا جلوخانه‌اش وجسدنوکرش را درکنار رودخانه‌یی‌که ازکنار خانهٔ اورد میشد یافتند .

جسدش‌را به‌نایین حمل‌کردند ودر آرامگاه حاج عبدالوهاب جدش دفن گردید .

ملك‌المتکلمین ، حاج میرزا نصرالله‌بن میرزا محسن‌بهشتی اصفهانی .

(۱۲۷۷ — ۱۳۲۶هق)

درکودکی پدر را ازدست‌داد پس ازآموختن‌مقدمات علوم درسال ۱۳۰۰ به‌سفر حج واز عراق وهندوستان‌دیدن



کرد ودوسال آنجا بود و کتابی به نام: **الی الخلق من الحق** نوشت که سبب شد ویرا جمعی به بی دینی متهم کنند. وی ناچار به بوشهر باز گشت و در آنجا باسیدجمال الدین اسدآبادی آشنا واز آنجا به اصفهان رفت و بهموعظه پرداخت ولی روحانیان ویرا بهازلی بودن متهم ومدرسهاش‌را بستند واو عازم تبریز شد (۱۳۱۱) دو سال درآنجا بود آنگاه باردیگر به‌اصفهان‌رفت‌و به‌موعظه‌پرداخت ودرسال ۱۳۱۵ دبستانی باز کرد، لیکن ویرا باردیگر بهسوء عقیده متهم ناچار باردیگر به‌تهران‌آمد ودر مبارزه برضد قرضه شرکت و سرانجام مورد تعقیب قرارگرفت. و به‌باکو رفت ازآنجاعازم مشهد وازمشهد به‌اصفهان وشیراز رفت؛ درآنجا نیز تکفیرشد. پس‌از چندی به تهران آمد و از حمایت سالارالدوله برخوردارشد. دست ازتنقید روحانیان برداشت وحمله‌خودرا فقط متوجهٔ عمال دولت وزورمندان کرد. درزمان‌محمدعلیشاه‌عضوکمیته مقاومت‌ملی بود وبرضد محمدعلیشاه مبارزه می‌کرد. ازاین رو شاه تبعید وی‌را خواستار شد مجلس نپذیرفت‌درحادثهٔ به‌توپ‌بستن‌مجلس‌اورا گرفتند درباغشاه تهران کشتند.

ممتازالدوله.

رؤسای‌مجلسین‌سنارا به‌بینید.

وثوق‌الدوله.

نخست وزیران ایران‌را به‌بینید.

پیرم‌خان.

(۱۲۵۰ ـ ۱۲۹۱ش)

دردهی ازتوابع گنجه به دنیا آمد. تحصیلاتش‌را ناتمام گذاشت و به دسته‌های انقلابی پیوست از طرف مأموران دولت روسیهٔ تزاری‌توقیف وبه سیبریه‌تبعید و از آنجا به ژاپن گریخت و با مشقات فراوان خودش را به‌آذربایجان‌رسانید. چندی درسلماس و قره‌جه‌داغ‌معلمی‌کرد.

آنگاه به‌تبریز وازآنجا به‌رشت رفت. کوره‌پزخانه‌یی دایر کرد و در



اسفندیاری



استبدادصغیر به‌کمیتهٔ ستارگیلان‌پیوست بایاران‌خود رشت را تصرف‌وسپهدار را به‌هواداری ازمشروطیت تشویق ودرفتح تهران ازسران مجاهدین بود. پس از فتح تهران رییس شهربانی شد و باشدت عمل مشروطه‌را حفظ ومخالفان‌را ساکت کرد. شورش زنجان‌را خوابانید وسرانجام درجنگ‌باسالار الدوله درراه نجات جنازهٔ یکی ازهم رزمانش کشته شد.

رؤسای مجلس سنا وشورا

احتشام‌السلطنه، حاج میرزامحمودخان علامیر.

(۱۲۴۱ـ۱۳۰۹ ه ق)



ازنخستین کوشندگان برای ایجاد مدارس‌جدید وتوسعهٔ‌سواد به‌شمارمیرود مدتها سفیر ایران در برلن بود. دردورهٔ اول ازتهران به وکالت‌انتخاب شد. پس‌ازاستعفای‌صنیع‌الدوله به‌ریاست مجلس انتخاب‌گردید وپس‌ازمدتی‌کناره گرفت‌وبه‌آلمان رفت. دردوره های بعد نیز وکیل بود برای برانداختن‌سلطنت قاجار کوشش‌کرد ودرسال ۱۳۰۵ چندی وزیر داخله شد ولی از آن پس دیگر مغضوب‌گردیدوماننداز برخی‌ازرجال‌معروف گذشته تنها درکمیسیون معارف عضویت داشت.

اخوی، جمال‌الدین.

(متولد ۱۲۸۱ ه ش)

خدمت دولتی‌رادردادگستری‌آغاز کرد ومستشار دیوان کشور رییس‌کل دادگاههای استیناف ودادستان‌کل‌کشور شد. درکابینهٔ‌سپهبدزاهدی وزیرفرهنگ در دورهٔ بیستم‌رییس مجلس‌شد.

اسفندیاری، حاج‌میرزا حسن‌خان.

محتشم‌السلطنه‌را به‌بینید.

امامی، دکترسید حسن بن ابوالقاسم.

(متولد ۱۲۸۲ ه ش)

پس ازتحصیل علوم‌قدیم به‌سویس رفت در رشتهٔ حقوق به تحصیل‌پرداخت وبه اخذ دکترای‌حقوق نایل‌شد.

پس‌از بازگشت به‌تهران‌درخدمت وزارت دادگستری درآمد وبه استادی دانشکدهٔ حقوق انتخاب گردید بعد از وفات عمش به‌جای‌او امام‌جمعهٔ تهران شد.

دردورهٔ‌هفدهم ریاست مجلس‌شورارا داشت وازدوره دوم نمایندهٔ مجلس سنا میباشد ویك‌دوره‌کتاب درحقوق مدنی تألیف کرده‌که مورد استفادهٔ اهل فن است.

پیرنیا، میرزا حسین‌خان مؤتمن ـ الملك.

مؤتمن‌الملك‌را به‌بینید.

تدین. میرزا سید محمد بن محمد تقی.

(۱۲۶۰ ـ ۱۳۳۰ه‌ق)

درقریهٔ مهیلگرد ازتوابع بیرجند به‌دنیاآمد در مشهد به تحصیلات دینی پرداخت. سپس به‌تهران آمد ۱۲۸۳و به‌تدریس مشغول گردید و وارد کارهای سیاسی‌شد و در دوره‌های چهارم و پنجم مجلس به‌نمایندگی انتخاب‌گشت وبه‌نفع رضاشاه به‌فعالیت پرداخت.

در دورهٔ پنجم رییس‌مجلس شد (۱۳۰۲)، سپس به‌وزارت معارف رسید (۱۳۰۵) ولی از آن پس از کارهای سیاسی رانده‌شد (۱۳۰۹) وبه تدریس پرداخت وبه‌استادی زبان‌عربی دانشگاه تهران منصوب‌گردید و از وی‌چندکتاب درسی باقیست. پس‌ازشهریور ۱۳۲۰ بار دیگروارد سیاست شد و وزیر فرهنگ، خواروبار، مشاوروکشورشدولی‌سرانجام متهم به‌اختلاس گردید وازسیاست‌کناره گرفت.

تقی‌زاده ، سیدحسن .
(۱۲۹۵ق ـ معاصر)

در تبریز متولد و همانجا تحصیل کرد. در ۱۳۱۶ با کمك دوستانش مدرسه‌ای به‌نام **تربیت** تأسیس کرد که دیری نپایید بر اثر اعتراض متعصبین تعطیل گردید درهمین‌ایام‌اعتصام الملك را در انتشار مجلهٔ **گنجینهٔ فنون** یاری کرد در سال ۱۳۲۲ به‌استانبول وقفقاز ومصر رفت. پس‌ازمراجعت به‌تبریز که مقارن انقلاب مشروطیت بودعازم تهران ودر مبارزات سیاسی شرکت‌کرد درهمان‌سال از تبریز به‌وکالت انتخاب‌وبا جمعی‌دیگر مانند: دهخدا ، خلخالی ، ملك‌المتکلمین و حکیم‌الملك کمیتهٔ‌انقلاب را تشکیل‌وبه مخالفت‌جدی بامحمدعلی‌شاه برخاست . پس‌از به‌توپ بسته شدن مجلس به‌سفارت انگلیس‌پناه‌برد وباکمك سفارت به‌اروپا رفت . در۱۳۲۷ به‌ایران بازگشت‌وبار دیگر به‌وکالت‌مجلس انتخاب‌شد ولی‌سال بعد ازکاردست کشید وبه تبریز وازآنجا به‌اروپا رفت .وتا۱۳۰۴ق ۰ درشهرهای اروپا وآمریکا واغلب دربرلن بود و **مجله‌کاوه** را دراین‌ایام منتشرکرد . در این‌سال به تهران‌آمد وباتشکیل مجلس مؤسسان مخالفت‌کرد . آنگاه باردیگر به‌آمریکارفت. درسال۱۳۰۶ش به‌تهران بازگشت وباز به‌وکالت مجلس انتخاب گردید. در۱۳۰۸ سفیر ایران درلندن ودر۱۳۰۹ وزیر طرق و وزیر مالیه‌و در۱۳۱۲ سفیر ایران درپاریس ودر ۱۳۱۴معلم فارسی مدرسه السنه شرقیه لندن ودرسال۱۳۲۰ مأمور سفارت‌لندن ودرسال۱۳۲۳سفیرکبیر و ازاولین‌دورهٔ تشکیل‌مجلس‌سنا وکیل‌آن مجلس‌شد .

وی مقالاتی دربارهٔ مباحث ادبی وتاریخی ایران انتشار داده که ازآن میان **مانی و دین او** و **گاه شماری در ایران** و خطابه‌اش دربارهٔ **آذربایجان‌و انقلاب مشروطیت** در خور توجه است.

حکمت، رضا سردارفاخرپسر حاج‌حسام‌ـ الدین مشاورالدوله .

از اشرافزادگان فارس‌که از دورهٔ چهارم تانوزدهم مرتباً وکیل‌مجلس ودر دورهٔ پانزدهم ، هفدهم، هیجدهم‌ونوزدهم ریاست مجلس‌را داشت .

شریف‌امامی،مهندس‌جعفرپسر نظام‌الاسلام.
(متولد ۱۲۸۶ ه ش)

تحصیلات خود را در هنرسرایعالی به‌پایان رسانید وبرای‌تکمیل‌تحصیلات‌به آلمان‌وسوئدرفت. پس‌ازمراجعت‌درراه‌آهن به‌کارپرداخت . درشهریور ۱۳۲۰ توسط نیروهای متفقین‌توقیف ودوسال زندانی شد . درزمان رزم‌آرا وزیر راه بود ودر دوره دوم به‌نمایندگی مجلس سناانتخاب گردید . پس از علا به نخست وزیری رسید ولی سرانجام براثراعتصاب‌معلمین کنار رفت و در دوره سوم رییس مجلس سنا شد .

صدر، محسن
(۱۲۵۰ـ۱۳۴۱ ه ش)

ملقب‌به صدرالاشراف ، که‌درمحلات متولد شده وازسن‌ده سالگی‌به‌فراگرفتن ادبیات عربی وفقه واصول ومنطق‌وفلسفه پرداخته است .

وی ازرجال عهد پهلوی است . در سال دوم مشروطیت معاون اول محاکم جزا گردید . و درکابینهٔ فروغی وزیر عدلیه بود ، سه دوره به نمایندگی‌مجلس ازطرف‌مردم زادگاهش، محلات انتخاب گردید . و در سال ۱۳۲۴ نخست وزیر شد ومدت شش‌ماه دراین شغل بود در سال ۱۳۲۷ استاندار خراسان، ودرسال ۱۳۳۳ به‌عنوان سناتور انتصابی‌خراسان به مجلس‌سنا رفت. درسال ۱۳۳۶ رییس مجلس سنا وپس از انحلال مجلسین به ریاست هیئت مدیرهٔ موقت مجلس سنا انتخاب‌گردید ومجدداً به ریاست مجلس سنا برگزیده شد.

صدرالاشراف‌پس‌از۹۱ سال زندگی براثر بیماری سرطان مغز بدرود حیات گفت.

صنیع‌الدوله هدایت ، مرتضی قلی‌خان پسرمخبرالدوله .

(۱۲۷۳ـ۱۳۲۹ ق.)



دردارالفنون تحصیل‌کرد درسال۱۲۹۵ ق . برای تحصیل به آلمان رفت و در رشتهٔ معدن‌شناسی شاگرد اول شد و چند سال درکار-خانه‌های آلمان وبلژیك‌کارآموزی‌کرد ، در سال ۱۳۰۸ ق. به ایران آمد و به ایجاد کارخانه‌ها همت‌گماشت .

درسال ۱۳۱۴ وزیر خزانه شد.در مجلس اول رییس بود وچند بار نیز به وزارت فواید عامه ومالیه انتخاب‌گردید و سرانجام‌به‌دست دو تن‌گرجی از اتباع روسیه ترور شد . از آنجایی که قاتلها روسی بودند و درایران هم کاپیتولاسیون باتمام قدرت حکمفرما بود قاتلین را به روسیه بردند و در آنجا محاکمه‌کردند ولی سرانجام‌آزاد شدند .

حکیم‌الملك ، ابراهیم‌حکیمی .
(۱۲۴۱ ـ ۱۳۳۸ه ش)



درتبریزبه دنیاآمد،در جوانی برای تحصیل‌طب‌به پاریس رفت؛ در دورهٔ‌اول و دوم وکیل مجلس‌شد و سپس بارها وزیرونخست وزیر بود و مدتی ریاست مجلس‌سنارا داشت .

ریاضی ، مهندس‌عبدالله .

در سال ۱۲۸۵ شمسی در اصفهان متولدشد وتحصیلات‌ابتدایی‌را دراصفهان وتحصیلات متوسطه‌را درتهران به‌پایان رسانیدوبرای‌تحصیلات عالیه عازم اروپا شد ، پس‌ازاخذ درجهٔ مهندسی به‌ایران‌باز- گشت‌ودردانشکدهٔ‌فنی به‌تدریس‌پرداخت، پس‌ازچندسال‌خدمت‌به‌سمت‌رییس‌دانشکدهٔ فنی منصوب‌شد و ازتهران وکیل مجلس شورای‌ملی شد وازآغاز تاکنون درپست ریاست مجلس شورایملی میباشد .

طباطبایی ، میرزا سید محمد صادق پسرآیت‌الله طباطبایی.
(۱۲۵۹ـ۱۳۴۰ه ش)

همراه‌پدر درمبارزات سیاسی‌شرکت جست و درآغاز مشروطه روزنامهٔ‌مجلس را انتشارداد . دردورهٔ بیست سالی‌خانه نشین بود . دردوره چهاردهم به ریاست مجلس انتخاب شد.

عدل‌الملک دادگر ، حسین.

(متولد ۱۲۱۹ ه ش)

رییس مجلس دردورهٔ هشتم‌که قبلا معاون رئیس‌الوزرا ، وزیرداخله بود . ولی پس ازآن‌مغضوب‌شد و به‌اروپا رفت و سالها در آنجا بسر‌برد و تنها پس از پایان‌جنگ‌جهانی‌دوم به‌ایران‌بازگشت .

فروغی، میرزامحمدعلی‌خان‌ذکاءالملک.

(۱۲۵۷_۱۳۲۱ه‌ش)

از نویسندگان ، دانشمندان و سیاستمداران معاصر ایران‌که تحصیلات خود را در ایران و اروپا انجام داد و چندی در دارالفنون به‌تدریس پرداخت و مدتی به انتشار روزنامه ادب مشغول بود . در سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ سه بار وزیر خارجه شد . از آن پس مدتی رییس مجلس بود ودوبار نیزدرسالهای ۱۳۰۴ و ۱۳۱۳ نخست وزیر شد سپس گوشه انزوا اختیارکرد و به مطالعه و تحقیق پرداخت . در شهریور ۱۳۲۰ که ایران از هر سو دچارگرفتاری بود با قبول نخست وزیری وامضای قرارداد سه جانبه خدمت بزرگی به‌ایران‌انجام‌داد .

کاشانی ، آیت الله سید ابوالقاسم بن‌مصطفی.

(۱۲۱۳ق_۱۳۴۳ ه ش)

درتهران‌به‌دنیاآمد ودرجوانی‌برای تحصیل به عتبات رفت . درجنگ جهانی اول همراه پدربرضد نیروهای انگلیسی به‌جنگ‌پرداخت ودر همین جنگ پدرش کشته شد و او پس از مدتی مبارزهٔ با انگلیسیان به ایران آمد (۱۲۹۹) و میرفت در مبارزات سیاسی معروفیتی به‌دست‌آورد که‌براثرروی‌کارآمدن رضا_شاه ناچار به گوشه نشینی شد . درسال ۱۳۲۱ توسط انگلیسیان دستگیر و در اراك زندانی‌گشت. پس‌از ۲۲ ماه آزاد شد ولی درسال ۱۳۲۴ بار دیگر توسط دولت توقیف و ۲۲ ماه دیگر درزندان بسربرد در حادثه پانزده بهمن ۱۳۲۷ او نیز بازداشت وتبعید شد ولی این‌بار نیز چندان در زندان نماند وازآن پس به همراه اعضاء جبههٔ ملی به فعالیت سیاسی پرداخت و در دورهٔ شانزدهم به نمایندگی انتخاب شد و دردورهٔ هفدهم پس‌ازکناره‌گیری‌امام‌جمعه چندی‌ریاست مجلس را داشت . ازآن پس به مخالفت با جبههٔ ملی برخاست پس از روی کار آمدن دولت زاهدی نیز با او مخالفت کرد ولی این‌بارچندان هواداری نداشت و دولت نیز او را ناچار به کناره‌گیری ازسیاست‌کرد .

محتشم‌السلطنه ، حاج میرزا حسن خان اسفندیاری .

(۱۲۴۰_۱۳۲۴ه‌ش)

پس‌ازاتمام‌تحصیلاتش دردارالفنون واردخدمت وزارت خارجه شد وچندبار وزیر مالیه ، خارجه ، معارف ، داخله و عدلیه بود . از دورهٔ هشتم نماینده و از دورهٔ نهم تا سیزدهم رییس مجلس بود.

مستشارالدوله، صادق‌صادق.

(۱۲۴۷_۱۳۳۰ ه ش)

درتبریز‌به‌دنیاآمد . همراه پدر به استانبول رفت و پس از اتمام تحصیل در سفارت ایران به‌کارپرداخت .

در انقلاب مشروطه به‌آزادیخواهان تبریز پیوست وبه وکالت مجلس انتخاب شد . در دورهٔ استبداد صغیر گرفتار گشت ولی پس از چندی مورد عفو قرارگرفت ومنشی محمد علی شاه‌شد در مجلس دوم‌از تبریز وتهران به‌وکالت انتخاب گردیدو مدتی ریاست مجلس را داشت ؛ ازآن پس وزیر داخله (سه بار) وزیر پست و تلگراف (سه بار) وزیر معارف (یکبار) وزیرمشاور (۴ بار) شد و در اواخر عمر سالها رییس انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی بود.

معظمی، دکترعبدالله.

از اعضای جبههٔ ملی‌که‌دردوره‌های ۱۴ و۱۵ و ۱۶ و ۱۷ نماینده مجلس بود و در دوره ۱۷ پس از استعفای کاشانی ریاست مجلس را به عهده گرفت.

ممتازالدوله ، میرزا اسماعیل‌خان

(۱۲۴۹_۱۳۱۲ه‌ش)

از اشراف آذربایجان که در دورهٔ اول به وکالت مجلس‌رسید وچندی‌ریاست آنرا داشت پس‌ازکودتای محمد علیشاه به سفارت فرانسه پناهنده شد وبه اروپا رفت ، در دورهٔ دوم نیز وکیل وچندی رییس بود تاآنکه به وزارت عدلیه‌رسید (۱۲۸۹) و(۱۲۹۱).

درزمان صدارت وثوق‌الدوله براثر مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ به‌کاشان‌تبعید شد ، در سال ۱۳۰۰ بار دیگر وزیر معارف‌کابینه قوام‌السلطنه‌گردید . ولی‌از آن پس‌کم‌کم از صحنهٔ سیاست رانده شد ودرگوشهٔ انزوا بسرمیبرد .

مؤتمن‌الملك

(۱۲۵۵_۱۳۲۵ش)



حسین‌پرنیا، فرزندمیرزا نصراله‌خان مشیرالدوله نایینی، در تبریزمتولد شد. درسال ۱۲۹۷ به طهران‌آمد وبه تحصیل پرداخت ، در آغاز جوانی برای ادامهٔ تحصیل به پاریس رفت ودر آنجارشتهٔ حقوق‌سیاسی‌رابه‌پایان‌رسانید، سپس به انگلستان رفته به‌تحصیل فلسفه وریاضی پرداخت ؛ ولی تحصیلاتش را دراین دورشته ناتمام‌گذاشت.

پیرنیا در سال ۱۳۱۸ به وزارت خارجه منصوب شد‌وپس‌از افتتاح مدرسه علوم سیاسی‌درآنجا به‌تدریس پرداخت . و پس از آنکه برادرش با موکب مظفرالدینشاه به اروپا رفت ،کار ریاست دفتر خارجه را عهده‌دار گردید و لقب مؤتمن‌الملك‌گرفت .

همین‌که نهضت مشروطه آغاز شد پیرنیا به‌این نهضت گرایش جست و باتفاق برادرخود،پدررا دریاری‌مشروطه خواهان تشویق میکرد.

پس‌ازبرکناری‌عین‌الدوله مشیرالدوله زمامدار شد و فرمان مشروطه صادر گردید . حسین پیرنیا بمأموریت از طرف پدرش در تنظیم قانون اساسی و متمم‌آن شرکت جست ودراین راه باصداقت‌وشوق تلاش نمود .

مؤتمن‌الملك درکابینهٔ نظام‌السلطنه و ناصرالملك ومشیرالسلطنه وزیرتجارت وفواید عامه بود .

پس از فتح تهران مؤتمن‌الملك به وکالت دورهٔ دوم انتخاب شد و دراواخر دورهٔ دوم به ریاست مجلس رسید. پیرنیا درکابینهٔ‌علاءالسلطنه‌وزیرتجارت‌وگمرک شد ودرکابینهٔ عین‌الدوله به وزارت‌فواید عامه و تجارت منصوب‌گردید و درکابینهٔ مستوفی وزارت معارف و اوقاف را به عهده‌گرفت . ودرکابینهٔ مشیرالدوله‌وزیر مشاور برادر خودشد.

وی دردوره‌های سوم وچهارم وپنجم وششم نیزوکیل طهران بود و به ریاست

مجلس برگزیده شد . مؤتمن الملك در آخرین انتخابات هیئت رئیسه مجلس پنجم از ریاست استعفا کرد زیرا میدانست نقشهٔ تغییر سلطنت در پیش است و ظاهراً استعفایش برای طرفداری از اصل لایتغیر بودن قانون اساسی بود. مؤتمن الملك در مجلس ششم هم به وکالت اهالی تهران انتخاب شد و پس از آن دیگر حاضر بقبول هیچگونه خدمتی نگردید. حسین پیرنیا پس از سالها خانه نشینی در دورهٔ چهاردهم نیز به وکالت مردم طهران انتخاب شد ولی نپذیرفت .

پس از انقضای جنگ دوم جهانی هم از وی دعوت شد که ریاست هیئت نمایندگی ایران را در سازمان ملل بپذیرد ، بازهم نپذیرفت .

وی در دورهٔ خانه نشینی بیشتر به مطالعهٔ کتب فلسفی و ریاضی سرگرم بود و کمتر به ملاقات اشخاص رغبت نشان میداد .

مؤتمن الملك در سال ۱۳۲۵ بعلت بالا بودن فشار خون و کسالتهای دیگر بستری شد و در سال ۱۳۲۶ درگذشت .

جسد وی با تشریفات رسمی از منزل او به مسجد سپهسالار و از آنجا به امامزاده صالح ، آرامگاه خانوادگی حمل و مدفون گردید .

مجالس مقننه ایران

بنا بر اصل بیست و هفتم قانون اساسی ایران که می گوید: «این قوه ناشی می شود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و سنا و هریك از این سه منشأ حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است به عدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح همایونی لکن وضع و تصویب قوانین راجع به دخل و خرج مملکت از مختصات شورای ملی است» مجلس شورای ملی تشکیل شد.

مجلس سنا تا سال ۱۳۲۸ ش. تشکیل نشد و اولین دورهٔ آن در این سال افتتاح گردید ولی سه سال بعد منحل شد (۱۳۳۱) تا آنکه در سال ۱۳۳۲ بار دیگر جلسات خود را تشکیل داد در سال ۱۳۳۳ دومین و در سال ۱۳۳۵ سومین و در ۱۳۳۹ چهارمین ۱۳۴۱ پنجمین و در ۱۳۴۶ ششمین دورهٔ آن تشکیل گردید .

به موجب اصل چهل و پنجم قانون اساسی :

(اعضای این مجلس از اشخاص خبیر و بصیر و متدین و محترم مملکت انتخاب می شوند . سی نفر از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایونی استقرار می یابند پانزده نفر از اهالی تهران و پانزده نفر از اهالی ولایات و سی نفر از طرف ملت «پانزده نفر به انتخاب اهالی تهران و پانزده نفر به انتخاب اهالی ولایات» به موجب مقررات باید انتخابات هردو مجلس سنا و شورا باهم انجام بگیرد و اعضای مجلس شورا سابقهٔ وکالت و یا وزارت و یا سفارت کبری و یا معاونت وزارت داشته باشند).

مدت هردوره قانون گزاری قبلا دوسال بود که اخیراً به چهارسال رسید .

اولین جلسهٔ مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۵ روز ۱۴ مهرماه در حضور مظفرالدینشاه با شرکت نمایندگان تهران در کاخ گلستان تشکیل گردید . پس از آن به تدریج نمایندگان شهرستانها هم انتخاب شدند و به مجلس آمدند . در این دوره نمایندگان تهران نماینده اصناف بودند و انتخابات به صورت دو درجه یی انجام گرفت . با این همه یکی از مهمترین دوره های مجالس ایران و موجب افتخار بوده.

۲ ـ در سال ۱۲۸۹ ش . پس از شکست استبداد صغیر دومین دوره مجلس شورای ملـی تشکیل گردید . این دوره مجلس در سال ۱۲۹۱ ش، تحت فشار خارجی و ارتجاع منحل شد .

۳ـ دوره سوم ۱۲۹۳ . این دوره نیز به سال ۱۲۹۴ بر اثر حملهٔ نظامی روس تعطیل شد .

۴ـ دورهٔ چهارم ۱۳۰۰ .
۵ـ دورهٔ پنجم ۱۳۰۲ .
۶ـ دورهٔ ششم ۱۰۰۵ .
۷ـ دورهٔ هفتم ۱۳۰۷ . پس از آن انتخابات منظماً هر دوسال یکبار تجدید شد.
۸ـ دورهٔ سیزدهم ۱۳۱۹ .
۹ـ دورهٔ چهاردهم ۱۳۲۲ .
۱۰ـ دورهٔ پانزدهم ۱۳۲۶ .
۱۱ـ دورهٔ شانزدهم ۱۳۲۸ .
۱۲ـ دورهٔ هفدهم ۱۳۳۱ .
۱۳ـ دوره هیجدهم ۱۳۳۳
۱۴ـ دورهٔ نوزدهم ۱۳۳۵ .
۱۵ـ دورهٔ بیستم ۱۳۳۹ . (این دوره در سال ۱۳۴۰ منحل شد) .
۱۶ـ دورهٔ بیست و یکم ۱۳۴۱ .
۱۷ـ دورهٔ بیست و دوم ۱۳۴۶.

نمایندگان مجلس شورای ملی باید به اکثریت آراء مخفی حوزه انتخابیه خود انتخاب شده باشند . از شرایط دیگر برای احراز مقام نمایندگی داشتن سی سال تمام ، معروف بودن درمحل، معروف نبودن به سوء عقیده ، نداشتن محکومیت های کیفری ، و محروم نبودن از حقوق سیاسی ، داشتن سواد و نوشتن به اندازه کافی و تصویب اعتبارنامه او توسط دیگر نمایندگان است .

قانون اساسی
و متمم آن

قانون اساسی ـ ۱۳۲۴ - ۱۲۸۵
در تشکیل مجلس

اصل اول ـ مجلس شورایملی به موجب فرمان معدلت بنیان مورخه چهاردهم جمادی الاخر ۱۳۲۴ مؤسس و مقرر است .

اصل دوم ـ مجلس شورایملی نمایندهٔ قاطبهٔ اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند .

اصل سوم ـ مجلس شورایملی مرکب است از اعضایی که در طهران و ایالات انتخاب می شوند و محل انعقاد آن در تهران است.

اصل چهارم ـ عدهٔ نمایندگان مجلس شورایملی برای پایتخت و شهرستانها ۲۰۰ نفر خواهد بود و پس از هر ده سال درصورت ازدیاد جمعیت کشور در حوزهٔ انتخابیه طبق آمار رسمی به نسبت هریکصد هزار نفر یك نفر اضافه خواهد شد ، حوزه بندی به موجب قانون علیحده به عمل خواهد آمد .

اصل پنجم ـ دورهٔ نمایندگی مجلس شورای ملی چهار سال تمام است و شامل دورهٔ نوزدهم نیز میباشد .

قبل از انقضاء مدت باید انتخابات طبق قانون تجدید شود ابتدای هر دوره از تاریخ تصویب اعتبارنامه بیش از نصف نمایندگان خواهد بود تجدید انتخاب نمایندگان سابق بلامانع است .

اصل ششم ـ پس از آنکه دوثلث نمایندگان مجلس شورایملی در پایتخت حاضر شدند مجلس منعقد می شود .

اصل هفتم ـ مجلس می تواند با هرعده‌ای که درجلسه حاضر باشند مذاکرات را شروع

نمایندلیکن برای اخذرأی حضور بیش ازنصف نمایندگان حاضر درمرکز لازم است واکثریت آراء وقتی حاصل میشود که‌بیش ازنصف حضار درجلسه به رد یا قبول به‌موضوع‌رأی بدهند .

اصل هشتمـ مدت تعطیل وزمان اشتغال مجلس شورایملی برطبق نظامنامه‌داخلی مجلس به تشخیص خود مجلس است‌وپس از تعطیل تابستان‌باید مجلس‌ازچهاردهم میزان‌که مطابق‌جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول‌کار شود .

اصل نهمـ مجلس شورای‌ملی در مواقع تعطیل فوق‌العاده منعقدتوانندشد .

اصل دهمـ درموقع‌افتتاح‌مجلس‌خطابه‌ای به‌حضور همایونی عرض‌کرده‌به‌جواب خطابه ازطرف قرین‌الشرف ملوکانه‌سرافراز ومباهی میشود .

اصل یازدهمـ اعضاء مجلس بدواً که داخل مجلس می‌شوند باید به‌ترتیب‌ذیل قسم خورده و قسم‌نامه‌را امضاءنمایند.

صورت‌قسم‌نامه

ما اشخاصی‌که درذیل‌امضاءکرده‌ایم خداوندرا به‌شهادت می‌طلبیم وبه‌قرآن قسم یاد می‌کنیم مادام‌که حقوق مجلس ومجلسیان مطابق این‌نظامنامه محفوظ و مجری است تکالیفی‌راکه به‌ما رجوع‌شده است مهماامکن باکمال راستی و درستی وجدوجهدانجام‌بدهیم‌ونسبت به‌اعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفخم خودمان صدیق وراست‌گو باشیم وبه‌اساس‌سلطنت وحقوق‌ملت‌خیانت ننماییم وهیچ‌منظوری نداشته‌باشیم جزفواید ومصالح دولت و ملت ایران .

اصل دوازدهم ـ به‌هیچ عنوان به هیچ دست آویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضای آن‌بشود اگراحیاناً یکی‌ازاعضاء علناً مرتکب جنحه وجنایتی شود و در حین ارتکات جنایت دستگیر گردد باز باید اجرای سیاست‌دربارهٔ اوبا استحضار مجلس‌باشد .

اصل سیزدهم ـ مذاکرات‌مجلس‌شورای‌ملی از برای آنکه نتیجهٔ آنها به موقع اجراگذارده توانند شد باید علنی باشد روزنامه‌نویس وتماشاچی مطابق‌نظامنامهٔ داخلی مجلس‌حق‌حضور واستماع‌دارنده بدون اینکه حق نطق داشته باشند تمام مذاکرات مجلس‌را روزنامه‌جات‌میتوانند به‌طبع برسانند بدون‌تحریف وتغییرمعنی تاعامه ناس ازمباحث مذاکره و تفصیل گزارشات مطلع شوند هرکس صلاح‌اندیشی درنظر داشته باشد در روزنامهٔ عمومی برنگارد تاهیچ امری از اموردر پرده وبرهیچکس مستورنماند لهذاعموم روزنامه‌جات مادامی‌که مندرجات آنها مخل اصلی ازاصول اساسیه دولت وملت نباشد مجاز ومختارند که مطالب مفیده عام‌المنفعه را همچنان مذاکرات مجلس وصلاح‌اندیشی‌خلق‌را برآن مذاکرات‌به طبع رسانیده منتشر کنند و اگرکسی‌در روزنامجات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و به‌اغراض شخصی چیزی طبع نماید یاتهمت وافتراء بزند قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد .

اصل چهاردهمـ مجلس شورای‌ملی به موجب نظامنامه علیحده موسوم به نظامنامهٔ‌داخلی‌امورشخصی خودرا‌ازقبیل انتخاب رییس ونواب رییس ومنشیان و سایر اجزاء وترتیب مذاکرات وشعب و وغیره منظم ومرتب خواهدکرد.

در وظایف مجلس وحدود و حقوق آن

اصل پانزدهمـ مجلس‌شورای‌ملی‌به‌موجب قانون حق‌دارد درعموم مسایل آنچه را صلاح ملك وملت میداند پس‌از مذاکره ومداقه ازروی راستی و درستی عنوان کرده وبارعایت اکثریت آراء در کمال امنیت واطمینان باتصویب مجلس‌سنا به توسط شخص‌اول‌دولت به‌عرض برساندکه به‌صحهٔ همایونی موشح و به‌موقع اجرا گذارده شود .

اصل شانزدهم ـ کلیهٔ قوانینی‌که برای تشید مبانی دولت وسلطنت‌وانتظام امور مملکتی واساس وزارت‌خانه‌ها لازم است باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد .

اصل هفدهم ـ لوایح لازمه‌را درایجاد قانونی با تغییر و تکمیل ونسخ قوانین موجوده مجلس شورای‌ملی در موقع‌لزوم حاضر می‌نمایدکه با تصویب مجلس سنا به‌صحهٔ‌همایونی‌رسانده‌به‌موقع‌اجراگذارده شود .

اصل هیجدهم ـ تسویهٔ امور مالیه ـ جرح و تعدیل بودجه ، تغییر در وضع مالیاتها وردوقبول‌عوارض وفروعات‌همچنان ممیزهای جدیده‌که از طرف‌دولت اقدام خواهدشد به‌تصویب مجلس‌خواهند بود .

اصل نوزدهم ـ مجلس حق‌دارد برای اصلاح‌امورمالیاتی‌وتسهیل‌روابط‌حکومتی درتقسیم ایالات وممالك‌ایران و تحدید حکومت‌ها پس از تصویب مجلس سنا اجرای آرای مصوبه‌را ازاولیای دولت بخواهد .

اصل بیستمـ بودجهٔ هریك‌ازوزارتخانه‌ها باید درنیمهٔ‌آخر هرسال از برای سال دیگر تمام شده پانزده روز قبل از عید نوروز حاضرباشد .

اصل بیست‌ویکم ـهرگاه درقوانین‌اساسی وزارتخانه‌ها قانونی جدید یاتعبیرونسخ قوانین مقرره لازم‌شود باتصویب مجلس شورای ملی‌صورت خواهدگرفت اعم از اینکه‌لزوم‌آن امورازمجلس عنوان یااز طرف وزرای مسئول‌اظهار شده‌باشد .

اصل بیست ودومـ مواردی‌که قسمتی‌از عایدات یادارایی دولت ومملکت منتقل یافروخته می‌شود یا تغییری درحدود و ثغور مملکت‌لزوم پیدامی‌کند به تصویب مجلس شورای‌ملی خواهدبود .

اصل بیست‌وسومـ بدون تصویب مجلس شورای ملی امتیاز تشکیل کمپانی و شرکت‌های عمومی ازهرقبیل و به‌هرعنوان ازطرف دولت داده نخواهدشد.

اصل بیست وچهارم ـ بستن عهدنامه‌ها ومقاوله‌نامه‌ها اعطای‌امتیازات(انحصار) تجارتی وصنعتی وفلاحتی و غیره‌ اعم از اینکه طرف‌داخله‌باشد، یاخارجه باید‌به تصویب مجلس شورای ملی برسد به استثنای عهدنامه‌هایی‌که‌استتار آنها‌صلاح دولت‌وملت باشد .

اصل بیست‌وپنجمـ استقراض دولتی‌به‌هر عنوان‌که باشد خواه از داخله خواه از خارجه بااطلاع‌وتصویب‌مجلس‌شورای‌ملی خواهد شد .

اصل بیست‌وششمـ ساختن راه‌های آهن یاشوسه خواه به‌خرج دولت خواه‌به‌خرج شرکت وکمپانی اعم از داخله یاخارجه منوط به تصویب مجلس شورای ملی است .

اصل بیست وهفتمـ مجلس‌درهرجانقصی درقوانین ویامسامحه‌دراجرای‌آن‌ملاحظه کند‌به‌وزیرمسئول‌درآن‌کار اخطارخواهد کرد ووزیر مزبور بایدتوضیحات‌لازمه‌را بدهد .

اصل بیست‌وهشتم ـ هرگاه وزیری بر خلاف یکی ازقوانین موضوعه که به‌صحهٔ همایونی رسیده‌اند به‌اشتباه‌کاری احکام کتبی یاشفاهی ازپیشگاه مقدس‌ملوکانه صادر نماید ومستمسك مساهله و عدم مواظبت خود قراردهد به حکم قانون مسئول ذات مقدس همایون خواهدبود .

اصل بیست و نهم ـ هروزیری‌که درامری ازامور مطابق‌قوانینی‌که به‌صحهٔ‌همایونی رسیده است‌ازعهدهٔ‌جواب بر نیاید ومعلوم شودکه نقض‌قانون وتخلف ازحدودمقرره کرده‌است، مجلس عزل او را از پیشگاه همایونی‌مستدعی خواهدشد وبعدازوضوح خیانت درمحکمهٔ عدلیه دیگر به خدمت دولت منصوب نخواهدشد .

اصل سی‌ام ـ مجلس شورای ملی‌حق‌دارد مستقیماً هروقت لازم‌بداند عریضه‌ای به توسط هیئتی‌که مرکب ازرییس وشش‌نفر ازاعضاکه طبقات شش‌گانه انتخاب کنند به‌عرض‌پیشگاه مقدس‌ملوکانه برساندوقت شرفیابی‌را باید به‌توسط وزیر دربار از حضورمبارك استیذان‌نمود .

اصل سی‌ویکم ـ وزراء حق‌دارند در اجلاسات مجلس شورای‌ملی حاضرشده و درجایی‌که برای آنها مقرر است نشسته مذاکرات مجلس‌را بشنوند و اگر لازم دانستند ازرییس‌مجلس اجازهٔ نطق‌خواسته توضیحات لازمه‌راازبرای‌مذاکره‌ومداقهٔ اموربدهند .

دراظهار مطالب به مجلس شورای‌ملی

اصل سی ودوم ـ هرکس از افرادناس می‌تواند عرض‌حال یا ایرادات یاشکایات خودرا کتباً به دفترخانهٔ عرایض مجلس عرضه بدارد اگر مطلب راجع بـه‌خود مجلس باشد جواب‌کافی به‌او خواهد داد وچنانچه مطلب راجع‌به‌یکی ازوزارت‌خانه‌ها است بدان وزارت‌خانه خواهـد فرستاد که‌رسیدگی نمایند وجواب‌مکفی بدهند .

اصل سی‌وسوم ـ قوانین‌جدیده‌که محل حاجت باشد ودر وزارت‌خانه‌های‌مسئول انشاء وتنقیح یافته‌به‌توسط وزراء مسئول یا ازطرف صدراعظم بـه‌مجلس شورای ملی اظهار خواهدشد و پس‌از تـصویب مجلس‌به‌صحهٔ همایونی موشح‌گشته‌به‌موقع اجراءگذاشته می‌شود .

اصل سی‌وچهارم ـ رییس مجلس‌میتواند برحسب لزوم‌شخصاً یا به‌خواهش ده نفر ازاعضاءمجلس‌یاوزیری اجلاس‌محرمانه بدون‌حضور روزنامه‌نویس وتماشاچی یا انجمنی محرمانه مرکب ازعدهٔ منتخبی از اعضاء مجلس تشکیل بدهد که سایر اعضاء مجلس حق حضور درآن نـداشته باشند لیکن نتیجهٔ مـذاکرات انجمن محرمانه، وقتی‌مجری تواندشدکه مجلس محرمانه باحضورسه‌ربع ازمنتخبین‌مطرح مذاکره شده به‌اکثریت آراء قبول‌شود اگرمطلب در مذاکرات انجمن محرمانه قبول‌نشد در مجلس عنوان نخواهدشد و مسکوت‌عنه خواهدماند.

اصل‌سی‌وپنجم ـ اگرمجلس‌محرمانه به تقاضای رییس مجلس‌بوده است حق‌دارد هرمقدار ازمذاکرات راکه صلاح بداند به‌اطلاع عموم برساند لیکن اگرمجلس محرمانه به تقاضای وزیری بـوده است افشای مذاکرات موقوف به اجازهٔ آن وزیر است.

اصل‌سی‌وششم ـ هریك ازوزراءمیتوانند مطلبی‌راکه به مجلس اظهارکرده درهر درجه‌ازمباحثه‌که باشد استردادکندمگر آنکه اظهارایشان به‌تقاضای مجلس‌بوده باشد دراین صورت‌استرداد مطلب‌موقوف به‌موافقت مجلس‌است .

اصل سی وهفتم ـ هرگاه‌لایحهٔ وزیری در مجلس موقع قبول نیافت منضم به ملاحظات مجلس‌عودت داده می‌شودوزیر مسئول پس‌از رد یاقبول ایرادات‌مجلس می‌تواندلایحهٔ‌مزبوررادرنوبت‌ثانی‌به‌مجلس اظهاربدارد .

اصل‌سی‌وهشتم ـ اعضای مجلس شورای ملی باید ردیاقبول مطالب را صریح و واضح اظهـار بدارند و احدی‌حق ندارد ایشان‌را تحریص یاتهدید دردادن رأی خود نمایداظهار ردوقبول اعضای‌مجلس باید به قسمی باشدکه روزنامه نویس و تماشاچی‌هم‌بتوانند ادراك کنند، یعنی‌باید آن اظهار به‌علامات ظاهری باشدازقبیل اوراق‌کبود وسفید وامثال‌آن .

عنوان‌مطالب‌ازطرف‌مجلس

اصل‌سی‌ونهم ـ هروقت مطلبی ازطرف یکی از اعضای مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شدکه اقلاً پانزده‌نفر از اعضای‌مجلس، آن مذاکره مطلب‌را تصویب نمایند در اینصورت‌آن عنوان‌کتباً به‌رییس مجلس تقدیم میشود رییس‌مجلس حق‌داردکه آن‌لایحه‌رابدواً در انجمن تحقیق مطرح مداقه قرار بدهد .

اصل‌چهلم ـ در موقع مذاکره و مداقه لایحهٔ مذکور دراصل سی و نهم چه در مجلس وچه درانجمن تحقیق اگر لایحهٔ مزبور راجع به‌یکی‌ازوزراء مسئول‌باشد مجلس باید به‌وزیر مسئول اطلاع‌بدهدکه اگر بشود شخصاً والا معاون اوبه‌مجلس حاضرشده ومذاکرات درحضور وزیر یا در حضور وزیر یا معاون اوبشود سواد لایحه ومنضمات‌آن‌را بایدقبل ازوقت‌از ده‌روز الی یك‌ماه‌به‌استثناء مطالب‌فوری ازبرای‌وزیر مسئول فرستاده باشندهم ـ چنان روزمذاکره باید قبل‌ازوقت معلوم باشد پس‌از مداقه مطلب با حضوروزیر مسئول‌درصورت تصویب مجلس‌بااکثریت آراء رسماً لایحه نگاشته به‌وزیرمسئول داده خواهد شد که اقدامات مقتضیه را معمول دارد.

اصل‌چهل‌ویکم ـ هرگاه‌وزیر مسئول‌در مطلب معنون ازطرف مجلس به مصلحتی همراه نشدباید معاذیر خودرا توجیه و مجلس‌را متقاعدکند .

اصل‌چهل ودوم ـ درهرامری‌که مجلس شورای ملی از وزیر مسئولی توضیح بخواهد آن وزیرناگزیر ازجواب است واین‌جواب‌نباید بدون‌عذر موجه وبیرون ازاندازه اقتضاء به‌عهدهٔ تأخیربیفتدمگر مطالب محرمانه‌ای‌که مستوربودن‌آن در مدت معینی صلاح دولت وملت‌باشد ولی بعدازانقضاء مدت‌معین وزیرمسئول‌مکلف است که همان مطلب‌را در مجلس ابراز نماید .

درشرایط تشکیل مجلس سنا

اصل‌چهل‌وسوم ـ مجلس‌دیگری‌به‌عنوان سنا مرکب از شصت نفر اعضاء تشکیل می‌یابدکه اجلاسات آن بعد ازتشکیل مقارن اجلاسات‌مجلس شورای‌ملی‌خواهد بود .

اصل‌چهل‌چهارم ـ نظامنامه‌های مجلس سنا باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد .

اصل‌چهل و پنجم ـ اعضای این‌مجلس‌از اشخاص‌خبیروبصیرومتدین‌ومحترم‌مملکت منتخب می‌شوند سی‌نفر ازطرف قرین‌ الشرف اعلیحضرت همایونی استقرار می‌یابند پانزده‌نفر ازاهالی‌تهران و۱۵ نفر ازاهالی‌ولایات وسی‌نفر ازطرف‌ملت

پانزده نفر به انتخاب اهالی تهران پانزده نفر به انتخاب اهالی ولایات .

اصل چهل و ششم ـ پس از انعقاد مجلس سنا تمام امور باید به تصویب هردو مجلس باشد. اگر آن امور در سنا از طرف هیئت وزراء عنوان شده باشد باید اول در مجلس سنا تنقیح و تصحیح شده به اکثریت آراء قبول و بعد به تصویب مجلس شورای ملی برسند ولی اموری که در مجلس شورای ملی عنوان می‌شود برعکس از این مجلس به مجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالیه که مخصوص به مجلس شورای ملی خواهد بود وقرارداد مجلس درامور مذکور به اطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظات خود را به مجلس ملی اظهار نماید ولیکن مجلس ملی مختار است ملاحظات مجلس سنا را بعد از مداقهٔ لازمه قبول یا رد نماید.

اصل چهل و هفتم ـ مادام که مجلس سنا منعقد نشده فقط امور بعد از تصویب مجلس شورای ملی به صحهٔ همایونی موشح و به موقع اجرا گذارده خواهد شد .

اصل چهل و هشتم ـ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی می‌تواند هریك از مجلس شورای ملی و مجلس سنا را جداگانه و یا هردو مجلس را در آن واحد منحل نماید .

درهر مورد که مجلسین یا یکی از آنها به موجب فرمان اعلیحضرت همایونی منحل می‌گردد، باید درهمان فرمان انحلال وعلت انحلال ذکر شده و امر به تجدید انتخابات نیز بشود.

انتخابات جدید درظرف یك ماه از تاریخ صدور فرمان شروع شده و مجلس یا مجلسین جدید درظرف سه ماه به تاریخ مزبور باید منعقد گردد .

مجلس جدید که پس از انحلال تشکیل می‌شود برای یك دورهٔ جدید خواهد بود نه برای بقیهٔ دورهٔ مجلس منحل شده .

مجلس یا مجلسین جدید را نمی‌توان مجدداً برای همان علت منحل نمود.

هرگاه درمورد طرح یا لایحهٔ قانونی که دو دفعه از مجلسی به مجلس دیگر رجوع شده است بین مجلس سنا و مجلس شورای ملی توافق نظر حاصل نشود کمیسیون مختلطی مرکب از اعضای مجلسین که به عدهٔ مساوی از طرف هر یك از مجلسین انتخاب می‌شود تشکیل و در مورد اختلاف رسیدگی کرده گزارش خود را به مجلسین تقدیم می‌نماید هرگاه مجلس سنا و مجلس شورای ملی گزارش را که کمیسیون مختلط داده است تصویب نمودند قانون مزبور برای توشیح صحهٔ ملوکانه ارسال می‌شود .

درصورتی که مجلسین در گزارش کمیسیون مختلط نیز توافق نظر حاصل نکردند مورد اختلاف به عرض ملوکانه میرسد هرگاه اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی نظر مجلس شورای ملی را تصویب فرمودند امر به اجرا میدهند والاموضوع تا شش ماه مسکوت مانده و عندالاقتضا ممکن است بعد از انقضای این مدت به عنوان طرح لایحه جدیدی دریکی ازمجلسین مطرح شود.

اصل چهل و نهم ـ منتخبین جدید تهران باید به فاصلهٔ یك ماه ومنتخبین ولایات به فاصلهٔ سه ماه حاضر شوند وچون منتخبین دارالخلافه حاضر شدند مجلس افتتاح و مشغول کار خواهد شد لیکن درمادهٔ متنازع فیها گفتگو نمی‌کنند تا منتخبین ولایات برسند هرگاه مجلس جدید پس از حضور تمام اعضاء به اکثریت تام همان رأی سابق را امضاء کرد ذات مقدس همایونی آن رأی مجلس شورای ملی را تصویب فرموده امر به اجرا می‌فرمایند .

اصل پنجاهم ـ درهر دورهٔ انتخابیه که عبارت از چهار سال است یك نوبت بیشتر امر به تجدید منتخبین نخواهد شد .

اصل پنجاه و یکم ـ مقرر آنکه سلاطین اعقاب و اخلاف ما حافظ این حدود و اصول را که برای تشیید مبانی دولت و تأکید اساس سلطنت و نگهبانی دستگاه معدلت و آسایش ملت است برقرار و مجری فرمودیم وظیفهٔ سلطنت خود دانسته در عهده شناسد .

متمم قانون اساسی ـ ۱۳۲۵ـ۱۲۸۶

بسم‌الله الرحمن الرحیم

اصولی که برای تکمیل قوانین اساسیهٔ مشروطیت دولت علیه ایران براساسی که در تاریخ چهاردهم ذی‌القعدة‌الحرام یك‌هزار و سیصد و بیست و چهار به صحهٔ مرحوم مغفور شاهنشاه سعید مظفرالدین‌شاه قاجار نورالله‌مضجعه موشح شده اضافه می‌شود ازقرار ذیل است :

کلیات

اصل اول ـ مذهب رسمی ایران اسلام و طریقهٔ حقهٔ جعفریهٔ اثنا عشریه است باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد .

اصل دوم ـ مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تأیید حضرت امام عصر عجل‌الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم و عامهٔ ملت ایران تأسیس شده است باید درهیچ عصری از اعصار مواد قانونیهٔ آن مخالفتی با قواعد مقدسهٔ اسلام وقوانین موضوعهٔ حضرت خیرالانام صلی‌الله علیه وآله وسلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه برعهدهٔ علمای اعلام ادام‌الله برکات وجودهم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است درهر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشند از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع ازمقتضیات زمان هم باشند به این طریق که علمای اعلام وحجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر از علما که دارای صفات مذکور باشند معرفی به مجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آن‌ها را یا بیشتر به مقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی به اتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده به سمت عضویت بشناسند تا اموری که در مجلسین عنوان می‌شود به دقت مذاکره و غوررسی نموده هریك از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسهٔ اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیئت علما دراین باب مطاع ومتبع خواهد بود واین ماده تا زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل‌الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود .

اصل سوم ـ حدود مملکت ایران وایالات و ولایات وبلوکات آن تغییرپذیر نیست مگر به موجب قانون .

اصل چهارم ـ پایتخت ایران تهران است .

اصل پنجم ـ الوان رسمی بیرق ایران سبز وسفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است .

اصل ششم ـ جان و مال اتباع خارجه مقیم خاك ایران مأمون و محفوظ است مگر درمواردی که قوانین مملکتی استثنا میکند .

اصل هفتم ـ اساس مشروطیت جزئاً و کلاً تعطیل بردار نیست .

حقوق ملت ایران

اصل هشتم ـ اهالی مملکت ایران درمقابل

قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود.
اصل نهم ــ افراد مردم از حیث جان و مال ومسکن وشرف محفوظ و مصون از هرنوع تعرض هستند و متعرض احدی نمیتوان شدمگر به‌حکم وترتیبی که‌قوانین مملکت معین مینماید.
اصل دهم ــ غیر از موقع ارتکاب جنحه وجنایات و تقصیرات عمده هیچکس را نمی‌توان فوراً دستگیر نمود مگر به حکم کتبی رییس محکمهٔ عدلیه بر طبق قانون ودرآن صورت نیز بایدگناه مقصر فوراً یامنتها درظرف بیست‌وچهار ساعت به‌او اعلام واشعارشود.
اصل یازدهم ــ هیچکس‌را نمی‌توان از محکمه ای که باید دربارهٔ اوحکم کند منصرف کرده‌مجبوراً به‌محکمهٔ دیگر رجوع دهند.
اصل دوازدهم ــ حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی‌شود مگر به موجب قانون.
اصل سیزدهم ــ منزل وخانهٔ هرکس در حفظ وامان است درهیچ مسکنی قهراً نمیتوان داخل‌شد، مگربه‌حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.
اصل چهاردهم ــ هیچیك ازایرانیان را نمی‌توان نفی‌بلدیامنع ازاقامت درمحلی یامجبور به‌اقامت محل معینی‌نمود، مگر درمواردی‌که قانون تصریح می‌کند.
اصل پانزدهم ــ هیچ‌ملکی‌را ازتصرف صاحب ملك نمی‌توان بیرون کرد مگر بامجوز شرعی وآن‌نیزپس‌ازتعیین‌وتأدیه قیمت‌عادله است.
اصل شانزدهم ــ ضبط املاك واموال مردم به‌عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگربه‌حکم قانون.
اصل هفدهم ــ سلب تسلط مالکین و متصرفین ازاملاك واموال متصرفهٔ‌ایشان به‌هرعنوان‌که باشد ممنوعست مگر به حکم‌قانون.
اصل هیجدهم ــ تحصیل وتعلیم علوم و معارف وصنایع آزاداست‌مگرآنچه‌شرعاً ممنوع باشد.
اصل نوزدهم ــ تأسیس مدارس به‌مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم ومعارف‌مقرر شودوتمام مدارس و مکاتب باید درتحت ریاست عالیه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.
اصل بیستم ــ عامهٔ مطبوعات غیرازکتب ضلال و مواد مضره بدین مبین‌آزاد و ممیزی درآن‌ها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شودنشردهنده یانویسنده برطبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود اگر نویسنده معروف ومقیم‌ایران باشد ناشر وطابع وموزع از تعرض مصون‌هستند.
اصل بیست‌ویکم ــ انجمن‌هاواجتماعاتی که مولدفتنهٔ دینی ودنیوی ومخل به‌نظم نباشد در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعین باخود اسلحه نباید داشته‌باشند وترتیباتی را که قانون دراین خصوص مقررمی‌کند باید متابعت‌نمایداجتماعات درشوارع ومیدان‌های عمومی هم‌بایدتابع قوانین نظمیه‌باشد.
اصل بیست‌ودوم ــ مراسلات پستی کلیه محفوظ‌وازضبط‌وکشف‌مصون‌است مگردر مواردی‌که قانون استثنا میکند.
اصل بیست وسوم ــ افشاء یا توقیف مخابرات تلگرافی بدون اجازهٔ صاحب تلگراف ممنوع است، مگردرمواردی‌که قانون‌معین می کند.
اصل بیست‌وچهارم ــ اتباع خارجه می‌توانند قبول تبعیت ایران‌را بنمایند قبول وبقای آنها برتبعیت وخلع آنها از تبعیت به‌موجب قانون جداگانه است.
اصل بیست وپنجم ــ تعرض به مأمورین دیوانی‌که درتقصیرات راجعه به مشاغل آنهامحتاج‌به‌تحصیل اجازه‌نیست،مگردر حق وزراء که رعایت قوانین‌مخصوصه‌در این باب‌باید بشود.

قوای مملکت

اصل بیست وششم ــ قوای مملکت ناشی ازملت‌است‌طریقهٔ‌استعمال آن‌قوارا‌قانون اساسی معین می‌نماید.
اصل بیست وهفتم ــ قوای مملکت به‌سه شعبه تجزیه می‌شود:
اول ــ قوهٔ مقننه که مخصوص است به‌وضع وتهذیب قوانین واین قوه ناشی می‌شود ازاعلیحضرت شاهنشاهی ومجلس شورای‌ملی ومجلس‌سنا وهریك ازاین‌سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است به‌عدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح‌به‌صحهٔ همایونی لکن وضع‌وتصویب قوانین راجعه به‌دخل وخرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی‌است.
شرح‌وتفسیرقوانین ازوظایف‌مختصهٔ مجلس‌شورای‌ملی‌است.
دوم ــ قوهٔ قضاییه و حکمیه که عبارت است‌ازتمیز حقوق‌واین‌قوه‌مخصوص است به‌محاکم شرعیه درشرعیات و به محاکم عدلیه درعرفیات.
سوم ــ قوهٔ‌اجراییه که‌مخصوص‌پادشاه است‌یعنی‌قوانین‌واحکام به‌توسط وزراء و مأمورین دولت به‌نام نامی اعلیحضرت همایونی اجرامی‌شود به‌ترتیبی‌که قانون معین‌میکند.
اصل بیست وهشتم ــ قوای‌ثلاثهٔ مزبوره همیشه ازیکدیگر ممتاز ومنفصل خواهد بود.
اصل بیست ونهم ــ منافع مخصوصه هر ایالت و ولایت وبلوك به‌تصویب‌انجمن‌های ایالتی و ولایتی به موجب قوانین مخصوصهٔ‌آن مرتب وتسویه می‌شود.

حقوق اعضای مجلسین

اصل سی‌ام ــ وکلای مجلس شورای ملی ومجلس‌سنا ازطرف تمام ملت‌وکالت دارند نه‌فقط ازطرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آنهارا انتخاب نموده‌اند.
اصل‌سی ویکم ــ یك نفر نمی‌تواند در زمان واحد عضویت هردو مجلس‌را دارا باشد.
اصل‌سی‌و دوم ــ چنانچه یکی از وکلا درادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت‌اودرمجلس‌موقوف‌به‌استعفا از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهدبود. (۱)
اصل سی وسوم ــ هریك ازمجلسین‌حق تحقیق وتفحص‌درهرامری‌ازامورمملکتی دارند.

---

(۱) قانون‌محدودیت‌وزراء‌ومعاونین و رؤسای دوایر دولتی در موقع انتخاب و نمایندگان مجلس در دورهٔ تقنینیه مصوب تیرماه **۱۳۰۲** شمسی.
ماده ۱ ــ کلیهٔ رؤسای دوایردولتی ازانتخاب‌شدن‌به‌عضویت‌مجلس شورایملی در حوزهٔ مأموریت خود محروم خواهند بود و همچنین وزراء و معاونین موقع انتخابات از تمام مملکت.
ماده ۲ ــ تاانقضاء هردورهٔ‌تقنینیه نمایندگان مجلس شورایملی نمیتوانند هیچیك از خدمات دولتی را موظفاًقبول نمایند، مگر اینکه سه ماه قبل از قبول خدمت از نمایندگی استعفا نموده باشند.

اصل سی و چهارم ــ مذاکرات مجلس سنا در مدت انفصال مجلس شورای ملی بی‌نتیجه است .

حقوق سلطنت ایران

اصل سی و پنجم ــ سلطنت ودیعه‌ایست که بموهبت‌الهی از طرف ملت به‌شخص پادشاه‌مفوض شده.

اصل سی وششمــ سلطنت مشروطهٔ‌ایران ازطرف‌ملت به‌وسیلهٔ‌مجلس‌مؤسسان به‌شخص اعلیحضرت شاهنشاه‌رضاشاه‌پهلوی‌تفویض شد ودر اعقاب ذکورایشان نسلاً بعدنسل برقرار خواهد بود. (۲)

اصل سی‌وهفتمــ ولایتعهد باپسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل بـاشد خواهدبود،درصورتی‌که‌پادشاه‌اولادذکور نداشته باشد تعیین‌ولیعهد برحسب پیشنهاد وتصویب مجلس‌شورایملی به‌عمل خواهد آمد، مشروط برآنــکه آن ولیعهد از خانوادهٔ قاجار نباشد ولی درهرموقعی‌که پسری‌برای پادشاه‌به‌وجود آید حق‌ولایت‌ـ عهدی با اوخواهد بود.

اصل‌سی‌وهشتم ــ درموقع‌انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امورسلطنت را متصدی شودکه دارای بیست سال‌تمام شمسی باشد اگربه‌این سن نرسیده باشد نایب‌السلطنه‌ای از غیرخانوادهٔ قاجاریه از طرف‌مجلس‌شورای ملی‌انتخاب‌خواهد شد .

اصل‌سی و نهم ــ هیچ پادشاهی برتخت سلطنت نمی‌تواند جلوس‌کند، مگراینکه قبل از تاجگذاری درمجلس شورای‌ملی حاضر شود بـا حضور اعضای مجلس‌ـ شورایملی ومجلس سناوهیئت‌وزراءبقرار ذیل قسم یاد نماید ؛

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته به‌کلام‌الله مجیدو به‌آنچه‌نزدخدا محترم است قسم یاد میکنم‌که تمام هم خود را مصرف حفظ استقلال ایران نموده، حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ ومحروس‌بدارم، قانون‌اساسی مشروطیت ایران رانگهبان و برطبق‌آن وقوانین‌مقرره سلطنت‌نمایم ودرترویج مذهب‌جعفری اثنی‌عشری سعی‌وکوشش نمایم ودرتمام اعمال وافعال خداوند عزشأنه راحاضروناظردانسته، منظوری جزسعادت وعظمت دولت وملت ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان در خدمت به ترقی ایران توفیق میطلبم و از ارواح طیبهٔ اولیای اسلام استمداد میکنم .

اصل چهلمــ همینطور شخصی‌که‌به‌نیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امرشود، مگراینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد.

اصل چهل‌ویکم ــ درموقع‌رحلت‌پادشاه، مجلس شورایملی و مجلس سنا لزوماً منعقد خواهد شد وانعقاد مجلسین زیاده ازده روزبعد ازفوت‌پادشاه نبایدبه‌تعویق بیفتد .

اصل‌چهل ودوم ــ هرگاه دورهٔ وکالت وکلای هردو یا یکی ازمجلسین درزمان حیات پادشاه منقضی شده باشد ووکلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند وکلای سابق حاضرومجلسین منعقد میشود.

اصل‌چهل وسومــ شخص‌پادشاه‌نمیتواند بدون تصویب و رضای مجلس‌شورای‌ملی ومجلس سنامتصدی امور مملکت‌دیگری شود .

اصل چهل و چهارم ــ شخص پادشاه از مسئولیت مبری است و وزراء دولت در هرگونــه امــور مسئول مجلسین هستند .

اصل‌چهل وپنجمــ کلیهٔ قوانین ودست‌ـ خطهای پادشاه در امور مملکتی وقتی اجرا میشود که به‌امضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان ودستخط همان وزیر است.

اصل‌چهل‌وششمــ عزل‌و نصب‌وزرا به‌موجب فرمان همایون پادشاه است .

اصل چهل و هفتم ــ اعطای درجـات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری بـا مراعات قانون مختص پادشاه است.

اصل چهل و هشتم ــ انتخاب مأمورین رییسه دوایردولتی از داخله وخارجه با تصویب وزیر مسئول ازحقوق‌پادشاه‌است، مگر در مواقعی که قانون استثنا نموده باشد ولی تعیین سایر مأمورین راجع به‌پادشاه‌نیست، مگردرمواردی‌که قانون تصریح میکند.

اصل چهل و نهمــ صدورفرامین واحکام برای اجرای قوانین از حقوق پـادشاه است،بدون این‌که‌هرگزاجرای‌آن‌قوانین را تعویق یاتوقیف نمایندودرقوانین راجع به‌امورمالیهٔ مملکت‌که ازمختصات‌مجلس شورایملی است چنانچه‌اعلیحضرت‌پادشاه تجدید نظررا لازم بدانند برای‌رسیدگی مجدد به‌مجلس‌شورایملی ارجاع مینمایند. درصورتیکه مجلس شورایملی به‌اکثریت سه ربع ازحاضرین در مرکز نظر سابق مجلس را تأییدنمود اعلیحضرت‌شاهنشاه قانون را توشیح خواهند فرمود .

اصل پنجاهم ــ فرمانفرمایی کل قشون بری وبحری‌باشخص پادشاه‌است.

اصل پنجاه ویکمــ اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است.

اصل پنجاه و دوم ــ عهد نـامه‌هاییکه مطابق اصل بیست وچهارم قانون‌اساسی مورخهٔ چهاردهم ذیقعدهٔ یکهزاروسیصدو وبیست‌چهار استتارآنها لازم باشد بعداز رفع محظور همین کــه منافع و امنیت مملکتی اقتضانمود با توضیحات لازم‌باید از طرف پادشاه‌به‌مجلس شورایملی و سنا اظهار شود .

اصل پنجاه وسوم ــ فصول مخفیه هیچ عهد نامه مبطل فصول‌آشکار آن عهدنامه نخواهد بود .

اصل پنجاه وچهارم ــ پادشاه میتوانند مجلس شورای ملی ومجلس‌سنا رابه‌طور فوق‌العاده امربه‌انعقادفرمایند.

اصل پنجاه و پنجمــ ضرب سکه‌باموافقت قانون بنام پادشاه است.

اصل پنجاه و ششم ــ مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی بایدقانوناً معین‌باشد.

اصل پنجاه و هفتم ــ اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حـاضره تصریح شده .

راجع به‌وزراء

اصل پنجاه و هشتمــ هیچکس نمیتواند به‌مقام وزارت‌برسد، مگر آنکه مسلمان وایرانی الاصل وتبعهٔ ایران باشد.

اصل پنجاه و نهم ــ شاهزادگان طبقهٔ اول یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نمیتوانند به وزارت منتخب‌شوند.

اصل شصتم ــ وزراء مسئول مجلسین هستند و در هرمورد که ازطرف یکی از مجلسین احضار شوند باید حاضر گردند ونسبت‌به‌اموری‌که محول به‌آنهاست‌حدود مسئولیت خودرا منظور دارند .

اصل‌شصت‌ویکم ــ وزراء علاوه براینکه به‌تنهایی‌مسئول‌مشاغل مختصهٔ وزارت‌خود هستند به‌هیئت‌اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول وضامن اعمال

---

(۲) اصل ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ در ۲۱ آذر ۱۳۰۴ به وسیلهٔ مجلس مؤسسان اصلاح شده و بترتیب فوق درآمده‌است.

یکدیگرند .

اصل شصت و دوم ــ عدهٔ وزراء را برحسب اقتضاء قانون معین خواهد کرد .

اصل شصت وسومــ لقب وزارت افتخاری بکلی موقوف است.

اصل شصت و چهارمــ وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسك قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند .

اصل شصت و پنجمــ مجلس شورای ملی یاسنامیتوانند وزراء رادرتحت موآخذه و محاکمه درآورند.

اصل شصت وششم ــ مسئولیت وزراء و سیاستی را که راجع به آنهامیشود قانون معین خواهد نمود .

اصل شصت وهفتمــ درصورتیکه مجلس شورایملی یا مجلس سنا بهاکثریت تامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نمایدآن هیئت یاآن وزیر از مقام وزارت منعزل میشود.

اصل شصت وهشتمــ وزراءموظفاً نمیتوانند خدمت دیگر غیراز شغل خودشان درعهده گیرند .

اصل شصت و نهم ــ مجلس شورایملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوانخانهٔ تمیز عنوان خواهند نمود و دیوانخانهٔ مزبوره با حضور تمام اعضای مجلس محاکمات دایرهٔخودمحاکمهخواهد کرد مگروقتیکه بهموجب قانون اتهام و اقامهٔ دعوی از دایرهٔ ادارات دولتی مرجوعه بهشخص وزیرخارج وراجع بهخود وزیر باشد .

تنبیه ــ مادامی که محکمهٔ تمیز تشکیل نیافته استهیئتیمنتخب ازاعضاءمجلسین بهعدهٔ متساوی نایب مناب محکمه تمیز خواهد شد.

اصل هفتادمــ تعیین تقصیر و مجازات وارده بر وزراء درموقعیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند و یا در اموراداراتخوددچاراقدامات شخصی مدعیان گردندمنوط بقانون مخصوص خواهد بود .

اقتدارات محاکمات

اصل هفتاد ویکمــ دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیهمرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه باعدول مجتهدین جامع الشرایط است .

اصل هفتاد و دوم ــ منازعه راجعه بهحقوق سیاسیه مربوط به محاکم عدلیه است مگر در مواقعیکه قانون استثناء نماید .

اصل هفتاد وسومــ تعیین محاکم عرفیه منوط بهحکم قانون است وکسی نمیتواند بههیچ اسم ورسم محکمهای برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید .

اصل هفتاد و چهارم ــ هیچ محکمهای ممکن نیست منعقد گردد، مگر بهحکم قانون .

اصل هفتاد و پنجم ــ درتمام مملکت فقط یك دیوانخانهٔ تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد بود آن هم در شهر پایتخت و این دیوانخانهٔ تمیز در هیچ محاکمهٔ ابتدائاً رسیدگی نمیکند، مگر درمحاکماتی کهراجع بهوزراء باشد

اصل هفتاد وششمــ انعقاد کلیهٔمحاکمات علنی است مگر آنکه علنی بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد در این صورت لزوم اختفاء را محکمه اعلام مینماید .

اصل هفتاد وهفتمــ درمادهٔ تقصیرات سیاسیه مطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمهصلاح باشد باید بهاتفاق آراءجمیع اعضای محکمه بشود .

اصل هفتاد و هشتم ــ احکام صادره از محاکم باید مدلل وموجه ومحتوی فصول قانونیه که برطبق آنها حکم صادر شده است بوده وعلناً قرائت شود.

اصل هفتاد و نهم ــ درموارد تقصیرات سیاسیه ومطبوعات هیئت منصفین درمحاکم حاضرخواهند بود .

اصل هشتادم ــ رؤساء و اعضای محاکم عدلیه به ترتیبی که قانون عدلیه معین میکند منتخب وبموجب فرمان همایونی منصوب میشوند .

اصل هشتاد ویکم ــ هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمیتوان از شغل خود موقتاً یا دایماً بدون محاکمه وثبوت تقصیر تغییر داد، مگر اینکه خودش استعفا نماید.

اصل هشتادودومــ تبدیل مأموریت حاکم محکمه عدلیهممکن نمیشود مگر بهرضای خود او .

اصل هشتاد وسومــ تعیین شخص مدعی‌العموم با تصویب حاکم شرع در عهدهٔ پادشاه است.

اصل هشتاد و چهارم ــ مقرری اعضای محاکم عدلیهبهموجب قانون معین خواهد شد .

اصل هشتادوپنجمــ رؤسای محاکم عدلیه نمیتوانند قبول خدمات موظفهٔ دولتی را بنمایند ، مگر اینکه آن خدمت را مجاناً برعهده گیرند و مخالف قانون هم نباشد .

اصل هشتاد و ششمــ درهر کرسی ایالتی یك محکمهٔ استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد بهترتیبی که در قوانین عدلیه مصرح است .

اصل هشتاد وهفتمــ محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه درتمام مملکت تأسیس خواهد شد.

اصل هشتاد و هشتم ــ حکمیت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی به موجب مقررات قانون بهمحکمهٔ تمیزراجع است.

اصل هشتاد و نهم ــ دیوانخانهٔ عدلیهو محکمهها وقتی احکام و نظامنامههای عمومی و ایالتی و ولایتی و بلدی را مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند .

در خصوص انجمنهای ایالتی وولایتی

اصل نودم ــ در تمام ممالك محروسه انجمنهای ایالتیوولایتی بموجب نظامنامهٔ مخصوص مرتب میشودوقوانین اساسیهٔ آن انجمنها از این قرار است .

اصل نود و یکم ــ اعضای انجمنهای ایالتی و ولایتی بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند مطابق نظامنامههای انجمنهای ایالتی وولایتی .

اصل نودودومــ انجمنهای ایالتی وولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه بهمنافع عامهدارند بارعایت حدود قوانین مقرره .

اصل نود و سوم ــ صورت خرج ودخل ایالات وولایات ازهر قبیل بهتوسط انجمنهای ایالتی و ولایتی طبع ونشرمیشود.

درخصوص مالیه

اصل نود و چهارم ــ هیچ قسم مالیات برقرار نمیشودمگر بهحکم قانون .

اصل نود وپنجم ــ مواردی که ازدادن مالیاتمعاف توانندشدقانون مشخص خواهد نمود .

اصل نود وششم ــ میزان مالیات راهمه ساله مجلس شورایملی بهاکثریت تصویب ومعین خواهد نمود .

اصل نود وهفتم ــ درمواد مالیات هیچ تفاوت وامتیازی فیمابین افرادملت گذارده نخواهد شد .

اصل نود و هشتم ــ تخفیف و معافیت ازمالیات منوط به قانون مخصوص است.

اصل نودو نهم ــ غیرازمواقعیکه قانون صراحتاً مستثنی می‌دارد به‌هیچ‌عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمی‌شود مگر به‌اسم مالیات مملکتی وایالتی و ولایتی و بلدی.

اصل صدمــ هیچ مرسوم وانعامی به‌خزینهٔ دولت حواله نمی‌شود مگر بموجب قانون.

اصل صد و یکم ــ اعضای دیوان محاسبات رامجلس‌شورایملی برای‌مدتیکه به‌موجب قانون‌مقررمی‌شود تعیین‌خواهد نمود.

اصل صد ودومــ دیوان‌محاسبات‌مأمور به‌معاینه وتفکیك محاسبات ادارهٔ مالیه و تفریق حساب‌کلیهٔ محاسبین خزانه‌است و مخصوصاً مواظب است‌که هیچیك از فقرات مخارج معینه در بودجه ازمیزان مقررهٔ خودتجاوز ننموده و تغییروتبدیل نپذیرد و هروجهی درمحل‌خود به‌مصرف برسد و همچنین معاینه وتفکیك محاسبهٔ مختلفه‌کلیهٔ ادارات دولتی‌رانموده‌اوراق سند خرج محاسبات را جمع‌آوری‌خواهد کرد و صورت‌کلیهٔ محاسبات مملکتی را باید‌به‌انضمام ملاحظات خود تسلیم‌مجلس شورایملی نماید.

اصل صد وسوم ــ ترتیب‌وتنظیم وادارهٔ دیوان محاسبات به‌موجب قانون است.

قشون

اصل صد و چهارم ــ ترتیب گرفتن قشون را قانون تعیین می‌نماید تکالیف و حقوق اهل نظام‌وترقی درمناصب به‌موجب قانون است.

اصل صد وپنجمــ مخارج نظامی‌هرساله از طرف مجلس شورایملی تصویب می‌شود.

اصل صد و ششم ــ هیچ قشون نظامی خارجه به‌خدمت دولت قبول نمی‌شود ودر نقطه‌ای ازنقاط مملکت نمی‌توانند اقامت ویا عبورکنند مگر به‌موجب قانون.

اصل صد و هفتم ــ حقوق و مناصب و شئونات اهل نظام سلب نمی‌شود مگر به‌موجب‌قانون.

اصل‌الحاقی‌مصوب۱۸اردیبهشت۱۳۲۸

در هرموقعی که مجلس شورایملی و مجلس سنا هریك جداگانه‌خواه‌مستقلاً، خواه‌نظر‌به‌پیشنهاد دولت لزوم تجدید نظر دریك یا چند اصل معین از قانون اساسی یا متمم آن رابه‌اکثریت دو ثلث کلیهٔ‌اعضاءخودتصویب نمایندواعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز نظر مجلسین را را تأیید فرمایند فرمان همایونی برای تشکیل مجلس مؤسسان وانتخابات‌اعضاء آن صادر می‌شود.

مجلس مؤسسان مرکب خواهد بود از عده‌ای‌که مساوی باشد با مجموع عدهٔ قانونی اعضاء مجلس شورایملی و مجلس سنا. انتخابات مجلس مؤسسان طبق قانونی‌که به‌تصویب‌مجلسین خواهدرسید به‌عمل‌خواهدآمداختیارات مجلس‌مزبور محدود خواهد بود به‌تجدید نظردرهمان اصل یا اصول به‌خصوص‌که مورد رأی مجلسین‌وتأییداعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاهی بوده است.

تصمیمات مجلس‌مؤسسان به‌اکثریت دوثلث آراء کلیهٔ اعضا اتخاذ و پس از موافقت‌اعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاهی‌معتبر ومجری خواهد بود.

این اصل شامل هیچیك از اصول قانون اساسی و متمم آن‌که مربوط‌به‌دین مقدس‌اسلام و مذهب‌رسمی‌کشور‌که طریقهٔ حقهٔ جعفری اثنی‌عشری می‌باشد و احکام آن و یا مربوط‌به‌سلطنت‌مشروطهٔ ایران است نمی‌گردد واصول‌مزبورالی‌الابدغیر قابل تغییر است.

در مورد اصول چهار وپنج وشش و هفت قانون اساسی و تفسیرمربوط‌به‌اصل هفتم وهمچنین دراصل هشتم‌قانون‌اساسی و اصل‌چهل ونه متمم‌آن باتوجه به‌سابقه وقوانینی‌که نسبت به‌بعضی از این‌اصول وضع شده است یکبار مجلس شورای‌ملی و مجلس سنا‌که پس‌از تصویب این اصل منعقد خواهندشد، بلافاصله پس‌از رسمیت یافتن مجلسین در اصول مزبور تجدید نظرخواهندنمود وبرای‌این‌منظورمجلس واحدی تحت ریاست رییس مجلس سنا تشکیل داده واصلاحات‌لازم‌را به‌اکثریت دوثلث آراء‌کلیهٔ اعضای‌مجلسین به‌عمل خواهد آورد تا پس از آنکه از طرف اعلیحضرت همایون‌شاهنشاهی‌تأیید‌گردید به‌صحهٔ ملوکانه موشح شده معتبر ومجری خواهد بود.(۱)

تجدید نظرمجلس واحد دراصل چهارم وپنجم وششم و هفتم قانون اساسی و اصل چهل و نهم متمم قانون اساسی

چون در اصل‌الحاقی به‌متمم قانون اساسی که طبق تصمیم مورخ هیجدهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ شمسی مجلس مؤسسان تصویب شده تصریح گردید که‌در مورد اصول چهار وپنج وشش‌وهفت‌قانون اساسی و تفسیر مربوط به اصل هفتم و همچنین دراصل هشت قانون‌اساسی واصل چهل‌ونه متمم‌آن به‌وسیلهٔ مجلس واحدی که فقط برای یکبار تشکیل شود تجدید نظر به‌عمل‌آید، لذا اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی بنا به استدعای جناب‌آقای دکتر اقبال‌نخست وزیرضمن فرمان مربوط به انتخابات دورهٔ نوزدهم قانونگذاری اجازه‌فرمودند مجلس‌واحد مزبور تشکیل گردد بنابراین در تاریخ هفدهم‌اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۶ شمسی‌نخستین جلسهٔ مجلس واحد «کنگره» تشکیل شدوپس‌از رسمیت یافتن‌کمیسیونی‌مرکب از ۲۴ نفر انتخاب وکمیسیون مزبور ضمن پنج‌جلسه به‌بحث ومشاوره پرداخت و بالنتیجه گزارش‌خودرا به مجلس‌واحد داد ودر دومین جلسهٔ مزبور‌که در‌تاریخ پنجشنبه بیست و ششم اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ شمسی‌تشکیل‌یافت گزارش‌کمیسیون مطرح واصول‌مزبور‌به‌شرح ذیل‌به‌تصویب مجلس واحد«کنگره» رسید.

اصل چهارم ــ عدهٔ نمایندگان مجلس شورای ملی برای پایتخت و شهرستانها دویست‌نفرخواهد بود وپس‌از هرده سال در صورت ازدیاد جمعیت کشور در هرحوزهٔ انتخابیه طبق آمار رسمی به نسبت هریکصد هزارنفریکنفر اضافه خواهد شد. حوزه بندی به‌موجب قانون علیحده بعمل خواهدآمد.

اصل پنجمــ دورهٔ نمایندگی‌مجلس شورای ملی چهار سال تمام است وشامل دورهٔ نوزدهم نیزمیباشد قبل از انقضاء مدت باید انتخاب طبق قانون تجدید شود ابتدای هردوره از تاریخ تصویب اعتبار نامهٔ‌بیش‌از‌نصف‌نمایندگان‌خواهد بود تجدید انتخابات نمایندگان سابق بلامانع است.

اصل ششم ــ پس ازآنکه دو ثلث نمایندگان مجلس شورای ملی‌درپایتخت حاضر شدند مجلس منعقد میشود.

اصل هفتم ــ مجلس میتوانند با

---

(۱) در اردیبهشت ۱۳۳۶ اصول ۴ـ۵ـ۶ـ۷ـ۸ـ قانون اساسی واصل ۴۹ متمم قانون اساسی تغییریافت.

هرعده‌ای که درجلسه‌حاضر باشدمذاکرات را شروع نماید لیکن برای اخذ رأی حضور بیش از نصف نمایندگان حاضر در مرکز لازم است واکثریت آراء وقتی حاصل میشودکه بیش از نصف حضار در جلسه به رد یا قبول موضوع رأی بدهند .

اصل هشتم ــ مدت تعطیل وزمان اشتغال مجلس‌شورای ملی برطبق‌نظامنامهٔ داخلی مجلس‌به‌تشخیص خود مجلس است وپس از تعطیل تابستان باید مجلس از چهاردهم میزان‌که مطابق جشن افتتاح مجلس است مفتوح ومشغول‌کارشود.

اصل چهل ونه‌متمم قانون اساسیــ صدور فرامین واحکام‌برای‌اجرای‌قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نمایند .

درقوانین راجع‌به‌امورمالیهٔ‌مملکت که از مختصات مجلس شورای ملی است چنانچه اعلیحضرت پادشاه تجدید نظری را لازم بدانند برای رسیدگی مجدد به مجلس شورای ملی‌با اکثریت سه‌ربع از حاضرین در مرکز نظر سابق مجلس را تأیید نمود اعلیحضرت شاهنشاه قانون‌را توشیح خواهند فرمود.

شش اصل فوق‌درجلسهٔ‌روز پنجشنبهٔ بیست و ششم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصدوسی وشش شمسی بتصویب مجلس واحدکه طبق قسمت اخیراصل‌الحاقی به متمم‌قانون اساسی ازمجلسین سناوشورای ملی تشکیل شده بود رسیده است.
رییس مجلس‌واحد(کنگره) محسن‌صدر.

نمایندگان ۲۱ دورهٔ مجلس

ابتهاج ، غلامحسین . فرزند ابراهیم ابتهاج الممالك . متولد ۱۲۷۷ هش. نمایندهٔ دوره‌های ۱۶ (لاهیجان) و ۱۹ (بندر پهلوی) .

ابتهاج سمیعی ، نیره . فرزند یوسف متولد ۱۲۹۳ ه ش . نماینده دوره ۲۱ (رشت) .

ابراهیم ، حاج شیخ ابراهیم ، فرزند حاجی علی‌اصغر.نماینده دوره اول‌شیشه بروبلور فروش (تهران).

ابراهیم‌خیاط باشی. حاج‌میرزا. نماینده دوره اول خیاطها(تهران).

ابراهیمی (آصف الممالك) ، میرزا محمد حسین . فرزند حاج محمد رحیم مجتهد ، متولد ۱۲۴۸ ه‌ش. نماینده دوره‌های ۳و۴و۵ (کرمان) .

ابراهیمی (مختارالملك) ، میرزا حسن خان . فرزند حاج موسی متولد ۱۲۵۱ هش . نماینده دوره ۶ (بم) .

ابراهیمی ، مجید . فرزند میرزا حسن خان « مختار الملك » متولد ۱۲۹۱ ه ش . نماینده دوره‌های ۱۹ و ۲۰ (کرمان) .

ابراهیمی ، یدالله . فرزند خسروخان . متولد ۱۲۷۸ ه ش . نماینده دوره ۱۸ (کرمان) .

ابراهیمی ، ویلیام . فرزند شموییل . متولد ۱۲۹۸ ه ش . نمایندهٔ دوره ۲۱ (اقلیت‌آشوری وکلدانی) .

ابراهیمی دریانی ، مهدی. فرزند علی. متولد ۱۲۹۱ ه‌ش. نماینده دوره ۲۰ (تبریز).

ابراهیم ریگی ، جواد خان . فرزند سردار عیدوخان . متولد ۱۲۷۹ ه ش . نماینده دوره ۱۰ (بلوچستان).

ابریشم‌کار ، محمد . فرزند حاج‌اسمعیل متولد ۱۲۸۶ ه ش. نماینده دوره ۱۶ (شوشتر) .

ابطحی ، جعفر . فرزند سید محمد . متولد ۱۲۹۹ ه‌ش نماینده دوره ۲۱ (شیراز) .

آبکار، پطروس . فرزند خاچیك، متولد ۱۲۶۳ هش. نماینده دوره ۱۶ (ارامنهٔ جنوب) .

ابوالوردی، شیخ‌علی‌مجتهد. وکیل‌دوره ۲ (شیراز) .

ابوالقاسم میرزا ، شاهزاده . نماینده دوره ۲ (کرمانشاه) .

اتابکی، حاج میرزا احمد خان. فرزند حاج سید جواد . متولد ۱۲۵۶ ه ش . نماینده دوره ۵ (فسا) .

احتشام ، دکتراحمد. فرزند میرزامحمد خلیل ، متولد ۱۲۶۴ ه‌ش. نماینده دوره‌های ۵ و ۸ و ۹ و ۱۰ (اصفهان).

احتشام‌الاطباء ، سید هاشم . نماینده دوره اول (ترشیز) .

احتشام السلطنه علامیر. میرزامحمود‌ــ خان . فرزند محمد رحیم خان قاجار. متولد ۱۲۳۹ ه ش . نماینده دوره ۱ و ۳ (تهران) .

احتشام زاده‌گنج بخش، سید علیرضاــ خان. فرزند احتشام الواعظین متولد ۱۲۷۳ ه ش . نماینده دوره‌های ۶ و ۷ و۸و۹و۱۰ (تهران ساوه وزرند).

احسن الدوله، میرزاحسن خان نماینده دوره اول (تبریز).

احمدکاشانی ، سید فاضل . فرزند حاج سید صدرالدین متولد ۱۲۶۹ ه ش . نماینده‌دوره‌های ۳و۴ (شاهرود).

احمدی کرمانی ، شیخ یحیی . فرزند مرحوم حاج احمد حجةالاسلام متولد ۱۲۴۹ ه ش . نماینده دوره ۱ و ۳ (کرمان) .

احمدی ، صادق . فرزند عباس . متولد ۱۲۹۹ هش، نماینده‌دوره ۲۱ (سنقر).

اخگر، میرزااحمد خان . فرزند حاج‌ــ ابراهیم ملاباشی . متولد ۱۲۶۸ ه ش . نماینده دوره‌های ۵ و۱۷ بوشهر.

اخوان ، احمد . فرزند حاج علی‌اکبر. متولد ۱۲۷۵ هش. نماینده‌دوره‌های۱۵ (کاشان) و ۱۸ (تهران).

اخوان ، مهندس عباس‌فرزند ابوالقاسم، متولد ۱۲۹۳ ه ش نماینده دوره ۲۱ (مشهد) .

آخوندگرگانی، محمد،فرزندآقاجیق‌ــ بای . متولد۱۲۶۱ه‌ش.نماینده‌دوره‌های ۲و۶و۷و۹و۱۰و۱۱و۱۲و۱۳و۱۴و۱۵ ۱۶(گنبد قابوس وایل ترکمن).

اخوی ، جمال‌الدین. فرزند حاج سید نصرالله. متولد۱۲۷۱دوره۲۰(تهران).

اخوی تهرانی، حاج سید نصرالله.فرزند سید محمد رضا سادات . متولد ۱۲۴۲ ه ش . نماینده دوره‌های ۲ و ۳ (تهران) .

اخوی تهرانی ، حاج سید ابراهیم . فرزند سید جواد . نماینده دوره اول اصناف بزاز حریرفروش تهران.

ادیب التجار اصفهانی ، میرزا محمد . فرزند میرزا عبدالکریم . نماینده دوره ۲ (قزوین) .

ادیب سمیعی ، نادر، فرزند میرزاربیع. متولد ۱۲۹۵ ه ش نمایندهٔ دوره ۲۱ (لنگرود) .

ادیب گلپایگانی ، میرزا محمد باقر . نماینده دورهٔ اول ودوم (گلپایگان) .

آدینه جان‌آخوند جعفربای ، یارعلی. فرزند صفرخان. متولد. ۱۲۶۲ هش. نماینده دوره‌های ۴ و ۸ (تراکمهٔ گنبدکاووس).

آراسته ، مهندس بهمن . فرزند محمد ، متولد ۱۲۹۶ ه ش . نمایندهٔ دوره ۲۱ (شازند) .

ارباب، مهدی . فرزندرضا.متولد۱۲۷۹

هش. نماینده‌دوره‌های ۱۵و۱۶ (بلوچستان) و۱۸ و۱۹ (بندر عباس).

اردبیلی، سید حسین . نماینده دوره ۲ (خراسان) .

اردبیلی، سید جلیل. نمایندهٔ دوره ۲ (اردبیل) .

اردبیلی، محمد رضا . فرزند حاج علی اصغر. متولد۱۲۶۶هش. نماینده‌دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ (اردبیل).

اردبیلی، مهندس بیوك . فرزند حاجی مهدی، متولد۱۲۹۱هش‌نماینده‌دوره‌های ۱۸و۱۹و۲۰ (تبریز) .

اردلان، عباسقلی . فرزند ابوالحسن «فخرالممالك» متولد ۱۲۷۹ ، نماینده دوره ۲۰ (سنندج) .

اردلان، ناصر قلی . فرزند ابوالحسن «فخرالممالك»متولد۱۲۷۳ه ش،نماینده دوره‌های ۱۴و۱۵و۱۶ (سنندج).

اردلان«حاج‌عزالممالك»،میرزاامان‌الله. فرزند ابوالحسن «فخرالممالك» . متولد ۱۲۶۴ ه ش. نماینده دوره‌های ۲ (کردستان) و ۳ (کرمانشاهان) و ۵ (دزفول) و۱۸ و۱۹ (کردستان).

آرداشس آوانسیان . اوانس . نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ (ارامنهٔ شمال).

ارسنجانی، زین‌العابدین.متولد ۱۲۹۴ نماینده دوره ۲۱ (کرج).

ارسنجانی ، دکترحسن. فرزند محمد حسین متولد ۱۲۷۱ هش. نماینده دورهٔ ۱۵ (لاهیجان) . اعتبار نامهٔ ایشان رد شد .

ارفع ، مهندس حیدر علی. فرزند زین‌العابدین متولد ۱۲۹۷ ه ش . نماینده دوره۲۱ (داراب).

اریه ، مراد ، فرزند حاخام رافاییل . متولد ۱۲۸۶ هش . نماینده دوره‌های ۱۴ و۱۸ و۱۹و۲۰ (کلیمیان).

آزاد، عبدالقدیر ، فرزند جان‌محمد سبزواری متولد ۱۲۸۲ ه ش. نماینده دوره‌های۱۵و۱۶ (تربت).

آزادی ، جواد.فرزند شیخ محمدحسین حیات‌متولد۱۲۸۵هش. نماینده‌دوره‌های ۱۰و۱۱و۱۲و۱۳و۱۴ (لار).

آزمین ، اسماعیل .فرزند حسن. متولد ۱۲۸۵ ه ش . نماینده دوره ۲۰ (آستارا).

اژدری ، محمدحسین. فرزند علامحسین متولد ۱۲۹۳ نماینده دورهٔ ۲ (بافت).

اسپهبدی، غلامرضا.فرزندهدایت.متولد ۱۲۹۲ هش نماینده دوره ۲۰ (ساری).

استخر، محمدحسین.فرزند اسدالله متولد ۱۲۶۶ هش. نمایندهٔ دوره‌های ۱۸و۱۹ (شیراز) .

استرابادی ، حاج شیخ‌غلامحسین‌نماینده دوره اول (استرآباد) .

استرابادی ، حاج شیخ محمد حسین . فرزند حاج‌شیخ‌نصرالله.متولد۱۲۴۰هش. نماینده دوره‌های ۳ و۴ (استراباد).

استرابادی، حاج شیخ محمدتقی. نماینده دوره‌اول(استراباد).

اسدی ، سلمان محمد ولی‌خان « مصباح دیوان » متولد ۱۲۸۴ ه ش . نماینده دوره‌های۷ و۸و۹ (سیستان) و دوره۱۵ (مشهد) .

اسدی ، دکترمحمدحسین . فرزندمحمد ولی‌خان «مصباح دیوان». متولد۱۲۹۱ هش. نماینده‌دوره‌های ۱۹ و ۲۰(دره‌گز) و دوره ۲۱ (مشهد) .

اسدی، میرزاعلی‌اکبرخان. فرزندمحمد ولی‌خان «مصباح دیوان» متولد ۱۲۸۴ نماینده دورهٔ ۱۰ (سیستان).

اسدی «مصباح دیوان» ، فرزند میرزا علی‌اکبر، متولد ۱۲۵۷ ه ش.نماینده دوره‌های ۴ و۵ و۶ (سیستان) .

اسدی سمیعی ، مهندس عباس ، فرزند مرتضی‌قلی.متولد ۱۳۱۰ شمسی.نماینده دوره۲۱ (فومن).

اسعد بختیاری « امیر جنگ » ، محمد تقی خان . فرزند حاج علی قلی خان سرداراسعد.متولد۱۲۶۷ شمسی.نماینده دوره‌های ۵، ۶، ۷ ،۸ ،۹ ،۱۴ (ساوه، زرند ، دزفول) .

اسفندیاری « حاج محتشم السلطنه » ، حسن . فرزند محمدخان صدیق‌الملك ، متولد ۱۲۸۳ قمری .نماینده دوره‌های ۳،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲و۱۳ (تهران).

اسفندیاری «سردارنصرت»، میرزاحسن‌خان ، فرزند مرتضی قلی خان. متولد ۱۴۸۱ قمری. نماینده دوره ۵ (جیرفت).

اسفندیاری « رفعت‌الدوله وکیل‌ثانی»، رستم فرزند مرتضی خان، متولد۱۲۷۰ شمسی. نماینده دوره های ۳ و ۴ (جیرفت).

اسفندیاری «منتخب‌الملك»، محمد تقی. فرزند محمد قلی‌خان « منتخب‌الملك»، متولد ۱۲۵۸ شمسی . نماینده دورهای ۱ و ۱۱ (بابل).

اسفندیاری«حاج نصیرالسلطنه»، میرزا مهدی خان. فرزند حاج محتشم‌السلطنه. متولدحدود ۱۳۰۲ قمری. نماینده دوره ۴ (بابل) .

اسفندیاری ، ملك منصور . فرزندمحمد جواد . متولد ۱۰۳۱ قمری . نماینده دوره ۲۱ (کرمان) .

اسکندری، ایرج. فرزندیحیی . نماینده دوره ۱۴ (ساری) .

اسکندری ، عباس.متولد ۱۲۷۶شمسی. نماینده دوره ۱۵ (همدان).

اسکندری، سیف‌الله. فرزند اسکندرخان سردارمفخم ، نماینده دوره ۵ (تبریز).

اسکندری «محسن» ، فرزند شاهزاده محسن‌میرزاکفیل‌الدوله . متولد حدود ۱۲۵۵ شمسی . نماینده دوره‌های ۳ (اصفهان) . ۲، ۴ و۵ (تهران).

اسکندری «امیرنصرت». امیرنصرت‌الله. فرزند اسکندرخان سردار مفخم . متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۸ و۱۹ (تبریز) .

اسکندری «ثقة الاسلام » ، یحیی میرزا. فرزندشاهزاده‌محسن میرزاکفیل‌الدوله . نماینده دوره اول (شاهزادگان‌تهران) .

اسلامی ، سید عباس . فرزند سید علی ثقةاسلام (روحانی) .متولدحدود۱۲۹۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵ و ۱۶ (بابل) .

اسماعیل،شیخ اسماعیل. نماینده‌دوره‌اول (قاینات) .

آشتیانی . میرزاابراهیم. فرزند حاج‌میرزا مرتضی. متولدحدود۱۲۷۲شمسی. نماینده دوره‌های ۶ و۱۴ (ایوانکی).

آشتیانی، جواد. فرزند حاج‌میرزاهاشم. متولد ۱۲۷۶ شمسی . نماینده دور ۱۵ (تهران) .

آشتیانی ، میرزا محمد هاشم . فرزند حاج میرزاحسن . متولد حدود ۱۲۵۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۳ ، ۵ ، ۶ ، ۷ و ۸ (تهران) .

آشتیانی‌زاده، محمدرضا. فرزندمیرزا هاشم . متولد ۱۲۸۵ شمسی . نماینده دوره‌های۱۵ و۱۶ (ایوانکی).

اشرف‌الادبا . نماینده دوره اول(فیروز کوه) .

اصغرزاده پارسا ، حاج محمد رضا .

فرزند حاجی علی‌اصغر . متولد حدود ۱۲۳۸ شمسی. نماینده دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱ ، ۱۲ و۱۳ (خوی وسلماس) .

آصف ، محمدرضا. فرزند فرج‌الله.متولد ۱۲۸۵ شمسی . نماینده دوره . ۱۶ (سنندج) .

آصف «سردارمعظم» ، فرج‌الله . فرزند آصف دیوان . متولد ۱۲۶۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۷ ، ۸ ، ۱۰، ۱۱ ، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ (سنندج) .

آصف تاج‌بخش، محمدقلی . فرزندحاج علی قلی . متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۱ ، ۱۲ و ۱۳ (شاهرود) .

آصف وزیری،محمدحسن . فرزندمحمد جعفر متولد حدود ۱۳۰۰ شمسی. نماینده دوره ۲۰ (مریوان) .

اصفهانی «اعتماد الملك» ، میرزا آقا . فرزند آقاخان‌اعتمادی . نماینده‌دوره‌اول (آذربایجان) .

اصفهانی، میرزاجعفر.فرزندحاجی‌علی‌ـ اکبر معتمدالتجار . متولد حدود۱۲۷۴ شمسی . نماینده دوره های ۱۲ و ۱۳ (تبریز).

اصفهانی ، میرزاعلی . نماینده دوره ۲ «وکیل مجلس و به جای مرتضی قلی‌ـ خان بختیاری انتخاب شد» .

اصفهانی ، میرزا محمود . نماینده‌دوره اول (تهران) .

اصفهانی «جواهری» میرزامحمد هادی. نماینده دوره اول (اصفهان).

اصفهانی«آیت‌الله‌زاده» ، موسوی.فرزند سید حسن . متولد حدود ۱۳۰۹ شمسی. نماینده‌دوره ۲۰ (لنجان).

اصفهانی ،سیدابوالحسن. نماینده‌دوره۲ (از علماء طراز اول ودرذیحجه ۱۳۲۸ بدون حضور در مجلس‌مستعفی‌شد).

اصفهانیان ، محمدابراهیم. فرزندمحمدـ جعفر . متولدحدود۱۲۷۵ شمسی.نماینده دوره‌های ۱۱ و۱۳ (تبریز) .

آصفی ، غلامرضا . فرزند داود .متولد ۱۲۹۷ شمسی.نماینده‌دوره ۲۱(تربت‌ـ جام) .

اعتبار،عبدالحسین.فرزنداحمد «اعتبارـ الدوله» . متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۴ و۱۵ (بروجرد).

اعتبار ، عبدالحمید . فرزند سید احمد «اعتبارالدوله».متولدحدود۱۲۹۹ شمسی. نماینده‌دوره ۲۰ (اسدآباد).

اعتبارالدوله ، میرزا سیداحمد خان . فرزندسیدحسن‌خان . متولدحدود۱۲۶۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۵ ، ۶ ، ۷، ۸، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ و۱۳ (بروجرد).

اعتبارالسلطنه، حاج‌اسمعیل‌خان. فرزند ابوالحسن‌خان.متولدحدود۱۲۳۰شمسی. نماینده دوره۳ (بم) .

اعتصام زاده ، ابوالقاسم‌خان . فرزند میرزاغلامحسین‌خان متولدحدود ۱۲۷۰ شمسی نماینده دوره‌های ۱۰ و ۱۱ (بجنورد) .

اعتصام‌الملك ، میرزا یوسف‌خان.فرزند میرزاابراهیم . نماینده دوره دوم(وکیل مجلس‌بجای‌میرزا اسماعیل‌خان‌نوبری).

اعتمادی ، محمد حسن. فرزند محمد باقر . متولد ۱۲۹۷ شمسی . نماینده دوره‌های۲۰ و۲۱(قاین).

اعتمادی «اعتمادالتولیه» ، محمد علی . فرزند عبدالحسین . متولد۱۲۵۷شمسی. نماینده دوره ۱۴(ری).

اعزازالسلطنه ،آقاخان . فرزند اعزازـ الملك.متولد حدود۱۲۵۷شمسی.نماینده دوره ۳ (سنندج) .

اعزاز نیك پی ، عزیزالله . فرزنداحمد مفخم . متولدحدود۱۲۷۶ .نماینده‌دوره ۱۵ (اصفهان) .

اعظم زنگنه ، علی‌خان اعظمی . فرزند محمد حسین‌خان «اعظم‌الدوله» . متولد حدود ۱۲۵۵ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ و (کرمانشاه).

اعظم زنگنه،عزیز. فرزندعلی‌خان«امیر کل» . متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ و۱۹ (کرمانشاه) ودوره ۲۰ (سنقر) .

اعظم زنگنه ، عبدالمجید . فرزندحسین اعظم‌الدوله . متولد حدود۱۲۸۳شمسی. نماینده دورهٔ ۱۴(کرمانشاه) .

اعلم ، جمشید . فرزند اسدالله . متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۱۹ و ۲۰ (قزوین) .

افتخارالواعظین ،شیخ حبیب‌الله. فرزند حاج‌شیخ‌محمدحسین. متولدحدود۱۲۵۳ شمسی. نماینده دوره۲ (تربت حیدریه) و دوره ۳ (ترشیز یاکاشمر) .

افتخار هشترودی،حسن. فرزندملااحمد. متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی. نماینده‌دورهٔ ۲۰ (تبریز) .

افخمی «امیراشرف» ، ابراهیم . فرزند علی‌خان . متولدحدود ۱۲۶۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ و ۱۵ (زنجان) .

افخمی، احمد ـ فرزند محمدحسین‌امین‌ـ الملك . متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی . نماینده دوره‌های۱۸ ،۱۹و۲۰(زنجان و ابهر) .

افسر«شیخ‌الرییس»، شاهزاده‌محمدهاشم. فرزند شاهزاده نورالله میرزا . نماینده دوره‌های ۲ ، ۳، ۴ ، ۵ ، ۶، ۷ ، ۸ و ۹ (خراسان) . (دوره دوم از سبزوار . دوره سوم ازنیشابور و دوره چهارم از مشهد واز دوره‌پنجم ببعدازسبزوار).

افشار ، امیراصلان . فرزند جان محمد امیرمسعود. متولد حدود ۱۲۹۹شمسی. نماینده دوره‌های ۱۹ و۲۰(مراغه).

افشار ، حسن .فرزندعلی . متولد حدود ۱۲۹۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸ و ۱۹ (تهران) .

افشار ، رضا . فرزند .میرزاشفیع‌خان. متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی . نماینده دوره‌های ۵ ، ۶ ، ۷ و۱۸ (تبریز) .

افشار ، فتحعلی . فرزند حسین علی . متولد حدود ۱۲۸۷ شمسی . نماینده دوره‌های۱۵ ، ۱۶ و۱۷(مراغه).

افشار ، محمود . فرزندعلی نقی . متولد حدود ۱۳۰۱ شمسی . نماینده دوره۱۸ (مراغه) .

افشار ، منوچهر . فرزند محمد حسین. متولد حدود۱۳۰۵شمسی . نماینده‌دوره ۲۰ (ماه‌نشان).

افشار ، فریدون . فرزند علی . متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی . نماینده دوره۱۹ (رضاییه) .

افشار ، استاجلو ، میرزا حسین خان . فرزند میرزا رحیم خان میرپنجه.متولد حدود ۱۲۷۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱، ۱۲و ۱۳ (رضاییه).

افشار ، یارمحمدخان افشار سردارسعید. فرزند محمدحسن خان . متولد حدود ۱۲۵۹شمسی. نماینده‌دوره۳ (بجنورد).

افشارصادقی، محسن .فرزندآقااسماعیل متولد حدود ۱۲۸۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۴ ،۱۶،۱۷و۱۸ (رضاییه).

آقازاده ، حسن . متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۶ و ۷ و ۸

(سبزوار) .

آقایان ، حسین . فرزند کاظم . متولد حدود ۱۲۶۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۶ و۷ (شاهرود) .

آقایان ، الکساندر . نماینده دوره ۱۴ (ارامنهٔ جنوب).

آقایان ،فلیکس.فرزند الکساندر.متولد حدود ۱۲۹۴ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۹ ، ۲۰ و۲۱ (ارامنهٔ جنوب) .

اقبال ، محمد رضا . نماینده دوره ۱۷ (کرمان) .

اقبال «اقبال‌السلطان» میرزاعلی خان . ابوتراب . متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۷ ، ۸ ، ۹، ۱۰ ، ۱۱، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴و۱۵ (بیرجندومشهد) و دوره ۸ (دره‌گز) .

اقبال ، منوچهرفرزندابوتراب « مقبل‌السلطنه» . متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. نماینده دوره۲۰ (مشهد) .

اقبال‌التولیه «مقبل‌السلطنه»حاج میرزا ابوتراب .فرزندحاج عبدالوهاب. متولد حدود ۱۲۴۴ شمسی . نماینده دوره ۴ (ترشیز یا کاشمر) .

اقبالی،سیدابوالفضل. فرزندسیدمهدی‌قلی . متولدحدود۱۳۸۵شمسی. نماینده دوره ۲۱ (آستارا) .

اکبر،اسماعیل . فرزندمحمدخان. متولد حدود ۱۲۹۹ شمسی. نماینده دوره ۲۰ (رشت) .

اکبر «سردار معتمد» ، میرزاصادق‌خان فرزند حاج میرزا مهدی خان گیلانی . متولد حدود ۱۲۵۱ شمسی . نماینده دوره‌های ۳، ۴ ، ۵ و ۸ (رشت) .

اکبر ، حسن ، فرزندصادق‌خان «سردار معتمد» . متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۵، ۱۶ ، ۱۸ و۱۹ (رشت) .

اکبر ، محسن . فرزند فتح‌الله «سردار منصور سپهدار اعظم» . متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی . نماینده دوره‌های۱۸ و ۱۹ (رشت) .

اکبر « سردار منصور سپهدار اعظم » ، فتح‌الله‌خان . فرزند حاج میرزا محمد علی‌خان گیلانی . متولد حدود ۱۲۳۴ شمسی . نماینده دوره۳(گرگان)ودوره ۵ (رشت) .

البرزی ،کهزاد . فرزند جابر . متولد ۱۳۰۵ شمسی.نماینده دوره ۲۱(مسجدسلیمان) .

الفت ، محمدباقر. متولد حدود ۱۲۶۱ شمسی . نماینده دوره ۷ (اصفهان) .

الموتی ، مصطفی . فرزند محمدحسین. متولد حدود ۱۳۰۶ شمسی . نماینده دوره‌های ۲۰ و ۲۱ (الموت).

امام‌جمعه ، شیخ محمدعلی . فرزندحاج شیخ‌یحیی . متولد۱۲۸۴ شمسی.نماینده دوره‌های ۶ و۱۴ (شیراز).

امام جمعه‌اهری. میرزا ابراهیم.فرزند میرزا مهدی قاضی. متولد حدود۱۲۷۴ شمسی . نماینده دوره ۶ (اهر).

امام جمعه خویی ، حاج میرزا یحیی . فرزند حاج میرزا اسدالله . نماینده دوره‌های ۱ ، ۲ و۳ (تهران) .

امام مردوخ ، حبیب‌الله . فرزند شیخ شکرالله امام جمعه . متولدحدود۱۲۹۱ شمسی . نماینده دوره‌های ۲ و ۲۱ (سنندج).

امامی،میرزاجواد.فرزند حضرت آیت‌الله حاج میرزایحیی . متولد حدود ۱۲۶۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۵ و۶(خوی) ودوره ۹ (تبریز) .

امامی ، صفا . فرزند میرزاعبدالوهاب. متولد ۱۲۸۴ شمسی . نماینده‌دوره۱۵ (اصفهان) .

امامی ، حیدر علی .فرزند عبدالوهاب . متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۱(نجف‌آباد) و۱۲ ، ۱۳ و ۱۴ (شهرضاواصفهان) .

امامی ، احمد فرزند غلام علی . متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی . نماینده‌دوره ۲۰ (تهران) .

امامیسیدحسن«امام‌جمعه‌تهران». فرزند ابوالقاسم امام‌جمعه.متولد حدود۱۲۸۲ شمسی. نماینده دوره ۱۷ (اهر).

امامی ، علی‌اکبر فرزند محمد ابراهیم امام‌جمعه . متولد حدود ۱۲۸۷شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵ ، ۱۶ و ۱۷ (اهر) .

امامی خویی ، جمال. فرزندحاج میرزا یحیی‌امام‌جمعه‌خویی.متولدحدود ۱۲۶۱ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۴(خوی) و و۱۶ (تهران) .

امامی‌خویی ، نورالدین . فرزند حاج شیخ یحیی امام‌جمعه خویی. متولدحدود ۱۲۸۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۸ و ۱۹ (خوی) .

امامی خویی ، عبدالعلی. فرزندمحمدامین . متولد ۱۲۹۹ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (خوی) .

امجدالسلطان ، فرزند حاج‌مجدالدوله. نماینده دوره اول (تهران از طرف قاجاریه) .

آموزگار ، محمدعلی . فرزندمیرمحمد نور ، متولد۱۲۹۸ شمسی. نماینده‌دوره ۲۱ (بندرلنگه) .

امیر سالار،محمدرضا .فرزنداحمدسالار نظام . متولد ۱۲۸۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸ ، ۱۹ و۲۰ (آباده).

امیر ابراهیمی، بزرگ . فرزند خسرو متولد ۱۲۷۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸ و۱۹ (تبریز) .

امیرابراهیمی«نصرت‌الممالک» ، میرزا محمد علی‌خان . فرزندحسین‌علی.متولد حدود ۱۲۵۸ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰، ۱۱ ، ۱۲، ۱۳و۱۴ (رفسنجان).

امیر احتشام « وکیل‌الملک » ، محمداسماعیل‌خان.فرزند فتحعلی‌خان، متولد ۱۲۶۵ شمسی . نماینده دوره ۵(بم) .

امیر احتشامی ، عبدالحسین . فرزند اسماعیل احتشام‌الممالک‌کرندی. متولد حدود ۱۲۸۲ شمسی . نماینده‌دوره۱۸ (کرمانشاه) .

امیر احمدی، اکبر .فرزندعباس.متولد ۱۳۱۱ شمسی.نمایند دوره ۲۱(تهران)

امیراعلم ، امیرخان فرزند حاج میرزا علی‌اکبر معتمد الوزراء. متولد ۱۲۵۵ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۲ و۵ (مشهد) و ۸ و۸ (شاهرود)و۷ (دره‌گز) .

امیر افشاری ،محمد حسن. فرزندمحمد علی‌خان . متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۶ و۱۷ (زنجان).

امیربختیار، رستم . فرزند یوسف.متولد حدود ۱۲۹۶ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۹ و۲۰ (شهرکرد).

امیر تیمورکلالی ، محمد ابراهیم‌خان. فرزندعلی‌مرادخان. متولد حدود۱۲۷۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۶، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ (تون و طبس وکاشمر) و دوره‌های ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۴ و ۱۵ (مشهد) و دوره ۱۸ (فردوس) .

امیر حکمت . علی. فرزند عبدالحسین خان .متولدحدود۱۲۷۳ شمسی.نماینده دوره ۱۹ (شاهرود) .

امیرحسینی،امیرناصر. فرزنداحمدخان سیف‌الممالک. متولد حدود۱۲۵۵شمسی نماینده دوره ۴ (ساوه وزرند) .

امیرزادهٔشمس، میرهاشم . فرزندحاج

محمد رضی. متولد حدود ۱۳۰۰ شمسی. نماینده دوره اول (از طرف شاهزادگان تهران) .
امیر سلیمان ، امیرعلیخان . نماینده دوره اول(از طرف شاهزادگان تهران).
امیرعشایری، علی. فرزندحاج قره‌نی‌آقا . متولدحدود ۱۳۰۰ شمسی.نماینده دوره ۲۰ (مهاباد) .
امیرلك ، قلی . فرزندعلی نقی.متولد ۱۲۸۲شمسی. نماینده دوره۲۰(خوی).
امیر نظام ، حاج عبدالله خان . فرزند اعتمادالسلطنه . متولد ۱۲۳۵ شمسی . نماینده دوره ۳ (همدان).
امیر نیرومند ، عیسی قلی‌خان. فرزند آقا رجب‌علی‌خان. متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی نماینده دوره‌های ۱۰ ، ۱۱، ۱۸ و۱۹ (نجف‌آباد اصفهان).
امیر ممتاز ، میرزاسیدحسن‌خان.فرزند میرزاابوالقاسم‌خان‌مستوفی‌تفرشی.متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی . نماینده دوره ۶ (مشهد) .
امیری ، مظفر . فرزندحبیب‌الله. متولد حدود ۱۳۰۵ شمسی . نماینده دوره ۲۰ (گرمسار).
امیری قراگزلو ، غلامحسین . فرزند امیر ارفع . متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. نماینده دوره ۱۶ (همدان) .
امیرمؤید سوادکوهی، اسماعیل.فرزند ابراهیم خان متولد حدود ۱۲۳۳ شمسی . نماینده دوره ۳ (ساری) .
امین ، حبیب‌الله خان . فرزند حاج سید محمد علی . متولد حدود ۱۲۶۳شمسی. نماینده دوره های ۴، ۶، ۷، ۸ و ۱۵ (اصفهان) .
امین ، شفیع . فرزند سیدمحسن . متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی.نماینده دوره های ۱۹ و۲۰ (تبریز) .
امین ، رفیع ، فرزند حاج امین‌التجار . متولد حدود۱۲۵۰شمسی. نماینده دوره ۶ (تبریز) .
امین ، مرتضی . فرزند حاج میرزاشفیع امین التجار. متولدحدود۱۲۶۱ شمسی. نماینده دوره‌های۱۰و۱۱(تبریز).
امین‌التجار ، حاج علی اکبر . فرزند حاج غلام علی . متولد حدود ۱۲۴۷ شمسی . نماینده دوره های ۶ ، ۷ و ۸ (تربت حیدریه).
امینی ، ابوالقاسم . فرزند حاج میرزا محسن امین الدوله «امین‌الملك» متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. نماینده دوره های ۱۴، ۱۵و۱۶ (رشت).
امینی ، علی . فرزند حاج‌میرزا محسن خان امین‌الدوله «امین‌الملك» متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی . نماینده دوره ۱۵ (تهران) .
امینی‌خراجی ، عبدالوهاب .فرزندشیخ احمد . متولد حدود ۱۳۰۸ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (میناب).
امین‌الواعظین ، ناظم . نماینده دوره ۴ (ایل قشقایی) .
انتظام‌العلماء ، میرزا علی. فرزندحاج ملا اسماعیل نوری. نماینده دوره دوم (وکیل مجلس بجای فاتح‌الملك انتخاب شد) .
انصاری «نصرت السلطان» ، علی‌خان . نماینده دوره اول (تهران) .
انصاری ، اسماعیل . فرزند علی .متولد ۱۲۹۶ . نماینده دوره ۲۱ (شوش).
انگجی ، سید محمد علی. نماینده دوره ۱۷ (تبریز) .
انوار اردکانی ، سید یعقوب . فرزند آقاسید خلیل . متولد حدود ۱۲۵۵ شمسی . نماینده دوره : دوم (خراسان) و دوره‌های : ۴، ۶ و۷ (شیراز) ودوره ۵ (ایلات خمسه) ودوره های ۱۲ و۱۳ (کاشان) .
انوشیروانی،قادرخان.فرزندعزیزخان باباسیری «ملاك» متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی . نماینده دوره ۱۵ (سقز) .
اوحدی ، محمد علی . فرزند حاج‌شیخ رمضان. متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۱ ، ۱۲ و ۱۳ (اصفهان) .
اورنگ ، عبدالحسین‌خان. فرزند ملا عبدالرسول.متولد ۱۲۶۷شمسی.نماینده دوره‌های: ۳،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۳،۱۵، ۱۶، ۱۷ ، ۱۸ و ۱۹ (همدان و بیجار و فومن) .
اورنگ ، فرزند میرزا محمد شفیع فرهنگ شیرازی‌معروف به میرزاکوچك ومتخلص‌به‌وصال شیرازی . متولدحدود ۱۲۵۳ شمسی . نماینده دوره ۳ (ایل خمسه) .
اوزار ، عزت‌الله . فرزند حسین .متولد حدود ۱۲۹۹ شمسی . نماینده دوره۲۱ (تهران) .
اولیاء ، سید امان‌الله. فرزند سیدمرتضی متولد حدود۱۳۰۴ شمسی. نماینده‌دوره ۲۱ (بم) .
اهری، قاسم . فرزند حاج حسن. متولد ۱۲۶۳ شمسی نماینده دوره‌های ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ و۱۳ (اهر) .
اهری ، کریم. فرزند محمدعلی، متولد حدود ۱۲۹۶ شمسی : نماینده دوره۲۰ (اهر) و ۲۱ (کلیبر) .
ایپکچیان ، فتحعلی ، نماینده دوره ۱۴ (تبریز) .
آیت‌الله زاده ، حاج شیخ اسماعیل . فرزند میرزاحبیب‌الله‌رشتی نماینده‌دوره ۳ (لاهیجان) .
آیت‌الله زاده ، میرزا سید علی اکبر ، فرزند حجت‌الاسلام‌اصفهانی نماینده‌دوره ۶ (خمسهٔ زنجان) .
آیت‌الله زاده، میرزا محمد رضا. فرزند محمد تقی «آیت‌الله‌زاده شیرازی»متولد حدود ۱۲۵۲ شمسی . نماینده دوره ۷ (بوشهر).
ایرانی ، منوچهر : فرزند محمد. متولد ۱۲۹۸ شمسی ، نماینده دوره ۱۸ (لار) .
ایرانی ، حاج شیخ محمد تقی . فرزند حاج محمدهاشم میدانی. نماینده دوره۱ و۲ (همدان) .
ایزدی، میرزا سلیم، فرزند محمدحسین متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی. نماینده دوره‌های ۵ ،۷ ،۸ و۹ (اهر)و۱۰و۱۱ (کاشان) .
ایلخان ، غلامرضاخان . سلطان ابراهیم سعدالسلطنه متولد حدود ۱۲۹۴شمسی. نماینده دوره ۲۰ (داراب فارس) و۲۱ (اصطهبانات) .
ایلخان ظفر بختیاری « امیرحسین » ؛ میرزاحسین‌خان.فرزندخسروخان‌سردار ظفر. متولد حدود ۱۲۷۱شمسی نماینده دوره‌های ۵،۷ ، ۹و۱۵ (ایل‌بختیاری) و ۶ (نجف‌آباد اصفهان) .
ایلخانی‌زاده ، عبدالله . فرزند محمدآقا متولدحدود۱۲۷۶شمسی.نماینده دوره‌های ۱۸ و۲۰ (مهاباد) .
ایل‌مافی ، فتح‌الله ، فرزند ابوالقاسم . متولد ۱۲۹۷ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (ماه نشان) .
باباخان ، میرزا فتح علی خان . فرزند محمد حسن خان «مسعودالسلطنه»متولد حدود ۱۲۶۱ شمسی . نماینده دوره سوم (شیراز) .
باتمانقلیج ، مهدی فرزند ابوالقاسم .

متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی. نماینده‌دوره ۱۵ (اردبیل) .

باستانی «اقتدار الدوله» رضاقلی خان. فرزند میرزا محمود خان متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی . نماینده دوره ۸ و ۹ (تبریز) .

باقر،مشهد. نماینده دوره اول (بقالهای تهران) .

باقرزاده ، محمد . فرزند حسین قلی . متولد حدود۱۲۹۹ شمسی. نماینده‌دوره ۲۰ (تهران) .

باغمیشه ، اصغر دایی . فرزند حسین . متولد ۱۳۰۲ شمسی . نماینده دوره۲۱ (تبریز) .

بالاخانلو ، امیر نصرت‌الله . فرزندمحمد حسین . متولدحدود۱۲۹۶ شمسی‌نماینده دوره ۲۱ (همدان) .

بجنوردی ، حاج محمد حسین . نماینده دوره اول (بجنورد).

بامداد ، میرزا علی خان. فرزند میرزا محمد رفیع‌الممالک‌متولد حدود ۱۲۶۳ شمسی. نماینده دوره۶ (شیراز).

بحرالعلوم، حاج‌آقا سید رشتی .فرزند حاجی میرعبدالباقی. نماینده دوره اول (رشت) .

بختیار ، آقاخان . فرزند غلام حسین خان سردارمحتشم بختیاری متولدحدود ۱۲۹۰ شمسی . نماینده دوره ۱۵ (شهرکرد) .

بختیار ، سلطان مراد . فرزند سلطان محمد خان سردار اشجع . متولد حدود ۱۲۹۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸و ۱۹ (شهرکرد وشهرضا) .

بختیار، عبدالحمید . فرزند غلامحسین سردارمحتشم‌متولد۱۲۹۸ شمسی .نماینده دوره ۱۸ (شوشتر) و۱۹ (اهواز) و۲۰ (اردل) .

بختیار ، عبدالمجید . فرزند غلامحسین «سردار محتشم» متولد ۱۲۹۹ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (اردل).

بختیار ، فتحعلی خان . فرزند لطفعلی خان. متولدحدود۱۲۶۳ شمسی. نماینده دوره‌های ۹،۸ و۱۰ (بختیاری) .

بختیاری ، ابدال . فرزند غلامحسین سردار محتشم . متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. نماینده دوره ۲۰(شوشتر) .

بختیاری ، جعفرخان . فرزند حاج علی قلی‌خان‌سرداراسعد. متولد۱۲۵۸ شمسی. نماینده دوره ۵ (بختیاری) .

بختیاری ، حاج علی قلی خان سردار— اسعد . فرزند حسین قلی خان ایلخانی نماینده دوره ۲ (وکیل مجلس و به‌جای وزیر زاده انتخاب شد) و دوره ۴ و ۸ (ایل بختیار).

بختیاری ، محمد جواد خان سردار اقبال . نماینده دوره ۴ (بهبهان) .

بختیاری ، میرزا مرتضی قلی خان . فرزند نجف قلی‌خان «صمصام‌السلطنه» . نماینده دوره ۲ (وکیل مجلس وبجای وثوق‌الدوله انتخاب شد) .

بدر، میرزااحمدخان.فرزندعبدالوهاب. آصف الدولهٔ شیرازی . متولد حدود ۱۲۴۹ شمسی . نماینده دوره ۶ (کرمان) .

بدرصالحیان ، عبدالله. فرزند حبیب‌الله متولد ۱۳۰۰ شمسی نماینده دوره ۲۱ (سقز) .

برال ، موسی . متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی . نماینده دوره ۱۶ (از طرف کلیمیان) .

برزین ، تقی . فرزند محمد علی خان . متولدحدود ۱۲۷۳ شمسی. نماینده‌دوره ۱۵ (همدان) .

بروجردی «مدیرالاسلام» ، سیدحسین. (نماینده دوره اول ازطرف صنف‌آهنگر نعلبند و میخ بر) .

برومند ، علی فرزندرضا. متولد۱۲۹۳ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (اسدآباد) .

برومند، حیدرعلی.فرزندحاج‌عبدالغفار متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. نماینده‌دوره ۱۸ (اصفهان) .

برومند، محمد باقر. فرزند محمدهاشم. حدود ۱۲۹۵ شمسی .نماینده دوره ۱۹ (اصفهان) و دوره ۲۰ (برخوار اصفهان) .

برومند ، محمد تقی. فرزند محمدهاشم. متولد حدود ۱۲۰۶ شمسی . نماینده دوره ۱۶ (اصفهان) .

بروجردی ، میرزاتقی، نماینده دوره۷ (بروجرد)

بروجردی « صدرالاسلام » ، سید علی . نماینده دوره اول (لرستان) .

بزرگ‌نیا «صدرالتجار» ، میرزا علی . فرزند حاج عبدالحسین متولد حدود ۱۲۷۳ شمسی. نماینده دوره‌های ۷،۶، ۱۸،۱۹و۲۰(بجنوردوسبزوار) و(دوره ۱۸ از سبزوار) .

بشارت ، حاج سید حسن. فرزند حسن . متولد ۱۲۰۳ شمسی نماینده دوره ۲۰ (مینودشت) .

بصیری « ناظم دفتر » ، عمادالملك . نماینده دوره ۴ (ایل قشقایی)

بقایی کرمانی ، میرزا شهاب الدین . فرزند عبدالله قاضی متولدحدود ۱۲۶۲ شمسی نماینده دوره ۴و۵ (رفسنجان).

بقایی‌کرمانی ، مظفر . فرزند میرزا شهاب‌الدین.متولددرحدود۱۲۹۱ شمسی نماینده دوره‌های ۵،۶ ، ۱۳ و ۱۷ (کرمان).

بقایی ، محمد . فرزند حسن . متولد ۱۳۰۷ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (تفت) .

بلوری ، شیخ محمد جواد ، فرزندحاج عباس قلی . متولدحدود ۱۲۵۶ شمسی. نماینده دوره‌های ۳و۴ (مشهد) .

بنکدار، حاج محمد تقی، متولد۱۲۵۵ شمسی.نماینده دوره‌های ۱ ، ۶، ۸ و ۹ (تهران) .

بنی‌سلیمان ، میرزا مهدی خان . فرزند میرزاسلیمان خان . متولدحدود ۱۲۴۱ شمسی . نماینده دوره۶ (شوشتر).

بوداغیان،آرام . فرزند.جبرییل. متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۱۵ ، ۱۶ و ۱۸ (ارامنهٔشمال) .

بوداغیان،جبراییل. فرزند بوداغ متولد حدود ۱۲۴۹ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۱۱ ، ۱۲ و ۱۴ (ارامنهٔ جنوب).

بوربور، غلامحسین. فرزند علی‌عظام— الملك . متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸ و۱۹ (ملایر).

بوشهری «معین‌التجار» ، حاج‌آقامحمد فرزند حاج محمد رحیم ، متولد حدود ۱۲۳۸ شمسی . نماینده دوره‌های اول (تهران) و سوم (بوشهر) .

بوشهری ، رضا . فرزند معین‌التجار. نماینده دوره ۸ (تهران) .

بوشهری «امیرهمایون» ، میرزاجواد— خان . فرزند معین‌التجار .نماینده‌دوره ۷ (تهران) .

بوشهری ، محمد باقر . فرزند محمد رحیم «معاون‌التجار بوشهری». متولد حدود ۱۲۸۷ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۱۸ ، ۱۰ ، ۲۰ و۱۰ (بوشهر) .

بوشهری ، محمد صادق . فرزند حاج آقا محمد «معین‌التجار بوشهری» متولد ۱۲۷۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۴ ، ۱۸ ، ۱۹ و ۲۰ (دزفول واندیمشک) .

بهادری . احمد . فرزندحاج صمصام . متولد حـدود ۱۲۹۰ شمسی. نمـاینده دوره‌های ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۸ : ۱۹ و ۲۰ (تبریز) ودوره ۱۷ (سراب) .
بهادری ، غلامرضا . فرزند تـاج‌محمد خان . متولد ۱۳۱۲ . نماینده‌دوره ۲۱ (قوچان) .
بهادری ، محمد. فرزند حاج کریم‌خان. متولد حدود۱۲۶۵ شمسی . نماینده‌دوره ۱۴ (اهر) .
بهار «ملك‌الشعرا»،میرزا محمدتقی‌خان فرزند محمدکاظم صبوری . متولدحدود ۱۲۵۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۶ و ۱۵ (تهران) و۳ (دره‌گز) و۴ (بجنورد) و ۵ (کاشمر) .
بهبهانی،سیدعبدالله. فرزندسید اسماعیل متولد ۱۲۶۰ قمری . نماینده دوره‌اول (از طرف کلیمیان).
بهبهانی ، سیدامان‌الله . نماینده دوره ۳ (بهبهان) .
بهبهانی، ابوالقاسم. فرزندحاج‌علیرضا. متولد حدود ۱۲۷۴ شمسی . نمـاینده دوره ۱۵ (شوشتر) .
بهبهانی، سیداحمد . فرزندآیت‌الله سید عبدالله . متولد حدود ۱۲۵۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۵، ۶ ، ۸، ۱۰ ، ۱۱ ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۵ و۱۶ (تهران) .
بهبهانی ،سیدجعفر. فرزند آیت‌الله سید محمد.متولد حدود۱۲۹۳شمسی. نماینده دوره‌های ۱۸، ۱۹ و۲۰ (تهران).
بهبهانی«اعتمادالاسلام»، سیدعلاءالدین فرزند عمادالدین متولد حدود ۱۲۴۸ شمسی . نماینده دوره ۵ (ایوانکی).
بهبهانی، سیدعلی . فرزند سید عبدالله. متولد حدود ۱۲۹۲ شمسی . نمـاینده دوره‌های ۵ . ۶ . ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۵ و۱۶ (تهران).
بهبهانی . حاج‌محمد رضا . فرزندحاج غلامعلی . متولد حدود ۱۲۵۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۸ ، ۹و۱۰ (بوشهر).
بهبهانی، سیدمصطفی.فرزند سید عبدالله متولد حدود ۱۲۵۹ شمسی . نمـاینده دوره ۵ (قوچان) .
بهبهانی ، میرزاسید محمد . فرزندسید عبدالله. نمـاینده دوره دوم(وکیل‌مجلس بجای حکیم‌الملك انتخاب شد) .
بهبهانی ، حاج‌شیخ محمد جواد.نماینده دوره‌های ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ و ۱۳ (دشت میشان) .
بهجت‌العلماء، شیخ محمد علی دزفولی . نماینده دوره دوم(شوشتر).
بهرامی، «احیاءالسلطنه» شیخ حسین . فرزند محمد علی خان تـفرشی . متولد حدود ۱۲۵۵ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۵ و ۹ (زنجـان وخرم‌آباد) .
بهمنیار ، محمود . فرزند محمدآخوند. متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی.نماینده دوره ۲۰ (رفسنجان) .
بهبودی ، پرویـز . فرزند ابراهیـم . متولد ۱۲۹۵ شمسی . نماینده دوره۲۱ (میانه) .
بهبودی ، ناصر . فرزند سلیمان.متولد حدود ۱۳۰۱ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۹ ، ۲۰ و۲۰ (ساوه وزرند).
بیات ، حسن . فرزند محمـدرضا سالار حشمت . متولد حـدود ۱۲۹۳ شمسی . نماینده‌دوره۲۰ (شازند) .
بیات ، عزت الله . فرزند حاج‌عباس قلی خان سهام‌الملك . متولد حدود۱۲۷۴ شمسی . نماینده دوره‌هـای ۱۴ و ۱۵ (اراك) .
بیات«سهام‌السلطـان» ، مرتضی‌قلی‌خان. فرزند حاج عباس قلی‌خان سهام‌الملك. متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی . نمـاینده دوره‌های ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ . ۸ ، ۹ . ۱۰ ۱۱ ، ۱۲ و۱۳ (اراك) .
بیات«شیخ‌العراقین»،حاج شیخ‌نصرت‌الله. فرزند حاج عباس قلی‌خان سهام‌الملك. متولدحدود۱۲۶۰ شمسی .نماینده دوره ۶ (تهران) .
بیات ماکو، احمد. فرزند اصغر پاشا . متولدحدود ۱۲۷۴شمسی . نماینده‌دوره ۱۸ (خوی) .
بیات ماکو، حمدالله. فرزندنصرالله‌خان. متولدحدود۱۲۶۵شمسی.نماینده‌دوره‌های ۸ ، ۹ ، ۱۰ و۱۱(خوی) .
بیات‌ماکو ، شجاع . فرزندحاج نصرت . متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی . نمـاینده دوره ۱۹(خوی) .
بیات ماکو ، عبدالله. متولدحدود۱۲۶۵ شمسی . نماینده دوره ۷ (خوی) .
بیان‌الدوله ، میرزاهادی‌خـان .فرزند مهدی‌خان . متولد حدود ۱۲۵۸شمسی. نماینده دوره ۴ (زنجان) .
بیان‌السلطنه، میرزاسلیمان‌خان.نماینده دوره اول (تهران).
بیان‌الملك . فرزند بیان‌الدوله . متولد حدود ۱۲۳۴ شمسی . نماینده دوره ۴ (اراك) .
بیگدلی ، فتح‌الله‌خان .نماینده‌دوره اول (قم) .
بینا ، علی‌اکبر . فرزنـدمدبرالسلطنه. متولد ۱۲۸۵ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸ و۱۹ (تبریز) .
پارسا ، سیداصغر. فرزندمحمدرضااصغرـ زاده . متولدحدود۱۲۹۴ شمسی.نماینده دوره ۱۷ (خوی) .
پارسای ، فرخروی . فرزند فرخ دیـن. متولـد ۱۳۰۱ . نماینـده دوره . ۲۱ (تهران) .
پاك‌ذات ، ابوالقاسم . فرزنـداسکندر متولد ۱۲۹۳شمسی . نماینده دوره ۲۱ (کارگران بهشهر) .
پالیزی«وکیل‌الدوله»میرزاعطاءالله‌خان. فرزند حاج عبدالرحیم «وکیل‌الدوله» . متولدحدود۱۲۷۱شمسی.نماینده‌دوره‌های ۶ ، ۷ ، ۱۱ ، ۱۲ و۱۳ (کرمانشاه) .
پالیزی.هدایت‌الله.فرزندحاج‌عبدالرحیم «وکیل‌الدوله».متولدحدود۱۲۸۷شمسی. نماینده دوره‌های ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲،۱۳، ۱۵ و۱۶ (کرمانشاه).
پاینده ، ابوالقاسم . فرزند محمد رضا ، متولد ۱۲۹۰ شمسی . نماینده‌دوره ۲۱ (نجف‌آباد).
پردلی ، سردارعلی. فرزندسردارپردلـ خان. متولدحدود ۱۲۶۴ شمسی نماینده دوره ۱۶ (زابل) .
پردلی ، ابراهیم . فرزند سردار علـی. متولد حدود ۱۲۹۶ شمسی . نمـاینده دوره‌های ۱۹ و۲۰(زابل) .
پرزادقراگزلو ، غـلامحسین . فرزنـد غلامرضا . متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸ و۲۰ (همدان) .
پروشانی ، محمود . فرزندحاج مـحمد حسین. متولد۱۲۸۸شمسی. نماینده‌دوره ۲۱ (همایونشهر) .
پرویزی، رسول.فرزند.محمدعلی. متولد ۱۲۹۸ شمسی‌نماینده‌دوره۲۱(دشتستان).
پروین ، سید فضل‌الله . فرزند اسدالله. متولد ۱۲۷۹ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (اراك) .
پروین گنابادی . محمد. فرزند عباس . متولد حدود۱۲۸۲ شمسی. نماینده‌دوره ۱۴ (سبزوار) .
پزشکی،کاظم . فرزندمحمد تقی. متـولد حدود ۱۲۹۱ شمسی . نماینده دوره۲۰

(لار) .

پزشکی ، منوچهر . فرزند احمد.متولد ۱۳۰۶ شمسی . نمایـنـده دوره ۲۱ (تبریز) .

پژند ، باقر . فرزند حاج‌اسحق . متولد ۱۲۹۳ شمسی . نمـایـنـده دوره ۲۱ (لاهیجان) .

پناهی ، اصغر . فرزندحاج ابـراهیم . متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی . نماینده‌دوره ۱۴ (تبریز).

پناهی ، میرزاجعفرخان . فرزند حـاج ابراهیم . متولد ۱۲۸۰ شمسی. نماینده دوره‌های۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲و۱۳ (اردبیل‌و خلخال) .

پناهی ، حبیب‌الله . فرزند میرزاآقـا . متولد حـدود ۱۲۸۸ شمسی . نمـاینده دوره‌های ۱۶ (تبـریز) و ۱۸ و ۱۹ (خلخال) .

پنجه علی، استادحسن‌معمار باشی. نماینده دوره اول(تهران) .

پور ادبی ، عین‌الله، فرزنداحدالله.متولد ۱۳۰۰ شمسی: نماینده دوره۲۱(صومعه‌ـ سرا) .

پورتیمور«مفاخرالسلطنه» ، ملك ایرج میرزا . فرزندشاهزاده سرور السلطنه . متولدحدود۱۲۵۱ شمسی . نماینده‌دوره ۶مشهد).

پوررضا ، حبیب‌الله. فرزند غـلامرضا . متولد حدود ۱۲۹۷ شمسی.نماینده دوره ۱۴(فیروزآباد) .

پورسرتیپ ، فتح‌الله . فرزندشیر محمد. متولد حـدود ۱۲۸۴ شمسی . نمایـنده دوره‌های۹، ۱۷، ۱۸و۲۰ (خرم‌آباد) .

پورمحسن عراقی ، امین. فرزند حـاج آقا محسن عـراقی . نمایـنـده دوره ۷ (محلات) .

پورهاشمی ، سیدعلی . فرزنـد حسن . متولد حدود ۱۳۰۶ شمسی .نماینده‌دوره ۲۱ (بجنورد) .

پیراسته ، سیدمهدی .فرزندحاجی‌معتمد. متولد ۱۲۹۱ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۶ و۱۸ (ساوه و زرند) .

پیرنیا«معاضدالسلطنه»، میرزاابوالحسن‌ـ خان. فرزندمیرزا محمدباقرخان. متولد حدود ۱۲۴۸ شمسی . نمایـنـده‌دوره ۲ (گیلان) و دوره‌های ۵و۸ (نایـیـن) . (در دوره دوم‌بعلت‌قبول‌وزارت ازوکالت ساقط‌گردید) .

پیرنیا«مشیرالدوله» ، میرزاحسن‌خان . فرزند میرزا نصرالله‌خان. متولد۱۲۵۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۲(استرآباد) و۳ و۴(تهران) . (دردوره۲به‌علت قبول وزارت از وکالت ساقط شد وبعدهاپس‌از استعفا از وزارت مجدداً از طرف مجلس انتخاب‌شد) .

پیرنیا «مؤتمن‌الملك»،میرزاحسین‌خان. فرزند میرزا نصرالله‌خان مشیرالدولـه. متولد ۱۲۵۴ شمسی . نماینده دوره‌های ۲،۳،۴،۵و۶(تهران) .

پیرنیا،حسین.میرزا ابوالحسن«معاضدـ السلطنه» . متولد حدود ۱۲۹۲ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۸ و۱۹ (نایین) .

پیشه‌وری ، میرجعفر فرزند میرجـواد. متولدحدود۱۲۷۱ شمسی . نماینده دوره ۱۴(تبریز).

تبریزی ، حاج‌حسن‌آقا.فرزندعلی‌اصغر. متولد ۱۲۸۵ شمسی . نماینده دوره۲۱ (میاندوآب) .

تبریزی ، میرزاهاشم . نماینده دوره‌اول (تبریز) .

تبریزی «صوراسرافیل»، میرزاقاسم‌خان فرزندحاج میرزاحسن‌خان.متولد۱۲۵۸ شمسی . نماینده دوره دوم وکیل مجلس (به‌جای قوام‌الاسلام‌انتخاب‌شد) و دوره۳ (ساوجبلاغ).

تبریزی، حاج‌محمداسمعیل. نماینده دوره اول (تجار تهران).

تجدد «شیخ‌العراقین‌زاده» ، محمد رضا. فرزند حاج‌شیخ علی‌متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی . نماینده دوره‌هـای ۴، ۵ و ۱۴ (ساری) .

تجدد ، مصطفی . فرزند محمدرضاشیخ‌ـ العراقین‌زاده.متولدحدود ۱۲۸۷ شمسی. نماینده دوره ۱۸ (ساری).

تدین ، سیدمحمد.فرزند سید محمد تقی. متولدحدود۱۲۶۰ شمسی.نماینده‌دوره‌های ۴(تهران) و ۵ و۶ (بیرجند).

تربتی، عماد.فرزند ملاعبدالرضا. متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۴ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۹ و۲۰ (تربت ــ حیدریه) .

تربیت ، میرزا محمدعلی. فرزند میرزا صادق. متولدحدود۱۲۵۴ شمسی.نماینده دوره‌های ۲، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ و ۱۲ (تبریز) .

تربیت ، هاجر. فرزندحسین‌قلی. متولد ۱۲۸۴ شمسی.نماینده‌دوره ۲۱(تهران).

تفضلی، ابوالقاسم. فرزندغلامرضامصدق‌ـ السلطان . متولد حدود ۱۳۰۰ شمسی. نماینده دوره ۲۰(کاشمر) .

تفضلی «مازیار» ، جهانگیر.فرزند غلام رضا. مصدق‌السلطان.متولدحدود۱۲۹۳ شمسی . نماینده‌دوره۱۸ (زابل) .

تقی زاده ، سیدحسن . فرزند سیدتقی . متولد ۱۲۵۶ شمسی . نماینده دوره۱و ۲ (تبریز) و۴ ، ۵ و۶ (تهران) و ۱۵ (تبریز) .

تنکابنی، میرزامحمدطاهر. فرزندمیرزا فرج‌الله.متولدحدود۱۲۴۲ شمسی. نماینده دوره‌هـای ۱، ۳ و۴ (تهران).

توانا ، حسن‌قزوینی . فرزند محمدرضا. متولد حدود ۱۲۷۷ شمسی . نـماینده دوره‌های ۱۰ ، ۱۱ و۱۲ (کرمان).

توسلی، سیدمحمود.فرزندحاج‌سیدصالح. متولد حـدود ۱۲۹۱ شمسی. نـماینده دوره‌های ۲۰ و۲۱ (رودبارقزوین).

تولیت ، ابوالفضل. فرزندحاج‌سیدمحمد باقرمتولی‌باشی. متولد ۱۲۷۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ و۱۷ (قم) .

توماج، عبدالله.فرزندعلی‌خان«علی‌بیك» متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی . نمـاینده دوره‌های ۱۸و۱۹ (گنبدقابوس) .

تهرانی ،شیخ محمدعلی.فرزندشیخ‌حسن. نماینده دوره اول (تهران) .

تهرانی ، شیخ‌حسن . فرزندعلـی‌اکبر . متولد . حدود ۱۲۶۰ شمسی. نمـاینده دوره‌های ۷، ۸ ، ۹ و۱۴ (تهران).

تهرانی ، شیخ‌حسین . نماینده‌دوره اول (تهران) .

تهرانی ، شیخ محمدجواد . فرزندحاج‌ـ عباس قلی . نماینده دوره۴ (مشهد) .

تهرانی،مهدی‌یعقوب . فرزندعلی. متولد ۱۳۰۰ شمسی. نماینده دوره ۲۱(مینوـ دشت) .

تهرانچی ، محمدرضا . نماینده‌دوره‌های ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ و ۱۴ (تهران) .

تیمورتاش «سردارمعظم» ، عبدالحسین. فرزندکریمداد امیرمعظم . متولد حدود ۱۲۵۸ شمسی. نماینده‌دوره‌های۲،۳،۴، ۷ و۸ (خراسان) .

تیمورتاش ، منوچهر. فرزندعبدالحسین «سردار معظم» ، متولد حـدود ۱۲۹۰ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۴، ۱۸ و۱۹ (کاشمر) و دوره ۱۶ (قوچان) .

تیموری ، عباس . نمـایـنـده دوره ۱۴

(خوی) .

ثابت «الموتی» ، شیخ‌محمدعلی . فرزند شیخ‌عبدالحسین.متولدحدود۱۲۵۸شمسی نماینده دوره‌های ۵ و۶(قزوین) .

ثابتی ، مسعود . فرزندسید سعیدنایب‌التولیه . متولد حدود ۱۲۷۶ شمسی . نماینده دوره‌های۸ و ۹ (بجنورد) و۱۵ (مشهد) .

ثقةالاسلام،سیدمحمدحسن. نماینده دوره اول (از طرف‌تجارفارس) .

ثقةالاسلام، حاج سیدمحسن. نماینده‌دوره اول (تجار شیراز) .

ثقةالاسلامی ، موسی . فرزندحاج میرزا محمود . متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۶ ۱۸ ، و ۱۹ (تبریز).

جاوید ، هاشم ، فرزند شیرعلی. متولد ۱۳۰۵شمسی. نماینده‌دوره۲۱(شیراز).

جزایری ، شمس‌الدین ، فرزند حاج‌سید حسن‌شوشتری.متولدحدود۱۲۹۳ شمسی. نماینده دوره ۱۸(تهران).

جعفر ،حاج‌آقا سیدجعفر. نماینده دوره اول (از طرف علمای شیراز) .

جعفر ، شیخ جعفر. نماینده دوره ۲ (مازندران).

جعفری،رضا.فرزندعین‌الله.متولد۱۲۸۶ شمسی . نماینده دوره ۲۰(قزوین).

جعفری ، مجتبی . فرزندحسین . متولد ۱۳۰۰ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (گلپایگان) .

جفرودی ، کاظم. فرزندآقا تقی . متولد ۱۲۹۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸ ، ۱۹ و۲۰ (رشت) .

جلالی ، حسین . فرزند میرزامحمدعلی خان.جلاءالسلطنه شیرازی. متولدحدود ۱۲۵۷ شمسی . نماینده دوره‌های۶،۱۰ ۱۱ ، ۱۲ و۱۳ (اصفهان)۷(شهرضا).

جلالی ، علی.فرزند آقاسیدعبدالرحمن جلال‌السادات. متولدحدود۱۲۸۰شمسی. نماینده دوره ۱۶ (بابل) .

جلالی‌موسوی ، سیدباقر. فرزند سید‌ابوالحسن . متولدحدود ۱۲۷۸ شمسی. نماینده دوره ۷ (دماوند) .

جلالی‌نوری، فضل‌الله. فرزندمحمدعلی. متولد ۱۳۰۵شمسی. نماینده دوره ۲۱ (کاشمر) .

جلیل‌الملك، میرزا نصرالله‌خان. فرزند میرزاآقا مستوفی . نماینده دوره ۴ (کاشان) .

جلیلوند رضایی، علی‌اکبر. فرزندحاج جعفرقلی‌سهام‌الدوله. متولدحدود۱۳۰۵ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۱۸ ، ۱۹و۲۰ (ملایر).

جلیلی، سید محمود .فرزندجلیل. متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۱۷ ، ۱۸، ۱۹ و۲۰ (یزد) .

جلیل‌یزدی،سیدکاظم.فرزندسیدابوالحسن جلیلی.تحویلدار . متولد حدود ۱۲۵۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۴ ، ۵، ۶، ۷، ۸ ، ۹ ، ۱۰، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ و ۱۴ (یزد) .

جمشید ، ارباب‌کیخسرو . فرزندبهمن زردتشتی . نماینده دوره اول (از طرف اقلیت زرتشتیان).

جمشیدی مازندرانی ، میرزاعبدالباقی. فرزند ملامحمدزمان سوادکوهی‌آلاشتی. متولد حدود ۱۲۷۱ شمسی . نماینده دوره‌های ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ و۱۰(بابل).

جمشیدی ، میرزاعبدالعلی. متولدحدود ۱۲۶۹شمسی. نماینده دوره ۷ (بارفروش) .

جوان ، موسی ، فرزند شیخ علی مجتهد متولد حدود۱۲۷۷شمسی . نماینده‌دوره‌های۱۰،۱۱،۱۲و۱۳(شهری) .

جوانشیری ، ولی‌زاده . نماینده دوره ۱۶ (تبریز) .

جهانبانی « شهاب الدوله »، شاهزاده اسدالله‌میرزا.فرزند شاهزاده عبدالحسین میرزا.شمس‌الشعرا.ملقب به‌شهاب‌الدوله. نماینده دوره های ۱ و ۲ (تهران) (دوره اول از طرف شاهزادگان انتخاب شد) .

جهانبانی ،شوکت‌الملك.فرزند شاهزاده عبدالله متولد ۱۲۸۷ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (تهران) .

جهانسوزی «مرآت‌السلطان»، شاهزاده محمد مهدی‌میرزا. فرزنداقبال‌السلطان، متولد حدود ۱۲۵۱ شمسی.نماینده‌دوره ۳ (کرمانشاه) .

جهانشاهی، ابوالفتح فرزند رضا.متولد ۱۳۰۰شمسی‌نماینده دوره ۲۱(تبریز).

جهانشاهی «مصدق‌الملك»، میرزاربیع خان. فرزند قوام‌العلماء . متولد حدود ۱۲۶۱ شمسی . نماینده دورهای ۵،۶، ۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲و۱۳ (تبریز) .

جهانشاهی ، غلامحسین . فرزند شفیع. متولد حدود ۱۲۹۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۹ و۲۰ (تهران).

جهانگیری، حاج مسعود. فرزند جعفرقلی.متولد ۱۲۹۳ شمسی . نماینده‌دوره ۲۱ (تویسرگان).

چاپچی ، میرزا علی نماینده دوره ۹ (رشت) .

چاپچی ، میرزا علی‌اصغر.فرزند آقا‌بالا. متولد حدود ۱۲۶۵شمسی نماینده دوره‌های ۸،۱۲و۱۳ (تبریز) .

چراغچی، بروجردی «مدیر الاسلام » ، سید حسین. نماینده دوره اول (ازطرف خرده فروشهای تهران) .

چهارسوقی ، سیداسدالله . فرزند سید‌محمد جعفر . متولد حدود ۱۲۴۸ شمسی.نماینده دوره ۳ (اصفهان).

حاتم ، عباس . فرزند ابراهیم . متولد حدود ۱۲۸۹شمسی. نماینده دوره‌های ۲۰ و ۲۱ (قصرشیرین) .

حاج سید جوادی ، سید ضیاءالدین . فرزند سید مصطفی. متولد حدود۱۲۹۱ شمسی.نماینده دوره ۱۸(قزوین).

حاذقی ، ابوالفضل. فرزند شکرالله . متولد ۱۲۸۹شمسی. نماینده دوره‌های ۱۵ ، ۱۶ و۲۱ (جهرم) .

حایری زاده ، سید ابوالحسن . فرزند آقامیرزا علی . متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۴،۵و۶(یزد) و ۱۵ ، و۱۶ ، ۱۷ و۱۸ (تهران) .

حایم ، ساموییل . فرزند عقیل . متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی . نماینده دوره ۵ (کلیمیان) .

حبیبی ، امام علی . فرزند برازجان . متولد ۱۳۱۰ شمسی نماینده دوره ۲۱ (بابل) .

حبیبی ، حاج محمد خان . فرزندآقا‌حبیب‌الله متولد حدود ۱۲۵۴ شمسی . نماینده دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ (سنندج).

حدایق ، شیخ یوسف . فرزند شیخ ابوالحسن . متولد ۱۲۵۳شمسی.نماینده دوره‌های ۱ و ۳ (شیراز) .

حریری ، حاج محمدآقا. فرزند حاجی خلیل تبریزی.نماینده‌دوره اول(ازطرف تجارآذربایجان) .

حریری ، محمد جواد. فرزند حاج‌آقا. متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی . نماینده دوره ۲۰ (کرمانشاه) .

حریری طلوع ، حاج خلیل . فرزند حاج‌آقا حریر . متولد حدود ۱۲۷۳ شمسی. نماینده‌دوره های۱۱، ۱۲ و۱۳

(مشکین شهر) .

حسام‌الاسلام ، شیخ حسن. نماینده دوره اول (فومنات) .

حسام‌الذاکرین،میرزا باقر. نماینده‌دوره دوم (نیشابور) .

حسن ، میرزا سید . فرزند حاج حسین. متولد ۱۲۴۵ شمسی. نماینده دوره ۴ (کاشان).

حسن، میرزا. نماینده دوره‌اول ازطرف صنف کفشدوزهای تهران (بعدازاستعفای میرزا حسین علی) .

حسیبی ،کاظم . فرزند حاج محمد علی . متولد حدود۱۲۷۶ شمسی. نماینده دوره ۱۷ (تهران) .

حسن‌علی ، حاج شیخ حسنعلی علاقبند . نماینده دوره‌اول (ازطرف علاقبندهای تهران) .

حسینی ، سید حسن. فرزند سید رضا . متولد حدود ۱۲۹۴ شمسی . نماینده دوره ۲۱.

حسین، سید حسین خان، فرزند دولت‌خان . نماینده دوره۴ (بلوچستان).

حسینعلی ، شیخ حسینعلی. نماینده‌دوره اول (از طرف ارسی دوزهای تهران).

حسینعلی، حاج حسین‌علی. نماینده‌دوره اول از طرف اصناف تهران (به‌مجلس حضور نیافت وبه‌جای اوشیخ حسین علی از صنف کفشدوزها انتخاب شد) .

حشمتی « امیرحشمت » ، حیدر قلی . فرزند عبدالله‌میرزا حشمت‌الدوله.متولد حدود ۱۲۶۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۵ و۶ (محلات) .

حشمتی ، عباس فرزند نصرت‌الله میرزا. متولد حدود ۱۲۸۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۴ ، ۱۸ و۱۹ (محلات).

حقنویس . میرزا علی . فرزند میرزا محمدجواد. متولد حدود ۱۲۵۰شمسی. نماینده دوره ۶ (قم) .

حسین ،میرزا حسین . فرزند ابوتراب قزوینی . نماینده دوره اول (قزوین).

حکمت «سردارفاخر» ، میرزارضاخان. فرزندحسام‌الدین. مشاورالدوله . متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی. نماینده دوره‌های ۴ ، ۵ ، ۷ ،۸ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۸، ۱۹و۲۰ (آباده وسبزوار).

حکمت، سعید . فرزند باقر.متولدحدود ۱۲۹۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸، ۱۹ ، ۲۰ و۲۱ (ارسباران).

حکمت ، مرتضی . فرزندابراهیم.متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۱۶ ،۱۸ ،۱۹ و۲۰ (فسا) .

حکمت‌یزدی ، حاج محمد حسین.فرزند حاج سید یحیی. متولد ۱۳۰۰ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (اردکان) .

حکیم‌الملك ، میرزا ابراهیم خان . فرزند میرزا ابوالحسن . متولد ۱۲۴۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۱، ۲، ۴ و ۵ (تبریز و تهران) .

حکیمی ، ابوالحسن . فرزند میرزا ابوالحسن . متولد حدود۱۲۷۳ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۶ و۱۹ (مشکین‌شهر) .

حکیمی، غلامرضا. فرزند رحیم‌همایون. متولد حدود۱۲۷۹ شمسی. نماینده‌دوره ۲۰ (شیراز) .

حکیم اعظم ، علی خان. فرزند میرزا. ابوالقاسم شیرازی . نماینده دوره دوم

حکیم شوشتری، علی‌اکبر. فرزندمحمد حسین . متولد ۱۳۰۱ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (شوشتر) .

حمزوی،سیدجواد.فرزند زین‌العابدین. امیرمعظم . متولد حدود ۱۳۰۰ شمسی. نماینده دوره ۱۸ (ساوجبلاغ).

حمزه‌تاش ، میرزا معصوم خان . فرزند محمدعلی. متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۹ ، ۱۰،۱۱،۱۲،۱۳ (بابل) .

حمدیه ، احمد . فرزند حمید . متولد حدود۱۲۸۲ شمسی. نماینده دوره های ۱۶ ، ۱۷ و۱۸ (مراغه) .

حیدرمیرزا.شاهزاد حیدرمیرزا. نماینده دوره ۲ (قم) .

حیدری ، علی . فرزند وکیل‌الرعایا . « احمد بیك » . متولد حدود ۱۲۵۲ شمسی. نماینده دوره‌های ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ و ۱۰ (ساوجبلاغ) و ۱۱ و ۱۲ (مهاباد) .

خاکباز محسنی ، حسین . فرزند حاج آقا محسن‌عراقی. متولد حدود ۱۲۷۴ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۴، ۱۶و۱۸ (اراك) .

خامنه‌ای ، شیخ‌آقا . نماینده دوره ۲ (آذربایجان) .

ختایی؛ قلعه‌حق . میرزا. فرزندمحمد. متولد حدود ۱۳۰۱ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (بناب) .

خرازی، محمد رضا. فرزندعبدالحسین. متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸ و۱۹ (تهران) .

خراسانی،حاج‌شیخ‌علی‌خراسانی. نماینده دوره ۲ (شیراز).

خرقانی . حاج سید اسدالله . فرزند آیت‌الله سید صدرالدین . متولد حدود ۱۲۳۹ شمسی . نماینده دوره ۳ (قزوین) .

خزیمه علم ، امیرحسین . فرزند امیر معصوم«حسام‌الدوله»متولد حدود۱۲۹۲ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۶ (زابل) و ۱۸ ، ۱۹و۲۰ (بیرجند) .

خزعل، شیخ‌عبدالحمیدخان سرداراجل. فرزند شیخ خزغل سردار اقدس. متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی . نماینده دوره ۵ (دشت میشان) .

خسروانی ، شهاب‌الدین فرزندآقا هاشم محلاتی . نماینده دوره‌های ۱۵ ،۱۶و ۱۷ (محلات) .

خسرو پرویز ، حسام‌الدین . فرزند خسروخان . متولد حدود ۱۲۸۰شمسی نماینده دوره ۲۰ (شاهپور).

خسروشاهی ، محمد . فرزند اسدالله . متولد حدود۱۲۸۹ شمسی. نماینده‌دوره ۱۳ (تبریز) .

خطیبی ، حسین ، فرزند محمدعلی . متولد ۱۲۹۶ شمسی.نماینده دوره ۲۱ (لارستان) .

خطیبی ، میرزا علی خان. فرزندمیرزا رضاخان . متولد حدود ۱۲۵۸ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۵ و۶ (بیجار) .

خلخالی، سید جواد . نماینده دوره۱۷ (تبریز) .

خلعت‌بری ، امیرارسلان . فرزند علی‌خان . امیر اسعد. متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۸، ۱۹و۲۰ (بابل) .

خلعت‌بری،رحمن‌قلی،فرزند علی‌قلی‌خان امیراسعد. متولد۱۲۹۰ شمسی. نماینده دوره ۱۴ (بابل) .

خواجوی،مشیرمعظم. فرزندغلامحسین‌خان.منتصرالممالك.متولدحدود۱۲۵۵ شمسی. نماینده‌دوره ۵ (تهران) .

خواجه‌نصیری، ساسان.فرزندابوالفضل. متولد حدود ۱۲۸۵شمسی. نماینده‌دوره ۱۴(کرمانشاه) .

خواجوی نوری «منتصرالسلطان»، میرزا صادقخان . فرزند میرزا مرتضی. متولد حدود ۱۲۴۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۲ و۳ (بابل) و۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ (دماوند و فیروزکوه) .

خواجه نوری، محسن. فرزند حاج‌محمدعلی . متولد حدود ۱۲۹۵ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (شمیرانات) .

خواجه نوری «نظام‌الدوله»، امیراصلان خان. فرزندمیرزا احمدخان موقرالدوله. متولد حدود ۱۲۹۵ شمسی . نماینده دوره‌های ۳و۴ (بابل) .

خواجه‌نوری ، جعفرخان. فرزندمیرزا عبدالله‌خان. متولد ۱۲۷۶ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲و۱۳ (فیروزکوه).

خوانساری، شیخ‌محمدسعید. فرزندملامحمد علی . متولد ۱۲۳۹ شمسی . نماینده دوره ۳ (گیلان).

خوانساری، میرزامحمود. نماینده‌دوره اول(ازطرف‌صنف‌کتابفروشهای تهران).

خویی‌ار، محمد تقی . نماینده‌دوره۱۵ (تبریز).

خیابانی، شیخ‌محمد. فرزندحاج‌عبدالحمید. متولدحدود۱۲۵۸ شمسی . نماینده‌دوره دوم (تبریز) .

دادخواه، محمدنصیر . فرزندعلی قلی. هژبرالسلطان. متولدحدود۱۲۹۱ شمسی. نماینده دوره ۲۰ (داراب‌فریدن) .

دادفر ، حبیب . فرزند حاج محمود. حدود ۱۳۰۰ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۱۹ و۲۰ (مراغه).

دادگر «عدل‌الملك» ، میرزاحسین‌خان. فرزند عبدالکریم‌خان. نماینده دوره‌های ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۷ و۸ (بابل) و (تهران).

دادگر ، رحیم . فرزندعدل‌الملك. متولد حدود ۱۲۹۷ شمسی . نماینده دوره۱۹ (استرآباد) .

دادور «عمدةالملك» ، محمدعلی، فرزند غلامرضا . متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۵ و۱۷ (فومن).

دادور «وثوق‌السلطنه»، میرزامهدی‌خان. فرزند میرزا موسی. متولدحدود۱۲۵۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۸ ، ۹، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ و۱۳ (تهران) .

داراب ، احمد . فرزندابوطالب. متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی . نماینده‌دوره ۱۸ (بندر پهلوی) .

دامغانی، حاج میرزارضا . فرزندحاج‌میرزا حسن غفران پناه . متولدحدود ۱۲۶۲ شمسی. نماینده دوره۵ (شاهرود).

دانش ، میرزا محمد . فرزند حاج‌عبدالحسین تهرانی. متولدحدود۱۲۶۸ شمسی . نماینده دوره۴ (نیشابور) .

داود زاده ، سیاووش . فرزندمحمدعلی. متولد حدود۱۲۹۱ شمسی . نماینده‌دوره ۲۰ (فومن).

داور ، علی‌اکبر . فرزندخازن خلوت . متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی . نماینده دوره ۴ (خوار ورامین) و دوره ۵ (لار) .

دبستانی ، میرزا محمود . فرزندیوسف. متولد حدود ۱۲۹۵ شمسی . نماینده دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و۱۳ (کرمان) .

دبیراعظم ، میرزا فرج‌الله‌خان. فرزند قوام‌العلماء. متولدحدود ۱۲۵۷ شمسی. نماینده دوره ۵(لار) .

دبیررسایل، نماینده‌دوره اول(فومنات).

دبیر سهرابی ، میرزا علی اکبر خان . فرزندحاجی وکیل‌الدوله«وکیل‌الملك». متولد حدود ۱۲۵۱ شمسی . نماینده دوره‌اول(تهران)ودوره‌های۸ و۹ (بیجار وگروس) و۱۰ و۱۱(قوچان).

دبیرالملك ، میرزا حسین‌خان بدر. نماینده دوره دوم (وکیل‌مجلس وبه‌جای وثوق‌الدوله‌انتخاب‌شد ودر۱۱ ثور۱۲۸۹ مستعفی گردید) .

دبیری اصفهانی، حاج سید اسماعیل. نماینده دوره اول (تهران) .

دربانی «حاجب» حاج میرزاعلی اصغر. فرزند حاج‌میرزامحمدتقی . متولدحدود ۱۲۵۷ شمسی ، نماینده‌دوره‌های ۷، ۸، ۹ و۱۰ (قم) .

درخشش ، محمود . فرزندیدالله. متولد حدود ۱۲۹۴ شمسی . نماینده‌دوره ۱۸ (تهران) .

دره‌شوری ، زیادسترك. فرزندیاز کیخان متولد حدود ۱۲۷۳ شمسی. نماینده‌دوره ۲۰ (فیروزآباد) .

درری ، حبیب‌الله. فرزندلطف‌الله. متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی . نماینده‌دوره ۱۴ (دره‌گز) .

دست غیب ، حاج سیدمحمد باقر. فرزند فرزندآقا میرزا هدایت‌الله شیرازی . متولد حدود ۱۲۶۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۴ و۵ (بندر عباس) .

دشتی ، عبدالله . فرزند محمد حسن . متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی .نماینده‌دوره ۱۹ (بوشهر)و۲۰ (برازجان).

دشتی، خلیل. متولدحدود۱۲۷۲ شمسی. نماینده دوره ۱۴ (بوشهر) .

دشتی، شیخ‌علی‌خان. فرزندشیخ‌عبدالحسین متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۵ ،۷و۸(ساوه) و۶و۹(بوشهر) و۱۳ (دماوند) و۱۴ (تهران).

دفتری ، محمد. فرزندعزیز«عضدالملك» متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی . نماینده دوره ۲۰ (کنگاور) .

دولت‌آبادی، سیدحسام‌الدین. فرزند حاج میرزا مهدی. متولدحدود۱۲۸۰ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۴ ، ۱۸ و ۱۹ (اصفهان) .

دولت‌آبادی، مجتبی . فرزندحاج‌علی‌محمد. متولدحدود ۱۲۸۳ شمسی. نماینده دوره ۱۶ (اصفهان) .

دولت‌آبادی، حاج‌میرزاعلی‌محمد. فرزند میرزاهادی. نماینده دوره۴(خرم‌آباد).

دولت‌آبادی ، حاج میرزایحیی. فرزند حاج میرزا ملاهادی . متولد حدود ۱۲۴۱ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۲ و۵ (کرمان) .

دهدشتی ، رضا، فرزند امیر بیگلری. نماینده دوره ۸ (تهران) .

دولتشاهی ، ابوالفتح . فرزند سلطان‌ابراهیم‌میرزامشکوةالدوله. متولدحدود ۱۲۶۵ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ و۱۹(کرمانشاه) .

دولتشاهی«معین‌خلوت»، حسنعلی میرزا. فرزند ابراهیم‌میرزامشکوةالدوله. متولد حدود ۱۲۵۹ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و۱۳ (گلپایگان).

دولتشاهی ، محمدعلی میرزا . فرزند سلطان‌ابراهیم. مشکوةالدوله. متولدحدود ۱۲۶۳ شمسی . نماینده دوره‌های۶، ۷و ۸ (کرمانشاه) .

دولتشاهی ، ملك‌ایرج میرزا . فرزند امامقلی عماد الدوله . متولد حدود ۱۲۵۲ شمسی . نماینده دوره‌های۷و۸ (کرمانشاه) .

دولتشاهی ، مهرانگیز . فرزند محمد علیمیرزاده «مشکوةالدوله» . متولد ۱۲۹۶ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (کرمانشاه) .

دهبنده‌شاهرودی، حاج‌محمدتقی. نماینده

دوره اول (از طرف اصناف تهران) .

دهخدا ، علی‌اکبر. فرزند‌خان‌باباخان. متولد ۱۲۵۸ شمسی . نماینده دوره ۲ (کرمان) .

دهخوارقانی ، شیخ‌رضا نماینده دوره۲ (تبریز) و۳ (تهران) .

دهستانی ، عبدالعلی . فرزند یدالله . متولد حدود ۱۳۰۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۹ و۲۰(کرمان‌وساوجبلاغ).

دهستانی،میرزا یدالله. فرزندعبدالوهاب. متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی. نماینده دوره‌های ۵، ۶ ،۷،۸،۹،۱۰،۱۱، ۱۲، ۱۳ و۱۴ (ساوجبلاغ‌وشهریار).

دهقان، احمد. فرزند‌کریم . متولد حدود ۱۲۸۷ شمسی. نماینده دوره های ۱۵ و۱۶ ازهروآباد (خلخال).

دهقان ، علیمحمد. فرزندمیرزا محمد‌باقر «معروف به‌پست» . متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۴ ، ۱۶ ، ۱۷ و۱۹ (شیراز) .

دیبا، اسفندیار . فرزند یحیی‌طباطبایی. متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی . نماینده دوره ۱۹ (سراب) .

دیبا ، عبدالحسین . فرزند تراب خان «وزیر خلوت» . متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی . نماینده دوره‌های۷ و۸(خوی).

دیبا «سیدالمحققین» ، حاج میرزاعبدالعلی.فرزند حاج‌میرزارفیع نظام‌العلماء نماینده دوره‌های ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸، ۹ و ۱۰ (ایل شاهسون) .

دیوان بیگی ، میرزاآقاخان . فرزند میرزاحسین‌خان . متولد۱۲۷۰ شمسی . نماینده دوره‌های۵، ۶ و۷(بلوچستان).

دیهیم ، محمد . فرزندباقر. متولدحدود ۱۲۸۶ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۹، ۲۰ و۲۱ (تبریز) .

ذبیحی «سلطان احمدی» ، سلطان علی. فرزند ستار. متولد۱۳۰۵شمسی.نماینده دوره ۲۱(شاهپور) .

ذکایی، سیدحمدالله.فرزند سید رحمت‌الله متولدحدود۱۲۷۶شمسی.نماینده‌دوره‌های ۱۴ ، ۱۶ و۱۷ (خلخال) .

ذوالفقاری، محمد. فرزندعلیقلی.متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۴ ، ۱۵، ۱۶ و۱۷ (زنجان) .

ذوالفقاری ، محمود . فرزند حسینقلی اسعدالدوله . متولدحدود۱۲۸۱ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۸ ، ۱۹ و ۲۰ (زنجان) .

ذوالفقاری ، مصطفی . فرزند حسینقلی اسعدالدوله .متولد حدود ۱۲۹۴شمسی. نماینده دوره ۱۸ (زنجان) و دوره ۲۰ (بیجار وگروس) .

ذوالفقاری ، ناصرقلی . فرزندحسینقلی اسعدالدوله . متولد حدود ۱۲۹۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵، ۱۶و۱۷ (زنجان) .

ذوالقدر « اصطهباناتی » ، شیخ محمدتقی . فرزند حاج ملا اسماعیل فسایی . متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۴ (ایلات خمسه) و دوره‌های ۵ ، ۶، ۷ و۱۴ (فسا وشیراز) ودوره‌های ۱۱، ۱۲ و۱۳ (نیشابور) .

راجی ، عبدالحسین. فرزند عبدالحمید. علاء الحکماء . متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵، ۱۶و۱۹ (خرمشهر) .

رادپور ، حاج محمد صادق علیزاده . نماینده دوره ۲ (آذربایجان) .

راشد ، حسنعلی. فرزند حاج شیخ عباس تربتی . متولد حدود ۱۲۷۶ شمسی . نماینده دوره ۱۷ (تهران) .

رادمنش ، رضا . فرزند موسی لاهیجی. متولد حدود ۱۲۸۴ شمسی.نماینده‌دوره ۱۴ (لاهیجان) .

رامبد ، هلاکو . فرزند محمد حسین سالار اسعد . متولدحدود ۱۲۹۵شمسی. نماینده دوره‌های ۱۹ ، ۲۰ و ۲۱ (گرگانرود طوالش) .

رجایی ، علی . فرزند محمد علی. متولد ۱۲۷۴ شمسی ، نماینده دوره ۲۱ (شیراز) .

رحمت آبادی ، میرزا محمد علی . نماینده دوره ، اول (از طرف اعیان رشت) .

رحمت سمیعی ، غلامرضا . فرزند میرزا محمد علیخان رحمت‌آبادی.متولدحدود ۱۲۵۷ شمسی. نماینده دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ و۱۳ (رشت) .

رحیم‌زاده، اسماعیل خان. نماینده‌دوره ۷ (سنندج) .

رحیم‌زاده خویی ، حاج زین‌العابدین. فرزند حاج محمد رحیم . متولد حدود ۱۲۷۳ شمسی . نماینده دوره ۱۴ (تبریز) .

رحیمیان ، غلامحسین. فرزند حاج‌رحیم متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۴ و۱۵ (قوچان) .

رحیمی‌لاریجانی، سید حبیب‌الله. فرزند حاج‌سیدآقا بزرگ صالح . متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۷ ، ۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲و۱۳ (تهران) و ۱۴ (سقز) .

رشتی ، محمد علی . فرزند رضا. متولد حدود ۱۲۹۷ شمسی . نماینده دوره۲۱ (یزد) .

رشتی « فومنی » ، سید زین‌العابدین . فرزند حاج سید رضا . متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی . نماینده دوره ۶ (فومنات) .

رشتی«بحرالعلوم»، حاج‌آقا میر. نماینده دوره اول (رشت) .

رشیدیان ، اسدالله . فرزند حبیب‌الله . متولدحدود ۱۲۹۸ شمسی. نماینده‌دوره ۲۰ (تهران) .

رضا زاده شفق ، صادق . فرزند حاج آقا رضا . متولد حدود ۱۲۷۴ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۴ و۱۵ (تهران).

رضایی ، قاسم . فرزند حاج محمد رضا. متولد حدود ۱۳۰۴شمسی .نماینده‌دوره ۱۹ (سبزوار) .

رضایی ، محمود. فرزند حاج محمدرضا. متولد حدود ۱۳۰۲ شمسی . نماینده دوره ۱۸ (سبزوار) .

رضوانی ، محمد . فرزند رضا . متولد ۱۳۰۳ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (کاشان) .

رضوی ، ابوالحسن . نماینده دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۵ و ۱۶ (شیراز) .

رضوی ، حاج میرزاعبدالوهاب. فرزند حاج میرزا هادی . متولد حدود ۱۲۶۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۴ و ۵ (همدان).

رضوی ، سید احمد . فرزند سید علی اکبرمجدالاشراف رفسنجانی.متولدحدود ۱۲۸۵ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵و ۱۷ (کرمان) .

رضوی ، حسام‌الدین. فرزند علاءالدین. متولد حدود ۱۳۰۲ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (آبادان) .

رضوی ، سید محمد . فرزند سید ابوالقاسم . متولد حدود ۱۲۵۹ شمسی. نماینده دوره سوم شیراز (که قبول وکالت‌نکرد).

رفعت ، عبدالصمد . فرزند محمدحسین. متولد حدود ۱۳۰۲ شمسی . نماینده

دوره ۲۰ (میناب) .

رفیع ، حاج آقا رضا . فرزند حاج شریعتمدار رشتی . متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۵،۶،۷،۱۱، ۱۲ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ و۱۷ (گرگانرود وبندرپهلوی رشت وطالش).

رفیعی ، لطفعلی . فرزند شیخ مهدی . متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی . نماینده دوره ۱۴ (بم) .

رفیعی ، محمد تقی. فرزند میرزا رفیع رفیع‌الدوله . متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی . نمایند دوره‌های ۱۰ ، ۱۲،۱۱ و۱۳ (تبریز) .

رمضانی ، حنیفه . فرزند علی عباس . متولد ۱۲۸۹ شمسی . نماینده دوره۲۱ (بندر پهلوی) .

روحانی ، سید محمود . فرزند سید زین‌العابدین . متولد ۱۲۹۰ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (فردوس) .

روحی ، عطاءالله روحی ، فرزند شیخ مهدی‌بحرالعلوم. متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی . نماینده دوره ۵ (سیرجان) و۶ ، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ ، ۱۳ و ۱۴ (جیرفت) .

روحی . علی . فرزند شیخ مهدی بحرالعلوم کرمانی . نماینده دوره ۱۷ (کرمان) .

روستا ، عباس . فرزند حاج محمدعلی. متولد ۱۲۹۱ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (تهران) .

رهبر ، علی اکبر. فرزند محمد. متولد ۱۲۹۵ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (گرگان) .

رهبری ، حاج حسین‌آقا . فرزند حاج علی . متولد حدود ۱۲۵۱ شمسی . نماینده دوره‌های ۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲و ۱۳ (زنجان) .

رهنما ، میرزا زین‌العابدین . فرزند شیخ علی شیخ‌العراقین . متولد حدود ۱۲۶۸ شمسی. نماینده‌دوره ۵ (تبریز) ودوره‌های ۸ و۹ (شهرری) .

رهنوردی ، محمد حسن . فرزند قربانعلی . متولد ۱۳۰۶ شمسی.نماینده دوره ۲۱(ساری) .

ریاحی ، علیرضا . فرزند محمدحسین. متولد ۱۳۱۰ شمسی . نمایند دوره۲۱ (برخوار) .

ریاضی ، عبدالله . فرزند هاشم . متولد ۱۲۸۰ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (تهران) .

ریزی اصفهانی ، حاج سید اسماعیل ، نماینده دوره اول (اصفهان) .

ریگی ، امان‌الله . فرزند یعقوب. متولد حدود ۱۳۰۷ شمسی. نماینده دوره‌های ۲۰ و۲۱ (زاهدان) .

ریگی ، مراد ابراهیم . فرزند عیدو . متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ و ۱۷ (ایرانشهر) .

رضاخان ، حاجی. فرزند میرزا محمد حکیم. نماینده دوره دوم (وکیل مجلس وبه‌جای‌بهبهانی انتخاب شد) .

زارع،حاج‌علی.فرزند محمدعلی‌اسماعیل. متولد حدود ۱۲۵۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۴ (شیراز) و۶ (جهرم).

زاهدی «مقوم الملك» ، میرزا مهدی . فرزند حبیب اللهخان مجدالاطباء. متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی . نماینده دوره ۵ (شهرری).

زرآور ، محمد حسین . فرزند عزیز . متولد حدود ۱۳۰۴ شمسی. نماینده‌دوره ۲۱ (فیروزآباد) .

زرگرباشی ، حاج‌میرزا سیداحمد،فرزند حاجی‌میرزاعلی‌نقی‌صنیع‌الممالك.نماینده دوره اول (ازطرف اصناف‌تهران) .

زرگرزاده ، حاج باغلویی . حسنعلی . فرزند حسین . متولد ۱۲۹۸ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (نقده) .

زعیم ، میرزاسیدحسین‌خان. فرزند حاج سید صادق. متولد حدود ۱۲۶۳ شمسی . نماینده دوره ۵ (شوشتر) و دوره ۶ (کاشان) .

زعفرانلو ، مظفر . فرزند موسی . متولد ۱۳۰۸شمسی.نماینده دوره۲۱(بهبهان).

زنجانی ، شیخ ابراهیم. فرزندآقاهادی. نماینده‌دوره‌های۱،۳و۴(زنجان) ودوره ۲ (تبریز) .

زنجانی ، حاج‌حسین‌آقا.فرزندحاج‌علی. متولد ۱۲۴۹ شمسی . نماینده دوره ۶ (خمسه) .

زنجانچی ، علیرضا. فرزند ابوالحسین . متولدحدود ۱۲۹۵شمسی. نماینده دوره ۲۱ (مراغه) .

زند ، تقی . فرزند ولی . متولد ۱۲۹۷ شمسی. نماینده‌دوره ۲۱ (طارم علیا) .

زندکشکولی ، الیاس. فرزند محمدعلی. متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی . نماینده دوره ۱۹ (شیراز).

زنگنه، عبدالحمید. فرزند حسین اعظم‌الدوله. متولدحدود۱۲۸۳شمسی.نماینده دوره ۱۴ (کرمانشاه) .

زنگنه «اعظم زنگنه»، میرزا یحیی‌خان. فرزندمحمدرضا خان ظهیرالملك. متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی . نماینده دوره ۵ (کرمانشاه) و۶ (خرم‌آباد) .

زنوزی، عبدالله. فرزند محمدعلی.متولد حدود ۱۲۹۴ شمسی. نماینده دوره ۲۰ (مراغه) .

زوار، حاج اسدالله،فرزندحاج‌عبدالحسین متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی. نماینده دوره های ۶، ۷ ، ۱۰ و۱۱ (ترشیز و کاشمر) .

زهتاب‌فرد رحیم. فرزند اسدالله. متولد ۱۳۰۵ شمسی.نماینده دوره۲۱ (تبریز).

زهری، علی. فرزندرضا . متولد حدود ۱۲۹۴شمسی.نماینده دوره۱۷(تهران).

زیرك زاده ، احمد. فرزند حاج میرزا زیرك. متولد حدود۱۲۸۷شمسی.نماینده دوره ۱۷ .

سادات‌اخوی، حاج سید باقر.فرزندسید محمد.نماینده دوره‌اول (ازطرف فلاحین تهران) .

سادات اخوی ، حاج‌سید نصرالله. فرزند سید محمد رضا. نماینده دوره‌های ۱،۲ و۳ (تهران).

ساعدالوزاره، میرزااحسن‌خان. نماینده دوره‌اول (تهران) ودوره۲(وکیل‌مجلس وبه‌جای‌مستشارالدوله انتخاب شد).

ساعد مراغه‌ای، محمد.فرزنداحمد«قاضی زاده». متولدحدود۱۲۶۵شمسی.نماینده دوره ۱۵ (رضاییه) .

ساگینیان ، سهراب‌خان . فرزند سرتیپ سلیمان‌خان. متولد حدود ۱۲۶۰شمسی. نماینده دوره‌های ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲و۱۳(ازطرف‌ارامنهٔ‌آذربایجان)

ساگینیان، سواك.فرزند سهراب خان . متولد ۱۳۰۰ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۹و۲۰ (ازطرف ارامنهٔ شمال) .

سالاراشرف ، فرزند ظهیرالملك. متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی . نماینده دوره ۵ (کرمانشاهان) .

سالار بهزادی ، زین‌العابدین . فرزند علی‌اکبر.متولد حدود۱۲۹۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ (بم) .

سالار بهزادی ، علی‌اکبر. فرزند زین‌العابدین. متولد۱۲۷۳ شمسی. نماینده دوره ۱۵ (بم) .

سالارفیروز «رکن‌الممالك». عبدالرضاخان. نماینده دوره ۲ (اراك).

سام ، محمد. فرزند محمد باقر ، متولد ۱۳۰۳ شمسی. نماینده دوره۲۱(ورامین وگرمسار) .

سامی راد، حسین. فرزند اسماعیل.متولد ۱۲۸۴ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (مشهد) .

سپهدار اعظم ، محمد ولی‌خان . فرزند حبیب‌اله خان ساعد الدوله . نماینده دوره‌های ۲، و۳و۴ (رشت) و (دوره ۲ وکیل مجلس وبه‌جای دبیرالملك انتخاب شده در۲۰ حوت ۱۲۸۶ مستعفی‌شد) .

سدیدالملك ، مهدیقلیخان . فرزند حشمت‌الممالك . متولد حدود ۱۲۵۶ شمسی. نماینده دوره ۴ (شهرضا) .

سراج حجازی، حسن.فرزند هدایت‌الله. متولد حدود ۱۲۸۷شمسی. نماینده‌دوره ۱۹ (اراك) .

سرتیپ پور ، جهانگیر. فرزندآقاجان. متولد ۱۲۸۵ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (رشت) .

سرتیپ زاده ، علی‌اصغر. فرزند میرزاعباس‌قلی‌خان. متولدحدود۱۲۷۶شمسی. نماینده دوره‌های۱۴،۱۶و۲۰ (تبریز).

سردارجنگ، نصیر.فرزندحاجی‌ایلخانی. متولد ۱۳۴۳ شمسی . نماینده دوره ۴ (بختیاری) .

سرکشیك زاده، سیدکاظم. متولد حدود ۱۲۶۸ شمسی . نماینده دوره ۵ (لاهیجان) .

سرمد ، صادق . فرزند سیدعلی . متولد حدود ۱۲۸۲ شمسی . نماینده دوره ۱۸ (دره گز)

سزاوار ، عمادالدین . فرزند آقاشیخ‌محمدحسن حجةالاسلام قمی. متولدحدود ۱۲۷۶شمسی. نماینده دوره‌های ۱۱،۱۶ و۱۳ (اراك) و ۱۵ (ساوه وزرند) .

سعادت ، شیخ محمد حسین . فرزند آقا شیخ علی‌بوشهری . متولد حدود ۱۲۵۰ شمسی. نماینده دوره ۴ (لار) .

سعدالدوله ، میرزا جواد خان . فرزند میرزا جبار ناظم‌المهام . نماینده دوره اول (تهران) .

سعید، جواد . فرزند کاظم. متولد حدود ۱۳۰۱ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (ساری) .

سعیدالملك ، میرزا داودخان . فرزند میرزا رفیع خان مشاورالسلطنه . متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی . نماینده دوره ۴ (شوشتر) .

سعیدی ، عبدالله. فرزند ابراهیم. متولد حدود ۱۳۰۱ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۸ و۱۹ (نیشابور) .

سلطان‌العلماء ، حاجی علی اصغر.فرزند حاجی‌آقامحمدمهدی. متولدحدود۱۲۵۵ شمسی . نماینده دوره های ۳ ، ۴ و ۵ (بروجرد) .

سلطان «شیخ الاسلام» ، سلطانعلی.فرزند آقامیرزامحمد.متولدحدود۱۲۸۲شمسی. نماینده دوره‌های ۹،۱۰، ۱۱،۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸و۲۰ (بهبهان).

سلطانی ، سلطان محمد. فرزندسلطانعلی «شیخ‌الاسلام». متولدحدود۱۳۰۵شمسی. نماینده دوره ۱۹ (بهبهان) .

سلطانی «سلطان‌العلماء»، حاج‌سیدمحمد. نماینده دوره ۵ (شیراز).

سلیمانی‌کاشانی ، ابوالفضل. فرزنداحمد نراقی. متولد ۱۲۹۱شمسی.نماینده‌دوره ۲۱ (بیرجند) .

سمیعی، ابراهیم. نماینده دوره ۱۰و۱۱ (رشت) .

سمیعی ، «ادیب‌السلطنه». میرزاحسین‌خان . فرزند میرزا حسن خان . متولد حدود ۱۲۵۰ شمسی . نماینده دوره ۳ (رشت) .

سمیعی ، عطاءالله . نماینده دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و۱۳ (فومن) .

سنجابی ، کریم. فرزند قاسم‌خان.سردار ناصر. متولد حدود۱۲۸۳شمسی.نماینده دوره ۱۷ (کرمانشاه) .

سنگ ، اسماعیل. فرزند محمد حسین . متولد حدود ، ۱۲۶۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و۱۳ (ساری) .

سنگ . عیسی . فرزند ابراهیم . متولد حدود ۱۲۹۳ شمسی. نماینده دوره ۲۰ (ساری) .

سنندجی «سالار سعیدی» عبدالحمید . فرزند حاجی عزیز. متولد حدود۱۲۸۰ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ (سنندج) .

سودآور ، صمد. فرزند محمد . نماینده دوره ۱۶ (مشهد) .

سهراب زاده ، میرزا ابراهیم . فرزند سهراب خان. متولد حدود ۱۲۶۵شمسی. نماینده دوره ۵ (مراغه) .

سهرابیان ، بهرام. متولد حدود ۱۲۷۶ شمسی. نماینده دوره۱۸ (ازطرف ارامنهٔ جنوب) .

سهم‌الملك، حاج‌عباسقلی. فرزند حاج‌علی‌نقی نظام‌لشکر. متولد حدود ۱۲۳۵ شمسی. نماینده دوره ۳ (اراك) .

سیاح، محسن. فرزندحاج‌میرزامحمدعلی محلاتی. متولد ۱۲۸۷ شمسی . نماینده دوره ۲۰ (محلات) .

سید امامی ، احمد. فرزندحاج‌سیدکاظم امام جمعه . متولد حدود۱۲۸۰ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۶ ، ۱۸ و ۱۹ (تبریز) .

سیف‌پور فاطمی ، نصرالله . فرزندسید علی محمد،سیف‌العلماء. متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی . نماینده دوره ۱۴ (نجف‌آباد) .

سیفی ، امیرعلی .فرزنداسماعیل.متولد ۱۳۰۳شمسی. نماینده‌دوره۲۱(تهران).

سیگاری ، میرزاقلی‌سیگاری .نماینده دوره اول (از طرف سیگار فروشهای تهران) .

شاپوری ، محمدابراهیم . فرزند محمدخان . متولدحدود۱۲۹۵شمسی.نماینده دوره۱۷ (جیرفت).

شاخویی ، صالح . فرزندعبدالله. متولد ۱۲۰۹ شمسی . نماینده دوره ۱۱ (آبادان) .

شادلو، اردشیر. فرزندحبیب‌الله‌سردارمنتصر . متولد حدود ۱۲۷۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵ و۱۶(بجنورد) .

شادلو «سردارمنتصر»، حبیب‌الله.فرزند سردار مفخم . متولدحدود۱۲۶۴شمسی. نماینده دوره ۵ (بجنورد).

شادلو ، نصرالله . فرزند یارمحمدخان سردارمفخم . متولدحدود ۱۲۸۰شمسی. نماینده دوره‌های ۱۶ و۱۷ (بجنورد) .

شادلوایلخانی ، یارمحمدخان. فرزند عزیزالله سردارمعزز . متولد حدود ۱۲۹۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸ ، ۱۹ و۲۰ (بجنورد) .

شادمان ، سیدجلال‌الدین . فرزند سیدابوتراب . متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. نماینده‌دوره‌های۱۸،۱۹و۲۰(جیرفت).

شادمان ، سیدضیاءالدین . فرزند سید ابوتراب . متولد ۱۳۰۲ شمسی.نماینده دوره ۲۱ (جیرفت) .

شالفروش، حاج‌محمدعلی. فرزندحاج‌حبیب . نماینده دوره اول(ازطرف‌تجار تهران) .

شاهرخ ، ارباب کیخسرو.فرزند شاهرخ. نماینده دوره ۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹، ۱۰ ۱۱ و۱۲ (ازطرف اقلیت‌زردشتیها) .

شاهرخشاهی، هرمز. فرزندمحمدمهدی. متولد حدود ۱۳۰۰ شمسی .نماینده‌دوره ۱۸ (اراك).

شاهرودی ، محمدتقی. نماینده‌دوره‌اول (تهران).

شاهکار ، محمد . فرزند حاج‌آقانورالله کرمانشاهی. متولد۱۲۷۸شمسی.نماینده دوره ۱۸ و۱۹ (تهران) .

شایگان ، سیدعلی . فرزندحاج سیدهاشم مولی . متـولد ۱۲۸۰شمسی . نماینده دوره ۱۶ و۱۷ (تهران) .

شباهنگ، عبدالرحیم. فرزندحاج‌محمدحسین.متولدحدود۱۲۵۰ شمسی.نماینده دوره‌های ۱۱ ، ۱۲و۱۳(تهران).

شباهنگ،علی.نماینده‌دوره۱۰ (تهران).

شبستری ، سید مـرتضی. نماینده دوره ۱۷ (تبریز) .

شجاع‌چاغروند ، جواد. فرزندآقاربیع. متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی . نـمـاینده دوره‌های ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ و ۱۴ (خرم‌آباد) .

شرعی ، محمد . فرزند ارازقلی. متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی . نماینده دوره۲۰ (گنبد قابوس) .

شریعتزاده ، میرزااحمد خان . فرزند حاج میرزاحسین. متولد حدود ۱۲۶۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۵،۶،۷،۱۴و ۱۵ (بابل) و۸ و۹ (محلات) .

شریعتمدار، حاج‌آقاحسن.فرزند حاج‌میرزاابوتراب.متولدحدود۱۲۵۰شمسی. نماینده‌دوره ۳ (بروجرد).

شریعتمدار.حاج‌میرزاهاشم . فرزندحاج محمدحسین مجتهد شیبانی . متولدحدود ۱۲۵۰شمسی. نماینده‌دوره۴ (سبزوار).

شریعتمدارکرمانی، محمد. فرزندآقامهدی. متولدحدود۱۲۵۵شمسی.نماینده دوره ۴ (رفسنجان) .

شریعت‌العلماء ، سیدعباس . فرزند سید محمد مجتهد. متولد حدود۱۲۹۶شمسی. نماینده دوره‌های ۲ و۳ (ساری).

شریعتمدار ، حاج‌شیخ‌محمدحسن.فرزند آقاعلی حیدری ، متولد حـدود ۱۲۵۲ شمسی . نماینده دوره ۴ (بیجار).

شریف‌زاده خاوری، مرتضی. فرزندسیدعباس‌شریف‌العلماء . متولدحدود۱۲۸۰ شمسی . نماینده دوره ۱۵ (ساری).

شریفی،سیدابراهیم. متولدحدود ۱۲۷۴ شمسی. نمـاینده دوره‌هـای ۷ ، ۸ و ۹ (کاشان) .

شفیعی ، حیدر . فرزند یعقوب . متولد حدود ۱۲۷۵ شمسی . نماینده دوره ۱۸ (سراب) .

شفیعی‌پورکرمانی ، حسین. فرزند علی‌اکبر . متولد ۱۲۹۹ شمسی . نمـاینده دوره ۲۱ (رفسنجان) .

شکوایی، یوسف ، فرزندمیرزاعلی‌اکبر. متولد ۱۲۸۰ شمسی . نماینده دوره۱۶ (اراك) .

شکیبانوبری، حاج حسین. فرزند علی‌اصغر . متولد۱۲۹۷شمسی. نماینده‌دوره ۲۱ (تبریز) .

شمس‌الحکماء ، میرزاهدایت‌الله . فرزند کربلایی‌احمد. نماینده‌دوره‌اول(کرمان).

شوشتری‌جزایری، سیدمحمدعلی.فرزند سیدحسن . متولدحدود ۱۲۷۲ شمسی . نماینده دوره ۲(سلیمانیه) ودوره‌هـای ۵ ، ۱۶ و۱۸(استرآباد) .

شوکتی ، مهدی . فرزند غلامرضا.متولد ۱۲۹۰شمسی.نماینده دوره۱۷ (کاشمر).

شهاب‌فردوس، فرزندحاج‌سیدعبدالکریم متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی.نماینده‌دوره ۱۴ (فردوس) .

شهداد ، میرزا علی‌خان . متولد حدود ۱۲۷۴ شمسی . نماینده دوره۷(جهرم).

شهدوست ، عبدالله . فرزند محمدمهدی میرزای ناظر.متولدحدود۱۲۷۰ شمسی. نماینـده دوره‌هـای ۱۱ ، ۱۲ و ۱۳ (دره‌گز) .

شهریارپور ، محمد حسن‌خان . فرزند شاهزاده قهارخان . نماینده دوره اول (بابل) .

شهشهانی ، حاج‌سیدعبدالحسین. نماینده دوره اول (خراسان) .

شهید تبریزی ، میرزا ابراهیم . فرزند حاج شیخ علی‌زنجانی . نماینده‌دوره‌اول (تبریز) .

شهیدی ، سید حسن . نماینده دوره ۱۷ (نجف‌آباد) .

شهیدی ، حاج‌شیخ میرزاحسین . فرزند مولی محمد تقی برغانی معروف به‌شهید ثالث. نماینده‌دوره‌اول(قزوین) .

شیبانی ، مهدی. فرزندمحمود «محاسب الممالك». متولد حدود ۱۲۹۴ شمسی. نماینده دوره۱۹ (کاشان) .

شیبانی، میرزا احمدخان. نماینده‌دوره ۲(کاشان).

شیبانی، میرزا عبدالحسین‌خان وحیدالملك . فرزند میرزا آقاجان. نماینده دوره۲ (تهران) ودوره ۳ (تبریز).

شیخ، محمدخان‌شیخ‌احیاءالملك .فرزند حاج‌میرزا علی‌نقی صنیع‌الملك. متولد حدود ۱۲۴۷ شمسی . نماینده دوره ۸ (سیرجان) ودوره ۹ (لار).

شیخ‌الاسلامی ، سید مهدی .فرزند سید عبدالعزیز.متولد ۱۳۰۲شمسی.نماینده دوره۲۱ (سنندج).

شیخ‌الاسلام ، حاج میرزا علی اکبر . فرزند میرزا محمد رحیم. متولد حدود ۱۲۴۷ شمسی . نـمـاینده دوره ۴ (اصفهان).

شیخ‌الاسلام ملایری، اسماعیل . فرزند حاج سیدابراهیم . متولدحـدود ۱۲۶۱ شمسی. نماینده دوره‌های۴،۵و۶(دولت آباد ملایر)ودوره‌های۱۰،۱۱،۱۲،۱۳ و۱۴ (بیجارگروس)

شیخ‌الرییس، شاهزاده‌ابوالحسن‌میرزا. فرزندشاهزاده محمد تقی‌حسام‌السلطنه . متولد ۱۲۲۵ شمسی. نماینده دوره۲ (بابل).

شیخ‌الملك سیرجانی، شیخ محمدحسین خان. فرزند درویش‌عباس قلی. نماینده دوره۳ (سیرجان).

شیرازی ، میرزا ابوالحسن‌خان. فرزند سیدجعفرهورموجی.نماینده‌دورهٔاول (از طرف اعیان تهران).

شیرازی، حاج میرزامحمدعلی. نماینده دورهٔ اول (شیراز).

شیرازی، حاج‌آقا. فرزند مجید.نماینده دوره‌های ۲و۳ (شیراز وتهران).

شیرازی شانگهای ، محمدتقی . فرزند محمد حسین .متولد حدود۱۲۵۳شمسی. نماینده دوره‌های ۹،۱۰،۱۱،۱۲ و۱۳ (شیراز) .

شیروانی«بنان‌السلطنه»،میرزاابوطالب. فرزند سردار عبدالله‌خان. متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی. نماینده دوره‌های ۵ و۶ (شهرضا).

صاحب جمع ، عسکر. فرزند باباخان. متولدحدود۱۲۷۹شمسی. نماینده‌دوره‌های ۱۵و۱۶ (قزوین) .

صاحب دیوانی ، غلامحسین . فرزند

محمد حسین.متولدحدود ۱۲۷۹ شمسی. نماینده دوره۱۵ (فسا).
صاحب قلم، تقی. فرزند سیف‌الله. متولد ۱۲۹۳ شمسی. نماینده‌دوره ۲۰ (رضاییه) و ۲۱ (داراب).
صادق وزیری ، نصرت‌الله خان. فرزند محمد.متولد۱۲۷۳ شمسی.نماینده‌دوره‌های ۱۱، ۱۲و۱۳ (سنندج) .
صادق «مستشارالدوله» ، صادق. فرزند میرزا جوادخان.نماینده دوره‌های ۱و۲ (تبریز).
صادقی، ابوالحسن. فرزندعبدالله«معین‌الرعایا» . متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۴و۱۵ (تبریز)
صادقی «معین‌الرعایا» ، میرزاعبدالله . فرزند حاج محمد صادق. متولد حدود ۱۲۴۹ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۲،۷و ۱۰ (تبریز).
صارمی ، غلامحسین . فرزند عزیزالله اعتضادالسلطان . متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸ و ۱۹ (جهرم) .
صالح ، الهیار.فرزند آقا سیدحسن‌خان مظفرالممالک. متولد حدود ۱۲۷۵ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۶ و ۲۰ (کاشان).
صالح شیبانی، محمدکاظم . فرزند حیدر-علی . متولد حدود ۱۲۷۵ شمسی . نماینده دوره های ۱۶ ، ۱۸ و ۱۹ (کاشان) .
صالحی،حاج‌شیخ عبدالرحمن.فرزندحاج میرزاصالح. صارم‌السلطان. متولدحدود ۱۲۵۰ شمسی.نماینده دوره‌های ۵،۶و۷ (خرم‌آباد)
صالحی،جادکانی . فرزنداسماعیل.متولد ۱۲۹۲ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (فریدن).
صایب ، سید علی . فرزندسید مصطفی. متولد ۱۲۹۹ شمسی. نماینده‌دوره ۲۱ (اصفهان) .
صایبی ، فرزند ابوتراب. مدیرالتجار. متولد ۱۲۹۷ شمسی. نماینده‌دوره ۲۱ (ملایر) .
صایبی،حیدر.فرزند محمود.متولد۱۳۰۰ شمسی. نماینده‌دوره ۲۱ (تهران).
صدر «صدرالاسلام»، سید عبدالحسین . فرزند حاج‌سید محمدعلی مدرسی.متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی . نماینده دوره ۵ (شیراز) .

صدرالاشراف ، محسن . فرزند حسین محلاتی. متولد حدود ۱۲۵۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۱، ۱۲و۱۳ (محلات).
صدرالاسلام ، حاج شیخ علی. فرزند حاج‌آقا رحمت‌الله. نماینده‌دوره‌های ۳و۴ (زنجان).
صدرالاسلام ، فرزند حاج‌سیدمحمدعلی مدرسی. متولد۱۲۶۵ شمسی. نماینده‌دوره ۵ (شیراز) .
صدرالتجار، میرزا محمد علی .نماینده دوره اول (شیراز).
صدرالممالك قزوینی، سیدشفیع.فرزند حسام‌السادات. نماینده دوره ۳ (ایل بختیار).
صدرالملك،سیدمحمود.فرزندصدرالملك متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی.نماینده‌دوره سوم (فسا) .
صدرایی ، میرزا محمد حسین . فرزند میرزا محمد علی حاجی . متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی.نماینده دوره‌های ۴و۵ (دماوند) .
صدرثقةالاسلام ، میرزاابوالحسن فرزند حاج میرزاموسی. متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۶،۸،۹، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ و۱۴ (تبریز).
صدرزاده،شیخ‌مهدی‌خان. فرزندعبدالعلی. صدرالعلماء.متولد حدود ۱۲۷۵ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۸ و۱۹ (شیراز) .
صدرقاضی ، ابوالقاسم . فرزندعلی . متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی . نماینده دوره ۱۴ (مهاباد).
صدرمیرزا حسینی، ابوالحسن . فرزند محمد.متولدحدود۱۲۵۷ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۶ و۲۰ (جیرفت وکرمان).
صدری «قوام‌الدوله» ، شکرالله‌خان . فرزند حاج محمد حسین صدرالدوله . نماینده دوره سوم (نجف‌آباد) ودوره‌های ۴ و۵ (خرمشهر) .
صدری، عبدالحسین . فرزندحاج‌صدر-الامراء . متولد ۱۲۹۵ شمسی . نماینده دوره ۴ (خرم‌آباد) .
صدری،محسن . فرزندعبدالعلی . متولد حدود ۱۲۹۶ شمسی . نماینده دوره۲۰ (اصفهان) .
صدر تبریزی ، ناصر . نماینده دوره۶ (تبریز) .
صدریه،سیدعبدالکریم .فرزندسیدمهدی. متولدحدود۱۲۷۰ شمسی . نماینده‌دوره

۱۶ (شاهرود) .
صدق‌السلطنه، لطف‌الله.فرزندحاج‌میرزا عبدالله‌خان . متولد حدود۱۲۳۹ شمسی. نماینده دوره ۵(تبریز) .
صدقی ، حسین . فرزندمحمدعلی.متولد حدود ۱۳۰۰ شمسی. نماینده دوره ۱۸ (کاشان) .
صدقیانی ، عبدالعظیم . فرزندعلی‌اصغر. متولد ۱۳۰۴ شمسی . نماینده دوره۲۱ (کنگاور) .
صدیقی‌دریانیان ، علی‌اکبر. فرزند آقا صادق.متولد حدود۱۲۶۴ شمسی.نماینده دوره ۱۰ (شاهرود) .
صرافزاده ، رضا.فرزندحاج‌علی‌صراف. متولدحدود۱۲۷۸ شمسی، نماینده‌دوره‌های ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ و ۲۰ (یزد).
صراف‌فدایی ، حاج سیدمحمد. فرزند سید مجتبی . نماینده دوره اول(ازطرف صرافهای تهران) .
صفا ، میرزافضلعلی . فرزندحاج میرزا عبدالکریم‌ملاباشی. تبریزی. متولدحدود ۱۲۳۹ شمسی. نماینده دوره‌اول(ازطرف علماء تبریز) .
صفاری «سالارمؤید» ، میرزااحمدخان. فرزند میرزا محمدحسین‌خان . متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی . نماینده دوره‌های ۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲و۱۳ (لاهیجان).
صفاری ، محمدعلی . فرزندمحمدحسین خان «معظم‌السلطنه».متولدحدود۱۲۸۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸،۱۹و۲۰ (لاهیجان) .
صفاری«مشاوراعظم»، میرزایوسف‌خان. فرزند جعفرخان مستوفی . متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی. نماینده دوره۵(بروجرد) و ۱۷ (تهران) .
صفایی، حاج‌سیداحمد.فرزندسیدمرتضی. متولد حدود ۱۲۸۴ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۷ و۱۸ (قزوین) .
صفایی حایری ، عبدالصاحب . فرزند شیخ‌محمدعلی.متولدحدود۱۲۸۸ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۶ و۱۸ (ساری) .
صفوی، شکرالله.فرزندمیرزاسیدعلیرضا-خان . متولد ۱۲۷۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ (بوشهر) .
صفی‌پور،علی‌اکبر.فرزندابوالفتح.متولد ۱۲۹۹ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (نهاوند) .
صمصام بختیاری ، احمدقلی . فرزند

مرتضی‌قلیخان. متولدحدود ۱۲۸۸ شمسی. نماینده دوره ۴ (شهرکرد) .

صمصام بختیار ، میرزا مرتضی قلیخان. فرزند صمصام‌السلطنه. نماینده دوره ۲ (اصفهان) .

صمصام بختیاری ، هوشنگ . فرزند صمصام‌السلطنه . متولد ۱۲۹۳ شمسی . نماینده دوره ۲۰ (نجف‌آباد) .

صمصام‌السلطنه ، نجفقلیخان . فرزند حسینقلی‌خان ایلخانی بختیاری. نماینده دوره ۴ (تهران) .

صمیمی، محمد. فرزندحاج‌احمد. متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی. نماینده دوره ۲۰ (رامهرمز) .

صنعی «عمادالسلطنه»میرزاحسنعلی‌خان. فرزندمؤتمن‌السلطنه. متولدحدود ۱۲۵۶ شمسی. نماینده دوره‌های ۳ و۴(مشهد).

صنیع‌الدوله ، مرتضی‌قلیخان . فرزند علیقلی‌خان.مخبرالدوله . متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۱ و۲ (تهران) .

صولت قشقایی، میرزااسمعیل‌خان.فرزند داراب‌خان . متولد۱۲۵۲شمسی.نماینده دوره‌های ۵ و۸(جهرم) .

صولت‌قشقایی،محمدحسین.فرزنداسمعیل متولد حدود ۱۲۹۳ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۴ ، ۱۵ و۱۷ (آباده) .

ضابطی طرفی ، حسن . فرزندحبیب‌الله متولد ۱۳۰۸ شمسی . نماینده دوره۲۱ (نطنز) .

ضیاءابراهیمی،سلیمان.فرزندعبدالرضا. متولد ۱۲۷۱ شمسی . نماینده دوره۱۵ (جیرفت) .

ضیاءالادباـ فرزند میرزاابوالحسن‌خان «روحانی» . متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی. نماینده دوره ۴ (شیراز) .

ضیاءالواعظین،سیدابراهیم . فرزندسید مصطفی . متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۵ ، ۶ و ۷ (ازطرف ایل‌قشقایی).

ضیاءالملك ، میرزا محمد تقی خان . فرزند میرزاآقاسررشته‌دار. نماینده‌دوره ۲ (سمنان) .

ضیاء «ضیاءالاطباء»، میرزاآقا . فرزند حاج‌میرزا محمود حکیم‌باشی . متولد حدود ۱۲۴۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۵ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۲ و۱۳ (تربت ـ حیدریه) .

ضیایی ، خلیل . فرزند میرزاآقاضیاءـ الاطباء . متولد ۱۲۹۴ شمسی . نماینده دوره ۲۰ (تربت جام).

ضیایی ، محمود. فرزند میرزاآقاضیاءـ الاطباء . متولد ۱۲۸۸ شمسی. نماینده دوره ۱۹ و ۲۱ (مشهد) .

طالبزاده، سیدمرتضی.فرزندسیدمحمود. متولد ۱۳۰۰ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (رودسر) .

طاهباز ، قاسم.فرزندحاج محمود.متولد حدود ۱۲۹۵ شمسی . نماینده دوره۲۰ (شمیران) .

طاهری ، ضیاءالدین . فرزند هادی . متولدحدود۱۳۰۳ شمسی. نماینده دوره ۱۹ (یزد) .

طاهری ، شیخ‌هادی.فرزند محمدحسین. متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی . نماینده دوره‌های ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶ و۱۷ (یزد) .

طاهری ، محسن . فرزند میرزا طاهر متولی . متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی . نماینده دوره‌های۱۶ و۲۰(مشهد).

طبا ،عبدالحسین. فرزند مرتضی‌قلیخان نایینی . متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی . نماینده دوره‌های۱۵ ، ۱۶(نایین).

طباطبایی معصومی نایینی ، خانبابا . فرزند مرتضی قلیخان . متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۱، ۱۲ و۱۳ (نایین) .

طباطبایی ، سیدضیاءالدین . فرزند سید عیسی‌آقا وکیل یزدی . متولدحدود ۱۲۷۰شمسی . نماینده دوره‌های۴ و۱۴ (یزد) .

طباطبایی ، سیدعبدالحسین. فرزندسید مظفر. نماینده دوره۲ (بروجرد).

طباطبایی، سیدعبدالحسین . فرزندسید ضیاء الدین. متولد۱۲۹۹شمسی.نماینده دوره ۲۱(کازرون) .

طباطبایی «سلطان‌العلما» ،محمد.فرزند حاج‌علی اصغر، سلطان‌العلماء . متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی ، نماینده‌دوره‌های ۱۵ ، ۱۶ و۱۸ (بروجرد).

طباطبایی ، سیدمحمد . فرزند حاج‌سید محمدباقر . متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی. نماینده دوره‌های۱۱ ، ۱۲ و۱۳(ساوه وزرند) و۱۴ (سبزوار) .

طباطبایی بروجردی «سلطان‌العلماء»، سید محمدتقی . فرزندحاج‌میرزا محمدـ حسین . متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی . نماینده دوره‌های ۶ ، ۸ ، ۹ و ۱۹ (بروجرد) .

طباطبایی ، سید محمد صادق . فرزند آیةالله سیدمحمد . متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی . نماینده دوره ۲ (خراسان) و۴ (ساوجبلاغ وشهریار) و۳ و۱۴ و ۱۶ (تهران) .

طباطبایی «سنگلجی»، سیدمحمد.فرزند سیدصادق. متولد ۱۲۵۷ قمری. نماینده دوره اول (ازطرف ارامنه).

طباطبایی‌قمی، احمد،حاج‌سیدعلی‌صدیق. متولد حدود ۱۳۸۲شمسی. نماینده‌دوره ۱۹ (قم) .

طباطبایی وکیلی ، میرزا صادقخان. فرزند حاج‌اعتضادالممالك. متولدحدود ۱۲۶۰ شمسی.نماینده دوره‌های۶، ۷ و۸ (اردبیل).

طلوع، محمود رضا. فرزندحاج‌آقارضا. متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۶ و۷(لاهیجان).

طوسی ، داود . فرزند میرزامسیح‌بنان. متولد حدود ۱۲۵۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۲ ، ۱۳ و۱۴(بجنورد).

طهماسبی ،کریم. فرزندعنایت‌الله.متولد حدود ۱۳۰۷ شمسی . نماینده دوره۲۰ (دزفول) و ۲۱(کازرون) .

ظفر ،کیقباد . فرزند خسرو . متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۸ و۱۹ (گلپایگان) .

ظفر ، ملکشاه. فرزند امیرحسین.متولد حدود ۱۲۱۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۲۰ و۲۱ (ایذه) .

ظفری «ظفرالسلطان» ، اسماعیل.فرزند ابراهیم . متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی . نماینده دوره‌های، ۷ ، ۱۴ ، ۱۵و۱۶، (ملایر) .

عامری،میرزااسدالله.فرزندسهام‌السلطنه. متولدحدود۱۲۶۷شمسی.نماینده‌دوره‌های ۶ ،۷ و ۸ (کاشان).

عامری،حاج احمد . متولدحدود۱۲۸۴ شمسی . نماینده دوره ۲۰ (اهواز).

عامری، امان‌الله.فرزندغلامحسین.مجلل، متولد حدود ۱۲۹۲ شمسی. نماینده‌دوره ۱۹(کرمان) .

عامری ، جواد. فرزند ابوالحسن.متولد حدود ۱۲۷۲شمسی . نماینده دوره‌های ۱۴ ، ۱۵ ۱۶ و۱۷ (سمنان) .

عامری ، سلطان ، محمد . متولد حدود ۱۳۱۰ شمسی. نماینده‌دوره ۶ (نایین).

عاملی، شیخ‌حسین . فرزندحاج‌شیخ‌محمد

علی . متولد حدود ۱۲۷۱ شمسی. نماینده دوره ۱۸ (قوچان) .
عاملی ، باقر . فرزند محمد شیخ الحرمین متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (تهران) .
عباس ، میرزا. فرزند آقامیرزا علی اکبر متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی ، نماینده دوره ۳ (یزد) .
عباسقلی ، حاج عباسقلی. نماینده دوره اول (ازطرف خبازهای تهران).
عباسی ، محمد . فرزند حسن . متولد حدود ۱۲۷۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵ ، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ (سقز).
عبدالکریم. شیخ عبدالکریم. نماینده دوره اول (یزد) .
عبدالوهاب ، حاجی عبدالوهاب . نماینده دوره اول (ازطرف کلاهدوزهای تهران.)
عبده ، جلال . فرزند محمد . متولد ۱۲۸۸ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۴ و ۱۵ (تهران) .
عدل، غلامرضا . فرزند یوسف قایم‌مقام. متولد حدود ۱۲۸۶ شمسی نماینده دوره‌های ۱۸، ۱۹، ۲۱ (تبریز) .
عدل، مجید. فرزند سید مسعود . متولد ۱۲۸۹ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (گورمی دامغان) .
عدل ، سیدمهدی . فرزند سید مسعود . متولد حدود ۱۲۷۵ شمسی. نماینده دوره ۱۴ (مشکین شهر) .
عدل اسفندیاری ، عبدالله . فرزند میرزا حسین‌خان، سردار نصرت. متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی . نماینده دوره‌های ۴ و ۱۵ (بم و سیرجان).
عدل طباطبایی ، عبدالرضا . فرزند عباسقلی . متولد حدود ۱۳۰۳ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (سراب) .
عدل قایمقام ، میرزا یوسفخان. فرزند عدل الملك . متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۵ ، ۶ و ۷ (تبریز) .
عراقی، حاج سید اسماعیل . فرزند حاج آقا محسن. متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی. نماینده دوره‌های ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰ و ۱۱ (اراك) .
عراقی. حاج میرزا شمس‌الدین . فرزند حجت‌الاسلام حاج آقا محسن . متولد حدود ۱۲۵۴ شمسی . نمایندهٔ دوره ۳ (اراك) .
عرب شیبانی ، عباسقلی . فرزند امیر سلیم . متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵ ، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ (فسا).
عرفانی، غلامحسن . فرزند نصیرالکتاب. متولد حدود ۱۲۷۰ شمسی . نماینده دوره ۲۰ (ایلام) .
عزیزی ، محمود . فرزند جعفر . متولد حدود ۱۲۷۴ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ (بوشهر) .
عصرانقلاب ، میرزا آقاخان . فرزند میرزا عبدالله خان. متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی . نماینده دوره‌های : ۵ و ۶ (اردبیل) .
عطایی ، بهمن . فرزند حسین . متولد ۱۳۰۰ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (بندر معشور) .
عظیما ، حسنخان . متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی . نماینده دوره ۷ (تهران) .
عظیمی «نظم الملك» . میرزا باقرخان . فرزند حاج میرزا علی اکبرخان بصیرالملك. متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی. نماینده دوره ۵ (خوی) .
عقیلی «معتضد استرآبادی»، سیدحسن. فرزند سید حبیب‌الله. نماینده دوره ۶ (استرآباد).
علاء « معین الوزراء» ، میرزا محمد خان . فرزند میرزا محمد علیخان . متولد ۱۲۶۴ شمسی . نماینده دوره ۵ (تهران) .
علاءالدین ، سید علاءالدین . فرزند قاضی نورالله مرعشی. نماینده دوره اول (دزفول وشوشتر) .
علایی «صدرالعلماء» ، شیخ علیمحمد . نماینده دوره اول (نطنز) .
علامهٔ وحیدی ، محمد علی . فرزند ابوالقاسم . متولد ۱۲۷۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸ ، ۱۹ و ۲۰ (کرمانشاه) .
علمی غروی ، شمس‌الدین . فرزند حاج سید اسحق رشتی . متولد حدود ۱۲۹۵ شمسی . نمایند دوره ۱۷ (لاهیجان).
علوی ، حسن . فرزند سیدباشی. متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. نماینده دوره ۱۶ (بوشهر) .
علوی سبزواری «آقا زاده» ، حسن . فرزند حجةالاسلام حاج میرزا حسین . متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۶ ، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ (سبزوار) .
علوی ، سید محمد . نماینده دوره ۱۰ (کاشان) .
علوی خلخالی ، سید ابوالفتوح فرزند سید علی . متولد حدود ۱۲۶۳ شمسی . نماینده دوره ۵ (اردبیل) .
علی اکبر پلویی ، حاجی علی اکبر . نماینده دوره اول (از طرف آشپزهای تهران) .
علی‌آقا ترك، حاج میرزا . فرزند ملا عبدالعظیم تبریزی . نماینده دوره اول (خراسان) .
علی‌آبادی ، میرزا داودخان . فرزند میرزا محمد حسین . نماینده دوره ۲ (تهران) .
علی‌آبادی «فتح‌الدوله». فرزند میرزا علی خان مستوفی متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی. نماینده دوره ۱۴ (نجف‌آباد)
علینقی ، میرزا سید . نماینده دوره اول (دماوند وفیروزکوه) .
عمادالاسلام . نماینده دوره اول (یزد) .
عمادی ، سید علی . فرزند سید مهدی . متولد حدود ۱۲۵۶ شمسی. نماینده دوره‌های ۶ و ۷ (ساری) .
عمید ، موسی. فرزند احمد «روحانی». متولد حدود ۱۲۸۶ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸ ، ۱۹ و ۲۰ (تهران).
عمیدالحکماء ، میرزا سید ابراهیم‌خان. فرزند میرزا سید رضی حکیم . نماینده دوره ۱ (سمنان) .
عمیدالسلطنه ، حاج سید ابراهیم خان. نماینده دوره اول (شاهرود) .
عمیدالسلطنه، میرزاسید ابراهیم. فرزند میر سید علی خان . متولد حدود ۱۲۵۳ شمسی. نماینده دوره ۴ (نیشابور).
عمیدالممالك، میرزامحمد خان، فرزند حاج میرزا محمد حسین مستوفی. متولد حدود ۱۲۴۷ شمسی. نماینده دوره ۴ (سمنان) .
عمیدی‌نوری ، ابوالحسن . فرزند محمد رضا. عمیدالشعرا. متولد حدود ۱۲۸۲ شمسی . نماینده دوره ۱۸ و ۱۹ (بابل) .
عون الدوله ، میرزا اسمعیل خان . فرزند ملاحسین سلطان الذاکرین. نماینده دوره ۱ (ازطرف اعیان تهران) .
عیسی خان ، میرزا عیسی خان، فرزند میرزا ابوالحسن خان . متولد حدود

۱۲۶۱ شمسی . نماینده دوره ۳ (ساوه و زرند) .

غضنفر خان . فرزند میرزا علی‌اکبرخان « معتمد الوزراء » متولد حدود ۱۲۶۸ شمسی . نماینده دوره ۴ (گلپایگان) .

غضنفری « امیر اعظم » ، علی محمد . فرزند نظرعلیخان.متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ (خرم‌آباد) .

غلامرضا ،کربلایی غلامرضا . نماینده دوره اول (از طرف یخدانسازها و سراجهای تهران) .

غنی ، امین ، فرزند سید حسین. متولد حدود ۱۳۰۱شمسی. نماینده دوره ۲۱ (سبزوار) .

غنی ، قاسم خان . فرزند میرزا سیدعبدالغنی خان . متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲، و۱۳ (مشهد) .

فاتح‌الملك ، حاج میرزا احمد. نماینده دوره ۲ (اصفهان) .

فاخر ، حسین فرزند حاج سید رضاشریعتمدار. متولد حدود ۱۲۹۶ شمسی. نماینده دوره ۱۷ (سراب) .

فاضلی ، سید عباس . فرزند سید احمد. متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی . نماینده دوره ۱۵ (یزد) .

فاطمی، میرزاحسینخان . فرزندمیرزامحمد علیخان . متولد حدود ۱۲۵۳ شمسی. نماینده دوره‌های۷و۹ (شهرضا) و ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ و ۱۳ (اصفهان).

فاطمی «مصباح‌الدوله»، میرزا علینقی . متولد حدود ۱۲۷۶ شمسی . نماینده دوره ۷ (نایین) .

فاطمی «عمادالسلطنه» ، سید مهدی . فرزندحاج‌میرزامحمدباقرخان‌مشیرالملك اصفهانی.متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی . نماینده دوره‌های۴،۵،۶و۸ (اصفهان)و ۱۴ (نایین) .

فانی ، فتحعلیخان باباخان . فرزند محمدحسنخان. مسعودالسلطنه قوامی . متولد ۱۲۶۱ شمسی . نماینده دوره ۳ (شیراز) .

فتوحی ، میرزا موسی خان . فرزند محمد.متولدحدود۱۲۶۸شمسی. نماینده دوره‌های ۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳و۱۴ (تبریز و مراغه) .

فخرطباطبایی ، جواد . فرزند آقا همت‌الله . متولد حدود ۱۳۶۳ شمسی . نماینده دوره ۱۱ (بروجرد) .

فخر طباطبایی ، غلامحسین . فرزند حاج آقا حسین . متولد حدود ۱۲۹۵ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۹،۲۰و۲۱ (بروجرد) .

فخرالسادات ، سید فخرالدین . نماینده دوره اول (شیراز) .

فداکار ، تقی . نماینده دوره ۱۴ (اصفهان) .

فرامرزی ، احمد . فرزند عبدالواحد. متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵،۱۷ و۱۷ (بوشهر).

فرامرزی ، عبدالرحمن ، فرزند شیخ عبدالواحد. متولد حدود۱۲۸۰ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۵ و۱۶ (لار) و۱۷ و ۱۸ (ایوانکی و ورامین) و ۲۰ (بندرلنگه) .

فربود ، همایون . فرزند ابراهیم . متولد ۱۳۰۱ شمسی . نماینده دوره۲۱ (شیراز) .

فرج‌الله ، شیخ . فرزند آقا اسدالله . متولد حدود ۱۲۵۰ شمسی . نماینده دوره ۵(کرمان) .

فرخ ، محمود . فرزند احمد . متولد حدود ۱۲۷۴ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۲و۱۳ (قوچان) .

فرخ « متین‌السلطنه » ، سید مهدی . فرزندمیرزا سیدمحمدخان‌معتصم‌السلطنه. متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی . نماینده دوره۳(تربت حیدریه) و ۱۴(سیستان).

فرخی ، میرزا محمد خان. فرزندمحمد ابراهیم یزدی.متولدحدود۱۲۶۷شمسی. نماینده دوره ۷ (یزد) .

فرزانه ، میرزا اسماعیل خان . فرزند میرزا علینقی. حکیم‌الممالك . نماینده دوره ۲.

فرزانه ، سید فخرالدین . فرزند حاج سید علی میر عبدالباقی . متولد حدود ۱۲۷۵ شمسی . نماینده دوره ۱۷ (کرمان) .

فرزین ، میرزا محمد علیخان . فرزند میرزا مسیح‌خان. متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی . نماینده دوره ۳ (همدان) .

فرشی . حاج میرزا آقا . فرزند حاج محمد حسن . متولد حدود ۱۲۵۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۱،۲،۶،۷،۸، ۹ و ۱۰ (تبریز) .

فرشی، غلامحسین . فرزند حاج میرزا آقا . متولد حدود ۱۲۷۱ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۱ ، ۱۲ و ۱۳ (تبریز) .

فرمانفرما ، محمد ولی میرزا . فرزند اسکندرخان. سردار افخم. متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۵،۶ و ۷ (تبریز) و ۱۳ و۱۴ (سراب) .

فرمانفرما ، عباس‌میرزا. فرزندشاهزاده عبدالحسین میرزا . متولدحدود۱۲۶۸ شمسی. نماینده دوره‌های ۵ ، ۶ و ۷ (مراغه) .

فرمانفرما، عبدالحسین میرزا . فرزند نصرةالدوله فیروز میرزا. نماینده دوره ۲ (اراك) .

فرود ، سید فتح‌الله . فرزند فضل‌الله «نبیل‌الدوله» متولد حدود۱۲۸۰شمسی. نماینده دوره ۱۴ (ساوه وزرند) و۱۸و ۱۹ (تهران) .

فروغی«ذکاءالملك»میرزا محمدعلیخان. فرزند میرزا محمد حسین . نماینده دوره‌های ۲و۳ (تهران) .

فروغی ، محسن . فرزند محمد علی . متولد حدود ۱۲۸۶ شمسی . نماینده دوره ۱۹ (تهران) .

فروهر ، ابوالقاسم . فرزند محمود. قوام الدوله . متولد ۱۲۵۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۲ و۱۳ (تهران) .

فروهر ، فیروز . فرزند ابوالقاسم . متولد حدود ۲۲۹۷ شمسی . نماینده دوره ۱۹ (اراك) .

فرهودی ، سیدحسین . متولد ۱۲۷۵ شمسی .نماینده دوره‌ها ۱۴ و۱۶(دشت‌میشان ودزفول) .

فرید اراکی ، علاءالدین. فرزند حاج سیداحمدحجتی امامی. متولدحدود ۱۲۸۱ شمسی . نماینده دوره ۱۸ (بروجرد) .

فرهمند ، میرزاحسنخان. فرزند میرزا حسینخان . متولد حدود. ۱۲۶۵ شمسی. نماینده۶(همدان) .

فریدونی، احمد.فرزندحاج محمدرحیم‌خان متولد حدود ۱۲۶۰شمسی.نماینده دوره ۱۳ (سبزوار) .

فریور، غلامعلی. فرزندآقاعباس. متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. نماینده دوره ۱۴ (تهران) .

فزونی«نصیردیوانی»، میرزافتح‌اللهخان. فرزند حاج‌محمدصالح‌خان‌کلهر «مؤید–

الوزراء» . متولد حدود ۱۲۴۲ شمسی . نماینده‌دوره‌های۴، ۸، ۹ و ۱۰ (کرمان).
فضایلی، محمد . فرزند شیخعلی علامه . متولد حدود. ۱۲۹۰ شمسی. نماینده‌دوره ۱۹ (ساری) .
فضلعلی ، حجة‌الاسلام حاج شیخ . متولد حدود ۱۲۴۷ شمسی . نماینده دوره ۳ (قزوین) .
فقیه ، اسدالله. فرزند اسماعیل . نماینده دوره ۸ (تهران) .
فقیه زاده ، ابوالقاسم. فرزند شیخ محمد حسین. متولدحدود۱۲۶۷ شمسی. نماینده دوره ۱۶ (قزوین).
فقیهی شیرازی ، سید عبدالکریم. فرزند حاج سیداسماعیل . متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی. نماینده دوره ۱۷ (خرم‌آباد).
فلسفی ، حسین. فرزندعلی. متولد حدود ۱۲۹۸شمسی. نماینده دوره ۲۰ (استرآباد) .
فلسفی ، خلیل. فرزند علی. متولدحدود ۱۲۸۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۴ ، ۱۵ و۱۷ (استرآباد) .
فولادوند ، امیرحسین . فرزند عزیزاله متولد حدود ۱۲۹۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۹ و ۲۰ (خرم‌آباد) و ۲۱ (الیگودرز) .
فولادوند ، امیرقاسم . فرزند عزیزالله «هژیرالسلطنه » . متولد حدود ۱۲۸۷ شمسی . نماینده دوره هـای ۱۴ و ۱۶ (بروجرد) .
فولادوند، عزیزالله. متولدحدود۱۲۶۳ شمسی. نماینده دوره ۱۷ (خرم‌آباد) .
فولادوند، غلامرضا .فرزندعزیزاللهخان. متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵ و۱۶ (شاهرود) .
فومنی ، سید زین‌العابدین . فرزند حاج سید مرتضی. متولد حدود ۱۲۶۹شمسی. نماینده دوره ۱۶ (فومن) .
فهیمی «فهیم‌الملک» ، خلیل . فرزند میرزا محمودخان نعیم السلطنه. متولد حدود ۱۲۵۹ شمسی. نماینده دوره های ۲ و۴ (قزوین) و۶ و۷و۸و۹ (قوچان).
فهیمی ، رحمت‌الله. فرزند وردی قلیچ . متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. نماینده‌دوره ۲۱ (دشت‌گرگان).
فیروز ، اسکندر. فرزند محمد حسین . متولد حدود ۱۳۰۵ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۹ و۲۰ (همدان) .

فیروز ، شاهزاده نصرةالدوله. فرزند عبدالحسین‌میرزا. فرمانفرما. متولد۱۲۶۹ شمسی. نماینده‌دوره‌های۴و۵ (کرمانشاه).
فیروزآبادی ، حاج سیدرضا . فرزند سیدهاشم . متولد حدود ۱۲۵۱ شمسی . نماینده دوره ۳ (شهری) ودوره‌های ۶ ،۷، ۱۴ (تهران) .
فیصلی ، مکی. فرزند علی. متولد۱۳۱۰ شمسی. نماینده‌دوره ۲۱ (خرمشهر).
قاجار ، شیخ محسن. فرزند حاج محمد رحیم‌خان. نماینده دوره ۱ (کرمان) .
قاضی ، افغان. نماینده دوره ۳ (گنبدکاووس).
قاضی‌نوری ، میرزا ابوالحسن. متولد حدود ۱۲۵۵ شمسی نماینده دوره ۷ (ایوانکی) .
قبادیان ، خسرو. فرزند جوان میرکلهر «ضرغام الدوله» . متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. نماینده دوره ۱۹ (کرمانشاه).
قبادیان‌کلهر ، عباس. فرزند جوان میرکلهر«ضرغام‌الدوله»متولد حدود۱۲۷۸ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۴، ۱۵، ۱۶ (کرمانشاه) .
قراچورلو ، خانلر . فرزند حسینقلی . متولد حدود ۱۳۰۴شمسی. نماینده دوره ۲۰ (جغتای) .
قراچورلو ، حسین. فرزند حسین.متولد ۱۲۹۸ شمسی.نماینده دوره۲۱ (تهران)
قراگزلو «امیرنظام»، حاج عبدالله‌خان. فرزنداعتمادالسلطنه.متولد حدود۱۲۳۵ شمسی. نماینده دوره ۳ (همدان) .
قراگزلو، بهاءالملك. فرزند علیقلیخان بهاء الملك. متولد ۱۲۶۳شمسی.نماینده دوره ۴ (همدان) .
قراگزلو، محسن‌خان. فرزند ابوالقاسم‌خان. ناصرالملك. متولد حدود ۱۲۷۳ شمسی . نماینده دوره هـای ۷، ۸ و ۹ (همدان) .
قراگزلو ، منصور علی. سرداراکرم . فرزند عبدالله «امیرنظام». متولد۱۲۷۳ شمسی. نماینده دوره ۱۱ (همدان) .
قراگزلو،منوچهر. فرزندمیرزاتقی‌خان. متولد ۱۳۰۴ شمسی . نماینده دوره ۱۹ (همدان) .
قره‌گزلو «ضیاءالملك»، حسنعلی خان، فرزند حسنعلی . متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. نماینده دوره هـای ۵، ۶ و ۱۴ (همدان) .
قره‌گزلو ، محمدعلی. فرزند حاج‌حسین

متولد ۱۲۹۵ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (قم) .
قریشی ، علی. فرزند سید محمد . متولد ۱۳۰۵ شمسی.نماینده دوره۱۹ (مشهد).
قریشی ، سیدمحمد . فرزند سیدحسن . متولد ۱۲۸۶ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۶، ۱۸ و۲۰ (مشهد) .
قزل ایاغ ، حسینقلی.فرزند قربان‌خان. متولد ۱۲۵۴ شمسی.نماینده‌دوره‌های ۳ ،۹، ۱۰، ۱۱ و۱۲ (سمنان) .
قزوینی ، میرزا احمد. نماینده دوره۲ (تبریز) .
قزوینی،حاج‌رحیم‌آقا. فرزندحاج‌فتحعلی نماینده دوره ۷ (تبریز) .
قزوینی، حسن. فرزند آقا محمد رضا اللهوردی. متولد ۱۲۷۷ شمسی. نماینده دوره ۱۰ (کرمان) .
قشقایی «سردارعشایر» ، اسماعیل‌خان. فرزنداداراب‌خان. متولد ۱۲۵۷ شمسی. نماینده دوره‌های ۵، ۸ (جهرم) .
قشقایی ، خسرو . فرزند اسماعیل خان «سردار عشایر» . متولد حدود ۱۲۹۶ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۵،۱۶ و۱۷ (فیروزآباد) .
قشقایی ، محمدناصرخان،فرزنداسماعیل خان «سردارعشایر». متولد۱۲۷۱شمسی نماینده دوره ۸ (ایل قشقایی).
قمی، حاج میرزا ابراهیم. فرزند حاج ملا باقر. متولد ۱۲۵۵ شمسی. نماینده دوره‌های ۲،۴ (قم) .
قمی ، حاج میرزا علیرضا . فرزند حجة‌الاسلام حاج سیدجواد. متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۲، ۳ و۵ (قم) .
قمی ، حاج‌ملا محمود. نماینده دوره اول (قم) .
قنات‌آبادی ، حاج سید شمس‌الدین . فرزند حاج‌سیدمحمدحسین.متولد۱۲۹۳ شمسی . نماینده دوره هـای ۱۷ و ۱۸ (شاهرود) و ۱۹ (ایوانکی) .
قوام، میرزاابراهیم. فرزندسهراب‌خان. متولد ۱۲۶۸ شمسی. نماینده دوره‌های ۶، ۷، ۸، و۹ (شیراز).
قوام ، علی. فرزندابراهیم. متولد حدود ۱۲۹۲شمسی.نماینده دوره‌های ۱۹و۲۰ (شیراز) .
قوام‌الاسلام ، شریعتمدار. نماینده دوره ۲ (نیشابور) .

قوام‌الدوله، میرزا شکرالله‌خان. فرزند صدرالدوله اصفهانی. نماینده دوره های ۳ (نجف‌آباد) و ۴ (محمره).
قوام‌السلطنه، احمد. فرزندمیرزا ابراهیم‌خان معتمدالسلطنه. متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی. نماینده دوره ۴ (مشهد).
قوام‌السادات، حاج میرزا آقا بابا. نماینده دوره‌اول (ازطرف‌اصناف‌قوچان).
قوام دیوان، حاج حبیب‌الله. نماینده دوره اول (ازطرف اعیان شیراز).
قوامی «فروغ‌الملک»، سید اسماعیل. فرزند حبیب‌الله «قوام دیوان». متولد حدود ۱۲۷۶ شمسی. نماینده دوره های ۱۸ و ۲۰ (شیراز).
قوامی، محمد قلی. نماینده دوره ۱۵ (شیراز).
قهرمان، ابوالفتح. فرزند قهرمان میرزا «سردارعظمی» متولد ۱۲۷۳ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۵ و ۱۶ (شهرضا و اصفهان).
کازرونی« صدرالاسلام »، میرزا علی. فرزندآقاملاحسین. متولد ۱۲۴۷ شمسی. نماینده دووه‌های ۴ و ۵ (بوشهر) و۶، ۷، ۸ و۹ (بندرعباس).
کازرونیان، سیدابوطالب. فرزند حاج‌سیدمحمود. متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی. نماینده دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و۱۳ (شیراز).
کاسمی، نصرت‌الله. فرزند اسدالله. متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی. نماینده دوره ۱۶ (ساری).
کاشانی، حاج سید ابوالقاسم. فرزند آیت‌الله سیدمصطفی. متولد ۱۲۶۴ شمسی. نماینده دوره ۱۷ (تهران).
کاشانی، میرزاسیدحسن. فرزندحاج‌حسین. متولد ۱۲۴۵ شمسی. نماینده دوره های ۱، ۴ و ۵ (کاشان).
کاشانی، سیدعبدالرحیم. متولد ۱۲۵۲ شمسی. نماینده‌دوره‌های ۷ و ۸ (تهران).
کاشانی، سیدفاضل فرزند حاجی صدرالدین. متولد حدود ۱۲۴۰ شمسی. نماینده دوره‌های ۳ و۴ (شاهرود).
کاشانیان، حسن. فرزند حاج‌میرزامحمود. متولد ۱۲۷۶ شمسی. نماینده دوره ۱۸ (تهران).
کاشف، غلامحسین. فرزند محمد ابراهیم. متولد ۱۲۶۷ شمسی. نماینده دوره‌های ۹، ۱۰ و ۱۱ (تهران).
کاشف‌کاشانی، حاج محمد اسماعیل. نماینده دوره ۲ (تربت حیدریه).
کاظمی، سیدمصطفی. فرزندسیداحمدخان متولد ۱۲۶۶ شمسی. نماینده دوره ۱۴ (کرمان).
کامبخش، عبدالصمد. نماینده دوره ۱۴ (قزوین).
کامکارشاهرودی، میرزا باقرخان. فرزند حاج محمد حسن. متولد ۱۲۶۵ شمسی. نماینده دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ (قزوین).
کدیور، رضا. فرزندجواد. متولد ۱۲۸۳ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ (مشهد).
کردستانی، حاج میرزا اسداله خان. فرزند حاجی‌معتمد. متولد ۱۲۶۲ شمسی. نماینده دوره‌های ۲، ۳، ۴ و ۵ (سنندج).
کردستانی «وکیل‌الملك»، میرزامحمدخان. متولد ۱۲۶۴ شمسی. نماینده دوره‌های ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ (سنندج).
کردستانی «امین‌التجار»، حاجی میرعبدالمطلب. فرزند میرزا ابراهیم. نماینده‌دوره‌اول (ازطرف‌اصناف‌چهارگانه تهران).
کرمانشاهی، حاجی میرزاحسین خان، فرزند میرزایحیی. متولد ۱۲۵۸ شمسی. نماینده دوره ۳ (کرمانشاه).
کرمانشاهی، حاج ملك محمد. فرزند حاجی‌احمد. نماینده‌دوره‌اول (کرمانشاه).
کرمانی، محمد علی. نماینده اول (کرمان).
کرمانی «بحرالعلوم»، شیخ‌مهدی. فرزند آخوند ملامحمد جعفر. نماینده‌دوره اول (کرمان).
کرمانی، شیخ یحیی. نماینده دوره اول (کرمان).
کریمی، نادعلی. فرزند حاج محمدرضا. متولد ۱۲۹۳ شمسی. نماینده دوره های ۱۷ و۱۸ (کرمانشاه).
کزازی، سید حسن. فرزند حاج سیداسماعیل‌اجاق. متولدحدود ۱۲۴۸ شمسی. نماینده دوره ۵ (کرمانشاه).
کزازی، سیدحسین. فرزند حاج‌سیدحسن، متولدحدود ۱۲۵۱ شمسی. نماینده دوره‌های ۲ و ۳ (کرمانشاه).
کسرایی، ابراهیم. فرزند نقی. متولد ۱۲۹۰ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (تربت‌حیدریه).
کشاورز، فریدون. فرزند محمد. وکیل‌التجار یزدی. متولد ۱۲۸۶ شمسی. نماینده دوره ۱۴ (بندرپهلوی).
کشاورز صدر، سید محمد علی. فرزند آقاسید محمدکوچك. متولدحدود ۱۲۸۱ شمسی. نماینده دوره های ۱۵ و ۱۶ (خرم‌آباد).
کشاورزیان، محمد. فرزند غلامحسین. متولد ۱۲۹۹ شمسی. نماینده دوره ۲۰ (ملایر).
کشلولی، حاج محمدکریم خان. فرزند مهد یقلیخان. نماینده دوره ۲ (ایل قشقایی).
کفایی، جعفر. فرزند حاج میرزا احمد خراسانی. متولد ۱۲۸۴ شمسی. نماینده دوره ۱۵ (تربت حیدریه).
کفایی «آقازاده»، حسن. فرزند آیة‌الله خراسانی. متولد ۱۲۷۳ شمسی. نماینده دوره های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۴ (مشهد).
کشفی، جمشید. فرزند میرزاآقا. متولد ۱۲۹۱ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (تهران).
کلالی، منوچهر. فرزند حبیب‌الله. متولد ۱۳۰۴ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (مشهد).
کلانتر«شرف‌الدوله»، حاج‌میرزاابراهیم. فرزند حاج‌میرزاعلینقی. باغمیشه. نماینده دوره اول (ازطرف اعیان تبریز).
کلانتری هرمزی، محمد علی. فرزند درویش. متولد ۱۳۰۹ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (رامهرمز).
کلهر«مؤید الوزرا»، حاج محمد خان. فرزند سلیمان خان. نماینده دوره اول (کرمانشاه).
کمالوند «یمین‌الملك»، میرزاحبیب‌الله خان. فرزند میرزاعلیخان. متولد ۱۲۵۱ شمسی. نماینده دوره های ۳ و ۵ (خرم آباد).
کمالوند، علی فرزند حبیب‌الله. متولد ۱۳۰۰ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (ملاوی لرستان).
کمالی نیشابوری، میرزا حیدر. فرزند آقامحمد مهدی. متولد ۱۲۵۱ شمسی. نماینده دوره‌های ۹ و ۱۰ (نیشابور).
کمانگر، هوشنگ. فرزند عبدالعزیز. نماینده دوره ۲۱ (سنندج).
کنگرلو، ناصر. فرزند قنبر. متولد ۱۳۱۰ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (گناباد).

کوراوغلی ، حسین . نماینده دوره ۱۶ (یزد) .
کورس، میرزاحسنخان.فرزندرحیم‌خان. متولد ۱۲۷۳ شمسی . نماینده دوره ۹ (قزوین) و۱۹ (تهران) .
کورس ، کاظم. فرزند رحیم‌خان. متولد ۱۲۸۶شمسی.نماینده دوره‌های ۲۰و۲۱ (تهران) .
کهبد، بهاءالدین. فرزند محسن . متولد ۱۲۸۵شمسی. نماینده دوره‌های۱۵،۱۶ و۱۷ (کرمان وساوجبلاغ) .
کیا ، افراسیاب. فرزند ذبیح‌الله . متولد ۱۲۹۰شمسی. نماینده دوره‌های۲۰و۲۱ (بابل) .
کیان ، مرتضی. فرزند علیرضا . متولد ۱۲۹۹شمسی.نماینده دوره‌های ۲۰و۲۱ (شهرضا) .
کیان ، غلامرضا.فرزندمحمدقاسم. متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۴، ۱۶ و۱۷ (شهرضا) .
کی‌استوان ، حسینخان. فرزندعلی‌اکبر. معتمدالممالك . متولد حدود ۱۲۶۱ شمسی. نماینده دوره ۵ و۶ (انزلی) .
کیانوری ، ضیاءالدین . فرزند شیخ‌فضل‌الله‌نوری. نماینده دوره۷ (تهران).
کیکاووسی، روح الله . فرزند حبیب‌الله جهانبانی . متولد حدود ۱۲۷۵ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸ و۱۹ (زاهدان).
کیوان ، اسدالله. فرزند فضل‌الله. متولد حدود ۱۲۸۴ شمسی. نماینده دوره ۱۲ (همدان) .
کیوان ، صدری . فرزند ابراهیم . متولد ۱۳۰۵ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (دشت میشان) .
کی‌نژاد ، رضا.فرزند حاج محمد حسین. متولد حدود۱۲۸۴ شمسی.نماینده دوره ۱۸ (تهران) .
کیهان یغمایی، احمد.فرزندابوالقاسم . متولد ۱۲۹۳ شمسی. نماینده دوره های ۲۰ و۲۱ (مشهد) .
گرجی، محمد عبدالله فرزندعبدالمجید. متولدحدود ۱۲۹۶ شمسی.نماینده دوره ۲۰ (تهران) .
گرگانی . حسنعلی. فرزنداحمد. متولد ۱۲۹۴ شمسی. نماینده‌دوره۲۰(اراك).
گروسی، شیخ محمد حسین‌مجتهد.فرزند آقاعلی حیدر. متولد ۱۲۵۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۳و۴ (بیجار).
گلبادی ، منوچهر . فرزند نصرت‌الله . متولد حدود ۱۲۹۳شمسی. نماینده‌دوره ۱۵ (ساری) .
گله‌داری، شیخ عبدالله . فرزندشیخ‌احمد متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. نماینده‌دوره ۱۴ (بندرعباس) .
گنابادی، محسن. نماینده دوره‌های ۱۵ و۱۶ (گناباد) .
گنجه‌ای، جواد.فرزندحاج‌میرزاعلینقی. متولدحدود۱۲۷۷شمسی.نماینده‌دوره‌های ۱۵، ۱۶ و۱۷ (تبریز) .
گنجه‌ای، حاج‌میرزاعلینقی. متولدحدود ۱۲۵۱ شمسی. نمایندهٔ دوره۷ (تبریز).
گودرزی ، عزت‌الله . فرزند نصرت‌الله متولد حدود۱۲۹۷ شمسی.نماینده دورهٔ ۲۰ (ملاوی) .
گودرزی، فتح‌الله. فرزندمحمدباقرخان. متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی . نماینده دوره های ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ (خرم‌آباد) .
گودرزی ، موسی. فرزنداسماعیل.متولد حدود ۱۲۷۶ شمسی. نماینده دوره ۱۶ (بابل) .
گیو، رستم. فرزند شاهپور. متولدحدود ۱۲۶۷ شمسی. نماینده دوره های ۱۳ ، ۱۴،۱۵، ۱۶، ۱۸ و۱۹ (ازطرف‌اقلیت زرتشتیان) .
لاری ، محمد مهدی. فرزند حاجی‌احمد. نماینده دوره‌های ۱۸ و۲۰ (یزد).
لاریجانی ، سید حبیب‌الله . فرزند حاج سیدآقا بزرگ. متولد ۱۲۶۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۰، ۱۱ ، ۱۲ و ۱۳ (تهران) .
لاریجانی «سیدالحکماء» ، سیدیحیی . نماینده دوره اول (از طرف مالکان تهران) .
لاهوتی «طالقانی» ، نصرالله . فرزند ذبیح‌الله. متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی . نماینده دوره ۱۵ (قزوین).
لسان الحکماء ، شاهزاده یحیی میرزا . فرزند شاهزاده عبدالحسین میرزا شمس‌الشعراء ملقب‌به‌شهاب‌الدوله. نماینده‌دوره اول (خراسان) و۲ (تهران) .
لسان‌الملك ، نماینده دوره ۴ (جهرم) .
لفوطی ، صفر ، فرزند اسدالله . متولد حدود ۱۲۹۶ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (شاهی) .
لقمان ادهم، محمد حسن خان . فرزند لقمان‌الدوله. متولدحدود ۱۲۶۳شمسی. نماینده دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و۱۳ (تهران) .
لنکرانی ، شیخ‌حسین. فرزند حاج‌شیخ‌علی. متولد. حدود ۱۲۷۱شمسی.نماینده دوره ۱۴ (اردبیل) .
لیقوانی ، ابوالقاسم . فرزند عزت‌الله . متولدحدود ۱۲۷۱ شمسی.نماینده دوره ۱۵ (تبریز) .
لیقوانی «امیرمعتضد» ، میرزاعیسی‌خان فرزند لطف‌الله «صدق السلطنه» . متولد ۱۲۷۱ شمسی. نماینده دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و۱۳ (تبریز) .
لیقوانی ، حاج لطف‌الله. فرزند میرزاعبدالله خان. متولد۱۲۴۱شمسی.نماینده دوره‌های ۵ و۶ (تبریز) .
لواالدوله ، حاج بیوك خان . فرزند اسماعیل خان مهاجر . نماینده دوره ۲ (خوانسار وگلپایگان) .
مازندرانی . محمد علی . نماینده دوره اول (مازندران) .
مافی ، فتح‌الله . فرزند ابوالقاسم. متولد ۱۲۹۷ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (ماه‌نشان) .
مافی ، محمدعلیخان. سالارنظام. فرزند رضاقلی‌نظام‌السلطنه.متولد ۱۲۶۵شمسی. نماینده دوره ۴ (تون وطبس) (دوره‌سوم ازبروجرد انتخاب شدولی‌به مجلس‌وارد نشد) .
مالك ، مهدی . فرزند ابراهیم . متولد ۱۳۰۲ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (تهران) .
مامقانی ، اسدالله . فرزند عبدالکریم . متولد ۱۲۶۲شمسی. نماینده دوره ۱۵ (تبریز) .
ماکویی ، کامل. فرزند نصرالله . متولد ۱۲۷۲ شمسی.نماینده دوره‌های ۱۲،۱۳ و۱۵ (خوی) .
ماهروزاده ، میرزاحسینعلی. نماینده دوره اول (از طرف اصناف تهران) .
مبارکی ، عیسی. فرزند موسی‌خان.متولد ۱۲۸۱ شمسی. نماینده دوره ۲۰ و ۲۱ (ایرانشهر) .
مبصرالملك ، میرزامحمد خان. نماینده دوره ۳ (طبس) .
مبین ، غلامرضا ، فرزند حاج غلامعلی . متولد ۱۲۹۸ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (خواف) .
متولی، میرزاطاهر.فرزند میرزاعبدالله. متولد ۱۲۶۲ شمسی . نماینده دوره ۳ (مشهد) .

متولی باشی، میراشرف. فرزند سید معصوم. متولد ۱۳۰۳ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (مشکین شهر).
متین، حسن. فرزندمحمدصادق. شفیع‌زاده. متولد ۱۲۹۸ شمسی. نماینده دوره ۲۰ (بابل).
متین‌السلطان، عبدالحمید. فرزند حاج میرزا عبدالباقی. نماینده دوره ۲ (خراسان).
متین دفتری، احمد. فرزندمیرزامحمدخان. عین‌الممالك. متولد ۱۲۷۵ شمسی. نماینده دوره ۱۵ (مشکین شهر).
مجتهدی، عبدالحسین. نماینده دوره‌های ۱۶ و ۱۷ (تبریز).
مجتهدی، یوسف. فرزند مسعود. متولد ۱۲۸۴ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۲۰ (تبریز).
مجتهدی، یحیی. فرزند ابوالقاسم. متولد ۱۳۰۹ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (نیشابور).
مجد، رضا. فرزند محمود. متولد ۱۳۰۹ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (محلات).
مجد «فطن السلطنه»، محمدعلی. فرزند شیخ محمد. متولد ۱۲۶۹ شمسی. نماینده دوره ۱۴ (قزوین).
مجد زاده، بهرام. نماینده دوره ۱۷ (رفسنجان).
مجد السلطنه، حاج میرزا مهدی خان. فرزند شاهزاده‌علاءالسلطنه. متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی. نماینده دوره‌اول (ازطرف شاهزادگان تهران).
مجدالملك، میرزاتقی‌خان. فرزندحاجی میرزامحمدخان. نماینده دوره اول.
مجد ضیایی، میرزا حبیب الله. فرزند شیخ‌الاسلام. متولد ۱۲۶۹ شمسی. نماینده دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ (زنجان).
مجدفیاض، علی‌اکبر. فرزندعبدالحمید. متولد ۱۲۶۰ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۲ و ۱۳ (مشهد).
مجیدی‌آهی، حمید. فرزند ابوالقاسم. متولد ۱۲۷۷ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۸ و ۱۹ (بابل).
محدث‌زاده، محمدعلی. فرزند غلامرضا. متولد ۱۲۸۷ شمسی. نماینده دوره ۱۱ (کرمان).
محسنی، مجید. فرزند سیدعلی متولد ۱۳۰۲ شمسی. نماینده دوره ۱۲ (دماوند).
محسن بن صدرالعلماء، میرزا. فرزند میرزا محمد باقر. نماینده دوره اول (تهران).
محقق‌الدوله، فرزندمیرزاهاشم‌خان‌امین دربارکاشی. نماینده دوره اول (از طرف تجار تهران).
محقق‌العلماء، سید جواد. فرزند حاج سید علی‌اکبر. متولد ۱۲۵۴ شمسی. نماینده‌دوره ۴ (شیراز) و ۵ (دزفول) و ۶ (خمسه).
محلاتی، ابوالفضل. نماینده دوره ۷ (شیراز).
محلاتی، شیخ اسدالله. فرزندآقا حسین. متولد ۱۲۴۷ شمسی. نماینده دوره‌های ۲، ۳ و ۴ (خوانسار وگلپایگان).
محلوجی، علیمحمد خان. نماینده دوره ۹ (کاشان).
محمد، سیدمحمد. فرزندحاج‌سیدابوطالب. نماینده دوره ۲ (بروجرد).
محمد، حاج سیدمحمد. نماینده دوره اول (ازطرف اصناف تهران).
محمد باقر، حاج محمد باقر صابونی. نماینده دوره اول (ازطرف صابون پزان تهران).
محمدتقی، حاج‌محمدتقی استرآبادی. نماینده دوره اول (استرآباد).
محمدتقی، حاج‌میرزا. فرزند حسینقلی‌خان. متولد ۱۲۴۹ شمسی. نماینده دوره ۴ (نایین).
محمد سعید، شیخ. فرزند ملامحمدعلی. متولد حدود ۱۲۳۸. نماینده‌دوره ۳ (گلپایگان).
محمدکاظم، شیخ. نماینده دوره اول (تربت حیدریه).
محمود، حاج سید. نماینده دوره ۷ (گیلان).
محمود، محمود. فرزند محمد تقی‌خان. متولد حدود ۱۲۵۱ شمسی. نماینده دوره ۱۵ (نجف‌آباد).
محمودی، محمود. فرزندابوالفتح. متولد ۱۲۹۳ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ (بندرپهلوی وفومنات).
محیط‌لاریجانی، سیدمحمد. فرزندحاج سید جعفر. متولد ۱۲۵۱ شمسی. نماینده دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ (ایوانکی).
محیط‌لاریجانی، حبیب‌الله. فرزندصالح. متولدحدود ۱۲۸۱ شمسی. نماینده‌دوره ۱۴ (سقز).
مخبرالملك، محمدقلیخان. فرزندعلی قلی‌خان‌مخبرالدوله هدایت. نماینده‌دوره اول (تهران).
مخبرفرهمند «مخبرحضور»، حسن‌خان. فرزندحسین‌کریم‌السلطان. متولد ۱۲۶۲ شمسی. نماینده دوره‌های ۶، ۷، ۱۴ و ۱۶ (همدان) و ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ (ملایر و تویسرکان).
مدبرالدوله، میرزااسمعیل‌خان. فرزند میرزا مهدیخان. متولد ۱۲۶۴ شمسی. نماینده دوره ۵ (بابل).
مدحت، میرزاحسن‌خان. فرزند میرزا زکی‌خان نوری «مدحت‌السلطنه». نماینده دوره ۳ (بندرعباس).
مدرس، سیدحسن. فرزندآقاسیداسماعیل. متولد ۱۲۴۶ شمسی. نماینده دوره‌های ۲، ۳، ۵ و ۶ (تهران).
مدرس، شیخ‌علی. نماینده‌دوره‌های ۱ و ۷ (تهران).
مدرسی شیرازی، حاج‌سید ابراهیم. نماینده‌دوره ۲ (شیراز).
مدرسی، علی‌اصغر. نماینده دوره ۱۷ (تبریز).
مدنی، علی. فرزند اسماعیل. متولد ۱۲۹۶ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (بوکان).
مدیربراقی، احمد. فرزند میرزامحمدحسین. متولد ۱۲۶۲ شمسی. نماینده دوره ۵ (کاشان).
مرآت، میرزا موسی. فرزندمیرزارضاخان. متولد ۱۲۵۰ شمسی. نماینده دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ (کرمانشاه).
مرآت اسفندیاری، حسن. فرزندمیرزا حسین‌خان سردار نصرت. متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی. نماینده دوره‌های ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ (رفسنجان و سیرجان).
مرآت اسفندیاری، محسن. فرزند حسن. متولد ۱۲۹۱ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۵، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ (کرمان و سیرجان).
مرادی، قاسم. فرزندعلی. متولد ۱۲۹۰ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (شاه‌آباد).
مرادی، علی. فرزنداحمد. متولد ۱۳۱۱ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (مهاباد).
مرزبان «مؤدب‌السلطنه»، اسماعیل. فرزند اسدخان. متولد ۱۲۸۵ شمسی. نماینده دوره‌های ۲ و ۳ (بندرپهلوی).

مرتضوی ، حاج‌سیداحمد . فرزند حاج سیدمرتضی.صراف تبریزی. نماینده‌دوره اول (ازطرف تجار تهران).

مرتضوی، سیدمحمد علی.فرزندحاج‌سید احمد. متولد ۱۳۰۰ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (اهواز) .

مرزبان «سیدالملك»، میرزا داودخان. فرزندمیرزا رفیع‌خان. مشاورالسلطنه . متولد ۱۲۶۵ شمسی . نماینده دوره ۴ (شوشتر ودزفول) .

مرتضی ، میرزا . فرزندآقا باقر.متولد ۱۲۶۳ شمسی . نماینده دوره‌های ۴و۶ (کرمان) .

مروستی « ناصرالاسلام»،سیدیحیی.فرزند سیدحسین . متولد حدود۱۲۵۳ شمسی. نماینده دوره ۳ (فومن) .

مزارعی. سیدمحیی‌الدین .فرزندآقاسید حسن. متولدحدود۱۲۶۷شمسی . نماینده دوره۵(شیراز) .

مژدهی، میرزاکاظم.فرزندنصرالله.متولد ۱۲۷۶شمسی.نماینده‌دوره‌های۸،۹، ۱۰ و۱۱ (بندرپهلوی).

مساوات، سیدمحمدرضا.فرزندسیدحسن. متولد ۱۲۴۴شمسی.نماینده دوره ۱۲ (تبریز) و۳و۴(تهران)و۵(ساوجبلاغ).

مستشار ، حسنعلی. فرزند مستشارالملك گرگانی . متولد۱۲۷۸ شمسی.نماینده دوره‌های۱۲و۱۳(تهران).

مستشارالسلطنه ، میرزااحمدخان.فرزند حاج‌میرزاعبدالکریم.متولدحدود۱۲۶۰ نماینده دوره۴(بروجرد) .

مستوفی ،میرزارضا. فرزندمیرزانصرالله نماینده دوره۲ (وکیل مجلس، وبجای صنیع‌الدوله انتخاب‌شد).

مستوفی‌الممالك، میرزاحسنخان.فرزند میرزایوسف‌آشتیانی.متولدحدود۱۲۵۳. نماینده دوره‌های۱، ۳، ۴و۵(تهران).

مسعود، غلامحسین میرزا. فرزند ظل ـ السلطان . متولد۱۲۷۰شمسی . نماینده دوره‌های ۵،۶و۷ (نجف‌آباد) .

مسعودی، جواد.فرزندمحمد علی. متولد ۱۲۸۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۴ (دماوند) و۱۶(تهران) .

مسعودی، عباس .فرزندمحمدعلی. متولد ۱۲۷۴ شمسی.نماینده‌دوره‌های۱۰، ۱۱ ۱۲،۱۳،۱۴و۱۵ (تهران).

مسعودی،قاسم.فرزندحسن.متولد ۱۲۹۵ شمسی. نماینده دوره ۲۰(تهران) .

مسعودی ، سیدکاظم.فرزند احمد. متولد ۱۳۰۵ شمسی.نماینده‌دوره ۲۰(قزوین).

مسعودی،محمدعلی.فرزندحسن. متولد ۱۲۹۳ شمسی.نماینده‌دوره‌های۱۵، ۱۶ ۱۸ و۱۹(دماوند) و۲۰(تهران) .

مسعودی خراسانی ، محمد حسن‌خان . فرزند سردارمسعودخان.متولد ۱۲۵۵ شمسی.نماینده‌دوره۷ (دره‌گز) و۸ ، ۹ ۱۰ ، ۱۱، ۱۲و۱۳(فردوس) .

مشار «مشارالملك‌قره خان» ، میرزا۔ حسنخان.متولد ۱۲۴۳شمسی. نماینده دوره‌های ۱ و۴ (تهران وسیرجان).

مشاراعظم،یوسف.فرزندمیرزاجعفرخان. متولد ۱۲۶۷ شمسی.نماینده‌دوره‌های۵،۰ (بروجرد) و۱۷ (تهران).

مشارالدوله ، میرزانظام‌الدین. فرزند حاج‌حسام‌الدین‌خان‌مشیرالدوله ، متولد ۱۲۶۲ شمسی . نماینده‌دوره۳(شیراز).

مشارقایم‌مقامی،عیسی.فرزندحاج محمد۔ علی.متولدحدود ۱۲۸۵شمسی.نماینده دوره ۱۲ (زابل) ودوره‌های۱۲، ۱۳ ، ۱۹ و۲۰ (مشهد) .

مشارالملك‌قمی،میرزامحمودخان.فرزند میرزا اسدالله‌خان وزیر. متولد ۱۲۱۷ شمسی . نماینده‌دوره اول(تهران) .

مشایخ «مستشارالسلطنه» ، میرزا احمد خان.فرزندحاج‌میرزاعبدالکریم. متولد ۱۲۶۷ شمسی.نماینده‌دوره۴(بروجرد).

مشایخی، مهدی ، فرزندعلی‌اکبر.متولد ۱۲۸۴شمسی . نماینده‌دوره‌های۱۵،۱۸ و۱۹ (شهرری) .

مشایخی‌خوانساری، حاج‌شیخ‌محمدباقر. نماینده دوره اول(خوانسار) .

مبشرالسلطان ، اسدالله میرزا. نماینده دوره اول(خرم‌آباد) .

مشیراعظم ، فرزندمنتصرالممالك.متولد ۱۲۵۷شمسی .نماینده دوره ۵ (تون).

مشیرحضور ، میرزافتح‌الله.فرزندحاجی میرزاکاظم مشیرلشکر .نماینده دوره‌دوم (وکیل‌مجلس‌وبجای‌صدیق‌حضرت‌انتخاب شد) .

مشیر دوانی ، حاجی مختار . فرزند حاج‌حسین. متولد ۱۲۵۹شمسی.نماینده دوره‌های۱۰،۱۱،۱۲و۱۳(بندرعباس).

مشیرفاطمی ، عبدالحسین. فرزندمهدی «عمادالسلطنه» . متولد ۱۲۹۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸ و۱۹(اصفهان) .

مصباح زاده، مصطفی.فرزندعبدالرحمن مصباح‌دیوان.متولد۱۲۸۸شمسی.نماینده دوره‌های ۱۵،۱۶ و۱۷ (بندرعباس) .

مصباح فاطمی «مصباح‌الدوله» ، میرزا علی‌نقی‌خان . فرزندحسینقلی‌خان.متولد متولد ۱۲۷۴ شمسی. نماینده دوره ۷ (نایین) و۱۰ (دزفول) .

مصدق«مصدق‌السلطنه» ، محمد. فرزند میرزاهدایت.متولد۱۲۵۸شمسی.نماینده دوره‌های ۵،۶،۱۴ و۱۶(تهران).

مصدق‌الممالك ، حاج محسن . فرزند میرزا عبدالکریم . نماینده دوره ۲ (ملایر ونهاوند) .

مصدقی،هادی .فرزندحاج میرزامحسن۔ الممالك . متولد ۱۲۷۴ شمسی.نماینده دوره ۱۷ (ملایر) .

مصطفی،سیدمصطفی‌سمسار، نماینده دوره اول (از طرف سمسارهای‌تهران) .

مصطفی ، حاج‌سید . نماینده دوره اول (تهران) .

مصطفوی‌کاشانی ،حاج‌سیدمصطفی.فرزند سیدابوالقاسم.(وکیل مجلس‌از گرگان۔ رود) .

مصطفوی نایینی ، سیدحسن.فرزند سید محمدعلی . متولد۱۲۹۶ شمسی.نماینده دوره‌های ۱۰ و۱۱ (نایین).

مظاهری ، محسن . فرزند محمد صدیق حضرت «مظاهر» . متولد ۱۲۸۸شمسی. نماینده دورهٔ۱۰ (تهران).

مظاهر ، شیخ‌محمدخان صدیق . نماینده دوره۱ و۲(تهران). (دوره‌اول ازطرف اعیان به‌وکالت مجلس‌انتخاب‌شد).

مظفرزاده ، میرصالح . فرزند سیداحمد مظفرالحکماء . متولد ۱۲۷۳ شمسی . نماینده دوره ۱۴ (رشت) .

معاضدالملك ، میرزااسمعیل‌خان.فرزند حکیم«نصیرالاطباء»کرمانشاهی.نماینده دوره ۱ (کرمانشاه).

معاون ، حسین. فرزند جواد . متولد ۱۲۸۳ شمسی . نماینده دوره‌های۱۴ و ۱۵ (کرمانشاه) .

معاون‌التجار ، نصرالله . نماینده دوره اول(کرمان) .

معتصم‌سنگ،میرزامحمدحسین‌خان.فرزند میرزاعلی‌سنگ. متولد۱۲۵۴ شمسی . نماینده دوره‌های ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ و ۱۳(ساری) .

معتضدی،محمدتقی. فرزندمحمد حسن میرزا.متولد۱۲۵۳ شمسی.نماینده دوره ۸ (بیرجند) ودوره‌های۱۰،۱۱، ۱۲ و ۱۳(سبزوار) .

معتمدالتجار ، میرزامحسن‌خان .فرزند

حاج میرزا شفیع امین التجار اصفهانی . نماینده دوره ۲ (تبریز).

معتمدالتولیه، سیدمهدی. فرزند عبدالحسین اعتماد التولیه نماینده دوره‌های ۱ و ۶ (شهر ری) .

معتمد دماوندی، ابوالمکارم. فرزند شیخ علیرضا معتمدالواعظین . متولد ۱۲۹۶ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵ و ۱۷ (بندر پهلوی) .

معتمدوزیری ، فریدون . فرزند مهدی. متولد ۱۳۰۱ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (مریوان).

معتمدی، حسین. فرزند عبدالوهاب. متولد ۱۲۹۴ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (اصفهان) .

معدل ، محمدعلی. فرزند احمد معدل الملك متولد ۱۲۹۶ شمسی . نماینده دوره ۲۰ (شیراز) .

معدل الدوله، میرزا منصورخان. فرزند میرزا طاهر کاشی . نماینده دوره ۲ (قاین و سیستان) .

معدل الدوله کاشی ، میرزا سعیدخان . فرزند محمدطاهر. متولد ۱۲۴۳ شمسی. نماینده دوره ۳ (سیستان).

معدل شیرازی، لطفعلی. نماینده دوره‌های ۱۰ ، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۶ (جهرم و شیراز) .

معرفت ، رضا، فرزند کاظم. متولد ۱۲۹۰ شمسی . نماینده دوره ۲۰ (تهران).

معزی ، شاهزاده نجفقلی میرزا . فرزند ابراهیم میرزا. متولد حدود ۱۲۶۱ شمسی نماینده دوره ۳ (دولت آباد ملایر).

معظم السلطنه ، فرزند سید محمد خان . متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی نماینده دوره ۳ (سیستان).

معظم الملك، میرزا احمدخان. فرزند میرزا سیدرضی خان . نماینده دوره اول (از طرف قاجاریه) .

معظمی، اسدالله . فرزند محمدخان معظم السلطان . متولد ۱۲۷۴ شمسی . نماینده دوره ۲۰ (اصفهان) .

معظمی، عبدالله . فرزند محمدخان. متولد ۱۲۸۹ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ (گلپایگان) .

معظمی گلپایگانی ، میرزا محمد خان . فرزند میرزا یحیی خان. متولد ۱۲۵۴ شمسی . نماینده دوره‌های ۵ و ۶ (گلپایگان).

معین الرعایا ، میرزا عبدالله. فرزند حاج محمدصادق مشیرالتجار تبریزی. نماینده دوره ۲ (آذربایجان) .

معین‌زاده باقری ، مهدی. فرزند محمد کاظم «معین التجار». متولد ۱۲۸۰ شمسی نماینده دوره‌های ۱۶ ، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ (رفسنجان).

معینی ، امیرقاسم . فرزند محمود . متولد ۱۳۰۴ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (شاهرود) .

معینی ، سید حسین . فرزند سید کاظم «معین التجار» . متولد ۱۲۵۵ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۱ ، ۱۲ و ۱۳ (گرگانرود).

معینی‌زند ، اسماعیل . فرزند مرتضی‌قلی . متولد ۱۳۰۰ شمسی. نماینده دوره ۱۲ .

مفتی «صدرالعلماء» ، سید عبدالعزیز . فرزند حاج شکرالله. متولد حدود ۱۲۵۹ شمسی. نماینده دوره‌های ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹ (سقز) .

مفخم ، شاهزاده اکبر میرزا سردار . فرزند محمدمهدی میرزا. متولد ۱۲۴۳ شمسی. نماینده دوره ۴ (قزوین).

مقدم ، اسکندر . فرزند فتح‌الله خان . متولد ۱۲۵۵ شمسی. نماینده دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ (مراغه).

مقدم ، امیر هوشنگ. فرزند حسن . متولد ۱۲۹۹ شمسی. نماینده دوره ۲۰ (طارم).

مقدم ، رحمت‌الله. فرزند فتح‌الله. متولد ۱۳۰۰ شمسی . نماینده دوره ۲۰ (میاندوآب) .

مقدم الملك . فرزند مجدالاطباء. متولد ۱۲۵۵ شمسی . نماینده دوره ۵ (غار و فشافویه) .

مکرم، حسن. فرزند محمد صادق. متولد ۱۲۷۵ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۵ و ۱۶ (دره گز) و ۱۸ (مشهد).

مفتخر الممالك، محمدحسن خان. نماینده دوره اول (مازندران) .

مکرم افشار ، هدایت میرزا حاجی علی‌اکبر. متولد ۱۲۷۷ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ (قزوین) .

مکی ، حسین . فرزند سید باقر . متولد ۱۲۹۱ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۵ و ۱۷ (اراك) و ۱۶ (تهران).

ملك ، حاج حسن آقا. فرزند حاج محمد کاظم ملك تهرانی . متولد ۱۲۷۵ شمسی. نماینده دوره ۶ (بجنورد) و دوره‌های ۵ و ۷ (مشهد) .

ملك آرایی ، میرزا ابراهیم خان. فرزند حاج حسنعلی خان. متولد ۱۲۶۲ شمسی. نماینده دوره‌های ۴، ۶، ۷ و ۸ (قزوین).

ملك التجار ، میرزا محمدخان . متولد ۱۲۶۱ شمسی. نماینده دوره ۳ (بوشهر).

ملك المعالی ، شیخ حسین. نماینده دوره اول (رشت).

ملك بهبهانی ، حاج غلامحسین . فرزند غلامعلی . متولد ۱۲۵۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۶، ۷، ۹، ۱۰ و ۱۱ (شیراز) .

ملکپور، جواد. فرزند حاج غلامحسین . متولد ۱۲۸۶ . نماینده دوره ۱۵ (شیراز) .

ملك زاده، مهدیخان . فرزند آقا فضل‌الله ملك المتکلمین. متولد ۱۲۶۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۷ ، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ (بم) .

ملك زادهٔ آملی ، حبیب‌الله. فرزند علی‌اصغر. متولد ۱۲۹۶ شمسی. نماینده دوره‌های ۲۰ و ۲۱ (آمل) .

ملك زادهٔ آملی ، میرزا علی‌اکبرخان . فرزند حاجی علی ملك آملی . متولد ۱۲۶۱ شمسی . نماینده دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ (بابل) .

ملك شیرازی ، حاج غلامحسین. فرزند غلامعلی . متولد حدود ۱۲۵۸ شمسی. نماینده دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ (شیراز) .

ملك مدنی، هاشم . فرزند حاج آقامحسن. متولد ۱۲۷۱ شمسی . نماینده دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ (ملایر).

ملکی ، ابوالحسن . فرزند حاج محمود. متولد ۱۲۸۴ شمسی. نماینده دوره ۱۵ (مراغه) و ۱۷ (تبریز).

ملکی، علی‌اکبر. فرزند حاج مشارالدوله. متولد ۱۲۸۴ شمسی. نماینده دوره ۱۵ (تبریز) .

ممتازالدوله ، میرزا اسمعیل خان. فرزند اشرف السلطنه . نماینده دوره‌های اول (اراك) و ۲ (تبریز) .

منتصرالسلطان، صادقخان. فرزند مرتضی‌قلی خان نوری. متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی. نماینده دوره‌های ۲ و ۳ (آذربایجان) و ۳ (بارفروش) .

منتصرالملك ، محمدتقی . فرزند میرزا مهدیخان . متولد ۱۲۵۵ شمسی. نماینده

دوره۳ (بیرجند) .
منتصرالملك ، میرزا محمد علیخان . فرزند میرزا علی اکبرخان . متولد ۱۲۵۳ شمسی. نماینده دوره ۴ (دشت‌میشان) .
منشور، محسن. فرزند احمد. متولد ۱۲۷۳ شمسی . نماینده دوره ۱۳ (همدان) .
منشی، میرزا ابراهیم‌خان. نماینده دوره ۲ (اصفهان).
منصف،محمدعلی.فرزند میرزامهدیخان. متولد ۱۲۸۱ شمسی.نماینده‌دوره‌های۹، ۱۰،۱۱،۱۲، ۱۳،۱۴، ۱۵،۱۶ و ۱۷ (بیرجند).
منصور، حسنعلی. فرزند علی «منصورالملك».متولد۱۳۰۲شمسی.نماینده‌دوره ۱۲ (تهران) .
مؤتمن‌السلطنه، حاج‌میرزامحمدعلیخان. فرزندحاج‌محمدرضامستوفی.نماینده‌دوره ۴ (تربت حیدریه).
مؤتمن الممالك همدانی، حاج‌میرزاجوادخان. نماینده دوره‌اول (بروجرد).
موثقی ، قدرت‌الله . فرزند علی اصغر . متولد ۱۳۰۱ شمسی. نماینده‌دوره ۱۲ (تهران) .
موسوی «رییس‌التجار» ، سید اسدالله . فرزند حاج سیدآقا معین‌التجاربهبهانی. متولد ۱۲۷۵ شمسی. نماینده‌دوره‌های ۱۵،۱۸،۱۹،۱۰ (دشت میشان).
موسوی، عبدالمجید. فرزند سید جواد. متولد ۱۳۰۱ شمسی . نماینده دوره۲۱ (زنجان) .
موسوی، میرمجید. .فرزند میرمحسن . متولد ۱۲۸۴ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۶و۱۷ (خوی).
موسوی ماکویی ، میراسدالله . فرزند میرطاهر. متولد ۱۲۹۷ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۹،۲۰،۲۱ (ماکو).
موسوی «معین‌زاده» ، سید محمد علی. فرزند حاج سیدآقا معین‌التجار . متولد ۱۲۹۱شمسی. نماینده دوره ۲۰(دشت‌میشان).
موسوی امین ، محمد حسین . فرزند موسی. متولد۱۲۹۶ شمسی.نماینده‌دوره ۲۰ (تبریز).
موقر، میرزاحسنخان . فرزند حاج‌علی بوشهری. متولد ۱۲۵۵ شمسی. نماینده دوره‌های۶،۷،۸ و ۹ (محمره).

موقر ، محسن. فرزند جلال . متولد ۱۳۰۳شمسی.نماینده‌دوره۲۰(خرمشهر) و۲۱ (اهواز) .
موقر، مجید. فرزند حسین . متولد ۱۲۷۷ شمسی . نماینده دوره های ۱۱، ۱۲ ، ۱۳ و ۱۶ (دزفول و دشت‌میشان) .
مولوی، میرزا محمد علی. فرزندمیرزا فضلعلی. متولد ۱۲۵۹ شمسی. نماینده دوره‌های ۶ ،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲ و۱۳ (سراب) .
مؤید احمدی «مؤید الاسلام» ، میرزا عبدالوهاب‌فرزندحاج‌عبدالرحیم کرمانی. متولد ۱۲۵۴ شمسی. نماینده دوره‌های ۳،۷،۸و۹ (رفسنجان) و ۱۰،۱۱،۱۲و ۱۳ (شهرکرد) .
مؤیدثابتی،علیخان . فرزند حاج سیدحسین .متولد ۱۲۷۹شمسی . نماینده دوره‌های ۱۰، ۱۱ ، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ (مشهد).
مؤید قوامی ، احمد . فرزند میرزاتقی خان مؤیدالملك. قوام‌شیرازی. متولد ۱۲۷۴ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۹،۱۰، ۱۱،۱۲،۱۳و۱۴ (شیراز).
مهدوی «رییس‌التجار» ، رضا. فرزند حاج‌ابوالقاسم ملك‌التجار.متولد۱۲۵۵ شمسی. نماینده دوره اول (خراسان) و دوره‌های۴ و۵ (سبزوار) و۶، ۷،۸و۹ (مشهد.)
مهدوی ، سعید . فرزند رضا « رییس‌التجار» . متولد ۱۲۸۹ شمسی.نماینده دوره‌های ۱۶، ۱۸،۱۹و۲۰ (مشهد).
مهدوی، محسن.فرزند حاج‌محمد حسین امین‌الضرب . متولد ۱۲۷۵ شمسی . نماینده دوره‌های ۹، ۱۰،۱۱،۱۲و۱۳ (شهرضا) .
مهدوی ، محمد علی . فرزند احمد . متولد ۱۳۰۱ شمسی. نماینده دوره ۲۰ (شیروان).
مهدوی «امین‌الضرب»،حاج‌محمدحسین. فرزندحاج‌محمدحسن‌امین‌الضرب.نماینده دوره‌های ۱،۷و۸ (تهران) .
مهدی‌زاده ، خسرو . فرزنداصغر.متولد ۱۲۹۳ شمسی. نماینده‌دوره ۲۱(ارامنه قزوین) .
مهذب « مهذب الدوله » ، سید احمد . فرزند حاج‌میرسیدحسن. متولد ۱۲۶۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۳، ۱۲ و۱۳ (شیراز) .

مهذب ، سیدجواد. فرزند سید احمد. متولد ۱۳۰۱ شمسی . نماینده دوره۲۱ (فسا).
مهران ، احمد،فرزند میرزا صادقخان بروجردی.متولد ۱۲۸۶ شمسی.نماینده دوره ۱۹ (بروجرد) .
مهرزاد ، ایرج. فرزند جهانگیر. متولد ۱۳۰۶ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (شیراز) .
میر اشرافی ، سید مهدی. فرزند سیدحسین «شکوه السلطان» .متولد ۱۲۸۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۷،۱۸ و ۲۰ (مشکین شهر) .
میرافضل ، سید حسن . فرزند عباس . متولد ۱۲۹۴ شمسی. نماینده دوره۲۱ (نوشهر).
میرزایی ، میرزا عبدالعلی . فرزند میرزامحمد نظام‌التولیه . متولد ۱۲۶۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۵،۹،۱۰و۱۱ (مشهد) .
میرزایانس،میرزایوسف. نماینده‌دوره‌های ۲،۳،۴،۷،۸،۹و۱۰ (از طرف ارامنهٔ جنوب) .
میرخانی ، حاج سید آقا تیر فروش . نماینده دوره‌اول(ازطرف چوب‌فروشهای تهران) .
میرممتاز«منشی‌نظام»، میرزاسیدحسین. فرزند میرزا ابوالقاسم خان.مستوفی تفرشی. متولد ۱۲۶۰ شمسی. نماینده دوره۶ (مشهد).
میرهادی،سیدمحمد.فرزندسیدعبدالباقی. متولد ۱۲۸۲ شمسی. نماینده دوره‌های ۲۰و۲۱ (تفرش) .
میکده ، میرزا سلیمان خان . فرزند میرزا محمد باقر. متولد ۱۲۴۸شمسی. نماینده دوره ۳ (نایین).
میلانی ، سیدابراهیم . نماینده‌دوره ۱۷ (تبریز).
میرحسینی، ابوالحسن.فرزندآقا سیدمحمد صدرالاسلام.متولد ۱۲۷۵ شمسی. نماینده دوره ۱۶ (جیرفت).
میرعماد ، نماینده دوره‌اول (تنکابن).
نارویی ، محمد حسین . فرزند سردار محمدامین، متولد ۱۳۰۲ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (زابل) .
ناصرسیف ، میرزا ابوالحسن . فرزند ملامحمدقلی‌سیف‌الذاکرین. متولدحدود ۱۲۶۱شمسی.نماینده دوره۵ (خلخال).

ناصری «مصدق‌الدوله»، میرزا محمودخان. فرزند آقا حاج حسین‌خان مبصرالسلطنه. متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی. نماینده دوره‌های ۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲و ۱۳ (شوشتر).

ناصری، ناصرالدین. فرزندمظفرالدینشاه نماینده دوره۱۵ (تبریز).

ناظرزاده، شیخ غلامحسین. فرزندناظر «معین الممالک». نماینده دوره ۱۲ (شاهرود).

ناظرزادهٔ‌کرمانی، احمد. فرزند آقا محمد ناظر. متولد حدود۱۲۹۵ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۶ و۱۷ (سیرجان).

ناظم‌الاملاک، حاج میرزاعلینقی. نماینده دوره اول (خراسان).

ناظم‌العلماء، میرزا محمد. فرزندحاج‌محمد جعفر ملایری. متولد حدود۱۲۴۰ شمسی. نماینده دوره های ۱ و ۴ (ملایر).

ناهید، عبدالله. فرزند مصطفی‌سلیمان‌کندی. متولد حدود ۱۲۷۰ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۱،۱۲و۱۳ (سقز).

نایینی، میرزا رضاخان. نماینده دوره ۲ (یزد).

نایینی، حاج‌میرزاحسین. فرزندمیرزاعلی‌محمد خان. متولد حدود ۱۲۵۳ شمسی. نماینده دوره ۳ (اصفهان).

نایینی، میرزا مرتضی قلیخان. نماینده دوره اول (اصفهان).

نایینی، حاج‌میرزامحمد تقی‌خان. فرزند میرزاحسینعلی‌خان. متولدحدود۱۲۴۰ شمسی. نماینده دوره ۴ (نایین).

نبوی، احمد. فرزند ذبیح‌الله. متولد حدود ۱۲۹۳ شمسی. نماینده دوره۱۶ (سبزوار).

نبوی، حسن. فرزند حاج محمدرحیم. متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۴،۱۵،۱۶و۱۷ (نیشابور).

نبیل‌سمیعی، ابراهیم. فرزنداسماعیل. متولدحدود۱۲۷۲ شمسی نماینده‌دوره‌های ۱۰، ۱۱،۱۲ و۱۳ (رشت).

نجات، میرزا محمد. فرزند حاج‌میرزا عبدالکریم. متولد حدود۱۲۵۵ شمسی. نماینده دوره‌های ۲و۴ (آذربایجان) و ۳ (بیرجند) و۵ (زنجان).

نجات‌الله، فرزند میرزا فتح‌الله‌خان. متولد حدود ۱۲۶۳ شمسی، نماینده دوره ۳ (فارس).

نجفی‌فردوسی، سید محمود. فرزند حجة‌الاسلام سیدعبدالحسین. متولدحدود ۱۲۹۷ شمسی. نماینده دوره ۱۷ (فردوس).

نجم‌آبادی، شیخ‌مهدی. فرزند شیخ‌هادی نماینده دوره دوم(کرمان).

نجومی شیرازی، اسماعیل. فرزند حاج میرزا هادی‌خان منجم باشی متولد ۱۲۶۷ شمسی. نماینده دوره‌های۶و۷ (آباده) ۱۴ (خرم‌آباد).

نجیمی، رضا. فرزند ابوطالب. متولد ۱۳۰۱ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (شاهی).

ندامانی «ناصرالاسلام»، سیدیحیی. فرزند حسین. متولد ۱۲۵۳ شمسی. نماینده دوره‌های ۲و۳ (فومن).

نراقی، ابوالقاسم. میرزا محمدحسن. متولد ۱۲۷۸ شمسی. نماینده دوره های ۱۱،۱۲،۱۳و۱۴ (کاشان).

نراقی، صادق. فرزند حاج‌آقا محمد. متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی. نماینده دوره ۱۸ (همدان).

نراقی، عباس. فرزندآقاعلی. متولدحدود ۱۲۹۱ شمسی. نماینده‌دوره۱۵ (کاشان).

نریمان، محمود. فرزند عون‌الملک. متولد ۱۲۷۲ شمسی. نماینده دوره های ۱۶ و ۱۷ (تهران).

نصر، سید ولی‌الله. نماینده دوره اول (ازطرف اصناف تهران).

نصرالملک «کمال‌هدایت»، حسینعلیخان فرزند حسینقلی‌خان مخبرالدوله. متولد ۱۲۹۸ شمسی. نماینده دوره‌های ۱ و ۲ (تهران).

نصرتیان، محمدعلی فرزند نصرت. متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی. نماینده دوره ۱۳ (کرمانشاه) و۱۶ (فومن).

نصیری، عنایت‌الله. فرزند میرزا محمد عمیدالممالک. متولد ۱۲۷۶ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ (سمنان ودامغان).

نصیرالسلطنه، میرزامهدی‌خان. فرزند حاج‌محتشم السلطنه نوری. متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی. نماینده دوره ۴ (بابل).

نصیردیوان، میرزافتح‌الله خان. فرزند حاج‌محمد صالح‌خان. مؤیدالوزراء. متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی. نماینده دوره ۴ (کرمانشاه).

نظام‌الدین، سیدنظام‌الدین. نماینده‌دوره اول (کاشان).

نظام‌السلطان، امیراصلانخان. فرزند محمدخان موقرالدوله‌نوری. متولدحدود ۱۲۵۶ شمسی. نماینده دوره های ۳و۴ (بارفروش).

نظام مافی، میرزامحمد علیخان. فرزند رضاقلیخان. متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی. نماینده دوره۳ (خرم‌آباد) و۴ (طبس).

نعیمی‌اکبر، فریدون. فرزندحسن عمیدالسلطان. متولد ۱۲۹۷ شمسی. نماینده دوره ۲ (بندرپهلوی).

نفیسی، لقمان، فرزند عبدالرضا. متولد حدود ۱۲۷۳ شمسی. نماینده دوره ۱۸ کرمان‌ولی‌قبل‌ازطرح‌اعتبارنامهٔ‌اودرمجلس استعفا داد.

نفیسی، نزهت. فرزندلقمان. متولد۱۲۹۸ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (بافت).

نفیسی، عباس. فرزند علی‌اصغر مؤدب. نماینده دوره‌های ۱۳،۱۹و۲۰ (تهران).

نقابت، ضیاءالدین. فرزند داود «صدرالمتکلمین». متولد۱۲۸۲ شمسی. نماینده دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲،۱۳، ۱۴ و۱۸ (خرمشهر).

نقشینه، «ادیب التجار»، حاج‌میرزاعلی. نماینده دوره اول (اصفهان).

نکوداد، سید جواد. فرزند سید فتح‌الله. متولد ۱۲۸۲ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (خرم‌آباد).

نگهبان، عبدالامیر. فرزند ابراهیم‌خان. متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی. نماینده دوره ۶ (بنی‌طرف).

نمازی، محمد مهدی. فرزندحاج محمدحسین. متولد ۱۲۷۷ شمسی. نماینده دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ (شیراز).

ننجی، شیخ محمد. فرزند قربان. متولد حدود ۱۲۴۹ شمسی. نماینده دوره ۳ (ثلاث).

نواب، حسینقلیخان. فرزند محمدعلیخان وکیل‌الدوله. نماینده دوره اول (تهران) ودوره‌های ۲،۳،۴و۵ (شیراز).

نواب، عبدالباقی. فرزند رضا. متولد ۱۲۹۳ شمسی. نماینده‌دوره۲۰ (اصفهان).

نواب‌یزدی، محمد حسین. فرزند حاج‌علی‌آقا. متولد ۱۲۷۶ شمسی. نماینده دوره‌های ۸،۹،۱۰،۱۱، ۱۲، ۱۳ و۱۵ (یزد).

نوایی «مشارالسلطنه»، میرزا اسدالله‌خان نماینده دوره ۳ (تهران).

نوبخت ، میرزا حبیب‌الله . فرزند محمد حسن‌شیرازی. متولدحدود ۱۲۷۲ شمسی. نماینده دوره‌های ۶، ۷ (بهبهان) و ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ (فسا) .
نوبری ، میرزا اسماعیل‌خان . فرزند حاجی محسن تبریزی . نماینده دوره ۲ (تبریز) .
نوربخش، محمدعلی . فرزند ابراهیم ستوده‌نیا. متولد ۱۳۰۴ نماینده دوره ۲۱ (سیرجان) .
نوری حکمی ، حاج شیخ علی . نماینده دوره اول (ازطرف علمای تهران) .
نوری زاده ، شیخ‌حسین. فرزند حاجشاه شیخعلی‌مدرس. متولدحدود ۱۲۷۱ شمسی. نماینده دوره اول (بابل) .
نهاوندی ، شیخ‌جلال. فرزند حاج محمد جواد. متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی. نماینده دوره ۵ (دولت‌آباد) .
نهورای ، لقمان. فرزندحاج‌میرزاایوب. متولد ۱۲۶۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲و۱۳ (از طرف‌کلیمیان) .
نیاکان، حسین . فرزند اسماعیل . متولد ۱۳۰۴ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (کرمانشاه) .
نیرالسلطان ، میرزا احمدخان. نماینده دوره ۲ (بابل) .
نیری، سیدمحمد باقر. فرزند حاج‌سید علیرضا . متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی . نماینده دوره های ۲۰ و ۲۱ (زوارهٔ اردستان) .
نیکپور، میرزاعبدالحسین.متولد۱۲۷۶ شمسی. نماینده دوره‌های۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳و۱۵ (تهران) .
وارث ، حاج محمد ابراهیم . فرزند حاج‌محمدحسین اصفهانی . نماینده دوره اول (ازطرف صنف بزازهای تهران).
وارث، حاج‌حسین. فرزندحاج‌محمدحسین اصفهانی.نماینده دوره اول (ازطرف‌صنف ماهوتفروشهای تهران).
والا، عبدالله. فرزندحسین ظهیرالسلطان. متولد حدود ۱۲۹۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۲۰ و۲۱ (خلخال) .
وثوق، علی.فرزندمیرزاحسن‌خان‌وثوق‌الدوله.متولدحدود ۱۲۹۹ شمسی.نماینده دوره ۲۰ (شاهرود) .
وثوق «معتمدالسلطنه»، سیدعبدالله‌خان. فرزند میرزا ابراهیم‌خان . متولدحدود ۱۲۶۲ شمسی.نماینده دوره‌های۴، ۵، ۶ (اردبیل) و۱۵ (زابل).
وثوق‌الدوله ، میرزاحسنخان. فرزند میرزا ابراهیم‌خان معتمدالسلطنه.متولد حدود ۱۲۵۴ شمسی . نماینده دوره‌های ۱، ۲، ۶، ۷ (تهران) .
وثوق‌الاسلام ، سیدمرتضی. فرزند حاج سیدحسن حاج‌سیدجوادی . متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی . نماینده دوره‌های۷، ۸ و ۱۰ (قزوین) .
وحید سعید ، میرزامحمودخان . فرزند میرزا عباس‌خان . متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی . نماینده دوره ۵ (تبریز).
وحیدنیا،سیف‌الله . فرزند عباس وحید دستجردی . متولد ۱۳۰۵ شمسی.نماینده دوره ۲۱ (لنجان).
وزیر زاده «شریف‌الدوله بنی آدم» ، میرزا علیمحمدخان . نماینده دوره ۳ (فومنات) .
وزیری، میرزاحسین‌خان.فرزندمیرزاعلی‌اکبربیگلربیکی.متولدحدود۱۲۵۵ شمسی . نماینده دوره۶ (ساوه وزرند) .
وقارالملک ، غلامرضاخان . فرزندحاج حسنعلی‌خان. متولدحدود ۱۲۶۹ شمسی. نماینده دوره۴ (دزفول).
وکیل، حسین. نماینده‌دوره۱۵ (سنندج).
وکیل ، میرزا محمد خان . نماینده دوره‌های۵، ۸، ۱۰، ۱۱و۱۲ (کردستان).
وکیل ، محمدهاشم . فرزندحسین.متولد ۱۲۹۵ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۱۸ و ۱۹ (سنندج) .
وکیل،سیدهاشم. فرزندسیدعلینقی.متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی . نماینده‌دوره ۱۵ (تهران) .
وکیل‌پور،حسام‌الدین فرزندمحسن‌وکیل‌الرعایا . متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی . نماینده دوره ۱۷ (جهرم) .
وکیل‌کرمانی ، میرزاحسن، نماینده‌دوره (اول کرمان) .
وکیل‌الملک، میرزامحمداسماعیل وکیل امیر احتشام. فرزند میرزافتحعلی‌خان . نماینده دوره۵ (بم) .
وکیلی،حاج‌میرزارضاخان . نماینده‌دوره ۲ (تبریز) .
وکیلی ، علیخان. فرزندصالح . متولد ۱۲۶۲ شمسی . نماینده‌دوره‌های۹، ۱۰، ۱۱ ، ۱۲ و۱۵ (تهران) .
وهاب زاده،حاج‌محمدتقی. فرزندحاجی عبدالوهاب . متولد حدود ۱۲۶۳ شمسی . نماینده دوره‌های ، ۷، ۸ و ۹ (اردبیل) .
وهاب‌زاده ، یونس فرزندحاجی‌یوسف. متولد ۱۲۷۷ شمسی . نماینده‌دوره‌های ۷ و۹ (مشهد) .
وهاب زاده، احمد. فرزندحاج اسدالله. متولد حدود ۱۲۷۳ شمسی.نماینده‌دوره ۱۶ (اردبیل) .
هاشمی،سیدمحمد . فرزندحاج‌سیدباقر. متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۲، ۱۳ و۱۴ (کرمان).
هاشمی ، سیدیوسف، فرزند سید رضا . متولد حدود ۱۲۹۷ شمسی .نماینده‌دوره ۴۰۰ (سراب) .
هاشمی‌حایری ، سیدحسین. فرزند سیدحسن متولدحدود ۱۲۸۵ شمسی. نماینده دوره ۲۰ (کهگیلویه) .
هدایت ، خسرو . فرزند غلامرضا «مخبرالدوله» . متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. نماینده دوره۱۵ (زنجان).
هدایت، سعید. فرزندغلامعلی «مکرم‌الملك» . متولد حدود ۱۲۹۷ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۹ (زنجان) و ۱۵ (تهران) .
هدایت،علیقلی.فرزندصنیع‌الدوله متولد ۱۲۷۷ شمسی . نماینده دوره ۲ (ایالات خمسه) ودوره‌های ۱۰، ۱۱ ، ۱۲ و ۱۳ (فسا) .
هدایت «مخبرالسلطنه»، حاج‌مهدیقلی‌خان . فرزند علیقلی خان مخبرالدوله. متولدحدود ۱۲۴۳ شمسی. نماینده دوره ۴ (تهران) .
هدایت. نصرالله. فرزندحاج‌مخبرالسلطنه نماینده دوره ۱۰ (محلات) .
هدایت‌الله میرزا ، شاهزاده . نماینده دوره اول (آذربایجان) .
هدایتی، سید محمدعلی. فرزندحاج‌سیداحمد . متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۶ و۲۰ (شهرری).
هدایتی ، هادی . فرزند ابوالحسن . متولد ۱۳۰۲ شمسی. نماینده دوره۲۱ (شهرری) .
هدی . فضلعلی. فرزند میرصادق متولی. متولد ۱۲۸۰ شمسی.نماینده دوره ۱۷، ۱۸، ۱۹و۲۰ (اردبیل).
هراتی ، محمد. فرزند حسینقلی. متولد ۱۲۹۲ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۵ و ۱۶ (یزد) .
هراتی ، سید محمدتقی . نماینده دوره اول (ازطرف‌صنف‌چلنگرومسگرتهران).

هرمزی، فتح‌الله میرزا . فرزندشاهزاده میرخاقان. متولد ۱۲۶۹ شمسی. نماینده دوره ۵ (سراب) .

هزارجریبی«مسعودالملك»، علیقلی‌خان فرزند حاج نجفقلی‌خان . متولد ۱۲۴۹ شمسی. نماینده دوره‌های ۵، ۸، ۹ و ۱۰ (استرآباد) .

هزاره، یوسف‌خان. فرزند شجاع‌الملك، نماینده دوره ۵ (مشهد) .

هشترودی ، شیخ‌اسماعیل. نماینده‌دوره ۲ (تبریز) .

همایون ، فضل‌الله . فرزند محمدعلی . متولد ۱۲۸۲ شمسی. نماینده دوره ۲۰ (تهران) ودوره ۲۱ (کوهدشت) .

همدانی « مقبل لشکر» ، میرزابزرگ. نماینده دوره اول (زنجان) .

همدانی ، سید محمدرضا. نماینده‌دوره ۲ (وکیل مجلس و بجای سپهدار اعظم انتخاب شد).

همراز «فاضل‌الملك» ، محسن . فرزند میرزا صالحخان . متولد ۱۲۶۲ شمسی. نماینده دوره ۷ (طوالش) و دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲و۱۳ (استرآباد).

هوشمند ، میرزا عبدالحسین. فرزند میرزا اسماعیل . متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی. نماینده‌دوره ۶(کرمان) .

هیراد ، حسنعلی . فرزند رحیم. متولد ۱۲۹۹ شمسی. نماینده دوره‌های ۲۰ و ۲۱ (نوشهر) .

یاراحمدی ، اسماعیل . فرزند حیدر. متولد ۱۲۶۸ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۲و۱۳ (بروجرد).

یارافشار ، پرویز . فرزند یار محمد «سردارسعید ، سردارکل» متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۸، ۱۹و۲۰ (قزوین) .

یاسائی«صدرالادبای‌یزدی»،میرزاعبدالله. فرزند حاج میرزا ملامحمد علی. متولد ۱۲۶۴ شمسی. نماینده‌دوره‌های۵،۶و۷ (سمنان) .

یزدان‌پناه ، عزت‌الله . علی‌اکبر. متولد ۱۲۹۹ شمسی . نماینده دوره ۲۱ (شهسوار).

یزدی ، سید علی آقا . نماینده دوره۲ (یزد) .

یزدی، سید محمدکاظم. فرزندآقا سید ابوالحسن تحویدار. متولد۱۲۵۱شمسی نماینده دوره ۵ (یزد) .

یزدی ، شیخ محمدحسین. فرزند حاجی علیرضا . نماینده دوره‌های ۱ ، ۲ و ۳ (تهران).

یزدی ، محمد «وکیل‌التجار» . نماینده دوره‌های ۱و۲ (رشت) . (قبل از پایان دوره دوم در عمارت بهارستان وفات یافت).

یگانه، ناصر . فرزند غفار متولد۱۳۰۰ شمسی. نماینده دوره ۲۱ (قزوین) .

یگانگی ، اسفندیار . فرزند بهرام.متولد ۱۲۸۶ شمسی. نماینده دوره‌های ۲۰ و ۲۱ (ازطرف اقلیت زرتشتیان).

یمین‌اسفندیاری «یمین‌الملك»، اسدالله. فرزند جعفر خان یمین‌الممالك . متولد ۱۳۰۶ شمسی . نماینده دوره‌های ۱۳، ۱۴و۱۵ (بابل) .

یوسفی ، حسین. فرزندکریم «اعتماد التجار» . متولد ۱۲۹۴ شمسی.نماینده دوره ۲۰ (همدان) .

مجلس سنا

سنا Senat

سنا ازکلمهٔلاتین‌سناتوس(Senatus)که‌در نزد رومیان قدیم‌به‌معنی «شورا» بوده مشتق شده است وبه‌طورکلی به‌یك‌مجمع پارلمانی مرکب از شخصیت‌هایی اطلاق میشودکه‌به‌مناسبت شیخوخیت ونجابت طبقاتی‌به‌عضویت آن‌انتخاب‌شده‌اند.

این نام‌به‌محلی‌نیزکه مجمع در آن تشکیل می‌شوداطلاق‌می‌گردد .دربسیاری ازکشورها ، پارلمان مجلس سنابامجلس نمایندگان یا مجلس‌عوام‌درقانونگزاری مشارکت دارد .

اعضای سنا معمولا از میان طبقات اشرافی ومتنفذبرگزیده می‌شوند ومدافع منافع این‌دسته‌ازافراد اجتماع می‌باشند.

تاریخچهٔ مجلس‌سنا .

روز پنجشنبه بیستم‌بهمن‌ماه۱۳۲۸ اولین دورهٔ اجلاسیهٔ سنا به موجب‌قانون اساسی‌وقانون‌انتخابات‌سنا‌توسط**اعلیحضرت شاهنشاه‌آریامهر**افتتاح‌گردید وسه‌روز شنبه ۲۲بهمن ماه‌همین سال اولین‌جلسهٔ رسمی‌خود را تشکیل‌داد وبه‌موجب‌قانون اساسی وقانون‌انتخابات سنا ، مجلس سنا از ۶۰ عضو تشکیل می‌شود که سی نفر آنهااز طرف اعلیحضرت (پانزده نفراز تهران و پانزده‌نفرازشهرستانها)منصوب می‌گردند و سی‌نفر دیگر (پانزده‌نفراز شهرستانها) به موجب جدول ضمیمهٔقانون انتخابات سناکه درارادیبهشت‌ماه۱۳۲۸ به تصویب مجلس شورایملی رسیده است توسط مردم انتخاب می‌شوند.

به موجب این‌جدول‌عدهٔ سناتورهای انتخابی شهرستانها وبخشهای تابعهٔ آنها به‌شرح زیر تعیین شده است :

۱ ــ قزوین : یك نفر .
۲ ــ تبریز : دونفر .
۳ ــ رضاییه : یك نفر .
۴ ــ کرمان: یك‌نفر .
۵ ــ همدان : یك‌نفر .
۶ ــ اهواز : یك‌نفر.
۷ ــ شیراز : دونفر.
۸ ــ رشت : یك‌نفر .
۹ ــ ساری :یك‌نفر .
۱۰ ــ مشهد: دونفر.

دورهٔ اول.

انتخابات دورهٔ اول دو درجه‌ای به عمل‌آمده است .به‌این‌ترتیب که‌درتهران ۷۵ نفر از طرف مردم انتخاب شدند و این عده‌از میان خود پانزده‌نفر سناتور تهران را انتخاب‌کردند ، اما به موجب لایحه‌ای‌که در دیماه۱۳۳۹ به‌مجلس‌سنا تقدیم شد، انتخابات‌این مجلس نیزمانند مجلس شورایملی یك‌درجه‌ای و مستقیماً از طرف مردم به عمل خواهدآمد.

قانون انتخابات سنا شرط انتخاب رااینطور تعیین نموده است که منتخبین باید از طبقات زیر باشند :

روحانیون، امرای‌بازنشستهٔ ارتش، استادان‌دانشگاه، کفیل،معاون‌وزارتخانه‌ها یا وزیرمختار، مالکین وتجاری‌که‌لااقل پانصد هزار ریال درسال مالیات بدهند، وکلای‌پایهٔ یك‌دادگستری‌با۱۵ سال‌سابقهٔ وکالت و داشتن‌عنوان دکتری ویابیست سال سابقهٔ وکالت دادگستری .

سی ودوماه ازعمر دورهٔ اول‌مجلس سنا میگذشت‌که بعد از وقایع ملی شدن نفت درحکومت‌آقای‌دکترمحمدمصدق‌به موجب طرحی‌که از تاریخ پنجشنبهٔ اول آبانماه ۱۳۳۱ ازمجلس‌شورایملی‌گذشت دورهٔ مجلس سنا از شش سال به دو سال تقلیل داده شد و به دنبال تصویب این طرح به دستوردولت‌در عمارت‌بهارستان که‌مجلس سنا جلسات دورهٔ اول ودوم اجلاسیهٔ خود رادرآنجا ودرتالارمجلس شورایملی‌برگزارمیکردبرروی سناتورها بستند .

سنا به‌این‌عمل دولت‌ومجلس‌شورای ملی شدیداً اعتراض‌کرد.

پس از قیام ۲۸ امرداد و سقوط حکومت دکتر محمد مصدق و روی‌کار آمدن سپهبدزاهدی، چون طرحی که از مجلس برای تقلیل دورهٔ سنا به دو سال گذشته بود،قانونی تلقی‌نگردید و مجلس سنا دورهٔ‌قانونی‌خودرا داشت‌مجدداًهمان مجلس شروع‌به‌کار کرد وازاوایل‌شهریور ماه‌سال‌۱۳۳۲ جلساتی‌ازسناتورها تشکیل شد و سرانجام اولین جلسهٔ علنی روز یکشنبه یازدهم‌مهرماه‌درعمارت‌بهارستان با حضور نخست‌وزیرو‌به‌ریاست تقی‌زاده تشکیل‌یافت وبدین‌ترتیب سنافعالیت‌خود را از سرگرفت.

درهرسه‌سال اول دورهٔ‌سنا ، سی‌نفر از سناتورها (۱۵ نفر انتخابی و۱۵ نفر انتصابی)به‌قیدقرعه‌ازسناخارج‌میگردند. اولین قرعه‌کشی‌سنا که‌قرار بود دراسفند ماه سال ۱۳۳۲ انجام‌گیرد بعدازشروع فعالیت مجدد مجلس سنا در تاریخ شنبه نهم‌آبانماه سال ۱۳۳۲ به‌عمل‌آمد.

دورهٔ اول مجلس سنا روز شنبه ۲۸ر۱ر۱۳۳۲ به‌فرمان‌شاهنشاه‌آریامهر همراه مجلس شورایملی منحل گردید و دورهٔ دوم‌آن روز شنبه ۲۸ر۱ر۱۳۳۳ افتتاح شد.

سناتورهای دورهٔ اول

آصف ، فرج‌الله.
افخمی ، ابراهیم.
امامی‌خویی . جواد.
امیر احمدی ، سپهبد.
امیراعلم ، دکتر.
اهری ، دکترقاسم.
ایلخان ، ظفربختیار.
بوشهری ، جواد.
بیات ، مرتضی‌قلی.
تدین ، سید محمد.
تقی‌زاده ، سید حسن.
جلیلی یزدی ، سیدکاظم.
جهانبانی ، سپهبد امان‌الله.
حسابی ، دکتر محمود.
حقنویس ، علی.
حکیمی ، ابراهیم.
خراسانی ، مسعود.
خلعتبری، نصرالله.
خواجه نوری، ابراهیم.
دادگر ، حسین.
دشتی . علی.
دیوان بیگی ، رضا علی.
راد (معتمدالملك).
روحی ، عطاءالله.
زاهدی ، سرلشکر.
ساعد مراغه‌ای ، محمد.
سپهبدی ، انوشیروان.
سروری ، محمد.
سروش.
سنگ ، دکتر.
سمیعی ، حسین.
رضازادهٔ شفق، دکتر.
صادق ، صادق
صبا . نصرالله.
صدیق‌اعلم ، دکتر عیسی.
ضرغامی ، سرلشکر.
طباطبایی ، عبدالمهدی.
ظهیرالاسلام.
عدل ، مصطفی.
فرخ ، سید مهدی.
فروزانفر ، بدیع‌الزمان.
قاسم‌زاده ، دکتر.
قشقایی ، ناصر.
قوام ، ابراهیم.
کاظمی ، باقر.
لسانی ، ابوالفضل.
مافی ، نظام.
مالك ، دکتر سعید.
متین دفتری ، دکتر احمد.
محوی ، محمدمهدی.
مسعودی ، عباس.
مشیر ناظمی ، مهدی.
مقدم ، محمدعلی.
ملکزاده ، دکتر مهدی.
ممقانی ، اسدالله.
مؤید ثابتی ، علی.
نجم،ابوالقاسم.
نخجوان ، سپهبد.
نقدی ، حسین.
نمازی ، محمد.
نیکپور ، عبدالحسین.
والاتبار ، حشمت‌الدوله.
هدایت ،کمال.
هیئت . علی.
یمین اسفندیاری، اسدالله.

سناتورهای دورهٔ دوم

آموزگار ، حبیب‌الله.
اسعدامیر جنگ، محمدتقی.
افشار ، دکترجلال.
اقبال ، دکتر منوچهر.
اکبر ، حسن.
امامی ، دکتر سیدحسن.
امامی ، جواد (ظهیرالاسلام).
امامی ، جمال.
امیراحمدی ، سپهبد.
امیراعلم، دکتر.
امیر سلیمانی ، مصطفی.
ایلخان ظفر بختیار ، امیرحسین.
بقایی ، سرلشکرحسن.
بوشهری ، جواد.
بهبهانی ، میرسیدعلی.
بیانی ، دکتر خانبابا.
پالیزی، هدایت‌الله.
تقی‌زاده ، سیدحسن.
تهرانی، سیدجلال.
جم ، محمود.
جهانبانی ، سپهبدامان‌الله.
حجازی ، محمد (مطیع‌الدوله).
حسابی ، دکتر محمود.
حقنویس ، علی.
حکیمی ، ابراهیم.
خواجه‌نوری . ابراهیم.
خوشبین ، دکتر احمد.
دادگر ، حسین.
دشتی ، علی.
دهستانی ، یدالله.
دیوانبیگی ، رضاعلی.
رام ، مصطفی قلی.
رفیع ، رضا.
ساعد ، محمد.
سجادی ، دکتر محمد.
سزاوار ، نیرالدین.
سیف افشار، علی‌اکبر.
شاه بختی ، سپهبد محمد.
شریف‌امامی ،مهندس جعفر.
شمس‌ملك‌آرا ، اسدالله.
صبا ، نصرالله.
صدر ، محسن.
صدیق‌اعلم ، دکترعیسی.
طباطبایی، عبدالمهدی.
طباطبایی ، سید محمدصادق.
عدل ، پروفسور یحیی.

عضد ، ابوالفضل .
فروهر ، ابوالقاسم .
فیروز ، سرلشکر مجید .
قایم مقام‌الملك ، رضا.
قاسم زاده ، دکتر قاسم .
کاظمی ، دکتر پرویز .
گلشاییان ، عباسقلی .
لسانی ، ابوالفضل .
لقمان ادهم ، دکتر عباس .
مالك ، دکتر سعید .
متین دفتری ، دکتر احمد .
مجد ، محمدعلی ، (فطن‌السلطنه) .
مسعودی ، عباس .
مشیرفاطمی ، مهدی .
مطبوعی ، سرلشکر ایرج .
ممقانی ، اسدالله .
مؤیدثابتی ، علی .
مهدوی ، محسن .
میرجلالی ، سرلشکر .
نائل خانلری ، دکترپرویز .
ناصری ، محمود .
نبیل سمیعی ، ابراهیم .
نظام مافی ، محمدعلی .
نمازی ، مهدی .
نیکپور ، عبدالحسین .
وارسته ، محمدعلی.
والاتبار ، حشمت‌الله .
وکیلی ، علی .
هدایت ، علیقلی.
یزدان پناه ، سپهبد مرتضی .

اصطلاحات سیاسی

آبسولوتیسم Alsolutisme
نام رژیمی از حکومت، که‌زمامدار در آن قدرت مطلقه و نامحدود داشته باشد .

آتاشه Attache
وابستهٔ سفارتخانه .

آنارشی Anarechie
آشوب ، بی‌نظمی و هرج و مرج . در زبان یونانی به‌معنی بدون حکومت است.

آنارشیست Anarechiste
آشوب طلب .

آنارشیسم Anarechisme
بی معنی هرج و مرج خواهی‌مسلك آنارشیسم : حکومت را تنها موجب بدبختی ومصیبت‌های اجتماعی می‌دانند.

آیین‌مونروئه .
آیین پیشنهادی **مونروئه** رییس جمهورآمریکا ،که در ۲ دسامبر ۱۸۲۳ تقدیم‌کنگره‌گردید وتصویب شد و طبق آن از نفوذکشورهای قاره‌های دیگردر کشورهای‌آمریکایی‌جلوگیری‌به‌عمل‌آمد وهمچنین‌دخالت‌آمریکادرامور کشورهای اروپایی منع گردید.

اپتی‌میسم Optimisme
به معنی عقیده به خوش بینی و حسن ظن‌است. این اصطلاح غالباً به اصطلاحات حاکی از مرامهای اصلی سیاسی ملحق میگردد ،

اپورتونیسم Opportunisme
ابن‌الوقت بودن وتغییردادن‌عقیدهٔ سیاسی‌به‌مجرد تغییر وضع و پیوستن‌به‌هر شخص یا فرقه‌ای براساس منفعت شخصی.

اپولوژیسم Apologisme
نام فرقه‌ای موسوم به اپولوژیت ، که درقرن ۱۷ درخلال جنگ‌های داخلی انگلستان برای مردم حق مقاومت در برابر پادشاه قایل بودند .

اپیس‌کوپالیسم Episcopalisme
مسلکی‌که در قرن ۱۶ در اروپا به‌وجودآمد.این مسلك منسوب به‌ژان‌ــ **کالون** تئولوژیست فرانسوی است . او به سلطنت تکیه نداشت و معتقد بود‌که اتوریتهٔ روحانی ، براتوریتهٔ جسمانی تفوق دارد .

اتوریتاریانیسم Autoritarianisme
سیستم حکومتی‌که درآن ، آزادی فردی تحت الشعاع قدرت دولت قرار میگیرد .

اتوکراسی Autocratie
سیستم حکومتی است‌که درآن‌تمام قدرت دردست زمامدار باشد.

اریستوکرات Aristocrate
عضو هیأت‌حاکمهٔ‌اشرافی ، هواخواه حکومت اشرافی .

استالینیسم .
نام فلسفه و مسلك استالین ، فرمانروای در گذشتهٔ روسیهٔ شوروی و تفسیراتی‌که بنا به‌میل خود ومصلحت حکومت خود برای‌کمونیسم ومارکسیسم کردوشدت عمل‌وسخت‌گیری‌وناسازگاری باسایر مسلکها وکشورهای جهان در این اصطلاح استنباط میشود ، پس از مرگ وی در روسیهٔ شوروی این مسلك مردود شناخته شد .

اسکاپیسم Escapisme
یا فلسفهٔ فرار ، عقیده‌به‌فرار از شرکت درکارهای اجتماعی و سیاسی و امتناع از قبول پستهای دولتی و شرکت در امور حکومت .

اصالت‌جمع.
نولکتیویسم را ببینید .

اعتصاب.
دست از کار کشیدن کارمندان و کارگران برای مقصود خاصی، تعطیل کردن‌کار .

اقلیتها .
این اصطلاح‌شامل اقلیتهای‌نژادی، مذهبی و یا زبانی میشود‌که‌مقیم‌کشوری هستند و نژاد یا مذهب یا زبان آنها با اکثریت مردم‌آن‌کشورتفاوت‌دارد؛مانند ارامنه ، آشوریان، یهودیان وزرتشتیان در ایران امروز .

اکسپانسیونیست Expansioniste
طرفدار توسعه وگسترش اراضی کشور ، به‌وسیلهٔ فتوحات نظامی ، یا به وسایل اقتصادی .

اگپو.
نام ادارهٔ پلیس سری و مأمورین امنیت‌ودستگاه جاسوسی روسیهٔ شوروی، که پس‌از مرگ استالین از خشونت و بیرحمی و شدت عمل آن کاسته شده و معتدل‌تر گردیده است .

الیگارشی Olygarchie
حکومتی‌که توسط چند نفر اداره میشود وقدرتها در اختیارعده‌ای معدود است .

امپریال Emperial
امپراتوری، شاهنشاهی.

امپریالیست Emperialist
طرفدار و هواخواه امپراطوری.

امپریالیسم Imperialisme
نام خط مشی وسیاستی است‌که‌هدف آن تشکیل یك امپراطوری وسیع و عظیم باشد ، هم از حیث وسعت اراضی و هم جمعیت وهم اسارت ملل و طوایف دیگرواستثمارآنها به نفع ملت مرکزی وحاکم .

انترناسیونال International
جهانی ، بین‌المللی.

انترناسیونالیسم Internationalisme
عقیدهٔ طرفداران اتحاد بین‌المللی ممالك جهان و ملتهای آنها و همچنین مسلك‌طرفداران‌اتحادبین‌المللی‌کارگران

نیز میباشد .

انتلکتوئل Intellectuel

دراصطلاح سیاسی، به‌معنی روشنفکر است .

انتی‌سمی‌تیسم.

ضد یهود ، کـه جزیی از برنامهٔ ناسیونال سوسیالیسم آلمان بود.

اندوستریالیسم Industerialisme

صنعتی شدن زندگی انسان ورواج زیاد صنعت وکارخانه ومـاشین و اعتقاد به‌لزوم آن .

اندیویدوالیسم Individualisme

عقیده به‌اصالت فـرد و اینکه در حکومت و وضع قانون اصل فرد استو جامعه‌فرعی بر آن‌میباشدو جامعه به‌خاطرفرد به‌وجود آمده نه فرد برای جامعه.

انرا.

نام مخفف ادارهٔ کمك به‌آوارگان، از شعب فرعی سازمان ملل متحد.

انشلوس.

نـام جنبشی است که در اروپای مرکزی برای‌یکی‌شدن اطریش وآلمان وجود داشت و در سال ۱۹۱۴ آشکار شد .

اوتارکی Autarky

استقلال اقتصادی ، یـا بی نیازی اقتصادی، یعنی آنکه‌ملتی کلیهٔ احتیاجات اقتصادی خود را در داخله تهیه کرده از احتیاج بـه اجناس خـارجی آزاد گردد .

اولتیماتوم Ultimatume

اتمام حجت ،آخرین پیشنهادی‌که دولتی به دولتی میدهد ، و در صورت عدم قبول موجب بروز جنگ میشود .

اویالیست

سلطنت طلب دربرابر جمهوری‌ـ طلب .

ایزولاسیونیسم Isolationisme

سیاست کناره گیری یك دولت از همکاری سیاسی و اقتصادی بـا دول دیگر .

باکونی‌نیسم Bakuninisme

عقیدهٔ سیاسی **باکونین** ، پیشوای آنارشیست روسیه واروپا؛ وی‌این‌مکتب راکه اصولش لزوم تخریب دولت وحفظ حقوق فردیت و افکار خـداوند است ، ابداع نمود .

بالشویسم Balshewisme

شیوه‌ای که طبق آن طبقهٔ کارگر بـاید به‌وسیلهٔ دسته‌های‌محلی، که‌پیروانضباط از طرف دولت مرکزی بـاشند ، هرچه زودتر قدرت سیاسی را بدست‌آورند .

بربریسم Barbarisme

وحشی‌گری ، توحش ، حالت‌بدوی زندگانی ، جوامع اولیه واقوام دور از تمدن .

بلوك Bloc

دستهٔ متحد ،گروه هم بسته .

بورژوا Bourgeois

دولتمند ، شهر نشین ثـروتمند ، سرمایه‌دار .

بورژوازی Bourgeoisie

سرمایه‌داری ، طبقهٔ ثروتمند .

بنتامیسم Benthamisme

نوع مخصوصی از لیبرالیسم.

پاتریسین Patricien

در اصل به اتباع روم که‌ازخانوادهٔ سنـاتورهای‌منتخب‌رومولوس(Romulus) بودند اطلاق میشد ، و در لغت به‌معنی نجیب و اشراف زاده است .

در قـرون وسطی به‌قشرثروتمند شهرنشین‌اروپای‌غربی ومرکزی‌پاتریسین گفته‌میشدکه‌عبارت‌بودنداز: بازرگانان، رباخواران ، ملاکان ومانند اینها و پس ازآزادشدن‌شهرهاازز یرسلطهٔ«سینیورها» قدرت‌به‌دست آنان‌افتاد وازآن پس‌جدال میان پاتریسین‌ها واصناف همیشه درگیر بودکه در بعضی نواحی ماننـدفلورانس، کلن ، گینت‌وغیره‌این‌مبارزه بنفع‌قشرهای بالایی اصناف خاتمه پذیرفت .

پاتریوت Patriot

میهن پرست .

پاتریوتیسم Patriatisme

به‌معنی میهن‌پرستی است.

پارتیزان Partisan

سرباز چریك، طرفدار ، هواخواه.

پارتیکولاریسم Particularisme

علاقهٔ شدید هرشهر به حفظ حالت خاص خود.

پارلمان.

از کلمهٔ لاتین پارلیامنتوم مشتق شده‌که به معنی صحبت و گفتگو کردن است .

درکشورهای مختلف اروپا ازقدیم‌ـ الایام رسم براین بود که پادشاه برای ادارهٔ امور ، با عده‌ای از ملازمان خود به صحبت وگفتگو میپرداخت .

در قرون دوازدهم و سیزدهم علاوه براشراف وبزرگان‌روحانی، ثروتمندان شهری‌نیز که‌قوت‌گرفته‌بودندبه‌این‌مجالس دعوت میشدند و در واقع میتوان گفت که پارلمان از ایـن زمـان به وجود آمد .

این مجالس تـازه در هرکشوری بنامی‌معروف شد. مثلادراسپانیا«کورتس Cortes»،درفرانسه«اتازنرو»، درآلمان «دیتDiet»،ودرانگلستان«پارلمنت»نام گرفت. ودرعین حال درهرکشوربرحسب اوضاع و احوال اجتماعی رنگ خاصی به‌خودگرفت، به‌این معنی‌که در یك جا ملاکان فئودال ، در جایی دیگر مقامات عالی‌روحانی، ودرجای دیگرثروتمندان شهری درپارلمان قدرت‌بیشتری داشتند، ولی در هرحال این پارلمان‌ها دربرابر پادشاه حق اظهار نظرنداشتند ودرواقع کارجمع‌آوری مالیات‌واموردیگرمملکتی را بر او آسان میکردنـد . بعدهـا به مناسبت اجازهٔ اعزام نماینده به طبقات غیراشرافی به پارلمان دربعضی‌کشورها، این مجالس به دوقسمت تقسیم‌شد:مجلس اعیان و مجلس عـوام . بعدهـا ایـن پارلمان‌ها درکشورهای اروپایی ازمیان رفتند .

پس از انقلابات بورژوایی اروپاو استقرار «حکومت مردم»مجالس منتخب مردم به‌وجود آمدندکـه‌آنها نیز غالباً پارلمان نام‌گرفتند .

پارلمانتر Parlementaire

عضو پـارلمان ، مطابق با آداب و رسوم پارلمان .

پارلمانتریسم Parlementairisme

روشی‌ازحکومت، که‌درآن‌قوهٔ‌مجریه در اعمال خود مسؤول قوهٔ مقننه میباشد.

پاروشیالیسم Parochialisme

محدودیت فکر ودلبستگی‌به انجام کارهای بلوکی ، بخشی ، و محلی .

پاسی‌فیسم Pacifisme

حمایت‌ازصلح‌بین‌المللی‌به‌هرقیمت، وطرفداری از سازش وحکمیت در مورد اختلافات؛ به‌جای توسل به‌جنگ .

پان‌آفریکانیسم

مسلکی‌که‌هدف‌آن‌نجات‌سیاه‌پوستان ازتسلط بیگانگان و تأمین‌آزادی آنان است .

پان‌آمریکانیسم.

نظریه‌ای‌که در اواخرقرن نوزدهم

به‌وسیلهٔ کشورهای‌متحد آمریکای شمالی، و باسیاست‌معروف «مونرو» پیدا شد و منظوراز آن وحدت اقتصادی در قارهٔ آمریکا بودولی‌بدبینی شدیدجمهوریهای آمریکای جنوبی مانع پیشرفت این فکر بوده وهست .

پان اسلامیسم .
عقیدهٔ سیاسی مبتنی براتحادکلیهٔ ممالک اسلامی .

پان‌تورانیسم .
عقیدهٔ سیاسی‌که درآغاز هدف آن اتحادسیاسی‌همهٔ ترکان ، تاتاران‌وفینیان اویغوری بود .

پان تورکیسم.
عقیدهٔ سیاسی مبتنی براتحاد کلیهٔ اقوام وملل‌ترك‌نژادساکن‌اتحادجماهیر شوروی .

پان ژرمانیسم .
عقیدهٔ‌سیاسی مبتنی‌براتحاد اقوام و ملل ژرمانی .

پان عربیسم .
عقیدهٔ سیاسی‌مبتنی براتحاد کلیهٔ اقوام وملل عرب‌نژاد .

پان هلنیسم.
عقیدهٔ سیاسی مبتنی‌براتحادملل‌یونانی.

پرولتر Proltaire
در تولید سرمایه داری پرولتر کسی است‌که جز نیروی‌کار چیزدیگری نداردواز فروش‌آن به‌صاحبان تولید امرار معاش میکند .
مجموعهٔ پرولترهاطبقهٔ پرولتاریارا تشکیل میدهند. این‌طبقه یکی ازدوطبقهٔ اصلی‌جامعهٔ‌سرمایه‌داری‌است(طبقهٔ دیگر سرمایه‌داراست) . پرولتاریاکه‌دراسارت سرمایه‌داری بسرمیبرد و ازجانب آن استثمار می‌شود انقلابی‌ترین طبقهٔ جامعه است .

پرومتیوس .
نام‌جنبشی‌درپاریس‌به‌سال۱۹۲۸ به‌وسیلهٔ مهاجران‌گرجستان‌وارمنستان واوکرانی برای‌ایجادگرجستان مستقل وارمنستان مستقل‌واوکرانی‌مستقل، این جنبش را آلمانها تقویت میکردند .

پرووَنسیالیسم Provincialisme
عقیده به‌عدم تمرکز امورکشور در پایتخت وتقسیم مسئولیت‌های‌هرایالت به متصدیان امورهمان ایالت .

پلب Plébe
در روم‌قدیم به‌معنی توده ، عوام و مردم سادهٔ آزادبه‌کار میرفت و امروزه نیزعوام‌الناس وطبقات‌پایین را پلب و افراد این طبقات راپلبین(Plébéian) مینامند . پلبین‌هادر مقابل‌پاتریسین‌ها که طبقهٔ ثروتمند وصاحب نفوذ اجتماع روم بودند قرارداشتند . پلبین‌ها با پاتریسین‌ها مبارزاتی برای‌کسب حقوق مساوی داشتندکه در اوایل‌قرن‌سوم قبل از میلاد به پیروزی‌پلبین‌ها خاتمه یافت دراوایل‌جمهوری پلب‌به‌کسی‌اطلاق میشد که‌آزاد وصاحب حقوق اجتماعی‌بودولی ازلحاظ ثروت ووسایل تولیددست خالی بود . درغرب اروپا نیز درقرون وسطی به‌مردم فقیروکارگران تهیدست‌کارگاه‌ها پلب میگفتند .

پلوتوکراسی Ploutocratie.
یا حکومت ثروتمندان، سیستم حکومتی‌که‌به‌دست‌ثروتمندترین‌افرادیك جامعه اداره‌شود.

پلورالیسم Pluralisme
اعتقادبه‌اینکه‌علاقهٔ‌فردنباید منحصر به پیوستگی سیاسی وی‌بدولت‌باشد بلکه متساویاً بایدبه‌گروههای‌دیگراقتصادی و مذهبی و اجتماعی وغیر آنهم پیوستگی داشته باشد ، ونیز اعتقادبه‌لزوم تعداد احزاب وجماعات و انواع انجمنها و عقایدوسلیقه‌های‌مختلف دراجتماع.

پلیتیك Politique
علم سیاست، سیاست .

پوگروم .
لفظ‌روسی‌است، به‌معنی‌تخریب‌وغارت وخونریزی بتحریك حکومت برای‌حمله به‌یهودیان. در۱۸۸۱ که حملهٔ عمومی‌در روسیه به‌یهودیان‌آغازگشت این‌اصطلاح معمول شد.

تئوکراسی Theocratie
حکومتی که درآن فرماندهان و رؤسا، پیشوایان روحانی و ارباب دین باشند .

تائوئیسم Taoisme
مکتب فلسفی و سیاسی و اجتماعی منسوب به‌**لائوتسه** فیلسوف معروف‌چین.

تاکتیك Tactic
فن جنگ وراهنمایی سپاه، درنبرد بادشمن .

تامیسم Thomisme
مکتب سیاسی منسوب به توماس داکن .

ترادیسیون Tradition
سنت ، رسوم‌اجتماعی.

تروتسکیسم Trotskisme
عقاید فرقهٔ‌منشعب‌ازحزب‌کمونیست روسیه تابع فلسفهٔ **تروتسکی**‌که معتقد به انقلاب جهانی همراه با انقلاب داخلی بود.

ترور Terreur
وحشت وهراس، کشتن وازبین‌بردن مخالفین.

تروریست Terroriste
عامل ترس و وحشت، آدم‌کش.

تروریسم Terrorisme
عقیده به لزوم آدم‌کشی وتهدید و تخویف وتخریب وایجاد وحشت درمیان مردم‌برای براندا‌ختن‌حکومت ،ودردست گرفتن زمام‌دولت یاتحمیل عقیده‌وفلسفه به‌جامعه .

ترادیونیون Trade_unione
نام سازمانی ازکارگران برای‌تماس باکارفرما درمورد افزایش‌حقوق و تقلیل ساعات‌کاروسایر مسایل مربوط‌به‌زندگی.

ترادیونیونیسم Trade_Unionisme
به‌یك‌اتحادیهٔ‌کارگری‌گرویدن. لنین بین ترداینیونیسم و سوسیالیسم فرق گذاشت. کارگران هیچگاه سوسیالیست نمی‌شوند، بلکه ابتدا ترادیونیونیست میشوند .

تمدن.
تمدن مجموعهٔ تدابیری است‌که انسان برای رفع احتیاجات مادی و معنوی خود اتخاذ میکند و به وسیلهٔ آن بر طبیعت ، و موانع ومشکلات‌آن تسلط میابد.

توتالیتاریانیسم Totalitarianisme
یا حکومت جمعی ، نام فلسفه و حکومتی‌است‌که‌باوسایل‌مجهز‌پلیسی‌ووضع مقررات در تمام شئون زندگی فرد دخالت‌کند و ازانتقاد جلوگیری نماید.

تیرانی Tyrannie
حکومت ستمگری وجور وظلم.

تیرانیسیت Tyrannicite
ظالم‌کشی ، و اعتقاد به لزوم قتل سری وترور زمامداران حکومت.

تیموکراسی Timocratie
این اصطلاح در مورد حکومتی و

دولتی به‌کار برده‌میشود که به‌دست اشخاصی اداره‌میشود که‌تنها به‌خاطر شرف و به‌دست آوردن افتخار کار می‌کنند. این واژه را افلاطون در کتاب جمهوریت خود به‌کار برده است.

چهار آزادی .
عنوان موضوعه **روزولت** در کنگرهٔ آمریکا در ۶ ژانویه ۱۹۴۱ به‌شرح زیر:
۱ ــ آزادی نطق و ابراز عقیده.
۲ ــ آزادی مذهب.
۳ ــ آزادی رهایی از احتیاج و فقر.
۴ ــ آزادی ورهایی از ترس، یعنی آنکه تسلیحات موقوف شود به‌طوریکه ملت‌ها از تجاوز مسلح ملل دیگر ، بیم نداشته باشند.

چهار مادهٔ ویلسون.
شامل مواد پیشنهادی **ویلسون** رییس جمهور آمریکا به کنگرهٔ آمریکا در ۸ ژانویه ۱۹۱۸ برای تأمین صلح جهانی.

خطر زرد .
مقصود خطر قیام نژاد زرد (ژاپون وچین) و تفوق و غلبهٔ آن بر نژاد سفید است .

خطر سیاه .
مقصود خطر قیام نژاد سیاه (افریقا) و تفوق و غلبهٔ آن بر نژاد سفید است .

خط کرزن .
نام مرز خاوری لهستان، پیشنهادی **لرد کرزن** وزیر خارجهٔ انگلیس در شورای عالی متفقین در پاریس در هشتم دسامبر ۱۹۱۹ که لهستانیها آن را نپذیرفته با پشتیبانی سری فرانسه از آن سرپیچی کردند و پس از جنگ دوم جهانی روسها تقریباً همان خط را، خط مرزی بین روسیه و لهستان قرار دادند .

دپارتمانتالیسم Departementalisme
حکومتی که به ایالات و استانها و بخش‌های کشور در امور داخلی خود استقلال دهد .

دترمینیسم اقتصادی .
نام یکی از فرضیه‌های **مارکس** مبنی بر اینکه خط مشی و سیاست دولتها و حوادث تاریخ، عموماً نتیجهٔ نیروهای جبر اقتصادی و اسباب و علل اقتصادی است .

دسانترالیسم Decentralisme
انتقال نظارت و کنترل از قدرت مرکزی به واحدهای محلی، اصطلاح مترادف آن پارتانتالیسم ، و روش مقابل آن **سانترالیسم** یا تمرکز است .

دسپوت Despot
مستبد .

دسپوتیسم Despotisme
حکومتی که پیرو حکومت مطلقه بوده و به‌دست زمامداری خودرأی و مستبد اداره شود .

دماگوژی Demagogie
عوام فریبی .

دموکرات Democrate
آزادی‌خواه، طرفدار آزادی.

دموکراتیك Democratique
شیوهٔ همرأیی .

دموکراسی Democratie
حکومت مردم بر مردم به‌وسیلهٔ مجلس نمایندگان انتخابی و تبعیت از رأی اکثریت .

دمونستراسیون Demonstration
تظاهر دسته جمعی که در آن فرقه‌ای یا فرقه‌هایی یا احزاب مختلفی شرکت داشته باشند و به‌وسیلهٔ سخنرانی و گردش در معابر برای به‌دست آوردن خواسته‌های خود جدوجهد کنند .

دوازده مادهٔ ترومن .
اعلامیهٔ ترومن رییس جمهور آمریکا در نیویورك، در ۲۸ اکتبر ۱۹۴۵، شامل ۱۲ ماده شامل تفسیر و تعیین سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ دوم جهانی.

دیپلومات Diplomate
سیاسی، سیاستمدار .

دیپلوماسی Diplomatie
سیاست، علم سیاست، حل وعقد امور میان کشورها وممالك خارجی .

دیکتاتور Dictateur
مستبد، خودرأی .

دیکتاتوری Dictateurie
روش استبدادی و حکومت مطلقه به‌وسیلهٔ شخصی که او را دیکتاتور اصطلاح می‌نامند .

رادیکالیسم Radicalisme
مکتبی در سیاست که هواخواهان آن از اوضاع موجود ناراضی بوده و طالب تجدید نظر و درهم‌شکستن تمامی قوانین و نظامات میباشند .

رفراندوم Referendume
مراجعه به آراء عمومی از طرف دولت برای گرفتن اکثریت آراء مردم .

رفرم Reforme
تغییرات و اصلاحات سطحی، در امور سیاسی واقتصادی بدون شورش و انقلاب.

رولوسیون Revolution
شورش وطغیان .

رویالیسم Royalisme
روش سلطنت طلبان در برابر جمهوری‌خواهان .

زیونیسم .
نام جنبشی بود درقوم یهود در تمام نقاط دنیا، برای برگشت یهودیان به‌خاك فلسطین، که درسال ۱۹۴۸ به‌ثمر رسید و دولتی در آنجا به‌نام اسراییل تشکیل یافت .

ژئوپولیتیك Géo Politique
علم جدیدی از جغرافیا و مورد استعمال آن در لشکرکشی است با توجه به روابط سیاسی و فعالیتهای سیاسی و اقتصادی بین کشورها .

ساتیاگراها Satvagraha
نهضت سیاسی ومذهبی سال ۱۹۱۹ که به‌وسیلهٔ مقاومت منفی درمقابل تجاوز بیگانگان مبارزه نمود.

سانترالیسم Centralisme
عقیده به لزوم تمرکز کلیهٔ امور کشور درمرکز وادارات مرکزی پایتخت وانجام هرکار بااجازهٔ مرکز .

ستون پنجم .
عنوان گروهی سری از جاسوسان و طرفداران دشمن در داخلهٔ کشور و در پشت جبهه‌های جنگ که به‌نفع دشمن کار کنند .
این اصطلاح اززمان جنگ داخلی اسپانیا معمول شد که **فرانکو** با چهار ستون سرباز برضد نیروهای دولتی میجنگید و مادرید را محاصره کرده بود وستون پنجم وی جاسوسان او در مادرید بودند که شکست نیروی دولتی وپیروزی فرانکو را تسهیل میکردند .

سزاریسم Czarisme
حکومت قیصری .

سنا Senat
مجلسی که نمایندگان آن از بین افراد ممتاز انتخاب شوند .

سناتور Senateur
نمایندهٔ مجلس سنا .

سندیکا Syndicat
نام ترادیونیون ، یا اتحادیه های کارگری درفرانسه .

سندیکالیسم Syndicalisme
عقیده به لزوم حکومت سندیکا به وسیلهٔ نمایندگان خود در کشور.

سوسیالیسم Socialisme
هدفش ایجاد دسته‌جمعی جامعه‌است، به نفع مردم، به وسیلهٔ مالکیت دولت نسبت به کلیهٔ وسایل تولیدی. کنترل آنها به‌عهدهٔ دولت است .

سیاست درهای باز .
بازگذاشتن مرزهای یك کشوربرای اتباع تمام ملل دیگر، باشرایط مساوی برای ورود وخروج به‌منظور معاملات و کارهای بازرگانی با آزادی تجارت این اصطلاح به‌خصوص ازسال ۱۸۹۸ به‌بعد در مورد تجارت باچین ودرمورد بنادر چین معمول گشت .

شووینیسم Chauvinisme
اصطلاحی است کـه ازنام یکی از سربازان **ناپلئون** به‌نام نیکولا **شوون** که افتخاراتی کسب کرد گرفته است .
شووینیسم تعصب نسبت به‌افتخـارات میهنی است که ملل دیگر راتحقیر میکند ومنافع ملتی رابرملت دیگر ترجیح‌میدهد وآتش نفرت‌ودشمنی رادرمیان‌ملل مختلف دامن میزند.
شووینیستهادرعین‌حال به نژادپرستی توسل میجویند و این عقیده را تـرویج می‌کنندکه انسانیت ازنژادهای عالـی و پست‌ونابرابر تشکیل‌شده است. شووینیسم که یك طرزتفکرشکست خورده است‌که هنوزهم ازجانب برخی‌محافل‌سرمایه‌داری تقویت میشود .

شیسم .
ایجاد انشعاب وشکاف در یك حزب یافلسفه یـامذهب وتفکیك آن به‌فرقه های مختلف .

طرح مورگنتو .
طرح اقتصادی پیشنهادی مورگنتو خزانه‌دارآمریکا، در۱۹۴۳ راجع به‌ایجاد یك سازمان اقتصادی درجهان برای‌تثبیت اوضاع مالی‌وارزوپشتوانهٔ پول وهم‌آهنگی ارزها پس‌از پایان جنگ .

فابیانیسم Fabianisme
نـام یك سازمان سوسیـالیستی در انگلستان است .

فاشیسم Fachisme
نام فلسفهٔ حزب مولود**موسولینی**در ایتالیا معروف به‌پیراهن‌سیاهان که‌مخلوط ومعجونی‌ازعقایدومسلکهای سیاسی‌مختلف ومعتقدبه‌لزوم تمرکز قدرت واتوریته در شخص پیشوا وشدت عمل است .

فالانژیسم .
فلسفهٔ مشابهی‌بافاشیسم‌که دراسپانیا به‌رهبری ژنرال**فرانکو** به‌وجودآمد.

فئودال Feodal
مالکی که بررعایای خود حکومت کند .

فئودالیسم Feodalisme
کشورهایی که عده‌ای از مالکین و اشراف، ملاك باشند .

فاکسیون Faction
حزب .

فاکسیونالیسم Fationalisme
حزب پرستی .

فاناتیسم Fanatisme
اعتقاد تعصب‌آمیز .

فدرال Fedral
اتحاد .

فدراسیون Federation
اتحاد چند دسته ازمردم.

فدرالیسم Federalisme
حکومتی‌که ازاتحاد ایالات مستقل تشکیل شود .

فراکسیون Fraction
گروهی هم‌عقیده ، ازیك حزب یـا جمعیت .

فیزیوکراسی Physiocratie
دراین مسلك، قوهٔ مقننه از دخالت در وضع قـوانین اقتصـادی خـود داری می‌نمایند .

کاپیتال Capital
سرمایه .

کاپیتالیسم Capitalisme
سیستم حکومت سرمایه داری‌که در آن وسایل عمدهٔ تولید دردست‌سرمایه‌ـ داران است و اصل مالـکیت آن محترم است .

کاپیتولاسیون Capitulation
حق قضاوت کنسولهـای یك کشور خارجی نسبت به افراد متبوع کشورخود درکشور دیگر .

کاسموپولیتانیسم Cosmopolitanisme
احترام به ایده‌آلها وافکار و عقاید ومؤسسات همهٔ ملل واقوام جهان .

کالوینیسم Calvinisme
مسلکی منسوب به‌کالون ، که دارای جنبهٔ دموکراسی است .

کرافت‌یونیونیسم Craft_unionisme
اتحادیهٔ کارگری‌که مرکب ازکارـ گرانی است‌که درشغل یاحرفهٔ خاصی‌کار می‌کنند .

کمیته Comite
انجمن .

کمینترن. Comintern
مخفف دوکلمهٔ کمونیست وانترـ ناسیونال است‌که‌عنوان‌مجمع‌کمونیستهای جهان است. کمینترن سوم به «بین‌الملل سوم» معروف‌شدکه**لنین**درسپتامبر۱۹۱۵ اساس‌آن راگذاشت وبعداً نعطیل‌شد و در خلال جنگ دوم جهانی **استالین** به‌سبب کمکهای آمریکا اعلام‌کردکه‌دیگرآنرا تشکیل نخواهد داد وهدف‌آن‌راکه‌ایجاد جنبش کمونیستی‌وانقلاب‌درتمام کشورهای جهان است تعقیب نخواهدکرد.

کمینفرم Cominforme
سازمان ارتباطی احزاب کمونیست دنیا ، برای تبادل‌آراء وعقاید.

کنتراسوسیال Contratsocial
فرضیهٔ‌حکومت زمامداری‌که‌رعایت حقوق مردم رابکند.

کنستی‌توسیون Constitution
گاهی‌برمشروطیت وایام حـکومت مشروطه وگاهی برقانون اساسی اطـلاق می‌شود.

کنسرواتیسم Conservatisme
مسلك محافظه‌کاری خواه درمذهب یا سیاست یا اموراجتماعی.

کنسرواتیرف Conservatirphe
حزب محافظه‌کار.

کنسول Consul
مأمور دولتی،درکشورخارجی‌جهت بررسی به‌کارهموطنانش .

کنفدراسیون Confedration
فدراسیونی بین‌چندکشور.

کنوانسیون Convention
۱ ــ موافقت‌نامه‌بین‌دویاچند دولت در موردمسایل درجه‌دوم مانند مسایـل بازرگانی وفرهنگی.
۲ ــ نام‌مجلسی‌فوق‌العاده‌که برای تغییرات مهم درقانون‌اساسی‌بدان قدرت داده می‌شود .
۳ ــ نام مجلسی‌که‌گاه‌بگاه‌بـرای تجدیدنظردر قانون‌اساسی‌تشکیل‌می‌شود.
۴ ــ نام‌جلسه‌ای ازرأی‌دهندگان‌یك حزب دریك‌شهر یابخش یااستان‌بـرای تعیین‌کاندیداها و برنامه وهدف حزب و

وضع مقررات سازمان حزب.

کودتا Coudetat

تغییر رژیم ناگهانی وسقوط دولتی به وسیلهٔ عده‌ای ، برای به‌دست گرفتـن حکومت .

لسه‌فر .

عدم مداخلهٔ‌دولت‌درامـوراقتصادو بازار و معامـلات و بـازرگانی وآزاد گذاشتن‌آنها دردست افراد مردم‌بـدون کنترل دولت .

لگالیسم Legalisme

عقیده‌به‌اصالت‌قانون‌واصول‌حقوقی‌و قضایی ونگریستن همه چیز از دریچـهٔ حقوقی .

لنینیسم Leninisme

شکلی‌خاص‌ازمارکسیسم‌منسوب‌به**لنین** که‌تجدید نظری دراصول‌مارکسیسم نمود تاآنرا بااوضاع و شرایط روسیه تطبیق دهد .

لیبرال Liberal

آزادی خواه .

لیبرالیسم . Liberalisme

یك‌نظریهٔ سیاسی و اجتماعیست که هواه‌خواه‌آزادی فرد دراندیشه وگفتارو کـردار مـی‌باشد ایـن نظریه در قرون وسطی برای‌درهـم شکستن‌سدهای سلطهٔ‌فئودالی‌درزمینه‌های‌مختلف‌اجتماعی به‌وجودآمدوچنانکه معلومست ازسرمایه‌داری‌سرچشمه‌می‌گرفت‌وازجانب‌متفکران این‌طبقه بیان‌می‌شد . لیبرالیسم‌دراوایل قرن نوزدهم در انگلستان بیش‌از هرجا بسط یافت ودرکشورهای اروپایی‌بعنوان یك جریان سیاسی واجتماعی‌در برابـر سلطنت مطلقه قدعلم‌کرد وافکارسرمایه‌داری را دربرابرافکار قدیمی‌فئـودالی نهاد. لیبرالها درعین‌حال‌که‌با اشرافیت فئودالی‌مبارزه‌می‌کردندازجنبش‌توده‌های زحمتکش مردم‌درهراس‌بودند. لیبرالیسم درشرق، درنیمهٔ دوم قرن‌نوزدهم‌واوایل قرن‌بیستم پدیدارشد. درکشورهایی‌مانند چین ، ژاپون ، هنـدوستان وتـرکیه و غیره از آنجا کـه بورژوازی محلی باملاکین پیوندیافت، لیبرالیسم‌فیالیت‌و رویهٔ ترقی خواهانه خود را تا حدی ازدست داد وتقاضای خود رابه‌نوساختن دستگاه دولتی ازقبیل اداراتجـدید و ارتش وناوگان جدیدومانندآینهامحدود کرد.

لیبرالیسم ازآنجاکه اصولابـرای بازکردن‌راه‌سرمایه‌داری‌درجامعهٔ‌فئودالی به‌وجودآمده‌بودپس‌ازپیروزی‌سرمایه‌داری در مقابل جنبش‌های‌کارگری قرارگرفت وهرچه برانبوهی‌کارگران صنعتی‌وقدرت ونهضت‌آنان افزوده میشد بیش از پیش خصوصیات اولیهٔ خودرا ازدست میداد و بانیروهای محافظه‌کار پیوند می‌یافت از اینجاست‌که لیبرالیسم درطول تاریخ در جاهای مختلف اشکـال مختلفی به خود گرفته‌است .

ماتریالیسم .

مکتب‌مادی‌یافلسفهٔ‌مادیت و اعتقاد به‌اینکه‌تنها ماده وجود داردوهمهٔ‌طبیعت تجلی‌های‌گوناگون‌ماده است.

ماتریالیسم دیالکتیك

اصطلاح موضوعه **مارکس** که مبنای آن‌اعتقاد به‌جبر تاریخی ولزوم تاریخی است درراه‌تکامل‌واینکه‌نیروی‌اقتصادی پایه واساس‌حوادث تاریخ‌است در برابر دیالکتیك **هگل** یا ایده‌آلیسم‌که نیروی روحی را محرك عالم بشری می‌دانست .

مارکسیسم Marxisme

نام فلسفهٔ‌کارل‌مارکس‌آلمانی واضع فرضیهٔ‌کمونیسم جدیدکه در واقع تفسیر وتوجیه سوسیالیسم است .

ماکیاولیسم Nachiavellisme

فلسفهٔ‌استبدادجدیدمنسوب‌به**ماکیاول** ایتالیایی (قرن ۱۵)که شرایط موفقیت زمامدار مستبدراشرح‌داده‌است وبراساس بدبینی و سوءظن و لزوم ستمگـری در حکومت است .

متروپل Metropol

کشورهایی‌که‌مستعمره‌دارند.

مستعمره .

کشوری است‌که فاقددولت و حاکم و استقلال سیاسی واقتصادی است ومردم بومی‌آن در اسارت یك‌حکومت خارجی بسر میبرند .

منشویسم Menshevisme

مرامی‌که‌از سوسیالیسم‌معتدل‌پیروی می‌کند. ونام‌حزبی‌که‌درابتدای‌بلشویکی روسیه ازحزب سوسیالیست‌منشعب‌شد.

موبوکراسی Mobocratie

حکومت مردم عوام .

مونارشی Monarchie

حکومت سلطنتی وموروثی.

میتینگ Meeting

اجتماع مردم برای‌سخنرانی‌دربارهٔ مسایل اجتماعی.

ناسیونال National

ملی .

ناسیونالیسم Nationalisme

فلسفه و مکتب ملیت ووحدت ملی یعنی‌تقسیم جهان به‌کشورهایی‌به‌نام‌ملتها که تابع حکومتی‌جـداگانـه و مستقل باشند .

نولکتیویسم ، یا اصالت‌جمع .

سیستم حکومت جمعی وتفوق دادن جمع‌برفرد وشامل سوسیالیسم وکمونیسم وسندیکالیسم وفاشیسم هم می‌شود.

نیودیل .

نام‌اقدامات دولت آمریکادرزمان فرانکلین **روزولت** در۱۹۳۳ به‌منظور امنیت‌اجتماعی مردم‌آمریکا که به‌سبب بحران اقتصادی در معرض تهدیـدقرار گرفته بود .

ویگیسم Whiggisme

عنوان حزب‌آزادیخواه‌انگلیس .

یوتوپیانیسم .

مترادف‌باایده‌آلیسم‌یاخیال‌پرستی‌و توجه به‌ایده‌آلهاودولت وجامعهٔ‌ایده‌آلی باکمال مطلوب.

سرداران ووزیران وسیاستمداران ایران

آبکار .

از بزرگان ارمنستان ، ازخاندان اشکانی . خواهروی«سندروگ»مدت ۳۰ سال‌درارمنستان‌سلطنت‌کرد.آبکارخـود پادشاه خسرون(دولت‌دست نشاندهٔ‌پارت) بود وبه‌لقب‌کبیر ملقب‌است .

آتوپارت .

والی ایرانی‌آذربـایجـان‌به‌زمان اسکندر ، و«آذربایگان» نیز از نام او مأخوذاست.(آتورپاتکان)یاآذربایجان.

آذرگشسب .

یکی از سرداران معروف خسرو‐پرویز است‌که‌نامش درشاهنامه هم آمده است .

آریوبرزن .

یکی ازسرداران‌بزرگ‌ودلیرایران درزمان داریوش سوم هخامنشی. وی در حملهٔ‌اسکندر به‌ایران‌مدافع دربندپارس بـود، و بـا ۲۵۰۰ سپاهی آن معبر را اشغال‌کرده بود تـا مانع ورود اسکندر به‌پارس گردد. اسکندرهنگام عبور دچار شکست‌سختی‌شد؛ به‌طوریکه‌مجبورگردید از معبرعقب نشیند ، ولی چوپانی قشون

اسکندر را بـه پشت‌سرسپاهیان ایرانی راهنمایـی کرد . سپاهیان اسکندر با اشکال بسیار به قلهٔ کوه رسیدند و به قراولان پارسی برخوردند . پـارسیان بی‌درنگ اسلحه برگرفته حمله بردند، بعد که معلوم شد توسط یونانیان محصور شده‌اند ، نه راه پیش دارند و نه راه پس ، آریوبرزن با ۴۰ سوار و ۵۰۰ پیاده خود را بی‌پروا به سپاه مقدونی زد و عدهٔ بسیاری از دشمن بکشت و تلفات هم داد، ولی موفق گردید که از میان سپاه مقدونی بگذرد، وچون ازمحاصره بیرون جست خواست به کمك پـایتخت شتابد و آنرا قبل از رسیدن مقدونیان اشغال کند، ولی قشون اسکندر که از راه جلگه به پارس رفته بود، مانع او شد. در این هنگام وی به مخاطره‌ای سخت افتاد، با این حال راضی نشد تسلیم گردد، پس از جان گذشته، خود را به صفوف مقدونی زد و چندان جنگید تا خود و همراهانش شرافتمندانه بخاك افتادند. «فرهنگ معین»

آزادخان افغان.

(وفـات ۱۱۹۵ ه ق)

هنگام تصرف کابل به دست نادرشاه داخل سپاه وی شد و به خدمت امیر اصلان خان افشار فرمـانروای آذربایجـان پیوست و سپس به او خیانت کرده و به ابراهیم شاه ملحق و پس از شکست ابراهیم شاه به اورمیه رفت و باسران آن شهر متحد شد وقلعهٔ آنجا را مستحکم کرد و ستاد خویش ساخت. درسال ۱۱۶۶ به کرمانشاه رفت ودر حوالی آنشهر با کریم خان جنگ کرد و اورا شکست داد. از آنجا به اصفهان رفت و سکه به نام خـود زد . درسال ۱۱۶۸ آزادخان گیلان را متصرف ولی سرانجام از محمدحسن خان قاجار شکست خورد و آنجا را از دست داد .سال بعد دراورمی مجدداً محمد حسن خان اورا شکست داد و به بغداد رفت وسپاهی فراهم و به جنگ محمد حسن خان شتافت ولی منهزم شد و به موصل و از آنجا به تفلیس رفت : پس از مدتی کریمخان اورا امان داد و بنزد خویش دعوت کرد . آزادخان با کسانش در اورمیه بدو پیوست و همراه کریمخان به شیراز رفت و سرانجام در این شهر به مرض دیفتری در گذشت . «صدری افشار»

آژزیلاس .

(۴۰۵ـ۳۵۹ ق م)

فرمـانـده بزرگ اسپارت به زمان پادشاهی **اردشیر دوم** به آسیای صغیر حمله برد ، شهربانان ایران کـه با یکدیگر در جنگ وجدال بودند نتوانستند از پیشرفت سربـازان او ممانعت کنند ، ولی آتن (اثینه) بجانب شاهنشاه ایران گرایید و آژزیلاس ناگزیر به اسپارت احضار گردید. «فرهنگ معین»

آقا بالاخان سردار.

سردار افخم ، ازسران دورهٔ استبداد بود و در زمان محمد علیشاه در گیلان حکومت داشت . درمحرم ۱۳۲۷ ه ق. کـه ملیون و آزادیخواهان گیلان قیام کردنـد ، اوراکشته و شهر را متصرف شدند.

آقاخان نوری ، نصرالدین اسدالله.

(۱۲۲۲ـ۱۲۸۱ ه ق.)

صدراعظم ناصرالدینشاه و جانشین امیرکبیر بود . خوشروی وخوش محبت وبلند بالا بود.خدمت خـودرا ازلشکر نویسی آغاز کرد. به‌خاطرزیبایی خود با مادر ناصرالدینشاه آشنا شد و باسفارت انگلیس نیز پنهانی روابطی برقرار کرد ولی حاجی میرزا آقاسی ازجریان مستحضر واورا به چوب بست و به کاشان تبعید کرد (۱۲۶۱) به محض آنکه محمدشاه درگذشت و **مهد علیا** صاحب اقتداری شد میرزا آقاخان خودرا شتابان به تهران رسانید و به خانـهٔ او رفت ولیکن وقتیکه امیرکبیر به تهران رسید اورا از اینکه بدون اجازه از تبعیدگاه خود خارج شده مؤاخذه کرد لذا میرزا آقاخان به سفارت انگلیس پناهنده شد وسفیر اعلام نمود میرزا تبعهٔ دولت انگلیس است.

بالاخره مقرر گردید میرزا درخانهٔ خود بماند وبیرون نیایـد، لیکن میرزا آقاخان به کمك مهدعلیا مادرشاه ودستهای خارجی وشاهزادگان درباریان وملایان که به دسیسه‌چینی مشغول شدندشاه را از امیرکبیر ترسانیدند تا اورامعزول وسرانجام بکشتن دادند.

آقاخان به‌جای او نشست وکوشید تادرست عکس آنچه‌را که امیرکبیر میگفت ومیکرد انجام دهد. اگر امیرکبیر به شاه مینوشت: (دربـاب سـان سواره مقرر فرموده بودید که درمیدان نمیشود بیرون بروید... به این طفره‌ها و امروز وفردا کردن واز کار گریختن در ایران و به ایـن هرزگی حکما نمیتوان سلطنت کرد ...» او به شاه مینوشت : « . . . هـوا سرد است ممکن است به‌وجود مبارك صدمه‌ای برسد . دو تا خانم بردارید ببرید ارغونیه عیش کنید ...»

یکی از مظاهر عینی صدارت میرزا آقاخان ازدست‌دادن‌هرات وسلطهٔ ایران در افغانستان است (۱۲۷۲) وکمترین آن داستان زن **میرزاهاشم** باسفارتخانهٔ انگلیس وغم‌انگیزترین آن شکست سپاه ایران در جنوب است ، سرانجام شاه او را عزل (۱۲۷۵) ووقتی به حسابهایش رسیدگی کردنـد فقط یکصد و ده هزار تومان از مال دیوان و طبق دفتر وسند کسر آورد. اورا به یزد تبعید و پس از مدتی دراصفهان زیر نظر وبعد ازکسب اجازه درقم ساکن شدتادر آنجادر گذشت. جنازهٔ اورابه کربلا بردند ودرمسجدصدر که به‌دستور امیرکبیر ساخته شده بوددفن کردند . «صدری افشار»

آقاسی ، حاجی‌میرزا.

(ق ۱۲۶۶ فوت)

شهرت میرزا عباس ، چـون به‌نام جدش موسوم بود، اورا به جهت‌احترام میرزاآقاسی نامیدند. وی وزیرومرشدو مربی‌معروف محمدشاه قاجار بوده و در آذربایجان معلم فرزندان عباس میرزا ولیعهدبود.حاجی‌میرزاآقاسی **عزت‌نسا خانم** ، دخترفتحعلیشاه قاجار رابه‌عقد خویش درآورد وامور مملکت‌رادردست گرفت . وی در دورهٔ صدارت ، امـلاك فراوان‌اندوخت که درآخرعهد محمدشاه به شاه بخشید. حاجی‌میرزاآقاسی‌مردی بی‌تدبیر و خود خواه ومغروردرشت‌خوی بود وبعد از فوت‌محمدشاه به‌سبب مخالفان بسیاری کـه داشت ناگزیر به حضرت عبدالعظیم‌پناه‌بردوسپس ازآنجا به عتبات رفت ودرکربلا درگذشت. وی قریحهٔ شاعری نیزداشته وباتخلص **فخری** اشعار عارفانه میسروده است.

آق سنقر (ابوسعید قسیم‌الدوله) .

معروف به‌حاجب ، وی از جـانب ملکشاه والی حلب گردید درسال ۴۸۷ ه ق. به‌دست **تتش** به‌قتل رسید.

آگاه .

رکن الدوله ، اردشیر میرزا . را به ببینید.

ابراهیم کلانتر،(حاج).

(مقتول ۱۲۱۵ه ق)

در زمان لطفعلی خان زنـد کلانتر شیراز بود، وبهنگام محاصرهٔ شیراز از طرف آغامحمدخان ، او بـاتبانی قبلی

وسیلهٔ تسخیرشهر را برای خان قاجار فراهم آورد وازیـن رو مورد توجه وی شد و به‌وزارت با خان(فتحعلی‌شاه آینده) کـه حاکم ایـالات جنوبی بود رسید . فتحعلی شاه پس ازجلوس ، با آنکه تاج و تخت خود را مدیـون او میدانست ، به‌سبب قـدرت ونفوذ بسیار وی بیمناك گردید و اووهمهٔ افراد خانواده‌اش را ، که شاغل مقامات مهم دولتی بودند، در یك زمان دستگیر کرد و به‌قتل‌رسانید و فقط از قتل یگانه فرزند بیمار اوصرف نظر کردند واوبا وجود علیلی‌مزاج‌زنده ماند و خانوادهٔ قوام الملك را تشکیل داد . « فرهنگ معین »

ابن‌العلقمی ، ابوطالب‌مؤیدالدین.
(فوت ۶۵۶ ه ق)

وزیر مستعصم، آخرین خلیفهٔ‌عباسی واز بزرگان اواخر عهد بنی‌عباس است. وی هولاکورا در فتح بغداد نهانی یاری نمود وبه‌همین دلیل ازجانب وی حاکم بغدادشد. ابن‌علقمی مردی زیرك بود و مذهب شیعه داشت علاقهٔ او بـه مطالعه فراوان بوده و گویندکه‌بیش از ده هزار جلدکتاب درکتابخانه داشت.

ابن‌خطیب.
(۷۱۳ـ۷۷۶ ه ق)

ملقب به لسان‌الدین ، وزیر محمد خامس ازامرای بنی‌نصر بود. ابن‌خطیب چندکتاب تاریخی از خود به جاگذاشته است.

ابن بقیه .
(۳۱۴ ـ۳۶۷ ه ق)

نصیرالدوله ابوطاهرمحمدبن‌محمد، از وزرای آل‌بـویه‌که درابتداء خدمت معزالدولهٔ‌دیلمی‌سپس‌به‌خدمت عزالدولهٔ بختیاردرآمد ولی سرانجام معزول‌شد و عزالدوله دستور داد بـه چشمانش میل بکشند، پس‌ازآنکه عضدالدوله بربغداد مستولی شد اورا به پـای پیل افکند و سپس به دارآویخت.

ابن سینا .

فلاسفهٔ ایران را به بینید.

ابن‌عمید ، ابوالفتح محمدبن‌عمید.
(فوت ۳۶۷ ه ق)

در جنگ حسنویه همراه پدر بود ، چون او درگذشت، باحسنویه صلح کرد ، وبه ری بازگشت‌وبه وزارت مؤیدالدوله رسید تاسال ۳۶۶ وزیربود کـه بعداً به حبس افتـاد ودرحبس درگذشت .

ابن‌عمید ، ابوالفضل محمدبن عمید .
(فوت ۳۵۹ ه ق)

فرزند عمید، وزیر مردآویج است مردی دانا به فلسفه و حکمت و نجوم و ازادیبان‌روزگاربود که درسال۳۲۶وزیر رکن‌الدولهٔ دیلمی شد. **صاحب بن عباد** از اتباع او بوده ؛ از کتب معروف او میتوان نام برد، « دیـوان الرسایل» ، « المذهب فی‌البلاغات» ،کفایت وتدبیر وسیاست او بیشتر معروف است.

ابن‌منقد ، ابوالمظفرمرید الدوله مجدـ الدین‌اسامه .
(۴۸۸ـ۵۸۴ ه ق)

درقلعهٔ **شیزر** ازقلاع‌سوریه که‌پدرانش درآنجافرمانروایی‌داشتندمتولدشد.زمان بلوغش‌مصادف باجنگهای صلیبی بودواو نیزدرآنهاشرکت کرد.درحدودسال۵۲۲ به‌خدمت‌امیرموصل درآمد ومدت دهسال در اردوی او برای استرداد قلعـهٔ شیزر ازاهل‌صلیب جنگ‌کردولی‌پس‌ازاسترداد ناچار به‌ترك آنجاشد.چندی درسوریـه و زمانی دربیت‌المقدس وآنگـاه در شـام مقیم شد وآنگاه به‌دربار خلفـای مصر رفت ومدتی‌آنجا بود تابشرکت در قتل **الظافر باعداءالله** خلیفهٔ فاطمی متهم شد. (۵۴۹) ناچار عازم سوریه شد. آنگـاه به‌خدمت ملك‌نورالدین درآمد و باز در جنگهـای صلیبی شرکت جست. درسال ۵۵۸ در عراق مقیم شدتـا **صلاح‌الدین ایوبی**ویرابه‌نزدخود دعوت داد وباوجود پیری‌باتمام‌شوق به‌خدمتش رفت‌ودرآنجا بتدریس‌مشغول تادرسال۵۸۴ درگذشت. وی نه‌تنها یك سپاهی بی‌باك بلکه شاعر وموسیقی‌دان هم‌بود. ازوی آثاری چند مانده که درآن میان خاطراتش‌ارزش تاریخی فـراوان دارد .

ابوالحسین پیرنیا .

معاضدالسلطنه پیرنیارا درمشروطه‌خواهان به‌بینند .

ابوالحسین، ابن‌ناصرکبیر .
(فوت ۳۱۱ ه ق)

برقسمتی ازطبرستان حکومت‌داشت

ابوالعباس اسفراینی ، فضل بن احمد اسفراینی را به‌بینید .

ابوالفتح رازی .
(فوت ۴۳۹ ه ق)

قبل از عمیدالملك کندری وزارت طغرل سلجوقـی‌را داشت . وی بـه‌دست ابوکالیجارمحبوس‌شد ودرسال ۴۳۹ به‌قتل رسید .

ابوالفتح مظفر .

فخرالملك را به‌بینید .

ابوالفضل بلعمی .

بلعمی، ابوالفضل. رابه‌بینید .

ابوالمله ، سعدالدوله .

سعدالدوله. جوادخان را به‌بینید.

ابوعبدالله جیهانی .

جیهانی، ابوعبدالله. را به‌بینید .

ابوعلی بلعمی .
(فوت ۳۸۳ ه ق)

پسرابوالفضل بلعمی کـه در اواخر عهد عبدالملك ابن‌نوح سامانـی وزارت یافت ودرزمان منصورابن‌نوح نیز دراین مقام باقی‌بود. وی به‌امیرك بلعمی‌مشهور است وبه اهتمام اوبودکه تفسیر طبری و تاریخ طبری از عربی به فـارسی ترجمه شد .

ابوعلی محمدبن عیسی دامغانی .

دامغانی، ابوعلی را به‌بینید .

ابوطیب .

عزالـدین ، طاهربن زنگـی را به بینید .

ابولؤلؤ .

فیروزغـلام مغیرةابن شعبه بـود و درودگری‌مینمود.خلیفهٔ دوم(عمر)روزی دودرهم‌براو مالیات وضع‌کرده بود.چون وی قادربه پرداخت‌آن مبلغ نبودشکایت نزد عمربرد وازاوخواست تاازمبلغ فوق بکاهد . لیکن چون عمردانست‌که فیروز آسیاب بـادی درست می‌کند از مالیات نکاست . وازاو خواست تاآسیابی برایش بسازد.فیروزدرجواب‌گفت اگرزنده‌باشم یك‌آسیاب برای تو درست می‌کنم‌که همهٔ اهل مشرق ومغرب‌داستان‌آنرا بگویند.

بامداد روز۱۶ ذی‌الحجه بیست‌وسه سال‌ازهجرت‌رفته چون‌عمربه نمازگزاردن به مسجد رفت فیروز باشش‌ضربت خنجر اورا ازپای درآورد .

ابومسلم خراسانی .

مدعیان و پیامبران را به‌بینید .

ابومنصور ، محمدبن‌عبدالرزاق.
(مقتول ۳۵۰ ه ق)

از بزرگزادگان طوس مدتی حاکم طوس بود وسپس سپهسالار خراسان شد. او نسب خویش‌را به‌شاهان قـدیم ایران می‌رسانیده ودستورخودابومنصور**معمری**

را فرمودتـا شاهنامه راگـرد آورد واو شاهنامه‌ای به‌نثر تألیف کرد.

اتابك اعظم، میرزا علی اصغرخان.
نخست وزیران ایران را به‌بینید.

احتشام السلطنه، حاج میرزا محمودخان.
به‌رؤسای مجلسین مراجعه شود.

احمدبن حامد.
(۴۷۲–۵۲۶ هق)
ازمشاهیر رجال دورهٔ سلجوقی، خزانه‌دار سلطان محمود غزنوی که در پایان عمر مورد غضب شاه قرار گرفت ومقتول شد.

احمدبن حسن میمندی.
(فوت ۴۲۴ ه ق)
ملقب به‌شمس الکفاة وزیـر سلطان محمود غزنوی و پسروی مسعود، مراتبی که داشته به‌ترتیب عبارتند ازریاست دیـوان رسایل، مستوفی کل کشور، صاحب دیوان عرض و بالاخره وزارت ومدتی هم درزندان بود ولی روزی که مرد وزیر سلطان مسعود بود.

احمدبن حمویه.
(فوت ۳۳۵ هق)
از امرای دورهٔ سامانی، که مدتها با عزت به‌خدمت **نوح اول** و برادرش پرداخت ولی سرانجام به‌تحریك دشمنان به‌زیر چوب شکنجه کشته شد.

احمد بن عبدالصمد.
(فوت ۴۳۷ هق)
وزیر معروف سلطان مسعود وسلطان مودود غزنوی و ملـقب به‌شمس الوزراء است. وی ابتدا وزیر آلتونتاش خوارزمشاه بود احمد ابن عبدالصمد از مشاهیر رجال دربار غزنوی و ممـدوح شعرایی چـون **منوچهری وفرخی** است.

احمد بناکتی.
(قرن هفتم هق)
وزیر ومشاور قوبلای قاآن، که در جوانی به‌خدمت مغول پیوست و به‌تحریك یکی از وزرای ختایی قوبلای قاآن به‌قتل رسید.

اخوی، جمال‌الدین.
به رؤسای مجلسین مراجعه‌شود.

ارته باز.
(قرن پنجم م)
فرمانده دسته‌ای از سپاهیان ایرانی درزمان خشایارشاه، درجنگ با یونانیان که پس ازشکست ایرانیان، به سلامـت بازگشت.

ارته باز.
(قرن چهارم قم)
سردار اردشیر دوم هخامنشی درجنگ با **داتامس** بود. ودرزمان اردشیر سوم حاکم آسیای غربی بود. ودخترانش به‌زنی اسکندر مقدونی و بطلمیوس اول درآمدند.

استاذسیس.
استاذسیس درسال ۱۵۰ هجـری در خطهٔ خراسان علم طغیان بـرضد منصور خلیفهٔ دوم عباسی برافراشت ودر حـدود سیصدهزار نفر سپاهی تجهیز نمود و بـا سرداران خلیفه به‌جنگ پرداخت وعدهٔ زیادی ازقشون وی‌را درهم‌شکست ولی سرانجام براثر حیله وتزویر سرداران خلیفه وی‌را دستگیر و به‌بغداد روانه کردند. خلیفه دستورداد تا وی‌را بردار آویختند. از زندگانی استاذسیس قبل ازقیام آثاری در دست نیست وآنچه از نوشته‌های مورخین میتوان استنباط کرد، اینست کـه وی در خراسان حکومت‌داشته است.

اسحق ترك.
پیامبران ومدعیان را به‌بینید.

اسفار، ابن‌شیرویه.
از رجال متنفذ دستگاه فرزنـدان ناصر کبیر. وی مردی سفاك و سختگیر و شجاع بود و به زودی درگرگان و طبرستان دستگاهی یافت و سپس گرگان رااز سیدابوجعفر منتزع ساخت ومازندران را فتح کرد ومـدتی میان او و**ماکان** بر سر طبرستان وگرگان زد وخورد بود تا در ۳۱۵ ه ق. شکست یافت وبه‌خراسان گریخت و چندی بعد بهمراهـی یکی از سرداران خود **مرد آویج** به‌طبرستان تاخت. دراین جنگ داعی صغیر بدست مرد آویج کشته شد (۳۱۶) وگرگان و طبرستان باردیگر اسفار را مسلم گردید ووی از آنجا به ری حمله برد وماکان را ازآن دیار بیرون راند وبرقزوین وقم وزنجان نیز تسلط یافت، و سپس چون قزوینیان عامل اورا کشته بودند بدانشهر تاخت وآنرا غـارت کرد. درهمین هنگام مرد آویج ازاوروی برگرداند وازقزوین به‌زنجان که اقطاع او بود رفت وازآنجا لشکری گرد آورد وبرقزوین تاخت اسفار ازاو بگریخت وبه‌ری وقومس وازآنجا به‌طبس پناه برد و چون دشمن او، ماکان دراین هنگام در خـراسان بـود، از آنجا به‌قصد دیلمان بازگشت درطالقان گرفتار لشکریان مرد آویج شد وبه‌قتل رسید.

اسفراینی، ابوالعباس، فضل بن احمد.
فضل بن احمداسفراینی را به‌بینید.

اسفندیاری، حاج میرزا حسن خـان اسفندیاری.
محتشم السلطنه رؤسای مجلسین را به بینید.

اعتمادالدوله، میرزا آقاخان نوری.
آقاخان نوری را به‌بینید.

اعتضادالدوله، سلیمان خان بن محمدخان قاجار قوانلو.
(وفات ۱۲۲۰ ه ق.)
خالوزادهٔ آقامحمدخان قاجار، ازسران قاجار وجانشین فتحعلی شاه، اتابك (لله و مشاور) عباس میرزا نایب السلطنه وجـد مادری ناصرالدین شاه. او درجنگهای خراسان وجنگ اول ایران وروس شرکت داشت. اعتضادالدوله شعر نیز می‌سرود و **عزت** تخلص می‌کرد. «صدری افشار»

اعتمادالسلطنه، محمد حسنخان.
(فوت ۱۳۱۳ ه ق)
محمدحسنخان فرزند حاج فراشباشی مراغه‌ای در تهران ولادت یافت وبه‌هنگام سلطنت ناصرالدین شاه وزیـر دارالتـرجمه و انطباعات بود. محمد حسن‌خان تألیفاتی نموده است که از جملهٔ آنها:



«مرآت البلدان»، «منتظم ناصری» و «خوابنامه» را میتوان ذکر کرد. وقایع یومیهٔ پانزده سال آخر عمر اونیز حاوی اطلاعات مهم است.

افشین، خیذربن کاووس.
(فوت ۲۲۵ هق)
پدرش امیر اشروسنه بود که به‌دست سپاهیان عرب اسیر گشت وبافرزنـدانش به بغداد فرستاده‌شد(۲۰۷) پسران کاووس دردربار مأمون راه یافتند وخیذر یکی از آندو در زمان **متوکل** به مقامات عالـی رسید. متوکل اورا به‌جنگ بابك فرستاد (۱۲۲۰) وافشین با بابك دعوی یکدلی نمودواورا فریب دادو بر سپاهیانش شبیخون

زد و سبب شکست اوشد وسرانجام اورا به‌کشتن‌داد (۲۲۳) ولـی دولت خودش دیری نپایید .

آنچه ازتـاریخ بر می‌آید این است که وی مردی جاه طلب و باـ هوش ومحیل بوده‌که میخواسته است بـا برانداختن‌خلافت عباسی‌براریکهٔ سلطنت نشیند.اوبابك رابه‌دوعلت‌ازمیان‌برداشت یکی‌آنکه نفوذ وقدرت خودرا در دربار عباسی افزایش دهد ودیگربابك رارقیب خود میدانست . ولی درهمانحال مازیار راتقویت میکرد بـدان سبب کـه قدرت خلیفه ضعیف‌تـرشود و اوآسانتر بتواند خلیفه را ازمیان بردارد .

رفتار اوبااعراب بسیار باتکبربود ومحتملست اعراب متعصب درباری‌که از قدرت یافتن این ایرانی نومسلمان (که اعتقادش‌به‌اسلام محل‌تردیداست) به‌خشم آمده وبـه‌دروغ اورا به‌همدستی مازیار متهم‌کرده باشند ونقشهٔ ازمیان برداشتن خلیفه‌را به‌اوببندند. «صدری‌افشار»

اقبال، دکترمنوچهر .

رؤسای دانشگاه رابه‌بینید .

اللهوردیخان.

(فوت ۱۰۲۳ ﻫ ق)

اصلاً ارمنی‌وازمردم گرجستان بود در یکی ازحملات بیشمار ایرانیان به ـ گرجستان اسیر وبه غلامی فروخته شد و سرانجام‌دردربارصفوی راه یافت،مسلمان شد واللهوردی نام یافت‌وبه‌مقام قوللرـ آقاسی رسید. شاه عباس اول بسیار اورا دوست‌میداشت‌ودرجنگها، به‌نیروی سپاه ودرایام‌صلح به‌راهنمایی ومشورتهای او اهمیت بسیارمیداد. اللهوردیخان درسال ۱۰۰۴ ازطرف شاه عباس بـه حکومت فارس منصوب‌شد. سپهسالاری ایران نیز به‌عهدهٔاوبود. وقتی‌مرگش فرا رسید شاه عباس‌شخصاً درتشییع‌جنازه‌اش شرکت‌کرد ازکارهای اوپـل زیبای سی و سه پل در اصفهان‌است . «صدری افشار»

امامقلی‌خان، بن‌اللهوردیخان .

(۱۰۱۳ ﻫ ق)

پدرش‌سپهسالارایران وحاکم فارس بود . درسال ۱۰۱۰ به‌فرمان شاه عباس اول‌به‌بحرین لشکر‌کشید ومردم‌آن خطه را به‌اطاعت دولت‌ایران بازآورد . پس ازمرگ پـدرحکومت فـارس و مناصب پدری بدو واگذار شد (۱۰۱۲) درسال ۱۳۰۱ ﻫ ق. امامقلی‌خان ، پرتقالیهارا ازخلیج فارس‌بیرون راند وامنیت را در تمام سواحل‌جزایرجنوبی ایران برقرار کرد، وی درایام شاه عباس بسیارمحترم ومعزز بود ولی جانشین نالایق این شاه قدر او راندانست وبا قساوت تمام او را باسه فرزندش‌کشت وفرزندان دیگرش‌را کورکرد .

امیرعلیشیر نوایی ، خواجه .

دراویش را به بینید

امیرکبیر ، تقی بـن استاد قربانعلی آشپز فراهانی .

(۱۲۲۲ـ۱۲۶۸ﻫق)



پدرش‌درخانهٔ قایم‌مقام آشپز بود و اودر کودکی‌نزد پدر خدمت میکـرد. قایم‌مقام‌وقتی استـعـداد فراوان‌وشوق اورا به‌تحصیل‌دید به‌تربیتش‌همت گماشت‌و او رابه‌خدمات دولتی داخل‌کرد . ابتدا زیر دست امیرنظام زنگنه لشکرنـویس سپس منشی اوشد . درسال ۱۲۴۴همراه هیئت اعزامی‌ایران به پطرزبورگ وبار دیگر به‌معیت‌ناصرالدینشاه‌به‌ایروان‌رفت در۱۲۶۴ به‌ریـاست‌سپاه آذربایجان و پیشکاری ولیعهدمنصوب‌گردیـد . به‌علت شایستگی وکوششی‌که پس‌ازمرگ محمد شاه برای‌به‌سلطنت نشاندن ناصرالدین‌ـ میرزا نشان دادشاه جوان اورابه‌صدارت عظمای‌ایران‌برگزید (۱۲۶۴)امیرکبیر کشوری‌را که به‌سرعت راه‌زوال می‌پیمود باردیگر به‌سوی مجد واعتلاکشانید ودر آینده‌آن چنان تأثیر عظیمی‌گذاشت که تا یکصدسال بعد نیزبیسابقه بود،ازجمله کارهای‌او:۱ـاصلاح امورمالی.۲ـاصلاح وضع‌نظام،۳ـتوسعه‌فرهنگ،۴ـاصلاحات اداری.اومبارزاتی پی‌گیر باهمهٔ قدرتـ های‌نامشروع‌داخلی، باقدرت شاهزادگان روحانیان،سفارتخانه‌های‌خارجی،شورشیان بابی‌راآغازکرد درنتیجه همهٔ این‌قدرتها دست به‌هم دادند واورا ازمیان‌برداشتند ولی اودرمدت‌سه‌سال‌واندی‌آنچنان تأثیر عظیمی‌به‌جای‌گذاشت که‌شاهی‌که‌اوراکشته بود بجانشینش‌گفت اگر نمیتواند مانند امیرکبیر‌کارکند کناربرود . امیرکبیررا پس از عزل ازصدارت و ریاست نظام و مشاغل‌دیگربه‌کاشان تبعید وپس ازچهل روزبه‌فرمان‌ناصرالدین شاه درحمام فین کاشان‌به‌قتل رسانیدند .



«نامهٔ امیرکبیر به ناصرالدین شاه قاجار»

مهمترین‌اقدام‌امیرکبیرتأسیس‌دارالفنون بود بود کـه تـرتیب استخدام استادان خارجی را جهت تأسیس‌آن مدرسه داد . اما استادان وقتی به تهران رسیدند که شاه بر اثر تحریك درباریان امیرکبیر را معزول نموده وجای او رابه‌میرزا ـ آقاخان نوری داده بود .

امیرنظام‌گروسی .

گروسی امیرنظام‌رابه‌بینید .

امیرنوروز .

از منسوبان زوجهٔ غازانخان‌پادشاه مغولی ایران ومردی دلیر ومتهوربودکه ازشجاعت ورشادت‌اوحکایتهای‌عجیب نقل شده است. سالها رتبهٔ سپهسالاری وامیر- الامرایـی دربار غازانخان را داشت و سرانجام به امرایلخان‌کشته‌شد.

امین الدوله ، میرزا علیخـان‌بن میرزا محمدخان مجدالملك.

(۱۲۵۹ ـ ۱۳۲۲ ﻫ ق)

درتهران متولد وهمراه پدربه‌بغداد رفت وازآنجا درسال ۱۲۸۲ عازم‌تبریز وسه‌سال‌بعدبه‌مشهدرفت‌ودر۱۲۸۹ به‌تهران آمدوبالقب‌منشی‌حضوردرسلك‌پیشخدمتان ناصرالدینشاه در آمد و دو سال بعد وزیر رسایل شد وهمراه شاه به‌اروپارفت وپس‌از بـازگشت رییس ضرابخانـه و سرانجام در۱۲۹۹ وزیروظایف واوقاف

گردید. درسال ۱۳۰۴ ریاست مجلس وزیران باوی بود به‌دستورشاه کتابچه قانونی نوشت. پس‌ازمرگ ناصرالدینشاه مدتی در تبریز بود تادر سال ۱۳۱۵ صدراعظم‌شد. وبه‌اصلاح وضع مالی‌دولت پرداخت‌وبه‌انتشار جراید وتأسیس‌مدرسهٔ رشدیه‌کمك کرد ولی محسود درباریان واقع‌شده‌وناچاربه‌استعفاگردید(۱۳۱۶)و به‌لشت‌نشارفت‌ازآنجاعازم مکه شد وسال بعد مراجعت‌کرد. درسال ۱۳۱۸ مظفرـ الدینشاه اورا تبعدکرد. امین‌الدوله با خانواده‌اش‌به‌داغستان‌رفت وتاسال ۱۳۲۱ درآنجا‌به‌سربرد.دراین‌هنگام به‌ایران‌بازـ گشت وسال بعد درلشت نشاء درگذشت. یادداشتها وسفرنامهٔ مکه امین‌الدوله‌چاپ شده وبسیارخواندنی است.

وی‌خط‌خوش وملیحی داشت‌که به‌نام او،به‌سبك‌امین‌الدوله‌معروف‌است.«افشار»



«نمونه‌ای خط و انشاء امین‌الدوله»
«نامه‌ایست‌که به خانم فخرالدوله امینی،»
«دختر مظفرالدین شاه قاجار وعروس خود، نوشته است.»

امین‌الدوله . ابوطالب فرخ‌خان امین‌ـ الملك‌بن میرزامهدی غفاری‌کاشانی.
(۱۲۳۰ ـ ۱۲۸۸ ه ق)

درجوانی‌به‌تهران‌آمد و در دربار فتحعلیشاه راه یافت وبه‌درخواست عباس میرزا فتحعلیشاه ویرا با درجهٔ سرهنگی به‌نزدمحمدمیرزا(محمدشاه‌بعد)که‌مشغول قشونکشی به‌هرات بودمیفرستند. در سال ۱۲۵۲ ازطرف محمدشاه مأمور حکومت طبرستان وسال‌بعد مأمور رسیدگی‌شورش اصفهان می‌شود. درسال۱۲۶۰ صندوقدار خاصهٔ محمدشاه وحاکم‌کاشان می‌گردد. درسال۱۲۶۷مأمور وصول‌مالیات‌مملکتی ودرسال ۱۲۷۲ به‌لقب امین‌الملك‌ملقب شده ومأموریت پیدا می‌کندتا به‌استانبول و به‌پاریس عزیمت نماید و سه کارانجام دهد:

۱ـ مصالحه بادولت انگلیس در مسئلهٔ هرات وجلوگیری از ادامهٔ جنگ درجنوب.

۲ـ گفتگوبادولت عثمانی درمورد حوادث مرزی.

۳ـ مطالعه‌دروضع‌اجتماعی‌واقتصادی ممالك اروپا.

وی درسال ۱۲۷۳ درپاریس‌قرارـ دادی با سفیر انگلستان امضا کرد. امین‌الملك‌در۱۲۷۵ به‌ایران‌بازگشته و به‌امین‌الدوله‌ملقب‌شده. وبه‌عضویت‌مجلس دولتی و وزارت داخله منصوب گردیده است. «لغت‌نامهٔ دهخدا»

امین‌السلطان .
اتابك اعظم را به‌بینید.

امین‌السلطان ، ابراهیم آبدار.
(۱۲۵۰ـ۱۳۰۰ ه ق)

توسط برادرش‌درآبدارخانهٔ ناصرـ الدین‌میرزا ولیعهد راه یافت همراه وی به تهران‌آمد، پس‌ازمرگ‌برادر،متصدی



آبدارخانهٔ‌سلطنتی‌شدودرآنجابادرباریان وصاحبدولتان‌آشنایی یافت وراه ترقی‌را پیمود، همراه شاه به اروپا رفت درسال ۱۲۹۴ هجری قمری وزیر دربارشد،پس ازبازگشت ازسفر دوم فرنگستان، وزیر خزانه ومتصدی گمرك و راهسازی و ضرابخانه شد وسرانجام هنگامی‌که‌باشاه عازم خراسان بود در راه درگذشت.

امینی ، علی.
نخست وزیران ایران را به‌بینید.

بابك خرم دین .
مدعیان وپیامبران را به‌بینید.

باقرخان .
مشروطه طلبان را به‌بینید.

بزرگمهر .
یابوذرجمهر وزیر مشهورخسرواول ساسانی،انوشیروان است‌که مردی‌متفکر ومصلح بوده و در کار اصلاحات داخلی کشور سهمی بسزا داشته است. گویند وقتی‌که پادشاه هند دستگاه شطرنج را نزد پادشاه‌ایران‌فرستاد، بزرگمهراسرار این بازی راکشف‌کرد ودر مقابل بازی **نرد** را اختراع نمود عده‌ای ازمورخین معتقدندکه‌وی یك‌ماه‌پس‌ازفوت‌انوشیروان درمروجان‌سپرد. رسالـه‌ای پهلوی به‌نام «پندنامك‌بوزرگمهربختگان»به‌اومنسوب است.

بلعمی ، ابوالفضل محمد بن عبدالله.
(فوت ۳۴۰ ه ق)

از وزرای مقتدرومعروف سامانیان بوده وازسال ۲۷۹ تا۳۲۶ وزارت‌داشته وبه سلاطین اسماعیل‌بن احمد واحمدبن اسماعیل ونصربن احمد سامانی خدمت کرده است.

بلعمی ، ابوعلی محمد بن عبدالله.
(فوت ۳۸۳ ه ق)

ابوعلی بلعمی را به‌بینید.

به‌آفرید .
مدعیان وپیامبران را به بینید.

بهاءالدین ، محمد جوینی.
محمدبن محمد جوینی را به‌بینید.

بهبهانی ، سید عبدالله.
مشروطه طلبان را به‌بینید.

بیات ، مرتضی قلی‌خان.
نخست وزیران ایران را به‌بینید.

پیرنیا ، ابوالحسین.
معاضدالسلطنه پیرنیارادرمشروطه‌ـ خواهان به بینید.

پیرنیا ، حسن‌خان مشیرالدوله.
پیرنیا نخست وزیران رابه بینید.

پیرنیا ، میرزا حسین خان مؤتمن‌الملك
مؤتمن الملك ، رؤسای‌مجلسین را به بینید.

تدین ، میرزا سید محمد.
رؤسای مجلسین را به بینید.

تقی‌زاده، سید حسن.
رؤسای مجالسین را به بینید.

تیمورتاش، عبدالحسین.
(۱۲۶۰ ــ ۱۳۱۲ هـ ش.)
عبدالحسین فرزند حاجی کریم دادـ خان معززالملک تحصیلات مقدماتی خودرا درایران گذراند وسپس به روسیه رفت ودرپطروسبورگ واردمدرسهٔ سوار نظام امپراطوری شد. چون به وطـن بازگشت بهفرماندهی قشون خراسان منصوب گردید. در دورهٔ سوم قانونگزاری ازطرف اهالی خراسان بهنمایندگی مجلس شورایملـی برگزیده شد. سپس عهدهدار استانـداری گیلان بود. درسوم بهمنماه ۱۳۰۰ وزارت دادگستری درکابینهٔ مشیرالدولهٔ پیرنیا بهعهدهٔ اوواگذارگردید. چونسردارسپه (اعلیحضرت فقید) رییس الوزراء شـد، تیمورتاش درکابینههای سوم وچهارم وزارت فواید عامه وتجارت را بهعهده گرفت. در ابتدای سلطنت رضاشاه کبیـر به وزارت دربار پهلوی منصوب گشت وددرروز ۳ دی ماه ۱۳۱۱ شمسی ازکارکنار برگردید.
ویدر روز ۲۹ بهمنماه سال ۱۳۱۱ بهاتهام همکاری وکمکدر انحصار تریاك به حاجامین التجار اصفهانی وحیف ومیل اموال عمومی توقیف گردیدو پس ازمحاکمه محکوم بهزندان وپرداخت جریمهٔ نقدی گردید. تیمورتاش چندی درزندان قصر محبوس بود تااینکه درگذشت. وی در روزتاجگذاری اعلیحضرت رضاشاه کبیر حامل تاج پهلوی بود.

ثقةالملك.
طاهربن علیبنمشکان را به بینید.

جم، محمود.
نخست وزیران ایران را به بینید.

جهانسوزشاه، حسینقلیخان پسر محمد حسنخان قاجار.
(فوت ــ ۱۱۸۱ هـ)
حسینقلیخان ازکریمخان خواهش کرد که حکومت دامغان رابهویواگذارد. کریمخان خواهش اورا پذیرفت. حسینقلیخان پسازرسیدن بهدامغان جمعی ازافراد ایلخودرا گردآورد وسر بهطغیان برداشت وبرخود نام **جهانسوزشاه** نهاد وبهمازندران لشکرکشیدومحمدخان حاکم مازندران را کشت ودر بارفروش (بابل کنونی) بهسلطنت نشست. زکیخان بهجنگ وی رفت واوراشکست داد.
وی بهگرگـان گریـخت وچندی سرگردان بود ولی باوفتن زکیخان از مازندران باردیگر به بارفروش تـاخت و مهدیخان پسرمحمد خانحاکم مازندران را نیزکشت ولیخودنیز بهدست دوتن از غلامانش کشته شد. ازوی پسری بهنام باباخان به جای ماند که بعد ها به نامفتحعلیشاه بهسلطنت رسید. «صدری افشار»

جیهانی، ابوعبدالله.
(قرن چهارم هـ.ق.)
احمدبن محمدبن نصر، ازسال ۳۶۵ هـ.ق بهوزارت منصوربن نوح سامانی انتخاب شد ودرسال ۳۶۷ ازوزارت معزول گردید، جیهانی کتاب در جغرافی بهنام «المسالك والممالك» تألیف کرده است، کتاب «رسایل» نیز از اواست.

حاجی ابراهیم کلانتر.
ابراهیم کلانتر را بهبینید.

حسامالسلطنه، محمدتقیمیرزا.
(۱۲۰۶ ــ ۱۲۸۰ هق)
متخلص به شوکـت وی در ۱۲۲۴ حاکم بروجرد وسیلاخور وچاپلق شد. در ۱۲۴۶ و ۲۷ بابرادرزادهٔ خود محمـد حسینمیرزاحشمةالدوله والی کـرمانشاه جنگکردوهردوبار شکستخورد، سپس بهتهران آمد وتـاچهارماه مغضوب بود و عاقبت شاه او رابخشود وباز به حکومت بروجرد فرستـاد. درسال ۱۲۸۰ کـه بهزیارتمشهد رفتهبود همانجادرگذشت.

حسامالسلطنه، سلطانمراد میرزا.
(۱۲۳۳ ــ ۱۳۰۰ هـ ق)
میرزا نایب السلطنه فتنهٔ سالار در ۱۲۶۵ دفع کرد، ودرهمانسال پس ازفوت محمد تقیمیرزا پسرفتحعلیشاه حسام ــ السلطنه لقب یافت. هموست که هرات را فتح کرد (۱۲۷۲). در ۱۲۷۳ والیفارس گردید در ۱۳۰۰ هنگامی کهمجدداً نامزد ایالت خراسان شده بود درتهران وفات یافت. «فرهنگ معین»

حسنابنسهل، ابومحمد.
(فوت ۲۳۶ هـ ق)
از رجال مشهور ایرانی دردربـار عباسی، ووزیرمأمون خلیفهٔ عباسی است. وی بهسال ۲۰۳ مبتلا بهجنون شد. حسنابن سهل برادرفضلبنسهل وپدر **بوران** زوجهٔ مأمون است.

حسنبن محمد میکال.
حسنك وزیر را به بینید.

حسنك وزیر، ابوعلی حسن.
(مقتول ۴۲۲ هـ ق)
ابوعلی حسن بنمحمدمیکال مشهور بـهحسنك، وزیر سلطان محمود غزنوی است. ویاز محمود پسرکوچك سلطان محمود که مورد علاقهٔ پادشاه بودحمایت میکرد ولیاینامرمخالف تمایلات مسعود فرزند دیگرولینعمتش بود. چون محمود از دنیا رفت مسعود براریکـهٔ سلطنت تکیه زد.
آنگاه امرداد تـا حسنك را بـه زندان برند واموالش را ضبط کنند. و درخصوص وی بابزرگان بهشورپرداخت ولی حاسدان اظهار نمودنـد که حسنك اسماعیلی است وبهگفتهٔ خلیفهای چـون القادربالله باید بردارش بیاویزندش.
ابـوعلی چندی در زندان زندگی سرکـرد و آنگاه اورا در بلخ به دار آویختندوپیکراو هفت سالبرداربماند.

حکمت.
(۱۲۶۶ــ۱۳۱۵ هـ ش)
نظامالدین مشارالدولهٔ شیرازی که حاکم کردستان و اصفهان وکفیلوزارت معارف ووزیرپست وتلگراف بود. ویدر تهران درگذشت.

حکیمالملك. ابراهیم.
رؤسای مجلسینرا به بینید.

حکیمی، ابراهیم.
(فوت ۱۳۳۸ هـ ش)
حکیمیرؤسای مجلسینرا بهبینید.

حمزه، ابنآذرك.
(فوت ۲۱۳ هـ ق)
معروف بهحمزةبن عبدالله خارجی. ازخوارج سیستان نسبت خودرا به «زو» تهماسب میرسانید وچـون یکی ازعمال نسبتبدو بیادبیکرده بـود، وی ستیزه آغازنهاد وبهحج رفت وپسازبـازگشت یاران خلفخارجی براو گردآمدندوسپاهی عظیم فراهمآوردوعمال هارونالرشیدرا شکستدادومردمسیستانراازادای خراج بهعاملانخلیفهبازداشت وخودنیزچیزی ازآنان نگرفتوازاین هنگام بهبعددیگر خراجیازسیستان بهبغداد فرستاده نشده سپس حمزه باعلیبنعیسی عاملخراسان وسرداران او جنگهای بـزرگکرد و کرمان وخراسان وسیستان را برخلیفهو عاملان اوتباه نمودچندانکهعلیبنعیسی ازهارون مددخواست وخلیفه خودبهسال ۱۹۲ هـ ق. ناگزیر به خراسان رفت وباآنکه نامهای مبنیبرامان بـه حمزه نوشت او حاضر بهمصالحه نشدوسیهزار سپاهی برای جنگ با خلیفه گردآوردو تا نیشابور پیش راند ولی چون درآنجا

شنیدکه هارون‌درگذشته است به‌غزوسند وهند رفت وتنها ۵۰۰۰ تن ازسواران خودرا در خراسان وسیستان و پارس و کرمان گماشت‌وازگفتاراوست:مگذاریدکه این‌ظالمان‌برضعفاجورکنند. حمزه‌درعهد مأمون و مــدتی از عهد طاهریــان نیز بزیست. «فرهنگ معین»

خالد ، ابن ولید مخزومی.
(فوت ۲۱ ه ق)

از سرداران مشهور اسلام درزمان خلافت ابوبکر دربین‌النهرین حیره را متصرف شد و درجنگهای شام با رومیان موفقیتهایی به‌دست‌آورد.

خواجه رشیدالدین، فضل‌الله همدانی.
رشیدالدین را به بینید.

خواجه علیشاه‌گیلانی.
علیشاه‌گیلانی را به‌بینید.

خواجه نصیرالدین طوسی.
علمای ریاضی ایران را به‌بینید.

خواجه نظام‌الملك طوسی.
نظام‌الملک، خواجه. را به‌بینید.

دادگر ، حسین‌عدل‌الملك.
عــدل‌الملك‌دادگررؤسای مجلسین رابه‌بینید.

دامغانی ، ابوعلی محمد بن عیسی.
(فوت ۳۹۰ ه ق)

از وزرای دانشمند دورهٔ سامــانی است.

داور ، علی‌اکبر.
(۱۲۶۴ـ۱۳۱۵ ه ش)

فرزند خازن الملك. دیپلم خودرا از مدرسهٔ دارالفنون دریافت نمود ودر سویس‌به‌تحصیل دررشتهٔ حقوق پرداخت وپس‌از اخذ لیسانس به ایران بازگشت. وبه‌کار وکالت مشغول شد . در انتخابات دورهٔ پنجم مجلس شوری از طرف اهالی ورامین‌به‌نمایندگــی انتخاب شد در سال ۱۳۰۴ه ش. به نمایندگی‌مجلس‌مؤسسان برگزیده شد . درزمان سلطنت رضاشاه کبیر به‌وزارت‌دادگستری‌وسپس‌به‌وزارت دارایی منصوب‌گردید.

تاآخرین روزحیات درهمین‌منصب باقی بود .

داور سرانجام درمنزل خــود دست به‌خودکشی زدوجسد وی رادرری به‌خاك سپردند . مرحوم علی‌اکبرداوراز‌مردان لایق‌وکاردان بوده‌ودرزمان حیات‌خویش روزنامهٔ مردآزاد را منتشر مینمود.

ازآثار او « حقوق جزایی » است که توسط آقای‌ساسان‌تدوین‌و به‌چاپ‌رسیده است.

دولتشاه ، محمد علی‌میرزا.
(۱۲۰۳ـ۱۲۳۷ ه ق)

متخلص به دولت پسر اول‌فتحعلی‌ـ شاه. وی حکمران‌کرمانشاه وسرحددار عراقین بود و در ۱۲۳۶ مأمــور حمله به‌خاك عراق شد ودر ۱۲۳۷ بین سرحد وکرمانشاه مرد . وی پــدرمحمد حسین میرزا حشمةالــدوله و طهماسب میرزا مؤیدالدوله وامامقلی‌میرزااعتمادالدوله است. «فرهنگ معین»

دینگ .

زن یزدگرد دوم ساسانی ، مــادر هرمز سوم و فیروز در مدت جنگ بین این دو شاهزاده ، دینگ در تیسفون سلطنت میکرد .

دیو سالار .
سالار فاتح را به بینید .

ذوالریاستین ، فضل‌بن سهل سرخسی .
(تولد ۱۵۴ـ مقتول ۲۰۲ یا ۲۰۳ه)

وزیر مأمــون خلیفهٔ عباسی و از ایرانیان پاك‌نهاد ومتدین به‌دین زرتشت بود . بعدهــا اسلام اختیارکرد . وی گذشته ازمقام وزارت عهده‌دار ریــاست لشکرنیز بــود . وبه‌همین مناسبت بــه ذوالریــاستین ملقب و مشهور گردیده است .

فضل دربه‌خلافت رساندن مأمــون زحمات فراوانی متحمل‌گردید . لیکن خلیفهٔ ناسپاس قدر زحمات‌گرانبهای‌وی را ندانست وحکم قتل‌آن وزیربا تدبیر را صادرکــرد. فرمــان مأمون درحمام سرخس درمورد فضل اجراگردید.

ذکاءالملك ، محمد علی فروغی.
رؤسای‌مجلسین‌را به بینید.

راست روشن.

وزیربهرام گورکه‌شاه به‌سبب‌اعتماد همهٔ‌کارهای مملکت‌را بدوسپرده‌بود. بعد چون بهرام روزنامه‌های بازداشتگان‌را بخواندازاعمال‌ناپسنداوآگاه شد وگفت این نه‌راست روشن‌است بلکه دروغ‌وکژ است،وی‌را سیاست‌کرد.«لغت‌نامهٔ‌دهخدا»

رزم آرا ، سپهبد علی.
نخست وزیران‌ایران را به‌بینید.

رستم .

پسر سپاهبدفرخ‌هرمزوسردارمعروف ومدبرودلیراواخرعهدساسانی که‌مورخان ارمنی پدر وپسررا«ایشخان» (شاهزاده) یادکرده‌اند.درزمان‌سلطنت آزرمیدخت ، پدررستم ، فرخ‌هرمزد مدعی‌سلطنت‌شد و ملکه‌رابه‌زنی خواست چون‌آزرمیدخت نمی‌توانست علناً مخالفت‌کند، درنهــان وسایل قتل اورا فراهم‌آورد. آنگاه‌رستم با سپاه خویش پیش‌راند و پــایتخت را تصرف وآزرمیدخت را خلع وکورکرد. درزمان یزدگردسوم، رستم نایب‌السلطنهٔ حقیقی ایران‌محسوب میگشت . وی‌کاملا از خطرعظیمی‌که در نتیجهٔ حملهٔ عــرب به‌کشورایران‌روی‌داده بود،اطلاع‌داشت. پس فرماندهی‌کل‌نیروی‌لشکری‌را به‌عهده گرفت‌ودردفع دشمن‌جدیدکوشش‌دلیرانه کرد . سپاهی‌بزرگ درپیرامون پایتخت حاضرشد. اما خلیفهٔ وقت **عمر** پیشدستی کرد.درسال ۶۳۶م.سپاه‌ایران درقادسیه نزدیك حیره ، با سعدبن وقــاص سردار عرب روبرو شد . جنگ ۳روزطول‌کشید و بشکست ایرانیان خاتمه‌یافت.رستم‌که شخصاً حرکات افواج‌را اداره‌میکــرد و درفش کاویان رادربرابرخود نصب‌کرده بود،کشته شد .

رشیدالدین‌فضل‌الله .
(۶۴۵ ـ ۷۱۸ ه‌ق)

از وزرا و مستوفیان بزرگ عهــد ایلخانان مغول‌که درهمدان متــولد شده است . در ایام‌اباقاخان وی طبیب خاص پادشاه بود،درزمان‌غازان‌خان‌لیاقت وی آشکارشده وسه‌سال‌پس‌ازعزل وزیراعظم صدرالدین زنجانی، وی باشرکت خواجه سعدالدین‌ساوجی به‌صدارت‌انتخاب گردید. بعد از قتل خواجه سعدالدین با وجود نهایت اعتمادی‌که الجایتو بــه کــفایت رشیدالدین‌فضل‌الله داشت،خواجه علیشاه گیلانی را در وزارت باوی شریك‌کرد. در سال ۱۳۱۵ نزاعی‌بین دووزیر به‌ظهور پیوست والجایتو ناگزیر شدکه‌ترتیب و انتظام ممالك مختلف رابین‌آن دوتقسیم کند .با وجود این‌علیشاه‌تهمت‌وخصومت را ضد او ادامه‌داد تا عاقبت‌رشیدالدین ازشغل خودکناره‌گرفت. ودرسن‌متجاوز از ۷۰ او وپسر ۱۶ ساله‌اش ابراهیم را بتهمت‌مسموم‌کردن‌الجایتو بقتل‌رساندند. خواجه رشیدالدین فضل‌الله‌ازمشاهیر فضلا وحکمای عصرخویش‌بود. **ربع‌رشیدی** را در تبریزبنــانهاد وکــتاب عظیم«جامــع التواریخ»رابااستفاده‌ازفضلاوکتب مختلف تصنیف نمود .

رفیع، رضا .
(فوت ۱۳۴۲ ه ش)
ملقب به‌قایم‌مقام الملك ، ازرجال دورهٔ رضاشاه پهلوی ومحمدرضاشاه پهلوی درسال ۱۳۳۳ ه ق. ازرشت به‌تهران آمد در دوران سلطنت رضاشاه پهلوی مدتی ریاست ادارهٔ سیاسی وزارت‌جنگ‌را برعهده‌داشت ودوازده دوره ازبندرپهلوی، رشت‌وطالش به‌وکالت مجلس انتخاب گردید و چند دوره نیز سناتور انتصابی بود .

رکن‌الدوله، اردشیرمیرزا.
(فوت ۱۲۸۹ هق)
متخلص به آگاه پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه وی ابتدا ازطرف پدرحاکم گروس وصایین قلعهٔ افشاربود.درابتدای سلطنت محمدشاه به‌تنبیه‌اسماعیل‌میرزاعم خودبه‌شاهرود و بسطام مأمورشد ، بعد حکومت گرگان وسپس‌مازندران‌رایافت. در ابتدای پادشاهی ناصرالدین‌شاه والی خوزستان‌وبختیاری گردیدو بعدبه‌حکومت تهران رسید و در ۱۲۷۳ به پیشکاری آذربایجان منصوب شد .

زاهدی ، سپهبد .
نخست‌وزیران ایران را به‌بینید.

زرسپ .
پسرطوس ازسرداران‌بزرگ ایران درعهدکیانیان .

زرمهر .
نام سوخرای (سوفرای) . وی از تخمهٔ قارن ومسقط‌الرأس اوبلوك‌اردشیر خوره درپارس بود . زرمهر حکمران ایالت‌سکستان(سیستان) بودولقب‌هزارپت داشت. «فرهنگ‌معین»

زریر .
پسرلهراسب و برادر گشتاسب و سپهبد ایران و پیرو زردشت . وی در جنگهای‌دینی‌ایرانیان باتورانیان‌به‌دست **بیدرفش** جادوکشته شد .

زکی‌خان . (زنده در۱۱۹۳ ه ق)
ازامرای زند.پس‌ازمرگ کریم‌خان زند، برادرمادری وی زکی‌خان زمام امور را در دست‌گرفت ولی بعد صلاح دانست‌که سلطنت رابه‌نام ابوالفتح خان که هنوزبه‌سن رشد نرسیده بود ، اداره کند ولی سپس بنای استبداد را گذاشت وابوالفتح‌خان‌را به‌تصوراینکه‌باصادق‌خان همدست‌است، باجمعی دیگرمحبوس‌ساخت وپسر دیگرکریم خان یعنی محمدعلی‌خان را برتخت نشانید .
زکی خان برای‌مقابله باعلیمردان‌خان (خواهر زادهٔ کریمخان) به‌طرف اصفهان حرکت‌کرد ولی دریزدبه‌واسطهٔ اعمال ناشایسته‌اش به دست قراولان‌مافی کشته شد . «فرهنگ معین»

زنجانی ، صدرالدین .
صدرالدین زنجانی را به بینید .

زوزنی ابوسهل.
از امرای زمان محمود غزنوی که به‌دستور محمود در قلعهٔ غزنین محبوس شد وچون مسعود ازری به‌سوی غزنین حرکت کرد دردامغان بدو پیوست و بررتق وفتق‌امورپرداخت .
چون‌مسعودوزارت‌به‌احمد بن‌حسن‌داد زوزنی‌را به‌تصدی دیوان عرض‌گماشت ولی‌پس ازچندی به‌سبب خیانتهای پیاپی معزول‌گردید ، اموال او را مصادره و خود اورا زندانی‌کردند و بعدها مسعود مجدداً او را برسرکارآورد.

زین‌الملك .
(قرن ۶ ه ق)
ابوسعید هندو ، ازمستوفیان دیوان محمدبن‌ملکشاه بودکه به‌سعایت دشمنان درسال ۵۰۶ ه ق. به دارآویخته شد .

ساباس .
(فوت ۳۳۳ ق م)
سردار ایرانی و والی مصرکه در جنگ‌اسکندر با داریوش سوم درایسوس کشته شد .

ساتی‌برزن .
(فوت ۳۲۸ ق م)
ازبزرگان‌وامرای عصرداریوش‌سوم ووالی‌هرات.وی مردی دلاور وحادثه‌جو بود. درسومین وآخرین جنگ داریوش با اسکندر درسال ۳۳۱ ق م .که در گوگامل روی داد، ساتی‌برزن فرماندهٔ سپاهیان هراتی‌بود.پس ازشکست‌داریوش وفرار او بسوی مشرق ، عده‌ای از سرداران اوبه‌اشاره **بسوس**ضداوتوطئه‌ای چیدندوشاهنشاه را باز داشتند . ساتی‌برزن دراین توطئه شرکت داشت وچون اسکندر که در تعقیب آنان بود به آنها نزدیك شد ، ساتی‌برزن به همراهی فرمانده دیگری‌به‌نام«برازانت»زخمهای مهلکی به‌داریوش زدند واو را درحال نزع گذاشتند وبا ۶۰۰ سوارگریختند . (۳۳۰ ق م).
سال بعد ساتی برزن درگرگان به‌حضوراسکندر رسید واعلام اطاعت‌کرد وازطرف اوبه‌حکومت هرات رسید، ولی بعدعصیان‌کرد وعاقبت مغلوب لشکریان مقدونی گردید و کشته‌شد.«لغت‌نامهٔ‌دهخدا»

ساروا‌صلان .
لقبی‌که شاه عباس بزرگ به‌امیر**گونه‌خان** بگلربیکی ایروان داد . وی ازایل‌آغچه قوینلوی قاجاراست. پدرش (گلابی‌بیك)درسلك‌قورچیان‌شاه‌طهماسب بود وخود اوچندی‌ایشیك‌آقاسی‌حرم و حارس‌دولتخانهٔ‌قزوین‌وداروغهٔ‌آنجابود و به سبب‌کیاست وکاردانی وحسن خدمت به مرتبهٔ ایالت وخانی ترقی‌کردوامیرالامراء چخور سعدگردید ودرآن حدود باعثمانیان جنگهاکرد ومشهورشد وبه‌سبب این خدمات به لقب ساروـ اصلانی ملقب‌گردید .
درسال ۱۳۰۴ درجنگ گرجستان‌که چرخچی لشکر ایران بود ، زخمدار شد ومدتی به‌معالجه پرداخت ودرآخر سال درگذشت‌وطهماسبقلی بیك پسرارشد اوجانشینش گردید .

ساعد مراغه‌ای ، محمد .
نخست وزیران را به بینید .

ساقی ، شاه حسین اصفهانی .
(مقتول ۹۲۹ ه ق)
ملقب به‌کمال الدین میرزا،که در ابتدای زندگی دراصفهان بنایی میکرد پس ازچندی به ملازمت دورمش خان‌شاملوازامرای معروف رسیدودرزمستان ۹۲۰ به‌وزارت شاه‌اسماعیل برگزیده‌شد و عنوان وکیل‌السلطنه واعتمادالدوله گرفت .
عاقبت شاه‌قلی‌که ازسخت‌گیری وی به‌تنگ‌آمده بود خنجری به شانهٔ وی زد وبه قورچیان‌گفت حکم همایون صدور یافته‌که این شخص راپاره پاره کنند و آنان نیزچنان‌کردند .

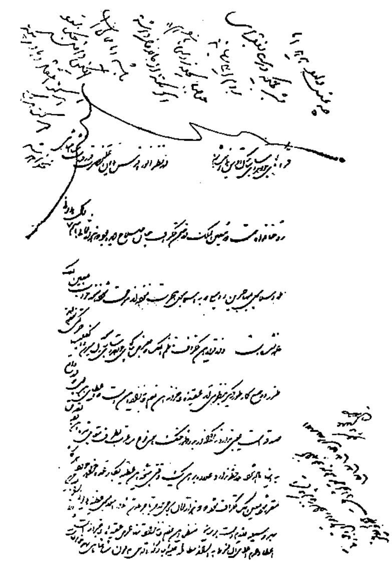
سالارفاتح، علی دیوسالار .
(فوت ۱۳۲۶ ه ش)
ازملاکان ومتنفذان مازندران واز مردم‌کجور در انقلابات اوایل‌مشروطیت ودرفتح قزوین وتهران‌دخالت داشت‌واز طرف ملیون دررجب ۱۲۲۷ هق. لقب سالارفاتح یافت . او مردی نویسنده و تاریخ دان بود و تألیفاتی نیزداردکه به‌چاپ نرسیده است .

سپهدار اعظم .
نخست وزیران ایران را به‌بینید .

سپهسالار، میرزا حسین‌خان بن‌میرزا نبی امیر دیوان‌قزوینی.

(۱۲۴۰ ــ ۱۲۹۷هق)

از مردان آزادفکر ومصلح‌ایران‌که خدمت خودرا دروزارت‌خارجه آغازودر سال ۱۲۸۸ از طرف ناصرالـدین‌شاه سپهسالار لقب‌یافت وصدراعظم‌ایران‌شد. علاقهٔ اوبه‌کسب‌مظاهر تمدن‌اروپـایی و تشویق ناصرالدینشاه به‌سفر اروپـا‌خشم روحانیون‌را برانگیخت وسبب‌عزل‌اوشد.



«نامهٔ سپهسالار به ناصرالدین شاه با امضای «غلام خانه‌زاد حسین»»
«خط بالای نامه خط شاه است که بصدراعظم دستور داده است»

سپهسالارمدتی‌مغضوب بود تا آنکه بـهـ حکومت خراسان منصوب شدوروزیکه‌از ساختن‌مقبره‌اش‌درمشهدفراغت‌یافت بدرود زندگی‌گفت. باغ‌بهارستان‌ومسجدسپهسالار ازیادگارهای اوست. «صدری افشار»

سردار اسعد. بختیاری.

مشروطه‌خواهان را به‌بینید.

سردارفخم.

آقابالاخان را به بینید.

سعدالدولهٔکلیمی، ابن‌صفی‌الدوله.

(مقتول ۶۹۰ ه ق)

ازاطباء ووزرای‌ایلخانی، که به‌مال دوستی وتعصب درکیش خودمشهوراست، ابتدا باجمع‌کردن مال و ثروت فراوان توجه‌ارغون‌راجلب وباقلع‌وقمع دشمنان‌بر همهٔ امور مسلط‌شد وبربسیاری ازکارهـا بخصوص‌امورمالیاتی‌دست مسلمـانان را کوتاه‌کرد باوجودیکه‌دربدوامربه‌تشویق مسلمانان همت‌کرده بود ولی‌درتوطئه‌ای که برعلیه‌اوشد، پی‌برد اغلب‌متـنفذان مسلمان درآن‌دست داشته‌اند، یکباره بد‌گمان شده‌بود واز بدگمانی ارغون هـم استفاده‌کرد وطرح وسیعی‌درکوتاه‌کردن دست مسلمانان از امور ریخت، ولی‌بـا مریض‌شدن ارغون، مردم به‌اودست‌یافتند واو را کشتند و باز یهـودکشی رواج یافت.

سعدالدوله، جوادخان.

(زنده درقرن ۱۴هق)

ازرجال اواخرقاجاریه که به‌خاطر هواداری از مشروطیت ازوزارت افتادو به یزد تبعیدشد ولی باتثبیت‌مشروطیت، مردم از اواستقبال‌کردند و به‌نام وکیل مجلس‌اوراروانهٔ‌تهران کردند و **ابوالمله** لقب یافت. ولی‌به‌تحریک‌اتابك به دربار نزدیك شد ودرکابینهٔ **مشیرالسلطنه**‌که با **محمدعلی میرزا** تشکیل‌شده بودوزیـر خارجه‌گردید، مردم ازاورنجیدند ودر پیروزی ملت او به سفارت هلند پناهنده شد.

سلیمان میرزا، ابن‌محسن‌میرزا.

مشروطه طلبان را به‌بینید.

سورنا.

(قرن اول قبل ازمیلاد)

سرداردلیرپارتی‌معاصراشك‌سیزدهم ارد اول ازجهت‌نژاد وثروت وشهرت‌پس ازشاه رتبهٔ اول‌را داشت وبه‌سبب نجابت خانوادگی درروز تاجگذاری پادشاه‌حق داشت‌که‌کمربندشاهی‌رابکمربندد. سورنا اردرابه‌تخت‌نشانیدوشهرسلوکیه‌رامتصرف شد واول‌کسی‌بودکه بردیوارشهر مذکور برآمد وبادست‌خوداشخاصی‌راکه‌مقاومت میکردند به‌زیرافکند. وی‌دراین هنگام بیش از ۳۰ سال‌نداشت، مـع‌هذابحزم و احتیاط وخردمندی شهره بودوبراثراین صفات «کراسوس» سرداررومی رامغلوب کرد، چه‌نخست‌جسارت‌وتکبرکراسوس‌و یأسی‌که براثربدبختیهاسورنارادست‌داده بود، به‌آسانی ویرا دردامهایی‌افکندکـه سورنا برایش‌گسترده‌بود. با وجوداین‌ارد بجای اینکه سورنارا پاداش‌نیك‌دهدبراو رشك‌بردونابودش‌کرد «لغت‌نامهٔ‌دهخدا»

سهیلی، علی.

نخست وزیران ایران را به‌بینید.

سیده خاتون.

(۳۸۷ ــ ۴۳۰ه ق)

زن‌فخرالدولـه ومادرمجدالدولـهٔ دیلمی پس‌ازمرگ فخرالـدوله، پسرش مجدالدوله‌درسن‌چهـار سالگی به‌امارت رسید وزمام امورکشور را مـادرش‌سیده خاتون به‌دست‌کفایت خودگرفت. این زن درمیان دودشمن نیرومند؛محمودغزنوی **قابوس‌زیاری**توانست‌مملکت‌خودراحفظ کند. درصورتیکه‌درداخل‌کشور نیزغالباً دچار نافرمانی پسران وجنگ‌آنان بـا یکدیگر بود، پس‌ازفوت اووضع‌حکومت مجدالدوله چندان مختـل‌شدکه‌محـمود به‌سهولت توانست‌ری‌رافتح واورادستگیر کند. «فرهنگ معین»

سیمجوردواتی.

از خادمان‌اسماعیل‌بن‌احمد سامانی بود وبعد سردار شد و ضد علویـان در گرگان‌جنگید (ظهور۲۸۷هق.) درسال ۳۹۸وی‌به سیستان‌رفت‌وآنجارا ازدست لیث‌بن‌علی‌ابن‌لیث بیرون‌آورد. احمدبن اسماعیل حکومت سیستان را در سال ۳۰۵ به‌سیمجور داد، ولی‌اهل سیستان بانصربن‌احمد مخالفت‌کردند و سیمجور ازآنجا بیرون‌رفت. درسنهٔ ۳۱۵که‌امیر نصربن‌احمد ری راازدست **فاتك** بیرون آورد حکومت‌آنرا به سیمجورداد. وی با حمویه‌ومحمدبن‌عبدالله‌بلعمی‌وابوجعفر صعلوك درجنگ با لیـلی‌بن نعـمان از سرداران‌داعی‌الی‌الحق‌گرگانی در طوس بوده (حدود سال ۳۰۷ و۳۰۸)، وی‌در سال ۳۱۰ به‌جنگ باابوالحسن‌بن‌ناصری علوی ودر۳۱۶ بجنگ‌باابوالحسن بـن ناصر مأمور گردید. وی مؤسس‌خاندان «سیمجوریان» است.

شجاع‌الدوله. صمدخان را به‌بینید.

شرف‌الدین، انوشیروان‌بن‌خالدکاشانی.

(فوت ۵۳۲هق)

اصلا ازمردم فین‌کاشان‌است‌وابتدا ازکاتبان دیوان ملکشاه بـود ودر عصر برکیارق‌دردستگاه‌اوبود. وی‌به‌مؤیدالملك پسرخواجه‌نظام‌الملك‌ارادت‌خاصی‌داشت. وپس ازقتل وی بقدری متألم‌گردیدکه‌به بصره رفت وبه‌مطالعهٔ ادب ومفاوضهٔ ادبا پرداخت پس از جلوس محـمد بجـای برکیـارق به‌خدمت خوانده‌شد. وی‌مدتی عهده دارکفالت‌صدارت، وچندی هم‌وزیر سلطان محمود وسلطان‌مسعود سلجوقی و مسترشد خلیفهٔ عباسی بود. شرف‌الدین‌از منشیان زبردست فارسی‌بود وکتابی‌شامل یادداشتهای زندگانی خود در ایامی‌که دردستگاه سلاجقه داخل‌بوده نوشته‌که‌از نمونه‌های خوب انشاء فارسی‌است.

شریف امامی، مهندس جعفر.

رؤسای مجلسین را به‌بینید.

شجاع‌السلطنه، میرزاملک‌منصور.
(قرن ۱۴ هق)
از رجال‌دورهٔ اخیرقاجاریه‌درزمان سلطنت پدر والی فارس بود و در نهضت مشروطه ابتدا باآزادی خواهان‌همراهی کرد.

شمس‌الکفاة.
احمدبن‌حسن میمندی‌رابه‌بینید.

شوکت.
حسام‌السلطنه، محمد تقی‌میرزا را به‌بینید.

شمس‌الدین، محمدبن‌محمدجوینی.
(مقتول ۶۸۳هق)
وزیر هولاکوواباقا،درعهداوایران ترقی واعتباربسیار حاصل‌کرد.

شمس‌الدین‌محمد بن‌بهاءالدین، صاحب دیوان جوینی.
ازملازمان‌سلطان‌محمدخوارزمشاه، و مستوفی دیوان وی بود در عهدسلطان جلال‌الدین نیز همین‌سمت راداشت.

شمس‌الوزراء، احمدبن‌عبدالصمد را به‌بینید.

شیخ‌علی‌خان زند.
(قرن۱۲ه ق)
سردار رشید کریم خان‌زندکه در جنگهای‌متعددایام‌سلطنت کریم‌خان‌شرکت داشت، ولی‌خان‌زندبه‌سعایت‌ساعیان‌اورا نابیناکرد.

شیخ‌علی خان زنگنه.
(قرن ۱۱هق)
وزیرلایق‌وکاردان‌شاه‌سلیمان‌صفوی، که تاحدی ازاعمال نابجای شاه سلیمان جلوگیری میکرد.

صائن، نصرت‌الدین‌عادل.
(مقتول ۷۲۷هق)
از برگزیدگان امیرچوپان بودکه به وزارت ابوسعیدرسیدکه چون وی‌رابه قتل پسر امیرچوپان واداشتند، امیر چوپان هم اورا درخراسان بانتقام خون پسر خودبه‌قتل‌رسانید.

صاحب بن‌عباد، اسمعیل.
(۳۲۶-۳۸۵ه ق)
نخستین وزیری‌است‌که لقب صاحب گرفت. پدرش ازادیبان عصربود.صاحب ابتدا درری‌درديوان ابن‌العمیدبه‌خدمت مشغول‌گردید وسپس‌به‌کتابت‌مؤیدالدوله گماشته شد وهمراه او به بغداد رفت،از آنجا به اصفهان‌آمد و در آنجا خواص شعرا و ادبا را به منادمت برگزید. وی در ترویج مذهب شیعه سعی وافر داشت؛ درسال ۳۶۰ وزارت اصفهان به وی تفویض شد. پس‌از فوت رکن‌الدوله، صاحب به همراهی‌مؤیدالدوله ازاصفهان به ری رفته، خود به نیابت عضدالدوله به حکومت نشست و به ابوالفتح پسر ابن‌العمید خلعت داد و صاحب را جزو کتاب او در آورد پس از چندی براثر پیدایش‌کدورت بین ابوالفتح و صاحب، صاحب به‌اصفهان‌رفت وپس‌از مرگ‌پسر ابن‌العمید درری برمسند وزارت تکیه زد. ازاین پس‌ری مرکز ادباو شعرا گشت. درسال ۳۷۰ صاحب به همدان رفت و مورد استقبال عضدالدوله قرار گرفت .درسال ۳۷۱ عضدالدوله‌لشکری به‌ری فرستاد ومؤیدالدوله‌را مأمورکرد که قابوس و فخرالدوله را تعقیب‌کند. مؤیدالدوله‌وصاحب،گرگان و طبرستان را تسخیر نمودند. قابوس و فخرالدوله به حسام‌الدوله تاش فرمانروای خراسان پناه بردند و او لشکری به ریاست فائق خاصه به‌کمك‌آنها فرستاد. فائق‌گرگان را محاصره‌کرد و نزدیك به فتح بودکه صاحب اورا بفریفت، درنتیجه فائق‌در جنگ سستی‌کرد و لشکر خراسان منهزم شد. پس از استقرار امر بر- فخرالدوله، صاحب از شغل خود استعفا کردکه مورد قبول واقع‌نگردید.
صاحب فخرالدوله را به فتح بغداد تشویق میکرد واونیزباصاحب به‌آنسوی حرکت‌کرد پس‌ازگذشتن ازاهوازلشکر فخرالدوله شکست خورد و عقب نشینی کرد. دراهواز صاحب بیمار شد لیکن بهبود یافت وگویند بشکرانهٔ بازگشت سلامتیش ۵۰۰۰۰ دینار لباس و قماش به فقرابخشید.
صاحب‌بن‌عباد وزیری‌مدبرومبتکر ونویسنده‌ای بزرگ بود وتألیفات‌بسیار ازوی بجای مانده‌است.

صاحبدیوان، شمس‌الدین.
شمس‌الدین محمد بن‌بهاءالدین را به بینید.

صاحب عیار، قوام‌الدین محمدبن‌علی
(فوت ۷۶۴ ه ق)
درسال۷۵۰به‌وزارت‌امیرمبارزالدین رسید. در۷۵۵نایب‌السلطنه شاه شجاع‌و سال بعد حاکم کرمان شد و در ۷۵۹ وزیرشاه شجاع‌گردید. او در شاه نفوذ فراوان داشت و به‌وفور مال وجودوسخا معروف بود ولی سرانجام به‌فرمان‌شاه شجاع‌کشته شد. حافظ دربرخی‌غزلهایش قوام‌الدین را ستوده است.

صاحب، علی‌آبادی.
(فوت ۱۲۵۶ ه ق)
از بزرگان دربار فتحعلی‌شاه قاجار، و مدت ده سال وزارت عبدالله میرزا حاکم سهرورد وخمسه را داشت. وی شعرنیزمیگفته‌وصاحب وصاحبدیوان تخلص میکرده است.

صدر، محسن صدرالاشراف.
(۱۲۵۰-۱۳۴۱)
رؤسای مجلسین را به‌بینید.

صدرالدین، ابراهیم.
(فوت ۸۳۲ ه ق)
از بزرگان دورهٔ تیموری و وزیر شاهرخ تیموری است. وی به تربیت دانشمندان توجه خاص داشت وتا زنده بود مورد عنایت شاه قرار داشت.

صدرالدین، محمد.
(مقتول ۵۱۱ ه ق)
ملقب به ابوالحسن؛ وزیر سلطان سنجرسلجوقی،وی به‌مدت۱۲ سال‌وزارت داشت وبه‌دستورسنجر، پس‌ازفتح‌غزنین، بقتل رسید.

صدرالدین‌زنجانی.
(مقتول ۶۹۷ ه ق)
احمد خالدی زنجانی ملقب‌به‌صدر جهان، ازرجال اواخر قرن هفتم‌هجری قمری، صاحب اختیار مطلق ممالك ایلخانی بود درزمان **اوجاو** رواج‌یافت و**بایدوخان** اورا معزول‌کرد و باجلوس غازان مجدداً صدارت یافت و در زمان غازان به قتل رسید.

صدرجهان.
صدرالدین زنجانی را به بینید.

صمدخان، (حاجی).
(قرن ۱۴ هق)
ملقب به شجاع‌الدوله، از رجال استبداد چون عین‌الدوله که از جانب محمد علی شاه مأمور سرکوبی تبریز شده بود،براثرمقاومت مردم‌آذربایجان کاری از پیش نبرد و عقب نشینی‌کرد، محمدعلی شاه‌صمدخان را بالقب‌شجاع- الدوله از تهران به مراغه فرستاد تا از آنجا به‌تبریزرود وآزادیخواهان راقلع وقمع‌کند. وی چون به‌مراغه رسیدنخست بایذاء مردم وگرفتن پول ازثروتمندان پرداخت، سپس رو به‌تبریز آورد و در ذی‌القعدهٔ ۱۳۲۶ ه ق. در خانقاه با

آزادیخواهان روبروشدو آنان راشکست داد وازآنجا عازم خسروشاه گردیدوپس از پیوستن سپاهیانی بدو، روبه تبریز نهاد وآن شهررا بمحاصره گرفت وبرمحلاتی از تبریز دست یافت ، ولی آزادیخواهان در مقابل او پایداری کردند و او را از تبریز راندند. وی به مراغه بازگشت و به‌حکومت پرداخت و خود را طرفدار مشروطه معرفی کرد ، اما چون زمزمهٔ بازگشت مجدد محمدعلی میرزا به‌ایران آغازشد، صمدخان مجدداً روبه‌تبریز نهاد وپس از نبردهای طولانی عقب نشینی کرد دیگربار ازدرآشتی درآمد. پس‌از ورود روسها به‌تبریز وآغاز مردم کشی آنان، صمدخان دیگرباره باپشتیبانی روسها حکومت شهررا به‌دست گرفت و خونریزیهای فراوان کرد. چون باردیگر کارآذربایجان سروصورتی یافت‌وی چندی دست از ایذای مردم کشید ولی دستور انتخابات راکه بدو رسیده بود نادیده گرفت . پس از روی کار آمدن کابینهٔ مستوفی الممالک صمدخان ازکاربرکنار شد وبه‌خانهٔ خود درنعمت‌آباد رفت واز آنجاروانهٔ تفلیس گردیدودرروسیه به‌مرض سرطان درگذشت . «لغت‌نامهٔ دهخدا»

صمصام‌السلطنه بختیاری .

مشروطه‌طلبان‌معروف را به‌بینید.

صنیع‌الدوله هدایت ، مرتضی‌قلی خان پسر مخبرالدوله.

به بخش رؤسای مجلسین ، مراجعه شود.

صیمری ، محمد بن‌احمد

(فوت ۳۳۹ ه ق)

ملقب به ابوجعفر، وزیرمعزالدوله دیلمی است .

صوراسرافیل.

مشروطه طلبان رابه بینید.

ضیاءالملک،احمدبن خواجه نظام‌الملک.

(فوت ۵۴۴ ه ق)

ملقب به ابونصر، که دربلخ متولد شد ودراصفهان تربیت یافت و درهمدان سکنی‌گزید . وی ازرجال مشهور دورهٔ سلجوقی‌است‌ودرسال ۵۰۰ که برای‌شکایت ازرییس‌همدان عازم‌درگاه سلطان‌محمد-شاه شد در راهٔ اصفهان ، سلطان محمد، سعدالملک آبی را به حبس انداخت ، هنگامی‌که امیراحمد به‌اصفهان رسید و خطیرالملک میبدی می‌خواستند وزارت سلطان را به‌مخدوم خود بسپارند،سلطان گفت : فرزندان خواجه نظام‌الملک باید از پروردگان خوان ما باشند و به‌همین جهت ابونصر را به‌وزارت خود انتخاب کردووی رابه‌القاب قوام الدین، صدر-الاسلام،و نظام‌الملک‌ملقب‌ساخت.وی‌مردی آرام طبع بود مدت ۴سال وزارت داشت وپس‌ازاوخطیرالملک‌میبدی‌به‌وزارت‌رسید.

ضیاءالملک ، یعقوب‌بن یوسف .

(قرن ۵ ه ق)

ازامرای لشکری سلجوقی درعهد چغری‌بیگ‌مقدم عساکر بود.خواجه‌نظام-الملک طوسی قبل ازپیوستن به خدمت چغری بیگ‌پیش‌اوبه دبیری‌سر می‌کرده و**برهانی** و**معزی** او رامدح گفته‌اند .

ضیاء الملک،زوزنی .

(قرن ۷ ه)

وزیرسلطان محمد خوارزمشاه ،که به‌هنگام حملهٔ مغول به‌نیشابوربا مجیر-الملک‌کافی وزیردیگرسلطان محمدتصمیم به مقابله‌گرفتند ، لیکن مغولان‌آن شهر رامحاصره‌کرده وپس ازجنگ‌های سخت خراب‌کردند .

طاهر ، ابن حسین مصعب .

(۱۵۹ — ۲۰۷ ه ق)

ازرجال دورهٔ مأمون عباسی،مأمون هنگامی‌که در مرو اقامت داشت وخلع بیعت ازامین برادر خودکرد ، طاهر را روانهٔ بغداد ساخت تاباامین جنگ‌کند . امین علی‌بن‌عیسی بن ماهان را برای‌دفع طاهرفرستاد، وبین‌آن دوجنگی‌درگرفت وعلی‌بن‌عیسی‌کشته‌شد(۱۹۸ ه ق .) طاهر رسولی‌نزد مأمون فرستادوراجع به‌مقابلهٔ باامین دستور خواست ، مأمون پیراهنی گریبان‌دریده درپاسخ طاهرفرستاد طاهر دانست‌که منظور مأمون‌کشتن امین است پس امین را محاصره و دستگیر کرد و بکشت‌وسرش را به‌خراسان فرستاد.بدین طریق مأمون درخلافت مستقرشدوهمواره مراعات طاهرمیکرد . مأمون‌اورا به‌لقب ذوالیمینین ملقب ساخت. طاهر ادیب و فصیح‌ومدبر بود وشعرارااحترام میکرد.

طاهر بن علی بن مشکان .

(قرن ۵و۶ ه)

ملقب به ثقةالملک، برادرزادهٔ ابو-نصرمشکان‌است، وی وزیر سلطان مسعود غزنوی بوده و شعرای هم زمانش او را مدح بسیارگفته‌اند .

طاهر بن فخرالملک .

(فوت ۵۴۸ ه ق)

نوهٔ نظام‌الملک وازوزرای دورهٔ سلجوقی است . پس از قتل ابراهیم درگزینی، به وزارت سلطان سنجرانتخاب شد و۱۹ سال دراین شغل ماند . پس از خواجه - نظام‌الملک‌هیچیک ازوزیران سلاجقه به-اندازهٔ او درمقام وزارت نمانده‌اند . پس از سنجر، وی وزیرشاه سلیمان شدو مدتی بعد درگذشت .

طباطبایی ، سید ضیاءالدین .

نخست وزیران را به‌بینید .

طباطبایی، سید محمد .

مشروطه طلبان را ببینید

طغرایی ، ابواسماعیل .

(۴۵۳ — ۵۱۳تا۵۱۶ ه ق)

مؤیدالدین‌حسین‌بن‌علی‌اصفهانی‌ازادبا وفضلای دورهٔ سلجوقی، وزیرمسعود بن-ملکشاه‌که مردی مدبر ومشیر بود .

طغرایی شعر نیز می‌سروده ودیوان شعری به‌عربی ازوی باقی مانده است .

طغرایی ، شمس‌الدین خطیب .

از رجال اوایل قرن ۷ ه . وی در هجوم‌مغول قدمردانگی برافراشت ودو-بار تبریز را ازکشتار وتاراج مصون داشت . باراول هنگامی بودکه چنگیز ماوراءالنهررا به‌دست‌آورد وبرای **خاتمه** دادن‌به‌کارسلطان‌محمددوتن‌ازسرکردگان خود رابه‌نام — **یمه وسبتای** — را مأمور تعقیب سلطان محمدکرد و آنان بدنبال سلطان همه‌جادرشهرها مردم ازکوچک و بزرگ را ازدم تیغ میگذرانیدند . پس ازکشتارهمدان‌روی‌به‌آذربایجان‌آوردند. صاحب‌آذربایجان **اتابک ازبک**خود رابه کنار کشیده‌ودرنزدیک‌نخجوان‌به‌دژی‌پناه برد.شمس‌الدین‌با برادرزاده‌اش‌نظام‌الدین رییس شهر تبریز،مردم شوریده راجمع کرد وشهررا استوار ساخت ، مغول وقتی ازماجرا خبردارشدند ازنزدیکی بدانجا خودداری‌کردندوکس فرستادندوپاره‌ای رخت و خواسته خواستند . شمس‌الدین لوازم ایشان را فرستاد ومغول ازآنجا روانهٔ سراب شدند (۶۱۸ ه ق .) . بار دوم پس‌ازشکست جلال‌الدین خوارزمشاه که مغولان تا نزدیکی تبریز رفتند و فرمانبرداری‌خواستندولی چون‌مردم باز هم به‌دستورشمس‌الدین‌آمادهٔ دفاع بودند ومغولان هم سابقه داشتند، ازهجوم‌خود-داری‌کردند. تبریزیان نیزچون‌ازجلال-الدین نومید بودند از درنرمی درآمدند و ارمغانی ازجامه و خواسته برای‌ایشان فرستادند وازشرآنان‌آسوده شدند .



صنیع‌الدوله

طوسی، خواجه نصیرالدین.
خواجه نصیرالدین طوسی علمای ریاضی را به‌بینید.

عباس میرزا، نایب‌السلطنه.
(۱۲۰۲–۱۲۴۹ م)
پسر فتحعلی شاه قاجار چهارمین فرزند فتحعلی شاه، و درزمان پدر ولیعهد و فرمانفرمای آذربایجان بود. عباس میرزا تنظیم قشون ایران را براصول اروپایی آغاز کرد وابتدا از روسها یاری خواست و بعدازوجود صاحبمنصبان فرانسوی و انگلیسی استفاده کرد و برای غلبه بر تعصبات هموطنانش، این شاهزاده خود لباس متحدالشکل نظام اروپایی می‌پوشید و در تمرینهای روزانه شرکت می‌کرد. در جنگ روس و ایران، فرماندهی کل، با او بود واودر ۱۲۱۹ ه ق. **سیسیانوف** رادر اچیازین شکست داد و باردیگر درقراباغ روسها را شکست داد ولی درپایان مغلوب گردید. وی مردی شجاع، اصلاح‌طلب، روشنفکر، خود خواه ومستبد بود.


عباس میرزا

عبدالرحمن فارسی.
(فوت ۳۸۰ ه ق)
ابومحمد بن احمد، از رجال دولت سامانی که درسال ۴۷۶ ه ق بـه وزارت منصوب شد.

عبدالرزاق، ابن احمد.
(فوت ۴۴۱ ه ق)
ملقب به ابوالفتح، که پس ازطاهر مستوفی به وزارت مودود غزنوی رسید وپس‌از مرگ مودود، عبدالرشید بن‌ـ مسعود را که به‌موجب فرمان مودود محبوس بود از زندان بدرآورد، ولشکریان را به اطاعت او واداشت، وبه‌همین‌دلیل تا پایان حیات وزارت داشت.

عبدالله، ابن‌محمدبن عزیز.
(قرن ۴ ه)
از رجال معروف قرن چهارم که دو بار به‌وزارت‌سامانیان رسید.

عتبی، ابوجعفر احمد بن حسین.
(قرن ۴ ه ق)
از سال ۳۵۶ تا ۳۴۸ هجری‌قمری وزیر رشید سامانی بود.

عتبی، ابونصرمحمدبن عبدالجبار.
(فوت ۴۲۷ ه ق)
نویسندهٔ معروف ایرانی که‌مدتی‌در دستگاه ابوعلی‌سیمجور وسبکتکین به‌سر برده وچندی هم‌نیابت **قابوس‌وشمگیر** را در خراسان داشته مدتی نزدامیر نصر بن سبکتکین سپهسالار خراسان از قبل سلطان محمود روزگار گذرانید؛ کتاب «تاریخ یمینی» از اواست.

عتبی، ابوالحسن عبیدالله بن احمد.
(مقتول ۳۷۲ ه ق)
بعد از ابوعبدالله جیهانی به‌وزارت نوح بن سامانی رسید. از وزرای مدبر ودانا بود که شاعران معاصرش او رامدح گفته‌اند.

عدل، سید مصطفی.
منصورالسلطنه را به بینید.

عدل الملك دادگر، حسین.
رؤسای مجلسین را به‌بینید.

عدنان، ابوعامر بن محمد.
دراواخر عهدسامانی (قرن ۴ ه.) رییس هرات بود وبدیع‌الزمان همدانـی رساله‌ها وقصیده‌هایی به‌نام اودارد.

عزالدین، طاهر بن زنگی.
معروف به‌ابوطیب، ازرجال اواسط قـرن ۷ ه. وی درسال ۶۵۱ ه ق. از جانب امیر ارغون مغول به‌نیابت حکومت خراسان ومازندران تعیین شد و تا سال ۶۵۶ ه ق. در منصب خود باقی بود و دراین سال هولاکو او رامعزول کرد. وی ادب دوست و شاعرپرور بود **وسعدالدین هروی** شاعر ازمداحان مخصوص اوست.

عضدالملك قاجار.
(۱۲۶۳–۱۳۲۸ ق)
علیرضا خان فرزند موسی‌خان قاجار است. در تهران متولدشده وتـحصیلات ابتدایی و ادبیات فارسی وصرف ونـحو عربی را نزد معلم سرخانه فراگرفته ودر ده سالگی عنوان افتخاری «غلام بچه» یافت.

درسال ۱۲۹۰ درسفر اول ناصرالدین شاه به‌فرنگستان همراه اوبـود و پس از بازگشت از اروپا، به‌فاصلهٔ کمی به‌ریاست ایل‌قاجارمنصوب شد. درآغازکار چندتن از سران تیرهٔ قاجاریه کـه خود داعیـهٔ ایلخانی‌گری داشتند برضد اوهم پیمان شده وشکایتها به‌شاه نوشتند. لیکن شاه چون دریافت که انگیزهٔ واقعی شاکیان رقابت وحسادت میباشد از وی حمایت کرد ومخالفان را به‌فرمانبرداری از او توصیه نمود.

عضدالملك چندی باحفظ سمتهایی که داشت فرماندهی قسمتی ازقشون ایران را هم به‌عهده گرفت. ودرآخرسال ۱۲۹۱ والی مازندران شد. وی‌درسفر دوم شاه



به اروپا نیزملازم حـضور بود و پس‌از بازگشت از این‌سفرعنوان «وزیرحضور» یافت و «مهردار سلطنتی» و «خوانسالار» گردید. دراین‌سالها تقرب‌عضدالملك به شاه بسیار بودچنانکه بیش‌ازپانزده سال از دوران اخیرسلطنت ناصرالدین‌شاه و همچنین‌دردوران‌مظفرالدینشاه به‌مناسبت مقام‌ایلخانی‌قاجاردرسلامهای رسمی مقدم برهمهٔ رجال بود، نخست او به‌شاه‌تبریك وتهنیت میگفت ومخاطب‌شاه‌نیز او بود. در شعبان ۱۳۰۴ قمـری عضدالملك به وزارت عدلیه منصوب گـردید و در این مقام شایستگی و بی‌غرضی نشان داد، از اینروجمعی‌ناراضی‌برای‌خود درست‌کرد ولی بااعتماد ورضایت خاطری که شاه از وی داشت او به‌کارشکنی‌مخالفان‌اعتنایی نمیکرد.

در ابتدای زمـان مظـفرالدینشاه عضدالملك درهاشم‌آباد شهری عـزلت گزیدوهنگام بروزاختلاف‌بین‌روحانیون و بازاریان باعین‌الدوله، عضدالملـك به‌کلی کناره جویی جست ولی پس از تحصن بازاریان و طـلاب در سفارت و عزیمت‌روحانیون به‌قم‌برای حفظ‌حیثیت سیاسی ایران‌قدم پیش نهاد وبرای باز- گرداندن روحانیون‌رهسپار قم‌شدوآنان را ازعزیمت به‌عتبات منصرف‌کرده وپس ازصدور فرمان مشروطه به طهران‌باز- گردانید.

عضدالملك درانتخابات‌اول‌ازطرف طبقات مختلف نامزد ریاست مجلس بود

ولی ازشرکت در انتخابات خودداری نمود در اختلافات مجلس ودرباردردورهٔ محمدعلیشاه، عضدالملک برای اصلاح میکوشید ومیخواست هم اساس واحترام سلطنت محفوظ بماند و هم پایهٔ حکومت مشروطه واصل حاکمیت ملی نیرو گیرد.

درمجلس فوق العاده ای پس از خلع محمدعلیشاه واعلام سلطنت سلطان احمد شاه، عضدالملک به نیابت سلطنت برگزیده شد.

در جشن انجمن **اخوت** که به مناسبت پادشاهی سلطان احمد شاه وپیروزی مشروطه برپاشده بود عضدالملک درنخستین شب شرکت کرده از طرف انجمن به او مدال جواهر نشان هدیه شد.

فرمان انتخابات دورهٔ دوم مجلس به دستور عضدالملک صادرشد واو به دولت آزادی انتخابات راتوصیه نمود و تأکید کردکه در حکومت مشروطه، انتخاب وکیل، طبیعی ترین حقوق ملی مردم است و اگر این حق را از مردم سلب کنند مشروطه یی باقی نخواهد ماند. در همین سال عضدالملک سازمان مستقل بلدیه قانونی راتأسیس کردوریاست آنرا به دکتر خلیل خان **ثقفی** اعلم الدوله تفویض نمود. در روز گشایش مجلس دوم عضدالملک به اتفاق شاه خردسال با تشریفات رسمی به بهارستان آمد ومجلس دورهٔ دوم را افتتاح کرد.

وی به سال **۱۳۲۸** قمری درحالیکه هنوز نقشه هایش به مرحلهٔ عمل در نیامده بود بدرود حیات گفت درمرگ وی یک روز تعطیل عمومی بود و جنازهٔ او در ایوان آرامگاه ناصرالدینشاه دفن شد.

علاء، حسین.
نخست وزیران ایران را به بینید.

علاءالسلطنه. محمدعلی خان.
نخست وزیران ایران را به بینید.

علاءالملک طباطبایی.
(۱۲۳۰ - ۱۳۴۵ه ق)

پسر میرزا علی لشکرنویس و برادر میرزا رفیع نظام العلماء تبریزی است، درکابینهٔ میرزا علی اصغرخان اتابک، در زمان محمدعلی شاه، وزارت عدلیه راداشت. قبل از آن نیزدارای مشاغل حساس دولتی بود ازجمله: وزیرمعارف، وزیرمختار درددربارروسیه، وزیرعلوم درکابینهٔ نصرالله خان مشیرالدوله، مأمور موقت درلندن، نایب اول کنسولگری باکو، سفیر کبیر ایران درعثمانی.

وی کتاب «آیینهٔ اسکندری» تألیف میرزا آقاخان را به طبع رسانید. مدفن علاءالملک درشهر قم می باشد.

علم، اسدالله.
نخست وزیران ایران را به بینید.

علم خان. پسر اسمعیل خان خزیمه.
(فوت ۱۱۶۷ه ق)

از سرداران لایق نادرشاه بود ودر خلع شاهرخ دست داشت پس از روی کار آمدن مجدد شاهرخ ازمشهد بیرون رفت وسپاهی گردآورد ودرسال **۱۱۶۴**؛ یوسف علی خان سردار سپاه شاهرخ رادرحوالی کلات شکست داد واسیر کرد وبه مشهد برد وبرآن شهردست یافت ولی مصلحت خود رادرآن دیدکه شاهرخ راهمچنان درسلطنت نگاهدارد وخود به نام او حکومت کند. وی وقتی در هرات بود **احمدشاه درانی** آن شهر را درمحاصره گرفت و امیرعلم خان سرانجام پس ازچندماه مقاومت هنگام سقوط شهر کشته شد ویاپس ازآمدن به ایران درهمانسال یاسال بعدبه دست کردان خراسان به قتل رسید. «صدری افشار»

علیشاه گیلانی.

ملقب به تاج الدین، که دراصل دلال جواهر بود وسواد نداشت. ولی به دربار اولجایتو راه یافت و به وزارت رسید و پس ازالجایتو نیز وزیرابوسعید بود، وی چون در امور دیوانی و سیاست مملکت بی اطلاع بود درمدت وزارتش رشتهٔ امور ازهم گسیخته شد.

علیشیر نوایی. امیر.
(۸۴۴ - ۹۰۶ هق)
دراویش را به بینید.

علی قلی خان. شاملو.
(مقتول ۹۹۷ه ق)

سردار ایرانی وحاکم هرات. للهٔ شاه عباس بزرگ درکودکی او، چون مرشد قلی خان استاجلو والی خراسان با او اختلاف حاصل کرددرجنگی که بین ایشان رخداد، علی قلی خان درنزدیکی ترشیز از او شکست خورد وشاه عباس را هم مرشد قلی خان ازدست اوربود. وی باعبدالله خان ازبک نزدیکی و ارتباط حاصل کرده و اورا به حملهٔ به خراسان برانگیخت ولی سپس پشیمان شد، ازبکان به هرات حمله کردند واورا درحصار گرفتند. وی ۱۱ ماه پایداری کردولی عاقبت شهرتسلیم شد و او به قتل رسید.

علی قلی خان.

ملقب به شیرایران، سردار معروف ایرانی دردورهٔ شاه سلیمان صفوی اواخر قرن ۱۱ه ق.

علیمرادی بختیاری.
(فوت ۱۱۴۹ه ق)

مردی لایق وبی باک بودکه بهواداری شاه طهماسب برخاست وباچهار-پنجهزار تن بختیاری بارهاسپاهی راکه به سرکوبی وی آمده بودند، شکست دادتاآنکه ناچار نادرشاه شخصاً به جنگ وی شتافت. علیمرادی شکست خورد و باخانواده اش به لرستان گریخت وبه غاری درکوه پناه برد سپاه نادر وی را محاصره کردندواو پس از کشتن زن ودخترانش سه روزمقاومت کرد تا سرانجام دستگیرشد.

نادر فرمان دادچشم ودست وپای او کندند ودرزیرآفتاب سوزان افکندند تا پس ازدوروز جانداد.


حسین علاء

عمادالدوله، محمدطاهروحیدقزوینی.
(۱۰۱۵-۱۱۱۰ه ق)

درسال **۱۰۵۵** مجلس نویس دربار صفوی شدوبه فراهم کردن تاریخ ایام سلطنت شاه عباس ثانی پرداخت که به نام عباسنامه چاپ شده است. پس ازآن در زمان شاه سلیمان چندی وزیرشد ولی به سبب پیری استعفاداد.

عمیدالملک کندری، ابونصر محمدبن منصور.
(مقتول ۴۵۶ه ق)

وزیر طغرل بیگ سلجوقی بود، هم او بودکه کتب دیوان و فرامین رابه فارسی برگردانید، چون حنفی مذهب بود، درآغاز کار، بین شافعی وحنفی اختلاف می گذاشت، ودر سال **۴۴۷**هق. درملاقات طغرل بیگ و باباطاهرعریان حضورداشت وبه تحریک نظام الملک محبوس ومقتول شد.

عیسی، ابن موسی.
(فوت ۱۳۱۰هق)

در دورهٔ ناصرالدین شاه قاجار وزیر تهران بود ودرسنی قریب به ۵۵سالگی در تهران به مرض وبا درگذشت.

عین الدوله، سلطان عبدالحمید.
نخست وزیران ایران رابه بینید.

غیاث الدین جمشید قاینی.
(فوت ۹۱۹هق)

فرزندکاتب دارالقضاة قاضی قطب الدین احمدامامی؛ وزیر بدیع الزمان-

میرزا وسلطان‌حسین‌میرزا، عالمی‌بزرگ وادیبی‌دانا بود وبه‌علت پرهیزفوق‌العاده به **حلالی** ملقب‌شد .



محمدعلی فروغی

فتح‌الله، ابونصربرهان‌الدین.

(فوت ۷۸۰ ه ق)

وزیر امیرمبارزالدین محمدفرزند خواجه‌کمال الدین محمد ابوالمعالی‌که شاه شجاع اورا معزول‌کرد.

فتحعلیخان قاجار.

(مقتول ۱۱۳۹ ه ق)

ازامرای **اشاقه‌باش** ، ازایل‌قاجار، در نزدشاه طهماسب دوم مقامی ارجمند داشت ولی نادر وسایل قتل اورا فراهم کرد .

فخرالملك، مظفربن نظام‌الملك .

(مقتول ۵۰۰ ه ق)

پسرمعروف‌خواجه نظام‌الملك‌که‌در زمان حیات پدر نیز عهده‌دار مشاغــل بزرگی بود . در سال ۴۸۸ بـه وزارت برکیارق، سپس به‌وزارت سلطان سنجر رسید ، ایــن وزیر در زمــان سلطنت آلب‌ارسلان‌همراه‌او به‌فارس‌رفت، «وصایای نظام الملك » را اوجمع‌کرده است.

فراتافرن.



قایم‌مقام‌فراهانی

والی پارت‌درزمان اسکندرمقدونی که ازجانب وی‌مأمورشد برای سرکوبی شورش هــراتیها به‌کمك سرداران دیگر بشتابد . این‌شخص ایرانی بوده است و پس‌از تقسیم‌ممالك‌اسکندر نیز بنا به‌روایت **دیو دور** بــار دیگر پــارت را به او واگذاشته‌اند. بخصوص **دیو دور** درنقل این روایت او را « فراتافرن ایرانی » خوانده‌است .

فرمانفرما ، حسین علی‌میرزا.

نخست وزیران ایران به‌بینید.

فروغی ، محمد علی بــن محمد حسین ذکاءالملك .

(۱۲۵۷ ش ــ ۱۳۲۱ ش)

رؤسای مجلسین رابه بینید.

فضل بن احمد اسفراینی .

(فوت ۴۰۴ ه ق)



قوام‌السلطنه

ازکاتبان فایق و یاران ناصرالدین سبکتکین بودکه به عهد سلطان محمود غزنوی ۱۰ سال وزیر بــود و سرانجام به‌سعایت دشمنان معزول شد و در غیبت سلطان ، دشمنانش‌که مقاماتی داشتند با شکنجه و عذاب او را به مرگ‌کشاندند. فضل دیوان انشاء راکه به زبان عربــی بود به فــارسی ترجمه‌کرد.

فیروز، نصرت‌الدوله.

(مقتول ۱۳۱۶ ه ش)

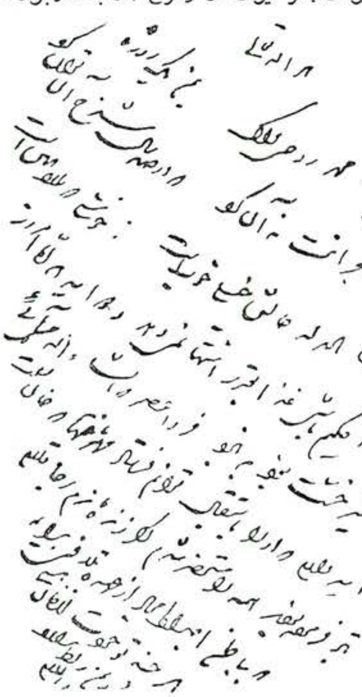
پسرعبدالحسین فرمانفرماییان، که درکابینهٔ وثوق‌الدوله مدتی وزیرخارجه، ودرکابینهٔ هدایت وزیر مالیه بود . وی درسال ۱۳۰۸ درديوان عالی‌تمیزمحکوم و به‌سمنان فرستاده شد ودر همانجافوت کرد .

جنازه‌اش در ابن بابویه در مقبرهٔ خانوادگی مدفون است.

قایم‌مقام فراهانی ، ابوالقاسم بن‌میرزا بزرگ .

(۱۱۹۳ ــ ۱۲۵۱ ه ق)

پدرش قایم مقام اول وزارت عباس میرزا نــایب‌السلطنه‌را داشت و پس از مرگ‌اواین شغل‌به‌میرزا بزرگ‌واگذار شد.میرزا بزرگ که به‌قایم‌مقام‌ثانی‌معروف شد در جنگهای ایــران وروس درکنار عباس میرزا وبراموزناظروکوشش‌بسیار برای‌جلوگیری از وقوع آن به‌کاربرد .



نمونه خط قائم‌مقام فراهانی

براثر همین مساعی واستقلال فکردرسال ۱۲۳۰ مدتی مغضوب و خانه‌نشین شد . ولی پس از سه سال بار دیگر او را به پیشکاری آذربایجان‌ووزارت، نایب‌السلطنه فراخواندند . قایم‌مقام درجنگهای‌هرات نیزهمراه نایب‌السلطنه بود و به‌خواهش وی دربه‌سلطنت‌رسیدن پسرش ،**محمد**‌**میرزا** کوشش‌کرد. ولی محمدشاه، وقتی خودرا برتخت سلطنت وبخت‌را بیدارو فتنه را درخواب وخزانه را معمور دید به‌سعایت بدخواهان قایم‌مقام راکشت و و معلم سابقش حــاجی میرزا آقاسی را وزارت‌دادودردوازده‌سال‌بعد درهر گوشه‌یی فتنه‌یی برخاست.

قایم‌مقام‌یکی‌ازلایقترین‌سیاستمداران وازجمله‌نویسندگان‌زبردست‌فارسی‌است. نوشته‌اندکه‌این مردارجمند را شش‌روز تشنه وگرسنه‌گذاشتند و پس ازآن خفه کردند و بــدون غسل وکفن درگلیمی پیچیدند و شبانــه درحضرت‌عبدالعظیم بخاك سپردند. «صدری افشار»

قارن .

یکی از دلاوران ایرانی (قرن اول ه .)که به‌ریاست ۴۰۰۰۰ تن درسال ۳۲ ه .درخراسان‌خروج‌کرد وعاقبت مغلوب لشکریان **ابن‌خازم** گردید . قارن‌کشته شد ولشکریانش‌متفرق‌گشتند . ابن‌خازم داستان فتح را به‌ابن عامرنوشت و اواز این فتح خشنودی نمود واو راحکومــت خراسان داد .

قوام‌السلطنه . احمد .

نخست وزیران را به‌بینید .

کلانتر، حاجی ابراهیم .

ابراهیم‌کلانتررا به بینید .

کلنل‌محمدتقی‌خان‌پسیان ، سلطان‌زاده .

(۱۳۰۹ــ۱۳۴۳ ه ق)

درتبریز متولد شد وازمدرسهٔ نظام فارغ التحصیل شد . درسال ۱۳۲۹ بهــ درجهٔ‌نایب دومی‌رسید. چندی‌درقزاقخانه خدمت وآنگاه وارد ژاندارمری گردید . درسال ۱۳۳۵ به برلین‌رفت وبه‌تحصیل ریاضیات‌وموسیقی‌پرداخت پس‌ازبازگشت به‌ایران‌رییس ژاندارمری خراسان‌وسپس کفیل‌آن ایالت‌گردید وبر اثر لیاقتی‌که دراصلاح‌اموراجتماعی وفرهنگی‌خراسان نشان داد مورد توجه مردم قرارگرفت. پس‌ازسقوط‌کابینهٔ سید ضیاءالدین، قوامــ السلطنه درصدد عزل‌کلنل برآمد . کلنل مقاومت‌کرد. قوام‌السلطنه به‌دست فئودالهای محلی به ایجاد شورش وجنگ خانــگی پرداخت‌کلنل در یکی ازاین جنگها در قوچان تیرخورد و گویند هنوززنده بود که‌سرش را بریدند . آرامگاهش درجوار قبر نــادرشاه است . قیام وی یــکی از نهضت های روشنفکران ایران استکــه متأسفانه مانند: خیابانی، لاهوتی، جنگل

فاقد قوهٔ مطابقه بامحیط بود. وباکشته‌شدن رهبر ، انقلاب به‌سرعت‌افول‌کرد . «صدری افشار»

کندری ، عمیدالملك .

عمیدالملك را به‌بینید .

کیخسروگرجی .

(فـوت ۱۱۲۳ ه ق)

وی برادرزادهٔ گرگین‌خان‌بیگلربیگی قندهار بود که پس ازکشته شدن وی از طرف‌دولت ایران‌مأمورسرکوبی افغانان قندهارشد. وی میرویس راشکست داد و قندهار را درمحاصره گرفت . افغانان از درپوزش درآمدند وحاضر به‌تسلیم شدند به‌شرط‌آنکه‌عفوعمومی‌صادر شود.خسروخان‌نپذیرفت وآنان‌ناچارمقاومت‌کردند تابی اثرفرا رسیدن تابستان وپیش‌آمدن قحطی وگرماوبیماری ارتش ایران‌ضعیف شد و میرویس بایك حمله ایشانرا درهم شکست چنانکه از۲۵هزارسپاهی بیش‌از هزار نفر جان سالم بدرنبردندوخسرو‌نیزکشته شد . «صدری افشار»

گرگین ، وختانگ ملقب به‌شاهنوازخان گرجی. (فوت ۱۱۲۱ه ق).

درزمان شاه سلطان حسین افغانان قندهار دست به‌شورش زدند ودولت‌ایران ویرا مقام بیگلربیگی قندهار داد وبه‌سرکوبی ایشان روانه‌کرد . گرگین‌خان با بی رحمی‌بسیارشورش راخوابانید.ولی سران شورش‌که ازطرف دربارهندتقویت میشدند ازپای ننشستند . درسال ۱۱۲۰ درباراپران‌بی‌آنکه‌ویراازمقامش معزول سازد میرویس‌غلیجایی رابه‌جایش‌فرستاد وی بـرای تحقیر میرویس دخترش را خواستگاری‌کرد ومیرویس دست به‌فریب اوزده دختر دیگربه‌جای دختر خودداد ودرظاهرطریق یگانگی پیمودتاسرانجام ویرا به‌باغی دعوت واو را به‌کشتن‌داد . «صدری افشار»

گروسی ، امیرنظام .

(۱۲۳۷ ـ ۱۳۱۸ ه ق.)

امیرنظام ، حسنعلی خان گروسی ، فرزند محمدصادق سرتیپ ، سیاستمدار ، ادیب، نویسنده وخوشنویس‌دورهٔ قاجاریه درحدود سال۱۲۳۶ هجری قمری متولد شد. وی‌ازسیاستمداران‌ودرباریان مشهور قرن‌اخیرایران‌است که‌درجهٔ سرتیپی فوج



گروس ، به‌ارث ازپدرش به وی رسیده بوددرجنگ هرات که به فرماندهی حسام‌السلطنه اتـفاق افتاد اولین‌کسی‌بود کـه‌واردقلعهٔ هرات‌گردید.

درمسافرت‌اول ناصرالدین‌شاه‌قاجار به اروپا، درسال ۱۲۹۰ هجری قمری‌با سمت‌وزیر‌فوایدعامه جزءملتزمین رکابو درموقعی‌که مظفرالدین‌شاه‌قاجارباعنوان ولایتعهدی درتبریز به‌سرمیبرد ، پیشکار اوبودوبعدها نیزمدتی‌باسمت‌وزارت‌مختاری



نمونه‌خط امیرنظام‌گروسی

درفرانسه وانگلستان خدمت می‌کرد .

وی مدتی نیز به حکومت‌کرمانشاه منصوب‌گردید .

متین دفتری ، دکتر محمد .

نخست وزیران ایران را به‌بینید.

محتشم السلطنه . حـاج میرزا حسین اسفندیاری .

رؤسای مجلسین‌را **به‌بینید** .

محمدبن محمد جوینی .

(فوت ۶۵۱ ه ق)

ملقب به بهاءالدین و پدر عطاملك وشمس‌الدین ازرجال دورهٔ مغول .

محمد خان بلوچ .

(فوت ۱۱۴۷ه ق)

ازسرداران نادر ومردی دلاوربود کـه پس از عزل شاه طهماسب ثانی به‌هواداری‌وی‌درفارس‌قیام‌کرد وپیروزیهایی به‌دست‌آورد. نادرشخصاً بسرکوبی اورفت لشکرمحمدخان ازسطوت نادر راه فرار پیش‌گرفتندووی‌ناچاربه‌سواحل دریـای عمان‌گریخت ولی‌به‌دست‌اعراب‌اسیر واو را به‌اصفهان‌آوردند وچشمانش راکـور کردند . سه روزپس ازآن او خود رادر زندان‌کشت . «صدری افشار»

مخبرالسلطنه ، حاج .

نخست وزیران‌ایران را به بینید .

مدرس ، سید حسن بـن سیداسمعیل .

(۱۲۸۷ ـ ۱۳۱۷ ش)

دردهی ازتوابع اردستان متولد شد ودر ۱۶ سالگی برای تحصیل به‌اصفهان رفت وهفت‌سال درآنجابه‌تحصیل‌پرداخت آنگاه‌به‌اصفهان‌بازگشت ومشغول تدریس شد . دردورهٔ دوم به‌نمایندگـی مجلس انتخاب ودر جنگ بـین‌الملل اول جزو مهاجرین بود ودوسال درعراق وسوریه‌و عثمانـی گذرانید . وی مـردی شجاع . میهن‌پرست‌وآزادیخواه‌بودولی فاقد مشی سیاسی‌درست‌بودوی‌دارای‌یك‌شیوهٔ‌آنارشیستی غیرمشخص‌بودومبارزه‌اش بیفایده وبدون توجه به‌موقعیت وبی ثمربودباآنکه‌دوبار درتهران‌واصفهان‌ترورشد جان سالم‌به‌در برد دراراده‌اش خللی وارد نگردیـد . مدرس پس ازآنکه چند سال درخواف و کاشمر به حـال تبعید بسر می برد تادر گذشت . «صدری افشار»



هوهانس‌خان‌مساعد

مساعد ، هوهانس خان .

(۱۲۴۱ ـ ۱۳۱۱ ه ش)

درتهران متولد شد ومدت ۲۸ سال در وزارتخانه‌ها مصدر امور مهم بـود ، در۱۳۱۰ ازطرف ارامنهٔ جنوب به‌مجلس شورایملی رفت از۱۳۰۳تا ۱۳۰۵وزیر مختار ایران در توکیو بود و ۱۴ جلد کتاب ازآثار**شکسپیر** را ازانگلیسی به‌ارمنی ترجمه‌کرد وبسیاری از دواویـن شعرای نامی ایران را به زبان ارمنی و فرانسه وانگلیسی ترجمه نموده است .

مستشارالدوله ، صادق .

رؤسای مجلسین‌را به بینید.



مستوفی‌الممالك

مستوفی‌الممالك، حسن بن میرزایوسف.

نخست وزیران را به‌بینید .

مشیرالدوله، نصرالله .
نخست وزیران را به‌بینید .

مشیرالدوله ، حسن خان .
پیرنیا ، نخست وزیران را به‌بینید .

مصدق ، دکتر محمد .
نخست‌وزیران ایران را ببینید.

ملك المتکلمین .
مشروطه طلبان را به بینید .

ملکم خان ، پسر میرزا یعقوب ارمنی .
(۱۲۴۹ ـ ۱۳۲۶ ه ق)



پدرش ازارمنیان اصفهان بود که ظاهراً مسلمان شد و به‌تهران آمد . میرزا ملکم در سال ۱۲۶۶ به پاریس‌فرستاده شد ودر آنجا تحصیل کردو پس‌ازبازگشت به ایران در دارالفنون به تدریس‌پرداخت درسال ۱۲۷۲ به عنوان مترجم همراه هیئتی برای عقد قرارداد باانگلیس به‌پاریس‌رفت‌وپس ازبازگشت نظرات‌اجتماعی‌واصلاحی‌خودرادررساله‌ای به‌نام **کتابچه غیبی** به‌ناصرالدین شاه‌تقدیم کرد . درسال ۱۲۷۶ انجمن فرانسوی ایران بنام فراموشخانه یا **جامعهٔ آدمیت** را تأسیس ولی سال بعد از فعالیت آن جلوگیری شد . درسال ۱۲۸۰ به بغداد تبعید شدو به‌استانبول رفت ودوسال آنجا ماند تا سرانجام مستشار سفارت ایران در استانبول و سپس سرکنسول ایران درقاهره شد و در سال ۱۲۷۸ به استانبول احضاروازکاربرکنار گردید. وقتی‌سپهسالار به‌وزارت‌رسیداورا به‌تهران‌آورد وملکم رسالهٔ **مجلس تنظیمات حسنه** را نوشته به‌تصویب‌شاه رسانید درسال ۱۲۹۰ وزیر ایران درلندن شد و ملقب به‌نظام‌الملك گردید .

درسال ۱۳۰۶ مغضوب ومعزول شد وبه انتشار روزنامهٔ قانون‌پرداخت وبه‌استانبول رفت . در سال ۱۳۱۵ وزیر مختارایران‌درروم شد ودر ۷۷ سالگی‌در سویس درگذشت وی با اینکه نقایص اخلاقی‌فراوان‌داشت به‌رشد فکری ایران وتمهیدمقدمات مشروطیت‌ایران کمك کرد مجموعه‌مقالات ملکم که چاپ شده شیرین وخواندنی است . «صدری‌افشار»

ممتازالدوله ، میرزا اسماعیل خان .
رؤسای مجلسین‌را به‌بینید

منصورالسلطنه ، سیدمصطفی عدل .
(۱۲۶۱ ـ ۱۳۳۹ ه ش)

فرزندابراهیم رکن‌الدوله، تحصیلات مقدماتی خود را درایران انجام داد . وتحصیلات عالیه را درمصر. و سویس و فرانسه‌به‌اتمام‌رسانیدودرحقوق‌ازدانشگاه پاریس لیسانس‌شد. ابتدا درمدرسه‌سیاسی تدریس میکرد .

مشاغلی‌که داشته‌اند عبارتست از : کفالت‌وزارت عدلیه، مدیریت‌کل وزارت امورخارجه، کفیل وزارت خارجه ، وزیر مختارایران‌دررم. ریاست دانشکدهٔ‌حقوق وزارت فرهنگ، وزیرمشاور ، وزارت دادگستری .

کتاب **حقوق مدنی** ازتألیفات‌ایشان است .

منصور ، حسنعلی .
نخست وزیران ایران را به‌بینید .

منصور، علی.
نخست وزیران ایران را به‌بینید.

مؤتمن الملك پیرنیا، میرزاحسین‌خان.
رؤسای مجلسین را به بینید.

مؤیدالدوله.
ابن منقد را به بینید.

میرزاتقی خان امیرکبیر .
امیرکبیررا به بینید.

میرزاسلیمان .
اعتضادالدوله را به بینید.

میرزاکوچك‌خان.
(۱۲۴۳ـ۱۳۰۰ ش)

میرزا یونس پسرمیرزاآقا بزرگ از مردم پسیخان رشت بودکه درجوانی به تحصیل علوم دینی پرداخت. دردورهٔ استبداد صغیر به‌آزادیخواهان پیوست و از نزدیکان سردار محیی شد و همراه او دربرانداختن محمدعلی شاه به‌تهران آمد وهنگام تبعیدسردار محیی به‌قم‌نیز همراه‌اوبود (۱۳۲۹ ق) پس‌ازبازگشت به تهران به جمعیت‌اتحاد اسلام‌که‌ترکان عثمانی مبلغ‌آن بودندپیوست این‌اندیشه دراو ریشه دوانید وچون در ۱۳۳۳ق. به‌گیلان رفت‌به‌تبلیغ‌آن‌پرداخت وجمعی را موافق خود ساخت وستادی ازمردان مسلح درجنگلهای‌گیلان بنیان نهاد که درپایان جنگ‌قدرت قابلی شدکه‌ازاقبال روستاییان‌ومردم‌خرده‌پای‌شهری‌برخوردار بود . این جنبش که به نهضت جنگل معروف شد.

با انقلاب اکتبردرشوروی‌وپیوستن گروهی انقلابی بدان رنگ تازه‌ای‌یافت که باروحیهٔ قدری ومردد میرزاسازگار نبود.

میرزاکه به همان‌ریاست‌کوچك‌خود قانع بود باآنکه امکانات خوبی برایش مهیا شدکاری نکرد مگرکشتن چندتن‌از یاران روشن بینش وازدست دادن‌جمعی دیگر. با مرگ حیدرعمواوغلی ودکتر حشمت ، روی‌کارآمدن مردی باعزم در تهران وبهبود مناسبات **ایران** وشوروی کار برمیرزا سخت شد و او به **صومعه‌سرا** و **طوالش** عقب نشست تامگرخود را به خلخال برساند ولی در راه تقریباً همهٔ نیرویش راازدست‌داد وروزی جسدیخ‌زده اورا با یك تن آلمانی درکوهها یافتند . میرزا مردی‌پاکباز ، ریاضت‌کش ، بی‌طمع ، باگذشت ، خوشباور، کم سواد ، بی‌خبر از احوال دنیا، قدری و اهل استخاره بود .

او با قیام خود مانع از آن شدکه سربازان تزاری هنگام بازگشت به میهنشان مردم گیلان‌را غارت کنند ونیز درکارکمك‌رساندن‌انگلیسیان به‌روسهای سفید و ضد انقلابیون اخلال فراوان کرد . «صدری‌افشار»

میرویس غلیجایی.
(فوت ۱۱۲۶ ه ق)

گرگین خان گرجی ویرا که از کلانتران قندهار بود ودرشورش مردم آن‌سامان دست داشت‌دستگیرو به‌اصفهان فرستاد. وی دردربار باتطمیع درباریان وتوسل‌به‌تملق ونیرنگ ازمجازات‌نجات یافت پس‌ازچندی به‌مکه رفت وازعلماء تسنن فتوایی برای‌کشتن شیعیان گرفت آنگاه به‌اصفهان بازگشت وباسفیرروس دوستی بهم‌رسانید و درسال ۱۱۲۰ از طرف شاه‌سلطانحسین به‌حکومت قندهار منصوب شدبدون‌آنکه‌گرگین خان‌معزول شود. میرویس به‌قندهار رفت وباتحریك طایفهٔ غلیجایی گرگین خان را مقتول و به‌قتل عام شیعیان دست‌زد. دربار ایران نخست‌باوی از درسازش‌درآمد ولی چون توفیقی‌نیافت‌جمعی‌رابسرکوبی‌غلیجاییان فرستاد ولی‌کاری از پیش نبردومیرویس حاکم‌مطلق‌العنان‌قندهارشد. «صدری‌افشار»

میمندی ، احمد بن‌حسن.
احمدبن حسن میمندی را به‌بینید.

نصر ، سید علی.
نمایشنامه نویسان ایران را به بینید .

نظام الملك ، خواجه.
(۴۱۰-۴۸۵ ه ق)

ابوعلی حسن بن ابوالحسن علی‌بن اسحاق بن‌العباس طوسی وزیر و نویسندهٔ معروف ایران است . دوران کودکی را درطوس گذرانید ودر یازده سالگی قرآن را فراگرفت ، سپس درطوس ونیشابور ومرو فقه وحدیث آموخت، بعد به‌دبیری **ابوعلی بن‌ساذان** درآمد، سپس به‌دبیری **الب‌ارسلان** رسید و در ۴۵۱ به وزارت **الب‌ارسلان** منصوب شد ومنشأ خدمات فراوانی شد و به‌دست یکی ازفداییان اسلام به‌نام ابوطاهر **ارانی** کشته شد . ازآثار او ؛ **نظامیهٔ نیشابور** و **نظامیهٔ بغداد** است.ازکتابهای او ؛ «**سیاست نامه**» است .

نظام‌الملك، بن‌فخرالملك.
(فوت ۶۴۸ ه ق)

نوهٔ خواجه نظام‌الملك و ازوزرای طغرل دوم (سلاجقه) که ۱۹ سال برمسند وزارت نشست وانوری دروصف‌اوقصایدی دارد .

نوری ، اعتمادالدوله.
آقاخان نوری را به بینید.

وثوق الدوله ، حسین‌بن‌ابراهیم .
نخست وزیران ایران را به بینید.

هویدا ، امیرعباس.
نخست وزیران ایران را به‌بینید.

هژیر ، عبدالحسین .
نخست وزیران ایران را به بینید.

یفرم‌خان.
از سرداران ارمنی در دوران مشروطیت واولین رییس‌شهربانی تاریخ مشروطیت ایران .

سیاستمداران وسرداران

و آزادی خواهان خارجی

آبا ، ابان　Eban . A
(متولد ۱۹۱۵م)

سیاستمدار معاصر اسراییلی که تحصیلات



خود را در دانشگاه کمبریج به‌پایان برد. نماینده اسراییل در سازمان‌ملل (۱۹۴۸م) سفیر اسراییل در آمریکا (۵۹-۱۹۵۰) وزیر فرهنگ (۶۳-۱۹۶۰) معاون نخست وزیر (۱۹۶۳) وزیر امور خارجه(۱۹۶۶). اوکتابهایی در بارهٔ ادبیات‌معاصر مصرومسایل سیاسی و اجتماعی اسراییل نوشته است.

آبازه پاشا.
صاحب منصب عثمانی حاکم مرعش وارزروم که برای‌قتل **انکشاریه** کوشیدو در جنگ لهستان شجاعت بخرج‌داد و چون نزد سلطان مراد چهارم ازاوسعایت کردند وی رادرسال ۱۶۳۴ میلادی بقتل رسانیدند.

آبازه حسن.
سردار ترکمانان درآسیای صغیر، وی درحلب ودیار بکرحکومت داشت و نگهبانی **داردانل** به عهدهٔ او واگذار شد واو با پاشایان در نواحی مختلف جنگها کرد ودر۱۶۵۸ م. بین عینتاب و حلب کشته شد .

آتاتورك ، مصطفی‌کمال پاشا
(۱۹۳۸-۱۸۸۱م)

سیاستمدار وسرباز واولین رییس‌جمهور ترکیه ، رهبرملیون ترك‌درخلال جنگ اول بین‌المللی ، پس از تسلیم سلطان عثمانی به شرایط‌سنگین قرارداد صلح‌بامتفقین، علیه‌دولت مرکزی‌وسلطان عثمانی‌درآنکارا قیام کرد سلطنت‌مشروطهٔ عثمانی سقوط کرد وآتاتورك‌پس‌از۴ سال جنگ با قوای بعضی‌ازمتفقین‌موفق شدکه قسمتی‌ازشرایط‌عهدنامهٔ‌پیمان‌**سور** راملغی ودرلوزان عهدنامهٔ‌جدیدی بامتفقین‌منعقد سازد.رژیم‌جدید جمهوری،راپی‌ریخت‌که دارای‌مجلسی‌به‌نام‌مجلس کبیر ملی‌بودکه اکثریت‌اعضایش ازحزب خلق بودنداین ملجس در۲۹ اکتبر۱۹۲۳ ترکیه‌دارسماً جمهوری‌اعلام‌کردووی‌رابه‌ریاست‌جمهوری انتخاب نمود. **عصمت‌اینونو** به نخست‌وزیری منصوب وآنکارا پایتخت ترکیه شد. آتاتورك‌قانون‌اساسی‌ترکیه راکه‌تمام اختیارات رادردست‌رییس‌جمهورمتمرکز می‌کرد ، تحمیل نمود . حکومت وی دیکتاتوری یك‌حزبی‌بود و ازابتدای‌کار به اجرای برنامهٔ منظمی‌برای اروپایی سازی‌ترکیه‌اقدام‌کرد.ومذهب‌راازسیاست تفکیك‌نمود. در۱۹۳۴ که‌استعمال‌اسامی خانوادگی‌به موجب‌قانون‌مقررشد،مجلس ملی نام‌آتاتورك‌یعنی (پدرترك) به‌مصطفی کمال اعطا نمود . آتاتورك در سیاست خارجی خودرا صلح جو نشان داد. ولی برای‌حفظ استقلال‌ترکیه‌پیمانهای‌دوستی و اتحاد بادول‌همسایه ودولتهای‌بزرگ منعقدساخت . آتاتورك‌چهار بار به‌ریاست



جمهوری‌ترکیه انتخاب شد وسرانجام‌در اسلامبول وفات یافت وبعدازاو عصمت‌اینونو به ریاست جمهوری انتخاب گردید .

آتیلا .
(فوت ۴۵۳)

درسال۴۳۴ میلادی‌به‌شاهی **بربرها** رسید ، نخست همراه برادرش‌بربربرها حکومت می‌کرد ، اما بعد ، سرمست از بادهٔ‌جاه‌ومقام گردیدوپس‌ازآنکه‌برادرش را هلاك‌کرد، حاکمی تنها ویکه‌تازشد.



هشت سال سلطنت‌او به طول انجامید درتمام این مدت‌به‌کمك ارتش ۷۵ هزار نفری ویاران‌خود تهاجم‌فراوان کرد و در اغلب‌آنها پیروزشد ، اگرچه‌یك بار در جنگ **کاتالون**شکست خوردولی یك‌سال بعد مجدداً به‌کشورهای مسیحی حمله‌برد حتی روم را نیز تهدید کرد و از پاپ **لئون اول** خواست تااورا بسوی‌دشتهای آلپ سرازیر کند . درهرحال **او**سربازی

دلیر وزیرك ووحشی وخونخوار بود .

آچیسن ، دین گودرهم .
Acherson. D.
(متولد ۱۸۹۳ م)

سیاستمدار آمریکایی، وزیرخارجهٔ دورهٔ ریاست جمهوری ترومن .

آدامس، سمیویل. Adams
(۱۷۲۲ – ۱۸۰۳م)

میهن پرست و سیاستمدار آمریکایی و از امضاء کنندگـان **اعلامیهٔ استقلال** دردورهٔ انقلاب.

آدلر،فردریك . Adler F.
(۱۸۷۹–۱۹۶۰م)

از سیاستمداران و سوسیالیست‌های اطریشی(پسرویکتورآدلر) که نخست‌وزیر اتریش راکشت و به‌مرگ محکوم‌شد ولی تغییر دولت اورا نجات‌داد.

آدلر ، ویکتور Adler. V.
(۱۸۵۲–۱۹۱۸م)



سیاستمدارو بنیانگزار حزب‌سوسیال دمکـــرات اتریش.پدر فردریك‌آدلر، انقلابی‌اتریش.

آدنایر ،کونراد Adenauer. k
(متولد ۱۸۷۶م)

درکلن متولد شد، وی‌اولین صدرـ اعظم جمهوری فدرال‌آلمان غربی است.



بین سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۳ شهرـ دار**کولونی** بـود امـا به‌دست‌نازیها ازآن شهر نفی ودوبار توقیف شد. در ســال ۱۹۳۵ حزب اتحاد دموکرات راتأسیس کرده ودر سال‌های ۱۹۵۱ تـا ۱۹۵۵ وزارت خـارجه رانیز به‌عهده‌داشت. وی سخت طرفدار همکاری بادول‌غرب است.



ژنرال‌لویی‌ارشیناد

آراکچیف ، الکسی‌آندریویچ .
Arakcheyev.
(۱۷۶۹–۱۸۳۴م)

در دورهٔ سلطنت الکسانـدراول ، وزارت‌جنگ‌را بر‌عهده‌داشت.رژیمی‌پلیسی خاص خود به‌وجودآورد .

آرتولد ، فیلیپ وان .
Artevelde .

از سیاستمداران و رهبر شورشیان فلاندری‌که درجنگ **روسبکه** کشته شد.

آرتولد ؛ ژاکوب وان . Artevelde
(۱۲۹۰ – ۱۳۴۵ م)

از سیاستمداران فلاندری‌که‌موجب تقویت اقتصاد‌کشورش گردید و در سال ۱۳۴۵ کشته شد .

آرتیگاس ، ژوزه. Artigas. J.
(۱۷۶۴ – ۱۸۵۰ م)

ازقهرمانان‌ملی**اوروگوئه** که‌فعالیت عظیمی در استقلال کشورش داشت .

آرژانسون ، مـارکی دو
Aagenson. M.
(۱۶۹۴ – ۱۷۵۸م)

به نـام **رنه لویی** یکی از افراد خانوادهٔ اشرافی آرژانسون است‌که بـه مقام وزارت امور خارجه رسید و۳ سال دراین پست باقی ماند.

آرژانسون . مارك پی‌یر .
Argenson .
(۱۶۹۶–۱۷۶۴ م)

بنیادگزارآموزشگاه نظامی‌فرانسه و وزیرجنگ آن‌کشوردرسالهای۱۷۴۳ تا ۱۷۵۷ میلادی .

آرسه ، مانوئل خوسه Arce . M
(فوت۱۸۴۷م)

اولین‌رییس‌اتحادیهٔ‌آمریکای‌مرکزی که به‌خودکامی حکومت راند .

آرشینارد ، ژنرال لویی .
Archinard, L.
(۱۸۵۰ – ۱۹۳۲م)

ازژنرالهای‌فرانسه که‌درسال ۱۸۷۰ دورهٔ پولی‌تکنیك‌راتمام‌کرد وارد‌بحریهٔ فرانسه شدوپس‌ازمدتی‌خدمت به‌سرپرستی عده‌ای . مأمور افریقای سیاه گـردید ، مأموریتهای مهم خارجی دیگری‌نیز به‌او واگـذارشد .

آریستیدعادل .
(۵۴۰ – ۴۶۸ قم)

سردار وسیاستمدارآتنی بـه‌واسطهٔ درستی وانصاف بسیاراورا «عادل» لقب داده بودند . در جنـگ **ماراتن** سخت مشهور شد ، ولی‌بـه‌تحریك تمیستوکلس سردار دیگرآتن‌که با وی‌مخالف‌بود،او را تبعیدکردند . معروفست که چـون درباب تبعید او ازمردم رأی خواستند ، مردی روستایی در راه‌به‌آریستیدس‌برـ خورد وچون او رانمیشناخت ونـوشتن نیز نمیتوانست، خواهش‌کرد‌که موافقت او را باتبعیدآریستیدس بـرورقهٔ رأی بنویسد.سردارآتنی از او پرسید‌که :آیا هیچ‌آرستیدس‌رادیده‌ای؟ جوابداد،خیر، او راندیده‌ام ولی‌بس‌که ازعدل او سخن راندند، خسته‌شدم .

آسا Asa.

سومین شهریار یهودبعد ازسلیمان. وی در۹۵۵ق‌م. به‌سلطنت‌رسید و ۴۱سال در اورشلیم‌پادشاهی‌کرد ودر۹۱۴ قم . درگذشت .اوپرستش‌خدای‌یگانه‌را‌تجدید وبت‌پرستان‌را اخراج‌کرد.دورهٔ‌پادشاهی او از همهٔ پـادشاهان یهـود نیکوتر و باشکوه‌تربود . تورات‌بارها تقوای اورا به‌عنوان‌نمونه ومثل‌یاد میکند.

آشوربانیپال .

پادشاه‌آشور.وی‌در۶۶۹ق.م.به‌تخت نشست و تمام‌هم خود راصرف‌خوابانیدن شورش مصریان‌کرد . عیلامیان از موقع استفاده‌کرده به‌تاخت‌وتاز درمملکت‌بابل پرداختند ولی شکست خوردند وپادشاه آنان‌کشته شد واز طرف آشوربـانیپال حاکمی برای‌عیلام‌معین‌شد .آشوربانیپال در تاریخ معروفیت‌بسیار دارد لیکن نه بواسطهٔ فتوحاتش در عیلام، بلکه‌به‌جهت کتابخانه‌ای‌که ترتیب‌داده‌وامروز به‌دست اروپاییان افتاده است . ازآثار مزبور اطلاعات‌گرانبهایی‌راجع به‌تاریخ‌آشورو ممالك مجاورآن‌به‌دست‌آمده‌است • این پادشاه‌علاوه‌برجمع‌آوری‌لوحه‌های‌آشوری سوادی ازلوحه‌های بابلی‌برداشته و ضبط کرده‌است.این‌لوحه‌ها‌که‌ازحیث‌تعدادبچند هزارمی‌رسدامروزه درموزهٔ‌بریتانیامورد مداقه‌وتحقیقات‌علمی‌است.«فرهنگ‌معین»

آگریپا، مارکوس ویپسانیوس .
(۶۳–۱۲قم)

سرداررومی‌داماد ووزیرمورد‌توجه **اگوست** بودودر**آکتیوم**فرماندهی‌داشت‌و **پانتئون** رم‌به‌دستوراوبناشد.

آگریکولا ، کنائوس ژولیوس.
(۴۰ - ۹۳ م)
سردار رومی فتح بریتانیای کبیر را بپایان رسانید واوپدرزن **تاسیتوس** مورخ است . این مورخ شرح حال آگریکولا را بهرشتهٔ تحریر درآورده است.

آلفرد کبیر Alfred
(۸۴۸-۹۰۰ م)
بیست وسه ساله بود که به تخت سلطنت انگلیس تکیه زد، در آغاز کارش جنگهای سختی بامهاجمین دانمارکی داشت، تا سال ۸۹۶ آنها را بکلی دور نمود وملت انگلیس را آزاد کرد. از کارهای آلفرد میتوان گفت: انتظامی عالی سپاه انگلیس وتوسعهٔ نیروی دریایی کشور وکسب امتیازات مهمی برای دریانوردی انگلیس وترتیب دادن به دستگاه حکومت وتأمین عدالت اجتماعی، وگسترش آموزش وپرورش به‌طرزی شایسته وجدید، به طوری که واقعاً لقب **یاور ستمدیدگان** وکبیر به او ارزنده بود .
ازپادشاهانی بود که خودشخصاً به تعلیم و تعلم پرداخت وکتابهایی ترجمه کرد و برکتابهایی حاشیه شود وبالاخره در سال **۹۰۰** میلادی بدرود زندگی گفت .

آلکیبیاد Alcibiade
(۴۵۰-۴۰۴ قم)
سردار آتنی ، دارای صفاتی عالی و درعین حال خود پسند، شاگرد محبوب سقراط بود و به ریاست حزب دموکرات رسید وحزب خود را به جنگ ضد سیسیل کشانید (۴۱۵ ق م .) وخود به فرماندهی منصوب گردید، ولی به زودی به سبب قطع اعضای مجسمه‌های **هرمس** مقصر شناخته واحضار شد . به هنگام بازگشت فرار کرد وچندی در **لاکدومونیا** بزیست وسپس ازپناه بردن به **تیسافرن** حاکم ایران ناراحت شد و باآتنیان آشتی کرد ، مجدداً تبعید شد و به امر **فرناباذ**، حاکم **بیثینیا** کشته شد.

آماده ئوس Amadeus
(۱۵۴۵ - ۱۸۹۰م)
شاه اسپانیا وپسر ویکتورامانوئل دوم شاه ایتالیا.

آمبواز ، ژرژ Amboise
(۱۴۶۰-۱۵۱۰م)
کاردینال فرانسوی وصدراعظم لویی‌دوازدهم ،که پشتیبان ادب و هنر بود .

آمیلکار بارکا Amilcar,Barca
(مقتول ۲۲۸قم)
سردار کارتاژی ، پدر آنیبال . وی با رومیان در سیسیل جنگید ، عصیان سربازان مزدور را سرکوبی واسپانیا را فتح کرد ودرهمانجا به‌سال ۲۲۸قم. کشته شد .

آمهرست ، بارون جفری Amherst, J.
(۱۷۱۷ - ۱۷۹۷م)



مارشال انگلیسی فرماندهی قشونی را داشت که کانادا را فتح کرد از سرداران لایق وسربازان جانباز انگلیس بود و وقتی او به انگلیس مراجعت کرد به‌سمت فرمانده کل قوا منصوب شد.

آنتوانت ، ماری.
ماری آنتوانت را به‌بینید.

آنتیگونوس Antigonos
(مقتول ۳۰۱ قم)
یکی از سرداران اسکندر مقدونی، وی در **۳۰۶** قم. به‌پادشاهی مقدونیه‌رسید وکوشید که در آسیا امپراتوری ایجاد کند، ولی در **ایپسوس** مغلوب ومقتول گردید.

آن دوتریش Anne d'Autriche
(۱۶۰۱- ۱۶۶۶ م)



شاهدخت اسپانیا دختر فیلیپ سوم، زن لویی سیزدهم. وی درزمان صغیری پسرش لویی چهاردهم نیابت سلطنت را داشت ، و با یاری **مازارن** حکومت کرد.

آن دوفرانس Anne de France
(۱۴۶۰-۱۵۲۲م)
مشهور به **دبوژو** دختر ارشد **لویی‌یازدهم** . وی در زمان صغیری برادرش **شارل هشتم** مانند نایب السلطنه بهمراهی شوهرخود **پیردوبوربون سنیور بوژو**،



که بعدها به عنوان **پی‌یر دوم** دوک دوبوربون گردید ، حکومت کرد .

آنیبال Annibal
(۲۴۷-۱۸۳ ق م)
سردار معروف کارتاژ پسر **آمیلکار بارکا** پدرش اورا در نه سالگی سوگند داد که پیوسته رومیان را دشمن دارد.
به هنگام مرگ پدر ، آنیبال در **اسپانیا** بود و به افریقا بازگشت و به عزم تسخیر روم ازطریق اسپانیا وجبال پیرنه باصدهزار سپاهی به‌طرف روم عازم شد و پس اززحمات بسیار با ۲۶ هزار سپاه به ایتالیا رسید ورومیان را درچند موضع شکست داد ، لیکن در موقع عبور از مردابها یك چشم اوکور شد و چون از کارتاژ بدو کمکی نرسید ازرومیان شکست یافت وانتحار کرد.



ژرژ آمبواز

آیزنهاور ، دوایت Eisenhower
رؤسای جمهور آمریکا را به‌بینید.

ابرت . فردریك Ebert .F
(۱۸۷۱- ۱۹۲۵م)



درهایدلبرگ آلمان متولد شد ، وی نخستین رییس جمهوری آلمان فدرال و از سوسیال دموکراتها بود . و از سیاستمداران معروف اروپا بود.

ابراهیم پاشاداماد.
(فوت ۱۶۰۱ م)
وزیر اعظم دولت عثمانی و داماد سلطان محمدسوم که سه‌بار به‌مقام‌وزارت رسید.

ابراهیم پاشا.
(۱۴۹۳- ۱۵۳۶ م)
وزیر اعظم دولت عثمانی، که ابتداء برده‌ای مسیحی بود، ولی مورد توجه سلطان سلیمان اول قرار گرفت ومدت ۱۳

سال وزیر بود . درجنگهای عثمانی با مجارستان وایران فرمانده سپاه بودولی سرانجام به امر سلطان کشته شد.

ابراهیم پاشا داماد .
(۱۶۷۸-۱۷۳۰م)

وزیر اعظم سلطان احمدسوم وداماد او، ابتدای دورهٔ وزارت او، دورهٔ ترقی دولت عثمانی بود .

درپایان حکومت او **نادر** همدان و گنجه وتبریز وایروان را از سپاهیان عثمانی بازگرفت ومردم شوریدند وسلطان ناچار شد دستور قتل اوراصادر کند .

ابوسلمه، حفص بن سلیمان .
(فوت ۱۳۲ ه ق)

وزیر **سفاح** اولین خلیفهٔ عباسی و نخستین کسی است دراسلام که عنوان وزارت داشت و به **وزیر آل محمد** معروف بود وی درکوفه میزیست وازتوانگران بود ومال بسیار برای قیام برضد بنی امیه خرج کرد وبه خراسان نزد ابومسلم رفت . پس از کشته شدن مروان ابوموسی درصدد تعویض خلافت به آل علی برآمد ولی از ایشان کسی دعوت اورا اجابت نکرد . وی ناچار باسفاح بیعت نمود وسفاح وزارت بدو واگذاشت ولی در خفا کسانی را مأمور قتل وی ساخت وآنان شبانه دررهگذری برسرش ریخته واوراکشته وازآن پس شیوهٔ وزیرکشتن درخاندان عباسی معمول گشت.


استالین درجوانی

ابوعبید ، ثقفی.
(فوت ۱۳ ه ق)

یکی ازسرداران اسلام که در زمان خلافت عمر(دومین خلیفهٔ اسلام) مأمور فتح ایران گردید ودر وقعهٔ جسر کشته شد. ابوعبیدپدر مختارثقفی معروف است.

اتاسی ، هاشم.
(متولد ۱۸۷۵م)

از سیاستمداران سوریه که در سال ۱۹۲۰ نخست وزیرودرسال ۱۹۲۸ رییس مجلس مؤسسان وازسالهای ۱۹۳۶ تا ۱۳۳۹ یک بار وازسال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۴ برای باردوم رییس جمهور سوریه شد .

اتلی ، کلمنت ریچارد Attlee
(متولد ۱۸۸۳م)

سیاستمدار بریتانیا، رهبر حزب کارگر واز ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۱ نخست وزیر انگلستان، که ازسال ۱۹۱۳ مشغول تدریس علوم اجتماعی درمدرسهٔ علوم اقتصادی



لندن شد . در جنگ جهانی اول سخت مجروح شد، درسال ۱۹۲۴ به معاونت وزارت جنگ منصوب شد درسالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ نایب نخست وزیر انگلستان یعنی چرچیل بود درسال ۱۹۵۱ ازمحافظه کاران شکست خورد. درتابستان ۱۹۵۵ ازرهبری حزب کارگر استعفاداد ولقب ارل گرفت.

احمد شاه دوانی .
(فوت ۱۱۹۲ ه ق)

در حوالی مولتان متولدودر جوانی به قندهاروازآنجا به هرات رفت. درهرات به دست طایفهٔ غلیجایی اسیر و در قندهار زندانی شد. نادرشاه وی راآزاد کرد ودر سلک یساولان خویش درآورد . پس از کشته شدن نادروی به قندهار رفت ودعوی سلطنت نمود و پیشاور را متصرف شد (۱۱۶۰) سال بعد بهلاهور لشکر کشیدو به قتل وغارت پرداخت . درسال ۱۱۶۳ هرات رامتصرف وازآنجا به خراسان آمد لیکن کاری ازپیش نبرد. در ۱۱۶۷ بار دیگرهرات را پس ازمدتی محاصره متصرف وبه خراسان آمده مشهد را درمحاصره گرفت وسرانجام باشاهرخ صلح کردوقرار شد سکه وخطبه بهنام احمدشاه باشد. در ۱۱۶۵ بههندلشکرکشید و غنایم بسیار بهدست آورد . درسال ۱۱۷۰ برای بار ششم عازم هندشد وبه جنگ وقتل وغارت پرداخت. در ۱۱۸۱ شاهرخ درصددجلب کمک **کریم خان** برای سرکوبی احمدخان ابدالی برآمدولی توفیقی نیافت. احمدخان که از این ماجرا مطلع شدبه خراسان لشکر کشید ومشهد را محاصره کرد ولی براثر شجاعت نصرالله میرزا پسرشاهرخ کاری از پیش نبردوصلح کرده به قندهار بازگشت در آنجا بهمرض جذام درگذشت. «صدری افشار»

ارتسبرگر ، ماتیاس Erzberger
(۱۸۷۵-۱۹۲۱م)



سیاستمدار ورهبرحزب مرکزی کاتولیک آلمان بودو بهدست یکی از میهن‌پرستان کشته شد .

ارسکین Erskine, T
(۱۷۵۰ - ۱۷۲۳م)

سیاستمدار انگلیسی ، مهردار انگلستان که خطیبی ماهر بود.

ارهارد ، پروفسورلودویک .
علمای اقتصاد رابه بینید

اسپارتاکوس Spartacus
(مقتول ۷۱ قم)

گلادیاتوررومی، که درجنگ **سرویل** رهبر قیام کنندگان بود . وی درجنگ توسط کراسوس کشته شد.

استالین ، یوسف ویساریونوویچ Staline
(۱۸۷۹-۱۹۵۳م)

سیاستمدار روسی و رهبرحزب کمونیست آن کشور ، که پس از پیوستن به جنبش انقلابی ، خود را استالین یعنی مردپولادین نامید .وی ابتدا به تحصیل درمدرسهٔ مذهبی تفلیس پرداخت ولی ازآنجا اخراج شد وداخل حزب سوسیال دموکرات قفقازشد . وپس از انشعاب این حزب به بولشویکها پیوست وجزء یاران لنین درآمد. درسال ۱۹۲۲ دبیر کل حزب کمونیست شد. پس از مرگ لنین به اتفاق **کامنف وزینوویف** زمام امورا بهدست گرفت، در سال ۱۹۲۷ دوتن ازرقبای عمدهٔ حزبی خود ، **تروتسکی** وزینوویف رادفع کردو رهبربلامعارض حزب گردیددرسال ۱۹۲۸ به سیاست اقتصادی نوین لنین پایان داد،



صنعتی و اشتراکی کردن کشور راباشدت، و بهقیمت آزادی و استقلال رأی وجان بسیاری دنبال

کرد، وی به‌تقویت سوسیالیسم در کشورهای دیگر بسیار اهمیت میداد. درسال ۱۹۴۱ نخست وزیر شد و کمی پس از حملهٔ هیتلر به روسیه، متصدی ارتش شد.

در کنفرانس‌های تهران، یالتا و پوتسدام شرکت جست، و تا زمان مرگ با قدرت بسیار برروسیه حکومت کرد. وی به‌مرض خونریزی مغزی درگذشت و جسدش را درمقبرهٔ لنین درمیدان سرخ مسکو کنار جسد لنین دفن کردند ولی در دورهٔ خروشچف جسد او را از آنجا درآوردند و شخصیت او را کوبیدند.

استامبولوف، استفان Stambulov

(۱۸۵۴–۱۸۹۵م)

سیاستمدار بلغارستانی، که پس از پیدایش مملکت بلغارستان، رهبر پارلمانی حزب **آزادی‌ملی** گردید.



در زمان **فردیناند** به نخست‌وزیری منصوب شد در ۱۸۹۴ استعفا داد وسال بعد به‌قتل رسید. به او لقب **بیسمارک بلغار** داده بودند.

استامبولیسکی، الکساندر Stambolyski. A

(۱۸۷۹–۱۹۲۳م)

ازشخصیت‌های سیاسی بلغار که به علت مخالفت



با دولت در سال ۱۹۱۵ به زندان افتاد ولی در سال ۱۹۱۹ به‌سمت نخست وزیری انتخاب شد و لقب پادشاه دهقانان گرفت ودورهٔ دیکتاتوری او را دیکتاتوری سبز میخوانند.

استرافورد، توماس Strafford

(۱۵۹۳–۱۶۴۱م)

سیاستمدار انگلیسی، که در ۱۶۲۸ رهبر پارلمان برضد **چارلز اول** بود. در ۱۶۳۲ تا ۱۶۳۹ نایب‌السلطنهٔ ایرلند گردید و با استبداد حکومت کرد. وی را به اتهام خیال استفاده از سربازان ایرلندی برضد انگلستان، سر بریدند.

استیونسون، ادلی Stevenson

(متولد ۱۹۰۰م)

ازرجال و سیاستمداران آمریکایی،



که در انتخابات ۱۹۵۲ و ۱۹۵۶ از طرف حزب دموکرات نامزد ریاست جمهوری شد ولی هردوبار از آیزنهاور شکست خورد.

اسکندر Alexandre

(۳۵۶–۳۲۳ق‌م)



مقدونی، پسر فیلیپ (فیلفوس) به سن ۲۰ سالگی پس از مرگ پدر بر تخت سلطنت مقدونیه جلوس کرد. وی مردی باهوش و مطلع از آداب و علوم عصر دارای عزمی قوی و همتی بلند بود. او در بهار ۳۳۴ میلادی با ۴۰،۰۰۰ تن به‌عزم تسخیر ایران از هلسپونت، (داردانل) گذشت و عازم آسیای صغیر گردید و پس از جنگی که در گرانیکوس کرد، مستملکات یونان را بتصرف درآورد وی از کاپادوکیه گذشت و وارد جلگه‌های کیلیکیه شد و در ایسوس کنار خلیج اسکندرون با سپاهیان ایرانی جنگید و پیروز گردید، پس از این واقعه **داریوش سوم** پادشاه هخامنشی پیشنهاد صلح داد ولی اسکندر نپذیرفت و به‌سوی سوریه رفت و پس از تسخیر آن نواحی به‌جانب مصر روانه مصر گردید و آن کشور را به‌تصرف درآورد. سال ۳۳۱ از مصر به‌سوریه بازگشت و از آنجا به بین‌النهرین رفت و در جلگهٔ گوگامل نزدیک اربل جنگ شدیدی میان سپاهیان اسکندر و سپاهیان داریوش رخ داد و مجدداً اسکندر فاتح شد و پس از آن به‌تدریج همهٔ شهرها و نواحی شاهنشاهی ایران به دست اسکندر افتاد، وی خود را شاهنشاه ایران خواند و دختر داریوش را به زنی گرفت، سپس عازم هندوستان گردید و تا درهٔ پنجاب پیش رفت و در ۳۲۴ به ایران بازگشت و به بابل شد، ولی بر اثر خستگی و تحمل مشقات و تبی که از باتلاقهای جنوبی بر-اوعارض شده بود، در ۳۲ سالگی در قصر (نبوکدنصر) در بابل درگذشت. جنازهٔ او را به اسکندریه بردند. وی به انتشار تمدن و زبان یونانی درشرق کمک کرد و متجاوز از ۶۰ شهر به اسم اسکندریه درنقاط مختلف بنا نهاد.

اسمیت، والتر بدل. Smith

(۱۸۹۵–۱۹۶۱م)

ژنرال و سیاستمدار آمریکایی در زمان حکومت آیزنهاور رییس ستاد بود و کتاب **سه‌سال زندگی من در مسکو** به او تعلق دارد.

اشکول، لوی Eshkol, L

(متولد ۱۸۹۵م)

سیاستمدار اسراییلی که در مدرسهٔ عبرانی ویلنا درلهستان تحصیل کرده



است. وی در ۱۹۱۳ به فلسطین رفت و به کارهای کشاورزی پرداخت. در جنگ اول جهانی شرکت جست در سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۲ وزیر کشاورزی، در ۵۲–۱۹۶۲ وزیر دارایی و از آن پس نخست وزیر اسراییل بوده است. «صدری افشار»

ال‌سید، رودریکو El-cid

(۱۰۴۰–۱۰۹۹م)

سیاستمدار اسپانیایی، که در جنگ بین سانچوی دوم کاستیل و سانچوی چهارم ناواره جنگید. و پس از جنگ به **کامپیدور** ملقب شد. پس از سانچوی دوم به‌خدمت آلفونس ششم جانشین وی درآمد. در ۱۰۸۱ مورد بی‌مهری آلفونس قرار گرفت و تبعید گردید. ال‌سید به‌دست **المروارید**

به‌قتل‌رسید .

الیزابت اول Elisabeth
(۱۵۵۸–۱۶۰۳م)
فرزند **هانری سوم** و **آن‌بولن** بود درسال ۱۵۵۸ بر تخت سلطنت انگلیس تکیه زد وچون پروتستانی بـود رشتهٔ اطاعت ازپاپ روم راپاره کـرد ودستور داد تامراسم‌مذهبی‌به زبان‌انگلیسی‌اجرا شـود . او



کـلیسای انگلستان‌را بنیاد نهاد درچهل‌وپنج سال‌سلطنت به ازدواج تن‌در نداد. الیزابـت همیشه‌صلح را برجنگ ترجیـح‌میداد و دوست‌داشت‌که ملت انگلیس‌به تجارت و صنعت مشغول باشند ، طلوع **شکسپیر** در زمان او بوده است و او آخرین ملکهٔ سلسلهٔ خود بود .

اورلوف ، گریگوری گریگوریویچ Orlov. G . G .
(۱۷۳۴ـ ۱۷۸۳م)
سیاستمدار وسپاهی‌روس.وی‌رهبری توطئه خلع وقتل‌پطر سوم (۱۷۶۲م) را به‌عهده‌داشت وکاترین دوم را بـه تخت نشانـد . هوادار اصلاح اصول سرواژ بود . «صدری افشار»

اوزاکی ، یوکیو Ozaki
(۱۸۵۹–۱۹۵۴م)
سیاستمدار و آزادیخـواه برجستهٔ ژاپن‌که ابتداء درتأسیس حزب **کایشینتو** هـمت‌گماشت ، سپس‌به‌حـزب **سیوکای** پیوست، ومدتی شهردار **توکیو** شدو در جنگ جهانی دوم محبوس گردید .

اوزلی ، سرویلیام‌گور . Ouseley, W,G .
(۱۷۷۰ ـ ۱۸۴۴ م)
سیاستمدار وخاورشناس انگلیسی‌که قرارداد ۱۸۱۲ با ایران راامضاءکرد و اعتماد شاه و نایب السلطنه رابه‌خودجلب نمود ودولت‌ایران رابه امضای عهدنامهٔ گلستان باروسیه تشویق‌کرد . او کتابی درشرح احوال شعرای ایران نوشته که برخی‌ازخاطرات سفراورا‌نیز دربردارد.

اینویی کائورو ، ماکی . Inouye
(۱۸۳۵–۱۹۱۵م)
ازسیاستمداران‌وفرماندهان‌بزرگ ژاپن ودوست‌صمیمی **ایتو** بودکه‌بااوسفری



به‌لندن‌رفت پس از آن بارها به‌مقام وزارت‌خارجه ، اقتصـاد ، بازرگانـی داخلـی و کشـاورزی منصوب‌شد.

ایوب خان ، محمد . Ayyub Khan
(متولد ۱۹۰۸ م)
درزمان جنگ جهانـی دوم رییس



پنجاب بود درسال ۱۹۵۴ وزیر دفاع ملی شد ، در سال ۱۹۵۸ نخست‌وزیر شدواکنون‌باکودتای نظامی‌رییس‌جمهور آن‌کشور شده است.

بائو دایی . Bao Daï
(متولد ۱۹۱۳م)
درفرانسه‌به‌دنیاآید ودرسال۱۹۲۵ بعد ازمرگ پدرش‌کایی ــ دینا (Khaï–Dinh) امپراطور**انام** شدباوجودکوششی که‌وزیرش‌نگوــدین ــ دیم (Ngo Dinh – Diem) تاسال ۱۹۳۳ به عمل‌آورد، گروه ویت‌ــمین‌ومسئلهٔ **ویتنام** ایجادشد وازقدرت امپراطور خارج گردید .

بابوف ، فرانسوا نوئـل . Babeuf
(۱۷۶۰ ـ ۱۷۹۷ م)
از انقلابیون فـرانسه ، هـواخواه مساوات‌بودکه اعدام شد .

باتلر ، بنیامین فرانکلین . Butler . B . F .
(۱۸۱۸ـ ۱۸۹۳ م)
ازسیاستمداران‌وسرداران درجنگ داخلی‌آمریکا است .

باتیستا ، فولخنسیو Batista
(متولد ۱۹۰۱ م)
ژنرال و رییس جمهوری کوبا ، در سال۱۹۵۹میلادی‌که **فیدل‌کاسترو** روی کارآمد،استعفا وفرارکرد .

باخ ، الکساندر . Bach, A .
(۱۸۱۳–۱۸۹۳ م)
سیاستمداراتریشی‌که روش‌مخصوصی در تمرکـز نیروها و آلمانـی کـردن امپراطوری داشت .

بادوگلیو ، پی‌یترو Badoglio
(۱۸۷۱–۱۹۵۶م)
از مـارشالهای ایتالیا ،که پس از **موسولینی** نخست وزیر شد هم اوپیمان متارکهٔ جنگ رابامتفقین امضاءکرد .

بار ، ژان Bart, J.
(۱۶۵۰–۱۷۰۲م)
درجنگ **اتحادبزرگ** دلیریهای‌او موجب شدکه به‌فرمان لویی ۱۴ درزمرهٔ اشراف درآید .

اینونو ، عصمت پاشا Inonü, I.
(متولد ۱۸۸۴ م)



ابتداء با نهضت‌جوانان ترک‌همکاری کردبارهبری مصطفی‌کمال‌ـ پاشا (آتاـ تورك)فعالیت وسیعی‌آغاز کرد، بطوریکه درکابینهٔ او به‌وزارت خارجه منصوب شد بعدازوفات او به ریاست جمهوری رسید.

باراس، پول‌فرانسوادو . Barras .
(۱۷۵۵–۱۸۲۹م)
انقلابی‌وسردار،وسیاستمدارفرانسوی که به‌بدکاری شهرت داشت .

بارانوف ، الکساندرآندریویچ . Baranov, A, A .
(۱۷۴۶–۱۸۱۹ م)
اولین حاکم روسها درآلاسکا .

بارتو ، لویی . Baarthou, L .
(۱۸۶۲–۱۹۲۴م)
وزیرامور خارجه فرانسه‌کـه‌همراه الکساندراول‌پادشاه یوگسلاوی کشته‌شد .

باوناو ، ژوزف . Barnave,J.
(۱۷۶۱–۱۷۹۳م)
ازانقلابیهای‌افراطی فرانسه بودکه درسال ۱۷۹۲ به‌اتهام خیانت باگیوتین محکوم شد .

بارودی ، محمودسامی .

(۱۲۵۵ــ۱۳۲۲ ه ق)

ازرجال و سرداران مصر ، مدتها وزیراوقاف‌وجنگ بوده‌وزمانی‌نخست‌وزیر شد ودرمدت اشغال مصر ۲۷ سال به‌حال تبعید بسر برد . دیوان شعری نیزدارد.

بازن ،آشیل ، Bazaine,A .

(۱۸۱۱ ــ ۱۸۸۸م)

مارشال سردار فرانسوی درجنگ فرانسه وپروس‌که با ۱۷۳۰۰۰ نفرتسلیم آلمانیهاشد .

باستیداس ، رودریگود Bastidas

(۱۴۶۰ــ۱۵۲۶م)

ازکشورگشایان اسپانیا

باسومپی‌یر، فرانسوادو .

Bassompierre .

(۱۵۷۹ــ۱۶۴۶ م)

ازمارشالهای فرانسوی‌که مدتها به‌ــ فرمان ریشیلیو به باستیل افکنده شد .

بارکلای دوتولی Barclay de Tolly

(۱۷۶۱ــ۱۸۱۸م)

فیلدمارشال روس ، وفرمانده قوای روسیه علیه ناپلئون .

باکوتس ، توماس Bakocz, T.

(۱۴۴۲ــ۱۵۲۱ م)

سیاستمدار وکاردینال مجار بود که ازهیچ،باتملق به همه چیز رسید وصاحب ثروتی عظیم شد .

باگراتیون ، پیوتر ایوانوویچ .

Bagration .

(۱۷۶۵ــ۱۸۱۲م)

دارای عــالیترین مقام نظامی در دورهٔ روسیهٔ تــزاری ومارشال وفرماندهٔ قوای روسیه علیه فرانسه بود.

بالبو ، ایتالو Balbo.

(۱۸۹۶ــ۱۹۴۰م)

وزیر هواپیمایی وفرماندار لیبی و هوانورد ورهبر فاشیستها بود .

بالدوین ، ستنلی Baldwin.

(۱۸۶۷ــ۱۹۴۷م)

سیاستمدار، رهبر حزب محافظه کار ونخست وزیــر بود که بارها نخست وزیرانگلیس‌شد .

باندرانایبك ، سلیمان .

Bandaranaike, S.

(۱۹۰۷ــ۱۹۵۹ م)

سیاستمدارسیلانی که‌اصلا مسیحی‌بود در سال ۱۹۴۰ بودایی‌شد . وی رهبری حزب‌آزادی سیلان‌را داشت ودر۱۹۵۶ نخست وزیر سیلان شد . کشمکش میان **تامیل ها**کــه خواهان به‌رسمیت شناختن زبانشان‌بودندباد‌ولت،درزمان‌فرمانداری اونیزدوام یافت و سرانجام موجب قتل او شد . براثر محبوبیتی‌که او وحزبش درمیان‌مردم داشت پس‌از مرگش‌همسرش مقام اورا احرازکرد .

بایار ، جلال Bayar , C.

(متولد ۱۸۸۴ م)



در قصبهٔ اومودبی از ولایت **بورسا** به‌دنیاآمد . بــه زودی ریاست‌قسمت اتحادوترقی بورسا رابه دست‌آورد ، سپس‌ازطرف ملیون بــه فرماندهی نیرو منصوب شد، در دورهٔ اول‌مجلس‌به‌نمایندگی برگزیده شد ، درکابینهٔ عــصمت اینونــو ،کفیل وزارت‌خارجه بوددرسال۱۹۵۷ به‌کفالت نخست وزیری رسید، سپس باسمت‌نخست وزیری‌جانشین **اینونو** شد.

درسال ۱۹۵۴ میلادی‌رییس‌جمهور شد ودرسال ۱۹۶۰ معزول گردید.

برژنف ، لئونید ایل ییچ.

Breghnev , Ly .

(متولد۱۹۰۶ م)

سیاستمدار شوروی که تحــصیلات خــود را در انستیتوی ذوب فلــزات به‌پایان رسانید. پس ازچند شغل‌کوچك اداری‌وحزبی،درسالهای۱۹۴۱ــ۱۹۴۶ افسر سیاسی ارتش شــوروی ، دبیــر اول‌کمیتهٔ محلی حــزب در زاپوروژی، درسالهای۴۲ــ۱۹۴۷عضو کمیتهٔ‌مرکزی حزب دراوکرایین،درســالهــای ۱۹۵۰ــ ۵۲ دبیراول‌کمیتهٔ مرکزی مولداوی . ازسال ۱۹۵۲ عضوکمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست اتحــاد شوروی . صدر هیئت رییسهٔ شورایعالی اتحاد شوروی (۶۰ــ ۶۴)، دبیر اول‌کمیتهٔ مــرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (۱۹۶۴) .

برکلی ، ویلیام Berkely.

(۱۶۰۶ــ۱۶۷۷ م)

حاکم ظالم انگلیسی در ویرجینیا.

برمکی ، جعفربن یحیی.

(۱۴۹ــ۱۸۷ه ق)

معروفترین عضو خاندان برمکیان که از فضل وسخندانی‌وکــرم وبخشش‌او کتابها نوشته‌اند .

وی غالبأشب‌وروزنزدهارون‌الرشید بود وچندی وزارت هارون‌ومدتی‌ریاست دیوان بریــد و ضرابخانه را داشت و زمانی امیرالبحرس‌وحاکم نواحی‌مختلف بود .

هارون خواهرخود(زبیده)رابرای جعفرعقدصوری‌کرده بود وقتی‌دانست‌که زبیده از جعفردارای دو پسر شده‌آنرا دستاویزانهدام‌برمکیان قراردادوجعفر راکشت وپدر و برادرانش رابه‌زنــدان افکند و زیر شکنجه‌های هولناك قرارــ داد.

برنادوت ، ژان باتیست

Bernadotte , T .

(۱۷۶۳ــ۱۸۴۴ م)

مارشال‌فرانسوی وقهرمان‌جنگهای دورهٔ انقلاب‌کبیرو‌امپراطوری‌که‌ناپلئون به او عنوان‌داد و پادشاه سوئد او را به فرزندی پذیرفت . در سال ۱۸۱۸ به‌نام شارل چهاردهم به تخت سلطنت سوئــد نشست وسلسلهٔ‌کنونی سوئد ازخاندان او هستند .

بریا ، لاورنتی پاولوویچ Beria

(۱۸۹۹ ــ ۱۹۵۳م)



لاورنتی بریا

ازشخصیت‌های‌سیاسی‌اتحادجماهیرــ شوروی‌که در زمــان استالین منشی اول او ورییس پلیس بود.

عضویت‌کمیتهٔ مرکزی‌را نیزداشت، درتشییع جنازهٔ استالین اوازطرف‌کمیتهٔ اجراییهٔ حزب نطق کرد و از استالین ستایش فراوان نمود.

ولی وقتی‌کمیته خــواست در وضع گذشته مطالعات عمیقی بکند ؛ اشکالات فراوان در کار او پیدا شد ، و او برای دفاع‌خواست زمینه را برای اخلال‌آماده کند‌که توقیف وتیرباران شد .

بکت، توماس Becket . T
(۱۱۱۷ـ۱۱۷۰م)
مروجین مذاهب را به‌بینید.

بناپارت ناپلئون Bonapart, N.
(۱۷۶۹ ـ۱۸۲۱م)





ناپلئون بناپارت



بن گوریون



بیسمارك

در مدرسهٔ نظام پاریس درس‌خواند درجنگ **تولون** شایستگی خودرانشان دادو باعنوان قهرمان‌ملی به‌میهن‌بازگشت در سال **۱۷۹۷** به فرماندهی ارتش بزرگی انتخاب و مأمور فتح مصر شد، تاراهی به هندوستان داشته باشد.

اگرچه درخشکی پیروز شد ولی نیروی‌دریایی‌او از **نلسون** شکست‌خورد. درسال **۱۷۹۹** با عنوان قنسول اول حکومت را به دست گرفت، امور داخلی را از آشفتگی خارج ساخت و برای حکومت، قوانین درستی تدوین کرد درسال **۱۸۰۴** امپراطور فرانسه شد و **ژوزفین** همسر معروفش، را به علت نازایی طلاق داد و با **ماری‌لوییز** دختر امپراتور اتریش ازدواج کرد، دو سال بعد به روسیه لشکرکشید همه جا پیروزشدولی‌زمستان سرانجام لشکریانش را نابود کرد، درسال **۱۸۱۳** در**لایپزیك** شکست سختی از متحدین (پروس، اتریش وروسیه) خورد. واز امپراتوری معزول درجزیرهٔ **الب** محبوس شد. بار دیگرازآنجا گریخت‌مدت‌کوتاهی‌حکومت کرد ولی شکست **واترلو** اورابه جزیرهٔ **سنت هلن** کشانید و در این جزیره مرد.

بنکندورف، پول لودویك هانس آنتوان.
Benekendorf , P L, H, A.
(۱۸۴۷ـ۱۹۳۴م)
سردار و رییس جمهوری آلمان، در **پوزن** به‌دنیا آمد. درجنگ هفت‌هفتهٔ پروس وفرانسه شرکت‌کرد(**۱۸۶۶**) در فتح پاریس صلیب‌آهن‌گرفت (**۱۸۷۱**) فرماندهٔ سپاه پروس شرقی شد (**۱۹۱۴**) و سپاه روس را در **تانن برگ** بسختی شکست داد. درسال **۱۹۲۵** به‌سمت‌دومین رییس جمهوری‌آلمان انتخاب‌گردید. با آنکه نخست با روی‌کار آمدن نازیها مخالفت میکردولی به سبب‌تعقیب‌سیاست نظامی سرانجام موجبات پیشرفت‌آنانرا فراهم ساخت درمقابل هیتلر تسلیم‌شد و با انتخاب **او**به صدارت عظمی اختیارات خودرا عملا ازدست داد.

بن‌گورین، داوید.
Ben Gourion , D .
(متولد ۱۸۸۶ م)
ازشخصیت‌های سیاسی اسراییل، در سال **۱۹۰۶** برای اولین بار درفلسطین جنبش یهود را برای استقلال بنیاد نهاد درآن وقت درجمعیت یهود (صیهونیسم) عضویت داشت‌که به‌زودی به‌ریاست کمیته انتخاب شد، پس‌از استقلال اسراییل به ریاست‌جمهوری رسید.

بورقیبه، حبیب بن‌علی.
Bourguiba .
(متولد ۱۹۰۳ م)



سیاستمدار وعامل‌عمدهٔ استقلال **تونس**، که درسال **۱۹۵۶** به نخست وزیری ودر سال **۱۹۵۷** به ریاست جمهوری برگزیده شد.

بول، جان Ball. J
(مقتول ۱۳۸۱م)
از مبلغین انقلابی انگلیس، که در میان دهقانان نفوذ زیادی داشت. اودر دورهٔ قیام هـای دهقانی که قبل از سال **۱۳۸۰** دراین‌کشورصورت میگرفت‌شهرت یافت وعلیه‌کلیساها، فئودالها، وحکام‌که صاحب **املاك** بودند شدیداً درمیان مردم تبلیغ میکرد. دستگاه حکومت او را تعقیب‌کرد ولی مردم‌مدتها اوراپناه‌دادند وسرانجام‌به‌فرمان‌اسقف اعظم **کانتربوری** که بزرگترین مقام روحانـی انگلستان بود دستگیر وزندانی شد. درسال **۱۳۷۱** دهقانان انقلابی اسکس وکنت **او** را از زندان‌آزادساختنددراین‌زمان‌اوباکینه‌جویی‌آشتی ناپذیر‌برضد اختلاف طبقاتی تبلیغ میکرد. مردم را به‌کشتن تمام فئودال‌ها وقضاتی که همدست آنها بودند فرا میخواند. و میگفت انکلستان‌وقتی اصلاح میشودکه‌کلیهٔ اموال اشتراکی شود، نه رعیت وجود داشته باشد ونه ارباب و تمام مردم مساوی باشند.

درهمین‌سال‌جان‌بول‌به‌همراه **وات‌ـتایلور** به‌لندن‌رفت.دهقانان‌تحت‌رهبری‌**او** وتایلور خانه‌های‌مقامات‌درباری‌راسوزانیدند وعده‌ای ازآنان راکشتند، زندان‌ها را گشودند، ولی سرانجام شکست خوردند وجان‌بول‌دریك‌قتل‌عام‌به‌طرز وحشیانه‌ای اعدام شد.

بولیوار، سیمون Bolivard, S.
(۱۷۸۳ـ۱۸۳۰م)
سردار وسیاستمدار ونزوئلایی و قهرمان انقلاب آمریکای جنوبی در **کاراکاس** متولدگردید، درمادرید‌تحصیل حقوق‌کرد، از وطن پرستان معروف آمریکای‌جنوبی‌است که لقب«آزادی‌بخش»گرفته است. درسال **۱۸۱۳** بر اسپانیایی‌ها فایق شد ودر **۱۸۲۱** بار دیگر درجنگی‌که یك ساعت طول‌کشید، قدرت اسپانیا را در هم شکست ووارد کاراکاس‌گردید. بولیوار طی چندجنك، اکوادر، کلمبیا، پروی‌امروزی‌رااستقلال بخشیدوخود به‌ریاست جمهوری آنها انتخاب‌گردید، بولیوار درسال **۱۸۲۵** پروی علیارا‌آزاد اعلام‌کرد وآن‌کشور رابلیوی نام‌نهادند. در**۱۸۳۰** ازریاست جمهوری‌استعفاداد.

بومدین، حواری.
(متولد ۱۹۲۷م)
رییس دولت الجزایر. وی، در قسطنطین وقاهره تحصیل‌کرد. فرماندهٔ عالی نیروهای الجزایر ووزیر دفاع شد (**۱۹۶۲**) در سال**۱۹۶۵** براثر کودتایی بن‌بلا رابرکنار وزندانی ساخت و خود زمام‌امور الجزایر رادردست‌گرفت.

بیسمارك، اوتوفورست فون،
Bismarck.
(۱۸۱۵ـ۱۸۹۸م)
موجد امپراطوری‌آلمان، در يك خانوادهٔاشرافی به‌دنیاآمدودر**گوتینگن**

به تحصیل پرداخت و وارد نظام شد. به سال **۱۸۴۷** عضو مجلس شورای ملی پروس گردید و بین سالهای **۱۸۵۹** و **۱۸۶۲** سفیر کبیر پروس در روسیه بود، بین سالهای **۱۸۶۲** و **۱۸۹۰** نخست وزیر پروس، و در سالهای **۱۸۷۱** تا **۱۸۹۰** صدراعظم آلمان بود. پارلمان را به علت اینکه با بودجهٔ تسلیحاتی او مخالفت کرد منحل ساخت، و به اتفاق اطریش با دانمارک جنگید و پس از پیروزی، بین او و اطریش بر سر ادارهٔ نقاطی که از دانمارک گرفته بود اختلاف نظر پدید آمد در نتیجه جنگ بین اطریش و آلمان درگرفت و موجب شد که دست اطریش از آلمان کوتاه گردد. سپس اتحادیهٔ آلمان شمالی را ترتیب داد، جنگ بین فرانسه و پروس را برانگیخت بیسمارک وحدت آلمان را با جنگ تأمین کرد و با صلح استوار نمود وی آلمان را با اطریش و ایتالیا متحد ساخت و با روسیه آشتی کرد.



بیسمارک یک سلسله قوانین اصلاحات اجتماعی گذرانید، و در نتیجهٔ سیاست اقتصادی بیسمارک تجارت و صنعت مستعمرات آلمان به سرعت توسعه یافت. وی در سال **۱۸۹۰** بر اثر اختلاف عقیده‌ای که با **ویلهلم** پیدا کرد مجبور به استعفا گردید و هشت سال بعد پس از یک عمر طولانی و پرافتخار درگذشت.

پاسکیه ویچ، ایوان Paskievitch, I
(۱۷۸۲–۱۸۵۶م)

سردار روس از مردم پولتاوا که فرماندهی سپاهیان آن کشور را در جنگهای **۱۸۲۶–۱۹۲۷** با ایران به عهده داشت.

پتن، هانری فیلیپ Petain.
(۱۸۵۶–۱۹۵۱م)

مارشال فرانسه، در سال **۱۹۱۴** به درجهٔ سرتیپی رسید. در جنگ جهانی اول آلمانها را در **وردن** متوقف کرد. در سال **۱۹۲۶** جنگ مشترک فرانسه و اسپانیا را با پیروزی پایان داد. **۱۹۳۹** تا **۱۹۴۰** سفیر کبیر فرانسه در اسپانیا بود. در جنگ جهانی دوم نخست وزیر شد و با آلمان ترک مخاصمه نمود، و به عنوان رییس دولت در **ویشی** کارها را به دست گرفت. پس از جنگ، به عنوان خیانت محاکمه و محکوم به مرگ گردید. ولی ژنرال دوگل به علت کهولت سن کیفرش را به زندان ابد تقلیل داد و مدت شش سال یعنی تا آخر عمر در زندان بسر برد.



پرون، ژنرال خوان دومینگو
Peron, J. D.
(متولد ۱۸۹۵ م)

سیاستمدار آرژانتین. در **۱۹۱۳** داخل ارتش شد. وزیر فرهنگ (**۱۹۴۴**) معاون رییس جمهوری (**۱۹۴۴–۱۹۴۵**) و رییس جمهوری (**۱۹۴۶–۱۹۵۵**) آرژانتین شد و سرانجام بر اثر قیام مخالفانش که از دیکتاتوری او به جان آمده بودند به اسپانیا گریخت. ولی هنوز هم در آرژانتین هواداران زیادی دارد.

پریکلس Periclés
(۴۹۴–۴۲۹ق‌م)

پس از شکست **خشایارشا** در سالامیس، عصر طلایی یونان آغاز گردید مخصوصاً در دوران پریکلس (معاصر سقراط بود) یونان آن‌چنان ترقی کرد که حتی از ایران هخامنشی جلو زد. در عصر پریکلس **پارتنون** و مجسمهٔ عظیم **آتنا** و مونومانها و مجسمه‌های دیگر ساخته شد. در بین مجسمه‌ها مجسمهٔ **زوپیتر** آن‌چنان زیبا و باعظمت بود که جزو عجایب هفت‌گانه درآمد. معهذا در آخرین سال سلطنت این پادشاه بزرگ بلا بر شهر آتن نازل شد که از بلای لشکرکشی خشایارشاه هم هولناکتر بود و آن بیماری طاعون بود که عدهٔ زیادی از اهالی آتن (منجمله خود پریکلس) را به دیار عدم فرستاد.

پوگاچوف، یملیان ایوانوویچ.
Pugachev, I,I.
(۱۷۴۲–۱۸۸۵م)

رهبر شورش **۱۷۷۳** تا **۱۷۷۵** روستاییان روسیه، سرگذشت او در کتاب **شورش پوگاچف** اثر **پوشکین** آمده است.

او از به قتل رسیدن پطر سوم، استفاده کرد و خود را تزار واقعی معرفی کرد. در آغاز پیشرفتهایی کرد ولی سرانجام اسیر و سپس کشته شد.

پولوس، مارشال فردریک Paulus, F.
(۱۸۹۰–۱۹۵۷م)



از فرماندهان بزرگ ارتش هیتلری بود که مأمور روسیه شد و جنگ استالینگراد را رهبری میکرد.

پولینیاک، اوگوست، ژول آرماندماری.
Poliniak, J,A,A.
(۱۷۸۰–۱۸۴۷م)

از اشراف سلطنت طلب فرانسه که در **۱۸۰۴** بر اثر شرکت در توطئه‌ای برضد ناپلئون زندانی شد و سپس تبعید گردید. چندی سفیر فرانسه در لندن بود به فرمان شارل دهم صدر اعظم شد (**۱۸۲۹**) و کابینه‌ای از اشخاص بدنام، فراریان جنگ و توطئه‌گران تشکیل داد. در نتیجه مردم به مخالفت برخاسته و انقلاب **۱۸۳۰** به سلطنت شارل و صدارت او خاتمه داد. پولینیاک تا سال **۱۸۳۶** در زندان ماند و دو کتاب در بارهٔ تاریخ معاصرش نوشت.



پومپه کبیر

پومپه Pompée.

سردار رومی که در سال ۸۸ق‌م کنسول روم بود و به اتفاق **سیلا** به دست سربازان کشته شد.

پومپه‌کبیر Pompée.
(۱۰۷–۵۹ق‌م)

پسر پومپه به نام **کنیوس** ملقب به پومپئوس کبیر، از سرداران روم که در سال ۷۶ق‌م. به عنوان کنسول مقدم به اسپانیا فرستاده شد و در سال **۷۱**ق‌م به اتفاق **کراسوس** به کنسولی روم رسید در **۶۶**ق‌م در جنگ ضد **مهرداد** شرکت کرد و در سال **۶۰**ق‌م، با **قیصر** و **کراسوس** اتحاد مثلث ساخت، ولی بر اثر اختلاف با قیصر در جنگی سخت مغلوب شد و در مصر به دست بطلمیوس دوم کشته شد.

پومپیدو،ژرژ. Pompidou, G.

(متولد ۱۹۱۱ م)



شاگـرد دانشسرای عالی‌فرانسه بود،اکروژه ادبیـات و پـروفسور مـارسـی (Marseille) شد. در دولت ژنرال‌دوگل شرکت‌کرد . ودرزمان ریاست جمهوری او، وبعداز **میشل‌دوبره** به نخست‌وزیری رسید.

پی‌یی‌مارگال، فرانسیسکو .

Piymaagall , F.

(۱۹۰۱ــ۱۷۲۴)

سیاستمدار وآزادیخواه‌اسپانیولی، کـه در۱۸۷۳ نخستین ریس جمهوری کوتاه‌مدت‌اسپانیا بود . وی پس‌ازتجدید سلطنت نمایندهٔ مجلس بود و از تشکیل دولت فدرال پشتیبانی میکرد.



تافت

پیبول سونگگرام، لوانگ.

Pibul Songgram

(متولد ۱۸۹۷ م)

سردار سیامی، که درانقلاب ۱۹۳۲ شرکت‌ومنجر به‌اعطای‌مشروطیت گردید ، شرکت داشت . در سال‌هـای ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۴ نخست وزیرووزیر دفاع بود.در ۱۹۴۴ ازکاربرکنار گردید وسه‌سال بعد مجدداً قدرت رابه‌دست‌گرفت . وی نام سیام را به تـایلند تغییر داد . ولی در سال ۱۹۵۱ بـاز دستش از کار کوتاه گردید.

پیت، ویلیام. Pitt , W.

(۱۸۰۶ــ۱۷۵۹م)



معروف به پیت‌جوانتر، سیاستمدار و خـطیب انگلیسی ، بزرگتریـن نخست‌وزیر انگلستان، کـه‌درسال ۱۷۸۱ بـه نمایندگی مجلس انتخاب شد. در۱۷۸۲ وزیردارایی ورهبر مجلس عوام‌گردید ، ودر۱۷۸۳ نخست وزیر شد. وی تا سال ۱۸۰۱ درمقام نخست وزیری باقی‌بود. ودراین دوره اصلاحات بزرگی‌درحقوق گمرکی،امورمالی،واداره‌ٔامورهندوستان به عمل‌آورد.

درسال ۱۷۹۳ فرانسه به‌انگلستان اعلان جنگ‌داد ، پیت‌نتوانست مدت و وخـامت جنگ را پیش بینی‌کند ، و از ترس پیدایش فعالیت‌هـای انقلابـی در انگلستان ، دست به اقدامات شدیـدی زد، در جریان جنگ هم‌کمك‌های مالی انگلستان به متحدینش مـوجب بحران مالی گردید.

شورش ایرلند نیز به‌پیشرفت‌کارهای جنـگی لطمه وارد میـآورد . به‌این سبب پیت درسال ۱۸۰۱ استعفاداد ولی بـار دیگردرسال ۱۸۰۴ وقتی‌که خطر حملهٔ ناپلئون به انگلستان پیش میآمد به نخست وزیری منصوب‌گردیـد وکمی پس‌از شنیدن خبر پیروزی ناپلئون در جنگ **اوسترلیتز** درگذشت .

پیت ، ویلیام Pitt, W.

(۱۷۷۸ــ۱۷۰۸ م)

ملقب‌به (اولین) ارل‌آوچتم .خطیب و سیاستمدار بزرگ انگلیسی ، در سال ۱۷۳۵ عضوپارلمان شدودر ۱۷۴۲ پس ازسقوط **والپول** ، باسیاست جانشینش‌در جنگ جانشینی اتریش مخالفت کرد ، در ۱۷۴۶ سمت مأمور پـرداخت ارتش را داشت.ودر۱۷۵۵ به دولت **نیوکاسل** حمله نمود وازکاربرکنارشد. در۱۷۵۶ مجدداً دولتی تشکیل داد و در ۱۷۵۷ بانیوکاسل‌ائتلاف‌کرد . با دادن‌کمك‌های نظامی ومالی به‌فردریك‌کبیر،فرانسه را در **اروپا** مشغول کرده ودریاها را تحت فرمـان بریتانیا درآورد . در ۱۷۶۱ به‌دستورجرج‌سوم‌استعفا‌کرد . در۱۷۶۶ دولتی ائتلافی ازهمهٔ احزاب تشکیل‌داد و لقب **ارل‌آوچتم** گـرفت . در۱۷۶۸ استعفادادودرسال‌های‌آخرعمرازاصلاحات پارلمانی .آزادی وحق مهاجرنشین‌های آمریکادرمقابل‌شاه‌دفاع‌کرد. پیت بزرگتر وحامی بزرگ ازالقاب او میباشد.

تافت ، روبرت‌الفونسو Taft, R. A.

(۱۹۵۳ــ۱۸۸۹م)

ازشخصیت‌های‌سیاسی وسناتورایالت **اوهیو** که قانون (تافت ــ هارتلی) از اوست .

تالیران، پریگور Talleyrand, P.

(۱۸۳۸ــ۱۷۵۴م)

سیاستمدار فرانسوی،که ابتدا بـه تحصیل‌الهیات پرداخت و بـا اینکه به زشتی‌اخلاق شهرت داشت اسقف **اوتون** شد . در۱۸۸۹ نمایندهٔ روحانیان بود و در انقلاب فرانسه جانب انقلابیون را گرفت و پس‌از بـرافتادن سلطنت بـه انگلستان‌گریخت. در۱۷۹۴ به فرانسه بازگشت ودرسال‌های ۱۷۹۹ تا ۱۸۰۷ وزیر خارجه بود. زمانی‌که وزیرخارجه لویی‌هیجدهم‌بوددر‌کنگرهٔ‌وین‌بزرگترین پیروزی سیاسی خـودرا به‌دست‌آورد و دخالت او مانع سقوط‌کنگره‌گردید. در ۱۸۱۵ از وزارت‌کناره‌گیری‌کرد. وی در زمان **لویی فیلیپ** سفیرکبیر فرانسه درلندن بود.

تایلور ، وات Tylor,W.

جنگ صدسالهٔ انگلیس وفرانسه‌که در۱۳۳۷ میلادی‌شروع‌شده بودمالیاتهای سنگینی‌به‌مردم‌انگلیس‌وبخصوص‌دهقانان تحمیل‌میکرد وقیامهای دهقانی‌راموجب میشد.یکی از این قیامها درسال ۱۳۸۱ درشرق انگلیس صورت‌گرفت .دردوك‌ـ نشین‌های‌اسکس(Essex) وکنت(Kent) شدت یافت . دهقانان میگفتند : « وقتی آدم میکاشت‌وحوامیرشت‌چه‌کسی‌ازاشراف بود؟» چون درآنزمان فئودالها بیشتراز رهبران‌کلیسا بودنددهقانان‌معابدوخانه‌های اربابی را غارت میکردند.

دررأس قیام‌کنت آهنکوبی دهاتی به‌نام**وات‌تایلور** قرارگرفت‌که قیام سال ۱۳۸۱ را به‌نام‌او‌نامیدنداو‌به‌همراه‌جانـ بول در رأس دهقانان شورشی اسکس و کنت وارد لندن شدند.

درملاقاتی‌که دهقانان باریچاردددوم پادشاه‌وقت انگلستان‌کردندشاه باتعدیل فشار بردهقانان موافقت‌کرد ووعده‌داد که‌سرواژوبیکاری‌را در سراسرانگلستان ملغی‌سازددرعوض‌دهقانان‌مبلغ مختصری به اربابان بپردازند . عـدهٔ زیادی از دهقانان‌به‌این‌امررضا ندادندومیخواستند که به‌آنان‌زمین‌داده‌شود ودرلندن‌ماندند درملاقات دیگرکه با شاه‌کردنـد الغاء

تمام قوانین ظالمانه، مصادرهٔ تمام اراضی اسقف‌ها ، صومعه‌ها و کشیشان و استقرار مساوات عمومی را خواستارشدند . وات تایلور هنگام مذاکره باشهردار لندن خائنانه به‌قتل‌رسید وقیام دهقانان بدون رهبری شکست‌خورد.

تروتسکی ، لئون Trotsky, L.

(۱۸۷۹ـ ۱۹۴۰ م)

یکی‌ازارکان‌تأسیس اتحادجماهیرـ شوروی سوسیالیستی، که درروسیهٔ جنوبی متولد شد . در۱۸۹۶ به نهضت انقلابی پیوست . درسال ۱۹۰۰ به سیبریه تبعید شد ولی در۱۹۰۲ گریخت. وی‌درشورش ژوییه ۱۹۱۷ بالنین شرکت داشت، و یــکی از سازمان دهندگان عمدهٔ انقلاب



بولشویـکی اکتبربود . وبزرگترین خدمت اوبه پیشرفـت بولشویك‌ها این بودکه درجنگ‌های داخلی‌بعداز انقلاب‌ارتش سرخ را سازمان داد. بعداز مرگ‌لنین جـناح چپ مـخالفین را علیه استالین رهبری‌کرد، ولی ازحزب‌اخراج شد در ۱۹۲۹ محکوم به خارج شدن‌ازاتحادـ جماهیرشوروی‌سوسیالیستی گردید. بیشتر کشورها از پذیرفتن وی‌امتناع‌کردنـد اما ترکیه اوراپناه‌داد. سپس درفرانسه ونروژاقامت گزید. درمحاکمات‌سال‌های ۱۹۳۶ و۱۹۳۷و۱۹۳۸ متهم‌به‌رهبری توطئه‌ضدحکومت‌استالین گردید. تروتسکی اتهامـات وارده رامنکر شد. در اوت ۱۹۴۰ مقتول گردید . قاتل وی مردی بلژیکی،متولد ایران بودکه قبلا اعتماد تروتسکی را جلب‌کرده بود و چند ماه بعد تروتسکی را باتیربه قتل‌رسانید. بعد ازمرگ استالین وافشای اشتباهات او درزمان رهبری ، عدهٔ زیـادی از تروتسکی‌نیز دفاع‌کردند .

تروژیلومولینا، رافائل‌لئونیداس. Trujillo Molina .

(۱۸۹۱ـ۱۹۶۱م)



سیاستمدار و سپاهـی دومینیکی، رییس‌جمهور، جـمهوری دومینیك ، پس‌ازکودتای سال ۱۹۴۰ حکومت را به‌دست‌گرفت‌وقبل ازریاست جمهوری ، دیکتاتوردومینیك بود.

ترومن ، هاری.

رؤسای جمهورآمریکا را به‌بینید.

توماس بکت .

بکت توماس را به‌بینید.

تومبال‌بای ، فرانسوا . Tombalbaye, F.

(متولد ۱۹۱۸م)

از سیاستمداران و رهبران چـاد میباشد .

تیتو ، یوسف برزو. Tito.

(متولد ۱۸۹۲م)

فرزندآهنگری‌بودکه براثر تنگدستی



به کمونیسم روآورد، و به‌زندان‌رفت. پس‌ازخروج از زندان رهـبـری جنگجویان را به عهده گرفت ،که سرانـجام بـر یوگـوسلاوی مسلـط شد ، حزبی به نام «جبههٔ آزادی ملی » تشکیل‌دادودرانتخابات به‌کمك‌کمونیستها پیروزشد و**پطردوم**را خلع‌کردوبه‌نخست وزیری رسید ، روشی تند ودیکتاتـوری داشت ودرمقابل‌اعتراض حزب‌کمونیست شوروی مقاومت‌کرد، وبالاخره به‌ریاست جمهوری رسید .

ثقفی . ابوعبیده.

ابوعبیده‌ثقفی رابه‌بینید .

جاکسون ، اندریو.

رؤسای جمهورآمریکا را به بینید.

جفرسون ، توماس.

رؤسای جمهورآمریکا را به بینید

جناح ، محمدعلی. Jinnah. M.

(۱۸۷۶ـ۱۹۴۸م)

قائد اعظم‌پاکستان، دریك خانوادهٔ ثروتمند به‌دنیـاآمد . وبعد ازتحصیلات



ابتدایی‌برای ادامهٔ تحصیلات دررشتهٔ‌حقوق به‌انگلستان رفت. ابتداطرفدار کنگرهٔ‌ملی هندووحدت هندوومسلمان بود. درسال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۲۰ به ریاست‌مسلم‌ـ لیگ انتخاب شد، ولی تا سال ۱۹۳۰ درعضویـت کنگره‌باقی بود . در جنگ جهانی دوم از بریتانیا پشتیبانی‌کرد ودرانتخابات سال ۱۹۴۶ مجلس مؤسسان‌هندتمام کرسی‌های‌مسلمان را نصیب مسلم‌لیگ‌گردانید . و دراوت ۱۹۴۸ که هندوستان تجزیه شد ، جناح به سمت نخستین فرماندارکل دومینیون پـاکستان منصوب ، و به ریاست مجلس مؤسسان‌آن انتخاب شد.



تومبال‌بای

جونز ، سرهارفورد. Jones. Sir Harford .

سیاستمدار انگلیسی ازطرف دربار لندن در۱۸۵۸ میلادی وارد بمبئی شد، فرمانفرمای‌کل هندوستان پس‌ازآنکه‌از مأموریت سرجان ملکم در دربار ایران برای اخراج فرانسویها وعقد معاهده با انگلیس نتیجهٔ وافی به‌دست‌نیاورد جونز را روانهٔ دربار ایران‌کرد و او توانست باخرج پول فراوان وتطمیع درباریـان عهد نامه‌ای باایران امضاءکند .

چرچیل ، لردرندالف هنری اسپنسر . Churchill .

(۱۸۴۹ـ۱۸۹۵م)

پدروینستون چرچیل ، سیاستمدار



محافظه کار انگلیسی است که در مجلس عوام کوشید که حزب توری را به یک حزب دموکراتیک وخواستار اصلاحات اجتماعی وسیاسی تبدیل کند. وی درسال ۱۸۶۶ بـه وزارت دارایی رسید وشش ماه بعد کناره گیری کرد.

چرچیل، وینستون Churchill.
(متولد ۱۸۷۴ م)
ازسیاستمداران معروف انگلیسی، که درسال ۱۹۰۰ بـه نمایندگی مجلس محافظه‌کار انتخاب گردیدودرسال‌های بین



۱۹۱۱ تا ۱۹۱۵وزیر دریا داری بود. درسال های بین ۱۹۴۰ و ۱۹۴۵ بـار دیگر ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۵ نخست‌وزیرانگلستان بـود. از **تصمیمات** قاطع او در سـال ۱۹۵۱ اعلام اتحاد انگلستان و شورویبوددرسال ۱۹۴۵ دولتی ائتلافی تشکیل داد که بیشتر اعضایش ازمحافظه‌کاران بودند، ولـی درهمان سال حزب کارگر در انتخابات پیروز شد وحکومت رابه‌دست گرفت. وچرچیل رهبرمخالفین دولت گردید. وبا پیروزیمحافظه‌کاران درانتخاباتعمومی۱۹۵۱ باردیگرنخست وزیر شد.

چرچیل نویسندهٔ زبردستی بود. از آثارش بحران‌جهان است وسلسله کتاب‌هایی که تحت عنوان جنگ جهانی دوم نوشته است. درسال ۱۹۵۳ جایزهٔ نوبل در ادبیات به چرچیل اعطا شد.



اوستن جمبرلن

چمبرلن، اوستن Chamberlain.
(۱۸۶۳–۱۹۳۷ م)
پسرجـوزف چمبرلـن، واز رجال انگلستان است. از سـال ۱۸۹۲ وارد پارلمان شد ودودورهٔ سه‌ساله‌وزیردارایی بود، دردفعهٔ دوم، سیاست گمرکی پدرش رابه مرحلهٔ اجرا درآورد. سپس رهبر محافظه‌کاران شد. درسال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۹ وزیر امورخارجه بود. در سال ۱۹۲۶ سهمی ازجایزهٔ صلح نوبل‌رابرد.

چمبرلن، جوزف. Chamberlain
(۱۸۳۶–۱۹۱۴م)
سیاستمدار انگلیسی، کـه به سبب



مخالفت با طرح‌فرمانرانی میهنی ایرلند از دولـت گلادستـون کناره گیری کردو به‌حزب وحدت طلبان لیبرال پیوست‌وچندی‌بعدرهبر آن‌حزب‌در مجلس عوام گردید. بین سالهای ۱۸۹۵ تـا ۱۹۰۳ وزیر مستعمرات بود. وی مسئول‌وقایعی است که منجر به‌آغازجنگ بوئرها گردیده.

چنگیز، تموچین بن یسوکای.
(۵۴۹–۶۲۴میلادی)
پدرچنگیزخان‌رییس‌قبیلهٔ‌قیات‌بودواز مدتها پیش خراجگزارامپراطوران چین شمالی بودند ولی اوطوایف همجوارقبیلهٔ خودرا به اطاعت آورد و سپاه امپراتور را شکست داد و اساس دولت چنگیز را پدیدآورد. چنگیز درسیزده‌سالگی پدر را ازدست داد وباسختی زیاد و تعرضات خانهای قبایل روبروشد وسرانجام بر مشکلات فایق‌آمد. قوم **نایمان** رامغلوب (۶۰۰) وقرقیزهارامطیع (۶۰۳) و با ممالك خوارزمشاهی همسایه شد. آنگاه متوجه چین گردیدو پکن رامتصرف شد. (۶۱۲)اشتباه‌خوارزمشاه‌سبب‌شدکه اودر سال ۶۱۶ بایك سپاه دویست هزارنفری عازم‌ایران‌گردد درمدت‌سه‌سال‌سپاهیانش آنچنان ویرانـی وکشتاری درشهرهای خراسان وماوراءالنهر کردندکه‌ازبعضی شهرها جزتلی خاکستر نماند و دربعضی شهرها کشتگان را ۷۰۰ هزار نفرنوشتند ولی خسارات معنوی بیش از اینها بوده دست‌کم دو ثلث آثارعلمی وادبی ایران ازمیان رفت‌وفساد اخلاق وانحطاطروحی اعتقاد به قضا وقدرشیوع یـافت بهرحال چنگیزدرسال۶۱۹ برای‌سرکوبی‌شورشیان شمال‌تبت عازم‌بازگشت‌شد و پس ازرسیدن به‌سرزمین اجدادی خود درگذشت.

وی مردی هوشمند، صاحب اراده، مقاوم، مدبر، محتاط و خونخواربود و خونخواری او برخلاف مواهب فطری‌اش ارمغان محیط زندگی اوبود.

اگرسلطان‌محمد خوارزمشاه فرمان قتل تجار و نمایندگان چنگیزرا صادر نمیکرد،ایران‌هرگزشاهد اینهمه‌ویرانی نمیشد.

چوئن لای Chou-En-Lai.
(متولد ۱۸۹۸م)
درفرانسه تحصیل کرد، ویکی ازبه ثمررسانندگان



انقلاب‌چین است، و اولین‌نخست‌وزیر و وزیر خارجهٔ چین‌کمونیست‌شد، درکنفرانسهای **ژنو** و **باندونگ**، نقش مهمی داشت.

چوته Chou – Teh
(متولد ۱۸۸۶م)
درآکادمی نظامی یونان و آلمـان تـحصیلات



نظامی خودرا به پایـان رسانید. در جنگهـای داخلـی فرماندهٔ‌کل قوا بوده و مدتها درپست‌نایب رییس‌شورای مرکزی جمهوری خلق چین خدمت کرد.

چومبه، موسی Tschombé. M.
(متولد۱۹۱۲م)
مرد سیاسی **کاتانگا**، تحصیلات خود را دراروپا



گذرانید، وقتی بـه کشورش‌باز گشت بـه حکومـت ایالتی**کاتانگا** رسید، در

این وقت استقلال‌طلبان به‌رهبری **لومومبا** قیام کردند که چومبه به کمك بلژیك آنها را نابود کرد ولومومبا را بازجر کشت .

چیانگ‌کای ـ چك
Chang Kai Chek .
(متولد ۱۸۸۶ م)
مارشال چینی ، در ژاپن تحصیلات نظامی کرد . در ۱۹۲۸ رییس دولت ملی وفرماندهٔ کل نیروهای چین شد. و تاسال ۱۹۴۸ با عناوین مختلف ، همواره با خود مختاری حکومت کرد



درجنگ سالهای ۱۷۳۲ تا ۱۹۴۵ نیروهای چینی را با ژاپن متحدساخت. چیانگ‌درجنگ‌داخلی که به‌دنبال‌جنگ جهانی دوم روی داد ، از کمونیست ها شکست خورد و به فرمز پناهنده شدودر آنجاحکومت چین ملی را تأسیس کرد.

خروشچف ، نیکیتاسر گیویچ
Khrushchev .
(متولد ۱۸۹۴ م)
سیاستمداراتحاد جماهیرشوروی، که پس از استعفای **مالنکف** از دبیری اول حزب کمونیست روسیه ، جانشین او گردید .



خروشچف پس از پیوستن به حزب کمونیست، وارد ارتش سرخ شد وسپس به‌دانشکدهٔ کارگری دانشگاه **خارکوف** اعزام گردید. درسال ۱۹۲۴ به‌خدمت‌دردستگاه حزب کمونیست منصوب گردید وپنج سال دراوکراین خدمت کرد. درسال ۱۹۳۸ به‌عنوان عضو داوطلب کمیتهٔ اجرایی حزب کمونیست انتخاب گردید. درجنگ جهانی دوم ، در چندین شورای نظامی درجبههٔ جنوب عضویت داشت. پس‌ازمرگ استالین مالنکف رییس شورای وزیران ودبیرارشد کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست شد ولی ده روز بعدسمت‌دوم را به‌خروشچف واگذار کرد .

درمارس ۱۹۵۸ خروشچف ، به‌جای بولگانین، رییس شورای وزیران گردید. وی درسیاست داخلی آزادی‌هایی به‌مردم اعطا کرد ودرسیاست‌خارجی‌سیاست‌همزیستی مسالمت‌آمیز باغرب راپیش گرفت.

حجاج ، ابن یوسف .
(۴۱ ـ ۹۵ ه ق)
عبدالملك بن‌مروان ریاست سپاه‌را بدودادواو نظم‌ونسقی‌درسپاه‌پدیدآورد واز جانب‌خلیفه‌مأمورسرکوبی **عبدالله‌بن‌زبیر** شدوبا منجنیق خانهٔ خدا راخراب‌کرد و عبدالله رابکشت وسراورا بهشام فرستاد و جسد وی را به‌دارآویخت وسپس درحجاز مردم را به‌بیعت عبدالملك ملزم ساخت و نسبت‌به‌صحابه‌ومردم‌حرمین‌انواع عقوبتها رواداشت. علاوه برحجاز، حکومت عراق رانیز بدو دادند ودامنهٔ اقتدارو حکومت او تاحدود هند و مغولستان رسید . وی درمدت بیست سال حکومت خوددر کوفه وبصره ودیگرنواحی عراق مظالم بسیار مرتکب شد، شهر **واسط** رابنا کردوضمیمهٔ ملك خویش ساخت. پس‌ازمرگ عبدالملك به‌زمان ولید اقتدارحجاج افزودن گرفت وتازمان مرگ درمقام خودبود تادر ۵۴ سالگی به‌مرضی مدهش‌درگذشت. نام وی مثل ظلم وبیدادگری است .

حسین ، ذاکر .
(متولد ۱۷۹۷ م)
رییس‌جمهوری‌هند که‌تحصیلات‌خودرا در دانشگاه اسلامی علیگره و دانشگاه برلین تمام‌کرده است . وی درسال های ۱۹۲۶ـ۴۹ نایب‌رییس‌جامع ملی اسلامی دهلی ودرسالهای ۴۸ ـ ۵۰ نایب‌رییس دانشگاه علیگره بود .

درسالهای ۵۶ـ۱۹۵۸ عضویت‌هیئت اجراییهٔ سازمان یونسکو را داشت . در سالهای ۵۷ـ۶۲ فرماندارایالت **بیهار** بود. در سال ۱۹۶۲ معاون رییس جمهوری و درسال ۱۹۶۷ رییس جمهوری هند شد . اوازمبارزان‌آزادی هند وازفعالان حزب کنگره به شمار می‌رود وکتابهایی به‌نام سرمایه‌داری، اقتصاد واخلاق ومملکت نوشته است وازشخصیت بارزاوهمان بس که‌باوجودمخالفت‌میان‌هندوان‌ومسلمانان اوتوانسته است درعین مسلمانی بـه این مقام برسد .

حمورابی .
(فوت ۱۹۱۳ ق م)
بزرگترین پادشاه بابلی‌که درسال ۱۹۶۵ قبل ازمیلاد سلطنت میکرد . از کارهای بزرگ او تدوین قوانین بسیار مهمی است‌که هنوزهم‌به صورت الواح در لوور (پاریس) وجود دارد . قوانین حمورابی دراطراف افتراء ، قسم دروغ، رشوه دادن به‌قاضی، خریدن شهود، بی‌عدالتی قضات، جنایات برضد مالکیت ، روابط ارباب و رعیت ، حقوق خانواده وغیره‌دورمیزند. یعنی‌درواقع‌همان‌مسایلی است‌که هنوز پس ازچهارهزارسال از زمان درگذشت حمورابی گریبان بشر را رهانکرده است .



چیانك کایچك

Darlan, F. **دارلان** ، فرانسوا
(۱۸۸۱ـ۱۹۴۲ م)
دریاسالارفرانسوی فرماندهٔ جهازات (۱۹۳۶ ـ ۱۹۴۰ م) همکارنزدیك وجانشین **پتن** وی در آفریقاهنگامی که متفقین در آنجا قشون پیاده کردند، قدرت



رادردست گرفت (۱۰۴۲) ولی‌درالجزیره به‌قتل رسید .

Dulles, J, F. **دالس** ، جان فاستر
(۱۸۸۸ـ۱۹۵۹ م)
از رجال جمهوری‌خواه‌آمریکا . در حکومت آیزنهاور وزیرامور خارجه‌بود. وتایك ماه پیش ازمرگ دراین‌سمت باقی بود ، وی یکی‌از هواداران تشکیل



اتحادیه های نظامی بوده وی بـه مرض سرطان مرد .


میشل دبره


کلمانس وان دلبروك


کامی دمولن


کاردینال دوبوا


مارشال امیل دوبونو


بارون شارل دوپن

دانتون ، ژرژ ژاك . Danton.
(۱۷۵۹ـ۱۷۹۴م)
عضو کنوانسیون فرانسه ویکی از بزرگترین رجال سیاسی دورهٔ انقلاب فرانسه ،که به سبب قدرتی که در سخنوری داشت محبوبیت بسیار به دست آورد. وی در **۱۷۹۱** تا **۱۷۹۲** عضو مجلس مقننه بود و قهرمان دفاع ازحقوق طبقهٔ پایین شد .



در **۱۷۹۲** وزیر عدلیهٔ دولت جمهوری وعضو کنوانسیون گردید . درسال **۱۹۷۳** به تأسیس دادگاه انقلابی پرداخت . در **۱۷۹۴** به اتهام توطئه توقیف و با گیوتین اعدام شد ، وی عقیده داشت که باید بساط سلطنت برچیده شود وازتبدیل انقلاب به هرج ومرج وخونریزی جلوگیری به عمل آید .

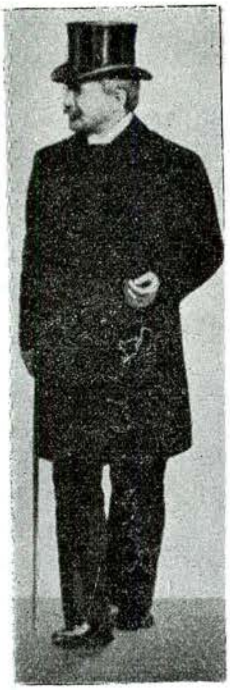
دبره ، میشل Debré, M.
(متولد ۱۹۱۲م)
ازسیاستمداران بنام فرانسه است که به نخست وزیری ومشاورت دوره دوگل رسیده است .

دلبروك، کلمانس وان Deilbruck .
(۱۸۵۶ـ۱۹۲۱م)
ازشخصیتهای سیاسی آلمان وعضو جمعیت ملی آن کشور که مبارزات سختی علیه مخالفین کرده است .

دلیریمپل، جان. Dalrymple,J.
(۱۶۴۸ـ۱۷۰۷م)
ازرجال اسکاتلند وازهواخواهان سلطنت **ویلیام سوم** بود ودرزمان او به وزارت رسید. وی طرفدارجدی اتحاد اسکاتلند و انگلستان وبه علت بلاغت ومهارت سیاسی پارلمان اسکاتلند راتحت نفوذ داشت .

دلفوس ، انگلبرت .
دولفوس را ببینید .

دلکاسه تئوفیل . Delcassé .
(۱۸۵۲ـ۱۹۲۳ م)
ازروزنامه‌چی‌های معروفی که بعداز مدتها سفارت در کشورهای خارجی به صدارت رسید . اودودوره وزیر خارجهٔ فرانسه بودو در یکی از دوره ها که مصادف با جنگ جهانی اول شد ، خود او درصف آرایی دول اروپایی که منجر به این جنگ شد تأثیر شگرف داشت . وی از طراحان عمدهٔ اتفاق دوستانه و اتحاد مثلث بود .



دمولن ،کامی Desmoulins, Ca.
(۱۷۶۰ـ۱۷۹۴م)
وکیل دادگستری وروزنامه نویس مبارز دورهٔ انقلاب کبیرفرانسه. انقلابیون پاریس رامسلح و به فتح زندان باستیل برانگیخت ودرراه مبارزه برای کسب آزادی واستقرارحکومت دموکراسی در فرانسه تاپای جان ایستاد وسرانجام خود وهمسرش به وسیلهٔ مخالفین سیاسی خویش محکوم و درپاریس اعدام شدند .

دوالرا ، ایمن De Valera
(متولد ۱۸۸۱م)
درنیویورك متولد شد، در **۱۹۱۷** به ریاست **شین فین** انتخاب گردید ، ولی توقیف شد. ودرانگلستان محبوس گردید. دردوره‌ای که ریاست **دایل ایرن** را داشت وجوهی برای تأمین استقلال ایرلند گرد آورد . در **۱۹۲۱** **لوید جورج** با **دوالرا** وارد مذاکره شد وکشور آزاد ایرلند تشکیل گردید . دوالرا درسال **۱۹۲۲** از **دایل** استعفا داد ودرایرلند دستگیر و محبوس شد ویك سال درزندان گذرانید. درسال **۱۹۲۶** حزب **فینه‌فال** راتأسیس کرد ودر سال **۱۹۳۲** نخست وزیروو زیرامورخارجه شد . درسال های **۱۹۵۱** تا **۱۹۵۴** وبار دیگردر **۱۹۵۷** نخست وزیربود ودرسال **۱۹۵۹** به ریاست جمهوری انتخاب گردید.

دوبوآ، گیوم Dubois.
(۱۶۵۶ـ۱۷۳۴م)
سیاستمداروکاردینال فرانسوی، که در زمان حکومت فلیپ دوم به نیابت سلطنت رسیده وعضو شورای مملکتی گردید. وی اتحادیهٔ سه گانهٔ **۱۷۱۷** را تشکیل داد وسیاستی صلح، جویانه داشت ، و درسال **۱۷۲۲** وزیر اعظم شد .

دوبونو، امیل De Bono, E.
(۱۸۶۶ـ۱۹۴۴م)
مارشال وشخصیت سیاسی ایتالیا .

دوپن ،بارون شارل Dupin
(۱۷۸۴ـ۱۸۷۳م)
ازرجال فرانسه ،که درسال **۱۸۳۴** وزیردریاداری ودر **۱۸۵۲** سناتور بود . وی عضو آکادمی علوم نیزبود ودارای تحقیقاتی درباب انحنای سطوح می‌باشد.

دوگل شارل آندره ژوزف ماری . De Gaulle .
(متولد ۱۸۹۰)
نخستین رییس جمهور ، جمهوری پنجم فرانسه است که پس از خدمات شایان درجنگ جهانی اول دستگیر شد و جنگ متحرك و موتوریزه را پیش بینی واز آن طرفداری کرد . وی در دولت **پول رنو** معاون وزارت جنگ بود و پس از اتمام جنگ بین فرانسه وآلمان، به لندن گریخت ودرآنجا به سازمان دادن قوای فرانسهٔ آزاد پرداخت . درسال **۱۹۴۳** درریاست «کمیتهٔ آزادی فرانسه» باژنرال **ژیرو** شریك شد. درسال **۱۹۴۵** به اتفاق آراء به ریاست موقت جمهوری چهارم فرانسه انتخاب شد ودرسال **۱۹۴۶** استعفا کرد، درسال **۱۹۴۷** رهبرحزب جدید «اتحادمجددملت فرانسه» شد و پس ازشکست در انتخابات بلدی **۱۹۵۳** ،حزب رامنحل نمود وکناره گیری کرد .



پس ازشورش های الجزایر و دو دستگی ملت فرانسه برسراین مسئله، دوگل

به‌نخست‌وزیری انتخاب شد وقانون‌اساسی به پیروی ازافکار دوگل تغییر یافت. در سال ۱۹۵۹ ژنرال دوگل به‌عنوان‌رییس جمهور ، جمهوری پنجم شروع به‌کار کرد شخصیت ونفوذ فراوان وی ارتش را درسرکوبی‌شورش‌های‌نظامی وغیر نظامی درالجزایرمتحد ساخت .

وی درتسریع پیشرفت فرانسه در سلاح های اتمی‌کوشید ودرجامعهٔ اروپا و بازارمشترك وارد شد. چین‌کمونیست را به‌رسمیت‌شناخت وباآلمان غربی رابطهٔ نزديك برقرارنمود .

وی در پاییز ۱۹۶۳م ازکشورما دیدن کرد .

دول ، سنفردبلرد. Dole.

(۱۸۴۴_۱۹۲۶م)

سیاستمدارآمریکایی، نخستین رییس‌ـ جمهور هاوایی .

دولفوس ، انگلبرت. Dollfuss.

(۱۸۹۲_۱۹۳۴م)

صدراعظم اتریش، که پس ازرسیدن به‌این مقام ، وامی بین المللی‌که اتریش سخت‌بدان‌نیازمند بودگرفت، وتعهدکرد که استقلال اتریش را حفظ کند . یکسال بعدمجلس‌رابست‌وديكتاتورمآب حکومت کرد . وی باحزب ناسیونال سوسیالیست اتریش همکاری نکرد وسوسیالیست‌ها را باکمال شدت سرکوبی نمود . وی‌به‌دست نازی ها به‌قتل رسید .

دومر ، پول . Doumer

(۱۸۵۷_۱۹۳۲م)

سیاستمدار و رجل فرانسوی که در ۱۸۹۶ حاکم‌کل هندوچین ودر ۱۹۲۷ رییس‌سناودر۱۹۳۱رییس جمهورفرانسه بود. وی به‌دست یکی ازمهاجرین روسی که مبتلا به جنون بود به‌قتل رسید .

دومرگ ،گاستون . Doumergue

(۱۸۶۳_۱۹۳۷م)

سیاستمدارفرانسوی، درزمان‌سقوط دولت



دالایه نخست وزیر شد ، درچندکابینهٔ دیگر نیزوزیر بودودرسالهای بین ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۱ رییس جمهور فرانسه شد.

دوموریه ، شارل فرانسوا . Dumouriez .

(۱۷۳۹_۱۸۲۳م)

ژنرال‌فرانسوی‌درجنگ های‌اروپایی انقلاب فرانسه،



که از دموکراسی طرفداری کرد،ودرسال ۱۷۹۲ اتریشی ها را از بلژيك بیرون‌راند . در۱۷۹۳ درهلند تاخت وتازکرد. دراوایل همان سال به‌ـ اتریشی ها پیوست .

دیاس ، پورفیریو . Diaz.

(۱۸۳۰_۱۹۱۵م)

سیاستمدارمکزیکی ،که از ۱۸۷۶



تا ۱۹۱۱ رییس جمهور بود و در دورهٔ اوتودهٔ مردم درفشار وسختی‌معیشت و محرومیت بسرمیبردند.

دیسرایلی ، بنجه‌مین . Disraeli

(۱۸۰۴_۱۸۸۱م)

سیاستمدار ونویسندهٔ انگلیسی ،که مدتی دردارالوکاله‌ای‌کارکرد و سپس به



ادبیات پرداخت . در ۱۸۳۷ عضوپارلمان شد وچندی بعدبه‌عنوان رهبر حزب محافظه کار در پارلمان شناخته شد وسپس‌به‌وزارت دارایی‌رسید. درسال ۱۸۶۸ بـه‌نخست وزیری رسید ولی چند ماه بعد در انتخابات عمومی شکست خورد ودرسال ۱۸۷۴ باردیگر به نخست وزیری‌انتخاب شد. ازابتکارات دیزرایلی خرید سهام کانال سوئز از خدیومصر، و دیگر تاجگذاری ملکهٔ ویکتوریا به‌عنوان‌امپراطورهند، وتأسیس



شارل‌دوگل

حزب محافظه‌کار جدید بود.

دیکین ، آلفرد. Deakin

(۱۸۵۶_۱۹۱۹م)

از سیاستمداران استرالیایی ،که سه‌بار نخست وزیر شده است .

دیوکلسیانوس، گایوس‌اورلیوس‌والریوس Diocletien

(فوت۳۱۳ م)

امپراتور روم ازخاندانی‌گمنام بود ولی‌توانست خودرابه‌مقامات عالی‌برساند ورقبای‌خویش‌رامغلوب‌سازدو‌به‌امپراتوری رسد. وی‌کوشید که‌بیماریهای هرج‌ومرج نظامی را مداواکند ونظم امپراتوری را تجدید نماید.

دیویی ، توماس ادموند . Dewey , T.

(متولد ۱۹۰۲ م)

سیاستمدارآمریکایی،ازحزب‌جمهوری‌ـ خواه ، در انتخابات ۱۹۴۴ و ۱۹۴۸ نامزد ریاست جمهوری بود ولی توفیق نیافت.



دولفوس

راتناو ، والتر. Rathenav, V.

(۱۸۶۷_۱۹۲۲م)

سیاستمدار آلمانی ، کـه در سال ۱۹۲۲ به وزارت خارجه رسید . وی کوشش داشت‌که‌آلمان قروضی‌راکـه به علت خسارت جنگ به عهده گرفته بود به‌پردازد. راتناو یهودی بود وبه‌دست متعصبین میهن‌پرست‌کشته شد.

راجاگوپالاچاری ، چاکراوارتی. Rajagopalachari

(متولد۱۸۷۹م)

رهبرسیاسی هند، از دوستان‌نزديك گاندی بود.حق مسلمانان‌هند رابه‌داشتن مملکتی جداگانه قبول داشت. پس از جنگ جهانی‌دوم‌فرماندارکل‌هندگردید. در۱۹۵۸حزب‌محافظه‌کار آزادی‌راتأسیس نمود .



پول دومر

راداکریشنان ، سروپالی. Radhakrishnan, S .

(تولد ۱۸۸۸م)

سیاستمدار ، فیلسوف واستادهندی. تحصیلات‌خودرادرمدارس‌هندودانشگاههای انگلستان انجام‌داد.

در سالهای ۱۹۴۶_۱۹۵۲ استاد دانشگاه اکسفورد ، سفیر هنددرشوروی (۱۹۴۹ _۱۹۵۱)معاون‌رییس‌جمهوری هند(۱۹۶۲_۱۹۶۲)رییس‌جمهوری‌هند (۱۹۶۲ _ ۱۹۶۷)بوده است . ازآثار

اوست:
«فلسفهٔ تاگور (۱۹۱۸)، حکومت مذهب برفلسفهٔ معاصر (۱۹۲۰)، فلسفهٔ اوپانیشادها (۱۹۲۴، ۳۵)، فلسفهٔ هندی (دوجلد ۲۶ــ۱۹۲۳)، زندگی از نظر هندو (۱۹۳۲)، مذهب شرق و غرب (۱۹۳۴)، فلسفهٔ معاصر هند (۱۹۳۶)، مهاتما گاندی (۱۹۳۹)، مذهب شرقی و اندیشهٔ غربی (۱۹۳۰) هندوچین (۱۹۴۴)، تربیت، سیاست وجنگ (۱۹۴۴)، مذهب واجتماع (۱۹۴۷)، این صلح است؛ (۱۹۴۵)، رفاقت روح (۱۹۶۲).

راسپوتین، گریگوری. Raspoutin
(۱۹۱۶ــ۱۸۷۲ م)
شخصیت درباری نیکولای دوم و روحانی روسی. پیرو نظریه‌ای که رستگاری را ناشی از شور مذهبی آمیخته بالذات جنسی میدانست.
راسپوتین درپروف ازبلادتوبولسك متولد گردید وازسال ۱۹۰۷ که فرزند کوچك تزار راکه مبتلا به هموفیلی بود شفاداد، درتزارو ملکه نفوذ بسیاریافت. و در حالی‌که روسیه درگرداب جنگ جهانی اول غوطه میخورد خاندان سلطنتی مطیع اوامر وهوس‌های این مرد بهاصطلاح مقدس بودند. راسپوتین بهفسق وفجور ونادانی مشهور بود.
وی به‌وسیلهٔ عده‌ای ازنجیب‌زادگان روسی دریك کوشش میهن‌پرستانه، برای نجات روسیه زهرخورانده‌شدوچون اثری اززهر در او ظاهر نشد، توطئه‌گران متوحش شده و اورا باگلوله از پای در آوردند وجسدش را درمیان یخ‌های رود **نوا** انداختند.

راسك، دین Rusk, D.
(متولد ۱۹۰۹ م)
وزیر امور خارجهٔ ایالات متحده. وی دردانشگاه اکسفورد ومدرسهٔ حقوق دانشگاه کالیفورنیا تحصیل کرده است.
وی از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۱ رئیس بنیادفوردبود، همچنین درسالهای ۱۹۵۰ــ۱۹۵۲ مشاوروزیرخارجه درامور خاور دور بود و درسال ۱۹۶۱ تاکنون وزیر امور خارجه است.

راکینگهام، مارکوئس آو
Rochingham.
(۱۷۸۲ــ۱۷۳۰م)
سیاستمدار انگلیسی، که قانون تمبر را لغو کرد و برای آشتی باآمریکا که شش سیار نمود. وی در ۱۷۶۵ دولتی ائتلافی تشکیل داد که یکسال دوام داشت. در سال ۱۷۸۲ باردیگر نخست وزیرشدو قانون **پوینینگز** لغو گردید.

رامبو، آلفرد نیکولا
Rambaud, A.
(۱۹۰۵ــ۱۸۴۲م)
مورخ و سیاستمدار فرانسوی که در ۱۸۹۶ تا ۱۸۹۸ وزیر معارف بود. و در تاریخ دولت بیزانس و تاریخ روسیه مطالعات وسیعی داشت.

راموزیو، جامباتیستا. Ramusio
(۱۵۵۷ــ۱۴۸۵م)
نویسنده و سیاستمدار **ونیزی**، که در خدمت دولت **ونیز** مشاغل سیاسی داشت.

رگولوس، مارکوس آتیلیوس.
Regulus.
(وفات ۲۵۰ قم)
سردار رومی، که به سبب فداکاری واطاعت مقررات معروف است. وی در اولین جنگ‌های کارتاژی پیروز شد ولی در افریقا شکست خورد ودستگیر شد. گویند که برای صلح بارسولان کارتاژی به روم فرستاده‌شد ولی در آنجا سنای روم را بهادامهٔ جنگ تشویق کرد، وبه‌احترام قولی که داده بود به کارتاژ بازگشت، او را زندانی ساختند و ازشکنجهٔ بسیار درگذشت.

رلان Roland
سردار قشون شارلمانی، که بهسال ۷۷۸م درجنگی علیه کوهستانیان **باسك** کشته شد.
افسانه‌ها اورا برادرزادهٔ امپراتور شارلمانی وقهرمان جنگی عظیم ضد **مورها** معرفی میکنند، وی پس‌از شکست‌دادن دشمن کشته شد.

رمولوس Romulus
(قرن هشتم ق م)
پسر ایلیا یا رآسیلویا ومارس و برادر رموس است. وی طبق روایات مؤسس ونخستین پادشاه‌شهرروم (پایتخت روم قدیم و ایتالیا) است (گویند از ۷۵۳ تا ۷۱۵ قم. سلطنت کرده). وی برادر خود رموس‌را بکشت وطبق‌روایت براثر صاعقه‌ای درگذشت.

رنود، پول Reyneud
(متولد ۱۸۷۸ م)
وزیردارایی. ونخست وزیرفرانسه ویکی از متهمین دادرسی ریوم بود.
در ۱۹۴۵ از حبس آلمان‌ها خلاص شد و بار دیگر به سیاست پرداخت.

روآن، پرنس‌دو. Rohan
(۱۸۰۳ــ۱۷۳۴ م)
سیاستمدار و کاردینال فرانسوی،



که در سال ۱۷۷۹ اسقف اعظم استراسبورگ گردیدوچون بااتریش مخالف بود، منفورماری‌آنتوانت شد.

روبسپیر، ماکسیمیلین دو.
Robespierre, M.
(۱۷۹۴ــ۱۷۵۷م)
ملقب به فسادناپذیر، ازمعروفترین شخصیت‌های انقلاب فرانسه، که درپاریس تحصیل حقوق کردوسپس بهوکالت پرداخت. وی‌تحت تأثیر افکار ژان‌ژاك روسوقرار گرفت و خدا پرستی و دموکراسی جزء اصول عقایدش گردید. در ۱۷۸۹ در انجمن ژاکوبنها نفوذ یافت و در مجلس



مبعوثان عضو شد. و در مجلس کنوانسیون نیز از نمایندگان پاریس بود. در۱۷۹۳ به عضویت کمیتهٔ بزرگ انتخاب شد وبعداز آن سخنگوی انقلاب فرانسه گردید وی نظریهٔ «وجود برترین» راکه نوعی خداپرستی‌بوده وبه‌آن عقیده داشت مذهب رسمی کشور اعلام کرد و این امر برعدهٔ مخالفین وی افزود. روز بعدازسخنرانی او درکنوانسیون درباب تصفیهٔ نمایندگان توقیف شد وروز بعدآن باگیوتین اعدامش کردند.
روبسپیر مردی‌متعصب وپرهیزگار وبهقولی جاه‌طلب و مستبد بود.

روخاس، مانوئل Roxas
(۱۹۴۸ــ۱۷۹۲م)
سیاستمدار فیلیپینی، اولین‌رییس

جمهور، جمهوری فیلیپین.

رودس، سیسیل Rhodes, C.
(۱۸۵۳ـ ۱۹۰۲م)
سیاستمدار انگلیسی که ظاهراً برای کسب سلامتی و باطناً برای اجرای بعضی نقشه‌های سیاسی به‌جنوب افریقا رفت و الحاق پاره‌ای از قسمت قارهٔ مزبور به امپراتوری انگلیس را فراهم کرد.
از نقشه‌های او بود که خط راه‌آهن طویلی ازافریقای جنوبی تاقاهره کشیده شود. این پروژه تا اندازه‌ای به‌مرحله اجرا درآمد. سیسیل مدتی هم نخست‌وزیر مستعمرهٔ «کپ» واقع در جنوب افریقا بود. وی سرمایه‌دار بزرگی بود، وثروت خود را وقف امور عام‌المنفعه کرد.

روزولت، فرانکلین.
رؤسای جمهورآمریکا را به‌بینید.

روزولت، تئودور،
رؤسای جمهورآمریکارا به بینید.

روکا، ژولیو، آرژانتینو.
Roca, J, A.
(۱۸۴۳ـ۱۹۱۴م)
سیاستمدار آرژانتینی، که در دورهٔ شش‌ساله رییس‌جمهور آرژانتین بود. و درزمان وی کشور آرژانتین رونق‌وتوسعه یافت.

روم، ارنست Rohm, E.
(۱۸۸۷ـ۱۹۳۴م)
سپاهی آلمانی از رهبران حزب ناسیونال سوسیالیست ویاران هیتلر. وی فرماندهٔ پیراهن سیاهان بود (از۱۹۳۱) رهبری قیام نازی را در باویر به‌دست گرفت (۱۹۳۳) وبه‌وزارت‌کشور باویر منصوب‌گشت. در تصفیهٔ ۱۹۳۴ به‌قتل رسید.

رومل، اروین. Rommel
(۱۸۹۱ـ۱۹۴۴م)
فیلدمارشال آلمانی، که در جنگ جهانی اول در ارتش خدمت کرد.
پس ازآن عضو حزب ناسیونال سوسیالیست گردید. در سال ۱۹۳۳ آجودان مخصوص‌هیتلر شد. درسال‌های ۱۹۴۱ تا۱۹۴۳ فرماندهٔ‌جنگ صحرایی افریقای شمالی بود. در۱۹۴۴ فرمانده نیروهای‌آلمان درفرانسهٔ شمالی بود. دربارهٔ مرگ‌وی گویند. به عنوان‌شرکت در توطئه‌ای به‌قصدجان هیتلرمجبورش ساختند که خودرا مسموم کند، و عده‌ای دیگر معتقدند که وی در اثر جراحات ناشی از یك بمباران هوایی درگذشت. رومل به علت جنگ‌هایی که‌درصحراهای افریقا کرد به روباه صحرا معروف است.

ریبن‌تروپ، ژاکیم‌وان.
Ribbentrop, J,V.
(۱۸۹۳ ـ ۱۹۴۶ م)
سیاستمدارآلمانی، وزیرامورخارجهٔ آلمان درزمان هیتلر، که دردادگاه نورنبرگ محکوم به‌مرگ شد.

ریشیلیو، آرمان ژان دوپلسی.
Richellieu,
(۱۵۸۵ ـ ۱۶۴۲ م)
از بزرگترین سیاستمداران فرانسه که‌کشیش لوسون، خطیب دینی، کاردینال ونخست وزیر بود. وی‌بنیان‌گزارحکومت استبدادی فرانسه بود. درسال ۱۶۲۴ وزیر لویی سیزدهم شد. اشراف بزرگ سرکش راسرکوبی‌کرد وتجارت باکانادا وهند راتشویق نمود. وی مؤسس آکادمی فرانسه است.

ریکوف، آلکسی ایوانوویچ.
Rykov, A. I.
(۱۸۸۱ ـ ۱۹۳۸ م)
ازدستیاران لنین‌که‌بعدازوی‌نخست وزیرشد وبه سبب مخالفت با برنامه‌های استالین، متهم به‌انحراف‌به‌راست گردید وی به عنوان خیانت‌محاکمه واعدام گردید.



زاپاتا، امیلیانو. Zapata
(۱۸۷۹ ـ ۱۹۱۹ م)
انقلابی مکزیکی وقهرمان تقسیم‌اراضی، درسال ۱۹۱۰ قیام‌کرد وباشعار زمین‌وآزادی، اسلحه به‌دست‌گرفت وبه‌تصرف‌اراضی‌پرداخت. درسال‌های۱۹۱۴ تا۱۹۱۵ نیروهای وی‌سه‌بارشهرمکزیکو را اشغال‌کردند. زاپاتا سرانجام توسط مأمورین ورهبر مکزیك کشته شد.

زایمیس، آلکساندر. Zaimis
(۱۸۵۵ ـ ۱۹۲۶ م)
سیاستمداریونان‌که هفت‌بارنخست وزیرشدودر سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۵ رییس جمهور یونان بود. در دورهٔ او میان جمهوری‌خواهان‌وسلطنت‌طلبان‌کشمکش بود زایمیس دروین، درتبعید درگذشت.





سیسیل‌رودس

زرقاء.
دختر**عدی** یکی‌ازدلیران‌عرب. وی درواقعهٔ‌صفین باگروهی‌اززنان عرب‌حضور داشت‌وآنان‌صفوف‌مردان‌رامرتب میکردند وایشان را برضدمعاویه برمی‌انگیختند.

زغلول پاشا، سعد.
(۱۸۵۰ ـ ۱۹۲۷ م)
رجل سیاسی ورهبرآزادیخواهان و استقلال طلبان مصر که علیه استعمار و نفوذ انگلستان‌کوشید وبارها تبعید شد. حزب وفدکه زغلول تأسیس‌کرد پشتیبان وی بود. در سال ۱۹۳۴ طی انتخابات مجلس، اکثریت نصیب حزب وفدگردید وزغلول‌به‌ریاست‌الوزرایی‌منصوب‌شدوبه‌انگلستان سفرکرد تاآن‌کشور را وادار به قبول استقلال مصر کند ولی‌نتیجه‌ای نگرفت وپس ازبازگشت ازریاست‌دولت استعفاء دادولی‌تاپایان‌عمردست‌ازمبارزه درراه هدف خودنکشید. وی درسال‌آخر عمرش رییس مجلس مصربود.



مارشال رومل

زنوبیا Zenobia
زنان سیاستمدار را به بینید.



ریبن تروپ

زوغو، احمد Zogu
(۱۸۹۵ـ۱۹۶۱ م)
درسال‌های۱۹۲۲ تا۱۹۲۴ نخست‌وزیر آلبانی بود ودر ۱۹۲۵ رییس‌جمهور شد وبا استبداد حکومت کرد. ودرسال۱۹۲۸خود راشاه‌اعلام‌کرد. وی به‌سال ۱۰۴۶ ازسلطنت خلع‌گردید.

زیاد. (وفات ۵۳ ه ق)
وی بنام زیادبن ابیه وزیادبن‌سمیه و زیادبن‌عمیه‌معروف است وسبب‌آنستکه پدروی به‌درستی معلوم نیست. مادرش کنیزی بود که مالکش او را به غلامی بخشید.
وی مردی‌باهوش وفصیح‌بارآمدابوموسی اشعری او را در کار دیوان وارد کرد.
در زمان حضرت‌علی(ع)حاکم‌فارس

بود . معاویه ویرا به برادری قبول و به‌خود نزدیک کرد .

« داستان زنای پدر معاویه بامادر زیاد ورد زبانها و معروف است» وحکومت بصره (۴۱) و سپس کوفه (۵۰) ومکه را (۵۳) به‌اوداد. پسر وی عبیدالله حاکم کوفه وازقاتلین امام‌حسین(ع)است .

ژاندارك Jannd, Arc

(۱۴۱۲ ــ ۱۴۳۱ م)

قهرمان ملی فرانسه، در **دومری** پای به عرصهٔ وجود گذاشت او دختری متدین بود گویندکه ازکودکی ازعالم غیب می‌شنیدکه باید برای‌آزادی‌فرانسه ویاری**دوفن**برخیزد. وی درسال ۱۴۲۹ لباس مردانه پوشید ودوفن رادر**شینون** ملاقات کرد . مدتی بعد سپاهی به‌وی‌داده شد ودراندك مدتی**اورلئان** راازمحاصره درآورد . وی نزدانگلیسی‌ها ، ملقب به‌دوشیزهٔ اورلئان است . وی شارل را برانگیخت که به‌سوی **رنس** پیش رود ، شارل دررنس تاجگذاری کرد . ژاندارك قصدتسخیر پاریس را داشت ولی بعداز آنکه درنبردی مجروح گردید، به‌امرشاه ازحمله جلوگیری شد . وی به‌علت‌خیانت عده‌ای‌ازاطرافیانش، به‌دست بورگینیون‌ها افتاد و به انگلیسی‌ها فروخته شد . آنان وی را درکلیسایی محاکمه کردند . ژاندارك باکمال‌شجاعت ازخود دفاع کرد. اما دادگاه اورا به‌فساد عقیده متهم کرده واو رابه زنده سوزاندن محکومش کرد، واو را درمیدان **بومارشه**سوزانیدند. در ۱۴۵۶ درمحاکمهٔ وی تجدید نظربه‌عمل ومقام وحیثیت او اعاده شد.

ژان ،کامل. John

(۱۴۵۵ــ۱۴۹۵م)

سیاستمدار با تدبیرپرتغالی ،که در سال های ۱۴۸۱ تا ۱۴۹۵ شاه پرتغال بود . وی اشراف شورشی را اعدام نمود وقدرت آنها را درهم شکست .

ژرس ، بنیامین Jaures, B.

(۱۸۲۳ــ۱۸۸۹م)

دریاسالار فرانسوی **ژان‌لئون** پسر عموی دریاسالارمذکور میباشد.



وی‌سیاستمدار وناطق‌وروزنامه نویسی معروف بودو ازسران‌حزب سوسیالسیت فرانسه به‌شمار میرفت. روزنامهٔ اومانیته(بشریت) وفرقهٔ سوسیالیستهای متحد را او تأسیس کرد ودر آغازجنگ جهانگیر اول ترور شد .

ژوئن ، مارشال‌آلفونس Juin, A.

(متولد ۱۸۸۸م)



مارشال فرانسوی ، سال ۱۹۱۲م از **سن سیر** فارغ‌التحصیل شد. اولین مأموریت‌او در مراکش بود،شایستگی اوموجب‌شد که درمدت کوتاهی به مارشالی برسد . درجنگهای متعددی‌شرکت جسته دریکی از جنگها (سال۱۹۱۵ میلادی) بازوی‌راستش مجروح شد وازکارافتاد.

ژرمانیکوس Germanicus

(مقتول ۱۹ م)

سردار رومی‌ازخاندان (اوگوست) پسر ارشد **دروسوس** پدرآگریپین وپدر بزرگ نرون . وی معاصر اردوان سوم اشکانی بوده در سال ۱۸ م به فرمان عم خود قیصر روم به فرماندهی‌آسیای‌رومی (ازداردانل‌تافرات)گماشته شد، به‌لقب ژرمانیکوس، فاتح ژرمنها، ملقب گردید. وی مردی دلیرومؤدب ومحبوب‌بود و رفتاری نجیبانه داشت ، ولی**تیبریوس** باطناً بااومخالفت‌می‌ورزیدوپیزون،والی سوریه را مأمورکشتن اوکرد و او ژرمانیکوس رامسموم ساخت .

ژنه ، ادمون شارل ادوار . Genét

(۱۷۶۳ــ۱۸۳۴م)

سیاستمدار فرانسوی‌که در ۱۷۶۳ وزیر مختارفرانسه درآمریکاگردید. وی ازطرفداران انقلاب فرانسه بود .

ژوفر ، ژوزف ژاك . Joffre

(۱۸۵۲ــ۱۹۳۱ م)

مارشال فرانسوی ، در ریوز متولد گردید . درجنگ جهانی اول، فرمانده کل قوای فرانسه ، ودرسال ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۸ رییس شورای‌جنگی متفقین‌بود. وی فاتح نبرد اول مارن درسال ۱۹۱۴ میباشد .

ژوسران، ژان ژول. Jusserand

(۱۸۵۵ــ۱۹۳۲ م)

نویسنده وسیاستمدار فرانسوی ،که درقسطنطنیه،کپنهاك ولندن دارای‌مشاغل سیاسی بود . وی درسال‌های ۱۹۰۲ تا ۱۹۲۵ سفیرکبیرفرانسه درآمریکا بود.

ژیژکا، یان.

(۱۳۶۰ــ۱۴۲۴ م)

قهرمان‌ملی‌چك که‌ازخانوادهٔ‌شوالیه‌های بی چیز بود که در رأس جنگهای (هوسیت‌ها) قرارگرفت. درسال ۱۴۱۰ درجنگ چك‌ها علیه شوالیه‌های آلمانی در**گرینوالد**ودر۱۴۱۵ درنبرد**آزن‌کور** شرکت کرد . در ۱۴۱۹ سپاه ملی راکه «تابودیت»ها نیروی‌اصلی‌آن‌بودندرهبری میکرد و سه اردوکشی صلیبی را که از جانب پاپ روم تقویت میشد شکست‌داد . یان‌ژیژکا دراکتبر ۱۴۲۴ به‌مرض‌طاعون درگذشت .

سارای، موریس . Sarail, M.

(۱۸۵۶ــ۱۹۲۹م)

سردار فرانسوی درسال ۱۹۱۴ در مارن باسمت فرماندهی‌ارتش سوم‌فرانسه سهم مهمی داشت. در۱۹۱۵ به‌فرماندهی سپاه خاوردرجنگ **سالونیك** شرکت کرد وبه‌سال ۱۹۲۴عنوان‌کمیسرعالی فرانسه را درسوریه یافت .

ساکس ، موریس الکتورد Saxe,M,E.

(۱۵۲۱ــ۱۵۵۳م)

سردار فرانسوی نخست درزمرهٔ سرداران شارل‌کن بود ولی بعد جزو مخالفان اوشد .

ساکس موریس، کنت دو Sax, M,C.
(۱۶۹۶ـ۱۷۵۰م)

مشهور به مارشال ساکس، سردار بزرگ فرانسوی جد **ژرژسان** است.

ساگاستا، پراکسدس ماتئو. Sagasta
(۱۸۲۵ ــ ۱۹۰۳م)



سیاستمدار اسپانیولی، واز رهبران حزب **مترقی** بود.درسال **۱۸۸۰** حزب آزادیخواه به رهبری‌او تأسیس شد واز **۱۸۷۱** تا **۱۹۰۲** پنج بارنخست وزیرشد به کوبا خودمختاری‌اعطا کرد.عموماًاورادرخارج شدن کوبااز تصرف اسپانیا مقصرمیدانند.

سامی، محمود. بارودی.
بارودی‌را به‌بینید.

سانتاآنا Santa Anna
(۱۷۹۴ـ۱۸۷۶م)



سردار و سیاستمدار مکزیکی،که چهار بار رییس‌جمهور مکزیك‌شدو مسلك‌سیاسی مشخصی‌نداشت اوبودکه چند ایالت‌مهمرا درمقابل ۱۵ میلیون‌دولار به‌ایالات‌متحده داد.

سایکس، سرپرسی مولسورث.
Sykes, P, M.
(فوت ۱۹۴۵ م)

ژنرال انگلیسی درسال **۱۸۹۲** با درجهٔ سروانی در هنگ دوم نیزه داراز هنگهای ارتش هندوستان‌خدمت‌میکرده و ازهمان تاریخ‌به‌یادگرفتن زبان‌فارسی مشغول واز طرف دولت انگلیس به‌ایران عازم شد و بعد به‌زبان فارسی‌تسلط پیدا کرد. درسال**۱۸۹۴** کنسولگری‌انگلیس را درکرمان تأسیس کرددرسال**۱۷۹۴** هنگام انعقادکمیسیون سرحدی‌کلات در هیئت‌نمایندگی‌انگلیس که‌به‌ریاست‌سرهنگ **تامس‌هلدیچ** به ایران‌آمد‌ندشرکت‌نمود. در فوریهٔ **۱۸۹۷** که ابوالقاسم خان‌ــ **ناصرالملك** برای‌اعلام‌سلطنت‌مظفرالدین شاه به‌انگلستان رفت مأمور پذیرایی او بود.

درسال**۱۸۹۸** مأمورافتتاح‌کنسولگری درسیستان شد و درسال **۱۹۰۱** برای شرکت در جنگهای ترانسوال به‌افریقا رفت. از **۱۹۰۵** تا **۱۹۱۳** سرکنسول انگلیس در خراسان بود. در **۱۹۱۵** سرکنسول ترکستان چین گردید. مدتی به‌فرماندهی پلیس جنوب‌ایران که‌مرکب از یازده هزار سوار وپیاده بودمنصوب شد وتا سال **۱۹۱۸** درایران بودوسپس برای‌گذراندن دورهٔ بازنشستگی‌به‌لندن رفت وبه‌سمت‌منشی‌افتخاری‌انجمن‌آسیای مرکزی انتخاب شد.

در**۷۸** سالگی درلندن‌درگذشت. از تألیفات اوست:

۱ــ «ده‌هزار میل درایران» که در سال **۱۹۰۲** در لندن ترجمه شده.

۲ــ «تاریخ‌کرمان» که به وسیلهٔ نصرالله خان نواب شیرازی مترجم کنسولگری‌انگلیس‌درکرمان ترجمه‌شده ودرسال **۱۳۲۲** قمری درکرمان‌به‌چاپ رسیده.

۳ــ «تاریخ مختصر ایران» که‌آن نیز به‌فارسی‌ترجمه ودرسال **۱۳۱۲**هش. دراصفهان به‌طبع رسیده.

۴ــ «تاریخ مفصل ایران» در دو جلدکه توسط فخرداعی به‌فارسی‌ترجمه وبچاپ‌رسیده.تألیفات‌دیگروی‌که به‌فارسی ترجمه نشده عبارتنداز:

«کشاورزی در خراسان» «تاریخ افغانستان» و «افتخار عالم تشیع»، «تاریخ‌اکتشافات‌عالم» و «واحات‌وصحاری آسیای مرکزی». «فرهنگ معین»

سپتیمیوس، اذینهٔ‌بن‌حیران.

از خاندان معروف **تدمیر**که از طرفداران حکومت روم بود.

سپتیمیوس حیران.

از خاندان اذینهٔ تدمیرکه مدتها درقرن سوم میلادی امیرتدمیربود.

سپتیموس‌سوروس. Septime Severe
(فوت ۲۱۱ م)

امپراتور روم قدیم دردورهٔ اووضع حکومت رومتغییر کردومنحصراً به‌صورت نظامی‌اداره‌میشد.امپراتورتنها به‌قشون‌متکی بود، به‌طوری‌که در بستر مرگ به‌فرزند خود وصیت کرد که سربازان را غنی سازید، تا درکارها موفق باشید. وی مردی بود قوی‌الاراده و نیکو حکومت میکرد. در عهد او قوانین نیك وضع شد.

او معاصر **بلاش‌چهارم** اشکانی بود، و بین آنها جنگی درگرفت و رومیان حتی داخل تیسفون شدند وآن را به‌باد غارت دادند، ولی شهرالحضر مقاومت سختی‌کرد و ارابه‌های جنگی روم را به وسیلهٔ‌آتش محترق ساخت وامپراتور مجبور شد از تسخیرآن صرف‌نظرکند.

سزار،ژولیوس. Cesar, J.
(۱۰۰ ـ۴۴ قم)



دوران‌جوانی را در زد و خوردهای فرقه‌های سیاسی روم گذرانید. **سولا**دیکتاتور اشراف‌منش روم، به‌او امرکرد که همسرش را طلاق‌دهد. سزار از اجرای امر او خودداری نمود، اماaز ترس‌جانش به آسیای صغیر گریخت‌وپس‌ازشنیدن‌خبردرگذشت سولا به‌روم بازگشت‌وداخل صحنهٔ‌سیاست شد و وقتی دیدکه در این رشته‌کاری از پیش نمیبرد به ادامهٔ‌تحصیلاتش‌پرداخت چندی بعد به‌روم مراجعت‌کردو ازآنجا به‌اسپانیاسفرکرد. مدتی‌بعدبه‌ساحل رود تیبربازگشت و با پومپه وکراسوس‌اتحاد سه‌گانه‌ای‌تشکیل‌دادندکه‌زمام‌کلیهٔ امور روم را در دست‌گرفتند. وی مدت هفت سال به قصد تسخیراروپای‌غربی‌جنگید. سزارمدتها به‌عنوان‌فرماندارروم فرمان میراند تا به دست کاسیوس و پروتوس به قتل رسید.

ماجرای عشق‌او نسبت به‌کلئوپاترا ملکهٔ‌نیل شهرت به‌سزا دارد.

۶۰۶

سلیمان پاشا Suleyman Pacha

(۱۸۴۰ – ۱۸۸۳ م)

از ژنرالهای ترکیه که موجدارتش نوین درآن کشور بود.



سلیمان‌پاشا

سن لوران، لویی استفن. Saint Laurent.

(متولد۱۸۸۲م)

از رجال کانادا ،که به وزارت دادگستری ووزارت امورخارجه رسید و درسال **۱۹۴۸** نخست وزیرشد.باردیگر درسال **۱۹۵۳** به‌این‌سمت انتخاب گردید.

سن‌یاتسن sun-yat – sen.

(۱۸۶۶ – ۱۹۲۵م)



سیاستمدار چینی‌مؤسس ومحرك انقلاب **۱۹۱۱**،در کشور چین بود و در **۱۹۱۷** هفت ایالت‌چین‌جنوبی‌رادراداره‌واختیارداشت و**۱۹۲۱** به‌ریاست جمهوری چین رسید .

سوبیسکی، ژان سوم Sobieski, J.

(۱۶۲۹ – ۱۶۹۶م)

پادشاه‌لهستان‌از۱۶۸۳ تا۱۶۹۶م. و یکی ازدلاوران لهستان که‌ترکان را مغلوب وشهر **وینه** را ازمحاصرهٔ آنان خارج کرد.

سوردروپ ،ژون. Sverdrup.

(۱۸۱۶-۱۸۹۲م)

از رجال نروژ، که‌درسال‌های**۱۸۸۴** تا **۱۸۸۹** نخست‌وزیر بود،

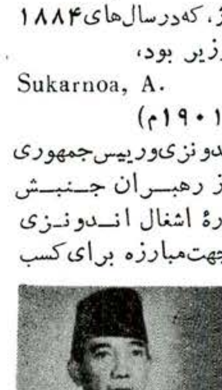


سونینو

سوکارنو، احمد Sukarnoa, A.

(تولد۱۹۰۱م)

سیاستمداراندونزی‌وریس‌جمهوری آن کشور که از رهبران جنبش ملی بود ، و دردورهٔ اشغال اندونزی به‌وسیلهٔ‌ژاپنی‌ها، جهت‌مبارزه برای‌کسب



استقلال اندونزی‌با آنهاهمکاری کرد . تاکنون چند بار بجان سوکارنوسوء قصد شده است اکنون ازکاربرکنارشده وتحت نظراست .

سولی، ماکسیمیلین Sully, M.

(۱۵۵۹ – ۱۶۴۱م)

سیاستمدار پروتستان فرانسوی وزیرودوست‌هانری چهارم پادشاه‌فرانسه مردی دلیر ونیکخو وکارآمد بود . بعد از جنگهایی‌که دررکاب هانری چهارم کرد، مشاور ووزیر اوگردید، مالیه را با اقتصاد اداره کرد ، وکشاورزی را



حمایت‌نمود درکشور . جاده‌ها و قنوات احداث و توپخانه‌ای ایجادکرد، بودجه‌ای به وجود آورد و مالیات را انتظام بخشید . وی‌کتابی قابل توجه به‌نام **اقتصادیات‌ شاهی** تألیف کرده‌است .

سوموسا ، آناستاسیو. Somoza.

(۱۸۹۶-۱۹۵۶م)

رییس‌جمهور نیکاراگوئه ،که‌پس‌از خاتمهٔ مداخلات نظامی‌کشورآمریکا در نیکاراگوئه ، قدرت یافت.امابه‌جان وی سوء قصدشد و۸روزپس ازسوءقصدجان‌ سپرد .

سونك‌گرام Songgram.

پیبول رابه‌بینید .

سونینو ، بارونه‌سیدنی Sonino

(۱۸۴۷-۱۹۲۲م)

اقتصاددان وسیاستمدار ایتالیایی ، وی درجنگ‌جهانی اول وزیرخارجه‌بود. همچنین سمت وزارت دارایی ونخست‌ وزیری نیز داشته است .

سیسرون Ciceron.

(۱۰۶ – ۴۳ق م)

سیاستمدار وخطیب بزرگ روم، از خطبای‌بزرگ‌سنای‌روم بود‌که‌خطابه‌های اونشانهٔ‌کاملی از تسلط اوبه‌زبان وادبیات لاتین است وهم‌اوفلسفهٔ لاتین رابه‌جهان معرفی می‌کند و نزدیك به‌صد خطابه ازاوبه‌جا مانده است‌وی‌تاپایان حکومت قیصردوم، با احترام تمام زندگی‌کرد و قبر ارشمیدس راکشف ومرمت‌کرد. رسالهٔ‌فلسفی اوبه‌نام«ماهیت‌خدایان» بهترین سنددانش‌آن روزاست.

سیسیانوف

(۱۷۵۴-۱۸۰۶م)

سردار روسی وحاکم‌قفقاز،که در زمان فتحعلیشاه‌گنجه وایروان وقراباغ را متصرف شد ولی درسال**۱۲۱۹**هجری قمری شکست خورده‌درباکوبه‌قتل‌رسید.

سیلا ، لوسیوس‌کرنلیوس Sulla

(۱۳۸-۷۸ق م)

معروف به‌سیلا دیکتاتور روم‌قدیم معاون ماریوس بود ، ولی بعد در ردیف رقیبان او درآمد . سیلا مردی شجاع و مکاربود وبه‌همین‌جهت اورا«شیرروباه» لقب داده بودند . در۸۸ق‌م . عضو سنا گردید وویرا مأمور فتح آسیا کردند . سیلا برای دفع دشمنی چون مهرداد (میتریدات) پادشاه نپتوس (پنت) عازم آسیا شد و اوراشکست داد وغنایم‌بسیار به‌دست‌آوردوبه‌ایتالیا بازگشت(۸۴ق‌م.) سیلا پس‌ازکوشش‌بسیاردر۷۹ق‌م.مستعفی گردید ونزدیك ناپل به‌عیاشی و خوش‌ گذرانی ونوشتن یادداشتهای خودمشغول شد وسال بعد در**۶۰**سالگی درگذشت .

سین‌جن، هانری. Saint John

(۱۶۷۸ – ۱۷۵۱م)

سیاستمدار انگلیس‌که مدت **۴** سال وزیر جنگ بود و دردولت **هارلی**‌وزیر خارجه شد ، درپایان‌عمر به‌علت‌مخالفت ویگها و اخراج‌آنها ازارتش و گماشتن **توریها** به‌جای‌آنها ،اختلاف عجیبی‌ایجاد کردکه بامرگ پادشاه وروی کارآمدن **جرج اول** ازکاربرکنار شد و به‌فرانسه گریخت و مجلس اورا از تمام حقوق اجتماعی محروم‌کرد . ولی پس‌ازچندی به هرصورت به‌کشور بازگشت و رهبری مخالفین را به‌عهده‌گرفت **ولی** نتیجه‌ای به‌دست‌نیاورد ، لذا درملك شخصی باقی عمر راگذرانید .

شائول .

ابن‌قیس از سبط‌بن یامین اولین پادشاه اسراییل‌که‌درنیمهٔ‌دوم‌قرن**۱۱**ق‌م. حکومت‌داشت . وی‌به‌توسط‌سموییل‌بدین سمت انتخاب شد وقلمرو خودرابسطداد با فلسطینیان جنگید . پس ازاو داود جانشینش گردید.

شابان – دلماس Chaban-Delmas

(تولد ۱۹۱۵م)

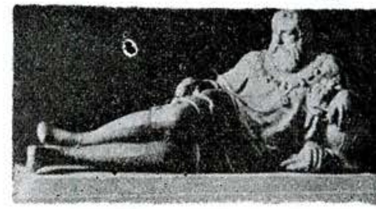
سیاستمدار فرانسوی که در سال **۱۹۵۸**م . ریاست مجلس شورای ملی

فرانسه راداشت .

شابو، فیلیپ‌دو Chabot, ph.

(۱۴۸۰–۱۵۴۳م)

دریا سالار فرانسوی از جانب فرانسوای اول به‌حکومت بورگونی رسید ودرسال ۱۵۳۵م . پیه‌مون را به‌تصرف درآورد . قبروی(که درموزهٔ لووراست) حجاری‌مهمی داردکه به دست هنرمندی ناشناس‌ساخته شده است .



شارل‌مارتل . Charles,martel.

(۶۸۸ – ۷۴۱م)

پسر **پپن‌دوریستال** دارای‌اختیارات سلطنتی بود ودرسال ۷۳۲م. در **پوآتیه** تازیان راکه‌تحت فرماندهی **عبدالرحمن** بودندشکستی‌سخت‌دادودر نتیجه مسیحیان را نجات بخشید .

شاپوشنیکف ، بوریس . Chapochnikov. B.

(۱۸۸۲ – ۱۹۴۵م)

مارشال شوروی از صاحب منصبان قدیمی تزاری بود وبه‌ریاست‌ستاد ارتش سرخ منصوب‌شد (از ۱۹۳۷ تا۱۹۴۲م) وسپس مشاور نظامی استالین گردید.

شارل چهارم ، ژان .

برنادوت ژان.رابه‌بینید .

شارلوت‌الیزابت دوباویر.

Charlotte Elisabeth de Baviere

زنان سیاسی‌را به‌بینید .

شازار ، زالمان Shazar, z.

(متولد ۱۸۹۰م)



رییس جمهوری اسراییل . در روسیه به‌دنیا آمد. در آکادمی مطالعات یهودی‌پطرزبورگ و دانشگاههای برلین ، فرایبورگ‌واشتراسبورگ‌تحصیل کرد.در ۱۹۲۴ به فلسطین رفت وزیر فرهنگ (۱۹۴۹–۱۹۵۰) و رییس جمهوری اسراییل (۱۹۶۳)شد .

شاسلولوبا ، مارکی فرانسوا .

Chasseloup_Lauba.

(۱۷۵۴ – ۱۸۳۳م)

ژنرال و مهندس فرانسوی در سال ۱۸۰۷م.فرماندهی‌عملیات‌نظامی‌محاصرهٔ دانتزیك رابه‌عهده داشت .

شارنهورست ، ژرارد .

Scharnhorst,G.

(۱۷۵۵–۱۸۱۳م)

ژنرال پروسی پس ازنبرد **تیلیست** سازمان قشون پروس‌راتجدیدکرد.

شامل ، شیخ.

(۱۲۱۰ – ۱۲۸۶ ق)

میهن‌پرست‌قفقازی‌ازمردم‌داغستان. وی رییس‌فرقهٔ نقشبندیه بود(از۱۲۴۸) پس ازبیست‌سال نبرد با سپاهیان روسیهٔ تزاری، که ازکمترین کمك دولت ایران برخوردارنبود . سرانجام شکست خورد (۱۲۸۱)ناچار به ترك دیارش‌شد و در مدینه درگذشت .

شامپانیی، کنت‌ژان باتیست.

Champagny,C,J,N.

(۱۷۵۶ – ۱۸۳۴م)



سیاستمدار فرانسوی‌که مدت‌مدیدی وزیرروابط خارجی و مشاور ناپلئون‌اول بود .

شوشنیگ، کورت ادواردفن .

Schuschnigg, K,E,V.

(متولد ۱۸۹۷م)



سیاستمدار اتریشی صدراعظم اتریش که به‌دستورهیتلر زندانی گردید (۱۹۳۸م) و کشور اتریش ضمیمهٔ آلمان شد.

شوماکر ،کورت. Schumacher, K.

(۱۸۹۶– ۱۹۵۲ م)



از سیاستمداران‌آلمان .

شومان ، ربرت Schuman, R.

(تولد ۱۸۸۶ م)



سیاستمدار فرانسوی ، که چندین بار به مقام نخست‌وزیری رسیده‌ومبتکر طرح‌همکاری اقتصادی اروپا است.

شومبرگ ، گاسپاردو.

Schomberg , G .

(۱۵۴۰– ۱۵۹۹ م)

فرماندهٔ‌آلمانی ، در خدمت دولت فرانسه برادرش‌ژرژ، ندیم ،مقرب هانری سوم . وی در دوئل‌کشته شد (۱۵۷۸م) هانری ، پسرگاسپارد ، مارشال فرانسه بود .

شومبرگ ، آرمان فردریك

Sehomberg , A , F.

(۱۶۱۵–۱۶۹۰م)

یکی از مشهورترین ژنرالهای‌قرن ۱۷ م.ازسال۱۶۶۰ به‌خدمت‌دولت‌فرانسه داخل شد ودر جنگ **بوین** در ایرلند ، درصف لشکریان پروتستان‌ویلهلم سوم ، کشته‌گردید .

شیشکلی .

(تولد ۱۹۰ م)

از سیاستمداران سوریه ،که به‌سال ۱۹۴۹ درجبههٔ‌فلسطین باارتش‌اسراییل جنگید،شیشکلی درسال۱۹۵۳ به‌ریاست جمهوری سوریه رسید و یك سال در این مقام بود.



شارل‌چهارم



شانهورست

شی‌هوانگ Shi–huang
(قرن سوم میلادی)
امپراتورچین . وی مؤسس بنای دیوار چین است .

صفوت پاشا.
(۱۲۳۰ - ۱۳۰۱ ه ق)
از رجال ترک ، در دورهٔ سلطان عبدالحمید پاشا عثمانی، که در سن **۱۷** سالگی منشی دیوان ، ودر**۱۹** سالگی به مقام مترجمی باب عالی رسید ، در سال **۱۲۷۲** مستشار صدراعظم شد و سال بعد درکمیسیون اقتصادی اروپاعضویت یافت. درسال **۱۲۷۵** عضو مجلس تنظیمات و وکالت ووزارت‌خارجه گردیدوسپس‌وزیر تجارت شد.
درسال **۱۲۷۹** ریاست مجلس والا را یافت. و درسال **۱۲۸۱** سفیر پاریس نیز بود. درسال **۱۲۸۴** وزیر معارف و وکالت وتجارت‌بود ودرسال**۱۲۹۵**رییس دولت شد .


عبدالسلام‌عارف

صفیه خاتون.
(۵۸۱–۵۴۰ ه ق)
زنان سیاسی را به بینید.

ضحاك ، ابن‌قیس.
(۵–۶۵ ه ق)
معروف به ابولیس‌یا ابوامیه، چون **زیاد** درگذشت ، معاویه ضحاك را عامل کوفه‌کرد (۵۳ه ق.) . چون عبیدالله بن زبیر به‌عراق‌وحجاز ویمن وشام مسلط شد و مردم خلافت‌اورا نپذیرفتند، وی‌ضحاك را در شام جانشین خود کرد . مروان درشام بنی‌امیه را جمع‌آورد وایشان با او به‌خلافت بیعت کردند، لیکن عده‌ای‌از لشکریان با ضحاك بن قیس همداستان شدند و از قبول خلافت مروان سرباز زدند . بنی‌امیه وطرفداران‌ابن زبیر در محلی‌ازدمشق‌جنگی‌بزرگ‌کردند و فتح نصیب مروان و بنی امیه شد وضحاك به قتل رسید. ضحاك قصر**خورنق**‌را اصلاح و ترمیم‌کرد. « لغت‌نامهٔ دهخدا »

طالبی ، یحیی بن عمر.
(مقتول ۲۵۰ ه ق)
در سال **۲۳۵** ه ق . برمتوکل– عباسی قیام‌کرد ولی متوکل او را‌گرفت وزندانی‌کرد وشکنجه داد. از این رو مدتی‌آرام‌گرفت ، ولی پس‌از چندی در روزگار مستعین بالله درکوفه قیام نمود وهمهٔ اموال بیت‌المال را تصرف‌کرد و فرمان‌داد زندانهارا بازکردندوزندانیان را آزاد ساختند ، او مردم را به دوستی خاندان‌محمد(ص) دعوت کردومردم‌بیعت اورا پذیرفتند . آنگاه لشکری به نبرد باوی از جانب خلیفه گسیل شدوطالبی‌با آنان پیکارکرد و برآنها ظفر یافت.
سپس سپاه دیگری را به سوی او فرستادند وطالبی‌با‌آنان‌به‌جنگ‌پرداخت و در «شاهی» نزدیك‌کوفه جنگی‌بزرگ روی داد ولشکریان طالبی منهدم شدند وگروهی قلیل باقی ماندند و وی‌کشته شد .

طارق ، ابن‌زیاد.
(فوت ۱۰۲ ه ق)
سردار معروف عرب عامل موسی ابن نصیربود وچون موسی از فتح طنجه باپیروزی بازگشت‌طارق را به‌سال **۸۹** هق. در طنجه والی‌گردانید . سپس‌موسی قریب **۱۲** هزار تن‌که بیشترآنان بربر بودند برگزید و آنان را به فرماندهی الطارق به سوی اندلس فرستاد . طارق لشکریان‌راازدریا بگذرانید وبرکوهی که بعداً به‌نام خود اوشهرت یافت(جبل– الطارق) استیلایافت . اواول‌کسی‌بودکه به‌جنگ بااندلسیان پرداخت ، **الیان**‌که والی مجاز اندلس بود با طارق دیدار کرد وطارق اورا امان داد مشروط برآنکه طارق وهمراهانش را از دریا باکشتی به‌اندلس رساند. الیان‌آن شرط را پذیرفت وآنان را به‌اندلس رسانید. وی‌درقرطاجنه‌رابگشود وپس‌ازسوزاندن کشتیهای حامل‌لشکریان اندلسی وپیکار با «رودریك» که فرمانده ویزیگتها بود وکشته شدن وی ، طارق نشیب و فراز زمین اندلس را در نوردید ، اشبیلیه و حومهٔ وسیع‌آن رانیزفتح‌کرد .
وکسانی‌را هم برای تصرف قرطبه‌و مالقه روانه ، و سپس پایتخت اندلس «طلیطله» را مسخرساخت .آنگاه به‌قصد گشودن بلاد شمالی آن کشور ، وادی الحجاره و وادیی دیگر که بعدها به‌نام **اوفج طارق** نام‌یافت بگذشت وبرچند شهر ازشهرهای اندلس‌که از جملهٔ آنها مدینهٔ سالم بود استیلا یافت و در سال **۹۳**هق. به‌طلیطله‌بازگشت. موسی‌بن‌نصیر پس‌از شنیدن خبرفتح اندلس نامه‌ای به‌طارق‌نوشت مبنی برآنکه مسلمانان‌را به‌هلاکت‌وفتنه‌انداختی‌و به‌جنگ واداشتی وخود به‌سوی طلیطله(یا قرطبه) حرکت کرد، درآنجا دو سردار مزبور با هم دیدار کردند و موسی ، طارق را از فرماندهی معزول نمودولی‌ولیدبن‌عبدالملك میانهٔ‌آن‌دورا‌گرفت‌وبین‌آن‌دوآشتی‌افکند و باردیگر طارق را به‌فرماندهی لشکر برگزید . طارق نیز به‌پیکار با اندلسیان ادامه‌داد و از شرق طلیطله تا سرچشمهٔ نهرتاجه بالا رفت ودرفتح سرقسطه از موسی بن نصیر استمدادکرد وآن شهررا به‌یاری‌هم‌گشودند ،آنگاه‌طارق‌به‌شهرهای طرطوشه وبلنسیه وشاطبه ودانیه وارد‌شد ودرسال **۹۶** برحسب فرمان ولیدباتفاق موسی‌بن‌نصیر به‌شام رفت‌و ازآن پس‌بقول ارجح دیگر فرماندهی نیافت .

طلال Talal
(متولد مکه درسال۱۹۰۹م)



پادشاه‌اردن هاشمی ، **پسرشاه‌عبدالله** که به‌مناسبت اختلال‌حواس از سلطنت کناره‌گرفت **پسرش‌حسین** به‌تخت نشست.

طلعت‌پاشا.
(۱۸۸۲ – ۱۹۲۱م)
سیاست مدار ترك یکی‌از سه رجل بزرگ ترکیه درجنگ جهانی اول و از رؤسای مقتدر حزب« ترکان جوان» بود. او از **۱۹۱۲** تا**۱۹۱۸**م .ترکیه‌رااداره کرد و دربرلین به‌دست‌یکی از ارمنیان به‌قتل رسید.

عارف ، عبدالسلام.
درکودتای‌عبدالکریم‌قاسم ازیاران اوبود وبعداً ازمخالفان‌اوشد. در**۱۹۶۳** به‌یاری‌نیروی هوایی عراق‌کودتایی‌برضد قاسم‌کرد . قاسم به قتل رسید و عارف زمام اموررا‌به‌دست‌گرفت. ومدتی رییس جمهور عراق بود.

عارف پاشا ، ابن‌شکیب پاشا.
(۱۸۳۰ – ۱۷۹۶ م)
از سیاستمداران‌عثمانی‌که‌به‌وزارت خارجه‌وسفارت‌عثمانی دراتریش‌وفرانسه رسید.

عامر ، فیلدمارشال محمد عبدالحکیم .
(۱۹۱۹– ۱۹۶۷ م)
سیاستمدار و افسر مصری‌که در دانشکدهٔ‌نظامی قاهره تحصیل‌کرد.
در **۱۹۴۸** در فلسطین جنگید .

عضوشورای انقلابی وفرماندهٔ عالی نیروهای نظامی مصر(۱۹۵۳ـ۱۹۵۸) وجمهوری متحدهٔ عرب(۱۹۵۸ـ۱۹۶۲)وزیر جنگ و نیروی دریایی مصر (۱۹۵۴ـ۱۹۵۸) معاون رییس جمهوری، وزیر جنگ جمهوری متحدهٔ عرب(۱۹۵۸ـ۱۹۶۲)عضوشورای جمهوری(۱۹۶۲ـ۱۹۶۴) فرماندهٔ عالی نیروهای متحده عرب (۱۹۶۴) ومعاون اول ریاست جمهوری (۱۹۶۳) وی در حوادث اخیر حملهٔ اسراییل به اعراب به خیانت متهم شد وپیش از آغاز دادرسی خود را کشت.

عایشه .
(۹ـ۵۸ ه . ق)
زنان سیاسی را به بینید

عبدالقادر، ابن محیی الدین.
(۱۸۰۸ـ۱۸۸۳ م)
ملقب به هادی ، امیر مسلمانان الجزایر. که از امرا و علماء و شعرا محسوب میشود ، و در برابر تجاوزات قوای فرانسوی در الجزایر قیام کرد وبا دستیاری سلطان مراکش، وقبایل وطن‌پرست مردانه ، چهارده سال با سپاهیان فرانسوی جنگید. وکوشید که امپراتوری عرب را تأسیس کند ، ولی چون براثر جنگ طولانی ، نیروهای او به تحلیل رفت وسلاطین مراکش وتونس هم ازیاری او خودداری کردند ، مقروی به دست **دوك دمال** افتاد. درسال ۱۸۴۴ زندانی ودرسال ۱۸۵۳ آزاد شده وازآن زمان از دوستان فرانسه گردید .

عبدالکریم قاسم .
قاسم را به بینید .

عبدالکریم ریفی .
یکی از شجاعترین امرای عرب مسلمان شمال افریقا علیه دودولت قوی‌پنجهٔ اروپا یعنی فرانسه واسپانیا که برمراکش حکومت می کردند قیام کرد وبا نیروی ایمان ومیهن‌پرستی واستقلال‌طلبی مردم رشید مراکش مدت ۱۸ سال باصدها هزارسربازمجهزآن دودولت استعمارگر جنگید ولی سرانجام نیروی متحداسپانیا وفرانسه حلقهٔ محاصرهٔ دریایی وزمینی را برابر این سردار رشید تنگ کردند .
کلیهٔ پیامهای استمداد عبدالکریم برای ملل و دول مسلمان جهان بدون جواب مانده و نیروی استقامت نظامی خودرا از دست داده بود سرانجام شکست‌خورد وتاسال ۱۳۴۶ ه ق درتوقیف بودوازسال ۱۳۴۷ ه ق. آزاد شد ودرمصر به‌خدمت دراتحادیهٔ عرب پرداخت .

عبدالله بن زبیر .
(فوت ۷۳ ه .ق)
یکی ازپنج نفری بودکه بایزید بیعت نکرد ودرمکه دعوی خلافت کرد . یزید سپاهی به‌سرکوبی او فرستاد ولی توفیق نیافت وکار عبدالله بالا گرفت ولی به‌جای اتحاد باهواداران امام حسین(ع) ودیگر مخالفان بنی امیه به‌جنگ با آنان پرداخت. عبدالملك بن مروان حجاج بن یوسف را به‌جنگ با او فرستاد. حجاج مکه را محاصره و به خانهٔ کعبه سنگ وآتش بارانید تا عاقبت شهر تسلیم شد و عبدالله به قتل رسید .

عبیدالله ، ابن زیاد .
(۲۸ـ ۶۷ ه ق)
ازرجال دورهٔ یزیدبن معاویه . وی ازجانب یزید حکومت کوفه وعراق عجم راداشت.
وقعهٔ کربلاوشهادت امام‌حسین(ع) و همراهانش به‌توطئهٔ وی انجام گرفته. عبیدالله به‌دست ابراهیم‌بن‌مالك‌بن‌اشتر کشته شد. پس ازآنکه بدنش راسوزاندند سرش را به‌کوفه فرستادند ودر دارالامارهٔ خودوی نزد مختار گذاشتند .

عثمان پاشا .
(۹۳۳ـ ۹۹۳ ه ق)
ازنخست‌وزیران دورهٔ سلطان‌مرادخان سوم که خدمات دولتی خود را در مصر آغاز نمود . وی درسال ۹۸۶ بارتبهٔ وزارت به استانداری شروان رسید و با دولت ایران به جنگ پرداخت . درسال ۹۹۲ به مقام صدارت رسید ویکماه بعد تبریز راگشود .

عرابی پاشا ، احمد.
(۱۸۴۱ـ۱۹۱۱ م)
میهن پرست انقلابی مصری که در مصرسفلی به‌دنیا آمد.اوروستازادهٔ میهن‌پرستی بودکه ۱۲ سال به عنوان سرباز درارتش مصرخدمت کرد. سپس به‌رهبری ملیون آزادیخواه پرداخت ونفوذفراوانی به‌دست آورد تا به‌مقام‌وزارت‌جنگ‌رسید . (۱۸۸۲) در این هنگام وی ازدخالت مأموران انگلیسی در کارارتش‌مصرجلوگیری کرد. درنتیجه انگلستان بندر اسکندریه را به گلوله بست وارتش مصرراشکست داد. عرابی‌پاشا توسط انگلیسیان گرفتار وبه سیلان تبعیدگردید، اودرسال ۱۹۰۱ آزاد شد وبه‌مصر بازگشت .

علی ، بن‌عیسی .
(۲۴۵ـ۳۳۴ ه ق)
مشهور به‌جراح، و وزیرمقتدرخلیفهٔ عباسی بود .

علی پاشا .
(۱۸۱۵ـ ۱۸۷۱ م)
سیاستمدار ترك دراستانبول متولد شد ، ودر اصلاحات معروف به«تنظیمات» درکشور عثمانی دخالت تام داشت .

عمربن سعدبن ابی‌وقاص زهری‌مدنی.
(فوت ۶۶ ه ق)
ازفرماندهان لشکر بود. عبیدالله‌بن زیاد وی‌راباچهارهزارتن‌برای‌جنگ دیلم روانه ساخت وامارت ری را نیزدر برابراین خدمت برای وی منظورداشت، ولی هنگامی که ابن زیاد حرکت‌امام‌حسین(ع)را به‌سوی‌مکه‌وکوفه‌دانست به‌سعد نوشت‌که خود ویارانش بازگردند . سپس عمربن سعد رابرای جنگ با امام حسین(ع) برانگیخت. عمرنخست‌ازقبول این امرامتناع ورزید ولی پس ازتهدید ابن‌زیاد آنرا پذیرفت و به‌جنگ باامام حسین(ع) کمربست واین‌جنگ به کشته‌شدن امام‌حسین(ع)منجر گردیدوعمربن‌سعدپس ازاین‌واقعه چندی بزیست تا مختارثقفی به‌خونخواهی‌امام‌حسین(ع)قیام‌نمود وکسی رابرای‌کشتن عمربه‌کوفه فرستاد. توضیح اینکه معمولا عمرسعد در تداول به معنی شخص بسیاربدخو وتندخلق به‌کار رود . «فرهنگ معین»

عمروعاص .
ازسرداران‌اسلام‌که درزمان خلافت عمربن‌الخطاب‌درجنگهای‌شامات‌باروميان، مسیحی شرکت داشت و مصر رانیز فتح کردوچون‌اقتداری‌به‌دست‌آوردخودمدعی خلافت‌گردید .

فابیوس Fabius
(۲۷۵ ـ ۲۰۳ ق م)
فرمانروای‌رومی، فرماندهی‌راپس‌از شکست روم در **ترازیمان** به‌سال۲۱۷ق‌م. به‌عهده گرفت‌وجهت‌ملقب شدنش‌به **مماطل** آنست‌که اودر جنگ شتاب نورزید بلکه باآنیبال امروزو فرداکرد ومماطله‌نمود تا اینکه شهر تارنتو را از وی گرفت . (۲۱۵ ق م .)واز همین جا عاقبت‌جنگ برکارتاژیان بسیار وخیم شد .

فالکنهاین، اریش. Falkenhayn

(۱۸۶۱ - ۱۹۲۲م)



ژنرال آلمانی در جنگ‌جهانی اول ابتدا رییس ستاد بود و پس‌از آن به‌فرماندهی قشون آلمانی در رومانی ودرفلسطین منصوب‌شد .

فالیر، آرمان Fallieresl A.

(۱۸۴۱-۱۹۳۱م)

سیاستمدار فرانسوی که در سال ۱۸۹۹م . رییس مجلس سنا وازه ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۳م رییس جمهور بود.



آرمان فالیر

فرانسوا ژوزف François joseph.

(۱۸۳۰ - ۱۹۱۶م)

امپراتور اتریش وهنگری.درزمان او همهٔ ملل تابع اتریش برای استقلال خودشورش‌کردند. ابتدا مجارها استقلال خود را اعلام نمودند ، ولی‌دیری نپایید که قوای اتریش‌برای سرکوبی آزادی‌خواهان ایتالیا بدان‌جبهه‌رفت، و **نیکولا** تزار روسیه هم برای آنکه مبادا شورش مجارستان به‌خاك لهستان‌سرایت کند، قوایی به‌یاری اتریش‌فرستاد. سپاهیان‌روسیه و اتریش موفق‌شدند آزادیخواهان‌رامغلوب کنند وحکومت استبدادی رادر همه جا برقرار سازند . فرانسوا ژوزف در امپراتوری خود تنها عامل ارتباط میان ملل مختلف بشمارمیرفت ودرمدت‌طولانی سلطنت خود(۶۸سال) اتریش و هنگری را اداره کردودر بحبوحهٔ جنگ‌جهانگیر اول درگذشت .

فرانکلین ، بنیامین Franklen, B .

(۱۷۰۶-۱۷۹۰م)

سیاستمدار وفیزیك دان‌آمریکایی. علمای فیزیك را به‌بینید .

فرانکو ، ژنرال اسپانیولی .
Franco.

(متولد ۱۸۹۲م)

سیاستمداروزمامدارکنونی اسپانیا، ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۵م. که‌درمراکش بودشهرت یافت و از ۱۹۳۶ در رأس ملیون انقلابی اسپانیاقرار گرفت‌وبعد از جنگی طولانی ،



توانست در اسپانیاحکومت‌مطلقه تشکیل دهد، ودر۱۹۴۷ پس از مراجعه به‌آراء عمومی قرار شدکه‌فرانکو زمامدارباشد وپس ازمرگ او حکومت به خاندان سلطنتی سابق بازگردد .

فردریك‌کبیر Frederic, R.

(متولد ۱۷۱۲م)



دورهٔ کودکی را با نظام خشکی گذرانید در ۱۷۴۰ بر تخت سلطنت‌پروس نشست و درجنگی اتریش را مسخر کرد ودرآبادانی‌وفرهنگ‌وهنر کوشش‌فراوان نمود به‌کشاورزی وصناعت رونق‌بخشید برای جنگ‌هفتساله آمادگی‌فراوان‌داشت وکشورپر نعمتی برجای‌گذاشت .

فردریك Frederic

(تولد۱۸۹۹م)



فردریك نهم پادشاه دانمارك از سال۱۹۴۷م. و اکنون نیز باقی است.

فضل بن ربیع.

(فوت۲۰۸ه ق)

وزیرامین‌خلیفهٔ عباسی.

فلوری، آندره‌هرکول Fleury

(۱۶۵۴-۱۷۴۳م)

کاردینال وسیاستمدار فرانسوی در لودو (Lodeve)متولدشد،درپاریس‌تحصیل کرد . در۱۷۱۵ به‌سمت معلم خصوصی لویی‌پانزدهم‌انتخاب گردید. در ۱۷۲۳ عضویت دولت شد وسه‌سال بعد به مقام نخست ـ



وزیری‌رسید در دورهٔ صدارت‌وی که بیش از ۱۷ سال‌طول کشید،اگر‌چه فرانسه واردجنگ‌جانشینی‌سلطنت لهستان گردید، لیکن اوضاع طوری شد که فرانسویان بطور کلی‌درامنیت وآسایش‌بودند .

فوسیون Phocion

(۴۰۰-۳۱۷ ق‌م)

سیاستمدار وسردار وخطیب آتنی،



که‌درجنگ مقدونیه با آتن‌بر آن بود که با فیلیپوس پادشاه مقدونیه‌صلح کند ، ولی چون آن پادشاه به شهر«ابوآ» حمله کرد فوسیون‌با سپاهیان‌آتنی ازاوجلوگیری کرد . وی پس ازمرگ‌اسکندر به‌ریاست حکومت اشرافی اعتدالی‌آتن‌انتخاب‌شد. چون‌آتنیان به اوبدگمان‌شدند. فوسیون بازهرشوکران خودکشی کرد .

فورهندی .

یکی از پادشاهان هند ، رای‌کنوج (قنوج) معاصر اسکندرمقدونی‌بود. فور برخلاف‌تصوراسکندرحاضر به‌اطاعت‌ازاو

نشد، ودرجنگ شدیدی که بین او وسپاه اسکندر درگرفت، باوجود آنکه شکست خورد، مانندسربازی دلیر تا آخرین لحظه مقاومت کرد، تا آنجاکه اسکندر برای نجات وی **تاکسیل** را نزد اوفرستاد،ولی او بهجنگ باتاکسیل پرداخت وسرانجام از شدت ضعف دستگیرشد. اسکندرچنان فریفتهٔ شهامت اوشدکه دست دوستی بهسوی اودراز کردو بعداً این دوباهم صمیمی شدند، این نبرد درسال ۳۲۷ق‌م. بوده‌است.

فوش فردیناند Foch
(۱۸۵۱-۱۹۲۹م)

نظامی فرانسوی، در **تاربه** به دنیا آمد درسال ۱۸۷۳ پس از اتمام تحصیل درپلی‌تکنیك، وارد هنگ توپخانه گردید ودرجنگ جهانی اول فرماندهٔ هنگ بیستم ارتش گردید و باطرح نقشهٔ جنگی ماهرانه‌ای آلمانهارا شکست داد، در ۱۹۱۵ فرماندهٔ ارتش شمال بوددر ۱۹۱۷ سرپرستی نمایندگی ارتش متفقین رادرورسای بهعهده گرفت ودر ۱۹۱۸ به فرماندهی عالی کلیهٔ ارتش‌های متفقین منصوب گردید. وآخرین حملهٔ متفقین را رهبری نمود.



فوشه، ژوزف. Fouché, J.
(۱۷۵۹-۱۸۲۰م)



ژوزف سیاستمدار فرانسوی به مناسبت کشتاری که در شهرلیون کرد به(توپچی لیون)معروف گردید. در زمان ناپلئون بناپارت بهوزارت پلیس (نظمیه) رسید. در مدت حکومت صد روزهٔ ناپلئون به‌او خیانت کرد. پس ازبازگشت خاندان بوربون‌بازسمت وزارت را بهعهده‌داشت وبعداً بهسفارت تعیین گردید ولی‌مجبور شد ازین شغل دست بکشد.

فوکاس Phocas
(فوت ۶۱۰ م)

امپراتور بیزانس که درسال ۶۰۲ میلادی به سلطنت جلوس کرد. یکی از فرماندهان سادهٔ قشون تراکیه بود وبر اثر توطئه‌ای نظامی موریس را معزول و خودبه‌تخت امپراتوری جلوس کرد.درزمان اوحملات ایرانیان صورت گرفت وازطرف دیگردرداخله توطئه‌های مکرر ایجادشد. در ۶۱۰ وی‌توسط هرقل معزول وبه‌دست توده کشته شد.

فیصل، ابن عبدالعزیز.

پادشاه کنونی عربستان سعودی که‌در سال ۱۳۴۳ به سلطنت جلوس کرد. وی درزمان‌سلطنت برادرش‌ملك سعود، مدتی نخست وزیر وزمامدار عربستان سعودی بود.درسال ۱۳۴۳ ملك سعود از سلطنت معزول وفیصل بجای او به سلطنت رسید.

قاسم، عبدالکریم بن.
(۱۹۱۴-۱۹۶۳ م)

رجل نظامی وسیاسی عراق (عرب) درمدرسهٔ نظامی بغداد تحصیل کرد و در ۱۹۲۴ بادرجهٔ ستوندومی فارغ‌التحصیل گردید. در ۱۹۵۰م. بهانگلستان رفت ودرمدرسهٔ نظامی آن کشور به‌تحصیل ادامه داد. درزمان جنگ ضداسرائیل(۱۹۴۸م.) وی‌به‌فرماندهی گردان پیادهٔ عراقی منصوب شد. در ۱۹۵۶ م. فرماندهی نیروهای عراقی را در اردن، در دوران بحران سوئز بهعهده داشت. درژوییهٔ ۱۹۵۸ م. وی کودتا کرد و رژیم سلطنتی عراق را برانداخت وخود نخست وزیر و فرماندهٔ کل قوا گردید وسپس بهریاست‌جمهوری رسید. دولت عراق درزمان عبدالکریم قراردادهای نظامی، اقتصادی وفرهنگی باشوروی،چین کمونیست ودیگر کشورهای بلوك کمونیست بست. لیکن درداخلهٔ عراق اجازهٔ فعالیت بهکمونیستها نمی داد وبا عبدالناصر نیز بهمخالفت برخاست. نیروهای انقلابی بهرهبری عارف کودتا کردند وویرا به قتل رسانیدند.

قوبیلای قاآن.
(۱۲۱۶-۱۲۹۴ م)

ده سال تمام همراه جدش چنگیزدر جنگها شرکت می‌کرد، بعد از مرگ چنگیز برسرتاج وتخت با برادرش جنگید وبر اوپیروز شد وپکن را پایتخت قرار داد، درچند جنگ شکست خورد، یکی از ندیمان **اومارکوپولو** بود او زندگی شکوهمندی داشت ولی مالیاتهای سنگین او رعایا را ناراحت می‌کرد. بالاخره در۸۸ سالگی درگذشت.



ملك فیصل

کاترین کبیر، اوگوستافردریکا. Catherine.
(۱۷۲۹ - ۱۷۹۶ م)



در **استتین** به دنیاآمد، در پانزده سالگی، نامزد پطرروسیه شد و ۱۵ سال هم باپطرعلیل زندگی ناگوارراگذرانید بعداز ۷ ماه امپراطوری پطر، کاترین اورا سرنگون ساخت وسی‌وچهار سال با قدرت سلطنت کرد وازاقدامات اومیتوان شمرد: رونق کشاورزی، بهبوداقتصاد، ترویج بانکداری، انتظام درست لشکری، بنیاد بیمارستانها، تغییروبهبود آموزش‌وپرورش، چون اقدامات او بهبودی در وضع مردم فقیرجامعه ایجاد نکرد؛ لذا شورشها و قیامهایی در زمان او صورت گرفت، که مهمترین آنها قیام **پوکاچف** بود.

عشقبازیهای او با پادشاه لهستانو **پوتمکین** معروف است وکاترین باسکتهٔ قلبی درگذشت.

کادار ، ژانوس Kadar, J.

(متولد ۱۹۱۲م)

دهقان زاده‌ای از مردم مجارستان



بودبافعالیت در حـزب کمـونیست کشور بـه مقام دبیر اولی کمیتهٔ مرکزی و نخسـت ــ وزیـری رسید.



مارشال کادورنا

کادورنا ، لوئیجی کنت مارشال.

Cadorna, L, C.

(۱۸۵۰ـ۱۹۲۸م)

از سرداران و فرماندهـان بزرگ ارتش ایتالیا.

کارنو ، نیکولا مارگریت .

Carnot, N,M.

(۱۷۵۳ ــ ۱۸۲۳م)

از ژنرال‌های ارتش فرانسه،که از کودکی نبوغ سرشارش باعث مـوفقیت وی درکارهایش میگردید.اواز انقلابیون معروف ، درانقلاب کبیر فرانسه بودودر طرح نقشه‌های جنگی شهرت بسزا دارد. کارنـو طرح کلیهٔ نقشه‌های جنگی بین فرانسه را با اتریش یا پروس میکشید . او موجد چهارده لشکر جدید در دورهٔ جمهوری اول فرانسه بـود و در دوران ریاست ترورگردید و به قتل رسید.



ژنرال کارنو

کاگانوویچ ، لازار. Kaganovith

(متولد ۱۸۹۳ م)

از مرادان سیاسی شوروی کـه در



هـنگـام انشعاب در حزب بلشویك باقی ماندو منشأخدماتی در**اوکراین** گردید .

کامپانلا Companella

(۱۵۶۸ـ۱۶۳۹م)

تومـاسو کامپانلا متفکر بـرجستهٔ ایتالیایی درحزب ایتالیا، در**کالابر**متولد



شد . درشهر اویوغ‌فئودال، سنگین‌تر و فقرمردم از سایر نقاط شدیدتر بود. این منطقه در تملك اسپانیاییها بود واشراف‌فئودال محلی برای استثمار شدید مردم‌به قدرت بیگانگان تکیه میکردند.

کامپانلا در ۱۵۹۹ بجرم‌شرکت‌در توطئه‌ای‌به‌ضداسپانیاییهادستگیروزندانی شد و ۲۷ سال در زندان بود.

کامپانلافیلسوف‌انقلابی‌بودکه برضد مکتب اسکولاستیك‌به‌پاخـاست و روش تجربی را بنیان نهاد درزنـدان‌به‌کسب دانش‌ادامه‌دادوکتابی‌به‌نام«شهرخورشید» نوشت‌که در آن تصویـری از یك نظام اجتماعی ایده‌آل به‌دست داد.

درنظام (شهرخورشید) از مالکیت شخصی ، فقر وغناخبری نیست. درآنجا نه‌انگلها وجوددارند ونه‌بردگان همه‌از زن و مرد متفقاًکار میکنند . سازمـان تولید چنان خوب تنظیم شده‌که روزکار از چهار ساعت تجاوز نمیکند . همه با هم‌درمساکن وسیع‌زندگی‌میکنند کودکان ازطرف‌حکومت‌پرورش میبابند .کودکان درحال‌گردش تعلیم می‌بینند و معلومات مفید فرامیگیرند .

شهر خورشید مدینهٔ فاضله‌ایست‌که بعضی خطوط‌جامعهٔ‌کمونیستی‌درآن‌ترسیم شده بود.

کامپانلایکی‌ازبزرگترین فیلسوفانی است‌که جامعهٔ سوسیالیستی را در خیال تصویر میکرد . «صدری افشار »

کاوور ،کامیلوبنسو Cavour

(۱۸۱۰ـ۱۸۶۱م)

سیاستمدار ایتالیایی ، در **تورن** به‌دنیاآمد، درآکادمی‌نظامی تحصیل‌کرد و پس از اتمام تحصیلات به‌کشاورزی و سفرپرداخت . درسال ۱۸۴۸ جنبش‌ملی ایتالیا ، را انتشار داد، ودرسال بعد در جنگ بـا اتریش شرکت‌جست . چندی بعد به نمایندگی در مجلس نمایندگان ساردین انتخاب شد .

وی‌درسال۱۸۵۲ به‌نخست وزیری‌ایتالیا برگزیده شد وبه اتحاد عثمانی‌وانگلیس وفرانسه پیوست. در۱۸۵۶ ساردیـن‌را به‌کنگرهٔ پاریس واردکرد . دوسال بعد بـا ناپلئون سوم برعلیه اتریش ، متحد شد و درسال ۱۷۵۹ وزیرجنگ بـود . لیکن درهمان سال ازنخست‌وزیری‌کناره گیری‌کرد و درسال ۱۷۶۰ بار دیـگر نخست وزیرشد درهمین سال مسافرتـی به سیسیل کردوپنهانی‌گاریبالدی راکمك نمود.

کاوور اتحاد ایتالیای مـرکزی و جنوبی را نیز تثبیت بخشید .

کت ، رابرت Kett. R.

رهبرشورش دهقانی انگلستان در ماههای ژوییه واوت ۱۵۴۹، این‌شورش «حصارکشی» نـامیده میشود .کت خـود خرده مالك‌وحرفه‌اش دباغی بود وافکار ترقی خواهانه‌ای‌داشت . اوعـده‌ای از روستاییان‌رادورخودجمع کرده‌ودیوارهای ملك یکی از همسایگان‌را ویران‌کردو ،به‌دنبال‌آن عصیان سراسرآن نـاحیه را فراگرفت.

کت به همراهـی ۱۶۰۰۰ شورشی شهر« نورویچ»رامتصرف شدولی سرانجام این شورش با قتل عام دهقانان سرکوب گردید .

کراسوس ، ماریوس‌لی‌سینیوس

Carsus,M,L.

(۱۱۵ـ۵۳ق.م.)

سیاستمدار وثروتمند رومی . او از **سولا**درمقابل‌ماریوس‌هواداری‌کردوبراثر حبس و تبعید های سولامال فراوانی انـدوخت ، درسال ۷۱ قـاضی‌کل روم (پرتور) شد و قیام‌اسپارتاکوس را درهم شکست .

درسال۷۰ کنسول‌ودرسال۶۵ بازرس کل شد و در سال ۶۰ بـاسزار و پومپه مردان سه‌گانـه را تشکیل‌داد . در سال ۵۵میلادی‌باردیگر کنسول ودر۶۴حاکم سوریه شد . در این هنگام به جنگ با ایران‌همت‌گماشت ولی‌به‌سختی مغلوب‌شد وبه قتل رسید.

کرامول ، آلیور.

(۱۵۹۹ـ۱۶۵۸م)

درانگلستان به دنیاآمد، انگلیس دروضعی بودکه بین‌شاه وپارلمان‌اختلاف شدیـدی ایجاد شد ، او میخواست این اختلاف را از بین‌ببرد ولـی سرانجام مجبورشد جانب ملت را بگیرد وجنگ

داخـلی را علم کرد و بر لشکریان شاه پیروز شد و در نبرد ۱۶۵۱ بین اووشارل دوم، هم بازکرامول پیروز شد ، او یك نظامی مقتدر وسیاس بود ، وقتی در اوج قدرت بود جان سپرد.

کروگر ، اوم پول Kruger,O,P.
(۱۸۲۵ــ۱۹۰۴م)

سیاستمدار آفریقای جنوبی. در دماغهٔ **امید** بدنیا آمد . وی مـؤسس مملکت ترانسوال است که دولت انگلیس استقلال آنرا بهرسمیت شناخت (۱۸۶۲) بـه فرماندهی نیروهـای ترانسوال انتخاب شد (۱۸۶۴) پس از الحاق ترانسوال به بریتانیا (۱۸۷۷) کروگر از خـدمت خارج شد وبه مبارزه با تسلط بریتانیا پرداخت واز رهبران نهضت بوئرها شد (۱۸۸۰) از ۱۸۸۳ــ ۱۹۰۰ بهریاست جمهوری ترانسوال انتخاب گردیـد ، با وجود پیری در جنگ بوئرهـا شرکت جست (۱۷۹۹ــ ۱۹۰۲) سپس بـرای جلب حمایت اروپاییان وجمع آوری نیرو به اروپا رفت و درسویس درگذشت.

کلبر، ژان باتیست Colbert,J,B.
(فوت ۱۶۸۳ م)

فرزند یك ماهوت فروش ویکی از بزرگترین وزیران فرانسه درزمان لویی پانزده بود . درزمینه‌های مالی وصنعتی و اقتصادی قدم‌های بـزرگی برداشت و کمپانی هندشرقی و هند غربی را بنیان نهاد . درسال ۱۶۶۶ آکادمی عـلوم را تأسیس کرد ودرسال ۱۶۶۷ رصدخانه‌ای بنا نهاد وسرانجام مغضوب واقع شدودر عزلت درگذشت.

کلبرازطریق خدمت نزد«مازارن» سیاستمدار معروف‌فرانسه به‌صدارت‌رسید و شبانه روز نزدیـك شانزده ساعت کار میکرد .



او در امر اقتصاد نظراتی داشت که به کلبـرتیسم معروف است. کلـبرتیسم توسعهٔ صنعت رابرتقویت زراعت‌مقدم میداند ومعتقد است که باید ازراه توسعهٔ صنایع داخلی ثروت کشور را افزایش داد . کمك مالی دولت به صنعتگران، تأسیس کارخانه‌های پادشاهی، آزادی‌ورود مواد اولیه ومنع‌ورود اشیاء ساخته‌شده، منع صدور غله ، ازجمله‌اقداماتی‌بود که کلبر در زمان صدارت خود بـه منظور تقویت سرمایـه‌داری فرانسه و پـایین آوردن دستمزدکارگران به عمل آورده است .

کلبرمیخواست‌ازاین‌طریق‌سرمایه‌داری فرانسه‌را قادرسازد تا با سرمایه‌داران جهان رقابت نماید.

کلمانسو، ژرژ. Clemenceau
(۱۸۴۱ ــ ۱۹۲۹م)

از سیاستمداران بزرگ که درسال ۱۸۵۶ در



ارتش‌ژنرال گـرانـت آمریکایی ، بـه عنوان خـبرنگار جنگی‌شرکت داشت. وی در سال‌های ۱۸۷۶ تا ۱۸۹۳عضو مـجـلس نمایندگان، واز ۱۹۰۲ سناتور بود. ازسال ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۹ نخست وزیر فرانسه بود. وی امورکلیسا را از دولت جدا کرده و به اعتصاب‌کارگران معدن پایـان بخشید . در ۱۹۱۷مجدداً نخست وزیرشد.درسال ۱۹۱۹کنفرانس صلح ورسای‌را تشکیل داد و سال بـعد از کار کـناره‌گـیری کرد.

کیچنر، لرد هربرت.
Kitchener, H. H.
(۱۸۵۰ــ۱۹۱۶م)

سردار انگلیسی ازمردم ایرلندکه درآکادمی نظامی سلطنتی تحصیل کرد . حـکمران‌کل سودان شرقی (۱۸۸۶) فرماندهٔ ارتش مصری (۱۸۹۲) فاتح و حکمران‌کل سودان (۱۸۹۹) فرماندهٔ عالی‌هند (۱۹۰۲ــ۹) سپهبد (۱۹۰۹) وزیر کشور زمـان جنگ (۱۰۱۴) وی براثرغرق شدن رزمناوش ناپدیدگردید، کیچنر به استقرار استعمار بریتانیا در قارهٔ افریقا خدمات بی‌نظیری‌کرد.

گاردان، ژنرال. Gardan
(۱۷۶۶ ــ ۱۸۱۸م)

ژنرال ارتش فرانسه و منسوب بـه خانواده‌ای بودکه سه نسل پیش پدرانش در دربار ایران‌مقام‌سفارت‌داشتند.انگل (Angle)وفرانسوا(Françoia)اجدادوی دراواخرعهدصفویه به سمت‌سفیرو نمایندهٔ تجاری فرانسه به اصفهان‌آمدند و مدت ۱۶ سال ازسخت‌ترین دوره‌های تاریخی رادراین‌کشوربه‌سربردند(۱۶ــ۱۷۳۲) ژنرال گاردان در سال ۱۸۰۷ از طرف ناپلـئون مأمور شد تا همراه هیأتی به ایران‌آید و ایران رابه‌دشمنی با دولت انگلیس وتقویت و تربیت قوای نظامی خویش برانگیزد وامکاناتی فراهم سازد تا سپاه فـرانسه بـه هندوستان دست یابد .

این‌هیأت مرکب ازافسران‌تعلیمات نظامی ، تـوپچی ، منشی ، پـزشك ، کارگران فنی ، متخصصان توپ ریزی و مهندسان نقشه‌بردار بود . درسال۱۷۰۷ به‌خدمت **فتحعلی شاه** رسیدند و به‌گرمی مورداستقبال‌قرارگرفتند. این‌هیئت‌سخت سرگرم کار شدند . **فابویه** (Fabouiée) متخصص توپ ریزی در مـدت هشت ماه بیست توپ‌صحرایی فراهم ساخت **ین‌تان** (Bontente) و**لامی** (Lamie) افسران مهندس به‌خدمت**عباس‌میرزا** نایب‌السلطنه پیوستند . هیئت‌گاردان بـاشتاب بسیار اردوی سی وپنج هزارنفری‌فراهم‌آوردند و به تعلیم این سپاهیان پرداختند ولی سرانجام کارشان وخیم بـود . بزودی ناپلئون والکساندر اول در شهر تیلیست به‌هم دست دوستی دادند وفرانسه ایران را درجنگ با روسیه تنها گذاشت . از سوی دیگرانگلیسیان یکی‌از بهتریـن مأموران‌خودرا به‌نام**سرهاردفوردجونز** (Sir Harford Jones) باکیسه هـای پرزر روانهٔ دربارایران‌کردند وموفقیت گاردان را کـه متزلزل بـود یکباره دستخوش اضمحلال ساختند . او در سال ۱۷۰۹ تهران را ترك‌گفت .

گاریبالدی ، جوزپه Garibaldi, G.
(۱۸۰۷ــ۱۸۸۲م)

دردنیس متولـدگردیـد ، درسال ۱۸۴۹ به دولت انقلابی‌روم پیوست .

وارتش فرانسه را مجبور به عقب نشینی کرد .دراین هنگام که نیروهای ایتالیایی پی در پی بردشمنان پیروز میشدند ، فرانسه یکباره روم را محاصره کرد ، گاریبالدی از شهر دفاع بسیار نمود اما بالاخره مجبور به عقب نشینی شد . قوای



اتریش وی راتاسواحل دریای آدریاتیک تعقیب کردند ، گاریبالدی دستگیر شده و به نیویورک تبعیدگردید . درسال ۱۸۵۳ به ایتالیا بازگشت . در سال ۱۸۵۹ هنگامی که ویکتور امانوئل با آراء عمومی مردم به عنوان پادشاه برگزیده شد، گاریبالدی به پایتخت فرانسیس پادشاه اسبق ایتالیا حمله برد، ولی دستگیروزندانی گردید. چندی بعداززندان گریخته وبه انگلستان رفت ، ولی ازطرف دولت امانوئل به ایتالیا دعوت شد و در جنگ ۱۸۶۶ رهبر «سرخ جامگان» بود . در ۱۸۷۰ معاون امور ویکتور امانوئل گردید.



کومولکا

گاندی، مهاتما.

(۱۸۶۹ـ۱۹۴۸ م)

از نظر خلق وروحیه ، مظهرملت هند است ، تحصیلات خودرا درانگلستان به پایان رسانید ، ابتدا دربمبئی، سپس



درآفریقای جنوبی به‌کار سیاست پرداخت و به دفاع از هندیانی که درآنجا مقیم بودندبرخاست، درنتیجهٔ این مبارزات ، یك هیئت انگلیسی در۱۹۱۴ بدان جا رفت وقسمتی از مقررات ظالمانه راالغو کرد، گاندی‌پس ازاین‌پیروزی، به‌هندوستان بازگشت تا به جدال بزرگتری دست یازد . دراین زمان اصول مقاومت منفی را پی‌افکندپیراهن سادهٔ هندی دربر کرد وخوراك او منحصراً از شیربزی بود که خود می‌پرورید و از پشم آن نخ ریسی می‌کرد وعقیده داشت هندی باید به‌صنایع ملی خود متکی باشد .

هر روز برعدهٔ پیروانش افزود ، نفوذکلام او به آنجا رسید که درسال ۱۹۲۱ کنگرهٔ ملی همهٔ اختیارات خودرا به او داد وحتی حق تعیین جانشین را نیزبه او تفویض کرد .

درسال ۱۹۲۲ اورا به جرم توطئه علیه حکومت محاکمه کرده و به شش سال حبس محکوم کردندولی بیش از دو سال درزندان نبودپس‌از خروج اززندان به ریاست کنگرهٔ ملی برگزیده شد ، اما باز به مبارزهٔ خود ادامه دادبه‌طوریکه مجدداً توقیفش کردند ولی با اعتصاب غذا و محبوبیت جهانی‌که داشت او را رها میکردند وبالاخره‌انگلیس‌رامجبور کردکه طرحی برای‌استقلال هندپی‌ریزی کند و درسال ۱۹۴۸ میلادی گلوله‌ای اورا ازپا درآورد.

گرانت ، یولیسیز.

رؤسای جمهورآمریکا را به‌ببنید.

گلادستون ، ویلیام اورات .

Gladstone, W,E.

(۱۸۰۹ـ۱۸۹۸م)

سیاستمدارانگلیسی درلیورپول به‌دنیا آمد . پس از تکمیل تحصیلات از سال ۱۸۳۲ وارد سیاست شد و چندین باربه‌نخست‌



وزیری‌انگلستان انتخاب گردید.درزمان نخست وزیری خود اصلاحات زیادی نموداز‌جملهٔ آنها: اصلاحات ارضی‌ایرلند بود .

گلادستون ازطرفداران‌یونان بودو خود زبان یونانی میدانست وباادبیات و فلسفهٔ یونان علاقه وافر داشت .

گلادستون در رأس حزب لیبرال انگلیس بود ورقیب سرسخت دیسراییلی به‌شمارمیرفت .

ازوی کتابهای‌بسیاری برجای‌مانده که ازآن جمله :«تحقیقی درباب هومر و عصر او» ، «خوشه چینی ازایام‌گذشته»، «همزبانی هومری»،«دولت وروابطش با کلیسا»را میتوان نام برد .

گولداسمیت، فردریك جان.

Goldsmid. F.J.

(۱۸۱۸ـ۱۹۰۸م)

افسرارتش انگلیس درچین(۱۸۴۰) که‌درجنگ‌کریمه (۱۸۵۴ـ۱۸۵۵)وشورش سربازان هندی شرکت کرد(۱۷۵۷) و به درجهٔ سرلشکری رسید .

گومولکا ، ولادیسلاو. Gomulka

(متولد ۱۹۰۵م)

سیاستمدارلهستانی‌که ازسال ۱۹۲۷ به‌مبارزات سیاسی طبقهٔ‌کارگرپیوست وبر اثر فعالیت ضد فاشیستی دوبار توقیف‌شد دردورهٔ‌تسلط‌آلمان‌نیزدررهبری مبارزات پارتیزانی‌شرکت‌کرد. وی یکی‌ازسازمان دهندگان شواری ملی لهستان بود و در سال ۱۹۴۵ به معاونت نخست وزیری انتخاب شدوازسال ۱۹۵۶ دبیراول کمیتهٔ مرکزی حزب متحدهٔ‌کارگران لهستان بوده است . «صدری افشار»

لارنس ، شاوتوماس ادوارد .

Lawrence .

(۱۸۸۸ـ۱۹۳۵م)

در شهر تریمادوك متولد گردید و دردانشگاه آکسفورد تحصیل‌کرد . درجنگ جهانی اول از طرف انگلستان ریاست قوای عرب را در جنگ‌عثمانی به‌عهده‌گرفت



در۱۹۲۲ لقب«شاو» ومدال‌افتخار گرفت. کتاب‌مشهور«هفت‌رکن حکمت» که‌بزبانهای

مختلف ترجمه شده از آثار اوست . وی به لارنس عـربستان شهرت دارد . ودر يك حادثهٔ موتورسیکلت جان سپرد.

لافایت،ماری ژوزف پل‌ژیلبردوموتیس . Lafayette .

(۱۷۵۷ـ۱۸۳۴م)



ازاشراف فرانسه،که دردوسالگی پدر ودرسیزده‌سالگی مادرش را ازدست داد. زمانی‌که‌آمریکایی‌ها برانگلیسی‌ها شوریدند او خواست که به یاری‌آمریکایی‌ها بشتابد چون بامخالفت لویی شانزدهم روبروشد نقشه‌ای محرمانه طرح‌کرد و همراه بـا سیزده‌نفرفرانسه راترك‌کرد وجزء ارتش واشنگتون‌درآمد.وچنان‌خدمات‌ارزنده‌ای انجام‌داد‌که موردتشویق رسمی‌واشنگتون قرارگرفت .

لافایت‌چندی بعد به فرانسه بازگشت وبانیروی عظیمی به‌یاری‌آمریکا شتافت . کنگرهٔ آمریکا معادل دویست هزار دلار برای اوتصویب‌کرد ومردم‌آمریکا او را گرامی داشتند .

لافایت سرانجام در پاریس بدرود حیات گفت .

لافیت ، ژاك Laffitte,J.

(۱۷۶۷ـ۱۸۴۴م)

ازشخصیت های سیاسی فرانسه .

لوبکه هانریش Lübhe,H.

(متولد ۱۸۹۴ م)

در(اینك هـاوزن) متولدگردیـده شغل اصلی پدرش‌کفاشی بوده و بامزرعهٔ کوچکی زنـدگی خـانوادگی را اداره میکرد،دورهٔ دبیرستان رابه‌اتمام رساند، وارد دانشگاه (بن) شد و دررشته‌هـای کشاورزی مساحی زمین وفنون مزرعه‌ـ داری‌تحصیل‌کرد. درموقع جنگ‌بادرجهٔ ستوان‌توپخانه درجبهه‌های مختلف‌آلمان خدمت نمودودرطول‌مدت‌جنگ‌مدال‌هایی دریافت‌کرد و بعدازجنگ‌دردانشگاههای برلن ومونستر رشته‌هـای اقتصاد حقوق اداری قانون اراضی وقوانین مربوط به دعاوی‌حق مالکیت را فراگرفت درسال ۱۹۲۱ بـه درجـهٔ مهندسی اکتشاف و توسعهٔ خاك نـایل‌آمد در۱۹۲۳ بـه‌کار کشاورزی پرداخت وازطرفی‌کوشش‌های زیادی را برای مردم نمود در مـدت ۶ سال باکمك مردم زمین های زیادی در اختیارآنها‌گذاشت.

درسال ۱۹۲۶ تشکیلات اصلاحات اراضی‌آلمان را پایه‌گذاری نمود،درسال



۱۹۳۱ بـه عـضویـت مجلس‌شورای ایـالـتی « پروس » در آمد در سال۱۹۳۲ مدت ۲۰ ماه به زندان افتاد و درسال ۱۹۴۵ به عضویت حزب دموکرات مسیحی درآمد درتابستان همان سال وارد مجلس‌ایالتی ناحیهٔ اشغالی انگلستان‌شد؛ دردوم‌اکتبر ۱۹۴۶ به عضویت مجلس‌ایالتی استان (نوردرایـن وستفالی) درآمد و آنگاه به‌عنوان وزیرکشاورزی واغذیه‌حکومت محلی، به‌کارپرداخت‌درششم‌ژانویه۱۹۴۷ تا ۳۱ دسامبر۱۹۵۲ دراین سمت‌انجام وظیفه میکردپس‌ازاستعفا ازکابینهٔ‌محلی به عنوان وکیل دعاوی و مشاور حقوقی انجمن‌تعاونی واعتباری‌کشاورزی‌آلمان درشهر (بن)به‌کارپرداخت، در۱۸ژوییه ۱۹۵۲ ازطرف دانشکدهٔ اقتصاد به‌اخذ دکترای افتخاری نایل‌آمد در چهاردهم اوت ۱۹۴۹ به‌عضویت اولین مجلس‌ملی آلمان فدرال انتخاب‌گردید ودرسیزدهم اکتبرهمان‌سال‌ریاست‌کمیسیون‌کشاورزی اغذیه وجنگل مجلس ملی به وی تفویض شد در دومین انتخابات ۱۹۵۳ ازطرف (ریس دینسلاکـن) انتخـاب شد و در بیستم اکتبر همان سال به سمت وزیـر کشاورزی‌کابینهٔ‌دکتر **آدنائور**منصوب‌گردید در اول ژوییـهٔ ۱۹۵۹ در طی جلسهٔ عمومی نمایندگان مجلسین آلمان رسماً به وی واگذارشد،خانمش قبل‌ازازدواج معلمهٔ ریاضیات بود و پنج زبان بیگانه آشناست . رییس جمهور آلمان فدرال به‌خاطر داشتن اطلاعات عمیق قادر بـه قضاوت مستقل‌بوده وحافظهٔ‌قوی همچنین شوخ‌طبعی‌ونکته‌سنجی او ازبرجسته‌ترین خصایلش میباشد.

لنین، نیکولای Lenine.

(۱۸۷۰ـ۱۹۲۴م)

بینانگزار یکی ازمهمترین‌تحولات سیاسی جهان‌امروزی‌است، پسرآموزگار گمنامی بودکه در روسیه به دنیا آمد . درجوانی هنگامیکه در دانشگاه قازان سرگرم تحصیل بود او را به سیبریـه



تبعیدکردند پس از باز‌ـ گـشت از سیبری۱۸۸۹ آثار **کارل مارکس** را خواندومدت سه سال درشهر **سامارا**وکیل دادگستری بود . پس‌ازآن به‌تبلیغ پرداخت وهمین امر سبب به زندان افکندنش شد .

در این اوان‌کتاب « **سرمایه‌داری درروسیه** » را نوشت.

روزنامه‌ای انقلابی منتشر ساخت ، درجنگ روسیه وژاپـن خواست انقلاب کند ولی موفق نشد وبا یـارانش فرار کرد واز این شکست عبرت‌گرفت لذابا برنامهٔ درستی‌به ادامهٔ فعـالیت پرداخت و درانقلاب ۱۹۱۷ به کمك بلشویکها حکومت را از**کرنسکی**گرفت .

خود به ریـاست‌کمیسرهـای ملی برگزیده شد لنین درسـال ۱۹۱۸ م به وسیلهٔ یکی‌از مخالفان سیاسی‌خودزخمی برداشت ولی‌به‌زودی بهبود یافت‌وکشور را از تجاوز اجانب حفظ‌کرد و زندگی اکثریت جامعه را بهبود بخشید در سال ۱۹۲۴ درگذشت.

جسدش در کـرملین نـگهداری میشود.



ژاك‌لافیت

لی ، رابرت‌ادوارد. Lee, R.E.
(۱۸۰۷—۱۸۷۰م)
در ویرجینیا متولـد شد . درسال ۱۸۲۶ کارشناس‌جنگی ودر۱۸۴۶ رییس کارشناسان جنگی درجنگ بـا مکزیك گردید. درسال۱۸۵۲ به ریاست آکادمی آمریـکا انتخاب‌گردیـد . و چندی بعد فرمانده هنگ سواره نظام در تکزاس بود . پس ازآنکه هفت ایـالت جنوبی آمریکا متحد شده واعلام استقلال کردند به واشنگتون‌خوانده شد ، وپس‌از آنکه ویرجینیاهم به‌جنوبی‌ها پیوست. لی‌هماز مقام خود استعفا داد وفرماندهی قـوای ویرجینیا را بـه عهده‌گرفت . در سال ۱۸۶۲ دفاع‌ازجورجیای‌کارولینای‌جنوبی را نیزعهده دار شد. و لی بـه پایتخت خوانده شد و به‌جای **جانسون**فرمانده‌کل قوای جنوب‌که زخمی شده بـود مشغول کار گردید . درسال ۱۸۶۵ پس ازپایان جنگ ، ژنرال لی ریـاست دانشگاه لی را درویرجینیاعهده‌دار شد.


آبراهام‌لینکلن

لینکلن ، آبراهام .
رؤسای جمهورآمریکا را به بینید.

لیوشائوچی Liu Shaochi
(متولد ۱۸۹۸ م)
سیاستمدار و مـارشال ارتش چین توده‌ای. وی تحصیلات خودرادردانشگاه مسکوتمام‌کرده است. درسال ۱۹۲۱ به حزب‌کمونیست پیوست . درسال ۱۹۲۷ به عضویت کمیتهٔ مرکزی حزب نایل‌شد. در راه پیمایی بزرگ شرکت داشت.در ۱۹۴۹ معاون صدر جمهوری خلق‌چین‌و در۱۹۵۹ صدرجمهوری خلق‌چین(رییس جـمهوری) شد . از سال ۱۹۶۶ وضع سیاسی او متزلزل‌گردید وجناح انقلابی به رهبری **مائو** او را درشمار تجدید‌نظرطلبان‌دراصول مـارکسیسم لنینیسیم شمردند. «صدری افشار»


ژان پول مارا

مارا ، ژان پول. Marat
(۱۷۴۳—۱۷۹۳م)
انقلابی فرانسوی ،کـه ابتدا بـه تحصیل دررشتهٔ طب پرداخت ،لیکن در تظاهرت انقلابـی شرکت میکرد . ودر سال ۱۷۹۲ عضوکنوانسیون ملی شد و طرفدارحزب ژاکوبن‌هـا گردید. به‌همین سبب ژیروندن‌ها وی را دستگیر کرده‌و مدتی بعد آزادش نمودند . مـارا برای سرکوبی‌ژیروندن‌ها به**دانتون**و**روبسپیر** پیوست و مدتی بعد هنگامی‌که مشغول استحمام‌بودبه‌دست زنی به‌نام **شارلوت‌ــ کوردی** به‌قتل رسید . قـاتل چهار روز بعد باگیوتین اعدام شد.

ماری آنتوانت Marie Antoinette
(۱۷۵۵—۱۷۹۳م)
همسرلویی شانزدهم وملکهٔ فرانسه بود ودر امور سیاسی دخالتهـای بی‌جا ودراسراف اموال افراط میکردواتریش را که زادگاهش بـود برتـر ازفرانسه میشمرد . درحالیکه اکثریت مردم در آتش میسوختند وی مرتباً به‌شکوه‌وجلال قصور خودمیافزود.
این‌گفته معروف نشانهٔ بیخبری و ساده‌لوحی او است.
وقتی به او گفتند ، دهقانان نـان ندارند،درپاسخ گفت: بگوییدنان‌شیرینی بخورند.

مازارن ، کاردینال ژول Mazarin
(۱۶۰۲—۱۶۶۱م)
پدرش دریکی ازخاندانهای‌بزرگ شهرروم پیشکاربود، وی شخصی ایتالیایی بودکه درلشکرپاپ به‌مقام صاحب‌منصبی رسید و وارد سیاست شد و از طرف پاپ دردربار لویی سیزدهم‌به‌سفارت‌پرداخت. دوسال بعدمازارن ازخدمت‌پاپ‌به‌خدمت پـادشاه فرانسه رفت ودرسال ۱۶۴۲ از



طرف **ریشیلیو** به مقام‌کاردینالـی رسید . وی برای رفع مشکلات مـالی فرانسه ، مالیاتهـای‌تـازه‌ای وضع کردکه باعث خشم مردم پاریس و شوریـدن آنها به مازارن گردید . وی در زمـان لویی چهاردهم نیززمام امور را به‌دست‌داشت و از ایـن راه ثروت فـراوانی بدست آورد .

مازاریك ، توماس گاریگ.
Mazaryk, T,G.
(۱۸۵۰—۱۹۳۷م)
فیلسوف وسیاستمدار چکوسلواکی. درموراوی به‌دنیا آمد.
استاد دانشگاه پراگ (۱۸۸۲) عضویت‌مجلس‌نمایندگان(۱۸۹۳) رییس شورای مـلی چـکوسلواکی (۱۹۱۴) نخستین رییس جـمهوری چـکوسلواکی (۱۹۱۸—۱۹۳۵)او کتابهای‌فلسفی‌وسیاسی متعددی دربارهٔ مارکسیسم، روسیه، تمدن ومنطق نوشته است. «صدری‌افشار»

ماکاریوس ، اسقف Makarios
(متولد۱۹۱۵م)
روحانی وسیاستمدار قبرسی . وی درکالج‌الهیات آتن‌وبوستون تحصیل‌کرد.



در سـال ۱۹۵۰ سر‌اسقف‌قبرس شد . دراین هنگام‌رهبری مبارزهٔ ضد استعماری را برعهده گرفت.
در سـال ۱۹۵۹ به ریاست جمهوری‌قبرس‌انتخاب شد . «صدری‌افشار»

مترنیخ ، کلمنس لوترونتسل.
Metternich.
(۱۷۷۳—۱۸۵۹م)
درکبلنتز متولد شد . و درسن۲۸ سالگی به وزارت فرانسوای اول رسید . پس‌از سقوط دولت وین‌درانقلاب۱۸۴۸ به‌انگلستان



رفت و در سال۱۸۵۱ ازکارسیاست کناره‌گیری کرد ، وی در کاخ ژوهانسبورك‌ـ راین ساکن شدو دروین زندگی رابدرود گفت .

محمد علی‌پاشا.
(۱۷۶۹—۱۸۴۹م)
سردار ترك از خانواده‌ای ازمردم آلبانـی . وی در ۱۷۹۹ بـا ناپلئون

جنگید . در ۱۸۰۵ توسط شیوخ‌قاهره، پاشای مصر اعلام شد . دراین هنگام به تحکیم موقعیت خودپرداخت. درسالهای ۱۸۱۱—۱۸۱۸، به جنگ با وهابیان پرداخت . پس ازچندین جنگ باترکان حکومت مصر را درخاندان‌خودموروثی ساخت (۱۸۴۱) ودرسال ۱۸۴۸ سلطنت را به پسرش واگذاشت .

اومؤسس سلسلهٔ سلطنتی مصر است که تاسال ۱۹۵۳ دوام داشت.

«صدری افشار»

مصطفی‌کمال پاشا.

آتاتورك را به‌بینید.

موسولینی، بنی‌تو Mussolini, B.



موسولینی

بنیانگزار نهضت فاشیسم درایتالیا. وی فرزندآهنگر سوسیالیستی بودوخود اونیز درجوانی مبلغ‌پرشور سوسیالیست بشمار می‌رفت وبه‌همین‌سبب‌ازچندایالت سویس اخراج شده بود . موسولینی در آغاز جنگ اول مخالف شرکت ایتالیا درجنگ بود ولی‌بعداً به موافقان جنگ پیوست و ازحزب سوسیالیست رانده‌شد. وی به عنوان سرباز درجنگ‌شرکت‌کرد وزخم برداشت . پس‌ازجنگ بیکارماند و جمعی از سربازان بیکار و اوباش وولگرد را در شهر میلان گرد آورد و سازمان **گروههای جنگجو** را تشکیل داد که بعد ها به فاشیست معروف شد. کار این گروهها اخاذی از مخالفان و حمله‌به‌ادارهٔ‌روزنامه‌های‌سوسیالیست‌بودو سازمانهای‌رادیکال،خوابا‌ندن‌اعتصابات، به‌هم زدن تظاهرات مخالفان‌وازاین‌قبیل کارها بود.

این گروههای کوچك براثر مانورهای ماهرانهٔ‌موسولینی‌سخت‌ترقی کردودر سال۱۹۲۲ به‌سوی‌روم به‌راه‌افتاد. نخست وزیروقت‌استعفادادوموسولینی برای‌نخست‌وزیری‌دعوت شد وازآن هنگام‌تا۱۹۴۴ دیکتاتور مطلق‌العنان ایتالیا بود . درزمان اوایتالیا حبشه را تصرف کرد (۱۹۳۵)درجنگ‌جهانی‌دوم‌به‌نفع‌آلمان وارد جنگ شد ویونان و قسمتی از شبه جزیرهٔ‌بالکان‌رامتصرف‌شد. درسال۱۹۴۴ ملت ایتالیا اورا ازکار برکناروزندانی کردند.وبه‌کمك‌آلمانهااز زندان‌گریخت ودرصددتجدیدقدرت برآمد.لیکن به‌دست پارتیزانها گرفتار واعدام شد .

«صدری‌افشار»

مولوتوف ، ویاچسلاوومیخایلوویچ.
Molotov, V.M.

(متولد ۱۸۹۰م)

سیاستمدارشوروی که‌درمدرسهٔ‌پولی‌تکنیك‌سن‌پطرزبورگ‌به‌تحصیل پرداخت در همان هنگام به‌بولشویکها پیوست . دبیر کمیتهٔ مرکزی حزب‌کمونیست اوکرایین (۱۹۲۰) عضو پولیت بوری حزب(۱۹۲۱—۱۹۵۵)رییس‌کمیتهٔ‌اجرایی کومین ترن(۳۰—۳۱)معاون صدرهیئت



رییسه اتحاد شوروی و مغولستان خارجی (۵۷-۱۹۶۰) نمایندهٔ‌شوری دردفترانرژی اتمی(۱۹۶۰—۱۹۶۱)م .

میرابو ، انوره‌گابریل ریکتی .
Mirabeau .

خطیب ورهبر انقلابی فرانسه ، در بیگنون فرانسه متولدشدوچون‌ازکودکی تربیت صحیحی نداشت آدمی ولگرد و عیاش به‌بار آمد و



اقامت او درزندان موجب‌مطالعهٔ فراوان وی شد ودر نتیجه به انسانی تبدیل گردید . در سال ۱۷۸۴ تصمیم‌گرفت دربرابرمفاسددربار به مبارزه برخیزد،**کالون** که متوجه خطر وی‌شده بود او رادرپروس به مأموریت فرستاد . در۱۷۸۹ میرابو به فرانسه بازگشت وچند نطق آتشین‌کرد و به‌این علت مشهور گردید . به‌زودی شهرت وی همه‌گیرشدوشاه‌برای‌جلوگیری‌ازپیشرفت—



های روزافزونش باوی ازدردوستی درآمد. تمام قروضش راپرداخت وبرای‌او مقرری ماهیانه درنظرگرفت . امامیرابو دست ازفعالیت نکشید و همچنان رهبری مردم را ادامه داد . وی درسال ۱۱۷۹ به عنوان نمایندهٔ پاریس و چند روزبعد به‌عنوان‌کمیتهٔ‌ملی انتخاب‌گردید . وپس ازمدت‌کوتاهی به‌طورناگهانی درگذشت.

ناپلئون بناپارت .

بناپارت را به‌بینید.

ناصر ، جمال‌عبدالناصر .

(متولد ۱۹۱۸م)

رییس جمهوری‌مصر. وی‌درآکادمی نظامی درقاهره تحصیل کرده است . در



جنگهای فلسطین شرکت‌کرد (۱۹۴۸) وهنگامیکه درجهٔ‌سرهنگی داشت‌همراه محمدنجیب درکودتابر علیه **فاروق** پادشاه مصر شرکت جست (۱۹۵۲) در۵۲—۱۹۵۴معاون رییس‌جمهوری و وزیرکشوربود . از ۵۴ تا ۵۶ نخست وزیر وفرمانروای‌نظامی و از آن پس رییس جمهوری مصر شد.

«صدری افشار»

نجیب، ژنرال‌محمد Neguib, M.

(متولد ۱۹۰۱م)



ژنرال‌نجیب

از شخصیت‌های سیاسی مصر ،که به کمك دوستان نظامی‌خود کودتاکرد و فاروق‌را معزول نمودوخود رییس دولت شد، ولی‌دیری‌نپایید که‌معاونش (جمال عبدالناصر) علیه او توطئه‌چید و اورا برکنارکرد و خود زمام‌کشور رابه‌دست گرفت .

نحاس پاشا ، مصطفی .

(متولد ۱۸۷۶ م)

سیاستمدار مصری . رییس حزب وفد (۱۹۲۷) و نخست وزیر مصر در سالهای ۱۹۲۸ ، ۱۹۳۰،۱۹۳۶— ۱۹۳۷ ، ۱۹۴۲ — ۱۹۴۴ و ۱۹۵۰— ۱۹۵۲.

نرون Neron

(۳۷ — ۶۸م)

در ۳۷ میلادی به‌دنیا آمد، **کلودیوس** او را به فرزندی برگزید بعدازمرگ او به‌نام نرون‌ششم امپراطور روم‌شد .



در آغاز رفتار بدی نداشت‌ولی ابتدا به خواهش معشوقه‌اش مادرش را به قتل رسانید، پس از ازدواج همسرش را نیز کشت پس ازحریق روم ، شهری دیگر در همان محل ساخت ، و برای خود نیز قصر باشکوهی‌بنا نهاد و ظلمهای او مردم را برانگیخت و قیام کردند اگرچه گروه کثیری از دم تیغ گذشتند ولی وقتی **گالبا** به امپراطوری انتخاب شد و او خواست فرارکند و در مهلکه افتاد خود راکشت .

نکر، ژاك. Nocher,J.

(۱۷۳۲ — ۱۸۰۴م)

سیاستمدار واقتصاددان فرانسوی . در ژنو به دنیا آمد . ودر مدرسهٔ علوم بانکداری پاریس به تحصیل پرداخت و طی‌جنگ‌هفت ساله‌ثروت زیادی‌اندوخت وی در سال ۱۷۷۶ تا ۱۷۸۱ وزیر دارایی لویی‌شانزدهم بود وتوانست‌برای بهبود وضع دارایی، قوانین تازه‌ای به تصویب برساند . ولی به علت‌پروتستان بودن به‌دستور شاه ازکار برکنار شد . ودرسال ۱۷۸۸ مجدداً به وزارت‌دارایی برگزیده شد. سال‌بعد به‌علت فتح‌باستیل ازکار معزول گردید . در ۱۷۹۰ استعفا داد و به ژنورفت.

نگودین دیم .

Ngo — Dinh — Diem .

(متولد ۱۹۰۱ م)



نگودین‌دیم

ازشخصیت های سیاسی ویتنام ، که درسال۱۹۳۳ وزیرامورخارجهٔ کشوربود. که سخت علیه‌فرانسویها وژاپونیهاوویت‌مین‌هامبارزه‌میکردسرانجام‌درسال۱۹۴۵ زندانی‌شد، ولی‌فرارکردبه‌کمك‌کشورهای خارجی توانست‌درجنوب ویتنام حکومتی ایجادکند، واولین رییس جمهور ویتنام جنوبی شد .

نگویان . Ngoyen— Giap.

(متولد ۱۹۱۲م)

ازافسران معروف‌کمونیست ویتنام.

نلسون ، ویسکونت Nelson.

(متولد ۱۷۵۸ م)

درسال ۱۷۷۰ واردنیروی دریایی شد ودر۱۷۸۴ باسمت فرماندهی‌گردان بوریس برای خدمت درهنگ غربی ، برگزیده شد



ومأمور دفاع ازسواحل‌غربی دربرابرتهاجم فرانسویان گردید . بزرگترین جنگ این سردارانگلیسی **نبردترافالگار** میباشدکه بر ضدفرانسویان جنگیدوضمن جنگ تیری به شانه‌اش خورد و براثر آن درگذشت .

نهرو Nehru.

(۱۸۸۹—۱۹۶۴م)

جواهرلعل نهرو درالله‌آباد هند پا به‌عرصهٔ وجود نهاد . پیش از آنکه نهرو به‌انگلستان رود ، پسری‌بودشیفتهٔ تخیل و پرواز ، دور از دنیای عمل و همدم رؤیاواین‌خصایص‌را تاسال۱۹۱۹ سال‌کشتاربزرگ‌هندیان به‌دست‌انگلیس‌ها که سخت برروح نهرو اثر نهاد ، نگهداشت.

وی نوجوانی بودکه به انگلستان



رفت و در کالج«هارو» کالجی که چرچیل را پرورد .نام نوشت . در رشتهٔ حقوق پایان نامه گرفت در سال۱۹۱۲ به‌هندوستان بازگشت. چندی بعد عضو نهضت سیاسی کنگرهٔ ملی هند گردید . جنگ اول جهانی‌آغازگشت . دراین زمان‌گاندی نیز رسماً به نهضت بزرگ کنگرهٔ ملی هندپیوست وپایه‌های‌نبردی بزرگ ودرسی بزرگ‌گذاشته میشد . وقتی کشتار ۱۹۱۹ را دید و فجایع غربی‌های متمدن را مشاهده‌کرد ، یك دنده‌گردید .

باید‌هندراآزادسازم ... این طنین تصمیم او بود .

دراین هنگام فرمان « نافرمانی» گاندی انتشار یافت‌که از انگلیسی‌ها فرمان نبرید ، برای آنها کار نکنید و ....

نهرو ، این زمان ، دررأس‌مبارزه بود . از گاندی فرمان میگرفت و به‌اجرامینهاد . به پیروی ازگاندی ، بزودی دوکی خرید وبه رشتن نخ و بافتن پارچه پرداخت . هیچکس دیگر پارچهٔ انگلیسی نمی‌خرید. بالاخره انگلیسها عاجزشدند. چندبار به‌مذاکره باگاندی ونهرو و رهبران دیگر هند پرداختند ولی سودی نداشت . وحشت انگلیس‌ها بیش از همه ازنهرو بود . زیرا او دست‌گاندی بود .

نهرو را در سال ۱۹۲۴ برای نخستین باربه‌زندان افکندند. نهرودر تمام عمرده باربه‌زندان‌رفت‌وروی‌هرفته سیزده‌سال‌ازعمرش رادرزندان‌گذراند.

«زندگی‌من» بقلم‌نهروکه درسال۱۹۳۶ در هند و درسراسر اروپا منتشر شد، ازآثارزندان است .

نهرو درسال ۱۹۲۸ سفری دیگر به‌اروپا کردودرکنگرهٔ‌ملل‌اسیرومستعمره شرکت جست .

درسال۱۹۲۹ هندیها که‌حرمت‌نهرو رابه‌درستی میگذاردند، وی‌رابه ریاست کنگره برگزیدند . دراین زمان چهل ساله بود هرگز (جز در مورد مولانا — ابولکلام‌آزاد)سابقه‌نداشت که‌کسی‌به‌این سن به‌ریاست‌کنگره برگزیده‌گردد . و دوسال پشت سرهم به این مقام انتخاب شد . پدرنهرو نیزبنا به‌پیروی ازعقاید اوکلیهٔ ثروت بیکرانش را درراه این نهضت باشکوه روحانی وسیاسی‌گذاشت و خود او «موتی لعل» ازسران‌نهضت گردید . در سال ۱۹۴۶ انگلیس ها

ناچار شدند یك حکومت مستقل موقت درهند پدیدآورند .
مقام نخست وزیر ووزارت خارجه دولت به نهرو واگذارشد .
سال‌بعد، حکومت بریتانیا، قدرت حکومت رارسماً به هندیها واگذارکرد وهمان وقت‌بودکه پاکستان جداگردید نهرو درژانویهٔ **۱۹۶۴** دچارحملهٔ قلبی گـردید . نیمه فلج شد واین ، هند و هندیان راشدیداً نگران ساخت زیـرا نهرو بلامنازعی‌نداشت‌وازترس حسادت **دیگران** جانشینی برای خود معرفـی نمیکرد .
مرگ اودراثرخونریزی ازشریان «آئورت» بزرگترین شریان‌بدن‌رخ‌داد.

نی پررگ ، ژنرال‌آدام آلبرخت‌کنت فن.
Neipperg,A,A,C,V.
(۱۷۷۵ـ۱۸۲۹م)



ازافسران اتریشی کـه مدتها سفیر آن‌کشور در سوید بوده. وبعد ازمرگ نـاپلـئون مخفیانه بـا **ماری‌لوییز** ازدواج‌کرد.

نی ، میشل . Ney, M.
(۱۷۶۹ـ۱۸۱۵م)



دردورهٔ انقلاب ارتش ناپلئون ، متولد شد . درسال۱۷۹۹ بهفرماندهی ارتش فرانسه در **راین** منصوب شد و بـه مقام مارشالی رسید. درسال۱۸۰۵ دردلکینگن پیروزی‌قطعی بهدست‌آورد وبه‌دوك‌دلکینگن ملقب‌گردیـد . هنگام استعفـای در خدمت ارتش بود و از

لویی‌هیجدهم چند لقب گرفت ولـی درحکومت صد روزه‌به‌ناپلئون پـیوست و فـرمانـده گارد قـدیم در **واترلو** بـود . نی را به جرم خیانت به ارتش دستگیر و محکوم و تیرباران کردند . نـاپلئون وی را عامل اصلی شکست‌خود درجنگ واترلو میدانست .

واشنگتون ، جرج .
رؤسای جمهورآمریکا را به‌ببینید.

وان‌آرتولده. ژاکوب.
آرتولد ، ژاکوب رابه‌ببینید .

واندلبرك ، کلمانس .
Von Delbrück
دلبروك را به‌ببینید .

وانگ تسانك وی.
Wang_ Tsing_Wei.
(۱۸۸۴ـ۱۹۴۴م)
از شخصیت‌های بزرگ سیاسی‌چین که در انقلاب‌آن‌کشور نقش مهمی‌داشته است .

وروشیلف ، کلیمنت یفرموویچ.
Voroshilov, k,y.
(متولد۱۸۸۱م)



فیلدمارشال شوروی ، و فرمـانـدهٔ ارتش سرخ درجنگهای داخـلـی ورشیلف در سال‌های **۱۹۲۵** تا **۱۹۴۰** کمیسردفاع و **۱۹۵۳** تا **۱۹۶۰** صـدرهیئت رییسه شورایعالی ، اتحاد جماهیر شوروی بود.

وسپازیان (وسپاژن).
Vespasian.
(۹ـ۷۹م)
امپراطـور روم و مـؤسس سلسلهٔ امپراطوری‌فلاویان (**۶۹** ـ**۷۹**م) که با یهودیان بهجنگ‌پرداخت .

ولینگتون ، آرتورولزلی.
Wellington,A,W.
(۱۷۶۹ـ۱۸۵۲م)
معروف به‌دوك آهنیـن ، سردار و سیاستمدار انگلیسی ،که در ایرلند بـه دنیاآمد . در **۱۷۸۷** وارد ارتش شد و درسال **۱۸۱۰** فرانسوی‌هارا وادارکرد که ازپرتغال عقب نشینی کنند و آنهارا شکست داده ووارد **مادرید** شد . و زمام



وانگ‌تسانگ‌وی

امور اسپانیا را دردست‌گرفت . در سال **۱۸۱۴** لقب دوك‌گرفت وباسمت سفیربه فرانسه‌رفت ودرکنگرهٔوین‌شرکت نمود. وی‌باکمك **بلوخر** درجنگ‌معروف**واترلو** نیروهای ناپلئون را درهم‌شکست و بعد ازآن فرماندهٔ قوای انگلیس در هلندو فرانسه‌شد ولینگتون سال‌های **۱۸۲۸** تا **۱۸۳۰** نخست‌وزیرانگلستان بود.

ونیزه لوس ، الوتئیـلوس .
Wenizelos, E.
(۱۸۶۴ـ۱۹۳۶م)
سیاستمداریونانی، رهبرلیبرالهای



جمهوریخواه که شش‌بار بـه نخست وزیری‌رسید وزادگاهش **کرت** را به یونان‌ملحق کرد (**۱۹۱۳**) ویونان را در جنگهای بالکان‌وجنگ جهانی اول با موفقیـت رهبری‌کرد وقدرت دولت مرکزی رادر سراسر یونان بسط داد .

ویتلیوس، آنیوس . Vitellius, A.
(۱۵ـ۶۹م)
امپراطور روم که دولتی مستـعجل داشت حکومتش یکسال‌نپایید و به دست وسپازیان‌کشته‌شد .

ویشینسکی ـآندری یانوارویچ
Vishinsky, A,Y.
(۱۸۸۳ـ۱۹۵۴م)
سیاستمدارشوروی‌که ازسال**۱۹۴۱** تا پایان عمر در ادارهٔسیاست خارجـی شوروی‌به عنوان،قایم‌مقام و وزیرخارجه ورییس هیئت نمایندگی در سازمان ملل نقش بسیار حساسی داشت .

ویکتوریای اول Victoria,I.
(۱۸۱۹ـ۱۹۰۱م)



ملکهٔ باقدرت انگلیس . از کـودکـی شایستگـی خودرا برای قبول سلطنت نشـان‌دادو در هیجده

سالگی با **شاهزاده آلبرت** زناشویی کرد. زندگی ملکه وشوهرش نمونهٔ سادگی و شایستگی برای ملت انگلیس بود آزادی تجارت، تجارت برترعهٔ سویز و هندوستان وتسلط برمصر ودست انداختن به استرالیا و کانادا ازابتکارات اوناشی شده است.

جنگ تریاك، جنگ کریمه، شورش وکشتار هند وجنگ ترانسوال درزمان او روی داد و او ۶۳ سال سلطنت کرد.

ویلسون، وودو.

رؤسای جمهور آمریکا را به بینید.

ویلهلمینا Wilhelmina
(۱۸۸۰–۱۹۶۲م)

ملکهٔ هلند (۱۸۹۰–۱۹۴۸م) که به نفع دخترش ملکهٔ ژولیانا از سلطنت کناره گرفت.

وی یر، آرژانسون.

آرژانسون را به بینید.

هامیلکار Hamilcar

آمیلکار بارکا را به بینید.

هانری، پاتریك. Henri patrique
(فوت ۱۷۹۹م)

ازکسانی که استقلال آمریکا باتلاش وفداکاری اوتحقق یافته، وی کسی است که پیشنهاد صلح انگلیسها را ردکرد و آزادیخواهان را به مقاومت تشویق نمود تا آنجا که توانستندقشون انگلیس راشکست دهند و طومار استعمار را برای همیشه در آمریکا به بندند. باداشتن دوشغل به فرا- گرفتن علم حقوق پرداخت وبانمره‌های عالی قبول شد. هنری در کار وکالت از خود لیاقت بسیار نشان داد وتوانست در ظرف ۳ سال از ۱۱۸۵ پرونده دفاع کندو رکورد وکالت را تا آنروز بشکند، وی درحین دفاع ازموکلین خود به استعمار انگلیس درآمریکا حمله برد ومردم را به مقاومت علیه زورگویی تشویق کرد. در این هنگام آمریکاییان مجلس قانون گزاری داشتند که تحت نظر انگلیسیها و با نظارت آنها به وضع قوانین داخلی می‌پرداخت، پاتریك هنری به نمایندگی این مجلس انتخاب شد ودر اولین نطق افتتاحیه‌اش نیز به مبارزه با انگلیس برخاست ودر این زمینه آنقدر پا فشاری کرد تا سرانجام درچهارم ژوییهٔ ۱۷۶۶ استقلال آمریکا به امضاء رسید. بعد از تحصیل آزادی پاتریك به فرمانداری ایالت ویرجینیا انتخاب گردیدودر ۱۷۹۹ نیز به عضویت مجلس قانون گزاری آن ایالت منصوب شد ولی پیش از گشایش آن مجلس، رخت ازجهان بست.

هانری هشتم Henri, VIII
(۱۴۹۱–۱۵۴۷م)

درگرینویچ به دنیا آمد، چون بر تخت سلطنت انگلیس نشست کاترین بیوهٔ برادرش را به زنی گرفت و چون دریافت پسری برای جانشینی نخواهد داشت بدون توجه به پاپ طلاقش داد



و با **آن بولین** (مادرالیزابت) ازدواج کرد، ملکهٔ جدید نیز پسری نیاورد وبه تهمت زنا به امر هانری سر ازتنش جدا کردند، سومین زن هانری جین- سیمور (مادرادوارد ششم) نام داشت وزنهای دیگراو به ترتیب **آن آو کلیوا**، **کاترین هوارد وکاترین پار**، نام داشتند، هانری نیروی دریایی بزرگی را پی افکند.

هانیبال Hannibal.

آنیبال را به بینید.

هوس، یان Hus.
(۱۳۶۹–۱۴۱۵م)

میهن پرست چك، استاد دانشگاه پراك ویکی ازرهبران قیامهای ملی مردم، چك برضد آلمانها. درقرن ۱۲ میلادی آلمانها برمنا بع مالی چك دست یافتند و معابد وکلیساهای این کشور رادردست گرفتند. درنیمهٔ دوم قرن چهاردهم پادشاه آلمان، پادشاه چك هم محسوب می‌شد، به همین دلیل مردم چك به آلمانها و کلیساهای آنها به نظر دشمن نگاه میکردند و جنبش همگانی ملی علیه آلمانها درگرفت. دراین زمان یان هوس جنگ را برضد سیادت آلمانها وکلیسای کاتولیك اعلام داشت. وکتابهای مذهبی لاتینی را که برای مردم نامفهوم بود، به زبان چك ترجمه کرد. پاپ راضد مسیح خواندودر صدر جنبش آزادی خواهانهٔ چك قرار گرفت و رهبر فکری استقلال چك شد.

در ۱۴۱۵ مجمع روحانیان عالیرتبهٔ کلیساهای کاتولیك در کنستانس اجتماع کردند و هوس را به بازپرسی خواندند، وچون امپراطور به او تضمین وتأمین داد فریب خورده ودرجلسهٔ بازپرسی حاضر شد، ولی اجازهٔ کوچکترین سخنی به او ندادند وبه زندان و به مرگ در آتش محکومش ساختند. پس از قتل اوشورشی سراسر چك را فراگرفت که به جنبش «هوسیت» شهرت یافت.

هوشیمینه، ناگوین وان تان. Ho –chi–minh.
(متولد ۱۸۹۰م)



درکیم لین مرکز ویتنام به دنیا آمد. فرزند کوچك یکی از سرشناسان دهکده بود و پدرش کارمند جزء دولت بود که به مناسبت احساسات شدید ضد فرانسوی تبعید شد، همین تبعید سبب شد که او برای امرار معاش دست به معالجهٔ مردم بزند.

پسرش را به دبیرستان **کوئوك هوك** که یکی از بهترین مدارس ویتنام بود بفرستد. دربیست سالگی **هو** به شغل معلمی علی البدل دریکی ازمدارس کوچك جنوبی کشور مشغول شدوزندگی واقعی او از وقتی شروع می‌شود که این مدرسه را ترك گفت، میل مفرط مسافرت او را فرا- گرفت، سوار کشتی شد ودرآن کشتی به عنوان کمك آشپز استخدام گردید، بامشاغل مختلف آشپزی، پیشخدمتی مهمانخانه و غواصی، از شهرهای مارسی، افریقا، نیویورك دیدن کرد. افق اوهرروزوسیعتر میشد. دانست که این تفوق و برتری که ملل اروپایی وآمریکایی برای خودقایلند برای آنکه پوست بدنشان سفید است، به جزخدعه و فریب چیز دیگری نیست، مگر ملوانان سفید پوست، کارگران مأمور

تخلیهٔ کشتی‌ها با مانندبسیاری ازمردم و حتی فقیرتروبیچاره‌تر وعقب‌افتاده‌تر از انام نیستند ؟

هو کم‌کم‌شخصیت‌حقیقی‌خودرادریافت به‌طوریکه‌دراروپااوراجناب‌می‌خواندند، روزی‌که خواست‌به ملاقات رییس‌جمهور برود او را مسخره‌کرده و راندند ولی او ازپا ننشست. روزی‌که ازدفتر وزارت مستعمرات فرانسه خارج می‌شد **آرنو**، رییس سازمان امنیت هند وچین مخفیانه عکسی از اوگرفت‌زیرا پیش‌بینی‌میکرد او روزی مرد بزرگی خواهد شد .

برای اولین‌بار در سال ۱۹۲۰ به عنوان نمایندهٔ امور مستعمراتی در کنگرهٔ **تور** حضور یافت ولی چون اصطلاحات سیاسی نمی‌دانست ، رفقای همکامش او رانپسندیدند.کلمات‌ساده و حرفهای اوبردل وجان مردم نشست ،او رنجها ودردهای مردم را به زبانی ساده ادا می‌کرد وراه حصول‌پیروزی راخیلی نزدیك نشان می‌داد .

در سال ۱۹۲۴ مترجم **بورودوئن** رئیس هیئت‌اعزامی شوروی‌شد و**بالنین** ملاقات‌کرد و با **تروتسکی و بوخارین** معاشرت داشت و در هرحال یك انقلابی تمام معنی شد .

درانقلابی که‌مردم ویتنام‌علیه‌تبعیض وجنایات فرانسویها کردند سمت رهبری داشت وتبعیدشد در این‌موقع **هوشیمینه** در**هونك‌گونك** بود دولت فرانسه اورا از دولت انگلیس خواست (زیراهونك كونگ مستعمرهٔ‌انگلیس‌بود)ولی به‌عللی به جای تسلیم او را بازداشت و محاکمه کردند ولی یکی‌از وکلای‌انگلیس‌به‌نام **استافوردکریپس**دفاع‌اورا برعهده گرفت وتبرئه شد .

هو ،کمونیست ۵۱ ساله در سال ۱۹۴۱ به دستور چیان‌کایچك به زندان افتاد . و بافریفتن افسر مأمور، وتغییر اسم خود از هو به هوشیمینه ، اسمش در لیست، زندانیانی‌که‌آزادمی‌شدنددرآمد. از این تاریخ هوشی‌مینه در رأس‌گروهی انقلابی در سراسر ویتنام نفوذ و اعتبار یافت وحتی ازآمریکا هم‌به بهانه‌های مختلف اسلحه می‌گرفتند .

سخنرانیهای **روزولت** در مورد مخالفت با استعمار تکیه‌گاه قوی برای طرفداران هوشی‌مینه بود.

درست ۲۲ سال پیش از این‌یکی‌از افسران طبیب آمریکایی که اورامعاینه کردگفت: بیش ازچند روز زنده‌نخواهد بود وشکست‌های پی‌درپی ژاپنیهاآنهارا به‌پیش راند تا جایی‌که پس از سی سال، مکر وحیله‌وادبارونحوست‌عاقبت،هوشی‌مینه برهندوچین مسلط شد ولی اعزام‌قوا از طرف فرانسه وضربت‌های کشنده بر-پیکر سازمان تازهٔ اوپیشرفت اورا کند کرد.

به‌طوریکه امروزه‌نیز سالهاازآغاز جنگ‌آمریکا با این کشور می‌گذرد و سیاستمدار کهنه‌کار ، موفق شده خوددرادر طول این جنگها نگهدارد .

هیتلر ، آدولف Hitler, A.
(۱۸۸۹–۱۹۴۵م)

پیشوای‌آلمان. دربرونو دراتریش علیا به‌دنیاآمد. پس‌از مدتی دربدری در ۱۹۱۲ به مونیخ رفت ودر جنگ اول جهانی درارتش باویر خدمت کرد. در۱۹۱۹–۱۹۲۰ باچندتن‌دیگرحزب‌نازی راایجاد کرد . پس‌ازکودتای نافرجام آبجو-فروشی (۱۹۲۳) چند ماه به زندان افتاد و در این ایام کتاب **نبرد من** را نوشت.

درسالهای۱۹۲۵–۱۹۳۳ در رأس حزب‌نازی‌به توسعهٔ‌قدرت این حزب پرداخت.در ۱۹۳۲ به نخست‌وزیری رسید.ازآن پس‌مخصوصاً



پس ازمرگ‌**هیندنبورگ** (۱۹۳۴) به نابودساختن‌آزادیهای‌سیاسی وحبس‌وقتل یهودیان پرداخت. از سوی دیگر بنیان اقتصادی‌آلمان را ثبات و قوت بخشید. ارتش و تسلیحات آنرا احیاء کرد و تبلیغات نژادی وشوونیستی دامنه‌داری را رواج داد . در ۱۹۳۸ به اشغال اتریش فرمان داد .

در۱۹۳۹ باحمله‌به‌لهستان‌جنگ‌جهانی راآغازکرد و به این ترتیب موجبات نابودی ملیونها انسان وویرانی صدها شهررا فراهم ساخت و سرانجام در آستانهٔ اسارت خودرا بامرگ‌موش کشت وجسدش را همراه جسد معشوقه‌اش در آتش سوزاندند.

رؤسای جمهور آمریکا

نام	تاریخ حکومت	نام	تاریخ حکومت
۱– **واشنگتون**، جرج.	۱۷۸۹–۱۷۹۷م	۱۲– **تایلور** ، زاخاری .	۱۸۴۹–۱۸۵۰م
۲– **آدامس**، جان.	۱۷۹۷–۱۸۰۱م	۱۳– **فیلمور**، میلارد.	۱۸۵۰–۱۸۵۳م
۳– **جفرسون** ، توماس.	۱۸۰۱–۱۸۰۹م	۱۴– **پیرس** ، فرانکلین.	۱۸۵۳–۱۸۵۷م
۴– **مدیسون** ، جیمز	۱۸۰۹–۱۸۱۷م	۱۵– **بوکانان** ، جیمز .	۱۸۵۷–۱۸۶۱م
۵– **مونرو**، جیمز.	۱۸۱۷–۱۸۲۵م	۱۶– **لینکلن** ،آبراهام.	۱۸۶۱–۱۸۶۵م
۶– **آدامس**، جان کوئینسی.	۱۸۲۷–۱۸۲۹م	۱۷– **جانسون** ، آندریو.	۱۸۶۵–۱۸۶۹م
۷– **جاکسون**، آندریو.	۱۸۲۹–۱۸۳۷م	۱۸– **گرانت** ، یولیس بیس.	۱۸۶۹–۱۸۷۷م
۸– **وان‌بورن**، مارتین.	۱۸۳۷–۱۸۴۱م	۱۹– **هایز** ، رادرفورد.	۱۸۷۷–۱۸۸۱م
۹– **هاریسون** ، ویلیام هانری.	۱۸۴۱–۱۸۴۱م	۲۰– **گارفیلد** ، جیمز .	۱۸۸۱–۱۸۸۱م
۱۰– **تایلور** ، جان.	۱۸۴۱–۱۸۴۵م	۲۱– **آرتور**، چستر.	۱۸۸۱–۱۸۸۵م
۱۱– **پوك**، جیمز.	۱۸۴۹–۱۸۴۹م	۲۲– **کلیولند** ، گروور .	۱۸۸۵–۱۸۸۹م

نام	تاریخ حکومت	نام	تاریخ حکومت
۲۳- **هاریسون**، بنیامین.	۱۸۸۹-۱۸۹۳م	۳۰- **کولیج**، کولوین.	۱۹۲۳-۱۹۲۹م
۲۴- **کلیولند**، گروور.	۱۸۹۳-۱۸۹۷م	۳۱- **هوور**، هربرت.	۱۹۲۹-۱۹۳۳م
۲۵- **مك‌کینلی**. ویلیام.	۱۸۹۷-۱۹۰۱م	۳۲- **روزولت**، فرانکلین دولاتو.	۱۹۳۳-۱۹۴۵م
۲۶- **روزولت**، تئودور.	۱۹۰۱-۱۹۰۹م	۳۳- **ترومن**، هاری.	۱۹۴۵-۱۹۵۳م
۲۷- **تافت**، ویلیام.	۱۹۰۹-۱۹۱۳م	۳۴- **آیزنهاور**، دوایت.	۱۹۵۳-۱۹۶۱م
۲۸- **ویلسون**، وودو.	۱۹۱۳-۱۹۲۱م	۳۵- **کندی**، جان فیتزجرالد.	۱۹۶۱-۱۹۶۴م
۲۹- **هاردینگ**، وارن.	۱۹۲۱-۱۹۲۳م	۳۶- **جانسون**. لیندون.	از ۱۹۶۴ تاکنون

آدامس، جان Adams, J.
(۱۷۳۵-۱۸۲۶م)
معاون واشینگتون و دومین رییس جمهور آمریکا وبه درستی ودرستکاری او همه اعتقاد داشتند.

آدامس، جان کوئینسی Adams,j,C.
(۱۷۶۷-۱۸۴۸م)
پسرجان آدامس دومین رییس‌جمهور



آمریکا، ازسال ۱۸۱۷ تا ۱۸۲۵ وزیر خارجه بود ودر سال ۱۸۲۵ بـه سمت ششمین‌رییس جمهورانتخاب‌شدازمخالفین سرسخت برده فروشی بود.

آرتور، چستر آلان Arthur,ch,A.
(۱۸۳۰-۱۸۸۶م)
بیست ویکمین‌رییس جمهور ایالات متحدهٔ آمریکا.

آیزنهاور، دوایت دیوید. Eisenhower.
(متولد ۱۸۹۰ م)
از صاحب منصبان عالیرتبه ورجال سیاسی آمریکا. دردنیس «تکزاس» متولد شد.

درجنگ دوم بین‌المللی فرمـانده قشونی بودکه درشمال افریقا (۱۹۴۲-۱۹۴۴م.)ودراروپا(۱۹۴۴-۱۹۴۵م.) مشغول عملیات جنگی بـودند وهمچنین فرماندهی نیروی پیمان آتلانتیك را در اروپا تا ۱۹۵۱ م. داشت ودر ۱۹۵۳ رییس جمهورآمریکا (اتازونی) گردید و تاسال ۱۹۶۱ م. این سمت را داشت.

وی سیاست‌کشور اتازونی را در اروپا و ممالك شرق اقصی مستقر و ثـابت گردانید.

آیزنهاورسی‌وچهارمین رئیس‌جمهور آمریکا است.

بوکانان، جیمز. Buchanan, J.
(۱۷۹۱-۱۸۶۸م)
پانزدهمین رییس جمهور آمریکا، در زمان حکومت خود تـوانست بین موافقین ومخالفین برده فروشی تعادلی ایجادکند و تنها مرد مجردی است کـه به ریاست جمهوری رسیده است.

پولک، جیمز Polk, J.
(۱۷۹۵-۱۸۴۹م)
یازدهمین رییس جمهورآمریکا، در دورهٔ ریاست اوجنگ مکزیك روی‌داد که به نحو شایسته‌ای آنرا اداره‌کرد و از نظرپرکاری مردکم نظیری بود.

پیرس، فرانکلین. Pierce, F.
(۱۸۰۴-۱۸۶۹م)
چهاردهمین رییس جمهورآمریکا، سیاست خـارجـی او مـوفقیت آمیز نبود.

تافت، ویلیام هاروارد Taft,W.H.
(۱۸۵۷-۱۹۳۰م)
از سال (۱۸۸۷ - ۹۰م) قـاضی دیوانعالی **اهیوو**ازسال (۱۸۹۰-۹۲م)



مشاورحقوقی دولت و از سال (۱۸۹۲-۱۹۰۰ م) قاضی دادگاه سیاروازسال (۱۹۰۱-۴م) حکمران **فیلیپین** و از سال (۱۹۰۴-۱۹۰۸م) وزیر جنگ آمریکا و درسال ۱۹۰۶ م حکمران موقت‌کوبا شد و از سال ۱۹۰۹ به ریاست جمهوری آمریکا رسید وچهار سال دراین سمت باقی‌بودو بـقیهٔ عمر را درسمتهای استادی حقوق دانشگاه یال وریاست دیوانعالی آمریکا گذرانید و بیست و پنجمین رییس جمهور آمریکا بود.

تایلور، زاخاری Taylor, z.
(۱۷۸۴-۱۸۵۰م)
دوازدهمین رییس‌جمهور آمریکا، از قهرمانان‌جنگ مکزیك بودبا بیماری تیفوس درگذشت.

تایلور، جان Tyler.J.
(۱۷۹۰-۱۸۶۲م)
دهمین رییس جمهور ایالات متحده



که مـدتها سناتـور و فرمانـدار ویرجینیا بود و در سال ۱۸۴۱ معاون رییس‌جمهور شدودرهمین سال به سمت ریاست جـهموری انتخاب گردید تا ۱۸۴۵ درآن پست بود.

ترومن، هری‌اس Truman.
(متولد ۱۸۸۴م)
در جنگ جهانی دوم ریاست کمیتهٔ رسیدگی به مخارج دولتی را داشت. در سال ۱۹۴۶ معاون رییس جمهور بود و پس ازمرگ‌روزولت به ریاست جمهوری رسید. وی‌سی‌ودومین یاسی‌وسومین‌رییس جمهور آمریکا است.

کشتار مردم غیرنظامی هیروشیماو ناکازاکی با بمب اتمی به امر او صورت



گرفت در مارس ۱۹۴۷ برنامهٔ معروف به نظریهٔ ترومن را برای کمك به کشورهایی که در معرض نفوذ کمونیسم بودند، اعلام کرد. درسال ۱۹۴۶ پیمان آتلانتیك شمالی را منعقد ساخت. درسال ۱۹۶۰ به جانش سوءقصد شد، ولی آسیبی ندید.

درانتخابات سال ۱۹۵۲ آیزنهاور کاندیدای حزب‌جمهوری خواه به‌ریاست جمهوری انتخاب گردید.

جانسون، اندریو Jhonson, A.
(۱۸۰۸–۱۸۷۵م)
هفدهمین رییس جمهور آمریکا،



ازدوزندگی به ریاست جمهوری آمریکارسید. مدتها نمایندهٔ مجلس و فرماندار و سناتور بود درسال ۱۸۶۵ معاون **لینکلن** بود ولی اواز برده‌داری طرفداری کرد وبین او وکنگره اختلاف شدیدی پیش آمد. زیرا جمهوریخواهان با او مخالف بودند.

جانسون، لیندون. Johonson,L.
(متولد ۱۹۰۸م)
سی‌وششمین رییس جمهور آمریکا و معاون **کندی** فقیدکه پس ازکشته شدن وی (۱۹۶۳م) روی‌کارآمد.

جفرسون، توماس. Jefferson,T.
(۱۷۴۳–۱۸۲۶م)
درآغاز به تحصیل حقوق پرداخت به نام امین صلح به‌کار دادگستری‌مشغول شد، به زودی باسمت نمایندگی وارد



کنگرهٔ آمریکا شد ودرتدوین اعلامیهٔ **استقلال** نقش مهمی داشت. از ۱۷۷۹ تا ۱۷۸۱ حاکم ویرجینیا بود به ریاست هیئتی مأمورعقدقرارداد صلح باانگلیس شد، اودر مورد الغاء بردگی پیشنهاد داد.

جفرسون‌مدتی‌سفیرآمریکادرفرانسه‌بود و اختلاف او با **هامیلتون** موجب‌تشکیل دوحزب دمکرات‌وفدرالیست شد. اویك بار معاون رییس جمهور و دوبار رییس جمهور شد.

جکسون، اندره. Jackson,A.
(متولد ۱۸۶۷ م)
در **واکسهوبه** بـه دنیا آمـد. از آغاز زندگی، ماجرا جویی و مبارزه را برهرچیز ترجیح می‌داد، در



چند دوئل شرکت‌کرد، یکی‌راکشت و چند نفر رازخمی‌کرد، درسال ۱۸۱۲ به‌نام قهرمان ملی معروف شد.

زیرایکباره احساس عدالتخواهی و وطن پرستی او برهمهٔ خواستهای او غلبه‌کرد، رشادتهای‌اودرجنگ **نئواورلئان** معروف است.

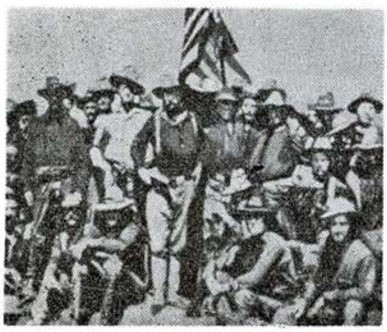
درسال ۱۸۲۸ به ریاست جمهوری رسید و در دورهٔ دوم نیز در ایـن سمت ابقاء شد. دردورهٔزمامداری اودمکراسی قدرت‌بیشتری داشت‌پس‌ازریاست‌جمهوری مبارزهٔ او با برده‌فروشان تا روز مرگ ادامه داشت.

روزولت، فرانکلین دلنو. Roosevelt.
(۱۸۸۲–۱۹۴۵م)
پسرعموی تئودور روزولت و سی و یکمین رییس جمهوری آمریکا است. وی



از ۱۹۱۰ واردسیاست شد و در دورهٔویلسون معاون‌وزارت دریاداری بود. در سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ فرماندار ایالت نیویورك بود، در ۱۹۳۲ ازطرف حزب دموکرات نامزد ریاست جمهوری بود وموفق شد در ۱۹۳۶ مجدداً به‌این سمت برگزیده‌شدودر ۱۹۴۰ برای‌سومین بار رییس جمهور شد. وی‌کسی است‌که آمریکا را در جنگ دوم جهانی شرکت داد ویکی‌ازعوامل مهم فتح دراین‌جنگ بشمارمیرود. روزولت به‌مرگ‌ناگهانی درگذشت‌ودردهکدهٔ **هایدپارك** که‌زادگاهش نیزهست مدفون شد.

روزولت، تئودور Roosevelt
(۱۸۵۹–۱۹۱۹م)
سیاستمدارآمریکایی، که درسال‌های ۱۸۹۷و۱۸۹۸ معاون‌وزارت دریاداری، و در سال ۱۹۰۰ معاون رییس جمهور ایالات متحدهٔ امریکا بود ودرسال ۱۹۰۱



به‌ریاست جمهوری رسید و در ۱۹۰۴ مجدداً باین سمت انتخاب شد. وی‌بیست و پنجمین رییس جمهور آمریکااست.

وی طرفدار جدی حقوق مردم کم‌بضاعت درمقابل سرمایه‌داران بود.

فیلمور، میلارد Fillmore, M.
(۱۸۰۰ – ۱۸۷۴م)
سیزدهمین رییس جمهورآمریکاکه سالها عضو مجلس نمایندگان و از سال ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۰ معاون‌ریاست‌جمهوری بودکه بامرگ‌رییس‌جمهورتاسال ۱۸۵۳ در مقام ریاست جمهوری خدمت‌کرد.

کلیولند، استیفن‌گروور. Clevland,S,G.
(۱۸۳۷–۱۹۰۸م)
درسالهای ۱۸۵۹ و۱۸۸۲ شهردار



بوفالو و در سالهای ۱۸۸۳–۸۵م. فرمانـدار نیویورك‌بود که‌درسالهای (۱۸۸۵ – ۱۸۸۹) و (۱۸۹۷ –

۱۸۹۳) بیست‌ودومین و بیست‌وچهارمین رییس جمهور آمریکا بود.

کندی ، جان فیتز جرالد.
Kennedy, J, F.
(۱۹۶۳–۱۱۹۷م)

در سال ۱۹۴۰ وارد نیروی‌هوایی آمریکا شد و پس‌از ۵ سال خدمت عضو



مـجـلس نماینده‌گان گردیـد (۱۹۴۷ م) تاسال ۱۹۵۳ در این‌سمت بود وازسال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۱ سناتور بود و درسال ۱۹۶۱ به‌ریاست‌جمهوری برگزیده شد که در ۱۹۶۳ کشته شد.

کندی حقوق مدنی جدیدآمریکا را بر علیه تبعیضات نـژادی بـه تصویب رسانید و برای‌جلوگیری ازجنگ کوششی صمیمانه‌کرد. ازآثاراو: «سیمای‌شجاعان» و«استراتژی صلح» به‌فارسی ترجمه شده است.

کولیج ، کولوین Coolidge, C.
(۱۹۳۳–۱۸۷۲م)

سالهای(۱۹۱۱–۱۹۱۰م)شهردار **نورثامپتون** ودرسالهای (۱۸–۱۹۱۶م) عضو سنا از ایالت ماساچوست و درسال



۱۹۱۹ م‌به سـمـت فرمانداری انتخاب شد ودورهٔ‌معاونت ریـاسـت جـمهوری او از سال ۱۹۲۱ آغاز و در سال ۱۹۲۳ختم شد ودرسال ۱۹۲۳ به‌ریاست جمهوری انتخاب شدکه تـا سال ۱۹۲۹ در این سمت باقی بود.

او سی‌امین رییس جـمهور آمریکا است .

گارفیلد ، جیمز ، آبراهام .
Garfild, J, A.
(۱۸۸۱ – ۱۸۳۱م)

از آموزگاری به سرلشکری سپس عضویت‌مجلس نماینده‌گان، بالاخره‌به‌رهبری حزب جمهوریخواه و ریاست جمهـوری رسید. سرانجام‌به‌دست‌یکی‌ازمخالفانش‌ترور شد .

گرانت، یولیسیز ، سیمون Grant,U,S.
(۱۸۸۵–۱۸۲۲م)

در دهکدهٔ **اوهایو** به‌دنیاآمد و در مدرسهٔ‌نظام **وست‌پوینت** تحصیل‌کرد، در



جنگـهای مـکزیـک شرکت‌جست به‌درجهٔ‌سروانی رسیده بود که به علت شرابخوارگی از نـظام اخـراجش کردند. گرانت ناگزیر بـه کشاورزی پرداخت سپس‌مغازهٔ‌چرمفروشی بازکرد، درجنگ داخلی او را احضار کردند ، این‌بار او پیروزیهای بزرگی‌کسب‌کرد، به‌طوریکه درسال۱۸۶۱ بادرجهٔ‌ژنرالی فرمانده کل ارتش **تنسی** شد. پیشرفتهای نظامی‌اویکی‌پس‌ازدیگری توجه‌آمریکاییها را جلب میکند ، به‌طوریکه لینکلن او رابه درجهٔ‌سرلشکری مفتخر می‌سازد. در سال ۱۸۶۸ به ریاست‌جمهوری‌برگزیده میشود درسال ۱۸۷۲ مجـدداً انتخـاب می‌شود : سپس سفرباشکوهی به دوردنیا می‌کند ، ولی پایان عمرش به‌علت تنگـدستی جالب نبود .

لینکلن ، ابراهام . Lincoln.A
(۱۸۶۵–۱۸۰۹م)

وقتی‌که‌کوچك بود باکرجی خـود روی رودخانهٔ **میسی سی پی** قایق رانی می‌کرد ، وقتی به‌عرصه رسیدبه **اندیانا** رفت و درسال ۱۸۱۶ مادر خودراکـه بسیارگرامی میداشت از دست داد . در تمام زندگی بیش از یکسال نتوانست‌به مدرسه برودولی‌درخارج‌ازمدرسه‌هیچگاه از خواندن فارغ نبود ، چون خواندن و نوشتن‌آموخت ، منشی مغازه‌ای شدسپس رییس‌پست‌دهکده‌گردیدودر سال ۱۸۳۹ به‌کارهای قضایی‌پرداخت، به‌سال ۱۸۴۹ به نماینده‌گی‌کنگره انتخاب شد ودراین



دوران‌کار نمایانی‌ازاو سرنزد، به‌طوریکه گمان‌میرفت‌درکارسیاست، استعدادزیادی ندارد . درمبارزه‌ای‌که به‌هنگام شوردر لایحهٔ‌برده فروشان، میان‌او وسناتوری‌به سال ۱۸۵۸ در گرفت ، بشر دوستی او نمایانتر شد و براثر نطقهایش علاقـهٔ جمهوریخواهان به اوجلب شدتاحدی که توانست به‌ریاست جمهوری انتخاب‌شود.

بین مردم شمال وجنوب برسربرده‌فروشی نزاع درگرفت وکم‌کم به صورت جنگ خونینی‌درآمد . در آغاز لینکلن پیاپی شکست می‌خوردوکار بر‌اوسخت‌شده بود اما به نیروی تدبیر دشواریهارا از پیش‌پا برداشت درسال ۱۸۶۵ مردی‌احمق بنام **جان‌و بلکز بوت**او را به‌قتل‌رسانید.

مدیسون، جیمز Madison, J.
(۱۶۵۱–۱۸۳۶م)



عضونخستین کنگـرهٔ سراسـری آمریکا ، رهبر حزب جـمهوری خواه‌ووزیر خارجه، بالاخره‌ریاست‌جمهوری‌و ریاست دانشگاه ویرجینیا. مدیسون چهارمین رییس جمهورآمریکا است .

مك‌کینلی،ویلیام. Mckinley,M.
(۱۹۰۱–۱۸۴۳م)

از قهرمانان جنگهای داخـلی و عضو مجلس نماینده‌گان ورییس مجلس و فرماندار **اهیو** بودکه به‌بیست و پنجمین

رییس جمهوری آمریکا انتخاب شد و به دست یکی از آنارشیست‌ها کشته شد.

مونروئه، جیمز Monroe,J.
(۱۷۵۸–۱۸۳۱م)

عضویت در نخستین کنگرهٔ سراسری آمریکا، وزیر مختاری در فرانسه، فرمانداری ویرجینیا و وزیرمختاری‌در انگلیس، وزارت خارجه، وزارت‌جنگ وریاست جمهوری از مراتبی است که مونروئه پنجمین رییس‌جمهور آمریکا احراز کرده است.

واشنگتون، جرج Washington, G.
(۱۷۲۳–۱۷۹۹م)



فرزند دهقانی بود که بعد از پدر سرپرستی ۶ مزرعه‌را برعهده‌داشت‌درسال ۱۷۵۲ خود شخصاً به کشاورزی پرداخت. هنگام‌جنگ فرانسویان با سرخ‌پوستان، درسپاه‌ویرجینیاخدمت‌میکرد در سال ۱۷۵۸ به‌فرماندهی رسید و او بودکه دژ **دوکسون**‌را تصرف‌کرد، و با زن ثروتمندی ازدواج کرد، هنگام‌انقلاب آزادی‌واستقلال آمریکا به‌انقلابیون‌پیوست وبالاخره پس ازبه دست‌آوردن استقلال به ریاست جمهوری رسید وبرای‌بار دوم نیز انتخاب‌شدوسرانجام درمزرعهٔ‌شخصی خویش جان سپرد.

وان‌بورن، مارتین Vanburne,M.
(۱۷۸۲–۱۸۶۲م)

مؤلف‌کتاب «تحقیق درمنشأ و سیر احزاب سیاسی در ایالات‌متحده» ابتداء سناتور وفرماندارنیویورک ومعاون‌رییس جمهوری بود و درسال ۱۹۳۷ به‌سمت هشتمین رییس جمهور آمریکا انتخاب شد وتا۴ سال‌دراین پست‌بود.

ویلسون، وودرو Willson,W.
(۱۸۵۶–۱۹۲۴م)

فرزند کشیشی بودکه در دانشگاه **ویرجینیا** تحصیل‌حقوق‌کرد ودر**هاپکینز** تاریخ وعلوم‌سیاسی‌آموخت‌درآغازشهرت او بیشتر به‌خاطر مقالات سیاسی‌بود.

در۱۹۰۲ رییس دانشگاه‌پرینستون شد در سال ۱۹۱۰ فرماندار نیوجرسی گردید، درسال۱۹۱۲ ازطرف‌دمکراتها نامزد ریاست جمهوری شد. وبه عنوان بیست وهشتمین رییس جمهور آمریکا به کاخ سفید قدم نهاد. قوانینی از کنگره گذرانید که همه پسند بود وچهارده‌اصل معروف‌او برای‌عقدصلح‌دراروپا معروف‌است و در انجمن‌صلح‌اروپا بنیاد **جامعهٔ‌ملل**‌را گذاشت.

هاردینگ، وارن‌گمالیل. Harding, W, G.
(۱۸۶۵–۱۹۲۳م)

از سال ۱۹۱۵ تا۱۹۲۱ سناتور بود و درسال ۱۹۲۱ به سمت‌بیست و نهمین رییس جمهورآمریکا انتخاب شد.

هاریسون، ویلیام هانری. Harrison, W, H.
(۱۷۷۳–۱۸۴۱م)

فرزند بنیامین هاریسون، انقلابی معروف‌آمریکا است‌که فقط یکماه رییس جمهور بودووفات‌یافت وبنام‌نهمین‌رییس جمهوری، تاریخ نام اوراثبت‌کرده‌است.

هاریسون، بنیامین Harrison,B.
(۱۸۳۳–۱۹۰۱م)

در جنگهای داخلی‌سرتیب‌افتخاری وپس از۶ سال سناتوری در۱۸۸۹ به‌نام بیست وسومین‌رییس‌جمهور آمریکاوارد کاخ سفید و تا سال ۱۸۹۳ در این پست بود.

هایز، رادرفورد. Hayes, R.

سر لشکر دورهٔ جنگهای داخلی، ابتدا عضو مجلس نمایندگان شد سپس‌به فرمانداری **اوهیو**‌رسید ودرسال۱۸۷۷ به نام نوزدهمین رییس جمهور آمریکا انتخاب شدکه تا سال۱۸۸۱ در این‌پست باقی بود.

هوور، هربرت‌کلارک Hoover, H,C.
(۱۸۷۴–۱۹۶۴م)



ابتدا به‌سمت وزارت بازرگانی رسید و سی و یکمین رییس‌جمهور آمریکا شد و ۴سال در این پست باقی بود.

فراماسونری

تاریخچهٔ فراماسونری.



هاردینگ

ایـن‌کلمه همانطوری‌که از ظاهرش پیداست‌ازدوکلمهٔ‌ماسونری «Massonerie» و فران «Franc» ترکیب‌شده که‌کلمهٔ‌اول‌صفت است و در لغت به معنای «آزاد» و دراصطلاح «صدیق،متدین، حقیقی و نظایر آن» آمده است. کلمهٔ دوم به‌معنای «بنایی» است. دربارهٔ اصل وریشهٔ‌آن، عقاید مختلف است‌وهنوز به‌درستی‌روشن نیست. «اندرسن»که یکی از بنیان‌گزاران این جمعیت ومسلك، درانگلستان است به‌سال۱۷۲۳ قوانین خاصی برای‌آن‌تدوین نمودواومعتقداست فراماسونری‌ریشهٔ‌بسیار کهن داردوسابقهٔ‌آنرا به‌حضرت‌آدم‌می‌رساند. برخی معبد حضرت سلیمان را گهوارهٔ فراماسونی میدانندوعده‌ای‌آنرا بازماندهٔ اسرار باطنی ورموز هندیان و مصریان‌ویاادامهٔ اجتماعات مذهبی‌یونان وروم می‌پندارند. «برناردجانز» مورخ مشهور انگلیسی مینویسد، بنایی وهرنوع کارعملی‌مستلزم یك‌«اندیشه ودقت‌علمی» است تابتوان آنرا به‌مرحلهٔ‌عمل‌درآورد ومثلا دست‌به‌کارساختن خانه‌ای شد واین همان چیزی است‌که امروزه‌آنرا فرضیه یاتئوری‌می‌نامیم. طرح‌نقشه‌های ساختمانی مقاومت مصالح همان«علم‌نظری» است‌که معرف درجهٔ بصیرت و وقوف استاد کار است. دراین باره بحث های مختلفی به‌عمل‌آمده‌که بعداً دربارهٔ «ابزارکار» فراماسون هاکه‌به‌صورت«آرم» مخصوص درآمده بحث خواهیم‌کرد.

«اندرسن» ازافسانـه‌ای‌که دربارهٔ بنای مشهور سلیمان درکتب مذهبی نقل است، نتیجه‌گیری‌کرده وآنرا اساس فراماسونی‌وبنای‌آن معبد را بنیان‌گزار این سازمان میدانند.طبق روایات‌مذهبی موقعی‌که حضرت سلیمان درصدد ساختن معبد سلیمان برآمد، حکمران«تیر» از شهرهای‌فنیقیه، صنعتگری‌را به‌نام **هیرام** نزد اوفرستادتا در اتمام معبد وتزیینات داخلی آن شرکت‌کند. اوازمس‌کاری و فلزکاری اطلاع فراوان داشت‌به‌طوریکه همکارانش ازاسرارکاراو بی‌اطلاع بودند. وقتی‌کاربـه‌پایان رسید پـانزده نفر از معماران‌وبناها برای پی بردن به اسرار کارهیرام توطئه کردند لیکن درآخرین

لحظه‌دوازده نفرشان خودرا کنار کشیدند وسه نفردیگراورا به‌دام انداختند وبه‌محل‌خلوتی بردندو تحت شکنجه‌اش قرار دادند تا از«اسرارنهانی» حرفهٔ او و از رموزآن اطلاع پیداکنند .«هیرام» با بردباری‌مقاومت‌کرد وشکنجه‌ها راتحمل نمود ولی لب ازلب نگشود وکلمه‌ای از حرفهٔ خود را بروز نداد . سرانجام با سه ضربه‌کاری که هرضربه را یکی ازآن سه نفر برمغز او واردنموده بود ، اورا ازپای‌درآوردندوجنازه‌اش رادرگودالی دورازشهردرمحل‌خلوتی‌واقع‌درکوهستان «مرباج» به‌خاك سپردند.حضرت سلیمان چون از غیبت استاد هنرمند مطلع شد، حدس زدکه باید توطئه‌ای‌درکارباشد.لذا پانزده نفرازافراد طرف اعتماد رابه جستجوی‌هیرام فرستاد. پنج نفرازایشان به‌محل جنازهٔ مقتول رسیدند ویکی از ایشان بامشاهدهٔ محل‌که دست خورده‌بود جنازه راپیداکرد ومراتب را به حضرت سلیمان اطلاع داد . سلیمان دستورداد جنازه را به بیت المقدس حمل کردند . وطبق‌آیین خاص‌آن زمان‌هرکس می‌مرد یکی ازنزدیکانش درکناراو به طریقی می‌خوابید که دست وی بادست متوفی و زانووپایش هم باپای‌متوفی تماس حاصل کند و وقتی‌می‌خواستند جنازه راحرکت دهندباید دستش‌رابه‌پشت جنازه بگذارد مفهوم انجام این تشریفات چنین بود که متوفی به‌دلخواه و رضایت خاطر خود تغییر مکان میدهد . این اعمال بعدها منشاءتشریفاتی به‌نام «لمس‌پنج نقطهٔ‌بدن استاد»شدکه‌بین‌فراماسونها معمول‌گردید.

در موقع ساختمان معبد سلیمان معماران وکارگران به سه دسته تقسیم شده بودندکه دستهٔ اول مبتدیان، دستهٔ دوم‌بنایان‌ودستهٔ‌سوم‌استادکارها ومعماران بزرگ بودند . عده‌ای معتقدند که مبدأ فراماسونری‌به‌جمعیت هنرمندان رومی میرسد ، وقتی معبد سلیمان پایان یافت معماران‌وکارگرانی که‌درآن شرکت‌نموده بودند متفرق گشته عده‌ای به روم رفتند ودرآنجاجمعیت‌هنرمندان رومی راایجاد کردندکه اسرارخود راجزبه‌محارم‌آنهم باتشریفات مخصوص به هیچکس دیگر بروز نمی دادند . بعدها نحوهٔ فکروعمل این جمعیت به سایر کشورهای اروپایی سرایت نمود ودرآن‌کشورها نشروبسط یافت .

دستهٔ‌دیگری‌عقیده‌دارندکه شوالیه‌ها وقتی داستان هیرام را می‌شنیدند ، به زاری می‌گریستندکه چرا درآن‌موقع نبودند تابه‌یاری هیرام برخیزند .

این‌دسته‌میگویندچون‌علامت‌مخصوص بعضی‌ازفراماسونهاعبارت‌ازستارهٔ پنج پر وشمشیر وحمایل وغیره است واینهاخود نشانی ازشوالیه‌ها است، بنابراین همین شوالیه های معبد، منشاء فراماسونری هستند .

دراعصارقدیمه، صنف بنا ومعمار و کسانی‌که به نحوی درکارهای ساختمانی ذیمدخل بودند مانند عموم‌کارگران و کشاورزان جزء بزرگان بودند .

«رنه‌گنون» دراین باره می‌نویسد : «چون‌استادکاران‌ماهراز کشورهای‌بیگانه منجمله روم‌به‌فرانسه وانگلستان‌میرفتند و عموماً بیگانه بودند اولیای امورکلیسا وپادشاهان وقت برای استفاده از خود ایشان درساختن‌کلیساهای مجلل ومعابد باشکوه مزیتی برای آنان قایل میشدند وآنهاراازجرگه غلامان‌خارج میساختند کلمهٔ«بنای‌آزاد»یا «فراماسون» حاکی‌از این مسئله است . لیکن مورخ دیگری به‌نام**برنارد جونز** که قبلا هم ذکری از اوبه‌میان آمد عقیده‌ای برخلاف نظریهٔ رنه‌گنون‌دارد، می‌نویسد:«اصولاکلمهٔ‌بنای آزادمفهوم ومعنایی ندارد واین تعبیربا مفهوم بنای آزاد مطابقت نمی‌کند زیرا هرگز بنایان ازبردگی‌آزاد نشدند و همیشه در ردیف بردگان بودند . اینکه میگویندااین‌قبیل صاحبان حرفه به‌وسیله کلیسا وپادشاهان‌آزاد شده بودند صحت ندارد، بلکه برعکس لازم بودکه این افرادبه‌علت‌هنرخاص‌همیشه تحت‌مراقبت وبندگی باقی بمانند تادیگری نتوانداز هنرشان استفاده‌کند .»

آنچه مسلم‌است اینکه‌کارگران در اماکن مذهبی و کاخهای شهری وسایر بناهای معظم دیگر دست‌داشتند ودراین بناهاکارمیکردند.مورخ مزبورمی‌افزاید: وجود صنعت مخصوصی تحت‌عنوان صنف بنایان درانگلستان محقق وثابت شده است،فقط‌بین‌چندجمعیت‌مذهبی‌همکاری‌وجود داشت‌که مافقط‌یکی ازآنها رامی‌شناسیم وآنهم صنف متشکلی به معنای واقعی‌کلمه نبودوعبارت بود از«مجمع بنایان‌لندن» که بسیارمحدود بود . این سازمان در قرن سیزدهم و چهاردهم به وجود آمد . « جونز» معتقد است :

«ازقرن دوازدهم درانگلستان‌بنای آزادکسی بودکه بصیرت‌کاملی ازمصالح ساختمانی وهمچنین اطلاعات دقیقی از هندسه داشته باشد . شاهد براین مدعا مجسمه‌های باستانی است‌که معرف وجود «بناهایی‌که باسنگ نرم سروکارداشتند» می‌باشد .

آنگاه طبقهٔ بنایان تحت عنوان‌وبه نام«بنایان سنگ نرم»درقرن ۱۳ و ۱۴ توسعه پیداکردند . درحدود سال ۱۶۰۰ معمارانی‌که‌کالج اکسفورد را می‌ساختند به همین‌نام معروف بودند . «ژان‌ژیبل» هم درمورد فرانسه همین عقیده رادارد‌و میگوید غرض‌ازاصطلاح «فران‌لیه»که «لیره» بیان کرده اشاره به‌همین مطلب است‌واین اصطلاح به‌معنای سنگ‌مرغوب ساختمانی حول وحوش پاریس است‌کما اینکه امروزه‌هنوزکلمهٔ«فران»رادرمورد تخته‌سنگهای مرغوب‌وعالی به‌کارمی‌برند.

عده‌ای مبنای‌فراماسونری رایاران «صلیب‌گل سرخ» میدانند .

معروف است، **ادواردوم** پادشاه انگلستان جمعیت شوالیه های معبد را مورد تعقیب وآزاروشتم قرارداده بود . درهمین‌موقع درفرانسه‌هم‌شوالیه‌های‌معبد رازندانی ومحاکمه میکردند.عده‌ای از شوالیه ها به مخفی‌گاه بنایان پناهنده شدند وبا ایشان پیمان مودت بستند و متفقاً تحت سرپرستی «روبرت بروس»با ادوارد دوم‌به‌مبارزه‌برخاستند. «روبرت بروس» جمعیت شوالیه های « صلیب‌گل سرخ» را تأسیس نمود ونشان صلیب‌گل سرخ،درابتدای‌تأسیس این‌جمعیت‌به‌وجود آمد. آنگاه‌روبرت‌بروس‌بناهارا به‌کمکی که در راه مبارزه باپادشاه انگلستان‌به شوالیه ها نموده بودند به‌جمعیت خود ملحق‌کرد. لیکن‌عقیدهٔ« پی‌یردو کولومبیه» جزاینست،اومی‌نویسد:کلمهٔ فراماسون‌در سراسر قرون وسطی به‌گوش فرانسویان نخورده‌بودواین‌کلمه‌برای‌ایشان ناشناخته بوده وحال‌آنکه عدهٔ زیادی از مورخین راعقیده‌براینستکه فراماسون هادرقرون وسطی‌جمعیت‌متشکلی بودندکه‌باصلیبیون در جنگهای صلیبی همکاری میکردند و اصل وریشهٔ این‌جمعیت همان شوالیه‌های قرون وسطایی‌بودندکه برای‌نجات‌بیت المقدس وکلیساهاوبقاع متبرکه ازچنگ اعراب به پا خاستند وجمعیتی تشکیل

دادند. این جمعیت به‌پیروی‌ازدیانت‌مسیح تشکیل گردید وبرای احتراز از رخنه کردن‌جاسوسان‌صربی‌درمیان‌ایشان‌ناچار رموز وعلایمی‌که ریشهٔ‌آنها بـه‌داستان معبد سلیمان میرسد ابداع‌کردند.

پس از جنگ های صلیبی وقتی در طول ایـن جنگها مجامعی در «آسکس» انگلستان تأسیس‌نمودند. وقتی‌اندرسن‌به سال۱۷۳۲قانون‌اساسی‌فراماسونهارا‌وضع وتدوین‌کرد . در آن اشاره به‌پیروی از قانون نمود و گفت :

«هرکس تابع‌قانون‌وموازین‌اخلاقی باشد هـرگز درردیف‌کفار و بی دینان شمرده نخواهد شد.»

تاقبل‌ازوضع‌قانون فراماسونری‌به‌ـ وسیلهٔ اندرسن،فراموسونها درهر‌کشوری ازدین وشعایر مذهبی همان‌کشور پیروی میکردند ولی پس از وضع قانون برآن شدندکه‌کیش‌آباء واجدادی را به یکـ‌ـ سونهاده ومذهب واحدی‌که همان پیروی ازاخلاق وفضیلت باشد اختیارکنند.

جامعهٔ روحانیت‌مسیحی‌قانون‌اندرسن رامخالف‌بامسیحیت دانست وآنرا دعوت تازه‌ای شمردکه‌جمعیت سری فراماسونها هدفی‌جزضدیت بادین مسیح وابداع‌آیین وکیش نو ندارد .

تشریفات مرموزورود به‌این‌جمعیت وپافشاری اعضاءآن درمخفی نگاهداشتن اسرارجمعیت مزید برعلت شد وسوءظن روحانیون‌وقاطبهٔ مردم متعصب راتشدید کرد و معتقد شدندکه این‌جمعیت درخفا تحت لـوای قوانین اخلاقی و عناویـن فریبندهٔ‌دیگر به‌دسیسه‌های مذهبی‌وسیاسی علیه‌جامعهٔ‌مسیحیت و علیه شاهان‌ودولت مشغول است .

لذا جمعیت فراماسونها متشکل در پاریس ازهمان‌بدوتأسیس‌بامخالفت‌شدید کلیساوهیئت حاکمه ومردم متعصب‌مواجه گردید. وعلناً‌مخالفت‌باآنرا آغازکردند تااینکه به‌سال۱۷۳۷ازطرف شاه‌فرمانی دایر به انحلال جمعیت صادر شد و پاپ **کلمانس** دوازدهم نیز فـرمـان دیگری به این مضمون صادرکرد .

«جمعیت‌سری‌مخربی‌به‌نام‌فراماسون علیه دین‌مسیح وعلیه‌ملیت وسلطنت‌بعضی کشورها تأسیس شده است هرفرد مسیحی که به‌این‌جمعیت بگرود مرتد و مهدور‌ـ الدم خواهد بود » .

لیکن این اقدامات‌خصمانه‌چندان تأثیری درپیشرفت فراماسونری‌نکرد و مانع‌کارهای‌آن نشد ،بلکه سبب‌تحولات و ابداع تشریفات و رموز دیگری شد که همین رموزوتشریفات عجیب‌وغریب باعث جلب مردم‌کنجکاو به آن جمعیت گردید.

دستهٔ دیگری از مورخین معتقدند که تشکیلات فرامـاسونری صرفاً بـه خاطرآزادکردن‌معماران وصنعت‌گران ازقیدبندگی بوده و تاریخ تشکیلات‌آن هفت قرن قبل از میلاد مسیح می‌باشد.

چـون درآن عهد زورمـنـدان و متنفذان ، افراد هنرمند علی‌الخـصوص بنایان و معماران رومی را اجباراً به نقاط دیگرمی‌بردند تا از ایشان مانند برده‌کاربکشند و قهراً این قبیل افراد که سالیان دراز درراه هنرخـود رنج برده بودنـد تحت شکنجه‌های تحملـ‌ـ ناپذیر قرار می‌گرفتندونمی‌تـوانستند اسرار و رموز هنرخود را از دیگران پنهان نگاهدارند .

برای انجام این دو هدف‌که یکی آزادی‌فردی‌ودیگری‌حفظ‌اسرارحرفه‌ای بود. جمعیتی‌که‌جنبهٔ صنفی‌داشت تشکیل دادند و بـا ایمان و پشتکار سرانجام موفق شدند از مزایای‌آزادی برخوردار شده و همچنین اسرار حرفهٔ خود را از بیگانگان مکتوم نگاهدارند .

چون‌بزرگترین‌بناها درعصر بناهای معابد بودند ومعماران وبناهاوکارگران شبها در محل‌کار یعنی در معبدی‌کـه‌کار میکردند بسرمیبردند، لذا محل‌جمعیت درامکنهٔ مذهبی وبعد از ظهور مسیح در کلیساها تشکیل میشد .

نشانه وآرم‌آنهاهمان ابزارکاریعنی ماله وتیشه‌وگونیا وپرگاروشاغول بـود وازطرفی چون بنای‌یك معبد یاکلیسای بزرگ سالها به طول می‌انجامید لذا از لحاظ محل نگرانی نداشتند و چـون کلیسا یك مکان مقدس بود از ایـن‌رو کسی مزاحمتی فراهم نمی‌کرد به علاوه جلسات جمعیت به‌علت اینکه در اماکن مذهبی‌تشکیل‌میشد،جنبهٔ‌روحانیت‌و دینی داشت، لذا افراد جمعیت درطول‌جلسات به ذکرادعیه مشغول میشدند وبه‌کارهای خیرازقبیل‌کمك به مستمندان‌وغیره نیز مبادرت میورزیدند.

طبق مدارکی‌کـه در (بریتیش ـ موزیوم) لندن موجود است استادکاران دراین جلسات شبانه رموزکار خود را به شاگردان مورد علاقهٔ خود می‌آموختند وحتی به‌کشورهای دیگرسفرمیکردندو به همین دلیل معماری‌درروم قدیم‌تابدان پایه ترقی‌کرد.

شهرپمپئی‌کـه درسال ۷۹ پیش از میلاد مسیح براثرآتشفشان (وزوو) در زیر مـواد مذاب آتشفشانی و خاکستر فرو رفت درایتالیا ونزدیك ناپل بود . قدیمی ترین مدرکی که حاکی از وجود تشکیلات فراماسونها در سنوات پیش‌از میلاد مسیح به دست‌آمده‌قطعهٔ‌موزاییکی است‌که اززیر خاکسترهای شهرمزبور‌به دست‌آمده‌ودرآن‌نقوش‌وآثارفراماسونری دیده می‌شود.

همانطورکه قبلا اشاره شد هدفهای اولیهٔ این جمعیت صرفنظر از هـدفهای صنعتی(آزادی ازقید بندگی‌وحفظ‌اسرار حرفه‌ای) انجام‌کارهای نیك و سودمند و کمك به بینوایان ونظایر آن بودلیکن وقتی فئودالیزم دراروپا روبه‌ضعف‌رفت، این جمعیت نیز از رونـق افتاد ، زیرا فئودال‌ها‌بودند که برای ساختن‌کاخهای عظیم و باشکوه این جمعیت را تقویت میکردند والا مردم‌متوسط به‌این‌جمعیت نیازی نداشتند .

همینکـه دوران ضعف فـئودالیزم فرا رسید سیاستمداران به‌فکرافتادند‌از این جمعیت متشکل ویکدل‌بهره‌برداری کنند و این سازمان صنعتی را بـه یك سازمان سیاسی مبدل‌کردنـد وتشکیلات تازه ای به‌آن دادند.

لژ Loge

کلمهٔ **لژ** درفرانسه و **هوت**درزبان آلمانی **وکاسینا** به زبان ایتالیایی بـه معنای خانه‌ای است چوبی یاسنگی‌کـه کارگران درموقع انقلابات جوی وبـاد وبـاران وآفتاب سوزان در پناه‌آن‌کار می‌کنند ، ممکن است ۱۲ تـا ۲۰ نفر سنگتراش درپناه این‌کلبهٔ چوبی‌یاسنگی به‌کار سنگتراشی مشغول باشند، از کلمهٔ لژ دربسیاری از اسناد و مـدارك نام برده شده‌است‌منجمله‌درشهر**استراسبورگ** درموزهٔ‌آثار هنری **نوتردام** بنایی است مربوط‌به‌قرن سیزدهم‌که درقرن‌چهاردهم تجدید شده است.

علاوه بر آرشیولژهای قدیمی تالار مجمع لژ با تابلویی به تاریخ ۱۶۵۷ میلادی که علایم و نشانه‌های سنگتراشان استادکار در آن نقاشی شده است مشاهده میشود **ژ.دولاوال** در تشریح **اوراتیو** در ایتالیا چنین مینویسد:

«خانه‌ای بود در مجاورت کلیسا که در آن نقاشان، معماران، حجاران برای نشان دادن مقدار زیادی از طرحها، نقاشی‌ها ومدلهای خود جمع میشدند و پس از تصویب مجمع کار فرمایان به موقع اجرا گذاشته میشد، اندکی پس از آن یعنی درسال ۱۵۴۲ در انگلستان فراماسون‌هایی که مشغول ساختن کلیسای صلیب بودند مجبور بودند، شخصاً خانه یا لژی برای بناها ومعمارانی که مشغول کارند بسازند.»

کلمهٔ مجبورند در این عبارت با مقررات **آبردین** به سال ۱۶۷۰ دربارهٔ وضع لژها مغایرت ومنافات تام دارد. لیکن محقق است که در آن موقع جز بناهای حرفه‌ای بناهای داوطلب هم وجود داشتند. ابردین درمقررات مربوط به لژها چنین دستور داده است:

«هیچ لژی نباید درخانه‌های مسکونی گرفته شود. بلکه دروسط صحرا ومزرعه باشد به جز درمواقعی که هوا بد است ودر این قبیل مواقع باید خانه‌ای انتخاب شود که ازانظار محفوظ بوده و صدا از درون آن به خارج نرود».

تامپل.

به معنای معبد آمده است. بسیاری از نویسندگان و مورخین لژ و تامپل را تشریح کرده‌اند.

در فراماسونری مدرن، میان عده‌ای از ماسونهای نویسنده هنوز دربارهٔ اینکه لژ یا تامپل کدامیك برتر ومحترم‌تر است بحث‌های زیادی است. عده‌ای معتقدند که لژ همان تامپل است وهردویکی است. عدهٔ دیگری عقیده دارند که لژ فقط مرکب ازگروهی ماسون است وبالاخره دستهٔ سوم معتقدند لژ وجود ندارد، مگرموقعی که ماسونها به‌دورهم جمع میشوند ووقتی متفرق میشوند، لژ هم ازبین میرود.

درماسونری قدیم طبق یکی از مراسمی که لازم بود ماسون‌ها از حفظ بدانند ودرجایی نوشته نشده «لژ» همیشه بادعای خاصی افتتاح میشد. در جلسهٔ مورخ ۳۰ نوامبر ۱۶۶۳ مجمع عمومی ماسونهای (واکفیلد) این دعا مورد تصویب واقع شد: «ای معمار بزرگ ومقدس آسمان وزمین، ای بخشندهٔ کریم که تمام الطاف ازتوست، ای بخشاینده‌ای که خودت وعده داده‌ای هروقت دویاسه نفر بنام تو به دور هم جمع میشوند، تونیز درمیان جمع ایشانی؛ باکمال عجز وفروتنی به‌درگاهت استغاثه می‌کنیم که درتمام کارهایی که ما می‌کنیم، رحمتت را شامل حال ما کنی، از تو میخواهیم که روح‌القدست را راهنما و همچون چراغی فرا راه ارواح و افکار ما قراردهی که روشنگر حرفهٔ شریف و قابل تقدیس ما باشد تا بتوانیم آنطور که شایسته است ترا بشناسیم و به‌توخدمت کنیم.»

ژان ریور، اضافه می‌کند که این دعا طی مراسم شروع به کار مبتدیان اجرا میشود. دراین موقع لژ به نام حضرت سلیمان افتتاح میگردد.

سوگند.

هرماسون تازه واردی که در لژ پذیرفته شود می‌بایستی پس از شنیدن قوانین کارگاه سوگند یادکند، طبق نوشتهٔ (**اسلو آن ۱۶۴۰ ـ ۱۷۲۰** م) رعایت نکات زیر حتمی است. اینك عین نوشته‌اش:

«کلمهٔ ماسون ومتفرعات آن وهرچه راکه به‌آن مربوط میشود باید مخفی نگاه دارید، هرگز نباید این کلمه را مستقیم یاغیرمستقیم بنویسید. هرچه که ما یا ناظرین شما دستور می‌دهند که مخفی باشد، باید، دربنهان نگاهداشتن آن سعی بلیغ نمایید واززن ومرد وبچه وسنگ و خاك وچوب پنهان نگاهدارید، حق ندارید آنرا جز به‌کسی از برادران یا دریکی ازلژهای فراماسونری به دیگری یا در محلی ابراز نمایید باید قانون اساسی ما را محترم شمرده ومطیع آن باشید قول بدهید و سوگندیادکنید که نسبت به‌تمام اینهاکه گفته‌شد وفادار بمانید. به این ترتیب خداوند متعال و محتویات این کتاب به‌شما کمك می‌کنند».

ژرژهیك به سال ۱۶۷۸م دربارهٔ فراماسونری‌ها می‌گوید. «فراماسونها مجبور بودند از ماسون ها کلامی راکه رمز پنهانی برای‌شناسایی یکدیگردرتمام جهان‌بود فراگیرند.

کسی که به‌این رمزدست‌یابد میتواند برادر ماسون خودرا نزد خویش بخواند بی‌آنکه اورا به‌نام‌صداکند وبی‌آنکه‌شما کمترین اشاره وعلامتی مشاهده کنید.

البته تازه واردبایدسوگند یادکند که‌هیچ یك از این اطلاعات وچگونگی استفاده ازآنها را فاش نسازد.

مقررات **یورك** مصوب به‌سال ۱۳۷۰ میلادی دراین‌باره چنین‌می‌گوید: مقرراتی که‌هیچ یك‌از بناها نباید به‌عنوان کارگر درامور مربوط به کلیسا دخالت کنندو هیچکدام پذیرفته‌نخواهندشد، مگرآنکه یك هفته یابیشتر کارشان مورد آزمایش قرارگیرد. وقتی معلوم‌شد که‌درکارخود ورزیده وواردهستند بایدمجمعی که‌مرکب ازاستادکارونظارومعماربزرگ است اورا بپذیرد وصلاحیتش‌را تصدیق‌کند، سپس دراین‌مجمع باحضور نامبردگان به‌کتاب مقدس سوگند یادکند که با صداقت و فعالیت تا آنجاکه درقدرت‌داردبدون آنکه کوچکترین نکته‌ای ازقانون پیش گفته را فراموش کند به انجام امور محوله بپردازد.

این‌عبارت مخصوصاً آنجاکه نوشته است بایدبه‌کتاب مقدس(انجیل) سوگند یادکند نکته‌ای‌بس مهم‌وجای‌تأمل‌است.

«**ماریوس‌لوپاژ**» مینویسد« تصور نکنیدکه درقرون وسطی‌انجیل‌روی میز بناهای آن عهد قرارگرفته بود. تأیید چنین‌نکتهٔ حساس یکی‌ازاشتباهات‌بزرگ تاریخی است. چون‌درقرون وسطی‌صنعت چاپ هنوز وجود نداشت وکتب مقدس‌را بادست‌می‌نوشتند، لذا درکلیساها به‌ندرت بلکه اصلا یافت نمیشدچه‌رسدبه‌کارگاه‌های بنایی که مسلماً درآنجا کتاب‌مقدس وجود نداشته است.

قصد نویسنده ازشرح بالااینست‌که میخواهد بگوید« اجداد ما باکتاب‌مقدس سوگندمیخوردند.» وانگهی‌شرح‌مذکور که هرتازه کاری‌می‌بایستی قبل از انجام تشریفات «يك‌هفته یابیشترکارکندومورد آزمایش قرارگیرد» نشان میدهد که در بنایی صنفی برخلاف ماسونری‌سیاسی‌تازه وارد با معیار و درجهٔ دوستی و رفاقت سنجیده میشد نه معیار شاگردی، یکی از محققین به نام «ه. ف.مارسی»مینویسد: «پنجسال دورهٔ شاگردی بودکه‌تازه‌وارد می‌بایستی‌تعهد میکردوپیمان درلژمنعقد میشد. ووقتی دورهٔ پنجساله تمام میشد

لژ اورا آزاد اعلام‌میکرد (یعنی‌ازقید بردگی‌رها میشد) وبه او عنوان «رفیق» میداد و او هم می‌بایستی قول‌همکاری‌و برادری بدهد وسوگندیادکندکه هرگز علامات ممیزه‌ای‌که‌نوع کاراورا مشخص میکند ، تغییر ندهد واسراری‌را که بر اوفاش میسازند، آشکار نکند طریقهٔ‌سلام کردن‌را به‌او می‌آموختندتا باسلام کردن به‌طریق مخصوص ، همکاران و رفقایش اورا بشناسند ونیز کلمهٔ عبوروتشریفاتی راکه درموقع استمداد ودرخواست کمك باید به‌کاربرد ، به اومی‌آموختند.»

با این‌تفصیل بایدنتیجه گرفت که در ماسونری قدیم فقط یك درجه وجود داشت وآنهم درجهٔ «رفیق» بوده‌است .

فرانسونها درلژجمع‌میشوند. رییس لژ ادارهٔ جلسه را به‌عهده دارددورغیاب اوناظری‌که رسماً به‌وسیلهٔ خوداوانتخاب شده لژرا اداره می‌کند . او امور لژ را عیناً نظیر اموریك کارگاه‌اداره ورهبری می‌نماید وباضربهٔ چکش رسمیت‌جلسه و سکوت را اعلام میدارد .

مادهٔ ۲۸ ازمقررات«تورگو » که به‌سال ۱۴۶۲ وضع شده حاکی‌است رییس باسه‌ضربه‌وناظر بادوضربه چکش را به‌میز میکوبد . بعد ازرییس‌لژناظر ویامبصر وپس ازاورفقا وسپس‌شاگردان وتازه‌کاران هستند و به‌طوریکه میدانیم تازه‌کار وقتی کارش درلژبه پایان رسید میتواند به‌عنوان «رفیق» درآنجا بماند ویا به‌مسافرت برود و اگر بخواهد به‌مقام ناظر برسد حتماً باید به سفر رفته باشد .

دراین لژها به‌جز انجام‌یك‌سلسله تشریفات وآموختن اسرار مذهبی،دیگر چه میکردند؟ هیچکس نمیتواندپاسخ‌این سؤال را به درستی بدهد و ما هرگز از این موضوع‌چیزی دستگیرمان‌نخواهدشد قطعاً کارهایی‌میکردندکه به‌کلی باکارهایی که در لژ ماسونهای امروزی صورت میگیرد ، تفاوت داشت.

قبل ازپایان این‌مبحث‌بی‌مناسبت نیست چند کلمه‌ای دربارهٔ «معماران»و نقش ایشان در لژها گفتگو شود .

معمار در ماسونری صنفی ، مقام جداگانه‌ای داردکه تعریف آن مشکل است «پی‌یرودوکولومبیه » میگوید که تادورهٔ‌رنسانس، معمارعبارت ازکارگری بودکه تاآخردرشغل کارگری‌باقی‌میماند ولی باوجود این ازمزایای زیادی برخوردار بود. برعکس‌درمقررات «بال» برای استاد کار یا معمار نیمکتی در قسمت شرقی لژ تعیین‌کرده که هیچکس حق ندارد جای‌اورا غصب‌کند .

تصور میرود این دومضمون ضد و نقیض‌قابل تلفیق‌باشد بدین‌معنی که‌معمار اگربه‌فراماسونری تعلق نداشته باشدکارگری بیش‌نیست .

لباس و ابزارکار .

بنای‌جدیددرموقع قبول‌شدن‌باید «لژراپپوشاند» بدین معنی که‌دستکشهایی به برادرانش بدهد.

درسال ۱۳۷۰ میلادی درجلسه‌ای‌که بنای جدید از امتحان پذیرفته میشد سوگندمیخورد که مقررات‌وقوانین موضوعه‌رارعایت کندوکارگران پیش‌بند، دستکش و جوراب دریافت میکردند .

در ماسونری امروزی دستکش ، سفید نه فقط یك‌نشانه است بلکه هنوز یکی از اشیاء مذهبی‌است وپیش‌بندیکی ازتزیینهای‌اصلی هرماسون است.

دربارهٔ آلات‌وابزاربناهای‌صنفی درگذشته اطلاع زیادی در دست نیست. کولومبیه میگوید:

« چکش که غالباً سنگتراشان با خود داشتند وگونیا و شاغول و آلت دیگری متشکل‌ازیك قایم‌الزاویه‌که در نوك‌آن ریسمانی بسته‌شده بود در دست ایشان‌دیده میشد . »

حامیان مقدس‌وداستان تاجداران چهارگانه .

«ژول‌بوشه»دراین‌باره‌مینویسد: «حامیان بناها و سنگتراشان ، قدیسین ذیل‌بودند : سن‌بلز،سن‌توماس، سن‌لویی، سن‌گرگوار، سن‌مارن، سن مارتن، سن‌اتین،سنت‌بارب وتاجداران چهارگانه» .

«ه.ف. مارسی» درکتاب خود مینویسد : درقرون وسطی هرکس‌که داوطلب ورود به جمعیت «همکاری» میشد شرط اولش آن بود که کاتولیك باشد وبر حسب یك افسانهٔ قدیمی‌درزمان **دیوکلسین**چهارتن از سنگتراشان‌مسیحی به‌اسامی زیرکه‌در معادن «پانونی» کارمیکردند . به‌درجهٔ شهادت رسیدند :

«سور»،«سورین»،«کارپوفور»و«ویکتورن» این‌اسامی‌را مورخی به‌نام « ژاکورازین» درکتاب خود به‌نام «افسانه‌طلایی» ذکر کرده و نوشته است ؛ بنابه دستوردیوکلسین این‌افراد راباشلاقی‌که‌گلوله‌های سربی به‌نوك‌آن آویخته بودند به قدری زدند تاجان‌سپردندوتا مدتی کسی ازنام این‌چهارتن شهید اطلاع نداشت وهر چه تحقیق میکردند موفق به یافتن نامهای شهدای‌مزبور نمیشدند وکلیساکه نیز از نام ایشان بی‌اطلاع بود تصمیم گرفت‌همه‌ساله مراسم یادبودی‌به‌پاکندوبدین‌منظور همان روز شهادت‌پنج تن‌ازشهدای دیگر به اسامی « کلود ، کاستور ، سمفورین ، نیکوسترات و سمپلیس» که‌دوسال‌بعداز چهارتن‌مزبوربه‌شهادت رسیدند، انتخاب گردید.

این پنج تن شهید پیکرتراش بودند وچون‌حاضر نشدند بتی راکه‌دیوکلسین دستور داده‌بود بتراشند لذا امر کرد که آنها رازنده درچلیکهای‌سربی گذاشتند و درچلیکها را بستند وآنهارا به دریا انداختند .

این واقعه به سال ۲۸۷ اتفاق افتاد . پاپ«ملکیاد» دستور داد درروز شهادت این شهدا وآن چهار شهید دیگر که نامشان را نمیدانستند، مراسم‌یادبود به‌پاکنند .

دیری نگذشت‌که گویی‌معجزه‌ای‌به وقوع پیوست نام چهار تن رابه نام «تاجداران‌چهارگانه » خواندند و روز هشتم نوامبر هرسال بدین‌مناسبت جشنی برپا شد .

مورخ دیگری معتقد است که داستان شهدای‌چهارگانه‌مربوط به‌سنگتراشان شهر«ونیز» است‌که‌به‌سال۱۳۱۷ میلادی اتفاق افتاده است .

ولی کولومبیه مینویسد که این داستان سابقهٔ‌قدیمی‌دارد ومربوط به‌قرن چهارم میلادی است.

آنچه‌مسلم‌است‌افسانه«تاجداران چهارگانه» که به‌شهادت رسیده‌اند ، در فراماسونری جدید خاصه‌درفراماسونری آنگلوساکسون تأثیر ونفوذ نمود ویکی از لژهای‌عالی انگلستان ازسال۱۸۸۴ به این‌نام خوانده شده یگانه عیدی که فراماسونها جشن میگیرند و عید رسمی آنان محسوب میشود، عید «سنگتراشان تولوزی» است که مصادف باروز عروج مسیح است .

وظایف قدیمی .

«وظایف‌عمومی»مشتمل‌برچندین

صفحه در بارهٔ آداب وروش پشت میـز نشستن در منزل استاد وچگونگی رفتار وکردار باهمسر ودختراستاد و بالاخره رفتار با اطرافیان است.

متنی که از ماسونری عملـی (بنایی) در دست است نسخهٔ خطی است به‌نام «رجیوس» وهمانطوری‌که ازاسمش پیداست ، يك نسخهٔ خطی سلطنتی‌است‌که در«بریتیش‌موزیوم» لندن‌محفوظ‌است.این متن دارای‌سی‌وسه برگ با خط گوتيك زیبایی نگاشته‌شده که‌به‌قول «لپاژ» به‌خط گوتيك نوشته‌شده است .

« رجیوس » در سال هـای بین ۱۳۸۸ ــ ۱۳۴۵ نوشته‌شده است.

متن این‌کتاب سی‌وسه برگی به دوقسمت تقسیم‌میشود: یکی«فصول‌قانون» ودیگری «مباحث».قسمت«مباحث» برای کارگران نوشته شده و سـومین مبحث اختصاص به‌نوآموزان و تازه‌کاران دارد که ضمن آن به‌ایشان توصیه شده که در حفظ نصایح وراهنمایی‌های استاد کوشا باشند وآنها را براحدی فاش‌نسازند .

آنچه که در کارگاه و « لژ » میگذرد وآنچه راکه می‌بینندیامیشنوند در جایی باز گو نکنند . نباید به‌کسی بگوید که به کجا میرود و با افشای راهنمایی‌هایاستاد آبروی خودوحرفه‌اش رانریزد وآنرا ننگین‌نکند .

از این کتاب اطلاعات دیگری نیز به دست می‌آید منجمله : بنایی در زمـان سلطنت شـاه « آتلستان » وارد انگلستان‌شد .

این پادشاه علاقهٔ زیادی بـه ساختن خانه و معبد داشت و در نتیجه یکی ازبزرگترین حامیان پرو پا قرص وفداکار بنایان ودرحقیقت از مبلغین و نشر دهندگان هنر ایشان بود ، پس از مساعی فراوان به اواجازه داده‌شدهیئت مشاوره ای مرکب‌ازشخصیت‌های‌روشن‌ـ فکر وافراد دانا ومجرب تشکیل‌دهد و این‌هیئت مقررات وقوانین بنایی را در پانزده فصل وپانزده مبحث تنظیم‌نمود.

کتاب خطی دیگری بـه نام «کوك» (به‌نام اولین‌ناشرآن،**مایتوکوك** بوده، که روی این کتاب گذاشته شده و این‌کتاب مسلماً از «رجیوس» اقتباس گـردیده است) چنین نـوشته شده است :

«... سپس«آتلستان» به‌سلطنت رسید . کوچکترین فرزند این پادشاه علاقهٔمفرطی به هندسه داشت ومتوجه شد این علم بابنایی ارتباط دارد .

او استاد هندسه شد ونسبت‌به‌ـ بناها محبت زایدالوصفی پیداکرد . در صنف بنایان وارد شد وفرمانی ازپدرش سلطان گرفت که حقوق ایشان رامرتب کرد و مقرراتی برای آنان وضع نمود که هنوزدر انگلستان (قرن پانزدهم)و درسایرکشورها پا برجا ومتبع‌است.

به‌جز‌کتابها ومتونی‌که شرح‌آن گذشت بالغ بر هشتاد و هفت متن خطی «وظایف‌قدیم» یا «اولدرچارجز » مانند کتاب‌خطی«ویلیام‌واستون»(قرن‌پانزدهم) و کتاب « کوك » وغیره نوشته شده که عموماً دربریتانیا محفوظ است.

سازمان ماسونری‌کهن .

درسال۱۲۶۸ یکی ازفرانسویان به نام «اتین‌بوالو» کتاب معروف خودرا به‌نام«کتاب مشاغل» نوشت.

این کتاب مشتمل بر مقررات و قوانین کلیهٔ اصناف فرانسه در قرن سیزدهم است ومنبع بسیارمفیدی برای بررسی‌های‌اجتماعی‌وتحقیقات اقتصادی‌و تاریخ اجتماعی و اقتصادی فرانسه قرن سیزدهم است .

نظامنامـهٔ ۴۸ ، این نظامنامه را«گییوم اوسن‌پو»معمار لویی چهاردهم تنظیم‌کرده است .

مادهٔ هفتم این نظامنامه بسیار جالب‌است:«بناها وگچ‌کاران وبندکش‌ـ هامجازندبرای پیشرفت‌کاروکمك‌گرفتن از وجود نوکر یاوردست وشاگرد بههر تعداد که‌مایل باشند استفاده‌کنند وآنها را به‌استخدام خود در آورند ولی نباید هیچيك ازاین شاگردها از کوچکترین نکات و رموز حرفهٔ استادشان اطلاعی حاصل کنند.»

مدارك وصورت جلسات متعددی از قوانین‌بنایی‌درقرون‌گذشته درکشور‌ـ های‌مختلف مخصوصاًدر«اکس»انگلستان دردست است‌که چگونگی سازمان‌بنایان را در آن اعصار نشان میدهد . منجمله یکی از قوانین سال ۱۵۹۸م « اکس » حاکی است :

«برای اینکه‌داوطلبی به‌عضویت درآید حضورشش‌نفر از استادکاران آن حرفه ودونفرازنوآموزان قبول شده در جلسه ضروری است .

«داوطلب باید ازعهدهٔ امتحانی که معرف لیاقت‌ومهارت او درآن حرفه باشد به‌خوبی برآید وپس از قبول شدن بایدسوگند یادکند نسبت به‌سنن‌وعادات قدیمی وفادار باشد .» همچنین از سایر لژهایی‌که در کشورهای مختلف تشکیل شده منجمله ازلژ «آبردین» (۱۷۲۰م) لژ«ادیمبورك» (۲۷ نوامبر ۱۵۹۹م) لژ «کیلوینینك » دراسکس ولژصنعت‌ـ کاران‌وسایرلژهاوهمچنین ازروی‌قوانین ومقرراتی‌که دراین‌لژهاوضع‌شده‌سازمان وطرز تشکیلات «ماسونری» قدیم روشن میشود و تـا آنجا که تحقیق شده لندن یگانه شهرانگلستان است‌که دسته‌ای از بنایان برای اولین بار متشکل شده وبه صورت صنف واحدی درآمدند.

این‌مجمع‌دارای يك‌استاد ودوناظر وتقریباً نظیرجمعیت «برادر فراماسون» بود .

در سال ۱۲۷۶ م لـژ بزرگی در استراسبورگ تأسیس‌شدکه نظایرآن در آلمان و وین و کولونی و سایر نقاط به وجود آمد .

درسال۱۴۵۹م. عده‌ای از استاد‌ـ کاران دراستراسبورك‌تشکیل‌جلسه‌دادند ورونوشتی از قوانین اساسی خود رابه‌ـ لژهای شمالی وشرقی آلمان فرستادند.

«برادرانی» که در«تورگو»مجتمع‌شدند، پیوستگی‌خودبه‌قانون اساسی مزبوراعلام کردند و نظامنامه‌ای براساس‌سنن‌قدیمی وبااتکاء به« شهدای تاجدار» وبه‌افتخار «تثلیث‌مقدس»وحضرت‌مریم‌ملکهٔ‌آسمانها دایر بر اینکه باید قانون مزبور توسعه یابد وعموم «برادران» در حفظ سنن و شعایر کهن‌کوشا باشند تنظیم‌نمودند.

در مقدمهٔ‌قانون اساسی‌استراسبورك چنین نوشته شده :

استادان و رفقای عهدکهن و سنن قدیم را تجدید و در استراسبورك جلسه تشکیل دادند و باحسن نیت و روشن‌ـ بینی وصفـا و دوستـی متفقـاً مـوافقت کردند که این نظامنامه و مقررات را بپذیرندویك‌جمعیت«همکاری»ایجادکنند؛ «رنه‌گنون»مطلب راچنین‌خلاصه‌می‌کند. (نتیجتاً آنکه‌درقدیم‌بنایان دودسته بودند : دسته‌ای«آزاد»که‌حرفه‌ای‌بودند ودستهٔ دیگر« داوطلب یا افتخاری »که غیرحرفه‌ای بودند ودرمیان این‌دودسته محلی بودکه‌به‌روحانیون اختصاص‌داشت

و این روحانیون با انجام تشریفات در لژهای مخصوص جاداشتند . این لژهای اختصاصی به‌نام «لژهای ژاکین»خوانده میشد . همگی اینها با وجودداشتن‌عناوین مختلف ، اعضاء سازمان واحدی‌بودندبه نام «بنایی‌عملی» لیکن‌سازمان«ماسونری نظری‌یاعملی»رااعضای افتخاری‌به‌وجود آوردند،اما«ه.ف.مارسی» عقیدهٔ دیگری داردومی گوید:«فراماسونری‌عملی‌محدود به مسیحیت‌بود ومنحصراًرنگ مسیحیت داشت ودرسال ۱۷۱۷ درشرف‌موت‌است» فراماسونری‌نظری در همین تاریخ یعنی موقعیکه لژبزرگ‌لندن‌تأسیس‌شدبه‌وجود آمد . همین فراماسونری است که قریباً عالمگیرخواهدشد ودنیا رازیرنفوذخود خواهدآورد .

۲ ــ از «بنایی‌عملی به فراماسونری»

همان‌طوریکه درمبحث قبل‌ذکرشد چـون مـدرك مستندی دردست نیست مشکل می‌توان از تاریخچهٔ بنایی عملی درازمنهٔ قدیـم و قـرون وسطی ومسیر جریانها تا سال ۱۷۱۷م کـه منجر به اختلاف چهارلژ درلندن و تشکیل « لژ بزرگ‌لندن»شد، اطلاع‌صحیح پیداکرد. همینقدر می‌دانیم که‌دراواخرقرن‌یا نزدهم عده‌ای ازکسانیکه حرفهٔ‌بنایی‌نداشتنددر لژهای بنایان عملی پذیرفته‌شدند. ونیز نمیتوان به‌درستی دلیل این‌امر راتعیین کردکه چرا عده‌ای بیگانه که با حرفهٔ بنایی‌آشنایی نداشتند ، درمجمع بنایان پذیرفته می‌شدند ؟ ازچه تـاریخی شروع به‌پذیرفتن‌این‌افرادکردند؟ آیامیخواستند از نفوذشان‌استفاده کنند؟ آیادوران‌سقوط وزوالی‌وجود داشته‌است؟ باتوجه‌به‌این‌که در دوران‌کنستانتین‌کلیسای کاتولیك از صورت سری خارج شد و دیگر تعالیـم مذهبی از انحصار بیرون‌آمد بنابر این در این‌دوره جمعیت‌بنایان دچار سقوطو سیرقهقرایی شده‌است؟ پاسخ این سؤالات به‌درستی‌معلوم نیست‌فراماسونهامیگویند که بنایان (فراماسون عملی) درهـای لژها را به روی «مطرودین‌مذهب» که‌در عین حال‌قربانیان‌محاکم عمومی ومحاکم شرع‌بودندازقبیل«تامپلیه‌ها»،«روزکرواها» «کاتارها» وغیره گشوده‌بودند . از اینجا معلوم‌می‌شودکه افراد در داخل‌این‌لژها از بعضی آزادیها بـرخوردار می‌شدند «گوبله» می‌نویسد:«این اعضای‌افتخاری عموماً ازملاکین‌بزرگ و افسران‌عالی‌ـ

رتبه و افرادمتشخص و روحانیون‌با‌نفوذ بودندکه‌صنف می‌توانست‌از نفوذ وقدرت ایشان استفاده کند ... » .

تشکیل لژ بزرگ درلندن .

مسلماً‌هیچکس به‌درستی نمی‌داندکه علت‌تشکیل لژبزرگ‌درلندن‌به‌سال ۱۷۱۷ چه‌بود؟ «اندرسون»قانونگزارفراماسونری و بانی « لژبزرگ لندن » در این باره چنین مینویسد :

«جرج‌اول هنگامیکه‌به‌سلطنت‌رسید ازلندن دور بود، او درروز ۲۰سپتامبر ۱۷۱۴ م واردلندن‌شد . چندلژی‌که در لندن بودند احتیاج به یك حامی قوی‌و فعال داشتند . «سرکریستوفرورن » آدم بی‌حال وناقابل وکم ظرفیتی بود. پادشاه جدیدهم‌نه‌تنهافراماسون‌نبود بلکه اصولا زبان‌کشورش را نمی دانست ، پس باید فراماسونری لندن‌فکری‌دیگر بیاندیشد. لژهای‌مزبورکه یکی در**میخانهٔ‌کباب‌غاز** واقع‌درمحوطهٔ‌مقابل‌کلیسای «سن پون»و دیگری در میخانهٔ «ساغر وانگور» در «وست‌مینیستر»وسومی درمیخانهٔ «درخت سیب»درچارلزاستریت‌وچهارمی‌در«میخانهٔ تاج » در«کوچهٔ پارکر»تشکیل میشد ، به‌فکرافتادندکه‌اگرتحت‌حمایت‌ورهبری یك‌استادجدید مقتدرو بزرگ‌باهم‌متشکل ومتحد شوند و مرکزی بوجود آورند که هماًهنگی و اتحاد داشته باشند بهتر است. لذاباچندتن‌از«برادران»سالخورده و با سابقه مذاکره‌کردند و سرانجام به اتفاق ایشـان باهم متشکل شدندومجمعی به ریاست سالخورده‌ترین رؤسای‌لژهـای چهارگانه تشکیل‌دادند و درهمین جلسه که اولین جلسهٔ « لژ بزرگ لندن» بود تصمیم گرفتند:

اولاً هرسه‌ماه‌باافسران‌لژدرارتباط وتماس باشند.

ثانیاً درجشن‌های سالیانه دور هـم جمع شوند و یکنفررا ازمیان خـود به ریاست یا مقام «استاد بزرگ» انتخاب کنند . سرانجام روز سن ژان مجمعی از ماسونهای « افتخاری و آزاد » در حیاط‌کلیسای سن‌پول‌تشکیل شد وبابلند کردن دست « نجیب زاده‌ای را به نام آنتونی سایر» به مقام « استاد بزرگ » انتخاب‌کردند ورییس سنی بلافاصله‌جای خودرا به‌اوداد وهمهٔ حاضرین به«استاد بزرگ» تبریك‌گفتند . یـکی دیگر از

مورخین به نام «جونز» به دنبال ایـن مطلب چنین می‌افزاید:

لژبزرگ‌لندن‌مدت سه‌سال به‌آرامی وسکون به حیات خود ادامه دادبی‌آنکه فعالیتی داشته باشد ولی بعد بـه فعالیت شدیدی‌پرداخت‌به‌طوری‌که‌لژهای‌چهارگانه تعدادشان به هفتاد و چهار رسیدوازاین هفتاد وچهارلژ تعداد پنجاه لژ درلندن و بقیه در شهرستانها بود .

در اینجا نمی‌خواهیم از چگونگی توسعهٔ لژهای انگلستان یافرانسه‌درقرن هیجدهم بحث‌کنیم. همینقدراشاره‌میکنیم که دراین ایام فقط یك لژدرفرانسه بود ولی به سال ۱۷۳۵ یعنی مـوقعی‌کـه لژ بزرگ لندن به فعالیت پرداخت ، هفت لژ درپاریس وتعدادی هم درشهرستانها تشکیل‌شد . درهمین تاریخ بودکه‌لژهای پاریس ازلژبزرگ لندن تقاضاکردندکه حق تشکیل‌لژ بزرگ شهرستانی‌به‌آنان تفویض‌گردد. بااین‌تقاضا درسال ۱۷۴۳ موافقت شد وسرانجام منتهی بـه تشکیل «لژبزرگ‌انگلیسی‌کشور فرانسه» گردید. لیکن لژهای فرانسوی از اینکه مستقیم یا غیرمستقیم تحت‌نظروراهنمایی‌خارجی باشند به شدت متنفر بودند وبه وسایل مختلف تنفرخودرااابرازمیداشتند.عاقبت به سال ۱۷۵۵ م «لژ بزرگ انگلیسی کشور فرانسه » استقلال خود را اعلام نمود و نام‌آن به « لژ بزرگ فرانسه » تغییر پیداکرد.

درپایان این مبحث باید از سه تن بنیان‌گزار فراماسونری جدید نام‌بردکه عبارتند از:

۱ــ آندرسن،۲ــ دراگولیه،۳ــ شوالیه رامسی . سال ۱۷۲۳م.مبدأ تحول‌بزرگی درتاریخ‌فراماسونری‌است، زیراباانتشار «قانون اساسی اندرسن» تحولی عظیم در تمام شئون ایـن سازمان به عمل آمد . «اسوالدریت» در این باره مینویسد:

«سال ۱۷۲۳م.یعنی‌هنگامیکه‌هنوز بیش از هفت‌سال ازعمر«لژبزرگ‌لندن» نمیگذشت «کتاب قانون اساسی» منتشر شد. با انتشار این‌کتاب ، فراماسونری جدید به عنوان یك مؤسسهٔ تعلیم‌وتربیت به جهانیان معرفی شد.

این سازمان که برمبنای مسایـل اخلاقی‌ایجادشده، افراد بشررا‌ازهرنژاد واز هرکشورباهرزبان‌وهروضع‌اجتماعی، علیرغم عقاید سیاسی ومذهبی‌که‌آنانرا

از هم جدا میکرد به هم نزدیك و متحد میسازد.

اندرسن برای تنظیم کتاب قانون اساسی سالیان متمادی به تفحص ومطالعه وبررسی متون خطی «وظایف قدیم» (اولد چارجز) پرداخت.

کتاب «قانون اساسی» اندرسن در زمان حیاتش فقط یکبار به سال ۱۷۳۸م. تجدید چاپ شد ولی پس ازمرگش سه بار دیگر درقرن هیجدهم چاپ شد و در سال ۱۷۴۲ به زبان فرانسه ترجمه شد. این کتاب بیشتر به خاطر مادهٔ اول آن مشهور شده است که میگوید:

«۱ــ در بارهٔ خدا ومذهب یکنفر ماسون به حکم شخصیت خود مجبوراست از قانون اخلاق پیروی کند و اگر این «هنر» (ماسونی) را خوب درك کند هرگز ملحدی احمق و فاجری بی دین نخواهد شد و برخلاف وجدانش رفتار نخواهد کرد». «ژابورد» مینویسد:

«باهمت و شرکت بناهای حرفه‌ای و ماسون‌های افتخاری بود که در ژوین سال ۱۷۱۷م. «دزاگولید» موفق شدپایه‌های اولیهٔ فراماسونری جدید را به شکلی که می‌بایستی عالمگیر بشود بنا نهاد.» «رنه‌گنون» که از مخالفین سرسخت «اندرسن» و«دزاگولیه» است وآنانرا به سبب انحطاط و فساد «ماسونری ملی» میداندکه با تغییرشکل به‌صورت‌ماسونری امروزی در آمده دربارهٔ «دزاگولیه» مینویسد:

مسئولین اولیهٔاین‌انحراف‌کشیشان پروتستانی‌یعنی‌اندرسن ودزاگولیه‌هستند که به تدوین وتنظیم «قانون اساسی» لژ بزرگ لندن وانتشارآن درسال ۱۷۲۳ پرداختند وتمام اسناد ومدارك قدیمی‌را که ممکن بود بدان دسترسی پیدا شود نابود کردندو‌ازبین‌بردندتا کسی‌بدعت‌هایی راکه این دونفردر فراماسونری داخل کرده بودند مشاهده‌نکند ونیزچون‌این مدارك محتوی‌نکات و دستوراتی‌بودکه به نظرایشان طاقت فرسا می‌آمد (از قبیل التزام‌به‌اطاعت‌ازخداوندوکلیسای مقدس وپادشاه) لذا آنها را معدوم نمودند ... «آندره‌میشل‌دوراسی» یکی‌دیگرازبنیان‌گزاران فراماسونری جدیداست.

«رامسی» قبل از هرچیز، مؤلف و بوجودآورندهٔ یکی از بزرگترین اسناد مهم و بزرگ درتاریخ فراماسونری‌است. نام این اثر «سخنرانی» است که یك‌شرح اصولی دربارهٔ فراماسونری به فرانسه و همچنین یك‌طرح ابتکاری‌وجسورانه‌برای تجدید اصول‌آنست. این سخنرانی‌راروز ۲۶ دسامبر ۱۷۳۶ یا ۲۰ مارس ۱۷۳۷ یا ۲۴ ژوین ۱۷۳۷م. در«لونویل» ایراد کرد. اوناطق و خطیب زبردستی بود و مسلماً این سخنرانی را هنگام اجرای مراسم پذیرفتن عضو مشهور جدیدی در لژ ایرادکرده و خواسته‌است‌یك‌آرمان‌و کمال مطلوبی به ماسونری به بخشدکه بدون‌شك قانون‌اساسی‌اندرسن‌الهام‌بخش وی در این سخنرانی بوده است.

هدف تندو نتیجه‌گیری خشونت‌آمیز او از این نطق باروحیه واخلاق وعادت اعضاء حاضر در جلسه‌که «لژهای میز» همت و غیرت را از ایشان سلب‌کرده بودکاملامنایرت داشته است، اوبه چندتن از محارم و نزدیکانش گفته بود که برای رسیدن به یك فراماسونری اصلاح شده‌وبهتر‌که‌بااصول تجددطلبی‌هماهنگ باشد باید تشریفات ومراسم فراماسونی قدیم راکه در انگلستان آنرا نادیده گرفته واجرا نمیکنند دوباره برقرار ساخت. این «سخنرانی» درچندین‌صفحه مشتمل برتاریخ بنایی است و به قول او «برنامهٔ مطلوب و دقیقی است» برای توسعهٔ فراماسونری از هردو جنبهٔ مادی ومعنوی‌وطرحی است مشروح‌که‌چگونگی تحقق بخشیدن هدف یك ماسونی‌انسانی که نه فقط برای قرن هیجدهم بلکه، برای قرنهای‌آینده نیزارزنده است، در آن به تفصیل بیان شده است. دنیای امروزی جمهوری بزرگی است‌که هر ملت به‌منزلهٔ یك خانواده ازاین‌جمهوری است و هرفردکودکی از این خانواده است. جمعیت مایعنی فراماسونری‌برای احیاء وانتشار این اصول اساسی تأسیس شده است. ما میخواهیم به افراد روشنفکر، افراد خوش خلق و خلیق، افراد شریف‌وباتقوی را نه‌فقط به‌خاطر عشق به‌هنرهای زیبا، بلکه بیشتر به‌خاطر اصول تقوی وعلم ومذهب به دورهم جمع کرده و آنها را متشکل سازیم. وقتی به خاطراصول تقوی وعلم و مذهب به دورهم مجتمع گردند دیگرنفع شخصی و نفع صنفی تبدیل به نفع بشری میشود، ملت‌ها باهم‌دوستی مستحکمی‌پیدامیکنند، مردم و افراد ملل مختلف میدانندکه چگونه میتوان یکدیگررا متقابلا بدون توجه به ملیت دوست داشت. درعین‌حال وطن خودرا فراموش نکرد. اجداد ما یعنی صلیبیون (کسانیکه درجنگهای صلیبی شرکت‌کردند) ازگوشه وکنار و از هر قسمت دنیای مسیحیت در ارض مقدس جمع ومتحد شدند وبه این ترتیب افراد ملتهای مختلف، یك واحد متحد تشکیل دادند. تنها یك هدف مشترك داشتند و آن‌هم اتحاد قلبها و روحها بود ...

اکنون موقع‌آن فرا رسیده‌که ما فراماسون‌ها هم به نیاکان خود تأسی کنیم وازکلیهٔ افراد بشر در طی زمان «ملت»‌واحدی ازنظر روح‌ومعنی‌به‌وجود آوریم. آری، باید «ملت» جدیدازمردم مختلف وکشورهای مختلف وملیت‌های مختلف‌متشکل‌گردد وتنها درجهٔ ارتباط ایشان‌رشته‌های تقوی‌ودانش‌باشد. زنجیر تقوی ودانش است‌که‌آحاد این «ملت» جدیدالولاده را به یکدیگر مرتبط میسازد...»

«رامسی» در همین سخنرانی اشاره به ریشهٔ فراماسونری کرده و میگوید: این سازمان اخلاقی (فراماسونری) از عهود باستانی وجود داشته ونیاکان‌ما در ارض مقدس‌آنرا احیاکرده‌اند. شاهان وشاهزادگان پس‌از بازگشت‌به‌کشورهای خود هریك لژهای مختلفی در سرزمین خود بنا کردند. حتی دراواخر جنگهای صلیبی، درکشورهای‌آلمان، ایتالیا، اسپانیا وفرانسه لژهایی وجود داشته‌وبه سبب رشته‌های مودت واتحاد مستحکمی که بین‌فرانسه و اکس ایجاد شده بود لژهایی در «اکس» تأسیس گردید.

ادوارد سوم پادشاه انگلستان جزو جمعیت «ماسون»ها شد ومزایای‌تازه‌ای به این جمعیت‌اعطاءکرد وازهمین زمان بودکه اعضاء این جمعیت به نام «فراماسون» (بنای آزاد) خوانده شدند.

«کمان سلطنتی» ازدرجات‌فراماسونی است‌که «رامسی» به‌سال ۱۷۲۸م. مبتکر وموجد آن بوده است و نیز «گونیا» و شمعدان را جانشین «خنجر» و «مشعل» ساخت.

مراتب ودرجات

درقرن هیجدهم نظام‌درجات‌ماسونی

که تماماً از نظام «اکس» سرچشمه میگرفت، به وجود آمد که ابتدا ۲۵ درجه و بعد سی‌ودو و بالاخره در اوایل قرن نوزدهم سی‌وسه درجه تعیین شد. این مراتب به جز مقام اول‌ودوم آن، بقیه از صنف بنا وبنایی‌عملی اقتباس نشده‌وحتی علامت ونشانهٔ فراماسونری «نظری» به جز «گونیا وپرگار» هیچکدام مربوط به‌آلات وادوات‌بنایی‌نیست. مقام«استاد» ظاهراً از ابداعات تازهٔ انگلوساکسونی است که مثل سایر درجات به مراسم شوالیه‌گری یاکیمیاگری مربوط است. در قرن‌هیجدهم مقام استادی دارای دو درجه بود یکی «استاد ساده» و دیگری «استاد اکسی» مقام استادی در اوایل تأسیس ماسونری عملی یعنی بنایی فقط يك درجه وجود داشت وآنهم «همکار یا کارگر» بود ولی وقتی افراد غیرحرفه‌ای را به عنوان اعضاء وابسته درجمع خود پذیرفتند عملا دو درجه پیدا شد. یکی «شاگرد ثبت شده» و دیگری «همکار» همکاران در لژ تحت مدیریت و رهبری استادکار ،کار میکردند، (در اینجا «استادکار» مقام نیست بلکه شغل است). ترتیب دو درجه‌ای یعنی فقط «شاگردو همکار» درجلسهٔمورخ ۲۴ ژوئن ۱۷۲۱ م درلژ بزرگ لندن تصویب شد. درقانون اساسی اندرسن (۱۷۲۳م) ضمن مادهٔ ۴ تصریح شده است«که هیچيك ازبرادران نمی‌توانند «ناظر»بشوند مگراینکه‌مقام «همکار» راگذرانیده باشند وهیچکس به مقام‌استادی‌نمی‌رسدمگرقبلابه‌مقام نظارت رسیده وکلیهٔ وظایف و اصول و اعمال راجع به‌این مرتبه را احراز کرده‌باشدو هیچ «ناظر بزرگ» به این مقام نمیرسد مگر قبلا مقام استادی‌يك لژ راگذرانده باشد و هیچکس بـه مقام «استاد اعظم» نمیرسد مگراینکه قبل ازانتخاب به‌این مقام لااقل مدتی درمرتبهٔ «همکار» بوده باشد.

طبق مدارکی که به‌دست‌آمده معلوم شده‌است‌که درماه مه‌سال ۱۷۲۵م،لژی تأسیس شده بودکه در صورت جلسه‌های آن ازچهار شخصیت نام میبرد: یکی‌به عنوان همکار ، دونفربه عنوان استاد و یکی بـه عنوان استاد وهمکار . ولی‌در سالهـای ۱۷۲۶ و ۱۷۳۰م. درلژهای دیگراز سه نفرنام‌برده میشودکه‌عبارتند از شاگرد ، همکار ، استاد.

درسال ۱۷۳۱م. لژ شمارهٔ ۷۱ در لندن در جلسهٔ متشکله اعلام نمودکـه «شاگرد» طبق قضاوت ورأی حـاضرین شایستگی پیدا کرد میتوانـد به مقام «همکار» ارتقاء یابد. هرتازه وارد یـا شاگرد موقع ثبت نام باید پنج شلینگ بپردازد.

سومین مقام را تمام‌لژها نپذیرفتند و تا مدتی دراکثر لژهافقطدومقام وجود داشت مثلا لژ«کلسو» دراکس ، سومین مقام راکـه لژ بزرگ لندن سالها قبل تصویب کرده بـود در سال ۱۷۳۵ م پذیرفت.

ولی باید دانست که این مقام بهـ سرعت درتمام لژهای اروپا مورد قبول واقع‌شد .

بنا به‌قول«رامسی»درلژهای«اکس»سه درجه‌موجود است که‌عبارت بود از:

« استاد اکسی» و شوالیهٔ معبد و تازه‌کار که درسال ۱۷۳۶ يك‌مقام‌دیگر بر این‌سه افزوده‌شد که«کمان‌سلطنتی» است. این چهارمرتبه از مراتب اساسی واصلی لژهستندکه هريك خودبه‌چندین درجه تقسیم میشوند ..

دربارهٔمراتب‌ومقامهای‌لژدر«سن- آندره» و « ادیمبورك » رسالهٔ مفصلی نوشته شدکه «رامسی»آنرا به‌پاریس‌برد و در آن نام افراد اهل «اکس» که در این لژ صاحب مقام وعنوان بودند ذکر شده بود .

ازروی همین رساله‌بودکه وقتی لژ «لیون »در۱۷۴۳م تشکیل گردید، رتبهٔ « نخبهٔ‌کوچك » جزء مراتب ودرجات لژ منظور گردید وبعدها ازهمین‌درجه، درجات دیگری مانند «نخبهٔ نه‌نفری »، «نخبهٔ پانزده نفری» ، شوالیهٔ سپیده دم و«بازرس‌اعظم»مراتب‌عالیه‌فراماسونری- اکسی که امروزه نیز مورد عمل قـرار دارد، از سی وسه مرتبه تشکیل شده که عبارتند از :

۱- شاگرد.۲-همکار.۳ - استاد. ۴- استاد رازدار. ۵- استادکامل.۶ - منشی رازدار.۷-قاضی. ۸- ناظر ابنیه. ۹ - استاد منتخب نه‌گانه. ۱۰- منتخب پانزده‌گانه.۱۱- شوالیه منتخب. ۱۲- استادمعمار اعظم. ۱۳- شوالیه کمان- سلطنتی. ۱۴-بنای‌عالیقدر.۱۵-شوالیهٔ شمشیر یا شوالیهٔ مشرق . ۱۶-شاهزادهٔ بیت‌المقدس.۱۷- شوالیهٔ مشرق‌ومغرب. ۱۸- شاهزادهٔ صلیبب گل سرخ. ۱۹- ملای‌بزرگ.۲۰-عالیخان استادبزرگ تمام لژها. ۲۱- شوالیه پروسی.۲۲- شاهزاده لبنان. ۲۳-شاهزاده‌خیمه۲۴- رئیس خیمه. ۲۵ - شوالیه مارمفروغی. ۲۶-شاهزاده‌مرسی۲۷-فرماندهٔ بزرگ معبد. ۲۸-شوالیهٔ خورشید.۲۹-اکسی بزرگ‌آندره.۳۰-شوالیهٔ شاهین سفیدو سیاه.۳۱-بازرس‌بزرگ.۳۲- شاهزادهٔ عالیقدر رازدار.۳۳-مشاوراعظم .

درجه بندی بالاکه سیستم‌اکسی نام دارد به‌دو ردهٔ‌مختلف تقسیم‌میشود:

یکی درجات ازچهار تا چهارده‌که اسامی‌آن ازتورات ومخصوصاً از«کابال» یهودیان اقتباس شده و مقداری از این درجات به سنن ایرانیان یا مصریـان پیوستگی دارد. مثلا درجهٔ‌نهم‌که علامت يك‌شیرويك‌پلنگ استغاری رامحافظت می‌کنند.این‌حیوانات درعین‌حال که‌مظهر خرابی و انهدام هستند نشانهٔ « ست » مصریها که برادروقاتل«اوزیریس»است می‌باشند. مابقی درجات‌ازسنن‌قهرمانی‌و شوالیه‌گری‌وپهلوانی است. مشهور است که اولین کسی‌که درجهٔ شوالیه گری را بنا نهاد ، «شارل مارتل» بودکه عبارت از «ژنت» میباشد .

تزیینات وعلائم‌این‌مقام‌بسیار ساده مربوط به‌این‌کلمات بود :

«او افرادکوچك ومحقررا تربیت میکند » باید دراینجا یادآور شدکه‌در بسیاری ازمتون خطی قدیم‌که مربوط به فراماسونری است اسم «شارل‌ماتل»ذکر شده واز او به‌نام یکی از حامیان بناها نام‌برده شده‌است» .

آخرین‌درجهٔ‌شوالیه‌درسال۱۴۴۸م. به وسیلهٔ «رنه» به‌وجود آمد. درقرون وسطی هرشوالیه‌ای‌حق داشت‌که‌شوالیه- های دیگر را تربیت کند . مراتـب شوالیه‌هاوفراماسونهاوجوه‌اشتراك‌بسیاری خصوصاً درعلایم ممیزه‌دارند . مثلادرجهٔ بیست‌ویکم «شوالیهٔ‌پروسی» عبارت‌ازيك ماه نقره‌ای‌است زیرا «لژ » در ماهتاب تشکیل میشود که با علایـم بعضـی از شوالیه‌های قرون وسطی مطابقت دارد وهمچنین درجهٔ ۱۸و۲۶و۲۸و۲۹و۳۰ که وجه اشتراك زیادی‌بادرجات‌شوالیه- ها دارند .

فراماسون و انقلاب کبیر فرانسه . (۱۸۰۴–۱۷۸۹م.)

انقلاب کبیر فرانسه به کلی وضع سیاسی و اقتصادی فرانسه را دگرگون ساخت. مسلماً اگر بخواهیم این جنبش عظیم رادرقالب فراماسونی قراردهیم و بگوییم که رهبر این انقلاب فراماسونی بودند ، سخن بیهوده و به گزاف گفته‌ایم وهمچنین است اگر تصور کنیم که فراماسو نها درقرن هیجدهم تأثیر بسزایی درجامعهٔ اروپایی داشته بازسخنی است گفته‌ایم و سازمانی بس‌مهم بوده‌اند . شب قبل از انقلاب کبیر فرانسه درسال ۱۷۸۸م درلژ «پریوا» یکی از «بیگانگان» که‌هنوزجزءماسو نها درنیامده بود، ازاستادسؤالات زیررا میکند واوهم پاسخ‌میدهد ،

س ــ عقیدهٔ شما راجع به اوضاع روزوکارهایی که سراسر کشور را مشوش نمود چیست؟

ج ــ چنانچه چارهٔ این درد را از فراماسونری بخواهیم و بگوییم به‌طور کلی فراماسونری درمانی برای این درد پیدا کند اشتباه وبلکه فاجعه است .

س ــ اگر حامی شما یعنی شاه دستور دهد که اسلحه‌دست بگیرید وعلیه هموطنان شهرستانی وارد جنگ شوید، چه‌خواهید کرد ؟ .

ج ــ من فوراً استعفا خواهم‌داد.

درلژ «طلوع آزادی» به سال ۱۷۹۰ هنگامی که مراسم‌پذیرش یکی از تازه‌ واردین به عمل میآمد استاد کل چنین گفت :

دراینجا «طبقات» وجود ندارد. در سطح ماسونی همه برابرند .

به این ترتیب همیشه ودر هرزمان بین‌ما مساواتی که این‌روزها این‌قدرسنگ آنرا به‌سینه میزنند و برسر هرکوی و برزن سخن از آن به‌میانست. حکمفرما بوده و بدون شك این معجزه را ما مدیون فراماسونری هستیم ، اماوقتی طرز رأی دادن وحمایل مخصوص شهر‌ داران ومخصوصاً اعلامیهٔ حقوق بشر را که به‌تأیید رسیده و بالاخره اصرار در رعایت قانون و نظم را می‌بینم مجبورم به‌خود بگویم :

«لابد نمایندگان ماهمگی فراما‌ سون هستند» درلژ یاران یکدل واقع در «لاوال» یکی‌ازنمایندگان‌هنگام برگزاری مراسم عید سن‌ژان درهفتم‌ژوییهٔ ۱۷۸۹م چنین گفت :

« مجلس نمایندگان میتوانند مانند فراماسون‌هارفتار کنندوسعادت‌ملت رادر نظر گرفته همچون شوالیه‌های‌سن‌ ژان‌دربیت‌المقدس به‌یاری ارباب‌وپیشوای خود برخیزند.

ترس‌ونومیدی نباید آنان را از احساسات نیکوکارانه منحرف سازد . فقط دراین موقع‌است که میتوانند به‌حق‌ شناسی که در مردم وجود دارد امیدوار باشند وبدانندکه در پرتو چنین‌مجاهدت وفداکاری توأم باتقوی مقامات وعناوین برایشان محفوظ خواهدماند واحساسات وطن پرستانهٔ مردم بهترین سرمایه و پشتوانه‌است .

این‌نطق باعث ایجاد سر وصدا در لژ شد و عده‌ای شدیداً به مخالفت بر‌ خاستند ودرلژ اتحاد درجلسهٔ مورخ ۲۴ ژوییهٔ ۱۷۸۹م دربارهٔ آن چنین گفتند:

سخنرانی که درلژ «یاران یکدل» ایراد شد، مطلقاً جنبهٔ ماسونی نداردو نمیتوان آن را به‌عنوان عقیدهٔ یك ماسون مؤمن تلقی‌نمودبرای‌اینکه پراز مطالبی خارج از ماسونری بودکه به‌کلی با قوانین ومقررات ماسونی مباینت‌دارد . به طور کلی نمیتوان ازروی این مدارك به‌نقش واقعی‌فراماسونری درانقلاب‌کبیرفرانسه ومخصوصاًدرحوادث‌سال۱۷۸۹م پی‌برد .

هنوز یك‌بررسی‌جامع روی‌مدارکی که دربایگانی های لژهای فراماسونری موجود است به‌عمل نیامده‌است . مضافاً به‌این، اکثر نامه‌ها وپرونده‌هادرحوادث انقلاب‌وجریانات بعدی ازبین‌رفته‌است.

بنا براین ادامهٔ این بحث مقدور نیست همینقدر به‌نقل‌قسمتی‌از نوشته‌های « آندره لاتری » که یکی از مورخین کاتولیك‌است و باگفته‌های‌سایرین‌اختلاف فراوان دارد می‌پردازیم :

«ماسونری کم‌و بیش‌درتمام‌نقاط‌اروپا ومخصوصاً درفرانسه زمینه‌ای‌برای‌تبلیغ ونشرفلسفی وامور تعقلی‌است .

البته‌ماسونری چنین رسالتی نداشته است ولی خواه‌ناخواه حکم آیینه‌ای را پیداکرده که اشعهٔ کانونی پرحرارت را متمرکز ومنعکس‌ساخته است. بعضی از رهبرانش انتقام‌خودرا ازکلیساکه بااین تشکیلات به‌مخالفت برمیخاست بانهایت مهارت‌گرفتند .

لیکن اگربخواهیم به‌تأکیدبگوییم که‌هدف‌اصلی‌فراماسونری‌درقرن هیجدهم مبارزه‌با کلیسا بوده‌واقدامات ضدمذهبی این سازمان صرفاً به‌منظور درهم‌کوبیدن کلیسا بوده است به‌کلی از مرحله پرت شده‌ایم ....

انقلابی‌چنین‌عظیم‌که به‌سال۱۷۸۹م درفرانسه به‌وقوع پیوست و طی بیست و پنجسال به همه جا سرایت‌کرد و دنیای آنروزرا از نظر مذهبی به‌کلی زیرورو ساخت، قطعاً علل‌وجهاتی‌عمیق‌تر‌واسباب ودلایلی بجز این حرفها داشته‌است. بی انصافی است اگر تشکیلات ماسونی را مانند یك دستگاه شیطانی بدانیم‌که مأموریت اهریمنی برای سرنگون‌ساختن مذهب داشته است و لو اینکه مدتها به ضدیت با روم پرداخته وفلسفه‌ای مغایر با موازین مذهبی داشته باشد .

شعار و علایم انقلابیون .

در پاییز سال ۱۷۹۳ م. دربرابر تب ضد مذهبی‌که همه کس را فراگرفته بود، انقلابیون روشنفکر‌که نخبهٔ ایشان داخل فراماسونری شده بودند ، به فکر تهیهٔ شعار و علایمی افتادند‌که ریشهٔ آن باعلایم ونشانهای‌ماسونی‌مخصوصاًماسونی «اکس» یکی باشد .

این توجه انقلابی به‌علامات ورموز ازسال ۱۷۵۹ م. یعنی درست از همان لحظه‌ای‌که انقلاب روبه‌قهقهرا وارتجاع می‌رفت، قدرت‌گرفت .

درموقع انقلاب ، توجه به‌علامات و رموز ماسونی فقط درقسمتی از نیروهای ارتشی ظاهرشد درآغازانقلاب یعنی‌روز ۳۱ دسامبر ۱۷۷۹م. هدیه‌ای از علایم نجومی به‌لویی شانزدهم تقدیم شد . این علایم مرکب از یك کره ، یك خط‌کش مدرج ، یك‌آیینه و برگهای درخت خار بود (آیینه ازسال ۱۷۸۲م. جزء علایم درجهٔ دوم‌فراماسونری منظورشد) انسان وقتی‌می‌بیندکه این‌علایم به‌لویی‌شانزدهم هم به عنوان هدیه داده شده فکرمی‌کند که اگر او داخل جمعیت فراماسونها نشده بود، دلیل نداشت‌که این هدایا را قبول‌کند. بیش‌ازهرچیز لباسشان دارای مفهوم ومعنای خاصی بود .

لباس شاگردان «مکتب مارس» را «لویی داوید» که خود یکی ازفراماسون‌ های مشهور است، چنین تشریح می‌کند:

کمربند وحمایل چرمی سیاه‌که روی‌آن کلمات «آزادی» و « مساوات » با خط زرد دیده می‌شود علاوه بر این کلمات، روی پلاکی یك طرازبنایی ویك شمشیر

دوتیغه به‌طورافقی قرارگرفته بود، مسلط بریك ردیف خوشهٔ گندم بودکه از میان این خوشه‌ها آن یکی‌راکه ازهمه‌بزرگتر بود درومیکرد، شاگردان شمشیر کوتاهی به‌خودآویخته وشبکلاهی که علامت طراز روی آن کنده شده بود بر سرداشتند و تصویرمرغ‌سقایی‌که مشغول تغذیهٔجوجه‌ـ هایش میباشد بر دستهٔ طراز نقش شده و نشان‌درجهٔهیجدهم یعنی‌درجهٔ **«شاهزادهٔ صلیب‌گل سرخ»** است .

برای جشن فدراسیون روز ۱۴ ژوییهٔ ۱۷۹۰ تصنیف زیــر سروده شده بود :

« لژآزادی به‌فعالیت برخاسته
« وستمکاران و جباران ازاین امر غمگین شده‌اند
« ای ملل مختلف ، همین درس‌ها
« شمارا برادر وماسون‌خواهدکرد
« و این تنها چیزی است‌که ما را تسلی میدهد »

طاق پولادین .

برای سی و سه رتبهٔ فوق‌الذکر در حدود یازده قسم لباس تهیه کرده‌اند . هررتبه‌ای علامت مخصوصی دارد که هر علامتی تفسیرهای‌گوناگون وعجیبی‌دارد که اکثرمربوط به افسانــه های باستانی است ونقل همهٔ‌آنها امکان پذیر نیست، علی‌الخصوص‌که برای هرعلامت روایات وتعابیر مختلفی‌که غالباً وجه اشتراك و شباهتی باهم ندارند ازطرف مورخین و یا ماسونهای لژهای مختلف نقل شده است . علامت مخصوص هردرجه برروی آستین‌لباس ودرمواردی برروی حمایل دوخته شده، لباس اعضاء لــژ اسکاتلند همان لباس اونیفورم قدیمی است. لباس درجات بالا ترکیبی از لباس نظامی و ساده است. کلیهٔ افسران ارشد فراماسون درلژ اسکاتلند ، شمشیر دارند و بــرای ورود یك مهمان عالیقدر، همهٔ اعضاء لژ در دوطرف صف میکشند و شمشیر های عریان را طوری بالا نگاه میدارندکه نوك‌های‌آنهــا به‌هم میرسد وبدین طریق طاق مقدس پولادینی تشکیل می‌دهندکه آن مهمان باید از زیرآن بگذرد، این تشریفات را در مورد نمایندگان منتخب لژها نیزانجام میدهند .

تغییرات‌گوناگونی‌برای طاق‌پولادین قایل شده‌اند، منجمله اینکه : «پرچین» را به لاتین «هاگا» میگویند .

بین این طــاق پولادین و پرچین رابطهٔ نزدیکی‌موجوداست. هاگا به‌زبان عبری معنی «سخن اسرار آمیز» است . میان سخن اسرار آمیز و ماسونری نیز ارتباط فراوان وجود دارد . نبایدتعجب کنید ازاین‌که ازآن به بعدکلمهٔ «هون» در«کابل» (جمعیت سری یهود) معادل ۱۲۶است واین عدددرست تعداد صحیح است که افتخار طاق پولادین با مراتب شوالیه‌ای جمع شده است.

روزنامهٔ **فیگارو**درشمارهٔ روز ۱۸ فوریه ۱۹۵۲م به‌قلم «م. لوکوته» نوشته است :

« امروزه شوالیه‌هــای سن‌لازار یا شوالیه‌های «سن پسولکر» دربعضی‌مواقع مانند پذیرایی استاد بــزرگ و یا نماز سالیانه وغیره طاق پولادین رابه‌ترتیب فوق درست میکنند . »

فردریك‌کبیر وفراماسونری .

فردریك‌کبیرقبل ازنیل به سلطنت پروس بنابه‌گفتهٔ «لوکومبیه» نظرخوشی نسبت به فراماسون ها و جمعیت آنــان نداشت. چون‌ازجوانی‌با خرافات مبارزه میکرد واین جمعیت‌را پای‌بندموهومات وخرافات‌میدانست، اما دایماً به‌استهزاء آنان میپرداخت . ولی درسال۱۷۳۸ که هنوز ولیعهد بود ، مــوقع عبور از شهر «برونسویك» بدون‌مقدمه‌موافقت‌کردکه در این جمعیت داخل‌شود.مراسم وتشریفات لازم به‌وسیلهٔ یکی از اعضاء لژ هامبورك انجام‌گردید .

ورود فردریك به این‌جمعیت باعث قوام و نضج فراماسونری دراروپا خاصه درآلمان شد .

آنسیکلوپدی وفراماسونری .

میدانیم پیشگامــان در راه تهیه و تدوین‌دایرة‌المعارف‌درفرانسه‌نویسندگان ودانشمندانی چون « دیدرو ، دالامبر و کندورسه» بودند ولی‌ازسخنرانی مشهور « رامسی » معلوم می‌شود که فکر پی‌ـ ریزی دایرة‌المعارف ازفراماسونها ناشی شده است وبه‌قولی اکثر قریب به اتفاق آنان از « ماسونها » بوده‌اند که براثر کمکهای‌پولی‌وهمفکری زعمای«گراندـ اوریان » که به ظــاهر بیطرف بودند ، موفق شدند دست بــه چنین کار عظیمی بزنند . حتی «دالامبرو دیدرو واولباخ» و رفقایشان را جزء «بــرادران‌ماسون» می‌دانند. رامسی‌نیزبه‌این موضوع اشاره نموده‌وضمن«سخنرانی»مشهورخودپیشنهاد کرده است. باید تمام استادان اعظم در تمام‌کشورها باهم همکاری داشته وملت‌ها رابه برادری تشویق نمــایند و باکمك دانشمندان، فرهنگ بزرگ و جامعی‌که مشتمل‌بررشته های مختلف‌علوم وادبیات باشد تدوین‌گردد ومادام‌که این فکر به مرحلهٔ عمل درنیامده. ملتها همچنان در جهل‌ونادانی‌به‌سرخواهندبرد...« **دیدرو** » که ظاهراً خود یکی‌از فراماسونها بــود تحت‌تلقینات رهبران گراندوریان قرار گرفت وباکمك مادی ومعنوی‌آنان‌اساس دایرة‌المعارف‌را‌پی‌ریزی‌کرد،وقتی‌قسمتی ازفرهنگ مزبور منتشرشد معلوم گردید که‌به خرافات ومعتقدات دینی وکلیساها سخت حمله شده وآنهاراموردطعن‌قرار داده‌اند. چون‌کلیسا نفوذ وقدرت خودرا درخطردید، به‌دولت فشارآورد و دولت فرانسه ناچار شد از اتمام‌آن جلوگیری کند .

عده‌ای‌معتقدندنقش‌فراماسون‌درایجاد انقلاب وتهیهٔ مقدمــات آن وهمچنین در نشر دایرة‌المعــارف بسیار مهم بــوده و فرهنگ اخیر به‌دست فراماسونها تدوین گردیده‌است، منجمله «برنید» که یکی از فراماسون‌ها است درمجمع گرانداوریان که به سال ۱۹۰۴م درپاریس تشکیل‌شد گفته‌بود:انسیکلوپدیست‌ها در دسته‌ای‌از «برادران» مابودندکه درتامپل‌ها شورو حرارتی فراوان از خود نشان می‌دادند وتنها دسته‌ای بودندکه‌سالهاقبل ازشروع انقلاب‌کبیر، یعنی درایامی‌که هنوزکلمات «آزادی، برادری، و برابری» به‌گــوش مردم نخورده بود، چنین شعاری‌داشتندو همین شعارایشان بودکه تخم انقلاب در افکارمردم پاشید و بعدهــا به‌ثمر رسید . «برادران» ماافرادی‌چون‌دالامبرودیدرو و ولترو«کندرسه»بودندکه برای‌اولین‌ـ بار درراه تحول فکری مردم‌که منجر به تحول اساسی جامعهٔ اروپــایی و بالاخص فرانسوی‌شد،گام‌برداشتند وباتهیهٔ‌دایرة‌ـ المعارف اذهــان وافکار مردم را روشن ساختندکه منجر به سقوط قلعهٔ باستیل و صدور اعلامیهٔ حقوق بشر گردید.

فراماسونری وناپلئون بناپارت .

مخــالفت بــا کلیسای کاتــولیك یکی ازوجوه اشتراك بناپارت باهدفهای فراماسونری بود. اوبیهوده میکوشید .

فـرامـاسونری را تحت تشکـیلات واحدی درآورد و آنرا به خدمت خود بگمارد ودرراه‌مقاصدخودازآن استفاده کند ولی دستگاه شهربانـی‌امپراطوری متوجه شدکه دراین‌تشکیلات عنـاصری وجود دارندکه جبههٔ مخالف‌ناپلئون را تشکیل داده‌اند لذا به‌اجتماعات‌مظنون اجازهٔ تشکیل جلسه‌نمیداد. اولین‌سؤالی که به ذهن‌میرسید اینست: آیاناپلئون‌هم فراماسون‌بود؟ عقیده‌هادراین‌باره مختلف است ومسلماًحق‌با «گاستون‌مارسن» است که مینویسد: «فـراماسونهـا همیشه میل دارند شخصیت‌های بزرگ ومشهور زمان رابه خود منسوب دارند.» ولی این گفته گره‌ای ازکارباز نمی‌کند وپاسخ سؤال‌بالا رانمی‌دهد. «ژان موروان» دراثرعالی و بی‌نظیر خود به‌نام «سرباز امپراطوری» ثابت می‌کندکه‌ناپلئون به‌انجام مراسم و تشریفات لازم درسلك فراماسونهادرآمد. «وقتی‌یك ستوان سوارنظام درایتالیا بود، درلژ «هرمس» که لژ مصری بود،داخل شد ودرپـاریس‌هم «شوالیه‌انسی» شـد . نویسنده برای‌اثبات مدعای‌خود به‌منابعی اشاره‌میکندکه‌تاکنون‌آنهاراپیدانکرده‌ایم **«بارن‌کومو»** درخاطرات جنگهای‌آلمان موقع انقلاب وامپراطوری می‌نویسد:

«ناپلئون وقتی‌ستوان‌بود، فراماسون بود. درسال ۱۸۱۴ درپاریس‌من‌ازمنابع موثق شنیدم‌که بناپارت موقعی‌کـه نایب سرهنگ‌بود، درلژ گرانداوریان‌درمارسی داخل شد . و در ایتالیا نیز اورا درلژ «هرمس» مصری پذیرفتند .

درپاریس به وسیلهٔ قربانی کـردن خون **«دوك دانگین»** شوالیه «اکس»شد. سند دیگری از «گراندوریان» دردست است‌که جای هیچگونه شك وابهامی‌باقی نمیگذاردکه ناپلئون ماسون بوده است . «مالتوشابرفی» که ازفراماسونها بودطی سخنرانی خود در روز۲۲ ژانویهٔ۱۸۰۵ درلژ«سن‌لویی دومارتینیك» اظهارداشت «سرانجام،فراماسونری پس‌ازقرنها تحمل شکنجه وآزار، اینك درپرتو ذات مقدس «شاهزاده»ای‌توانا(ازدرجات‌فراماسونری) همچون اعلیحضرت امپراطوری ناپلئون بناپارت دورهٔ‌آرامش را درفرانسه به سر میبرد. پرنسی‌که پس‌ازآنکه خود شخصاً درکارهای‌ما شرکت‌کرد وخلوص وصفای نیت وحقیقت اصول و عاقـلانه بـودن رموز واسرارما را دریافت، خودحامی و نگهبان فرامـاسونری اعـلام نمود . تصور نمیرود بتوان مدرکی‌گویـاتر و مستندترازاین‌که حاکی‌ازشرکت‌ناپلئون درجمعیت فراماسونها باشد پیداکـرد . ازطرف دیگر دربایگانی‌گران دوریان فرانسه‌کتابی‌است‌باجلدکوچك‌که‌درپشت آن به‌زبان ایتالیایی‌نوشته شده:«کارهای ماستونی مخصوص‌آغاز ورود پادشاه رم به‌گران دوریان ایتالیا روز سیزدهم‌ماه چهارم سال (۱۸۱۰) ۱۸۱۱. میلان.

چاپخانهٔ گراندوریان ایتالیا ....

درصفحهٔ سوم این‌کتاب عنوان زیرنوشته شده است: «صورت‌کارهای ماسونی‌راجع به‌آغاز ورودپادشاه روم وبرادرنیرومند ومقتدر ناپلئون به گراندوریان ایتالیا روز سیزدهم ماه سوم ۱۸۱۰،(۱۸۱۱) این عنوان شرحی‌است‌که در بارهٔ جشن رسمی‌نگاشته شده واین جشن‌بنا به‌دستور گراندوریان ایتالیا ترتیب داده شده و دراین جشن «برادرموسگا» مدیـر کل پلیس ایتالیا نیز حضور داشته است. در صفحهٔ هشتم همین جلسه ابتدا بـه شرح وتوصیف یکی ازلژها پرداخته ونوشته شده است: «در بالای تخت استاد اعظم قاب عکسی‌که اطرافش راتاجی‌فراگرفته ودر وسط این‌تاج نوشته شده:«به عظیم‌ـ الشأن لاوتون ناپلئون» که هیچ‌شکی‌در مورد ماسون بودن ناپلئون باقی نمی‌ـ گذاردبرای اینکه دراصطلاح ماسونـی کلمهٔ «لاوتون» فقط به پسریکنفرماسون اطلاق‌میشود. درصفحهٔ ۱۴ «کارشناس‌ـ اعظم» همین‌لژ احترامات‌فایقه راخدمت «مقتدرترین ولایق‌ترین برادر ماسونی» یعنی ناپلئون اول تقدیم میکنیم. در طی همین تشریفات که برای ورود ناپلئون به‌سلك فراماسونی صورت‌گرفت، برادر **«کالفیو»** نمایندهٔ«فرماندهٔ بزرگ‌جمعیت» ازناظر دوم سؤال میکند: .. علل‌ونتایج حاصله ازثبت‌نام عالیجناب عظیم‌الشأن، «برادر» ناپلئون در سلك فراماسونـی چیست ؟ « پس از اینجـا معلوم میشود ناپلئون یکی ازماسونها بوده و همچنین در صفحهٔ ۱۵ «بـرادر » کارشنـاس و «برادران نظار» سؤالات‌وپاسخهای زیر را ردوبدل میکنند .

س ــ برادرکارشناس،دومین‌جسمی که امروز پرتوافکن شد، کدام بود؟

ج ــ صادقانه ترین احترامات را خدمت «شاهـزاده» (مقصود ناپلئون و شاهزاده از درجات ماسونی) است باید تقدیـم کنیم وامروز ورود او را جشن میگیریم .

س ــ برادر ناظر اول ، چه نـوع احتراماتی را باید ماسونها تقدیم‌ایشان کنند؟

ج ــ استاد اعظم احتراماتی را که شایستهٔ مقـام ارجمند شاهی و ماسونـی است .

س ــ برادر ناظر دوم، بزرگترین وشایسته ترین عنوان ومقامی راکه باید ماسونها برای ایشان قایل‌شوند چیست؟

ج ــ استاد اعظم ، همیـن‌عـنوان «لاوتون» است‌که ماسونها بدان مباهات می‌کنند .

س ــ برادرکارشناس ، وظیفه‌داریم که دایماً مراقب «لاوتون» ارجمندباشیم وبرای این‌کار باید فکر وقلب وبازوی خود را وقف‌خدمت اوکنیم.

و باز درصفحات ۵۶ــ۵۷ همیـن کتاب نوشته شده در یـکی ازجشن‌های مسلکی همان جاییکه‌صندلی‌راحتی‌استاد اعظم‌که به رنگ‌آبی‌آسمان ومزین‌به‌طلا بود قرار داشت ، دربالای‌سرآن سه‌تاج آویخته بودکه زیرآن‌نوشته بود:

«مخصوص «شاهزاده لاوتون»(یعنی ناپلئون) واستاد اعظم برای «نیرومندـ ترین‌برادران‌ماسونی‌جهان‌ناپلئون‌بزرگ وعلیاحضرت ملکه همسرجلیل‌القدراو و «شاهزاده لاوتون» ،فرزندمـکرم ایشان سلامتی طلب کـرد.» پیشخـدمت اطاق ناپلئون به‌نام «کنستان» می‌گفت : «من یقین‌دارم‌که‌ناپلئون‌به‌سازمان‌فراماسونری به‌چشم یك تشکیلات‌کودکانه‌که بچه‌هادر آن باهم بازی می‌کنند نگاه می‌کـردو هر وقت‌صحبت‌ازاستاداعظم‌شدن فلان‌کس درگراندوریان ویا انتخاب‌آن‌دیگری‌به سمت «ناظرکل» و «بازرس‌محل» شد از ته‌دل می‌خندید .

موقعی‌که‌صحبت‌فراماسونی‌پیش‌میآمد می‌گفت :

«اینها یکمشت کودکانی هستندکه به بازی مشغولند،بگذارید سرگرم بازی خود باشند وفقط‌مراقبشان باشید». برای تأیید این نکته باید دانست که ناپلئون روز سوم سپتامبر و۲۰ دسامبر۱۸۰۳و ۴ دسامبر ۱۸۰۴ دستورداد بـرادرش «لویی » را در مجمع گرندوریان بـه

عنوان «استاد اعظم» و «مرسنا» را به‌عنوان رهبر بزرگ و سناتور «شوازل» را «ناظر اعظم» و بسیاری از نزدیکانش را به‌مقاماتی از این‌قبیل انتخاب کنند، یعنی کلیهٔ درجات عالیهٔ فراماسونری اختصاص به‌نزدیکان و بستگانش داد که اساس کلیهٔ آنان در بایگانی‌های لژها ضبط است . اغلب از ژنرال‌ها و مارشال‌ها فراماسون بودند و «شاهزاده» مسکوای آینده، شجاع شجاعان در سال ۱۸۰۱ در نانس در لژ سن‌ژان بیت‌المقدس داخل شد . آنچه مسلم است، فراماسونری در دوران امپراطوری ناپلئون در اوج قدرت و فعالیت بوده و پیشرفت فراوان نصیبش می‌شد و بسیاری از لژها را به نام ناپلئون و لژهای دیگر را مانند لژ «بیت‌المقدس» برای سلامت افراد خانوادهٔ امپراطور، به‌نام ایشان نامگذاری می‌کردند .

« به‌نوشیم به سلامتی امپراطور بزرگ .

« بنوشیم به سلامتی ماری لوییز .

«که به زودی صاحب جانشینی برای سعادت ملت و وطن بشوند .

«پس برادران ، بنوشیم ، سه‌بار بنوشیم .

«سه بار مانند ماسون‌های واقعی بنوشیم... »

فراماسونری در قرن نوزدهم و بیستم

قرن نوزدهم برای بعضی‌ها پیروزی «پوزیتویس» و عصر غلبهٔ روش‌های تجربی بود، بدین معنی که در این قرن با ظهور افرادی چون **کلود برنارد** دربارهٔ «چگونگی مسایل» مطالعه میشد بی‌آنکه سخنی از چرایی قضایا مطرح شود شوق پیشرفت علمی همه را فراگرفته بود بی‌آنکه به وجدانیات به‌همان مسایلی که «فرانسوا رابله» از آن نام‌برده بود یعنی شناخت‌ها و دانش‌های واقعی که به سنت گذشتگان مربوط می‌شد، کمترین توجهی بشود، اما برعکس برای بعضی دیگر برای این قرن در سالهای اخیر عصر رکود عقلی و کوردلی و دوران جنون و حتی بدتر از اینها بود . قرن بیستم ادامهٔ قرن نوزدهم بود و آنچه که در آن موقع شروع شده بود و به‌کندی پیش می‌رفت در این قرن سریعتر و شدیدتر شد .

خلجانهای روانی و آشفتگیهای مغزی و روحی و زبانی به‌اوج خود رسید به‌طوری که زبان از بیان آن قاصر است. در مدتی کمتر از ۳۶ سال «**برج بابل**» به صد و بیست و پنج طبقه افزایش یافت. این درست همان مطالعات تلخ و سادهٔ کسانی نظیر ، رنه‌گنون بود که همه چیز را میدیدند و با صدای بلند اعلام میکردند ولی صدا ایشان منعکس نمیشد نعره‌های وحشتناک کسانی که‌مدعی ساختن «دنیا» و ایجاد «نظم نوین» در آن دنیای ساختگی ، مانع آن بود که صدای ملایم و محجوبانهٔ عقلا و متفکرین کمترین تماسی با ضمیر مردم پیدا کند. آری «دنیا سازان» اجازه نمی‌دادند هشدارهای سودمندانهٔ پزشکان اجتماع به‌گوش عالمیان برسد . به‌طوری که از مباحث گذشته استنباط میشود ، جای انکار نیست که فراماسونری طی صد و پنجاه سال روز به‌روز تنییر ماهیت می‌داد . «تامپل» های سری جای خود را به‌لژها می‌دادند و شعایر و علایم ماسونی به‌صورت دیگری تغییر یافت .

میسراییم .

آیین «**سرنو**» نتوانست در فرانسه نضج و قوامی بگیرد و مسلك «میسراییم» از چند جهت سرنوشت بهتری داشت. چند تن از ماسونها که شهرت مشکوکی داشتند در سال ۱۸۰۵ در میلان مجتمع شدند و چون به‌عنوان «مشاور عالی میلان» پذیرفته نشده بودند در صدد تأسیس «میسراییم» برآمدند . «**راگون**» که یکی از حواریون این آیین تازه بود و مدت سه سال از ۱۸۱۴ تا ۱۸۱۷ در جمعیت آنان داخل شده بود، در اثر مشهور خود به‌نام «**توئیلور ژنرال**» از «میسراییم» به عنوان «آیین عجیب و غریب» و در جای دیگر «**آیین غولها**» یاد کرده است. شخصی به‌نام « لوشانژور» مأمور شد عوامل لازم را جمع‌آوری کرده و از روی نظامنامه‌ها و مقررات قبلی فراماسونری یك طرح تازه‌ای بنویسد. این مسلك تازه به‌زودی در ایتالیای شمالی و در سراسر ناپل منتشر شد و ۹۰ درجه داشت. در آغاز امر اعضاء آن تا درجهٔ ۸۷ بیشتر نمی‌توانستند به‌رسند و درجات ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ فقط مخصوص «روسای ناشناس» بود . عدهٔ زیادی از فراماسونها آنرا پذیرفتند و حتی «برادر ملك کلاول» که وزیر جنگ بود ، در سال ۱۸۸۱ موفق به‌اخذ دیپلم شد که ذیل «آنرا مارك بداريد» که خود درجهٔ ۷۸ داشت امضا کرده بود. در سال ۱۸۱۴ بود که میسراییم به‌وسیله «بداريد» و «ژولی» در فرانسه شیوع یافت . ظاهراً ژولی یکی از افسران ستاد بود که موقع جنگهای ایتالیا یك کلکسیون از درجات مصری را جمع‌آوری کرده و اینك به‌عنوان ارمغان به‌کشورش آورده بود . درجات اولیهٔ آنها همان درجات سه‌گانهٔ ماسونری با جزیی اختلافاتی بود. عده‌ای از ماسونها منجمله جراح سابق ناپلئون و افسر بزرگ گراندوریان و رییس دیوان کشور بدان ملحق شدند . این مسلك جدید با درجات زیاد و بیشمار آن مقاصد سیاسی داشتند و در حقیقت یك ماسونری جدید تشکیل داده بودند . در سال ۱۸۱۷ مارشال «بورنویل» صریحاً اظهار داشت که میسراییمیت برای امنیت عمومی خطرناك است و آنرا مضر به‌حال مملکت دانست. اما برادران «بداريد» که به هر دلیل تعدادی از صاحبان نفوذ و مقامات کشوری را به‌عضویت این فرقه درآورده و به‌یکی از مشاورین دولتی مقام «استاد بزرگ و مطلق» یعنی درجهٔ نودم را داده بودند در ۱۸۱۶م. بیانیه‌ای منتشر کردند و اعلام داشتند که آیین «میسراییم» ریشه و مبدأ فراماسونری است و علاوه نمودند که «مشاور عالی این جمعیت برای اداره و رهبری جمعیت میسراییم در تمام سطح زمین تعیین شده است » و یکی از اعضاء جمعیت مأمور شد که از روی آیین و مقررات مرموز مصر باستانی ، قوانینی تنظیم کند .

درجات میسراییم به‌چهار طبقه تقسیم می‌شود :

طبقهٔ اول شامل سمبولیك و طبقهٔ دوم شامل درجات فلسفی و سومی و چهارمی کابالی و پهلوانی است .

مثلا از درجهٔ ۲۲ که معمار است چندین درجه تقسیم می‌شود: درجهٔ ۲۲: معمار کوچك ــ درجهٔ ۲۳: معمار بزرگ ــ درجه ۲۴ : معمار ــ درجهٔ ۲۵: شاگرد معمار ــ درجهٔ ۲۶ : رفیق شاگرد معمار ــ درجهٔ ۲۴ : استاد معمار ــ درجهٔ ۲۸ : معمار کامل. و چهار شوالیه «شاهین» مختلف و دو درجه «هیولای ساکت» و چیزهایی نظیر اینها دارد .

مسلك فراماسونری میسراییم علیرغم تصور برخی که می‌پندارند مسلکی است انسانی به‌هیچوجه جنبهٔ انسانی ندارد . برای این‌که بهتر آنرا بشناسید کافی است که چندروزی در آن جمعیت داخل شوید

و به‌مطالعه بپردازید . هرچندکه امروزه درتمام دنیا نشرپیداکرده و ثابت‌میکند که هرچیزی‌که‌به دست بشر به‌وجودآید نه ثابت هست ونه‌همیشگی ، حتی‌کارهای هنری‌که اینقدر مورد تحسین و اعجاب ما است براثر گذشت زمان نابود می‌شود. زمان‌هیچ‌چیز را محترم نمی‌شمارد واین عدم ثبات و ناپایداری اختراعات بشری را از مشیت الهی می‌دانند . آیا به‌نظر شما جمعیتی‌که مرام‌آن همین چندکلمه است‌چگونه وبه‌چه وسیله می‌خواهد سطح اخلاقیات ومعنویات‌بشری را بـالا برده وچه تعلیمات‌معنوی‌میآموزد؛ این‌جمعیت معتقد است‌که اولین لژ را**آدم** به کمك فرزندانش تأسیس‌کرد ... با وجود این درسال **۱۸۲۱** قریب پـانزده «کارگـاه میسرایمیم» در فرانسهٔ وجود داشت .

فراماسونری زنانه.

ورود زنان‌به‌تشکیلات فرماسونری همیشه‌یکی ازمسایل مهم وموردبحث‌بوده است . اغلب ماسونهای قدیمی بااین امر به شدت مخالفند و با دلایلی که اکثراً جنبهٔ روانشناسی دارد استدلال می‌کنند که مطلقاً صلاح نیست زنهـا را در این تشکیلات راه دهندو به‌نام «سنت» باانکار مخالفت می‌کنند .

ولی به طوریکه ذیلا خواهیم دیـد زنان‌در قرون‌وسطی‌درسازمانهای«بنایی» داخل می‌شدند .

«اندرسن» که‌کتاب مشهور «قانون اساسی»خودرا باخانمی به‌نام**خانم‌لاگارد** اهداءکرده می‌نویسد ، «اشخاصی‌کـه به عنوان عضو یك لژ پذیرفته می‌شوندباید «مرد» کاملا درستکارصادق ، امین، آزاد، مجرب وپخته‌ودارای حسن شهرت‌باشند. بردگان ، زنان، اشخاص بدنام ومشتهر به فسق حق ورود نـدارند. » مـعهذا بلافاصله به فراماسونری انگلستان‌که با جنس لطیف سخت دشمن‌ومخالفند اشاره می‌کند و معلوم می‌شود با وجود تـمام ضدیت و معاندت با جنس ضعیف در**۲۳** مه سال **۱۷۷۶** بالغ بر **۱۶۵** زن موقع انجام تشریفات عظیم و باشکوه تبـرك «فری‌میس‌هال» که‌به‌وسیلهٔ «لژبزرگ»در لندن انجام می‌شد ، هرکدام یك بالشت کوچك مخملی‌که روی‌آن انجیل‌وگونیا قرار داشت در دست‌داشتنـد. یـکی از مورخین به نام **آلبرلانتوان** در کتاب مشهور خود بـه نام **هیرام با تاج خار** مینویسد :

زنان درقرن هیجدهم مایل بودند داخل فراماسونری شوند و این امر بـا مخالفت و اعتراض بسیاری ازمـاسونها مواجه‌گردیدویکی‌ازایشان‌گفت:«جمعیت ماسونها منحصراً از طبقهٔ ذکور است و ورودزنان صریحاً منع شده واین‌ممانعت کاملا منطقی‌است زیرا مراسم وتشریفات ورود به ماسونری، مردانه است‌ومناسب زنان‌نیست. «لیکن‌عده‌ای ازنویسندگان شدیداًبه اندرسن‌حمله‌کرده‌اندکه قضاوت او در مورد زنان عـادلانه نبوده ودلیل نداردکه یك طبقه از انسانها را محروم کنیم و معتقدندکه**اندرسن** عمداً بسیاری از متون‌قدیمه را نادیده‌گرفته است‌زیرا درآن متون‌مدارکی وجود داردکه‌زنان در قدیم در ماسونری عملی (بنایی) ودر تشکیلات ایشان شرکـت داشته‌اند . در قرن هیجدهم یك ماسونری مخصوص به نام «ماسونری پذیرشی» به وجود آمد. لـژهای زنـانه برمبنای لژهای مردانه بود .ناظراول‌وناظر دوم وغیره(درجات عالی) شاغل دو مقام بود: یك‌ناظر مرد و یك ناظر زن . در بـارهٔ این لژهـا نوشته‌اند :

«ماسونهای زن ، لژها را ماننـد بهشت‌کرده بودند و همانطور که مـادر بزرگشان**حوا**درصدد فریب واغوای‌آدم برآمد ، دخترانش نیز دست‌کمی ازاو نداشتند .»

همچنین مدارکی دردست است که زنان در قرن هیجدهم در امـورصنفی و مخصوصاًدرصنف نجارکه‌با صنف‌بنا بستگی داشت شرکت داشتند .

دختر استادکارکلیسای‌استراسبورك به‌نام«سابین دواشتین باخ» درلژبناهای این شهرکار میکرد و مجسمه‌های سر در جنوبی‌کلیسا راواوتراشید .

این‌دختربس‌ازآنکه به «برناردو- سوندر» شوهرکردباشوهرش که‌استاد بنا در کلیسای ماگدبورك کار میکـرد . و بالاخره یك متن قدیمی خطی‌که مربوط به‌سال **۱۶۹۳** انگلستان است و فعلا در اختیاریورك‌لژشمارهٔ **۲۳۶** میباشدحاکی است‌که درموقع انجام تشریفات درمورد بنای تازه واردی که جدیداً وارد حرفهٔ بنایی‌میشود بایستی آداب ومراسم‌خاصی انجام دهد وازآن‌جمله مینویسد:

«هرمرد یازنی که بخواهد بناشود باید دستش راروی این‌کتاب‌بگذارد»از این‌جمله‌معلوم میشودکه‌زنها هم درحرفهٔ بنایی داخل‌میشدند :

بنابراین مسلم‌است که‌شرکت زنان در ماسونری عملی (بنایی) که بعداً به ماسونری‌نظری‌مبدل شد،تاریخچه‌ای بس قدیم داردو«ماسون » شدن زنان موضوع تازه‌ای نیست . کما اینکه مدارکی در دست است که زنان در قرن **۱۲** و**۱۴** باقیچی‌وپتك دردهلیز وصحن‌کلیساها کار میکردند .

حقوق بشر.

یك ماسونری بسیار مخصوصی‌تحت عنوان «حقوق‌بشر»تشکیل‌شد .

موجدومؤسس‌ماسونری«حقوق‌بشر» دکتر **ژرژ مارتن** بود که توانست بـر هزاران موانعی که در سرراهش وجود داشت ، پیروزشود وباپشتکاری‌که‌داشت به‌نتایجی‌که هدفش‌بودبرسد. سازمان‌این ماسونری‌جدیدتقریباًشبیه‌ماسونری«اکس» است وخیلی‌به‌آن‌نزدیك است ومانندآن دارای‌دوطبقهٔ مشخص مدیریت میباشد :

«یکی»شورای‌عالی «که‌مأموراداره درجات‌عالیه‌و«نظارکل»است‌ویك‌اجتماع لژها که درمجمع سالیانه به‌دورهم جمع میشوند . ماسونری « حقوق بشر» که‌یك ماسونری دموکراتیك است از فرمول «معماراعظم‌جهان» استقبالی‌نکرد.

فراماسونری‌ازسال**۱۹۱۴** تا **۱۹۴۰** درکلیهٔ‌کشورها روزبروز بیشتربه‌فعالیت سیاسی و همچنین به مطالعه در مسائل اقتصادی‌واجتماعی‌پرداخت.«تامپل»های آنرا مردم بی‌ایمان‌اشغال‌کردند .

لانتوان مینویسد ودرست‌مینویسد:

«اگرفرداجمهوری مضمحل‌وویران شود ، اولین چیزی‌که‌ازمیان خرابه‌های آن سروکله‌اش نمایان‌خواهدشدفراما- سونری‌است.

فراماسونری ، امروزه به اصطلاح معروف نان‌را به‌نرخ‌روز میخورد و این مرام بدبختانه ضایعهٔ غیر قابل‌جبرانی است ، ضایعه وفلاکت بزرگی‌که‌باید از آن پرهیز کرد . »

درسیزدهم ماه مه **۱۹۳۰** حکومت «ویشی» درفرانسه قانونی تصویب کردو کلیهٔ«مجامع‌سری» را منحل وغیرقانونی

اعلام کرد. دارایی آنها را ضبط نمود. از این موقع آزار و شکنجه شروع شد. ماسونها بازداشت و تبعید شدند. عده‌ای از ماسونها به خاطر هدف انسانی جان خود را از دست دادند.

پس از آزار و شکنجه‌های فراوان فراماسونری مانند سیمرغ از خاکسترهای آن که هنوز گرم ولی از خون شهیدان رنگین بود دوباره زنده شد.

سنگ خارا و سنگ تراشیده.

از سال ۱۷۱۷ که فراماسونری از صورت «عملی» (بنایی) خارج شد و به صورت «نظری» و فراماسونری جدید در آمد، تمام آلات و افزار فنی و مصالح به صورت تصاویری در آمدند که خواه روی در و دیوار و فرشهای لژ در درجات اول و دوم نقاشی میشد و خواه ذهنی و خیالی، در هر حال هر چه که قابل لمس بود و انسان میتوانست آنها را با دست بر دارد از آن تاریخ به صورت ذهنی در آمد. بدون شك تحولات امروزی از همین جا ناشی شد که فکر و مغز باید جای دست را بگیرد و ماشین جایگزین فعالیت های بدنی انسان گردد.

سنگ خارا به صورت مظهر و نشانهٔ اساسی فراماسونری باقی ماند. نویسندگان ماسونی تعبیرات خاصی برای آن قایل شده‌اند آنان تازه وارد را به سنگ خارا تشبیه میکنند که هم باید خودش کار بکند و هم بایستی روی آن کار شود منتها این کار باید دایمی و داخلی باشد به تعبیر دیگر این سنگ خارا (تازه‌وارد) يك فرد است که دارای نیت است و خود را «من» میداند باید این سنگ خارا را تراشید و برجستگی‌ها و قسمتهای درشت و نخالهٔ آنرا زدود تا دارای «شخصیت» بشود و «من» تبدیل به «او» شود و وقتی سنگ خام تبدیل به سنگ تراشیده شد آنوقت است که میتوان از وجود او برای بنای فراماسونری استفاده کرد و آنرا در ساختمان فراماسونری به کار برد. این تعبیر روی حجاری و بنایی اقتباس شده و عیناً در مورد ماسونری «عملی» (بنایی) صادق است بدین معنی که از سنگ خارا وقتی میتوان استفاده کرد که زیر دست استاد حجار به اصطلاح «عمل» آمده باشد.

برای ساختمانهای بشری که انسانها در پناه آن قرار گیرند، همین کار لازم است.

ساختن بنا با سنگ خارا و بعداً با سنگ‌های تراشیده بنا را استحکام و سپس بدان زیبایی می‌بخشد و در دنیا تنها فراماسونری است که میتواند در بنای سازمان روحی و فکری و اخلاقیات انسانی به این امر تحقق بخشد.

سنگ خارا دارای استعداد ذاتی و آن چنان نیرویی است که میتواند رو به کمال انسان برود و نیز دارای همین استعداد است از خامی به پختگی از خارا بودن رو به تراشیدگی میرود.

به همین دلیل است که از زمان های بسیار قدیم برای چکش و در فرانسه برای چکش‌های نوك تیز حجاری و قلم حکاکی و سنگتراشی اهمیت خاصی قایلند.

در فراماسونری هر تازه‌واردی را در شمال شرقی جای می‌دهند و این بر آن دلیل است که در ساختمان‌های قرون وسطی اولین سنگ بنا را در گوشهٔ شمال شرقی بنا کار می‌گذاشتند و «شاگرد» یا «نورسیده» در فراماسونری به منزلهٔ اولین سنگ است که بنا روی آن کار گذاشته میشود.

زنجیر اتحاد یا رشتهٔ اتصال.

فراماسون‌ها «گلولهٔ ابریشمین مضرس» را به طناب گره داری اطلاق میکنند که «تابلوی شاگرد» پیچیده شده است **ژول بوشه** معتقد است که این گره‌ها را «رشتهٔ عشق» مینامند که درهر سر آن گلوله‌ای ابریشمین آویخته است. اینها انعکاسی از اتحاد برادرانه است که تمام ماسونهای کرهٔ زمین را بدون در نظر گرفتن شرایط و جنس آنان اعم از ذکور و اناث بهم ارتباط و پیوند میدهد، گسترش بدون آن نشان میدهد که امپراطوری ماسونری یا حکومت تقوی در هر لژ شامل تمام دنیا است.

گلولهٔ ابریشمین مضرس دسته های زرد، سبز، آبی و سفید زمان مصریان و دسته‌های سفید و قرمز و آبی کلیساهای قدیم فرانسه را به خاطر میآورد و مظهر «برادری» است که ماسونها را با هم متحد میسازد و با این عنوان در حقیقت نمایندهٔ «رشته اتصال یا زنجیر اتحاد» است. تعداد گره‌ها ممکن است دوازده تا باشد که علامت افلاك و منطقة البروج است.

«یاران معبد» این تشریفات را «زنجیر اتحاد» مینامند و معتقدند که در سال ۱۷۶۱ بر اثر حادثهٔ مرگباری که اطراف کلیسای «نوتردام دوپاری» اتفاق افتاد بدین معنی که پانصد تن از یاران معبد، در اطراف کلیسا به دور هم جمع شدند و «رشتهٔ اتحاد» تشکیل دادند و کشیش برای آنها نماز مرگ خواند.

ظاهراً «رشتهٔ اتحاد» اقتباس از «ریسمان» که عده‌ای آنرا «زنجیر اتحاد» و دسته‌ای آنرا «رشتهٔ دوستی، زنجیر اتصال، رشتهٔ عشق» می‌نامند تعبیرات مختلفی شده است. در قرن دوازدهم و سیزدهم کلیهٔ نامه‌های خواه دوستانه و خواه عاشقانه از طرف نویسنده حمل میشد و با مهرهای مخصوص ممهور میگردید که ریسمان‌های سبز رنگ به نام «رشتهٔ عشق» به آنها بسته شده بود شاید رنگ سبز و «رشتهٔ اتحاد» که ماسونها امیدوارند در آینده، تمام بشر با رشتهٔ اتحاد و دوستی با هم پیوند و متحد گردند، از همین جا باشد، رنگ سبز نشانهٔ امید است.

جا دارد که چند کلمه در بارهٔ راهرو ـ های زیرزمینی و پیچ در پیچ که هنوز در بعضی از معابد و کلیساها وجود دارد صحبت کنیم:

اینها قطعاً وجه تشابهی با «زنجیر اتصال» ماسونها دارد.

مسئلهٔ جالب «لابیرنت»ها (راهروهای پیچ‌درپیچ) باعث شده که مطالعات زیادی در بارهٔ آنها به عمل آید، این راهروها که بعضی‌ها آنرا «بیت‌المقدس» می‌نامند و باید با زانو درون آنها راه یافت. از زیارت ارض مقدس سرچشمه گرفته و وقتی که این چنین راه برود. سایه‌اش به دیوار کلیسا می‌افتد «زنجیر اتصال» انعکاس کار دسته جمعی بناها و مظهر بنای معبد سلیمان است.

نتیجه.

ماریوس لپاژ در اکتبر سال ۱۹۴۸ ضمن مقاله‌ای به خوبی توجیه کرد چه اشکالاتی در سر راه افراد خیر خواه و با حسن نیت برای رفع تضادهای اجتماعی وجود دارد زیرا در هر زمان مسئلهٔ مهم و غامض همین موضوع است که به چه وسیله «فنی» انسان میتواند راه سلامت را پیدا کند.

فراماسونری با وجود شعب مختلف و آیین و مقررات گوناگون این وسیله را به دست ما میدهد.

آری، فراماسونری به بشر قرن بیستم وسیله‌ای داده که از گونیا به پرگار

بپردازد بدین‌معنی که میکوشدازمادیات خارج شود . برای اینکه به سوی عالم اثیری که آنجاروح‌وفکر تسلط‌دارد، پرواز کند.

رنه‌گنونمینویسد،«فراماسونری پس از طی لحظات‌طاقت‌فرسا که تمام ذهنش متوجه‌دنیای الحاد و زندقه بود دوباره استحکام‌پذیرفته‌است امروزه‌دیگرزمانی نیست که بتوان‌باسقوط یك‌رژیم سیاسی، فراماسونری‌را مضمحل‌نمود.این‌سازمان مانندهرسازمان‌معنوی‌وفکری‌ابدی وفنا ناپذیراست ازبدو پیدایش جهان وجود داشته‌وتادنیاوجوددارد برپاخواهدبود.»

مخالفین با اتهامات ناروا آنرا محکوم میکنندولی این‌طبقه‌بایدبدانند: اولا فراماسونری با کلیسا ودین دوراه جداگانه دارد وثانیاً فراماسونری‌حقیقی جزآنکه بشررابه‌برادری‌واتحادمیخواند داعیهٔ دیگری ندارد .

منتخب ازقانون اساسی اندرسن.

۱ــ دربارهٔ خداوند و مذهب «یك ماسون به حکم صنعتی که دارد مجبور است از قانون اخلاق تبعیت کند . اگر نتوانست مفهوم‌ماسونری‌وآیین‌اخلاق‌را درك‌کند.هیچگاه‌ملحدی احمق ویافاسقی زندیق نخواهدشد. لیکن، باوجودیکه‌در ازمنهٔ‌قدیم‌بناهادرکشورهای‌مختلف‌به‌آیین ومذهب‌آن‌کشور میگراییدند امروزباید به‌این کیش درآیند که تمام‌افرادبشربا آن موافقند وهرکس‌عقیدهٔ خودرا برای‌خود نگاهدارد بدین معنی افراد بشر باید مردانی نیکوکاروصدیق‌وشریف‌باشند در این‌صورت است که ماسونری مرکز اتحاد وسیلهٔ عقد رشتهٔ دوستی صادقانه میان انسانهاخواهدبودودیگرهیچکس دیگری را به‌چشم‌بیگانه نگاه‌نخواهدکرد.

سخنرانی شوالیه «رامسی» .

آقایان، حرارت وغیرتی راکه‌شما برای ورود به‌عالی‌ترین ودرخشان‌ترین جمعیت‌های‌فراماسونی‌نشان‌میدهید،دلیل بارزی است که شما اوصاف لازم برای عضویت این‌جمعیت را دارا هستیدبدین معنی‌که شمادارای خصایل‌انسانی،اخلاق منزه ، راز داری وسیله و ذوق هنری میباشید.

لیکورژ، سولون، لوناوتمام‌قانونــ گزاران‌سیاسی‌نتوانستندمقررات موضوعه واستقرار خود را برای مدتی طولانی نگاهدارند .

هرچندکه‌قوانین‌آنان‌عاقلانه‌وازروی تفکر وضع شده بود ولی نتوانستندآنرا در تمام کشورها و برای همیشه گسترش دهند . چون دراین قوانین هدف اساسی پیروزیهای‌نظامی‌وفتوحات‌وبالابردن‌ملتی ازملت‌دیگروارتقاءکشوری‌بر کشوردیگر بود به همین‌دلیل، این‌قوانین‌عالمگیر نشد ومطابق‌سلیقهٔ عمومی و به‌نفع‌تمام ملت‌ها نبود.مبنای‌آن‌قوانین‌بربشردوستی‌استوار نشده‌بود«عشق‌به‌وطن‌غالباً درجمهوریهای جنگجوعشق به بشریت را ازبین‌میبرد». اصولاوجه‌امتیاز وتشخیص‌انسانهااختلاف زبانی نیست که با آن گفتگومیکنند. اختلاف لباس نیست‌که میپوشندومملکت نیست‌که اشغال میکنند .

دنیای امروزی یك جمهوری واحد وبزرگ است‌که هر ملتی خانواده‌ای از این جمهوری است وهرانسان کودك‌آن خانواده‌است‌دربادی امر جمعیت ما فقط به‌منظور انتشاراین سخنان‌که در فطرت و نهاد بشر است تشکیل گردید . ما میخواهیم تمام مردان روشن فکرو نیکوخیال رانه‌فقط به‌خاطر عشق‌به‌هنرــ های زیبا بلکه‌بیشتر به‌خاطرعشق‌به‌اصول تقوی، عشق به‌علم‌ومذهب بدور یکدیگر جمع‌کنیم زیرا همین عوامل است‌که‌سبب میشود تمام ابناء بشر یاد بگیرند . بدون در نظرگرفتن سرزمین چگونه یکدیگررا متقابلا دوست وعزیزبدارند و در عین حال وطنشان را هم فراموش نکنند.

اجداد ما از تمام نقاط دنیای مسیحیت در ارض مقدس جمع شدند وباهم همکاری نمودند . اینها از ملل مختلف‌بودند ولی هدف واحدی‌داشتند. این رادمردان با شرف و با تقوا این مردان بزرگ‌راکدام‌جبروالزامی‌وادار کرده بود که بدون داشتن‌نفع‌مادی‌حتی بدون آنکه تمایلی به‌رجحان طلبی که غریزهٔ بشری است داشته باشند بدورهم جمع شوند و سازمانی به‌وجود آورند ؟ مگر هدفشان فقط و فقط اتحاد افکار وقلوب برای بهترساختن خودکه‌بعداً در طول زمان ملتی معنوی تشکیل دهند ، نبود ؟ ملتی جدیدکه از ملتهای مختلف تشکیل‌شده وزنجیر تقوی وعلم آنان‌را بهم متصل کرده باشد .

در جمعیت ما سلامت اخلاق دومین عامل است تمام‌قوانین مذهبی فقط برآن سبب به‌وجودآمده‌اند که بشر را مسیحی کامل بسازند. کلیهٔ قوانین‌نظامی به‌خاطر آنست‌که‌الهام‌بخش‌به‌پیروزی‌واقعی‌باشدو قوانین‌فراماسونی برای آنست‌که انسان بسازد ولی‌انسان‌های دوست‌داشتنی‌افراد خوب‌ودرست کارومردان‌باتقوی‌که‌به عهد خود وفا کنند. خداپرست‌باشند وبه‌تقوی نه‌بخاطر پاداش بلکه‌به‌خاطرعشق‌به‌تقوی پایبند باشند.

مراسم پذیرش.

بنای لژ وتامپل معمولا شبیه‌کلیسا به‌شکل‌مربع مستطیل است که سرسرای ورودی آن درمغرب وعاری ازنوراست اشخاص قبل از ورود باید از سرسرا بگذرند و سپس وارد لژ شوند و این موضوع نشانه‌ای است که مردم قبل از ورودبه‌فراماسونری درتاریکی جهل‌بسر میبردند .

درلژهای لندن دوستون‌به‌تقلید از معبد سلیمان در طرفین جایگاه معمار اعظم ساخته‌اندکه یکی به‌رنگ قرمز و به‌نام«یاکین» یعنی‌نیروواستقامت‌دیگری به‌اسم «بواز» به‌رنگ سفید وسیاه نشانهٔ بردباری است . این دولغت عبری است ومفهوم‌این‌دوستون‌آنست‌که‌خداوند معبد سلیمان وآیین اورا بانیرومندی‌برقرار داشته واین دو ستون اثر فکر وصنعت هیرام معمار سلیمان است . بعضی ها میگویند که این ستونها نمایندهٔ‌خورشید وماه و روشنایی وتاریکی وخرابی دنیا می‌باشند.تابلویی‌که‌جلسهٔ تعلیم‌شاگردان روی‌آن‌نقاشی‌شده‌برکف زمین نصب شده است زنجیراتحادرادراطراف لژ کشیده‌ــ اند که گره‌گره‌است واشاره‌به‌آن‌است‌که اعضاء باهم متحدند و نیز تمام دنیا را با هم متحد میسازند در روی میز مربع شکل کوچك که مقابل رییس‌قراردارد یك‌شمعدان، یك‌تیشه، یك‌گونیا، یك‌پرگار ویك شمشیر و بالاخره ویك جلد کتاب قانون اساسی آندرسن دیده میشود. روی میز مثلث شکلی در مقابل نظار لژ که در طرفین معمار اعظم قرار گرفته‌اند یك‌چکش‌چوبی میگذارند سن کسانی‌که مایل به ورود به‌فراماسونری

هستند نباید ازبیست‌ویکسال کمتر باشد همان‌طوری‌که قبلا اشاره‌شد .

فراماسونها حق‌دارند پسرانشان‌را ازسن هیجده‌سالگی داخل کنند پسران فراماسونهارا **بچه‌گرگ** مینامند.

داوطلبین علاوه براینها باید روحاً و جسماً در کمال سلامت بوده باشند . داوطلب پس ازپذیرفته شدن که آن هم شرایطی دارد و انجام آداب و رسوم مخصوص باحداکثر سالی یکبار امتحان داده وازدرجه‌ای‌به‌درجهٔ بالاتر برود و به‌این ترتیب اگر کسی از ۲۱ سالگی داخل‌شود وسی‌وسه درجه را در۳۳ سال بگذراند درسن۵۴ سالگی به‌مقام معمار اعظم خواهد رسید.

فراماسونها معتقدندکه تا پنجاه‌ سالگی‌هنوزانسان‌دستخوش‌غرایزحیوانی است .

سه‌نفرازماسونها باید معرف‌داوطلب باشندسپس به تحقیقات کامل در اطراف عقاید سیاسی‌و فلسفی او نموده وپس از آنکه عقیدهٔ شخصی اورانسبت‌به جامعه پرسیدند کلیهٔ اطلاعات را به شورایعالی گزارش‌دهند.درشورایعالی نسبت‌به‌پذیرش داوطلب شور میشود وسپس به اخذرأی باورقهٔ سفید وسیاه‌می‌پردازندکه‌درنتیجه داوطلب قبول یاردمیشود .

هیئت‌شورایعالی‌درتمام‌این‌جریانات حاضر ونقاب به‌صورت زده‌انددرصورتی که رای به قبولی داوطلب بدهندناظر لژاورا به اطاقی که به‌نام«اطاق‌تفکر» نام دارد ، راهنمایی میکنند واو را در آن اطاق با اسکلت ، داس مرگ ، جمجمه های وحشت انگیز و بسیاری از اشیاء وتصاویر رعب‌آورزینت شده است شعارهایی به در و دیوارنوشته شده بدین مضمون :

«ای داوطلب، اگرتصور می‌کنی‌که با ورود به‌این جمعیت صاحب مقام وپول خواهی‌شد، اشتباه میکنی، بهتراست‌فوراً برگردی ودیگرقدم به اینجا نگذاری» داوطلب دراین اطاق تاریك وسهمناك ، یکه وتنها است وقبلاناظرلژ به‌اودستور داده‌است‌که‌دراینجا به‌نوشتن وصیت‌نامه خود دربارهٔ چهارموضوع زیر: وظایف‌او نسبت به‌بشر، نسبت به‌وطن نسبت به خانواده وبالاخره نسبت به‌خود چیست؟ آنچه را که داوطلب در مورد چهارگانه فوق مینویسد اصطلاحاً «وصیت نامه» میگویند پس‌از ساعتی ناظرلژ وارد آن اطاق شده وصیت نامه را دریافت میکند به‌استاد اعظم‌لژ میدهد. سپس داوطلب‌را احضارکرده وبه اودستور میدهدکه‌آن‌را به صدای بلند بخواندآنچه راکه او در تنهایی نوشته معرف روحیه وافکار باطنی واطلاعات ومعلومات اوست. درصورتیکه مضمون‌آن مورد قبول ورضایت‌حاضرین قرارگرفت اورا به‌اطاق دیگرکه اعضاء عالیرتبه‌ترنشسته‌اند برده وبدانهامعرفی میشود. دراینجا چشم داوطلب بسته‌است، لیکن قبل ازورود به‌این اطاق و قبل‌از معرفی به‌اعضاء عالیرتبه، هرچه اشیاء فلزی همراه دارد ازاو میگیرند و این امراشاره به‌آنست‌که وقتی بشراز عالم خاکی، به‌عالم علوی میرود هیچ چیزاز زینت‌آلات باخود همراه ندارد. در این موقع ریسمانی‌به‌گردن داوطلب میبندند بستن چشم اشاره به‌آنست که داوطلب قبل‌از ورودبه‌عضویت‌درمجمع‌فراماسونها به‌کلی نابینا است وریسمان نشانهٔ‌اطاعت محض است وبدان معنی‌است‌که داوطلب باید سیاستی راکه‌بزرگترها تعقیب می‌کنند بی‌چون وچرا بپذیرد.

سابقاًدرهمان اطاق‌که اشیاء زینتی را ازاومیگیرند واطاق‌آزمایش‌نام‌دارد، لباس‌هایش رانیز ازتنش در آورده واو رالخت و عریان نزد اعضاء عالیرتبه میبرند ولی امروزاین قسمت منسوخ‌شده واکتفا به‌گرفتن زینت‌آلات میکنندسپس ناظرلژ، داوطلب راوارد اطاق اعضاء عالیرتبه‌کرده وخودخارج میشود. استاد کل دستور میدهد تاداوطلب‌چشمانش را بازکند. تمام این‌حاضرین نقاب‌برچهره زده‌اند داوطلب ناگهان خودرا دربرابر کسانی می‌بیندکه صورت خودرا بسته و درمحیطی رعب‌آورنشسته‌اند. البته محیط رعشه‌براندامش‌می‌اندازدوازهول برخود میلرزد ازهمین حالا مقدمهٔ میزان‌جرأت او دستگیر حاضران میشود. سپس ازاو می‌پرسند :

ــ آیا برای‌آزمایش حاضری؟

ــ بلی‌استادکل.

ــ ازطریقهٔ‌آزمایش اطلاع داری ؟

ــ خیر عالیجناب .

سپس به‌آزمایش می‌پردازند و از درجهٔ تحمل و جرأت و اطاعت او که عبارت از: آب، آتش وهوا باشد آزمایش به‌عمل میآورند بدین طریق :

آزمایش جرأت .

استادکل دستور میدهد برای مدتی از رسیدن هوا به ریه های او جلوگیری شودبه‌این‌صورت‌که اورا حلق‌آویزکرده ودونفر طناب راکه ازسقف‌آویزان است پایین میکشند وداوطلب بادست خودآن طناب را به‌گردن خود افکنده وبالای چهارپایه میرود. دراین موقع استادکل با صدای هولناکی فریاد میزند : آماده باشید.الساعه طناب را میکشند . سپس مأمورین، چهارپایه رابه‌کناری زده ولی چون طناب به‌ریسمان نازکی بسته شده، لذا ریسمان پاره شده وداوطلب‌به زمین می‌افتد وآسیبی نمی‌بیند. لیکن تاریکی اطاق‌آزمایش‌مانع‌آنستکه داوطلب‌بتواند ریسمان‌نازك رامشاهده‌کند.وقتی‌داوطلب ازاین‌آزمایش پیروز بیرون‌آمد واستاد کل اظهار رضایت‌کرد ، نوبت‌آزمایش آتش فرا میرسد :

هفت تیری راکه‌سرپرست باباروت وغیره دربرابرش میگذارندکه آنرا شلیك کند واگر از عهدهٔ آن برنیاید یکی ازمراقبین‌این‌کار رابه‌جای اوانجام میدهدآنگاه دستورمیدهندکه سرلوله را به شقیقهٔ خودگذارده وآتش‌کند .

هفت تیر باصدای مهیب‌ی منفجر می‌شود واطاق راپراز دود می‌کند. ولی دودی‌که ازلولهٔ هفت‌تیر خارج میشود آسیبی به‌اونمی‌رساند. آنگاه منقلی‌آتش جلویش میگیرند ودستورمیدهندبلاتأمل ازآن بادستها بردارد. البته اینها آتش نیست، بلکه‌آلوده‌به‌فسفراست‌که‌درتاریکی مانندآتش به‌نظر میرسد وپس از آنکه داوطلب دراین آزمایش‌هم موفق گردید نوبت به‌آزمایش‌آب میرسد. طنابی به دورگردن داوطلب‌میبندند وبرهنه اورا درآب فرو میکنند ولی قبل از آنکه داوطلب درزیرآب خفه شود اورابیرون میکشند .

فرمانبرداری و رازداری.

دوامرمهم‌واولیهٔ‌فراماسونری‌**اطاعت محض ورازداری** است، هرعضو باید در مقابل استادکل بدون چون وچرا مطیع محض باشد و نباید مذاکرات در جلسه رابه خارج نقل‌کند واز اطلاعات خودبا هیچکس سخنی به‌میان‌آورد .

درصورت تخلف همانطور که قبلا اشاره شد، اورا طرد وازجمعیت اخراج می‌کنند. (درقرن نوزدهم اگرمطرود از اسرار مهمی واقف‌بود وبه جمعیت‌خیانت میکرد درصددآزار واذیت اوبرمیآمدند به طوری‌که مجبوربه جلای وطن میشد.) هر عضو مجبور است سلسله مراتب را مراعات‌کند عضوجدید میتواندبرای‌کارهای خودباناظر گفتگوکند ولی‌با «استادکل» حق صحبت ندارد، مگرآنکه ازطرف او احضارگردد. وقتی‌جلسه درلژ تشکیل میشود، هرکس به‌نسبت درجه‌ای‌که‌دارد باید علایم ونشانهای‌آن درجه رابه خود بیاویزد . علامت درجات سه‌گانه اول عبارت ازگونیا وطراز وشاقول است‌که به سینه‌آویزان می‌کنند واستادکل علاوه براینها ستاره‌ای به‌سینه‌خود نصب‌میکند که تلالوخاصی دارد. درنشست‌وبرخاست خارج ازلژ، ماسون باید رعایت‌آداب و رسوم خاصی‌رابکندتااگرهم مسلکانش در آنجاحضور داشته باشند، بی‌آنکه اولب به سخن گشوده باشد اورا بشناسند حتی باحضور بیگانگان، میتوان مقصود خود رابه‌هم مسلك تفهیم‌کند بدون‌آنکه‌حرف بزند. لیکن اگر ازآنچه درون لژ می‌گذردکلمه‌ای ولوبه‌هم مسلکی‌که درهمان لژ حضور داشته افشاءکند،گناهکارشمرده میشود. دردرون لژ باید هرماسون‌پیش‌بند چرمی ببندد ودستکش به‌دست‌کند . حمایل «کارشناس» دارای نقوش است‌که عبارتست از یك شمشیر ویك خط‌کش به طورمتقاطع. درآلمان وفرانسه و ایتالیا وسایرکشورهای‌اروپایی(به‌جزانگلستان) به‌هر تازه وارد دوجفت دستکش میدهند که یك جفت‌آن زنانه است وبایدآن‌یك جفت رابه‌هرزنی‌که‌نزد اوعزیز وگرامی است هدیه‌کند. درجلسات خصوصی می‌توان بدون پیش‌بند حاضرشد .

در آمریکا برای سی وسه درجهٔ فراماسونری یازده قسم لباس‌تهیه شده‌که علامت مخصوص هردرجه روی‌آستین‌آن دوخته‌شده است. درلژهاعموماً یك‌مامور تعلیم دادن علایم واشارات است هرعضو فراماسون برای معرفی خود در مجمع فراماسونها، دست راست را زیر چانه بالا برده وبعد انگشت روی شانه راست میگذارند وآهسته دست را فرومیآورد .

تمام فراماسونهابا این علامت آشنا هستند هنگامی‌که‌کسی‌دودست‌را متقاطعاً بر روی سینه میگذاردبه‌طوریکه کفهای دست چپ رابه‌کمر زده و دست راست آویزان باشد بدان معنی است که احتیاج نقدی دارد الفبای فراماسونهادر بعضی لژها از روی اشکال هندسی‌وشبیه ابزارمعماری وبنایی‌مانندگونیا وپرگار وغیره‌است .

فراماسونری درآمریکا .

انجمن‌های سری مختلفی درآمریکا وجوددارد‌که‌ازآن‌جمله‌انجمن‌فراماسونها است .

هدف فراماسونری درآمریکا با کشورهای اروپایی به‌کلی متفاوت است وتا اندازه‌ای‌شبیه به فراماسونی سوییس میباشد. هدف اصلی آنان شاید بیشتر به خاطر فرار از گرفتاری‌ها و اشتغالات روزانه ونیز به منظور تفریح و وقت‌گذرانی است.فراماسون‌آمریکایی اصلابا تفکر کاری ندارد ، در آنجا درجات فراماسونی به سی درجه میرسد . لژآبی آن دارای سه درجه است‌که شاگرد ، همکار واستاد میباشد و با «گراندوریان بزرگ» مرتبط است. اینها جداگانه با شورای‌عالی بوسیلهٔ‌نمایندگان خودارتباط دارند ودرجات عالی زیرنظرشورایعالی است. اعضای شورایعالی از سی وسه نفر تجاوز نمیکند. درآمریکا درجات مانند اروپا نیست وفقط یازده درجهٔ‌آن‌مقامات عالیه را تشکیل‌میدهندکه لباس‌مخصوصی برتن دارند .

روزولت رییس‌جمهورآمریکاجزو فراماسونهابود.جرج **واشنگتون**نیزجزو همین دسته بود . تعداد فراماسونهای آمریکا ازسایرکشورها ولواینکه‌به‌نسبت جمعیت هم حساب‌کنیم بیشتر است واین امرشایدبدان‌جهت‌هم‌باشدکه‌فراماسونهای آمریکا کمتر در برابر مخالفت ها و دشمنی‌های مخالفین و علی‌الخصوص روحانیون‌قرارگرفته‌اندویااحیاناًعکس‌العملی از خود نشان نداده و به سکوت برگزارکرده‌اند . لیکن فراماسونهای اروپایی دایماً در مبارزه بودند و هردم مجامع‌آنان در معرض خطرحمله وغارت وغیره قرار داشته و اکثرا مورد تکفیر واقع میشدند ولی درآمریکا وضع چنین نبوده ولااقل‌آنقدرهاشدت نداشته است. انجمن‌بزرگ فراماسونی‌آمریکا یکی «ستارهٔ شرق» است‌که در سال ۱۸۵۰ تأسیس شد ، درابتدااین جمعیت‌به‌منظور فراهم‌آوردن تسهیلات برای ورودبه‌خاك آمریکاتشکیل گردید. ولی وقتی **رابرت موریس**‌که مردی متفکر و باذوق و از فراماسونهای‌متعصب بودکتاب‌خودرا دربارهٔ فراماسونی‌نوشت،شور وولولهٔ‌عجیبی در محافل فراماسونی‌به راه افتاد ومردم عموماً داوطلب ورود به این دستهٔ‌سری شدند . موریس کتابهای اروپایی‌راکه دربارهٔفراماسونری و تاریخچهٔ‌آن نوشته شده‌بودموردمطالعه قرارداده وازمجموع آنها تاریخ جالبی تدوین‌کرد ومقداری ازتخیلات خود را برآن افزود . فراماسونری‌ستارهٔ‌شرق‌بیشترجنبه خانوادگی دارد وعلیرغم قانون‌**اندرسن**‌که‌زنان‌حق ورود به مجامع فراماسونری ندارند ، خانوادهٔ‌فراماسونها اعم از پسر ودختر و همسر فراماسون حق ورود به این‌انجمن را دارا می‌باشند . انجمن فراماسونری آمریکاکه تقریباً با فراماسونری اروپا شباهت دارد انجمن برادران فراماسون **پنسیلوانیا**است. مؤسس‌این‌انجمن‌درشهر مزبور ، شخصی به‌نام **والانتین اندرید** است‌که‌دراوایل‌قرن‌هفدهم زندگی‌میکرد و چون در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم رو به‌نیستی رفته بود در سال ۱۹۲۴ دکتر **سوین بورن‌کلیمر** آن را دوباره‌احیاکردوکتابی‌حاوی‌کلیهٔ‌مقررات همراه با مدارك‌لازم برای انجمن تألیف نمود .آنچه‌که در فراماسونری آمریکا حائز اهمیت است ، پذیرفتن زنان در کلیهٔ انجمن‌های سری منجمله درجمعیت فراماسونری است. آمریکاییان‌معتقدند که اگر به وضع امروزهٔ دنیا توجه‌کنیم نبایستی میان زن و مرد فرقی‌قایل‌شویم چنانچه سنن قدیمه مورد نظر است وبه دلیل‌آن‌که‌درقرون‌وسطی‌زنان‌درحرفه‌های بنایی و معماری شرکت نمی‌کردند از پذیرفتن‌زنان‌امتناع می‌شد ، بایددانست که امروزه در شوروی زنان در حرفهٔ بنایی ومعماری ونظایرآن شرکت‌دارند ودوش به‌دوش‌مردان‌کارمیکنند.بنابراین طبق همان سنن ، دلیل‌نداردکه آنان را از ورود به جمعیت فراماسونری که به معنای«بنایی» است محروم‌کرد.

فراماسونری‌جدید.

دربارهٔ مقاصد وهدف مطلوب‌واقعی

فراماسونری گفتگو زیاد است و مشکل میتوان از این گفتگوها به نتیجهٔ قاطعی رسید و بگوییم که تمام انجمن های فراماسونری در دنیا و شعبات آن دارای هدف واحدی میباشند.

آنچه مسلم است جمعیت فراماسونری اعضاء خود را بهم پیوند میدهد و به اختلاف زمان و مکان و اوضاع و احوال هدف آن متغیر است، مثلا «تثلیث» مسیحیت را در اوان انقلاب به معنای «برادری، مساوات، آزادی.» به کار میبردند و یاستون‌های دوگانه را رمز نیرو و ثبات یا مرد و زن، یا نور و ظلمت میدانند. و ملل دیگر افسانهٔ معبد سلیمان و کشتن هیرام است که برای هریك از شعارها و علایم خود تفسیری دراین زمینه قایلند.

بهرحال رژیم فراماسونری در وارد کردن اعضاء به وفاداری و حفظ سوگند و مخفی نگاه داشتن اسرار عموماً برای مقاصد اجتماعی یا سیاسی یا دینی یا انسانی به کار میرود و در پناه آن به ازبین بردن یا حمایت رژیم سیاسی و یا انتشار نیات سیاسی و دینی و نظایر آن پرداخته میشود و چون به ضرس قاطع رنگ حقیقی و اشکال و صور مختلف فراماسونری را نمی توان معین کرد پس باید به آداب و رموز و تفسیر و تعبیری که از آنها به عمل میآورند دقت کرد تا بتوان به گوشه‌ای از روش و مرام آن پی برد. تازه اینها با تغییر زمان و مکان فرق میکند.

درقانون اساسی فراماسونری مبنای تشکیل آنرا برپایهٔ اخلاقیات نهاده ولی معماری به دست نداده است.

فلسفهٔ فراماسونری بردو نظریه استوار است یکی وحدت الهی، دوم خلود روح. این نظرات فلسفی را در تمام محافل فراماسونری پذیرفته‌اند و بعضی از مجامع مانند «گراندوریان» هردو را رد کرده است، بنابراین فراماسونری جدید به اختلاف ملل، مختلف است و دارای هدف و مقاصد مشترکی نیست. صورت جلسهٔ لژ بزرگ گراندوریان مورخ ۵ ژوییهٔ ۱۹۲۲ که در مجلهٔ گراندوریان چاپ شده به شرح زیراست:

.... «۱ــ اتحاد ... قرائت گزارش برادر «نات. بی. فشاردارد» دربارهٔ بهره‌برداری از ثروتهای ملی به نفع اجتماع».

.... «۲ــ ای انسان‌دوستهای با حرارت. آیا برای تفسیر وضع حاضر مجمع، ضرورتی درمیان است؟... الی آخر.»

«۳ــ بهره برداری ثروتهای ملی و نقشه‌های بزرگ به نفع جامعه و سخنرانی برادر تاف «گولد اسمیت» دراین باره.... الی آخر».

«۴ــ صلح و کار، نقش فراماسونری در سیاست امروزی».

«۵ ــ ای قلبهای متحد، چگونه میتوانیم ایده‌ئولوژی ماسونی خود را در دنیای آلوده نشر و بسط دهیم.

«۶ ــ ترس و خطر فاشیسم در ایتالیا...»

ازملاحظهٔ این برنامه ها هدفهای فراماسونری فرانسه به‌خوبی روشن میشود و پیداست که به‌جز مقاصد سیاسی و اقتصادی، هدف دیگری ندارد.

درپایان این منتخب پاره‌ای مقررات و قوانین موضوعه برای «لژهای پذیرش» مخصوص بانوان را که در سال ۱۸۱۷ وضع شده است ذکر میکنیم.

مادهٔ ۱ــ هیچ «استاد زن» بدون اجازهٔ یك استاد بزرگ مرد حق تشکیل لژ برای پذیرش داوطلب را ندارد.

مادهٔ ۲ــ لژ مخصوص پذیرفتن داوطلب مرکب است ازیك استاد بزرگ زن و دو ناظر زن و یك منشی زن، یك خزانه دار زن و یك رییس تشریفات زن.

مادهٔ ۳ــ هیچ زن ولو ازهرمقام و طبقه‌ای باشد حق ارتقاء به مقام بالاتر را ندارد مگرآنکه لژ مادران را گذرانده باشد. استادبزرگ زن وقتی دیدکه هیچ چیزی علیه کسیکه داوطلب لژ بالاتراست وجود ندارد ازحاضرین تقاضای رأی خواهد کرد.

مادهٔ ۴ــ چنانچه آراء به‌دست آمده موافق داوطلب لژ بالاست مراتب را با تعیین روز مخصوصی انجام مراسم به او اطلاع داده خواهدشد ولی اگر آراء علیه او باشد درهمان جلسه با کمال احترام به او اطلاع میدهند که درخواست او عملی نیست.

مادهٔ ۵ــ درجلساتی که برای پذیرفتن داوطلب مقام بالاتر تشکیل میگرددزنان باردار حق حضور ندارند.

مادهٔ ۶ــ داوطلبان ورود به جمعیت باید هیجده‌سال تمام داشته باشند. دخترانی که به سن هیجده‌سال تمام نرسیده باشند، حق عضویت ندارند.

مادهٔ ۷ــ نتیجهٔ آزمایشهایی که از زندگی و اخلاق داوطلب به دست آمده به وسیلهٔ منشی لژ به صدای بلند قرائت میگردد. اگرکسی مردود باشد هیچکس حق ندارد دراین باره با احدی صحبت کند این ممنوعیت شامل کلیهٔ افرادحتی استادکل وعموم حاضرین درجلسه بدون استثناء میباشد.

هرکس درهرمقامی که باشد از این دستورسرپیچی کندو کلمه‌ای دربارهٔ مردود شدن داوطلب از دهانش بیرون آید، بلادرنگ ازجمعیت اخراج خواهد شد.

مادهٔ ۸ــ درموردخواهرانی که واجد خصایل وصفات حمیده هستند، مراتب به عموم لژها اطلاع داده خواهدشد، هرگاه یکی از خواهران ازمقررات وقوانین جمعیت تخلف ویا تعهدات خودرا نقض کند، برای باراول به او اخطار شفاهی و بار دوم اخطارکتبی و بارسوم ازجمعیت اخراج میشود. بنابراین خواهران باید همانطورکه درلژ موظفند درخارج ازلژ یعنی در دنیای متحدین نیز مراقب طرز رفتار خود بوده ودرکمال احتیاط رفتار کنند.

مادهٔ ۹ــ اگرخواهرانی ازکشورهای بیگانه بخواهند درجلسه حضوریابند باید قبل از ورود مورد آزمایش قرار گیرند.

ازاطلاعات سالیانه (مقالهٔ محققانهٔ آقای: رضاعقیلی)

احزاب سیاسی

«ایران»

نخستین سازمان سیاسی که بدون وابستگیهای مذهبی درایران به‌وجودآمد **فراموشخانه** بود. این سازمان را **میرزا ملکم خان ناظم الدوله** بوجود آورد. ریاست آن با شاهزاده **جلال‌الدین** میرزا بود وکارها را **میرزا یعقوب خان** پدر میرزا ملکم اداره می‌کرد. جمعی این سازمان را به لژ **فراماسونری** فرانسه منصوب نموده‌اند وجمعی دیگر آنرا سازمانی صرفاً سیاسی و مستقل معرفی کرده‌اند (۱۲۷۶ ق.). درهرحال مسلم است که اعضاء این جمعیت که گروهی ازدرباریان نیز درآن میان بودند. برای برقراری حکومت قانون، محدود ساختن قدرت شاه وشاهزادگان وملایان می کوشیدند. این جمعیت به‌زودی به‌فرمان ناصرالدین‌شاه منحل شد (۱۲۷۸ ق.) ولی اثرآن در فعالیت‌های بعدی از یکطرف ودر فشار


تقی‌زاده

سیاسی گذاشتن شاه از طرف دیگر به‌جای ماند چندانکه وقتی در سال **۱۳۰۸** ق. جمعی ازجوانان اشراف خواستند کلوپی تشکیل‌دهندکه درنظامنامهٔ آن مذاکرات سیاسی، صرف مسکرات، قمار و شوخی قدغن‌شده بود، شاه‌نوشت «جوانان‌معقول بسیار غلط کرده‌اند، اگر همچوکاری بکنند پدرشان را آتش خواهم زد ....» با اینهمه هواداران آزادی فکر، ازپای ننشستندو کوشش خودرا متوجه کارهای فرهنگی‌واجتماعی کردندتا آنکه باردیگر فرصتی پیش‌آمد وهواداران‌عقایدملکم‌خان **جامع آدمیت** راتأسیس کردند (۱۳۲۴ ق.) این جمعیت در ابتدا از استقبال آزادیخواهان وروشنفکران برخوردار بود وکسانی ازطبقه‌های مختلف مانندعباسقلی‌خان **آدمیت** (مؤسس‌ورییس جمعیت) **عون‌الممالك** ، **یمین نظام** ، **جنیدمیرزا معتمدالدوله، سلیمان‌میرزا اسکندری ، نظام‌الحکماء ، سعدالدوله، ناظم‌العلماء،دکترمصدق،احتشام‌السلطنه سپهدار رشتی** عضویت داشتند و درآغاز کار باتمام امکانات برای استقرارقانون و مشروطیت می‌کوشید ولی‌بسیار زودمیان آنان‌نفاق پدیدآمد، سعدالدوله درهوای صدارت به محمدعلی‌شاه سرسپرد،احتشام السلطنه از زیربارمسئولیت خطیرریاست مجلس شانه خالی کرد وبه اروپا رفت ، عباسقلی‌خان ازخوشباوری و جاه جویی، **اتابك** ومحمدعلی‌شاه رابه عضویت جامع آدمیت‌پذیرفت وبدین وسیله خشم‌آزادیخواهان رابرانگیخت‌وسلیمان میرزاکه ریاست انجمن حقوق راداشت وباجمعی آزادیخواهان از جامع کناره گرفت و بدین ترتیب جامع‌آدمیت اندك اندك منحل شد وجزاین‌هم نمی‌توانست باشد زیرا درآن‌هنگام‌که جامعهٔ ایران‌سیمایی انقلابی‌داشت‌یك سازمان اشرافی‌اصلاح‌طلب جز در طریق مخالف منافع ملی نمی‌توانست راهی بپیماید و ناچار نابود میشد واین خاصیت اشرافی وغیرانقلابی از نگاهی به‌ترکیب اعضای جامع‌آدمیت معلوم میشود. نمایندگان مجلس **۱۵** نفر، رجال سرشناس **۱۳۵** نفر، (واینها همان مصادر امور دورهٔ استبداد بودند)،شاه‌زادگان **۲۰** نفر، اطباء **۱۱** نفر،هنرمندان **۳** نفر، نظامیان **۱۲** نفر، تجار**۱۳** نفر، روحانیون **۱۴** نفر، افراد متوسط‌الحال **۹۰** نفر . بابرقراری مشروطه وآزادی


اتابك


حکیم‌الملك

اجتماعات دسته‌ها وجمعیت‌های گوناگون سربرآوردند که هیچیك دارای مشی سیاسی وسازمان منظمی‌نبودند **وکسروی** برخی از آنها را مانند: **امربه معروف، انجمن قاجاریه ، انجمن عراق عجم ، انجمن فاطمیه** برشمرده است. در این میان تنها **انجمن آذربایجان** بودکه در سال **۱۳۲۵** ق. درتهران تشکیل شد و دارای سیاست وتشکیلات مشخصی بود و **تقی‌زاده ، حیدرعمواوغلی، رحیم‌زاده طاهباز ومحمد باقر، آقای تاجرقفقازی** از سران‌آن بودند . انجمن آذربایجان رهبری جناح انقلابی مجلس را به عهده داشت، برای تصویب متمم قانون اساسی، کاهش نفوذ دربار، جلوگیری از دخالت ملایان درامور سیاسی‌مبارزه می‌کرد واز راهنمایی‌وپشتیبانی سوسیال دموکراتهای قفقاز برخوردار بود . کشتن اتابك و انداختن‌نارنجك رابه‌کالسکهٔ محمدعلی‌شاه برخی ازاعضای این انجمن ترتیب دادند. دیگر از **کمیتهٔ انقلاب** می‌توان نام‌بردکه **حسینقلی‌خان نواب، معاضدالسلطنه پیرنیا، تقی‌زاده، حکیم‌الملك، دهخدا،میرزاجهانگیرخان‌صوراسرافیل، سیدعبدالرحیم خلخالی، سیدمحمدرضا مساوات** وجمعی دیگرازاعضاء مهم‌آن بودند. این انجمن نیزبه تهییج مردم ، ایجادگاردملی ومبارزه بادربار وملایان می‌پرداخت. این هردوانجمن بابمباران مجلس ازمیان رفت ودر مجلس دوم از پیوستن‌اعضاء انقلابی‌آندو وانجمن‌حقوق و غیره **حزب دموکرات** بوجود آمد (۱۳۲۷ق.) که **سلیمان‌میرزا اسکندری، تقی زاده ، وحیدالملك ، مساوات ، نواب، حیدرعمواوغلی‌ومحمود محمود** از رهبران‌آن بودند. این حزب که در مجلس دوم **۲۸** نماینده داشت خواهان تفکیك‌کامل قوهٔ سیاسی وقوهٔ روحانی ، ایجادنظام‌اجباری، تقسیم‌املاك‌بین‌رعایا، قانون منع احتکار، تعلیم اجباری، تأسیس بانك فلاحتی‌ومخالفت بامجلس‌اعیان‌بود بطوریکه می‌بینیم برخی ازاین‌خواسته‌ها پس‌از گذشت دهها‌سال عملی‌شد .

باری حزب دموکرات‌تاآغازجنگ اول جهانی فعالیت ثمربخشی داشت در مجلس‌بااعتدالیون‌مبارزهٔ‌پیروزمندانه‌ای می‌کرد. باشروع جنگ‌دموکرات‌ها‌گروه دیگری از رجال میهن‌پرست‌را‌نیزباخود موافق ساختند وبر ضدانگلیس و روسیه وبه‌نفع آلمان و ترکیه وارد مبارزه‌شدند ولی نتوانستند شاه را با خودموافق سازند ودرنتیجه به‌قم‌وازآنجا‌به‌کرمانشاه رفتند ودرآنجا با همکاری اعتدالیون دولت موقت‌تشکیل‌دادند وبرای‌پیشرفت کاراین دولت حزب را منحل‌ساختند. پس ازجنگ‌حزب دموکرات‌باردیگر‌تشکیل شد ولی این‌بار دچار دودستگی شده‌بود و بسیار زوداز‌میان رفت (**۱۳۲۶**ق). حزب‌دیگری‌که‌درسال **۱۳۲۷**ق. تشکیل شد حزب **اعتدالیون** بودکه **سید محمد صادق طباطبایی ، دهخدا،قوام‌الدوله** وغیره از زعمای آن‌بودند و از طرف **نایب‌السلطنه ، سپهدار** و **بهبهانی**حمایت می‌شد .

این‌حزب‌درجهت حفظ قدرت‌ملایان و جلوگیری از اقدامات انقلابی‌راه‌می‌پیمود وسرانجام دردورهٔ جنگ اول منحل شد .

دستهٔ دیگرکه شهرتی یافت **کمیتهٔ مجازات** بودکه در سال **۱۳۳۴** توسط **ابوالفتح‌زاده ، منشی زاده ، مشکوة ، عمادالکتاب، علی اکبرارداقی، رشیدالسلطان ، کریم دواتگر ، احسان الله خان ، حسین لله ، میرزا حسین خان‌فشنگچی تبریزی** ،وغیره هم تشکیل‌شد که انجمنی بود سری ، فاقد مرام سیاسی و برنامهٔ حزبی مشخص . فقط اعضای‌آن مردان پرشور میهن پرستی بودند که می‌خواستند باکشتن‌گروهی از خائنان بقیه را به «راه راست» هدایت‌کنند . اینان چهارتن از رؤسای ادارات و یك مدیر روزنامه راکشتند که رویهمرفته هیچکدام مصدرکار مهمی نبودند (مهم‌تر از همه‌شان رییس انبارغله بود)بااینهمه کارشان هم درمردم‌که‌منتظر نهیبی‌بودند تا به‌جوش‌آیند وهم درحالی‌که از ایمان وشجاعت بی‌بهره بودند اثر گذاشت و نامشانرابلندآوازه ساخت.درسال **۱۳۳۶** دولت **وثوق‌الدوله** همهٔ آنانرا گرفتار ساخت،چهارتن‌کشته‌شدند(رشیدالسلطان، حسین لله ، منشی‌زاده وابوالفتح زاده) و بقیه‌چندی درزندان بسربردند .حزب سیاسی مهم دیگر ، جمعیت **اتحاد اسلام** معروف به نهضت جنگل است‌که رهبری آنرا **میرزاکوچك‌خان جنگلی** برعهده داشت.این‌نهضت‌درحدودسال **۱۳۳۴** آغاز شد و یك جنبش مسلحانه بود که در جنگلهای‌گیلان مدتها دوام یافت . این

جنبش در آغاز فقط یك نهضت ملی بود ولی با پیروزی انقلاب اکتبر در شوروی و پیوستن **حیدرعمواوغلی، خالوقربان** و **دکتر حشمت** بدان به یك نهضت سوسیالیستی تبدیل شد که میرزا کوچك خان علاقه‌ای بدان نداشت و برخی از نزدیکانش نیز شیاد و فرصت طلب بودند . نتیجه آن شد که میرزا فریب دولتیان را خورد و دکتر حشمت را به کشتن داد و **حیدرعمواغلی** را نیز که همیشه او را به‌سوی روشهای انقلابی می‌کشانید در زندان کشت . **خالوقربان** به دولتیان تسلیم شد، احسان‌الله خان بر اثر افتادن در محاصره به شوروی گریخت و میرزا کوچك خان که براثر عقب نشینی پیاپی از نیرویش کاسته شد و در کوههای طوالش با یکتن آلمانی از سرما و گرسنگی مرد (۱۳۰۰ ش.) درسال ۱۳۰۰ ش. حزب **سوسیالیست** از ائتلاف عده‌ای ازرهبران حکومت موقت تشکیل شد تا از آنمیان **سید محمد صادق طباطبایی و سیلمان میرزا اسکندری** را می‌توان نام برد. سوسیالیست‌ها اقلیت مجلس چهارم را تشکیل می‌دادند وخواهان مبارزه باارتجاع واستعمار، تعدیل ثروت و ایجاد روابط حسنه با شوروی بودند. اینان **سردارسپه** را به تغییررژیم وایجاد حکومت جمهوری تشویق می‌کردند ولی این حزب هم باآغاز سلطنت پهلوی از میان رفت . پس ازآن تاسال ۱۳۲۰ دیگر حزبی تشکیل نشد و کوششهایی هم که گه‌گاه به‌عمل آمد بی‌نتیجه ماند که از آن میان می‌توان از ۵۳ نفر نام برد که رهبری آنرا دکتر **تقی ارانی** به عهده داشت .

او با چند تن از یاران دوران تحصیلیش در آلمان که با عقاید کمونیستی آشنا شده بودند و نیز با گروهی دیگر از افراد تحصیل کرده برای تبلیغ عقاید کمونیستی گردآمده بودند که از آن‌میان دکتر **رادمنش ، دکتر یزدی ، بزرگ علوی** و **خلیل ملکی** را می‌توان نام برد اینان بیش از یکسال مجله‌ای به نام **دنیا** منتشر کردند و بسیار دیرتر از آنچه تصور می‌رفت گرفتار شدند . دیگر **بهمن جهانسوزی** و یاران او گروهی از نظامیان جوان بودند که می‌خواستند یك نهضت فاشیستی پدید آورند ولی گرفتار شدند و یکی دوتن اعدام گشتند . پس ازشهریور ۱۳۲۰ باردیگر کار احزاب رونق گرفت.

در سال ۱۳۲۱ حزب توده به رهبری گروهی از ۵۳ نفر که از زندان آزاد شده بودند و برخی عناصر دیگر مانند **لسانی** (سناتور بعدی) **علی جواهرکلام** ، **دکتر اپریم** ودیگران تشکیل شد وشعار آن عبارت بود از: نان برای همه، کار برای همه ، بهداشت برای همه ، فرهنگ برای همه ، وآزادی برای همه ، و کارگران، دهقانان ،پیشه‌وران، روشنفکران برعلیه هرگونه ارتجاع و استعمار متحد شوید . حزب توده که از تجارب طولانی احزاب کمونیست جهان برخوردار بود ، اصول تشکیلاتی منظمی پدید آورد و تبلیغات وسیعی راآغاز کرد وکارش روزبروز بالا گرفت چنانکه در سال ۱۳۲۵ توانست درکابینه شرکت کند و سه وزارتخانه را در دست گیرد و نیز در مجلس ۱۳،۱۲ نماینده داشته باشد .

ولی چند ماه بعد با استقرار مجدد دولت مرکزی در آذربایجان و شکست دولت فرقهٔ دموکرات وضع حزب توده بحرانی شد .

خلیل ملکی به‌زعامت عده‌ای معتنا به انشعاب کرد .

شعبات حزب توده و بسیاری از شهرها بسته شد وافراد توده‌ای از اغلب مؤسسات بیرون رانده شدند . بااینهمه حزب توده به ترمیم وضع خود پرداخت و مخصوصاً توجه خود را برعلیه شرکت سابق نفت معطوف داشت ولی درسال ۱۳۲۷ براثر تیراندازی به **شاهنشاه آریامهر** در دانشگاه، حزب توده غیرقانونی اعلام شد وجمعی از سران آن توقیف شدند. از آن پس حزب توده به فعالیت زیرزمینی پرداخت و درسال ۱۳۲۹ باردیگر توانست ابراز وجود کند و اعتصاب کارگران را در آبادان رهبری نماید و برخی سازمانهای علنی مانند **خانهٔ صلح، جمعیت مبارزه با استعمار، سازمان جوانان دمکرات ، سازمان آزادی زنان** وغیره را اداره نماید. درسالهای ۱۳۲۹ ـ ۱۳۳۲ علاوه بر نشریات مخفی حزب روزنامه‌های علنی نیز عقاید حزب توده را تبلیغ می‌کردند . از سال ۱۳۲۷ تغییر فاحشی در روشهای علنی حزب توده پدید آمد .

این حزب که تاآن هنگام هواداری خود را از مشروطیت ایران اظهار میداشت و خواهان اصلاحات بود ، از آن پس برعلیه شاهنشاه آریامهر به تبلیغ پرداخت و از سال ۱۳۳۱ علناً خواستار جمهوری شد .

حزب توده از سال ۱۳۳۰ برای ایجاد جبهه‌ای از عناصر مختلف ومخصوصاً جلب هواداران جبههٔ ملی برای برانداختن اساس سلطنت بود .

پس ازسقوط **مصدق** تمام سازمانهای علنی وابسته به حزب توده تعطیل شد و اعضاء شناخته شدهٔ حزب تحت تعقیب قرار گرفتند بادستگیری اعضاء سازمان نظامی وبرخی اعضاء کمیتهٔ مرکزی حزب توده متلاشی شد وفعالیت آن در ایران از میان رفت اینك فقط برخی اعضاء آن در خارج از ایران به فعالیت مشغولند که پخش برنامهٔ رادیویی وانتشار ماهنامه‌ای در آلمان شرقی رامی‌توان یاد کرد. برخی کوشش‌ها که برای تجدید سازمان حزب توده در ایران به عمل آمده براثر مراقبت مأموران انتظامی باشکست مواجه شده است .

درخاتمه، باید گفت حزب توده در مدتی که در گذشته فعالیت داشت برخلاف آنچه مشهور است نه حزب کمونیستی بود و نه کارگری، فقط می‌توان گفت برخی رهبران آن تمایلات کمونیستی داشتند وافراد کارگر و دهقان در این حزب مخصوصاً درهیئت رهبری آن تقریباً راهی نداشتند ودرهیچ حزب دیگری هم درایران راه نداشته‌اند گذشته از آن حزب توده فقط درپی بهره‌برداری از پیشآمدها و مواجهه با حوادث روزمره بود نه تعیین یك برنامهٔ سیاسی حسابشدهٔ طولانی یعنی نه آن بود که ادعا می‌کرد و نه آن بود که می‌خواست بشود.

ازاحزاب دیگر که رونقی داشت حزب **ارادهٔ ملی** بود که در ۱۳۱۴ توسط **سیدضیاءالدین طباطبایی** که تازه به ایران برگشته بود تشکیل شد وبه‌مبارزه با حزب توده وفرقهٔ دموکرات وسیاست شوروی پرداخت و با پیروزی ارتش در آذربایجان کارحزب تعطیل شد و از آن پس به‌جلسات هفتگی چندتن از پیرامونیانش منحصر گشت. حزب دیگر **فرقهٔ دمکرات آذربایجان** بود که درسال ۱۳۲۴ توسط **سید جعفر پیشه‌وری** در تبریز تشکیل شد و مرامنامهٔ خود را تقاضای تشکیل انجمن ایالتی وولایتی ، تحصیلات ابتدایی به زبان محلی ـ تشکیل دولت خودمختار محلی، افزایش تعداد نمایندگان آذربایجان درمجلس شورایملی قرارداد. باتشکیل این



سید ضیاءالدین طباطبایی

حزب‌در آذربایجان که جانشین‌حزب‌توده در این استان گردید مقدمات تشکیل حکومت و حوادث آذر **۱۳۲۴** فراهم شد و فرقهٔ دموکرات اندکی بیش از یکسال یگانه حزب آذربایجان بود ولی باشکست حزب دموکراتها جمعی به اعدام‌محکوم شدند .

ازسال **۱۳۳۰** تا حدود **۱۳۳۹** که فرقهٔ دموکرات فعالیت زیرزمینی داشت تقریباً همیشه تابع‌سیاست کلی حزب توده بود و گویا توسط همان حزب رهبری می‌شد تا آنکه‌یکباره منحل‌شد.

درانتخابات‌دورهٔشانزدهم(۱۳۲۹) **دکتر مصدق** فرقه‌ای بـه‌نام **جبههٔ ملی** تشکیل دادکه **مکی** ، **بقایی** ، **کاشانی** ، **عبدالقدیر آزاد** ،**نریمان**، **اللهیارصالح حایری زاده** ، دکتر**شایگان** ودیگران از اعضاء مهم آن بودند و در آغـاز مبارزه ملی‌کردن نفت وتأمین‌آزادیهای سیاسی را شعار خود اعلام‌کردند. نخست روزنامهٔ**شاهد** بعدها **باختر امروز** سخنگوی جبهه شد . جبههٔ ملی تا حوادث سی‌تیر **۱۳۳۱** تقریباً روبه ترقی و تکامل بـود ولی ازآن‌پس دچاردودستگی شد. زیرا **دکترمصدق**، **فاطمی** ،**شایگان** ودیگران با احساس عدم رضـایت شاه از سیاست دولت‌کمر به مخالفت بستند و دیگران که در این موقع وضع را به‌نفع‌توده‌ایها می‌دیدندکمر به مخالفـت دکتر مصدق بستند وجبههٔ ملی‌جمعی‌از افرادمعروفش مانندکاشانی، مکی،بقایی، آزاد، نریمان وغیره را از دست داد . از اوایـل سال **۱۳۳۲** کوشش توده‌ایها برای جلب جبههٔ ملی برای همکاری‌کم‌کم مؤثر می‌شد و مخصوصاً درحوادث‌رفراندوم‌ووقایع‌بعدی نمایان‌گشت . پس از سقوط دولت‌مصدق جبههٔ ملی دچـار ضربت‌کوبنـده‌ای شد ولی به فعالیت زیرزمینی خود بـه طور ضعیفی ادامه‌دادوموجب برخی‌اعتصابات وتظاهرات‌که‌توده‌ای‌ها نیز در آن‌شرکت داشتند ،گردید ولی ازیکی دوسال‌پیش دیگر فعالیتی ازآن مشهودنیست.

ازاحزاب‌سیاسی‌معروف‌دیگر **حزب ایران** بودکه در سال **۱۳۲۴** تشکیل شدو**مهندس حسیبی**، **دکترشایگان**،**دکتر سنجابی** و **مهندس معظمی** از رهبران آن بودند. این حزب دردورهٔ چهاردهم مجلس چندی باحزب توده ائتلاف‌کرد . سپس درسالهای ۱۳۲۹ـ۱۳۳۲ ازتشکیل دهندگان‌جبههٔ ملی‌بود وپس‌ازآن‌متلاشی شد .

حزب دیگرکه چندی آوازه داشت **حزب‌کوملهٔ‌کردستان**بودکه توسط**قاضی‌ـ محمد** وبرادرانش تشکیل‌شد (۱۳۲۴) و خواهان خود مختاری وبرخی مزایـا برای‌کردستان بود و درسال ۱۳۲۵ با اعدام‌رهبرانش‌از میان رفت وفعالیتهای بعدی‌که به نام این حزب می‌شد تـوسط رهبران حزب بود. ازجمعیتها واحزاب دیگر **حزب زحمتکشان‌ملت‌ایران**بودکه توسط دکتر**بقایی** در اواخرسال **۱۳۳۰** تشکیل شد ونخست هوادار دکتر مصدق و سپس از مخالفان آن‌بود .

این حزب تا **۱۳۴۱** وجودداشت و در این هنگام برچیده شد.

خلیل ملکی ازمنشعبین حزب‌توده، چندی عضو ایـن حزب بود وسپس بـا هواداارانش‌ازآن جدا شد و **نیروی‌سوم** را تشکیل دادکه‌گویا حزبی بـا مرام سوسیال دموکراتهای اروپای غربی‌بود او ازدکترمصدق هواداری می‌کرد وپس از سال **۱۳۳۲** چندی‌گرفتار و حزبش تعطیل شد ، سپس باردیگر به فعالیـت پرداخت ولی از سال **۱۳۴۲** گویا دیگر فعالیتی نداشت وچندی زندانی بـود تا آزاد شد .

حزب معروف دیگر **فداییان‌اسلام** بودکه تـوسط **نواب صفوی** در **۱۳۲۴** تشکیل شد. اوشاگرد دوچرخه‌سازی‌بود که پس ازچندی به عتبات رفت وگـویا مدت‌کمی مشغول طلبگی شد وسپس‌خود را ازخاندان‌صفویه و سیددانست وبرای ایجادخلافت‌اسلامی‌به‌ایران‌آمد. درهمان سال‌مرحوم **کسروی**که منکرسید بـودن شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی بودبه‌دست هواـ داران‌اوکشته شد . در**۱۳۲۶** اوبه‌تبلیغ آوارگان فلسطین‌پرداخت وسپس **هژیر** را که نخست وزیروقت بودبه‌دست‌هواـ دارانش به‌قتل رسانید . پس‌ازآن نیزدر بسیاری حوادث‌سیاسی‌نقشی داشت ویکی از مشوقانش **سیدابوالقاسم‌کاشانی**بود. در**۱۳۲۹** **احمد دهقان** یکی ازنزدیکان شاه و سپس **سپهبد رزم‌آرا** نخست‌وزیر وقت به‌دست فداییان اسـلام‌کشته شدکه احتمال‌داردترورا ولی به‌خاطر جلوگیری و یابه انتقام افشای یك توطئه و دومی برای‌آشفته ساختن محیط سیاسی انجام گرفته باشد . در **۱۳۳۱** **دکتر فاطمی** به علت مخالفت بـاکاشانی ترورشد ولی جان‌به‌در برد. پس ازترور**حسین علاء**که به نتیجه نرسید تعقیب افراد فداییان اسلام‌آغاز شد و نواب صفوی با چندتن از مریدانش‌کشته‌شدند (۱۳۳۵) درسال **۱۳۳۶** **حزب‌مردم** به‌رهبری‌**اسدالله علم** وحزب ملیون‌به رهبری دکتر**منوچهرـ اقبال** هرکدام با شرکت جمعی‌از رجال سیاسی معروف ، استادان دانشگـاه ، روزنامه نـویسان وغیـره تشکیل شد . این‌احزاب‌اختلاف مسلکی مهمی‌نداشتند و هردولزوم پشتیبانی از دولت مشروطه و استقلال و ایجاد دولت حزبی رااعلام داشتند . حزب ملیون که‌درنخست‌وزیری دکتر اقبال رونقی داشت از سال **۱۳۴۲** در بوتهٔ فراموش ماند ودرعـوض**حزب ایران نوین**جای‌آنرا گرفت که**حسنعلیـ منصور** نخست وزیرسابق و**هویدا** نخست وزیرکنـونی از مـؤسسان آن بودند و **عطاءالله خسروانی** وزیر کار کنونی دبیرکل‌آنست .

حزب مردم باکناره گیری علم از رهبری‌آن از فـعالیتش کاست و کوشش **پروفسور عدل** نتوانست‌آنرا از حالت حزب اقلیت بدرآورد وایـران نـوین اکثریت را در مجالس کنونی هم‌حفـظ کرد .

حـزب دیگر **پان ایرانیست** است که‌از سال**۱۳۲۹** فعالیت خود را باشعار فلات ایران‌به زیر یك‌پرچم برعلیه‌حزب توده و سیاست انگلیس هردو آغازکرد و از دکتر مصدق پشتیبانی‌کرد و رهبر آن **فروهر** بودکه پس از سقوط دکتـر مصدق مدتی در زندان به‌سربرد وپس‌از آن اسمی‌ازاو نیست ولی‌از سال **۱۳۳۶** به‌بعدحزب‌پان‌ایرانیست‌با برخی‌شعارهای فارسی سره اظهار وجودکرد تااخیراً به رهبری دکتر **پزشکپور** سازمان خودرا گسترش داد وچندتن‌به‌عنوان‌نمایندگان حزب به‌مجلس شورایملی‌رفتند . این‌بود تاریخچهٔ مختصر احزاب‌سیاسی ایران‌که البته فقط شامل‌آنهایی‌است‌که نقشی در سیاست داشته‌اند وگرنه نام حزب بسیار است فی‌المثل فقط نام **۸۶** انجمن‌وحزب را ازآغاز مشروطه‌ضبط‌کرده‌اند وتعداد انجمن‌های تهران درآن هنگام حتی به **۲۰۰** می‌رسیده است . بر این جـدول فقط می‌توان نام چندانجمن راذکرکرد،

انجمن غیبی تبریز را که **علی ـ موسیو** ایجاد کرده بود و در رهبری

قیام و مقاومت در برابر استبداد نقش اساسی ایفا کرد.

کمیته ستار گیلان که قیام وارد و کشی آزادیخواهان آن سازمان را رهبری نمود و حوزه‌های ایرانی حزب **داشناکسیون** (حزب ناسیونالهای ارمنی که در آواخر قرن ۱۹ برای رهایی ارمنستان و استقلال آن و احیای فرهنگ ارمنی به‌وجود آمد و **پیرم خان** یکی از رهبران آن بود) می‌توان افزود. وگرنه یکی از احزاب که سروصدایی داشت **حزب دموکرات ایران** بود که **قوام** در سال ۱۳۲۵ براه انداخت و چند ماه بیش نپایید، **حزب سومکا** (سازمان وحدت ملی کارگران ایران) که درحدود ۱۳۲۰ توسط دکتر **منشی‌زاده** بر اساس تمایلات ناسیونال سوسیالیستی پدید آمد و در سالهای ۱۳۳۴ـ۱۳۳۶ بی نام و نشان مرد. **حزب آریا** که همان سرنوشت را منتها بسیار ناچیزتر داشت و **حزب آوارگان** که در سال ۱۳۳۱ توسط جمعی از چاقوکشان بی‌هیچ هدفی تشکیل شده بود.

در پایان مقال نمی‌توان از ذکر یك جمعیت نسبتاً کوچك و تقریباً نیمه‌فرهنگی، نیمه سیاسی چشم پوشید و آن **باهماد آزادگان** است که در سال ۱۳۲۲ توسط **سید احمد کسروی** تبریزی تأسیس شد.



کسروی از سالها پیش با انتشار عقاید خود در **ماهنامهٔ پیمان** وسپس روزنامهٔ **پرچم** مقدمات تشکیل این جمعیت را فراهم ساخته بود. اومشروطه را بهترین نوع حکومت می‌دانست. معتقد به حقوق و آزادیهای سیاسی افراد بود. دخالت روحانیان را در کار حکومت ناروا می‌شمرد. عقیده داشت باید سواد و فرهنگ توسعه یابد تا مردم بر حقوق خود آگاه شوند و شعور سیاسی پیدا کنند.

تقلید از فرنگیان را بدون در نظر گرفتن شرایط محلی ناروا می‌دانست (او در این زمینه راه افراط می‌پیمود). عقیده داشت باید هنر برای مردم و به‌زبان مردم باشد (ودر این باره نیز بدون در نظر گرفتن شرایط، بسیاری از مفاخر ادبی گذشته را محکوم می‌کرد.) با کشته شدن کسروی در سال ۱۳۲۴ یارانش چندی پراکنده شدند و بیشتر به‌حزب توده روی آوردند و بقیه نیز چون رهبر توانایی نداشتند کاری از پیش نبردند و گاه و بیگاه که از تعقیب مصون بودند به نشخوار نوشته‌های استاد فقیدشان پرداختند.

احزاب سیاسی

«جهان»

حزب نشان‌دهندهٔ درك، اساساً یك نیاز اجتماعیست و فقط در شرایطی می‌تواند پایدار بماند که اولا بتواند به برافکندن آن نیاز وفادار باشد ثانیاً بتواند شرایط اجتماعی را برای فعلیت خود مساعد سازد. در شرایط دیکتاتوری یا احزاب از میان می‌روند ویا فقط به حزب حاکم تبدیل می‌شوند.

پیدایش دموکراسی با پیدایش احزاب توأم و نمونهٔ بارز آن انگلستان است. در سال ۱۶۸۹ م. جمعی از نمایندگان پارلمان به‌مخالفت با **شارل دوم** شاه انگلستان، که قصد بستن پارلمان را داشت، برخاستند و قانونی تصویب کردند که به‌موجب آن **دوك یورك** ولیعهد شارل از حق سلطنت محروم شد.

مخالفان اینان را **ویگ** «Whig» نامیدند (نام دسته‌ای از راهزنان اسکاتلند بود.) و اینان نیز مخالفان را به تحقیر **توری** «Tory» (نام دسته‌ای از راهزنان ایرلندی بود) لقب دادند. این دو نام مدتها به‌جای ماند و هرحزب هوادارانی یافت. توری‌ها نمایندهٔ اشرافیت ومذهب رسمی شناخته شدو به‌تدریج محبوبیت خود را درمیان مردم از دست داد تا آنکه **ویلیام پیت** آنرا با آرمانهای ملی همگام ساخت و به‌صورت حزب **خلق** در آورد ولی مخالفت رهبران حزب با آرمانهای انقلابی باردیگر آنرا دچار ورشکستگی کرد و سرانجام اعضای باقیماندهٔ آن در سالهای ۱۸۴۰ در حزب **محافظه کار** (Party— Conserative) گرد آمدند و مخالفان هنوز محافظه کاران را توری می‌خوانند که نشان دهندهٔ تبدیل اشراف زمین‌دار به کارخانه‌داران و بانکداران امپریالیست بود و باروی کارآمدن این حزب در نیمهٔ دوم قرن ۱۹ سیاست امپریالیستی انگلستان در عصر طلایی بسر می‌برد.

پس از جنگ دوم جهانی این حزب محبوبیت خود را در مقابل رقیبش از دست داد و با آنکه چندی با پیش گرفتن سیاست متعادلتر بر سر کار آمد ولی با پیروی از سیاست خارجی آمریکا و شرکت در جنگهای استعماری باردیگر موقعیت خود را از دست داد.

ازمعروفترین رهبران حزب محافظه کار **دیسرایلی و چرچیل** را میتوان نام برد.

حزب ویگ، که نمایندهٔ قدرت پارلمان در مقابل شاه بود، حزب بورژوازی شهرها و زمین داران کوچك بود و انقلاب پیروزمندانهٔ ۱۶۸۸ را رهبری کرد. **سر رابرت والپول** آنرا به‌صورت نیروی سیاسی بزرگی در آورد.

پس از سالهای ۱۸۳۰ این حزب جای خود را به حزب **آزادیخواه** (لیبرال) «Liberal Party» داد که هدف آن آزادی تجارت، آزادی مذهب و تعمیم حق انتخاب کردن و آزادی بردگان بود.

گلادستون رهبر این حزب چندی موجب رونق آن شد ولی اصلاحاتی که در قوانین به‌عمل آورد موجب پیوستن مالکین بزرگ به‌حزب محافظه کار شد و حزب کارگر نیز از سوی دیگر رقیب سرسختی بشمار آمد (سالهای ۱۸۹۰) ولی این حزب توانست موقعیت خود را با وضع سیاسی تطبیق دهد و در سالهای ۱۹۰۶ـ۱۹۲۲ مدتها با حزب محافظه کار ائتلاف کند و مشترکاً قدرت را در دست گیرند. ولی از آن پس رفته‌رفته راه زوال پیمود و اینك حزب درجهٔ سوم بشمار می‌رود. **حزب کارگر** که اینك یکی از دوحزب

مهم انگلستان است درسالهای ۱۴۰۰ از اتحاد بقایای **انترناسیونال** و برخی اتحادیه‌های کارگری به‌وجودآمد وهدفش تأمین سوسیالیزم ازراه مبارزات پارلمانی بود. این حزب درآن‌هنگام برای بالا بردن دستمزد وقانونی شدن‌حق اعتصاب کوشش می‌کرد.

انقلاب اکتبر در اتحاد شوروی از یکسو موجب جنبشهای کارگری در انگلستان وازسوی‌دیگر باعث چپ‌روی بیشترحزب‌کارگر وشدت فعالیت آن شد چنانکه در۱۹۲۲ توانست با ائتلاف با حزب لیبرال‌دولتی تشکیل دهد وبرخی برنامه‌های‌مترقی‌را به پارلمان پیشنهاد کند، حزب‌محافظه کار توانست تمام نیروهای ارتجاعی‌را بسیج‌کند و حزب کارگررا بداشتن روابط پنهانی‌باشوروی متهم‌سازد وموجبات سقوط‌دولت‌کارگری را فراهم‌کند (۱۹۲۴) در سال ۱۹۲۹ حزب کارگر توانست باردیگر پیروزی قابل ملاحظه‌ای درپارلمان به‌دست‌آورد ولی‌**مکدونالد** وبرخی‌دیگراز رهبرانش که شیفتهٔ‌مقام‌بودندبه‌حزب خیانت‌کردند وراه تفرقه‌درپیش گرفتند.

حزب‌کارگر در دوران جنگ با محافظه‌کاران ائتلاف کرد وپس‌ازجنگ توانست پیروزی بزرگی‌به‌دست آورد و زمام دولت را به‌دست‌گیردوبرخی‌قوانین مترقی را مانند ملی‌کردن صنایع‌فولاد، نفت، گاز، زغال، صنایع حمل ونقل، برق‌وخدمات بهداشتی ازتصویب‌مجلسین بگذراند، اینك بار دیگر حزب کارگر از ۱۹۶۴ زمام امور انگلستان‌را بدست دارد ولی‌براثرسیاست محافظه‌کارانه‌اش بامشکلات سیاسی واقتصادی‌فراوانی روبروست.

کشور دیگری که احزاب سیاسی درآن پیشرفت نمایانی‌کرد فرانسه بود پس‌ازانقلاب‌کبیر ۱۷۸۹ وتشکیل‌مجلس قانونگزاری، نمایندگان‌آن مجلس طبعاً براثرطرز فکرخود به دسته‌های مختلفی تقسیم شدند واحزابی‌به‌وجودآوردند.

حزب‌فویان(Feuillant)یامشروطه خواه هوادار سلطنت مشروطه بود و از حزب **ژاکوبن‌ها**(Jacobines)منشعب‌شد وبااعلان جمهوری ازمیان رفت. حزب ژاکوبن‌را شاید بتوان تاحدی یك‌حزب واقعی خواند.

این‌حزب که‌باتشکیل‌مجلس‌مؤسسان (۱۷۹۰) تأسیس شده بود تنها مختص نمایندگان‌نبودبلکه‌دیگران‌ازروزنامه‌نگار و بازرگان و وکیل دادگستری وغیره‌نیزدرآن‌عضو‌بودند.اینان‌حق‌عضویت می‌پرداختندودرمجالس‌بحث برای‌اتخاذ سیاست آیندهٔ حزبی شرکت‌می‌کردند.

این حزب خواهان بر کناری و تعقیب **لویی شانزدهم**، اصلاح قانون انتخابات‌واعلام‌جنگ به اتریش بود و در نتیجهٔ اتخاذ سیاست انقلابی فویان‌ها و**ژیروندن‌ها** ازآن جداشدند با اینهمه ژاکوبن‌ها درتمام‌شهرهاشعبه دایرکردند وافکارعمومی را بسوی خود خواندند و **روبس‌پی‌یر** ازرهبران‌آن، زمام قدرت را بدست گرفت و حکومت دیکتاتوری انقلابی رابرای نابودی دشمنان انقلاب برپاکرد. بابرافتادن او(۱۷۹۴)حزب ژاکوبن نیز از میان رفت.

ژیروندن‌ها(Girondins)جمهوریخواه بود. وبا جنگ با اتریش ازآن جهت‌که ممکن بود موجب دیکتاتوری نظامیان گردد مخالف بودند.

درسال۱۷۹۳ ژاکوبن‌هاوکوردلیه‌ها آنان رااز**کون وانسیون** بیرون‌راندند ورهبران آن اعدام‌شدند.

حزب**کوردلیه** (Cordéliêrs)حزب طبقات‌پایین جامعهٔ‌پاریس‌بود. این‌حزب دشمن سرسخت شاه و هوادار جمهوری، تساوی حقوق وانقلابی وخواهان‌نابودی اشراف‌بودودرحقیقت‌رهبرونگهبان‌انقلاب بشمار می‌رفت وهرچند براثر مبارزه‌با دیکتاتوری روبس‌پی‌یر سران آن اعدام شدند و این حزب ازمیان رفت ولی بنیانگزار یك سنت انقلابی شد که در ۱۸۴۰، ۴۸و۷۱ تجلی‌کرد.

ناپلئون قدرت احزاب را از میان برد ولی پس از وی احزاب تازه ای پدید آمد.

حزب‌اولترا(Ultra)که‌حزب‌سلطنت‌طلبان بود وباانقلاب ۱۸۳۰ از میان رفت.

حزب‌مستقلها که‌ترکیب نامتجانسی از تمام ناراضی‌ها، افسران ناپلئون، بورژواها وخرده مالکان جمهوریخواه، هواداران **دوك‌دواورلئان** و .... بودپس ازمدتی این‌حزب به احزاب و دسته‌های مختلف‌تقسیم‌شد‌که‌یکی‌ازآنها**شاربونری** (Charbonrerie) بود. این‌جمعیت مخفی در۱۸۲۱ تشکیل‌شد وهواداران‌واژگون ساختن‌سلطنت وتأمین‌آزادی سیاسی بود ودرانقلابهای ۱۸۳۰ و۱۸۴۸ هواداران آن نقش‌فعال داشتند وجمعی ازآنان‌نیز بعدها به‌سوسیالیست‌ها پیوستند.

حزب‌سوسیالیست پس‌ازسال ۱۸۳۰ توسط **لویی‌بلان** تأسیس شد.

این‌حزب خواهان‌ملی‌شدن‌کارخانه‌ها، حق کاربرای همه وتوزیع‌سود میان کارگران بود.

عقاید سوسیالیست‌ها بسیار زود در میان فقرا وطبقات پایین‌منعکس‌شدودر انقلاب ۱۸۴۸ بطورآشکار تجلی‌کرد. چند تن ازرهبران سوسیالیست درکابینهٔ موقتی شرکت‌کردند ودولت «زندگانی کارگررا به‌وسیلهٔ کاروتضمین‌کار را برای تمام افرادمملکت» تعهد نمود. ساعت کار در پاریس‌به ۱۰ و درشهرستانها به ۱۱ ساعت تقلیل یافت.

درسالهای۵۰و۱۹۶۰ جمعی‌ازسوسیالیست‌ها به‌کمونیست‌ها پیوستند وجمعی دیگربه‌روش آنارشیستی روی‌آوردند با اینهمه هنوز حزب سوسیالیست یکی از چند حزب مهم فرانسه است و احزاب سوسیالیست اروپای غربی و انگلستان همه‌ازهمفکران این حزب‌بشمارمی‌روند. این‌سوسیالیستهامعتقد به‌پیشرفت‌تدریجی طبقهٔ‌کارگر، موافق دموکراسی و مبارزهٔ پارلمانی هستند نه انقلاب.

سوسیال‌دموکراتها، سوسیالیستهای مسیحی،سوسیالیستهای‌صنفی ،کمونیستها و آنارشیستها همه از احزاب سوسیالیت جدا شده‌اند.

حزب دیگری که در ۱۸۴۸ با انتشار**مانیفست** یابانیأتحادیهٔ‌کارگران کمونیست به‌وجودآمد گرچه در آغاز نهضت کوچکی بیش نبود وبارها دچار انشعاب‌وتزلزل شد سرانجام تأثیرعظیمی درجهان‌بجای‌گذاشت وموجب‌پدیدآمدن احزاب کمونیست، سوسیال دموکرات و کارگردربسیاری‌ازکشورهای جهان‌شد. این‌احزاب در آغاز روش‌های‌گوناگونی داشتندتاآنکه از اواخرجنگ‌اول‌جهانی تقریباً مشی‌سیاسی واحدی‌یافتند.

مارکس وانگلس بانیان‌سوسیالیزم علمی اعلام داشته بودند که زوال جامعهٔ سرمایه داری امری‌حتمی است همانطور که جوامع اشتراکی اولیه، برده‌داری‌و فئودالیزم ازمیان رفتند با تکامل‌ابزار تولید روابط تولیدی دچار دگرگونی می‌شود. کارگران‌مورد ستم سرمایه‌داری

قرار می‌گیرند با هم متحد خواهند شد و سرانجام نظام سرمایه داری را واژگون خواهند ساخت و سوسیالیزم را جانشین آن خواهند نمود و با رشد سوسیالیزم تدریجاً مردم‌دارای‌چنان شعور اجتماعی خواهند شدکه سرانجام‌به‌کمونیزم‌برسند یعنی همهٔ مردم از تمام ثروتهای عمومی بقدر نیازشان بهره برگیرند و دولت از میان برود .

حزب‌کمونیست فرانسه که پس از جنگ اول‌جهانی تشکیل شد در دوران جنگ دوم حیثیت فراوانی کسب‌کرد و پس از جنگ توانست در دولت شرکت جوید ودرانتخابات مجلس و شهرداری هربار پیروزی بیشتربه‌دست آورد . از احزاب مهم کنونی فرانسه **حزب‌اتحاد ملی‌فرانسه** است که **ژنرال دوگل** آنرا بنیان‌نهاده وازاینرو به‌حزب‌دوگلیست‌هاهم معروفست ودر سال ۱۹۴۷ تأسیس شدوبسیاری‌ازمبارزان سابق‌نهضت‌مقاومت درآن شرکت کردند .

این‌حزب درآغازکاری ازپیش‌نبردو تقریباً منحل‌شد ولی باردیگرتوانست با کمك اعضای‌فعال آن قدرت را دردست گیرد واینك این‌حزب اکثریت پارلمان فرانسه و زمام دولت را دردست‌دارد . این‌حزب‌معتقدبه‌حفظ‌قدرت‌نظامی‌واعتلای نفوذ سیاسی واقتصادی فرانسه در مقابل کشورهای دیگر جهانست و می‌خواهد با برافکندن نفوذ آمریکا و انگلیس از اروپا،فرانسه را جانشین آنها سازد ولی درعین‌حال دوگلیست‌هاازتوسل‌به‌شیوه‌های دیکتاتوری و ارتجاعی می‌پرهیزند وسعی می‌کنند این هدف‌ها را ازراههای سیاسی جامهٔ عمل پوشانند .

درپایان بایدازنهضت‌دیگری‌که باز منشأ فرانسوی‌داشت یادکردوآن نهضت جهانی آنارشیسم است‌که **پی‌یرپرودون** (۱۸۰۹-۱۸۶۵م)ازبنیانگزاران‌آن‌بود آنارشیست ها دارای عقاید سوسیالیستی خاصی بودند به‌این معنی‌که وجود‌دولت وسازمانهای‌گسترش‌یافتهٔ صنعتی‌وتجارتی را به‌حال اجتماع زیانمند می‌دانستند و می‌گفتند بایدمردمان را آزادگذاشت تا مانندجوامع‌اشتراکی‌اولیه ازتمام‌مواهب طبیعی مشترکاً برخوردار شوند و امور خودرا بوسیلهٔ کلانتران وریش‌سفیدان انتصابی‌اداره نمایند .

تنهادرچنین‌صورتیست که‌میل زیاده‌طلبی وحرص‌مال‌وجاه‌از میانه برخواهد خاست وفقروجنگ نابود خواهدشد .

این‌افکاردرسراسراروپا هوادارانی ازجان‌گذشته به‌دست‌آوردولی‌درکشورهای پیش‌رفته بسیارزود دچار ناکامی‌شد درحالیکه دراسپانیا ، ایتالیا ، تا حدی فرانسه وآمریکای‌لاتین هنوز هوادارانی دارد .

آنارشیست ها پس ازآنکه از راه تبلیغ توفیق نیافتند دست به‌کارشدند و برخی شاهان وزمامداران را کشتندوبه قیامهای بی‌نتیجه‌ای دست‌زدند و ازاینرو آنارشیسم باهرج و مرج طلبی مترادف شد .

یکی دیگر ازنهضت‌هایی که‌مشترکاً ازسوسیالیزم وآنارشیسم سرچشمه گرفت سندیکالیسم بود که در سالهای ۱۸۸۰ به‌وجودآمد ویکی‌ازنتایج‌شکست کمون پاریس بود .

سندیکالیستها برآن بودندکه‌هررشته ازصنایع بایدتحت‌نظر اتحادیهٔ کارگران صنعت اداره شود وامورکشور بایدتحت نظر نمایندگان منتخب این اتحادیه‌ها اداره‌شود وبرای‌رسیدن به‌چنین‌منظوری بایدکارگران‌بااعتصابهای‌همگانی‌زندگانی کشوررا مختل سازند .

افکار سندیکالیستی‌درآغاز پیشرفت نمایانی کرد ولی بعداً فقط جهت مثبت آن مورد قبول‌واقع شد و سندیکالیست‌ها ازمیان‌رفتند، یعنی سندیکاهای کارگری به‌مراتب‌افزون‌گشت‌واعتصاب برای‌بدست آوردن حقوق‌بیشتر‌حربه‌ای‌مسلم شناخته شد .

ایرلند یکی‌دیگر ازکشورهاییست که احزاب نیرومندی‌درآن بوجود آمد زیرااین‌کشوربرای مستقل شدن‌نیازمند اتحاد مردم‌بود . درزمان انقلاب‌فرانسه مردم‌ایرلند نیز برای‌آزادی‌به‌پاخاستند و حزب **ایرلندی‌های متحد** را بنیان نهادند .

بدنبال انحلال این‌سازمان ازطرف دولت انگلستان قیام و شورش مسلحانه آغاز گشت‌که سر انجام در خون‌خفه‌شد (۱۷۹۸) پس ازآن مدتی اختناق کامل حکمفرماشد . کوششهای جمعیت **فنیان** که توسط مهاجران ایرلندی در آمریکا ایجاد شده بود به آزادیخواهان ایرلند پول‌واسلحه می‌فرستاد نتیجه‌ای‌نداد.

حزب ناسیونالیست ایرلند نیز از مبارزات پارلمانی‌ومسالمت آمیز ودست زدن‌به نمایش‌ها وحیله‌های سیاسی‌سودی نبرد .

گالیگ‌لیگ که‌دراواخرقرن‌نوزده تشکیل شد بیشتر یك سازمان فرهنگی بودکه می‌کوشید زبان و ادبیات گالی (زبان بومی ایرلند) را زنده‌کند و در مردم ایرلند هیجان ملی‌را قوت بخشد. هنگامیکه اشراف پروتستان **اولستر** (ایرلندشمالی) باکمك وهواداری حزب محافظه‌کارواشراف انگلستان به‌مخالفت باقانون حکومت‌داخلی‌ایرلندبرخاستند آزادیخواهان ایرلند نیز ناچار سازمان **داوطلبان‌ملی**راتشکیل دادکه‌درقیامهای بعدی نقش حساسی داشت ولی مهمترین نهضت ایرلندی حزب **سین‌فاین** است‌که **گریفیث** مؤسس‌آن بود و نام نهضت از کتاب‌اوبنام سین‌فاین(ماخودمان) گرفته شده است .

سین فاین‌هرنوع‌همکاری‌را بادولت انگلستان اعم ازخرید یافروش کالابه افراد انگلیسی یامراجعه به دادگاههای دولتی رامنع‌می‌کرد. سین‌فاین دسته‌های مسلح‌پارتیزانی تشکیل دادکه به‌مراکز پلیس‌وزندانهاحمله می‌کردند وهنگامی که گرفتارمی‌شدندبا اعتصاب غذاموجب سلب‌حیثیت دولت‌انگلستان‌وتهییج‌بیشتر میهن پرستان‌ایرلندی می‌گشتند(یکی‌از رهبران سین‌فاین وقتی‌گرفتار شد اعلام داشت‌که‌بزودی زنده‌ویامردهٔ‌او اززندان خارج خواهد شد و ازخوردن غذاامتناع کرد تا پس از۷۵ روز جسد اورابیرون آوردند).

حزب سین فاین درآزادی ایرلند نقش حساسی داشت (۱۹۲۱) ولی پس ازآن براثر توطئه‌های‌سیاسی انگلستان دوفرقه شد .

گروهی **جمهوریخواه** و هوادار استقلال‌کامل ایرلند بودند که **دووالرا** رهبری آنانرا بعهده‌داشت.

گروه‌دیگری هواداران ایالت‌آزاد (Tree State) بودندکه‌می‌خواستندایرلند شاه انگلستان‌را به‌عنوان شاه خودبپذیرد و حق الارض سالانه بـه انگلستـان بپردازد .

در آغاز پیروزی با دستهٔ دوم بود زیرا دولت انگلستان از آن هواداری می‌کرد ولی جمهوریخواهان که به سنن ملی وخصلت انقلابی ملت مستظهربودند

پس ازسالهامبارزه، سرانجام پیروزشدند (از ۱۹۳۲ به‌بعد) ومجلس ملی ایرلند اعلام داشت‌که سوگند وفاداری به شاه انگلستان یاد نخواهدکرد وحق الارض نخواهدپرداخت. سپس ایرلندرسماً کشور جمهوری شد.

اینك به ایتالیا نظری بیفکنیم به سرزمینی‌که یکی ازعجیب‌ترین‌جمعیت‌ها به‌نام‌فراماسونری ازآن سرچشمه گرفته (دربخش فراماسونری توضیح‌داده‌شده.) ایتالیا از ۱۸۱۶ بپا خاست زیرا نیاز به‌وحدت‌ملی، استقلال وآزادی رابشدت احساس می‌کرد.

از نخستین احزابی که نامشان در تاریخ ضبط است حزب مخفی **کاربوناری** بوده که‌تشکیلاتی پیچیده ووسیع‌داشته‌و در **ناپل** وجنوب ایتالیافعالیت می‌کرده است.

این حزب‌که حتی اشراف زادگان وافسران جوان در آن عضویت داشتند پس‌ازانقلاب‌کبیرفرانسه و افتادن ایتالیا به‌دست‌فرانسه‌درتحت‌تأثیر افکار آزادی‌خواهی فرانسویان به مبارزه برخاست وخواهان حکومت مشروطه و آزادیهای سیاسی شد.

این‌حزب در ۱۸۲۰ و ۱۸۳۱ انقلابهایی ترتیب‌داد.حزب‌دیگر **ایتالیای‌جوان** بود در ۱۸۳۱ توسط **مازی‌نی** تشکیل شد و معتقد بودکه بایدانقلاب عمومی بر پا کرد وسلطنت های کوچك نواحی‌مختلف ایتالیارا‌سرنگون ساخت ودولت واحدی به‌نام جمهوری‌ایتالیا تشکیل داد.

دستهٔ دیگر اصلاح طلبان بودندکه می‌گفتند سرنگون ساختن سلاطین لازم نیست بلکه‌فقط‌باید آنانرابه‌قبول‌قوانین اساسی وشرکت در فدراسیون ایتالیا، که پاپ رهبر معنوی وپادشاه ساردنی‌رهبر اجرایی آن باشد، قانع ساخت.

پس‌ازانقلاب‌ناکام ۱۸۴۸ صحت‌نظریات مازی‌نی وشکست اصلاح‌طلبان معلوم شد زیرا مردم دیدندکه سلاطین میان خود سرگرم نفاق وجدالند وپاپ نیز به‌مردم وآزادی‌واستقلالشان خیانت‌کرده‌است. حزب‌دیگر **ایردانتیست** (Irredentist) بودکه درحدود سالهای ۱۸۶۰ تشکیل شدومدت‌پنجاه سال‌برای‌آزادی‌قسمتهایی ازایتالیا که درجنگ اتریش مانده بود (مانند: ترن تی‌نو، تری‌لیست‌وقسمتی از دالماتیا) مبارزه‌می‌کردویکی از محرکان ایتالیا برای شرکت درجنگ‌اول جهانی بود.

جمعیت دیگری‌که شاید بعدهاسرمشق‌سیاهپوشان فاشیست‌شد، **سرخپوشان گاریبالدی** بودکه‌درحدود ۱۸۵۹ توسط این سردار بزرگ از هزار مرد مسلح داوطلب تشکیل یافت و کشور سیسیل راتسخیر کرد (۱۸۶۰) وسپس به‌ناپل، ونیزوروم‌لشکر کشید.

او باوجود مخالفت‌شاه‌ومردم‌متعصب عقیده داشت باید سلطنت دنیوی پاپ از میان برود و روم‌پایتخت باستانی‌ایتالیا بدو بازگردد اوبهرجاکه می‌رفت‌مردم را می‌شورانید و دسته‌های داوطلب بدو می‌پیوستند وبراساس این‌کوشش‌ها سرانجام اتحاد ایتالیا عملی‌شد.

حزب‌سوسیالیست که‌ازهمان‌دوران جنگهای استقلال درایتالیا بوجود آمده بود درآغاز قرن بیستم قدرت فراوانی یافت و در آستانهٔ جنگ اول جهانی سوسیالیست‌ها دراتحادیه‌های کارگری نفوذ کامل داشتند. یك‌ثلث نمایندگان مجلس از آن‌بود وبر ۳۰۰۰ انجمن‌شهر حکومت می‌کردند ولی آنان مخصوصاً رهبرانشان از خمیرهٔ خاصی بودند. می‌کوشیدند ایتالیا درجنگ‌داخل‌شود. هرنوع اقدام انقلابی‌را منع می‌کردند و به ریاست، وزارت و نمایندگی مجلس خوش بودند.

وقتی کارگران قیام‌کردند وپس‌از جنگ اول کارخانه‌ها را دردست‌گرفتند این‌مغزهای متفکرسوسیالیست کارگران را به‌خودواگذاشتند تابراثرناآزمودگی شکست خوردند.

سوسیالیست ها در مقابل‌توطئه‌های سرمایه‌داران و نظامیان، که مشغول‌تجهیز فاشیست‌ها بودند، دست‌روی‌دست‌گذاشتند تا کارازکار گذشت ودرحقیقت ناظربرافراشتن چوبه‌های دار خودشان شدندو باروی‌کارآمدن‌فاشیسم‌دستگاه سوسیالیستها به‌طرزغم‌انگیزی برچیده شد. آنگاه فاشیسم روی‌کار آمد که توضیح بیشتری دربارهٔ آن ضروریست.

مؤسس این‌حزب **موسولینی** بود (۱۸۸۳-۱۹۴۵م) فرزند یك آهنگر سوسیالیست که خود نیز درنوجوانی به سوسیالیست‌ها پیوسته بودوازمبلغان آتشین سخن، سوسیالیزم بود و بهمین سبب او را ازچند ایالت سویس اخراج‌کردند.

اودر آغاز جنگ مخالف شرکت ایتالیا در آن بود و از همین روی از حزب سوسیالیست اخراج شد، سپس‌به‌موافقان جنگ‌پیوست و به‌عنوان‌سربازبه‌جبهه‌رفت پس‌ازجنگ بیکارهٔ همه جا رانده‌ای بود.

ولی‌اوبیکارننشست، جمعی‌ازکسانی را که مانند خودش پس از جنگ بیکار شده بودندگرد آورد و دستهٔ **قاشی دی کومبا دی‌مانتی** را تشکیل داد که بعداً به فاشیست معروف شد.

این بیکاره‌ها به غارت مؤسسات سوسیالیست‌هاوسازمانهای‌دست‌چپی‌دیگر می‌پرداختند، باگرفتن پول از صاحبان کارخانه‌ها اعتصاب‌هارا درهم می‌شکستند وبا همکاری پلیس میتینگها را بر هم می‌زدند، بدین ترتیب فاشیست‌هاشهرتی یافتند و موسولینی توانست با نطقهای آتشین گروهی از کارگران و جوانان روشنفکر رابه‌سوی خودجلب کند.

اودرعین‌آنکه‌انقلاب‌را نابودمی‌ساخت واز سرمایه‌داری حمایت‌می‌کرد، شعارهای انقلابی می‌دادیعنی درحالی‌که فاشیسم یك نهضت سرمایه داری بود شعارهایی می‌داد که برای سرمایه داری خطرناك مینمود و ازاین راه عناصر و اشخاص گوناگونی را در تشکیلات‌خود گرد می‌آورد.

سپس موسولینی به شعار های ناسیونالیستی، احیای امپراطوری روم و تجدیدافتخارات‌باستانی‌را بمیان‌آورد و ژنرالها ونظامیان را بسوی خودخواند وباحمایت آنان‌گروهی‌فاشیست ازمیلان به طرف‌روم براه افتادند. شاه استعفای نخست وزیرش را پذیرفت وموسولینی‌را برای در دست گرفتن زمام امور دعوت کرد (۱۹۲۲). آنگاه‌فاجعه‌ای‌که‌می‌دانیم پیش آمد وایتالیا ۲۳سال در زیر فشار فاشیست‌هاماندودشمنان فاشیسم کیفرهایی سخت دیدند وبدترآنکه‌فاشیسم سرمشقی برای نازی‌های آلمان شد که فجایع بزرگتری‌به‌بارآوردند.

پس ازجنگ جهانی دوم که‌فاشیسم ازمیان‌رفت وایتالیاجمهوری‌شد، احزاب گذشته جانی گرفتند.

سوسیالیستها، رادیکالها، سوسیالیستها و دموکراتهای مسیحی و ... مخصوصاً حزب کمونیست که سازمان خود را در دوران جنگ دسته‌های پارتیزان‌تشکیل داده بود، سخت به فعالیت پرداخت

چندانکه اینك بزرگترین حزب کمونیست درکشورهای سرمایه‌داریست (چون‌مرام احزابی‌که یادشد همه تقریباً با احزاب مشابه‌درکشورهای‌دیگریکسانست ازذکر آنها خودداری می‌شود.)

اینك به آلمان نظرکنیم، کشوری‌که درآغازقرن۱۹ ازچندین‌سلطنت وحاکم‌نشین، که اغلب دست‌نشاندهٔ اتریش‌بودند تشکیل شده‌بود.

یکی ازنهضت‌های معروف آلمان **بورشن‌شافت**یا اتحادیهٔ‌عمومی‌دانشجویان در دانشگاه **ینا** بودکه درسال ۱۸۱۷ به‌وجودآمدکه خواهان‌اتحاد واستقلال آلمان‌بود. بااینکه این جمعیت درسال ۱۹۲۰ منحل شد ولی ازمیان نرفت بلکه به‌صورت یك نهضت پنهانی ملی وسیعی درآمدکه پیوسته وحدت‌آلمان‌را تبلیغ می‌کرد. علاوه برچند حزب ناسیونالیستی‌که‌در آلمان به‌وجود آمد، دو حزب در این‌کشور قابل ذکر است یکی سوسیال دموکرات ودیگری نازی.

حزب سوسیال دموکرات آلمان درسالهای ۱۸۶۰ تشکیل شد وازنخستین احزاب مارکسیست (کمونیست) بشمار می‌رفت.

اما این‌حزب روزبه‌روز به‌شیوه‌های محافظه‌کارانه‌گروید، حزبی نیرومند با اعضاء بیشمار، نمایندگان سخنور، شهرداران، رؤسا وروزنامه نویسان معروف بودوسرمشق‌همهٔ احزاب‌سوسیال‌دموکرات بشمار میرفت. ولی این حزب برای‌مردم خود چه‌میکرد؟ فقط‌پیداکردن‌هواداران بیشتر؛ سوسیال دموکراتها به شرکت آلمان در جنگ صحه‌گذاشتند وپس از جنگ‌کارگران وسربازانی راکه تحت تأثیر انقلاب اکتبر شوریده بودند می‌خواستند قدرت رادردست‌گیرند. باکمك دشمنان‌درهم‌کوبید ورهبران آن‌به‌داشتن چند مقام‌دولتی بیشترقانع شدند.

سوسیال‌دموکراتهادرزمانی‌که‌دارای هرنوع قدرتی‌بودند پیدایش‌ورشد داروـ دستهٔ‌کوچکی را می‌دیدندکه رفته رفته بزرگتر می‌شد. باسوسیال دموکراتها به زدوخورد می‌پرداخت و به‌سوی قدرت دیکتاتوری پیش می‌رفت ولی سوسیالیست‌هایی مانندرفقای‌ایتالیاییشان شاهدساختمان‌قربانگاهشان شدند وچون کارتمام شد لحظهٔ نابودی ایتالیاهم‌فرارسید. شایدسوسیالیست‌های ایتالیاراکمی کمتر بتوان‌گناهکار دانست‌ولی‌سوسیال‌دموکراتهای‌آلمان در حکم برده‌هایی بودندکه‌باقربانی‌شدن، **نازیسم** را پرواز کردند. نازیسم چه‌بود؟ مخلوق عجیبی‌از افکار **فیخته، بیسمارك ونیچه**که درروح بیمار یك مردفوق‌العاده، درهم جوشیده بود. باید باهروسیله‌ای‌که باشد نیرومند شد وحکومت‌کرد، بقیه حرفها مانند آلمان‌برترازهمه ومبارزات‌نژادی‌حرفهای پوچی‌بودبرای فریب مردم، برای تهییج آنان، برای دلخوش‌کردن‌نظامیان، برای پیداکردن واستفاده ازعقدهٔ نفرت مردم.

این حزب‌که در سالهای ۱۹۱۹ـ۱۹۲۰ تشکیل شد حزب **سوسیالیست ملی** نام داشت (نازی مخفف‌آلمانی‌این‌کلمه‌است) ویکی ازهفت عضو، سخنگو وبعدها رهبر آن نه‌سوسیالیست بودونه‌آلمانی. اوپسر یك‌کارمند فقیر اتریشی بودکه دردوران جنگ‌ ازبینوایی به‌ارتش پیوست وپس‌از آن‌کار درستی نداشت.

هیتلر سخنران ماهری بودکه‌شیوه‌های موسولینی رابسی بهتر از او به‌کار می‌بست. اوبه‌بیکاران وعدهٔ‌کار، به‌کارگران وعدهٔ بالابردن‌دستمزد، به‌صاحبان‌کارخانه‌ها وعدهٔ نظم وقانون، به‌نظامیان وعدهٔ لغو پیمان **ورسای** وحتی به دختران وعدهٔ اجباری ساختن ازدواج و«شوهر»میداد. تنهاحزب‌کمونیست‌بودکه درمقابل‌نازیها می‌ایستاد وبه مردم پیدایش اژدهایی را هشدار می‌داد ولی عجیب است‌که سوسیال دموکراتها برای‌ازمیان بردن‌کمونیست‌ها باهیتلر همکاری می‌کردند. درنتیجهٔ این تفرقه وعوامل داخلی وخارجی بسیار، نازیسم پیروزشد، پارلمان تعطیل‌گشت. مخالفان اعدام، زندانی تبعید شدند ویا گریختند، کشتار یهودیان ادامه یافت و سرانجام جنگ‌ تعرضی بسوی اتریش، چکوسلواکی وسراسر اروپا آغاز گشت وتاسال ۱۹۴۵ دنیادرآتش سوخت زیرا **اشپنگلر**سالها پیش‌اعلام کرده‌بود: «انسان حیوانی شکاری» جسور، صنعتگروبیرحم است.... داشتن‌آرمانهای عالی‌نشانهٔ‌ترس وبزدلیست .... کینه،عالیترین احساس جانوران شکاریست. این بود مرام‌نازیسم که درتعادل صداقت اجرا می‌شد. منشور سازمان ملل ۲۰سال پیش ازاین احزاب نازی وتبلیغ افکارآنرا منع‌کرد وهمهٔ دولتهای‌عضوبرآن‌صحه‌نهادندولی‌این‌افکار به‌صورتهای‌گوناگون درآلمان، ایتالیا، اسپانیا، آمریکا، برخی‌کشورهای عربی و فرانسه تبلیغ می‌شود، اینك‌آلمان دوشقه شده‌است، درآلمان غربی مانند دیگر کشورهای غربی‌احزاب دموکرات‌مسیحی وسوسیال‌ودموکرات ولیبرال برسرکارند وحزب‌کمونیست‌غیرقانونیست ودرآلمان شرقی‌تمام احزاب غیراز حزب‌کمونیست ازفعالیت محرومند. اینك به‌سوی شرق می‌رویم تابه روسیه برسیم. انقلاب‌کبیر فرانسه ومخصوصاً لشکرکشی ناپلئون‌در همه‌جای اروپا صلای‌آزادی دردادکه‌از آنجمله روسیه بود. در زمان سلطنت **آلکساندر اول** برخی مردم‌روشنفکر، دسته‌های پنهانی تشکیل دادند وبرای به‌دست‌آوردن آزادیهای سیاسی و قانون اساسی‌کوشیدندکه ازآنجمله **انجمن رستگاری، انجمن‌رفاه، اتحاد شمالی و اتحادجنوبی** رامیتوان نام برد، عده‌ای ازافسران جوان این انجمن‌ها دردسامبر **۱۸۲۵** برعلیه نیکولای اول شوریدند ولی‌این‌قیام چون درمیان مردم زمینه‌ای نداشت پس‌ازچند ساعت در هم شکست و سران‌آن‌کشته شدند. این عده عموماً به **دکابریستها** معروفند (دکابر تلفظروسی دسامبراست) سپس برای‌نیم‌قرن، سکوت وخفقان‌حکم‌فرما بود تااندك اندك‌بیداری پدیدآمد. در این دورهٔ خفقان ورود مطبوعات خارجی‌ممنوع بود. افراد روس جز بااجازهٔ تزار نمی‌توانستند به خارجه بروند وخارجیها بایستی‌گذرنامهٔ روسی می‌داشتند ودرآن حال نیز همیشه تحت نظر پلیس بودند. دراین ایام تاریك‌یك انجمن‌کوچك سوسیالیستی‌معروف‌به‌گروه **پطراشوسکی** درسال ۱۹۴۵ تشکیل شد که اعضاء آن گروهی نویسندگان و دانشجویان روشنفکر بودندکه به مطالعهٔ آثار **پرودون، فویرباخ، مارکس، انگلس، فوریه، بلینسکی، روسو** و دیگران‌می‌پرداختند وخودکتابهای‌مهمی برای روشن ساختن فکرمردم مینوشتند. این جمعیت در۱۸۴۹ کشف شد و۲۰ تن ازسران‌آن به‌اعدام محکوم شدند ولی بعد بایکدرجه تخفیف به سیبری تبعید شدند.درمیان‌آنان‌ازسوسیال‌دموکراتهای انقلابی تاآزادیخواهان میانه‌رو وجود داشتند ولی‌گردانندگان‌نهضت مردانی روشنفکر وانقلابی بودند. یکی‌ازاعضاء این جمعیت بعدها سخت معروف شد واو **فیودورداستایوسکی** نویسندهٔ معروف‌بود.

جنگ کریمه نیز به نوبه خود موجب ضعف استبداد شد. غرور ملی که از این شکست جریحه دار شده بود به تکان آمد. دسته‌هایی تشکیل شد که خواهان لغو سرواژ، اصلاحات اجتماعی، آزادی تعلیم و تربیت و یا انقلاب بود بر اثر این نهضت‌ها سرواژ لغو شد (۱۸۶۱) و اصلاحاتی در دستگاه اداری به عمل آمد و انجمنهای ایالتی و ولایتی انتخابی تعیین گشت. کار درهمین جا متوقف شد و تزار همین را ازسر ملت هم زیادی می‌دانست. هنگامیکه جمعی از نجبای روس عریضه‌ای برای تأسیس مجلس مشورتی به تزار دادند هر کدام به دوماه حبس محکوم گشتند تا دیگر از این کارها نکنند. درهمین دوران یك نهضت انقلابی تازه پدید آمد که بعدها به **نی‌هی‌لیسم** معروف شد و بسیاری از روشنفکران روس در آن شرکت داشتند. اینان می‌گفتند باید گذشته را بدور انداخت و زنجیرهای کهن را گسست و به سوی جهان نو و به فردا توجه داشت. برخی از اعضای آن به سوسیال دموکراتها پیوستند و برخی دیگر به شیوه‌های آنارشیستی گرویدند که توسط **باکونین** از یاران سابق مارکس تبلیغ میشد. هواداران باکونین، صدها و هزاران دانشجو، روشنفکر و اشراف زاده به جامهٔ دهقانان درمی‌آمدند و همراه آنان در مزارع کار می‌کردند ودرحین کار بدانان درس می‌دادند و آیین خود را تبلیغ می‌کردند. اما پلیس زود به این حیله پی برد و با کمك همان دهقانان که در آغاز چیزی از این حرفها نمی‌فهمیدند تنها در یکسال ۱۵۰۰ تن از این مبلغان پاکباز را گرفتار کرد. آنارشیستها وقتی ازاین راه توفیقی نیافتند به خشونت پرداختند ودر یکسال ۱۶ تن از مأموران عالیرتبهٔ دولتی را کشتند (۱۸۷۹) وچون حکومت بر خشونت خود افزود آنارشیست‌ها تزار را نیز به قتل رساندند (۱۸۷۹) ولی همانطور که می‌دانیم تروریسم مانند همیشه نتایج زیانباری داشت. خفقان و فشار بیشتر شد، پیشرفت فکری توده کندتر گشت و جمعی از لایقترین فرزندان روسیه درازای کشتار چندتن ازمیان رفتند و کشور از وجودشان محروم گشت. در ۱۸۹۴ از بهم پیوستن چند محفل سوسیالیستها حزب **سوسیال دموکرات روسیه** توسط **پلخانوف** به وجود آمد. این حزب یك نهضت مارکسیستی بود. یکی از اعضاء جوان این حزب که از تبعید سیبری به خارجه گریخته بود نخستین روزنامهٔ مارکسیستی را بنام **ایسکرا** (اخگر) منتشر کرد که بطور وسیعی در روسیه توزیع میشد. (۱۹۰۰) **لنین** بود که بعدها سخت نامور گشت. لنین سوسیال دموکراتها را از عقاید اصلاح طلبانه و سازشکارانه سخت برحذر می‌داشت. پلخانوف و پیران قوم که به فلسفه متکی بودند نمی‌توانستند به حرفهای بدعت آمیز او و رفقایش را، که مارکسیسم را باعصر خود وشرایط روسیه تطبیق می‌کردند، دریابند.

درنتیجه درسال ۱۹۰۳ در دومین کنگرهٔ حزب سوسیال دموکرات کارگران روسیه انشعابی پدید آمد. یاران **لنین** به بولشویك (اکثریت) و هواخواهان پلخانوف به **منشویك** (اقلیت) معروف شدند.

پلخانوف معتقد بود روسیه برای رسیدن به سوسیالیسم باید مراحل تاریخی تکامل را بگذراند وما باید فعلا به بورژوازی یاری کنیم تا قدرت را در دست گیرد و باید فعلا درافکار خود تعدیل دهیم تا بتوانیم قشرهای وسیعی ازمردم را فراخوانیم و سپس افکار آنان را آماده کنیم، ولی لنین این کار را «یك قدم به جلو ، دوقدم به عقب» نامید. او گفت این به منزلهٔ خیانت به طبقهٔ کارگر و آرمان اوست. زیرا آرمان طبقهٔ کارگر برقراری سوسیالیزم و گرفتن قدرت در دست خویش است و نه جان سپاری و سپردن قدرت به دست بورژوازی که دشمن اوست. حزب طبقهٔ کارگر نمی‌تواند جز از طبقهٔ کارگر ویا روشنفکرانی که براثر شرایط اجتماعی با طبقهٔ کارگر اشتراك منافع دارند بوجود آید. به مرور زمان منشویکها به تحلیل رفتند. اعضاء پایین آن به بولشویکها پیوستند و رهبرانشان دوشادوش بورژوازی با بولشویکها به منازعه برخاستند. پس از انقلاب اکتبر منشویکها نیز مانند تمام احزاب دیگر در اتحاد شوروی ازمیان رفتند و بولشویك به صورت حزب حاکم درآمد.

اینك ازاروپا بیرون می‌رویم زیرا ذکر احزاب گوناگون دیگر که از لحاظ سیاست و شیوهٔ کار مشابه احزاب فوق الذکر است لزومی نخواهد داشت. فی‌المثل حزب **فالانژ** در ۱۹۳۳ در اسپانیا تشکیل شد تقلیدی از فاشیسم و نازیسم است. **هتر** که در اوایل قرن ۱۹ توسط یونانیان کریمه تأسیس شد مشابه فنیات ایرلندیهای آمریکاست و **دست سیاه** که یك سازمان تروریستی صرب بود و بهانهٔ جنگ اول جهانی شد.

(یکی ازاعضای این جمعیت ولیعهد اتریش بود که زنش را کشت در نتیجه اتریش به صربستان اعلان جنگ داد و بعد دولتهای دیگر درجنگ شرکت کردند.)

عثمانی (ترکیه) نخستین کشور مسلمان است که در آن احزاب سیاسی به وجود آمد ولی از احزاب اولیه و از آن جمله ازتشکیلات نهضتی که در سالهای ۱۸۵۶ توسط **مدحت پاشا** بوجود آمد اطلاع درستی نداریم. همچنین از سازمانهایی که قیام ۱۸۷۶ قسطنطنیه را رهبری می‌کردند. بی اطلاعیم. در سالهای ۱۸۰۷–۱۸۰۸ قیامی برای اجرای مشروطیت به وقوع پیوست که توسط حزب **ترکهای جوان** و **کمیته اتحاد و ترقی** اداره می‌شد. درپایان جنگ حزب **خلق** توسط **مصطفی کمال پاشا** تاسیس شد که سالها زمام امور ترکیه را در دست داشت و سازمان دهندهٔ انقلاب جمهوری این کشور بود. این حزب از یك سیاست ملی افراطی پیروی می‌کرد. جداشدن ازسنن باستانی، ترکی کردن همه چیز، بستن دروازه‌ها بروی کالاهای خارجی و تقلید از تمدن اروپایی. پس از جنگ دوم جهانی حزب دموکرات در ترکیه تشکیل شد که سخت متمایل به سیاست عرب بود. **جلال بایار** رهبر این حزب درسال ۱۹۵۰ به ریاست جمهوری رسید وتاسال ۱۹۶۰ در سیاست خارجی پیرو دولتهای غربی ومخالف با کمونیزم ودرسیاست داخلی بستن دهان مخالفان وحمایت ازمالکان بزرگ را وجههٔ همت خود ساخت. درنتیجه برناراضیان افزوده شد وسرانجام بایك کودتای نظامی دولت سرنگون گشت ورهبران آن به زندان و اعدام محکوم شدند. ولی اینك ازدوسال پیش دولت ترکیه روش ملایمی دربارهٔ دموکراتها درپیش گرفته وحزب دموکرات فعالیتش را تجدید کرده است.

مصر نیز از کشورهاییست که از دیرباز به خاطر کسب استقلال و آزادی به ایجاد احزاب پرداخته است ولی ما از کیفیت احزاب اولیهٔ آن اطلاعی نداریم مثلا دربارهٔ نهضت **عرابی پاشا** یاسیدجمال الدین چندان چیزی نمی‌دانیم. در پایان جنگ اول فقط یك حزب **وطن** وجود داشت که جمعیت کوچکی بیش نبود.

در این هنگام **سعدزغلول** قهرمان

نامی استقلال و آزادی مصر حزب **وفد** (نمایندگی) را بنیان نهاد . این حزب در میان مردم محبوبیتی عظیم یافت چندانکه با وجود مخالفت انگلیسیان و شاه مصر در سال ۱۹۲۳ توانست ۹۰ درصد آراء مردم را بدست آورد. درسال ۱۹۲۷ زغلول درگذشت و **مصطفی نحاس پاشا** رهبری حزب را بعهده گرفت . در سال ۱۹۳۰ نحاس پاشا از نخست وزیری معزول و حزب وفد غیرقانونی اعلام شد. ولی از مبارزه دست برنداشت تا آنکه در سال ۱۹۳۵ توانست باردیگر بر سر کار آید و تا حدی زمینهٔ استقلال سیاسی مصر را تأمین کند (۱۹۳۶) ولی اصلاحات نحاس پاشا نمی‌توانست با مشی **ملک فؤاد** هماهنگ باشد از اینرو بازاورا از کار برکنار کرد . معذلك حزب **وفد** همچنان پایداری کرد ولی رهبران آن کم کم رابطهٔ خود را با مردم وخواستهایشان گسیختند . با آنکه نحاس دوبار دیگر برسر کار آمد هیچ اقدام اساسی برای تغییر وضع اجتماعی کشورش انجام نداد تا آنکه سرانجام با قیام **نجیب** و یارانش (۱۹۵۲) حزب وفد از میان رفت . حزب دیگر **اخوان المسلمین** است که در سال ۱۹۱۸ توسط **حسن البناء** در اسمعیلیه مصر تأسیس شد و خواستار ایجاد دولت اسلامی و وحدت مسلمانان بود . این حزب به زودی در کشورهای عربی مورد استقبال قرار گرفت. ولی از آنجا که خواهان بازگشت به گذشته بود و از شیوه‌های ارتجاعی پیروی میکرد و به ترور متوسل می‌شد کاری از پیش نبرد . با اینهمه و با وجود آنکه چند بار در مصر ، سوریه ، اردن ، عراق چند بار غیرقانونی اعلام شده و رهبران آن زندانی یا اعدام گشته‌اند ، معذلك در میان طبقات متوسط هواداران مؤمنی دارد .

درکشورهای عربی خاورمیانه یك حزب سوسیالیست میانه‌رو (از نظر سیاست اجتماعی نه‌روش کار) بنام **بعث** وجود دارد که پس ازجنگ دوم جهانی نقش فعالی در مبارزات ضد استعماری این کشورها داشته . سازمان این حزب حتی پس از آنکه در سوریه قدرت را در دست گرفته ، درهمهٔ کشورها مخفی است واغلب از روشنفکران ، روزنامه نویسان ، وکلای دادگستری ،کارکنان ادارات ، افسران جوان ارتش و مردم متوسط شهری تشکیل شده است .

پیش از آنکه از کشورهای عربی به درآییم باید بگوییم که تقریباً درهمهٔ آنها احزاب کمونیست غیر قانونی و دارای فعالیت زیر زمینی می‌باشد .

دراینجا باید از دو حزب ناسیونالیست افراطی یاد کرد : یکی **داشناکسیون** که خواهان اتحاد و استقلال ملت ارمنی است و دیگری نهضت **صهیونیسم** که برای استقلال و آزادی فلسطین و اتحاد یهودیان جهان مبارزه می‌کند و هردو دارای تشکیلات پنهانی است .

در هند احزاب گوناگون به وجود آمد که مهمترینشان حزب **کنگرهٔ ملی هند** بود که در سال ۱۸۸۵ نخستین اجتماع خود را درشهر بمبئی تشکیل داد و نخستین رییس آن **بونارجی** نام داشت . در آن هنگام کنگره‌ای مظهر بورژوازی ثروتمند هند وسازمان طبقه‌ای بود که با آموزش انگلیسی پرورش یافته بودند و درخواستهای آن، خواسته‌های مالکان بزرگ وسرمایه داران هند و تحصیل کرده‌های بیکار بود این حزب درطی مبارزات خویش آزموده‌تر شد . طبقات پایین در آن راه یافتند و نسل جوانی آمدند. از سوی دیگر بورژوازی ملی در هند رشد می‌یافت و صنعت پیش می‌رفت . **نهضت سوادشی** پدید آمد ، مبارزهٔ مصرف کالای انگلیسی و استعمال کالای هندی . همچنین در ایالات جنوبی وجنوب شرقی قیامهای مسلح بوقوع پیوست . اینها همه در حزب کنگره اثر گذاشت . اکثریت اعتدالی بجا ماند و و انقلابی‌ها به رهبری **بال کانگادهار تیلك** از آن جدا شدند و **جامعهٔ خود مختاری** (Home rubheague) را تشکیل داد. تیلك و یارانش سرانجام پیروز شدند زیرا در ۱۹۱۶ دوباره به کنگره بازگشتند ودو سال بعد اعتدالی‌ها از آن بیرون رفتند. حزب کم کم متوجه مردم می‌شد که چیزهایی از انقلاب اکتبر به گوششان می‌رسید و آنان را به هیجان می‌آورد . در سال ۱۹۱۹ سیمای شگفت انگیزی در هند پیدا شد و او **موهنداس کرمچند گاندی** بود که ناگهان از کنج عزلتش بدر آمد و **انجمن عدم خشونت** (Satia graha sabha) را تشکیل داد. این انجمن نخستین تظاهرات سراسری هند را به عنوان روز سوگواری ترتیب داد . این دیگر یك جلسهٔ کنفرانس حزبی یا مجلس وعظ وخطابه نبود. بلکه نهضتی بود که درآغوش مردم جای داشت. درسال ۱۹۲۰ کنگره با پذیرفتن نظریهٔ «عدم همکاری» که توسط گاندی مطرح شده بود، گام بلندی برداشت. بدین ترتیب کنگرهٔ هند ازراه مردم ایرلند پیروی می‌کرد و حالا دیگر خواهان استقلال بود نه چیزی کمتر (۱۹۲۲). درهمین دوران انشعابی درکنگره رخ داد ویك حزب استقلال بوجود آمد که عقیده داشت باید در شوراهای دولتی شرکت کرد تا بتوان تدریجاً قدرت را دردست گرفت وازداخل و «بالا» کارها را درست کرد . البته ظاهراً حزب خوبی بود ولی درعمل ازطرز فکر جمعی بود که ازکتك خوردن وبه زندان رفتن راضی نبودند وریاست وحقوق گرفتن را به آن ترجیح می‌دادند. ولو اینکه این کار موجب تمدید اسارت ملتشان بود.

این حزب با مشکلات زیادی مواجه شد، زیراهند مهد زبانها و مذهبهای گوناگون و نیز دارای شرایط اقتصادی و طبیعی مختلف است. استعمار نیز ازاین اختلاف حداکثر استفاده را می‌کرد. دولت انگلیس در آغاز کار به حزب **اتحادیهٔ مسلمانان سراسر هند** (All Indian Muslim Beague) نظر مساعد داشت وبعدها نیز گاه ازتقویت آن در برابر حزب کنگره وکمونیست‌ها خودداری نمی‌کرد. احزاب ناسیونالیستی دیگر نیز مانند **حزب آکالی** که یك نهضت متعصب سیك و **آریاساماج** که حزب شوونیستی هندی بود وبسیار احزاب دیگر از روش حزب کنگره پیروی نمی‌کردند . کمونیست‌ها نیز روش مبارزهٔ کنگره را تأیید نمی‌کردند وآنرا «لقمه را ازقفا در دهان گذاشتن» میدانستند. با اینهمه محبوبیت کنگره روزبروز درمیان مردم بیشتر شد وازحمایت توده‌ها برخوردار گشت و نه بستن آن و نه اعدام وحبس رهبرانش نتوانست موجب زبونی این حزب شود . غنای روحی مردم هند وفداکاری وشایستگی رهبران حزب نیز بدان کمك فراوان کرد وسرانجام پس از آزادی هند کنگره زمام کشور را دردست گرفت. این حزب در امور داخلی از سیاست حزب کارگر انگلستان ودرسیاست خارجی ازعدم شرکت در دسته بندی نظامی پیروی می‌کند . ولی این حزب اینك روز بروز ضعیف‌تر می‌شود، زیرا نتوانسته است زیر بنای اجتماعی هند را تغییر فاحشی دهد و برای

همگامی باشرایطزندگی امروزبرنامه‌ای اجراکندواین‌ازآنروست‌که اصولا حزب کنگره ازآغاز کار با انقلاب‌ناسازگار بود .

حزب **مسلم‌لیگ** که دربالا از آن ذکری‌شددرسال ۱۹۰۶ به‌وجودآمدودر آغاز کار با حزب کنگره همراه بود . از سال ۱۹۳۴ **محمد علی‌جناح** رهبری آنرا به‌عهده‌گرفت. ازآن‌پس این‌حزب مسئلهٔ مملکت مسلمان را مطرح ساخت و دردوران مبارزات استقلال جنگهای خونینی‌راموجب شدکه سرانجام‌به تجزیهٔ هندوپیدایش‌پاکستان‌منجر گردیدوازآن پس تا روی کارآمدن **ایوب خان** حزب حاکم پاکستان بود و هنوز هم مشغول فعالیت سیاسی است .

دورتر می‌رویم به چین ، که درهر حال درپردهٔ ابهام واسرار پوشیده‌است. درزمانی‌که انگلستان، فرانسه ، آلمان روسیه وژاپون از همه‌سوگلوی چین را می‌فشردند این کشور رستاخیزرا آغاز کرد .

ملکهٔ‌چین به‌تشویق گروه مبارزان محلی پرداخت که خود را **گروههای هماهنگی عادلانه** (Ay Hu Twan) می‌نامیدند ودراروپا به**مشت‌زنان** معروف شدند.این یك نهضت میهن پرستانه ولی مرتجع‌بودکه می‌خواست ازنظام پوسیده دفاع کند . در سال ۱۹۰۰ این مردان میهن‌پرست‌برضد مبلغان‌مسیحی،چینیانی که مسیحی شده بودند وبرعلیه هر چیز اروپایی قیام‌کردندکه درنتیجهٔ مصایب هولناکی برای چین به‌بارآورند. زیرا ارتشهای‌اروپایی به‌چین ریختند وغارت وکشتار بی رحمانه ای کردند ، که از زمان **پیزارو** تاآن زمان سابقه نداشت. ولی در همین ایام یك جنبش نونیزپا می گرفت .

یك پزشك چینی‌که فرزندروستایی تنك‌مایه‌ای بود درسال ۱۸۹۴م **انجمن احیای‌چین** را بنیان نهاد . این انجمن خواهان تجدید سازمان چین‌بود . باید زبان‌دشمنان‌را آموخت.آنان راشناخت وبا اسلحهٔ خودشان به جنگشان رفت .

باید مردم چین از آزادی ، قانون اساسی ووسایل اولیهٔ زندگی برخوردار شوند تا بتوانند به زندگی خودادامه دهند .

این انجمن در شهرهای چین رشد یافت وگسترده شد وسراسرچین جنوبی را فرا گرفت و در ۱۹۱۱ در آستانهٔ انقلاب‌به‌حزب**کوئومین‌تانگ** (حزب‌ملی مردم) «Coo Min Tang» تبدیل شد . اساس امپراطوری را برانداخت و درپی ایجاد نظم نوی شد که مرام آن نوعی سوسیالیسم بسیار اعتدالی بودولی فشار سیاسی واقتصادی‌غرب**سون‌یات‌سن** را بـه شوروی متوجه ساخت و در سال ۱۹۲۴ حزب کوئومین‌تانگ‌به‌جبههٔ‌واحد ملی تبدیل شد که‌کمونیست‌هانیز درآن عضویت داشتند .

ازمرگ دکتر سون یات‌سن چیزی نگذشت‌که حزب‌کوئومین تانگ تجزیه شد (۱۹۲۷) ازآن‌پس‌دیگر کوئومین‌تانگ‌یك‌حزب انقلابی سوسیالیست‌نبود. کارگردانان حزب به‌رهبری‌چیانك‌کای‌چك اتحادیه‌های کارگری را می‌بستند ، روزنامه‌هاراتوقیف می کردند واعتصابها را با خون خاموش می‌ساختند .

این‌حزب روزبه‌روز به‌سوی مالکان بزرگ، صاحبان بانکهاوژنرالها آغوش می‌گشود زیرا مردم کوچه‌وبازاررهایش می‌کردند تا آنکه پس از سال ۱۹۴۹ قلمروش به جزیرهٔ **تای‌وان** (فورموز) محدود شد .

حزب دیگر چین، حزب **کمونیست** بود وازآن جهت ذکر می‌شود که شیوهٔ کار وسرگذشت خاصی دارد . این حزب درسال ۱۹۲۰ به‌صورت یك انجمن‌مخفی کوچك تشکیل شد و به تبلیغ در میان کارگران‌پرداخت.تا سال ۱۹۲۴ عده‌ای از روشنفکران و کارگران صنعتی بدان پیوستند .

در این هنگام اعضای حزب بـه کوئومین‌تانگ‌پیوستند ودرزیرلوای‌آن ازامکانات مساعدی‌برای تبلیغ وسازمان دادن‌کارگران ودهقانان برخوردارشدند درسال ۱۹۲۷ که‌ازحزب جداشدند‌مورد تعقیب دولت قرار گرفتند دراین هنگام رهبری آنان را یك معلم جوان به‌عهده داشت‌که **مائوتسه‌تونگ** نامیده می‌شد . اینان نخست‌کوشیدندتا قدرت را در دست گیرند ودر سال ۱۹۲۷ در ایالت **هایفونگ** که ۵۰ ملیون جمعیت داشت نخستین‌دولت «جمهوری‌شوروی»راایجاد کردند . ولی این‌جمهوری درهم شکسته شد وکمونیست‌هایکی ازعجیب‌ترین‌راه‌پیمایی های تاریخ رابه‌سوی شمال آغاز کردندودرسالهای ۱۹۳۴-۱۹۳۶ بیش از ۱۵۰۰۰ کیلومترعقب‌نشستند تاخود را به‌ایالت **شن‌سی** رساندند.

درآن هنگام شکست کمونیست ها قطعی به‌نظرمی‌رسیدزیرا آنان ازمرکز چین وازشهرهای صنعتی‌جنوب بسیاردور بود . و حال آنکه گفته می‌شد انقلاب کمونیستی بایدبه‌وسیلهٔ کارگران صورت گیرد.ولی‌کمونیست‌ها درطول عقب نشینی در همه جا سازمانهای روستایـی ترتیب داده بودندکه پس ازرفتن آنها همچنان به فعالیت می‌پرداختند .

درسال ۱۹۳۷ آنها توانستندبسیاری ازمخالفان‌را نیز درجبههٔ واحدی‌برعلیه ژاپون متجاوز متحدسازند. این‌اتحاد تا ۱۹۵۵ باقی بود وبه کمونیست‌ها امکان داد تا همراه باتوسعهٔ شیوه‌های جنگی خودتبلیغات‌کمونیستی رانیز اشاعه‌دهند وپس ازجنگ بـاوجود پیروزی‌ظاهری چانك‌کای‌چك ، که از حمایت دولت‌های غربی (وحتی‌شوروی) برخوردار بود ، آنـان توانستند مـردم چین را به‌سوی خود خوانند وباجنگهای پارتیزانی‌دولت کوئومین تانك را از چین بیرون‌کنند.

در آغازحزب‌کمونیست‌چین‌تاحدی سیاست لیبرالی داشت و می‌کوشید همهٔ مخالفان‌چیانك‌کای چك را در پیرامون خود گردآورد . ولی قدرت رادردست گرفت تدریجاً به‌سوی ملی کردن تمام ثروتها واشتراکی‌ساختن مزارع‌پرداخت سپس درسالهای‌اخیربرای اینکه یکباره از دست لیبرالها ومیانه‌روها آسوده‌شود به«انقلاب فرهنگی» دست‌زد .

اینك به‌ایالات متحدهٔ‌آمریکا نظری بیفکنیم :

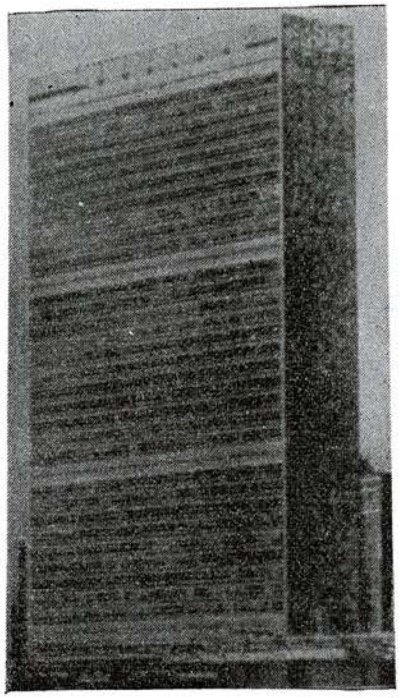
نخستین احزاب درآغاز قرن ۱۹ در این کشوربه‌وجود آمدند . **توماس جفرسون** درسالهای ۱۷۹۷-۱۸۰۱ حزب جمهوریخواه را تشکیل دادکه‌هواخواه بسط‌اختیارات‌ایالت‌هاو آزادی مذهب ، تعلیم‌وبیان. درمقابل‌این‌حزب‌فدرالیست‌ها خواهان ازدیاد قدرت دولت‌مرکزی بودند .

این‌احزاب‌تامدتی‌چندان‌پانگرفتند زیراهنوز از سویی صنایع درحال‌تکوین واز سوی دیگر مردم در پیشروی به‌سوی غرب‌بودند وهمه «سرشان گرم‌بود» اما کم‌کم شمال صنعتی می‌شد و خواهان نیروی کارارزان بود. از سوی‌دیگرکالا-

بریتانیایی مانع ورقیب آن بود .

در این هنگام حزب جمهوریخواه که اینك دموکرات نامیده می‌شد (۱۸۲۸) پاگرفت و به مقابله با حزب جمهوریخواه ملی یا **ویگ** که درسال ۱۸۲۷ ایجادشده بود پرداخت. حزب ویگ خواهان بستن تعرفه‌های گمرکی وحمایت ازصنایع سنگین بود وحال آنکه دموکرات‌ها به حمایت ازصنایع خرده‌پا و پیشه‌وران و صاحبان اراضی می‌پرداختند .

درسال ۱۸۵۴ از ائتلاف چندحزب مترقی بورژوازی **حزب جمهوریخواه** به وجودآمد که خواهان لغو برده داری و تقویت دولت‌مرکزی و همان سیاست ویگ‌ها بود ، درسال ۱۸۶۰ **لینکلن** ، کاندید جمهوریخواهان برای اولین بار به ریاست جمهوری انتخاب شد . این برای جمهوریخواهان پیروزی بزرگی بود ودموکرات‌ها را برای‌مدتی درازازصحنهٔ‌سیاست‌راندند. حزب دموکرات مدت بیش‌از ۷۰ سال (۱۸۶۱ـ۱۹۳۲م) به‌استثنای فاصله‌های کوتاهی زمامدار ایالت متحده بود ، ولی عدم توجه این حزب به برنامه های لازمهٔ یك کشور امپریالیستی در حال رشد وپیش‌آمدن بحران مالی آنرا برای مدتی دراز از کرسی به‌زیرافکند(۱۹۳۳ـ۱۹۵۲م) آیزنهاور نیز در زمان زمامداری خود نتوانست حیثیتی برای‌حزب جمهوریخواه کسب کند . درنتیجه،ازسال ۱۹۶۰ بار دیگر دموکرات‌ها برسر کارآمدند . در اینجا باید نکته‌ای را در بارهٔ احزاب آمریکاتذکرداد «باآنکه احزاب آمریکا همه ملی‌هستند معذلك اساس‌هریك تابع ناحیهٔ‌مخصوصی‌است...اشخاص نیزدرروش احزاب‌تأثیرعمده‌دارندوسازمان احزاب نیزدایماً در تغییراست و عنوان احزاب باقی می‌ماند ولی مرامشان تغییر کلی می‌کند.البته‌ماراجع به بقیهٔ‌کشورهاچیزی تازه نداریم تابگوییم . نه ازانجمن‌های ناسیونالیستی سیاهپوستان وسرخ‌پوستان آمریکاونه ازاحزاب‌مشابهی‌که‌بر کشورهای تازه‌استقلال‌یافتهٔ‌افریقا حکومت‌می‌کنند، نه‌از احزاب فاشیستی یا کمونیستی و یا نهضت های پارتیزانی آمریکای لاتین ، یاازاحزاب‌کاناداواسترالیاکه الگویشان احزاب انگلستانست چیزی نخواهیم گفت.



سازمان ملل

پس ازپایان جنگ جهانی دوم ، زمانی‌که ملیونها نفرکشته شده ودرنتیجهٔ آن ملیونها نفردیگر دچار بی‌خانمانی، گرسنگی و سرمازدگی شده بودند مردم دنیاآرزوی یك صلح پایدار را داشتند. آرزوی‌برخورداری‌ازصلح‌و نیز برقراری شرایط بهتر زندگی، دربهار ۱۹۴۵م هنگامیکه‌کشورهای مختلف‌کوشش‌های خود را برای بوجودآوردن سازمان‌ملل متحد، متمرکز ساخته‌بودنددر کنفرانس بزرگ سانفرانسیسکو تجلی‌کرد .

سازمان ملل متحد به منظور اختلافاتی که امکان داشت باعث بروز جنگ بین‌کشورهاگردد به وجود آمد. ودرعین حال به‌یاری‌کشورهای جهان‌در مبارزه علیه ناکامی‌های بشر وبی‌عدالتی و ستم برخاست . تأثیر افکار عمومی مردم جهان در طرفداری از حقوق و ارزش‌های بشری‌کمك‌خواهدکردتاامکان برافروخته شدن جنگ‌بین مردم دنیا تقلیل یابد .

فعالیت‌های‌کارگزاریهای وابسته به سازمان‌ملل‌متحدچه‌آنهاکه‌جنبهٔ‌مادی‌دارد و چه فعالیت‌های‌معنوی‌آن سازمان‌چنان تأثیری در ایجاد وتحکیم صلح داردکه شاید بتوان ارزش آنرا برابر ارزش تشکیل کنفرانسهای بزرگ متشکله به‌منظوراستفاده‌از نیروی‌اتم‌برای‌مقاصد صلح‌آمیز دانست .

این سازمان تاکنون‌ازبروزچندین جنگ‌نظیر **جنگ‌فلسطین‌و کشمیر** جلوگیری کرده است .

ستون فقرات تشکیلات سازمان‌ملل متحد**مجمع عمومی**است که‌تمام‌کشورهای عضو سازمان درآن شرکت دارند وهیچ کشوری درمجمع عمومی‌دارای حق **وتو** نمی‌باشد .

شورای امنیت‌دارای‌یازده‌عضواست که پنج عضوآن دایمی هستند و عبارتند از: انگلستان‌ـچین ـ فرانسه‌ـاتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایالات متحدهٔ‌آمریکا . دراغلب موارد هیچ اقدامی بدون اتفاق‌آرای اعضای دایمی قطعیت نمی‌یابد و به‌عبارت دیگرهریك از این‌کشورهای دارای‌حق **وتو**میباشند.

شش‌کشور عضو غیر دایمی شورای امنیت توسط مجمع‌عمومی برای مدت‌دو سال انتخاب می‌گردند و ازحق وتو نیز محرومند .

دیوان‌بین‌المللی‌لاهه مرکب از نمایندگان ۱۸ کشورعضور است‌که‌منتخب مجمع عمومی می‌باشند. کاراین‌شوراکمك به هماهنگی فعالیت‌های بسیاری ازکارگزاریهای وابسته به سازمان ملل متحد است‌که‌درمورد‌ایجاد همکاری‌بین‌المللی درزمینهٔ امور مختلف وظایفی به عهده دارند .

شورای قیمومت سازمان‌ملل‌متحد در نحوهٔ ادامهٔ امور مناطقی‌که به‌عنوان کشورهای تحت قیمومت از طرف برخی کشورهای معتبر جهان اداره می‌گردند نظارت می‌نماید .

مقرسازمان ملل متحد

مقر سازمان ملل‌درنیویورك مکان شگفت‌انگیزی‌است‌که درآن‌همهٔ‌نژادهای متشکل بشری یکسان هستند . درتالار مجمع‌عمومی می‌توان به سخنان‌ناطقی‌که به‌یك زبان‌خارجی سخن‌می‌راند‌گوش‌فراداد یا با استفاده‌گوشی مخصوص ترجمهٔ گفته‌های وی را به زبان مادری‌شنید .

کارگزاریها

امورملل متحدعملا به‌عهدهٔ چندین کارگزاری‌است‌که بادشمنان اصلی‌مادی

نوع بشر یعنی گرسنگی، مرض و فقر سروکار دارند .

مبارزه با گرسنگی ، اختصاصاً در عهدهٔ سازمان خواربار و کشاورزی جهانی است که درسال ۱۹۴۳ در کنفرانسی متشکل از نمایندگان کشورهای مختلف تأسیس یافت .

سازمان بهداشت جهانی ، مولود کنفرانسی است که در ژوئیهٔ ۱۹۴۶ در نیویورک انعقاد یافت و در آن نمایندگان شصت و یک کشور یک کمیسیون موقت برای فعالیت در جهت بهداشت بین‌المللی تشکیل دادند . سازمان دایمی بهداشت جهانی در تاریخ هفتم آوریل ۱۹۴۸ که بیست و شش کشور اساسنامهٔ آنرا تصویب نمودند به وجود آمد و به همین مناسبت روز هفتم آوریل اکنون در سراسر جهان به عنوان **روز بهداشت جهانی** جشن گرفته می‌شود.

سازمان بین‌المللی کار، کارگزاری دیگری است که غالباً با تعداد کثیری از مردم تماس دارد، این سازمان درسال ۱۹۱۹ به عنوان یک مؤسسهٔ مستقل وابسته به جامعهٔ ملل تشکیل یافت و اکنون یک کارگزاری اختصاصی است که به ملل متحد وابسته است.

یونیسف ، صندوق بین‌المللی کمک اضطراری به کودکان در سال ۱۹۴۶ توسط مجمع عمومی به وجود آمد. در این سازمان امداد سازمان ملل متحد که برای کمک به قربانیان مصایب جنگ به وجود آمده بود به کار خود پایان داد و یونیسف کار امداد به کودکانی که هنوز محتاج کمک بودند را از آن تحویل گرفت .

سازمان تربیتی ، علمی و فرهنگی ملل متحد ، یونسکو ، یکی دیگر از کارگزاریهای اصلی سازمان ملل متحد است که مسؤولیت تمامی رشتهٔ تعلیم و تربیت را به عهده دارد و بنابراین کارش با تمام مؤسسات دیگر متداخل است .

پول و تجارت در سازمان ملل متحد «بانک جهانی»

اساس بانک جهانی در کنفرانسی که در تابستان سال ۱۹۴۴ در **برتون ـ وودز** واقع در ایالت «نیوهمشایر» آمریکا تشکیل گردید نهاده شد و سازمان مشابه آن یعنی **صندوق بین‌المللی پول** نیز از همان کنفرانس منشاء گرفت . تعداد اعضای بانک مزبور درسال ۱۹۶۳ به ۱۰۱ کشور رسیده بود .

در آغاز کار سرمایهٔ بانک ۱۰ هزار ملیون دولار بود و هریک از کشورهای عضو پرداخت قسمتی از سهام آن را که به طور کلی با ثروت و حجم بازرگانی آن متناسب بود تقبل میکرد .

قسمت اعظم وامی که بانک به متقاضیان می‌دهد از راه فروش اسناد خزانه در بازارهای ارزجهان تأمین می‌شود.

در سپتامبر ۱۹۵۹ بانک جهانی ۲۵۰۰ ملیون دولار به سرمایهٔ خود اضافه کرده بود و در آن سال سرمایهٔ مجاز بانک به بیست و یکهزار ملیون دولار افزایش داده شد .

بانک جهانی می‌تواند به دولتهای عضو یا سازمانهای وابستهٔ به آنها و یا به مؤسسات خصوصی کشورهای عضو در صورت ضمانت دولت مربوطه وام اعطا نماید.

مدیریت بانک در اتخاذ تصمیم نسبت به پرداخت وام از پنج اصل کلی تبعیت می‌کند :

۱ـ بانک جهانی درصورت اطمینان از اینکه متقاضی وام می‌تواند با شرایط مناسبی از منبع دیگری تحصیل وام نماید اقدام به پرداخت وام نخواهد کرد .

۲ ـ بانک جهانی فقط آن مقدار ارزی که کشور متقاضی برای تأمین وسایل و خدمات خارجی آن نیازمند است در اختیار آن قرار می‌دهد .

۳ ـ بانک باید تضمین کافی داشته باشد که دریافت دارندهٔ وام و همچنین ضامن مربوطه قدرت بازپرداخت اصل و بهرهٔ وام را دارد .

۴ ـ واضح است که بانک جهانی ترجیح میدهد به طرحهایی کمک کند که در هر موقعیتی مفیدترین و در ضمن حیاتی‌ترین طرح ممکنه باشد .

۵ ـ متقاضی وام باید معلومات ، مهارتها و قدرتهای لازم برای توفیق در کار را داشته باشد ، با فرض داشتن توانایی لازم برای انجام طرح بازهم لازم است مجری آن از کمک و مشاورهٔ فنی دیگران استفاده نماید.

بنگاه مالی بین‌المللی

این سازمان درسال ۱۹۵۶ به منظور تشویق سرمایه‌های خصوصی در کشورهای توسعه نیافته به وجود آمد و در این قبیل امور با سرمایه‌گذاری خصوصی شرکت می‌نماید .

سرمایهٔ این سازمان درحدود ۱۰۰ ملیون دولار است که از طرف ۷۵ دولت عضو آن تأمین میشود .

اتحادیهٔ بین‌المللی عمران

یکی از سازمانهای وابسته به بانک جهانی است که درسال ۱۹۶۰ برای پرداخت وام با شرایط سهل به منظور ایجاد تأسیسات و تولید خدماتی که به علت عدم تولید درآمد از نوعی نیستند که خود بانک جهانی به آنها کمک می‌کند ولی در عین حال می‌تواند ، به موقع خود هزینهٔ به عمل آمده را مستهلک نماید.

صندوق بین‌المللی پول

در واقع یک سیستم پس‌اندازهای نقدی است که کشورهای عضو می‌توانند برای مقابله با کسرهای موقتی در تجارت خارجی خود از آن استفاده کنند، موافقت‌نامهٔ مربوط به صندوق مزبور درسال ۱۹۴۴ قطعیت یافت . عضویت درصندوق شرط پذیرفته شدن به عضویت بانک جهانی است هر کشور عضو، از وجوه صندوق سهمیه‌ای دارد و بایستی حق عضویت معادل سهمیه بپردازد . معمولا کشور عضو یک چهارم حق عضویت خود را به صورت طلا می‌پردازد مگر اینکه میزان مزبور به بیش از ده درصد ذخایر رسمی طلا و دولار آن بالغ شود. تتمهٔ حق عضویت را هر کشوری به پول رایج خود می‌پردازد .

تا آوریل ۱۹۷۴ تعداد اعضای صندوق به ۱۰۲ رسیده و معادل ۷۶۰۰ ملیون دولار ارزهای مختلف به فروش رسانده است .

موافقت نامهٔ عمومی تعرفه و تجارت (گات)

در سال ۱۹۴۵ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد تصمیم گرفت کنفرانسی درزمینهٔ بازرگانی و اشتغال به کار به منظور تقلیل تعرفه‌ها و موانع دیگر بازرگانی تشکیل دهد .

تشکیل این کنفرانس منجر به وجود آمدن موافقت نامهٔ عمومی تعرفه و تجارت موسوم به گات گردید . کشورهای عمدهٔ بازرگانی جهان درکنفرانسهای گات شرکت جستند . در این کنفرانسها هر کشور عضو فهرستی از تعرفهٔ کشورهای دیگر که امید به تقلیل آن دارند و نیز فهرستی از تعرفه‌های خود را که درجریان معامله حاضر به تقلیل آنها خواهد بود ارائه می‌دهد و هرگاه دو کشور در مورد

تقلیل تعرفه‌های خاصی به توافق برسند این تقلیل را شامل عموم کشورها مینمایند. به‌استثناء کشورهای درحال توسعه که ازاین رسم معاف می‌باشند.

کنفرانس‌های **گات** همچنین دربارهٔ انواع محدودیت‌های بازرگانی بررسی نموده و به‌شکایاتی که علیه اعضایی که به‌موافقت‌نامه‌های مربوطه ترتیب‌اثر لازم را نمی‌دهند رسیدگی می‌نماید.

خدمات فنی سازمان ملل متحد

اتحادیهٔ بین‌المللی ارتباط دور (ایتو)

ازقدیمی‌ترین کارگزاریهای اختصاصی بین‌المللی است که در سال **۱۸۶۵** تحت عنوان اتحادیهٔ بین‌المللی ارتباط تلگرافی درپاریس تأسیس گردید. در سال **۱۹۳۲** موافقت نامه‌هایی در مورد ارتباطات رادیویی منعقد گردیدواتحادیه شامل امور مربوط به‌آن‌نیز گردید. درآغاز سال **۱۹۵۴** یك عهدنامهٔ تجدید نظر شده به‌مرحلهٔ اجرادرآمد.

ادارات‌مرکزی **ایتو** درژنومی‌باشد.

وظیفهٔ اصلی ایتوترغیب کشورها به‌موافقت‌دربارهٔ تخصیص طول موج‌های رادیویی به‌طرزی است که باامواج سایر فرستنده‌ها تداخل نکند. همچنین کوشش می‌نمایدکه نرخ‌های مخابرات تلفن، تلگراف‌ورادیورا به‌حداقل‌ممکن‌برساند.

اتحادیهٔ پستی‌جهانی.

درسال **۱۸۷۵** تأسیس یافت درسال مذکور عهدنامهٔ پستی جهانی‌که بوسیلهٔ کنگرهٔ‌پستی **برن**سویس‌در**۱۸۷۴** پیشنهاد شده بود بمرحلهٔ اجرادرآمد. جلسات کنگرهٔ پستی هر پنجسال یکبار جهت تجدید نظر در مقررات اتحادیه تشکیل می‌شود.

سرویس‌های بین‌المللی پستی شامل پست‌نامه‌ها، بسته‌ها، نامه‌های بیمه شده، حواله‌های پستی و چك‌های مسافری و وجه اشتراك روزنامه‌ها و مجلات می‌باشد.

درصورت موافقت $\frac{۲}{۳}$ اعضاء، هر کشوری می‌تواند به عضویت اتحادیه‌که مرکزآن دربرن است درآید.

سازمان بین‌المللی هواپیمایی‌کشوری

درچهارم‌آوریل **۱۹۴۷** باقبول**۲۶** کشوربوجودآمد. هدف‌های اصلی این‌سازمان تأمین ایمنی وپیشرفت فنی در زمینهٔ هواپیمایی ونظارت دررفتارعادلانهٔ کشورهای جهان نسبت به‌فعالیت خطوط هواپیمایی کشورهای دیگراست.

سازمان هواشناسی‌جهانی.

وظیفهٔ این سازمان عبارتست از بهبودی پیش‌بینی عوامل جوی است.

درفواصل معین درعرض شبانه روز مأموران برج های هواشناسی در سراسر جهان‌مشاهدات‌معینی‌درمورددرجهٔ‌حرارت باد، باران وعوامل دیگر جوی دریك لحظهٔ معین‌درتمام نقاط انجام‌داده وثبت می‌نمایند.

مشاهدات هواشناسی‌تماماً به‌یك‌شبکه ارتباطی جهانی منتقل شده واز آنجا به‌مراکزی‌که‌درآنهاماشین‌های الکترونیك برای نتیجه‌گیری سریع محاسبات وجود دارد میرساند و نتایج حاصله به اطلاع کشورهای نیازمند میرسد.

نظارت برقاچاق مواد مخدره.

حمل ونقل بین‌المللی مواد مخدره براساس قراردادهای منعقدهٔ بین‌سال‌های **۱۹۱۲** و**۱۹۴۸** ازطرف‌کشورهای‌تولید کننده و واردکنندهٔ آن نظارت می‌شود. سهمیهٔ مجازی که هر کشور وارد کننده می‌تواندریافت دارد براساس‌تخمین‌های فنی‌درمورد احتیاجات پزشکی وعلمی‌آن محاسبه می‌شود وکشور های تولیدکننده متعهد هستند ازآن تجاوزنکنند.

سازمان ایمکو.

این سازمان درژانویهٔ **۱۹۵۹** برای بالابردن معیارهای دریانوردی وایمنی دریایی‌بوجودآمد. مرکزسازمان‌در**لندن** است.

سازمان ایمکو باسازمان بین‌المللی هواپیمایی‌کشوری واتحادیهٔ جهانی ارتباطات دور وسازمان هواشناسی‌جهانی درتنظیم روش‌هایی برای نجات قربانیان سوانح دریایی وهوایی‌که درردریاهااتفاق می‌افتد،همکاری مینماید.

دههٔ پیشرفت وتوسعه

درسال **۱۹۶۱** مجمع‌عمومی، به‌اتفاق آراء قطعنامه‌ای‌که بموجب‌آن دهسال بین **۱۹۶۰** تا **۱۹۷۰** را بنام «دههٔ پیشرفت و توسعهٔ ملل متحد» تصویب نمود. انگیزهٔ این‌عمل درك این حقیقت بودکه‌باوجودکمك‌های معتنابه اقتصادی ازمنابع مختلف فاصلهٔ میان‌کشورهای غنی وفقیردرعرض‌دههٔ‌قبلی‌بیشترشده‌بود.

هدف کلی «دههٔ توسعه و پیشرفت» رساندن عموم‌کشورهای عقب افتاده به سطحی‌بودکه میزان سالیانهٔ‌پیشرفت‌آنها از ۵ درصدکمتر نباشد.

صندوق مخصوص.

صندوق مخصوص ملل متحد دراول ژانویهٔ **۱۹۵۹** بابودجه‌ای به‌میزان **۲۶** ملیون دولارکه از محل‌پرداخت های داوطلبانهٔ دولت‌ها تأمین شده‌بود تأسیس گردید،هدف آن عبارتست از پرکردن شکاف‌های موجودبین برنامه‌هایمؤسسات دیگر درکشورهای عقب افتاده مخصوصاً فقدان اطلاعات‌لازم درمورد منابع‌موجود وتعداد متخصصین تعلیم یافته.

کمیسیون اقتصادی اروپا.

درسال**۱۹۴۶** وسیلهٔ‌شورای‌اقتصادی واجتماعی ملل متحد تأسیس گردید.این یکی ازچهارکمیسیون اقتصادی منطقه‌ای ملل متحد است‌که بقیهٔ مناطق‌آمریکای لاتین،آسیا وخاور دور وآفریقا را دربرمیگیرد.

ابتداهدف اصلی‌سازمانهای‌منطقه‌ای یافتن راههای حل برای مشکلات خاص منطقه‌ای ناشی‌از روابط اقتصادی بین کشورهای همسایه بود، ولی درسال های اخیر سازمان بهداشت جهانی از طریق سازمان‌های منطقه‌ای فعالیت می‌کند و کارگزاریهای دیگرنیزتدریجاً این رویه راپیش می‌گیرند.

اکافه.

یکی از چهار کمیسیون منطقه‌ای وابسته‌به‌شورای‌اقتصادی واجتماعی‌ملل‌متحد می‌باشد. این‌کمیسیون برای‌اولین بار اغلب‌کشورهای مشرق زمین رابرای مباحثه درمورد مشکلات وبرنامه‌هایشان بدور یکدیگر گردآورده است.

مهمترین وظیفهٔ آن‌کمك در توسعهٔ امرتولید وبازرگانی درمنطقه‌ای است‌که ازپاکستان تاژاپن امتداد دارد. مقر **اکافه** در **بانکوك** پایتخت **تایلند** است.

کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین.

این کمیسیون مرکب ازنمایندگان عموم‌کشورهایی‌است‌که در نیمکرهٔ غربی دارای‌متصرفاتی‌میباشند وشامل‌کشورهای آمریکا، فرانسه، هلند و انگلستان می‌شود. مقرآن درشهر **سانتیاگو**پایتخت **شیلی**هست وشعبه‌ای درشهر **مکزیکوسیتی** دایر نموده است وکارآن برنامه ریزی ومدیریت توسعهٔ اقتصادی میباشد.

کمیسیون اقتصادی افریقا :

درسال ۱۹۵۸ برای کمك بههماهنگی توسعهٔ اجتماعی واقتصادی کشورهاومناطق افریقایی تشکیل گردید .

در سال ۱۹۶۳ کمیسیون مزبور گزارشی درموردامکانات ایجاد يك بازار مشترك کهدر بدوامر شامل محصولات کشاورزی است که درحال حاضر بدون تعرفه میان کشورهای افریقایی مبادلهمیشودو بهتدریج کالاهای وارداتی راکه هنوز درهیچ کشور افریقایی تولید نمیشوددر برخواهد گرفت.

کمیسیون اداری

کمیسیون اداری سازمان ملل عبارتنداز :

۱ــ کمیسیون آمار .
۲ــ کمیسیون نفوس .
۳ــ کمیسیون پیشرفت اجتماعی .
۴ــ کمیسیون حقوق بشر .
۵ــ کمیسون مقام زن .
۶ــ کمیسیون مواد مخدره .

حقوق بشر .

طبق منشور ملل متحد یکی از هدف‌های اصلی سازمان ملل «تأییدایمان بشر نسبت بهحقوق اساسی انسانی» میباشد. درمادهٔ ۵۶ منشور مزبور کشورهای عضو متعهدشدندکه باسازمان ملل در احترام جهانی بهحقوق وآزادی‌های بشروعایت همهجانبهٔ آن همکاری نمایند .

شورای قیمومت .

این شورا از ۸ عضو تشکیل می‌شودکه ۵ عضوآن دایمی وسه عضودیگر ازنمایندگان کشورهای قیم است.

دادگاه لاهه

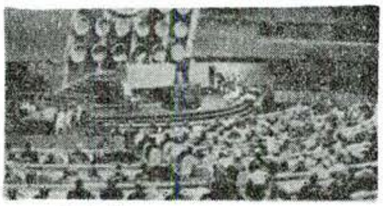
دیو ن دادگستری بین‌المللی در **هلند** قرار دارد واعضای‌آن برای مدت ۹سال انتخاب میشوند وحق انتخاب مجدد رانیز دارند .

رییس: سرپرسی **اسپندر** (Sir Percy Spender)	از استرالیا	(تا ۱۹۶۷)
معاون: و .ك. ولینگتون**کو** (Koo)	از چین	(تا ۱۹۶۷)
بوهدان **وینیارسکی** .	از لهستان	(تا ۱۹۶۷)
ژان **اسپیروپولس** .	از یونان	(تا ۱۹۶۷)
سرجرالد **فیتزموریس** (G.Fitzmaurice)	ازانگلستان	(تا ۱۹۷۳)
ولادیمیر،ام .**کورتسکی** (V.M.Koretsky)	از شوروی	(تا ۱۹۷۰)
کوتارو **تاناکا** (Kotaro Tanaka)	از ژاپن	(تا ۱۹۷۰)
خوزه لویس بوستامانتهای **ریوه رو**	ازپرو	(تا ۱۹۷۰)
فیلیپ سی . **جسوب** (Jessup)	ازایالات‌متحده	(تا ۱۹۷۰)
گتانو **مورلی** (Gaetana Morelli)	ازایتالیا	(تا ۱۹۷۰)
ایزاك **فورستر** (I. Forster)	ازسنگال	(تا ۱۹۷۳)
آندره**گروس**.	از فرانسه	(تا ۱۹۷۳)
لویس پادیلا**نروو** (Lois Padilla Nervo)	از مکزیك	(تا ۱۹۷۳)
محمد **ظفرالله‌خان**.	از پاکستان	(تا ۱۹۷۳)
فؤاد **عمون**	از لبنان	(تا ۱۹۶۷)

رؤسای مجمع عمومی سازمان ملل

۱ــ پل هانری **اسپاك**	(بلژیك)	۱۹۴۶ــ۴۷
۲ــ اسوالد **ارآنها**	(برزیل)	۱۹۴۷ــ۴۸
۳ــ خوزه **آرسه**	(آرژانتین)	اجلاسیهٔ فوق‌العاده ۱۹۴۸
۴ــ هربرت دی **اوات**	(استرالیا)	۱۹۴۸ــ۴۹
۵ــ کارلوس پ ، **رومولو**	(فیلی پین)	۱۹۴۹ــ۵۰
۶ــ نصرالله **انتظام**	(ایران)	۱۹۵۰ــ۵۱
۷ــلوییس پادیلا **نروو**	(مکزیك)	۱۹۵۱ــ۵۲
۸ــ لستر بی **پی‌یرسون**	(کانادا)	۱۹۵۲ــ۵۳
۹ــ بانو ویجا لاکشمی **پاندیت**	(هند)	۱۹۵۳ــ۵۴
۱۰ــ ائلکون، وان **کله فنس**	(هلند)	۱۹۵۴ــ۵۵
۱۱ــ خوزه **مازا**	(شیلی)	۱۹۵۵ــ۵۶
۱۲ــ روده **سینه دو**	(ورته‌گا شیلی)	۱۹۵۶
۱۳ــ وان والتا**یاکون**	(تایلند)	۱۹۵۶ــ۵۷
۱۴ــ سرلسلی **مونرو**	(زلندنو)	۱۹۵۷ــ۵۸
۱۵ــ ویکتورآندره‌سن**بالائونده**	(پرو)	۱۹۵۹ــ۶۰
۱۶ــ فردریك هنری **بولاند**	(ایرلند)	۱۹۶۰ــ۶۱
۱۷ــ منجی **سلیم**	(تونس)	۱۹۶۱ــ۶۲
۱۸ــ محمد **ظفرالله خان**	(پاکستان)	۱۹۶۲ــ۶۳
۱۹ــ کارلوس سوسا **رو دریگه ز**	(ونزویلا)	۱۹۶۳ــ۶۴
۲۰ــ آلکس‌کوایسوان**ساکی**	(گانا)	۱۹۶۴ــ۶۵
۲۱ــ آمینتره **فانفانی**	(ایتالیا)	۱۹۶۵ــ۶۶
۲۲ــ عبدالرحمن **پژواك**	(افغانستان)	۱۹۶۶ــ۶۷

اعضای سازمان ملل



مجمع عمومی سازمان‌ملل

نام‌کشور	سال ورود
آرژانتین	۱۹۴۵
آلبانی	۱۹۵۵
افغانستان	۱۹۴۶
الجزایر	۱۹۶۲
استرالیا	۱۹۴۵
اتریش	۱۹۵۵
بلژیك	۱۹۴۵
بلیوی	۱۹۴۵
بوتسوانا	۱۹۶۶
برزیل	۱۹۴۵
بلغارستان	۱۹۵۵
برمه	۱۹۴۸
بوروندی	۱۹۶۲
بلوروسی	۱۹۴۵
کامبوج	۱۹۵۵
کامرون	۱۹۶۰
کانادا	۱۹۴۵
افریقای مرکزی	۱۹۶۰
سیلان	۱۹۵۵
چاد	۱۹۶۰
شیلی	۱۹۴۵
چین	۱۹۴۵
کلمبیا	۱۹۴۵
کنگو (برازاویل)	۱۹۶۰
کنگو (لئوپلدویل)	۱۹۶۰
کستاریکا	۱۹۴۵
کوبا	۱۹۴۵
قبرس	۱۹۶۰
چکسلواکی	۱۹۴۵
داهومی	۱۹۶۰

نام کشور	سال ورود
اکوادر	۱۹۴۵
السالوادر	۱۹۴۵
حبشه(اتیوپی)	۱۹۴۵
فنلاند	۱۹۴۵
فرانسه	۱۹۴۵
گابون	۱۹۶۰
گامبیا	۱۹۶۵
گانا	۱۹۵۷
یونان	۱۹۴۵
گواتمالا	۱۹۴۵
گینه	۱۹۵۸
گویان	۱۹۶۶
هاییتی	۱۹۴۵
هندوراس	۱۹۴۵
مجارستان	۱۹۵۵
ایسلند	۱۹۴۶
هند	۱۹۴۵
اندونزی	۱۹۵۰
ایران	۱۹۴۵
عراق	۱۹۴۵
ایرلند	۱۹۵۵
اسرائیل	۱۹۴۹
ایتالیا	۱۹۵۵
ساحل عاج	۱۹۶۰
جامائیکا	۱۹۶۲
ژاپن	۱۹۵۶
اردن هاشمی	۱۹۵۵
کنیا	۱۹۶۳
کویت	۱۹۶۳
لائوس	۱۹۵۵
لبنان	۱۹۴۵
لسوتو	۱۹۶۶
لیبریا	۱۹۴۵
لیبی	۱۹۵۵
لوکزامبورگ	۱۹۴۵
مالاکاس	۱۹۶۰
مالاوی	۱۹۶۴
مالزی	۱۹۵۷
مال دیوی	۱۹۶۵
مالی	۱۹۶۰
مالت	۱۹۶۴
موریتانی	۱۹۶۱
مکزیك	۱۹۴۵
مغولستان	۱۹۶۱
مراکش	۱۹۵۶
نپال	۱۹۵۵
هلند	۱۹۴۵
زلاندنو	۱۹۴۵

نام کشور	سال ورود
نیکاراگوئه	۱۹۴۵
نیجر	۱۹۶۰
پرتقال	۱۹۵۵
رومانی	۱۹۵۵
سنگاپور	۱۹۶۵
سومالی	۱۹۶۰
نیجریه	۱۹۶۰
نروژ	۱۹۴۵
پاکستان	۱۹۴۷
پاناما	۱۹۴۵
پاراگوئه	۱۹۴۵
پرو	۱۹۴۵
فیلیپین	۱۹۴۵
لهستان	۱۹۴۵
رواندا	۱۹۶۲
عربستان سعودی	۱۹۴۵
سنگال	۱۹۶۰
سیرالئون	۱۹۶۱
افریقای جنوبی	۱۹۴۵
اسپانیا	۱۹۵۵
سودان	۱۹۵۶
سوئد	۱۹۴۵
سوریه	۱۹۴۵
تانزانیا	۱۹۶۱
تایلند	۱۹۴۶
توگو	۱۹۶۰
ترینیه اوتوباگ	۱۹۶۲
تونس	۱۹۵۶
ترکیه	۱۹۴۵
اوگاندا	۱۹۶۲
اوکراین	۱۹۴۵
اتحاد شوروی	۱۹۴۵
مصر	۱۹۴۵
انگلستان	۱۹۴۵
ایالات متحده	۱۹۶۵
ولتای علیا	۱۹۶۰
اوروگوئه	۱۹۴۵
ونزویلا	۱۹۴۵
یمن	۱۹۴۷
یوگوسلاوی	۱۹۴۵
زامبیا	۱۹۶۴

زبانهای رسمی سازمان‌ملل

۱ ــ انگلیسی.

۲ ــ روسی .

۳ــ فرانسوی.

۴ ــ چینی .

۵ ــ اسپانیایی .

دبیران اول سازمان بین‌المللی

تریگوه‌لی Trygve Lie

(تولد ۱۸۹۶م)

سیاستمدار نروژی ، ازسال ۱۹۴۱ وزیر امور خـارجهٔ نروژ بود . درسال ۱۹۴۶ بعنوان اولین‌دبیر کل سازمان‌ـ ملل متحد انتخاب شد . در سال ۱۹۵۳ از این‌سمت‌استعفا کرد و **داگ‌هامرشولد** به جانشینی وی انتخاب گردید .

داگ هامرشولد . Hammarshjold, D.

(۱۹۰۵ــ۱۹۶۱م)



دومین‌دبیر کل‌سازمان ملل متحد که‌در آوریل ۱۹۵۴ به جای **تریگوه لی** انتخاب گردید.وی در سوئد متـولد گردیـد و تحصیلات خود را با درجهٔ‌ممتاز به‌پایان رسانید . پدرش سیاستمدار بود و به مقام نخست وزیری‌کشورش رسید. هامرشولد در ۲۶ سپتامبر سال ۱۹۵۷ مجدداً به مدت ۵ سال به عنوان دبیر کل سازمان ملل‌انتخاب شد . وی‌درزمان تصدی‌خود خدمات‌برجسته وشایان توجهی‌به‌استقرار صلح و امنیت‌بسیاری از نقاط‌جهان‌انجام داد، هامرشولد در ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۱ هنگامی‌که هواپیمایش در جنگل‌هـای **رودزیای شمالی** سقوط‌کرد جان‌سپرد و **اوتانت** از اهالی برمه به سمت دبیـر کلی سازمان ملل متحد انتخاب گردید .

اوتانت، سیتو . Uthann,S.

(متولد ۱۹۰۹م)



ازشخصیتهای سیاســی **بیرمانی ،** مدتها سمت وزارت اطلاعـات و فرهنگ کشور خود را داشت و از نوامبر ۱۹۶۱ در پست دبیر اول سازمان ملل مشغول خـدمت است .

اعلامیهٔ جهانی
حقوق بشر

برای تنظیم اصول کلی **حق وناحق** شورای اقتصادی واجتماعی سازمان ملل متحد ازطرف مجمع عمومی مأمور گردید کمیسیون حقوق بشر را تشکیل دهد. کمیسیون مزبور به‌نوبهٔ خود مسئولیت تنظیم اعلامیهٔ حقوق بشررا برای تصویب مجمع عمومی عهده دار گردید.

این کمیسیون در سال ۱۹۴۶ به ریاست خانم **الینور روزولت** تشکیل و دوسال تمام درمورد اینکه اصول بزرگ اعلامیه باچه‌کلماتی بیان شود صرف‌وقت نمود. کمیسیون حقوق بشرتمام مظالم رایج در قرن بیستم راموردِ بررسی‌قرار داد.

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر درتاریخ دهم دسامبر ۱۹۴۸ بدون هیچ رأی مخالفی به‌تصویب مجمع عمومی رسید. اعلامیهٔ مزبور حق مسلم عموم مردم بحیات، آزادی وامنیت‌فردی، مصونیت از بازداشت بدون دلیل موجه وحق سکنی وانتقال مکان وآزادی‌بیان ومطبوعات و تجمع‌ومذهب وحقوق دیگر را به رسمیت میشناسد.

ملل متحد بین حقوق مدنی‌وسیاسی ازیك سو وحقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر تفاوت قایل است.

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر در زمینهٔ وظیفهٔ دولت ها به‌اجرای عدالت نسبت به اتباع خود وهم درزمینهٔ تکلیف آنها در برخوردار نمودن ملت‌های خودازمواهب بهداشت، رفاه اقتصادی‌وعدالت اجتماعی مؤثر واقع میشود. این اعلامیه قضاوت اخلاقی است ومجموعهٔ اصولی‌است که‌طبق آن‌یك کشورمی‌تواندعلیه مملکت‌دیگری به‌مجمع عمومی تظلم نماید.

این‌اعلامیه‌در ۳۰ ماده تنظیم‌و به‌اتفاق آراء تصویب گردیده است.

مادهٔ اول — تمام افراد بشر آزاد به‌دنیا میآیند وازلحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند همه‌دارای عقل و وجدان میباشند وباید نسبت به‌یکدیگر باروح برادری رفتارکنند.

مادهٔ دوم — (۱)- هرکس‌می‌تواند بدون هیچگونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیدهٔ سیاسی یاهرعقیدهٔ دیگر وهمچنین ملیت وضع اجتماعی، ثروت، ولادت‌یاهرموقعیت دیگر، ازتمام‌حقوق وکلیهٔ آزادی‌هایی که دراعلامیهٔ حاضر ذکرشده است، بهره‌مند گردد.

(۲) — بعلاوه هیچ تبعیضی بعمل نخواهدآمد که مبتنی بروضع سیاسی، اداری وقضایی یا بین‌المللی‌کشور یا سرزمینی‌باشد که شخص به‌آن تعلق دارد، خواه این‌کشور مستقل، تحت قیمومت یا غیرخود مختار بوده‌یاحاکمیت‌آن بشکلی محدود شده باشد.

مادهٔ سوم — هرکس حق زندگی، آزادی وامنیت شخصی‌دارد.

مادهٔ چهارم — احدی رانمیتوان‌در بردگی نگاهداشت وداد وستد بردگان به‌هرشکلی‌که باشدممنوع است.

مادهٔ پنجم — احدی رانمیتوان‌تحت شکنجه یامجازات یارفتاری قرار داد که ظالمانه ویا برخلاف انسانیت‌وشئون‌بشری یاموهن باشد.

مادهٔ ششم — هرکس حق دارد که شخصیت حقوقی او درهمه‌جا بعنوان یك انسان درمقابل قانون شناخته شود.

مادهٔ هفتم — همه در برابر قانون مساوی هستند وحق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند درمقابل‌هرتبعیضی که ناقض اعلامیهٔ حاضرباشد وبرعلیه هر تحریکی‌که برای‌چنین تبعیضی بعمل‌آید بطور تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند.

مادهٔ هشتم — در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد راموردِ تجاوز قرار بدهد وآن حقوق بوسیلهٔ قانون اساسی یاقانون دیگری‌برای اوشناخته شده‌باشد هرکس‌حق‌رجوع مؤثر به‌محاکم‌ملی‌صالحه دارد.

مادهٔ نهم — احدی نمی‌تواندخود- سرانه توقیف، حبس یاتبعید بشود.

مادهٔ دهم — هرکس‌بامساوات‌کامل حق دارد که دعوایش به‌وسیله دادگاه مستقل وبی طرفی منصفانه وعلناًرسیدگی بشود وچنین دادگاهی دربارهٔ حقوق و الزامات‌اویاهراتهام جزایی‌که به‌اوتوجه پیداکرده باشد اتخاذ تصمیم بنماید.

مادهٔ یازدهم — (۱)، هرکس‌که‌به بزه‌کاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شدتاوقتیکه درجریان یك‌دعوای عمومی‌که درآن‌کلیهٔ تضمین‌های‌لازم‌برای دفاع اوتأمین شده باشد تقصیر او قانوناً محرزگردد.

(۲) — هیچکس برای انجام یاعدم انجام عملی‌که در موقع ارتکاب‌آن عمل به‌موجب‌حقوق‌ملی‌یا بین‌المللی‌جرم‌شناخته نمیشده است محکوم نخواهد شد. بهمین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر ازآنچه در موقع ارتکاب‌جرم بدان‌تعلق میگرفت‌در- بارهٔ احدی اعمال نخواهد شد.

مادهٔ دوازدهم — احدی درزندگی خصوصی، امور خانوادگی اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله های خودسرانه واقع‌شودوشرافت واسم‌ورسمش نباید مورد حمله قرارگیرد. هرکس‌حق داردکه درمقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

مادهٔ سیزدهم — (۱) هرکس حق دارد که در داخل هرکشوری آزادانه عبور ومرور کند ومحل اقامت خود را انتخاب نماید.

(۲) — هرکس‌حق دارد هرکشوری وازجمله‌کشور خودرا ترك‌کند یابه‌کشور خود بازگردد.

مادهٔ چهاردهم — (۱) هرکس‌حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار پناهگاهی جستجو کند و درکشور های دیگرپناه اختیارکند.

(۲) — درمواردی‌که تعقیب واقعاً مبتنی به‌جرم‌عمومی وغیرسیاسی یارفتار- هایی مخالف بااصول ومقاصد ملل متحد باشد، نمیتوان از این حقوق استفاده نمود.

مادهٔ پانزدهم — (۱) هرکس حق داردکه دارای تابعیت باشد.

(۲) — احدی‌رانمیتوان خودسرانه ازتابعیت خود یا ازحق تغییر تابعیت محروم‌کرد.

مادهٔ شانزدهم — (۱) هرزن ومرد بالغی‌حق دارندبدون‌هیچگونه محدودیت ازنظر نژاد، ملیت، تابعیت یامذهب با همدیگر زناشویی‌کنند وتشکیل خانواده دهند. درتمام مدت‌زناشویی وهنگام‌انحلال آن، زن وشوهر درکلیهٔ امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی میباشند.

(۲) — ازدواج باید بارضایت‌کامل

و آزادانهٔ زن و مرد واقع شود .
(۳) ـ خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماعی است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود .
مادهٔ هفدهم ـ (۱) هر شخص منفرد یا بطور اجتماع حق مالکیت دارد.
(۲) ـ احدی را نمیتوان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود .
مادهٔ هیجدهم ـ هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است، هر کس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا مجتمعاً بطور خصوصی یا بطور عمومی برخوردار باشد .
مادهٔ نوزدهم ـ هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد .
مادهٔ بیستم ـ (۱) هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت آمیز تشکیل دهد .
(۲) ـ هیچکس را نمیتوان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد .
مادهٔ بیست و یکم ـ (۱) هر کس حق دارد که در ادارهٔ امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید .
(۲) ـ هر کس حق دارد با تساوی شرایط، به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید.
(۳) ـ اساس و منشأ قدرت حکومت، ارادهٔ مردم است .
این اراده باید بوسیلهٔ انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی یا طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید .
مادهٔ بیست و دوم ـ هر کس بعنوان اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است بوسیلهٔ مساعی ملی و همکاری بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمهٔ مقام و نمو آزادانهٔ شخصیت او است با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور بدست آورد .
مادهٔ بیست و سوم ـ (۱) هر کس حق دارد کار کند ، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.
(۲) همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی، در مقابل کار مساوی اجرت مساوی دریافت دارند.
(۳) ـ هر کس که کار می‌کند به مزد منصفانه و رضایت بخشی ذیحق میشود که زندگی او و خانواده‌اش را موافق شئون انسانی تأمین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید .
(۴) هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت کند .
مادهٔ بیست و چهارم ـ هر کس حق دارد در ساعت بیکاری استراحت کند ، ساعات کار افراد باید معین شود و در ایام تعطیلات رسمی و هفتگی، از دستمزد روزهای کار استفاده کند.
مادهٔ بیست و پنجم ـ (۱) هر کس حق دارد که سطح زندگانی و سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبتهای طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری ، بیماری ، نقص اعضاء، بیوه‌گی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از ارادهٔ انسان وسایل امرار معاش از دست رفته باشد از شرایط آبرومندانهٔ زندگی برخوردار شود.
(۲) مادران و کودکان حق دارند که از کمك و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند . کودکان چه برائر ازدواج و چه بدون ازدواج بدنیا آمده باشند ، حق دارند که همه از یکنوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند .
مادهٔ بیست و ششم ـ (۱) هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود . آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد، آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل بر روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند .
(۲) ـ آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را بحد اکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند . آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیتهای نژادی یا مذهبی و همچنین توسعهٔ فعالیتهای ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید.
(۳) ـ پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.
مادهٔ بیست و هفتم ـ (۱) هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی و اجتماعی شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد .
(۲) ـ هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.
مادهٔ بیست و هشتم ـ هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی حقوق و آزادی‌هایی را که در اعلامیه ذکر گردیده است تأمین کند و آنها را بمورد عمل بگذارد .
مادهٔ بیست و نهم ـ (۱) هر کس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد .
(۲) ـ هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی های خود فقط تابع محدودیتهایی است که بوسیلهٔ قانون منحصراً بمنظور تأمین شناسایی و مراعات مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یك جامعهٔ دموکراتیك وضع گردیده است .
(۳) ـ این حقوق و آزادیها در هیچ موردی نمی‌توانند برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد .
مادهٔ سی‌ام ـ هیچیك از مقررات اعلامیهٔ حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر یك از حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند و یا در آن راه فعالیتی بکنند .

تشکیلات ملل متحد

۱ ـ **مجمع عمومی :** رکن مرکزی و اصلی سازمان بوده و تمام کشورهای عضو در آن شرکت دارند . هر یك از کشورهای عضو می‌توانند پنج نماینده به مجمع اعزام دارد ولی هیچ کشور حق بیش از یك رأی ندارد .
مجمع عمومی رییس و نواب رییس هر دورهٔ اجلاسیهٔ خود را انتخاب می‌کند

درحالیکه دبیرکل عالیترین مرجع اجرایی سازمان را دارد.

عموم کارگزاریهای ملل متحد به مجمع عمومی گزارش می‌دهند. مجمع عمومی بودجهٔ کل ملل متحد را تصویب نموده و سهم هر کشور را از این بودجه برمبنای قدرت پرداخت آن تعیین می‌کند.

۲ـ شورای امنیت ـ دارای یازده عضو می‌باشد: پنج عضو آن که عبارتند از قدرتهای بزرگ جهان، چین، فرانسه، انگلستان، ایالات‌متحده، واتحادجماهیر شوروی دارای جنبهٔ دایمی می‌باشند. ۶ عضو دیگر این شورا توسط مجمع‌عمومی برای دوره‌های دوساله انتخاب میشوند به نحوی‌که درپایان هرسال نصف این تعداد، یعنی ۳ عضو تغییر پیدا می‌کنند.

۳ـ شورای اقتصادی واجتماعی.

از ۹۸ کشور عضو ملل‌متحد تشکیل شده است و اعضای آن برای دوره‌های سه ساله، بنحوی‌که هر سال شش عضو آن تغییر می‌نمایند توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. شورای‌مزبور در واقع کمیتهٔ عمومی‌مجمع، درزمینهٔ بالا بردن سطح زندگی و بهبود بهداشت ورعایت حقوق بشری وهمکاری بین‌المللی در موردآموزش هنری می‌باشد.

۴ـ دبیرکل.

دبیرکل ملل متحدعالیترین‌مرجع اداری سازمان بوده و دارای اختیارات مهم سیاسی می‌باشد. دبیر کل براساس پیشنهاد شورای امنیت توسط‌مجمع‌عمومی انتخاب می‌شود.

تریگوه‌لی نروژی درفوریهٔ ۱۹۴۶ به مدت پنجسال به‌سمت دبیرکلی‌سازمان ملل‌منصوب‌شد. درسال ۱۹۵۰ چون‌شورای امنیت قادر نبود برسرجانشینی‌برای‌وی توافق کنداو برای سه‌سال‌دیگردراین‌سمت باقی ماند. با وجود این‌پس ازدوسال مستعفی‌شدو**داگ‌هامرشولد** سوئدی‌برای مدت پنج سال بعنوان دبیرکل منصوب گردید. در سپتامبر ۱۹۵۷ مجدداً برای یك دورهٔ پنجسالهٔ دیگر منصوب‌شد.پس از مرگ‌وی در سال ۱۹۶۱ که به علت یك سانحهٔ هوایی به‌وقوع پیوست **اوتانت** برمه‌ای جانشین اوشد.

۵ـ دبیرخانه.

دبیرخانه‌ملل‌متحد در نیویورك‌بوده بیش ازسه‌هزار کارمند داردکه مستقیماً زیر نظر دبیرکل انجام وظیفه می‌کنند. علاوه براین‌ملل‌متحد، مراکزی‌نیزدرژنو ـ بانکوك ـ لاهه ـ مونترال وغیره که درآن صدها کارمندکارگزاری‌های‌اختصاصی‌دارد درسانتیاگو ویاسایرشعبات‌ملل‌متحد نیز گروهی‌به‌کارمشغولند. کارکنان‌دبیرخانهٔ‌ملل متحدتقریباً ازهمهٔ کشورهای‌دنیامیباشندو نیز هستندکارکنانی‌که‌کشور متبوع آنها عضویت سازمان ملل را ندارد.

وتو

حق وتوکه در منشور ملل‌متحد از آن‌ذکر شده، شورای امنیت را از بکار بردن زور علیه هر کشوری بدون موافقت هفت عضو از اعضای شورا که بایستی شامل پنج کشور عضو دایم‌باشد باز می‌دارد.

حق وتو تضمینی است علیه بروز تصمیمات‌بسیارخطیر درخود سازمان‌ملل یعنی تصمیماتی که می‌تواند لزوم حفظ صلح‌را به‌مرحله‌ای‌بکشاندکه‌هیچ نیروی بشری نتواند آنرا اجرانماید.

منشورملل متحد

ما مردم ملل متحد با تصمیم به محفوظ‌داشتن‌نسل‌های‌آینده‌ازبلای‌جنگ که دوبار در مدت یك عمرانسانی افراد بشررادچار مصایب غیر قابل بیان‌نموده وبه‌اعلام مجدد ایمان خودبه‌حقوق‌اساسی بشر وبه‌حقیقت وارزش شخصیت انسانی وبه‌تساوی‌حقوق بین‌مردوزن وهمچنین‌بین ملت‌ها اعم‌ازکوچك‌وبزرگ را به‌ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت واحترام الزام‌های ناشی ازعهدنامه‌هاوسایرمنابع حقوق‌بین‌المللی وکمك به ترقی‌اجتماعی وشرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر وبرای نیل‌به‌این هدفها:

رفق و مدارا کردن و زیستن در حال صلح بایکدیگر بایك روحیهٔ‌حسن همجواری وبه متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری‌صلح وامنیت‌بین‌المللی وبه قبول اصول وایجاد روش‌هایی‌که‌عدم استعمال‌نیروی‌سلاح‌ها را جزدرراه‌منافع مشترك، تضمین نماید و بتوسل به‌وسایل ومجاری بین‌المللی برای‌پیش برد ترقی اقتصادی واجتماعی تمام‌ملل‌مصمم‌شده‌ایم که برای‌تحقق این‌مقاصد تشریك مساعی نماییم.

وبالنتیجه دولت‌های متبوع‌ما توسط نمایندگان خود در شهر **سانفرانسیسکو** گردآمده‌اند واختیارات‌تامهٔ آنان‌ابراز وصحت واعتبار آن محرزشناخته‌شده‌است نسبت به این منشور ملل متحد موافقت حاصل نموده‌اند وبدینوسیله یك‌سازمان بین‌المللی که‌موسوم به**ملل‌متحد** خواهدبود تأسیس می‌نمایند.

مقاصد واصول ملل متحد

مادهٔ ۱:

۱ـ حفظ صلح‌وامنیت بین‌المللی.

۲ـ توسعهٔ روابط دوستانه بین‌ملل وتحکیم صلح جهانی.

۳ـ حصول‌همکاری‌بین‌المللی‌درحل مسائل‌بین‌المللی‌وآزادیهای اساسی‌برای همگان بدون‌تمایز.

۴ـ وجودمرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی‌که ملل‌جهت حصول این هدف‌های مشترك معمول میدارند.

مادهٔ ۲:

سازمان واعضای‌آن طبق‌اصول زیر عمل‌خواهند کرد:

۱ـ سازمان برمبنای اصل‌تساوی حاکمیت کلیهٔ اعضای‌آن‌قراردارد.

۲ـ کلیهٔ اعضاء اختلافات خودرا باحسن نیت‌رفع خواهندکرد.

۳ـ کلیهٔ اعضاء اختلافات‌خود را بوسایل مسالمت‌آمیز تصفیه‌خواهندکرد.

۴ـ کلیهٔ‌اعضاءاز مبادرت‌به‌اعمالی که بامقاصدملل‌متحد مباینت‌داردخودداری خواهندکرد.

۵ـ کلیهٔ اعضاء در هر اقدامی که سازمان بر طبق این منشور بعمل‌آورد همه‌گونه‌مساعدت‌خواهندکرد.

۶ـ سازمان مراقبت خواهدکردکه کشورهای غیرعضو‌نیز تاحدضرورت‌طبق این اصول عمل‌نمایند.

۷ـ هیچیك ازمقررات مندرج در منشور، ملل متحد را مجاز نمیداند در اموری‌که‌جزوصلاحیت داخلی‌هرکشوری است دخالت نماید.

عضویت

مادهٔ ۳:

اعضای اصلی ملل متحدکشورهایی هستند که در کنفرانس ملل متحدراجع به سازمان بین‌المللی درسانفرانسیسکو شرکت‌نموده، ویا اعلامیهٔ ملل‌متحد را امضاءکرده واین‌منشوررا امضاءوبرطبق مادهٔ ۱۱۰ تصویب نمایند.

مادهٔ۴:

۱ــ سایر کشورهایی که تعهدمندرج دراین‌منشوررا بپذیرند ومایل‌به‌اجرای آن باشند میتوانند بعضویت ملل متحد درآیند .

۲ــ قبول‌هر کشوری که‌واجدشرایط مذکور باشد منوط به تصمیمی است که مجمع عمومی بنا بر توصیهٔ شورای‌امنیت اتخاذ مینماید .

مادهٔ ۵:

هر عضوملل‌متحد که‌از طرف‌شورای امنیت برعلیه‌آن اقدام احتیاطی‌یاقهری بعمل آمده است ممکنست به‌وسیلهٔ مجمع عمومی‌وبنا بر توصیهٔ‌شورای‌امنیت‌ازاعمال حقوق‌ومزایای عضویت‌معلق گردد. این مزایاممکنست بوسیلهٔ‌شورای امنیت‌مجدداً برقرارشود .

مادهٔ ۶:

هرعضو ملل متحدکه در تخطی از اصول مندرج دراین‌منشور اصرار ورزد ممکنست بوسیلهٔ مجمع عمومی بنابـر توصیهٔ شورای امنیت از سازمان اخراج گردد.

ارکان

مادهٔ ۷:

۱ــ ارکان‌اصلی ملل‌متحدعبارتست از : مجمع عمومـی ، شورای امنیت ، شورای اقتصادی واجتمـاعی ، شورای قیمومت ، دیوان‌بین‌المللی دادگستری ویك دبیرخانه .

۲ــ ارکان فرعی ممکنست بر طبق این منشور تأسیس گردد.

مادهٔ۸ :

سازمان ملل متحد برای تصدی‌هر شغلی بهرعنوان تحت‌شرایط مساوی در ارکان‌اصلی‌وفرعی‌خودهیچگونه‌محدودیتی دراستخدام مردان‌وزنان برقرارنخواهد کرد .

مجمع‌عمومی

مادهٔ ۹:

۱ــ مجمع عمومی مرکب از کلیـهٔ اعضای ملل متحد خواهدبود .

وظایف واختیارات

مادهٔ ۱۰ :

مجمع عمومی میتواند هرمسأله یا امری راکه‌درحدوداین منشورویامربوط به اختیارات ووظایف هریك ازرکن‌های مقرر در این منشور باشد مورد بحث قراردهد .

مادهٔ۱۱ :

۱ــ مجمع عمومی میتواند اصـول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را مورد رسیدگی‌قراردهد .

۲ــ مجمع عمومی‌می‌تواندهرمسألهٔ مربوط به حفظ صلح وامنیت بین‌المللی را که توسط هریك از اعضاء یا شورای امنیت یاتوسط‌کشوری‌که عضو ملل‌متحد نیست بدان رجوع شده باشد مورد بحث قراردهد .

۳ــ مجمع عمومی می‌تواند توجـه به‌شورای‌امنیت‌رابه‌وضعیت‌هایی که‌محتمل است صلح و امنیت را به‌مخاطره اندازد جلب نماید .

۴ــ اختیارات مجمع عمومی کـه‌در این ماده ذکرشده‌حدکلی‌شمول مادهٔ ۱۰ را محدود نخواهدکرد.

مادهٔ ۱۲ :

۱ــ تا زمانی‌که شورای امنیت در مورد هراختلاف یاوضعیت، درحال‌انجام وظایفی است‌که دراین‌منشور بدان‌محول شده‌است‌مجمع‌عمومی‌درمورد آن‌هیچگونه توصیه‌ای نخواهدکرد .

۲ــ دبیرکل ملل متحد با موافقت شورای امنیت مجمع عمومی را در هـر دورهٔ اجلاسیه ازامورمربوط به‌حفظ‌صلح وامنیت بین‌المللی که در شورای امنیت مطرح‌است مطلع‌خواهدساخت .

مادهٔ ۱۳ :

۱ــمجمع عمومی نسبت به‌اموزیر موجبات انجام مطالعات وصدور توصیه‌هایی را فراهم می‌کند:

۱ ــ ترویج همکاری بین‌المللی در امورسیاسی وتشویق توسعهٔ تدریجی‌حقوق بین‌المللی وتدوین آن .

ب ــ ترویج همکاری بیـن‌المللی در رشته‌های‌اقتصادی، اجتماعی،فرهنگی و بهداشتی‌وکمك‌به‌تحقق‌حقوق‌بشرو آزادی‌های‌اساسی‌برای همه بدون‌تبعیض‌ازحیث نژاد ، زبان و مذهب .

۲ ــ سایر مسئولیت‌ها ، وظـایف و اختیارات مجمع‌عمومی .

مادهٔ۱۴:

مجمع عمومی با رعـایت مقررات مادهٔ ۱۲میتواند برای تصفیهٔ مسالمت‌آمیزهروضعیتی که‌به‌نظرمیرسدکه‌احتمالا به رفاه عمومی یـا به روابط دوستانـهٔ بین ملل لطمه‌زنداقداماتی‌راتوصیه‌نماید.

مادهٔ ۱۵ :

۱ ــ مجمع عمـومی گـزارش‌های مخصوص‌شورای امنیت رادریافت‌می‌کند و مورد بررسی قرار می‌دهد .

۲ ــ مجمع، گزارش‌های‌سایر ارکان ملل متحدرا دریافت‌کرده وموردبررسی قرار می‌دهد .

مادهٔ۱۶:

مجمع عمومی وظایف محولهٔ‌خودرا با توجه به نظام قیمومت‌بین‌المللی‌انجام خواهد داد .

مادهٔ ۱۷:

۱ــ مجمع عمومی بودجهٔ سازمان‌را بررسی و تصویب خواهدکرد .

۲ ــ مخارج سازمان برحسب‌تسهیم مقرر از طرف مـجمع عمومی برعـهدهٔ اعضاء خواهد بود .

۳ ــ مجمع‌عمومی هرگونه ترتیب مالی وبودجه‌ای راکه بامؤسسات‌تخصصی داده شود مورد بررسی و تصویب قرار داده وبودجهٔ اداری مؤسسات مذکور را به منظور صدور و توصیه‌به‌آنها بررسی خواهد نمود .

رأی

مادهٔ ۱۸ :

۱ ــ هرعضو مجمع‌عمومی‌دارای‌یك رأی خواهد بود .

۲ــ تصمیمات مجمع‌عمومی درمورد مسائل مهم بااکثریت دوثلث از اعضای حاضر اتخاذ خواهد شد.

۳ ــ تصمیمات‌راجع به سایرمسائل به‌اکثریت اعضاء حاضراتخاذ خواهدشد.

مادهٔ ۱۹ :

هرعضوسازمان‌ملل‌متحدکه‌پرداخت سهمیهٔ مالی‌آن به سازمان بتأخیر افتاده باشد درصورتیکه‌سهمیهٔ عقب‌افتاده‌معادل و یا بیشتر از مبلغ سهمیهٔ مربوط برای دوسال قبل به طورکامل بـاشد حق رأی نخواهد داشت . مگرآنکه مجمع‌عمومی تشخیص دهدکه قصور درپرداخت‌ناشی‌از شرایطی است‌که ازحیطهٔ اخـتیار عضو مزبور خارج است .

آیین‌کار

مادهٔ ۲۰ :

مجمع عمومی دوره هـای اجلاسیهٔ سالانه و در صورت لزوم اجلاسیه های فوق‌العاده خواهد داشت .

مادهٔ ۲۱:

مجمع‌عمومی آیین‌نامهٔ داخلی‌خودرا تنظیم می‌کند و برای دورهٔ اجلاسیه رییس خود را انتخاب می‌کند.

مادهٔ ۲۲:

مجمع عمومی برای اجرای وظایف خود میتواند ارکان فرعی راکه ضروری تشخیص دهدتأسیس نماید .

مادهٔ ۲۳:

۱ ــ شورای امنیت مرکب است‌از پانزده‌عضوسازمان‌ملل‌متحد؛که جمهوری چین ــ فرانسه ــ اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی ــ بریتانیای‌کبیر وایرلند شمالی و ایالات‌متحدهٔ امریکااعضاءدایم آن می‌باشند . ده عضو دیگر با توجه به شرکت اعضای سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و سایر هدف‌های سازمان و باتوجه به‌تقسیم عادلانهٔ جغرافیایی انتخاب می‌شوند .

۲ ــ اعضای‌غیر دایم‌برای‌یك‌دورهٔ دوساله انتخاب می‌گردند .

۳ ــهرعضویك نماینده‌درآن شورا خواهد داشت .

مادهٔ ۲۴:

۱ ــ به‌منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر از طرف ملل متحد اعضای‌آن مسئولیت اولیهٔ‌حفظ‌صلح‌وامنیت‌به‌شورای امنیت واگذار می‌نماید .

۲ ــ شورای امنیت در اجرای‌این وظایف طبق مقاصد واصول‌ملل‌متحدعمل می‌کند .

۳ ــ شورای امنیت گزارش‌های سالانه ومخصوص را برای‌بررسی‌به‌مجمع عمومی تقدیم می‌دارد .

مادهٔ ۲۵:

اعضاء ملل متحد موافقت می‌نمایند که‌تصمیمات‌شورارا برطبق‌این منشورقبول و اجرا نمایند .

مادهٔ ۲۶:

به منظورکمك به استقرار و حفظ صلح وامنیت بین‌المللی بوسیلهٔ‌بکاربردن تدابیری جهت‌صرف حداقل‌منابع‌انسانی و اقتصادی جهان‌برای تسلیحات.شورای امنیت مکلف است با کمك کمیتهٔ ستاد نظامی طرح‌هایی برای وضع اصول‌تنظیم تسلیحات تهیه و به‌اعضای‌ملل‌متحدتقدیم نماید .

مادهٔ ۲۷:

۱ ــ هرعضو شورا دارای یك رأی می باشد .

۲ ــ تصمیمات شورا راجع‌به‌مسائل مربوط به‌آیین‌کار بارأی ۹عضو اتخاذ می‌شود .

۳ ــتصمیمات‌شورای امنیت راجع به سایر مسائل بارأی مثبت۹ عضو که شامل‌آراء تمام اعضای دایم باشد اتخاذ می‌گردد .

مادهٔ ۲۸ :

۱ــ شورای امنیت بنحوی تشکیل خواهد شد که بتواند دایماً قادر بانجام وظایف خودباشد وبه‌این منظور هریك‌از اعضای‌شورای‌امنیت‌درکلیهٔ‌اوقات نماینده‌ای درمقرسازمان خواهد داشت .

۲ــ شورای‌امنیت جلساتی‌به‌فواصل معین خواهد داشت وهریك ازاعضای‌شورا میتواند توسط یکی ازاعضای دولت خود یانماینده‌ای‌که بدین منظورتعیین گردیده درآن جلسات شرکت جوید .

۳ــ شورای امنیت میتواند جلسات خودرا درجاهایی غیرازسازمان‌که برای تسهیل انجام وظایف خود مناسب بداند تشکیل دهد .

مادهٔ ۲۹ :

شورای امنیت میتواند ارکان فرعی راکه برای انجام وظایف خود لازم‌بداند تأسیس نماید .

مادهٔ ۳۰ :

شورای امنیت‌آیین‌نامهٔ‌داخلی‌خودرا که از جمله مشتمل برترتیب انتخاب شوراباشد تنظیم می‌کند .

مادهٔ ۳۱ :

هرعضو ملل متحدکه عضو شورای امنیت نیست می‌تواند بدون‌حق رأی در مذاکرات‌مربوط‌به‌هرمسأله‌ای که‌درشورای امنیت مطرح است شرکت‌کند .

مادهٔ ۳۲:

هرعضو ملل متحدکه عضو شورای امنیت نیست یاهرکشوری‌که درملل‌متحد عضویت ندارد هرگاه طرف اختلاف‌تحت رسیدگی درشورا باشد دعوت خواهد شد که بدون حق رأی در مذاکرات مربوط به‌اختلاف مزبورشرکت‌کند.

تصفیهٔ مسالمت آمیز اختلاف

مادهٔ ۳۳ :

۱ــ طرفین هراختلاف‌که ادامهٔ آن محتمل‌است حفظ صلح وامنیت بین‌المللی را بخطراندازد باید ازطریق مسالمت‌آمیز راه حل آن اختلاف را جستجو نمایند .

مادهٔ ۳۴ :

شورای امنیت درصورت اقتضاء از طرفین خواهد خواست‌که اختلافات خود رابه وسایل مزبور تصفیه نمایند .

مادهٔ ۳۵ :

شورای امنیت می‌تواند هر وضعیتی راکه ممکنست منجر به‌یك اصطکاك بین‌المللی گرددمورد رسیدگی قراردهد.

۱ــ هرعضوملل متحد می‌تواندتوجه شورای امنیت یامجمع عمومی‌رابه هرنوع اختلاف جلب نماید .

۲ــ هر کشوری که عضو ملل متحد نیست می‌تواند توجه شورای امنیت یا مجمع عمومی رابه اختلافی‌که‌خود درآن طرف میباشد جلب نماید مشروط‌براینکه تعهدات مربوط‌به‌تصفیهٔ‌مسالمت‌آمیزمقرر درمنشور راقبول نماید .

۳ــ اقدامات‌مجمع عمومی‌درخصوص اموری‌که به‌موجب این ماده توجه مجمع بدان معطوف میگردد تابع مقررات‌مواد ۱۱ و۱۲ می‌باشد .

مادهٔ ۳۶ :

۱ــ شورای امنیت می‌تواند در هر مرحله ازاختلافی ازآنگونه که در مادهٔ ۳۳ به‌آن اشاره شده ترتیب‌های تصفیهٔ مناسب توصیه نماید .

۲ــ شورای امنیت ملزم‌است روش‌هایی را که طرفین دعوی برای تصفیهٔ اختلاف قبول کرده‌اندمورد توجه قرار دهد .

۳ــ شورای امنیت در توصیه‌های خود باید درنظر داشته باشدکه‌اختلافات قضایی باید توسط طرفین دعوی برطبق مقررات اساسنامهٔ دیوان بین المللی دادگستری به‌دیوان مزبوررجوع گردد.

مادهٔ ۳۷ :

۱ ــ درصورتیکه‌طرفین اختلاف نتوانندآن‌رابه‌وسایل مذکور درمادهٔ ۳۳ تصفیه کنندبایدآنرابه‌شورای‌امنیت‌ارجاع نمایند .

۲ ــ هرگاه شورای امنیت تشخیص دهدکه دوام یك اختلاف محتمل است حفظ صلح وامنیت بین‌المللی را بخطر اندازد باید طبق مادهٔ ۳۶ عمل‌کند یا شرایط مناسب راتوصیه نماید .

مادهٔ ۳۸ :

درصورتیکه کلیهٔ طرف‌های‌هراختلاف درخواست نمایند، شورای‌امنیت‌می‌تواند

به طرف‌های اختلاف توصیه هایی بنماید بدون اینکه به مقررات مواد ۳۳ تا ۳۷ لطمه‌ای وارد آید.

اقدام درموارد تهدید علیه صلح نقض صلح واعمال تجاوز.

مادهٔ ۳۹:

شورای امنیت وجود هرگونه تهدید برعلیه صلح یاعمل تجاوز را احراز وتوصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ صلح بچه اقداماتی برطبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود.

مادهٔ ۴۰:

به منظور جلوگیری از وخامت وضعیت، شورای امنیت می‌تواند ازطرف‌های ذینفع بخواهد اقدامات موقتی راکه ضروری است انجام دهند.

مادهٔ ۴۱:

شورای امنیت می‌تواندتصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیم های آن شورا مبادرت بچه اقداماتی که متضمن استعمال نیروی مسلح نباشد لازم است و میتواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند.

مادهٔ ۴۲:

درصورتیکه شورای امنیت اقدامات پیش بینی شدهٔ درمادهٔ ۴۱ راکافی نداند می‌توان بوسیلهٔ نیروهای هوایی - دریایی یازمینی باقدامات ضروری مبادرت کند.

مادهٔ ۴۳:

۱- کلیهٔ اعضای ملل متحد به‌منظور شرکت درحفظ صلح وامنیت بین‌المللی متعهد می‌شوند که نیروهای مسلح، کمك و تسهیلات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی‌را بنابدرخواست شورای‌امنیت وبرطبق‌موافقت‌نامه دراختیار آن شورا قرار دهند.

۲- موافقت‌نامهٔ‌مذکوردرجهٔ آمادگی ونحوهٔ تسهیلات وکمك‌هایی راکه باید بعمل آیدمعین می‌نماید.

۳- مذاکرات مربوط به موافقت‌نامه‌ها بابتکارشورای امنیت هرچه‌زودتر صورت خواهدگرفت.

مادهٔ ۴۴:

هرگاه‌شورای‌امنیت‌تصمیم‌به‌استعمال نیروبگیرد وقبل ازآنکه ازعضوی که‌در شورا نماینده نداردد‌رخواست‌تدارك نیروی مسلح بنماید باید عضومزبور رادرصورت تمایل‌خودآن عضوبشرکت در تصمیمات شورای امنیت‌مربوط‌به‌استفاده ازقسمت‌هایی که‌نیروهای‌مسلح‌آن‌عضودعوت‌نماید.

مادهٔ ۴۵:

برای‌اینکه‌سازمان‌ملل‌قادر به‌انجام اقدامات فوری نظامی باشد اعضاء باید قسمت‌هایی از نیروی‌هوایی خودرابطوری که قابل استفادهٔ فوری باشد آماده نگاهدارند‌مقدارودرجهٔ آمادگی‌این‌طرح‌ها درحدود مقرردرموافقت نامه‌های اشاره شده در مادهٔ ۴۳ تعیین خواهدشد.

مادهٔ ۴۶:

طرح‌های استعمال نیروی مسلح را شورای امنیت باکمك کمیتهٔ ستادنظامی تنظیم میکنند.

مادهٔ ۴۷:

۱- برای‌راهنمایی‌وکمك‌به‌شورای امنیت در بارهٔ کلیهٔ مسایل مربوط به نیازمندیهای نظامی شورای امنیت برای حفظ صلح وامنیت بین‌المللی وهمچنین برای‌استعمال‌وفرماندهی‌نیروهای‌مسلحی که در اختیار شورا قرار داده شده و تنظیم تسلیحات وخلع سلاح احتمالی‌یك کمیتهٔ نظامی تأسیس میشود.

۲- کمیتهٔ‌ستادنظامی مرکب‌خواهد بود از رؤسای ستاد اعضای دایم شورای امنیت یا نمایندگان آنها. هرگاه‌حسن اجرای وظایف کمیتهٔ ستاد نظامی شرکت عضوی راکه درکمیته نمایندهٔ‌دایم ندارد ایجاب نماید آن عضوازطرف کمیتهٔ‌ستاد نظامی‌برای‌شرکت درکارها دعوت‌خواهد شد.

۳- کمیتهٔ ستاد نظامی تحت نظر شورای‌امنیت مسئول هدایت سوق‌الجیشی هریك ازنیروهای مسلحی که دراختیار شورا قرار داده شده خواهدبود.

۴- کمیتهٔ ستاد نظامی می‌تواند با اجازهٔ شورای امنیت و پس از مشورت باسازمان‌های منطقه‌ای مناسب کمیته‌های فرعی منطقه‌ای تأسیس نماید.

مادهٔ ۴۸:

۱- برای اجرای‌تصمیمات شورای امنیت‌جهت‌حفظ‌صلح‌وامنیت بین‌المللی‌همه یا بعضی‌ازاعضای‌ملل‌متحدبه‌تشخیص‌شورای امنیت اقدام لازم معمول خواهندداشت.

۲- اعضای‌ملل‌متحدمستقیماًو بوسیلهٔ اقدامات‌خود در سازمان‌های بین‌المللی مربوطه که‌عضوآن‌هستند‌تصمیمات‌مذکور را اجرا خواهندکرد.

مادهٔ ۴۹:

اعضای‌ملل متحد در دادن کمك متقابل به‌یکدیگر برای‌اجرای تصمیمات متخذه ازطرف شورای امنیت تشریك مساعی خواهندکرد.

مادهٔ ۵۰:

هرگاه‌شورای‌امنیت‌اقدامات‌احتیاطی یا قهری علیه کشوری معمول دارد هر-کشوردیگر که‌خودرا مواجه بامشکلات اقتصادی خاص‌ناشی‌ازاجرای‌آن‌اقدامات بیابد حق‌خواهد داشت درموردحل آن مشکلات باشورای امنیت‌مشورت نماید.

مادهٔ ۵۱:

درصورت وقوع حملهٔ مسلحانه علیه یك‌عضو ملل متحد تا زمانی‌که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ‌صلح و امنیت بین‌المللی را بعمل آورد هیچیك ازمقررات این‌منشور بحق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.

اعضاء باید اقداماتی‌راکه دراعمال این‌حق‌دفاع‌ازخود به‌عمل‌می‌آورند به‌شورای امنیت‌گزارش دهند.

قراردادهای منطقه‌ای

مادهٔ ۵۲:

۱- هیچیك از مقررات این‌منشور مانع وجودقراردادها یامؤسسات منطقه‌ای برای انجام امور مربوط به‌حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که‌متناسب برای‌اقدامات منطقه‌ای‌باشدنیست. مشروط براینکه‌این‌گونه‌قراردادها با مقاصدواصول‌ملل‌متحد سازگار باشد.

۲- اعضای ملل‌متحدهرگونه‌کوششی را برای تصفیهٔ مسالمت آمیز اختلافات محلی ازطریق این‌قراردادها یامؤسسات منطقه‌ای‌قبل ازمراجعه به‌شورای امنیت بکارخواهند برد.

۳- شورای امنیت توسعهٔ تصفیهٔ مسالمت آمیزاختلافات محلی‌را ازطریق چنین‌قراردادها یامؤسسات‌منطقه‌ای‌تشویق مینماید.

۴- این‌ماده بهیچوجه لطمه‌ای به اجرای مواد ۳۴و۳۵ نخواهدزد.

مادهٔ ۵۳:

۱- شورای امنیت درمواردمقتضی ازچنین قراردادها یا مؤسسات منطقه‌ای برای عملیات اجرایی تحت‌اختیارخود، استفاده خواهدکرد.

ولی هیچگونه عملیات اجرایی به موجب قراردادهای منطقه‌ای یا توسط مؤسسات منطقه‌ای بدون اجازهٔ شورای امنیت صورت نخواهد گرفت. اقداماتی که در اجرای مادهٔ ۱۰۷ یا به موجب قراردادهای منطقه‌ای برعلیه هر کشور دشمن یا برعلیه تجدید سیاست تجاوزکارانه‌ازطرف چنین‌کشوری انجام‌میشود تا زمانی‌که سازمان ملل متحد بنابر درخواست کشور های ذینفع مسئولیت جلوگیری ازتجاوزات چنین‌کشوری را بعهده‌گیرد از این قاعده مستثنی است.

۲ ــ عبارت «کشور دشمن» شامل هر کشوری می‌شود که درطی جنگ‌جهانی دوم دشمن هریك ازامضاءکنندگان این منشور بوده است.

مادهٔ۵۴:

فعالیت‌هایی‌که بموجب‌قراردادهای منطقه‌ای یا بوسیلهٔ مؤسسات منطقه‌ای برای حفظ‌صلح وامنیت بین‌المللی‌انجام میگیرد یا مورد نظراست باید در همهٔ مواقع بطور کامل به‌اطلاع‌شورای امنیت برسد.

همکاری اقتصادی واجتماعی بین‌المللی

مادهٔ۵۵:

باتوجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات ورفاه تأمین روابط مسالمت آمیز بین ملل براساس احترام به‌اصل تساوی حقوق وخودمختاری ملل، سازمان ملل متحد امور زیررا تشویق خواهدکرد:

الف ــ بالابردن سطح زندگی، فراهم‌ساختن‌کار برای‌همه وحصول‌شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی.

ب ــ حل‌مسایل‌بین‌المللی‌اقتصادی‌ـ اجتماعی ــ بهداشتی و مسایل مربوط به‌آنها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزشی.

ج ــ احترام جهانی‌ومؤثرحقوق‌بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض ازحیث نژاد ــ جنس و زبان‌ویا مذهب.

مادهٔ۵۶:

کلیهٔ‌اعضاء متعهد میشوند‌که برای نیل به مقاصد مذکور در مادهٔ ۵۵ با سازمان ملل متحد همکاری کرده و اقدامات فردی یا دسته جمعی معمول دارند.

مادهٔ۵۷:

۱ ــ مؤسسات‌تخصصی مختلف که به موجب موافقت نامه بین‌کشورها تأسیس شده و برطبق اساسنامه‌های خوددارای مسئولیت‌های وسیع بین‌المللی میباشند برطبق مقررات‌مادهٔ۶۳ وابسته‌به‌سازمان ملل متحدخواهند شد.

۲ ــ مؤسساتی‌که اینگونه وابسته به ملل متحد می‌شوند از این پس بعنوان مؤسسات‌تخصصی ذکرخواهندشد.

مادهٔ۵۸:

سازمان برای‌هماهنگ‌کردن‌برنامه‌ها وفعالیت‌های‌مؤسسات تخصصی توصیه‌هایی خواهدکرد.

مادهٔ۵۹:

سازمان درصورت اقتضاء موجبات مذاکرات بین‌کشورهای‌ذینفع‌برای‌ایجاد هرگونه‌مؤسسات تخصصی‌جدیدی‌که‌برای نیل به‌مقاصدمذکوردرمادهٔ ۵۵ ضروری باشد فراهم میکند.

مادهٔ۶۰:

مسئولیت اجرای وظایف سازمان برعهدهٔ مجمع عمومی و تحت نظر مجمع عمومی بعهدهٔ شورای‌اقتصادی واجتماعی است.

شورای اقتصادی واجتماعی

مادهٔ۶۱:

۱ ــ شورای اقتصادی و اجتماعی مرکب از بیست و هفت عضو ملل متحد خواهدبودکه توسط مجمع عمومی‌انتخاب میشوند.

۲ ــ بارعایت مقررات بندسوم همه‌ساله ۹ عضو شورای اقتصادی واجتماعی برای مدت سه سال انتخاب میشوند. عضوی که خارج میگردد قابل انتخاب مجدد میباشد.

۳ ــ درنخستین‌انتخاب‌پس‌ازافزایش عدهٔ اعضای شورای اقتصادی واجتماعی از ۱۸ به۲۷ علاوه براعضایی‌که به‌جای شش عضوی که دورهٔ خدمتشان پایان یافته‌انتخاب میشوند ۹عضوجدیدانتخاب خواهند شد. دورهٔ خدمت سه‌عضو ازاین ۹ عضو اضافی پس از یکسال وسه عضو دیگر درپایان سال دوم‌که‌تاریخ آن از طرف مجمع عمومی مقرر میشود خاتمه مییابد.

۴ ــ هرعضو شورای اقتصادی و اجتماعی یك نماینده درآن شوراخواهد داشت.

وظایف واختیارات

مادهٔ ۶۲:

۱ ــ شورای اقتصادی واجتماعی میتواند مطالعات وگزارش هایی دربارهٔ مسایل‌بین‌المللی‌مربوط به‌اموراقتصادی‌ـ اجتماعی‌ـ‌فرهنگی‌ـ آموزشی‌ـ بهداشتی‌و سایر امور مربوطه‌انجام داده یاموجبات انجام‌آنرا فراهم‌آوردودرمورد اینگونه امور به‌مجمع عمومی واعضای ملل‌متحد و مؤسسات تخصصی مربوطه توصیه هایی بنماید.

۲ ــ شورای اختصاصی و اجتماعی میتواند به‌منظور تشویق احترام واقعی‌به حقوق بشر وآزادیهای اساسی برای همه توصیه‌هایی بنماید.

۳ ــ شورای اقتصادی و اجتماعی میتواند درخصوص اموری که‌درصلاحیت آن‌قراردارد طرح‌مقاوله نامه‌هایی برای تقدیم به مجمع عمومی تهیه نماید.

۴ ــ شورای اقتصادی و اجتماعی میتواند درخصوص مسایلی‌که‌درصلاحیت آن‌قراردارد‌کنفرانس های بین‌المللی‌بر طبق‌قواعد مقرراز طرف ملل متحددعوت نماید.

مادهٔ۶۳:

۱ ــ شورای اقتصادی و اجتماعی میتواندباهریك‌ازمؤسسات‌تخصصی‌مذکور در مادهٔ ۵۷ قراردادهایی منعقدکند و شرایطی‌راکه بموجب‌آن مؤسسهٔ مربوطه وابسته به‌ملل متحد خواهد گردید معین نماید، اینگونه قراردادهاباید‌به‌تصویب مجمع عمومی برسد.

۲ ــ شورای اقتصادی و اجتماعی میتواند از طریق مشاوره با مؤسسات تخصصی و توصیه به آنها ومجمع عمومی واعضای ملل‌متحد فعالیت های مؤسسات تخصصی راهماهنگ سازد.

مادهٔ ۶۴:

۱ ــ شورای اقتصادی و اجتماعی میتواند برای بدست آوردن‌گزارش‌های مرتب مؤسسات تخصصی اقدامات‌مقتضی بعمل آورد، و برای به دست آوردن گزارش هایی در خصوص اقداماتی که برای‌اجرای توصیه‌های خودوتوصیه‌هایی که توسط مجمع عمومی راجع به امور داخلی درصلاحیت شورا بعمل آمده‌است با اعضای ملل متحد و مؤسسات تخصصی ترتیباتی بدهد.

۲ ــ شورای اقتصادی و اجتماعی میتواند ملاحظات خود را در بارهٔ این گزارش‌ها به‌مجمع‌عمومی بفرستد .

مادهٔ ۶۵:

شورای اقتصادی واجتماعی‌میتواند اطلاعاتی دراختیار شورای امنیت قرار دهد و به‌درخواست شورای امنیت به آن شورا کمك میکند .

مادهٔ۶۶:

۱ ــ شورای اقتصادی واجتماعی در اجرای توصیه‌های مجمع عمومی وظایفی راکه‌داخل صلاحیت آن‌شورا است‌انجام میدهد .

۲ ــ شورا میتواند باتصویب مجمع عمومی خدماتی راکه اعضای ملل متحد ومؤسسات‌تخصصی از آن شورا بخواهند انجام دهد .

۳ ــ شورا وظایف‌دیگری راکه‌در قسمت‌های دیگر این منشور بعهدهٔ آن واگذار شده‌یاممکنست‌توسط‌مجمع‌عمومی بدان محول شود انجام میدهد .

مادهٔ ۶۷ :

۱ ــ عضوشورای اقتصادی‌واجتماعی دارای یك رأی خواهد بود .

۲ــ تصمیمات‌شورا بااکثریت آراءاعضای حاضرورأی دهنده ، گرفته میشود .

مادهٔ ۶۸ :

شورای‌اقتصادی‌واجتماعی کمیسیون‌ــ هایی برای مسائل اقتصادی و اجتماعی‌و ترویج حقوق بشر و همچنین هــر گونه کمیسیون‌های دیگر که برای اجــرای وظایفش ضروری‌باشــد تأسیس میکند .

مادهٔ ۶۹ :

شورای اقتصادی واجتماعی ازهرــ یك ازاعضاء ملل متحد برای شرکت در مذاکرات مربوط بهر موضوعی که آن عضوبنحو خاصی درآن ذینفع استدعوت خواهد کرد بدون آنکه عضومزبور حق رأی داشته باشد .

مادهٔ۷۰:

شورای اقتصادی‌واجتماعی میتواند ترتیبی بدهد که نمــایندگان مــؤسسات تخصصی‌بدون حق‌رأی درمذاکرات شورا و کمیسیون‌هایی که‌توسط آن تأسیس‌میگردد وهمچنین نمایندگان خودشورادرمذاکرت مؤسسات تخصصی شرکت جویند .

مادهٔ۷۱:

شورای اقتصادی‌واجتماعی میتواند برای مشاوره با سازمانهای غیر دولتی که‌به اموردا‌خل درصلاحیت شوراا‌شتغال هرگونه تدابیر مناسب اتخاذ نماید این تــدابیر ممــکن است در بــارهٔ سازمانهای بین‌المللی‌ولدی‌الاقتضاءدرــ بارهٔ‌سازمانهای ملی‌پس از مشورت باعضو ذینفع ملل متحد اعمال گردد .

مادهٔ۷۲:

۱ ــ شورای اقتصادی و اجتماعی آیین نامهٔ داخلی خودرا تنظیم مینماید ودرآن طرز انتخاب رییس شورارامعین می‌کند .

۲ــ شورای اقتصادی واجتماعی‌در مواقع لازم برطبق آیین‌نامهٔ داخلی‌خود تشکیل جلسه میدهد .

آیین نامهٔ مزبور شامــل مقررات مربوط به تشکیل جلسات به درخواست اکثریت اعضای شورا خواهد بود .

اعلامیه راجع به سرزمینهای غیر خود مختار

مادهٔ ۷۳:

اعضای‌ملل‌متحدکه مسئولیت ادارهٔ سرزمینهایی راکه مردم هنوز به‌درجهٔ کامل حکومت خودمختاری‌نایل نشده‌اند برعهده دارندیا برعهده می‌گیرند ، اصل اولویت منافع سکنهٔ این سرزمینها را به رسمیت می‌شناسند و تعهد پیشبرد و رفاه سکنهٔ این سرزمینها رابه منتهی درجه‌و درحدود اصول مربوط به‌صلــح وامنیت بین‌المللی بشرح مقرر دراین منشوربه عنوان یك مأموریت مقدس قبول نموده وبرای این منظور متقبل میشوند که :

الف ــ باتوجه به فــرهنگ سکنهٔ مربوط‌پیشرفت سیاسی‌واقتصادی واجتماعی وآموزشی آنان‌راتأمین نمایند،رفتارشان با سکنهٔ مزبور عادلانه بوده و از آنان درمقابل اجحافات حمایت نمــایند .

ب ــ حکومت‌خودمختاری راتوسعه دهند ، آمال‌سیاسی‌سکنه رارعایت‌نمایند وبرطبق اوضاع‌واحوال خاص‌هرسرزمین ومردم‌آن بنا برمدارج‌مختلف‌پیشرفتشان آنان را در توسعهٔ تدریجی مــؤسسات سیاسی آزادگذارند.

ج‌ــ درتحکیم‌صلح‌وامنیت بین‌المللی بکوشند .

د ــ اقدامات سازندهٔ توسعه ای را ترویج‌نمایند و بمنظورآنکه‌عملی به‌مقاصد اجتماعی‌ــ اقتصادی وعلمی مذکوردراین ماده‌نایل‌شوند پژوهش‌های‌علمی راتشویق نمــایند وبــایکدیگر درمواقع مقتضی‌با سازمان های بین‌المللی تخصصی همکاری کنند .

هـ ــ جزدرمواردی که‌مقتضیات‌امنیت وملاحظات‌ناشی‌ازقوانین‌اساسی‌ایجاب‌نماید آماروسایراطلاعاتی راکه‌دارای‌جنبه‌های فنی ومربوط به‌شرایط‌اقتصادی‌ــ اجتماعی و آموزشی سرزمین‌هایی است که‌هریك مسئول‌آن هستند جهت‌اطلاع‌مرتباً برای دبیرکل ملل‌متحد بفرستند .

مادهٔ۷۴:

اعضای سازمان ملل متحد موافقت میکنندکه خط مشی‌آنهاچه درسرزمین‌ــ هــای مشمول مقررات این فصل وچه در قلمروخاك‌اصلی‌خودآنهادراموراجتماعی اقتصادی‌وتجارتی بارعایت ملاحظات‌لازم ازحیث‌منافع‌ورفاه سایر نقاط‌جهان برــ اساس اصل کلی حسن همجواری استوار باشد .

نظام قیمومت بین‌المللی

مادهٔ۷۵:

سازمان ملل‌متحدتحت‌نظر خودیك نظام بین المللی قیمومت برای اداره و سر پرستی سرزمین هایی کــه ممکنست به‌موجب‌موافقت‌نامه‌های‌خاص بعداً تحت ادارهٔ‌آن قرارگیرد برقرار مینماید ، این سرزمین‌راسرزمین‌های‌تحت قیمومت میخوانند .

مادهٔ ۷۶ :

هدف‌های‌اساسی نظام‌قیمومت برطبق مقاصد ملل متحد بشرح مندرج در مادهٔ ۱ این منشور عبارتست از :

الف ــ تحکیم‌مصالح‌وامنیت بین‌ــ المللی .

بــ کمك‌به‌پیشرفت‌سیاسی‌ــ اقتصادی‌ــ اجتمــاعی وآموزشی سکنهٔ سرزمین‌های تحت قیمومت و پیشرفت تدریجی آنان بسوی‌حکومت‌خود مختــاری ، یااستقلال برحسب اقتضاء باتوجه به اوضاع خاص سرزمین‌ها ، مردم آن‌ها و تمایلات مردم مزبور که بنحو آزادانه ابراز شده وبر طبق مقرراتی که‌ممکنست درهرقرارداد قیمومت پیش بینی شده‌باشد .

ج ــ تشویق احترام به‌حقوق بشرو آزادیهای اساسی برای همه بدون تمایز و تشویق شناسایی‌این‌معنی‌که ملل جهان به‌یکدیگر نیازمند میباشند .

د ــ تأمین رفتار یکسان در امــور

اجتماعی ـ اقتصادی و تجاری برای تمام اعضای ملل متحد و اتباع آنها و همچنین رفتار یکسان در اجرای عدالت برای اتباع مزبور ، بدون آنکه به حصول هدف‌های مذکور فوق خللی وارد شود و با رعایت مقررات ماده ۸ .

مادهٔ ۷۷:

۱ ـ نظام قیمومت شامل سرزمین‌هایی میشود که در ردیف‌های ذیل قرار دارند و ممکن است بموجب قراردادهای قیمومت تحت این نظام در آیند :

الف ـ سرزمین‌هایی که اکنون تحت وصایت هستند .

ب ـ سرزمین‌هایی که ممکنست در نتیجهٔ جنگ دوم جهانی از کشورهای دشمن مجزا گردد .

۲ ـ سرزمین هایی که به میل و ارادهٔ کشورهای مسئول ادارهٔ آن تحت این نظام قرار داده شود .

۳ ـ بموجب یك موافقت نامهٔ بعدی تعیین خواهد شد که چه سرزمین هایی از ردیف‌های سابق الذکر باچه شرایطی تحت نظام قیمومت درخواهد آمد .

مادهٔ ۷۸:

نظام قیمومت شامل سرزمین‌هایی که به عضویت ملل متحد در آمده‌اند نخواهد شد و روابط بین آنها بر اساس احترام به اصل تساوی حاکمیت میباشد .

مادهٔ ۷۹:

شرایط قیمومت برای هر سرزمینی که تحت نظام قیمومت قرار میگیرد و همچنین تغییر و اصلاح شرایط مذکور موضوع موافقت نامه‌های منعقده بین کشورهایی که مستقیماً ذینفع هستند منجمله کشورهای وصی در مورد سرزمین‌های تحت وصایت یکی از اعضای ملل متحد خواهد بود و بترتیب مقرر در مواد ۸۳ و ۸۵ بتصویب خواهد رسید .

مادهٔ ۸۰:

۱ ـ به استثنای آنچه در هریك از قراردادهای خاص قیمومت که برطبق مواد ۷۷ و ۷۹ و ۸۱ منعقد میشود و سرزمینی را تحت نظام قیمومت درمیآورد و ممکن است مورد موافقت قرار گیرد و تا زمان انعقاد چنین قراردادهایی هیچیك از مقررات این فصل نباید طوری متغیر شود که مستقیماً بنحوی در حقوق هیچ کشوری یا موردی در مقررات اسناد موجود بین المللی که اعضای ملل متحد ممکنست طرف آن باشند تغییری بدهد .

۲ ـ بند اول این ماده نباید طوری تفسیر گردد که موجبات تأخیر و تعویق مذاکره و عقد قراردادهای ناظر بتحت نظام قیمومت قراردادن سرزمین‌های تحت وصایت و سایر سرزمین‌های به شرح مقرر در مادهٔ ۷۷ را فراهم کند .

مادهٔ ۸۱:

قرارداد قیمومت در هر مورد شامل شرایطی خواهد بود که برطبق آن سرزمین تحت قیمومت اداره خواهد شد و مقامی را که ادارهٔ سرزمین تحت قیمومت را بعهده خواهد داشت تعیین مینماید . این مقام که از این پس مقام اداره کننده نامیده میشود ممکنست یك یا چند دولت یا خود سازمان باشد .

مادهٔ ۸۲:

درهر قرارداد قیمومت ممکنست یك یا چند منطقهٔ سوق الجیشی تعیین شود که شامل تمام یا قسمتی از سرزمین تحت قیمومت موضوع آن قرارداد باشد بدون اینکه به قرارداد یا قراردادهای خاص منعقده در اجراء مادهٔ ۴۳ لطمه‌ای وارد شود .

مادهٔ ۸۳:

۱ ـ کلیهٔ وظایف ملل متحد مربوط بـه مناطق سوق الجیشی منجمله تصویب شرایط قرارداد قیمومت و تغییر و اصلاح احتمالی آن توسط شورای امنیت انجام میشود .

۲ ـ هدف‌های اساسی مذکور در مادهٔ ۷۶ دربارهٔ مردم هر منطقهٔ سوق الجیشی لازم الرعایه خواهد بود .

۳ ـ شورای امنیت با رعایت قراردادهای قیمومت و بدون اینکه به مقتضیات امنیت لطمه‌ای وارد آید در اجرای وظایفی که ملل متحد برطبق نظام قیمومت درامور سیاسی ـ اقتصادی ـ اجتماعی و آموزشی مناطق سوق الجیشی عـهده دار است از کمك‌های شورای قیمومت استفاده خواهد کرد .

مادهٔ ۸۴ :

مقام اداره کننده مکلف است مراقبت نماید که سرزمین تحت قیمومت سهم خود را در حفظ صلح و امنیت بین المللی ایفا نماید به این منظور مقام اداره کننده ممکنست در اجرای تعهداتی که درمقابل شورای امنیت بعهده گرفته است و همچنین برای دفاع محلی و حفظ نظم و قانون در داخل سرزمین تحت قیمومت استفاده نماید .

مادهٔ ۸۵:

۱ ـ وظایف ملل متحد در مـورد قراردادهای قیمومت کلیهٔ مناطقی کـه سوق الجیشی قلمداد نشده‌انـد منجمله تصویب شرایط قرارداد قیمومت و تغییر اصلاح آن توسط مجمع عمومی انـجام میشود .

۲ ـ شورای قیمومت که تحت نظر مجمع عمومی عمل مینماید در اجرای این وظایف به مجمع عمومی کمك خواهد کرد .

شورای قیمومت

مادهٔ ۸۶:

۱ ـ شورای قیمومت مرکب از اعضای ملل متحد بشرح ذیل خواهد بود :

الف ـ اعضای اداره کنندهٔ سرزمین‌های تحت قیمومت .

ب ـ آن عده از اعضایی که نامشان در مادهٔ ۲۳ ذکر شده و ادارهٔ سرزمین تحت قیمومتی را عهده‌دار نیستند .

ج ـ اعضای دیگری که بتعداد لازم از طرف مجمع عمومی برای یك دورهٔ سه ساله انتخاب میشوند به تعدادی که لازم است برای اینکه مجموع عـدهٔ اعضای شورای قیمومت بطور تساوی بین اعضای اداره کنندهٔ سرزمین‌های تحت قیمومت و سایر اعضاء تقسیم گردد .

۲ ـ هریك از اعضاء شورای قیمومت شخص واجد صلاحیت خاصی را بسمت نمایندهٔ خود در شورای قیمومت تعیین مینماید .

مادهٔ ۸۷:

مجمع عمومی و تحت نظر آن شورای قیمومت در انجام وظایف خود میتوانند :

الف ـ گزارش‌هایی را که مقام اداره کننده تسلیم میدارد مورد بررسی قرار دهند .

ب ـ شکایات را قبول و آنها را با مشورت مقام اداره کننده رسیدگی نمایند .

ج ـ ترتیبی دهند که از سرزمین‌های تحت قیمومت دراوقاتی که مورد موافقت مقام اداره کننده مربوطه است متناوباً بازدید بعمل آید .

د ـ این اقدامات و اقدامات دیگر را برطبق شرایط قرارداد قیمومت انجام دهند .

مادهٔ ۸۸:

شورای قیمومت پرسشنامه‌ای در-بارهٔ پیشرفت‌سیاسی-اقتصادی-اجتماعی وآموزشی‌سکنهٔ هرسرزمین تحت‌قیمومت تهیه خواهدکرد و مقام اداره‌کنندهٔ هر سرزمین تحت قیمومت‌داخل درصلاحیت مجمع عمومی براساس پرسشنامه ای از نوع مذکور گزارش سالانه به‌مجمع‌عمومی تقدیم خواهدکرد .

مادهٔ۸۹:

۱- هرعضوشورای قیمومت دارای یك رأی خواهد بود.

۲- تعلیمات شورای‌قیمومت بارأی اکثریت اعضای حاضرورأی دهنده‌اتخاذ خواهد شد.

مادهٔ ۹۰:

۱- شورای‌قیمومت آیین‌نامهٔ‌داخلی خودرا تنظیم مینماید‌که ضمن‌آن‌ترتیب انتخاب رییس شورا تعیین میشود.

۲-شورای قیمومت برحسب‌ضرورت برطبق آیین نامهٔ داخلی خود تشکیل جلسه میدهد . آیین نامهٔ مزبور شامل مقررات مربوط به تشکیل جلسات به درخواست اکثریت اعضای شوراخواهد بود.

مادهٔ۹۱:

شورای قیمومت در مواقع مقتضی ازکمك شورای اقتصادی و اجتماعی و مؤسسات تخصصی در مورد اموری که مربوط به هریك ازآنها است استفاده خواهدکرد .

دیوان بین‌المللی دادگستری

مادهٔ ۹۲ :

دیوان بین‌المللی دادگستری رکن قضایی‌اصلی ملل‌متحد خواهد بود.دیوان مزبور بر طبق اساسنامه‌ای‌که برمبنای اساسنامهٔ دیوان دایمی دادگستری بین-المللی تنظیم شده و جزء لاینفك این منشور است انجام وظیفه میکند.

مادهٔ۹۳:

۱- تمام‌اعضای ملل‌متحد به‌خودی خود قبول‌کنندگان‌اساسنامهٔ دیوان‌بین-المللی دادگستری هستند.

۲- هرکشوری‌که عضو ملل متحد نیست میتواند با قبول شرایطی‌که در هرمورد برحسب توصیهٔ شورای امنیت توسط مجمع عمومی معین میگردد اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری را قبول نماید .

مادهٔ ۹۴ :

۱- هرعضو ملل متحد متعهد است درهردعوایی‌که اوطرف‌آن است‌ازتصمیم دیوان تبعیت نماید.

۲- هرگاه طرف دعوایی ازانجام تعهداتی‌که برحسب رأی دیوان برعهدهٔ اوگذارده شده‌است‌تخلف‌کند طرف‌دیگر میتواند به‌شورای امنیت رجوع نماید و شورای مزبور ممکنست در صورتی‌که ضروری تشخیص دهد توصیه‌هایی نموده و یا برای اجرای رأی دیوان‌تصمیم به اقداماتی‌بگیرد.

مادهٔ ۹۵ :

هیچیك از مقررات این منشورمانع اعضاء ملل متحد نخواهد شد که حل اختلافات خودرا به‌موجب قرارداد های موجود یا قراردادهایی که در آینده منعقد خواهد گردید به سایر دادگاه‌ها واگذارنمایند .

مادهٔ۹۶:

۱- مجمع عمومی یا شورای‌امنیت میتوانند دربارهٔ‌هرمسئلهٔ حقوقی‌ازدیوان بین‌المللی دادگستری در خواست نظر مشورتی بنمایند.

۲- سایرارکان ملل‌متحدومؤسسات تخصصی که‌ممکنست احیاناًچنین‌اجازه‌ای از مجمع‌عمومی تحصیل کرده باشندنیز میتوانند نظرمشورتی دادگاه رادرمورد مسایل حقوقی مطروحه‌درحدود فعالیت-هایشان بخواهند .

دبیرخانه

مادهٔ۹۷:

دبیرخانه مرکب خواهد بود ازیك دبیرکل وکارمندان مورداحتیاج‌سازمان دبیرکل توسط‌مجمع عمومی بنا برتوصیهٔ شورای امنیت تعیین میگردد . دبیر کل عالی ترین مقام اداری سازمان است.

مادهٔ۹۸:

دبیرکل‌دراین سمت درتمام‌جلسات مجمع‌عمومی - شورای امنیت - شورای اقتصادی واجتماعی و شورای قیمومت انجام وظیفه خواهد کرد وکلیهٔ وظایف دیگری راکه ارکان مذکور به اومحول نمایند انجام خواهدداد .

دبیرکل‌گزارش سالانه‌ای در بارهٔ کارسازمان به مجمع عمومی خواهدداد.

مادهٔ ۹۹ :

دبیرکل‌میتواند نظرشورای امنیت را بهر موضوعی که بعقیدهٔ او ممکنست حفظ صلح وامنیت بین‌المللی را تهدید نماید جلب‌کند .

مادهٔ ۱۰۰ :

۱- دبیرکل وکارمندان ملل‌متحد درانجام وظایف خود از هیچ دولت یا مقام خارج‌ازسازمان کسب‌دستورنخواهند کرد ودستوراتی نخواهند پذیرفت.

آنان فقط مسئول سازمان‌هستند و از هرعملی که منافی موقعیتشان بعنوان مأمورین رسمی‌بین‌المللی باشدخودداری خواهندکرد.

۲- هرعضو ملل متحدمتعهدمیشود که‌جنبهٔ منحصراًبین‌المللی مسئولیت‌های دبیرکل وکارمندان سازمان را محترم شمارد ودرصدد برنیایدکه آنان را در اجرای وظایفشان تحت نفوذ قراردهد.

مادهٔ ۱۰۱ :

۱-کارمندان‌سازمان‌بوسیلهٔ‌دبیرکل برطبق‌مقرراتی‌که‌توسط‌مجمع عمومی‌وضع میگردد انتخاب میشوند.

۲ - کارمندان مناسبی بطور دایم به‌شورای اقتصادی واجتماعی- شورای قیمومت ودرصورت لزوم به سایرارکان ملل متحد تخصیص داده خواهند شد . این‌کارمندان‌قسمتی‌ازدبیرخانه‌را تشکیل خواهند داد .

۳- دراستخدام‌کارمند و تعیین شرایط خدمت‌آنان منظوری‌که بیش از هرچه ملحوظ‌خواهد شد؛تأمین‌عالی‌ترین درجه‌کارایی وصلاحیت ودرستی‌میباشد. به اهمیت استخدام کارمندان براساس تقسیمات جغرافیایی هرچه وسیع‌ترتوجه لازم مبذول خواهدگردید .

مقررات مختلفه

مادهٔ ۱۰۲ :

۱- هرعهد نامه و هرموافقت نامهٔ بین‌المللی‌که پس‌از لازم‌الاجرا شدن‌این منشور توسط هریك ازاعضاء ملل متحد منعقدگرددباید هرچه‌زودتردردبیرخانه ثبت وتوسط آن منتشرگردد .

۲- هیچیك از طرف‌های هرعهد-نامه یا موافقت نامهٔ‌بین‌المللی‌که برطبق مقررات بنداول‌این ماده به ثبت‌نرسیده باشد نمیتوانند درمقابل ارکان‌ملل‌متحد به‌آن عهد نامه یا موافقت نامه استناد

جویند.

مادهٔ ۱۰۳ :

در صورت تعارض بین تعهدات اعضاء ملل متحد بموجب این منشورو تعهدات آنها برطبق هرموافقت نامهٔ بین‌المللی دیگر تعهدات آنها به‌موجب این منشورمقدم خواهد بود.

مادهٔ ۱۰۴ :

سازمان در خاك هریك از اعضاء از اهلیت حقوقی که برای انجام وظایف و رسیدن بـه مقاصد آن ضروری است متمتع میگردد.

مادهٔ ۱۰۵ :

۱ــ سازمان درخاك هریك‌ازاعضاء خود از امتیازات ومصونیت‌هایی که‌برای رسیدن به مقاصدآن ضروری است برخوردار خواهد بود.

۲ــ نمایندگان اعضاء ملل متحدو مأمورین سازمـان نیز بهمین نحو از امتیازات ومصونیت‌های لازم برای‌اینکه بتوانند وظایفشان‌راکه مربوط‌به‌سازمان است‌مستقلا انجام‌دهندبرخوردارخواهند بود.

۳ ــ مجمع عمومی میتواند برای جزییات اجرای بندهای اول و دوم این ماده توصیه‌هایی‌بنمایدیا مقاوله‌نامه‌هایی بدین منظور به‌اعضا پیشنهادکند

ترتیب‌های‌موقتی‌راجع به‌امنیت

مادهٔ ۱۰۶ :

تازمان‌لازم‌الاجراشدن قراردادهای خاص مذکور در مادهٔ ۴۳ کـه شورای امنیت به تشخیص خود قادر باشد شروع بعهده‌دار شدن مسئولیت‌های مـذکور در مـادهٔ ۴۲ بنماید اعضاء کنندگان «اعلامیهٔ چهار ملت» که در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۳ درمسکوبه‌امضاء رسید و فرانسه برطبق مقررات‌بند پنجم اعلامیهٔ مذکور بمنظور اقدام مشترك بنام ملل متحد‌به هرعملی‌که برای‌حفظ صلح‌وامنیت‌بین‌المللی‌ضروری‌باشد بایکدیگروردرصورت لزوم باسایر اعضای ملل‌متحد مشورت و توافق خواهندکرد.

مادهٔ ۱۰۷ :

هیچیك از مقـررات این منشور بهراقدامی که‌دربارهٔ کشوری که طی‌جنگ جهانی دوم‌دشمن یکی ازامضاءکنندگان این منشور بوده توسط حکومتهـای مسئول‌آن اقدام براثراین جنگ اتخاذ یا تجویز شده خللی وارد نمیکندیامانع انجام‌آن نمیشود.

اصلاحات

مادهٔ ۱۰۸ :

اصلاحاتی‌که دراین منشوری بعمل آید زمانی برای‌تمام اعضای ملل متحد لازم‌الاجرا خواهد شد که بموجب رأی دو سوم اعضاء مجمع عمومی مورد قبول قرارگیردوتوسط‌دوسوم‌اعضای ملل‌متحد که شامل‌کلیهٔ اعضای دایم شورای‌امنیت باشدبرطبق قوانین‌اساسی‌آنها به‌تصویب رسیده باشد.

مادهٔ ۱۰۹:

۱ــ بمنظورتجدیدنظردراین‌منشور ممکنست در تاریخ و محلی‌که بارأی دو سوم‌ازاعضای‌مجمع عمومی وهرگونه‌هفت رأی شورای امنیت معین خواهد شد یك کنفرانس عمومـی ازاعضای ملل متحد تشکیل گردد . درکنفرانس مزبور هر عضو ملل متحد یك رأی خواهد داشت.

۲ــ هرتغییری در این منشورکه‌به موجب‌آراء دوسوم از اعضای کنفرانس توصیه شده باشدزمانی لازم‌الاجراخواهد گردید که توسط دو سوم ازاعضای ملل متحدکه شامل تمام اعضای دایم شورای امنیت باشد برطبق مقررات قـوانین اساسی‌آنها به‌تصویب رسیده باشد.

۳ــ هرگاه یك‌چنین‌کنفرانسی‌قبل ازدهمین دورهٔ اجلاسیهٔ سالانـهٔ مجمع عمومی پس ازلازم‌الاجرا شدن‌این‌منشور تشکیل نشده باشد پیشنهاد دعوت ایـن کنفرانس‌بایددردستورجلسهٔ‌دورهٔ‌اجلاسیهٔ مذکورمجمع‌عمومی قرارگیرددودرصورتی که اعضای مجمع عمومی‌با اکثریت‌آراء ورأی هرگونه هفت عضو شورای امنیت تصمیم به تشکیل آن بگیرد کنفرانس مزبور تشکیل خواهد شد.

تصویب و امضاء

مادهٔ ۱۱۰ :

۱ــ این منشوربه‌وسیلهٔ‌کشورهـای امضاءکننده برطبق قواعد قانون اساسی هریك ازآنها به تصویب خواهد رسید.

۲ ــ اسناد تصویب باید به دولت ایالات متحدهٔ امریکا تسلیم‌گردد ودولت مذکورکلیهٔ‌کشورهای امضاءکننده‌ودبیر کل‌را وقتی‌که انتخاب‌شد ازوصول‌هرسند تصویبی مطلع خواهد ساخت.

۳ــ این منشور پس‌از آنکه اسناد تصویب‌آنراجمهوری‌چین،فرانسه،اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، دولـت بریتانیای‌کبیروایرلند شمالی و ایالات متحدهٔ امریکا و اکثریت سایرکشورهای امضاءکننده تسلیم کردند لازم الاجرا خواهـد شد . صورت مجلسی از اسناد مصوبه که تسلیم شده است توسط دولت ایالات متحدهٔ‌امریکا تنظیم‌ونسخ‌آن‌برای کلیهٔ‌کشورهای‌امضاءکننده‌فرستاده‌خواهد شد.

۴ ــ کشورهای امضاءکنندهٔ ایـن منشورکه آنرا پس از لازم الاجرا شدن تصویب نمایندازتاریخ تسلیم سندتصویب خود اعضای اصلی ملل متحد خـواهند شد .

مادهٔ ۱۱۱ :

ایـن منشور که متن‌های چینی ــ فرانسوی ــروسی ــانگلیسی واسپانیایی آن دارای‌اعتبار مساوی است‌دربایگانی دولت ایالات متحدهٔ امریکا تودیع شده ورونوشت مصدق‌آن به موقع توسط‌دولت مزبور برای دولت‌های سایرکشورهای امضاءکننده‌فرستاده خواهد شد.

بنابه‌مراتب مذکورفوق نمایندگان دولت‌های ملل‌متحداین منشور راامضاء نمودند . درشهر سانفرانسیسکو در روز ۲۸ ژوئن ۱۹۴۵ به‌امضاء رسید.

انجمن‌ها

انجمن آثار ملی :

در سال ۱۳۰۴ﻫ ش. تشکیل شد ، اعضای این‌انجمن مـرکب ازجـمعی از دانشمندان ورجال معروف بـرای‌حفظ آثار باستانی و تعظیم و تکریم رجـال تاریخی‌ایران‌که‌اولین‌اقدام‌آنها ساختمان آرامگاه فردوسی در طوس بوده ، جشن هزارهٔ‌بوعلی وساختمان‌آرامگاه فردوسی دانشمند نابغه وساختمان‌آرامگاه‌سعدی، نادر ، خیام وعطار و انتشار یك سلسله کتب ازکارهـای دیگر این انجمن است.

انجمن‌آسیایی بنگال :

انجمنی دربنگال برای تبلیـغات خـاور شناسی‌تشکیل شده است.

انجمن‌آسیایی پاریس

Société Asiatique do Parris

انجمن‌مرکب‌ازشرق شناسان‌فرانسوی و غیر فرانسوی که در سال ۱۸۲۲ م در پاریس تأسیس شد ، و به تـحقیقات در زبانها ولهجه‌ها در تاریخ وجغرافی‌و علوم مربوط به‌آسیا مشغولند و مجله‌ای هم برای انتشار این‌مطالعات خودمنتشر می‌کنند .

انجمن آسیایی لندن :

انجمنی که در لندن برای تبلیغات مربوط به آسیا و مشرق تأسیس شده و انتشاراتی دارد .

انجمن آمریکایی کوچنشینی .

American colonization society

این انجمن به منظور انتقال سیاهان (که از بند اسارت و بندگی رها میشدند) به افریقا. دراوایل قرن نوزده درواشنگتون تشکیل شد ومقداری اراضی درافریقا خریداری نمود که منجر به تأسیس لیبریه گردید وپس از ۱۸۴۰ این انجمن از میان رفت .

انجمن روانشناسی :

بمنظور تحقیق درفرهنگ، تاریخ، ادب ، آثار وابنیهٔ ایران (پیش از اسلام ودورهٔ اسلامی) در تهران به سال ۱۳۲۴ هش. تأسیس شده و چند کتاب درمباحث مذکور طبع و منتشر کرده است .

انجمن ایرانی فلسفه وعلوم انسانی:

انجمن وابسته به **یونسکو** که در تهران تأسیس شده و هدف آن ، تحقیق در فلسفه وعلوم انسانی و تسهیل همکاری بین این انجمن وشورای بین المللی فلسفه و علوم انسانی است .

انجمن پیکها یا کالج آو آرمز.

College of arms

این انجمن که به امر **ریچارد سوم** پادشاه انگلستان درسال ۱۴۸۳م. تشکیل شده وچهارده عضو دارد که سه نفر از ایشان باعنوان کینگز آو آرمز ، ریاست انجمن را عهده دارند و شش نفر **به پیک** اند و پنج نفر بقیه **پیرو** هستند. کار این انجمن بررسی به امور اصل و نسب وشجرهٔ خانواده‌های انگلیسی و اهدای نشانهای اشرافی ومقررات مربوط به این امور. اعضای انجمن در مراسم رسمی از قبیل تاجگذاری و مراسم تدفین و وصلتهای خاندان سلطنتی وهمچنین اجرای آیین عید میلاد مسیح در دربار شرکت می‌جویند .

انجمن جوانان اناث مسیحی .

Young women's christian association

این انجمن درنیمهٔ قرن نوزدهم در انگلستان وکشورهای متحدهٔ آمریکا تشکیل شد . هدف این انجمن در واقع دنبال نمودن آرمانهای انجمن جوانان اناث مسیحی است. اکنون درغالب نقاط دنیا فعالیت دارد .

انجمن جوانان ذکور مسیحی .

Young men's christian association

این انجمن که در ایران هم دارای شعباتی است ابتدا به سال ۱۸۴۴ در انگلستان گشایش یافت وآنگاه در سال ۱۸۵۱ در کشورهای متحدهٔ آمریکا. مقصود از ایجاد این انجمن برای آماده کردن زندگی بهتر برای جوانان وتهیهٔ اردوگاه‌های تابستانی برای ایشان میباشد. ضمناً در این انجمنها مطالعهٔ کتاب مقدس نیز تأکید میشود .

انجمن دوستان Society of friends

این انجمن در قرن هفدهم میلادی به رهبری **فاکس** در بریتانیا ظهور کرد، وی اعتقاد داشت که انسان بدون واسطه و باراهنمایی « نور درونی» که روح القدس به او عنایت کرده قادر است با خدا ارتباط شخصی و مستقیم برقرار سازد . پیروان او **کویکرز** نامیده میشدند.

انجمن زرتشتیان تهران

این انجمن به ریاست وکومک **مانکجی لیمجی** در سال ۱۳۲۵ قمری در تهران تشکیل شد. وکار آن رسیدگی و ادارهٔ آموزشگاهها و مؤسسات خیریهٔ زرتشتیان وهمچنین امور اجتماعی ایشان است. انجمن مذکور دبیرستان ملی دخترانهٔ انوشیروان دادگر ودبیرستان ملی پسرانهٔ فیروزبهرام را دایر ورهبری می کند.

انجمن سلطنتی (بریتانیایی)

Royal society

این انجمن درقرن هفدهم شروع به کارکرد واعضای آن رادانشمندان بریتانیا تشکیل می‌دهند که به منظور مباحثات علمی دور هم گرد میآیند . ادارهٔ امور مالی انجمن توسط دولت تأمین میگردد.

هدف ازایجاد انجمن مذکور ادامهٔ تحقیقات علمی است وازنظر دیگرطرف مشورت دولت نیز میباشد .

انجمن سلطنتی بریتانیا قدیمی‌ترین انجمن علمی انگلستان است.

انجمن سلطنتی آسیایی .

Royal asiatic society

این انجمن که گروهی ازدانشمندان نامی و مستشرقین معروف وجمعی ازرجال عضویت آنرا داشتند ، در مارس ۱۸۲۳ درلندن دایر شد تا در خصوص آداب و رسوم و تمدن والسنهٔ شرقی تحقیق نمایند. از مؤسسین انجمن **کولبروك** ، **جورج ستانتن** و**سرجان ملکم** را میتوان یاد کرد. پادشاه انگلستان پس از آنکه انجمن مذکوررسماً گشایش یافت، ریاست افتخاری آنرا پذیرفت . اولین گزارش انجمن به سال ۱۸۲۷ وهفت سال پس از آن مجلهٔ انجمن سلطنتی آسیایی منتشر شد وتا کنون توانسته است متون و ترجمهٔ برخی ازکتب فارسی را به حلیهٔ طبع برساند .

انجمن معارف :

این انجمن در سال ۱۳۱۵ به هنگام صدارت **میرزا علیخان امین‌الدوله** که از هواداران معارف جدید بود به وجود آمد . گروهی از دانش پروران که طرفدار گسترش وهمگانی کردن علم و معرفت و ازدیاد مدارس بودند ، درآن عضویت یافتند .

چون **امین‌الدوله** برمسند صدارت تکیه زد ، مدرسهٔ رشدیه را دایر نمود و **میرزا حسن‌خان رشدیه** را به تهران دعوت کرد وریاست آن مدرسه را به او واگذار نمود . در مدرسهٔ رشدیه به شاگردان خوراك و پوشاك میدادند . گذشته از کمکهای مالی امین‌الدوله وجوهی نیز به این مدرسه میرسید . لذا برای نظارت و نگاهداری آن انجمنی موسوم به **امنای رشدیه** به وجود آمد که در واقع آن را میتوان هستهٔ اصلی انجمن معارف محسوب داشت . روز بروز به شمارهٔ مدارس جدید اضافه میشد .از این رو برای تنظیم وادارهٔ امور مالی و داخلی آنها تشکیل انجمنی لازم بود .

در این گیرودار **میرزا کریمخان سردار مکرم** خیال داشت یتیم خانه‌ای ایجاد نماید . برای انجام این منظوراز صدر اعظم خواست به او اجازه دهد تا گروهی از روشنفکران را درخانهٔ خود گردآورد و در این خصوص با ایشان مذاکره نماید . در این مجمع بسیاری از دانش دوستان گردآمده بودند ازجمله **نوهٔ فتحعلی شاه** (شاهزاده عمادالدوله) نیز حضور داشت. این نخستین گامی بود که در تأسیس انجمن معارف برداشته شد .

اولین جلسهٔ انجمن معارف که **انجمن مکاتب ملیحهٔ ایران** نیز گفته میشد، در شوال ۱۳۱۵ در مدرسهٔ رشدیه گشایش یافت .

انجمن مذکور ثمرات بسیار نیکویی در جامعه بجا گذاشت که از آن جمله

تأسیس‌مدارس‌ودارالترجمه‌ودارالتألیف، کلاسهای شبانهٔ اکابر، کتابخانهٔ ملی و خدمات فراوان دیگر.چون **امین‌الدوله** معزول شد انجمن با بحرانهای داخلی وخارجی روبرو شد و روبه زوال‌نهاد تا اینکه درزمان صدارت میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان شورای عالی معارف‌گشایش یافت.

انجمن نسوان وطنخواه :

این انجمن در سال ۱۳۰۰ شمسی به‌ریاست‌خانم **محترم اسکندری** گشایش یافت‌وگروهی‌ازبانوان‌روشنفکروهمچنین تنی چند از آزاد مردان درآن عضویت داشتند.هدف‌ازتشکیل این‌انجمن به‌دست آوردن حقوق‌حقهٔ‌بانوان ایرانی‌درجامعه وحمایت از منسوجات داخلی و پیکار با بکاربردن‌اززینت آلات‌تجملی‌بود . لیکن نتوانست‌بیش‌ازهفت‌سال دربرابر طوفان مخالفتها ایستادگی نماید، لاجرم اساس آن واژگون شد ، یکی ازگامهای مؤثر این انجمن دایر نمودن اکابری موسوم‌به **اکابر نسوان وطنخواه** جهت باسواد نمودن بانوان ایرانی بود .

وزارت کشور

قبل‌ازسلطنت‌**رضا شاه‌کبیر** ، کشور ازچهار ایالت وهشت ولایت‌وچند نیابت حکومت که‌بنا به‌اقتضای زمان‌کم وزیاد میشد تشکیل میگردید ، مثلاتمام‌نواحی اطراف‌تهران دارای یك نایب الحکومه بوده‌است .

وزارت داخله درکلیهٔ اموراپالات‌و ولایت دخالت میکرد ووالی یاحاکم یا نایب الحکومه عموماً از خانوادهٔ قاجار یا نزدیکان آنان ویا خوانین ومتنفذین محلی انتخاب میشد حتی اخذ مالیات و قضاوت واعدام‌متهمین‌رابعهده داشت‌این حکام که‌بااختیارتام‌به محل‌حکومت خود میرفتند ، هرچه‌میخواستند میکردند وتا موقعی‌که‌مایل‌بودند‌به‌حکومت خودادامه میدادند،مانند**عین‌الدوله** درآذربایجان **وظل‌السلطان** دراصفهان، دولت‌مرکزی کوچکترین نظارتی در اعمال این حکام نداشت به‌خوبی‌یا بدی‌طینت ومیزان‌حرص وطمع آنها بود، طمع‌حکام‌به‌مالکین، دست آنهارا دراعمال هرگونه اجحاف وتعدی نسبت‌به‌رعایا بازگذاشته بود، رعایا ناچار بودند ، هست ونیست خود رادر اختیار مالك بگذارند . تااوهم بتواند به نوبهٔ خود حاکم راسیر کند و طمع اورا فرو نشاند .

اصول مالکیت درتمام ولایات‌به صورت مالك‌الرقابی و بردگی در آمده بودودرهرموردکه مالك اراده میکرد ، حاکم‌بوسیلهٔ مأمورین خودخانمان رعایا رابرمی‌انداخت وآن‌رابا اختیاراتی که داشت حتی اعدام هم‌میکرد ، زندان در سرطویلهٔ حاکم بود ومیرغضب یکی از موظفین دستگاه‌حکومت بشمار میرفت، درشهرها نیزوضع بهتر ازقراءوقصبات‌نبود بوسیله‌این‌حکام‌یامأمورین‌یامقربین‌ایشان یابوسیلهٔ‌راهزنان وغارتگرانی‌که‌بادادن باج وخراج به‌حکام، به‌قتل‌وغارت‌وتاراج مردم میپرداختند ، مظالمی در میهن ما ومخصوصاً درولایت جاری بودکه برای هرانسان عجیب وغریب وشگفت انگیز است .

راهها ناامن‌بود ،گاهی‌مسافرت از شهری به شهردیگر به‌قدری‌مشکل بودکه ناچار ترجیح‌میدادندازخاك‌کشورهمسایه بگذرند تا بسلامت به‌مقصد برسند.

در بعضی نقاط‌کشور پول‌کشورهای بیگانه رایج بود.

امنیت‌جنوب باپلیس جنوب بود.

عده‌ای معین برسرنوشت مردم‌حتی آب و نان کشور دخالت خود سرانه داشتند .

وضع حمل و شستشو وکفن و دفن جنازه هیچگاه موافق اصول بهداشت نبود.

کشتار حیوانات حلال آزاد بود و فروش گوشت سالم به درجهٔ انصاف فروشنده بستگی داشت، غالباً درخانه‌ها وکنار کوچه‌ها ، دامهای بیمار را ذبح میکردند و میفروختند.

امورشهری تابع نقشهٔ‌معین وانتظام درستی‌نبودوخیابانهای‌باریك‌وکوچه‌های تنگ، امررفت‌وآمد رامشکل می‌کرد.

هرکس مجبور بود حافظ جان و مال خود باشدوپلیس نمیتوانست به‌این کار برسد.

شناسنامه نبود ، شناسایی افراد بوسیلهٔ شجره‌نامه‌ها یا معرفی نامه‌های حکومتی و یا معتمدین و مجتهدین و سرشناسان محل‌به‌عمل میآمد.

نظافت به بدترین وضعی بود که خود موجب انتشار بیماریهای ساری میشد میزان محصول مملکت معلوم‌نبود هرچندگاه درسراسر یاقسمتی ازمملکت قحطی روی میداد .

درروزهای باران و برف زمستان رابطهٔ دهات وشهرهاازهم قطع میشدآب مشروب عبارت ازآب رودخانه‌وقنات و چشمه‌بود.

امنیت در راهها مطلقاً وجود نداشت‌حتی‌شاه مملکت ناچاربودباقشون حرکت کند.

حقوق فردی محترم نبود وهرکس مجبور بود خودرا به قدرتی ازامراء و شاهزادگان وخوانین مربوط‌کند.

ملوك‌الطوایفی رسماً درتمام‌مملکت بود.

با شروع حکومت **رضاشاه کبیر** تمام نواقص نامبرده رفع شد و انتظام عمومی برقرارگردید ووزارت کشور با سازمانی وسیع امور داخلی مملکت را کنترل‌کرد .

سازمان فعلی وزارت‌کشور

۱ــ وزیرکشور.
۲ــ معاون پارلمان.
۳ــ معاون اداری .
۴ــ معاون فنی وعمرانی.
۵ــ مدیرکل اداری.
۶ــ مدیرکل سیاسی.
۷ــ مدیرکل اموراجتماعی.
۸ــ مدیرکل شهرداریها.
۹ــ مدیرکل بازرسی .

ادارات تابعهٔ وزارت‌کشور

۱ــ ادارهٔ دفتروزارتی.
۲ــ ادارهٔ‌کارگزینی.
۳ــ ادارهٔ حسابداری.
۴ــ ادارهٔ جلب سیاحان .
۵ــ ادارهٔ حقوقی.
۶ــ ادارهٔ‌انتشارات‌واموپارلمانی.
۷ــ ادارهٔ قضایی.
۸ــ ادارهٔ سیاسی.
۹ــ ادارهٔ انتظامات.
۱۰ــ ادارهٔ امور اجتماعی.
۱۱ــ ادارهٔ مطبوعات.
۱۲ــ ادارهٔ نمایش.
۱۳ــ ادارهٔ بازرسی اداری.
۱۴ــادارهٔ‌کل امور اداری.
۱۵ــ ادارهٔ‌کل امورشهرداریها.
۱۶ــ ادارهٔ اطلاعات.
۱۷ــ ادارهٔ‌آمار.
۱۸ــ ادارهٔ بهبود اموراداری.

۱۹ـ ادارهٔ انتخابات .
۲۰ـ ادارهٔ بودجه وبرنامه.
۲۱ـ ادارهٔ مالی.

ادارات وابسته به وزارت‌کشور

۱ـ شهربانی کل کشور.
۲ـ ژاندارمری کل کشور .
۳ـ بنگاه اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات.
۴ـ ادارهٔ کل آمار عمومی.
۵ـ ادارهٔ کل ثبت‌احوال .
۶ـ اتحادیهٔ شهرداریهای ایران.
۷ـ سازمان دفاع غیرنظامی.

ارتش

تاریخچهٔ ارتش:

در زمان قاجاریه ارتش شاهنشاهی سازمان مدونی نداشت ، و افرادآن از طریق افراد داوطلب ،که‌حقوق‌مخصوصی دریافت میداشتند وغالباً در ردیف‌افراد پلیس و ژاندارم بودند و بستـه بـه‌نظر فرماندهان خود ترقی میکردند . دیگر افرادی‌که درمواقع‌ضروری‌مانند‌اضطرار خوانین ، و رؤسای عشایـر سرحـدی و سران قبایل ، از افراد طایفه‌جمع‌آوری شده و در اختیار دولـت وپادشاه وقت قرار میگرفتند .

اواخر دورهٔ قاجـاریه‌که ارتش در ممالك اروپایی نظم نوینی پیـدا کرد، تعدادی افسر انگلیسی و سوئدی‌به‌نـام مستشاردرارتش‌ایران استخدام گردیدند و حتی افسران روسی نیز به‌همین‌عنوان در ارتش ایران وارد شده وقزاقخـانهٔ ایران را تأسیس نمودند وافسران‌قزاق را زیر نظر گرفتند . انگلیسی‌ها هم در ژاندارمری‌نفوذپیداکرده وافسران‌قزاق را تعلیم وتربیت‌کردند . اوایل‌سلطنت اعلیحضرت **رضاشاه‌کبیر** نیز وضع بهمین منوال بود ، تا سال ۱۳۰۵ که به فرمان شاهنشاه درجات افتخاری ملغی‌گردیده، و دانشکدهٔ افسری تأسیس شده‌درآن‌سال عده‌ای استادازکشورهای‌فرانسه وبلژیك وسوئد استخدام‌گردیده‌وعده‌ای‌ازجوانان کشورکه استعداد و تحصیلات آنها بـا آزمایش محرز میگردید ، به فرانسه و بلژیك اعزام‌گردیدند . این افرادپس‌از فراغت از تحصیل‌عهده‌دار تعلیم افسران جوان‌گردیدند .

در سال ۱۳۰۶ قانون‌نظام اجباری یا وظیفه ، از مجلس‌گذشت ، و به‌ایـن ترتیب به استخدام افراد داوطلب برای همیشه خاتمه داده شد و برای اولین بار متولدین ۱۲۸۴ که‌شناسنامه دریافت‌کرده بودند به خدمت ارتش احضار گردیدند و ازآن زمان به‌بعدجوانانی‌که‌درخدمت نظام وظیفه هستند امور تأمینی‌کشور را عهده دارشدند .

درجات ارتش به ترتیب ازبالابه‌پایین عبارتند از :

ارتشبد .
سپهبد .
سرلشکر .
سرتیپ .
سرهنگ .
سرهنگ دوم .
سرگرد .
سروان .
ستوان یکم .
ستوان دوم .
ستوان سوم .
افسریار .
استوار یکم .
استوار دوم .
سرگروهبان .
گروهبان دوم .
گروهبان سوم .
سرجوخه .

کسانی‌که‌بامدرك‌سیکل‌اول‌دبیرستان یا ششم ابتدایی وارد خـدمت میشوند ، میتوانندتا درجهٔ‌استواریکمی ترقی‌کنند. به این‌ترتیب ،که این قبیل اشخاص‌وارد آموزشگاههای مربوطه میگردند پس از پایان دورهٔ آموزشگاه اگر مدرك‌قبولی ششم ابتدایی داشته‌باشندبا درجهٔ استوار دومی یاگروهبان‌یکمی واردخدمت‌ارتش میگردند .

دیپلمه‌ها، بشرط خدمت نظام‌وظیفه سابقاً دورهٔ یکسالهٔ آموزشگـاه را طی میکردند و با درجهٔ ستوان سومی وارد خدمت ارتش می‌شدند و حداکثرتـرقی آنها درجهٔ سروانی بود . اما مدت‌ترفیع این‌قبیل‌افراد یك‌برابر ونیم مدت‌ترفیع افسرانی است‌که دانشکدهٔ‌افسری،یاسایر دانشکده‌ها را طی‌کرده‌اند . مثلاً ترفیع ستوان یکمی به سـروانی برای افـراد دانشکده دیده چهـارسال و برای ایـن قبیل افسران شش سال خواهدبود.

درحال حاضر غیر از دانشجویانی که باکنکوروارددانشکدهٔ‌افسری‌میشوند و دورهٔ‌آنرا طی‌مینمایند ، ارتش غیـر نظامی استخدام نمیکند ، مگربـه‌علـلی ناگزیر شوند . ودرآن صورت از بـین لیسانسیه‌ها و یا سایر تحصیل کرده‌هایی که خدمت نظام وظیفه ، راانجام‌داده‌اند افرادی استخدام میکنند . دراین قبیل موارد قوانین مخصوصی ، ازلحاظ‌رتبه‌بر این افراد حکومت میکند . آنهابادرجهٔ افسری‌خدمت نخواهندکرد ، بلکه جزء غیر نظامیان ارتش خواهند بود ودراین صورت‌ازلحاظ‌حقوق‌تابع مقررات‌کشوری و از لحاظ‌انضباط ومقررات خدمتی‌تابع قوانین ونظامات ارتش خواهند بود.

گروهبان‌هایی که آموزشگاه طـی کرده‌اند .معمولا از دوسال به‌بالا ترفیع پیدا میکنند ، و ترفیع درجه‌داران‌منوط به پیشنهادفرماندهان‌مربوطه خواهدبود.

سربازهای وظیفه، طی‌دوران‌دوسال خدمت‌به‌ترتیب، سرباز یکم ، سرجوخه ، و استثنائاً در مواردی‌که خدمت شایانی انجام دهند ، به موجب تصویب فرماندهٔ لشکر ، تا درجهٔ‌گروهبان سومی ترقـی مینمایند .

لجستیکی و اردنانس:

دواصطلاح فوق رادرارتش میتوان به شرح زیر تفسیرکرد :

۱ ـ کلیهٔ امورمربوط به تدارکات افراد (لباس ، غذا ، دارو، حمل ونقل، اسلحه ، مهمات ، وسایر امور مربوط به تجهیزات) را مربوط به لجستیك دانسته و فرمـانده لجستیکی بایدکلیهٔ وسایـل مربوط به افسران را تأمین نماید.به‌این ترتیب‌کلیهٔ عواملی‌که در ارتش ، ایـن قبیل خدمات راانجام میدهند ، زیرنظر فرماندهٔ لجستیك انجام وظیفه خواهند کرد .

۲ ـ اردنانس ، کلیهٔ امور مربوط به خدمات ارتش را عهده‌داربوده و در واحدها ،کارهای مربوط به‌حمل ونقل و تجهیز افراد و واحدها را انجام‌میدهدو در موقع‌جنگ خدمات داخلی واحدهارا درجبهه وپشت‌جبهه عهده‌دار است.

مراتب‌افسردانشکده :

افسری‌که از دانشکده خارج‌میشود به ترتیب زیر ترفیع میبابد :

۱ ـ ستوان دومی به‌ستوان‌یکمی،سه‌سال.
۲ ـ ستوان یکمی به‌سروانی، چهارسال.
۳ ـ سروانی‌به سرگردی،شش‌سال.
۴ ـ سرگردی به سرهنگ‌دومی،سه‌سال.

۵ ــ سرهنگ دومی به‌سرهنگی، چهارسال.
۶ ــ سرهنگی به‌سرتیپی منوط به ارادهٔ **شاهنشاه آریامهر** ولی قانوناً پنج سال است.

درحال‌حاضر درارتش، سرهنگهای از هفت سال به بالا، باطی دورهٔعالی و دانشگاه جنگ، ودورهٔ مشترك به‌درجهٔ سرتیپی نایل میشوند.

۷ ــ از سرتیپی تا ارتشبدی منوط به پیشنهاد ستاد بزرگ ارتشتاران، و تصویب بزرگ ارتشتاران فرمانده (شاهنشاه‌آریامهر) میباشد. ومدت‌آن‌از يك‌سال‌به‌بالامیباشد. ولی معمولاً درحال عادی طی درجات سرتیپی به سرلشکری و سرلشکری به‌سپهبدی، وسپهبدی به ارتشبدی، از چهار سال‌کمتر نمی‌باشد.

فرماندهان ارتش

۱ــ فرماندهٔ دسته.	ستوان.
۲ــ فرماندهٔ گروهان.	اسواران، آتشبارسروان.
۳ــ فرماندهٔ گردان.	سرگرد.
۴ــ فرماندهٔ گردان.	سرهنگ دوم
۵ــ فرماندهٔ هنگ.	سرهنگ.
۵ــ فرماندهٔ تیپ.	سرتیپ.
۷ــ فرماندهٔ لشکر.	سرلشکر.
۸ــ فرماندهٔ سپاه.	سپهبد.
۹ــ فرماندهٔارتش.	ارتشبد.

غالباً تافرماندهٔدسته رادرجه‌داران‌ارتش (گروهبان واستوار عهده دارمیباشند). ويك درجه پایین تر عهده‌دار يك‌واحد بالاترمیباشد، مثلاًسرتیپ‌پست‌فرماندهی لشکر، سرهنگ پست فرماندهی تیپ، سرهنگ دوم پست فرماندهی هنگ، سرگرد پست فرماندهی‌گردان مستقل و به‌این‌ترتیب يك‌درجه پایین‌پست‌بالاتررا احراز میکنند.

فرق بین افسر ستاد و افسر عادی

افسرانی که‌دورهٔ دانشکدهٔ افسری را طی میکنند، تحت نام صنفی که‌در دانشکده‌گذرانیده‌اندنامیده‌میشوندمانند افسر ساده، سوار، زرهی، موتوری، توپخانه، مهندسی، مخابرات وغیره. این قبیل افسران‌برای نیل به‌درجهٔسرهنگی، بایستی دورهٔعالی ببینند وپس‌ازطی‌دورهٔ عالی که غالباً در درجهٔ سروانی و یا سرگردی‌انجام میگیرد، دورهٔ عالی‌تری را به‌نام‌دانشکدهٔستادفرماندهی بگذرانند به‌این ترتیب افسرانی‌که دورهٔ يك‌ساله ستاد فرماندهی راطی‌میکنند به‌نام افسر ستاد نامیده میشوند، مثلا سرهنگ . . . . . . افسرپیادهٔ ستادیا افسرتوپخانه ستاد، یا افسرزرهی‌ستاد، وامثال آن.

کسانی که بدون گذرانیدن دورهٔ ستاد به‌درجهٔ سرهنگی میرسند افسران عادی هستند.

تاریخچهٔ نیروی هوایی ایران:

درسال ۱۳۰۱ درارکان حرب کل قشون، دفتری به نام دفتر هواپیمایی تشکیل‌شد، پس‌ازتأسیس‌این‌دفتریك‌فروند هواپیما از نوع **یونکرس** خریداری‌ودر قلعه مرغی نگاهداری‌گردید، خلبان و مکانیسین آن‌ازآلمان استخدام شد.

درسال ۱۳۰۵ يك فروندهواپیمای ساخت فرانسه‌با پرچم ایران به‌خلبانی يك افسر ایرانی در قلعه مرغی فرود آمد، اعلیحضرت فقید به‌منظور، تشویق جوانان کشور شخصاً درفرودگاه حضوریافته وخلبان‌آن‌رامورد تفقدقرار دادند.

در همین سال سازمانی به‌نام ادارهٔ هواپیمایی کل قشون تشکیل و امور هواپیمایی به دوقسمت صفی وفنی‌تقسیم‌و هواپیماهای خریداری شده نیز به‌ایران واردگردید، دراین‌وقت‌تعدادهواپیماهای موجود ۳۰ فروند وخلبانان ۹ نفربود که ۵ نفرآنها‌ایرانی‌و۴نفرخارجی‌بودند وکارکنان فنی را عموماً خارجیها تشکیل میدادند.

این هواپیماها درعملیاتی‌که ارتش شاهنشاهی علیه متجاسرین انجام میداد شرکت نموده ودرکلیهٔصحنه‌های‌عملیاتی آذربایجان، کردستان، لرستان، بلوچستان، اصفهان وفارس‌وظایف‌محوله را باکمال فداکاری انجام میدادند تا اینکه امنیت در سراسرکشور برقرار گردید، برای تربیت خلبانان از سال ۱۳۰۳ عده‌ای ازافسران وغیرنظامیان در نوبتهای مختلف جهت طی دوره‌های خلبانی وفنی به‌کشورهای فرانسه‌وروسیه اعزام شده و به تدریج به ایران باز-می‌گشتند، در سال ۱۳۱۰ آموزشگاه خلبانی در مهرآباد تشکیل شد ودرسال ۱۳۱۲ اولین هنگ منظم نیروی‌هوایی مرکب ازسه‌گردان پرواز و يك‌گردان فنی درقلعه مرغی تشکیل‌گردید وفارغ-التحصیلهای آموزشگاه‌خلبانی به این هنگ منتقل‌شدندونیزهمزمان باتشکیل آموزشگاه‌خلبانی، آموزشگاه فنی نیزدر **دوشان تپه** تأسیس‌گردید.

درسال ۱۳۱۴ کارخانه‌های‌هواپیمایی شهباز تأسیس‌شدودرسال ۱۳۱۷ نخستین هواپیماهای‌ساخت این‌کارخانه درحضور اعلیحضرت فقید پرواز نمودند ودرسال ۱۳۱۸ بوسیلهٔ این کارخانه ۱۰ فروند هواپیمای مشقی و دوفروند هواپیمای جنگی ساخته شدولی این برنامه ازسال ۱۳۱۹ به بعد بعلت بروز جنگ‌جهانی و نرسیدن مواد اولیه و قطعات لازم از خارج، متوقف‌گردید. پس از حادثهٔ سوم شهریور ۱۳۲۰ واشغال ایران به وسیلهٔ قوای خارجی کارخانه شهباز دراختیارنیروی هوایی انگلستان قرار گرفت وبه نفع نیروی مزبور مشغول کار شدودرنتیجه‌اکثر ماشین‌آلات آن‌فرسوده ویا از ایران خارج‌گردید.

با ورود نیروهای بیگانه به‌کشور ایران شیرازهٔ امور هواپیمایی از هم پاشیده شد و واحدهای‌هوایی‌شهرستانها غافل‌گیر‌گردیدند، فقط‌خلبانان‌واحدهای هوایی تبریز موفق شدند هواپیماهای خودرا سالم به مرکز برسانند.

قوای متفقین که وارد ایران شده بودند میکوشیدند، این دستهٔ هوایی را که درامورارتش‌وکشور مؤثربود به‌کلی فلج نمایندوهرروزسازمان‌آنراکوچکتر وقسمتهای مختلف‌آنرا منحل مینمودند واین جریان تا۱۳۲۵ ادامه داشت‌ولی شاهنشاه ایران **محمد رضا شاه پهلوی** که به ارزش و اهمیت نیروی هوایی برای حفظ استقلال‌کشور واقف بودند نه تنهاهرگز اجازهٔ انحلال‌آنرا ندادند بلکه به منظور تشویق جوانان برای شرکت در کادر هواپیمایی، شخصاً به فراگرفتن فن خلبانی اراده فرمودند و با این اقدام به تقویت‌روحیهٔ‌کادرنیروی مزبور پرداختند.

درسال ۱۳۲۹ برای نخستین بار، پنج نفرازافسران خلبان نیروی هوایی شاهنشاهی برای آموختن پرواز روی هواپیماهای جت به‌انگلستان اعزام شدند.

درسال ۱۳۳۴ نیزچهارده‌نفرازافسران خلبان نیروی‌هوایی‌جهت‌طی دورهٔپرواز با هواپیماهای جت به پایگاه هوایی آمریکا به آلمان غربی اعزام‌گردیدندو

با اجرای ایـن تعلیمات در کلاسهای آموزشگاه خلبانی، خلبانانی‌که، قبلا فارغ‌التحصیل شده وآشنا به پـرواز با هواپیماهای جت نبودند بخوبی این‌امر را فراگرفتند.

اینك نیروی‌هوایی‌ایران به‌جدیدترین هواپیماهای دنیا مجهزاست وانواع آنها عبارتنداز: داکوتا، هاروارد، ال-۱۴ ال- ۲۰، جت ت - ۳۳ و جت اف - ۸۴.

تاریخچهٔ نیروی دریایی‌ایران:

نادرشاه افشار درنظرداشت که‌برای ایران، در بحر خزر و خلیج فارس نیروی دریایی ایجاد کند، وکشتیهای زیادی بـه دستور او در بندر بوشهر ساختند، بطوریکه‌آثار آنها تاچند سال قبل درسواحل خلیج بود.

درزمان سلطنت ناصرالـدین شاه قاجار، قراردادی با یکی از شرکتهای آلمانی منعقدگردید تا دو فروند کشتی برای ایـران بسازد و در سال ۱۸۸۵ میلادی این‌کشتیها تحویل ایران شد.

یکی‌ازآنها **پرسپولیس** بودکه ۱۰۰۰ تن ظرفیت داشت و به‌چهارعرادهٔ تـوپ **کروپ** مجهزبود و وسیلهٔ حـرکت آن ماشین بخار بود. دیگری بنام **شوش** در رودخانهٔ‌کارون برای‌حمل کالاومسافرمورد استفاده قرارمیگرفت.

در زمان مظفرالدین شاه یك‌کشتی بخاری ۳۷۵ تنی‌ازبلژیك خریداری‌شد وبنام **مظفر** نامیده شد و درخلیج فارس بکارافتاد و بتدریج چهارکشتی ۳۵تنی بنام آذربایجان، گیلان، مازندان و خراسان‌خریداری‌شدوسازمانی‌بنام«بحریهٔ گمرکات‌جنوب»دربوشهرتشکیل گردیدکه وظیفهٔ‌آن جلوگیری ازقاچاق بود ولی‌به علت نداشتن سازمان‌صحیح‌وعدم‌مراقبت کشتیهای مزبوریکی پس‌از دیـگری از بین رفت. در سال ۱۳۰۶ بنا بـه امر اعلیحضرت رضاشاه‌کبیر، دوفروند ناو توپدار به ظرفیت ۱۰۵۰ و چهار ناو توپداربه‌ظرفیت ۳۲۰ تن برای‌خدمات ساحلی خریداری شد وعـده‌ای افسر و دانشجوبرای تحصیل دررشته‌های مختلف به دانشکدهٔ دریایی ایتالیا اعـزام گردیدند.

باتأسیس آموزشگاه **مهناوی** وتأسیس ادارهٔ بندری دربندر **شاهپور**، خرمشهر وخسروآباد و تأسیس فانوسهای دریایی دربوشهروباشگاه دریایی دربندرشاهپور وتأسیس حوض شناور ۶۰۰۰ تنی برای تعمیرناوها وکشتیهادربندرشاهپورکم‌کم تسلط نیروی بحریهٔ ایران برجنوب و جزایر خلیج فارس مسلم گردید. ولی مـتأسفـانه در شهـریـور ۱۳۲۰ مورد تجاوز وتهاجم نیروی بیگانه‌قرار گرفت ودراین تجاوز فرمانده نیروی دریایی جنوب وعدهٔ زیادی از افسران‌و درجه‌داران وافراد نیروی دریایی شهید شدند وناوهای ۱۰۵۰ تنی **ببر** و **پلنگ** و **دوکرجی** درنتیجهٔ اصابت‌گلولهٔ‌توپ‌غرق شدند و بقیهٔ ناوها و مـؤسسات نیروی دریایی‌درخرمشهروبندرشاهپور به‌تصرف نیروی مهاجم درآمد، همچنین نیروی دریایی شمال در بندرپهلوی‌مورد تهاجم قرارگرفت وفرماندهٔ‌آن شهید وناوهای آن مصادره‌شد. پس‌ازپایان جنگ جهانی دوم در اواخر ۱۳۲۴ متفقین محوطهٔ نیروی دریایی شمال و جنوب را تخلیه نموده وسه فروند ناو توپدار ۳۲۰ تنی وسه فروند ناوچه‌راکه‌تصرف کرده‌بودند به ارتش ایران پس‌دادند.

در سال ۱۳۲۵ بـه امر **شاهنشاه آریامهر** سازمان نیروی دریایی جنوب و شمال‌مجدداًتشکیل‌یافت، وپس‌ازمذاکرات طولانی بجبران خسارات، دولت‌انگلیس یك ناو ۲۲۰۰ تنی بنام **ببر** و یك ناو ۱۶۵۰ تنی بنام « **پلنگ** » ودوناوچهٔ پنـجاه تنی و دو ناوچهٔ ده تنی و یك ناوچهٔ آتش نشانی بـه نیروی دریایی ایران داد. ازسال ۱۳۳۰ سالانه‌عده‌ای دانشجو برای تحصیل در دانشکده‌های دریایی به ایتالیا و انگلستان و فرانسه اعزام شدند و نیزآموزشگاه گروهبانی مجهزی درخرمشهر وچندگروه تعلیماتی تأسیس ویك‌آموزشگاه غواصی در شمال تشکیل شد.

سازمان‌نیروی دریایی‌ایران‌اکنون دارای ۶ قسمت به شرح زیراست:

۱ - منطقهٔ نیروی دریـایـی در خرمشهر.

۲ - منطقهٔ نیروی دریایـی در بوشهر.

۳- منطقهٔ نیروی دریایی‌دربندر- عباس.

۴- منطقهٔ نیروی‌دریایی دربندر- پهلوی.

۵- منطقهٔ‌نیروی‌دریایی‌درچاه‌بهار.

۶- تفنگداران دریایی.

راهنمایی ورانندگی

اخذجرایم رانندگی

جرایم پنجاه‌ریالی:

۱- گردش بچپ بطور غلط.

۲- عدم رعایت‌سمت‌های تعیین‌شده ازطرف راهنمایی.

۳- عدم‌رعایت حق‌تقدم درگذرگاه عابر پیاده ازطرف راننده، در صورت موجود بودن علامت یامأمور.

۴- عبورازعرض خیابان خارج‌از گذرگاه برای عابرین.

۵- عبور ازطول‌خیابانی‌که دارای پیاده روباشد.

۶- دست‌گرفتن بوسیلهٔ نقلیه‌بـا دوچرخه، آویزان شدن و یا سوار شدن پشت وسیلهٔ نقلیه و روی کاپوت‌آن.

۷ - دوترکـه سوار کردن بـا دوچرخهٔ پایی و سه‌ترکه سوارکردن با موتورسیکلت.

۸ - یدك کشی‌دوچرخه یاموتور- سیکلت یا وسایط نقلیهٔ مشابه.

۹- حمل‌اشیاء طویل‌وسیلهٔ‌عابرین، در صورتی‌که سد معبر نماید در ساعات ممنوعه.

۱۰- توقف بیش‌ازحدمقرردرنقاط مخصوص‌که قبلاآگهی شده باشد.

۱۱ - گرفتن مسافـر بـا داشتن مسافرقبلی.

۱۲- گرفتن مسافراضافی.

۱۳ - عدم توجه به‌اخطار و تذکر پلیس.

۱۴- عبور وسایط نقلیهٔ‌کندرو در محل‌های‌ممنوعه.

۱۵- حمل اشیاء وسیلهٔ چرخ‌های بلبرنگی.

۱۶ - نداشتن برگ معاینه.

۱۷ - نشاندن مسافر بغل دست رانندهٔ اتوبوس.

۱۸- هرکس به‌هروسیله مزاحمت عبورومروررا فراهم‌نماید.

۱۹- نداشتن شمارهٔ جلو.

امضاء ازطرف:

وزیردادگستری- وزیرکشور

جرایم یکصد ریالی:

۱ - عدم اجرای مقررات‌چراغهای چشمك زن.

۲ - دور زدن در محل‌ممنوعه.

۳ ــ عدم رعایت فاصله قبل و بعد از سبقت .

۴ ــ قصور از دادن علایم با دست یا چراغ راهنما در گردش بچپ و براست و یا هنگام دور زدن.

۵ ــ قصور از روشن کردن چراغ در مواقع لزوم .

۶ ــ بازکردن در وسیلهٔ نقلیه بدون رعایت احتیاط .

۷ ــ کشیدن وسیلهٔ نقلیهٔ دیگر به‌طور غلط بدون رعایت احتیاط .

۸ ــ تجاوز عرض و طول بار بیش از مقررات آیین‌نامه .

۹ ــ حرکت با دنده عقب درموقع غیر ضروری .

۱۰ ــ پیاده و سوارشدن از وسیلهٔ نقلیه ضمن حرکت .

۱۱ ــ حمل مسافر روی بار.

۱۲ ــ حمل بار و اشیاء طویل به‌وسیلهٔ دوچرخه پایی و موتورسیکلت.

۱۳ ــ سبقت اتوبوس و کامیون در داخل شهر .

۱۴ ــ حمل اشیاء کثیف و آلوده و حیوانات با وسایل نقلیهٔ عمومی که اختصاص به این کار داده نشده باشد.

۱۵ ــ حمل باری که موجب ناراحتی مسافرین گردد .

۱۶ ــ هرگونه دخالتی که اجرای مقررات راهنمایی را تغییر داده و یا خنثی نماید .

۱۷ ــ هر نوع توقف که منجر به‌سد معبر گردد .

۱۸ ــ توقف با موتور روشن بدون حضور راننده .

۱۹ ــ استفاده از شماره‌های غیر مجاز .

۲۰ ــ گردش به‌چپ در محل ممنوعه.

۲۱ ــ گردش به‌راست در محل ممنوعه .

۲۲ ــ بوق زدن ممتد غیرضروری.

۲۳ ــ حمل مسافر با وسایط نقلیهٔ پلاک شخصی.

۲۴ ــ راندن هر نوع وسیلهٔ نقلیه در پیاده روخیابانها .

۲۵ ــ نداشتن شمارهٔ عقب.

۲۶ ــ پوشانیدن شمارهٔ جلو و عقب وسیلهٔ نقلیه بنحوی که مانع خواندن آن شود و کامیون‌هایی که با آویزان نمودن در انتهای اطاق روی شمارهٔ عقب را میپوشانند.

امضاء از طرف :
وزیر دادگستری ــ وزیر کشور

جرایم دویست ریالی:

۱ ــ توقف اتوبوس خارج از ایستگاه.

۲ ــ خروج تاکسی از حومهٔ شهر بدون اجازه .

۳ ــ حمل جنازه با وسایط نقلیهٔ عمومی.

۴ ــ داشتن معایب فنی با تشخیص افسر مربوطه .

۵ ــ حمل بار بیش از ظرفیت قانونی.

۶ ــ حمل بار بیش از ارتفاع مجاز.

۷ ــ تغییر خط حرکت بدون دادن علامت .

۸ ــ حرکت بطور مارپیچ.

۹ ــ قصور در تعویض استپ نور بالا.

۱۰ ــ حرکت در سرازیری با دندهٔ خلاص .

۱۱ ــ حرکت به موازات هم .

۱۲ ــ حمل مواد محترقه با وسایل نقلیهٔ عمومی .

۱۳ ــ همراه نداشتن گواهینامهٔ رانندگی .

۱۴ ــ عدم توجه به‌چراغ راهنما.

۱۵ ــ عدم توجه به‌فرمان پلیس راهنما .

۱۶ ــ تجاوز از سرعت مقرر.

۱۷ ــ سبقت غیرمجاز.

۱۸ ــ عدم رعایت تقدم عبور.

۱۹ ــ عبور از محل ممنوع .

۲۰ ــ تجاوز به‌چپ .

۲۱ ــ توقف دوبله.

۲۲ ــ توقف درمحل ممنوعه .

۲۳ ــ استنکاف از قبول مسافر.

۲۴ ــ حمل تیرآهن و امثال آن بدون رعایت شرایط .

۲۵ ــ قصور در دادن راه عبور بوسیلهٔ نقلیهٔ عقب و در سبقت مجاز.

۲۶ ــ نداشتن کارت رانندگی شهری در وسایط نقلیهٔ عمومی.

۲۷ ــ نداشتن شمارهٔ جلو و عقب و یا نداشتن پلمپ .

۲۸ ــ داشتن شمارهٔ موقت پس از پنج روز از تاریخ حرکت با شمارهٔ موقت بدون اجازهٔ ادارهٔ راهنمایی .

امضاء از طرف :
وزیر دادگستری ــ وزیر کشور

علایم اتومبیل‌های کشورها

کشور	علامت
آرژانتین	RA
آلبانی	AL
آلمان	D
اتازونی	USA
اسپانیا	E
اسراییل	IL
استرالیا	AUS
اطریش	A
ایران	IR
اندونزی	RI
انگلستان	GB
ایتالیا	I
برزیل	BR
برمه	BA
بلژیك	B
بلغارستان	BG
پاکستان	P
پاناما	PA
پرتغال	P
ترکیه	TR
چکوسلواکی	CS
چین	RS
دانمارك	DK
رومانی	R
سوئد	S
سویس	CH
سیام	SM
شوروی	SU
شیلی	RCH
عراق	IRQ
فرانسه	AF
فنلاند	SF
فیلیپین	PI
کانادا	CDN
کلومبیا	CO
کوبا	C
کویت	KWT
لبنان	RL
لهستان	PL
مصر	ET
مراکش	ME
مکزیك	MEX
نروژ	N
واتیکان	V
هاییتی	RH
هلند	NL
هند	IND

هنگ‌کنگ	HK
یوگوسلاوی	YU
یونان	GR

کتب راهنمایی ورانندگی

اتومبیل : الیزابت جین وی ، ترجمهٔ محمود پویان .
بررسی مکانیك اتومبیل : سروان یدالله مصطفوی .
تعمیرات‌فوری: سرهنگ‌منوچهرفرزد .
خودآموز مکانیك فولکس واگن : نصرالله قهرمانی .
دستوراتومبیل‌رانی فرد : سید رضاقلی قایم مقامی .
راهنمای آزمایش : احمد پرستو .
راهنمای رانندگی : شاپور اسدی‌آذربایجانی .
راهنمای رانندگی و نگهداری اتومبیل : مرتضی دارویی .
کارشناسی درامورراهنمایی‌ورانندگی وقوانین آن : علی اکبر برخوردار .
مکانیك اتومبیل شناسایی خود رو : سرهنگ عبدالجواد نبهی .
مکانیك اتومبیل : « امیرکبیرتهران » مهندس قدرت الله فردوس .

معاهده‌های معروف جهان

آخن	انگلیس وفرانسه واسپانیا وآلمان.
آنزوس	استرالیاوزلندجدیدوآمریکا.
ارزنةالروم	ایران‌وعثمانی.
اویان	فرانسه والجزایر.
بالکان	یونان‌وترکیه ویوگسلاوی.
برست‌لیتوفسك	آلمان وروسیه.
پرسبورگ	اتریش وفرانسه .
ترکمان‌چای	ایران وروسیه.
تیلیست	فرانسه وروسیه (الکساندراول وناپلئون بناپارت).
سعدآباد	ایران وعراق وترکیه‌وافغانستان.
سن‌استفانو	روسیه‌وعثمانی.
سنتو	ایران وترکیه‌وپاکستان وانگلیس.
سن‌ژرمن	اطریش ومتفقین.
سور	فرانسه وانگلیس وعثمانی.
سیتو	استرالیا وفرانسه وانگلیس وپاکستان‌وآمریکا.
گلستان	ایران وروسیه.
فرانکفورت	فرانسه وآلمان.
فونتن‌بلو	فاتحین وفرانسه (ناپلئون).
فین‌کن‌اشتاین	ایران وفرانسه .
کامپوفورمیو	اتریش وفرانسه.
کاتوکامبرزی	فرانسه‌واسپانیا.
لونویل	فرانسه واتریش .
ورسای	متفقین‌وآلمان.
ورشو	کشورهای‌کمونیستی.
وستفالی	آلمان‌وفرانسه.
وین	دانمارك وپروس.

اعلامیه‌های معروف

اعلامیهٔ استقلال :
اعلامیه‌ای به قلم **توماس جفرسن** که درچهارم روییهٔ **۱۷۷۶** م به تصویب کنگره رسید، کـه موضوع‌آن ضرورت استقلال‌کشورآمریکا وبیان حقوق‌طبیعی مردم است ومتن آن به قرارزیر است :
ما معتقدیم که تمام مردم یکسان آفریده شده‌اند وحقوق خدادادی آنها، از جمله : **حق حیات ، حق آزادی ، حق خواستن‌خوشبختی**‌را نمیتوان‌سلب کرد. برای تأمین این حقوق حـکومتها بوجودآمده‌اندکه اختیارات حقهٔ آنها ، رضایت مردمی‌است‌که برآنان حکومت می‌کنند . هرنوع حکومت ، اگر خلاف این باشد مردم‌می‌توانندآنراتغییردهند، وحکومت تازه‌ای بنیاد نهند واختیارات آنرا به طریق صواب سازمان دهند.

اعلامیهٔ بالفور:
این اعلامیه درهفت نوامبر**۱۹۱۷** بوسیلهٔ **بالفور** وزیر خارجهٔ انگلیس صادرگردید. ودرآن‌پشتیبانی بریتانیای کبیرنسبت به‌ایجاد میهن ملی یهود در فلسطین تعهد شد.

اعلامیهٔ پاناما:
اعلامیهٔ نمایندگان بیست کشور آمریکایی وکشورهای متحد آمریکا در پاناما در**۲** اکتبر **۱۹۲۹** راجع‌به‌ایجاد کمربندامنیت‌یامنطقهٔ‌آمریکاکه در**۳۰۰** میلی‌از سواحل‌آمریکا عملیات جنگی و خصمانه بین کشورهای دیگر را ممنوع میسازد . بعدها معلوم شد غیر عملی‌است و برصفحهٔ‌کاغذ باقی ماند .

اعلامیهٔ تهران :
اعلامیهٔ‌اول دسامبر**۱۹۴۳** به‌امضای روزولت و چرچیل و استالین راجع‌به ـ همکاری سه دولت آمریکا وانگلیس و وروسیه درجنگ دوم جهانی ودر دورهٔ صلح پس از جنگ.

اعلامیهٔ حقوق :
بنیاد قانون اساسی انگلیس است. که در قوانین‌کشورهای مشترك المنافع بریتانیا وآمریکا و بالاخـره‌کشورهای انگلیسی زبان تأثیر عمیق داشته‌است.
در سال **۱۶۸۹** مجلس‌انگلیس‌آنرا تصویب‌کرد ، وقانونی شد .
به موجب اعلامیه ، مقـام سلطنت بدون رضایت مجلس ، حق تعلیق‌قوانین، تأسیس دادگاههای اختصـاصی ، تحمیل مالیات برای‌مصارف دربار ، نگاهداری قشون ثابت ، تحمیل جرایم سنـگین و تنبیهات بی رحمانه را ندارد .
به موجب این اعلامیه مردم حق دارند به شاه عریضه کنند ، انتخـابات اعضای‌مجلس‌بایدآزاد باشد ونمایندگان دربیان‌آزادند، کاتولیکها از تاج وتخت حقی ندارند وسلطنت ارثی است .

اعلامیهٔ حقوق بشر:
سازمان ملل را به‌بینید .

اتحادیه‌ها وپیمانها

قرارداد وسازمانهای سیاسی

اتحادیهٔ آخایایی .
اولین اتحادیه ای که ازهمبستگی شهرهای **آخایا** وسایر بلادیونان درسال **۱۳۰۰** قم تشکیل شد .

اتحاد اوگسبورگ .

اتحاد بزرگ رابببینید .

اتحاد بزرگ .

اتحادی که کشور هـای هلند ، انگلستان وباویر برضد فرانسه تشکیل دادندکه بعداً کشورهای اسپانی وساووا وساکس بدیشان پیوستند .

اتحاد عربی .

اتحادیه‌ای که‌عراق‌واردن‌هاشمی در ۱۹۵۸ در مقابل جمهوری متحد عرب تشکیل دادند ودرسال ۱۹۵۸ باانقلاب عراق سازمان آن‌در هم‌ریخت .

اتحاد مثلث .

درسال ۱۸۷۲ ، آلمان واتریش‌و ایتالیا متحد شدند که قدرت آنها جنگ جهانی‌اول رابپاکرد .

اتحاد مقدس .

فرمانروایان روسیـه و اتریش و پروس درسال ۱۸۱۵ موافقت کردندکه باافراد ملت خویش برمبانی دین مسیح رفتار کنند وجز پادشاه انگلیس وپاپ‌و سلطان عثمانی سایر دول به امضای آن گردن نهادند .

اساس‌تشکیل این‌اتحاد دربادی‌امر جزصلح و خیراندیشی چیزی نبود . ولی متأسفانه با عدول ازهدف اصـلی‌با خون‌ریزیهای فراوان ازبین رفت .

اتحادیهٔ اروپای غربی .

سازمان دفاع‌مشترك که‌ازکشورهای بلژیك ، لوکزامبورگ، هلند ، فرانسه، انگلستان ، ایتالیاوآلمان غربی‌تشکیل شده است ، این‌اتحادیه که‌درسال ۱۹۵۵ بوجودآمد باسازمان **ناتو**همکاری‌میکند واز کارهای عمدهٔ آن تجدید سازمان و مسلح ساختن آلمان غربی میباشد .

اتحادیهٔ بین‌المللی‌مخابرات‌مسافت‌دور .

درسال ۱۹۴۷ برای تعیین امواج ورادیو وپایین آوردن نرخ مخابرات ، وتکمیل علایم مخابراتی‌تشکیل گردید، این اتحادیه وابسته به‌سازمان ملل‌متحد است. « سازمان ملل‌رابه‌بینید»

اتحادیهٔ پستی جهانی .

درسال ۱۸۷۵ تأسیس‌شد واعضای آن‌درنرخ‌محمولات‌پستی تسهیل مبادلات پستی‌همکاری‌میکنند ، این‌اتحادیه‌وابسته به‌سازمان ملل متحد ومرکز آن درشهر **برن** است .« سازمان‌ملل رابه‌بینید»

اتحادیهٔ پولی .

قراردادی‌که برای یکی‌شدن‌ارزش پولهای رایج بین‌کشورهای عضو تشکیل گردید . مانندگروه‌کشورهای لاتـین و اتحادیهٔ‌کشورهای اسکاندیناوی‌که دارای اتحادیهٔ پولی‌هستند.

اتحادیهٔ چهارگانه .

ازملحق‌شدن امپراطوری اتریش‌به اتحادیه بین انگلستان، فرانسه ، هلنـد تشکیل‌گردید . این اتحاد برضد **فیلیپ پنجم** اسپانیا بود .

اتحادیهٔ ژرمنی.

در سال۱۸۱۵ بین‌اتریش، دانمارك، انگلیس ، هلند وآلمان منعقـدشد ، در واقع بنام اتحادیهٔ شهرهای آزادآلمان بودکه‌کشورهای دیگر به خاطر منافعی که درآن شهرها داشتند وارد اتحادیـه شده بودند، این‌اتحادیه در **فرانکفورت** به ریاست‌اتریش‌تشکیل شد . ولی‌هرگز اکثریت‌نیافت وکم‌کم‌بدون هیچ‌نتیجه‌ای ضعیف شد وبالاخره‌جنگ‌اتریش وپروس اساس‌آنرا درهم‌ریخت .

اتحادیهٔ سه امپراطور .

بین اتریش ،آلمان وروسیه درسال ۱۸۷۲ رسماً اتحادیه‌ای برقرار شدکـه براثر جنگهای۱۸۷۷ بین روس‌وعثمانی متزلزل شد .

اتحادیهٔ ضد قوانین غله .

سازمانی‌که در سال۱۸۳۹ بمنظور لغو قوانین غله درانگلستان‌به‌وجودآمد.

اتحادیهٔ ضد می‌فروشی.

سازمانی‌که درسال۱۸۹۳ به‌منظور منع معاملهٔ مشروبات الـکلی در ایالت **اوهایو** تشکیل‌گردید .

اتحادیهٔ عرب .

اتحادیه‌ای‌که با امضای پیمانی بین دولت‌های مصر ویمن ، سوریه ، عراق ، اردن هاشمی، وعربستان سعودی درسال ۱۹۴۵ در **قاهره** تشکیل شد چندی بعد کشورهای لیبی،سودان‌وتونس ومراکش نیز به‌آن پیوستند ایـن‌اتحادیه حافـظ تمامیت ارضی واستقلال‌کشورها و ایجاد تعاون وهمکاری‌نزدیك‌فرهنگی‌واقتصادی و سیاسی‌کشورهای عضو است. مرکزآن درقاهره است وازسال ۱۹۵۴ تحت نفوذ مصر قرارگرفته است .

اتحادیهٔ کارگران صنعتی جهان.

درسال۱۹۰۵ درشهر**شیکاگو**تشکیل شدکه روز به روز به توسعه و قدرت‌آن افزوده می‌شود .

اتحادیهٔ کارگران معادن‌آمریکا.

U.M. W

در سال ۱۸۹۰ درآمریکا تشکیل شد و موفقیت‌های بسیاری درزمینهٔ‌بهبود وضع‌کارگران به دست‌آورده است .

اتحادیهٔ مقدس.

سازمان‌کاتولیکهای فرانسه ، برای ازبین‌بردن**هوگنوها**و به‌سلطنت‌رسانیدن خاندان **گیز** تشکیل شد .

اتحادیهٔ مقدس .

پاپ ژولیوس دوم به‌کمـك دولت ونیز،سویس،اسپانیا ، انگلیس‌امپراطور ماکسیمیلیان‌اول‌متحدبودند،که برای‌خارج کردن **لومباردی**ازدست فرانسویهابدواً موفقیت‌های ناچیزی به دست‌آورند ولی بامرگ ژولیوس اتحادیه از هم پاشید.

اتحادیهٔ ممالك مستقل‌افریقایی.

در سال ۱۹۵۹ بین نخست وزیـر غنا ورییس جمهورگینه به امضا رسید و طبق‌آن دودولت گینه‌وغنا موافقت‌کردند که‌درمسایل‌دفاعی‌سیاست‌مشترکی‌اتخاذکنند وسازمان‌های‌اقتصادی‌مشترك دایر نمایند.

اتفاق‌مثلث .

در ماه‌آوریل۱۹۰۷ بین دولتهای فرانسه، انگلیس‌وروسیه که بموجب آن اختلافات‌روسیه‌وانگلیس برسرافغانستان، تبت‌وایران رفع شد وایران‌به دو منطقه زیرنفوذروس‌وانگلیس تقسیم‌شد .

بازار مشترك.

این سازمان درسال ۱۹۵۸ به‌دنبال معاهدهٔ سال۱۹۵۷ که درشهر **روم**امضاء شد بوجودآمد .

هدف‌آن‌بهبودبیشتر اوضاع‌اقتصادی کشورهای عضو و وضع‌مقررات مخصوص گمرکی‌است . اعضای این بازارعبارتند از: فرانسه،آلمان غربی،بلژیك،ایتالیا، لوکزامبورگ ، هلند ،کشورهای یونان و ترکیه‌که بااین‌جامعه همکاری دارند ، انگلستان نیز تحت شرایطی با بـازار مشترك اروپا بستگی دارد .

پیمان آخن .

قراردادی بین فرانسه و اسپانیادر در دوم مه ۱۶۶۸ وپیمان ۱۸ اکتبـر ۱۷۴۸ که به‌استنادآن اروپا به‌وضع‌پیش از جنگ برگشت .

پیمان اکس لاشاپل.

پیمان‌آخن را به‌بینید .

پیمان‌بالکان .

پیمان ۹ فوریهٔ ۱۹۳۴ بین‌چـهار کشوریونان وورومانی‌وترکیه‌ویوگسلاوی

در موردشناختن‌مرزهای‌تازه ؛بلغارستان نیز بعداً به‌این پیمان ملحق شد واز آن زمان اتحادیهٔ مزبور به اتحادیهٔ بالکان معروف شد .

پیمان جنوب شرقی‌آسیا .

سیتو را به‌بینید .

پیمان‌چاپولته‌پك .

پیمانی بین نمایندگان کشور های آمریکای شمالی‌وجنوبی به‌استثنای‌کانادا درکنفرانس مکزیکو سیتی درفوریهٔ ۱۹۴۵م.

پیمان سایکس- پیکو .

پیمان‌سری‌بین‌**سایکس**‌نمایندهٔ‌انگلیس و**پیکو**نمایندهٔ‌فرانسه در ۱۶ مه ۱۹۱۶ (که‌بعداً روسیه‌نیزبدان ملحق شد) برای تجزیهٔ امپراطوری‌عثمانی وتقسیم قسمت زیادی ازاراضـی آن‌شامل عربستان و سوریه‌و لبنان‌وفلسطین‌واردن‌وعراق‌وموصل بین انگلیس وفرانسه .

پیمان لوزان .

پیمان‌صلح‌بین‌ترکیه،انگلیس،فرانسه وایتالـی‌وژاپون ویونان وبلغارستان و یوگسلاوی‌درلوزان در۲۴ژوییهٔ۱۹۲۳.

پیمان کنگوردا .

پیمان بین‌واتیکان وسلطنت‌ایتالیا در ۱۹۶۹ پس‌ازسالهاکشمکش واختلاف .

پیمان برست لیتوفسك .

Brest Litovsk

قراردادبرست لیتوفسك رابه‌بینید .

پیمان مرکزی خاورمیانه :

سنتو رابه بینید .

پیمان مسکو .

پیمانی بین‌وزرای خارجهٔ سه‌دولت انگلیس و آمریکا و روسیه درمسکو در دسامبر ۱۹۴۵ راجع به شرایط صلح با آلمان و ژاپون وسایر مسایل راجع به جنگ وصلح .

پیمان مونتورا .

نام پیمان بین‌مارشال پتن وهیتلر در مونتورا در۲۴ اکتبر ۱۹۴۰ راجع به همکاری بین فرانسه غیر متصرفی و آلمان .

پیمان مونیخ .

پیمان بین **چمبران** ، نخست وزیر انگلیس و **دالادیه** نخست وزیر فرانسه **هیتلر** پیشوای‌آلمان باحضور**موسولینی** درسپتامبر۱۹۳۸راجع به‌الحاق‌چکوسلواکی به‌آلمان .

پیمان ورسای .

پیمان صلح بین متفقین و متحدین پس از جنگ اول‌جهانی درقصر ورسای پاریس در ۲۸ ژوین ۱۹۱۹م.

پیمان ورشو .

این‌پیمان‌درسال ۱۹۵۵ بعنوان‌یك پیمان‌دفاعی برای‌مدت۲ سال‌بوجود آمد، مقراین‌سازمان‌درمسکو است واعضاء‌آن عبارتند از :

شوروی ، چکـوسلواکی، لهستان ، آلمان شرقی ، آلـبانی ، مجارستان ، رومانی و بلغارستان .

پیمانهای منطقه‌ای .

به‌موجب‌منشورملل‌متحد کشورهای عضو می‌توانند برای حفظ صلح وامنیت به‌تشکیل‌پیمانهای‌منطقه‌ای‌مبادرت ورزند مشروط برآنکه هدفهای آن‌بامقاصدو اصول سازمان ملل وفق دهد .

سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی .

سیتو رابه‌بینید .

سازمان پیمان مرکزی .

سنتو رابه بینید .

سازمان کشورهای آمریکایی .

این‌سازمان درسال ۱۹۴۸ بوجود آمدمقرآن‌واشنگتون‌واعضای‌آن‌عبارتند ازکلیهٔ کشورهای آمـریکای مرکزی و جنوبی به‌انضمام‌اتازونی.

سنتو .

یا سازمان پیمان مرکـزی پیمان دفاعی‌منطقه‌ای که‌بین ایران وپاکستان وترکیه وانگلستان منعقد گردیده است درتاریخ‌فوریهٔ ۱۹۵۵ بین‌عراق‌وترکیه یك پیمـان دفاعی بستـه شده به نام «پیمان‌بغداد»وبعداًایران‌وسپس‌پاکستان وانگلستان‌به‌آن‌پیمان‌ملحق‌شدند.مرکز این پیمان شهر بغداد پایتخـت کشور پادشاهی عراق بود پس از انقلاب ژوییهٔ ۱۹۵۸ م . عراق وسقوط رژیم سلطنتی واستقرار رژیم‌انقلابی،جمهوری عراق‌از پیمان بغداد خارج شد واز آن پس نام پیمان بغداد به (پیمان مرکزی) مبدل‌و مرکز ثابت‌آن‌ازبغداد به‌آنکارا پایتخت جمهوری ترکیه منتقل گردید و دولت کشورهای متحد آمریکا (اتازونی) نیز عضویت‌بعضی‌ازکمیته‌های وابسته به‌سنتو درآمد ونیز قبول کردکه درکمیته‌های دیگر بعنوان ناظر شرکت کند.

سیتو .

این‌سازمان‌باتوجه‌به‌مادهٔ ۵۱ منشور سازمان ملل متحد بوجود آمد وپیمانی دفاعی و منطقه‌ای است ؛ وبین آمریکا ، انگلستان ، فرانسه، پاکستان،استرالیا، زلندنو ، فیلی پین و تایلند منعقدشده است .

مرکز آن **بانکوك** درتایلند است، سیتو باپیمانهای‌ناتووسنتو همکاری‌دارد.

صلح اکس لاشاپل .

آخن رابه بینید .

عهدنامهٔ ۱۸۱۴ ایران‌وانگلیس.

این قرار دادکه‌پس‌ازشکست‌ایران ازدولت‌روسیه‌ودرتحت شرایط ناگواری ازطرف دولت ایـران امضاء شده کاملا بنفع‌دولت‌انگلیس‌بودزیراتعهدات‌دولت ایران بدینقرار بود :

۱- حکمیت نمایندهٔ دولت انگلیس در اختلافات مرزی ایران وروسیه .

۲- جلوگیری‌ازحملهٔ‌قبایل افغانی بخاك هند .

۳ - عدم اتحاد با دشمنان دولت انگلیس .

۴- ندادن راه عبور سپاه بیگانه برای حمله‌به‌هند .

۵- خودداری ازاستخدام‌مأمورین نظامی ازکشورهای مخالف انگلیس .

درمقابل آن دولت‌انگلیس متعهد شده بود که :

۱ - سـالی ۱۵۰ هزار لیره به ایران بدهد به شرط آنکه با نظر نمایندهٔ انگلیس فقط صرف مخارج‌دفاع ازمرزهای شمالی ایران بشود .

۲- دولتین‌انگلیس‌وایران‌درامور افغانستان مداخله نکنند .

۳- دولت انگلیس از سرکشان و مدعیان‌تاج وتخت‌ایران‌پشتیبانی‌نکند .

۴- دادن‌کمك دریایی به‌ایران در صورت‌لزوم‌به‌شرطیکه برای‌دولت‌انگلستان مقدور باشد .

۵- کمك به‌دولت‌ایران درصورت حملهٔ دولت خارجی .

دولت‌انگلیس بعداً باپرداخت ۲۰۰ هزار تومان به‌دولت ایران‌این دولت‌را به‌فسخ مادهٔ اخیرمجبور کرد .

عهد نامهٔ پاریس .

عهدنامه‌ای‌که بوساطت‌لویی‌ناپلئون (ناپلئون سوم پادشاه فرانسه) در سال ۱۲۷۳ هق. (مطابق‌با ۱۸۵۷ میلادی) درپاریس بین‌ایران وانگلیس‌بسته شد.

عهدنامهٔ ترکمانچای.

(۱۰ فوریهٔ ۱۸۲۸)

پس‌ازشکست‌ایران‌درجنگهای‌دورهٔ دوم «ایران‌وروسیه» درقریهٔ‌ترکمانچای (نزدیك‌میانه) میان نمایندگان ایران و روسیه درتاریخ ۱۰ فوریهٔ ۱۸۲۸ به‌امضاء رسید به‌موجب این عهدنامه:

۱ـ تمام نواحی‌متصرفات ایران‌در آن‌طرف رودارس‌به‌دولت روسیه واگذار شد.

۲ـ ایران‌پرداخت‌پنج‌ملیون‌تومان غرامت راقبول کرد.

۳ـ اثاثه و لوازم اتباع روسی و همراهان ایرانی‌ایشان ازپرداخت‌حقوق وعوارض معاف شدند.

۴ـ دولت روسیه حق یافت در هر نقطه ازخاك ایران نمایندگی سیاسی و بازرگانی دایر کند.

۵ـ حقوق گمرکی کالای روسی به ۵٪. ارزش آن تقلیل یافت.

۶ـ به‌اتباع روسی‌حق‌استفاده‌ازحقوق کاپیتولاسیون داده‌شد.

بزودی دولتهای دیگر اروپایی هم به‌استثنای قسمتهای ۳ و ۶ این عهدنامه از مزایای مشابهی برخوردار شدند و قدرت سیاسی واقتصادی ایران از هرسو دستخوش زوال گردید.

عهدنامهٔ صلح‌وستفالی.

عهد نامه‌ای بود (دراصل) میان سوئد و فرانسه‌که به جنگهای سی‌ساله پایان داد،مقدمات آن ازسال ۱۶۴۵ آغاز شد و در سال ۱۶۴۸ به امضاء رسید. به موجب آن قدرت خاندان **هابسبورگ** کاهش یافت و امپراطوری مقدس روم به کنفدراسیونی از ایالت خودمختار مبدل‌شد. فرانسه‌قسمت‌بزرگی ازآلزاس و سوئد را بدست آورد. استقلال سویس و ایالات متحدهٔ هلند تأیید شد.

عهدنامهٔ فین‌کن‌اشتاین.

Einkenistein

درسال ۱۲۲۲م. دولت‌روسیه‌سفیری برای مصالحه نزد فتحعلی شاه فرستاد ولی فتحعلی شاه بر اثررسیدن مأمورین ونامه‌های پی در پی ناپلئون بناپارت به‌جلب همکاریش‌با ایران امیدوار شده بود پیشنهاد روسیه را ردکرد و سفیری نزد ناپلئون فرستاداین‌سفیر درارد وگاه **فین‌کن‌اشتاین** به خدمت ناپلئون‌رسید و قراردادی در تاریخ ۴ مه ۱۸۰۷ میان دولت ایران و فرانسه تنظیم شد. مفاد آن چنین‌بود:

۱ـ ضمانت استقلال وتمامیت‌ارضی ایران.

۲ـشناختن‌حق‌ایران بر گرجستان.

۳ـ تعهدکمك به ایران دراسترداد گرجستان ودیگرمناطق اشغالی روس و عقد صلح‌با آن‌دولت.

۴ـکمك نظامی به دولت ایران.

۵ـ اعلان جنگ ایران به دولت انگلیس.

۶ـ اخراج انگلیسی‌ها از خاك ایران وبستن سرحدات بروی ایشان.

۷ـ تحریك‌وتشویق‌مردم‌افغانستان برای حمله به هندوستان.

۹ـ دادن راه‌عبور از ایران به سپاه فرانسه در صورت حملهٔ آن دولت به هندوستان. نتیجهٔ این‌قرارداد برای ایران بشکست‌کامل از دولت روسیه و عواقب ثانوی این شکست ازدست رفتن افغانستان بود.

عهدنامهٔ گلستان:

(۱۲ اکتبر۱۸۱۳م)

پس از شکست ایران در جنگهای دورهٔاول ایران‌وروسیه‌درتاریخ ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ در قصر **گلستان** تهران میان نمایندگان‌ایران وروسیه به‌امضاء رسید وبه موجب آن ولایات قره‌باغ وگنجه‌و خانات وشکی وشیروان وقبه و دربند و باکو وقسمتی از ولایات طالش رسماً به دولت روسیه واگذار شد. این قرارداد بعداً در موقع عقد قرارداد **ترکمانچای** ملغی شد.

قرارداد ایران وعثمانی:

(۱۱۶۰ م)

این قرارداد که **نادرشاه** از زمان تاجگذاری برای عقدآن‌کوشش میکرد وچندبار ازطرفین برای جرح و تعدیل آن آمد و رفت شده بود سرانجام در استانبول ازطرف **مصطفی‌خان شاملو** و **میرزا مهدیخان** منشی و استرآبادی مأمورین دولت عثمانی به‌امضاء رسید. دراین قرارداد تعهد شده‌بود.

۱ـ مأمورین دولت عثمانی باید مراقب جان و مال حجاج ایرانی‌که از شام وعراق میگذرند باشند.

۲ـ آزادی اسراء طرفین.

۳ـ استرداد مجرمین فراری.

۴ـ خوشرفتاری با اتباع و تجار طرفین.

البته دراین میان تنهاگذشتی‌که نادرشاه‌کرد حذف‌مادهٔ‌مربوط‌باختصاص یکی از ارکان اربعهٔ‌کعبه به‌زایرین‌شیعه بود.

قرارداد برست‌لیتوفسك:

درسال ۱۹۱۷ پس‌از انقلاب‌اکتبر نمایندگان دولت اتحاد جماهیرشوروی وآلمان درناحیه‌ای بنام برست‌لیتووسك (Brest litovsk) قراردادی امضاء‌کردند که به موجب‌آن میان دو دولت متارکهٔ جنگ اعلام شد. دولت‌آلمان رژیم‌جدید روسیه‌رابه‌رسمیت شناخت ودولت‌شوروی نیز برای آنکه بتواند برضد انقلاب و دشمنان خارجی مقابله کند قسمتی از نواحی تحت تصرف خود را به آلمان واگذاشت. این قرارداد برای ایران هم حایز اهمیت زیاد بود زیرا به‌موجب‌آن‌طرفین‌تمامیت‌ارضی‌واستقلال ایرانرا محترم‌شمرده وخروج‌قوای‌روسیه وعثمانیهارادرایران تعهدکردند.

قرارداد ۱۹۰۷:

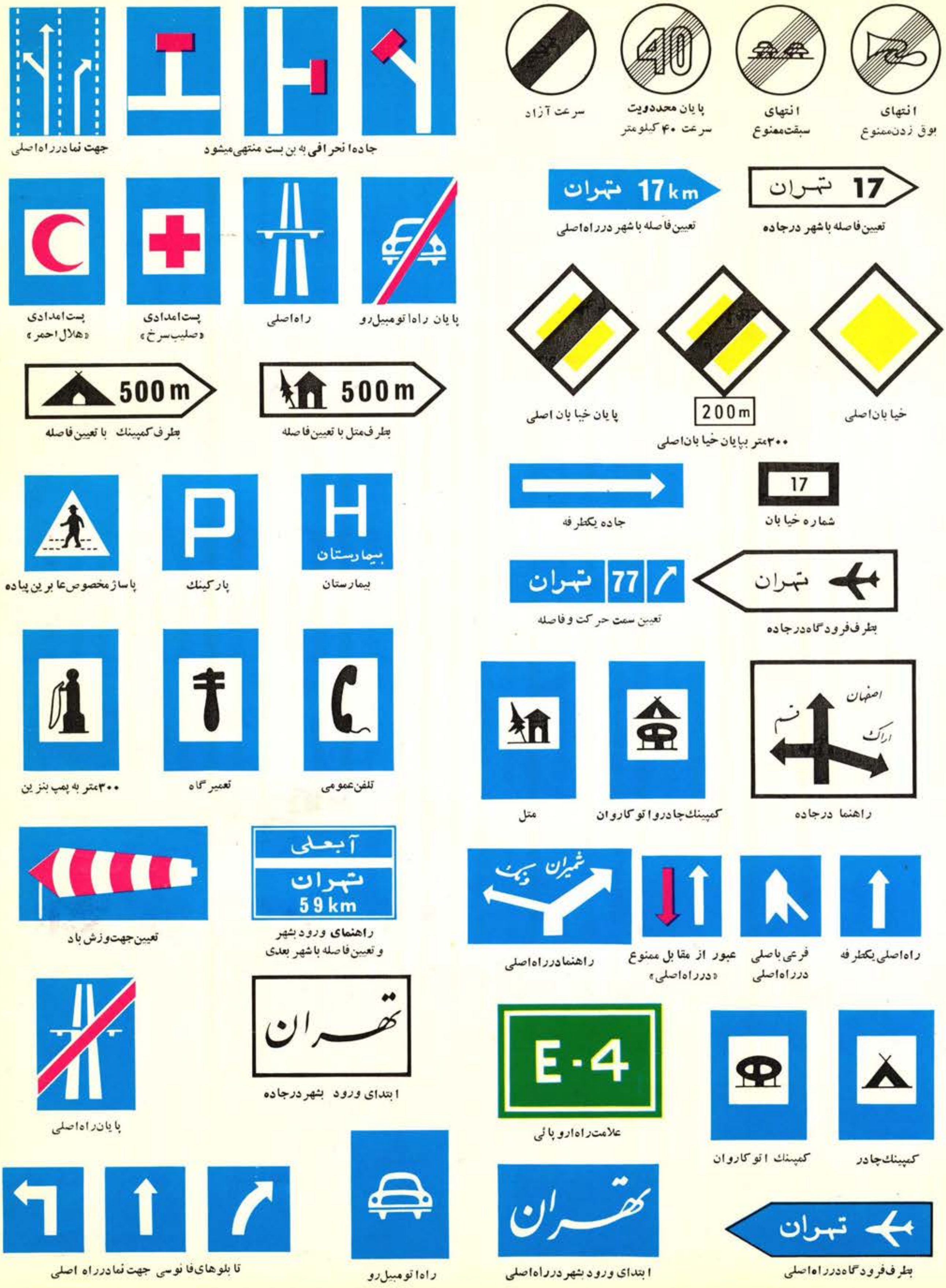
شکست دولت روسیه از ژاپن و پیدایش انقلاب درآنکشور ازیکطرف و قوی شدن‌آلمان واتحاد او با اتریش و نیزانعکاس انقلاب ایران در هندوستان‌و محرومیت‌روس‌وانگلیس از منابع طبیعی ایران‌براثررقابت‌یکدیگرسرانجام‌این‌دو دولت بهم نزدیك وموجب شدکه درسال ۱۹۰۷ (۱۳۲۵ ق.) موافقتنامه‌ای در پطرسپورگ‌میان‌نمایندگان‌دولت‌انگلستان وروسیه امضا شود.

به موجب این موافقتنامه خطی که از قصر شیرین و اصفهان و یزد و خاش به‌سرحد میان روسیه و افغانستان منتهی میشوددرتحت نفوذ روسیه ومناطق میان سرحد افغانستان و قازیك و بیرجند و کرمان و بندر عباس در سلطهٔ اقتدار انگلستان قرارمیگرفت و این‌دو دولت حق نداشتند در منطقهٔ نفوذ یکدیگر تحصیل امتیازات نمایند. این قرارداد که‌درایام جنگ بین‌المللی‌اول به‌ایران صدمات فراوان زد در سال ۱۹۱۸ با انقلاب روسیه خود بخود ملغی‌گردید.

قرارداد ۱۹۲۱:

درسال ۱۹۲۱م(۱۲۹۹ ش) دولت ایران‌رژیم جمهوری سوسیالیستی‌شوروی را برسمیت شناخت و قراردادی میان

علائم اخباری



علائم بازدارنده وحکم کننده



عبوروسائل نقلیه باوزن بیش از ۵ر۵ تن ممنوع



گردش بچپ ممنوع



توقف روزهای زوج سمت چپ ممنوع



سبقت برای کامیون ممنوع



عبور از دوطرف ممنوع



عبور کامیون با بار بیش از ۵ر۵ تن ممنوع



عبور با تریلی و بدون تریلی
با طول بیش از ۱۰ متر ممنوع



سبقت ممنوع



حق تقدم عبور با وسیله نقلیه مقابل است



عبور ممنوع



توقف روزهای زوج سمت راست ممنوع



پارکینك ممنوع



عبوروسائل نقلیه موتوری ممنوع



سرعت بیش از ۳۰ کیلومتر ممنوع



سرعت بیش از ۳۰ کیلومتر برای کامیون
و بیش از ۵۰ کیلومتر برای سواری ممنوع



عبور موتورسیکلت ممنوع



عبور دوچرخه ممنوع



ایست



عبور دوچرخه موتوردار ممنوع



عبور اتومبیل ممنوع



گمرک «ایست بازرسی»



عبور پیاده ممنوع



عبور با ارتفاع بیش از ۳ر۵ متر ممنوع



عبور با عرض بیش از ۲ متر ممنوع

علائم بازدارنده وحکم کننده



منطقهٔ مخصوص عابرین پیاده



تعیین جهت حرکت درمیدان



تعیین سمت عبور



حداقل سرعت ۳۰ کیلومتر



توقف مطلقا ممنوع



منطقهٔ مخصوص عبوردوچرخه

علائم بازدارنده وحکم کننده



عبور با تریلی ممنوع



حداکثر سرعت با بار
بیش از ۳٫۵ تن ۳۰ کیلومتر



عبور با بار بیش از ۴٫۲ تن
برهراهرم ممنوع



کامیون با تریلی ممنوع



دورزدن ممنوع



بوق زدن ممنوع

علائم اختصاصی کشور شاهنشاهی



ایستگاه تاکسی



پارکینگ اختصاصی



ایستگاه اتوبوس



پست امدادی
«شیرخورشید سرخ»



خطر مه و کولاک



ایستگاه پشت سرهم



توقف بین ساعات ممنوع

علائم خطر



جاده دردست تعمیر



محل عبور اطفال



دست انداز



منطقهٔ عبور حیوانات اهلی



تقاطع جاده و راه آهن
بامستحفظ نصب درمحل تقاطع



محل عبور عابرین



بچراغ راهنما نزدیک میشوید

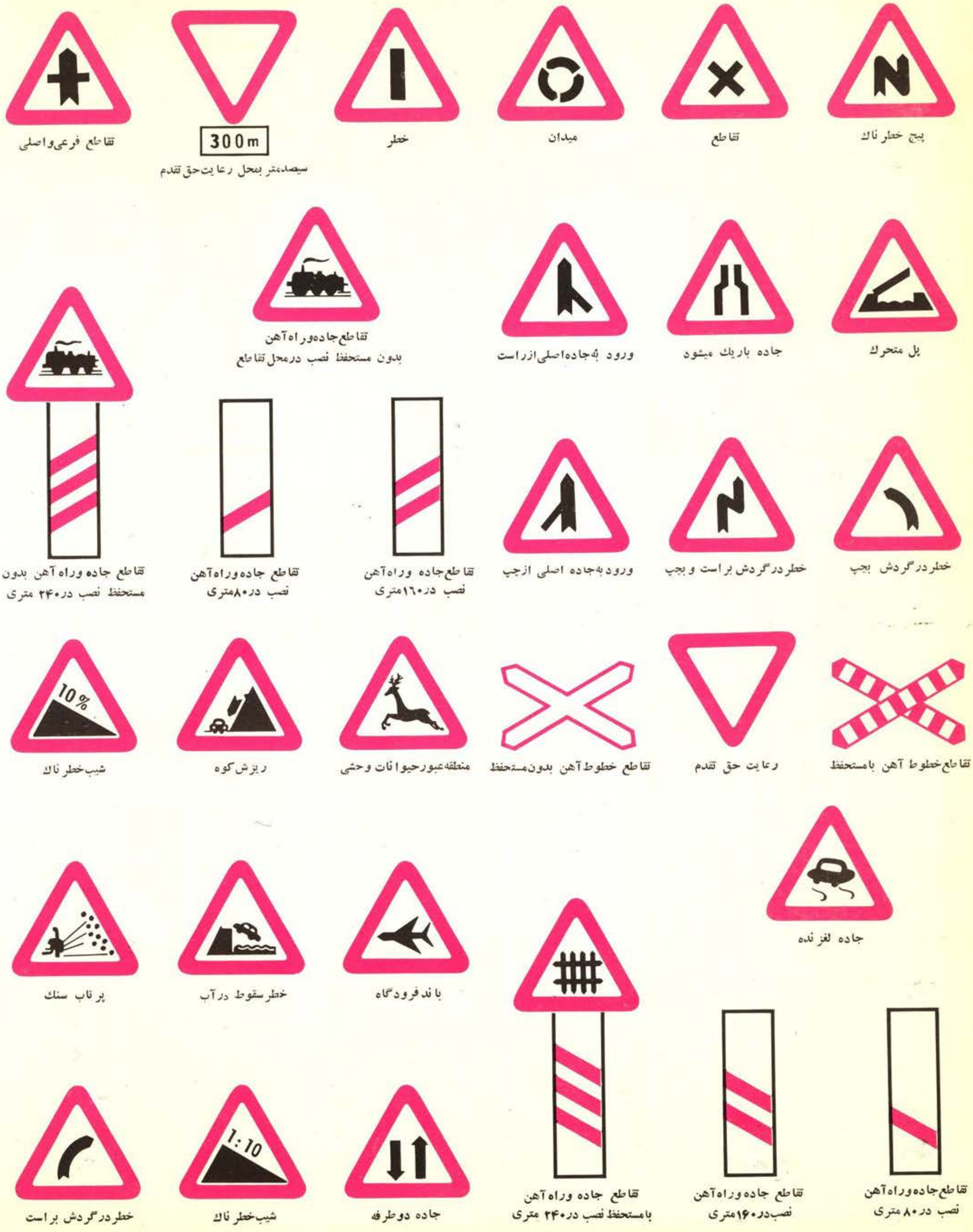


محل عبوردوچرخه سوار



خطر درگردش بچپ و براست

علائم خطر



پیچ خطرناك — تقاطع — میدان — خطر — سیصدمتر بمحل رعایت حق تقدم — تقاطع فرعی‌واصلی

پل متحرك — جاده باریك میشود — ورود به‌جاده‌اصلی ازراست — تقاطع جاده‌وراه‌آهن بدون مستحفظ نصب درمحل تقاطع

خطردرگردش بچپ — خطردرگردش براست و بچپ — ورود به‌جاده اصلی ازچپ — تقاطع جاده وراه‌آهن نصب در۱۶۰متری — تقاطع جاده وراه‌آهن نصب در۸۰متری — تقاطع جاده وراه آهن بدون مستحفظ نصب در۲۴۰ متری

تقاطع‌خطوط آهن بامستحفظ — رعایت حق تقدم — تقاطع خطوط آهن بدون‌مستحفظ — منطقه‌عبورحیوانات وحشی — ریزش‌کوه — شیب‌خطرناك

جاده لغزنده — باندفرودگاه — خطرسقوط درآب — پرتاب سنك

تقاطع جاده‌وراه‌آهن نصب در۸۰ متری — تقاطع جاده وراه‌آهن نصب‌در۱۶۰متری — تقاطع جاده وراه‌آهن بامستحفظ نصب در۲۴۰ متری — جاده دوطرفه — شیب‌خطرناك — خطردرگردش براست

ایران و شوروی امضاء شدکه به موجب آن دولت شوروی از تمام دعاوی مالی ومطالبات خود از ایران چشم پوشید و هرنوع قراردادی راکه میان دولت روسیهٔ تزاری و دولتهای دیگر دربارهٔ ایران منعقد شده بود ملغی ساخت. درقبال آن ایران متعهد گردید بهدشمنان شوروی در ایران پناه ندهد وقشون خارجی را در ایران نگذارد.

قرارداد گمرکی ایران و انگلیس:

در سال ۱۳۲۰ قمری انگلستان نیز امضای یك قرارداد گمرکی بنفع خود از ایران گرفت و گمرك جنوب را قبضه کردند. بعداز مشروطه گمرك جزو وزارت دارایی گردید.

قرارداد آندروسوف Andrusov

قراردادمیان روسیه و لهستان که در سال ۱۶۶۷ امضاء شد و به موجب آن سمولنسك و اوکرایین درمشرق رود دنیپر ازجمله کیف به روسیه واگذار گردید.

قورولتای دشت مغان:

نادرشاه پس از اخراج نیروهای خارجی ازایران وسرکوبی آشوبگران و مخالفان درسال ۱۱۴۸ بهحکام همهٔ نقاط ایران فرمان داد«تاحکام ورؤسا وقضات وعلما واشراف ولایات درپانزدهم جمادی‌ـ الاخری در صحرای مغان حاضر شوند» آنگاه با تمهید مقدمات قبلی وتلطیف موافقان وارعاب مخالفان صورت مجلسی را بهمهر وامضاء آنان رسانید کهمتضمن سه شرط بود :

۱ ـ عدم همکاری و موافقت با شاه طهماسب وخاندان صفویه .

۲ـ دست برداشتن ازمجادلات مذهبی وخودداری ازلعن ابوبکر عمروعثمان .

۳ـ ابراز وفاداری نسبت به نادر وخاندانش .

معاهدهٔ پاریس (اولین) :

در ۳۰ ماه مه ۱۸۱۴ منعقدشد که بموجب آن فرانسه به حدود سال ۱۷۹۲ بازگشت و۵۳ قلعهٔ مستحکم خود راباتمام مهمات به متحدین (روسیه ، انگلیس ، پروس، سوئد واتریش) سپرد .

معاهدهٔ پاریس (دومین) :

در سال ۱۸۲۱ منعقدشد، بموجب آن فرانسه بهحدود سال ۱۷۹۵ (قبل از انقلاب کبیر) بازگشت ومتعهد شدکه ۷۰۰ ملیون فرانك بعنوان غرامت جنگ بهمتحدین بپردازد .

ناتو:

پس ازجنگ جهانی دوم متفقین اروپایی وآمریکایی باسرعت هرچه تمامتر نیروهای نظامی خود را خلع سلاح نمودند و بعدها دریافتند کهاتحادشوروی نیروهای خود را بـه میزان معتنابهی خلع سلاح ننموده است. بنابراین پنج کشور اروپا یعنی انگلستان، فرانسه، بلژیك ، هلند و لوکزامبورگ تصمیم گـرفتند متحد گردیده و نیروی دفاعی خـودرا تقویت نمایند. این قرارداددرمارس ۱۹۴۸ در **بروکسل** امضاءگردید .

بلافاصله پرزیدنت **ترومن** رییس جمهوری وقت آمریکا اعلام داشت کـه ایالات متحده نیزدراین مورد حاضر به همکاری است.

در ژوئن همان سال مجلس سنای آمریکا قطعنامـهای مبنی برلزوم الحاق آمریکابه سازمانهای امنیت دسته جمعی منطقهایازتصویب گذراند ورییس جمهوری آمریکاباکشورهای دیگرمنطقهٔ آتلانتیك شمالی تماس گرفت ودرآوریـل ۱۹۴۸ پیمان آتلانتیك شمالی منعقد گردید.

دوازده عضو مؤسس سازمان پیمان آتلانتیك شمالی (ناتو) عبارتند از:

بلژیك ، کانادا، دانمارك ،فرانسه، ایسلند، ایتالیا، لوکزامبورگ ، هلند ، نروژ، پرتقال، انگلستان و آمریکا ودر فوریهٔ ۱۹۵۲ یونان وترکیه نیزبهاین پیمان ملحق شدند.

کنفرانسها و کنوانسیونهای مهم

کنفرانس پوتسدام :

این کنفرانس در ژوییـهٔ ۱۹۴۵ با شرکت سران دول آمریکا ، انـگلیس و روسیه(در قصر سانسوسی آلمان) تشکیل و راجع به سرنوشت اروپا ـ طرزادارهٔ آلمان وقراردادهایی درخصوص عهدنامهـ های صلح با بعضی ازدول وتشکیل شورای وزرای خارجهٔ ممالك روسیه ، انگلیس، آمریکا ،چین وفرانسه در سپتامبر ۱۹۴۵ درلندن، محاکمهٔ جنایتکاران جنگ دوم، تقسیم بحریهٔ جنگی وبازرگانی آلمان بین سه دولت بزرگ، واگذاری قسمتی ازپروس شرقی بهروسیه ومسائل دیگر گفتگوهایی بهعمل آمد.

کنفرانس تهران :

به موجب کنفرانس مسکـو در آذر ماه ۱۳۳۲ هش(نوامبر ۱۹۴۳ م) بـاحضور رهبران دول متحد (روزولت از آمریکا، استالین ازروسیه وچرچیل ازانگلستان) و شرکت وزرای خارجهٔ دول فوق جهت تبادل نظر و مشاوره دربارهٔ تأسیس یك سازمان بین المللی (بنا به پیشنهاد روزولت) و پیاده کردن قشون در نرماندی (شمال فرانسه) ـ ادامهٔ همکاری تا پایان جنگـ تعیین سرنوشت آلمان ـ اجرای عملیات نظامی دربالکان مسألهٔ لهستان و خاور دورتشکیل گردیدومنجر بهصدور دواعلامیهٔ تهران وایران(دردسامبر ۱۹۴۳) گردید.

کنفرانسهای دومبارتن اوکس :

دوکنفرانس درشهر **دومبارتن اوکس** واقع در واشنگتون که اولی بـا شرکت نمایندگان انگلیس ،آمریکا و روسیه از ۲۱ تا ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۴ و دومی بـا حضور دول انگلیس ، آمریکا وچین از ۲۹ سپتامبر تا ۷ اکتبر تشکیل گردید. ازاقدامات این کنفرانس تهیهٔ طرح مقدماتی سازمان ملل متحد و درنظر گرفتن مجمع عمومی ـ دبیرخانه ـ شورای امنیت ـ شورای اقتصادی و اجتماعی برای سازمان مزبور و انتخابات دول روسیه، انگلیس ، آمریکا ، فرانسه وچین به عضویت دایم شورای امنیت وعدم توافق درمورد حق وتو وعضویت جمهوریهای اتحادشوروی بهعنوان دولت مستقل درسازمان ملل میباشد.

کنفرانس سانفرانسیسکو :

این کنفرانس در ۲۵ آوریل ۱۹۴۵ با شرکت نمایندگان پنـجاه دولت در سانفرانسیسکو(یکی ازبنادر مهم آمریکا) تشکیل و منشور ملل متحد موردتصویب قرار گرفت. ازمهمترین اقدامات کنفرانس مزبور تشکیل سازمان ملل متحد درسال ۱۹۴۵ ـ تأسیس یك مرجع قضایی بهنام دیوان دایمی بین المللی دادگستری برای حل اختلافات حقوقی دول میباشدـ ایجاد سازمانهای تخصصی از قبیل بانك ترمیم و توسعهٔ صندوق بین المللی پول، سازمان علمی و فرهنگی و تربیتی ملل مـتحد (یونسکو)، سازمان خواروبار کشاورزی، سازمان بهداشت سازمان هواپیمایی کشوری بین المللی، اتحادیهٔ پستی جهانی، اتحادیهٔ جهانی مخابرات ، سازمان بین المللی کار، سازمان مشورتی دریانوردی وسازمان هواـ شناسی ازنتایج مهم کنفرانس مزبورمیباشد این سازمانهاوابسته به سازمان ملل متحد واز سازمانهای تخصصی آن محسوب میشوند .

کنفرانس صلح :

در ۱۷ ژانویهٔ ۱۹۱۹ درپاریس منعقد شد که نمایندگان ۲۷ دولت در آن شرکت داشتند و ۱۴ مادهٔ **ویلسون** در این کنفرانس تصویب شد .

کنفرانس قاهره :

رییس جمهور آمریکا به اتفاق چرچیل

نخست‌وزیر انگلیس‌وچیانکایچك‌فرماندهٔ کل نیروهای چین دردسامبر ۱۹۴۲ بمنظور اخذتصمیمات شدید نظامی‌نسبت به‌ژاپن کنفرانسی‌درقاهره‌تشکیل‌دادند واعلامیه‌ای‌درخصوص تخلیهٔ سرزمینهای منچوری ، فرمز وپسکادورکه در۱۹۱۴ به تصرف ژاپنی‌ها درآمده بود صادرو اخراج ژاپن رااز سرزمینهای اشغالی دیگرخواستار وقرارشد آزادی‌واستقلال کره راتأمین نمایند .

کنفرانس مسکو .

وزرای‌خارجهٔ‌آمریکا (کرول‌هول)، روسیه (مولوتف)، انگلیس (ایدن) در اکتبر ۱۹۴۳ درمسکو به منظور پیاده کردن قوا در فرانسه در۱۹۴۴ وپایه‌گزاری یك سازمان جهانی کنفرانسی ترتیب‌دادندودر بارهٔ ادامهٔ‌جنگ‌با آلمان تاتسلیم دشمن‌وبه‌کاربردن نیروهای‌خود برای تأمین مقاصد صلح جویانه پس از جنگ و عدم الحاق اتریش به آلمان و مجازات مرتکبین جنگ به توافقهایی رسیدند .

کنفرانس واشنگتون.

در دسامبر ۱۹۴۱ درطول جنگ دوم کنفرانسی باپیشنهاد دولت انگلیس وشرکت رییس جمهوری آمریکا ونخست وزیر انگلیس و سفیر کبیر روسیه در واشنگتون‌تشکیل واعلامیهٔ ملل متحدکه درژانویهٔ ۱۹۴۲ به‌امضای ۲۶ دولت (ازجمله ایران درشهریور۱۳۳۲)جهت ادامهٔ جنگ با آلمان و پیروزی نهایی تنظیم‌گردید .

کنفرانس یالتا.

کنفرانس‌مزبوربین سران‌انگلیس، آمریکا وروسیه‌درفوریهٔ ۱۹۴۵ در یالتا (واقع درروسیه) تشکیل‌گردیدودرمورد اساسنامهٔ سازمان‌ملل‌وعضویت‌دوجمهوری شوروی‌درآن‌سازمان-حق‌وتو‌حملهٔ‌روسیه به‌ژاپن - اشغال آلمان ومسألهٔ لهستان مذاکراتی به‌عمل آمد .

کنگرهٔ برلن.

درژوییهٔ۱۸۷۹به ریاست **بیسمارك** صدراعظم آلمان وشرکت نمایندهٔ‌روسیه واتریش دربرلن برگزار و مواد قرار- داد **سان‌استفانو** تغییراتی‌دادند .

کنوانسیون برن .

موضوع سال ۱۸۸۶ راجع به‌حفظ حقوق بین المللی مؤلفین آثار ادبی و هنری‌درتمام کشورهای‌عضوکنوانسیون .

کنوانسیون ژنو .

پیمان بین‌المللی ژنو در ۶ ژوییهٔ ۱۹۰۶ راجع به‌حفظ وتوجه ازمجرمین جنگ تشکیل‌شد .

کنوانسیون مونترو .

موافقتنامهٔ ۲۰ ژوییهٔ ۱۹۳۶ متمم پیمان لوزان راجع به موضوع بغازهای بوسفور و داردانل به‌تاریخ ۲۴ ژوییهٔ ۱۹۲۳ .

کنوانسیونهای لاهه .

کنوانسیونهای لاهه در۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ راجع به‌حل اختلافات بین دول بطریق صلح آمیز .

ترورهای سیاسی

در طی یك قرن اخیر این عده از رؤسای دول ترور شده‌اند

۱۸۶۷- ماکسیمیلین‌اول‌امپراتور مکزیك درکوتارو مورد اصابت‌گلوله قرارگرفت وکشته شد .

۱۷۷۶ -عبدالعزیزسلطان‌عثمانی.

۱۸۸۱- الکساندر اول امپراتور روسیه‌کشته شد .

۱۸۹۴ -ساوی‌کارنو رییس‌جمهور فرانسه درلیون‌به‌قتل رسید .

۱۹۰۰-هوبرت اول پادشاه‌ایتالیا در مونتاکشته شد .

۱۹۰۳ - الکساندر اول پادشاه صربستان در بلگراد به‌قتل رسید.

۱۹۰۸ - کارلوس اول پادشاه پرتغال .

۱۹۱۳ - ژرژ اول پادشاه‌یونان‌در سالونیك‌کشته شد .

۱۹۱۸- نیکولای‌دوم تزارروسیه.

۱۹۳۲ - پل دومررییس جمهور فرانسه .

۱۹۳۴ - الکساندر اول پادشاه یوگسلاوی درمارسی کشته شد .

۱۹۵۱ - ملك‌عبدالله‌پادشاه‌اردن.

۱۹۵۸ - ملك فیصل‌پادشاه‌عراق.

آقا محمدخان قاجار.

یکی از شبها آقامحمدخان برسه‌تن از نوکران خود خشم‌گرفت‌آنها همدست شده در سال۱۲۱۱هجری شبانگاه اورا ترورکردند .

آبراهام لینکلن.

لینکلن‌شانزدهمین رییس جمهور آمریکا بودکه درسال ۱۸۰۸ وقتی‌قانون لغوبرده‌داری‌به تصویب رسیدولی‌هیچگاه عمل‌نشددرایالات‌بزرگی مانند ویرجینیا برده داری ازکارهای معمولی بود در ۱۸۶۰ لینکلن۴۹ساله‌به ریاست‌جمهوری انتخاب شد ولی اختلاف شمال و جنوب کشوردومنطقه بوجودآوردکه‌کاربه‌جنگ وجدال‌کشید در سال ۱۸۶۴ انتخابات تجدید شد روز چهاردهم آوریل ۱۸۶۵ یعنی‌درسال اول‌دورهٔ‌دوم ریاست‌جمهوری خود توسط جان ویلکر بوت با شلیك گلوله‌ای در تآتر جان داد .

ابومسلم خراسانی.

منصور دومین خلیفهٔ عباسی که‌خود و پدرش را مدیون ابومسلم می‌دانست‌به هر حیله می‌خواست او را ازبین‌بردارد لذا از او دعوت‌کرد تا به بغداد بیاید خلیفه ناجوانمردانه‌عده‌ای راپشت‌پرده‌ها گماشت‌که به محض ورود آن رادمرد ایرانی، به‌سراوریختندوبه‌زندگی‌این‌جوان ۲۹ سالهٔ خراسانی خاتمه دادند .

احمد دهقان.

شخصی‌به نام‌**حسن‌جعفری**‌عضوفداییان‌اسلام باگلوله‌ای‌به‌عمراحمددهقان پایان داد .

آرشیدوك‌شارل‌فرانسوا،فردیناند:

ولیعهداتریش‌وقتی‌ازصربستان‌دیدن میکرد(۲۸ژوئن۱۹۱۳م)درشهر**سراجو** به دست یکی ازدانشجویان‌کشته شد،این خود موجب جنگ‌جهانی اول شد .

افشین.

اقرار مازیار موجب شدکه خلیفه ازنقشهٔ‌او‌برای قیام‌آگاه‌شود لذاخانه‌اش راسوزاندند،اورابه‌بندکشیدواوازگرسنگی مرد (۳۲۶ ق)سپس اورابه‌دستورخلیفه قطعه قطعه‌کردند)

الب‌ارسلان.

در ۴۶۵ هجری قمری در حالیکه الب ارسلان برکشور پهناوری حکومت میکرد و باز در راه جهانگشایی بودبه دست(**یوسف**)یکی‌ازملازمان‌خودو به‌ضرب کارد از پا درآمد .

امام جعفر صادق (ع) .

منصورخلیفهٔ‌عباسی، برای‌جلوگیری از نفوذ حق ودیانت‌امام جعفرصادق(ع) را به زندان افکند ، سپس درسال۱۴۸ هجری‌آن حضرت را مسموم کرد .

امام قلی‌خان.

والی فارس‌بودسه‌فرزند رشیدداشت که چون خود امام‌قلی وپدرش‌الله‌وردی- خان درحفظ‌مملکت جانبازی میکردند **شاه صفی** پسرصفی میرزا پادشاه صفویه او را دعوت‌کرد ابتدا سر فرزندش رااز بدن‌جدا کرد،سپس خود سردار راکشت.

امیر چوپان.

امیرچوپان بزرگترین‌ومعروف‌ترین

سردار **ابوسعید** فرزند **ابی‌یتو** بشمار می‌رود که‌او نیز ترور شد .

امیر شیخ حسن کوچك.

این‌امیر به‌دست‌زنش که با **یعقوب‌شاه** امیر روم رابطهٔ نامشروع داشت‌شبانگاه دربستر کشته شد .

امیرکبیر .

در اثرسعایت مهدعلیا مادرناصر‌الدین شاه ، امیرکبیر از وزارت معزول و به‌کاشان تبعید شد با اینکه امیر کبیر داماد مهدعلیا بود ازشاه دستورقتل اورا گرفت وعمال اودر کاشان امیرکبیر را رگ زدند و بزندگی اوپایان‌دادند.

امین خلیفه .

امین‌خلیفهٔ‌ناز پرورده وعیاش‌عباسی به دستور **مأمون،طاهر**، درجنگ بااو شرکت‌کرد ، امین در همه جا شکست خورد ، وقتی بغداد در محاصره بود ، عمال طاهر، امین‌را درقایقی درحال‌فرار اسیر کردند وسرش را بریدند وبه‌خدمت مأمون فرستادند.

بابك خرم دین.

پس‌از آنکه بابك به حیلهٔ **افشین** گرفتار آمد و به‌بغداداعزام‌شددرپیشگاه خلیفه ابتدا دست و پای اورا بریدند سپس زبان ازکامش بیرون کشیدند تاجان را از اوگرفتند.

بهرام چوبین.

درمبارزه‌با هرمز وپسرش خسرو‌پرویز، ناچار به‌چین رفت به‌خاقان‌پناه برد، ولی به اشارت خسرو پرویز غلام زن خاقان ، دشنه‌ای درشکم اوفروکرد وبه‌عمرش خاتمه داد.

پرنس‌کروتیکین.

در اوت ۱۸۷۹ به جبران مرگ **کروالسکی** انقلابیون روسیه‌کروتیکین فرماندار **خارکوف** را ترور کردند.

پرنس‌کنده .

ازپروتستانهای معروف با نفوذکه به دست یك کاتولیك متعصب به انتقام خون **دوك دوگیز** تروررشد.

پروتوپویف.

درششم سپتامبر۱۹۱۸ چهار نفراز وزرای تزاری منجمله پروتوپویف در خیابان بدست مردم تروررشدند.

پسر ایوان مخوف.

درنیمهٔ اول قرن شانزده وقتی در روسیه ایوان بسلطنت رسید بعلت ناراحتیهایی که‌درزمان‌کودکی دیده بود روحیهٔ خشمناك وانتقام جو پیدا کرد و بسیاری ازمردم را اعدام نمود حتی در ۱۵۸۰ هنگامیکه با پسرش صحبت می‌کرد او را با عصای‌آهنین‌کشت.

پل‌اول تزارروسیه.

درنیمه شب یازده مارس ۱۹۰۱ **پاهلن**حاکم پطرزبورگ بکمك **ذوبوف** با رضایت ولیعهد الکساندر وارد اطاق تزار شدند و باحمایل افسری اورا خفه کردند.

پل‌دومر.

درسال۱۹۳۱ درفاصلهٔ‌بین‌انتخابات عمومی پل‌دومررییس‌جمهور وقت‌فرانسه درروزانتشارنویسندگان جنگجو به هتل **روجیلد** میرفت باگلولهٔ یك روس سفید بنام‌گورگلف ازپا درآمد.

حسین علاء .

مرحوم حسین علاء در زمانی‌که نخست وزیربود یکبار هدف گلوله قرار گرفت ولی‌خوشبختانه جان‌بسلامت برد.

حیدر میرزا .

فرزند شاه **طهماسب صفوی** که توسط سرکردگان **قزل باش** کشته شد.

خبرداد خسرو.

از فرزندان خسرو پرویزبودکه به تخت‌سلطنت ساسانی تکیه زد ولی‌بزودی بدست درباریان‌کشته شد.

خواجه شمس‌الدین محمدصاحب‌دیوان جوینی،

از وزرای مدبر در اثر سعایت **مجدالملك‌یزدی** وبه‌فرمان**ایلخان**مغول درچادر خود خفه شد .

دوخونین‌فرماندهٔ‌کل‌قوای‌روسیه.

بعدازآنکه دوسردار معروف‌روسی را (کرنیلف و دونیکین) که زندانی بودندآزادکرد در زمان حکومت موقت **کرنسکی** دردفترکارش کشته‌شد.

دوك دوگیز.

برادر پادشاه فرانسه از مخالفین سرسخت پروتستانها بود و آنها را شکنجه‌های‌فراوان میداد ،یك‌پروتستان متعصب اورا درشهراورلئان ترور کرد.

رضاقلی‌میرزا .

نادر به تصورآنکه فرزندش یاغی شده است ابتدا او را کورکرد وسپس کشت.

زنگنه.

در ۲۸ اسفند ۱۳۲۴ شخصی بنام **نصرت‌الله قمی** ازفداییان اسلام بوسیلهٔ گلوله به عمرزنگنه‌رییس‌دانشکدهٔ‌حقوق پایان داد.

سپهبد علی رزم‌آرا .

در۱۶ اسفندماه شخصی ازفداییان اسلام بنام **خلیل طهماسبی** رزم‌آرا را هدف گلوله قرارداد و او را از پا در آورد.

سلطان محمد خدابنده.

این پادشاه در سال ۹۹۴ هجری قمری توسط‌جمعی ازترکان **افشار** درشهر **گنجه** کشته شد.

سیلیاکین وزیر کشور روسیه .

درسال ۱۸۸۲ انقلابیون**نهیلیستها** وزیر کشوروقت‌رادر روسیه‌ترور کردند.

شاه اسماعیل دوم .

پادشاه بی‌رحم صفوی است همهٔ کسان وخویشان خودراکشت ولی‌شبی‌که فردای آن میخواست تنها برادرش **محمد میرزا** وپسرش **عباس میرزا** را بکشد توسط غلامان کشته شد .

شاه طهماسب .

هنگامیکه نادرشاه مشغول جنگ‌با هندیها بود خبر مرگ اومنتشر شد ، **رضا قلی میرزا** فرزند**نادر**ازترس‌اینکه مبادا مردم دورطهماسب میرزای صفوی جمع شوند به **محمد حسین خان قاجار** دستورداد‌تاشاه صفوی‌واطفال اورابکشند محمد حسین‌خان‌قاجارشبانگاه‌درسبزوار شاه طهماسب و فرزندانش را ترور کرد .

شاهنشاه آریامهر .

دربهمن ۱۳۲۷ شخصی به‌نام ناصر فخر آرایی بوسیلهٔ چندگلوله‌بزندگانی شاهنشاه سوءقصدنمود که خوشبختانه به نتیجه‌نرسید،فخرآرایی به کیفر عمل زشتش رسید .

صفی میرزا صفوی .

این شاهزاده‌به‌دست**شاه عباس‌کبیر** درسال ۱۰۲۲ هجری قمری کشته‌شد .

عبدالحسین هژیر .

درسوم آبان ۱۳۲۸ شخصی به نام **امامی** هژیر راترور کرد .

عثمان بن‌عفان .

به‌سال۳۵ هجری درحالیکه عثمان پیرمردی هشتادوچندساله بودمردم ایالات

وولایات با اعتراض به رویهٔ فامیل پرستی او به‌مدینه آمدند پس‌از شکایات زیاد و مکرر خواستند تا عثمان توجه کند و حکمرانان‌جابررا معزول نماید‌ولی‌عثمان این کاررانکردو شورشیان‌مدت ۲۲ روز اورادرخانه‌محبوس کردند وسرانجام‌وارد خانه‌شده اورادرگلیمی پیچیدند وآنقدر مالیدند تاسرانجام‌جان سپرد .

علی بن ابیطالب (ع) .

علی (ع)بعدازعثمان بخلافت رسید بافرمانهای منطقی ومدلل خودحکام ظالم را معزول کرد ولی **معاویه** حاکم **کوفه** فرمان نپذیرفت و به‌جنگ‌آماده‌شد. در جنگ‌علی پیروز بود ولی به حیلهٔ عمرو عاص لشکریان‌معاویه‌قرآن برسر گرفتند لشکریان علی فریب خوردند وکار به حکمیت برگزار شدنمایندهٔ علی (ع)در حکمیت فریب خورد و مولای خودرا معزول کرد ولی **عمروعاص** نمایندهٔ‌معاویه مولای خود را خلیفه خواند عده‌ای از لشکریان‌علی‌خواستند تا اوتوبه کندولی حضرت نپذیرفت وبالاخره گروهی مردم متعصب‌ودیندار که بعدها به‌نام **خوارج** نامیده شدند باهم‌متحد شدند ودرجنگی بزرگ که‌بنیادنهادندشکست‌خوردند ولی‌عده‌ای ازآنهاهم‌قسم‌شدند که‌سه‌نفر را ازسر راه اسلام بردارند(علی ومعاویه‌وعمروعاص) دررمضان سال‌چهلم‌هجری وقتی که‌حضرت امیر درمسجد کوفه نمازصبح میخواندناز شمشیرزهرآلود **ابن‌ملجم مرادی** ضربت خورد که‌سه روز بعدجان سپرد وقاتل او نیز بدست حضرت **امام‌حسن**(ع) کشته‌شد .

علی بن موسی الرضا (ع).

مأمون: امام‌هشتم‌شیعیان رابه‌ولایت عهدی خودانتخاب ودختر خویش رابه ازدواج وی در آورد ولی چندی بعدکه علی بن موسی الرضا خواست به **بغداد** حرکت کند به‌اشارهٔ مأمون مسموم شدو وفات یافت .

عمربن خطاب .

درسال **۲۳** هجری ودرماه ذیحجه وقتی ایران به دست سرداران اسلام وبا سیاست عمرخلیفهٔ ثانی فتح شد فیروز یا **ابولؤلؤ** که یکی ازنجیب‌زادگان پارسی بودودرجنگ‌اسیرشده بود باخنجرزهر- آلود عمر را مضروب کردواو پس‌از سه روز بستری شدن وفات کرد .

پس‌ازقتل‌عمر پسرش **عبدالله‌بن‌عمر، فیروز** ودخترش را به جبران‌خون پدر کشت.

عمروعاص.

عمروعاص درسال چهلم هجری‌والی مصر بود و**عمربن بکر** مأمور قتل‌او گردید وازقضا درشب‌موعوددل‌دردشدیدی گرفت ودر سر نماز جماعت حاضر نشد وقاضی مصررا بجای خویش فرستاد،عمربن‌بکر که‌مأمور قتل عمروعاص‌بودقاضی بیچاره راکشت .

عمیدالملک‌کندری .

وزیر **سلیمان سلجوقی** در شهری به دستور **خواجه نظام الملک** محبوس‌و سپس مقتول گردید .

فرزین مهران .

از پادشاهان‌ساسانی‌که‌بعد ازخبر- دادخسرو‌به‌سلطنت نشست ولی به‌جرم‌این که‌تدبیر مملکت داری نمی‌داند به‌دست بزرگان قوم کشته شد .

فیلیپ خلیفهٔ مذهبی روسیه .

قتل‌عام‌وحشتناک **ایوان** مخوف‌موجب شدکه خلیفهٔ‌مذهبی یعنی‌فیلیپ اوراتبرك نکند ایوان دستور داد او را خفه کردند .

فضل بن سهل .

وزیر ایرانی **مأمون** بودکه‌هنگام قیام **بابك خرمدین** به‌اشارهٔ‌مأمون‌درحمام ترور شد .

کارفیلد .

در سال ۱۸۸۸ ژنرال‌کارفیلدرییس جمهورشدولی‌افراطیون‌حزب‌جمهوریخواه با انتخاب او موافق نبودند شخصی‌به‌نام **چارلز گیتو** درژوئن همان‌سال‌انتخاب، در حالیکه‌گفت من‌میخواهم‌جسترآرتور را رییس‌جمهور کنم به‌سوی رییس جمهور شلیك کرد جیمزکارفیلد پس‌اززخمی‌شدن در نوزدهٔ سپتامبر ۱۸۸۱ بدرود حیات گفت .

کارنو رییس‌جمهور فرانسه .

دراواخرقرن‌نوزده‌یکی‌ازآنارشیستها در شهر **لیون** رییس جمهور وقت‌کارنورا ترور کرد .

کروالسکی آزادیخواه روسیه .

در اوت۱۸۷۹ به‌دستور **نیکلاتزار** روسیه‌کروالسکی سوسیالیست را درشهر **ادسا** تیرباران کردند .

کنت میرباخ.

کنت میرباخ سفیرآلمان درروسیه بودکه درششم ژوییهٔ ۱۹۱۸ در داخل سفارتخانه ترور شد .

کونسنی .

بعد از مرگ‌هانری چهارم چون فرزندش‌صغیر بودمادرشاه‌با اسم **ماری‌دو- مدیسی** نایب‌السلطنه شد شخصی به نام کونسنی‌که شوهر خواهر ملکه بودقدرت زیادی‌یافت‌به‌طوریکه بعد ازبزرگ‌شدن شاه هم حاضر نبود از اختیارات خود صرفنظر کند لذاشاه دراوت۱۶۱۷دستور دادوشخصی‌درمقابل‌کاخ **لوور** کونسنی‌را با سه تپانچه کشت .

گاندی مظهر آزادی .

گاندی‌آزاد مردی‌که بامبارزهٔ‌منفی خود حکومت استعماری و استبدادی‌هند را فلج‌کرد سالهای درازی از عمر خود را در زندان بسر برد وبالاخره موفق شد درسال **۱۹۴۶** هندوستان را بصورت جمهوری‌درآورد و درسال**۱۹۴۸** به‌دست یك‌هندوی‌متعصب بنام **رامینات** ترورشد .

لطفعلی خان زند .

کریم‌خان- آقامحمدخان‌را به‌عنوان گروگان در دربار خود نگاهداشته بود واو را عقیم‌کرده بودلذاوقتی به‌حکومت رسید به دستیاری **حاج ابراهیم خان** کلانترشیرازلطفعلی خان را اسیر کرد و کور نمودلطفعلی‌خان‌مدتی بعد درتهران مرد .

لنین‌پیشوای انقلاب اکتبر .

زنی یهودی‌به نام **فانی‌پروادکاپلان** عضو حزب سوسیالیست‌انقلابی‌باسه‌گلوله لنین را که درحال سخنرانی بود ترورو مجروح‌کرد اگر چه اورا معالجه‌کردند اماکارزیاد و بی‌خوابی وضعف این ترور او را درژانویهٔ **۱۹۲۴** از جهان برد .

مادرشاه صفی .

اسباب مرگ امام قلی وفرزندانش توسط مادرشاه صفی وعمهٔ‌اوفراهم‌شده‌بود پادشاه بیرحم‌صفوی پس ازکشتن‌امام‌قلی وپسرانش‌پشیمان شدابتدا درحالت‌مستی مادرش راکشت سپس عمه‌اش را نابود ساخت .

مازیار .

برائر خیانت **کوهیار** برادرمازیار این سردار ایرانی به‌دست سپاه **عبدالله** اسیر شد و در مجلس بزمی اتحادخودبا **افشین** و**بابك** را فاش‌کرد در سال**۲۲۵** هجری به دستور خلیفه او را قطعه قطعه کردند .

مجدالملك یزدی .

فتنهٔ مجدالملك موجب‌مرگ‌خواجه

شمس‌الدین‌وترورافراد خانوادهٔاو گردید اما **ایلخان‌مغول** به‌خوداومظنون‌شد ودستور مرگ او راصادر کرد .

محمد مسعود .

در ۲۳ بهمن ۱۳۲۶ محمدمسعود مدیر روزنامهٔ **مرد امروز** هدف گلولهٔ ناشناسی قرارگرفت و جان تسلیم‌کرد.

مخبرالملك .

مخبرالملك پسر **خواجه نظام‌الملك** به تحریك **حسن صباح** به ضرب‌کاردیکی از فداییان بدرود حیات‌گفت .

مردآویج.

در وقتیکه این پهلوان ایرانی در اوج قدرت‌بود درحمام به دست‌سرداران ترك مقتول شد .

معاویه .

در ۱۹ رمضان سال چهلم هجری **حجاج‌بن عبدالله** که در صف اول نمازگزاران معاویه بود به معاویه ضربت‌زد ولی چون عجله‌کرد شمشیر به‌ران‌معاویه خورد واونمرد .

ملك‌کینلی .

ملك‌کینلی که سرگرد بازنشسته‌ای بودباحمایت‌سرمایه‌داران‌آمریکا به‌ریاست جمهوری رسید،درزمان او موفقیتهای بزرگی نصیب‌آمریکاشد او دوبار رییس جمهوری شد و در ۱۹۰۱ به‌دست شخصی به‌نام **چل‌گوزی** در شهر بوفالوترورشد وچهارده دسامبر همان سال از جهان رفت .

موراویف .

موراویف فرماندهٔ نیروهای جنگی تزار پس از تنظیم قرارداد وختم جنگ بین‌آلمان وروسیه به‌دست سربازان خود ترور شد .

مؤیدالملك .

مؤیدالملك‌پسر **خواجه نظام‌الملك،** به‌تحریك رهبر فداییان به‌دست یکی از آنها کشته شد .

نادرشاه .

دگرگونی وضع نادر درواواخر کار موجب‌شدکه‌بی‌گناهان زیادی کشته‌شوند ومردم شهرهای بزرگی چون شیراز قتل عام گردند. درسال ۱۱۶۰ هجری‌قمری خودبه‌دست رؤسای **قزلباش** کشته شد .

ناصرالدین شاه .

درذیقعدهٔ ۱۳۱۳ هجری‌یعنی‌درست وقتیکه ناصرالدین شاه ۴۹ سال‌سلطنت کرده بودومیخواست فردای آن‌روزجشن پنجاهمین سال سلطنت خود را بگیرد شبانگاه به‌زیارت **حضرت‌عبدالعظیم** رفت **میرزا رضای کرمانی** که‌از ظلم کامران میرزا حاکم کرمان بجان آمده بود در صحن حرم‌بایك تیرتپانچه به‌زندگی شاه پایان داد .

نیکلا تزار روسیه .

دراوت ۱۸۷۹م. کمیتهٔ انقلابی‌روسیه بعلت خیانتهای متوالی‌تزار اورامحکوم به‌مرگ‌کرد و با یك بمب دستی درسال ۱۸۸۱ نیکلا راترور کردند .

نیکلای دوم تزار روسیه.

درماه‌ژوییهٔ ۱۹۱۸ نیکلارومانوف به انتخاب زن وپسرش و چهار دختر بدون محاکمه درشهر **یکاتربورك** ترور شدند .

وشمگیربن زیاد .

برادر **مردآویج** ومردی خشن و سختگیر بوددرسال ۳۵۷ هجری‌هنگام شکار گراز به‌تیری کشته شد .

هانری چهارم‌پادشاه فرانسه .

این پادشاه چون کیش پروتستان داشت اهالی کاتولیك پاریس بیست بار قصدجان‌اورا کردندنوزده بارجان‌بسلامت بردولی دفعهٔ بیستم‌شخصی به‌نام **راوی‌لاك** درکوچهٔ‌تنگی‌به‌او که‌سوار کالسکه‌ای‌بود حمله برد وبا دوضربهٔ کارد اورا ازپادر آورد .

هانری سوم پادشاه فرانسه .

کشیشی به‌نام **ژاك کلمان** دروقتیکه پاریس درمحاصرهٔ‌پروتستانها بودبحضور هانری رفت وشکم اورا باکارد درید شاه بلافاصله وفات یافت .

یزد گرد سوم .

آخرین پادشاه ساسانی‌که‌در پناه تدبیر شیرین زن‌خسرو پرویز از مرگ نجات یافته بودپس ازشکست ازاعراب‌به مرو گریخت‌وشب‌هنگام به‌آسیابانی پناه بردآسیابان درزخت‌گرانبها وجواهرات شاه‌طمع دوخت واورا بکشت .

اساتید سیاسی دانشگاه

خواجه نوری ، دکتر محمود. دانشیار شناسایی ملل، تاریخ دیپلماسی ایران ــ دیپلماسی عمومی‌دانشکدهٔ حقوق .

عزیزی ، دکتر محسن . رییس‌کتابخانهٔ دانشکده‌ومدیرگروه علوم‌سیاسی واستاد تاریخ دیپلماسی عمومی ــ جغرافیای اقتصادی دانشکدهٔ حقوق.

گنجی، دکترمنوچهر.دانشیارسازمانهای بین‌المللی دانشکدهٔ حقوق.

متین‌دفتری، دکتر احمد . استاد بخش سازمان‌ملل‌دانشکدهٔ حقوق.

رعدی ، دکترغلامعلی.معلم‌حق‌التدریسی تمدن وفرهنگ ایران دانشکدهٔ حقوق.

کتب سیاست

آریستوکراسی در ایران : ارسلان‌عقیلی خلعتبری.

آزادی فرد وقدرت دولت : (تهران. گوهرخای باهمکاری فرانکلین) محمود صناعی.

آنترناسیونالیسم و ناسیونالیسم : لیوشائوچی ، ترجمهٔ نوذر.

آیابشر آینده‌ای‌هم دارد: برتراندراسل ترجمهٔ م . منصور.

آیندهٔ بشر : برتراند راسل . ترجمهٔ م. منصور .

اختناق ایران : سیدابوالحسن موسوی شوشتری جزایری.

اسرار سیاسی کودتا : هدایت‌الله حکیم‌الهی فریدنی.

اصلاحات‌کشور : ابوالقاسم امینی.

اصول علوم سیاسی : (تهران_ مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی) رضاعلومی.

افکارعمومی‌چیست وچه ارزشی دارد: دکترشمس‌مستوفی .

امیدمن برای‌آمریکا: لیندون‌جانسون. ترجمهٔ : غلامحسین صالحیار.

اندیشه‌های نهرو (امیرکبیرـتهران) جواهر لعل نهرو . ترجمه و گردآوری محمودتفضلی.

ایده‌آلیست یارغائب : سروان ابوطالب‌صارمی.

پارلمان : حبیب دادفر.

پرتگاه‌موریانه‌یاکمونیزم‌بسوی‌موریانه: ابراهیم دیلمقانیان .

پس‌ازکمونیسم‌یاحکومت حق وعدالت: دکترعبدالحسین‌کافی.

پیدایش وتحول دمکراسی درآمریکا : دکترهادی خراسانی.

تاریخ‌آزادی فکر : آلبرت ، بایر . ترجمهٔ : نصرالله معمایی.

تاریخ تشکیلات احزاب سیاسی: دکتر شمس مستوفی.

تاریخ جمعیت‌های سری و جشن‌های تخریبی: استاد محمد عبدالله عنان، ترجمهٔ ع. هاشمی حایری.
تاریخچهٔ جبههٔ ملی: احمد ملکی.
تاریخ دیپلماسی: لویی دوللو، ترجمهٔ اردشیر نیکپور به مشارکت دکتر رضا وثوقی.
تاریخ دیپلوماسی ایران: دکتر خانبابا بیانی.
تاریخ نظامی عهد قدیم: ترجمهٔ خداداد، یاور.
تشریفات دیپلماتیک: احمد توکلی.
تکامل تاریخی سوسیالیسم؛ نیروی سوم: (۲ جلد). خلیل ملکی.
توضیح مرام دمکرات: شیخ ابراهیم زنجانی.
جاسوس چیست: کاپیتان ادواردتو، ترجمهٔ نظام‌الدین نوری.
جامعه و حکومت: ر.م. مک‌آیور. ترجمه، ابراهیم علی‌کنی.
جنبش کارگری اصفهان: شمس‌صدری.
جنگ بزرگ: توسیدید. «سخنرانی کاویانی درانجمن ایران و آلمان».
چرا پیروز نشویم: باری گلدواتر، ترجمهٔ منوچهر حقیقی.
حاکمیت و همزیستی جهانی ملت‌ها: علی مقدم.
حکومت نظامی: آلبرکامو؛ ترجمهٔ دکتر یحیی مروستی.
خطر کمونیزم: آندره‌ژید، ترجمهٔ ناصرقلی نوذری.
درراه وظیفهٔ جنبش کارگری اصفهان: شمس صدری.
دیپلمات: جیمز آلدریج، ترجمهٔ دکتر. س.پ. میترا.
دیپلماسی: سرهارولد نیکلسن، ترجمهٔ احمد توکلی.
راههای نوین سوسیالیسم: میلوان جیلاس، ترجمهٔ ناصروثوقی.
رئالیسم و ضد رئالیسم: دکتر. س.پ. میترا.
رژیمهای سیاسی: موریس دو ورژه. ترجمهٔ ناصرصدرالحفاظی.
ژورنالیسم: دکتر شمس مستوفی.
سوسیالیسم: ژرژ بورژن و پی‌یرریمبر، ترجمهٔ منصور مصلحی.

سوسیالیسم تخیلی وسوسیالیسم علمی: انگلس، ترجمهٔ ستخرخسرو روزبه.
سوسیالیسم و کاپیتالیسم: خلیل ملکی.
سوویتیسم وفاشیسم: برناردشاو، ترجمهٔ محمود پورشالچی.
سیاست: ارسطو
سیاست جهان: ك. ف. ای ارگانسکی. ترجمه حسین فرهودی.
سیاست چیست: ا. قرشی.
شاهنشاهی یا آمپرپالمانتاریزم وسنا: پروفسور آریا پارت شروین‌باوند.
فلسفهٔ سیاست: اسوالداسپینگر، ترجمهٔ مهندس هدایت‌الله فروهر.
قانون اساسی جمهوری توده‌ای رومانی ابوالحسن پرویز.
قراردادهای اجتماعی: ژان ژاك‌روسو، ترجمهٔ زیرك‌زاده.
قلبی که به‌خاطر وطن وملت می‌طپد: (تبریز ـ دبیرخانهٔ شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران) حسین احمدپور.
کسروی ومفهوم ماتریالیسم: سید احمد حسینی‌کسروی تبریزی.
کمونیسم و اخلاق کمونیسم ومذهب: ناصرمکارم شیرازی.
کمونیسم و لیبرالیسم: دکتر داود منشی‌زاده.
کنگره: حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی.
ماتریالیسم دیالکتیك و ماتریالیسم تاریخی: استالین، ترجمهٔ ناصر خدایار.
مارکزیسم یا مرام اشتراکی مارکس: دکتر یحیی شکوهی محسنی.
مارکس وخلاصه‌ای ازاصول مارکسیسم: و.ی. استالین. ترجمهٔ ابراهیم گلستان.
مارکسیسم و ایده‌آلیسم: جان‌لوییس، ترجمهٔ نوذر.
مارکسیسم و ایده آلیسم جدید: جان لوئیس انگلیسی، ترجمهٔ داودنوروزی.
مارکسیسم ورویزیونیسم: لنین، ترجمهٔ مهندس مسعود خدایار.
مارکسیسم وفلسفه: می‌تین، ترجمهٔ نوذر.
مختصری از جنبش های دهقانی: هوشمند فتح‌اعظم.
مشروطه بهترین شکل حکومت و آخرین نتیجهٔ اندیشهٔ نژادآدمیست: سیداحمد حسینی‌کسروی تبریزی.

مکتب انسانیت: عادل نژاد خلعتبری.
مکتب کسروی وماتریالیسم: نکرا.
مکتب نو: محمدعلی افراشته به‌مشارکت محمدامین محمدی.
مکتب‌های‌سیاسی: بهاءالدین پازارگاد.
مکتبهای فلسفی: مهرداد شوشتری مهرین.
موسولینی وفاشیسم: ترجمهٔ دکترشجاع‌الدین‌شفا.
میراث خوار استعمار: مهدی بهار.
ناسیونالیزم: روشن.
نامه‌های سیاسی سفیر بریتانیا (یا) پایهٔ سیاست انگلستان در ایران: ترجمهٔ (مراسلات سرجان ملکم) احمدتوکلی.
وظایف سوسیال دموکراتهای روسیه: لنین، ترجمهٔ ع.
هوشیاری ژرف: جان ستریچی روایت به فارسی حسن خماینی با مقدمه‌یی از ناصروثوقی.



حقوق و قانون

قانون و قضا در ایران باستان

قانون، یعنی قاعدهٔ عام، وکلی که برای تنظیم روابط مدنی واجتماعی مردمان ضرورت دارد.

منابع قانون در ایران قدیم ازاین قرار است:

۱ـ احکام‌کیش زردشت، که مندرجات **اوستا** کتاب مذهبی آن شامل قواعد دینی، اخلاقی، اجتماعی، وحقوقی است.

این کتاب سه **بهر** بوده و هر بهری هفت **نسك** داشته، نخستین بهر **گاتاها** و دومین بهر **هاتك مانسریك**، که این دو دستورات و سروده‌ها و تعلیمات دینی بوده است. سومین بهر **داتیك** است که مشتمل بر **داوری** و قوانین واحکام بوده و نام‌های هفت نسك آن عبارتند از: چیتره‌دات، بغان‌یشت، نیکاتوم، کنباسرنیژت هوسپارم، سکاتوم، وندیدات.

۲ـ کتاب‌های حقوقی وقضایی، مانند

مادیگان‌هزارداتستان شامـل فتاوی و احکام قضایی، **دینکرت** مشتمل برمطالب دینی وحقوقی و شرح پاره‌ای ازنسك‌های اوستا ــ **داتستان دینیگ** شامـل آراء و فتاوی حقوقی .

۳ ــ عرف‌ها و سنت‌ها که مجموعهٔ قواعد و اصولی بود که مردمان آریایی‌ــ نژاد از دیرباز آنها را پذیرفته و در روابط خود بکار میبردند .

۴ ــ فرامین و احکام‌شاهنشاهی که درکتیبه‌ها و متون تاریخی وآثارقدیمی پاره‌ای ازآنها باقی‌مانده،چنانکه‌داریوش بزرگ به قوانین خود درکتیبه‌ها اشاره میکند وپاره‌ای از خاورشناسان آنهارا برابر قوانین **حامورابی**دانسته‌اند.

۵ــ اصل‌وقاعدهٔ اندیشهٔ نیك، گفتار نیك ، کردار نیك که در اوستا در بهرــ گاتاهاچند بارآمده وما امروزه‌اصطلاح «حسن نیت» را در زمینهٔ اراده واندیشهٔ نیك بکارمی‌بریم و درجهت‌عکس‌آن‌سوء نیت میگوییم که رکن اصلی مسئولیت کیفری ومدنی است .

حال باید دانست‌که قانون‌هرمنبعی داشت به‌سختی‌اجرا شد و هرگزبه‌اختیار این وآن تغییر نمیکرد . در این‌باره‌در **تورات**کتاب‌دانیال باب ششم این‌دوجمله را می‌بینیم :

«پس ای پادشاه فرمان را استوار کن‌و نوشته‌را امضاءفرماتا موافق‌شریعت مادیان وفارسیان که‌منسوخ نمیشودتبدیل نگردد • پادشاه در جواب‌گفت این امر موافق شریعت‌مادیان‌وفارسیان‌که منسوخ نمیشود ، صحیح است .»

«به‌پادشاه‌عرض‌کردند‌که ای‌پادشاه بدان‌که قانون مادیان و فارسیان‌اینست که هیچ فرمان یاحکمی‌که پادشاه‌آنــرا استوار نماید تبدیل نشود.» دربارهٔ قضا یاداوری‌بایدبگوییم‌که‌به دست دادرسان انجام میگرفت وبالاترین دادرسان‌خود شاهنشاه بود .

اما آنچه‌ازگواهی‌دانشمندان‌ووقایع‌ــ نگاران و استادان‌تاریخ و ادب‌برمیآید **اصل عدالت** ریشه واساس قضاوت‌بودکه بنیان‌گزاران و اجرا کننــدگان‌آن را شاهنشاهان ایرانی دانسته‌اند .

به‌گفته‌های‌تاریخ‌نویسان، یادگرفتن وچیره دست شدن دربه‌کاربستن‌آیین‌های داوری و علم به قوانین تاجایی‌توسعه و اهمیت داشت که حقوقدان ایران قدیم میبایستی پانزده سال‌درس قانون واحکام بخوانند . پــروفسور **آرتور کریستنسن،** مینویسد : در ایران باستان مقام قاضی یکی از هفت منصبی بودکه امورکیشی و اخلاقی و حقوقی‌را در دست داشت‌حقوق و قوهٔ قضاییه در دست داوران بودکه با دستوران‌وموبدان‌وهیربدان دریك ردیف بودند . در هرشهری‌داوروآن مکلف‌بود که مراقبت‌کند عدالت‌اجراگردد، نه‌تنها در شهرها بلکه در هر قریه‌ای یك‌قاضی صلح‌قرار داشت این‌مقام‌اکثراً بادیهگان یاشخصی‌بود که‌قاضی‌دیه‌بود تررافع‌لشکریان با سپاه داور بود .

به این‌ترتیب شهر داور ، دیه‌داور، و سپاه داور ، طبقـهٔ داوران را تشکیل میدادند .

اگر شخصی سابقاً جنایتی نکــرده بود ، ممکن بودکه به غرامت اقــتصار شود ، لیکن درصورت تکرار جرم جزا شدید میشد ، اگراین‌مجرمان‌که غرامت داده‌اند سپس باگناهی معاودت کنندان بارمجازات میدیدند .

گیرشمنباستانشناس‌ومورخ‌فرانسوی مینویسد :

پادشاه بزرگترین قاضی بود و از رعایا کسانی‌که موفق به‌اخذ حقوق‌خود نمیشدند حق داشتند بدو مراجعه کنند ، ملت ایران همواره شیفتهٔ حق و عدالت بود و به داور نیك احترام میگذاشت ، دیوان عدالت بود وروحانیان در شهرها به‌کارداوری میپرداختند ولی دردیــه‌ها وظایف‌قاضی‌را رییس محل انجام‌میداد .

مرحوم **حسن پیرنیا** (مشیرالدوله) مینویسد :

بطور کلی این مطلب مسلم است‌که دردورهٔ **هخامنشی** به‌داوری واحقاق‌حق اهمیت‌میدادند، درولایات داورانی‌بودند که‌به‌امور مردم‌رسیدگی میکردندویکی ازامور مهمهٔ ولات‌نظارت براموور حقوقی وقضایی بود ، درممالکی که اهـالی آن قوانین وعادات مخصوصی داشتندقوانین وعادات‌آنها محترم‌بود ، دیوان عالی‌که برتمام قضات حکومت داشت شاه‌بود چه اوردرجهٔ‌نهایی‌رسیدگی کرده‌حکم‌میداد وآن حکم فوراً اجرا میشد .

ویل دورانت مینویسد :

ایرانیان قدیـم درمحاکمات ازراه و رسم منظم خاصی پــیروی میکردند و چون رفته رفته سوابق قضایی زیاد شد و قوانین طول و تفصیل پیدا کرد ، گروه خاصی به‌نام سخنگویان قانون پیداشدند که‌درکارهای‌قضایی مردم باآنان مشورت میکردند وبرای پیش بردن دعاوی‌خود ازایشان کمك میگرفتند .

این‌سخنگویان‌قانون که‌مردم‌باآنان درامور قضایی خود مشورت میکردند و برای پیشرفت دعاوی خود از آنهایاری می‌جستند در واقع نیاکان وکلای مشاور وکلای مدافع کنونی بوده‌اند .

تعریف قانون

قانون‌دستورحکمی‌است که‌بدون‌توجه‌به شخص معین برای حفظ انتظام درجامعه وضع گردیده‌و به‌همــین جهت اطاعت فرمانبرداری ازآن برای هرکس واجب وضروری است .

موضوع حقوق

تعریف حقوق: حقوق‌مجموع قواعد لازم الاجرا است‌که برای استقرار صلح اجتماعی وتأمین رفاه وآسایش مادی و معنوی افراد بشر لازم است لذا حقوق ناشی ازروابط اجتماعی وزاییدهٔ جامعهٔ بشری است .

حقوق بطور کلی به‌حقوق طبیعی و موضوعه تقسیم میشود :

حقوق طبیعی: مجموع‌قواعدی‌است که‌ازطرف خود طبیعت به‌وجودآمده‌است در مقدمهٔ **اعلامیهٔ حقوق بشر**تصریح‌شده: «افراد جامــعه دارای یك سلسله حقوق طبیعی مقدس و مسلم و غیر قابل انتقال می‌باشد . بی‌اطلاعی مصادرامور ازوجود این‌حقوق یاعدم‌رعایت‌آنها منشاءفلاکت وبدبختی اجتماعات بشری‌است».

افراد بشر مســاوی و آزاد به‌دنیا می آیند و بایستی در تمام عمر خود از آزادی ومســاوات بهره مند گردنــد. اجتماعات سیاسی باید حقوق اشخاص را حفظ‌کنند واین حقوق عبارت از آزادی فردی ، مالکیت شخصی ، تأمین مالی و جانی ، حق دفاع در مقابل تعدی است .

حق حاکمیت ناشی از ملت است و مردم باید شخصاً یابوسیله نمایندگان‌خود دروضع قوانین مملکت شرکت جویند .

حقوق موضوعه: بوسیله افرادبشر وضع می‌شود لذا دایمی وعمومی نیست .

حقوق موضوعه یامدون است که‌آن راوضع می‌کنند یامرسومه است که‌شامل عادات ورسوم می‌باشد .

قانون اساسی .
یك سلسله قواعدی است که شکل حکومت وسازمان قوای سه‌گانـهٔ کشور وامتیازات‌وتکالیف افرادرانسبت به‌دولت بیان می‌کند .

نظریهٔ طبیعی یا فطری : گویند انسان بالطبع اجتماعی آفریده شده و بدون‌تشکیل‌دولت‌نمیتواند زندگی‌کند .

نظریهٔ الهی: دولت‌راناشی ازمشیت الهی میدانند .

نظریهٔ اجتماعی : افرادبشربرای‌تشکیل دولت دوقرارداد جداگانه بسته‌اند؛یکی قرارداد اتحاد که به‌موجب آن‌جا معه‌را تشکیل‌داده‌اند،دیگری قراردادحاکمیت که‌به‌موجب آن‌یکنفر رابه‌سلطنت‌انتخاب کرده‌اند .

قدرت‌دولت: می‌گویندولت‌دارای قدرت مستقل وعالی‌است که‌هیچ‌اجتماعی تحصیل‌نکرده وذاتاً دارای‌حق‌حکمرانی می‌باشد ، قدرت دولـت تحـت مراقبت قدرت دیگری واقع‌نیست‌تا آن‌را محدود نماید منشاء قدرت دولت رابعضی‌هاالهی وبعضی‌ها ناشی ازملت می‌دانند .

نظریهٔ تکامل: دولت‌رانتیجهٔ‌بسط وتکامل خانواده‌وخانواده‌رامهددولت‌می‌شناسند .

نظریهٔ غلبه : طرفداران این‌نظریه دولت‌راناشی‌ازتسلط‌یك قوم‌برقوم‌دیگـر می‌دانند ووجود دولـت رابرای صلح و آرامش ضروری می‌شناسند .

نظریهٔ اقتصادی : طرفداران آن دولت‌راناشی‌ازاختلاف‌درموقعیت‌اقتصادی افراد می‌دانند .

دولت : عبارت ازدسته‌ای ازافراد است‌که در قلمرو معین سکونت داشته و مطیع یك قدرت عالیه هستند .

قلمرو یك‌دولت ، ناحیه‌ای اززمین و دریا وهواست‌که درحدود آن ، دولت حاکمیت خودرا اعمال میکند .

جمعیت : کلیهٔ‌افرادساکن‌یك‌کشور جزو جمعیت آن محسـوب نمی‌شوند از لحاظ حقوق اساسی فقط اتباع آن‌کشور جزو جمعیت به‌حساب می‌آیند .

اقسام دول :

۱ـمستقل. ۲ـ نیـمه مستقل ۳ـ تحت الحمایه . ۴ ـ دو مینیونها که از استقلال خارجی محرومند .

اظهار نامه واحضاریه : برگی که وسیلهٔ ادارهٔ رسمی برای آگاهی کسی‌به وی ابلاغ‌میشود آن‌را اظهارنامه خوانند درصورتیکه‌نتیجهٔ‌ابلاغ‌حضور درآن‌اداره دروقت معین‌باشد آن‌رااحضاریه‌گویند .

اصول : علم مخصوص استنباط فقه اسلامی ، قواعد ویژهٔ قضاوت شرعی .

خیارات

تعریف‌خیار : اختیار بر هم زدن معامله را از یك طرف یا طرفین عقد خیارگویند .

اقسام‌خیارات : خیارات موجود در قانون مدنی‌ایران عبارتند از :

۱ـخیارمجلس.
۲ـ خیارحیوان .
۳ـخیارشرط.
۴ـخیارتأخیر ثمن.
۵ـ خیار رؤیت‌و تخلف وصف.
۶ـ خیارغبن.
۷ـ خیارعیب.
۸ـ خیار تدلیس.
۹ـخیار تبعض‌صفقه.
۱۰ـخیارتخلف شرط.

خیارمجلس : خیاری‌را گویند که به‌موجب آن طرفین معامله تا هنگامی که درمجلس‌عقد از یکدیگر جدانشده‌اند می‌توانند معامله را برهم بزنند.

خیار حیوان : اگر مبیع حیوان باشد مشتری تا سه‌روز ازحین‌عقداختیار فسخ معامله را دارد .

خیارشرط:درعقد بیع ممکن‌است شرط شودکه درمدت معین برای بایع یا مشتری یاهردو یا شخص خارجی اختیار فسخ معامله باشد .

خیارتأخیرثمن : هرگاه مبیع عین خارجی ویادرحکم آن‌بوده برای تأدیهٔ ثمن یـا تسلیم مبیع طرفین معامله مدتی‌معین نشده باشد اگر سه روز از تاریخ بیع بگذرد ودراین مدت نه بایع مبیع را تسلیم مشتری نماید ونه مشتری تمام ثمن‌رابه‌بایع بدهد بایع مختار در فسخ معامله می‌شود .

خیار تخلف وصف ورؤیت :

هرگاه‌کسی‌چیزی‌راندیده‌وفقط‌بتعریف وتوصیف خریداری نماید وپس ازخرید خصوصیات آنرا بر خلاف موصوف یابد میتواندازخیارتخلف‌وصف استفاده‌کرده ومعامله را برهم بزند .

همچنین‌اگر کسی چیزی‌را که قبلا مشاهده کرده خریداری نماید و پس از تحویل آنرا برخلاف آنچه‌که دیده‌است بیابد می‌تواندازخیارتخلف‌رؤیت‌استفاده کرده ومعامله برهم‌بزند.

خیارغبن: هریك‌ازطرفین‌قرارداد که در معاملهٔ غبن فاحش‌داشته‌باشند بعد ازعلم بغبن می‌توانندمعامله رافسخ‌کنند درعرف غبن فاحش را معمولاً یك پنجم قیمت می‌دانند .

خیارعیب: اگر بعدازمعامله آشکار شود که مبیع معیوب بوده و مشتری از عیب آن آگاهی‌نداشته میتواند مبیع‌را بهمان صورت باگرفتن‌ارش قبول‌نماید و یا اینکه معامله را فسخ کند برای پیدا کردن ارش،قیمت معیب‌را بخش برسالم کرده و حاصل را از یك کم نموده در قیمت خریداری‌شده‌ضرب مینمایند نتیجه را «ارش» گویند .

خیارتدلیس : تدلیس عبارتست از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود هر یك از طرفین که فریب خورده میتوانندازاین خیاراستفاده کرده‌ومعامله را برهم بزنند .

خیار تبعض صفقه : خیار تبعض صفقه وقتی حاصل می‌شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع بجهتی ازجهات‌باطل باشد مثل اینکه یکدانگ خانه متعلق غیرباشد دراین‌صورت‌مشتری حق‌خواهد داشت مبیع را فسخ نماید یا به نسبت قسمتی‌که بیع‌واقع‌شده است قبول‌و نسبت به‌قسمتی که بیع باطل گردیده ثمن را استرداد کند .

عقود

اقسام عقود و معاملات: عقـود و معاملات ازجهت‌استحکام ودوام به‌اقسام ذیل تقسیم می‌شوند :

عقدلازم، عقدجایز، عقدخیاری، عقد منجر وعقد معلق.

عقدلازم : عقدلازم آنست که هیچ یك‌از طرفین‌معامله حق‌فسخ‌آن‌رانداشته باشند مگر درموارد معینهٔ بیع‌واجاره .

عقدجایز: عقد جایز آن است که هریك ازطرفین یا یکی‌ازآنان بتوانند هروقتی بخواهند آن‌را فسخ‌کنند مانند وکالت ورهن .

عقدخیاری : عقد خیاری‌آن است که برای طرفین یایکی ازآنها یا برای ثالثی اختیار فسخ باشد.

عقدمنجز : عقد منجزآن‌است‌که تأثیر آن قطعی و برحسب انشاء موقوف

به‌امر دیگری نباشدوالامعلق‌خواهدبود .»
عقد معلق : «عقدمعلق‌آن‌است که اثر آن منوط به‌پیدایش امر دیگری باشد».

حقوق ارتفاقی

حق‌ارتفاق: «ارتفاق حقی‌است‌برای شخص درملك دیگری» مانند بازکردن پنجره روبروی خانهٔ‌همسایه ویا آب‌بردن ازمجرای دیگری ویا ناودان گذاشتن دربام همسایه .

حق انتفاع: «حق‌انتفاع عبارت از حقی است‌که بموجب‌آن شخص می‌تواند ازمنفعت‌مالی‌که عین‌آن‌ملك دیگری‌است یامالك خاصی ندارد استفاده‌کند».

حق‌رقبی: «رقبی حق انتفاعی است که ازطرف مالك‌برای مدت‌معینی‌برقرار میگردد .»

حق‌سکنی: اگر حق انتفاع عبارت ازسکونت درمسکنی باشد سکنی یاحق سکنی‌نامیده می‌شود واین‌حق ممکن‌است بطریق عمری یا بطریق رقبی برقرار شود .

حق عمری: عمری‌حق‌انتفاعی‌است‌که بموجب عقدی ازطرف مالك‌برای شخص به‌مدت عمرخود یاعمرمنتفع‌ویاعمرشخص ثالثی برقرار شده باشد .

ابراء : درقانون‌مدنی‌یکی‌ازوسایل سقوط تعهدات ابراء میباشد‌و آن عبارت ازاین است‌که‌داین ازحق خود به‌اختیار صرف نظرنماید .

اجاره: اجاره‌عقدی است‌که‌بموجب آن مستأجرمالك منافع عین مورد اجاره می‌شود ، اجاره دهنده را موجر واجاره کننده‌رامستأجرمورداجاره‌راعین‌مستأجره گویند .

احیاء اراضی موات: مراد ازاحیای زمین‌آنستکه، اراضی موات و مباحه را بوسیله عملیاتی‌که درعرف آباد کردن محسوب است ازقبیل‌زراعت، درختکاری بناساختن وغیره قابل استفاده نمایند.

انبار عمومی: «انبارعمومی‌مؤسسه‌ایست بازرگانی که بمنظور قبول امانت ونگهداری مواد اولیه ومحصولات‌صنعتی وفلاحتی‌وکالاهای‌صاحبان‌صنایع‌وکشاورزی وبازرگانان با موافقت هیأت نظارت بر انبارهای مربوطو برطبق مقررات‌قوانین ایران به‌ثبت رسیده باشد.»

اهلیت: قانون مدنی‌ایران یکی‌از شرایط اساسی‌برای صحت‌معامله‌رااهلیت ذکرکرده است. وبرای اینکه طرفین اهل‌محسوب شوندبایدبالغ وعاقل ورشید باشند .

برات: «برات عبارتست‌ازیك‌حوالهٔ کتبی‌که صادرکننده طی‌آن دستورمیدهد شخص دیگری مبلغ معین رابمحض‌رؤیت یادرتاریخ معینی‌دروجه وی یاشخص‌ثالث یابحواله‌کرد اوبپردازد» .

چند موضوع‌از حقوق اجتماعی

آزادی :

هرچیزی راکه ما حق داریم‌آنرا انجام دهیم‌آزادی‌گوییم .

تعریف حق .

حق عبارت است ازقدرت وامتیازی است‌که شخص در مقابل اشخاص دیگر داراست مانند حق مالکیت .

تعریف خانواده .

خانواده ازمجموع افرادی بوجود میآید‌که بایکدیگرقرابت سببی یانسبی داشته باشند .

تعریف ملت.

مجموعهٔ افرادی که دریك سرزمین گردآمده وزیر سلطهٔ یك دولت اداره می‌شوند وآداب ورسوم وسوابق‌تاریخی و آرزوهای مشترکی دارند ملت نامیده می‌شوند .

حکومت .

حکومت دردنیا برسه دسته‌تقسیم‌شده است :

مشروطهٔ‌سلطنتی،جمهوری،استبدادی.

شناسنامه .

دراوراق هرشناسنامه باید وقایع چهارگانه (ولادت، ازدواج، طلاق، فوت) ثبت‌گردد .

شهرداری .

طبق قانون مملکتی درجاهاییکه جمعیت‌آن حداقل به ۵ هزار نفر برسد شهرداری تأسیس شود .

طرح .

پیشنهاد تصویب یك‌قانون از طرف یکی ازنمایندگان مجلس راطرح نامند.

قرابت سببی .

آن است‌که‌از ازدواج‌بین‌زن‌وشوهر برقرار میشود .

قرابت نسبی .

آن‌است‌که خویشان ازیك‌نسل‌باشند مانند :

پدر، فرزند، مادر .

لایحه .

پیشنهادتصویب یك‌قانون راازطرف دولت‌که قوهٔ‌مجریه دردست‌آن‌است،لایحه گویند .

مجازات .

مجازات یاکیفرآن است‌که ازطرف جامعه برشخص مجرم وتبهکار تحمیل شود .

مسئولیت .

عبارت‌است از عهده‌دارشدن نتایج نیك وبداعمالی است‌که انسان‌انجام‌آنرا قبول می‌کند.

وحدت ملیت .

وحدت در زبان، درآب وخاك، در نژاد ، دین ، آداب ورسوم و سوابق تاریخی .

تهیه و تنظیم بخش حقوقی از: **محمد تقی‌امامی**

دادگستری ایران

اساس دادگستری ایران بموجب قانون اساسی معین‌شده و بر اصل‌انفکاك قوا واستقلال قوهٔ قضاییه متکی است.

ازآغاز مشروطیت تاکنون ، قوهٔ‌قضاییه همواره در سیر تحول وتکامل بوده وبه اقتضای‌اوضاع‌واحوال اجتماعی وترقیات فرهنگی واقتصادی کشور ، قوانین مفید وبمنظوربسط‌وعدالت وتحکیم قوهٔ‌قضاییه وضع گردیده است .

درقدم‌اول‌دادگستری‌نوین؛مهمترین اقدام،لغوکاپیتولاسیون بوده، درطی‌مدتی بیش از ۶۰ سال دادگستری از دوطریق بسوی کمال رفته . یکی وضع قوانین مفید ودیگری توسعهٔ‌تشکیلات قضایی.

در ایران باستان،روابط اجتماعی معاملات، نکاح، ارث ، مجازاتها وغیره بر اساس تعلیمات مذهبی‌زردشت وآداب ورسوم‌ملی بود. پادشاهان نامدار مانند **کوروش وداریوش** نیز بی‌گمان قوانینی وضع کردند که پس ازحملهٔ **اسکندر** با قوانین یونانی درهم‌آمیخت و در زمان **اشکانیان** تغییرات‌قابل توجهی‌درقوانین مدنی واصول حکومت پدید آمد . ولی **اردشیر بابکان** و جانشینانش کوشیدند نظام اجتماعی را بر اساس یك خدایی ، وحکومت‌فردی‌زمان‌هخامنشی‌بازگردانند. ظهور **مانی** با آنکه بقتل وی منجر شد واکنش‌اجتماعی‌عمیقی‌نسبت‌بنظام‌اجتماعی مخصوصاً قدرت روحانیان زردشتی پدید

آورد. قیام **مزدك** كه ازهر لحاظ شامل يك آرمان انقلاب اجتماعی بود با قبول اکثریت مردم مواجه شد . وهنگامی هم که سرکوب گشت انوشیروان خود را بیك اصلاح دامنه‌دار ووضع قوانین تازه مجبور دید .

پس از تسلط اعراب به ایران قانون مدنی براساس فقه اسلامی بود ونخستین قانون تازه که در این ایام سراغ داریم **ازغازان‌خان** است .

در ایام ناصرالدینشاه **میرزاملکم خـان و میرزا حسین خان سپهسالار** کوشش هایی برای ایجاد قانون منظم و مدون بعمل آوردند وملکم **دفتر تنظیمات حسنه** را انتشارداد . که در آن قوانینی برای وصول مالیات، سربازگیری،وظایف ومزایای مأموران دولت ، راهسازی و امور شهرداری وضع شده بود با آنکه شاه بظاهر از آن استقبال کرد ولی درعمل اقدامی برای اجرای آن ننمود تاسرانجام نبودن قانون و آشفتگی امور اجتماعی ملت را به انقلاب وایجاد حکومت مشروطه واداشت. ومظفرالدینشاه درسال ۱۳۲۴ق قانون اساسی ایران را امضاء کرد. ولی این قانون درعین حال که حکومت مشروطه وقدرت مجلس را مسجل مینمود حقوق و آزادیهای فردی را بهیچوجه تضمیـن نکرد .

این بود که نمایندگان دورهٔ اول با کوشش بسیار **محمدعلی‌شاه** را به امضای «متمم قانون اساسی» وادار نمودند (۱۳۲۵ق.) از آن تاریخ قانون اساسی و متمم آن اساس قـوانین ایـرانرا تشکـیل میدهد . ناگفته نماند که گاه شرایط مساعد سیاسی موجب اصلاحاتی در آن شده ورفراندوم ششم بهمن ۱۳۴۱ ومجلس مؤسسان دورهٔ سوم در امرداد ۱۳۴۶ ازآنجمله است.

تحولات قانونگزاری.

پس از وضع قانون اساسی و متمم آن ، که اصول وظایف و اختیارات قوهٔ قضاییه را بیان می کرد لازم بود که قوانین دیگری نیز وضع شود تـا سازمانهای قضایی جدید التأسیس بتوانند طبق آن قوانین وظایف خود را انجام دهند، مهمترین قوانینی که دادگستری لازم داشت قوانین ذیل بوده :

۱ ـ قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری .

۲ـ قانون اصول تشکیلات دادگستری واستخدام قضات .

۳ـ قانون مجازات عمومی .

۴ـ قانون مدنی.

۵ـ قانون ثبت .

۶ـ قانون تجارت .

قانون آیین دادرسی مدنی.

اولین قانونی که راجع به آیین‌ـ دادرسی مدنی بتصویب رسیده قانون مصوب سال ۱۳۲۹ هجری قمری بوده که قانون اصول محاکمات حقوقی نامیده میشدو باب ششم آن که راجع به اجرای احکام بوده هنوز هم به قوت خود باقی است مقررات مربوط به آیین دادرسی مدنی از سال ۱۳۲۹ تا کنون بارها مورد اصلاح و تجدید نظر قرار گرفته ومخصوصاً ازسال ۱۳۰۵ درنتیجهٔ اعطای اختیارات به وزیر دادگستری مقرراتی راجع به آیین دادرسی وضع گردیده و بعداً در سال ۱۳۰۹ با وضع قانون تسریع محاکمات . اصلاحات مفیدی درمقررات مربوط به آیین دادرسی بعمل آمده است . این اصلاحات تاسال ۱۳۱۸ ادامه داشت تـا بالاخره در آن سال کلیهٔ قوانین مربوط به آیین دادرسی مورد تجدید نظر قرار گرفت وازمجموع آن مقررات، قانون تازه‌ای بعنوان قانون «آیین دادرسی مدنی» به تصویب رسید که اکنون مورد اجرامی باشد و پاره‌ای از مقررات آن طبق قانون مصوب سال ۱۳۳۴ اصلاح شد .

پس از قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب سال ۱۳۲۹ هجری قمری، قانون اصول محاکمات جزایی درسال ۱۳۳۰ به تصویب رسید که هنوزهم قانون مزبور مورد عمل میباشد . و در طول این مدت پاره‌ای از مقررات آن اصلاح شده و مخصوصاً در سالهای ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ اصلاحات لازم و مفیدی در آن قانون بعمل آمده است.

موادی

از آیین دادرسی مدنی

کلیات .

مادهٔ ۱ ـ رسیدگی به کلیهٔ دعاوی مدنی راجع به دادگاههای دادگستری است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری معین کرده است . رسیدگی به دعاوی بازرگانی نیز جز درمواردی که تکلیف دیگری درقوانین خاص برای آن تعیین شده تابع این قانون است.

مادهٔ ۲ ـ هیچ دادگاهی نمی تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذینفع رسیدگی به دعـوی را مطابق مقررات قانون در خواست نموده باشند .

مادهٔ ۳ ـ دادگاههای دادگستری مکلفند به دعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده حکم داده یا فصل نمایند درصورتی که قوانین موضوعهٔ کشوری کامل یاصریح نبوده ویا متناقض باشد یا اصلا قانونی در قضیهٔ مطروحه وجود نداشته باشد دادگاههای دادگستری باید موافق روح ومفاد قوانین موضوعه وعرف وعادت مسلم ، قضیه را قطع وفصل نمایند .

مادهٔ ۴ ـ اگر دادرس دادگاه به عذر اینکه قوانین موضوعهٔ کشوری کامل یا متناقض است ویا اصلا قانونی وجود ندارد از رسیدگی و فصل دعوی امتناع کند ، مستنکف از احقاق حق محسوب خواهد شد .

مادهٔ ۵ ـ دادگاه هردعوی را با قانون تطبیق کرده وحکم آنرا تعیین مینماید و نباید بطور عموم و قاعدهٔ کلی حکم بدهد .

مادهٔ ۶ ـ عقد و قرار دادهایی که مخل نظام عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه است در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.

مادهٔ ۷ ـ رسیدگی ماهیتی به هر دعوایی دودرجه (نخستین وپژوهش) خواهد بود مگر درمواردی که قانون استثنـاء کرده باشد .

مادهٔ ۸ ـ بـه ماهیت هیچ دعوایی نمی‌توان دردرجهٔ پژوهش رسیدگی نمود مادام که دردرجهٔ نخستین در آن باب حکمی صادر نشده است مگر درمواردی که در قانون استثناء شده باشد.

مادهٔ ۹ ـ هیچ مقـام رسمی وهیـچ ادارهٔ دولتـی نمـی‌تواند حکم دادگاه دادگستری را تغییر دهد ویا از اجرای آن جلوگیری کند مگر خود دادگاهی که حکم داده یا دادگاه بالاتر از آن، آنهم در مواردی که قانون معین می کند .

در صلاحیت دادگاه

مادهٔ ۱۰ ـ رسیدگی نخستین به دعاوی مدنی راجع به دادگاههای شهرستان و دادگـاههای بخش است، جز درمواردی که قانون مرجع دیگری معین کـرده است .

مادهٔ ۱۱ ـ پژوهش احکام وقرارهای قابل پژوهش دادگاههای بخش راجع به دادگاههای شهرستان است.

مادهٔ ۱۲ ـ رسیدگی پژوهشی احکام و قرارهای قابل پژوهش دادگاههای شهرستان واحکام وقرارهای قابل پژوهش دادگاههای بخش درمواردی که دادگاههای نامبرده به دعوای راجع به دادگاههای شهرستان رسیدگی می‌نماید راجع به دادگاههای استان است.

مبحث اول

مادهٔ ۱۳ ـ اموور راجع به دادگاههای بخش ازقرار زیراست ؛

۱ـ دعاوی راجع به اموال اعم از منقول وغیرمنقول وديون ومنافع وزيان وخسارات ناشیه ازضمان قهری وجرم در صورتیکه خواسته بیش از پنجاه هزار ریال نباشد .

۲ ـ مطالبهٔ تخلیه یـد از اعیان مرهونه ومستأجره و امثال آن مگر در صورتیکه مدعی علیه،مدعی مالکیت شده وادعای خودرابطورمستقیم یاغیرمستقیم به موجب سند مستند به انتقال از مدعی نمایدکه در ایـن صورت دادگاه بخش وقتی صلاحیت خواهدداشت که بهای عین بیش از پنجاه هزار ریال نباشد.

۳ ـ کلیهٔ دعـاوی راجعه به حقوق ارتفاقی ازقبیل حق العبور وحق البحری وحق حفرچاه وقنات در ملك دیگری و امثال آن تا هرمیزانی که باشد و حقوق انتفاعی درصورتیکه بهای آن زایدبر نصاب دادگاه بخش نباشد.

۴ـ دعاوی راجعه به حقوق مالی از قبیل حق شفعه وحق فسخ ودعوای بطلان معامله وبی اعتباری سند درصورتیکه حق یامورد معامله بیش از پنجاه هزار ریال نباشد .

۵ـ دعوای مزاحمت وممانعت از حق وتصرف عدوانی در عین غیر منقول تا هرمیزانی که باشد.

۶ـ دعاوی راجع به اشیایی که بهای معین نداشته ولی دارای نوعی ازاعتبار و متعلق اغراض و مقاصدی است، مثل اعیان برگهاواسناد وامثال آن.

۷ـ مطالبهٔ وفای به شروط وعهودو راجعه به معاملات و قراردادها اعم از اینکه درضمن معامله وقرارداد تصریح شده و یا بنای متعاملین بر آن بوده و یا عادةً وعرفاً معامله مبنی بر آن باشد مشروط براینکه مورد مطالبه قابل ارزیابی نباشد والا نصاب دادگاه بخش معتبر خواهد بود.

۸ـ درخواست افراز در صورتیکه مالکیت محل نزاع نباشد ودرصورتیکه مالکیت محل نزاع باشد نصاب ازحیث بها معتبراست .

۹ـ درخواست تأمین وحفظ دلایل وامارات.

۱۰ـ درخواست سازش بین طرفین درهردعوایی وتا هرمقداری که خواسته باشند .

۱۱ ـ در خواست تصدیق انحصار وراثت .

مادهٔ ۱۴ ـ دادگاه بخش درصورت تراضی طرفین بهر دعوی تا هرمیزانی که باشد رسیدگی خواهد نمود.

مادهٔ ۱۵ ـ اگردرمقردادگاه بخش دادگاه شهرستان نباشد ، دادگاه بخش به اموورزیر نیز رسیدگی خواهد نمود:

۱ـ دعاوی که خواستهٔ آن تا یکصد هزار ریال باشد.

۲ ـ نسبت به اختلافات راجعه به اسناد ثبت احوال .

مادهٔ ۱۶ ـ دعاوی زیر به دادگاههای بخش راجع نیست اگر چه خواسته در حدود نصاب آن باشد:

۱ـ دعاوی راجعه به دولت.

۲ـ دعاوی راجعه به اصل امتیازاتی که ازطرف دولت داده می‌شود.

۳ـ دعاوی راجعه به علایم صنعتی و نام وعلایم بازرگانی وحق التصنیف وحق اختراع وکلیهٔ حقوق غیرمالی مثل تولیت ونسب ووصایت .

تبصره ـ هرگاه در ضمن اعتراض بـه تقاضای انحصار وراثت دعوی نسب بشود دادگاه بخش هردوپرونده را به دادگاه شهرستان میفرستد و دادگاه مزبور به تقاضای انحصار وراثت و دعـوی نسب رسیدگی کرده وحکم صادر خواهد نمود.

مبحث دوم

مادهٔ ۱۷ ـ بجز آنچه که مطابق مبحث فوق داخل درصلاحیت نسبی دادگاههای بخش است ، دادگاههای شهرستان نسبت به کلیهٔ دعاوی مدنی بطریقی که درمبحث سوم مقرر است رسیدگی مینمایند.

مادهٔ ۱۸ ـ پژوهش احکام وقرارهای دادگاه بخش که قابل پژوهش است در دادگاه شهرستانی بعمل می‌آید که دادگاه بخش نامبرده درحوزهٔ آن واقعند مگردر مواردی که مطابق مادهٔ ۱۲ راجع به دادگاههای استان است.

مادهٔ ۱۹ ـ در نقاطی که دادگـاه بخش نیست دادگـاههای شهـرستان نیز به دعاوی رسیدگی مینماید که داخل درصلاحیت دادگاه بخش است ، دراین صورت حکم دادگاههای نامبرده که خواستهٔ آن بیش از دوهزار ریال نباشد قطعی و غیرقابل پژوهش است ، ومرجع پژوهش قرارها واحکامی که قابـل پژوهش است نزدیکترین دادگاه شهرستان خواهد بود مگر آن که وزارت دادگسـتری دادگاه شهرستان دیگری رامعین نماید .

مادهٔ ۲۰ ـ مرجع رسیدگی بـه اختلافات مربوط به اسنادثبت احوال اتباع ایران که درخارج کشور بوسیلهٔ مأمورین مربوطه صادر شده باشد دادگاه شهرستان تهران است .

مبحث سوم

مادهٔ ۲۱ ـ دعـاوی راجـع به دادگاههایی که رسیدگی نخستین مینماید بایددرهمان دادگاهی اقامه شود که مدعی علیه در حوزهٔ آن اقامتگاه دارد واگر مدعی علیه درایران اقامتگاه ندارد در صورتی که درایران محل سکونت موقتی داشته باشد در دادگاه همان محل باید اقامه گردد وهرگاه درایران نه اقامتگاه ونه محل سکونت موقتی داشته باشد ولی درایران مال غیر منقول دارد ، دعوی در دادگاهی اقامه میشود که مال غیر منقول درحوزهٔ آن واقع است وهرگاه مـال غیر منقول هم نداشته باشد مدعی میتواند در دادگاه محل اقامت،خوداقامهٔ دعوی کند .

مادهٔ ۲۲ ـ در دعاوی بازرگانی و همچنین در هـر دعوای راجع به اموال منقوله که ازعقودوقراردادناشی شده باشد مدعی میتواندبه دادگاه محلی رجوع کند که عقد یاقرارداد در آنجا واقع شده یا تعهد بایددر آنجا انجام شود .

مادهٔ ۲۳ ـ دعاوی راجعه به غیر منقول اعم ازدعوی مالکیت وسایر حقوق راجعه به آن دردادگاهی اقامه میشود که مال غیر منقول درحوزهٔ آن واقع است ، اگرچه مدعی ومدعی علیه هم درآن حوزه مقیم نباشند .

مادهٔ ۲۴ ـ درخواست تأمین دلایل وامارات مورددرخواست،درحوزهٔ آن واقع است .

مادهٔ ۲۵ ـ دعوی مزاحمت وممانعت

ازحق وتصرف عدوانی در دادگاه بخشی اقامه میشود که موضوع دعوی درحوزهٔ آن واقع است .

مادهٔ ۲۶ ـ درصورتی که خواسته مال منقول وغیرمنقول باشدمدعی میتواند در دادگاهی که مال غیرمنقول درحوزهٔ آن واقع است ویادردادگاه محل اقامت مدعی علیه اقامهٔ دعوی کند بشرط اینکه دعوی در هردو قسمت ناشی ازیك منشاء شده باشد .

مادهٔ ۲۷ ـ هرگاه یك ادعا راجع به چند مدعی علیه باشد که درحوزهٔ دادگاههای مختلف اقامه دارند ویا راجع به چند مال غیرمنقول باشد که درحوزه‌های دادگاههای مختلفه واقـع شده‌اند مدعی می‌تواند به یکی از دادگاههای نامبرده رجوع کند .

مادهٔ ۲۸ ـ هر دعوا کـه درا ثناء رسیدگی به دعوای دیگری ازطرف مدعی ویامدعی علیه یاشخص ثالثی ویا ازطرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود **دعوای طاری** نامیده میشود واین دعوی بادعوی اصلی ارتباط کامل داشته باشد دردادگاهی اقامه میشود که دعوای اصلی درآنجا اقامه شده است، مگراینکه دعوی طـاری از صلاحیت ذاتی دادگاه خارج باشد دراین صورت اگررسیدگی به دعوی اصلی متوقف به رسیدگی به دعوی کاری باشد دعوی اصلی متوقف مینماید تادعوی کاری دردادگاهی که صلاحیت رسیدگی به آنرا دارد خاتمه پذیرد .

مادهٔ ۲۹ ـ درموردقسمت اخیرمادهٔ ۲۸ دادگاه بـاید دادخواست راجع به دعوی طـاری را بـه دادگاه صلاحیتدار بفرستد و هرگاه مدعی نـامبرده را در دادگاه صلاحیتدار تایکماه تعقیب نکند دادخواست نسبت به دعوی طاری بلااثر میماند ودادگاهی که مشغول رسیدگی به دعوی اصلی بوده رسیدگی وحکم خواهد داد. هرگاه دعوی اصلی دردادگاه بخش بوده ودعوی طاری ازحد نصـاب دادگاه بخش خارج باشد دراین صورت دعوی اصلی نیز باید به دادگاه شهرستان صلاحیتدار احاله شود مگراینکه طرفین دعـوی به رسیدگی دادگاه بخش تراضی کنند .

مادهٔ ۳۰ ـ عنوان احتساب وتهاتر وهراظهاری که دفاع محسوب شود دعوی طاری نبوده ومشمول دومادهٔ بالانخواهد بود .

مادهٔ ۳۱ ـ هرگاه شخص ثالثی که جلب یاوارددادرسی میشود به موجب اسناد یاامارات قویه ثابت نماید که دعوی فقط برای انصراف ازدادگاهی که قانوناً مرجع رسیدگی است اقامه شده میتواند احالـهٔ دعوی رابه دادگاه صلاحیتدار درخواست نماید ودراین صورت دادگاه حاکمه باید درخواست راقبول کند .

مادهٔ ۳۲ ـ دعوی راجع به ترکـهٔ متوفی درصورتیکه دعوی مابین وارث یا ازطرف اشخاصی اقامه شوند که خود را ذیحق درتمام یاقسمتی از ترکه میدانند اگرچه خواسته دین ویاراجع به وصایای متوفی باشد مادام که ترکه تقسیم نشده در دادگاه محلی اقامه میشود کـه آخرین اقامتگاه متوفی درآن محل است و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد دعاوی نامبرده راجع به دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی درایران درحوزهٔ آن دادگاه است .

مادهٔ ۳۳ ـ دعوی بطلان تقسیم راجع به دادگاهی است که تقسیم توسط آن دادگاه بعمل آمده است .

مادهٔ ۳۴ ـ دعوی توقف اعم ازآنکه ازطرف خودبازرگان یا ازطرف بستانکارها یا ازطرف دادستان باشدباید دردادگاهی که اقامتگاه بازرگان ورشکسته درحوزهٔ آن واقع است اقامه شود، هرگاه بازرگان متوقف در ایران اقامتگاه نداشته باشد دعوی توقف در دادگاهی اقامه میشود که بنگاه بازرگانی شعبه یا نماینده بـرای معاملات درحوزهٔ آنجادارد یاسابقاً داشته است .

مادهٔ ۳۵ ـ دعوای راجـع به ورشکستگی شرکت بازرگانی که مرکز آن درایران است باید درمراکز اصلی شرکت اقامه شود .

مادهٔ ۳۶ ـ دعاوی مربوط به اصل شرکت ودعـاوی بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء وهمچنین دعاوی اشخاص خارج برشرکت مادام که شرکت باقی است ودرصورت برچیدگی تاوقتی که تصفیهٔ امورشرکت درجریان است درمرکز اصلی شرکت اقامه میشود .

مادهٔ ۳۷ ـ دردعاوی ناشیه ازتعهدات شرکت درمقابل اشخاص خارج، میتوانند دعاوی خودرا درمحلی که تعهد آن درآنجا واقع شده یامحلی که کالا بایددرآنجا تسلیم گردد یا جاییکه پول باید پرداخته شود اقامه نمایند.

مادهٔ ۳۸ ـ اگر شرکت دارای شعب متعدد درجاهای مختلف باشددعاوی مربوط به تعهدات هرشعبه با اشخاص خارج، باید به دادگاه محلی که شعبهٔ طرف معامله در آن واقع است اقامه شود مگراینکه شعبه نامبرده برچیده شده باشد که دراین صورت دعاوی نامبرده نیز درمراکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد.

مادهٔ ۳۹ ـ دعوای اعسار نسبت به خواسته درصورتیکه ضمن رسیدگی به دعوای اصلی اظهار شود در دادگاهی که دعوای اصلی مطرح است رسیدگی میشود و در صورتیکه بعداز صدورحکم وقطعیت آن اقامه شود دردادگاهی اقامه میشود که حکم نخستین راصادر کرده است .

مادهٔ ۴۰ ـ دعوای اعسار درمقابل برگهای اجراییهٔ ثبت اسناددردادگاه محل اقامت مدعی اعسار اقامه خواهدشد .

مادهٔ ۴۱ ـ دعوای اعسار از هزینهٔ دادرسی مرحلهٔ نخستین دردادگاهی اقامه میشود کـه صلاحیت رسیدگی به دعوای اصلی را دارد، دعوای اعسار برای معافیت از هزینه مرحلهٔ پژوهشی و فرجام به دادگاهی راجع است که رسیدگی نخستین به دعوای اصلی رانموده .

مادهٔ ۴۲ ـ دعوای خسارت چه از بابت دیرپرداختن پول و چـه ازبابت هزینهٔ دادگستری وچه ازبابت حق الوکاله وامثال آن در صورتیکه درضمن دعـوی اصلی مطالبه نشده باشد در دادگاهی رسیدگی میشود که دعوی اصلی درآن مطرح شده والا دردادگاهی رسیدگی میشود که دعوی در آن خاتمه یافته است دعـوی خسارت راجع به مرحلهٔ فرجام دردادگاهی اقامه میشود که ازحکم آن دادگاه فرجام خواسته شده ودرصورت نقض به دادگاهی راجع است که دعوی به آنجا ارجاع شده وخاتمه یافته است.

مادهٔ ۴۳ ـ اختلافات مربوط به اجرای حکم که ازاجمال یا ابهام حکم یا محکوم به ،حادث شود دردادگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی میشود، اختلافات ناشیه از اجرای احکام راجع به دادگاهی است که حکم به توسط آن دادگاه اجراء میشود.

مادهٔ ۴۴ ـ درتمام دعاوی که رسیدگی به آن از صلاحیت دادگاههایی است که رسیدگی نخستین مینمایند طرفین دعوی میتوانند تراضی کرده به دادگاه دیگری

که درعرض‌دادگاه‌صلاحیتدار باشدرجوع کنند، تراضی طرفین باید به‌موجب سند رسمی یا اظهارآنها درنزددادرس‌دادگاهی که می‌خواهنددعوی خودرا به او رجوع کنند بعمل آید در صورت اخیردادرس اظهارآنهارا درصورت‌مجلس قیدو به‌مهر یا امضای‌آنهامیرساندا گرطرفین یایکی ازآنها بیسواد باشند، مراتب در صورت جلسه قید میشود.

مادهٔ ۴۵_ پژوهش‌احکام وقرارهای صادره ازدادگاههای‌شهرستان درداد گاه استانی‌بعمل می‌آید که‌دادگاههای‌نامبرده درحوزهٔ آن واقع میباشند.

جلسه دادرسی

فصل چهارم.

مادهٔ ۱۲۳_چنانچه‌درمبادلهٔ لوایح، مدعی دادخواست خود را استردادکند مدیردفترمکلف است فوراًپرونده را به دادگاه بفرستدوداد گاه پس‌ازاطمینان‌به تقاضای مدعی دادخواست‌راابطال کند.

مادهٔ ۱۲۵_ در صورتیکه احتیاج به تعیین جلسه باشد جلسهٔ دادرسی‌برای اولین روزی‌که‌دادگاه‌مطابق دفتراوقات وقت رسیدگــی دارد معین میشود ولی وقت بایدبطوری معین شودکه فاصلهٔ بین ابلاغ وقت به‌اصحاب دعوی وروز جلسه کمترازسه روزنباشد.

مادهٔ ۱۲۶_ درمواردی که‌اقامتگاه متداعیین یا یکی ازآنها در خـارج از دادگاه باشد روز جلسه باید با رعایت مسافت ومدتی‌که‌عادةً برای‌ابلاغ وحضور درداد گاه لازم است معین‌شود.

مادهٔ ۱۲۷_ دادگاهـها میتوانند جلسهٔ‌دادرسی‌را بارضایت‌متداعیین‌بتأخیر اندازند.

مادهٔ ۱۳۴_ دادگاه‌مکلف‌است در پایان‌جلسه‌صریحاًاعلام نمایدکه‌محاکمه‌را به منظورصدورحکم ختم مینمایدوچنانچه به‌جهـات‌موجه مذکوردراین‌قانون‌تجدید جلسهٔ دیگری لازم باشد علت ذیل همان صورت جلسه باید قیدگردد وپس‌ازاعلام ختم محاکمات اقدام دیگری بجز صدور رأی ممنوع‌است درصورتیکه دعوی قابل تجزیه بوده وقسمتی ازآن مقتضی صدور حکم باشد دادگاه میتواند نسبت بهمان قسمت دادرسی‌راختم کرده ونسبت به‌قسمت دیگر رسیدگی‌را ادامه دهد.

مادهٔ ۱۳۵_ بعدازاعلام‌ختم‌دادرسی هیچ قسم اظهار شفاهی یا کتبی ازطرفین پذیرفته نخواهد شد.

مادهٔ ۱۳۶_ جلسات دادرسی علنی است مگر درمواردی‌که علنی بودن جلسه مخل انتظامات عمومی ویامخالف اخلاق حسنه است که‌دراین‌صورت‌دادگاه‌میتواند مستقلاً و یا بدرخواست یکی ازاصحاب دعوی و یـا بدرخواست دادستان قرار غیرعلنی بودن جلسه رابدهد.

مادهٔ ۱۳۷_ دادگاه میتواندنسبت به اشخاصی‌که موجب اختلال نظم جلسه میشوند تا ۴۸ ساعت حکم حبس بدهد و این حکم باید فوراً اجراشوددرمورداین ماده اگـر مرتکب از اصحاب دعوی یا وکلای‌آنها باشد مدت حبس تـا ۵ روز خواهدبودودرهرموقعی‌که‌رفتار تماشاچی‌ها مخل‌نظم جلسه‌باشد رییس‌دادگاه‌میتواند امر به اخراج تمام یا بعضی از آنها را بدهد

حکم حضوری

مادهٔ ۱۵۲ _ پس از اعـلام ختم دادرسی هرگاه دادگاه بتواند، درهمان جلسه رأی‌میدهدوالا روزوساعتی رابرای اعلام رأی معین‌کرده ودر صورت جلسه دادرسی‌قید وبه اصحاب دعوی اعلام می‌نماید درصورت اخیرنباید بین روزاعلام ختم دادرسی وروز اعلام رأی بیش‌ازیك هفته فاصله شود.

ماده ۱۵۳_ رأی‌دادگاه‌بایدنوشته شده ونکات زیردرآن رعایت شود:

۱_ تاریخ رأی.

۲_ نام و نام خانوادگـی اصحاب رأی.

۳_ موضوع‌دعوی‌ودرخواست‌اصحاب دعوی‌که مورد رأی است.

۴_ جهات و دلایل رأی و مواد استنادیه.

۵_ امضاء دادرس یا دادرسهـای دادگاه‌باتصریح‌نام وسمت آنها.

۶_تصریح‌به‌اجرای‌موقت‌درصورتی‌که دادگاه دراین باب رأی میدهد.

مادهٔ ۱۵۴_رأی‌دادگاه‌اگر راجع‌به ماهیت‌دعوی وقاطع آن‌جزئاً ویاکلاً باشد حکم والا قرارنامیده میشود.

مادهٔ ۱۵۵_ دادگاه پس‌از امضای رأی حق تغییرآنرا ندارد.

مادهٔ ۱۵۶_ رأی‌باید درجلسهٔ‌علنی دادگاه قرائت شوداگرچه جلسهٔ دادرسی سری بوده.

مادهٔ ۱۵۷ _ بعد از امضای رأی، طرفین‌میتوانندآنرادردفترداد گاه‌بخوانند واز رأی و صورتمجلس و سایر برگهای پرونده رونوشت بگیرند.

مادهٔ ۱۵۸_ درظرف۵روزازتاریخ صدورحکم‌یاقراری که‌مستقلاً قابل‌شکایت است پاکنویس‌آن‌بایدتهیه‌شده‌و به‌امضای دادرسی دادگاه ومدیر دفتر برسد، این پاکنویس دادنامه خوانده میشود.

مادهٔ ۱۵۹_ در دادنامه باید نکات زیرتصریح شود:

۱_ نام‌ونام خانوادگی‌ومحل‌اقامت اصحاب دعوی.

۲_ نام‌ونام خانواده وسمت‌کسی‌که بنام متداعیین اصلی یاازطرف‌آنها اقامهٔ دعوی‌کرده یاطرف واقع شده‌اند.

۳_ تاریخ رأی.

۴_ تعیین دادگاه صادرکنندهٔ‌رأی.

۵_ نام دادرس یادادرسهای‌دادگاه

۶_ موضوع‌دعوی‌ودرخواست‌اصحاب دعوی.

۷_خلاصهٔ دلایل مستندات هریك‌از اصحاب دعوی.

۸_ خلاصهٔ عقیدهٔ دادستان‌درموارد ابلاغ.

۹_ جهات ودلایل‌ومواد استنادیه.

۱۰_ تصریح به اجرای موقت اگر مورد رأی باشد.

۱۱_ تصریح‌به‌اینکه هزینهٔ‌دادرسی بعهدهٔ کیست.

مادهٔ ۱۶۰ _ مدیر دفتر بایدفوراً پس‌ازامضای‌دادنامه بعدهٔ اصحاب‌دعوی رونوشت‌آنرا تهیه نموده‌وبه‌مأمورتسلیم نمایدکه درموقع، ابلاغ‌به‌اصحاب دعوی داده شود.

مادهٔ ۱۶۱_ مدیر یـا اعضای دفتر قبل از آنکه رأی یا دادنامه به امضای دادرس دادگاه برسد نباید رونوشت از آن به‌کسی بدهند ودر صورت تخلف از این ماده مرتکب‌مجازات‌اداری ازدرجهٔ ۳ ببالا محکوم خواهند شد.

مادهٔ ۱۶۲_هیچ‌حکم‌یاقراری‌را نمیتوان اجرانمود مگراینکه دادنامه یارونوشت گواهی شدهٔ آن بـه‌طرفین یاوکیل آنها ابلاغ شده باشد، طریقهٔ ابلاغ دادنـامه مطابق‌قواعدی است‌که برای ابلاغ داد—

خواست وسایر برگها مقرراست ، برای ابلاغ دادنامه رونوشت گواهی شده کافی است .

مادهٔ ۱۶۳ ــ هرگاه وکیل درداد‌رسی، وکالت برای دادرسی درمرحلهٔ بالاتر نداشته باشد ویامجاز برای وکالت درمرحلهٔ بالاتر نباشد ووکالت درتعیین وکیل مجاز هم نداشته باشد ویاوکیل استعفا کرده و فوت شده باشد حکم یاقرار بایدبه‌موکل ابلاغ شود مدیر دفتر دادگاه رونوشتی ازحکم یاقرار برای ابلاغ به‌موکل میفرستد وضمناً جهت ابلاغ به‌موکل را به‌اواطلاع میدهد ، همچنین حکم جاریست درمواردی که وکیل توقیف یاممنوع الوکاله یا معلق ازشغل وکالت گردد یا بواسطه قوهٔ قهریه قادربه‌انجام‌وظیفه ووکالت نباشد درموارد حکم یاقرار باقیدجهت آن به‌موکل ابلاغ میشود وتاریخ ابلاغ مبدأ مهلت قانونی محسوب است .

حکم غیابی

مادهٔ ۱۶۴ ــ حکــم دادگــاه در محاکمات عادی در تمام موارد حضوری محسوب‌است‌مگردرمواردی‌که مدعی‌علیه هیچ‌جواب‌کتبی نداده‌باشد ودرمحاکمات اختصاری‌حکم دادگاه‌حضوری است‌مگر آنکه‌مدعی‌علیه‌درهیچیك‌ازجلسات‌حاضر نشده باشد .

مادهٔ ۱۶۵ ــ عدم حضور هر يك‌از طرفین درجلسهٔ دادرسی مانع رسیدگی‌و اتخاذ تصمیم نیست در موردیکه دادگاه محتاج به‌توضیحی ازمدعی‌باشد ومدعی‌در جلسه برای توضیح معین‌شده حاضرنشود وباأخذ توضیح ازمدعی علیه هم دادگاه نتواند رأی بدهد‌دادخواست‌مدعی ابطال می‌شود وهمچنین درصورتیکه هیچیك از طرفین حاضرنشوند ودادگاه‌نتواند رأی بدهد نیزدادخواست مدعی ابطال‌میشود .

مادهٔ۱۶۶ ــ چنانچه مدعی علیه در مبادلهٔ‌لوایح‌پاسخ ندهدمدیردفتر،پرونده رادرظرف بیست وچهار ساعت به‌دادگاه ارسال میدارد و دادگاه پس‌از مــلاحظهٔ پرونده درصورتیکه احتیاجی به توضیح ازمدعی‌نداشته‌باشدرأی میدهد والاموارد توضیح‌رادرصورت مجلس قید وبه‌طرفین اخطار مینمایدودرجلسه چنانچه دادگاه بااستماع‌توضیح‌طرفین یایکطرف‌بتواند، رأی میدهد و اگر بعلت غیبت يك‌طرف نتواند رأی‌بدهدومدعی غایب باشدداد‌خواست‌اورا‌ابطال‌می‌کند درکلیهٔ‌مواردی که دادخواست ابطال میشود دادگاه به تقاضای مدعی علیه حکم خسارت وارده براورا میدهد .

مواد ۱۶۷ــ ۱۶۸ــ ۱۶۹ ــ۱۷۰ نسخ شده است .

مادهٔ ۱۷۱ ــ هرگاه‌مدعی‌علیه‌متعدد باشدو فقط بعضی‌ازآنها درجلسهٔ‌دادگاه حاضر شده ومدعی درخواست رسیدگی نماید دادگاه نسبت به‌کسی که‌حاضرشده است به‌دعوی‌رسیدگی‌می‌نماید‌لیکن‌صدور حکم‌رابه‌تأخیرانداخته ومدعی علیه‌غایب رامجدداً احضارمیکندبایدتصریح شود که درصورت عدم حضور مدعی علیه درجلسهٔ دادرسی‌حکم‌دادگاه حضوری است‌دراین صورت اگر مدعی علیه‌غایب درجلسهٔ‌بعد هم حاضرنشوددادگاه رسیدگی راتکمیل نموده و نسبت به تمام مدعی علیهم‌حکم می‌دهدو‌حکم‌دادگاه‌حضوری‌محسوب‌است.

مادهٔ ۱۷۲ ــ نسخ شده است .

مادهٔ ۱۷۳ ــ هرگــاه پس ازابلاغ اولین‌حکم‌غیابی‌مرحلهٔ‌نخستین،به‌محکوم‌ــ علیه وانقضای مدت‌پژوهشی واعتــراض محکوم‌له تاششماه ازتاریخ انقضای مدت پژوهش درخواست صدور برگ اجراییه نسبت به‌آن‌ننماید ویاپس ازصدوربرگ اجراییه تا یکسال از تاریخ صدور آن، اجرای آن‌را تعقیب نکند حکم غیابی ملغی‌الاثرخواهدبودومدعی‌میتواندتجدید دعوی کند .

احکام وقرارهای قابل فرجام

مادهٔ ۵۲۱ ــ احکام‌زیرقابل‌رسیدگی فرجامی است :

۱ــ احکام دادگاههای استان .

۲ــ احکامی که‌دادگاههای شهرستان دررسیدگی پژوهشی می‌دهند .

۳ــ احکام قابل پــژوهشی کــه از دادگاههای شهرستان یا غیاباً صادر و به واسطهٔ انقضای‌مدت‌اعتراض وپژوهش قطعی شده‌اند .

مادهٔ۵۲۲ ــ احکام‌زیرقابل‌رسیدگی فرجامی نیست :

۱ــ احکام و قرارهــای صادره در دعاوی که خواستهٔ آن سه‌هزار ریال یا کمتراست وهمچنین احکام وقرارهایی‌که درضمن رسیدگی به‌این دعاوی یابعد از حکم نسبت به متفرعات دعــوی مانند خسارت واعساروغیره صادرمیشود .

۲ــ حکم مستندبه‌اقرارقاطع دعوی درددادگاه .

۳ــ حکم مستند به‌سوگند .

۴ــ حکم‌مستندبرای يك‌یاچندنفر کارشناس که‌طرفین کتباً درانتخاب‌آنان تراضی کرده و رأی آنها راقاطع دعوی قرارداده باشند .

۵ــ درصورتی که طرفین کتباً حق شکایت‌فرجامی‌خودرا ساقط‌کرده‌باشند .

تبصره ــ دادخواستهای‌فرجامی‌که‌از احکام‌وقرارهای‌صادرازدعاوی‌که خواستهٔ آن زاید برسه هزارتاده‌هزار ریال‌بوده وقبل‌ازاین قانون ردشده ازتاریخ‌اجرای این‌قانون‌درمدت، ۶ ماه درصورت‌تقاضای فرجامخواهی که دادخواست او سابقأرد شده‌طبق‌قانون‌سابق قابل‌رسیدگی‌فرجامی است .

مادهٔ ۵۲۳ ــ هیچ قراری به تنهایی قابل رسیدگی فرجامی نیست مگرآنچه راکه قانون صریحاً اجازه داده‌باشد این امر مــانع نخواهد بود ازاینکه درضمن درخواست رسیدگی‌فرجامی ازحکم‌نسبت به قرارهایی که ازدادگاه قبلا صادرشده است اعتراض نمود .

مادهٔ ۵۲۴ ــ قرارهای‌زیر‌به‌تنهایی قابل فرجام است :

۱ــ قرارعدم صلاحیت اعم‌ازذاتی‌و نسبی .

۲ــ قرار ردیاابطال دادخواست‌در صورتیکه ابتداازدادگاه‌صادرشده‌باشد .

۳ــ قرار سقوط دعوی .

۴ــ قرارعدم اهلیت‌یکی ازاصحاب دعوی .

۵ــ قراررددعوی‌یاعدم‌استماع‌آن .

۶ــ قرار رد درخواست ابطال‌حکم داور .

۷ ــ قرار سوگند در موردی که دادرسی بواسطهٔ تردید دربقاءحق‌سوگند راالازم بداند .

مادهٔ ۵۲۵ ــ قرارهــای مذکور در مادهٔ فوق درصورتی‌قابل‌رسیدگی‌فرجامی است‌که‌درمرحلهٔ پژوهشی صادر شده‌باشد خواه مستقلاً وخواه‌در پیرو قراری که درمرحلهٔ نخستین صادرشده است .

اقدام دیوان‌کشور بعد از نقض

مادهٔ ۵۷۱ ــ دیوان کشور پس از نقض حکم‌یاقراررسیدگی درماهیت‌دعوی رابه دادگاهی که مطابق مواد زیر معین

میشودارجاع مینماید، بعدازنقض‌فرجامی دادگاهی که رسیدگی به‌او محول شده بالحاظ رأی دیوان کشور و مندرجات پرونده اگراقدام دیگری یاتوضیحی از طرفین دعوی‌لازم‌نداندبدون تعیین‌جلسه رسیدگی کرده حکم میدهد واگراقدام دیگری‌راالازم‌دانست‌تعیین‌تکلیف‌مینماید وچنانچه محتاج به‌توضیحی باشد باتعیین موارد توضیح واخطار آن‌به‌طرفین‌دعوی تعیین جلسه می‌نماید .

مادۀ ۵۷۲ـ اگر حکم بواسطۀعدم صلاحیت دادگاه نقض شده دیوان کشور دعوی رامستقیماً به‌دادگاهی‌که صلاحیت رسیدگی رادارد محول می‌کند ودرسایر مواردبه شعبۀ دیگرهمان دادگاه‌که‌حکم منقوض راداده است رجوع مینمایدواگر دادگاه بیش ازیك‌شعبه نداشته باشد ویا دارای شعبۀدیگری‌بوده‌ولی دیوان‌کشور ارجاع به‌دادگاه دیگری رامقتضی بداند دیوان‌کشورداد‌گاهی‌راکه‌درعرض‌دادگاه صادرکننده حکم است معین و رسیدگی مجدد رابه‌آن ارجاع مینماید .

مادۀ ۵۷۳ـ رسیدگی مجدد پس‌از نقض قرارهایی که‌قابل‌فرجام است‌بهمان دادگاه و شعبه‌ای که قرار را داده است ارجاع خواهد شد .

مادۀ ۵۷۴ـ اگر یکی ازدو حکم یاقرار مغایرموافق‌قانون بوده ودیگری نقض شودمجدداً به‌دعوی رسیدگی‌نمیشود وهرگاه‌هردوحکم یاقرار نقض‌شودموافق مادۀ ۵۷۲ عمل خواهد شد .

مادۀ ۵۷۵ـ برای تجدیدرسیدگی به‌دعوی‌بعدازنقض تقدیم‌دادخواست‌جدید لازم نیست‌وارائه حکم دیوان‌کشور کافی است .

مادۀ ۵۷۶ـ هرگاه حکم یا قراری درديوان کشورنقض‌شود و حکم یا قرار دادگاهی‌که رسیدگی‌به‌دعوی پس ازنقض به‌آن ارجاع‌شده مستندبه‌علل‌واسبابی‌که حکم یاقرارمنقوض مبنی‌بر‌آن‌بوده است باشد ویکی ازطرفین‌نقض‌آن را بخواهد رسیدگی به‌این درخواست باید در هیئت عمومی دیوان کشور بعمل‌آید واگرآن حکم یاقرار مستنداً به‌همان سبب‌یااسبابی که‌موجب نقض حکم یاقرار اولی‌شده‌بود نقض شود دادگاهی که‌رسیدگی به‌دعوی‌به آن‌ارجاع شده‌مکلف است ازنظر دیوان کشور تبعیت نماید .

مادۀ ۵۷۷ـ دراحکام‌دیوان‌کشور نام ومشخصات ومحل‌اقامت‌طرفین وحکم یاقراری‌که ازآن فرجام خواسته شده و خلاصۀ اعتراضات ودلایلی‌که فرجامخواه برای نقض حکم یاقراراظهار کرده قید واسبابی‌که موجب نقض یا ابرام‌حکم یا قرار می‌شود بطور روشن و کامل ذکر می‌گردد .

مادۀ ۵۷۸ـ رونوشت احکام‌دیوان کشور به‌توسط دادستان دیوان مذکور به وزارت دادگستری فرستاده میشود .

فرجام ازطرف دادستان

مادۀ ۵۷۹ ـ هرگاه حکم یاقرار قطعی مخالف قانون‌صادرشده وهیچ یك‌از طرفین دعوی در موعد مقرر درخواست رسیدگی فرجامی نکرده باشند دادستان دیوان کشورحق دارد برای محافظت قانون نسبت به‌آن حکم یاقرار ، فرجام بخواهد در این مورد دیوان کشور در بارۀ اصحاب دعوی مؤثرنبوده‌وفقط برای حفظ قانون است .

مادۀ ۵۸۰ ـ درخواست فرجام از طرف دادستان دیوان کشور مدت ندارد وهروقت مطلع شد می‌تواند درخواست رسیدگی فرجامی نماید .

مادۀ ۵۸۱ـدررسیدگی فرجامی‌که درخواست‌آن‌ازطرف دادستان‌شده‌هرگاه حکم‌یاقرار نقض‌شدبلا ارجاع خواهدبود.

قانون اصول تشکیلات دادگستری

درسال ۱۳۲۹ هجری قمری اولین قانون راجع‌به‌اصول‌تشکیلات دادگستری به تصویب رسید ، این قانون نیز مانند قوانین راجع‌به‌آیین دادرسی بارهامورد اصلاح وتجدید نظر قرارگرفته‌که ازاهم قوانین‌اصلاحی‌مزبوروقوانین‌ذیل‌رامیتوان ذکرنمود :

۱ـ قانون اصول‌تشکیلات‌دادگستری مصوب ۱۳۰۲ .

۲ـ قانون‌اصول‌تشکیلات‌دادگستری مصوب ۱۳۰۶ .

۳ـ قانون‌اصول‌تشکیلات‌دادگستری مصوب ۱۳۰۷ .

قانون مصوب ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ مهمترین قانونی‌است‌که راجع‌به‌تشکیلات دادگستری واستخدام قضات به تصویب رسیده است. پس‌ازآنکه در سال ۱۳۰۶ شمسی‌دادگستری منحل‌ودادگستری‌نوین ایران‌تشکیل گردید و به‌این‌طریق‌مقدمات الغاء کاپیتولاسیون فراهم شد، لازم‌بودکه قانون جامعی‌راجع‌به‌طرزتشکیل‌سازمانهای قضایی وشرایط اشتغال‌به‌قضاوت وضع‌شود تا دادگستری نوین‌طبق‌آن قانون‌شروع بکارنماید. این منظور با تصویب قوانین مزبور عملی‌گردید وضمناً بمنظورآشنایی قضات به حقوق کشورهای خارجه، مادۀ ۱۱۴ قانون مصوب ۱۳۰۷ مقررداشت که وزارت دادگستری همه‌ساله پنج نفر ازقضات رابرای‌ادامۀ مطالعات به‌خارجه اعزام نماید.

ازآن تاریخ تاکنون بازهم‌مقررات مربوط به اصول تشکیلات دادگستری مورد اصلاح وتجدید نظرقرارگرفته که مهمترین قوانین اصلاحی در سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۳۳ و ۱۳۳۵ بتصویب رسیده است. ازجمله موضوعاتی که ضمن قانون اصول تشکیلات مورد توجه بوده موضوع وکالت دردعاوی وسازمان‌وکلای دادگستری‌بوده‌که درقانون‌مصوب۱۳۰۷ مقرراتی دربارۀآن وضع‌وبعداًدرسالهای ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ مقررات مزبور مورد اصلاح وتجدید نظرقرارگرفت تا اینکه درسال ۱۳۳۳ قانون استقلال‌کانون وکلا بتصویب رسید .

قانون مجازات عمومی

قانون مجازات‌عمومی‌درسال۱۳۰۴ به تصویب رسید.

قبل ازتصویب‌قانون‌مزبورمقرراتی بعنوان (قانون جزایی عرفی) بموقع اجراء گذاشته میشدکه در عمل نواقص بسیار داشت . ازاین لحاظ قانون‌مصوب ۱۳۰۴ بتصویب رسید .

قانون‌مزبورباوجود بعضی‌اصلاحات وتغییرات‌که در آن داده شده هنوز هم مورد اجرا میباشد.

قانون مدنی

قانون مدنی از جملۀ قوانینی‌است که مدتها بعد از وضع قانون اساسی و تشکیل سازمانهای‌قضایی بتصویب‌رسیده وعلت این امراهمیت زیاد قانون مزبور میباشد. قانون مدنی درسه جلد و طی ۷ سال‌بتصویب رسیده به این معنی‌که جلد اول آن درسال ۱۳۰۷ وجلد دوم‌وسوم درسالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ به تصویب رسیده است

ثبت اسناد واملاك

قبل‌ازسلطنت‌اعلیحضرت‌فقید رضاـ

شاه‌کبیر، مرکزی برای ثبت اسناد مربوط به معاملات وعقود و املاك مردم وجود نداشت و این‌کارها در حضور عده‌ای از روحانیون صورت میگرفت چون مرکزی برای جمع آوری این اسناد نبود لذا گاهی چند معامله روی یك ملك واقع میشد ویکی از مشکلات بزرگ دستگاه عدالت ، زنهایی بودند که چند عقدنامه داشتند.

درسال ۱۲۹۰ و۱۳۰۲ قانون ثبت اسناد واصلاح آن به تصویب رسید ولی چون الزامی نبود کاری از پیش نبرد . درسال ۱۳۰۶ قانون جدیدی راجع به ثبت به تصویب رسید که به استناد آن ادارهٔ کل ثبت با تشکیلات جدیدی تأسیس شد، درسال ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰ قوانین مربوط به ثبت اجباری املاك به تصویب رسید.

در همین موقع برای حفظ حقوق مخترعین و شرکتهای تجارتی در سال ۱۳۱۰ قانون ثبت علایم تجارتی و و اختراعات نیز به تصویب رسید.درسال ۱۳۱۶ قانون دفاتر اسناد رسمی نیز به ثبت رسید.

قانون تجارت

درسال ۱۳۰۳ اولین قانون مربوط به تجارت تصویب شد و مقررات آن به تناوب درسالهای ۱۳۰۴، ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ به مجلس برده شد.

ولی در سال ۱۳۱۱ ضمن قانون واحدی کلیهٔ مقررات و قوانین تجارت بتصویب رسید .

قوانین متفرقه

امورحقوقی :

۱ـ قانون امورحسبی.
۲ ـ قانون جلوگیری از تصرف عدوانی.
۳ـ قانون ازدواج.
۴ـ قانون کارشناسان رسمی.
۵ـ قانون دلالان.
۶ ـ قانون تصفیهٔ امورورشکستگی.
۷ ـ قانون تعدیل اجاره بها .

امورکیفری :

۱ ـ قانون مجازات مرتکبین قاچاق .
۲ـ قانون جلوگیری ازاحتکار.
۳ـ قانون مجازات گرانفروشان.
۴ ـ قانون تشدید مجازات رانندگان .
۵ ـ قانون منع کشت خشخاش.
۶ـ قانون هیئت منصفه.

توسعهٔ تشکیلات دادگستری

سازمان قضایی کشور ، از آغاز مشروطیت تا کنون به اقتضاء تحولات اجتماعی واقتصادی و صنعتی و افزایش جمعیت توسعه یافته و برای تسهیل مراجعه‌ها به دادگستری در اکثر نقاط سازمانهای قضایی متناسب تشکیل گردیده است .

در سالهای اخیر دادگاههای سیار برای بسیاری از نقاط تأسیس شده است. و تعداد دادگاهها و قضات کشور از بدو تأسیس تا کنون چندین برابر شده‌است .

در سال ۱۳۲۹ دیوان عالی کشور دوشعبه داشت ولی امروزه ۱۱ شعبه دارد ودرآن سال چهاردادگاه استان درتمام کشور بوده وامروزه بالغ بر ۱۳ دادگاه استان دایراست.

سازمان دادگستری

سازمان دادگستری شامل دوقسمت است :

الف ـ سازمان قضایی.
ب ـ سازمان اداری .

الف ـ سازمان قضایی .

سازمان قضایی کشور مرکب از دادگاهها ودادسراها میباشد که دررأس آنها **دیوان عالی کشور** قراردارد .

دیوان عالی کشور در سال ۱۳۲۸ رسماً تشکیل گردید، وظیفهٔ نظارت براجرای قانون وحفظ وحدت رویهٔ قضایی ازطریق نقض و ابرام احکام محاکم دیگراست.

بعد از دیوان عالی کشور ، ازنظر سلسلهٔ مراتب قضایی دادگاههای استان قرار دارد که در مراکز استانها تشکیل شده وبطور استینافی به احکام دادگاههای شهرستان رسیدگی مینمایند، ضمناً دیوان جنایی نیزشعبه‌ای از دادگاه استان است. بعدازآن دادگاه شهرستان است که نخستین مرجع رسیدگی به دعاوی میباشد، دادگاه بخش یادادگاه صلح که کوچکترین واحد دادگستری است به دعاوی کوچك رسیدگی می کند .

در مقابل هریك از دادگاههای شهرستان یااستان یك دادسرا وجود دارد که مرکب از یك نفر دادستان وبه تعداد لازم دادیار است ، وظیفهٔ دادستان حفظ حقوق عامه و نظارت براجرای قانون است در رأس دادسراها، دادسرای دیوان عالی کشور قرار دارد که دادستان دیوان عالی کشور در رأس آن است وعنوان دادستان کل را دارا است، ضمناً تمام دادسراها طبق قانون تحت ریاست فایقهٔ وزیر دادگستری میباشند .

ب ـ سازمان اداری.

سازمان اداری دادگستری مرکب از چهار اداره است که در رأس ، یك نفر مدیر کل انجام وظیفه می کند و وزیر دادگستری ریاست کل سازمان اداری را دارا است .

الف ـ ادارهٔ کل امور اداری :

۱ـ ادارهٔ کارگزینی.
۲ـ ادارهٔ حسابداری.
۳ـ ادارهٔ دفتروزارتی .
۴ـ ادارهٔ پزشکی قانونی.

ب ـ اداره کل امورقضایی:

۱ـ ادارهٔ حقوقی.
۲ـ اداره فنی.
۳ـ ادارهٔ آمار ورویهٔ قضایی.

ج ـ ادارهٔ کل بازرسی کشور:

۱ ـ قسمت رسیدگی به شکایتها و گزارشها.
۲ـ قسمت بازرسی دادگستریها و وزارتخانه‌ها وکلیهٔ ادارات دولتی اعم از کشوری ولشکری .

د ـ ادارهٔ کل ثبت اسناد و املاك :

سازمان قضایی کشور

«این آمار متعلق به ۱۳۴۰ شمسی است»

الف ـ دادگاه استان یکم (گیلان).

۱ـ دادگاه استان شامل ۲ شعبه در رشت.

۲ـ دادگاه شهرستان : رشت (۳ شعبه با ۴ دادگاه بخش که دوشعبه آن در خود رشت ویك شعبه درفومن ویك شعبه دررودبار تشکیل است).

۳ـ دادگاه شهرستان لاهیجان (یك شعبه، با ۲ دادگاه بخش که یك شعبهٔ آن در رودسر ویك شعبهٔ آن درلنگرود تشکیل است).

۴ـ دادگاه شهرستان بندر پهلوی (یك شعبه ویك دادگاه بخش که درطوالش تشکیل است.)

ب ـ دادگاه استان مرکز.

۱ـ دادگاه استان تهران ۱۶ شعبه دارد .

۲ـ دادگاه شهرستان تهران (۳۳ شعبه ۲۷ دادگاه بخش که ۲۱ شعبهٔ آن در تهران، (یك شعبه درشهری، یك شعبه دردماوند ، یك شعبه درورامین ویك شعبه در گرمسار

تشکیل است).
۳ـ دادگاه شهرستان کرج (یك شعبه ودودادگاه سیار رانندگی).
۴ـ دادگاه شهرستان قزوین (۲ شعبه ویك دادگاه بخش).
۵ـ دادگاه شهرستان زنجان (یك شعبه ودودادگاه بخش که یك شعبهٔ آن در زنجان و یك شعبه در ابهر تشکیل شده است).
۶ـ دادگاه شهرستان محلات (یك شعبه ویك دادگاه بخش در کمره).
۷ ـ دادگاه شهرستان قم (دو شعبه ویك دادگاه بخش).
۸ ـ دادگاه شهرستان ساوه (یك شعبه).
۹ـ دادگاه شهرستان اراك (دوشعبه وسه دادگاه بخش. یك شعبه دراراك، یك شعبه در گلپایگان ویك شعبه در تفرش).
۱۰ـ دادگاه شهرستان کاشان (یك شعبه ودودادگاه بخش که یك شعبه در کاشان ویك شعبه در نطنز دارد).
۱۱ ـ دادگاه شهرستان شاهرود (یك شعبه بایك دادگاه بخش در دامغان).

ج ـ دادگاه استان مازندران.

۱ ـ دادگاه استان درمازندران ۳ شعبه دارد.
۲ـ دادگاه شهرستان ساری (دوشعبه و۳ دادگاه بخش که یك شعبه در ساری ویك شعبه در فیروزکوه ویك شعبه در بهشهر دارد.
۳ ـ دادگاه شهرستان شاهی (یك شعبه).
۴ـ دادگاه شهرستان بابل (دوشعبه و یك دادگاه بخش).
۵ـ دادگاه شهرستان آمل (یك شعبه با دو دادگاه بخش که یك شعبهٔ آن در آمل ویك شعبهٔ آن در نور تشکیل است).
۶ـ دادگاه شهرستان شهسوار (یك شعبه ودودادگاه بخش که یك شعبهٔ آن در شهسوار ویك شعبهٔ آن در نوشهر است).
۷ ـ دادگاه شهرستان گرگان (یك شعبه و دودادگاه بخش یکی در گرگان و یکی در گنبدکاووس تشکیل است).

د ـ دادگاه استان سوم (آذربایجان شرقی).

۱ ـ دادگاه استان در آذربایجان شرقی ۳ شعبه دارد.
۲ـ دادگاه شهرستان تبریز (۴ شعبه و۷ دادگاه بخش که سه شعبهٔ آن در تبریز ویك شعبهٔ آن درمرند ویك شعبهٔ آن در آذرشهر تشکیل است).
۳ـ دادگاه شهرستان اردبیل (۲ شعبه و۵ دادگاه بخش که یك شعبهٔ آن دراردبیل ویك شعبهٔ آن در مشکین شهر و یك شعبهٔ آن در آستارا ویك شعبه درخلخال ویك شعبه درسراب تشکیل شده است).
۴ـ دادگاه شهرستان مراغه (شامل یك شعبه ویك دادگاه بخش).
۵ ـ دادگاه شهرستان ارسباران (یك شعبه ویك دادگاه بخش).

هـ ـ دادگاه استان چهارم (رضاییه).

۱ـ شامل یك شعبه دادگاه استان.
۲ـ دادگاه شهرستان رضاییه (یك شعبه و سه دادگاه بخش که یك شعبه در رضاییه ویك شعبهٔ آن درمیاندوآب ویك شعبه در نقده تشکیل است).
۳ـ دادگاه شهرستان خوی (یك شعبه وسه دادگاه بخش که یك شعبه درخوی ویك شعبه در ماکو ویك شعبه درشاهپور تشکیل شده است).
۴ـ دادگاه شهرستان مهاباد (یك شعبه ویك دادگاه بخش درسقزدارد).

و ـ دادگاه استان پنجم.

۱ ـ چهارشعبه دادگاه استان دارد.
۲ ـ دادگاه شهرستان کرمانشاه (سه شعبه و۶ دادگاه بخش که ۲ شعبهٔ آن درکرمانشاه ویك شعبه درایلام ویك شعبه درقصر شیرین ویك شعبه در سنقر کلیایی ویك شعبه در کنگاور تشکیل شده است).
۳ـ دادگاه شهرستان ملایر (یك شعبه و ۲ دادگاه ۵ بخش که یك شعبهٔ آن در ملایر ویك شعبهٔ آن در تویسرکان تشکیل است.
۴ـ دادگاه شهرستان همدان (۲ شعبه و۳ دادگاه بخش که دوشعبهٔ آن در بیجار تشکیل شده است.)
۵ـ دادگاه شهرستان نهاوند (یك شعبه دارد).

ز ـ دادگاه استان ششم.

۱ـ دادگاه استان آن ۳ شعبه دارد.
۲ـ دادگاه شهرستان اهواز (سه شعبه و۵ دادگاه بخش که یك شعبه در اهواز و یك شعبه در دزفول ویك شعبه دربهبهان و یك شعبه در مسجد سلیمان ویك شعبهٔ آن در شوشتر تشکیل شده است).
۳ ـ دادگاه شهرستان آبادان (سه شعبه و۳ دادگاه بخش دارد).
۴ ـ دادگاه شهرستان خرم آباد (یك شعبه).
۵ـ دادگاه شهرستان بروجرد (یك شعبه و ۲ دادگاه بخش که یکی در بروجرد ویکی در الیگودرز تشکیل شده است).

ح ـ دادگاه استان هفتم.

۱ ـ دادگاه شهرستان شیراز (۴ شعبه و۶ دادگاه بخش که ۳ شعبه در شیراز ویك شعبه درآباده ویك شعبه درکازرون ویك شعبه درفیروز آباد دارد).
۲ـ دادگاه شهرستان فسا (یك شعبه وسه دادگاه بخش که یك شعبه در داراب و یك شعبه در اصطهبانات و یك شعبه در نی ریز تشکیل شده است.)
۳ ـ دادگاه شهرستان بوشهر (یك شعبه ویك دادگاه بخش در برازجان).
۴ـ دادگاه شهرستان جهرم (یك شعبه ویك دادگاه بخش درلارستان).

ط ـ دادگاه استان هشتم.

۱ ـ دراین استان، دادگاه استان ۲ شعبه دارد.
۲ـ دادگاه شهرستان کرمان (۲ شعبه و۸ دادگاه بخش که ۲ شعبهٔ آن در کرمان ویك شعبهٔ آن دررفسنجان ویك شعبه در سیرجان ویك شعبه دربم ویك شعبه در بندرعباس ویك شعبه دربافت و یك شعبه درجیرفت تشکیل شده است).
۳ـ دادگاه شهرستان یزد، (یك شعبه و۲ دادگاه بخش که یك شعبه دریزدویك شعبه در اردکان ویك شعبه در شهربابك)

ی ـ دادگاه استان نهم.

۱ـ دادگاه این استان ۴ شعبه دارد.
۲ ـ دادگاه شهرستان مشهد (۵ شعبه و۵ دادگاه بخش که چهار شعبهٔ آن در مشهدویك شعبهٔ آن در تربت جام قرار دارد).
۳ ـ دادگاه شهرستان قوچان (یك شعبه و۲ دادگاه بخش که یکی در بجنورد ودیگری دردره گز).
۴ـ دادگاه شهرستان تربت حیدریه ۲ شعبه و سه دادگاه بخش) که یك شعبه در گناباد ویك شعبه در گلشن و یك شعبه در فردوس تشکیل است).
۵ ـ دادگاه شهرستان بیرجند (یك شعبه دارد).
۶ـ دادگاه شهرستان نیشابور (یك شعبه دارد).

۷ـ دادگاه‌شهرستان سبزوار (**یك** شعبه دارد) .

۸ـ دادگاه‌شهرستان کاشمر (یك شعبه دارد).

ك ــ دادگاه استان دهم.

۱ ــ این استان سه دادگاه استان دارد .

۲ــ دادگاه‌شهرستان‌اصفهان(۴شعبه و۹دادگاه بخش‌که ۳شعبهٔ‌آن دراصفهان ویك‌شعبه‌درنجف‌آباد ویك‌شعبه درفریدن ویك‌شعبه در لنجان ویك‌شعبه‌در نایین و یك شعبه‌دراردستان).

۳ــ دادگاه شهرستان‌شهرکرد(یك شعبه ویك دادگاه بخش‌در **بروجن.)**

۴ ـ دادگاه شهرستان شهرضا (یك شعبه دارد) .

لــ دادگاه‌استان سیستان و بلوچستان.

۱ ــ یك‌دادگاه استان‌دارد .

۲ــ دادگاه شهرستان زاهدان (یك شعبه و دودادگاه‌بخش که‌یك‌شعبه‌درخاش ویك شعبهٔ‌آن درایرانشهر است) .

۳ ــ دادگاه شهرستان زابل (یك شعبه دارد) .

مــ دادگاه‌استان‌کردستان .

۱ ــ یك دادگاه استان درکردستان است .

۲ــ دادگاه شهرستان سنندج، (یك شعبه ویك دادگاه‌بخش).

دادگاههای ویژهٔ دادگستری

الفــ دادگاه عالی انتظامی (مخصوص رسیدگی به تخلفات و ترفیع کارمندان قضایی).

ب ــ دیوان کیفرکارکنان‌دولت (سه‌شعبه همراه دادسرای دیوان‌کیفر) .

جــ دادگاههای‌شرع.

دــ دادگاههای‌بخش‌شهرداری (اصفهان، مشهد،شیراز، همدان، کرمانشاه ، رضاییه تبریز، آبادان ، بابل، آمل، رشت، قم ، قزوین، کرمان ، یزد، کرج.)

هــ دادگاههای‌کیفرگرانفروشان(۷شعبه دارد) .

وــ هیئت‌های تجدیدنظر رسیدگی‌وتصفیهٔ امور املاك واگذاری.

دادگاههای سیار

۱ــ دادگاه سیار دشتی‌ودشتستان.

۲ــ دادگاه سیار کلات وسرخس‌و تربت جام .

۳ ــ دادگاه سیار آباده (بوانات، سرحه، چهاردانگه،ابرقو، سمیرم).

۵ــدادگاه‌سیار چهارمحال‌بختیاری (شامل‌بخشهای**اردکان**(جانگی،خانه‌میرزا، فلارد وتوابع) **اردل**(پشتکوه،میان‌کوه ، دیناران وچقاخور) **شوراب**(تنگ‌گزی، بازقت،شوراب،دوآب‌وپیرکان)**ایده‌ودهدر** وباغملك واندیکا وسردشت‌وتوابع.

۶ ــ دادگاه سیار حوزهٔ کردستان (پاوه،روانسر،جوانرودونوسود) .

۶ــ دادگاه سیار حوزهٔ بهبهان و کهکیلویه (شامل۵ بخش) .

قوانین مشهور



قانون‌نامه حمورابی

درسالهای ۱۹۰۱ هیأت باستانشناسی فرانسوی که‌تحت سرپرستی**ژاكــ دومرگان** به‌ایران‌اعزام شده‌بود، در**ارگ‌شوش** به‌یکی‌ازمهیج‌ترین‌یادگارــ های‌دوره‌های‌کهن دست یافت.این‌اثرسنگ‌سیاهی از دیوریت‌به‌ارتفاع۲٫۴۵ متربوده که‌آنرااتاحدی تراش‌داده و صیقل زده بودند. و اینك در موزهٔ**لوور** نگاهداری می‌شود .

درپیشانی یك‌طرف‌این‌تخته‌سنگ‌تصویر نیم برجسته‌ای است که خدای خورشید (شماش) را نشان‌می‌دهدکه قانون‌نامه‌یی رابه‌شاه‌حمورابی‌می‌دهد.خوداین‌قانون‌در همان‌طرف تصویروهمچنین‌درطرف‌دیگر سنگ‌کنده شده‌است.این‌سنگ نخست در سیپار (بابل) برپا بوده و بعدها فاتحی عیلامی که شاید **شوتروك‌نخونت** باشد (۱۱۰۰ــ۱۲۰۰قبل‌ازمیلاد) آنراچون غنیمت جنگی بدست آورده و درپایتخت دوباره نصب کرده‌است. قسمتهایی‌ازاین سنگ نوشته را پاك کرده بودند وشاید قصدآن بوده که بجای‌آنها ، افتخارات پادشاه فاتح‌را بنویسند ، ولی‌خوشبختانه چون نسخه‌های دیگری ازاین قانون‌نامه برروی‌لوحه‌های‌گلی‌وشاید سنگهای‌دیگر بدست آمده . تقریباً توانسته‌اند، تمام قسمتهای محوشده را مطابق اصل پیدا کنند .

متن قانون مشتمل بر ۲۷۲ ماده است ومقدمه‌یی داردکه درآن پادشاه‌از بزرگی‌ومقصودعالی خویش‌سخن‌می‌گوید. درآنجامی‌گویدکه‌قانونهای‌موجود را به این منظور تدوین‌کرده استکه«عدالت درزمین غالب شود، و شروفساد از میان برود ، وچنان باشد که نیرومند نتواند به‌ناتوان ستم‌کند واین قــانون همچون خورشید بالای سرمردم برآید وزمین‌را روشن‌کند. درآن هنگام‌که **مردوك** مرا مأمور ساخت‌تامردم رابه‌راه راست ببرم و کشور را هدایت کنم ، من قانون و عدالت را به‌زبان این ممالك برقرار ساختم . وبه‌این‌ترتیب در ازدیادوسایل رفاه وآسایش مردم‌کوشیدم و در پایان قانون می‌گوید : من حمورابی ، پادشاه بابل هرگزنسبت‌به‌مردم سیاه‌سر،غافل و بی‌توجه نبوده‌ام وپس‌ازآن برکسانی‌لعن ونفرین می‌فرستدکه دربرابر این‌قانون بی‌پروایی نمایند یاازاطاعت‌آن‌سرپیچی کنند.

این‌قانون‌رابا نظر اجمال می‌توان به شش قسمت‌تقسیم‌کرد،که هرقسمت‌در بارهٔ یکی‌ازامورمربوط به‌مالکیت‌اموال منقول و مالکیت اراضی ، حرفه‌ها ، خانواده ، جنحه وجنایت‌وکار ورنجبری بحث می‌کند.

این قانون‌نامه بطورکلی بشکل معقول و استدلالی نوشته‌شده‌است دراین قانون وقتی از دزدی سخن می‌گوید ، چنان می‌خواهدکه‌کیفرآن‌برحسب‌آنکه این دزدی در کدام محل صورت گرفته باشد.

معبد، کاخ‌سلطنتی‌یاخانه‌های‌خصوصی متفاوت شود و نیزبرای سرقت اطفال و غلامان ودزدی مسلحانه ودزدی باایجاد حریق هرکدام مجازات خاصی معین می‌کند.

درجای دیگراز املاك بدون مالك وضرروزیانی که‌به‌باغهاومزارع واردشود سخن‌می‌گویدقسمت‌دیگرمربوط‌به‌زناشویی وزنای محصنه ورهایی و طلاق و حقوق بیوه‌گی وروابط بازنان غیرقـانونی و

کنیزان وحقوق‌اطفال وفرزندخواندگان درقسمت آخرقانون‌نامه دربارهٔ وظایف حرفه‌یی وجنایات بحث می‌کند.

متن فرمان مشروطیت

جناب اشرف صدراعظم، ازآنجاکه حضرت باریتعالی جل‌شأنه سررشتهٔ‌ترقی وسعادت ممالك محروسهٔ ایران رابه‌کف باکفایت‌ماسپرده‌شخص‌همایون ماراحافظ حقوق اهالی ایران و رعایـای صدیق خودمان قرارداده لهذا در این موقع‌که رأی وارادهٔ همایون ما بدان تعلق‌گرفت که برای رفاهیت وامنیت اهالی‌ایران‌و تشید و تأیید مبانی دولت اصلاحـات مقتضیه به‌مروردردوایردولتی ومملکتی بموقع‌اجراگذارده شودچنان مصمم‌شدیم که‌مجلس‌شورای‌ملی‌ازمنتخبین‌شاهزادگان وعلماء وقاجـاریه و اعیان و اشراف و ملاکین وتجار واصناف‌به‌انتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافهٔ تهران تشکیل و تنظیم‌شود که درمهام اموردولتی‌ومملکتی ومصالح عامه مشاوره‌ومداقه لازم‌رابعمل آورده وبه هیئت وزرای دولت خـواه مادراصلاحاتی‌که‌برای سعادت‌وخوشبختی ایران خواهد شد اعانت وکمك لازم را بنماید ودرکمال امنیت واطمینان‌عقاید خودرا درخیردولت وملت ومصالح‌عامه واحتیاجات قاطبهٔ‌اهالی مملکت به‌توسط شخص اول دولت‌به‌عرض برساندکه‌بصحهٔ همایونی موشح وبه موقع اجراءگذارده شود . بدیهی است که‌به‌موجب‌این‌دستخط مبارك نظامنامه وترتیبات این مجلس و اسباب ولوازم تشکیل آنراموافق‌تصویب وامضای منتخبین از این تاریخ مهیا و مرتب خواهید نمود کـه بصحهٔ ملوکانه رسیده و بعون‌الله تعـالی مجلس شورای مرقوم‌که نگهبان عدل ماست افتتاح وبه اصـلاحـات لازم امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس شروع‌نمایدونیزمقرر میداریم‌که سواد دستخط مبارك رااعلان ومنتشرنمایدتاقاطبهٔ اهالی ازنیات‌حسنه ماکه تماماً راجع به‌ترقیات دولت‌وملت ایران است آگاهی یابند .

« به امضای مظفرالدین شاه قاجار »

لوایح ششگانه

درروز نوزدهم دیماه سال ۱۳۴۱ دراولین جلسهٔ کنگرهٔ شرکتهای تعاونی روستایی ایران، اصول ششگانه ازطرف اعلیحضرت‌همایونی **محمدرضاشاه‌پهلوی** پیشنهادگردیدکه بعداً درروز ششم‌بهمن سال ۱۳۴۱ بتصویب ملت ایران‌رسید .

۱ ـ الغاء رژیم ارباب ورعیتی با تصویب اصلاحات ارضی ایران براساس لایحهٔ اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب نوزدهم دیماه ۱۳۴۰ و ملحقات آن.

۲ـ لایحهٔ‌قانونی ملی‌کردن‌جنگلها درسراسرکشور.

۳ ـ لایحهٔ قانونی فروش سهام کارخانجات‌دولتی‌بعنوان‌پشتوانهٔ‌اصلاحات ارضی .

۴ ـ لایحهٔ قـانـون سهیم کردن کارگران در منافع‌کارگاههای تولیدی و صنعتی .

۵ـ لایحهٔ اصلاحی‌قانون‌انتخابات.

۶ـ لایحهٔ‌ایجادسپاه دانش به‌منظور تسهیل اجرای قانون تعلیمات عمومی و اجباری.

لوایح‌زیر بعداً اضافه‌گردید :

۱ـ لایحهٔ ایجاد سپاه‌بهداشت.

۲ ـ لایحهٔ ایجاد سپاه ترویج و آبادانی.

۳ـ لایحهٔ ایجاد خانه‌های‌انصاف.

کنگرهٔ انقلاب اداری

کنگرهٔ اداری با شرکت بیش از ۱۱۰۰ کارمند نمایندهٔ اصناف ورشته‌های مختلف عادی و اداری و عدهٔ زیادی از مردم، در مدت ده‌روزتشکیل بود و روز ۱۸ بهمن‌ماه ۱۳۴۶ پایان‌یافت .

متن‌قطعنامه

۱ـ کنگرهٔ انقلاب اداری‌وآموزشی ایران درود فراوان خود را به پیشگاه رهبر عالیقدر**شاهنشاه آریامهر** که‌مبتکر اصول اجتماعی‌ایران‌هستند تقدیم‌میدارد وبمناسبت توجه خاصی که به حل مسایل اداری مردم مبذول وامر به‌تشکیل این کنگره فرموده‌اند صمیمانه سپاسگزاری می‌نماید .

۲ ـ بمنظور رسیدگی به شکایات مردم از مأمورین ودستگاه های دولتی و وابسته بدولت سازمان مجهزی تحت ریاست فایقهٔ شاهنشاه آریا مهر تشکیل شود .

۳ـ برای‌اجرای‌صحیح اصل‌دوازدهم انقلاب، کمیته‌های دایمی دروزارتخانه‌ها ودراستانها وشهرستانها تشکیل‌گردد.

۴ ـ بمنظور جلوگیری از تمرکز امور درپایتخت ، اختیارات بیشتری به ادارات محـلی تفـویض گـردد و این ادارات ملزم شوند از اختیارات مزبور استفاده‌کنند وهمچنین سازمانهای‌دولتی و وابسته بدولت که کار اساسی آنها در خارج تهران است کلا به‌خارج ازمرکز منتقل‌شوند .

۵ـ تعطیلات رسمی‌بمیزان‌تعطیلات مذکور درقانون کارتقلیل یابد و ساعات کار کارکنان دولت ازچهل ساعت درهفته کمتر نباشد وساعت‌کار ادارات بااحتیاج مردم منطبق شود .

۶ـ بمنظور جلوگیری‌ازاتلاف‌وقت وسرگردانی مردم در مواردی که امری از جهات مختلف به چند واحد و مؤسسهٔ دولتی‌ارتباط‌پیدامیکنند نمایندگان‌واحدـ های ذیربط دریك‌محل متمرکز شوند .

۷ ـ برای تسهیل امـور مردم و جلوگیری‌ازانباشتهٔ‌شدن‌اوراق درسازمان های دولتی مطالبهٔ رونوشت شناسنامه و برگ عدم سوء سابقه و عکس از طرف سازمانها ومؤسسات دولتی موقوف‌شود و ثبت احوال شخصی در سطح روستاها به خانه‌های انصاف یا مراجع مشابه محول شود .

۸ـ کارمندان ناصالح‌وخاطی‌ومسامحه‌ـ کارتعقیب‌وشدیداً مجازات شوندوهمچنین کسانیکه کارکنان دولت رابه‌ناحق متهم میسازند ویاازطریق‌تهدیدوتطمیع‌وتوصیه وتشبث اعمال نفوذ مینمایند سریعاًمورد تعقیب ومجازات قرار گیرند .

بیمهٔ همگانی

۹ـ نظربا ینکه‌بیمه‌وتأمین اجتماعی مورد توجه عامه است بیمه‌های اجتماعی گوناگون تدریجاً نسبت به تمام طبقات مردم تعمیم یابد وکلیهٔ خدمات‌مزبوردر مورد بیمه شدگان بنحو مؤثری اجـرا شود .

۱۰ـ خانه‌های انصاف و شوراهای داوری سریعاً گسترش و صلاحیت آنها افزایش یابد .

۱۱ـ افراد پلیس‌ورؤسای‌پاسگاه‌ـ های ژاندارمری که تشکیل پرونـده و رسیدگی‌مقدماتی‌جرایم‌باآنان‌است‌حتی‌ـ الامکان از بین دارندگان دیپلم کامل متوسطه انتخاب‌شوند .

۱۲ـ دولت باید در توسعهٔ صنعتی کشور درمـواردی‌کـه مصالح‌ملی اقتضا میکنند ویا آنکه‌بخش‌خصوصی‌قادربانجام آن نبوده ویاانگیزه‌ای برای‌آن نداشته

باشد رأساً اقدام و نظارت نماید و ضمناً درایجاد محیط‌مساعدبرای‌سرمایه‌گذاری خصوصی توجه کافی معمول دارد وبخش خصوصی رادرآن‌قسمت از اموراقتصادی که اشکال‌سرمایه‌گذاری خصوصی‌سالم‌در آن وجود دارد تشویق وحمایت نماید.

۱۳ ــ بمنظورواگذاری امورمردم‌به مردم‌درتشکیل‌انجمنهای‌شهروانجمن‌های ایالتی‌وولایتی‌وبهداری سریعاً‌اقدام‌شود.

۱۴ ــ بمنظور افزایش صلاحیت محاکم‌درصدوراحکام‌قطعی‌وتغییرمقررات ابلاغ و اجرای احکام وداد‌خواست‌های ناقص‌وحذف‌تشریفات‌زایددرآیین‌دادرسی تجدید نظر شود .

عوارض بیشتر

۱۵ ــ برای‌تأمین‌قسمتی ازهزینه‌های بهداشتی و آموزشی عوارض بیشتری بر کلوپهای شبانه وکاباره‌ها وانواع ممتاز سیگارو مشروبات الکلی وضع شودواین عوارض منحصراً جهت توسعه و تکمیل دانشگاهها و مراکز آموزشی حرفه‌ای‌و بهداشتی اختصاص یابد .

۱۶ ــ برای تسهیل رفت و آمد و تأمین وسایط نقلیهٔ کافی‌توجه لازم بعمل آید که اصول تعاونی درامر تاکسیرانی معمول گردد ودربارهٔ اتوبوس رانی که مورد نیازعمومی‌است‌اقتضا داردکه‌دولت و یا شهرداریها ادارهٔ امور آن را تحت نظر مستقیم خود درآورده و درهرمورد که کمکی‌به‌این‌قبیل امور میشوددر درجهٔ اول شهرستانها مورد توجه قرارگیرد .

۱۷ ــ برای‌جلوگیری از اعتیادات مضر وانحراف جوانان‌کشورورفع‌بیکاری آنان مؤکداً توصیه میشود که دولت و سازمان‌های ذیربط در مسایل مربوط به فیلمها ــ تلویزیون ــ مطبوعات ووسایل تبلیغاتی نظارت شدیدکنند وتوجه خاصی به تفریحات سالم ومنجمله توسعه‌وتعمیم ورزش‌درکلیهٔ‌نقاط‌مملکت تاسطح‌روستاها مبذول دارد.

۱۸ ــ از نظرایجاد علاقه و جلب اعتماد عمومی و تشویق مردم بمشارکت در امور اجتماعی ،کلیهٔ شهرداری های کشور قبل‌ازآغاز هرسال‌برنامه وبودجهٔ تفصیلی‌همان‌سال،برنامه وبودجهٔ تفصیلی سال آیندهٔ خود را ازطریق‌آگهی‌به‌اطلاع مردم‌محل‌برسانند ودرآخرسال‌بیلان‌کارــ های آن سال را با اعلان‌صورت ریز هزینه‌ها و کارهای انجام شده در معرض افکارعمومی شهرستان مربوطه قراردهد.

۱۹ ــ بمنظور حفظ حیثیت‌وشرافت افراد نباید قبل ازمحاکمه وصدورحکم مطلبی‌که جنبهٔ جزایی دارد علیه افراد انتشار یابد وجرایم مربوط به حیثیت و اعتبار مردم وخانواده‌ها و نشر اکاذیب وتوهین وافترا واخاذی از طریق‌تجدید نظردر قانون مطبوعات‌موردتعقیب سریع وقطعی قرارگیرد بنحوی‌که‌دادستان‌رأساً مکلف به تعقیب جزایی مطبوعاتی‌باشد.

ارتقاء

۲۰ ــ چون اجرای صحیح قوانین مستلزم تأمین رفاه کارمندان وکارکنان دولت است لذا رفع تبعیض ولزوم تعیین ضوابطی جهت اقامت مأمورین در نقاط خارج ازمرکز وبدآب‌وهوا و برقراری حقوق عادلانه‌واخذمالیات حقوق‌ورعایت لیاقت وصداقت وامانت برای ارتقاءباید بنحو جامع ملحوظ‌گردد .

۲۱ ــ نظر بعدم انطباق بعضی از قوانین‌ومقررات‌موجودبااحتیاجات‌جامعه و نامفهوم بودن آنها برای مردم عادی درقوانین‌ومقررات‌تجدید نظرفوری‌بعمل آید بطوری که با اصول و روح انقلاب هم‌آهنگ‌شود وقوانین ومقررات‌منسوخه ویامتضادمشخص‌ویااصلاح گرددوبالاخص پیشنهادمیگرددکه درقوانین زیربشرحی که در پیشنهادهای ضمیمه مفصلا بیان گردیده تجدیدنظر شود وتوجه خاص‌در تنظیم آنها بسادگی‌وصراحت وقابل فهم بودن‌آنها برای عامهٔ‌مردم‌بادرنظر گرفتن پیشرفت‌های‌اجتماعی ایران‌مبذول‌گردد:

ــ قانون‌ثبت اسنادواملاك.
ــ قانون دفاتراسنادرسمی.
ــ قانون تعرفهٔ گمرکی.
ــ قانون تقسیمات‌کشوری.
ــ قانون‌معادن.
ــ قانون ثبت علایم‌واختراعات .
ــ قانون انجمن های‌بهداری
ــ قانون تشکیلات‌دادگستری.
ــ آیین‌نامهٔ معاملات‌دولتی .
ــ قانون تشکیل شورای های کشاورزی.

۲۲ ــ نیازمندیهای‌خاص‌زنان کارمند وکارگر درتنظیم قوانین و مقررات باید رعایت‌گردد .

۲۳ ــ بمنظور بالابردن‌سطح‌فرهنگ عمومی شبکهٔ تلویزیونی در استانها و شهرستانها بخصوص برای آموزش ایجاد شود وتوسعه یابد ودرصورت لزوم از هر دستگاه گیرندهٔ‌تلویزیون در تمام‌کشور مبلغ مناسبی اخذومنحصراً بمصرف ایجاد و توسعهٔ شبکهٔ تلویزیون‌ها برسد .

۲۴ ــ دانشکده‌های‌کشورتکمیل و تجهیز شود و وسایل‌مطالعات وتحقیقات در آنها فراهم گردد .

یاساهای چنگیز.

کلیهٔ مقررات وقوانینی‌که چنگیز خان برای تحصیل‌کودکان وتعلیم زبان **اویغوری** ورعایت‌آداب‌وسنن‌ومملکت‌ــ داری ولشکرکشی وضع کرده بود ، یاساهای چنگیز نامیده می‌شود.

فرمان میلانو.

درسال۳۱۳ میلادی‌توسط‌قسطنطین صادرشد ودرآن آزادی دین را اعلام کرده است:

«به پیروان مسیح ودیگران‌اجازه می‌دهیم‌که به‌آزادی ، هرمذهبی راکه می‌خواهند انتخاب کنند ، تاخدایی‌که درآسمان است‌نسبت به ما وتمام‌کسانی که درقلمرو حکومت ما زندگی‌می‌کنند مهربان باشد.»

قضاوتهای معروف اسلامی

حکمیت .

(سال ۳۷ هجری)

حکمیت یکی‌ازحوادث‌مهم‌تاریخ‌اسلام‌است درسال۳۶هق‌**حضرت‌علی(ع)** برای‌سرکوبی معاویه عازم‌شام ومعاویه‌نیز باسپاهی‌بسیار بمقابله‌آمد،دولشکردر**صفین** بهم‌رسیدند این جنگ بیش ازسه ماه بطول انجامید وکشتگان سپاه‌علی را۲۵ هزار ومعاویه را۴۵ هزارنوشته‌اند. عاقبت سپاه معاویه چون شکست خودرا قطعی دیدند قرآنها برسرنیزه‌ها کردندو گفتند ماهمه‌مسلمانیم وخون مسلمان ریختن روانیست وباید بحکمیت اختلاف‌رارفع‌کرد. ابتداحضرت علی(ع)به‌اینکارراضی‌نبودچون سپاهیانش فریب‌خورده‌بودند وبجنگ‌حاضر نمیشدند ناچارقبول و**عمروعاص** حکم معاویه و **عبدالله‌بن عباس** راحکم‌علی‌تعیین‌کردند ولی‌لشکر معاویه‌گفتند چون پسرعم علی است‌باید‌کس‌دیگری‌رامعین‌کرد. لذاعلی(ع) **ابوموسی‌اشعری** رامعین‌کرد. ابوموسی وعمروعاص‌پس‌از۸ماه هرکدام باعده‌ای شهود‌بحثها کردندودرحاصل،عمروعاص پیشنهادکردکه علی ومعاویه‌را ازخلافت خلع نمایند ابوموسی قبول‌کرد وچون‌او مسن‌تر بود قرارشد اول او علی را خلع نماید. چون خطبه خواند وازاینکارفارغ شد عمروعاص معاویه‌را بخلافت قبول‌کرد درمیان‌شهود نزاع‌درگرفت‌وهمه‌جاسرایت

کرد. خوارج نقض حکمیت یعنی خلع هردو طرف را عنوان کردند و هواداران علی (ع) آن را نپذیرفتند و معاویه حکمیت را قبول کرد.

حق طلبی قاضی سحنون.

ابن ربیع سردار فاتح و معروف اسلامی دورهٔ حکومت **محمد بن الاغلب** پس از سرکوبی یاغیان جنوب به شهر قیروان باز می‌گشت، تمام شهر را آیین بستند طاقهای نصرت بپا کردند. سحنون دریافت که جزو غنایم ابن ربیع، زنانی مسلمان و آزاده اسیر شده‌اند و به اجبار به حرمسرای او روانه‌اند و مأمور کرد شبانگاه به منزل او روند و فرمان آزادی زنان مسلمان را از طرف قاضی به او ابلاغ کنند و تمرد اورا جواب مناسب دهند.

چون فرمان قاضی به فرماندهٔ جاه طلب ابلاغ شد او مقاومت کرد ولی جانبازان اورا نگهداشتند و به خانهٔ او شدند و زنان را به خانهٔ قاضی آوردند.

صبح هنگام ابن ربیع گریبان چاك به خدمت امیر رسید و جریان را گفت و اسیران را خواست ولی قاضی با دلایلی محکم ومنطقی از قرآن و بازپس فرستادن حکم قضاء خلیفه رادر اخذ تصمیم آزاد گذاشت خلیفه سه روز تمام در اندیشه شد، آنگاه از امیر سپاه خودخواست تا از این کار خلاف درگذرد و خلیفه را در این حق طلبی تأیید کرد. خلیفه زنان را به شهر و دیارشان فرستاد.

درك قضایی ابوحازم.

درمحضر عبدالحمید بن عبدالعزیز معروف به ابوحازم قاضی بزرگ بغداد، مردی درآمد که داعیهٔ ۱۰۰۰ دینار بر ذمهٔ جوانی داشت، قاضی جوان راطلبید، او بدون هیچگونه مقاومت پذیرفت وعلت عدم پرداخت خودرا تهیدستی اعلام کرد.

شاکی می‌خواست تا قاضی آن جوان‌را به زندان افکند وآن جوان هم هیچگونه ابایی نداشت قاضی دراصل قضیه تردید کرد، خواست تاروز بعد مراجعه کنند. در این هنگام مردی موقر از اعیان و بازرگانان شهر به حضور آمد که مرا پسری نادان است که با فریب دیگران مالم را به حیله وتبذیر نابود می‌کند. قاضی دانست که آن جوان پسروی است و آن شاکی محرك فساد پسرك، بی‌درنگ آنهارا خواست و پسر را نصیحت‌ها گفت تا اورا به راه راست گردانید و پسر اعتراف کرد واز کرده عذرها خواست و آن شاکی را معرفی کرد که جوانان شهر را به فساد میکشاند ثروت آنهارا میربابد. قاضی فرمان تأدیب مرد را صادر کرد.

شهامت قاضی عبدالله بن نمائم:

ابراهیم بن اغلب امیر مقتدر شمال افریقا بوده و عادت داشت که پنجشنبه هفته را بنشیند وامیران وبزرگان را بپذیرد واقدامات کشور وحکومت باز گوید، پنجشنبه‌ای که کاروان از چین وهند امتعه و دارو آورده بود، امیر سپهسالار راخواست تا آنچه آورده به همه بنماید، بیشتر کالا، داروهای گوناگون بودند که خان کاروان خاصیت یك یك آنها را باز میگفت تا به شیشه‌ای رسید که گفت، این زهرخطرناکی است که باهمهٔ کمی به مبلغی معادل ۵۰۰ دینار زر می‌ارزد، قاضی شیشه را گرفت و به زمین کوبید و بشکست وزهر آن بپراکند، وگفت کشور را به این مایهٔ آدمکشی نیازی نیست.

امیر درخشم شد وگفت در کشورداری اسراری هست که گاهی زهرهم در آن لازم آید ومجلس راختم کرد.

قاضی ودیگران به خانه بازگشتند ولی همه بیم آن داشتند که امیر قاضی را مجازات کند، شبانگاه که قاضی با مریدان نماز شب میگذاشت مأمور خلیفه فرمان احضار اوراتسلیم کرد، اگرچه دیگران اورا به اختفا وفرار تشویق میکردند ولی او خدا را پناه خود میدانست و بجانب مسجدی که معین شده بود روان شد، امیر از او استقبال کرد و گفت: برای فرو نشاندن خشم خود به مسجد آمدم تا نماز بگذارم ولی پایم درحصیر بند آمد و به زمین درغلتیدم و بیم آن دارم دیگران تصور کنند مست بودم، مطابق معمول مرا معاینه ومحاکمه کن قاضی دهان ببوید وبرائت اورا اعلام کرد.

قضاوت احمدبن ابی المحرز.

مردی ازمردم **قیروان** برضد یکی ازبستگان **علی بن حمید** که بزرگترین وزیر دولت **امیر زیادة الله بن الاغلب** بود درمورد خانه‌ای اقامهٔ دعوی کرد وقاضی بردرخانه مهر کوبید که تاپایان کار از آن کسی نباشد. متشاکی جریان را به وزیر گفت، وزیرخواست فرمان قاضی را نقض کند ولی قاضی به امیر شکایت برد امیر دیرهنگام همراه قاضی به درخانه شد و مهر خویش برروی مهر قاضی برقفل درکوبید و بدینوسیله برهمهٔ مردم عدالت خویش را نشان داد وسودای مداخله درامر قضا را ازکله‌ها بیرون کرد.

قضاوت سلیمان غافقی.

محمدبن عبدالرحمن ولیعهد کشور اسلامی اندلس، حقی از بازرگان یهودی ضایع کرد و قاضی شاهزاده را درچنان فشار وناراحتی قرار داد که بناچار حق بازرگان پرداخته شد و دست تعدی شاهزاده از سر او برداشته شد و این شاهزاده چون به سلطنت رسید ازرشادت و شهامت قاضی ستایشها کرد و لقب قاضی القضاة به او داد.

درزمان سلیمان، پیرزنی از دست **بدرون صقلبی** وزیرمشاورخلیفه شکایت به قاضی برد، و گفت وزیر خانهٔ مسکونی مرا غصب کرده است، قاضی پیرزن را مأمور کرد تاابلاغ احضاریه وزیر را بدو ابلاغ کند. وزیر از آمدن به دادگاه استنکاف کرد ولی قاضی فرمان دادتا اورا کشان کشان به دادگاه آوردند وحق پیرزن راگرفت واورا آزاد کرد وامیرعادل شهر جانب حق را رها نکرد و قاضی را تأیید کرد.

قضاوت ابن البشیر.

شخصی عادی ازطبقهٔ متوسط مردم از دست سعیدالخیر پسر عبدالرحمن داخل، عموی امیر کشور اندلس به قاضی شکایت برد، ولی سعید شهادتنامه‌ای ساخت که در آن امضای حکیم امیراندلس بود ودر روز دادگاه آنرا اعلام داشت.

قاضی شهادت امیر را نپذیرفت و گفت چون طرف دعوی حق اعذار و جرح در مقابل شهود مدعی را دارد وکسی را هم چنین جرأت نیست لذا، شهادت امیر نمیتواند مقبول باشد.

قضاوت یحیی بن اکثم.

شخصی ازمأمون خلیفهٔ عباسی به قاضی شکایت برد، قاضی مأمون را بخواست وادعای شاکی را به او گفت، مأمون اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت من خودرا مدیون نمیدانم.

وازآن مرد جریان را به تفصیل خواست اوگفت وکیل ونمایندهٔ خلیفه جواهری به مبلغ سی‌هزار دینار از من بنام خلیفه خریده وبهای آن نپرداخته است ولی برای این ادعای خود دلیل و شاهدی ندارم، قاضی خلیفه راسوگند داد تاقضیه خاتمه یافته اعلام شود. خلیفه درپایان قضاء آن مرد راطلبید وبهای جواهرش راپرداخت وگفت من این بهارا به این جهت میپردازم تامسلمین تصور نکنند ازقدرت خلافت در برائت خود کمك گرفته است.

قضاوت عبیدبن ظبیان.

قاضی شهر **رقه** ازشهرهای عراق در زمان خلافت هارون الرشید عبیدبن ظبیان بود. مردی ازشاهزاده‌ای شکایت کرد که

۵۰۰ درهم از او وام گرفته و پس نمیدهد .

قاضی به‌شاهزاده نامه نوشت،شاهزاده بی‌اعتنایی کرد ودوبار دیگر نامه نوشت شاهزاده نه‌به‌تهدید نه‌به نصیحت‌او گردن ننهاد تا آنکه قاضی در خانه قضا بست ومنزوی شد، خبردرشهر پیچید هارون علت ازاوخواست ماجرا گفت ، هارون‌به رییس شرطه فرمان داد تاخانهٔ شاهزاده قفل ومهر کنند واموال اورا ضبط نمایند تاروزی‌که برفرمان قاضی گردن نهد.

شاهزاده ناچار فرمان گردن نهاد و۵۰۰ درهم پس داد .

در محضر محمدبن عمران طلحی .

قاضی‌مدینه دردورهٔ حکومت‌منصور خلیفهٔ عباسی، محمدبن عمران طلحی‌بود، روزی شتر داران از منصور به قاضی شکایت بردند وبراو ادعا کردند وقاضی ضمن نامه‌ای خلیفه‌را احضارکرد، خلیفه عباسی‌که به سختگیری وبیرحمی معروف بود به‌فرمان قاضی به محکمه درآمد و سخن شاکیان وحکم قاضی شنید وبرآن گردن‌نهاد وشبانگاه‌قاضی‌را احضار کرد وده هزار درهم به رسم انعام به‌او تسلیم کرد .

قضاوت امام صادق (ع).

در زمان منصور خلیفهٔ عباسی ، حضرت امام محمد بن جعفر صادق (ع) همراه هزاران نفر به‌حج رفت ، منصور نیزدراین مراسم‌شرکت‌داشت، خبررسید که یکی ازملازمان شب گذشته، درگذشته وملازم دیگر سراورا ازبدن جداکرده است،خلیفه قضات را خواست هیچکدام نتوانستند رأی درستی بجویند به امام صادق (ع) رجوع کردند،فرمود، مرتکب باید صد دینار بپردازد ، دلیل‌حکم‌این است‌که از نظر شریعت اسلام ، چون جنین به‌گوشت‌وپوست پوشیده‌شود، کیفر تباه کردنش ۱۰۰ دینار در حالی‌که هنوز جان ندارد ومرده هم چون جنین بی‌جان مانند پس کیفری معادل ۱۰۰ دینار دارد و پول بدست آمده باید در راه خدا انفاق شود .

از این حکم همه درحیرت شدند و آنرا ازکرامات امام (ع) دانستند.

قضاوت علی (ع) .

درزمان خلافت حضرت علی(ع) دو رفیق سفره‌ای ساختند که یکی دو قرص نان ودیگری ۵ قرص‌نان برآن نهاد . مهمانی برآنها وارد شد وبه‌تکلف آنها نشست ، و سیربخورد چون برخاست ۸ درهم برکنار سفره نهاد ، در تقسیم‌آن بین دو میزبان اختلاف شد ، قضاوت‌به علی (ع) بردند ،آن حضرت فرمود یك درهم ازآن‌کسی‌که دوقرص نان‌گذاشته و۷ درهم ازآن دیگری چون جمعاًاولی ۹ ثلث نان بجاگذاشت دومی ۱۵ ثلث که‌ازجمع۲۴ثلث،اولی۸ثلث‌بخوردیعنی یك‌به‌مهمان‌داد ودومی‌هم ۸ ثلث‌ولی از ۱۵ ثلث اول ۷ ثلث برای مهمان‌ماند، لذا ، پول نیز بهمین نسبت ۱و۷ تقسیم میشود.

معمای قضایی.

درزمان خلافت حضرت علی (ع) . برادرانی چند تنها خواهرشان را که عهدکرده بود شوی نگیرد به دادگاه آوردند و به خیانت متهم‌کردند ، ولی حضرت‌علی(ع) ازچهرهٔ معصوم‌اودریافت که گناهی نکرده و برآمدگی شکم اوو خروج خون دلیل‌دیگری دارد ، دستور داد تا قابلهٔ محلهٔ او را در طشتی پر از خزهٔ تازه ومرطوب بنشاندو آنچنان‌شداز شکم زن زالویی خارج‌شدو خون‌فراوانی فروریخت‌ومعلوم گردید دخترهنگام‌غسل درچشمه نشسته‌وزالویی‌آن‌هنگام‌به‌پا کرده واکنون‌که‌بوی خزهٔ تازه در داخل رحم پیچیده‌اوراه‌بیرون درپیش گرفته است .

داستانی عجیب ازقضاوت علی(ع) .

درزمان خلافت عمر ، صبحگاهی‌در نزدیك محراب مسجد ، مردی در لباس زنان‌غرقه درخون ومرده‌یافتند و ماجرا به‌حضرت علی (ع) بردندایشان فرمودند ۹ ماه بعد درمحراب کودکی خواهدبود وآنچنان شد،آن‌کودك رابه‌دایه‌سپردند درعید فطر به دستور علی (ع) کودك‌به مسجدبرده‌شد زنی‌جوان براوگذشت‌واورا بوسید و سخنانی چنداز جورپدری ظالم گفت، دایه‌دست دردامن اوآویخت‌تا او رابه‌محضر علی (ع) ببرد ، زیرا حضرت پیش بینی کرده بود آن‌زن دایه را بفریفت وبه‌هدایا گمراهش کرد وحضرت علی (ع) دایه‌را سرزنش کردووعده به‌عید اضحی گذاشت ولی این بار دایه فریب نخورد وزن به‌حضور علی (ع) بردوقضیه که‌حاکی ازجنایت پیرزنی ظاهر الصلاح بودچنین‌افشاء شدکه پیرزن پسری‌زیبا‌ـ روی و جوان را بجای دخترش بعنوان دوست آن زن ستمدیده معرفی‌ می‌کند ، چون در خانه بسته میشود بر ماجرا وقوف می‌یابد وناچار درچنگال آن‌مرد پردهٔ عفافش دریده میشود و مستی مرد خود اورابیحال می‌کندوزن مظلوم گلوی اورا میدرد وبه مسجد می‌کشاند وبعدها به‌وجود کودکی درشکم خودپی‌میبردکه ۹ ماه بعدآن‌را هم‌به‌محراب می‌اندازد، به‌فرمان عمرپیرزن راسنگسار،کردند.

معجزهٔ قضایی علی (ع) .

درزمان‌خلافت‌عمر، دوزن به‌محضر اورفتند وداعیهٔ‌کودکی داشتند ، عمرکار رابه‌حضرت (ع) رجوع کرد ، آن‌حضرت امرفرمود تااره برتن‌کودك کشند وبهر زن نیمی‌ازاوببخشند زنی‌ناله‌کردوازحق خوددرگذشت حضرت دریافت‌مادرواقعی کودك است لذا طفل را به اوسپرد .

داستان عنیزه وقضاوت علی (ع) .

عنیزه دختری ازمردم عرب بودکه جوانی به‌نام **عقیل** را دوست میداشت و عقیل بجان در راه وصال اومیکوشید ، عنیزه‌رابه‌اجبار برای دیگری‌کابین‌بستند درشب زفاف عقیل از پشت پرده درآمد داماد اورا ازپای در آورد ، عروس نیز فرصت غنیمت شمرد داماد رابکشت

حضرت‌علی (ع) حکم‌داد ؛ که‌تادیه عقیل باعنیزه ومجازات اعدام برای قتل دوشوهر نیزحق‌عنیزه است .

قضیهٔ جنایی وحضرت (ع) .

مردی به‌تعقیب مردی دیگر بودتا برای‌فرو نشاندن خشم خویش اورابکشد ازرفیقش کمك خواست واورا بکشت در این ماجرا شاهدی بود که‌به‌مظلوم کمك نکرد ، حضرت علی (ع) به مرگ قاتل وحبس‌کمك وکورکردن‌شاهد حکم‌داد .

دوستی ناجوانمردانه وقضاوت علی (ع) .

چند تن‌از بازرگانان مدینه‌همراه **ابو عامر** باعقددوستی به‌سفر شام‌رفتندتا کالاهای خودبفروشند وامتعهٔ آن‌سامان‌به بازار مدینه آورند ، ابوعامر بیش از همهٔ آنها ثروت ومال داشت .

پس ازمدتی‌پسرمنتظراو، سراغ‌پدر رااز یارانش جست آنها‌گفتند ، متاعش مقبول بازارنبود واومرد و چیزی بجا نماند پسربه **شریح** قاضی عرضه کرد ، قاضی‌به‌سوگندمسئله‌را کشف نشده‌بازگذاشت به دادگاه علی (ع) رجوع کرد حضرت

وازهر کدام به‌تنهایی پرسش کرد وسؤالهای یکنواخت طرح کرد وجوابهای نامناسب دریافت نمود واز اختلاف پاسخها به رد— پای گناه رسید و آنها را به اعتراف واداشت وحکم داد تامال ابوعامر بازدهند وخود تسلیم مرگ شوند .

دونفر معترف به قتل و قضاوت حسن ابن علی (ع) .

شخصی را بادست خون‌آلود ودشنه به دست کنار مقتولی یافتند که هنوز درخون خود دست وپا میزد، قاتل را به‌نزد خلیفهٔ عصر، علی (ع) بردند ، و ماجرا گفتند شخص چاقو به دست به‌قتل اعتراف کرد ولی حضرت درقیافهٔ اومظلومیت می‌دید اگرچه حکم قتل اورا صادر کرد ولی اجرای حکم را به‌بعد از نماز شب موکول کرد ، دراین بین مردی‌دوان دوان‌خود را به‌پای‌منبر قضا رسانید وبه‌قتل آن‌مرد اعتراف کردوگفت این مرد قصابی‌است که‌براثرنالهٔ‌مقتول خودرا به‌اینجا کشانید ومن‌اوراقاتل‌اعلام کردم، اوبیگناه است ومرابکشید ، حضرت علی (ع) به‌امام حسن علیه السلام اشاره کرد و حکم را پرسید ، آن حضرت فرمود هردونفر را باید آزاد کرد زیرا یکی بیگناه‌است‌و دیگری شخصی‌رااز‌مرگ‌نجات داده‌ودیه مقتول هم باید از بیت المال پرداخت گردد وحکم‌امام حسن (ع) اجرا شد .

اندیشهٔ منصور خلیفه، درقضاوت.

درزمان خلافت منصورخلیفهٔ‌عباسی، مردی‌بازرگان مدعی‌شد‌که‌ثروت‌سرشارش را به‌همسرش سپرده واکنون اومدعی‌است که‌سارق ازاوربوده است، خلیفه به عفاف همسر بازرگان‌تردیدکردوشیشه‌ای پراز عطر گل سرخ بلغاربه‌اوداد تا به‌همسرش ببخشدولی‌مأمورین سری امیرآن مردرا ازروی بوی‌عطر بازشناختندوبه‌عدالتخانه امیربردند، بالاخره‌منصوربرحقیقت‌دست یافت و فهمیدکه همسر خیانت پیشه بازرگان همهٔ ثروت‌را به‌معشوقه‌اش سپرده است اموال را بازگرفت وخائن‌را دست برید وزن راطلاق گفت .

قاضی ایاس وحق طلبی او.

ایاس‌قاضی بصره‌بودکه بازرگانی‌به اوشکایت بردکه اموال خود را بدور از چشمان هر شاهدی به بازرگان ظاهر— الصلاحی سپردم پس‌ازبرگشتن‌ازمسافرت خواستار ثروت خود شدم ولی بازرگان مزبور منکرچنین امانت گردید ، قاضی پس‌ازاندیشهٔ‌فراوان گفت به‌خانه‌ات برگرد ومنتظر اشارت‌من باش، قاضی آن‌بازرگان خائن راخواست‌وبه‌او گفت ثروت‌هنگفتی ازبیت‌المال‌درنزد من است میخواهم‌اگر درخانه‌ات جایگاه محفوظی داری آن‌را به‌امانت به‌تودهم‌تا به‌موقع به‌من‌بازگردانی بازرگان خوشحال‌شدوگفت خانهٔ‌من‌چون دژی محفوظ است ، ومن‌جایگاه‌ویژه‌ای بناخواهم نهادوآنگاه‌با باربران به‌خدمت میرسم‌تااموال‌را منتقل‌کنم‌سپس به‌اشارهٔ قاضی شاکی ومدعی به بازرگان خائن مراجعه کردوحق‌خود طلبید ، اوازترس اینکه مبادا قاضی به‌امانت خواری او وقوف یابد، فوراً اموال را تسلیم کرد ، چون دیگر بار به خدمت قاضی رسید تا امانت بستاند قاضی حقیقت را افشاء کردوکوس رسوایی‌اورادرهمهٔ‌شهر کوبید.

حضرت علی (ع) درمحضر دادگاه .

شخصی نصرانی ، زرهی داشت که حضرت علی(ع) مدعی آن بود . هم نزد **شریح** قاضی‌رفتند.شریح‌ازحضرت‌علی(ع) شاهد و دلیل خواست ، چون حضرت شاهدی نداشت به‌نفع نصرانی حکم داد و آن مرد زره را برگرفت واز دادگاه خارج شدولی اعتقاد به‌سلامت دین مبین اسلام او را به‌این کیش گردانید و از مریدان حضرت (ع) شدو گفت‌زره به‌حق ازآن تواست وآن‌را باز پس داد .

ابتکار قضایی‌حضرت‌علی(ع).

دونفر مکار عرب ازساده دلی‌زنی محتشم‌سوء استفاده کردند ،۱۰۰/ دینار نزداوبه‌امانت‌گذاشتندکه‌وقتی باهم‌باشند بتوانندآن مبلغ‌را بستانند، پس‌از مدتی یکی‌باانده‌وهی‌فراوان بااعلام مرگ آن دیگر و بحیلت فراوان و گریه وناله ۱۰۰/ دینار رادریافت کرد ، چندصبا بعد آن دیگر به‌طلب پول آمد وآن زن راتهدیدبه‌امانت خواری کردوشکایت‌نزد علی (ع) بردند . حضرت عین شرط را عنوان کرد وفرمود رفیقت راحاضر کن تا شرط در یافت وجه فراهم آید مبلغ پرداخت خواهد شد و به‌این طریق مانع انجام قصدپلیدآن شیاد شد .

قضاوت سعد بن‌مفاذ :

درزمان پیامبر اسلام ،کفار همراه یهودان‌دشمن به‌مدینه‌حمله‌آوردند، به‌تدبیر سلمان‌وفرمان‌پیامبردورشهرمدینه‌خندق کندند،دشمن‌پشت‌خندقها بجای‌ماندد‌راین وقت یهود داخل‌شهر که‌باپیامبرهم‌پیمان بودند، خیانت کردندبا دشمن علیه وطن وهمشهریان‌وهم پیمانان‌خود عهدبستند، ولی بهرصورت پیامبربردشمن مسلط‌شد، قلعهٔ یهودیان مدینه را اشغال‌کردند و ۶۰۰ نفرمردان‌آنهارا به‌بندکردند وبه فرمان وقضاوت‌سعدبن‌مفاذ‌آنها رابه‌جرم پیمان شکنی وخیانت به‌وطن از دم تیغ گذراندند. وزنان واسبان‌وشترانشان‌را به اسیری ویغما بردند .

قضاوت حضرت محمد (ص)

در زمانی‌که پیامبر برمکه مسلط شد ، زنی ازطایفهٔ **قریش** باهمهٔ شوکت عادت داشت امانت مردم را باز ندهد و کم‌کم صفت دزدی‌درروح اوجای‌گرفت، پیامبراوراخواست ومحاکمه‌کرد باوجود همهٔ وساطت‌ها حکم داد انگشتان او را قطع کنند.

دخترخوانده وقضاوت علی (ع).

مردی‌ثروتمند ،درآتش بی‌فرزندی میسوخت ، دخترکی یتیم را به فرزندی پذیرفت واز اونگهداری‌کرد تا بزرگ شد ، بانوی‌خانه بردخترك‌حسد میبردو به افسون خواست شوهرش‌را از حمایت او منع کندکه مفیدنشد، روزی در غیاب شوهرش زنان همسایه راجمع‌کرد و به زور انگشت پردهٔ‌بکارت دخترك بدرید، آنگاه پیش علی (ع) رفت ادعاکردکه دخترك‌زناکرده وزنان‌همسایه‌رابه‌شهادت خواست ، حضرت علی (ع) درکار تأمل کرد وبصورت جداگانه از شهود اقرار گرفت ، وزن خائن را که دخترك یتیم را تهمت زده بودمجازات‌کرد وباورود شوهرش خواست تا او را طلاق گوید و یتیم دست پرورده وی را به همسری او درآورد .

مادری درکابین پسر.

زنی‌از طایفهٔ **انصار** به‌حکم‌برادران به‌همسری غلام سیاهی درآمدوغلام‌پس‌از بارورکردن اودریکی‌ازمبارزات‌قهرمانی جان بداد وفرزند زن چون پدر سیاه‌به دنیاآمد و مادر از وجود او متنفر بود اورابه قبیله‌ای‌سپرد. کودك،جوان‌رشیدی شد باجستجوی فراوان مادر را بیافت و بسوی او رفت مادر انکارکرد، قضاوت ابتداء بی‌ثمر ماندولی مداخلهٔ علی(ع) مسئله‌رابصورتی‌دیگر تمام‌کرد ، حضرت علی (ع) از خانوادهٔ زن اجازه خواست

اورا برای پسرعقد بست ،زن‌چاره‌ای‌جز اقرار ندید فرزند خودرا پذیرفت.

دادگاه بین‌المللی .

سازمان ملل‌در بخش‌سیاست ملاحظه شود.



قضات‌معروف‌جهان

آسر ، توبیاس میخایل‌کارل Asser

(۱۸۳۸ - ۱۹۱۳م)

سیاستمدار و حقوقدان هلندی‌که به‌مناسبت‌داوریهای‌بین‌المللی‌برندهٔ‌نوبل صلح ۱۹۱۱ شد (نیمی از جایزه).

آصاف ، یوسف‌همام.

(تولد ۱۸۵۹ م)

یوسف همام رییس محاکم مصری بود و در قاهره حقوق و تاریخ تدریس میکرد.«شرح‌قانون‌مدنی‌مصری»راتألیف نمود وکتاب مونتسکیورا بنام «اصول‌ــ النوامیس و الشرایع» بعربی ترجمه کرد.

ابن‌ابی دؤاد ، احمد .

(۱۶۰ـ۲۴۰ هق)

ازدانشمندان‌عهد خودوقاضی‌القضاة بود وشعراو اهل ادب را ترویج میکرد وخود شعرنیکو میسرود. وبه مرض‌فالج درگذشت.

ابن‌ابی‌لیلی ، محمدبن عبدالرحمن.

(متولد ۷۴ ه ق)

ازقضات**کوفه**که در دادرسی شهرتی بسزا دارد ، سه سال از جانب **بنی‌امیه و بنی‌عباس** درکوفه والی قضابود.کتاب «الفرایض» ازتألیفات اواست .

ابن‌حجرعسقلانی،شهاب‌الدین‌ابوالفضل .

(۷۷۳ـ۸۵۲ ه ق)

درکودکی‌یتیم شد. دریازده سالگی به‌مکه رفت ودرآن‌شهربزرگ شد و به تجارت پرداخت‌بزودی بشاعری معروف وسپس به علم حدیث پرداخت و آنگاه عازم سیاحت‌گردید وبه‌قاهره‌رفت ومصر ویمن‌راگشت وبار دیگر به‌قاهره‌مراجعت (۸۰۵) وبتدریس‌پرداخت‌وبمقام‌قاضی‌ــ القضاتی‌رسید. درسال‌۸۳۴ به‌حلب‌رفت‌و بتدریس مشغول شد تا پس‌ازچندی برای بار دیگر به قاهره مراجعت و درآنجا درگذشت.

وی در کتابی بنام **ابناءالغمرفی ابناءالعمر** حوادث‌سالهای(۷۷۳ـ۸۵۰) را سال به‌سال تعقیب کرده. برهان‌الدین بقاعی(متوفی‌۸۷۰ هق) ذیلی‌براین‌کتاب بنام « اظهار العصر لاسرار اهل العصر» نگاشته‌است.

ابن‌خلکان ، شمس‌الدین‌ابوالعباس‌احمد ابن ابراهیم‌بن‌ابی‌بکر .

(۶۰۸ - ۶۸۱هق)

نسب‌وی‌به‌برمکیان میرسد.دراربل ازبلادماوراءالنهرمتولدودرهیجده‌سالگی بسیاحت‌پرداخت‌وبه‌حلب رفت شش سال درآنجاماند درسال‌۶۳۳ به‌شام‌وچهارسال بعد به‌مصررفت .در آنجا قاضی‌القضاة شد و آنگاه به شام رفت وقاضی‌القضاة آن‌سامان‌شد.درسال‌۶۶۰هجری‌ازشغل‌خود معزول‌وبه قاهره رفت‌وبتدریس پرداخت چندسال بعد باردیگر بشغل سابق‌منصوب ولی پس از مدتی زندانی و بعد معزول شد و باز بتدریس‌مشغول گردیدتامرگش فرارسید.

کتاب وی که نامش را جاودانی کرده و **فیات الاعیان و ابناء الزمان** نام دارد مشتمل‌برشرح احوال بزرگان مسلمان ازقرن اول هجری‌تا زمان‌اوست براین‌کتاب چندین ذیل نوشته‌اندکه از آن‌میان **فوات الوفیات** محمد بن احمد کتبی (متوفی ۷۶۴) شایان توجه‌است.

ابن شحنه حلبی ، ابوالولید ابراهیم‌بن معروف.

(فوت ۸۸۲ ه ق)

صاحب‌کتابی‌معروف‌به«لسان‌الحکام فی‌معرفة الاحکام در قضاء حلب »که سی فصل دارد.

ابن شحنه حلبی ، عبدالبربن محمد.

(فوت ۹۲۱ ه ق)

فقیه حنفی و قاضی‌القضاة و صاحب کتاب «تفصیل‌**عقدالفواید** درشرح‌منظومهٔ ابن‌وهبان».

ابن شحنه حلبی ، ابوالولید محمد بن محمدبن محمود.

(۷۴۹ـ۸۱۵ هق)

قاضی حنفیه درحلب‌که‌تألیفاتی‌چند درنظم ونثردارد.

از آن جمله «روضة المناظرفی‌علم‌ــ اخبارالاوایل‌والاواخر».

ابن‌قتیبه.

(۲۱۳ـ۲۷۶هق)

ابو محمد عبدالله بن مسلم‌بن قتیبه دینوری‌قاضی وادیب واز مؤلفان‌پرکار . در بغداد تولد یافت و در کوفه ساکن شد ،مدتی قاضی دینور بود وبدین جهت بدانجامنسوب.گشت‌ابن‌قتیبه‌درسال‌۲۷۶ دربغداددرگذشت .

ابن‌قتیبه تألیفات بسیاری دارد که ازجملهٔ آنهاست؛ تأویل مختلف‌الحدیث وادب‌الکاتب والمعارف‌والامامه والسیاته وعیون الاخباروغرایب‌القرآن‌عده‌ای از تألیفات وی از قبیل المعارف و عیون‌ــ الاخبار و همیشه مورد استفاده بوده است . ابن قتیبه فرزندی داشت بنام ابوجعفراحمدبن‌عبدالله‌معروف‌به‌ابن‌قتیبه نیزکه تمام تألیفات پدررا ازحفظ‌داشت وهنگامی درسال ۳۲۱ قاضی‌مصرشد وبه مصرآمدوفضل‌واطلاعاتش‌معلوم شدمورد توجه ومراجعهٔ دانشمندان وطلاب‌علوم‌و ادیبان‌قرارگرفت، وی در مصر به سال ۳۷۶ درگذشت .

ابوالولیدمحمدبن‌احمد .

(۵۱۴ـ۵۹۲هق)

درقرطبه متولد شده ، در مراکش درگذشته است.

بعقیدهٔ بعضی‌ها باید ویرااعظم‌حکما اسلام شمرد .

آزادیی‌که وی دربیان عقاید خود بکاربرده ، جالب توجه است . اروپاییها ازوی‌به‌آوروس(Averoes) تعبیرمینمایند، آثارش به لاتینی ترجمه شده وجزوکتب درس درآمده بود.رسالهٔ ردیه‌بر«تهافةــ الفلاسفه» غزالی، بنام «تهافة التهافت» ازآثار او است .

ابوموسی‌اشعری، عبدالله‌بن قیس.

(وفات ۴۴هق)

ازصحابهٔ پیغمبر و درعهدوی قاضی یمن بود. درحملهٔ‌مسلمین‌به‌ایران‌شرکت داشت.درجنگ **صفین** وقتی میان‌حضرت علی‌ومعاویه‌کار بحکمیت کشیدیاران‌حضرت علی‌اورا ومعاویه‌عمروعاص را حکم‌قرار دادند وابوموسی‌که مرد ساده‌لوحی بود ازعمروعاص فریب‌خورد وشکست در کار حضرت‌علی‌پیداشدوخوارج‌سربلند کردند.

ابویوسف انصاری کوفی ، یعقوب بن ابراهیم .
(۱۱۳ ــ ۱۸۲ هق)
نخستین قاضی القضاة در اسلام که در ایام **هارون الرشید** در بغداد می‌زیست وی شاگرد ابوحنیفه و جامع عقاید وی را در کتابی بنام **کتاب الخراج** آورده است .
حامد.
(۹۰۰ــ۹۸۵ هق)
دانشمند مشهور کشور عثمانی پس از تحصیل علوم رسمی از موطن خود به قسطنطنیه رفت و بحلقهٔ تدریس چیوی زاده محمود (پدرزن خویش) ودیگر دانشمندان در آمد. آنگاه در بروسه و کوتاهیه و استانبول مدتی مدید بتدریس پرداخت. درسال ۹۵۴ در مغنیسا و بعد درشام و مصر و بروسه وسرانجام در قسطنطنیه بقضاوت مشغول شد. در سال ۹۶۴ قاضی عسکر روم ایلی بود وسپس معزول گردید . بعد در ۹۸۲ شیخ الاسلام گردید .
حر عاملی، محمد بن حسن .
(۱۰۳۳ــ۱۱۰۴ هـ)
مروجین مذاهب را ببینید.
حمیدالدین بلخی
(فوت ۵۵۹ هق)
شاعر و نویسندهٔ ایرانی ، دربلخ میزیست و در آنجا سمت قاضی القضات داشت. شهرت او مخصوصاً بواسطه کتاب «مقامات حمیدی» است که به پیروی ازمقامات بدیع‌الزمان همدانی و ابوالقاسم حریری تألیف گردید .
دمولن، کامی . Desmoulins.
(۱۷۶۰ــ۱۷۹۴ م)
وکیل دادگستری وروزنامه نویس فرانسوی در دورهٔ انقلاب کبیر در ۱۲ ژوییهٔ ۱۷۸۹ مردمی را که در باغهای «پاله روایال» (پاریس) گرد آمده بودند مسلح ساخت و بفتح **باستیل** برانگیخت. دمولن درراه مبارزه برای کسب آزادی واستقرار حکومت دموکراسی درفرانسه بسیار کوشید و عاقبت خــودو همسرش بوسیلهٔ مخالفان سیاسی محکوم ودرپاریس اعدام شدند.
داور ، علی اکبر.
فوت ۱۳۱۵ هق
مــؤلف کتاب « حقوق جزایی » و سیاستمدار ایرانی، سیاستمداران را ببینید.
دوانی ،جلال الدین محمد .
(۸۳۰ــ۹۰۸ هق)
دانشمند وقاضی معروف، پدرش قاضی کازرون بود ودوانی بخش اول عمرخود را در آن شهر گذرانید ودرمدرسهٔ دارالایتام بتعلیم پرداخت . وی حکیمی متکلم و محقق است ، از آثار اوست :
«اخلاق جلالی، اثبات الواجب الجدید ، اثبات الواجب القدیم، افعال الله تعالی ، انموذج علوم.
دوانی طبع شعرنیز داشته و با تخلص فانی بفارسی شعرمیسروده است. وی مذهب شافعی داشته و گویند دراواخر عمر به تشیع گرویده است.
ربسپی یر، ماکسیمیلن. Robespierre.
(۱۷۵۸ــ۱۷۹۴ م)
وکیل دعاوی وعضو کنوانسیون به همراهی کمیتهٔ نجات ملی دورهٔ وحشت را ایجاد نمود و همهٔ مخالفان خود را بقتل رسانید ، ولی عاقبت خودنیز کشته گردید ودورهٔ وحشت بهپایان رسید .
زبیر بن بکار.
(۱۷۲ــ۲۵۶ هق)
از علمای مدینه. وی متولی قضای مکه گردید. ازاواست: کتاب «نسب قریش واخبارها» که نسخه خطی آن دراکسفورد محفوظ است ، «اخبارالعرب وایامها» ، «الاوس والخزرج » وغیره .
سابینوس، مارکوس کولیوس . Sabinus,M.C.
(قرن اول میلادی)
حقوق دان رومی که در سال ۶۹م. بمقام کنسولی روم رسید . قانون معروفی بتوسط اوتنظیم گردیده است .
سبکی، ابوالحسن تقی الدین.
(۶۸۳ ــ ۷۵۶ هق)
متولی قضاء شام بود و چون مریض شد بهقاهره بازگشت وبدانجا درگذشت. از آثاراوست:
«الدرالنظیم درتفسیر» که ناقص مانده، «مختصر طبقاب الفقهاء» وچند اثر دیگر .
سحنون، ابوسعید عبدالسلام بن سعید.
(۱۶۰ ــ ۲۴۰ هق)
ازقضاة معروف **قیروان** صاحب کتاب «المدونة الکبری» ناشرمذهب مالکی.
سمیعی .دکترحسن.
(۱۲۸۴ــ۱۳۳۱ هـ ش)
در تهران متولدشده تحصیلات مقدماتی را درمدرسهٔ سن لویی شروع و از مدرسهٔ حقوق نیز بهاخذ لیسانس موفق شده بعداً به فرانسه رهسپار و دکترحقوق شد پس از آن به ایران مراجعت کرده ودرزمان داور بریاست ادارهٔ معاونت عمومی بخدمت دولت اشتغال یافت پس ازفوت داور بوزارت دادگستری منتقل ودرجات مختلفه را پیمود درکابینهٔ **علاء** بمعاونت دادگستری و در زمان **دکتر مصدق** به کفالت آن وزارتخانه ارتقاء یافت مدتی نیزوابستهٔ تجارتی ایران در آلمان بوددر تمام مدت سمت استادی **دانشگاه** را نیزداشت آخرین شغل وی استانداری بود که تاآخرعمر دراین سمت باقی بود تا درگذشت ودر **ابن بابویه** درمقبرهٔ خانوادگی مدفون گردید. آثارش:
۱ــحقوق جزاء
۲ــاسلام وادیان باطله.
۳ــاصول دین محمدی.
۴ــفلسفهٔ احکام یافروع دین محمدی واسرار آن .
شریح، ابن حارث
(فوت ۷۸ هق)
معروف بهابوامیه، قاضی وفقیه معروف صدراسلام اصل او ازیمن است ودر عهد عمرقضاوت کوفه یافت .
عثمان وعلی (ع) ومعاویه نیز اورا بدین شغل ابقا کردند .
وی بروزگار حجاج استعفا کــرد و حجاج اورا بهسال ۷۷ هق. معاف داشت اورادرشعر وادب مهارتی داشت.
شوشتری، قاضی نورالله .
(مقتول بسال ۱۰۱۹ هـ ق)
سیدجلیل علامه قاضی نورالله شریف‌الدین شوشتری، صاحب «مجالس المؤمنین» ازعلمای بزرگ شیعه وازمعاصران شیخ بهایی است. درزمــان اکبرشاه و پسرش جهانگیر درلاهور ازشهرهای هندوستان، بقضاوت اشتغال داشته وبنا برتقیه، مطابق مذاهب چهارگانهٔ اهل سنت حکم مینموده است تــا آنکه مخالفین بجرم تشیع در اکبرآباد «آگره» ویرا بوضعی رقت بار بقتل رسانیدند .
عمدهٔ مؤلفات اوبقرارذیل است:
مجالس المؤمنین ، صوارم المهرقه، احقاق الحق، مصائب النواصب، رساله‌ای درحرمت نمازجمعه زمان غیبت ، رساله درتحقیقات آیهٔ نور، کتاب عشره کامله ، شرحی بر «شش دفتر مثنوی» وچند کتاب دیگر .
صاعد، ابن محمد .
(۳۴۳ــ۴۳۲ هق)
معروف بهابوالعلاء فقیه حنفی نسبت وی به **استوا** ازعمال نیشابور می‌رسد واو ریاست حنفیان خراسان وقضاء شهر نیشابور را داشت و «کتاب الاعتقاد» ازاوست .

صاعد، ابن‌احمد .
(۴۲۰ـ۴۶۲ ه ق)
معروف به‌ابوالقاسم قاضی‌ودانشمند وحکیم‌وفقیه اندلسی‌وی درقرطبه‌پرورش یافت وبهمین‌جهت‌اوراقرطبی‌می‌خواندند وی ازابومحمدبن حزم وفتح‌بن قاسم و ابوالولید وقشی وجز آنان روایت کند یحیی‌بن ذی‌النون او راقضاء طلیطله‌داد، کتب معتبری نیزدارد .
صالح، ابن‌ابراهیم .
(فوت ۶۶۵ هق)
قاضی وفقیه از قضات یمن و فقیهی خوش سیرت‌بود ومدتی در**یمامه** قضاوت میکرد .
صالح، ابن‌احمد .
(فوت ۹۲۲ هق)
قاضی‌فاضل،اصل‌وی ازحلب‌وقاضی‌القضاة صلاح‌الدین بود و مذهب حنفی داشت ونیابت جمال‌الدین یوسف سبط‌بن آجاء حنفی قاضی‌حلب‌را میکرد .
صالح، ابن‌جلال‌الدین .
(فوت ۹۷۳ هق)
قاضی فاضل‌ترك،تعلیقه بر«اصلاح الوقایة»دراصول فقه،تألیف احمدبن‌کمال پاشا ازاوست .
صالح، ابن‌حسن .
(فوت ۱۱۲۱ هق)
مشهور به‌صالح بهوتی مولد وی‌نیز قاهره بود ازتألیفات اوست: «الفیه» در فرایض‌که‌جامع فتاوای مذاهب‌چهارگانه است «الفیهٔ» دیگر در فقه شافعی «نظم کافی» .
صدقی زاده، احمد رشید .
(۱۱۷۱ـ۱۲۵۰ ه ق)
دانشمند ترك پدرش قاضی اردوبود واوعلوم رسمی‌را درمدارس دینی‌آموخت ودرفقه وعلوم شرعی‌مهارت یافت وبعداز قضاوت درشهرهای مختلف درسال ۱۲۳۱ ه ق.درآناطولی‌وسپس درروم‌ایلی‌قاضی عسکرشد ودر سال ۱۲۳۸ ه ق. بمسند شیخ‌الاسلامی‌رسید وسپس معزول‌گردید و قضای **برکی** را بعنوان تیول بدو دادند. اوازکارکناره‌گرفت وبه‌ییلاقی‌که‌درحصار روم ایلی داشت رفت .
ضحاك، ابوبکر احمدبن محمد .
(فوت ۲۸۷ ه ق)
مدت۱۶ سال‌منصب‌قضای‌اصفهان‌راداشت وکتب او در فتنهٔ بصره از میان رفت ولی مقدار ۵۰۰۰۰ حدیث ازحافظهٔ‌خود نوشت.ضحاك مذهب**ظاهری**داشت ومنکر قیاس بود .
ضیاءالدین، نورالله .
(فوت ۹۲۹ ه ق)
وی درایام حکومت‌امیرخان درشهر هرات منصب قضا داشت ومردی‌فاضل‌بود وبه جودت طبع ولطف‌ذوق اتصاف‌داشت واشعار دلکش دارد.
طاهر، ابن حسین .
(فوت ۴۷۳ ه ق)
معروف به ابوالوفاء. مفتی و واعظ درجامع‌منصور‌به‌فتوی‌دادن‌ووعظ‌وتدریس فقه وقرائت قرآن اشتغال‌داشت ونزدیك ۵۰ سال درمسجد منصوراقامت‌گزید .
طبری ، طاهربن‌عبدالله .
(فوت ۴۵۰ هق)
معروف به ابوالطیب ، فقیه شافعی وی در ادب وشعرعرب نیزمهارت‌داشت و درآمل‌مازندران نزدابوعلی زجاجی ازاصحاب‌ابن‌القاص‌درس‌خواندودرگرگان و نیشابور نیز نزد بزرگان بتحصیل پرداخت‌ودربغداد‌نزدابواسحاق‌اسفراینی تحصیل‌کرد.ابواسحاق شیرازی‌نزدطبری تلمذ نمود.طبری«مختصرمزنی» و«فروع ابوبکر حداد» را شرح‌کرده ودر اصول ومذهب وخلاف وجدل‌کتب‌بسیار**نگاشته**. او دربغداد قاضی‌بود وتا وقت‌وفات‌این شغل‌را داشت .
طلحه ، عبدالله بن‌عوف.
(۲۵ـ ۹۷ هق)
ازبخشندگان معروف عرب قضاوت مدینه راداشت ودرهمان‌شغل درگذشت .
عدل، سید مصطفی.
(۱۲۵۸ـ۱۳۲۹هش)
ملقب به منصورالسلطنه حقوقدان ایرانی وازرجال دورهٔ **رضا شاه پهلوی** وی سمتهای دولتی مختلفی‌یافت‌ازجمله: نایب دوم سفارت ایران در مصرگردید مدعی‌العموم‌استیناف‌مرکز،معاونت‌وزارت عدلیه،مدیریت‌کل معارف،کفیل وزارت عدلیه، نمایندهٔ ایران درمجمع اتفاق و ریاست یکصدمین دورهٔ اجلاسیه شورای جامعه انتخاب شده‌است. چندی هم وزیر کشاورزی بود. وبه استادی دانشکدهٔ حقوق رسید. ازآثار او: « حقوق‌مدنی» است‌که درتهران چاپ شده است.
عمید، (دکتر) موسی.
(۱۲۷۷ـ۱۳۴۲هش)
استاد دانشگاه تهران وعالم‌حقوق، تحصیلات مقدماتی و علوم قدیم را نزد علمای معروف تبریز فرا گرفت ، سپس به‌تهران‌آمد وفقه واصول‌وحکمت رانزد مدرس‌ومیرزاطاهر تنکابنی ومیرزارضای ایروانی‌آموخت. پس‌ازادامهٔ‌تحصیل‌درقم وعتبات‌به‌اخذ درجهٔ اجتهاد نایل‌گردید، وعلوم جدید را تا دورهٔ کامل‌متوسطه در تبریزو**دارالفنون**تهران آموخت وبرای ادامهٔ‌تحصیل با دورهٔ‌دوم‌محصلین‌اعزامی به‌فرانسه‌رفت‌ودرپاریس به‌تحصیل‌پرداخت ودر آن شهر موفق باخذ لیسانس حقوق و لیسانس فلسفه نایل آمد ونیز به‌اخذ درجهٔ دکترای حقوق‌باگذراندن‌رساله‌ای درموضوع (طلاق درایران و مقایسهٔ آن باملل‌دیگر) نایل‌آمد وقسمتی ازدورهٔ دکترای فلسفه را درپاریس (سوربن) و قسمت دیگر را در دانشگاه ژنو بپایان بردورسالهٔ‌دکترای‌فلسفهٔ خود را دربارهٔ روانشناسی‌ازنظرابن‌سینا نوشت‌و به‌تصویب رسانید . در سن ۴۲سالگی‌به‌ایران باز گشت واز سال ۱۳۱۹هش . دردانشکدهٔ حقوق‌دانشگاه‌تهران‌بتدریس حقوق‌مدنی ودردانشکدهٔ‌معقول‌ومنقول‌بتدریس تاریخ دراسلام‌پرداخت.چهاردورهٔ‌متوالی‌ریاست دانشکدهٔ‌حقوق را بعهده داشت وسه‌دوره بنمایندگی تهران انتخاب شد ودو بار نیابت مجلس شورا رابعهده‌داشت.وی‌از مؤسسان‌سازمان **یونسکو**درایران ونایب رئیس‌آن‌سازمان، رییس‌کمیتهٔ‌ملی حقوق تطبیقی وعضوشورای عالی فرهنگ بود. ازآثار اوست : رساله در روانشناسی ابن‌سینا (بفرانسه) ، رساله در موضوع طلاق ازحقوق تطبیقی(بفرانسه)،تصحیح وتحشیهٔ دو رساله‌ازابن‌سینا، هبه، وصیت و ضمان‌عقدی (درحقوق‌مدنی) ارث (که تاصفحهٔ۱۴۴چاپ‌شده)،دورهٔ‌حقوق‌مدنی در۶جلد(چاپ‌نشده)، تاریخ فلسفهٔ‌اسلام (چاپ‌نشده).
غفاری ، قاضی احمدکاشانی .
(قرن۱۲ ه)
دانشمندایرانی معاصر نادرشاه‌افشار.
غندابی ، عمربن احمد.
(تولد ۴۸۵ه ق)
معروف‌به‌ابومحمد و ملقب‌به‌فرغانی فقیه سمرقند و صاحب فتوای آنجا بود.

فویرباخ،آنسلم فون .Feuerbach,A,V



حقوقدان آلمانی راجع بـه حقوق جزا تصنیفاتی دارد . پسر وی ازفلاسفهٔ معروف آلمان بوده است.

فیروزآبادی، ابوطاهر .
(۷۲۹–۸۱۶ه‌ق)
درفیروزآباد فارس متولدشدفیروز–آبادی پس از مسافرتهای زیادی به‌یمن رفت ودرآنجا بمنصب قاضی‌القضاتی‌رسید **ابن‌حجرعقلانی** او را ملاقات کرد واز اوکسب دانش کرد .
کتاب بسیارمعروف‌ومعتبراودرلغت «قاموس» نام‌دارد که به‌زبان‌عربی‌نگاشته شده است.

قاضی‌زادهٔ رومی ، ابوالفتح.
(فوت ۸۸۹ هق)
دانشمندترک که مورد توجه **سلطان محمد دوم** بود وقاضی بروسه گردید.در علوم ریاضی نیز دست داشت.

قاضی‌زادهٔ خوارزمی ، احمد.
(۹۱۸–۹۸۸ ه ق)
ازدانشمندان‌ترک سمت‌شیخ‌الاسلام، قاضی‌استانبول و قاضی عسکر روم ایلی یافت. اوراست : «شرح بر کتاب هدایه»، «حواشی برتفسیربیضاوی» وغیره.

قاضی‌زادهٔ تقوی ، احمد.
(مقتول ۱۰۱۰ ه ق)
از مورخان امامیه پدرش در شهر ته (سند) قاضی حنفیان بودوقاضی‌زاده تشیع‌اختیار کردودردربار اکبرشاه‌هندی مقرب‌بود.اوراست:«تاریخ‌الفی» که‌تاریخ هزارسالهٔ اسلام(ازرحلت رسول ص یعنی سال دهم هق. تاعصر خود مؤلف) است.

قاضی ، عبدالجبار .
(فوت ۴۱۵ ه ق)
متکلم بزرگ معاصرصاحب‌بن‌عباد وقاضی‌القضات‌ری هم بود واز بـزرگان وائمهٔ معتزله‌است. وی‌درآغاز امرمذهب اشعری‌داشت وبعدبه‌عقاید معتزله گروید و تا آخر عمر در این مذهب باقی‌بوده است.

قاضی نوراللّه شوشتری .
(فوت ۱۰۱۹ هق)
شوشتری، قاضی‌نوراللّه .رابه‌بینید.

گامبتا، لئون. Gambetta, L.
(۱۸۳۸–۱۸۸۲ م)
حقوقدان ومرد سیاسی وآزادیخواه



مشهورفرانسه که دردوران جمهوری سوم فرانسه(پس‌از سقوط سلطنت ناپلئون سوم) وجنـگ بـا پروس‌حداکثر فعالیت وکوشش رابرای دفاع ازفرانسه وتهیهٔ نیروهای جدید نظامی‌بکاربرد ودر سال ۱۸۸۱ م به‌ریاست‌الوزرایی فرانسه انتخاب‌گردید.

استادان ومعلمین حقوق

امامی، دکترسیدحسن. مدیرگروه‌حقوق خصوصی واستاد حقوق مدنی دانشکـدهٔ حقوق .

افشار، دکترحسن. رییس دانشکدهٔحقوق ومدیرگروه حقوق تطبیقی واستاد مقدمهٔ حقوق تطبیقی دانشکدهٔ حقوق .

امیری قایم مقامی، دکتر عبدالمجید . استاد حقوق‌مدنی دانشکدهٔ حقوق .

یاد، دکترابراهیم.معاون دانشگاه‌ومدیر گروه حقوق جزا واستاد حقوق جـزای اختصاصی دانشکدهٔ حقوق .

حکمت، دکترمحمد علی. استـاد حقوق بین‌الملل عمومی دانشکدهٔ حقوق .

رادسر، رضاقلی. معلم انگشت نگـاری دانشکدهٔ حقوق.

رضوی، دکترمحمد. استادیار روشهـای علوم سیاسی‌واجتماعی–تاریخ‌عقایدسیاسی دانشکدهٔ حقوق.

زاهدی، دکترحمید. استادسیاست‌کیفری دانشکدهٔ حقوق.

ستوده، دکترحسین. استاد حقوق‌تجارت دانشکدهٔ حقوق.

سنجابی، دکترکریم. استاد حقوق‌اداری دانشکدهٔ حقوق

سیدی،دکترحسین.معاون‌اداری‌دانشکده واستاد حقوق بین‌المللی عمومی‌دانشکدهٔ حقوق .

شرقی، سرگردعباس. معلم حق‌التدریسی کشف جرایم علمی‌دانشکدهٔ حقوق.

شهیدی، دکترجواد. استاد حقوق مدنی دانشکدهٔ حقوق.

شیدفر، دکترزین‌العابدین. استاد حقوق صنعتی‌دانشکدهٔ فنی.

صالح، علی‌پاشا.استادتمام وقت دانشکدهٔ حقوق .

صانعی،دکترپرویز.استادیارعلم‌الاجتماع کیفری دانشکدهٔحقوق.

صفایی، دکترحسین. استادیارمقدمهٔحقوق تطبیقی دانشکدهٔ حقوق.

صفدری، دکتر محمد . دانشیار حقوق بین‌المللی‌عمومی سال‌اول– متون‌حقوقی سال دوم (بفرانسه)دانشکدهٔحقوق.

صفری، دکترمنصور. استادحقوق‌تجارت دانشکدهٔ حقوق .

صیرفی ، سرتیپ . معلم حـق التدریسی انگشت‌نگاری دانشکدهٔ حقوق .

علی‌آبادی،دکترعبدالحسین.استادسیاست کیفری دانشکدهٔ حقوق .

علی‌آبادی، دکترمحمدحسین.استادتاریخ حقوق و حقوق اساسی تطبیقی دانشکـدهٔ حقوق .

عمید، دکترموسی.رییس‌اسبق‌دانشکده و استاد حقوق‌مدنی سالهای سوم دانشکدهٔ حقوق .

قاسم زاده، دکترقاسم.استادحقوق‌اساسی دانشکدهٔ حقوق .

کاتوزیان، دکترناصر. استادحقوق مدنی دانشکدهٔ حقوق .

کی‌نیا، دکترمهدی. استادحقوق معماری دانشکدهٔ هنرهای زیبا .

کیهان ، دکتر محمود . معاون آموزشی دانشکده، مدیر گـروه حقوق عمومی و استاد سازمانهای بین‌المللی دانشکـدهٔ حقوق .

گنجی، دکتر منوچهر . استادیار حقوق بین‌المللی‌عمومی دانشکدهٔ حقوق.

متین دفتری، دکتر احمد . استاد آیین دادرسی مدنی ، رویهٔ قضایی دانشکـدهٔ حقوق .

مصباح زاده، دکترمصطفی. استاد حقوق جزای عمومی دانشکدهٔ حقوق .

معتضد باهری، دکترمحمد. استادحقوق جزای عمومی‌دانشکدهٔ حقوق .

معتمد نژاد، دکترکاظم. استادیار حقوق اساسی دانشکدهٔ حقوق .

ملکشاهی، دکتر سرهنگ احمد . معلم حق‌التدریسی پلیس جنایـی دانشکـدهٔ حقوق .

مؤتمنی‌طباطبایی، دکترمنوچهر. استاد حقوق اداری، وحقوق‌اداری اختصـاصی

دانشکدهٔ حقوق.
نبوی، دکترعزیز. معلم حق‌التدریسی حسابداری دانشکدهٔ‌حقوق.
نصیری، دکترمحمد. استاد حقوق بین‌الملل خصوصی دانشکدهٔ حقوق.
واحدی، دکترجواد. دانشیارحقوق‌جزای عمومی دانشکدهٔ حقوق.
هدایتی، دکتر محمد علی. استادآیین دادرسی کیفری دانشکدهٔ‌حقوق.
هوشنگ شریفی، دکتراحمد. دانشیار تاریخ عقاید سیاسی دانشکدهٔ حقوق.
هومن، دکتراحمد. استاد علوم مربوط‌به زندانها دردانشکدهٔ حقوق.

کتب حقوقی

آیین دادرسی‌کیفری: محمدعلی‌هدایتی.
آیین دادرسی مدنی وبازرگانی: دکتر احمد متین دفتری.
آیین ورویهٔ دادرسی مدنی: (امیرکبیر تهران) گردآورنده، محمدعلی‌کشاورزصدر.
احکام تفصیلی هیئت‌های عمومی‌دیوان کشور: دکتراحمد متین دفتری.
ارث: دکترموسی‌عمید.
ارث‌الشیعه: حاج شیخ‌عباسعلی ادیب.
ارث در اسلام و مقررات قانون مدنی ایران: ابوالوفا معتمدی کانیمشکانی کردستانی.
ارزیابی حقوق اسلام: حسین نجومیان.
ازدواج در اسلام: سید مصطفی کاشفی (میرمحمدی خوانساری).
ازدواج وطلاق‌وارث‌درحقوق‌شوروی: مصطفی مهذب.
اصول‌آیین دادگستری: سیدعلی‌حایری.
اصول محاکمات اصلاح شده بموجب مادهٔ واحده: علی‌اکبر داور.
اصول محاکمات جزایی: محمد رضا وجدانی.
اصول محاکمات حقوقی: محمد رضا وجدانی.
اصول‌ومقررات‌استهلاک: صبحی‌اعظمی.
اطلاعات حقوقی برای رشتهٔ معماری: (دانشگاه تهران) مهدی کی‌نیا.
اعتبارقضیهٔ محکوم بها در امور مدنی به‌ضمیمهٔ مبانی قاعده درحقوق اسلام: (تهران دانشگاه) ناصرکاتوزیان.
اقتصاد اجتماعی‌یاحقوقی وقوانین‌کار: دکتر زین‌العابدین شیدفر.
اقرارمدنی: «رسالهٔ دکترای دانشکدهٔ حقوق» فتح‌الله امیری دولتشاهی.
الدیات: سیف‌الدین دیزجی‌زنجانی.
امارت درحقوق مدنی ایران: فرج‌الله ناصری.
امارت در دادرسی: سید یدالله هژبر کلالی.
امور اداری و اصول مدیریت: جلیل مسعود.
انتقال‌یاثروتهای عمومی: علی‌غفوری.
بحث تطبیقی راجع به‌عهدوخطا وآثار آنها درحقوق جزایی: «رسالهٔ دکترای دانشکده حقوق، تهران» محمد علی کتابت.
تابعیت در ایران: سید علاء الدین مرعشی.
تاریخ قانون و حکومت: علی منصور «منصور الملك».
تاریخ مختصرحقوق بین‌الملل: آرتور نوس‌بام، ترجمهٔ دکتراحمد متین دفتری.
تحقیق در بند C مادهٔ ۳۸ اساسنامهٔ دیوان بین المللی دادگستری: «رسالهٔ دکترای دانشکدهٔ حقوق» خسروگیتی.
تحولات بیست و پنجسالهٔ وکالت دادگستری: کانون وکلاء.
تحولات حقوق فطری: عبدالله هادی.
تحولات قوانین مالیات‌بردرآمدایران: مصطفی هروی.
تشریح و محاکمه درتاریخ آل محمد: مهدی ادیب زاده.
تعلیمات مدنی: یوسف نجات.
تعلیمات مدنی: سیدضیاءالدین‌طباطبایی یزدی.
تفسیر قانون اساسی ایران: مرتضی راوندی.
تفسیر قانون مدنی: منصورالسلطنه سید مصطفی‌حسینی‌عدل.
جداول، طبقات وارث: حاج‌شیخ‌هادی نجم‌آبادی تهرانی.
جرم و مجازات: ابوالحسین عمیدی نوری.
جزا درشوروی: گریلنکو.
حاکمیت ملیت‌ها: علی‌مقدم.
حساب رسی مالیاتی: نصرت‌الله طلایی.
حق وتو: ا. خدابنده.
حقوق اداری: نعمت‌عبدالحمیدالسعید.
حقوق‌اداری: (تهران دانشگاه) منوچهر طباطبایی مؤتمنی.
حقوق اساسی ایران: احمد عراقی.
حقوق اسلامی شامل وظایف فردی و اجتماعی: علی‌اکبرناصری.
حقوق اساسی یاآداب مشروطیت اول: محمدعلی فروغی.
حقوق اساسی یا اصول مشروطیت: منصورالسلطنه سیدمصطفی‌حسینی‌عدل.
حقوق بشر: احمد جواهری بروجردی.
حقوق بشر وسیر تکامل آن در غرب: مهدی ابوسعیدی.
حقوق بشری و اساس سیاست مملکت: سیدابراهیم‌منقح یمین‌السلطنه.
حقوق بین‌الاسلام: علی‌اکبروزیرنظام.
حقوق بین‌الملل اسلامی: جلال‌الدین فارسی.
حقوق‌بین‌الملل‌خصوصی‌تعارض‌قوانین: ارسلان عقیلی خلعتبری.
حقوق بین‌المللی: عیسی‌صدیق اعلم.
حقوق بین‌المللی‌عمومی: ترجمهٔ مشیر‌الملك مهدی‌آذربایجانی.
حقوق تجارت: محمدعلی عبادی.
حقوق جزاء: سرهنگ علینقی‌شایانفر.
حقوق جزایی: علی‌اکبرداور.
حقوق جزا وجرم شناسی: دکترعلی‌صدارت.
حقوق جنایی: دکتر عبدالحسین علی آبادی.
حقوق دراسلام: دکتر مجید خدوری، ترجمهٔ زین‌العابدین‌رهنما.
حقوق در ایران باستان: ارسطو افلاطونی.
حقوق دریایی و هوایی: (تهران دانشگاه) حسن‌ستودهٔ تهرانی.
حقوق دول وملل: حاج‌سید رفیع‌الدین طباطبایی تبریزی.
حقوق روم، تعهدات: منصورکیهانی.
حقوق زن در اسلام و جهان: یحیی نوری.
حقوق عام ملل: دکترعلی حکمت.
حقوق‌عمومی‌واداری: دکترزین‌العابدین شیدفر.
حقوق‌کار وبیمه‌های اجتماعی: فرهنگ مهر.
حقوق‌کار وبیمه‌های اجتماعی: (تهران دانشگاه) شمس‌الدین جزایری.
حقوق کار وصنعت: دکترزین‌العابدین شیدفر.
حقوق مدنی زوجین درزمان زناشویی دایم ازنظر قرآن: محمد باقرمحقق.
حقوق نظامیه: حاج سید رفیع الدین

طباطبایی تبریزی .
حقوق وروابط بین‌الملل : دکترعباس قره‌باغی وسروان‌حسین‌پرنیان.
حواشی مختصری در اطراف لایحهٔ قانون‌بازرگانی‌وقانون‌تجارت: ابوالبشر فرمانفرمابیان .
دفاع جامعه در مقابل جرم و مجرم : (دانشکدهٔ حقوق، تهران) حافظ ایمن .
دفاع مشروع : «رسالهٔ دکتری» عباس باقری .
دیوان عالی‌کشور آمریکا : جرالد . و. جانسن. ترجمهٔ:احمد شریعت .
دورهٔ حقوق اداری علمی در ممالک مختلفه: ترجمه غلامرضا بختیاری .
دورهٔ کامل قانون مدنی : (امیرکبیر ، تهران.) گردآورنده. انورحمیدی.
دورهٔ کامل‌قانون‌مدنی‌وقانون دادرسی مدنی : محمود ناجی .
راهنمای ارث: عبدالله خایفی‌گیلانی .
راهنمای قوانین تاآخر سال ۱۳۳۴ : علی‌اشرف مهاجر.
رساله دراحکام مواریث: شریف‌اسمعیل موسوی .
رموز استنطاق : رضالطفی تبریزی .
روح‌القوانین : (امیرکبیر ، تهران) ترجمه ونگارش، علی‌اکبرمهتدی .
روش دادرسی: خلیل‌بن اسدالله صبری.
زن درحقوق ساسانی: کریستیان‌بارتمله ترجمهٔ:ناصرالدین‌صاحب‌الزمانی .
سازمان مدنی ایران : ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا .
سازمان اداری حکومت صفوی : خلیل‌بن اسدالله تمدن .
سیاست جزایی (فارسی و فرانسه) : دکتراحمد متین دفتری .
سیرتکاملی‌حقوق: علی‌همدانی .
سیر روابط وحقوق بین‌الملل تا عصر حاضر: احمد متین دفتری.
سیرقهقرایی‌دراجرای‌مفاد اسنادرسمی: ابوالقاسم حبشی .
شرح قانون مجازات عمومی : سیدعلی حایری شاه‌باغ .

شرح قانون مدنی (۳ جلد) : سید علی حایری شاهباغ .
صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری (دیوان لاهه): محمد خاوری .
عول و تعصیب : (دانشگاه تهران) عبدالرحیم نجات .
فهرست قوانین و آیین نامه‌ها وغیره : احمدکمانگر .
قانون‌اساسی‌بامتمم‌آن: ابوالحسن‌سپاه‌منصور .
قانون اساسی ومتمم‌آن: فتح‌الله‌یاوری.
قانون جزا : علی‌اکبر داور .
قانون جزایی: احمدکمانگر .
قانون چیست: احمدقاسمی.
قانون دادگری : سید احمد حسینی کسروی تبریزی .
قانون‌کار وبیمه‌های اجتماعی وقانون سهیم‌کردن‌کارگران‌درمنافع‌کارگاههای تولیدی‌وصنعتی‌تاپایان‌شهریور۱۳۴۲ : (امیرکبیر ، تهران) گرد آورنده : ابوالقاسم تفضلی.
قانون‌کاروقانون بیمه‌های اجتماعی : گردآورنده: فریدون‌کار.
قانون‌کار وقانون بیمه‌های اجتماعی : گردآورنده : منوچهروکیل منفرد.
قانون مجازات عمومی : ابوالقاسم فروهر.
قانون مجازات‌عمومی : سیدمحمد رضاجلالی‌نایینی.
قانون مدنی : محمد ناجی.
قرارداد اجتماعی: (۲ جلد). ژان‌ژاک‌روسو، ترجمه غلامحسین زیرکزاده.
قرارداداجتماعی : روسو، ترجمهٔ‌میرزایدالله مایل‌تویسرکانی.
قضا و شهادات و محاکمات حقوقی اسلامی : حاج سید اسدالله میرسلامی خرقانی.
قوانین اصول محاکمات حقوقی: احمد کمانگر.
قوانین ایران: مجموعهٔ مقررات‌دریایی. به اهتمام ، ایرج شعبانخانی.
قوانین ایران: «مجموع‌قوانین تجاری». (امیرکبیر ، تهران) زیرنظر: محمدتقی دامغانی.
قوانین ایران : «دورهٔ کامل‌قانون‌مدنی» گردآورنده : محمودناجی.
قوانین ایران : « آیین نامهٔ داخلی مجلس شورایملی» مجلس شورایملی.
قوانین‌ایران: «آیین‌نامهٔ‌تأسیس‌چاپخانه وگراورسازی». وزارت اطلاعات.

قوانین فرانسه : لئوپولدمابیلر، ترجمهٔ حشمت‌السلطان محمدعلی رکن‌الدوله .
قوانین‌مالیه‌ومحاسبات عمومی‌ومطالعهٔ بودجه‌ازابتدای‌مشروطیت : دکترسید شمس‌الدین جزایری.
قوانین‌موقتی محاکمات‌تجارت: محمدعلی فروغی
قوانین و آیین نامه‌های کارشناسان دادگستری : رضاسیدحسینی.
قول فصل دروقف و وصل : میر آقا صاحب سید مصطفی نقوی نصیرآبادی.
قوهٔ مقننه وقوهٔ قضاییه : (نظری به تاریخ حقوق ایران و سازمانهای قضایی تا شهریور (۱۳۴۱) علی‌پاشاصالح.
کتاب ارث : سیف‌الدین دیزجی‌زنجانی.
کلیات حقوق : سرهنگ علی نقی شایانفر.
کلیات حقوق : دکترامیرشیلاتی .
کیفرکردار یا قانون مجازات : محمدتقی مقدم.
گامی دیگربسوی‌صلح جهانی ازطریق قانون: حمیدوارسته .
گفتارها دربارهٔ حقوق آمریکا : علی طباطبایی قمی .
مالکیت و تجدید آن در اسلام : حسن مرتضوی .
مبادی و اصول علم دهداری : دکتر ضیاءالدین ابوالضیاء .
مبانی حقوق : دکترموسی جوان.
مجموعهٔ تکمیلی قوانین مالیاتی : روح‌الله وهمن .
مجموعهٔ رویهٔ قضایی استخدامی : دکتر احمد متین‌دفتری .
مجموعهٔ رویهٔ قضایی جزایی : دکتر احمد متین دفتری .
مجموعهٔ رویهٔ قضایی حقوقی : دکتر احمد متین دفتری.
مجموعهٔ رویهٔ قضایی قسمت کیفری : دکتر احمد متین دفتری.
مجموعهٔ قانون‌کار : (امیرکبیر، تهران) گردآورنده: ابوالقاسم تفضلی.
مجموعهٔ‌قوانین : محمد علی‌میرسعیدی.
مجموعهٔ قوانین استخدامی : احمد کمانگر.
مجموعهٔ قوانین تجاری : (امیرکبیر، تهران) گرد آورنده : محمد تقی‌دامغانی .

مجموعهٔ قوانین جزایی : احمد کمانگر.

مجموعهٔ قوانین حقوقی : مؤلف و گرد- آورنده: احمد کمانگر.

مجموعهٔ قوانین مالیات بر در آمد : نصرالله طلایی.

مجموعهٔ قوانین و آیین نامه‌های محاکمات اداری: «مربوط به فرهنگیان ، پزشکان، کارمندان رسمی (صاحبان رتبهٔ اداری)، پیمانی ، دون‌پایه ، روزمزد، تلفنچی‌ها، رانندگان وخدمتگزاران جزء.» وزارت آموزش‌وپرورش‌تهران، ۱۳۴۳ .

مجموعهٔ قوانین ومقررات وبودجه و محاسباتی : «که از امرداد ۱۳۴۳ به تصویب‌رسیده ، شامل قوانین‌مالی‌وآیین- نامه‌های معاملات واموال و رسیدگی به حسابها» گردآورنده . روح‌الله وهمن .

مجموعهٔ مقررات دریایی: «شامل‌قانون دریایی ایران ، حقوق وعوارض بندری» گردآورنده: ایرج شعبانخانی.

محاکمات : قطب‌الدین رازی .

محاکمات عدلیه وپلیس: آصف الوزاره اسمعیل‌آصف تبریزی .

محاکمات‌فوری: دکتراحمدمتین‌دفتری.

محیط حقوقی مناسب برای توسعهٔ اقتصادی : «مستخرج ازسخنرانی مورخ نهم‌خردادماه ۱۳۴۳ درتالار بانک‌مرکزی» جلال عبده .

مراجع‌جزایی‌انگلستان: موریس‌شلدون- اموس ، ترجمهٔ نصرالله وقار.

مراجع‌رسیدگی‌وزارت‌کار: تقی‌هنرور- شجاعی .

مشکلات قضایی : ابراهیم‌کاویان .

مصونیتهای قانونی : دکتر مسعود انصاری .

مطالعات نظری وعملی درحقوق‌جزا : پی‌یر گارو. ترجمه‌و تطبیق بوسیلهٔ ضیاءالدین نقابت.

مفاسددادگستری راچگونه بایداصلاح کرد: عزیزالله مرتاض.

موازین قضایی‌حقوق جزایی اداری : موسی شهیدی مازندرانی.

میراث : حاج شیخ مهدی نجم‌آبادی .

میراث اسلام : ترجمهٔ دکتر مصطفی علم .

نقش دبیرکل سازمان ملل متحد : منوچهر معیری .

واردات‌وصادرات،مقررات‌عمومی سال ۱۳۴۳ : (آرشیو کیهان ، تهران)

وصیت‌نامهٔ شرعی وقانونی : شیخ‌محمد رضا اعدادی خراسانی.

هبه و وصیت : دکترموسی عمید.

تاریخ

فرق قصه وافسانه باتاریخ.

افسانه وقصه، ادبیات ابتدایی بشر است ودرافسانه وقصه‌زمان ومکان درست رعایت نمی‌شود و ممکنست شخصیت ها وجود خارجی‌نداشته باشند امادر تاریخ باید زمان ومکان واشخاص مشخص‌باشند واگرزمان ومکان‌درست نباشداما اشخاص وجود خارجی‌داشته‌باشند آن‌وقت افسانه- های تاریخی خواهد بود .

تاریخ‌امروزی‌ما نیز بیشتر با افسانه‌ها وسرگذشت ملتهـا و کارهـای قهرمانی جنگجویان که برخی‌از آنها ساختگی‌است آمیخته شده است .

برخی از گذشتگان عقیده داشتند که تاریخ خارج ازحیطهٔ اراده واختیار آدمی‌است وخواهی نخواهی سیر خودرا درپیش‌دارد وبرخی دیگر مثال‌زده‌اند: که‌تاریخ‌مانندیك ماشین‌خودكار وخودرو است‌که حتی بی راننده وقهرمان به‌پیش میرود. **ژان‌پل سارتر** برخلاف این نظر میگوید: «تاریخ‌یك ماشین خودکاروبی- راننده‌نیست‌وبتنهایی‌استقلالی‌نداردو بلکه هرچه ما بخواهیم‌تاریخ همان‌خواهدشد .»

اساس‌این‌دونظرمتکی برهمان‌فلسفهٔ جبرواختیار است‌که برخی عقیده دارند تاریخ زادهٔ ارادهٔ ماست و برخی دیگر میگویند جبرتاریخ‌اجتناب ناپذیراست .

اینکه گروهی عقیده دارند تاریخ مانندسرنوشت مقدراست بعقیدهٔ من این عقیده ناشی‌ازاعتقادات خرافی گـذشته است که اساس و مبنای علمی ندارد .

پس **تاریخ چیست ؟**

اگربخواهیم‌بگوییم تاریخ چیست‌با آنچه درگذشته‌دربارهٔ تاریخ گفته‌و نوشته‌اند فرق میکند وبسیاری ازتاریخهای‌بظاهر معتبر رابا‌ید به‌آب افکند.

منظوراز تاریخ در گذشته بیشتـر زندگی شاهان وجنگاوران بود وبرخی ملتهای ضعیف برای جبران این نقیصه کوشیده‌اند برای خود مردان نیرومندو پر قدرت تاریخی بسازنـد و یکـی از گرفتاریهای امروزجهان آن‌است‌که‌این قهرمانان ساختگی را شناخته واز متون تاریخ جهان کنار بگذارند .

درگذشته وجود تاریخ وشناختن‌آن وداشتن مردان جنگجو ودلاور وسیله‌ای برای تفاخر و مباهات اقوام وملل بوده است‌ازاین‌رو آنها که‌نداشته‌و نمیدانسته‌اند بوسایل گوناگون برای‌خود نسبت‌نامه‌ها وقهرمانان‌داستانی‌ومردان‌دلاوروجنگجو ساخته‌اند چنانکه **فیلیپ سن‌لویی** پادشاه فرانسه گفته : «کشوری که‌تاریخ ندارد آن کشور بمنزلهٔ مرده است» . مفهوم این عقیده درمیان مللواقوام گوناگون ازدیر باز وجود داشته وآنهاکه‌تاریخ و قهرمان نداشته‌اند کوشیده‌اند برای‌خود قهرمانی تاریخی‌بسازندوازاین‌روموجبات آشفتگی‌تاریخ جهان رافراهم‌ساخته‌اند .

وجود افسـانه هـای قهرمـانی و جنگاوران‌برای‌ملتهادر گذشته‌باندازه‌ای مهم بوده‌که‌آنهاکه داشته‌اند بدان‌فخرها کرده‌ورجزها گفته‌اند وآنهاکه‌نداشته‌اند احساس ضعف وحقارت کرده ونـاگزیر گشته‌اند برای خودبسازند . روی همین اثر مهم است کـه **اگوست کنت** گفته است : «مردگان بر زندگان حکومت میکنند» وبسیاری از پادشاهان بزرگ وجنگاوران‌پس‌ازمرگ‌نیز برافکارودلهای مردم حکومت داشته‌اند . **ولتر**میگوید: «تاریخ‌کتاب شاهان است» . اما **دیدرو** میگوید: «تاریخ‌شناسایی‌پادشاهان‌واساطیر ملل‌است» وبرای‌همین‌منظور درگذشته ، زندگانی شاهان ایران رابطور منظم در روزنامه‌ها وخداینامه‌ها وشاهنامه‌ها ضبط می‌کرده‌اند .

آناتول فرانس میگویـد : «تاریخ عبارتست ازبیان وتوصیف کتبی حوادث واتفاقات گذشته» . البته مقصود من‌این نیست که‌این طرز تاریخ‌نویسی رابیاموزم بلکه منظورآنستکه تاریخ‌شناخته شود و شرایط‌ومفهوم‌یك‌تاریخ‌خوب‌دانسته‌گردد.

چنانکه‌باز آناتول‌فرانس میگوید : «اگر می‌بینید تاریخ نویس تنها بمدارك واسناد موثق اعتماد دارد نه‌از آنست‌که بخواهدبتاریخ‌جنبهٔ‌علمی دهد بلکه‌تاریخ نوعی‌صنعت است ورجوع‌و اعتمادبمدارك موثق ازآنجهت‌است‌که‌پیروزی درنوشتن یك واقعهٔ‌تاریخی آن‌وقت پیدا میشود‌که بتخیلات وتصورات نسبت داده میشود و اگراین تخیلات با مدارك درست ومتقن همراه باشدنکته سنجان زبان به‌انتقـاد نویسنده نمی‌گشایند».

علامه محمد بن آملی صاحب **نفایس الفنون فی عرایس العیون** در تعریف علم سیر و تاریخ چنین می گوید: «علم تاریخ و سیر تاریخ دو علمند یکی مخصوص به کمیت اعمار و مدت دولت و انبیاء و ملوك و ارباب ملك و دوم مخصوص به کیفیت احوال و طریقت هریك ، اما بنابر آنکه بحسب شهرت مجموع را تاریخ خوانند و همه را در يك سلك کشند و مقصود ازاین دو علم پند و اعتبار است نه استحضار قصد و اخبار تا اولوالابصار بدانند که این حشمت و مال و نعمت و اقبال از بزرگان بسیار و سروران بیشمار یادگار است .»

بیشتر مورخان اسلامی تاریخ ملوك را با تاریخ انبیاء یکی نوشته اند و این مطلب میرساند که دین شناسی از تاریخ جدا نبوده و ملل و نحل را به یکجا بحث کرده اند .

اما امروز تاریخ مفهوم وسیعتری یافته و گذشته از زندگی ملتها و مذاهب و سرگذشت پیغمبران و فرمانروایان و جنگجویان ، سیر تحول زبان و خط و دین و دانش و هنر بشری نیز شایان توجه است و بگفتهٔ صاحب نفایس الفنون تاریخ تنها برای پند و اعتبار و آگاهی از سیر ملوك و انبیاء نیست بلکه برای شناسایی سیر دانش و دانایی و بینش بشری نیز هست .

آیا منظور از اینهمه تاریخ که نوشته شده چیست ؟

تاریخ ، امروز بیشتر جنبهٔ افسانه ای و قهرمانی و رجزگویی پیدا کرده است چنانکه سرگذشت داریوش و دارا و اسکندر و شاپور و چنگیز و تیمور از نظر ملل مختلف یکسان نیست .

برخی تاریخ گذشته را برای پرورش روح پهلوانی و جنگجویی یا اقناع حس کینه توزی و انتقامجویی نوشته و پرداخته اند و گاهی ملتی برای خود قهرمانی مانند رستم و اسکندر ساخته و درست کرده است اینست که باید گفت تا هدف تاریخ روشن و آشکار نباشد درستی و مفهوم آن پدیدار نمیشود .

شاید تاریخ واقعی هنوز پدید نیامده باشد زیرا وقتی به تاریخ میتوان علم گفت که مطلق باشد نه نسبی، یا بگفته دیگر در همه جای دنیا و هر کجا نسبت بآن یکسان بیندیشند و دربارهٔ وقایع گذشته همه کس یکسان داوری کنند ، زیرا در علم انتفاع اشخاص و ملتها ملحوظ نیست بلکه در تاریخ امروزی ملتها و دینها انتفاع میبایند و متأسفانه اغراض نژادی و ملی و دینی و سیاسی مانند پرده های تاریك و ضخیمی روی حقیقت حجاب افکنده است .

ابومعشر چنین گوید : «که بیشتر تواریخ فاسد است از جهت آنکه روزگار دراز آنرا در یافتست و چون از لغتی و نوشته ای با دیگر لغت تحول کرده اند و تفاوت افتاده است و ناقلان سهو کرده اند چون جهودان را که با یکدیگر اختلافست » .

ولتر میگوید : « برای آنکه بتوان تاریخ خوب نوشت باید در يك کشور آزاد زندگی کرد .» منظور آنست که نویسندهٔ تاریخ نباید از نظر دوستی و دشمنی کشور حتی با تاریخ حب و بغض داشته باشد .

آیا تاریخ هر ملتی را باید خود آن ملت بنویسد تا قابل اعتماد باشد ؟

نه خیر، پس باید دشمنانش بنویسند؟ چه بهتر است که تاریخ را آنانکه بینا و آگاه و بی غرض هستند بنویسند چه خودی و چه بیگانه . اما متأسفانه غالب تاریخ نویسان غرض داشته اند و يك هدف این مقاله آشنایی با اغراض آنان می تواند باشد.

ازاینرو در تاریخ باید بینا بود و تحقیق نمود و تنها به نقل قول نباید اکتفا کرد .

کنت دوگوبینو يك فرانسوی بی غرض بود که تاریخی برای جهان و نابرابری نژاد های انسانی نوشت که حقایقی بزیان کشور او داشت و هم میهنان وی از گوبینو خوششان نیامد و آثار او را در همان زمان تحریم کردند .

همچنین **ولتر** مطالبی علیه کلیسا و یهود و نکاتی دربارهٔ دین زرتشت روی بی نظری نوشت که موجب طعن و لعن کلیسا شد .

بر عکس بسیاری از کسان تاریخ نوشته اند که بظاهر بی طرف بوده و غرض خود را پنهان کرده اند اما منظور آنان گنجاندن مقاصد و اغراض خاص در تاریخ بوده است .

آیا اصلا تاریخ برای بشر لازم است ؟

گرفتن تاریخ از ملتها مانند آنستکه گذشته را از آدمی بگیرند و وضع آدمی که گذشته را از او بگیرند از لحاظ روانی امروز سنجیده شده است و گرفتن گذشته از ملتی، وضعی مشابه برای آن ملت خواهد داشت . اما گاهی این عقیده در میان ملتهایی که تاریخ کهن ندارند دیده شده که تاریخ لازم نیست ؟

پس تاریخ را چه کسانی باید بنویسند ؟

باز میتوانیم از عقاید دیگران استفاده کنیم . **ارنست همینگوی** نویسندهٔ معاصر آمریکایی میگوید: «نویسندهٔ واقعی آن است که پیش از آنکه مردم را بشناسد خود يك آدم واقعی باشد ».

بنا بر این نویسندهٔ تاریخ باید آگاه و بینا و بی غرض باشد . تاریخ نگار باید مانند عکاس باشد کـه از مناظر واقعی و طبیعی عکس بردارد نه از آنچه صحنه سازی شده است .

گوستاو لوبون میگوید : «کسیکه ثمرات اخلاقی و روحی ملتی را نداند تاریخ ملت در نظرش يك مشت حوادث پریشان و وقایع بی ترتیب جلوه میکند .

هنوز غالب تاریخ نویسان نمی دانند مبانی تاریخ چیست و چگونه باید تاریخ نوشت و مجازاتی برای گمراه کنندگان تاریخ تاکنون درکار نبوده است. تاریخ های گذشته یا فرمایشی و برای خوشایند کسان و فرمانروایان نوشته شده و یا روی غرضهای شخصی یا آنکه کسانی ندانسته آلت اجرای مقاصد خاصی در نوشتن تاریخ قرار گرفته اند .

برخی تاریخ را برای شخصیتهای بزرگ نوشته اند و برخی دیگر کوشش کرده اند مردان تاریخی و توانا بسازند و گروهی از جماعات مرده و بی زبان هم گذشت نکرده اند . گذشته از تاریخ حتی امروز در نمایشنامه و سناریوهای تاریخی و دینی هم تحریف و تخریب روا داشته اند بنا بر این تاریخ چون آیینهٔ تمام نمای احوال و حوادث اعصار و قرون است که موجب آگاهی بگذشته و تنبیه برای آینده گردد .

باید گفت شاخ و برگ برای تاریخ لازم است چنانکه هیچ صحنهٔ طبیعی یـا ساختگی بی شاخ و برگ نمی تواند باشد اما این شاخ و برگ تا اندازه ای لازم است که قلب ماهیت نکند و اصل و ریشه را از میان نبرد چنانکه اگر در يك صحنهٔ عکس برداری بوته گلی باشد بسیار زیباست اما اگر این بوته گل جلوی چهرهٔ کسی را که از او عکس گرفته اید بگیرد آن عکس فاقد ارزش خواهد شد .

این شاخ و برگ همان مطالبی است که گاهی برای تزیین در تاریخ نگاری بکار می‌رود و آنرا Embellir d'une histoire گفته‌اند و همانست که تاریخ را بکام ما شیرین میکند .

اما فرق است میان افسانه و شاخ و برگ و تزیینات با جعل و ساختن تاریخ ، وانگهی اگر قرار باشد که تاریخ بسازیم چرا اینکار در انحصار عده‌ای خاص یا مذهب و ملت و مردم و شخصی تنها باشد و دیگران که صلاحیت بیشتر دارند چنان نکنند؟ حرف سر آنست که اینکار اصولا زشت و نارواست .

نوشتن تاریخ برای یك ملتی از عهدهٔ یکی دو نفر بیرون است . این کار را باید هیئت های صلاحیتدار با بی‌غرضی انجام دهند و زمان و وسایل و آگاهی بسیار می‌خواهد و بر جویندگانست که بدنبال حقایق بروند و به مآخذ و مدارك معتبر دست یابند .

میشله میگوید: « برای آنکه تاریخ تا ابد دروغ باشد کافیست که یك نفر حقایق را کتمان کند .» وقتی همه کتمان کنند و قلب ماهیت نمایند، آنگاه تاریخ چه خواهد شد ؟

لوتر میگوید : « دروغ مانند برف است هرچه آنرا بغلتانند بزرگتر میشود.»

بنابراین نداشتن و ندانستن تاریخ آنقدر مهم نیست که ساختن و پرداختن تاریخ غلط و گمراه کننده .

این نکته تنها دربارهٔ تاریخ ایران نیست بلکه دربارهٔ تاریخ جهان نیز صادق است زیرا تاریخ ایران با تاریخ جهان بستگی دارد و تاریخ و تمدن گذشتهٔ جهان بویژه با تاریخ و تمدن ایران و هند و چین ارتباط دارد ، چنانکه تاریخ و تمدن جدید با تاریخ و تمدن اروپا و آمریکا مرتبط است پس بهتر است اول تاریخ را بشناسیم .

اما باید دانست هرگز در گذشته مردم تاریخ را بعنوان یك علم ثابت و جامع نمیدانستند. بلکه بسیاری از نویسندگان و ملتها آنرا پدیدهٔ قصه و سرگذشت و افسانه دیده‌اند و برای سرگرمی و اشتغال خاطر آنرا ضبط و نقل کرده‌اند. حال اگر در برخی از کتابهای کهن و اصیل عصری با عصر دیگر اشتباه یا تاریخ حکومت سلسله ای بنام شخصی بطور اغراق آمیز ضبط شده یا وقایع تاریخی منظم و مسلسل ضبط نگشته یا اشخاص دوره‌ای در دورهٔ دیگر آمده و سلسله‌ای با سلسلهٔ دیگر اشتباه شده و پس و پیش گشته پس نباید موجب شگفتی گردد و یکباره روی اینگونه اسناد تاریخی خط بطلان کشید و آنها را یکباره افسانه و داستان محض دانست .

شاید توجه پیدا شود که شاهنامهٔ فردوسی نیز چنین است .

مقصود آنستکه در تاریخ نگاری توجه باین مطلب لازم است و نمی‌توان گفت اگر در یك اثر اصیل و کهنسال چنین آشفتگی باشد دلیل نادرستی مندرجات آن میتواند باشد ، چنین اثری را نمیتوان بکلی طرد کرد و کنار گذاشت . بنابراین باید گفت افسانه در تاریخ نگاری خود نقشی دارد و یکی از مآخذ تاریخ گذشته تا اندازه‌ای افسانه و روایات است . اما این مسایل دشوار است که مغرضان آنها که تاریخ نوشته‌اند ، روی چند اشتباه از اینگونه، میگویند افسانه است اما خود که افسانه نوشته‌اند اصرار دارند که بگویند تاریخ است .

دربارهٔ تاریخ نگاری آناتول فرانس میگوید :« باید دید چگونه تاریخ نگار درمیان هزاران واقعه برخی را برمیگزیند و برخی را فرو میگذارد .» و جای دیگر مینویسد : « تاریخ نگاری چون نقاشی ماند که نگارنده همه جا سلیقهٔ شخصی و ذوق هنری خویش را مقدم میدارد ... »

مقصود من از نقل این عقاید و ذکر این سخنان آنستکه مفهوم تاریخ نگاری در گذشته و حال در نظر روشن شود .

پس معلوم شد در گذشته بیشتر تاریخ را از جنبهٔ افسانه و قصه و سرگذشت نگاه میکردند و اگر تاریخی باین صورت نوشته شده باشد و اصیل باشد میتوانند مورد استفاده باشد .

با آنچه دربارهٔ تاریخ نگاری گفته شد در گذشته میگفتند که زمانشناسی و جغرافی دو چشم تاریخ است و اگر این دو نباشد تاریخ با قصه و افسانه اختلافی نخواهد داشت.

این عقیدهٔ نویسندگان پیشین بود ولی بعقیدهٔ ما این دو کافی نیست بلکه دو رکن دیگر باید بر آن افزوده شود یکی زبانشناسی و دیگری دین شناسی تا ارکان چهارگانهٔ تاریخ کامل گردد.

اگر زمان و مکان تاریخی درست نباشد آن تاریخ قصه و افسانه است.

در تحلیل وقایع تاریخی ، زمان و مکان دو عامل مهم بشمار میرود اما اگر در اثری این دو رعایت نشده باشد و از جهت زبانشناسی نیز آن اثر ساختگی نباشد از اینگونه نوشته‌های تاریخی هم گاهی میتوان استفاده کرد .

فایدهٔ زبانشناسی در تاریخ چیست ؟

فایدهٔ زبان شناسی در تحقیق تاریخ و اصالت اسناد بسیار است . زبان مانند يك میزان دقیق و درست برای سنجش مطالب تاریخی است، چنانکه ما از روی واژه‌ها و جمله بندی کتب میتوانیم بزمان و اصالت و قدرت نوشته‌های تاریخی پی ببریم یا با شناسایی ریشه واژه ها و وجود اصطلاحات ، تاریخ فرهنگ و علوم را در میان ملل بررسی کنیم.

چنانکه اگر مردمی واژه‌ای را نداشته باشند معلوم است که آن چیز یا علم را نداشته‌اند. بطور مثال يك ایرانی یا ترك و تازی نمیتوانند بگویند تلگراف، تلفن و تلویزیون از افتخارات و اختراعات اوست برای آنکه حتی واژهٔ آنرا نداشته است و اگر واژهٔ نوینی برای آنها وضع کنند باز از نظر قدمت وصحت مورد تردید واقع میشود .گاهی وجود يك واژه درزبانی از وجود آثار و خرابه‌های باستانی بیشتر به روشن‌شدن تاریخ دین و دانش و خط و هنر و فرهنگ كمك میکند و این مطلب در شناسایی تاریخ گذشتهٔ جهان اهمیت بسزا دارد و از ارکان مسلم تاریخ بشمار است.

فایدهٔ دین‌شناسی در تاریخ جهان چیست؟

دین شناسی نیز مانند زبان شناسی یکی از ارکان تاریخ است، امروز بسیاری از مغرضان تاریخ کوشیده‌اند مجرای تاریخ را از مجرای تعصبات دینی ساخته و پرداخته سازند و این غرض بعد از زرتشت پدید آمد و کسانیکه میخواستند از بشارتهای او استفاده کنند تاریخ را از لحاظ زمان‌شناسی دستخوش اغراض خود ساختند . **مانی** کسی بود که با تغییر در مبداء تاریخ و زمان از بشارت استفاده کرد و نویسندگان و کسانی که خواسته‌اند مبنای آفرینش و خط و زبان و تمدن را روی احادیث دینی و پیشگوییهای مذهبی بگذارند از این گروهند.

در بسیاری از تاریخها دیده میشود که آخوند یا کشیش متعصبی کوشیده است اساس وقایع و حوادث تاریخی را بر حدیث یا نقل قول جبرییل و امام و پیغمبری گذارد

وحتی مبداء تاریخ پیدایش خط وزبان‌و ملل واقوام را .

پس اگرغرض‌دینی نویسنده‌ای‌برما معلوم نباشد رد و قبول نوشته‌های اوبر ما دشوار است و حقایق تـاریخی را با احادیث واخبار نباید تعریف‌کرد بلکه بایدکوشیدکه از اینجهت دچارگمراهی نشویم.

از اینروبی‌غرضی نویسنده ازجهت تعصبات دینی وملی نیزدرصحت واصالت تاریخ اثر بخش است و بطورکلی برای درستی تاریخ بایدارکان چهارگانـهٔ‌آن درست باشد ، وچنانکه‌گفته شد تـاریخ تنها شرح زندگانی جنگجویان‌وشاهان‌و فرمانروایان نیست‌بلکه تاریخ‌زبان‌وخط وهنرودین ودانش فرهنگ هرقوم اساس تاریخ‌آن قوم‌است ودرتاریخ‌نگاری‌توجه به تاریخ پیدایش‌خط‌وهنرودین‌وفرهنگ و دانش‌مهمتراز حوادث ووقایعی است‌که جنگجویان پدید آورده‌اند . بنابراین آگاهی ازتاریخ‌فرهنگ‌وعلم‌ودین‌گذشته و تاریخ معاصرمهمتراز آگاهی از تاریخ بابل وکلده وآشور است ونباید تـاریخ ملل داستانی اززندگی شاهان به‌نسلهای آینده منتقل شود بلکه‌تاریخ بایدحاوی اطلاعاتی ازنهضتهای فکری و معنوی و دینی بشری باشد.

مجید یکتایی «مجلهٔ بررسی هـای تـاریخی»

سیر تاریخ

علمی‌که سیرتکامل اجتماعات‌بشری باتوجه به نظام اقتصادی واجتماعی‌مورد مطالعه قرار می‌دهد . بزرگانی چون : **هرودت ، پلوتارك ، گزنفون وتاسیت** ازپیشقدمان تاریخند، که یـاد داشتهای پرارج‌آنها در روشن‌کردن گذشته دور وزندگی ابتدایی وآغازتمدن فوق‌العاده سودمند است .

دربیان تاریخ‌آرای‌گوناگونی‌وجود دارد، که‌گاهی تحول زندگی اجتماعی ، گاهی فعالیت رهبران اقوام و یا روایت اتفاقات‌ووقایع رامبنای‌آن‌قرارداده‌اند.

شاید قدیمی‌ترین اسناد تاریخی‌را همان سنگ نبشته‌ها باید دانست.

برای اولین بار **هرودت** رسماً به تألیف تاریخ پرداخت.

دوره‌های مهم تـاریخ عبارتند از : نظام‌اشتراکی‌اولیه، برده‌داری، فئودالیته، سرمایه‌داری وسوسیالیسم.

خلاصهٔ تاریخ ایران

سلسله	سرسلسله	آخرین شاه	قرن	پایتخت	منقرض کننده
پیشدادیان	کیومرث	گرشاسب	—	—	کیقباد
کیانیان	کیقباد	گشتاسب	—	—	اسکندر ذوالقرنین
کادوسیان	—	—	—	—	—
کاسپیان	—	—	—	—	—
کوتیان	ایمنا	تی‌ری‌کان	هزارهٔ دوم‌وسوم‌قم	کردستان	اتوخ‌گال
مان‌نا	—	—	هزارهٔ اول قم	جنوب اورمیه	مـاد
سکاها	ایش‌پاکای	—	قرن ۸ و ۷ قم	آذربایجان	کیاکسار
کاسیان	اکوم	—	هزارهٔ دوم قم	بختیاری	—
لولوبیان	—	—	هزارهٔ سوم	مغرب‌ایران	ماد
ماد	دیوکس	ایختوویکو	(قرن ۷قم)	همدان	کوروش‌کبیر
هخامنشی	کوروش‌کبیر	داریوش سوم	(قرن ۷ـ۴ قم)	پازارگاد	اسکندر مقدونی
فرته‌کارد	—	—	(قرن۴قم)		—
سلوکیان	سلوکوس	انتیوخوس سیزدهم	(۳ـ قم)	سلوکیه‌انطاکیه	رومیان
اشکانیان	ارشك	اردوان پنجم	(۳م‌ـ۳قم)	نیسایه‌تیسفون	اردشیر بابکان
ساسانیان	اردشیربابکان	یزدگرد سوم	(قرن ۳ـ۷م)	تیسفون	مسلمانان عرب
قارن‌وند	قارن‌بن سوخرا	مازیار	(۲۲۴هق‌ـ۵۰قه)	طبرستان	معتصم
خلفای راشدین	ابوبکر	علی (ع)	(۱۱ـ۴۰هق)	مدینه،کوفه	خوارج
دابویان	گیل‌گاوباره	خورشید دوم	(قرن ۱ـ۲هق)	طبرستان	—
پادوسبانان	پادوسبان	استندار	(قرن ۱ـ۴هق)	نوروکجور	—
سغدیان	اخشید	دیواشتی	(قرن ۱ـ۲هق)	سغد	تازیان مسلمان
جستانیان	مرزبان	—	(قرن ۲ـ۴هق)	رودبار	—
امویان	معاویه	مروان حمار	(قرن ۱ـ۲هق)	دمشق	ابومسلم خراسانی
عباسیان	سفاح	مستعصم	(قرن ۲ـ۷هق)	بغداد	هولاکوخان
روادیان	روادبن مثنی‌ازدی	زن اتابك خاموش	(قرن ۲ـ۷هق)	آذربایجان	جلال‌الدین شاه
ساجیان	ابوالساج	ابوالمنصورفتح	(قرن ۳ـ۴هق)	آذربایجان	عباسیان
سالاریان	مرزبان	ابوالهیجا	(قرن ۴هق)	آذربایجان	رواد
کنگریان	محمد	—	(قرن ۴ـ۵هق)	تارم	—

خلاصهٔ تاریخ ایران

سلسله	سرسلسله	آخرین شاه	قرن	پایتخت	منقرض شده
طاهریان	طاهربن حسین	محمدبن طاهر	(قرن ۳هق)	نیشابور	یعقوب لیث
بنی‌دلف	ابودلف	—	(قرن ۳هق)	همدان	عباسیان
صفاریان	یعقوب لیث	خلف‌بانو	(قرن ۳هق)	زرنج سیستان	محمود غزنوی
علویان طبرستان	حسن‌بن زید	حسن‌بن قاسم	(قرن ۳ـ۴هق)	طبرستان(آمل)	اسفاربن شیرویه
سامانیان	نصربن اسد	اسماعیل‌بن نوح	(قرن ۳ـ۴هق)	بخارا	ایلک خانان
فریغونیان	احمدبن فریغون	ابوالحارث	(قرن ۳ـ۵هق)	خوارزم	—
سیمجوریان	احمدبن سیمجور	بوسهل‌بن علی	(قرن ۴هق)	قهستان	—
آل بویه	علی	بهاءالدوله ابومحسن	(قرن ۳ـ۵هق)	بغداد، شیراز، کرمان، اصفهان	ابن‌کاکویه
آل زیار	مرداویج	جستان	(قرن ۴ـ۵هق)	گرگان	طغرل بیک
شدادیان	منجم‌باشی محمدبن‌شداد	شاهنشاه‌بن محمود	(قرن ۴ـ۶هق)	گنجه	—
مأمونیان	ابوعلی	ابوالعباد	(قرن ۴هق)	خوارزم	محمود غزنوی
سلجوقیان	طغرل اول	ابوالقاسم محمود	(قرن ۵ـ۷هق)	نیشابور	خوارزمشاهیان
غزنویان	البتکین	خسروملک	(قرن ۴ـ۶هق)	غزنین و بلخ	غوریان
غوریان	عزالدین حسین	جلال‌الدین‌علی	(قرن ۵ـ۷هق)	فیروزکوه	خوارزمشاهیان
شبانکاره	فضل‌بن علی	ملک اردشیر	(قرن ۵ـ۸هق)	فارس	—
اتابکان آذربایجان	ایلدگز	مظفرالدین	(قرن ۶ـ۷هق)	آذربایجان	جلال‌الدین‌خوارزمشاه
اتابکان فارس	سلغر	آبش خاتون	(قرن ۶ـ۷هق)	فارس	مغول
اتابکان لرستان	ابوطاهربن محمد	غیاث‌الدین	(قرن ۶ـ۹هق)	لرستان	ابراهیم‌بن شاهرخ
اتابکان یزد	ظهیرالدین	حاجی‌شاه	(قرن ۵ـ۸هق)	یزد	آل‌مظفر
قراختاییان	براق حاجب	شاه جهان	(قرن ۷ـ۸هق)	کرمان	الجایتو
خوارزمشاهیان	اتسز	جلال‌الدین	(قرن ۵ـ۷هق)	خوارزم	چنگیزخان
ایلخانیان مغول	هولاکوخان	انوشیروان عادل	(قرن ۷ـ۸هق)	مراغه،سلطانیه	سربداران
چوپانیان	شیخ حسن	ملک‌اشرف	(قرن ۸هق)	—	جانی‌بیک‌اوزبک
سربداران	امین‌الدوله عبدالرزاق	علی‌مؤید	(قرن ۸هق)	سبزوار	امیرتیمور
طغاتیموریه	طغاتیمورخان	سلطانعلی	(قرن ۸ـ۹هق)	گرگان	الغ‌بیک
ایلک خانیه	عبدالکریم	سلطان عثمان	(قرق ۴ـ۷هق)	کاشغر	سلطان محمدخوارزمشاه
گورکانیان	تیمور	بدیع‌الزمان	(قرن ۸ـ۱۰هق)	هرات	شیبک خان اوزبک
قره‌قویونلو	قرامحمد	حسنعلی	(قرق ۸ـ۹هق)	تبریز	اوزون حسن
امرای اینجو	آق خواجه	جمال‌الدین	(قرن ۸هق)	فارس	آل‌مظفر
آل کرت	شمس‌الدین‌محمد	غیاث	(قرن ۷ـ۸هق)	هرات	امیرتیمور
آل مظفر	مبارزالدین محمد	شاه منصور	(قرن ۸هق)	فارس	امیرتیمور
آل جلایر	شیخ‌حسن بزرگ	سلطان حسین	(قرن ۸ـ۹هق)	بغداد	قرایوسف
آق‌قویونلو	قرایوسف	سلطان مراد	(قرن۸ـ۱۰هق)	آذربایجان	شاه‌اسماعیل‌صفوی
صفویان	شاه اسماعیل	شاه عباس سوم	(قرن۱۰ـ۱۲هق)	اصفهان،قزوین	نادرشاه
افشاریه	نادر	نادرمیرزا	(قرن۱۲ـ۱۳هق)	مشهد	کریمخان
زندیه	کریمخان	لطفعلی‌خان	(قرن۱۲ـ۱۳هق)	شیراز	آقامحمدخان قاجار
قاجاریه	آقامحمدخان	احمدشاه	(قرن۱۲ـ۱۴هق)	تهران	رضاشاه‌پهلوی

پهلوی . بانی سلسله رضاشاه کبیر واکنون شاهنشاه آریامهر دومین شاهنشاه خاندان پهلوی براریکهٔ سلطنت تکیه زده‌اند (پایتخت تهران)



نوذر

تاریخ ایران

سلسله‌های داستانی ایران

پیشدادیان. سلسله‌ای از سلاطین ایران طبق روایات، طبقهٔ نخست ازپادشاهان‌داستانی ایران که نام‌سلسلهٔ آنها ازلقب **هوشنگ** اخذ شده است.

پادشاهان پیشدادی.
۱ ـ کیومرث. ۲ـ هوشنگ. ۳ ـ طهمورث. ۴ـ جمشید. ۵ـ ضحاك(بیگانه) ۶ـ فریدون . ۷ـ منوچهر. ۸ـ نوذر ۹ـ تهماسب. ۱۰ـ گرشاسب .

کیومرث ـ اولین پادشاه پیشدادی‌است که‌در کوهها‌منزل داشت و خود واتباعش پوست پلنگ میپوشیدند . این پادشاه حیوانات را بخود رام کرده و با



دیـــوان بجنگید ودر جنـــگ با آنان پسرش **سیامك** کشته شد، کیومرث پس‌ازسی‌سال سلطنت‌رحلت کرد .

هوشنگ ـ نوهٔ کیومرث بـــود وبعد ازاو به‌سلطنت رسید، **جشن سده** را او برقرار کرد. دومین‌پادشاه معروف‌سلسلهٔ پیشـــدادی است.



طهمورث ـ معروف به «دیوبند» پسرهوشنگ بود که مدت سی‌سال سلطنت کرد.

جمشیدـ معروفترین‌پادشاه‌داستانی است که درطی سلطنت هفتصدسالهٔ خود بردیوان ، پریان و پرندگان نیز مسلط بود. استعمال اسلحه و فن ریسندگی را او به مردم میآموخت‌و جشن‌نوروز رانیزاومقرر داشت،جمشید درپایان‌کار به‌خودمغرور گردیده ادعای خدایی‌کرد بهمین جهت مملکتش بدست **ضحاك** افتاد.



ضحاك ـ مردی عرب بود ودومار برسر شانه‌های خود داشت که‌برای تغذیهٔ آنان از مغزسرانسان استفاده میکرد.



مأموران وی جمشیدراکـه به‌زابل فرارکرده بود و ازآنجا به‌چین میرفت بقتل رساندند . ضحاك بعداز هزار سال سلطنت هنگامیکه میخواست آخرین پسر **کاوهٔ آهنگر** راکه از مردم اصفهان بود بقتل برساند تا از مغز او برای تغذیـهٔ ماران شانهٔ خود استفادکند ؛ با شورش مردم‌که رهبری‌آنرا کاوهٔ آهنگر بعهده داشت‌مواجه شد ومتواری‌گشت.

پس از ضحاك **فریدون** بشاهی‌رسید وضحاك را دستگیرکرده درقلعهٔ دماوند محبوس ساخت، فریدون **ایران** را به‌پسر کوچکش **ایرج** داد و پسران دیگرش **سلم و تور** را به حکومت ترکستان و چین گماشت‌وچون ایرج‌بدست‌برادرانش بقتل رسیدفریدون منوچهر پسرایرج‌را تربیت‌کرد تا انتقام خون‌پدرش‌رابگیرد وعاقبت هنگامیکه سلم‌وتوردرطی جنگی بقتل رسیدندفریدون‌سلطنت را به‌منوچهر واگذارکرد . جمشید وقتیکه ضمن فرار ازدست ضحاك به‌زابل‌رسیدبادخترحاکم آنجا ازدواج کرد و ثمرهٔ این ازدواج **گرشاسب** بود، اخلاف گرشاسب به‌ترتیب عبارتند از : **نریمان** ، **سام** .

زال .

زال بعلت پهلوانی وجوانمردی از طرف منوچهر به حکومت « نیمروز » منصوب شد و از ازدواج او با **رودابه** دختر امیرکابل **رستم** بدنیا آمد.

پس‌از منوچهر به ترتیب : نوذر و گرشاسب از سلسهٔ پیشدادی بسلطنت رسیدند.

فریدون .

پسر **آبتین** یکی از بزرگان‌داستانی اقوام مشترك هند و ایرانی در روایات



ایرانی.وی یکـــی از پـــادشاهان سـلسلـــهٔ پیشدادی‌به شمار رفته. فریدون از نژادطهمورث دیوبندبود. هنگامی که فریدون شیرخواره بود ، ضحاك پدرش‌را بکشت . فرانك، مادراوفرزندرا برداشت و به مرغزاری فرارکرد وکودك رابـــا شیرگاو بپرورد. چون‌ضحاك ازمنجمان شنیده بودکه تباهی او به‌دست فریدون خواهد بود ،همواره‌در جستجوی‌وی‌بود. مادر فـــریدون ازبیم ضحـــاك فرزند را برداشت وبه‌کوه البرز پناه برد . چون فریدون شانزده ساله شد نژاد خود را از مادر جویا گردید .

فرانك داستان جمشید و ضحاك را بدو بازگفت و گفت‌چون‌ستاره‌شناسان به‌ضحاك گفته‌اندتباهی‌اش به دست‌فریدون خواهد بود ، او پدرت راکشت ومن ترا پنهان از او پرورده‌ام. ضحاك‌همواره دراندیشهٔ فریدون بود . روزی به بزرگان کشور گفت : من‌دشمنی دارم‌که اکنون کودك است . برای ایمنی از خطـر محضری به‌نویسیدکه من جزکار نیك‌نـکرده‌ام . بزرگان از ترس چنان‌کردند واز پیرو جوان‌گواهی گرفتند . در این‌هنگام کاوهٔ آهنگرواردشد خروشید و گفت : این‌چه عدلست که‌ادعامی کنی؟من‌هیجده‌پسرداشته‌ام که تا کنون ۱۷ تن از آنان را بخورد ماران‌تو داده‌اند، واکنون‌نیز هیجدهمین پسر من دربند تست و می‌خواهند او را بکشند . گناه من‌چیست؟ .

ضحاك فرزندش را بازداد و گفت: براین محضرگواهی کن .کاوه طومار را گرفت و از هم‌درید و بیـرون رفت و مردم را دور خود جمع‌کرد و ازچـرم آهنگری درفش‌کاویانی ساخت . مـردم به متابعت او دربی وی روان شدنـد و به البرز رفتند وفریدون را بـه شاهی برگزیدند .

فریدون برضـحاك تاخت و او را مغلوب‌کردو به‌فرمود او را بسته درکوه دماوند محبوس سازند . فریدون سه پسر

داشت به‌نام : **سلم ، تور وایرج** وممالك وسیع خود را بین‌آنــان تقسیم کـرد . «فرهنگ معین»



منوچهر

منوچهر پسر ایرج ونوهٔ فریدون‌صدو بیست سال سلطنت‌راند. ازپادشاهان معروف‌این سلسله‌است.



کیخسرو

گرشاسب .

پادشاهی پهلوان وجنگ‌آورکه نه سال سلطنت‌کرد .

کیانیان

کیقباد اولین پادشاه‌کیانی است . او از نژادمنوچهربود و بهمت رستم به‌سلطنت رسید و۱۵ سال‌پادشاهی کرد . پس از او **کیکاووس** به‌شاهی‌رسید و چون در جنگ بــا دیوهــای مــازندران اسیرگردید رستم بــا دلاوری بسیار و عبور از «هفت‌خوان» عاقبت با کشتن‌دیوسپید کیکاووس‌را نجات داد .





کیکاووس

سیاووش پسر کیکاووس برای‌محترم داشتن صلحی‌که با **افراسیاب** کرده بود خود را تسلیم‌کرد . افراسیاب **فرنگیس** دختر خود را به اوداد و از این وصلت **کیخسرو** به دنیا آمد ولی قبل از تولد اوپدرش‌بقتل رسید .

گیو پسر گودرز پس از هفت سال جستجو کیخسرو را ملاقات‌کرد و او را به ایران‌آورد . کیخسرو‌پس از کیکاووس به‌جای‌او نشست‌بعد از کیخسرو ولهراسب وپس از او **گشتاسب** به سلطنت‌رسید.

کی اپیوه .

پس‌از کیقباد به‌سلطنت رسید.

کیکاووس .

پس ازکی **اپیوه** به تخت نشست و هم او بودکه‌چون مرغان هوس پرواز کرد .

کی آرش .

پس‌ازکیکاووس‌براریکه‌سلطنت‌تکیه زد .

آرش .

پسردوم کیقباد و برادر کیکاووس ، مشهور به‌کی‌آرش .

کی پیسین .

بعدازکی‌آرش حکومت‌رانده‌است .

کی‌بیارش .

بعد ازکی پیسین سلطنت نمود .

کی سیاووش .

پس‌ازکی‌بیارش‌تاج‌شاهی‌برسر نهاد.

سیاووش .

پسر کیکاوس پادشاه‌کیانی ، **سودابه** زن کیکاووس‌عاشق‌سیاووش‌شد وامررابرشوهر مشتبه‌کرد .

کیکاووس برای‌آزمایش‌سیاووش را بفرمود تاازمیان‌آتش بگذرد ، واوسالم از آتش بیرون شد وبه‌توران زمین نزد افراسیاب رفت وبــا دختر او **فرنگیس** ازدواج کرد ، ولی به تحریك گرسیوز برادر افراسیاب کشته شد ، کیخسرو پسر سیاووش وفرنگیس است .

«فرهنگ معین»

کیخسرو .

کیخسرو پس از کیکاووس به‌تخت نشست .

بهمن .



بهمن پس از گشتاسب بر اریکهٔ سلطنت تکیــه زد و ۹۹ ســال حکومت‌راند چون بــه پادشاهــی نشــســت به‌انتقام خون‌پدر به‌زابلستان‌لشکرکشید وپسررستم (فرامرز) راکشت وزال رادر قفس بیفکند .

لهراسب .



پادشاهی از سلسلهٔ‌کیانی کــه بعداز بهمن بــه سلطــنــت نشست‌ومدت صدو بیست سال پادشاهی کرد .

گشتاسب .

درجنگی که‌باارجاسب‌پادشاه توران‌کرد شکست‌خورد، متواری‌گردید ولی فرزندش «اسفندیار» به‌کمك او شتافت وبر دشمن غلبه یافت‌درزمان گشتــاسب زردشت‌ظهور کرد وگشتاسب به‌دین‌او گرویدولی‌چون رستم این‌دین راقبول نکرد اسفندیار به جنگ او رفت ولی شکست خورد بعد ازگشتاسب به‌ترتیب بهمن‌ـ همای ، داراب اول،داراب دوم‌به‌سلطنت‌رسیدند.



همای .



همای دخترو همسروجانشین بهمن است ، وی‌به هنگام مرگ شوی باردار‌بود و بهمن اورابه جانشینی‌بر گزیده تاپس ازبه‌دنیا آوردن طفل اورنگ شهریاری را به‌او واگذارد ، همای سی ودوسال حکومت کرد .

داراب.



داراب فرزند بهمن است که به‌هنگام مرگ او در بطن مادر (همای) بود همای پس از سی‌ودو سال سلطنت داراب را به تخت نشاند و تاج شاهی برسرش نهاد، داراب دوازده سال سلطنت راند.

دارا.

پسرداراب پس ازمرگ او به‌سلطنت رسید وچهارده سال حکومت نمود.

تاریخ ایران پیش ازماد

آریاییان یا ایرانیان درهزارهٔ دوم ق.م. به‌سرزمینی که بعدها بنامشان ایران خوانده‌شددرآمدند.این مهاجرت بزرگ ازقرن ۱۴ تا۶ق.م. ادامه‌یافت و قرنها طول‌کشید تا ایرانیان برهمه جای این سرزمین وسیع‌دست‌یابند. درآن زمان‌در ایران‌اقوام‌وقبایل گوناگون‌می‌زیستند و برخی‌ازآنان‌دارای‌فرهنگ‌و تمدن‌شایان توجهی بودند. درکرمان و بلوچستان و سواحل دریای عمان مردمی از نژاد **درآویدی** می‌زیستند **عیلام** درکرانه‌های شمالی خلیج فارس و خوزستان دولت نیرومندی بود. **کاسیان و لولوبیان وکوتیان** درمرکز، غرب و شمال غربی ایران‌می‌زیستند، دولت **مان‌نا** درهزارهٔ اول در آذربایجان پادشاهی نیرومندی پدیدآورد. **کادوسیان، آماردها** یا کاسپیان تپوران **وهیرکانیان** درگیلان ومازندران وگرگان‌می‌زیستند.اطلاعات‌مادربارهٔ این مردمان گوناگون که نیاکان سازندگان شاهنشاهی‌ایرانندبسیارناچیزوسخت‌آشفته است.

در هرگوشه‌ای از ایران که کاوشی می‌شود نشانه‌های‌مدنیت ناشناخته‌ای بدست می‌آید که‌گاه در اسناد تاریخی باستانی بدان‌اشارتی‌شده ویا خود یکباره گمنام مانده است (مانند کشفیات‌تپهٔ چراغعلی که‌آثارگرانبهایی از مادهابدست داد.) این قبایل گوناگون به مرور زمان با قوم مهاجم‌ویا براثر مهاجمات ومهاجرتها با قبایل دیگر در آمیختند، بااینهمه ویژگیهای خودرا درخصوصیات‌جسمانی، لهجه ها و برخی نام جاها حفظ کردند (فی‌المثل‌طبرستان‌ازنام‌تپوریان، قزوین، کاسپین–نام دیگر دریای‌خزر– واحتمالا کشف رود از نام‌کاسپیان، کاشان از نام کاسیان، لرازلولوبیان وکرد ازکوتیان بجای مانده است.)

کادوسیان. Kadus.

از اقوام غیر آریایی که در مغرب دریای خزروطوالش زندگی می‌کردند و حتی درزمان شاهنشاهی‌مادها وپارسیان نیزاغلب مستقل بودند. دربارهٔ نژادو فرهنگ اینقوم‌براثر نبودن‌اسنادتاریخی وانجام‌نگرفتن اکتشافات باستانشناسی، اطلاع‌درستی دردست‌نیست.

کاسپیان. Kasp.

قبایل غیرآریایی که‌درناحیهٔ‌قزوین و گیلان می‌زیسته‌اند. قزوین و دریای کاسپیان(نام دیگر دریای‌خزر)ازایشان نام یافته است این نام تحقیر آمیز آمارد (بعدها مارد) نیز از طرف همسایگان آریاییشان‌بدانان‌اطلاق می‌شد آنانرا به ماردهامعروف ساخت. درسال۱۳۴۰ بر اثرحفاری‌درمارلیک(رودبار)آثار نفیسی ازآنها بدست‌آمد.

کوتیان Koti

به قبایلی‌گفته می‌شد که در هزاره سوم ودوم ق. م. در کردستان ومغرب آذربایجان ساکن‌بودند در حدود قرن۲۳ق.م. برای‌نخستین بار نامشان درکتیبه‌های اکدی‌بچشم می‌خورد.در این هنگام **نارام‌سوئن** شاه اکد در جنگ باکوتیان کشته شد و کوتیان بربین‌النهرین دست یافتند. کوتیان در این زمان دارای شاه نبودند بلکه قبایل متحدهٔ کوتی‌شخصی راازمیان خودبرای مدت‌محدودی‌به‌رهبری‌انتخاب می‌کردند. آنان ۹۱ سال برسومرواکد فرمان راندند. آنان دراین مدت‌مقهور فرهنگ این سرزمینها شدند وبه‌خلق و خوی مغلوبان‌گرویدند، در نتیجه‌بزودی ضعیف‌گشتندوبه‌سرزمین اصلی خودرانده شدند. تاکنون محققان نتوانسته اندمنشأ نژادی این قوم را دقیقاً معلوم‌کنندولی این مانع نخواهد شدکه‌آنان‌راباکردان کنونی‌از یك نژاد ندانیم فرمانروایان لولوبی در ۹۱سال حکومتشان بربین‌النهرین از این‌قراربوده‌اند.





داراب

ایمنا	از ۲۲۰۱ ق.م.
اینگه‌شوش	« ۲۱۹۸ «
سارلاگاب	« ۲۱۹۲ «
شول‌مه	« ۲۱۸۶ «
الولومش	« ۲۱۸۰ «
اینی‌ماباگش	« ۲۱۷۴ «
این‌گه‌شوش	« ۲۱۶۹ «
ایارلاگاب	« ۲۱۶۳ «
ای‌باته	« ۲۱۴۸ «
ایارلاگاب	« ۲۱۴۵ «
کوروم	« ۲۱۴۲ «
خابیل‌کین	« ۲۱۴۱ «
لایه‌رابوم	« ۲۱۳۸ «
ای‌راروم	« ۲۱۳۶ «
ای‌براتوم	« ۲۱۳۴ «
خابلوم	« ۲۱۳۳ «
یوزودرـسوین	« ۲۱۳۱ «
ایارلاگاندا	« ۲۱۲۴ «
سی‌اوم	« ۲۱۱۷ «
تی‌ری‌کان	« ۲۱۱۰ «

این‌پادشاه‌پس‌از۴۰روزسلطنت‌بدست **اوتوخ‌گال** شاه شهر اوروك کشته شد (۲۱۰۹ق م).

مان‌نا. Manna

در آغاز هزارهٔ اول قبل‌از میلاد، درجلگه‌های جنوبی دریاچهٔ**اورمیه** دولت مان‌نایی‌اقتدار یافت و از اواخر قرن ۹ق.م. بارها با آشور و **اورارتو** به مبارزه پرداخت و دردهٔ سوم قرن‌هفتم به قدرت‌سیاسی ونظامی‌مهمی



پادشاه مان‌نا درلباس آشوری



آثاری از دورهٔ کاسیان

مبدل گشت. دولت‌مان‌نا با استفاده از رقابت‌اورارتووآشور توانست قلمرو خود را ازتجاوز آندو حفظ کند و در نیمهٔ قرن هفتم بادولت سکایی آذربایجان متحد شودو تدریجاً اتحادیه ای ازدولتهای کوچك محلی پدید آورد.مان‌نا بعدهاعضوی از اتحادیهٔ مادها بودو سرانجام‌در سالهای۶۱۵ ـ ۶۱۰ق.م. بصورت‌یکی از ایالات شاهنشاهی ماد در آمد . دولت مان‌نا ، که بر اثر دردست نبودن کتیبه و نوشته‌ای از آن تا حدود زیادی گمنام‌مانده است رسالت تاریخی مهم خود را بنحو شایسته‌ای‌ایفا کرده . کتیبه‌های آشوری از شهرهای آباد،قلعه‌ها وکشاورزی شکوفان مان‌نا یاد کرده‌اند وایـن همان عوامل مهمی است که در مقابل دولتهای توانای اورارتووآشوروسکایان‌تاراجگرپایداری کرد ونطفهٔ یك پادشاهی نیرومند را در خود پرورد.



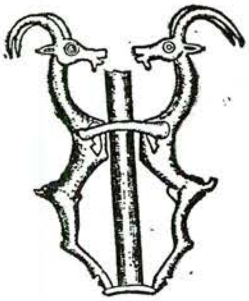
خنیاگر مان‌نایی درلباس بابلی



تیراندازان مان‌نایی

سکاها Saka

قبایل جنگجوی بیابانگردی‌که در قرن ۸ و۷ق . م از موطن خوددرشمال کوهـهای قفقاز ، در ساحل رود **ولگا** و احتمالا در **اوکراین** به قفقاز و آسیای‌صغیر سرازیـر شدند. یکی ازقبایل‌سکایی که‌در کتیبه‌های آشوری به‌نام **اشکیدا** ازآنان یاد شده است، دراواخر قرن۸ق.م .به‌آذربایجان شمالی رسیدند و در اینجا اقامت گزیدند .



سکاها پس از آنکه در سرزمیـن وسیعی ازکرانه‌های‌شرقی‌وشمالی دریاچهٔ اورمیه تاقراباغ وگنجه‌وارمنستان‌ساکن شدند.اینان‌تیراندازانی‌چابکسواربودند که **مان‌نایان** دوستیشان‌را به‌جان‌خریدند و درجنگ‌باآشورازآنان استفاده‌کردند **ایش‌پاکای** پیشوای سکاها در جنگ با آشور کشته شد (۶۷۳ ق . م .) جانشین او **پارتاتوا** در ازای ازدواج با یکی از شاهدختهای‌آشوری با ایـن کشور عقد اتحاد بست. به این‌ترتیب پادشاهی‌سکاها که در اندك‌مدتی قدرت یافته بود مورد شناسایی‌آشور دولت مقتدرآن‌زمان‌قرار گرفت.جنگاوران سکایی درسال۶۵۲به رهبری شاهشان **مادایی** برمادها غلبه



کردند و **سیاکزار**خراجگزاری‌برایشان را پذیرفت . درعوض سکاهـا تنها بـه حکمرانی برآذربایجان قناعت کردند و سپاهیان سکایی‌در ارتش سیاکزارداخل شدند.گرچه‌تسلط سکایان درآغاز موجب ضعف مادها و تأخیر در ایجادشاهنشاهی مادگشت ولی درعوض مادها دراین‌مدت نه تنها ضعیف‌تر نشدند بلکه فن‌سواری و تیراندازی را ازآنان آموخـتند و سرانجام **کیاکسار** توانست سکایان رابه جای خود بنشاند (۶۲۵ ق.م.)سکاها به قلمرو پیشین خودبازگشتندکه پس‌ازآن حتـی در زمان هـخامنشیان یـکی از ساتراب های شاهنشاهی ایران بـود و بزرگان ایرانی فرزندان خود را برای آموختن سواری‌وتیراندازی‌به‌نزدایشان می‌فرستادند. سکاهااز نژادآریایی‌بودند و زبانشان برای مادهای ایرانی کامـلا مفهوم بود و تسلط موقتی‌آنان موجب‌شد که زبان ایرانی‌درقلمروقبایل‌گوناگون سرزمین **ماد** رواج یابد و شهـرهای **اسکو وسقز** را درآذربایجان یادگـار سکایان می‌دانند.

کاسیان Kassi

ازقبایل‌ایرانی که‌درکوههای‌بختیاری ولرستان‌وکوهپایه‌های‌آن‌زندگی‌می‌کردند و از هزارهٔ دوم درتاریخ از ایشان‌سخن رفته است.کاسیان ازنژادعیلامی‌بوده‌اند.

گانداش



یکی‌ازشاهان کاسـی در ۱۷۴۱ق.م بربین‌النهرین دست یافت.

اگوم‌دوم ملقب به شمشیر رحمـت در حدود ۱۵۹۵ ق م. برکتیبه‌ای خود را پادشاه‌کاسیان ، اکدیان ، و پادشاه‌کشور پهناوربابل‌وکوتیان‌و... می‌خواندگرچه این ادعاکمی‌گزافگویانه است بااین‌همه می‌توانندنمودار قدرت‌کاسیان درآن‌زمان باشد . بدین‌ترتیب اگوم‌دوم سلسله‌شاهان کاسی بابل را بوجود آوردکه تاقرن۱۲ ق. م . دوام‌یافت .کاسیان‌مردمی‌صنعتگر بودند . برخی ازآثار هنری آنـان در لرستان و **سیلك** به دست آمـده است . محققان برآننـد که بسیاری از اشکال هنری ، فنون و اساطیر توسط کاسیان از ایران به بابل برده‌شده است .

لولوبیان Lullubi

قبایـلی‌که از هزارهٔ سوم (وشاید پیش ازآن) در مغرب ایران از قسمت علیای **دیاله** تاکرانه‌های دریاچهٔ‌اورمیه سکونت داشتند ومحققان آنانرا ازنژاد عیلامیان‌می‌دانند.کتیبه‌ای‌از **آنوبانی‌نی** سلطان لولوبی قرن ۲۲ ق م . درسرپل زهاب به جای مانده است . اینان کوهـ نشینانی بودندکه‌گاه اقتداری می‌یافتند و به دشتها و شهرها می‌تاختند وگاه بر اثر نیرومندی‌همسایگان به‌کوهستانهای



آنوبانی‌نی پادشاه لولوبیان

خود پناه می‌بردند . با اینهمه در آغاز هزارهٔ اول‌ق . م . دولتی مستقل‌و باثبات ایجاد کردند و بعد به اتحادیهٔ قبایل‌ماد پیوستند . شاید بتوان لولوبیان‌را نیاکان قبایل لردانست .

ماد

مادیها درآغاز قرن هفتم پیش از میلاد دولتی نیرومند بنیاد نهـادند از کتیبه‌های پادشاهان آشور تاحدی تاریخ دولت ماد روشن می‌شود .

هرودوت پادشاهان‌ماد راچهارتن‌می‌داند وطول‌عمر سلسلهٔ آنها را ۱۵۰ سال‌تعیین می‌کند .

دیوکس (دیااکو) اولین آنها بود که به سبب‌درستکاری‌وانصاف‌و کفایت‌طرف‌توجه و رجوع‌مردم گردیدو به‌پادشاهی‌بر گزیده شد .

همدان پایتخت آنها بود و درآنجا قلعه‌ای ساختندکه ۷ حصارداشت .

از اصول مذهب مادیها بـه‌درستی آگاه نیستیم وبه‌حدس‌و گمان آنهارامهر-پرست می‌دانند .

مادیها بناهای خود رابا خشت خام می‌ساختند لذا آثاری از ابنیهٔ آنهادیده نمی‌شودتنهاازدورهٔ مادها شیری‌سنگی‌در حوالی همدان و چند نقش در کوههای کرمانشاهان ولرستان است .

شهریاران ماد : مهمترین‌شهریاران‌این سلسله‌عبارتنداز **دیااکو**،**فرورتیش**یا**فرود هووخ شتر** و **ایختوویگو** .

پادشاه دیوکس.

(فوت ۶۵۵ قم)

دیوکس فرزند **فرااورتس** بـود. پدرش چون دیگر مادیها دردیه میزیست وپیشهٔ دهقانی داشت واونیز درآغاز کار چنین میکرد .

وی‌بسبب کفایت‌وعدالت‌خواهی‌طرف رجوع عامه شد و مردم محاکمات خودرا نزداوبردند. بعدازچندی‌وی ببهانهٔاینکه مراجعات مردم‌زیاداست ونمی‌تواندبامور شخصی‌برسد ازاینکار کناره گرفت وبراثر این کناره گیری اغتشاشی رخ‌داد وامنیت بلاد مختل‌شد. مردم چون وضع راچنین دیدند درصدد انتخاب دیگری برآمدند بواسطه زمینه‌هایی که دیوکس قبلا تهیه کرده بـود ، وی به شـاهی انتخاب شد دیـوکس پـس از اینکـه پادشاه شد قراولان ومستحفظینی برای خود ترتیب داد وبعد مردم رابرآن داشت تا شهری تأسیس کنند، وبرای‌این‌منظور همدان را برگزید . دیوکس بتقلید دربـار آشور مـراسمی بـرای پـذیرایی مقـرر داشت. وی‌بشخصه بعرایض‌مردم رسیدگی میکرد ودرموقع وقوع جنایات، مقصررا برحسب تقصیرش‌تنبیه میکرد .

سلطنت طولانی این پـادشاه بگفتهٔ هرودت صرف جمع‌آوری ومتحد ساختن طوایف پراکندهٔ «ماد» شده مدت سلطنت دیوکس از۷۰۸ یابقولی از۷۰۱تا۶۵۵ قبل‌از میلاد مسیح بوده است .

فرورتیش .

(۶۵۵-۶۳۳ قم)

دومین پادشاه ماد. بعد از دیااکو پسرش‌فرورتیش بتخت‌نشست وی درآغاز سیاست‌پدراتعقیب کرد.، به‌پادشاهان‌آشور باج میداد، ولـی‌بعدها خودرا محتـاج اطاعت‌آشور ندانست، غافل‌ازاینکه‌هنوز قوای مسلح ماد قادرنیست باآشور نبرد کند . وی چون به آشور حمله بـرد شکست خورد وخودنیز کشته شد .

هووخشتر .

(وفات ۵۸۵ قم)

هووخشتر بسال ۶۳۳ قبل‌از میـلاد مسیح بتخت سلطنت مادنشست .

دراین‌هنگام اوضاع «ماد» خطرناك وموقع شاه باریك بود؛ ولی او بخوبـی تشخیص داد که بیدرنگ باید اصلاحاتی بکند وتوجه خودراقبل‌از هرچیز بتقویت سپاه معطـوف داشت وقشونی با اسلوب آشوری تـرتیب داد. هـووخشتر پس‌از تجهیز سپاه به‌آسورحمله برد و با اینکه آسوریها سخت پافشاری کردند سرانجام سردار،آسورشکست خورد و قشون مـاد داخل‌آسورشده نینوا پـایتخت آسور را محاصره کردندوچون معلوم‌بود که‌بواسطهٔ استحکامات نینوامحاصرهٔ‌آن بطول‌خواهد انجامید هووخشتر قسمتی‌ازقشون‌خویش‌را مأمور کردتاجلگه‌های حاصل‌خیز آسوررا اشغال کنند،زیراتصمیم گرفته‌بود که دشمن رامنهدم‌و نام‌آسور راازصحنهٔ‌روزگارمحو سازدسپاه‌مادباموفقیت‌پیش‌میرفت‌و نزدیك بودپایتخت دولت‌بزرگ‌آسور سقوط کند کـه ناگهان خبرتاخت و تاز حکام در آذربایجان وصفحات‌مجاورآن به‌شاه ماد رسید،ولوچاره‌ای‌نداشت‌جزآنکه‌محاصرهٔ نینوا راترك گوید وبحفظ مملکت خـود پردازد. این بود که‌باسپاه‌خود قصددشمن کرد ودرنزدیکی‌دریاچهٔ‌اورمیه‌با«سکاها» مصاف داده شکست خورد و مجبـور شد شرایط سنگین‌آنانرابپذیرد .

تاخت وتاز سکاها در ایران بقـول هرودت بیست و هشت سال طول کشید . هووخشتر پادشاه یاسردار سکاها را کـه «ماری یس» خوانده میشد، باتمام سران سپاه سکایی‌مهمان‌کردوهمه‌آنهارا درحال مستی بکشت وپس‌از این نیرنگ باآنها جنگیدوچون‌سپاه سکاها بی‌سرپرست‌بودند شکست خورده ازماد خارج شدند.

هووخشتر پس‌ازاینکه سکاهـارا از ایران راند، بازبفکراجرای نیت‌دیرین خود یعنی انقراض‌آسور افتاد وگـوییا اتحادی باپادشاه بابل‌کرده کارآسور را یکسره کرد وآسوری‌رامیان خودوپادشاه بابل تقسیم کرد. سپس‌بالیدیه جنگی کرد واین جنگ مدت پنج‌سال بطول‌انجامید وبی‌اینکه طرفین‌نتیجه‌ای‌بگیرند، کسوفی روی داد وسپاهیان طرفین این‌کسوف‌را علامت غضب خدا دانسته دیـگر حاضر بجنگ نشدند. سپس «سون‌سیوس» پادشاه «کیلیکیه» و «بخت‌النصر» پادشاه‌بابل‌بین طرفین حکم گردیدند وقرار شد که رود هالیس سرحد دولتین گردد. پس‌از آن ، واقعهٔ مهمی روی نـداد ویکسال بعد از انعقادصلح درسال۶۸۵ قبل‌ازمیلادمسیح درگذشت .

آژدهاك .

(سال خلع ۵۵۰ قم)

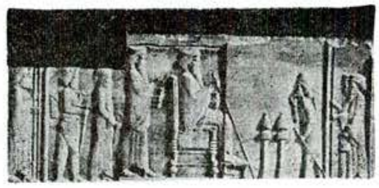
ایختوویگوفرزندهووخشتره‌معروف به اژدهاك براریکـهٔ سلطنت تکیه زد . درزمان وی همسایگان مادبراثرقدرت-نمایی‌هووخشتر یارای تجاوز به سرزمین

ایشان را نداشتند .

آژدهاك پس از ۳۴ سال سلطنت بر اثر قیام نوه‌اش کوروش بساط عظمتش در هم پیچید و بدین ترتیب سلسلهٔ ماد منقرض گردید .

هخامنشی

پارسیها مردمی آریایی نژاد بودند. خاندان سلاطین هخامنشی از طایفهٔ پاسارگاد بوده‌اند .



پایتخت شاهان: پاسارگاد. پرسپولیس وشوش بوده .

پادشاه مورد احترام همه بود و نمایندهٔ اهورا مزدا و ارادهٔ او محسوب می‌شد .

بزرگترین مقام دولتی متعلق به وزیر بزرگ بنام **هزارپد** و **موبد موبدان** و **دبیرپد** و **انبارپد** بود.

طبقات مردم به پنج گروه تقسیم می‌شدند:

۱ـ بزرگان. ۲ـ طبقهٔ مغان.
۳ـ برزگران. ۴ـ بازرگانان .
۵ـ پیشه وران .

مالیات یاجنسی یا نقدی بود برای داوری درولایات دادرسانی بود که بدستور پادشاه دربین مردم داوری میکردند . سپاه جاویدان همیشه آماده بودند، مذهب آنها زرتشتی بود، بدستور **بلاش اول** اوستا جمع شد واردشیر بابکان آن را مرتب کرد آنها اطفال خودرا نیز در دادگاهها حاضر میکردند تا شاهد داوری باشند. خط آنها میخی وبمراتب آسانتر ازمیخی آشوری وآلامی بود . از آثار دورهٔ آنها مقبرهٔ کوروش، تخت جمشید و نقش رستم میباشد. بزرگترین پادشاهان این سلسله عبارتند از :

۱ـ چیش‌پش اول. ۶۷۵ـ۶۴۰ ق‌م.
۲ـ کوروش بزرگ. ۵۲۹ ق‌م .
۳ـ کبوجیه. ۵۲۳ ق‌م .
۴ـ بردیا. ۵۲۳ ق‌م.
۵ـ داریوش کبیر . ۴۸۶ ق‌م.
۶ـ خشایارشاه . ۴۶۶ ق‌م .
۷ـ اردشیردرازدست. ۴۲۴ ق‌م .
۸ـ داریوش‌دوم. ۴۰۴ ق م .
۹ـ اردشیر دوم. ۳۷۹ ق‌م.
۱۰ـ اردشیر سوم. ۳۳۸ ق‌م .
۱۱ـ داریوش‌سوم . ۳۳۰ ق‌م.

کوروش کبیر .
(مقتول ۵۲۹ ق‌م)

دربارهٔ کودکی کوروش سخن بسیار است وهرمورخی نکته‌ای در این باب



تصویری حجاری شده‌از کوروش کبیر در پاسارگاد

نوشته، ولی آنچه درمیان این سخنان بیشتر بچشم می‌خورد جنبهٔ افسانه‌ای موضوع است که برحقیقت غالب است؛ ومادراینجا قول **هرودت** راکه از دیگران بحقیقت نزدیکتر است یادآور میشویم، وی گوید: «**آسیتاکس**» یا اژدهاك شبی درخواب دید که از دختر او «ماندان» چندان آب رفت که همدان وتمام آسیا غرق‌شد. شاه‌از معبدان تعبیر این‌خواب را خواست‌وآنها بقدری‌شاه‌را از آتیه‌اش ترسانیدند که



اعلامیهٔ کوروش کبیر معروف به‌استوانهٔ بابلی درموزهٔ بریتانیا

اوجرأت نکرد دخترخودرا بیکی از بزرگان ماد دهد، زیرا می‌ترسید که دامادش مدعی خطرناکی برای تاج وتخت او گردد . سرانجام دختر خویش را به کامبیز «کبوجیه» که ازخانوادهٔ نجیب پارس ومطیع او بود، داد. پس از آن درسال اول این ازواج شاه ماددرخواب دید که ازشکم دخترش تاکی روییدکه شاخ وبرگهای آن ناگهان تمام آسیا راپوشانید .

تعبیری که مغها ازاین خواب کردند بمراتب بیش ازخواب اول بر وحشت شاه افزود وبراثر آن دخترخودرا که حامله بود مجبور کرد بدیدن او آید وهمینکه **ماندان** بهمدان وارد شد ، **آسیتاك** اورا مانند محبوسی نگاهداشت. پس ازچندی ماندان پسری آورد وشاه ماد اورا بـه یکی از خویشان خود «هارپاك» داده امر بکشتن وی کرد. هارپاك باطفل بخانه آمد وبا زن خویش رازرادرمیان نهاد ، زن پرسید حالا چه‌خواهی کرد؟ وی گفت من چنین جنایتی نخواهم کرد زیرا که اولا این طفل بامن خویش است ، وثانیاً شاه فرزندی ندارد وپس ازمرگ او دخترش ملکه خواهد شد، دراینصورت موقعیت من نزد ملکه‌ای که پسرش را کشته‌ام چه‌خواهد بود ، پس بهتر است اجرای این امر رابکسان خود شاه واگذارم .

پس از آن یکی از چوپانهای شاهی را که **میترادات** (مهرداد) نام داشت طلبید و طفل را بهاوداده وگفت امر اکیدشاه است که این بچه رابکوهی درمیان جنگل بیفکنی تا طعمهٔ وحوش گردد .

چوپان زنی داشت «سپاکو» نام که تازه‌زاییده بود. همینکه چوپان طفل را بخانه آورد وزنش اورا دید ، بپای شوهر افتاد وتضرع کرد که طفل را نکشد. چوپان گفت اگر از کشتن آن دست باز دارم ، بدترین عقوبتی گرفتار شوم . زن بعداز قدری تأمل گفت من تازه زاییده‌ام وطفل من مرده بدنیا آمده است ، ما میتوانیم اورا بکوه افکنیم بعد جسد اورا بمفتشین هارپاك نشان دهیم و این طفل زیبا را به پسری خود برداشته تربیت کنیم و چون رأی زنش را پسندید وچنان کرد که او گفته بود.

پس از آن طفل درخفا بزرگ شدتا بسن ده سالگی رسید و همبازی وزیر زادگان گردید.

بچه‌ها روزی اورا در بازی بشاهی برگزیدند و یکی از بزرگ زادگان که فرزند «ارتم پارس» مادی بود، حکمی را که او داده بود اجراء نکرد.

کوروش امر کرد پسر را سخت تنبیه کنند. همین که او خلاصی یافت شکایت فرزند چوپان را بپدر و پدر شکایت به آستیاك برد.

شاه، چوپان و فرزندش را احضار کرد و در ضمن گفتگو بااو از جرأت و جلادتش درعجب شد و دنبالهٔ مذاکرات خودرا باچوپان گرفت تا اینکه سرانجام دریافت کوروش فرزند چوپان نیست بلکه نوادهٔ اوست. ظاهراً از این قضیه خشنود شد ولی بعد کوروش را با مادرش بپارس فرستاد وهارپاك راکه در اجرای امر شاه غفلت کرده بود سیاست نمود، کوروش در دربار پدرخود کبوجیه بزرگ شد. هارپاك که در صدد گرفتن انتقام بود در نهان باکوروش مکاتبه کرده هدایایی برای او میفرستاد ودایماً اورا برضد شاه ماد تحریك میکرد، سرانجام کوروش مصمم شد پارس را برماد بشوراند.

درسال ۵۵۰ قبل ازمیلاد مسیح همدان را بتصرف درآورد ودولت مادرا سرنگون ساخت ودرنبردی که با **کرزوس** پادشاه لیدی نمود اوراشکست داد و سارد و لیدیه نیز ضمیمهٔ شاهنشاهی هخامنشی شد (۵۴۶ قبل ازمیلاد مسیح) دراین هنگام کوروش به شاه پارس معروف بود، زیرا «نبونید» کوروش را در فتح همدان پادشاه انزان (عیلام) فراخوانده بود ولی درگشودن سارد اورا شاه پارس نوشته است.

کوروش بعد از فتح ساردو تسخیر قسمتهای دیگر، آسیای صغیر و کلیهٔ مستعمرات یونانی را بهسردارهای خودمحول کرده به ایران برگشت، چنانکه در ۵۴۵ قبل ازمیلاد مسیح تمام آسیای صغیر درتحت تسلط پارسیهادرآمد و کوروش به هرشهری حاکم جداگانه‌ای گماشت تا با هم متحد نشوند.

کوروش بعدازفتح سارد میان سالهای ۵۴۶ و ۵۳۹ قبل از میلاد به ممالك شرقی لشکر کشی نمود ومدت بیست سال تمام سرگرم کار نبرد در طرف مشرق وشمال ایران بود، ازطرف شمال تارود سیحون پیش‌رفت واز جانب مشرق تارود سندرا گرفت ودربهار سال ۵۲۹ قبل از میلاد متوجه بابل گردید وازرود دجله گذشت وهمینکه سپاهیان ایران ازدجله گذشتند کوروش بطرف شمال حرکت کرده به‌لشکر بابل که درنزدیکی **اپیس** بودند حمله بردوارتباط آنان را با بابل قطع کرد وازطرف دیگر سرداروی «گئوبرود» به‌محلهای جنوبی حمله برده بوده و سپاه ایران بی مانع واردبابل شده وپادشاه بابل تسلیم گردید واین پیروزی را به‌سال ۵۳۹ قبل از میلاد مسیح درسوم **مرهشوان** ماه بابلی یا نوامبر ماه فرنگی دانسته اند.

پس ازتسخیر بابل مملکت کلده با شهرهای قدیم سومر جزوایران گردید و کوروش پس از به‌دست آوردن این نقاط به ایران بازگشت.

معروفست کوروش در جنگ با **ماساژتها** که قومی ازسکاها بودندومیان دریای خزروآرال سکنی داشتند، کشته شدواین را به‌سال ۵۲۹ قبل از میلادمسیح دانسته‌اند.

مدت سلطنت کوروش ۲۸ سال بود.

نعش کوروش رادرپاسارگاد (مشهد مرغاب کنونی) دفن کردند.

کبوجیه.

(فوت ۵۲۳ ق م)

کوروش از همسرخود «ساکاندان» دوپسر داشت: یکی را «کبوجیه» میخواندند، که حکومت بابل‌را داشت و درزمان غیبت کوروش ازایران نیابت سلطنت بعهدهٔ اومحول‌شده بود؛ ودیگری «سمرویز» بود، که داریوش بزرگ در کتیبهٔ بیستون‌اورا «بردیا» نوشته است. و وی حکومت خوارزم و باختر پارت و کرمان راداشت.

از آنجا که مردم بردیا را دوست میداشتند، کبوجیه براو حسد برده‌قبل از عزیمت خود به مصر، در نهان اورا کشت.

راجع به‌این‌ماجرای که‌برای‌ایران بسیارگران تمام‌شدمورخین‌یونانی‌روایاتی ذکر کرده‌اند که‌اکثر آنها باسندرسمی کتیبه بیستون مخالفت دارد.

موافق مفاد کتیبهٔ بیستون، ستون یك، بنددهم و یازده بردیا قبل‌ازعزیمت کبوجیه به مصر کشته‌شد، وبایددانست که‌این ماجری درپنهانی، رخ داد وجز سه‌تن ازمحارم شاه «آرتاسیراس‌بغبت» و پادشاه‌آریا» و «یکسابات» کس‌دیگری ازآن باخبر نگردید.

کبوجیه سه سال پس از مرگ‌پدر، به‌مطیع کردن ایالات پرداخت ودرسال ۵۲۶ قبل‌از میلاد عازم تسخیرمصرشد.

هرودوت جهت این لشکر کشی را چنین مینویسد که: کبوجیه سفیری به مصر فرستاد تا دختر «آمازیس» پادشاه مصر را خواستگاری کند و این بر اثر اغوای یك‌کحال مصری مقیم‌دربارایران بود.

آمازیس چون از قدرت کبوجیه بیمناك‌بود، نمی‌دانست‌دربرابر این‌خواسته شاه ایران چه‌کند، سرانجام «نی‌نیس» دختر «آپری‌یس» پادشاه‌سابق مصررا به اسم‌دختر خود، به‌دربار کبوجیه‌فرستاد دختر پس از مدتی‌که دردربار کبوجیه بود ماجری رافاش‌ساخت‌واظهارات‌دختر مصری موجب‌خشم‌شاه شدوتصمیم‌به‌لشکر کشی به‌مصر راگرفت چون‌درمنازل‌میان راه آب‌نبود، باپادشاه عرب مذاکره‌کرد واو قبول نمودکه راه بی‌خطر برای شاه ایران تهیه کند و پس از عقد قرارداد، پادشاه اعراب مشکهای زیادی از پوست شتر به‌آب‌انباشته بارشتران‌کردوبه‌کویر رفت‌و منتظر لشکر کبوجیه شد.

لشکریان‌کبوجیه ازغزهٔ که‌درساحل دریای‌مغرب‌واقع است، داخل کویرشده در مدت سه‌روز آنرا باکمك اعراب پیمودند.

از بخت خوش کبوجیه، مقارن‌این احوال، آمازیس‌که مرد مدبر و فعالی بود، فوت کرد«پسالتیك سوم» جانشین اوشدکه مردزیرکی نبود.

سپاهیان ایران از کویر گذشته به «پلوزیرا» که‌برمصب‌اول‌شعبهٔ نیل‌ازطرف مشرق‌واقع بودرسیدند، وباسپاهیان‌مصر در نبرد شدند وآنان‌را به‌سختی درهم شکستند.

مصریها پس‌از این‌شکست با کمال بی‌نظمی فرار کرده به پایتخت مصرپناه بردند.

در این هنگام کبوجیه در کشتی «لی‌تی‌لی‌نی» رسولی ازپارسیها فرستادتا مصریها رادعوت به‌تسلیم شدن کند، ولی وقتی‌مصریهاکشتی رادیدند، هجوم بردند آنراشکستندومردانی‌راکه‌درکشتی‌بودند ریزریز کردند.

پس‌ازاین واقعه‌مصریها محصورشده بزودی‌تسلیم‌گشتند. (۲۵ قبل ازمیلاد مسیح)

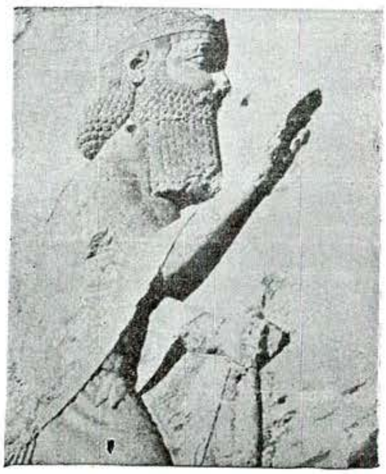
پس‌از آن کبوجیه قصدممالك مجاوررا نمود، اول لیبا تسلیم شد وسپس اهالی

سیرن و برقه نیزمانندآنها رفتارکردند. (سیرن ازمستملکات یونانی‌درافریقا بود)
کبوجیه بعزم مملکت‌ناپاتا(شاید بتوان‌آنراسودان‌کنونی‌دانست) واتیوپی (حبشهٔ امروز)حرکت کرد در این سفر قشون پارسی مقداری ازرود نیل‌راپیمود ولیکن پس‌ازاینکه‌داخل صحرای بی‌آب وعلف شد ازجهت آذوقه درعسرت افتاد وبالاخره‌کبوجیه پس‌از دادن‌تلفات زیاد مجبور شد به‌مصر مراجعت کند.
کبوجیه در ۵۲۲ قبل‌ازمیلاد از مصر به‌طرف ایران رهسپار شد ودر شام شنیدکه مغی ازاهل ماد خود را «بردیا» پسرکوروش برادر کبوجیه خوانده وبه تخت نشسته است ومردم هم‌به جانب‌او رفته‌اند.
کبوجیه که میدانست‌بردیا راکشته است واین شخص به‌دروغ خود رابرادر او معرفی کرده در وضع‌ناهنجاری قرار گرفت، چون‌به‌هیچوجه نمی‌توانست این مطلب رااظهار کند درحال تأثر در شام زخمی‌بخود زدکه‌ازآن درگذشت‌ولی‌قبل ازمرگ این‌را به‌بزرگان‌خودکه در مصر همراه او بودند ابراز کرد.

داریوش اول.

(فوت ۴۸۶ ق م)

درکتیبه‌های‌هخامنشی‌اسم این‌پادشاه بزرگ راچنین نوشته‌اند: «داری‌ووش»



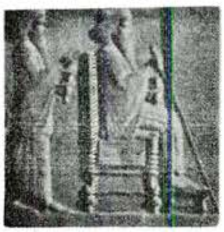
داریوش در حال نیایش

یا «داری‌واوش»، به‌زبان‌بابلی «دریاووش» وبه زبان مصری در کتیبه‌های مصر «آن‌تریوش» یا «تاریوش» داریوش پسر ویشتاسب‌بود، ویشتاسب‌چنانکه‌هرودوت گوید درزمان‌کوروش‌وپسرش والی‌پارس بود، ولی درزمان داریوش والی باختر وپارت گردید.
داریوش چون به حکومت رسید، بردیای دروغی راکه همان **گئومات** مغ بود، از میان برداشت و «آترین» نام‌را که‌درخوزستان میزیست وبراو یاغی‌شده بود، به‌قتل‌رسانیده‌دراین هنگام‌یك‌مرد بابلی «ندی‌تبیر» نام‌که‌خودرا بخت‌النصر پسر «نبونیدم» پادشاه سابق‌بابل‌خوانده بود، علم طغیان برافراشت، داریوش‌با لشکری گران به‌طرف بابل‌حرکت کرد قشون ندی‌تبیر در آنسوی دجله بود و عبورسپاهیان‌داریوش‌میسر نمیشد، داریوش سپاه خود را دو قسمت کرد، قسمتی را برشترها ونیمی رابراسبها سوارکرد وبا این تدبیر از دجله گذشت وبا لشکر «ندی تبیر» جنگید واورا شکست دادو بابل‌رافتح‌نمودو ندی‌تبیررادر بابل‌کشت.
هنگامیکه داریوش دربابل‌بود در پارس و خوزستان وماد وآشور ومصرو پارت‌و...رو، شورشهایی برپاشد **مرتی‌تری** از اهل پارس به شوش حمله برد ولکن خود اهالی اورا گرفته وکشتند وقشون ماد که‌ساخلوی‌این‌خطه بود به‌اغوای‌شخصی که خودرا «افرورهش» وازاعقاب‌هوخشتر میخوانند، یاغی شدومادی‌ها اوراپادشاه کردند. داریوش «وی‌دارنه» سردارسپاه را بماد فرستاد و میان نیروی داریوش ومادها جنگی‌درگرفت‌وسپاهیان‌داریوش در «کسمیه» که‌ناحیه‌ای‌ازماداست‌ماندند تا داریوش‌به مادآید، ونیز «داورشش» نام ارمنی‌راکه از ایرانیان میهن‌پرست بود، به ارمنستان فرستاد تا شورش آن خطه را بخواباند. و او توانست چنین کند. در سایرنقاط‌نیزداریوش باموفقیت بریاغیها فایق آمد.
داریوش پس از اینکه شورشهای ایران را فرونشاند تشکیلاتی به‌ایران دادکه بوسیلهٔ آن ممالك تابعهٔ‌ایران با یکدیگر وبا مرکز پیوستند و وحدتی دردولت پر عرض‌وطول هخامنشی ایجاد شد.
داریوش پس ازبرقراری امنیت در ممالك تابعه، ایالت پنجاب وسند را به ایران ضمیمه کرد، پس ازآن داریوش به سکاها پرداخت اینها درروسیهٔ جنوبی سکنی داشتند.
داریوش در ۵۱۵ قبل ازمیلاد از بغاز بسفر و لشکر ایران از تراکیه، گذشت‌وبه مصب‌رود‌دانوب‌رسیدوداریوش در مدت دوماه ازرود دانوب‌تا تاییس (رن امروز) وقلب سکاها راگرفت واز راهی که‌به اروپارفته بودبه‌سارد مراجعه و هشتادهزار نفر در تحت سرکردگی بغابیش (مگابیز) در اروپا گذاشت که شهرهای‌یونانی ترکیه ومملکت مقدونی را تسخیرکند. بغابیش‌این امررا‌انجام داد و تا سواحل‌دریای آدریاتیك پیش رفت، چنانکه‌پادشاه‌مقدونی «آمین‌تاس» تابع‌ایران‌شد. آنگاه‌یونانی‌های اروپایی داریوش را مجبورنمودندکه‌بطرف‌یونان لشکرکشی کند. دراین نبرد آتنی‌ها بطور غیر مترقب بهره‌مندی داشته‌اند، ولی ازکیفیت‌آن‌بی‌خبریم.
چهارسال بعدازاین‌جنگ، داریوش در اثناء تدارکی‌که برای جنگ جدید میدید، در ۴۸۶ قبل از میلاد مسیح درگذشت.

خشایارشاه.

(مقتول ۴۶۶ قم)

نام‌این شاه‌بزبان‌شوشی «خشرشاه» در نسخهٔ بابلی‌کتیبه‌های هخامنشی «خشی‌یرشی» و



اروپاییان این شاه را موافق اسم یونانی‌شده‌اش «گزرکسس» وبعضی «گسرسس» نامند.
خشایارشاه فرزند داریوش اول از «آتوسا» دختر کوروش بزرگ‌بود و در سن سی‌وپنجسالگی به‌تخت نشست (۴۸۶ قبل ازمیلاد).
در ابتدای سلطنت توجه خود را به‌مصرکه شوریده‌بودوشخصی‌بنام «خبیش» راکه درآنجا مدعی‌حکومت بوده‌شکست داده فراری کرد و همدستان او سخت مجازات شدند.
پس از آن‌خشایارشاه برادر خود «هخامنش» را والی مصر کرد و این کشور بحال‌گذشته خودبرگشت (۴۸۶ قبل ازمیلاد مسیح) آنگاه شورش‌بابل را رابرطرف‌ساخت وخشایارشاه‌به‌تهیهٔ‌جنگ بایونان پرداخت.
تدارکات‌جنگ درمدت سه‌سال‌فراهم شد و برای محل اجتماع همهٔ لشکرها «کاپادوکیه» واقع‌در آسیای صغیرانتخاب

گردیده فرماندهان اردوها همه پارسی بودند ، وشاه باتمام خانوادهٔهخامنشی ، همراه سپاه‌حرکت می‌کرد .

در این نبرد سوارهای مادی وتیر-اندازان «کیس‌سی» جلادت‌خودرا نشان دادند ولیکن سپاهیان اسپارت که‌موسوم به« هوبلیت» یعنی‌سنگین اسلحه بودند ، نگذاشتند قشون ایران ازتنگهٔ ترموپیل بگذرد وحملات آنرا دفع کردند .

سرانجام براثر فداکاریهای‌سواران ایرانی خشایارشاه، آتن‌را متصرف‌شد و معبد « ارك » را بتلافی خرابی ها ییکه یونانی‌هادر سارد کرده‌بودند ، آتش‌زد .

خشیارشاه‌درسال ۴۸۰ قبل‌ازمیلاد مسیح‌به ایران مراجعه‌کرد و«مردونیه» سردار سپاه را باسیصدهزارسپاه‌دریونان گذاشت‌تا به جنگ خاتمه‌دهد . شاهنشاه هخامنشی‌از این نبردها بهره‌ای‌نبرد.

پس از خاتمهٔ جنگ یونان واقعهٔ مهمی درسلطنت خشایارشاه روی نداد، واوقات خودرا به‌لهوولعب میگذراند ، تا آنکه درسال ۴۶۶قبل‌از میلادمسیح، خواجه باشی‌خشایارشاه که **مهرداد** نام داشت با رییس گارد مخصوص اردوان همدست‌شده شاه را کشتند و فرزندش را به‌سلطنت نشاندند .

اردشیر .

(فوت ۴۲۴ ق م)

ازشاهنشاهان‌هخامنشی، اردشیراول ملقب به درازدست، پسرخشایارشاه دورهٔ سلطنت وی جزچند سال اول، بـآرامی گذشت.

درزمان‌او«ویشتاسپ» پسرخشایارشا که در باختر دعوی سلطنت‌میکرددردو جنگ مغلوب‌گردید (۴۶۲ قم).

و«ایناروس» که‌درمصرعلم‌طغیان‌برافراشته بود وآتنیان اورا یاری‌میکردند بدست حاکم سوریه بغابیش(مگابیز) مغلوب‌شد وآن فتنه فرونشست، ولی همین حاکـم یاغی‌گردید ودوبار لشکرشاه را شکست داد ودرپایان بااردشیرصلح‌کرد. هم در زمان اردشیر بین ایران وآتن معاهـدهٔ «سیمون» بسته‌شد وآتنیان‌قبرس را جزو شاهنشاهی ایران شناختند .

داریوش‌دوم .

(وفات ۴۰۴ قم)

چون‌اردشیر (درازدست) درگذشت فرزندش خشایارشای دوم به‌جای وی بر تخت نشست لیکن بیش از ۴۵ روز در این مقام باقی‌نماند، زیرا به‌دست برادر خود سغدیان بقتل رسید (مقتول ۴۲۴ ق.م). قاتل (سغدیان) نیزپس‌از شش‌ماه سلطنت توسط اخس برادر دیگرش بـه خشایارشای‌دوم‌پیوست.وچون‌اخس به‌تخت جلوس نمودنام داریوش دوم رابرخـود نهاد. به‌هنگام زمامداری وی جنگهای آتن و اسپارت بشدت رسید داریوش نیز غیرمستقیم دراین جنگها دست داشت و براثر این اقـدامات برخی ازجزایـر یونانی بتصرف ایران درآمد .

اردشیر دوم .

(فوت ۳۷۹ قم)

پس از «اخس» شاهنشاه گـردیـد (۳۷۹-۳۸۳ق م) .

وبرا بسبب حافظهٔ قوی که داشت، یونانیان، خوش‌حافظه نامیدند .

برادر اوکوروش جوان (صغیر) که حکمرانی آسیای صغیر را داشت بکمك سپاهیان یونانی ضد اردشیرقیام‌کرد،ولی درجنگ «کوناکسا» نزدیك بابل کشته شد، وده هزارسپاهی یونـانی بـرهبری گزنفون به‌یونان‌مراجعت‌کردند.

همراهی اسپارتیان ؛ باکوروش‌آتن رابه ایران نزدیك کرد و بحریهٔ آن‌با بحریهٔ ایران متحد شد. عاقبت‌اسپارتیان چاره جزاین ندیدندکه خودرابه ایران نزدیك کنند ودر صلـح «آنتالسیداس» «پاییز ۳۸۷ق م.»کلیهٔ مستملکات‌یونانی در آسیا و جزیرهٔ قبرس مجدداً به‌دست ایرانیان افتاده و شاهنشاه ایـران در منازعات شهرهای‌یونان‌حکم‌گردید .

اردشیرسوم .

(مسموم ۳۳۸ قم)

چون اردشیر دوم‌درگذشت فرزندش اخس به نام اردشیر سوم به تخت سلطنت جلوس‌کرد .

ابتداکلیهٔشاهزادگان‌رابه‌قتل‌رسانید وآنگاه به‌اغتشاشات‌مملکتی خاتمه‌داد و به‌جانب مصرشتافت وآن سرزمین‌راتحت لوای خویش درآورد. ودرصدد اتحاد با یونانیان علیه فیلیپوس پـادشاه مقدونی بودکه توسط باگواس،یکی‌از نزدیکانش مسموم شد .

داریوش سوم .

(مقتول ۳۳۰ ق م)

چون‌اردشیرسوم مسموم شد**آراسس** فرزندش توسط **باگواس** پادشاهی‌یافت و چون برفجایع باگواس‌واقف شددرسومین سال سلطنت کمر به‌قتل وی بست ، لیکن باگواس پیش‌دستی‌نموده‌اورا ازقیدحیات محروم ساخت و**کدمان** یکی‌از نوادگان داریوش دوم‌را به‌سلطنت برگزیدکدمان پس‌ازجلوس نام داریوش سوم رابرخـود نهاد وآنگاه ازاطاعت باگواس‌سرپیچید وچون‌سردارمزبور درصددکشتنش‌برآمد داریوش‌وی‌رابه دیارعدم‌رهسپارگردانید. **اسکندر مقدونی** به هنگـام زمامداری داریوش سوم بر ایران تاخت وبطوریکه درجنگهای‌گرانیکوس، ایسوس‌وگوگمل مغلوب ومتواری‌گردید وسرانجام‌درصدد تهیهٔ سپاه ومقابلهٔ مجدد باقوای‌اسکندر بودکه درنزدیکی دامغان به‌قتل رسید.

فرقه کاره

سلسله‌ای ازپادشاهان‌عصردیادوخها یعنی خلفای‌اسکندر،که در مملکت‌اصلی هخامنشیان یعنی‌فارس نفوذی یافته وتـا زمان اشکانیان حکمرانی میکردند ، و چندان نفوذ واستقلال داشتندکه‌بنام‌خود سکه می‌زدند .

سلوکیان

نام‌سلسله‌ای ازپادشاهان مقدونی‌که مؤسس‌آن**سلوکوس** بود وبعدازا**سکندر مقدونی** درایران وسوریه‌تشکیل‌گردید.

درتقسیم قلمرو اسکندر ولایت‌بابل به سلوکوس رسیدوکشورگشایی‌اوازآنجا آغازشد، تاورود سندوسوریه وقسمت‌شرقی آسیای صغیر راتصرف کـرد وبعداز او جانشینان معروفش‌عبارت بودند از:

۱-**آنتیوخوس اول** (فوت۲۶۱قم).
۲-**آنتیوخوس‌دوم** . (فوت ۲۴۷ قم).
۳- **آنتیوخوس سوم** (فوت۱۸۷قم).
۴-**آنتیوخوس‌چهارم**. (فوت۱۶۴قم).
۵-**آنتیوخوس سیزدهم** . (در ۶۵ قم مغلوب رومیان شد)

سلوکوس .

(فوت ۲۸۰ قم)

ملقب به‌نیکاتور به‌معنی «فاتح»،سردار اسکندر مقدونی مؤسس سلسلهٔ سلوکی‌در آسیا در۳۱۳ قم. ازمیان همهٔ جانشینان اسکندر ،سلوکوس‌بیشترازدیگران‌به‌افکار فاتح مقدونی‌آشنا بود، وبنظر میرسیدکه برای شناختن و ادراك جهان ایرانی و اتحاد باآن از همکاران خود مستعدتر

بوده است. وی اززمان تسخیرشوش، بسمت فرماندهٔ تشکیلات سواره نظام نجبای ایرانی منصوب شد وآنهارا به‌واحدی‌متشابه شامل چند ده‌هزارجنگجو درآورد. اوبا **اپامه** که از خانواده‌های نجیب ایرانی بود، ازدواج کرد. وی سلسله‌ای تأسیس کرد که درآن‌خون‌ایرانی باخون‌مقدونی متساویاً ممزوج گردید. سلوکوس والی بابل شد، وعاقبت شاهنشاهی هخامنشی‌را که مرکب ازمصر ودنبالهٔ سراشیب آن‌که ازفلسطین وسوریهٔ جنوبی تشکیل میشدو چند بخش ازسرزمین‌آسیای صغیر بود، به‌ارث برد.

خود او از متصرفات خویش بکسی تسلیم نکرد باستثنای چند قطعه‌که در سرحدهای‌شرقی، رخج‌وگدرزیا، به **چندراگوپتا** پادشاه هند، درعوض فیلهایی که وی می‌بایست بفرستد، تاسلوکوس‌بتواند سرحدهای غربی‌کشور خودرا حفظ کند، داد. اوبرای پسرش، سرزمینهای‌پهناور ومسکون ازجمعیت بسیار، که چنانکه حدس زده‌اند بالغ برسی‌ملیون‌تن میشد، باقی‌گذاشت، اما بمحض فوت وی، تجزیه وتحلیل شاهنشاهی اوشروع شد واین‌عمل بتدریج تاانقراض سلسلهٔ سلوکی ادامه یافت. «فرهنگ‌معین»

سلسلهٔ اشکانی

شاهنشاهان اشکانی پس از اینکه سلوکیه‌ها بیش‌از یك قرن برایرانیان حکومت‌کردند، بفرمانروایی پرداختند، اشکانیان از خراسان (ناحیه قوچان و بجنورد‌که پارتیاخوانده میشد) برخاستند پایتخت‌اشکانیان‌شهر نیسایه(نزدیك‌دامغان) وبعد ری وهمدان بود وزمستان را در تیسفون نزدیك‌بغداد میگذراندند. شاهان مهم اشکانی عبارت بودند از:

۱ـ اشك اول. (فوت ۲۴۸ق م.)
۲ـ تیرداد اول. (فوت ۲۱۱ قم.)
۳ـ اردوان‌اول. (فوت ۱۹۱قم.)
۴ـ فری یاپت. (فوت ۱۷۶ قم.)
۵ـ فرهاد اول. (فوت ۱۷۱ قم.)
۶ـ مهرداد اول. (فوت ۱۳۸قم.)
۷ـ فرهاد دوم. (فوت ۱۲۵ قم.)
۸ـ اردوان دوم. (فوت۱۲۳ قم.)
۹ـ مهرداد دوم. (فوت ۸۷ قم.)
۱۰ـ ساناتروك. (فوت ۷۰ قم.)
۱۱ـ فرهاد سوم. (فوت ۵۷قم.)
۱۲ـ مهرداد سوم. (فوت ۵۵قم.)
۱۳ـ ارد اول. (فوت ۳۶ قم.)
۱۴ـ فرهاد چهارم. (فوت ۲قم.)
۱۵ـ تیرداد دوم. (فوت ۳قم.)
۱۶ـ فرهاد پنجم. (فوت ۴م.)
۱۷ـ ارد دوم. (فوت ۶ م.)
۱۸ـ ونن اول. (فوت ۱۲ م.)
۱۹ـ اردوان سوم. (فوت ۴۰ م.)
۲۰ـ تیردادسوم. (جلوس به‌سلطنت ۳۶ م.)
۲۱ـ وردان. (فوت ۴۵ م.)
۲۲ـ گودرز دوم. (فوت ۵۱ م.)
۲۳ـ ونن دوم. (فوت ۵۱ م.)
۲۴ـ بلاش اول. (فوت ۷۸م.)
۲۵ـ پاکر دوم. (فوت ۱۱۰م.)
۲۶ـ اردوان‌چهارم. (فوت ۸۱م.)
۲۷ـ خسرو. (فوت۱۲۹م.)
۲۸ـ بلاش دوم. (فوت ۱۴۷م.)
۲۹ـ مهردادچهارم. (فوت۱۴۷م.)
۳۰ـ بلاش سوم. (فوت ۱۹۱ م.)
۳۱ـ بلاش‌چهارم. (فوت ۲۰۹ م.)
۳۲ـ بلاش پنجم. (فوت ۲۲۲ م.)
۳۳ـ اردوان‌پنجم. (فوت ۲۲۶م.)

اشك اول.

(فوت ۲۴۸ قم)

آنچه‌ازگفتهٔ مورخین برمی‌آید، ارشك‌باطایفهٔ‌خود(پارتی‌ها) همدست‌شده در۲۵۶ قبل ازمیلاد مسیح، علم‌مخالفت با سلوکیها بیفراشت وباآنان جنگهای متعدد نموده تا سرانجام برایشان غلبه یافت ودولت پارت راتأسیس کرد (۱۵۰ قبل از میلادمسیح) پس‌ازاین فتح‌ارشك، بباخترعزیمت نمود وبامردم این ناحیه نیز جنگ‌کرد، وبقولی دراین جنگ کشته شد، وبقول دیگر روزی از دست نیزه‌دارش زخمی برداشت، و براثرآن درگذشت (۲۴۸ قبل از میلاد مسیح).

چون ارشك، بانی سلطنت‌اشکانیان بود، شاهان دیگر اشکانی اورا تقدیس میکردند، چنانکه به‌او لقب «انی‌فالس» دادند (این لغت بزبان یونانی بمعنی پرافتخاراست) وبیادبوداینکه او سرسلسلهٔ اشکانی است، به اسم خود کلمهٔ ارشك را افزودند.

لفظ ارشك بعدها به اشك تبدیل شد.

تیرداداول.

(فوت ۲۱۱ ق م)

ـبعد از شکست ارشك برادرش، تیرداد برتحت سلطنت نشست و خودرا ارشك‌دوم نامید(۲۴۸قبل‌ازمیلادمسیح).

وقتیکه تیرداد به تخت سلطنت نشست، مبانی دولت پارت هنوزمحکم نشده بود، ولی در مدت سلطنت‌طولانی وی با مجاهداتی‌که نمود، دولت‌پارت قوت یافت. و از اشتغال سلوکیها در مغرب استفاده نموده گرگان را به سال ۲۳۷قبل‌از میلادگشود وضمیمهٔ‌متصرفات خویش‌کرد.

دراین ایام «سلوکوس‌کالی‌نیکوس» با برادرخود «آن‌تیوکوس هی‌براکس» صلح‌کرده فرصتی‌بدست‌آورد و باقشونی نیرومند بجانب پارت رفت تااین‌ایالت را به دولت سلوکی برگرداند، به این مقصود، باوجود سپاه‌گرانی‌که داشت از راه احتیاط با«دیودوت» پادشاه باختر اتحادی بست، تا هردوقوم پارت را در فشارگذارند.

تیرداد، صلاح خود را درآن دید که پارت راتخلیه‌کرده‌بطرف شمال‌رود. این اندیشه را عملی ساخت وبشمال‌رفت و ازمردم «آسپاسیاك»سکایی نیرووکمك گرفت وعازم پارت شد.

دراین‌احوال‌خبررسیدکه **دیودوت** پادشاه باختر درگذشته وپسرش برتخت نشسته است. معلوم است‌که این خبر تا چه اندازه به تیرداد قوت قلب داد، زیرا او دیودوت را دشمن نیرومندخود میدانست، وازنیروی او دراندیشه بود. پس‌ازآن تیرداد با پسر دیودوت داخل مذاکره شد واوراازاتحاد با**سلوکوس‌ـ کالی‌نیکوس** برحذر داشت، واین‌اقدام مهمی بودکه موجب پیروزی او وشکست کالی‌نیکوس گردید.

تیردادپس‌از این‌پیروزی درخشان خودراشاه‌بزرگ‌خواندوشهر«صددروازه» راکه یونانیها «**هکاتم پیلس**» گفته‌اند، پایتخت خود قرارداد. (گویا این شهر درجنوب غربی دامغان بوده است).

برخی عقیده دارندکه اشکانیان نظربه فصول چهارگانه، مقرسلطنتی را به نوبت درچهارشهر: صددروازه، ری، همدان، تیسفون، قرار داده بودند، و درهرفصلی به مقتضای آب‌وهوا به‌یکی‌از این شهرها می‌رفتند.

پارتیها نظر به اهمیتی‌که کارهای تیرداد داشت، جلوس تیرداد را مبداء تاریخ پارتی قراردادند (۲۵۷ قبل از

میلاد مسیح) ، زیرا اگرچه ارشك اول دولتی‌را تأسیس کرده بود، ولی تردیدی نبود، که سلوکیها درصدد تسخیر ثانوی پارت بر آمدند، وهمت و فداکاری تیرداد بودکه پارت را در برابرسلوکیها حفظ کرد ودست آنانرا از سرزمین پارت کوتاه ساخت تیرداد درپیری جهان‌را وداع کرد وسلطنت اواز۲۴۸ تا ۲۱۱ قبل از میلادمسیح بوده است .

این نخستین پادشاهی بوداز اشکانیان که مانند شاهان هخامنشی عنوان شاه بزرگ را اختیار کرد.

اردوان اول.

(فوت ۱۹۱ ق م)

چون تیرداد به سال ۲۱۱ قبل از میلاد . درگذشت فرزندش اردوان به تخت نشست. آنگاه به‌متصرفات‌سلوکی‌ها دست اندازی کرد وهمدان را متصرف‌شد و در جنگی که میان او و آنتیوکوس درگرفت ، شکست یافته به‌جانب گرگان هزیمت جست وسرانجام باپادشاه سلوکی صلح کرد وازطرف دربارسلوکی سلطنت اردوان به رسمیت شناخته شد.

فریاپت.

(فوت ۱۷۶ ق م)

چون اردوان درگذشت فرزندش فریاپت به تخت سلطنت نشست و پانزده سال حکومت‌راند. وسرانجام به‌سال۱۷۶ ق.م. درگذشت.

فرهاد اول.

(فوت ۱۷۱ ق.م)

فرهاد پس ازمرگ پدرش فریاپت به سلطنت رسید وهفت سال‌حکومت کرد. وی شهر **خارکس** را در ری بنیاد نهاد نمود.

مهرداد اول ، (اشك‌ششم).

(فوت ۱۳۸ ق‌م)

چون فرهاد اول درگذشت مهرداد اول برادرش به جانشینی وی منصوب گشت مهرداد پادشاه سلوکی **دمتریوس** را به اسارت خویش درآورد وهمدان و آذربایجان‌وارمنستان‌وخوزستان وپارس و بابل را مسخر گردانید وآنگاه نفوذ دولت اشکانی را تاهند بسط داد.مهرداد ازپادشاهان بزرگ این سلسله است وی درکارهای مملکتی بادومجلس به‌نامهای **مجلس شاهزادگان** و **مجلس اشراف** مشورت میکرد وزمانی‌که این دومجلس با هم تشکیل میشدند **مجلس مهستان** نامیده میشد . مهرداد پس از ۳۸ سال سلطنت درگذشت.

فرهاددوم،(اشك هفتم).

(فوت ۱۲۵ ق‌م)

بعد از مهرداد فرزندش فرهاد به پادشاهی رسید.

وی درجنگ‌هایی که با **آنتیوکوس هفتم** پادشاه سلوکی نمود سرانجام وی را شکست داد وازآن پس بطور کلی بر تسلط سلوکی‌ها در ایران خاتمه داده شد. فرهاد درضمن جنگ با سکاها کشته شد .

مهردادادوم.

(فوت ۸۷ ق‌م)

مهرداد دوم ازپادشاهان نامی این سلسله است.

وی طی جنگهایی‌که با سکاها نمود ایشان‌را به‌زانو درآورد وآنگاه پادشاه ارمنستان را به اطاعت ازخودواداشته سپس بادولت روم روابط حسنه برقرار کرد . مهرداد دوم ۴۸ سال پادشاهی کرد.

ارد اول.

(فوت ۳۶ق م)

ارد درسال ۵۵ ق . م . به سلطنت رسید.

وی‌شهر تیسفون‌را به‌پایتختی بر گزید. از وقایع مهم دوران سلطنت‌اوجنگ‌های ایران وروم است.

دراوایل سلطنت ارد ، یکی از سرداران معروف رومی به نام **کراسوس** جهت تسخیرهند و ایران به جانب آسیا عزیمت نمود . لیکن پادشاه ایران‌اورا ازاین‌خیال برحذر گردانید ولی‌کراسوس از تصمیم خود منصرف‌نشد ودرجنگی‌که میان طرفین در گرفت رومیان به سختی شکست یافته سردار خودکراسوس را از دست دادند. آنگاه درصدد تسخیر سوریه برآمد لیکن شکست یافت ونه سال بعد فرزند خود**پاکر**راما‌مور سوریه‌گردانید. ارد درسال ۳۷ ق . م. فرهاد پسردیگر خودرا به‌جانشینی‌خویش بر گزیدو آنگاه کناره‌گیری اختیار کرد .

فرهاد چهارم.

(فوت ۲ ق م)

فرهاد چون به پادشاهی رسید پدرو برادران خویش راازبین برد سپس‌دست به قتل بزرگان کشور گشود . و این امر سبب گردید‌که جمعی از بزرگان ایران را ترك گویند . در زمان این پادشاه بار دیگر قوای‌ایران‌دربرابرسپاه‌روم‌تجهیز شد و**آنتونیوس** سرداررومی پس‌ازچند جنگ شکست یافت‌وپس‌ازصلح عازم‌مصر شد.

چون دوسال ازاین واقعه گذشت‌بار دیگرآنتونیوس آهنگ ایران نمود و ارمنستان را به‌تصرف خود درآورد اما سرانجام در برابر فرهاد تاب مقاومت نیاورده به روم بازگشت. بعد ازاین‌فتح که نصیب ایرانیان شد رومی‌ها در صدد دوستی باایران برآمدند.

فرهادچهارم‌سرانجام توسط‌فرزندش فرهادك‌که ازکنیز رومی او به‌دنیاآمده بود ، مسموم شد.

فرهاد پنجم (فرهادك) .

(فوت ۴ م)

فرهادك پس‌ازآنکه پدر را مسموم کرد به‌جای وی به سلطنت نشست. و در



صدد برآمدکه برادران خویش‌را به‌قتل رساند وزمانی‌که به وسیلهٔ معاهده‌ای‌که با رومیان منعقدکرد واز ارمنستان‌چشم پوشی نمود جمعی از بزرگان بر او شوریدند وازپادشاهی خلع‌کردند واورا بقتل رسانیدند .

بلاش‌اول.

(فوت ۷۸م)

بلاش چون به پادشاهی رسیدپس از انتظام‌امور داخلی برارمنستان تاخت و آنجا را تحت لوای خویش در آورد . و آنگاه بر سر ارمنستان با دولت روم وارد جنگ شد ویازده سال پیکارنمود وسرانجام بایکدیگرسازش‌نمودند. بلاش اول از پادشاهان نامی این سلسله است یکی‌دیگرازکارهای‌بزرگ اوجمع‌آوری **اوستا**میباشد .

خسرو .

(فوت ۱۲۹ م)

خسرو درسال **۱۰۸** میلادی به‌پادشاهی رسید . در زمان او **ترایانوس** امپراطور روم موضوع ارمنستان را بهانه‌قرار داد باردیگر به‌ایران‌تاخت‌با آنکه به‌فتوحاتی نایل آمد لیکن کاری از پیش نبرد وچون درگذشت **هادریانوس** جانشین‌وی‌با ایران صلح کرد . چون خسرو در گذشت بلاش دوم‌پادشاهی‌یافت .

بلاش‌دوم.

(فوت ۱۴۷ م)

از پادشاهان دورهٔ آشفتگی اشکانیان است ومعارض خسرو اشکانی بوده و بر



قسمتی از ایران سلطنت‌داشت‌بلاش دوم معاصر **هادریانوس‌و آنتونینوس‌پیوس** امپراطوران روم‌بوده‌است.

بلاش سوم .

(فوت ۱۹۱ م)

بلاش سوم در آغاز سلطنت به‌فکر تسخیر ارمنستان‌افتاد؛ لیکن **آنتونیوس** امپراطور روم اورا برحذر داشت. ولی چون آنتونیوس درگذشت بلاش‌نقشهٔ‌خود راعملی‌کرد وارمنستان‌را تسخیر نمود.اما دولت روم مصمم‌گردید این‌ناحیه‌را پس گیرد . درجنگی که‌میان ایشان‌درگرفت بلاش بسختی شکست خـورد و **کاسیوس** سردار روم تیسفون قصر تابستانی‌بلاش‌را آتش زد لیکن در همین اوان مرض طاعون درلشکرگاه روم بروزکرد واین امرسبب عقب‌نشینی ایشان‌گردید .

بلاش‌چهارم.

(فوت ۲۰۹ م)

بعد از مرگ بلاش سوم فرزندش بلاش‌چهارم به‌پادشاهی رسید . در زمان او رومیان برایران تاختندوتیسفون را غارت نموده سکنهٔ شهر را قتل عـام کردند .

اردوان پنجم .

(فوت ۲۲۶ م)

چون بلاش چهارم درگذشت. میان پسرانش بلاش واردوان برسرتصاحب تاج وتخت شاهنشاهی اختلاف نظر پیدا شدو کار به‌مجادله کشید وسرانجام دو برادر با یکدیگر صلح کردند وقرارشد‌بلاش‌در بابل و اردوان در مغرب ایران سلطنت کنند. همزمان‌با این‌حوادثی که‌در‌ایران میگذشت **سپتیموس سوروس** امپراطور روم‌درگذشت‌و **کاراکالا** به‌مقام‌امپراطوری نایل آمد وچون از اوضاع ایران‌اطلاع یافت درصدد حمله برآمد لیکن از راه خدعه ونیرنگ دختر اردوان را به‌زنی خواست ودرشب‌عروسی که کاراکالاشخصاً برای بردن‌عروس با سپاهیان رومی به ایران آمده بود ، همراهان اردوان را کشت اما پادشاه ایران جان به سلامت برد .

رومی‌ها شهرهاودهکده‌های‌ایران‌را به‌بادغارت‌گرفتند. اماسرانجام‌امپراطور ناجوانمرد روم در ضمن‌راه توسط‌افراد خـود بقتل رسید و بدینوسیله پاداش نیرنگبازی‌خود را گرفت . اما اردوان سپاهی گردآوردو با‌**ماکرینوس** جانشین کاراکالا به‌جنگ پرداخت وشکست‌سختی به رومی ها وارد آورد و مبلغ گزافی بعنوان غرامت از ایشان‌گرفت .اردوان پنجم سر انجـام مغلوب **اردشیر بابکان** گردید و کشته شد .

ساسانیان



(۲۲۶ – ۶۵۲م)

سلسلهٔ‌شاهنشاهانی‌که بعداز‌اشکانیان وتاحملهٔ‌تازیان‌برایران حکومت کردند خاندان ساسانی‌بعد ازهخامنشی مقتدرترین ومعروفترین سلسلهٔ ایرانی‌است و دورهٔ چهارصد سالهٔ حکومت آنها تأثیر بزرگی در تکوین ملیت وفرهنگ‌ایرانی داشت .

مؤسس این سلسله‌اردشیر پسر‌بابك پسر ساسان بود وآخرین آنها یزدگرد سوم بود.

ساسان جد این خاندان مـردی از دودمان نجباوموبد پرستشگاهی‌بود که‌در استخر‌برای ناهید(اناهیتا) ساخته‌بودند. زن او « رام‌بهشت » دختر **گوزهر** از پادشاهان **بازرنگی**‌بود .

بابك پسرساسان درشهر **خیر** کنار دریاچهٔ‌بختگان حکومت‌داشت‌وبا‌استفاده ازخویشاوندی‌با بازرنگان‌پسرخود اردشیر را به‌مقام **ارگبدی**‌شهر‌**دارابگرد** رسانید . در این‌وقت بابك بر **گرزهر** شاه شورید و**نیسایه** مقر وی را گرفت واورا کشت وخودبه‌شاهی‌رسید . اردشیر فرزندبابك میخواست پادشاه سراسر پارس‌شود ولی بابك اندیشه اورا دریافت ونامه‌ای بهـ شاهنشاه‌ایران‌اردوان‌پنجم‌نوشت‌و دستوری خواست ، شاهنشاه نوشت که او و پسرش هردویاغی‌هستند. بابك‌اندکی‌بعددر‌گذشت وشاهپوربجای پدربه تخت سلطنت‌نشست میان او برادرش اردشیر کشمکش بالا گرفت ولی اردشیر مجبور به اطاعت‌از برادر بزرگتر شد اتفاقاً شاهپور بطور ناگهانی درگذشت و اردشیر به سلطنت رسید وسلسلهٔ بزرگی‌رابنیاد نهاد.

شاهان ساسانی :

۱ـ اردشیراول. (وفات ۲۴۱ م).
۲ـ شاپور اول. (وفات ۲۷۱ م).
۳ـ هرمز اول. (وفات ۲۷۲م).
۴ـ بهرام اول. (وفات ۲۷۵ م).
۵ـ بهرام دوم. (وفات ۲۸۳ م).
۶ـ بهرام‌سوم(سکانشاه). (وفات‌۲۸۳م.)
۷ـ نرسی. (وفات‌۳۰۱م).
۸ـ هرمز دوم. (وفات ۳۱۰ م).
۹ـ آذر نرسی. (وفات ۳۱۰م).
۱۰ـ شاپور دوم (ذوالاکتاف). (وفـات ۳۷۰ م).
۱۱ـ اردشیر دوم. (فوت ۳۸۰م).
۱۲ـ شاپورسوم. (فوت ۳۸۸ م).
۱۳ـ بهرام‌چهارم. (فوت ۳۹۹ م).
۱۴ـ یزدگرد اول. (فوت ۴۲۰ م).
۱۵ـ بهرام‌گور (بهرام پنجم) . (فـوت ۴۳۸ م).
۱۶ـ یزدگرد دوم. (فوت ۴۵۷ م).

۱۷ــ هرمز سوم. (فوت ۴۵۹ م).
۱۸ــ فیروز اول. (فوت ۴۷۲ م).
۱۹ــ بلاش. (فوت ۴۸۷ م).
۲۰ــ قباد اول. (فوت ۵۳۱ م).
۲۱ــ انوشیروان‌دادگر. (خسرو اول). (فوت ۵۷۹ م).
۲۲ــ هرمزچهارم. (فوت ۵۹۰م).
۲۳ــ خسروپرویز. (فوت ۶۲۷م)
۲۴ــ شیرویه (قباددوم). (فوت۶۲۸م).
۲۵ــ اردشیرسوم. (فوت ۶۲۸ م).
۲۶ ــ شهربراز.
۲۷ــ خسرو سوم.
۲۸ــ جوانشیر.
۲۹ــ پوران دخت.
۳۰ــ گشنسب برده.
۳۱ــ آذرمیدخت.
۳۲ــ هرمز پنجم.
۳۳ــ خسروچهارم.
۳۴ــ فیروز دوم.
۳۵ــ خسرو پنجم. فوت(۶۵۱م)
۳۶ــ یزدگرد سوم.

اردشیر بابکان. (وفات۲۴۱ م)

مؤسس سلسلهٔ بزرگ ساسانی پسر **بابک** که درزمان حیات‌پدر در دارابگرد شغلی نظامی داشت ولی همواره در صدد تهیهٔ‌مقدمات توسعه‌حکومت بود.



باکشتن **گوزهر** بر قدرت خود افزود، بطوریکه پدرش علناً فرزند دیگر خودرا نامزد حکومت کرد ولی بامرگ بابك، اردشیر خودرا رسماً **پادشاه** خواندومرگ ناگهانی شاپور نیزحکومت اورا بلامنازع کرد. اردشیرباشکست دادن **بلاش** بر کرمان دست‌یافت،دراین وقت باکشتن **شادشاپور** حاکم اصفهان آنجا را متصرف شد. **اردوان پنجم** ازپیروزیهای پی‌درپی آن نگران شد و باسپاهی‌عظیم به جنگ او آمدولی‌شکست خورد،درسال ۲۲۵ باکشتن شاه‌اشکانی رسماً بنام



شاهنشاه ایران تاجگذاری‌کرد.

در مدت ۵۰ سال سلطنت بر کلیهٔ مخالفان خود پیروز شدکه مهمترین‌آنها **خسرو اول** شاه ارمنستان بود و ۱۰ سال درمقابل سپاهیان اردشیر مقاومت کرد، زیرا **باسکاها** و **رومیان** در برانداختن اردشیر متحدشده بود، درهرحال اردشیر دوشهر **نصیبین** و **حران** رامتصرف شد و حکومت خودرا ازفرات تامرو، هرات و ارمنستان گسترش داد، درپایان حیات او به نفع فرزندش **شاپور اول** ازسلطنت کناره گرفت.

کتاب «کارنامك اردشیر پاپکان» به زبان پهلوی مربوط به‌اوست.

شاپور اول.

(وفات ۲۷۱ م)

پسراردشیر بابکان دومین شاهنشاه ساسانی‌که درسال ۲۴۲ یکسال‌بعدازمرگ



پدر رسماً تاجگذاری‌کرد، شاپور درسال آخرعمرپدر، امورکشور رابه‌دست‌گرفت وتحت نظرپدر، بکشورداری‌پرداخت.ودر آن وقت سیستم حکومت هنوز بروش پارتی، یعنی ملوك‌الطوایفی بود شاپور درشاهنشاهی‌ایران قشونی‌بزرگ‌باانضباط وتشکیلات‌اداری منظم طبق اصولی‌جدید بنیاد نهاد. و ازآغاز کار، چون در داخل مملکت مشکلی نبوده لذا شاپور توجهٔ خودرا به مسایل خارجی معطوف‌داشت برخی از **مورخین** برانداختن **سلسلهٔ‌کوشان** را به شاپور نسبت می‌دهند. پس‌از یك سو بین



رومیان وکوشانیان‌گرفتار بود وازسوی دیگر مسئلهٔ حل نشده ارمنستان اورا آرام نمی‌گذاشت وتازه مسئلهٔ بدویانی که معابرقفقاز را تهدید می‌کردند خود یکی ازگرفتاریهای او بود.

بطوریکه کتیبهٔ مفصل نقش رستم حکایت می‌کند، سپاه فاتح او، **پیشاور** پایتخت زمستانی شاهان‌کوشان‌را تصرف کرده وبه **دره سند** دست یافته است واز آنجا به‌شمال توجه‌کرده و از **هندوکش** گذشته، ایالت بلخ رامتصرف شده استو بالاخره از جیحون گذشته به سمرقند و تاشکندرسیده‌است. وسلسلهٔ کوشان‌منقرض شده وسلسلهٔ دست نشانده شاپور درآنجا به‌حکومت میرسد.

پس‌از حل مسئلهٔ مشرق، شاپور به مغرب میرسد وازسوریه‌گذشته به‌انطاکیه میرسد ولی چند شکست متوالی‌روحیهٔ او راضعیف‌کرده‌آماده بازگشت میشودکه **کردیانوس** (Cordianus) امپراتور روم‌کشته میشود وجانشین اوفیلفوس‌عرب (L'Arabe Philippe) باعجله قرارداد صلحی رابرقرار می‌کندکه به استنادآن پرداخت مبلغ‌گزافی‌خراج راتعهدمی‌کند وبین‌النهرین وارمنستان رانیز به ایران واگذار می‌کند.

مدت۱۵ سال اوضاع درکمال‌آرامش بود، تادوباره رومیان نزاع را آغاز کردند، شاپور مجبور به‌لشکر کشی شد و درنزدیك ادسا فتحی‌عظیم نصیب اوشدکه امپراتوررومی«والریانوس» باهفتادهزار لژیونررا اسیر کرد. شاپور ازوجود این اسرا درطرح وتأسیس بناها و شهرها استفاده فراوان برد واز خدمات آنها ایالت پرثروت خوزستان فواید بسیاربر گرفت‌که‌بعضی‌ازآثارآنهاهنوزباقی‌است.

شاپور درتعقیب‌موفقیت خود،سوریه وکاپادوکیه‌راویران‌کردولی در بازگشت مورد حملهٔ **امیرتدمر** (Palmyre) قرار گرفت وشکست‌یافت وقسمتی‌ازغنایم‌خود را ازدست داد.

شاپور برای تذکار فتح خود دستور داد تصویر امپراطور روم راکه‌دربرابر اسب وی‌زانوزده، برپنج نقش برجسته که‌روی‌صخره‌هاوپرتگاههای‌فارس‌حجازی شده منقوش سازند.

شاپور، عملیات پدر رادر نظم‌امور داخلی شاهنشاهی‌تکمیل کرد وی‌بانظری وسیع فرمان داد، آثار متعدد یونانی و



اردشیر بابکان



شاپور اول


بهرام اول

هندی رادرمباحث مختلف: طب، نجوم و فلسفه ترجمه کنند، شاپور به**مانی**اجازه داد که دین خود را رسماً تبلیغ کند و اوراتحت حمایت خود گرفت .

«گیرشمن، ایران ترجمهٔدکتر معین»

هرمز اول

(وفات ۲۷۲ م)

چون شاپوراول درگذشت فرزندش به نام هرمز اول به سلطنت رسید ، به هنگام‌زمامداری‌وی **مانی** که به‌هندوستان وچین‌رفته‌بود ، به‌ایران آمدومورد‌تفقد این‌پادشاه قرار گرفت .

مدت‌پادشاهی هرمزاول یك‌سال بود.


هرمز دوم

بهرام اول .

(وفات۲۷۵م)

پس ازمرگ هرمز برادرش بهرام پادشاهی یافت .

بهرام در جنگ‌های روم وتدمر به اهالی تدمر کمك کرد و این امر سبب بر انگیختن امپراطور روم علیه ایران گردید و زمانی که جهت تسخیر ایران روان بود توسط کسان‌خویش به‌دیارعدم رهسپار گردید .


شاپور ذوالاکتاف

دیگر از کارهای بهـرام ازمیان برداشتن مانی است .

بهرام دوم .

(وفات ۲۸۳ م)

چون بهرام‌اول درگذشت فرزندش بهرام دوم جانشین وی شد، بهرام‌درایام سلطنت خودبه مطیع ساختن سکاها توفیق یافت‌ودرجنگ‌باروم نیزمغلوب آن‌دولت گشت .


اردشیر دوم

نرسی .

(وفات ۳۰۱ م)

نرسی آخرین پسر شاپور اول، در هنگام مرگ بهرام‌دوم درارمنستان‌به‌نام **بزرگ ارمنان شاه** حکومت می‌کرد،در


شاپورسوم



ایـن وقت بهرام سوم بر اریکـه سلطنت نشست عده‌ای از درباریـان خـواهـان حکومت نرسی بودندلذااو رافراخواندند اوآمدوبر


بهرام‌چهارم

بهرام سوم‌پیروزشد وبرتخت نشست،ولی متأسفانه درسال **۲۹۸** با آغاز جنگ از طرف رومیان در حالیکه **نرسی** لشکری انبوه آماده‌کرده بودسپاه ایران‌شکست خورد ، نرسی وخانواده‌اش اسیرشدند و ارمنستان و شهرهای شرق دجله به مدت چهل سال دردست رومیان باقی‌ماند .

هرمز دوم .

(وفات ۳۱۰م)

پس ازآن که نـرسی در جنگ با رومیان شکست یافت از سلطنت‌کناره‌ـ گیری نمود و هرمز فرزند خویش را به پادشاهی برگزید ، هرمزدوم درجنگ‌با اعراب‌به‌قتل رسید ، وفرزندش آذرنرسی به‌سلطنت‌نشست‌ولی‌براثرسفاکی‌وبیرحمیـ هایش ازمیان بـرداشته شد، وتاج‌شاهی رابرخوابگاه همسر هرمز که باردار‌بود آویختند .

شاپور ذوالاکتاف .

(جلوس **۳۰۹** وفات **۳۷۰** م)

دهمین پادشاه ساسانی شاپور دوم ، پسر هرمز دوم بود ، هنگامی به سلطنت رسید که‌کودکی بیش نبوددر طول **۷۰** سال‌سلطنت‌افتخارات فراوان‌کسب‌کرد .

حکومت و ادارهٔ مملکت دردورهٔ کودکی اوبه‌دست مادرش ودرباریان‌بود ازوقایع دوره‌کودکی او، اغتشاش‌شاهان کوشان بودکه به‌برخی از ایالات داخلی ایران‌نیزدست درازی‌کردند ولی ، وقتی که شاپـور به‌سن بـلوغ رسید ، برضد کوشانیان به جنـگ پرداخت ویکباره استقلال داخلی راهم از آنها گرفت و بعنوان‌یکی از ایالات ایران ، بر آنها حاکم ایرانی گماشت که مقر این حاکم شهر **بلخ** بود .

شاپور دوم بجبران ننگ دوصلحی که با رومیان بوسیلهٔ بهرام دوم و نرسی منعقد شده بود، جنگی طولانی‌آغاز‌کرد وبرای بدست‌آوردن ایالات ازدست‌رفته با رومیان جنگید ، ولی در حین جنگ **کوشانیان وهپتالهای‌خیونی**متحداًعلیه ایران قد علم‌کردنـد ، شاپور ، جنگ رومیان را ناتمام‌گذاشت‌بطرف‌آنهارفت و لشکریانشان را منهزم‌کرد وآنها را به همراه خود برای جنگ بـا رومیان آورد و ولایت **آمد** را متصرف شد، در جنگ با رومیان **یولیانوس** کشته شد و سپاهش عقب نشستند و شهرهای از دست رفته به ایران منضم شد ، و برارمنستان مرزبان یا فرماندهٔ سرحدی‌گماشت.

اردشیردوم.

(وفات ۳۸۲م)

اردشیر برادر شاپور ذوالاکتاف است‌که پس‌ازمرگ وی پادشاهی یافت.



اردشیرمردی نیك نفس ولی سست‌اراده بود.وی چهارسال‌سلطنت نمود.

شاپورسوم .

(فوت ۳۸۸ م)

پس از اردشیر دوم . شاپـور سوم فرزند شاپوردوم (ذوالاکتاف) به‌سلطنت رسید . شاپـور سوم بطور ناگهانی در گذشت.

بهرام چهارم .

(فوت ۳۹۹ م)

بهرام چهارم برادر شاپورسوم‌پس‌از وی به‌تخت سلطنت نشست . بهرام قبل‌از رسیدن به سلطنت ، حکومت کرمان را داشت ولقب‌کرمانشاه‌که به‌او داده‌اند به همین جهت است .

بهرام‌درزمان‌سلطنت‌خویش‌ارمنستان راکه همواره موجبات جنگ میان‌ایران وروم بود، به‌دوقسمت شرقی‌وغربی‌تقسیم نمود. منطقهٔ‌شرقی‌که وسیعتربود به‌ایران ومنطقهٔ غربی به‌روم تعلق‌گرفت. وبدین ترتیب‌روابط دوستانه‌میان‌دولتین‌برقرار شد .

یزدگرد اول .

(فوت ۴۲۰ م)

یزدگرد فرزند شاپور سوم است که پس‌ازبهرام چهارم به‌تخت‌سلطنت نشست. درزمان وی روابط ایران وروم شرقـی بسیـار دوستانه بودبطوری‌که**آرکادیوس** امپراطور روم شرقـی به هنگـام مرگ **تئودزیوس** فرزند خردسال خویش را به یزدگرد سپرد تاوی راتربیت وحمـایت بنماید.یزدگردنسبت به‌کلیهٔ‌پیروان‌مذاهب خوش رفتاری مینمود تاجایی‌که‌بزرگان دین زرتشت اوراگناهکار خواندند.

بهرام گور .

(فوت ۴۳۸ م)

چون یزدگرد درگذشت میان پسرانش برسر تصاحب تاج و تخت اختلاف بروز کرد وقرار براین شد که تاج شاهی رامیان دو شیر بگذارند، هرکس که برتاج دست یافت



سلطنت ایران از آن او باشد بهرام دراین امر توفیق یافت.وی یکباره برهپتالها تاخت وایشان را به سختی شکست داد. وآنگاه بادولت روم واردجنگ شد وپس ازانعقاد صلح حکومت ارمنستان را ازبین برد و آن سرزمین راضمیمهٔ ایران نمود. گویند بهرام ازپی گورخری میتاخت که به باتلاق فرورفت .

یزدگرد دوم .

(فوت ۴۵۷ م)

یزدگرد دوم فرزند بهرام گوراست که پس از وی به پادشاهی رسید. یزدگرد **هپتالها** راکه باردیگر برایران تاخته بودند، بیرون راند وآنگاه ارامنه را به سختی شکست داد وبا دولت روم نیز صلح دایم برقرار نمود. یزدگرد نسبت به پیروان دین عیسی بدرفتاری مینمود .

فیروز اول .

(فوت ۴۷۲ م)

فیروز پس از مرگ پدر ناچار با برادر خویش هرمز که ادعای سلطنت میکرد به جنگ پرداخت واو را مغلوب گردانید وخودرسماً به تخت سلطنت جلوس نمود. وی چندین بار باهپتالها جنگید لیکن درتمام این نبردها شکست یافت و درآخرین جنگ خود باهپتالها بقتل رسید. ارمنستان نیزدراواخرسلطنت وی طغیان نمود.

بلاش .

(فوت ۴۸۷ م)

چون فیروز کشته شد برادرش بلاش به پادشاهی نشست.وی باپادشاه ارمنستان صلح کرد ودین عیسوی را در آن کشور به رسمیت شناخت .

قباد اول .

(فوت ۵۳۱ م)

قباد فرزند فیروز است که پس از بلاش به سلطنت رسید. ازوقایع مهم زمان وی ظهور **مزدك** است. وچون قباد نسبت به بزرگان دین زرتشت خوش بین نبود به دین مزدك گروید درنتیجه مؤبدان زرتشتی براوشوریده واورا ازسلطنت خلع نمودند .

لیکن قباد گریخت وازهپتالها کمك خواست وبه یاری ایشان باردیگر به پادشاهی ایران دست یافت. درزمان قباد میان ایران وروم دوبار جنگ درگرفت که در دورهٔ اول ایران بهفتوحاتی نایل آمد لیکن درهمین اوان **هونها** به ایران حمله کردند وناچار قباد بارومیها صلح کرد ودرجنگهای دورهٔ دوم نیز فتح نصیب ایران بود اما دراین بین قباد درگذشت وطرفین صلح کردند .

انوشیروان.

نوشروان یا نوشیروان .

(فوت ۵۷۹م)

لقب خسرواول شاهنشاه ساسانی ملقب به



دادگر ، بیست ویکمین پادشاه ساسانی فرزند قباد است ومادراو دختری دهقان بودکه قباد بهنگام فرار ازبلاش در نیشابور بهزنی گرفت وچون میخواست وی به سلطنت رسدوپسران دیگر ارشدازاو بودند، قصد کرد اورا به امپراطور روم بسپارد ولی امپراطور این تقاضارا نپذیرفت پس از قباد بین انوشیروان و برادرانا و «کیوس» و «جام» کشمکش درگرفت وعاقبت انوشیروان بهمراهی **مهبود** وزیر به پادشاهی رسید ، اودر جنگهای خارجی با دولت روم و مهاجمان شرقی کامیاب شد ودر اصلاحات داخلی واشاعهٔ عدل ودادموفق گردید،دوران پادشاهی وی رامیتوان ازدرخشان ترین دوره های سلطنت ساسانی شمرد،حضرت محمد(ص) درزمان این پادشاه متولد گردید .

هرمز چهارم.

(فوت ۵۹۰ م)

هرمز فرزند انوشیروان است که پس ازوی پادشاهی یافت، هرمز چهارم یکی ازسرداران معروف خود موسوم به **بهرام چوبین** را جهت سرکوبی خاقان ترك فرستاد، بهرام ترکان را به سختی شکست داد وغنایم زیاد ازایشان گرفت ، وچون از جانب هرمز عازم نبرد باروم گردید دراین امر توفیق نیافت وبه همین سبب شاه اورا تحقیر کرد ، بهرام نیزباجمعی بروی شوریدند واورا از سلطنت خلع نموده بقتل رساندند وفرزندش خسرو و پرویزرا به سلطنت برگزیدند .

خسروپرویز.

(فوت ۶۲۷ م)

خسروچون به سلطنت رسیداز بهرام چوبین خواست تااطاعت وی را گردن نهد لیکن بهرام سرباززدودرنبردی که باخسرو پرویز نموداوراشکست دادوخسروبه روم پناهنده شدوازامپراطور روم شرقی کمك خواست واین بار بر حریف فایق آمد ، و چون امپراطور روم توسط یکی از سردارانش بقتل رسید پادشاه ایران این امررابهانه قرارداد وبه روم لشکرکشید وبسیاری از متصرفات روم را به تصرف آورد لیکن درآخر کار شکست یافت و از پیش دشمن گریخت ، بزرگان برای اینکار اورا ازسلطنت خلع کردند وپسرش شیرویه رابه پادشاهی برگزیدند.

قباد دوم، (شیرویه).

(فوت ۶۲۸ م)

شیرویه پس ازخلع پدرش خسروپرویز به نام قباد دوم به تخت سلطنت تکیه زد وی بادولت روم شرقی صلح کرد وپس از دوسال سلطنت به دیارعدم رهسپار گردید .

یزدگرد سوم .

(فوت ۶۵۱م)

قباد دوم درزمان حیات خویش



بهرام گور



یزدگرد دوم



فیروز اول



بلاش اول



انوشیروان



خسرو پرویز



شیرویه



یزدگرد سوم



برادران و بزرگان و سرداران نامی ایران‌را از میان‌برداشت به‌همین سبب پس‌ازاو اوضاع ایران بـه وخـامـت گرایید و داعیان سلطنت ازهر سو قدعلم کردند، این وضع همچنان ادامه‌داشت تااینکه‌در سال ۵۳۲ جمعی‌ازبزرگان یزدگردنامی را که‌ازنسبش‌چندان‌اطلاعی‌دردست‌نیست به‌سلطنت برگزیدند، جلوس یزدگرد به تخت‌سلطنت‌مقارن‌باحملهٔ اعراب‌به‌ایران است، ودرطی پنج جنگ (جنگ زنجیر پل‌ـقـادسیه ـ جلولا ونهاوند) شکست یافت ودرهنگام فرار در نزدیکی مرو به دست آسیابانی کشته شد.

قارن وند.

(۲۲۴هـ ق تا ۵۰ قازهجرت)

نام خاندانی‌است‌که سوخراییان‌نیز خوانده می‌شود، افراد این خاندان در جبال طبرستان حدود ۲۷۰ سال‌حکومت کردند، آغازحکومت ایشان حدود ۵۰ قبل‌ازهجرت‌بود(اززمانی‌که‌حکومت جبال طبرستان به‌قارن بن ـ سوخرا داده شد) پایان حکومت آنان سال۲۲۴ق (تاریخ مرگ مازیار) است.

قارن، ابن‌سوخرا.

(جلوس ۵۰ قهـ)

مؤسس‌خاندان**قارن‌وند** وی۳۷سال درجبال طبرستان (شهریار کوه وکوه قارن) حکومت کرد.

مازیار.

(نیمهٔ اول قرن سوم)

خاندان **قارن‌وندا**، کـه مازیار پنجمین‌امیراین‌خاندان‌است. ازفرزندان «سوخرا» پهلوان معروف دربار **فیروز** پادشاه ساسانی بودند.

قباد شاهنشاه ساسانی درسال ۵۶۵ میلادی، قارن، نیای این خاندان را رتبهٔ اسپهبدی وحکمرانی طبرستان‌داد، وازآن‌پس‌این‌خانواده‌یکی‌ازهفت‌خانوادهٔ اعیان ایران بودند که در این سرزمین پادشاهی کردند.

پس ازمرگ قارن پسرش«ونداد»و پس ازاو پسرش «سوخرا» و نواده‌اش «ترخان» وسپس«وندادهرمز» به‌پادشاهی رسیدند.

پس ازمرگ ونداد هرمز، فرزندش قارن جانشین اوشد واو چون در سال ۲۰۰هجری درگذشت، از وی‌شش‌فرزند ماند: مازیار، کوهیار، شهریار، فضل، عبدالله وحسن. ازمیان ایشان مازیارکه پسر مهتر بود، جانشین پدرشد. درسال ۲۰۱ که **عبدالله‌بن خردادبه** از جانب مأمون خلیفهٔ‌عباسی حکمرانی طبرستان را داشت، ومازیارتازه بپادشاهی‌نشسته بود، اسپهبد شهریار پسر شروین. پادشاه سلسلهٔ باوندی مازندران‌با مازیارجنگ کرد، وسرزمین او را گرفت و مازیار بناچارنزده«وندادامید» پسر«ونداداسپان» پسرعم پدر خود رفت، و شهریارنامه‌ای باو نوشت واز او خواست که مازیار را بگیرد وبندکند ونزد اوبفرستد.

«ونداد اومید» چنین‌کرد ولی در اثناء راه مازیار فرار کرد و به بیشه‌ها گریخت؛ تااینکه بسر زمین عراق نزد **عبدالله‌بن‌سعیدحرشی** کارگزارخلیفه‌رفت عبدالله باوی به‌مهربانی رفتارنمود ووی را باخود ببغداد برد، وبدینگونه مازیار بسال ۲۰۵وارد بغدادشد وبدربارمأمون راه یافت.

مأمون‌مسلمانی براوعرضه‌کرد،وی پذیرفت ومأمون‌نام اورامحمد گذاشت و ابوالحسن کنیت داد.

مازیار چهارسال دربغداد زیست تا آنکه بسال ۲۰۸ ازجانب‌مأمون‌بهمراهی **موسی‌بن‌حفص**، بحکمرانی طبرستان و رویان ودماوندآمد.

در این اثنا، شهریار درگذشت و شاپور فرزندش‌به‌جای وی‌نشسته‌بودشاپور مردی تندخوی بود، و بیشتر پیروانش از او بیزار شده به مأمون شکایت برده بودند. مأمون هم به‌مازیار فرمان‌داد تا شاپورراسرکوبی‌کند ووی‌سپاهی‌برداشت وبه «پریم» بجنگ‌اورفت ووی راگرفته وزنجیرکرد وسرانجام‌وی‌را بقتل‌رسانید. پس ازکشته شدن شاپور مازیار بر همهٔ کوهستان‌طبرستان‌دست یافت.

پیروان مازیارجامهٔ سپیددربرمی‌ـ کردند (دربرابر عباسیان‌که لباس سیاه شعارآنان‌بود) ازاین‌جهت آنرا«سپید ـ دینان» می‌گفتند (در برابر تازیان که آنانرا **سیاه‌دین** میخواندند).

مازیار قسمت کوهستانی طبرستان را به‌سه‌ناحیهٔ‌بزرگ‌تقسیم‌کرده هرناحیه را بنام یکی‌ازمردان‌بزرگ‌سرزمین‌خود خوانده بودکه همه را روی‌هم‌کوهستان قارن میگفتند وخود درشهر **هرمزدآباد** می‌نشست‌که‌تا **آمل** هشت‌فرسنگ‌فاصله‌داشت

چون آوازهٔ بدکیشی‌مازیار بگوش معتصم خلیفه‌رسید، وی‌به عبدالله‌بن‌طاهر بن‌حسین، امیر طاهری که در خراسان حکمرانی داشت و فرمان روایی ری و کوهش‌وگرگان راهم‌باوسپرده‌بود، نامه‌ای نوشت وویرا به جنگ بامازیارگماشت.

عبدالله هم عم‌خود **حسن‌بن‌حسین‌بن مصعب**را بالشکریان‌بسیار ازراه‌گرگان بجنگ مازیار فرستار وسرانجام مازیار شکست‌خورد واورا اسیر کردند و نزد معتصم به‌بغداد بردند وخلیفه فرمان‌داد تا اورا چهارصد وپنجاه تازیانه زدند و همینکه‌دست ازاوبرداشتند دیگرچیزی از جان او نمانده بود. آب خواست و همینکه‌آب‌نوشیدجان‌سپرد.

پیکراوراجایی که بنام«کنیهٔ‌بابك» معروف‌شده‌بود بدار کشیدند.

خلفای راشدین

(۱۱ـ۴۰هـق)

چهارتن نخستین جانشینان پیغمبر اسلام راگویندکه به‌ترتیب عبارتنداز:

۱ـ**ابوبکر**	جلوس‌بخلافت	درسال	۱۱هـق
۲ـ**عمر**	»	»	»۱۳هـق
۳ـ**عثمان**	»	»	»۲۳هـق
۴ـ**علی**	»	»	»۳۵هـق

درسال ۴۰هجری‌باکشته‌شدن‌حضرت علی(ع) تجزیه ممالك اسلامی آغازشد.

دابویان (بنی‌دابویه).

سلسله‌ای از حکمرانان گیلان و طبرستان که بدست **گیل‌گاوباره** بنیان گرفت. از امیران این‌سلسله:

گیل‌گاوباره پسرگیلانشاه.(سال۲۵هـق)
دابوی پسرگیل. (سال ۴۰ هـق)
خورشیداول پسرگیل. (سال۵۶ هـق)
فرخان پسردابوی.(سال ۹۰ هـق)
دادبرزمهر پسرفرخان. (سال۱۰۳هـق)
ساروبه پسرفرخان.(سال۱۱۶هـق)
خورشیددوم پسر دادبرزمهر.
(سال۱۱۶هـق)

پادوسبانان

(۴۰-۳۵۴هق)

سلسله‌ای ازحکمرانان مستقل‌ونیم مستقل رویان ونوروکجور که در سال ۴۰هق بدست **پادوسبان**پسر**جیل گاوباره** تشکیل‌شد. امراء این‌سلسله‌عبارتنداز:

پادوسبان‌اول، پسرجیل گاو باره.
(جلوس ۴۰ هق)

خورزاد، پسرپادوسبان(جلوس ۷۵ هق)

پادوسبان دوم، پسر خور زاد.
(جلوس ۱۰۵هق)

شهریار اول، پسر پادوسبان دوم.
(جلوس ۱۴۵هق)

ونداداومید، پسر پادوسبان‌دوم .
(جلوس ۱۷۵هق)

عبدالله، پسرونداداومید.(جلوس۲۰۷هق)

فریدون، پسر قارون پسرشهریار .
(جلوس ۲۴۱ هق)

پادوسبان سوم، پسر فریدون .

شهریاردوم، پسرپادوسبان .
(جلوس۲۵۹هق)

هزارسندان، پسرونندادپسر شیرزاد.
(جلوس ۲۷۴هق)

شهریارسوم، پسر جمشیدپسرونداد.
(جلوس۲۸۶هق)

شمس‌الملوک، محمدبن‌شهریار .
(جلوس۳۲۷هق)

استندار، ابوالفضل‌پسر محمد .
(جلوس ۳۵۴هق)

آل‌محتاج.

سلسله‌ای ازحکمرانان خراسان‌که از اوایل اسلام تا دورهٔ سلطنت سلطان **محمودغزنوی** درولایت‌چغانیان‌حکومت میکرده‌اند ، این خاندان بنام جد خود **محتاج** امیر سلاطین سامانی ، معروف شده‌اند .

امرای معروف این سلسله عبارتند از:

۱- **ابوبکر**محمدبن‌مظفرابن‌محتاج.
(فوت۳۲۹ هق).

۲- **ابوعلی‌چغانی،** احمدبن‌محمد.
(فوت۳۴۴ هق).

۳- **ابومنصور** نصربن‌احمدچغانی.

۴- **ابوالمظفر**طاهربن‌فضل‌چغانی.
«ممدوح **منجیک ترمذی.**» (مقتول در ۴۷۷ هق).

۵- **ابوالمظفرفخرالدوله** ، احمد بن محمدچغانی.«ممدوح **دقیقی‌وفرخی.**

این سلسله‌به دست سلطان محمودغزنوی منقرض شد.

سغدیان

(قرن‌اول ودوم‌هجری)

یکی ازبزرگان‌ایرانی که‌دراواخر دورهٔ ساسانی سرزمین سغد پادشاهی محلی داشته. نخستین‌کس ازاین‌خاندان اخشیدپسرشارك (سارك) بود . جانشین اخشید «طرخون» وجانشین وی «غوزك» وجانشین او«دیواستی» بود . وی‌درسال ۱۰۴ هق. درجنگ با تازیان‌کشته‌شد .

«فرهنگ معین»

جستانیان .

(قرن ۲و۳و۴ هق)

خاندانی از امرای دیلم‌که قبل از روزگار آل‌بویه ، در نواحی **دیلمقان** و **ری تارم** و **زنجان** و رودبارالموت و طالقان وشاهرود فرمانروایی داشتند . آغاز کار آنها بدرستی معلوم نیست‌ولی از اواخرقرن دوم ذکرآنها در تاریخها آمده است ومرکز حکومت آنها رودبار بوده است ، با وجوی‌که ظهورکنگریان در دیلمستان نشانهٔ پایان‌کارآنها است ولی باز بعضی افراد آن تا اواسط قرن پنجم مختصر حکومتی داشته‌اند ، این سلسله به دست **آل مسافر** منقرض شد.

شاهان معروف جستانیان:

۱- **مرزبان** ابن جستان. (حدود ۱۸۹ هق).

۲- **جستان** بن مرزبان. (حدود ۲۰۱ هق).

۳-**وهسودان**بن‌جستان.(تا۲۵۰هق).

۴-**جستان** بن وهسودان. (از۲۵۰ تا ۳۰۱ هق.)

۵- **علی** بن وهسودان. (۳۰۱ تا ۳۰۷ هق).

۶-خسروفیروز بن وهسودان. (از ۳۰۷ تا ۳۱۵ هق).

۷- مهدی بن خسرو فیروز . (تا ۳۱۶هـ ق) .

بنی‌امیه

(۴۱-۱۳۲ هق)

معاویة بن ابی‌سفیان در زمان خلافت عثمان حاکم شام‌بود.وقتی‌حضرت علی‌بخلافت رسید خواست‌اورا‌ازحکومت عزل‌کندولی‌پیش از نیل به مقصودکشته شد ، معاویه‌پس‌ازمصالحه‌با‌امام‌حسن(ع) بخلافت رسید واین‌مقام را درخاندان خود موروثی ساخت . اسامی خلفای بنی‌امیه و تاریخ جلوسشان به این شرح است:

۱- **معاویة بن ابی‌سفیان** (جلوس ۴۱ هـ ق)

۲- **یزیدبن‌معاویه**(جلوس۶۰هق)

۳- **معاویه بن‌یزید- معاویه ثانی** (جلوس ۶۴ هق)

۴-**مروان‌بن‌حکم** (جلوس۶۴هق).

۵- **عبدالملك بن مروان** (جلوس ۶۵هـ ق) .

۶- **ولید بن عبدالملك** (جلوس ۸۶ هـ ق).

۷ - **سلیمان‌بن عبدالملك** (جلوس ۹۶ هق).

۸- **عمر بن عبدالعزیزبن مروان** (جلوس ۹۹ هق).

۹- **یزیدبن عبدالملك-یزیدثانی** (جلوس۱۰۱ هق).

۱۰- **هشام بن‌عبدالملك** (جلوس ۱۰۵ هـ ق).

۱۱ - **ولیدبن یزید - ولیدثانی** (جلوس۱۲۵ هق).

۱۲- **یزید بن ولید- یزید سوم** (جلوس۱۲۶ هق).

۱۳ - **ابراهیم بن ولید** (جلوس ۱۲۶ هق).

۱۴- **مروان بن محمد بن‌مروان** مروان ثانی (مروان‌حمار) ۱۲۷هق‌این سلسله بدست خلفای عباسی درسال۱۳۲ منقرض شد.

یزید.

(جلوس ۶۰ هـ ق)

یزید درزمان معاویه به ولیعهدی انتخاب شد وپس‌از وی به‌خلافت رسید. در آغاز خلافت برآن شدکه بزرگان اسلام‌چون‌حسین‌بن‌علی‌وعبدالله‌بن زبیر و چندتن‌دیگررا باخودموافق‌نموده‌ازایشان بیعت‌گیرد. اما چون با مخالفت آنان روبرو شد ، درنتیجه‌وقایع خونین‌کربلا پیش‌آمد.

اعمال نابخردانهٔ یزید سبب‌زوال خاندان‌بنی‌امیه‌شد.یزیددرسال۶۴هجری درگذشت.

بنی‌عباس

(۱۳۲ - ۶۵۶هق)

عبدالله محمد بن علی معروف به **سفاح** که نسبش به عباس بن عبدالمطلب عم پیغمبر(ص)می‌رسد . بیاری ایرانیان

وبه‌پایمردی **ابومسلم خراسانی** بنی‌امیه را برانداخت و سلسله حکومتی پدید آورد که در غداری و ستمگری و عیاشی به‌مراتب از بنی‌امیه جسورتر بودند، اسامی خلفاء بنی‌عباس بدین شرح است:

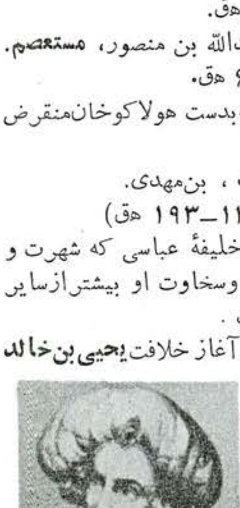
۱ـ عبدالله **سفاح** از ۱۳۲ـ۱۳۶ هق.
۲ ـ عبدالله ، **منصور**. از ۱۳۶ ـ ۱۵۸ ه ق.
۳ـ محمدبن عبدالله ، **مهدی** از ۱۵۸ـ۱۶۹ هق.
۴ـ موسی بن‌محمد، **هادی**. از ۱۶۹ـ ۱۷۰ هق.
۵ ـ هارون بن محمد ، **رشید** از ۱۷۰ـ۱۹۳ هق
۶ـ محمدبن‌هارون، **امین**. از ۱۹۳ـ۱۹۸ هق .
۶ـ عبدالله بن‌هارون، **مأمون**. از ۱۹۸ـ۲۱۸ هق.
۸ـ ابواسحق‌بن هارون، **معتصم**. از ۲۱۸ـ۲۲۷ هق .
۹ـ هارون‌بن‌ابوالحسن، **واثق**. از ۲۲۷ـ۲۳۲ هق.
۱۰ـ جعفربن ابوالحسن، **متوکل**. از ۲۳۲ـ۲۴۸ هق .
۱۱ـ محمدبن‌جعفر، **منتصر**. از ۲۴۷ـ۲۴۸ ه ق.
۱۲ـ احمد بن محمد، **مستعین**. از ۷۴۸ـ۲۵۱ هق.
۱۳ـ زبیربن جعفر، **معتز**. از ۲۵۱ـ۲۵۵ ه ق .
۱۴ـ محمد بن‌هارون، **مهتدی**. از ۲۵۵ـ۲۵۶ هق .
۱۵ـ احمد بن جعفر، **معتمد**. از ۲۵۶ـ۲۷۹ هق .
۱۶ـ احمدبن‌موفق‌معروف به‌متوکل **معتضد**. از ۲۷۹ـ۲۸۹ هق .
۱۷ـ علی‌بن‌احمد، **مکتفی**. از ۲۸۹ـ۲۹۵ هق.
۱۸ ـ جعفربن احمد، **مقتدر**. از ۲۹۵ ـ ۳۲۰ ه ق.
۱۹ـ محمدبن‌احمد**معتضد**، **قاهر**. از ۳۲۰ـ۳۲۲ هق
۲۰ـ محمدبن احمدمقتدر، **راضی**. از ۳۲۲ـ۳۲۹ هق.
۲۱ـ ابراهیم‌بن‌احمد مقتدر **متقی**. از ۳۲۹ـ۳۳۳ هق.
۲۲ـ عبدالله بن علی، **مستکفی** از. ۳۳۳ـ۳۳۴ هق
۲۳ـ فضل‌بن احمد مقتدر، **مطیع**. از ۳۳۴ـ۳۶۳ هق.
۲۴ـ عبدالکریم‌بن فضل، **طایع**. از ۳۶۳ـ۳۸۱ هق.
۲۵ـ احمدبن‌اسحق‌بن‌مقتدر، **قادر** از ۳۸۱ـ۴۲۲ هق
۲۶ ـ عبدالله بن احمد ، **قایم** از ۴۲۲ـ۴۶۷ هق
۲۷ـ عبدالله بن‌ذخیرة بن احمد ، **مقتدی**. از ۴۶۷ـ۴۸۷ هق.
۲۸ـ احمدبن عبدالله، **مستظهر**. از ۴۸۷ـ۵۱۲ هق.
۲۹ـ فضل‌بن احمد، **مسترشد**. از ۵۱۲ـ۵۲۹ هق.
۳۰ـ منصوربن‌فضل، **راشد**. از ۵۲۹ـ ـ۵۳۰ هق.
۳۱ـ محمودبن‌احمدمستظهر، **مقتفی**. از ۵۳۰ـ۵۵۵ هق .
۳۲ ـ یوسف بن‌محمد، **مستنجد**. از ۵۵۵ـ۵۶۶ هق .
۳۳ـ حسن بن یوسف. **مستضئی**. از ۵۶۶ـ۵۷۵ هق.
۳۴ـ احمدبن‌حسن، **ناصر**. از ۵۷۵ـ ـ۶۲۲ هق .
۳۵ـ محمدبن‌احمد**طاهر** از ۶۲۲ـ ـ۶۲۳ هق .
۳۶ـ منصوربن محمد، **مستنصر**. از ۶۲۳ـ ۶۴۰ هق.
۳۷ـ عبدالله بن منصور، **مستعصم**. از ۶۴۰ـ۶۵۶ هق.

این سلسله بدست هولاکوخان منقرض شد.

هارون‌الرشید ، بن‌مهدی.
(۱۴۹ـ۱۹۳ هق)

پنجمین خلیفهٔ عباسی که شهرت و سیاست وحیله وسخاوت او بیشتر از سایر خلفا بوده است .

هارون‌در آغاز خلافت **یحیی‌بن‌خالد برمکی** را به وزارت انتخاب کردو از حسن سیاست آنها حکومتی آرام و بی‌معارض بوجود آورد ولی محبوبیت



فوق‌العاده برمکیان حسد خلیفه را برانگیخت بطوریکه درسال ۱۸۷ هجری قمری پس از ۱۷ سال عزت و شوکت برمکیان هارون یکباره حکم قتل‌وغارت آنها وخانواده‌هاشان را صادرکرد در این وقت **رافع‌بن لیث** علیه خلیفه در سمرقند انقلاب کرد و خلیفه با لشکری برای سرکوبی اوحرکت کرد ولی اجل‌مهلتش نداد.

مأمون، بن هارون .
(۱۷۰ـ۲۱۸ هق)

هفتمین خلیفه و یکی از مقتدرین خلفای عباسی بود که از زنی ایرانی زاده شد و درزمان حیات پدر ولایات شرقی کشور پهناور اسلامی به‌او واگذارشد، به‌اصرار مادر امین، هارون‌الرشید ، امین را به ولایت عهدی برگزید ولی بامرگ پدر مأمون ازبرادر اطاعت نکرد، همکاری ایرانیان بویژه **طاهرذوالیمینین** موجب شکست امین شده‌وقتی طاهر براو مسلط شدازمأمون‌تکلیف‌خواست‌مأمون‌پیراهنی گریبان دریده برای او فرستاد ، طاهر دریافت که‌حکم‌قتل امین صادر شده‌است لذا اوراکشت و سرش را به دارالخلافه فرستاد .

مأمون برای‌خشنودی ایرانیان‌امام هشتم‌شیعیان(حضرت‌امام‌رضاعلیه‌السلام) رابه‌ولایت‌عهدی برگزیدولی‌پس‌ازچندی اورا باانگور مسموم کرد، یکی‌دیگراز کارهای‌زشت‌مأمون کشتن‌و به‌زندان افکند **احمد بن حنبل** ازعلما وپیشوایان اهل سنت است .

فضل بن سهل که از وزرای دانا بود پس ازمدتها خدمت به‌مأمون به‌دست اوکشته شد .

قیام **بابك‌خرم‌دین** درزمان او بودهٔ که‌تمام‌کوششهای خلیفه درسرکوبی‌بابك مفید نشد .

مأمون ازخلفای‌زیرك وفاضل‌عباسی است‌که درزمان خلافتش کتب زیادی‌را ازپهلوی ویونانی به‌عربی گرداندند .

طایع.
(وفات ۳۸۱ هق)

چون فضل بن احمد مقتدر **مطیع** به‌فلج دچار شد درسال ۳۶۳ هجری عبدالکریم بن فضل طایع رابه‌جانشینی خود منصوب نمود، طایع‌مردی‌حیله‌گر و خشن بود، وبهمین جهت **بهاءالدوله‌بن عضدالدوله** به‌کمك امرای دست نشانده‌اش او را از خلافت خلع ونابینا نمود مدت خلافت‌طایع‌نوزده سال و‌نه‌ماه‌وشش

روز بود .

روادیان .

سلسله‌ای ازامرای محلی آذربایجان منسوب به **روادبن مثنی ازدی**، که‌عده‌ای ازنویسندگان و گویندگـان نام آنها را مشهور کرده‌اند .

این خاندان اصلا ازمهاجران‌عرب بوده‌اند از اواسط قرن سوم قدرتی بـه دست آوردند ویکی ازافراد آن‌خاندان به‌نام ابوالهیجا ، تمام آذربایجان را از وجود دشمنان خود پاك کرد و پسرش «مملان» باارمنیان وگرجیان جنگهایی کرد وفتوحاتی حاصل نمود .

پسرمملان، **ابومنصور وهسودان** از حدود ۴۱۰ پادشاه آذربایجان بود واو ممدوح **قطران** شاعر است .

وهسودان، درحملهٔ طغرل بر آذربایجان ازمیان رفت و پسرانش ابونصرمملان ، ابوالهیجا، منوچهر وابوالقاسم، عبدالله‌پس از اوشهرتی یافته‌اندرروادیان به‌دوسلسله تقسیم میشوند :

الف_امرای معروف‌سلسلهٔ اول‌روادیان:

۱ـ رواد .
۲ـ وجناءبن رواد .
۳ـ محمدبن رواد .
۴ـ یحیی‌بن رواد . (تا۲۳۵ هق)

ب ـ **امرای معروف سلسلهٔ دوم روادیان :**

۱ـ **ابوالهیجاء** بن رواد. (۳۴۴ ـ۳۷۸هق) وی حاکم **اهر** و **رزقان** بود ودرسالهای ۳۷۰ و ۳۷۱ بر آذربایجان **واران** و ارمنستان تسلط یافت .

۲ـ **مملان** بن‌ابوالهیجاء .
وی‌درسال ۳۸۰ هجری‌قمری با گرجیان جنگید .

۳ـ **ابومنصور** وهسودان بن‌مملان . (۴۱۱ ـ۴۴۶هق) وی با **غزان سپهبد موغان** جنگید درسال ۴۴۶ طغرل بیك سلجوقی به آذربایجان‌رفت‌وهسودان‌اطاعت اورا پذیرفت وخطبه به‌نام اوخواند .

۴ـ **ابونصر** مملان‌بن وهسودان .
۵ـ **ابوالهیجاء** منوچهر بن‌هسودان.
۶ـ **ابوالقاسم** عبدالله .
۷ـ **ابراهیم** بن وهسودان .
۸ـ **احمدیل** بن ابراهیم .
۹ـ **آقسنقر** بن‌احمدیل .
۱۰ـ **نصرةالدین** خاصبك ارسلان .
۱۱ـ **فلك الدین احمد** .
۱۲ـ **علاءالدین** کرپ ارسلان . (تا۶۰۴ هق)
۱۳ـ نصرةالدین ممد .
۱۴ـزن اتابك خاموش ونوهٔ علاء ـ الدین (تا۶۲۴ هق) این سلسله به‌دست سلطان‌جلال‌الدین‌خوارزمشاه منقرض‌شد.
«لغت‌نامه‌دهخداوفرهنگ‌معین»

ساجیان

(۲۶۶ ـ ۳۱۸ ه ق)

سلسله‌ای ازحکمرانان‌مستقل‌ونیمه مستقل آذربایجان که‌امرای آن‌عبارتند از :

ابوالساج‌اول پسر دیوداو (سال۲۲۶ه ق)
ابوالمسافر محمد افشین دیوداو (سال ۳۶۶ ه ق) .
دیوداو پسرمحمد (سال ۲۸۸ ه ق).
ابوالقاسم یوسف پسر دیـوداو (سـال ۲۸۸ ه ق).
ابوالمنصورفتح پسرمحمد(سال۳۱۵هق) قلمرو این سلسله در سال ۳۱۸ بـار دیگر به‌دولت عباسی پیوست .

سالاریان

خاندانی‌ازشاخهٔ کنگریان، (آل‌مسافر) امرای‌محلی‌دیلمستان، آذربایجان، اران‌و ارمنستان. مؤسس‌این‌سلسله‌سالارمرزبان‌ـ بن مسافرکنگری است ، امرای معروف این خاندان عبارتند از :

۱ ـ**مرزبان** بن مسافر، آذربایجان را متصرف شد وباروسها جنگیدسپس‌در جنگ با **رکن‌الدوله** دستگیرشد و چهار سال دردژ**سمیرم** زندانی‌شد ولی‌سرانجام فرارکرد و فرمانروایی خودرا به دست آورد ودرسال ۳۴۴ وفات یافت،
۲ ـ **جستان** بن مرزبان .
(۳۴۶ـ۳۵۰هق)
۳ـ **وهسودان** بن‌محمدبن‌مسافر .
۴ـ **ابراهیم** بن‌مرزبان.
۵ـ**ابوالهیجاء** پسرابراهیم.
(تا۳۷۷هق)
این‌سلسله به دست‌روادیان برافتاد.

آل‌مسافر (کنگریان) .

(قرن۴و۵هق)

سلسله‌ای‌از امرای محلی دیلمستان که‌نخست درتارم به‌فرمانروایی‌پرداختند سپس به آذربایجان واران و ارمنستان وزنجان‌وابهروسهرورد‌نیزدست یافتند . امرای معروف این‌سلسله‌عبارتنداز:

۱ـ **محمد** بن‌مسافر.
۲ـ**وهسودان** بن‌محمد .
۳ـ **نوح** بن‌نوح.
۴ـ**جستان** بن‌نوح .
۵ـ **ابراهیم** بن‌مرزبان‌بن‌اسماعیل بن وهسودان .
۶ـ **جستان** بن‌ابراهیم.
(حدود۴۳۰هق)
۷ـ**مسافر**. (از حدود ۴۵۶ هق)

این خاندان بعلت دشمنی‌با خلیفهٔ بغداد وآل‌بویه‌آیین‌باطنی‌خلفای مصررا پذیرفتند .

طاهریان.

(۲۰۵ـ۲۵۹هق)

طاهربن حسین از سرداران‌ایرانی مأمون خلیفه عباسی است‌که سردار سپاه مأمون درجنگ با برادرش امین‌بوده و موجب پیروزی مأمون‌گردید وبپاس‌این خدمت امارت خراسان یافت. گویندوی در آخر عمر نام خلیفه عباسی از خطبه بینداخت وهمانشب در گذشت (یاکشته شد) .

از این‌سلسله،

۱ـ**طاهر** بن‌حسین ذوالیمینین .
(جلوس۲۰۵هق)
۲ـ**طلحه** بن‌طاهر . (جلوس۲۰۷هق)
۳ـ**عبدالله** بن‌طاهر (جلوس۲۱۳هق)
۴ـ **طاهر** بن عبدالله (**طاهرثانی**)
(جلوس۲۳۰هق)
۵ـ **محمد** بن‌طاهرعبدالله
(جلوس۲۴۸هق)

این‌سلسله‌درسال ۲۴۰ بدست‌یعقوب لیث‌صفاری منقرض شد طاهریان‌هرچند دست نشانده خلیفهٔ بغداد بودندبااینهمه نخستین سلسلهٔ حکمرانان ایرانی‌بشمار می‌آیندکه در داخل قلمرو خود قدرت واستقلال‌داشتند.

طاهرذوالیمینین.

(۱۵۹ـ۲۰۷هق)

وی سپهسالار مأمون بود و لشکر امین را شکست دادواورا کشت‌ومأمون را بخلافت رسانید و بپـاس این خدمت امارت خراسان یافت . اورا بسبب‌قدرت فوق‌العاده بازوی چپش ذوالیمینین می‌ـ گفتند وشاعری‌از اینکه وی‌یك‌چشم‌ودو دست‌راست‌دارداظهارشگفتی کرده‌است.وی نخستین سلسلهٔ امراء ایرانی را تأسیس کرد که هرچند تابع خلیفهٔ بغدادبودند درقلمرو خویش‌قدرت واستقلال‌داشتند و امارتشان موروثی بود. گویند وی را فردای آنروزکه نام خلیفه را از خطبه

بینداخت مرده یافتند .

بنی‌دلف

(۲۱۰-۲۸۵هق)

سلسله‌ای از امرای همدان‌است که بدست **ابودلف‌قاسم‌بن‌ادریس**‌ازسرداران مأمون تشکیل شدوپس‌ازوی پسروچهار نواهاش حکومت کردند و چون در صدد استقلال برآمدند به دست خلفای عباسی منقرض گشتند.

ابودلف، قاسم‌بن عیسی ادریس.

(فوت‌در۲۲۵هق)

یکی‌ازسرهنگان‌**مأمون** و **معتصم** و یکی از جوانمردان شجاع و در صنعت غنامهارت داشت . جدا و **ادریس** مربی ابومسلم‌**صاحب‌الدعوة** است .

در آغازاختلاف‌امین‌ومأمون‌طرفدار امین بوده ولی پس ازمدتی‌جدال **طاهر** ذوالیمینین‌اورا به‌بیعت‌بامأمون‌فراخواند واو سرباززد ولی خودمأمون‌ازاودعوت کرد او پذیرفت وخلیفه او راحکومت کردستان داد و این حکومت به‌ارث به فرزندان اورسید وشهر**کرج** راکه‌پدرش پی افکنده بوده به‌پایان‌رسانید.

عبدالعزیز .

(۲۲۸-۲۷۰هق)

ابن ابودلف قاسم بن‌ادریس عجلی دومین‌نفرازامرای(بنی‌دلف کردستان) .

صفاریان

(۲۵۴-۲۹۰هق)

نام نخستین سلسله امرای ایرانی است که‌مؤسس آن‌یعقوب‌لیث دم‌ازاستقلال زد وسراز اطاعت خلیفه بغداد پیچیدو، برسیستان‌خراسان‌وفارس وایران‌مرکزی (عراق‌عجم) وقسمتی از خوزستان دست یافت جانشین وی عمرولیث براثر فرو رفتن پای‌اسبش در سرراهی گرفتار شد ، ازآن پس دولت صفاری قدرت و شکوه خود را ازدست داد ولی سالها دوام‌کرد وامراء آن‌مدتهادر گوشه‌وکنارحکمرانی کردند و تاریخ جهان آراء از آخرین امیر صفاری بدربارشاه طهماسب آمده سخن می‌گوید«ملک‌سلطان‌محمود‌آخرین ایشان بدرگاه گیتی پناه‌آمده ودر۹۵۱ وفات‌یافت وآن‌طبقه بدو منقرض شد، از امراء معروف صفاری بجز یعقوب لیث (۲۵۴-۲۶۵هق)وعمرولیث(۲۶۵-۲۸۷) که در زندان از گرسنگی در گذشت و طاهربن‌محمدبن‌عمرو(۲۸۷-۲۹۰)بایداز خلف بن احمد که به **خلف بانو** معروف است‌نام برد که در ۳۹۲ بدست سلطان محمود اسیرشد وشش‌سال‌بعد درزندان درگذشت .

امرای صفاری .

۱ - **یعقوب بن لیث** (حکومت ۲۴۷ - ۲۶۵ هق) .

۲ - **عمرو بن لیث** (حکومت ۲۶۵ - ۲۸۷ هق) .

۳ - **طاهر بن محمد بن عمر و لیث** (حکومت ۲۸۷-۲۹۵ هق) .

۴ - **لیث بن علی بن لیث** (حکومت ۲۹۶-۲۹۸هق) .

محمد بن علی‌بن لیث(یک‌سال۲۹۸هق).

(حکام سامانی از ذی‌الحجه ۲۹۸ تامحرم ۳۱۱ هجری) .

۶ - **احمد** بن‌خلف (حکومت۳۱۱-۳۵۲ هق).

۷- **خلف** بن احمد بن محمد بن خلف (حکومت ۳۵۲-۳۹۳ هق).

یعقوب بن‌لیث صفار.

(وفات ۲۶۵ هق)

مؤسس‌سلسلهٔ‌صفاریان،رویگرزاده‌ای بود که به‌شغل پدر تن در نداد ، آغاز زندگی‌را به‌دشواری گذرانید ، زمانی‌عیار و زمانی در شغل سپاهی عمربسرمی‌بردو آنچه به‌دست می‌آورد بین‌دوستان ورفقا بویژه به فقراء می‌بخشید واین همت بلند وطبع آزاده اوحکومت **زرنگ** را برای او مسلم کرد، سپس بر فارس و خراسان دست یافت و آخرین امیر طاهریان رابرانداخت .

خلیفه‌بغداداورایاغی خواندو تصمیم داشت لشکری به جنگ او بفرستد که یعقوب‌پیشدستی کرد وبه جنگ خلیفه رفت، ولیکن‌لشکریان‌خلیفه‌آب‌رودخانه را بر روی سپاه آنها برگرداندند و لشکریان یعقوب منهزماً برگشتند، واز جندی شاهپور در صدد وتدارک جنگ دیگربرآمدکه براثربیماری درگذشت.

عمروبن‌لیث .

(حکومت۲۶۵ - ۲۷۹ هق)

دومین پادشاه صفاری ، وی‌برادر یعقوب لیث‌بودوپس‌از او به‌وصایت‌وی‌به امارت‌رسیدوسالها بدفع‌سر کشان‌پرداخت یکی از آنان **علی** برادر کهین اوبود ، عمرو چند بار اورا بخشید ومورد لطف قرار داد ولی علی تاپایان حیات دست از مخالفت باز نداشت . دیگر **رافع بن هرثمه** بود . خلیفه عباسی نیز درکاراو اخلال میکرد ، عاقبت درسال ۲۸۷ هق درجنگی‌که‌میان‌اووامیر **اسماعیل**‌سامانی درحوالی‌بلخ واقع‌شد ، عمرو مغلوب‌شد واسیر گشت ، اورا به‌بغداد فرستادند و دوسال بعدوی‌را به‌امرخلیفه کشتند،عمرو یکی‌ازامیران‌باسیاست‌و خردمندوباهوش بودودرنظم‌و ترتیب‌سپاهیان جهدی‌وافر میکرد ودر مملکت داری مراسم نیکو نهاد . «فرهنگ معین»

خلف ، بن‌احمد .

(وفات ۳۹۲ هق)

ازخاندان صفاری ، امیر سیستان محمودغزنوی‌اورامغلوب کرد وبه‌**جوزجانان** وسپس به‌قلعهٔ‌گردیز فرستادووی بدانجادرگذشت.

علویان طبرستان

(۲۵۰ -۳۱۶هق)

وقتی علویان ازطرف عمال خلفاء عباسی مورد تعقیب قرار گرفتند غالباً به‌نقاط دوردست گریختند و سلسله‌هایی چون **زیدیه** دریمن ودراندلس‌و**فاطمیان** در**مغرب** (که‌سپس به‌مصر آمدند) یکی‌از پناهگاههای علویان نیز جنگهای انبوه مازندران‌وگیلان‌وپشت کوههای‌البرز بود، درسال ۲۵۰هجری‌قمری‌**حسن‌بن‌زید**ازاولاد **امام حسن** (ع) ملقب به **داعی کبیر** طبرستان راازکف حکمران طاهربن‌آل سامان بدرآورد و سلسله‌ای‌بنیاد نهادکه گاه‌گاه‌تاایام ظهورقاجاریه درطبرستان‌و گیلان‌حکمرانند‌درهرحال‌پس‌ازحسن‌بن زید(۲۷۰هق) برادرش‌**محمد**حکومت کرد تاسامانیان بدانجا دست یافتند (۲۸۷ هق) لیکن **حسن بن علی اطروش** بار دیگردرسال ۳۰۱ حکومت‌را بازگرفت وی ازاسلاف **امام‌زین‌العابدین**(ع) است ومیان اولاداوو**داعی‌صغیر حسن‌بن‌قاسم** اززیدیه که‌در ۳۰۴ ظهور کرد جنگها افتاد تابدست **اسفاربن‌شیرویه** کشته شد (۳۱۶هق)

سامانیان

(۲۶۱-۳۹۵ هق)

آغاز دولت این سلسله از زمان ۲۰۴ هق بود چهار پسر **اسد** بنی‌سامان به‌حکومت چهار شهر ماوراالنهر گمارده شدند. **احمد** که بزرگتر بود قلمرو خودرا توسعه داد وبرقدرت و شوکتش افزود ، پس‌ازوی پسرش **نصیر** بجای‌وی نشست و خلیفه عباسی فرمان حکومت ماوراءالنهر اورا فرستاد(۲۶۱ هق) و

ازآن پس برادر و برادر زادگان وی برسرزمین آباد وپهناورحکومت راندند وباآنکه خودرا فرمانبردار خلیفهٔ بغداد معرفی می‌کردند ، درحل وفصل امور قلمرو خویش مطلق‌العنان بودند و دربارشان‌مرکز تجلی‌فرهنگ‌ایرانی‌بود، نام امراء سامانی بدین شرح است:

۱ ــ **نصر**بن اسد (جلوس ۲۶۱ﻫ ق)
۲ــ **اسماعیل**بن اسد(جلوس ۲۷۹ﻫ ق).
۳ــ **احمد**بن اسماعیل(جلوس۲۹۵هق).
۴ــ **نصر** بن احمد (جلوس ۳۰۱ﻫ ق).
۵ ــ **نوح** بن نصر (جلوس ۳۳۱ﻫ ق).
۶ــ**عبدالملک**بن‌نوح (جلوس۳۴۳هق).
۷ــ **منصور** بن نوح (جلوس ۳۵۰ﻫ ق).
۸ــ **نوح** بن‌منصور (جلوس۳۶۵ﻫ ق).
۹ــ **منصور** بن‌نوح (جلوس ۳۸۷ﻫ ق).
۱۰ــ**عبدالملک**بن نوح(خلوس۳۸۹هق).
۱۱ــ**اسماعیل**بن‌نوح(جلوس ۳۹۰ هق).

این‌سلسله‌بدست ایلک‌خانان‌منقرض واسماعیل در۳۹۵هجری‌قمری‌کشته‌شد .

شاه اسماعیل‌سامانی.
(وفات ۲۹۱ ﻫ ق)

یکی ازمشهورترین امرای سامانی که ازسال ۲۶۰ هجری قمری از جانب برادر**نصربن‌احمد** دربخارا‌امارت‌داشت وبعدازوفات‌برادرحکومت‌تمام‌ماوراءالنهر به اورسید و خلیفه نیز فرمان حکومت درسال۲۷۰ هجری‌قمری به‌اوداد.دراین سال او به **طراز**لشکر کشیدودرسال۲۸۷ با عمرولیث صفاری جنگید واورادربلخ اسیرکرد و دراین وقت برحسب دستور خلیفه برحکام طبرستان‌که شوریده‌بودند دست یافت و در ۲۹۱ در بخارا وفات یافت .

فریغونیان

شخصی‌که درخوارزم حکومت یافت وآل فریغون بدونسبت دارند.

امیران این سلسله عبارتنداز:

۱ ــ **احمد بن فریغون** (جلوس ۲۷۹ هق).
۲ــ**ابونصر**محمدبن فریغون(جلوس ۳۳۷ﻫ ق ــفوت ۳۹۰هق).
۳ ــ **ابوالحارث** احمد بن محمد (جلوس ۳۶۸ هق ــفوت۴۰۱ هق).

« فرهنگ معین»

سیمجوریان
(۳۰۰ــ۳۸۸ هق)

نام سلسله‌ای معروف از امرای قهستان ونیشابورکه غالب بزرگان آنها از سرهنگان دولت سامانی بوده‌اند.

نسبت‌این‌خاندان‌به‌**احمدبن‌سیمجور دوات‌دار**که درآغازخادم احمدسامانی بودکه‌بعداً‌ولایت‌سیستان‌گرفت بزرگترین مردان این سلسله عبارتنداز:

۱ ــ **ابوعمران** (احمدبن‌سیمجور). (حکومت ری ۳۱۴ هق).
۲ــ **ابراهیم** بن‌سیمجور.(حکومت جرجان ۳۲۸ و۳۳۳حکومت‌خراسان).
۳ــ**ابوالحسن**محمدبن ابراهیم.(تا سال ۳۷۸ حاکم خراسان‌بود).
۴ــ **ابوالقاسم** علی‌بن محمد. (از ۳۸۴ تا ۳۹۱درجنگ‌وگریزوحکومت)
۵ ــ **بوسهل**بن علی (سال‌گرفتاری ۳۸۸ هق).

آل‌بویه یا دیلمان
(۳۲۰ــ۴۴۸ ﻫ ق)

بویه.پسر **فنا خسرو** و مردی فقیر بودکه باسه پسرش به خدمت **ماکان‌کاکی** پیوست این‌سه‌پسر سپس‌بخدمت**مرداویج** پیوسته وپس‌ازمرگ اواصفهان وکرمان عراق وهمدان‌وفارس رادرتصرف‌آوردند وقدرتشان فزونی‌گرفت امراء آل بویه بدین قرارند :

الف : دیلمان فارس

۱ ــ علی بن بویه . **عمادالدوله** ابوالحسن (جلوس ۳۲۰ هق).
۲ــ خسرو بن حسن. **عضدالدوله** ابوشجاع (جلوس۳۳۸ هق).
۳ــشیرذیل‌بن خسرو.**شرف‌الدوله** ابوالفوارس (جلوس۳۷۲ هق).
۴ــمرزبان‌بن‌خسرو.**صمصام‌الدوله** ابوکالیجار (جلوس ۳۷۹هق) .
۵ ــ فیروز **بهاءالدوله** ابونصر (ازدیلمان عراق) (جلوس ۴۸۸ هق) .
۶ ــ **سلطان‌الدوله** ابوشجاع پسر بهاءالدوله (جلوس ۴۰۳ هق).
۷ــمرزبان**خمام‌الدوله**ابوکالیجار (جلوس ۴۱۷ هق).
۸ــ خسرو فیروز بن ابوکالیجار . **الملک‌الرحیم** (جلوس درسال ۴۴۰ وی در سال۴۴۷ بدست سلطان‌طغرل‌سلجوقی اسیر شد) .

ب : دیلمان عراق ، اهواز ،کرمان .

۱ ــ احمد بن بویه **معزالدوله** ، ابوالحسین(جلوس ۳۲۰ هق).
۲ ــ بختیاربن احمد ، **عزالدوله** . (جلوس ۳۵۶هق) .
۳ ــ خسروبن حسن **عضدالدوله** «ملک فارس»،(جلوس۳۶۷هق).
۴ــشیرذیل‌بن‌خسرو **شرف‌الدوله**« ملک فارس»(جلوس۳۷۲هق) .
۵ ــ فیروز **بهاء الدوله** ، ابونصر. (جلوس ۳۷۹ هق).
۶ ــ**سلطان‌الدوله**ابوشجاع‌فرزندبهاء ــ الدوله‌ازملوک‌فارس(جلوس۴۰۳هق).

I ـ دیلمان عراق

۱ ــ ابوعلی حسن بن **بهاء الدوله** شرف‌الدوله (جلوس ۴۱۱ هق).
۲ ــابوطاهر بن‌بهاءالدوله.**جلال‌الدوله** (جلوس ۴۱۶ هق).
۳ ــ مرزبان **عمادالدوله** ابوکالیجار «ملک‌فارس» (جلوس ۴۳۵ هق)
۴ــ خسرو و فیروز بن‌ابوکالیجار(**ملک‌ــ الرحیم**) ملک فارس (جلوس۴۴۰ﻫ ق).

این سلسله‌درسال ۴۴۷ بدست‌طغرل سلجوقی منقرض شد.

II ــ دیلمان‌کرمان.

۱ ــ ابوالفوارس بن بهاء الدوله . **قوام‌الدوله** (جلوس ۴۰۳ هق).
۲ ــ **عمادالدوله** ابوکالیجار (جلوس ۴۱۹ هق).
۳ــ**ابومنصور**

این سلسله بدست **فضلویه** شبانکاره درسال ۴۴۸ هجری وقمری منقرض‌شد.

ج ــ دیلمان ری وهمدان واصفهان.

۱ ــ حسن بویه. **رکن‌الدوله** (جلوس ۳۲۰ ﻫ ق).
۲ــ **مؤیدالدوله** ابومنصور«دراصفهان» (جلوس۳۶۶هق).
۳ ــ علی . **فخرالدوله** ابوالحسن (جلوس ۳۶۶ هق).
۴ ــ رستم، **مجدالدوله** ابوطالب جلوس۳۸۷هق (درسال ۴۲۰ بدست‌سلطان محمود خلع شد).
۵ــ **شمس‌الدوله** ابوطاهر«فقط همدان» (جلوس ۳۸۷هق).
۶ ــ **بهاءالدوله** ابوالحسن جلوس ۴۱۲ هق (بدست ابن‌کاکویه معزول شد در سال ۴۱۴) هویت‌شخص اخیر دقیقاً معلوم نیست .

عمادالدوله بویی .
(وفات ۳۸۸ هق) .

علی‌بن بویه ازامیران‌آل بویه بود.

بویه سه‌پسرداشت بنامهای **علی ، حسن ، احمد،** که در خدمت **ماکان‌کاکی** درآمدندوپس‌ازشکست‌ماکان **ازمرداویج** خدمت‌مرداویج‌راقبول‌کردند. مرداویج

حکمرانی کرج را به علی (عمادالدوله) واگذار کرد. علی نسبت به‌اهالی کرج کمال محبت را نمود وقصد تسخیر اصفهان کرد وپس از مغلوب نمودن **ابن یاقوت** وارد آن شهر شد (۳۲۱ هق). مرداویج برادرخود را بدفع علی فرستاد .

عمادالدوله اصفهان را ترك کرده به **ارجان** رفت وآنجا را بدون جنگ گرفت در ابتدای سنهٔ ۳۲۲ هق. جنگی میان عمادالدوله ویاقوت رخ داد. یاقوت بکلی مغلوب ومنکوب گردید. عمادالدوله پایتخت خودرا شیراز قرارداد ودر ۳۳۸ هق دارفانی راوداع کرد وچون فرزند نداشت پسر رکن‌الدوله حسن راموسوم به **«فناخسرو»** ملقب به‌عضدالدوله ولیعهد خویش ساخت وپس ازفوت عمادالدوله، عضدالدوله جانشین وی شد. «فرهنگ معین»

رکن‌الدوله دیلمی .

(فوت ۳۲۲ـ۳۶۶ هق)

ابوعلی حسن بن بویه، ازامرای آل بویه بوده وی از طرف خلیفه **مستکفی** ملقب به رکن‌الدوله شد.

عمادالدوله درسال ۳۲۲ هجری قمری برادرخودرکن‌الدوله‌را که بیش از ۱۹ سال نداشت‌مأمورفتح کرمان کرد وی نیز بدون مقاومت کرمان‌را بتصرف‌درآورد رکن‌الدوله پس ازفوت برادرخود عمادالدوله (۳۳۸ ه ق.) باتفاق جمعی از بزرگان وامرا عازم‌فارس‌شدودراصطخر، مدفن‌عمادالدوله مطابق معمول دیالمه سه‌روز اقامهٔ مراسم عزاداری‌کرد. رکن‌الدوله نه‌ماه‌درشیراز پیش پسر خویش عضدالدوله اقامت گزید ودرآن مدت‌مال وثروت‌فراوانی اندوخت وقسمتی ازآنرانزد معزالدوله که در آن تاریخ دربغداد بود فرستاد. رکن‌الدوله درمدتی اندك که در شیراز بود با مردم بعدل ودادرفتارکرد وقلوب شیرازیان‌را جلب نمود وپس‌ازتمشیت امورفارس‌عازم عراق‌عجم شد ودرآن‌ناحیه بین‌اووامرای سامانی‌جنگهای‌خونینی رخ‌داد. متصرفات رکن‌الدوله روز بروز زیادتر میشد ودر نتیجه‌باقلمرو **وشمگیر بن زیار** هم سرحد گردید ومحارباتی بین‌آن دو تن صورت گرفت وغالباًفتح بارکن‌الدوله‌بود. بامرگ وشمگیر قلمرو رکن‌الدوله از شرحملات وی رهایی‌یافت، اماجنگهای وی‌باامیران سامانی دوام داشت تادرسال ۳۴۰ هجری **ابوعلی بن محتاج چغانی** به ریاست کل سپاهیان‌سامانی منصوب شد ورکن‌الدوله هم مردی صلح‌طلب بود . بین‌آن‌دوصلح واتحاد برقرار گردید .

دراین‌اوان به‌رکن‌الدوله‌خبردادند که عضدالدوله پسرش با لشکریان بسیار بغداد را تصرف کرده بر پسرعم خود عضدالدوله بختیار دست‌یافته واورا بقتل رسانده است . رکن‌الدوله چون مزاجی عصبی‌داشت‌باشنیدن این‌خبربسیارغضبناك شد وازشدت اندوه سخت بیمار گردید و درگذشت. رکن‌الدوله دربستر بیماری‌همهٔ پسران‌خویش‌راخواست‌وممالك‌ومتصرفات خودرا باین ترتیب بین‌ایشان تقسیم کرد: فارس واهواز وکرمان ودرواقع‌قسمتهای جنوبی‌ایران‌وبغداد به‌عضدالدوله‌پسرارشد اوتعلق‌گرفت. حکومت همدان وجبال و ری وطبرستان‌به‌فخرالدوله رسید. اصفهان توابع‌آن به **مؤیدالدوله** تفویض شد. رکن‌الدوله مؤیدالدوله وفخرالدوله را وادارکرد که سوگندیادکنندتاعضدالدوله زنده است ازاطاعت اوسرنپیچند وراستی ودرستی راشعار سازند ودرهمهٔ امور با برادر بزرگترمشورت‌کنندورأی اورادر همه حال‌بررأی خودترجیح دهند. رکن‌الدوله چندی بعد درگذشت .

وی‌امیری‌علم‌دوست‌وهنرپرور بود و درایجاد ابنیه میکوشید.

ابن العمید وزیر رکن‌الدوله بود .

«فرهنگ معین»

عضدالدوله دیلمی .

(فوت ۳۷۲ هق)

مغیث‌الدین‌فناخسروابوشجاع رکن‌الدوله حسن، پادشاه مقتدرسلسلهٔ آل‌بویه بنابه وصیت **عمادالدوله** از سال ۳۳۸ هجری قمری امارت فارس یافت. دراین زمان حکومت اصفهان در اختیار پدرش واهواز وخوزستان وبغداد زیرنفوذعمش **معزالدوله** وحکومت جنوب شرقی‌ایران بایکی ازعمال آل‌بویه موسوم‌به **محمدبن الیاس** بود درسال ۳۷۵ هجری قمری فرستادهٔ الیاس‌بنام یاسع‌بن‌محمداسماعیل طغیان‌کردکه **ابوالفوارس** پسرعضدالدوله آنرا فرونشانید . دراین وقت بامرگ معزالدوله وروی‌کارآمدن پسر بی‌لیاقتش **بختیار** دربغدادآشوبی بپاشد وبختیاردر محاصره سبکتکین قرارگرفت وبا مرگ سبکتکین‌وروی‌کارآمدن آلپتکین‌کار بر عزالدوله (بختیار) سخت شد واز عضدالدوله کمك خواست وعضدالدوله با لشکری‌گران به‌بغداد رفت ومحیط را از دشمنان پاك‌کرد وبه حکومت آنجا طمع کرد وعزالدوله‌راتوقیف ومجبوربه‌استعفا کرد .

این‌خبر به رکن‌الدوله رسید واو منقلب شد ودست ازخوراك‌کشید به‌مرگ تن‌در داد وعضدالدوله برای تسکین‌پدر حکومت به‌عزالدوله واگذاشت وبه‌فارس بازگشت وعزالدوله درسال ۳۶۶ که‌سال مرگش بود اورا بخشید وجانشین خود قرار داد وازفرزندان‌دیگرش خواست‌از اواطاعت‌کنند ولی این‌بار عزالدوله‌قیام کرد خواست شیرازرا بگیرد ولی‌شکست خورد، عضدالدوله حکومت شام رابه او دادولی‌بازقیام‌کرد، این‌بار گرفتارومقتول شد. برادرش مؤیدالدوله حاکم اصفهان، همواره ازاو اطاعت میکرد ولی برادر دیگرش‌فخرالدوله‌آرام‌نداشت‌عضدالدوله برای‌گوشمالی اولشکرکشید واو شکست خورد وفرارکرد عضدالدوله متصرفات فخرالدوله رابه مؤیدالدوله واگذاشت و فخرالدوله‌که به‌قابوس‌بن وشمگیرپناه‌برده بود وسیلهٔ عضدالدوله احضارشد ولی قابوس ازدادن او خود داری کرد ، مؤیدالدوله‌بالشکری‌گران مأمور این‌کار شد وگرگان راتصرف‌کرد .

عضدالدوله بامرض صرع درگذشت.

آل‌زیار

(۳۱۶ـ۴۳۴ ه ق)

مرداویج . از سرداران **اسفاربن شیرویه** بودکه‌بروی شورید وسپاه وی‌را درسال ۳۱۵ درقزوین شکست داد، اسفار کشته شد ومرداویج خودراسلطان‌خواند، جانشینانش عبارتند از :

۱ـ مرداویج بن زیار (حکومت ۳۱۶ـ۳۲۳ ه ق).

۲ـ وشمگیربن زیار . ابومنصور ظهیرالدوله(حکومت ۳۲۳ـ۳۵۶ هق).

۳ـ بیستون‌بن‌وشمگیر ابومنصور ظهیرالدوله (حکومت ۳۶۶ـ۳۶۶ هق).

۴ـ قابوس‌بن وشمگیر شمس‌المعالی ابوالحسن (حکومت ۳۶۶ـ۴۰۳ هق).

۵ـ منوچهربن‌قابوس. فلك‌المعالی (حکومت ۴۰۳ـ۴۰۲ هق).

۶ـ انوشیروان‌بن‌منوچهر. ابوکالیجار (حکومت ۴۲۰ـ۴۳۴ هق).

قابوس بن وشمگیربن زیار .

(مقتول ۴۳۳هق)

ملقب به‌شمس‌المعالی، ازپادشاهان آل‌زیار وی پس از برادر خود بیستون

ابن وشمگیر برتخت جلوس کـرد . در همین سال رکن‌الدوله درگذشت و قلمرو اومیان‌سه پسرش:عضدالدوله‌ومؤیدالدوله و فخرالدوله تقسیم‌شد . عضدالدولـه و مؤیدالدوله درملك‌فخرالدوله‌طمع‌کردند و جنگی درگرفت وسرانجام فخرالدوله به طبرستان‌گریخت و به قابوس‌که شوهر خالهٔ او بود پنـاه‌برد . عضدالدوله ، و مؤیدالدوله به قابوس پیغام دادند کـه فخرالدوله‌را به ایشان تحویل دهد، ولی او نپذیرفت در نتیجه بهانه‌ای بـرای لشکـرکشی عضدالـدوله‌به طبرستان و گرگان فراهم‌آمد ، وچون قابوس تاب مقاومت نداشت ، پس از مختصر جنگی در نزدیکی استرآباد منهزم شد و بـا فخرالدوله به خراسان گریـخت (سال ۳۷۱ هق) .

حکومت‌خراسان‌ازطرف‌سامانیان‌در این تاریخ با**حسام‌الدوله‌تاش**‌بود . وی از جانب نوح‌بن منصور سامانی‌مأموریت یافت‌که قابوس و فخرالدوله‌را مددکند. حسام‌الدوله‌وامیرفایق‌گرگان رامحاصره کردند ، ولی مؤیدالدوله با دادن رشوهٔ بسیار به فایق او را بـفریفت تا در اثنای جنگ فرارکرد ، و دیگران نیز تاب پایداری نیاورده شکست خوردند و لشکریان سامانی‌کاری از پیش نبردند. قابوس پس‌از چهارسال‌سلطنت،در حدود ۱۸ سال (۳۷۱ - ۳۸۸هق) از امـارت محروم بود و درین مدت درخراسان در پناه سامانیان میزیست . امافخرالدوله چون برادرش عضدالدوله به سال ۳۷۲ هق و برادر دیگرش مؤیدالدوله به سال ۳۷۳ مردند ، بدعوت صاحب‌بن عباد وزیرمؤیدالدوله از خراسان به‌ری‌آمدو به‌جای‌برادرنشست، ولی‌گرگان‌رابه‌جای آنکه‌به قابوس‌واگذارکند،به**ابوالعباس حسام‌الدوله تاش**‌واگذاشت، وآن‌ولایت همچنان تاسال۳۸۸دردست‌عمال‌آل‌بویه. بماند . پس از مرگ صاحب‌بـن عباد (۳۸۵هق) ووفات‌فخرالدوله (۳۷۷هق) در احوال دیلمیان‌عراق ضعف وناتوانی ظهورکرد و جانشینی فخرالدوله به پسر خرد سالش رسید .

قابوس از فرصت استفاده‌کـرد، و چون دیگر از یاری سامانیـان‌که خود گرفتار هرج و مرج‌بـودند مأیوس‌شد، درصددبرآمدکه به یاران‌دیلمی وطبری خود متوسل شود ومستقیماً گرگان را از عمال‌آل‌بویه بازگیرد . نخستین‌کسی که به‌یاری او برخاست **اسپهبدشهریاربن شروین** از اسپهبدان طبرستان‌بود، واو به سهولت بر برادران فخرالدوله‌پیروز شد ودر قسمتی‌ازطبرستان‌که تحت‌فرمان اوبود به نام**شمس‌المعالی** خطبه خواند. آمل راهم‌دوتن‌دیگر ازطرفداران‌قابوس تسخیرکردند وبر استرآباد دست‌یافتند و سرانجام‌گرگان را هم تسخیرنمودند. قابوس در شعبان ۳۸۸ به پایتخت خود برگشت و دردورهٔ دوم سلطنت از طرف مغرب‌دامنهٔ متصرفات خودرا وسعت داد. وی مردی درشت خو ، بیرحم ، پرخشم بود و به‌آسانی حکم به کشتن می‌داد و به اندك سوءظنی دست بقتل بیگناهان میزد ، به‌همین سبب جمعی بسیار به‌دست اوکشته شدند وکینهٔ او در سینهٔ غالـب سران‌لشکری‌جای‌گرفت،تاوقتی‌که‌حاجب مخصوص خویش راکه مردی بی آزار و محبوب‌لشکر بودکشت، لشکریان‌شورش کردند و اورا بهزندان‌انداختندوپسرش **فلك‌المعالی منوچهر** به‌جای او جلوس کرد وسپس قابوس را کشتند . قابـوس مشهورترین فرد از خانـدان آل زیار است .

مردی‌فاضل وادیب‌فضل‌دوست‌وخوش خوش خط‌بود.گویندصاحب‌بن‌عبادهرگاه خط او را می‌دید می‌گفت آیا این خط قابوس است یا بال‌طاوس وی‌درنثرعربی با بهترین بلیغان زمام دم برابری‌می‌زد ودرشعرپارسی‌وتازی‌دست داشت. **بیرونی** کتاب‌آثارالباقیه رابه‌نام اوتألیف‌کرده. ترسلات وی را ابوالحسن علی بن‌محمد جمع کرده و «کمال‌البـلاغه» نامیده است «لغت‌نامه‌دهخدا»

شدادیان

(۳۴۰ - ۵۹۵ هق)

قبیله‌ای از قبایل‌کردروادی‌هستند که از اواسط قرن چهارم برگنجه وپس از اواسط قرن‌ششم بر «آنی» دست‌یافته وآنجارا نیزضمیمهٔ متصرفات‌خودکردند مؤسس این خاندان منجم باشی**محمدبن شداد**است.شدادیان‌ازموقعی‌که‌سلجوقیان برایران استیلایافتندباآنان ازدردوستی درآمـدند ، ازمیان‌آن سلسله مخصوصاً **ابوالسوار شاوور** در جنگهای طغرل و الب‌ارسلان با عیسویان روم همراه سلجوقیان بود. وآنان‌رایاوری‌میکرده است . و این‌خاندان دارای ده‌شعبه‌است شعبهٔ‌اصلی‌یاشدادیان‌گنجه‌اندکه‌افرادآن ازاین‌قرارند :

محمدبن‌شداد حکومت(۳۴۰-۳۴۴هق)

لشکری‌بن‌محمدحکومت(۳۶۰ - ۳۶۸) هق).

فضلون‌بن‌محمد (حکومت ۳۶۸- ۳۷۵هق).

ابوالفتح‌موسی‌بن‌فضلون(حکومت ۴۲۲-۴۲۵هق) .

ابوالحسن‌علی‌لشکری(روم) بن‌موسی (حکومت۴۲۵-۴۴۱هق).

انوشیروان‌بن لشکری (حکومت ۴۴۱هق).

منوچهر بن ابوالسوار (جلـوس ۴۵۷هق) .

فضلون(دوم) بن‌ابوالسوار(حکومت ۴۵۹-۴۸۱هق) .

افراد شعبهٔ فرعی‌که بنام **شدادیان آنی** » نامیده شده‌اند ، ازاین‌قرارند:

ابوشجاع‌بن‌ابوالسوار (مذکور) .

ابوالسوارشاوور(دوم) بن‌منوچهر (فوت۵۸۱هق) ،

فضلون (سـوم) بن ابوالسوار (حکومت ۵۱۸-۵۲۵هق).

محمودخوشچهربن‌ابوالسوار .

شداد بن‌محمودفضلون(چهارم) **بن محمود.**

شاهنشاه ابن‌محمود (آخرین این خاندان‌که‌تا۵۹۵حکومت داشت).

مأمونیان یا خوارزمشاهیان

(۳۸۵-۴۰۷هق)

ابتـدای‌کار ایشان معلـوم‌نیست . **ابوعلی‌مأمون بن‌احمدبنی‌محمد** درسال ۳۸۵بر **ابوعبدالله** خوارزمشاه‌غالب آمد وبحکومت رسید. در سال۳۸۷درگذشت سپس ابونصر احمد بن مأمون بجای‌وی نشست و خواهر سلطان محمود را بزنی گرفت . درسال ۴۰۱ **ابوالعباس‌مأمون بن‌مأمون** جای برادر را گرفت و بیوهٔ وی‌را بنکاح درآورد. ابوالعباس در سال ۴۰۷ بدست سردارانش‌کشته‌شدومملکت اورا سلطان محمود تصرف کرد در بار مأمونیان‌مرکزبزرگانی‌چون «ابن‌سینا»، «ابوریحان» «ابوالخیرخمار» «وابونصر عراق» و «ابوسهل‌مسیحی» بود.

سلجوقیان
(۴۲۹_۷۰۰هق)

نخستین سلسلهٔ پادشاهی در دورهٔ اسلامی است که برسراسر ایران‌حکومت می‌کرد، درایام‌سلجوقیان نهضت‌فرهنگی ایران‌بحد اعلاءخودرسید و نفوذ معنوی ایرانیان تمام دنیای اسلام‌را فراگرفت مؤسس این سلسله **طغرل‌بن میکاییل** از رؤسای ترکانی‌است که درجستجوی‌چراگاه از ترکستان بسوی جنوب سرازیر شدند ودرایام **سلطان‌محمود** ازجیحون‌گذشت و در ایام دولت **مسعود غزنوی** وی را شکست‌ها دادند و درخراسان نفوذخود راگستردندچندانکه درشهرها یکی پس از دیگری خطبه به‌نام‌طغرل خوانده شد (۴۲۹ ه ق) و سرانجام دولتی پدید، آوردندکه ایران وآسیای صغیروشام را درتصرف‌آورد،این‌سلسله بنام نیای‌آنها **سلجوق** به سلجوقیان یا سلاجقه معروف شد وچند امارت مستقل پدیدآوردند:

۱ ـ **سلاجقهٔ بزرگ** که سلاطین اصلی‌داشتند (حکومت۴۲۹_۵۵۲هق).
۲_**سلاجقهٔ‌کرمان**(۴۳۳_۵۸۲هق).
۳_**سلاجقهٔ‌شام**(۴۸۷_۵۱۱ هق).
۴_**سلاجقهٔ‌عراق وکردستان.**
(۵۱۱_۵۹۰هق).
۵_**سلاجقهٔ‌روم**(۴۷۰_۷۰۰هق).

الف:سلاجقهٔ بزرگ.

۱ ـ **طغرل**بن میکاییل بن‌سلجوق.
از ۴۲۹_۴۵۵هق.
۲_**الب‌ارسلان**بن طغرل.
از ۴۵۵_۴۶۵هق.
۳ ـ **ملکشاه** بن الب‌ارسلان.
از۴۶۵_۴۸۵هق.
۴_**محمود**بن‌ملکشاه.
از۴۸۵_۴۸۷هق.
۵ ـ **برکیارق**بن‌ملکشاه.
از۴۸۷_۴۹۸هق.
۶_ **ملکشاددوم**(ابن برکیارق).
از ۴۹۸_۴۹۸هق.
۷_ **محمد** بن‌ملکشاه‌اول.
از ۴۹۸_۵۱۱هق.
۸_**سنجر**بن‌ملکشاه اول.
از ۵۱۱_۵۵۲هق.

پس‌ازمرگ‌سلطان‌سنجر(۵۲۲هق) این سلسله که‌پیش‌ازاین به‌ملوك‌الطوایفی تقسیم شده بود راه زوال پیمود و **خوارزمشاهیان** روی‌کار آمدند.

ب_سلجوقیان روم.

مؤسس این سلسله **سلیمان‌بن‌قتلمش** نوه عم‌طغرل‌است‌وی پس‌ازآنکه پدرش‌هنگام جنگ‌با **الب ارسلان** بطور ناگهانی‌مرد سپاه‌پدر رابرداشت‌وروبسوی‌آسیای‌صغیر نهاد ودرآن خط با رومیان جنگ کرد وانطاکیه‌وبعضی‌نواحی‌دیگرراازدستشان گرفت و سلطنتی ایجاد کرد (۴۷۰ هق) که‌ظاهراً تازمان‌مرگ سنجرسلاطین سلجوقی رابه‌ریاست قبول‌داشت:

۱_**سلیمان**بن‌قتلمش (جلوس۴۷۰هق).
۲ ـ **قلیج‌ارسلان** (جلوس۴۸۵ هق).
۳_ **ملکشاه** اول (جلوس ۵۰۰ هق).
۴ ـ **مسعود** اول (جلوس ۵۱۰ هق).
۵_ **قلیج ارسلان**ثانی (جلوس۵۵۱هق).
۶ _ **ملکشاه** ثانی (جلوس ۵۷۴ هق).
۷ _**کیخسرو**اول (جلوس ۵۸۸ هق).
۸_ **سلیمان** ثانی (جلوس۵۹۷ هق).
۹_ **قلیج‌ارسلان** ثانی(جلوس۶۰۰هق).
۱۰ _ **کیکاووس**اول(جلوس ۶۰۷هق).
۱۱_**کیقباد** اول (جلوس ۶۱۶ هق).
۱۲_ **کیخسرو** ثانی (جلوس ۶۳۴هق).
۱۳_**کیکاووس** ثانی(جلوس۶۴۳هق).
۱۴_ **قلیج‌ارسلان**رابع(جلوس۶۵۵هق)
۱۵_ **کیخسرو**ثالث (جلوس ۶۶۷ هق).
۱۶_ **مسعود** ثانی (جلوس۶۹۲هق).
۱۷ _ **کیقباد**ثانی (جلوس ۶۹۶ هق).

کیقباددرسال۷۰۰بدست**غازانخان** گرفتار شد وعمراین سلسله پایان یافت و سرانجام قلمرو دولتشان بدست **ترکان عثمانی** افتاد.

ج_سلجوقیان‌کرمان

۱_**قاورد**بن‌چغری‌بیك‌بن‌میکاییل(جلوس ۴۲۳هق).
۲_**کرمانشاه**بن‌قاورد (جلوس۴۶۵هق)
۳_ **حسین** بن‌قاورد (جلوس ۴۶۶ هق)
۴_**سلطانشاه**بن قاورد(جلوس۴۶۷هق)
۵_ **تورانشاه**بن‌قاورد(جلوس۴۷۷هق)
۶_ **ایران شاه**بن توران شاه (جلوس ۴۹۰ هق).
۷_**ارسلان**بن‌کرمانشاه(جلوس۴۹۴هق)
۸_ **محمد** بن‌ارسلان‌شاه(جلوس۵۳۶هق)
۹_ **طغرل‌شاه‌بن** محمد(جلوس۵۵۱هق.
۱۰ _ **بهرامشاه** طغرل‌شاه (جلوس ۵۵۸هق)
۱۱ **ارسلان شاه** بن طغرل شاه (جلوس ۵۶۴ هق)
۱۲_**تورانشاه**بن‌طغرل‌شاه(جلوس۵۶۶هق)
۱۳ _ **محمد شاه** بن بهرامشاه (جلوس ۵۶۸هق).

درسال۵۸۳بدست **ترکان‌غز** منقرض گردید ومحمدشاه ناچاربه دربار سلطان **شهاب‌الدین‌سام** رسیدوسرانجام درغربت مرد.

د ـ سلجوقیان عراق و کردستان

۱_**مغیث الدین** محمود بن محمد(جلوس ۵۱۱ هق).
۲ _**غیاث الدین** داودبن محمود(جلوس ۵۲۵ هق).
۳_ **طغرل** بن محمد (جلوس ۴۲۶هق.
۴_ **مسعود** بن محمد (جلوس۴۲۷هق).
۵_ **ملکشاه**بن‌محمود (جلوس۵۴۷هق).
۶_ **محمدبن** محمود (جلوس۵۴۸هق).
۷_**سلیمانشاه**بن‌محمد(جلوس۵۵۴هق).
۸_**ارسلانشاه**بن‌طغرل(جلوس۵۵۶هق)
۹_**طغرل**بن‌ارسلانشاه(جلوس۵۷۳هق).

این سلسله در سال ۵۹۰ به دست **خوارزمشاهیان** منقرض شد.

ه. سلجوقیان شام

۱_ **تتش**بن‌ارسلان (جلوس ۴۸۷هق).
۲_ **رضوان** بن‌تتش (جلوس۴۸۸هق).
۳ _ **الب ارسلان** بن رضوان (جلوس ۵۰۷ هق).
۴_**سلطانشاه**بن‌رضوان(جلوس۵۰۸هق)

این سلسله در سال ۵۱۱ بدست **اتابکان دمشق** منقرض شد.

ملکشاه‌سلجوقی.

(حکومت ۴۶۵ _ ۴۸۵هق)

بزرگترین‌ونامیترین‌پادشاهان‌سلجوقی است، خواجه نظام‌الملك وزیر با تدبیر او بود. کشور را ازهرطرف توسعه داد و اصفهان را مقرحکومت‌قرار داد و به آبادی‌کشور وترویج علم وادب‌پرداخت در سال ۴۸۵ نظام‌الملك به‌تحریك تاج الملك به‌دست ملاحده کشته‌شد.

بزرگانی چون حکیم **عمرخیام**، **غزالی وامیرمعزی**در زمان‌اومی‌زیستند.

سلطان‌سنجر.

(حکومت۵۱۱ _ ۵۲۲ه ق)

معزالدین‌ابوحارث‌احمدبن ملکشاه سلجوقی‌آخرین‌پادشاه‌ازسلجوقیان‌بزرگ بنابقول مورخان‌درظرف ۴۰سال‌سلطنت اودر خراسان۱۹ فتح‌نصیب وی‌گردید. بعد ازشکست برادر زاده‌اش کار او بالا گرفت ودرشمارسلاطین بزرگ سلجوقی در آمد.

در۴۲۴هق. برای‌سرکوبی**احمدخان** که از دادن خراج سرپیچی میکرد به_

ماوراءالنهر حمله برد، سمرقند را محاصره کرد واورا اسیر گرفت ولی باردیگر او را به حکومت آن ناحیه منصوب کرد. شصت سال بعد **بهرامشاه** غزنوی کوس استقلال زد سنجر اورا نیز به اطاعت وادار کرد. در ۵۳۵ ه ق. سمرقند بار دیگر سر بطغیان برداشت و سنجر پس از ۶ ماه محاصره آن را بتصرف در آورد و نسبت به اهالی رحم و شفقت ورزید ولی در جنگ سختی که بین سنجر و قراختاییان در درهٔ ضرغام در گرفت، سنجر شکست خورد (واین نخستین شکست او بود) . این شکست یکی از بزرگترین شکستهای مسلمانان در آسیای مرکزی است.

تلفات سلجوقیان را ۱۰۰۰۰۰ تن نوشته‌اند نتیجه این شد که قراختاییان مرو و نیشابور را چندی اشغال کردند. دوسال بعد سنجر قدرتی پیدا کرده و به خیوه حمله برد ولی چندان موفقیتی نصیبش نگردید ومصالحه کرد. آخرین فتح سنجر غلبه بر **علاءالدین جهانسوز غوری** (که به خراسان حمله کرده بود) واسیر گرفتن اوست .

قراختاییان پس از تأسیس سلطنت به اهالی مقیم آزاری نرساندند و برعکس **ترکان غز** را که چادرنشین بودند از علف‌چرهای خود راندند وغزان از رود سیحون گذشتند سنجر به آنان اجازه داد تا در حوالی درهٔ بلخ اقامت کنند و مقرر شد که این طایفه سالی ۴۰۰۰۰ گوسفند به رسم خراج بدهند، ولی بر سر تعیین جنس گوسفند نزاع بر خاست و حاکم بلخ هم نتوانست غایله را رفع کند. سنجر پس از وقوف براین قضیه درسال ۵۴۸ هق. با ۱۰۰۰۰۰ سپاهی بقصد سرکوبی غزان روانه گردید. آنان اول مرعوب شده حاضر گردیدند که غرامت هم بدهند، ولی سنجر پیشنهادهای آنها را رد کرد. غزان نیز دست ازجان شسته مبادرت بجنگ کردند (جنگ قطوان) وفاتح شدند و سنجر را زنده اسیر گرفتند.

سنجر مدت ۴ سال در حبس غزان بود دراین مدت ظاهراً احترام او را رعایت میکردند ودرعین حال مراقب بودند که فرار نکند و معروفست که روزها او را بر تخت می‌نشانیدند واحکام و فرامین را به امضای او میرسانیدند وشبها ویرا در قفس آهنین میکردند عاقبت سنجر در موقعی که غزان بشکار رفته واوراهم برده بودند تدبیری اندیشیده خودرا به جیحون رسانید وازآنجا بوسیلهٔ کشتی گریخت (۵۵۱ هق) ولی چون بمرو رسید ویرانی شهر چنان اورا دلشکسته کرد که دیگر از زندگی بیزار شد و سرانجام در **۷۳ سالگی** درگذشت. او را در مقبرهٔ بزرگی که خود در موقع حیات ساخته بود دفن کردند. مورخان عموماً او را پادشاهی دلاور و مهربان وجوانمرد معرفی کرده‌اند.

«لغت نامه دهخدا»

غزنویان

(۳۵۱–۵۸۲ هق)

مؤسس این سلسله **البتکین** از سرداران سامانیان وامیر طخارستان است، لیکن این امیر بر اثر اختلافی که با منصور بن عبدالملك سامانی پیدا کرد به غزنین رفت ودر آن شهر امارتی بنیاد نهاد (سال ۳۱۵ ه ق) چون درگذشت پسرش جای اورا گرفت (۳۵۲ هق) لیکن کاری از پیش نبرد در قلمروش دچار آشوب شد وسرانجام مردم وسرداران سبکتکین غلام البکتکین را بحکومت برداشتند (۳۶۶ ه ق) سلطنت درخاندان اودوام یافت. اسامی امراء و سلاطین غزنوی بدین شرح است:

۱ ـ **البتگین** (سال جلوس ۳۵۱ هق).
۲ ـ **اسحق** بن البتگین (سال جلوس ۳۵۲ هق) .
۳ ـ **بلکا تکین** غلام البتکین (جلوس ۳۵۵ ه ق).
۴ ـ **پیری** (از امرای ترك) (جلوس ۳۶۲ هق).
۵ ـ **سبکتگین** غلام الپتکین (جلوس ۳۶۷ ه ق).
۶ ـ **اسماعیل** بن سبکتگین (جلوس ۳۸۷ هق).
۷ ـ **محمود** بن سبکتگین یمین الدوله (جلوس ۳۸۹ هق).
۸ ـ **محمد بن** محمود جلال الدوله جلوس ۴۲۱ هق).
۹ ـ **مسعود** بن محمود الناصر الدین الله نصیرالدوله (جلوس ۴۲۱ هق).
۱۰ ـ **محمد** بن محمود جلال الدین (باردیگر) (جلوس ۴۳۳ هق) .
۱۱ ـ **مودود** بن مسعود .شهاب الدوله (جلوس ۴۳۳ هق).
۱۲ ـ **مسعود** بن مودود (طفلی که چند هفته حکومت کرد) (جلوس ۴۴۰ ه ق).
۱۳ ـ **علی** بن مسعود ومسعود بن مودود (باهم) (۴۴۰ هق).
۱۴ ـ **عبدالرشید** بن محمود (مجدالدوله) (جلوس ۴۴۱ هق).
۱۵ ـ **طغرل** (غاصب) (جلوس ۴۴۴ هق).
۱۶ ـ **فرخزاد** بن مسعود جمال الدوله جلوس ۴۴۴ هق)
۱۷ ـ **ابراهیم** بن مسعود .ظهورالدوله (جلوس ۴۵۱ هق) .
۱۸ ـ **مسعود** بن ابراهیم . علاء الدوله (جلوس ۴۹۲ هق) .
۱۹ ـ **شیرزاد** بن مسعود .کمال الدوله (جلوس ۵۰۸ هق).
۲۰ ـ **ارسلان** بن مسعود . سلطان ـ الدوله (جلوس ۵۰۹ هق).
۲۱ ـ **بهرام شاه** بن مسعود . یمین ـ الدوله (جلوس ۵۱۲ هق).
۲۲ ـ **خسروشاه** بن بهرامشاه (جلوس ۵۴۷ هق).
۲۳ ـ **خسرو ملك** بن خسرو شاه سراج الدوله (جلوس ۵۵۵ هق).

سلسلهٔ غزنوی درسال ۵۸۲ بدست غوریان منقرض شدند .

سلطان محمود غزنوی .

(فوت ۴۲۱ ه ق)

در سال جلوس سرداران معروف دولت سامانی را مغلوب کرد ومدتی نیز با آخرین شاهزاده دلیر سامانی **اسماعیل منتصر** جنگید. سیستان را از **خلف بن احمد** صفاری گرفت، سپس چون مردم خوارزم بر **ابوالعباس** مأمون که داماد محمود بود شوریدند واورا کشتند به آنجا لشکر کشید وآنرا فتح کرد در اواخر عمر ری واصفهان را از **آل بویه** گرفت و مسعود پسرخود را به حکومت آن نواحی گماشت.

لشکرکشی‌های متعدد به هندوستان کرد وجواهرات و ثروت بتخانه‌های آنجا را بدست آورد. شهرهای مهم آن کشوررا تسخیر کرد و به **سومنات** که شهری معروف ومستحکم در کنارهٔ غربی هندوستان بود لشکر کشید و از آنجا غنایم فراوان بدست آورد و معبد بزرگ آن شهررا ویران کرد.

سلطان محمد نسبت به شاعران و سخن شناسان توجه خاصی داشت و در حضور خود مجالسی از آنها ترتیب می‌داد و گویند ۴۰۰ شاعر به دربار او بارمی‌یافتند فردوسی **شاهنامه** خودرا در این عصر بپایان آورد. و **عنصری** ملك الشعرای دربار او بود.

سبکتگین.
(فوت— ۳۸۷ ه ق)
ملقب بناصرالدوله مؤسس سلسلهٔ غزنویان غلامی ترک بود که توسط **نصر حاجی** یکی ازبازرگانان خراسان بـه البتکین فروخته شد. ولی بعدها بدامادی آلپتکین نایل آمد به امارت غزنین رسید ودرسال ۳۶۷ هق. شهر **بست** را فتح کرد وسلسلهٔ غزنویان را تأسیس نمود، وحوزهٔ حکومتی خودرا از دوطرف بسط داد؛ از یك سو درسمت حدود هندوستان قبایل **رجپوت** را مغلوب کرد و شهر **پیشاور** را مسخر خویش ساخت و ازطرف دیگر خراسان را تحت فرمان خویش درآورد، و بسال ۳۸۴ از جانب **نوح سامانی** به‌حکومت آن مملکت نامزدگردید و این انتصاب او بسبب کمکی بود که سبکتگین به‌امیر سامانی درخوابانیدن انقلابات ماوراءالنهر کرده بود. سبکتگین نظربحق شناسی یا ازراه‌احتیاط نسبت به‌پادشاهان سامانی اظهار تبعیت میکرد، ولی این اظهار اطاعت اسمی بلامسمی بـود وقدرت او مقارن فوتش بمراتب بیشتر ازقدرت امیر سامانی بود. وی امیری دادگستر و وشجاع ومدبربود. اوبلخ را پـایتخت خود قراردادودر۳۸۷هق حین‌عزیمت به غزنین درگذشت.

غوریان
(۴۹۳— ۶۱۲هق)
سلسله‌ای ازامراءبودند که‌ازدیرباز در ناحیهٔ صعب العبور غور میان هرات‌و غزنه حکومت داشته‌اند غوریان‌دوطایفه بودند که‌یك دسته در**غور** اقامت داشتند و مقرشان فیروز کوه بود و دسته دوم در**طخارستان** میزیستندومقرشان **بامیان** بود، طایفهٔ‌اول‌درفیروزکوه فرمانروایی میکردندوازسال ۴۹۳ تا ۶۱۲ برسریر اقتدار بودندکه‌پنج نفر ازفرمانروایان این‌طایفه‌بااقتدارکامـل‌حکومت راندند، فرمانروایان **آل‌شنسب** ازشاخه اصلی‌در افغانستان وهندوستان:
۱— **عزالدین** حسین بـن حسن بن‌محمد (جلوس ۴۹۳ هق).
۲ — **قطب‌الدین** محمد (در فیروزکوه متوفی به سال ۵۴۱ ه ق).
۳ — **سیف‌الدین** سوری (درغزنه متوفی به سال ۵۴۳).
۴— **بهاءالدین** سام (در فیروز کوه از ۵۴۳ تا ۵۴۴).
۵— **علاءالدین‌حسین**جهانسوز «غور، سپس غزنه وفیروز کوه» (جلوس ۵۴۴ هق).
۶ — **سیف الدین محمد** بن حسین (فیروز کوه متوفی به‌سال ۵۵۸ ه ق)
۷— **غیاث‌الدین محمد** بن‌سام (درغور)
۸— **شهاب‌الدین‌محمد**غوری بن‌سام(غزنه)
۹— **غیاث‌الدین‌محمد** بن‌سام (متوفی در هرات به‌سال ۵۹۹هق).
۱۰ — **شهاب‌الدین**، سپس **معزالدین** (عامل سابق غزنه)
۱۱ — **معزالدین محمد** غوری بن سام (متوفی به‌سال ۶۰۲ هق).
۱۲ — **علاءالدین محمد** بن‌شجاع‌الدین علی (درغور)
۱۳— **غیاث‌الدین محمود** بن‌محمدبن‌سام (درغور مقتول به‌سال ۶۰۹)هق.
۱۴— **بهاءالدین سام** بن‌محمود (جلوس ۶۰۹هق).
۱۵— **علاءالدین اتسز** بن حسین (سلطان اسماعیل، عـامل خوارزمشاه) (جلوس ۶۱۹هق).
۱۶ — **علاءالدین** یا ضیاء الدین محمد شجاع‌الدین علی (فوت۶۱۱هق)
غوریان و بامیان‌طخارستان عبارتنداز:
۱ — **فخرالدین‌مسعود** بن‌حسین (جلوس ۵۴۰هق)
۲ — **شمس الدین محمد** بن مسعود (جلوس ۵۵۸هق)
۳ — **بهاءالدین سام** بن‌محمد (جلوس ۵۸۸هق)
۴ — **جلال‌الدین علی** بـن سام (مقتول به دست‌خوارزمشاه‌در۶۱۲هجری‌قمری)
خاندان شبانکاره (بنی‌حسنویه).
(۴۴۸—۷۵۶ هق)
سلسله‌ای که از نیمهٔ قرن پنجم تا نیمهٔ قرن هشتم در جنوب فارس سلطنت کردند، حکام این سلسله خود را بـه سپهبدان فارس دورهٔ ساسانیان میرسانند ومرکزآنها **دارابگرد** بوده است.
امرای این سلسله عبارتنداز:
۱— **فضلویه** (از۴۴۸تا ۴۵۹هق).
۲— **نظام‌الدین**یحیی‌بن‌حسن(از۴۵۹هق)
۳— **نظام‌الدین‌محمود**بن‌نظام‌الدین‌یحیی.
۴— **قطب‌الدین‌مبارز**.
۵— **ملك‌مظفرالدین** محمدبن مبارز (از ۶۱۴تا۶۵۸ هق).
۶— **قطب‌الدین‌مبارز** بن‌ملك‌مظفرالدین (از۲۵۸ تا۶۵۹هق).
۷— **نظام‌الدین‌حسن**بن محمدبن‌مظفرالدین (از۶۵۹ تا۶۶۲هق).
۸— **نصرةالدین‌ابراهیم** برادر نظام‌الدین حسن (از۶۶۲ تا۶۶۴هق).
۹ — **جلال‌الدین طیب شاه** (از۶۶۴تا ۶۸۱ ه ق).
۱۰— **بهاء الدین اسماعیل** برادر طیب شاه (از۶۸۱ تا۶۸۸ هق).
۱۱— **نظام‌الدین‌حسن**بن‌طیب‌شاه(از۶۸۸ تا ۷۲۵ه ق).
۱۲ — **نصرةالدین** ابراهیم‌بن اسماعیل (از ۷۲۵هق) .
۱۳و۱۴— **ملك‌رکن‌الدین‌حسن**و**تاج‌الدین جمشید** بن اسماعیل (ازحدود۷۳۵ تا ۷۴۲هق).
۱۵— **ملك‌اردشیر** (از ۷۴۲تا۷۵۶)
فضلویه حسنویه .
(فوت ۴۶۴ هق).
نظام‌الدین فضل‌الله‌بن علی بن‌ایوب که‌درسال ۴۴۸ هجری قمری برآخرین امیر دیلمی فارس خروج کرد وپس از تسلط بروی، برفارس دست‌یافت وباقبول خراج به‌الب ارسلان‌درسال ۴۵۵هجری قمری حکومت فارس را به دست آورد و سلسلهٔ ملوك شبانکاره رابنیاد نهاد ولی‌با کسب قدرت ازپرداخت‌خراج خودداری کردودرجنگ باالب‌ارسلان‌مغلوب‌ومقتول شد.

اتابکان
(اواخرقرن ۶تااوایل قرن۸)
شاهان سلجوقی وقتی شاهزادگان جوان را به حکومـت منـاطق مختلف میفرستادند، یکی از سرداران خودرا به دایگی وی می‌گماشتند که او را اتابك می‌خواندند وقتی دولت مرکزی ضعیف شدواین‌شاهزادگان‌درقلمروخویش‌مستقل ودرحقیقت‌بی‌پناه ماندنداتابکان‌که عملاً امور رادردست‌داشتندقدرتی یافته‌ورایت استقلال برافراشتند ازاتابکان:
۱— اتابکان دمشق.
۲— اتابکان‌زنگی.
۳— امراء بکتکین.
۴— ارتقیه
۵— اتابکان آذربایجان.
۶— اتابکان فارس.
۷— اتابکان لرستان.
۸— خوارزمشاهیان.
۹— قتلغ خانیان.
۱۰— شاهان ارمنستان.

اتابکان آذربایجان
(۵۳۱ ـ ۶۲۲هق)

مؤسس این سلسلهٔ **شمس‌الدین ایلدگز** غلام یکی از امراء سلجوقی بود که سرانجام در دربار سلاطین سلجوقی معززشد بیوهٔ طغرل برادر سلطان مسعود سلجوقی را به همسری گرفت و باوی در حکومت آذربایجان شریک شد اسامی اتابکان آذربایجان بدین شرح است:

۱ـ **شمس‌الدین** ایلدگز (جلوس ۵۳۱هق)
۲ ـ **محمد جهان پهلوان** بن ایلدگز (جلوس ۵۶۸ هق).
۳ ـ **قزل‌ارسلان** عثمان بن ایلدگز (جلوس ۵۸۱ هق).
۴ ـ **ابوبکر نصرةالدین** بن محمد (جلوس ۵۸۷ هق)
۵ـ **مظفرالدین اوزبك** (جلوس ۶۰۷هق)

این سلسله به دست **جلال الدین خوارزمشاه** منقرض شد اتابکان آذربایجان که پایتخت آنها **تبریز** بوددر آبادی این شهر کوشیدند ودربارشان مرکز شعرا و نویسندگان معروفی بود.

قزل ارسلان عثمان.
(فوت ۵۸۷ هق)

ملقب به مظفرالدین ایلدگز پس از فوت ایلدگز پسر بزرگتروی محمدجهان پهلوان به حکومت رسیدو برادرخودقزل‌ارسلان را به آذربایجان و **اران** امارت داد پس از فوت جهان پهلوان قزل ارسلان دردستگاه طغرل سوم سلجوقی زمامدارشد، ولی بزودی میان اووطغرل بهم خورد و قزل‌ارسلان طغرل را محبوس کردومقدمات سلطنت خودرا فراهم آورد، اما در شعبان ۵۸۷هق شبی او را کشته یافتند و این قتل را به فداییان اسماعیلی نسبت دادند.

اتابکان فارس (سلغریان)
(۵۴۳ ـ ۶۸۶هق)

سلغر رییس یك طایفه از ترکان بود که ازدیار خود سرازیر شده وسرانجام در **کوه‌کیلویه** ساکن گشتند، اتابك **سنقر بن مودود** بن سلغر درسال ۵۴۳ از آشفتگی فارس استفاده کردوزمام امور را به‌دست گرفت امراء این سلسله عبارتنداز:

۱ـ **سنقر** بن مودود (جلوس ۵۴۳هق).
۲ـ **زنگی** بن مودود (جلوس ۵۵۷هق).
۳ـ **تکلة** بن زنگی (جلوس ۵۷۱هق).
۴ـ **طغرل** بن سنقر (جلوس ۵۹۰هق).
۵ـ **سعد** بن زنگی (جلوس ۵۹۹هق).
۶ـ **ابوبکر** بن سعد (جلوس ۶۲۸هق).
۷ـ **محمد** بن سعد (جلوس ۶۵۸هق)
۸ ـ **محمد** بن سلغرشاه بن سعد (جلوس. ۶۶۰ هق).
۹ـ **سلجوق شاه** بن سلغر (جلوس ۶۶۰هق).
۱۰ ـ **آبش** خاتون (جلوس ۶۶۲هق).

با مرگ وی درسال ۶۸۶ فارس بدست مغولان افتاد.

سنقر بن مودود.
(فوت ۵۵۸ هق)

اولین اتابك ازسلسلهٔ اتابکان فارس برادرزاده **بوزابه** که به فرمان سلطان مسعود سلجوقی کشته شده بود وی به خونخواهی عمویش درکوه‌کیلویه قیام کرد وبرسپاه ملکشاه بن محمود سلجوقی امیر فارس غلبه کرد. وشیراز راگرفت و اتابکان فارس را بنیادنهاد.

سعد بن زنگی.
(فوت ۶۲۳هق)

اتابك مظفرالدین سعد بن زنگی بن مودود سلغری. پنجمین اتابك از سلسلهٔ اتابکان فارس، بعدازمرگ **تکلة بن زنگی** وتسلط بر **طغرل بن سنقر** درسال ۵۹۹هق حکومت فارس را بدست گرفت، درآغاز کار بیماری وبا مانع پیشرفت او شد ولی پس از مدتی با **قطب‌الدین مبارز** شبانکاره جنگید وکرمان‌را ازاوگرفت وبارها به اصفهان و همدان و ری دست اندازی کرد، یکبار اسیر **سلطان محمد خوارزمشاه** شد و با قبول شرایط سختی آزاد شد وبه‌شیراز بازگشت، ازآن‌پس درصدد جنگ برنیامد وبا این‌همه‌قلمرو وی از تاخت وتازجلال‌الدین‌خوارزمشاه مصون نماند.

ابوبکر بن سعد.
(فوت ۶۵۸هق)

از اتابکان معروف فارس ممدوح **سعدی** که حکومت او مقارن حملهٔ مغول بود ولی او باسیاست واظهار اطاعت و پرداخت خراج فارس را از قتل وعام مغول حفظ کرد. ابوبکردر سال ۶۲۸ به حکومت رسیده است.

آبش خاتون.
(فوت ۶۸۵هق)

دختر اتابك سعد ابن ابوبکر، زوجه **منگوتیمور** (پسرهولاکو)، آخرین اتابکان فارس که بعد از قتل **سلجوقشاه** در سال ۶۶۲ به حکومت رسید اگر چه دورهٔ حکومت او، اداره امورفارس اغلب به دست امرای مغول بود ولی وجود او موجب حفظ شهرهای فارس از خرابی شد یکبار بدستور او در شیراز فتنه‌ای بپا شد تا اوامر ایلخانان اجرا نشود واین خود موجب احضارآبش خاتون شدوسرانجام در اردوی مغول جان سپرد واورادر شیراز دفن کردند.

اتابکان لرستان
(۵۴۳ـ۸۴۰هق)

سلسله‌ای ازامرای لرستان را گویند که مؤسس آن **ابوطاهر بن محمد** ازطرف سنقربن مودوداز اتابکان فارس بحکومت لرستان مأمور شد. بعضی از جانشینان وی مانند **نصرةالدین هزار اسب** و **نصرةالدین احمدلر** ازخودلیاقت شایان نشان دادند وپس ازآنکه سرانجام قسمت اعظم قلمروشان بدست تیموریان افتادباز تا مدتی درلر کوچك حکومت می‌کردند.

۱ـ **ابوطاهر** بن محمد (جلوس ۵۴۳هق)
۲ـ **نصرةالدین** هزاراسب. (جلوس درحدود ۶۰۰ه ق)
۳ـ **تکله** (جلوس درحدود ۶۵۰هق)
۴ـ **شمس‌الدین** الپ‌ارغو (جلوس درحدود ۶۵۷ه ق).
۵ ـ **یوسف شاه** اول (جلوس درحدود ۶۷۴ه ق).
۶ ـ **افراسیاب** اول (جلوس درحدود ۶۸۷ه ق).
۷ـ **نصرةالدین احمد** (جلوس در ۶۹۶هق)
۸ـ **رکن‌الدین** یوسف شاه ثانی (جلوس درحدود ۷۳۳هق).
۹ـ **مظفرالدین** افراسیاب ثانی (جلوس ۷۴۰ه ق).
۱۰ـ **شمس‌الدین هوشنگ** (یا نورالورد) (جلوس ۷۵۶ه ق).
۱۱ـ **احمد** (جلوس درحدود ۷۸۰هق).
۱۲ـ **ابوسعید** (جلوس درحدود ۸۱۵).
۱۳ـ **حسین** (جلوس درحدود ۸۲۰هق).
۱۴ـ **غیاث‌الدین** (جلوس ۸۲۷هق)

این سلسله را سلطان ابراهیم بن شاهرخ برانداخت.

نصرةالدین کلجه بن هزاراسب.
(فوت ۶۴۹هق)

بعد از مرگ برادر در سال ۶۰۰ بحکومت لرستان رسید و دو سال ونیم حکومت کرد.

نصرةالدین احمد بن یوسف‌شاه.
(فوت ۷۳۰هق)

ازاتابکان معروف لرستان که‌درسال ۶۹۵ هجری قمری بعد از وفات برادر

حکومت یافت . نصرة‌الدین احمدامیری فضل پرور و دادگستر بوده که آثار فراوانی بجاگذاشت و نویسندگان بزرگی را تحت حمایت گرفت، **معیار ــ نصرتی** ، تاریخ معجم وتجارت‌السلف به نام اوتألیف شده‌است.

اتابکان یزد

(۵۳۶ــ۷۱۸ هق)

ظهیرالدین ابومنصور پسر علاءالدوله. از فرزندان **وردان‌زور** میباشند که به آل‌وردان نیز معروفند ومدتی‌طولانی‌در ولایت یزدوابرقوحکومت کرده‌اندامرای معروف آنها عبارتند از :

۱ــ**ظهیرالدین‌فرامرز** بن‌علاءالدوله.
۲ **علاءالدوله‌علی** بن‌فرامرز .
۳ــ**فرامرز** بن علی .
۴ــ **رکن‌الدین‌سام**.
۵ــ**عزالدین‌لنگر**. (فوت۶۰۴هق)
۶ــ**وردان زور** بن‌لنگر .
۷ــ**ابومنصورسپهسالار** بن لنگر .
۸ــ **قطب‌الدین محمودشاه** .(فوت ۶۳۷هق)
۹ ــ **علاءالدوله سلغرشاه** .
۱۰ــ**طغانشاه**.(فوت۶۷۹هق)
۱۱ــ**علاءالدوله** .(فوت۶۷۳ هق)
۱۲ــ **یوسف‌شاه** بن‌طغانشاه. (فوت ۶۹۰ ه ق).
۱۳ــ**حاجی‌شاه** بن‌یوسف‌شاه .

سلسلهٔ اتابکان‌درسال ۷۱۸ به‌دست امیر مبارزالدین‌آل‌مظفرمنقرض‌شد .

ظهیرالدین. فرامرزبن‌علاءالدوله .

(فوت۴۴۳هق).

از امرای‌کاکویه (دیالمه) که‌پس‌از مرگ‌پدر به‌جای پدر بحکومت‌اصفهان همدان وری‌وقسمتی ازبلاد غربی‌ایران نشست‌ولی‌برادران‌به‌اطاعت وی‌درنیامدند، **گرشاسب** ازطرفی و **ابوحرب** از طرف دیگر،دم از استقلال‌زدند ، درهمان‌سال جلوس‌سردارسلطان‌سلجوقی از اوخواست تا برحکومت‌آنها گردن نهد واو فوراً پیش‌برادر رفت وبااومتحدشد،سلجوقیان پس‌ازتصرف ری به‌تعقیب آنها به‌بروجرد آمدند وآن شهررا نیز تسخیر کردند و واز طرفی دیگر طغرل سلجوقی پس از فتوحاتی به‌ری وقزوین آمدوآنهاناچار به تسلیم شدند ، طغرل اصفهان را به ظهیرالدین‌واگذاشت‌درسال ۴۲۵ ابومنصور کاکویه‌برای بیرون‌کردن‌کرمان‌از دست **ابوکالیجار** به آنجالشکر کشیدوموفق‌نشد، ازطغرل کمك خواست طغرل نپذیرفت ، اوغالباً با ابوکالیجارهمدست شد وخطبه به نام اوخواند.

طغرل به‌اصفهان لشکر کشید و به‌فتح آن موفق‌نشد وبالاخره او درسال ۴۴۳ هجری قمری‌دوباره آن شهررا محاصره وتسخیر کردوابومنصوررا به‌حکومت‌یزدو ابرقو فرستاد واو درآنجا اتابکان یزد را تشکیل‌داد .

فرامرز بن علی.

(فوت ۵۱۳ ه ق)

فرامرز ابوکالیجار گرشاسب بن ابومنصور علی بن فرامرزبن علاءالدوله محمد بن دشمن زیار ، پنجمین پادشاه سلسلهٔ کاکویه

قراختاییان (قتلغ خانیان).

(۶۱۹ــ۷۰۴هق)

مؤسس این سلسلهٔ **براق حاجب** چندی دردربار خوارزمشاه حاجب بود، آنگاه‌به‌اتابکی **پیرشاه** ازپسران‌سلطان‌ــ محمد منصوب‌شد. درایام‌فترت به‌کرمان دست یافت (۶۱۹هق) و سلسله‌ای‌بنیاد نهاد که‌تابع ایلخانیان مغول بود از این سلسله‌اند :

۱ ــ **براق‌بن‌کلدو** براق حاجب (جلوس ۶۱۹هق)
رکن‌الدین بن براق ، مبارکشاه (جلوس ۶۳۲ هق)
۳ــ **قطب‌الدین** محمد (برادرزاده وداماد براق) (جلوس ۶۵۰ هق).
۴ ــ **سلطان حجاج** بن قطب‌الدین (جلوس ۶۵۱هق).
۵ــ **قتلغ ترکان** (زوجهٔ‌قطب‌الدین) (جلوس ۶۶۱هق).
۶ ــ جلال‌الدین بن قطب‌الدین (جلوس ۶۸۱هق).
۷ ــ **صفوة‌الدین** پادشاه خاتون (جلوس ۶۹۲ هق).
۸ــ**محمدشاه** بن‌حجاج جلال‌الدین (جلوس ۶۹۴ هق).
۹ــ**شاه‌جهان‌سیورغتمش**،قطب‌الدین (جلوس ۷۰۲ هق).

وی درسال ۷۰۴ ازطرف **الجایتو** خلع وبه شیراز رفت وعمر این سلسله خاتمه یافت.

رکن‌الدین بن براق.

(فوت ۶۵۰ هق).

حجة‌الحق بن براق حاجب، دومین امیرقراختاییان‌کرمان است.

خوارزمشاهیان

(۴۷۰ ــ۶۲۸ هق)

مؤسس این سلسله غلامی‌ترك بود که منصب طشت‌داری‌ملکشاه را داشت و سرانجام بحکومت خوارزم رسید و خود را خوارزمشاه خواند نوهٔ او **آتسز** در سال ۵۲۱ رایت استقلال برافراشت وبا آنکه بدست سلطان **سنجر** کشته شد جانشینانش‌ازپای‌ننشستندوبرقسمت‌اعظم قلمرو سلجوقیان‌دست یافتند، شاهان‌این سلسله عبارتنداز:

۱ــ **محمدآتسز** (جلوس ۴۹۰هق) .
۲ ــ **ایل ارسلان** بن‌آتسز. (جلوس ۵۵۱ هق)
۳ ــ **محمود** بن ایل ارسلان .(جلوس ۵۶۸ ه ق).
۴ــ **تکش** بن ایل ارسلان. (جلوس ۵۶۸ هق).
۵ ــ **علاءالدین** محمدبن تکش (جلوس ۵۹۶ هق).
۶ــ **جلال‌الدین**.(جلوس۶۱۷هق).

این سلسله باکشته‌شدن جلال‌الدین درسال ۶۲۸ منقرض شد.

آتسز ، ابن محمدبن انوشتگین.

(جلوس ۴۹۰ ه ق).

از امیران‌خوارزمشاهیان‌که تاسال ۵۳۰ هجری قمری تابع سلطان سنجر بود وازآن پس استقلال یافت و چندبار بین او وسنجرجنگ درگرفت و در سال ۵۵۳ مغلوب‌سنجرگردید ولی سه‌سال‌بعد وقتی‌که سنجر از ترکان شکست یافت ، آتسز فرصت یافت و به حدود مرو تجاوزکرد وبرای باردوم در سال ۵۳۸ هجری قمری باسنجرآشتی‌کرد و رسماً حکومت‌خوارزم‌را بدست‌آورد . **رشیدــ وطواط . زمخشری ، زین‌الدین طبیب گرگانی** به دربار اواختصاص داشتند.

محمودبن ایل ارسلان.

(فوت ۵۸۹ هق)

پسرآتسز، پنجمین‌ازخوارزمشاهیان بعدازایل‌ارسلان،محمودکه‌پسرکوچکش بود به‌سلطنت نشست.ولی برادربزرگش **تکش** زیر بار نرفت و با استمداد از قراختاییان محمود وترکان خاتون مادر اورا ازخوارزم‌بیرون‌کردوخود برتخت سلطنت جلوس نمود. محمود ومادرش به **مؤید** پناه بردند ، ولی در جنگ بین تکش ومؤید، مؤید مغلوب و مقتول گردید وترکان‌خاتون‌هم‌کشته شدوسلطان شاه به **طغان شاه** پناه برد .بین تکش و محمود چندبار جنگ وصلح واقع شد تا عاقبت محمود درگذشت.

ایلخانیان

(۶۵۱-۷۵۶هق)

درسال ۶۵۱ هجری‌قمری **هولاکوخان** مغول از طرف **قوبیلای قاآن** مأمورشد به ایران لشکر بکشد وپس ازفتح‌حکومت تمام نواحی جنوب رود جیحون‌تاحوالی شام به او واگذارشد ، سلسله‌ای که از هولاکوباقی مانده است بترتیب‌حکومت بشرح زیرمیباشد :

۱ ــ **هولاکوخان** نوهٔ چنگیز .(جلوس ۶۵۱هق)

۲ ــ **آباقاخان** پسرهولاکو . (جلوس ۶۶۳هق)

۳ ــ **سلطان احمد** تکودار پسرهولاکو. (جلوس ۶۸۰هق)

۴ــ **ارغون** پسر آباقا.(جلوس۶۸۳هق)

۵ ــ**گیخا توخان** پسر آباقا .(جلوس) ۶۹۰هق)

۶ ــ **بایدوخان** پسر طرغای . (جلوس ۶۹۴هق)

۷ ــ **غازان‌خان** پسر ارغون . (جلوس) ۶۹۴هق) .

۸ ــ **الجایتو** خدابنده ارغون (جلوس ۷۰۳ه‌ ق) .

۹ــ**ابوسعید**پسرالجایتو.(جلوس۷۱۶هق)

۱۰ــ**ارگاپاون**.(جلوس۷۳۶هق).

۱۱ــ**موسی‌خان**پسرعلی.(جلوس۷۳۶هق).

۱۲ــ**محمدخان**.(جلوس۶۳۶هق).

۱۳ــ**طغاتیمورخان**. (جلوس۷۳۷هق).

۱۴ ــ **ساتی‌بیك** دختر الجایتو. (جلوس ۷۳۹هق).

۱۵ ــ **شاه جهان تیمور** . (جلوس ۷۴۰هق).

۱۶ ــ **سلیمان‌خان** . (جلوس۷۴۱هق).

۱۷ ــ **انوشیروان عادل** . (جلوس ۷۴۴هق).

سلسله ایلخانیان‌به دست‌سربداران وچوپانیان منقرض‌شد .

هولاکوخان.

(فوت۶۶۳هق)

هولاکوخان‌پسرقولوی‌ونوهٔ چنگیز به‌فرمان‌برادرش**منگو**بسوی‌ایران‌وبغداد وبقیهٔ نقاط مسلمان نشین که تا آن روز مسلم‌آنان نشده بود عازم شد وعده‌ای از سربازان خود را برای فتح قلعهٔ اسماعیلیه فرستاد ولی آنها موفق‌نشدند خود باسپاه بیشمار بفتح قلعه رفت‌پس ازفتح،قتل‌عام‌کرد وسپس عازم فتح‌بغداد شد ودر پنج روز تاراج وقتل‌عام بیش‌از هشتصدهزارنفررا کشتند درمراجعت به آذربایجان،**مراغه**را به پایتختی‌برگزید، و**شمس‌الدین‌محمد جوینی**را به‌وزارت برگزید وپس‌ازآنکه ممالك‌تحت‌تصرف خود را بین پسرانش تقسیم کرد درگذشت .

سلطان‌محمدخدابنده .

(فوت۷۱۶هق)

اولجایتو پسر ارغون از سلسله ایلخانیان ایران در سال ۷۰۳ هجری قمری بعداز برادر وجانشین غازان‌بنام نخستین‌پادشاه‌مغولی ایران‌برتخت‌نشست ودر آغازکار برولایت‌گیلان‌تاخت‌وآنرا تصرف‌کرد . باکشتن **سعدالدین‌ساوجی خواجه‌رشیدالدین** رابه‌وزارت‌وتاج‌الدین‌علیشاه جیلان‌تبریزی رامشاوروی قرار داد .

شهرسلطانیه ازبناهای اوست.

غازان خان .

(فوت ۷۰۳ هق)

محمد پسر ارغون پسر آباقا پسر هولاکوخان‌درسال۶۹۴ هجری‌قمری‌بنام هفتمین‌پادشاه ایلخانیان ایران بر تخت سلطنت نشست .

غازان در زمان حکومت پدر بر خراسان‌حکم‌میراند، اگرچه بامرگ‌پدر به‌تخت‌نشست ولی‌باروی‌کارآمدن‌گیخاتو اوهمچنان به‌حکومت خراسان‌وری‌بود ، بعد ازاطلاع ازخبر قتل گیخاتووجلوس **بایدو** غازان به این وضع اعتنایی نکردو **امیر نوروز** رابا اختیار کامل به حکومت خراسان گماشت وخود به‌شکارو تفریح‌سرگرم‌شددراین‌اثناءگروهی انبوه از سپاهیان **گیخاتو** که در مازندران اقامت‌داشتندبه‌پناه اوآمدندوغازان پس ازمشورت با**امیرنوروز** نامه‌ای به**بایدو** نوشت‌که شخصاً عازم ملاقات‌با اواست،به طرف دامغان‌حرکت کرد، وی‌ابتداخیال جنگ با **بایدو** رانداشت وبه‌همین جهت بیش‌از ۶۰/۰۰۰تن‌همراه‌نبرد،ولی‌به‌اشاره امیر نوروز ، فرستادگانی نزد **بایدو** فرستاد وتقاضای ملاقات خصوصی کرد ، فرستادگان او در نزدیکی قزوین با فرستادگان **بایدو** ، که بسوی غازان می‌آمدند، تصادف کردند ، اینان مأمور بودند به اطلاع غازان برسانند که بایدو مایل به ایلخانی نبود ولی‌چون موقع‌قتل گیخاتو ، غازان در اردو حضور نداشت امراء و وخوانین‌برای‌جلوگیری ازهرج ومرج‌متفقاًاورابه‌این مقام‌اختیار کردند در این صورت صلاح غازان دراین است که‌بیهوده سپاهیان خودرا فرسوده‌نکندو به خراسان برگردد ، غازان که جمعیت زیادی نداشت مصمم برگشت شد ولی امیرنوروز اورا منع کرد پس غازان دل به دریا زد و۶ هزار سپاهی خود را بین سران سپاه، تقسیم‌نمود وبه‌هریك‌ازآنان وعده حکومت دادو به طرف آذربایجان حرکت‌کرد ، جنگ دواردو درماه‌رجب ۶۹۴ هجری‌قمری واقع شدوچون **بایدو** دانست که شکست خواهد خورد ، اازدر صلح درآمد وغازان وبایدو بایکدیگر ملاقات وصلح کردند ومقرر شدکه‌بایدو کرمان‌وعراق وفارس‌راکه‌درعهد**ارغون‌ـ خان** ضمیمه قلمرو ارغون بود به‌پسرش غازان واگذارد ودوروزبعدبایدو مجدداً تاجگذاری کند وخواست‌بوسیلهٔ جشن و شادی‌عظیم رفع‌غایله‌رابه‌عموم‌اعلان کندبا وجوداین‌قرارداد،امراءولشکریان‌طرفین آسوده خاطر نبودند و هر کدام مترصد بودند که‌طرف راغافلگیرکنند ، دراین اثنا عده‌ای از لشکریان مقیم بغداد و موغان به‌یاری‌بایدورسیدند وغازان‌شبانه ازراه **قزل اوزن** خودرا به‌زنجان‌رسانید وامیر نوروز وبعضی‌ازسران سپاه رادر اردوگذاشت و برای بایدو پیام داد که چون امرای ایلخانی‌عصیان کرده‌بودند اوبی اجازه مراجعت کرده و چون میل دارد‌که همواره طریق مسالمت مفتوح ماند، ایلخان بایدوفرمان حکومت‌متعلق به ارغون خان را همراه امیرنــوروز و امرای دیگربرای او بفرستد. بایدو در جواب‌اظهار تواضع‌کردوامرداد‌که‌حاصل املاك فارس‌را به خزانهٔ او بفرستند ولی امیرنوروز ودیگرامرارا اجازه‌مراجعت نداد و باخود به‌ولایت**شرویاز** (سلطانیه کنونی) برد وآنان را محبوس و تهدید کرد ولی نتوانست ایشان را از غـازان برگرداند وبعکس‌امیرنوروزوهمراهانش با امیر **طغاجار** کـه امتحانهای‌بدی‌از از سستی عهد خود به مخدومان داده‌بود درخفیه ساختند که بساط سلطنت بایدو را برچینند **امیرنوروز** به‌مکرپیش‌بایدو قسم خورد که اگرایلخان او را رخصت مراجعت دهد، غازان را دست بسته‌به



قوبیلای قاآن

خدمت او آورد، بایدو پذیرفت، امیر نوروز آزاد شد و بسرعت خود را به خدمت غازان رسانید و شرح قرارداد خودرا با طغاجار به اطلاع او رسانید، غازان که تربیت یافتهٔ دست امیرنوروز بود براثر تشویقهای متوالی او به اسلام تمایل یافت مخصوصاً که امیرنوروز به او فهمانید که اگر قبول اسلام کند جمیع مسلمانان جانب او را خواهند گرفت وقدرت او مضاعف خواهد شد. درشورایی که غازان با حضور امیرنوروز برپا کرده بود این امیر گفت که منجمان وعلماء اهل سنت واهل زهد و ورع چنین پیشگویی کرده‌اند که در درحدود ۵۹۰ هجری قمری سلطانی قیام خواهد کرد که اسلام در کنف حمایت او رونق پیشین خودرا ازسرخواهد گرفت و رعایای او قرین امن ورفاه خواهند شد. اگر غازان قبول اسلام کند به سلطنت ایران برقرار خواهد شد.

مسلمانان درسایهٔ دولت او از حال نکبت ومذلت بدرخواهند آمد وخداوند به پاداش این امر، لشکریان اورا نصرت خواهد داد، این بیانات درمزاج غازان مؤثر افتاد، در چهارم شعبان ۶۹۴ در **لار دماوند** غسل کرد وجامهٔ نو پوشید وبردست **شیخ صدرالدین** ابراهیم پسر عارف معروف **شیخ سعدالدین** محمدبن حمویه جوینی اسلام آورد و به پیروی او قریب ده هزار تن ازمغول اسلام آوردند، وغازان ازاین تاریخ محمود خوانده شد وی به شادی تشرف به اسلام علماء وبزرگان دین وشیوخ وساداترا مال بسیار بخشید و به زیارت مساجد و اماکن مقدس رفت و ایلچیان برای ابلاغ این امر به خراسان وعراق فرستاد وغالباً علماو سادات را در اردوی خود نگاه میداشت وبا ایشان غذا میخورد، و ایام رمضان را روزه میگرفت ودراقامهٔ مراسم اسلام جهد بسیار بخرج میداد. اگرچه اسلام وی در ابتداء بیشتر از روی مصلحت و برای مراعات جانب سیاست بود ولی به تدریج مفید این فایدهٔ بزرگ گردید که عموم عمال و کفات رجال مسلمان که از عهد سلطان احمد وزوال دولت خاندان جوینی ازکاردورشده وبراثر نفوذ متعصبان تاتار وعیسوی ویهود زمام ادارهٔ امور را ازکف خود گذاشته بودند باردیگر برسر کار آمدند و رقابت دو عنصر مسلمان و ایرانی ازیك طرف وتاتار وعیسوی از سوی دیگر که ازعهد هولاکو ببعد، تغییرات بسیار بخود دیده بود، عاقبت به غلبهٔ سیاست عنصر مسلمان وایرانی منتهی گردید. و ایلخانیان ایران نه تنها قبول اسلام کردند. بلکه در عهد جانشین غازان به تشیع گرویدند و خود مروج آداب اسلامی شدند. در اواخر سال ۶۹۴ غازان اطلاع یافت که مأموران فارس با وجود حکم بایدو ازپرداخت عایدات آن مملکت به ایلچیان او استنکاف دارند، این امر موجب تحریك غضب غازان و تصمیم به حملهٔ به آذربایجان گردید.

دراین ضمن خواجه صدرالدین زنجانی که بایدو او را ازصدارت خلع و به نیابت طغاجار مأمور بلاد روم کرده بود باطغاجار دست یکی کرده به غازان پیغام فرستاد که کار بایدورا باید ساخت وخود درسال مذکور درگیلان به اردوی غازان پیوست وپس از آنکه غازان به اووعدهٔ صدارت داد امیر نوروزرا با عده‌ای سپاه برداشته بعنوان مقدمهٔ قشون غازان عازم آذربایجان شد و غازن درعقب حرکت کرد. بایدو ازکنار **قزل اوزن** که محل اردوی او بود فرار کرد ولی امیر سرعت بخرج داد واورا در نزدیکی نخجوان گرفت وپیش غازان که در این ایام در **ارجان** بود فرستاد وغازان اورا در ذی القعدهٔ ۶۹۴ بقتل رسانید. اززمان غازان تا انقراض سلسلهٔ ایلخانیان ایران اسلام دین رسمی دولت شد و حکومت ایلخانیان بر اساس شرع و آداب اسلامی مبتنی گردید واطاعتی که تا این تاریخ ایلخانیان ایران نسبت به **خان بالیغ** داشتند، از میان رفت و به تدریج روابط بین دربار خاقان مغولستان ودربار ایلخانی قطع گردید. غازان در حومهٔ پایتخت خود تبریز بناهای خیریه از قبیل مسجد رباط و مدارس بسیار بنا کرد، غازان درذی الحجهٔ ۶۹۴ هجری قمری وارد تبریز شد و نوروز آن سال درآن شهر بر تخت جلوس کرد و نخستین **یرلیغی** که درهمان روز صادر کرد، فرمانی مبنی بر وجوب قبول اسلام از طرف مغول و اجرای آداب دینی و رعایت جانب عدالت بود، وی **صدرالدین احمد خالدی زنجانی** را به وزارت یعنی صاحبدیوانی و شرف الدین سمنانی را به سمت **الغ بیتکچی** یعنی ریاست دیوان **تمغا** و امیر نوروز را به منصب امیرالامرایی تعیین کرده کمی بعد امر به قتل طغاجار داد و سپس به سرکوبی شاهزادگان مخالف خود پرداخت، دراین زمان، مغولان ماوراء النهر تحت امر **اوجای** پسر **براق خان** به خراسان حمله کردند وتا مازندران آمدند امیر نوروز به جنگ آنان رفت و ودرنزدیکی هرات بدیشان رسید وجمعی را بکشت وبقیه را تاکنار جیحون تعقیب کرد، امیر نوروز پس ازمراجعت صدرالدین رامعزول کرد **وجمال الدین دستجردانی** را بجای اوگذاشت وتهیهٔ سیورسات لشکر رابعهدهٔ برادر خود **حاجی بیك** وصحه وامضای فرمانها را به برادر دیگر خود **ناصرالدین ساتلمش** واگذاشت و به این ترتیب زمام تمام مشاغل مهم لشکری و کشوری رادر دست خود گرفت و بزودی عده‌ای ازشاهزادگان مغول وامراءرا که قصد جان او وغازان ودر هم شکستن شوکت اسلام راداشتند نابود کرد، عده‌ای **صدرجهان** رادراین توطئه شریك دانستند ودستور قتل اوصادرشد ولی نجات یافت غازان جمال الدین دستجردانی را بقتل رسانید وصدر جهان را به وزارت گماشت واودرصدد انتقام ازامیرنوروز برآمدو توطئه‌ای چید تا به امر غازان اقوام و یاران امیرنوروز وسپس خوداورا مقتول ساخت(۶۹۷ه ق) غازان درسال ۶۹۷ صدر جهان راازنظر انداخت اورا به قتلغشاه سپرد واووی را بکشت آنگاه غازان وزارت وصاحبدیوانی را به **خواجه سعد الدین محمد مستوفی ساوجی** و نیابت وزارت را به **رشیدالدین فضل الله** داد.

درسال ۶۹۹ هجری قمری جنگی بین او و **والملك الناصر** پادشاه مصر وشام در **سامیه** واقع شده وناصر شکست خورده به مصر گریخت وشام تحت تسلط غازان در آمد ولی مجدداً آن ناحیه راسپاهیان ناصر تصرف کردند وغازان مجدداً در ۷۰۲ هجری قمری به شام لشکر کشید ودر نزدیکی دمشق شکست خورد و به تهیه تلافی مشغول بود که در ۳۳ سالگی درگذشت، جنازهٔ اورادر **شنب غازان** نزدیك تبریز. زیر گنبدی که خود ساخته بوددفن کردند، غازان درمدت سلطنت کوتاه خود اصلاحاتی کرد و قوانین وبناهایی از خود بیادگار گذاشت وی یکی ازپادشاهان بزرگ مشرق بشمار میرود وقسمتی از اصلاحات او به سبب وجود وزیر کاردان وفاضلی مانند خواجه **رشیدالدین فضل الله** است.

«فرهنگ معین»

ساتی بیك .
(عزل۷۴۰ه‍ ق)
دختر الجایتو وخواهر ابوسعید ایلخان مغول، پانزدهمین وآخرین ایلخانیان مغول‌در ایران ، که‌درسال ۸۲۹ به‌ایلخانی رسید وشیخ‌حسن چوپانی بنام او در آذربایجان حکومت میکرد و برای بقای‌حکومت‌خود بامدعیان‌ایلخانی‌مانند شیخ‌حسن‌ایلکانی وسایرین‌بجنگ‌پرداخت ولی‌ساتی‌بیك‌بزودی‌معزول‌و به‌همسری‌شیخ حسن چوپانی درآمد .

چوپانیان
(۷۲۸–۷۵۸ ه‍ ق)
سلسله‌ای ازامرای مغول‌که پس از درگذشت‌ابوسعیدبهادرخان در قسمتی‌از ایران حکومت‌کردند، چوپانیان ذونفر ازفرزندان امیرچوپان هستند .

شیخ حسن چوپانی .
(فوت ۷۴۴هق)
پسر تیمورتاش پسر امیر چوپان سلدوز،پس از مرگ پدر مدتی متواری بود درسال ۷۳۸ هجری قمری شخصی‌به نام **قراجری** راکه بپدرش شباهت داشت انتخاب‌کردومادرش رابه‌عقدوی درآورد واعلام کردپدرش‌نمرده‌است وبااین‌حیله سپاهی‌گرد آورد وبه آذربایجان تاخت ومتصرفات **شیخ حسن‌ایلکانی** را بدست آورد، ولی**قراجری**شیخ‌حسن رامضروب کرده به‌تبریز گریخت ، شیخ‌حسن**ساتی بیگ** رابه‌ایلخانی‌برداشت، وبفرمان او قراجری رادستگیر واعدام‌کرد، سال‌بعد دستگاه اورا نیز غارت کرده ازایلخانی برداشت وديگری‌رابجایش گماشت این آشوبها خلاصه گریبان‌اوراگرفت ویکی اززنانش اوراکشت .

قراجری.
(فوت ۷۳۹ هق)
غلامی ترکمان‌که به‌علت شباهت‌به امیرتیمورتاش، موردتوجه پسرآواره‌اش قرارگرفت‌وبنام‌اینکه خودتیمورتاش‌است توانست‌سپاهی‌گردآورد ، سپس متفقاً به آذربایجان‌تاختندوآنجارامتصرف‌شدند، ولی‌قراجری ولینعمت‌خودرامضروب‌کرد واو به گرجستان گریخت پس از فراهم آوردن سپاهی به‌تبریز آمد واین دفعه قراجری‌به‌بغدادگریخت‌وبه‌امر**ساتی بیك** دستگیر و مقتول‌شد .

ملك‌اشرف .
(فوت۷۵۸ هق)
پسر امیر تیمور تاش و نوهٔ امیر چوپان در دورهٔ حکومت شیخ حسن در شیرازبود وبعداز مرگ‌او به تبریز‌آمد ومدتی طولانی درآنجا باکمال بیرحمی وستمگری‌حکومت‌کرد ولی در۷۴۸ هق برای مقابله‌با**شیخ‌حسن‌ایلکانی** به‌بغداد لشکر‌کشیدوشکست‌خوردولی‌شکوه‌و تظلم مردم به **جانی بیك‌اوزبك** موجب شد‌که اوبه‌آذربایجان لشکرکشید وملك‌اشرف را اسیر کرده و کشت و غنایمش را به دست آورد .

سربداران .
(۷۳۷–۷۸۸هق)
سلسله‌ای ازامرای محلی‌سبزوار‌که تقریباً ازآغازاستیلای مغول پدیدآمدند و بتدریج نیرو گرفتند . امرای این سلسله ۱۲ نفرند که‌اغلب مقتول شدند . اولین‌کسی‌که‌بنام‌سربداردرسبزوارقیام‌کرد ومردم رابه طغیان‌علیه مغول وایلخانیان فراخواند ، امین‌الدین عبدالرزاق، پسر خواجه‌فضل‌الله بود‌که در باشتین‌سبزوار جماعتی دلاور ازجان گذشته را با خود همدست‌کرد و گفتند: اگرتوفیق‌یا بیم‌دفع ظلم‌کنیم والاسرخودبردار ببینیم.
امرای معروف‌این‌سلسله:
۱ـ **امین‌الدوله** عبدالرزاق‌سربداری. (جلوس ۷۳۷ ه‍ ق) .
۲ـ**وجیه‌الدین‌**مسعود، پسرخواجه‌فضل‌الله (جلوس ۷۳۸هق) .
۳ ـ**محمدآیتمور**، غلام‌خواجه فضل‌الله. (جلوس۷۴۵هق).
۴ ـ**کلواسفندیار**، غلام خواجه‌فضل‌الله. (جلوس ۷۴۷هق).
۵ـ**فضل‌الله**سربداری.(جلوس۷۴۹هق).
۶ ـ **شمس‌الدین** علی چشمی ، (جلوس ۷۴۹هق) .
۷ـ **یحیی** پسر حیدرکرابی . (جلوس ۷۵۳هق) .
۸ـ **ظهیرالدین**پسرحیدرکرابی(جلوس ۷۵۶هق) .
۹ ـ **حیدر قصاب** سربداری. (جلوس ۷۶۰ ه‍ ق) .
۱۰ـ **لطف‌الله** پسر وجیه‌الدین مسعود . (جلوس ۷۶۱ ه‍ ق) .
۱۱ ـ **پهلوان‌حسن** دامغانی . (جلوس ۷۶۲هق) .
۱۲ـ**علی‌مؤید**سرابی.(جلوس۷۶۶هق).
این‌سلسله به‌دست**امیر تیمور** گورکانی درسال ۷۸۸ هق‌منقرض گردید .

عبدالرزاق بن‌فضل‌الله .
(فوت۷۳۸ هق)
نخستین‌امیر سربدارملقب‌به‌امین‌الدوله که‌دردربار**سلطان‌ابوسعید** خدمت می‌کرد آمادگی مردم براثر جور وظلم بخصوص براثر افراط و تفریط فضل‌الله روز بروز زیاد تر میشد تا بالاخره عبدالرزاق را به زعامت بر گزیدند و سبزواررا تصرف‌کردند، اگرچه‌عبدالرزاق لشکریان خراسان‌راشکست دادولی یك سال بعدخود به‌دست برادرش کشته‌شد .

شمس‌الدین،علی‌چشمی.
(فوت۷۵۳هق)
شمس‌الدین‌فضل‌الله‌زمام اموروامارت سربداران‌را تسلیم **خواجه‌شمس‌الدین‌علی،** که پس از قتل امیر مسعود رییس واقعی‌سربداران‌محسوب میشد،واگذاشت. این خواجه که از مردم قریهٔ چشم بود بفراست ودانایی وکفایت اشتهارداشت، واوباردیگرسبب‌رونق‌حکومت‌سربداران شد . وی با طغاتیمورخان صلح‌کرد و ولایاتی‌را که امیرمسعوداز اوگرفته‌بود بطغاتیمور مسترد داشت . درسبزوار به آبادی‌ورفع‌فحشاوفسادمشغول‌گردید،عامه رامرفه‌کردومملکت‌را درضبط‌آورد. او عاملی‌داشت‌بنام «حیدرقصاب» که محکوم پرداخت مبلغی ازبابت بقایای خودشد، وچون‌خواجه شمس‌الدین در مطالبهٔ این مبلغ به‌او به‌درشتی سخن گفت ، واو را دشنام‌داد ، حیدر به‌مصلحت‌دید،یکی از مقربان امیر مسعود، که **خواجه‌یحیی** نام داشت، خواجه‌شمس‌الدین‌را درسال ۷۵۳ بعد از چهارسال ونه ماه حکومت، بقتل رسانید وخواجه‌یحیی‌به‌جای‌اونشانید .
«فرهنگ‌معین»

طغاتیموریان
(۷۳۷–۸۱۲ هق)
طغاتیمورخان از نوادگان برادر چنگیزخان مغول بودکه خاندانش‌سلسلهٔ طغاتیموریه را درگرگان تشکیل‌دادند، اگرچه او به دست سربداران کشته ولی سلسله‌اش بیش از ۷۰ سال حکم راندند امرای این سلسله عبارتند از:
۱ـ **طغاتیمورخان.** (جلوس۷۳۷ هق).
۲ـ**نعمان**بن‌طغاتیمور.(جلوس۷۶۱هق).
۳ـ **پیرك**بن نعمان.(جلوس ۷۹۰هق).
۴ـ**سلطانعلی**بن‌پیرك. (جلوس۸۱۰هق)
سلطانعلی بدست سپاهیان **الغ‌بیك** بقتل رسید .

ایلک خانیه
(۳۲۰-۶۰۹هق)

جمعی از امراء ترك مسلمان بودند که از ابتدای احوال ایشان خبری نیست اینان اوایل قرن چهارم هجری در کاشغر امارتی پدید آوردند ، قلمروشان در پایان این قرن از کنار جیحون و خزر تا حدود چین امتداد داشت ، آنچه از اسامی این امرا بدست آمده از این قرار است :

۱ــ **عبدالکریم** پسر ستق .
۲ــ **موسی** پسر ستق.
۳ــ **بغراخان** پسر سلیمان ، شهاب الدوله هارون .
۴ــ **ابونصر** احمد پسر علی ۳۸۴ (بخارا رافتح کرد وسامانیان را برانداخت) .
۵ــ **طغاخان**، شرف الدوله پسر علی (جلوس ۴۰۳ هق).
۶ــ **ابوالمظفر**. ارسلان پسر علی (جلوس ۴۰۸ هق).
۷ــ **یوسف**، قدرخان پسر بقراخان (وفات ۴۲۳ هق).
۸ ــ **ارسلان‌خان** پسر قدر خان (بدست برادر کشته شد).
۹ ــ **بقراخان** پسر قدر خان. (وفات ۴۴۹ هق).
۱۰ــ **ابراهیم** پسر بقراخان.
۱۱ــ **ابوالمظفر** طمفاچ خان، (وفات ۴۶۰ ه ق).
۱۲ــ **شمس‌الملوك** نصر بن طمفاچ (وفات ۴۸۲ هق).
۱۳ــ **خضرخان** طمفاچ.
۱۴ــ **احمدخان** پسر خضرخان (وفات ۴۸۸ هق) .
۱۵ــ **محمودخان** (وفات ۴۹۰ هق) .
۱۶ ــ **خضرخان** پسر عمرخان ، فوت ۴۹۵ هق)
۱۷ــ **محمدخان** پسر سلیمان خان(جلوس ۴۹۵ هق) .
۱۸ــ **حسن تکین** پسر علی.
۱۹ ــ **محمودخان** پسر محمدخان. (جلوس ۵۲۶هق).
۲۰ــ **طمفاج خان** پسر محمدخان. (فوت ۵۵۰ هق).
۲۱ــ **چغری‌خان** جلال الدین علی (زنده در ۴۵۳ هق)
۲۲ــ **سلطان عثمان** پسر علی در ۶۰۹ به دست **سلطان محمد خوارزمشاه** کشته شد واین سلسله پایان یافت.

گورکانیان
(۷۶۵-۹۱۳ هق)

مؤسس این سلسله **امیر تیمور گورکانی** است که در آغاز کار به سال ۷۶۵ هجری قمری ولایت سمرقند را از حکام مغول گرفت و در سال ۸۰۷ هجری قمری تصرفات خود را به ماوراءالنهر و ایران و عراق و شام و هندرسانید ، با وجودی که مدت یك قرن خاندانش بر ولایات او حکمراندند ولی هیچکدام نتوانستند عظمت دورهٔ تیمور را حفظ کنند . امرای معروف این سلسله عبارتنداز :

۱ــ **تیمور** بن طرغای . (جلوس ۷۶۵هق).
۲ــ **شاهرخ** بن تیمور. (جلوس ۸۰۷هق).
۳ ــ **الغ بیك** پسر شاهرخ . (جلوس ۸۵۰ هق).
۴ــ **عبداللطیف** پسر الغ بیك . (جلوس ۸۵۳ هق).
۵ــ **عبدالله** بن ابراهیم شاهرخ .(جلوس ۸۵۴ هق).
۶ــ **ابوسعید** پسر سلطان محمد پیرمیران پیرتیمور. (جلوس ۸۵۵ هق).
۷ــ **سلطانحسین** پسر منصور پسر بایقرا پسر عمر شیخ پسر تیمور . (جلوس ۸۷۳ هق)
۸ ــ **بدیع الزمان** پسر سلطانحسین . (جلوس ۹۱۱ هق).

درسال ۹۱۳ این سلسله به دست **شیبك‌خان اوزبك** منقرض شد.

امیر تیمور لنگ.
(۷۳۶-۸۰۷ هق)

امیر تیمور پسر **طرغای** از ترکان ماوراءالنهر که مدتی حکمران شهر **کش** بود ولی دیری نپایید که حکومت را از دست داد، اگرچه دوره‌ای تقریباً طولانی آواره بود ولی حمایت **امیرحسین** برادر زنش موجب شد که بتواند سپاهی گرد آورد وسمرقند را ازخاندان مغول بگیرد این شهر که مرکز ماوراءالنهر بود دست اورا در تصرف شهرهای اطراف بازکرد، و بزودی با سپاهی انبوه عازم ایران شد ودرمدتی کمتر از ۷ سال ایران وافغانستان را متصرف شد.

ولی شورش ماوراءالنهر مانع پیشرفت او شد بناچار برای درهم کوبیدن شورش آنها به سمرقند بازگشت ، برای باردوم عازم عراق وشام شد و برسلطان عثمانی دست یافت وبه هندوستان لشکر کشید و ازطرفی تا **مسکو** پیش رفت در حالی که هزاران نقشه درمغز داشت درشهر **اترار** در گذشت .

سرزمینی که تیمور به خاك خون کشید بیش ازهرفاتحی است ، باوجودی که در جوانی یك دست و پایش ازکار افتاده بود همواره رزم میجست و تا هفتادسالگی جنگید وکشت وبخون کشید و قتل‌عام کرد، او هم مانند چنگیز یکی ازبلاهای نسل بشر بود .

شاهرخ پسر تیمور .
(۷۷۹-۸۵۰هق)

پیرمحمد نوهٔ تیمور ولیعهد بود و نتوانست قلمرو وسیع تیمور راحفظ کند روزبروز برمدعیان افزوده میشد و کشور دچار فتنه وآشوب شده بود که شاهرخ فرزند کوچك تیمور ازهرات سربرآورد وبا ازمیان بردن رقیبان درسال ۸۱۲ رسماً به سلطنت نشست .

شاهرخ به ترمیم خرابیهای دورهٔ پدر پرداخت آثار وابنیه اووهمسرخداشناسش **گوهرشاد** هنوز هم باقی است هم‌درزمان اوبود که هرات مرکز فرهنگ و تمدن مشرق شده بود .

الغ بیك .
(۷۹۶-۸۵۳هق)

پسر شاهرخ که در آغاز امیر ترکستان و ماوراءالنهر شد و به گردخود دانشمندان راجمع کرده بود و درسال ۸۵۰ هجری قمری؛ تسلط برعلاء الدوله پسر **بایسنقر** بر تخت سلطنت نشست و بعداز سه سال سلطنت پسرش اورا کشت کتاب **شجرة الاتراك** و **زیج سلطانی** ازاو است .

سلسلهٔ قراقویونلو .
(۷۸۰- ۸۷۴ هق)

قرامحمد رییس طایفهٔ **قراقویونلو** که درهنگام سلطنت ابوسعید باایل خود درحوالی دریاچهٔ **وان** بودبا استفاده ازهرج ومرج علم‌طغیان برافراشت و برآذربایجان وعراق مسلط‌شدوسلسله‌ای بنیاد نهاد که بیش از ۹۴ سال باقی بود این خاندان برروی پرچم خود شکل گوسفندی سیاه نقش کرده بودند امرای این سلسله عبارتند از :

۱ــ**قرامحمد** ، (جلوس ۷۸۰هق).
۲ ــ **قرایوسف** بن قرا محمد (جلوس ۷۹۰هق) .

۳ـ **اسکندر** پسر یوسف. (جلوس ۸۲۳ هق).
۴ـ **جهانشاه** پسر یوسف (جلوس ۸۴۰ هق).
۵ ـ **حسنعلی** پسر جهانشاه، (جلوس ۸۷۲ هق).

این سلسله به دست **اوزون حسن** رییس قبیله آق‌قویونلو منقرض شد.

قرایوسف.
(۷۹۲ـ۸۲۹ هق)

پسر قرامحمد از سلسلهٔ قراقویونلو، مردی دلیر و بی باک بوده که پس از مرگ پدر بر موصل دست یافت ولی بعد از شکست از تیمور، مدتی در زندان **الملك الناصر** بود که با انتشار خبر مرگ امیر تیمور، از زندان گریخت و در آذربایجان **میرانشاه** پسر امیر تیمور را بکشت و بر آن خطه و عراق وری مسلط شد، وقتی عازم مقابله با **شاهرخ** میشد در راه جان سپرد.

اسکندر پسر قرایوسف.
(فوت ۸۴۱ هق)

از پادشاهان قراقویونلو که در سال ۸۲۳ به حکومت رسید و بیش از یك سال از سلطنت او نمیگذشت که مورد حملهٔ سپاهیان **شاهرخ** قرار گرفته و بناچار فرار کرد ولی چندی مجدداً به آذربایجان برگشت بالاخره درسال ۸۴۰ هجری قمری بتحریك شاهرخ از **جهانشاه** قراقویونلو برادر خود، شکست خورد و یك سال بعد بدست پسرش کشته شد.

جهانشاه پسر قرایوسف.
(۸۰۸ـ۸۷۲ هق)

وقتی که اسکندر برادرش پادشاه آذربایجان بود، او به امر شاهرخ در خراسان حکمران بود، و درسال ۸۴۰ به اشاره شاهرخ به جنگ برادر رفت، او را مغلوب کرد و چون براثر اختلافات عشقی اسکندر بدست پسرش کشته شد، بهانه به دست جهانشاه داد و برادرزاده را مجازات کرد و بر آذربایجان دست یافت و به فارس و عراق و اصفهان نیز لشکر کشید وقتی بر هرات مسلط شد پسرش قیام کرد و از طرفی او در جنگ با اوزون حسن بود که کشته شد.

امرای اینجو
(۷۰۳ـ۷۵۸ هق)

آق خواجه در سال ۷۲۵ مأمور حکومت در فارس شد قبلا او مأمور کارهای دیوانی تشکیلات مغول بود و وجه تسمیه **اینجو** نیز از آنجا گرفته شده است. آق‌خواجه که بنام شرف الدین محمود معروف است درسال ۷۲۳ معزول و محبوس شد ولی فرزندان او تقریباً تا ۷۵۸ هجری بر فارس و اصفهان حکمرانی کردند.

امرای این سلسله عبارتند از:
۱ـ **شرف الدین** پسر محمد «آق خواجه» (جلوس ۷۲۴ هق).
۲ ـ **غیاث الدین** کیخسرو پسر محمود (جلوس ۷۳۵ هق).
۳ ـ **جلال الدین** مسعود پسر محمود. (جلوس ۷۳۸ هق).
۴ـ **جهان الدین شاه** شیخ ابوالقاسم پسر محمود (جلوس ۷۴۳ هـ ق).

این سلسه را آل مظفر منقرض ساخت.

شیخ ابو اسحق جهان الدین شاه اینجو.
(فوت ۷۵۷ هق)

شاه‌شیخ ابواسحق پسر محمود شاه اینجو است، درسال ۷۴۳ با امیر **پیرـ حسین** جنگیده و اورا شکست داد و اصفهان و شیراز را متصرف شد، در سال ۷۵۴ هجری وقمری، امیر مبارزالدین **راجزی** با لشکری به شیراز روی آورد و آن‌شهر را از دست شیخ ابو اسحق خارج کرد شیخ به اصفهان به رفت با وجود مقاومت مردم اصفهان نیز به دست امیر مبارزالدین گشوده شد و او اسیر و مقتول گردید.

شاه شیخ ابواسحق اینجو، ممدوحانی چون **خواجه حافظ، عبید و خواجو** داشته است.

آل کرت
(۶۴۳ـ۷۹۱ هق)

مؤسس این سلسله، امیر **شمس الدین محمد** پسر ابی‌بکر کرت دخترزادهٔ ملك رکن‌الدین بوده که با ایجاد روابط دوستی با مغولان توانست بر هرات حکومت کند و سلسلهٔ خاندان او مدتی بیش از ۱۴۸ سال سلطنت کردند. امرای این سلسله عبارتند از:
۱ـ **ملك شمس الدین** پسر ابی‌بکر کرت. (از ۶۴۳ تا ۶۷۶ هق).
۲ـ **رکن الدین** پسر شمس‌الدین. (از ۶۷۶ تا ۷۰۵ هق).
۳ ـ **فخر الدین** پسر رکن‌الدین. (از ۷۰۵ تا ۷۰۶ هق).
۴ـ **غیاث الدین** پسر فخرالدین. (از ۷۰۶ تا ۷۲۹ هق).
۵ ـ **شمس الدین** پسر غیاث‌الدین. (از ۷۲۹ تا ۷۳۰ هق).
۶ـ **ملك حافظ** پسر غیاث‌الدین. (از ۷۳۰ تا ۷۳۲ هق).
۷ـ **معز الدین** پسر غیاث‌الدین. (از ۷۳۲ تا ۷۷۱ هق).
۸ـ **غیاث الدین** پسر معزالدین. (از ۷۷۱ تا ۷۸۳ هق).

این سلسله با کشته‌شدن امیر غیاث‌ـ الدین به دست امیر تیمور گورکانی منقرض شد.

ملك شمس الدین محمد.
(فوت ۶۷۶ هق)

درسال ۶۴۳ والی هرات شد، چون با مغولان همدست بوده ودر فتح هندوستان با آنها شرکت داشت حکومت **لاهور** را نیز بدست آورد، اگرچه درآغاز مورد اتهام مغولان بوده ولی حمایت عده‌ای از سران مغول از او موجب حفظ حکومت او شد، در سال ۶۴۸ هجری قمری با حمایت **منگوقاآن** بر ولایات هرات کابل، سیستان، فیروزکوه، گرجستان، مرغاب، فاریاب و بسیاری ایالات دیگر سلطنت می‌ـ کرد. در سال ۶۷۴ هـ. ق. بخدمت **اباقاخان** احضارشد ودر تبریز باقی ماند تا مسموم گردید.

ملك فخر الدین کرت.
(فوت ۷۰۶ هق)

درزمان حکومت پدرش رکن‌الدین ۷ سال درزندان بود وقتی از زندان آزاد شد مورد حمایت **امیر نوروز** وزیر غازانخان قرار گرفت و به فرمان امیر مغول به حکومت هرات رسید وسال بعد که امیر نوروز به او پناه‌برد، او باکمال بیرحمی تحویلش داد در مدت سلطنت غازان، یکبار لشکری به سرداری الجایتو به‌هرات آمد ولی صلح شد و سرانجام درزمان حکومت الجایتو لشکریان مغول شهرهرات را گشودند و او به قلعهٔ **امان کوه** گریخت و یکسال بعد مجدداً حکومت یافت ولی اجل مهلتش نداد.

ملك غیاث الدین.
(فوت ۷۸۸ هـ ق)

از ملوك آل کرت پسر معزالدین که درسال ۷۷۱ هجری قمری به حکومت رسید و تیمورلنگ در سال ۷۷۳ هجری قمری با اسیر کردن او به عمر این سلسله پایان داد.

آل مظفر
(۷۱۳ ـ ۷۹۵ هـ ق)

سلسله ای از امیران محلی و مستقل که در فارس یزد و کرمان حکومت داشتند، **شرف الدین مظفر** که از خدمتگزاران مغول بود در دستگاه ایلخانیان مقامی

بدست آورد و پسر او **مبارزالدین** با تصرف کرمان و یزد به عمر سلسله اینجو خاتمه داد ولی عمر خودش دیری نپایید و بدست پسرانش کشته شد.

خواجه حافظ شیرازی با امرای این سلسله بویژه شاه شجاع و شاه منصور و شاه یحیی ارتباط داشت.

امرای معروف این سلسله عبارتند از:

۱ـ **امیر مبارزالدین محمد**، پسر شرف‌الدین. (۷۱۳ـ۷۶۰ هـ ق).
۲ـ **شاه محمود**، پسر مبارزالدین. (۷۶۰ـ۷۷۷ هـ ق).
۳ ـ **سلطان عمادالدین** پسر احمد پسر امیر مبارزالدین. (۷۶۰ـ۷۹۵ هـ ق).
۴ ـ **شاه شجاع**، پسر امیر مبارزالدین محمد. (۷۶۰ـ۷۸۶ هـ ق).
۵ـ **شاه نصرة‌الدین یحیی**، پسر امیر مبارزالدین. (۷۸۹ـ۷۹۵ هـ ق).
۶ـ **زین‌العابدین**، پسر شاه شجاع. (۷۸۶ ۷۹۰ هـ ق).
۷ـ **شاه منصور**، پسر امیر مبارزالدین. (۷۹۰ـ۷۹۵ هـ ق).

این سلسله به‌دست امیر تیمور لنگ منقرض شد.

امیر مبارزالدین محمد.

(۷۰۰ـ ۷۶۵ هـ ق)

نخستین پادشاه آل مظفر، پسر شرف‌الدین مظفر، که در سال ۷۱۸ هجری قمری بکمک غیاث الدین کیخسرو و اتابك یزد سلسله اینجو را بر انداخت و یزد را متصرف شد و در سال ۶۴۱ هجری قمری کرمان را گرفت، پس از مدتها کشمکش با شاه شیخ ابواسحق شیراز و پس از مدتی اصفهان را نیز متصرف شد ولی خود نیز در سال ۷۵۹ به‌دست پسرانش کور شد گرچه مدت سه ماه مجدداً به حکومت رسید ولی دوباره گرفتار شد و مرد.

شاه منصور.

(۷۹۰ـ۷۹۵ هـ ق)

از شاهان آل مظفر، فرزند امیر مبارز الدین محمد، که در سال ۷۹۲ متصرفات برادر را از چنگ او خارج کرد، هم او بود که با پانصد سپاهی، سپاه جرار تیمور را شکست داد ولی فریب خورد برگشت و به‌دست غلامی کشته شد.

آل جلایر (ایلکانیان)

(۷۴۰ـ۸۳۶ هـ ق)

سلسله‌ای از امرای مغول که تقریباً یك قرن در آذربایجان و عراق مستقلا حکومت کرده‌اند، مؤسس این سلسله شیخ حسن ایلکانی یا جلایر است که **ایلکانویان** نام داشت و با هولاکو به ایران آمد امرای این سلسله عبارتند از:

۱ـ **شیخ حسن بزرگ** پسر امیر حسین پسر **آقبوقا**. (از ۷۴۰ تا ۷۵۷ هـ ق).
۲ـ **سلطان اویس** پسر شیخ حسن. (از ۷۵۷ تا ۷۷۶ هـ ق).
۳ـ **سلطان حسین** پسر شیخ اویس. (از ۷۷۶ تا ۷۸۴ هـ ق).
۴ـ **سلطان احمد** پسر شیخ اویس. (از ۷۸۴ تا ۸۱۳ هـ ق).
۵ـ **شاه ولد** نوهٔ شیخ اویس (از ۸۱۳ تا ۸۱۴ هـ ق).
۶ـ **سلطان اویس** ثانی پسر شاه ولد، (از ۸۱۴ تا ۸۲۴ هـ ق).
۷ـ **سلطان محمود** پسر شاه ولد، (از ۸۲۴ تا ۸۲۷ هـ ق).
۸ـ **سلطان حسین** ثانی پسر علاءالدوله (از ۸۲۷ تا ۸۳۶ هـ ق).

این سلسله بدست قرایوسف منقرض شد.

شیخ حسن بزرگ.

(فوت ۷۵۷ هـ ق)

پسر شیخ حسن پسر امیر حسین پسر آقبوقا پسر **ایلکانون** از سرداران مغول بود شیخ حسن شوهر **بغدادخانم** دختر امیر چوپان که بعلت توجه **ابوسعید** به او شیخ حسن مجبور شد او را طلاق دهد و مدتی بعد به اتهام توطئه در برانداختن حکومت به زندان افتاد ولی سرانجام از زندان آزاد شده به حکومت روم رسید با مرگ ابوسعید، شیخ حسن بزرگ به تبریز آمد و **محمدخان** از خاندان مغول را به ایلخانی انتخاب کرد چون بغداد خانم را به اتهام مرگ ابوسعید اعدام کرده بودند **دلشادخاتون** زن دیگر او را به ازدواج خود در آورد اگر چه **شیخ حسن کوچك** حکومت او را در هم ریخت ولی او از پای ننشست و عازم عراق عرب و خوزستان شد و بنام **شاه جهان تیمور** آن ولایات را فتح کرد و به همت همسر خود دلشاد خاتون خدمات فراوانی به مردم آن مرز و بوم نمود.

شیخ اویس جلایر.

(۷۳۹ـ۷۷۶ هـ ق)

پسر شیخ حسن در سال ۷۵۷ به نام دومین پادشاه آل جلایر بر تخت نشست و در سال ۷۶۰ هجری بر آذربایجان مسلط شد و در سال ۷۷۲ هجری شهری را گرفت تاریخ، او را پادشاهی نیکنام می‌شناسد.

سلسلهٔ آق قویونلو

(۷۸۰ـ۹۰۸ هـ ق)

سلسله‌ای که توسط **ابوالنصر حسن بیك آق قویونلو** تأسیس شد و برروی پرچم خود صورت گوسفند سفید داشتند، افراد این سلسله در قفقاز یه و دیار بکر و آذربایجان حکومت کردند و تا جنوب و مغرب ایران آن را بسط دادند، اجداد حسن بیك نیز تا حدودی حکومت محلی داشتند، امرای این سلسله از آغاز حکومت تا سلطنت حسن بیك و جانشینانش بشرح زیر است:

۱ ـ **قرا یوسف عثمان**. (جلوس ۷۸۰ هـ ق).
۲ـ **حمزه**. (جلوس ۸۰۹ هـ ق).
۳ـ **جهانگیر**. (جلوس ۸۴۸ هـ ق).
۴ـ **حسن بیك** «اوزون حسن». (جلوس ۸۷۱ هـ ق)
۵ـ **سلطان خلیل**. (جلوس ۸۸۳ هـ ق)
۶ـ **سلطان یعقوب**. (جلوس ۸۸۴ هـ ق)
۷ـ **سلطان بایسنقر**. (جلوس ۸۹۶ هـ ق)
۸ـ **سلطان رستم**. (جلوس ۸۹۷ هـ ق)
۹ـ **سلطان احمد**. (جلوس ۹۰۲ هـ ق).
۱۰ـ **سلطان مراد**. (جلوس ۹۰۳ هـ ق)
۱۱ـ **سلطان الوند**، (جلوس ۹۰۵ هـ ق).
۱۲ـ **سلطان محمد**. (جلوس ۹۰۷ هـ ق).
۱۳ـ **سلطان مراد** «برای باردوم» (جلوس ۹۰۷ هـ ق) این سلسله توسط شاه اسماعیل صفوی منقرض شد.

اوزن حسن (حسن دراز).

(۸۲۸ـ۸۸۲ هـ ق)

ابوالنصر حسن بیك پسر علی پسر قراعثمان. معروفترین امیر خاندان آق‌قویونلو و در واقع مؤسس این سلسله است که با کشتن جهانشاه قراقویونلو و پسرش بر آذربایجان دست یافت و با شکست دادن نیروی سلطان ابوسعید گورکانی بر عراق، فارس وری مسلط شد پس از تصرف **تفلیس** و گرجستان در تبریز جلوس کرد، و در جنگی که با شاه عثمانی کرد، ابتدا **موفقیت‌های** زیادی کسب نمود ولی در این جنگ سه فرزندش را از دست داد و در جنگی که با مصریان کرد **اورفا** را متصرف شد و با وجودیکه **شاه اسماعیل اول** نوهٔ دختری او بود سلسله‌اش را منقرض کرد.

سلطان یعقوب.

(فوت ۸۹۶ هـ ق)

پسر **اوزون حسن** از امرای آق‌قویونلو، بعد از مرگ پدر به سلطنت

برادرش سلطان خلیل گردن ننهاد واورا در نزدیکی ری مغلوب کرد وکشت ، در جنگ باسلطان‌حیدرصفوی وامیرشروان جانب امیرشروان راگرفت‌وسلطان‌حیدر راکشت واسماعیل صفوی‌راهمراه گروهی در قلعهٔ استخر فارس زندانی کرد ولی متأسفانه بدست زنش مسموم شد وسلسلهٔ آق‌قویونلو ازترقی افتاد.

رستم.

(مقتول ۹۰۲ هق)

پادشاه‌آق‌قویونلودرجنگی که میان امرای‌آق قویونلو درگرفت جمعی از امیران خاندان مزبورکشته شدند تنها رستم نوادهٔ امیرحسن را زنده گذاشتند. طولی نکشیدکه بایسنقر گرفتارطرفداران سلطنت رستم شد وناچار به شروان نزد **فرخ‌یسار** پناه بـرد . رستم پسران شیخ حیدر صفوی (سلطانعلی ، اسماعیل و ابراهیم) راکه‌یعقوب بحبس انداخته‌بود آزادکردولی چون به سلطانعلی‌بدگمان شد،سلطانعلی‌وبرادرانش‌به‌اردبیل‌مهاجرت کردند و رستم سپاهی بـه تعقیب ایشان فرستاد، وسلطانعلی‌درجنگی که‌دراردبیل واقع شدکشته‌گردید . رستم در۹۰۲ به دست پسرعمویش احمد بیك ،کـه براو شوریده بود ، کشته شد.

صفویه

(۹۰۵-۱۱۴۷ هق)

سلسله‌ای ازپادشاهان ایران که‌بیش از ۲۴۰ سال‌درایران سلطنت داشتند و



مجلسی از دربار صفوی

در تاریخ ۱۱۳۵ از افغانیان شکست خوردند ودر واقع سلسله آنها منقرض شد ولی **بازماندگان** این خاندان چند سالی دیگرهم دربعضی ولایات مخصوصاً مازندران مختصر قدرتی داشتند ، از سال ۱۱۴۸ یعنی سال جلوس نـادرشاه دست این خاندان بکلی ازکارحکمرانی کوتاه‌گردید.

سلاطین این سلسله عبارتنداز:

۱ــ **شاه اسماعیل** ، پسر حیدر. (جلوس ۹۰۵ هق).

۲ــ **شاه‌طهماسب** ، پسر اسماعیل.(جلوس ۹۳۰ هق).

۳ــ **شاه اسماعیل دوم** ، پسر طهماسب. (جلوس ۹۸۴ هق).

۴ــ **سلطان‌محمدخدابنده**، پسرطهماسب (جلوس ۹۹۶ هق).

۵ ــ **شاه عباس اول** ، پسرخدا بنده ، (جلوس ۹۹۶ هق).

۶ــ **شاه صفی** ، پسرصفی میرزا (جلوس ۱۰۳۸ هق).

۷ــ **شاه عباس‌ثانی** ، پسرصفی. (جلوس ۱۰۵۲ هق).

۸ــ **شاه سلیمان اول** ، پسرعباس ثانی. (جلوس ۱۰۷۷ هق).

۹ ــ **شاه سلطان حسین** . پسر سلیمان . (جلوس ۱۱۰۵ هق).

۱۰ ــ **شاه طهماسب دوم** ، پسرسلطان حسین. (جلوس ۱۱۳۵ هق).

۱۱ ــ **شاه عباس سوم** ، پسر طهماسب (جلوس ۱۱۴۴ هق) .

با خلع شاه عباس در دشت مغان و روی‌کارآمدن **نادرشاه‌افشار**سلسلهٔ‌صفوی منقرض شد.

شاه اسماعیل اول صفوی.

(فوت ۹۳۰ هق)

مؤسس سلسلهٔ‌صفویه، پسرشیخ‌حیدر از خـاندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی . درسال ۹۰۵ بهمراهی جمعی از مریدان پدرخودبه شروان حمله‌کردوآنراتصرف نمود ودرسال ۹۰۷ آذربایجان را نیز



اشغال‌کرد، بعدازتصرف مازنـدران درسال۹۱۰ اصفهان‌ویزد وکرمان و و جـنوب خراسان را متصرف شد و درسال ۹۱۴ بغداد و دیاربکر را از خاندان‌آق‌قویونلوبیرون‌آوردودرهویزه به قلع‌وقمع عده‌ای ازغلاة پرداخت‌سپس تا بـاکو و دربند وقفقاز پیش‌رفت. در ۹۱۶ هجری قمری در نزدیکی مرو با **شیبك خان** ازبك جنگید واوراکشت.

در سال ۹۱۸ هجری قمری همراه **ظهیرالدین بابر** به ماوراءالنهر لشکر کشید اما ازازبکان شکست خورد و**نجم‌ــ ثانی** سردارمعروفش کشته شد ، خراسان دوباره دستخوش تاخت وتاز ازبك‌گشت درسال ۹۲۰ هجری قمری **سلطان سلیم خان اول**پادشاه‌عثمانی که‌برادرش**سلطان مراد** ، ازبیم او بـه ایران پناه آورده بود از راه ارمنستان بـه ایران لشکر کشید ودردشت **چالدران** ، شاه اسماعیل با اوجنگ سخت‌کرد ودلاوریهای بسیار ازخود نشان داد . اما بسبب‌آنکه سپاه عثمانی به توپ وتفنگ مجهز بودنـد و لشکرایران‌اسلحهٔ‌آتشین نداشت‌سرانجام شاه اسماعیل مغلوب شد وتبریز بتصرف عثمانیها درآمد ولی مردم تبریز آنقدر آنها راآزار کردندکه مجبور به تخلیه شدند و شاه اسماعیل به تبریز مراجعت کرد.در سن ۳۸ سالگی‌با بیماری‌حصبه مرد.

اوپادشاهی‌سلحشوروبی‌باك بودکـه مریدانش اورابه‌جان دوست داشتند، در تعصب مذهب شیعه راه افراط پیمود.

شاه‌اسماعیل دوم .

(۹۴۲-۹۸۵ هق)

سومین پادشاه صفوی ،که‌به‌امرپدر مدت نوزده سال وشش ماه و۲۰ روز در قلعه قهقهه زندانی بود ، پس از مرگ پدر به‌کمك خواهرش بـه سلطنت رسید روحیهٔ‌متزلزل واعتیاد به‌شراب وافیون اورا از حالت انسانی خارج‌کرده بـود بسیاری ازشاهزادکان و امرای قزلباش رابکشت وخود نیزشبی درخانه یکی از ملازمانش بر اثر افراط در افیون جان سپرد.

شاه طهماسب اول .

(۹۱۹-۹۷۴هق)

پسر شاه اسمـاعیل صفوی ، دومین پادشاه سلسلهٔ صفویه‌که از ۹۳۰ هجری قمری تا ۹۶۴ سلطنت کرده است . در سن یازده سالگی بعداز فوت پدربرتخت نشست و مورخین‌آن زمان وی را شاهــ



مجلس بزمی در دربار صفوی

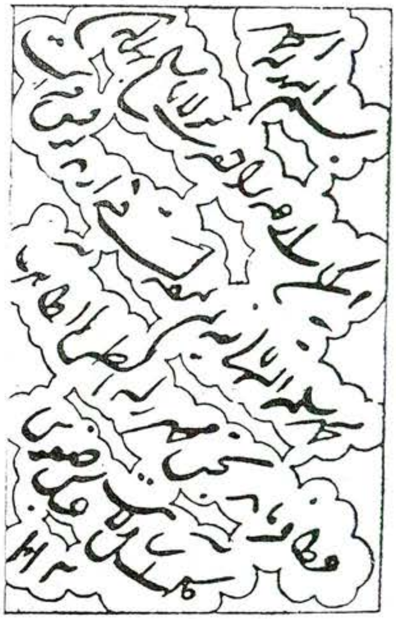
دین پناه میخوانند ومدت سی وپنج سال مشغول جنگ باازبکها ودولت عثمانیو

گرجیان و کردان بود و کتاب **تذکرهٔ شاه طهماسب** به قلم خود وی، ارزش تاریخی دارد.

شاه عباس کبیر.

(۹۷۸ـ۱۰۳۸ هق)

شاه عباس اول پسر سلطان محمد خدا بنده، و **خیرالنساء بیگم** دختر میر عبدالله خان والی مازندران بوده است. در شهرهرات بدنیا آمد و یکسال و نیم داشت به میرزایی خراسان رسید



نمونهٔ خط شاه عباس صفوی

و **شاهقلی سلطان** در مقام امیرالامرایی سرپرستی او را داشت در سال **۱۵۸۸** یعنی در **۱۶** سالگی به سلطنت رسید. اگرچه سواد خواندن و نوشتن میدانست ولی معلومات فراوان نداشت، در مقابل از فراست و کیاست ذاتی برخوردار بود، درجوانی به شراب میل فراوان داشت و مجالس بزم بعداز رزم او معروف است. مردی دلیر و جنگجو بود و درجنگها پیشاپیش سپاهیان حرکت می‌کرد در عین حال که گذشت و عطوفت داشت و قدردانی می‌کرد، انتقام جو و کینه توز هم بوده گاه گاه



بصورت ناشناس با لباس مبدل میان مردم گردش می‌کرد، یکی از تفریحات وی رفتن به قهوه‌خانه‌های اصفهان بود: چندزن و **۵** پسر داشت که به ترتیب عبارت بودند از: محمد باقرمیرزا (صفی میرزا)، حسن میرزا، خدابنده میرزا، اسماعیل میرزا. و امامقلی میرزا. که حسن میرزا و اسماعیل میرزا در کودکی مردند و دو پسر دیگرش را به امر وی کور کردند.

نویسندگان و مورخان او را ابوالمظفر، شاه عباس میخوانند. به هنرهای زیبا علاقه داشت.

به تشیع تعصب داشت و یکی از علل اختلاف ایران و عثمانی نیز همین بود.

با قزلباشها درستیزشد و به همراهی **مرشدعلیخان** آنها را از بین بردو ناچارشد گروه تفنگچیان را بفرماندهی اللهوردی‌خان تشکیل بدهد و به کمك برادران **شرلی** صنف توپخانه را بوجود آورد. و اعضاء **شاهسون** را هم تشکیل داد.

شاه عباس بادادن امتیازات تجاری به خارجیان، پای آنها را به ایران باز کرد.

مرکز حکومتش قزوین و اصفهان بود.

از کارهای مفید او، ساختن کاروانسراها، آب انبارها، مساجد، مدارس و توسعهٔ راههای کشور است و اصفهان را هم او بصورت یکی از مراکز هنری مشرق زمین درآورد.

از کارهای بد وی: خراب کردن قلعه **طبرك** در اصفهان **شنب غازان** در تبریز، کور کردن دو پسرش، کشتن یکی از آنها، کشتن **میرعماد** خطاط قتل عام طایفهٔ مکری بود.

شاه صفی.

(حکومت ۱۰۳۸ـ۱۰۵۲ هق)

سام میرزا فرزند صفی میرزا بنا بر وصیت شاه عباس کبیر به نام شاه صفی بر تخت سلطنت جلوس نمود در سال اول سلطنت شخصی به نام **شاه غریب** در خطهٔ گیلان به ادعای سلطنت برخاست و گیلان و لاهیجان را به تصرف خود درآورد. اما سرانجام مغلوب و مقتول شد و چون **عادلشاه** نامی نیز مدعی سلطنت شد، به سرنوشت اولی دچار گشت شاه صفی پس از برانداختن مدعیان سلطنت باتاخت و تاز **ابوالغازی** حاکم خوارزم و برادرش **اسفندیار**، در خراسان و مرو مواجه گردید و به آسانی هردو سپاه را در هم شکست. شاه صفی طی سیزده سال و نیم سلطنت خود چندبار بادولت عثمانی مصاف داد و سرانجام درماه شعبان **۱۰۴۹** ه ق. بموجب پیمانی که میان طرفین منعقد شد، بغداد به دولت عثمانی و ایروان به دولت ایران واگذار شد. شاه صفی در **۱۲** صفر **۱۰۵۲** در کاشان بدرود حیات گفت وجسدش را به قم انتقال دادند.

شاه عباس دوم.

(فوت ۱۰۷۷ هق)

فرزند شاه صفی، درده سالگی پادشاه شد و امور مملکت را **تقی خان اعتمادالدوله** وزیر کاردان ولایق او اداره میکرد. این وزیر درصدد اصلاح خرابیها وفسادهایی که در عهد شاه صفی در کشور ایجاد شده بود. برآمد ولی دشمنانش او را به قتل رسانیدند عباس دوم نخست شرابخواری



ومداومت خمر را منافی مقام و مانع پیشرفت امور میدانست اما چون بزرگتر شد. آلوده شرارتها و هوسرانیهای زمان قرار گرفت وی مسافران اروپایی را بدون فرق و امتیاز دعوت میکرد که درمجالس عیش و عشرت او شرکت کنند. در زمان او یکی از شاهزادگان اوزبك به ایران پناهنده شد شاه عباس با او به مهربانی رفتار کرد، سپس **نظر محمد** سلطان اوزبك نیز خود را به دامان مهمان نوازی ایرانیان انداخت با او نیز به مهربانی رفتار کردند.

در زمان این پادشاه مجدداً شهر بلخ تسخیر شد وشورش قندهار خاموش گردید، عده‌ای از بازرگانان روسی که به حیله بنام نمایندگان سیاسی وارد شده بودند رانده شدند.

شاه عباس، شاهی شجاع وطرفدار طبقهٔ

ضعیف‌جامعه ودشمن اشراف بود، تکمیل بنای عالی قاپوی اصفهان و باغ سعادت کنار زاینده رود از اوست.

مقبرهٔ او در قم کنار قبر پدرش شاه‌صفی است.

شاه سلطان حسین .

پسر شاه سلیمان، به کوشش درباریان در سال **۱۱۰۵** به تخت سلطنت نشست کارهای خلاف او، عقاید خرافیش، سلسلهٔ صفویهٔ رامنقرض کرد، ازطرفی سرداری غیر مسلمان‌را مأمور خواباندن شورش مردم قندهار کردوازطرف دیگر **میرویس** راکه تبعیدشده بود به حکومت قندهار گماشت کلیهٔ مردم لایق را می‌کشت وامور را به استخاره ودعا برگزار می‌کرد ، درحمله اشرف افغان بادست خویش تاج برسراو نهاد وموجب قتل خودوخانواده‌اش شد .

افشاریه

(۱۱۴۸ ــ ۱۲۱۸ هق)

نادرشاه افشار ، ازسرداران دوره صفویه‌بود ، که نه‌تنها شورشهای داخلی



را خوابانید بلکه کشور رادرحداعلای ممکن وسعت دادولی درتمام این‌مدت بنام **شاه‌عباس سوم** که کودکی بود شمشیر می‌زد، پس‌از ایجادآرامش کامل،از کلیهٔ سران‌سپاه وحکام ولایات دردشت مغان دعوت کردوتکلیف آینده وحکومت‌را به آرای عموم واگذاشت وبالاخره درسال **۱۱۴۸** دررفراندوم عمومی‌شاه‌عباس‌سوم معزول ونادربه‌نام نادرشاه برتخت‌نشست ولی‌متأسفانه چون پسرو ولیعهد خود را کشت حکومت بعدازاو اقتداری نداشت و در ایالت خراسان محدود باقی‌ماند .

سلاطین سلسلهٔ افشاریه‌عبارتنداز :

۱ ــ **نادرشاه** ، پسر امامقلی ، (جلوس ۱۱۴۸ ه ق) .

۲ــ **عادلشاه** ، علیقلی پسر ابراهیم پسر امامقلی ، (جلوس ۱۱۶۰ هق).

۳ــ **ابراهیم‌شاه** پسر ابراهیم ، (جلوس ۱۱۶۱ هق)

۴ــ **شاهرخ** پسر رضاقلی‌پسر نادر. (جلوس ۱۱۶۱ هق)

۵ــ **نادرمیرزا** پسر شاهرخ (جلوس ۱۲۱۰ هق).

این‌سلسله به‌دست‌قاجاربه‌منقرض‌شد.

نادرشاه افشار .

(۱۰۹۰ ــ ۱۱۶۰ هق)

جوانی از طایفهٔ **قرخلوی** افشار . که بفرمان شاه عباس کبیر از **اورمیه** به ابیورد خراسان کوچانده شدند . او در **دستجرد** به‌دنیا آمدواز کودکی باسواری


بسم الله تعالی

وشکارآشنا شد،ولی از روزی بسوی‌کمال رفت که‌دخترحاکم ابیوردرا به‌زنی گرفت وبا مرگ پدرزن،خود در ابیوردحکم راند ، زمانی همدست ملك محمود سیستانی بود ولی شاه طهماسب دوم را درتسخیرمشهدکمک‌داد ولقب **طهماسبقلی** گرفت.

در سال **۱۱۳۹** در رکاب شاه بر فتحعلی خان دست یافت ومشهدرا متصرف شد ، ولی بانفوذی که‌داشت و از طرفی شاه طهماسب را مانع‌پیشرفت‌خودمی‌دید، لذا اورا خلع وفرزند شیرخوارش را به سلطنت برگزید وبنام او(شاه عباس‌سوم) بفتوحات خود ادامه داد .

وبه‌همت اوکشوردوباره یك پارچه شدونفاق‌وملوك‌الطوایفی‌ازبین رفت ودر سال **۱۱۴۷** نادرقلی باآرای عمومی به سلطنت برگزیده شد .

درسال **۱۱۴۹** عازم‌مشرق شدوپس ازفتح‌قندهار درسال **۱۱۵۰** غزنین وکابل راتصرف کرد ولاهورامطیع‌ساخت وپس‌از جنگ‌کوتاهی‌سپاه **محمدشاه** راشکست‌داد ولی‌سلطنت‌را باردیگر به‌خوداوواگذاشت درسال بعدبه‌هرات بازگشت وبخارا و خوارزم و سمرقند وخیوه را به اطاعت درآوردوبه‌مشهدآمد، درسال **۱۱۵۳** عازم داغستان شد وپس‌ازتمشیت‌امورآنجا،در سال **۱۱۵۵** به‌مشهدبازگشت‌وپسر بزرگش **رضاقلی میرزا** را که ازهنگام بازگشت نادر از هندوستان مغضوب شده‌بود کور کرد ودرصددحمله به‌عثمانی‌برآمد وپس ازتصرف کرکوك واربل برای مقابله با لشکرعثمانی به‌ایروان‌رفت‌وسپاه عثمانی راشکست داد وبه‌ایران بازگشت درسال **۱۱۶۰** هجری قمری‌در سرراه مشهد در محلی به‌نام فتح‌آبادکشته‌شد وی‌سرداری بی‌باك ومدیری لایق بودکه به تعصبات مذهبی ومحدودیتهای‌طبقاتی‌عقیده‌نداشت اواخرعمرازبیماری‌رنج‌میبردوبی‌کفایتی پسربزرگ وولیعهدش‌این‌رنج راافزونتر کرده‌بود. تاآنجاکه سرانجام‌کارش‌به‌ظلم وشقاوت‌انجامید وجان‌خویش وسلطنتی‌را که‌بارنج‌بسیاربدست آورده بودبدینسان ازدست داد .

نادرمیرزا .

(فوت ۱۲۱۸ ه ق)

پسرشاهرخ، که مدتی عهده‌دارامور مشهد شد در این وقت ولیعهد بود زیرا نصرالله میرزا ازآن مقام خلع شده بود، هجوم **میر محمد خان عرب** به مشهدو دستگیری نادر میرزا تیمور شاه درانی بهانه‌ای شدکه به‌مشهد هجوم‌آورد . ولی کاربه‌صلح انجامیدونادرمیرزارا باخودبه هرات برد، درمدتی که‌محسن‌خان‌برادر دیگرنادرمیرزادرخراسان‌حکومت‌داشت اوبه‌مشهدحمله‌برد ولی‌کاری‌ازپیش‌نبرد در سال **۱۲۰۰** بعد از مرگ برادربه خراسان آمدوبه‌حکومت نشست‌ولی‌حمله آغا محمدخان‌قاجار اورا متواری‌کرد و حتی‌در زمان‌فتحعلی‌شاه‌باوجودی که‌همه نوع‌کمك ازافغان گرفته بودباهجومی‌که به‌خراسان بردشکست خورد ودستگیرشد ودرتهران‌اعدام شد .

عادلشاه افشار .

(مقتول ۱۱۶۱ هق)

علیقلی خان برادرزادهٔ نادرشاه، که درتوطئه قتل‌او شرکت داشت وپس ازاو درسال ۱۱۶۰ به‌نام عادلشاه به‌تخت نشست .

وی اعلامیه‌ای صادر کرد مبنی بر اینکه اوظالم جباری راکه ازخونریزی لذت میبرد ازمیان برداشته‌است .

عادلشاه سپاهیانی به کلات نادری فرستاد وهمهٔ اعضای خانـدان افشار را بکشت‌فقط‌ازکشتن‌**شاهرخ میرزا** ،فرزند ۱۴ سالهٔ **رضاقلی میرزا** که‌ازفاطمه‌دختر شاه سلطان حسین بودصرف‌نظر کرد وی قسمتی از خزاین نادری را برای جلب سران دولت وعیاشی‌خود صرف‌نمود، او برادر کوچکش ابراهیم‌خان‌راسرداراعراق ومأموراصفهان‌نمودو **میرسیدمحمد** دختر زادهٔ شاه‌سلیمان‌صفوی رابه‌صدارت‌تولیت آستانهٔ قدس منصوب کرد سال‌بعد بین‌دو برادر جنگها درنزدیکی زنجان‌روی‌داد وابراهیم‌خان‌عادلشاه‌را مغلوب‌وکور کرد وابراهیم هم‌توسط سربازانش به‌قتل‌رسید وشاهرخ پس‌از جلوس به‌انتقام قتل‌نادرو فرزندانش عادلشاه‌را بکشت .

شاهرخ بن‌رضاقلی‌میرزا.

(حکومت ۱۱۶۱ـ۱۲۱۰ هق)

عادلشاه یاعلیشاه افشارپس ازجلوس برای اینکه رقیبی نداشته باشد همـهٔ شاهزادگـان افشاری را بقتل رسانید و وفقط شاهرخ میرزا راکه در آن هنگام چهارسال بیش نداشت زنده گذاشت پس ازقتل ابراهیم‌خان برادرعادلشاه ،شاهرخ که ازطرف مادر نسبش به سلطان حسین صفوی میرسید در مشهد بسلطنت رسید **میرزاسیدمحمد** نامی بااو به‌مخالفت بر- خاست وشاهرخ رانابینا کرد، ودرصدد برآمد که‌به‌نام سلیمان شاه‌تاج وتخت‌را تصاحب کند ، ولی‌شاهرخ به‌یاری‌یکی‌از سرداران خود به‌نام **یوسف علی** مجدداً برتخت جلوس کردسلیمان‌شاه کشته‌شد،دو سردار دیگر به‌نام **جعفرومیرعالم** متحد شده **یوسف‌علی** رامغلوب‌ومقتول کردندو شاهرخ رابه‌زندان افکندند درآن دورهٔ هرج‌ومرج **احمدخان‌ابدالی** (افغان) که در افغانستان قدرتی به‌دست آورده بود به‌خراسان‌قشون‌کشیدو**میرعالم** رابکشت ولی صلاح دید که‌ایالت خراسان‌دردست احفاد نادر باقی بماند، ازاین‌رو شاهرخ راپادشاه آن‌سرزمین‌کرد، پس ازشاهرخ پسرش **نادرمیرزا** به‌امارت‌خراسان‌رسید .

«فرهنگ معین»

زندیه

(۱۱۶۳ـ۱۲۰۹ هق)

کریم خان‌زند‌پسر ایناق از تیره‌زند وازمردم‌لر است که مسکن اصلی آنها ملایر بود وبه گله‌داری وراهزنی مشغول بودند کریم‌خان به‌فکر کشور گشایی‌افتاد وبا جنگهای فراوانی حکومتهای محلی رامطیع‌کردو تاسال ۱۱۹۳ باقدرت‌حکم راندا‌و که مردی سلیم وبا گذشت ونیکو کاربود به آبادانی وخدمت پرداخت وتا زنده بودخودرا **وکیل الرعایا** مینامید ، ولی جانشینان نالایق‌او‌این سلسله را به دست نابودی سپردند .

امرای زندیه :

۱ـ **کریم‌خان زند** ، (جلوس ۱۱۶۲ هق)

۲ـ **ابوالفتح‌خان**، پسر کریم‌خان(جلوس ۱۱۹۳ هق).

۳ـ **صادق خان** برادرکریم‌خان، (جلوس ۱۱۹۳ هق).

۴ـ **علیمرادخان** .(جلوس ۱۱۹۶ هق).

۵ـ **جعفرخان** پسر صادق خان. (جلوس ۱۱۹۹ هق) .

۶ـ **لطفعلی‌خان** پسر جعفرخان ،(جلوس ۱۲۰۳ ه ق).

باکشته‌شدن لطفعلی‌خان به‌دست **آغا- محمدخان** سلسلهٔ‌زندیه منقرض شد .

کریم‌خان زند .

(۱۱۷۲ـ۱۱۹۳ ه ق)

زندیه‌قومی لرازمردم‌اطراف ملایر



وهمدان بودند که زندگی‌را ازراه‌گله‌داری و راهزنی میگذراندند ، در دوره حـکومـت افشاریه در **پری‌وکمازان** سـاکن‌بودند،

درسال ۱۱۶۲ هجری‌قمری کریم‌خان‌پسر **ایناق‌خان** ادعای‌استقلال‌کرد ولشکریان ابراهیم شاه را شکست داد وهمدان و کردستان رانیزمتصرف‌شددرسال ۱۱۶۵ بعدازتصرف اصفهان عازم مازندران‌شد وهمه مدعیان رامطیع کردولی شاهرخ‌را درخراسان‌باقی‌گذاشت کریم‌خان‌تاپایان حکومت خودرارسماً سلطان‌نخواند‌بلکه بعنوان **وکیل الرعایا** به‌آبادانی شهرها پرداخت ولی‌درآخر عمربدرفتارو خشن شده‌بود .

علیمرادخان‌زند .

(حکومت ۱۱۹۳ـ۱۲۰۰ هق)

چهارمین‌پادشاه ازخاندان‌زندیان، وی‌شیرازرا از صادق‌خان گرفت‌وبه‌تخت نشست. مردی‌شجاع‌ولی‌شرابخوار‌وتندخو بود و رقیبی نیرومند چون **آغا محمد خان‌قاجار** در برابر خود داشت . اما پادشاه اخیر ازاوحساب میبردوتااوزنده بود به‌فارس‌حمله نکرد .

لطفعلی‌خان‌زند.

(مقتول ۱۲۰۹ هق)

لطفعلی خان فرزند جعفرخان زند است‌که پس‌از قتل پدر (۱۲۰۳ هق) به یاری‌**حاجی‌ابراهیم‌خان** کلانترشیرازدر شعبان ۱۲۰۳ بر اورنگ‌شاهنشاهی‌ایران تکیه زد . این پادشاه دلاور بر اثر عدم اطمینان واعتماد به وزیر خویش‌حاجی- ابراهیم خان‌موجبات زوال‌خودرا فراهم آورد زیرا وزیر ازپی انتقام برآمده‌با دشمن خاندان‌زند **آغامحمدخان**‌روابطی برقرار ساخت و هنگامی که سپاه قاجار جهت‌تسخیرشیراز پیش‌میآید لطفعلی‌خان باقوای خودازشهرخارج‌شد پیش‌ازآن‌که بادشمن‌دست وپنجه نرم‌کند بر اثر سوء قصدی‌که براوشد نسبت به‌سران سپاه بد بین شد ومخفیانه به‌شیراز بازگشت‌لیکن حاجی ابراهیم از پذیرفتن وی بداخل شهرخودداری‌کردوخان زندناگزیرآراه بندر **ریگ** را در پیش‌گرفت ودر آنجا با استقبال حـاکم شهر روبـرو شد و توانست‌قوای‌قلیلی فراهم‌آورد.وجماعتی راکه از طرف حاجی ابراهیم‌خان جهت دفع وی آمده بودند درهم‌شکست واین امرسبب شدکه کلانترشیرازازآغامحمد- خان یاری‌بخواهد .

اما این‌بارهم سپاهیان‌دلیرلطفعلی- خان در صحرای قبله قوای‌خصم‌را به‌زانو درآوردند . شکست‌اخیرآغامحمدخان‌را برآن داشت که شخصاً برای‌سرکوبی‌رقیب بشتابد . در نبردی‌که میان طرفین در گرفت باوجودکثرت سپاه قاجار،لطفعلی قلب‌سپاه را درهم شکست وتاخیمه‌آغا- محمدخان‌پیش رفت‌ولی‌خیانت‌همراهانش مانع از این‌شدکه‌رقیب‌را ازمیان‌بردارد

ناچار به کرمان گریخت وشیراز به تصرف آغامحمدخان قاجار درآمد .

لطفعلی خان دراوایل شعبان ۱۲۰۸ به کرمان رسید وبه تقاضای اهالی شهر تاج بر سر گذاشت وبه نام خود سکه زد . چون آغامحمدخان ازتصرف کرمان اطلاع حاصل کرد به آن ناحیه شتافت وکرمان رامحاصره کردومردم شهر چهارماه مقاومت نمود سرانجام براثر خیانت مأمورین شهر به دست دشمن افتاد وخان زند گریخت لیکن **محمدعلی خان** حاکم بم اورادستگیر ونزد آغامحمدخان فرستاد. خان قاجار اورا کوروبه تهران فرستاد وپس از یك ماه بدستور آغا محمدخان قاجار، حاکم تهران وی را بقتل رسانید.

مشعشعیان

(۸۴۵هق-۱۳۰۳هش)

نام سلسله‌یی از حکام خوزستان است که بدست **سیدمحمد بن فلاح** پدید آمد. سیدمحمد که گاه خودرا مهدی موعود وگاه پیغمبر وگاه ازخدام مهدی می‌نامید درسال ۸۴۵ بر **حویزه** دست یافت او و پسرش علی قلمروخودرا درسراسرخوزستان وسواحل خلیج فارس وبصره گستردند و اخلاف وی تا اواخر ایام قاجاریه گاه مستقل وگاه درفرمان سلاطین ایران بودند سیدمحمد عقاید آشفته‌ای داشت‌ولی آنچه معلوم‌می‌شود این است که بعقیده وی‌مهدی موعود شخص غایب واحدی نیست بلکه‌روح مهدی‌است که پس ازسالها درصورت‌مهدی دیگری ظاهر میشود ازمردم کم سواد و حیله‌گروزیرك بود و کتابی به نام **کلام المهدی** به‌سبك قرآن ساخته که موجود است .

سلسلهٔ قاجاریه.

(۱۱۹۳هق ـ ۱۳۰۴ هش)

یکی ازطوایف ترك که در قرن هفتم هجری‌هنگام‌حملهٔ چنگیز ازمرکز آسیا به جانب مغرب انتقال یافت‌قاجاریه بود که رفته‌رفته ازسراسر خاك‌ایران گذشته درمرزشام مسکن گزید، در یورش هفت سالهٔ‌امیرتیمور گورکانی،قاجار از شام به سمت مشرق بازآمده در حوالی گنجهٔ و ایران‌اقامت نمودند . یکی ازهفت‌طایفه دستیارشاه **اسماعیل‌صفوی** بودند وبه‌نام **قزل‌باش** معروف شدند،هم این طایفه بود .

درعهدشاهان‌صفوی‌رؤسای‌ایل‌قاجار مکرردارای‌حکومت بوده‌ومأمور به‌سفارت شدند درزمان **شاه‌عباس بزرگ** این‌قبیله نیرویی بزرگ به‌دست آورده وبه قبایل چندتقسیم گردیدند . شاه‌عباس ازافزایش عدهٔ این طایفه استفاده کرده ، آنان را مأمور حفظ مرزهای مهم کشور نمود و قسمت عمدهٔ آنان‌رادرولایت گرگان برای دفع‌حملات ترکمنهامقیم‌ساخت‌ونگاهداری قلعهٔ **مبارك‌آباد** وسواحل گرگان‌راکه‌از بناهای نظامی شاه‌**طهماسب اول** بوده و امروز به **پهلوی‌دژ** معروف است به‌آنان سپرد ، این‌شعبه ازایل قاجار ، اهمیت وشهرت بیشتری یافته ، دردو جانب‌رود **گرگان** چراگاههایی را به‌خود تخصیص دادند ، آنانکه دربالای رودخانه قرار داشتند‌به **یوخاری‌باشی** وآنانکه‌درپایین قرارگرفتند به‌**اشاقه‌باش** معروف‌گشتند، میان این دودسته رقابت وخصومت افتاد وبه‌غارت یکدیگرمکرراً مبادرت‌جستند وبه‌سال **۱۱۴۰** هجری‌قمری‌به‌دنبال همین زدوخوردها اطراف **مبارك‌آباد** را ترك به **استرآباد** آمدند. یکی ازرؤسای‌این طایفه‌**فتحعلی‌خان** پسر **شاهقلی‌خان** بود که‌درزمان‌**شاه‌طهماسب دوم** به‌دعوت‌آن شاه‌همراه‌او‌به‌خراسان‌رفت‌وبه‌امر **نادرشاه** مقتول ودر**خواجه** ربیع مدفون گشت . فتحعلی‌خان‌ازتیرهٔ **اشاقه‌باش**‌بوده ونادر برای تحقیرآنها، **محمدحسن‌خان**‌رییس ایل **یوخاری‌باش** را حکومت گرگان داد.

محمدحسنخان فرزند فتحعلی خان که هنگام قتل پدر بیش از دوازده سال نداشت‌درسراسرایام‌نادرازگرگان‌فراری بود ودر ایلات‌ترکمن متواری میزیست‌و گاهی‌هم به‌گرگان‌واسترآبادحمله‌میکرد ودریکی ازحملات وی به‌شهراسترآباد، پسراو**محمدخان**به‌دست‌لشکریان‌نادرشاه گرفتار آمد وجزء اسیران به خراسان اعزام شد

عادلشاهاین‌پسر را که آغا محمدخان نام داشت مقطوع النسل کرد ، ولی چیزی نگذشت که آغا محمدخان اززندان رهایی یافته‌به‌استرآبادرفت وبه‌پدرخود که در این‌وقت بر این ولایت‌استیلا یافته‌بود ودعوی‌سلطنت میکرد، پیوست **محمدحسنخان**در جنگ باکریمخان‌کشته شد وآغامحمد خان را که در این وقت هفده‌سال داشت به امر کریمخان به شیراز بردند.

روزفوت کریمخان آغامحمدخان‌بیرون شهرشیراز به‌شکار مشغول‌بود ، همین‌که عمه‌اش‌اورا از مرگ‌وکیل‌الرعایا آگاه ساخت ، اوعمداً بازشکاری‌راکه در دست داشت رهاکرد و به بهانهٔ جستجوی آن به‌مکانی‌که قبلا سواران واسبان ورزیده آماده‌کرده بودند برفت وبه شتاب خود را به تهران رسانیدوخودراپادشاه‌خواند (۱۱۹۳هق) و بدینوسیله‌سلسلهٔ قاجاریه رسماً تأسیس گشت.

امرای این سلسله عبارتند:

۱ـ **آغامحمدخان** ، پسرمحمدحسنخان . (حکومت۱۱۹۳ـ۱۲۱۱هق).

۲ ـ **فتحعلی‌شاه قاجار** . (۱۲۱۱ ـ ۱۲۵۰هق).

۳ـ**محمدشاه**، پسرعباس‌میرزا.(۱۲۵۰ـ ۱۲۶۴ هق).

۴ ـ **ناصرالدین‌شاه** ، پسر محمدشاه . (۱۲۶۴ـ۱۳۱۴هق) .

۵ـ**مظفرالدین‌شاه**، پسرناصرالدین‌شاه. (۱۳۱۴ـ۱۳۲۴هق) .

۶ـ**محمدعلی‌شاه** ، پسرمظفرالدین شاه. (۱۳۲۴ـ۱۳۲۶هق).

۷ـ **احمدشاه**، پسرمحمدعلی‌شاه. (۱۳۲۶ـ۱۳۴۴هق) .

این سلسله‌در۱۳۴۴هجری(۱۳۰۴ شمسی)به تصویب مجلس مؤسسان‌منقرض وسلطنت ایران‌به‌**رضاشاه‌پهلوی** تفویض شد .

آغا محمدخان قاجار

(۱۱۴۷ـ۱۲۱۱هق)

پسرمحمد حسنخان قاجاررییس‌ایل **اشاقه‌باش**که درجنگ بالشکریان نادر اسیرشد وبه خراسان برده شد، درآنجا به امرعادلشاه‌مقطوع‌النسل‌گردید ، ولی دیری نپاید ازآنجا فرارکرد خودرا به پدرش‌که دراسترآباد حکومت میکرد رسانید ، پدرش درجنگ باکریمان‌کشته شد، اوکه **۱۷** سال بیشتر نداشت مورد محبت‌کریمخان قرارگرفت ،بعدازمرگ او خودرا‌به‌تهران‌رسانید وادعای‌سلطنت کرد ،اگرچه **لطفعلیخان زند** برای به دست‌آوردن حکومت مقاومت مردانه‌ای کرد ولی‌آغا محمدخان در سال **۱۲۰۶** شیراز را متصرف شد ودرسال **۱۲۰۸** بر کرمان دست‌یافت وپس‌از تسخیر دستور قتل عام داد و **۲۰** هزار چشم ازمردم آن شهرکندند وبالاخره لطفعلی‌خان را اسیرکرد وبادست خود چشمان‌آن‌جوان دلاور راازکاسه بدرآورد .

آغامحمدخان

درسال ۱۲۰۹ اعلام سلطنت کرد وبا لشکرکشی شهر تفلیس را متصرف شد و سپس خراسان را گرفت وشاهرخ نابینا راتحت شکنجه قرارداد تا خزاین نادری را به چنگ آورد . در سال ۱۳۲۰ در **اورمیه** تاجگذاری کرد . در لشکرکشی به قفقاز به دست نوکرانش کشته شد.

فتحعلیشاه قاجار .

(فوت ۱۲۵۰ هق)

چون آغا محمد خان قاجار به قتل رسید باباخان برادرزاده‌اش که در زمان حیات او ، به ولیعهدی برگزیده شده بود ، به نام فتحعلیشاه به تخت سلطنت جلوس کرد. وتا سال ۱۲۱۸ به استقرار



نظم‌وامنیت و از میان برداشتن مدعیان‌سلطنت مشغول بود. وچون وضع داخلی را بهبود‌بخشید دچار اوضاع وخیم خارجی شد . درآن موقع دولت‌های معتبر دنیا هریك برای پیش بردمقاصدسیاسی‌خودمتوجه دربار ایران بودند.

دولت انگلستان در اروپا با رقیب بزرگی چون ناپلئون بزرگ روبروبود و ازاین نظربرای حفظ هندوستان از تهاجم احتمالی فرانسه ، در صدد ایجاد روابط سیاسی با فتحعلیشاه برآمد و از طرفی ناپلئون نیزدر نظرداشت به‌هرترتیب که هست هندوستان‌را ازچنگ‌انگلستان خارج‌کند وبرای انجام این منظور هیچ راهی مناسب‌تراز ایران وجود نداشت بنابراین ناپلئون نیزخواهان دوستی با فتحعلیشاه‌بود. ازطرف‌دیگرچون‌فتحعلیشاه در برخورد اول باقوای روسیه از وضع نظامی آن دولت استحضار یافت درصدد جلب دوستی یکی از دول مقتدر اروپا برآمد تا به یاری‌آن دولت سپاه خودرا با اصول جدید نظامی تربیت‌کند وبرای این منظور ناپلئون را انتخاب نمود و چون امپراتور فرانسه نیز به دوستی فتحعلشاه نیازمند بود ، باارسال نامه از جانب پادشاه ایران‌روابط‌دوستی‌دولتین ایران وفرانسه‌گشوده شد.

درسال ۱۲۲۰ ه ق. **ژوبرورمیو** از طرف ناپلئون مأمور دربار ایران شدند وباامضای عهدنامه **فین‌کن‌اشتاین** ناپلئون ژنرال گاردان و همراهانش را در سال ۱۲۲۲ جهت تعلیم قشون فتحعلیشاه به ایران فرستاد.اماچون عهدنامهٔ‌فین‌کن‌-اشتاین با منافع دولت انگلیس مغایرو مخالف‌بود انگلستان برآن شدکه‌ایران را به هروسیله‌که هست‌ازدوستی‌بافرانسه باز داردلذا **سرهارفردجونز** از طرف دربارانگلستان **وسرجان ملکم** به‌دستور فرمانروای هند راه ایران را در پیش گرفتند ودرسال۱۲۲۳ به خاك ایران قدم نهادند و در این میان براثر سازش الکساندر اول تزار روسیه و ناپلئون بناپارت وآگاهی فتحعلیشاه از این‌وضع ملکم و جونز در مأموریت خود توفیق یافتند. درنتیجه‌گاردان وهمراهانش‌راه فرانسه را درپیش گرفتند.

دولت انگلستان متعهد شدکه کلیهٔ تعهدات فرانسه را درایران بعهده‌گیرد. لیکن درجنگهای دورهٔ دوم‌ایران‌وروس از مساعدت به فتحعلیشاه خودداری‌کرد وموجبات انعقاد عهدنامهٔ‌ننگین **ترکمان‌چای** را فراهم‌آورد . فتحعلیشاه پس از پایان جنگ ایران‌وروس درصددبرآمد که دست عثمانی‌هارا بطورکلی از ایران کوتاه نماید و برای این منظور،عباس‌میرزا را مأمور جنگ باعثمانی نمود . ولیعهد ایران دراین جنگ عثمانی‌هارا شکست داد . وچون بار دیگر سرحدات ایران مورد تجاوز لشکریان عثمانی واقع شد محمد علی میرزادولتشاه‌فرزند فتحعلیشاه ازجانب پدر مأمورسرکوبی عثمانی‌ها شد.این بارنیزعثمانی‌هامغلوب شدند و سال بعدنیزدرجنگ **توپراق‌قلعه** قشون عثمانی منهزم گردید و سرانجام معاهده‌ای درارزنةالروم میان دولتین منعقدگردید**ومصالحه** برقرارگردید۱۲۳۸ ازوقایع دیگر زمان سلطنت این پادشاه شورش خوانین خراسان است‌که توسط حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه‌فرزنددیگر فتحعلیشاه سرکوبی‌شد (۱۲۳۲ ه ق) و فتحعلیشاه یك سال بعد از مرگ فرزند رشیدش عباس‌میرزا (۱۲۴۹هق) در۱۹ جمادی‌الاخر ۱۲۵۰ در اصفهان بدرود حیات‌گفت‌وجسدش‌را درقم‌به‌خاك‌سپردند.

محمد شاه قاجار ، پسر عباس میرزا .

(۱۲۲۲ - ۱۲۶۴هق)

سومین سلطان سلسلهٔ قاجاریه ،بعد



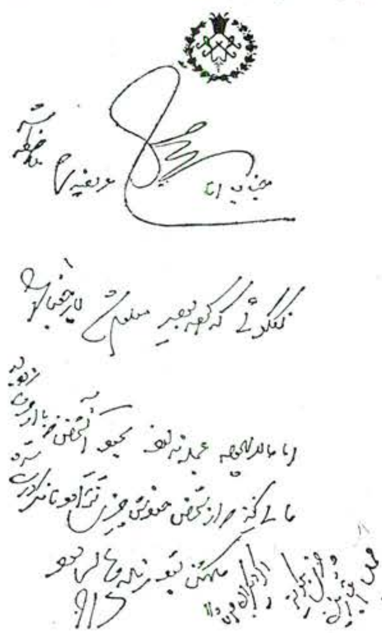
از مرگ فتحعلیشاه‌به کمك‌قایم‌مقام‌فراهانی با وجود مدعیان متعدد در تبریزجلوس کرد وسپس عازم‌تهران‌شد.

در سال ۱۲۵۱ فرمان‌دادتاقایم‌مقام را بکشند ، سپس معلم‌بی‌اطلاع خود ، میرزا آقاسی را به صدارت برگزید ، با وحشتی که‌محمدشاه از مدعیان‌سلطنت داشت ، بیشتر بزرگان دربار راکشت و **میرزاآقاسی**وزیربی‌تدبیراو نیزنتوانست به وضع‌فلاکت بارملت سروسامانی‌بدهد. بالاخره محمدشاه بعد از چهارده سال و سه ماه سلطنت به مرض نقرس وفات یافت .

ناصرالدین شاه قاجار.

(۱۲۴۷ - ۱۳۱۳هق)

فرزند محمدشاه ، چهارمین‌سلطان قاجاریه ، درششم ماه‌صفر سال ۱۲۴۷ هجری قمری متولد شد و درسال۱۳۱۳ هجری قمری‌پس‌از۴۹ سال سلطنت‌کشته



خط و امضای ناصرالدین‌شاه

شد .

در سال **۱۲۶۴** که محمدشاه قاجار بعلت نقرس درگـذشت ، نـاصرالدین میرزا پسر و ولیعهد وی درتبریز بود و بیش از **۱۷** سال نداشت . مقارن مرگ محمدشاه در اغلب بلاد ایران فتنه‌هـا برخاسته بودمردم کرمانشاه بر **فتحعلی خان** حکمران خود شوریدند و اهالی شیراز بر **نظام‌الدوله** یاغی شدند ودربروجرد اوضاع آرام نبود و **حسین‌خان سالار** در خراسان کـوس یاغیگری می‌نواخت و **سیف‌الملوك میرزا** پسر **ظل‌السلطان** نیز در تهران به دعوی سلطنت برخاسته بود.

درچنین اوضاع آشفته‌ای **مهدعلیا** مادر ولیعهد بامساعدت‌علیقلی میرزااعتضادـ السلطنه ومیرزاآقاخان **وزیرلشکر** زمام حکومت را دردرست گرفت و به انتظار ورود پادشاه جدیدبه پایتخت نشست .

ناصرالدین میرزا باشنیدن خـبر مرگ پدر ازتبریز حرکت کرد و بـا راهنماییها ومساعدتهای **میرزا تقی‌خان وزیر نظام** به تهران وارد شد وروزبعد (**۲۳** ذیقعدهٔ**۱۲۶۴** هق) تاجشاهی برسر نهاد و میرزا تقی‌خان راقبل ازورود به تهران به امیرنظام ملقب کـرد وپس‌از جلوس برتخت سلطنت اورا **اتابك‌اعظم** خواند و مقام صدارت عظمی بدو محول داشت . اتابك‌اعظم که بعدها به**امیرکبیر** معروف شد ، یکی از وزیران پرائر و نامدار ایران است . و بدوران کوتاه صدارت خویش فرو نشاندن آشوبهـا و استوارکردن پایه‌های سلطنت ناصرالدین‌شاه کوششها کرد وآشوب خراسان را به سال **۱۲۶۶** به‌دست **سلطان‌مرادمیرزا حسام‌ـ السلطنه** باکشتن حسن‌خان سالاروفرزند و برادرش فرونشاند .

ازوقایع‌دوران سلطنت ناصرالدین‌ـ شاه،گذشته ازفتنه‌سالار درخراسان،یکی بسط دعوت **سیدمحمد علی‌باب** وپیدایش مذهب بابی است که مقداری از نیروی دولت وفکر شاه متـوجه فرو نشاندن آشوبهای آنها بود .

ازاتفـاقات نامطلوب عهداین‌پادشاه قتل‌امیرکبیراست که بقول‌مورخان،بدترین اعمال ناصرالدین‌شاه و اشتباهی‌غیرقابل جبران بود . میرزا تقی خان امیرکبیر در مدت سه‌سال ودوماه وکسری‌صدارت درکلیهٔ شؤون مختلف‌کشور اصلاحـاتی عمیق بعمل آورد . ولی حسودان‌شاه را به او بدبین کردند. وموجب‌عزل و قتلش شدند و **آقاخان‌اعتمادالدوله نوری**وزیر شد درزمان این شاه بـرای اولین بـار وزارتخانه‌های عدلیه ، جنگ داخـله ، خارجه ووظایف‌تشکیل‌شد ومجلسی‌به‌نام مجلس شورای دولتی مرکب از وزیران واعیان وشاهزادگان تشکیل گردید.

در **۱۲۷۹** از طرف‌شاه کتابچه‌ای به‌نام دیوان عدلیهٔ عظمی‌صادرگردید .

درسال**۱۲۹۰** هجری‌قمری‌به‌تشویق مشیرالدوله و تهیهٔ مقدمات ملکم‌خان ناظم‌الملك سفیر ایران در لندن، عازم اروپا شد .

ناصرالـدبن شاه درمدت **۴۹**سال سلطنت غیر ازچند سال‌اول وآخـر‌بـا آرامش و امنیت‌حکومت کرد .

در **۲۳**ذیقعدهٔ**۱۳۱۳**درحرم‌حضرت عبدالعظیم با گلولهٔ **میرزا رضا کرمانی** شاه قدرتمندقاجارازپـا درآمد.ودرهمان حرم‌کنار قبرزن محبوبش**جیران** مدفون گردید .

مظفرالدینشاه .

(**۱۲۶۹ — ۱۳۲۴**هق)

پسرناصرالدین‌شاه‌پنجمین‌پادشاه‌سلسلهٔ قاجاریه‌درسال**۱۳۱۴** به‌تخت سلطنت‌نشست چند ماه بعد ، با انتصاب‌امین‌الدوله به صدارت ، امین‌السلطان راکنار گذاشت اقدامات امین‌الدوله‌درخشان واساسی‌بود ولی بدگویی‌بدخواهان موجب شدکه‌در سال **۱۳۱۶** فرمان عزل اوصادر شود و مجدداً امین‌السلطان‌به‌صدارت برسد،در



دورهٔ سلطنت مظفرالدین ، دو نوبت از روسیه‌قرض‌گرفته‌شد ودرآمدگمرك‌شمال به‌گرو رفت ودرمقابل‌مبلغی وام‌ازدولت انگلیس ،گمرك جنـوب نیز واگذار گردید، وی‌دوبار‌به‌اروپاسفرکرد.

از اقـدامات مفیـد ایشان اعلان مشروطیت‌است .

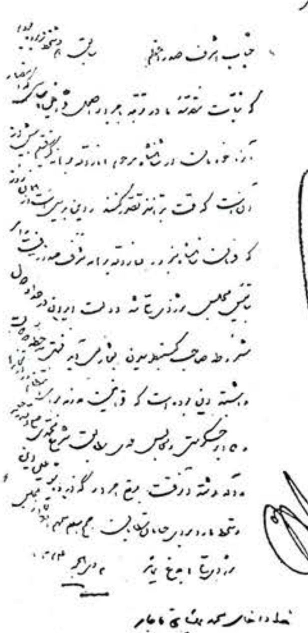
محمدعلیشاه.

(جلوس**۱۳۲۴**هق)

پسر مظفرالدین‌شاه ونوهٔ دخـتری



میرزاتقی‌ـ خان‌امیرـ کبیر، پس‌از جـلوس ، برای حفظ آزادی و قانون‌اساسی سوگند یاد کـرد ولی دیری‌نپایید‌که به‌صورتهای مختلف با عوامل مشروطیت مخالفت راآغازکرد ، و درسال **۱۳۲۶** مجلس‌رابه‌توپ‌بست، عده‌ای‌ازروحانیون را تبعیدوعده‌ای‌ازآزادیخواهان‌رااعدام کرد ولی مردم‌آرام ننشستند وستارخان وباقرخان وسرداراسعد وصمصام‌السلطنه بختیاری و محمد ولیخان سپهبدار اعظم



از نواحی مختلف ایران قیام کردند و صدر- اعظم وقت (عین الدوله) مأمور سرکوبی مجاهدین شد ولی کاری از پیش نبرد، در سال ۱۳۲۷ هجری قمری قوای مشروطه- طلبان وارد تهران شدند و محمد علیشاه به سفارت روس پناه برد و از آن تاریخ از سلطنت خلع و تبعید، شد.

احمدشاه قاجار.

(۱۳۱۴-۱۳۴۷ هق)

پسر محمدعلی شاه آخرین پادشاه سلسلهٔ



قاجاریه وی در دوازده سالگی پس از خلع محمد علی شاه به سلطنت رسید (۱۳۲۷ هق) و بسبب صغر سن مجلس شورای ملی عضدالملک را به نیابت سلطنت تعیین کرد. و پس از مرگ عضد الملک ابوالقاسم ناصر الملک این سمت را یافت، وی وطن پرست و نیکو سیرت بود ولی ضعف نفس داشت در نتیجه از سلطنت خلع شد (۱۳۰۴ هش) و با خلع او سلطنت قاجاریه منقرض گردید و پادشاهی به خاندان پهلوی منتقل گردید.

سلسلهٔ پهلوی

در ۹ آبانماه ۱۳۰۴ هجری شمسی انقراض سلسلهٔ قاجاریه بنا به تصویب مجلس شورای ملی طی ماده‌ای واحده تصویب واعلام شد مجلس مؤسسان بوسیلهٔ رییس حکومت موقت افتتاح شد و در ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ سلطنت به رضاشاه کبیر تفویض گردید.

از عواملی که در انقراض قاجاریه تأثیر داشت یکی اوضاع آشفتهٔ ایران درمدت جنگ جهانی اول بود بعداز دولت **وثوق الدوله** دولتهای دیگری همواره با بی پولی و ناامنی ودخالت بیگانگان مواجه بودند.

در اسفند ماه ۱۲۹۹ هجری شمسی قوای قزاق به فرماندهی رضاخان میرپنج از قزوین به تهران حرکت کردند و در کودتای سوم اسفندماه ۱۲۹۹ هجری شمسی تهران را فتح وحکومت وقت را ازمیان برداشتند ورضاخان ازطرف سلطان احمد شاه قاجار لقب سردار سپه گرفت ودر ۴ اردیبهشت ۱۳۰۰ وزارت جنگ را نیز علاوه بر ریاست دیویزیون قزاق بعهده گرفت در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی رییس- الوزراء شد.

نقشهٔ عزل احمد شاه و تغییر رژیم سلطنت به جمهوری از آن تاریخ طرح شد.

شاهان این سلسله:

۱- **رضاشاه کبیر**. مؤسس سلسله (جلوس ۱۳۰۴ هجری شمسی).

۲- **محمدرضا شاه آریامهر**. (جلوس ۱۳۲۰ هش)

رضاشاه کبیر.

(۱۲۹۵ هق-۱۳۲۳ هش)

مؤسس سلسلهٔ پهلوی و بنیان گذار



ایران نوین در سال ۱۲۹۵ در سواد کوه مازندران متولد شد چهل روزه بود که پدرش مرد ومادرش برای ادامهٔ زندگی اورا به تهران آورد تا به کمک خویشان شوهرش زندگی کند وقتی که سنی از او گذشته بود در پادگان قصر قجر انجام وظیفه میکرد و از آنجا خواندن و نوشتن آموخت و در این اثنا ازیکی از همقطارانش کمک میگرفت.

رضاخان به سبب شجاعت ورشادتی که داشت در خدمت نظام ترقی کرد و به درجهٔ سر تیپی و میر پنجی رسید و در سفرهای جنگی مهم چون جنگ **سالار الدوله** شجاعت بی نظیری از خود نشان داد، در جنگ جهانی اول جزء دستهٔ تیراندازان همدان بود و در سال ۱۲۹۶ درجهٔ سرهنگی ومقام فرماندهی داشت در این وقت اوضاع ایران سخت آشفته بود و کشور دچار بی پولی و ناامنی خرابی اوضاع اقتصادی قروض خارجی، مداخلات اجانب بود و گردنکشان از گوشه و کنار سر بر آورده بودند و عموم مردم وطنخواه آرزوی دولت مرکزی مقتدری داشتند.

پس از آنکه دست **وثوق الدوله** (عاقد قرارداد ۱۹۱۹) از کار کوتاه گردید **پیرنیا** (میرزا حسن خان مشیر الدوله) در ۱۲۹۹ هجری شمسی رییس الوزراء شد برای سرکوبی **میرزا کوچک جنگلی** لشکری از افراد ژاندارمری و قزاق به شمال فرستاد ولی نیروی دولتی پس از پیروزیهایی عقب نشستند فراریان رشت در تهران سروصدای زیادی بهراه انداختند واسباب ترس مردم شدند وهمهٔ مردم مایهٔ شکست را از فرماندهان روسی میدانستند.

رضاخان عدهٔ افراد خود را از بیراهه بازحمت فراوان به قزوین رسانید، دولت مشیرالدوله سقوط کرد **سپهدار اعظم** (فتح الله اکبر) در سال ۱۲۹۹ مأمور تشکیل کابینه گردید و ریاست قشون به **سردار همایون** (قاسم والی) واگذار شد در اواخر دلو ۱۲۹۹ هجری شمسی رضاخان که درجهٔ سرتیپی داشت به ریاست **آتریاد** تهران منصوب شد ودر شب سوم اسفند ۱۲۹۹ کودتا کرد وتهران را اشغال کرد وسلطان احمدشاه قاجار به او درجهٔ سرداری ولقب **سردار سپه** داد از این تاریخ تا سلطنت رضاشاه کبیر به ترتیب سید ضیاءالدین طباطبایی وقوام السلطنه ومشیرالدوله وقوام السلطنه ومستوفی الممالك ومشیرالدوله و بالاخره در ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ هجری شمسی رضا- خان به ریاست الوزرایی رسید.

سردار سپه در دولت سیدضیاءالدین وزیر جنگ بود واین سمت را تقریباً تا قبل از سلطنت بعهده داشت.

رضاشاه در دورهٔ وزارت خود ارتش را متحدالشکل وتمام سازمانهای مختلف را در ردیف قزاقخانه درآورد و به این ترتیب قشون واحد ایران تأسیس شد وتوانست تمام اشرار و متجاسرین را سرکوبی کند وانقلاب جنگل و شورش **لاهوتی** را نیز پایان دهد.

درسال هجری شمسی عشایر لر را به اطاعت درآورد وایلات **شاهسون** را خلع سلاح کرد وقلعهٔ **چهریق** را متصرف شد و**اسماعیل سیمیتقو** فرار کرد.

درسوم عقرب ۱۳۰۲ هجری شمسی، احمد شاه قاجار سردارسپه را به ریاست- الوزرایی برگزید ودر پنجم عقرب ۱۳۰۲ هیئت دولت به شاه معرفی شد واحمد شاه در ۱۱ عقرب همان سال عازم اروپا گردید و برقراری رژیم جمهوری بعمل آمد که بی نتیجه ماند.

ازاقدامات مهم دیگر رضاشاه کبیر سرکوبی شیخ **خزعل خان** در ۱۳۰۳ هجری شمسی است. دراین سال مجلس،

شورای ملی « ریاست عالیهٔ کل قوای دفاعیه امنیهٔ مملکتی » را با اختیارات کامل به وی تفویض کرد. و در نهم آبان ۱۳۰۴ مجلس شورایملی انقراض سلسلهٔ قاجاریه را اعلام کرد وحکومت موقتی را درحدودقانون اساسی وقوانین موضوعهٔ مملکتی به شخص سردار سپه واگذار کرد. پس ازآن انتخاب مؤسسان آغازشد ودر ۱۵ آذر ۱۳۰۴ بوسیله رضا خان افتتاح شد دراین مجلس درروز ۲۱ آذر ۱۳۰۴ سلطنت مشروطه ایران را بهشخص اعلیحضرت رضاشاه پهلوی تفویض نمود مراسم سوگند در روز سهشنبه ۲۴ آذر همان سال در مجلس شورایملی بعمل آمد واعلیحضرت فقید روز بعد برتخت سلطنت جلوس کرد ودرچهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ رسماً تاجگذاری کرد. (اقدامات مهم رضاشاه کبیر دربخش سلسلهٔ پهلوی ذکر شده است.)

درجنگ جهانی دوم بهعلت مشکلاتی که از تجاوز قوای شوروی و انگلیس به ایران پیش آمد ، اعلیحضرت فقیددر تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ هجری شمسی از سلطنت استعفا وتخت وتاج را بهپسر وولیعهدخویش **شاهپور محمدرضا پهلوی** واگذاشت و خود از تهران خارج شد و باکشتی از بندرعباس به جزیرهٔ **موریس** ودر ۲۳ مهر ۱۳۲۰ هجری شمسی به آنجارسید وپس ازچندی به **ژوهانسبورگ** رهسپار شد وسرانجام در ۴ مرداد ۱۳۲۳ هجری شمسی دار فانی را بدرود گفت . جنازهٔ اورا به قاهره بردند و درآنجا به امانت گذاشتند تا در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۹ هجری شمسی از مصر با تشریفات تمام بهحضرت عبدالعظیم آوردند و در مقبرهٔ مخصوص دفن کردند.

مجلس شورایملی در ۳۱ خردادماه ۱۳۲۷ عنوان رسمی اعلیحضرت فقیدرا رضاشاه کبیر قرارداد .

فرزندان اعلیحضرت فقید، گذشته از اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی **آریامهر** عبارتند از: والاحضرت **شاهدخت شمس پهلوی** ، والاحضرت **شاهدخت اشرف پهلوی** ، والاحضرت مرحوم **شاهپور علیرضا**(۱۳۰۱-۱۳۳۳ هش)، والاحضرت **شاهپور غلامرضا** ، والاحضرت **شاهپور عبدالرضا**، والاحضرت **شاهدخت فاطمه پهلوی** ، والاحضرت **شاهپور احمدرضا**، والاحضرت **شاهپور محمود رضا** ، والاحضرت **شاهپور حمید رضا** .

آریامهر (محمد رضاشاه پهلوی) .
(متولد چهارم آبان ۱۲۹۸ هش)

درهشتم بهمن ۱۳۰۴ رسماً بنا بهامر اعلیحضرت رضاشاه کبیر به ولایت عهدی منصوب شد . و در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ بهنام محمدرضاشاه پهلوی بهمجلس رفتند وسوگند یادکردند.

آغاز سلطنت شاهنشاه آریامهر ، مصادف با مشکلاتی ناشی ازجریان جنگ جهانی دوم ووقایع بعدازآن بود .

اعلیحضرت شاهنشاه، برنامه پدر را در واردکردن تمدن غرب بهایران تعقیب کرد وکشور را درراه ترقی وتماس قرار دادند وبااجرای لوایح انقلاب سفیدسیستم اجتماعی مملکت را تغییردادند .

در ۲۹ آبانماه ۱۳۳۹ با علیاحضرت فرح شهبانوی ایران وصلت کردند فرزند ذکورایشان شاهپور رضاپهلوی ، ولیعهد ایران در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۳۹ هش. متولد شد .

شاهنشاه در ۴ آبانماه ۱۳۴۶ رسماً تاجگذاری فرموده ودراین روزعلیاحضرت شهبانو نیز به نام نایب السلطنه تاجگذاری فرمودند .

شاهپوررضادوم، ولیعهدایران .
فرزند محمدرضاشاه پهلوی آریامهر ولیعهد ایران (ولادت ۹ آبان ۱۳۳۹ هجری شمسی).

القاب سلاطین ایران

آریامهر، لقب اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی.
ابوالحسن ، لقب بهاءالدوله از امیران دیلمی ری وهمدان واصفهان.
ابوالحسن، لقب علی ، از دیلمیان ری و همدان واصفهان.
ابوالحسین ، لقب حسن آل بویه.
ابوالفوارس، لقب شیرذیل بن خسرو ، از دیلمیان فارس.
ابوشجاع، لقب خسرو بن حسن ، ازسلسلهٔ دیلمیان فارس.
ابوطالب، لقب رستم ازدیالمهٔ ری وهمدان اصفهان.
ابوطاهر، لقب شمس الدوله پنجمین امیر دیلمی ،ری وهمدان واصفهان.
ابوکالیجار ، لقب مرزبان بن خسرواز دیلمیان فارس.
ابومنصور، لقب مؤیدالدوله، ازدیلمیان اصفهان.
ابونصر، لقب فیروز پنجمین امیردیلمیان عراق.
الملك الرحیم؛ لقب خسرو فیروز پسر ابوکالیجار، ازدیلمیان فارس .
امیرسعید، لقب امیرنصربن احمدسامانی.
امین الملة، لقب سلطان محمود غزنوی .
انوشیروان عادل ، لقب خسرو اول از سلسلهٔ ساسانی .
باافتخار ، لقب اشك اول از سلسلهٔ اشکانی.
بزه‌کار، یزدگرد اول ، از سلسلهٔ ساسانی.
بهاءالدوله ، فیروز . از سلسلهٔ دیالمهٔ عراق.
بهاءالدوله، فیروزپنجمین امیر دیلمان عراق.
بهاءالدوله، لقب علی بن مسعوداز سلسلهٔ غزنوی.
پرویز، لقب خسرودوم ازسلسلهٔ ساسانی.
جلال الدوله ، لقب ابوطاهر، از امرای دیالمهٔ عراق .
جلال الدوله، لقب سلطان محمدبن محمود، ازسلسلهٔ غزنوی.
خاقان مغفور ، لقب فتحعلیشاه از سلسلهٔ قاجاریه.
خمام‌الدوله ، لقب مرزبان هفتمین امیر دیلمیان فارس.
داعی صغیر، لقب حسن بن قاسم از علویان طبرستان.
داعی کبیر، لقب حسین بن زید؛ ازعلویان طبرستان.
درازدست ، لقب اردشیر اول از سلسلهٔ هخامنشی.
درازقد، لقب حسن بیك از سلسلهٔ آق قویونلو .
ذوالاکتاف ، لقب شاپوردوم ، از سلسلهٔ ساسانی.
ذوالیمینین ، لقب طاهر بن حسین از طاهریان.
رکن الدوله، لقب حسن از سلسلهٔ آل بویه.
سکانشاه ، لقب بهرام سوم ، از سلسلهٔ ساسانی.
شاه بزرگ ، لقب تیرداد اول از سلسلهٔ اشکانی.
شاهنشاه، برای اولین بار لقب مهرداداول ازسلسلهٔ اشکانی .
شرف الدوله ، لقب شیرذیل بن خسرو ، از دیالمهٔ فارس.

شرف‌الدوله لقب ابوعلی حسن اولین امیر دیالمهٔ عراق.
شمس‌المعالی، لقب قابوس بن وشمگیر آل‌زیار.
شهاب‌الدوله، لقب مسعودبن محمود، از سلسلهٔ غزنوی.
شهاب‌الدوله، لقب‌مودودبن مسعود ، از سلسلهٔ‌غزنوی.
شیرویه، لقب‌غباددوم، ازسلسلهٔ‌ساسانی.
صمصام‌الدوله، لقب‌مرزبان‌بن خسرو ، ازدیلمیان‌فارس.
عزالدوله، لقب‌بختیار بن‌احمد، ازدیلمان عراق .
عضدالدوله ، لقب‌خسروبن حسن‌سومین امیر دیلمان‌عراق .
عمادالدوله ، لقب مرزبان سومین امیر عراق از سلسلهٔ دیالمه.
عمادالدوله، لقب‌علی‌ازسلسلهٔ آل‌بویه .
فخرالدوله، لقب‌علی، ازدیالمهٔ‌ری‌وهمدان واصفهان.
فلك‌المعالی ، لقب‌منوچهرآل‌زیار.
قوام‌الدوله، لقب‌ابوالفوارس. امیردیلمان کرمان.
کبیر، لقب رضاشاه پهلوی .
کبیر، لقب‌کوروش‌ازسلسلهٔ‌هخامنشی.
کبیر. لقب‌شاه‌عباس‌صفوی .
کرمانشاه ، لقب بهرام چهارم از سلسلهٔ ساسانی .
گور، لقب‌بهرام‌پنجم ازسلسلهٔ‌ساسانی .
گورکان ، لقب امیرتیمورلنگ ازسلسلهٔ گورکانیان.
مجدالدوله ، لقب رستم ازدیالمهٔ ری و همدان‌واصفهان.
معزالدوله ، لقب‌احمدازسلسلهٔ‌آل‌بویه.
منکبرتی ، لقب سلطان جلال‌الدین ، از خوارزمشاهیان.
ناصرکبیر، لقب حسن‌بن‌علی، ازعلویان طبرستان.
نیکوکار، لقب‌اردشیردوم‌ازسلسلهٔ‌ساسانی.
وکیل‌الرعایا، لقب کریمخان‌زند .
یمین‌الدوله ، لقب‌سلطان‌محمودغزنوی.

کارنامهٔ سلسله‌های شاهان ایرانی

کارهای دولت‌ماد .

دولت ماد طوایف‌ایرانی را تدریجاً متحدگردانیده‌سپاه‌منظم‌و نیرومندتشکیل داد . دفتر و دیوان‌پادشاهی‌ایجادومردم را بنوشتن عرایض و مطالب خود مأمور و از این راه خواندن و نوشتن‌راتشویق و برتوسعهٔ علم و ادب افزود .

دولت آشورکه‌دشمن‌آبادانی وترقی ممالك همسایه بود به نیروی مادی- ها سرنگون گردید وحدود ماد از رود **هالیس** تاکنار **جیحون** امتداد یافت. آبادی‌وزیبایی شهرهمدان درعهدطوایف **سکایی** وتاخت وتازآنان ازسمت‌شمال- غرب‌با تدبیر وشمشیر مادی‌هاعقیم‌ماند. خانوادهٔ مادی به دست‌کوروش بزرگ‌از پادشاهی افتادند وخانوادهٔ هخامنشی خویشاوند مادیها جای آنان راگرفتند.

کارهای دولت هخامنشی.

این دولت ازساحل دریای **مغرب** (مدیترانه) تاکنار **سیحون** وحدود**هند** جاده‌های سنگ‌فرش و ارابه رو ساخت. درطول راهها همه‌جاکاروانسراها بناکرد که مسافت بین‌دوکاروانسرا از پنج فرسخ بیشتر نبود . همچنین چاپارخانه‌های سریع‌السیر و منظم و دایمی ایجادنمود. **ترعهٔ سوئز** را این دولت حفرکردکه اقیانوس هند وبحر احمر از راه‌شط نیل به دریای مغرب متصل گشت . ایجاد و برقراری قراولان‌امنیه در طول‌جاده‌ها. ایجاد تفتیش طرق و تحقیق آمد ورفت قوافل و مسافرین . تجزیه‌کارهای قضایی از کشوری و امورکشوری ازلشکری و سپردن هریك از این سه امر به‌مأمورین جداگانه . ایجاد تفتیش دولتی واعزام مفتشین مرکزی‌به وارسی‌دوایر ولایات . تشویق در استخراج معادن‌وتوسعهٔ‌فلاحت اعزام مأمورین به اکناف دنیا برای اکتشافات‌جغرافیایی‌ونقشه برداری. ایجاد انجمن ادبی برای اصلاح لغت‌وتحقیقات علمی در شهر **همدان** ایجاد دفاتر روزنامه در مرکز وایالات برای ثبت وقایع و حوادث یومیه . تحقیقات علمی و فلسفی درآیین وآداب ملل. سرکوبی طوایف‌وحشی مقیم روسیه اروپایی .سر- کوبی طوایف وحشی مقیم دشت**قبچاق** وشمال شرق‌ایران ، همه‌ازکارهای‌بزرگ و شگفت انگیز دولت هخامنشی‌است.در عهد این سلسله علوم‌کیمیایی ودواسازی ترقی عظیم‌کرد صنایع دورهٔ هخامنشی دونوع بود **صنایع‌پارسی** ومادی ودیگر صنایع ملل و اقوام تابع ایران صنایع پارچه بافی زربفت و پرنیان و قالی بافی با نقشهای حیرت انگیز وهرگونه اسباب خانه ولوازم معیشت و مدنیت در مملکت شاهنشاهی‌ساخته می‌شد . درعهد هخامنشی‌ایرانیان‌برتخت خفته‌وبرکرسی نشسته برمیز میخوردند . درحالی‌که یونانی‌ها وسایراروپاییان برزمین‌نشسته وچغندر میخوردند وبعدها اعیان‌آنها از ایرانیان‌کرسی نشستن را تقلیدکردند . درآن دوره‌یونانی‌های‌آتن‌طغیان‌ورزیده شهر **سارد** را آتش زدند و لشکرهای ایران، به تلافی‌تاآتن تاحته وآن‌ولایت را سوختند . از اواسط دورهٔ هخامنشی شهرهای اسپارت وآتن تحت‌نفوذ دولت ایران درآمد وجمیع یونانیان با رغبت به‌اوامرشاهنشاهی گردن می‌نهادند واین حال تا عهد **اسکندر** ادامه‌داشت .

همچنین سراسر ایران به‌سی‌قسمت تقسیم‌گردیده هر منطقه‌ای **راخشترپاون** (شهربان)اداره می‌کرد. وایجادسازمانی (در زمان‌داریوش‌کبیر) به‌نام‌چشم‌وگوش شاه جهت اطلاع ازکردار حکام وافراد با نفوذ لشکری وکشوری .

وضع مالیات که به دوطریق وصول می‌گردید : جنسی ونقدی . تشکیل سپاه جاویدان .

کارهای دولت اشکانی .

دولت اشکانی در نتیجه اخراج یونانیان‌کسب محبوبیت بزرگی کرده ملوك‌الطوایف‌و مردم‌بلادایرانی‌اشکانی‌ها را به‌شاهنشاهی خود شناختند . قرارداد خاندان اشکانی با پادشاهان واهالی بلاد ایران چنان بودکه‌آنهادرکارهای‌داخلی خودآزاد باشند اما هرساله برای‌ادارهٔ امور شاهنشاهی مبلغی‌کمك مالی‌کنند و هنگام حدوث جنگ‌خارجی بالشکرها به اردوی بزرگ بپیوندند وسیاست‌خارجی ممالك ایران منحصراً با دولت مرکزی باشد.شواهد عدیده داریم‌که‌هنگام‌حدوث جنگهای داخلی ملوك‌الطوایفی ایران مختار بوده‌اندکه بیطرف بمانند. دولت اشکانی حدود ایران را از سمت شرق در هند وسیع‌گردانیده از سمت مغرب رود فرات و از شمال تا دشت **قبچاق** و ماوراء جبال‌قفقازوشمال بحرخزرامتداد بخشید . بزرگترین قدرت‌نمایی‌اشکانیان آن بودکه طلوع و نشو و نمای آنها با زمانی مصادف گشت‌که جمهوری روم به اوج‌عظمت و قوت‌رسیده براروپا **وافریقا** و سوریه وآسیای صغیرفرمانرواگردیده

تمام قوا و حواسش را به تصرف ایران وهند متوجه ساخته بود . با این حال شاهنشاهی اشکانی فقط به اتکاء وطن پرستی ایرانیان به میدان روم رفت و نه تنها از تقدم قشونهای منظم آن دولت جلوگیری کرد، بلکه چنان قدرتی نشان داد که دولت روم به همدوشی وی اذعان نمود و مورخین بزرك رومی همه جا شاهنشاهی اشکانی را با عنوان برابری وهم زوری روم معرفی نموده دنیای متمدن را ارث شرعی آن دو دولت میخوانند . یعنی نماینده وحامی ملل مشرق دولت اشکانی و نماینده مغرب دولت روم شناخته میشد . از کارهای بزرك دولت اشکانی توجه خاصی بود که نسبت به تجارت داشتند. در آن زمان دولت ایران تجارت ابریشم چین و محصولات هند را که مورد احتیاج مغرب بود منحصراً به دست ایرانیان نگهداشته بود و تمام مساعی روم و کوششهای چین وهند براینکه بتوانند روابط مستقیمی با یکدیگر پیدا کنند عقیم مانده وعموماً تجار روم ناچار بودند محصول و امتعهٔ شرق وسطی واقصی را از بازرگانان ایرانی بگیرند. این وساطت ایرانی در تجارت منافع هنگفتی عاید مملکت ساخته طلای روم دایماً بسمت ایران جاری میگشت . در این عهد چون ایران با دشمن خطیری مانند روم مقابل بود دوایر تفتیش در تمام مملکت فعالیت بزرگی داشت و حتی دردروازه‌های شهر علاوه بر پرسش اسم ورسم از قیافهٔ اشخاص تازه وارد نقش برمیداشتند . دولت اشکانی درحدود ممالك ایران دوایر گمرکی مقرر داشته بود که از امتعهٔ وارد وصادر صورت برداشته وصدی پنج از قیمت واردات حقوق اخذ میکردند اما صادرات از پرداخت هرحقوقی آزاد بود .

جنگهای بزرك دولت اشکانی با روم برسر ارمنستان مشهور است و بالاخره ایران موفق شد سلطنت ارمنستان را در خاندان اشکانی نگاه دارد.

ایجاد مجلس مهستان (مغستان) که از دو مجلس شاهزادگان (شورای خانوادگی) ومجلس بزرگان وروحانیون (مجلس سنا) یکی از وظایف مجلس مهستان انتخاب پادشاه بود که غالباً پسر پادشاه را بجای او بر میگزیدند مگر زمانی که فرزند او بی کفایت بود و یا به سن رشد نرسیده بود دیگری (برادر شاه یا عم او) را به سلطنت برمیداشتند ، ومجلس مهستان درصورتی که پادشاه پس از انتخاب شدن رویهٔ خود را عوض میکرد و برخلاف منافع کشور عملی انجام میداد میتوانست اورا از سلطنت خلع نماید ، حکامی که آنها را **ویتاکسا** (بدخشن)مینامیدند به کشورهای خود روانه میکردند تا در کارهای شاهانی که تحت نفوذ شاهنشاه قرار داشتند نظارت نمایند .

کارهای دولت ساسانی .

دراواخر عهد اشکانیان دولت روم که ازوساطت ایران در تجارت شرق وغرب به جان آمده وپیوسته درکشش و کوشش بود که راه مستقیمی برای ارتباط خود پیدا کند موفق شد ازطریق دریا وسواحل مصر که یك ایالت روم بود با جزیرهٔ **سراندیب** وسواحل هند ارتباط مستقیم حاصل کند وهمه ساله کشتی‌های بادبانی رومی درجهت موافق باد موسمی ازمصر لنگر کشیده چهل روزه به هند میآمدند وبا بادهای مخالف که موسم بعد میوزید برمیگشتند، دولت اشکانی چون قوهٔ بحریه مکفی نداشت از سه راه دریا عاجز ماند وهمین نقیصه یکی از اسباب عمدهٔ نارضاییهای ایرانیان شده بود زیرا تدریجاً تجارت ازکف ایرانیان بیرون میرفت وفقر اقتصادی ظهور مینمود دولت ساسانی ازبدو تشکیل خود به ایجاد بحریه پرداخت **اردشیر** بدواً ایرانیان را به همراهی اعراب بحر پیما در کشتی‌ها میگماشت تا دریانوردی را بیاموزند اما مدت کمی نگذشت که این شاگردان از استادها گوی سبقت ربودند و هوش نژادهای ایرانی درکار بحرپیمایی نیز قدرت نمایی کردهٔ به جایی رسید که بعدها علمای عرب ملاحان ایرانی را ماهرترین دریانوردان دنیا شمرده و اطلاعات آنان را نسبت به بحار بی‌نظیر خوانده کشتی‌های ایرانی را مورد اعتماد همهٔ مسافرین معرفی مینمودند بالجمله درعهد **شاپوراول** کشتی‌های ایران سواحل خلیج فارس وعمان را منظم ساختند وچون دورهٔ **شاپوردوم** رسید جهازات ایران در سواحل غربی، اثبات تسلط و تدریجاً دراقیانوس هند عرض وجود کردند ومدت کمی برجهازات رومی تفوق جسته آنها را ناگزیر ساختند که از سواحل مصر دورتر نیایند وبالاخره بحریهٔ ایران در اقیانوس هند یگانه قوهٔ قادره گردید ادارهٔ سیاست خارجی ساسانیان نیز لیاقت شگفت انگیزی بروز میداد چنانچه پادشاهان هند وجزایر اقیانوس را که فریب خورده متعاهد روم شده بودند درا ندك مدتی چنان مجذوب ایران گردانید که آمد ورفت تجار اتباع روم درحدود هند وجزایر ممنوع گشت وحتی تدابیر سیاسی (دیپلوماسی) ایران درشبه جزیرهٔ ایتالیا نیز کار کرده **ویزیگت‌ها** را بر علیه امپراطوری **بیزانس** برمی‌انگیخت ودر عین حال قوت فضایل اخلاقی وعلو نفس درایرانیان عهد ساسانی بحدی بود که وقتی امپراطور روم وصیت مینمود که شاهنشاه ایران قیم فرزند صغیر وی شده نگهبان سلطنتش گردد با نهایت جوانمردی ونیکوکاری این وظیفهٔ سنگین را نسبت به دشمن ایفا در طول سالهای دراز انجام میدادند دولت ساسانی در سیاست اقتصادی نیز بحد کامل زبر دست بود چنانچه اصول حمایت ازتجارت وتعقیب رویهٔ اشکانیان در انحصار تجارت شرق وغرب به دست ایرانی، کار روم را به جایی رسانید که در صدد ترك امتعهٔ شرق یعنی (بایکوت) افتادند و کشیشان بر منابر مردم را از پوشیدن بافته‌های ابریشمی منع میکردند اما پیشرفت نکرد بطوریکه مورخین رومی مینویسند عامل عمدهٔ فقر اقتصادی و بالاخره انحطاط وزبونی روم سیاست دولت ساسانی است واما در داخله ساسانیان ملوك الطوایف را برداشته مرکزیت را استوار کردند دین زرتشتی را که رو به زوال میرفت اصلاح کرده رسمیت بخشیدند اوستا را جمع آوری کردند وتفسیری بر آن به نام **زند** نوشتند از تبلیغ ادیان ومذاهب مختلفه جلوگیری نمودند و مخصوصاً با دیانت عیسوی که به سرعت عجیبی شایع میشد وشیوع آن مستلزم بسط نفوذ معنوی روم در داخلهٔ ایران میگشت بسختی جلوگیری کرده با وسایل وتدابیر عمدهٔ کشیشان ایرانی نژاد و وطن پرست را تاییدات سری دادند تا موفق شدند مسیحیان ایران را از پیروی کلیسای روم منصرف و حتی دشمن آن بسازند کشیشان ایرانی مذهب **نستوری** را بر علیه کاتولیکی روم ایجاد کردند و مرکز اقامتگاه پیشوای بزرگ **نستوری** را با کلیسای آن در پایتخت شاهنشاهی قرار دادند و حتی دعاها ونماز آنها به زبان پهلوی خوانده میشد. دولت ساسانی معادن مختلفه را درداخل مملکت استخراج میکرد وامتعه و پارچه‌های پنبه وپشم وابریشم وزربفت

وپرنیان و قالی و غیره در ایران بساز چنان ممتاز وزیبا بافته میشدکه درنظر اهل جهان مقبولیت فوق‌العاده یافت و هنوز هم‌ازچیت‌های‌منقش ایران ساسانی درکلیساهای مغرب دیده میشود . فن معماری نقاشی سنگ تراشی‌وپیکرسازی و شیشه‌گری واسلحه سازی و استخراج و تراش بلورمعدنی دراین عهد ترقیات عمده نمود . صنعت شیشه‌گری در این عهد ازسمت بلخ بوسیلهٔ ایرانیان به چین وارد شد . دولت ساسانی به توسعهٔ تعلیمات اهمیت مخصوصی داده مأمورین مخصوصی به نام (**اموزپت**) رییس تعلیمات به ولایات مأمور میکرد. برای تعلیم طب وفلسفه دارالعلم ساخته‌کتب علمی وادبی را مقررداشت‌ازسایرزبانها به پهلوی ترجمه‌کنند ونیزدولت‌ساسانی در ایران بـه ایجاد بیمارستان عمومی پرداخت‌که فقراء مجاناً معالجه شوند . نظامات قشون ایران وطرزساختمان‌قلاع جنگی‌وترقی‌نمودن‌نظامی‌درعهدساسانیان مایهٔ اعجاب مورخین روم وعرب‌گردیده تعالی حس فداکاری و وطن پرستی‌درآن عهد مابین ایرانیان تا جایی رسیده بودکه دستجات‌کوچك ایرانی درمقابل عدد بزرگ دشمن باآنکه میدانستنداز فداکاری‌خودنتیجه‌نخواهندگرفت‌مقاومت نموده پیشنهاد صلح را رد میکردند تا آخرین فردآنها به خاك نمی‌افتاد دشمن نمیتوانست یك قلعهٔ‌کوچك سرحدی را را مسخرسازد زیرا بـه عقیدهٔ هموطنان آن عهد ننگی‌بالاترازآن نبودکه‌ایرانی زنده باشد ویك وجب ازخاك‌شرابیگانه اشغال‌کند.

دراین عهد سپاه جاویدان (سپاه‌ده هزارنفری‌دورهٔ هخامنشی) تجدیدگردید. سراسرایران را به چهار **پادگس** تقسیم نموده هرقسمت به یك **پادگسبان** سپرده شد.

ایالات بزرگ به استانهایی تقسیم میشدکه حاکم‌آنرا **استاندار** مینامیدند. استانها به نواحی‌کوچکتری به نام **شهر** تقسیم میشدکـه مرکز آن راشهرستان میگفتندوحاکم‌شهررا**شهریك**میخواندند **روستاها** را هم **دهیك** یا **دهسالار** اداره میکرد . دردورهٔ ساسانیان‌مالیات به دوطریق وصول میشد؛یکی مـالیات ارضی‌که از محصول زمین‌گرفته میشد و دیگرمالیات‌سرانه‌که ازکسانی‌اخذمیشد که ملك نداشتند.

کارهای دولت صفاری.

بزرگترین‌کار این دولت همان بود که ایرانیان‌را جرأت بخشود وبه‌همگان فهمانیدکه ایران از آن ایرانی است و بس . در در بار صفاریان برای نخستین بار بعد از دوقرن به زبان فارسی رسماً سخن رانده شد و نـامه نوشتند و شعر سرودند .

کارهای سامانیان.

سامانیان‌باشتاب و سرعت‌شگفت‌انگیزی‌به احیای زبان وادبیات وآیین ورسوم ایرانی پرداختند ووطن پرستان ایران ازهرجانب به‌دورآنان‌گردآمدند وبرای نخستین بار ایرانی جرأت کرد که نژاد عرب و بیگانه را تحقیرکند و غرور ملی خودرا ظاهر سازد. در ایـن دوره تاریخ ایران را از روی آثار و نوشتجات پهلوی وداستانـهای ملی‌گرد آوردند و آنرا به زبان فارسی نـوشته منتشر ساختند . تاریخ مزبور درزبـان مورخین به شاهنامه نثری مـوسوم است که حـکیم **ابوالقاسم فردوسی** آن را بعدها به‌نظم‌آورده است.ایرانیان‌درپرتو سلطنت سامانی روح و دل باخته را باز یافته چنانچه ضمن داستان تسلط عرب برایران خصوصاً درنامهٔ**رستم‌فرخ‌هرمز** به برادرش که شاهنامهٔ فردوسی روایت میکند می‌بینیم معایب ومفاسدوکـذب و نفاق وحقارت عـرب را آشکارا حکایت نموده ودق دلی درآورده‌اند.

بالجمله بایـد اعتراف نماییم‌کـه سلطنت صفاری تـخم استقلال سیاسی را پاشید و سامانیان علاوه برآبیاری آن نهال استقلال حقیقی را نیز کاشتند یعنی زبان و ادبیات فـارسی را به طریقی‌که امروزه به ما میرسدآفریدند و تـاریخ ایران را تاآنجاکه بـه دست رس خود یافتند برای ایجاد و اتحاد ملت نویـن ایران و اعـادهٔ غرور ملی وحس وطن دوستی واستقلال طلبی‌تدوین‌کرده‌منتشر ساختند وعلماءایران‌که‌عادت‌کرده‌بودند درزبان عربی‌کتب خودرا تألیف‌کنند با تشویق‌سامانیان به‌نگارش تصانیف‌فارسی آغازیدند.

در عهد سامانیان تجارت ایران و چین‌رونق‌گرفت وصنایع ایرانی بازروی کارآمد وبالاخره دراین دوره‌نام ونشان گمگشتهٔ ایران باکوکبهٔ مخصوصی‌هویدا شد در حالیکه عدهٔ بزرگی از حکماء و علماء و شعراء واطباء واهل صنایع و فنون پیشاپیش‌آن غاشیه میکشیدند.

کارهای دولت آل بویه.

بزرگترین خدمت آل‌بویه به وطن آن بودکه مذهب شیعه را اعلام وتقویت نمودند و بدین وسیله نفوذخلفای‌عباسی را بی‌اندازه درایران‌خفیف ساختندزیرا به مذهب اهل‌سنت، خلیفهٔ عرب منزلـه اولوالامروامیرالمؤمنین‌داشت وباآنکه پادشاهان صفاری وسامانی استقلال‌کامـل یافتند برای مراعات مردمان مـذهبی و پراعتقاد ناچار بودندبرای خلفای‌عباسی سلطهٔ مخصوصی قایل شوند ولی‌آل بویه بااتکاء به مذهب جعفری (ع) به‌آخرین موهوماتی‌که علت تقدم اجنبی بودپشت پا زده حتی شهربغداد را اشغال و خلفا را دست نشاندهٔ خویش گردانیدنـد و مخصوصاً لقب شاهنشاهی را پس‌ازسه‌قرن منسوخیت دوباره اختیارکردند.

درصورتیکه قبل از ایشان هیچیك از پادشاهان مسلمان ایران‌بانهایت‌میلی که به این عنوان‌موروثی داشتند جرأت قبول‌آن را ننمودند درعهدآل‌بویه ذوق معماری ونقاشی روز افزون‌گشت‌زیـرا مذهب شیعه برخلاف سایر مذاهب‌اسلامی نقاشی را مجاز شمرده است هم درایـن عهد بیمارستانها و ابنیه خیریه دیـگر مانند مساجد و بندها وغـیره ساخته‌شد که‌بزرگترین‌آنها‌بند **امیر** است‌درفارس این بندازعجایب‌صنعت‌شمرده‌شده‌منافعش برای فلاحت مشهور است.

کارهای غزنویه.

خدمات غزنویه به زبان فارسی و ادبیات و تاریخ ایران نه بحدی است‌که در این‌مختصر گنجد وحقیقتاً بایدبگوییم که غزنویه قدم‌به‌قدم همان سیاست‌ملی‌را که سامانیان ازپیش‌گرفته بودند پیروی کرده‌ونهال‌این دوستی راکه‌آنها‌کاشتند اینها پرورانیده بحدکمال رسانیدند . در این عهد دفترها ودیوانهای دولتی‌به زبان فارسی نگاشته شده دفاتر مالیاتی نیز ازعربی به‌فارسی‌تبدیل یافت.

درعهد غزنویه زبان فارسی به هند واردگشت زیرا نخستین‌دولتی که‌بعداز اسلام منظماً در هندوستـان به فتوحات پرداخت‌دولت‌غزنوی‌بوده ودربارغزنویه

آداب ورسوم وزبان وادبیات ایرانی را از غزنین به هند برده رایج گردانید. شاهنامهٔ فردوسی در این‌عهد انجام‌یافت وعلمای بزرگوار وکتب‌علمی‌بسیار وشعرای عالی مقداردراین‌دوره پدیدآمده‌صنایع وفنوق در این دوره به‌اوج‌ترقی رسیدو تجارت وثروت توسعه بیشتری‌یافت.

کارهای‌دولت‌سلجوقی.

دولت سلجوقی به علوم ومعارف و ادبیات پارسی خدمات بی نظیری کرده و درحقیقت نهالی را که گفتیم پس از سامانیان غزنویه پرورانیدند سلجوقی‌ها به‌میوه رسانیدندبطوریکه‌عهد سلجوقی‌ها تمدن ایرانی بـه‌کمال رسید و مساعی دویست‌ساله فرزندان‌ایران دراین دوره نتیجه بخشید. درپرتو دولت سلجوقیان است که رصدخانهٔ استادبزرگ‌**عمرخیام** ایجادمیشودودرآن عهد است‌که ماههای عربی به فارسی تبدیل‌یافته فروردین و اردیبهشت باز رونق‌مخصوصی میگیرد. واقعاً رسمیت یافتن تقویم مشهور**جلالی** که به‌نام **جلال‌الدین‌ملکشاه** نامیده‌شده است گواهٔ روشنی است بر عصبیت ملی اولیای دولت آن عهد. هرگاه در نظر بگیریم که‌همیشه‌تشویقات‌پادشاهان راهبر وسرمشق‌اتباع‌آنها بوده‌است‌بایستی‌غرور قومی‌ونژادی‌ایرانیان آن زمان‌رانتیجه سیاست ملی‌دولت‌سلجوقی بدانیم.درعهد سلجوقی‌ها حدود ایران از ساحل‌دریای مغرب(مدیترانه)تا دیوارچین وازاقاصی خوارزم و حدود قبچاق تـا نزدیکـی **قسطنطنیه**امتدادیافته‌بود،درنتیجه‌استقرار یك شعبه ازسلجوقیان به پادشاهی‌آسیای صغیر زبان فارسی درآنجا رسمیت‌یافت‌و تمام‌منشآت‌ودیوان ودفتردرآن سرزمین به فارسی بود و بعد از آنکه عثمانی ها جانشین ایشان شدند نیز همچنان باقی ماند تا دورهٔ سلیمان قانونی‌که‌ازفارسی به ترکی تبدیل‌گردید.

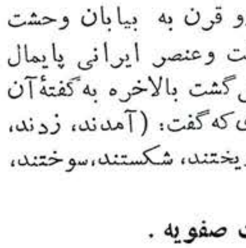
علوم طبیعی وکیمیا (شیمی) وطب ونجوم در عهد سلجوقی‌ها به اوج کمال رسید صنعت معماری طرز خاصی بخود گرفت بیمارستـانها و مدارس بسیار در این عهد ایجاد وبه منتهای رونق خود رسید. تجارت ایران دراین‌عهدجهانگیر بوده وفلاحتش با تدبیراولیای دولت به ترقیـات حیرت‌انگیـزی رسیـده است **خواجه‌حسن‌نظام‌الملك طوسی** یکی از سیاستمداران و قانون گزاران شهیر و نابغهٔ ایران دراین دوره وزارت‌داشته و خدمات بزرگی نسبت به وطنش انجام داده‌است.

کارهای خوارزمشاهیان.

خوارزمشاهیان‌کاربـزرگی انـجام ندادندجزآن‌که‌دولت ترك‌های‌قراختایی راکه از سمت شمال شرق همسایهٔ ایران ونسبتاً‌مردمی‌متمدن‌تربودندبرانداختند.

دولت قراختایی‌ها مابین ایران و مغولستان مانند سد مطمئنی‌محسوب‌میشد وچون‌برافتاددولت‌خوارزمشاهی‌خاکهای آن را متصرف شدناچار با طوایف‌مغول همسایه‌گشت. بدبختانه درآن عهدمابین مغولان، چنگیزخان پدیدگشته موفق شد طایفه‌های متشتت مغول را متحد گرداند وآنان را عوض دریدن یکدیگر به‌جان مردم‌بیگانه بیندازد. دولت‌خوارزمشاهی به سوء تدبیر گرفتار بود و نتوانست با چنان همسایهٔ خطیری نرد سیاست بازد وبالنتیجه جنگ‌جهانسوزآغاز و چندین هزار ازگرگان‌آدمی خوار روبه مغرب روان‌گردیدند چنان‌آتشی افروختند که اگر هزاران سال بگذردمحال‌است‌نتایج دهشت‌آمیز ونفرت انگیز آن را تاریخ فرامـوش کند مختصر آن که گلستان ایران درطی دو قرن به بیابان وحشت خیزی‌تبدیل‌یافت وعنصر ایرانی پایمال و حوش تورانی‌گشت بالاخره به‌گفتهٔ‌آن بخارایی فراری‌که‌گفت: (آمدند، زدند، بستند، کشتند، ریختند، شکستند، سوختند، رفتند).

کارهای دولت صفویه.



شاه عباس صفوی

بزرگترین خدمات‌صفویه یکی‌تشکیل ملت ایران یعنی اعاده حس قومی و اشتـراك منافع‌وایجاد تعـصب و غیرت‌وغرور ملی بود ودیگری‌جلوگیری ازتهاجمات محوکنندهٔ تورانیان‌که از دوجانب‌دایماً ایران‌رابه طریق‌مدهشی‌تهدید میکردند، دولت صفوی باترویج وتبلیغ مذهب‌شیعه عقاید صدرنگ و احساسات مـتضاد را یکرنگ‌گردانیدوجامعهٔ‌یگانه‌ای‌تشکیل دادکه هنوزبرجامیباشد. رسمیت‌مـذهب شیعه در ایران‌باعث شدکه‌ایرانیان‌برای حفظ جامعهٔ خود ازحملهٔ خـارجی دفاع کنند اما با مذهب اهل سنت این تعصب وجودنداشت‌زیرا به عقیدهٔ مسلمان‌سنی، اسلام قومیت را ردکرده هرمسلمی‌کـه دارای شمشیر برنده یعنی اقتدارباشد و ازعهدهٔ حفظ حدود اسلام برآیدمیتواند اولوالامر مسلمانان‌گـردد وبنـا براین ایرانیان تا پیرو سنت و جماعت بودند در مقابل حملهٔ عنصر بیگانه همین قدر که‌عنوان‌مسلمانی‌داشت‌مقاومت‌نمی‌نمودند امااعتقادبه‌مذهب‌شیعه ورق‌رابرگردانید وایرانیان به نام تعصب‌دینی وطن‌خودرا حراست‌کردند و تدریجاً کاربه‌جایی‌رسید که دانستندآنها یك ملت جداگانه ویك نژاد مخصوصی هستند. آن وقت معتاد شدندکه وطن رانیز مانند دین‌خودعزیز بشمرند. درعهد صفویه ازیك‌سمت‌دولت جوان اوزبك در شمال‌شرق تأسیس یافته بود و**محمدخان شیبانی** جهـان را ارث مغول خوانده دعوی جهانگیری‌داشت و از دیوار چین تا خراسان راگرفت امابه دولت جوان صفویه برخورده سپاهش در مـرو مغلوب و خـودش مقتول گشت. از آن عهد تا قرن اخیر پیوسته خطر اوزبك‌ها گاهی بسیار شدید وگاهی ضعیف ظاهرمیشد وایرانی دلیرانه‌آن‌را رد میکرد. ازسمت مغرب خطرعظیمتری متوجه ایران‌بودوآن دولت عثمانی بود که درآن عهد دراوج‌اقتدارمیزیست وتا قلب اروپا را تـاخته دول عظیم مغرب مـانند فرانسه خـود را بـه پناه وی میکشیدند.

سلاطین عثمانی‌دعوی‌خلافت داشتند ولذا میکوشیدند تمـام ممالك اسلام را مطیع خود سازند ودر سمت مغرب آسیا و افریقا بخوبی موفق‌گشتند ولی چون به ایران تاختند بادولت صفویه وجامعهٔ شیعه برابرآمده درمدتی بیش ازسه‌قرن پیوسته‌حمله‌میبردندومحروم‌بازمیگشتند. جنگهای ایران وعثمانی دراین دوره به نظرمورخین اروپا از شاهـکارهای نژاد ایرانی محسوب شده است دولت صفویه با بسیاری از دول اروپا روابط تجارتی وسیاسی برقرارساخت. صفویه باکوشش خستگی ناپذیری به‌احیای فلاحت‌ایران

کوشیده تجارت خارجی مملکت را که بکلی محوشده‌بود وزیر نظرمستقیم خود گرفتند محصول ابریشم و پارچه‌های ابریشمی وپشمی وقالی ایران را به اوج ترقی رسانیدندوچنانچه **شاردن وتاورنیه** و سایر نویسندگان اروپایی نوشته‌اند دولت صفویه مخارج گزافی کرد تا در اروپا وآسیا برای امتعهٔ ایران‌مشتری پیدا شود ومخصوصاً تجارت ایران رااز وساطت کمپانی‌های فرانسوی و هلندی و انگلیسی وپرتغالیهامستخلص گردانیده اتباع ایران را باسرمایه دولتی به‌خارجه میفرستادکه تجارت خارجی بدست خود ایرانی انجام یابد.

صنایع فلز واسلحه سازی دراین دوره ترقی عظیم نمود. چنانچه تاورنیه مینگارد تفنگهای ساخت ایران ازهر جهت بهتر ازساخت فرنگستان است. صنایع دباغی و چرم سازی و چیت بافی ایران‌طوری‌بودکه‌درتمام روسیه‌ولهستان وآلمان بازار داشت. احشام وگوسفند ایرانی دراین عهد به ترکیه اروپایی و رومانی میرفت.

در این عهد توجه بزرگی به استخراج معادن مبذول میشد چنانچه تاورنیه میگوید عهد شاه عباس ثانی ۲۱ معدن‌راکارکردند سدها وبندهای‌بزرگ، کاروانسراها وجاده‌های سنگ‌فرش‌صفویه هنوز برجاست وبالاخره این دوره‌شهرت عظمت واقتدار وصیت صنعت وتجارت و ثروت ایران جهانگیر گردید وحدود ایران از جیحون تا جبال هندوکش و کوههای قفقاز تثبیت گشته به نیکویی برابر دشمنان زبردست خارجی‌حراست شد.

کارهای افشاریه.

بزرگترین خدمت افشاریه آن بود که ایران را ازاضطرابات داخلی نجات بخشیدند وباشکستن پشت عثمانی وقطع ایادی آنان وراندن سپاه پطرکبیر از سواحل بحرخزر وتصرف ترکستان و خوارزم و فتح هندوستان نام ایران را بلند آوازه گردانیدند بطوریکه دربار نادری قاضی مطلق آسیا گشت ومناقشات دولت چین با دولت ترکستان به نظر دولت شاهنشاهی ایران قطع وفصل‌میشد یکی از کارهای مهم افشاریه (نادر شاه افشار) آوردن غنایم جنگی چون کوه نور و دریای نور از هندوستان است همچنین برای اولین بار درعهدافشاریه برای‌انتقال سلطنت‌از خاندانی به‌خاندان دیگر به آراء عمومی مراجعه کرده و تقریباً نخستین مجلس مؤسسان‌را تشکیل دادند.

گماردن اشخاصی که به‌نام **همکلام** خوانده میشدند، درولایات جهت‌نظارت درکار حکام وواليان، کوتاه کردن دست روحانیون‌ازامور مالیاتی، تقویت‌نیروی دریایی.

کارهای زندیه.

دولت زندیه درحدودمتصرفاتش که جزخراسان‌وافغانستان شامل‌سایر ایالات ایران تا جبال قفقاز میشد باکمال‌رأفت و ملایمت سلوك‌کرده امنیت را برقرار داشت وکریم‌خان‌زندابنیه وعمارات‌عالی در شیراز ساخته خود را وکیل رعایا خوانده از قبول عنوان پادشاهی احتراز جست کریم‌خان‌وکیل، یکی‌ازمحبوب‌ترین پادشاهانی بوده است که درطول دوقرن اخیر‌برایران حکومت کرده‌اند.

کارهای قاجاریه.

سلسلهٔ قاجاریه با ما معاصر بودند و هر ایرانی ازنیك وبدایشان‌مطلع‌است بزرگترین خدمات قاجاریه‌آن بودکه ایران را از ملوك‌الطوایفی‌نجات دادند وگنجینه و جواهرات سلطنتی راتاحدی که از دستبرد غارتگران محفوظ مانده بود به یك جاگردکردند اما درعهداین سلسله تمام ایالات قفقازکه فعلاعبارتند از دول‌آذربایجان، قفقاز، گرجستان، ارمنستان و داغستان از ایران مجزی و به تصرف روسها درآمد. ایالت مرو و آخال نیز بدست روس‌ها افتاد. ایالت هرات و قندهار ازایران تجزیه وتحت‌الحمایه‌انگلیس شد. قسمت‌اعظم‌بلوچستان نیز ضمیمهٔ هندگشت. اصول‌کاپیتولاسیون در ایران برقرار آمد.

خلاصه اینکه معاهدات‌شوم گلستان وترکمانچای دراین دوره انجام‌گرفت. اما نبایدازخاطردورداشت‌که وزیر لایقی چون امیر کبیر درعهد قاجاریه در رأس کارها قرار گرفت‌که اصلاحات اودرخور تحسین است.

در زمان **میرزاتقی‌خان امیرکبیر** روزنامه نگاری بسط و توسعه یافت ومدرسهٔ دارالفنون که‌میتوان‌گفت‌بمنزلهٔ دانشگاهی بود، تأسیس شد ازمعاریف و شعراونویسندگان‌حمایت‌گردیدوصنعت‌گران جهت‌تحصیل حرفه به خارج‌اعزام شدند وخلاصه کلیه‌کارهای مثبتی‌که در این دوره به چشم میخورد توسطاین‌مرد وطن پرست و رجال نامی دیگر صورت گرفته است. ایجاد تلگراف نیز یکی ازکارهای این‌دوره میباشد.

کارهای رضاشاه‌کبیر.

۱ـ ایجادقوای‌کامل‌نظام واجباری نمودن خدمت نظام وظیفه برای عموم جوانان کشور.

۲ـ برقراری امنیت‌وکوتاه‌نمودن دست‌گردن‌کشان محلی.

۳ـ توسعهٔ‌تجارت.

۴ـ ایجاد وزارتخانه‌های جدید.

۵ـ تأسیس‌بانك ملی.

۶ـ توسعهٔ کشاورزی.

۷ـ تجدیدنظر درامتیازنفت.

۸ـ تأسیس راه‌آهن‌سراسری‌ایران.

۹ـ توسعهٔ پست وتلگراف وایجاد دستگاه تلگراف‌بی‌سیم.

۱۰ ـ ایجاد تلفن‌خودکارودستگاه فرستندهٔ رادیو.

۱۱ـ رهایی زنان‌ازقیدوبند حجاب واعطای حق شرکت در مجامع عمومی.

۱۲ـ تأسیس‌دانشگاه‌واعزام‌محصلین به‌اروپا.

۱۳ـ تأسیس کلاسهای شبانه جهت تعلیم وتربیت بزرگسالان.

۱۴ـ تأسیس بناهای‌جدیددرغالب نقاط ایران و حفظ آثار ملی و تعمیر آنها.

۱۵ـ الغای کاپیتولاسیون وتجدید نظر درقوانین جزایی‌ومحاکمات.

۱۶ـ بزرگداشت‌شعراودانشمندان ایرانی و ایجاد آرامگاههای با شکوه برای‌ایشان.

۱۷ ـ بهبود بهداشت عمومی واز میان بردن مالاریاوتراخم وبیماری‌های عفونی.



خسروانوشیروان دادگر



تاجگذاری شاهنشاهان ایران

کوروش کبیر .

گزنفون در **کوروش نامه** مینویسد:

« کوروش روزپیش از تاجگذاری لباسهای فاخرماد را بین بهترین افسران توزیع کرد تا درروز تاجگذاری با این لباسها درمراسم شرکت کنند . در روز تاجگذاری پیش از برآمدن آفتاب تمام مقدمات مراسم و تشریفات تاجگذاری آماده بود دردو طرف راه کاخ بابل که موکب کوروش کبیر و همران وی برای جشن تاجگذاری به آنجا میرفت سربازان به صف ایستاده بودند وپشت سر آنان جمعیت تماشاگران دردوصف قرارداشتند وپاسبانانی برای حفظ نظم در برابر صفوف مشغول پاسداری بودند .

در برابر درهای کاخ سلطنتی چهار هزار سرباز نیزه‌دار دیده میشد و در پشت سر آنها دو هزار سربازدیگر درهر یك از دو جانب درها ایستاده بودند . کلیهٔ افراد سواره نظام درحالیکه ازاسبها پیاده‌شده دستهای خودرا به‌حالت احترام درزیر لباس برسینه قرارداده‌بودند دیده میشدند.

پارسیها در طرف راست مسیر موکب شاهنشاه ومتحدین طرف چپ مستقرشده بودند گردونه‌ها نیز به ترتیب دردوطرف قرارداشتند همینکه خدمتگزاران درهای عظیم کاخ پادشاهان کهن را گشودند مردم گاوهایی رادرنهایت زیبایی مشاهده کردند که چهار به چهار آشکارشدند این گاوهارا برای قربانی میبردند وپس از گاوهای نر که بطرز باشکوهی تزیین شده بودند اسبان آراسته درحرکت بودند پس از اسبها گردونه‌ای که به **مهر** اختصاص داشت واسبهای سفید آنرا میکشید وباگل آرایش یافته بودنمودار شد ، درپس این گردونه جمعی بامشعل حرکت میکردند سرانجام کوروش نیز درگردونه‌ای باشکوه آشکار وتاجی کنگره دار که گوهرها بر آن نصب شده بودبرسرداشت شاهنشاه هخامنشی قبایی ارغوانی برتن داشت که حاشیه‌ای سفید درمیان آن بود وتنها او بود که میتوانست چنین لباسی دربر کند شلواری ارغوانی دربرداشت ودستهایش از آستین بیرون بود درکنار او رانندهٔ گردونه که مردی پارسی بالابلند بود قرار داشت ولی اندامش از اندام شاهنشاه کوتاهتر بود.

همینکه تماشاگران، شاهنشاه کوروش رامشاهده کردندوزیبایی مردانهٔ وی چنان درآنان مؤثر واقع شدکه بی‌درنگ در برابر او بسجده درآمدند پس از آنکه گردونه حامل کوروش کبیر از کاخ اقامت شاهنشاه ایران خارج شد چهارهزار سرباز نیزه‌دار به‌حرکت درآمدند ودوهزارتن درهرجانب گردونه مستقرشدند درحدود سیصد گماشته حامل عصای سلطنتی ومسلح به‌خنجر به دنبال گردونه درحرکت بودند پس از آن دویست اسب باافسارهای طلایی و روپوشی باتسمه‌های طویل بوسیله خدمتگزاران پیش برده‌میشدندو به‌دنبال آنان دوهزارتن سرباز برگزیده مسلح که خنجرهای کوتاهی به‌کمر داشتند در صفهای صدنفری به فرماندهی سردار **گریزانتاس** آشکارشدنددرپایان صف طویل سواران ماد ، ارمنی‌ها و کاپادوکیها ، پیش‌میآمدند ودردنبال آنها گردونه‌های بیشمار به فرماندهی سردار بزرگ **آرتاباس** پارسی در حرکت بودند هنگامیکه کوروش کبیربا این تجمل و شکوه ازمعابر شهر بابل میگذشت جمع کثیری‌ازمردم اورامشایعت میکردند، در راه ازهرسو عریضه به‌حضور او تقدیم‌میشد و کوروش شاهنشاه ایران بوسیلهٔ پیکهایی که‌درهرسوی گردونه برای‌اجرای‌اوامرش آماده‌ودرحرکت بودند به‌صاحبان‌**عریضه** امرمی‌کرد به‌افسرانی‌مراجعه کنندکه از جانب‌اومأموررسیدگی‌به شکایات‌شده‌بودند هنگامیکه موکب‌شاهنشاه‌ایران به‌مزارع حوالی کاخی که مراسم و تشریفات تاجگذاری درآنجا برگزارمیشد نزدیك شدگاوهاواسبهارا قربانی‌کردندوهمینکه مراسم قربانی به‌پایان رسید چون مسیر وحوالی‌آن‌بسیار زیبابود کوروش کبیر دستور داد تادرآنجا مسابقه‌اسب دوانی وگردونه‌ای ترتیب‌دهند و پس از انجام مسابقات هدایایی به برندگان مسابقه بخشید .



کوروش کبیر

شاهنشاه پس‌از ورود به معبد تاجگذاری لباس ملوکانه مزین به انواع گوهرهای گرانبها برتن‌کرد وکمربندی زرین برمیان بست وشمشیری که غلاف آن‌به گوهرهای گوناگون مرصع بود از کمر آویخت برای شاهنشاه تختی از زر درجلو معبد قرارداده بودند.

سرداران و فرماندهان سپاه با لباسهای فاخر وشمشیرهای بلند در دوطرف تخت درصفی به‌ترتیب ایستاده بودند پیشاپیش همه ، سپاهیان پارسی پشت سر آنها لشکریان ماد وپشت سرآنان لشکریان آشوری ، ایلامی و سپاهیان آسیای صغیر وممالك تا به صف کشیده بودند .

موسیقی به‌نوای مخصوصی مترنم بود درحدود ۳۰ هزارتن سپاهی بحال احترام ایستاده بودند پیشوای روحانیان عصر که مورد احترام همه بود تاج شاهی مزین به گوهرهای گرانبها را در دست گرفت و پس از کرنشی دربرابر شاهنشاه آنرا برسر کوروش گذاشت جامهٔ باشکوه مادی که به رنگ ارغوانی بودتاروی پاهای او کشیده میشد وریشش که درنهایت دقت مجعدشده واز ریش اتباع بلندتر بودتا روی سینه میرسید . شاهنشاه دریك دست شاخه‌ای گل ودردست دیگرعصای سلطنتی داشت ودر پشت‌سر وی خدمتگزاری بادبزنی رنگا-رنگ را بالای سراو به‌حرکت درمیآورد شاهنشاه سوگندمخصوص خدمتگزاری به ملك وملت رایاد کرد وهمهٔ حاضران‌در حال نیایش بقای سلطنت وعمر طولانی وی رااز خداوند بزرگ درخواست‌نمودند ، پس از پایان مراسم تاجگذاری ومعرفی ولیعهد به‌فرمان کوروش کبیر به کلیهٔ امرا وسرکردگان خلعت وپاداش داده‌شد وبه اهالی بابل اجازه دادند که در بارعام شرکت جسته ودر برابر شاهنشاه به‌زانو در آیند «طبق استوانه کوروش مراسم تاجگذاری کوروش در بابل‌در کاخ‌شاهان صورت گرفت .»

تاجگذاری داریوش‌کبیر.

درتخت جمشید، در جایی داریوش شاه را می‌بینیم که بر کرسی شاهی تکیه داده وخشایارشاه درپشت سراو ایستاده است . کرسی که بر صفه‌ای قرار دارد دارای پشتی بلندی است ویك کرسی در زیرپای شاه‌قرار گرفته است . این کرسی از چوب گرانبهایی خراطی شده است‌که درروی‌آن برگهای زرین بکاررفته‌است. پایه‌های کرسی منتهی‌به پنجهٔ‌شیرمیشود واین پنجه برروی‌پایه دیگری که‌به‌شکل مکعب است وبرهرطرف آن نقش‌نیلوفر-آبی دیده میشود قرار دارد. این پایه‌ها نیز دنباله‌ای ازچوب خراطی‌شده بشکل بالشتك دارند وآخرین‌بالشتك برزمین قرار گرفته‌است . شاه عصای‌بلندسلطنتی را که‌ازچوبی گرانبها و سرآن گرزمانند وزرین است‌به‌دست راست گرفته است . شاه وولیعهد هردوشنلی برتن دارند که آستین‌بلندآن‌باچینهای بسیارفروریخته است .

بازدرجای‌دیگر درتخت‌جمشیددر «گنج-خانه» شاهنشاه‌داریوش برهمان کرسی نشسته است‌ویکی‌از بزرگان را که به‌حضوررسیده است‌می‌پذیرد. درپشت سرشاهنشاه‌ولیعهد با مؤبد مؤبدان وبزرگان ایستاده‌اند و درپشت‌سرآنان‌دوسربازجاویددیده‌میشود دربرابرشاهنشاه‌دوآتشدان‌قرار داردکه معمولا درآنها اسپند وچوبها و دانه‌های خوشبو می‌سوخته است.

داریوش‌کبیر در آرامگاه کوروش کبیرتاج سلطنت ایران‌را برسر نهاده و وجامهٔ شهریاری خود را دربرابر پیکر کورش‌کبیر متبرك ساخت وازغذای‌ساده پارسی‌چشید ودختر کوروش کبیررا بعنوان ملکهٔ ایران اعلام‌کرد .

تاجگذاری اردشیر اول .

در تالار معبد **آناهیتا** در پارس ، شاهنشاه**اردشیر اول** درروی‌صفه‌ای‌ایستاده ودربرابر او مؤبد مؤبدان قرار گرفته است . در اطراف او ، در طرفین تالار فرمانروایان، بزرگان‌و نمایندگان‌طبقات مختلف‌مردم حضوردارند . دراین‌مجلس باشکوه، آتش مقدس از آتشدانهایی که دروسط مجلس‌گذاشته‌اند ، شعله می‌کشد وعطردانه‌های‌معطر ازبخوردانهای‌متعدد متصاعداست.شاهنشاه‌پس‌ازنیایش‌مخصوص جشن‌که بوسیلهٔ حاضران‌به‌زبان می‌آید، بعنوان خطابه ، پس از حمد و ستایش یزدان پاك ، نخست به اقدامات اصلاحی خودا‌شاره‌می‌کند . وسپس‌برای‌توفیق در خدمت به کشور وملت‌برای‌طرددشمنان، آبادکردن شهرها، مبارزه‌بافسادواصلاح امور ازخداوند بزرگ مدد می‌طلبد . شاهنشاه لباسی‌زربفت‌که با مرواریدها و جواهر مزین است برتن‌دارد ، شلوارش آسمان‌گون وتاجش‌سبز زراندود است . ولیعهد درپشت سرش ایستاده است، یکی ازبزرگان درپشت‌سرشاهنشاه بادبزنی‌را با پرهای رنگارنگ‌بحرکت درمیآورد. درسمت‌راست ،ملکه‌ویك ندیمه، درغرفه‌ای ایستاده‌اند .

مؤبدمؤبدان‌که پیشوای مذهبی‌است درحالیکه‌لباسی‌مجلل‌برتن‌وتاجی کنگره‌دار برسرداردحلقهٔ‌سلطنت‌را که‌مزین‌به‌نوارهای چین داراست . با دست راست و عصای پادشاهی را با دست‌چپ به‌جانب‌شاهنشاه درازمی‌کند ، شاهنشاه حلقه را با دست راست میگیرد ودست‌چپ‌را برمی‌افرازد وانگشت سبابه‌را به‌نشانهٔ‌احترام‌واطاعت به‌طرف مؤبدمؤبدان‌دراز می‌کند و سپس تاج را برسرمیگذاردو مؤبد مؤبدان به عنوان بیعت‌سرتعظیم‌فرودمی‌آورد.دراین هنگام سرود مذهبی مخصوص مراسم تاجگذاری‌خوانده میشود وسپس‌شاهنشاه به‌تالاربارعام که درآنجا طبقات مختلف مردم‌حضور دارند، میرودوبرتختی‌زرین جلوس می‌کند . در این موقع شاهنشاه بیاناتی مبنی‌براینکه‌عدل وداد ورزد و مزارعی از آن خویش نداشته باشد و بازرگانی نکند ، وبنده‌وبرده‌رابه‌مهمات امور خویش‌نگمارد وتنها به‌عوایددولتی قناعت‌کند، ایراد می‌کند وبعد بزرگان رؤسای خاندانهای بزرگ و نمایندگان طبقات مختلف مردم تهنیت ودرودمی-گویند . وسرتعظیم فرودمیآورندومجلس در میان‌شادی‌وسروروترنم‌الحان دلکش موسیقی که موسیقیدانان عصر ساخته و پرداخته‌اند بپایان میرسد .

تاجگذاری بهرام دوم.

لباس سلطنتی بهرام‌دوم، ازجامه‌ای آسمانی وگلدار و شلواری سرخ وتاجی سبزکه در میان آن دو کنگرهٔ زرین و پارچهٔ‌زربفت بود تشکیل می‌شد .

تاجگذاری نرسی .

در **نقش‌رجب**صحنه‌ای‌است ،که در آن‌الههٔ‌مقدس‌آب وفراوانی (آناهیتا) حلقهٔ‌سلطنت را به‌شاهنشاه‌اعطاءمینماید. ونقش‌ولیعهدبین‌شاهنشاه‌واله‌ه‌دیده‌میشود.

تاجگذاری اردشیردوم .

در طاق بستان تصویر اردشیردوم **مظهراهورامزدا، مظهرمهر**که‌ازاطراف سرش انوار خورشید تابان‌دیده میشود منقوش‌است .

تاجگذاری خسرو انوشیروان.

مراسم تاجگذاری خسروانوشیروان درطاق کسری در جانب شرقی تیسفون برگزار شد .

سواران جاویدان که یادگاردورهٔ هخامنشی‌بودند، ازمسافت بسیار دورکه منتهی‌به‌تختگاه سلطنتی‌میشد ایستاده‌اند کلاه خودهای پولادین لبه دار که فقط دیدگان آنهارا نمایان میساخت برسر

جوشن‌های آهنین که تمام بدن‌را تاتهیگاه پوشانیده بود به بر هر کدام سپری کوچك گرد روی بازوی چپ، نیزهٔ سنگین به‌دست، شمشیری حمایل‌وتیرکمانی به‌پهلوداشتند پس ازآنها پیاده‌نظام صف‌کشیده ودنبالهٔ آن بدرون کاخ رفته بود .

طبقات عالی وممتاز کشور، با نیم‌تنه‌های بلند خود که یك قسمت جلوی‌آن بازبود وآستین‌های‌تامچ بسته باشلوارهای گشادکه تاروی‌کفششان را پوشانده بود باتأنی ازمیان صفوف سپاهیان بداخل کاخ میروند. تماشاگران بزرگ‌وکوچك با لباسهای نو وبانوان بازینتهای خود، پشت صف‌سربازان‌ایستاده‌بودندوهمهمه‌ای درمیانشان حکمفرماست. باغ بزرگ‌کاخ با درختهای‌بلندوخرم وگلهای‌رنگارنگ باغچه‌ها، حوضهای مرمرین‌که ازمیان‌آن فواره‌ها به‌آسمان جستن میکـرد زینت شده بود. کاخ‌تیسفون یا **تخت خسرو** که نمای شش طبقه‌ای داشت بـاعظمت و ابهمت میان بـاغ قرار قـرار گـرفته است .

این‌کاخ‌که قسمتی ازآن به فرمـان خود خسرو اول ساخته شده بود ازمرمر سفید بود ودر دوطـرف، طاقی‌بیضی شکل قرار داشت کـه پهنای طاق ۳۵/۵ متر بود این طاق‌که به‌آن ایوان‌نیزمیگفتند دارای ۱۲ ستون‌مرمری‌بودکه‌هریك‌به‌ارتفاع ۴۵/۵ مترمیرسیدوحجاریهاو تزییناتی‌نیز درسنگهای‌سپیدجلوعمارت‌دیده میشد که نظر واردین‌را از درختها وگلهای باغ برمی‌گرداند وبخود متوجه میساخت.

درفش‌کاویانی‌که معمولادرمیدانهای جنگ برافراشته میشد، بطور استثناء در این جشن فرخنده دیده میشد، که مانند طلسم‌نیرو، برفرازکاخ نصب شده‌ونخستین چیزی‌بودکه‌به‌چشم‌واردین‌میخورد. شعاع تندآفتاب،جواهردرشت وگرانبهای‌آنرا درتلؤلوودرخشندگی‌درآورده ورنگهای سپیدوگلی‌وسبزخیره‌کننده‌ای‌ازگوهرهای گوناگون‌آن پرتوافکن ساخته بود، باد بسهولت نمیتوانست بادامنهٔ‌آن‌که بطول ۴/۵ متر وبه عرض ۳/۵ متربودبازی کند .

مدعوین بتدریج وارد کاخ شدند و بطرف تالار بزرگ‌آن رفتند. این تالار در وسط بنا بوده، درصحن‌آن قالی‌بافته بودند .

این قالی‌که بنام **بهارستان خسرو** نامیده میشد.

تمام تاروپود آن زربفت و جواهر نشان بود. شمعدانهـای طلا، قندیلهـای جواهرنشان، مجسمه های گوناگون دیده میشد. یك شترتمام نقره ویك اسب‌طلا با زین وبـرگ نقره مرصع زینت افـزای تالارکاخ بود. در انتهای تالار پرده‌ای‌با حاشیه‌های‌مرواریدآویزان بود. به‌فاصله ۱۰ ذرع جلوتر ازپرده ازطرف راست، بزرگ‌**فرماندار** (وزیراعظم) **ودریك‌بذ** (وزیر دربار) ووزیران دیگر ایستاده ، ده ذرع‌پایین‌تر**مؤبدمؤبدان** ، بعدازآنها **هیربدها** پس‌ازآن سپهبدان‌وفرماندهان لشکرورییس‌نگهبانان‌و**گوشهاوچشمهای‌ـ شاه** ونجبای‌کشور هریك بالباس‌مخصوص به‌ترتیب درجات خویش ایستاده بودند.

هنگامیکه‌پرده‌دار مخصوص‌شاهنشاه (خرمباش) پرده‌را میکشد،صدای‌گماشته‌ـ ای‌که بالای‌کاخ به این‌کلمات بلند شد:

«زبانتان راحفظ‌کنید. چه درحضور شاهنشاه هستید» .

همه تعظیم‌کنان زانو به زمین‌زدند. **انوشیروان** روی‌تخت سلطنتی‌چهار پایه‌که هرپایهٔ آن ازیاقوت‌بزرگ‌تشکیل شده بـود نمودار شد . این شاهنشاه و فرمانروای نیم‌جهان بود ، تنها سرچشمهٔ قانون وعزت واحترام مردم .

جامهٔ سفید زربفت ومروارید نشان دارای‌گلهایی به رنگ مختلف بـاشلوار آسمانی ببرداشت. گوشوارهای زرین او که ستارهٔ سپیدی‌درمیان‌آنها میدرخشید یاره وزنجیر دست وکمربند طلای اوکه به رنگ زرین ترنج عصایش بود، ریش کوتاه ومخروطی اوکه بسان ابریشم در صورت سپید وپاکش برق میزد، چهرهٔاو را باابهت‌ترومحبوبترساخته ، الماسهای درشت تخت وتاج اوبا دیگرجواهرها به به رنگهای سبز و قـرمز و میـنایی می‌درخشید .

بالای سرش‌تاج مخصوص‌شاهنشاهان ساسانی‌که ۹۱ کیلو وزن داشت بـوسیلهٔ زنجیری ازطلا به‌سقف آویزان بود.

زنجیرچنان نازك‌بودکه ازدوردیده نمیشد این همان‌تاج‌اشکانیان‌بودکه ابتدا مرصع به‌مرواریدبود واردشیراول‌ساسانی بسرگذارد، ولی شاپوراول تاج را علاوه برمرواریدباجواهر گرانبهای‌دیگرمرصع کرد وروی‌تاج‌هم‌گوی‌کوچکی نصب‌**نمود** بهرام پنجم‌گوی‌کوچك رابالا برده‌وهلال رانیزبه میان قرار دادند، و خسرو اول انوشیروان یك ستاره نیزدرآن افزود و به‌این‌گونه‌دراین‌روزآهسته‌وآرام برتارك اوقرارگرفت .

گرزی‌که برسرش ترنجـی از زر و تمامش جواهرنشان بوده دردست داشت. پشت سراو یکتن خواجه، بادبزنی را با پرهای رنگارنگ‌روی سرشاهنشاه‌حرکت میداد. این جایگاه بزرگ تخت‌سلطنتی باستونهای نقره‌ای تزیین شده ودر میان هریك ازستونها‌پردهٔ زربفتی‌آویزان‌بود. سقف برجستهٔ عالی‌آن صور فلکی را از خورشید وماه و ستارگان بـا تلؤلوشان مجسم مینمود. قندیلهای‌کره‌ای‌که‌ازبلور یامواد معدنی درخشان ساخته شده بودبه بلندیهای مختلف‌آویزان بود .

سپس مؤبد مؤبدان پیشوای مذهبی بامظهراهورامزدا نشانهٔ پادشاهی راکـه عبارت‌ازحلقه‌ایست‌که نوارهایی‌ازاطراف آن‌آویزان است بادست راست وعصـای پادشاهی رابادست چپ به‌خسرواعطاکرد انوشیروان‌آن‌حلقه رابادست‌راست‌گرفت ودست چپ را برافراشت، انگشت سبابه را به‌نشانهٔ احترام واطاعت به جلو دراز کـرد، سپس عصای پادشاهی را بـا آن گرفت .

مؤبدمؤبدان درآتشدانی‌که درکنار تختگاه بودآتش‌مقدس‌راکه مظهرسلطنت خسرو اول است وتاریخ سلطنت اورا از روی زمان افروختن‌آن‌آتش حساب می‌ـ کنند افروخت .

گماشتگان‌دانه‌های‌معطررادربخوردانها ریختندتاعطرآن مشام حاضران‌رانوازش کند .

بعد مؤبدمؤبدان‌که تاجی‌کنگره‌دار برسر داشت، نیایش اهورامزدا را بجای آورد وپس‌از درودو تهنیت تاجگذاری شاهنشاه، بـاصدایی ازصمیم قلب گفت ، **انوشك‌بوی**(جاودان باشی) . **او کامك رسی** (کامروا باشی) و سپس شاهنشاه را دعاکـرد پرتو رضایت و خورسندی از گفته‌های مؤبد مؤبدان بر چهرهٔ شاهنشاه پدید آمد . انوشیروان همین‌کـه دهان بگفتار باز کرد ، همـه دم درکشیدند . **انوشیروان‌گفت:** «پاك یزدان یار ما است وگیرندهٔ دست‌ما ، بشکرانهٔ اهورامزدا ، تمام‌کارداران‌ولشکریان وپیشکاران‌ما باید همواره‌رفتاری مهرآمیزوپرازداد بامردم

ایران زمین و آنها که از کشورهای بیگانه آورده‌ایم داشته باشند. مردم ایران شهر بدانند که بارگاه ما روز و شب بر هر کس گشاده و گوش ما برای شنیدن گفتهٔ هر دادخواهی باز است.

اگر بخواب یا بیداری، بچوگان یا به نخجیرگاه و اگر در خوشی یا بیماری باشیم برما راه مردم بازاست. مبادا کسی بادلی دردمند بخسبد که از درد و رنج او بر من گزند آید و آفرینندهٔ روشنایی از من باز پرسد. آنگاه دلم روشن است که رنج ستمدیدگان بگسلم. پیشکاران من دستور بزرگ زرتشت را پیوسته شیوهٔ زندگی خود داشته باشند.

تاجگذاری طغرل اول.

سه روز پس از فتح نیشابور توسط طغرل، همراه سه هزار سوار زره پوش و کمان بدست وارد باغ **شادیاخ** شد. با لباسی مخصوص کفشی نمدین به تخت جلوس کرد، روز دیگر **قاضی صاعد** نزدیك طغرل رفت قاضی در پیشگاه سلطان به زیر تخت بر بالشی مخصوص نشسته و روبه سلطان کرد و گفت:

زندگانی خداوند دراز باد، این تخت سلطان مسعود است که بر آن نشسته‌ای، هشیار باش و از ایزد عز ذکره بترس و داد ده و سخن ستم رسیدگان و درماندگان بشنو و بلیه مکن که این لشکر ستم کنند که بیدادی شوم باشد.

تاجگذاری سلطان مسعود غزنوی.

مراسم برتخت نشستن سلطان مسعود باشکوه تمام درباغ **شادیاخ** نیشابور انجام گرفته است. درمجلسی که تمام طبقات مردم از لشکری و کشوری در آن شرکت داشته و برای ترتیب آن قدری وقت صرف شد.

درمورد صحنهٔ جلوس به تختگاه و تقدیم هدایا و تحف در کتاب تاریخ بیهقی و نیشابور سخنها رفته است. محل برگزاری این جشن درشهر نیشابور بوده است.

تاجگذاری مردآویج.

مردآویج بین زیاریان به دلاوری و شجاعت شهرت تمام داشت تاج خویش را مانند تاج ساسانیان از زر ساخت و بر سر زیردستان خود تاج سیمین می‌نهاد و در اصفهان برتخت زرین می‌نشست و چون پادشاهان ساسانی با فر و شکوه بسیار مردم را بار میداد، آتش جشن سده رامی افروخت و به آیین دربار ساسانیان سپاهیان خویش رامیزبانی میکرد و باده میداد و در جشن انباز می‌کرد.

تاجگذاری سلاطین صفویه

مراسم تاجگذاری و جلوس در دوران شاهنشاهی صفویه با آیین ورسوم خاص و شکوه تمام در پایتخت (تبریز وقزوین و کاشان و اصفهان) برگزار میشد و در استانها وایالات و ولایت مردم با برپا ساختن مجالس جشن وسرور وشادمانی و آذین بستن و چراغانی کردن در این مراسم شرکت میکردند و معمولا تاجگذاری در روز جلوس بتخت سلطنت و این مراسم دریك روز انجام میگرفت.

تاجگذاری شاهنشاهان صفوی از زمانیکه شاه اسماعیل اول زمام امور کشور شاهنشاهی ایران رادردست گرفت رسماً معمول گردید وباگذشت زمان برجلال و شکوه آن افزوده شد.

مقدمات ومراسم وتشریفات ولوازم تاجگذاری وسنن ورسومی که در این قبیل موارد معمول خاندان صفویه بود بنا بر آنچه از آثار و نوشته‌ها و اقوال مورخین و سیاحان معاصر آن زمان مستفاد میشود به قراری است که درزیر متذکر میشویم.

۱ ـ تشکیل شورای سلطنتی.

در زمان صفویه مقرر بود به محض اینکه پادشاهی درمیگذشت شورای سلطنتی تشکیل میشد وازمیان اعضای آن یك یا دو تن انتخاب میشد که مرگ شاه و همچنین شاهزاده‌ای را که باید برای احراز مقام سلطنت انتخاب شود باطلاع او برساند.

دراین زمان بخصوص اززمان شاه عباس کبیر رسم براین قرار شد که ولیعهد تا زمانیکه به سلطنت میرسد باید درحرمسرا باقی بماند ودر همانجا تحت سرپرستی مربیان مخصوص تربیت شود. بنا براین در موقعیکه شاه بدرود زندگی میگفت تشریفاتی برای باخبر ساختن ولیعهد مرسوم بود **شاردن** سیاح فرانسوی درمورد شاه سلیمان آن تشریفات را بدینقرار تشریح میکند:

«پس از این قرار صفی میرزا (که بعدها بنام شاه سلیمان موسوم شد) علیرغم مخالفین بسلطنت انتخاب شد و بعد از انتخاب پادشاه لازم بود که ازمیان اعضای شورای سلطنتی کسی را انتخاب نمایند که به اصفهان برود و ولیعهد را از خبر مرگ پدرش آگاه سازد ومژده سلطنت را به او بدهد انتخاب سفیر اگرچه اهمیت انتخاب پادشاه را نداشت ولی بازبرای بزرگان بسیار دشوار بود چه شخصی که بدین مأموریت فرستاده میشد از بردن خبر خوش تسلطی در روح پادشاه پیدا میکرد ومحبت شاهانه را بسوی خود جلب مینمود وهرچه میخواست میتوانست انجام دهد واثری راکه اراده مینمود در روح تازه و بی تجربهٔ پادشاه احداث میکرد پس میبایستی ازمیان خود اگر شخص خیر ـ اندیشی نمی‌یافتند کسی را انتخاب نمایند که به صلاح نزدیکتر و بالنسبه نیك نفس باشد تا اگر نیکی نکرد لااقل بدی نکند.

صدراعظم و ناظر که در جرگهٔ بزرگان میتوانستند مدعی آن مقام شوند نمیتوانستند این مأموریت را بپذیرند زیرا حضور آنان در دربار لازم بود.

پس بدین لحاظ همه رأی خود را به تفنگ دارچی باشی دادند، نه اینکه از او بیم نداشتند بامقایسه بادیگران از هر حیث شایسته‌تر به نظر میآمد.

خلاصه پس از آنکه این شخص منصوب گردید مجلس دوسه امر دیگر را مربوط بسفارشات او و طریقی که در دربار در انتظار پادشاه جدید عمل خواهد شد انجام داد و قرار شد یازده نفر دیگر بهمراهی او به پایتخت بروند.

ضمناً مقرر گردید دو منجم یعنی منجم باشی **میرزا باقر** ومعاون او **احمد صالح** اصطرلاب بدست در موقع تاجگذاری حاضر باشند وساعت خوش و موقع مساعدی را که اقتران کواکب شروع چنین امر مهمی را نشان میدهد تعیین نمایند. چهار نفر از صاحب منصبان خزانه مأمور حمل جواهرات دولتی شدند وپنج نفر دیگر و کلای رؤسا بودند چه هریك ازرؤسای پنجگانه یعنی صدراعظم و ناظر و قللر آقاسی و دیوان بیگی و وقایع نویس حق تعیین وکیلی داشتند تا بنام آنها در موقع خروج پادشاه از حرمسرا درمقابل او بخاك افتاده تهنیت عرضه دارند و درمراسم تاجگذاری حاضر باشند.

تفنگ دارچی باشی و همراهانش مأمور شدند اگر منجم باشی ساعت را خوش دانست فردای آنروز قبل از طلیعه حرکت کنند، برای دور نمودن توجه عامه (معمولا تاورود پادشاه جدید بپایتخت مرگ شاه را مخفی نگاه میداشتند) میبایستی از خیمهٔ سلطنتی یك یك خارج شوند ودر چهار فرسنگی دامغان (مرگ شاه عباس دوم در نزدیکی دامغان اتفاق افتاد) منتظر یکدیگر باشند واز آنجا عازم پایتخت گردند.

سرانجام مقررشد که نامه‌ای با اطلاع عموم اعضاء از طرف مجلس بعنوان اعلیحضرت به تفنگدار چی باشی بدهند وهشت‌روز بعد خود وتمام دربار بطرف کاشان حرکت نمایندودراین‌مدت حتی‌المقدوردربیرون واندرون فوت‌پادشاه‌را مخفی نگاهدارند ودر این ضمن اطباء مخصوص را در تکفین و تدفین جسد او بگمارند.

همان شب ، نامهٔ مذکور حاضرشد وبه‌تفنگدارچی‌باشی‌سپردند وورقه را در کیسهٔ زری‌گذاردند وبه‌ریسمان ومنگولهٔ گلابتون بستند و به مهرصدراعظم‌مختوم نمودند .

تفنگدارچی باشی وهمراهان پس‌از شش روزراه‌پیمایی‌درروز سوم جمادی‌الاولی به اصفهان رسیدند ، ضمن راه هرکس کیفیت‌احوال را سؤال‌کرد جواب شنیدکه شاه نزدیك است وبزودی بشهر واردخواهد شد.

همینکه‌آن عده به میدان شاه در مقابل‌قصرسلطنتی رسیدند درجلوعالی‌قاپو پیاده شدند جزتفنگدارچی باشی و نماینده صدراعظم‌همه‌درآنجا توقف‌نمودند آن دوقدری جلوتررفتند وبدراندرون رسیدند وداخل‌عمارت‌مخصوص‌خواجگان سفید شدند.

این خواجگان در حقیقت نگهبان حرمسرا بودند وبندرت وفقط در مواقع اجبار وپیش‌آمدهای مهم داخل اندرون میشدند.

تفنگدارچی‌باشی به‌خواجه‌ای که برای پذیرایی‌اوجلو دوید خودرامعرفی کرد و**آقا ناظر** (رییس خواجه‌ها) را طلب نمود وگفت به او بگویید بعجله و شتاب بیرون‌آیدکه مأموریت او تأخیر بردارنیست .

آقا ناظر چون خبر یافت‌که چنان شخص مهمی اورا احضار مینماید فوراً خارج شد تا ازسبب مأموریت او پرسش کند. تفنگدارچی باشی از او استقبال نمودواورا بکناری‌کشیدودوسه‌کلمه‌نجوی کرد . پس‌ازمکالمه فی‌الفور هردوبطرف عمارت دورتری محل‌توقف خواجگان‌سیاه متوجه‌گردیدند وبمحض رسیدن به آنجا یکی از خواجگان مأمور شدکه فوراً به اندرون برود و **صفی میرزا** را از رسیدن مأمورفوق‌العاده ومبشرخبر خوش مطلع سازد واز او استدعا کند که برای استماع‌آن خبر بیرون‌آید، خواجه سیاه چنانکه مأمورشده بودمعمول‌داشت.

همینکه شاهزاده در بیرون پدیدار شد تفنگدارچی‌باشی ونمایندهٔ‌صدراعظم درمقابل اوبخاك‌افتادندوسرفرود آوردند وبعد تفنگدارچی باشی با صورتی اشك آلود بلند شد وسبب‌حضور خودرا‌باآواز بلند وبیان شمرده چنین عرضه داشت :

خداوند وجودمقدس‌اعلیحضرت همایونی را بسلامت بدارد . روح پرفتوح شاهنشاه عالم **شاه عباس ثانی** پدر بزرگوار اعلیحضرت از قفس جسمانی رسته و بغفران ایزدی پیوسته وبزرگان مملکت شخص شخیص عالی‌را برای قایم‌مقامی‌او برگزیده‌اند .

سپس چون تفنگدار چی باشی و آقاناظر، شاهزاده‌را دیدندکه بلاتکلیف مانده و نمیداند چه‌کند پرسیدند چون درانجام این امرمهم تأخیر جایز‌نیست آیا ظل‌الله اجازه میدهندکه اورا به‌قصر سلطنتی هدایت نمایند و در آنجا تاج برسر گذارند؟

چون شاهزاده به این امر رضایت داد مأمورین شورای سلطنتی برای تهیهٔ مقدمات اجازهٔ مرخصی گرفتند.

۲ـ مراسم بستن شمشیر بکمرشاه.

تاورنیه سیاح فرانسوی در این خصوص چنین مینویسد « رسم براین جاری بودکه بلافاصله پس‌ازشنیدن خبر مرگ شاه ، ولیعهد از حرمسرا خارج میشد و دو زانو روی زمین می‌نشست و آورندهٔ خبرشمشیری بکمراو می‌بست و این جمله را میگفت :

« شاهنشاه بخاطر داشته باشندکه این غلام هستم که افتخار دارم شمشیر سلطنت را بکمراعلیحضرت به بندم » و پس‌از خروج ازحرمسرا دستورمیداد تا نقاره‌ها وکرناها و دهلها بصدا در آیند تا مردم از جریان امر آگاه شوند . مردم هم باشنیدن این صداها در میدان بزرگ اجتماع میکردند و باآواز بلند میگفتند : «پادشاه سلام برتو».

۳ـ تعیین ساعت سعد برای تاجگذاری.

ساعت سعد بوسیلهٔ منجم باشی و منجمان‌دربار برای‌روزجلوس‌وتاجگذاری بدون استثناء درتمام موارد تاجگذاری پادشاهان صفویه مراعات میشده است و امکان نداشت تا اعلام تعیین ساعت سعد نه تنها مراسم تاجگذاری وجلوس بلکه درمواردديگرازقبيل ورودشاه‌به‌پايتخت و یامراسم دیگرعملی‌گرددتعیین‌میشد .

تاورنیه دراین خصوص تذکرمیدهد:

شاه (شاه‌عباس دوم) برای‌استراحت درباغی «نیم فرسنگی شهراصفهان»توقف کرد. منظور ازتوقف این‌بودکه‌درساعتی سعد ونیك وارد شهرشود ولی چون‌منجم باشی‌اطلاع دادکه تا سه روزساعت برای ورود شاه بشهر مناسب نیست بنابراین مدت سه روزدرآن‌باغ‌اقامت نمود.

قاضی احمدقمی‌معروف‌به‌**میرمنشی** درخلاصة‌التواریخ نیزدرموقع‌تاجگذاری بدین امر اشاره میکند و میگوید : «منجمان بعداز تحقیق دقایق و غوامض وحقایق علم نجوم‌ساعتی اختیار نمودند خالی ازمناقص ومناحس‌مفروق ومنفصل وبسعادت سعود متصل .

۴ـ محل تاجگذاری و جلوس و طرز تزیین‌آن.

مراسم تاجگذاری و جلوس در قزوین درعمارت چهل‌ستون وبعداززمان شاه عباس‌کبیردراصفهان انجام‌میگرفته است . «شاردن» محل تاجگذاری را در اصفهان به اینقرارتشریح میکند:

قبل از بیان‌تفصیل تاجگذاری‌بهتر آن است‌که بتوصیف مکان‌آن بپردازیم:

در شمال قصر و در منتهی‌الیه آن مقابل یکی از درهایی که بطرف مدخل عمدهٔ عمارت سلطنتی باز میشود بنای کهنه‌ای بشکل مربع واقع شده است که هرضلع‌آن بیست‌ذراع‌است. وازابنیه‌هایی است که در قرن گذشته شاه طهماسب بناکرده و ازآنجا تابه‌درمدخل،خیابان ممتدی با درختان بلند رسم نموده‌اند و درطول‌آن هرده یا دوازده ذراع‌آخوری ازسنگ وگچ ساخته شده‌است‌که اسبهای سلطنتی‌را درآنجا می‌بندند ومعمولاعدهٔ آنهابیش ازدوازده یا پانزده نیست ولی در اعیاد بزرگ و هنگام پذیرایی‌سفرا و خارجی های محترم در دفعهٔ اول شرفیابی برعدهٔ‌اسبهامی‌افزایندومدعوین را ازمیان‌آنهاکه با جلال یراق نموده و آراسته‌اند عبورمیدهند. یراق اسبهاهمه مرصع وآلات واسباب طویله همه‌ازطلای وزین است . در محوطهٔ عمارت باغچه و گلکاری است وگلها را چنان مختلف کاشته‌اندکه همیشه در مدت سه فصل سال گل دارد . عمارت فوق الذکر را تقریباً تماماً ازچوب ساخته‌اند و سطح‌آن بیش

ازسه ذراع است و ستونـهای پیچیده و تذهیب شده به‌طلای بسیار ضخیمی آنرا برپا داشته‌اند . فضای اندرونی آن بنا ، به‌سه‌قسمت که ازیکدیگر بتوسط صراحی چوبین مجزی شده منقسم میگردد و دو اطاق‌درجنبین قراردارد که هریك سی و شش ذراع طول وشانزده‌ذراع عرض‌دارد و در وسط تالاری است که از دو اطاق جنبین ، چهار ذراع مرتفع‌تراست و در میان آن حـوض وسیع عمیقی از مرمر ساخته شده‌و آب زلالی لاینقطع ازفواره‌ها جستن‌مینماید. دیوارهای اطاقها‌وتالارها نیز تذهیب شده وورقهٔ طلا به‌اندازه‌ای ضخیم است که امروز هم کـه بیش ازصد سال از آن میگذرد ازآن نریخته ومحو نگشته است . سقف را هم درخور آن بنا ازچوب و قـابهای منبت‌کاری ساخته و به‌طلاآمیخته‌اند ازاینقرارتالاروسیعی که در وسط قراردارد ازهمه جهت باز است ولی ازخارج پرده‌هایی‌به‌ارتفاع بام‌نصب نموده‌اند که هردفعه‌به‌اقتضای موقع‌روز و جلوس پـادشاه آنها را از اطراف باز میکنند‌پرده‌هاراازپارچهٔ‌سرخی‌دوخته‌اند وآستر آنها به‌الوان مختلف دلبازازچیت و نوار میباشد و طنابها کلیه ابریشمی است.

مجموعهٔ این بنارا «تـالارطـویله» مینامند و وجه تسمیهٔ آن‌به‌این قراراست که دراوقات‌جشن‌وموارد‌مخصوص‌اسبهای سلطنتی را در جلو آن بـرای نمایش می‌بندند .

فردای‌روز تاجگذاری‌برای‌نویسنده ممکن شد که بدان تالار داخل شود و به دلخواه‌درآنجاسیر نمایدوازکیفیت‌تزیین آن‌اطلاع یابد .

دو اطاق جنبین تالاررا به‌قالیهای نفیس‌ابریشمی مفروش‌ساخته‌اند دراطراف آن تعداد کثیری تشك زری انداخته و درفاصله‌آنها‌جامهای‌بزرگ طلای وزین گذاشته بودند تالاروسط به‌قالی‌نفیس‌تری از زر وابریشم آمیختـه بهم فرش شده تشکـهای اطراف‌از پارچه‌هایی بودند‌که درایران‌بافته میشودوبدان مخمل‌زربفت میگویند‌دراینجاوآنجانیز بعضی‌جامهای مکلل‌به‌یاقوت وفیروزه‌قرارداده‌بودند .

در محل جلوس پادشاه تشك بسیار نرم وکوچکی اززری بقطرچهارانگشت وبطول‌چهارذراع انداخته روپوش ظریف نازکی از شاهکارها و زردوزی ، تمام تشك رامی‌پوشانید وبعلاوه چهار انگشت از اطراف گذشته دردوگوشه به‌دو گوی مرصع به‌جواهروصل میگشت. دوجام‌طلا نیزدر دوطرف‌تشك قرارداشت‌درانتهای دیگر تالار درطرف مقابل تشك دیگری از ماهوت‌زربفت باگلهای‌سرخ‌وبرگهای سبز‌گسترده بودند ولی نمیتوانم بگویم که‌روپوش‌آن‌ازچه‌جنس بود زیرافرصت ووقت‌کافی‌برای‌تماشای‌آن‌نداشتم وهمین قدرمیتوانم بگویم‌که بانداز‌ه‌ای‌مروارید وجواهربدان دوخته بودند که متن آن ظاهرنمی‌گشت وتلؤلوغریبی‌داشت.

این محل را چهارده چراغ طلا که درروی‌زمین‌گذاشته بودند روشن‌میکرد بعضی ازچراغها بیش از چهارمن ونیم وزن دارند . از این چهارده‌چراغ هشت عدد در تالاروسط ودرهریك ازاطاقهای جنبین‌سه‌عددبود‌بعلاوه هفت‌مشعل‌دوشاخهٔ طلا که چهار ذراع پایه دارند کـه از چراغهای فوق وزین‌تر بودند .

۵ــ لوازم تاج گذاری وجلوس.

لوازم تاجگذاری و جلوس عبارت بوداز : تاج. تخت. شمشیر وخنجر.

سیاحان و سفرای خارجی راجع به لوازم‌تاجگذاری‌درنوشته‌های‌خوداشارات مختصری‌دارند ولی«شاردن» که خود در موقع تاجگذاری شاه‌سلیمان ناظروشاهد بوده است‌بیش ازهمه مارا‌به‌جزییات‌آنها آشنا میکند، به اینقرار : چون محـل تاجگذاری‌چنانکه تشریح‌شد‌تزیین گردید چهارقطعهٔ عمده‌ای که میتوان‌گفت لازم وملزوم این گونه مراسم است در میان تالار قرار دادند«قطعهٔ‌اول تختی‌است از زرخالص‌بشکل‌میزمربع کوچکی‌به‌ارتفاع چهارپا، پایه‌های آن در روی چهارگوی درشت طلاقرارگرفته‌که بجهت استحکام تخت بکار میرفت و بالای پایه‌ها را بهم متصل میکردند . هر چهار پایه وچهار گوی به‌یاقوت وزمردخرده‌رصع‌شده‌اند. صفحهٔ‌کرسی مسطح وازطلاست وازپارچهٔ ابریشمی پوشیده شده‌که محل جلوس را نرمتر نماید .

تخت مذکور به‌استثنای اوقاتی کـه برای اینگونه رسوم خارج میشود همیشه با کمال مواظبت در خزانهٔ دولتی واقع درقلعهٔ‌اصفهان محفوظ‌است وبه‌اندازه‌ای سنگین است که در موقع بیرون آوردن به‌اشکال دونفراز عهدهٔ حمل و نقل آن آن‌برمی‌آیند. ازمساعدت حوادث چندی بعدکه صندوقدار خزانه را برای نشان دادن به‌پادشاه و مادر و زنهایش‌گشوده برای‌نویسنده ممکن‌شدبدانجا داخل‌شوم وبدلخواه درآن‌تخت‌دقت‌نمایم.

قطعهٔ ثانوی تاج وآن‌یکنوع‌کلاهی است پهن که لبهٔ بالا ازلبهٔ‌پایین‌گشادتر است ، از میان‌کلاه دنباله قدری‌بلندتر از یك انگشت خارج میشود کـه بدان دوخته‌اند ورفته‌رفته‌نازك شده بعد‌مجدداً قدری جسیم میگردد پارچهٔ این‌کلاه از ماهوت زربفت‌است و دردور آن بعرض دوانگشت بطریق عمامه پارچهٔ نازك از پارچه‌های لطیف هندوستان پیچیده شده نوك دنباله دار آن را با الماس درشتی بکلی پوشانده‌اند وازاطراف زنجیرهای جواهر بدان‌آویخته شده است متن کلاه نیزازجواهر‌نفیس مستورمیباشد واطراف آن به جقه‌های متعدد الماس ویا قوت‌و زمردولعل‌باپرهای‌نفیس‌بعضی‌طیور نادره مزین گردیده‌است وازپارچه‌ای‌که به‌دور تاج پیچیده شده رشته‌های مـروارید و جواهرآویخته‌به‌جقه‌هاوصل‌میشود، بطوری که تمـام پارچه را پوشانیده و محکـم نگاه داشته است جقهٔ روبرو از سایرین نفیس‌تر و عالیتراست‌وبه‌سه شاخه منقسم میگرددکه هرسه ازجواهر وبه‌سه پرهون (مرغی‌است‌که پراورابرای جقه‌پادشاهان اخذ میکنند واسم اوبعربی حقـار است) مزین‌میشود .

قطعه سوم شمشیریست‌که به‌نسبت‌تاج وتخت‌مرصع‌شده‌است‌واین‌شمشیر مثل‌تمام شمشیرهای ایرانی‌بعرض‌دوالی‌سه‌انگشت تقریباً قوسی وبشکل هلال است (ازقرار معلوم این شمشیر از زمـان شاه اسمعیل باقیمانده‌بود وجنبهٔ تبرك داشت وتاآخر دوران صفویه درموقع تاجگذاری بکـار می‌رفته است. درعباسنامه مذکور است‌که شاه عباس دوم « شمشیر جهـانگشای جد امجد همایون اعلی برمیان بست».

قطعهٔ چهارم خنجری است بازمرصع که ازکثرت جواهر نمیتوان‌گفت از چه ساخته شده ولی لابد باید از طلاباشد .

۶ــ تشریفات مقدماتی‌وطرزقرارگرفتن طبقات مختلف درموقع برگزاری‌مراسم تاجگذاری .

درتاریخ عالـم آرای عباسی راجع به‌مقدمات تشریفات‌تاجگذاری‌شاه‌اسمعیل دوم چنین‌نوشته شده است:«طوایف‌قزلباش از اطراف وجوانب‌ممالك‌روبدرگاه‌معلی

آورده کثرت ازدحام خلایق در دارالسلطنه قزوین به‌مثابه‌ای گشت که در کوچه‌ها و اسواق تردد و عبور دشوار بود تحف و هدایای سلاطین و پیشکش امرا و ملوك اطراف و اهالی ممالك چندان در دارالسلطنهٔ قزوین جمع شد که محاسب هم از تعداد آن بعجزو قصور اعتراف داشت.

«قاضی احمد قمی» راجع بهمین پادشاه به این قرار مینویسد: چند روز قبل از این (روز تاجگذاری) به‌نواب **ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا** فرمودند که وسایل آن جشن عظیم از همه جهت ترتیب داده گذرانیدن آن مجلس بزرگ بعهدهٔ اهتمام او باشد چون روز مذکور عالم افروز شد جمیع شاهزادگان کرام و امراء عظام و سایر مقربان و ارکان دولت قاهره و سادات و علما و فضلا و اکابر و اعیان ممالك محروسه که در آن اوان در دارالسلطنه حاضر بودند و قاپوچیان و یساولان و ایشیك آقاسیان محل به‌محل قرار گرفته از ملازمان امرا و سوای کفش داری کسی را قدرت و یارای آن نبود که به‌درون دولتخانه داخل شود. ملازمان و آقایان امرا در میدان جلو خان در آن روز بپا ایستاده انتظار آقایان خود را میکشیدند. نقاره‌زنان را در آن روز بدر دولتخانه آورده بربامها کردند.

خلاصه سه قطعهٔ مذکور (تاج ـ شمشیر خنجر) را نزدیك تخت گذاشته و به‌پارچه لطیفی پوشانیدند و شاهزاده با لباس عادی خود ولی فاخرترین آنها (قبای زری ضخیم چرکس با گلهای کوچك ودر روی قبا گلچه زری و شالی در کمر که رشته‌های ممتد مروارید و جواهر بدان بسته و از دو طرف آویخته شده بود) داخل تالار شد و در محل خود نشست همان وقت سایر درباریان نیز وارد شدند و بدین طریق قرار گرفتند.

در طرف راست وقدری درعقب شاهزاده **آقاناظر** با مأموریت و شغل مهتری ایستاده در کمر خودجام طلای مرصع کوچکی داشت و در آن تعداد کثیری دستمال با نضمام عطریات برای استعمال پادشاه گذاشته بود.

قدری دورتر اوشش خواجهٔ گرجی بسن ۱۵ و ۱۶ هریك شاهکار وجاهت در دور پادشاه نیم دایره تشکیل داده بودند و دست‌های خود را بسته برروی سینه گذاشت در تلؤلؤ البسه زر دوزی خود بی حرکت ایستاده بودند در عقب آنها عده کثیری از خواجگان سیاه با تفنگهای مرصع مطلا بهمان شکل هلالی دور پادشاه را گرفته بودند.

درطرف چپ پادشاه به‌ترتیب نمایندهٔ رییس قشون و نمایندهٔ ناظر و نمایندهٔ وقایع نویس (خود این اشخاص هنوز به اصفهان نرسیده بودند) و بعد داروغهٔ اصفهان و توابع و بالاخره درمسندششم **میرزارفیع** که درمیان ایرانیان به‌علم ودانش مشهور است نشسته بود.

درطرف راست ، مسنداول مخصوص تفنگدارچی باشی خالی مانده بود که در خدمت پادشاه بخدمت میپرداخت. درمسند دوم نمایندهٔ دیوان بیگی نشسته بود ومسند بعدرا برای منجم باشی گذارده بودند. درمسند پنجم وششم شیخ الاسلام و وزیر اصفهان و توابع قرار گرفته بودند به‌استثنای اشخاصی که ذکر شد دیگری درمجلس حق جلوس نداشت ، اطاقهای پهلویی از صاحبمنصبان مملو بود. بعضی برای انعقاد جشن تاجگذاری و برخی برای اجرای او امر ملوکانه که به‌توسط تفنگدارباشی به‌آنها ابلاغ میشد حاضر شده بودند و تفنگدارـ باشی در آن روز شغل ایشیك آقاسی (رییس تشریفات) را عهده دار بود و به‌نشانهٔ آن عصای طلای مرصعی در دست داشت ودر چپ پادشاه ایستاده اوامر او را می‌پذیرفت.

علاوه بر طبقات مذکور معمولا در خارج و داخل محوطهٔ کاخ سلطنتی در موقع جلوس و تاجگذاری جمعی از صاحبمنصبان و سربازان با لباسهای رسمی حاضر بودند.

«نصرالله فلسفی» در این مورد میگوید: جمعی از صوفیان نیز مسلح بشمشیر وخنجر یا تبرزین که برشانه تکیه میدادند وسلاح ایشان بود برسم معمول در بارگاه شاهی حاضر بودند.

۷ ـ قرائت متن تصدیق نامه‌شورای سلطنتی.

رسم براین بود که متن تصدیق‌نامهٔ شورای سلطنتی مبنی بر پذیرش و تأیید سلطنت شاه باید در حین انجام مراسم تاجگذاری قرائت شود . ونیز در همین موقع بود که شاه برای خود اسم و لقب معینی انتخاب می کرد.

«شاردن» دربارهٔ تصدیق‌نامه چنین میگوید: بمحض اینکه فرجهٔ بیست دقیقه سرآمد منجم باشی اشاره نمود که هنگام شروع تشریفات است واو پادشاه را مطلع ساخت که برحسب دستور برخاست، سایرین نیز برخاستند وتفنگدارچی باشی فی الفور بخاك افتاده درهمان حال از جیب خود کیسهٔ کوچکی که محتوی نامهٔ انجمن بزرگان بود درآورد وکیسه را باز کرد، وورقه را بوسید وبرسر خود گذاشت و به اعلیحضرت داد و بلندشد شاهزاده نامه را گرفت وفی الفور به‌او ردکرد وامر نمود که آنرا باز کرده بخواند تفنگدارچی باشی اطاعت کرد وبه‌تأنی وشمرده به‌ قسمی که حضار بتوانند ازمطالب مندرجه مستحضر شوند شروع بخواندن کرد و به این طریق همگی اطلاع یافتند که شورای سلطنتی متفقاً شاهزاده حاضر را بپادشاهی قبول وانتخاب کرده وبدان شهادت دادند، چون قرائت مکتوب تمام شد پادشاه شیخ‌الاسلام را بحضور طلبید ، شیخ الاسلام پس از تعظیم وتکریم مرسوم، نامه را از شاه گرفت احتراماً بوسیده وبه پیشانی نهاد وخواند سپس مهرها را بدقت معاینه نمود و دو مرتبه نامه را با تواضع درمقابل پادشاه برزمین گذاشت وبا همین رفتار تصدیق نوشته و حقانیت شاهزاده رانمود.

در میان شاهان صفویه مرسوم بود که درموقع تاجگذاری اسم و لقبی برای خود انتخاب مینمودند ، ازجمله شاه اسمعیل لقب: « اسمعیل الهادی الوالی » بخود گرفت وسکه‌های خودرا به‌اینقرارضرب زد: « السلطان العادل الکامل الهادی الوالی ابوالمظفرشاه اسمعیل بهادرخان الصفوی » وشاه طهماسب اول به‌نام: « ابوالبقاء سلطان شاه طهماسب» موسوم شد وشاه عباس اول لقب : « ابوالمظفر سلطان شاه عباس بهادرخان » برای‌خود اختیار نمود.

«شاردن» راجع به‌نام شاه سلیمان نوشته‌است: «دراین‌مدت تفنگدارچی‌باشی درخصوص نامی که شاهزاده میخواست برای خویش اختیار کند مذاکره میکرد و منتظر تصمیم بود. شاهزاده پس‌از اندك فکری جواب گفت که تغییر رتبه مستلزم تغییر اسم نیست ونام صفی را که ازطفولیت به‌او داده‌اند نگاه‌خواهدداشت . تفنگدارچی باشی ارادهٔ پادشاه را به‌شیخ الاسلام اظهار داشت .

۸ ـ مراسم گذاشتن تاج بر سر شاه و جلوس او بر تخت سلطنت .

درزمان صفویه بطوریکه ازکتب و نوشته‌ها مستفاد میشود تاجگذاری بطرق مختلف انجام میگرفت وبااینکه دراین نوشته‌ها به‌استثنای «شاردن» توضیح مفصل نمی‌توان‌یافت بازآنچه راکه بنظررسید دراینجامتذکرمیشویم: جلوس‌شاه‌اسمعیل دوم‌درخلاصة التواریخ‌چنین‌مذکوراست : علما ومشایـخ‌کرام حاضرگشته دوشك وقالیچه را **میرسیدعلی و میر رحمةالله پیشنماز** برداشته در ایوان چهلستون‌در موضعی‌که جایگاه شاه جنت مکان (شاه طهماسب‌اول) بودانداخته آن‌اعلیحضرت بر آن‌قرارگرفتند و حفاظ‌کلام ملك‌علام بختم سورهٔ انعام اشتغال نمودند .

شاه عباس کبیر دو بار تاجگذاری کرد. یك‌بار درخراسان درزمانی‌که‌هنوز پدرش سلطان‌محمد سلطنت میکرد ودفعهٔ دیگردرقزوین‌پس‌ازاستعفای او.«نصرالله فلسفی» جلوس‌اورا درخراسان‌به‌اینقرار مینویسد :

بعد ازاینکه برسم زمان ساعتی‌سعد تعیین شد در آن ساعت قالیچهٔ مخصوص سلطنت بدست **میرسیدعلی‌جبل‌عاملی** که ازسادات وفضلای نامی بودگسترده شـد **عباس میرزا** راکه‌درآن‌تاریخ یازده‌سال داشت‌بر آن‌قالیچه نشاندند . **علیقلی‌خان و مرشد قلیخان** بادوتن ازسران‌بزرگ قزلباش هر یك‌گوشهٔ قالیچه راگرفتند و آن‌راباعباس میرزا از زمین برداشتندو برفراز تخت جای‌دادند وازآنروز اورا بنام شاه‌عباس خواندند ودر آن قسمت ازخراسان‌که دراختیار ایشان بود سکه وخطبه بنام وی‌کردند واحکام‌وفرمانهای سلطنتی به‌مهر اوصادرگشت .

در «روضة الصفا» تألیف **خواندمیر** آمده‌که **شاه سلطانمحمد** بدست خویش تاج برسر فرزندش عباس میرزاگذاشت «شاه ازدیدن فرزندنهایت سرور حاصل کرد ودستش رابگرفته اورا بخطاب‌شاه عباس مخاطب کرده بحرم در آمدند و بدست‌خودتاج‌پادشاهی برسرفرزندنهاد . ودایع سلسلهٔ صفویه‌راحکم انتقال‌وراثت بدوسپرد . علی‌الصباح شاه‌عباس برتخت سلطنت برآمده‌امرا شرفیاب‌حضورشدند به‌تاج‌شاه‌عبـاس جواهر و مروارید زیاد نصب بـوده‌برروی تخت زرین‌وقالیچـهٔ ابریشمین ارشاد نشست وخنجروشمشیر مرصع وعصای زرین مرصع‌تاجگذاری‌را بدست گرفت .

«**اسکندر بیك منشی**» تاجگذاری شاه‌عباس‌کبیر رابدسـت پدرخود سلطان محمد چنین بیان میکند : «شاهزاده را به‌خدمت‌والابزرگواربردندکه‌بدست‌اشرف تاج‌کثیرالابتهاج‌که‌تا غایت برسر ننهاده بودند برسراونهاد وکمرخنجر مرصع و کمرشمشیر برمیانش‌بست‌وخلعتهای‌فاخره درو پوشیده برتبهٔ‌ولیعهدی معززوگرامی گردانید وهمگی امراواعیان قزلباش‌که درآن‌وقت درپایهٔ سریراعلی‌بودندبه‌رسم قاعدهٔ معهود این دودمان پای‌بوسی‌کرده تهنیت ومبارکباد بجای آوردند احکام‌به اطراف و جوانب فرسـتـاده خلایق‌را از جلوس شاهزاده خبردادند ».

«شاردن» به این تـرتیب جریـان گذاشتن تاج را بر سرشاه سلیمان وصف میکند : شیخ الاسلام در طرف راست . تفنگ دارچی‌باشی‌درطرف‌چپ. شاهزاده رابمیان‌تالاربسمت‌تخت‌طلا هدایت کردند وشیخ‌الاسلام از خاکپای همایونی استدعا کردبرتخت‌نشسته‌او‌نیزقبول‌کرد،روبقبله نشست‌شیخ‌الاسلام‌هم‌دوزانوچنان‌که‌درموقع دعاودرحضوراشخاص محترم مرسوماست معمول دارند چندقدم دوراز اعلیحضرت نشسته‌تاج‌وشمشیروخنجر رابیرون‌آورده درمدت‌چند دقیقه دعاییکه باقرارتوحید شروع میشد وبه تبرك اشیاء سلطنتـی مخصوص‌به‌مراسم‌تاجگذاری‌اختتام‌می‌یافت قرائت‌کرد وبرخاسته شمشیر وخنجر را یکی بطرف چپ‌ودیگری‌را بطرف‌راست کمر اعلیحضرت بست .

ایشیك آقاسی باشی نیـز کـلاه شاهزاده رااز‌سربرداشته تاج‌رابجای‌آن گذاشت و آیه‌ای چند ازقرآن بمناسبت موقع تلاوت کرد .

«میرزا رضی تبریزی» در کـتـاب « زینت التواریخ » شرح مختـصری از تاجگذاری وبشاهی‌رسانیدن‌شاه‌عباس‌سوم بدست طهماسب‌قلی‌خان(نادر) به‌این‌نحو میآورد:«چون‌خلع‌سلطنت ازشاه‌طهماسب (دوم)کردند طهماسبقلی‌خان‌ازبیم‌شورش خلایق وصلاح وقـت روز دیگرکه در بزمی خسروانه درتالار طویله(اصفهان) ترتیب دادومهدشاهزاده والاگهر **عباس میرزا** راکه‌درآن‌وقت‌شش‌ماهه بودآورده زیب مسندخسروی‌گردانیدوافسرسروری وخطاب شاهی رابه‌اسـم وی‌گذاشـت و دارالسطنهٔ قزوین‌جهت سکنای اومقررو باپردگیان‌سرسلطنت‌روانه آن‌حدودنمود مدت‌سه‌سال وکسری‌خطبه وسکه‌درایران بنام اوبود .

۹ـ ایراد خطبه به‌وسیلهٔ شیخ الاسلام (پیشوای‌مذهبی)درموقع‌گذاشتن‌تاج.

خطبه‌ای‌که‌درموقع‌تاجگذاری‌ایراد میشدبواسطهٔ‌عادات‌قدیم‌بچهارقسمت‌منقسم میشد ویکساعت‌بطول‌میانجامید و همیشه بامضامین‌شبیه‌وبیك طرزترکیب‌میشدولی خطیب درموردتغییرعبارات وبیان‌آزاد بود .

قسمت‌اول‌راجع‌به‌حمدخداوندواست .

قسمت دوم مدح پیغمبر اکرم و ودوازده‌امام‌است .

دراین موقع‌شعرایی‌که‌بمناسبت‌روز تاجگذاری و جلوس ضمن اشعاری ماده تاریخ‌هایی ساخته بودند یك‌یك آنهارا قرائت میکردند .

۱۰ ـ شرفیابی بزرگان‌کشوری‌ولشکری پس از تاجگذاری و جلوس شاه و برقراری‌مجالس‌ضیافت‌وجشن‌چراغانی

پس‌از انجام مـراسم تاجگذاری و جلوس در همان جلـسه معمولاً عموم شاهزادگان و اعیان و اشراف و سران کشوری ولشکری وعلما و روحانیون و ارباب‌قلم‌ونمایندگان‌طبقات مختلف‌مردم وسفرا ونمایندگان بازرگانی خارجی‌که درمراسم‌تاجگذاری شرکت‌داشتندهریك برحسب‌مقام خود نزدیك‌تخت می‌آمدند وضمن بوسیدن پای‌شاهنشاه‌بعرض‌تهنیت وتبریك وتقدیم پیشکشها وتحف وهدایا (که‌عموماً به‌خزانهٔ دولتی‌تحویل میشد) مبادرت‌می‌ورزیدند وسپس‌مجلس ضیافتی تشکیل‌می‌شدکه درآن‌انواع‌واقسام‌تنقل‌و شیرینی ومیوه‌وشربت وغذاهای لذیذ به مهمانان داده‌میشد. معمولاًضیافت‌تاپاسی ازشب ادامه مییافت و چون شاه اظهار خستگی میکرد ومجلس راترك‌می‌گفت، میهمانی نیزپایان مییافت .

اصـولا در موقع انجام تشریفات تاجگذاری، پایتخت و دیـگر شهرهـا چراغانی‌می‌شد وباقالی‌وقالیچه وپارچه‌های زربفت تزیین میگردید ، در تمام طول مدت تاجگذاری وجلوس دسته‌های موسیقی‌درگوشه‌وکنار شهرهابترنم‌مشغول بودونوازندگان‌وخوانندگان مردم‌رادر

یان‌سرور وشادمانی،سرگرم میساختند.

«شاردن» میگوید : (در خلال‌این احوال شعف عمومی‌سراسر اصفهـان‌را فرارگرفته ، درتمام شهروميـادين آن مراسم جشن‌ازضیافت‌وسازوسرورواسب‌ـدوانی وسایرتفریحات رواج‌داشت، شبها چراغانی میکردند و درامتداد کوچه‌هاو اطراف خانه‌ها و میدانهای بزرگ عدهٔ زیادی چراغ بطور باشکوهی قایم مقام روزمیکشت» درجای دیگرمی گوید:«که دربالاخانهٔ‌عمارت میدان قیصریه ، نقاره وآهنگهای مهیج می‌زنند و اهالی نیـز بنواختن سازدرجـشن سلطانی شـرکت می‌نمایند کسی ازبومی‌وخارجی‌معاف‌نشد وبدون‌انقطاع بیست‌شبانه روزطول کشید» وحتی‌حیوانات‌راازباغ‌وحش‌بیرون‌آورده درقفسهادرکوچه وخیابان میگرداندند.

«مطابق‌نوشته‌گودرو(Caudreau)کشیش مسیحی‌که درزمان تاجگذاری‌شاه‌سلطان حسین‌دراصفهان‌بتبلیغ‌مشغول‌بودمی‌نویسد: تاجگذاری شاه‌باعث جشن‌وسرورعمومی شد. میدان‌شاه وبازارهای طویل شهردر تمام‌شب چراغانی‌شد . شیروپلنگ وفیل وسایر جانوران باغ وحش سلطنتی با آهنگ طبل وشیپور درمیدان گردانده شدند ».

قاضی‌احمدقمی‌میرمنشی‌میگوید: چون شاه‌کامران شاه طهماسب برسریرسلطنت و پادشاهی نشست . . . . آنگـاه خدام درگاه فلك انتباه ملازمان‌آستان جهان پناه، ازامرای ممالك مدار و سرداران کثیرالاقتدار و غیر هم زمین تبعیـت و مطاوعت ازخلوص طویت و صدق نیت بوسیده‌حلقهٔ‌فرمان‌برداری‌درگوش‌وغاشیهٔ خدمتکاری بردوش انداختند ولوح‌ضمیر سعـادت بدر را به‌نقوش سلسلهٔ مصطفوی نبوی تزیین داده لوای‌ولای‌مرتضوی‌را درساحت گنجینهٔ سینه برافراختند)

دربارهٔ شاه‌اسمعیل‌دوم‌گوید: بعداز فراغ‌ازآن، شاهزاده‌های‌نامدارو امرای عالیمقدارومقربان‌شوکت آثاریکان یکان بپای بوسی‌اشرف وتهنیهٔ جلوس سرفراز گشتند وهم درین روز **محمدقلی** سلطان والی‌خوارزم‌وایلچیان‌پادشاه‌فرنگ که به پرتکال اشـتهار داردو حکام گرجستان وسایر ولاة‌که دردرگاه‌گیتی پناه بودند ایشانرا به‌مجلس امیر درآورده اعزازو احترام تمام‌فرمودند .

درروز جلوس شاه عالم‌پناه **سلطان محمد** پادشاه بر سریر سلطنت وکامرانی می‌نویسد :

امراوارکان دولت ووزراء واعیان ملك‌وملت درایوان چهلستون‌بپای‌بوسی شاه‌کامران و شاهزادهٔ جهانبان سلطان حمزه میرزا مفتخر گشتند . لوازم‌تهنیت بتقدیم رسانیدند . هم‌اوشرفیابی‌بزرگان را درروز تاجگذاری‌ابوالمظفرسلطان‌ـ شاه‌عباس‌بهادرخان‌خلدالله ملکه‌راـچنین حکایت‌می کند: «امراواعیان‌درآن‌مجلس خلدآشیان‌درآمده بتهنیت‌جلوس‌سلطنت زبان‌تشکر وسپاس گشودند آنگاه خاطر آفتاب وتنویروضمیرمنیر باانتظام‌احوال طبقات وسادات عظام وطوایف قضاةاسلام ومشاهیرعلمای‌اعلام وجماهیرشعرای‌انام وارباب فضل وکمال‌پرداخت.»

پس‌از تاجگذاری شاه اسمعیل دوم «اسکندربیك‌منشی» شرفیابی‌رابه‌اینقرار توضیح میدهد : «امرا و شاهزادگان و ارکان‌دولت جمع شده‌اسمعیل میرزا بـا شکوه وعظمت تمام‌به‌ایران‌آمده‌وبرفراز مسندپادشاهی‌جلوس کرد ودرمکان مبارك شاه‌جنت مکان‌قرارگرفت . باالجمله‌اول: شاهزادگان وبعدازآن‌سادات وعلماوبعد از آن مجتهدان وبعد از ایـشان امراء عالیشان واعیان قزلباش ووزرا وارباب قلم واکابر واهالی ممالك ولاة ولایات و ایلچیان و تجار فرنگ به‌شرف‌پای بوسی نایل آمدند .

« محمد طاهر وحیدقزوینی » در عباسنامه‌شرح‌شرفیابی‌رابه‌این‌قرارمی‌نویسد هنگام صبح آیینی‌که فرمانروای قلمرو فلك چهارم‌برچهاربالش عناصرتکیه زن گردید . درایوان‌فوقانی‌عمارت دولتخانهٔ دارالمؤمنین کاشان‌برسریرگردون‌نظیر ، جلوس فرمودند طوایف انام ازخواص و عوام وایلچیان خسروان ذی‌احتشام‌که‌بر دربار اقبال‌حاضربودند به‌افسرسربلندی سرافرازی یافتند . اصناف امم وافراد بنی‌آدم هریك‌به‌قدرمرتبه برمرتبه‌آستان بوسی‌فایزگشتند. هریك ازبیگلربگیان وامراو مقربان وعمال وحکام‌وملازمان و منسوبان آستان عرش‌نشان راخواه‌جمعی که‌درداراقبال‌حاضربودند وخواه‌جمعی که در ممالك محروسـه وثغـور ولایات بحکومت اشتغال داشتند بخلاع‌فاخره از جیقه‌ها وشمشیر وخنجر مرصع ولباسهای فاخره اززربفت وسمور واجناس قیمتی و اسبهای تازی‌نژاد بازین ولجام‌مکلل به جواهرگرانبهاسرافرازنمودند. «شاردن» انجام این‌مراسم رادرموقـع تاجگذاری **شاه سلیمان** بدین‌گونه تشریح می‌کند : «پس ازاحضار نیز هریك بر حسب مقام خودآمده سرفرودآورده‌اظهار اطاعت و انقیادکردندواعلیحضرت‌ازتخت برخاسته به‌جای سابق‌خودنشست وسایرین‌به‌جاهای خودمراجعت کردند چه‌درموقع‌تاجگذاری همه‌ایستاده وپادشاه نشسته‌بود .

زنان‌پادشاه وخواجه سرایان نیزدر موقع ورودشاه‌به‌حرمسرا بهمین‌منوال‌عمل می‌کردند اول کسی‌که اعتراف بسلطنت پادشاه میکردوبوی‌تهنیت‌وتبریك‌میگفت مادرشاه‌بود وسپس‌هریك ازآنها واعضای حرمسرا، زانوبرزمین‌زده بابوسیدن‌پای شاه اظهار اطاعت و انقیاد مینمودنـد و تبریك سلطنت‌میگفتند. «بنات مکرمه و زوجات مطهره‌شاه‌جنت مکان وسایرخدمه بشرف پای‌بوس مشرف شدند» اما راجع به‌مجلس‌ضیافت«میرمنشی»چنین‌می‌نویسد «بعدازآن‌خوانسالاران خوانهای تنقلات فرنگی مملو ازنبات‌ونان‌گرجی واطعمه لذیذه زیادازچندوچون وهرچه‌درحوصله خیال ووهم‌گنجد فراوان‌به‌مجلس‌آوردند وصحبت‌مجلس خلدآیین تانصف‌شب‌کشید ودرآن‌روزوشب **نواب ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا** (مـأمـور تشریفـات تاجگذاری شاه‌اسمعیل دوم) عصادردست مجلس‌راگذرانید. شاه‌عالم،تحسین بسیار فرموده‌برزبان جاری‌ساختند:که اگر نه وی‌بودمجلس این‌چنین منعقد نمیشد .»

وهم‌اودربارهٔ**سلطان‌محمد** میگوید : «ومهمانداران تنقلات فرنگی‌وخانهای‌پر ازنبات وقندو نان‌گرجی واطعمه لـذیذه زیادازحد وهرچه درحوصله وخیال‌گنجد بمجلس در آوردند اکابرواعالی وادانی ازآن‌مائده پرفایدهٔ محظوظ گشتند .

۱۱ ــ تعیین مشاغل ومناصب.

در زمان صفویه مرسوم بودکه در هنگام تاجگذاری وجلوس ، شاه مختار بودکه‌صدراعظم‌وتمام‌اولیای‌امورکشوری ولشکری وخدمه ومقامات درباری رادر مشاغل‌خودنگاهداردویافرمان‌بتعویض‌آنان دهد. معمولا دراین قبیل‌مواردآنهاییکه حسن‌تدبیروسیاست‌بهتری داشتنددرزمان ولیعهدی یاهنگام جلوس‌اوبه‌تخت‌سلطنت

چنانکه گفته شد با حسن خدمت و فداکاری و از جان گذشتگی و یا دادن پیشکش‌ها و هدایای فراوان خدماتی نمایند، لااقل تا مدتی می‌توانستند در مقام خود باقی بمانند «وقتی پادشاهی بر تخت می‌نشیند باید برای بیگلربیگها یعنی حکام کل و خوانین یعنی حکام جزء و امرا و وزرا مختصراً تمام مأمورین دولتی حکمی مرسوم برقم و لباسی مرسوم بخلعت بفرستند زیرا این دو قطعه سبب استحکام مأموریت آنها میشد و علامت تصدیق ملوکانه است».

۱۲ ـ ضرب سکه و تهیهٔ مهرهای سلطنتی

در زمان سلطنت شاهان صفویه چنانکه مرسوم بوده است بلافاصله پس از تاجگذاری بضرب سکه و تهیهٔ مهرهای مختلف بنام پادشاه اقدام میکردند. در شروع تاجگذاری و جلوس تمام شاهان صفویه این دو موضوع با اینکه اغلب از سایر جزییات تشریفات شرحی دیده نمیشود مخصوصاً تصریح شده است و در این کار به اندازه‌ای دقت داشته‌اند که در همان روز جلوس و تاجگذاری به آن اقدام میکرده‌اند فحوای نوشتهٔ «شاردن» این موضوع را تأیید مینماید که میگوید: «چون پادشاه و حاضرین در اماکن خود نشستند تفنگ‌دارچی باشی لحظه‌ای با اعلیحضرت نجوی کرد و اوامری چند صادر گردید از آن جمله آن این چهار حکم بود:

امر شد هر چه زودتر اسم شاه عباس از روی مهرهای دولتی محو شود و بجای آن نام صفی حک گردد و در بعضی که نام عباس را به تنهایی نمیتوان محو کرد هر چه کنده نشده محو کنند و اگر تاب تراش نداشته باشند خرد نموده تجدید نمایند. امر شد

پول رایج به اسم شاه عباس را برچینند و بنام پادشاه حاضر سکه زنند بعلاوه مقرر گردید که تا روز بعد بعجله صد و بیست الی صد و پنجاه هزار تومان سکه زده شود این امر بسرعت مجری شد و مبلغ مذکور برای وقت معین حاضر گردید و پادشاه از آن بخشش کرد».

در زمان جهانداری صفویه پول رایج ایران از نقره و مس بود. پول طلا فقط در زمان تاجگذاری و جلوس پادشاهان سکه زده میشد که بعنوان شادباش در مدت جشن تاجگذاری در میان مردم تقسیم میگردید بنا بر این عدهٔ آن بسیار قلیل و فقط دو نمونه از آن که یکی متعلق به شاه طهماسب اول و دیگری متعلق به شاه سلطان حسین است در قسمت سکه‌ها و مدالهای موزهٔ ایران باستان موجود است.

«تاورنیه» در این خصوص مینویسد: پولهای نقره ایران از حیث قیمت بیش از سکه‌های ما اهمیت دارد ولی پول طلایی غیر از پولهای طلای اروپایی که به ایران می‌آید در ایران و در بازرگانی رواج ندارد زیرا پادشاهان ایران جز در موارد تاجگذاری و اعیاد برای تقسیم میان مردم خود پولی از طلا سکه نمی‌زنند آنهم بواسطهٔ زیاوی و یا کمی وزن در بازار رواج و قیمت ثابتی ندارد» پول طلا بنام «اشرفی» موسوم بوده است،

پولهای نقره را «بیستی و محمودی و شاهی و تومان» و پول مس را غازکی یا غازبکی» و نیم غازکی می‌گفتند و از زمان شاه عباس اول پول دیگری از نقره بنام «عباسی» ضرب زده شد در روی سکه نام پادشاهان و محل ضرب و تاریخ و در پشت آن عبارت «لااله الاالله محمد رسول الله وعلی ولی الله» و یا «الله و محمد و علی و فاطمه وحسن وحسین» و گاهی در اطراف آن نام دوازده امام و نام شهر و تاریخ آن منقور است.

پشت سکه؛ لااله الاالله محمد رسول الله و دور آن نام ائمهٔ اطهار.

مهرهای سلطنتی بدو دستهٔ بزرگ و کوچك تقسیم میشد؛ سه بزرگ و دو کوچك. مهرهای بزرگ «مهرهای همایونی» مخصوص احکام و فرامین رسمی و سیاسی و جنگی و معاهدات و بشکل چهارگوش و مدور و مهرهای کوچك حکم جهانمطاع» مخصوص مراسلات مالی و احکام اداری و فرامین خصوصی کشوری و لشکری بوده است.

مهرهای همایونی که همیشه از جواهر بود در صندوقی بود که با نوارهای ابریشمی پیچیده شده با مهر مخصوص شاه که پیوسته در گردن داشت لاك و مهر میشد و در اندرون در زیر نظر ملکه مادر شاه و مسئولیت خواجه مأمور این کار محافظت میشد. مهر چهارگوش چون از دیگر مهرها مهمتر و ممتازتر بود همیشه به گردن شاهان صفویه آویخته بوده است.

۱۴ ـ بخشیدن مالیات و اعطاء خلعت و پول و عفو مقصرین و زندانیان در موقع تاجگذاری.

پادشاهان صفویه معمولاً در موقع تاجگذاری علاوه بر مراسمی که سابقاً گذشت برای شگون و میمنت و مبارکی سلطنت خود و یا دلجویی از ملت و بزرگان کشور قسمتی از مالیات را که از مردم میگرفت می‌بخشیدند و نیز خلعتهای گرانبهایی می‌دادند و بعضی از آنان مانند شاه سلطان محمد» از خزانهٔ شاهی پولی تقسیم میکردند و مقصرین را می‌بخشیدند زندانیان را آزاد می‌نمودند.

مثلا شاه عباس دوم: به شکرانه این موهبت الهی (رسیدن بسلطنت) بقایای (مالیات) ممالك محروسه را که پانصد هزار تومان زیاده بود بتخفیف رعایا مقرر فرمود.

شاه اسمعیل ثانی چون تاج بر سر نهاد در این روز قریب به پنجاه منصب کمر شمشیر و خنجر مرصع انعام فرمودند.

«سلطان محمد» بیش از تمام پادشاهان صفویه بذال و بخشنده بود بطوریکه در مدتی تمام خزانهٔ سلطنتی را که اسلاف او جمع آوری کرده بودند از همین راه بباد فنا داد.

«شاه عباس دوم» نیز هنگام تاجگذاری از دادن خلعت خود داری ننمود. در «عباسنامه» مذکور است: «و چون بدولتخانهٔ مبارکه نزول اجلال فرمودند هر یك از بیگلربیگیان و امرا و مقربان و وزرا و عمال و حکام و ملازمان و منسوبان آستان عرش نشان، را خواه جمعی که بردربار اقبال حاضر بودند و خواه جمعی که در ممالك محروسه و ثغور ولایات بحکومت اشتغال داشتند بخلاع گرانبها و فاخره از جیقه‌ها و شمشیر و خنجر مرصع و لباسهای فاخره از زربفت و سمور و اجناس قیمتی و اسبهای تازی نژاد بازین و لجام مکلل به جواهر گرانبها سرافراز فرمودند.

در موقع تاجگذاری شاه عباس سوم چون شاه طفل شیرخوار بود طهماسب قلیخان (نادرقلی) پس از تاجگذاری وی؛ پنج هزار دست خلاع گرانبها زیب دوش امرا کرد و خود نیز خلعت وکالت دولت و نیابت سلطنت در بر نمود.

دیگر از رسومی که در هنگام تاج‌گذاری پادشاهان صفویه مرسوم بود عفو گناهکاران و مقصرین و آزاد کردن زندانیان بود، در این مورد نیز شاهد مثال در تاریخ صفویه بسیار دیده میشود، فقط بذکر یکی از این موارد که «شاردن» نقل کرده است می‌پردازیم:

«خلاصه پس ازحضورجماعت درباریان در پایتخت پادشاه چندین روزپی درپی بار داد . اشخاصی که دربار قدیم را تشکیل می‌دادند دردربارجدید نیزجمع آمدند در مجلس اول هرکس به‌خلعت خودمخلع ولی در میان جمع ، ناظر دیده نمیشد زیرا که موردمرحمت نگشته و به‌اوخلعت عطا نشده بود . چون مجلس‌دوم‌هم‌بدون اعطای خلعت گذشته ختم نمود که‌جان‌او با شغل درمعرض خطراست وپادشاه از ضدیت او در موقع انتخاب وهمراهی با برادرکوچکتر (حمزه‌میرزا)مسبوق‌شده است، در این باب ظن اوبخطا نرفته و حقیقتاً به‌پادشاه چیزی گفته بودند . پس بهتر دانست که شخصاً رفته سر خود را تقدیم نماید چه اگر بطریق انقیاد پیش می‌آمد وسرتسلیم درمقابل ارادهٔ پادشاه خم می‌نمود شاید نجات می‌یافت . دراین موضوع اشتباه نکرده بود بدین‌طریق‌که روزی موقع بارعام رفته در میان باغچهٔ جلوعمارت‌مخلوط به‌صاحب‌منصبان‌سر به‌پایین ایستاد . یکی ازحضارکه با او سابقهٔ مودت‌داشت اورا توسط‌کرد ومقبول‌افتاد شاه سبب‌حضوراورا پرسش‌نمود درجواب گفت آمده‌ام: سرمقصری راتقدیم پادشاه کنم و با خون خود خجلت اینکه مورد قهروغضب‌ملوکانه‌شده‌جبران‌نمایم» پادشاه را تعذیراوخوش‌آمد وبه‌او عودت بمنزل داد چهارروز بعد نیزخلعتش‌فرستاده‌شد وفرمان نظارتش مجدداً صادرگردید.

۱۴ـ مراسم ورودشاه‌ازشهری به‌شهر دیگرپس‌ازتاجگذاری.

درجریان تاجگذاری‌بنا به‌استدعای صدراعظم یا درباریان وگاهی از زنان وخواجه‌سرایان‌حرم، عده‌ای اززندانیان آزاد میشدند و این رسم همیشه در این خاندان برقرار بوده‌است .

ترتیب‌ومراسم‌ورودشاه‌جدیدازشهری به‌شهر دیگر پس ازتاجگذاری وجلوس به‌تخت ازمواردبسیار قابل ملاحظه‌ای است که ذکرآن دراین بحث‌مناسب‌است از جمله‌ترتیب‌ورود «شاه‌عباس‌دوم»راکه «تاورنیه»سیاح فرانسوی‌خودشاهدوناظر بوده است چنین‌حکایت می‌کند:

شاه عباس دوم‌پسرصفی پس‌ازاینکه در قزوین‌طبق‌مراسم معمول تاجگذاری کرد به‌جانب‌اصفهان رهسپار شد،درموقع ورود به‌شهر به‌تمام افراد ارتش مستقر در اصفهان وسایر شهرها اعم از پیاده و دستورداده‌شدبرای‌استقبال شاه درخارج ازشهر دردوطرف معبرشاه صف بکشند . اهالی‌شهر نیزکه‌برای استقبال‌آماده‌شده بودند تاحدود پنج‌فرسنگ در دو طرف جاده در پشت افراد سپاه قرارگرفتند.

تا دوفرسنگی شهر تمام طول جاده از پارچه‌های قیمتی زربفت‌فرش‌شده بود تمام مخارج‌استقبال را اهالی شهر بعهده گرفته بودندکه**شاه‌بندر** (شهردار)میان اهالی سرشکن‌کرده بود .

اعتمادالدوله (صدراعظم) به‌تمام خارجیان‌مقیم‌اصفهان مخصوصاً انگلیسیها وهلندیها اطلاع داده‌بودکه خودرابرای استقبال آماده نمایند و چون تعداد فرانسویها در این زمان از دوسه نفردر اصفهان تجاوز نمی‌کرد و نمی‌توانستند هیئتی‌تشکیل دهند ، من«تاورنیه» جزء هیئت هلند به استقبال آمدم. هیئتهای خارجی‌برای پیشواز تاسه فرسنگی شهر آمدندودرآنجاشاه‌را سرگرم‌شکارمرغابی دیدند جانی‌خان فرمانده‌سواران به‌محض مشاهدهٔ ورودهیئتهای‌خارجی‌مراتب‌را به استحضارشاه رسانید شاه عباس هم سواره به نزدیك آنها آمد. درهمین‌هنگام تمام اعضای‌هیئت‌هاازاسبهای‌خود بزیرآمدند وشاه هم اسب خود را در مقابل آنان نگاهداشت .

نیکلاابرکیت (Aberckie)، مدیر هلندی‌شرکت به‌اتفاق‌معاونش که‌زبان‌فارسی رابخوبی‌میدانست‌وپیوسته به‌لباس‌ایرانیان ملبس بود از طرف هیئت عرض تبریك گفت وپای او را بوسید . سپس‌شاه براه خود ادامه داد وچون به‌محلی رسید که جاده ازفرش وپارچه‌های زربفت‌مفروش بود شیخ‌الاسلام وقاضی اعظم رادرمعیت تعداد کثیری از طبقات‌روحانی مشاهده نمود ، عنان اسب راکشید وایستادوپس ازاصغاء مراسم‌دعاوثنا ازطرف‌روحانیان درحالیکه اعتمادالدوله در سمت چپ و فرماندهٔ سوار نظام قدری‌عقب‌تراز اسب شاه‌قرارگرفتند به‌حرکت درآمد . تنها شاه بود که درروی فرش اسب میراند و مابقی دردوطرف‌آن حرکت میکردند .

پس‌از گذشتن شاه ، مردم‌بلافاصله ریخته وپارچه‌ها برداشتند وهریك‌سهمی برای خود بردند .

نادر شاه افشار

پاییز سال ۱۱۴۸ هجری قمری (۱۷۳۵ میلادی) بود افتخارات نظامی نادربه‌منتهی حدخودرسید دوست‌ودشمن را ازهنرنماییهای خویش‌غرق درحیرت‌و شگفتی‌نموده بوددشمنان ایران‌اعم‌از داخلی وخارجی همه برجای‌خود نشسته بودند .



وی‌ازدوازدهم محرم۱۱۶۷ بمنظور تکمیل فتوحات خود وتصفیهٔ کامل خاك پاك ایران ازوجود دشمنان‌وسرکشان‌از اصفهان بیرون آمده روبه ولایات شمال غربی‌ایران‌نهاده‌بودوبدون‌اینکه‌لحظه‌ای بیاساید با سرکشان داغستانی و گرجی وخوانین‌کریمه‌ولزگیهای‌جاروتله‌وپاشایان و فرماندهان نامدار عثمانی نبردهای عظیم وحشت زایی کرده همه را از پا درآورده مطیع فرمان خود کرده بود . موفقیت‌های‌شگفت انگیزاوهمه‌رامرعوب ساخته مست باده پیروزی در ذروه اعتلا در اوج عظمت و قدرت برمسند کامرانی نشسته بود دیگر کسی دربرابرشخصیت اوشخصیتی‌نداشت‌وکسی‌را درمقابل‌وجود او یارای اظهاروجود نبود.

بنا براین‌موقع‌را برای‌ابراز نیتی که سالها دردل‌نگهداشته بودمناسب‌یافت وبرآن‌شدکه مسند جم را آرایشی ازنو دهد .



سکه نادرشاه

نخست چندتن از سرداران بزرگ ونزدیکان‌با خبر را که روزها آرایشگر

میدان‌رزم وشبها حریف مجلس بزم بودند درخلوت خاص به‌حضور پذیرفت وچنین آغاز سخن کرد:

«سالها است که پادر رکاب سعادت نهاده‌ایم وتمام سرکشان ایران را بضرب شمشیر مطیع کرده‌ایم، سراسر ایران‌را ازاهل‌عناد وفساد پیراسته، همه‌را فرمان‌بر خود ساخته‌ایم اما نمی‌توان بیش از این مملکت را بدون شاه گذاشت. راست است اکنون جزما فرمانروایی نیست اما دور نیست که ناگهان سرکردگان وسرخیلان وحتی عموم مردم ایران برسر یکی ازشاهزادگان صفوی گرد آیندو اورا به‌سروری وپادشاهی بردارند ورنجهای چندین ساله مارا ضایع سازند.

ندیمان خاص عرض کردند محال است که چنین تصور باطل و چنین خیال محالی درخاطر کسی خطور کند، معذالك حکم آنچه تواندیشی رأی آنچه توفرمایی.

نادر گفت: تنها وفاداری وفرمان برداری شما چندتن کافی نیست دراین کشور سرداران ودلیران وریش سفیدان بسیارند که آنچه در اندیشهٔ شما است نمیپذیرند وشاید به پادشاهی شاه‌طهماسب وعباس میرزا راضی‌تر باشند. در این جلسه تاریخی گفتگو به‌درازا کشید وهریك ازسرداران بنا به‌عقیدهٔ خود سخنانی گفتند تنها حسنعلی‌خان معیرباشی دم فروبسته وساکت نشسته بود. نادر به‌او فرمود تونیز سخنی بگو، وی عرض کرد.

«امروز فرمانروایی وپادشاهی ازآن بندگان دوران است اما مقرون به‌صلاح دولت آن است که فرمان مطاع مبارك به سراسر ایران صادرشود که تمام سرگردگان وسرخیلان دراردوگاه محلی جمع شوند. وپس ازاسترضای آنان رضا نامه‌ای را به مهر گرفته شود آنگاه برتخت شاهنشاهی جلوس فرمایند، انجام این عمل مایهٔ رضای خدا وسبب خشنودی خلق خواهد گردید. ازپیشنهاد معیرباشی نادر رابسیار خوش آمد وفرمود که رأی همایون مانیز برهمین قرار یافته».

صبح روز بعد نادر، میرزا مهدیخان منشی‌خودرا احضار کرده فرمود به‌سراسر ایران بنویس که تمام‌حکام وعلماوبزرگان وکدخدایان ورؤسای ایلات واعیان‌همگی باید درپانزدهم جدی (دی) دردشت‌مغان حاضرباشند که می‌خواهم درامورمهمی با آنان مذاکره کنم.

نخستین فرمان به‌خراسان بنام ابراهیم‌خان برادر نادر وطهماسب‌خان جلایر وکیل‌الدوله رقم گردید. فرمان دیگر بنام محمدعلی‌خان وتقی‌خان شیرازی مرقوم شد وبزرگان فارس وبنادر جنوب فراخوانده شدند فرمان دیگر بنام ابوالحسن‌خان حاکم اصفهان نوشته شد آنگاه فرمانهای دیگر به‌همدان و قلمرو علیشکر «گروس» و مازندران و گیلان و طوایف بختیاری و وسایرطوایف واستان آذربایجان و سایر شهرستانهای ایران قلمی گردید.

فرمانهای مذکور بوسیله چاپاران سریع‌السیر ارسال شد.

به‌دنبال آن فرمانهای دیگری به‌تمام‌بلاد ایران نوشته شدکه باید یکصد هزاردست خلعت درموعد مقرردردشت مغان حاضر سازند.

سپس فرمان دیگر صادر شدکه در مکانیکه رود ارس وکر بهم می‌پیوند، دوازده هزار رواق از چوب و نی به‌انضمام حمامها ومسجدها ورباطهای‌لازم ومیدان وبازار ساخته عمارتی‌مشتمل بر حرمسرا واطاقهای که شایسته‌ولایق باشد برای خود نادر باچوب‌وستون برافرازند.

متأسفانه تاریخ نخستین جلسهٔ خصوصی که نادر بابزرگان دربار وفرماندهان سپاه خود تشکیل داده بود ونیز تاریخ صدور فرمانهای فوق‌الذکر روشن‌نیست آنچه که علی‌الظاهر مسلم است این است که بزرگان شوشتر ودزفول که بالغ بر پنجاه وسه نفر بودند در دویم ماه رجب از راه کوه کیلویه روانه شدند و دراوایل ماه شوال به اردورسیدند.

سرداران وحکام وعمال ومباشرین آذربایجان وعراق و مازندران و رشت ولاهیجان و فارس روز اول رمضان وارد شدند.

ابراهیم‌خان برادر نادروطهماسب‌خان وکیل الدوله وسایربزرگان خراسان در دهم رمضان رسیدند.

خلیفهٔ ارامنهٔ همراه بیست وپنج‌تن ازکشیشان وخدمتگزاران اوچ‌کلیساروز ۲۸ رجب حرکت کردند وروز ۲۹ شعبان وارد شدند.

خود نادر روز هشتم یانهم رمضان به‌دشت مغان رسید.

باری دربین راه قبل ازآن‌که نادر وارد دشت مغان شود هوای شکار کرد و فرمان دیگری صادر کرد که حکام وفرمانروایان آن‌حدود دایره‌ای راکه‌ولایات قراباغ وحدود ارمنستان رادربرمی‌گیرد دوربزنند وبراندن‌حیوانات وحشی‌مشغول گردند وچنان‌کنندکه سرانجام تمام حیوانات دردشت مغان جمع شوندمقارن اوقاتیکه می‌بایست فرمان اجراء شود و حیوانات به‌حدود دشت‌مغان رسند نادر وارددشت گردید چندروزی بیش‌نگذشت که اثروحشیان وجانوران‌ظاهرشدوبقول صاحب نامه عالم‌آرای نادر «از فریاد و فغان دلیران ونعره ولوله جانوران‌نسخه فزع اکبر و نمونه دشت محشر عیان گردید.»

نادردوباره‌فرمان‌دادکه‌اگرجانوری ازجانبی‌گریخت نگهبانان آن جانب به انواع سیاست ومؤاخذه دچارخواهند شد بنابراین‌ازبیم‌غضب نادر دراستحکام‌دایره شکارچنان مبالغه شدکه فرارحیوان‌محال گردید ابتدا نادر خود بشکار پرداخت و چون خسته شد سایرفرماندهان را امربه کشتن انداختن جانوران داد چون شکار بپایان رسید وحیوانی باقی نماند دستور داد حیوانات شکارشده‌را اعم از درنده و چرنده بشمرند سی‌ویك‌هزارجانور بشمار آمد.

شاید مقصودنادر انجام شکاری‌به‌این وسعت‌این‌بوده است که‌به‌تهیهٔ‌غذای‌مدعوین دشت مغان‌کمکی‌کرده باشد.

باری مدعوین دشت مغان ازاطراف واکناف ایران‌دسته دسته واردشدندبقول ابراهام خلیفهٔ ارمنی اوچ‌کلیسا «حتی‌از ممالك هندوستان ونواحی‌بلاد دورافتاده نیز هرچه خان وسلطان ومیرزا و وزیر وشیخ الاسلام وشیخ وملاباشی وکلانتر و وملکیت واعیان ـ وکدخدا وسرحددار وحاکم‌بوددسته‌دسته دردشت مغان‌فرود‌ـ آمدند».

مأمورانتظامات‌دشت‌مغان‌عبدالحسین بیك نسقچی باشی بود وی هردسته‌ای‌که که وارد میشد محل سکونت آنان را تعیین می‌کرد چادرهای مسکونی را درکنار رود ارس زده بودند در اطراف محل سکونت نادر که ساختمان مجللی ازچوب‌بود چادرهایی‌برپاکرده‌ایوانهای ازنی ساخته‌بودند پانصدکلبه ازنی‌وچوب در محل‌مجزایی برای سرداران‌وفرماندهان بزرگ ساخته شده بود مدعوین هر روز

در چادر وایوانهای اطراف‌جایگاه نادر جمع میشدند. نادرهرروز دویا سه‌ساعت از روزگذشته در ایوان بزرگی موسوم به دیوانخانه جلوس میکرد آنگاه سی تن از قراولان فـریاد میزدند « هنگام سلام‌است» .

سپس بزرگان‌که قبلا در ایوانهاو چادرها منتظر بودند باحالت کرنش از برابر نادر رد میشدند هـر روز ایـن تشریفات تکرارمیشد. درمحل‌انجام این مراسم‌سه هزارتن‌قراولان تفنگدارهمراه فرماندهان خود به دو یاسه ردیف می ـ ایستادندوقنداق تفنگهای‌خودرا برزمین نهاده‌لولهٔ آن‌را روبه‌آسمان‌نگه‌میداشتند وباروت دان نیمی ازاین‌سربازان ازطلا ونیمی از نقره بود، کلاه نمدی‌که از دو جانب آن قسمتی آویخته بود و بـر آن کلمه‌الله به سه‌شکل مختلف خوانده‌میشد برسرشان بود .

پس از پایان مراسم تعظیم وکرنش که باید آن‌را رژه بزرگان دشت مغان نامید نادر مشغول‌رسیدگی بعرایض‌مردم واستماع‌اخبار وگزارشها میشد و قریب به چهارساعت بهاینکاراشتغال میورزید، آنگاه‌مردم‌رامرخص می‌نمودکه هریك‌به اطاق ومسکن‌خود میرفتند واز ندما و مقربین درگاه‌والا**حسنعلی‌خان‌معیرباشی و مظفرعلیخان ومیرزا زکی وتهماسب خان وکیل الدوله** را نگاهداشته‌ساعتی باایشان‌طرح‌بزم نموده‌بعد ازاکل وشرب چاشت و شام مرخص میگردیدند .

در جریان‌اینکارها واین تشریفات نادربه‌وسایل مختلف سعی میکردکه‌میل قلبی حضار دشت مغان‌را دریابـد و از اندیشهٔ واقعی آنان‌که آیـا واقعاًو قلباً به پادشاهی‌او راضیندیاخیر اطلاع‌حاصل کند . نادر بخوبی میدانست‌که خاندان شاهنشاهی صفویه به‌حد کافی مهرخودرا در دلها جاداده‌اند ودل برداشتن ازمهر آن خاندان‌کاری مشکل است .

نخست‌این‌رازرا با برادرخودابراهیم‌ـ خان در میان نهاد، ابراهیم‌خان موافقت کرد امادرمقـام نصیحت‌گفت «چون‌سکه وخطبه بنام مزین سازی ، مـرتکب قتل شاه تهماسب نگردیده بنابخاطر من‌معاف فرمایی‌که قتل پادشاهان شگون ندارد » نادر این خیراندیشی‌راپذیرفت ودراین باره‌قول‌مؤکد داد .

سپس تهماسب خان وکیل الـدوله‌و احمدخان مروی وحسنعلی‌خان‌معیرباشی را مأمور فرمودکه‌بتمام حکام‌وفرمان‌ـ روایان حاضر دشت مغان موضوع را در میان نهند وبدون‌اینکه ازتمایل نادربه شاهی‌سخنی‌گویند اظهاردارند :

«صاحبقرآن زمان میفرماید اراده داریم که بخراسان برویم ودر قلعهٔ خود کلات مسکن‌گزینیم ودست‌از لشکرکشی بـرداشته بعبادت درگاه صمدیت اشتغال ورزیم پادشاه شمـا شاه تهماسب است هر کس‌خواهش سلطنت اودارد عرض نماید که از آن قرار معمول داریم واگر بـه پادشاهی شاه تهماسب راضـی نیستید دیگری را از خاندان صفوی برگزینید تا اورا به پادشاهی برداریم .

مأمورین مذکوردر مدت چهارروز پیغام نادر را به دسته‌های مختلف ابلاغ نمودند وهمگی یکزبان گفتند که مارا پادشاه وصاحب اختیار جز نادر کسـی نیست .

نادر به این‌نیز اکتفانکرد وبرای اینکه‌اطمینان‌خاطراوبیشترشودفرمان‌داد خیمه ای راکه بدستور او قبلاً در رشت ولاهیجان ساخته‌بودند برپاساختند،خیمه مذکور دوازده دیرك داشت‌كه‌ارتفـاع‌هر دیرك ۲۴ ذرع بود وفاصله هردیرك۱۵ ذرع شاه بود. بربالای‌خیمه چهارده قبهٔ طلا که هریك به اندازهٔ یك‌خم خسروی بود میدرخشیدطنابهای خیمه‌را باابریشم هفت رنگ تابیده بودند واین خیمه با کمك دوازده هزار میخ برزمین استوار میشد درکف خیمه فرشهای گرانبها و قالیهای کرمانی انداخته بودند در قلب خیمه تختی از طلا مرصع به گوهرهـای رنگارنگ موسوم به تخت نادری نهاده بودند .

نادر مجلس بزمی در خیمه ترتیب داد وتمام فرماندهان‌وخوانین بزرگ‌را احضار فرمود وساقیان سیمین تن‌زیبا‌ـ روی‌دریك‌دست‌صراحی‌های‌سیمین وزرین ودر دست دیگر جام‌باحرکاتی مـوزون منطبق برنوای مطرب بگردش درآمدند وسرحریفان را از باده‌گرم‌کردند. نادر که بربالای تخت زرین خود نشسته بود وقتی دید مجلسیان از خود بیخود شده در مستی راستی پیشه خواهند کرد میل قلبی‌آنان را نسبت به پادشاه‌واینکه،که بـاید باشد خواست در همان حال همگی متفقاً گفتند : ما را قبله وکعبه بجز تو نمیباشدو‌بغیرازتوپیروی‌بدیگری‌نخواهیم کرد ودرخدمت تو جانبازیها کرده‌ایم و مال دولت خودرافدای‌شاهراه‌تونموده‌ایم واراده‌آن داریم‌که بعدالیوم سربلندیها نماییم .

نادر این جلسه راچهار روزتکرار کرد ، شاید کسی در مقام مستی نسبت به خاندان صفوی اظهار علاقه کند امـا جز‌گفتارمحبت‌آمیز نسبت بخویش‌سخنی نشنود .

باری نادر قریب به‌یك ماه مشغول تفحص راز درون‌دلها بود ودر این‌مدت هرچه تقاضا کردندکه مقام شاهنشاهی را بپذیرد نپذیرفت. چون‌اطمینان یافت که اکثرأموافقندسررضا جنبانیدوفرمان دادکه تمام بزرگان در یك‌جا جمع‌شوند آنگاه فرمود «اکنون که رأی‌شمابراین قرارگرفته است‌که‌نگذاریدمن‌باستراحت مشغول شوم و دست بسوی مـن دراز کرده‌اید منهم بارأی شما موافقت دارم مشروط براینکه‌اولاً سلطنت درخاندان من موروثی باشد وکسی ازتجدید سلسلهٔ صفویه سخن نراند ثانیاً همگی ازسب و لعن به خلفای سه‌گانه خود داری کرده در اصول پیرواهل سنت ودرفروع مقلد طریقه واجتهاد امـام جعفر صادق(ع) باشید . »

حضار این‌شرایط راپذیرفتندآنگاه محضرنامه‌ای ویا بنام دیگر و ثیقـه‌ای نوشتند وکتباً تعهدکردند که‌شرایط‌نادر را اجرا نمایند.اکنون‌قسمتی ازمتن‌یکی تعهدنامه‌هاکه وثیقهٔ دشت مغان نام‌دارد در موزهٔ ایران باستان موجود است .

از این پس دیگر کاری باقی‌نماند جز اینکه مراسم وتشریفات تاجگذاری برگزار شود .

منجمین وستاره شناسان بعد ازظهر روز پنجشنبه۲۴ ماه‌شوال‌را مناسب‌ترین وسعدترین ساعات شناختند ۱۲ روزبه نوروزمانده بودوساعات‌شب وروزتفاوت چندانی نداشت .

خیمهٔ نادری که شـرح‌آن گذشت آراسته شد ، ظرفهای‌بزرگ‌طلاوتنگهای مرصع‌پرازشربت‌روی‌میزبزرگی‌که آنهارا از طلا ساخته بودند قرارداشت.درکنار ظرفها وتنگها سینی های بزرگ‌نقره‌که در هرسینی چند جام زرین قرار داشت

نهاده بودند ، در میان شربت خوریها تنگ جواهر نشان بسیار گرانبهایی بود که‌میگفتند ۵۰۰ تومان(به‌پول آن زمان) ارزش دارد. بزرگان وسران‌دسته دسته وارد خیمهٔ شدند وهر دسته درجای خود قرار گرفتند نادرهمراه‌فرما ندهان بزرگ وشاهزادگان و ندمای‌خاص‌واردخیمه‌شدو بر تخت‌نادری‌جلوس‌فرمودیکی‌ازبزرگان دربار بنام **میرزا زکی** تاج‌شاهی‌را که بقول یکی‌از کشیشان‌حاضرمجلس بنام **ترتوما** بصورت کلاه خودی مکلل به جواهر الوان‌برسر نادر نهادودرهمان‌آن‌نقاره‌خانه نادری بصدا درآمد و شیپورچیان وطبالان‌بنواختن طبل‌وکرنای پرداختند فریاد مبارك بـاد از همه سـو بلند شد **میرزاعسکر**ملاباشی قزوینی بپای‌خواست بقرائت خطبه‌پرداخت. در تمام مدتی‌که خطبه قرائت میشد تمام حضار رو به‌قبله به دوزانو نشسته دست دعاازآستین بدر آورده برآسمان داشتند . پس ازآنکه خطبه‌بپایان‌رسیدسورهٔ‌فاتحة‌الکتاب‌برای سلامتی نادر وسیله حضار خوانده شد و سپس همگی روبه تخت نادر پیشانی بـر خاك نهادند ومـراسم عبودیت نسبت به پادشاه جدیدبجاآوردند، سپس‌برخاستند وهریك بتناسب‌رتبه‌درمقام مخصوص‌خود قرارگرفتند.بلافاصله بخوردانهای طلاو نقره به مجلس آمد وفراشان بـه تقسیم گلاب و به دنبال آن به تقسیم شربت و شیرینی‌مشغول شدند درهمان حال**معیرـباشی** دوکیسه پراز پول طلا پیش شاه گذاشت و به فرمان‌اومیان حاضران‌تقسیم شد .

پس‌ازانجام‌این مراسم نادرمدعوین را مرخص‌کردوخود مجلس‌بزمی‌خصوصی مرکب از بـرادر خود **ابراهیم‌خان** و برادرزاده‌اش **علیقلی‌خان** وپسران‌جوان خودونیز**زکی‌وتهماسب‌خان‌وکیل‌الدوله** وچندتن‌دیگرازنزدیکان‌خاص‌برپاساخت. مطربان ورقاصان اززن و مرد به خیمه درآمدندو به‌زدن‌ورقصیدن‌وپایکوبی‌مشغول شدند ، نیمساعت این مراسم ادامه یافت آنگاه نادر تاج ازسر برگرفت و بـاز مندیل تهماسبی برسر نهاد.

در این‌روز حکام وسلاطین وسرـخیلان وریش سفیدان‌وکدخدایان‌ومین‌ـباشیان‌ویوزباشیان وپنجاه باشیان و ده‌ـباشیان ویساولان وعملجات‌وکارخانجات بخلاع‌فاخره ونوازشات ملوکانه سرافراز شدند .

بیادگار جشن تـاجگذاری سکـه زدند، بریك طرف سکه این عبارت بود: الخیرفی ماوقع‌که الخیر فیماوقع تاریخ جلوس همایون بود ، این مادهٔ تاریخ را آقافرج خبوشانی یافته بود و برروی دیگر سکه این‌شعر حك شده بود :

سکه‌برزرکردنام سلطنت‌رادرجهان
نادر ایران‌زمین وخسروگیتی‌نشان

میزا قوام‌الدین محمدقزوینی مادهٔ‌تاریخ ذیل راساخت :

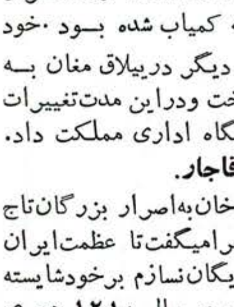
اسکندرشان بنصر وتأییدوظفر
برمسند جم‌گشته عدالت‌گستر
تاریخ جلوس‌میمنت‌مانوسش
ذوالقرنین است تاج اقبال‌بسر

که اگرحروف ذوالقرنین‌راحساب کنیم وتاج اقبال‌را که الف است برآن بیفزاییم **۱۱۴۸** درمی‌آید.

قریب‌به‌سه روزبساط جشن‌وشادمانی برپابود ازآن‌پس‌مردم‌پراکنده‌شدند،این نکته‌رانیز باید‌متذکرشدکه‌بسیاری‌ازحضار دشت‌مغان‌پس‌از آنکه‌وثیقه رامهرکردند ازدشت‌مغان‌حرکت کردندو برای‌شرکت‌در جشن تاجگذاری نایستادند زیرا بعلت کثرت جمعیت که‌تعدادشان راصد هزار نوشته‌اند آذوقه کمیاب شده بـود .خود نادر دوسه ماه دیگر دربیلاق مغان بـه استراحت‌پرداخت ودراین مدت‌تغییرات مهمـی در دستگاه اداری مملکت داد.

آقامحمدخان قاجار.

آقامحمد خان به‌اصرار بزرگان‌تاج را قبول‌کرد زیرامیگفت‌تا عظمت‌ایران رابرترهمهٔ‌همسایگان‌نسازم برخودشایسته نمی‌بینم.بالاخره در سال **۱۲۱۰** هجری قمری‌تـاج



کیانی‌وبازوـبند مرصع و مکلل به الماس‌برسر وبربازوبست و شرایط و لوازم این جشن وعید را ملازمان حضرت‌وهواخواهان دولت به‌عموم رعایای ایران مرعی ومنظور نمودند ودر جمیع بلاد محروسه برمنابر بنام همایون خطبه مطرز وسکه‌رامزین داشتند وعالی‌ودانی به‌عرض تهنیت وتبریك پرداختند وعیش وشادمانی برپاساختند » منتظم‌ناصری»

تاجگذاری فتحعلیشاه .

تاجگذاری فتحعلیشاه را هـدایت در روضة‌الصفا چنین نگاشته است:

« پس از استماع اخبار فتحعلیشاه در دارالعلم شیراز جلوس علی‌الاختصار کرد سپس از فارس به‌عراق‌آمد وبعداز آنکه‌کارها بدلخواه شدبه اکمال جلوس پرداخت وروز عید نوروزسعیدکه هم‌عید صیام وهم غرهٔ شوال که عید فطر باشد و نوروز هفت ساعت وپنجـاه وچهار دقیقه از طلوع آفتاب گذشته با اکلیل مرصع وبازوبند هـای الماس وشمشیر وخنجر جواهر نگین برتخت سلطنت جلوس‌کرد. دوازده‌تن از شاهزادگان‌کوچك‌وبزرگ برگرد تختگاه حضور یافتند وامرا و اکابرواعیان‌که ازآذربایجان وخراسان وعراق وفارس وخوزستان و طبرستان و گیلان ولرستان وکردستان آمده بودند جابجا ایستادند. خطیبان خـوش الحان خطبهٔ تهنیت‌آغازکردند وفصحای‌طلیق‌ـاللسان تشید مدایح سازنمودند . خاصه ملك الشعـرا جناب**فتحعلیخان کاشانی** قصیده‌ای درتهنیت جلوس وتاریخ‌سلطنت میمنت ظهور معروض‌داشته است .

چند روزی در تهران وشهرستانها بمیمنت ومبارکی‌سال‌فرخنده‌وتاجگذاری بافروشکوه‌جشنها گرفتند وشادیها کردند واکرام واطعام فقرا نمودند .

سررابرت‌کرپرترشرح‌لباس‌تزیینات تاجگـذاری فتحعلیشاه را بدین ترتیب توصیف‌کرده است :

«یك‌جقه دارای سه‌شقه بالای‌سرشاه بود وشکل‌آن جقه مخصوصاً نسبت بتاج پادشاه‌بزرگ ودراز بنظرمیرسید . این جقه‌بطورکلی‌ازدانه‌های‌الماس‌ومرواریدو یاقوت‌وزمردهای‌بزرگ‌تشکیل‌می‌یافت‌که بطورانبوهی‌پهلوی‌هم‌چیده‌شده‌بودوبقدری ماهرانه‌آن جواهرات راکارگذاشته‌بودند که هنگام انعکاس نور از سطح درخشان آن یك‌اختلاط و امتزاجی از زیباترین رنگها را تشکیل میداد. چندین پرسیاه مانند دم حواصیل با جقهٔ درخشنده او درهم‌آمیخته بودمنتهاالیه بانقطهٔ‌انحنایی

این دیهیم شاهی به مرواریدهای گلابی شکل بسیار درشت خاتمه می یافت .

جامه اش زربفت و تقریباً مانند تاج او مزین به انواع جواهرات بود، روی دوشانه اش دو رشته مروارید قرار داشت وشاید بزرگترین مروارید در نوع خودش درجهان بوده است

من ملبوس اورا جامه نام میدهم زیرا که از گردن تا پایین کمرش را بطور چسبانی پوشانیده بود و شکلی باو میداد که بامقام وهیبت وسیمای او کاملا برازندگی داشت . از آن نقطه بپایین مبدل به یك دامن گشاد وبازی می شده که جنس آن عیناً ازهمان جنس بالاتنهٔ قیمتی بوده است .

اما ازجهت زرق وبرق وشکوه هیچ چیزی با بازوبندی که بربازوی او بود وبا کمری که بر کمرش بسته بود نمی توانست برابری کند انتهای جقه وقتی که در مقابل نور خورشید قرار میگرفت درخشندگی خاصی داشت» .

ناصرالدین شاه قاجار .

هدایت در روضةالصفا جلوس و تاجگذاری ناصرالدین شاه را چنین می نگارد: بعداز ورود ناصرالدین شاه به تهران در روز ۲۱ شهر ذیقعده صلای عام در دادودرساعت هشت شب شنبه ۲۲ ذیقعدهٔ ۱۲۶۴ هجری قمری با بازوبندهای مشهور خاقانی وکلاه مرصع کیانی وسایر اثاثهٔ خاص واسباب حضور برمسند وتخت پدر



وجد بنشست. خطیبان خطبه‌های عربی و پارسی خواندن برگرفتند و شعرای بلیغ قصاید تهنیت معروض داشتند وامنای دولت وندمای حضرت بر جا ایستادند وشلیك توپهای پی درپی زمین راسیماب وار بلرزه درآورد وازخروش طبل وشیپور ونغمه صور بـه مسامع مجامع نزدیك ودور می رسید، از فردایش به حل وعقد ورتق وفتق وعزل پرداخت، نخست منصب عظیم صدارت عظمی را به **جناب میرزا تقی خان فراهانی** تفویض فرمودواورا اتابك اعظم وامیر کبیر لقب داد .

مظفرالدین شاه .

در روز جلوس و تاجگذاری مظفرالدین شاه اختلاف است بعضی جلوس و تاجگذاری اورا جمعه اول شعبان ۱۳۱۳ هجری قمری و برخی ۱۵ شعبان المعظم نوشته اند درهرصورت مظفرالدین شاه که مدت چهل سال در تبریز بعنوان ولیعهد روزگار میگذرانید بمحض اطلاع برفوت ناصرالدین شاه باتفاق سپاهیان وجماعتی از رجال وبزرگان عازم پایتخت شد .

تاجگذاری وی درعمارت برلیان وتخت مرمر انجام گرفت وهفت روز در شهرهای ایران جشن برقراربود .

مظفرالدین شاه هرروز بایك لباس مخصوص سرداری مشکی، سرداری قرمز وسرداری ارغوانی غرق درجواهر وعصای مرصع برتخت طاووس جلوس کرد و تاج کیانی برسرنهاد .

امرا و شاهزادگان ، بزرگان و اعمام وسپهسالاران ، سرتیپان وسرهنگان در عمارت تخت مرمر بحضور همایون شرفیاب شدند ومورد اکرام شاه واقع گردیدند .

آنروز سکه‌های طلا ونقره ضرب گردید (اشرفی طلا) که بین حاضران تقسیم شد.درسه روزجشن وشادمانی هرروز یکصدنفرازبزرگان وامرا وخدمهٔ خلوت بامظفرالدین شاه ناهار صرف مینمودند درشهر نقاره نواخته میشد و رامشگران درکوی وبرزن بشادی و سرور مشغول بودند .

محمد علیشاه قاجار .

محمد علیشاه در دورهٔ انقلاب مشروطیت برتخت سلطنت نشست .

مراسم تاجگذاری را درکاخ ارك انجام داد وبراثرعداوت شدیدی که نسبت به مشروطه ومشروطه خواهان میورزید، هیچیك ازوکلاء مجلس شورای ملی رادر این مراسم دعوت نکرد.

گویند هنگامی که میرزا نصرالله مشیرالدوله نایینی تاج رابرسرمحمدعلی میرزا گذاشت سهواً یاعمداً تاج راعوضی گذاشت .

هنگامیکه تاج برسراونهادند بقدری برسراوسنگینی میکرد که نمیتوانست آنرا نگاهدارد ناچار بادودست برروی سر نگاهداشت وپس از چند دقیقه آنرا ازسر برداشت وکنارگذاشت وبازنقل میکنند که درروز تاجگذاری کلاغها پرچم سلطنتی را پاره پاره کردند.مراسم این تاجگذاری درعمارت گلستان در کاخ برلیان بوده است .

تاجگذاری محمدشاه .

(۱۲۵۰ هجری قمری ــ ۱۸۳۴ میلادی)

هدایت در روضة الصفای ناصری شرح مراسم تاجگذاری محمد شاه رادر سال ۱۲۵۰ هجری قمری چنین مینگارد:

«محمد شاه در هفتم رجب المرجب سال ۱۲۵۰ درتبریز جلوس مختصر فرموده و در روز چهاردهم رجب با وزرای دول خارجه (روس وانگلیس) وداخله وامرای آذربایجان وششهزار سپاه نظام وبیست و چهار عرادهٔ توپ که میرزا ابوالقاسم قایم‌مقام قبلاتهیه دیده بود بجانب دارالخلافه تهران همی راه برید ودر ۱۴ رمضان المبارك در دارالخلافهٔ تهران جلوس مفصل فرمود بتخت خاقان صاحبقران برآمد تاج کیانی خاصه را زیب فرق مبارك کرده وبازوبندهای مرصع بدریای نور وتاج ماه ونورالعین اورنگ زیبی را بربازوان کشورگشا بست، باشوکت وابهتی تمام رخصت سلام عام فرمود شاهزادگان و اعمام (یکصدو چندنفر پسران فتحعلیشاه) و امرای عالی قدر وصاحب منصبان و سرتیپان وسرهنگان آذربایجان ووزرا و سفرا داخله وخارجه جابرجا ایستاده از غرش توپها گوش افلاك متزلزل میشد.

شعرا وخطبا بانشاء نظم ونثربه شعر وخطبه تهنیت رطب اللسان آمدند وطبق حلویات وشربت وزروسیم بچاکران قدیم وجدید موهبت رفت ومجلس جلوس تفرجی وسعادت درگذشت وبنظم ونسق مشاغل و مناصب ملکی اهتمام رفت و تمام خلایق درمهدامن و امان آسوده بودند»

محمد شاه در سال ۱۲۵۰ هجری قمری ابتدا درتبریز جلوس کرد و بعداز ورود بتهران درديوانخانهٔ بزرگ برسریر سلطنت جلوس فرمود. عموم شاهزادگان وامرا وطبقات خدم بارحضور مبارك یافتند جواهرآلات خاصه پادشاهی را ازبازوبند وشمشیر که خسروخان گرجی ازشهر بـه نگارستان آورده تقدیم نموده بود در جلوس وتاجگذاری مورد قبول قرار گرفت .»

احمدشاه.

(۱۵ رجب ۱۳۲۷ هق ــ ۱۹۰۹م)

هنگامیکه محمدعلیشاه خلع وبسفارت

روس پناهنده شده بود (۱۶ ژانویهٔ ۱۹۰۹ میلادی) سران آزادیخواه در تهران اجتماع کردند و پسر ۱۲ یا ۱۳ سالهٔ محمد علی میرزا را بر تخت سلطنت نشاندند .

سرداری مشکی، یقه‌دار غرق در جواهر برتن او نمودند و تاج کیانی را عضدالملك نایب السلطنه بادست خود در تالار برلیان برسر او گذاشت و فردای آنروز سلام عام وخاص انجام گرفت مدت ده روز در تمام نقاط تهران صدای طبل و کوس و نقاره و شلیك توپ و تفنگ بگوش میرسید و ضیافت ومهمانی در دربار و سایر نقاط دیگر مانند باغشاه ومسجدشاه برقرار بود امرا و شاهزادگان وبزرگان ونجبا و رؤسای نظام وسران آزادیخواهان برای عرض تبریك وتهنیت درعمارت گلستان حضور یافتند درروز سوم تاجگذاری محمدحسن‌ـ میرزا برادرکهتر احمدشاه به‌ولایتعهدی برگزیده ومسکوکات طلا ونقره بافتخار روز تاجگذاری ضرب وبین جمیع طبقات تقسیم شد .

مراسم تاجگذاری
اعلیحضرت همایون رضاشاه کبیر

مراسم و تشریفات تاجگذاری اعلیحضرت همایون رضا شاه پهلوی روز یکشنبه چهارم اردیبهشت ماه سال **۱۳۰۵** خورشیدی مطابق با **۱۲** شوال **۱۳۴۴** هجری قمری برابر با بیست وپنجم ماه آوریل سال **۱۹۲۶** میلادی در تالار بزرگ کاخ سلطنتی گلستان بعمل آمد.

این تالارسالیان دراز عمارت موزهٔ سلطنتی بود ومجموعه های مختلف اشیاء نفیس در آنجا نگاهداری میشد . دو تخت بسیار زیبا از مینا کاری و مرصع پشت‌سرهم قرار داده بودند که با تخت طاووس رقابت می‌کرد . هر دوی این تختها بدرجهٔ اعلی مرصع کاری شده است ولی تخت کوچکتر بیش از دیگران با جواهر گرانبها زینت یافته وپایه‌های آن باشرابه‌هایی اززمرد بزرگ طبیعی آرایش شده است . در سراسر تالار شمعدانهای مجلل زیبا ساخت بزرگترین کارخانه‌های «ونیز» و «بوهم» چیده‌شده ویك چهلچراغ بسیار بزرگ از بلور تیره به رنگهای مختلف و گلدانهای بزرگ سنگین وزن دیده می‌شود . رجال و بزرگان ایران با جبه‌های کشمیری و افسران ارشد و نمایندگان سیاسی خارجی با بانوانشان در تالار صف کشیده و جمعی از علما و روحانیان دورتخت سلطنتی نشسته بودند وپرچمهای افواج در طرفین تالار به‌چشم می‌خورد . والاحضرت ولیعهد **محمدرضا پهلوی** که **۷** سال داشتند با متانت تمام واردتالارشدند . سپس ، رییس الوزرا و وزیران که حامل سه‌تاج ، عصای مرصع سلطنتی ، شمشیرهای الماس نشان ، سپر زمرد ویاقوت‌نشان ، دریای نور ودیگر جواهر تاریخی وگرانبهای سلطنتی بودند وارد شدند ودرجای مقرر قرارگرفتند تا اعلیحضرت همایون **رضاشاه پهلوی** شاهنشاه ایران در حالیکه موزیك در برابر مدخل تالار سلام شاهنشاهی‌رامی‌ـ نواخت باهمراهان دیگروارد تالار شدند تخت طاووس دربالای تالار قرارداشت، آجودانهای همایونی در کنار تخت ایستادند ودر برابر آن پرچم سلطنتی را برافراشتند. پیشاپیش این‌عده تخت نادری دیده می‌شد که دربرابر آن بترتیب از سوی راست به‌سمت‌چپ : رییس‌تشریفات امیر لشکر **والی** ، امیر لشکر **اسماعیل‌ـ خان**، امیر لشکر **انصاری** ، امیر لشکر **جلایر**، امیر لشکر **احمدآقاخان** . وزیر داخله ، وزیر عدلیه ، وزیر جنگ ، رییس الوزرا، وزیر دربار ، وزیر پست و تلگراف ،وزیر فواید عامه، وزیر مالیه، امیر لشکر **نصرالله‌خان**، امیر لشکر **خزایی**، امیر لشکر **جهانبانی** و رییس تشریفات ایستادند.

درطرفین تخت نادری درسوی راست، هیأت نمایندگی سیاسی و بانوان ودرسوی چپ آن علماء وهیأت‌قضات قرار گرفتند که در پیشاپیش آنان در سوی راست صاحبمنصبان درجهٔ اول نظام ودرسوی چپ اعیان کشور بنظر می‌رسیدند.

اندکی جلوتر از این عده امرا و بزرگان ، که در اطراف آنان بیرقهای افواج مستقر بود، آقایان : **مشار** کفیل وزارت معارف ،**سمیعی** حاکم تهران ، **مفتاح** کفیل وزارت خارجه ، **جم** معاون ریاست وزرا ، **بهرامی** رییس دفتر ، چراغعلیخان **پهلوی** ، امیرخان **اعلم** و دیگر رؤسای دربار بحال احترام ایستاده بودند .

جلوتر از این دسته، بسمت مدخل تالار، در سوی راست ، اعضاء برجستهٔ وزارت امور خارجه ، وزارت پست وتلگراف ، وزارت داخله ، وزارت عدلیه ، وزارت فواید عامه، وزارت مالیه، وزارت معارف بلدیهٔ تهران ، و در سوی چپ ، اعیان کشور ، نمایندگان ولایات ، نمایندگان تجار ، نمایندگان اصناف ، نمایندگان مطبوعات در انتظار تشریف فرمایی شاهنشاه به‌تالار تاجگذاری بودند.

نگهبانان مخصوص تشریفات ومراسم تاجگذاری شاهنشاه ایران شاگردان مدارس نظام بودند که در همه جا دیده می‌شدند .

پس از آنکه والاحضرت اقدس شاهپور **محمدرضا پهلوی** ولیعهد وهیأت حاملین تاجها واثاثهٔ سلطنتی واردتالار شدند به‌این ترتیب درتالار قرار گرفتند:

شش تن آجودانهای شاهنشاه درطرفین آقای **دولتشاهی** رییس تشریفات داخلی درسوی راست و آقای **غفاری** رییس تشریفات خارجی درسوی چپ ایستادند ، امیر لشکر **خدایارخان** حامل بیرق سلطنتی دربرابر آنها ووالاحضرت اقدس ولیعهد درپیشا‌ـ پیش آنان بودند.

پشت سر والاحضرت اقدس ولیعهد بترتیب دو بدو از راست به‌چپ آقایان نامبردهٔ زیر ایستادند .

۱ ـ آقای **فروغی** رییس الوزراء .	حامل تاج کیان.
۲ ـ آقای **تیمورتاش** وزیر دربار.	حامل تاج پهلوی.
۳ ـ آقای امیرلشکر **امیرطهماسبی** وزیرجنگ	حامل شمشیرجهانگشای نادری
۴ ـ آقای **اسعد** وزیر پست و تلگراف.	حامل تاج مروارید .
۵ ـ آقای **فاطمی** وزیرعدلیه.	حامل عصای مرصع سلطنتی.
۶ ـ آقای **داور** وزیر فوایدعامه.	حامل دریای نور.
۷ ـ آقای **دادگر** وزیرداخله.	حامل چماق سلطنتی.
۸ ـ آقای **بیات** وزیرمالیه.	حامل تمثال مبارك.
۹ ـ آقای امیرلشکر **احمدآقاخان** رییس امنیه	حامل گرزسلطنتی.
۱۰ ـ آقای امیرلشکر محمودخان **ایرم**.	حامل شمشیر شاه اسماعیل صفوی.
۱۱ ـ آقای امیرلشکر **جلایر**.	حامل سپر سلطنتی.
۱۲ ـ آقای امیرلشکر **نقدی**.	حامل شمشیرشاه عباس صفوی .

۱۳ــ آقای امیر لشکر **انصاری.** حامل قدارهٔ مرصع.
۱۴ــ آقای امیر لشکر **خزاعی.** حامل تبرزین سلطنتی.
۱۵ــ آقای امیر لشکر **اسماعیل خان.** حامل زرهٔ شاه اسماعیل صفوی
۱۶ــ آقای امیر لشکر حبیب‌الله میرزا **جهانبانی** حامل کمان نادری.
۱۷ــ آقای امیر لشکر قاسم‌خان **والی.** حامل تیرکش مرصع.
۱۸ــ آقای **مفتاح** کفیل وزارت امور خارجه.
۱۹ــ آقای چراغعلیخان **پهلوی** پیشکار والاحضرت اقدس.
۲۰ــ آقای **سمیعی** حکمران تهران.
۲۱ــ آقای **جم** معاون ریاست وزراء.
۲۲ــ آقای میرزا یوسف‌خان **مشار** کفیل وزارت معارف اوقاف.

والاحضرت اقدس ولیعهد در دست راست تخت نادری قرار گرفتند و بیرق سلطنتی در پشت سر تخت افراشته شد. حاملین اثاثهٔ سلطنتی در فاصلهٔ معینی از تخت نادری از دو طرف روبروی هم ایستادند و منتظر ورود موکب مبارک همایونی شدند آجودانهای همایونی ما بین تخت نادری و تخت طاووس ایستادند.

پس از توقف همگان در جاهای مقرر رؤسای تشریفات ورود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را به تالار تاجگذاری اعلام کردند.

در این هنگام ابتدا شش تن از آجودانهای شاهنشاه در پیشاپیش و سپس رؤسای تشریفات و اعلیحضرت همایون **رضاشاه پهلوی** شاهنشاه در حالیکه جقهٔ نادری بر سر و شنل مرواریددوز سلطنتی بر دوش داشتند و آقای سرتیپ مرتضی خان **یزدان پناه** فرماندهٔ لشکر مرکز و ژنرال آجودان همایونی و آقای **بهرامی** رییس دفتر مخصوص سلطنتی و رؤسای درجهٔ اول دربار پشت سر شاهنشاه می‌آمدند، به تالار تشریف فرما شدند.

سلام مخصوص شاهنشاهی نواخته شد اعلیحضرت همایون شاهنشاه از میان دو ردیف بیرقهای افواج و حاملین اثاثهٔ سلطنتی عبور و بر اریکهٔ تخت نادری جلوس فرمودند، در این هنگام بیرقها بحالت سلام خم شدند. آجودانهای مقدم در صف آجودانها در پشت تخت سلطنتی قرار گرفتند و ژنرال آجودان یزدان‌پناه در طرف دست چپ تخت، کنار پایهٔ عقب تخت ایستادند. حاملین اثاثهٔ سلطنتی در برابر تخت در فاصله‌ای متناسب به ترتیب نیم‌دایره، بطوریکه رییس الوزراء و وزیر دربار در وسط نیم‌دایره بودند قرار گرفتند دیگر اعضاء هیئت دولت و ملتزمین همایونی که حامل اثاثهٔ سلطنتی بودند در ردیف دوم حاملین اثاثه ایستادند.

پس از جلوس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، آقای امام جمعه تهران خطبه‌ای قرائت کردند و بعد از آن وزیر دربار شاهنشاهی تاج پهلوی را نزدیک تخت سلطنتی برده و به شاهنشاه تقدیم نمودند. اعلیحضرت همایون شاهنشاه تاج را با دست خود زینت افزای فرق مبارک فرمودند و شمشیر جهانگشای نادری را که بوسیلهٔ امیر طهماسب وزیر جنگ تقدیم شد زیب پیکر نمودند.

در این هنگام در میدان مشق بیست و یک تیر توپ شلیک شد.

رییس تشریفات جقهٔ نادری را گرفت و در جای تاج پهلوی گذاشت و رییس دیگر تشریفات شمشیر کمر اعلیحضرت همایونی را گرفت و در جای شمشیر جهانگشای نادری قرار داد.

پس از گذاشتن تاج و بستن شمشیر جهانگشای نادری اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیات ملکوکانه را ضمن فرمایشات شاهانه بیان فرمودند و پس از آن رییس‌الوزراء تاج کیانی را به آقای جم معاون خویش داد و خود در برابر تخت خطابه‌ای معروض داشت. پس از اتمام خطبه دوباره تاج را گرفت و در جای خود ایستاد.

سپس رییس الوزراء بنام نمایندگان ایالات وولایات تبریک عرض کرد و اعلیحضرت همایون شاهنشاه در حالیکه تاج برسر داشتند از تخت فرود آمدند و به اطاق برلیان معاودت فرمودند و والاحضرت اقدس ولیعهد و حاملین اثاثهٔ سلطنتی و دیگر ملتزمین هنگام ورود در جزء ملتزمین به اطاق برلیان رفتند.

تاجگذاری شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو فرح.

شاهنشاه آریامهر زمانی رهبری ایران را عهده‌دار شدند که این کشور تحت اشغال قوای روس و انگلیس بود و ثبات سیاسی واقتصادی واجتماعی بکلی رخت بربسته بود و بیم آن میرفت که اساس این کشور کهنسال از هم بپاشد و دفتر چندین هزار سالهٔ تاریخ ایران بسته شود. ولی خدای ایران که همواره یارو مددکار ملت نجیب وشریف ماست، چنان سرنوشت شومی را برای ساکنین این مرزوبوم اراده نکرده بود.

درست در آن لحظات حساس که بیم میرفت اوراق زرین تاریخ ملتی کهنسال درزوایای غبار فراموشی مدفون گردد، رهبر خردمند، واقع‌بین ودوراندیشی را که درسیاست وکیاست بی‌نظیر است، به مأموریتی بس خطیر یعنی نجات سرزمین آباء و اجدادی خویش واداشت و خود حمایتش کرد. شاهنشاه آریامهر بامتانت و بردباری واز خودگذشتگی فراوان، کلیهٔ موانع را از میان برداشتند ولی از همان آغاز سلطنت باخود عهد کرده بودند تا زمانی که ملت وکشورم از امنیت وثبات سیاسی، اقتصادی واجتماعی برخوردار نباشند تاج کیانی بر تارکم نمی‌نهم و براورنگ شهریاری نمی‌نشینم. این آرزوی معظم‌له پس از **۲۶** سال جامهٔ عمل پوشید تااینکه خورشید روز فرخندهٔ چهارم آبان **۱۳۴۶** شمسی در آسمان درخشیدن گرفت. روز نشاط انگیزی بود از مدتها پیش ملت ایران خود را برای برگزاری جشنهای فرخندهٔ تاجگذاری شاهنشاه آریامهر وعلیاحضرت شهبانو فرح آماده کرده بودند.

مراسم تاجگذاری با شکوه و عظمت خاصی از کاخ مرمر شروع شد، ساعت ده و ده دقیقه کالسکه‌های سلطنتی از کاخ مرمرحرکت کردند. در دو طرف مسیر ملوکانه داخل پیاده روها مردم انتظار میکشیدند. چند لحظه نگذشت که کالسکهٔ زیبای سلطنتی از در بزرگ **کاخ مرمر** بیرون آمد. یك گردان پیاده از افراد گارد شاهنشاهی بادستهٔ موزیك پیشاپیش موکب همایونی حرکت میکرد و به دنبال آن یك گروه ازسواران نیزه‌دار از افراد گارد شاهنشاهی درحرکت بودند. دو یساول در



به یادگار تاجگذاری شاهنشاه آریامهر وشهبانو فرح

طرفین کالسکه قرار داشتند . **شاهنشاه آریامهر** کلاه مخصوص پهلوی به سر داشتند **علیاحضرت شهبانو** پیراهن سفید با آستین‌های بلند و گشاد به تن کرده بودند و والاحضرت ولایتعهد لباس دانشجویی دانشکدهٔ افسری را به تن داشتند . آقای **کامبیز آتابای** رییس اصطبل سلطنتی جلوی کالسکهٔ اعلیحضرتین حرکت میکرد . کالسکهٔ اول حامل شاهنشاه وعلیاحضرت شهبانو بود . پشت سر کالسکه تیمسار سپهبد منصور **افخم‌ـ ابراهیمی** آجودان مخصوص اعلیحضرت همایونی به حال شمشیر کش حرکت میکرد. تیمسار سرتیپ چنگیز **وشمگیر** یکی از آجودانهای مخصوص شاهنشاه درفش شاهنشاهی را حمل مینمود و تیمسار سرلشکر مصطفی **امجدی** و تیمسار سرلشکرعزیزالله **کیانی** درطرفین درفش براسب به حال شمشیر کش و تیمسار سرتیپ حسین **جهانبانی** آجودان مخصوص شاهنشاه درپشت درفش حرکت مینمودند. کالسکهٔ دوم که‌چهار اسب‌سیاه آن‌را میکشید حامل والاحضرت همایون ولایتعهد بود . پیشاپیش و در طرفین کالسکه والاحضرت ولایتعهد دوسوار حرکت میکردند وبه دنبال آن تیمسار سپهبد عبدالحسین **داوری زنجانی** و تیمسار سرلشگر علی **کریملو** آجودانهای مخصوص ، سواره به حال شمشیر کش و یك اسواران نیزه‌دار ازگارد شاهنشاهی قرارداشتند .

حرکت موکب همایونی ابهت و جلال خاصی داشت و درطول مسیرمردم گلهای سرخ میخك وگلایول نثارموکب اعلیحضرتین می‌کردند اعلیحضرتین از خیابانهای پهلوی، سپه، ضلع جنوبی میدان‌ـ سپه، ناصرخسرو ازمیان احساسات پرشور مردم گذشتند و از در شمال شرقی به کاخ گلستان و تالار برلیان نزول اجلال فرمودند .

اعلیحضرتین درتالار برلیان یك ربع‌ساعت استراحت فرمودند .ساعت ده‌و پنجاه دقیقه ، درفش شاهنشاهی و پرچم کشوری به‌تالارموزه‌حمل شد . پیشاپیش درفش سلطنتی و پرچم کشوری تیمسار ارتشبد رضا **عظیمی** ژنرال آجودان شاهنشاه‌آریامهرحرکت‌میکرد وبه دنبال وی درفش شاهنشاهی و پرچم کشوری توسط چهارآجودان مخصوص تیمسار سرلشگرجواد **قره باغی** ، تیمسارسرتیپ عبدالعلی **بدره‌ای لرستانی** ، تیمسار سرتیپ رضا **طباطبایی‌وکیلی** ، تیمسار سرتیپ جعفرقلی **صدری** که درطرفین به حال شمشیر به دوش قرار داشتند حمل میشد ، درفش شاهنشاهی و پرچم کشوری با شکوهی خاص به تالار موزه‌آورده‌شد ودر طرفین تخت سلطنتی قرارگرفت وگارد پرچم درطرفین پرچم در تالار موزه قرارگرفتند . درساعت ده وپنجاه وسه دقیقه درحالی‌که سکوتی توأم با ابهت برتالار مجلل موزه حکمفرما بود والاحضرت همایون ولایتعهد در حالیکه رییس تشریفات دربار شاهنشاهی آقای‌ـ رستم **امیر بختیار** وتیمسارسرلشکرمحسن **هاشمی‌نژاد** فرماندهٔ‌گارد شاهنشاهی ، تیمسارسرتیپ‌سعید **رضوانی**، تیمسارسرتیپ عبدالله **عشقی‌پور** دو آجودان لشکری در جلو و تیمسارسرلشکرپرویز **خسروانی**، تیمسار سرلشکرعلی **حجت‌کاشانی**، آقای‌ـ مهندس محمد علی **قطبی** ، آقای دکتر اسفندیار **دیبا** آجودانهای‌لشکری‌وکشوری شاهنشاه آریامهر پشت سروالاحضرت قرار داشتند به تالار موزه تشریف‌فرما شدند و درسمت چپ تخت نادری مقابل صندلی مخصوص ایستادند.سه دقیقه بعد علیاحضرت فرح شهبانوی‌ایران به‌تالار کاخ‌گلستان تشریف فرماشدند .

شهبانو لباس سفید پوشیده حمایل آبی رنگ به روی‌آن افکنده بودند . ابتدا آقای‌فضل‌الله **نبیل** پیشکارعلیاحضرت و پشت‌سر وی تیمسار سپهبد فریدون

جم و بعد تیمسار سپهبد اسکندر **آزموده** ، تیمسار سرلشکر عباس **قره باغی** آجودان‌های لشکری شاهنشاه و سپس علیاحضرت شهبانو درحالی که دوتن از ندیمه‌های شهبانو لوییز **قطبی** و بانو **دیبا** در طرفین معظم‌لها حرکت میکردند وارد تالار موزه شدند ، والاحضرت شهلا **پهلوی** ، والاحضرت نیلوفر **پهلوی** ، والاگهر آزاده **شفیق**، دوشیزه **دادستان** ، دوشیزه ژالهٔ **دیبا** به عنوان دوشیزگان افتخار پشت سر شهبانو حرکت میکردند . پشت سر دوشیزگان افتخار بانوملکتاج **علم** ، بانو لیلی **یزدان‌پناه** ندیمه‌های شهبانو و سپس آقای سیروس **فرزانه** ، ناصر **مشیری** ، عزت‌الله **خردمند**، ادیب **هویدا** آجودان‌های کشوری شاهنشاه آریامهر قرار داشتند . علیاحضرت شهبانو در سمت راست تخت سلطنتی جلوی صندلی مخصوص ایستادند. سه دقیقه بعد شاهنشاه آریامهر باتشریفات باشکوهی به تالار موزه نزول اجلال فرمودند . پیشاپیش صف ملتزمین شاهنشاه ، آقای دکتر حسینعلی **لقمان ادهم** رییس کل تشریفات شاهنشاهی و بعد تیمسار ارتشبد دکتر بهرام **آریانا** رییس ستاد بزرگ ارتشتاران و پشت سر آنها تیمسار ارتشبد عزت‌الله **ضرغامی** فرماندهٔ نیروی زمینی، تیمسار سپهبد **خاتمی** فرماندهٔ نیروی هوایی ، تیمسار دریاسالار فرج‌الله **رسایی** فرمانده نیروی دریایی (دریك صف) و پشت‌سر آنها تیمسار سپهبد **نصیری** رییس سازمان اطلاعات وامنیت کشور، تیمسار سپهبد **اویسی** فرماندهٔ ژندارمری کل کشور تیمسار سپهبد محسن **مبصر** رییس شهربانی کل کشور حرکت می‌کردند . بعداز فرماندهان نیروهای سه‌گانه و رؤسای انتظامی کشور، شاهنشاه آریامهر و پشت‌سر شاهنشاه ده تن از آجودانهای لشکری؛ تیمسار سپهبد عزیزالله **کمال** ، تیمسار سپهبد محمد **فاضلی**، تیمسار سپهبد باقر **کاتوزیان** ، تیمسار سپهبد علیمحمد **روحانی**، سپهبد سیف‌الله **ضرغامی**، تیمسار سپهبد قاسم **بهاروند**، تیمسار سپهبد سعید **اعزازی**، تیمسار سپهبد حسن **توفانیان**، تیمسار دریابان ابوالحسن **فاطمی** و تیمسار دریابان جعفر **کوروس** و به دنبال آنها تیمسار سپهبد مرتضی **یزدان‌پناه** رییس شورایعالی تاجگذاری، آقای اسدالله **علم** وزیر دربار شاهنشاهی آقای نصرت‌الله **معینیان** رییس دفتر مخصوص شاهنشاهی و چهار معاون وزارت دربار شاهنشاهی آقایان جعفر **بهبهانیان**، دکتر محمد **باهری**، ابوالفتح **آتابای** و شجاع‌الدین **شفا** و دوتن ازرؤسای تشریفات آقایان، محمد **اکبر** وهمایون **بهادری** و درصف آخر آقایان: غلامعلی **سیف ناصری** امیر ناصر **دیبا**، علی ایزدی و خلیل گیتی چهار تن ازآجودان‌های کشوری شاهنشاه قدم به تالار کاخ نهادند. شاهنشاه پس از تشریف فرمایی به تالار بر تخت نادری جلوس فرمودند و آنگاه علیاحضرت و والاحضرت ولیعهد جلوس نمودند .

در این هنگام یك گروه شیپورچی که در خارج از تالار بودند ؛ آهنگ مخصوص نواختند و بلافاصله درفش شاهنشاهی برفراز جایگاه به اهتزاز درآمد . در اینوقت حضرت آیت‌الله امام‌جمعهٔ تهران وکسانیکه افتخار حمل لوازم واثاثه سلطنتی راداشتند ازمحل مخصوص به ترتیب حرکت کردند ودر مقابل تخت سلطنتی دریك صف قرار گرفتند .

کلام الله مجید وسیله سرباز وظیفه سلطانعلی **قلعه برخورداری**، تاج پهلوی وسیلهٔ تیمسار سپهبد **شفقت**، تاج علیاحضرت شهبانو وسیلهٔ تیمسار سپهبد **مین باشیان** شمشیر اعلیحضرت توسط تیمسار سپهبد **منیعی**، کمربند وعصا وشنل اعلیحضرت به ترتیب وسیلهٔ سرهنگ **خسروداد**، ناوسروان **ادیب دیبا** واستوار یکم هوایی حبیب **ارشدنژاد** تا مقابل تخت سلطنتی حمل شد.

حضرت آیت‌الله امام جمعهٔ تهران از صف حاملین اثاثه سلطنتی یکقدم به جلو گذاشت وابتدا آیه‌ای ازقران مجید تلاوت کرد وسپس خطبهٔ تاجگذاری را قرائت نمود.

پس از پایان قرائت خطبه، شاهنشاه آریامهر کلام‌الله مجیدرا بوسیدند وبر دیده نهادند. آنگاه شاهنشاه آریامهر کمربند خودرا بازکردند وکمربند مخصوص را به کمر بستند .

سپس شمشیر مخصوص تقدیم شد و شاهنشاه آنرانیز حمایل فرمودند. شنل مخصوص سلطنتی را آقای **علم** وتیمسار سپهبد **یزدان‌پناه** بدوش شاهنشاه انداختند.

ساعت یازده وهفت دقیقه شاهنشاه تاج پهلوی را برسر نهادند وبعد عصای سلطنتی را به دست گرفتند دراین هنگام بود که صدای شلیك صد ویك تیر توپ در فضای تهران طنین افکند وسلام شاهنشاهی نواخته شد. ازگلدسته‌های مساجد بانگ تکبیر برخاست وناقوس‌های کلیساها ، سوت کارخانه‌ها ، کشتی‌ها ، لوکوموتیوها بصدا درآمد ونقاره‌چی‌ها آهنگ مخصوص باستانی نواختند ساعت یازده وده دقیقه علیاحضرت شهبانو فرح درمقابل شاهنشاه آریامهر قرارگرفتند .

ابتدا شنل علیاحضرت وسیلهٔ دو تن از ندیمه‌ها روی دوش معظم‌لها قرار گرفت آنگاه شاهنشاه آریامهر تاج مخصوص علیاحضرت را بدست گرفتند ودر حالیکه علیاحضرت شهبانو روی یك بالش آبی روشن زانو بزمین نهادند شاهنشاه تاج رابرسر شهبانو نهادند، آنگاه شاهنشاه دست شهبانو راگرفت و علیاحضرت بپا خاستند و سپس در حالیکه دوشیزگان افتخاردنبالهٔ شنل معظم‌لهارا گرفته بودند به‌مقابل صندلی مخصوص آمدند و جلوس کردند ، دراین موقع مراسم ادای تهنیت به عمل آمد ابتدا آقای امیرعباس **هویدا** نخست وزیر پیش آمدو تهنیت گفت وسپس آقایان مهندس **شریف امامی** رییس مجلس سنا ومهندس عبدالله **ریاضی** رییس مجلس شورای ملی تبریك گفتند وبعد آقای دکتر **صورتگر** قصیدهٔ تاجگذاری را بعرض رسانید دراین موقع آقای **معینیان** رییس دفتر مخصوص شاهنشاه خطابه ملوکانه را تقدیم داشت وشاهنشاه آریامهر آن‌را به این شرح قرائت فرمودند ؛

«خداوند متعال را شکر گذاریم که به من امکان داده است در مقام شاهنشاه ایران خدمتی را که درقدرت وتوانایی من است ، نسبت به کشور وملت خودم انجام دهم وازدرگاه احدیتش مسئلت دارم مرا درآینده نیزمانندگذشته درادامهٔ این خدمت موفق بدارد و ارشاد فرماید. تنها هدف زندگی من ارتقاء روزافزون کشورو ملت ایرانست، وآرزویی به جزاین ندارم که استقلال و حاکمیت این مملکت را حفظ کنم وملت ایران رابپای مترقی ترین وسعادتمندترین جوامع برسانم و عظمت دیرینهٔ این سرزمین و افتخارات تاریخی آن را تجدید کنم ودر این راه درآینده نیز مانندگذشته حتی ازبذل جان دریغ نخواهم داشت .

در این هنگام کـه تاج سلطنت کهنسال‌ترین شاهنشاهی ایران را بر سردارم وبرای نخستین بار در تاریخ شهبانوی ایران‌نیز تاج برسر نهاده‌است‌خودرا بیشتر ازهمه‌درکنار ملت عزیز شرافتمند و میهن‌پرست خـویش احساس میکنم و آرزو دارم کـه همواره لطف و عنایت کاملهٔ الهی شامـل حال ایشان وملت‌باشد. برای من‌بسیار جـای خوشوقتی ومباهات است‌که امروزه من وملتم باپیوند قلبی ناگسستنی به‌یکدیگرپیوسته‌ایم ودست دردست هم در راهی که متضمن عظمت و ترقی‌وسعادت‌ایران‌است پیش‌میرویم به‌روان‌پاك همهٔ آنهـایی‌که در طول هزاران سال بافداکاری وجانبازی خاصی استقلال وحاکمیت‌شاهنشاهی ایران را حفظ‌کردند و این ودیعهٔ گرانبهارا بدست‌ماسپرده‌اند درود میفرستم‌وازدرگاه‌قادرمتعال مسئلت دارم همهٔ مـارا توفیق‌عنایت‌فرماید که‌به‌نوبهٔ خودکشوری سربلندتر و ملتی‌مترقی‌تروجامعه‌ای‌سعادتمندتر به دست آیندگان خویش بسپاریم وولیعهدمرا نیزدرمسئولیت‌خطیری که‌به‌عهدهٔ اونهاده شده است‌همواره یاری فرماید .»

سپس والاحضرت شاهپورها هر يك جلو رفتندو به‌اعلیحضرتین‌تبریك‌گفتند. پس از پایان مراسم شاهنشاه آریامهر درحـالیکه تاج پهلوی بـه سر داشتند و عصای سلطنتی بـه دست ، با عظمت و شکوه خـاصی تخت سلطنتی را ترك کـردند و همراه مـلتزمین از تـالار **کاخ گلستان** خـارج شدنـد. هنرمندان هنرهـای زیبا دراین‌هنگام‌آهنگ‌ملایمی مینواختند ودستهٔ‌کر آواز میخوانـد ، چند لحظه بعد علیاحضرت شهبانـو در حالیکهٔ دوشیزگان افتخار دنبالهٔ شنل معظم‌الهارا گرفته بودنددرتالار به‌حرکت درآمدند . بعد ازشهبانـو، والاحضرت ولایتعهد همراه ملتزمین تالار را ترك فرمودند . مقارن ساعت دوازده‌شاهنشاه آریامهر درحالیکه تاج پهلوی به سر و عصای سلطنتی به‌دست داشتند به محوطهٔ مقابل کاخ‌گلستان قدم نهادند .

پشت‌سرشاهنشاه، علیاحضرت‌شهبانو وبعد والاحضرت ولیعهد باهمان ترتیب که ازتالار موزه خارج شده بودند از میان مدعوین گذشتند. درساعت دوازده وده دقیقه‌اعلیحضرتین به در خروج باغ کاخ‌گلستان رسیدند و چند لحظه‌ای نیز منتظر والاحضرت ولیعهد شدند. درتمام این مدت نیزکف زدنهای ممتدمردم‌قطع نمی‌شد واعلیحضرتین باتکان دادن سر درحالیکه لبخند برلب داشتند به‌ابراز احساسات مردم جواب میدادند .

وقتی که والاحضـرت ولیعهد بـه اعلیحضرتین رسیدنـد ، اعلیحضرتین و ولیعهد سوار کالسکه‌های سلطنتی شدند ودرساعت دوازده‌وربع‌حرکت فرمودند. موکب همایونی از پیچ هر خیابان که میگذشت فریاد شوق از جمعیت انبوهی که دو طرف مسیر ملوکانه را پر کرده بودندبه‌هوا برمیخاست ازهواگل‌میریخت و از زمین طنین فریادهای جاوید شاه وصدای‌کف زدن های‌مردم‌درهوامی‌پیچید درخیابان فردوسی مردم به روی‌کالسکهٔ اعلیحضرتین ووالاحضرت‌ولایتعهدنقل و گل میپاشیدند . وبه این ترتیب مراسم تاجگذاری بپایان رسید .



کاخهای سلطنتی‌ایران‌ازعهد باستان تاامروز

تخت جمشید با آن همه عظمت و جلالی که در عهد بـاستان داشته مقـر سلطنت سلاطین و امپراتوران بزرگ ایران بوده است . هنوز آثار پرابهت کاخهای آپادانه وتچرا در تخت جمشید وجود دارد و از خرابه‌ها و ستون‌های عظیم که پس ازصدها سال بر پا ایستاده می‌توان به‌عظمت این کاخها پی‌برد .

آپادانه.

سیزده ستون‌کاخ آپادانه درتخت‌ـ جمشید هنوز پابرجاست ، در این کاخ پادشاهان‌هخامنشی زندگی وفرمانروایی می‌کردند . می‌گویند کاخ آپادانه‌مرکز بارعام شاهنشاهان هخامنشی بوده و ۸۴ ستون‌داشته است وبردیوارهای آن‌نقوش چهرهٔ های مردم ۲۲ ملت دیده میشدکه تحت‌ارادهٔ‌پادشاه‌هخامنشی‌میزیسته‌اند.

کاخ داریوش .

آثاری که در شوش بدست آمده است کاخ سلطنتی داریوش‌را نشان‌میدهد از آثار به دست آمده چنین برمی‌آید که این کاخهای سلطنتی دارای وسعت و عظمت خارق‌العاده ای بوده است. سبك معماری آنهانه تنها در عهدخودشگفت‌ـ انگیز وجالب‌بوده بلکه هنوز هم بعداز گذشت چندین قرن چگونگی ساختمان وسبك وشیوه‌های معاصرماجزو اسرار و شگفتی‌های دانش بشری‌است .

ایوان مداین .

ایوان‌مداین‌کاخ سلطنتی‌انوشیروان شاهنشاه دادگسترایران بوده‌است. هنوز آثار این کاخ بزرگ در خاك عراق به چشم میخورد .خاقانی شاعربزرگ‌ایران هنگامی‌که خرابه‌ها و آثار این‌کاخ‌عظیم را مشاهده کرد قصیدهٔ معروف ایوان مداین‌را سرود اینها یادگارهای۲۵۰۰ سال در تاریخ مدون کشور ماست کـه چون‌نگین‌های‌درخشانی برانگشتر‌گیتی میدرخشد .

اصفهان وقزوین.

کاخ‌های شاهان صفوی در اصفهان و قزوین هنوز پا برجا وحتی قابل استفاده است . سبك معماری این کاخ‌ها بـا کاخ‌های شاهنشاهان باستانی‌ایران‌فرق‌های اساسی دارد ولی ازنظر شکوه و جلال و عظمت،نشانه‌ای‌ازکاخ‌های سلطنتی ایران‌باستان‌را درخود دارد .

این عمارتهـا اکنون از طـرف باستان‌شناسی حفظ می‌شود وموردبازدید علاقمندان خارجی وداخلی است.عمارت سلطنتی قزوین زمانی محل فرمانداری بود، ولی اکنون بصورت موزه درآمده است . امروزعظمت آن طاق‌های‌پرجلال وشکوه در کاخ های سلطنتی فعلی نقش بسته‌است ، برسردر کاخ مرمردونگهبان پارسی با لباس‌هـای ایرانیان قدیم‌دیده می‌شود ، کاشی کاریهای زمان صفویه در ساختمان بزرگ‌کاخ‌مرمر به‌چشم‌می‌خورد واکنون به جای شوش ، شهوند وبه‌جای تچرا کاخ اختصاصی دیده میشود که هر يك از لحـاظ نوع وزیبایی ساختمان و تذهیب کاری، شاهکاری از هنر ایرانی است .

کاخ مرمر.

بزرگترین کاخ سلطنتی ایران، کاخ مرمر است که به فرمان شاهنشاه فقید ساخته شد و اکنون محل کار و ملاقات‌های رسمی اعلیحضرت است. نمای خارجی کاخ مرمر تماماً از سنگ مرمر عالی معادن ایران ساخته شده و به‌همین‌جهت به آن کاخ مرمر لقب داده‌اند. مساحت این کاخ **۱۴۴۰** متر مربع و شامل **۲۱** اتاق که مهمترین آنها یکی تالار نیمه‌آیینه با گچ بری‌ها وتزیینات عالی و زیباست که بدست استادان و کارگران ایرانی صورت گرفته‌است. این تالار داری **۱۴** متر طول و **۱۰** متر عرض و **۷** متر ارتفاع است وقالی یك‌پارچهٔ آن‌که ازنفیس‌ترین قالی‌های زمان‌شاه‌صفی وشاه‌عباس‌است‌در مدت‌چهارسال درخراسان بافته‌شده‌است. درکاخ مرمریك اتاق‌خاتم نیزوجوددارد که درسال **۱۳۱۴** به فرمان اعلیحضرت فقید زیرنظر استادصنیع خاتم پس‌ازدو سال و نیم کار **۸۵** کارگر بوجود آمده است که درحدود **۳۰۰** متر مربع خاتم اصیل‌ایرانی است.

سفره خانهٔ کاخ مرمردارای **۱۴** متر طول، **۸** متر عرض و **۷** مترارتفاع است. این سفره‌خانه از زیباترین اتاقهای کاخ مرمراست. سرسرای کاخ مرمردارای گنبد بسیار زیبایی به سبك گنبد مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان است‌که از خارج به‌کاشی‌های‌نفیس‌پوشیده‌شده‌وطول‌وعرض آن‌هریك **۱۴** متراست. تمام‌قطعات‌خوش‌رنگ مرمرهایی که درساختمان های عظیم کاخ بکاررفته از معادن یزد استخراج شده و حتی برای آنکه رنگ آنها یك‌دست و به‌رنگ‌سنگ یشم باشد بعضی از آنها چندین‌بارتعویض‌گردیده‌است و درنتیجه باعث‌شده‌که رنگ مرمرهای‌کاخ مرمردر جهان بی نظیر باشد. سردر باغ بزرگی که کاخ مرمر درآن بناشده ومعروف به «سردرسنگی»است، ازشاهکارهای کاشی‌کاری‌معاصراست وبابنای‌آن‌طرح دوران صفوی‌که تقریباً منسوخ شده بود مجدداً احیاءگردید.

کاخ اختصاصی.

کاخ اختصاصی که محل اقامت اعلیحضرت ، علیاحضرت شهبانو ، والاحضرت‌ولیعهد و والاحضرت فرحناز می‌باشد روبروی کاخ مرمر قراردارد. از بیرون شمشادهای بلند وزیبای‌داخل محوطهٔ‌کاخ دیده می‌شود ودر کنار درکاخ دونگهبان از افرادگردان جاویدان در جایگاه مخصوص پاسداری کاخ رابعهده دارند کاخ اختصاصی شامل سه‌طبقه است که بدین ترتیب تقسیم می‌شود:

طبقهٔ اول دفتر اعلیحضرت شاهنشاه اطاق انتظار، اطاق‌پذیرایی، اطاق‌سفره‌خانه، اتاق لباس، اطاق مستخدمین واطاق آبدارخانه است. طبقه دوم: کتابخانهٔ اختصاصی اعلیحضرت همایون شاهنشاه، دفتر علیاحضرت شهبانو، سالن‌پذیرایی، حوضخانه، خوابگاه، حمام، اتاق لباس، اتاق پیشخدمت های مخصوص شاهنشاه‌واتاق پیشخدمت های مخصوص علیاحضرت شهبانواست. قسمت‌زیرین‌کاخ شامل‌زیرزمین وانباروجالباسی‌وسرویس همچنین شامل سالن سینمای خصوصی‌کاخ است. اقامتگاه مخصوص‌والاحضرت‌ولیعهد درسمت غربی باغ‌کاخ اختصاصی بنا شده است.

کاخ شهوند.

این‌کاخ درقسمت شمالی‌کاخ‌سعدآباد روی تپهٔ معروف به‌تپهٔ علیخان‌ساخته‌شده وطرح نقشه وبنای‌آن توسط استاد جعفر کاشانی معمار انجام‌گرفته است؛ برای تزیینات‌کاخ شهوند ازکلیهٔ استادان و هنرمندان سالهای‌گذشته دعوت‌شده بودو به‌همین جهت دارای‌بهترین تزیینات‌است خصوصاً خاتم‌کاریهای آن ازنوع بی‌نظیر خاتم‌ایران‌است‌که استادصنیع‌خاتم‌سالهای بسیار برای‌تکمیل آن عمر گذرانده‌است. یکی ازخصایص این‌کاخ، تذهیب‌کاری‌آن است‌که این‌نوع‌تذهیب‌کاری‌بعدازانقراض صفویه‌منسوخ شده‌بودولی‌پنج‌استادایرانی **سیدمحمد، سیدغفار اصفهانی، عبدالله‌مذهب** وحسین **شیرین‌قلم وحسین‌لرزاده** دوباره آن را درکاخ سعدآباد احیاءکردند. سالن بزرگ وخوابگاه‌کاخ‌شهوندازآیینهٔ مقرنس‌کاری شده وسقف سالن‌آینه‌معروف به‌سقف هفتکاسه‌ازشاهکارهای مسلم‌معماری ایران است.

کاخ گلستان.

تهران شکارگاه‌شاه‌طهماسب صفوی‌بوده است وازآن‌پس شاه طهماسب‌تهران‌را‌که شهرکوچکی‌بود مورد توجه‌خاص‌قرارداد بعدازاو شاه‌عباس‌کبیر درداخل این ارك باغی‌به‌نام «چهارباغ» احداث کرد. در سال **۱۱۷۳** کریمخان‌زند عمارتی‌به سبك ساسانی برای دارالحکومه ودیوان‌خانه‌و حرم‌خانه دراین‌باغ ساخت‌وازسال **۱۲۰۰** هجری به‌بعد تهران توسط **آغامحمدخان** قاجاربه‌پایتختی‌برگزیده شدودارالخلافه نام‌گرفت. درسال **۱۲۰۸** وی فرمان داد که ستونها وسنگهای مرمر و پرده‌های نقاشی ودرهای‌خاتم وآیینه‌های عمارت وکیل راازشیراز به‌تهران‌حمل‌کنند ودر بنای‌کاخ سلطنتی درمحل‌ارك تهران‌به‌کار ببرند. حتی بطوری‌که معروف است وی دستورداداستخوان‌های‌کریمخان زندرااز شیراز به‌تهران بیاورند ودر زیرپله‌های ارك دفن‌کنند. به‌این‌ترتیب ایوان «تخت مرمر» که بارگاه سلطنتی‌قاجاربودساخته شد. تالارموزه سلطنتی‌که قسمت‌مهمی‌از هدایای ارسالی رؤسای‌کشورهای‌خارجی به‌پادشاهان‌ایران‌درآنجا نگهداری‌میشود درسال **۱۲۹۶** هجری به‌صورت فعلی‌آن احداث‌شدبه‌علاوه‌کاخ‌پنج‌طبقهٔ‌شمس‌العماره درسال **۱۲۸۴** هجری‌به‌وسیلهٔ دوستعلیخان معیرالممالك درضلع شرقی باغ‌گلستان احداث‌گردید. عمارت بادگیر وتالارعاج درسمت جنوبی‌کاخ‌گلستان دراواخردورهٔ ناصرالدینشاه ساخته شده وکاخ ابیض‌نیز که یکی ازبناهای‌معروف‌گلستان است بناگردید. این‌کاخ دارای سالن بزرگی است‌که‌همهٔ وسایل‌آن ازفرش، تابلو، آیینه وپرده‌ها توسط سلطان عبدالحمید پادشاه عثمانی به‌پادشاه ایران هدیه شده‌بود.

این‌کاخ‌درزمان اعلیحضرت فقیدبرای پذیرایی‌های شاهانه به‌کاررفت وپس‌ازآن مدتی مقرنخست وزیری بود وازچندسال پیش دراختیار هنرهای زیبای کشور است.

کاخ فرح‌آباد.

نخستین ساختمان این‌کاخ در زمان ناصرالدینشاه برروی‌کوه دوشان تپه به صورت ابنیهٔ مجزا ازهم برای اقامتگاه موقتی‌شاه‌درموقع‌گردش‌دراین‌ناحیه‌ساخته وباوسایل لازم مبله‌گردید ودرپای‌کوه باغ بزرگی بنام باغ دوشان تپه در آن احداث شدکه اکنون علاوه‌برخراب‌شدن عمارت‌باغ‌هم ازبین رفته وزمین‌باغ‌برای ساختمان‌خانه جهت‌افسران ودرجه‌داران گارد شاهنشاهی تخصیص داده شده‌است. درزمان‌سلطنت مظفرالدینشاه قاجارمحل فعلی فرح‌آبادکه دهکدهٔ‌کوچکی بود در مواقعی‌که شاه‌دردوشان‌تپه به‌شکار میرفته توجه اورا به خود جلب‌کرد ونام‌آن را فرح‌آبادگذاشت وبه دستورشاه بنایی‌شبیه

ویلاهای فرانسه طبق نقشه‌ای که ازفرانسه آورده بودند درآنجا ساخته‌شد. اکنون در آن بنا تغییرات‌وتعمیرات کلی‌صورت گرفته ولی عمارت به‌همان صورت قدیمی حفظ شده است. عمارت دیگر که‌در کاخ‌فرح‌آباد بچشم می‌خورد عمارت اندرون است که درزمان سلطنت احمدشاه قاجار باسنگهای دوشان تپه بنا گردیدکه درچندسال گذشته روبه ویرانی‌نهاد ولی‌اخیراًاداره‌ٔبیوتات سلطنتی آنجارا تعمیر کرده و به صورت زیبایی‌درآورد. دراین‌کاخ‌اصطبل‌اختصاصی نیزبنا شده‌که اسبهای درجه‌ٔیك اصطبل سلطنتی وکالسکه‌های مخصوص‌سلطنتی‌در آنجا نگاهداری میشود .

کاخ رامسر.

این کاخ‌درمحلی ساخته‌شده‌که امروز بنام رامسر از زیباترین‌نقاط‌کناردریای خزر است‌که تاقبل‌از بنای‌کاخ سلطنتی و مهمانخانه آنجا بنام «سخت سر» معروف بوده‌است. اعلیحضرت‌فقیددستورفرمودند درمحل‌آبهای معدنی دو حمام سرپوشیده بناگرددوپس‌ازآن امربه‌بنای مهمانخانهٔ آنجا صادرکردند ومقارن‌آن بنای‌کاخ سلطنتی رامسر آغازگردید .

نمای‌خارجی‌کاخ سلطنتی‌رامسروحتی ستون‌های مرتفع ایوان‌آن از سنگهای مرمرتربت حیدریه خراسان حمل‌شده و توسط استادان‌تهرانی‌وخراسانی‌تراشکاری شده‌است .

پایتخت‌های ایران درطول‌تاریخ

نخستین پایتحت ایران در دامنهٔ کوهستان الوند بناشده، مورخین چون هرودوت بنای این‌شهر رابه «دیوکس» نخستین شاه‌مادنسبت میدهند ولی این ادعا صحیح‌نیست؛ زیرا «تیکلات‌پالاسر» شاه‌آشورکه در۱۱۰۰ قبل‌ازمیلادمیزیسته درکتیبهٔ خود به‌این شهراشاره‌کرده واسم آن را «امدانه» آورده‌است مامیدانیم‌که دراین ناحیه قومی ازنژادآسیانیك به‌نام «کوسی» میزیسته‌اند، کوسی‌ها درتمام ناحیهٔ کردستان، لرستان وبختیاری و کوهستان‌های شمال خوزستان زندگی می‌کردند وشهر «امدانه» یك شهرکوسی بوده‌واسامی‌دیگری‌هم‌داشته‌یعنی«آکسایا» و «کارکاسی» هم نامیده میشد. شك نیست پس‌ازهجوم مادها وعقب راندن‌کوسی‌ها به‌کوهسارکردستان شهرهمدان به تصرف مادها درآمد وچون میدانیم قبایل‌مادی هریك رییسی داشتند بطور قطع مرکز و محل سکونت رؤسای یکی‌ازقبایل مادی شده واین‌رییس‌باید جدونیای «دیوکس» بوده باشد. ولی‌همدان‌درآن زمان نمی‌توانسته بصورت یك پایتخت باشد بلکه فقط مرکزیك قوم‌ازقبیلهٔ مادبوده، بعدها پس‌از تشکیل سلسلهٔ ماد ودر زمان «فرورتیش» شاه مادکه در۶۵۵ قبل از میلاد مسیح میزیسته بافتوحاتی‌که‌درشرق وجنوب کرد دولت ماد راتشکیل‌داد و همدان بصورت پایتخت درآمد. قلمرو «فرورتیش» شامل قسمت عمده‌ای از افغانستان فعلی وازشمال تا رود جیحون وازقسمت جنوب شامل پارس وکرمان میشده وبه‌احتمال‌قوی‌آذربایجان‌امروزی نیزجزوقلمرواین‌پادشاه‌بوده است. پس‌از فتوحات‌هوخشتره وشکست‌آسور وجنگ لیدی‌که مرزهای ایران را درغرب‌تارود «قزل‌ایرماق» رساند وماد صاحب قسمت شمالی بین‌النهرین امروزی شد ، همدان به صورت پایتخت قلمروبس‌بزرگی در آمد. این‌شهر تاسقوط مادها پایتخت بود وپس‌از سقوط مادها ودرزمان‌هخامنشیان پایتخت باستانی بشمار میرفت . بعد از اسلام همدان مدتی‌مرکزحکومت‌شاخه‌ای ازآل بویه ودرسالهای بعداز اسلام بارها مرکز حکومت‌های‌کوچك محلی‌شد .

پاسارگاد .

زمان مهاجرت پارس‌ها به‌جنوب به طورقطع بعداز ۸۰۰ قبل‌از میلاد بوده زیرا دراین زمان پارس‌ها بامادها میزیسته‌اند ، بایدگفت که پاسارگادبین ۸۰۰ و۷۵۰ قبل از میلاد پایتخت شده است زیرا ماميدانیم‌که درزمان چیش‌پش دوم یعنی در نیمهٔ قرن هفتم قبل از میلاد یعنی در زمان «فرورتیش» ماد ها دست نشاندهٔ‌پارس‌شده‌اندوقبل‌از«چیش‌پش دوم » سه‌شاه درپاسارگاد سلطنت کرده‌اند،اگراین دوره سلطنت را۱۰۰ سال حساب‌کنیم میشود ۷۵۰ قبل‌ازمیلاد باری پاسارگاد درشمال شیراز فعلی و پایتخت شاهان هخامنشی بود این‌شاهان پایتخت دومی هم داشتند که شهر**شوش** بوده‌است .

تخت جمشید.

در اینکه تخت جمشید پایتخت بوده و یا شهر مذهبی ، اقوال مختلف است ولی آثار موجود که دلیل بارزی است بر سکونت شاهان هخامنشی درآن کاخ‌بزرگ، قول‌آن دسته راکه شهرمزبور راپایتخت‌نمیدانند ردمیکند. زمان‌بنای این شهر را بایدازشروع‌سلطنت داریوش بزرگ یعنی از۵۲۲ ق.م. ببعد دانست زیرا میدانیم پایتخت کوروش پاسارگاد بوده، کبوجیه درشوش وبابل وپاسارگاد میزیسته وبلافاصله‌پس‌ازرسیدن به‌سلطنت که مدت‌آن هفت‌سال بیش نبوده وبیشتر آن‌هم درتهیهٔ جنگ بامصر ولشکرکشی به‌کشور مزبور گذشته فرصت بنای‌شهری را نداشته است . پس بنای تخت جمشید بعدازکبوجیه وزمان داریوش بوده یعنی از ۵۲۲ ق.م. به‌بعد ، این شهر پایتخت بزرگ شاهان هخامنشی بوده و بعدهاکه پایتخت به‌شوش منتقل میگردد، باز از اهمیت این‌شهر کاسته نمیشود و شاهان هخامنشی مدتی ازسال‌را در تخت‌جمشید میگذراندند ومحل‌تاجگذاری شهریاران مزبور تخت جمشید بوده وبهمین‌مناسبت است‌که یك پایتخت‌سنتی ومذهبی‌میدانند البته پس ازداریوش و خشایارشا ، اما در زمان این دوشاه تخت‌جمشید پایتخت واقعی شاهنشاهی بوده است .

قدیمترین شهرها

شوش قدیمترین شهر این سرزمین است . زمان بنای این شهر بطور دقیق معلوم نیست کشفیاتی که شده هنوز دلایل‌کافی برای تعیین زمان بنای‌شوش به دست نداده ، مدارك موجود نشان میدهد شوش قدیمترین شهر این منطقه است : این شهر پایتخت کشوری بوده به‌نام«عیلام »کشور عیلام‌شامل‌خوزستان، لرستان ، بختیاری امروزی بوده که از سمت غرب به‌دجله میرسید .«کاسوها» درکوهستانهای شمالی این سرزمین میزیستند . شوش درعصر آشوربانیپال و در قرن ۶۴۵ قبل‌از میلاد پس‌ازشکست عیلامی‌ها ازآشوربانیپال ویران شد و درزمان «چیش‌پش‌دوم» پادشاه پارس خوزستان‌ضمیمهٔ پارس شد وشوش دوباره رونق‌گرفت زیرامترحکمرانی‌شاهزادگان هخامنشی‌گشت‌که ازطرف‌شاهان‌هخامنشی بحکومت وشاهی عیلام تعیین میشدند . کوروش‌کبیرقبل ازتصرف ماد، شاه‌عیلام بود ودرشوش سکنی داشت واز این‌شهر برای فتح ماد وجهانگیری‌های بعدی حرکت کرد .

معلوم نیست از چه زمانی شوش مرکز وپایتخت هخامنشیان شد ولی‌در

تمام دورهٔ هخامنشی این شهر مرکز ثقل حکومت بود وکلیهٔ شاهان هخامنشی از کاخهای این شهرباستانی برقلمرو وسیع خود حکومت میکردند .

پس ازشکست هخامنشیان ودرزمان سلوکی‌ها، شاهان دست‌نشانده‌ای‌حکومت میکردند و وضع آن زمـان درست مانند اندکی‌پس‌ازتسلط اعراب بود ودر قسمت‌های مختلف این سرزمین کسانی حکومت‌کردند وشهرهایی مقرآنان بود تا عصراشکانیان فرارسید.

شهر صد دروازه .

قوم پارت که دراصل«پارث» است وبرای دوری از اشتباه باپارس «پارت» خوانده شده،درمنطقه‌ای که‌شامل‌خراسان شمالی‌وغربی وقسمتی ازگرگان‌ودامغان امروزی میشده ساکن بودند ، بعضی از مورخین پارت‌ها را ازآرین‌های سکایی میدانند ولی‌اکثریت‌آنان رااز‌آرین‌های ایرانی میشمرند وقول این‌دسته معتبرتر است . زیرا میدانیم سکاها درآن سوی سیحون میزیستند واگرپارت‌هـا سکایی بودند واز سیحون‌گذشته باشند باوجود اقوام‌بسیاری‌که سرراه آنان بوده وبادر نظرگرفتن‌کوچکی‌قوم پارت‌نمی‌توانستند فاصله بین سیحون وسر زمینی راکه در بالا گفتیم طی کنند منتهی می‌توانستند درکنارهٔ جنوبی سیحون بمانند . پس از قیام «ارشك » علیه«فرك‌لس » حکمران شهر دامغان یا به قول یونانیان « هکاتوم پلیس» یعنی شهر صد دروازه پایتخت‌شد (حدود سنهٔ ۲۵۰ قبل از میلاد) . ولی مدتی‌طولانی پایتخت نماند وتیرداد اول برادر ارشك که جانشین اوشد « دارا» راساخت محل این شهر به تحقیق معلوم نیست ولی از توضیحاتی که مـورخین دادند بایدگفت‌دارا درناحیهٔ گرگان‌فعلی بوده است .

تیسفون .

بعد از شهر «دارا»تیسفون پایتخت شد. اعراب این شهر رامداین نامیده‌اند تیسفون قصبه‌ای بوده است درشمال‌شرقی دجله روبروی شهر معروف سلوکیه و بعدهاکه تیسفون بزرگ وشهری شدچون این دو شهر یعنی تیسفون و سلوکیه در طرفین دجله روبروی هم بودند اعراب آنرا مداین یعنی دوشهر نامیدند .

اما چه موقع تیسفون پایتخت شد ، این درست معلوم نیست؛ مامیدانم‌که در زمان مهرداد اول اشکانی ، اشکانیان سرزمین بابل راکه در بین‌النهرین‌بوده متصرف شدند و مهرداد اول اولین شاه اشکانی بود که لقب شاهنشاه رابه کار برد وخودرا شاهنشاه خواند ولی به‌طور مسلم تا سلوکـی ها در سوریه‌قـدرت داشتند اشکانیان‌پایتخت ومرکزسلطنت را به‌غرب منتقل‌نکرده‌اندزیرا باوجود دشمنی چون سلوکی‌ها که مدعی سلطنت برهمهٔ ایران‌زمین‌بودند وباوجودکثرت یونانیان در شهرهای غربی‌ایران‌انتقال مرکز سلطنت‌به غرب‌منطقی‌نبوده‌همچنین خطر اصلی‌ازسمت شرق‌پارت‌ها راتهدید میکرده و این خطر هجوم قـوم وحشی آریایی مثل «سکاهان» وبعداقوام زرد-پوست بود وشاهان اشکانی ناچار بودند به مشرق‌که مرکز حکومت وقدرت‌آنان بود بیشتر‌توجه‌کنند‌به‌هرحال مادرزمان ارد اول (اشك سیزدهم) می‌بینیم‌که «کراسوس» به سفیر «ارد» میگوید که جواب آنان را در سلوکیه خواهد داد. از اینجا میتوان‌استنباط‌کرددراین زمان سلوکیه پایتخت اشکانیان بوده یا اشکانیان تیسفون را پایتخت‌کرده بودند ولی‌چون سلوکیه معروفتر بود کراسوس اسم آن شهر را میبرد . تیسفون تقریباً درحدود ۶۰ قبل ازمیلاد تادورهٔ‌ساسانیان پایتخت ایران بود . یعنی تقریباً ۲۸۰ سال پایتخت اشکانیان و ۴۱۷ سال‌پایتخت ساسانیان بود وبه عبارت دیگر تیسفون تنها شهری است در ایران‌که مدتی‌دراز پایتخت بوده است .

استخر .

درزمان‌اشکانیان در پارس نیزمثل سایر قسمت‌های ایران شاهان کوچك و دست نشانده حکومت می‌کردند شهر استخروحوالی‌آن تحت حکومت‌مؤبدان معبد «آناهیتا»بودوبابك برآن حکومت میکردوبعداز پسرش‌شاهپور وبعداردشیر جانشین او شد . استخر درتمام مدتی‌که اردشیر در حال نبرد علیه اشکانیان‌بود پایتخت ساسانیان محسوب میشد وپس‌از سقوط اردوان و شکست دیگر مدعیان ماننده‌خسروشاه اشکانی ارمنستان پایتخت ساسانیان از استخر به تیسفون منتقل گردید،بعد از سقوط ساسانیان وتصرف ایران به‌وسیلهٔ‌اعراب مدتی‌ایران دارای حکومت مستقلی نبود واین‌سرزمین‌تحت تسلط اعراب بود وشهرهـای مدینه در زمان خلفای راشدین دمشق در زمـان امویان وبغداد در زمان عباسیان مرکز حکومت بود . بعداز قیام ایرانیان تا زمان‌سلجوقیان هیچگاه‌تمامی‌ایران-زمین زیریك درفش نبودکه بتوان‌گفت کدام شهر پایتخت بوده و پایتخت‌های آن زمان با در نظرگرفتن اینکه‌دریك زمان چند شاه براین سرزمین حکومت میکردند به شرح زیر هستند:

نیشابور ـ طاهریان .
زابل ـ صفاریان.
بخارا ـ سامانیان .
غزنین ـ غزنویان.
گرگان ـ آل‌زیار .
اصفهان ـ آل‌بویه .
همدان ـ آل‌بویه .
شیراز ـ آل‌بویه .
بغداد ـ آل‌بویه .
کرمان ـ آل‌بویه .

باید دانست‌که دراین‌میان‌حکومت‌-های کوچکی هم بودند که در یك شهرو حوالی آن‌استقلالی‌داشتندکه مورد بحث نیست .

پایتخت های مختلف

در زمان سلجوقیان بلخ پایتخت سلاجقهٔ شرقی‌بود که چغری‌بیك بر آن فرمان‌میراند.ری‌نیز‌پایتخت‌طغرل‌بیك‌بود ولی این وضع دیری نپایید در زمان آلب‌ارسلان‌که همهٔ قلمروسلاجقه‌یعنی از سـاحل مدیترانه تا جیحون در اختیار آنان بود پایتخت ، بلخ ، ری واصفهان بود ودر زمان ملکشاه سلجوقی تا زمان صفویه شهرهای مختلف ایران پایتخت بوده‌اند منتهی هیچ یك ازحکومت های آن زمان بر همهٔ ایران مسلط نبودند و وشهرهای مزبور عبارتند از : اصفهان ری ـ شیراز ـ تبریـز ـ کرمان ـ نیشابور ـ سبزوار ـ گرگان ـ نزدیك زنجان فعلی‌ـ هرات ـ بخارا‌ـ خیوه... که نمی‌توان هیچیك را پایتخت همهٔ ایران دانست‌زیرا بعدازملکشاه‌سلجوقی تا زمان صفویه هیچگاه تمام ایران‌زیر تسلط یك سلسله نبوده ، تا زمان صفویه فرامیرسد .

تبریز .

صرف نظر از اردبیل که مقرشیخ-صفی‌الدین وفرزندان اوبود شهر تبریز

نخستین پایتخت صفویان است.

قزوین.

در زمان شاه طهماسب صفوی پسر شاه اسماعیل شهر قزوین که ازشهرهای بسیارقدیمی است و آثار بدست آمدهٔ فعلی ثابت می‌کند این شهر در زمان ساسانیان وجودداشته، پایتخت می‌شود.

اصفهان.

شهراصفهان‌از شهرهای‌بسیارقدیمی ایران زمین است. به عقیدهٔ مورخین این شهر در زمان **سناخریب‌**شاه آسور بنا شده واین شاه اسرای یهود را بدین شهرکه «جی» نام داشته‌آورده ویهودیان شهر «جی» راآبادکردند. اصفهان‌زمانی پایتخت‌سلجوقیان شد، وهمچنین‌پایتخت حکومت‌های‌کوچك‌محلی گردیدتازمان‌شاه عباس کبیر فرارسید. این‌شهر در زمان شاه عباس کبیر به اوج شهرت رسید و آباد شدوآثارساخته‌شده درزمان‌صفویان هنوز در این شهر باقی و مورد توجه است. بعداز صفویه درزمان افاغنه نیز اصفهان‌پایتخت‌بودودرزمان نادراصفهان ومشهد هردوپایتخت محسوب می‌شدند. بعداز نادرشاه‌دوباره وضع‌ایران مغشوش شد، در این‌زمان شیراز، بغداد، مشهد، تبریز وهرات‌پایتخت‌بودتا زمان‌قاجاریه فرا رسید.

تهران.

دربارهٔ تهران پایتخت امروزی ایران عقاید واقوال مختلفی‌هست‌ولی تا آنجا که مسلم است تهران قریه‌ای بوده ازتوابع ری‌که بعداز فتنهٔ مغول وویران شدن ری روی به‌آبادی نهاده وقصبه‌ای شد واولین شاهی که در این قصبه اقدام به آبادانی کرد **کریمخان** زند بود که‌ارك‌راساخت وعمارت کریمخان را در کاخ‌گلستان فعلی‌بنانهاد. درزمان‌قاجاریه تهران‌پایتخت شد. **آغامحمدخان‌**قاجار نخستین شاه این سلسله به دو دلیل این شهررا مرکز قرارداد نخست این‌که به سرحدات شمالی وغربی ایران که مورد تجاوز همسایگان ممکن بود قرارگیرد نزدیك بود. دلیل دوم اینکه از تهران تا گرگان که مرکز قدرت قوم قاجار محسوب می‌شدراه زیادی‌نیست. درزمان قاجاریه تهران روبه وسعت نهاد و قصبهٔ تهران‌رفته‌رفته‌به شهر تهران تغییرشکل داد. ولی چنانچه میدانیم در زمان اعلیحضرت‌فقید **رضاشاه‌کبیر** تهران‌روی بوسعت نهادتا به‌امرزکه‌یکی‌از بزرگترین شهرهای خاورمیانه محسوب می‌گردد.

تاجها و تخت های سلطنتی ایران

تاج کیانی.

ازتاجهای شاهان قدیم ایران جز نقش وتصویر متأسفانه اثری باقی‌نمانده است وشاهان صفوی نیزتاج برسر نمی‌نهادند، بلکه‌هنگام‌جلوس‌بر کرسی‌سلطنت، فقط به‌نصب جقه برروی دستار قزلباشی خود اکتفا می‌کردند. **آغامحمدخان‌**نیز درتاجگذاری خوددر ورامین، ازیك‌کلاه مسی زراندود استفاده کردکه‌بعداً آن‌رادر اصفهان میناکاری‌کردند واینك در موزهٔ کاخ‌گلستان‌محفوظ‌است ولی‌برادرزاده‌اش فتحعلی‌شاه درهمان‌سالهای‌نخست‌پادشاهی خود دستور داد کلاه گوهرنشان بلندی‌با هشت‌کنگره وطاق‌کروی سرخ بنام «تاج کیانی» ساختند‌که همه‌ساله درسلامهای رسمی واعیادآنرا زیب سرخودمی‌کرد.

شکل تاج‌کیانی فتحعلی‌شاهی‌تقریباً همان بوده‌که امروز هست ولی در زمان **ناصرالدین‌شاه** اندك‌تغییری درطرزنصب جواهرات‌آن داده‌وجقه‌زمردنشان‌بزرگی باپره‌ها ونگین های فراوان ویك قطعه زمرد درشت و شرابه مروارید برآن افزودند.

گوهرهای تاج‌کیانی عبارتست از مروارید، یاقوت، زمرد والماس‌که بوسیلهٔ پایه وسیم وچنگ برروی تاج نصب گردیده‌اند.

همهٔ سلاطین قاجاردرتاجگذاریهای خود از همین تاج کیانی استفاده می‌کردند.

اعلیحضرت **رضاشاه بزرگ** پس‌از رسیدن‌بشاهنشاهی‌ایران، چون‌مایل‌نشدند که در تاجگذاری خود از «تاج کیانی» که‌مخصوص پادشاهان قاجاربود، استفاده نمایند؛ ازاینرو درسال۱۳۰۴خورشیدی امرفرمودندگروهی‌ازجواهرسازان‌ایرانی زیرنظر **سراج‌الدین جواهری** که از جواهرسازان معروف قفقاز و جواهرساز مخصوص امیربخارا بود، تاجی‌ساختندکه اینك به **تاج پهلوی** معروفست.

تاج پهلوی، تاجی‌است زرین‌وسیمین شیروشکری، مرصع به الماسهای برلیان بسیار اعلا وتخمه‌های درشت برلیان و زمرد و یاقوت‌کبود ومروارید، کلاه و حدبه‌کله تاج، ابره مخمل سرخ‌است ودر قبهٔ آن یك قطعهٔ زمرد خیاره در چنگ نشانده شده است.

تاج‌پهلوی درچهارطرف‌دارای‌چهار کنگرهٔ پله پله بشکل‌تاجهای شاهنشاهان ساسانی‌است‌ودرزیر کنگرهٔ پیشین‌آن‌نقش خورشید زرینی‌باپرتوهای الماس‌نشان و تخمهٔ الماس‌زرد درشت نصب گردیده ودر پشت همین‌کنگره جقه پایدار اسلیمی با یك قطعه تخمه زمرد مدور درشت و در پشت‌آن «تل» (پرقو) قرار دارد.

شماره ونوع‌گوهرهای تاج پهلوی بقرار زیراست:

۳۳۸۰ پارچه‌الماس‌برلیان به‌وزن ۱۱۴۴قیراط، ۵پارچه زمردبه‌وزن۱۹۹ قیراط و۲آنه، ۲پارچه‌یاقوت‌کبودبه‌وزن ۱۹ قیراط، ۳۶۸ حبه مروارید غلطان جور، وزن‌تاج از زروگوهرومخمل‌روبهم ۴۴۴مثقال یعنی‌درحدود دوکیلووهشتاد گرم است.

تاج شهبانو.

تاج زرین ومرصع زیبایی‌که اخیراً ساخته شده وجزو تاجهای‌سلطنتی ایران قرار گرفته، **تاج علیاحضرت فرح شهبانوی** محبوب ایرانست.

تاجگذاری‌ملکه‌ها درایران، موضوع تازه‌یی‌نیست، همهٔ شهبانوهای هخامنشی و اشکانی وساسانی تاج برسرمی‌نهادندواین یکی‌از امتیازات بزرگ‌آنان بود.

اینك‌جای‌خوشبختی‌است‌که‌این‌آیین دیرین‌ایرانی‌دردوران شهریاری‌پرشکوه شاهنشاه **آریامهر** دوباره برقرارگشته و پس‌ازهزاروچهارصدسال، برای‌نخستین‌بار شاهنشاه ایران تاج سلطنتی برسر بانوی بانوان ایران می‌گذارند ورسم کهن را زنده می‌فرمایند.

تاج شهبانوی ایران از طلا وطلای سفید ساخته شده ودارای هزاروششصد و چهل‌وشش قطعهٔ‌گوهرهای‌گرانبها ازجمله یك تخمه زمرد ۱۵۰ قیراطی، دوقطعه زمرد۱۰۰قیراطی، ۳۶ قطعه یاقوت‌سرخ، ۱۵۰ حبه مروارید امرودی و غلطان درشت، ۴۴۹ قطعه الماس و۹۷۰ عدد الماس برلیان ریز می‌باشد وکلاه‌وحدبه تاج از مخمل سبز است.

این تاج را دوجواهرساز معروف

فرانسوی بنام‌های «وان گلف» و «آریل» ساخته‌اند و گوهرهای آن ازمیان‌جواهرات سلطنتی ایران‌که در خزانهٔ بانك ملی ایران نگهداری میشود برگزیده شده است .

تخت خورشید معروف به «تخت طاووس» .

تخت زرین بزرگ و جواهرنشانی که بنام «تخت طاووس» درشاه‌نشین‌تالار سلام **کاخ‌گلستان** قراردارد، یکی‌ازوصله‌های معروف سلطنتی ایرانست. تاریخچهٔ این تخت باهمهٔ شهرت‌ومعروفیتی که‌دارد متأسفانه تاکنون تاریك مانده وبسیاری ازجهانگردان‌ونویسندگان‌وتماشاگران، بسبب‌آنکه آنرا، «تخت طاووس» می‌نامند، دراشتباه افتاده،چنین پنداشته‌اند که مگراین تخت همان «تخت طاووسی» معروف‌است‌که **نادرشاه افشار** جزء غنایم جنگی وهدایای **محمد شاه گورکانی** از هند به‌ایران‌آورده است .

این اشتباه و انتساب نادرست، بیگمان دوعلت داشته است: یکی روشن نبودن تاریخچهٔ تخت‌کنونی و دیگری اشتراك درنام «طاووس» که تصادفاً در مورد هردوتخت بکاربرده شده‌است، ولی باخواندن این تاریخچه، مسلم ومحقق خواهد گردید که میان این تخت که درابتدا «تخت خورشید» نامیده میشده و «تخت طاووسی» هندکمترین ارتباط و حتی‌کوچکترین شباهتی موجود نیست.

تاریخچهٔ تخت طاووسی هند بسیار مفصل است و جای‌آن نیست‌که دراین نوشته، دربارهٔ آن‌بطورکامل ومفصل بحث نماییم . همین قدر کافی است بدانیم که **نادرشاه** پس‌ازفتح **دهلی** وگرفتن غنایم جنگی وقبول هدایای **محمدشاه هندی**، بنا بنوشته «**جوناس هانوی**» بازرگان وجهانگردانگلیسی معاصر نادر، درسال **۱۱۵۲** ه. ق. هنگام بازگشت‌ازسفرهند نه‌تخت باخود به ایران‌آورده‌که یکی‌از آنها «تخت طاووسی» معروف بوده‌است.

این‌تخت‌جالب‌وگرانبهای‌هندکه هفت سال‌تمام،استادان‌وزرگران‌وجواهرسازان ماهر هندی درساختن وپرداختن‌آن‌رنج برده وانواع جواهرات وتزیینات درآن بکارزده‌بودند، درسال **۱۰۴۳** ه. ق. در عهد **شاه جهان**، پایان یافته وبعلت نصب هیکل دوطاووس جواهرنشان برروی قبهٔ آن بنام «تخت طاووسی» معروف گردیده بود .

نادرشاه‌نیزدربازگشت ازهند،درطی راه دستور داد استادان وجواهرسازان ایرانی وهندی‌که دررکابش بودند، تخت دیگری باخیمه وخرگاه لایق‌آن ساخته به اقسام جواهرآراسته ، نام‌آنرا «تخت نادری» گذاشتند .

بعضی از تاریخ نویسان نوشته‌اند پس‌ازآن‌که‌نادرشاه‌درجمادی‌الثانی **۱۱۶۰** ه. ق. درفتح‌آباد در دوفرسنگی قوچان کشته‌شد، «تخت‌نادری» و «تخت‌طاووسی» هر دو بدست کردان خراسان افتاده ، قطعه قطعه‌گردید و هرقطعه‌یی ازآن به دست‌کسی افتاد. ازجمله «فریزر» درکتاب «خراسان» خود می‌نویسد که در سال **۱۸۲۲** م. (**۱۲۳۸** ه. ق.) با پیرمردی از رؤسای ایلات‌کرد، ملاقات نموده وپیر مرد برای اوحکایت کرده‌که پس‌از قتل نادر، چادرمرواریدوزی‌وتخت‌طاووسی به‌دست‌رؤسای‌عشایرافتادودرهمان‌هنگامه آن‌غنایم را تقسیم کردندکه‌سهم‌قابل‌توجهی نیزنصیب خودآن‌کردگردید .

اما این‌نوشتهٔ **فریزر** به‌دلایلی‌صحیح نیست‌زیرا اولا دانسته نیست نادر به‌چه نسبت درآن‌حیص وبیص تخت سلطنتی و خیمه‌وخرگاه‌مرواریدوزی‌رادراردوگاه نظامی با خود حمل می‌کرده است در صورتیکه می‌دانیم اوتمام جواهرات‌خود رادرکلات نگهداری می‌نمود و تحقیقات فراوانی در این خصوص شده است خوشبختانه اشاراتی‌که درکتاب «مجمع‌التواریخ» تألیف **میرزامحمدخلیل‌مرعشی** «مجمل‌التواریخ‌زندیه»شده‌دومطلب‌جالب وراجع به تخت‌طاووسی به‌دست‌آمده‌است که هردومدلل‌میدارند تخت مذکورپس‌از نادرشاه‌هم موجود بوده و ازآن استفاده می‌شده است .

مطلب کتاب نخستین مربوط به **شاهرخ افشار** است‌که از امیر خراسان کشتن **سید محمد** راکه ادعای صفوی بودن سلطنت داشته، می‌خواسته‌است، در حالی‌که‌ایشان به‌اوجواب داده‌می‌گفته‌اند «باشخص بی‌گناهی (بهبودخان) که‌خدمت شمارانموده، ازراه دوری مراحل شداید رامتحمل شده یکی از اجناس که تخت طاووسی‌باشدکه‌زیاده ازدوصدهزارتومان ارزش دارد بخدمت رسانیده باشد شما چنین سلوك نمایید دیگری‌راچه توقع و اطمینان بعداز این خواهدبود».

مطلب دوم نیز ازهمین کتاب وباز راجع به سیدمحمد مذکور است‌که‌به‌سال **۱۱۶۳** ه. ق. درمشهد بنام **شاه سلیمان ثانی** برتخت طاووسی جلوس کرد ، می‌نویسد :

«بعداز یك ساعت ازطلوع نیر از بیت‌الشرف شوکت عروج و تصدر بتخت طاووسی وتمکن بمکان شمس فرمود.... وبسه نفر شاهزادگان ..... برکرسیهای مرصع درطرف دست راست تخت‌طاووسی حکم برنشستن شد.....»

باردیگر همین موضوع در **مجمل‌التواریخ زندیه** آمده‌که «در پنجم شهر صفر **۱۱۶۳** درعمارت‌مشهور به **الیاس‌خانی** بعد از یکساعت‌که ازطلوع صبح گذشته بود روزسه شنبه باجاه وجلال در کمال عظمت وشأن، رونق‌بخش آن مکان فرحت بنیان و برتخت طاووسی متمکن گشته نقاره‌های‌بشارت وشادمانی‌بنوازش درآوردند» .

با اینکه ازنظر بررسی تاریخچهٔ «تخت طاووسی» هرسه اشاره‌مزبوربسیار مغتنم ومهم بشمار می‌رود، اما متأسفانه هیچکدام ازآنها روشن نمی‌سازند که تخت طاووسی مذکور درکجا ودرنزد چه کسی بوده‌که بهبودخان‌آن را ازراه‌دور به‌حضورشاهرخ‌آورده‌بوده است .

میدانیم‌که **کریمخان زند**، همانطور که بعللی نام پادشاهی برخود ننهاد ، برتخت سلطنتی ننشست ، از اینرو در تصاویری‌که ازاو دردست است هیچگاه تختی زیرپای اودیده نمی‌شود تاازشکل وچگونگی‌آن بتوان مطلبی بدست‌آورد، شاید هم علت اصلی ننشستن خان زند برروی تخت، نداشتن‌تختی‌مناسب‌وشایستهٔ سلطنت‌بوده است ؛ زیرا در آن هنگام اغلب‌تختهای‌جواهر نشان‌سلطنتی‌وقسمت عمده جواهرات نادری،درتصرف **شاهرخ میرزای‌افشار** بود که در راه نگهداری آنها بلاها ومصیبت‌ها دید وزجرها‌کشید و بالاخره همه را از دست داد .

بنابرمراتب فوق، از دورهٔ زندیه به بعد دیگرخبرواطلاع صریح وصحیحی از تخت‌طاووسی هندوتخت نادری‌نداریم و تا آنجاکه تحقیق و بررسی کرده‌ایم جز یك مطلب مبهم که درسفرنامهٔ **اوژن فلاندن** ذکرگردیده‌است‌ازسرانجام تخت مذکور دیگرچیزی نمیدانیم .

فلاندن در کتاب خود می‌نویسد :

«...می‌گویند وقتی که نادرشاه به دهلی دست یافت، در بین گنجهایی که به دستش افتاد، از جمله تخت زیبا و گرانبهای **مغول بزرگ** بود که سنگهای قیمتی آنرا مزین می‌ساخت و چون به پر طاووس شباهت داشت آنرا «تخت طاووسی» نامیده بودند در اصفهان **جهانگشا** (معلوم نیست منظورش از جهانگشا نادر شاه است یا آغا محمدخان) خبر داد که نمی‌تواند راضی‌شود برروی الماسها و یاقوتهایی که این تخت را زینت داده‌اند بنشیند. به این جهت آنها را جدا کرده، تماماً بفروش رسانید. می‌گویند ازاین معامله مبلغی هنگفت عایدش شد».

اما منشاء وصحت اظهارات فلاندن معلوم ومحرز نیست، اگر این نوشته و اطلاع صحیح و ضمناً مربوط به آغامحمد خان باشد، به ناچار باید پذیرفت که مؤسس سلسلهٔ قاجاریه، درهمان اوان سلطنت خود جواهرات تخت را پیاده کرده وهیکل آنرا از بین برده است، ولی اگر به این نوشته فلاندن اعتماد ننماییم درآن صورت معلوممان نخواهد شد که در تغییر وتبدیل سلطنت‌ها، تختهای طاووسی و نادری و تخت‌های دیگری که نادر از هند آورده بوده چه سرنوشتی پیدا کرده‌اند وبرسر آنان چه آمده است.

کسانی هم از روی عدم اطلاع نوشته‌اند که: «تخت مزبور هنگامی که در شمار غنایم نادر درآمد، چون حمل و نقل آن دشوار بود قطعه‌قطعه گشته بزودی بمصرف مخارج جنگهای تمامی ناپذیر آن پادشاه رسید».

لردکرزن در کتاب «مسئلهٔ ایران وایرانیان» درضمن اشاره به نظریات مختلف دربارهٔ سرنوشت تخت طاووسی می‌نویسد: «مطابق تحقیقاتی که در تهران از رجال درباری واشخاص مطلع بعمل آمد، آغا‌محمدخان در مشهد شاهرخ نوادهٔ نادر را شکنجه داده ذخایر وگنجینه‌های نادرشاه را ازوی بازستد که ازآن جمله بقایای تخت طاووسی درهم شکسته دهلی بوده است که بعدها بشکل تخت جدید فعلی در آورده‌اند».

خلاصه آنکه دراوایل سده سیزدهم هجری مسلماً تخت مزبور بکلی مفقود بوده واثری ازآن نه درجزو جواهرات سلطنتی ونه درنوشته‌ها نمی‌توان یافت.

باآنکه بعضی ازتاریخ نویسان در شرح تاجگذاری **آغامحمدخان** نوشته‌اند که: «براریکهٔ جهانبانی ومسند شهریاری جلوس فرمود» ولی هیچ ذکری از نام و چگونگی تخت (اگر بوده) نکرده‌اند و برخی نیز تنها جریان تاج‌گذاری را نوشته و جلوس برتخت را متذکر نشده‌اند.

اگر چه پردهٔ نقاشی رنگ روغنی بزرگی ازصورت آغامحمدخان واطرافیانش در عمارت **سلیمانیهٔ کرج** (دانشکدهٔ کشاورزی) روی دیوار نصب گردیده که اورا برتختی نظیر تخت طاووسی فعلی نشان می‌دهد، ولی چون اطلاع داریم که این پرده را **عبدالله‌خان** نقاش‌باشی دورهٔ فتحعلی‌شاه بعدها بقرینهٔ تصویر صف سلام شاه اخیر نقاشی کرده است از اینرو در این مورد نمی‌توان برآن تصویر خیالی استناد نمود.

براثر مجاهدت‌ها وجنگهای مؤسس سلسلهٔ قاجار، دراواخر سلطنت خود او واوایل دورهٔ سلطنت جانشین او فتحعلی‌شاه رشته امنیت ایران که سالها ازهم گسیخته بود، بهم پیوسته ویک نوع آرامش نسبی درکشور پدیدآمد وبهمین علت، قدرت حکومت مرکزی روبه افزایش نهاده، خزائن وجواهرات نادری ازدست جانشینان او وامراء واکراد خراسان جمع آوری شده درخزانهٔ سلطنتی درتهران گردآمد درضمن یك نهضت سطحی وبازگشت به مراسم و شکوه و جلال دربارهای ایران باستان نیز تکوین یافته وایجاد گردید.

فتحعلی شاه که شخصا درپدید آوردن این نهضت، عامل اصلی بشمار می‌رفت میل و علاقه وافرداشت که مانند شاهنشاهان کیانی وساسانی باجامه‌های زربفت واسلحه جواهر نشان، آنچنانکه درشاهنامه سروده شده است، برتخت عاج وآبنوس وگوهرنشان جلوس کرده؛ تاج کیانی برسرنهاده، کمر خسروی برمیان بندد وشاهزادگان نیز با لباسهای فاخر وشمشیرهای مرصع برگرد او حلقه زده، بزرگان کشوری و لشکری درپیش تختش کرنش نمایند.

برمبنای همین علاقه وهوس، فتحعلی شاه درهمان سالهای نخست سلطنت در یکی ازسفرهای خود به اصفهان به حاجی محمدحسین‌خان **نظام‌الدوله** بیگلربیگی اصفهان که سپس درسال ۱۲۳۴ ه. ق. به‌مقام صدارت‌عظمای ایران رسیده، مشهور بصدر اصفهانی گردید، امرکرد که از جواهرات سلطنتی که دراختیار او گذاشته شده بود، به‌وسیله استاد زرگر وجواهر‌تراش اصفهانی، تختی زرین ومرصع برای جلوس قبلهٔ عالم بسازد.

اصفهان در آن روزگار نسبت به تهران که شهرکی جدید بود، شهری بزرگ وآباد ومرکز تجمع استادان وهنرمندان ماهر بود وهنوز مقام هنری وپایتختی خود راحفظ کرده بود ازاینرو ساختن و پدید آوردن چنین تختی جز دراصفهان وبوسیله محمدحسین‌خان که مردی متمول وامین بود، ممکن ومیسر نمی‌گردید.

درسال ۱۲۱۵ ه.ق. استادان وزرگران وجواهرتراشان ومیناکاران و طراحان اصفهانی زیرنظر حاجی محمدحسین‌خان، بساختن تخت مشغول شدند وقبل از فرا رسیدن نوروزسال ۱۲۱۶ ه. ق. آنرا تمام‌کرده برای جلوس شاه ازاصفهان به تهران حمل نمودند.

برخی گفته‌اند که تخت را حاجی بخرج خود ساخته و آنرا به فتحعلی‌شاه هدیه‌کرده است ولی این سخن قابل‌قبول نیست وشاید این‌شهرت بی‌اساس ازآنجا ناشی شده‌که اواجرت استادان وکارگران راخود پرداخته وچیزی ازآن بابت از فتحعلی‌شاه نگرفت.

این‌تخت در ابتدا به مناسبت نصب هیکل‌خورشید الماس‌نشان وچرخانی در داخل‌قاب‌آینهٔ مدوری بربالای تکیه‌گاه آن به «تخت خورشید» معروف‌بود وجز این نام دیگری برای آن برده نشده است.

در نوروزسال ۱۲۱۶ه. ق. فتحعلی‌شاه جوان، بادبدبه وشکوه تمام به تخت خورشید برآمده برروی‌سجادهٔ مرصع و مروارید دوزی‌که برروی تخت گسترده بودند، نشسته به‌متکای مروارید دوز و جواهرنشان تکیه زد وبزرگان‌کشور را برای‌تماشای‌تخت نوین وگوهرنشان‌خود، بار داد.

شعرای درباری بمناسبت این‌جلوس طبق معمول قصاید غرا ومطولی که در توصیف تخت خورشید ومدح شاه سروده بودند، خواندند که معروفترین آنها قصیده نونیه فتحعلی‌خان **صباست**.

گذشته ازصبا، ازمیان شعرای آن زمان، سحاب‌اصفهانی (متوفی بسال ۱۲۲۲ ه. ق.) نیز قطعه یاقصیده‌یی دراین باره

سروده‌است .

فتحعلی‌شاه دریکی از مسافرت‌هایی که به اصفهان کرد، دخترك هفت هشت ساله زیبایی راکه پوستی سفید، چشمانی آبی ، مویی طلایی ، قامتی کشیده و «طاووس» نام داشت، دیده،طالب‌ازدواج باوی گردید. جد اعلای این دختر از گرجیانی بودکه درزمان **شاه عباس‌اول** ازگرجستان‌به‌اصفهان‌آورده شده بود و «طاووس » تمام خصایص و زیبایی نژاد گرجی را دارابود. به‌دستور **فتحعلیشاه** «طاووس» رابه **آقاجعفر** سپردند که به تهران‌آورده، امرتربیت اورا به **میرزا عبدالوهاب** اصفهانی متخلص به‌نشاط ، ملقب بـه **معتمدالدوله** (متوفـی بسال ۱۲۴۴ ه.ق.) محول دارد. طـاووس در نزدخوداستادبیشترعلوم‌ادبی‌ومتداول‌آن زمان‌را ازعربی وفارسی ومنطق و معانی وبیان، فراگرفته‌طبع شعری نیزپیداکرد وچون خوش‌آواز بـود ، درموسیقی نیز دستی‌یافت وسرانجام زیرنظربانوان‌حرم نیز،به‌رموز همسری وهم صحبتی پادشاه آشنا گردید .

هنگامی‌که طاووس‌خانم‌به‌سن‌ازدواج رسید، فتحعلی شاه به‌فرزندخود **حسنعلی میرزای شجاع‌السلطنه** که حاکم تهران بود، دستور داد تامقدمات جشن عروسی طاووس خانم راکه چهل ودومین زن از زنان یکصدوپنجاه وهشتگانه اومحسوب می‌گردید، فراهم‌آورد .

شجاع‌السلطنه در تهیهٔ وسایل جشن عروسی پدرنهایت جدیت وکوشش رابکار برد تـا هرچه باشکوه‌تروهجلل‌تر باشد وبرای افزایش جلال‌و تکمیل شکوه‌آن دستورداد تا خوابگاه شاه را بـر روی تخت خورشیدگستردند .

طاووس خانم نظر بفضل‌وزیبایی‌که داشت، درنزد شاه بسیارمحبوب ومحترم گردید ازاینرو فتحعلی‌شاه به‌مناسبت نام او وبیاد شب عروسی‌او «تخت خورشید» را «تخت طاووس» نامید وبعدها این‌نام جدید،چندان‌شهرت‌یافت که‌نام سابق‌رااز خاطرها زدود، ولی‌کسانی‌که ازنام‌اصلی تخت اطلاع داشتند حتی سالهـا پس از تغییرنام‌نیزآن‌را با همان‌نام پیشین خود یاد می‌کردند، چنانکه هدایت درروضة‌الصفای ناصری درذکروقایع سال ۱۲۴۸ ه. ق. تخت راهمچنان بانـام «خورشید» ذکـر می‌کند و اسمـی از «طاووس» نمی‌برد .

فتحعلی‌شاه‌که سخت مفتون‌شیرین‌زبانیهاورفتارومعلومات وموقع‌شناسیهای طاووس خانم شده بود اورا «تاج‌الدوله» لقب داده؛ به **عبدالله خان** معمار بـاشی دستور داد تا «عمارت چشمه» را برای این بانو تجدید ساختمان نموده ، تخت طاووس را نیز درآن عمارت قرار دهد. چنانکه تخت مزبور تاپیش ازانتقال به موزهٔقدیم دربخش‌خروجی، همان عمارت باقی بود .

ناصرالدین شاهکه درحفظ وتغییر وتزیین ومرمت جواهرات و وصله های سلطنتی اهتمـام فراوان بکار می‌برد در سال‌دهم پادشاهی‌خودبه**عبدالله‌خان نوری مستوفی** دستورداد کـه درتخت خورشید فتحعلی‌شاهی تغییراتی بدهد وقسمتهـایی برآن افزوده تزیینات و جواهرات آنرا هرچه بیشتر سازد .

مستوفی‌نوری‌نیزاستادان وزرگران ماهر پایتخت را گرد آورده دستور داد بی‌آنکه‌درطرح‌وشکل‌اولیهٔ تخت‌تغییرات کلی بدهند،آن رابه‌بهترین وضعی‌تعمیر وتزیین‌کرده روکش طلای آنرا مینـاکاری نموده ودرطارمیهاودست‌اندازهای آن ابیاتی از قصیده‌یی که دروصف‌تخت ومدح **ناصرالدینشاه** سروده شـده و در چند مورد به‌صاحب‌وپدید آورنده اصلی آن **فتحعلیشاه** ، اشاره‌یی رفته است ، با خط نستعلیق بسیار زیبا ، برجسته‌کاری ومینا سازی نمایند .

در فاصلهٔ سال‌های ۱۲۹۰و۱۲۹۶ ه.ق ، که اطاق موزه یا تالارسلام به‌امر نـاصرالدین شاه بنا و ایجاد گردید ، شاه دستورداد، جواهرات سلطنتی‌واشیاء وآثارگرانبهای‌تاریخی وهنری وهدایای سلاطین خارجی‌وحکام وامرای داخلی را در قفسه‌های آن قرار دهند ، ضمناً‌تخت طاووس را نیز از تالار عمارت خروجی بتالار آینه جـدیـد جنب موزه منتقل نمودند و بعدها ازآنجا نیزبه‌تالارموزه بردندکه اینك‌سالهاست درمحل‌مخصوص خود قرار دارد.

در دوران سلطنت ناصرالدین شاه همانگونه که سـالهای‌پیش ازآن‌برقرار بود ، مراسم جلوس و تاجگذاری‌ها و مراسم سلامهای خاص نوروزی ، وبعضی اعیاد دیگر ، بااستفاده از تخت‌طاووس ویا دربرابر آن انجام می‌گرفت.

پس‌از ناصرالدین‌شاه نیزهمواره‌در مراسم‌سلامهای‌خاص‌واعیادازتخت‌طاووس استفاده‌می‌کردندولی از دوران سلطنت اعلیحضرت**رضا شاه بزرگ** به‌این طرف دیگراز تخت مزبوراستفاده‌یی‌نشده است وحتی در مـراسم تاجگذاری نیز چون شاهنشاه پهلوی نخواست برروی‌این‌تخت جلوس‌نمایددستورداد‌صندلی‌دوپله‌معروف به تخت‌نادری رابرای تاجگذاری‌آماده نمایند که شرح آن بموقع خود خواهد آمد

تخت طاووس چون درزمانی‌ساخته شده که‌هنوزجلوس برصندلی‌چندان‌معمول نبود ، از اینرو مانند اغلب تخت‌های پادشاهان قدیم مشرق زمین‌که‌چهار زانو برمسند سلطنت نشسته بر چاربالش‌ملك تکیه میزدند ، بشکل سکو یا تختخواب ساخته شده واز این‌حیث تقریباً به تخت مرمر شبیه است .

این تخت ازقطعات مجزا پدیدآمد وبوسیله پیچ ومهره قابـل سوار و پیاده کردن می‌باشد وتوکار آن همه از چوب محکمی ساخته شده‌که ورقهٔ طلای‌ضخیمی تمام قسمت‌های‌آنرا(جزپشت وزیرو یك پایهٔ ستونی‌که‌نقاشی‌مذهب است)پوشانیده است .

نمـای بیرونی روکش طلا درتمام قسمت‌ها بـاتزیینات‌گل وبته‌یی‌میناکاری شده وصفحهٔ پشت‌انـداز یـا تکیه‌گاه و خورشید دوار بالای‌آن وهدهدها وقبه‌ها وصراحی‌ها ودونیم ترنج طرفین بـالای پله‌های تخت علاوه برمیناکاری مرصع به انواع جواهر ازالماس وزمرد ویاقوت و لعل است .

تخت برروی‌شش‌پایه بشکل خرطوم فیل‌که درپایین پیچ خورده تبدیل به‌سر اژدها گردیده‌اند ودوپایه به شکل ستون ودوپایه نیم‌ستونی درطرفین پله‌هااستوار شده‌که‌آنرا قریب یك متربالاتر ازکف زمین نگاه داشته‌اند، برای بالارفتن از تخت‌دوپله قرارداده‌اندکه‌درسطحهٔ‌عمودی آنهانقش مشبك اژدهای درهم پیچیده و درسطحهٔ‌افقی‌تزییناتی به‌شکل ترنج ونیم ترنج دیده می‌شود. در دورادورتخت‌بجز درقسمت جلوپله‌ها، طارمیهای کوتـاهی کشیده شده‌که ازداخل‌وخارج‌به‌کتیبه‌های ترنجی‌تقسیم شده ودرداخل هرترنج‌بیتی ازیك قصیده باخط نستعلیق خوش منکنه

شده است .

دربالای طارمیها ودرطرفین پله‌ها وپشت‌اندازتخت جابجاو به‌فاصله‌های‌معین چهارده قبهٔ کروی مرصع وشش صراحی مرصع نصب گردیده است .

پشت‌اندازتخت بشکل نیم‌ترنجی‌است که ازسمت داخل بانقوش اسلیمی وگل وبرگ‌های‌مرصع وشمسه‌های جواهرنشان تزیین گردیده ودردوطرف آن درمتن و همچنین دربالای‌شاخه‌های‌ترنج‌نقش برجسته ومجسمه چهار هدهد که‌اغلب بغلط آنهارا طاووس نامیده‌اند، قرار دارد. درترنج‌های‌سطحهٔ عمودی پلهٔ‌دوم موضوع‌وتاریخ تغییر وتعمیرمجدد تخت نوشته ومیناکاری شده است .

دربالا ووسط پشت‌انداز وتکیه گاه تخت، قاب آینه مدوری نصب گردیده که درداخل‌آن هیکل خورشید الماس‌نشانی باشعاعهای فراوان قرار دارد و از پشت متصل به چرخ دندانه‌دار وپاندولی است که پس‌ازکوك کردن مدتی بدور خود می‌چرخد .

بر روی تخت طاووس کلاً چهارهزار وپانصد وبیست وهفت قطعه جواهردرشت وریز ازقبیل‌الماس وزمرد ویاقوت‌ولعل نشانده شده‌که تعدادقطعات‌هریك ازآنها مطابق دفاتر رسمی بدینقرار است:

الماس	۱۴۴۴	قطعه
زمرد نو	۲۹۱	«
زمرد کهنه	۱۱۴۰	«
لعل نو	۱۱	«
لعل کهنه	۷۸۶	«
یاقوت	۸۵۵	«

تخت نادری .

تخت‌سلطنتی‌دیگری‌که‌سالهادرشاه‌نشین تالارسلام درجنب‌تخت‌طاووس‌قرار داشت‌واخیراً بعدازافتتاح‌موزهٔ‌جواهرات سلطنتی به‌بانك مرکزی انتقال یافت ، تخت یاصندلی دوپلهٔ «نادری» است .

این تخت بدلالت شیوه ساخت و شکل‌وترکیبش ونوع زرگری ومیناکاری وجواهرسازیش، همچنین بگواهی‌اشعاری که درسمت داخل دست‌اندازها وپشت‌انداز تخت برروی ورقه های طلا منگنه ومینا گردیده، بدون‌شك‌ازساخته‌های‌زمان فتحعلی‌شاه‌است گواینکه‌درترصیع وتزیین آن‌اغلب ازگوهرهای نادری استفاده‌شده است .

چون سابقاً فتحعلی‌شاه‌فقط‌دراردو‌کشی‌های خود به‌چمن‌سلطانیه ازاین‌تخت استفاده می‌کرد ودرسالهای‌بعد نیزاغلب درخزانه محفوظ بوده، کمتر در معرض دید وتماشای محققان وجهانگردان‌قرار داشت، ازاینرو درکتابها وسفرنامه‌ها راجع‌به‌آن‌مطالبی‌نمی‌توان یافت،‌انتساب این تخت به نادرشاه نیزگویا درچهل‌پنجاه سال اخیرشهرت‌یافته که البته‌منشاء تاریخی‌ندارد وصحیح نمی‌باشد .

تخت نادری از نظرشکل وترکیب وتزییناتش، زیباتر ازتخت طاووس است وپشت‌اندازآن‌باترنج وجواهرات درشت وخوش‌رنگش، آنرا مجلل‌تر و باشکوه‌تر نشان می‌دهد .

دردوطرف پشت‌انداز تخت‌که مانند دم طاووس چترزده ودربالا دارای تاجی است نقش دواژدهای پیچ خورده قرار دارد‌که دم‌آنها بشکل سرعقاب یاطوطی درآمده است ونظیرهمین‌دواژدها در دو طرف‌پلهٔ‌اول تخت‌درداخل یك‌ترنج‌اسلیمی مشبك نقش دوطوطی‌میناکاری شده‌مشاهده می‌گردد .

تخت ازنه پارچه چوبهای روکش طلای میناکاری شده بسیاراعلی مرصع به جواهرات ساخته شده‌که‌قطعات‌مختلف‌آن بوسیله بندوبست‌های مخصوص‌ازیکدیگر جدا می‌گردند، این‌قطعات باانضمام یك پارچه سطحهٔ تخت ودوپارچه‌چوب قید و پیچ ومهره‌های‌آهنی بدون جواهر، جمعاً مشتمل بردوازده پارچه است .

ارتفاع تخت ازسرتاج پشت‌اندازتا سطحهٔ نشیمن تخت ۱۲۸ سانتیمتر و از برگشتگی‌گردن اژدها بطرف دیگر ۱۰۱ سانتیمترو‌ارتفاع ازدست اندازهاتاسطحهٔ زمین ۱۱۹ سانتیمتر میباشد .

در وسط سرتاج پشت اندازتخت یك قطعه یاقوت درشت بشکل قلوه حبابی نصب شده که درحدود ۲۵ قیراط وزن دارد .

تعداد جواهراتی‌که برروی تخت نادری نصب گردیده بقرارزیراست:

الماس	۹۵۹۷	قطعه
زمرد	۷۴۶۴	«
یاقوت	۵۶۸۲	«
لعل	۶۹۶	«

بنابراین جمع کل جواهرات ریز و درشت تخت نادری در حدود ۲۲٫۴۳۹ قطعه وتقریباً پنج برابر جواهرات تخت طاووس است .

اشعاری‌که‌گویا منتخب از ابیات قصیدهٔ مطولی بوده ودردوقسمت داخل دست‌اندازها وپشتی‌تخت منگنه‌ومیناکاری شده خوانده می‌شود.

اعلیحضرت‌رضاشاه‌کبیر درتاجگذاری خود دستورفرمودند تخت نادری رابرای مراسم تاجگذاری‌آماده نمودند .

درپایان‌این‌مقال‌لازم‌بیادآوری‌است‌که متأسفانه بعلت عدم دقت وتوجه،دربرخی ازکتابها ونوشته‌ها ازجمله این تخت را به‌اشتباه«تخت طاووس» معرفی کرده و عکسش راب‌چاپ‌رسانیده‌اند که البته با توضیحات مفصلی‌که در این‌جا داده شده پیداست‌که همهٔ‌آنها نادرست‌است‌وتاکنون کسی‌ازمحققان ونویسندگان خبیرومطلع این‌تخت را بنام تخت طاووس ننوشته است .

چون دراین اوقات در برگزاری مراسم دربرابرایوان تخت، برای‌جلوس شاه ازتخت طاووس استفاده می‌کردند و بالطبع حراست وحمل‌ونقل وبازکردن‌و بستن پی‌درپی آن در ایوان باعث‌اشکال بود وازطرف دیگر بعلت محفوظ نبودن ایوان‌امکان نداشت‌که تخت‌جواهرنشان را برای همیشه درآنجا مستقرسازند ، ازاینرو زمانی پیش‌از سال ۱۲۲۱ ه.ق. (وشاید بسال ۱۲۱۹ ه.ق.)فتحعلی‌شاه به حجاران وسنگتراشان معروف اصفهان که‌درآن هنگام شهرهنری وصنعتی‌درجهٔ اول ایران بود واستادان بزرگ در هر رشته‌ای‌ازفنون‌درآنجا جمع بودند امر کردکه تختی ازسنگ مرمر زرد معادن یزد برای‌جلوس «قبلهٔ‌عالم» بسازند تا همیشه در وسط ایوان نصب وبرقرار گردد .

برای ساختن وحجاری‌تخت خاقان **استاد محمدابراهیم‌اصفهانی**حجارباشی آن زمان انتخاب گردیدواوپس‌ازطرح‌ریزی شکل تخت‌عده‌یی ازحجاران‌استاد ازجمله**استادمحمدحسین، استادمحمدباقر استادمرتضی، استاد غلامعلی**رابدستیاری خود خوانده وبه‌کمك آنان تخت مرمر را ساخته‌وآماده گردانیدند.

چون‌این‌افسانه‌درمیان‌ایرانیان‌معروف است‌که‌سلیمان‌نبی‌پادشاه‌یهود،‌دارای‌اقتدار فوق‌العاده‌یی بوده‌ودربار باشکوهی‌داشته است (بهمین علت هم درایران هر بنا وساختمان‌عظیمی‌که بوده‌به‌او نسبت داده شده مانند : مسجد سلیمان ، تخت

سلیمان،زندان سلیمان، قبرمادر سلیمان وغیره) ازجمله‌اشیاء عجیب‌وغریب‌دربار اوتختی بوده که بهنگام ضرورت‌دیوان وپریان آنرا بردوش خود گرفته در آسمان برروی‌ابرها بگردش‌درمی‌آوردند ودرهرجاکه سلیمان اراده می‌کرد فرود می‌آوردند . از اینرو بمناسبت افسانهٔ مذکور و تشبیه‌فتحعلی‌شاه‌دراقتدار‌وثروت وشوکت به سلیمان، این تخت را «تخت سلیمانی» نامیدند ومطابق توصیف‌افسانه واعتقادی‌که داشتند ، آنرابردوش‌دیوان وپریان استوار ساختند .

همچنین‌ازفتحعلی‌خان‌صباملک‌الشعرای دربارفتحعلی‌شاه‌خواستند‌که قصیده‌یی در مدح شاه‌یا«سلیمان‌زمان» سروده ضمناً مادهٔ تاریخ ساختمان تخت‌را نیز درآن بگنجاند .

فتحعلی‌خان‌قصیدهٔ‌مطولی‌دراین‌مورد سرود‌که فقط**۱۷** بیت‌ازآن‌بتعداد‌ترنج‌-های‌داخل وخارج‌طارمیهای تخت‌انتخاب گردید ودرآخر مصرع‌آن نام‌وتاریخ ساخت تخت (**۱۲۲۱** ه‌.ق.) را بحساب جمل‌قید‌کرد .

تهران درآن زمان در تابستانها بعلت گرمای شدید وعدم بهداشت و عفونت هواوبروزامراض مختلف ازجمله بیماری مسری‌وخطرناك وباتاحدی‌غیر-قابل سکونت می‌گردید ، ازاینرو اکثر اهالی شهر برای فرار ازگرما و حفظ جان خود وبستگانشان از بیماریها، راه روستاها و قصبه‌های خوش‌آب و هوا و خنك اطراف‌تهران‌را درپیش‌می‌گرفتند، فتحعلی‌شاه‌نیزباحرم ودم ودستگاه‌بسیار مفصل خود همراه با درباریان و وزراء ورجال ولشکریان و حتی فیلها ، بنابر یك رسم بسیارکهن وبعلت نبودن مراتع وسیع دراطراف تهران به چمن سلطانیه نزدیك زنجان حرکت می‌کرد . این ناحیه اززنجان بعلت داشتن‌آب وهوای خنك وسالم‌ووجود مراتع وسیع‌وهمچنین بعلت وجود چند قصر کوچك در اطراف مقبره و گنبد **سلطان محمد خدابنده الجایتو** برای‌اطراق‌ونصب‌خیمه وخرگاه اردوی خاقان بسیارمناسب بوده واردو وشاه‌تاهنگامی‌که علف مراتع وچمن‌های آنجا اغنام واحشام و ایلخی اسبان دربار ولشکریان را تکافو می‌کرد ، آنجا می‌ماندند و چون علف روبه‌اتمام می‌گذاشت‌راه‌اصفهان یاهمدان وتبریزرا درپیش می‌گرفتند .

در تابستان سال **۱۲۳۲** ه‌. ق. که بنابر معمول سنواتی فتحعلی‌شاه درچمن سلطانیه اردو زده بود ، ژنرال لیوتنان الکسیس‌پتروویچ **یرمولوف**(Iermolof) که به‌فرماندهی کل‌قوای گرجستان‌منصوب شده‌بود به‌عنوان سفیر‌کبیر،از**الکساندر اول** امپراتور روسیه مأموریت یافت‌که به‌دربارفتحعلی‌شاه آمده‌عهدنامهٔ‌دایمی‌بین ایران و روسیه را امضاءکرده سرحدات گرجستان را معلوم سازد .

ژنرال مزبور علاوه براین ازجانب امپراتور حامل مقداری هدایای‌گرانبها برای شاه و شاهزادگان ونیز از جانب امپراتوریس حامل هدایایی برای زنان شاه بود .

یرمولوف در سلخ جمادی‌الاولی **۱۲۳۲** ه‌.ق.مطابق هفدهم آوریل**۱۸۱۷** میلادی ، بسوی ایران رهسپار گشت و چون به سلطانیه رسید فتحعلی‌شاه دوبار اورا بحضور پذیرفت .

باراول‌درهفدهم رمضان**۱۲۳۲**ه‌.ق بود‌که‌به مذاکرات سیاسی‌وشرایط‌اجرای عهدنامهٔ‌گلستان‌گذشت وباردوم دربیستم رمضان در روز تعطیل بوددر آن روز هدایا را که دیرتر ازخود سفیر رسیده بود ازنظر شاه‌گذرانیدند.

ازلوازم‌وضروریات‌جلوس‌فتحعلی‌شاه درسلام‌عام‌وخاص، درتخت مرمر معمولاً برسر نهادن تاج‌کیانی، بستن بازوبندهای «دریای‌نور» و«تاجماه»وآویختن حمایل‌-های مروارید درشت و بستن کمربند شرابه‌دارسلطنتی وشمشیروخنجر جواهر-نشان ودردست‌گرفتن گرز مرصع ویك زدن به‌قلیان نی‌پیچ مرصع مخصوص‌سلام بود، سایر وصله‌های مرصع‌وجواهرنشان سلطنتی‌را نیز بدست پسرها و **جهانگیر خان گرجی** و **ابراهیم‌خان گرجی** ، دامادهای‌شاه می‌دادند و سپر مرصع‌نیز مخصوص **سپهدار** بود‌که‌دردست می‌گرفت وهمهٔ اینها بطور نیم دایره در دور تخت وشاه درجای مخصوص‌خود می‌ایستادند.

یکی از مراسم سلام عام فتحعلی‌شاه در تخت مرمر این‌بود‌که پیش خدمت-باشی سلام (میرزا اسمعیل) یك دستگاه قلیان مرصع مخصوص رادر پهلوی تخت در دست می‌گرفت و نی‌پیچ آنرا بدست شاه می‌داد‌که‌گاهی‌یکی‌به‌آن‌بزند. این قلیان‌که به«قلیان‌سلام» معروفست ازطلا ساخته شده‌وتمام قسمت‌های آن باجواهر مختلف والوان ترصیع شده است . شکل میانهٔ قلیان برخلاف قلیانهای امروزی بسیارکوتاه‌بودازیك‌سمت‌سرقلیان‌آن دو زایدهٔ پرمانندی‌که فرخورده وبخود پیچیده‌اند بیرون آمده‌که برنوك آنها یك‌آویز جواهرنشان نصب شده است .

سرنی قلیان یعنی قسمتی که چوب یا لولهٔ نی‌پیچ باید در آن قرارگیرد ، بصورت سراژدها(دهن اژدر) ساخته شده که ازفك پایین وزیرگلوی‌آن دوشرابهٔ یاقوت درشت‌آویزانست .

شرکت دادن این قلیان در مراسم سلام عام نوروزی؛ تقریباً یك‌امرتخطی-ناپذیر شده بود بطوریکه در دوره‌های بعد‌که استعمال قلیان دراین گونه مراسم کم‌کم روبه منسوخ شدن نهاده بود وشاه دیگر نی‌پیچ آنرا در دست نمی‌گرفت بازهم پیش خدمت باشی سلام ، در جای مخصوص خود قلیان بدست می‌ایستاد و این تشریفات بیهوده‌وبی‌معنی‌را تاپایان مراسم ، بانجام میرسانید .

بنا برماده‌یی که‌درعهدنامهٔ‌ترکمانچای گنجانیده شده و حمایت روسیه از اولاد عباس‌میرزا درامر توارث سلطنت درآن قیدگردیده بود ، پس‌از فتحعلی‌شاه **محمدمیرزا**فرزندعباس‌میرزا نایب‌السلطنه که‌درتبریزبعنوان ولیعهدحکومت‌میکرد در سال **۱۲۵۰** ه‌.ق.به سلطنت رسیدولی پیش‌ازآنکه به تهران‌حرکت‌کند، ظل-السلطان عم‌اودر پایتخت اعلام سلطنت نموده سکه وخطبه بنام‌خودکرده بنام علیشاه مدت نود روزپادشاهی‌کرد ؛ ولی میرزا **ابوالقاسم قایم مقام فراهانی** باتدابیری که ازپیش دیده بود محمدشاه رابالشکری انبوه ازتبریز بسوی تهران حرکت‌دادوچون‌اردوی شاه‌به‌نزدیکیهای تهران رسید، ظل‌السلطان‌که دروازه‌های شهررا بسته قلعه‌بند نشسته بود،هراسناك گشته به‌پیشواز محمدشاه شتافت وازکار رفته عذر خواست .

پس‌از ورود محمدشاه به پایتخت ، جلوس وتاجگذاری خاص در عمارت نگارستان بر روی تخت طاووس انجام گرفت ولی جلوس دوم که توأم با سلام عام بود در **تخت مرمر** برگزارگردید.

در این مراسم‌قایم‌مقام ظل‌السلطان را بر آن داشت که مانند زمان پدرخود خفتان مرصعی راکه روی ماهوت‌گلی دوخته شده بـود و از ملبوس خـاص **آغا محمد خان** بود پوشیده بهمان وضع سابق در ایوان تخت مرمر در حضـور برادرزاده خود بایستد و قایم‌مقام این راعلی‌رغم‌سفیر انگلیس که ظل‌السلطان را درادعای خود یاری کرده بود، پیش آورد وبیش‌از همه سعی‌داشت‌که سفرای دول خارجه این وضع‌را مشاهده نمایند.

چون مدت سلطنت محمدشاه‌کوتاه وخود اونیز مرد علیلی بود ، از اینرو درزمان اوتغییرات عمده‌یی در تهران و عمارات سلطنتی بخصوص در ایوان‌تخت مرمر پیش نیامد .

شاهزاده روسی الکسیس**سولتی‌کف** که‌درسال**۱۸۳۸**میلادی مطابق‌باسالهای **۵۵ ــ۱۲۵۴**هجری‌قمری مسافرتی بـه ایران‌کردوسفرنامهٔ‌مختصری تحت‌عنوان «مسافرت‌به‌ایران» پرداخته‌است،درضمن مطالب‌کتاب‌خود وضع ایوان‌ومراسم‌سلام عیدقربان رادرعهدمحمدشاه‌چنین‌توصیف می‌کند :

«روز عیدقربان‌که درنزدمسلمانان بمنزلهٔ عید پاك ماست برای‌عرض‌تبریك درقصر شاه حاضرشدیم ، پس‌از دریافت تبریکات ما، شاه‌روی‌تختی ازمرمرسفید حجاری شده و مذهب قرار گرفت. این تخت سکوی عریضی بودکه برروی‌دوش وپایه‌هایی بشکل دیو وپری قرار گرفته بود.از اطاقی‌که‌کمی ازسطح زمین‌بالاتر ویك‌طرف آن مانند صحنهٔ تماشاخانـه کاملاً باز است محلی نـمایان بودکه آنجاشاهزادگان‌بلافصل ،اعیان، اشراف علما، خانها و قشون رسمی شاه موزیك نظامی و امیران گروگان افغانی دیده می‌شود . این‌اطاق‌تخت سلطنتی،زیباترین اطاقی است‌که‌من در ایران‌دیده‌ام‌ودرـ بارهٔ تزیینات‌آن‌که بشیوهٔ اسلیمی است نمی‌توان در جای دیگر چیزی عالی‌تر ازآن بدست‌آورد یا لااقل این تأثیری است‌که درمن نموده .

مخصوصاً وقتی‌که‌بعدها من‌بجزییات آن دقت‌می‌کردم وبیهوده کوشش‌می‌کردم که‌ازآن طرحی بردارم ، موضوع بسیار مشکل بود .سقف‌آن‌بلند وازچندین‌طاق زیباتشکیل یافته،ولی‌فهمیدن نقشهٔ‌عمومی آن مشکل است چه‌خطوط‌آنها در میان مقدارزیادی نقاشیهای ظریف‌که ازرنگ وطلامی‌درخشد، گم میشوند.

این‌نقاشیها، گل‌ها،زنان،اسب‌سوارانی رانشان میدهد ودر جرزهای مقرنس‌که بدنه‌های‌آنهاشیشه وطلاورنگ‌های‌مختلف است ودر میان آنها نظر خیره و تحیرـ آمیز گم‌می‌شود قراردارند .

در ته‌تالار پشت تخت، دیوارکاملاً ازیك‌پنجره‌عریض‌جناغی،اشغال‌شده‌که‌جامـ های‌رنگین‌آن‌با دالبرهایی که با ظرافت فوق‌العاده‌بریده شده،هزارنوع گل‌تشکیل می‌دهد . شیشه‌ها درقابهای چوبی‌ظریف وسبك ، مانند تارعنکبوت‌کار شده ، دو دیوار طرفین که طاقنماهای جنـاغی در آنهاست‌مانند سقف پراز نقاشی وتذهیب است وروغنی درخشان‌آنهارا پوشیانیده دیوارهای ایوان که مانندتخت ازمرمر سفید است بارنگ روغن‌گیاه‌های عجیب وزیبا نقاشی شده ، گفتم مرمر ، شفافیت و ظرافتی در این سنگ هست که خوب می توان تصور نمودکه نوعـی از سنگ رخام می باشد .

درهای دیوارهای طرفین وته‌تالار، کوچك،کوتاه وتنگ واز خاتم‌وچوبهای مختلف و عاجی که بشکل طبیعی رنگ شده واز مس وسرب و صدف ساخته شده است . هما‌نطور که گفتم ، دیوارچهارم در این عمارت نیست وجرزهای‌کم‌عرض بلور یا بهتر بگویم، تزیین یافته‌از آینه سقف‌رانگاه‌داشته‌اندپرده‌یی در آنجاست که آن روز باز بود وحیاط‌که پربود از اشخاصی که لباس سلام پوشیده بودند ، دیده می‌شد .

من دراطاقی‌مجاور تالار تخت‌قرار داشتم واز منظرهٔ حیاط برخوردارمیـ شدم ولی با کمال تأسف شخص شـاه را نمیدیدم. ملاحظه می‌کردم حاضرینی که محمدشاه به آنها خطاب می‌نمود بدون اینکه محل خود را ترك‌نمایند ، به او جواب می‌دادند و به‌قدر قـوهٔ خود داد می‌زدند .

بزودی شاعری ازصف خارج شد و به‌این زبان‌زیبا وخوش آهنگ فارسی ، اشعاری درمـدح صاحب عالیقدر خود خواند، تقریباً درتمام‌مدت این‌تشریفات من‌گیج شدم واعصابم بیرحمانه‌از صدای يك موسیقی‌خردشد.اگربارهااین‌موسیقی را نشنیده بـودم ، می‌گفتـم موسیقی‌یی شنیده نشده ، این صدا از محل تنگی ، بشکل ایوان ، کمی دورترازحیاط سلام شنیده می‌شد . آنجا (نقاره‌خانه) چند ساززن فلك زدهٔ ایرانی ، درکرناهای عظیم خود می‌دمیدند ، طبل‌هایی رابـه قوت هرچه تمامتر می‌زدند ، و بوقهایی به‌صدا در می‌آوردند . تمام اینها بدون اندازه ، بدون یـك لحن مطبوع ، يك آهنگ به تمام معنی ناموزون‌و ناهنجار ووحشی بود . هر روز صبح طلوع‌آفتاب وهرعصر غروب کوکب رخشان ، بااین نوا در همین محل وتوسط‌همین‌هنرمندان سلام داده می‌شود ...».

مراسم سلام نوروزی دردربارمحمد شاه تقریباً بهمان‌سیاق‌که‌دردربارفتحعلی شاه معمول بـود ، اجرا می‌گردید ولی بنظر می‌آید در این دوره مقداری از تشریفات‌کهنه‌وبی‌معنی آن‌حذف‌گردیده نسبت به‌دورهٔ قبل اندکی ساده‌تر شده بود .

اوژن‌فلاندنجهانگرد و نقاش‌فرانسوی که در سالهای **۵۷ــ۱۲۵۶** هـ.ق . این مراسم را در تخت مرمر مشاهده کرده آن را چنین شرح داده است:

«وزیر مختار روسیه که در موقع اقامت‌دراصفهان‌کمکهای‌فراوان‌بما‌کرده بود ، گفت اگر مایل‌باشیم‌می‌توانیم‌با‌او بحضور شاه برسیم . با اعضای سفارت روس‌بدربار رفتیم،درپیشاپیش مافراشان شاهی‌وقزاقها که‌گارد مخصوص سفارتی را تشکیل می‌دهند ، براه افتادند ، با این وضع‌بحیاطی داخل‌شدیم ، نسقچیان شاهی تشریفات و احتراماتی راکه لازمهٔ حضور سفیری است‌بجای آوردند ، این حیاط «تخت‌خانه» نامیده می‌شود، زیرا تالار تخت درآن قرار دارد . در جلو تالار حیاطی است‌که کف آنرا با تخته سنگهای بزرگ فرش‌کرده‌اند ، دروسط حوض درازیست که پیوسته آب در آن جریان دارد ودر دو طرف آن درختان میوه وشاخه‌های گل کاشته‌اند که صفایی به آن می‌بخشد . دیوارهای آن متشکل از طاقنماهایی‌است‌که برروی‌آنها‌نقش و نگارهایی با طرح و نقشه های مختلف ترسیم شده‌است‌این‌نقشه ازقطعات‌کوچك آجرهای لعابی است‌که به‌شکل‌موزاییك درآمده است .

درجلو ایوان شاهی سکـوی وسیع دیگریست‌که دروسط‌آن دوحوض‌تودرتو

قرار دارد آنکه بزرگترست مستطیل شکل وآنکه کوچکترست وودرداخل آن قرار دارد، بسبك ایرانی واسلیمی ساخته شده است. این حوض ازمرمر سفیدست و سه فواره دارد که آب از آنها فوران نموده برروی حوض و پاشوره‌ها می‌ریزد وبوسیلهٔ مجرایی بوسط باغ جریان می‌یابد هوای این باغ بسیار لطیف وصاف است.

تالاری که تخت درآن نصب‌شده‌است به سه قسمت تقسیم می‌شود. در وسط ایوان شاهی ودرطرفین دو اطاق برای تشریفات وپذیرایی‌ست . این اطاقها با پنجره‌های خاتم ونقاشی تزیین شده‌اند و شیشه‌های رنگارنگ دارند . ایوان تخت ، درپشت پنجره‌یی دارد پهن و بلند که ته تالار را گرفته است. جرزهای این پنجره از دو ستون حلزونی شکل بسیارقشنگ تشکیل یافته که هریك ازسه تکهٔ سنگ رخام مراغه ترتیب یافته است . هر پایه مانند سرستون از سنگ یك پارچه وهر میله ستون هم که چهار وپنج‌متر ارتفاع داردازیك تکهٔ سنگ یك پارچه می‌باشد کلیهٔ قسمتهای ستون منقش است ولی به‌طوری که‌جنس سنگ‌را مشخص‌می‌سازد نقش‌ها ازگل وبوته وشاخ وبرگ نباتات است . روی جرزها باآیینه‌هایی که در چهارچوبها گرفته شده است تزیین گشته دیواره سکویی که ستونهای ایوان برروی آن قرار دارد از صفحات رخام پوشیده شده است. در وسط این صفحه‌های مرمر یك نقش برجسته‌یی‌است که جنگ شیرو اژدهارا نشان میدهد وکارهای قدیمی را بخاطر می‌آورد . در قسمت بالای بنا و در سراسرجلوخان آن طاق چوبی‌زده‌اند که کنده‌کاری ونقاشی دارد .

این سقف از تابش نور خورشید بداخل ایوان جلوگیری می‌نمایدودرجلو تخت‌خانه پرده کتانی بزرگی زده‌اند که از رنگهای مختلف ترتیب یافته است و اگر بخواهند پرده‌راجمع کنند، طنابهای آن را بازمی‌کنند تاپایین افتاده و از تابش نور جلوگیری نماید .

ایوان سلطنتی از اشیاء و آلات گرانبها یعنی طلا ونقاشی و آینه تزیین گشته وبر دیوارها جایی نمی‌توان‌یافت که خالی از تزیین باشد .

در این تالار تصاویر پادشاهان ، پهلوانان،زنان وجنگجویان دیده‌می‌شود. در ته تالارشاه نشین بزرگی هست که‌در وسط آن حوضی قرارداردوآب‌ازفواره‌اش به شکل قطرات باران فرو می‌ریزد ودر بالای شاه‌نشین پنجره‌یی است که گلهای آبی، قرمز، زرد، سبز باشیشه در آن ساخته‌شده ونورخورشید بزحمت از آنها بداخل نفوذ می‌کند. طاق ایوان بخانه‌هایی چند تقسیم شده که هریك ازنقشها وطرحها وتزیینات مختلفی پرگشته‌است که چشم انسان را خیره می‌کنند . کف زمین‌رابا قالی‌های‌بزرگ نفیس‌وگرانبها وزیبا مفروش ساخته‌اند . در وسط این تالارتختی قرارداردکه بنظرم چیزی از این تخت‌قشنگتروعجیب‌تر یافت‌نمی‌شود این‌تخت از رخام سفید ونظیر ستونهای پشت تالار ساخته‌شده است وتقریباً مانند میز بزرگی است .

دوستون کوچك در تکیه‌گاه تخت موجود است که مخده‌های شاه به آنها تکیه داده می‌شود. دردورادوراین‌تخت، طارمیهایی‌است که بوسیله حجاری‌تزیین شده، ومجسمه‌های‌کوچکی آنرا آراسته است . تخت یك‌متر از کف زمین‌بلندتر وپله‌کان دوپله‌یی دارد که بنظر می‌رسد بر پشت دوشیر خوابیده قرارداده‌اند و سایر قسمتهای تخت‌شاهی نیز باپایه‌هایی به‌شکل مجسمه زنان پیشخدمت نمایانده شده‌اندوکلیه‌قسمتهای‌این‌تخت‌ازتزیینات وطلاکاریها پرگشته‌است . بدون شك‌این تخت را به تقلید بناهای تخت‌جمشید که پایه‌هایش ازصورانسانی‌است ساخته‌اند.

بالاخره‌باوزیر مختارروس واعضای سفارت بیکی از تالارهای عمومی تخت خانه وارد شدیم در جلو این تالار باغ بزرگی بودکه در آنجا مردم از شانهٔ هم بالا می‌رفتند وسعی داشتند شاه رابیینند درباریان ورؤسای نظامی و حکام ایالات برای نشان‌دادن فداکاری وعبودیت‌خود به‌شاه ، بهترین اسبها ، شالهای ترمه و لباسهای‌قیمتی وپول‌وخلاصه هرچیزی‌که مطابق شأن ومقام‌شاهی‌است برای‌خوش‌آیندش تقدیم می‌نمودند . »

براثر نقاشیهایی که **اوژن فلاندن** در سال **۱۲۵۶** هـ . ق . درعهد محمدشاه از ایوان تخت‌کرده است‌خوشبختانه‌وضع نمای ساختمان و داخل ایوان پیش از تغییراتی که در عهد ناصرالدین شاه در آن بعمل‌آمده‌کاملاً برما معلوم‌است ولی بعدهابعلت خرابیهایی‌که دربنای ایوان روی داده بود ونیز براثرتحولاتی‌که در نوع معماری و تزیینات بناهای ایران بخصوص در عمارات سلطنتی پیش آمد درحدودسال **۱۳۰۰** هـ.ق. به‌دستور شاه‌در بعضی از قسمتهای داخلی‌وخارجی ایوان و اطاقهای دو طرف آن تغییراتی داده شد .

درعهد ناصرالدین‌شاه نیز ،چنانکه معمول سابق بود ، مراسم سلامهای عام بخصوص سلام‌عام نوروزی که درروزدوم عید برگزارمی‌شد، درایوان وحیاط‌تخت مرمر بعمل می‌آمد .

سلام‌های عام بعداز ناصرالدین شاه نیزسالها بهمان وضع‌ورسوم سابق‌درایوان تخت مرمربرگزار می‌گردید ولی دیگر آن شکوه وترتیب دوره‌های قبل‌درآنها دیده نمی‌شد وسال‌بسال ازتشریفات‌ولطف آن‌کاسته شده و بکلی بمراسمی بیروح و بی‌نظم وترتیب تبدیل شده بود بخصوص در دورهٔ حکومت **محمدعلی‌میرزا** که اوضاع واحوال مردم وکشور تغییر یافته بود وقاطبهٔ ملت ایران ازطرزحکومت‌او دل خوشی نداشتند وجزدرباریان متملق‌و اطرافیان چاپلوس او کسان دیگری در سلامهاشرکت‌نمی‌کردند وبه‌اینقبیل‌امور وقعی نمی‌نهادند .

آخرین سلام‌عام مهم وتاریخی که‌در ایوان تخت مرمربرگزارگردید، هنگام جلوس اعلیحضرت **رضاشاه کبیر** در سال **۱۳۰۴** هجری شمسی بود .

دراین سال پس‌از تشکیل مجلس مؤسسان وتغییرسلطنت وقبول زمامداری ازطرف‌اعلیحضرت‌واجرای مراسم‌سوگند درمجلس‌شورای ملی، برطبق سنن‌باستانی وسلطنتی ایران لازم‌بودکه جلوس وسلام رسمی بعمل‌آید .

بهمین منظور روز چهارشنبه بیست وپنجم آذرماه همان سال،اعلیحضرت رضا شاه، بالباس رسمی‌نظامی وکلاه پهلوی‌که جقهٔ دریای نور رادرجلوآن نصب کرده بودند، باحضورنمایندگان مردم ووزراء ورجال‌وسفرای‌کشورهای‌خارجه‌وصاحب‌منصبان قشون ورؤسای‌مهم ادارات وغیره به‌تخت مرمربرآمده، برروی صندلی‌طلا ومرصع جلوس فرمود وهنگامی که طبق معمول رسوم وتشریفات جلوس‌ازنواختن موزیك سلام وشلیك‌توپ وغیره بعمل‌آمد اعلیحضرت بیاناتی‌خطاب‌بحاضرین‌ومردم ایران ایرادکردند.

دراین‌مجلس‌ازخاص وعام پذیرایی بعمل‌آمد و تمام طبقات مردم بـه پیشگاه شاهنشاه ایران عرض تبریك‌نموده‌ومدت سه روز تعطیل عمومی‌اعلام شده ومجالس جشن وشادمانی در تهران وشهرستانهـا برقرارگردید .

(با استفاده ازمقالهٔ محققانهٔ آقای **یحیی‌ذکاء**). «مجلهٔ فرهنگ ومردم»

متن چند قرارداد سیاسی در تاریخ ایران

قرار داد منعقد در سن پطرزبورگ

این‌قرارداد در۱۲سپتامبرسال۱۷۲۳ بین‌ایران طهماسب دوم پسر شاه سلطان حسین وروسیه منعقد شده است :

«پوشیده نماندکه چون چندین سال است‌که درکشورایران پریشانی وناامنی پیش‌آمده وعده‌ای ازاتباع‌آن کشور در برابراعلیحضرت‌که پادشاه قانونی‌ایشان است برخاسته‌اند ونه تنها سبب ویرانـی بسیار درایران شده‌اند، بلکه بـه اتباع اعلیحضرت‌امپراتورروسیه‌که‌بنابردوستی قدیم وقرارداد درمیان دوکشور مشغول بازرگانی بوده‌اند نیز زیان رسانیده‌اند وآنها راکشته‌اند ومبلغ مهمی ازدارایی ایشان‌رابه‌غارت‌برده‌اندوچون‌اعلیحضرت شاه درآن‌زمان‌نتوانستندآن چنانکه‌باید ازعهدهٔ شورشیانی‌که ناامنی بسیار فراهم آورده‌اند برآیند ، بهمین سبب بودکـه اعلیحضرت امپراتورسراسر روسیه‌بنابر دوستی واقعی‌که با اعلیحضرت شاه دارد وبرای‌جلوگیری ازتوسعهٔ‌کارهای‌شورشیان ونزدیك شدن ایشان به‌مرزهای روسیه و برای جلوگیری ازانهدام سلطنت ایران شخصاً اسلحه خودرا دربرابر شورشیان‌به کاربرده وبرخی‌ازشهرهای ایران‌وجاهای واقع درکنار دریای خزرراکه بی‌اندازه درزیر فشارسرکشان بوده با اسلحهٔ خود آزادکرد وبرای دفـاع ازاتباع وفادار اعلیحضرت‌شاه لشکریان‌خودرا درآن‌جا مستقر کرد .

«ولی در ضمن سرکشان دیگری از سوی دیگرچنان‌نیروگرفتند که پایتخت دولت‌ایران راتصرف‌کردند واعلیحضرت شاه‌آن زمان رابا همهٔ خانواده‌اش اسیر کردند وتاج وتخت‌را ازایشان ربودند و تنها پسراوطهماسب کـه به حکم وراثت قانونی پس‌از پدرش به‌تخت شاهی نشست وشاه قانونی‌ایران‌شدباقی‌ماندوازآنجایی که مایل بود دوستی‌قدیم درمیان دولتین راتجدیدکند وبیش ازپیش استحکام بدهد وازمیان چاکران نزدیك ووفادار خود کـه در اختیـار داشت، **اسماعیل بیك** اعتمادالدوله معزز وصدیـق خودرا بـه عنوان سفیرکبیر ونمایندهٔ مختار نـزد اعلیحضرت امپراتورسراسرروسیه‌فرستاد وی حامل نامه‌ای بودکه نه تنها به‌تخت نشستن اعلیحضرت شاه طهماسب رااعلان می‌کرد بلکه درآن خواهش‌کرده بودند که اعلیحضرت سراسر روسیه در اوضاع کنونی دربرابرشورشیان ودشمنان یاری کنند وارادهٔ کنندکه تاج وتخت را نیز حفظ‌کنند ونیز مشعر براین بوده که به سفیر و نمایندهٔ سابق‌الـذکر اختیارات تام وتمام داده است‌که آنرا به‌مهر خود آراسته‌که وی قرارداد و موافقت نـامهٔ ابدی دربارهٔ یاری به‌اعلیحضرت شاه در برابـر شورشیان منعقد کند . بنابراین امپراتور سراسر روسیه بنابرعلاقهٔ‌دوستی که بااعلیحضرت شاه ودولت ایران‌دارد وفرمان مؤکدعالی‌شاهانـهٔ خودرا صادر کرد که بـا سفیرکبیر و نمایندهٔ مختار اعلیحضرت شاه این قرارداد را ببندند وقرارداد وموافقت‌نـامه به شرح زیـر است :

۱ـ اعلیحضرت امپراتـور سراسر روسیه دوستی صمیمانه ودایمی‌خود را و نیز یاری و تأیید عالـی شاهانهٔ استوار خودرا دربرابر شورشیان به اعلیحضرت شاه طهماسب وعده می‌دهدوبرای‌سرکوبی شورشیان وحفظ اعلیحضرت شاه برتخت سلطنت‌ایران اراده می‌کند هرچه‌زودتر به‌اندازهٔ لازم سپاه سوار وپیاده به‌کشور ایران بفرستد تا در برابرکسانی‌که بر اعلیحضرت شاه شوریده‌اند هرگونه وارد عملیات لازم بشوند تاآنهاراشکست‌دهند و اعلیحضرت شاه به آسایش بر مملکت ایران حکومت‌کند.

۲ـ در برابر این اعلیحضرت شاه شهرهای دربند وباکو راباتمام زمین‌ها و جاهایی‌که به‌این دوشهر بسته است و در کنار دریای خزرجای دارند ونیزایالت گیلان ومازندران و استراباد را بـرای تصرف و تصاحب ابـدی به اعلیحضرت امپراتور سراسر روسیه واگذار می‌کند.

این‌سرزمین‌ها ازاین‌زمان‌تاجاودان متعلق بـه اعلیحضرت امپراتور سراسر روسیه‌ودرتابعیت اوخواهدبودواعلیحضرت امپراتور سراسر روسیه این نـواحی را بدان سبب مایل است به عنوان پـاداش بگیردکه سپاهی‌که اعلیحضرت امپراتور برای یاری به اعلیحضرت شاه در برابر شورشیان میفرستد ودرآنجا نگاهداری شوند، زیراکه برای نگاهداری این‌سپاه از اعلیحضرت شاه کمك مالـی نخواهد شد .

۳ـ چون انتقال‌عدهٔ لازم اسب‌برای سوارنظام وتوپخانه وفرستادن تجهیزات ولوازم‌خواربارسپاه اعلیحضرت‌امپراتور که دربرابر شورشیان‌نزد اعلیحضرت‌شاه فرستاده می‌شود به چنین سرزمین دوری از راه دریا ممکن نیست وازسوی دیگر سفیرکبیر و مختار اعلیحضرت شاه اعلام داشته است در ایالتی که به اعلیحضرت امپراتور واگـذارکنند عدهٔ بسیار اسب می‌توان پیداکرد بدین جهت‌فرماندهانی که برای یـاری نـزد اعلیحضرت شاه فرستاده میشوند باید در ایالاتی کـه به اعلیحضرت امپراتور واگذار می‌شودعدهٔ اسبی کـه لازم دارند بـدست آورند و اگـر نتوانند اسب فـراهم کنند . در آن صورت عدهٔ لازم اسب از جانب اعلیحضرت شاه داده خواهد شد وبهای آن به موجب تقویم ارزیابان خواهدبود ودرهرحال نباید بهای آنهـا از دوازده هزار روبل بیشترباشد اما در بارهٔ شتر برای حمل لوازم، اعلیحضرت شاه وعده داده است که بی‌کرایه ومجاناً هر چند شتر که لازم باشد درسرحد بدهد. برای خوراك این‌سپاه اعلیحضرت‌شاه‌وعده‌می‌ـ دهد، هنگامی‌که‌برای سرکوبی شورشیان می‌روند ، نان‌وگوشت‌ونمك‌را درسراسر راه آماده کند به اندازه ای که احساس تنگی‌نکنند. واعلیحضرت‌امپراتورسراسر روسیه ، باید در برابر آن نان‌وگوشت و نمك بهایـی بپردازند . و به موجب موافقتی که در این قرارداد شده است بدین ترتیب خواهد بود :

برای هریك من‌گندم به‌سنگ شاه، ده‌کوپك .

برای یك من گوشت گاو به سنگ شاه ، ۵ آلتین‌ویك‌کوپك .

برای‌یك گوسفند که‌کمتر ازچهار من به سنگ شاه وزن نداشته‌باشد ، یك روبل .

برای یك من نمك‌به‌سنگ‌شاه، دو کوپك .

اگر هنگامی که سپاه رهسپار خواهد شد بهای آنها بالاتر از آنچه در این قرار قید شده است باشد ، در این صورت اعلیحضرت شاه باید اضافه بها را از قیمت مقرر ، از خزانهٔ خود بپردازد . برای آنکه وقت تلف نشود به محض بازگشتن ورسیدن سفیر کبیر و نمایندهٔ مختار سابق‌الذکر اعلیحضرت شاه به کشور ایران ، برای ذخیره کردن آنچه لازم خواهد شد تدارك لازم بعمل خواهد آمد .

۴ــ ازاین پس تاجاودان، درمیان اعلیحضرت امپراتور سراسر روسیه و دولت روسیه و اعلیحضرت شاه و دولت ایران دوستی برقرار خواهد بود و اتباع هردو طرف همیشه اجازهٔ دایمی خواهند داشت بهردو کشور سفر کنند و در آنجا به میل خود آزادانه زندگی کنند، و بازرگانان خود را به آنجا بفرستند و هر موقع بخواهند آزادانه برگردند و دراین کار هیچگونه مانعی نباید پیش آید و زحمت فراهم گردد واگر کسی جرئت کند به کسی آزاری برساند از سوی اعلیحضرتین کیفر سخت خواهد دید .

۵ــ اعلیحضرت امپراتور سراسر روسیه وعده می‌دهد تا جاودان همیشه دوست دوستان شاه و دولت ایران باشد و دشمن دشمنان شاه و دولت ایران و وعده می‌دهد در برابر آنها یاری کند و بدیهی است از سوی کشور ایران این دشمنی از هر جانب که باشد اعلیحضرت شاه همین وعده را متقابلاً به اعلیحضرت امپراتور روسیه می‌دهد .

عهدنامهٔ گلستان .

سرانجام پس از جنگهای بیهوده که از **۱۳۱۸** تا **۱۳۲۸** بیش از ده سال طول کشید دربار تهران به دولت انگلیس متوسل شد و انگلیسیها در میان افتادند و عهدنامه‌ای که به عهدنامهٔ گلستان معروف است درمیان ایران و روسیه در **۲۹** شوال **۱۲۲۸** هجری قمری (**۱۲** اکتبر **۱۸۱۳** میلادی) امضاء شد .

این عهد نامه در لشکرگاه گلستان بسته شد نمایندهٔ ایران برای امضای آن **میرزا ابوالحسن ایلچی** و نمایندهٔ روسیه ژنرال رتیشچوف فرماندهٔ نیروهای گرجستان بود و شگفت اینست که **سرگدر اوزله** سفیر انگلستان دردربار تهران نیز در موقع انعقاد آن به عنوان شفاعت حضور داشته است .

اساس این عهدنامه باصلاح حقوق بین‌الملل ستاتوکوئو (Statu quo) بود، یعنی نواحی که تا آن تاریخ بدست دولت ایران بود متعلق به ایران بماند و نواحی که روسها متصرف شده بودند به روسیه تعلق گرفت و متعهد شدند لشکریان ایران و روسیه از روز امضای قرارداد در هرجا که هستند همانجا بمانند واز آنجا تجاوز نکنند و آنجا، مرزمیان ایران و روسیه باشد، تا بعد نقشهٔ معین و دقیقی ترتیب بدهند که مرز دو کشور را معلوم کنند و پس از دقت کامل خط سرحدی را معین کنند .

همین نامعلوم بودن مرزهای ایران و روسیه و مقررات عهدنامهٔ گلستان سبب شد که دولت ایران ازاین عهدنامه تخطی کرد وادعای غبن داشت و به جنگ دوم باروسیه دست زد و بهمین جهت یگانه سود عهدنامهٔ گلستان این بود که صلح موقتی ناپایداری تا **۱۳** سال بعد یعنی تا سال **۱۲۴۲** ه.ق (**۱۸۲۶** م) درمیان ایران و روسیه برقرار کرد .

عین قرارداد :

اعلیحضرت قضاقدرت خورشید رأیت پادشاه جم جاه ایمپراطور عالی دستگاه مالك بالاستقلال کل ممالك ایمپریه روسیه واعلیحضرت قدرقدرت کیوان رفعت پادشاه اعظم سلیمان جاه مالك بالاستحقاق کل ممالك شاهانهٔ ایران به ملاحظهٔ کمال مهربانی واشفاق علیتین که درماده اهالی ورعایای متعلقین دارند، رفع ودفع عداوت دشمنی که برعکس رأی شوکت آرای ایشان است طالب واستقرار مراتب مصالحهٔ میمونه ودوستی جواریت سابقهٔ مؤکده را دربین الطرفین راغب می‌باشند، به احسن‌الوجه رأی علیتین قرار گرفته، درانجام این امور نیك ومصوبه ازطرف اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم بالاستقلال کل ممالك روسیه به عالی جاه معلی جایگاه جنرال **لئیتنانت** (Général Lieutenant) سپهسالار روسیه ومدیر عساکر ساکنین جوانب قفقازیه و گرجستان و ناظم امور و مصالح شهریهٔ ولایات **غروزیا** (Grosie) و گرجستان و قفقازیه وحاجی ترخان و کارهای تمامی ثغور وسرحدات این حدودات سپاهان، امرفرمای عساکر سفاین بحرخزر، صاحب حمایل . **الکساندر نیوسکی** (Alexandre Nevski) و حمایل مرتبهٔ اولین **آنای ایوانونا** (Anna Ivanovna)، مرتبه دار رابع عسکریه مقتدریه حضرت **گیورگی** (Guéorgui) صاحب شمشیر طلا المرقوم به جهت رشادت و بهادری **نیکالای ــ رتیشچوف** (Nicolas Rtichtchof) اختیار کلی اعطا شده واعلیحضرت قدر قدرت والا رتبت پادشاه اعظم مالك بالاستقلال کلی ممالك ایران هم عالی جاه معلی جایگاه ایلچی بزرگ دولت ایران که مأمورین دولتین روم وانگلیس بودند عمدة الامراء والاعیان مقرب درگاه ذیشأن ومحرم اسرار ونهان و مشیر اکثر امور دولت علیه ایران از خانوادهٔ دودمان وزارت وازامرای واقفان حضور در مرتبه دویم آن ، صاحب شوکت عطایای خاص پادشاهی خوداز خنجر و شمشیر و کارد مرصع واستعمال ملبوس ترمه واسب مرصع و یراق، **میرزا ابوالحسن خان** که دراین کار مختار بالکل نموده‌اند حال درمعسکر روسیه ورود خانهٔ زیوه محال گلستان متعلقهٔ ولایت قراباغ ملاقات و جمعیت نمودند. بعداز ابراز ومبادلهٔ مستمسك مأموریت واختیار کلی خودبیکدیگر و ملاحظه و تحقیق امور متعلق به مصالحهٔ مبارکه که بنام‌نامی پادشاهان عظام قرار وبه موجب اختیارنامجات طرفین قیود و فصول وشروط مرقومه را الی الابد مقبول ومنصوب واستمرار می‌داریم :

فصل اول : بعداز این امور جنگ وعداوت ودشمنی که تابحال دربین دولتین علیتین روسیه وایران بوده موقوف، به موجب این نامه الی الابد مقطوع ومتروك ومراتب مصالحهٔ اکیده ودوستی و وفاق فیمابین اعلیحضرت قضا قدرت پادشاه اعظم ایمپراطور کل ممالك روسیه و اعلیحضرت خورشید رأیت پادشاه دارا شوکت ممالك ایران ووراث وولیعهدان عظام ومیانهٔ دولتین ایشان پایدار ومسلوك خواهد بود .

فصل دوم : چون بیشتر به موجب اظهار وگفتگوی طرفین و رضا ازجانب دولتین شده است که مراتب مصالحه در بنای «**ستاتوکوئو پرزنتیوم**» باشد یعنی طرفین درهرموضع وجایی که الی قرارداد مصالحة الحالیه بوده است ازآن قرار باقی وتمام اولکای ولایات خوانین نشین که تا حال در تحت تصرف و ضبط هریك از دولتین بوده است کماکان درتحت ضبط و اختیارشان بماند، لهذا دربین دولتین

علیتین روسیه و ایران بـه موجب خط مرقومهٔ ذیل ثغور وسرحـدات مستقر و تعیین گـردیده است از ابتدای اراضی آدینه بازار بهخط مستقیم ازراه صحرای مغان تابه معبر یدی بلوك رود **ارس** و از بالای کنار رود ارس تااتصال والحاق رودخانهٔ **کپنك چای** به پشت کوه مقری وازآنجا خط حدودسامان ولایات قراباغ ونخجوان ازبالای کوههای **آلداگز** گذشته ازسرحد محال شوره کل ومیانـهٔ حدود قریهٔ سدره به رودخانهٔ **ارپه چای** ملحق ومتصل شده معلوم ومشخص میگردد و چون ولایات خوانین نشین طالش درهنگام عداوت ودشمنی دست بدست افتاده لهذا بهجهت زیادت صدق وراستی حدود ولایات طالش مزبور را ازجانب انزلی واردبیل بعدازتصدیق این صلح نامه از پادشاهان عظـام معتمدان و مهندسان مـأموره که به موجب قبول و وفاق یکدیگر وبه معرفت سرداران جانبین جبال ورودخانهها ودریاچه وامکنه ومزارع طرفین تفصیلاً تجدید وتمییز وتشخیص میسازند آنرا نیزمعلوم وتعیین ساخته، آنچـه درحال تحریر این صلحنامه دردست و در تحت تصرف جانبین باشد معلوم نموده آنوقت خط حـدود ولایت طالش نیز در بنـای «ستاتوکوئوپرزنتیوم» مستقرومعین ساخته هریك ازطرفین آنچه درتصرف دارد برسر آن باقی خواهدماند وهمچنین درسرحدات مزبورهٔ فوق اگر چیزی از خط طرفین بیرون رفته باشد معتمدان و مهندسان مأمورهٔ طرفین هرطرف موافق «ستاتوکو-ئوپرزنتیوم» رضا خواهد داد .

فصل سوم : اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم مالك بالاستقلال کل ممالك ایران به جهت ثبوت دوستی ووفاق که به اعلیحضرت خورشید مرتبت ایمپراطـور کل ممالك روسیه دارند بهاین صلحنامه به عرض خود و ولیعهدان عظـام تخت شاهانهٔ ایران ولایات قراباغ و **گنجه** که الان مـوسوم بـه **یلـزا بتـوپـول** (Yelazabetopol) استواولکای خوانین نشین **شکی** و **شیروان** و**قبه** و **دربند** و **بادکوبه** وهرجاازولایت طالش را باخاکی کـه الان درتصرف دولت روسیه است و تمـامی **داغستان** و **گرجستان** و **محال شوره کل** و**آچوق یاش** و **گمروزیه** و **منگریل** و **ابخاز** وتمامی اولکا واراضی که درمیانهٔ قفقازیه وسرحدات معینة الحالیه بوده ونیز آنچه از اراضی دریای قفقازیه الی کنار دریای خزرمتصلست مخصوص و متعلق به ممالك ایمپریه روسیه میدانند.

فصل چهارم : اعلیحضرت خورشید رأیت ایمپراتوروالاشوکت ممالك روسیه برای اظهار دوستی واتحاد خود نسبت به اعلیحضرت قدرقدرت پادشاه اعظم ممالك ایران و به جهت اثبات این معنی که بنا برهمجواریت طالب وراغبست که درممالك شاهانه ایـران مراتب استقلال و اختیار پادشاهی رادربنای اکیده مشاهده وملاحظه نمایند، لهذا از خود ازعوض ولیعهدان عظام اقرارمی نمایند که هریك ازفرزندان وعظام ایشان که بهولیعهدی دولت ایران تعین میگردد هرگاه محتاج بهاعانت یا امدادی ازدولت علیه روسیه باشندمضایقت ننمایند، تااز خارج کسی نتواند دخل و تصرف در مملکت ایران نماید به امداد واعانت دولت روس، دولت ایران مستقر ومستحکم گردد واگر در سر امور داخله مملکت ایران فـیمابین شاهـزادگان مناقشتی روی نماید دولت علیه روس را درآن میانهکاری نیست ، تـا پادشاه وقت خواهش نماید .

فصل پنجم : کشتیهای دولت روسیه که برای معاملات برروی دریای خـزر تردد می نمایند به دستور سابق مأذون خواهند بود که بهسواحل و بنادر جانب ایران عازم ونزدیك شوند وزمان طوفان وشکست کشتی از طرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت به آنها بشود و کشتیهای جانب ایران هم به دستور العمل سابق مأذون خواهند بود که برای معامله روانهٔ سواحل روسیه شوند بهمین نحواز هنگام شکست وطوفان ازجـانب روسیه اعانت ویاری دوستانه دربـارهٔ ایشـان معمول گردد ودرخصوص کشتیهای عسکر جنگی روسیه به طریقی که در زمان دوستی و یادر هر وقت کشتیهای جنگـی روسیه باعلم وبیرق دردریای خزر بوده اندحال نیز محض دوستی اجازه داده میشود که به دستورسابق معمول گرددواحدی ازدولتهای دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی دردریای خزر نداشته باشند .

فصل ششم: تمامی اسرایی که درجنگها گرفته شده اندیااینکه اهالی طرفین اسیر شده ازکریستیان ویاهرمذهب دیگر باشند می باید الی وعدهٔ سه ماهه هلالی بعد از تصدیق وخط گذاردن دراین عهدنامه از طرفین مرخص وردگردیده هریك را از جانبین خرج ومایحتاج بهاسرای مزبورین داده بـه **قراکلیسا** رسانند و وکلای سرحدات طرفین بهموجب نشراعلامی که در خصوص فرستادن آنها بجای معین یك دیگر مینمایند ، اسرای جانبین را بازیافت خواهندکرد و آنانکه به سبب تقصیر یاخواهش خود ازمملکتین فرار نمودهاند اذن به آنکسانیکه به رضا و رغبت خود ارادهٔ آمدن داشته باشندداده شود که بهوطن اصلی خود مراجعت نمایند وهرکس از هرقومی چهاسیر وچهفراری که نخواسته باشد بیاید کسیرا باوکاری نیست وعفو تقصیرات از طـرفین نسبت به فراریان عطا خواهد شد .

فصل هفتم : علاوه ازاقرار واظهار مزبوره بالا رأی بیضاضیای اعلیحضرت کیوان رفعت ایمپراتوراعظـم روسیه و اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم ممالك ایران قرار یافته که ایلچیان معتمد طرفین که هنگام لزوم مأمورروانه دارالسلطنهٔ جانبین میشوند بروفق لیاقت رتبه امور کلیه مرجوعه ایشان را حاصل وبرداشت محبت نمایند و به دستور سابق وکلایی کـه ازدولتین بخصوص حمایت اربـاب معاملات در بلاد مناسبه طرفین تعیین و تسکین گردیده زیاده ازده نفرعمله نخواهند داشت وایشان بااعزازشایسته موردمراعات گردیده وبهاحوال ایشان هیچگونه زحمت نرسیده بلزحمتی که بهرعایای طرفین عاید گردد به موجب عرض و اظهار وکلای رعایای مزبوررضای ستمدیدگان جانبین داده شود .

فصل هشتم: درباب آمدوشد قوافل وارباب معاملات درمیان ممالك دولتین علیتین اذن داده میشود که هرکس از اهالی تجار بخصوص بـهثبوت اینکه در دست رعایاوارباب معاملات متعلق بهدولت بهیهٔ روسیه یاتجار متعلق به دولت علیه ایران میباشند ازدولت خودیا ازسرحدات تذکره یاکاغذ راه دردست داشته باشند از طریق بحروبر بهجانب ممالك این دودولت بدون تشویش آیند وهرکس هرقدرخواهد ساکن و متوقف گشته بهامور معاملـه و تجارت اشتغال نمایند و زمان مراجعت آنها بهاوطان خود ازدولتین مانع نشوند

آنچه مال و تنخواه از امکنهٔ ممالک روسیه به ولایات ایران و نیز از طرف ایران به ممالک روسیه برند و به معرض بیع رسانند و یا معاوضه به مال و یا اشیاء دیگری نمایند اگر در میانه ارباب معاملات طرفین بخصوص طلب و غیره شکوه و ادعایی باشد به موجب عادت مألوفه بنزد وکلای طرفین و یا اگر وکیل نباشد بنزد حاکم آنجا رفته امور خود را عرض و اظهار سازند، تا ایشان از روی صداقت مراتب ادعای آنها را مشخص و معلوم کرده خود و یا به معرفت دیگران قطع و فصل کار را ساخته نگذارد تعرض و زحمتی به ارباب معاملات عاید شود و ارباب تجار طرف ممالک روسیه که وارد به ممالک ایران می‌شوند مأذون خواهد بود که اگر با اموال و تنخواه خودشان به جانب ممالک پادشاهان دیگر که دوست ایران باشند بروند و از طرف دولت ایران بی‌مضایقه تذکرات را به ایشان بدهند و همچنین از طرف دولت علیه روسیه نیز درمادهٔ تجارت اهالی ایران که از خاک ممالک روسیه به جانب سایر ممالک پادشاه که دولت روسیه باشند میروند معمول خواهد شد. وقتی یکی از رعایای دولت روسیه درزمان توقف و تجارت در ممالک ایران فوت شده باشد، اموال و املاک او در ایران بماند چون مایعرف او از مال رعایای دولت دوست است لذا میباید اموال مفوت به موجب قبض الوصول شرعی ردو تسلیم ورثهٔ مفوت گردد و نیز اذن خواهد داد که املاک مفوت را اقوام او بفروشند چنانکه این معنی در ممالک روسیه و پادشاهان دیگر دستور و عادت بوده متعلق به هر که باشد مضایقه نمی‌نمایند.

فصل نهم: باج و گمرک اموال تجار طرف دولت بهیهٔ روسیه که به بنادر و بلاد ایران می‌آورند از یک تومان مبلغ پانصد دینار در یک بلده گرفته و از آنجا با اموال مزبور به هر ولایت ایران که بروند چیزی مطالبه نکرده و همچنین از اموالی که از ممالک ایران بیرون می‌آورند آن قدر گرفته زیاده به عنوان خرج و توجیه تحمیل و اختراعات چیزی از تجار روسیه باشروشلتاق مطالبه نشود و بهمین نحو در یک بلده باج و گمرک تجار ایران که به بنادر و بلاد ممالک روسیه می‌آورند و یا بیرون می‌برند به دستور گرفته اختلافی بهیچ وجه نداشته باشد.

فصل دهم: بعد از نقل اموال تجار به بنادر کنار دریا یا آدران از راه خشکی به بلاد سرحدات دولتین اذن و اجازه به تجار و ارباب معاملات طرفین داده شود که اموال خودشان را فروخته و اموال دیگر خریده یا معاوضه کرده دیگر از امنای گمرک و مستأجرین طرفین اذن و دستوری نخواسته باشند، زیرا که برذمهٔ امنای گمرک و مستأجرین لازم است که ملاحظه نمایند تا معطلی و تأخیر در کار تجارت ارباب معاملات وقوع نیافته باج خزانه را از بایع و یا از مبیع یا از مشتری هر نوع باهم سازش می‌نمایند حاصل و باز یافت دارند.

فصل یازدهم: بعد از تصدیق و خط گذاردن درین شروط نامه به وکلای مختار دولتین علیتین بلاتأخیر به اطراف جانبین اعلام و اخبار می‌نمایند و امر اکید بخصوص بالمره ترک و قطع امور عداوت ودشمنی بهرجا ارسال خواهند کرد. شرط این شروط نامه الحالیه که بخصوص استدامت مصالحهٔ دایمهٔ طرفین مستقر و دو قطعه مشروحه با ترجمان خط فارسی مرقوم ومحرز و از وکلای مختار مأمورین دولتین علیتین مزبور تصدیق و باخط و مهر مختوم گردیده و مبادله با یکدیگر شده است، می‌باید از طرف اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه والاجاه ممالک ایران به امضای خط شریف ایشان تصدیق گردد وچون این صلح‌نامه مشروحه مصدقه می‌باید ازهردو دولت پایدار به وکلای مختار برسد، لهذا از دولتین علیتین درمدت سه ماه هلالی وصول گردد.

تحریراً فی معسکر روسیه ورودخانه زیوه من محال گلستان متعلقه به ولایات قراباغ به تاریخ ۲۹ شهر شوال المکرم سنهٔ ۱۲۲۸ هجری نبوی مطابق دوازدهم ماه اکتبر برسنهٔ ۱۸۱۳ عیسوی سمت تحریر یافت.

عهدنامهٔ اشرف افغان دررشت.

این عهد نامه بین اشرف افغان و پتر دوم امپراتور روسیه درتاریخ ۱۴ فوریهٔ ۱۷۲۹ از تقویم ژولین یا اول فوریه از تقویم گری گورین مطابق با دوم رجب ۱۱۴۱، پس از دیوانه شدن محمود افغان، منعقد شده است ، متن قرارداد :

«بنام ایزد قادر متعال و بخشندهٔ مهربان، موافقت نامهٔ زیر اعلام می‌شود :

چون اعلیحضرت امپراتور پتردوم پادشاه توانای سراسر روسیه وغیره وغیره وغیره که در دریای خزر و ایالات ساحلی دریا با طرف دیگر یعنی پادشاه سعادتمند اصفهان در ایران و خداوندگاری بسیاری از زمین‌ها وغیره وغیره وغیره همسایه است به ارادهٔ خداوند متعال اتحاد مقدسی برای وقایعی که دارای جنبهٔ نظامی است وجلوگیری از استقلال اسلحهٔ هردو کشور در برابر یکدیگر برقرار کرده است، نمایندگان تعیین شدند. ازسوی اعلیحضرت امپراتور پتردوم پادشاه توانای سراسر روسیه وغیره وغیره وغیره عالی جناب آقای محترم **سرلشکر واسیلی لواشوو** (Vasili levachov) دارندهٔ نشان **سنت الکساندر** ــ Saint Alexandre) فرماندهٔ کل سپاهیان روسیه در گیلان و فرمانروای ایالات ساحلی دریای خزر دردارالمرز و ازسوی پادشاه بسیار سعادتمند اصفهان وممالک اراضی و غیره وغیره وغیره سپهسالار بسیار معتمد و بسیار محترم **محمدصیدال خان** و بیگلر-بیگی و محترم ترین عالی جنابان مستوفی عالی خاصه **میرزا محمد اسماعیل وعمر سلطان وحاجی ابراهیم** که درمیان دربارهای معظم ودولتهای کشورهای معظم و اتباع آنها متفقاً اتحاد حقیقی ودایمی را مفید دانسته اند ، این عهد نامهٔ دوستی ابدی شامل مواد ذیل بسته می‌شود :

۱ــ تمام زمین‌ها و شهرها با تمام متعلقات آنها که در ایران به طرفین معظمین ضمیمه شده است چه جاهایی که پیش از این سرحد واقع شده وچه جاهایی که اخیراً سرحد معین کرده‌اند به ترتیبی که درمادهٔ سوم اعلام شده تا جاودان در تصرف طرفین معظمین خواهد بود .

۲ ــ اعلیحضرت امپراتور سراسر روسیه از سوی دولت معظم خود اراده کرده است که ایالت استرآباد و مازندان را که از ایالات ساحلیست بمناسبت دوستی دیرین که امپراتور روسیه نسبت به ایران دارد به ایران واگذار کند اما بدین شرط حتمی واستوار که این ایالات بهیچ وجه به دولتهای دیگر واگذاشته نشود واگر این شرط را مورد بی‌اعتنایی قرار دهند ایالات مزبور با همهٔ متعلقات آن دوباره تاجاودان و به طور تجزیه ناپذیر متعلق به امپراتوری روسیه خواهد شد و این قرار-داد نقض خواهد شد .

۳ــ سرحد دوطرف درمیان ایالات وزمینها وشهرها و همهٔ متعلقات سابق آنها

بدین‌گونه خواهد بود :

از بالای دربند از سوی دریا بـه داخل‌زمین‌ها واز آنجا تا رودکر و تا مصب رود **ارس** که باب عالی (دولت‌عثمانی) سرحد قرارداده‌است و از رود کر تا مصب رود ارس تمام ایالات ساحلی متعلق بـه امپراتوری روسیه که بلافاصله واز خطی که از بالا می‌گذرد بـه ایالات ساحلی دیگر از روی کوهها پیوستگی دارد و نواحی ماسوله و شفت و کهدم و تمام دارالمرز باسرحدات ایالتی سابق خود مستملکات هردو طرف معین و منقسم می‌شود و باید بی‌هیچ گونه بحث و اعتراض باقی بماند و قابل نقض نیست و محل انتهای این نواحی پس از عبور از شفت سرحدات آنها تا شاهراه واقع در میان گیلان و قزوین در میان کهدم و زیتون رودبار تا محل **نقله‌بر** که در آنجا کاروانسرا هست و آن کاروانسرا درطرف متعلق به روسیه باقی می‌ماند و از نقله‌بر و کاروانسرا هم ازروی رودخانه **سبه‌ور** می‌گذرد واز بالای کوهها مستقیماً بی‌انحراف بهیچ سویی به‌محل **دلی‌مای** در دامنهٔ کوه **ماکلاش** به آبادی سرداب و ازسرداب به خط مستقیم و ازبـالای کوهها بی‌انحراف بهیچ‌سویی در کـوه به محلی که مرز محال سمام و اشکور و تمیشان با یکدیگر پیوسته‌می‌شود این محل باید نقطهٔ مرزی باشد و از محل تقاطع خط مرزی ازمحل اشکور بگذرد تا مرز تنکابن باید خط مستقیم باشد واگر مرزهای جدید سابق الذکر از نقله‌بر و کاروانسرا تا سرداب واز سرداب هم تا محل تلاقی خط مرزی واز آنجا تا تنکابن هرجا که می‌گذرد اگر ازوسط هرمحال یا بلوك یا ده یا زمین وجنگل بگذرد باید آن محل در میانه تقسیم شود هرمقدار زمین در هر طرفی از آنها باقی بماند تا جاودان متعلق به آن طرف خواهد بود و از محل تلاقی خط مرزی سابق الذکر که سرحد مستقیم جدید به طرف مرز تنکابن می‌رسد و از آنجا هم پس از عبور از سرحدات ناحیهٔ تنکابن تا کنار دریا باید در میان طرفین تقسیم شود و بهمین‌گونه از بالای دربند به خط مستقیم تا مصب رود ارس بنـا بـر سرحداتی که در آنجا تعیین شده دارای اعتبـار خواهد بود واز مصب رود ارس تا ناحیه کهدم تمام نواحی ومحلهای سابق الذکر مطـابق حدود ناحیهٔ کهدم است که سابقاً تعیین‌شده و در ناحیهٔ کهدم هم شاهراه مذکور از گیلان به قزوین که در میان کهدم و زیتون رودبار واقعست تا محل نقله‌بر وکاروانسرا واز محل نقله‌بر از کاروانسرا تا محل سرداب و از سرداب تا محل خط مرز سابق الذکر واز محل خط مـرزی سابق الذکر هم تا تنکابن مرزهـای کوهستانی است که سرحد جدید ازآنجا خواهد گذشت واز آنجاهم در امتداد سرحدات تنکابن تا کنار دریا خواهد بود .

از سمت‌چپ بطرف‌دریا همهٔ نواحی سابق الـذکر با همهٔ متعلقات آنها در تصرف اعلیحضرت امپراتور سراسر روسیه وتا جاودان در تملك امپراتوری روسیه خواهد بود .

از سمت راست درداخل اراضی‌از جاهایی که پادشاه سعادتمند اصفهان در ایران‌وممالك بسیاری‌ازاراضی در تصرف خود دارد درتملك دربار اصفهان‌خواهد بود وتاتصویب این‌قرار داد صلح‌واتحاد مقدس از پادشاه‌سعادتمند اصفهان‌وممالك بسیاری از اراضی هیچ کس بهیچ گونه حق ورود بدان نواحی وارتباط‌کتبی با آنجارا نخواهد داشت .

۴ ــ بنابر معمول سابق سفیران مختار و کسانی که از طرفین فرستاده می‌شوند وازهردوطرف پیش‌ازوقت عبور آنهارا به فرماندهان محلی‌که معین شده باشند اطلاع می‌دهند دوستانه وبااحترام شایان ورفاه وآسایش‌حرکت‌داده‌خواهند شد وپذیرایی‌ونگهداری ازایشان‌خواهند کرد وپس‌از انجام‌کارهایی کـه به ایشان سپرده شده است مراجعت داده خواهند شد .

۵ ــ نامه‌های‌دوستانهٔ‌طرفین‌معظمتین باالقاب وعناوین‌کنونی معتبرخواهد بود واگر مالکین‌معظمین ازهردوطرف‌اراده کنند درالقاب عام‌خود عنوان ضمیمه‌شده رابکار ببرند این‌کار باید اساس استواری داشته‌باشد وهیچ یك ازدوطرف‌حق‌ندارد عنوان نواحی‌و اراضی و متعلقـات آن اراضی راکه‌تقسیم می‌شوند درالقاب خود بگنجاند ونیز سکهٔ تازه‌ای بزنند .

۶ــ دربارهٔ نزاعهاودشمنیهایی‌که‌در مرزها بین مردم طبقـات مختلف روی می‌دهد فرماندهانی‌که تعیین شده‌اند باید برای حفظ‌صلح ودوستی‌مقدسی‌که‌برقرار شده است باحسن نیت ودقت وتوجه آن اتفاقات سوء راقطع وریشه کن‌کنند تـا اتحاد مقدس طرفین‌باقی‌بماند ورعایا در آرامش وآسایش باشند ودراین‌کار باید طرفین با احتیاط کامل مراقبت و دقت کنند .

۷ــ اگرازطرفی‌بطرف دیگرمردمی ازطبقات مختلف بگریزنـد هردو طرف فراریان راباهمهٔ خانواده ودارایی‌آنها بایدبه طرف دیگربرگردانند وهیچکس حق ندارد جسارت‌کند وآنهارا در زیر حمایت وپشتیبانی خود بگیرد.

۸ــ برای نفع‌بازرگانی آزادویی‌ــ مانع هردوطرف درمیان‌طرفین‌وزمینهای متعلق به‌آنهاورعایا وسکنهٔ اراضی آنها درخشکی ودریا، پرداخت مالیات‌معمولی بنا بررسوم وحقوق سابق‌بی‌آنکه‌اضافه‌ای دریافت‌کنند معمول خواهدبود وبایدحق داشته باشند بی‌مانع هرگونه‌کالای خودرا دادوستدکنند. اتباع‌روسیه درهمه‌کشور واراضی ایالات ایران حق دارند منافع خودرا ازبازرگانی دریافت‌کنند وبرای سکنای‌خودونگاهداری‌کالاهای خودخانه وکاروانسرا وانبار ودکان بسازند و حق دارندبرای تجارت وحمل‌کالاهاوکاروانها ازراه ایران به‌هندوستان و کشورهـا و زمین‌های دیگر در عبورآزاد و بی‌خطر باشند ونیزاتباع دولت ایران‌متقابلا حق دارند درکشورروسیه هرجاکه‌بازرگانان مایل بـاشند سکونت اختیار کنند و در بازرگانی وسفرآزاد باشند .

۹ــ درصورتیکه یکی ازبازرگانان کشوری درکشور دیگربمیرد خانه‌هـا و کاروانسراها وانبارها ودکانها وکالاها و دارایی‌آنها بایدبی‌عیب‌درجایی‌پنهان‌بماند وخوب حفظ ونگاهداری‌کنند وبی‌عیب و نقص به وارث قانونی‌آنها یاکسانی‌که‌از جانب دربارهای معظم یـا ادارات کتباً برای تحویل‌آنها معین می‌شونـدآنها را تحویل بدهند .

۱۰ ــ این عهدنامهٔ خدا پسندانـهٔ اتحاد مقدس دولتی‌باتمام اعتبار وفواید تاجاودان بی‌نقص‌وخللی حفظ‌ونگهداری وتصویب می‌شود وبه مهرها آراسته‌خواهد شد ودونسخه مبادله می‌شود وبرای‌تأیید این عهدوپیمان صلح دونسخه مطابق یك دیگر ازهردوطرف تهیه شده است و بـه امضای نمایندگان مختارسابق‌الذکر که دارای‌اختیارات تام هستندرسیده وبامهر ایشان تصدیق شده مبادله‌شده است .

درگیلان‌درشهررشت‌در ۱۳ فوریه درسال ۱۷۲۹

عهدنامهٔ رشت.

عهدنامه‌ایکه در بیست‌ویکم ژانویهٔ ۱۷۳۲ میلادی بین نادرشاه افشار بـه نمایندگی‌ازطرف‌شاه‌طهماسب و **آناایوانوف** نماینده امپراتوریس روسیه در شهررشت منعقد شد:

«همه بدانند وآگاه باشندکه چند سالیست که درکشور ایران اغتشاشهای بزرگ‌روی‌داده‌وبرخی‌ازاتباع‌آن دولت بردولت‌مشروع خودبرخاسته‌اند ونه‌تنها درآن‌کشور ناامنی‌فراهم‌آورده وویرانی ایجادکرده‌اند بلکه به‌اتباع امپراتوری روسیه‌نیز زیان رسانده‌اند ، ازاین‌روی عده‌ای بازرگانان روسی که به ایران پناه برده بودند زیان بسیار برده‌اند وچندین صدهزار روبل ازدارایی ایشان بغارت‌رفته‌و بسیاری‌ازیشان‌وپیشکارانشان را آزرده‌اند و نیز از فرمان پادشاه خود سرپیچیده‌اند واین‌کاردولت‌ایران رابه‌خطری بزرگ‌انداخته‌است‌بدین‌سبب امپراتور بزرگ **پترکبیر** که خدای‌وی را در رحمت خودجای دهد و امپراتور وشاهنشاه همه‌روسیه بوده‌چه‌برای‌پاسبانی از ولایاتی که نزدیك ایران بود و چه برای‌آنکه مانع شوددولت ایران‌از پای درآید ناچارلشکریان خودرا به‌ولایات ایران فرستاد وبه‌ایشان فرمـان داددر برخی ازاین ولایات وشهرهاکه درکنار دریای‌خزرهستندفرودآیند، یعنی‌بـدان جاها که مردم ازسرکشان سختی بسیار دیده بودند وبرای‌آن‌بود که این‌نواحی ازحمله مسلح سرکشان که‌برشاه برخاسته بودند ووی رامغلوب‌کرده درامان‌باشند وایشان‌آن‌سرکشان را رانده‌ند ودرنتیجه این‌لشکرکشی،سلطنت ایران اکنون در آسایش‌میتواند اصفهان را پایتخت خود کند و شاه برتخت نیاکان خود بنشیند و پیشرفتهای دیگر فراهم کند اینك امپراتوریس بزرگ **اناایوانوونا** (Anna Ivanovna) که فرمانروایی‌وی قریـن آسایش است و امپراتوریس و فرمانروای سراسرروسیه استولشکریان فراوان‌دراختیاردارد، فرمان‌داده‌واراده فرموده است‌همه‌گونه یاری بااعلیحضرت شاه بکند وچـون ازنیك انـدیشی آن اعلیحضـرت همایـون ، اعلیحضرت امپراتوریس آگاه‌شده‌است‌وازنظردوستی‌و حسن همجواری واینکه همواره خواستار نیك بختی اعلیحضرت شاه‌است‌وامیدوار است‌که وی بتواند ازهمهٔ ناگواریهایی که درراه پادشاهی موروثی او است در زمینها باشد وبنمایندگان مختار خودکه درگیلان هستند و مخصوصاً به‌کسانی که درولایات متصرفی اقامت دارنـد یعنی سرتیب نجیب والامقـام آقای **واسیلی لواشوو** (Vassili Levachev) دارای نشـان **سنت الکساندر** از درجه **کاوالر** (Kavaler) و آقای بارون پتر **شافیروو**(Baron peter chafirov)مشاور دولتی فعلی فرمان داده است وسایـل برقرار ساختن واستحکام دوستی دیرین دولتین را فراهم‌کنند ووارد‌گفتگوشوند وبانمایندهٔ مختار اعلیحضرت شاه ایران عالیجاه میرزا **محمد ابراهیم مستوفی** سرکاری‌خاصه‌که ازاعلیحضرت‌شاه‌ایران اجازهٔ رسمی واختیار تام دارد قـراری بگذارند وطرفین که از جانب‌پادشاهان بزرگ خود اختیار دارند پس ازگفتگو عهدنامهٔ دوستی مؤید را بـه‌این شرایط امضاءکردند:

۱ــ همهٔ اختلافات‌وعملیات‌خصمانه که تا کنون ازین به ایران وارد آمده واز آن سوی ایران‌واردآورده است از هردوطرف کاملاً فراموش‌خواهد شدوامید است‌که پادشاهان‌ودولتین علیتین‌روابط دوستی وهمسایگی دیرین‌رادر میان‌خود بر قرار کنندوازین‌بعدبدخواه یکدیگر نباشند وبکوشند دشمنی‌ها را هم اکنون وازین‌پس از میان بردارند.

۲ــ طرفین بوسیلهٔ این عهدنامه‌که به‌فرمان‌امپراتوریس‌بزرگ‌روسیه‌دوستی صمیمانهٔ خود را بظهور می‌رسانند آنرا اعلام‌می‌کنندوازامتیازاتی که‌امپراتوران روسیه‌که خدا ایشان را بیامرزادبوسیلهٔ عهدنامه یاقوهٔ قهریه و با تحمل مخارج گزاف‌ازجانب لشکریان‌بدست‌آورده‌اند و برای رفاه مردم ولایـات ایـران و لشکریانشان ملیونها از کیسهٔ‌خودخرج کرده‌اند واز آغاز ورود به ایران‌زیان وخسارت بسیار برده‌اند چشم می‌پوشند وتعهد می‌کنند که یکماه پس از امضا ومبادلهٔ این عهد نامه ولایات لاهیجان و رامکوه ومتعلقات آنرا به تصرف‌عالیجاه نمایندهٔ مختار سابق الذکرواگذارکنند ودر اختیار کامل شاه ایران بگذارند و منتظر امضای آن از طرفین نخـواهند شد اما گیلان و استرآباد وسایر نواحی کنار رود کر ۵ ماه بعد از آنکه این قرارداد به‌امضای‌شاه ایران رسیدوآنرا تصدیق کرد واگذار خواهد شد زیراکه مردم این نواحی اکنون در پرتوحمایت لشکریان‌اعلیحضرت امپراتوریس‌بزرگ درکمال رفاه وآسایشند ومنافع ولایات کهدم وشفت یك ماه پس ازآن‌وعایدات ولایات دیگر که در کنار رودکرهستند ۳ماه پس از این قرارداد و تصدیق آن ازجانب‌اعلیحضرت‌شاه‌ازتصرف مأموران امپراتوری‌روسیه‌خارج‌خواهدشدو به‌تصرف کسی که از جانب اعلیحضرت‌شاه مأمور دریافت آن خواهد شد در مدت ۵مـاه داده خواهدشد اما ولایات ومحال‌دیگر ایران درآن سوی رودکر که درتصرف امپراتوریس بزرگ روسیه استواکنون رسماً‌به موجب‌قرار داد دردست‌مأموران اوست امپراتوریس‌روسیه نمی‌خواهداین نواحی را جزو کشور خود کند ، بلکه قول میدهدبه محض‌اینکه رفع خطربشود یعنی‌اعلیحضرت‌شاه دشمنانی راکه‌اکنون دارد ازکشور خود براند وآنهارامغلوب خود بکند وکشوررا آرام کند آنهـارا در اختیارشاهنشاه ایران بگذاردتصرف این ولایات بدست لشکریان امپراتوری روسیه دلیلی دیگربجزخیرخواهی نسبت به شاه ایران وپشتیبانی ازونداشته است تا مبادا روزی‌که‌لشکریان امپراتوریس بزرگ روسیه ناگهان ازاین ولایات و نواحی بیرون روند مردم چـادرنشین کوهستانی که درآنجا هستند بامخالفان شاه ایران یار شوند و دوباره نا امنی فراهم آورند، چنانکه پیش ازاین ،این نواحی آسیب بسیار دیده‌اند و اکنون در پرتو حمایت لشکریان امپراتوریس روسیـه‌آسوده‌اند.وبرجمعیت‌آنهاافزوده شده ونبایدکه‌آن سرکشان درآنجا راه یابند وبا مخالفان دیگر اعلیحضرت‌شاه همدست‌شـوند ودوباره انقلابی فراهـم آورند و البته بمحض اینکه اعلیحضرت شـاه ایران زمام امور را به‌دست گرفت امپراتوریس‌بزرگ روسیه لشکریان‌خود را ازین ولایات دیگر ایران که متعلق به ایرانست احضارخواهد کرد وفرمان خواهد داد که این ولایات رابـی هیچ عذری به دولت ایران واگذارکنند.

اما امپراتوریس بزرگ‌روسیه‌صلاح را در آن میداند نواحی را که‌ناوگان روسیه مأموران امپراتوریس بزرگ گشاده‌اند وبه شـاه ایران واگذار می‌ــ

کنند و به هیچ دولتی واگذار نکنندو اعلیحضرت‌شاه ازاین‌گذشت‌امپراتوریس روسیه سپاسگزار خواهد بودودوستی‌وی را خواهد پذیرفت و قول میدهد که در برابرازهیچ گونه دوستی بااامپراتوریس روسیه دریغ نکند.

۳ـ بهمین‌وجه برای‌سپاسگزاری‌اعلیحضرت شاه ایران‌ازجانب خود وجانشینان‌خود اعلان می‌کندکه همیشه با امپراتوریس بزرگ روسیه وامپراتوری روسیه‌روابط دوستی و حسن همجواری مؤید خواهد داشت واجازه خواهد داد در همهٔ قلمرو ومحال‌کشورش‌بازرگانان درکمال‌آزادی وآسودگی‌رفت وآمدکنند وازاین‌پس‌در برابر کالایی‌که ازروسیه به‌ایران‌میبرند وخریدهایی که دربرابر آن باایرانیان ودیگران‌می‌کنندوآنچه‌درآنجا می‌خرند ومبادله می‌کنندگمرك ندهندوبهمهٔ‌شهرها وولایات که فرمانروایان وی در آنجا هستند و به عمال گمرك فرمان خواهد داد که هیچگونه گمرك وعوارض دیگر ازبازرگانان روسی نخواهند ونگیرندو با ارائهٔ نامه‌های رسمی از حکام نواحی سرحدی‌خاك‌امپراتوری‌که‌این‌کالاهاازآن اتباع‌امپراتوری روسیه است در همه‌جای کشوروقلمروومحال متعلق به‌اعلیحضرت شاه این بازرگانان اجازه داشته باشند بی‌گمرك‌واردشوند ونیز اگراتباع‌روسیه بخواهند از قلمرو کشور اعلیحضرت شاه ایران برای کارهای بازرگانی به هندوستان یا کشورهای دیگر بروند در عبور ومرور ایشان چه از راه خشکی و چه ازراه دریاگمرکی گـرفته نخواهد شد وهیچگونه عوارضی به دولت ایران نخواهندداد وهدایاورشوه‌ای بهیچ‌عنوان ودلیل‌داده نخواهد شد وامیداست‌دربارهٔ محاکمه‌ومجازات‌درموردد‌واهاوضررهایی که به اتباع روسیه باید پرداخته شود و حکام زیردست اعلیحضرت‌شاه ایران‌باید استیفاکنند همیشه به‌حق ایشان‌برسند. وامیداست هیچگونه‌بیداد وتعدی‌رادرـ بارهٔ ایشان روانداردند وبه ایشان اجازه دهند خانهٔ مسکونی وکاروانسرا و دکانی را که برای بازرگانی خود لازم دارند بسازندوکالای خودرا درآنجا بگذارند و حکمرانان ایران هرگونه یاری‌باایشان بکنند واگر در جایی زیانی به دارایی بازرگانان روسی‌برسدامید است‌درکشور اعلیحضرت شاه ایران فرمان داده شود که در بارهٔ این بیچارگان برای‌آسایش تأمین‌اجناس‌ولوازمشان اتباع ایران‌همه‌ـ گونه یاری بکنند ونیز درچنین موارد دشوار فرمان اکیدبدهندکه‌درکشتی‌های شکستهٔ ایشان هیچگونه غارت‌بعمل‌نیاید ونیز اگراتفاقاً مرگی‌برای یکی‌ازاتباع روسیه درآن سرزمین پیش بیابد اموال متوفی بی‌کم‌وکاست به درخواست شرکای ایشان به‌کسانشان داده شود و دربرابر امضای‌ایشان بی نقص‌تحویل بدهند.

۴ـ در مقابل به اتباع ایران‌که‌در روسیه هستند و یا از آنجا به‌کشورهای دیگر برای بازرگانی‌میروند وعده‌داده میشود که ازجانب امپراتوریس بزرگ روسیه از هرگونه یاوری و آزادی در برابراحکام‌وسنن‌روسیه همچنانکه‌شایستهٔ اتباع دولت دوست است برخوردارشوند ودربرابر هرگونه در خواستشان باکمال انصاف‌یاری خواهندکرد ودر این‌زمینه از جانب امپراتوریس بزرگ روسیه‌در شهرها وهمهٔ نواحی کـه فرمـانبردار حکمرانان‌تابع‌امپراتوری‌روسیه‌اند‌دستور داده خواهد شد همچنانکه شایستهٔ اتباع دولت دوست‌است‌بوسیلهٔ فرامینی‌که‌صادر می‌شود در همهٔ نواحی دولت امپراتوری بزرگ روسیه هرگونه مساعدت‌با ایشان بکنند ودرخواست‌هایشان را برآورند و ازهرگونه‌حمایت برخوردارشوندونیزاز جانب امپراتوریس بزرگ روسیه تعهد میشود، در بارهٔ بازرگانانی‌که‌از کشور شاه‌ایران با اسناد رسمی ومعتبر دولتی برای خرید کالاهایی ، برای شاه ایران به روسیه می آیند این کالاها را به پاس احترام به شاه ایران ، از گمرك دولتی معاف دارند و بنابر رسوم قدیمی‌لازمهٔ احترام در بارهٔ ایشان مرعی خواهدبود وازیاوری وپذیرایی خودداری نخواهند کرد.اما بشرط‌آنکه‌این‌بازرگانی به‌نفع مردم‌ایران باشد تاآنها بدینوسیله بجز برای شاه ایران کالایی بدست نیاورند وکالارا برای بازرگانی خصوصی تحصیل نکنند.

۵ ـ چنانکه پیش ازاین ذکر شد ازآغازسرکشی شورشیان درکشورایران وقیامشان در برابر اتباع شاه ایران به بسیاری‌ازبازرگانان روسیه‌آسیب رسیده است وصدها هزار(روبل) دارایی‌ایشان به‌غارت‌رفته ودرنتیجه بازرگانان روسی ورشکست‌شده‌اندوبدین‌سبب امپراتوریس بزرگ روسیه که از این گـرفتاریهای اتباع باوفای‌خود متأثر شده‌است فرمان داده است به پیشگاه شاه ایران عرضه دارند تا دربارهٔ این اتباع امپراتوری بزرگ روسیه‌که بازرگانان روسی باشند از جانب‌اعلیحضرت‌شاه ایران‌دادخواهی بـکنند وامـوال بغـارت رفتـهٔ آنها را عوض بدهند و اعلیحضرت شاه‌ایران هم عقیده دارند که آن دادخواهی بعمل آمده است ولی اظهار می‌دارند که این کار در زمان قیام‌سرکشان شده اما قول می‌دهندکه هرگاه خداوند توانا بـه او توانایی‌بدهدکه‌این‌نواحی رادرتسلط‌خود درآورد درآن هنگام فرمان خواهد داد به‌دادخواهی آسیب رسیدگان و اتبـاع امپراتوریس بزرگ روسیه رسیدگی‌کند وپس ازبازرسی چون معلوم شدمـرتکب غارت کشتار اتباع روسیه که بوده است متعهدمی‌شودکه‌دادرسی‌کند وحکم‌خواهد داد، مقصران‌یاوراث‌آنهاجبران خسارت اموال منقول یاغیر منقول‌اتباع آسیبـ دیده‌روسیه را بکنند.

۶ ـ بدین‌گونه که روابط دوستی وهمسایگی اقتضادارد کـه برای ادامـهٔ روابط دوستانه‌رفت‌وآمد طرفین، تنهادر میان‌دولتین ودربارهاواقامتگاه وزیران طرفین بنابراقتضای ارادهٔ شاهانه نباشد بلکه‌درنقاط مهم‌کشور هم برای رسیدگی بکار بازرگانی‌کسانی باشندکه‌درمرتبهٔ قنسولی یا نمایندگی دانا و بصیر باشند وبتوانند درموقع لزوم زیانهایی را که به بازرگانان میرسد جبران کنند ونیز درمیان‌ایشان‌دادرسی‌کنند وانواع‌وسایل را بکار ببرند تا بازرگانی‌توسعه یابد، بدین جهت قرار شده است برای اینکه درهردوکشور در دربار ومقرآن کـه از جانب دولت امپراتوریسی روسیه وچه‌از ازجانب دولت شاه‌ایران وزرای مختار بتوانند مقیم باشند وامتیازاتی راکه در خور مقام و اهمیت کار و شخصیت آنها مطابق شؤون دو دولتی که ایشان را انتخاب کرده است باشد باید در هردو کشور به‌آنهامسکن مناسب ووسیلهٔ‌معاش نسبت‌به‌وضع آنهابدهند واما‌درشهرهایی که لازم خواهد شـد برای حمایـت از بازرگانان‌مقیم‌باشند، اجازه‌داده‌خواهد شدکه‌درهردوکشورقنسولها ونمایندگانی

مقیم باشند و بفراخور مقامی که در دولت خوددارند همه جا بهایشان احترام ویاوری بکنند و به نیروهای هردو طرف فرمان داده خواهد شد که بهایشان احترام بگذارند واز هرنوع بی حرمتی و زیان ایشان راکاملاً حراست بکنند وچنانکه ضرری بهایشان رسید و شکایتی دربارهٔ اتباع یکی از دو طرف کردند هرگونه دادرسی وحکمیت منصفانه بکنند و بـه شکایت آنها برسند.

۷ ــ همهٔ مردم ایران و اتباع شاه ایران که هنگام ورود واقامت لشکریان روسیه در ولایات و شهرهای ایران کـه پیروفرمان وتبعیت امپراتوری بـزرگ روسیه شده بودند دولت شاهنشاهی نباید ایشان رامقصر بداند تا هنگامی که لشکریان روسیه ازآنجا بیرون میروند دربرابـر خدماتی که کرده‌اند بـه شخص ایشان آسیبی نرسدو املاکشان هم ازتعرض مصون باشد ، بلکه کمافی‌السابق مالك املاك ودارایی‌خودباشند و ازمهربانی و سرــ پرستی شاه ایران برخوردار باشند در مقابل ازطرف امپراتوریس بزرگ روسیه نیز تعهد میشود که پس از امضای ایـن عهدنامه ومبادلهٔ با ایشان اجازه داده خواهد شد کسانی که مایلند داوطلبانه وارد خدمت روسیه بشوند ونیز اگر بخواهند از آن خارج شوند اجازه داده خواهد شد که بروند.

۸ ــ **واختان** پادشاه گرجستان که تاکنون نسبت به امپراتوری بزرگ روسیه وشاه ایران وفادار بوده وازدارایی خود محروم شده است شاه ایران متعهد شده است هنگامی که گرجستان کمافی‌السابق درتحت حمایت ایـران قراربگیـرد ، کمافی‌السابق املاك ودارایی وی بـه او بازگردد.

این قرارداد بوسیله نمایندگان مختارطرفین بسته‌شد واز جانب هر دو کشور نسخه‌ای به امضای نمایندگان مختار طرفین رسیده وبه‌مهر ایشان تصدیق‌شده مبادله گشت وایشان به عهده گرفتند با اختیار تامی که در این زمینه از طرفین دارند چه ازجانب امپراتوری بـزرگ روسیه وچه ازجانب شاهنشاهی ایران این عهدنامه هرچه زود تر که ممکن باشد امضاء کرده وبه‌مهر دولتـی برسانند و ارسال دارند. دررشت در گیلان در ۲۱ ژانویه ۱۷۳۲ به امضارسید ودرضمن نمایندگان مختار امپراتوری بزرگ روسیه برسانند وبفرستند وموقع استرداد ولایات معهود درین عهدنامه از وقتی خواهد بود کـه این عهدنامه بـه امضای شاهنشاه ایـران فرستاده شودو تسلیم نمایندگان امپراتوریس بزرگ بشود ».

عهدنامهٔ فینگن‌شتاین .

این عهدنامه درمیان دولت ایران و دولت **ناپلئون بناپارت** بسته شد در تاریخ ۴ مه ۱۸۰۷ میلادی .

« اعلیحضرت امپراتور فرانسویان وپادشاه ایتالیا، **آقای هوگ برنارماره** وزیـر مشاور ودارای حمایل لژیون‌ــ دونور ونشان **سنت‌اوبر** از کشور **باویر** نشان خدمت‌گزاری ازکشور **باد** .

پادشاه ایران جناب میرزا **محمدرضاــ خان** سفیر فوق‌العاده وبیگلربیگی قزوین و پیشکار شاهزاده **محمد علی‌میرزا** ایشان پس ازارائه ومبادلهٔ اعتبارنامه‌های‌خود، دراین موافقت کردند .

مادهٔ اول ــ در میان اعلیحضرت امپراتـور فرانسویان وپادشاه ایتالیا و اعلیحضرت پادشاه ایران صلح دوستی و اتحاد همیشگی برقرار خواهد بود .

مادهٔ دوم ــ اعلیحضرت امپراتـور فرانسویان وپادشاه ایتالیا استقلال کشور کنونی اعلیحضرت پادشاه ایران راحمایت می‌کند .

مادهٔ سوم ــ اعلیحضرت امپراتور فرانسه و پادشاه ایتالیا گرجستان راحقاً ازآن اعلیحضرت پادشاه ایران میداند.

مادهٔ چهارم ــ اعلیحضرت امپراتور فرانسویان وپادشاه ایتالیا بعهده میگیرد همهٔ کوشش خودرا بکار ببرد تا روسها گرجستان وخاک ایران راترک کنند برای رسیدن به این نتیجه درعهدنامهٔ صلح خواهد کوشید . تخلیهٔ این نواحی همیشه جزو سیاست ونظریات او خواهد بود.

مادهٔ پنجم ــ اعلیحضرت امپراتور فرانسویان و پادشاه ایتالیا یك سفیـر فوق‌العاده وچندمنشی سفارتخانه دردربار ایران خواهد داشت .

مادهٔ ششم ــ چون اعلیحضرت پادشاه ایران خواستاراست پیاده نظام وتوپخانه واستحکامات نظامی خود را بنابر روش اروپایی اصلاح کند، اعلیحضرت امپراتور فرانسویان و پادشاه ایتالیا تعهد می کند توپهای صحرایی وتفنگها وسرنیزه هایی راکه اعلیحضرت پادشاه ایران لازم دارد برای او فـراهم کند و بهای این اسلحه برابر ارزش آنها دراروپاخواهد بود .

مادهٔ هفتم ــ اعلیحضرت امپراتور فرانسویان وپادشاه ایتالیا تعهد می کند بهراندازه افسر توپخانه ومهندس وپیاده نظام که اعلیحضرت پادشاه ایران آنهارا برای استحکام دژها وایجاد توپخانه وپیاده نظام ایران بنابرروش فنی نظام اروپایی لازم داشته باشد دراختیارش بگذارد .

مادهٔ هشتم ــ اعلیحضرت پـادشاه ایران ازسوی خود تعهد می کند که همهٔ روابط سیاسی وتجارتی خودرا باانگلیس قطع کند وفوراً بـه آن دولت اعلان جنگ بدهد واز همان دم باآن خصمانه رفتار کند، بنابراین اعلیحضرت پادشاه ایران متعهد است وزیر مختاری راکه به بمبئی فرستاده بخواهد وکنسولها ونمایندگان وکارگزاران دیگر کمپانی انگلیسی را درایران وبندرهای خلیج فارس، فوراً از آنجا بیرون کند وهمهٔ کالاهای انگلیسی راضبط کند ودرقطع هرگونه رابطه بـا انگلیسیها چه درخشکی وچه در دریـا به ولایات خود حکم اکید بدهد وازپذیرفتن هروزیر مختار یاسفیر یا کارگزاری که درضمن جنگ ازآن دولت بیاید خودداری کند .

مادهٔ نهم ــ درهرجنگی که انگلستان وروسیه در برابر فرانسه و ایران اتحاد کنند فرانسه وایران نیز بهمان‌گونه در برابر آن دودولت اتحاد خواهند کرد وهمین که یکی ازمتعاهدین که درتهدیدیا حمله قرار گرفته باشد، رسماً به دیگری اطلاع دهد متحداً دربرابر دشمن مشترک جنگ خواهند کرد واز آن پس دربارهٔ هرگونه روابط سیاسی وتجارتی به مدلول ماده پیش رفتار خواهند کرد .

مادهٔ دهم ــ اعلیحضرت پادشاه ایران همهٔ نفوذ خودرا بکار خواهد بردتا افغانان ودیگر اهالی قندهاررا باارتش خود در برابر انگلستان متحد کند وپس از آن که بدان نواحی راه یافت لشکری بـه متصرفات انگلستان درهندوستان بفرستد.

مادهٔ یازدهم ــ چنانکه از نیروی دریایی فرانسه یك دسته کشتی به خلیج فارس وبندرهای اعلیحضرت پادشاه ایران برسد، اعلیحضرت پادشاه ایران همهٔ وسایل

وتسهیلاتی را که لازم باشد فراهم خواهد کرد.

مادهٔ دوازدهمــ اگر اعلیحضرت امپراتور فرانسویان و پادشاه ایتالیا اراده کند که برای حمله به متصرفات انگلستان درهند ارتشی از راه خشکی بفرستد، اعلیحضرت پادشاه ایران همانگونه که متحد صمیمی و باوفای اعلیحضرت امپراتور فرانسویان و پادشاه ایتالیا است به آنها راه خواهد داد که از کشورش بگذرند، اگر این کار عملی شود دو دولت پیشاپیش قرار مخصوص خواهند گذاشت وراهی که ارتش باید در پیش بگیرد و لوازم ووسایل نقلیه که لازم شود ویاوری را که اعلیحضرت پادشاه ایران می‌تواند دراین راه بکند در آن معین خواهند کرد.

مادهٔ سیزدهم ــ هرچه از لوازم و تدارکات در ایران به لشکریان و نیروی دریایی داده شود بنابر مدلول مواد دیگر این عهد نامه به بهایی که در کشور به مردم کشور داده میشود به حساب خواهد آمد.

مادهٔ چهاردهم ــ مقررات مادهٔ دوازدهم که دربالا ذکر شده تنها شامل حال فرانسه است بنا براین این حقوق نباید با عقد عهدنامه‌ها به انگلستان یا روسیه واگذار شود.

مادهٔ پانزدهمــ برای بهره جویی هر دوطرف یك عهدنامهٔ تجارتی هم در تهران بسته خواهد شد.

مادهٔ شانزدهمــ این عهدنامه تاچهار ماه دیگر از تاریخ امروز در تهران نیز امضاء خواهد شد و به تصویب خواهد رسید.

در لشکرگاه امپراتوری در **فینگن شتاین** درچهارم ماه مه ۱۸۰۷ منعقد شد و به امضا رسید.

قرارداد تجاری ایران و فرانسه .

(بین **ژنرال گاردان و میرزا شفیع مازندرانی** صدراعظم ایران برقرار شد).

«بسم‌الله تعالی شأنه ــ چون قبل از این پادشاه جم جاه کیوان بارگاه ایران خواهان این مطلب گردیده بود که موازی بیست هزار تفنگ سرنیزه‌دار بجهت سالدات از جبهٔ خانهٔ حضرت امپراتور اعظم پادشاه ایتالیا به ایران آورده شود امپراتور خواهش پادشاه والاجاه ایران را قبول نموده درین وقت عالیجاه رفیع جایگاه عظمت و حشمت و اجلال دستگاه آصف جاهی **میرزا شفیع** دستور معظم مکرم پادشاه سلیمان جایگاه دولت علیهٔ ایرانیه و عالیجاه معلی جایگاه جنرال **قاردان** خان ایلچی حضرت امپراتور از جانب دولت بهیهٔ فرانسه باهم نشسته این مطالب را قرارداد نمودند و ازدوطرف قبول کردند که انشاءالله بنا بر خیرخواهی فیمابین دولتین علیتین باشند:

مطلب اول ــ موازی بیست هزار تفنگ بجهت سالدات که وجه قیمت هریك از آنها یك تومان وپنج هزار دینار تبریزی باشد با انضمام سرنیزه غلاف دارسوزن ماشه‌دار وپنج هزار قالب گوله (گلوله) ودو هزارو پانصد گوله کش وصدهزار سنگ از جانب دولت فرانسه به دولت علیه عالیهٔ ایران تسلیم شود بنابر خواهش سلطان ایران.

مطلب دومــ این ۲۰ هزار تفنگ را درکشتیهای دولت فرانسه جاداده واز بهر آن روانهٔ مملکت ایران نموده و در بندربوشهر هرگاه چنانچه مانعی بهم رسد دربندرات دیگر لنگر اندازی کنند.

مطلب سیمــ دروقت ورود کشتیهای پرنسیس از جانب دولت علیهٔ ایران را از جانب سرکردگان کشتیها مباشر تعیین شود که به حامل تفنگها رسید، تحویل نماید.

مطلب چهارمــ درباب اداء قیمت تفنگها که مبلغ سی هزار تومان به حساب ایران و به حساب فرانسه موازی ۶۰۰ هزار فرانك می‌شود شرط و تعهد این است که دروقت تسلیم تفنگها وجه قیمت رابه سرداران کشتیهای فرانسیس بسپارند، وهرگاه سرداران کشتیها درعوض قدری از آن تنخواه اجناس مأکولی مثل آرد یا برنج یا گاو ویا گوسفند بخواهند به ایشان بدهند وهرگاه نخواهند وجه بگیرند.

مطلب پنجمــ به اعلام شرعی تحریر شده به زبان ایرانی وزبان فرانسیس که سواد آن اعلام در نزد مباشران هردوطرف سپرده و سواد علیحده هم به دفتر سفارت فرانسیس که در پای تخت ایران می‌باشد سپرده شود که آنها حفظ نمایند.

مطلب ششمــ پادشاه والاجاه کیوان بارگاه ایران خواهش کرده است که چند نفر اهل حرفه از قرار تفصیل از جانب دولت فرانسه روانهٔ ایران گردند: سازندهٔ مکری وماهوت، نقاش، باسمه‌چی کتاب، بلور ساز وبلور تراش، میناساز وسازندهٔ پریوره ومینای الوان، ساعت‌ساز که ساعت اندک بزرگ بتواند بسازد، زرگر وکنده‌کار و جواهر تراش و نقاش زرگر، فنرساز وچخماق‌ساز وسایر اسباب آهن، چیت ساز، چینی ساز، نجار، سنگ تراش، توپچی وعراده‌ساز، معدن جوی وکارکن معدن، عکس ساز وباروت ساز. ومواجب آنها راهریك بفراخور صنعت و حرفهٔ ایشان از سرکارگردون اقتدار پادشاهی بناگذاری خواهد شد.

تحریراً فی‌شهرذیقعدةالحرام ۱۲۲۲ مطابق یکهزارو دویست وبیست ودوهجری مهرمیرزاشفیع وامضای ژنرال گاردان.»

عهدنامهٔ گنجه.

(در ۱۰ مارس ۱۷۳۵ م بین طهماسبقلی (نادرشاه) سردار شاه‌طهماسب وسرگی گالیتسین (Serguey Golitsine) نمایندهٔ امپراتور روسیه منعقد شد).

«بنام خداوند بخشندهٔ مهربان، سپاس خدای را که دوستی درمیان دولتین را برای آرامش جهان برقرار ساخته وموافقت درمیان آنها را به رأی آرامش همیشگی هردودولت فراهم کرده ودرود ابدی بر پیامبری که با نوشته خودازخداوندمسیح پسرمریم خبرداده است، به او پناه می‌بریم واز او آمرزش التماس داریم، بدین‌گونه برهمه آشکاراست که ازچندسال پیش دولت ایران (فارس) از تاخت وتاز لشکریان دشمن لگدکوب وویران شده بود وسرکشان درآنجا بیدادگری بسیار کرده بودند وازهرسوی مزاحمت فراهم آورده بودند وبدخواهان ازهرراه می‌کوشیدند باستمگری خویش وسایل انقراض کامل آنرا فراهم آورند ودرهای نعمت را برروی مردم ببندند اما خداوند توانا که به قدرت خود که همه کس رامشمول عنایت خویش قرار داده است ومردم ایران را نیز از آن برخوردار کرده است مرا نیز از لطف عمیم خود بهره مند کرده است.

بدین‌گونه با لشکریان فراوان از شهر پای‌تخت خراسان برای تنبیه و سرکوبی دشمنان برخاستم وبسعی من شهر اصفهان ونواحی دیگر ازدشمنان پاك شد واگرچه آن دشمنان می‌خواستند دوستی دیرین واستوار و تباه ناشدنی درمیان امپراتوری روسیه ودولت ایران را ازمیان ببرند وبدعتهای نادرست پدید آورده‌اند که گویی امپراتوری روسیه ولایاتی را که از ایران گرفته است مانند نواحی دیگر

می‌خواهد در تصرف خود نگاهدارد و به وسیلهٔ این تهمت‌ها خواستار دشمنی در میان دو دولت بودند، اما برهمه واضح و مخصوصاً بر اهالی ایران مبرهنست که بچه سبب امپراتور بزرگ اعلیحضرت پتر اول که خدایش بیامرزد شهرها و ولایت ایران را متصرف شد و تامدتی در تصرف خود نگاهداشت اما پس از چندی که موقع را مناسب دید برای اثبات حسن نیت و دوستی صمیمانهٔ خود و بطلان دروغهایی که به ناروا درمیان بود بلکه تنها برای افکار دوستی حقیقی گیلان و ولایات آبادان دیگر را از خزانهٔ روسیه اداره می‌شد بی آنکه اجباری در میان باشد به دولت ایران واگذار کرد و بدین گونه بنفع مشترك دولتین علیتین و برای آنکه دوستی حقیقی که در میان بود تاجاودان برقرار بماند ودر آینده نیز این دوستی توسعه یابد و بیشتر شود طرفین برای گوشمال دادن دشمنان و پیوند دوستی محکم عهد کردند و بدین جهت کنیاز سرگی **گالیتسین** (Kniaz Serguey Galitsine) رایزن مخصوص والاامقام نمایندهٔ مختار صاحب نشان درجهٔ دوم که اکنون در ایرانست به فرمان عالی و باداشتن اختیارات تام از جانب امپراتوریس بزرگ روسیه بامن دربارهٔ قرارهای مختلف این عهدنامه موافقت کرد واتحاد همیشگی درمیان دولتین برقرار شد وامید است که این عهدنامه تاجاودان ازهرخللی مصون باشد .

مقدمهـ اگر دررشت ازطرفین در عهدنامه‌ای که منعقد شده مقرر شده است که شهرهای باقی‌مانده مانند **باکو ودربند** در تصرف روسیه تاموقعی باقی بماند که دولت ایران ازدشمنان خود مستخلص شود اما چون امپراتوریس بزرگ روسیه بواسطهٔ حسن نیتی که نسبت به دولت ایران دارد برای آنکه اوضاع سابق برقرار شود و بهترین راه را درین زمینه بیابد و به نزدیکان ودوران نشان دهد که دولت روسیه هرگز اراده نداشته است ، قسمتی ازخاك ایران رادر دست نگهدارد وتنها ازراه عنایت شاهانه ولطف عمیم خود خواسته است پیش ازآنکه موعد برسد شهرهای باکو ودربند باهمهٔ متعلقات ومضافات آن مانند سابق به دولت ایران مسترد دارد وبمحض آنکه فرصت اجازه دهد لشکریان روسیه را از آنجا بیرون ببرد ، لهذا چنین مقرر شده است: **شهر** باکو ومضافات آن درظرف دو **هفته وشهر** دربند ومضافات آن تاسرحد سابق درظرف دوماه پس ازانعقاد این عهدنامه واگر فرصت اجازه دهد پیش‌از آن ازلشکریان تخلیه خواهد شد وداغستان ونواحی دیگر که جزء **شمخال و اوسمی** هستند کمافی السابق درتحت تصرف دولت خواهد بود .

مواد این عهدنامه چنین مقرر می‌شود :

۱ ـ دربرابر این مهربانی ودوستی که امپراتوری روسیه می‌کند دولت ایران متعهد می‌شود همیشه اتحاد خود را با امپراتوری روسیه محترم بشمارد دوستان روسیه را ازدوستان خود ودشمنان آنرا دشمنان خود بشمارد وهرگاه کسی بایکی ازین دو دربار فلك مدار وارد جنگ شود این هردو دربار بزرگ با آن جنگ را آغاز کنند ودرهر مورد یاوریکدیگر باشند **وشهرهای** باکو ودربند بهیچ وجه وهیچ عنوان دراختیار دیگران مخصوصاً دشمنان مشترك واگذار نشود همه گونه کوشش بکنند که در تحت تسلط دولت ایران بماند واگر برخی از اهالی این شهرها که در تحت تبعیت وخدمت امپراتوریس بزرگ روسیه و امپراتوری روسیه باشند ودر نتیجه وفاداری خود به آنجا بازگردند، دولت ایران هیچگونه آزار دربارهٔ ایشان روا ندارد وآن کار رادلیل بی‌وفایی نسبت به دولت ایران نداند امیداست صومعهٔ نصارای گرجی که در دربنداست همچنان درمقررات خود آزادی داشته باشد وآنرا ویران نکنند واجازه دهند در آنجا بنا بر دین مسیح بعبادت بپردازند وهیچکس زحمتی برای کارکنان آن‌که ازروحانی وغیر روحانی بیش از ۶ تن نیستند درعبادت ایشان فراهم نکنند وهیچگونه ستم به آنان روا ندارند.

۲ ـ نفع ایرانیان دراین است که این صومعه بااین تصمیم مفیدی که اکنون گرفته می‌شود در کوتاه کردن دست دشمنان ، اهتمام ورزد تا بخواست خداوند دشمنان ایران ودشمنان خود را براندازند و بحال سابق بازگردند و نیز به امپراتوری روسیه نشان دهند که کمافی السابق خطری ازجانب ایشان متوجه نیست. دولت ایران خواهد کوشید بهرگونه سعی کند جنگی را که در برابر دشمنان آغاز شده است بااهتمام وسعی فوق‌العاده دنبال کند تا ازایشان انتقام بگیرد وهمهٔ ولایات نه تنها ولایات کنونی بلکه ولایاتی را که سابقاً ازدولت ایران مجزا شده و گرفته اند به آن دولت برگردانند واز دشمنان بگیرند وتاهمهٔ آنها کمافی‌ـ السابق به دولت ایران مسترد نشده است قرارصلح نگذارند واما به کیفر خدعه‌ای که از ترکان سرزده است آن جنگ رادر داخل دوکشور خود ادامه دهد و تاوقتی که دولت ایران همهٔ ولایات خود را پس نگرفته است در جنگ بماند زیرا منافع دولت ایران چنین اقتضا می‌کند.

۳ ـ طرفین متعهد میشوند پیش از آنکه بایکدیگر گفتگو کنند بهیچ مذاکره‌ای باترکها وارد نشوند و اگر کار به آنجا کشید که اسلحه در این مورد بکار برند یا بابعالی به طیب خاطر همهٔ آن ولایات گرفته شده را به دولت ایران مسترد دارد وصلح بااین دولت رابهمان اساس سابق بر قرار کند در این حال دولت ایران تعهد می‌کند دراین مصالحه دولت امپراتور روسیه رانیز شریك بداند ، بدینگونه که دولت ایران باروسیه قراردادی دارد که بنا برآن وظیفه دارد همهٔ دشمنان روسیه را دشمن خود بداند و با تمام کسانی که بخواهند با امپراتوری روسیه جنگ داشته باشد دولت ایران وظیفه دارد با آنها وارد جنگ شود ومصالحه را با این توضیح بر قرار کنند و بی آن قراری نگذارند واگر وقتی در میان امپراتوری روسیه وبابعالی در آتیه کار به عهدنامه‌ای برسد درآن حال نیز بهمین طریقی که توضیح داده شده است دولت ایران رانیز درآن دخیل خواهد کرد .

۴ ـ درعهدنامه‌ای که دررشت در میان دو دربار منعقد (دوازده ژانویه ۱۷۳۲ میلادی) بجز موادی که پیش‌از این بموقع اجرا گذاشته شده است باید این مواد ازاین بعد ازمواد آن شمرده شود وکلمه به کلمه جزء آن باشد وبا این عهدنامه اتحاد همیشگی تجدید می‌شود واستوارمی گردد و عهدنامه‌ای خواهد بود که تاجاودان اعتبارخواهد داشت .

۵ ـ چون منافع دولتین اقتضا دارد که تجارت بر پایهٔ استوار بر قرار گردد و اتباع طرفین هیچگونه اشکالی در فرستادن کالا نداشته باشند واین لازمهٔ نفع طرفین است به این جهت دولت ایران تعهد می کند ازاین بعد با بازرگانان روسی بنابر مقررات عهد نامهٔ رشت وارد داد وستد شود وبه ایشان و کشتیهایشان اجازه دهد درهمهٔ لنگرگاهها و کرانه‌ها و بارانداز‌ها بایستند وکالای خود را بهر جا بخواهند خالی کنند ودرآنجا گرد

آورند و به جاهای دیگر ببرند و کسی مزاحم بازرگانی‌ایشان نشود وستمی‌روا ندارد . واگر فرامینی به‌عهدهٔ شهرهایی که این بازرگانان روانهٔ آن هستند فرستاده شده که مغایر بامفاد عهدنامهٔ رشت باشد آنها را باید ملغی دانست و به‌آنها رفتارنکنند و باید در این زمینه بوسیلهٔ فرامینی دیگرمقرر دارد که‌مفاد عهدنامهٔ رشت درهمه‌جا عملی‌شود و بهمان گونه از طرف دولت روسیه بـا اتباع بازرگانان ایران به موجب موادهمـان عهدنامه‌رشت‌رفتار خواهندکردو دربارهٔ اتباع‌ایران درامپراتوری‌روسیه بهمان‌ـ گونه رفتارکنندکه بااتباع دولت دوست رفتار خواهندکرد. برای‌آنکه فایدهٔ‌این عهدنامه بیشترباشدوازاین‌پس‌بازرگانان روسی بتوانندآنچنانکه باید درکارخود آزادی داشته‌باشند امپراتوریس بزرگ روسیه لطفاً قنسولی مأمور رشت خواهد کرد وبزودی از دربار عالی روسیه بـا اعتبار نامهٔ لازم امپراتوری فرستاده خواهد شدوازجانب‌ایران‌پذیرفته خواهد شد و فرمان لازم در بارهٔ وی صـادر خواهدگشت .

۶ ـ بدین سبب‌وبرای ادامهٔ‌دوستی درمیان طرفین امپراتوریس روسیه پیش ازهروظیفهٔ‌دیگربنا برعدالت‌پروری خود وبپاس نمایندگی که‌این‌بندهٔ درگاه‌داشته است فرمان‌داد اسیران این‌طرف نه‌تنها کسانی را که درحال حاضر در اسارت هستند،به‌**میرزاکاظم** نمایندهٔ مختارایران مستردداردبلکه درسراسرکشور خـود فرمانی‌صادرکندکه‌اسیران راازهرطرفی برای‌بازگرداندن به‌ایـران بیاورند و بهمین‌گونه همهٔ اتباع‌وساکنان امپراتور روسیه رابهرآندازه که درهر جا باشند به روسیه برگردانند ودراین زمینه‌بهمه جای ایران فرامین فرستاده شود وامـا کسانی‌که‌ازاین‌به‌بعدازدوطرف‌دوربشوند بایدآنان راطرفین‌دستگیرکنند ومسترد دارند .



آرم کشور آرژانتین

۷ـ این بندهٔ درگاه عالی جاه با نمایندهٔ مختار نامبرده‌که از دربارهای عالی خود اختیار داریم در مواد ایـن عهدنامه اتحاد وموافقت کردیم و برای آنکه تا جاودان‌آن راتأییدکنیم به‌مهر اعلیحضرت‌شاه‌ظل‌الله‌مزین‌شده‌وبه‌نمایندهٔ عالی‌مقام مذکور تسلیم شده است و در مدت پنج ماه پس‌ازامضای این عهدنامه



آرم کشور آلبانی

بتصویب‌خواهدرسید وهمهٔ‌موادآن باجرا گذاشته خواهد شد و به‌امضای مسئولین دیگرخواهد رسید وبحضورامپراتوریس بزرگ فرستاده خواهد شد و این بندهٔ درگاه متعهد می‌شودآنرا برساند.

پایانـ برای‌اطمینان‌ازاین‌عهدنامهٔ اتحادمقرر شده است در دونسخه مطابق یکدیگر تهیه شود و هردوی‌آنها به‌مهر برسد ومبادله شود .

تاریخ دنیا

آرژانتین . Argentine .

درآغازقرن‌شانزدهم برای‌اولین‌بار پای اسپانیولیها به‌این سرزمین باز شد و درسال ۱۸۱۰ این‌سرزمین تحت‌تسلط اسپانیا درآمد . قبل از ورودارو پاییها بـه این سرزمین سرخپوستان بومی درآن زندگی آرامی داشتند . در سال ۱۸۱۶ مستعمره‌نشینان‌علم استقلال‌برـ افراشتند و ایالات **لاپلاتا** راکه شامـل سرزمینهای **بوینوس‌آیرس و اطرافش** بودمستقل‌کردندودرسال ۱۸۲۵ حکومت جمهوری اعلام شد ولی متأسفانه اغلب به رژیم دیکتاتوری حکومت می کردند واکنون نیز مکرر انقلابهای خونین در آن روی میدهد ومردم‌روی‌آرامش‌بخود نمی‌بینند .

رؤسای جمهوری معروف آرژانتین .

۱ـ **اورکیزا**. (۱۸۶۲م).
۲ـ **گودرکی**. (۱۸۶۸م).
۳ـ **میتره** . (۱۸۷۴م).
۴ـ **روکا**. (۱۹۰۴م).
۵ـ **چوستو**. (۱۹۳۸م).
۶ـ **کاستیلو**. (۱۹۴۳م).
۷ـ **فارل**. (۱۹۴۶م).
۸ـ **پرون**. (۱۹۵۵م).
۹ـ **آرامبورو**. (۱۹۵۸م).
۱۰ـ **فروندیزی**. (۱۹۶۲م).
۱۱ـ **گیدو**. (۱۹۶۳م).
۱۲ـ **آرتوروایلیـا**. (از۱۹۶۳م).

آفریقای جنوبی، اتحادیه. Aprique sud.

درسال ۱۴۸۸ میلادی،**دیاش** پرتغالی برای اولین‌باراز آفریقای جنوبی‌دیدن کرد ، و در سال ۱۶۵۲ این سرزمین مستعمرهٔ مهاجران هلندی شد که توسط **شرکت‌هندشرقی**دردماغهٔ**امیدنیک**دولتی تأسیس کردند .

ولی‌ازسال ۱۸۹۵ مهاجرین‌انگلیسی همراه قوای نظامی برای تصرف معادن طلای مناطق آفریقای جنوبی‌بامهاجرـ نشینان **بوير** آغاز به جنگ کردند وتا سال ۱۹۰۳ این‌جنگ‌باتسلط‌انگلیسی‌ها پایان یافت و درنتیجه اتحادیهٔ آفریقای جنوبی در ردیف‌کشورهای‌مشترک‌المنافع بریتانیا درآمد . ولی در هرحال برای بویرها نیز حقوقی قایل شدند وباوجود فعالیتهای‌مختلف برای‌حفظ‌حقوق بومیها قانونی گذراندند که سیاهپوستان بومی را در فشار قرار داده وآنها را ازحـق سکونت درمحله‌های سفیدپوستان‌محروم کردند .

درسال ۱۹۵۹ فعالیتی برای‌آزادی سیاهپوستان بعمل آمد ولی با کشتار دستجمعی آنرا خاموش کردند، اگر چه حکومت‌جمهوری‌آفریقای جنوبی‌تشکیل شده‌ولی همچنان‌مسئلهٔ‌محرومیت‌صاحبان حقیقی آن سرزمین از آب‌وخاک‌برجای باقی است .

این اتحادیه ازاتحاد چهارکشور: کاپ، ناتال، اورانژ وترانسوال‌تشکیل‌شده است.

رهبران معروف اتحادیهٔ آفریقای جنوبی.

۱ـ **سماتس** . «رهبرحزب‌اتحاد».
۲ـ **ملان**. «رهبرحزب‌ملیون».
۳ـ **سترایدوم**.
۴ـ **هندریك فرورد**. «نخست وزیر».

آلبانی. Albanie.

جمهوری کوچکی در جنوب شرقی اروپا ، که تا کنون بارهـا تحت تسلط مقدونیه،روم، بیزانس‌ودولت‌عثمانی‌بوده است ومدتی نیزدردست دولتهای‌ناپل و ونیز بود . درسال ۱۹۱۲ بافداکاریهای فراوان مردم،دولت عثمانی به‌کشورشان خود مختاری داد ولی‌جنگ‌بالکان‌وضع آنرادگرگون‌کرد وباوجود این،چندی بعد ازجنگ نیزدرآلبانی رژیم‌جمهوری برقرار بود، ولی **ویلهلم تسووید** بهـ یاری دولت ایتالیـا بـر تخت نشست (۱۹۱۳م).

در جنگ جهانی اول ، تسووید مجبور بـه ترك کشور شد ، و بالاخره **موسولینی**این سرزمین فقیروکوهستانی را بغنیمت‌گرفت. درجنگ جهانی‌دوم ، آلبانی به نفع کشورهای متحد ، علیـه آلمان جنگید وبعد ازجنگ به رهبری

انور خوجه رژیم کمونیستی در آن برقرار شد. آلبانی پس از مدتها بالاخره به‌عضویت جامعهٔ ملل‌متحد در آمد و در اختلافات مسلکی به نفع چین کنار آمد و از پیمان ورشو خارج شد.

شخصیت‌های تاریخ آلبانی.

۱ـ **اسکندر بیك.** «قهرمان‌ملی».
۲ـ **اسعد پاشا.**
۳ـ **ویلهلم تسوید.** «امیرخودمختار».
۴ـ **احمد زوغو.**
۵ـ **انور خوجه.**

آلمان. Allemagne.

قدیمی ترین مردم آلمان، آریایی و به‌**گرمان** معروفند، که پیش‌از دوهزار سال بررومیان تاختند وخرابی فراوان ببار آوردند ولی بعدها تحت تسلط فرانکها قرار گرفتند، طبق قرارداد **وردون**، **لویی** نخستین‌امپراتور آلمان ژرمنی در سال **۸۴۳** میلادی سلسله‌ای‌را بنیان نهاد که تا **۱۰۲۴** میلادی‌سلطنت کردند، ولی امپراتوری پهناور آلمان از تمرکز قدرت برخوردار نبود ولی با روی‌کار آمدن **ویلهلم اول**، تمام‌دوك نشینها باهم‌پیوستند‌و **رایش‌دوم** را بوجود آوردند و برای توسعهٔ قدرت خود جنگ جهانی دوم را بوجود آوردند و این‌جنگ نه‌تنها به اعتبار آلمان چیزی نیفزود بلکه‌تمام ایالات تابعه‌را از اوگرفت و آلمان را دچار ورشکستگی کرد.

ناسیونال‌سوسیالیستها به‌دوریك‌مرد اتریشی به‌نام **آدولف هیتلر** جمع شده و مجدداً آلمان‌را به‌یك‌قدرت بزرگ تبدیل کردند و **رایش‌سوم**‌را به‌وجود آوردند، این دولت‌قوی‌پنجه درسال **۱۹۳۹** جنگ را آغازکرد، این‌جنگ با همهٔ‌جنگهای گذشته‌فرق داشت‌و آلمان نازی‌به‌جنایات هولناکی دست‌زدکه روح بشریت ازآن متنفر است، دولتهای مورد حمله متحد شدند، درسال **۱۹۴۵** آلمان‌را از پای درآوردند وآنرا به چهارمنطقهٔ اشغالی تقسیم‌کردند که منطقهٔ اشغالی‌شوروی‌به جمهوری‌دموکراتیك آلمان‌شرقی‌ومناطق اشغالی آمریکا، فرانسه و انگلیس به جمهوری فدرال آلمان غربی تبدیل‌شد.

شخصیت‌ها و حکومتهای تاریخ آلمان.

۱ـ **فردریك‌اول.** (شاه‌پروس ۱۷۰۱م).
۲ـ **فردریك ویلهلم.** (شاه پروس ۱۷۴۰م).
۳ـ **فردریك‌کبیر.** (شاه‌پروس ۱۷۸۶م).
۴ـ **شارلمانی.** (جلوس ۱۷۶۸م).
۵ـ **فردریك ویلهلم‌دوم.** (شاه پروس ۱۷۹۶م).
۶ـ **امپراتوران‌مقدس‌رومی.** (آغاز ۱۸۰۶م).
۷ـ **اتحادیهٔ راین.** (آغاز ۱۸۱۳م).
۸ـ **اتحادیهٔ ژرمن.** (آغاز ۱۸۱۵م).
۹ـ **فردریك‌ویلهلم‌سوم.** (شاه‌پروس ۱۸۴۰م).
۱۰ـ **لویی‌اول** (جلوس ۱۸۴۰م).
۱۱ـ **لوتراول.** (جلوس ۱۸۴۳م).
۱۲ـ **فردریك‌ویلهلم‌چهارم.** (شاه‌پروس ۱۸۶۱م).
۱۳ـ **اتحادیهٔ ژرمن‌شمالی.** (آغاز ۱۸۷۱م).
۱۴ـ **ویلهلم‌اول.** (امپراتورآلمان ۱۸۷۱م).
۱۵ـ **لویی‌دوم.** (جلوس ۱۸۷۶م).
۱۶ـ **شارل‌دوم.** (جلوس ۱۸۷۷م).
۱۷ـ **فردریك سوم.** (جلوس ۱۸۸۸م).
۱۸ـ **ویلهلم‌دوم.** (جلوس ۱۸۸۸م).
۱۹ـ **فردریك‌ابرت** (رایش ۱۹۱۹م).
۲۰ـ **پول فون‌هیندنبورگ.** (رایش ۱۹۲۵م).
۲۱ـ **آدولف‌هیتلر.** (رایش ۱۹۳۴م).

آندورا Andorra

این‌ناحیه از **۱۲۷۸** میلادی مستقل بود. در **۱۸۰۶** جمهوری گردیدودارای قانون‌اساسی‌شد. این کشور کوچك‌سالیانه **۹۶۰** فرانك‌به‌دولت فرانسه‌و **۴۶۰** پزه‌تا به‌کشیش می‌پردازد.

حکومت کشوردردست‌شورای کل‌میباشد که‌عدهٔ اعضای آن **۲۴** نفراست، واعضای قوهٔ‌قضایی را کشیش وحکومت فرانسه بالسویه‌تعیین‌میکنند در **۱۹۴۱** انتخابات به‌وسیله رأی عمومی‌ملغی گردید وازآن به‌بعد فقط رؤسای خانواده‌هادرانتخابات شرکت میکنند.

اتحاد جماهیر شوروی.

سکوتها در **۷** قرن قبل ازمیلاد، سواحل شمالی‌دریای‌سیاه رابرای‌سکونت اختیارکرده بودند، **سرمتها** چهارقرن‌بعد جای‌آنهارا گرفتند بعدازآن‌اقوام‌دیگری چون **گوتها**، **هونها** و**خزرها** به‌ترتیب درقسمتهای‌مختلف روسیه‌مسکن‌گزیدند.

اولین دفعه **خزرها** درجنوب‌روسیه دولت‌مستقلی‌تشکیل‌دادند، **بلغارها** برای اولین‌باردراطراف ولگاحکومتی‌برقرار کردند، شمال اوکراین، مسکن‌اصلی **اسلاوها** گردید.

وارگها درقرن‌نهم‌میلادی به‌روسیه آمدند وبسیاری از مناطق آنرا اشغال کردند وشاید نام **روس** ازنام یکی از سرداران وارگها مشتق شده باشد.

مرکزحکومت روسیه‌تاسال **۱۱۶۹** شهر **کیف** بود. در قرن دهم، حکومت کوچك‌کیف بربسیاری‌ازایالات وولایات دست‌یافت وقراردادهای سودمندی با **امپراتور بیزانس** منعقد کردند.

درزمان‌حکومت‌ولادیمیراول، مذهب رسمی‌کشور روسیه‌مسیحی **ارتدوکس**‌شد.

درزمان‌حکومت جانشین ولادیمیر، دولت کیف به‌چند ایالت تقسیم شدوبهر ایالتی‌امیری ازخاندان **روریك** گماشت. ولی این امیرنشینها قدرت یافتند و به ترتیب تفوق را ازکیف‌گرفتند.

درقرن سیزدهم میلادی **باتوخان** تاتارکشورروسیه رامتصرف شد وآنرا از توابع خراجگزار خود قرارداد، از سال **۱۳۲۵** **مسکو** اهمیت یافت، زیرا امیر آن خراجگزاری روسیه را ازخان‌تاتار خریداری‌کرد ودرسال **۱۳۸۰** این‌امیر رسماً ازپرداخت خراج خودداری‌کرد و در جنگی که به اتفاق همهٔ دوك نشینان روسیه صورت‌گرفت لشکرتاتارهارادرهم شکست‌وخاندان‌مهین دوك‌مسکورا تشکیل دادند.

ایوان مخوف‌ازاین خاندان به‌علت جهانگشایی‌خودرا تزارنامیدولی‌جانشین اولیاقتی نداشت ودول خارجی مداخلاتی کردند که‌سرانجام مردم‌به‌یکی ازامرای روسی‌بنام **میخاییل رومانوف** پیوستند که‌تا **۱۹۱۷** خانوادهٔ او درروسیه حکم میراند، پطر کبیر از بزرگترین امپراتوران روسیه است در سال **۱۷۲۱** بااین‌عنوان‌امتیاز بسیاری برای‌خانوادهٔ خود قرارداد. آخرین پادشاه این سلسله نیکولای دوم‌بود وبعدازدوره‌ای‌آشفتگی درسال **۱۹۲۱** روسیه به عنوان نخستین کشور کمونیستی دولتی به‌رهبری **لنین** تشکیل داد.

دولت شوروی را نمایندگانی که منتخب جمهوریهای‌شوروی‌بنام‌شورایعالی اتحادجماهیر شوروی انتخاب می‌کند.

هر کدام از جمهوریها به نوبهٔ خود دارای مجلس قانونگزاری وهیئت دولت ورئیس جمهوری‌می‌باشند ودراموردداخلی



آرم کشور آلمان غربی



آرم کشور آندورا



آرم کشور اتحاد جماهیر شوروی

آرم کشوراسپانیا

مستقل هستند و به‌زبان مادری مکاتبات رسمی دارند.

لنین بنیاد حکومت شوراها در سراسر روسیه‌را بنا نهاد و **استالین** جانشین اودر اجرای برنامه‌های آبادانی سخت پایداری کرد، جنگ جهانی دوم برای مدتی اجرای برنامه‌های اصلاحی شوروی را به تعویق انداخت زیرا آلمان نازی در سال **۱۹۴۱** ازمرز شوروی گذشت و تا نزدیك مسکو پیش آمد و **لنینگراد** را محاصره کرد و مبارزهٔ جدی مردم شوروی آغاز شد، آلمانیها بعداز دوسال محاصره بدون هیچگونه نتیجه دست از محاصره کشیدند و در **استالین گراد** مردم خانه به‌خانه با نازیها جنگیدند و ثمرهٔ این جنگ از نظر کمونیست جهانی ارزش فراوان داشت زیرا در بسیاری از کشورهای هوادار کمونیست، حکومتی از این رژیم بوجود آمد.

بامرگ **استالین** درسال **۱۹۵۳**، **خروشچف** ضمن حمله به استالین کوشید تاقدرت رهبری را بطور کامل دردست گیرد و با اصول همزیستی مسالمت آمیز باکشورهای جهان رابطه داشته باشد و بعداز او نیزاین رویه همچنان ادامه دارد، در اردوگاه کمونیستی شکافی ایجاد شد که چین و بعضی از کشورهای کوچك اروپایی ازشوروی بریدند وروش شوروی راعدول ازسیستم خود اعلام کردند.

نخستین حکومت کارگری جهان در این کشور بوجود آمد، **۱۵** کشورمتحداً دروسیع ترین مناطق جهان دولتی تشکیل داده‌اند که اقتصاد آنها بطورسرسام آوری راه ترقی را می‌پیماید.

کشاورزی شوروی براساس مالکیت دولتی (ساوخوز) مالکیت تعاونی (کالخوز) اداره میشود.

بهداشت وفرهنگ در شوروی مجانی و کتاب ومطبوعات چاپ کشور بسیارارزان ولی کتابهای خارجی را منحصراً در کتابخانه‌های دولتی میتوان جست.

نخستین قمر مصنوعی ازشوروی به فضا رفته است.

رهبران وسرداران وامپراتوران درتاریخ روسیه.

۱ ـ **روریك**. (در قرن نهم رییس قوم وارگها).
۲ ـ **اولگ**. (جانشین روریك).
۳ ـ **ایگور**. (جانشین اولگ ۶۴).
۴ ـ **سویاتوسلاو**. (حکومت ۹۷۲ـ۹۷۲ م).
۵ ـ **ولادیمیر اول**. (جانشین سویاتوسلاو).
۶ ـ **یاروسلاو**. (دوك نشینها را بوجود آورد).
۷ ـ **ایوان اول**. (اولین دوك نشین مستقل مسکو).
۸ ـ **واسیلی**. (از امرای مستقل مسکو)
۹ ـ **ایوان کبیر**. (۱۴۶۲ ـ۱۵۰۵م).
۱۰ ـ **ایوان مخوف** (۱۵۳۳ـ۱۵۸۴م).
۱۱ ـ **فیودور اول**، (پسر ایوان مخوف).
۱۲ ـ **گادونوف**. (دورهٔ آشفتگی).
۱۳ ـ **فیودور دوم**. (۱۶۰۵ م).
۱۴ ـ **دیمتری**. (۱۶۰۵ـ۱۶۰۶م).
۱۵ ـ **رومانف، میخاییل**. (اولین تزار ازخانوادهٔ رومانف).
۱۶ ـ **آلکسی میخاییلوویچ**. (۱۶۴۵ـ۱۶۷۶ م).
۱۷ ـ **فیودور سوم**. (۱۶۷۶ـ۱۶۸۲ م).
۱۸ ـ **ایوان پنجم**. (۱۶۸۲ـ۱۶۹۶ م).
۱۹ ـ **پطرکبیر**. (۱۶۸۲ـ ۱۷۲۵م)
۲۰ ـ **کاترین اول**. (۱۷۲۵ـ۱۷۲۷ م)
۲۱ ـ **پطر دوم**. (۱۷۲۷ـ۱۷۳۰م).
۲۲ ـ **آنا ایوانوونا**. (۱۷۳۰ ـ ۱۷۴۰ م).
۲۳ ـ **ایوان ششم**. (۱۷۴۰ ـ ۱۷۴۱م).
۲۴ ـ **الیزابت**. (۱۷۴۱ـ۱۷۶۲م).
۲۵ ـ **پطرسوم**. (۱۷۶۲م)
۲۶ـ **کاترین دوم** «کبیر». (۱۷۶۲ ـ ۱۷۹۶م).
۲۷ ـ **پاول اول**. (۱۷۹۶ـ۱۸۰۱)
۲۸ ـ **الکساندر اول**. (۱۸۰۱ ـ ۱۸۲۵ م).
۲۹ ـ **نیکولای اول**. (۱۸۲۵ ـ ۱۸۵۵م).
۳۰ ـ **الکساندر دوم**. (۱۸۵۵ ـ ۱۸۸۱م).
۳۱ ـ **الکساندر سوم**. (۱۸۸۱ ـ۱۸۹۴ م).
۳۲ ـ **نیکولای دوم**. (۱۸۹۴ـ۱۹۱۷م).

رهبران بعد از انقلاب

۳۳ ـ الکساندر، **کرنسکی**. (حکومت موقت ۱۹۱۷ م).
۳۴ ـ ولادیمیر، **لنین**. (۱۹۱۷ ـ ۱۹۲۴ م).
۳۵ـ الکسی ایونوویچ **ریکو**. (۱۹۳۰م).
۳۶ ـ **مولوتف**. (۱۹۴۱م).
۳۷ ـ **استالین**. (۱۹۵۳ م).
۳۸ ـ **مالنکف**. (۱۹۵۵م).
۳۹ ـ **خروشچف**. (۱۹۶۴م).
۴۰ ـ الکسی **کاسیگین**. (از۱۹۶۴م).

امراء قبطی (۴۹۳ـ۶۰۴هق).
نام سلسله‌یی ازشاهان ارمنستان است که مؤسس آن **سکمان** از غلامان حکمران **مرند** بوده است، سکمان در سال **۴۹۳** بر**اخلاط** دست یافت و پس از وی فرزندانش بیش ازیك قرن درآنجا حکومت کردند وسرانجام دولتشان بدست **ایوبیان** سقوط کرد.

اتریش.
اطریش را به‌بینید.

اتیوپی.
حبشه را به‌بینند.

اردن. Jordanie.
بعدازجنگ جهانی اول **عبدالله بن حسین هاشمی** برقسمتی ازقلمرو فلسطین امیرشد واز سال **۱۹۲۸** تحت قیمومت انگلیس درآمد. اگرچه درسال **۱۹۴۶** اردن رسماً استقلال خودرا اعلام ولی همچنان ریاست لژیون عرب با فرماندهٔ انگلیسی بود.

درسال **۱۹۵۱** میلادی امیرعبدالله به‌دست یکی ازملیون عرب کشته شد و**طلال** بن عبدالله جای اورا گرفت و یکسال بعد به‌علت اختلال حواس اورا خلع کردند و پسرش **ملك حسین** به‌سلطنت رسید.

ملك حسین با انحلال لژیون عرب سیاست بی‌طرفی آغاز کرد و جنگ اخیر اسراییل ومصرو کشورهای عربی پای اردن راهم به‌میان کشید وخسارات فراوانی دراین جنگ دید واورشلیم را ازدست داده است.

سلاطین اردن.
۱ـ **عبدالله** بن حسین هاشم. (۱۹۲۳ـ۱۹۵۱م).
۲ـ**طلال** بن عبدالله. (۱۹۵۱ـ۱۹۵۲م).
۳ـ**ملك حسین** (از۱۹۵۲م).

اسپانیا. Espagne.
نخستین قومی که دراین کشور سکونت کرده‌اند **باسکها** بوده که بعدازمدتی جای خودرا به **ایبریان** سپردند. سلتها از

شمال ویونانیان ازمشرق به‌این سرزمین روی آوردند ، فنیقیان در قرن یازده به سایراقوام پیوستند، باآمدن ژرمنها ؛ حکومت ویزیگت‌ها آغاز شد ومسلمانان از آغازقرن‌هشتم ، براسپانیا مسلط‌شدند **وامویان‌اندلس**قریب ۲/۵ قرن باقدرت دراین‌کشورحکومت کردند ولی‌هیچگاه نتوانستند برقسمت شمالی اسپانیا مسلط شوندومملکت **آستوریاس** برای‌مسیحیان پایگاه محکمی‌شد. درسال ۱۵۱۶ میلادی دورهٔ حکومت **شارلکن** امپراتور ممالك وسیع اسپانیا منحصراً دردست مسیحیان بود .

اواخر قرن۱۶ وتمام دورهٔقرن۱۷ عصرطلایی‌این‌کشوربود ولی‌ازدست دادن قدرت نظامی‌این‌کشوررا به زوال‌کشانید، شکست معروف‌اسپانیا‌از انگلیس موجب نابودی‌نیروی دریایی این‌کشور گردید و جنگهای سی سالهٔ قرن ۱۷ ، سلسلهٔ هابسبورگ‌را به‌انقراض‌کشانید و به این ترتیب دولت معظم اسپانیا به یك دولت کوچك مبدل‌شد، مخصوصاً‌جنگ‌جانشینی آنرا به‌ویرانی کشانید.

درسال ۱۸۰۸ پس‌ازفتح‌اسپانیا توسط ناپلئون‌کبیر **ژوزف‌بناپارت** برادر ناپلئون سلطان‌اسپانیا شد . ولی‌حکومت‌اودیری نپایید. جنگهای داخلی،دخالت کشور- های خارجی‌درامورداخلی، دست‌اندازی- های دول بزرگ در متصرفات امریکایی اسپانیا در۱۸۷۳ حکومت‌جمهوری‌موقتی برای‌یك‌سال بوجودآمد وسلطنت طلبان آنرا برانداختند،وباتشکیل حکومتهای مستبده، این سرزمین ازتمدن دورمانده شکست‌اسپانیا از آمریکا نیز‌به‌نوبهٔ‌خود آخرین اعتبار این‌کشور راگرفت.

درسال ۱۹۳۱ آخرین شاه خلع شد و جمهوری جدیدی بوجود آمد ، و شورشیان نظامی به‌رهبری **ژنرال‌فرانکو** چندسال‌باجمهوری‌خواهان‌جنگیدند وسر انجام به‌کمك‌کشورهای بیگانه بخصوص آلمان نازی وانگلیس‌نظام کشور را به دست گرفتند وهنوزهم این‌دولت برسرکار است،درسال ۱۹۵۵ به‌عضویت جامعه‌ملل درآمد .

امویان اندلس.

(۱۳۸-۴۲۸هق)

عبدالرحمن‌بن‌معاویة‌بن‌هشام‌بن‌عبدالملك بن مروان درموقع‌قتل‌عام‌بنی‌امیه‌ازدست عمال‌بنی‌عباس به **افریقا** گریخت‌وسرانجام خود را به‌قرطبه‌رسانید وباکمك مسلمین برآنجا دست‌یافت وسلسله‌ای‌پدید آورد که دیرزمانی پاسدار اسلام دراروپا بود وفرهنگ‌ودانش‌مشرق‌زمین‌را به‌اروپارسانید. نام امرای این‌سلسله بدین‌شرح‌است:

۱-**عبدالرحمن‌اول.** (۱۳۸هق).
۲-**هشام** بن عبدالرحمن. (۱۷۲هق).
۳-**حکم** بن‌هشام. (۱۸۰هق) .
۴-**عبدالرحمن** بن‌حکم. (۲۰۶هق).
۵-**محمد** بن‌عبدالرحمن. (۲۳۸هق) .
۶- **منذر** بن‌محمد. (۲۷۳هق).
۷-**عبیدالله** بن‌محمد . (۲۷۵هق).
۸- **عبدالرحمن** بن محمد (عبدالرحمن ثالث). (۳۰۰هق) وی‌خودرا بالقب‌ناصر خلیفه‌خواند.
۹-**حکم** بن‌عبدالرحمن(حکم‌ثانی‌مستنصر). (درسال۳۵۰هق) .
۱۰-**هشام** بن‌حکم (هشام‌ثانی‌مؤید) . (۳۶۶هق) .
۱۱-**سلیمان** بن‌حکم(مستعین). (۴۰۰هق).
۱۲-**عبدالرحمن** بن‌محمد (عبدالرحمن رابع‌مرتضی). (۴۰۸هق).
۱۳-**عبدالرحمن** بن‌هشام (عبدالرحمن خامس‌مستظهر). (۴۱۴هق).
۱۴-**محمد** بن عبدالرحمن (محمدثالث مستکفی). (۴۱۴هق).
۱۵-**هشام** بن‌محمد (هشام‌ثالث‌معتمد) . (۴۱۸هق).
۱۶-**امیة** بن‌عبدالرحمن(۴۲۲)درسال ۴۲۸ درگذشت و قلمرو امویان اندلس به‌ملوك- الطوایف‌تقسیم شد ازآنجمله است :

۱-**بنی‌محمود** درمالقه . (۴۰۷-۴۴۹هق) .
۲-**بنی‌عباد** دراشبیلیه.(۴۱۴-۴۸۴هق)
۳-**بنی‌زیری** درغرناطه . (۴۰۳-۴۸۳هق) .
۴-**بنی‌جمهور** درقرطبه. (۴۲۲-۴۶۱هق) .
۵ - **بنی‌ذی‌النون** در طلیطله . (۴۲۷-۴۷۸هق).
۶-**بنی‌عامر** دربالنسیه . (۴۱۲-۴۷۸هق).
۷-**بنی‌تجیب‌وبنی‌هود** درسرقطه . (۴۱۰-۵۳۶هق) .

این سلسله‌هاوامیرنشین‌های‌کوچك دیگرکه در این فاصلهٔ کوتاه پیدا شده بودندبایکدیگرجنگ‌وستیزدایمی‌داشتند تاآنکه سرانجام‌به‌دست‌امرای مسیحی یا به‌دست**الدرابطون**منقرض‌شدند.

پادشاهان اسپانیا .

شاهان**گوتی.** (۷۱۸-۱۰۲۷م)
شاهان**اتریشی‌ولیونی.**(۸۷۳-۱۵۱۲م)
شاهان**ناوار.** (۱۰۳۵-۱۵۰۴م)
شاهان**لیون‌وکاستیل.**(۱۰۳۵-۱۰۴۹م)
شاهان**آراگون** (۱۰۳۵-۱۴۷۹م)
فرناندو دومآراگونی. (۱۵۰۴م)
فیلیپ‌اول. (۱۵۰۶م)
فرناندوپنجم. (۱۵۱۶م)

سلسلهٔ هابسبورگ

کارلوس‌اول. (۱۵۱۶-۱۵۵۶م)
فیلیپ دوم. (۱۵۹۸م)
فیلیپ سوم. (۱۶۲۱م)
فیلیپ‌چهارم. (۱۶۶۵م)
کارلوس دوم. (۱۷۰۰م)
فیلیپ پنجم . (۱۷۰۰ - ۱۷۲۴ م)
لویز . (۱۷۲۴ م)
فیلیپ پنجم .(دوباره) (۱۷۴۶م)
فرناندوششم . (۱۷۵۹ م)
کارلوس سوم . (۱۷۸۸م
کارلوس چهارم . (۱۸۰۸م)
فرناندوی‌هفتم . (۱۸۰۸م)
ژوزف بناپارت . (۱۸۱۳م)
فرناندوی‌هفتم .(۱۸۱۴ - ۱۸۳۳م)
ایزابلای‌دوم. (۱۸۶۸م)
آمادئو .(ازسلسله ساوی). (۱۸۷۰ - ۱۸۷۳ م)

جمهوری

امیلیوکاستلاری **ریپول** (۱۸۷۳ - ۱۸۷۴ م)

سلسله **بوربون** ؛

آلفونسوی دوازدهم . (۱۸۷۴ - ۱۸۸۵ م)
آلفونسوی سیزدهم.(۱۸۸۶-۱۹۳۱م)

جمهوری :

نیسه‌توآلکالازامورای **تودرس.** (۱۹۳۱ - ۱۹۳۶ م)
مانوئل **آزانا** . (۱۹۳۶-۱۹۳۹م)
فرانسیسکو **فرانکو** (دیکتاتور) . (از ۱۹۳۹م).

مرابطین (۴۴۸ - ۵۴۱ هق)

عبدالله بن تاشفین در میان قبیلهٔ **لمقونه**ازقبایل بربرظهور کردومسلمانان را به‌اعتلای‌اسلام‌و جلوگیری از دست- اندازی مسیحیان به‌قلمرو اسلام دعوت کرد . بربرها دعوت اورا باشوق تمام پذیرفتند وبزودی سردستهٔ فداکاری بنام

المرابطین پدید آمد. اینان در همه جا مسیحیان را عقب راندند و بپاسداری سرزمین‌های مسلمین پرداختند.

الموحدین . (۵۲۴ _ ۶۶۷هق)

درآغاز یك‌فرقهٔ صرفاً مذهبی بود که برضد **مشبهه** مبارزه می‌کرد. درسال ۵۲۴ **عبدالله** بن‌تومرت رییس این‌فرقه که‌قبیله‌ای از قبایل بربر بودند درصدد ایجاددولتی برآمدو با ایجادسپاه‌وکشور– گشایی پرداخت وقلمرو مرابطین رافتح کرد و اسپانیای مسلمانرا زیر فرمان خویش در آورد و الجزایر و تونس و طرابلس رادرحیطهٔ اقتدارخویش آورد و دولتی‌قوی پدیدآورد. سیزده‌تن‌ازایشان حکومت کردندوسرانجام دولتشان میان امراء بنی‌نصرایوبیان، مسیحیان‌وامیر– نشین‌های‌کوچك افریقایی تقسیم شد.



آرم کشوراسترالیا

بنی نصر (۶۲۹ _ ۸۹۷هق)

نام‌سلسله‌یی ازامراءمسلمان‌غرناطه است. این‌سلسله به دست **محمدالغالب** در غرناطه تأسیس شد.امراء بنی‌نصرچندی قلمرو دولت خودرا وسعت بخشیدند و دولتی‌باشکوه پدیدآوردند وبامسیحیان جنگها کردند. اسامی اینان بقرار زیر است:

۱ _ **محمدغالب** تا محمد یازدهم.

۲ _ **نصر** ابوالجیوش.

۳ _ **اسماعیل** دونفر.

۴ _ **یوسف** چهار نفر.

۵ _ **سعد**.

۶ _ **علی**.

محمدیازدهم از **ایزابلا**شکست‌خورد وبه افریقاگریخت‌وباسقوط غرناطه‌دولت بنی نصر به‌آخررسید.



آرم کشوراسرایل

استرالیا . Australie

این‌سرزمین شگفت‌انگیز که‌هزاران سال، دور ازدسترس دنیای متمدن بوده ودرآن بومیان قهوه‌ای‌رنگی‌اینجاوآنجا درجامعه‌هایی با نظامهای گوناگون‌اشتراکی پدرشاهی ومادرشاهی بسرمی‌بردندوغذای خودرا ازشکارماهی‌گیری‌وگیاهان‌خودرو به‌دست‌میآوردند، گاه برای خدایانشان پیکره‌های سنگی غول آسایی‌می‌ساختند ومردگانشان رادرمقابری باسقفهای‌بلند به‌خاك می‌سپردند. ازقرن شانزدهم سفید پوستان بدانجا راه یافتند. اسپانیولیها، هلندیها وسرانجام‌انگلیسیان درآن‌پیاده شدند وکاپیتان **جیمز کوك** به‌عنوان‌مالکیت پرچم انگلستان را در آنجا به اهتزاز درآورد. مستعمره ساختن این‌سرزمین درسال ۱۷۸۸ آغاز شد و **آرتورفیلیپ** نخستین‌حکمران انگلیسی آن بودکه‌در سال ۱۷۸۷ همراه۲۱۲سرباز، ۲۸زن، ۱۳ کودك‌و۷۷۸زندانی‌محکوم‌ازانگلستان به راه افتاده بود وبعد از اونیزچندنفر به‌ترتیب این سمت‌را یافتند و هریك با مشکلات فراوان ازقبیل؛قیام‌زندانیان، حملهٔ بومیان، نرسیدن خواربـار، حوادث‌طبیعی ناشناس ونافرمانی‌افسران ومبارزهٔ آنها در تمام این مدت مداوم محکومین‌وجنایتکاران‌انگلیسی‌به‌استرالیا (به‌طور متوسط سالانه ۴۰۰۰ تن)ادامه داشت تاآنکه تدریجاً قطع‌گردید و از سوی دیگر مقرراتی برای جلوگیری از مهاجرت‌غیرازانگلیسیان‌بدانجاوضع‌شد، ازاین سبب‌این سرزمین با مشکل‌کمبود کارگر روبروشد. استرالیا ازآغاز قرن بیستم خود مختاری یافت و در جرگـهٔ دولتهای مشترك‌المنافع بریتانیای‌کبیر درآمد. اینك‌دارای‌یك‌حکمران‌انگلیسی، مجالس قانونگزاری وهیئت دولت است که درمقابل مجلسین مسؤولیت دارند. استرالیا ازاعضای‌صمیمی‌پیمانهای‌نظامی دولتهای هوادارغربی درخاور دوراست.

حکم‌گزاران استرالیاپس‌از خود– مختاری آن ازاین‌قرار است:

هرپ. (۱۹۰۱ _ ۱۹۰۲)
تنیسون. (۱۹۰۴م)
نورث‌کوت. (۱۹۰۸م)
ویلیام‌هامبل **وارد**. (۱۹۱۱ م)
دنمن. (۱۹۱۴م)
مونرو _ فرگوسن، (۱۹۲۰م)
فورستر. (۱۹۲۵م)
بیرد. (۱۹۳۰م)
ایزاك. (۱۹۳۱ _۱۹۳۶م)
هود _ راثون. (۱۹۴۵م)
فردریك، **آلبرت**. (۱۹۴۶ م)
ملك‌کل. (از۱۹۴۷م)
دولیل. (از۱۹۶۲م)

نخست وزیران استرالیا

بارتن. (۱۹۰۱_۱۹۰۳م)
دیکین. (تا ۱۹۰۴ م)
واتسن. (۱۹۰۴ م)
هاستون، **رید**. (۱۹۰۵ م)
دیکین. (۱۹۰۸م)
فیشر. (۱۹۰۹م)
دیکین. (۱۹۱۰م)
فیشر. (۱۹۱۳م)
کوك. (۱۹۱۴م)
فیشر. (۱۹۱۵م)
هافث. (۱۹۲۳م)
بروث. (۱۹۲۹م)
اسکولین. (۱۹۳۱م)
لیونس. (۱۹۳۲_۱۹۳۹م)
منزیس. (۱۹۴۱م)
فادن. (۱۹۴۱م)
کورتین. (۱۹۴۵م)
چیفلی.
رابرت‌گوردون، منزیس(از۱۹۶۲م).

اسرایل . Israél

ملت یهود از ۱۲۰۰ سال پیش از میلاددرسرزمین‌فلسطین زندگی‌می‌کردند تااینکه درسنهٔ ۷۰ بعداز میلاد رومی‌ها این‌سرزمین رافتح‌کردند. کتاب‌آسمانی یهودیان تورات است.

جنبش صهیونیستی جدید به‌وسیلهٔ دکتر **وایزمان** (متولد در۲۷ نـوامبر ۱۸۷۴ در روسیه) طرح ریزی شد. هنگامیکه تضییقات ضد یهود در آلمان نازی شروع شد عده‌زیادی ازیهودیان‌به فلسطین عزیمت‌کردند. بعداز ۱۴تا۱۵ سال‌به سال ۱۹۴۸ جمهوری‌اسرایل در فلسطین‌موجودیت خودرا اعلام‌کرد.

این جمهوری سرزمینی را که به وسیلهٔ سازمان ملل تعیین شده بوداشغال کردودر۱۱ مه۱۹۴۹ به‌عضویت سازمان ملل درآمد. اسرایل ازابتدا باعضویت جامعه عرب‌که مرکز آن در دمشق بود روبروگردید.جامعهٔ‌عرب‌ازلحاظ‌اقتصادی اسرایل را طردکرد. و بعدها مداخلهٔ مسلحانه به وسیلهٔ مصر، عـراق، سوریهٔ، لبنان، عربستان سعودی و اردن علیه اسرایل به عمل‌آمد. در ۱۹۴۹ دولت اسرایل بااعـراب بطور مجـزا متارکهٔ جنگ نمود اما تصادمات مرزی همچنان ادامه داشت. دربحران‌کانال– سوئز درسال ۱۹۵۶اسرایل شبه‌جزیرهٔ سینارااشغال‌کرد.وقتیکه نیروهای‌سازمان ملل وارد شدند اسـرایل عقب‌کشید.

رژیم حکومتی اسرایل دموکـراسی پارلمانی است.اولین مجمع قانونگزاری اسرایل در۱۴فوریهٔ۱۹۴۹ با۱۲۰عضو تشکیل‌یافت.ودر۱۷ فوریه‌این‌مجمع‌دکتر وایزمان را به ریاست جمهوری انتخاب کرد.ابتدای‌اعلام‌جمهوری‌تاتشکیل‌مجمع قانونگزاری دکتروایزمان رییس‌جمهور موقت اسرایل بود در۸ دسامبر۱۹۵۲

ایتسحاك بن زیو به ریاست جمهوری انتخاب شد ودر ۲۸ اکتبر ۱۹۵۷ دوباره بههمین مقام برگزیده شد. نخستوزیر داوید **بن گوریون** است که از ۳ نوامبر ۱۹۵۵ درهمین مقام باقیاست. در سال ۱۹۶۶ بین اسراییل وکشورهای عربی جنگی سختدر گرفت و صحرای سیناو اورشلیم توسط دولت اسراییل تصرف شده وهمچنان دراختیار آن دولت است.

اطریش. Autriche

این سرزمین از آغاز مرکز اقوام اروپایی شمالی بود، رومیان درپیشروی خود بهسوی شمال بدانجا دست یافتند (۱۴ ق م.) وازآن پس مهاجمان بیشمار ازهرسو درآن درآمدند ولـی همه در عنصر **گرمانی** (ژرمنی) مستحیل گشتند. شارلمانی آنجا را به صورت حاکمنشینی درآورد که به **حکومت شرقی** موسوم گشت (۷۸۸م.) و چهارصد وپنجاه سالدردست جهانگشایان گوناگون دست بهدست گشت تـادر سال ۱۲۷۶ بهتصرف **رودلف اول** ازخاندان **هابسبورگ** درآمدو کمکم اعتباری یافت تاآنکهدوك نشینان اطریش به امپراتوری مقدس روم نایل شدند (۱۴۳۸ــ۱۸۰۵م) پیدایش نهضت پروتستانی دراروپا وگرایش ایالات آلمانی برآن موجب ضعف اطریش درشمال اروپا گردید، پیروزیهای ناپلئون نیزاساس امپراتوری مقدس را برچید (۱۸۰۶م) ازآن پس اطریش متوجه جنوب شرقی اروپاو بالکان گشت ودرسال ۱۸۶۷ بامجارستان امپراتوری اطریش وهنگری را تشکیل داد وبه بیرون راندن ترکان عثمانی از اروپا پرداخت وسرانجام طمع دست یافتن اطریش بر صربستان موجب پدیدآمدن جنگ جهانی اول گردید که به زوال امپراتوری اطریش ــ هنگری انجامید (۱۹۱۸م).

جمهوری اطریش که در این هنگام تشکیل شد تقریباً همان ایالت استورای شارلمانی بود که نهبهدریا دسترسیداشت ونهبه منابع کشاورزی وربعجمعیتش را شهرنشینان دینی تشکیل مـیدادنـد و مشکلات مالی واختلاف سیاسی آرامش آنرا برهم میزد تاسرانجام این آشفتگیها به دیکتاتوری انجامید وراه را برای تسلط نازیها گشود. سپاهیان آلمان درسـال ۱۹۳۸ بهاطریش درآمدندوآنرا بهقلمرو خویش منضم ساختند. پایان جنگ جهانی دوم استقلال اطریش را بازگردانـد و اینك این کشور کوچك کـه روزگاری پایتخت فرهنگ وهنراروپا بود باعرضهٔ محصولات صنعتی خویش، ماشین های کوچك ومواد شیمیایی به تجدید بنای کشوری آزاد و مستقل میپردازد.

افغانستان. Afganistan.

درهزارهٔ اول ودوم قبل ازمیلاد زیر نظر قبیله های ایرانی بود و داریوش ــ کبیر آنرا رسماً جزو امپراتوری خود کرد. در قرن چهارم بهتصرف اسکندر مقدونی در آمد وسلسلهٔ **کوشان** در قرن اول و دوم میلادی آنرا اداره میکرد وپادشاهان آن تابع ساسانیها بودند.

در سال ۴۸۴ بعد از میلاد دولت **هفتالیان** دست ایرانیان راکوتاه کردولی انوشیروان عادل درسال ۵۶۰ میلادی آنها را برانداخت، بعد ازآن مدتیك قرن نیززیرنظر امپراتوران چین اداره شد.

دردورهٔ اسلامی، طاهریان، صفاریان وسامانیان نیز براین سرزمین حکمراندند، با آغاز حکومت سلطان **محمودغزنوی** نام غزنه پایتخت او وافغانستان دربسیاری ازکتب مورخین فراوان آمدهاست، امرای غور بعداز غزنویان وخوارزمشاهیان از دولتهایی بودند که بیشتر در شهرهای افغانستان بنام پایتخت زندگیمیکردند، بعداز حملهٔ چنگیزخان مغول یکباردیگر این کشور به دست امیراتوری مغول افتاد وایلخانیان که ازحکمرانان مغولی بودند مدتدرازی براین سرزمین سلطنت کردند، در زمان این سلسله امرای **آل کرت** قدرت یافتند و برقسمت اعظم افغانستان مستولی شدند، **امیرتیمورلنگ** نیز یکی ازفاتحین افغانستان استودورهٔ سلطنت شاهرخ برای این کشور، از دورههای روشن تاریخاست که بسیاری ازخرابیها ترمیم شدهاست.

تیموریان هندنیز قریب دوقرن بر آن حکمراندنددرزمـان صفویه، قسمت اعظم این کشور دردست ایران وقسمتی هم درتصرف تیموریان هندبود.

باظهورمحمود افغان تقریباً استقلال وجهانگشایی امیران افغانی آغازشدولی نادرشاه افشار مجدداً افغانستان رامتصرف شد وبا روی کار آمدن سلسلهٔ ابدالی، استقلال افغانستان کامل شد. تاریخ حقیقی افغانستان ازاواسط قرن ۱۸ که بهاین نام موسوم شده آغازمیگرددودر زمان های قدیم بهنام **آریانا** ودرقرون وسطی به نام خراسان شناخته شده است. ۵۳/۵ درصد ازجمعیت افغانستان پختویی (پشتویی) ۳۶/۷ درصد تاجیکی، ۶ درصدازبکی ۳ در صد هزاره و ۱/۱ درصدسایرملل میباشند.

حکومت افغانستان مشروطهاست و قوهٔ مقننه بهیك پارلمان مشترك واگذار شده است سنا با ۵۰ نفرعضو که از طرف شاه تعیین میگردند وشورای ملی که اعضاء آن انتخابیمیباشند. شاه فعلی افغانستان **محمد ظاهرشاه** است که در ۱۵ اکتبر ۱۹۱۴ متولد شده ودر ۸ نوامبر ۱۹۳۳ پس ازکشتهشدن پدرش محمدنادرشاه به تخت نشست. نخستوزیرفعلی افغانستان مسؤول مجلس وشاه کشوراست. تمام مردان افغانی از ۲۰ سال به بالاحق رای دارند.



آرم کشور اتریش

درانیان.

احمدخان ابدالی از سپاهیـان نادرشاه بعداز مرگ وی به میان قبیلهٔ درانی رفت و بهکمك آنان بهقندهار و کابل وهرات دستیافت ودولت افغانستان کنونی را بوجود آورد که البته قلمرو فعلی باقبلی تفاوت دارد. افغانستان برای حفظ استقلال خود به جنگهای خونینی دست زده وامرای آن تا آغاز این قرن دستخوش سیاستهای قوی خارجی بودهولی اینك باحفظ بیطرفی درراه رشداقتصادی واجتماعی گام میزند.

سلاطین افغانستان عبارتنداز:

۱ــ **احمد شاه** ابدالی (از ۱۱۶۰ هق).

۲ــ **تیمور** پسر احمدشاه. (۱۱۸۷ هق).

۳ــ **زمانشاه** پسرتیمور. (۱۲۰۷ هق).

۴ــ **شاهشجاع** پسرتیمور (۱۲۱۶ هق).

۵ــ **محمودشاه** پسرتیمور. (۱۲۱۶ هق).

۶ــ **شاهشجاع** (مجدداً). (۱۲۱۸ هق).

۷ــ **محمودشاه** (مجدداً). (۱۲۲۴ هق).

۸ــ **علیشاه** پسرتیمور. (۱۲۳۳ هق).

۹ــ **ایوبشاه** پسر تیمور. (۱۲۳۳ هق درکشمیر).

۱۰ــ **کامران** پسرمحمود. (۱۲۴۵ هق درهرات).

۱۱ــ **دوستمحمودخان**. (۱۲۴۲ هق).

۱۲ــ **شیرعلیخان** پسر دوستمحمد. (۱۲۸۰ هق).

۱۳ــ **یعقوبخان** پسرشیرعلی. (۱۲۹۶ هق).

۱۴ ــ **عبدالرحمن خان** پسرافضلخان. (۱۲۹۶ هق).

۱۵ــ **حبیبالله خان** پسرعبدالرحمنخان. (۱۳۱۹ هق).

۱۶ــ **امانالله خان** پسر حبیبالله خان. (۱۳۳۷ هق).



آرم کشور افغانستان

۱۷ــ **محمدظاهرشاه** پسر امان‌الله‌خان. پادشاه فعلی.



رم کشور اکوادر

اکوادر. Ecuador.

در سال ۱۵۳۴ اسپانیاییان براین سرزمین دست‌یافتندوتاآغاز قرن‌نوزدهم به تاراج‌آن پرداختند . در این هنگام مستعمره نشینان برای به‌دست آوردن استقلال خویش بپاخاستند ونخست دست حکمرانان اسپانیایی را کوتاه کردند و سپس از جمهوری کلمبیا جدا شدند (۱۸۳۰م) ازآن‌پس کشمکش‌باهمسایگان وجنگهای خانگی گاه‌بیگاه آرامش آن را برهم‌زده است.

دراین کشور رییس‌جمهور ازطرف ملت‌برای مدت‌چهارسال‌انتخاب‌می‌شود.

کنگره ازسنا و مجلس نمایندگان تشکیل‌یافته است .

الجزایر. Algerie.

این‌سرزمین‌مسکن‌مردمی‌ازنژادهای گوناگون‌است. ساکنان‌اولیهٔ آن‌ازنگیان جنوبی‌وبربرها تشکیل میدادند.الجزایر یك چندجزیی‌ازقلمرودولت‌های‌فنیقی‌بود، سپس به‌تصرف رومیان‌درآمد وازآن‌پس به دست مسلمانان افتاد ومردمش اسلام آوردند ولی دیری نپایید‌که سلسله‌های **المرابطین، الموحدین وبنی‌زیان**رادر شمال غربی آفریقا بنیان‌نهاد. در آغاز قرن شانزدهم‌مسیحیان اسپانیا برسواحل آنجا دست یافته بودندولی مردی به نام **اروج بربروسه**آنانرا از سواحل‌آفریقا بیرون راند وبرتونس و الجزایر مسلط شد (۹۲۲ق) وبرای برادرش**خیرالدین** مقام بیگلربیگی الجزایر را از سلطان عثمانی‌گرفت (۹۵۰ق) واز آن پس تا یکصد وپنجاه سال حکمرانان آنجا را سلطان عثمانی می‌فرستاد تاآنکه عزل‌و نصب وامرونهی پاشایان الجزایر به‌دست فرماندهان سپاهیان ترك‌افتـاد وسرانجام یکباره‌حذف‌شد وفرماندهان‌ترك‌عهده‌دار حکومت شدند.



م کشور اندونزی

فرانسویان در سال ۱۲۴۶ق‌به‌این سرزمین حمله کردند و پس از سه هفته جنگ خونین ترکها تسلیم‌شدندولی‌مردم به رهبری **امیرعبدالقادر** در برابر فرانسویان‌پایداری‌کردند، پس‌ازشکست این‌مقاومت درسال۱۸۵۲ انقلابی‌دیگر تابیست‌سال‌دوام‌یافت وآتش‌این‌مبارزات هرگز خاموش نگردید تا آنکه پس از



م کشور انگلیس

جنگ‌جهانی دوم مردم الجزایروقتی از تظاهرات مسالمت‌آمیز خویش برای به دست آوردن‌آزادی واستقلال ملی‌نتیجه نگرفتند درسال۱۹۵۴ جبههٔ آزادیبخش الجزایر راایجادکردند وبه‌قیام مسلحانه دست‌زدند وموجب‌انحلال جمهوری‌چهارم فرانسه وروی‌کارآمدن‌ژنرال **دوگل** در فرانسه‌گردید واوسرنوشت‌آن‌سرزمین‌را به‌آراء عمومی‌مردمش‌واگذاشت و سرـ انجام‌درسال۱۹۶۱ میهن‌پرستان‌الجزایر پیروزشدندواستقلال سیاسی میهن خودرا به‌دست آوردند . **احمد بن‌خده** رییس جمهوری شد وسال بعد **احمدبن‌بلا** جای اورا گرفت وسپس‌درسال۱۹۶۵ **بومدین** باکودتایی‌روی‌کارآمدوبن‌بلا رابه‌زندان افکند .

بنی زیان.

(۶۳۳ــ۷۹۶هق)

نام سلسله‌یی‌ازامرای الجزایراست که‌پایتخت‌آنها درشهر **تلمان** قرارداشت ومؤسس‌این سلسله **یغمربن بنی‌زیان** بود وسرانجام به‌دست**بنی مرین** منقرض‌شد .

بنی حماد.

(۴۳۸ــ۵۴۷ هق)

نه تن از این سلسله در الجزایـر حکومت کردند و سرانجام قلمروشان‌به دست **الموحدین** افتاد .

السالوادور. Elsalvador

کشوری است درآمریکای مرکزی پایتخت آن **سان سالوادر** ومساحت آن ۲۱۳۰۸ کیلو متر مربع و جمعیت آن ۲۳۵۰۰۰۰ تن‌است، ازمغرب‌به**گواتمالا** واز شمال شرقی به هندوراس واز جنوب غربی بـه اقیانوس کبیر محـدود است وکوچکترین‌جمهوریهای آمریکای‌لاتین است،دورشتهٔ‌کوه آتشفشان‌کم‌وبیش‌موازی ازغرب به شرق آن‌ممتد است وبین‌آنها دره‌های حاصلخیزی قراردارد، مملکت فلاحتی نسبتـاً پر رونقی است محصول اقتصادی عمدهٔ آن قهوه است در سالهای اخیر پنبه از صادرات عمدهٔ آن‌گردیده صنعت عمدهٔ آن نساجی است .

دردورهٔ کشور گشایی اسپانیا، این ناحیه‌تحت حکومت**گواتمالا** قرارگرفت و بعـد از انتزاع اسپانیا چندی جـزو امپراتوری **ایتوربیده** بود در سالهای (۱۸۲۵ــ۳۸ م) جزء اتحادیهٔ‌آمریکای مرکزی‌بود. درسال۱۹۴۵ به‌سازمان‌ملل پیوست ازسال ۱۹۴۴ به بعدکودتاهای متعددی در آن روی داددر سال ۱۹۶۲ قانون اساسی‌جدیدی‌به‌موقع اجراگذاشته شدو سرهنگ **ریورا** رییس جمهور شد .

اندونزی Indonesie

تامارس۱۹۴۲ اندونزی‌متعلق‌به‌دولت هلند ،بوداز۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ تحت‌اشغال قوای ژاپن درآمد . در۱۷اوت ۱۹۴۵ ناسیونـالیست‌ها به رهبری دکتر **احمد سوکارنو و دکتر حتا** اعـلام جمهوری کردند ، چهارسال بین نیروهای هلند و اندونزی جنگ‌بود تااینکه‌در ۲ نوامبر ۱۹۴۹ موافقت‌نامه‌ای‌امضاءشدوهمهٔ‌سرـ زمین‌اندونزی به‌جزگینهٔ‌جدیدبه‌حکومت موقت «جمهوری‌ایالات متحدهٔ‌اندونزی» واگذار گردید. د ۱۶ دسامبر ۱۹۴۹ دکتر سوکارنو به‌ریاست جمهوری‌انتخاب گردید. درسال۱۹۵۰ نام‌کشوراندونزی به‌جمهوری اندونزی تبدیل شد ودر۲۹ سپتامبر ۱۹۵۰ این‌کشور هفتمین عضو سازمان ملل‌شد. اولین‌پارلمان‌اندونزی درسپتامبر ۱۹۵۵ انتخاب گردید، عدهٔ نمایندگان‌مجلس۲۶۳ نفربودند.از۱۹۵۲ تا۱۹۵۷ شورشهایی‌درسوماترا وجزایر دیگر به‌وجودآمد. در۹ آوریل۱۹۵۷ نخست‌وزیرعلی ساسترو آمیدجوجومجبور به‌استعفا شد وپرزیدنت سوکارنو دکتـر **جواندا**رابه‌نخست وزیـری برگزید در انتخابات ۱۹۵۷ کمونیستها موفقیت‌ـ های‌زیادی‌به دست‌آوردند،سرهنگ‌احمد حسین درسوماترا شورش به پاکرد و در ۱۰ فوریـهٔ ۱۹۵۸ شورای انقـلاب از حکومت مرکزی‌تقاضای تشکیل‌کابینه‌ای راکرد‌که ازنفوذکمونیستها برکنارباشد پس از انقضای مدت اولتیماتوم در ۱۵ فوریه درپادانك حکومت‌انقلابی تشکیل گردید واخیراً هم‌حکومت دکترسوکارنو بـا کودتای **سوهارتو** سرنگون گشت و اکنون سوهارتوکفالت ریاست جمهوری راعهده‌دار است .

بریتانیای کبیر Grande Bretagne

انگلستان واسکاتلند وایرلندشمالی **بریتانیای کبیر وایرلند** را تـشکیـل می‌دهند .

در اوایـل قرن پنـجم رومیها از انگلستان‌خارج شدند واین کشور قریب به دو قرن مور دهجوم ژرمنها بود تا اواخرقرن ششم مـردم اصلی آن یعنی سلتها مجدداً به‌کشور خـویش‌بازگشتند وایالات‌مستقل‌تشکیل‌دادندوبرای‌اولین‌بار

درسال ۸۲۹ **اگبرت** را به‌عنوان‌شاهنشاه برگزیدند باوجود هجوم‌نورمانها تا ۹۹۱ استقلال انگلیسیها حفظ‌شددر این سال ، انگلیس زیر نفوذ شاهان دانمارك‌قرار گرفت وقریب ۲۶ سال دردست آنها بود ولی ازسال ۱۰۶۶ میلادی حکومت به دست **نورمانها** افتاد وتاسال ۱۱۵۴ حکومت آنها ادامه داشت،بعداز نورمانهاسلطنت به‌خاندان **پلانتاژنه** رسیددرزمان‌حکومت این خاندان **مجلس عوام** بوجود آمد، بین سالهای ۱۳۳۷ تا ۱۴۵۳ جنگهای معروف‌به **صدساله** بین انگلستان‌وفرانسه روی داد .

دورهٔ خاندان **تودور** که‌از ۱۴۸۵ تا ۱۵۵۸ ادامه داشت ازادوار مشعشع تاریخ انگلستان است .

دردورهٔ سلطنت خاندان **استوارت** انقلاب بزرگی درانگلستان روی دادکه منجر به‌اعدام **چارلز** اول گردیدونتیجهٔ انقلاب سال ۱۶۸۸ ، اتحاد پارلمانهای انگلستان واسکاتلند وجنگ صدسالهٔدوم بافرانسه‌بودکه به‌این وسیله دست‌فرانسه از آمریکای‌شمالی کوتاه شد ودرداخل، تفوق مجلس مسلم شدوازآن تاریخ‌دولت پارلمانی تشکیل شد .

سررابرت **والپول** به عنوان اولین نخست وزیر بریتانیای‌کبیر از ۱۷۲۱ برای مدت ۲۱ سال روی کاربود .

درقرن‌نوزده میلادی حزب **لیبرال** تشکیل‌شدکه **حزب‌محافظه‌کار** به‌رهبری رابرت **پیل** ازآن منشعب شده است .

درسال ۱۹۰۰ حزب کارگربوجود آمـد .

انگلستان دردوجنگ جهانی اول و دوم شرکت داشت‌از **جنگ جهانی اول** . انگلستان دچارقروض جنگ شدوایرلند دراین دوره به‌استقلال‌رسید .

جنگ‌جهانی‌دوم نیزدست‌انگلستان راازهندکوتاه کرد .

چرچیل نخست‌وزیرائتلافی‌دوران جنگ بود، درسال ۱۹۴۵ میلادی **اتلی** ازحزب کارگرزمام امور را به‌دست‌گرفت درسال ۱۹۵۱ دوباره **چرچیل** ودرسال ۱۹۵۵ **ایدن** ودرسال ۱۹۵۷ **مکمیلن** از حزب محافظه‌کارروی‌کار آمدند.

درسال ۱۹۵۳ بریتانیاچندین‌سلاح اتمی‌ساخت‌ودرسال ۱۹۵۶ اولین‌کارخانهٔ نیروی هسته‌ای‌درآن‌افتتاح شد.

شخصیت‌های تاریخ انگلستان

نام	خاندان	سالها
۱ ــ **اگبرت،**	«ساکسون‌غربی» .	(۸۲۹ــ۸۳۹ م).
۲ ــ **اثلولف،**	«ساکسون‌غربی» .	(۸۳۹ــ۸۵۸ م).
۳ ــ **اثلباله ،**	«ساکسون‌غربی» .	(۸۵۸ــ۸۶۰ م).
۴ ــ **اثلبرت،**	«ساکسون‌غربی» .	(۸۶۰ــ۸۶۶ م).
۵ ــ **اثلرداول،**	«ساکسون‌غربی» .	(۸۶۶ــ۸۷۱ م).
۶ ــ **آلفردکبیر،**	«ساکسون‌غربی» .	(۸۷۱ــ۸۹۹ م).
۷ ــ **ادواردمهین،**	«ساکسون‌غربی» .	(۸۹۹ــ۹۲۴ م).
۸ ــ **اثلستن،**	«ساکسون‌غربی».	(۹۲۴ــ۹۴۰ م).
۹ ــ **ادموند،**	«ساکسون‌غربی».	(۹۴۰ــ۹۴۶ م).
۱۰ــ **ادرد،**	«ساکسون‌غربی».	(۹۴۶ــ۹۵۵ م).
۱۱ــ **ادوی،**	«ساکسون‌غربی» .	(۹۵۵ــ۹۵۹ م).
۱۲ــ **ادگر،**	«ساکسون‌غربی».	(۹۵۹ــ۹۷۵ م).
۱۳ــ **ادواردشهید،**	«ساکسون‌غربی».	(۹۷۵ــ۹۷۸ م).
۱۴ــ **اثلرد دوم،**	«ساکسون‌غربی».	(۹۷۸ــ۱۰۱۶م).
۱۵ــ **ادموندآیرنساید،**	«ساکسون‌غربی».	(۱۰۱۶م).
۱۶ــ **کنوت،**	«دانمارکی».	(۱۰۱۶ــ۱۰۳۵م).
۱۷ــ **هرلداول،**	«دانمارکی».	(۱۰۳۵ــ۱۰۴۰م).
۱۸ــ **هاردیکنوت،**	«دانمارکی» .	(۱۰۴۰ــ۱۰۴۲م).
۱۹ــ **ادواردخستوان،**	«ساکسون‌غربی».	(۱۰۴۲ــ۱۰۶۶م).
۲۰ــ **هرلددوم،**	«ساکسون‌غربی».	(۱۰۶۶م).
۲۱ــ **ویلیام‌اول،**	«نورمان».	(۱۰۶۶ــ۱۰۸۷م).
۲۲ــ **ویلیام‌دوم،**	«نورمان»	(۱۰۸۷ــ۱۱۰۰م).
۲۳ــ **هنری‌اول،**	«نورمان».	(۱۱۰۰ــ۱۱۳۵م).
۲۴ــ **ستیون،**	«نورمان».	(۱۱۳۵ــ۱۱۵۴م).
۲۵ــ **هنری دوم،**	«پلانتاژنه» .	(۱۱۵۴ــ۱۱۸۹م).
۲۶ــ **ریچارداول،**	«پلانتاژنه».	(۱۱۸۹ــ۱۱۹۹م).
۲۷ــ **جان‌لکلند،**	«پلانتاژنه».	(۱۱۹۹ــ۱۲۱۶م).
۲۸ــ **هنری سوم.**	«پلانتاژنه».	(۱۲۱۶ــ۱۲۷۲م).
۲۹ــ **ادواردادول،**	«پلانتاژنه».	(۱۲۷۲ــ۱۳۰۷م).
۳۰ــ **ادوارددوم،**	«پلانتاژنه»	(۱۳۰۷ــ۱۳۲۷م).
۳۱ــ **ادواردسوم،**	«پلانتاژنه».	(۱۳۲۷ــ۱۳۷۷م).
۳۲ــ **ریچارددوم،**	«پلانتاژنه»	(۱۳۷۷ــ۱۳۹۹م).
۳۳ــ **هنری‌چهارم،**	«لنکستر»	(۱۳۹۹ــ۱۴۱۳م).
۳۴ــ **هنری‌پنجم،**	«لنکستر».	(۱۴۱۳ــ۱۴۲۲م).
۳۵ــ **هنری‌ششم،**	«لنکستر».	(۱۴۲۲ــ۱۴۶۱م).
۳۶ــ **ادواردچهارم،**	«یورك»	(۱۴۶۱ــ۱۴۷۰م).
۳۷ــ **هنری‌ششم،**(مکرر)	«لنکستر».	(۱۴۷۰ــ۱۴۷۱م).
۳۸ــ **ادواردچهارم،**(مکرر)	«یورك»	(۱۴۷۱ــ۱۴۸۳م).
۳۹ــ **ادواردپنجم،**	«یورك»	(۱۴۸۳م).
۴۰ــ **ریچاردسوم،**	«یورك».	(۱۴۸۳ ــ۱۴۸۵م).
۴۱ــ **هنری‌هفتم،**	«تودور».	(۱۴۸۵ــ۱۵۰۹م).
۴۲ــ **هنری‌هشتم،**	«تودور».	(۱۵۰۹ــ۱۵۴۷م).
۴۳ــ **ادوارد ششم،**	«تودور».	(۱۵۴۷ــ۱۵۵۳م).
۴۴ــ **ماری‌تودور،**	«تودور»	(۱۵۵۳ــ۱۵۵۸م).
۴۵ــ **الیزابت‌اول،**	«تودور»	(۱۵۵۸ــ۱۶۰۳م).

امپراتوران بریتانیای‌کبیر

نام	خاندان	سالها
۴۶ــ **جیمزاول،**	«استوارت».	(۱۶۰۳ــ۱۶۲۵م).

۴۷_ **چارلز اول،** «استوارت». (۱۶۲۵–۱۶۴۹م).
۴۸_ **حکومت سرپرستی ملل مشترک المنافع.** (۱۶۴۹–۱۶۶۰م).
۴۹_ **چارلز دوم،** «استوارت». (۱۶۶۰–۱۶۸۵م).
۵۰_ **جیمز دوم،** «استوارت». (۱۶۸۵–۱۶۸۸م).
۵۱_ **ویلیام سوم و مری دوم،** «استوارت». (۱۶۸۸–۱۷۰۲م).
۵۲_ **آن استوارت،** «استوارت». (۱۷۰۲–۱۷۱۴م).
۵۳_ **جورج اول،** «هانوور». (۱۷۱۴–۱۷۲۷م).
۵۴_ **جورج دوم،** «هانوور». (۱۷۲۷–۱۷۶۰م).
۵۵- **جورج سوم،** «هانوور». (۱۷۶۰–۱۸۲۰م).
۵۶_ **جورج چهارم،** «هانوور». (۱۸۲۰–۱۸۳۰م).
۵۷_ **ویلیام چهارم،** «هانوور». (۱۸۳۰–۱۸۳۷م).
۵۸_ **ویکتوریا،** «هانوور». (۱۸۳۷–۱۹۰۱م).
۵۹_ **ادوارد هفتم،** «ساکس، کوبورگ، گوتا» (۱۹۰۱–۱۹۱۰م).
۶۰_ **جورج پنجم،** «وینزر». (۱۹۱۰–۱۹۳۶م).
۶۱_ **ادوارد هشتم،** «وینزر». (۱۹۳۶م).
۶۲_ **جورج ششم،** «وینزر». (۱۹۳۶–۱۹۵۲م).



۶۳_ **الیزابت دوم،** «وینزر». (از ۱۹۵۲م). که تاکنون بر تمام امپراتوری بریتانیای کبیر حکومت می‌کند

اوروگوئه. Uruguay.

اوروگوئه که زمانی جزء حکومت اسپانیایی نایب السلطنه **ریودولاپلاتا** و مدتی هم در شمار یکی از ایالات **برزیل** بود در سال ۱۸۲۵ میلادی استقلال یافت و استقلال این کشور ضمن قراردادی با برزیل و آرژانتین تضمین گردید.



آرم کشور اوروگوئه

اولین قانون اساسی در سال ۱۸۳۰ تدوین گشت. قانون اساسی فعلی در سال ۱۹۳۴ اعلام گردید و در سال ۱۹۵۲ اصلاحاتی در آن بعمل آمد. رییس جمهوری در رأس یك شورای معاونین ۹ نفری است. نمایندگان مجلس نمایندگان و مجلس سنا هریك به مدت چهار سال با آراء عمومی انتخاب می‌شوند. در قانون اساسی موادی در بارهٔ مستمری سالمندان، بهداشت کودکان، مراقبت و توجه دولت نسبت به مادران، کمك رایگان طبی به مستمندان، بیمهٔ کارگران در برابر حوادث، تهیهٔ خانه‌های ارزان جهت سکونت زحمتکشان، هشت ساعت کار در روز و ۶ روز کار در هفته، تعیین حداقل دستمزد، توجه مخصوصی به زنان کارگر و کارگران معدن موجود است. قانون اساسی حق اعتصاب و تشکیل اتحادیه‌ها را برای کارگران به رسمیت میشناسد. درحال حاضر حزب **کلورادو** در رأس حکومت قرار دارد و **آلبرتو زوبیریا** رییس شورای ملی (رییس جمهور) از سال ۱۹۵۶ به این سمت انتخاب گردیده است.



آرم ایالات متحدهٔ آمریکا

ایالات متحدهٔ آمریکا Etats-unis

مردم بومی آمریکا را سرخ پوستانی تشکیل می‌دهند که در چادرها و کلبه ها زندگی آرامی داشتند، جشنها و آداب و رسوم و اعتقادات آنها ساده، جالب و پر از احساس دوستی است.

پس از کشف آمریکا در قرن ۱۵ و ۱۶، سیل مهاجرین انگلیسی و فرانسوی بسوی این قارهٔ جدید روان شد، کاروانها مرکب از جنایتکاران و ورشکستگان و مطرودین اجتماعی بود. آنها در هر گوشه و کنار این قارهٔ پر برکت به کشت و زرع مشغول شدند، فرزندان این مهاجرین که آمریکا زادگاهشان بود، آمریکا را میهن خود می‌دانستند و خود را امریکایی می‌خواندند آنها نمی‌خواستند چون پدرانشان خود محصول رنج و زحمت خود را ارزان به انگلیس و فرانسه بفروشند ولی بر عکس دولت انگلیس هر روز بر فشار خود می‌افزود.

آمریکاییها در سال ۱۷۵۴ میلادی برای اولین بار کنگره‌ای تشکیل دادند و طبق آن یك کشور فدرال بوجود آوردند. دومین کنگره در سال ۱۷۶۵ تحت عنوان اعتراض به قانون تمبر و انحصار تجارت دریایی انگلیس تشکیل شد.

در سال ۱۷۷۵ مردم عملاً قیام کردند و نمایندگانشان در فیلادلفیا جمع شدند و بالاخره در چهاردهم ژوئیهٔ ۱۷۷۶ اعلامیهٔ استقلال آمریکا را تصویب کردند و در واقع نخستین اعلامیهٔ حقوق بشر را منتشر کردند، ملت جوان آمریکا در سایهٔ تعالیم درست و آزادی و در کشوری زرخیز و صنعتی پیشرفت فراوان کردند.

در جنگ استقلال آمریکا شخصیتهایی چون **ژرژ واشنگتون، توم پین، جفرسون** و فرانکلین قد علم کردند و آزادی و استقلال کشورخویش را بازخریدند.

به موجب قانون اساسی مصوب ۱۷۸۷ میلادی هر یك از ایالتهای آمریکا در مسایل داخلی استقلال دارند و تنها در سیاست عمومی و قشون و تجارت خارجی و گمرك تابع رییس جمهور هستند و شخص رییس جمهور فرماندهٔ کل قوا و امضاءکنندهٔ قراردادها است.

هر ایالت دو نفر سناتور و به نسبت جمعیت دارای نمایندگان شورا است که افراد مردم مستقیماً انتخاب می‌کنند و حال آنکه انتخاب سناتورها توسط مجالس مقننهٔ ایالتی صورت می‌گیرد.

مقام ممتاز **دیوان عالی** بر کلیهٔ شئون مملکت از قبیل، اختلاف کنگره و رییس جمهور، قوانین مصوبه و غیره نظارت می‌کند تعداد افراد این دادگاه ۹ نفر عضو دارد که افراد آن برای تمام عمر از طرف رییس جمهور انتخاب می‌شوند.

تعداد ایالتهای آمریکا به ۵۰ رسیده و وضع اقتصادی این کشور پهناور بطور سرسام آوری ترقی کرده است.

در جنگ جهانی ۱۹۱۷ ایالات متحده به هواداری انگلیس بر ضد آلمان نازی وارد جنگ شد و در جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۲ شرکت مستقیم داشت و با بمباران اتمی در منطقهٔ **هیروشیما و ناکازاکی** در سال ۱۹۴۵ به جنگ ژاپن پایان بخشید با اجرای برنامهٔ **مارشال و اصل ۴ ترومن** اقتصاد وسیاست غالب کشورها را در دست گرفت.

از جنگهای نافرجام **چین ملی و کره** به حیثیت خود لطمه وارد آورد، جنایات اختلاف نژادی و کشته شدن **کندی** و دکتر **لوتر کینگ** نیز برای دولت آمریکا جبران ناپذیر است.

آمریکا در جنگ **ویتنام** شرکت کرده و سالهای درازی است که از عهدهٔ آن بر نیامده و معلوم نیست این جنگ و اینهمه تلفات برای آمریکا چه ثمری خواهد داشت ولی

درهر حال چه موفق شود وچه شکست بخورد هردو به‌ضرر آمریکا است .

باهمهٔ اینها، باز آمریکا، از بزرگترین قدرتهای نظامی واقتصادی وصنعتی جهان است .

رؤسای جمهور آمریکا

به بخش سیاست مراجعه شود .

ایتالیا .

تاریخ ایتالیای جدید بعد ازجنگ ۱۸۵۹ شروع می‌شود. دراین‌سال **لومباردی** به ویکتور امانوئل دوم پادشاه ساردنی واگذار گردید بعدازجنگ جهانی اول در۲۳ مارس ۱۹۱۹ نهضت‌فاشیسم تحت رهبری **موسولینی** علیه کمونیسم و سوسیالیسم به‌وجود آمد در ۲۸ اکتبر ۱۹۲۲ فاشیست‌ها سرکار آمدندوموسولینی حاکم‌مطلق‌العنان‌ایتالیا گردید. موسولینی به‌حبشه حمله کردوبعد به محور برلن ـ توکیو پیوست .

در جنگ داخلی اسپانیا به نفع **فرانکو** وعلیه جمهوریخواهان نیروفرستاد بعد ازخاتمهٔ جنگ دوم‌جهانی موسولینی در ۲۸ آوریل ۱۹۴۵ به‌وسیلهٔ دسته‌ای ازپارتیزانها به‌هلاکت رسید.

ویکتور **امانوئل سوم** خلع‌وپسرش به‌سلطنت رسید، در انتخابات عمومی ۲ ـ ۳ ژوئن ۱۹۴۶ مردم به نفع جمهوری‌رأی دادند وآلسید **دوگاسپری** رییس‌حکومت گردید،مجمع‌قانون‌گزاری انریکو **دونیکولا** را به‌ریاست جمهوری برگزید وبعد ازاواز ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۵ لوئیجی **اینودی** رییس‌جمهور شد ودر۲۹ آوریل ۱۹۵۵ جیووانی **گرونکی** ازحزب دموکرات مسیحی به ریاست جمهوری انتخاب‌شد. طبق‌قانون اساسی ۱۹۴۸ برای هر ۲۰۰۰۰۰ نفر یکنفر سناتور درسنا شرکت میکند (تعداد اعضای مجلس‌سنا اکنون ۲۵۲ نفراست) دورهٔ سناشش‌سال است وشش‌نفرازاعضای‌سنا برای تمام‌عمر انتخاب‌میگردندواین‌شش نفربایدازرییس جمهورهای سابق باشند .

عدهٔ‌اعضای‌مجلس نمایندگان‌اکنون ۵۹۶ نفر(به‌نسبت‌هر ۸۰۰۰۰ نفرجمعیت یک‌نفر) ومدت‌آن ۵ سال‌است اعضای حزب فاشیست حق‌انتخاب‌شدن ندارند. ایتالیا در ۱۴ دسامبر ۱۹۵۵ به‌عضویت سازمان ملل‌پذیرفته‌شد. ایتالیا عضو **پیمان‌ناتو** نیز میباشد .

ایرلند . Irland

قانون اساسی مصوبهٔ ۲۹ دسامبر ۱۹۳۷ استقلال ایرلند رااعلام کرد ودر۱۸ آوریل ۱۹۴۹ کاملاآزاد گردید. رییس‌جمهورازطرف‌مردم مستقیماً برای هفت سال انتخاب میگردد. مجلس نمایندگان ۱۴۷ عضو داردکه ازطرف مردم انتخاب میگردند ومجلس سنا ۶۰ نماینده داردکه ۱۱ نفرآنان را نخست وزیرکه‌رییس‌حکومت‌است انتخاب‌میکند واز۴۹ نمایندهٔ‌باقیمانده ۶ نفرشان به‌وسیلهٔ دانشگاهها انتخاب میگردند ، و بقیه راصنوف‌دیگراجتماع برمیگزینند ، سناقوانین رامورد رسیدگی قرارداده و اصلاح‌می‌کندولی‌حق‌وتوندارد قوهٔ‌اجراییه دردست حکومت است رییس جمهور، با مشورت نخست‌وزیرمیتواندمجلس‌رامنحل کند. قوانین به‌توشیح‌رییس‌جمهورمیرسید.

ایرلند شمالی دست انگلیسیهااست ولی ایرلند جنوبی مستقل وپایتخت آن **دوبلین** است .

ایسلند Island.

ایسلند از ۹۳۰ تا ۱۲۶۲ جمهوری مستقل بود در ۱۲۶۲ به نروژ ملحق شد در ۱۳۸۰ نروژ و ایسلند تحت سلطهٔ دانمارك درآمد در ۱۸۱۴ نروژ ازدانمارك جدا شدولی‌ایسلند باقی‌ماندتا در ۱۹۱۸ به‌عنوان یك کشور بیطرف‌به وسیلهٔ شاه‌دانمارك اداره میشد وبالاخره درسال ۱۹۴۴ به‌صورت جمهوری مستقل درآمد، ایسلند از۲۳تا۳۸ژوئن۱۹۳۰ هزارمین سالگرد **آلتینك** قدیمترین‌مجمع پارلمانی جهان را جشن گرفت. عدهٔ نمایندگان‌آلتینك متغیراز ۵۲ نفربیشتر نیست . نخست وزیر وکابینهٔ اودر مقابل آلتینك مسؤول هستند،مردان وزنان‌که ۲۱ سال داشته‌باشندمیتوانند رأی‌بدهند در سال ۱۹۴۹ به‌پیمان ناتو پیوست .

برزیل Brésil

درسال ۱۵۰۰ کابرال واردسواحل برزیل شد. و در ۱۵۰۹ مؤسس حقیقی برزیل دراین سرزمین مستقرگردید. در ۱۸۰۸ ژان‌ششم پادشاه پرتغال به‌برزیل گریخت وتا ۱۸۲۰ درآنجا اقامت‌گزید، در۱۸۲۲ پسرش **دون‌پدرو** استقلال برزیل رااعلام‌کرد. پس ازاو **دون‌پدروی‌دوم** امپراتور برزیل‌شد درانقلاب ۱۵ نوامبر ۱۸۸۹ اوازسلطنت‌خلع شدودراین‌کشور رژیم جمهوری برقرارشد در ۱۹۳۰ **وارگاس** رییس جمهور شد، وارگاس‌در ۱۹۴۵ ازکاربرکنارگردید ودراوت‌همان سال خودکشی نمود. طبق قانون اساسی برزیل، دورهٔ ریاست جمهوری ۵ سال است، پارلمان برزیل ازدومجمع‌تشکیل یافته : دورهٔ‌سنا ۸ سال‌ودورهٔ مجلس نمایندگان ۴ سال میباشد . این‌کشور در سال ۱۹۴۵ به‌سازمان ملل پیوست .

شخصیت‌های بزرگ تاریخ برزیل .

۱ ـ و. ی ـ **پینئون**(کاشف ساحل‌شمالی برزیل).

۲ ـ پ ـ آ ـ **کابرال** . (کاشف پرتغالی برزیل).

۳ ـ **پدروی اول** . « اولین امپراتور برزیل»(۱۸۲۲ ـ ۱۸۳۱ م).

۴ ـ **پدروی دوم**(۱۸۳۱ ـ ۱۸۸۹م)

۵ ـ ژتولیو **وارگاس** .
(۱۹۳۰ ـ ۱۹۴۵ م)

۶ ـ **اومبرتو، کاستلو بارانکو** . (از ۱۹۶۴ م).

برمه Birmanie

بومیان برمه مردمی ازنژاد چین هستندکه در قرن هفتم‌میلادی‌به‌این‌سرزمین‌آمده‌اند ، درقرن نهم برای اولین بارکشور کوچکی در**پاگان** تشکیل دادند **آناورانا** ، درقرن یازدهم میلادی حکومت این مرز را واحدکرده و دین **بودا** رابین آنهارایج کرد .

در قرن سیزده‌برمه‌مغلوب‌خان مغول (قوبیلای‌قاآن) شد . و سلسلهٔ‌پاگان منقرض‌گردید . تاقرن ۱۶ هرایالت‌برمه حکومتی جدا داشت و بعداز یك قرن حکومت تونگوها درسال ۱۷۵۲ میلادی **آلائونگپایا** ایالات رامتحدکرد وسلسله آلائونگپایا راشرکت هندشرقی بعد از ۷۵ سال‌حکومت منقرض‌کرد .

برمه از این‌سال تحت نفوذکمپانی هند شرقی قرارگرفت واز۱۸۸۵ تا ۱۹۳۷ جزوی ازهند بریتانیا محسوب می‌شد . در اول آوریل ۱۹۳۷ برمه ازهندوستان‌انگلیس‌جداگشته وحکومت خودمختاری‌درداخل‌کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیا تشکیل داد . وبالاخره در۱۹۴۸ کاملاً مستقل‌شده وازکامنولث نیزبیرون‌رفت برمه‌در۱۹۴۸ به‌عضویت سازمان ملل (پنجاه و هشتمین عضو) پذیرفته شد، طبق قانون اساسی ۱۹۴۷ پارلمان برمه ازدومجلس تشکیل یافته است ودورهٔ آن چهارسال میباشد مجلس



آرم کشور ایتالیا



آرم کشور ایسلند



آرم کشور برزیل



آرم کشور برمه



آرم کشور بلغارستان

نمایندگان دارای ۲۵۰ عضو می‌باشد . وعدهٔ اعضای‌مجلس ملی ۱۲۵ نفر است.

انتخاب رییس‌جمهور ازوظایف پارلمان است ودورهٔ ریاست‌جمهوری ۵ سال می‌باشد وهر رییس‌جمهور بیش ازدودوره نمیتواند به‌این سمت انتخاب گردد .

رییس جمهوری دارای حق وتو نمی‌باشد .

بلغارستان . Bulgarie

بلغارها از نژاد اسلاو می‌باشند که درقرن هفتم‌هجری دراین سرزمین‌مسکن گزیدند. و درقرن دهم به مذهب مسیح گرویدند. ترک‌ها بلغارستان رادر۱۳۹۳ اشغال کردند . در۱۸۷۸ شاهزاده‌نشین بلغار تشکیل گردیدودر۱۹۰۸ بلغارستان کاملاً مستقل گردیدو**سزارفردیناندادل** به‌سلطنت‌این کشوررسید .درجنگ‌جهانی دوم‌نیز بلغارستان‌بامحورهمکاری وقسمت مهمی ازشبه‌جزیرهٔ بالکان‌را به تصرف‌در آورد. در۱۹۴۴ بلغارستان ازجنگ‌خارج شد و ارتش شوروی این‌کشور را اشغال نمود، در ۸سپتامبر۱۹۴۶ رژیم‌سلطنتی الغاءگردید و بلغارستان جزوکشورهای جمهوری سوسیالیستی درآمد.طبق‌قانون اساسی۴دسامبر۱۹۴۷ مجمع‌ملی‌عالیترین ارگان حکومتی‌می‌باشد.دورهٔ مجمع ملی چهار سال‌است و این مجمع هیئت رییسه (پرزیدیوم)ونخست‌وزیررااانتخاب‌میکند بلغارستان‌در۱۴دسامبر۱۹۵۵ به‌عضویت سازمان ملل پذیرفته‌گردید .



آرم کشور بلژیک

شخصیت‌های تاریخ بلغار

الکساندر . (۱۸۷۹ ـ ۱۸۸۶)
فردیناند. (۱۸۸۷ ـ ۱۹۱۸م)
بوریس سوم. (۱۹۴۳م)
سیمون‌اول . (۱۹۴۶م)

جمهوری .

واسیل ،**کولاروف** .(۱۹۴۶ـ۱۹۶۴م)
گئورگی، **تریکو.** (۱۹۶۴م)



آرم کشور بولیوی

بلژیک Belgique

کشور بلژیک دارای ۲۰۰۰ سال تاریخ می‌باشد . این سرزمین به ترتیب تحت‌سلطهٔ‌رومیها،فرانک‌ها، **بورگوندیها** اسپانیاییها ،اتریشیهاوفرانسویهادرآمده است . بعداز سقوط ناپلئون در ۱۸۱۵ بلژیک جزوهلند گردید .



آرم کشور پاراگوئه

در۱۸۳۰ مردم‌بلژیک‌خواستار جدا شدن هلند شدند . در۱۶ اکتبر۱۸۳۰ بلژیک مستقل گردید ودر ژوئن ۱۸۳۱ پرنس **لئوپولدساکس‌کوبورک** بـه نام لئوپولد اول به‌سلطنت بلژیک رسید. در ۲ اوت ۱۹۱۴ دولت آلمان بیطرفی بلژیک رانقض‌کرده‌و به‌آن‌کشورنیروی نظامی واردکرد . بعداز جنگ جهانی اول طبق عهدنامهٔ ورسای نواحی اوپـن مالمه‌دی ، مورسنت (دارای ۳۸۲ میل مربع مساحت و ۶۴۲۵۰ نفر جمعیت) به‌بلژیک واگذارگردید. **لئوپولد دوم** پسر لئوپولد اول از ۱۸۶۵ تا ۱۹۰۹ پادشاه بلژیک بود . بعداز اوبرادر ـ زاده‌اش به‌نام‌آلبرت اول به‌سلطنت‌رسید **آلبرت** در۱۷فوریهٔ ۱۹۳۴ دریک‌حادثهٔ کوه‌نوردی‌درگذشت‌وپسرش‌**لئوپولدسوم** جانشین اوگردید. در۲۸ماه مه۱۹۴۰ بلژیک تسلیم قوای‌آلمان گردید .

درجنگ اخیر بلژیک تلفات جانی وخسارت مالی فراوان دید. در ۱۹۵۰ لئوپولدسوم‌را به‌شاهی‌بلژیک‌دعوت‌کردند ولی‌اعتراض‌سوسیالیستها به‌اندازه‌ای‌شدید بود که لئوپولد مجبور به کناره گیری شد و پسرش **بودوئن اول** در ۱۶ ژوئیهٔ ۱۹۵۱ به سلطنت رسید. بودوئن (متولد ۷ سپتامبر ۱۹۳۰) اززن اول لئوپولد، **پرنسس‌آستريد** سوئدی‌است که در۲۹ اوت ۱۹۳۵ بدرود حیات‌گفت .

رأی‌دادن دراین‌کشوراجباریست‌وکسانی که‌خودداری از دادن رأی‌نمایند جریمه میشوند .

پارلمـان بلـژیک ازسنا و مجلس نمایندگان تشکیل یافته‌است . دورهٔ‌سنا ومجلس چهارسال می‌باشد .

شاهان بلژیک

لئوپولد اول . (۱۸۳۱ـ۱۸۶۵م)
لئوپولد دوم . (۱۹۰۹ م)
آلبرت اول . (۱۹۳۴م)
لئوپولد سوم . (۱۹۵۱م)
بودوئن‌اول . (از۱۹۵۱م)

بولیوی . Bolivia.

بولیوی‌قرن‌ها در تحت‌سلطهٔ‌اسپانیا قرار داشت تا اینکه در۱۸۲۵ استقلال خود رابه‌دست آورد . طبق‌قانون‌اساسی ۱۹۴۷ ، رییس‌جمهوربـا رأی مستقیم و عمومی به‌مدت چهار سال انتخاب‌میگردد کنگرهٔ بولیوی مرکب از سنا و مجلس نمایندگان میباشد،سنا دارای ۱۸ کرسی بوده ودورهٔ‌آن ۶ سال میباشد . **مجلس** نمایندگان ۷۶ نماینده دارد و دوره‌اش ۴سال‌است .

رؤسای جمهوری بولیوی.

دسوکره. (۱۸۲۶ـ۱۸۲۸م)
کروز. (۱۸۲۹ـ۱۸۳۹م)
دولاسکو . (۱۸۴۱م)
بالیوین. (۱۸۴۸م)
بلزو. (۱۸۵۵م)
کوردوبا. (۱۸۵۷م)
ماریا،لینارس. (۱۸۶۱م)
ماریا،وآچا . (۱۸۶۴م)
ملگاره‌جو. (دیکتاتور۱۸۶۵-۱۸۷۱م)
مورالز. (۱۸۷۲م)
بالیوین. (۱۸۷۲ـ۱۸۷۴م)
فریاس. (۱۸۷۶م)
دازا. (۱۸۸۰م)
کامپرو. (۱۸۸۴م)
پاچکو. (۱۸۸۸م)
آرسه. (۱۸۸۸ـ۱۸۹۲م)
باپتیستا. (۱۸۹۶م)
آلونسو. (۱۸۹۹م)
باندو . (۱۹۰۴م)
مونتس. (۱۹۰۹م)
بلازون. (۱۹۱۳م)
مونتس. (۱۹۱۷م)
ازگئرا. (۱۹۲۰م)
ساودرا. (۱۹۲۱ـ۱۹۲۵م)
گوزمان. (۱۹۲۶م)
سپلس. (۱۹۳۰م)
برانکوگالیندو. (۱۹۳۱م)
سالامانکا. (۱۹۳۴م)
سورزانو. (۱۹۳۶م)
تورو. (۱۹۳۷م)
گرمان‌بوش (۱۹۳۷ـ۱۹۳۹م)
کینتانیلا. (۱۹۴۰م)
پناراندا. (۱۹۴۳م)
ویلاروئل. (۱۹۴۶م)
گوتیه‌رز. (۱۹۴۷م)
هرتزوگ. (۱۹۵۷م)
سایلزر،وآزو. (۱۹۶۱م)
پازاستنسرو. (از۱۹۶۱ـ)

پاراگوئه. Paraguay.

درسال ۱۵۲۶ **کبت**‌آنرا کشف‌کرد ودر ۱۵۳۵ اسپانیاییها براین سر زمین تسلط یافتند ، در ۱۸۱۱ پاراگوئه‌اززیر تسلط‌اسپانیاییهارهاشده ومستقل گردید این‌کشور اولین جمهوری‌آمریکای‌جنوبی است که‌مستقل‌شده‌وبعداز جنگهایی که با برزیل ،آرژانتین و اوروگوئه نمود در ۱۸۷۰ قانون اساسی پاراگوئـه تصویب گردید در۱۹۴۰ تجدیدنظری درقانون

اساسی بعمل آمد . کنگرهٔ این کشور از یك مجلس تشکیل شده است . عدهٔ اعضای مجلس به نسبت یك در ۲۵۰۰۰ جمعیت میباشد و به علاوه یك شورای حکومتی دارد که اعضای آنرا دولت تعیین می کند ، دورهٔ ریاست جمهوری ۵ سال است .

اولین دیکتاتور این کشور **فرانسیار** و بعدازاو، **ك.آ. لوپس** وف.س. لوپس بود و در سال ۱۹۵۴ ، **آلفردواستروسز** به حکومت رسید.

پاکستان Pakistan

پاکستان عضو ممالك مشترك المنافع، پیمان مرکزی ، پیمان سیتو وسازمان ملل متحداست، باکشورهای بزرگ شرق و غرب روابط سیاسی خوبی دارد واز کمك های اقتصادی آمریکا، انگلستان، شوروی ، چین وآلمان غربی برخوردار است . هنگامی که در دوران جنگ اول جهانی نهضت آزادیخواهی در هند بالا گرفت، مسلمانان متعصب هند فکر تشکیل مملکت مسلمان را پیش کشیدند . این فکر بر اثر تحریکات عوامل استعمار موجب ضعف آزادیخواهان وجنگها و کشتارهای خونین سی ساله ای شدکه سرانجام به تجزیهٔ هند منجر گردید ودرسال ۱۹۴۷ کشور پاکستان به وجود آمد ولی موضوع اختلافات میان هندویان ومسلمان باقی ماند که اهم آن مسئلهٔ کشمیر بودزیرا با آنکه مردم کشمیر مسلمان بودند به این سرزمین خودمختاری جداگانه ای دادهشد وسرانجام آن ایالت به هندوستان پیوست وموجب اعتراض پاکستان شد، شورای امنیت سرنوشت کشمیر را به آراء عمومی مردم آن واگذار کرد ولی هند ازقبول آن خودداری نمود کار میان هند و پاکستان چندبار به جنگ کشید ولی هنوزهم راه حلی برآن پیدا نشده است . رهبری مسلمانان هند را **محمد علی جناح** به عهده داشت که در سالهای ۱۹۴۷-۴۸ فرماندار کل پاکستان بود سپس **لیاقت علیخان** (۱۹۴۸-۵۲) **غلام محمد** (۵۳-۱۹۵۶م) عهده دار این مقام شدند .

قانون اساسی جدید پاکستان (۱۹۵۶م) حکومت جمهوری را اعلام داشت **اسکندر میرزا** به ریاست جمهوری انتخاب شد . **پیشرفت نهضت کمونیستی وروی کار آمدن جبههٔ متحد در پاکستان شرقی موجب عکس العمل نظامیان (۱۹۵۸) و خروج** اسکندر میرزا از پاکستان شد و ژنرال **محمدایوب خان** زمام امور را در دست گرفت وثبات وآرامش را برقرار ساخت و توجه فوق العاده ای به پیشرفت اقتصادی کشورش مبذول داشت .

پاناما . Panama.

درسال ۱۵۰۱ میلادی **باستیداس** ساحل آنرا کشف کرد و کریستف **کولومب** در ۱۵۰۲ میلادی در ساحل آن لنگر انداخت .

در ۱۸۲۱ پاناما از اسپانیا جداشد وبه **کولومبیا** ملحق گردید. از ۱۸۵۵ تا ۱۸۸۵ این کشور خود مختار شد و در ۱۸۸۵ مجدداً ضمیمهٔ کولومبیا گردید .

در ۳ نوامبر ۱۹۰۳ پاناما ازکولومبیا جداگشته و حکومت مستقلی را تشکیل داد. قانون اساسی سوم پاناما در ۱۹۴۶ تصویب گردید . دورهٔ مجلس ملی پاناما ۴ سال وعدهٔ نمایندگان به نسبت یك در ۱۵۰۰۰ جمعیت آن میباشد.

در سال ۱۹۶۴ مارکو اورلیو ، **روبلس** به ریاست جمهوری این کشورانتخاب شد .

پرتغال. Portugale.

پرتغال ازقرن دوازدهم کشورمستقل میباشد . تا انقلاب ۱۹۱۰ رژیم سلطنتی در این کشور وجود داشت . دراین سال **مانوئل دوم** پادشاه پرتغال عزل گردیدو انقلابیون رژیم جدید را اعلام داشتند طبق قانون اساسی جدید که در ۱۹۳۳ به تصویب رسید ، پرتغال دارای دو مجلس میباشد که هرکدام دارای ۱۲۰ نماینده هستند .

درسال ۱۹۴۹ به پیمان اتلانتیك ودرسال ۱۹۵۵ به عضویت سازمان ملل منصوب شد .

سلسله هایی که تا تشکیل جمهوری در این کشور روی کار آمدند:

۱- **بورگوندی:** دارای ۶ پادشاه که اولین آنها، **آلفونسوی اول** (۱۱۳۹م) بودودر زمان **فرناندوی اول** منقرض شد . (۱۳۸۳م).

۲- **اورآویز:** دارای ۸ پادشاه که اولین آنها **خوائو** (۱۳۸۵م) و آخرین آنها **هنریکو** (۱۵۸۰م) بود.

۳- **براگانزا:** این سلسله توسط **خوائوی چهارم** (۱۶۴۰م) تأسیس و ۱۱ نفر جانشین اوتا سال ۱۸۵۳ برپرتغال حکم راندندودرزمان **ماریای دوم** منقرض شد .

۴- **براگانزاکوبورگ:** دارای ۵ پادشاه که اولین آنها **پدروی پنجم** و آخرین آنها **مانوئل دوم** (۱۹۱۰م) بود .

پرو. Perou.

پروقبل ازورود اسپانیایی ها درقرن ۱۶ به این کشور به وسیلهٔ اینکاها (بومیان) اداره میشد. در ۱۵۳۲ فرانسیسکو **پیثارو** این کشور را تصرف کرد اسپانیایی ها از معادن پرو واستفادهٔ شایانی برده ودر آنجا یك مرکز مستعمراتی مهمی به وجود آوردند در ۱۸۲۱ کشور پرو باهمت سان **مارتین** و **بولیوار** مستقل شد . در جنگ با شیلی (۱۸۷۹-۱۸۸۳) پروقسمتی اززمین های خودراازدست داد(**تاکنا واریکا**) ودر ۱۹۲۹ **تاکنا** دوباره به پروواگذارشد. طبق قانون اساسی ۱۹۳۳ رییس جمهور و دو نفر معاون رییس جمهور بارأی مستقیم به مدت شش سال انتخاب میشوند . کنگره عمومی کشور پرتغال بطورعادی تشکیل شده است از: مجلس نمایندگان (که تعداد نمایندگان ۲۵ نفریا بیشترمیباشد) وسنا (که عدهٔ اعضای آن ۳۵ نفر یا بیشتر است).

تانگانیکا. Tanganyika.

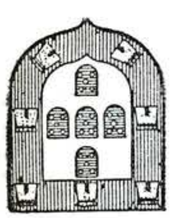
برای اولین بار ، بازرگانان عرب در آن حکومت ایجادکردند ، پرتغالیان در سال ۱۵۰۰ به آنجارسیدند وتاقرن ۱۷ در آنجا پایگاهها و تجارتخانه هایی داشتند ، دراین هنگام سلطان کشورعمان آنان رابیرون راند، درسال ۱۸۸۵ آلمان این سرزمین را ضمیمهٔ قلمرو آفریقای شرقی خود ساخت . پس ازجنگ جهانی اول جامعهٔ ملل وسپس سازمان ملل قیمومت آنرا به دولت انگلستان واگذاشت تا در سال ۱۹۶۱ استقلال یافت و در سال ۱۹۶۴ با زنگبار فدراسیوان جمهوری **مانزانیا** را تشکیل داد .

تایلند (سیام) Thailande

پیش ازآنکه تایها به تایلند درآیند دراین سامان دولت **فونان** حکم میراند درقرن هفتم میلادی دولت فونان براثر تجزیه ضعیف شد وطایفه **مونهای** برمه استیلا یافتند . درقرون ۱۱-۱۲ طایفهٔ **کرس** های کامبوج دراین کشورپیشروی کردند آنگاه سلسله های کوچك حکام محلی پدید آمد (قرن ۱۳) و **تای ها** که ازجنوب غربی چین درآمده بودند بر **سرخوتای** دست یافتند وآنجارا پایتخت ساختند وبا


آرم کشور پاکستان


آرم کشور پاناما


آرم کشور پرتغال


آرم کشور پرو


آرم کشور تایلند

استفاده‌ازمدنیت کرس‌ها تشکیلات وکتابت تازه‌ای ایجاد کردندکه مبنی برحکومت اشراف بود. ازدوران پادشاهی **راماکامانک** (Rama Kam Hang)(۱۲۸۰-۱۳۱۸) کتیبه‌ای به‌جای‌مانده که اوراجنگ‌جویی سلحشور، مدیری لایق ومصلحی بزرگ معرفی میکند، آخرین جانشین وی **لوتایی** (Luthai)(۱۳۴۷-۱۳۶۱) مردی دانشمند بودکه کتابی درنجوم نوشت وتقویم رااصلاح کردوسرانجام درديری منزوی شد. مقارن همین‌ایام دولت **لائو** (Lau) توسط **مانگری** (Mangri) درشمال‌پدید آمد(۱۲۶۲) وی‌درسال۱۲۹۱مون‌هارا بیرون‌راندو**چینگ‌مای** رابه‌پایتختی برگزید(۱۲۹۶) درسال۱۳۵۰دولت **آیوتیا** توسط **رامادی‌پاتی** (۱۳۵۰-۱۳۶۹) تشکیل شد که در ایام **ترای لاکانات** (Borowo Trailakanat) **راوادی‌پاتی‌یی** (Rawadi Patii) (۱۵۰۷-۱۵۲۳م) دارای قوانین وسازمان اداری منظمی گردید. درسالهای ۱۵۵۶-۶۴و ۶۹ برمه‌ای‌هاقلمرو آبوتیا رادچار ویرانی ساختند وتحت تصرف خود درآوردند، سرانجام **برانارت** رهبری قیام برضدبرمه را برعهده گرفت وپنج‌بار حملهٔ آنان‌را دفع کرد. از قرن هفدهم پای‌سوداگران اروپایی بدانجا بازشد وچندی بازرگانی گرمی رواج یافت درسال ۱۶۸۸ توطئهٔ فرانسویان برای‌تصرف‌این‌سرزمین‌موجب شورش‌مردم‌وبیرون‌راندن‌خارجیان گردید ودرنتیجه فقراقتصادی و ضعف قدرت سیاسی ناشی ازاین کاربرمه‌ای‌ها درسال ۱۷۶۷ باردیگر آبوتیا راباخاك‌یکسان کردند، مردم تحت رهبری **پیاتاکسین** شوریدند وبرمه‌ای‌ها را بیرون راندند، **رامای اول** (۱۷۸۲-۱۸۰۹) پایتخت رابه‌**بانکوك**منتقل کرد.

درسال۱۸۵۵ انگلستان بااعزام يك گروه ناوجنگی به‌سواحل تایلندشاه رامجبوربه دادن حقوق گمرکی کالای انگلیسی کرد، درسال۱۹۰۷ فرانسویان با **تامبانگ و آنگلور** ودرسال ۱۹۰۹ بریتانیا حق مالکیت برمالزی رابدست آورد. درسال۱۹۳۲ حکومت مشروطه‌در تایلند مستقر شدوموجب‌بقای‌استقلال‌این کشورگردید. ولی کم‌کم نظامیان جای اشراف راگرفته وکشور رابه‌سوی‌سیاست توسعه طلبی پیش راندند وبه‌امید تسلط برسراسر هندوچین نام سیام رابه‌تایلند مبدل کردند ودردوران‌جنگ‌جانب‌ژاپن راگرفتندازسال۱۹۴۸ باردیگرنظامیان روی کار آمدند واینك بانکوك مرکز پیمان سیتو است و سربازان تایلند دوشادوش آمریکاییان در ویتنام جنوبی میجنگند.

چاکری Chakri

(از۱۷۸۲ تاکنون)

سلسلهٔ‌پادشاهان تایلندکه‌دارای عنوان **راما** بودند.

۱- **رامای اول**. (۱۷۸۲-۱۸۰۹م).
۲- **رامای دوم**. (۱۸۰۹-۱۸۲۴م).
۳- **رامای سوم**. (۱۸۲۴-۱۸۵۱م).
۴- **رامای‌چهارم**. (۱۸۵۱-۱۸۶۸م).
۵- **رامای پنجم**. (۱۸۶۸-۱۹۱۰م).
۶- **رامای ششم**. (۱۹۱۰-۱۹۲۵م).
۷- **رامای هفتم** (۱۹۲۵-۱۹۳۵م).
۸- **رامای هشتم**. (۱۹۳۵-۱۹۴۶م)،
۹- **رامای نهم**. (از۱۹۴۶-).

ترکیه Turquie،

جمهوری ترکیه جانشین حکومت عثمانی درولایات‌متعدد آناطولی‌شده‌است. جنگ جهانی اول امپراتوری عثمانی را منقرض‌وقرارداد**سور**درسال ۱۹۲۰ آنرا منقسم کرد.

امپراتوران عثمانی خودرا خلیفهٔ پیامبرمیدانستندومرکزخلافت(استانبول) به‌شرق وغرب پهنهٔ‌وسیعی از گیتی حکم می‌راندندمسلمانان‌ازقرن‌اول تاقرن‌پنجم بعداز هجرت به‌این سرزمین دست‌یافتند ودرپایان قرن هفتم‌یکی ازترکان‌مسلمان بنام **عثمان** بنیان حکومتی راپی ریخت که قریب نیم قرن بعد حکومت عظیم **بیزانس** رادرهم پیچید وبربسیاری از مناطق اروپایی دست یافتند وحکام محلی را از سلاطین دست نشاندهٔ خود انتخاب کردند.

ولی‌قرن۱۸،قرن‌زوال‌این‌دولت بزرگ بود، زیرالشکریان دولت عثمانی‌پی‌درپی‌ازمردم‌اروپاشکست‌می‌خوردندروسها دردریای‌سیاه‌وجنوب‌شرقی‌بالکان،اتریشیها در صربستان و رومانی و انگلیسی ها، فرانسویهادردریای‌مدیترانه‌بالاخره‌هريك ازطرفی گوشه‌ای‌ازکشور عظیم عثمانی‌را می‌بریدند بطوری که‌پیمان ۱۹۲۰ به‌عمر آن خاتمه داد.

سلطان‌محمد ششمبودکه‌همهٔ شرایط سنگین پیمان راپذیرفت ولی نیروهای ملی به‌رهبری‌**مصطفی‌کمال پاشا**قیام‌کردند وحکومت ومجلس‌ملی‌تشکیل دادندوپس ازجنگهای‌متعدد و عقد قراردادهای انفرادی بااعضای‌پیمان ۱۹۲۰، بسیاری ازولایات ازدست داده رامتصرف‌شدند و باخلع‌سلطان‌محمدششم ومعرفی‌عبدالحمید به‌جانشینی‌اومتفقین‌راواداشتندتا با پیمانی تازه، درپیمان **سور** تجدید نظر کنند و حدود فعلی ترکیه رابه‌رسمیت بشناسند.

در این وقت اتحاد جماهیر شوروی وانگلیسی‌ها، انقلابیون رابه رسمیت شناختند ودر ۱۹۲۳ به‌ریاست مصطفی کمال پاشاحکومت جمهوری ترکیه رسماً اعلام شد.

قانون اساسی جدیدی نوشته‌شدکه‌به موجب آن‌برحکومت ترکیه مجلسی‌بنام مجلس ملی‌کبیر نظارت می‌کندکه ابتدا موکلین‌منحصرآمردبودند ولی در۱۹۳۴ به‌زنان حق داری دادند.

مصطفی کمال پاشا که بعدها به **آتاتورك** (پدرترکیه) ملقب شد درمدت ۱۴ سال حکومت خود تقریباً باایجاد **حزب‌خلق** بطوردیکتاتوری حکم می‌راند وکوشیدکه‌ترکیه‌رابه‌رنگ‌اروپادرآورد، الفبای عربی راتغییردادوتعطیل جمعه‌را به‌یکشنبه مبدل کردوتغییر لباس رامصراً اجرا کرد ورسمیت‌دین‌اسلام رالغوکرد ونام قسطنطنیه‌رابه‌استانبول عوض‌کرد. یکی از مشکلات حکومت **آتاتورك** پرداخت وامهای سنگین گذشته بود.

درسال۱۹۳۲واردجامعه‌ملل‌شدودرسال ۱۹۳۴ به‌اتحادیهٔ دولتهای‌**بالکان**پیوست.

اکنون ترکیه‌باحفظ‌دوستی‌آمریکا ازکمکهای اقتصادی آن برخورداراست ودرپیمانهای‌**ناتو** و**سنتو**نیزشرکت‌دارد.

رؤسای جمهوری ترکیه

مصطفی کمال. (۱۹۲۳-۱۹۳۸م)
عصمت اینونو. (۱۹۳۸-۱۹۵۰م)
جلال بایار. (۱۹۵۰-۱۹۶۱م)
جمال گورسل. (۱۹۶۱-۱۹۶۶م)
جودت سونای. (۱۹۶۶م)

آل عثمان.

پادشاهان ترکیه‌که ازسال ۶۹۹ تا سال ۱۳۴۲ در آسیای صغیر سلطنت داشته‌اند بنام مؤسس سلسله منسوب شده‌اند (**عثمان‌بن‌ارطغرل**) وشمارهٔ آنها ۳۸ تن‌بوده وآخرین‌آنان **عبدالعزیز ثانی** و انقراض این دودمان در نتیجهٔ برقرار شدن‌حکومت‌جمهوری‌بوده‌است.

آل‌عثمان باپادشاهان عثمانی‌قریب

سه قرن کمال اقتدار داشته . قلمرو حکمرانی خودرا ازبوداپست و ساحل دانوب تاشلالهٔ اسوان درمصر وازساحل فرات تاتنگهٔ جبل الطارق وسعت داده ممالك شبه جزیرهٔ بالکان وشام ومصرو عربستان را مسخر ساختند پس ازسه‌قرن دورهٔ ضعف وانحطاط آنان‌شروع‌وبسیاری ازممالك مفتوحه از تصرف ایشان خارج شد. مشهورترین‌شخصیت‌این‌سلسله‌سلطان **محمد ثانی** معروف به **فاتح** است‌که در سال **۸۵۷** قسطنطنیه رابگشاد .

امرای‌دانشمندیه (۴۹۰-۵۶۰ق‌م)

نام سلسله‌ای ازامراءترك‌که بدست **گمشتکین** بن **دانشمند** در قسمتی از آسیای‌صغیر تشکیل شد ومناطق وسیعی از مسیحی نشین ها را تصرف‌کردند و جنگهای‌خونینی‌بپا کردندوسرانجام‌بدست سلجوقیان‌روم منقرض شدند .

آل‌تکه .

سلسله‌ای از حکمرانان لیدیه (در آسیای صغیر) که در سالهای (۷۰۰ - ۷۳۰ ه‌ق) پس‌از جنگهایی با شاهان عثمانی ازمیان رفتند.

تکه نام مؤسس‌این‌سلسله‌بوده‌وعثمان مسیحی‌معروفترین افراداین‌سلسله است.

آل‌من‌تشا .

سلسله‌ای‌ازحکمرانان‌**کاریه** (آسیای صغیر) که‌یکصدوسی‌سال باسلاطین‌عثمانی به جنگ وگریز پرداختند .

من‌تشا. (از ۷۰۰ ه ق)

یعقوب

محمودبن یعقوب .

الیاس‌بن یعقوب (از۷۹۱ تا ۸۲۴ه‌ق)

اویس‌بن الیاس .در سال ۸۲۹ کشته شد .)

احمدبن الیاس .(در سال ۸۲۹ به‌ایران گریخت)

لیث‌بن الیاس .

این‌سلسله‌به‌دست‌سلاطین‌عثمانی‌برافتاد.

آل‌کرمیان .

سلسله‌ای ازحکمرانان‌آسیای‌صغیر که میان سالهای (۷۰۰ -۸۳۲ه‌ق) پس‌از زدوخوردهای‌متمادی‌باپادشاهان‌عثمانی راه‌آشتی پیمودند وبراثروصیت‌آخرین امیر این‌سلسله‌قلمروکرمیان به‌پادشاهان عثمانی واگذار شد .

امیران‌این‌سلسله‌عبارتنداز:

کرمیان ، علیشیر، علیم، عطی ، یعقوب.

این‌سلسله درسال ۸۳۲ ه ق منقرض‌شد.

آل‌قرمان (قهرمان)

سلسله‌ای از امرای آسیای صغیر که براثر ضعف سلجوقیان روم قدرتی یافتند وبیش‌ازیك‌قرن‌باپادشاهان عثمانی به‌جنگهای خونینی پرداختند .

قرمان پسر نورالدین صوفی .

(از ۶۱۹ تا ۶۴۳ه‌ق)

محمدقرمان (از ۶۴۳ تا ۶۷۸ه‌ق)

محمود پسر محمد .(از۶۷۸تا۷۱۹ه‌ق)

بخشی پسرمحمود.(از۷۱۹ تا ۷۵۰ه‌ق)

علاء‌الدین‌علی .(از۷۵۰ تا ۷۹۴ه‌ق)

محمدپسرعلی . (از ۸۰۵ تا۸۳۰ه‌ق)

ابراهیم‌پسرمحمد.(از ۸۳۰تا۸۶۸ه ق)

اسحق‌پسر ابراهیم.(از۸۶۸تا۸۷۷ه‌ق)

پیراحمدپسرابراهیم.(از۸۷۷تا۸۸۰ه‌ق)

قاسم‌پسرابراهیم . (از۸۸۰تا۸۸۸ه‌ق)

بامرگ قاسم قلمرواین سلسله از مدعی خالی ماندو به‌تصرف سلطان **محمدثانی** درآمد .

آل‌صاروخان .

سلسله‌ای از حکمرانان لیدیه (آسیای صغیر) که پس از صدسال زدو خوردباپادشاهان‌عثمانی‌سرانجام ازمیان رفتند .

خضرخان (از۷۱۳تا۷۴۶ه‌ق)

الیاس . (از ۷۴۳ تا۷۷۶ه‌ق)

اسحق . (از ۷۷۶ تا۷۹۲ه‌ق)

خضر ثانی . (از ۸۰۵ تا ۸۰۹ه‌ق)

آخرین صاروخان‌که نامش معلوم نیست تا **۸۳۰** هجری قمری حکومت‌کرد .

آل‌آیدین.

سلسله‌ای ازحکمرانان لیدیه در (آسیای صغیر) که پس‌ازیك قرن‌کشمکش باسلاطین عثمانی سرانجام مغلوب‌شدند.

آیدین . (از۷۰۰ تا۷۳۳ ه‌ق)

محمد. (از۷۳۳تا ۷۴۰ه ق)

عمر . (از۷۴۰تا ۷۴۸ه ق)

عیسی. (از ۷۴۸ تا۸۰۶ه‌ق)

عمر ثانی. (از ۸۰۶تا۸۲۴ه ق)

مصطفی . (از۸۲۴ تا ۸۲۹ه‌ق)

کاپادوکیه Cappadocia

درقرن سیزدهم‌قبل‌ازمیلاد **هیتها** به‌این‌سرزمین‌تاختندکه هنوزنیزآثاری ازاین قوم برجاست . بعد از هیتها ، آسوریها به این مملکت آمدند بعد از انقراض‌آنها این‌کشورجزء دولت‌مادشد وپس‌از آن درتسلط دولت‌هخامنشی‌قرار گرفت‌ومردم‌کاپادوکیه‌هنداروپایی هستند

ومذهب آنها ، به‌مذاهب مردمان غرب آسیای صغیر شباهت دارد .

خدایان‌آنها عبارتند از:

۱ـ**خدای‌آسمان**. (کیفردهندهٔ نقض‌قول) .

۲ـ **خدای‌ماه** .

۳ـ **رب‌النوع بزرگ‌طبیعت.**

کم‌کم مذهب‌پارسیها به‌این سرزمین سرایت کرد وآنهاخدای پارسیهارانیز پذیرفتند.

تمدن این مردم دردرجهٔ پستی‌قرار داشت. مردم‌اغلب‌بندهٔ نجباومعابدبودند.

شهرهایی‌که از این‌کشورذکر شده عبارتنداز :

۱ـ **تیانا**.

۲ـ **مازآکا**. Mazaca.

۳ـ **آماسیا** . Amasia.

از زمانی‌که این کشور ،در قلمرو هخامنشی‌ها قرارگرفت درتاریخ معروف شد .

اسکندر کاپادوکیه را دست نزدو **آریارات** پادشاه‌آن‌استقلال‌خودراحفظ‌کرد ولی‌بعدازفوت‌اسکندر **پردیکاس** باآریارات جنگید واورا گرفته‌وکشت . پس ازآن کاپادوکیه‌دست‌بدست‌گشت تامقارن‌اوایل قرن سوم قبل‌از میلاد آزاد شد، دراین زمان به‌ده ایالت تقسیم می‌شد .

شاهان‌کاپادوکیه :

۱ ـ**فرناك‌کاپادوکی** (شوهرعمهٔ کوروش کبیر) .

۲ ـ **گالوس**، (پسرعمهٔ کوروش).

۳ ـ **سمردیس**.« بردیه».

۴ـ **آرتامنس** .«آریارامنس».

۵ ـ **آنافاس‌اول** .

۶ ـ **آنافاس‌دوم** .

۷ـ **داتام**. (به‌تحریك‌ایرانیان‌کشته‌شد).

۸ ـ **آریامنس‌اول**.

۹ ـ **آریارات** . (هم‌عصراسکندر)

۱۰ ـ **آریارات‌اول**(۳۲۲-۳۰۱ه‌ق).

۱۱ ـ**آریارات‌دوم** (۳۰۱-۲۸۰ق‌م).

۱۲ ـ **آریامنس**.(۲۸۰ - ۲۳۰ق م).

۱۳ـ**آریارات‌سوم** .(۲۳۰-۲۲۰ق‌م).

۱۴ـ**آریارات‌چهارم**(۲۲۰-۱۶۳ق‌م).

۱۵ ـ **آریارات پنجم** (مهرداد). (۱۶۳-۱۳۰ق‌م).

۱۶ـ **آریارات‌ششم**. (۱۳۰-۱۱۲ق‌م).

۱۷ـ **آریارات هفتم‌فیلومتر**. (۱۱۲-۱۰۰ق‌م).

۱۸ـ **آریارات‌هشتم**.(۱۰۰-۹۷ق‌م).

این‌سلسله ازدولت‌پنت‌شکست‌خورد.

وتابع دولت روم شد وچیزی نگذشت که خود مختاری آن از بین رفت.



آرم کشور توگو

Togo
توگو

در سال ۱۸۸۶م امپراتوری آلمان آنجارا مستعمرهٔ خود ساخت و پس از ۱۹۱۴م میان انگلستان وفرانسه تقسیم شد .درسال ۱۹۴۶ سازمان‌ملل قیمومت آنرا عهده دارشد و در سال ۱۹۵۷ متصرفی سابق انگلستان ضمیمهٔ دولت گانا وسال‌بعد متصرفی سابق فرانسه‌خود مختار ودرسال ۱۹۶۰ مستقل شد.

Tunisie
تونس



آرم کشور تونس

تونس‌یکی ازمراکزباستانی وگذرگاههای فرهنگ بشری بشمار می‌رود . فینیقیان سیزده قـرن (۱۲۴۰ ق. م .) درآنجا پایگاههای تجـاری ساختندودر قرن‌نهم **کارتاژ**را بنا کردند(۸۱۴ق‌م)که مرکز دولت مقتدری شد . بـا زوال **کارتاژ** این سرزمین ازمستعمرات‌رومیان شد. وازآن هنگام تا عصر جدید آفریکا (دردورهٔ اسلامی افریقیه) نام‌گرفت. در قرن پنجم **واندالها** و سپس دولت **بیزانس** آنجاراگرفت . هجوم‌مسلمانان در قرن‌اول هجری‌پس‌از جنگهای‌خونین حکم‌گزاران‌بیزانسی‌وقبایل‌بربرراشکست دادواین‌قوم‌به‌ترویج‌اسلام‌پرداختند‌پس‌از فوت‌**یزیدبن حاتم**‌ازحکم‌گزاران‌قیروان، اقتدار خلفا درتونس راه زوال پیمود و نهضت های سیاسی و ملی توسعه یافت (۱۷۰ هق) جانشین یزیدبن حاتم یعنی **ابراهیم بن اغلب** در سال ۱۸۴ لوای استقلال برافراشت‌ودولت‌نیرومندی‌پدید آورد که در عهد جانشینانش تا سواحل شمالی مدیترانه توسعه‌یافت وبزرگترین قدرت دریایی مدیترانهٔ غربی‌شد. درسال ۲۹۶ بنی‌اغلب‌جای‌خودرابه‌یکی‌از مدعیان مهدویت به نام **عبدالله‌بن‌حسن** دادند‌که مؤسس خلفای فاطمی بود وشهر**مهدیه** را پایتخت ساخته بود. جانشینان‌وی‌تقریباً تمام‌شمال‌افریقارادرمدت نیم‌قرن‌متصرف شدند تا **بادیةالشام**‌پیش آمدند(۳۸۱ق.) انتقال پایتخت فاطمیان‌به‌مصر(۳۶۲ق.) موجب‌روی‌کار آمدن سلسلهٔ **بنی‌زیری**‌شد. مؤسس این سلسله **یوسف‌بلکین** ازاقوام بربر‌بودوازطرف‌فاطمیان‌حکومت‌افریقیه را داشت . سلسلهٔ بنی زیری به‌نگهداری قلمرو خویش در مدیترانه توفیق‌نیافتند ومسیحیان سیسیل راپس گرفتند وسپس‌تا نقاط ساحلی تونس پیش آمدند. درآغاز قرن ششم یکی‌دیگر ازمدعیان مهدویت به نام **عبدالله‌محمدبن تورت** موجدقیام بزرگی شدکه‌توسط برادرش‌**عبدالمؤمن** ادامه یافت وبه **الموحدین** موسوم‌است. عبدالمؤمن از سال ۵۳۴ به‌کشورگشایی پرداخت. تمام شمال‌افریقاراتامصروشبه جزیرهٔ **ایبری** به‌تصرف آورد ومسیحیان را ازتونس‌بیرون راندوسلسلهٔ بنی‌زیری رابرانداخت(۵۴۳هق) باشروع دورهٔ‌ضعف موحدین‌نیزاقتدار به‌دست‌کارگزارانشان درتونس یعنی **بنی‌حفص** افتاد (۶۲۵ - ۹۴۱هق)درسال ۹۴۱ **خیرالدین** بربروسه تونس‌راضمیمهٔ‌امپراتوری‌عثمانی‌ساخت‌ولی تسلط‌آن دولت‌برتونس‌غالباً جنبهٔ‌صوری داشت و در دریا راهزنان و در خشکی رؤسای قبایل سرنوشت نقاط‌مختلف این سرزمین را دردست داشتند تا آنکه در سال۱۸۸۱م دولت فرانسه‌آنجارا اشغال نمود و**بای‌تونس**‌را وادار به‌قبول تحت‌الحمایگی فرانسه‌ساخت‌وازآن پس‌ادارهٔ همهٔ‌کارها به دست فرانسویان افتاد . در دوران‌جنگ‌جهانی‌دوم‌تونس به‌امید‌کسب استقلال به‌هواداری آلمانها پرداخت و درنتیجه درسال ۱۹۴۳ خلع شد . حکم‌گزاران‌که **بای** نامیده می‌شدند ازدولت عثمانی‌اطاعت نمی‌کردندورفته‌رفته‌قدرت نظامی‌**دای‌ها**‌رانیزتحت‌اختیاردرآوردند و یکی از بای‌ها به نام **حسین بن علی** سلسلهٔ‌حسینی را بنیان نهاد (۱۱۱۶م). کوششهای میهن پرستان تونس در سال ۱۹۵۵م‌موجب‌کسب خود مختاری‌وسپس استقلال این‌کشور شد (۱۹۵۶م) ودست بای‌ازدخالت درکارهاکوتاه‌ویکسال بعد رژیم جمهوری اعلام‌گردید. کوشش‌دولت تونس برای بازگرفتن پایگاه بیزرت (Bizerte) موجب جنگ میان دو کشور گردید(۱۹۶۱م)وسرانجام براثردخالت سازمان‌ملل متحدبه‌نفع‌تونس‌خاتمه‌یافت. اینک تونس سیاست مستقلی رابر اساس کمک‌های‌فرهنگی‌واقتصادی‌همهٔ‌کشورهاری ثروتمند ادامه می‌دهد . تعدد زوجات ملغی‌شده وزنان حق شرکت درانتخابات را به‌دست آورده‌اند .

درسـال ۱۹۵۶م‌مجلس‌مؤسسـانی تشکیل‌شد مجلس‌مزبور دولتی به‌ریاست **حبیب‌بورقیبه**‌عضوحزب نئورا رانتخاب نمود. قانون اساسی‌جدیدی‌که این‌مجلس مؤسسان تدوین وتصویب نمود علیرغم **بیك‌تونس** که‌فقط اسماً سلطان وحاکم کشور بود ، قدرت راناشی ازملت‌دانست ودرژوییهٔ ۱۹۵۷م‌سلطنت‌رامنحل‌ودولت جمهوری رااعلام کرد، حبیب بورقیبه به عنوان‌نخستین رییس جمهورانتخاب‌شد .

سلسلهٔ‌حسینی. (تونس)

حسین‌بن‌علی ترکی که‌درسال ۱۱۱۶م منصب‌بای‌تونس‌را ازطرف‌سلطان‌عثمانی‌به دست آورده بود مؤسس این‌سلسله‌است . آخرین بای تونس درسال ۱۹۵۷م‌پس‌از استقلال‌این سرزمین ازمقام‌خود‌خلع‌شد .

بای‌های‌حسینی عبارتند از :

۱ـ **حسین‌پسر‌علی‌ترکی**. (از۱۱۱۶هق)
۲ـ **علی پسر حسین** . (از ۱۱۷۳ ه ق)
۳ـ **حموده پسرعلی** . (از ۱۱۹۶ هق)
۴ـ **محمود پسرحموده**.(از ۱۲۲۹هق)
۵ـ **محمد پسرمحمود**. (از۱۲۳۹ ه ق)
۶ـ **احمد پسر محمد**. (از ۱۲۵۳ هق)
۷ـ **محمد پسراحمد**. (از ۱۲۷۲ ه ق)
۸ـ **صادق پسر احمد**. (از۱۲۷۷ هق)

صادق به‌امید بهبود اوضاع وتثبیت موقعیت خودبای‌فرانسویان رابه‌کشورش بازکردوسرانجام‌تحت الحمایهٔ‌ایشان‌شد .

بنی‌اغلب .

(۱۸۴ ـ ۲۹۶هق)

یازده تن ازحـکام افریقای شمالی غربی راگویندکه مرکزشان تونس بوده وبردریای مدیترانه‌وجزایرو سواحل‌آن تسلط داشته ودر صورت ظاهرتابع خلفاء عباسی‌بودند ، این سلسله به‌دست‌فاطمیان منقرض گردید .

۱ـ **ابراهیم** (دونفر.)
۲ـ **عبدالله**.(دونفر) .
۳ـ **زیادةالله**.(سه‌نفر) .
۴ـ **ابوعقال الاغلب** .
۵ـ **محمد** (دونفر).
۶ـ **احمد** .

بنی‌حفص .

(۶۲۵ ـ ۹۴۱ ه ق)

نام سلسله‌ای ازامراء **تونس** است، این‌سلسله را **ابوزکریا** یایحیی اول‌پدید آورد وبیست ودوتـن ازایشان حکومت کردند و سـرانجام به دست **خیرالدین بربروسه** از سـرداران دولـت عثمانی منقرض شد .

بنی زیری .

(۳۶۲ ـ ۵۴۳ ه ق)

یوسف‌بلکین بن‌زیری‌ازطرف‌خلیفه

فاطمی حکمران افریقیه بودولی سراز اطاعت وی باززدوسلسله‌ای‌درتونس پدید آورد. این سلسله به‌دست **موحدین** سقوط کرد .

چکوسلواکی. Tchecoslovaquie.

چکوسلواکی **کرونا** نام‌دارد. **سلت‌ها** در قرن چهارم‌میلادی نخستین حکومت رادربوهم تشکیل‌دادندکه درقرون بعد توسط اسلاوهای **موراویا** بر افتاد. ولی مدتی بعد ملوك الطوایفی رواج یافت و دوك نشین بوهم که‌در قرن نهم مردمش مسیحی بودند به‌امپراتوری مقدس‌رومی پیوست ورفته رفته برقلمرو خودافزود تاآن‌که درپایان قرن ۱۲م، **اوتوکاراول** دوك بوهم‌به‌امپراتوری روم‌رسیدوهرچند عمرامپراتوری این‌سلسله چندان نپایید ولی قلمرو بوهم به دیگر قسمت های چکوسلواکی توسعه یافت وبررونق پراك ودیگر شهرهای‌این‌سرزمین افزوده‌شد ، درسال ۱۴۷۱م شاهان مجار برآن دست یافتند وسپس جزو قلمروامپراتوران اتریش شد (۱۵۲۶ ــ ۱۹۱۸م) مردم چکوسلواکی که‌بارهادرجنگ‌های‌استقلال شکست خورده بودند در جنگ جهانی اول به رهبری **مازاریك** برضد اتریشیها جنگیدند ودرسال ۱۹۱۸ به‌ایجادکشور جمهوری چکوسلواکی توفیق یافتند ولی اختلافات داخلی وناشایستگی و حتی خیانت‌پاره‌ای‌ازرهبران در۱۹۳۸ موجب تجزیهٔ این‌کشورویکی ازعلل بروزجنگ جهانی دوم گردید ، در دوران جنگ چکوسلواکی‌توسط‌آلمان‌وسپس‌شوروی اشغال شد. تاآن‌که درسال ۱۹۴۵ باردیگراستقلال وتمامیت آن توسط متفقین تأیید‌گردید درسال ۱۹۴۶ **گوتوالد** (Gotwald) رهبر کمونیستهاروزافزون‌گردیدتاآنکه‌دراین سال **بنش** رییس جمهورلیبرال مستعفی‌و **گوتوالد** جانشین‌اوشدوقانون‌اساسی‌تغییر پذیرفت‌درسال ۱۹۵۶ تغییرات‌تازه‌ای در چکوسلواکی صورت گرفت که‌آن را از صورت فدرال به‌دولت مرکزی تبدیل‌کرد ورژیم کشور جمهوری سوسیالیستی اعلام گردید . مجلس چك دارای ۳۰۰ نماینده و مجلس اسلواکی دارای ۱۰۰ نماینده است که‌نمایندگان به‌مدت ۳ سال انتخاب می‌گردند .

چکوسلواکی‌عضو پیمان‌ورشووبازار مشترك اروپای شرقی‌وسازمان ملل‌متحد است .

چین . Chine.

بقایای کهن ترین انسان در پکن پیدا شده، تمدنی‌دیرین درآن‌پدیدآمده وسپس در آسیای شرقی پراکنده گشته است . از ۴۰۰۰ سال‌پیش ازمیلادمردم چین به‌کشاورزی پرداختند واکنون نیز ۸۰درصدآن‌کشاورزند.

آنگاه خطرا پدید آوردند ومفرغ را بکار گرفتند وبه اختراع چرخ توفیق یافتند ونخستین‌فرمانروایان آن‌شایددر ۲۰۰۰ سال قبل ازمیلاد به شاهی نشسته باشند.

هنگامی که‌سلسلهٔ **شانگ** به‌وجودآمد کتابت‌رواج یافت، دومین‌خاندان، سلسلهٔ **چو** بودندکه ازاصول‌ملوك‌الطوایفی‌پیروی میکردند **کنفوسیوس ومنکیوس ولائوتسه** درزمان‌آنها ظهورکردند، **چین** نام‌سومین سلسله چینی این‌کشورپهناوراست که نظام ملوك‌الطوایفی سلسله چو را درهم ریخت یکی‌ازشاهان‌این سلسله دیوارچین رابه وجودآورد. درزمان‌سلسلهٔ **هان** دین‌بودادر چین‌رواج یافت.

نوآن یا مغولهاموجب اتحادسراسر چین و ارتباط آن با نقاط دوردست خاور میانه‌ونزدیك‌واروپا گردیدوموجب تحولاتی‌عظیم گشت . در دورهٔ **مینگ‌ها** پایتخت به پکن‌منتقل‌شد، کوشش شاهان سلسلهٔ **مینگ** برای بستن درهای‌کشوربه روی خارجیان موجب جنگهای چندی شد .

کوششهای متمادی روشنفکران‌چین به رهبری **دکترسون‌یات‌سن** سرانجام در سال ۱۹۱۲م جمهوری دموکراتیکی در این سرزمین‌برقرارساخت که‌بزودی‌چنان شهرتی‌یافت که‌درسال ۱۹۲۲م تمامیت‌ارضی چین‌ملغی گردید. مرگ‌سون‌یات‌سن‌اتحادی راکه درمیان روشنفکران این‌کشور بود ازمیان‌برداشت و **چیان‌کای شك** جانشین وی برای تحکیم قدرت خود به نظامیان متکی گردید ومیان او وکمونیستها که جناح چپ حزب **کومین‌تانك** راتشکیل می‌دادندنقاق‌آشکارشدوجنگ‌داخلی‌آغاز گردید . کمونیستها به رهبری **مائوتسه‌تونگ** از نظامیان شکست خوردند وبسوی‌مناطق‌کوهستانی شمال چین عقب نشستند .

ژاپن در سال ۱۹۳۱م **منچوری** را اشغال کردوسپس قسمت‌عمدهٔ سرزمین‌چین رابتصرف‌درآورد **چیان‌کای‌شك به‌گوشه‌**ای در جنوب غربی چین پناه برد ولی **کمونیستها** که در همه جای چین‌پراکنده بودندبارهبری‌جنگ‌های‌ضدژاپنی‌برقدرت وحیثیت خود افزودند وهنگامی که پس از آزادشدن‌چین، چیان‌کای‌شك حکومت را به‌دست گرفت‌فقط ازپشتیبانی خارجی ونظامیان وصاحبان‌کارخانه‌ها برخوردار بود. لذانتوانست‌درجنگهای‌داخلی که‌ازسال ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۹ میان هواداران او و کمونیستها جریان داشت پیروز شود ، ناچار به جزیرهٔ فرمز رفت و **تایپه** را پایتخت قرارداد . از آن پس جمهوری خلق‌چین در خاك اصلی چین‌به حکومت پرداخت ودولت چین ملی در **تایوان** و جزایراطراف‌آن‌تشکیل‌شد. درسال ۱۹۵۰ **تبت** نیز به چین‌کمونیست‌پیوست.

چین ملی‌یکی‌ازپنج‌دولت‌عضواصلی شورای‌امنیت‌است‌ولی‌چین‌کمونیست‌یکی‌از پنج کشوردارای‌سلاح‌اتمی‌میباشد وکوشش **خروشچف** برای‌ایجادرابطه‌حسنه‌باایالات متحده‌وتوافق‌درپاره‌ای‌مسایل، زمامداران چین‌را برضد وی‌ویارانش برانگیخت. اینك‌چین‌باسرزمینهای‌دوردستی‌درافریقا واروپا وآمریکای جنوبی روابط‌سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی شایان توجهی پیدا کرده ودر عوض دوستی حکومت های همسایه‌اش‌مانند شوروی، هند واندونزی را ازدست داده است.

اینك درچین‌حوادثی‌جریان‌می‌یابد که ماهیت آن درست معلوم نیست ولی این‌حوادث‌که ازیك نهضت تندوافراطی نشانه‌هایی دارد ، درکشوری مانند چین که مردمش بر مبانی اخلاقی وعقلی‌اتکاء داشته‌اند نمی‌تواند مدت درازی جریان یابد .

امپراتوریهای معروف چین.

۱ــ **هسیه.** (۲۲۰۵-۱۷۶۶ق‌م).
۲ــ **شانگ** (۱۵۲۳-۱۰۲۷ق‌م).
۳ــ **چو.** (۱۰۲۷-۲۵۶ ق‌م).
۴ــ **چین.** (۲۲۱-۲۰۷ ق‌م).
۵ــ **هان‌قدیم**(غربی). (۲۵۲-۹م).
۶ــ **هان‌جدید**(شرقی). (۲۵-۲۲۰م).
۷ــ **سه‌پادشاهی**(وبی). (۲۲۰-۲۶۵م).
۸ــ **چین‌غربی.** (۲۶۵-۳۱۷م).
۹ــ **چین‌شرقی.** (۳۱۷-۴۱۹م).
۱۰ــ **تسین.** (۲۶۵-۴۲۰م).


آرم کشور چکوسلواکی


آرم کشور چین

۱۱ــ سونگ. (۴۲۰ــ۴۷۹م).
۱۲ــ چی. (۴۷۹ــ۵۰۲م).
۱۳ــ لیانگ. (۵۰۲ــ۵۵۷م).
۱۴ــ چن. (۵۵۷ــ۵۸۹م).
۱۵ــ سوئی. (۵۸۱ــ۶۱۸م).
۱۶ــ تانگ. (۶۱۸ــ۹۰۶م).
۱۷ ــ سلسله‌های پنجگانه.
(۹۰۶ــ۹۶۰م).
۱۸ــ سونگ. (۹۶۰ــ۱۲۷۹م)
۱۹ــ کین تاتار. (۱۱۲۷ــ۱۲۳۴م).
۲۰ــ سونگ جنوبی.
(۱۲۰۶ــ۱۲۸۰م).
۲۱ــمغول (یوان). (۱۲۶۰ــ۱۳۶۸م).
۲۲ــقوبیلای قاآن. (۱۲۶۰ــ۱۲۹۴م).
۲۳ــمینگ. (۱۳۶۸ــ۱۶۴۴م).
۲۴ــمنچو. (چینگ) (۱۶۴۴ــ۱۹۱۲م).

رؤسای جمهوری چین.

سون یات سن. (۱۹۱۱ــ۱۹۱۲م).
یوان شیه‌کای. (۱۹۱۳م).
یوان شیه‌کای. (۱۹۱۶م).
لی یوان هونگ. (۱۹۱۷م).
فنگ کوئو چانگ. (۱۹۱۸م).
هسو شیه‌چانگ. (۱۹۲۲م).
لی یوان هونگ. (۱۹۲۳م).
تسائو کون. (۱۹۲۴م).
(دورهٔ جنگ‌های داخلی چین).
یو آن چانکایچک.
(۱۹۲۸ــ۱۹۴۵م).
رییس جمهوری حکومت ملی (**لین سن**) (۱۹۳۲ــ۱۹۴۳م).
چانکایچک (تا ۱۹۴۹ درچین وبعداً در جزیرهٔ فرمز).
لیوشائوچی. (۱۹۵۹م).
مائوتسه‌تونگ. رهبر مطلق العنان فعلی چین کمونیست.


آرم کشور حبشه

حبشه. Ethiopie.

حبشه یکی از کشورهای باستانی جهانست که در هزارهٔ دوم پیش ازمیلاد توسط یك قوم آسیایی (احتمالاً هندی و یا قفقازی) که بدانجا مهاجرت کرده‌اند دارای تشکیلات اجتماعی منظمی گردیده وروابط سیاسی وتجاری وسیعی را در آغاز هزارهٔ اول قبل از میلاد با یمن و مصر آغاز کرده است.

آرم کشور دانمارك

کوشش شاهنشاهان هخامنشی برای فتح آنجا بی نتیجه ماند و سفر **اسکندر** نیز نتیجهٔ درخشانی به بار نیاورد. در آغاز قرن چهارم میلادی مسیحیت ازراه مصر به آنجا رسید ودین رسمی ودرباری کشور شد. مسلمانانی که درآغاز پیدایش اسلام از ترس آزار بت پرستان بدانجا گریخته بودنداز مهمان نوازی شاه ومردم حبشه برخوردار شدند و اجازه یافتند آزادانه به‌عبادت‌پردازند. تسلط‌مسلمانان به سواحل حبشه ورواج‌دین اسلام درآن نواحی (ازقرن ۸م) موجب ضعف‌سلاطین و پیدایش هرج و مرج و قدرت یافتن رؤسای قبایل گردید. تا آن‌که در قرن ۱۳ میلادی سلسلهٔ کنونی که‌شاهانش خود را از نسل **سلیمان و ملکهٔ سبا** میدانند روی کار آمد.

پرتغالی‌ها ازقرن۱۶ به‌عنوان‌سفیر، مبلغ وبازرگان وارد این سرزمین‌شدند گرایش امپراتور به کیش کاتولیك موجب شورش مسیحیان بومی گردید وبیش ازیك قرن‌شورش و ناامنی در این‌سرزمین برقراربود تاآن‌که **منلیك** (Menelik) دوم خودراتحت حمایت ایتالیا قرارداد (۱۸۸۹م) ایتالیایی‌ها درسال ۱۸۹۵ به‌تسخیرحبشه پرداختند لیکن‌جنگ‌نهایی **آدوا** ایتالیا را به قبول استقلال‌حبشه واداشت.

هیلاسلاسی اول (Haileselassie) امپراتورکنونی حبشه‌که درسال ۱۹۳۰ به تخت نشست بـا جهانگشایی‌ایتالیای فاشیست مواجـه گردید (۱۹۳۵م) و **آدیس آبابا** پس‌ازمقاومت‌دلیرانهٔ‌حبشی‌ها که تحسین و همدردی جهانیان را برــ انگیخت، سرانجام سقوط‌کرد (۱۹۳۶م) ولی هیلاسلاسی‌از خارج‌کشور به رهبری مبارزات ملتش ادامه داد تا آن‌که در سال ۱۹۴۲م باهمکاری‌ارتش انگلیس‌به راندن ایتالیایی‌ها توفیق‌یافت.

ازنیمهٔ دوم‌قرن‌ما اصلاحات‌اجتماعی و اقتصادی آغاز گردید وامپراتور از سازمان‌ملل وهمهٔ کشورهای صنعتی شرق وغرب برای‌ترمیم واصلاح کشورش کمك گرفت وشبکهٔ خطوط هوایی داخلی، راه آهن تأسیسات‌برق‌آبی ودانشگاه‌ومدارس صنعتی پدیدآمد.

اتحاداریتره (مستعمرهٔ‌سابق‌ایتالیا) با حبشه (۱۹۵۲م). موجب‌شد که‌این کشور به دریای‌آزادراه‌یابد والحاق‌اریتره به‌حبشه (۱۹۶۲) این‌رفت‌وآمدرا تسهیل کرد. آدیس آبابا ازسال ۱۹۶۲ مرکز اتحاد آفریقامیباشدودرایجاد تفاهم‌وهمبستگی میان‌کشورهای افریقا نقش فعالی دارد. در آغاز سال ۱۹۶۶ امپراتور با اعلام حکومت مشروطه و تعیین وزرای مسئول کشور خود را بیش‌ازپیش برای‌مطابقت با شرایط کنونی جهان آماده ساخت.

مجلس سنای‌حبشه ۱۰۰ کرسی‌دارد ودورهٔ آن ۶سال است ومجلس‌نمایندگان ۲۱۰ عضو دارد کـه دورهٔ آن ۴ سال است.

زبـان مردم حبشه **آمهارا** نامیده میشود ومذهب‌اکثریت مسیحی‌و۲۰درصد آنها مسلمانند.

امپراتور، فرمانده‌کل‌قوای زمینی ودریایی‌وهوایی‌است.

دانمارك. Danemark.

دانمارك‌وجزایراطراف‌آن‌دنباله‌ای است از شبه جزیرهٔ اسکاندیناوی‌که آب دریای بالتیك و دریای شمال نقاط کم ارتفاع آنرا فرا گرفته و آنرا بوسیله تنگه‌های : اسکاژ راك ،کاتگا، سوئد، بلت کبیر وبلت صغیر،ازهم جداکرده‌است.

دانمارك‌مرکب‌ازشبه‌جزیرهٔ‌ژوتلند، جزایرسیلند ، فیونی ، لالند می‌باشد و تنگه‌های فوق این جزایررا از هم جدا می‌کنند. دانمارك جلگه‌ای است پست وکم ارتفاع وغالب اراضی آن ازشن و خاك رس پوشیده شده ، آب وهوای آن بحری‌وباران آن فراوان است. مساحت دانمارك ۴۴۰۰۰کیلومتر مربع است و ۴ ملیون جمعیت دارد.

سکنهٔ آن از نژاد ژرمنی و مذهب آنان پروتستان است.پایتخت دانمارك شهر **کپنهاك** است.شهرهـای عمدهٔ آن **آرهوس**درشبه جزیرهٔژوتلند، «آدانسه» درجزیرهٔ فیونی و آلبرك میباشد. طرز حکومت دانمارك مشروطهٔ سلطنتی‌است. کشاورزی دردانمارك رایج است.زراعت گندم، جو،جوسیاه، سیب زمینی، چغندر قند ، کتان وکنف‌حائز اهمیت می‌باشد، گله‌داری وماهیگیری بسیار متداولست واز این راه درآمد سرشاری عاید مردم می‌شود.

معادن زغال سنگ وفلزات‌بسیارکم وبهمین سبب صنایع فلزی ترقی نکرده است،صادرات مهم‌دانمارك:دامها،لبنیات، ماهی ، وارداتآن ، نفت ، زغال‌سنگ ، فلزات، پارچه ماشینهای‌صنعتی ،اتومبیل ووسایط‌نقلیه است.

جزیرهٔ بزرگ **گروئنلند** درشمال غربی اروپا تحت‌الحمایهٔ دانمارك‌است.

داهومی. Dahomey.

در قرن پانزدهم پای پرتغالی‌ها به

به داهومی رسید . مردم این سرزمین از تجارت برده و نیز محصولات بومی خویش سود فراوان اندوختند و در عین حال توانستند تا دیر زمانی در مقابل دست‌اندازی اروپاییان استقلال خود را حفظ کنند . نفوذ فرانسه که از ۱۸۵۱ م با عقد پیمان مودت با پادشاه داهومی آغاز شده بود سرانجام منجر به اشغال نظامی این کشور گردید (۱۸۹۶ م) و فرانسویان آن را به مستعمرهٔ افریقای غربی فرانسه ملحق ساختند (۱۹۰۴ م) .

داهومی درسال ۱۹۵۸ خودمختاری یافت ودرسال ۱۹۶۰ باردیگر استقلال خود را به‌دست آورد .

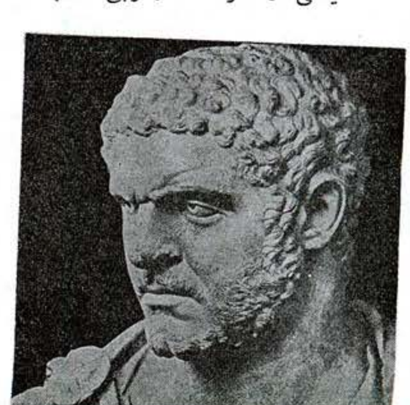
دومینیک . Dominique .

مدتها سن دومینیک در تصرف اسپانیایی‌ها بود و آنگاه به فرانسه واگذار گردید - در ۱۸۰۱ م **تونس لوورتور** رهبر هاییتی آنجا را اشغال کرد. در ۱۸۰۲ تا ۱۸۲۱ دوباره به تصرف اسپانیایی‌ها درآمد . از ۱۸۲۲ تا ۱۸۴۴ **هاییتی** به این سرزمین حکومت کرد واز ۱۸۴۴ جمهوری شد . از ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۳ دوباره به دست اسپانیا افتاد. از ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۴ نیروی دریایی آمریکا آنجا را اشغال کرد، در ۱۹۲۴ م قانون اساسی و حکومت مستقل پیدا کرد . در ۱۹۴۲ قانون اساسی جدید به زنان حق رأی داد .

رییس جمهور هر پنج سال مستقیماً به وسیلهٔ مردم انتخاب می‌گردد . کنگرهٔ ملی این کشور از دو مجلس سنا و نمایندگان تشکیل شده است . سن قانونی برای رأی دادن ۱۸ سال به بالا می‌باشد .

روم . Rome.

یکی از کشورهای جنوبی اروپا که



کاراکالا امپراتور روم

سابقاً وسعت زیادی داشت و پس از مرگ **تئودسیوس کبیر** به دو قسمت تقسیم شد.

اکنون ایتالیا جانشین کشور روم قدیم است و پایتخت آن شهر رم می‌باشد. تاریخ روم به سه قسمت تقسیم می‌شود که دورهٔ اول دورهٔ پادشاهی است و اغلب با افسانه آمیخته است، دورهٔ دوم جمهوری است که از ۵۰۰



دیوکلسین امپراتو بیزانس

تا ۲۷ قبل از میلاد ادامه داشته ، سوم امپراتوری است. این دولت نیز به دو امپراتوری شرقی یا **بیزانس** و غربی تجزیه شد که اولی در ۴۵۳ م و دومی در ۴۷۶ م منقرض گردید .

دورهٔ پادشاهی روم .

برطبق روایات شهر روم در ۷۵۳ ق‌م به‌دست **رومولوس** بنا شد و دورهٔ پادشاهی این کشور از آغاز بنای این شهر تا ۵۰۰ ق‌م. است .

پادشاهان آن به ترتیب عبارتند از :

۱ _ **رومولوس** .
۲ _ **نوما پومپیلیوس** .
۳ _ **تولوس هوستیلیوس.**
۴ _ **آنکوس مارتیوس** .
۵ _ **تارکوینیوس پریسکوس.**
۶ _ **سرویوس تولیوس** .
۷ _ **تارکوینیوس سوپربوس** .

مردم روم این سلسله را خارجی می‌دانستند و در حدود ۵۰۰ ق م. میلاد آنرا برانداختند .

جمهوری روم .

حکومت جمهوری، بعداز برانداختن پادشاهی **تارکوینیوس** در روم پدید آمد ، در آغاز حکومت اشرافی بود و برای دفعهٔ اول دو کنسول از طرف مردم برای مدت یکسال انتخاب شدند که مشترکاً زمامداری می‌کردند و سناکم کم قدرت گرفت و حکومت جنبهٔ دیگری پیدا کرد .

از مهمترین رؤسای حکومت روم در دورهٔ جمهوری می‌توان از **سولا** و **پومپیوس** و **قیصر** نام برد .

امپراتوران روم .

آوگوستوس . (۲۷ ق م _ ۱۴ م).
تی بریوس. (۱۴ _ ۳۷ م).
کالیگولا . (۳۷ _ ۴۱ م)
کلودیوس اول . (۴۱_۵۴ م)
نرون. (۵۴_۶۸ م)
گالبا (۶۸_۶۹ م)
اوتو . ((۶۹ م)
ویتلیوس . (۶۹ م)
وسپاسیانوس . (۶۹ _ ۷۹ م)
تیتوس . (۷۹ _ ۸۱ م)
دومیتیانوس . (۸۱ _ ۹۶ م)
نروا (۹۶ _ ۹۸ م)
ترایانوس . (۹۸ _ ۱۱۷ م)
هادریانوس . (۱۱۷ _ ۱۳۸ م)
آنتونینوس پیوس . (۱۳۸_۱۶۱ م)
مارکوس آورلیوس . (۱۶۱_۱۸۰ م)
کومودوس . (۱۸۰ _ ۱۹۲ م)
پرتیناکس . (۱۹۲ _ ۱۹۳ م)
دیدیوس یولیانوس (۱۹۳ م)
سپتیمیوس سوروس .(۱۹۳ _ ۲۱۱ م)
کاراکالا. (۲۱۱_۲۱۷ م)
گتا (همراه کاراکالا) (۲۱۱ _ ۲۱۲ م)
ماکرینوس . (۲۱۷_۲۱۸ م)
هلیوگابالوس (الاگابالوس) (۲۱۸ _ ۲۲۲ م)
الکساندر سوروس. (۲۲۲_۲۳۵ م)
ماکزیمینوس ، (۲۳۵_۲۳۸ م)
گوردیانوس اول . (۲۳۸ م)
گوردیانوس دوم . (۲۳۸ م)
بالبینوس و پوپینوس ماکسیموس. (۲۳۸ م)
گوردیانوس سوم . (۲۳۸_۲۴۴ م)
فیلیپ عربی . (۲۴۴ _ ۲۴۹ م)
دکیوس . (۲۴۹ _ ۲۵۱ م)
گالوس . (۲۵۱ _ ۲۵۳ م)
آیمیلیانوس . (۲۵۳ م)
والرین . (۲۵۳ _ ۲۶۰ م)
گالینوس . (۲۵۳ _ ۲۶۸ م)
کلود دوم . (۲۶۸ _ ۲۷۰ م)
آورلیان . (۲۷۰ _ ۲۷۵ م)

تاکیتوس . (۲۷۵ – ۲۷۶م)
فلورین. (۲۷۶م)
پروبوس . (۲۷۶ – ۲۸۲م)
کاروس . (۲۸۲ – ۲۸۳م)
کارینوس‌ونومریانوس(باهم).
(۲۸۳–۲۸۵م)
دیوکلسین . (۲۸۴ – ۲۸۶م)
ماکزیمیانوس . (۲۸۶–۳۰۵م)
کنستانتیوس. (۳۰۵–۳۰۶م)
گالریوس . (۳۰۵ – ۳۱۰م)
کنستانتین‌کبیر (قسطنطین) .
(۳۰۶ – ۳۳۷م)
کنستانتین دوم . (۳۳۷ – ۳۴۰م)
کنستانتین . (۳۳۷ – ۳۵۰ م)
کنستانتین‌دوم . (۳۳۷ – ۳۶۱م)
ژولین مرتد . (۳۶۱ – ۳۶۳م)
ژوین . (۳۶۳ – ۳۶۴م)



آرم کشوررومانی

والنتین اول.(مغرب)(۳۶۴ – ۳۷۵م)
والنس . (غرق) (۳۶۴–۳۷۸م)
گراتیان .(غرب) (۳۷۵ – ۳۸۳م)
والنتین دوم . (غرب)(۳۷۵–۳۹۲م)
تئودوسیوس کبیر(شرق).
(۳۷۹ – ۳۹۴م)
ماکزیموس. (غرب) (۳۸۳ – ۳۸۸م)
ائوگنیوس . (غرب) (۳۹۲–۳۹۴م)



کادارنخست‌وزیر رومانی

امپراتوری روم غربی

پس از وفات **تئودوسیوس اول** امپراتوری عظیم روم به شرقی وغربی تقسیم شد ، امپراتوری روم غربی‌شامل: ایتالیا،اسپانیا،گل، بریتانیا ، ایلیریا، پانونیا وقسمتی ازآفریقا بود.این‌سلسله بوسیلهٔ **اودوآکر** سرکردهٔ **گوتها**منقرض شد .

امپراتوران رم غربی

هونوریوس. (۳۹۵ – ۴۲۳م)
والرین‌سوم . (۴۲۵ – ۴۵۵م)
پطرونیوس‌ماکزیموس .(۴۵۵م)
آونیوس . (۴۵۵ – ۴۵۶م)
مایوریان . (۴۵۷ – ۴۶۱م)
سوروس. (۴۶۱ – ۴۶۵م)
آنتیمیوس . (۴۶۷ – ۴۷۲م)
اولوبریوس . (۴۷۲م)
گلوکریوس . (۴۷۳)
ژولیوس‌نپوس، (۴۷۳ – ۴۷۵م)
رمولوس‌آوگوستولوس
(۴۷۵ – ۴۷۶ م)



آرم کشورزلاندنو

امپراتوران‌معروف‌بیزانس(روم‌شرقی)
۱ – **آرکادویدس** . (۳۹۵ – ۴۰۸م)
۲ – **تئودوسیوس دوم** .
(۴۰۸ – ۴۵۰م)
۳ – **مارکیانوس**. (۴۵۰ – ۴۵۷م)
۴ – **لئوی‌اول**. (۴۵۷ – ۴۷۴م)
۵ – **لئوی دوم** . (۴۷۳ – ۴۷۴م)

رومانی Roumanie.

تاریخ رومانی تقریباً از قرن دوم وسوم‌میلادی آغاز میشودزیراتااین‌زمان یکی‌ازایالات‌دولت‌بزرگ روم‌بود،بعداز آن‌چندقرن درتسلط‌قبایلی‌چون، گوتها ، آوارها،هونها واسلاوها بود،ازقرن‌سیزده به‌دوایالت بنام**والاکیا** و **ملداوی** تقسیم شدکه‌درقرن ۱۵ میلادی‌مسخرترکهاشد .

میخاییل دلیر،قهرمان ملی‌رومانی سرازفرمان ترکها‌پیچید وادعای‌استقلال کردولی بامرگ‌اودوباره‌تسلط ترکها بر این‌ایالات مسلم شد.سالها حکام یونانی به‌فرمان سلاطین عثمانی بررومانی حکم می‌راندند .

درسال۱۸۲۱م.**الکساندرایپسیلانتی** که‌یونانی بود طغیان‌کرد ولی‌رومانیهااز اوحمایت نکردند . بطوریکه به کمك ترکها، یونانیها اخراج شدند ودر سال ۱۸۲۲ انتخاب امیران مجدداً به عهدهٔ سلطان عثمانی گذاشته شد.مراحل‌دیگر تاریخ رومانی عبارتست از :

۱ – دورهٔ‌حکومت‌حکام محلی‌مادام‌العمر شد (۱۸۲۹ م).
۲ – نفوذروسیه‌براین‌سرزمین‌زیادترشد .
۳ – شورش ۱۸۴۸ که منجر به مداخلهٔ روس وعثمانی شد .
۴ – ورود قوای بی طرف اتریش بجای روسها (۱۸۵۴ م).
۵ – درسال ۱۸۵۹ **الکساندرکوزا** بسمت‌امیر هردوناحیه‌منصوب شدورومانی به‌صورت واحدی درآمد .
۶ – دورهٔ حکومت **کارول اول** که با اجرای قانون بهتری توانست استقلال رومانی رااعلام‌کند (۱۸۷۸ م).
۷ – درسال۱۸۸۶ رومانی بصورت‌کشور سلطنتی‌بادومجلس‌قانونگزاری درآمد.
۸ – در جنگ‌جهانی اول زمان سلطنت فردیناند،رومانی‌ازآلمان‌واتریش‌شکست خوردوناچار به‌متفقین‌پیوست‌وبسیاری‌از ایالات‌ازدست دادهٔ‌خودرابازپس‌گرفت .
۹ – درجنگ جهانی دوم باوجودی که رومانی‌اعلام بی‌طرفی کرده بودبناچاردر پایان‌به‌دولتهای‌متفق پیوست‌ولی‌اختلافات داخلی وضع‌رومانی‌رابه‌نابسامانی‌کشانده بود .
۱۰ – درسال ۱۹۴۰ **آنتونسکو** رهبر **گارد آهن** بادیکتاتوری‌تمام‌به‌حکومت پرداخت وباروسیهٔ شوروی به‌کمك قوای آلمان جنگید ولی در نبرد سنگین استالینگراد شکست‌خورد .

درسال ۱۹۴۴ **میخاییل** پادشاه رومانی‌به‌کمك‌شوروی‌حکومت **آنتونسکو** راسرنگون‌ساخت‌ورومانی به‌متفقین‌ملحق گردید. **میخاییل**پادشاه‌رومانی تحت‌فشار کمونیستها در سال ۱۹۴۷ استعفاکرد و استعفای اودرسال ۱۹۴۸ اعلام‌گردید.

درسال ۱۹۵۲ قانون اساسی‌جدیدی شبیه قوانین اساسی شوروی تدوین‌گشت وبه‌تصویب عمومی رسید، درفاصلهٔ بین جلسات‌شورا یامجلس، هیئت‌رییسه عهده‌دار وظایف آنست، برای هرچهل هزار نفر یك‌نماینده درنظر گرفته شده‌است .

پادشاهان وحکام معروف رومانی .
۱ – **میخاییل دلیر**، (وفات ۱۶۰۱م) .
۲ – **الکساندر کوزا** . (دورهٔ حکومت ۱۸۵۹ تا ۱۸۶۶ م)
۳ – **کارول‌اول**. (۱۸۶۶ تا ۱۹۱۴م)
۴ – **فردیناند‌اول**، (۱۹۱۴تا۱۹۲۷م)
۵ – **کارول دوم**.
۶ – **میخاییل**. (تا۱۹۳۰ م)
۷ – **کارول‌دوم**(مجدداً) (تا ۱۹۴۰ م)
۸ – **یون آنتونسکو** .

جمهوری خلق رومانی .
گئورك گئورکی دژ .(۱۹۴۷ م)

زلاندنو Nouvelle Zélande.

درآن هنگام‌که‌آ.ی. **تاسمان** کاشف هلندی این‌سرزمین‌راکشف‌کرد(۱۶۴۲) دریانوردانی‌هوشمنددرمیان جزیره‌هایش به‌شکاروماهیگیری‌روزگارمیگذراندند. دوقرن‌پس ازآن دولت انگلیس‌مالکیت خودرا برآن اعلان‌کرد (۱۸۴۰) وبه استعمار این سرزمین پرداخت ، ازسال ۱۸۵۵ زلاندنودرسلك‌کشورهای‌مشترك‌المنافع درآمد واینك عضو سازمان‌ملل نیز هست ، یك فرماندارکل انگلیسی ، مجالس‌نمایندگان منتخب ازجانب مردم دولتی وابسته به حزب اکثریت بر آن حکومت میکند .

حزب‌ائتلافی‌آن**حزب‌ملی** نام‌دارد. زنان دراین کشور حق‌رأی دارند .

ژاپن Japon

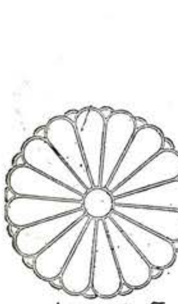
طبق افسانه‌های قدیمی این کشور امپراتوری ژاپن در ۶۶۰ سال پیش ازمیلاد به‌وسیلهٔ امپراتور **جیمو تنو** تأسیس گردید. آغاز تاریخ ژاپن را باید از ۴۰۰ میلادی دانست ، درقرن پنجم قبیلهٔ **یاماتو** بر سرزمین آن مسلط شدند وازقرن ۶ تا ۸ میلادی ژاپن تحت تأثیر فرهنگ و هنر چین قرارگرفت وریس قبیلهٔ یاماتو امپراتور نامیده‌شد . درآغاز قرن ۹ میلادی دوباره دراین سرزمین ملوک‌الطوایفی برقرارشد. ودرقرن ۱۲ میلادی گرفتار جنگهای داخلی بود سرانجام **یوریتومو** باعنوان **شوگون** درشهر **کاماکو** به‌حکومت نشست وحکومت دیکتاتوری برقرار نمود وازآن پس چند قرن‌دراین کشور آتش جنگهای داخلی روشن بود .

درقرن ۱۶ و ۱۷ کشورهای **هلند و پرتغال** باژاپن روابط تجاری داشتند ، ژاپن درسال ۱۸۶۹ صاحب قانون‌اساسی گردید.درجنگ(۱۸۹۴-۱۸۹۵م) با چین‌جزیرهٔ **فرمز** را به تصرف درآوردو درجنگ (۱۹۰۴-۱۹۰۵م) با روسیه که منجربه شکست‌روس‌ها گردیدنصف‌جزیرهٔ **ساخالین** به‌ژاپن واگذارشد. ژاپن در ۱۹۱۰ کشور کره‌راضمیمهٔ خودساخت. درجنگ جهانی اول آلمانها را از **شانتونك** بیرون‌کرد ومستعمرات آلمان رادراقیانوس آرام به‌تصرف‌خوددرآورد. درسال ۱۹۳۱ ژاپن **منچوری** رااشغال‌کرد ودرسال ۱۹۳۲ علیه‌چین واردجنگ‌شده و**پکن‌وشانگهای** راتصرف‌کردو**نین‌تسین** رابمباران‌نمود ، در ۷ دسامبر ۱۹۴۱ به **پرل‌هاربور** حمله‌کرد.در ۱۴ اوت ۱۹۴۵ تسلیم متفقین گردید و ژنرال **دوگلاس ماك‌آرتور** به‌فرمانده عالی‌نیروهای‌متفقین درژاپن اشغال شده تعیین گردید. در ۳ مه ۱۹۴۷ قانون‌اساسی‌جدیدژاپن تصویب گردید،پارلمان ژاپن از دو مجلس تشکیل شده است : مجلس مشاورین که تعداد کرسی‌های آن ۲۵۰ و دورهٔ آن ۶ سال میباشدومجلس نمایندگان که‌دورهٔ آن ۴ سال بوده‌وعدهٔ اعضایش ۴۶۷ نفر میباشد.درقانون‌اساسی جدید به‌زنان‌حق رأی داده شده است. ژاپن‌هشتادمین‌عضو سازمان‌ملل‌است ودر ۱۹ دسامبر ۱۹۵۶ به‌عضویت این‌سازمان پذیرفته شد .

ساحل طلا (غنا) . Ghana

تاریخ سکونت اقوام کنونی مناطق ساحل‌طلابطور قطع‌معلوم نشده‌است،مسلم آنست‌که اقوام مزبور بطوراجتماع در ناحیهٔ بسیاروسیعی‌میان سودان‌وصحرای افریقا ومناطقی‌که پیش ازاین یادشده میزیسته‌اند و روزگاری امپراتوری پهناور به‌نام گانا داشته‌اند، ساکنان‌کنونی هنوزهم آن‌عصر وزمان رابه‌یاد دارندو به‌یادبود همان سابقهٔ تاریخی نام امروز کشورخودراغنا گفته‌اند.مردم‌غنادرحدود سال ۱۲۱۴م، موردحملهٔ مسلمانان قرار میگیرند و قراء و قصبات آنان به دست عرب ها غارت میشود مردم ناگزیر پراکنده‌میشوند وبه جنوب کوچ میکنند وشاید ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ میل راه می‌پیمایند تا از تطاول عربها در امان‌بمانند وازآن‌پس‌تاامروزبتدریج‌در مناطق‌کنونی‌سکنی‌می‌گزینند.فرانسویان میگویند در سال ۱۳۸۳ به ساحل طلا رسیده قلعهٔ **المینا** را درآن سرزمین بنا کرده‌اند این‌گفته مستند تاریخی‌ندارد.

درسال ۱۴۷۱ ساحل طلا از طرف دریانوردان پرتغال کشف‌گردید ویازده سال بعد یعنی درسال ۱۴۸۲ قلعهٔ المینا به‌دست آنان بنا شد. این قلعه ۱۵۵ سال بعدبه دست هلندیان افتاد وپنجسال پس ازآن یعنی در ۱۶۴۲ پرتغالیان همهٔ متصرفات خودرا درساحل طلابه‌هلندیان واگذارکردند.درسال ۱۵۵۳ انگلیسیان ودر ۱۵۹۵ هلندیان بااین سرزمین‌باب داد و ستد را گشودند ، سه سال بعد هلندیان مکانی در **موری** بر پاساختند. در سال ۱۶۲۳ دانمارکیان قلعهٔ - **کریستیانس برگ** رابناکردند و ۲۲ سال بعدسوئدیان این قلعه رامتصرف‌شدندوتا سال ۱۶۵۷ آن‌را دراختیار داشتند .در سال ۱۶۲۱ انگلیسیان‌محلی در**کرمانتی** نزدیك حوض‌نمك ساختند ودر ۱۶۵۲ سوئدیان‌نیزدر**کپ‌کوست** قلعه‌ای‌بناکردند درسال ۱۷۵۲ کمپانی افریقایی« بروش» کمپانی هند شرقی تحت حمایت دولت انگلیس تشکیل می‌شود و در این تاریخ جزانگلیسیان که در مرکز **کپ‌کوست** و هلندیان‌که‌درمرکزقلعهٔ**المینا** ودانمارکیان که‌درمرکز قلعهٔ**کریستیانس‌برگ** مستقر بودند کلیهٔ دول اروپایی دیگر ساحل طلارا رها میکنند . نخستین میسیون انگلیسی در ۱۸۱۷ روزانهٔ اشانتی میشود و ۴ سال‌بعد دولت انگلیس مناطق اشغالی‌کمپانی « آفریقایی » را تصرف می‌کند ولی مردم اشانتی‌که به جنگجویی‌ودلیری معروفنددرسال ۱۸۲۴ قوای انگلیس‌رامغلوب کردند،امادوسال بعدانگلیسیان‌موفق‌شدنداین‌مردم‌استقلال طلب رامغلوب سازند . ازآن به بعد هم انگلیسیان مصروف‌ایجادتشکیلات‌اساسی دولتی واقتصادی دراین مناطق میشود . درسال ۱۸۴۴ رؤسای بعض قبایل کتباً اختیارات وسلطهٔ انگلیسیان‌را برسمیت شناختند وازاین تاریخ‌است‌که استیلای قطعی انگلیس در این سرزمین آغاز میگردد .



آرم کشورژاپن

شورای تقنینیه اول مرتبه در سال ۱۸۵۲ تشکیل شد. دول دیگر اروپا که تااین‌تاریخ ساحل‌طلاراترك نکرده‌بودند درمقابل دولت‌انگلیس‌نتوانستندمقاومت کنند وچنانکه فهرست وقایع‌نشان‌میدهد ازاین زمان‌به‌بعدآن‌چنددولت‌دیگرهم‌که هنوزقلعه‌ای ازاین‌اراضی‌دراختیارداشتند بتدریج این نواحی راترك گفتند. درسال ۱۹۵۰ دانمارکیان متصرفات خودرادر مقابل ده‌هزارلیره به‌انگلیسیان واگذار کردند . هلندیان نیز در ۱۸۶۷ برطبق قراردادی متصرفات خودرا در مشرق رودخانهٔ سوت بامتصرفات انگلیس واقع در مغرب همان رودخانه معاوضه‌کردند وپنجسال بعداجباراً کلیهٔ متصرفات‌خودرا درساحل طلا درمقابل ۳۷۹۰ لیره به انگلستان واگذارکردند ، ازاین پس بازهم مدتی انگلیسیان باعشایر محلی‌به خصوص قبایل اشانتی درستیز بودندتا سرانجام در ۱۹۰۱ موفق شدند بکلی آن قسمت را نیز ضمیمهٔ ساحل‌طلا کنند.

درسال ۱۹۴۹ دکتر**قوام‌نکرومه** حزب مردم راتأسیس‌میکند ودر ۱۹۵۱ همین شخص از طرف مجلس مقننه‌ای‌که تازه افتتاح شده بودبه عنوان پیشوای امور دولتی انتخاب میگردد . دکترنکرومه درسال ۱۹۵۲ نخستین‌رییس دولت‌ساحل طلا شناخته‌شد.درسال ۱۹۵۶ نخست‌وزیر مقدمات استقلال‌کشور را فراهم‌کرد و سرانجام درششم مارس ۱۹۵۷ استقلال کشور رسماً اعلام‌گردید و در تاریخ‌اول ژوییهٔ ۱۹۶۰ اولین انتخابات ریاست جمهوری به‌عمل‌آمد ودکتر قوام‌نکرومه به ریاست‌جمهوری انتخاب‌گردید .

غناهشتادویکمین‌عضوسازمان‌ملل‌متحد وعضوکشورهای‌مشترك المنافع‌انگلستان است . این‌کشوردارای یك مجلس است

انتخابات پارلمان مخفی ویك درجه ایست مردم اعم اززن ومرد از ۲۱ سالگی ازحق رأی برخوردارند. دورهٔ تقنینیه سابقاً ۴ سال بودولی برطبق قانون اساسی مصوب سپتامبر ۱۹۵۶ به پنج سال افزایش یافت وآخرین انتخابات در ۱۷ ژوییهٔ سال ۱۹۵۶ به عمل آمد. تعداد نمایندگان ۱۰۴ تن است وبه ترتیب بین نواحی مختلف تقسیم میشوند.

سالوادر.

ال سالوادر را به‌بینید.



آرم کشور سالوادر

Saint Marin **سان مارینو.**

این جمهوری درقرن چهارم میلادی پایه گذاری شده واز ۱۸۹۷ باایتالیادارای عهدنامهٔ دوستی ومودت است. سان‌مارینو به وسیلهٔ یك مجلس بزرگ مرکب از ۶۰ نماینده که ازطرف اهالی انتخاب میشوند اداره‌می‌شود. دونفر ازنمایندگان مزبور برای مدت ۶ ماه به‌عنوان ادارهٔ قوهٔ مجریه انتخاب می گردند. حکومت ۱۲ سالهٔ کمونیستها در سال ۱۹۵۷ سقوط کرد و یك دولت موقتی مرکب ازچهارعضو ادارهٔ امور را دردست گرفت.



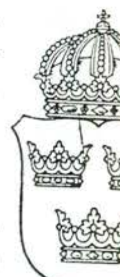
آرم کشور سان‌مارینو

Singapur **سنگاپور**

از روزگاران قدیم مسکن اقوام مالهای، چینی وهندی بوده وتمدن هندی وچینی درآن تأثیر مستقیم داشته‌است.

درسال ۱۸۱۹ به دست کمپانی هند شرقی افتادو پنج سال بعدازآن انگلستان شد که درآن پایگاه های تجاری ونظامی مهمی برای دفاع ازمستعمراتش در آسیا پدیدآورد.

تسلط ژاپن برسنگاپورضربهٔ سنگینی برقدرت نظامی بریتانیا فرود آورد (۱۹۴۲ - ۱۹۴۵م)، در سال ۱۹۵۹ سنگاپور حق خودمختاری به دست آورد و سپس به کشور نوبنیاد فدراسیون مالزی پیوست (۱۹۶۳م) ولی نارضایی ملیون از رهبران این فدراسیون ودولت که با انگلستان روابط بسیاری خوبی داشتندموجب جدایی سنگاپورشد (۱۹۶۶م) بااین‌حال‌هنوزپایگاههای‌نظامی انگلستان دراین سرزمین پابرجاست.



آرم کشورسوئد

Senegal **سنگال.**

سنگال ازروزگاران باستانی دارای شاه ونظام خاصی بوده است. درقرن پنجم هجری قمری اسلام دراین سرزمین ریشه دوانید وباآداب وعقاید دینی پیشین در آمیخت ولی نظام اجتماعی آن بجاماند.

در قرن پانزدهم پرتغالی ها بدانجا راه یافتند وصدوپنجاه سال بعدفرانسویان فرا رسیدند وپرتغالی‌ها را بیرون راندند و سرانجام دولت کهن این سرزمین را برانداختند (۱۸۹۳م) در سال ۱۹۵۸ سنگال دولت خود مختار وسال بعدعضو اتحادیهٔ مالی ودر سال ۱۹۶۰ مستقل‌شد وبه عضویت سازمان‌ملل درآمد.وآیین **لوتر** را پذیرفت.

اکنون این کشور مشروطهٔ سلطنتی است ودارای دومجلس است که یکی ۱۵۱ عضودارد ودوره‌اش ۸ سال است و مجلس دیگر ۲۳۱ عضودارد ودورهٔ آن ۴ سال است مردان و زنان از ۲۱ سالگی حق رأی‌دارند، سوئد، دانمارك، نروژوایسلند عضو شورای شمالی هستند که این شورا مشورتی است.

Suede **سوئد.**

سوئار قومی باستانی که ساکنین اولیه سوئدبوده‌اند. این‌قوم‌درقرن‌ششم‌میلادی بااقوام **گوتار**، وایکینگها و نورمانها درآمیختندو پادشاهان این‌سرزمین‌قرنها با همسایگان در نبرد بوده‌اند **واریك نهم** برای همیشه دفتربت‌پرستان را بست و دین‌کشوررا مسیحی اعلام‌کرد.

در سال ۱۳۱۹ سوئد و نروژمتحد شدند و **مارگریت** درسال ۱۳۹۷ برسوئدو دانمارك‌سلطنت‌می کردولی **کریستیان‌دوم** باقتل عام‌اشراف‌این‌کشور تفوق‌دانمارك ونروژرا برسوئد مسلم‌کرد.

درسال ۱۵۲۳ مردم‌سوئد به‌رهبری **گوستاواول** کشورخود را مستقل‌کردند وسلسلهٔ **واسا** راتشکیل داد.

حکمرانان سوئد:

اسورکر. (۱۱۳۰–۱۱۵۰م).
اریك نهم. (۱۱۵۰–۱۱۶۶م).
برگر. (۱۱۹۵–۱۲۰۲م).
اریك دهم. (۱۲۰۸–۱۲۱۶م).
اریك یازدهم. (۱۲۲۲–۱۲۵۰م).

سلسلهٔ فولکونگ.

ارل برگر. (۱۲۵۰–۱۲۶۶م).
والدمار اول. (۱۲۶۶–۱۲۷۵م).
ماگنوس اول. (۱۲۷۵–۱۲۹۰م).
برگردوم. (۱۲۹۰–۱۳۱۸م).
ماگنوس دوم (۱۳۱۹–۱۳۶۵م).
اریك دوازدهم. (۱۳۵۶–۱۳۵۹م).
هاکون‌ششم. (۱۳۶۲–۱۳۶۳م).
آلبرت مکلنبورگی. (۱۳۶۴–۱۳۸۹م).
مارگارت (اتحاد بادانمارك). (۱۳۸۹–۱۴۱۲م).
اریك‌سیزدهم (اریك‌هفتم‌دانمارك). (۱۴۱۲–۱۴۳۹م).
انگلبرکت. (۱۴۳۵–۱۴۳۶م).
کارل‌کنوتسن. (۱۴۳۶–۱۴۴۰م).
کریستوفر باواریایی. (۱۴۴۰–۱۴۴۸م).
کارل‌هشتم. (۱۴۴۸–۱۴۵۷م).
کریستیان‌اول، اولدنبورگی. (۱۴۵۷–۱۴۶۴م).
کارل‌هشتم. (۱۴۶۵م).
اشتن‌اشتور. (۱۴۷۰–۱۵۰۳م).
یان دوم. (۱۴۹۷–۱۵۰۱م).
اسوانت‌اشتور. (۱۵۰۳–۱۵۱۲م).
اشتن‌اشتورکوچك. (۱۵۲۰م).
کریستیان‌دوم. (۱۵۲۳م).

سلسله واسا:

گوستاواول. (۱۵۲۱–۱۵۶۰م).
اریك‌چهاردهم. (۱۵۶۸م).
یوهان‌سوم. (۱۵۹۲م)
سیگیسموند. (۱۶۰۴م).
کارل نهم. (۱۵۹۹–۱۶۱۱م)،
گوستاودوم. (۱۶۳۲م).
کریستینا. (۱۶۵۴م).
سلسله پالاتینات. (۱۶۵۴–۱۶۶۰م).
کارل دهم. (۱۶۶۰–۱۶۹۷م).
کارل یازدهم. (۱۶۹۷–۱۷۱۸م).
کارل دوازدهم. (۱۷۱۸م).
اولریکاالئنورا (۱۷۱۸–۱۷۲۰م).
فردریك اول. (۱۷۲۰–۱۷۵۱م).

سلسلهٔ هولشتاین_گوتورپ.

آدولف فردریك. (۱۷۵۱–۱۷۷۱م).
گوستاوسوم. (۱۷۷۱–۱۷۹۲م).
گوستاوچهارم. (۱۷۹۲–۱۸۰۹م).
کارل‌سیزدهم. (۱۸۰۹–۱۸۱۸م).

سلسلهٔ برنادوت:

کارل‌چهاردهم. (۱۸۱۸–۱۸۴۴م).
اسکاراول. (۱۸۴۴–۱۸۵۹م).
کارل پانزدهم. (۱۸۵۹–۱۸۷۲م).
اسکاردوم (جدایی‌نروژ ۱۹۰۵م). (۱۸۷۲–۱۹۰۷م)،
گوستاوپنجم. (۱۹۰۷–۱۹۵۰م).
گوستاوششم (۱۹۵۰م)

Soudan. **سودان.**

مصریان‌باستان‌تا ۱۵۰۰ ق‌م. سودان را در تصرف داشتند و آنچه از تاریخ برمی‌آید اینست که درقرن ششم میلادی مردمانش مسیحی شدند و در قرن ۱۵

میلادی تحت تسلط اعراب در آمده و اسلام آوردند .

در قرن نوزده مصریان مجدداً این سرزمین رااشغال کردند. درسال ۱۸۸۱ محمداحمدبن عبدالله معروف به‌مهدی سودانی قیام کرد ومصر راناچاربه بیرون بردن نیروهای خود ازسودان نمود. نیروهای مصری فقط درو ادی جلفا ویکی ازبنادر دریای احمر باقی ماندند. درسال ۱۸۹۹ حکومت مهدی به‌دست ارتش مشترک مصر وانگلیس سقوط کرد . در سال ۱۹۴۸ قانون اساسی یک شورای اجرایی با نمایندگان متساوی ازانگلیسها وسودانیها به‌وجود آورد .

پارلمان مصر در سال ۱۹۵۱ پیمانهای سالهای ۱۸۹۹ و۱۹۳۶ را با انگلستان ملغی ساخت و قانون اساسی جداگانه‌ای برای سودان درنظر گرفت. درسال ۱۹۵۳ طبق‌موافقت نامه‌ای که در **قاهره** به امضاء رسید حکومت‌دوگانه ملغی شد ومصر تقبل نمود تصمیم الحاق به مصریا استقلال کامل را به‌خود سودانیها واگذار کند. رفراندم‌سودان به‌نفع استقلال کامل به‌پایان‌رسیدودر سال ۱۹۵۶ سودان استقلال یافت ویک‌شورای دولتی مرکب از ۵ نفر تشکیل‌شد . مجلس نمایندگان دارای ۱۷۳ نمایندهٔ انتخابی‌وسنادارای ۳۰ عضو انتخابی‌است و۲۰ نفر دیگر از طرف‌شورای دولتی‌تعیین میگردند .

درسال ۱۹۵۸ ارتش به‌رهبری ژنرال **عبود** کودتا کرد ومجلس وقانون‌اساسی‌را درهم‌پیچیدودیکتاتور نظامی برقرار کرد.

سوریه. Syrie.

شاید از بدو پیدایش انسان ، این سرزمین مسکون‌بوده و**اموری‌ها** اولین قوم‌سامی نژادسوریه‌هستندوسلسله‌اموری‌ها در ۱۷۰۰ ق م . منقرض‌شده است.

آرامی‌ها نیز ازاقوام باستانی‌سوریه بودندکه‌قرنهادراین‌سرزمین حکمراندند.

ازدوره‌های درخشان تاریخ باستان سوریه می‌توان دورهٔ تسلط‌ایران‌بر‌سوریه را نام برد .

سلوکیان بعد از اسکندر بر این کشوردست‌یافتند. بعدازآنهامدتی در تصرف مصریان و ارمنی‌ها و اشکانیان ورومیان بود که نکتهٔ مهم آن گسترش مذهب مسیحیت دراین سرزمین بود .

در دورهٔ اقتدارامپراتوری‌روم‌شرقی سوریه در قلمروآنها بود.

درزمان خلافت ابوبکر سوریه فتح شد وتاسال ۱۲۷ هجری‌قمری‌مرکزخلافت بنی‌امیه دردمشق‌بوده در زمان عباسیان پایتخت به‌بغداد منتقل‌شد .

معروفترین سلسله‌هایی که درزمان ضعف دورهٔ عباسی درسوریه حکمراندند **حمدانیان، فاطمیان، سلاجقهٔ‌شام، اتابکان شام** وممالیک‌مصر بود .

درزمان سلطان **سلیم‌اول** ، سوریه تسلیم‌عثمانی‌هاشد وعثمانی‌هااین‌سرزمین رابه‌پاشانشین‌هایی‌تقسیم‌کردندودوره تسلط عثمانی‌هادورهٔ بدبختی این‌سرزمین‌بود.

در سال ۱۷۹۹ فرانسویها این سرزمین‌رااشغال کردندولی‌دیری‌نپایید‌که **ابراهیم‌پاشا** سوریه را از ترکان عثمانی گرفت ولی در سال ۱۸۴۰ دوباره دولت عثمانی به‌آن دست یافت.

بعداز جنگ جهانی اول ، اگر چه مردم‌سوریه **فیصل‌اول** را به‌شاهی برگزیدند ولی متفقین این سرزمین‌را همچنان در قیمومت فرانسه گذاشتند .

ولی مردم‌روشن‌بین‌وملی‌بپاخاستند و۱۹۲۶ لبنان جدا ازسوریه مستقل شد وتاجنگ جهانی دوم‌اختلافات داخلی و نیروی قوی استعمار همچنان‌بود ولی در سال ۱۹۶۱ جمهوری مستقل سوریه‌اعلام شد وشیخ تاج‌الدین **حسنی** به‌نام اولین رییس‌جمهور تعیین گردید.

درسال ۱۹۴۲ **شکری‌القوتلی** روی کارآمد. از آن تاریخ سوریه همواره با کودتاهای‌نظامی دولت عوض‌کرده‌است.

درسال ۱۹۵۳ **شیشکلی** رییس‌جمهور شد ودرسال ۱۹۵۴ معزول‌گردید، درسال ۱۹۵۸ سوریه به‌اتفاق‌مصر **جمهوری‌متحدهٔ عربی** را تشکیل‌دادولی‌پس‌ازمدت‌کوتاهی دوباره از هم جدا شدند .

اتابکان دمشق یاآل بوری.

(۴۹۷ – ۵۴۹ ه ق)

مؤسس این سلسله **طغتکین اتابک دقاق بن‌تتش** ازسلجوقیان شام‌که پس از مرگ‌وی‌در ۴۹۷ زمام‌اموررا بدست‌گرفت وپس‌ازوی‌پنج تن از اولادانش حکومت کردند. دولتشان بدست اتابکان زنگی برافتاد .

بوری پسرطغتکین‌دومین‌امیرایشان است. این‌سلسله‌بنام‌وی‌به‌آل‌بوری معروف شده است .

۱ – **سیف‌الاسلام** ظهیر الدین طغتکین. (۴۹۷ هجری).

۲ – **تاج‌الملوک** بوری. (۵۲۲ ه ق)

۳– **شمس‌الملوک** اسماعیل . (۵۲۶ه ق)

۴– **شهاب الدین** محمود . (۵۲۹ ه ق)

۵– **جمال‌الدین** محمد . (۵۳۳ ه ق)

۶–**مجیرالدین** ابق(انز)(۵۳۴–۵۴۹ه‌ق)

بنی مرداس .

(۴۱۳ – ۴۷۲ ه ق)



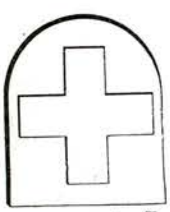
آرم کشورسوریه

صالح بن مرداس مؤسس این‌سلسله در سال ۴۱۳ بر حلب که مردمش بر حکمران فاطمی خودشوریده‌بودند دست یافت. پس ازوی‌سه‌پسر و۶ نوه‌اش‌حکومت کردند، عقیل‌دونفراز نوه‌هایش باخلفای **فاطمی و بنی‌عقیل** درجنگ بودندوبارها قلمرو خودرا ازدست دادند تا سرانجام دولتشان بدست **مسلم بن قریش عقیلی** منقرض شد .

اخشیدیان .

(۳۲۳ – ۳۵۸ ه‌ق)

نام سلسله‌یی ازامراء شام‌که دولت مستعجلی داشتند. اصل ایشان از ترکان فرغانه است. **محمد بن‌طغج** وقتی‌ازطرف خلیفهٔ عباسی حاکم دمشق شد در آنجا رایت استقلال‌برافراشت وقلمرو خود را توسعه داد وخودرا اخشیدنامید (اخشید لقب امراء فرغانه بوده‌است) پس‌ازوی دوپسرویک‌نوه‌ویک‌تن‌از خواجه‌سرایانش حکومت کردندتادولتشان‌بدست **فاطمیان** منقرض شد .



آرم کشورسویس

سومالی Somalie

بخشی‌ازسومالی‌سالهای (۱۸۷۰ – ۱۸۸۵ م)درتصرف بریتانیا وقسمت‌دیگر اندکی بعدمستعمرهٔ ایتالیاشد واین‌هردو درایام جنگ‌جهانی دوم نصیب‌انگلستان گردید (۱۹۴۱–۱۹۵۰م)سپس سازمان ملل قیمومت آنرابه انگلستان‌و فرانسه واگذاشت‌وده‌سال‌بعد (۱۹۶۰م)این‌هردو به‌یکدیگر ملحق‌شدند وجمهوری‌سومالی راتشکیل دادندکه عضو سازمان ملل‌شد، این‌کشور ازکمک‌های مالی آلمان غربی واتحادجماهیرشوروی وایتالیا برخوردار است .

سویس Suisse

سرزمین سویس سابقاً هلوسیا نامیده میشد ودرسال ۵۸ قم به تصرف رومیها درآمد وقریب ۵ قرن بعدآلمانیها آنرا متصرف شدند ودر قرن ششم فرانکها بر این سرزمین دست یافتند .

اگرچه‌مدتی تجزیه‌شد ولی درددورهٔ

امپراتوری مقدس روم وحدت خود را بازیافت .

درسال ۱۲۹۱ میلادی‌سه‌ایالت آن عضو یك اتحادیهٔدفاعی‌شدند وبعداً نواحی دیگربه آنهاملحق گردیدند.درسال ۱۶۴۸ کنفدراسیون سویس از امپراتوری مقدس روم‌مجزاگردیدواستقلال‌یافت.سه‌کانتون‌ها که ایالتهای سویس را تشکیل می‌دهد دارای‌تقسیمات کوچکترهستند،این‌کانتون‌ها دارای یك قانون اساسی فدرال میباشند که درسال ۱۸۷۴ تدوین گشته است . کانتون‌هااختیارات داخلی بسیاری‌دارند. پارلمان ملی عمومی ازدومجلس تشکیل شده:یکی شورای دولتی‌که هرکانتون‌در آن دونماینده دارد. دیگری شورای‌ملی که ازهر۲۴ هزارنفر یك‌نماینده در آن شرکت‌می‌نماید ، قوهٔاجراییه دردست‌یك شورای فدرال مرکب ازهفت عضو است رییس جمهور ازاعضاء شورای فدرال به مدت یکسال انتخاب میگردد ومعمولا پس ازاو معاون رییس جمهوری بـه‌این سمت‌انتخاب میشود. سویس‌درهیچ‌اتحادیهٔ نظامی واردنشده‌ودرسازمان ملل وپیمان آتلانتیك شمالی عضویت نداردولـی در یك عده ازکمیته‌های سازمان ملل‌ازقبیل سازمان بین‌المللی کار، سازمان بهداشت وجهانی‌عضویت دارد.مرکزاتحادیهٔبین‌المللی دربرن واقع شده است .



آرم کشور سیرالئون



آرم کشورشیلی

سیام. Siam

تایلند رابه‌بینید .

سیرالئون Sierraléon

در سال ۱۷۸۸ م مناطق ساحـلی سیرالئون‌برای‌سکونت‌مهاجران‌انگلیسی وبردگان فراری در نظرگرفته شد ودر سال ۱۸۹۶رسماًمستعمرهٔانگلیس گردید ودرسال ۱۹۶۱ استقلال یافت.این‌کشور عضوسازمان ملل وجامعهٔ مشترك المنافع بریتانیای‌کبیراست.درماه مارس ۱۹۶۷ سرهنگ **آمبروزجاندا** باکودتای‌نظامی روی کارآمد .

شیلی . Chili

آرم کشورعراق

درسال ۱۵۳۶ میلادی‌کشف شد و سال ۱۵۴۰ شیلی بـه وسیلهٔ **والدیویا** کاملا به تصرف اسپانیا درآمد. والدیویا در ۱۵۴۱ شهر **سانتیاگو**را بنا نهاد ، در ۱۸۱۸کشور شیلی مستقل‌گردید . شیلی‌در جنگهای (۱۸۳۶ــ ۱۸۳۹م) و(۱۸۷۹ ــ ۱۸۸۴)بر**پرو** و**بولیوی** غلبه‌کرد وایالات **تاکنا**و**آریکا**را ازپرو گرفت . در۱۹۲۹ تاکنا به‌پرو داده‌شد وشهر آریکا ، بندر آزادی برای پرو و بولیوی‌گردید . برطبق قانـون اساسی جمهوری شیلی ، دورهٔ ریاست جمهوری ۶سال می‌باشد . عدهٔ سناتورها ۴۵ نفر بوده وبه مدت ۸ سال انتخاب می‌شوند . عدهٔ‌نمایندگان به‌نسبت‌یك در ۳۰۰۰۰ جمعیت‌می‌باشد ودورهٔ مجلس نمایندگان ۴سال است.اشخاص‌باسوادکه بیش‌از۲۱ سـال داشته باشند حـق رأی دادن را دارند .

عراق Iraq

عراق که پیش ازاین بین النهرین خوانده‌میشدیکی ازجایگاههای‌نخستین زندگی‌بشری بوده‌است.

طغیان‌دجله‌وفرات خاك‌حاصلخیزی فراهم‌آورده‌بودکه موجب‌شگفتی‌تمدنهای سومر، اکد وآشورگردید و ساحل دجله بیش از۹ قرن پایتخت ایران‌شد .

در دوران پانصدسالهٔ خلفای‌عباسی بغدادمرکزسیاسی‌وفرهنگی‌دنیای‌مسلمان بود ولی بابر افتادن خلفای عباسـی بین‌النهرین ازرونق‌افتادواز قرن۱۰ هـ. میان ایران وعثمانی دست به‌دست‌گشت و سرانجام سیاست مذهبی صفویان سبب هواداری‌اعراب‌وکردان‌سنی این‌سرزمین از عثمانیان شد و پس‌ازنادردیگر دست ایرانیان یك باره ازآنجاکوتاه‌ماند و لشکرکشی**کریمخان**به بصره نیز باشکست مواجه‌گردید.درجنگ‌جهانی‌اول‌انگلیسی ها باتطمیع اعراب وجلب‌هواداری‌ایشان بر عراق‌دست‌یافتندودرسال۱۹۲۱ کشور عراق راایجادکردند وجامعهٔملل درسال ۱۹۲۲عراق راتحت قیمومت انگلستان قراردادوانگلستان**فیصل** پسر**شریف‌حسین** (شریف‌مکه) را به‌عنوان ملك فیصل‌بـر تخت سلطنت عراق نشاندند و خود زمام امور را در دست‌گرفتند ولی مردم‌عراق ازهمان آغاز سال ۱۹۲۰ برعلیه تسلط انگلستان قیام کردند.بریتانیا بارهـا رهبران ملی را توقیف کرد . وزیران و نمایندگانی را که تحت نظربریتانیا انتخاب شده بودند ولی‌حاضر به‌خیانت به‌هم میهنان نبودند زندانی و تبعید نمود . مجلس ، روزنامه‌ها، چاپخانه‌ها، مدارس و حتی کابینه را تعطیل کرد و دهکده‌هارا با بمب‌های ساعت‌شماربمباران نمود . باآن‌که عراق‌درسال ۱۹۳۲یك کشور مشروطهٔ مستقل شناخته شد وعضو جامعهٔ ملل‌گردید ولی در همان هنگام پادگان‌های‌انگلیسی‌دربسیاری‌ازشهرهای عراق مستقر بود.انگلستان‌پایگاه‌هوایی داشت وحق داشت ازتمام تسهیلات برای جنـگ با دشمنان برخوردار شود ، دادگاههای‌تجدیدنظرودادگستری‌بسیاری از شهرهای عراق دردست انگلیس‌ها بود ودر همان‌هنگام باهواپیماوتوپ‌ومسلسل میهن پرستان‌عراقی‌راقتل‌عام می‌کردند. قیامی‌که در سال ۱۹۴۱ به رهبری ــ **رشید عالی‌گیلانی** نخست‌وزیر عراق و باکمك آلمان‌ها صورت گرفت‌با دخالت نظامی انگلستان پایان یافت و در تمام دوران‌جنگ،عراق‌دراشغال‌آنان‌بود.فیصل درسال ۱۹۳۳ درگذشت وپسرش **غازی** نیز درسال ۱۹۳۹ دریك حادثهٔاتومبیل کشته شد و پسرش **فیصل ثانی** به تخت نشست‌که پس‌ازسرکوب‌ساختن‌چندین‌قیام وانباشتن‌زندان‌هاسرانجام براثر کودتای نظامی**عبدالکریم‌قاسم** ویارانش کشته‌شد وجمهوری اعلام گردید . کردهای‌عراق‌که ازدیر زمانی برای خود مختاری تـلاش میکردند دراین‌هنگام به تجدیددرخواست خودپرداختند ولی رجال‌عرب‌روی‌موافق نشان ندادند وکاربه‌جنگ کشید. کردها که ازهوادارای سیاست های خارجی و استحکامات‌طبیعی‌وشجاعت فطری‌برخور- دار بودندباموفقیت از مواضع خوددفاع کردندوعبدالکریم‌قاسم‌ازیك‌سو بامشکلات داخلی‌وازسوی دیگرباعدم‌رضایت‌خارجی مواجه شد و بر اثر کودتای دیگری‌که توسط **عبدالسلام عارف** یکی ازهمکاران نظامی وسیاسی‌سابقش اداره‌میشدگرفتار وکشته شد (۱۹۶۳)ولی عارف نیزپیش ازآنکه به‌حل مسئله‌موفق‌شوددریك‌حادثهٔ هوایی به‌قتل رسید (۱۹۶۶م) وبرادرش **عبدالرحمن عارف** به‌جایش نشست.اینك درمناطق جنگ آرامش برقرارگردیده است ورییس جمهوری‌کنونی می کوشدپا به‌پای بهبوداوضاع‌داخلی مناسبات‌خودرا باایران، کویت،وترکیه بهبود بخشد وبا همهٔ همسایگانش بامسالمت رفتارکنند .

عباسیان.

در تاریخ ایران دیده شود .

بنی‌عقیل (۳۸۶ ــ ۴۹۹هق)

سلسله‌ای از امراء موصل وکوفه و مداین‌است‌که پس‌اززوال‌آل‌حمران روی کار آمدند ومؤسس‌آن حسام‌الدوله مقلد است‌که‌خراجگزارآل‌بویه‌بود. این‌سلسله بدست سردار سلجوقیان منقرض‌شد .

ارتقیه (۴۹۵ـ۷۱۲هق)

مؤسس این سلسله **ایغازی بن ارتق** است که در سال **۴۹۵** بشحنگی بغداد منصوب شد وبتدریج بکمك برادرش بر دیاربکر دست یافت، فرزندان این دو برادر مدتها در این سامان حکومت کردند.

امراء بکتکینی (اتابکان اربل).
(۵۳۹ـ۶۳۰هق)

مؤسس این سلسله **زین الدین علی کوچك** ابن بکتکین است که درسال **۵۳۹** به حکومت موصل رسید وی قلمرو حکومت خود رادرسنجار ونقاط دیگر توسعه داد وپس ازوی اولادانش بیاری **صلاح الدین ایوبی** مدتی حکومت کردند وسر انجام قلمروشان نصیب عباسیان شد. امراء بکتکینی عبارتند از:

۱ ـ **زین الدین علی کوچك** بن بکتکین (جلوس ۵۳۹هق)
۲ ـ **زین الدین یوسف** بن علی (جلوس ۵۶۳هق)
۳ ـ **مظفر الدین کوکبوری** بن علی (در حران ۵۶۳) ودراربل (۵۳۰ـ۵۸۶هق)

ممالك این سلسله راابتدا بنی عباس وسپس مغول تصرف کرد.

اتابکان زنگی (اتابکان الجزیره وشام)
(۵۲۱ ـ ۶۴۸هق)

مؤسس این سلسله عمادالدین زنگی پسر **آق سنقر** حاجب است که درسال **۵۲۱** بحکومت عراق منصوب شد وبا اهل صلیب جنگها کرد ودرجنگاوری وپهلوانی شهرت فراوان یافت. پس ازوی دولتش بچند قسمت شد:

۱ ـ اتابکان موصل.
۲ ـ اتابکان شام.
۳ ـ اتابکان سنجار.
۴ ـ اتابکان الجزیره (آبادیهای میان دجله).

قلمرو این سلسله‌ها در مشرق بدست مغول و در مغرب بدست ایوبیان افتاد.

اتابکان سنجار (۵۶۶ـ۶۱۷هق)

اتابکان سنجار عبارتند از:

۱ ـ **عمادالدین** زنگی بن مودود (۵۶۶هق)
۲ ـ **قطب الدین محمد**. (۵۹۴هق)
۳ ـ **عمادالدین شاهنشاه**. (۶۱۶هق)
۴ ـ **محمود** (عمر). (۶۱۶ـ۶۱۷هق)

این سلسله به دست ایوبیان منقرض شد.

اتابکان شام (۵۴۱ ـ ۵۷۷هق)

اتابکان شام عبارتنداز:

۱ ـ **نورالدین محمود بن زنگی** (۵۴۱هق)
۲ ـ **الملك الصالح اسماعیل** (۵۶۹ـ۵۷۷هق)

اتابکان سنجار در **۵۷۷** و **ایوبیان** در **۵۷۹** جای این سلسله راگرفتند.

اتابکان موصل.
(۵۲۱ـ۶۳۱هق)

۱ ـ **عمادالدین زنگی** (موصل وحلب). (۵۲۱هق).
۲ ـ **سیف الدین غازی اول** (۵۴۱هق)
۳ ـ **قطب الدین مودود**. (۵۴۴هق)
۴ ـ **سیف الدین غازی ثانی**. (۵۶۵هق)
۵ ـ **عزالدین مسعود اول**. (۵۷۶هق)
۶ ـ **نورالدین ارسلانشاه اول**. (۵۸۹هق)
۷ ـ **عزالدین محمود ثانی**. (۶۰۷هق)
۷ ـ **نورالدین ارسلانشاه ثانی**. (۶۱۵هق)
۹ ـ **ناصرالدین محمود**. (۶۱۶هق)
۱۰ ـ **بدرالدین لؤلؤ**. (۶۳۱هق)
۱۱ ـ **اسماعیل بن لؤلؤ**. (۶۵۷ـ۶۶۰هق)

این سلسله رامغول برانداخت.

عربستان. Arabie

حکومت عربستان سلطنتی است. هیئتی ازمستشاران در ادارهٔ مملکت به سلطان کمك مینماید. قانونگزاری به یك مجلس مشورتی واگذارشده است. تاریخ جدید باجنبش **وهابی‌ها** به‌رهبری محمدبن عبدالوهاب درقرن **۱۸** میلادی آغاز گردیده واین جنبش موردپشتیبانی **محمد بن سعود** سرسلسلهٔ خاندان سعودی قرار گرفته است. مراکزمقدسهٔ اسلامی مکه ومدینه درحجاز واقع شده است در حدود پانصد هزارمسلمان درسال ازخانهٔ کعبه درشهر مکه زیارت مینمایند.

عربستان سعودی.

عربستان ازهزاران سال پیش مرکز مهاجرت اقوام سامی به آسیا وافریقا بوده است وسیل این مهاجمان ویران کننده تمدن‌های قبلی وسازنده تمدن‌های بهترو درخشانتر گردیده است نظام پدرشاهی ازهزاران سال پیش دراین سرزمین حکومت میکند. پیر مردان محترم وواجب الاطاعه وزنان حقیر وناقص العقلند. خوشبخت کسی است که پسران بسیار دارد. شجاعت وبی‌باکی و ثروت وفصاحت درخور تفاخراست ومهمان گرامیست وپذیرایی ازوی واجب. دانش وسوادوکاربدنی چندان مورد توجه نیست ودرعوض به یادداشتن قصاید فراوان وتاریخ قبیله موجب سرافرازیست. خانهٔ کعبه که گفته میشود درقرن ۸ قبل از میلاد ساخته شده مرکز دینی ومعبد اصلی تمام قبایل عرب بوده وحال آنکه تعلیمات مذهبی حضرت ابراهیم بسیار زودجای خود را به عقایددیرین بت پرستی داده است. هرقبیله برای خودرییسی داشت که به امور دین و دنیای افراد رسیدگی می‌کرد وغالباین قبایل درواحه‌های خودبطور منزوی به سرمیبردند و اخبار دنیای خارج رافقط از کاروانیانی که احیاناً جرأت کرده از آنجا میگذشتند به‌دست میآوردند. جنگ درمیان قبایل وراهزنی کاری عادی بودو تنهادرماههای ذیحجه ومحرم تعطیل میشد. ظهوراسلام اعراب را بادنیای خارج مربوط ساخت وتمدن درخشانی آغاز گردید که بسیار زود روبه خاموشی نهاد، زیرا با انتقال مرکز خلافت به کوفه، دمشق و بغداد عربستان ازمرکزیت افتاد، با اینهمه کاروانهای حج هرسال ثروتی به این سرزمین فقیرمیآوردند وگاه نیز براثر ناامنی راهها ویا کشورهای مسلمان مراسم حج به‌دشواری انجام میگرفت. عربستان غالباً درتصرف امرای یمن، امرای ایوبی، ممالیك عثمانی‌ها بوده است. یك قیام مذهبی که درآغازقرن سیزدهم قمری توسط عبدالوهاب صورت گرفت قدرت سیاسی تازه‌ای دراین سرزمین پدیدآورد. **عبدالعزیز بن محمد بن سعود** (۱۲۱۷) و **پسرش عبدالله** (۱۲۵۲ق) که اولی ترورشد ودومی راسپاهیان مصری اسیر کرده به قسطنطنیه فرستادند ودرآنجا کشته شد، برای بسط نفوذمذهبی وسیاسی خود جنگهای فراوانی کردند و چندی برحجاز وقسمتی از یمن وعراق مستولی شدند. **عبدالعزیز ثانی** معروف به ابن‌ـ سعود که سیاستمداری چیره دست بود و مرکز حکومتش درریاض قرارداشت در دوران جنگ جهانی اول در مقابل دریافت ماهانه پنجهزار لیرهٔ استرلینگ از انگلستان حاضرشد بی‌طرفی درپیش گیرد وبه وهابیان دستوردهد باانگلیسی‌ها نجنگند وبه عثمانی‌ها یاری نکنند. دراین هنگام حکومت مکه ومدینه وقسمت بزرگی از عربستان دردست **شریف حسین** بود که نسبت به سلطان عثمانی اطاعتی ظاهری داشت. درآغاز جنگ دولت انگلستان به وی قول داده بوددرازای هواداری از



آرم کشور عربستان سعودی

انگلیس سلطنت جزیرةالعرب رابه‌دست خواهدآورد ودردورانی که‌او براثرجنگ باسپاهیان خلیفهٔ‌مسلمین (زیرامسلمانان سنی سلطان عثمانی را خلیفهٔ مسلمین میدانستند) وهمکاری بامشرکین آبروی خودرابرباد میداد ، ابن‌سعود بر قدرت نفوذ سیاسی ووسعت قلمرو خودمیافزود تاآن‌که درسال ۱۳۰۳ ش.مکه وسال‌بعد مدینه راتصرف کرد ، حکومت وی در عربستان نوعی انقلاب‌اجتماعی بودزیرا اودرمدتی اندك راهزنی‌وناامنی‌راازمیان برداشت. انقلاب ارتجاعی۱۳۰۸ ش.را خوابانید. راه، تلفن،تلگراف،راه‌آهن، فرودگاه وایستگاه فرستندهٔ رادیوایجاد کرد ودرتمام‌مدت‌کوشیدازنفوذخارجیان درکشورش جلوگیری‌کندولی‌بحران‌جهانی سال‌های ۳۰ سرانجام او رابه واگذاری امتیاز اکتشاف وبهره‌برداری نفت به‌یك شرکت‌آمریکایی وادارساخت(۱۹۳۸م). اینك عربستان بالاترین محصول نـفت جهان‌را دارد وازبرکت آن‌اتومبیل‌های امیران وکارگزاران باسپرهای زرینشان درجاده‌های اسفالته به‌هرسو میلغزندولی دورازشهرها وجاده‌هازندگی درواحه‌های دورافتاده درسایهٔ نخل‌ها،زیرخیمه‌ها،در کناربزهاوشترهاهمچون‌روزگاران گذشته ادامه دارد. انقلاب درعراق ویمن‌زنگ‌ـ هـای خطررا به صدا در آورد.صـدای اعتراض درطبقهٔ بـالا میان اشـراف و شاهزادگان جوان‌برخاست. سعودبـن‌عبدـ العزیز درسال ۱۹۶۴ پس‌از یازده سال سلطنت استعفاداد وملك فیصل جای او راگرفت . اینك ملك فیصل میکوشد از یك سومسئلهٔ یمن رابه‌نفع‌سلطنت طلبان خاتمه‌دهدومخالفان عبدالناصررادرجهان اسلام به‌یکدیگر نزدیك سازد واز سوی دیگر به اصلاحاتی در کشور خود اقدام نماید،عربستان‌عضو سازمان ملل،اتحادیهٔ عرب وسازمان اوپك است .

غنا(ساحل‌طلا).
ساحل‌طلارا به‌بینید.

فرانسه. France.

سیستم‌سلطنت استبدادی فرانسه‌در انقلاب‌سالهای۱۷۸۹ـ۱۷۹۳م واژگون گردیدواولین‌جمهوری‌فرانسه‌تشکیل‌شد.از ۱۸۰۴ تـا ۱۸۱۴ ناپلئون امپراتور فرانسه‌شد واز ۱۸۱۴تا ۱۸۴۸ دراین کشور رژیم سلطنتی مستقر گردید.


آرم کشورفرانسه

جمهوری‌دوم فرانسه از ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۲ دوام‌داشت. از ۱۸۵۲تا۱۸۷۰ امپراتوری‌دوم‌فرانسه‌طول‌کشید.جمهوری سوم از ۴ سپتامبر ۱۸۷۱م‌شروع گردید وتا ۱۹۴۰ ادامه داشت . درمه ۱۹۴۰ هیتلر به فرانسه حمله‌کرد ودر۱۴ژوئن همان‌سال پاریس‌را اشغال نمود . مارشال **پتن** درقسمت‌اشغال‌نشدهٔ فرانسه حکومت **ویشی** را تشکیل‌داد و متارکهٔ جنگ را باآلمانهاامضاءکرد . درسپتامبر۱۹۴۴ نیروهای‌متفقین‌فرانسه‌را آزادکردند،از ۷نوامبر ۱۹۴۴ تا ژانویهٔ۱۹۴۶ژنرال **شارل‌دوگل** نخست وزیرحکومت موقتی گردید .پس از چندین حکومت مجدداً ژنرال‌دوگل حکومت رابه‌دست‌آورد .

شاهان مرووینثری

کلودین. (۴۲۸ ـ ۴۴۸م).
شیلدریك‌اول. (۴۳۷ ـ ۴۸۱م).
کلوویس. (۴۸۱ ـ ۵۱۱م).
شیلدبرت اول. (۵۱۱ ـ ۵۵۸م).
شیلدبرت دوم. (۵۷۵ ـ ۵۹۶م).
کلوتردوم. (۵۸۴ ـ ۶۲۸م).
داگوبرت‌اول. (۶۲۸ ـ ۶۳۹م).
شیلدریك‌دوم. (۶۳۳ ـ ۶۷۳م).
شیلدبرت‌سوم (۶۹۵ ـ ۷۱۱م).
شیلدریك‌سوم. (۷۴۱ ـ ۷۵۱م).

شاهان‌کارولینژی .

پپن‌کوتاه. (۷۵۱ ـ ۷۶۸م).
شارلمانی. (۷۶۸ ـ ۸۱۴م).
لویی‌اول. (۸۱۴ ـ ۸۴۰م).
شارل‌اول. (۸۴۰ ـ ۸۷۷م).
لویی‌دوم. (۸۷۷ ـ ۸۷۹م).
لویی‌سوم، (۸۷۹ ـ ۸۸۲م).
کارلومان. (۸۷۹ ـ ۸۸۴م).
شارل دوم«فربه». (۸۸۴ ـ ۸۸۸م).
اودو، کنت‌پاریس. (۸۸۸ ـ ۸۹۳م).
شارل‌سوم. (۸۹۳ ـ ۹۲۳م).
روبر. (۹۲۲ ـ ۹۲۳م).
رودلف. (۹۲۳ ـ ۹۳۶م).
لویی چهارم. (۹۳۶ ـ ۹۵۴م).
لوتر. (۹۵۴ ـ ۹۸۶م).
لویی پنجم. (۹۸۶ ـ ۹۸۷م).

شاهان‌کاپاسن

هوکاپه. (۹۸۷ ـ ۹۹۶م).
ربردوم. (۹۹۶ـ۱۰۳۱م).
هانری‌اول. (۱۰۳۱ـ۱۰۶۰م).
فیلیپ اول. (۱۰۶۰ـ۱۱۰۸م).
لویی ششم. (۱۱۰۸ـ۱۱۳۷م).
لویی هفتم. (۱۱۳۷ـ۱۱۸۰م).
فیلیپ دوم. (۱۱۸۰ـ۱۲۲۳م).
لویی هشتم. (۱۲۲۳ـ۱۲۲۶م).

بوربونها

هانری‌چهارم (۱۵۸۹ـ۱۶۱۰م).
لویی سیزدهم (۱۶۱۰ـ۱۶۴۳م).
لویی چهاردهم. (۱۶۴۳ـ۱۷۱۵م).
لویی پانزدهم . (۱۷۱۵ـ۱۷۷۴م).
لویی شانزدهم (اعدام‌شد).
(۱۷۷۴ـ۱۷۹۳م).
لویی هفدهم(شاه‌اسمی).
(۱۷۹۳ـ۱۷۹۵م).

جمهوری فرانسه

کنوانسیون‌ملی. (۱۷۹۲ـ۱۷۹۵م).
دیرکتوار . (۱۷۹۵ـ۱۷۹۹م).
دولت‌کنسولی. (۱۷۹۹ـ۱۸۰۴م).
امپراتوری‌ناپلئون‌اول .
(۱۸۰۴ـ۱۸۱۵م).

بازگشت‌سلطنت

لویی هیجدهم. (۱۸۱۴ـ۱۸۲۴م).
شارل دهم. (۱۸۲۴ـ۱۸۳۰م).
لویی‌فیلیپ. (۱۸۳۰ـ۱۸۴۸م).

جمهوری دوم

لویی‌ناپلئون (رییس‌جمهوی) .
(۱۸۴۸ـ۱۸۵۲م).

تجدید سلطنت

لویی‌ناپلئون (بنام‌ناپلئون سوم) .
(۱۸۵۲ـ۱۸۷۰م).

جمهوری‌سوم. (رؤسای‌جمهوری).

لویی‌آدلف‌تی‌یر .
(۱۸۷۱ـ۱۸۷۳م).
مارشال ماك ماهون .
(۱۸۷۳ـ۱۸۷۹م).
ژول‌گروی. (۱۸۷۹ـ۱۸۸۷م).
ماری‌فرانسواسادی‌کارنو
(۱۸۸۷ـ۱۸۹۴م).
ژان‌کازیمیر**پریه**. (۱۸۹۴ـ۱۸۹۵م)،
فرانسوا **فلیکس‌فور** .
(۱۸۹۵ـ۱۸۹۹م).
امیل**لوبه**. (۱۸۹۹ـ۱۹۰۶م).
آرمان **فالی‌یر**. (۱۹۰۶ـ۱۹۱۳م).
ریموند**پوآنکاره**. (۱۹۱۳ـ۱۹۲۰م).
پل **دوشانل**. (۱۹۲۰م).
الکساندر**میلران**. (۱۹۲۰ـ۱۹۲۴م).
گاستون **دومرگو** .
(۱۹۲۴ـ۱۹۳۱م).
پل **دومه**. (۱۹۳۱ـ۱۹۳۲م).
آلبر**لوبروم**. (۱۹۳۲ـ۱۹۴۰م).

حکومت ویشی

مارشال‌فیلیپ‌**پتن**. (۱۹۴۰ـ۱۹۴۴م)
(رییس‌مملکت).

پی یرلاوال. (۱۹۴۲–۱۹۴۴م).
(رییس دولت)

دولت موقت فرانسه

شارل دوگل. (۱۹۴۴–۱۹۴۶م).
فلیکس، **ژوئن.** (۱۹۴۶م).
ژرژ، **بیدو.** (۱۹۴۶م).

جمهوری چهارم.

ونسان **اوریول.** (۱۹۴۷–۱۹۵۴م).
رنه کتی. (۱۹۶۱م).
شارل **دوگل.** (۱۹۶۱م).

فنلاند Finlande

فنلاند از ۱۱۵۴م تا اوایل قرن نوزدهم متعلق به سوئد بود. در ۱۸۰۹ روسیه آنجارا تصرف کرد. در ۱۹۱۷ مستقل گردیدو تحت رهبری ژنرال **مانرهایم** (Mannerheim) جنبش انقلابی کمونیستها، درهم شکسته شد، درنوامبر **۱۹۳۹** ارتش سرخ به کشور فنلاند حمله کردودرمارس **۱۹۴۰** فنلاند مغلوب شد. درژوئن **۱۹۴۱** دوباره فنلاند علیه شوروی واردجنگ شد، ولی در سپتامبر **۱۹۴۴** مجبور به امضای متارکهٔ جنگ گردید. در **۱۹۴۷** طبق عهدنامهٔ پاریس فنلاندنواحی **پتسامو، سالا و کارلی** رابه شوروی واگذار کرد. کشور فنلاند در ۱۸ ژوئیهٔ ۱۹۱۹ جمهوری شد. دورهٔ ریاست جمهوری شش سال است. فنلاندفقط یك مجلس قانون‌گزاری دارد که عدهٔ نمایندگان آن ۳۰۰ نفر بوده و برای مدت چهارسال انتخاب میشوند.

فیلی‌پین. Philippine

فیلیپین در ۱۵۲۱م بوسیلهٔ **ماژلان** کشف گردیدودر ۱۵۶۵ به تصرف اسپانیا درآمدو بعداز جنگ اسپانیا و آمریکا طبق پیمان پاریس (۱۰ دسامبر ۱۸۹۸) این جزایر به دولت آمریکا واگذار گردید. در ۸ دسامبر ۱۹۴۱ دولت ژاپن به فیلیپین حمله کرد و ژنرال **دوگلاس مك‌آرتور** بفرماندهی نیروهای مشترك اتازونی و فیلیپین دراین ناحیه تعیین گردید. درمه **۱۹۴۲** این جزایر به تصرف ژاپن درآمد. در سپتامبر **۱۹۴۵** دولت ژاپن شکست خورده ومجبور به بیرون رفتن از فیلیپین گردید. در ۴ ژوییهٔ **۱۹۴۶** جمهوری مستقل فیلیپین موجودیت خودرا اعلام داشت.
کنگرهٔ فیلیپین ازدومجلس تشکیل **یافته است:** دورهٔ مجلس نمایندگان چهار سال است و **۵۳** ایالت فیلیپین هر کدام به نسبت جمعیتش نماینده به مجلس میفرستند ولی تعداد نمایندگان این مجلس از ۱۲۰ نفر تجاوز نمیکند. مجلس سنادارای ۲۴ کرسی میباشد.

کامبوج. Cambodge

کامبوج درقرن اول میلادی قسمتی از امپراتوری **فونان** بود که ویتنام را نیز شامل میشد و پایتختش **ویادهاپورا** (Vyadhapura) (درایالت پری‌وانگ) قرارداشت. یك مسافر چینی درقرن سوم نوشته است: «در این کشور شهرهای محصور و کاخها وخانه‌های مسکونی فراوان دیده میشود. مردان زشتروی وسیاه‌پوستند گیسوانی مجعددارند وباپاهای برهنه راه میروند. سرشتی پاك‌دارند، دزدی نمیکنند، به کشاورزی مشغولند ودرحکاکی وقلمزنی مهارت‌دارند و دارای دفتر بایگانی و ادارات منظم هستند. کالایشان زروسیم وپارچه‌های ابریشمی است» رونق وترقی فونان سرانجام راه زوال پیمودوقوم **کامبوجا** که از شمال درآمد به عمراین امپراتوری پایان داد وآنجارا به نام قوم خودکامبوج نامید (قرن ۶ م) اینان مردمی جنگجو ومدبر وتوانا بودند. پایتختشان **ایساناپورا** نام داشت شاه دارای پنج وزیر بود و تمدن ومذهبشان ریشهٔ هندی داشت.

درآغازقرن هشتم کامبوج بدو کشور دریایی وقاره‌ای تقسیم شدکه هردودست نشاندهٔ حکومت جاوه‌شده‌بودند. درآغاز قرن ۹ یك شاهزادهٔ جاوه‌ای بنام **زایاوارمان** دوم به‌این سرزمین استقلال بخشید (۸۰۰ ــ ۸۵۰م) جانشینان وی **ایندراوارمان** اول (۸۷۷ ــ ۸۸۹م) و **یاکووارمان اول** (۸۸۹ـ۹۰۰م) به ایجاد وحدت سیاسی، بنای شهرها و توسعهٔ شبکه‌های آبیاری و توسعهٔ معابد همت گماشتند و پایتخت را به **آنگکور** بردند، **سوریا وارمان** اول (۱۰۰۴ ــ ۱۰۵۰) وچندتن دیگر ازاین خانواده به لشکر کشیها وتوسعهٔ امپراتوری خود در شمال هندوچین پرداختند و در نتیجهٔ این لشکرکشیها ومخارج گزاف آن، روستاییان سربه شورش برداشتندو پایتخت راغارت کردند. (۱۱۷۷م) تا آنجاکه بیگانگان برآن دست یافتند. ولی این آشفتگی زودگذر بود.

زایاوارمان هفتم (۱۱۸۱ ــ ۱۲۰۰م) کشوررا نظام بخشید وبیگانگان را تا داخل خانه‌هایشان تعقیب کرد و به آبادی وترمیم خرابیها پرداخت ومعبدها وشهرها ساخت ولی با مرگ وی دورهٔ عظمت کامبوج بسرآمد و مستعمرات یکی پس از دیگری لوای استقلال برافراشتند. از آن پس همسایگان کامبوج بجان این کشور افتادند وویتنام وسیام بدست اندازی و ربودن قطعاتی ازقلمروش سرگرم شدند ودرطول سه قرن باضرباتی پیاپی خود، آنرا ناتوان ساختند تاسرانجام فرانسه درسال ۱۸۶۳ کامبوج راتحت‌الحمایهٔ خود ساخت.

در سال ۱۹۴۹ کامبوج در داخل اتحادیهٔ فرانسه استقلال یافت ودر سال ۱۹۵۴ ازآن اتحادیه خارج شد.

دردسامبر ۱۹۵۵ به‌عضویت سازمان ملل پذیرفته شد عدهٔ اعضای انتخابی پارلمان این کشور سلطنتی ۶۱ نفر میباشد.

کامرون Cameron

درسال ۱۸۸۴ مستعمرهٔ آلمان شد پس از جنگ جهانی اول ۸۰ درصدآن به تصرف فرانسه و ۲۰ درصد آن به تصرف انگلیس درآمد، پس از جنگ تحت قیمومت سازمان ملل قرارگرفت، درسال ۱۹۵۷ خودمختار شد و در سال ۱۹۶۰ رسماً استقلال یافت.

مذهب مردم، پرستش ارواح و مسیحیت واسلام است.

کانادا Canada

این سرزمین که قسمت های جنوبی آن مسکن سرخپوستانی مهمان‌نواز وبی‌آزاربود در پایان قرن پانزدهم برسفیدپوستان کشف شد وفرانسویان از آغازقرن هفدهم به‌استعمار آن‌پرداختند ودیری نپایید مزارع بومیان پایمال، شهرها و دهکده‌هایشان ویران وخودشان قتل عام شدند وسهم انگلیسیان واسپانیاییها دراین جنایات بیشتر بود. **شامپلن** درسال **۱۶۰۸** به‌تشکیل شهری پرداخت ودرسال ۱۶۱۲ **سوآمون** ازطرف هانری چهارم به‌نیابت سلطنت کانادا که در آن‌هنگام فرانسه جدید نامیده‌میشدانتخاب گردیدودرسال ۱۶۱۵ **مونترال** بنا گردید ومقارن همان ایام انگلیسیان نیز برقسمتهایی ازاین سرزمین دست‌یافتند ودرمدت یکصد وپنجاه سال دست حکمرانان فرانسوی‌را ازاین سرزمین کوتاه ساختند. آنگاه مستعمره‌های پراکنده رفته رفته به یکدیگر پیوستند وکانادا رابه وجود آوردند (۱۸۶۷) که عضوجامعهٔ دول مشترك‌المنافع بریتانیاست. سازمان دولتی ازیك حکمران کل انگلیسی،


ژنرال مانرهایم


آرم کشور فنلاند



آرم کشور فیلی‌پین


آرم کشور کانادا

نخست‌وزیرمنتخب‌حزب اکثریت‌ومجالس سناوشورا تشکیل میشود. حکمرانان آن ازاینقراراست :

چارلزاستانلی **مونك**. (۱۸۶۷_۱۸۶۸م)
جان. **یونگ**. (۱۸۶۹_۱۸۷۲م) .
فردریك، **بلاك‌وود**. (۱۸۷۸ م) .
جان دوگلاس. **کامپبل**، (۱۸۸۳ م).
هنری پتی **فیتز موریس**. (۱۸۸۸ م).
فردریك، **استانلی**. (۱۸۹۳م).
جان ت ، **گوردون**. (۱۸۹۸ م).
گیلبرت‌جان الیوت‌مورای_**کینین‌موند**. (۱۹۰۴م).
آلبرت اج. جی. **گری**. (۱۹۱۱ م).
پرینس آرثر. **ویلیام پاتریك آلبرت**. (۱۹۱۶ م).
ویکتور، **کاوندیش** . (۱۹۲۱م).
جولین اج. جی. **بینگ**. (۱۹۲۶ م).
فریمن_ **توماس** ، (۱۹۳۱ م).
دبرابازون **پانسونبی** (۱۹۳۵ م).
جان **بوکان** . (۱۹۴۰ م).
الکساندرا. اف. **کمبریج**.(۱۹۴۶ م).
هارولد، **الکساندر**(آغازحکومت۱۹۴۶م)
وایز. (آغاز حکومت۱۹۵۹ م).

نخست وزیران کانادا

جان ا. **مکدونالد**.(۱۸۶۷_۱۸۷۳م).
الکساندر **مك‌کنزی** . (۱۸۷۸ م).
جان ا. **مکدونالد**. (۱۸۹۱ م).
جان **ابوت**. (۱۸۹۲ م).
جان. **تمپسون**. (۱۸۹۴م).
مك کنزی **باول**. (۱۸۹۶م).
چارلز. **تاپر**. (۱۸۹۶ م).
ویلفرید. **لاریر**. (۱۹۱۱ م).
رابرت. **بوردن**. (۱۹۲۰ م).
آرتور**ماین**. (۱۹۲۱ م).
مك‌کنزی . **کینگ**. (۱۹۲۶ م).
آرتور **ماین**. (۱۹۲۶ م).
مك کنزی. **کینگ**. (۱۹۳۰ م).
ریچارد. **بنت**. (۱۹۳۵ م).
مك کنزی**کینگ**.(آغازحکومت۱۹۳۵م)
جان‌دیفن. **بیکر**. (۱۹۶۵ م.)
لستر **پیرسن** . آغازحکومت ۱۹۶۵ م)


ملك‌کنزی‌کینگ

کره Corée

نام‌کره سابقاً **چوزن** (Choson) به معنی سرزمین‌صبح آرام بود که **کی‌تسه** (Kitse) یکی‌ازبزرگان چین‌هنگامی که با ۵۰۰۰تن‌ازیارانش درحدود سال۱۱۲۲ قبل ازمیلاد بدانجا مهاجرت‌کرده بودبه این‌سرزمین داده‌بود. تاریخ‌کره ازهمان زمان آغازمیشود. خاندان **کی‌تسه** نه‌قرن حکومت‌نمودند ودراین‌مدت‌خط‌وکتابت، تهیهٔ ابریشم، مذهب **بودا وکنفوسیوس** وتمام‌مظاهر مدنیت چین‌همراه باگروه‌های انبوه مهاجران به‌کره راه یافت ، در قرن ۳ قبل‌از میلاد سلسله **کی‌تسه** بر افتاد وملوك الطوایفی تامدت ۸۰۰ سال دوام‌یافت. سپس چینی‌ها به‌دعوت یکی‌از امرای محلی‌به‌یاری وی‌رفتند ولی‌حاضر به‌بازگشت نشدند(۶۶۶ م). **وانگ‌کی‌ین** (Wang Kiyen) درسال۹۳۵ باردیگر دولت‌واحد مستقلی درکره ایجادکردکه ۴۵۰ سال دوام یافت درسال (۱۵۹۲ _ ۱۵۹۶م)حملهٔ ژاپنیها برای تصرف‌کره باشکست مواجه شـدوچین بااستفاده از تهدید ژاپن‌کره راتحت‌الحمایهٔ‌خودقرار داد(۱۶۲۷م)،دست اندازی‌ژاپن به‌کره از۱۸۶۰ آغاز شد ودرسال ۱۹۱۰ یك باره‌آن‌را جزء قلمرو خودساخت‌وقیامی راکه‌درسال ۱۹۱۹ صورت گرفت بسختی کیفرداد. درپایان جنـگ جهانی‌دوم ، ارتشهای شوروی و امریکا کره را اشغال کردند(۱۹۴۵)طرحی‌که درسال۱۹۴۷ برای‌ایجاد دولت واحدکره توسطایالات متحده درمجمع عمومی‌سازمان ملل‌مطرح شدمورد اعتراض شوروی‌قرارگرفت ودر سال ۱۹۴۸ در دوطرف مدار ۳۸ درجهٔ شمالی دو دولت‌کرهٔ شمالی (جـمهوری دموکراتیك خـلق کره) وکرهٔ جنـوبی (جمهوری‌کره) تشکیل گردید .

کرهٔ جنوبی Corée

درسال ۱۹۴۸ درجنوب مدار ۳۸ درجهٔ شمالی‌که در سـال ۱۹۴۵ توسط نظامیان آمریکایی اشغال شده‌بود دولت جمهوری‌کره تشکیل‌شد واداره‌امورنظامی واقتصادی آن‌زیرنظر مستشاران ایالات متحده قرارگرفت .

درسال ۱۹۵۰ جنگ‌میان کرهٔ‌شمالی وجنوبی آغازگردید. ایالات‌متحده کرهٔ شمالی‌رابه‌تجـاوزمتهم ساخت وارتش‌خود رابه‌مقابله فرستاد وتوانست سازمان‌ملل رانیز درجنگ برضدکرهٔ شمالی شرکت دهد. پس‌از پیشرفت‌برق آسای‌کمونیستها ورق برگشت وجنگ درحوالی مدار۳۸ درجه برای مدت ۴ سال‌ادامه یافـت و ایالات متحده به‌یاری هواپیما وبمب‌های آتش‌زا وکمونیستها به‌یاری‌پارتیزانهای کره‌ای وداوطلـبان چینی بـه مقابلـه پـرداختند . سر انجام درسال ۱۹۵۳ کمیسیون آتش بس‌سازمان ملل تشکیل و صلح را برقرار ساخت. این نخستین جنگ جدی میان شرق وغرب بودکه‌در آغازموجب افزایش‌حیثیت سیاسی‌ایالات متحده درنزد دولتهای وابسته گردید و درپایان نتیجه‌ای معکوس دادو موجـب شکست دموکراتها وپیروزی جمهوری‌خواهان درایالات متحده شدودولت‌هایی راکه‌به هواداری ایالات متحده پشت‌گرم بودند هشدار داد ودرکرهٔ جنوبی نیـز نظامیان بیش از پیش قدرت یافتند ودر سال ۱۹۶۰ **سینگمان‌ری** رییس‌جمهوری غیرنظامی‌راازکاربرانداختند وخودقدرت رادردست گرفتند اینك‌بیش ازپانزده‌هزار سربازکرهٔ جنوبی دوشادوش سربـازان آمریکایی با انقلابیون ویتنام جنوبـی میجنگند .

جمهوری‌توده‌ای‌کره Corèe

دراول ماه مه ۱۹۴۸م‌در شمال‌کره کمونیستها، جمهوری‌توده‌ای‌کره‌راتشکیل دادند. دراواخر آن‌سال ارتش شوروی کرهٔ شمالی راتخلیه‌کرد. در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ ارتش کرهٔ شمالی به‌کرهٔ جنوبی حمله‌کرد . ایالات متحدهٔ آمریکا ژنرال **مك‌آرتور**رابه‌کمك‌کرهٔ جنوبی فرستاد در ۲۷ ژوییهٔ ۱۹۵۳ قرارداد متارکـه جنگ‌بین‌کرهٔ‌شمالی وسازمان ملل‌امضاء گردید .

کنگو Congo

دولت مانی‌کنگو که‌احتمالا ازقرن یازده‌میلادی در کنگو علیاتشکیل شده بـود


لئوپولدویل

تا قرن‌هفدهم دوام‌داشت. تبلیغات مسیحی درقرن‌شانزده توسط یك‌تن مانیکنگویی به‌نام **آلفونسوی‌اول** آغازشد. این‌امـیر مسیحی به‌ساختن کلیساها، شهرهاوراهها پرداخت. شکار برده‌وتهیهٔ عـاج وطلا و مبادلهٔ آن باسلاحهای آتشی، پارچه های نخی ودستبندهای شیشه‌ای اروپایی آغاز گردید ولی‌درسال ۱۸۱۷ یك‌باره مردم شوریدند وکلیساها را ویران کردند و اروپاییان رااز میان برداشتند وبه‌کیش نیاکان‌خودبازگشتند. تسلط‌مجدداروپاییان به‌این سرزمین بامسافرتهـای **استانلی** آغاز شدوازسال۱۸۸۵ به‌استعمار بلژیك

در آمد. مبارزات استقلال طلبانهٔ مردم کنگو که پس از جنگ جهانی دوم جهانی آغاز شده بود بلژیک را ناچار به قبول خودمختاری (۱۹۵۹م) واستقلال (۱۹۶۰م) کنگو نمود. یکی ازمحبوب ترین قهرمانان ملی جهان به نام **پاتریس لومومبا** به نخست وزیری رسید و برای ملی کردن معادن، بانکها و کارخانه‌ها که دردست سرمایه داران بلژیکی بود کوشید. قدرت‌های استعماری به مقابله پرداختند ومزدوران خود را به قیام و اقدام واداشتند و جنگل نشینان بدوی ومزدوران سفیدپوست را به شهرها ریختند و به کشتار آزادیخواهان پرداختند. سازمان ملل سپاهیانی برای ایجاد نظم و آرامش به آنجا فرستاد که درعمل به استعمارگران یاری کردند و **هامرشولد** دبیر کل سازمان ملل نیز ازطرف بسیاری ازمحافل به هواداری استعمار متهم شد. دراین میان لومومبا رابه فجیع ترین صورتی کشتند وهامرشولد نیز درسقوط هواپیمایش کشته شد ولی تاسال ۱۹۶۶م آرامش وثبات در کنگو برقرار نشده بود تا آن که ژنرال جوزف **موبوتو** که به یاری نیروهای نظامی ؛ جوزف **کازاووبو** نخستین رییس جمهوری کنگو رامستعفی ساخته بود بابستن پارلمان و احزاب سیاسی وکاهش ایالات از ۲۱ به ۱۲ موقعیت خودرا تحکیم نمود و **کیمبا** نخست وزیر سابق وسه تن از وزیرانش به اتهام ایجاد توطئه برای قتل **موبوتو** به دار آویخته شدند. بااینهمه نمیتوان به ثبات وضع کنونی این سرزمین پهناور مطمئن بود.

Kenya
کنیا.

کنیا عضو سازمان ملل متحد وجامعهٔ کشورهای مشترک المنافع است. کوشش پرتغالیها برای استعمار این سرزمین توسط مسلمانان خنثی شد و حکومت مسلمانان روی کار آمد. سپس به دست سلطان **زنگبار** افتاد ودرنیمهٔ قرن نوزدهم شرکت انگلیسی هند شرقی در آنجا به فعالیت وسیعی پرداخت و زمین‌ها را از دست


یک زن کنیایی

بومیان درآورد. درسالهای (۱۸۸۸ ـ ۱۸۹۵م) این سرزمین تحت الحمایه و در سال ۱۹۰۶ رسماً مستعمرهٔ انگلستان شد. مبارزهٔ خونین قبایل **مائومائو** به رهبری **جوموکنیا** از سال ۱۹۲۵ آغاز شد تا آنکه به استقلال این کشور انجامید (دسامبر ۱۹۶۳ م).

Cuba
کوبا.

کریستف **کلمب** دراولین سفرخود در ۲۸ اکتبر ۱۴۹۲م سرزمین کوبا را کشف کرد. سرزمین کوبا تا ۱۸۹۸م مستعمرهٔ اسپانیا بود. طبق عهدنامهٔ پاریس (مورخهٔ ۱۰ دسامبر ۱۸۹۸م) اسپانیا به‌طورکلی ازکوباصرف نظر کرد تا ۲۰ مهر ۱۹۰۲ کشورهای متحدهٔ آمریکا براین سرزمین حکومت کرد ودراین تاریخ کشورمستقل گردید، ولی دولت کشورهای متحده حق کنترل کوبارا تا ۱۹۳۴ به‌دست آورد. طبق قانون اساسی مصوبهٔ ۱۰ اکتبر ۱۹۴۰ رییس جمهوری به‌مدت چهار سال انتخاب میشود. در ۱۹۴۸ **دکتر پریوسوکاراس** به ریاست جمهوری انتخاب شد. در ۱۰ مارس ۱۹۵۲ ژنرال **باتیستا** کودتا کرد مخالفین رژیم **باتیستا** تحت رهبری ـ **فیدل ورائول کاسترو** دست به جنگهای پارتیزانی زدند وسرانجام فیدل کاسترو رهبر ۲۳ ساله در تاریخ ۱۴ فوریهٔ ۱۹۵۹ زمام امور رادردست گرفت و به نخست وزیری رسید و **اوروتیا** که ازهمکاران کاسترو بود به‌سمت رییس جمهور انتخاب شد ولی اختلافات کاسترو واوروتیا موجب شد که درتاریخ ۱۹ ژوییهٔ ۱۹۵۹ اوروتیا از ریاست جمهوری کناره گیری کند و **دورتیکوس** جانشین اوشود.

CostaRica
کوستاریکا.

کشور کوستاریکا در ۱۸۲۱م مستقل شد واز ۱۸۲۴ تا ۱۸۲۹ جزو کنفدراسیون آمریکای مرکزی بود. قانون اساسی فعلی کوستاریکا در ۸ نوامبر ۱۹۴۹ تصویب گردید. قوهٔ مقننه دراختیار مجلس نمایندگان می‌باشد که دورهٔ آن چهارسال بوده وعدهٔ نمایندگان ۴۵ نفر می‌باشد دورهٔ ریاست جمهوری هم چهار سال و یکنفر برای دو دورهٔ متوالی نمی‌تواند به ریاست جمهوری انتخاب گردد.

Colombia.
کولومبیا.

کولومبیا ۳۰۰ سال درتحت سلطهٔ اسپانیایی‌ها بود. در شورش‌هایی که در سالهای (۱۸۱۵ ـ ۱۸۲۴م) درمستعمرات آمریکایی اسپانیا به وجود آمد، این کشور نیز آزاد گردید. سیمون **بولیوار** در ۱۸۱۹ جمهوری کولومبیای بزرگ را تشکیل داد.

درسال (۱۸۲۹ ـ ۱۸۳۰م) ونزوئلا واکوادور از جمهوری کبیر کولومبیا خارج شدند. کنگرهٔ کولومبیا ازدومجلس تشکیل یافته است: دورهٔ سنا چهار سال بوده وعدهٔ اعضای آن ۶۳ نفر می‌باشد. دورهٔ مجلس نمایندگان دوسال وعدهٔ اعضای آن به نسبت یک در ۹۰۰۰۰ نفر جمعیت کشور می‌باشد.

رییس جمهور بارأی مستقیم انتخاب میشود ودورهٔ ریاست جمهوری چهار سال است. یک نفر نمی‌تواند دوبار پشت‌سرهم به این سمت برگزیده شود.

Gabon
گابون.

گابون ازقرن یازده میلادی دارای شاه و نظام حکومتی نسبتاً منظمی بود این دولت ازقرن شانزدهم براثر تجارت برده، طلا، الماس وعاج بابازرگانان اروپایی ثروت واهمیت بیشتری یافت. پس از الغاء بردگی فرانسویان بنادر شمالی آن را از سلطان گرفتند (۱۸۳۹م) وازسال ۱۸۴۷ در قسمت‌هایی از این سرزمین متمرکز شدند وتاسال ۱۸۹۰ برسراسر آن دست یافتند واز سال ۱۹۱۰ آن را مستعمره ساختند.

گابون درسال ۱۹۵۸ خودمختاری و درسال ۱۹۶۰ استقلال یافت واینک در سازمان ملل واتحادیهٔ فرانسه عضویت دارد.

Guatemala
گواتمالا

جمهوری گواتمالا در ۱۸۳۹ تشکیل گردید. قانون اساسی جدید دراول مارس ۱۹۵۶ تصویب شد. طبق قانون اساسی مذکور تعداد کرسی‌های کنگره ۶۸ میباشد. در ۱۷ ژوئن ۱۹۵۴ نیروهای ضد کمونیست علیه دولت شوریدند وسرهنگ **کارلوس کاستیلو آرماس** در اول سپتامبر رییس‌جمهور شدو در ۲۶ ژوییهٔ ۱۹۵۷ یکی ازاعضای گارد کاخ اورا ترور کرد. کنگرهٔ گواتمالا در ۱۲ فوریهٔ ۱۹۵۸م ژنرال میگل ایدیگوراس **فوین‌تس** را به مدت شش سال به‌ریاست جمهوری انتخاب کرد ودرسال ۱۹۶۳ میلادی انریکوپرالتا **آزولیتا** برای ۶ سال انتخاب شد.

Guinéa
گینه.

گینه در اواخر قرن اول هجری توسط مسلمانان فتح شد وبدست دولتهای


آرم کشور کوبا


آرم کشور کوستاریکا


آرم کشور کولومبیا


زن و مرد گینه‌ای



ژنرال شهاب



آرم کشور لبنان



آرم کشور لوکزامبورگ



آرم کشور لهستان



آرم کشور لیبری



آرم کشور لیبی



ادریس اول



اسلامی شمال افریقا اداره میشد . در سال ۱۸۹۰ فرانسویان آنجارا اشغال کردند وبه گینهٔ فرانسه معروف‌شد . در سال ۱۹۵۸ استقلال‌یافت و همان سال‌باگانا اتحادیهٔ ممالك مستقل افریقایی را تشکیل دادندکه **مالی** نیزدرسال ۱۹۶۱ بدان پیوست . احمد **سکوتوره**‌رییس جمهوری‌گینه یکی‌ازمردان سیاسی‌متنفذ ومحبوب افریقایی است .

گینهٔ نوشمالی. Nouvelle – Guinée

مردم‌گینه از طوایف نیجریه‌ای و پاپوس وملانزی تشکیل شده است،مدتها تحت تصرف پرتغالیها (۱۵۲۶ م) و اسپانیاییها(۱۵۲۸م) بوده‌است درسال ۱۹۲۱ قسمت شمالی توسط‌استرالیاییها اشغال‌شدوپیوسته‌ازطرف‌استرالیاوالی‌آنجا تعیین‌میشد تا(درسال ۱۹۶۴م) نخستین انتخابات‌عمومی‌این‌سرزمین‌برای‌انتخاب ۳۸ نمایندهٔ بومی و۲۶ سفیدپوست زیر نظر پارلمان‌استرالیا انجام‌گرفت.

لائوس Laos

تا سال ۱۸۹۳ میلادی‌تحت‌الحمایهٔ فرانسه بود ودرسال ۱۸۹۹ میلادی‌جزء اتحادهندوچین درآمد . درسال ۱۹۴۰ نهضت ملی در این‌کشور ریشه‌کرد و در ۱۱ مهر ۱۹۴۶ پادشاه قانون اساسی‌را امضاءکرد وکشور لائوس جزء ممالك مشروطهٔ سلطنتی در آمد و در دسامبر ۱۹۵۵ به عضویت سازمان ملل‌پذیرفته شد .

لبنان. Liban

این‌کشورسابقاًجزءامپراتوری‌عثمانی بود دراول سپتامبر ۱۹۲۰ مستقل‌گردید واز ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۱ تحت قیمومت‌فرانسه بود . در۱۹۴۴ کاملا استقلال پیداکرد. سپس قوای خارجی‌آنجارا تخلیه‌کردند (۱۹۴۶م). درماه‌مه۱۹۵۸ شورش‌هایی درلبنان به‌وقوع پیوست در این هنگام بنا به دعوت پرزیدنت **شمعون** دولت اتازونی‌کشتی‌های جنگی‌به‌سواحل‌لبنان اعزام داشت.کشور لبنان یك مجلس نمایندگان داردکه تعدادکرسی‌های آن ۶۶ودوره‌اش۴سال می‌باشد. دورهٔ‌ریاست جمهوری ۶ سال است . در ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۲ **کامیل‌شمعون** از طرف پارلمان به ریاست جمهوری انتخاب شد در۳۱ ژوییهٔ ۱۹۵۸ ژنرال فؤاد **شهاب**‌جانشین رییس‌جمهوری قبلی‌گردید .

طبق قانون‌اساسی‌لبنان‌رییس‌جمهور بایدازمسیحیان‌ونخست‌وزیر ازمسلمانان باشد . لبنان عضو سازمان ملل‌می‌باشد.

لوکزامبورگ. Luxembourg

لوکزامبورگ در ۱۸۱۵ جزو فدراسیون‌آلمان بود در۱۱ مه۱۸۶۷م تمامیت ارضی‌وبیطرفی‌این‌کشور به‌وسیلهٔ پیمان‌لندن تضمین‌گردید، درجنگ دوم جهانی آلمان هیتلری بی‌طرفی‌این‌کشور را نقض‌کرد وآنجارااشغال نمود.دراول ژانویهٔ۱۹۴۸ لوکزامبورگ‌وارداتحادیهٔ گمرکی **نبلوکس**(مرکب‌ازهلند، بلژیك ولوکزامبورگ)شد.لوکزامبورگ عضو سازمان‌ملل‌وپیمان‌ناتواست.این‌دوك‌نشین درسال۱۸۶۸ قانون اساسی به‌دست‌آورد. قوهٔ‌مقننه دردست‌مجلس‌نمایندگان‌است‌که دارای۵۲عضوبوده‌وباآراءعمومی‌انتخاب میشوند. مذهب مردم کاتولیك بوده ، خدمت نظام آنها اجباریست .

لهستان. Poland.

کشور لهستان‌که تاریخ آن ازسال ۹۶۶ میلادی شروع می‌شود ازقرن۱۴تا ۱۷ یکی‌ازممالك بزرگ محسوب‌میشد. درجنگ‌جهانی اول این سرزمین‌به‌وسیلهٔ نیروهای اتریش ، آلمان اشغال‌گردید. بعد ازجنگ جهانی اول در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ کشور لهستان استقلال خود را اعلام‌کرد. ودر۲۸ژوئن۱۹۱۹ عهد نامهٔ ورسای آنرا به رسمت‌شناخت. درجنگ جهانی‌دوم دوباره کشور لهستان‌ازطرف آلمان نازی اشغال‌گردید . بعدازخاتمهٔ جنگ و اشغال لهستان به وسیلهٔ ارتش شوروی حکومت جمهوری‌توده‌ای دراین کشور به وجود آمد . طبق قانون‌اساسی ۱۹۵۲ جمهوری توده‌ای لهستان، مجمع قانونگزاری که (سجم) نامیده می‌شود و دورهٔ‌آن‌چهارسال‌است،این مجلس‌اعضای وزیران راانتخاب می‌نماید .

رؤسای جمهوری لهستان

جوزف ، **پیلسودسکی.** (۱۹۱۹–۱۹۲۲م) .

گابریل، **نارونودیز.** (۱۹۲۲م).

استانیسلا، **ویجسلاوسکی.** (۱۹۲۶م).

ایگناس، **موشیکی.** (۱۹۳۹م)،

ولادیسلاو، **راچکیه‌ویز.** (حکومت‌موقت) (۱۹۴۵م).

بولسلاو، **بیه‌روت** (۱۹۴۴)

لیبری . Liberia.

در۱۸۲۲ عده‌ای ازسیاهان‌آزادشدهٔ آمریکابه‌این‌سرزمین‌واردشدندوحکومتی ازسیاهان دراین ناحیه تشکیل‌دادند، در ۲۶ ژوییهٔ ۱۸۴۷ جمهوری لیبریا به وجودآمد،همه‌مردم‌لیبریاراسیاهان‌تشکیل می‌دهند . طبق قانون اساسی تنهاکسانی حق‌شرکت درانتخابات دارندکه‌از نژاد سیاه باشند، رییس‌جمهوری برای‌باراول به‌مدت هشت سال انتخاب می‌گردد ولی اگر برای بار دوم وسوم انتخاب‌گردید فقط۴سال‌درمقام‌ریاست‌جمهوری‌باقی‌خواهد ماند . مجلس سنادارای ۱۰عضو بوده و دورهٔ آن ۶سال‌است . مجلس‌نمایندگان ۳۱ عضو داشته ودوره‌اش ۳ سال‌است .

لیبی. Libye.

لیبی به‌علت‌داشتن‌موقعیت‌استراتژیك به ترتیب تحت تسلط ، دولت کارتاژ ، روم ، واندالها ، امپراتوری عثمانی و بالاخره ایتالیا درآمده‌است بعدازجنگ جهانی‌دوم‌تریپولی وسیرنائیك‌تحت‌ادارهٔ انگلیس،وفزان تحت‌ادارهٔ دولت فرانسه درآمد.درژوئن۱۹۴۹ **امیرمحمدادریس السنوسی** (متولد ۱۸۹۰م) از طرف انگلیسها به امارت سیرنائیك رسید . امیرمحمدادریس‌السنوسی در۱۸ سپتامبر ۱۹۴۹ قانون اساسی را امضاء کرده و حکومت موقت داخلی را تشکیل داد . در همین سال سازمان ملل استقلال لیبی را تصویب کرد . امیر سیرنائیك در۳ دسامبر ۱۹۵۰ به نام سلطان‌ادریس اول به سلطنت لیبی رسید ، پارلمان لیبی‌از سنا ومجلس تشکیل‌یافته است . سنا۳۴ عضوومجلس‌شوری۵۵عضوداردودورهٔ آن ۴سال‌میباشد. لیبی‌عضوسازمان‌یونسکو و اتحادیهٔ عرب میباشد و در ۱۴ دسامبر ۱۹۵۵ این‌کشور به‌عضویت سازمان‌ملل پذیرفته‌شد .

مجارستان. Hongrie.

مجارها که‌ازکرانه‌های **اوبی** به‌سوی مغرب سرازیرشدند. در قرن نهم‌میلادی درسرزمین‌هنگری‌مستقرگردید. دردورهٔ فرمانروایی‌**استیفن**‌اول(۹۹۷–۱۰۳۸م) حکومت دین‌مسیح‌راپذیرفت‌ودر۱۲۲۲م قانون اساسی این‌کشور به‌وجود آمد . در۱۵۲۶ هنگری‌به‌تصرف ترکهادرآمد وسپس اتریشیها وهنگری‌ها ، ترکها را

از آنجا بیرون ریختند. در ۱۸۴۴ زبان مجاری ، زبان رسمی این کشور گردید و در ۱۸۶۷ امپراتوری اتریش-هنگری تشکیل شد و بعدازجنگ جهانی اول، در هنگری حکومت جمهوری به رهبری **میشل کارولی** تشکیل گردید. پس ازشورش کمونیستها کشور هنگری دوباره رژیم سلطنتی راقبول کرد ودریاسالار **هورتی** در ۱۹۲۰ نایب السلطنه مجارستان گردید. در جنگ جهانی دوم مجارستان متحد آلمان نازی بود. در ۱۹۴۵ ارتش شوروی مجارستان را اشغال کرد . پس ازخاتمهٔ جنگ مجارستان اعلام جمهوری کرد ودر ۱۹۴۶ **زولتان تیلدی** به ریاست جمهوری رسید در ۱۹۴۷ حکومت به دست کمونیستها افتاد . قانون اساسی جدید در ۱۸ اوت ۱۹۴۹ تصویب گردید. طبق قانون مذکور عدهٔ نمایندگان پارلمان ۲۹۸ نفر است . مجارستان در ۱۴ دسامبر ۱۹۵۵ به عضویت سازمان ملل پذیرفته شد **ایمره ناگی** در اواسط سال ۱۹۵۳ نخست وزیر گردید و در ۱۸ آوریل ۱۹۵۵ ازکاربرکنار شد و آندراس **هگدوس** جانشین او گردید . در ۱۹۵۶ شورشی ضد کمونیستی در مجارستان به وجود آمد . مردم تقاضای اخراج **ارتوگرو** دبیرحزب کمونیست ، وتشکیل حکومت جدید به وسیلهٔ ایمره ناگی راخواستار شدند. در نتیجهٔ وقایع خونین مجارستان عدهٔ زیادی کشته شدندوعده‌ای از مردم نیز به کشورهای خارجی پناهنده شدند . در نوامبر ۱۹۵۶ نخست وزیر ایمره ناگی از کاربرکنار و یانوس **کادار** جانشین او گردید . ایمره ناگی وعده‌ای از همکاران اومحاکمه واعدام شدند.

مراکش. Maroc .

سرزمین مراکش در زمانهای قدیم تحت تصرف دولت **کارتاژ** درآمد. رومی‌ها در اواخر قرن اول هجری این سرزمین را اشغال کردند و در پایان قرن هفتم هجری عرب‌ها این ناحیه را اشغال نمودند، در ۱۹ نوامبر ۱۹۲۷ **محمد بن یوسف** وسومین فرزند ملایوسف به نام **سلطان محمد** پنجم به سلطنت مراکش رسید . در ۹ ژوییهٔ ۱۹۵۷ **ملاحسن** پسر ارشد سلطان محمد ، به ولیعهدی مراکش منصوب گردید . در ۲ مارس ۱۹۵۶ این کشور استقلال **یافت** ودر ۸ مارس ۱۹۵۸ سلطان محمد پنجم فرمان تشکیل مجمع ملی را امضاء کرد.

شرفاء مراکش .
(۹۵۱ هق)

نام سلسله‌ای از امرای مراکش است که نسب از **امام حسن بن علی بن ابیطالب** میبرند . این سلسله مدتی در تحت نفوذ دولت عثمانی وچندی تحت الحمایهٔ فرانسه بوده وقلمروش به دست اسپانیا وفرانسه و انگلیس تجزیه شده است . ولی سرانجام باردیگر درسال ۱۹۵۸ استقلال خود را به دست آورد و سلطان کنونی آن حسن بن محمد است .

بنی وتعس.
(۸۷۵-۹۵۷ هق)

نام سلسله‌ای از امراء مراکش بانی این سلسله **شیخ وتعس** که بنی مرین را منقرض ساخت وپس ازوی سه تن دیگر از بنی وتعس حکومت کردند تا دولتشان به دست شرفای مراکش به انجام رسید.

بنی مرین.
(۵۹۱-۸۷۵ هق)

نام سلسله‌ای از امرای مراکش است که ۲۸ تن از ایشان حکومت کردند. این سلسله به دست قبیلهٔ دیگری بنام **بنی وتعس** منقرض شد .

بنی ادریس.
(۱۷۲-۳۷۵ هق)

ادریس بن عبدالله بن حسن بن علی بن ابیطالب پس از شکست شورشیان مدینه (۱۶۸) به آفریقا گریخت ودر مراکش دولتی پدید آورد. اسامی سلاطین این سلسله عبارتند از :

۱-ادریس (دو نفر).
۲-محمد بن ادریس .
۳-علی. (دو نفر).
۴-یحیی. (چهار نفر) .
۵-حسن.

احوال آخرین حکمرانان این سلسله وتاریخ انقراض آن دقیقاً معلوم نیست .

مصالحیه

عبارت ازهفت شیخ نشین نیمه مستقل درساحل جنوبی خلیج فارس ودریای عمان است که با دولت بریتانیا چندین نوع قرارداد اتحاد ومصالحه دارد ازجمله آنکه نباید بدون موافقت دولت بریتانیا باهیچ کشوری رابطهٔ سیاسی وتجاری برقرار کنند وقلمرو خودرا به دیگری واگذارند، یا امتیاز بهره برداری ازمنابع و سرمایه‌گذاری در آن بدهند. ازمعروفترین این شیخ نشینها **دبی، شارجه و ابوظبی** است که جمعی ایرانی نیزدرآنها سکونت دارند .

حوادثی که در کشورهای عرب میگذرد رؤسای این شیخ نشین‌ها را به ایران نزدیکتر ساخته است تابتوانند برای حفظ قلمرو خود از پشتیبانی ایران برخوردار باشند.

مصر . Egypt

سرزمینی است که تنگهٔ سوئز آن را از آسیا جدا کرده شمالش دریای مدیترانه ومشرقش دریای سرخ ودرمغرب وجنوبش **لیبیا و سودان** قرار دارند و امروزه جمهوری مصر نام گرفته است. مردم اصلی مصر که قبطی نامیده میشوند ازنژاد سفید پوستی هستند که ازهزاران سال پیش در کناره‌های پر برکت نیل می‌زیسته‌اند اینان مردمی آرامش طلب وصبور وخانواده دوست بودند که به همهٔ مظاهر طبیعت ، به خورشید، ماه، آسمان، آب، جانوران وحشرات مهرمیورزیدندوخدایان بسیار داشتند که غالباً از آن شهر ویا ناحیه‌ای بودند . گاو، گربه، وزغ، مار، اسب آبی و سوسک های طلایی پردار از خدایانشان به شمار می‌رفتند. گذرانشان ازکشاورزی وبسیار کم ازصیدماهی بود، درمعماری استاد بودند و نزدیک به شش هزار سال پیش خطی داشتند وتقویمی وضع کرده بودند وازمس ابزارمی ساختند. نخست درهر ناحیه از مصر خاندانی حکمرانی داشت پس از آن در حدود ۳۲۰۰ قبل از میلاد **منس** (Menes) نخستین سلسلهٔ فراعنه مصر را بنیاد نهاد . در حدود ۲۹۰۰ قدرت به مصر سفلی منتقل شد و فراعنه **ممفیس** (Memphis) روی کار آمدند و **خئوپس** (Kheopes) **خافرن** (Khephren) و- **میکوینوس** (Mykerinos) اهرام ثلاثه را پدید آوردند(۲۸۰۰-۲۷۰۰ قم) آنگاه شهر **تب** پایتخت شد وقدرت به دست فراعنه مصر علیا افتاد (۲۲۰۰ ق. م.) ویازدهمین سلسله را پدید آوردند وقلمرو خودرا وسعت دادند وبر آبادی آن افزودند ولی سرانجام اقوام آسیایی برمصر دست یافتند ومدتی در آن حکم راندند آنگاه باردیگر مصریان به پاخاستند ودر **تب** دولتی تازه پدید آوردند (۱۵۸۰ ق م) و بار دیگر به رونق و آبادی آن همت گماشتند و فراعنه چون **توتمس** و


آرم کشور مراکش

رامسس آثاری جاودانه به‌یادگار نهادند.
پس از آن آشوری‌ها به مصر حمله بردند (۶۷۱ قم) پایتخت را ویران کردند (۶۶۴ ق‌م) اندکی بعد **پسامتیک** اول از **سایس** در مصرعلیا برخاست و باردیگر به‌آبادی کشور اقدام کرد **آمازیس** آخرین فرعون مصر چهل سال حکم راند و پس از او دفتر دولت فرعونی به دست **کمبوجیه** شاه ایران بسته شد (۵۲۵ ق م.) دراین مدت ۲۶ سلسله برمصریان فرمان راندند (۳۲۰۰ تا ۵۲۵ ق.م). با تشکیل امپراتوری ایران و در آمدن ملل گوناگون در زیر لوای آن و فتح مصر و پیوستن آن به این امپراتوری دریچهٔ تمدنی گرانمایه که در آن ریاضیات، معماری و جراحی پیشرفت شگفت انگیزی کرده بود و کاهنان بیشمار معابد بسیارش در طول قرن‌ها گنجینه‌هایی از علوم و فنون و اندیشه‌های حکمت آموز برروی **پاپیروس‌ها**، به‌خط اسرارآمیزی که اینک **هیروگلیف** نامیده‌میشود و از گروه خطهای **ایده‌اوگرام** می‌باشد، نگاشته بودند و این همان خط است که فنیقیان خط کنونی لاتین و عربی‌را از آن پدید آوردند. البته مصریان خط هیروگلیف را کم کم ساده‌تر کردند و خط کهنه و عامه را اختراع کردند که به **اولی هیراتیک** (Hieratique) و به‌دومی **دموتیک** (Demotique) میگویند از وقتیکه مصر فتح شد طوایف گوناگون بدان روی آوردند مخصوصاً یونانیان تشنهٔ تحقیق و دانش درآنجا فراوان شدند و به‌تحریک مصریان برضد ایران پرداختند و در سال ۵۱۸ ق‌م. مصر سر به شورش بر داشت ولی این شورش وشورش‌های بعدی سرکوب شد و این شدت عمل از یک سو و تحریک یونانیان از سوی دیگر، و سرانجام ضعف دولت هخامنشی از جمله عللی بود که موجب پیروزی اسکندر در مصر گردید (۳۳۴ ق م.) مصر اورا به‌گرمی پذیرفت و کاهن بزرگ اورا پسر **آمون** (رب‌الارباب مصر) خواند .

با مرگ اسکندر (۳۲۳ ق م) **بطلمیوس** سرداروی بر مصر دست یافت و سلسلهٔ بطالسهٔ مصر را بنیان نهاد که تا سال ۳۰ ق‌م دوام داشت، دراین دوره **اسکندریه** پایتخت مصر وقبلهٔ دانشمندان شد که ازهر سو به سراغ کتابخانهٔ بی‌مانندش میآمدند دولت روم که از آغاز سدهٔ دوم ق م. چشم طمع به سرزمین ثروتمند و پرشکوه مصر دوخته بود از آغاز قرن اول رسماً به‌دخالت در کارهای آن وعزل و نصب شاهان پرداخت وسرانجام ملکه مصر نقش معشوقهٔ سرداران رومی‌را به‌عهده گرفت ودراین کارچندان پیش‌رفت که سربرسر آن نهاد و خودرا کشت وقلمروش به‌دست رومیان افتاد .

از آن پس این کشور به‌دست فرمانداران رومی اداره میشد تادرزمان خلافت عمر مسلمانان بـه سرداری **عمرو بن عاص** سردار وسیاستمدار عرب درسال ۲۱ هجری مصر را گشودند. از آن پس این کشور توسط حکم گزاران خلفا اداره میشد که نام بیش از ۲۵۰ تن از آنان درمدت ۲۳۴ سال در تاریخها ثبت است درسال ۲۵۴ **احمد بن طولون** حکمران مـصر نخستین سلسلهٔ مستقل پادشاهی‌را در این سرزمین بنیاد نهاد سپس **آل اخشید** روی کار آمدند (۳۲۳ هجری قمری). آنگاه **فاطمیان** بر آن سرزمین دست یافتند و بدان رونق و آبادانی فراوان بخشیدند میراث وتمدن درخشان مصر و یونان وروم را بافرهنگ جوان اسلامی به‌هم درآمیختند و نیز در کار کشورداری شیوهٔ نویی رابـه مرحلهٔ آزمایش گذاشتند (۳۵۶ هق) همین که قدرت این سلسله رو به‌ضعف نهاد **صلاح‌الدین ایوبی** سردار نامدار کرد، سلسلهٔ ایوبی‌را بنیان نهاد (۵۶۴) که پاسدار فرهنگ شرق در مقابل صلیبیان شد. باشجاعت حیرت انگیزی از یک سو در پیشروی صلیبیون و از سوی دیگر دربرابر منولان ایستادنـد واز آن پس دولت عثمانی برمصر دست یافت (۹۲۲ هق) وادارهٔ آن به‌دست پاشایان ترک افتاد .

درسال ۱۷۹۸ (۱۲۱۳ هـ.ق) ناپلئون بر مصر مسلط شد و فرانسویان اروپا را متوجه تمدنی خفته ساختند و با آنکه قدرت فرانسویان در مصر دوامی نداشت، دانش مصرشناسی در همیـن انـدک مدت، بنیان گرفت و**شامپولیون** به‌خواندن خط مصری پرداخت و**ماریت** (Mariette) به کشف و کاوش مقابر مصری دست زد و**ماسپرو** (Maspero) تاریخ ملل مشرق را نوشت و از آن پس موزه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ جهان از آثار مصری ومربوط به‌مصر انباشته‌شد. **محمدعلی پاشا** حاکم مصر در سال ۱۲۲۶ سلسله‌ای از حکمرانان نیمه مستقل‌را در این سرزمین پدید آورد که به‌خدیوان مصر معروفند و این لقبی است که چهارمین جانشین او اسمعیل پاشا درسال ۱۲۴۷ برای خود انتخاب کرد. باضعف دولت عثمانی و دست یافتن دولت انگلیس به‌شرق کم کم مأموران انگلیسی به‌توطئه و تحریک درمصر پرداختند واز سال ۱۳۰۱ سپاه انگلیس قیام میهن‌پرستانهٔ مصریان را درهم شکست واز آن پس ادارهٔ امور وامرو نهی یک سره به دست انگلیسی‌ها افتاد ودرسال ۱۳۳۲ ق. خدیو مصر **عباس حلمی** پاشا راعزل و**حسین کامل** یکی از افراد همان خاندان را با لقب سلطان به پادشاهی منصوب کرد. در سال ۱۹۵۳ افسران جوان مصری با کودتایی **فاروق** آخرین سلطان آن کشور را بیرون راندند واندکی بعد رژیم جمهوری را اعلام داشتند . درسال ۱۹۵۶ دولت مصر که کانال سوئز را ملی کرده بـود باحملهٔ دولت‌هـای فرانسه ، انگلیس واسراییل مواجه شد ولی دخالت دولـت شوروی و دولتهای دیگر موجب ناکامی مهاجمین گردید. درسال ۱۹۶۰ دولت سوریه به مصر پیوست و جمهوری متحدهٔ عربی را تشکیل داد . ولی عمراین اتحاد بسیار کوتاه بود . کوششهای بعدی دولت مصر برای جلب دولت عراق ویمن قرین توفیق نبوده‌است. مردم مصر که ازمیراث تمدنی عظیم برخوردارند واینک درشاهراه میان سه قاره قرار گرفته‌اند اگر منحصراً به اموردا خلی خود بپردازند بی‌گمان میتوانند تجلیات تازه‌ای ازفرهنگ وهنرخویش را نشان دهند .

درسال ۱۹۶۷ دولت وکشور مصر ناگهان مورد حملهٔ اسراییلیان قرار گرفت وصحرای سینارا تصرف کردند ودولت مصر **عامر** را عامل این شکست دانست و او وهمدستانش را خواست محاکمه کند که عامر خودکشی کرد.

هنوز هم منازعات مصر وکشورهای عربی با اسراییل ادامه دارد .

بنی طولون.

(۲۵۴ـ۲۹۶ هق)

نام سلسله‌یی ازحکام مصر است که نسب از **طولون** غلام مأمون دارند. **احمد** ابن طولون درسال ۲۵۴ به‌حکومت مصر منصوب شد و چون بدانجا رسید دعوی استقلال کرد ومصروشام را درقبضهٔ اقتدار خویش درآورد. پس ازوی پسرانش **خمارویه** و **شیبان** و دو نواش **جیش** و **هارون** حکومت کردند تاسرانجام به‌دست خلفاء عباسی دولتشان منقرض گردید .

خلفای فاطمی.

(۲۹۷ـ۵۶۷ هق)

مؤسس این سلسله **عبیدالله** نام داشت که نسب خود را به فاطمه دختر پیغمبر

می‌رسانید وشجرهٔ ادعایی اوچنین‌است:
عبیدالله بن‌محمدبن‌عبدالله بن‌میمون ابن محمدبن اسماعیل بن جعفر صادق (امام‌ششم شیعیان) وی در میان قبایل بربر ظهور کرد وخود را **مهدی** موعود خواند و جمعی‌کثیری به‌گردش جمع شدند.

عبیدالله، مهدیه را درنزدیك تونس پایتخت‌قرارداد وبرقسمت اعظم‌افریقای شمالی دست یافت وجانشینانش بر وسعت قلمرو خویش افزودند ومصروشام رادر حیطهٔ اقتدار درآوردند وپایتخت‌خودرا به‌قاهره‌که درهمان ایام ساخته شدانتقال دادند واین سبب‌شدکه قدرت خودرا در مغرب ازدست بدهند وآنان متوجه‌مشرق وقلمروخلفای عباسی‌شوند. اسامی‌خلفای فاطمی بااین شرح است:

۱ـ **عبیدالله**، مهدی. (۲۹۷هق).
۲ـ **محمد**، قائم. (۳۲۲هق).
۳ـ **اسماعیل**، منصور. (۳۳۴هق)
۴ـ **سعد**، معز. (۳۴۱هق).
۵ـ **نزار**، عزیز. (۳۶۵هق).
۶ـ **منصور**، حاکم. (۳۸۶هق).
۷ـ **علی**، ظاهر. (۴۱۱هق).
۸ـ **محمد**، مستنصر. (۴۲۷هق).
۹ـ **احمد**. (۴۸۷هق).
۱۰ـ **منصور**، آمر. (۴۹۵هق).
۱۱ـ **عبدالمجید**، حافظ. (۵۲۴هق).
۱۲ـ **اسماعیل**، ظافر. (۵۴۴هق).
۱۳ـ **عیسی**، فائز. (۵۴۹هق).
۱۴ـ **عبدالله**، عاضد. (۵۵۵هق).

این سلسله در سال ۵۶۷ به دست **صلاح‌الدین‌ایوبی** منقرض‌شد.

ایوبیان.

(۵۶۴ـ۶۹۸هق)

سلسله‌یی از سلاطین مصر است که به دست صلاح‌الدین ایوبی بوجود آمد صلاح‌الدین پس ازمرگ آخرین خلیفهٔ فاطمی خطبه به‌نام خلیفهٔ عباسی‌خواند و خودرادست‌نشاندهٔوی‌معرفی‌کرد، صلاح‌ـ الدین قلمروخودرا از موصل تامراکش توسعه داد وبامسیحیان جنگهای‌خونینی کردکه همه‌جا پیروزی‌باوی‌بود، قلمرو پهناور وی پس‌ازمرگش میان‌فرزندانش بدین شرح تقسیم‌شده است:

۱ـ ایوبیان‌مصر. (۵۶۴ـ۶۵۰هق).
به‌دست ممالیك منقرض شد.
۲ـ ایوبیان دمشق. (۵۸۲ـ۶۵۸هق).
به‌دست مغول‌منقرض شد.
۳ـ ایوبیان حبشه. (۵۸۲ـ۶۵۸هق).
به‌دست مغول منقرض‌شد.
۴ـ ایوبیان‌الجزیره. (۵۹۵ـ۶۴۳هق).
به‌دست مغول‌منقرض‌شد.
۵ـ ایوبیان حماة. (۵۷۴ـ۶۹۸هق).
به‌دست ممالیك منقرض‌شد.
۶ـ ایوبیان‌حمص (۵۷۴ـ۶۶۱هق).
به‌دست ممالیك منقرض‌شد.
۷ـ ایوبیان‌عربستان. (۵۶۹ـ۶۲۶هق).
به‌دست‌امراء یمن منقرض‌شد.

ممالیك مصر.

(۶۵۰ـ۹۲۲هق)

سلسله‌ای از سلاطین مصر و شام را گویندکه بوسیله عزالدین **آیبك**ملقب به معزروی کار آمدند. معز نخست خطبه به‌نام **شجرةالدر** زوجه ملك‌صالح ایوبی خواند. سپس اوراعقدکرد وخودسلطان شدوسرانجام چون‌زن دیگر گرفت به‌دست شجرةالدر کشته شد. امراء این سلسله با آنکه همیشه با یکدیگر در جنگ و ستیز بودندقلمروخودرادرمقابل‌مسیحیان وسیل بنیان‌کن مغول حفظ‌کردندوپنجاه تن از ایشان به‌نام ممالیك بحری‌وبری حکومت‌کردند.این‌سلسله‌سرانجام به‌دست سرداران عثمانی منقرض‌شد.

خدیوان مصر.

(۱۲۲۰ـ۱۳۶۰ق)

این سلسله به دست**محمدعلی‌پاشا**از سرداران دولت عثمانی تأسیس شد. در ابتداوی وجانشینانش‌دست نشاندهٔدولت عثمانی بودند ولی ضعف روزافزون‌آن دولت بر استقلال ایشان افزود. این کشور از سال**۱۳۰۱** تحت‌الحمایهٔدولت انگلیس شد. درحدود سال **۱۳۳۶** مردم مصردست به‌انقلاب زدند وتحصیل استقلال‌نمودندبااینهمه‌نفوذدولت‌انگلیس در تمام شئون مصرپابرجا بود. آخرین خدیو مصر **فؤادثانی** کودك شیرخوار فاروق بودکه پس ازعزل فاروق ازطرف افسران مصری بزعامت ژنرال نجیب به سلطنت‌برداشته شد ولی اورا هم بزودی عزل‌وحکومت جمهوری اعلام‌کردند.

مغولستان. Mongolie.

مغولستان سابقاً یکی‌از ایالات چین


چندمردمنولی

به شمار میرفت. در **۱۳** مارس **۱۹۲۱**این کشور مستقل شد وتاسال **۱۹۲۴** **بوگدوگدگن** خان در مغولستان‌حکومت میکرد.

در**۱۹۲۴** بعدازمرگ‌خان،جمهوری توده‌ای مغولستان در این کشور تشکیل گردید. قسمت شمال‌غربی مغولستان به نام ایالت خود مختاری **تانوتووا** جزو اتحاد شوروی میباشد. طبق قانون‌اساسی **۱۹۴۰** دورهٔ پارلمان این کشورسه سال بود و عدهٔ نمایندگان به نسبت یك در **۲۵۰۰** جمعیت می‌باشد. هیئت رییسه مرکب از۷ نفرمی‌باشد.

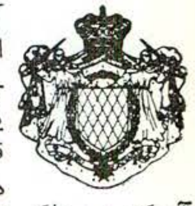

آرم کشور مکزیك

علاوه برمدارس ابتدایی، متوسطه وفنی ودانشگاه‌نیزداردویك‌آکادمی علوم در**۱۹۵۳** در این‌کشورتأسیس گردید.

مکزیك Mexique

قبل ازکشف آمریکا بـه وسیلهٔ کریستف کلمب درمکزیك سرخ پوستان زندگی می‌کردند **ومایاس‌ها** که مردمی کشاورزبودند **ازیوکاتان** حرکت‌کردند واهرام سنگی‌بزرگی‌ساختند. رییس‌قبیلهٔ **تورنك‌ها** به‌نام**مونته‌زوماس** در**۱۳۲۵** تنوك **تیتلان**راکه‌اکنون شهرمکزیکونام دارد. ساخت فاتح اسپانیایی **هرناندو کورتس** در **۱۵۲۱ـ۱۵۱۹** حکومت **ازتك‌ها** رامنهدم‌کرد، بعدازسه‌قرن‌اسارت اسپانیامردم‌مکزیك شورش‌کردندوژنرال **اوگوستین ایتوربید** در **۲۷** سپتامبر **۱۸۲۱** مکزیك رامستقل کردوخودرا به نام **اوگوستین** اول امپراتور مکزیك نامید. اوگوستین‌در**۱۸۲۴** خلع‌واعدام‌شد درجنگ**۴۸ـ۱۸۴۶** بین مکزیك‌واتازونی مکزیك قسمتی ازخاك خودراازدست‌داد در **۶۷ـ۱۸۶۴**یك **آرشیدوك** اتریشی به‌نام **ماگزیمیلین** اول به‌سلطنت‌مکزیك رسید دولت اتازونی علیه این‌آرشیدوك که‌فرانسویهاازاوپشتیبانی میکردند،فشار آوردند تامنجر به‌سقوط اوگردید. در سالهای **۸۰ـ۱۸۷۷و۱۹۱۱ـ۱۸۸۴** **پوروفیر یودیاز** به‌ریاست‌جمهوری‌رسید. در**۵** فوریهٔ **۱۹۱۷** قانون اساسی جدید

تصویب گردید واصلاحات اجتماعی بعمل آمد. جمهوری دموکراتیک فدرال مکزیك از ۲۹ ایالت تشکیل یافته است. رییس جمهور برای ۶ سال انتخاب میشود و انتخاب یکنفر برای باردوم به ریاست جمهوری غیر قانونی است. عدهٔ سناتورها ۶۰ نفر بوده و دورهٔ سنا ۶ میباشد، دورهٔ مجلس نمایندگان ۴ سال است و یك نفر برای دو دورهٔ متوالی نمیتواند نماینده شود. برای هر ۱۵۰۰۰۰ نفر یك نماینده برگزیده میشود .


آرم کشور موناکو

Monaco **موناکو**

در دورهٔ انقلاب کبیر جزء فرانسه شد، ودر سال ۱۸۴۶ میلادی در تصـرف حکومت ساردنی در آمد و در سال ۱۸۶۱ ایتالیا آنرا به فرانسه فروخت شاهزاده‌ای که این سرزمین رااداره میکرد تا اوایل قرن بیستم حکومت مطلقه داشت ولی در سال ۱۹۱۱ میلادی قانون اساسی تدوین شده ودارای مجلس شورایملی گردیـد. تعداد نمایندگان مجلس ۱۸ نفر که دورهٔ وکالت آنها ۴ سال است.


آرم کشور نپال

Nepal **نپال .**

درزمانهای قدیم درسرزمین نپـال قبایل مختلف زندگی میکردند. در ۱۷۶۹ یکی از قبایل آنجا به نام **گورکاس** قدرت به‌دست آورده و بر آن سرزمین حکومت کرد. تا ۱۹۵۱ خانوادهٔ **راناس** در آنجا حکومت میکرد. در این سال **مهاراجاداهی راجا تریب‌هو** با نام **بیر بیکرام** که از خانوادهٔ **تاپاس** بود از تبعید بر گشت و در ۱۶ نوامبر ۱۹۵۱ حکومت ملی تشکیل داد و وارثی بودن مقام نخست‌وزیری راملغی کرد. در ۱۹۵۲ حزب کمونیست غیرقانونی اعلام شد.


آرم کشور نروژ

Norvege **نروژ**

طبق قانون اساسی ۱۷ مه ۱۸۱۴ رژیم حکومتی نروژ مشروطهٔ سلطنتی میباشد نروژ از ۱۳۸۱ تا ۱۸۱۴ با دانمارك و در ۱۸۱۴ تا ۱۹۰۵ با سوئد متحد گردید. نروژ و سوئد در ۱۵ اکتبر ۱۹۰۵ باموافقت یکدیگر ازهم جدا شدند، مجلس نروژ ۱۵۰ عضو دارد و دورهٔ آن چهار سال است .

مذهب لوتری مذهب رسمی کشور نروژ میباشد. تعلیمات از سن ۷ تا ۱۴ اجباری است. نروژ عضو سازمان ملل و پیمان ناتو است .


آرم کشور ونزوئلا

Niger **نیجر**

یکی از جمهوریهای آفریقای مرکزی است که در دوره‌های قدیم مرکز برخورد تمدنهای گوناگون مصری، سودانی، حبشی و بربر بوده وجمعی صنعتگر یهودی تا قرن ۱۵ دراین سرزمین بسر میبرده‌اند. مردم نیجر زندگانی شبانی، کشاورزی مشترك توأم با تاخت‌وتاز، راهزنی و باج گیری داشتند .

این کشور در دههٔ آخر قرن ۱۹ وضع نامناسبی پیدا کرد زیرا پای اروپاییان به آنجا باز شد در سال ۱۹۲۱ مستعمرهٔ فرانسه شد در سال ۱۹۵۶ خودمختاری داخلی پیدا کرد در سال ۱۹۵۸ استقلال داخلی داشت ودر سال ۱۹۶۰ استقلال کامل یافت واکنون عضو سازمان ملل وجامعه اتحادیهٔ فرانسه است .

Nigeria **نیجریه**

درسال ۱۸۶۱ ایالت **لاگوس** بـه دست انگلیسیها افتاد ودر سال ۱۸۶۵ به حکومت **سیرالئون** ملحق شد. درسال ۱۸۷۴ هریك از آنها ایالت جداگانه‌ای ازمستعمرهٔ ساحل طلا گشتند تا درسـال ۱۸۸۶ لاگوس سرزمین تحت الحمایهٔ جداگانه‌ای گردید ودرسال ۱۹۰۰ رسماً مستعمرهٔ انگلستان شد ودرسال ۱۹۰۶ با پیوستن به نیجریهٔ شمالی حکومت مرکز واحدی استعمار این سرزمین رابه‌عهده گرفت که برحکومت ایالت های سه‌گانه شرقی، غربی وشمالی نظارت داشت و درسال ۱۹۶۰ نیجریه استقلال یافت واینك عضو جامعهٔ ممالك مشترك المنافع است .

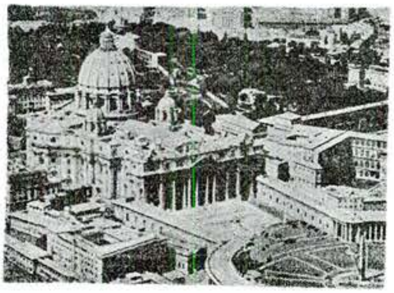
نیجریه که تنها در دههٔ آخر قـرن نوزدهم پای اروپاییان بدان رسید. درسال ۱۹۲۱ مستعمرهٔ فرانسه شد. درسال ۱۹۵۶ خود مختاری داخلی ، در سال ۱۹۵۸ استقلال داخلی وابسته به اتحادیهٔ فرانسه ودرسال ۱۹۶۰ استقلال کامل یافت واینك عضو سازمان ملل وجامعهٔ اتحادیهٔ فرانسه است .

Nicaragua **نیکاراگوئه**

نیکاراگوئه درقدیم مستعمرهٔ اسپانیا بود در ۱۸۲۱ مستقل شد و برای مدت کوتاهی به مکزیك پیوست وسپس جزو ایالات متحدهٔ آمریکای مرکزی در آمد و بالاخره در ۱۸۳۸ جمهوری مستقلی را تشکیل داد. طبق قانون اساسی ۱۹۳۹ جمهوری نیکارا- گوئه دارای دومجلس میباشد . مجلس نمایندگان ۴۲ عضو داشته ودورهٔ آن ۶ سال است. مجلس سنا داری ۱۶ عضو میباشد که به مدت ۶ سال انتخاب میگردند. دورهٔ ریاست جمهوری نیز ۶ سال است .

Vatican. **واتیکان.**

پاپ‌ها چندین قرن بر ایالات مرکزی ایتالیا حکومت داشتند درزمان پاپ‌پی نهم این ایالات جزو قلمرو ایتالیا قرار گرفت ودرسال ۱۸۷۱ طبق قانونی فقط واتیکان و «لاتران» درروم وویلای قصر **گاندولفو** در اختیار باقی ماند ، آخرین قرار- دادهای مربوط به واتیکان درسال ۱۹۲۹ با موسولینی به امضاء رسید ، حکومت



مستقل واتیکان به رسمیت شناخته شد . موافقت نامهٔ مزبور در سال ۱۹۴۷ به صورت یکی از موادقانون اساسی ایتالیا در آمد . حکومت پاپ علاوه برواتیکان در رم نیز دارای سیزده بنا وساختمان گوناگون است که آنهاهم در شمارقلمرو پاپ هستند واتیکان از روی قوانینی که اسقف اعظم با نمایندگان او انتشارداده‌اند اداره میشود .

درحال حاضر درحدود ۵۰ دولت در دربار پاپ نمایندگی سیاسی دارند برخی از دول ازجمله آمریکا با پاپ روابط سیاسی ندارند . وظایف پلیس به عهدهٔ افراد مسلح اسقف اعظم است .

پاپ دوازدهم به نام **اوجنیو پاسلی** درسال ۱۹۳۹ بدین مقام انتخاب گردید ودویست وشصت ودومین پاپ واتیکان بود پاپ‌پی دوازدهم در ۱۹ اکتبر ۱۹۵۷ وفات یافت وبه جای او انژلورونکالی به نام **جان بیست و سوم** به سمت رهبـری کاتولیك‌های جهان انتخاب شد که پس از **اوپل ششم** زمام امور را به دست گرفت .

Venezuela. **ونزوئلا.**

کریستف کولومب برای اولین باردر شبه جزیرهٔ **پاریا** پا به سرزمین آمریکای جنوبی گذاشت ودر همان سفر دهانهٔ رود **ارینوکو** را کشف نمود. **آلونسو دوجدا** درسال ۱۴۹۹ دریاچهٔ **ماراکایبو** را کشف کرد .

بعلت این که اهالی منازل خودرا برروی آب ساخته بودند آنرا ونزوئلا یا ونیز کوچك خواند. ونزوئلا تا سال ۱۸۲۱ زیر سلطهٔ اسپانیا بوده در سال ۱۸۳۰ پس ازجدایی ازفدراسیون **کولومبیا**

درونزوئلا حکومت جمهوری اعلام گردید. ونزوئلا دارای مجلس سنا و مجلس نمایندگان است . رییس جمهور با آراء عمومی و برای مدت پنجسال به این سمت انتخاب می‌گردد .

قانون اساسی حقوق مالکیت خصوصی، تأمین تحصیلات، کار، بهداشت را تضمین می‌نماید وضمناً درقانون کاردربارهٔ شرکت کارگر درمنافع مؤسسات مطالبی موجود دارد. درقانون اساسی همچنین موادی جهت استفاده ازحقوق، مستمری، بازنشستگی وجود دارد .

ویتنام Viet nam .

صرفنظر ازدوران پادشاهان افسانه‌ای نخستین حکمران ویت نام یك تن صاحب منصب چینی به نام **تریودا**(Trieuda) میباشد که با اجازهٔ امپراتورچین سلسلهٔ پادشاهی **ووانگ** (Vo vuong) را در سال ۲۰۸ق.م. بنیان نهادولی دولت این سلسله در سال ۱۱۱ ق.م. توسط **ووتی** (Wouti) امپراتور چین منقرض شدونام ویت به سه ایالت تحت فرمان حکمرانان چینی تقسیم گردید . نخستین شورش بر علیه اشغالگران توسط خواهران **ترونگ** (Trung) رهبری می‌شد (۴۰م) وپس از آن نیز بارها تکرار گردید که درمدت ۶۵ سال به چهارتای آن بر می‌خوریم (۵۴۱–۵۴۷–۵۹۰ و۶۰۳م.) ولی همهٔ این قیام‌های به سختی شکسته می‌شدند . دراین دوران در جنوب ویتنام قومی از نژاد **ماله‌ای** به نام شام (Sham) زندگی می‌کردند که دربازرگانی، دریانوری و جنگاوری چالاك بودند وبر اثر ارتباط باجنوب هند مذهب وتمدن آن سرزمین را کسب کردند .

بقایای نخستین پایتختشان باخرابه‌هایی ازساختمان‌های قرون اولیهٔ میلادی به نام **ایندراپورا** (Indrapura) هنوز باقیست . درقرن یازدهم براثر پیشروی ویتنامی‌ها، شامها پایتخت خودرا به جنوب (نزدیکی کی نون) بردندوتوجه خودرا به **کامبوج** معطوف ساختند. درآغازقرن دهم میلادی چین دچارهرج ومرج شد و مردم ویتنام بااستفاده ازموقعیت برعلیه کارگزاران چینی شوریدند. **نگوکوین**(Ngo kuyen) در سال ۹۳۹ درهانوی وازآن پس **کولوآ** نخستین سلطنت ویتنام را آغازکرد ولی بامرگ او ۹۶۴ میلادی چندی اغتشاش برکشور حکمفرماشد ، تاآن‌که **سوکوان** (Suquan) خود را شاه خواند وچینی‌ها نیز سلطنت اورا به رسمیت شناختند ۹۶۸ میلادی.

لی‌تای‌تو درسال ۱۰۱۰ سلسلهٔ **لی** را بنیان نهاد که نخستین دولت استوار ویتنامی بود .

شاهان این سلسله باشامی‌ها جنگهای پیروزمندانه ای کردند و بر قسمتی از قلمروشان دست یافتند ولی درسال ۱۲۲۵ **ترانها** سلطنت را از آنان گرفتند . شاهان این سلسله سپاهیان مغول رابیرون راندند (۱۲۸۵) و با **شامها** روابط دوستانه برقرارکردند ولی سرانجام براثر اختلافات داخلی پای چین رابه کشورشان گشودند (۱۴۰۷) ولی اینبار استیلایشان دوامی نکرددودرسال ۱۴۱۸ بیرون رانده شدندوسلسلهٔ سلطنتی **له** (Le) روی کارآمد. **له‌تانح‌تون**(Le tanhton) درسال ۱۴۷۰ دولت **شامها** رابرانداخت. تقسیمات کشوری سازمان اداری ، مجموعه قوانین ونظام مالیاتی مرتبی ایجادکردولی جنگ میان شمال وجنوب که از قرنهاپیش آغاز شده بود ادامه یافت . **ترین‌ها** (Trinh) در شمال و**نگوین‌ها** (Nguyen) در جنوب قدرت رادردست گرفتندودرسراسرقرون ۱۶ و۱۷و۱۸ به جنگهای خونینی پرداختند . **نگوین‌آن** که بعداً به **جیالونگ** ملقب شد پس از دهسال زدوخورد با امرای محلی با کمك اسلحه و سپاهیان فرانسوی بر سراسر ویتنام دست یافت (۱۸۰۲) ولی کوششی فراوان به کاربردتاباچین روابطی دوستانه داشته باشد از نفوذ سیاسی اروپاییان جلوگیری ومملکت رابادیگر آبادان سازد. جانشینان وی (۱۸۲۰–۱۸۷۴) همهٔ کوشش برای تفتیش عقاید ، جلوگیری از اشاعهٔ مسیحیت و نفوذسیاسی اروپا به کار بردند بدون آن‌که در صدد ایجادتحول درنظام فئودالی پوسیده جامعه برآیند .

ویتنام دارای سابقهٔ تمدنی درخشان بود . ازصدها سال پیش متصدیان مشاغل اداری ازطریق شرکت وپذیرش درامتحان ورودی وبدون رعایت شرط ثروت، خانواده وسن انتخاب می‌شدند . اینان به خاطر دانششان در نزد مردم محترم بودند و « پدران ملت » خوانده می‌شدند ومی‌آموختند: «هرگاه ازخانهٔ خودخارج میشویم بایدچنین فکر کنیم که به استقبال انسان باشرفی میرویم .»

کشور توسط دو شورا اداره می‌شد یکی **کومات** نام داشت ومرکب ازچهار تن ازبزرگان کشور و در حکم شورای سلطنتی بود . دیگر **نویی‌کاك**(Noicac) یا شورای وزیران که خود از ۶ شوری تشکیل می‌شد واین شوراها اموزداخله، مالیه، مذهب، دادگستری، جنگ وساختمان رااداره میکردند وهرشورااز یك رییس و چهار عضو تشکیل می‌شد . دانشمندان برترین طبقهٔ مردم، کشاورزان طبقهٔ دوم صنعتگران وپیشه‌وران طبقهٔ سوم ونظامیان طبقهٔ چهارم جامعه را شامل میشدند.

اروپاییان که ازقرن شانزدهم باویتنام آشناشده بودند چشم طمع بدان داشتند پس ازآن‌که پرتغالی‌ها، هلندی‌هاوانگلیسی‌ها در آن توفیقی نیافتند ، فرانسوی‌ها که آشنایی بیشتری با آن داشتند، نخستین تعرض نظامی خودرا در سال ۱۸۵۸ آغاز کردند ودرسال ۱۸۶۲ امپراتورویتنام رابه واگذاری یك جزیره ، چند بندرگاه وسه ایالت به دولت فرانسه وادارساختند و در سال ۱۸۶۷ چهار ایالت دیگر را گرفتند. پیشروی فرانسویان به سوی شمال چین رانگران ساخت ودرسال ۱۸۸۲ سپاهیان چینی برای مقابله با فرانسویان وارد ویتنام شدند ولی بر اثر مرگ **تودوك** امپراتور ویتنام (۱۸۸۳) نظامیان دست از مقاومت جدی برداشتند وچین نیز سرانجام شکست خورد (۱۸۸۵) **هی‌یپ‌هوا** (Hiep hoa) جانشین تودوك برای آن‌که خود را از اتهام سازش با بیگانگان تبرئه کند خودکشی کرد .

سلطنت **کی‌ین‌فویوك**(Kien phuoc) نیز دوامی نکرد و **نام‌نگی**(Nam nghi) دوازده ساله را به سلطنت برداشتند (۱۸۸۵) وجنگ بانیروهای فرانسوی یك سال دیگر دوام یافت . از آن پس فرانسویان به تدریج براوضاع مسلط شدندو تمام اختیارات راازامپراتور سلب کردند (۱۸۹۷) قیام دیگری در سال ۱۹۰۸ صورت گرفت که موجب اصلاحاتی دراین سرزمین گردید ، درسال ۱۹۲۵ اتحادیهٔ جوانان انقلابی و در سال ۱۹۳۰ حزب کمونیست ویتنام تأسیس شدوشورش‌هایی را بر ضد فرانسویان رهبری کرد .

نگوین‌آی‌کوك(هوشی‌مینه) مؤسس اتحادیهٔ جوانان وحزب کمونیست ویتنام در سال ۱۹۴۱ اتحادیهٔ آزادی ویتنام (ویت‌مین) را تأسیس کرد . ژاپنی‌هادر

۱۰ مارس ۱۹۴۵ به ویتنام حمله کردند وفرانسویان را بیرون راندند واستقلال ویتنام ورسمیت **بائودای** امپراتوررا تأیید نمودند. هنگامی که پنج‌ماه بعد ژاپن تسلیم شد هواداران ویت‌مین عمارات دولتی را اشغال کردند . امپراتور استعفا داد و جمهوری دموکراتیك به‌وجود آمد ودر نخستین انتخابات‌در سال ۱۹۴۶ هوشی‌مینه به‌ریاست جمهوری‌انتخاب‌شدودولت فرانسه آنرا به رسمیت شناخت . ولی سه‌ماه بعد سربازان فرانسوی هایفونگ رابه توپ بستند و ۲۰ هزارتن مردم غیر نظامی‌را کشتند .دولت ویتنام که متوجه توطئه شده بود به مردم دستور داد : «... باهرچه‌دردست‌داریدبجنگید...» جنگ تا ژوییهٔ ۱۹۵۴ که قراردادژنوامضاء شد ادامه داشت . برطبق این‌قرارداد مدار ۱۷ درجه‌مرز جنوبی دولت‌ویتنام‌شمالی شناخته شد ودرجنوب نیز دولتی‌هوادار غرب به‌وجودآمد ومقرر شـد تادر سال ۱۹۵۶ انتخابات عمومی سراسر ویتنام انجام گیرد ولی این کار هرگز صورت نگرفت .



آرم ویت نام جنوبی



آرم ویت نام شمالی

ویتنام جنوبی . Viet-Nam

درهمان هنگام که‌ارتش فرانسه بـا میهن پرستان ویتنامی میجنگید برای جلب افکار عمومی درصدد برآمد دولت دست نشانده‌ای درجنوب ویتنـام‌روی‌کار آورد(۱۹۴۹) هنگامیکه‌پس‌از کنفرانس **ژنو** فرانسوی‌ها ناچاربه‌ترك ویتنام‌شدند این‌دولت درجنوب مدار ۱۷ درجه‌زمام اموررادردست گرفت‌و**بائودای** امپراتور و **نگودین‌دیم**(Nga Dinh Diem) نخست وزیرشد (۱۹۵۴) ولی‌سال بعدامپراتور رابیرون کردوخودرانخستین‌رییس‌جمهور ویتنام‌جنوبی معرفی‌کردوبیاری برادرو برادرزنش‌حکومت‌دیکتاتوری‌وحشتناکی برقرارساخت وبه جنگ باکمونیستها ، بوداییان، آزادیخواهان‌واشراف‌پرداخت. ایالات متحده نخستین مستشاران‌خودرا در ۱۹۶۰ به‌ویتنام جنوبی فرستاد.این عده درسال ۱۹۶۱ از ۶۵۰ به۱۶۵۰ نفر،سال‌بعد به‌۴۰۰۰ نفرودر ۱۹۶۳ به ۱۵۰۰۰ نفر ودرسال ۱۹۶۴ به ۲۲۰۰۰ نفر وسال بعد به ۱۶۵۰۰۰ (و ۲۰۰۰۰ نفرازملل دیگر) ودر سال ۱۹۶۶ بـه ۳۸۵۰۰۰ نفر رسید. **ایالات متحده** در آغازامیدواربود توسط **نگودین‌دیم** سدی در مقابل کمونیستها پدیدآورد و جای



آرم کشورهاییتی



آرم کشورهلند

فرانسوی‌هارادرویتنام بگیرد، باخشنودی تمام اورا جرج‌واشنگتون‌ویتنام میناميد وپول واسلحه دراختیارش مینهاد . ولی سرانجام‌دریافت نگودین‌دیم‌فقط کمکهای آمریکا رادوست دارد و میخواهد بدان وسیله قدرت خودرا تحکیم بخشد وکشف این موضوع سبب‌شد، تایك‌کودتای‌نظامی به‌حکومت وعمراو وبرادرش پایان دهد (نوامبر ۱۹۶۳) باروی‌کارآمدن **جانسون** در آمریکا فعالیت نیروهای آمریکایی و دخالت ایالات متحده درسیاست ویتنـام جنوبی‌ودرعین‌حال‌مبارزات پارتیزانهای ویتنامی(ویت‌کونگ) شدت یافت .

ایالات متحده نخست این‌نهضت را چیزی ازقبیل یك شورش عنان گسیختهٔ دهقانی‌میدانست که‌بزودی ازمیان‌خواهد رفت سپس براین عقیده بودکه باتهدید ویتنام شمالی میتوان صلح‌را برقرارکرد واینك فقط‌میکوشدحیثیت سیاسی‌ونظامی خودرا ازخطر برهاند وازطریق‌سازمان ملل‌به‌حل مسئله‌بپردازد .ولی‌ویتنامی‌ها مسئلهٔ ویتنام‌را امری داخلی می‌دانندکه باید درخود ویتنام وپس‌از بیرون رفتن ارتشهای خارجی حل شود .آ نچه‌مسلم است‌ویتنام‌جنوبی‌ممکن‌است‌نظام‌کمونیستی شمالی‌رانپذیردولی به‌تسلط سیاست‌وارتش بیگانه نیز تن نخواهد داد .

ویتنام شمالی، جمهوری دموکراتیك . Viet - Nam

دولت ویتنام شمالی درسال ۱۹۴۵ بوجود آمد و درکنفرانس ژنو در سال ۱۹۵۴ حدودآن درمرزفعلی‌تعیین‌شد و مقررگردید انتخابات عمومی در سراسر ویتنام در سال ۱۹۵۶ این مرزموقتی‌را ازمیان بردارد. ولی‌این‌انتخابات‌هرگز صورت نگرفت.دراین مدت ویتنام‌شمالی که‌ازدشتهای حاصلخیز جنوب دورمانده بود توجه‌خودرا به صنعتی کردن کشورو ایجاد راهها و تأسیسات آبیاری معطوف داشت وباکمك چین ، اتحاد شوروی و کشورهای دیگر شرقی بنیهٔ اقتصادی و دفاعی خودرا تقویت کرد ، ازسوی‌دیگر سربازان‌چریك که‌در سربازخانه‌ها تربیت ویادرجنگهای‌استقلال آزموده شده‌بودند دسته دسته به‌عنوان پناهنده و یافراری راه‌ویتنام‌جنوبی‌رادرپیش گرفتند. انقلاب در ویتنام جنوبی و ناکامی آمریکا در سرکوبی‌آن سبب‌شدتاتهدیدویتنام شمالی وبمباران‌آن توسط‌آمریکاییها آغازشود (مارس ۱۹۶۵) ولی‌ویتنام این‌بمباران را بیش از دوسال است‌که تحمل کرده، خسارات فراوان دیده ومتقابلا زیانهای فراوانی به‌مهاجمان وارده‌کرده وتسلیم نشده است . شکی نیست‌که دولتهـای کمونیست‌وافکارعمومی بسیاری‌ازکشورها ازویتنام‌شمالی‌پشتیبانی‌می‌کند ولی‌عامل اصلی و موفق این مبارزه روح شجاع و بردبار این ملت است‌که با هدفی معین به‌همهٔ‌سختیها تن‌درمی‌دهد.

هاییتی Haiti

هاییتی در ۱۴۹۲ به‌وسیلهٔ کریستف‌ـ کولومب‌کشف شد.از۱۶۷۷ کلنی‌فرانسه بود بعد از شورش **توسن‌لورتور** در ۱۸۰۰ استقلال به‌دست‌آورد.در ۱۹۵۰ سرهنگ **پل‌ماگلوار** به‌ریاست‌جمهوری‌انتخاب‌گردید و در ۶ دسامبر ۱۹۵۶ تحت فشارمردم مجبور به‌کناره‌گیری‌شد. در۲۲سپتامبر ۱۹۵۷ دکتر فرانسوا **دووالیه** بـرای مدت۶سال‌به‌ریاست‌جمهوری‌برگزیده‌شد. در۱۹ دسامبر ۱۹۵۷ قانون‌اساسی‌جدید تصویب گردید .

طبق‌قانون مذکور مجلس قانونـ گزاری مرکب‌از ۶۷ نماینده می‌باشد . کسانیکه‌بیش‌از ۲۱سال‌دارندمیتوانند در انتخابات‌شرکت کنند .

هلند Hollande

اولین قانون‌اساسی هلنددر۱۸۱۴ به‌وجودآمدودرسال ۱۸۱۵ درآن‌قانون تجدید نظر شد. قوهٔ اجراییه منحصراً در دست پادشاه(ملکه ووزراء)می‌باشد،قوهٔ مقننه بـه عهـدهٔ شاه و پارلمان اســت . پارلمان از دو مجلس تشکیل‌شده است؛مجلس اول ۷۵ عضو داشته ودورهٔ آن ۶ سال است . مجلس دوم ۱۵۰ عضو و برای ۴ سال انتخاب



زولیانا ملکهٔ هلند

میشود، قاطبهٔ مردم که سنشان بیش از **۲۳** سال باشد حق شرکت در انتخابات عمومی را دارند. علاوه برشورای وزیران یك شورای دولتی نیز وجود دارد که اعضای آن از طرف شاه یا ملکه تعیین میشود. ریاست این شورا به عهدهٔ شاه یا ملکه می باشد. و گاهی در بارهٔ مسایل مربوط به قوهٔ اجراییه نیز در آن شورا بحث میشود.

سلاطین هلند

ویلیام اول. (۱۵۷۹ – ۱۵۸۴ م)
موریس. (۱۵۸۷ – ۱۶۲۵ م)
فردریك **هانری.** (۱۶۲۷ م)
ویلیام دوم. (۱۶۵۰ م)
زان **دوویت**. (۱۶۵۳ – ۱۶۷۲ م)
فترت.
ویلیام سوم. (۱۷۰۲ م)
ویلیام چهارم. (۱۷۴۷ – ۱۷۵۱ م)
ویلیام پنجم. (۱۷۹۵ م)
لویی **بناپارت.** (۱۸۰۶ – ۱۸۱۰ م)
(الحاق به فرانسه ۱۸۱۰ – ۱۸۱۳ م)
ویلیام فردریك. (۱۸۱۳ – ۱۸۴۰ م)
ویلیام دوم. (۱۸۴۹ م)
ویلیام سوم. (۱۸۹۰ م)
ویلهلمینا. (۱۹۴۸ م)
ژولیانا. (از ۱۹۴۸ م)

هند Inde

هند یکی از کشورهای پهناور و پرجمعیت جهان و دارای سابقه‌های تاریخی است. در طول تاریخ این کشور، ادیان متعدد رواج یافته و نژادهای گوناگون به آن روی آورده و بزبانهای مختلف سخن گفته‌اند. سرزمین های آباد و زرخیز و منابع ارزندهٔ آن مطمح جهانگشایان بوده و اختلاف مذهب و زبان اغلب به پیروزی دشمنان



ذاکرحسین رییس جمهورهند

کمك کرده است و بهمین مناسبت مردم هند روزگاری دراز از استقلال و آزادی محروم بوده است.

امروزه با کشف آثار باستانی هند مسلم شده است که در حدود **۵** هزار سال پیش در این سرزمین تمدن درخشانی بوده که مایهٔ اعجاب و حیرت جامعه شناسان است.

مردم آریایی هند در سالهای **۲۴۰۰** و **۱۵۰۰** پیش از میلاد از جانب شمال غربی وارد این کشور شدند و به ایجاد تمدن پرداختند و برای اولین بار، این قوم در کنار رود گنگ آبادیهایی پدید آوردند و از طرف دیگر به پیشروی به طرف جنوب پرداختند.

نخستین پادشاهی که از ایران به هند لشکر کشید، **داریوش بزرگ** بود (**۵۱۲** قم) که به این کشور تاخت و حوزهٔ رود سندرا ضمیمهٔ متصرفات خود کرد.

درسال (**۳۲۷** قم) اسکندرمقدونی به هند حمله برد و قسمتی از این کشوررا گرفت.

در هزارهٔ اول قبل ازمیلاد درهند **بودا** ظهور کرد که انسان را به رفتار خردمندانه **و مهر**بانی و نیکوکاری و پاك دامنی می‌خواند و دستورات اخلاقی او هنوزهم درس زندگی و راستی ورستکاری است.

درسال **۳۲۱** قبل ازمیلاد در **تاکسیلا و تالیپوترا** سلسلهٔ **موریا** است که سلطنت نیرومندی را بنیان نهاده است. سومین عضو این خاندان (آشوکا) درسال **۲۶۸** قم به سلطنت رسید و تصرفات خود را تا استانهای جنوبی توسعه داد و مذهب بودا را درسراسر متصرفاتش منتشر ساخت بعد از انقراض این سلسله، **سکاها** سپس **کوشانها** به هند آمدند ودولتهایی تشکیل دادند.

درجنوب هند، دولتی مقتدر بنام **آندهرا** تأسیس شد که بر بسیاری از مناطق آسیایی دست یافت.

درسال **۳۰۸** میلادی سلسلهٔ **گوپتاها** درشمال هند تأسیس شد.

مشهورترین افراد این خاندان **چندرا-گوپتای اول** بود ودر دوران حکومت **اسکندا گوپتا** بود که **هونها** به این سرزمین تاختند وبالاخره پس ازقریب **۵۰** سال دوباره سلسله‌هایی کوچك و بزرگ تشکیل شد وهونها راازهند راندند.

درسال **۷۱۲** میلادی (**۹۴** هجری قمری) سردار عرب **محمدبن‌قاسم** نواحی اطراف سندرا فتح کرد ودین اسلام رادر این نواحی رواج داد.

درزمان سلطان محمود غزنوی نیز قسمت بزرگی ازشمال غربی هند به تصرف پادشاه درآمد ودین اسلام بربیشتر نواحی جایگزین ادیان دیگر شد.

امپراتوران **راجاراجا وراجندرا** درجنوب هند دولتی پدید آوردند که تا قرن نهم اقتدار داشتند. نخستین دولت اسلامی هند توسط **شهاب‌الدین محمدغوری** درسال **۱۱۹۲** میلادی تشکیل شد و سلسلهٔ **ممالیك هندی** توسط **قطب‌الدین ایبك** غلام شهاب‌الدین در ناحیهٔ بنگاله تشکیل شد ازسال **۱۴۹۸** میلادی پرتغالیان به این کشور راه یافتند ودرحدود **۱۵** سال قسمتی ازتجارت هندرا دردست داشتند. درسال **۱۵۲۰ بابر** یکی از بازماندگان **تیمور** سلسلهٔ گورکانیان هندرا پی افکند (دورهٔ صفویه). در زمان جانشینان او مانند: **اکبرشاه، اورنگ‌زیب** این دولت به کمال قدرت رسید وسراسر هندرا به تصرف در آورد وآثار تاریخی بسیار مانند، **تاج‌محل** (یکی ازبهترین آثار معماری اسلامی) را ازخود بیادگار گذاشت.

درسال **۱۶۰۸** انگلیسیها نخستین مؤسسهٔ تجاری خود را در بندرسورت تأسیس کردند و به توسعهٔ نفوذ خود در هندوستان پرداختند و اندکی بعد فرانسویان نیز مراکز بازرگانی چند دراین کشور بوجود آوردند.

درسال **۱۷۳۸** میلادی نادرشاه و در سالهای (**۱۷۴۸ – ۱۷۷۱**) احمدخان دوانی سلسلهٔ گورکانیان را فقیر و تهیدست کردند و از هر طرف شورش برخاست و جنگهای داخلی شروع شد و کمپانیهای خارجی با اجیر کردن سربازنواحی مختلف هند را متصرف شدند تا بالاخره در سال **۱۷۶۳** سراسر هندوستان تحت نفوذ **کمپانی هند شرقی انگلیس** درآمد.

درسال **۱۸۵۷** میلادی سپاهیان هندی شرکت، سر به شورش برداشتند و گروهی از اروپاییان را کشتند ولی این قیام بوسیلهٔ گروهی ازامیران دست نشاندهٔ انگلیس فرو نشست سپس به کشتار هولناکی دست زدند که در تاریخ کمتر نظیر دارد وهندراجزء مستعمرات انگلیس در آوردند وملکهٔ **ویکتوریا** بنام امپراتوریس هند تاجگذاری کرد.



آرم کشورهند

بعدازجنگ **جهانی اول** چون دولت انگلیس ازسربازان هند استفاده کرده بود، ملیون هند دربرابر خدماتی که برای تأمین پیروزی انگلستان انجام داده بودند،

تقاضای استقلال داخلی کردند .
دولت انگلیس ناچارشد درسال ۱۹۱۹ برخی امتیازات برای هندیان قایل شود .
از سال ۱۸۸۰ میلادی که طبقهٔ روشنفکر هند کنگرهٔ ملی هندوستان را بوجود آورده بودند ولی تاسال ۱۹۱۹ هدف این کنگره جلب توجه بیشتر دولت انگلیس به‌هند بود، باروی کار آمدن **مهاتما گاندی** و انتخاب او به‌رهبری حزب کنگره، مخالفت با تسلط انگلیس بر هند آغاز شد، راه این مبارزه درتاریخ سابقه نداشت زیرا با ایجاد اعتصاب و تحریم کالاهای انگلیسی اقتصاد کشور بریتانیای کبیر رافلج کرد .
دولت انگلستان با اینکه چندین بار گاندی و زعمای هندرا زندانی کرد و کنفرانسهای متعدد در **لندن** و هند برای مذاکره باملیون تشکیل داد و با اینکه هیئتهایی چند، برای مطالعه دربارهٔ اوضاع سیاسی، به‌این کشور فرستاد، ازاقدامات خود نتیجه نگرفت و ناگزیر درسال ۱۹۳۵ میلادی قانونی از پارلمان انگلستان گذشت که یك نوع حکومت متحد با اختیارات محدود برای برخی ازاستانهای هندقایل شد ولی ملیون هندی دست ازمبارزه نکشیدند تا اینکه درسال ۱۹۴۲ میلادی هنگامی که قشون ژاپن مرزهای شرقی هند را تهدید می کرد کابینهٔ جنگی انگلیس هیئتی را به‌ریاست **سراستافرد کریپس** به هندفرستاد تا باسران ملیون هند قرارداد سیاسی منعقد نماید اما اقدامات این هیئت نیز به نتیجه نرسید و کنگرهٔ ملیون هند اعلام داشت که دولت انگلیس باید هندوستان راتخلیه کند چون دراین ایام بیم شورش شدیدی دراین کشور می‌رفت ، حکومت هند سران حزب کنگره ازجمله گاندی جواهر لعل نهرو و مولانا ابوالکلام آزاد رابه‌زندان انداخت، درسال ۱۹۴۴ حکومت هند سران ملیون را آزاد کرد و سرانجام دولت کارگری انگلستان، که درپایان جنگ درانگلستان زمامدار بود با اعزام هیئتی به‌هندوستان ومذاکره با ملیون هندو پیشوایان **حزب اتحاد مسلمین** (مسلم لیك) با آنکه زعمای هند با تقسیم آن سرزمین مخالف بودند ، به سبب پافشاری **قائداعظم محمدعلی جناح** رهبر حزب مسلم لیك ناگزیر با تقسیم هندوستان به‌دو کشور پاکستان وهند موافقت کرد و در ماه فوریهٔ ۱۹۴۷ مسئولیت ادارهٔ هندرا به‌دو دولت مزبور انتقال داد، ومقرر شد که از سرزمین هندوستان مناطقی که اکثر آن مسلمانند ضمیمهٔ کشور پاکستان و قسمتهایی که اکثر اهالی آن هندو هستند جزء کشور هند گردد .
امادولت هند برخلاف این قرارداد ناحیهٔ **کشمیر وجامو** راکه درشمال غربی هندوستان واقع است و۸۵ درصد مردم آنها مسلمانند تصرف کرد، واین موضوع مایهٔ اختلاف بین‌دودولت گردید وبیم آن بود که‌زدوخوردهای اهالی ، آتش جنگ رامیان دوکشور مشتعل‌سازد. ولی شورای امنیت برای‌حل‌اختلاف درآوریل ۱۹۴۸ قراری صادر کرد که تمایلات مردم کشمیر دراین موردمنظور گردد، پاکستان برای رفع اختلاف مراجعه به آرای عمومی را پیشنهاد کرد ولی‌دولت هند که‌اجرای‌این پیشنهاد رابه‌ضرر خود می‌دانست پیوسته موضوع رابه‌طفره می گذرانید ، سرانجام در ماه مارس ۱۹۵۷ نیز الحاق رسمی کشمیر را به خاك خویش اعلام داشت و موضوع اختلاف دودولت برسراین ناحیه مجدداً به‌سازمان ملل‌مراجعه شدکه‌هنوز هم تصمیمی دربارهٔ آن گرفته نشده‌است .
امروزه‌هندبا مشکل‌غذامواجه است با وجودی‌که از امریکا وشوروی گندم می‌گیرد باز ملت آن سخت در دشواری بسر میبرند .

گورکانیان هند .
(۹۳۲ـ۱۲۷۵ هـ ق)

این سلسله بدست‌ظهیرالدین‌بابر از اخلاف امیر تیمور گورکان تشکیل شد ، بابرکه درفرغانه بدنیا آمده وایام سختی راگذرانیده بوددرسال ۹۳۲ برلاهور و دهلی‌دست‌یافت وسپس تقریباًسراسر شمال هندوستان راضمیمهٔ قلمرو خودساخت و فتوحات وی ازطرف پسرونوه‌اش دنبال شد ، مدت سلطنت سلاطین گورکانی هند بدینقرار است :

۱ـ **بابرشاه.** (جلوس ۹۳۲ هق).
۲ـ **همایون شاه.** (جلوس ۹۳۷ هق).
(به‌ایران‌پناهنده‌شد وشاه طهماسب اورا کمك کرد تاباردیگر سلطنت‌خودرا بدست آورد).
۳ـ **اکبرشاه.** (جلوس ۹۶۳ هق)
۴ـ **جهانگیر.** (جلوس ۱۰۱۴ هق)
۵ـ **شاه‌جهان.** (جلوس ۱۰۳۷ هق)
۶ـ **اورنگ‌زیب.** (جلوس ۱۰۶۹ هق)
۷ـ **بهادرشاه.** (جلوس ۱۱۱۹ هق)
۸ـ **جهاندار .** (جلوس ۱۱۲۴ هـ ق)
۹ـ **فرخ سیر.** (جلوس ۱۱۲۴ هق)
۱۰ـ **شمس‌الدین.** (جلوس ۱۱۲۱ هق)
۱۱ـ **شاه‌جهان‌ثانی.** (جلوس ۱۱۳۱ هق)
۱۲ـ **محمدشاه‌**اول. (جلوس ۱۱۳۱ هق)
ازنادر شکست خورد امانادرسلطنت هند راباو بازداد).
۱۳ـ **احمدشاه.** (جلوس ۱۱۶۱ هق)
۱۴ـ **عالم‌گیرثانی.** (جلوس ۱۱۶۷ هق)
۱۵ـ **شاه‌عالم.** (جلوس ۱۱۷۳ هق)
۱۶ـ **محمداکبرشاه‌ثانی** (جلوس ۱۲۲۱ هق)
۱۷ـ **بهادرشاه‌ثانی.** (جلوس ۱۲۵۳ هق)
این سلسله در سال ۱۲۷۵ بدست ارتش انگلیس منقرض شد .

ممالیك هند .
(۶۰۲ـ۹۶۲ هـ ق)

قطب‌الدین **آیبك** ازسرداران‌سلطان **محمد غوری** بودکه‌ازطرف وی حکومت دهلی راداشت.درسال ۶۰۲ پس ازکشته شدن سلطان، دعوی‌سلطنت کردولی‌عمرش وفانکرد وپس‌از پنجسال سلطنت درسال ۶۰۷ درگذشت و پسرش **آرامشاه** بجای وی‌نشست‌ولی‌بدست **شمس‌الدین‌محمد التتمش** ازغلامان قطب‌الدین خلع شد (۶۰۷) التتمش قلمرو خود را وسعت بخشید وحکومتی بنیاد نهادکه سیصدو پنجاه‌سال دوام داشت. نام این‌سلاطین و تاریخ جلوس آنها بشرح زیراست :

۱ـ قطب‌الدین **آیبك.** (۶۰۲ هق)
۲ـ **آرامشاه.** (۶۰۷ هق)
۳ـ **التتمش.** (۶۰۷ هق)
۴ـ **فیروزشاه** رکن‌الدین . (۶۳۳ هق)
۵ـ **رضیه** دختر التتمش. (۶۳۴ هق)
۶ـ **بهرام شاه.** معزالدین. (۶۳۷ هق)
۷ـ **مسعودشاه** علاء الدین. (۶۳۹ هق)
۸ـ **محمودشاه‌**اول‌ناصرالدین. (۶۴۴ هق)
۹ـ **بلبن** غیاث‌الدین. (۶۶۴ هق)
۱۰ـ **کیقباد**معزالدین . (۶۸۶ هق)

امرای خلجی.

۱۱ـ **فیروزشاه‌ثانی**، جلال‌الدین. (۶۸۹ هق)
۱۲ـ **ابراهیم‌شاه‌**اول، رکن‌الدین. (۶۹۵ هق)
۱۳ـ **محمدشاه**اول‌علاءالدین. (۶۹۵ هق)
۱۴ـ **عمرشاه**، شهاب‌الدین.
۱۵ـ **مبارکشاه** اول قطب‌الدین (۷۲۶ هـ ق)
۱۶ـ **خسروشاه**، ناصرالدین. (۷۲۰ هق)

امرای تغلقیه

۱۷ـ **تغلق شاه** اول ، غیاث‌الدین . (۷۲۰ هـ ق)
۱۸ـ **محمدثانی.** (۷۲۵ هق)
۱۹ـ **فیروزسوم.** (۷۵۲ هق)

۲۰ـ **تغلق ثانی.** (۷۹۱ هق).
۲۱ـ **ابوبکر.**
۲۲ـ **محمدشاه سوم.** (۷۹۲ هق).
۲۳ـ **اسکندر اول.** (۷۹۵هق).
۲۴ـ **محمودشاه ثانی.** (۷۹۵ هق).
۲۵ـ **نصرت شاه.** (۷۹۷ هق).
۲۶ـ **محمودشاه** (دوباره). (۸۰۲ هق).
۲۷ـ **دولت خان.** (۸۱۵ هق).
۲۸ـ **خضرخان.** (۸۱۷ هق).
۲۹ـ **مبارکشاه ثانی** معزالدین (۸۲۴هق).
۳۰ـ **محمدشاه چهارم.** (۸۳۷ هق).
۳۱ـ **عالمشاه.** (۸۴۷ هق).

لودیان

۳۲ـ **بهلول.** (۸۵۵ هق).
۳۳ـ **اسکندر ثانی.** (۸۹۴ هق).
۳۴ـ **ابراهیم ثانی.** (۹۲۳ هق).

افاغنه

۳۵ـ **شیرشاه.** (۹۴۶ هق).
۳۶ـ **اسلامشاه.** (۹۵۲ هق).
۳۷ـ **محمد پنجم، عادلشاه.** (۹۶۰ هق).
۳۸ـ **ابراهیم سوم.** (۹۶۱ هق).
۳۹ـ **اسکندر سوم.** (۹۶۲ هق).

این سلسله به‌دست امراء گورکانی هندازمیان‌رفت، اسامی‌وسنوات درتواریخ مغشوش وقابل تأمل است.

(این فهرست ازطبقات سلاطین اسلام نقل شده است).

سلاطین بهمنی. (۷۴۸ـ۹۳۳هق).

مؤسس‌این سلسله علاءالدین حسن **گانگر** ازافغانان مقیم‌هند بود که‌برمحمد ابن **تغلق** شورید وسلسلهٔ سلاطین بهمنی‌را دردکن بنیادنهاد. قلمروسلاطین بهمنی بتدریج گسترده شدچندانکه ازادارهٔ آن عاجز ماندند ودر نتیجه حکام محلی سر برافراشته وآنرا به‌امیرنشین‌های‌مستقل تجزیه کردند. درمدت‌قریب به‌دویست‌سال ۱۸ تن از این‌سلسله بسلطنت رسیدند.

امرای‌این‌سلسله‌عبارتنداز:

۱ ـ علاء الدین‌حسن **بهمن‌شاه‌اول.** (۷۵۹ـ۷۶۸هق).
۲ ـ **محمدشاه‌اول.** (۷۵۹ـ۷۷۶هق).
۳ـ **علاالدین‌مجاهد.** (۷۷۶ـ۷۷۹هق).
۴ـ **داوداول:** (۷۷۹ـ۷۸۰هق).
۵ـ **محمد شاه دوم.** (۷۸۰ـ۷۹۹هق).
۶ ـ غیاث‌الدین **تهمتن** (۷۷۹هق).
۷ـ شمس‌الدین **داوددوم.** (۷۹۹ـ۸۰۰ هق).

۸ ـ تاج‌الدین **فیروز** (۸۰۰ـ۸۲۵هق).
۹ ـ شهاب‌الدین، **احمد اول.** (۸۲۵ـ۸۳۹هق).
۱۰ ـ علاالدین، **احمد دوم.** (۸۳۹ـ۸۶۲هق).
۱۱ ـ علاالدین **همایون** (۸۶۲ـ۸۶۵هق).
۱۲ ـ نظام الدین، **احمد سوم.** (۸۶۵ـ۸۶۷ هق).
۱۳ ـ شمس‌الدین، **محمدشاه سوم.** (۸۶۷ـ۸۸۷هق).
۱۴ ـ شهاب‌الدین، **محمودشاه.** (۸۸۷ـ۹۲۴هق).
۱۵ ـ **احمدچهارم،** (۹۲۴ـ۹۲۷هق).
۱۶ ـ **علاءالدین.** (۹۲۷ ـ۹۲۹هق).
۱۷ ـ **ولی‌الله.** (۹۲۹ ـ ۹۳۲هق).
۱۸ ـ **حکیم‌الله** (۹۳۲هق).

عمادشاهیان (۸۹۰ ـ ۹۸۰هق)

سلسله ای ازامرای محلی هند را گویند. پنج‌تن ازایشان‌حکومت‌کردند.

عادلشاهیان (۸۹۵ـ۱۰۹۷هق)

هشت تن‌ازامراء بیجاپور ازنواحی هند بوده‌اندکه سرانجام دولتشان بدست **گورکانیان‌هند** منقرض شد.

سلاطین گجرات.

(۷۹۹ ـ ۹۸۰هق)

این سلسله بدست **ظفرخان** تأسیس شد وپسرش **احمد شاه** شهراحمدآباد را ساخت وپایتخت قرارداد وقلمروخودرا پهناور ساخت سیزده تن از این سلسله سلطنت‌کردند وسرانجام دولتشان‌به‌دست گورکانیان انقراض یافت.

سلاطین بنگاله

(۵۹۹ـ۹۸۴هق)

مؤسس‌این‌سلسله **محمدبختیار** خلجی فاتح بنگاله‌است درمدت قریب‌صدوچهل سال تحت تابعیت سلاطین دهلی بودند ولی درسال ۷۳۹ و۷۴۰ دوتن ازاینان در بنگالهٔ شرقی وغربی مستقل‌شدنداین سلسله سرانجام بدست **اکبرشاه** گورکانی منقرض شد.

نظامشاهیان

(۸۹۶ـ۱۰۰۴هق)

به‌دست‌احمدبن‌نظامشاه‌دراحمدنگر تأسیس شد و یازده تن از این سلسله حکومت‌کردند. گورکانیان‌هند این‌سلسله را برانداختند.

سلاطین‌خاندیش

(۸۰۱ـ۱۰۰۸هق)

ده تن‌از فرمانروایان خاندیش از نواحی هندوستان راگویندکه نخستین حکمرانان‌مسلمان‌این‌ناحیه‌اند. نخستین حکمران خاندیش **ناصرخان** بود که قلمرو خودرا از دست سلاطین دهلی‌بدر آورد**وبرهانپور** راپایتخت‌خودگردانید این سلسله بدست‌گورکانان هندبرافتاد.

قطب‌شاهیان.

(۹۱۸ـ۱۰۹۸هق)

هفت‌تن‌ازامراءناحیه‌ای ازهندوستان بنام‌گلکنده‌بوده‌اند،این حکومت بدست **گورکانیان‌هند** منقرض شد.

هندوراس Honduras.



آرم کشور هندوراس

هندوراس‌درسپتامبر۱۸۱۵ ازاسپانیا جداشدوجزوفدراسیون‌آمریکای‌مرکزی درآمد؛ ودر ۱۸۳۸ مستقل‌گردید. از ۱۹۵۵ زنان درهندوراس حق‌شرکت‌در انتخابات را به‌دست‌آوردند.

مذهب آنها‌کاتولیک‌وزبانشان‌اسپانیولی است.

یمن. Yemen

یمن‌که به‌عربستان سعید معروفست وازسه هزار سال‌پیش‌دارای‌شهر،دولت، فرهنگ‌وکتابت‌بوده‌است. مذهب‌یهودتوسط بازرگانان‌یهودبدانجا راه‌یافت‌ومسیحیت رانیزفاتحان حبشی‌به‌یمن‌بردند(۵۲۵م) و ایرانیان در سال ۷۵۰ بر یمن دست یافتند. اسلام‌نیزدرزمان‌حضرت**محمد**(ص) در یمن منتشر شد. از آغاز قرن سوم سلسله‌های‌سلطنتی‌مستقل‌دریمن‌پدیدآمد.

بنی زیاد	(۲۰۴ ـ ۴۰۹م)
بنی‌یعفور	(۲۴۷ـ۳۴۵م)
بنی‌نجاح	(۴۱۲ـ۵۵۳م)
بنی‌صلیح	(۴۲۹ـ۴۹۵م)
بنی‌حمدان	(۴۹۲ـ۵۶۹م)
بنوالمهدی	(۵۵۴ـ۵۶۹م)
بنی‌زریع	(۴۷۹ ـ۵۶۹م)
ایوبیان	(۵۶۹ ـ۶۲۵م)
رسولیان	(۶۲۶ـ۸۵۸م)
بنی‌طاهر	(۸۵۰ ـ۹۲۳)
ایمه‌رسی	(۲۸۰ـ۷۰۰م)
ایمه‌صنعا	(۱۰۰۰ معاصرم)

درنقاط مختلف یمن‌حکومت کرده‌اند. ولی یمن به‌علت وجود قبایل کوهستانی غیر متمرکز ونیز خوی سوداگری‌مردم شهری تقریباً هرگز بعنوان یك واحد

مستقل سیاسی وجود نداشته است. ترکها از قرن شانزدهم میلادی به‌دست‌اندازی به‌یمن پرداختند و تا پایان جنگ اول جهانی حکمرانان یمن نوعی اطاعت ظاهری از سلطان عثمانی داشتند. کوشش ابن‌سعود برای تصرف یمن (۱۹۳۴م) بی‌نتیجه ماند. پس از جنگ دوم یمن به عضویت سازمان ملل درآمد. درسال ۱۹۶۱ انقلابی در یمن صورت گرفت و جمهوری اعلام گردید. لیکن جمعی از رؤسای قبایل و اشراف به هواداری از امام یمن به جنگ برضد انقلابیون ادامه دادند. دخالت مصر به هواداری جمهوری و عربستان سعودی و انگلستان به‌هواداری امام موجب جنگهای داخلی خونینی شد که هنوزهم ادامه دارد.



مارشال تیتو

فرمانروایان یمن

یمن هرگز برای مدت طولانی ازدولت واحد ومقتدر برخوردار نبوده است. ازسال ۲۸۱م تاکنون سلسله‌های گوناگون درسراسر این خطه حکمرانی کرده‌اند ازآنجمله:

۱ ــ **بنی‌زیاد**؛ مؤسس محمدبن‌عبدالله‌بن‌زیاد ازسال ۲۰۴ـ۴۰۹هق «در **زبید**.
۲ــ **بنی‌یعفور**؛ مؤسس یعفور بن عبدالرحمن ازسال ۲۴۷ـ۳۴۵ «در **صنعا**.
۳ ــ **بنی‌نجاح**؛ مؤسس نجاح حبشی‌صاحب بی‌زیاد ازسال ۴۱۲ـ۵۱۳ «در **زبید**.
۴ــ **بنی‌صلیح**؛ مؤسس علی‌بن محمد ازسال ۴۲۹ـ۴۹۵ «در **صنعا**.
۵ــ **بنی‌حمدان**؛ مؤسس حاتم بن‌العشیم ازسال ۴۹۲ـ۵۶۹ «در **صنعا**.
۶ــ **بنی‌مهدی**؛ مؤسس علی‌بن‌مهدی ازسال ۵۵۴ـ۵۶۹ «در **زبید**.
۷ ــ **بنی‌زریع**؛ مؤسس عباس ازسال ۴۷۹ـ۵۶۹ «در **عدن**.
۸ ــ **ایوبیان**؛ مؤسس تورانشاه‌بن‌ایوب ازسال ۵۶۹ـ۶۲۵ «در **یمن**.
۹ ــ **رسولیان**: مؤسس عمربن‌علی ازسال ۶۲۶ـ۸۵۸ «در **یمن**.
۱۰ ــ **بنی‌طاهر**؛ مؤسس ظافربن طاهر ازسال ۸۵۰ـ۹۲۳ «در **یمن**.
۱۱ ــ **ائمه‌دوستی**؛ مؤسس یحیی‌انهادی ازسال ۲۸۰ـ۷۰۰ «در **سعدا**.
۱۲ ــ **ائمه‌صنعا**؛ مؤسس ابوالقاسم که برضد فرمانروایان عثمانی قیام کرد. آنان را از یمن اخراج نمود وصنعا را پایتخت قرار داد، جمهوریخواهان بربازماندگان امام شوریدند و تاکنون قدرت را دردست دارند ولی با این همه هنوز به‌ازمیان برداشتن سلطنت طلبان وسلطان **محمدالبدر** که درنقاط کوهستانی یمن بجنگهای خونینی مشغولند موفق نشده‌اند.

آرم کشور
یوگوسلاوی

یوگسلاوی Yugoslavie

صربستان که ازسال ۱۳۸۹ پرنس‌نشین ترکیه بود درسال ۱۸۷۸ پس از عهدنامهٔ برلن استقلال یافت و بعداً در جنگهای **بالکان** مناطق‌جدیدی ضمیمهٔ آن گشت. درسال ۱۹۱۴ ولیعهداتریش‌وزنش در **سراجو** به‌قتل رسیدند ودولت اتریش این واقعه‌را بهانه قرارداده به‌صربستان حمله کرد و به‌این ترتیب جنگ جهانی اول آغازشد پس‌ازتجزیهٔ حکومت اتریش وهنگری حکومت پادشاهی صربستان به اتفاق چند سرزمین دیگر تشکیل یک حکومت‌جداگانه‌دادند و **پطراول** پادشاه صربستان در رأس حکومت جدید قرار گرفت، این دولت جدید بعداً یوگسلاوی نامیده‌شد. دردورهٔ‌جنگ جهانی‌دوم آلمان هیتلری یوگسلاوی‌را اشغال نمود و **پطردوم** پادشاه آن کشور به‌لندن گریخت. نهضت آزادی ملی به‌رهبری **ژوزف بروز** معروف به‌مارشال **تیتو** باجنگهای‌چریکی (۱۹۴۵ــ۱۹۴۱) نیروی‌اشغالی آلمان‌را شکست داد. درسال ۱۹۴۵ مجلس مؤسسان در یوگسلاوی اعلام جمهوری نمود ودر سال ۱۹۴۶ به‌صورت جمهوری فدرال درآمد ومارشال تیتو رییس جمهور گردید. طبق قراردادی چندقطعهٔ زمین وچندجزیره‌از ایتالیا منتزع و به‌یوگسلاوی ملحق گردید، دعاوی یوگسلاوی نسبت به‌بندر **تریست** در سال ۱۹۵۴ منجر به‌عقد قراردادی بین ایتالیا ویوگسلاوی گردید که به‌موجب آن قسمت جنوبی تریست به‌یوگسلاوی واگذار شد. مارشال‌تیتو درمقابل‌سیاست **استالین** در مورد مداخله درامور کشورهای کمونیستی‌مقاومت ورزید ودرسال ۱۹۴۸ کمینفرم (دفتراطلاعات احزاب کمونیست اروپا) تیتو و حزب او را از جرگهٔ خود بیرون‌راندومردم یوگسلاوی را به‌تشکیل یك حزب کمونیستی‌دعوت کرد. پس‌ازاین واقعه یوگسلاوی کمك‌نظامی و اقتصادی آمریکا راپذیرفت واز بانك‌بین‌المللی قرضه دریافت داشت. در سال ۱۹۵۵ **بولگانین** نخست وزیرشوروی‌و **خروشچف** دبیر حزب کمونیست به یوگسلاوی سفر نمودند و قراردادی دربارهٔ همکاری‌و دوستی بایوگسلاوی‌به‌امضاء رساندند در چند ملاقات بعدی ظاهراً توافق بیشتری به‌عمل‌آمد و قراردادهای دیگری برای همکاری دودولت واحزاب آنها گذارده شد، ولی‌پس‌ازاتفاقات‌لهستان ومجارستان روابط دو کشور مجدداً برهم خورد و اتهامات سابق دربارهٔ یوگسلاوی تجدید گردید.

یوگسلاوی به‌وسیله رییس جمهورو شورای اجرایی‌فدرال‌که‌از ۳۰تا ۴۰عضو پارلمان تشکیل‌شده‌اداره‌میشود. پارلمان دارای دومجلس است. مجلس فدرال‌که از نمایندگان جمهوریها تشکیل شده و مجلس تولیدکنندگان یازحمتکشان که‌از نمایندگان سازمان‌های مختلف کارگری واقتصادی به‌وجود آمده است. هریك از جمهوری‌ها نیز برای ادارهٔ امور داخلی دارای‌همین‌تشکیلات‌است. درقانون‌اساسی به زنان آزادی و حق انتخاب شدن و انتخاب‌کردن داده شدکلیسااز حکومت مجزاگشته‌است، توسعهٔ مزارع اشتراکی باعث تنزل شدید سطح تولید کشاورزی گردید ودرنتیجه دولت تشکیل مزارع اشتراکی رافقط براصول داوطلبی اعلام نمود. حداکثرزمینی که هر دهقان برای کشت وزرع خصوصی می‌تواند دراختیار داشته باشد ده‌هکتاراست، صنایع سنگین یوگسلاوی دردست دولت است.

زمامداران یوگسلاوی

الف ــ صربستان:

کاراگئورگ (۱۸۱۴ــ۱۸۱۳ م)
میلوس (۱۸۱۵ــ۱۸۳۹ م)
میلان (۱۸۳۹ م)
میخائل (۱۸۴۲ م)
الکساندر (۱۸۵۸ م)
میلوس (۱۸۶۰ م)
میخائل (دوباره) (۱۸۶۸ م)
میلان اول (۱۸۸۹ م)
الکساندر اول (۱۹۰۳ م)
پطر اول (۱۹۱۹ م)

ب ــ مونته نگرو

پطراول (۱۷۸۲ــ۱۸۳۰ م)
پطر دوم (۱۸۳۰ــ۱۸۵۱ م)
نیکولای اول (۱۹۱۸ م)

الحاق صربستان و مونته نگرو و

تشکیل دولت یوگسلاوی.

یوگوسلاوی:

پطر اول (۱۹۱۹–۱۹۲۱ م)
الکساندر اول (۱۹۳۴ م)
پطر دوم. (۱۹۴۵ م)

جمهوری:

ایوان‌ریبار. (از ۱۹۴۵ م)
مارشال‌تیتو. (از ۱۹۴۷ م)

یونان Grec

یونان یکی از کشور های باستانی جهان میباشد.

درقرن پنجم‌پیش‌ازمیلادمسیح‌یونان قویترین‌کشوردنیا بود. درسال ۴۶ پیش‌از میلاد تحت ادارهٔ امپراتوری روم قرار گرفت‌ودر ۱۴۵۳ میلادی‌جزو امپراتوری عثمانی در آمد. در ۱۸۳۰ استقلال این کشور به‌وسیله دولتهای فرانسه،انگلیس وروس تضمین گردید. در ۱۹۲۵ کشور یونان‌جمهوری شد و در ۱۹۳۵ رژیم سلطنتی دوباره درآنجا مستقر گردید. بعد از جنگ جهانی دوم و بیرون رفتن مهاجمین آلمانی ، بلغاری و ایتالیایی کمونیستهای یونان برای بدست آوردن قدرت کوشش بسیار کردند ولی پس از بیرون رفتن یوگسلاوی‌از جرگه‌کشور- های کمونیست ، جنگجویان‌کمونیست یونان نیز شکست خورده وعقب نشینی کردند.زنان یونان‌در ۱۹۵۲ م‌حق‌شرکت درانتخابات رابه دست آوردند .

مجلس‌نمایندگان‌یونان دارای ۳۰۰ عضو است .

حکومت‌های یونان

اوتای‌اول (۱۸۳۲ – ۱۸۶۲م)
گئورگ‌اول (۱۸۶۳–۱۹۱۳م)
کنستانتین اول (۱۹۱۷م)
الکساندر اول (۱۹۲۰م)
کنستانتین دوم (۱۹۲۲م)
گئورگ دوم (۱۹۲۳م)
آدمیرال پل‌کندریوته (نایب‌السلطنه) (۱۹۲۴م)

جمهوری

آدمیرال‌پل‌کندریوته (رییس‌جمهور). (۱۹۲۴ – ۱۹۲۹م)
الکساندر زایمیس (۱۹۲۹ –۱۹۳۵م)

بازگشت سلطنت

گئورگ دوم (۱۹۳۵ – ۱۹۴۷م)
پل‌اول (۱۹۴۷ – ۱۹۶۴ م)
کنستانتین سیزدهم (۱۹۶۴ م)

جنگهای معروف تاریخ ایران

«به‌ترتیب قدمت»

جنگ با آشور با نیپال .

درسال ۶۵۵ قم در جنگی‌که بین دولت ماد ودولت‌آشور روی داد ، سپاه **فره‌ورتیش** شکست خورد و خودش‌کشته شد .

جنگ با آشوریها .

هوخشتره درقرن ۶ قبل‌ازمیلاد به آشور تاخت ومدتی شهر **نینوا** پایتخت آشوریهارادر محاصره گرفت‌ولی‌بی‌نتیجه برگشت .

جنگ اورمیه .

هوخشتره درسال ۶۲۳ قم‌دراطراف دریاچهٔ رضاییه با**سکاها** مصاف داد واز آنهاشکست خورد .

فتح نینوا .

درسال ۶۱۲ هوخشتره **و نبوپلصر** (حاکم بابل) **نینوا**را محاصره‌کردند و پس‌از مدتـی ، پادشاه آشور ، خـود و خانواده‌اش را در آتش سوزانید و شهر تسلیم شد .

جنگ ماد ولیدی.

درقرن ۷ قم هوخشتره پادشاه‌مقتدر ماد جهت دست‌یافتن به‌خزاین **لیدی** که‌از ثروتمند ترین ملل دنیای قدیم محسوب میشد، پی بهانه میگشت تا اینکه یك جوان مادی‌توسط **سکاها** درایران به‌قتل رسید وقاتلین به‌لیدی متواری شدند .

واین بهانه به‌دست پادشاه مادافتاد وچون **آلیاتس** پادشاه لیـدی به تسلیم متواریان تن‌درنداد هوخشتره به‌سرزمین ایشان تاخت وجنگی‌راآغاز کرد که هفت سال‌به طول انجامید لیکن درهفتمین‌سال نبرد، به علت گرفتگی خورشید،طرفین‌که آن‌را خشم خدایان تلقی نموده بودند ، دست از جنگ‌کشیدند و صلح میان ماد ولیدی‌برقرار شد .

نبرد تمبره .

درآغاز حکومت‌کوروش به سـال ۵۴۶ قم در زمان حکومت**کرزوس** در لیدی، لشکریان هخامنشی ، به جنگ‌با کرزوس‌رفتند ،باوجودی‌که ،**پادشاه‌لیدی** قبلا مساعدت**نبونید**پادشاه بابل‌و**آمازیس** فرعون مصر را جلب‌کرده بود، کوروش به‌کمك سربازان‌وافسران ازجان‌گذشته‌اش پس ازشکست سپاهیان**کرزوس**،**سارد**را گشودولی باکرزوس به‌لطف‌رفتار کرد .

فتح بابل.

کوروش درسال ۵۳۹ پیش‌ازمیلاد، از رود دجله‌گذشت ، وارد بین‌النهرین شد وبخت‌النصر در دورهٔ حکومت خود در شمال وجنوب بابل دو سد تعبیه‌کرده بودکه هنگام خطر بابل‌را بادو دریاچه محصورمی‌کرد، ولی‌کوروش مسیررود- خانه‌را عوض‌کرد از مجرای‌رود به‌داخل سد واردشد وسپاه **نبونید** حاکم بابل‌را درهم‌شکست ووارد شهر بابل‌شد،سپاهیان پارس‌به فرمان‌کوروش دربابل از قتل و غارت خود داری‌کردند ومعابدرامحترم داشتند ، برای حفظ‌آرامش‌کوروش امر کرد تا یکی ازسرداران ایرانی درشهر حکومت‌کند وبه عدل‌وداد فرمان دهد.

کوروش سپس اسیران یهودراآزاد کرد وترمیم تجدید بنای معبد اورشلیم را ازخزانهٔ پارس مقررفرمود وسرانجام پسرش‌کمبوجیه راپادشاه بابل‌کرد.

تسخیرمصر .

درسال ۵۲۶ پیش ازمیلاد کمبوجیه به‌راهنمایی یکی‌از فرماندهان فـراری **آمازیس** فرعون مصر،از راه شبه‌جزیرهٔ سینا به مصر رفت ودراین وقت**پسامتیك** فرعون مصر بود ودرجنگ‌شکست‌خورد، بعدازمدتی‌گریزومخفی‌شدن،اسیر گردید. کمبوجیه درآغازبا او به‌محبت‌رفتار کرد ولی پس‌ازچندی ازخیانت اوآگاه شد و به‌قتل اوفرمان داد.

جنگ‌باسکاها .

درسال ۵۱۵ قبل‌از میلاد، داریوش کبیر قوم سکاهارا ازمرزهای ایران‌عقب راند ومدتها از حملهٔ‌آنهاکشور ایـران آسوده شد .

فتح تراکیه ومقدونیه.

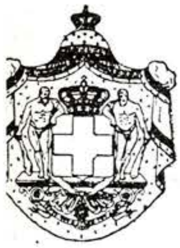
در ۵۱۲ قبل ازمیلاد ۸۰ هزارنفر ازسپاهیان ایران‌تحت فرماندهی**بغابیش** به‌امرداریوش‌کبیر تراکیه‌ومقدونیه‌رافتح کردند .

جنگ میله.

درسال ۵۰۰ پیش‌از میلادعده‌ای‌از مردم یونان به تحریك **آریستاگراس** حاکم‌میله شورش‌کردندوسپاهیان‌داریوش کبیر، این شورش رابا شکست سپاهیان متحد آنهادرنزدیکی‌میله‌درهم‌شکستند .

جنگ مردونیه.

در سال ۴۹۵ ق م.**مردونیه** داماد داریوش کبیر، به‌فرمان‌شاهنشاه‌باسپاهی عظیم مجدداً تراکیه ومقدونیه‌رامتصرف



آرم کشوریونان

شد .

جنگ ماراتن.

درسال ۴۹۰ پیش ازمیلاد ، ارتش ایران بفرمان داریوش کبیر به یونان حمله کرد. ارتش ایران مرکب از ۱۵ هزار نفر بفرماندهی **داتیس** و **اردوان** با ۶۰۰ کشتی دریونان (ساحل ماراتن) پیاده شد ارتش یونان مرکب از ۱۰ هزار نفر به فرماندهی **میلتیادس** به مدافعه پرداخت دراین نبرد فتح نصیب یونانیها شد ولی نتیجه قطعی نبودزیرا دولت ایران بازهم اقدامات متعددی علیه یونان بعمل آورد .

جنگ ترموپولس (ترموپیل).

جنگی است که بین ایران ویونان درتنگهٔ ترموپیل واقع درشمال غربی **آتن** اتفاق افتاد. دراین نبرد ایرانیان با کوشش و رشادت بی نظیر جنگیدند لیکن براثر ایستادگی دشمن کاری از پیش نبردند و سرانجام یك نفر یونانی خائن ایرانیان را ازپشت به جبههٔ دشمن هدایت کرد. دراین جنگ سرداری قوای یونان با **لئونیداس** پادشاه اسپارت بود. چون سربازان یونانی خودرا درخطر محاصره دیدند گریز اختیار نمودندو **لئونیداس** را باسیصد سپاهی بر جای نهادند .

لیکن این مردان رشید مرگ را بر اسارت ترجیح داده تا آخرین قطرهٔ خون به مبارزه پرداختند ومردانه شهید شدند .

نبرد سالامیس.

درسال ۴۸۰ پیش ازمیلاد بین خشایارشا و نیروی دریایی آتن بفرماندهی **تمیستوکل** نبردی درگرفت. نیروی دریایی ایران موفقیتی بدست نیاورد وخشایارشا بدون نتیجه به ایران بازگشت. باوجودی که این جنگ راخشایارشا آغاز کرد بضرر ایران تمام شد .

نبرد پلاته .

نبردیست که درزمان خشایارشامیان ایران ویونانیان درگرفت. **مردونیه** داماد پادشاه ایران برای احتراز ازجنگ در ابتدای امر به یونانیان پیشنهاد نمود که سلاح برزمین نهندو اطاعت شاهنشاه ایران رابه جای آورند وباوی متحد شوند ودر قبال این امر پادشاه به آنها آزادی داخلی عنایت مینماید و ضمناً کلیهٔ خرابیهایی که دراثر جنگ به **آتن** وارد آمده مرمت خواهند نمود. لیکن یونانیان پیشنهادش را گردن ننهادندومردونیه ناگزیر به آتن حمله کرد وآنجارا به تصرف آورده ویران نمودو آتنی ها به جز یرهٔ سالامیس پناه بردند. برخورد نهایی درمحل **پلاته** جنوب شهر **تبس** اتفاق افتادوچون مردونیه درخلال جنگ به قتل رسیدایرانیان کامیاب نشدند.

جنگ گرانیکوس .

بخش هجوم ملل تاراجگر و... را به بینید .

جنگ ایسوس.

بخش هجوم ملل تاراجگر ...را به بیبید.

جنگ گوگمل.

بخش هجوم ملل تاراجگرو ...را به بینید.

جنگ بندپارس.

بخش هجوم ملل تاراجگرو .. را به بینید :

جنگ کوناکسا .

بین **اردشیردوم** و کوروش در سال ۴۰۱ پیش ازمیلادجنگ شد و کوروش کشته شد وسپاهیان اومتواری گشتند یونانیان وهمدست او به سرزمین خودباز گشتند .

تصرف مصر.

درسال ۳۴۴ پیش ازمیلاد اردشیرسوم به کمك **من تور** سرداریونانی خودبه مصر دست یافت ومدعیان استقلال آن کشوررا ازمیان برداشت .

جنگ با سلوکوس دوم.

درسال ۲۱۳ ق‌م. سلوکوس دوم پادشاه سلوکی به پارت حمله کرد ودراین جنگ فاتح شدوبه قولی **تیرداداول** کشته شد .

جنگ با آنتیوکوس سوم.

دراواخر قرن سوم پیش ازمیلاددر جنگی که بین پادشاه سلوکی و**اردوان** روی داد، اردوان پادشاه اشکانی شکست خورد وگریخت وسرانجام بمصالحه حاضر شد .

جنگ باده‌تریوس .

درنیمهٔ اول قرن دوم پیش از میلاد **مهرداداول** بنام اشك ششم پس ازفتوحاتی چند با**دمتریوس** وپادشاه سلوکی روبرو شد ودرچندجنگ بالاخره از او شکست خورد ، امابه حیله پادشاه سلوکی را اسیر کردوبه گرگان فرستاد .

غلبه برسلوکیها.

در اواخر قرن دوم پیش ازمیلاد . **فرهاددوم** بنام اشك هفتم درایران سلطنت می کرد و**دمتریوس** درزندان بودو برادرش **آنتیوکوس هفتم** برسلوکیه حکم می راند. درجنگ بین سلوکیها واشکانیان، درآغاز سلوکیها پیروزشدندولی سرانجام به کمك مردم ایران که ازظلم عمال سلوکی بجان آمده بودند، سلسلهٔ سلوکی برانداخته شد.

جنگ باسکاها.

درسال ۱۲۷ پیش ازمیلاددرجنگی که بین **فرهاددوم** وسکاهای سیستان روی داد فرهاد کشته شد .

جنگ حران(کاره).

درسال ۵۴ پیش ازمیلاد، کراسوس سردار معروف روم به حکومت سوریه و فرماندهی نیروی خاوری روم منصوب گردید. این مرد قدرت‌طلب درصددحمله به ایران برآمدوباارتشی مرکب از ۴۰ هزارپیاده و ۴ هزارسوارو ۴ هزارنفرسبك اسلحه درطول فرات به پیش روی پرداخت اردوی شاهنشاه اشکانی دردوستون که یکی بفرماندهی **سورنا** و دیگری را شخصاً فرماندهی میکرد بمقابله پرداخت . در نزدیکی **کاره** واقع درقسمت شرقی فرات درناحیهٔ ترکیهٔ امروزی بین طرفین جنگ واقع شدودراین جنگ ارتش روم شکست خورده ومنهزم گردید، ابتداپسر کراسوس وسپس خودش کشته شد .

جنگ پاکر.

درسال ۴۰ پیش از میلاد ، **ارد**پسر خود پاکررا مأمور فتح سوریه کرد. بـا وجودیکه سپاهیان ایران، در آغاز موفقیت های چندی حاصل کردند ولی درمبارزه با **آنتونیوس** مجبور به عقب‌نشینی شدند ودر این جنگ پاکر کشته شد .

جنگ فرهاد چهارم .

درسال ۳۶ پیش ازمیلاد، **آنتونیوس** سرداررومی درچندجنگ ازفرهادچهارم اشکانی شکست خورد ومجبور به صلح شد دفعهٔ بعد به تحریك حاکم آذربایجان به آنجا تاخت وآن ایالت رامتصرف شدولی رقابتهای دوستانش درروم اورا بازگرداند .

حملهٔ ترایانوس.

دراوایل قرن دوم میلادی **خسرو** بنام اشك بیست وچهارم در ایران حکومت می کرد که ترایانوس ، به بهانهٔ ارمنستان به ایران تاخت وهدایای خسرو رانپذیرفت ودر تیسفون بریکی از دختران خسرو باتخت زرین اشکانی دست یافت وخسرو همچنان عقب **نشینی** می کرد تا براثر شورشهای متعدد ولایات **ترایانوس** مجبور به مراجعت شد وخسرو ، حاکمی را که او گمارده بود متواری کرد .

شکست بلاش سوم.

درسال ۱۶۳ میلادی، سپاهیان رومی بفرماندهی **لوسیوس وروس و آویدیوس کاسیوس** بلشکریان بلاش شکست سختی وارد آوردند و بلاش را ازسوریه راندند، در تیسفون بعداز آتش زدن قصر تابستانی اشکانی به علت بروز بیماری طاعون به روم بر گشتند.

حملهٔ سپتیموس سوروس.

درسال ۱۹۷ میلادی. درزمان بلاش چهارم پادشاه اشکانی، سپتیموس بایران حمله کرد و بدون زحمت بر سلوکیه و تیسفون دست یافت وقتل وغارت نمود.

خیانت کاراکالا.

در سال ۲۱۱ میلادی، امپراتور جاه‌طلب روم از اردوان پنجم پادشاه اشکانی تقاضا کرد که دخترش را بعقد او در آورد و اردوان پیشنهاد داد تا خود امپراتور برای بردن عروس به ایران بیاید، او با سپاهی گران بایران آمد و به خیانت برسرشاه وهمراهان بی‌سلاح او ریخت و باغنایم واسیران بسیار بر گشت. جبران ناجوانمردی او در زمان جانشین **کاراکالا** یعنی **ماکرینوس** شد و اردوان درجنگی آنها را شکست داد و مبلغ هنگفتی غرامت گرفت.

جنگ هرمزدگان.

درسال ۲۲۶ میلادی، درزمان اردوان پنجم پادشاه اشکانی، بین اردشیر مؤسس سلسلهٔ ساسانی و اردوان، درمحل **هرمزدگان** (بین بهبهان، شوشتر) سه جنگ پی‌درپی در گرفت و اردوان مغلوب و مقتول شد.

جنگ باروم میان.

درسال ۲۲۸ میلادی، زمان سلطنت **الکساندرسوروس**، اردشیر اول ساسانی قسمتی از متصرفات آسیایی روم را اشغال کرد و اردشیر سپاه عظیم روم را شکست داد و شهرهای نصیبین و حران را گرفت و ارمنستان را نیز ضمیمهٔ کشور خود کرد.

جنگ گردیانوس سوم. (Gordianus).

درسال ۲۴۲ میلادی بین شاپور اول و گردیانوس چند جنگ روی داد که سپاه ایران درهمهٔ آنها شکست خورد.

جنگ باوالریانوس.

درقرن سوم میلادی، شاپور بجبران شکست گذشته (جنگ با گردیانوس سوم) بسوریه تاخت و تا انطاکیه پیش رفت و باوجودی که در آغاز ازسپاه امپراتوری شکست خورد ولی سرانجام والریانوس را مغلوب و اسیر کرد و به امر شاپور **گرردیانوس** بامپراتوری روم بر گزیده شد ولی اشتباه شاپور در بی‌مهری نسبت به امیر **تدمر** (پالمیر)، مقدار زیادی خسارت دید.

جنگ باارلیانوس Aurelianus.

دراواخر قرن سوم میلادی، درزمان **ارلیانوس** امپراتور روم و بهرام اول پادشاه ساسانی جنگی بین ایران و روم اتفاق افتاد که ایران شکست خورد و بسیاری از ولایات را از دست داد.

جنگ باکاروس Carus.

درزمان حکومت **بهرام دوم ساسانی وکاروس** امپراتور روم جنگی بین ایران وروم اتفاق افتاد، که سپاهیان روم تا تیسفون پیش آمدند و همه جا سپاهیان ایران را شکست دادند ولی مرگ امپراتور روم قضیه را تمام کرد.

جنگ اول گالریوس Galerius

در زمان **نرسی** پادشاه ساسانی گالریوس پدرزن امپراتور روم (دیوکله سیانوس) با نرسی جنگید وایران پیروز شد. این جنگ درنزدیکی رودفرات بود و به سپاه روم خسارت فراوان وارد شد.

جنگ دوم گالریوس .Galerius.

یك سال بعداز جنگ اول، گالریوس با تجهیزات بیشتر از راه سرزمین کوهستانی ارمنستان به ایران حمله کرد و سواران ایرانی را شکست دادند و ملکهٔ ایران با جمعی از بزرگان اسیر شدند و در مصالحه‌ای که شد ایران ۵ ولایت را از دست داد و از ارمنستان و گرجستان نیز صرف‌نظر کرد.

جنگ دوازده‌ساله شاپور.

در زمان امپراتوری کنستانیوس (Constanius) امپراتور روم **وشاپور ذوالاکتاف** دوجنگ اتفاق افتاد که یکی دوازده سال طول کشید و به جنگ اول معروف است و یکی بنام جنگ **مرنکا** نامیده میشود و در هر دو جنگ ایران پیروز شد.

جنگ مرنکا.

درسال ۳۶۳ میلادی بین امپراتور روم و شاپور ذوالاکتاف شاهنشاه ایران، باین شرح جنگی شد که امپراتور با ارتش معظمی بایران حمله کرد. بدستور شاپور بزرگ شاهنشاه ایران او را به داخل کشور کشاندند درناحیهٔ مرنکا واقع در ناحیهٔ لرستان شکست فاحشی بر ارتش روم وارد شد که خود امپراتور کشته شد و قدرت و نفوذ ایران در ناحیهٔ بین‌النهرین و نصیبین وولایات ماوراء دجله مستقر شد.

بهرام وهپتالها.

در سال ۴۲۵ اقوام هپتال بحوالی رودسیحون و جیحون آمدند وحتی به خراسان تجاوز کردند، بهرام درجنگی عظیم آنها را شکست داد وعقب راند و **خاقان**، شاه هپتالها را کشت.

جنگ فیروزوهپتالها.

فیروز باحمایت هپتالها به سلطنت رسید ولی با آنها چندین بار جنگید ودر تمام اوقات شکست خورد وبسیاری از امتیازات ایران را ازدست داد وسرانجام در یکی از جنگها شکست خورد و کشته شد (۴۸۳ میلادی).

جنگ‌های زرمهرسوخرا.

سوخرا یکی از سرداران پارسی نژاد ایرانی در دورهٔ ساسانی است، که یك بار درزمان سلطنت فیروز (قرن ۵ م) **شورش** ارمنستان را فرونشانید ویك بار در زمان **بلاش** به هپتالها شکست سختی وارد کرد و غنایمی که آنها ازفیروز گرفته بودند، همراه دختر فیروز بازگرفت.

جنگهای قباد باروم شرقی.

قباد درسال ۵۰۲ میلادی ارمنستان را گرفت و برقلعهٔ **آمد** مسلط شد وچهارتن از سرداران روم را شکست داد و بالاخره حملهٔ **هونها** او را مجبور کرد قرار داد صلح هفت ساله باروم ببندد (۵۰۶ م).

جنگهای دوم قباد وروم شرقی.

از سال ۵۲۷ میلادی آتش جنگ بین دوکشور زبانه کشید، درارمنستان، لازیکا، بین‌النهرین سپاه ایران پیروز شد ولی درسال ۵۲۹ در قلعهٔ داراجنگی در گرفت که به علت کشته شدن پرچمدار ایرانی سپاه ایران عقب نشست ورومیها جرأت تعقیب نداشتند. در سال ۵۳۱ میلادی یکی از سرداران ایرانی تا انطاکیه پیش رفت.

جنگ اول خسرو اول باروم.

درسال ۵۴۰ میلادی انوشیروان غفلتاً باسپاه فراوان به انطاکیه حمله کرد و آن شهر را در آتش سوخت و دولت روم مجبور بصلح شد ولی خسروانوشیروان آرام ننشست و گه‌گاه بلازیکا و بین‌النهرین حمله می‌برد ویك دفعه تا ساحل دریای

سپاه پیش رفت وقلعهٔ **پترا** رامتصرف شد ودرسال **۵۴۷** میلادی مجدداً صلح برقرار شد .

جنگ باهپتالها.

این جنگ درزمان خسرو انوشیروان با هپتالها اتفاق افتاد ودر این حمله انوشیروان بایکی ازامرای ترک موسوم به **خاقان** متحد شد و پادشاه هپتالها را شکست داده خود وی نیز کشته شد، وسرزمین ایشان میان خاقان و انوشیروان تقسیم گردید .

جنگ بابهرام چوبین .

درسال **۵۸۸** میلادی خاقان ترک، درزمان سلطنت هرمز چهارم به خراسان تاخت وسردار ایرانی بهرام چوبین به دفع اورفت واورا مغلوب ومقتول کرد .

شکست بهرام چوبین.

هرمز چهارم برای از بین بردن سردار دلاور خوداورا بدون هیچ دلیلی به جنگ رومیان فرستاد تا **لازیکا** را مجدداً تصرف کند . (قرن۶م) دراین جنگ بهرام شکست خورد ولی اهانت هرمز او را عصبانی کرد، باقوای خود به تیسفون آمد وشاه رازندانی ومقتول کرد وخسرو پرویز به شاهی نشست .

جنگ خسرو پرویز وبهرام چوبین.

بهرام به سلطنت خسروپرویز گردن ننهاد و به تیسفون حمله کرد خسرو به **موریسیون** (Mauriciun) امپراتور روم پناه بردوبا **۷۰** هزارسپاه آن امپراتور به جنگ بهرام آمد وبهرام رامغلوب کرد.

جنگهای خسروپرویز ورومیها .

خسرو با **فکاس** امپراتورروم به سال **۶۰۴** میلادی جنگید وشهرهای دارا، آمد، ادس وحران رامتصرف شد وباگروهی ازسپاهیانش نزدیک **قسطنطنیه** رسیدند، باکشته شدن فکاس **هرقل** برسرکار آمد وخسرو همچنان به پیشروی خودادامه داد وبه **بیت المقدس** رسیدوصلیب حضرت مسیح(ع) رابه تیسفون فرستاد ویکی ازسردارانش بنام **شهربراز** تااسکندریه پیش رفت هرقل در سال **۶۲۲** میلادی به تقاضای همهٔ مردم روم سپاهی گرد آورد وشهربراز سردار ایرانی را شکست دادوخسرواعقب نشانیدودرنزدیک تیسفون به او شکست سختی داد که خسرو گریخت، مردم اورا ازسلطنت خلع کردند.

جنگ بااعراب .

دربخش ملل تاراجگرو... دیده شود .

جنگ زنجیر .

دربخش هجوم ملل تاراجگرو... دیده شود .

جنگ الیس .

دربخش هجوم ملل تاراجگرو... دیده شود .

جنگ پل .

دربخش ملل تاراجگرو... دیده شود.

جنگ قادسیه.

دربخش ملل تاراجگرو ... دیده شود .

جنگ جاولا .

دربخش ملل تاراجگرو ... دیده شود.

جنگ نهاوند.

دربخش ملل تاراجگرو... دیده شود.

جنگ سند.

دربخش ملل تاراجگرو... دیده شود.

جنگ گردیز.

دربخش ملل تاراجگرو... دیده شود.

جنگ پروان.

دربخش ملل تاراجگرو... دیده شود.

جنگ دیرالعاقول .

در سال **۲۶۲** هجری قمری یعقوب لیث صفار باسپاهی ولایت فارس راازسردار عرب گرفت و عازم بغدادشد. در محل **دیرالعاقول** خلیفه (الموفق) به مقابلهٔ او آمد. خلیفه با شکست ازپیش روی وی بگریخت ولی سرداران خلیفه آب دجله رابه لشکرگاه اوگشودندویعقوب ناچار به بازگشت شد .

فتح سومنات .

بزرگترین فتوحات سلطان محمود غزنوی در هندوستان است که در سال **۴۱۶** هجری قمری صورت گرفت .

ملاذگرد .

ملاذگرد ناحیه ایست درمشرق ترکیه بین دریاچه وان و ارزنةالروم که به سال **۴۶۲** هجری ناظر جنگ خونین الب ارسلان سلجوقی و رومانوس دیوجانس امپراتورروم بود، دراین جنگ گرچه تعداد سپاهیان رومیان بیش ازسربازان اوبود وابتدا الب ارسلان درخواست صلح کرد و مورد قبول واقع نشد معذلك پیروزی نصیب شاه سلجوقی شدورومانوس به اسارت وی درآمد .

جهاد سلطان جنید .

درسال **۸۶۰** هجری قمری، سلطان جنید برای تصرف شهر شیروان ، تحت عنوان جهاد با کفار **چرکسی** عازم آن دیار شد ولی در جنگ با **سلطان خلیل** والی شیروان بقتل رسید .

انتقامجویی سلطان حیدر .

درسال **۸۹۳** هجری قمری، سلطان **حیدر** جانشین پدرومرشدخودسلطان جنید، برای انتقام ازطرفی وجهاد باکفارچرکس عازم شیروان شد ،حاکم آن شهر به کمك یعقوب پسر اوزون حسن ، حیدر را کشت .

جنگ اهر.

به کمك **رستم میرزا** پسر **یعقوب** آق قویونلو سه پسر سلطان حیدر ازقلعهٔ حبس نجات یافتندوعلی پسر بزرگ سلطان حیدر در نزدیکی اهر بر **بایسنقر** پسر یعقوب دست یافت واورا بکشت و شهرتی فراوان کسب کرد بطوریکه ولینعمت او رستم میرزا ترسید و علی را در تبریز کشت ولی دو برادر دیگرش به گیلان فرار کردند .

جهاد باکفار گرجستان .

درسال **۹۰۶** هجری، قمری شاه اسماعیل صفوی پسر سلطان حیدر بنام جهاد با کفار با **فرخ یسار** پادشاه **شیروان** جنگیدو اوراکشت وبرچندشهر شمالی دست یافت .

جنگ شاه اسماعیل والوند میرزا.

درآغازقرن دهم هجری، بین الوند میرزا آق قویونلو وشاه اسماعیل جنگ سختی درگرفت که به مرگ **الوند** میرزا وشکست قطعی سپاهیان اوختم شد.

جنگ همدان .

در سال **۹۰۹** هجری قمری بین شاه اسماعیل صفوی و **مراد میرزا** آق قویونلو حاکم عراق و فارس در نزدیکی همدان جنگ سختی روی داد که مرادمیرزا شکست خورد وبه **شوشتر** گریخت .

شاه اسماعیل وحسن کیا.

در سال **۹۱۳** هجری بین حسن کیا حاکم فیروزکوه وشاه اسماعیل جنگی اتفاق افتاد، دراین جنگ که حسن کیا ازحمایت ترکمانان برخوردار بودشکست خورد.

انقراض ترکمانان ایران.

درسال **۹۱۴** هجری قمری، شاه اسماعیل صفوی ازطرفی ومراد میرزاو **علاالدوله ذوالقدر** ازطرف دیگر، جنگی اتفاق افتاد که به پیروزی شاه اسماعیل تمام شدبااین جنگ حکومت ترکمانان پایان یافت وبغداد وسایر شهرهای عراق عرب مسلم شاه اسماعیل شد .

جنگ طاهرآباد .

درسال **۹۱۶** هجری قمری، شاه اسماعیل

باجان **وفا میرزا** حاکم مرو در ناحیهٔ طاهر آباد جنگید و لشکریانش را شکست داد و مرو را محاصره کرد ولی مدت این محاصره بطول انجامید.

جنگ محمودآباد.

در ۱۸ کیلو متری مرو (محمود آباد) بین سپاه شاه اسماعیل و شیبک خان جنگ شد و شیبک خان کشته شد و شاه اسماعیل بر بلخ و هرات دست یافت.

شکست سپاه ایران از ازبك.

درسال ۹۱۸، **امیر نجم ثانی** سردار شاه اسماعیل به کمك **ظهیر الدین محمد بابر** (گورکانیان هند) وجمعی از حکام هرات و بلخ مأمور سرکوبی ازبکها شده از جیحون گذشتند و شکست سختی از ازبکان خوردند و امیر نجم بقتل رسید.

جنگ چالدران.

جنگ چالدران به سال ۹۲۰ هجری قمری در زمان شاه اسماعیل اول صفوی میان ایران وعثمانی بـه هنگام سلطنت **سلطان سلیم اول** در ۲۰ فرسنگی تبریز درمحل **چالدران** درگرفت، علت بروز این جنگ نتیجهٔ اختلافات مذهبی طرفین بود که از دیر باز میان ایشان وجود داشت. لیکن در هنگام زمامداری سلطان سلیم که نسبت به مذهب تسنن تعصب شدیدی ابراز می کرد اختلافات مسلکی دامن گرفت و به حد کمال رسید. سلطان سلیم به عناوین مختلف سرحدات ایران را مورد تجاوز قرار میداد. وعاقبت درسال ۹۲۰ هجری باسپاهی عظیم رو به جانب آذربایجان نهاد. شاه اسماعیل نیز باشصت هزار نفر بـه جلوگیری وی شتافت ودر روز دوم رجب در دشت چالدران نبرد خونینی میان طرفین درگرفت. باوجوداین که سپاهیان ایران شجاعت بی نظیری در این جنگ از خود نشان دادند لیکن بسبب این که دشمن به سلاح آتشین مجهز بود کاری از پیش نبردند و باداون تلفات بـه همـدان عقب نشینی کردند.

شکست سوم از ازبکان.

در سال ۹۳۱ سپاهیان ایران، به فرماندهی یکی از سران سپاه به امیـر شاه **تهماسب** اول باجنگ با **عبیدالله خان** پسر شیبك رفت واز اوشکست خورد.

جنگ شاه تهماسب وجهان سلطان تکل لو.

درسال ۹۳۱، شاه تهماسب با جمعی از قزلباش باجهان سلطان تکل لوجنگید واورا کشت وبه اغتشاش داخلی پایان داد.

جنگ جام.

در نیمهٔ اول قرن دهم شاه تهماسب عازم خراسان شد تاشورش عبیدالله خان رابخوابا ند در نزدیك **جام** دو لشکر باهم مصاف دادند وازبکان منهزم شدند.

سرکوبی ذوالفقارخان.

درنیمهٔ اول قرن دهم، حاکم بغداد **ذوالفقارخان کلهر** بر ضد شاه تهماسب علم طغیان برافراشت که در جنگ باشاه صفوی مغلوب ومقتول گردید.

دفع شرعثمانیها.

درفاصلهٔ ۹۴۰ تا ۹۴۱ هجری قمری **سلطان سلیم خان قانونی** دوبار به ایران حمله کرد وتبریز وسلطانیه را غارت کرد که شاه اسماعیل دوم با لشکرکشی به ارمنستان، متصرفات غاصبانه عثمانیها را پس گرفت وگروهی از آنها را بکشت.

جنگ باسمنج.

در سال ۹۸۷ هجری قمری عثمان پاشا سردار عثمانی باسلطان محمد خدابنده در محل باسمنج جنگید و سپاه ایران شکست خورد وولایات متعددی مورد تاراج وتصرف عثمانیها قرار گرفت.

فتح لارستان.

در سال ۱۰۰۶ هجری قمری **شاه عباس کبیر صفوی** پس ازچندبار لشکرکشی بالاخره به کمك **الله وردیخان** امیر الامرای خوددرنزدیکی هرات لشکریان **دین محمدخان** پادشاه ازبك را بکلی شکست داد وپس از آن به سال ۱۰۱۰ هجری قمری قلعهٔ لارستان را فتح کرد.

جنگ نهاوند.

درسال ۱۰۱۲ هجری قمری شاه عباس با استفاده ازتوپ وتفنگ درمحل نهاوند به سپاهیان عثمانی شکست سختی داد.

نبرد صوفیان.

درسال ۱۰۱۵ هجری قمری، سپاه عثمانی به فرماندهی **چغال اوغلی** باسپاه ایران به فرماندهی **شاه عباس کبیر** در محل **وان** مصاف دادند وایرانیها بااسیر کردن ۲۰ هزار نفـر عثمانی سپاه آنها رادرهم شکستند.

جنگ شبلی.

در سال ۱۰۲۱ هجری قمری سپاه ایران بفرماندهی **قراچی خان** با سپاه عثمانی درنزدیکی شبلی جنگیدو باشکست سپاه عثمانی آنها راوادار به مصالحه وعقد قراردادی به نفع ایران کرد.

تصرف بندر عباس.

در سال ۱۰۲۲ هجری قمری سپاه ایران به فرماندهی **امامقلی خان** به **گمبرون** مسلط شد واین بندر را به افتخار شاه عباس **بندر عباس** نامید.

تسخیر جزیرهٔ هرمز.

درسال ۱۰۳۱، دولت ایران به کمك بحریهٔ انگلیس جزیرهٔ هرمز را ازاشغال پرتغالیها خارج کرد.

جنگ ایروان.

درسال ۱۱۴۳ هجری قمری، شاه تهماسب دوم بامشاهدهٔ پیروزیهای **نادرقلی** خواست خودنیز اقدامی کرده باشد درصدد تصرف **ایروان** ومقابلهٔ باعثمانیها برآمد، وبا ۱۸ هزار سپاهی که داشت ازعثمانیها شکست خورد و به ناچار کرمانشاه وهمدان ومراغه وتبریز را ازدست داد واین شکستها بهانه ای به دست نادر داد که اورا ازسلطنت خلع کند.

جنگهای نادر شاه افشار

جنگ مهماندوست.

نادرقلی، سردار **شاه تهماسب** اولین ضربت را به سال ۱۱۴۲ هجری قمری به لشکریان اشرف افغان درمهماندوست از توابع دامغان وارد کرد.

سپاهیان افغان منهزماً به اصفهان برگشتند.

جنگ خوار. (۱۱۴۲ هق).

جنگ دوم نادر قلی باسپاهیان اشرف درمحل خوار نزدیك تهران اتفاق افتاد که به سختی لشکریان اشرف افغان شکست خوردند.

جنگ مورچه خورت (۱۱۴۲ هق).

لشکریان نادرقلی به تعقیب سپاهیان شکست خوردهٔ اشرف تانزدیکی اصفهان پیش تاختند، درآنجا اشرف تجدیدقوا کرد وبه مقابله ایستاد ولی شکست خورد وبه شیراز گریخت.

جنگ زرقان (۱۱۴۲ هق).

آخرین مقاومت اشرف در شیراز (زرقان) بود، پس از شکست دراستخر متواری شد، ولی پس ازچندی در بلوچستان دستگیر ومقتول گردید.

فتح هرات.

نادرقلی پس ازسرکوبی افاغنه، در محرم ۱۱۴۳ به ایالت آذربایجان رفت وسپاهیان عثمانی را شکست داد وساوجبلاغ ومراغه ودهخوارقان را گرفت، وارد تبریز شد و آنگاه به جانب خراسان رفت و از آنجا گذشت وهرات را متصرف شد.

نبرد کرکوک.

توپال‌عثمان‌پاشا ازسرداران معروف عثمانی در ۱۱۴۵ هجری مأمور مقابله بانادر شد.

توپال با ۷۰ هزار نفر پیاده و ۳۰ هزارسوار نظام و توپخانهٔ کافی به مقابل نادرکه فقط ۱۰ هزار نفرپیاده و ۳۰ هزار نفر سوار نظام داشت، شتافت و در این جنگ نادر شکست خورد.

جنگ لیلان.

درسال ۱۱۴۶ هجری یعنی درست ۴ ماه پس‌از شکست کرکوک نادرباقوای لازم به جنگ توپال عثمان پاشا رفت.

درناحیهٔ لیلان (شمال سامره) توپال کشته شدو تلافی‌شکست کرکوک‌در آمد.

نادر وعبدالله پاشا.

دولت عثمانی معاهدهٔ **احمدپاشا** را نپذیرفت وعبدالله **پاشا** راباعدهٔ کثیری سپاهی به‌ایران‌فرستاد، نادر بی‌درنگ‌عازم جنگ شد ودرسال ۱۱۴۸ هجری قمری درحدود ایروان‌بین‌سپاهیان‌نادروعبدالله پاشاجنگ‌سختی‌درگرفت‌وسپاهیان‌عثمانی شکست خوردند و عبدالله پاشا کشته شد وگنجه وتفلیس به‌تصرف نادر درآمد.

جنگ‌کرنال.

در سال ۱۱۵۱ هجری قمری قوای نادر (۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر) از معبر خیبر وررودسندگذشتند وپیشاوروکشمیر وپنجاب ولاهور را فتح‌کردند. در محل **کرنال** بین‌لاهورودهلی **محمدشاه‌گورکانی** باسیصدهزارسپاهی به‌مقابله‌نادرآمدوجنگ سختی درگرفت وسپاهیان‌محمدشاه سخت شکست‌خوردندودرسال ۱۱۵۱ هجری‌قمری نادر باپیروزی واردد‌هلی شدو محمدشاه را دوباره به‌تخت نشانید وولایات او را به‌وی پس داد وورود سندرا سرحد قرار دادو‌نادر به‌ارزش بیش‌از ۸۷ ملیون‌لیره جواهر به همراه‌آورد.

جنگ داغستان.

نادرپس‌ازفتح‌هندبه ایران بازگشت وشورش حاکم خوارزم راخوابانید و به تصرف‌داغستان حرکت‌کرد. دراین سفر تیری به‌سوی او شلیك‌شدکه به‌نادر گفتند ممکن‌است به‌تحریك **رضاقلی‌میرزا** باشد، نادر باحال آشفته درجنگ داغستان هم توفیقی‌نیافت‌وتلفات‌بسیار دید ومراجعت کرد.

جنگ ایروان.

نادر پس‌ازکورکردن پسر وشکست داغستان، روحیه‌اش تغییرکرد ودر سال ۱۱۵۸ هجری قمری دولت‌عثمانی‌قشونی مرکب از ۱۵۰ هزار به‌جنگ وی‌فرستاد که نادر درناحیهٔ‌ایروان قشون‌عظیم‌آنها را درهم شکست.

جنگ چهار محال.

درسال ۱۱۶۵ کریمخان وعلیمراد خان در چهارمحال اصفهان باهم مصاف دادند وعلیمرادخان شکست خورد وشاه اسماعیل **دوم** که‌درسپاه‌او بود به‌کریمخان پیوست واوبه کرمانشاه گریخت.

جنگ‌گرگان

درسال ۱۱۶۶ هجری قمری‌سپاه‌زند پس‌ازفتوحاتی در قزوین،رشت‌ولاهیجان عازم‌گرگان‌شد‌که‌درتصرف محمد حسن‌ـ خان قاجار بود.

شبانه‌اردوی‌قاجارتوسط‌دشمن‌تاراج شد وشاه‌اسماعیل‌هم‌به‌اردوی‌قاجارپیوست کریمخان به‌اصفهان برگشت.

جنگ هارون‌آباد.

علیمرادخان‌درکرمانشاه سیدگمنامی را بنام **شاه سلطان حسین دوم** به سلطنت برداشت و خود سپهسالار لشکر اوشد وخان زند برای رفع فتنهٔ‌او بـه کرمانشاه‌آمده در **هارون آباد** شاه‌آباد کنونی) سپاه علیمرادخان را شکست داد وشاهـزادهٔ مجعول را ملتزم رکاب خودکرد.

جنگ باآزادخان.

آزادخان افغان‌باگروهی انبوه از آذربایجان عازم‌کرمانشاه‌شد‌ودرقزوین باسپاه وکیل مصاف داد و خان زنـد شکست‌خوردوبه اصفهان برگشت ولی‌در محل قمشه(شهرضا) سپاه‌آزادخان‌شکست خورد چون‌آزاد خان رابطهٔ خان‌زند با **اصفهان** راقطع‌کرده بود لذاجنگ‌دیگر آنهادرلرستان انجام‌شدوسپاه زندشکست خورد. جنگ‌دیگری باسپاه آزادخان در محل **خشت** باحمایت اعیان دشتستان و تنگستان و **رستم سلطان** حاکم خشت‌بر آزاد خان پیروزشد وآزادخان‌به‌اصفهان گریخت (۱۱۶۷ هق).

ولی‌درآنجاتوقف‌نکرد بآذربایجان رفت. ازسپاه محمدحسن خان‌قاجار‌شکست خورد وهیچ دولت و حکومتی حاضر به کمك‌او‌نشدلذابه‌خدمت‌خان‌زندآمدوخان اورا بخشید.

جنگ کزاز.

بین‌شیخعلی‌خان‌زندسردار کریمخان و ۲۰ هزارسپاه‌قاجاربه‌سرداری‌محمدحسن خان درمحل‌کزاز (ازتوابع‌اراك)جنگی درگرفت وشیخعلی خان‌شکست خورد.

جنگ گلون آباد.

بعد ازشکست **کزاز**، خان‌زنددر ۲۱ـ کیلومتری اصفهان به مصاف محمدحسن‌ـ خان شتافت ولی ازاوشکست خورد.

جنگ دشمنزیار.

سردار سپاه کریمخان یعنی‌شیخعلی خان‌زند درمحل دشمنزیار قسمتی‌ازسپاه محمد حسن‌خان قاجاررا شکست داد.

جنگ اشرف.

شیخعلی خان‌زند، درمحل **اشرف** به لشکریان محمد حسن خان‌قاجار شکست سختی دادو خان قاجار به دست یکی از اتباع خود یعنی **محمد علی خان دولو** کشته شد.

جنگ سیاه چمن.

درمحل‌سیاه‌چمن نزدیك‌آذربایجان بین سپاه**وکیل الدوله**زندو**فتحعلی‌خان افشار** حاکم آذربایجان(از امرای دورهٔ افشار) جنگ سختی درگیر شد وبعد از مدتی خان‌زند غالب آمدوبامحاصرهٔ‌شهر اورمیه آخرین مقاومت فتحعلی خان را درهم شکست واورا تسلیم‌کرد.

سرکوبی بنی کعب.

شیخ‌سلیمان‌بنی‌کعب در محل‌شادگان خوزستان راه را بر مسافرین بسته بود (۱۱۷۷ هق) و کریم خان به تقاضای سلطان‌عثمانی ، **زکی خان‌زند** را مأمور سرکوبی اوکرد،زکی خان شیخ سلیم را تسلیم وبه‌وساطت صدر الممالك متعهدبه پرداخت خراج کرد.

سرکوبی حسینقلی خان قاجار.

حسینقلی خان پسرمحمدحسن‌خان قاجارپس‌ازمدتی‌که‌درپناه خان‌زندبزرگ شد تقاضای‌حکومت دامغان راکرد ودر آنجا قیام‌کرد،چندبارتوسط**زکی‌خان‌زند** سرکوب‌شد وسرانجام به‌دست غلامان‌خود کشته‌شد وپسراو **فتحعلی‌خان** بعدها بنام فتحعلی شاه به‌سلطنت رسید.

فتح بصره.

کریمخان زند در سال ۱۱۸۷ طی نامه‌ای ازسلطان‌مصطفی‌خان ثالث‌پادشاه عثمانی خواستار شدکه ازرفتار مأمورین خود دایر بر آزار و اذیت ایرانیـان جلوگیری نماید. چون پاسخ مساعدی

نشنید عزم به تسخیر بصره نمود در این بین مصطفی خان درگذشت و عبدالحمید به سلطنت نشست و از وکیل درخواست نمود که از حمله به بصره خودداری نماید لیکن چون کریم خان برضعف دولت عثمانی واقف گشت بیش از پیش در عزم خویش راسخ شد و سپاهیان ایرانی را به فرماندهی برادرش صادق خان به آن دیار روانه کرد در اوایل سال ۱۱۸۹ هق در نبرد دریایی که بین طرفین درشط العرب رخ داد ایرانیان توفیق یافتند و بصره را محاصره نمودند. محاصره سیزده ماه بطول انجامید و سرانجام براثر کمی آذوقه شهر تسلیم شد، صادق خان پس از چهارماه اقامت در بصره به پایتخت بازگشت لیکن درغیاب وی مردم شهر شورش نمودند و اما ایرانیان شهررا ازدست ندادند و مراتب را به وکیل گزارش دادند این بار نیز صادق خان مأمور حکومت بصره شد و چون به نزدیکی شهر رسید شورشیان متفرق شدند .

لشکر کشی به قفقازیه.

در بهار ۱۲۰۹ هجری قمری آقا محمد خان عازم قفقازیه شد. قلعهٔ شوشی و ایروان را محاصره کرد. و **هراکلیوس** حاکم گرجستان که مقاومت می کرد شکست خورده به تفلیس گریخت .

آقامحمد خان پس از تصرف تفلیس، شیروان ودربند به تهران بازگشت.

لشکر کشی به خراسان.

خراسان بدون هیچگونه مقاومت تسلیم **آغا محمد خان** شد، **نادر میرزا** به افغانستان گریخت و پسر کور خود شاهرخ را در مشهد باقی گذاشت شاهرخ به استقبال آغامحمد خان آمد ولی خان قاجار اورا تحت شکنجه قرارداد تا کلیهٔ دفینه های نادری را بروز بدهد و او از شدت رنج در راه تهران جان سپرد.

آغا محمدخان، **محمد ولی خان** را با ده هزار سوار و به سمت سرداری کل درخراسان باقی گذاشت .

سرکوبی محمدخان زند.

دراوایل سلطنت فتحعلی شاه، **محمد خان زند** اصفهان را تصرف کرد و به کمک **نجف خان زند** سپاهی از افغانها وقبایل لر گرد آورد. ولی سرداراو، **رستم خان زند** درحوالی اصفهان ازسپاه قاجار شکست خورد و **محمد خان** ازشهر گریخت و در دزفول اسیرشده به امر خان قاجار کور شد .

سرکوبی حسینقلی خان دوم.

حسینقلی خان برادر فتحعلی شاه قاجار فرمانروای ایالات جنوب طغیان کرد و درسال ۱۲۱۳ هجری قمری درمحل کمره شکست سختی خورد و پس ازتسلیم شدن حاکم قم شد ولی بازسرپیچی کرد ، درسال ۱۲۱۷ به امر فتحعلیشاه قاجار کور گردید .

سرکوبی نادر میرزا .

در موقع حملهٔ آغا محمد خان به خراسان ، نادر میرزا پسر شاهرخ به افغانستان گریخت و **زمانشاه درانی** اورا پناه داد و درسال ۱۲۱۴ اورا باسپاهی گران به خراسان فرستاد ولی بارسیدن قشون فتحعلیشاه اواز درصلح درآمد .

جنگهای ایران وروس .

علت بروز جنگ میان ایران وروس جاه طلبی های **آلکساندر اول** امپراتور مستبد روس بود که درنظرداشت سرزمین وسیع قفقاز را ضمیمهٔ امپراتوری خود گرداند . و بهمین سبب درپی فرصت بود و بهانه جویی میکرد . بدبختانه مرگ **گرگین خان** (فرزند هراکلیوس) حاکم گرجستان که تبعیت روس را پذیرفته بود امپراتور روسیه را بامقاصدونیات پلیدش قرین ساخت . و رسماً الحاق گرجستان را به خاک روسیه اعلان کرد. اما **آلکساندر** برادر گرگین که خیال سلطنت گرجستان را درسر می پروراند وضمناً یارای مقابله باروس نداشت به دربارایران پناه آورد و **فتحعلیشاه** را به جنگ باروسیه برانگیخت وبدین ترتیب دو دوره جنگهای خونین بین ایران وروس درگرفت که سرانجام شکست دامنگیر ایرانیان گشت، هنگامی که اخبار پیشروی **سیسیانوف** در خاک ایران خصوصاً فتح گنجه وقلع وقمع مسلمین این ناحیه به دربار رسید علمای دین جهاد دادند وشاه را برآن داشتند که حکم تجهیز سپاه را صادر نماید .سپاه ایران به فرماندهی **عباس میرزا** در صفر ۱۲۱۹ راه ایروان را درپیش گرفت ودرحوالی آن شهراردو زد . اولین برخورد طرفین در محل **شوره گل** بین ایروان و **اوچمیاد زین** اتفاق افتاد . سپاه روس دراین نبرد به سختی مغلوب شدند و ایروان به تصرف سپاه ایران درآمد. نبردثانی در **عسکران** نزدیک شوشی روی داد .(۱۲۲۰ هق) با این که ابتدا روسها به حملات تعرضی پرداخته جنگ را دوباره آغاز نموده بودند، ولی در برابر شجاعت وفداکاری سپاه ایران از پای درآمدند وقلعهٔ شوشی نیز به تصرف قوای ولیعهد درآمد. **سیسیانوف** فرماندهٔ قوای روس به طرف گنجه گریخت وچون این شهر نیز به محاصره افتاد از طریق دریا عازم **بندرغازیان** شدند امادرآنجا نیز **میرزا یوسف گرجی** بسیاری ازایشان را بقتل رسانید ، سیسیانوف ناگزیر راه باکو را درپیش گرفت ودر صدد برآمد که حاکم «حسینقلی خان» را به خیانت وادارد لیکن این مرد بزرگ ظاهراً تسلیم وسوسه های سیسیانوف گردید تا نقشهٔ اساسی خویش را به مرحلهٔ اجرا گذارد . به همین سبب سیسیانوف راجهت عقدقرارداد صلح به قلعهٔ باکو دعوت نموده توسط عموزاده اش **ابراهیم خان** به قتل رسانید وآنگاه روسهارا قتل عام کرد . لیکن در سال ۱۲۲۱ ه به سبب خیانت حکام محلی روس دست از دفاع برداشته حمله آغاز نمودند . ودرسال ۱۲۲۲ **گاردان** به بهانهٔ جلب موافقت روسها و امضای قرار داد صلح میان طرفین، مانع حملهٔ عباس میرزا به قوای روس گشت تا اینکه درسال ۱۲۲۳ **گودویچ** فرماندهٔ روسی به حمله پرداخت لیکن کاری از پیش نبرد ودرپایان همان سال ازطرف دربار روسیه احضار گردید و **ترمسوف** به جای وی منصوب گشت وبار دیگر درسال ۱۲۲۴ حملات تعرضی قوای روس آغاز شد ودرنتیجه قوای ایران به این تعرض پاسخ گفتند وسپاه روس را تا کنار دشت مغان به عقب نشینی واداشتند. درسال ۱۲۲۶ ایرانیان به فتوحاتی نایل آمدند لیکن سال بعد فتح ازآن روسها بود، زیرا افسران انگلیسی که ازسال ۱۲۲۴ درسپاه ایران خدمت میکردند بافتوحاتی که سال گذشته (۱۲۲۶م) نصیب قوای ایران شد درنتیجهٔ توافق روس وانگلیس ، ازاردوی ایران احضارشدند . پس ازآن ولیعهد درنزدیکی ایروان بسیاری از سپاهیان خودرا از دست داد وتا تبریز عقب نشست، وبدین ترتیب دورهٔ اول جنگهای ایران وروس باوساطت سفیر انگلیس در **قریهٔ گلستان** از توابع **قراباغ** در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ به امضاء رسید . جنگهای دوم نیز بر اثر تعدیات روسیه وناراضی بودن فتحعلی شاه به سبب ازدست دادن قسمت بزرگی

ازایران،درسال **۱۲۴۱** باحملهٔ ناگهانی **یرمولف** درمحل **باش آپاران** آغاز گردید ولیکن تاسال **۱۲۴۲** به سبب دلاوریهای ایرانیان کاری از پیش نبردند و عدم موفقیت یرمولف دراین سلسله جنگها دربار روسیه را برآن داشت که وی را احضار نموده سردار دیگر خودرا که **پاسکویچ** نام داشت به فرماندهی قوای روس بگمارد . فرماندهٔ جدید توانست در **اوچ کلیسا** سپاه ایران‌را به‌سال **۱۲۴۳** درهم شکند ناچارعباس‌میرزا سرداردلیر ایران آخرین نیروی ورزیدهٔ خودرادر ایروان به مقابلهٔ با دشمن آماده کرد . جنگ خونینی درگرفت لیکن مشکلات ناشی ازنرسیدن پول وآذوقه روحیهٔ سپاه ولیعهد را تضعیف‌نموده سرانجام ازپای درآورد . دراین هنگام نخجوان وتبریز یکی پس‌از دیگری به‌تصرف قوای‌دشمن درآمد . عباس میرزا ناگزیر تقاضای صلح کرداما سردار روس شرایط‌سنگینی را برای برقراری صلح پیشنهاد نمود و آخرالامر با وساطت **سرجان ماکدونالد** سفیر انگلیس معاهدهٔ صلح درقریهٔ ترکمانچای به‌امضاء رسید

جنگ ایران وعثمانی.

(۱۲۳۶ ـ ۱۲۳۸ هق)

آتش جنگ میان ایران و عثمانی پیوسته مشتعل بود وبااینکه گاهی میان طرفین‌سازش‌حاصل گشته روابط دوستانه برقرار شد معذلك این عوامل و قراردادها موقتی بود زیرایکی ازطرفین که در برابر قدرت دولت دیگر از پای درآمده و تن‌به‌صلح داده‌بود پس‌ازآنکه تجدید قوا مینمود باردیگر نایرهٔ جنگ را روشن میکرد . در زمان فتحعلیشاه قاجارچون ایران باروس‌مشغول نبردبود، لذا موقتاً عساکر عثمانی که ایرانیان راآزار مینمودند وحتی **حافظ علی‌پاشا** یکی ازسر عسکران عثمانی از ایالات حدودایروان‌رابه عنوان‌اینکه ازرعایای عثمانی هستند به قلمرو خود کوچانده بود به‌حال خود گذاشته‌بود.پادشاه‌ایران به‌محض اینکه ازکار روس‌فراغت حاصل کرد فرزند رشید خود عباس‌میرزا را مأمور حمله به خاك عثمانی کرد ولیعهد درذیحجهٔ **۱۲۳۶** ازطریق خوی و ماکو عازم **بایزید** گشت و**ارزنةالروم** رامحاصره نمود ، وتاحدود دیار بکر به‌تصرف‌سپاه ایران درآمد لیکن چون زمستان فرارسید عباس میرزا سپاهیان خودرا به تبریز بازگردانید وبار دیگردر رمضان **۱۲۳۷** هق باقوای عثمانی که **توپراق‌قلعه** رادرمحاصره گرفته بودند به‌نبرد پرداخت. جنگ خونینی میان طرفین درگرفت و یك شبانه روز این جنگ مهیب ادامه داشت وعدهٔ زیادی‌از سپاهیان عثمانی به خاك افتادندوسرانجام‌چون یارای‌مقابله باسربازان ایرانی را در خود ندیدند سنگرهارا رهاکرده‌به‌جانب ارزنةالروم عقب‌نشینی نمودند وقوای‌ولیعهدسپاهیان منهزم عثمانی‌راتعقیب کردندوسرانجام به‌وساطت **میرزاتقی‌خان آشتیانی** موجبات صلح فراهم‌گردید ودرسال **۱۲۳۹** عهدنامهٔ ارزنةالروم بین ایران و عثمانی منعقدگردید که به موجب آن سرحدات دولتین همان حدودی تعیین گردید که در زمان نادرشاه افشار در عهدنامهٔ **۱۱۵۹** معین شده بود .

جنگ هرات .

هرات ازز‌مان‌سلاطین صفوی همیشه موجب ناراحتی ایران میشد . چون هر چندسال یکبار بتحریك امرای هند در آنجا انقلابی رخمیداد وگردنکشی علم طغیان میافراشت در زمان قاجاریه هم این وضع‌ادامه داشت تادرسال **۱۲۱۶** هق فتحعلی‌شاه سپاهی به محمود وفیروز برادران زمان شاه که چشم طمع به خراسان دوخته بود سپرد وآنان بر **زمان‌خان** دست یافتند و اورامعزول نمودند . محمود در تحت حمایت ایران امیر افغانستان شد وفیروز به حکومت هرات رسید ، درسال **۱۲۳۳** فیروز علم مخالفت برعلیه دولت ایران برافراشت ولی**حسنعلی میرزاشجاع‌السلطنه** بهرات رفت واوراشکست داد وبادادن پنجاه هزارتومان جریمه‌واظهار انقیادبخشوده شد . درسال **۱۲۳۳** محمود برادرفیروز در صدد حملهٔ بهرات و خراسان برآمد ولی از سپاه ایران شکست سختی خورد ولی فتنه وآشوب‌درهمهٔ افغانستان‌باقی ماند . درسال **۱۲۴۹** ایران دوباره به هرات لشکرکشید بااینکه پیروزی‌کامل به‌چنگ‌آمده بود بسبب‌مرگ‌نایب‌السلطنه **محمد میرزا** با **کامران** صلح وبه ایران برگشت . درسال **۱۲۵۴** مجدداً دولت در صدد تسخیر هرات برآمد و آنجا را محاصره کردولی‌براثر‌تهدیدسفیرانگلیس کاری از پیش نبرد.

ولی درسالهای بعد توانست ازراه مسالمت آمیز امیر هرات را به اطاعت وادارد . پس‌ازکشته‌شدن**امیرکبیر**دولت انگلیس‌باردیگرازایران‌خواهان‌استقلال هرات شد و در هرات به ایجاد شورش پرداخت درسال **۱۲۷۲** سلطان‌مرادمیرزا حسام‌السلطنه بآنجا لشکرکشید وآن را محاصره‌کردوپس‌ازهشت‌ماه‌آنجاراتسخیر کرد.درهمان‌ایام‌محاصره‌دولت‌انگلستان، پس ازآنکه ازطریق اقدامات سیاسی موفق به جلوگیری اقدام ایران نشد ، درسال **۱۲۷۳** یك لشکر ده‌هزار نفری در بوشهر پیاده‌کرد، محمره راگرفت و تا اهواز پیش رفت، دولت ایران‌ناچار شدازهرات‌چشم بپوشد وبقرارداد‌پاریس منعقد در ۷ رجب **۱۲۷۳** تن دردهد . بااینهمه سلطان احمد حاکم هرات‌تاسال **۱۲۷۹** بنام‌شاه‌ایران‌سکه میزد وخودرا دست نشاندهٔ‌ایران میدانست تاآنکه در اینسال بدست دوست محمد خان شکست یافت وخلع‌گردید .

سرکوبی سالار درخراسان .


حسام‌السلطنه

درسال ۱۲۶۲ ، **آصف‌الدوله** به بهانهٔ پیری از ادارهٔ خراسان عذرخواست و فرزند جوان او حسن خان معروف به **سالار** والی خراسان شدو به امرمحمدشاه **محمدحسین‌قزوینی** مأمور فرونشاندن طغیان ترکمانان شد سالار از روی حسد، دستور داد عده‌ای برسرش ریخته اورا بکشند و به اشارهٔ آصف‌الدوله ، قاتلین را به تهران نفرستادند ، محمد شاه **آصف‌الدوله** را به عتبات تبعیدکرد و قیام سالار از این تاریخ‌آغازشد. **میرزاآقاسی،حاجی‌میرزا احمد خان،** برادر دیگر سالار را حاکم خراسان‌کرد اوکه دامادشاه‌بود. با برادر همدست‌شد این‌آشوب خودموجب‌شد که.

به دستور محمد شاه **حمزه میرزا حشمت‌الدوله** باسپاهی کافی روانهٔ خراسان شد وسپاهیان سالار راکه بالغ بردوازده هزار نفر بودند شکست داد ، سالار به **جوین** گریخت ودرپناه استحکامات **کلات** ۸ ماه مقاومت کرد وبرای بار دوم سپاه سالار در ۴۸ کیلومتری مشهد شکست خورد وبه‌سرخس رفت‌وبامریضی‌حشمت‌الدوله‌ووفات محمدشاه، کار فتنه بالارفت **حمزه میرزا حشمت‌الدوله** از راه جام به هرات رفت وبار دیگرخراسان مسخر سالار شد و امیرکبیر **حسام‌السلطنه** را مأمور فتح خراسان کرد و او سالار را دستگیر و بــه دستور ناصرالدین شاه کشت .

جنگ آق دربند سرخس.

محمد امین خان حاکم خوارزم به فکر افتاد تا از اغتشاشات خراسان کــه در نتیجهٔ فتنهٔ **حسن خان سالار** به وجود آمده بود ، به سود خود بهره برداری نماید . به همین منظور ابتدا به جانب مرو تاخت و تا نزدیکی سرخس پیش راند ودر شمال خراسان راه نفوذی باز کرده به تاراج اموال مردم آن ناحیه پرداخت . **ناصر الدین شاه** در سال ۱۳۳۲ فریدون میرزا **فرمانفرما** را با سپاهی مجهز به‌سرکوبی اوگسیل داشت، **فریدون میرزا** در آق دربند با **محمد امین خان** مواجه گشت و طی جنگ خونینی کــه دو روز به طول انجامید سپاه دشمن را از پای در آورده خود او را بقتل رسانید.

هجوم ملل تاراجگر وقبایل وحشی.

حملهٔ اسکندر به ایران.

(قرن ۴ ق م.)

نخستین جنگ اسکندر با داریوش جنگ **گرانیکوس** است که به شکست ایران تمام‌شدودراین جنگ‌هم‌خوداسکندرزخمی شدوهم‌عدهٔزیادی‌ازلشکریانش کشته‌شدند اسکندر پس از فتح **سارد** پایتخت **لیدی** برقسمت بزرگی از آسیای صغیر دست یافت. جنگ دوم‌اسکندر باداریوش سوم هخامنشی در محل ایسوس بودکه به نفع اسکندر تمام شد .

در این جنگ مادر و زن ودختر داریوش‌اسیرشدند وباوجودی‌که‌داریوش تقاضای صلح‌کــرد ، اسکندر نپذیرفت برای بار سوم اسکندر پس‌از فتح مصر درمحل **گوگمل** باداریوش مصاف داد ، دراین جنگ‌کارداریوش تقریباً تمام شد زیرابه پارت‌گریخت تــا لشکری فراهم آورد .

اسکندر شهرهای بابــل وشوش را به‌آسانی فتح‌کــرد‌وپس‌از تصرف فارس‌به تخت جمشید حرکت‌نمود ولی‌بامقاومت سردار دلیرایرانی **آریوبرزن** مواجه‌شد پس‌از دوماه جدال بامرگ او برهمــهٔ سربازانش غالب‌آمد و در تخت جمشید بساطعیش گسترد وبه اشاره معشوقه‌اش ، قصرهای باعظمت‌پایتخت‌هخامنشیان رابه آتش‌کشید ودر این‌وقت داریوش به‌دست دو تن ازسردارانش کشته شد ، اسکندر نسبت به جسداو تشریفات‌کامل سلطنتی‌و احترامات لازم را رعایت‌کرد.

جنگ گرانیکوس .

این جنگ درکنار رودخانهٔ‌گرانیکوس بین‌اسکندروداریوش‌سوم‌پادشاه‌هخامنشی صورت‌گرفت ومنتهی به‌پیروزی اسکندر وشکست داریوش‌سوم‌گردید،دراین‌جنگ سپاهیان ایران ۴۰ هزار نفر بودند ، باوجود رشادتهای **سپهرداد** سردار نامی ایران وبرادرش بازبه‌نفع دشمن تمام‌شد این اولین جنگ لشکریان اسکندر بــا سپاهیان ایران بود .

جنگ ایسوس .

این‌جنگ درزمان سلطنت داریوش سوم میان سپاهیان ایران وقوای‌اسکندر مقدونی‌درشهرایسوس واقع درکنارخلیج اسکندرون‌درگرفت‌ودومین جنگ‌ایران بااسکندر است وبااینکه تعدادسربازان ایرانی قریب ۶۰۰ هزارنفر وبه‌مراتب بیش از قوای اسکندر مقدونی بودند و درابتدا نیزسپاهیان‌ایران به‌پیشرفتهایی نایل‌آمدند وقوای اسکندررا به‌مخاطره افکندند ، معذلك براثر حملهٔ اسکندر به‌گردونهٔ شاهی ومجروح شدن اسب‌های گردونهٔ داریوش ناگزیر گردونهٔ‌دیگری را برگزید وچون دراین بین دسته‌هایی ازسپاه ایرانی‌ازصحنهٔ نبرد خارج شدند او نیز بدانها پیوست و به این ترتیب شکست درسپاه ایران افتاد و سربازان مقدونی‌اردوی ایرانیان‌را تاراج‌نمودند وجمعی ازبستگان نزدیك داریوش رابه اسارت‌گرفتند و داریوش تقاضای صلــح نمود لیکن اسکندر نپذیرفت .

نبرد گوگمل . (اربل).

آخرین نبردداریوش‌سوم بااسکندر مقدونی است (۳۳۱ قم) در این جنگ گرچه سپاه ایران بسیارکثیر بود و در بدوامر اسکندر و سپاهیانش را دوچار وحشت‌نموده‌بود، لیکن‌این‌بارنیزاسکندر به سربازان خود دلداری داد وایشان‌را به‌مقاومت واداشت‌وبااینکه ابتداازسپاه داریوش شکست یافت ولی ازپی چاره‌بر آمد وبازشیوهٔ جنگ ایسوس‌رابکاربست وبازوبینی‌ارابه ران شاه‌را ازپاانداخت ولی‌ایرانیان‌پنداشتندکه‌به‌جان‌شاه‌آسیب رسیده پا به‌گریزنهادند وعرصه‌را برای دشمن خالی نمودند . داریوش‌ازگوگمل به جانب **همدان**‌گریخت و بدین ترتیب اسکندر راکه خود نیزتصور نمیکردکه پیروزگردد در این جنگ نیز کامیاب گردانید .

جنگ بند پارس.

اسکندر پس‌از فتوحات درخشان‌به فارس‌رسیدومیخواست‌به‌پایتخت هخامنشیان برسدکه درمحل‌بند پارس سردار دلــیر داریوش سوم با ۲۵ هزار سپاهی راه رابراو بست‌ودوماه‌مقاومت‌کرد وجانانه جنگید‌تاخود ولشکریانش‌کشته شدند و اسکندر فاتحانه به تخت جمشید رسید و آنرا به انتقام آتن‌آتش زد .

حملهٔ عرب

قرن اول‌هجری

درزمانی‌که سلطنت به **یزدگردسوم** رسید ، به علت عدم‌کفایت شخصی او ، بین سران سپاه نفــاق بود و از طرفی خسروپرویزباجنگهای‌بیهودهٔ خودروحیهٔ لشکریان راضعیف‌کرده‌بودوخزانهٔ‌کشور خالی و مردم ناراضی بودند و بزرگان دین زرتشت نسبت به‌پیروان سایرادیان ظلم می‌کردند و پایتخت ایران تقریباً نزدیك خاك دشمن‌بود وعوامل دیگرکه هر کدام به تنهایی میتوانست دولت و ملتی را به ورشکستی و نابودی بکشاند اعراب تازه‌مسلمان‌وجنگجوراکه‌باایمان می‌جنگیدند واز مرگ به خاطر پاداش بهشت‌نمی‌ترسیدند وبه‌امید بدست‌آوردن غنایم به آب وآتش‌می‌زدند، جرئت داد که به مرزهای ایران تجــاوز کنند ودر جنگهای **زنجیر، الیس، پل، قادسیه، جلولا ونهاوند** شرکت‌کنند وسلطنت با عظمت ساسانی‌رابراندازند وکتابخانه‌های‌ایران را آتش‌بزنند ، وثروت ایران‌راتصاحب کنند وشاهزاده‌های ایرانی‌را به اسارت

بکشند وچندقرن براین‌سرزمین‌حکومت کنند .

جنگ زنجیر.

در سال ۶۳۳ میلادی زمان خلافت ابوبکر بین ارتش مسلمان به سرداری **خالد پسر ولید** و مرزبان ایرانی به‌نام **هرمز** جنگی‌در گرفت ، علت جنگ‌این بودکه خالد ، هرمز را به اسلام دعوت کرد واونپذیرفت .

درجنگ تن‌به‌تن‌هرمز به‌دست‌خالد کشته‌شد، و دوسپاه‌درهم افتادند؛اگرچه ایرانیان ، صدمهٔ فراوان‌به اعراب‌وارد کردند ولی سرانجام عرب پیروزشد .

جنگ‌الیس.

درسال دوازدهم هجری‌جنگی بین بهمن جادویه (سردارایرانی) وخالدبن ولید(سردارعرب)درناحیه‌ای‌به نام‌الیس (بین حیره وابله) روی داد ، ایرانی‌ها مغلوب شدندوعدهٔ بسیاری‌ازآنهامقتول‌و اسیر گردیدند .

جنگ پل.

دراین جنگ‌مسلمین باقایقها، پلی برفرات‌بستند وازآن گذشتند که به‌جنگ **جسر**یا پل معروف‌شده‌است . این جنگ درسال سیزدهم هجرت وزمان‌خلافت‌عمر روی داد. سردارمسلمان **ابوعبیدهٔ ثقفی** بودکه‌با لشکریان‌ایران‌به‌سرداری **بهمن** جنگید .

در این جنگ وجود فیلها موجب شکست مسلمین شدوابوعبیده درزیرپای پیلی‌جان‌سپردوازسپاهیان‌اسلام‌چهارهزار تن هلاك شدند .

جنگ قادسیه .

یزدگردسوم بعد از جنگهای‌زنجیر و پل خطر اعراب را حس کرده بود و **رستم فرخ زاد** سپهسالار ایران را از خراسان احضارکرد ودستور گردآوری سپاه داد .

عمرخلیفهٔ مسلمین ، بعداز شکست پل درصدد جبران بود و از طرفی چون مسئلهٔ تصرف شام هم به‌پایان‌رسیده‌بود، لشکریان مجاهد مسلمان‌راجمع کرد و **سعدبن‌ابی‌وقاص** رادر آغازسال **چهاردهم هجرت** به سرپرستی **۳۰**هزار سپاه عازم ایران نمود .

در صحرای قادسیه اردوی اسلام تشکیل شد،**رستم فرخزاد** نیز با **۱۳۰** هزار سپاه در برابر عرب تجهیزشد.

طرفین‌چهارماه‌جنگ‌راآغازنکردند تا در رمضان‌سال چهاردهم مدت‌چهارروز جنگ سختی درگرفت و روز چهارم باد سختی مخالف ایرانیان وزیدن گرفت و اعراب ازفرصت استفاده‌کرده به لشکر ایرانیان هجوم بردند. رستم دراین‌میان کشته شد ولشکرایران در هم شکست و **درفش‌کاویانی** به دست اعراب‌افتاد.

سعدازفرات گذشت تانزدیکی‌دجله پیش آمد و به مداین‌حمله‌برد، یزدگرد فرارکردواعراب‌بر**سلوکیه**وتیسفون‌دست یافتند وغنایم وخزاین‌نفیس‌دربارساسانی راغارت‌کردند .

جنگ جلولا .

یزدگرد ازتیسفون به‌حران‌گریخت درآنجا سپاهی گردآورد ، سردار ایران دراین‌جنگ **مهران**نام‌داشت وسعددونفر ازسرداران عرب **هاشم‌بن‌عتبه‌وقعقاع بن عمر** را با دوازده هزار سپاهی به مقابله فرستاد، ایرانیان **۸۰** روزمقاومت‌کردند باز گردباد به‌اعراب‌کمك کرد وشکست درسپاه ایران افتاد وحلوان تسخیرشد ، در این جنگ اعراب صدهزاراسب بـه غنیمت گرفتند .

جنگ نهاوند .

(سال **۲۱**هجری)

این‌جنگ در**نهاوند** و در محلی‌که امروزبه**سرپل‌ذهاب** معروف‌است‌واقع‌شد وسرداراایرانیان**فیروزان**وفرماندهٔ‌مسلمین **نعمان بن‌مقرن** بود،

موقعیت ایرانیان در ابتدا بسیار خوب بود و حالت دفاعی داشتند لیکن اعراب‌خبرمرگ‌عمررا به‌دروغ‌منتشرکرده وعقب نشستند . ایرانیان فریب‌خوردند واز سنگرهای خود درآمدند وبه‌تعقیب مسلمانان‌پرداختند وچون ازمواضع‌خود دورشدند‌مسلمانان برگشتند و به جنگ مشغول**شدند**وبا آنکه سردار هردو طرف کشته‌شدسردار دوم‌مسلمانان(که‌قبلا برای احتیاط تعیین شده بود) **حذیفة‌بن‌نعمان** بر ایرانیان‌پیروز شدو به سرعت به فتح شهرهای ایران پرداختند ، اعراب این جنگ‌رافتح‌الفتوح نامیده‌اند .

حملهٔ چنگیز

(قرن **۷** هـ‌ق)

درسال **۶۱۵** هجری‌قمری،سرحدات سرزمینهای پهناور مغول بـا کشور خوارزمشاهیان نزدیك شد . خان مغول برای ایجاد روابط بازرگانی ، گروهی ازبازرگانان‌را باکالاهای فراوان‌به‌ایران فرستاد ، حاکم‌شهر **اترار** به‌کالاهای‌آنها چشم طمع‌دوخت وبه**سلطان‌محمد**گزارش دادکه‌عده‌ای جاسوس‌به‌کشوروارد‌شده‌اند وبه‌این وسیله فرمان قتل‌آنها رادریافت کرد ویکشبه تمام آنها به جز یك‌نفرکه فرار کرد، کشته شدند؛ این‌خبرچنگیز را برآن داشت‌که با دویست‌هزار سپاه خونخواررو به‌کشور ما بیاورد .

شهر **بخارا** پس ازسه روز مقاومت مسخرشد،وشهردرآتش‌وقتل‌وغارت‌سوخت وتهی‌گشت وچنگیز پس ازتصرف‌سمرقند ارتش‌خوددرادرسه‌ستون‌به‌فرماندهی‌دوپسر وخود تقسیم کرد. وبه‌ترتیب شهرهای : قزوین،زنجان، مراغه، خوی ، سلماس و نخجوان را متصرف شدند .

جوجی و جغتای واوکتای پسران چنگیزکه درسفاکی وبی‌رحمی‌کم ازپدر نبودند، هرکدام مأمور ویرانی‌ونابودی قسمتی از ایران شدند و شهرهـای آباد ری، همدان ، را ویران‌کردند **وسلطان محمد** پس ازمدتی جنگ شکست خورد وبه‌جزیرهٔ **آبسگون** درردریای خزررفت و از شدت تأثر درآنجا جان سپرد .

جلال‌الدین منکبرنی پس از مدتی مقاومت‌وکسب موفقیتهایی در جنگ‌های سند وپروان به هندگریخت وسپاهی‌گرد آورده‌به کرمان رسید و از آنجا عازم اصفهان وخوزستان شد وسپاهیان خلیفه راکه در مقابل تقاضای‌کمك او به‌جنگ او آمده بودند شکست داد وتا نزدیك بغداد تاخت وبه آذربایجان‌برگشت.

در سال **۶۲۲** هجری قمری تبریز را گرفت و در **۶۲۳** تفلیس را نیز فتح کرد ودرسال **۶۲۴** هجری‌قمری‌باالموت دست یافت ، سپس برای مقابله با مغول به‌دامغان روی‌آورد وپس‌از شکست‌آنها به آذربایجان برگشت .

درسال **۶۲۵**هجری نزدیك‌اصفهان جنگ سختی بین‌او ومغولان روی‌دادکه به‌علت‌خیانت‌برادرش‌به‌شکست‌جلال‌الدین تمام شد.

درهرحال‌مغولان‌به‌تعقیب‌او‌پرداختند ولی او ازتمام خطرها می‌جست ودر سال **۶۲۸** به دست‌کردان درمیافارقین کشته شد و به این ترتیب تمام ایران مسخر مغولان‌گردید .

جنگ سند .

چون چنگیز از ظهور جلال‌الدین منکبرنی اطلاع‌حاصل کرد درصدد بر آمد که‌خود شخصاً با جلال‌الدین مقابله کند . وچون‌جلال‌الدین منکبرنی‌یارای‌ایستادگی دربرابر قوای‌چنگیز را درخود نمی‌دید غزنین‌را رها کرد و به جانب سند روان گشت لیکن در«گردیز» نزدیك غزنی باپیشقراولان‌خان مغول‌مواجه‌شدو مردانه با ایشان جنگید و به‌آنان راخاك‌هلاك انداخت وروی‌به‌جانب رودسندنهاد. چنگیز به‌سرعت‌خودرا به‌ساحل‌رودسندرسانیدو از عبوروی ممانعت بعمل آورد. جلال‌الدین منکبرنی بار دیگر شجاعانه جنگید وموفقیتهایی به‌دست آورد اما براثر ترس همراهانش ازبسیاری قوای مغول و ترك صحنهٔ نبرد به زحمت خود را با اسب به‌آب‌انداخت و راه هندوستان در پیش گرفت‌تاقوایی‌فراهم آورده بازگردد .

جنگ پروان .

این جنگ در قصبهٔ پروان نزدیك غزنین‌میان‌جلال‌الدین منکبرنی‌وسپاهیان چنگیز اتفاق افتاد در برخورد اول جلال‌الدین بر گروهی از مغولان تاخت ودرحدود صدتن ازایشان را به‌اسارت‌در آورد. پس‌از این‌واقعه چنگیزسپاه‌دیگر به‌فرماندهی‌**قوتوقونویان**جهت‌برانداختن جلال‌الدین منکبرنی‌به این ناحیه گسیل داشت ، لیکن این بارنیزپیروزی ازآن ایرانیان‌گشت .

حملهٔ تیمور

یورش اول .

تیمور لنگ ، امیرشهر**کش**، داماد امیرحسین، درسال ۷۷۱هجری ماوراء‌النهر را به تصرف در آورد و حکومت مستقلی تشکیل داد، آنگاه برمغولستان تاخت، درسال ۷۸۲هجری به عزم تسخیر ایران ابتدا یکی ازپسران خود به نام **میرانشاه** را به‌خراسان فرستاد وپس از چندی به تعاقب او، خود باسپاهی‌گران به این‌ایالت تاخت وپس‌ازچندنبردتمام شهرهای آنرامسخرکرد .

در این وقت آذربایجان در تصرف **تغتمش‌خان** بود،درسال ۷۸۸ به‌آن‌ناحیه تاخت و پس از تصرف آن خطه به‌سوی گرجستان ، ارمنستان پیش‌رفت .

در **دیاربکر** بدون زحمتی شهر را متصرف‌شد، تیمور برای تصرف اصفهان مدتی معطل‌شد، وتلفاتی داد لذا پس از فتح‌شهر از سرمقتولین مناره‌ها ساخت . سپس‌به‌شیرازرفت وآن‌شهر را نیزتسخیر کرد .

یورش دوم .

در سال ۷۹۰تیمور به‌عزم‌استراحت وتجهیزقوا به سمرقند بازگشت ودر سال ۷۹۳هجری‌دوباره برای‌تصرف مازندران وگرگان حرکت کرد وپس ازتصرف‌آنها به لرستان‌رفت تاشورش **عزالدین**امیرلر را بخواباند ، سپس برای سرکوبی **شاه‌منصور** امیر شیراز از **مظفریان**عزیمت کرد وازآنجا به عراق‌عرب رفت**وواسط** و**بصره** را مسخر ساخت و سلطان احمد جلایر را منکوب کرد .

واز آنجاعازم روسیه شد وتامسکو پیش رفت ، در نزدیکی رود ولگا ، سپاهیان تغتمش را تارومارکرد ، سپس شهرمسکو را با خاك‌یکسان کرد .

یورش سوم .

تیموردرسال ۷۹۹ به‌سمرقند بازگشت و در سال ۸۰۹ هجری به طرف هندوستان حمله برد و در حوالی دهلی پس ازشکست‌دادن‌سپاهیان**سلطان‌محمود خلجی** به دهلی وارد شد و قتل‌وغارت بسیارکردوصدهزارنفر راکشت ومجدداً به‌سمرقند بازگشت .

یورش‌چهارم.

در اواخر سال ۸۰۱ به شام لشکر کشید، زیرا **سلطان‌احمدجلایر** بربغداد تسلط داشت وبه نواحی متصرفی تیمور دست اندازی می‌کرد وتیمور می‌خواست صدای اورابرای همیشه خاموش‌کند.

ابتداشهرحلب‌سپس‌دمشق رامتصرف وبه‌بغداد روی‌آورد دراین شهرچندهزار نفررا سر برید. سال ۸۰۴هجری، تیمور عازم مصاف با **سلطان بایزید** پادشاه عثمانی شد . بایزید در میان سپاه تیمور جان سپرد.در سال ۸۰۷ هجری تیمور در راه‌بازگشت‌به سمرقند در ۷۱ سالگی جان سپرد .

چند نکته از خاطرات اسقف سلطانیه از تیمور لنگ

همهٔ نوه‌های‌تیمور که خود فرمانده سپاهی‌هستند،ازپدر بزرگ خودمیترسند و می‌دانندکه اگر از اوامر او تخلف نمایند مجازات خواهند شد. ازروزی‌که او دارای قدرت شده تا امروز در تمام جنگها فاتح‌گردیده‌و و هیچ قلعهٔ جنگی نتوانسته مقابل وی مقاومت نماید.

بیرحمتر از این‌مرد درجهان‌یافت نمی‌شود ، اگر جلوی چشم او صد هزار مرد وزن‌وکودك راسرببرندکوچکترین تأثیر در وی‌نمی‌کند وبارها اتفاق‌افتاده که تمام سکنه‌یك شهررا تاآخرین‌کودك شیرخوار بقتل رسانیده ونه به‌زن ترحم نموده ونه به پیرمردان یکصدساله‌تیمور زبانهای عربی وفارسی وترکی‌رامی‌داند و در علم قران وعلم فقه اسلامی آن‌قدر زبردست می‌باشدکه هیچ عـالم مسلمان نمی‌تواند با او مباحثه نماید، فقط‌برای علما و شعرا ارزش قائل است زیراخود او دانشمند بود .

غذای‌تیمور گاهی‌برنج وگاهی‌ماست مادیان وآشامیدنی او هم‌شیر مادیان یا شربت عسل می‌باشد .

هنگام‌صرف‌غذا،سفره رادرخیمه‌ای می‌گسترانندکه دارای پنج دیرك‌است و تیمور لنگ درصدر سفره مـی‌نشیند و دیگران یعنی‌پسرها‌ونوه‌ها وسردارانش طوری می‌نشینندکه‌بین‌آنها وتیمورلنگ چند ذرع فاصله باشد .

درهیچ‌جای‌دنیا، انضباطی به‌اندازهٔ انضباط‌قشون تیمور وجودندارد،افسران قشون تیمور لنگ‌به‌نسبت ده‌برابر، یکی از دیگری‌برترهستند وفرمانده‌ده‌سرباز به اسم(اون‌باشی) وفرمانده یکصدسرباز به اسم (مین باشی) و فرمانده ده‌هزار سرباز به اسم (تون باشی) خوانـده می‌شود .

یکی‌ازچیزهایی‌که‌دربارتیمورلنگ را باشکوه می‌کند حضور گروگانها با لباسهای محلی‌آنها است .

شناسنامهٔ جنگهای ایران

نام‌جنگ	قرن	محل‌جنگ	طرف ایرانی	طرف دشمن	نتیجه
جنگ با **آزادخان**	۱۲ ه ق	قزوین	کریمخان زند	آزادخان	شکست آزادخان
» **آشور**	۶ م ق	نینوا	هوخشتره	مردم نینوا	محاصرهٔ شهر بدون نتیجه
» با **آشور**	۷ ق م	حوالی نینوا	فره‌ورتیش (ماد)	آشور بانیپال	شکست‌ایران، مرگ‌فره‌ورتیش
» **آق دربند**	۱۳ ه ق	سرخس	فرمانفرما (سردارقاجار)	محمدامین خان	قتل محمدامین‌خان
» با **آنتیوکوس‌سوم**	۳ ق م	اطراف‌همدان	اردوان‌اول(اشکانی)	آنتیوکوس سوم	شکست اردوان
» **آنقوره**	۸ ه ق	ترکیه	امیر تیمورلنگ	عثمانیها	به نفع امیرتیمور
» **اربل** (گوگمل)	۴ ق م	گوگمل	داریوش سوم	اسکندر مقدونی	شکست ایران
» با **ارلیانوس**	۳	تیسفون	بهرام اول‌ساسانی	ارلیانوس	شکست بهرام
»**سوخرا** وارمنستان	۵ م	ارمنستان	سوخرا،سردارساسانی	مردم ارمنستان	تصرف ارمنستان
شکست‌شاه‌اسماعیل‌از **ازبك**	۱۰ ه ق	بین‌النهرین	امیرنجم ثانی(سردار صفوی)	ازبکها	مرگ‌امیرنجم ثانی
شکست‌سوم **ازبکان**	۱۰ ه ق	لشکریان‌صفوی		عبیدالله‌خان ازبك	شکست ایران
جنگ **اشرف**	۱۲ ه ق	اشرف	شیخعلی خان قاجار (سردارکریمخان)	محمد حسن خان قاجار	شکست وقتل خان قاجار
» شاه اسماعیل و **الوند میرزا**	۱۰ ه ق	آذربایجان	شاه اسماعیل‌صفوی		شکست الوند میرزا
» **الیس**	اول هجری	نزدیك‌حیره	بهمن‌جادویه-سردارایرانی	خالدبن‌ولید (سردارعرب)	پیروزی عرب
» **اوچ کلیسا**	۱۳ ه ق	شیروان	عباس میرزاقاجار	پاسکویچ،سرداروسی	شکست ایران
» **اورمیه**	۷ ق م	رضاییه	هوخشتره	سکاها	شکست‌هوخشتره
» **اهر**	۹ م	اهر	علی‌پسر سلطان حیدصفوی	بایسنقرپسریعقوب	مرگ بایسنقر
» **ایروان**	۱۳ ه ق	ایروان	عباس میرزا	قوای روسیه	شکست ایران-معاهدهٔ‌گلستان
» **ایروان**	۱۲ ه ق	ایروان	نادرشاه افشار	عثمانیها	شکست عثمانیها
» **ایروان**	۴ ق م	شهرایسوس	داریوش سوم	اسکندر مقدونی	شکست ایران
» **ایسوس**	۱۴ ه ق	ایروان	شاه تهماسب دوم	عثمانیها	شکست ایران
فتح بابل	۶ ق م	بابل	کوروش کبیر	نبونید	تسخیربابل وآزاد کردن اسیران یهود
جنگ **باسمنج**	۱۰ ه ق	باسمنج	سلطان محمدخدابنده‌صفوی	عثمان پاشا	شکست سپاه ایران
فتح **بصره**	۱۲ ه ق	بصره	صادق‌خان (سردار زندیه)	سلیمان‌خان(حاکم بصره)	فتح شهر بصره
شکست **بلاش‌سوم**	۲ م	تیسفون	بلاش سوم‌اشکانی	لوسیوس وروس و اویدیوس کاسیوس	شکست ایران و مرگ‌بلاش
جنگ‌**بند پارس**	۴ ق م	بند پارس	آریوبرزن (سردارایرانی)	اسکندر مقدونی	شکست وقتل‌تمام‌سربازان ایرانی
تصرف **بندرعباس**	۱۱ ه ق	بندرعباس	امامقلی‌خان(سردارصفوی)	پرتغالیها	تصرف بندر
سرکوبی **بنی کعب**	۱۲ ه ق	شادکان	زکی‌خان‌زند(سردار کریمخان)	شیخ سلیمان	تسلیم‌شدن‌شیخ
جنگ‌خسرو پرویز و **بهرام چوبین**	۶ م	تیسفون	بهرام‌چوبین(سردار شاه ساسانی)	خسروپرویزساسانی	شکست بهرام
شکست **بهرام‌چوبین**	۶ م	لازیکا	بهرام‌چوبین(سردار ساسانی)	سپاه روم	شکست بهرام
جنگ **بهرام‌چوبین**	۶ م	بین‌النهرین	بهرام‌چوبین،سردارساسانی	خاقان ترك	شکست‌ومرگ خاقان

نام جنگ	قرن	محل جنگ	طرف ایرانی	طرف دشمن	نتیجه
جنگ **پاکر**	اول ق م	سوریه	پاکر (پسر ارداشکانی)	آنتونیوس، سردار رومی.	کشته شدن پاکر
نبرد **پلاته**	۵ ق م	جنوب شهر تبس	مردونیه داماد شاه هخامنشی	پوزانیاس اسپارتی	قتل مردونیه
فتح **تراکیه و مقدونیه**	۶ ق م	تراکیه و مقدونیه	بغابیش (سردار داریوش)	روم	تصرف دو شهر
حملهٔ **ترایانوس**	۲ م	ارمنستان	خسرو (اشکانی)	ترایانوس رومی	پیشرفت در آغاز و شکست در پایان (رومیها)
عقب نشینی **ترمسوف**	۱۳ ه ق	دشت مغان	عباس میرزا	ترمسوف سردار روسی	پیروزی ایران
جنگ **ترموپیل**	۵ ق م	ترموپولس	خشایارشا	لئونیداس اسپارتی	پیروزی ایران
جنگ **تفلیس**	۷ ه ق	تفلیس	سلطان جلال الدین خوارزمشاه	مردم شهر	فاتح جلال الدین
نبرد **تمبره**	۶ م ق	سارد	کوروش کبیر	کرزوس	فتح سارد و تسلیم کرزوس
جنگ **توپراق**	۱۳ ه ق	توپراق	عباس میرزا نایب السلطنه	حافظ علی پاشا	پیروزی ایران
» **پروان**	۷ م	نزدیک غزنین	جلال الدین منکبرنی	قوتوقونویان مغول	پیروزی ایرانیها
» **پل**	اول هجری	فرات	بهمن جادویه (سردار ایرانی)	ابوعبیدهٔ ثقفی، سردار عرب	پیروزی ایرانیها
» **جام**	۱۰ ه ق	جام	شاه تهماسب	عبیدالله خان ازبک	شکست ازبکان
تسخیر **جزیرهٔ هرمز**	۱۱ ه ق	هرمز	ایران همراه بحریهٔ انگلیس	پرتغالیها	تصرف جزیره
جنگ **جلولا**	اول هجری	نزدیک حلوان	مهران (سردار ایرانی)	هاشم بن عتبه و قعقاع بن عمر	شکست ایران
جنگ شاه تهماسب و جهان سلطان **تکلو**	۱۰ ه ق	خراسان	شاه تهماسب اول	جهان سلطان تکلو	پیروزی تهماسب
جنگ **چالدران**	۱۰ ه ق	نزدیک تبریز	شاه اسماعیل صفوی	سلطان سلیم خان اول عثمانی	شکست شاه اسماعیل
» **چهار محال**	۱۲ ه ق	نزدیک اصفهان	کریمخان زند	علیمرادخان	شکست علیمرادخان
نبرد **حران** (کاره)	اول ق م	شمال بین النهرین	سورنا سردار ارداشکانی	کراسوس رومی	کراسوس و پسرش کشته شدند
» شاه اسماعیل و **حسن کیا**	۱۰ ه ق	—	شاه اسماعیل صفوی	حسن کیا حاکم فیروزکوه	پیروزی شاه اسماعیل
سرکوبی **حسینقلی‌خان دوم**	۱۳ ه ق	کمره	فتحعلی شاه	حسینقلی خان دوم	تسلیم و کور کردن حسینقلی خان
شکست **حسینقلی قاجار**	۱۲ ه ق	دامغان	زکی خان زند، سردار زندیه	حسینقلی خان	سرکوبی حسینقلی خان
لشکرکشی به **خراسان**	۱۳ ه ق	خراسان	آغا محمد خان	شاهرخ میرزا افشار	تسلیم شدن شاهرخ
جنگ اول **خسرو اول**	۶ م	قلعهٔ پترا	انوشیروان ساسانی	رومیها	پیروزی ایران
جنگ **خوار**	۱۲ ق	نزدیک تهران	نادر قلی افشار	اشرف افغان	شکست اشرف
» **داغستان**	۱۲ ه ق	داغستان	نادرشاه افشار	لزگیها	بی نتیجه
» **دشمنزیار**	۱۲ ه ق	دشمنزیار	شیخعلی خان (سردار کریمخان)	سپاه قاجار	شکست سپاه قاجار
» با **دمتریوس**	۲ ق م	اطراف بابل	مهرداد اول	دمتریوس سلوکی	اسارت دمتریوس
» **دیرالعاقول**	۳ ه ق	نزدیک بغداد	یعقوب لیث صفار	خلیفهٔ بغداد	شکست یعقوب
سرکوبی **ذوالفقارخان**	۱۰ ه ق	بغداد	شاه تهماسب صفوی	ذوالفقارخان کلهر	قتل ذوالفقار
جنگ دوم قباد با **روم شرقی**	۶ م	قلعهٔ دارا	قباد ساسانی	رومیها	بی نتیجه
جنگ قباد با **روم شرقی**	۶ م	ارمنستان و آمد	قباد ساسانی	رومیها	پیروزی ایران
» با **رومیان**	۳ م	نصیبین و حران	اردشیر اول (ساسانی)	الکساندر سوروس	تصرف شهرهای نصیبین و حران و ارمنستان بوسیلهٔ اردشیر
» **زرقان**	۱۲ ه ق	مرز ایران و عرب	هرمز (سردار ایرانی)	خالد بن ولید سردار عرب	پیروزی عرب
» **زنجیر**	اول هجری	—	نادرقلی افشار	اشرف افغان	شکست قطعی اشرف
سرکوبی **سالار**	۱۳ ه ق	خراسان	حسام السلطنه، سردار قاجار	سالار فرزند آصف الدوله	قتل سالار
نبرد **سالامیس**	۵ ق م	خلیج سالامیس	خشایارشا	تمیستوکل	شکست ایران
حملهٔ **سپتیموس سوروس**	۲ م	تیسفون و سلوکیه	بلاش چهارم	سپتیموس رومی	قتل و غارت شهرهای ایران
جنگ **سردارآباد**	۱۳ ه ق	ایروان	عباس میرزا قاجار	پاسکیویچ	شکست ایران
» با **سکاها**	۲ ق م	سیستان	فرهاد دوم (اشکانی)	سکاها	فرهاد کشته شد
» با **سکاها**	۶ ق م	ترکستان شرقی	داریوش کبیر، هخامنشی	سکاها	عقب راندن آنها از مرزها
جهاد **سلطان جنید**	۹ م	شیروان	سلطان جنید صفوی	سلطان خلیل	قتل جنید و شکست سپاه او

نام جنگ	قرن	محل جنگ	طرف ایرانی	طرف دشمن	نتیجه
انتقامجویی سلطان حیدر	۹ م	شیروان	سلطان حیدر صفوی	سلطان خلیل ویعقوب	قتل حیدر
جنگ با سلوکوس دوم	۳ ق م	پارت	تیرداداول (اشکانی)	سلوکوس دوم	پیروزی سلوکوس
غلبه بر سلوکیها	۲ ق م	سلوکیه	فرهاد دوم (اشکانی)	آنتیوکوس هفتم	شکست سلوکیها
جنگ سند	۷ م	رود سند	جلال الدین منکبرنی	چنگیز خان	شکست لشکریان ایرانی
فتح سومنات	۵ ه ق	هندوستان	سلطان محمود غزنوی	مردم هند	پیروزی سلطان محمود
جنگ سیاه چمن	۱۲ ه ق	نزدیک آذربایجان	کریمخان زند	فتحعلیخان افشار	شکست و تسلیم خان افشار
» دوازده سالهٔ شاپور	۴ م	ارمنستان و سنجار	شاپور ذوالاکتاف ساسانی	کنستانسیوس	ایران پیروز شد
» شبلی	۱۱ ه ق	شبلی	قراچیخان سردار صفوی	سپاه عثمانی	شکست عثمانی
» شوره گل	۱۳ ه ق	نزدیک ایروان	عباس میرزا قاجار ومهدیقلی‌خان دولو	سیسیانوف	پیروزی سپاه ایران
نبرد صوفیان	۱۱ هق	وان	شاه عباس کبیر (صفوی)	چغال اوغلی عثمانی	پیروزی ایرانیها
جنگ طاهر آباد	۱۰ ه ق	طاهرآباد	شاه اسماعیل صفوی	جان وفا میرزا، حاکم مرو	شکست وفا میرزا و محاصرهٔ مرو
» نادر و عبدالله پاشا	۱۲ ه ق	ایروان	نادر قلی افشار	عبدالله پاشا عثمانی	قتل عبدالله
دفع شر عثمانیها	۱۰ ه ق	ارمنستان	شاه اسماعیل دوم صفوی	سلطان سلیمخان قانونی عثمانی	پیروزی ایران
جنگ عسکران	۱۳ ه ق	نزدیک شوشی	عباس میرزا قاجار	سیسیانوف	پیروزی ایران
» غازیان	۱۳ ه ق	گیلان	میرزا یوسف گرجی اشرفی	سیسیانوف	پیروزی ایران
» فرهاد چهارم	اول ق م	آذربایجان	فرهاد چهارم	آنتونیوس رومی	پیشرفت دشمن بی نتیجه ماند
» خسرو پرویز و فکاس	۷ م	قسطنطنیه	خسرو پرویز ساسانی	فکاس رومی	پیروزی خسرو
سرکوبی فیروزمیرزا	۱۳ هق	هرات	شجاع السلطنه	فیروزمیرزا برادر فتحعلیشاه	تسلیم و پرداخت غرامت فیروزمیرزا
جنگ قادسیه	اول هجری	صحرای قادسیه	رستم فرخزاد	سعدبن ابی وقاص	شکست ایرانیها
» در قفقازیه	۱۳ ه ق	گرجستان	آغامحمدخان قاجار	هراکلیوس	پیروزی خان قاجار
خیانت کاراکالا	۳ م	تیسفون	اردوان	کاراکالا	قتل وغارت سپاه ایران
جبران خیانت کاراکالا	۳ م	سلوکیه	اردوان اشکانی	ماکرینوس	شکست دشمن و اخذ غرامت
جنگ با کاروس	۳ م	تیسفون	بهرام دوم (ساسانی)	کاروس	بی نتیجه
نبرد کرکوک	۱۲ ه ق	کرکوک	نادر قلی افشار	توپال عثمان پاشا	شکست نادر
جنگ کرنال	۱۲ ه ق	بین لاهور و دهلی	نادرشاه افشار	محمدشاه گورکانی	فتح هندوستان توسط نادر
» کزاز	۱۲ ه ق	اطراف اراک	شیخعلیخان سردار کریمخان	محمدحسن خان قاجار	شکست شیخعلی خان
» کوناکسا	۵ ق م	نزدیک بابل	اردشیر دوم هخامنشی	کوروش برادر اردشیر	مرگ کوروش
» گردیانوس سوم	۳ م	کنار دجله	شاپور اول (ساسانی)	گردیانوس سوم رومی	شکست ایران
» اول گالریوس	۳ م	رود فرات	نرسی ساسانی	گالریوس پدرزن امپراتور روم	شکست رومیها
» دوم با گالریوس	۳ م	ارمنستان	نرسی	کالریوس سردار رومی	شکست سپاه و اسارت ملکهٔ ایران
حملهٔ گودویچ	۱۳ ه ق	قفقازیه	عباس میرزا	گودویچ	بی نتیجه
جنگ گرانیکوس	۴ م ق	رودخانهٔ گرانیکوس	داریوش سوم	اسکندر مقدونی	شکست ایران
جهاد با کفار گرجستان	۱۰ ه ق	شیروان	شاه اسماعیل صفوی	فرخ یسار	قتل فرخ یسار
جنگ گردیز	۷ م	نزدیک غزنین	جلال الدین منکبرنی	پیشقراولان چنگیز	پیروزی جلال الدین
» گرگان	۱۲ ه ق	گرگان	کریمخان زند	محمدحسن خان قاجار	شکست خان زند
» گلون آباد	۱۲ ه ق	نزدیک اصفهان	کریم خان زند	محمدحسن خان قاجار	شکست خان زند
» گوگمل (اربل)	۴ ق م	گوگمل	داریوش سوم	اسکندر مقدونی	شکست ایران
فتح لارستان	۱۱ ه ق	لارستان	شاه عباس کبیر صفوی	دین محمدخان ازبك	فتح لارستان
جنگ ماد ولیدی	۷ ق م	لیدی	هوخشتره	آلیاتس	بی نتیجه
» لیلان	۱۲ ه ق	لیلان	نادرقلی افشار	توپال عثمان پاشا	قتل توپال
» ماراتن	۵ ق م	شبه جزیرهٔ آتیکا	داتیس و اردوان سرداران داریوش	میلتیادس سردار آتنی	پیروزی یونانیها
سرکوبی محمدخان زند	۱۳ ه ق	اصفهان	فتحعلی شاه قاجار	محمد خان زند	تسلیم و کور کردن محمدخان زند

نام جنگ	قرن	محل جنگ	طرف ایرانی	طرف دشمن	نتیجه
جنگ **محمودآباد**	۱۰ هـ ق	محمود آباد	شاه اسماعیل صفوی	شیبک‌خان ازبک	شکست شیبک
جنگ **مردونیه**	۵ ق م	تراکیه ومقدونیه	مردونیه‌داماد داریوش‌کبیر	رومیان	تصرف تراکیه ومقدونیه
« **مزلکا**	۴ م	اطراف‌دجله	شاپور ذوالاکتاف	یولیانوس رومی	شکست رومیها
تصرف **مصر**	۴ ق م	مصر	اردشیرسوم(هخامنشی)	مصریها	پیروزی اردشیر
تسخیر **مصر**	۶ ق م	مصر	کمبوجیه (هخامنشی)	پسامتیک	تصرف مصروقتل‌فرعون
جنگ **ملازگرد**	۵ هـ ق	مشرق ترکیه	الب‌ارسلان سلجوقی	رومانوس‌دیوجانس‌رومی	اسارت رومانوس
« **مورچه خورت**	۱۲ هـ ق	نزدیک‌اصفهان	نادرشاه افشار	اشرف افغان	شکست اشرف
« **مهماندوست**	۱۲ هـ ق	حوالی‌دامغان	نادرقلی افشار	افغانیها	شکست افغان
« **میله**	۵۰۰ م	نزدیک‌میله	داریوش‌کبیر (هخامنشی)	اریستاگراس‌وحاکم‌میله	شکست‌اریستاگراس‌وتصرف‌میله
سرکوبی **نادرمیرزا افشار**	۱۳ هـ ق	خراسان	فتحعلیشاه قاجار	نادرمیرزا افشار	تسلیم نادرمیرزا
جنگ **نهاوند**	اول هـ ق	سرپل ذهاب	فیروزان (سردارایرانی)	نعمان‌بن مقرن و حذیفة بن یمان	فتح ایران به‌دست اعراب
« **نهاوند**	۱۱ هـ ق	نهاوند	شاه‌عباس‌کبیر(صفوی)	عثمانیها	شکست عثمانی
فتح **نینوا**	۷ ق م	نینوا	هوخشتره ونبوپلنصر	آشوریها	تسلیم شهروخودکشی‌شاه‌آشور
جنگ با**والریانوس**	۳ م	انطاکیه	شاپور اول	والریانوس	شکست دشمن واسارت‌والریانوس
« **هارون‌آباد**	۱۲ هـ ق	شاه‌آباد کرمانشاه	کریمخان زند	علیمرادخان	شکست علیمرادخان
« **بهرام وهپتال**	۵ م	حوالی‌سیحون	بهرام (ساسانی)	خاقان شاه هپتال	قتل‌خاقان وشکست هپتال
« **فیروز وهپتال**	۵ م	مرورود وهرات	فیروز ساسانی	اخشنوارهپتال	مرگ‌فیروزوشکست‌ایران
سوخرا و هپتال	۵ م	هرات	سوخرا(سردارساسانی)	هپتالها	اخذ غرامت وپس‌گرفتن دختر فیروز شاه ساسانی
جنگ با **هپتالها**	۶ م	بین‌النهرین	انوشیروان ساسانی	هپتالها	پیروزی انوشیروان
فتح **هرات**	۱۳ هـ ق	آذربایجان	نادرقلی افشار	سپاه عثمانی	شکست عثمانی
تسخیر **هرات**	۱۳ هـ ق	هرات	حسام‌السلطنه	کامران میرزا	پیروزی حسام‌السلطنه
جنگ**شهربرازوهرقل**	۷ م	ارمنستان	شهربرازسردارخسروپرویز	هرقل رومی	شکست شهربراز
«**خسروپرویزوهرقل**	۷ م	تیسفون	خسروپرویز ساسانی	هرقل رومی	شکست خسروپرویز
« **هرمزدگان**	۳ م	بین بهبهان و شوشتر	اردوان پنجم	اردشیربابکان	اردوان مغلوب ومقتول‌شد
« **همدان**	۱۰ هـ ق	همدان	شاه اسماعیل صفوی	مرادمیرزاآق‌قویونلو	پیروزی شاه اسماعیل

جنگهای معروف جهان

جنگ آتن.

جنگ پلوپونزوس را ببینید .

جنگ آلبانی وایتالیا.

درسال ۱۹۳۹ کشور آلبانی توسط ایتالیاییها اشغال شد .

جنگهای اسکندر بیك.

اسکندر بیك قهرمان ملی‌آلبانی ، درمقابل ترکهای عثمانی مدت چند سال مقاومت‌کرد وسرانجام درسال ۱۵۰۱ میلادی کشور به دست عثمانیها فتح شد .

جنگ احد (۳ هـ ق)

در این جنگ که در هفتم شوال ، بین‌مسلمانان به‌سرداری‌پیغمبروکفارمکه به‌سرداری **خالدبن‌ولید** درگیر شد، به شکست مسلمانان انجامید وحمزه‌عموی پیامبر و عدهٔ‌کثیری از بزرگان اسلام شهید شدند و خود پیامبر نیز مجروح گردید.

اردوکشی به روسیه.

جنگ سال ۱۸۱۲ را ببینید .

جنگ اسپانیا وآمریکا. (۱۸۹۸م)

جنگی بین ایالات متحدهٔ آمریکا واسپانیا برسر**کوبا** که باپیروزی‌آمریکا خاتمه‌یافت وکوبامستقل وتحت‌قیمومت آمریکا درآمد .

جنگ انتقال. (۱۶۶۷ - ۱۶۶۸ م)

جنگ بین فرانسه واسپانیا،دراین جنگ **لویی‌چهاردهم** ، داعیهٔ اسپانیارا داشت زیرا دختر فیلیپ چهارم پادشاه اسپانیازن اوبود،باوجود حملات مکرر فرانسه،نتیجه حاصل نشد زیرا اتحادیهٔ اسپانیا جلوی‌آنراگرفت وپیمان صلح منعقد شد، به این‌جنگ،جنگ میراث‌هم می‌گویند .

جنگ انفصال.

جنگهای داخلی آمریکا را ببینید .

جنگهای بول‌ران .

جنگهای داخلی آمریکا راببینید.

جنگهای داخلی. (۱۸۶۱ - ۱۸۶۵م)

در زمان ریاست جمهوری**آبراهام**

لینکلن پیکاری به رهبری ایشان اغازشد تا برده‌داری منسوخ گردد ولی کشورهای آمریکای جنوبی با آن به مبارزه برخاستند.

جنگ ۱۲ آوریل ۱۸۶۱ در **دژسامتر** آغاز شد. وچهار سال بطول انجامید. نبردهای معروف این جنگ عبارتنداز:

۱ ـ **نبرد بول‌ران**، جنوبیها پیروز شدند.

۲ ـ **نبرد شایلو**، جنوبی‌ها عقب نشینی کردند.

۳ـ **نبرد بول‌ران** (مکرر)، جنوبیها پیروز شدند.

۴ ـ ازسال **۱۸۶۳** درچند نبردشمالیها جنوبی‌هارا شکست دادند. این جنگ موجب انتشار اعلامیهٔ **آزادی بردگان** شد.

جنگ اوسترلیتز.

این جنگ درشمال **وین** بین **ناپلئون** بزرگ و **فرانسوای دوم** پادشاه اتریش ومتحدش **آلکساندراول** اتفاق افتاد که آنرا می‌توان یکی ازجنگهای باشکوه ناپلئون بزرگ بشمار آورد. چون امپراتورمقتدر فرانسه در **اولم** غالب گشت به جانب وین پایتخت اتریش تاخت و در **۱۳** نوامبر **۱۸۰۵** این شهررابدون مقاومت تسخیر نمود. و آنگاه به دول متخاصم چنین وانمود کرد که در قبال ایشان قادر به مقاومت نخواهد بود. لذا دشمن فریب نظامی او راحقیقت انگاشت در نتیجه قوای اتریش وروس روز **۲** دسامبر همان سال دربرابر قوای فرانسه به زانودرآمد. در این نبرد قوای متخاصمین قریب دو برابر قشون ناپلئون بود لیکن نقشه‌های دقیق وروشن این سردار بزرگ تاریخ کمبود قشون وتفوق دشمن راجبران نموده بود.

جنگ اولم. (۱۸۰۵ م)

این جنگ بـه هنگام امپراتوری **ناپلئون** بزرگ میان فرانسه و اتریش به وقوع پیوست. وباآنکه دشمن ازهر لحاظ برقوای ناپلئون برتری داشت لیکن دربرابر نقشه‌های نظامی وی کاری ازپیش نبرد وبه زانودرآمد. زیرا ناپلئون بر خلاف تصور دشمن که می‌پنداشت قوای فرانسه از جنگل سیاه واردکارزار خواهد شد. ناگهان از دانوب سردرآورد وبا بستن راههای ارتباطی دشمن راه فرار را برایشان بست وآنگاه از دوجهت به پیشروی پرداخت وسرانجام قوای دشمن رادر ناحیهٔ **اولم** به محاصره انداخت و درست درروز **۲۰** اکتبر زمانی که قوای فرانسه مغلوب نیروی دریایی انگلستان شد قشون اتریش درخواست ترک مخاصمه کرد.

جنگ ایتالیا و حبشه.

درسوم اکتبر **۱۹۳۵** میلادی شروع شد، پس ازسه مرحله نبردسرانجام درماه مهٔ **۱۹۳۶ آدیس آبابا** بتصرف ارتش ایتالیا درآمد.

جنگ بدر. (قرن ۳ه ق)

درهفدهم شعبان، درنزدیکی چاه **بدر** بین پیامبر وپیروانش باکفار مکه جنگی درگرفت که درآن **ابوجهل و عتبه** از سرداران کفار کشته شدند، این جنگ با پیروزی مسلمانان همراه بود.

جنگ بویرها. (۱۸۷۷ ــ ۱۸۸۸ م)

این جنگهاراانگلیسیها برای تصرف مناطق **ترانسوال** وقسمتهای جنوب افریقا بر پاکردند که سرانجام منتهی بشکست بوئرها وتسلط انگلیسیها برمناطق مزبور گردید.

جنگ بین‌الملل اول.

جنگ جهانی اول رابه بینید.

جنگ بین‌الملل دوم.

جنگ جهانی دوم را ببینید.

جنگ پروس بااتریش.

منظور ازاین جنگ بیرون کردن اتریش از اتحاد دولتهای آلمان وایجاد کشور مستقل آلمان بود، که اتریش مانع از تشکیل وحدت این مملکت بود. بهمین جهت **بیسمارک** صدراعظم آلمان ابتدابا امپراتور **فرانسه** وپادشاه **ساردنی** توافق نمود وایشان را متقاعد کرد که درجنگ پروس واتریش به هیچ وجه دخالت نکنند وآنگاه زمینه‌ای پیش آوردوموضوع اتحاد ممالك آلمان را مطرح کـرد وخـروج اتریش را ازاتحادیه خواستار شد لیکن اتریش به مخالفت برخاست واعلان جنگ داد، سرانجام در **۳** ژوییهٔ **۱۸۶۶** قوای پروس که عزم تسخیر **وین** راداشتند، با درخواست صلح اتریش مواجه شدند و در شهر **پراك** معاهدهٔ صلح میان طرفین به امضاء رسید.

جنگ پروس بادانمارك.
(۱۸۶۴م)

چـون دوك نشینهای **شلسویك**، **هلشتاین و لاونبورگ** به موجب قرار دادهای کنگرهٔ وین از آلمان جداشدند بدولت دانمارك پیوستند که پادشاه دانمارك به عنوان دوك در این نواحی حکومت میکرد، **کریستیان نهم** پادشاه دانمارك درصدد تصرف این نواحی برآمد. اما **بیسمارك** به یاری اتریش سپاهی مرکب از سربازان اتریش و پروس به دانمارك فرستاد. این سپاه قوای دانمارك را به سختی درهم شکست وکریستیان نهم را وادار به صلح و چشم پوشی از نواحی سه‌گانه نمود. وبه موجب معاهده‌ای که میان اتریش وپروس منعقدشد **لاونبورگ** ضمیمهٔ خاك پروس گردید و در دودوك‌نشین دیگر مقرر گشت که طرفین مشترکاً دخالت کنند.

جنگ پروس وفرانسه.

این جنگ جهت حصول وحـدت نهایی آلمان بنابه سیاست **بیسمارك** با فرانسه درگیر شد وپروس درصدد بهانه بودتا به دشمن حمله کند. دوك **دوگرامون** وزیر امور خارجهٔ فرانسه نیز نسبت به پروس عداوت شدید ابراز میکـرد. و چون موضوع سلطنت **لئوپولد** پسر عـم پادشاه پروس در اسپانیـا پیش آمد و سرانجام لئوپولدازسلطنت اسپانیا کناره گیری نمود، وزیر خارجهٔ فـرانسه از سفیر پروس در پاریس خواست که پادشاه آن کشور (پروس) نامه‌ای دایربراظهار خرسندی خویش ازکناره‌گیری لئوپولد از سلطنت برای ناپلئون سوم بنویسد. لیکن پادشاه پروس این امر را شایستهٔ مقام خود ندانست و با سفیر فرانسه به خشونت رفتار کرد. وجریان راتلگرافی به بیسمارك که در برلن بود خبر داد. بیسمارك نیز این امررا بهانه ساخته متن تلگراف را به دلخواه خود عوض کردو این امرسبب شد که نفرت شدیدی در آلمان برضد فرانسه و در فرانسه برضد آلمان به وجودآید. ودر ژوییهٔ **۱۸۷۰** فرانسه رسماً به پروس اعلان جنگ داد. نبرد میان طرفین آغاز شد و پروس با سرعت به پیشروی پرداخت ناگهان امپراتور روسیه **آلکساندر دوم** که خواهـرزادهٔ پادشاه پروس بودبه دولت اتریش اخطار نمودکه اگردراین جنگ به یاری فرانسه برخیزدوی نیزاز پروس پشتیبانی خواهد نمود. وبه این ترتیب هیچ یك ازایشان در جنگ شرکت نکردند. قوای پروس پاریس رابه محاصره انداختند وناپلئون

را دستگیر کردند. سرانجام براثر ظهور قحطی، فرانسه به صلح تن درداد و معاهدهٔ **فرانکفورت** میان دولتین بسته شد و بیسمارك به هدف نهایی خود رسید.

جنگ پلتاوا.

شارل دوازدهم پادشاه سوئد که در اندك زمانی به قدرت و فتوحات درخشانی نایل آمده بود بر آن شد که سرزمین پهناور روسیه را ضمیمهٔ متصرفات خویش سازد لذا از پی این تصمیم به تجهیز سپاه پرداخت تقریباً با سی و سه هزار سپاهی درژانویهٔ ۱۷۰۸ میلادی بدان دیار تاخت. پطر کبیر که از تعداد قشون شارل بـه هراس افتاده بود پیشنهاد صلح کرد و اظـهار داشت که کلیهٔ مناطق مفتوحه را به او مسترد گرداند و درعوض پادشاه سوئد بندری را در دریای بالتیك به روسیه واگذار نماید لیکن شارل دوازدهم با این امر موافقت نکرد و به پیشروی خویش ادامه داد. پطر کبیر نیز در مقابل عمل انجام شده قرار گرفت ناچار به فکر چاره افتاد و فرمان داد تا قوای روسیه به داخل کشور عقب نشینی کند و کلیهٔ آذوقه‌ها را که در مسیر پیشروی دشمن قرار دارد نابود کنند. شارل نیز به تصور آنکه دشمن شکست یافته به تعقیب پرداخت لیکن چون زمستان سررسید (۱۷۰۹) سرمای کشندهٔ روسیه عدهٔ زیادی از سربازانش را به هلاکت افکند. چون سپاه وحشت زده و از هم گسیختهٔ شارل به قلعهٔ **پلتاوا** رسید نبرد خونینی در روز ۸ ژوییهٔ ۱۷۰۹ میان طرفین آغاز گردید و سربازان سوئدی که باروتشان رو به اتمام بود ناچار با شمشیر و خنجر می‌جنگیدند. در نتیجه مغلوب قوای روس گردیدند و پادشاه نیز به خاك عثمانی گریخت و چند سال در آنجا به تحریك دولت عثمانی علیه روسیه پرداخت لیکن کاری از پیش نبرد.

جنگ پلوپونزوس.

جنگهایی بود که بین **آتن و اسپارت** از ۴۳۱ تا ۴۰۴ قبل از میلاد درگیر شد. و سرانجام منجر به شکست آتن گشت. این جنگ براثر اختلافی که میان آتن و **کورنت** بر سر اراضی تابعه پیش آمد شروع شد. زیرا کورنت و **تب** از متحدین اسپارت بودند. لیکن عامل دیگری که پیش از اختلاف پیش آمده و نایرهٔ جنگ را مشتعل کرده، خصومت دولتین آتن و اسپارت بود که ریشهٔ عمیق داشت ولی کورنت بر آن دامن زد. در این جنگ پادشاه ایران (داریوش دوم) نیز از فرصت برای تضعیف یونان استفاده کرد و برای آنکه این جنگ به درازا کشد گاهی به آتن و زمانی به اسپارت کمك میکرد. جنگ‌های پلوپونزوس را می‌توان به سه دوره تقسیم نمود:

دورهٔ اول: از حملهٔ اسپارتیها به **آتیك** در سال ۴۳۱ قبل از میلاد آغاز و به شکست قوای اسپارت و متحدینش در دریا و انعقاد قرارداد صلح به سال ۴۲۱ قبل از میلاد ختم می‌شود. از حوادث مهم جنگ دهساله بروز مرض طاعون در آتن بود که قریب به ربع افراد آتنی را از پای درآورد.

دورهٔ دوم: با لشکر کشی **آلکیبیادس** سردار آتنی بـه سیسیل شروع میشود و سرانجام به شکست آتن منتهی میگردد.

دورهٔ سوم: جنگ با تشکیل نیروی دریایی اسپارت و فرماندهی **لوساندروس** بر قوای اسپارت آغاز میگردد و با درهم شکستن قوای بحری و بری آتن در سال ۴۰۴ قبل از میلاد خاتمه مییابد. وبدین ترتیب اسپارت بر دشمن دیرین خویش استیلا یافته برای مدت کوتاهی رهبری یونان را عهده‌دار می‌شود.

جنگهای پونیك.

توجه رومی‌ها به جزیرهٔ **سی‌سی‌لیا** که در تصرف کارتاژها (قرطاجنه) بود عامل مهم بروز یـك سلسله جنـگهای خونین میان روم و کارتاژ گردید. اولین جنگ طرفین در جزیرهٔ سی‌سی‌لیا روی داد و با آنکه در چندنوبت شکست نصیب رومی‌ها گردید ولی سرانجام کـارتاژها مغلوب شدند و به موجب معاهده‌ای که در ۲۴۱ میـان ایشان منعقد گردیـد کارتاژها متعهد شدند که گذشته از جزیرهٔ سی‌سی‌لیا که به تصرف رومی‌ها افتاد در مدت ده سال مبلغ ۲۲۰۰ تالان خراج به دولت روم بپردازند. دورهٔ دوم جنگهای کارتاژ و روم که گرداننده‌اصلی آن **آنیبال** معروف است از ۲۱۸ تا ۲۰۱ پیش از میلاد ادامه یافت.

این جنگ از مهمترین جنگـهای جهان به شمار است. آنیبال فکر تسخیر روم را درمخیلهٔ خویش می‌پرورانید لذا برای انجام این مقصود از راه اسپانیا و جبال پیرنه و آلپ عازم آن دیار گشت و رومیان را در چند نوبت شکست داد اما چون بسیاری از سپاهیانش از پای درآمده بودو از افریقا نیز قوای امدادی برای او نرسید از تصمیم خود منصرف گشت و عازم مملکت خویش گردید. و چون رومیان از افریقا به کارتاژها حمله کردند آنیبال به میدان آمد، لیکن در محل «زافا» قوایش درهم شکست و بار دیگر کارتاژها متعهد شدند که مبلغ ده هزار تالان درمدت نیم قرن به رومی‌ها بپردازند. آخرین نبرد روم و کارتاژ به سال ۱۴۹ پیش از میلاد درگرفت و با اینکه کارتاژها سه بار بر ایشان غالب شدند معذلك فتح نهایی نصیب رومیها گردید.

نبرد ترافالگار.

نبرد دریایی معروفی است که در زمان امپراتوری ناپلئون بزرگ میان فرانسه و اسپانیا از یکسو و انگلستان از طرف دیگر در روز ۲۱ اکتبر ۱۸۰۵ در دمـاغهٔ **ترافالگار** به وقوع پیوست.

فرماندهی قوای فرانسه واسپانیا را در این جنگ «ویلنور» عهده دار بود و نیروی دریایی انگلستان هم تحت رهبری «نلسن» انجام وظیفه می‌نمود. هدف ناپلئون از پیش کشیدن این جنگ، تضعیف نیروی دریایی انگلستان بود. و با آنکه فرانسه و اسپانیا از نظر تعداد ناوهای جنگی بر دشمن تفوق داشتند و «نلسن» نیز براثر اصابت گلوله درا ثنای جنگ از پای درآمد، لیکن نیروی دریایی انگلستان باردیگر برتری خود را حفظ کرد، و بدین ترتیب نقشهٔ امپراتور مقتدر فرانسه با عدم موفقیت روبرو شد.

جنگ تریاك.

(۱۸۳۹ـ۱۸۴۲م)

دولت چین ورود تریاك را منع کرد وانبار تریاك انگلستان را درچین آتش زد و انگلیس به این بهانه به چین حمله برد و قوای چین را شکست داد و با اخذ امتیازات بیشتر تجارت را آزاد کرد و بسیاری از ایالات چین هم به انگلیس واگذار شد.

جنگ جانشینی اتریش.

(۱۷۴۰ ـ ۱۷۴۸م)

این جنگ پس از مرگ امپراتور شارل ششم بر سر جانشینی دخترش ماری ترز بین اتریش و انگلستان و هلند از یك طرف وپروس و فرانسه واسپانی از طرف دیگر روی داد.

سرانجام دول مذکور به امپراتوری شوهر ماری ترز موافقت کردند و سود جنگ متعلق به پروس شد که خاکش را وسعت داد.

جنگهای جانشینی اسپانیا. (۱۷۰۱–۱۷۱۴م)

این جنگها که مدت سیزده سال به طول انجامید در اثر دخالت و اعمال **لویی چهاردهم** پادشاه فرانسه در متصرفات **فیلیپ پنجم** پادشاه اسپانیا به وقوع پیوست ازطرف دیگر ممالك هلند و انگلیس و آلمان نیز جهت جلوگیری از گسترش نفوذ سیاسی فرانسه با یك دیگر متحد شدند و بر فرانسه تاختند و با اینکه چندین بار در اثر پیشروی متحدین، فرانسه خواستار صلح شد لیکن در اثر موافق نبودن شرایط صلح با طبع پادشاه فرانسه این امر تحقق نمی‌یافت. در این بین درداخلهٔ آلمان تصمیماتی اتخاذ گردیده بود که به موجب آن فیلیپ پنجم ازسلطنت معزول میگردید و اسپانیا ومتصرفاتش به فرانسه منضم می‌شد. این امر باسیاست انگلیس مباینت داشت در نتیجه ازصحنهٔ نبرد خارج شد و به دنبال انگلستان مدتی بعد هلند با فرانسه صلح کرد و سرانجام آلمان پس از آنکه به تنهایی مدتی با دشمن به مقابله پرداخت شکست یافته از میدان خارج شد و آنگاه در نتیجهٔ معاهدات «اوترخت» و «راشتاد» نواحی «میلان»، «ساردنی» و «ناپل» به تصرف آلمان در آمد. و «جبل الطارق»، «ارض جدید» ولایات «آکادیا» واطراف خلیج «هودسن» ضمیمهٔ انگلستان شد و «آلزاس» وقسمتی ازنواحی «فلاندر» در اختیار فرانسه قرارگرفت وفیلیپ پنجم هم درمقام سلطنت اسپانیا ثابت ماند.

جنگ جمل. (۳۶ه‍ق)

جنگی بین حضرت علی(ع) و عایشه همسر پیامبر ویارانش چون **طلحه** و **زبیر** در سال ۳۸ هجرت اتفاق افتاد، چون در این جنگ همسر پیامبر سوار بر شتر بود، به جنگ جمل معروف شد.

این جنگ با پیروزی علی (ع) و مرگ طلحه وزبیر همراه بود و علی بن ابیطالب، عایشه همسر پیامبر را با احترام تمام روانهٔ مدینه کرد.

جنگ جهانی اول.

در بیست و هشتم ژوئن ۱۹۱۴م آرشیدوك فرانسوا، **فردیناند** ولیعهد اتریش و زنش که سفری رسمی به **صربستان** کرده بودند در شهر **سرایو** پایتخت بسنی به دست دانشجویی به نام گراویلو **پرنزیپ** کشته شدند، این حادثه بهانهٔ ایجاد جنگ خانمانسوز جهانی اول گشت.

دولت اتریش بلافاصله تقاضای دستگیری قاتل ومحرکین را کرد، اگرچه دولت صربستان فوراً اطاعت کرد وخطر جنگ موقتاً ازمیان برخاست، ولی در ۲۳ ژوئن همانسال دولت اتریش به دولت صربستان اولتیماتوم داد تا درمدت ۴۸ ساعت جمعی ازرجال ومعاریف کشور را از کار برکنار کرده و اجازه دهد مأموران رسمی اتریش در تحقیق موضوع قتل ولیعهد دخالت کنند.

دولت صربستان بخش اول دستور راپذیرفت ولی با توصیهٔ دولت روسیه از مداخلهٔ مأموران رسمی اتریشی جلوگیری کرد ودولت اتریش در ۲۸ ژوییهٔ همان سال به صربستان اعلان جنگ دادوروز بعد **بلگراد** راگلوله باران کرد پس از آن دولتهای بزرگ اروپا با یکدیگر به جنگ برخاستند و دولت اتریش در روز اول اوت نیز به روسیه اعلان جنگ داد وروزبعد به عنوان اینکه هواپیماهای فرانسه نقاط مرزی آلمان را بمباران کرده‌اند با آن دولت ازدرجنگ درآمد دولت اتریش هم درپنجم ماه اوت باروسیه ودریازدهم آن ماه با دولت فرانسه رسماً به جنگ پرداخت.

چون دولت آلمان بی طرفی دولت بلژیك رانقض کرددولت انگلیس هم وارد جنگ شد، تاپایان ماه اوت دولتهای **مونتنگرو** و **ژاپن** نیز برضد آلمان وژاپن وارد جنگ شدند ولی سایر دول اروپایی و آسیایی و آمریکایی بی طرفی اختیار کردند.

مدت جنگ بین المللی اول ۴ سال و ۴ ماه بوده (۱۹۱۴–۱۹۱۸م) ونبردهای این جنگ عبارتند از:

۱ـ نبرد مارشال فش: آلمانیها خواستند با تصرف بنادر فرانسه وبلژیك درسواحل دریای شمال و دریای مانش، روابط فرانسه وانگلستان را قطع کنند ولی با آنکه قسمتهای دیگر بلژیك را تصرف کردند به سبب کوشش و نبرد ماهرانهٔ مارشال **فش** به اینکار موفق نشدند. (۱۹۱۴م)

۲ـ تلاش مارشال گالینی: چون در سال ۱۹۱۴ پاریس درخطر سقوط افتاد، فرانسویان پایتخت را به **بردو** منتقل کردند و ژنرال گالینی دفاع پاریس را بعهده گرفت.

۳ـ نبرد مارن: درسال ۱۹۱۴ سپاه فرانسه شکست سختی به سپاه آلمان داد وآنها را عقب نشانید.

۴ـ جنگ دریایی انگلیس: در سال ۱۹۱۴ زیر دریاییهای آلمان و نیروی دریایی انگلیس در آبهای دریای شمال واقیانوس کبیر وهند به جنگ پرداختند ولی آلمانی‌ها با همهٔ تلاشها و کوششها موفقیت جالبی بدست نیاوردند.

۵ـ عقب نشینی وشکست نیکلای دوم تزار روسیه: در سال ۱۹۱۴ قوای روسیه درجلگه‌های پروس شرقی واتریش شمالی از نیروی آلمانی **هیندنبورگ** و **لودندورف** شکست خورد.

۶ـ پیروزی ژنرال ماکنزی سردار آلمانی: درسال ۱۹۱۵ سپاهیان روس به فرماندهی گراندوك **نیکلایویچ** به خاك مجارستان تاخت ولی از ژنرال **ماکنزی** سردار آلمانی شکست خورد ولهستان از تصرف روس خارج شد.

۷ـ متفقین و تنگهٔ داردانل: متفقین می‌خواستند با تصرف قسطنطنیه و دست یافتن به تنگهٔ داردانل راه آسیای صغیر را برآلمان ببندند و با روسیه از راه دریای سیاه مربوط شوند ولی مقاومت دولت عثمانی با غرق کردن چند کشتی بزرگ متفقین نقشه را باطل کرد.

۸ـ ایتالیا در جنگ جهانی اول، باوجودی که ایتالیا ازمتحدین آلمان و اتریش بود ولی اختلاف روی نواحی **تریست** و **تیرول** ایتالیا را با اتریش به جنگ واداشت (۲۳ مه ۱۹۱۵م) ودر ۲۱ ماه اوت همان سال ایتالیا باعثمانی نیز به جنگ برخاست.

۹ـ تصرف صربستان: ژنرال ماکنزی در نوامبر ۱۹۱۵ صربستان را اشغال کرد.

۱۰ ـ تصرف رومانی: **فالکن هاین وماکنزی** ازسرداران آلمان درسال ۱۹۱۴ رومانی را مغلوب کردند وقسمت بزرگی ازاین کشور را به تصرف درآوردند.

۱۱ ـ دفاع قلعهٔ وردن: مقاومت

دلیرانهٔ ژنرال **ژوفر** رییس ستاد فرانسه و ژنرال **پتن** دافع قلعهٔ **وردن** همهٔ کوششهای سپاه آلمان به‌سرداری ولیعهد آن کشور را عقیم گذاشت و تلفات سنگینی به سپاه آلمان وارد آمد .

۱۲ ـ نبرد سم : درضربتی که قوای متفقین به سپاه آلمان در ناحیهٔ سم وارد آورده بود موقتاً آلمانیها از تصرف آنجا مأیوس شدند ولی در سپتامبر ۱۹۱۶ جنگ سم بقدری شدت گرفت که در این جنگ ۵۰۰ هزار تن آلمانی و ۷۴۰ هزار تن از قوای متفقین کشته شد زیرا دراین جنگ برای اولین بار **تانك** وارد شده بود.

۱۳ ـ جنگ تنگهٔ اسکاژ راك : تنگهٔ اسکاژ راك در شمال دانمارك قراردارد ، درسال ۱۹۱۶ میان نیروی دریایی آلمان و انگلیس کشمکش سختی در این تنگه بعمل آمد وزیانهای زیادی به‌طرفین وارد شد.

۱۴ ـ جنگهای خندقی: درسال ۱۹۱۷ طرفین جنگ برای ایجاد سنگر، خندقهای عمیق می‌کندند ودرآن حفاظمی گرفتند وشکستن این خطوط به قدرت توپخانهٔ طرفین بستگی داشت .

۱۵ ـ اقدامات هیندنبورگ : این سردار آلمانی ازآغاز جنگ تا ماه اوت ۱۹۱۶ فرماندهٔ کل قوای متحدین در جبههٔ شرق بود واز سال ۱۹۱۷ به‌ریاست ستاد ارتش آلمان منصوب شد واز اقدامات او تقویت سپاه وتهیهٔ اسلحهٔ کافی ومهمات تازه‌ای برای جبهه‌های جنگ بود.

۱۷ ـ صلح روسیهٔ شوروی: با انقلابی که در روسیهٔ شوروی به رهبری لنین و تروتسکی روی داد ، حکومت کمونیستی درآن کشور بوجود آمد و با آلمان معاهدهٔ صلح **برست لی توسك** رامنعقد کرد واز میدان بیرون رفت

۱۸ ـ فتوحات جدید درجبههٔ ایتالیا: با معاهدهٔ **برست لی توسك**، سپاه عظیمی از جبههٔ شرق آزاد شد و به سرداری ژنرال **فن بولو** آلمانی وژنرال **کروس** اتریشی به‌ایتالیا حمله کرد و فتوحات درخشانی بدست آورد .

۱۹ ـ خروج اتریش از میدان :در ۱۴ نوامبر سال ۱۹۱۸ اتریش به علت ضعف قوا وخطر تجزیه ازمیدان جنگ خارج شد وبا متفقین صلح کرد .

۲۰ ـ در ۳۲ ژانویهٔ ۱۹۱۷ دولت آلمان اول راضی نبودند لذا مترصد فرصت به آمریکای شمالی اخطار کرد که اگر کشتیهای تجاری به‌سواحل فرانسه وانگلیس بفرستد آنهارا غرق خواهد کرد ، آمریکا، ابتدا روابط سیاسی خودرا با آلمان قطع کرد ودر ۴ فوریهٔ همان سال اعلام جنگ داد وبالاخره ۷ آوریل ۱۹۱۷ رسماً همراه متفقین و برضد متحدین به جنگ وارد شد .

۲۱ ـ ورود کشورهای متخالف درجنگ: درسال ۱۹۱۷ بعداز ورود آمریکا درجنگ دولتهای برزیل،سیام، چین، اوروگوئه، پرو ویونان نیز به متحدین اعلام جنگ کردند .

۲۲ ـ ۳/۵ ملیون سپاه متحد در جبهه‌های جنگ .

لودندورف فرماندهٔ قوای متحدین با جمع کردن قوای آلمانی از جبهه‌های روسیه ورومانی ۳/۵ میلیون سرباز فراهم کرد وبانیروی تمام درجبهه تاخت وتا پاریس پیش رفت .

۲۳ ـ تشکیل فرماندهی کل قوای متفقین : در ماه آوریل ۱۹۱۸ دولتهای انگلیس و فرانسه **ژنرال فش** را به فرماندهی کل قوا انتخاب کردند .

۲۴ ـ کمك انگلیس و آمریکا : در سال ۱۹۱۸ انگلستان یك ملیون و آمریکا ۶۵۰ هزار نفرسرباز به جبههٔ جنگ فرانسه اعزام داشتند .

۲۵ ـ عقب نشینی آلمان: در ۱۸ ژوییهٔ ۱۹۱۸ سپاهیان فرانسه برجناح راست آلمان تاختند و آلمانیهارا ۲۲۰ کیلومتر عقب نشانیدند.

۲۶ ـ نبرد فلاندر: درشب بیست ودوم اکتبر ۱۹۱۸ قوای آلمان درناحیهٔ فلاندر حملهٔ سختی آغاز کرد و با همهٔ رشادتها ناچار به‌عقب نشینی شد .

۲۷ ـ تقاضای متارکهٔ جنگ: بعدازعدم موفقیت در جنگ فلاندر فرماندهٔ کل قوای آلمان از **مارشال فش** تقاضای متارکه جنگ کرد و متارکه در روز دو شنبه یازدهم نوامبر ۱۹۱۸ به‌امضای طرفین رسید .

جنگ جهانی دوم

(۱۹۳۹ـ۱۹۴۵م)

بسیاری ازملل اروپایی وآسیایی ، ازقراردادهای ظالمانهٔ بعدازجنگ جهانی بودند . درسال ۱۹۳۱ ژاپن به منچوری حمله برد وآنرا ازچنگ چین بیرون کشید وبه‌فرمان **موسولینی** لشکر ایتالیا به حبشه تاخت وکشور مزبور را اشغال کرد .

دولت آلمان نازی، در سال ۱۹۳۸ به‌اتریش تاخت و درسال ۱۹۳۹ قسمت اعظم لهستان را متصرف شد .

چون دولت لهستان بافرانسه وانگلیس پیمان همکاری نظامی داشت ، لذا دول فرانسه وانگلیس به‌آلمان اعلان جنگ دادند. درسال ۱۹۳۹ حملات آلمان آغاز جنگ جهانی دوم را اعلام کرد .

جنگ جهانی دوم از اروپا تجاوز کرد وآسیا وافریقا واقیانوسیه را نیزفرا گرفت .

دراین جنگ بااینکه دولت ایران بیطرفی خودرا اعلام کرده بود ،دولتهای اروپا به بیطرفی او وقعی نگذاشتند و برای اجرای هدف خویش وغلبه بردشمن درصدد استفاده ازموقع خاص طبیعی و نظامی کشور ما برآمدند وبه‌همین سبب روزسوم شهریور ماه ۱۳۲۰ قوای شوروی وانگلیس از شمال وجنوب غربی به ایران حمله کردند .

درسال ۱۹۳۹ سپاه **آدولف هیتلر** مرکب از ۷ ملیون سرباز بود .

انگلستان و فرانسه و لهستان نیز مجموعاً درهمین حدود سرباز داشتند.

نیروی دریایی انگلیس و فرانسه ده برابر نیروی دریایی آلمان وعلاوه‌بر این منابع طبیعی وصنعتی آنان خیلی بیشتر ووسیعتر بود .

هنوز یك سال ازشروع جنگ نگذشته بود که آتش آن دامنگیر تمام سیصدوسی ملیون جمعیت اروپای غربی (به‌استثنای سوئد،سویس، پرتغال واسپانی) گردید و دوسال واندی بعد دولت ژاپن وبعدازآن کشورهای متحد آمریکا نیز وارد جنگ شدند وسرانجام قسمت عمدهٔ جمعیت کرهٔ زمین حتی ساکنان جزایر دور افتادهٔ اقیانوسیه وقلب افریقا و مناطق قطبی گرفتار این طوفان گشتند . جنگ جهانی دوم را درچند قسمت شرح میدهیم :

۱ ـ تقاضای متارکهٔ جنگ توسط مارشال پتن . باحملهٔ سال ۱۹۳۹ آلمان نازی به **دالان دانت سیك** و تصرف قسمت اعظم لهستان وعقب نشینی قوای فرانسه و انگلیس از **فلاندر** ، **مارشال پتن** نخست ـ

وزیر وقت فرانسه تقاضای متارکه نمود.

۲ـ مقاومت **دوگل**، ژنرال دوگل که دولت آزاد تشکیل داده بودمانع سقوط مستعمرات فرانسه شد.

۳ـ بمباران انگلستان، درمدت ۷ ماه درفاصلهٔ ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۱ نیروی هوایی هیتلر شهرهای بزرگ انگلستان را بمباران کرد و ۵۰ هزار نفر ازافراد غیرنظامی راکشت.

۴ـ شکست قوای **موسولینی**، ازفاصلهٔ سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۱ در سرزمین لیبی قوای ایتالیا ازبریتانیا شکست خورد.

۵ـ حمله به خاک اصلی **روسیه**، درهمین سال قوای آلمان تاقلب روسیه پیش رفت زیرا بـه معـادن نفت قفقاز احتیـاج داشت.

۶ـ **منشور آتلانتیک**؛ درسال ۱۹۴۱ **چرچیل** نخست وزیرانگلیس و **روزولت** رییس جمهوری آمریکا درداخل یك ناوـشکن، در اقیانوس اطلس باهم ملاقات کردنـد و **منشور آتلانتیک** را طرح کردند.

۷ـ درسال ۱۹۴۲، زیردریاییهای هیتلر به کشتیهای آمریکا حمله بردند، لذا روزولت نیز دستور داد، **منتظر حمله نشوید و در تیراندازی پیشدستی کنید.**

۸ـ **حملهٔ ژاپن** به قوای آمریکا، درسال ۱۹۴۲ قوای ژاپن چندیـن ناو جنگی آمریکا را غرق کرد وتقریباً قسمت اعظم هواپیماهای آمریکا را نابود ساخت.

۹ـ **جنگ العلمین**، درسال ۱۹۴۲ قوای آلمان به فرماندهی رومل تاقلب مصر رسید ونزدیك بود بر ترعهٔ سوئز دست یابند که قوای انگلیس بـا تلاشی عظیم نیروی رومل را در شمال آفریقا در هم شکست.

۱۰ـ **نبرد استالینگراد**؛ ازیازدهم سپتامبر تادوم فوریه، شهر استالینگراددر محاصرهٔ قوای آلمان بودومردم خانه به خانه می‌جنگیدندومقاومت می‌کردندوخیابانها میدان جنگ وحشتناکی شده بود.

۱۱ـ **امنیت دردریای مدیترانه**، باتلفات عظیم، انگلیس وآمریکا به سال ۱۹۴۲ دریای مدیترانه‌ازوجود آلمانیها پاك شد وتوانستند ازآنجا بهتر به آلمان حمله برند.

۱۲ـ **کنفرانس تهران**، دردسامبر ۱۹۴۳ روزولت و چرچیل واستالین درتهـران کنفرانسی تشکیل دادندکه برای حملهٔ نهایی به آلمان طرح واحدی بوجود آورند.

۱۳ـ به‌استناد طرح تهران، متفقین ۳۳۶۰۰۰ تن بمب برکارخانه‌ها وراههای ارتباطی آلمان فروریختند.

۱۴ـ **حمله به باختر اروپا**، بزرگترین ضربت برپیکر قوای آلمان نازی درسال ۱۹۴۴ وارد آمد، متعاقب آن در ششم ژوئن قوای متفقین درشمال فرانسه پیاده شد، دراین حمله یازده هزار هواپیما بکار آمد.

۱۵ـ **ضربت به قوای ژاپن**، درسال ۱۹۴۴ نیروی امریکا ضربت شدیدی به قوای ژاپن دراقیانوس کبیر وارد آورد و ژاپن مجبور به عقب نشینی شد.

۱۶ـ **آیزنهاور وقوای آلمان**، فرمانده ارتش متفقین یعنی ژنرال آیزنهاور و **مونتگمری** درسال ۱۹۴۵ بـه قـوای پراکندهٔ آلمان شکست سختی وارد آورده و در آوریل ۱۹۴۵ برلین را تصـرف کردند.

۱۷ـ فرمان تسلیم ازطرف دریاسالار **دونیتز**؛ درسال ۱۹۶۵ جانشین هیتلر یعنی دونیتز به همهٔ قوای آلمانی دستور تسلیم داد و پیمان نامهٔ تسلیم در ۸ مه ۱۹۴۵ (۱۸ اردیبهیشت ۱۳۲۴) به امضا رسید.

۱۸ـ **استعمال بمب اتم**؛ به‌دستور دولت آمریکا برای اولین بار برروی دو شهر پرجمعیت **هیروشیما** و **ناکازاکی** بمب اتم فروریختند ودراوت ۱۹۴۵ باتسلیم شدن ژاپن جنگ بپایان رسید.

غزوهٔ خندق (۵ هـ ق)

درماه شوال سال پنجم هجری قمری کفار مکه به‌سرداری **عمرو بن عبدود** که‌از مردان شجاع روزگار بود برای خاتمه دادن به کار مسلمانان عازم مدینه شدند. مسلمانان به اشارهٔ **سلمان فارسی** دورشهر خندقی حفر کردند پیامبر باسپاهیان اسلام ازشهر خارج شدند، و ۲۰ روز جنگ طول کشید، عمروبن عبدود به دست علی (ع) کشته شد وکفار منهزماً عقب نشستند.

جنگ خیبر (۷ هـ ق)

یکی از غزوات پیامبر درمحل خیبر (واحه‌ای در ۱۶۰ کیلومتری شهـر مدینه) که بارشادتهای علی (ع) بافتـح مسلمانان پایان پذیرفت، طرف این جنگ یهودیان ساکن قلعهٔ مستحکم خیبر بودند کـه مدتها پس از شکست به مسلمانان جزیه می‌دادند

جنگ دهساله.

(۱۸۶۸ـ۱۸۷۸م)

کوباییها برای رهایی از بارمالیاتهای سنگین اسپانیا به این جنگ پرداختند و سرکوب شد.

غزوهٔ ذات الامر.

یکی ازغزوه‌های پیغمبر (ص). گروهی عرب از **بنی سلیم و بنی غطفان** در جایگاهی به نام ذی‌امر گرد آمده بودند چون پیغمبر ترسید که ایشان بر مدینه شبیخون کنند برایشـان تاختن کرد، آنان بگریختند. پیغمبر بازگشت وکسانی را به کشتن **کعب بن اشرف** فرستاد. آنان‌ویرا بکشتند وبازگشتند.

جنگهای ردة.

این‌جنگها توسط **خالدبن‌ولید** در زمان ابوبکر خلیفهٔ راشدین علیه قبایلی که از اسلام برگشته بودند صورت گرفت.

جنگ روسیه وژاپن.

کشورهای اروپایی با استفاده از ضعف دولت چین هر کدام قسمتی از خاك آنرا تصرف کردند.

دولت روسیه بندر **ولادی‌وستك**، وقسمتی از **سواحل منچوری** و جزیرهٔ ساخالین وبندر **پرت آرتور** را به‌صورتهای مختلف اشغال کرد.

میهن‌پرستان چین برای مبارزه با این تجاوز، بیش از ۲۰۰ تن از اتباع خارجی را کشتند ودولتهای بزرگ بـا موافقت ژاپن لشکری به چین فرستادند وشورشیان را شکست دادند و از دولت چین غرامت جنگ هم گرفتند ودرمقابل استقلال چین راضمانت کردند (۱۹۰۱م).

دولت روسیه مجدداً با مداخلات خود، بندر **پورت آرتور** را به بندر نظامی تبدیل کرد ودولت **ژاپن** باانگلیس وچین علیه روسیه قراردادی بست و ابتدا به روسیه تذکرداد تا خاك منچوری را تخلیه کند ولی چون روسیه بی‌اعتنایی کرد درسال ۱۹۰۴ با قوای روسیه به جنگ پرداخت دولت روسیه تلفات سنگینی دادوباازدست دادن قسمتی ازمتصرفات چینی خودصلح کرد.

جنگهای روم وقرطاجنه

جنگهای پونیك را به‌بینید.

جنگ سال ۱۵۰۹.

جنگهای روسیه وژاپن را به‌بینید.

جنگ سال ۱۸۱۲ .

دراین جنگ **ناپلئون کبیر** با ۳۵۰ هزار سپاه به‌روسیه تاخت وتامسکو پیش رفت وآن شهررا اشغال کرد ، به‌دستور **مارشال کوتوزوف** فرماندهٔ قوای روسی، مسکو طعمهٔ حریق شد ، سپاهیان ناپلئون به‌علت کمی آذوقه و فرا رسیدن زمستان مجبور به بازگشت شدند،دراین اردوکشی بیش از ۲۵۰ هزار نفر سرباز و افسر فرانسوی ازشدت سرما و فقدان آذوقه و حملات سپاه روسیه ازپای درآمدند .

جنگ سر پیچی .

جنگ داخلی آمریکا را به‌بینید.

جنگهای سلوکی .

جنگهای دورهٔ اشکانیان را به بینید

جنگ زاب.

ابومسلم خراسانی دراین جنگ با شکست قطعی سپاه **مروان** دمشق رامتصرف شدو عبدالله سفاح را به‌خلافت نشانید .

نبرد زاما.

جنگی بین **آنیبال** سردار کارتاژ و **سی‌پیو** سردار رومی درسال ۲۰۲ ق‌م.که در این جنگ کارتاژشکست خورد .

جنگ سولفورینو.

گردانندهٔ اصلی این جنگ **کاوور** بودزیرا وی از جملهٔ کسانی بودکه‌طالب استقلال ایتالیا بود وبرای نیل به‌مقصود ابتدا قوایی‌جهت کمك به‌سپاهیان فرانسوی به شبه‌جزیرهٔ کریمه گسیل داشت وآنگاه درکنگرهٔ پاریس شرکت‌جست‌وازنزدیك با **ناپلئون سوم** تماس حاصل نمود و نظریات خود را دایر بر ایجاد زمینهٔ استقلال‌وطنش‌اظهار داشت،ناپلئون‌بنابر سیاست شخصی کمر بـه حمایت از مردم ایتالیا بست ودرنتیجه‌پیمان میان‌دولتین منعقدگردید کـه بمـوجب آن فرانسه پشتیبانی خود را از ایتالیا درجنگ با اتریش اعـلام‌داشت، **ویکتور امانوئل** پادشاه ساردنی با جلب ایـن دوستی به تقویت قوا پرداخت لیکن چون این‌امر مخالف مصالح سیاسی و نظامی اتریش بود در ۲۳ آوریل ۱۸۵۹ طـی اتمام حجتی از ویکتورامانوئل خواستارشدتا در ظرف سه روز ازقدرت نظامی خویش بکاهد . چون این اولتیماتوم از جانب پادشاه ساردنی پذیرفته‌نشداتریش‌جنگ راآغاز نمود . لیکن فرانسه نیز همان روز به‌یاری متحد خودآمد وواردمیدان نبرد شداین جنگ دوماه به‌طول‌انجامید که صحنه‌های خونین‌نبرد در سولفورینو و ماژنتا اتفاق افتاد و سرانجام نبرد نهایی در روز ۲۴ ژوئن ۱۸۵۹ به‌سود فرانسه و متحدش خاتمه یافت وقرارداد صلح در شهر **ویلافرانکا** با شرکت **فرانسواژوزف** امپراتوراتریش‌و**ناپلئون سوم** منعقد گـردید که به مـوجب آن سرزمین **لمباردی** از اتریش گرفته شد و به ساردنی واگذارگردید .

جنگهای‌سی‌ساله .

این جنگها از ۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸ در اروپا آغاز گردیدکه علل چندی‌برای ظهورآن میتوان ذکر کرد.ازجمله‌عوامل مذهبی، اختلافات‌ارضی ، وکشمکش‌های خاندان سلطنتی میباشد . میدان نبـرد بیشتر درآلمان بود . امـا علت اصلی این جنگها جاه طلبی **فردیناند دوم** امپراتور آلمان بود که در نظر داشت تمام آلمان را تحت حکومت واحـدی درآورد سلطنت را در خاندان خـویش موروثی گرداند . لذادرصدد برانداختن پیروان‌مذهب پروتستان که‌اکثریت مردم آلمان را تشکیل میداد ، برآمد ولی چون اقدامات او باحفظ استقلال سیاسی فرانسه مغایرت داشت بهمین جهت این جنگهای‌خونین‌آغاز گردیدو آنگاه‌ممالك دیگر اروپایی وارد جنگ‌شدند ودرسال ۱۶۴۸ به‌پیروزی فرانسه منجرگردید. ومعاهدهٔ **وستفالی** و ، **پیرنه** مـیان‌دول متخاصم منعقدگردیدکه به موجب آن و **آلزاس** وشهرهای مس ، وردن وقسمتی ازولایات‌**فلاندر** وناحیهٔ‌روسیون‌به‌تصرف فرانسه درآمد .

نبرد شاپلو .

جنگ داخلی آمریکا را به‌بینید .

جنگ‌شبه جزیره .

(۱۸۰۸ ـ ۱۸۱۴م)

جنگی بین فرانسه از یك طرف ، بریتانیا و پرتغالیها وشورشیان اسپانیا از طرف دیگر . اگرچه درابتدا فرانسه موفقیت‌هایی‌بدست‌آوردو ناپلئون برادر خودرابه‌پادشاه اسپانیارسانید ولی‌نتیجهٔ نهایی‌این جنگ‌سقوط ناپلئون وبالارفتن اعتبارانگلیس بود .

جنگ‌شمالی .

(۱۷۰۰ ـ ۱۷۲۱م)

مـایهٔ این جنگ رقابت پطر کبیر پادشاه روسیه وکارل دوازده پادشاه‌سوئد برسر تسلط نواحی بالتیك بودکه‌پس‌از کشمکش طولانی با دخـالت کشورهای مختلف روسیه‌پیروزشد وبعضی ازنواحی و ایالات را از سوئدگرفت .

جنگهای صد ساله .

تقریباً ازآغازکار سلسلهٔ **والوا** در فرانسه‌آغاز شده وتا فتح قسطنطنیه‌ادامه داشته است وباایام متارکه برروی‌هم صد سال طول‌کشیده است .

علت جنگهای صدساله ، اعتـراض **ادوارد سوم** پادشاه‌انگلیس‌برای‌روی‌کار آمدن سلسله **والوا** بود.

انگلیسیها بااستفاده‌از ضعف‌اداری **شارل‌ششم** پادشاه‌فرانسه‌واردخاك‌فرانسه شدند ، وضع فرانسه‌بقدری‌آشوب بودکه در یك روز دونفر ادعای سلطنت‌کرد و دولت روبه زوال می‌رفت، دختری دلیر به‌نام‌**ژاندارك** ظهور کردوپس ازفتوحات چند ، تاجگذاری شارل هفتم را مطابق قوانین فرانسویان انجام داد وبـه‌کمك مردم دیگر فـرانسه شهر **اورلئان** را ازمحاصرهٔ انگلیسیها خارج کردوتا پاریس پیش‌آمد، امادرمقابل‌پاریس‌شکست‌خورد وبه دست یك عده‌از فرانسویان **مخالف** شارل به انگلیسیها فروخته شد و ایشان اورا به عنوان اینکه مرتد است درآتش سوزاندند .

کشته شدن ژاندارك ملت‌فرانسه‌را به هیجان‌آورد و با اتحاد با یکدیـگر انگلیسیها را از فرانسه خارج‌کردند و تنها بندر **کاله** دردست ایشان باقی‌ماند.

جنگهای صد ساله اگرچه ازجهت خرابی و قتل وغارت برای فرانسه‌ضرر بسیار داشت اما دونتیجهٔ بزرگ برای فرانسه‌حاصل کرد:یکی‌اخراج انگلیسیها از فرانسه ودیگری‌بیدار شدن حس ملی وعلاقمندی به‌کشور .

جنگهای صلیبی .

(۴۸۹ ـ ۵۸۴ ﻫ ق)

اورشلیم یا بیت‌المقدس شهر مذهبی یهود ونصارا،کنیسهٔ اعظم یهود و مدفن عیسی مسیح درایام خلافت عمربن‌خطاب بدست مسلمانان فتح‌شد ، اوخودازمدینه به‌اورشلیم‌آمدوشهررا ازمدافعانش‌تحویل گرفت و بعنوان نخستین مسلمان بشهر درآمد وبامسلمانان نمازگزارد وقتی‌در قرون چهارم وپنجم براثر تجزیهٔ دولت

اسلامی پیشرفت مسلمانان در اروپا متوقف شد، مسیحیان درصدد تعرض و پس گرفتن ممالك از دست رفتهٔ خویش برآمدند و جنگها و تعرضات آنها موجب پیدایش فرق مذهبی متعصب مانند مرابطین و موحدین گردید و کار را بر مسیحیان دشوار کرد و زائران مسیحی اروپا از زیارت بیت‌المقدس باز ماندند. امراء و حکام مسیحی که قلمرو خود را درخطر می‌دیدند وچشم طمع بشهرهای ثروتمند مسلمان داشته ازاحساسات مذهبی مسیحیان استفاده کردند و آنان را به آزاد کردن بیت‌المقدس تحریك کردند، نخستین لشکرکشی آنان که بهمت پطر گوشه‌گیر و والتر بی‌پول به آسیای صغیر صورت گرفت که با انهدام کامل لشکرشان انجامید (۴۹۰ ــ ۴۸۹م)، آنگاه جمعی از امراء دنبالهٔ این لشکرکشی را گرفتند وسرانجام درسال ۴۹۴ موفق به فتح بیت‌المقدس شدند. در سال ۵۸۳ صلاح‌الدین ایوبی دولت مسیحی بیت‌المقدس را برانداخت ومسیحیان را تقریباً از آسیا وافریقا بیرون راند این امر سبب تحریك مسیحیان اروپایی شد وسلاطین فرانسه وانگلیس و آلمان بجنگ صلاح‌الدین ایوبی شتافتند ولی پس از مدتها زدوخورد کاری از پیش نبردند و بیت‌المقدس همچنان دردست مسلمانان باقی ماند این جنگها سبب اختلاط ملل مختلف با یکدیگر وموجب تبادل افکار وعقاید ایشان شد وددر اروپا اثرهای عظیمی بجا گذاشت.

جنگ صفین.

این جنگ درصفر سال ۳۷ هجری قمری میان علی بن ابیطالب ومعاویه در محل صفین نزدیك شام اتفاق افتاد ودر عرض صدوده روز توقف طرفین دراین ناحیه نودبار متخاصمین دربرابر یکدیگر ایستادگی نموده به زدوخورد پرداختند وسرانجام معاویه حضرت علی(ع) را به متارکهٔ جنگ دعوت نمود.

غزوات پیامبر.

جنگهای مسلمانان با کفار که پیامبر در آنها حضور داشتند غزوات نامیده می‌شود.

پیامبر بعد از هجرت بیش از بیست بار با کفار جنگید، مهمترین آنها بشرح زیر است:

۱ ــ جنگ بدر	سال ۲ هجری
۲ ــ جنگ احد	سال ۳ «
۳ ــ جنگ خندق	سال ۵ هجری
۴ ــ جنگ خیبر	سال ۷ «
۵ ــ فتح مکه	سال ۸ «

فتح‌الفتوح.

جنگ قادسیه را به بینید.

فتح قسطنطنیه.

از بدو تأسیس دولت عثمانی درجوار شهر قسطنطنیه همواره مطمح‌نظر سران عثمانی بود واین امر امپراتوران روم را سخت متوحش نموده وسبب شده بود که با این دولت راه مسالمت در پیش گیرند، لیکن در سال ۷۹۷ هجری ازطرف **ایلدرم سلطان بایزید** وباردیگر درسال ۸۲۵ هجری نیز قسطنطنیه مورد تجاوز سلاطین عثمانی قرارگرفت وبه محاصره درآمد ولی کاری از پیش نبردند اما سلطان **محمد دوم** معروف به **محمد فاتح** در ۲۰ جمادی‌الآخر ۸۵۷ هجری قمری امپراتور روم را بهزانو درآورد و دروازه‌های شهر را برسپاهیان عثمانی گشود واز آن پس قسطنطنیه به پایتختی امپراتوری بزرگ عثمانی انتخاب شده نامش به استانبول تغییر یافت.

جنگ قطوان.

درسال ۵۳۶ هجری قمری بین سلطان سنجر و گورخان قراختایی جنگی درگرفت که سلطان سنجر شکست خورد.

نبرد کان.

جنگی بین **آنیبال** سردار کارتاژی و **سی‌پیو** سردار رومی درقرن سوم قبل ازمیلاد که در این جنگ رومیها شکست خوردند.

جنگ کره.

شبه‌جزیرهٔ کره ازدیرباز مورد توجه ممالك چین وژاپن بود وهر دو کشور سعی داشتند نفوذ سیاسی خویش را دراین شبه جزیره گسترش دهند وهمین امر سبب شد اختلافات طرفین ومانع اعمال نفوذ ایشان در این منطقه بشود لذا درنتیجهٔ سازشی که میان چین وژاپن به وجود آمد دولتین توافق نمودند که کره را مشترکاً اداره کنند. اما باطناً هریك ازاین دو کشور در پی فرصت بودتا برحریف بتازد. این موقعیت در سال ۱۸۹۴ براثر افزایش قوای نظامی چین درشبه جزیرهٔ کره به دست ژاپن افتاد ونبردی که ازمدتها پیش انتظارش میرفت آغاز شده وسرانجام به شکست چین وانعقاد معاهدهٔ **شی‌مونوزکی** درسال ۱۸۹۵ منجر گردید که بموجب آن بنادر **پرت‌آرتور** و **ویهایوی** همچنین جزیرهٔ **فرمز** ضمیمهٔ ژاپون شد ومبلغی هم بعنوان غرامت، چین به دولت ژاپن پرداخت نمود.

جنگ کریمه.

نیکلای اول امپراتور روسیه در سال ۱۸۵۴ برای توسعهٔ قدرت درعثمانی به ولایات **والاشی و مولداوی** (واقع درشبه جزیرهٔ بالکان) لشکرکشید اما دولتهای انگلیس وفرانسه و ساردنی که مخالف پیشرفت روسیه به سوی مدیترانه بودند، به کمك دولت عثمانی برخاسته برضد قوای نیکلا به جنگ پرداختند. این جنگ دوسال بطول انجامید وچون میدان نبرد بیشتر در شبه جزیرهٔ کریمه بود به جنگهای کریمه معروف شد، دولت فرانسه در این جنگ نقش بزرگی داشت و ژنرال **پلیسیه** سردار باکفایت فرانسه قلعهٔ سباستوپول را ازروسیه گرفت ونیکلای اول ازقوای متحدین چنان بسختی شکست خورد که ازفرط تأثر جان سپرد.

نبرد لوتین.

درسال ۱۷۵۷ بین **فردریك دوم** پادشاه پروس وقوای اتریش به فرماندهی شاهزاده **لورن** واقع شد قوای اتریش ۸۰ هزار نفر وقوای پروس ۵۰ هزار نفر جنگ در حوالی **برن** واقع، نبرد بنفع فردریك خاتمه یافت.

جنگ لوتزن.

بین ارتش سوئد به فرماندهی ــ **گوستاو ادلف** وارتش آلمان به فرماندهی ژنرال والنشتین در روی جادهٔ لایپزیك واقع شد که بنفع ارتش سوئد واشغال **لوتزن** خاتمه یافت.

فتح مکه (۸ هق)

درماه رمضان سال هشتم هجرت، پیامبر اسلام با بیش ازده هزار نفر مسلمان مجاهد عازم مکه شد، پس از درهم کوبیدن سپاه کفار شهر را فتح کرد وبه خانهٔ کعبه وارد شد، بتهارا شکست وبنیاد زیارت خانهٔ کعبه ومسئلهٔ حج را پی‌ریخت وپس ازمدت کوتاهی به مدینه بازگشت.

دراین جنگ وبااین پیروزی تمام مردم مکه مسلمان شدند.

جنگ میراث.

جنگ انتقال را به بینید.

جنگ نهروان.

جنگ علی (ع) با خوارج است که به پیروزی علی(ع) و یارانش ختم شد،

دراین جنگ بیش از ۱۵۰۰ تن ازخوارج کشته شدند .

نبرد واترلو. (۱۸۱۵ م)

ناپلئون پس ازبازگشت از **آلپ** با ۱۲۵ هزار سربازو ۳۵۰ توپ آمادهٔ جنگ شد ، ارتشهای انگلیس وروس و پروس درمیدان **واترلو** به قوای ناپلئون شکست سختی واردآوردندواو با وجود رشادت سپاه گارد، شکست‌خورد وازکار برکنارو به سنت هلن تبعیدگردید .

جنگهای **وراثت** .

جنگهای جانشینی‌را به‌بینید.

جنگ‌های‌هفت‌ساله.

(۱۷۵۶ـ۱۷۶۳م)

در زمان **لویی پانزدهم** بین فرانسه و اتریش ، روسیه با انگلیس وآلمان جنگ‌هایی درگرفت که منجر به انعقاد **عهدنامهٔ پاریس** گردید و به موجب آن فرانسه‌از مستعمرات خود در **هندوستان** و **کانادا** چشم‌پوشید و **سیلزی** نیزازفرانسه جدا وضمیمهٔ آلمان گردید .

جنگهای‌هفت ساله.

(۶۷۴ـ۶۸۰م)

جنگهـای اعراب با روم‌شرقی‌بود. دراین جنگها برای نخستین باررومیها از تیرهای آتشین علیهٔ اعراب استفاده کردند .

جنگ یرموك .

بزرگترین جنگ عرب مسلمان در زمان خلافت ابوبکر بارومیان می‌باشد. سردار اسلامی ابوعبیدهٔ جراح بود و مسلمین فاتح شدند وسراسرشام وفلسطین را به‌تصرف درآوردند . دراین‌زمان بر **بیت‌المقدس** نیزدست یافتند .

سرداران‌جنگی‌جهان

آتاتورك، مصطفی‌کمال پاشا، رهبر ترکها دراستقلال ترکیه .

آتیلا: سردارهون.

آرکادیوس: نخستین امپراتور روم‌شرقی درقرن چهارم .

آریو برزن: سردارایران‌درزمان‌داریوش سوم هخامنشی .

آشوربانیپال: سرداربابلی.

آغامحمد خان قاجار : سردار و سلطان قاجاریه .

آقشاه : سردارمعروف‌سلطان جلال‌الدین منکبرنی .

آمیلقاربرقا: سردارقرطاجنه (کارتاژ).

آنتونیوس: سردار رومی .

آنیبال : سردار کارتاژی در قـرن دوم میلادی .

آیزنهاور، ژنرال ، سردارآمریکایی در جنگ جهانی‌دوم.

ابن‌ضیاره: یکی ازسرداران بنی‌امیه .

ابن‌ماهان ، علی‌بن‌عیسی ، سردار امین خلیفهٔ عباسی .

ابوعبدالله‌بن‌شعبه: از سرداران‌ابومسلم خراسانی .

ابوعبیدهٔ‌ثقفی: سردار عرب درجنگ‌پل (ایران‌وعرب).

ابوعبیدهٔ‌جراح: سردار عرب در جنگ یرموك .

ابوعون : یکی از سرداران ابومسلم خراسانی

ابومسلم‌خراسانی: سردارایرانی‌ومنتقل کنندهٔ خلافت به‌عباسیان .

احمدپاشا: سردار عثمانی دورهٔ نادرشاه افشار.

احمدپاشا : ازسرداران‌عثمانی در دورهٔ حکومت اشرف افغان .

احمد خان ابدالی : سردار افغانها و ازیکان درعصر نادرشاه افشار .

اخشنوار : پادشاه هیاطله در قرن پنجم میلادی .

ارد اول : پادشاه اشکانی .

اردشیر بابکان : پادشاه سلسلهٔ ساسانی .

اردشیر درازدست: ازپادشاهان‌هخامنشی.

ارشك : سر سلسلهٔ اشکانیان .

اریستوف : سردار روسی دردورهٔ فتحعلی شاه قاجار .

استالین : سردار روسیهٔ شوروی در جنگ جهانی دوم .

اسکندر کبیر : پادشاه جهانگشـای مقدونیه .

اسماعیل صفوی: سرداروپادشاه صفوی.

اشرف‌افغان : از سرداران افغانی .

افشین (خیذر) : از سرداران ایرانی دورهٔ عباسیان .

اکتاویوس (Octavius) : سردار رومی درقرن اول قبل ازمیلاد .

اگتای : پسر چنگیز و از سرداران مغول .

الله وردیخان : سردارشاه‌عباس صفوی .

اللهیارخان : سردار افغانی در دورهٔ نادرشاه افشار .

الیناق: سردارتگوداراپلخان مغول.

امان الله خان : سردار افغانی همراه محمود افغان .

اوزلاغشاه : سرداروبرادر سلطان‌جلال‌الدین خوارزمشاه .

اوگوست، فیلیپ ، از سرداران جنگ سوم صلیبی .

ایرنویچ، میلوخ، سردار یوگوسلاوی‌در درتحصیل استقلال .

بابك خرمی : از سرداران ایران در زمان خلافت معتصم‌عباسی .

باقرخان : سالار ملی دورهٔ مشروطیت ایران .

بطلمیوس : سردار اسکندر و مؤسس بطالسه .

بگتوزون : از سرداران منصور خلیفهٔ عباسی .

بناپارت ، ناپلئون : سردار معروف فرانسه .

بویه، سپهبد، سرداردورهٔ قباد ساسانی .

بهرام چوبین : سردار پادشاه ساسانی.

بهمن : سردار ایرانی در جنگ پل (ایران‌وعرب) .

پاسکیویچ (Paskievitch) : سردار روسی دردورهٔ فتحعلی‌شاه قاجار.

پتن، ژنرال ، سردار فرانسوی در جنگ جهانی اول ورییس جمهور.

پلیسیه، ژنرال ، سردار فرانسوی وفاتح قلعهٔ سباستوپول (۸سپتامبر ۱۸۵۵م) .

پوزانیاس(Pausanias): پادشاه‌اسپارت وسردار جنگ‌پلاته.

پومپه(Pompée) : سردار رومی .

تایانگو : سردار گورخان در جنگ با خوارزمشاهیان .

ترایانوس (Trajanus) : امپراتور و سردار رومی درقرن اول میلادی

ترمسوف : سردار روسـی در دورهٔ قاجاریه .

توپال عثمان پاشا : سردار عثمانی در زمان نادرشاه افشار .

تولی : پسر چنگیز وازسرداران‌مغول.

تیمورلنگ : از جهانگشایان روزگار بود .

تیمورملك : از سرداران شجاع سلطان جلال‌الدین منکبرنی .

تیگران: سردار بلاش سوم اشکانی.

ثقفی، ابوعبیده : سردار عرب درجنگ پل (ایران وعرب).

جبه‌نویان : سردار چنگیزمغول .

جغتای: پسر چنگیز، از سرداران‌مغول.

جوجی : پسر چنگیز و از سرداران مغول .
جوهر بن مزار : سردار منصور خلیفهٔ عباسی .
چانکای چك : سردار چینی .
چرچیل : سردار انگلیسی در جنگ جهانی دوم .
چنگیزخان مغول : از جهانگشایان روزگار .
حاجی بیك افشار : سردار نادر شاه افشار .
حجاج بن یوسف : از سرداران دورهٔ بنی امیه .
حسین بن علی(ع) : از شجاعان روزگار وقهرمان جنگ صحرای کربلا .
حمزه : عموی پیامبر اسلام وازجنگ‌آوران روزگار .
خالدبن‌ولید : سردار عرب در جنگ زنجیر (ایران وعرب) .
خشایارشا : از پادشاهان هخامنشی .
خلیل‌پاشا : سردار عثمانی درقرن ۱۱ ه ق .
حمزه میرزا حشمت الدوله : سردار دورهٔ‌قاجاریه .
خیذر، (افشین) : از سرداران ایرانی دورهٔ عباسی.
داریوش‌کبیر : ازپادشاهان هخامنشی .
دلامارموړا : فرماندهٔ سپاه اتریش در جنگ با فرانسه و ساردنی . (قرن ۱۹م) .
دوگل، ژنرال: سردار نامی فرانسه .
دولو ، مهدیقلی خان : سردار دورهٔ فتحعلی شاه قاجار .
ذوالفقارخان : سردار افغانی در دورهٔ نادرشاه افشار .
رامسس دوم (Ramses)**:** فرعون‌مصر.
راولینسون (Rauwlinson) **:** افسر انگلیسی درخدمت ایران .
رستم خان زند : ازسرداران زندیه.
رستم خان سرتیپ : سردار شاه سلطان حسین صفوی .
رستم‌فرخزاد : سردار ایرانی درجنگ قادسیه (ایران وعرب).
رضاشاه‌کبیر: سردارایرانی‌وسرسلسهٔ‌پهلوی.
رضاقلی میرزا : پسر وسردار نادرشاه افشار .
روزولت : رییس‌جمهورآمریکا درجنگ جهانی دوم .
رومل، فیلد مارشال : فرماندهٔ نیروی آلمان نازی .
رویفلر (Ruyflere)، امیرالبحراسپانیا درخلیج فارس.
ریشارد شیردل : سردار جنگهای صلیبی .
زبر دست خان : از سرداران افغان
زکی خان زند : سردار کریمخان زند .
ژاندارك (Jeanne D'arc) : دوشیزهٔ فرانسوی رهبر انقلابیون آن‌کشورعلیهٔ اشغال انگلیسی‌ها در زمان شارل‌ششم پادشاه فرانسه .
سبتای‌بهادر : از سرداران چنگیزخان مغول .
سپهرداد : سردار وداماد داریوش سوم. سردار جنگ گرانیکوس .
ستار خان : سردار ملی مشروطیت ایران .
سعدبن ابی‌وقاص : سردارعرب درجنگ قادسیه (ایران وعرب) .
سلوکوس : سرداراسکندرومؤسس‌سلسله سلوکی .
سلیمان خان‌قانونی : سلطان و سردار عثمانی
سنجرسلجوقی: از پادشاهان وسرداران سلجوقی .
سوخرا،زرمهر: سردارایرانی در رورهٔ فیروزشاه‌ساسانی .
سورنا : سپهسالار ایرانی در دورهٔ ارد اول اشکانی .
سولا : سردار رومی درقرن اول قبل از میلاد .
سونج : یکی از امرای ابوسعید بهادر، ایلخان مغول .
سیاووش: سردارقباد اول ساسانی .
سی‌پیو : (Scipio) . سردار وکنسول روم.
شاهین : سردارایرانی‌دردورهٔ خسرو‌ـ پرویزساسانی .
شاپورمهران : سردار قباد اول ساسانی.
شاپور ذوالاکتاف : پادشاه ساسانی .
شهر براز : سردار ایرانی دورهٔ خسرو پرویز ساسانی .
شیخعلی‌خان‌زند: سردارمعروف کریمخان زند .
شیلینگ(Shilling)**:** رییس قوای‌انگلیس دراخراج پرتغالیها ازخلیج فارس.
صفی قلی خان : سردار شاه‌سلطان‌حسین صفوی .
طارق بن زیاد : سردار اسلامی و فاتح ایالات افریقا (جبل الطارق‌بنام‌اوست).
طاهر ذوالیمینین : ازسرداران ایرانی درخدمت مأمون خلیفهٔ عباسی .
طغای خان : سردار خوارزمشاهی، در دفاع از شهر سمرقند در مقابل حملهٔ مغول .
طغرل‌اول: ازسرداران و پادشاهان‌سلجوقی.
عباس میرزای قاجار : سردار نامی و نایب‌السلطنهٔ ایران در دورهٔ‌فتحعلی‌شاه قاجار .
عباس‌صفوی،(شاه) ازسلاطین‌وسرداران صفوی .
عبدالقادر : سرداررشید الجزایر.
عبدالمؤمن خان : سردار ازبك،درقرن ۱۰ هق .
عبدالله‌بن زبیر : ازسرداران اسلامی .
عبدالله‌پاشا : سردار عثمانی دردورهٔ‌نادر‌شاه افشار .
عضدالدولهٔ دیلمی : از سرداران دورهٔ آل بویه .
علی‌بن ابیطالب (ع) : ازسرداران عرب وخلیفهٔ چهارم وپیشوای شیعیان ایران‌و جهان‌و مراددراویش عالم .
عمروعاص : سردار عرب و طرفدار بنی امیه .
عمربن سعد : از سرداران عرب و قاتل امام حسین (ع) .
عمرولیث : از سردارانایرانی وپادشاه سلسهٔ صفاری .
فایق حاجب : از سرداران نوح دوم سامانی .
فایق : ازسرداران ایرانی دورهٔ‌غزنوی.
فرخزاد (رستم):سردار ایرانی درجنگ قادسیه (ایران وعرب) .
فردریك (ریش‌قرمز):ازسرداران جنگ سوم صلیبی .
فالکن‌هاین: سردارآلمانی درجنگ‌سال ۱۹۱۶ م.
فرمانفرما ، فریدون‌میرزا:سرداردورهٔ ناصرالدین شاه قاجار .
فش،مارشال : سردار معروف فرانسه.
فکاس : سردار رومی درقرن هفتم میلادی .
فن بولو : سردارآلمانی در جنگ سال ۱۹۱۷ م.
فیلیپوس : پادشاه مقدونیه‌در قرن۵قم.

قباد اول : پادشاه ساسانی .
قحطبه : یکی از سرداران ابومسلم خراسانی .
قراچی‌خان : سردار دورهٔ شاه عباس صفوی .
قسطنطین : امپراتور روم درقرن‌چهارم میلادی .
قماج : سردار ترکان غز در قرن ۶ه‌ق.
قوبیلای : برادر منگو از سرداران مغول
قوتوقونویان : سردار مغولی .
قیصر (Cesar) سردار رومی .
کاروس (Carus):امپراتور روم‌درقرن سوم‌میلادی .
کاساندر (Cassandre): سردار اسکندر کبیر .
کراسوس (Crassus):سرداررومی.
کربولو (Corbulo):سردار رومی قرن اول میلادی .
کروس ، ژنرال: سردارآلمانی‌درجنگ سال ۱۹۱۷ م.
کریمخان زند : سرداروسلطان‌زندیه .
کمبوجیه : از پادشاهان هخامنشی.
کوتوزوف، مارشال: فرماندهٔ قوای‌روسی درسال ۱۸۱۲م.
کوروش‌کبیر: از سرداران‌نامی‌جهان‌و پادشاه معروف‌هخامنشی.
کیچنر، لرد : سردار انگلیسی مأمور درمصر(۱۸۹۸م) .
گالریوس (Galerius)سردار رومی در قرن سوم میلادی .
گاملن ، مارشال : سردار فرانسوی در آغاز جنگ جهانی دوم .
گودویچ(Goudowitch): سرداررومی دردورهٔ قاجاریه .
گراندوک نیکلایویچ : سردار روسی‌در جنگ ۱۹۱۵م .
گورینگ ، مارشال : سردار آلمان نازی .
لئونیداس(Léonidas) : سردارو‌پادشاه آتن درجنگ ترموپوس .
لپیدوس : سردار رومی .
لطفعلی خان : ازامرا و سرداران شاه سلطان حسین .
لطفعلی خان زند : سردار دلاور دورهٔ زندیه .
لودندورف : سردار معروف آلمانی .
لیاخوف : فرماندهٔ قزاقخانهٔ ایران در دورهٔ قاجاریه .

لیزیماك (Lisimaque):سردار اسکندر کبیر .
مازیاربن قارن : از سرداران ایرانی حکمران طبرستان .
ماهان ، آذر : سردار ایرانی دورهٔ انوشیروان ساسانی .
ماکماهون،مارشال: سرداروریس‌جمهور فرانسه .
ماکنزی : سردار آلمانی .
محمدبن واصل : سردار خلیفهٔ عباسی.
محمدرستم خان : سردار شاه سلطان حسین صفوی .
محمدقلی‌خان : سردارشاه سلطان‌حسین صفوی .
محمود غزنوی : از سرداران وسلاطین غزنوی .
مختار ثقفی:سرداروانقلابی‌معروف‌اسلام.
مرداویج : سردار ایرانی ومؤسس آل‌زیار.
مصعب‌بن زبیر: ازسرداران اسلامی‌دورهٔ بنی امیه .
من‌تور(Mentor) : سردار یونانی در خدمت اردشیر سوم هخامنشی .
ممنون : سرداراسکندرکبیر .
مهدیقلی‌خان‌دولو: سردار دورهٔ‌فتحعلی شاه قاجار .
موسولینی : سردار ایتالیا در جنگ جهانی دوم .
مونتگمری ، ژنرال : فرماندهٔ ارتش انگلیس درجنگ جهانی دوم .
مهران : سردار ایرانی در جنگ **جاولا وجسر** (ایران وعرب) .
مهران ، پیروز: سردارایرانی درجنگ قلعهٔ دارا دورهٔ قباد ساسانی .
مهرداد: پادشاه اشکانی .
موتوجن : پسرجغتای وسردار مغولی.
موسی‌بن‌نصیر : سردار اسلامی در دورهٔ ولیدآل مروان.
میلتیادس (Milthiades) : یکی از بزرگان شهرآتن درقرن ۵ق‌م.
ناپلئون بناپارت: سردارمعروف‌فرانسه.
نادرشاه افشار : ازسرداران نامی‌ایران وپادشاه افشاریه.
نجف‌خان‌زند : ازسرداران دورهٔ زندیه.
نصرالله‌خان: ازسرداران محمود افغان.
واشنگتون، ژرژ: سردارجنگهای‌استقلال وریس جمهورآمریکا .
وهرز : سردار ایرانی در دورهٔ قباد ساسانی .

ویگان ، ژنرال: سردار فرانسوی جنگ جهانی دوم .
هرمز : سردار ایرانی در جنگ‌زنجیر (ایران وعرب) .
هرمزان:سردارایرانی در جنگ **نهاوند** (ایران وعرب) .
هشام‌بن‌عبدالملك : از سرداران عرب ومسلمان .
هلاکو:برادر منگو واز سرداران‌مغول.
هوخشتره: ازشاهان ماد .
هیتلر ، **آدولف :** سردارآلمان نازی .
هیندنبورگ: سردارنامی آلمان.
یرمولف : سرداررومی‌دردورهٔ‌فتحعلی‌شاه قاجار .
یعقوب بن‌لیث : از سرداران نام‌آور ایران وشاه‌صفاریه .

نهضت‌ها و انقلاب‌ها

انقلابات آلمان

سرزمین آلمان در آغاز از چند قسمت با حکومتهای جداگانه‌تشکیل‌شده بود که تحت نظارت اتریش اداره می‌شد .

در دورهٔ اقتدار **ناپلئون** آلمان‌زیر نفوذدولت فرانسه بود وهم‌او ۳۶۰دولت آلمان را به ۲۰ دولت تبدیل کرد که دارای‌اتحادیهٔ‌مشترکی بنام **راین** بودند. بعد از ناپلئون ، **کنگرهٔ‌وین** آلمان را به۳۹ دولت متحد تقسیم کرد که‌مجدداًدر اختیاراتریش قرارگرفت . ملت آلمان ابتدا برای رهایی از چنگال اتریشیها به ایجاد **اتحادگمرکی** پرداخت و ملل آلمانی از هم حق گمرك نمی‌گرفتند و پس از ۱۷سال در سراسر خاك‌آلمان‌از نظر گمرك مرزواحدی به‌وجود آمد. در سال ۱۸۴۸ آزادیخواهان‌جنوب آلمان **مجلس‌مؤسسان** تشکیل‌دادند و نمایندگان آن به تدوین قانون اساسی پرداختند .

دولت‌اتریش‌بااطلاع ازاین‌خواسته‌ها ، سازمانهای آنرا منحل‌کرد .

انقلاب‌اساسی‌آلمان .

بعداز جنگ جهانی اول و شکست آلمان ، انقلاب سراسر کشور را پر کرد زیرا قوای‌آلمان‌دربرابر متفقان ناتوان واوضاع داخلی به علت کمبود آذوقه و راضی نبودن مردم پریشان بود .

سوسیالیستهای‌آلمان اعلام‌جمهوری کردندو**ابرت** رییس‌دولت جدیدبیدرنگ ملت را به انتخاب نمایندگان مجلس

مؤسسان وتغییردادن طرزحکومت کشور دعوت نمودوویلهلم نیزناچارازامپراتوری کناره گرفت ودر نهم نوامبر ۱۹۱۸ به خاك هلند پناهنده شد وقرار دادمتارکه به شرط اخراج قوای بیگانه بـه امضا رسید .

قیام ابومسلم خراسانی .

عبدالرحمن معروف به **صاحب الدعوة** ازآزادیخواهان ودلیران روزگار **مروان ابن حمار** آخرین خلیفهٔ بنی امیه بود که در سال ۱۰۰ هجری قمری در اصفهان به دنیا آمد . پیروان او جامه‌های سیاه برتن می‌کردند، دلاوریهای این مرد ، موجب شدکه دستگاه ظلم وجور بنی‌امیه برافتد وخلافت به آل عباس منتقل گردد و هم اوسفاح را به‌سال ۱۳۲ هجری‌قمری در کوفه به مسند خلافت نشانید و خود به دست منصور دومین خلیفهٔ عباسی ناجوانمردانه کشته شد .

پیروان او مذهبی به‌نام ابومسلمیه داشتند که ابومسلم راجاویدمی‌پنداشتند ومنتظر ظهور اوبودند .

انقلابات اتریش .

در مارس ۱۸۴۸م‌مردم مجارستان ازدولت امپراتوری اتریش تقاضای استقلال داخلی کردند ، مدتی بعد اهالی **بوهم** برای استقلال برپاخاستندووزارتخانه‌های مستقلی درشهر **وین** تأسیس کردندومقاومت **مترنیخ** صدراعظم خود رأی اتریش ، جوانان روشنفکر وین را عاصی کرد و آنها درخواست حکومت‌مشروطه نمودند و این شورشها موجب برکناری مترنیخ گردید .

چندی بعد **لاتور** وزیر جنگ اتریش به‌دستور امپراتور، شهروین راگلوله باران کرد وگروهی از آزادیخواهان راکشت بعدازمدتی **فردیناند** ازامپراتوری کناره گرفت و برادر زاده‌اش **فرانسواژوزف** به سلطنت رسید و اقدامات غیر انسانی شدیدی نسبت به ملل تابعه روا داشت و هرنوع جنبشی را با گلوله جواب داد و درهرحال بطور موقت دوباره همبستگی پوشالی بین امپراتوری اتریش بر قرار شد .

قیام اسپارتاکوس Spartacus

اسپارتاکوس،مردی دلیرازبردگان بودکـه در سال ۷۳ قبل از میلاد بهـ سر کردگی گروهی از غلامان بـرضد اربابان بی‌رحم‌رومی قیام کردومی‌خواست بردگان را از قید اسارت آزاد کند و پس از چند پیروزی بالاخره در جنگ خونینی با **کراسوس** درتاریخ ۷۱ قبل‌از میلاد شکست خورد و کشته شد .

انقلاب اسپانیا .

در سال ۱۹۳۶م انقلاب بزرگی در اسپانیا آغاز گردید، دراین‌قیام **آلفونس سیزدهم** عزل، حکومت جمهوری اعلان شد اما این انقلاب ثمرات نیکویی نداد زیرا جنگهای داخلی در گرفت و چند سال بعد کشوراسپانیا به‌دست ژنرال فرانکو افتاد و جنبش های آزادیخواهانهٔ مردم در هم‌شکست.

قیام استاذسیس.

(متولد ۱۵۱ هق)

یکی از بزرگترین شورشهای قرن دوم‌هجری‌ایرانست که به‌رهبری استاذسیس زرتشتی صورت گرفت واو مردم را بر ضداعراب برانگیخت وگویادر بعضی‌نقاط خراسان حکومت یافت ومردم بسیار بر اوگرد آمدند. درسال ۱۵۰ هق **منصور عباسی** سپاهی بجنگ‌اوفرستادواستاذسیس شکست‌خورد وبه‌کوهی گریخت وسرانجام گرفتار و بقتل رسید . قیام وی بسیار پردامنه بود وقیامهای المقنع ومازیار و بابك را به دنبال داشت. (پیامبران و مدعیان را به‌بینید.)

قیام اسحق ترك .

پیامبران ومدعیان را به‌بینید .

انقلاب اشراف .

درسال ۱۲۱۵م جان بی‌زمین پادشاه انگلستان مالیاتهای سنگینی وضع کرد وموجب‌عصیان‌فئودالهای‌بزرگ شد.مردم عادی شهرها نیز بهمین مناسبت از او ناراضی شدندوازپرداخت مالیات خودـ داری کردند . خزانه تهی شد و پادشاه ناچار به‌کلیهٔ خواستهای شورشیان‌تن در داد . این خواستها در فرمانی تصریح شد که به نـام منشور بزرگ آزادی (Magna carta)معروف‌شدودر ۱۵ ژوئن ۱۲۱۵ م به‌امضای شاه‌رسید.شاه‌متعهد شد مالیات‌اضافی جزبه‌تصویب‌شورای عمومی مملکتی مطالبه نکند،بارونها وشوالیه‌ها را بدون حکم محکمه توقیف و محکوم به‌پرداخت جریمه ننماید .

بیست‌وپنج نفرازبین‌بارونها برای نظارت بر قانون ، بر گزیده شدند . منشور بزرگ در حقیقت سند آزادی فئودالها بود .

قیام المقنع .

نـام اصلی این مرد هاشم‌بن‌حکیم ملقب به المقنع بود چون همواره‌نقابی برروی داشت‌تا صورت خودراپنهان‌سازد (گویند مردی زشت روی بود) ابتدا بخونخواهی ابومسلم خراسانی برخاست.

سومین خلیفهٔ(عباسی)مهدی‌لشکرها برای‌سرکوبی‌اوفرستاد و چون آخرین پناهگاه اودرمحاصرهٔ‌اعراب افتاد برای اینکه به دست دشمن نیفتد ابتدا زنان خود رامسموم وپس‌ازآن خودرا به‌تنوری ازآتش انداخت وسوخت .

معجزهٔ او ، ماهی‌بودکه هر شب از درون چاهی بر فلك اوج میگرفت و از فرسنگها راه دیده میشد (ماه‌نخشب) .

«پیامبران ومدعیان را به‌بینید»

انقلاب آمریکا.

درسال ۱۷۷۴ م‌میلادی مردم‌انگلیسی مقیم‌آمریکا، بر علیه‌انگلستان و قوانین ظالمانـهٔ تجاری‌آن کشور بـه رهبری **جرج واشنگتون** قیام کردند و استقلال یافتند واعلامیهٔ‌حقوق‌بشرراصادر کردند.

انقلاب اول انگلیس.

در سال ۱۶۴۸ م‌میلادی **کرومول** و طـرفدارانش علیه دولت و پارلمان و دستگـاه امپراتوری قیام کردند و حکومت جمهوری را بنیاد نهادند .

انقلاب ایتالیا .

پیش ازسقوط ناپلئون، ایتالیاتحت یك حکومت بودولی **کنگرهٔ وین** آنرابه دوك نشینها تقسیم کرد و بعضی‌قسمتهای آن نیز درتصرف اتریش قرارگرفت،در سال ۱۸۳۲ جوانان روشنفکر ایتالیا برای کسب آزادی واستقلال ، شورش کردند، پس‌ازپیشرفتهایی بالاخره شکست‌خوردند از سال ۱۸۴۶، **پاپ پی‌نهم** ، **لئوپولد دوم و شارل‌آلبر** به مـردم آزادیهایی دادند،باهمهٔ اینها برای اولین بار مردم سرزمین سیسیل سر به انقلاب برداشتند و کم‌کم آتش انقلاب سراسرایتالیارافرا گرفت‌ودرسال ۱۸۴۸م در سراسر ایتالیا حکومت مشروطه برقرار شد .

قیام به‌آفرید .

دربخش ادیان (پیامبران‌ومدعیان) ملاحظه شود.

انقلاب مشروطیت ایران .

در بخش سیاست مطالعه‌شود .

انقلاب‌جوانان‌ترك .

درسال ۱۸۹۶ م به‌فرمان‌سلطان‌عبدـ الحمیدپادشاه‌عثمانی‌قریب ۳۰۰ نفرارمنی

کشته شدند و دولتهای روس‌وانگلیس به این بهانه خواستند ارمنی‌نشین‌های‌دولت عثمانی را مستقل کنند ولی جـوانان روشنفکر ترك جمعیت **اتحاد و ترقی**را به منظور تغییر حکومت تشکیل‌دادند و درسال ۱۹۰۸ میلادی مشروطیت رااعلام کردند وبا وجودی که عبدالحمیدبناچار باآن موافقت کرد ولی مشروطه‌خواهان او را خلع و **محمدخامس** را به سلطنت مشروطه‌برگزیدند واز سال۱۹۰۹ کشور عثمانی رسماً مشروطهٔ سلطنتی شد.

قیام بابك خرم دین.

در بخش‌ادیان(پیامبران ومدعیان) ملاحظه‌شود .

انقلاب پروس

در آغاز سال۱۸۴۸ مردم**پروس**در مقابل**فردریك‌ویلهلم‌چهارم**پادشاه‌خود، قدعلم کردند وتقاضای آزادی وحکومت مشروطه داشتند ویلهلم به علل بحران سیاست جهانی با تقاضای آنها موافقت کرد ومجلس مؤسسان‌تشکیل داد ولی‌در پایان این سال از تحریکات دولت‌اتریش واقف شد و انقلابیون را وابسته به آنها دانست لذا مجلس را بست و انقلاب را فرونشانید .

قیام حسین بن علی(ع).

حسین‌پسرعلی‌بن‌ابیطالب سومین‌امام شیعیان است. در سال ۶۱ هجری قمری در برابر دستگاه فاسد بنی‌امیه(یزیدبن معاویه) قد علم‌کرد و همهٔ‌یاران وخودش شهید شدند و شهادت آن حضرت درسی بزرگ برای آزاد مردان جهان است.

نهضت راوندیه .

شعب مذهب اسلام را به‌بینید.

رنسانس . Renaissance .

دراواخر قرن ۱۵ واوایل‌قرن۱۶ میلادی یکی از مهمترین وقایع تـاریخ پدیدآمدکه تولدآن‌درایتالیاونموآن‌در فرانسه وآلمان وانتشار آن به همهٔ‌نقاط اروپا رسید .

در صنایع وادبیات و هنر تغییرات شگرفی پدیدآمد که تاکنون‌آثاری‌چون شاهکارهای دورهٔ رنسانس بوجود نیامده است .

دراین دوره هنرهنرمندان به‌کمال رسید ، یادگارهای ارزنده‌ای از ادبیات جهان‌کهن‌کشف شد،بااختراع‌چاپ‌اندیشه‌ـ های بشر منتشر گردید وآثارعلمی‌وادبی وهنری بدیع بجا ماند .

انقلاب ژاپن .

انقلاب سال ۱۸۶۸ رابه‌بینید .

انقلاب‌کبیر روسیه .

انقلاب عمیق‌وشدیدروسیه دراکتبر ۱۹۱۷ (۱۲۹۶ش) بوسیلهٔ احـزاب سوسیالیست‌وبلشویکهای روسیه‌به‌رهبری **لنین** ویاران نزدیك او در سومین سال جنگ‌بین‌الملل اول‌بکمك‌ملوانان‌روسی دریای بالتیك و عده‌ای از سربازان و کارگران روس بوقوع پیوست و به دورهٔ سلطنت مطلقهٔ تزارهای خاندان **رومانف** پایان دادورژیم‌حکومت‌روسیه ازسلطنت مطلقهٔ فردی به‌رژیم‌سوسیالیستی‌که هستهٔ مرکزی آنرارهبران‌انقلاب تشکیل‌داده بودند مبدل‌گردید وسازمانهای‌خصوصی‌و املاك وسیع‌وکلیهٔ منابع تولیدی‌بتصرف دولت درآمد .

قیام زکرویه بن قهرویه .

(فوف ۲۹۴ه ق)

زکرویه‌جانشین **حمدان**مؤسس‌بدعت قرمط وداعی‌بزرگ‌آن . وپسرانش‌یحیی وحسین در شمال عراق وبلاد شام شروع به‌نشرعقاید قرامطه‌کردندومدتی‌دمشق‌را در محاصره‌گرفته وقافله‌های حاجیان را غارت نمودند وفتنهٔ آنان تا سال‌فوت‌وی بقوت ادامه داشت .

انقلاب‌ژاکری (Jacquerie)

شورشی دهقانی،که‌درمه ۱۳۵۸ در شمال فرانسه در گرفت و رهبر آنان **گیوم‌کال** بود . دراین‌زمان باوجودی‌که دهقانان آزادی خود را از اربابان خریده‌بودند باز زمین‌ملك‌ارباب‌محسوب می‌شد. دهقانان‌مجبوربه پرداخت‌عوارض سنگین بودند ابتدا در یکی از قصبات شمالی زد و خوردی در گرفت‌که مقدمهٔ انقلاب‌بزرگی‌شد،شورش‌دهقانی به‌رهبری گیوم‌کال نظم جنگی داشت، دراین‌زمان مردم پاریس به رهبری **اتین مارسل** (Etienne Marcel) رییس‌صنف تجاربر ضد شاه وحکومت قیام‌کرده بودند و با دهقانان شورشی ارتباط برقرارساختند. اما اتین مارسل‌درموقع لازم به دهقانان خیانت‌کردلذاشورش دهقانی‌درهم‌کوبیده شد . گیوم‌کال‌را گرفتند حلقه‌ای ازآهن گداخته بنام‌تاج دهقانی برسرش‌نهادند . وسپس اعدامش‌کردند وبیست هزارتن‌از دهقانان شورشی را کشتند .

انقلاب‌سال۱۸۶۸م .

مردم‌ژاپن‌به دودسته‌تقسیم‌می‌شدند ، گروهی‌طالب روابط‌باکشورهای غربی ، گروهی باورود هرخارجی مخالف بودند واین اختلاف‌نظرجنگی بزرگ درداخل کشورپدیدآوردکه هواداران‌روابط‌خارجی بکمك نیروی خارجی آنها را درهـم کوبیدند . درهمین سال **موتسوهیتو** به امپراتوری رسید وشالودهٔ پیشرفت‌ژاپن را ریخت .

قیام سنبادمجوس .

(مقتول۱۳۷ه ق)

پس از قتل‌ابومسلم خراسانی یکی از طرفداران او بنام‌سنبادعلم طغیان بر افراشت . اگرچه‌وی‌ظاهراً آیین‌جدیدی نیاورد و مجوس بود ونحوهٔ اعتقاد اوهم به ابومسلم معلوم‌نیست.ولی‌عدهٔ بسیاری‌از پیروان‌ادیان ومذاهب‌مختلف‌تحت لوای‌او جمع شدند،سنبادقصدخودرا برای‌پیشروی بسوی حجاز وانهدام کعبه اعلام‌نمود . وازنیشابورحرکت‌کرد. **قومس‌وقم‌وری‌را** متصرف شد وگروهی‌بسیار از مزدکیان ومجوسان طبرستان‌گرداو جمع شدند . عدهٔ اتباع اورا درحدود ۱۰۰۰۰۰ تن نوشته‌اند شورش‌اوفقط ۷۰ روزطول‌کشید ودراین مدت‌فتوحات بسیار کرد وعاقبت یکی از سرداران **منصورخلیفه** به نام **جوهر بن‌مراد** اورا در نزدیکی همدان شکست داد و ۶۰۰۰۰ تن ازاتباع او را بقتل رسانید .

انقلاب صربها.

درسال۱۸۱۵م**میلوخ‌ایرنویچ**برای استقلال‌کشور خودصربستان (قسمتی از کشور یوگوسلاوی)سپاهی گردآورد وبا قوای سلطان عثمانی جنگید ودراین‌قیام ازامپراتورروم‌هم‌کمك‌خواست‌وامپراتور عثمانی درهمان سال به‌صربستان‌استقلال داخلی داد وتنها از نظر سیاست‌خارجی تابع دولت عثمانی بود.

قیام ضحاك ، بن قیس شیبانی .

(مقتول۱۲۹ه ق)

ضحاك از همراهان **سعدبن‌بهدل** رهبر حروریان بود و بعدازمرگ سعد جانشین وی گردید وقصد **موصل وشهر زور**کرد ۴۰۰۰ تن‌گرد اوجمع شدندو سپس بسوی عراق رهسپار شد و بر**کوفه** مستولی گردید و **واسط**را محاصره‌کرد وآن شهر را با عاملش مصالحه نمود . مردم موصل بنا او مکاتبه کردند . وی

بدانجاشدوتعدادلشکر بانش به ۱۰۰۰۰۰ رسید . آنگاه مروان خلیفهٔ اموی قصد اوکرد، در نواحی کفرثوثا (از اعمال ماردین) باهم تلاقی کردند و ضحاك کشته شد .

قیام عبدالله بن زبیر .
(۱-۷۳ه‍ق)

عبدالله از بزرگان عرب بود پس ازعصیان بر**یزیدبن‌معاویه** به پیشرفتهایی نایل آمد ومدتی در مصر وحجاز ویمن و خراسان وعراق وشام بعنوان خلیفه حکم راند، ومدینه راپایتخت خودقرار داد. حتی مسکوکاتی درفارس پیداشده که بخط پهلوی نام اورا عبدالله امیرالمؤمنین نوشته‌اند، نهضت‌وی مانند نهضت **مختار** مرهون انتقامجویی عمومی نسبت بقتل عام خانوادهٔ امام‌حسین علیه‌السلام بود . نه تنها فرقهٔ شیعه بلکه بسیاری از خوارج هم دراین انتقامجویی سهیم بودند . **عبدالملك بن مروان** خلیفهٔ اموی سردار خود حجاج بن یوسف **ثقفی** را مأمور دفع عبدالله کرد . حجاج پس ازهفت‌ماه محاصره مکه رامتصرف گردید وعبدالله درجنگ کشته‌شد .

انقلاب عربی .

این انقلاب برهبری **شریف‌حسین** ابن علی وباکمك نظامیان صورت گرفت ودرنتیجه‌حجاز و فلسطین آزادوازچنگ ترکان عثمانی‌خارج گردید.

انقلاب‌کبیر فرانسه .

این انقلاب براثر افکار فلسفی و اقتصادی قرن هیجدهم برپاشد . مزایایی که‌اشراف وروحانیان از آنها برخوردار بودند و تحمیلاتی که دایماً از طرف آنان ودولت نسبت به طبقهٔ سوم میشد ، خشم افراد طبقهٔ اخیررا برمی‌انگیخت . درسال ۱۷۸۹ تبعیض‌کامل درتقسیم‌مشاغل سیاسی مشهود بودودولت از عهدهٔ بازرسی اموربرنمی‌آمد، لویی۱۶ براثر مشکلات مالی ، تصمیم گرفت که مجلس طبقاتی‌را تشکیل دهد . این‌مجلس درسال مذکور منعقدگردید وانقلاب از آن سربدرآورد، چه نمایندگان طبقهٔ سوم حاضر نشدند مانندگذشته ازاعیان وروحانیان جدا باشند و در مجلس جداگانه رأی خودرا بدهند و درخواست کردندکه نمایندگان دوطبقهٔ مذکور باآنان‌مجتمعاً یك‌مجلس تشکیل‌دهندودراین‌صورت‌شمارهٔ نمایندگان طبقهٔ سوم بتنهایی مساوی دو طبقهٔ دیگر بود، نمایندگان‌دوطبقهٔ‌دیگرراضی‌نبودند نمایندگان طبقهٔ سوم قسم‌یادکردندکه تا برای‌کشور فرانسه قانون اساسی‌بنویسند پراکنده‌نشوند .

لویی ۱۶ امربتفرقهٔ نمایندگان‌داد، (میرابو)خطیب فرانسوی‌گفت(مابه‌ارادهٔ ملت جمع شده‌ایم وجز باسرنیزه متفرق نخواهیم شد) دولت نیز صلاح ندانست که با آنان مخالفت‌کند .

بسیاری از نمایندگان اشراف و روحانیان از شرکت بانمایندگان طبقهٔ سوم‌خودداری‌کردند ولی نمایندگان‌طبقهٔ اخیر بعنوان اینکه نمایندهٔ اکثریت ملت هستندهیئت‌خودرا «مجلس‌ملی» نامیدند و مجلس طبقاتی را منحل‌کردند واعلام کردندکه هیچ فردفرانسوی جزبتصویب مجلس ملی نباید به‌دولت مالیات بدهد . مجلس مذکور بلافاصله بنوشتن قانون اساسی‌شروع‌کرد وعنوان مجلس مؤسسان را اختیار نمود . این‌مجلس درظرف دو سال قانون‌اساسی فرانسه را تدوین‌کرد قانون مزبورکه‌بقانون ۱۷۹۱ معروفست کشور فرانسه رادارای حکومت مشروطه کردوقوای مقننه ومجریه وقضاییه را از هم تفکیك نمودوفقط برای شاه این حق را قایل‌شدندکه‌می‌توانست اجرای‌قوانین را مدتی بتعویق اندازد .

بنابراین نمایندگان طبقهٔ سوم دو انقلاب بزرگ ایجادکردند : انقلاب سیاسی ، انقلاب اجتماعی . طبعاً این انقلاب بسهولت صورت نگرفت،گروهی به ممالك خارجه‌رفتند ودولتهای بیگانه را بجنگ بافرانسه برانگیختند . لویی ۱۶ مخفیانه‌ازدولتهای‌خارجی‌کمك‌خواست عاقبت سپاه اتریش به فرانسه روی‌آورد وچون لویی ۱۶ نقشهٔ جنگ راقبلاً برای سرداران‌اتریش فرستاده بود فرانسویان شکست خوردند . ولی اهالی پاریس‌عزل لویی ۱۶ را از مجلس خواستند.پس از عزل‌وی‌مجلس‌تازه‌ای‌معروف‌به‌کنوانسیون تشکیل شد . این مجلس نخست‌حکومت جمهوری را درفرانسه اعلام‌کرد و سپس لویی ۱۶ را بمحاکمه‌کشید و اعدام‌کرد مجلس دورهٔ‌ترس‌ووحشت فرانسه راپیش آورد. بالاخره‌کنوانسیون پس‌از دوسال توانست استقلال و استقرار وضع را در فرانسه تأمین نماید ، تا باظهور ناپلئون بناپارت به‌استقلال‌کامل رسید .

انقلاب لهستان .

درسال ۱۳۸۱ م دولت تزاری روسیه شارل دهم پادشاه معزول فرانسه رابرای سلطنت لهستان انتخاب کرد ولی مردم ناراضی از تسلط روسها این‌کار را بهانه کردندوانقلاب‌عظیم‌وخونینی‌راه‌انداختند تا بالاخره **پاسکیویچ** سردار معروف روسی به اشارهٔ **نیکلا** ، انقلاب‌راباخون آرام‌کرد .

قیام مازیار .

سال‌بعدازقتل‌بابك یکی‌ازاسپهبدان طبرستان ایرانی بنام «مازیاربن قارن» که به‌کیش‌وآیین زردشتی وآداب‌ایرانی گرایشی تمام داشت برخلیفه شورید . **معتصم**، عبدالله‌بن طاهر راازخراسان به دفع او فرستاد، عبدالله بامکر و حیله برمازیاردست‌یافت وبه بغدادش‌روانه‌کرد خلیفه اورا باتازیانه‌کشت‌وجسدش‌را در مقابل جسد بابك بدار آویخت .

قیام مختار .

نخستین قیام علنی‌ایرانیان بر ضد بنی‌امیه پس‌از شهادت حضرت امام‌حسین (ع)صورت‌گرفت، رهبر این‌قیام «مختار» پسرابوعبیدهٔ **ثقفی** (ازسرداران اسلام در جنگ باایرانیان) بود.

مختار خود از عرب بود و بعنوان خونخواهی کشته شدگان‌کربلا قیام‌نمود تمام سپاهیانش را فارسی زبانان تشکیل دادند. چون‌ایرانیان‌را در غنایم شریك واز مالیات‌معاف ودر عزت باعرب‌برابر گردانید از این فعل‌نیك اواشراف‌عرب ناراضی وبادشمن او **مصعب‌بن‌زبیر** یار شدند واورااز‌میان بردند .

انقلابات‌ملی‌در مستعمرات.

پس‌از جنگ جهانی دوم بسیاری ازمستعمرات‌انگلستان‌وفرانسه‌بامبارزات پی‌گیر و انقلابهای خونین به استقلال رسیدند و عده‌ای از آنها هنوزهم در تلاشند .

قیام مصطفی‌کمال پاشا .

انقلاب جوانان ترك را به بینید .

قیام نجیب .

درسال ۱۹۵۲ به‌رهبری**محمدنجیب** صورت گرفت، دراین انقلاب حکومت سلطنتی برچیده و حکومت جمهوری در آن‌کشور برقرارگردید .

انقلابات یونان .

گروهی ازیونانیان مقیم شهر **ادسا** جمعیتی سری تشکیل دادند وهدف آنها آزادی‌یونان ازقید تسلط عثمانیها بود،

واز سال ۱۸۲۱ تا ۱۸۲۷ یونانیان با ترکان عثمانی جنگیدند ودرآغاز هرشهر جداگانه بادولت بیگانه می‌جنگید ولی از سال ۱۸۲۲ باهم‌متفق شدندودرآغاز این اتفاق پیروزی‌های بزرگی بـدست آوردندولی درسال ۱۸۲۵ **سلطان‌محمود خان** ازپاشای مصر کمك‌خواست و**ابراهیم پاشا** با ۱۷ هزار نفر به‌کمك سلطان آمد وبالاخره درسال ۱۸۲۷ بادرهم‌کوبیدن نهضت‌یونانیها، آتن‌را متصرف شدند .

دراین‌بین‌دولت روسیه(نیکلای‌اول) باهمدستی دولتهای انگلستان و فرانسه باعثمانیها جنگیدندو باعقدمعاهدهٔ ادرنه برای **ملداوی** و والاشی استقلال داخلی گرفتند .

کرونولوژی تاریخ ایران

سلسلهٔ مادها :

۷۰۸ ق.م ــ دیوئوکس امپراتوری ماد را تأسیس‌کرد .
۶۲۵ ق.م ــ مرگ‌آشور بانیپال .
۶۰۶ ق.م ــ سقوط نینوا.
۵۵۸ ق.مــ جلوس کوروش‌کبیر برتخت سلطنت.
۵۵۰ ق.م ــ شکست آستیاژ (آژدهاك) به‌دست‌کوروش وتصرف هکمتانه .

سلسلهٔ هخامنشی :

۵۴۰ ق.م ـــ کوروش‌کبیر (اول) خودرا فرمانروای پارس اعلام‌کـرد . شکست کروزوس‌وتصرف سارد .
۵۳۹ ق.م ــ تصرف‌بابل.
۵۳۹ ق.م ــ درگذشت کوروش وجلوس کمبوجیه .
۵۲۸ ق.م ــ تصرف مصر .
۵۲۱ ق.م ــ شورش گوماتای غاصب.
۴۸۶ ق.م ــ جلوس داریوش اول.
۴۸۰ ق.م ــ حملهٔ خشایارشا به‌یونان و نبردهای سالامیس وترموپیل .
۴۶۶ ق.م ـــبرتخت شاهی نشستن‌اردشیر اول .
۴۲۴ ق.م ــ برتخت شاهی‌نشستن‌اردشیر دوم .
۳۳۴ ق.م ــ حملهٔ اسکندربه‌ایران .
۳۳۰ ق.م ـــکشته شدن داریوش سوم ، آتش‌زدن‌کاخهای‌پرسپولیس‌بدست‌اسکندر مقدونی.
۳۲۰ ق . م ــ روی کار آمدن سلوکوس .

سلسلهٔ پارت :

۲۵۰ ق.م ــ ارشك اول سلسلهٔ‌پارت را ایجادکرد .
۱۷۰ ق.م ــ جلوس مهرداد اول .
۳ــ۶۷ ق. م ــ جنگ پمپی با مهرداد چهارم .
۵۳ ق.م ــ حملهٔ کراسوس‌باایران جنگ کارهه،کشته شدن‌کراسوس .
۳۶ ق.م ــ لشکرکشی مارك آنتونی به پارتیا .
۱۲۲ م ــ برقراری صلح بین پارتیا و روم .
۲۲۰ م ــ شورش اردشیر .
۲۲۶ م ــ بقتل رسیدن اردوان چهارم وپایان فرمانروایی سلسلهٔ‌اشکانی .
۲۳۲ م ــ تصرف ارمنستان .
۲۴۱ مــ جلوس شاپور اول و تصـرف سوریه .
۲۶۰ م ــ اسارت امپراتور والرین .
۳۶۳ م ــ لشکرکشی ژولین به‌ایران و عقب نشینی ومرگ‌او .
۳۷۶ م ــ اعـلام صلح بین ایـران و روم.
۵۲۴ م ــ جنگ با بیزانس .
۵۲۹ م ــ بسته شدن آکادمی‌های آتن توسط ژولین و فـرار فلاسفه و محققان یونانی به‌ایران .
۵۲۹ م ــ جلوس‌خسرواول(انوشیروان) وقتل عام مزدکیها .
۵۷۰ م ــ تولد محمد(ص) بن عبدالله.
۶۰۳ م ــ جنگ بین ایران وبیزانس .
۶۱۰ م ــ جلوس هراکلیوس .
۶۱۴ م ــ تصرف دمشق توسط خسروـ پرویز .
۶۲۲ م ــ سال هجرت پیغمبر ازمدینه.
۶۳۲ م ــ جلوس یزدگرد سوم و درـ گذشت پیامبراسلام.

عصر اسلامی :

۶۳۵ م ــ نبرد قادسیه .
۶۳۷ م ــ افتـادن تیسفون در دسـت تازیان .
۶۴۲ م ــ نبرد نهاوند .
۷۴۷ م ــ قیام عباسیان درخراسان تحت ریاست‌ابومسلم خراسانی .
۷۵۰ م ــ پایان خلافت بنی‌امیه وروی کارآمدن عباسیان .
۷۶۵ م ــ انتخاب خالدبرمکی بعنوان فرمانروای طبرستان .
۷۸۶ م ــ برگزیده شدن هارون‌الرشید بعنوان خلیفه .
۸۰۳ م ــ خیانت هـارون الـرشید و سقوط برامکه .
۸۱۳ مـ خلافت مأمون.

سلسله‌های‌کوچك ایرانی :

۸۲۰ م ـطاهرسلسلهٔ طاهریان راتأسیس کرد .
۸۷۲ م ــ سقوط طاهریان بدست یعقوب لیث‌صفاری .
۹۰۳ م ــ روی کار آمدن سامانی‌ها .
۹۹۹ م ــ سقوط دولت سامانی بدست محمود غزنوی .
۱۰۳۷ م ــ قیام سلجوقیان بـه‌رهبری طغرل .
۱۰۷۲ م ــ جلوس ملکشاه .
۱۰۷۹ م ــ قیام‌حسن صباح‌درالموت .
۱۰۹۲ م ــ کشته‌شدن نظام‌الملك بدست پیروان حسن صباح .
۱۱۵۷ م ــ درگذشت سلطان سنجر و پایان حکومت سلاجقه در ایران .
۱۲۱۷ م ــ حملهٔ چنگیزبه‌ایران.
۱۲۲۷ م ــ مرگ چنگیز .

ایلخانیان وسلسلهٔ تیموری :

۱۲۵۸ م ــ حملهٔ مغولها تحت رهبری هولاکو بـه بغداد وپایان‌خلافت‌عباسی.
۱۳۰۴ م ــ جلوس الجایتو .
۱۳۳۵ م ــ تولد تیمور لنگ .
۱۳۵۷ م ــ جلوس شاه شجاع مظفری .
۱۳۸۲ م ــ جلوس سلطان‌احمدملایری.
۱۳۹۳ م ــ تیمـور بسلسلـهٔ مظفـری پایان داده وجلایریان راازبغدادبیرون می‌کند .
۱۴۰۲ م ــ تیمور سلطان بایزیـد را اسیرمی‌کند .
۱۰۴۵ م ــ درگذشت تیمور و جلوس شاهرخ .
۱۵۰۰ م ــ سقوط تیموریه و برقراری سلسلهٔ شیبانی درماوراء النهر .
۱۵۰۲ م ــ تأسیس سلسلهٔ صفوی توسط شاه اسماعیل .
۱۵۱۴ م ــ جنگ چالدران .
۱۵۲۴ م ــ جلوس شاه طهماسب اول .
۱۵۷۶ م ــ جلوس شاه اسماعیل صفوی دوم .
۱۵۸۷ م ــ جلوس شاه عباس بزرگ .
۱۶۲۲ م ــ اخراج پرتغالیها از هرمـز بکمك انگلیسیها و آغازنفوذ انگلیس در ایران .
۱۶۲۹ م ــ درگذشت شاه عباس .

۱۶۶۴ م ـ تأسیس نخستین سفارت روس درایران و آغاز نفوذ روسها درایران .
۱۶۹۴ م ـ جلوس سلطان حسین و آغاز انحطاط ایران .
۱۷۲۲م ـ حملهٔ افغانها به‌رهبری محمود به‌ایران و تصرف اصفهان، حملهٔ پطر کبیر به قفقاز و تصرف دربند .
۱۷۲۴ م ـ تصرف شیراز بوسیله افغانها وقتل عام خانوادهٔ شاهی صفوی .
۱۷۲۵ م ـ مرگ محمود افغان و تصرف تبریز توسط ترکها .
۱۷۲۷م ـ نادرقلی درخدمت شاه‌طهماسب دوم .
۱۷۲۸ م ـ تصرف مشهد بدست نادر .
۱۷۲۹ م ـ شکست افغانها و تصرف اصفهان بدست سپاهیان نادر .
۱۷۳۵ م ـ تصرف مجدد باکو و دربند به‌توسط نادر .
۱۷۳۶ م ـ درگذشت شاه عباس سوم و پایان سلسلهٔ صفوی .
۱۷۳۶ م ـ جلوس نادرشاه افشار .
۱۷۳۸ م ـ حملهٔ نادر به هند .
۱۷۴۰ م ـ تصرف بخارا وخیوه .
۱۷۴۷ م ـ قتل نادر شاه افشار پادشاه مقتدر افشاریه .
سلسلهٔ زندیه :
۱۷۵۰ م ـ افتادن جنوب ایران بدست کریمخان زند .
۱۷۹۴ م ـ پایان سلطنت سلسلهٔ زندیه.
سلسلهٔ قاجاریه :
۱۷۹۵ م ـ تصرف گرجستان و تسخیر تفلیس بوسیلهٔ آغا محمد خان قاجار .
۱۷۹۶م ـ جلوس آغا محمد خان.
۱۷۹۷ م ـ قتل آغامحمد خان وجلوس فتحعلیشاه .
۱۸۱۲ م ـ انعقاد قرارداد گلستان با روسیه و از دست رفتن متصرفات ایران درقفقاز .
۱۸۲۸ م ـ قرارداد ترکمانچای و مداخلهٔ روز افزون روسها در شئون ایران .
۱۸۳۴ م ـ جلوس محمدشاه .
۱۸۴۸ م ـ جلوس ناصرالدین شاه .
۱۸۶۵ م ـ تسخیر تاشکندبوسیلهٔروسها.
۱۸۹۶ م ـ قتل ناصرالدین‌شاه وجلوس مظفرالدینشاه .
۱۹۰۷ م ـ جلوس محمدعلی شاه وبتوپ بستن مجلس .
۱۹۰۹ م ـ استعفای محمدعلی‌شاه و جلوس احمدشاه .
۱۹۲۳ م ـ انتخاب رضاخان به‌نخست‌وزیری وعزیمت احمد شاه به اروپا .
۱۹۲۵ م ـ پایان سلسلهٔ قاجاریه.
سلسلهٔ پهلوی :
۱۹۲۵ م ـ جلوس رضا شاه پهلوی .
۱۹۴۱ م ـ حملهٔ متفقین به‌ایران .
۱۹۴۱ م ـ استعفای شاه فقید وجلوس محمد رضا شاه پهلوی .

گزارشهای مهم مملکتی
در ۲۵ سال اخیر

۱۳۲۰ش ، سوم‌شهریور ماه، ورود قوای روس وانگلیس به ایران .
۱۳۲۰ش ، ۵ شهریور ، اعلام متارکهٔ جنگ به‌فرمان رضاشاه کبیر .
۱۳۲۰ش ، ۸ شهریور ، اعلام حکومت نظامی‌درتهران‌وانتصاب‌سپهبد**امیراحمدی** به‌سمت فرماندار نظامی .
۱۳۲۰ش ، ۲۵ شهریور ، محمد علی فروغی متن استعفانامهٔ رضاشاه کبیر را که به نفع ولایتعهد (محمد رضاشاه پهلوی) کناررفته بودند در مجلس‌قرائت کرد .
۱۳۲۰ش، ۲۵شهریور،قرائت‌استعفانامهٔ **رضاشاکبیر** وسیلهٔ محمد علی فروغی در مجلس .
۱۳۲۰ش ، ۲۶ شهریور ، شاهنشاه در ساعت ۴/۵ بعدازظهر در مجلس‌شورای ملی سوگند یادنمودند .
۱۳۲۰ش، ۲۷شهریور ، فرمان‌همایونی دال برعفوعده‌ای اززندانیان .
۱۳۲۰ ، ۳۰ شهریور ، فرمان شاهنشاه مربوط به واگذاری املاک اختصاصی در مجلس قرائت شد.
۱۳۲۱ش ، ۶ خرداد ، فرمان تشکیل شرکت خواروبار صادرشد.
۱۳۲۱ش ، ۱۱خرداد، ارتش‌شاهنشاهی به رضاییه وارد شد .
۱۳۲۱ش، اول‌تیرماه، کارشناسان‌ایرانی در بنگاه پاستور برای اولین‌بارسرم‌ضد تیفوس را ساختند .
۱۳۲۱ش ، ۱۷ آذر، بلوای‌نان‌درتهران وتوقیف روزنامه‌های مهم .
۱۳۲۲ ش، ۲۵خرداد،اعطای گواهینامهٔ اولین دستهٔ خلبانان ایرانی .
۱۳۲۲ش، ۷مهرماه ، سید ضیاءالدین طباطبایی‌پس‌از ۲۲سال‌تبعید واردایران شد .
۱۳۲۳ش ، ۲۳ تیرماه،روزی‌که اعتبارنامهٔ سید جعفر**پیشه‌وری** ردشد .
۱۳۲۴ ش، ۲۱شهریور، دولت‌ایران از دول متفق تقاضا کرد که قوای‌خود را از ایران خارج‌کنند .
۱۳۲۴ش ، ۲۲ شهریور ، بیمهٔ‌کارگران کارگاهها به‌فرمان همایونی آغازشد.
۱۳۲۴ ش ، ۴ مهر ماه ، آشوبگران و عمال پیشه‌وری در زنجان ، استاندار را مجروح‌ویک نفررا مقتول کردند .
۱۳۲۴ش ، ۱۰ مهرماه ، پرده برداری ازمجسمهٔ **فردوسی** در**میدان فردوسی**.
۱۳۲۴ش ، ۲۱ آذر ، تشکیل حکومت خودمختار درآذربایجان .
۱۳۲۴ش ، ۲۹ بهمن‌ماه ، در این روز احمدقوام (قوام‌السلطنه) در رأس هیئتی جهت مذاکره با زمامداران شوروی به مسکو سفرکرد .
۱۳۲۴ش ، ۱۱ اسفند ، آغاز خروج قوای انگلیس از ایران .
۱۳۲۴ ش، ۱۹اسفند،روزبازگشت‌هیئت سیاسی‌ایران‌بریاست‌قوام‌السلطنه‌ازمسکو.
۱۳۲۵ش، ۱۶اردیبهشت ، اعلان‌خروج ارتش سرخ ازآذربایجان .
۱۳۲۵ش ، ۲۳ اردیبهشت ، مراجعت **پیشه‌وری** به‌آذربایجان .
۱۳۲۵ ش ، ۲ مهرماه ، طغیان ایل قشقایی به رهبری ناصر قشقایی.
۱۳۲۵ش، ۳ مهر ، تظاهرات ویاغی‌گری عشایر حیات‌داودی ودشتستانی .
۱۳۲۵ش ، ۷ مهرماه ، اعلام‌شدکه‌نیمی ازبندربوشهر در تصرف عشایر در آمده است .
۱۳۲۵ش، ۱۶ مهرماه ، برگزاری‌جشن مهرگان درحضورشاهنشاه .
۱۳۲۵ش ، ۲۵ مهرماه ، رفع غائلهٔ عشایر **حیات داودی** ودشتستانی .
۱۳۲۵ش، ۱۷ آذر، حرکت‌قوای‌ایران برای تصرف آذربایجان .
۱۳۲۵ش، ۲۰ آذر ، تصرف شهرمیانه بوسیلهٔ ارتش ایران از فرقهٔ دمکرات.
۱۳۲۵ش ، ۲۱ آذر، پیروزی ارتش ایران بر حکومت پوشالی فرقه‌در آذربایجان .
۱۳۲۶ ش ، ۲۲ دی‌ماه ، لغو حکومت

نظامی .

۱۳۲۷ ش، ۷مهرماه، اولین کلنگ **سد کوهرنگ** وسیلهٔ شاهنشاه بر زمین زده شد.

۱۳۲۷ ش ، ۱۶ بهمن ، دولت انحلال حزب تودهٔ ایران را اعلام کرد .

۱۳۲۸ ش، ۲۸ اردیبهشت، قانون انتخابات مجلس سنا به توشیح همایونی رسید .

۱۳۲۸ ش ، ۱۵ امرداد ، روز تحویل دوناو جنگی ازطرف دولت انگلیس به ایران درعوض ناوهای ببرو پلنگ که در شهریور ۱۳۲۰ غرق کرده بودند .

۱۳۲۹ ش، ۹ اردیبهشت ، والاحضرتین شاهپورها برای انتقال جنازهٔ رضا شاه کبیر به مصر عزیمت نمودند .

۱۳۲۹ ش ، ۱۵ اردیبهشت ، جسد رضا- شاه کبیر وارد تهران شد .

۱۳۲۹ ش، ۱۷ اردیبهشت ، تدفین جنازهٔ **رضاشاه کبیر** در آرامگاه شهری .

۱۳۲۹ ش، ۱۵ شهریور، اعلام موجودیت حزب **پان ایرانیست** .

۱۳۲۹ ش، ۱۹ مهر، روز نامزدی **شاهنشاه و دوشیزه ثریا اسفندیاری**.

۱۳۲۹ ش، ۲۳ بهمن، مراسم ازدواج شاهنشاه و دوشیزه ثریا اسفندیاری .

۱۳۲۹ ش، ۲۹ اسفند، برای مدت دوماه حکومت نظامی در تهران اعلام شد.

۱۳۳۰ ش، ۲۳ تیرماه ، روز اعتراض مردم به تحریک عناصر چپی به ورود اورل **هریمن** مشاور مخصوص رییس جمهوری آمریکا به تهران که منجر به خونریزی شد .

۱۳۳۱ ش ، ۷ خرداد ماه ، مسافرت دکتر محمد مصدق وهیئتی به آمستردام جهت حضور در **دادگاه لاهه** و دفاع از حقانیت ایران .

۱۳۳۱ ش، ۳۰ تیرماه ، تظاهرات شدید وخونین مردم علیه دولت قوام السلطنه.

۱۳۳۱ ش ، ۱۲ بهمن ، اعلام ملی شدن شرکت شیلات .

۱۳۳۲ ش ، ۸ تیر ماه ، مرکز مبارزه با بیماریهای آمیزشی و دریافت گواهی سلامت قبل ازازدواج در بیمارستان نجات تهران گشایش یافت .

۱۳۳۲ ش ، ۱۲ امرداد ، رفراندوم دکترمحمد **مصدق** برای انحلال مجلس شورایملی .

۱۳۳۲ ش ، ۱۹ امرداد ، روزفراندوم که بدستور **دکتر محمد مصدق** درشهرستانها صورت گرفت .

۱۳۳۲ ش ، اول مهرماه ، کشف شبکه و تجهیزات حزب توده در **سه راه شکوفه** .

۱۳۳۲ ش، ۲۸ آذر ، صدور فرمان انحلال مجلس دورهٔ ۱۷ .

۱۳۳۳ ش، ۳ بهمن ، کشف انبار مهمات وچاپخانهٔ روزنامهٔ مردم وابسته به حزب منحلهٔ توده در داودیه .

۱۳۳۴ ش، ۲۸ اردیبهشت، اشغال **حظیرة- القدس** بهاییها توسط فرماندار نظامی.

۱۳۳۴ ش، ۱۸ تیرماه ، حریق مدهشی در جنوب تهران روی داد که ۵۷ نفر کشته و ۳۰۰ ملیون ریال خسارت ببار آورد .

۱۳۳۴ ش، ۲۵ آذر ، مجلس سنا عفو خلیل **طهماسبی** قاتل **رزم آرا** را بر خلاف قانون اساسی ومغایر اصل ۲۸ متمم قانون اساسی اعلام کرد .

۱۳۳۴ ش ، ۲۲ اسفند ، توشیح قانون برنامهٔ هفت سالهٔ دوم وسیله شاهنشاه .

۱۳۳۴ ش ، ۲۴ اسفند ، روزکارگران ایران اعلام شد.

۱۳۳۵ ش، ۱۸ اردیبهشت، مراسم مخصوص شیروخورشید وقرار دادن این روزبنام روز شیروخورشید سرخ .

۱۳۳۵ ش، ۱۶ خرداد ماه، آغازمبارزه با بیماری تراخم درجنوب کشور وشهر دزفول .

۱۳۳۵ ش ، ۶ امرداد ، بازدید شاهنشاه از اردوی بین المللی دانشجویان آسیایی واروپایی و آمریکایی وافریقایی در تهران.

۱۳۳۵ ش ، ۲۳ اسفند ، تصویب لایحهٔ مربوط به تشکیل سازمان امنیت کشور .

۱۳۳۵ ش ، ۲۹ اسفند ماه ، ۱۱۹ نفر از افسران محکوم عضو حزب منحلهٔ تودهٔ ایران از زندان آزاد شدند .

۱۳۳۶ ش، ۲۵ اردیبهشت، صدور فرمان **شاهنشاه** در تصویب **کمیتهٔ ملی المپیک**.

۱۳۳۶ ، ۲۶ اردیبهشت ، تأسیس **حزب- مردم** توسط **اسدالله علم**.

۱۳۳۶ ش ، ۱۶ تیرماه، تأسیس **وزارت گمرکات وانحصارات** .

۱۳۳۶ ش ، ۱۶ تیرماه ، دستگیری خسرو **روزبه** افسر سابق ارتش وعضوحزب منحلهٔ تودهٔ ایران .

۱۳۳۶ ش ، ۱۹ مهرماه، مراسم ازدواج شاهدخت **شهناز پهلوی** با آقای اردشیر **زاهدی**.

۱۳۳۶ ش، ۲۲ آذر، زلزله قریهٔ **فارسینج** را منهدم کرد و ۱۱۸۱ نفر کشته شدند .

۱۳۳۶ ش ، ۲۳ اسفند ، روز جدایی **شاهنشاه** و علیاحضرت **ثریا**.

۱۳۳۸ ش ، ۲۶ اردیبهشت ماه ، توقیف ماشین جیپ سرویس سفارت شوروی با سرنشین محلی وغیرسیاسی بواسطهٔ پخش اوراق تبلیغاتی .

۱۳۳۸ ش، ۲۹ آذر ، ازدواج **شاهنشاه** ودوشیزه فرح **دیبا**.

۱۳۳۹ ش، ۲۷ تیر ، تشکیل بزرگترین جمبوری پیش آهنگی در تهران .

۱۳۴۰ ش، ۱۲ اردیبهشت ، آغاز اعتصاب و تظاهرات آموزگاران ودبیران تهران.

۱۳۴۰ ش، ۱۹ اردیبهشت، صدور فرمان انحلال مجلس دورهٔ بیستم از طرف **شاهنشاه**.

۱۳۴۰ ش ، ۲۸ اردیبهشت ، برگزاری اولین متینگ جبههٔ ملی درجلالیه پس از رویکار آمدن **دکتر علی امینی** .

۱۳۴۰ ش ، ۱۳ خرداد ، اعلام موجودیت **اتحادیهٔ زنان حقوقدان**.

۱۳۴۰ ش ، ۲۱ خرداد ، زلزلهٔ شدید درشهرلار .

۱۳۴۰ ش ، اول مهرماه، برگزاری جشن روز دهقان .

۱۳۴۰ ش، ۱۳ مهر، شاهنشاه کلیهٔ سرمایهٔ بنیاد پهلوی را وقف ملت ایران کردند.

۱۳۴۰ ش، ۵ بهمن، عزیمت سپهبد بختیار به اروپا .

۱۳۴۰ ش، ۱۶ بهمن ، نمایشگاه آثار مکشوفه از تپهٔ چراغعلی مربوط به تاریخ سه هزار سالهٔ ایران .

۱۳۴۰ ش ، ۲۵ بهمن ماه ، تونل شمارهٔ ۷ جاده هراز فرو ریخت و ۸ نفر کارگر کشته شدند .

۱۳۴۰ ش ، ۲۸ بهمن ماه ، بفرمان همایونی، شاهدخت اشرف پهلوی بریاست شورای بانوان منصوب شدند.

۱۳۴۱ ش ، اول تیر ماه ، آتش سوزی مدهشی در بانک کارگشایی که ۱۲۰۰ ملیون ریال خسارت وارد آورد و ۵۶ ساعت طول کشید .

۱۳۴۱ ش، ۱۸ تیرماه ، درنتیجهٔ تصادف قطار باا توبوس درگرمسار ۵۲ نفر کشته و۳۰ نفر مجروح شدند .

۱۳۴۱ ش، ۱۱ شهریور ، وقوع زلزله ای درتهران ، قزوین ، همدان وساوه.

۱۳۴۱ ش ، ۱۷ مهرماه ، هیئت دولت برای اولین بار مادهٔ ممنوعیت زنان در

انتخابات را حذف کرد .

۱۳۴۱ ش ، ۲۸مهرماه ، انتصاب دکتر جلال **عبده** به حکمرانی **گینهٔ نو**

۱۳۴۱ ش، ۲۴ دی، مقررشد درایران برای اولین بار انتخابات با **کارت الکترال** صورت گیرد .

۱۳۴۱ ش ، ۵ اسفند ماه ، روز پرستار ایران .

۱۳۴۱ ش، ۲۱ اسفند،روزتولدشاهدخت فرحناز (**معصومه**) سومین فرزند شاهنشاه.

۱۳۴۲ ش، ۱۲ امردادماه ، آیت الله **خمینی** آزادشد .

۱۳۴۲ ش ، اول مهرماه ، الحاق گارد مرزی به ژاندارمری .

۱۳۴۲ ش ، ۲۴ آذر ، اعلام موجودیت **حزب ایران نوین** .

۱۳۴۳ ش ، ۴مهرماه ، جدایی شاهدخت شهناز پهلوی از آقای اردشیرزاهدی .

۱۳۴۳ ش ، ۱۵ آذر ، تفکیك و تقسیم وزارت فرهنگ بوزارت فرهنگ وهنر ووزارت آموزش وپرورش .

۱۳۴۳ ش ، ۱۶ بهمن ، دوناو اهدایی دولت آمریکا بنام دریابان **بایندر** و ناخدا دوم **نقدی** نامگذاری شد .

۱۳۴۳ ش ، ۲۱ بهمن ، زلزلهٔ شدید درآذربایجان شرقی ، عده‌ای را کشت .

۱۳۴۳ ش ، ۲۷ بهمن ماه ، برای‌اولین بار یك محکوم درداخل محوطهٔ زندان اصفهان اعدام شد.

۱۳۴۳ ش، ۶دی ، جشن یکهزاروصدمین سال تولد محمد زکریای رازی .

۱۳۴۳ ش ، ۱۶دی ، ریزش تونل معدن مس درنزدیکی **اهر** ومرگ عده‌ای از کارگران .

۱۳۴۳ ش ، ۱۵ اسفندماه ، کنفرانس مالیاتی درکاخ وزارت دارایی با شرکت نمایندگان **سنتو** .

۱۳۴۳ ش، ۱۶ اسفند، روزی که کنفرانس بین‌المللی مدارس آمریکایی کشورهای ماوراء بحاردر **هتل هیلتون** تشکیل شد .

۱۳۴۳ ش ، ۲۵اسفند، برق سد سفید-رود در بندر پهلوی مورد استفاده قرار گرفت .

۱۳۴۴ ش، ۱۲اردیبهشت ، انتصاب خانم فرخ رو **پارسا** به سمت معاونت آموزش و پرورش.

۱۳۴۴ ش، ۲۰خرداد، بهای بنزین وقند و شکر کاهش یافت.

۱۳۴۴ ش ، ۳ تیرماه ، برای‌اولین بار در تاریخ دادگستری ایران خانم قدسیهٔ حجازی از آقای احمد ناصری متهم به سرقت دفاع کرد .

۱۳۴۴ ش ، ۸ امرداد ، صدوراعلامیهٔ دولت درمورد بیماری شبه وبا.

۱۳۴۴ ش ، ۱۰ شهریور ، تشکیل کمیتهٔ استفاده ازنیروی اتم درایران .

۱۳۴۴ ش، ۲۳ شهریور، مسافرت **هویدا** نخست وزیر به پاکستان جهت طرح برنامهٔ کمك به آن کشور درجنگ باهند .

۱۳۴۴ ش، ۲۴شهریور، تقدیم لقب **آریامهر** به شاهنشاه ازطرف مجلسین .

۱۳۴۴ ش ، ۲۵ شهریور ، جشن آغاز بیست وپنجمین سال سلطنت شاهنشاه.

۱۳۴۴ ش، ۴آبانماه، سومین دورهٔ مسابقات وزنه برداری بین المللی در تهران تشکیل گردید.

۱۳۴۴ ش، ۲۸آذر، صدور فرمان تدوین **تاریخ کامل ایران** ازطرف شاهنشاه.

۱۳۴۴ ش ، ۳۰آذر ، میگ‌های جنگندهٔ عراق ، پاسگاه **خان شیخان** و آبادی **کهریزك** را به مسلسل بستند .

۱۳۴۴ ش ، ۷دی ، ابلاغ فرمان آماده-باش به ارتش یکم و واحدهای دریایی بعلت حوادث مرزی عراق.

۱۳۴۴ ش ، ۲۵دی، اختراع(قلم وکتاب گویا)وسیلهٔ زردشت **صبری**.

۱۳۴۴ ش ، ۳ بهمن، آزمایش قلم ناطق اختراع زردشت **صبری** درحضور شاهنشاه **آریامهر وشهبانو**.

۱۳۴۵ ش، ۸ اردیبهشت، ولادت شاهپور **علیرضا پهلوی**، فرزند چهارم شاهنشاه .

۱۳۴۵ ش، ۱۵ تیرماه، بفرمان **شاهنشاه لشکرسوم** در جنوب تشکیل شد.

۱۳۴۵ ش ، ۲۸ تیرماه ، انتشارفرمان ملوکانه مربوط به تشکیل انجمن حفظو حمایت منابع طبیعی .

۱۳۴۵ ش ، ۲۹ امرداد ماه ، روز تشکیل سازمان زنان ایران .

۱۳۴۵ ش، ۸شهریور، آزادی احمد **نفیسی** شهردار اسبق تهران با ۵۵۵ملیون ریال ضمانت.

۱۳۴۵ ش ، ۱۹ شهریور ، باشرکت ۴۰ نفر از وکلای دادگستری ۱۵ کشور ، شورای اتحادیهٔ بین‌المللی وکلای دادگستری در تهران تشکیل شد .

۱۳۴۵ ش ، ۱۹ شهریور، افتتاح کنگرهٔ وکلای دادگستری ۱۵ کشور با شرکت ۴۰ وکیل درتهران .

۱۳۴۵ ش، ۱۹ شهریور، افتتاح اتحادیهٔ بین المللی ایران شناسان در تهران .

۱۳۴۵ ش ، ۴آبانماه، تلویزیون دولتی ایران روی کانالهای ۷ و ۱۳ درتهران آغاز بکارکرد .

۱۳۴۵ ش، ۶بهمن، انتشارکتاب انقلاب سفید بقلم شاهنشاه .

۱۳۴۵ ش ، ۲۹ بهمن‌ماه ، کاخ سلطنتی به کاخ **صاحبقرانیه** منتقل شد.

۱۳۴۵ ش، ۴ اسفند ماه ،توشیح فرمان مربوط به تشکیل شورایعالی تاجگذاری به ریاست سپهبدیزدان‌پناه .

اطلاعات مربوط به کابینه ها

۱۳۲۰ ش، ۵شهریور ، محمدعلی **فروغی** سومین کابینهٔ خود راتشکیل داد.

۱۳۲۰ ش، ۱۸ اسفندماه، تشکیل اولین کابینهٔ **علی سهیلی** .

۱۳۲۱ ش ، ۱۸ امرداد ، قوام‌السلطنه پنجمین دولت خودرا تشکیل داد.

۱۳۲۱ ش، ۱۵ بهمن، تشکیل دولت **علی-سهیلی** اعلام شد.

۱۳۲۱ ش، ۱۷ بهمن، استعفای ۱۱ نفر از اعضای کابینهٔ قوام‌السلطنه .

۱۳۲۱ ش، ۲۴ اسفند **علی سهیلی** دومین کابینهٔ خود را تشکیل داد .

۱۳۲۳ ش ، ۱۵ شهریور ، محمد **ساعد** سومین کابینهٔ خود را تشکیل داد .

۱۳۲۴ ش، ۲۰ اردیبهشت ، تشکیل اولین کابینهٔ حکیم‌الملك .

۱۳۲۴ ش، ۲۲خرداد ، اولین کابینهٔ صدرالاشراف (محسن صدر) تشکیل شد .

۱۳۲۴ ش ، اول بهمن ، استعفای دولت حکیمی (حکیم‌الملك).

۱۳۲۴ ش، ۷ بهمن، انتصاب احمد قوام (قوام‌السلطنه) به نخست‌وزیری .

۱۳۲۵ ش ، ۱۲ امرداد ، قوام السلطنه کابینهٔ خود را باقبول سه‌وزیر دست چپی ترمیم کرد.

۱۳۲۵ ش، ۲۶ مهرماه ، معرفی هشتمین کابینهٔ قوام‌السلطنه.

۱۳۲۶ ش. ۲۸ خرداد ، احمد قوام

(قوام‌السلطنه) نهمین دولت خود را تشکیل داد.
۱۳۲۶ ش، ۱۳ آذر، استعفای کابینهٔ قوام.
۱۳۲۶ ش ، ۱۸ آذر ، سقوط دولت قوام‌السلطنه.
۱۳۲۶ ش، ۶ دی، تشکیل سومین کابینهٔ ابراهیم‌حکیمی (حکیم‌الملك).
۱۳۲۷ ش، ۳۰خرداد، عبدالحسین **هژیر** اولین کابینهٔ خودرا تشکیل داد.
۱۳۲۹ ش، ۵ تیر ماه ، فرمان نخست وزیری سپهبد **رزم‌آرا** صادر شد .
۱۳۲۹ ش، ۶تیر ماه، تشکیل اولین کابینهٔ سپهبد علی **رزم‌آرا** .
۱۳۲۹ ش ، ۲۹ اسفند ماه، اولین کابینهٔ حسین علاء بحضور شاهنشاه معرفی شد .
۱۳۳۰ ش،۸ اردیبهشت ، صدور فرمان نخست وزیری دکتر محمد **مصدق.**
۱۳۳۰ ش ، ۱۲ اردیبهشت ماه، تشکیل اولین کابینهٔ **دکتر محمد مصدق.**
۱۳۳۱ ش ، ۲۵ تیرماه ، با استعفای دکتر محمد مصدق ، **قوام‌السلطنه** مأمور تشکیل کابینه گردید .
۱۳۳۱ ش ، ۲۷ تیرماه، تشکیل یازدهمین کابینهٔ احمد قوام (قوام‌السلطنه) .
۱۳۳۲ ش ، ۲۲ امرداد ماه ، روزی که فرمان عزل دکتر مصدق از نخست‌وزیری و انتصاب سرلشکر زاهدی به توشیح همایونی رسید .
۱۳۳۲ ش ، ۲۵ امرداد ماه ، فرمان عزل دکتر محمد مصدق توسط سرهنگ **نصیری** فرمانده گارد شاهنشاهی بوی ابلاغ شد ، ولی دکتر مصدق از اجرای فرمان سرباززد، سرهنگ نصیری وعده‌ای را بازداشت و اعلامیهٔ انحلال مجلس هفدهم را صادر کرد .
۱۳۳۲ ش ، ۲۸ امرداد ماه ، قیام ارتش، پلیس و مردم در تأیید سرهنگ نصیری و سرلشکر زاهدی و گرفتاری دکتر مصدق.
۱۳۳۲ ش ، ۲۹ امردادماه ، روز تشکیل اولین حکومت سرلشکر زاهدی.
۱۳۳۳ ش ، ۲ اردیبهشت، معرفی کابینهٔ تیمسار زاهدی .
۱۳۳۵ ش ، ۲۳ خرداد ، سومین کابینهٔ حسین علاء تشکیل شد .
۱۳۳۹ ش ، ۹ شهریور. تشکیل اولین کابینه وسیلهٔ مهندس **شریف امامی** .
۱۳۴۰ ش ، ۱۵ اردیبهشت ماه ، اولین کابینهٔ دکتر علی امینی تشکیل گردید .
۱۳۴۱ ش ، ۲۸ تیرماه ، تشکیل اولین کابینهٔ آقای اسدالله **علم** .
۱۳۴۲ ش، ۱۷ اسفند، روزی که فرمان نخست وزیری بنام حسنعلی **منصور** صادر شد .
۱۳۴۳ ش ، اول بهمن ، صدور فرمان کفالت نخست وزیری امیر عباس **هویدا.**
۱۳۴۳ ش، ۷ بهمن ، معرفی اولین کابینهٔ امیرعباس **هویدا** .
۱۳۴۵ ش ، ۲۰ تیرماه ، روز ترمیم کابینهٔ آقای هویدا برای دومین بار .

مصوبات مهم مجلس

۱۳۲۲ ش، ۵ امردادماه، تصویب لایحهٔ تعلیمات اجباری ومجانی .
۱۳۲۴ ش،۱۹ مهرماه، مجلس شورایملی تجدید انتخابات را موکول به خروج نیروهای خارجی کرد.
۱۳۲۴ ش ،۱۰دی، لغو اختیارات دکتر **میلسپو** .
۱۳۲۷ ش، ۲۷ بهمن‌ماه، تصویب برنامهٔ هفت سالهٔ اول در مجلس شورایملی .
۱۳۳۱ ش ، ۱۶ امرداد ماه ، تصویب لایحهٔ بخشودگی خلیل **طهماسبی** قاتل سپهبد رزم‌آراء در مجلس شورایملی .
۱۳۳۱ ش ، ۲۰ امردادماه ، روزی‌که مجلس شورایملی به **دکتر محمد مصدق** اختیارات داد .
۱۳۳۵ ش ، ۲۲ اسفند ، تصویب حق شرکت بانوان درانتخابات .
۱۳۳۸ ش ، ۳۱ خرداد ، روز تصویب لایحهٔ منع کشت خشخاش و استعمال مواد مخدرهٔ افیونی .
۱۳۴۰ ش ، ۲۳ مهر ماه ، تصویب لایحهٔ تکمیل آیین نامهٔ انتخابات.
۱۳۴۱ ش ، ۲۹ اسفند ، قانون جدید مطبوعات تصویب شد .
۱۳۴۳ ش ، ۳ دی ، تغییر در مواد ۵و۱۹ آیین‌نامهٔ اجرای حکم اعدام مصوب ۱۳۰۷ شمسی در مورد اینکه محکومین به اعدام در محوطهٔ زندان بدون حضور تماشاچی اعدام شوند.
۱۳۴۴ ش ۱۶ ،دی، تصویب لایحهٔ تحولات اداری درمجلس شورای‌ملی .
۱۳۴۵ ش ، ۳ خرداد ، مجلس سنا دورهٔ قانونگذاری خودرا به ۴سال تقلیل داد .
۱۳۴۵ ش ، ۱۶ اسفند ، تصویب لایحهٔ مربوط به تأسیس مجلس مؤسسان برای تجدید نظر در اصول ۳۸ و ۴۱ و ۴۲ متمم قانون اساسی و تعیین نایب‌السلطنه در مجلس شورای‌ملی .
۱۳۴۵ ش ، ۲۸ اسفند ، تصویب لایحهٔ مربوط به استقلال داخلی استانها .

گزارش مربوط به سازمان ملل

۱۳۲۲ ش ، ۲۲ شهریور، دولت ایران به اعلامیهٔ ملل متحد پیوست .
۱۳۲۴ ش ، ۱۸ اردیبهشت ، پیام شاهنشاه ازرادیو ، به مناسبت پیروزی ملل متفق .
۱۳۲۴ ش ،۱۳ شهریور ، تصویب **منشور ملل متحد** در مجلس شورای ملی .
۱۳۲۷ ش ، اول خرداد ، تصویب الحاق ایران به سازمان بهداشت جهانی در مجلس شورایملی .
۱۳۲۷ ش ، ۱۵ تیرماه، تصویب لایحهٔ مربوط به الحاق ایران به انجمن **یونسکو** .
۱۳۲۸ ش ، ۷ دی ، پیوستن ایران به قرارداد منع فحشا و مجازات نشریات مستهجن .
۱۳۳۰ ش ، ۸ امردادماه ، ایران به قرارداد بین المللی پست و تلگراف پیوست .
۱۳۳۴ ش ، ۳۰آذر، تصویب منع کشتار دسته جمعی درجنگ .
۱۳۳۶ ش ، ۲۶خرداد ، تصویب لایحهٔ الحاق ایران به سازمان خواروبار و کشاورزی سازمان ملل متحد .
۱۳۳۹ ش ، ۳۰ خرداد ، اولین جلسهٔ اتحادیهٔ بین‌المللی زنان در تهران باشرکت زنان ۱۱ کشور تشکیل شد .
۱۳۴۰ ش ، ۶ آبانماه ، افتتاح **کمیتهٔ بین‌المللی نجات دنیا از گرسنگی** در تهران .
۱۳۴۱ ش ،۱۰شهریور، دومین **سمپوزیوم** بین‌المللی **اکافه** درتهران .
۱۳۴۱ ش ، ۲۶ دیماه ، پنجاه‌نفر از خلبانان وافراد فنی نیروی هوایی ایران با ۶ جت جنگنده ، درزیر پرچم سازمان ملل برای خدمت به کنگو رفتند.

۱۳۴۴ ش ، ۱۲ مهر مـاه ، گشایش کنفرانس بین‌المللی‌هواشناسان‌در تهران.
۱۳۴۴ ش ، ۷ بهمن، همبستگی ایران به قرارداد جهانی آزادی تبادل افکار .
۱۳۴۵ ش،۱۹شهریور، اتحادیهٔ‌بین‌المللی ایران شناسان در تهران تشکیل شد.
۱۳۴۵ ش ، ۱۸ اسفند ، پیوستن ایران به قرارداد محوهمه‌گونه‌تبعیضات‌نژادی.

گزارشهای نفتی

۱۳۲۳ ش ، ۱۸ آذر ، خروج نمایندهٔ شوروی از تهران بمناسبت عدم توفیق در اخذ امتیاز نفت .
۱۳۲۵ ش ، ۲۳ تیرماه ، روز اعتصاب بزرگ کارگران نفت خوزستان .
۱۳۲۶ ش ، ۲۹ مهرمـاه ، رد شدن قرارداد **قوام ــ سادچیکف** از طـرف مجلس درمورد نفت شمال .
۱۳۲۸ش، ۲۸ تیرماه، تصویب قرارداد یازده ماده‌ای نفت ایران وانگلیس .
۱۳۲۹ ش ، ۲۹ اسفند، صنعت نفت در سراسر کشور ایران ملی شد .
۱۳۳۰ ش ، ۸ اردیبهشت ماه ، تصویب خلع‌یدازشرکت نفت انگلیس در مجلس شورایملی .
۱۳۳۰ ش، ۴ خردادماه ، دولت‌ایران از شرکت نفت به دیوان داوری **لاهه** شکایت برد .
۱۳۳۳ ش ، ۲۸ تیرماه ، مـذاکرات نفت بین ایران وکنسرسیوم .
۱۳۳۵ ش،۱۵خرداد ، خلع‌ید ازشرکت روسی نفت خوریان .
۱۳۳۵ ش ، ۳ شهریورماه ، چاه شمارهٔ ۵ البرز قم به نفت رسید .
۱۳۳۵ ش ، ۲۲ شهریور ، فوران چاه نفت‌قم،مهارشد .
۱۳۳۶ ش ،۲۴ خرداد ، چاه شمارهٔ۴۷ آغاجاری در عمق ۹۰۷۷ متر به نفت رسید .
۱۳۳۶ ش ، ۱۹ اسفند،جشن پنجاهمین سال‌شروع بهره‌برداری‌نفت ایران.
۱۳۳۷ ش ، اول بهمن ، اولـین کشتی نفتکش ایرانی بنام « رضاشاه‌کبیر » در بندر **ماه‌شهر** لنگر انداخت .
۱۳۳۹ ش ، ۱۲ امرداد ماه ، اولین بارگیری‌نفت خـام گچساران ازجزیرهٔ خارك .
۱۳۴۰ ش ، ۶ آبانماه ، تشکیل سومین کنفرانس **اوپك** درتهران .
۱۳۴۱ ش،چاه شمارهٔ۳منطقهٔ **بی‌بی‌حکمیه** به نفت رسید .
۱۳۴۳ ش ، ۱۸ بهمن ، تصویب لایحهٔ جدید نفت درمجلس شورایملی .
۱۳۴۳ ش ، ۲۱ دی ، افتتاح لولهٔ نفت تهران رشت بطول ۳۳۰ کیلومتر وقدرت حمل ۵۶۰ هزار متر مکعب .
۱۳۴۳ ش ، ۲۲ دی ، تقلیل بهای‌نفت وبنزین .
۱۳۴۳ ش ، ۲۲ دی ، تسلیم قرار داد نفت به مجلس .
۱۳۴۳ش ، ۲۷ دیماه، تصویب‌قرارداد نفتی .
۱۳۴۴ ش ،۲۷خردادماه، بین ایران و ۷ شرکت خارجی قرارداد شرکت نفت خلیج فارس امضا شد .
۱۳۴۴ ش ، ۲۴ امرداد ، روز افتتاح لولهٔ نفت شاه ــ کرمانشاه .
۱۳۴۴ ش ، ۱۰ دی ، فوران چاه نفت **تنگ‌بیجار** .
۱۳۴۴ ش ، ۱۵ دی ، اشتعال چاه نفت **بیجار** .
۱۳۴۴ ش ، ۱۲ بهمن ، چاه نفت‌بیجار مهار وخاموش شد .

سفرهای شاهنشاه آریامهر و خاندان پهلوی

۱۳۲۰ ش ، ۵ مهرماه ،عزیمت رضاشاه کبیر بوسیله‌کشتی **بندرا** از بندر عباس به بمبئی وافریقای جنوبی .
۱۳۲۷ ش، ۲۷ تیرماه،مسافرت‌شاهنشاه به انگلستان .
۱۳۲۸ ش ، ۹ تیرماه ، روز بازگشت شاهدخت **شهناز پهلوی** به وطن .
۱۳۲۸ ش ، ۱۰ اسفند،مسافرت‌شاهنشاه به‌پا کستان .
۱۳۳۱ ش ، ۹اسفند ، روزی‌که‌شاهنشاه قصد خروج از ایـران را داشتند و تظاهرات مردم‌موجب انصراف ایشان‌شد و این روز بنـام روز « ملت » معروف است .
۱۳۳۲ ش ، ۲۵ امرداد ، روز سفـر شـاهنشاه‌وملکه‌ثریا باهواپیمای‌اختصاصی به بغداد .
۱۳۳۲ ش ، ۳۱ امرداد ، روز مراجعت شاهنشاه به ایران .
۱۳۳۴ ش ، ۲۹ تیرماه، عزیمت‌شاهنشاه به ترکیه جهت شرکت درکنفرانس عالی استامبول .
۱۳۳۴ ش ، ۲۵ بهمن ماه ، شاهنشاه و علیـاحضرت ثریا به هندوستان سفر فرمودند.
۱۳۳۵ ش ،۲۵اردیبهشت، دیدار رسمی **شاهنشاه ازترکیه** .
۱۳۳۵ ش، ۴ تیرماه، شاهنشاه و علیاـ حضرت ثریا پهلوی به اتحاد جماهیرـ شوروی سفرکردند .
۱۳۳۵ش ،۲۱ اسفند ، مسافرت‌شاهنشاه به‌کشور عربستـان سعودی .
۱۳۳۶ ش ، ۳۰ اردیبهشت ،سفر رسمی شاهنشاه وشهبانوبه اسپانیا .
۱۳۳۶ ش ،۲۵ آذر ، شاهنشاه به‌لبنان سفر فرمودند .
۱۳۳۷ ش ، ۲۲ اردیبهشت ، مسافرت رسمی شاهنشاه به چـین ملی ، ژاپن و آمریکا .
۱۳۳۷ ش ، ۱۲آذر ، سفر شاهنشاه به ایتالیا .
۱۳۳۸ ش ، ۱۲اردیبهشت ، سفر رسمی **شاهنشاه** به‌کشورهای‌انگلستان،دانمارك و هلند .
۱۳۳۹ ش ، ۲۴ اردیبهشت ، دیـدار رسمـی شاهنشاه از سوئـد ، بلژیك و اتریش
۱۳۴۰ ش ، ۲۷ اردیبهشت ، مسافرت **شاهنشاه و شهبانو** به نروژ .
۱۳۴۰ ش ، ۱۸ مهر ماه ، شاهنشاه و شهبانو عازم فرانسه شدند .
۱۳۴۱ ش ، ۴ امرداد ماه ، مسافرت شاهنشاه به افغانستان برای رفع‌اختلاف افغانستان وپاکستان .
۱۳۴۱ ش ، ۵ آبـانماه ، سفر رسمی شاهنشاه به ترکیه .
۱۳۴۲ ش ، ۲ بهمن ، مسافرت شاهنشاه و شهبانو به اتریش .
۱۳۴۳ ش، ۱۴خرداد، مسافرت‌شاهنشاه و شهبانوبه‌آمریکا جهت افتتاح‌هفت‌هزار سال هنرایران .
۱۳۴۳ ، ۱۹ بهمن ، عزیمت شاهنشاه به‌پاکستان .
۱۳۴۳ ش ، ۲۷بهمن، مسافرت‌شاهنشاه جهت معالجه به اتریش وانگلستان .
۱۳۴۳ش،۱۱ اسفندماه ،مسافرت‌شهبانو به لندن.

۱۳۴۴ ش ، ۱۲ اردیبهشت،سفر رسمی **شاهنشاه و شهبانو** به‌کشورهای برزیل، آرژانتین و کانادا .
۱۳۴۴ ش ، ۳۱ خرداد ، سفرشاهنشاه و شهبانو به اتحادجماهیرشوروی.
۱۳۴۴ ش ، ۴ بهمن، مسافرت‌شاهنشاه جهت استراحت‌به اتریش .
۱۳۴۵ش، ۶خرداد،شاهنشاه‌به‌کشورهای رومانی، یوگوسلاوی و مراکش‌مسافرت فرمودند .
۱۳۴۵ ش،۱۵ دیماه ، سفر شاهنشاه به اتریش .
۱۳۴۵ ش ، ۱۵ اسفند،مسافرت‌شاهنشاه و شهبانو به پاکستان .

مهمانان ایران

۱۳۲۱ ش ، ۲۰اردیبهشت ، ورود**ژرژ ششم** پادشاه انگلیس به تهران.
۱۳۲۱ ش ، ۲۱ امرداد ماه ،ورود و **چرچیل ، ژنرال ویول و هریمن** به تهران .
۱۳۲۲ ش ، ۶ دی ، ورود ادوارد**بنش** رییس جمهور چکسلواکی به‌تهران .
۱۳۲۸ ش ، ۲۴ خرداد ، ورود **امیر عبدالله** نایب‌السلطنهٔ عراق به ایران .
۱۳۲۸ش، ۶ امرداد، ورود**ملک‌عبدالله** پادشاه اردن هاشمی‌به تهران .
۱۳۲۹ ش ، ۲۲ بهمن،ورود **آقاخان محلاتی** و همسرش‌بیگم آقاخان‌به‌تهران.
۱۳۳۲ ش ، ۱۸ آذر ، ورود **نیکسون** معاون ریاست جمهوری آمریکا به تهران .
۱۳۳۴ ش ، ۱۸ امردادماه ، ورودملک سعود پادشاه عربستان سعودی‌به‌تهران .
۱۳۳۴ ش ، ۲۷ شهریور ، ورود جلال **بایار** رییس جمهور ترکیه به ایران .
۱۳۳۴ ش، ۵ بهمن، ورود**داگ هامرشولد** به تهران .
۱۳۳۵ ش ، ۲۴ تیرماه ، ورود ژنرال **اسکندر میرزا**رییس جمهور پاکستان و بانو به تهران .
۱۳۳۵ ش،۳۰ دی، ورودهیئت‌پارلمانی اتحاد جماهیر شوروی به ایران .
۱۳۳۶ ش،۹امرداد ، ورود **شیخ راشد** حاکم **دوبی**به تهران .
۱۳۳۶ش، ۱۶شهریور ، ورود**گرونکی** رییس جمهور ایتالیا به تهران .
۱۳۳۶ ش ، ۲۶ مهرماه ، ورود ملک‌فیصل پادشاه عراق و امیرعبدالله‌ولیعهد آن‌کشور به تهران .
۱۳۳۷ ش ، ۱۰ امرداد ، ورود **شیخ سالم‌الصباح** امیر کویت‌به تهران .
۱۳۳۸ ش ، ۱۰ شهریور ، ورود **شیخ راشد** حاکم **دوبی** به تهران .
۱۳۳۸ش، ۲۷شهریور، ورودجواهرلعل **نهرو** ، نخست وزیر هند به ایران .
۱۳۳۸ ش ، ۲۲ آذر ، ورود**آیزنهاور** به تهران .
۱۳۳۹ ش، ۱۱ اسفندماه،ورود**الیزابت دوم** و همسرش به ایران .
۱۳۴۰ ش ، ۱۵ آذر، ورود**شیخ‌صقربن سلطان‌القاسمی** حاکم **شارجه** به‌تهران .
۱۳۴۰ ش ، ۹ مهرماه،ورود **شیخ‌راشد** حاکم **دوبی** به تهران .
۱۳۴۱ش، ۲ شهریورماه ، ورودلیندون **جانسون** معاون ریاست جمهوری آمریکا به تهران .
۱۳۴۱ ش،۲۷ مهرماه ، ورود شاهزاده **بئاتریس** شاهزادهٔ هلند به تهران .
۱۳۴۲ ش ، ۱۳ اردیبهشت ماه ، ورود اعلیحضرت**فردریک نهم** وملکهٔ دانمارک به ایران .
۱۳۴۲ ش ، ۲۶ اردیبهشت ، ورود سرواپالی‌رادها**کریشنان**،رییس جمهوری هند به تهران .
۱۳۴۲ ش ، ۱۱ مهرماه ، ورود ملکهٔ هلند **ژولیانا** و همسر و فرزندشان به تهران .
۱۳۴۲ش،۲۴مهرماه،ورودکامیل**شمعون** به تهران .
۱۳۴۲ ، اول‌آبانماه ، ورود هنریک **لوبکه** رییس جمهورآلمان به‌تهران.
۱۳۴۳ش، ۲۳شهریور،ورود**هیلاسلاسی** امپراتور حبشه (اتیوپی) به‌تهران .
۱۳۴۳ ش،۱۸دی‌ماه، ورود**اولاف‌پنجم** پادشاه نروژ به تهران .
۱۳۴۳ ش ، ۲۳ اسفند ، ورود حبیب **بورقیبه** به تهران .
۱۳۴۴ ش،۲خردادماه، ورود**کوماروف** فضانورد شوروی‌جهت‌شرکت‌درنمایشگاه شوروی در تهران .
۱۳۴۴ ش، ۳ مهرماه، ورود **ملک‌حسین** پادشاه **اردن هاشمی** به تهران .
۱۳۴۴ ش،۸ مهرماه ، ورود فرانتس ، **یوناس** رییس جمهور فدرال اتریش به تهران .
۱۳۴۴ ش ، ۱۷ آذر ، ورود**ملک‌فیصل** پادشاه عربستان سعودی به تهران.
۱۳۴۴ ش ، ۱۹ آذر ، ورود مارشال **ایوب‌خان** به تهران .
۱۳۴۴ ش، ۱۷ بهمن، ورود **دون ژان کاربوس** ، ولیعهد اسپانیا و همسرش به تهران .
۱۳۴۵ ش ، ۳۱ شهریور ، ورود **شیخ راشدبن سعیدآل مکتوم** حاکم دوبی به به ایران .
۱۳۴۵ ش، ۲۶مهرماه ، ورود**ماهیندا** پادشاه‌نپال به تهران .
۱۳۴۵ ش ، ۲۳ اسفند ماه، ورودسپهبد عبدالرحمن **عارف** رییس جمهورعراق و بانو به ایران .

روابط‌ایران باکشورهای خارج

۱۳۲۰ش،۱۸شهریور، قرائت‌یادداشتهای روس وانگلیس درموردشناسایی تمامیت ارضی واستقلال‌ایران‌درمجلس‌شورایملی.
۱۳۲۰ ش ، اول مهرماه ، اعلام سلطنت شاهنشاه به دول خارجی .
۱۳۲۰ ش ، ۱۷ مهرماه ، مذاکرات دولت ایران با روس و انگلیس برای خروج نیروهای‌آنها .
۱۳۲۰ ش ، ۹ بهمن ماه ، عقد قرارداد بین‌نمایندگان‌ایران ،انگلیس وشوروی در تهران .
۱۳۲۲ ش ، ۱۷ شهریور، فرمان جنگ ایران به‌آلمان به توشیح شاهنشاه‌رسید.
۱۳۲۲ ش ، ۲۷ دی ، روابط ایران و عربستان بعلت‌سربریدن **ابوطالب‌یزدی** که متهم به ملوث‌کردن خانهٔ خداهنگام اجرای مناسك حج شده بود ، قطع شد .
۱۳۲۴ ش ، ۲۱شهریور ، ایران ازدول روس وانگلیس وآمریکا تقاضای خروج از مملکت راکرد .
۱۳۲۸ ش ، ۲۴اسفند، امضای قرارداد دوستی ایران وهند .
۱۳۳۲ ش ، ۱۴ آذر ، برقراری مجدد روابط ایران و انگلیس .
۱۳۳۳ ش ، ۲۴ آذر ، امضای معاهدهٔ بازرگانی و دریانوردی بین ایران و هلند .
۱۳۳۴ ش ، ۲۲ امردادماه ، امضای عهدنامهٔ دوستی بین ایران وآمریکا .
۱۳۳۴ ش ، ۱۹ مهرماه ، الحاق ایران به پیمان بغداد .
۱۳۳۴ ش ، ۳۰ آذر ، تصویب پیمان دوستی‌ایران وایتالیا و ایران وایسلند.

۱۳۳۵ ش ، ۲۵ اسفند، تصویب قرارداد دوستی ایران ومجارستان درمجلس شورایملی .

۱۳۳۸ ش ،۷ خردادماه، امضاءقرارداد ۷۲ ملیون دلار وام ایران از بانك بین‌المللی توسعه‌وعمران‌جهت راه سازی.

۱۳۳۹ ش،۱۸ اردیبهشت، جلسهٔوزرای خارجهٔپیمان **سنتو** درکاخ مجلس‌سنا.

۱۳۳۹ ش ، ۵ امرداد ، قطع روابط ایران و مصر .

۱۳۴۰ ش ، ۶ خرداد ، اولین قرارداد دوستی ایران و اندونزی امضا شد .

۱۳۴۱ ش ، ۲۴ شهریور، امضای‌قرارداد مربوط به عدم واگذاری پایگاه موشکی در ایران به دول خارجی، بین وزیرخارجهٔ ایران وسفیر شوروی.

۱۳۴۱ ش،۲۴شهریور،ارسال‌یادداشتهایی ازطرف وزیرخارجهٔایران وسفیرشوروی دربارهٔ عدم واگذاری پایگاه موشکی به دول خارجی .

۱۳۴۱ ش، ۱۰مهرماه ،کنفرانس‌وزرای خارجهٔ ایران ، پاکستان وافغانستان در نیویورك جهت رفع اختلاف افغانستان و پاکستان .

۱۳۴۱ ش ، ۸ دی ، به دعوت **اوتانت** وزیر خارجه موافقت‌کردکه چهارجت جنگنده برای مبارزه علیهٔ**موسی‌چومبه** به**کاتانگا** بفرستد .

۱۳۴۲ ش ، ۴خرداد،باوساطت شاهنشاه موارد اختلاف پاکستان وافغانستان حل شد .

۱۳۴۲ ش ، ۳ مرداد، امضای‌موافقت‌نامهٔ جدیدی‌بین ایران وشوروی درمورد استفاده از آب رودخانهٔ **ارس و اترك** وتکثیرماهی دردریای خزر و غیره.

۱۳۴۳ ش،۲۳مهرماه ، امضای قرارداد بازرگانی بین‌ایران وترکیه وپاکستان .

۱۳۴۳ ش ، ۱۹ دی ماه، پناهنده شدن **فیصل عبدالقادرعوده** پلیس مخفی‌مصر به ایران .

۱۳۴۴ ش ، ۱۱ خرداد ، لغوبهای روادیدگذر نامه بین ایران وعراق.

۱۳۴۴ش،۱۴ شهریورماه،آغازمذکرات با نمایندگان شوروی در بارهٔ **کارخانهٔ ذوب‌آهن** .

۱۳۴۴ ش ، ۱۳ مهر ، امضای قرارداد تأسیس کارخانهٔ ذوب‌آهن باشوروی .

۱۳۴۴ ش ، ۳آبانماه ، امضای قرارداد بازرگانی بین ایران وورومانی .

۱۳۴۴ ش ، ۲۲آذر،پیش نویس موافقت نامهٔ فلات ایران وعربستان سعودی به امضای طرفین رسید .

۱۳۴۴ ش ، ۲۳ آذر ، تشکیل جبههٔ واحداسلامی‌موردموافقت شاهنشاه‌آریامهر وملك فیصل‌پادشاه‌عربستان سعودی قرار گرفت .

۱۳۴۴ ش ، اول دیماه ، ۶گلولهٔ توپ ازخاك عراق‌بطرف‌آبادی**بایره‌شلیك**شد.

۱۳۴۴ ش، ۱۵ دی، ادعای دولت‌عراق از اینکه دولت ایران به عشایر شمالی آن کشور علیه دولت مرکزی عراق کمك می‌دهد .

۱۳۴۴ش،۲۳دی،مرزداران**قصرشیرین** تجاوزچریك‌های‌عراق را درهم‌شکستند.

۱۳۴۴ ش ، ۲۵ دی ، موافقت دولت ایران به پیشنهاد دولت عراق جهت آغاز مذاکره .

۱۳۴۴ ش ، ۲۹دی، به دنبال اظهارات سفیرایران درلبنان، طرفداران سرهنگ **ناصر** جنجالی بپاکردند ودولتین ایران ولبنان سفرای خودرا احضارکردند.

۱۳۴۴ ش ، ۵ بهمن، اعتراض ایران به عراق بعلت حوادث مرزی .

۱۳۴۴ ش ، ۲۵ بهمن ماه، قرار داد تأسیس کارخانهٔ **پتروشیمی** درآبادان به امضاء رسید .

۱۳۴۵ ش ، ۲۴ خرداد ماه ، وساطت شاهنشاه موجب ارتباط دوستانهٔ دولتین پاکستان ومالزی گردید .

توقیف ، مرگ و اعدام

۱۳۲۳ ش ، ۴ مرداد ماه ، فوت رضا شاه‌کبیر .

۱۳۲۵ ش ، ۱۳ مهر ، باکشته شدن عده‌ای از افسران و سربازان پادگان کازرون پس‌از ۱۲روز مقاومت درمقابل عشایر سقوط‌کرد .

۱۳۲۶ ،۱۷ خرداد ماه، فرمان تخفیف مجازاتهای زمان جنگ آذربایجان ، کردستان ومازندران .

۱۳۲۶ ش ، ۹شهریور، درگذشت مؤتمن‌الملك **پیرنیا** .

۱۳۲۷ ش ، ۱۵ بهمن، به‌جان شاهنشاه وسیلهٔ **ناصرفخرآرایی** سوء قصدشد ، و ضارب بلافاصله مقتول وشاهنشاه نجات یافتند .

۱۳۲۸ ش ، ۶ خرداد ماه ، استاد علامه محمد **قزوینی** درگذشت .

۱۳۲۹ ش ، ۶ خردادماه ، ترور احمد **دهقان** توسط **حسن‌جعفری** .

۱۳۲۹ ش ، ۱۶ اسفند، ترور **رزم‌آرا** در مسجد شاه وسیله‌خلیل **طهماسبی**.

۱۳۲۹ ش ، ۲۸ اسفند ، دکتر **زنگنه** وسیلهٔ نصرت‌الله **قمی** ترور شد.

۱۳۳۰ ش ، ۳۱ فروردین، درگذشت ملك‌الشعرای **بهار** .

۱۳۳۰ ش ، ۲۷ اردیبهشت ، فوت **فهیم‌الملك** .

۱۳۳۰ ش،۱۴آذر،کشته شدن سرهنگ **نوری دلشاد** درتظاهرات دانش آموزان وابسته به سازمانهای چپی .

۱۳۳۲ ش ، اول‌اردیبهشت ، مفقودشدن سرتیپ **افشارطوس** رییس شهربانی‌وقت در خیابان خانقاه .

۱۳۳۳ ش ، ۲۷ مهرماه ، تیرباران ۹ نفر از افسران سازمان نظامی حزب منحلهٔ توده .

۱۳۳۳ ش ، ۶آبانماه ، سقوط‌هواپیمای **شاهپورعلیرضا**در نزدیکی لار و فوت مشارالیه .

۱۳۳۴ ش ، ۲۶ امرداد ، تیرباران ۶نفر از افسران سازمان نظامی حزب منحلهٔ تودهٔ ایران .

۱۳۳۴ ش ، ۲۱ بهمن ، فوت عباس **اقبال آشتیانی** در روم .

۱۳۳۴ ش، ۲۶ بهمن ماه،**دکتربهرامی** امان‌الله **قریشی** ومهندس **علوی** اعضای مؤثر حزب منحلهٔ تودهٔ ایران بازداشت شدند .

۱۳۳۴ ش ، ۲۷ دیماه ، **نواب‌صفوی** ؛ **خلیل طهماسبی**، **ابوالحسن‌واحدیان** و مظفر **ذوالقدر** بموجب رأی دادگاه نظامی‌تیرباران شدند.

۱۳۳۴ ش، ۱۷دی،دکترمظفر **بقایی** ، محمودنر**یمان**وعلی **زهری** باتهام‌شرکت در قتل سپهبد **رزم‌آرا** توقیف شدند .

۱۳۳۴ ش،۸ اسفند ماه ، روزدرگذشت علی‌اکبر **دهخدا** در سن ۷۸ سالگی.

۱۳۳۴ ش ، ۱۰اسفند،دستگیری‌آناتولی ایوانویچ **گوزنتسف**(معاون‌وابستهٔ نظامی شوروی درتهران)به جرم جاسوسی .

۱۳۳۵ ش ، ۳۰ آذر ، فوت عماد**عصار** مدیر مجلهٔ آشفته .

۱۳۳۶ ، ۲۰ اردیبهشت ، مرتضی قلی **بیات** (سهام السلطان) درگذشت.

۱۳۳۶ ش ، ۲۰ تیر ماه ، روز وفات **آقاخان محلاتی** در سن ۸۰ سالگی وروز آغاز امامت پرنس **کریمخان** نوهٔ ۲۰ ساله‌اش .

۱۳۳۶ ش ، ۲۸ آذر ، فوت ابوالحسن **صبا** درسن ۵۷ سالگی .

۱۳۳۶ ش ، ۲۱ دی ، **دادشاه یاغی** به دست سروان خداداد **ریگی** به قتل رسید .

۱۳۳۷ ش ، ۲ اردیبهشت ، تیرباران شدن آوانس **آوانسیان** و هوشنگ **پور رضوانی** (اعضای حزب منحلهٔ توده طبق رأی دادگاه نظامی).

۱۳۳۷ ش ، ۲۱ اردیبهشت ، تیرباران خسرو **روزبه** افسر سابق وعضو حزب منحلهٔ توده ایران بموجب حکم دادگاه نظامی .

۱۳۳۸ ش ، ۲۵ خرداد ، به موجب رأی دادگاه نظامی **مهندس علوی** عضو حزب منحلهٔ تودهٔ ایران تیرباران شد .

۱۳۳۸ ش ، ۱۴ امرداد، درگذشت خانم **قمرالملوك** وزیری.

۱۳۳۸ ش ، ۲۷ مهر ماه ، در گذشت **حکیم‌الملك** درسن ۹۱ سالگی.

۱۳۳۸ ش ، ۱۶ دی، روزوفات علی **اسفندیاری** (نیمایوشیج).

۱۳۳۹ ش، ۲۳ مهر، **دکترصفدری** به ضرب چاقوی نصرتعلی **صدری** دانشجوی حقوق از پادرآمد .

۱۳۴۰ ش ، ۶ امردادماه، خانم صدیقهٔ **دولت‌آبادی** درگذشت .

۱۳۴۰ ش ، ۲۹ امرداد ، فوت **جواد فاضل** نویسندهٔ معروف ایران .

۱۳۴۰ش ، ۳ دی ماه، فوت سید محمد صادق **طباطبایی** .

۱۳۴۱ ش، ۲۷ مهرماه، **صدرالاشراف** (محسن صدر) بدرود زندگی گفت .

۱۳۴۱ ش ، ۱۶ بهمن، درگذشت سپهبد **شاه‌بختی** .

۱۳۴۲ ش، ۱۴خرداد، مسببین تظاهرات واغتشاشات ناشی از توقیف **آیت‌الله‌خمینی** دستگیر شدند .

۱۳۴۲ ش ، ۱۱ شهریور ، وفات سپهبد **زاهدی** درژنو .

۱۳۴۲ ش ، ۱۷ آذر، بازداشت **احمد نفیسی** شهردار تهران .

۱۳۴۳ ش ، ۲۱ تیر ماه، روزوفات **آقای حسین‌علاء** .

۱۳۴۳ ش، اول بهمن ، **حسنعلی‌منصور** درجلوی مجلس شورای‌ملی وسیلهٔ محمد **بخارایی** ترور شد .

۱۳۴۳ ش ، ۳۱ تیرماه ، درگذشت **قوام‌السلطنه** در۷۷ سالگی .

۱۳۴۳ ش، ۳۰ دی، وفات نظام **وفا** در سن ۷۷ سالگی .

۱۳۴۳ش، ۲۹ اسفند، مرتضی **محجوبی** به مرض سرطان ریه‌درگذشت .

۱۳۴۴ ش ، ۲۶ خرداد ماه ، طبق‌رأی دادگاه **محمدبخارایی** وسه نفر دیگر به جرم‌توطئهٔ قتل **حسنعلی‌منصور** نخست‌وزیر تیرباران شدند .

۱۳۴۴ ش ، ۱۴ امرداد ، درگذشت آیت‌الله حاجی سید رضا **فیروز آبادی** در ۱۰۰ سالگی .

۱۳۴۴ ش ، ۲۹ امرداد ، روز وفات **حاجی محمد، صنیع خاتم** در سن ۸۰ سالگی .

۱۳۴۴ ش ، ۱۰ مهرماه ، سرباز وظیفه **محمد بارانی** ، سه سرهنگ را بقتل رسانید.

۱۳۴۴ش، ۲۴آذر ، صدور حکم اعدام مهندس**منصوری وکامرانی** متهمین‌حادثه ۲۱ فروردین .

۱۳۴۴ ش ، ۲۷آذر ، در روزهای ۱۶ تا ۱۸آذر ، باکشته شدن یك استوار و یك ژاندارم درمرزایران وعراق، دولت ایران شدیداً به دولت عراق اعتراض کرد .

۱۳۴۴ ش ، ۵ دی، یك درجه تخفیف حکم اعدام **منصور وکامرانی** محکومین حادثهٔ ۲۱ فروردین وسیلهٔ شاهنشاه.

۱۳۴۴ ش ، ۱۳ دی ، تیرباران **محمد بارانی** قاتل سه سرهنگ ارتش .

۱۳۴۴ ش ، ۳۰ دی ، اطلاع از قیام مسلحانهٔ ۶۹ نفر از اعضای **حزب‌مخفی اسلامی** و دستگیری آنها.

۱۳۴۵ ش ، ۱۴ اردیبهشت‌ماه ، دراین روزشاهنشاه محکومیت اعدام **محمدکاظم بجنوردی** رهبر حزب مخفی اسلامی را بایك درجه تخفیف به حبس ابد تبدیل کردند .

۱۳۴۵ ش،۲۲آبان، وفات استاد **سعید نفیسی** .

۱۳۴۵ ش ،۱۴اسفند ، دکتر**محمدمصدق** درسن ۸۷ سالگی درگذشت .

۱۳۴۵ ش ،۲۴ اسفند ، فروغ **فرخزاد** براثر تصادف بااتوموبیل درگذشت .

لوایح دوازده‌گانه‌ومقدمات آن

۱۳۲۰ ش، ۳۰ شهریور، قرائت‌متن‌نامهٔ واگذاری املاك اختصاصی رضاشاه کبیر به‌شاهنشاه.

۱۳۲۹ ش، ۷ اسفند، روزصدور فرمان شاهنشاه درمورد تقسیم‌املاك سلطنتی.

۱۳۳۱ ش ، ۲۱ امرداد ماه ، اعطای مالکیت‌یازده‌قریه ازاملاک اختصاصی‌به دهقانان، توسط شاهنشاه .

۱۳۳۱ ش ، ۳ آبانماه ، اعطای اسناد مالکیت ۲۲۰ زارع کرج وسیلهٔشاهنشاه.

۱۳۳۳ ش، ۱۱ شهریور ، اعطای اسناد مالکیت ۵ دهکدهٔ سلطنتی‌درگنبدقابوس به زارعین وسیلهٔ شاهنشاه .

۱۳۳۴ ش، ۲۵ اردیبهشت، تصویب‌قانون تشکیل **خانه‌های‌انصاف** توسط **شاهنشاه**.

۱۳۳۸ ش، ۲۰امردادماه، برای‌اولین‌بار به‌موجب قانون تقسیم اراضی، شاهنشاه اسناد مالکیت قرای‌سلطنتی‌رابه ۱۵۴۲ کشاورز بابلی و آملی اعطاء نمود .

۱۳۳۸ ش،۱۷ بهمن،اعطای اسنادمالکیت ۱۶۰۷ تن ازدهقانان شمال.

۱۳۳۹ ش ، ۱۱ اردیبهشت‌ماه ، اعطای اسناد مالکیت قرای مازندران وسیلهٔ شاهنشاه درکاخ مرمر.

۱۳۴۰ ش، ۲۱ خرداد ، اعطای اسناد مالکیت زارعین بابلسر وسیلهٔ شاهنشاه.

۱۳۴۰ ش، ۲۵ خرداد، اسناد مالکیت زارعین دشت مغان وسیلهٔ شاهنشاه اعطاء گردید .

۱۳۴۰ ش ، ۲۸ مرداد ماه ، روز تشکیل‌متینگ‌عظیم **دوشان‌تپه** وسخنرانی شاهنشاه .

۱۳۴۰ ش ، ۱۰ بهمن ، انتشار اولین آگهی‌نوبتی‌برای‌تسلیم‌اظهارنامه ازطرف مالکین، درتقسیم اراضی مراغه .

۱۳۴۰ ش، ۱۹ دی، لایحهٔ اصلاح شدهٔ قانون اصلاحات ارضی بتصویب مجلس شورایملی رسید.

۱۳۴۰ ش، ۲۵دی، ابلاغ‌لایحهٔ‌اصلاحات ارضی پس‌از توشیح همایونی به‌دولت.

۱۳۴۰ ش، ۲۱ اسفند ، اجرای قانون اصلاحات‌ارضی برای اولین‌بار درمراغه.

۱۳۴۱ ش، ۷ خرداد ، اعطای اسناد مالکیت قسمتی از زارعین گیلان وسیلهٔ

شاهنشاه .

۱۳۴۱ ش ، ۶ امرداد ، آغاز اجرای دومین قسمت قانون اصلاحات ارضی در گیلان .

۱۳۴۱ ش، اول‌دی ، ۱۰۴۶ نفر دیپلمه جهت خدمت درسپاه دانش عازم پادگان شدند .

۱۳۴۱ش، ۱۸ دی، کنگره‌ای مرکب از ۳۵۰۰ نفردهقان به‌ریاست فائقه‌شاهنشاه درسالن‌محمدرضاشاه‌درتهران تشکیل‌شد.

۱۳۴۱ ش، ۱۹ دی، شاهنشاه با ایراد نطق تاریخی‌خود تصمیمات ۶ ماده‌ای را درمعرض قضاوت ورأی ملت قراردادند.

۱۳۴۱ ش، ۲۰دی، جنگلهای ایران‌ملی اعلام شد .

۱۳۴۱ ش، ۲ بهمن، تظاهرات عده‌ای‌از مردم در بازار تهران علیهٔ اصلاحات ارضی .

۱۳۴۱ ش، ۴بهمن، اعطای اسنادمالکیت زارعین قم .

۱۳۴۱ ش، ۶ بهمن، روزتأیید لوایح ششگانه ازطرف ملت .

۱۳۴۱ ش، ۹ بهمن ماه ، توشیح لوایح ششگانه بعداز رفراندوم .

۱۳۴۱ ش، ۱۴ بهمن، روز انتشارلوایح شش‌گانه .

۱۳۴۲ ش، ۵ خرداد، شاهنشاه اسناد مالکیت‌زارعین‌کرمان رااعطاءفرمودند.

۱۳۴۲ ش، ۱۸ خرداد ، مراسم اعطای اسناد مالکیت زارعین همدان در حضور شاهنشاه .

۱۳۴۲ ش ، ۷ امرداد ، اعطای اسناد مالکیت زارعین کرج وسیلهٔ شاهنشاه .

۱۳۴۲ ش ، ۶ امرداد ، اعطای اسناد مالکیت۸هزارزارع استان‌مرکزی‌وسیلهٔ شاهنشاه .

۱۳۴۲ ش، ۵ شهریور ، تشکیل کنگرهٔ **آزادزنان‌و آزاد مردان** .

۱۳۴۲ ش، ۲۱ مهرماه ، صدور فرمان مشعربرتشکیل‌خانه‌های انصاف .

۱۳۴۲ ش ، اول بهمن ، صدور فرمان سپاه بهداشت .

۱۳۴۳ ش، ۱۴ خرداد ، توشیح قانون مرحلهٔ دوم اصلاحات ارضی .

۱۳۴۳ ش، ۳ آبان، تشکیل کمیتهٔ ملی مبارزه با بیسوادی .

۱۳۴۳ ش، ۱۲ آذر، تصویب لایحهٔ سپاه ترویج وآبادانی .

۱۳۴۳ ش، ۴ دی، اولین مراسم جشن فارغ‌التحصیلی دورهٔ یکم سپاه بهداشت درحضور شاهنشاه برگزار شد .

۱۳۴۴ ش، ۱۴ اردیبهشت، اعطای اسناد مالکیت‌کشاورزان بر اساس مرحلهٔ دوم قانون اصلاحات ارضی وسیلهٔ **شاهنشاه آریامهر** .

۱۳۴۴ ش، ۱۶ تیرماه، اعطای اسناد مالکیت زارعین مازندران وسیلهٔ شاهنشاه .

۱۳۴۴ ش، ۴ بهمن، افتتاح کلاسهای پیکار با بیسوادی.

۱۳۴۴ ش، شهریور، مراسم جشن‌فارغ‌التحصیلی‌اولین‌دستهٔ سپاه‌ترویج‌وآبادانی ومسکن .

۱۳۴۴ ش، ۶ بهمن، افتتاح برج‌آزادی «مظهرانقلاب سفید شاه ومردم» درپارک‌شهر .

خبری چند از دانشگاه

۱۳۲۸ ش، ۲۱ امرداد، روزنصب اولین سنگ بنای دانشگاه تبریز .

۱۳۲۸ ش، ۲۹ اسفند ، دانشگاه ملی افتتاح شد .

۱۳۲۳ ش، ۱۵ اسفند، دانشجویان در مقابل مجلس شورایملی تظاهرات‌کردند ورضا **خواجه نوری** کشته شد .

۱۳۳۳ش، ۱۸دی، انتصاب‌دکترمنوچهر **اقبال** به ریاست دانشگاه تهران .

۱۳۳۵ ش، اول مهرماه، اهدای‌دکترای افتخاری ادبیات دانشگاه تهران به شاهنشاه .

۱۳۳۶ ش، ۱۵اردیبهشت، انتصاب‌دکتر احمد **فرهادمعتمد**، به‌ریاست دانشگاه .

۱۳۳۹ش، ۱۵بهمن، بااعتصاب‌دانشجویان مدت ۶۶ روز دانشگاه تعطیل بود.

۱۳۴۰ ش، اول بهمن، دانشگاه بر اثر تظاهرات دانشجویان تعطیل شد .

۱۳۴۲ ش، ۱۸ اردیبهشت، انتصاب‌دکتر جهانشاه **صالح** به‌ریاست دانشگاه‌تهران.

۱۳۴۲ ش، ۳ مردادماه، دانشسرایعالی منحل شد .

۱۳۴۲ ش، ۲ مهر، اعطای دکترای افتخاری‌هنرهای‌زیبای‌تهران به **شهبانو فرح** .

۱۳۴۴ ش، ۲۵اردیبهشت، تشکیل‌کنگرهٔ دانشگاهها با حضور اقای**هویدا** نخست وزیر .

۱۳۴۵ش، ۴ خردادماه. دکترعلی‌اکبر **بینا** به ریاست دانشگاه ملی منصوب شد .

۱۳۴۵ ش، ۱۹ مهرماه، تقدیم دکترای افتخاری **به شهبانو فرح** از دانشگاه پهلوی دررشتهٔ علم وهنر .

۱۳۴۵ ش، ۲۲ مهرماه ، افتتاح مسجد دانشگاه تهران باحضورشاهنشاه **ومحمد ایوب خان** رییس جمهور پاکستان .

افتتاح تأسیسات جدید

۱۳۲۰ ش، ۲۳ بهمن، آغازاولین‌برنامهٔ مذهبی .

۱۳۲۱ ش، ۲۶ اردیبهشت ماه ، افتتاح آموزشگاه خلبانی‌کشور وسیلهٔ شاهنشاه.

۱۳۲۱ ش، ۱۷ خرداد، بهره‌برداری‌از راه‌آهن شاهرود ــ تهران.

۱۳۲۱ ش، ۱۴تیرماه، افتتاح‌بیمارستان ۱۰۰ تختخوابی **شفا** به‌وسیلهٔ **شاهنشاه** .

۱۳۲۳ ش، ۱۵ آذر، بااعطای سه ملیون ریال ازطرف شاهنشاه ، سد گلپایگان آغاز شد.

۱۳۲۵ ش ، ۳۱ خرداد ، آسایشگاه مسلولین نیاوران وسیلهٔ شاهنشاه افتتاح شد .

۱۳۲۵ش، ۱۹ آذر، افتتاح‌کاخ‌دادگستری.

۱۳۲۶ ش، ۶ اردیبهشت، تأسیس‌سازمان شاهنشاهی وخدمات اجتماعی .

۱۳۲۶ ش، ۲۵ تیرماه، افتتاح پانزدهمین دورهٔ مجلس‌شورایملی .

۱۳۲۶ ش، ۳۰ تیرماه، اولین‌کلنگ‌آب لوله‌کشی تهران وسیله شاهنشاه درپارک شهربرزمین زده شد .

۱۳۲۶ ش، ۱۵ مهر، افتتاح دانشگاه جنگ .

۱۳۲۶ ش، ۲۳ بهمن، تروروقتل **محمد مسعود** درخیابان اکباتان .

۱۳۲۷ ش ، ۴ اردیبهشت ماه ، افتتاح راه‌آهن تهران‌ــ تبریزوسیلهٔ **شاهنشاه** .

۱۳۲۷ ش ، اول مرداد ، افتتاح تلفن بی‌سیم بین تهران و لندن .

۱۳۲۷ ش، ۱۲ دی ، افتتاح فرستندهٔ رادیو مشهدبه قدرت‌یك‌کیلووات

۱۳۲۸ش، ۲۱اردیبهشت، افتتاح‌آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی ، توسط‌شاهنشاه.

۱۳۲۸ ش، ۱۸ خرداد ، افتتاح رسمی راه‌آهن **تهران** ــ کاشان.

۱۳۲۸ ش ، ۲۱ خرداد ، زایشگاه فرح درحضور شاهنشاه افتتاح شد .

۱۳۲۸،ش ۲۰ بهمن‌ماه ، افتتاح مجلس سنا توسط **شاهنشاه.**

۱۳۲۸ ش ، ۲۰ بهمن ، افتتاح دورهٔ شانزدهم مجلس شورایملی و دورهٔ اول مجلس سنا .

۱۳۲۹ ش،۱۱مهرماه، افتتاح کنفرانس اقتصادی ملل اسلامی درتهران .

۱۳۲۹ ش ، ۲۵ اسفند ، **پارك شهر تهران** افتتاح‌شد .

۱۳۳۱ ش ،۷ اردیبهشت ، افتتاح دورهٔ هفدهم مجلس شورای ملی، توسط **شاهنشاه** .

۱۳۳۱ ش ،۲۶شهریور. بانك‌كشاورزی با۱۵ ملیون ریال سرمایه شروع بکار کرد .

۱۳۳۱ ش ، ۲۶ شهریورماه،آغاز کار **بانك‌عمران و تعاون روستایی .**

۱۳۳۱ ش ، ۱۲ مهرماه ،افتتاح کنگرهٔ پزشکی بین‌المللی رامسر .

۱۳۳۲ ش، شانزدهم امرداد ، افتتاح نمایشگاه دامپروری ایران بوسیلهٔ **شاهنشاه .**

۱۳۳۲ ش ، ۲۴ مهرماه ، افتتاح سد کوهرنگ وسیلهٔ شاهنشاه .

۱۳۳۲ ش ، ۲۷ اسفند ، افتتاح دورهٔ هیجدهم مجلس شورای ملی ودورهٔ دوم مجلس سنا وسیلهٔ شاهنشاه .

۱۳۳۴ ش ، ۷ خرداد ماه ، افتتاح بیمارستان ۵۰۰ تختخوابی شیرازوسیلهٔ **شاهنشاه .**

۱۳۳۴ ش ، ۲۷ شهریور ، افتتاح خط لولهٔ‌نفت ری ــ شاهرود .

۱۳۳۵ ش ، ۵خردادماه ،باپیام‌شاهنشاه کنگره **هفتصدمین** سال تولد **خواجه نصیرطوسی** افتتاح شد.

۱۳۳۵ ش ، ۱۰ خرداد ماه، افتتاح نوزدهمین دورهٔ مجلس شورای‌ملی‌وسیلهٔ شاهنشاه .

۱۳۳۵ ش ، ۱۴ تیر ماه . افتتاح اولین خط‌اتوبوسرانی **شرکت واحد** درتهران.

۱۳۳۵ش ، ۲۵ تیر، روز افتتاح راهرو زیرزمینی میدان سپه درتهران .

۱۳۳۵ ش ، اول مرداد ماه ، افتتاح ایستگاه راه‌آهن تهران نیشابور .

۱۳۳۵ش، ۱۵ اسفند ، افتتاح‌نمایشگاه اتم برای صلح .

۱۳۳۶ ش ، ۵ اردیبهشت، افتتاح **سد گلپایگان** توسط شاهنشاه.

۱۳۳۶ ش، ۱۲ اردیبهشت ، افتتاح راه آهن تهران مشهد توسط **شاهنشاه.**

۱۳۳۶ ش ، ۲۰مهرماه ،آغاز کار، کارخانهٔ چیت سازی بهشهر .

۱۳۳۶ ش ، ۲۲ مهر ،افتتاح‌کنگرهٔ بین‌المللی‌نقشه‌برداری درتهران .

۱۳۳۶ش ، ۲۴ اسفند، افتتاح فرستندهٔ صدکیلوواتی درتهران .

۱۳۳۷ ، ۳۰ فروردین ، تأسیس بنیاد پهلوی .

۱۳۳۷ ش، ۱۹ اردیبهشت ماه ، افتتاح آرامگاه**ابن‌سینا**درهمدان وسیلهٔشاهنشاه باحضورمستشرقین خارجی شخصیت‌های ایرانی .

۱۳۳۷ ش ، ۱۳ امرداد ماه ، افتتاح فرودگاه جدید **مهرآباد** در پیشگاه همایونی .

۱۳۳۷ ش ، ۲ مهرماه،افتتاح دانشکدهٔ ادبیات باحضور **شاهنشاه .**

۱۳۳۷ ش، ۱۱ مهر ماه ، افتتاح شبکهٔ تلویزیون ایران .

۱۳۳۷ ش، ۱۹مهرماه، افتتاح‌کنفرانس بین‌المللی **مناطق خشك .**

۱۳۳۷ ش، اول دی،آموزشگاه بهیاری آغازبکارکرد .

۱۳۳۷ش ، ۲دی ، اولین قطار راه‌آهن سراسری ایران به‌اهواز ازتهران‌حرکت کرد .

۱۳۳۸ ش ، اول تیرماه ، افتتاح مرکز اتمی پیمان سنتو دردانشگاه تهران .

۱۳۳۸ ش ، ۲۸ امرداد ، روز افتتاح رادیو زاهدان ورادیوکرمان .

۱۳۳۸ ش، ۲۱شهر یور،**کارخانهٔ سیمان درود** درحضورشاهنشاه افتتاح‌شد .

۱۳۳۸ ش ، ۱۹شهریورماه،ریل‌گذاری راه‌آهن بندرشاه‌ـ گرگان آغازشد .

۱۳۳۸ ش ، ۱۹ شهریور ، افتتاح ریل گذاری راه‌آهن ، بندرشاه ، گرگان.

۱۳۳۸ ش ،۲۱شهریور، افتتاح‌کارخانهٔ سیمان درود .

۱۳۳۴ ش ، ۲۷ شهریور ، افتتاح خط لولهٔ نفت‌ری‌ـ‌شاهرود .

۱۳۳۹ ش، ۳تیر، افتتاح ایستگاه‌هواشناسی در۱۱شهرستان ایران .

۱۳۳۹ ش، ۲۷ شهریورماه،افتتاح لولهٔ خط نفت ری ــ قزوین .

۱۳۳۹ ش ، ۱۲مهر ، افتتاح نمایشگاه صنایع‌آلمان درتهران .

۱۳۳۹ ش ،۱۴مهرماه ، افتتاح سومین دورهٔ اجلاسیهٔ **سنا .**

۱۳۳۹ ش، دوم‌اسفند ماه،افتتاح مجلس دورهٔ بیستم .

۱۳۴۰ش، ۳۱فروردین،افتتاح‌نمایشگاه آثار هنری ایران .

۱۳۴۰ ش،۱۶ مهر ماه ؛ افتتاح **پارك خیام .**

۱۳۴۰ش، ۱۶ مهرماه ، افتتاح کنگرهٔ پزشکی رامسر .

۱۳۴۰ ش ،۲۰مهر ، افتتاح‌نمایشگاه ۷هزار سال هنر ایران .

۱۳۴۰ش ،۳آبان‌ماه، افتتاح سدکرج (امیرکبیر) وسیلهٔ شاهنشاه.

۱۳۴۰ ش، ۱۸ آذر ،افتتاح کارخانهٔقند نیشکر خوزستان .

۱۳۴۰ش ، ۲ دی ، افتتاح دانشکدهٔ عالی فرماندهی و ستاد مشترك توسط شاهنشاه .

۱۳۴۰ ش ، ۵ اسفند ، روزآغازفعالیت هواپیمایی ملی .

۱۳۴۱ ش ، ۲۹ اردیبهشت، افتتاح سد **شهبانوفرح** (سفیدرود) وسیلهٔ شاهنشاه.

۱۳۴۱ ش ، ۲۸ شهریور ،افتتاح تصفیه خانهٔ نفت‌پارس وسیلهٔ شاهنشاه .

۱۳۴۱ ش ، ۱۸ بهمن، افتتاح‌کتابخانهٔ جدید مجلس شورای‌ملی .

۱۳۴۱ش ،۸اسفند،روز افتتاح‌کنفرانس اقتصادی درکاخ سنا .

۱۳۴۱ ش ،۲۲اسفند ،افتتاح **سدمحمد رضاشاه** وسیلهٔ شاهنشاه .

۱۳۴۲ ش ، ۳۱ فروردین ، افتتاح کنفرانس زنان جهان در تهران بانطق والاحضرت شاهدخت اشرف‌پهلوی .

۱۳۴۲ ش ، ۱۶ خرداد ماه ، افتتاح**سد شهناز** درهمدان وسیلهٔ شاهنشاه .

۱۳۴۲ ش ، ۱۴مهر،افتتاح دورهٔ چهارم مجلس‌سنا وبیست‌ویکم مجلس‌شورایملی.

۱۳۴۲ ش ، ۱۲ اسفند ماه ، افتتاح بیستمین دورهٔ اجلاسیه‌کنفرانس **اکافه** در کاخ سنا.

۱۳۴۳ ش ، ۱۵ اردیبهشت ، افتتاح بتون ریزی سدلتیان توسط شاهنشاه.

۱۳۴۳ ش ، ۴دی، صدورفرمان شاهنشاه درموزد تشکیل **بنیاد فرهنگ ایران .**

۱۳۴۳ش، ۱۰اسفند، افتتاح هیجدهمین

دورهٔ اجلاسیهٔ کمیسیون مقام زن‌درحضور شهبانو .

۱۳۴۴ ش ، ۴ اردیبهشت ، افتتاح کنفرانس مدیریت در تهران وسیلهٔ شاهنشاه .

۱۳۴۴ ش ، ۷ امرداد، افتتاح **استادیوم ورزشی فرحناز**، درتهران پارس وسیلهٔ شاهنشاه وشهبانو .

۱۳۴۴ ش ، ۱۴ امرداد ، افتتاح **سینه‌راما** در تهران .

۱۳۴۴ ش، ۹شهریورماه، افتتاح کنگرهٔ ایران شناسان درتالارفردوسی.

۱۳۴۴ ش، ۱۶ شهریور ،افتتاح کارخانهٔ جدید برق تهران‌که لوله‌های‌آن بوسیلهٔ توربین‌های گازی کار می‌کند .

۱۳۴۴ ش، ۱۷ شهریور، افتتاح کنگرهٔ جهانی مبارزه بابیسوادی در کاخ سنا با شرکت ۸۷ وزیر آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهان وسیلهٔ شاهنشاه.

۱۳۴۴ ش، ۲۸ شهریور،افتتاح چهارمین کنگرهٔ پزشکی ایران در رامسر .

۱۳۴۴ ش ، ۵آبانماه ، افتتاح تصفیه‌خانهٔ آب تهران .

۱۳۴۴ ش ، ۱۸ آذر، افتتاح **دارالتبلیغ تشیع** در شیراز .

۱۳۴۴ ش، ۱۱ دیماه، افتتاح دانشکدهٔ کشاورزی کرج .

۱۳۴۴ ش، ۱۲دی، آغازکار اولین کارخانهٔ ذوب آهن ایران در کارخانجات تعمیرات اساسی راه‌آهن .

۱۳۴۴ش، ۱۵دی ، افتتاح‌خط دوم‌لولهٔ نفت اهواز ــ تهران .

۱۳۴۴ ش ، ۱۸ دی ، افتتاح شاهراه رضاییه ــ ترکیه .

۱۳۴۵ ش ، ۲۴ اردیبهشت ، افتتاح هیجدهمین اجلاسیهٔ شورای بین المللی زنان توسط **شهبانو** درتهران .

۱۳۴۵ ش ، ۲۵ اردیبهشت، افتتاح نمایشگاه آثار هنری ایران توسط شاهنشاه .

۱۳۴۵ ش ، ۵ مهرماه، گشایش کنفرانس بین‌المجالس در تهران باحضور ۴۶۰ نماینده از ۶۳ کشور .

۱۳۴۵ ش ، ۱۰ مهر ، ورود **جودت سونای** رییس جمهوری ترکیه‌به تهران.

۱۳۴۵ ش، ۱۸ مهر ، افتتاح کنگرهٔ بین‌المللی‌تلویزیون درتهران .

کرونولوژی تاریخ

جهانی

۲۹۰۰ ــ ۲۷۰۰ ق. م، سلطنت‌سلسله‌های‌اول ودوم مصر(پایتخت: تی‌نیس) .

۲۷۰۰ ــ ۲۲۰۰ ق. م، دورهٔ سلطنت‌های سوم تا ششم (پایتخت : ممفیس). (درطی همین دوره بود که اهرام بزرگ سه گانهٔ مصر یعنی‌خئوپس،خفرن ومیسه‌رینوس ساخته شد).

۲۳۰۰ ــ ۲۱۰۰ ق . م ، سلطنت سلسله‌های هفتم تا دهم .

۲۱۰۰ ــ ۱۷۸۸ ق . م ، سلطنت سلسلهٔ یازدهم ۲۱۰۰ ــ ۲۰۰۰(پایتخت:تب) وسلسلهٔ دوازدهم (۲۰۰۰ ــ ۱۷۸۸) پایتخت شهر لیستت نزدیك ممفیس . در همین دوره بودکه ادبیات مصر قدیم به‌اوج خود رسید و مصر در معماری و هنرهای پلاستیکی بموفقیت‌هایی نایل گشت .

۱۷۸۸ــ۱۵۸۰ ق .م، دورهٔفرمانروایی بیگانگان در مصر .

۱۵۸۰ــ۱۰۹۰ ق.م، دورهٔ امپراتوری مصر قدیم (معروف به دورهٔ سلطنت جدید) .

۱۵۸۰ــ۱۳۵۰ ق.م ، سلطنت سلسلهٔ ۱۸(پایتخت: شهرتب) ازپادشاهان‌معروف این سلسله اینوفیس اول وتوتمس اول وتوتمس سوم‌است‌که فلسطین وفنیقیه‌را ضمیمهٔ مصرکرد . و آمنوفیس سوم (در زمان‌وی مصر بترقیات‌فرهنگی‌واقتصادی نایل‌آمد)وامنوفیس چهارم (ایخناتون) که یکتاپرستی را در مصر ترویج نمود

۶۳۵۰ ــ ۱۲۰۰ ق . م ، سلطنت ۳۱ (پایتخت : تب) . از فراعنهٔ معروف این سلسله هارم‌هاب‌وستوس اول‌ورامسس دوم ومرتپتاه میباشد .

۱۲۰۰ ــ ۱۰۹۰ سلطنت‌بیستم(پایتخت: تب) . از فراعنهٔ معروف این دوره رامسس سوم ورامسس چهارم بودند. قدرت کهنه در زمان آنها روز افزون گشت .

۱۰۹۰ ــ ۹۵۰ ق . م ، سلسله ۲۱ سلطنت‌کرد . فراعنه این دوره‌کار مهمی انجام ندادند .

۹۴۰ ــ ۸۴۵ ق . م ، سلطنت سلسله‌های ۲۲ تا ۲۴ . در این زمان هرج و مرج وجنگهای داخلی مصر روز بروز بیشتر گشت .

۷۱۳ ــ ۶۶۳ ق . م ، سلطنت سلسله۲۵ مؤسس‌آن یك‌نفرحبشی بنام **شاباکا** بود. در دورهٔ سلطنت‌این سلسله مصرازطریق آشور بانیپال مورد تجاوز قرارگرفت .

۸۰۰ ق م ،کارتاژ بوجود میآید .

۷۹۰ ق . م ، حبشه مصر را تصرف کرد .

۷۹۰ ق. م ،اولمپیاد نخستین.

۷۵۳ ق.م،روم ساخته شد .

۷۴۵ ق . م ، تگلات پلیصرسوم بابل را فتح‌و امپراتوری جدید آشور راتأسیس کرد .

۷۳۵ ق. م ، یونانیان در سیسیل رحل اقامت میافکندند .

۷۲۲ ق . م ، سارگون دوم آشوریان را باسلاحهای آهنی مسلح می‌کند .

۷۲۱ ق . م ، قوم یهود را تبعیدمیکند.

۷۰۴ ق . م ، جلوس سناخریب .

۷۰۱ ق م ، قشون سناخریب در حین لشکرکشی به‌مصر در اثر روبرو شدن بابلاهای‌آسمانی نابود میشود .

۶۸۰ ق. م، اسرحدودن تب را در مصر تصرف‌کرده وحکومت حبشیهارا درمصر ساقط میکند .

۶۶۷ ق . م ، جلوس ساردانا پالوس .

۶۰۶ ق. م ، تسخیر نینوا بوسیلهٔ پادشاه کلدانیان(انابوبولاسا)وشاه‌مد(سیاکزار) ایجاد امپراتوری کلدانی .

۵۸۶ ق . م ، بخت‌النصر یهودیها را به بابل میبرد . بسیاری ازیهودی‌ها به‌مصر فرارکرده درآنجا رحل‌اقامت‌میافکنند.

۵۵۰ ق. م،کوروش کبیرجانشین‌سیاگراز میشود .

(تأسیس سلسلهٔ هخامنشی).

غلبهٔ کوروش بر کروزس.

(بوداوکنفونسیوس‌ولائوتسه درهمین ایام میزیستند).

۵۳۹ ق . م ، کوروش بابل را فتح‌کرده وامپراتوری پارس را ایجاد میکند .

۵۲۷ ق م ، پیزیس ترانوس دیکتاتور یونانی‌فوت میکند .

۵۲۵ ق . م،کمبوجیه مصررافتح‌میکند.

۵۲۱ ق . م ، داریوش اول (کبیر) از هلسپون تا سند فرمانروایی میکند . داریوش به‌سرزمین سکها لشکر کشی

میکند .
۴۹۰ ق .م ، جنگ ماراتن .
۴۸۴ ق . م، هرودوت‌بدنیا میآید.آشیل برای نخستین تراژدی خود جایزه میگیرد .
۴۸۰ ق .م، جنگ ترموپیل وسالامیس.
۴۷۹ ق . م، نبرد پلاته .
۴۶۶ ق . م ، جلوس پریکلس برتخت شاهی یونان (دورهٔ طلائی یونان) .
۴۶۵ ق . م ، خشایارشا بقتل میرسد .
۴۳۱ ق . م ، آغاز جنگ های پلوپونز بین اسپارت ویونان .
۴۲۸ ق . م ، در گذشت پریکلس و هرودوت.
۴۲۷ ق . م ،آریستوفان پی‌در پی آثار خود را انتشار میدهد . افلاطون بدنیا میآید .
۴۰۱ ق . م ، مراجعت ده هزار سرباز یونانی از ایران به‌خاك‌یونان، برن‌نوس روم راغارت میکند .
۳۵۹ ق . م ، فیلیپ بپادشاهی مقدونیه برگزیده میشود .
۳۳۶ ق . م ، بقتل‌رسیدن‌فیلیپ مقدونی ولشکرکشی یونان به‌آسیا.
۳۳۴ ق . م، نبردگرانیکوس .
۳۳۳ ق .م، نبرد ایسوس .
۳۳۲ ق . م ، اسکندر درمصر.
۳۳۱ ق . م ، جنگ اربلا .
۳۳۰ ق . م، کشته شدن داریوش سوم .
۳۲۳ ق . م، مرگ اسکندر مقدونی .
۳۲۱ ق . م، روی‌کار آمدن چندراگوپتا درپنجاب.
۳۰۳ق.م، چندراگوپتا حملات‌سلوکیهارا دفع میکند .
۲۸۱ ق . م ، پیرهه به ایتالیا حمله میکند .
۲۸۰ ق . م ،جنگ هراکلیا .
۲۶۴ ق . م . جنگهای نخستین پونیك. آغاز سلطنت آشوکادرناحیهٔ بیهار(هند). نمایش بازیهای‌گلادیاتوری‌برای‌نخستین بار در روم .
۲۴۱ ق . م ، پایان جنگهای نخستین پونیك .
۲۲۵ ق . م ، نبرد تلامون . سپاهیان رومی وارد ایلیریا میشوند .
۲۱۹ ق . م ، جنگهای دوم پونیك .
۲۱۴ ق . م ، بنای دیوار بزرگ چین آغاز میشود .

۲۱۰ ق . م، مرگ تسن‌شی هوانگ‌تی .
۲۰۲ ق . م ، نبرد ناما .
۲۰۱ ق . م ، پایان جنگهای پونیك .
۱۹۷ - ۲۰۰ ق . م ، جنگ روم با مقدونیه .
۱۹۲ ق . م ، جنگ سلوکی‌ها .
۱۹۰ ق . م ، نبرد ماگنسیا .
۱۴۹ ق . م ، جنگ چهارم مقدونی که بشکست مقدونی‌ها پایان یافت.
۱۴۹ ق . م ، جنگ‌های سوم پونیك .
۱۴۶ ق . م ، نابودی کارتاژ . نابودی کورینت .
۱۳۵ - ۱۳۲ ق.م ، جنگ اول بردگان (درسیسیل رعایا و بردگان برهبری ائونوس قیام کردند ولی شکست خوردند) .
۱۰۳ - ۹۰ ق . م ، جنگ دوم بردگان درسیسیل به رهبری‌تریفون‌که باز باشکست منتهی شد .
۱۰۲ ق . م ، ماریوس حملات آلمانهارا دفع میکند .
۸۶ ق . م ، مرگ ماریوس.
۷۳ ق . م ، قیام بردگان به رهبری اسپارتاکوس .
۷۱ ق . م ، شکست اسپارتاکوس .
۶۶ ق. م ، لشکرکشی پمپئی به‌بحرخزر وفرات .
۶۴ ق . م، درگذشت میتریداتس‌پونتس.
۵۳ ق . م ، کشته شدن کراسوس در کارهه .
۴۸ ق . م، شکست خوردن پمپئی‌به‌دست ژول سزار درفارسالوس .
۴۴ ق . م ، قتل ژول سزار .
۳۶ ق .م ، نبرد اکتیوم .
اول‌میلادی، تولدعیسی‌مسیح‌علیه‌السلام.
۱۴ ب . م ، مرگ اگوستوس و جلوس تیبریوس .
۳۳ ب . م . مصلوب شدن حضرت عیسی.
۳۷ ب . م ،کالیگولا جانشین تیبریوس میشود .
۴۱ ب . م ، جلوس‌کلودیوس .
۵۴ ب . م ، جلوس نرون .
۶۱ ب . م ، قتل عام پادگان رومی در انگلستان بدست ملکه بودیکا .
۶۸ ب . م ، انتحارنرون .
۶۹ ب . م ، وسپاسیان سلسلهٔ فلاوین را آغازکرد .
۷۹ ب . م ، تیتوس جانشین وسپاسیان گردید .
۸۱ ب . م ، جلوس دومی سیان .
۸۴ ب . م ، شمال انگلستان ضمیمهٔ امپراتوری روم شد.
۹۶ - ۹۷ ب. م ، امپراتوری مارکوس کوك سلوس نروا .
۹۸ب.م. تیراژان جانشین نرواگردید .
۱۰۲ب .م، پانچو درددریای خزر (هجوم سکاها به شمال هند) .
۱۱۷ ب . م ، هادریان جانشین‌تراژان گردید. توسعهٔ امپراتوری روم‌بحداکثر.
۱۳۸ ب . م ، آنتونینوس پایس جانشین هادریان‌گردید .
۱۵۰ ب . م ، دراین زمان سلسلهٔکانیشکا برخطهٔ کاشغروختن حکومت میکرد .
۱۶۱ ب . م ، جلوس مارك اورل .
۱۶۴ ب . م ، آغاز طاعون بزرگ‌که بامرگ اورل پایان پذیرفت .
۱۸۰ ب . م ، مرگ مارك اورل (آغاز يك دورهٔ صد سالهٔ جنگ و بی‌نظمی در امپراتوری‌روم) .
۲۲۰ ب .م ، پایان سلسلهٔهان.
۲۲۷ ب .م ، اردشیراول ساسانی سلسلهٔ اشکانیان را از بین برد .
۲۴۲ ب . م ، مانی تعالیم خودرا در دنیا انتشار داد .
۲۴۷ ب . م، گت‌ها در حال یورش از دانوب عبور میکنند .
۲۵۱ ب .م ، پیروزی بزرگ‌گت‌ها . امپراتور دیسیوس بقتل میرسد .
۲۶۰ ب . م ، شاپور اول انطاکیه را تصرف و امپراتور والرین را اسیر کرد .
۲۶۹ ب . م ، امپراتور کلودیوس‌گت‌ها را درنیش شکست میدهد .
۲۷۰ ب . م ، اورەلین امپراتورمیشود .
۲۷۲ ب . م، ملکهٔ زنوبیا اسیرگشته به روم برده میشود . پایان شکوه وجلال کوتاه‌پالمیرا .
۲۷۵ ب . م ، پروبس جانشین اورەلین میشود .
۲۷۷ ب . م ، قتل‌مانی درایران .
۲۸۴ ب . م دیوکلیسیان امپراتور میشود .
۳۰۳ ب . م ، دیوکلیسیان مسیحیان را تعقیب میکند .
۳۱۱ ب . م ، گالیریوس از تعقیب مسیحیان دست برمیدارد .

۳۱۲ ب . م ، قسطنطنین امپراتور میشود .
۳۱۳ ب . م . اعلام حقوق مساوی برای تمام کیشها ومذاهب از طرف قسطنطنین و استرداد اموالی که از مسیحیان گرفته شده بود .
۳۲۱ ب . م ، یورشهای گت‌ها از نو دفع میشود .
۳۲۳ ب . م ، تشکیل اولین شورای جهانی کلیسا در نیکاسیا به‌ریاست قسطنطنین برای فیصله دادن جرو بحث‌های مذهبی که دراسکندریه بین آریوس کشیش و الکساندراسقف‌درشهرمزبوردرگرفته بود. آریوس‌مدعی‌بودکه عیسی ازجنس یاذات دیگری‌غیرازذات‌پروردگاربود. الکساندر می‌گفت عیسی‌وخداوند ازیك جوهرند.
۳۲۷ب.م، بهواندالهاکه‌ازطرف‌گتهارانده شده‌بودند اجازه داده‌شدکه درپان‌نونیا رحل‌اقامت‌افکنند.
۳۳۷ ب . م، قسطنطنین در بستر مرگ تعمید مییابد .
۳۵۴ ب.م،تولد اگوستین‌قدیس .
۳ ــ ۳۶۱ب.م، کوشش‌ژولیان‌معروف به اپوستات (یعنی مرتد) به برقراری میترایسم (مهرپرستی) بجای عیسویت .
۳۶۳ ب.م،درگذشت ژولیان .
۴۱۰ب.م،ویگوتها تحت‌قیادت«الاریك» روم‌راغارت‌کردند.
۴۲۵ب.م،واندالهادرجنوب‌اسپانیاوهونها دریان نونیا وگتها دردالماسیا رحل اقامت میافکنند .
۴۳۹ب.م،واندالهاکارتاژراتصرف‌میکنند.
۴۸۸ب.م،پرسیکوس‌باآتیلا ملاقات‌کرد.
۴۵۱ب.م،حملهٔ‌آتیلا به «گال» وشکست اوبوسیله‌فرانکها وآلمانها ورومیها در ترویز .
۴۵۳ ب. م ، درگذشت آتیلا .
۴۵۵ ب ، م . واندالها روم را غارت کردند .
۵۲۷ب.م.ژوستینیان‌امپراتور میگردد .
۵۲۹ ب، م . ژوستینیان مدارس‌آتن را که‌مدت‌قریب ۱۰۰۰ سال‌دایربود، بست. بلیساریوس(ازژنرالهای‌ژوستینیان) ناپل راتصرف‌کرد .
۵۳۱ب.م،خسرواول شروع‌بسلطنت‌کرد.
۵۴۳ ب.م،طاعون بزرگ درقسطنطنیه .
۵۵۵ ب.م، ژوستینیان گتهارا ازایتالیا بیرون میکند .
۵۵۶ب.م،درگذشت‌ژوستینیان، لمباردها قسمت اعظم ایتالیای شمالی را فتح می‌کنند .
۵۷۱ ب.م، تولد محمدبن عبدالله .
۵۷۹ب.م،درگذشت‌خسرواول(انوشیروان).
۵۹۰ ب.م، طاعون در روم. آغاز سلطنت خسرودوم معروف به‌خسروپرویز .
۵۸۹ ب. م، تولد حضرت علی
۶۱۰ ب.م،آغازسلطنت هراکلیوس .
۶۱۹ ب . م خسروپرویز مصر واورشلیم ودمشق راتصرف کرده قشون خود را به‌هلسپون میفرستد. آغاز سلسلهٔ تانگ درچین .
۶۲۱ ب.م،سال هجرت پیامبر اسلام .
۶۲۳ ب.م،جنگ بدر .
۶۲۷ ب.م ، شکست لشکرایران درنینوا بوسیلهٔ‌هراکلیوس ــ متحدین‌مکه‌ومدینه‌را محاصره‌میکنند .
۶۲۸ ب.م ، قباددوم خسروپرویزرا بقتل رسانده‌وجانشینش میگردد .
۶۲۹ ب.م ، ورود پیروزمندانهٔ محمدبن عبدالله(ص) به‌مکه.
۶۳۲ب. م ، درگذشت‌پیامبراسلام‌وآغاز خلافت ابوبکر.
۶۳۴ب.م،نبردیرموك‌وافتادن‌سوریه‌بدست مسلمانان ــ عمرخلیفه میشود .
۶۳۷ ب.م ، نبرد قادسیه .
۶۳۸ ب.م،تسلیم شدن اورشلیم به عمر .
۶۴۲ ب.م،درگذشت هراکلیوس .
۶۴۳ب.م ، عثمان خلیفهٔ سوم شد.
۶۵۵ ب. م. شکست ناوگان بیزانس بوسیلهٔ مسلمین .
۶۵۶ب.م،بقتل رسیدن عثمان درمدینه . وآغازخلافت علی(ع)
۶۶۱ ب.م،شهادت‌علی(ع) .
۶۶۲ ب.م،خلافت معاویه .
۶۷۵ب.م،معاویه‌ازطریق‌دریا به‌قسطنطنیه حمله‌کرد .
۷۱۱ب.م،حملهٔ سپاهیان‌مسلمان ازطریق افریقا به‌اسپانیا .
۷۱۵ب.م ، تصرفات ولید اول از پیرنه تاچین‌امتداد می‌یابد.
۷۱۷-۱۸ ب. م،سلیمان‌فرزند وجانشین ولیدنتوانست قسطنطنیه رامتصرف شود .
۷۳۲ ب م، شارك مارتل مسلمین رادر نزدیکی پواتیه شکست داد.
۷۴۹ ب. م، پایان فرمانروایی امویه و روی‌کارآمدن عبدالعباس سفاح، نخستین خلیفهٔ عباسی، اسپانیا همچنان درتصرف امویها باقی میماند .
۷۵۱ ب. م، پپین شاه فرانسه میشود .
۷۷۱ب.م،شارلمانی‌بشاهی‌انتخاب‌میشود.
۷۷۴ ب. م، شارلمانی لمبارد را فتح میکند .
۷۷۶ ب. م، شارلمانی در دالماسیا .
۷۸۶ ب. م، هارون‌الرشید خلیفهٔ عباسی دربغداد .
۸۰۰ ب. م، شارلمانی بعنوان امپراتور غرب تاجگذاری می‌کند .
۸۱۲ ب. م. درگذشت‌شارلمانی وجلوس لویی پرهیزکار.
۸۴۳ ب. م، درگذشت لویی پرهیزکار و تجزیهٔ امپراتوری‌کارولنژی.
۸۵۰ ب. م، دراین‌اوقات اوریك،مردی ازشمال فرمانروای، نوگورود و کی‌یف می‌شود .
۸۵۲ ب. م، بوریس نخستین شاه‌مسیحی بلغارستان .
۸۵۶ ب.م. ناوگان‌روسها(مردان‌شمالی) قسطنطنیه رامورد حمله قرار داد
۹۰۴ ب. م، روسها ازتسخیر قسطنطنیه صرفنظر می‌کنند .
۹۴۱ ب. م، ناوگان‌روسی‌مجدداًقسطنطنیه رامورد تهدید قرارمی‌دهد .
۹۶۲ ب. م، اوتوی اول‌شاه‌آلمان‌بعنوان امپراتور تاجگذاری میکند (نخستین امپراتور ساکسون‌ها) .
۹۶۹ ب. م ، برقراری خلافت جداگانهٔ فاطمی درمصر.
۹۷۳ ب. م، آغازکاراوتوی دوم .
۹۸۳ ب. م، آغازکاراوتوی سوم .
۱۰۱۶ ب. م، کنیوت شاه انگلستان ، دانمارك ونروژ میشود .
۱۰۳۷ ب. م، ابن‌سینا فوت می‌کند .
۱۰۴۳ ب . م، ناوگان روسیه قسطنطنیه راتهدید میکند !
۱۰۶۶ ب. م، ویلیام دوك نورماندی ، انگلستان رافتح می‌کند .
۱۰۷۱ب. م. احیای‌اسلام‌بوسیلهٔ‌ترکهای سلجوقی .
۱۱۶۹ ب. م، صلاح‌الدین ایوبی سلطان مصر می‌شود .
۱۱۸۷ ب. م. صلاح‌الدین ایوبی‌اورشلیم را تصرف می‌کند .
۱۱۸۹ ب. م، جنگ سوم صلیبی .
۱۱۹۸ ب. م ، ابن‌الرشد قرطبه‌ای فوت می‌کند .

۱۲۰۲ ب. م، جنگ صلیبی چهارم و حمله به‌امپراتوری شرقی.
۱۲۰۴ ب. م، لاتینی‌ها قسطنطنیه‌را تصرف میکنند.
۱۲۰۶ ب. م، «قطب» یك حکومت‌اسلامی دردهلی برقرار کرد.
۱۲۱۲ ب. م، جنگ صلیبی کودکان.
۱۲۱۴ ب. م، چنگیزخان پکینگ را تصرف میکند.
۱۲۱۵ ب. م، بامضاء رسیدن مگناکارتا (منشور بزرگ).
۱۲۱۸ ب. م، حملهٔ چنگیز به‌خوارزم.
۱۲۲۱ ب. م، شکست و مراجعت لشکر صلیبی پنجم.
۱۲۲۷ ب. م، مرگ چنگیز.
۱۲۲۸ ب. م، فردریك دوم جنگ‌صلیبی ششم را رهبری مـی‌کند و اورشلیم را می‌گشاید.
۱۲۳۴ ب. م، مغولها بکمك امپراتوری سونگ امپراتوری کین‌را بطورکامل‌تصرف مینمایند.
۱۲۴۰ ب. م، مغولهـا کی‌یف را ویران می‌کنند.
۱۲۴۴ ب. م، سلطان مصر اورشلیم را بازبتصرف‌مسلمین درمی‌آورد ودرنتیجه جنگ صلیبی هشتم‌آغاز میشود.
۱۲۵۱ ب. م، منگوقاآن، خان بزرگ می‌شود.
۱۲۵۸ ب. م. هولاکو بغدادراتسخیر و ویران می‌کند.
۱۲۶۰ ب.م، قوبیلای‌قاآن خان‌بزرگ میشود.
۱۲۶۱ ب. م، یونانیان قسطنطنیه را از لاتینی‌ها پس می‌گیرند.
۱۲۷۱ ب. م، مارکوپولو مسافرتهـای خودرا آغاز می‌کند.
۱۲۸۰ ب.م، قوبیلای‌قاآن، سلسلهٔ یوان رادرچین تأسیس می‌کند.
۱۲۹۲ ب. م، مرگ قوبیلای قاآن.
۱۲۹۳ ب. م، درگذشت راجربیکن. پیامبر علوم تجربی.
۱۳۰۸ ب. م، مرگ دانس اسکوتس.
۱۳۴۷ ب. م، طاعون بـزرگ (مرگ سیاه).
۱۳۶۰ ب. م، سقوط سلسلهٔ یوان‌مغولها درچین وروی‌آکارآمدن سلسلهٔ‌مینگ.
۱۳۶۷ ب. م، تیمور لنگ خان میشود.
۱۳۸۱ ب. م، شورش دهقـانـان در انگلستان.

۱۴۰۵ ب. م، مرگ تیمور.
۱۴۵۳ ب. م، ترکهای عثمانی‌قسطنطنیه راتحت قیادت سلطان محمد دوم تصرف کردند.
۱۴۸۱ ب. م، بامرگ سلطان محمددوم، بایزید دوم سلطان ترکیه می‌شود.
۱۴۸۶ ب. م، «دیاز» دماغهٔ امیدرادور میزند.
۱۴۹۲ ب.م، کریستوف‌کلمب‌ازآتلانتیك عبورکرده وبه‌آمریکا میرسد.
۱۴۹۲ ب. م، مـاکزیمیلن امپراتور میشود.
۱۴۹۳ ب. م، واسکوداگامـا از طریق دماغهٔ امید روانهٔ هند می‌گردد.
۱۴۹۹ ب. م، سویس‌یك‌جمهوری مستقل میشود.
۱۵۰۰ ب. م، شارل پنجم بدنیا میآید.
۱۵۰۹ ب. م،هانری هشتم،شاه‌انگلستان میشود.
۱۵۱۲ ب. م، جلوس سلطان سلیم.
۱۵۱۷ ب. م، سلطان سلیم مصرراضمیمهٔ امپراتوری عثمانی می‌کند. لوترتعالیم خود را در ویتنبرك بدنیـا اعـلام می‌کند.
۱۵۱۹ ب. م، در گذشت لئونـارد ــ داوینچی ــ ماژلان برای‌سیاحت دوردنیا عازم سفر می‌شود ــ کـورتزوارد شهر مکزیك میشود.
۱۵۲۰ ب. م، سلطان سلیمان بـرتخت شاهی می‌نشیند وبرقلمروی‌که ازبغداد تا مجارستان امتداد داشت‌حکومت‌مینماید. شارل پنجم امپراتور می‌شود.
۱۵۲۵ ب. م، بابر درجنگ‌پانیپات‌پیروز شده‌ودهلی‌رامتصرف گردیده وامپراتوری مغول هندرا برقرار می‌کند.
۱۵۲۷ ب. م، سپاهیان‌آلمان تحت‌قیادت کنستابل بوربون‌روم‌راغارت میکنند.
۱۵۲۹ ب. م، سلطان سلیمان، وین را محاصره میکند.
۱۵۳۰ ب. م، پیزارو پـرو را تصرف می‌کند. شارل پنجم‌ازطرف‌پاپ‌تاجگذاری میشود. هانری هشتم نزاعهای خود را با پاپ آغاز میکند.
۱۵۴۳ ب. م، درگذشت‌کوپرنیك.
۱۵۴۶ ب. م، درگذشت مارتین‌لوتر.
۱۵۴۷ ب. م، ایوان‌چهارم (مخوف)تزار روسیه میشود. فرانسیس اول می‌میرد.
۱۵۴۹ ب. م، نخستین میسیون یسوعی وارد امریکای جنوبی می‌شود.

۱۵۵۶ ب. م، شارل‌پنجم استعفاء میدهد. اکبر، پادشاه هند می‌گردد؛ اوگناسیوس لویولا فوت میکند.
۱۵۵۸ ب. م، مرگ شارل پنجم.
۱۵۶۲ ب. م، مـرگ سلطان سلیمـان امپراتور عثمانی.
۱۵۶۴ ب. م، تولدگالیله.
۱۵۶۷ ب. م. شورش هلند.
۱۵۷۱ ب. م، تولد کپلر.
۱۵۷۸ ب. م، تولد هاروی.
۱۶۰۱ ب. م، درگذشت هاروی.
۱۵۸۳ ب.م،مسافرت‌سروالتررالی‌به‌ویرجینیا
۱۶۰۱ ب. م، درگذشت تیکوبراهه.
۱۶۰۳ ب. م،جیمزاول شاه انگلستان و اسکاتلند میشود.
۱۶۰۵ ب. م، جلوس جهانگیر کبیر.
۱۶۰۹ ب. م، هلند مستقل می‌شود.
۱۶۱۸ ب. م، آغاز جنگهای سی‌ساله.
۱۶۲۵ ب. م، شارل اول‌پادشاه‌انگلستان می‌شود.
۱۶۲۶ ب. م، درگذشت سرفرانسیس‌ـ بیکن.
۱۶۲۸ ب. م، جلوس شاه‌جهان‌امپراتور مغول هند.
۱۶۲۹ ب. م، شارل اول‌انگلستان یازده سال حکومت بدون‌پارلمان خودراایجاد کرد.
۱۶۳۰ ب. م، درگذشت‌کپلر.
۱۶۳۲ ب. م، گستاوس‌آدولفس در نبرد لوتزن‌کشته شد.
۱۶۳۴ ب. م، قتل‌والنشتاین.
۱۶۳۸ ب. م، ملت ژاپون دروازه‌هـای کشور خودرا به‌روی اروپاییان‌بست(این وضع تاسال ۱۸۶۵ ادامه داشت).
۱۶۴۰ ب. م، شارل‌اول پارلمان طویل‌ـ المدة خودرا برقرارساخت
۱۶۴۱ ب. م، قتل عام انگلیسی‌ها در ایرلند.
۱۶۴۲ ب. م، درگـذشت‌گالیله. تـولد نیوتون.
۱۶۴۳ ب. م، لویی‌چهاردهم سلطنت۷۲ سالهٔ خودراآغـازکرد.
۱۶۴۴ ب. م، مانچوها به‌عمرسلسلهٔ‌مینك پایان‌دادند.
۱۶۴۸ ب. م، پیمان وستفالیا.
۱۶۴۹ ب. م، اعدام شارل اول (پادشاه انکلیس).
۱۶۵۹ ب. م، جلوس‌اورنگ‌زیب‌شاه‌مغول

هند ــ درگذشت کرامول.
۱۶۶۰ ب. م، جلوس شارل دوم پادشاه انکلیس .
۱۶۶۶ ب. م، حریق عظیم لندن.
۱۶۷۴ ب. م، نام نیوآمستردام یاشهری که‌هلندیها دراتازونی‌ایجادکردند، طبق پیمانی‌که باانگلیسیها بسته‌شد، به‌نیویورك تبدیل شد .
۱۶۸۳ ب. م، آخرین‌حملهٔ‌ترکها به‌وین که‌بوسیلهٔ جان‌سوم پادشاه لهستان دفع گردید .
۱۶۸۸ ب م،انقلاب انگلیس.فرارجیمز دوم وآغازسلطنت ویلیام‌ومری.
۱۶۸۹ ب. م، جلوس‌پطر کبیر .
۱۶۹۴ ب م، تولد ولتر.
۱۷۰۱ ب. م، فردریك اول شاه پروس میشود .
۱۷۰۴ب.م، درگذشت جان‌لاك‌پدرتئوری دموکراتیك معاصر.
۱۷۰۷ ب.م ، درگذشت اورنگ‌زیب و تجزیهٔ امپراتوری‌مغول‌هند.
۱۷۱۳ ب. م، تولدفردریك‌کبیرپروسیه.
۱۷۱۴ ب. م، جلوس ژرژ اول .
۱۷۱۵ ب. م، جلوس لویی پانزدهم .
۱۷۲۷ ب. م، درگذشت نیوتون.ژرژدوم پادشاه انگلیس میشود.
۱۷۳۶ ب.م، حملهٔ نادرشاه به‌هند(آغاز سال حمله‌ویورش‌بهندوحکمفرمایی‌آشوب وبی‌نظمی درسرزمین مزبور).
۱۷۴۰ ب. م، آغاز سلطنت ماریا ترز جلوس فردریك‌کبیر .
۱۷۴۱ ب. م ، جلوس الیزابت ملکهٔ روسیه .
۱۷۵۵-۶۳ ب. م، جنگ انگلستان و فرانسه برای تصاحب آمریکا وهند ــ اتحادفرانسه‌با اتریش وروسیه‌برضدپروس وانگلستان .
۱۷۵۱-۶۳ ب. م، جنگ هفت‌ساله.
۱۷۵۷ ب. م، جنگ پلاسی‌که درهندرخ دادودراین‌جنگ سراج‌الدوله‌فرمانروای بنگال شکست سختی‌ازانگلستان خورد. تسلط انگلیس برهند ازهمین‌تاریخ‌آغاز میشود .
۱۷۵۹ ب . م ، ژنرال انگلیسی یعنی ولف شهر کبك درکانادا را فتح میکند .
۱۷۶۰ ب . م ، جلوس ژرژ سوم شاه انگلیس .
۱۷۶۰ ب .م ، درگذشت ملکهٔ‌الیزابت (روسیه) ــقتل تزار پول وجلوس‌کاترین‌ــ بزرگ .
۱۷۶۳ ب . م، صلح‌پاریس، واگذارشدن کانادا به‌انگلیس .
۱۷۶۹ ب . م ، تولد ناپلئون بناپارت.
۱۷۷۴ ب . م ، لویی شانزدهم سلطنت خودرا آغازکرد . انتحار رابرت کلایو سردار انگلیسی‌که درهند فتوحات مهمی برای انگلستان‌کرد .آغاز درام انقلاب آمریکا .
۱۷۷۵ ب .م، نبرد لگزینگتون .
۱۷۷۶ ب . م ، اعلام استقلال اتازونی.
۱۷۷۸ ب . م ، در گذشت ژان ژاك‌ــ روسو.
۱۷۸۰ ب . م ، پایان‌سلطنت ماریا ترز وجلوس‌ژوزف(۱۷۹۰ - ۱۷۶۵م).
۱۷۸۳ ب . م ، تأسیس حکومت فدرال در اتازونی توسط of philadelphia constitutional conventionورشکستگی دولت فرانسه .
۱۷۸۷ ب . م ، نخستین کنگرهٔ فدرال اتازونی درنیویورك .
۱۷۸۸ ب . م ، تشکیل نخستین‌کنگرهٔ فدرال اتازونی درنیویورك .
۱۷۸۹ ب.م،تشکیل‌اتاژنروی‌فرانسوی‌ــ حمله به باستیل .
۱۷۹۱ ب . م ، انقلاب ژاکوبین‌ها و فرارلویی شانزدهم به «وارن» .
۱۷۹۲ ب . م، فرانسه به‌اطریش اعلان جنگ میدهد ، پروس به فرانسه اعلان جنگ میدهد ـ جنگ «والمی» ـفرانسه جمهوری میشود .
۱۷۹۳ ب .م ، اعدام‌لویی شانزدهم .
۱۷۹۴ ب . م ، اعدام روبسپیر وپایان جمهوری ژاکوبین‌هاــ برقراری‌حکومت کنوانسیون .
۱۷۹۵ ب . م ، دیرکتوار ــ بناپارت شورش را فرومینشاند و بعنوان‌سردارــ سپه به ایتالیا میرود .
۱۷۹۷ ب. م، صلح‌کمپوفرمیو ونابودی جمهوری ونیز .
۱۷۹۷ ب . م ، عزیمت ناپلئون به‌مصر وجنگ نیل .
۱۷۹۹ ب . م، مراجعت ناپلئون ازمصر وانتخاب او بعنوان‌کنسول .
۱۸۰۰ ب. م، نبرد ناپلئون با اطریش. جنگ مارنگو (در ایتالیا) وهوهنلیندن (پیروزی مورو).
۱۸۰۱ ب.م، مقدمات صلح بین فرانسه، انگلستان واطریش بامضاء رسید .
۱۸۰۳ب م،حملهٔ‌ناپلئون به‌سویس‌وبرهم خوردن مقدمات صلح فوق.
۱۸۰۴ ب. م، ناپلئون امپراتور میشود فرانسیس دوم‌به‌سال ۱۸۰۵ امپراتور وبسال ۱۸۰۶ لقب امپراتورمقدس‌را از اسم‌خودحذف میکندوبدینسان‌امپراتوری مقدس روم پایان‌می‌یابد.
۱۸۰۵ ب. م، جنگ ترافالگارــ جنگ اولم وجنگ استرلیتز.
۱۸۰۶ ب. م، شکست پروس درینا .
۱۸۰۷ ب. م، جنگ ایلــو و فریدلند و پیمان تیلسیت .
۱۸۰۸ ب.م،ناپلئون‌برادرخود ژوزف‌را امپراتور اسپانیا میکند.
۱۸۱۰ب. م، آمریکای‌متصرفهٔ‌اسپانیایی‌ها جمهوری می‌شود .
۱۸۱۱ ب. م، الکساندر امپراتورروسیه روابط حسنهٔ خود را بــا ناپلئون قطع میکند .
۱۸۱۲ ب. م ، لشکرکشی ناپلئون بــه مسکو .
۱۸۱۴ ب. م، استعفای‌ناپلئون وجلوس‌ــ لویی هیجدهم .
۱۸۱۵ ب. م، نبرد واترلوــپیمان‌وین.
۱۸۲۱ ب. م، شورش‌یونان علیه‌ترکهای عثمانی .
۱۸۲۴ ب. م، جلوس‌چارلزدهم فرانسه .
۱۸۲۵ ب.م، جلوس نیکولای‌اول‌روسیه. نخستین خط راه آهــن از استاکتون ــ دارلینگتون براه می‌افتد .
۱۸۲۷ ب. م، نبرد وارینو.
۱۸۲۹ ب. م، یونان مستقل‌میشود.
۱۸۳۰ ب. م، سال‌پرآشوبــ لویی‌فیلیپ شارل دهم‌راساقط می‌کند. بلژیك‌ازهلند منتزع میشودــ مردم لهستان علیه روسیه بدون‌گرفتن‌نتیجه‌ای بشورش‌می‌پردازند.
۱۸۳۵ ب. م، کلمهٔ سوسیالیسم‌برای‌نخستین باربکاربرده شده .
۱۸۳۷ ب . م ، جلوس ملکهٔ ویکتوریا.
۱۸۴۸ب.م ، سال انقلاب‌های مختلف‌در فرانسه،ایتالیا وآلمان.
۱۸۵۱ب.م،افتتاح نمایشگاه‌بزرگ‌لندن.
۱۸۵۲ب م،ناپلئون‌سوم‌امپراتورمیشود.
۱۸۵۴ ب. م، مسافرت‌**دوم پری‌**ووروداو به ژاپن .
۱۸۵۴-۵۶ ب.م، جنگ کریمه .
۱۸۵۶ ب.م،جلوس‌الکساندردوم روسیه.

۱۸۵۷ب . م ، شورش سپاهیان هندعلیه استعمارگران انگلیس .
۱۸۵۹ب.م،جنگ‌فرانسه با اطریش. نبرد-ماگنتا وسولفرینو .
۱۸۶۱ب.م،ویکتوراما نوئل اول پادشاه ایتالیامیشود.ابراهام‌لینکلن‌رییس‌جمهور اتازونی‌می‌شود . آغاز جنگ داخلی در آمریکا .
۱۸۶۳ ب.م،انگلیسیهایك‌شهرژاپونی را بمباران کردند.
۱۸۶۴ ب . م ، ماکسیمیلیان،امپراتور مکزیك میشود.
۱۸۶۵ب.م،ژاپون‌دروازه‌های‌خودرا بروی دنیا میگشاید.
۱۸۶۶ ب.م،پروس‌وایتالیا به‌اطریش‌حمله می‌کنند - نبرد سادووا .
۱۸۶۸ ب . م ، کشته شدن امپراتور ماکسیمیلن .
۱۸۷۰ب.م، ناپلئون‌سوم‌علیهٔ‌پروس‌اعلان جنگ میدهد.
۱۸۷۱ب.م،پاریس تسلیم‌میشود (ژانویه)- پادشاه پروس ، امپراتور ویلیام اول میشود.صلح هوهنزولرن درفرانکفورت.
۱۸۷۷ب.م،جنگ روسها باترکها-پیمان سان‌استفانو.
۱۸۷۸ب.م،آغازپیمان برلین،صلح‌مسلح ۳۶ساله‌دراروپای‌باختری‌برقرارمیشود .
۱۸۸۳ب.م،اشغال‌مصر ازطرف انگلیسیها.
۱۸۸۶ب م،تسلیم‌اولین‌لایحهٔ‌خودمختاری ایرلند بوسیله گلادستون .
۱۸۸۸ب. م،فردریك دوم(مارس)ویلهلم دوم (ژوئن)امپراتوران آلمان می‌شوند.
۱۸۹۰ ب. م، بیسمارك از کار بر کنار می‌شود- هلیگولانداز‌طرف لردسالیسبوری به‌آلمان واگذارمیشود.
۱۸۹۴-۵ ب. م، جنگ ژاپون‌باچین.
۱۸۹۹ ب. م، آغازجنگ بابوئرها در آفریقای جنوبی
۱۹۰۴ ب. م، اشغال تبت بوسیلهٔ قوای انگلیس .
۱۹۰۴-۵ ب. م، جنگ ژاپون‌باروسیه.
۱۹۱۱ ب. م، جنگ ایتالیا باترکیه و تصرف لیبی.
۱۹۱۲ ب. م، چین جمهوری می‌شود.
۱۹۱۳ ب. م، تجهیز بالکان علیهٔ ترکیه.
۱۹۱۴ب.م،آغازجنگ‌جهانی دراروپا.

اخبار مهم دنیا از ۱۹۱۴

۱۹۱۴م، ۲۸ژوئن ، **آرشیدوك‌فرانسوا فردیناند** ولیعهد اتریش در **سارایوو** به ضرب‌گلوله ازپای درآمد و اولین گلولهٔ جنگ بین‌الملل اول خالی‌شد .
۱۹۱۴ م ، ۲۳ژوییه،وزیرمختار اطریش دربلگراد به دولت صربستان اولتیماتوم داد .
۱۹۱۴ م ، ۲۸ ژوییه ، دولت‌اتریش‌به یوگوسلاوی اعلام جنگ داد وجنگ‌اول جهانی رسماً آغازگردید .
۱۹۱۴ م ، ۳۰ژوییه، دولت‌آلمان‌تجهیز سپاه روسیه‌را بهانه‌کرد وبه‌امپراتورآن کشور ۱۲ ساعت مهلت داد تادست‌از تجهیز بردارد .
۱۹۱۴ م ، ۲ اوت ، بلگراد پایتخت **صربستان** توسط قوای‌اطریش‌گلوله‌باران شد .
۱۹۱۴م، ۳ اوت، ارتش‌آلمان‌به‌فرانسه حمله‌کردوبه‌سرعت درخاك‌بلژیك شروع به پیشروی نمود .
۱۹۱۴م ، ۴ اوت ، سپاهیان آلمان به قلعهٔ لی‌یژبلژیك حمله کرده و دولت انگلیس نیزبه‌آلمان اعلان جنگ‌داد.
۱۹۱۴ م ، ۷اوت، قوای‌آلمان‌واردقلعهٔ لی‌یژ بلژیك شدند .
۱۹۱۴ م ، ۱۰ اوت، دولت‌آلمان‌به‌روسیه اعلان جنگ داد .
۱۹۱۴ م ، ۱۲ اوت ، شهرلی‌یژباتوپهای ۴۲۰ میلیمتری‌آلمان سقوط‌کرد .
۱۹۱۴ م ، ۱۴اوت ، دولت انگلیس‌در شرکت نفت ایران وانگلیس سهیم شد.
۱۹۱۴م۱۵اوت؛کانال‌پاناما که‌اقیانوسهای اطلس وکبیر را بیکدیگر متصل‌میکند رسماً افتتاح شد .
۱۹۱۴ م ، ۲۰ اوت ، بروکسل‌پایتخت بلژیك به دست ارتش‌آلمان سقوط‌کرد.
۱۹۱۴ م ، ۲۲ اوت،بعد ازپیروزیهایی که قوای‌آلمان در بلژیك‌بدست‌آوردند اولین شکست را به سربازان فرانسوی در جنگ جهانی اول وارد ساختند.
۱۹۱۴ ، ۲۳ اوت ، در جریان جنگ بین‌المللی‌اول‌ژاپن به دولت آلمان‌اعلان جنگ داد .
۱۹۱۴ م ، ۲۶ اوت ، ارتش آلمان در جنگ‌اول جهانی‌قوای روس رادر **تانن-برگ** درهم‌شکست وچندی‌بعد **سامسونوف** فرماندهٔ ارتش روس خودکشی کرد.
۱۹۱۴م، ۲۸ اوت ،جنگ دریایی‌سختی بین ناوگان انگلیس وآلمان درجزیرهٔ هل‌گولاند در دریای شمال روی داد که منجر به شکست‌آلمان‌ها شد .
۱۹۱۴م ، ۶ سپتامبر ، حملهٔ سپاهیان فرانسه علیهٔ ارتش‌آلمان درخاك‌فرانسه آغاز شدوفرانسویان پیروز شدند.
۱۹۱۴ م ، ۱۱ سپتامبر ، در نبرد بین ارتشهای روسیه واطریش، قوای‌اطریش درهم شکست .
۱۹۱۴، ۹ اکتبر، قوای‌آلمان درجنگ جهانی اول «انتورپ» را تصرف‌کردند.
۱۹۱۴ ، ۲۸ اکتبر ، در هنگام جنگ بین‌الملل‌اول«دووت»در افریقای جنوبی شورش بزرگی‌را آغازکرد .
۱۹۱۴ م ، ۲۹ اکتبر ، باحملهٔ دوناو جنگی عثمانی به ناوگان روسیهٔ تزاری در دریای سیاه‌دولت عثمانی واردجنگ بین‌المللی اول شد .
۱۹۱۴م،۴نوامبر ، بدنبال‌حملهٔ‌ناوهای جنگی عثمانی به ناوگان روسیه در۲۹ اوکتبردولت‌روسیه به‌امپراتوری عثمانی اعلان جنگ داد .
۱۹۱۴ م ، ۱۰ نوامبر ، بدنبال‌دو روز نبرد سخت سپاهیان‌آلمان‌شهر دیکسمور بلژیك را تصرف‌کردند .
۱۹۱۴ م،۱۱ نوامبر،جنگ معروف سه سردار بین سپاهیان‌آلمان و روسیه در لهستان شروع شد .
۱۹۱۴ م ۱۷ نوامبر ، جنگ انگلیس و فرانسه با ارتش‌آلمان رسماً اعلام‌شد.
۱۹۱۴ م، ۲۲ نوامبر، درجریان‌جنگ جهانی اول دورهٔ جنگهای خندقی در فرانسه‌آغاز شد.
۱۹۱۴م، ۲۳ نوامبر ، فرمان تاریخی معروف به‌جهادازطرف سلطان‌عبدالحمید امپراتورعثمانی برای‌ایجاداتحاداسلامی صادر شد .
۱۹۱۴م ، ۲۴ نوامبر، شدیدترین‌جنگ سپاهیان روسیهٔ تزاری‌وآلمان‌درلهستان آغاز شد، نتیجهٔ‌این‌نبردنابودی‌سپاهیان روسیه بود .
۱۹۱۴م،۸دسامبر؛نبردسختی‌بین‌ناوگان آلمان‌وانگلیس‌درآبهای‌جنوب‌آرژانتین آغاز شدکه پیروزی با انگلیس‌ها بود.
۱۹۱۴ م ، ۱۸ دسامبر ؛ دولت‌انگلیس طی اعلامیه‌ای‌کشور مصررا تحت‌الحمایهٔ خود اعلام نمود .

۱۹۱۵ م، ۱۵ ژانویه ؛ اولین مکالمهٔ تلفنی از نیویورك به سانفرانسیسکو صورت گرفت .

۱۹۱۵ م، ۲۴ ژانویه؛ درهنگامهٔ جنگ بین المللی اول نیروهای دریایی انگلیس پیروزیهای مهمی در دریای شمال بدست آوردند.

۱۹۱۵ م، ۲۲ فوریه؛ خونین ترین جنگ روسیه و آلمان در لهستان ناحیهٔ «**مازوری**» با شکست روسها پایان یافت .

۱۹۱۵ م، ۲۲ آوریل ، آلمان گاز سمی درجنگ بکار برد .

۱۹۱۵ م، ۲۶ آوریل؛ امضای **قرارداد سری** بین ؛ انگلیس ، فرانسه، روسیه و ایتالیا در **لندن** .

۱۹۱۵ م ، ۴ مه ؛ خروج ایتالیا از پیمان سه گانهٔ آلمان، اطریش و ایتالیا.

۱۹۱۵ م، ۲۳ مه ؛ اعلان جنگ ازطرف ایتالیا به اتریش وهنگری .

۱۹۱۵ م ، ۲۶ مه ؛ شکست قوای فرانسه از سپاه هفتم آلمان درجنگ **سوآسون**.

۱۹۱۵م ، ۱ ژوییه؛ باآغاز حملهٔ متفقین به شمال فرانسه خونین ترین جنگ بین‌ـ الملل اول با متحدین آغاز گردید .

۱۹۱۵م ، ۲۲ ژوییه ؛ جنگ بین ارتش اطریش وایتالیا درگرفت .

۱۹۱۵ م ، ۲۰ اوت، دولت ایتالیا پس از امضای قرارداد سری ۲۶ آوریل رسماً علیه متحدین واردجنگ شد .

۱۹۱۵ م ، ۶ اکتبر ؛ جنگ ۸ هفته‌ای صربستـان با سپاهیان آلمان که تا ۲۹ نوامبر ادامه داشت؛ آغاز گردید .

۱۹۱۵م ، ۱۲ اکتبر ؛ درهنگام جنگ آلمان وصربستان ارتش بلغارستان نیز به صربستان حمله کرد .

۱۹۱۵ م ، ۹ اکتبر ، باپیاده شدن ۷۵ هزارسرباز متفقین دربندر جنوبی یونان (سالونیك) جبههٔ دیگری دراروپا بوجود آمد ولی ارتش آلمان متفقین را تارومار کرده وسراسر صربستان را تصرف نمودند.

۱۹۱۵م، ۲۶ نوامبر، باامضای قرارداد صلح بین انگلستان وعربستان جنگ دو کشور خاتمه یافت .

۱۹۱۵ م ، ۲۹ نـوامـبر ، صربستان یوگوسلاوی پس از ۸ هفته جنگ بتصرف ارتش آلمان وبلغارستان درآمد .

۱۹۱۶م، ۲۱ فوریه؛ درهنگامهٔ جنگ بین‌ـ المللی اول حملهٔ آلمانها به ناحیهٔ «وردن» درفرانسه آغازشد ولی بامدافعات سربازان پتن سردار نامی فرانسه در۴ مارس ۱۹۱۶ ارتش آلمان تارومار گردید .

۱۹۱۶ م، ۲۵ آوریل شکست ۱۳ هزار سپاهی انگلیس در **کوت الاماره** توسط قوای عثمانی .

۱۹۱۶م، ۳۱ مه ؛ شکست ناوگان جنگی آلمان از انگلیس درجنـگ دریایـی **اسکار ژاك**.

۱۹۱۶م ، ۵ ژوئن؛ آغاز شورش اعراب با اعلان جنگ **شریف حسین** امیر عرب.

۱۹۱۶ ،۲۷ اوت؛ دولت ایتالیا به آلمان اعلان جنگ داد .

۱۹۱۶م، ۱۵ سپتامبر ،کونستان ویرژیل کیورگیو نویسندهٔ زندگی حضرت محمد«ص» در رومانی بدنیا آمد.

۱۹۱۶م ، ۲۱ نوامبر ؛ فرانسواژوزف امپراتور اتریش پس از ۸۶ سال عمر و ۶۸ سال سلطنت درگذشت وشارل اول به جانشینی وی انتخاب شد .

۱۹۱۷ م ، ۱ فوریه ؛ جنگ نامحدود زیر دریایی‌های آلمان دراقیانوس‌ها آغاز شد .

۱۹۱۷ م ، ۲ فوریه ، درجریان جنگ جهانی اول روابط سیاسی آمریکا وآلمان قطع شد .

۱۹۱۷ م ، ۷ فوریه ؛ دولت امـریکا به آلمان اعلان جنگ داد و بلافاصله دولتهای برزیل، سیام، چین ، پرووارو گوئه نیز با آلمان وارد جنگ شدند .

۱۹۱۷ م ، ۹ آوریل ؛ آغاز حملـهٔ آلمان .

۱۹۱۷ م ، ۲۳ آوریل ؛ تصرف سامره توسط قوای انگلیس.

۱۹۱۷ م ، ۱۵ مه ؛ خلع تزارروسیه.

۱۹۱۷ م ، ۲۹ مه؛ تولدجان ـاف کندی، در بوستون آمریکا .

۱۹۱۷م ، ۱۹ ژوییه ؛حملهٔ ارتش آلمان به روسیه بفرمان فیلدمارشال **هیندنبورك** آغازگردید .

۱۹۱۷ م، ۱۵ سپتامبر ؛ بدنبال انقلاب اکتبر وقتل عام خانوادهٔ تزار «رمانوفها» در روسیه حکومت جمهوری سوسیالیستی اعلام شد .

۱۹۱۷ م ، ۱۵ اوکتـبر، « ماتاهاری» جاسوسهٔ زیبای آلمان درفرانسه تیرباران شد

۱۹۱۷م ، ۲۴ اکتبر ؛ در هنگامهٔ جنگ اول با ورود سربازان آلمانی به ایتالیا دوران تازهٔ جنگ ایتالیا وآلمان آغاز گردید .

۱۹۱۷ م، ۷ نوامبر، در جریان جنگ اول جهانی «لنین» با کمك آلمانیها وارد روسیه شد و باپشتیبانی انقلابیون حکومت روسیه را بدست گرفت .

۱۹۱۷ م ، ۱۹ نوامبر ؛ بانو« پیریاوار-سینی ایندیرا گاندی» دختر جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند و سومین نخست وزیر هند بدنیـا آمد .

۱۹۱۷ م ؛ ۷ دسامبر ، دولت آمریکا به دولت اتریش اعلان جنگ داد .

۱۹۱۷ م، ۹ دسامبر؛درهنگامهٔ جنگهای جهانی اول «اورشلیم» شهرمقدس فلسطین به تصرف ژنرال « الن بـی » انگلیسی درآمد .

۱۹۱۷م ،۱۵ دسامبر، بااجرای مقررات آتش بس در جبههٔ شرقی اروپـا،جنگ روسیه وآلمان پایان یافت،روسیه بعلت وقوع انقلاب دراین کشورروز ۲۶ نوامبر به آلمان پیشنهاد متـارکهٔ جنگ داده بود .

۱۹۱۷ م ، ۱۴ دسامبر ؛ دولت ایران رژیم جدید اتحاد شوروی سوسیالیستی رابرسمیت شناخت .

۱۹۱۸ م. ۲۲ ژانویه، استقلال وجدایی سرزمین اوکرایین ازروسیه اعلام شد .

۱۹۱۸م ، ۱۲ فوریه ؛ پس ازانقلاب کبیر روسیه ارتش سرخ دراتحادجماهیرشوروی تأسیس شد .

۱۹۱۸م ، ۲۵ مارس، روز وفات آشیل کلودوبوسی آهنگساز معروف فرانسه.

۱۹۱۸ م ، ۲۶ مارس ، روز امـضای معاهدهٔ صلح رومانی وکشورهای متـحد آلمان .

۱۹۱۸ م، ۳ آوریل ، شکست آلمان از ارتش فرانسه در جنگ **نویون** .

۱۹۱۸ م ، ۳۰ مه ، آخرین پیـروزی آلمان نازی درحومهٔ **پاریس**.

۱۹۱۸ م ، ۲ ژوین . آغاز جـنگ بین اطریش و دولتین فرانسه وایتالیا .

۱۹۱۸ م ؛ ۱۰ ژوییه ، بعد از انقلاب، قانون اساسی کشور اتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی تصویب شد .

۱۹۱۸ م ، ۱۶ ژوییه ، نیکلای دوم و امپراتوریس وعده‌ای ازشاهزاده‌هاوسیلهٔ

۱۲ سرباز سرخ در شهر **یکاترنین** تیرباران شدند .

۱۹۱۸ م، ۱۹ ژوییه ؛ عقب نشینی ارتش آلمان در اواخر جنگ بین‌المللی اول در مارن آغاز گردید .

۱۹۱۸ م ، ۲۶ اوت ؛ حملهٔ عمومی ارتش انگلیس و فرانسه به فرماندهی مارشال فوش که از روز ۱۰ اوت آغاز شده بود با پیروزی متفقین و شکست آلمانیها و آزاد شدن فرانسه پایان یافت .

۱۹۱۸م ، ۱۳ سپتامبر ؛ ارتش آمریکا در بحرانی‌ترین شرایط جنگ اول «سن می هیل» را تصرف کرد .

۱۹۱۸ م، ۱۴ سپتامبر، در اواخر جنگ بین‌الملل اول بادکوبه بتصرف سپاهیان امپراتوری عثمانی درآمد و ده‌ها هزار تن ارامنه و مسیحیان این شهر به قتل رسیدند .

۱۹۱۸ م، ۱۸ سپتامبر، درجنگ جهانی اول قوای انگلیس با شکست عثمانی ها وارد سوریه شدند .

۱۹۱۸م، ۱۹ سپتامبر ، سپاهیان انگلیس به دمشق وحلب حمله کردند و به عثمانی‌ها شکست سختی وارد کردند .

۱۹۱۸ م ، ۲۶ سپتامبر، ارتش آمریکا و فرانسه در **اوگون** به قوای آلمان حمله کردند .

۱۹۱۸م، ۲۷ سپتامبر، درجنگ جهانی اول نیروهای انگلیس با یك حملهٔ شدید خط **هیندنبورگ** را شکستند .

۱۹۱۸م ؛ ۲۹ سپتامبر، درجنگ جهانی اول دولت بلغارستان تسلیم قوای متفقین گردید .

۱۹۱۸م ، ۳۰ سپتامبر ، قوای انگلیس شهرهای دمشق وحلب را تصرف کرد .

۱۹۱۸ م ؛ ۵ اوکتبر؛ اولین مذاکرات برای پایان جنگ بین الملل اول بین آمریکا و آلمان آغاز شد .

۱۹۱۸م ، ۶ اوکتبر، نیروهای آمریکا در جریان جنگ اول سن‌اتین را اشغال کردند .

۱۹۱۸ م، ۱۷ اوکتبر، قوای متفقین در سخت‌ترین شرایط جنگ «اوستنا» بروکسل ولعل را تصرف نمودند .

۱۹۱۸ م ، ۲۲ اوکتبر، آخرین حملات متفقین به فرماندهی مارشال فوش در تمام جبهه‌های جنگ آغاز شده وسرانجام این حمله، تسلیم شدن آلمان در نوامبر بود .

۱۹۱۸م، ۲۷ اوکتبر، درجنگ بین‌الملل اول ارتش ایتالیا وانگلیس پس از یك حملهٔ شدید از خط دفاعی آلمان گذشتند .

۱۹۱۸ م، ۱ نوامبر، دولتین مجارستان (دربوداپست) واتریش در «وین» جمهوری خود را اعلام کردند .

۱۹۱۸ م ، ۴ نوامبر، در اواخر جنگ بین‌الملل اول دولت اتریش شرایط متارکهٔ جنگ را پذیرفت وامپراتوری اطریش منقرض وشارل اول به سویس پناهنده گردید .

۱۹۱۸ م ، ۸ نوامبر ، در روزهای آخر جنگ بین‌الملل اول باوجودی که ویلهلم دوم قیصر آلمان به حکومت خود ادامه میداد در شهرهای مونیخ وبرلن حکومت جمهوری اعلام شد .

۱۹۱۸ م ، ۹ نوامبر ، ویلهلم دوم قیصر و آخرین پادشاه آلمان دوروز قبل از پایان جنگ بین‌الملل اول استعفا داد و به هلند پناهنده گردید .

۱۹۱۸ م، ۱۱ نوامبر، آلمانی‌ها شرایط چهارده گانهٔ قرارداد صلح را پذیرفته و در حالی که اروپا به قبرستان بزرگی تبدیل شده بود قرارداد متارکهٔ جنگ را امضاء نمودند .

۱۹۱۸ ، ۱۷ نوامبر ، دو ایالت صنعتی « آلزاس » و « لورن » توسط سپاهیان فرانسه اشغال شد .

۱۹۱۸م، ۲۱ نوامبر، ناوگان آلمان به ارتش انگلیس تسلیم شدند .

۱۹۱۹م ، ۱۸ ژانویه ، کنفرانس صلح پاریس پس از جنگ بین‌الملل اول به ریاست ژرژ کلمانسو نخست‌وزیر فرانسه (معروف به ببر فرانسه) افتتاح شد .

۱۹۱۹م ، ۱۱ فوریه، ملك فاروق دومین پادشاه مصر (پس از استقلال) به دنیا آمد و در ۱۸ مارس ۱۹۶۵ در رم درگذشت .

۱۹۱۹م ، ۲۰ فوریه، امیرحبیب‌الله خان پادشاه افغانستان به قتل رسید .

۱۹۱۹ م ، ۱۵ مه ، قیام مردم ترکیه به رهبری مصطفی کمال پاشا ، برای اشغال بندر ازمیر توسط یونان .

۱۹۱۹م ، ۲۳ ژوئن ، در پایان جنگ اول جهانی وکلای مجلس آلمان شرایط صلح را پذیرفته واز ارتش وصنایع خود صرفنظر نمودند .

۱۹۱۹ ، ۲۸ ژوئن ، پیمان ورسای در تالار آئینهٔ کاخ ورسای امضاء گردید .

۱۹۱۹م، ۸ اوت، کشور سلطنتی افغانستان رسماً به استقلال رسید .

۱۹۱۹ م ، ۱۱ اوت ، اندریو کارنگی دانشمند معروف آمریکا بدرود زندگی گفت .

۱۹۱۹م، ۱۰ سپتامبر، با امضای معاهدهٔ سیاسی **سن ژرمن** کشور اتریش تجزیه گردید .

۱۹۱۹ م ، ۱۳ نوامبر ، جان اتیکن فیزیك‌دان نامی اسکاتلندی پس از ۸۰ سال زندگی در گذشت .

۱۹۱۹ م ، ۱۳ نوامبر، فرار وراه‌پیمایی ۸ هزار کیلومتری یك ملیون ونیم مردم روسیه به‌عنوان مخالفت با رژیم کمونیست از مغرب به مشرق سیبریه آغاز شد.

۱۹۱۹ م، ۲۷ نوامبر ، بموجب قرارداد که بین متفقین و دولت بلغارستان امضاء شد انگلیس و فرانسه متصرفات دولت عثمانی را تجزیه و بلغارستان متصرفات خود را به ایتالیا و یونان واگذار کرد .

۱۹۲۰م، ۶ آوریل ، اشغال **فرانکفورت** وسیلهٔ فرانسویها .

۱۹۲۰ م ، ۲۳ آوریل ، روز تشکیل کنگرهٔ دولت ترکیه در آنقوره وتغییر نام این شهر به آنکارا وروز کودك آن کشور .

۱۹۲۰م، ۲۴ آوریل، تشکیل کنفرانس **صلح ایتالیا** در مورد حقوق قیمومت کشورهای اردن ، اسرائیل ، سوریه ولبنان.

۱۹۲۰م، ۳۰ مه، امضای پیمان تاریخی صلح **آنکارا** بین فرانسه و ترکیه .

۱۹۲۰م، اول ژوئن، امضای اولین قرارداد دوستی بین ایران وچین ملی .

۱۹۲۰ م، ۱۰ اوت؛ به موجب قراردادی که بین دولت عثمانی ودول اروپایی امضاء شد عراق، سوریه ، فلسطین، ارمنستان و لبنان از دست عثمانی‌ها خارج شد.

۱۹۲۰ م ، ۳۱ اوت ؛ کنگرهٔ ملل شرق مرکب از ۱۸۹۰ نفر از نمایندگان کمونیست مشرق زمین در بادکوبه تشکیل شد .

۱۹۲۰ م ، ۱۳ اوکتبر، شهر قارص در ترکیه امروز که به موجب پیمان سری به روسیه واگذار شده بود توسط سربازان مصطفی کمال پاشا تصرف شد .

۱۹۲۰ م، ۳ دسامبر، سرویلیام دویولسلی دانشمند شیمی دان انگلیسی پس از ۷۷ سال زندگی درفولکستون درگذشت.

۱۹۲۰ م، ۳ دسامبر، پس از تصرف شهر قارص توسط ترکها در ۱۳ اوکتبر به موجب

امضای قرارداد سیاسی و تاریخی بین ترکیه وروسیه قسمتی از اراضی غربی روسیه به ترکها واگذار شد .

۱۹۲۰ م ، ۱۶ دسامبر ، دیوان‌داوری بین‌المللی لاهه درشهر «لاهه» هلندافتتاح شد .

۱۹۲۰ م ؛ ۱۸ ژانویه ، تخلیهٔ شمال ایران از ارتش انگلیس آغازگردید .

۱۹۲۰ م ، ۲۲ ژوئن ، امضای قرارداد مودت بین ایران وافغانستان .

۱۹۲۰ م ، ۱۱ ژوییه ، توسط شورای عراق، فیصل اول به‌سلطنت این کشور انتخاب گردید .

۱۹۲۰ م، ۲۳اوت، امیر فیصل سردار عرب با ۹۶ در صد آرای مردم به نام ملك فیصل اول؛ اولین پادشاه عراق‌تاج سلطنت برسر نهاد .

۱۹۲۱م،۲۴اوت ، جنگ خونین‌زکریا رود درحوالی آنکارا بین‌ترکهاویونانی‌ها آغازشد .

۱۹۲۱ م ، ۱۶ سپتامبر ، جنگ‌خونین «زکریارود» درحوالی آنکارا باپیروزی قوای مصطفی‌کمال‌پاشا وشکست‌یونانی‌ها پایان یافت .

۱۹۲۱م ، ۹ اوکتبر، بانو«ماری‌بولته» نویسندهٔ نامدارآمریکادرایالت نیوجرسی به‌دنیا آمد

۱۹۲۱ م، ۲۰اوکتبر، کنفرانس‌تاریخی معروف به‌کنفرانس تاریخی سفرای کبار با شرکت سفرای کشورهای اروپایی در مسکو برای تعیین تکلیف لهستان‌بعداز جنگ شروع به‌کار کرد، درپایان کنفرانس کلیهٔ نمایندگان استقلال لهستان را از جانب دول متبوع خود تضمین نمودند.

۱۹۲۱ م ، ۲۳ اوکتبر ؛ ضمن مراسم شورانگیز وتأثر آور جنازهٔ یك سرباز آمریکایی در جنگ‌اول از گوری دریك دهکدهٔ فرانسوی خارج وبه آمریکاحمل وبنام « سرباز گمنام » در مقبرهٔ زیبایی مدفون شد .

۱۹۲۱م ، ۱۳ نوامبر، کنفرانس‌تجدید تسلیحات‌درواشنگتون تشکیل شد دراین کنفرانس‌که‌تا۶فوریهٔ۱۹۲۲ادامه داشت استعمال‌گازهای‌سمی درجنگ غیرقانونی شناخته شد .

۱۹۲۱م، ۲۲ نوامبر، به‌موجب پیمانی که بین دولتین افغانستان وانگلیس در کابل امضاء گردید استقلال افغانستان به‌رسمیت‌شناخته شد.

۱۹۲۱م ، ۱۹دسامبر ؛ سرزمین ایرلند جنوبی از متصرفات انگلیس استقلال یافت .

۱۹۲۲م، ۲۴ ژانویه،سپاه‌کنستانتین‌اول پادشاه یونان در ناحیهٔ ساخاریا ازارتش آتاتورك شکست خورده و یونانی ها برای همیشه از حملهٔ به ترکیه منصرف شدند.

۱۹۲۲ م ، ۴ اوت ، جنگ استقلال‌طلبان ترکیه به‌فرماندهی**مصطفی کمال‌پاشا** با ارتش یونان آغاز شد .

۱۹۲۲ م،۲۱ اوت ،الکساندرگراهام‌بل مخترع تلفن در ۷۵ سالگی در گذشت .

۱۹۲۲م ، ۳۰اوکتبر،ویکتورامانوئل‌سوم‌پادشاه‌ایتالیا «موسولینی» را دعوت به تشکیل‌کابینه نمود .

۱۹۲۳ م ، ۲ژوئیه ؛ به‌ابتکار**جان‌شوبر** سازمان پلیس جنایی بوجودآمدکه ۶۲ کشور درآن عضویت دارند .

۱۹۲۳م، ۳۰ اوت ، لنین نخست وزیر شوروی مورد سوء قصد زنی واقع ولی جان بسلامت برد .

۱۹۲۳ م ، ۱سپتامبر ، در نتیجهٔ وقوع زلزله و آتش سوزی بزرگی در توکیو دو سوم مردم این شهر زندگی خود را ازدست داده و ۵۰ هزار نفر به هلاکت رسیدند .

۱۹۲۳ م ، ۱۲ سپتامبر ، قرارداد بین‌المللی منع معامله نشریات مستهجن در ژنو امضا شد .

۱۹۲۳ م ،۲۹ اوکتبر،مصطفی‌کمال‌پاشا «آتاتورك» بانی ترکیهٔ جدید به عنوان اولین رییس جمهور این کشور انتخاب گردید .

۱۹۲۳ م ؛ ۸ نوامبر ، هیتلردروقایع مونیخ زخمی گردید .

۱۹۲۳م، ۱۲ نوامبر،هیتلردر اثروقایع مونیخ‌بازداشت شد، وی درزندان کتاب معروف نبرد من را نوشت .

۱۹۲۳ م، ۲۳ نوامبر ، قراردادصنعتی «رور» بین‌آلمان وفرانسه‌امضاءوفرانسه موفق‌گردید ازناحیهٔ صنعتی رور استفاده نماید .

۱۹۲۴ م ، ۲۱ژانویه ، ولادیمیرایلیچ اولیانوف لنین رهبر انقلاب و مؤسس حکومت جمهوری سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی درگذشت .

۱۹۲۴ م ، ۳ فوریه ، وودرو ویلسن بیست وهشتمین رییس جمهورآمریکا در ۶۸ سالگی درگذشت .

۱۹۲۴ م ،۳ ژوئن ، درگذشت فرانتس **کافکا** نویسندهٔ **چکوسلواکی** .

۱۹۲۴ م، ۲۴ اوت، اقدامات وهابی‌ها جهت تصرف عربستان آغاز گردید .

۱۹۲۴ م ، ۱۸ اوکتبر،آناتول فرانس نویسندهٔ نامدار فرانسه در ۸۰ سالگی درگذشت .

۱۹۲۵ م،۲۲ فوریه «سرتوماس‌کلیفورد آلیوت» پزشك نامی انگلیس پس از ۸۹ سال زندگی بدورد حیات گفت .

۱۹۲۵ م ، ۱۷ ژوئن ، امضای قرارداد منع استعمال گازهای سمی در جنگ .

۱۹۲۵ م ، ۲ ژوئیه ، پاتریس لومومبا در ایالت **کاسایی** متولد گردید .

۱۹۲۵ م ، اول اوکتبر، پیوستن ایران به قرار داد منع استعمال گازهای سمی درجنگ.

۱۹۲۵م،۵ اوکتبر،کنفرانس «لوکارنو» باشرکت نمایندگان‌فرانسه ، انگلیس ، آلمان وایتالیا ونظارت نمایندهٔ بلژیك برای جلوگیری از شروع جنگ در سویس آغاز وتا۱۶ اوکتبرادامه داشت.

۱۹۲۵ م ، ۶ نوامبر، « هیروهیتو » امپراتور ژاپن در توکیو تاجگذاری کرد .

۱۹۲۵م ،۸ دسامبر،حملات «وهابی‌ها» به بندر جده آغاز شد .

۱۹۲۶ م ، ۲۱ آوریل ، روز تولد **الیزابت دوم** ملکهٔ انگلیس .

۱۹۲۶ م ، ۲۵ سپتامبر ، قرارداد بین‌المللی منع برده فروشی درژنوامضاء شد .

۱۹۲۷ م ، ۲۰ مه ، امضای قرار دادی بین عربستان سعودی و انگلستان مبنی بر به‌رسمیت شناختن استقلال عربستان و قبول قانون منع برده فروشی و حفظ حقوق نمایندهٔ انگلیس .

۱۹۲۷ م ، ۲۵ مه ، سقوط هواپیمای **مرغ سفید ؛ شارل وکلی** که‌برای اولین بار قصد سفر از فراز اقیانوس اطلس را داشتند .

۱۹۲۷ ، ۲۸ مه ، قطع روابط شوروی وانگلیس به‌علت‌فعالیتهای‌حزب‌کمونیست انگلیس .

۱۹۲۷ م ، ۲۶ ژوئن ،اولین فیلم‌ناطق نمایش داده شد .

۱۹۲۷م ، ۷ ژوئیه، کنفرانس‌بین‌المللی لوزان باشرکت ۳۴ کشوربه‌منظورتعیین حقوق ملل در سواحل آزاد ودریاها در سویس تشکیل گردید .

۱۹۲۷م ، ۲۵ اوکتبر، کنفرانس بین‌المجالس‌باشرکت ۱۹۹ نماینده ازچهل کشور در ریودوژانیرو پایتخت برزیل افتتاح گردید .

۱۹۲۷ م ، ۲۵ نوامبر ، قرار داد بین المللی بی‌سیم در واشنگتون امضاء شد .

۱۹۲۷ م ، ۱۴ دسامبر، دولت انگلیس که پس ازانحلال دولت عثمانی به‌موجب رأی ملل متحد قیمومت عراق‌را به‌عهده داشت استقلال‌سیاسی واقتصادی عراق‌را به رسمیت شناخت .

۱۹۲۷ م ،۱۶ دسامبر ، اولین مخابرات آزمایشی تلفن بین مسکو و برلن بعمل آمد .

۱۹۲۸ م ، ۲۰ فوریه ، باامضای‌قرارداد معروف به «اولین پیمان» بین دولتین‌بریتانیا واردن در اورشلیم‌دولت اردن کلیهٔ حقوق‌های سیاسی و مالی و دخالت در امور قانون‌گذاری و امنیت اقلیت‌های‌مذهبی درااردن رابرای دولت انگلیس برسمیت شناخت .

۱۹۲۸ م ، ۱۱ مه، امضای‌اولین‌قرارداد تعرفهٔ‌گمرگی ، بین دولت ایران انگلیس .

۱۹۲۸ م ، ۱۹ ژوئن ،امضای معاهدهٔ تحریم جنگ بین ۳۴ کشور از ۵ قاره .

۱۹۲۸ م، ۲ ژوئیه ؛ ساختمان سد بزرگ‌**هوور** برروی رودخانهٔ **کلرادو** آمریکا آغاز گردید.

۱۹۲۸ م ، ۱ اوت ؛ اولین قرار داد دولت‌های ایران وسوئددرپاریس امضاء شد .

۱۹۲۷ م ،۲۷ اوت ؛ قرار داد تاریخی بریان کلوك در دو ماده برای تحریم جنگ وحل اختلاف‌ازراه صلح بین‌دول اروپایی‌وآمریکایی به‌امضاء رسید .

۱۹۲۸ م ، ۱۴ نوامبر، شورش ایلات و عشایر افغانستان علیه امیرامان‌الله خان پادشاه افغانستان آغاز شد .

۱۹۲۸ م ، ۲۲ نوامبر ، دولت ایران به‌قرار داد بین‌المللی تحریم جنگ که در ۲۷ اوت در پاریس امضاء شده بود ملحق گردید .

۱۹۲۸ م ، ۲۸ نوامبر ، اولین قرارداد دوستی ایران ومصر امضاء شد .

۱۹۲۹ م ، ۱۹مارس ، درگذشت‌مارشال **فوش** سردار نامی فرانسه .

۱۹۲۹ م، ۱۰ مه ؛ امضای‌اولین‌قرارداد دوستی ایران وفرانسه .

۱۹۲۹ م ،۲۳ مه؛ امضای‌اولین قرارداد دوستی بین ایران ومکزیك .

۱۹۲۹ م ، ۲۷ ژوئن ، قرارداد بین‌المللی ترفیه حال مجروحین جنگی در ژنو امضاء شد .

۱۹۲۹ م ، ۲۸ ژوئن ؛ قرار داد بین‌المللی پستی عمومی و مقاوله نامهٔ امانات پستی ومراسلات و بروات پستی درلندن امضاء شد .

۱۹۲۹ م ،۱۴ سپتامبر ،پروتکل‌الحاق اتازونی‌به‌اساسنامهٔ‌دیوان‌دایمی‌بین‌المللی وپروتکل تجدید نظردر اساسنامهٔ‌دیوان مزبور درژنو به‌امضاء رسید .

۱۹۲۹ م ، ۲۱ اوکتبر ؛ پس از شورش افغانستان واستعفای امان‌الله‌خان پادشاه وسلطنت کم‌دوام‌عنایت‌الله‌خان وپناهندگی وی به‌ایران‌نادرشاه به سلطنت‌افغانستان جلوس کرد .

۱۹۳۰ م ، ۲۶ژانویه ، ژنرال‌کوتی‌یف رهبر روسهای سفید در پاریس ربوده شد .

۱۹۳۰ م ،۸مه ؛امضای قرارداد دوستی ودریانوردی بین ایران ونروژ.

۱۹۳۰م ، ۳۰اوت ، «پیتربلانش» نقاش شهیر انگلیسی در۶۷ سالگی درگذشت.

۱۹۳۰ م ، ۲۹اوکتبر ، اولین قرارداد دوستی دولتین ایران و چکسلواکی در تهران امضاء شد .

۱۹۳۰م،۲ نوامبر،(هیلاسلاسی)امپراتور حبشه درآدیس آبابا تاجگذاری‌نمود .

۱۹۳۰ م ، ۱۲ دسامبر ؛ باقیام‌پادگان «ژاکا» به‌فرماندهی «فرانکو» جنگهای داخلی اسپانیا بین جمهوریخواهان و سلطنت طلبان آغاز شد .

۱۹۳۱ م ، ۱۴ آوریل ؛ الغای رژیم سلطنتی دراسپانیا ، انتخاب الکالوزا — **مور** به‌ریاست جمهوی وتبعید، **آلفونس— سوم** .

۱۹۳۱م ، ۱ژوییه ؛ **بولین‌لی** فیزیك— دان آمریکایی استروفونیك را اختراع کرد .

۱۹۳۱ م ، ۶ ژوییه ؛ **ادوارگودریچ آکسون** شیمی دان ومخترع آمریکایی‌در گذشت .

۱۹۳۱ م ، ۱۸ اکتبر ، توماس‌الوا **ادیسون** کاشف بزرگ آمریکایی در۸۴ سالگی چشم ازجهان فرو بست .

۱۹۳۱ م، ۱۲ دسامبر ؛ اولین قرارداددوستی ایران‌ولهستان‌به‌امضاء رسید.

۱۹۳۲ م ، ۲۵ مارس ، آغاز حملهٔ ژاپن به ایالت خود مختار منچوری .

۱۹۳۲ م ،۱۵ آوریل ؛ روز استقلال کشور **تاتالونا**، که اکنون جزء اسپانیا است .

۱۹۳۲ م ، اول مه؛ افتتاح سد دنیپردر روسیهٔ شوروی .

۱۹۳۲ م، ۱۵ ژوئن ، تشکیل‌کنفرانس **لوزان** برای رفع اختلاف ملل مغلوب‌و پیروزی **جنگ جهانی اول** .

۱۹۳۲ م ، ۳ ژوییه ؛کنفرانس میزگرد لندن با حضور گاندی برای رسیدگی به‌وضع هند درلندن تشکیل شد .

۱۹۳۲ م ، ۹ ژوییه ؛ کنفرانس بین — المللی لوزان بکار خود پایان داد .

۱۹۳۲ م ، ۱۱ سپتامبر ؛ ترکها سپاه یونان را به‌عقب رانده وبندر **ازمیر** را تصرف کردند .

۱۹۳۲ م،۱۸ سپتامبر ، ملك‌عبدالعزیز پادشاه عربستان سعودی فرمان وحدت نجد وحجاز را صادرکرداین فرمان در ۲۳ سپتامبر به مرحلهٔ اجرا در آمد و جشن ملی عربستان اعلام شد .

۱۹۳۲ م ، ۵ نوامبر ؛ اولین قرارداد سیاسی ،تجارتی وفرهنگی‌ایران وترکیه درآنکارا امضاء شد.

۱۹۳۳م، ۲۱ژانویه،جرج**مور**داستانسرای نامی انگلیس در ۸۱ سالگی در لندن بدرود حیات گفت .

۱۹۳۳ م ، ۳۰ ژانویه،(آدلف هیتلر) صدر اعظم آلمان شد .

۱۹۳۳م،۱۵فوریه، به‌فرانکلین‌روزولت رییس جمهورآمریکا سوء قصد شد که بی نتیجه ماند .

۱۹۳۳ م ، ۹ آوریل ؛ ربوده شدن **مارتون** توسط عناصر فاشیست آلمان .

۱۹۳۳ م ، ۸ سپتامبر،**ملك فیصل** اول پادشاه عراق به علت سکتهٔ قلبی در **برن** درگذشت‌وملك **غازی** جانشین‌او گردید.

۱۹۳۳ م ، ۱۴ اوکتبر؛ دولت آلمان ازجامعهٔ ملل بیرون رفت .

۱۹۳۳ م ؛ ۲۹ اکتبر ؛ «لئون شارل ــ آلبرت کالمت» آلمانی و کاشف واکسن(ب ث ژ) درگذشت .

۱۹۳۳ م ، ۳ نوامبر، «امیل‌رو» پزشك فرانسوی و کاشف واکسن دیفتری در-گذشت .

۱۹۳۴ م ، ۸ فوریه، پیمان اتحادسه‌گانه یا پیمان اتحاد بالکان بین کشورهای یونان یوگسلاوی‌درروما نی‌امضاءگردید.

۱۹۳۴ م ، ۲۸ مارس ،روز آغازجنگ ابن‌السعود وامام یحیی پادشاه یمن .

۱۹۳۴م ، ۱۱ آوریل ؛ آغازساختمان **رصد خانهٔ کالیفرنیا** درآمریکا .

۱۹۳۴م ، ۳۰ ژوئن ؛ قتل‌عام مخالفین ادولف هیتلردرمونیخ‌وبرلن‌آغازگردید.

۱۹۳۴ م ، ۲۵ژوییه ؛ باترور**انگلبرت دولفوس** صدراعظم اتریش از طرف نازی‌ها ، مقدمات‌الحاق‌اتریش به‌آلمان فراهم شد .

۱۹۳۴، ۲ اوت ؛ هیتلر رییس جمهور آلمان شد وخودرا **پیشوا** نامید .

۱۹۳۴ ، ۲ اوت ؛ **فن‌هیندنبورگ** اولین رییس جمهورآلمان در گذشت .

۱۹۳۴ م ، ۱۳ دسامبر؛ بین نیروهای ایتالیا وحبشه درسرحد مالی جنگی در گرفت که بعدها بهانهٔ تصرف حبشه از طرف نیروی ایتالیاگردید .

۱۹۳۵ م ،۱۸ژانویه،(رودیارکیپلینك) شاعر نامدار انگلیس درگذشت .

۱۹۳۵ م ، ۲۶ مارس ، روز کنفرانس سیاسی‌روم‌با حضور **لاوال و موسولینی.**

۱۹۳۵م ، ۲۸آوریل؛ تشکیل‌کنفرانس **استرزا** باشرکت ، ایتالیا ، فرانسه ، انگلیس برای جلوگیری از پیشرفت قوای آلمان نازی .

۱۹۳۵ م، ۳۰ آوریل ؛ ربوده شدن **گوتزیت** توسط فاشیست ها .

۱۹۳۵ م ، ۱۵ اوت ؛کنفرانس چهار-روزهٔ ایتالیا ، فرانسه و انگلیس برای تقسیم حبشه آغاز شد .

۱۹۳۵ م ، ۳ اوکتبر ؛ حملهٔ سپاهیان ایتالیا به‌کشوربی‌دفاع حبشه‌آغازشداین نبرددر ۵ مه ۱۹۳۹ با سقوط آدیس-آبابا پایان یافت .

۱۹۳۵ م ،۱۴ اوکتبر؛ درجریان‌جنگ حبشه وایتالیا ، ایتالیایی‌ها شهرمذهبی «آکسون» راکه سابقاً پایتخت حبشه‌بود تصرف نمودند .

۱۹۳۶ م، ۲۰ ژانویه، ژرژپنجم پادشاه انگلیس درگذشت‌وسلطنت ادوارد هشتم آغاز شد .

۱۹۳۶ م ، اول مه ؛ آغاز جنگ ژاپن وروسیه در سرحد مغولستان .

۱۹۳۶ م ، ۵مه ؛ سقوط **آدیس آبابا** و تسلیم حبشه به ایتالیا .

۱۹۳۶م، ۱۳ مه ؛ امضای موافقت نامه مربوط به متحدالشکل‌کـردن علامت-گذاری دریایی در ژنو .

۱۹۳۶ م، ۱۸ ژوئن؛ درگذشت ماکسیم گورکی نویسندهٔ شهیر روسی .

۱۹۳۶ م ، ۱۸ ژوییه ؛ به‌ابتکار ژنرال **فرانکو** ، شورش سلطنت طلبان اسپانیا آغاز گردید .

۱۹۳۶ م ، ۹ سپتامبر؛ به‌موجب پیمانی که بین سوریه وفرانسه‌امضاء شدمقدمات استقلال سوریه فراهم گردید .

۱۹۳۶ م ، ۲ نوامبر ؛ اولین فرستندهٔ تلویزیون درلندن شروع بکار کرد .

۱۹۳۶ م ،۱۵ نوامبرملك حسین‌پادشاه اردن هاشمی قدم به عرصهٔ حیات نهاد .

۱۹۳۶ م ، ۱۱ دسامبر؛ ادوارد هشتم‌از سلطنت انگلستان‌خلع شد و برادرش ژرژ ششم سلطنت ۱۶ سالهٔ خود راآغاز کرد .

۱۹۳۷ م ، ۲۰ ژانویه،هیتلرصدر اعظم آلمان در (رایشتاك) اعلام کرد پیمان ورسای رابه‌رسمیت نمی‌شناسد.

۱۹۳۷ م ، اول مه ؛ فرار هیلاسلاسی امپراتور حبشه به فلسطین .

۱۹۳۷ م ، ۲۳ مه ؛ در گذشت **راکفلر** ثروتمندترین مرد دنیا .

۱۹۳۷ م ، ۲۸ مه ؛ در گذشت آلفرد **ادلر** روانشناس اتریشی در ۶۰سالگی.

۱۹۳۷ م ، ۳ ژوئن ؛ استعفای **ادوارد هشتم** پادشاه انگلیس برای ازدواج با بانو **سیمپسون** آمریکایی .

۱۹۳۷ م ، ۴ ژوئن ؛ لئون**بلوم** اولین حکومت سوسیالیست فرانسه را تشکیل داد .

۱۹۳۷ م ، ۲ سپتامبر ؛ «پی‌یردوفری بارون دوکوبرتن» احیاءکنندهٔ بازیهای المپیك در۷۴سالگی درژنو درگذشت .

۱۹۳۷ م، ۲۱سپتامبر ، ژنرال «میلر» جانشین «کوتی‌یف» رهبر روسهای سفید روز۲۶ژانویهٔ ۱۹۳۰ بطوراسرارامیزی ربوده شد .

۱۹۳۷ م ، ۱ اوکتبر،ژنرال«فرانسیسکو فرانکو» ، به‌ریاست حکومت شورشیان سلطنت طلب انتخاب شد .

۱۹۳۷م ، ۲۱اوکتبر،مادرید به‌محاصره سلطنت طلبان درآمد .

۱۹۳۷ م ، ۶نوامبر ، جمهوری‌خواهان اسپانیا «مادرید»را ترك نمودند .

۱۹۳۷ م ، ۱۱ دسامبر، دولت ایتالیا از جامعهٔ ملل بیرون رفت .

۱۹۳۷ م ، ۱۶ ژانویه ، سلطنت طلبان اسپانیا (بارسلون) مرکزجمهوریخواهان را بمباران‌کردند .

۱۹۳۸ م ، ۱۶ آوریل ؛ قرارداد نظامی وسیاسی بین دولتین ؛ انگلیس و ایتالیا .

۱۹۳۸م ، ۳۰ سپتامبر، به‌موجب‌قرار-داد مونیخ قسمت آلمانی نشین جزایر بالکان بتصرف آلمان درآمد .

۱۹۳۸ م؛ ۱۰ اکتبر؛ به‌موجب قرار-داد «مونیخ» ناحیهٔ «سورت» سرزمین آلمانی‌نشین‌چکسلواکی‌بتصرف آلمانی‌ها در آمد .

۱۹۳۸ م، ۳ نوامبر ؛ بندرکانتون در جنوب چین بتصرف سپاهیان ژاپن در آمد .

۱۹۳۷ م ، ۱۰ نوامبر ، مصطفی‌کمال-پاشا (آتاتورك) بانی ترکیهٔ جدید در-گذشت .

۱۹۳۹ م ، ۳آوریل، **ملك غازی**دومین پادشاه عراق در اثر حادثهٔ اتوموبیل درگذشت .

۱۹۳۹ م ،۲۳ اوت ؛قراردادعدم‌تجاوز بین‌دولتین‌آلمان‌وشوروی‌به‌امضاء رسید.

۱۹۳۹ م ،۲۲ مه ؛امضای پیمان اتحاد نظامی ده ساله بین آلمان و ایتالیا در برلن .

۱۹۳۹ م ۲ سپتامبر، به فرمان‌آدولف-هیتلر صدراعظم‌آلمان حملهٔ ارتش‌نازی به‌لهستان وجنگ جهانی دوم آغازشد .

۱۹۳۹ م، ۳ سپتامبر، دولتین‌فرانسه و انگلیس به‌آلمان اعلان جنگ دادند .

۱۹۳۹ م ، ۱۲ سپتامبر ، در گیرودار جنگ آلمان ولهستان ، سپاهیان روسیه به لهستان حمله‌کردند ،

۱۹۳۹ م، ۱۴اوکتبر؛ دراولین ماههای جنگ بین‌المللی دوم زیر دریایی‌های

آلمان شکست سختی به‌ناوگان انگلیس وارد نمودند .

۱۹۳۹ م ، ۳۰ نوامبر ، جنگ قوای شوروی وارتش فنلاند آغاز گردید .

۱۹۳۹ م ، ۱۰ دسامبر ، به‌علت تجاوز روسها به‌فنلاند لشکر ۹ فنلاند به روسیهٔ شوروی حمله نمود نتیجهٔ این جنگ‌ بنفع فنلاند بود .

۱۹۳۹م ، ۱۴دسامبر، در اوائل‌جنگ جهانی دوم روسیه بعلت تجاوز به‌فنلاند ازجامعهٔ ملل متحد اخراج شد .

۱۹۳۹ م ، ۱۵ دسامبر ، ایران بـه ـ موافقت‌نامهٔ مربوط به متحدالشکل کردن علامت دریایی پیوست .

۱۹۴۰ م ، ۶ فوریه، هانری‌کرتین‌منجم و ستاره شناس نامی فـرانسه و مخترع **سینماسکوپ** درگذشت .

۱۹۴۰ م ، ۱۴ فوریه ، درهنگامهٔ جنگ جهانی دوم‌کابینهٔ ژاپن‌به‌ریاست دریادار **میتسوماسا** تشکیل شد.

۱۹۴۰ م ، ۱۴ فوریه، پارلمان وکابینهٔ پاراگوئه استعفا نمود و حکومت ژون‌ـ فلیکس دراین کشور آغاز شد .

۱۹۴۰ م ، ۱۵فوریه ، درجریان جنگ بین‌المللی دوم کابینهٔ جدید بلغارستان به‌ریاست بوگدان **فیلوف** تشکیل شد .

۱۹۴۰ م ، ۱۶ فوریه ، ناوهای جنگی انگلیس در جریان جنگ دوم آبهای ساحلی نروژ را مورد حمله‌قراردادند .

۱۹۴۰م ، ۹ آوریل ، اشغال نروژ توسط آلمان نازی .

۱۹۴۰ م ، ۹ آوریل ، آغاز حملهٔ آلمان نازی به‌کشور دانمارك .

۱۹۴۰ م ، ۲۰ آوریل ، پیاده شدن قوای **انگلیس وفرانسه** درجنوب **نروژ**.

۱۹۴۰ م ، ۱۰ مه ، استعفای چمبرلن و انتصاب چرچیل به نخست وزیری انگلیس .

۱۹۴۰ م ، ۱۰مه، حملهٔ ارتش آلمان نازی به بلژیك ، هلند ولوکزامبورگ.

۱۹۴۰ م، ۱۱ مه ، اعزام قوا از طرف فرانسه وانگلس به بلژیك برای‌حمایت آن‌کشور از حملهٔ ارتش هیتلر .

۱۹۴۰ م ، ۱۲مه، عبورنیروی آلمان نازی از مرز فرانسه.

۱۹۴۰ م ، ۱۳ مه ، تسلیم آمستردام به قوای آلمان نازی و تشکیل دولت موقت به ریاست ملکه در لندن .

۱۹۴۰ م ، ۱۷ مه ، سقوط **بروکسل و نامور** به‌دست ارتش‌آلمان نازی .

۱۹۴۰ م ، ۲۶ مه ، انحلال جمهوری سوم فرانسه باحملهٔ آلمان نازی به آن کشور .

۱۹۴۰ م ، ۲۸ مه ، تسلیم اتریش بـه آلمان نازی .

۱۹۴۰ م ، ۲۹ مه ، نروژ بوسیلهٔ سپاه آلمان نازی کاملا اشغال شد .

۱۹۴۰ م ، ۳۰ مه ، اعلامیهٔ دولت بلژیك دایر به ادامهٔ جنگ با آلمان با وجود تسلیم شدن پادشاه کشور .

۱۹۴۰ م ، ۳۱ مه،تصرف فرانسه توسط قوای آلمان نازی .

۱۹۴۰ م ، ۲ ژوئن ، جنگ **دونکرك** شکست قوای انگلیس ازآلمانیها .

۱۹۴۰ م ، ۸ ژوئن ، غرق شدن ناو ـ هواپیمابرانگلیس‌با ۱۲۰۴ نفرسرنشین.

۱۹۴۰ م ، ۱۰ ژوئن ، اعلان جنگ دولت ایتالیا به‌متفقین .

۱۹۴۰ م ، ۱۳ ژوئن ، ایران دولت فرانسهٔ آزاد را که در الجزایر تشکیل شده بود به‌رسمیت شناخت .

۱۹۴۰ م . ۱۶ ژوئن ، آغاززمامداری ژنرال **پتن** .

۱۹۴۰ م ، ۲۲ ژوئن ، امضای پیمان متارکهٔ جنگ در جنگل **کومپین** بین حکومت موقت ویشی (ژنرال پتن) و آلمان .

۱۹۴۰ ، ۲۵ ژوئن ، کشتی‌های جنگی ژاپن به سواحل هندوچین حمله‌کردند .

۱۹۴۰ م ، ۲۵ ژوئن ، اولین میکرو ـ سکوپ‌الکترونیکی‌جهان توسط‌مهندسین آمریکایی اختراع شد .

۱۹۴۰ م ، ۱ ژوییه ، جزایـر بغاز انگلستان وسیلهٔ آلمانیها تصرف شد .

۱۹۴۰ م ، ۴ ژوییه ، قوای انگلستان ناوهای فرانسوی راکه‌در ساحل‌انگلیس لنگر انداخته بودند، تصرف‌کردند .

۱۹۴۰ م ، ۵ ژوییه ، به علت حملهٔ انگلیس‌ها به‌رزمناوهای‌فرانسه .حکومت ویشی بادولت انگلیس قطع‌رابطه‌کرد .

۱۹۴۰م ، ۱۰ژوییه ، سربازان‌ایتالیایی به‌فرمان موسولینی دوش به‌دوش ارتش آلمان نازی وارد جنگ شدند .

۱۹۴۰ م ، ۱۰ ژوییه ، مجلس فرانسه مقیم ویشی تشکیل حکومت مطلقه رادر فرانسه تصویب کرد و قدرت مطلقه را به مارشال **پتن** داد.

۱۹۴۰ م، ۲۱ژوییه،سه‌کشور **لیتوانی؛ لیتونی و استونی** به روسیه شوروی ملحق شدند .

۱۹۴۰م،۲۷ژوییه،کنفرانس**پان‌آمریکن** طرح قیمومت مشترك را به مستعمرات اروپایی درنیم‌کرهٔ غربی تصویب کرد.

۱۹۴۰ م ، ۶ اوت ، ارتش ایتالیا به **سومالی** انگلیس در افریقا حمله نمود .

۱۹۴۰ م ،۸ اوت، ۶۰ هواپیمای‌بمب‌ـ افکن آلمانی به کشتی‌های متفقین در دریای مانش‌حمله‌کردند ولی هواپیماـ های شکاری انگلیس آنها را فراری دادند .

۱۹۴۰م،۸اوت، فرودگاهها وکارخانجات انگلیس توسط هواپیماهای‌آلمان نازی بشدت بمباران شد .

۱۹۴۰ م ، ۱۷ اوت ، نیروی دریایی آلمان‌درجنگ‌دوم انگلستان‌را‌محاصره کرد.

۱۹۴۰ م ، ۲۰ اوت ، لئون **تروتسکی** تئوریسین شوروی درمکزیك ترورشد .

۱۹۴۰ م ، ۱۳سپتامبر، در جنگ دوم ارتش ایتالیا از مصر به لیبی حمله ور شد .

۱۹۴۰ م ، ۱۶ سپتامبر ، در جریان جنگ دوم جهانی دولت آمریکا جوانان ۲۱تا ۲۶ ساله را به‌زیر پرچم فراـ خواند .

۱۹۴۰ م ، ۱۰اوکتبر ، یك واحد از هواپیماهای آلمانی درجنگ جهانی‌دوم لندن را شدیداً بمباران‌کردند .

۱۹۴۰ م ، ۲۶ اوکتبر، در جنگ دوم نفت‌کش‌امپرس‌اژدرخوردوباتمام‌سرنشینان خود غرق‌شد.

۱۹۴۰ م ، ۲۸اوکتبر، درجریان‌جنگ بین‌المللی دوم هیتلر و موسولینی در فلورانس با یکدیگر ملاقات کرده و سپاهیان ایتالیا به یونان حمله کردند.

۱۹۴۰ م ، ۳۱ اوکتبر، بمباران‌هوایی انگلستان که از ۸ اوت آغاز شده بود با پیروزی انگلستان پایـان یافت .

۱۹۴۰م ،اول نوامبر، درجریان‌جنگ‌ـ های ایتالیا و یونان بندر سالونیك در در ایالت مقدونیه توسط هواپیماهای

ایتالیا بمباران شد .

۱۹۴۰ ، ۱۲ نوامبر، مولوتف وزیرامور خارجهٔ شوروی جهت عقد قرارداد و مذاکره بامقامات آلمان‌نازی وارد برلن شد .

۱۹۴۰م ، ۲۰ نوامبر، درهنگامهٔ‌جنگ دوم جهانی دولت مجارستان به پیمان اتحادیهٔ روم ، برلن و توکیو (محور) پیوست .

۱۹۴۰م ، ۲۳ نوامبر، در هنگامهٔ‌جنگ دوم جهانی دولت رومانی بـه محور پیوست .

۱۹۴۰م، ۲۷ نوامبر، پس‌ازالحاق‌رومانی به کشورهای محور ۶۴ نفر از رؤسای حکومت زمان کارول پادشاه سابق رومانی اعدام شده وشورش در رومانی آغاز شد.

۱۹۴۰ م، ۴ دسامبر، درجنگ دریایی جنوب بالکان ناوگان ایتالیایی ازکشتی‌های یونان بسختی‌شکست‌خوردند .

۱۹۴۰م، ۸دسامبر، درهنگامهٔ‌جنگ دوم ارتش‌انگلیس‌حملات‌خودرادرشمال‌افریقا ومصر علیه نیروهای ایتالیا آغازکرد.

۱۹۴۱ م ، ۱۵ ژانویه، ارتش‌انگلیس در جنگ دوم از (سودان) و(کنیا) به حبشه حمله‌ور شد وارتش ایتالیاکه‌دفاع حبشه را بعهده داشت در مقابل به‌دفاع پرداخت .

۱۹۴۱ م ، ۲۳ ژانویه، ارتش‌انگلیس‌در لیبی طبروق راتصرف‌کرد.

۱۹۴۱ م ، ۳ فوریه ، هیتلر پیشوای آلمان نازی در شورای عالی جنگ در برلن نطقی در بارهٔ ارتش ووضع کشور روسیه ایراد کرد حاضرین وقوع جنگ دوکشور را پیش بینی‌کردند .

۱۹۴۱ م ، ۴آوریل ، پایتخت لیبی (بن غازی) به‌تصرف‌آلمان نازی درآمد.

۱۹۴۱ م، ۶ آوریل، حملهٔ‌ارتش نازی به یوگوسلاوی ویونان .

۱۹۴۱م، ۱۰ آوریل، فوت‌**مارسل‌پره‌وو** نویسندهٔ فرانسوی در ۷۹ سالگی.

۱۹۴۱ م ، ۱۰ آوریل ، اشغال‌بلگراد توسط آلمان‌نازی .

۱۹۴۱ م ، ۱۱ آوریل ، عقب نشینی ارتش آلمـان‌نازی در**لیبی** توسط قوای انگلیس.

۱۹۴۱ م ، ۱۳ آوریل ، روز امضای پیمان عدم تعرض پنجساله بین ، روسیه ژاپن .

۱۹۴۱ م ، ۱۸ آوریل ،آلمان نازی قسمتی از یوگوسلاوی را متصرف شد .

۱۹۴۱م،۲۷ آوریل، اشغال آتن‌وسیلهٔ قوای آلمان نازی .

۱۹۴۱ م ، ۱۹ آوریل ، اشغال یونان توسط ارتش آلمان نازی .

۱۹۴۱ م ، اول مه ، فرودگاه **حبانیه** در بغداد به دستور **رشید عالی‌گیلانی** طعمهٔ حریق‌قرارگرفت.

۱۹۴۱ م ، ۱۰ مه، رودلف‌**هس**‌ازآلمان به انگلستان فرارکرد .

۱۹۴۱م ، ۱۷مه ، اعلام جدایی ایسلند از دانمارك وسیلهٔ پارلمان ایسلند.

۱۹۴۱ م ، ۲۰ مه ، حملهٔ چتربازان به قوای انگلیس در جزیرهٔ کرت .

۱۹۴۱ م ، ۴۱ مه ، **رشیدعالی‌گیلانی** فرارکرد وجنگ عراق پایان‌یافت.

۱۹۴۱ م، اول ژوئن، تصرف شهر کرت وسیلهٔ چتربازان آلمان.

۱۹۴۱ م ، ۴ ژوئن ،هیتلر اعلام کرد که جنگ باروسیه اجتناب‌ناپذیراست .

۱۹۴۱ م ، ژوئن ، انگلیسی‌ها بغداد وموصل را تصرف کردند .

۱۹۴۱م، ۸ ژوئن، حملهٔ ارتش‌انگلیس به سوریهٔ ولبنان .

۱۹۴۱ م ، ۱۸ ژوئن ، امضای پیمان عدم تعرض دهساله بین آلمان‌وترکیه.

۱۹۴۱م، ۱۹ژوئن، تعطیل کنسولگری آمریکا درآلمان وایتالیا .

۱۹۴۱ م . ۲۲ژوئن . حملهٔ آلمان به روسیه .

۱۹۴۱ م ، ۲۳ژوئن، هندوچین‌فرانسه بنا برتقاضای ژاپن تحت کنترل نظامی ژاپن قرارگرفت .

۱۹۴۱ م ، ۲۹ ژوئن ، در جنگ دوم بین‌المللی نیروهای آلمان نازی‌شهرهای **بیرست ؛ نیتوسك و ویلنا** را تصرف نمودند .

۱۹۴۱م، اول‌ژوییه، **ریکا** پایتخت‌**لانویا** توسط ارتش نازی تصرف‌گردید .

۱۹۴۱ م ، ۷ ژوییه ، ناوگان آمریکا کشور ایسلند رااشغال کردند .

۱۹۴۱ م، ۷اوت، **رابندرانات تاگور** شاعر شهیر هند درگذشت .

۱۹۴۱ م، ۱۴ اوت ، اعلامیهٔ منشور آتلانتیك‌که‌بین چرچیل‌وروزولت‌امضاء شده بود منتشر گردید .

۱۹۴۱ م. ۱۸ اوت؛ پس ازاشغال‌هلند توسط قوای نازی یك کمیسیون آلمانی حکومت این‌کشوررا به‌دست‌گرفت.

۱۹۴۱ م، ۱۹ اوت، حملات‌۲۴۰هزار سرباز وافسرایتالیا به شمال افریقا آغاز وباوجودی‌که قسمتی‌از لیبی بتصرف‌آنها درآمد وسرانجام در۱۸ سپتامبر متفقین جلو پیشروی‌آنها را گرفتند.

۱۹۴۱ م ، ۲۴ اوت، چرچیل نخست‌وزیر انگلیس‌به‌آمریکاقول‌داد در صورت جنگ آمریکاوژاپن‌به‌آمریکا کمك‌کند.

۱۹۴۱م،۴ سپتامبر ، قوای آلمان‌نازی شهر **لنین‌گراد** را محاصرکردند .

۱۹۴۱ م ، ۱۹ سپتامبر ، ارتش نازی «کی‌یف» و«پولتاوا» را در روسیه اشغال و به پیشروی خود بسوی اورال ادامه داد .

۱۹۴۱ م ، ۱۱ اوکتبر ، ارتش نازی‌به بهانهٔ‌تعلیم‌سربازان‌رومانی وحفظ‌چاههای نفت این‌کشور از خطر حملهٔ انگلیس وارد رومانی شدند .

۱۹۴۱ م ، ۲ اوکتبر،تعرض دامنه‌دارو بیسابقهٔ ارتش‌آلمان در جبههٔ‌شرقی‌روسیه برای تصرف مسکو آغازگردید .

۱۹۴۱ م ، ۱۷ اوکتبر ، اژدرافکن آلمانی در جنگ دوم رزمناو«وگیرنی» آمریکا را درنزدیکی ایسلند غرق‌کرد .

۱۹۴۱ م ، ۲۱ اوکتبر، بخاطرترورپك آلمانی۵۰ نفرفرانسوی درنانتس به‌دست آلمانی‌ها اعدام شدند .

۱۹۴۱م، ۲۳ اوکتبر، ارتش‌آلمان‌نازی به ۳۷ میلی شمال مسکو رسید .

۱۹۴۱ م ، ۳۱اوکتبر ، یك اژدرافکن آلمانی در جنگ دوم رزمناو بزرگ آمریکایی «زوبن‌جیمز»را غرق‌کرد .

۱۹۴۱ م ،۶ نوامبر ، در هنگامهٔ‌جنگ دوم جهانی دولت آمریکا یك میبون دلار وام به‌دولت شوروی داد .

۱۹۴۱ م ، ۱۰ نوامبر، «اون» رزمناو آلمانی در جنگ جهانی دوم درجزیرهٔ کوکوس غرق شد .

۱۹۴۱ م ، ۱۵ نوامبر ، ارتش نازی سراستوپول را در روسیه محاصره‌کرد.

۱۹۴۱ م ، ۲۰ نوامبر ، دولت ژاپن یادداشتی در خصوص اختلاف خود با فرانسه درموردکشور هند وچین فرانسه وتأمین نفت ژاپن وخودداری ازکمك‌به

چین برای دولت آمریکا فرستاد .

۱۹۴۱ م ، ۲۵ نوامبر ، کشتی جنگی انگلیسی «بارهام» در جنگ دوم اژدر خورد و ۸۰۰ نفر سرنشین آن غرق شدند .

۱۹۴۱ م، ۲۹ نوامبر، درهنگامهٔ جنگ دوم جهانی اعلامیهٔ ژنرال «تویو» نخست‌وزیر ژاپن مبنی بر قطع نفوذ انگلیس و آمریکا در خاور زمین صادر شد .

۱۹۴۱ م ، ۱ دسامبر، در کنفرانسی که امپراتور ژاپن ریاست آن را به عهده داشت تصمیم قطعی به جنگ و حمله به قوای نظامی آمریکا گرفته شد .

۱۹۴۱ م ، ۵ دسامبر ، نبرد سهمگینی درجبههٔ کالنین درکناررودولگا بین ارتش نازی وسپاهیان سرخ آغاز شد که پس از یازده روز آلمانیهاعقب نشستند .

۱۹۴۱ م ، ۵ دسامبر ، حملهٔ بزرگ ارتش سرخ برای نجات مسکو علیه ارتش نازی دراطراف مسکو آغاز شد .

۱۹۴۱ م ، ۷ دسامبر ، دولت ژاپن به آمریکا اطلاع داد که پیشنهاد آن دولت مخالف منافع ژاپن است و چند ساعت بعد ژاپن به کشورهای محور پیوست و با ۲۰۰ هواپیما به پایگاه **پرل هاربور** حمله کرد و ۱۹ کشتی آمریکا را غرق نمود .

۱۹۴۱ م ، ۷ دسامبر ، روزولت رییس جمهور آمریکا قانون وام و اجاره را به منظور کمك به دشمنان آلمان تصویب و آمریکا واردجنگ بین‌المللی دوم گردید .

۱۹۴۱ م ، ۸ دسامبر ، حالت جنگ بین آمریکاوژاپن ازطرف کنگرهٔ آمریکا تصویب و ژاپنی‌ها با یك حمله جزیرهٔ «گوام دیك» را تصرف کردند .

۱۹۴۱ م ، ۸ دسامبر ، حملات ارتش ژاپن به «برنئو» انگلیس آغـاز شد و دولت انگلیس نیزبه‌ژاپن اعلان جنگ داد .

۱۹۴۱ م ، ۱۱ دسامبر ، پس از اینکه آلمان و ایتالیا به آمریکا اعلان جنگ دادند کنگرهٔ آمریکا نیز به دو کشور مزبور اعلان جنگ داد .

۱۹۴۱م ، ۱۳ دسامبر موسترفرانسیسکو نویسندهٔ شهیر اسپانیایی در لندن در‌گذشت .

۱۹۴۱ م ، ۱۹ دسامبر ، درشدید ترین هنگامهٔ جنگ دوم دولت آمریکا مردان ۲۰ تا ۴۴ ساله را به‌خدمت زیر پرچم فرا خواند .

۱۹۴۱ م ، ۲۶ نوامبر ، دولت آمریکا درپاسخ یادداشت ژاپن اعلام نمود که به کمك‌های خود به چین ادامه داده و در صورتیکه ژاپن ازتسلط خود برهند وچین فرانسه دست بردارد برای فرستادن نفت کافی به ژاپن حاضر است .

۱۹۴۲م ، ۱۸ ژانویه، حملهٔ ارتش ژاپن به بندر رایگون مستعمرهٔ انگلیس آغاز شد .

۱۹۴۲ م، ۲۲ فوریه، «اشتفن تسوایك» نویسندهٔ نامدار یهودی اتریش و همسر دومش مینیاپولیس در اثر ناراحتی از اعمال نازی‌ها دربرزیل باگاز خودکشی کردند .

۱۹۴۲ م ، ۷ فوریه، حکومت مشروطهٔ نروژ منحل و یك حکومت دیکتاتوری توسط **کوئیس لینك** ها در این کشور بوجود آمد .

۱۹۴۲ م ، ۱۵ فوریه ، جزیرهٔ سنگاپور بزرگترین پایگاه دریایی انگلیس در اقیانوس آرام به‌تصرف قوای ژاپن در آمد .

۱۹۴۲ م ،۲مه ، اشغال **ماندله** پایتخت **بیرمانی** توسط قوای ژاپن .

۱۹۴۲م، ۶مه، اشغال جزیرهٔ **کوریجیدور** در اقیانوس کبیر، توسط ارتش ژاپن.

۱۹۴۲ م ، ۱۹ نوامبر ، آغاز جنگ بین انگلیس و قوای آلمان نازی در **تونس** .

۱۹۴۲ م ،۲ ژوئن ، تصرف **لیبی** توسط ارتش آلمان به‌سرداری **رومل** .

۱۹۴۲ م ، ۱۲ ژوئن ، ژاپنیها **اتتو** را در **الوسین** تصرف کردند .

۱۹۴۲م ، ۵ ژوییه ، شهرهای **زیتومیر وکیف** بوسیلهٔ ارتش سرخ از قوای نازی پس گرفته شد .

۱۹۴۲ م ، ۱۶ ژوییه ، در جنگ دوم جهانی ارتش نازی **اسمولنسك** را درروسیه تصرف کردند .

۱۹۴۲ م ، ۱۷ ژوییه، جنگ استالین‌گراد با حملهٔ ارتش نازی به این شهر آغاز گردید .

۱۹۴۲ م ، ۲۴ ژوییه ، ارتش آلمان نازی **روستف** را تصرف کرد .

۱۹۴۲ م ، ۱۲ اوت ، نبرد خونینی بین سربازان ژاپنی و تفنگداران آمریکایی در جزیرهٔ **گئودال کانال** اقیانوس کبیر روی داد که به جنگ **وردن** اقیانوس کبیر معروف شد .

۱۹۴۲ م ،۲۲ اوت ، ارتش آلمان نازی یورش تاریخی خود را درجبههٔ استالینگراد آغاز کرد .

۱۹۴۲ م ، ۳۰ اوت ، در نبرد «الم‌جلفا» شمال افریقا سپاهیان مارشال رومل از ارتش مونتگمری شکست خوردند .

۱۹۴۲ م ، ۱ اوکتبر ، ارتش انگلیس به‌فرماندهی مارشال مونتگمری حملات خود را به‌شمال افریقا آغاز کرد .

۱۹۴۲ م ، ۱۷ اوکتبر، در هنگامهٔ جنگ دوم کمیسیونی با شرکت نمایندگان متفقین برای رسیدگی به جرایـم جنایتکاران محور بعد از جنگ تشکیل شد

۱۹۴۲ م ، ۱۴ اوکتبر، جنگ العلمین درشمال افریقا بین سپاهیان انگلیس و آلمان آغاز شد .

۱۹۴۲ م ، ۲۵ اوکتبر، ارتش انگلیس به‌فرماندهی مارشال مونتگمری حملات خود را درشمال افریقا آغاز کرد .

۱۹۴۲ م ، ۲ نوامبر ، در جنگ جهانی دوم درالعلمین جنگ ارابه‌ها با شرکت ۲هزار تانك و ارابهٔ جنگی آلمان و انگلیس آغازشد که باپیروزی انگلیس‌ها خاتمه یافت .

۱۹۴۲ م ، ۸ نوامبر، با پیاده شدن قوای متفقین درالجزایر ومراکش جبههٔ دیگری در جنگ بین‌المللی دوم گشوده شد .

۱۹۴۲ م ، ۹ نوامبر، درهنگامهٔ جنگ بین‌الملل دوم کنفرانس تأمین وآسایش ملل اروپایی باحضور روزولت وچرچیل ونمایندگان ۴۴ کشور متفق تشکیل یافت .

۱۹۴۲ م ، ۱۱ نوامبر ، ارتش آلمان نازی قسمت‌های اشغال نشدهٔ فرانسه را تصرف کردند .

۱۹۴۲ م،۱۲ نوامبر ، درجریان جنگ دوم بین‌المللی ارتش آمریکا پس ازسه روز نبرد با ژاپن جزایر سلیمان را تصرف کرد .

۱۹۴۲ م،۱۹ نوامبر،جنگ خونین تونس برای تصرف این کشور بین قوای آلمان ومتفقین آغازشد، این نبرد در ۱۲ مه ۱۹۴۳ باشکست قوای نازی و پیروزی متفقین پایان یافت .

۱۹۴۲ م ، ۶ دسامبر ، در جنگ دوم جهانی کشتی انگلیس (**سرامیك**) اژدرخورد

وبا ۵۰۰ نفر سرنشین غرق گردید .

۱۹۴۲ م ، ۱۳ دسامبر ، اولین پیل آزمایشی اتمی درشیکاگو آمریکا ساخته شد وبمب اتمی که در هیروشیما ژاپن منفجر شد محصول همین کارخانه بود .

۱۹۴۳ م ، ۱۸ ژانویه، ارتش سرخ پس از ۱۷ ماه محاصره در لنین‌گراد ارتش مهاجم نازی را عقب راند .

۱۹۴۳ م ، ۲۲ ژانویه، ارتش انگلیس به‌فرماندهی‌مارشال‌مونتگمری به‌تریپولی درشمال افریقا رسید .

۱۹۴۳ م ، ۲۴ ژانویه ، ارتش هشتم انگلیس (طرابلس) را تصرف و نیروی محور را به‌تونس عقب راند .

۱۹۴۳ م ، ۲۶ ژانویه ، در جنگ دوم جهانی‌زیردریایی‌آمریکایی (آرگوتاوت) به‌وسیلهٔ ژاپنی‌ها غرق و۱۰۳ نفر به‌هلاکت رسیدند .

۱۹۴۳ م ، ۳۱ ژانویه ، عقب نشینی ارتش نازی‌آلمان درجبههٔ استالین‌گراد آغاز گردید .

۱۹۴۳ م، ۲ فوریه ،چهارمین وآخرین مرحلهٔ نبرد استالین‌گراد با پیروزی قاطع ارتش سرخ وتسلیم باقیماندهٔ قوای شکست خوردهٔ آلمان پایان یافت .

۱۹۴۳ م ، ۶ فوریه ، درهنگامهٔ جنگ جهانی دوم موسولینی دیکتاتور ایتالیا یازده تن وزیران کابینهٔ خود را تغییر داد وپست وزارت خارجه را شخصاً عهده دارشد .

۱۹۴۳ م ، ۷ فوریه، درگیرودارجنگ جهانی دوم ژنرال آیزنهاور به‌سمت فرماندهی کل قوای متفقین در شمال افریقا منصوب شد .

۱۹۴۳ م ، ۸ فوریه ، درجریان جنگ جهانی دوم ارتش سرخ بایك حملهٔ‌وسیع شهرهای بلگراد خارکف را از دست ارتش نازی خارج کرد.

۱۹۴۳ م ، ۸ فوریه ، آنتوتی‌**پرلادوکا** نویسندهٔ مشهور اسپانیایی پس از ۷۱ سال زندگی بدرود گفت .

۱۹۴۳ م ، ۱۶ فوریه ، جنگ گئودال کانال که از ۱۲ اوت ۱۹۴۲ آغازشده بود با شکست قوای ژاپن و پیروزی تفنگداران آمریکایی پایان یافت .

۱۹۴۳ م ، ۷ مه ، قوای آلمان نازی به‌فرماندهی ژنرال **رومل** درشمال‌افریقا شکست خورد .

۱۹۴۳ م ، ۱۱ مه ، مسافرت چرچیل به آمریکا .

۱۹۴۳ م ، ۱۲ مه ، پیروزی انگلیس در نبرد **تونس** با قوای آلمان نازی .

۱۹۴۳ م ، ۱۵ مه ، انحلال سازمان **کمنترن** درروسیه .

۱۹۴۳ ، ۳ ژوئن ، تشکیل کمیتهٔ ملی نجات فرانسه .

۱۹۴۳ م،۱۱ ژوئن ، پیاده شدن‌نیروی متفقین در جنوب ایتالیا .

۱۹۴۳ م ، ۱۷ ژوئن ، آغازبمباران انگلستان توسط آلمان نازی با **راکت** بدون سرنشین .

۱۹۴۳ ، ۱ ژوییه، ارتش سرخ **قفقاز، اوکراین** و **سباستوپول** را از وجود آلمانی‌ها پاك کرد .

۱۹۴۳ م ، ۱۰ ژوییه ، نیروهای‌کانادا وانگلیس‌وآمریکا به‌سیسیل حمله‌بردند،

۱۹۴۳ ، ۱۴ژوییه، درمبارزات داخلی چین ،کمونیست‌ها قوای‌دولتی‌**چیانکایچك** را در هم شکستند واین جنگ به جنگ نیمه شب معروف شد .

۱۹۴۳ ، ۱۷ ژوییه ، بندر **کراسیوس** به‌تصرف ارتش‌متفقین درآمد .

۱۹۴۳ م ، ۲۰ژوییه ،هیتلروموسولینی، در**برنر** ملاقات کردند .

۱۹۴۳ م ، ۲۳ ژوییه ، در جنگ دوم جهانی سپاه آلمان در جبههٔ **کرس** از قوای فرانسه شکست خوردند .

۱۹۴۳ م ، ۲۵ ژوییه ، هواپیماهای امریکایی وانگلیسی‌بندر **هامبورگ** را بمباران کردند .

۱۹۴۳ م،۲۵ژوییه ، حکومت‌موسولینی دیکتاتور ایتالیا، سقوط کرد.

۱۹۴۳ م ، ۲۹ اوت ، بوریس سوم پادشاه مجارستان درگذشت و پسر شش‌ساله‌اش سیمون دوم‌به جانشینی اوتعیین وشورای نیابت‌سلطنت حکومت‌را به‌دست گرفت .

۱۹۴۳ م ، ۳ سپتامبر ، ارتش هشتم به فرماندهی فیلد مارشال مونتگمری در خاك‌ایتالیا پیاده‌شدندپنج‌روز بعدایتالیااز جرگهٔ کشورهای متحارب خارج شد .

۱۹۴۳ م ، ۱۱ سپتامبر ، در جنگ دوم حملات نیروی فرانسه برای تصرف جزیرهٔ کرس آغاز شد

۱۹۴۳ م ، ۱۲ سپتامبر ، در هنگامهٔ جنگ دوم نیروی دریایی ایتالیا تسلیم قوای متفقین شدند .

۱۹۴۳م ،۱۲سپتامبر، چتربازان آلمانی موسولینی را که به‌دستور پادشاه ایتالیا درهتل «ابزور» بازداشت بود ربودند .

۱۹۴۳ م ، ۱۳ سپتامبر ، ژنرال چانکایچك فرماندهٔ کل قوای چین شد .

۱۹۴۳ م ،۲۴سپتامبر ، حملات‌سپاهیان متفق‌برای‌تصرف‌روم‌آغاز گردیدواین‌شهر در ژوئن ۱۹۴۴ سقوط کرد .

۱۹۴۳ م ، ۴ اوکتبر ، جزیرهٔ «کرس» به‌تصرف‌فرانسهٔ‌آزاد درآمد .

۱۹۴۳ م ، ۶ نوامبر ، ارتش سرخ نیروهای نازی را از «کی‌یف» پایتخت اوکراین‌بیرون‌کرده وبرای پس گرفتن خارکف نبرد سختی را آغاز کرد .

۱۹۴۴ م ، ۲ فوریه ، در هنگامهٔ جنگ دوم جهانی ارتش‌آمریکابه‌جزیرهٔ‌مارشال حمله برد وپس از یك نبرد خونین و طولانی قوای ژاپن را تارومار کرد .

۱۹۴۴ م ، ۲۶ آوریل ، تلاقی قوای متفقین با ارتش سرخ در **آلب** .

۱۹۴۴ م ، ۹مه،ارتش‌سرخ‌**سباستوپول** و**کریمه** را از آلمان پس گرفت .

۱۹۴۴ م، ۴ ژوئن ، اشغال‌روم پایتخت ایتالیا وسیلهٔ متفقین .

۱۹۴۴م، ۶ ژوئن،پیاده شدن نیروهای متفقین به‌فرماندهی آیزنهاور در ساحل فرانسه .

۱۹۴۴ م ، ۱۲ ژوئن ، پیروزی‌متفقین در نبرد سواحل.

۱۹۴۴م ، ۱۶ژوئن ، بمباران جزیرهٔ **کیوشو** در ژاپن توسط‌آمریکاییها .

۱۹۴۴ م ، ۲۶ ژوئن ، ارتش سرخ به فنلاندحمله کرد ودوشهررا‌تصرف‌نمود .

۱۹۴۴م،۱۸ژوییه، ژنرال **هیدکی‌تویو** نخست‌وزیر ژاپن وکابینهٔ او استعفا کرد و ژنرال **کونیاکی‌کوئیسو** نخست وزیر گردید .

۱۹۴۴ م ، ۲۰ ژوییه ، توسط عده‌ای‌از افسران عالی رتبهٔ ارتش نازی بجان هیتلر سوء قصد شد وبی نتیجه ماند .

۱۹۴۴ م ، ۲۲ ژوییه ، با ورود ارتش سرخ به لهستان دوران اشغال آلمان نازی در این کشور پایان یافت‌وجشن ملی لهستان اعلام شد .

۱۹۴۴م، ۲۴ ژوییه ، ارتش سرخ‌بایك حملهٔ سریع‌**پسکوف** را از تصرف نیروی آلمان خارج کرد .

۱۹۴۴ م ، ۲۷ ژوییه ، دولت روسیه کمیتهٔ‌آزادی ملی‌لهستان راکه در مسکو تشکیل‌شده بود به‌رسمیت شناخت.

۱۹۴۴ م، ۳۱ ژوییه، **آنتوان‌دوسنت اگزوپری** نویسنده وخلبان فرانسوی‌درـ گذشت .

۱۹۴۴ م ، ۱۹ اوت ، چون آلمانها هنگام عقب نشینی ازفرانسه قصدویران کردن کاخ ورسای ، آرامگاه‌ناپلئون، موزهٔ لوور وبرج ایفل را داشتند مردم پاریس بایك قیام‌تاریخی پادگان آلمان را نابود کردند .

۱۹۴۴ م ، ۲۱ اوت ، سپاهیان‌متفقین بفرماندهی ژنرال آیزنهاور «فلورانس» را در ایتالیا تصرف نمودند .

۱۹۴۴ م ، ۲۳ اوت ، ارتش سرخ‌وارد رومانی شد وسپاهیان آلمان را از این کشور بیرون راند، این روز دررومانی بنام روز آزادی نام گرفت .

۱۹۴۴ م ، ۲۳ اوت ، نیروهای‌متفقین آتن را از تصرف آلمان ها خارج کردند .

۱۹۴۴ م ، ۲۸ اوت ، در جریان‌جنگ دوم بین المللی ارتش سرخ به مرزهای آلمان دست به حمله زدند .

۱۹۴۴م، ۴ سپتامبر، ارتش‌دوم‌انگلیس با عقب‌راندن‌آلمانها **بروکسل** را آزاد نمودند .

۱۹۴۴ م ، ۸ سپتامبر ، در این روز به‌مناسبت‌روزاستقلال در بلغارستان‌جشن ملی برپا میشود .

۱۹۴۴ م، ۱۲ سپتامبر، عهدنامهٔ‌سیاسی معروف به عهدنامهٔ اشغال آلمان بین کشورهای‌انگلیس، آمریکا، روسیه‌وفرانسه در لندن امضاء شد .

۱۹۴۴ م ،۱۳ سپتامبر، با تسلیم‌رومانی به ارتش سرخ‌وامضای قراردادصلح‌بین طرفین این کشور از جرگهٔ دول محور خارج شد .

۱۹۴۴م، ۱۲اوکتبر، نیروهای‌لهستانی تحت فرماندهی‌ژنرال**بور** که برای‌بیرون راندن‌آلمان ازورشو قیام کرده بودند تسلیم ارتش‌آلمان شدند .

۱۹۴۴ م ، ۴ اوکتبر، ارتش‌انگلیس‌در یونان به تعقیب آلمانیها پرداخت .

۱۹۴۴ م، ۱۹اوکتبر ، حملات‌دوجانبهٔ هوایی و دریایی آمریکا برای تصرف «فیلیپین» آغاز شدکه تا فوریهٔ۱۹۳۵ طول‌کشید .

۱۹۴۴م، ۲۰ اوکتبر، مقاومت‌سپاهیان نازی در جنگ دوم دریوگوسلاوی‌درهم شکسته وافرادآن پراکنده شدند .

۱۹۴۴ م ، ۲۴ اوکتبر، ناو « موراپی» ژاپنی‌که از بزرگترین کشتی‌های‌سراسر تاریخ جهان بود بوسیلهٔ ۱۵ بمب و۲۰ اژدر آمریکایی غرق شد .

۱۹۴۴م،۷نوامبر،«فرانکلین روزولت» برای چهارمین بار به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد .

۱۹۴۴ م ، ۵ نوامبر ، دکتر «الکسی کارل» جراح‌وپزشك‌وزیست‌شناس‌فرانسوی در ۷۱ سالگی درگذشت .

۱۹۴۴ م ، ۲۷ نوامبر ، فرانسوی‌های میهن‌پرست ناوهای‌خودرا دربندرتولون غرق‌کردند تابه‌دست‌آلمانیها نیفتند.

۱۹۴۴ م، ۷ دسامبر، قراردادهواپیمایی کشوری بین المللی در شیکاگو امضاء شد .

۱۹۴۵ م، ۱۷ ژانویه ، سربازان‌متفقین وارد (ورشو) پایتخت لهستان شده و استقلال این کشور مجدداً به‌دست‌آمد .

۱۹۴۵ م، ۲۹ ژانویه ، اردوگاه مرگ دشمنان نازی که از ۱۴ ژوئن ۱۹۴۰ درلهستان بیش از۵ ملیون وپانصدهزار نفر رابه‌وسایل مختلف‌درآن نابودکرده بودند توسط ارتش سرخ اشغال‌گردید.

۱۹۴۵ م، ۱۴فوریه،درمخوف‌ترین‌بمباران دوروز ونیم‌که تا ۱۶ نوامبر طول‌کشید ۷۸۰هواپیمای انگلیس وهزار دژپرندهٔ آمریکا ۳هزارتن بمب برشهرهای‌آلمان فروریختند .

۱۹۴۵ م ، ۲۳ فوریه، دولت ترکیه در ماههای‌آخر جنگ دوم به آلمان اعلان جنگ داد .

۱۹۴۵ م ، ۵ آوریل، لغو پیمان عدم تجاوز روسیه وژاپن از طرف روسیه .

۱۹۴۵ م ، هفتم آوریل، کشتی بزرگ ژاپنی به نام **یاماتو** وسیلهٔ آمریکاییها غرق شد و بیش از سه هزار نفر غرق شدند .

۱۹۴۵م،۱۳آوریل، درگذشت‌فرانکلین **روزولت** در ۶۴ سالگی بر اثر سکتهٔ مغزی .

۱۹۴۵ م ، ۱۲ آوریل، روزی‌که‌هاری **ترومن** از معاونت به ریاست جمهوری آمریکا رسید .

۱۹۴۵ م ، سیزدهم آوریل،ورود ارتش سرخ به مجارستان وروز جشن مجار و خروج نیروی آلمان نازی .

۱۹۴۵ م ، ۱۶ آوریل ، ارتش سرخ به برلن حمله‌کرد .

۱۹۴۵ م ، ۲۰ آوریل ، درهم ریختن آخرین قوای آلمان نازی وسیلهٔ ارتش سرخ در ناحیهٔ **اودر** .

۱۹۴۵ م ، ۲۱ آوریل ، ورود ارتش روسیه به نواحی اطراف برلن .

۱۹۴۵ م، ۲۵ آوریل ، تشکیل اولین کنفرانس ملل‌متحدبرای تشکیل‌سازمان ملل ، در تالار اپرای سانفرانسیسکوبا شرکت ۵۰ کشور .

۱۹۴۵ م ، ۲۷ آوریل ، فتح بندر **ژن** درایتالیا وسیلهٔ قوای متفقین.

۱۹۴۵م،۲۸ آوریل،دستگیری‌**موسولینی** وکلارا**پتاچی**(معشوقه‌اش)توسط‌پارتیزانـ های‌ایتالیا.

۱۹۴۵ م ،۲۸ آوریل ، ازدواج **هیتلر** با **اوابرون** .

۱۹۴۵ م ، ۲۹ آوریل ، هیتلروصیتـ نامهٔ خود را امضاء کرد .

۱۹۴۵ م ، ۳۰آوریل، خودکشی هیتلر و زن و وزیر تبلیغات آلمان و زن و فرزندش .

۱۹۴۵ م ، اول مه ، ورود ارتش سرخ به برلن .

۱۹۴۵ م ، ۲مه، تسلیم دو ملیون‌سرباز آلمانی به ارتش آمریکا درایتالیا .

۱۹۴۵ م ، ۳مه، سقوط برلن‌توسط ارتش سرخ .

۱۹۴۵ م ، ۳ مه ، استقرار ۱۲ هزار چترباز و تفنگدار آمریکایی در **دومینیکن** .

۱۹۴۵ ، ۴ مه ، انحلال رژیم‌هیتلری‌در آلمان .

۱۹۴۵ ، ۷ مه ، با تسلیم آلمان جنگ دوم جهانی خاتمه یافت .

۱۹۴۵ م ، ۸ مه ، اعلام پایان جنگ دوم جهانی توسط‌سران دول متحد .

۱۹۴۵ م ، ۸ مه، اعلام پایان‌جنگ دوم جهانی در روسیه توسط استالین .

۱۹۴۵م، ۲۰ مه،خروج نیروهای‌آمریکا از تریست .

۱۹۴۵ ، ۲۰مه،موافقت باخروج‌نیروی یوگوسلاوی از کارینت از طرف **تیتو**.

۱۹۴۵م، ۲۹ مه، بمباران دمشق وسیلهٔ هواپیماهای فرانسه .

۱۹۴۵ م، ۵ ژوئن ، تقسیم آلمان به ۴ منطقهٔ تحت نفوذ متفقین .

۱۹۴۵م ۱۹ ژوئن، تصمیم پنج دولت مؤسس سازمان ملل در مورد عدم پذیرش ملل همکار با محور .

۱۹۴۵م ، ۲۵ ژوئن، در سانفرانسیسکو منشور سازمان ملل متحد به امضاء رسید .

۱۹۴۵م، ۲۹ ژوئن، دولت چکوسلواکی سرزمین **رد تینا** را به دولت شوروی واگذار نمود.

۱۹۴۵ م، ۳۰ ژوئن، اولین بمب اتومی آزمایشی روی جزیرهٔ **بی‌کی‌نی** انداخته شد و حیوانات آزمایشی که در معرض اشعهٔ رادیو آکتیو قرار داده بودند رنگ‌های خود را از دست دادند .

۱۹۴۵ م، ۶ ژوییه، دانشمندان آمریکایی اولین بمب اتمی را در صحرای **آلاماگور** منفجر نمودند .

۱۹۴۵م ، ۱۷ ژوییه، کنفرانس پوتسدام تشکیل شد و **اتلی** جانشین **چرچیل** گردید .

۱۹۴۵ م ، ۲۰ ژوییه . **پل والری** شاعر نامدار فرانسوی درگذشت .

۱۹۴۵ م، ۲۶ ژوییه، چرچیل در انتخابات شکست خورد و **کلمنت اتلی** از حزب کارگر نخست وزیر بریتانیا شد .

۱۹۴۵ م، ۶ اوت، هواپیمای آمریکا شهر **هیروشیما** را بمباران اتومی کرد.

۱۹۴۵ م، ۸ اوت ، دولت روسیه به ژاپن اعلان جنگ داد و به منچوری حمله کرد.

۱۹۴۵م، ۹ اوت، دومین بمب اتومی آمریکا در شهر **ناکازاکی** انداخته شد.

۱۹۴۵ م، ۱۰ اوت ، شورای نمایندگان ممالک متحدهٔ اروپایی با حضور نمایندگان ۱۴ کشور در تالار شهرداری **استراسبورگ** تشکیل شد .

۱۹۴۵ م، ۲۵ اوت، **بایودای** امپراتور ویتنام بنا به تقاضای ویت مینه انحلال امپراتوری ویتنام را صادر و خود به عنوان مشاور عالی دولت شروع به کار کرد .

۱۹۴۵م، ۲۹ اوت، بعد از جنگ آمریکا و ژاپن و به دنبال انفجار دو بمب اتومی در خاک ژاپن نیروهای آمریکایی وارد خاک ژاپن شده و ژنرال ماک آرتور برای مدتی نامعلوم به حکومت ژاپن منصوب شد .

۱۹۴۵ م، ۲ سپتامبر ، نمایندگان ژاپن با حضور نمایندگان ۹ کشور متفق در عرشهٔ نبرد ناو « میسوری» در اقیانوس کبیر قرارداد صلح و تسلیم بدون قید و شرط ژاپن را امضاء کردند .

۱۹۴۵م ، ۳ سپتامبر، در پایان جنگ دوم نیروی متفقین سنگاپور را از تصرف ژاپونی‌ها خارج و مجدداً انگلیس‌ها به این جزیره استیلا یافتند .

۱۹۵۴ م ، ۸ سپتامبر ، قوای آمریکا تا مدار ۳۸ درجه کره را اشغال کردند.

۱۹۴۵م ، ۱۲ اوکتبر، اولین کنفرانس سران پنج دولت متفق جنگ دوم جهانی در لندن افتتاح شد .

۱۹۴۵ م ، ۴ اوکتبر، سرفرماندهی ارتش متفقین پس از اشغال ژاپن کلیهٔ قوانینی را که باعث سلب آزادی مردم ژاپن بود لغو کرد .

۱۹۴۵م، ۱۷ اوکتبر. قرارداد بین‌المللی خواربار و کشاورزی سازمان ملل متحد که مقر ان در ایتالیا است تصویب شد .

۱۹۴۵م ، ۲۴ اکتبر، کشورهای ایران، لبنان، چکوسلواکی، نیکاراگوئه، آرژانتین، برزیل ، شیلی، چین، ترکیه، اوکراین، روسیه، مصر، یوگوسلاوی ، کره، آمریکا، دانمارک ، فرانسه، السالوادور، فنلاند، زلاندنو، پاراگوئه ، فیلیپین ، عربستان سعودی ، سوریه ، انگلیس ، هاییتی ، لوکزامبورک به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شدند .

۱۹۴۵ م، ۲۵ اوکتبر، سازمان ملل متحد که به پارلمان جهانی معروف است رسماً اجرای وظایف خود را آغاز کرد .

۱۹۴۵ م، اول نوامبر ، دولت استرالیا بعضویت سازمان ملل پذیرفته شد.

۱۹۴۵ م ، ۵ نوامبر ، دولت کولمبیا به عضویت سازمان ملل پذیرفته شد .

۱۹۴۵م، ۷ نوامبر ، کشورهای مکزیک و افریقای جنوبی به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شدند .

۱۹۴۵ م ، ۹ نوامبر ، کشور کانادا به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد .

۱۹۴۵م ، ۱۳ نوامبر ؛ کشورهای پاناما و اتیوپی به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شدند .

۱۹۴۵ م، ۱۴ نوامبر، دولت «بولیوی» به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد .

۱۹۴۵ م، ۱۵ نوامبر . دولت ونزوئلا به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد .

۱۹۴۵م ، ۲۰ نوامبر، دادگاه نورنبرگ برای محاکمهٔ ۲۲ تن از جنایتکاران جنگ افتتاح شد، این دادگاه تا ۳۰ سپتامبر ۱۹۴۵ به طول انجامید .

۱۹۴۵ م ۲۱، نوامبر ، کشور گواتمالا به عضویت سازمان ملل پذیرفته شد.

۱۹۴۵ م ، ۲۷ نوامبر ؛ دولت نروژ به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد .

۱۹۴۵م، ۲۹ نوامبر، جمهوری سوسیالیستی یوگوسلاوی رسماً تأسیس شد .

۱۹۴۵ م ، ۳۱ اوکتبر، کشور « پرو» به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد .

۱۹۴۵ م ، ۲ دسامبر، به فرمان ژنرال **ماک آرتور** کشور کره به دو قسمت شمالی و جنوبی در مدار ۳۸ درجه عرض جغرافیایی بوجود آمد .

۱۹۴۵م، ۲ نوامبر، کشورهای « کوستاریکا لیبریا» به عضویت سازمان ملل پذیرفته شدند.

۱۹۴۵م، ۲ نوامبر ، پس از الغای قوانین سلب آزادی مردم ژاپن توسط متفقین اولین حزب سیاسی در ژاپن فعالیت خود را آغاز کرد .

۱۹۴۵ م، ۱۰ دسامبر، دولت « نترلند» به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد .

۱۹۴۵م ، ۱۷ دسامبر، دولت هندوراس به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد.

۱۹۴۵ م، ۱۸ دسامبر، کشور اروگوئه به عضویت سازمان ملل متحد در آمد .

۱۹۴۶م، ۲۸ ژانویه، شکایت دولت ایران از شوروی دربارهٔ عدم خروج ارتش سرخ از ایران در شورای امنیت مطرح شد .

۱۹۴۶م ، اول فوریه . **تریگولی** به سمت اولین دبیرکل سازمان ملل متحد تعیین گردید .

۱۹۴۶ م ، ۵ فوریه، کمیتهٔ ستاد نظامی ملل متحد اولین جلسهٔ خود را تشکیل داد .

۱۹۴۶ م ، ۶ فوریه، اولین دستهٔ قضات عضو دیوان بین‌المللی دادگستری از میان قضات کشورهای عضو از طرف مجمع عمومی انتخاب شدند .

۱۹۴۶م، ۲۲ مارس، کشور **اردن‌هاشمی** استقلال یافت .

۱۹۴۶ م ، ۲۵ مارس، روزتشکیل‌جلسهٔ شورای‌امنیت سازمان‌ملل‌برای خروج‌قوای شوروی از ایران .

۱۹۴۶ م ، ۳ آوریل ، تشکیل اولین جلسهٔ دادگاهٔ عدالت بین‌المللی سازمان ملل متحد .

۱۹۴۶م ، ۲۵ آوریل ، به‌سلطنت‌رسیدن **امیرعبدالله** درکشور **اردن** .

۱۹۴۶ م ، ۹مه ، استعفای ویکتور امانوئل پادشاه‌ایتالیا به‌نفع**همبر پیه‌مون** (فرزندش) .

۱۹۴۶ م ، ۲ ژوئن ، آغاز جمهوریت ایتالیا بااستعفای‌همبر پیه‌مون‌پادشاه‌جوان آن‌کشور.

۱۹۴۶ م ، ۲ ژوئن ، استقرار رژیم جمهوری در ایتالیا .

۱۹۴۶ م ، ۸ژوئن ، در گذشت پادشاه ۲۱ سالهٔسیام براثر گلوله‌ای‌که به‌مغزش شلیك شده بود .

۱۹۴۶ م ، ۱۶ مه ، انتشار اعلامیهٔ سه ماده‌ای استقلال هندوستان .

۱۹۴۶م ، ۲۱ مه ، تشکیل کمیسیون مقام زن در سازمان ملل متحد .

۱۹۴۶ م ، ۴ ژوییه ، استقلال دولت جمهوری فیلیپین اعلام شد .

۱۹۴۶م ، ۱۳ اوت ، **هربرت‌جرج‌ولز** نویسندهٔ انگلیسی درگذشت .

۱۹۴۶م ،۱۹ اوت ، مقرسازن ملل‌متحد به نیویورك منتقل شد .

۱۹۴۶ م ، ۳اوکتبر ، کمیسیون‌جمعیت شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد تشکیل شد .

۱۹۴۶ م ، ۱۳ اوکتبر ، قانون اساسی جدید فرانسه تصویب و جمهوری چهارم این‌کشور تشکیل گردید .

۱۹۴۶م، ۱۵ اوکتبر، هرمان‌گورینگ که‌بنام‌جنایتکارنازی درداد‌گاه‌نورنبرگ به اعدام محکوم شده بود سه ساعت قبل از اجرای حکم با سم خودکشی کرد.

۱۹۴۶ م ، ۲۳ اوکتبر ، دومین دورهٔ اولین‌اجلاسیهٔ عادی‌مجمع عمومی‌سازمان ملل‌متحد در نیویورك تشکیل شد .

۱۹۴۶ م ، ۲۴ اوکتبر ، ترومن رییس جمهور آمریکا طی مراسمی نخستین سنگ ساختمان سازمان ملل‌متحد را در نیویورك بنا نهاد .

۱۹۴۶ م ، ۱۶ نوامبر ، پروفسور «لایمر» شیمی دان‌آمریکایی پس از ده، سال کوشش باران مصنوعی را اختراع کرد .

۱۹۴۶ م ، ۱۹ نوامبر، اولین‌کنفرانس فرهنگی و اجتماعی یونسکو در پاریس افتتاح شد وسازمان یونسکو در۴ نوامبر ۱۹۴۷ رسماً تأسیس شد .

۱۹۴۶ م ، ۱۹ نوامبر ، کشورهای افغانستان ، سوئد وایسلند به عضویت سازمان ملل‌متحد پذیرفته شدند .

۱۹۴۶ م ، ۲۲ نوامبر ،کشورجمهوری لبنان به‌استقلال رسید .

۱۹۴۶ م ، ۲۶ نوامبر . پس ازاستقلال «لبنان» آلفرد تفاش بنام اولین رییس جمهور این کشور انتخاب شد .

۱۹۴۶ م ، ۲ دسامبر ، حکومت موقت هند تشکیل شد .

۱۹۴۶م ، ۱۰ دسامبر، اولین‌کنفرانس عمومی یونسکو در پاریس تشکیل‌یافت.

۱۹۴۶ م ، ۱۵ دسامبر، مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد ، سازمان پناهندگان بین‌المللی را تأسیس کرد .

۱۹۴۶ م ، ۱۶ دسامبر ، کشور تایلند به‌عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد .

۱۹۴۷ م ، ۱۶ ژانویه ، با انتخاب (ونسان‌اوریول) به‌ریاست‌جمهوری‌فرانسه دورهٔ چهارم جمهوری فرانسه‌آغاز شد .

۱۹۴۷ م ، ۲۷ ژانویه ، اولین دورهٔ اجلاسیهٔ کمیسیون حقوق بشر تشکیل شد .

۱۹۴۷ م ، ۴ فوریه . اولین دورهٔ اجلاسیهٔ کمیتهٔ موقت رفاه اجتماعی سازمان ملل متحد تشکیل گردید .

۱۹۴۷م ، ۱۰ فوریه،اولین دورهٔ‌اجلاسیهٔ مقام زن تشکیل‌گردید .

۱۹۴۷ م ، ۸ آوریل ، وفات **هانری فورد** ، در ۸۴ سالگی .

۱۹۴۷ م ، ۲۱آوریل ، روزتاجگذاری **فردریك نهم** پادشاه دانمارك.

۱۹۴۷ م ، ۲۸ آوریل ، تشکیل اولین جلسهٔ سازمان ملل در مورد فلسطین .

۱۹۴۷ م ، ۲۸ آوریل ، تشکیل اولین اجلاسیهٔ **فوق‌العادهٔ** اولین **دورهٔ** مجمع عمومی سازمان ملل درنیویورك.

۱۹۴۷ م ، ۲ مه ، تشکیل اولین دورهٔ اجلاسیهٔ کمیسیون اقتصادی اروپا در سازمان ملل متحد .

۱۹۴۷ م ، ۱۵ مه ، تصویب اصل ۴ ترومن درکنگرهٔ آمریکا .

۱۹۴۷ م ، ۱۹مه ، تشکیل اولین‌دورهٔ اجلاسیهٔ کمیسیون‌مالی **سازمان‌ملل‌متحد.**

۱۹۴۷ م ، ۲۳ ژوئن ، شورش مردم فورموز علیه**کمین‌تانك** که به‌قیام**کی‌لان** معروف شد آغاز گردید .

۱۹۴۷ م ، ۲۰ ژوییه ، دولت هلند برای سرکوبی آزادیخواهان اندونزی به نیروی نظامی متوسل شد .

۱۹۴۷ م،۲۶ ژوییه ، اولین جمهوری افریقایی **لیبریا** استقلال خود را اعلام کرد .

۱۹۴۷ م،۴ اوت ، بین دولت هلند و مدافعان اندونزی آتش‌بس اعلام شد .

۱۹۴۷ م ، ۱۴ اوت ، کشور مسلمان پاکستان در نتیجهٔ تجزیهٔ شبه قارهٔ هندوستان با حکومت جمهوری مستقل شد .

۱۹۴۷ م ، ۱۵ اوت ، در نتیجهٔ تجزیهٔ شبه قارهٔ هندوستان کشور هند به‌استقلال رسید .

۱۹۴۷ م ، ۴ نوامبر ، سازمان‌یونسکو پس از مبادلهٔ اسناد بین بیست کشور امضاء کننده در پاریس، تشکیل دومین کنفرانس‌عمومی این‌سازمان درمکزیکو رااعلام‌کرد.

۱۹۴۷ م ، ۱۵ نوامبر ، مجمع عمومی سازمان‌ملل‌متحد تشکیل بانك‌بین‌المللی ترمیم وتوسعهٔ صندوق بین‌المللی پول ، اتحادیهٔ‌پستی‌جهانی واتحادیهٔ بین‌المللی ارتباطات را تصویب کرد .

۱۹۴۷ م ، ۲۰ نوامبر ، مجمع عمومی سازمان ملل متحد طرح بنای دایمی سازمان ملل و اخذ ۶۵ ملیون دولار از کشورآمریکا رابرای‌این منظورتصویب کرد .

۱۹۴۷ م ، ۲۹ نوامبر ،مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد طرح تقسیم فلسطین به‌دوکشور یهود و مسلمان و بین‌المللی کردن اورشلیم را تصویب کرد، دولت اسراییل در ۱۱ مه ۱۹۴۹ به‌عضویت سازمان ملل متحد درآمد .

۱۹۴۷ م ، ۱ دسامبر ، بدنبال **تصمیم سازمان ملل متحد دایربه‌تقسیم فلسطین** به دومنطقهٔ‌عرب‌نشین ویهود، امیرعبدالله

مؤسس کشور اردن هاشمی سرزمین عرب‌نشین فلسطین را ضمیمهٔ اردن نمود .

۱۹۴۸ م ، ۳۰ ژانویه؛ (مهاتما گاندی) رهبر و بانی استقلال هندوستان به‌وسیلهٔ یکی از هندوهای متعصب بنام ناتوران ویتایاک گاوس به‌قتل رسید .

۱۹۴۸ م ، ۴ فوریه ، کشور آسیایی سیلان به‌استقلال رسید .

۱۹۴۸ م ، ۳ آوریل ، اجرای طرح **مارشال** .

۱۹۴۸ م ، ۷ آوریل ، تشکیل **سازمان بهداشت جهانی** با شرکت ۲۶ کشور .

۱۹۴۸ م، ۱۶ آوریل، تأسیس **سازمان اروپایی همکاری اقتصادی**

۱۹۴۸ م ، ۱۹ آوریل ، کشور **برمه** به‌عنوان پنجاه وهشتمین عضو سازمان ملل پذیرفته شد .

۱۹۴۸ م ، ۱۴ مه، پایان دورهٔ قیمومت فلسطین توسط انگلیس .

۱۹۴۸ م ، ۱۵ مه ، استقلال اسراییل .

۱۹۴۸ م ، ۸ ژوییه ، نمایشگاه آثار باستانی ایران درموزهٔ **چرنوسکی** پاریس افتتاح گردید .

۱۹۴۸ م ، ۲۹ ژوییه ، دوازدهمین دورهٔ مسابقات المپیک که برای اولین بار ورزشکاران ایرانی در آن شرکت داشتند باحضور اعلیحضرتین پادشاهان ایران وانگلیس در لندن افتتاح شد .

۱۹۴۸ م ، ۳۱ اوت ، ژاك **سارینون** نقاش وهنرمند فرانسوی در ۷۲ سالگی بدرود حیات گفت .

۱۹۴۸ م ، ۶ سپتامبر، پرنسس **ژولیانا** به سلطنت هلند رسید .

۱۹۴۸ م ، ۶ سپتامبر ، با حملهٔ کمونیست‌های برلن به‌عمارتهای حکمرانان انگلیس، آمریکا و فرانسه در برلن ، این شهر به‌دوقسمت شرقی وغربی تقسیم شد .

۱۹۴۸ م، ۹ سپتامبر ، قیام کمونیست‌های کره آغاز گردید وحکومت جمهوری کرهٔ شمالی بوجود آمد .

۱۹۴۸ م ، ۱۱ سپتامبر ، محمد علی جناح فرماندار کل پاکستان و رهبر مسلمانان این کشور در ۷۲ سالگی درگذشت .

۱۹۴۸ م، ۱۶ سپتامبر ،«امیل لودویك» بیوگرافی نویس شهیر آلمانی در ۶۷ سالگی درگذشت .

۱۹۴۸ م ، ۲۱ سپتامبر ، اولین دورهٔ سومین اجلاسیهٔ عادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پاریس تشکیل شد .

۱۹۴۸ م ، ۳ نوامبر ، مرحلهٔ اول محاکمات جنایتکاران جنگی ژاپون با محکومیت ۱۲ نفر از افسران وسیاستمداران زمان جنگ به اعدام پایان یافت .

۱۹۴۸ م ، ۱۳ نوامبر ، سه تن از دانشمندان فیزیك موفق به کشف ترانزیستور گردیدند .

۱۹۴۸ م ، ۱۴ نوامبر ، پرنس چارلز فرزند الیزابت دوم و ولیعهد انگلیس به‌دنیا آمد .

۱۹۴۸ م، ۱۷ نوامبر، سومین کنفرانس عمومی سازمان یونسکودر بیروت تشکیل شد .

۱۹۴۸ م، ۹ دسامبر، قرارداد بین‌المللی جلوگیری از کشتار دسته‌جمعی درجنگ که مبتکر آن روسیهٔ شوروی بوددرپاریس امضاء شد و مجلس شورایملی ایران در ۳۰ آذر ۱۳۳۴ این قرار داد را تصویب کرد .

۱۹۴۸ م، ۱۰ دسامبر، سازمان ملل متحد اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را تصویب نمود .

۱۹۴۸ م ، ۱۰ دسامبر، پیمان آتلانتیك بین کشورهای آمریکا وکانادا و بلژیك امضاء شد .

۱۹۴۸ م ، ۱۲ دسامبر ، کمیسیون ملل متحد برای حل مسئلهٔ کره تأسیس شد .

۱۹۴۸ م ، ۱۱ دسامبر، نیروهای هلند دست به‌یك رشته عملیات نظامی و پلیسی دراندونزی زده ورهبران این کشور را تبعید نمودند .

۱۹۴۸ م ، ۱۸ دسامبر ، طبق دستور سازمان ملل متحد بین قوای هند و پاکستان در کشمیر آتش‌بس وترك مخاصمه اعلام شد .

۱۹۴۸ م ، ۱۵ ژانویه ، (تین‌تسین) بوسیلهٔ کمونیست‌های چین اشغال شد .

۱۹۴۹ م ، ۲۲ ژانویه ، پکن پایتخت چین توسط قوای کمونیست این کشور سقوط کرد .

۱۹۴۹ م ، ۷ فوریه ، هشتمین دورهٔ اجلاسیهٔ شورای اقتصادی‌واجتماعی سازمان ملل متحد تشکیل شد .

۱۹۴۹ م ، ۴ آوریل ، امضای پیمان آتلانتیك شمالی .

۱۹۴۹ م ، ۶ مه ، در گذشت موریس **مترلینگك** .

۱۹۴۹ م ، ۱۱ مه ، دولت اسراییل به عضویت سازمان ملل متحد در آمد .

۱۹۴۹ م ، ۱۲ مه ، وضع محدودیتهای برلن وآلمان غربی‌وشرقی به‌موجب قرارداد چهاردولت متحد پیروز .

۱۹۴۹ م ، ۲۴ مه ، امضای قرار داد بین‌المللی منع فحشا ومجازات نشریات مستهجن در **کیك ساکس** .

۱۹۴۹ م ، ۲۸ ژوئن ، کنفرانس کارگری ژنو باشرکت نمایندگان ۳۸ کشور درسویس افتتاح گردید .

۱۹۴۹ م ، ۱۵ ژوییه ، موافقت نامهٔ بین‌المللی تسهیل مبادلات بین‌المللی وسایل سمعی و بصری به‌امضاء رسید . دولت ایران هم در دیماه ۱۳۲۸ به‌این موافقتنامه پیوست .

۱۹۴۹ م ، ۱۹ ژوییه ، کشورپادشاهی لائوس مستقل شد .

۱۹۴۹ م، ۱۳ اوت ، در سوریه کودتای نظامی شد ورییس جمهور تیر باران گردید.

۱۹۴۹ م ، ۱۷ سپتامبر ، اولین جلسهٔ پیمان آتلانتیك شمالی باشرکت نمایندگان ۱۶ کشور اروپایی، آمریکا و کانادا در واشنگتون تشکیل گردید .

۱۹۴۹ م، ۱۹ سپتامبر، چهارمین کنفرانس عمومی سازمان یونسکودر پاریس تشکیل شد .

۱۹۴۹ م ، ۲۰ سپتامبر ، چهاردهمین دورهٔ اجلاسیهٔ سازمان ملل متحدتشکیل شد .

۱۹۴۹ م ، ۲۱ سپتامبر ، بعد ازجنگ جهانی دوم و تجزیهٔ آلمان قسمت‌های اشغالی کشورهای غربی به‌صورت جمهوری فدرال آلمان در آمد و قانون اساسی مصوب ۲۳ مه ۱۹۴۹ اجرا شد .

۱۹۴۹ م ، ۲۱ سپتامبر ، کنفرانس مشورتی و سیاسی مردم چین به رهبری «مائوتسه‌تونگك» برای اعلام موجودیت چین کمونیست تشکیل شد .

۱۹۴۹ م ، ۱ اوکتبر. کنفرانس مشورتی وسیاسی چین کمونیست موجودیت چین

و تشکیل جمهوری توده‌ای را اعلام نمود .

۱۹۴۹ م ، ۷ اوکتبر ، شورویها بااعلام تشکیل جمهوری آلمان شرقی تقسیم آلمان را به‌دومنطقهٔ شرقی‌وغربی‌تکمیل نمودند .

۱۹۴۹ م ، ۱۹ اوکتبر ، مرحلهٔ دوم محاکمات جنایتکاران جنگی‌درژاپون با محکومیت ۷ سیاستمدار زمان جنگ ژاپن به اعدام پایان یافت .

۱۹۴۹ م ، ۸ نوامبر ، کشور سلطنتی «کامبوج»مستعمرهٔ‌سابق فرانسه درجنوب شرقی آسیا به‌استقلال‌رسید .

۱۹۴۹ م ، ۲۴ نوامبر ، دادگاه‌اداری ملل متحد از طرف‌مجمع عمومی‌سازمان ملل متحد تأسیس گردید .

۱۹۴۹ م ، ۸ دسامبر ، دولت ایران به‌قرار دادبین‌المللی بهبود سرنوشت مجروحین وبیماران و غریقان نیروهای مسلح دریایی واسیران جنگی و حمایت افراد کشوری مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو ملحق شد .

۱۹۴۹ م ، ۱۴ دسامبر ، نیروهای کمونیست چین قوای دولتی راعقب زده وشهر«جنگتو» چهارمین پایتخت موقتی چین را تصرف کردند .

۱۹۴۹م ، ۱۹ دسامبر ، ادیب شیشکلی بایك کودتازمام امور سوریه را به‌دست گرفت .

۱۹۵۰ م ، ۲۳ ژانویه ، مجلسین هند دکترراجندراپراسادرا به ریاست‌جمهوری هندانتخاب کردند .

۱۹۵۰ م ، ۲۳ مارس ، روز تأسیس سازمان هواشناسی بین‌المللی .

۱۹۵۰ م ، ۴ آوریل ، روز به‌تخت نشستن ولیعهد **موناکو** (شاهزاده لویی دوم) .

۱۹۵۰ م ، ۳ مه ، تشکیل پنجمین کنفرانس عمومی **سازمان یونسکو** .

۱۹۵۰ م ، ۲۵ژوئن ، ارتش کرهٔ‌شمالی به‌کرهٔ جنوبی حمله نمود .

۱۹۵۰م ، ۲۷ژوئن ، سازمان ملل‌متحد به‌کرهٔ شمالی اعلان جنگ داد .

۱۹۵۰ م، ۲۹ژوئن، نیروهای‌کرهٔ‌شمالی پایتخت کرهٔ جنوبی را اشغال‌کردند .

۱۹۵۰ م ،۳۰ ژوئن، نیروهای‌آمریکا وارد نبرد باسربازان کرهٔ شمالی‌شدند.

۱۹۵۰ م ، ۱۵ ژوییه . اولین قرارداد دوستی ایران وایسلند امضاءگردید .

۱۹۵۰ م ، ۱۲ سپتامبر . «اندره کرامستین» نقاش زبر دست ایتالیا در ۵۳ سالگی در حال گمنامی در گذشت.

۱۹۵۰ م ، ۱۹ سپتامبر ، پنجمین اجلاسیهٔ عادی سازمان ملل‌متحد تشکیل شد .

۱۹۵۰ م ، ۲۴ سپتامبر ، اولین‌قرارداد دوستی بین ایتالیا وایران‌درتهران امضاء شد .

۱۹۵۰ م ، ۲۸ سپتامبر ، اندونزی به عضویت سازمان ملل‌متحدپذیرفته شد .

۱۹۵۰ م ، ۶اوکتبر ، مجمع عمومی سازمان‌ملل کمیسیونی‌بمنظورایجادوحدت کره وبرگرداندن اوضاع این کشور به حال عادی تأسیس کرد .

۱۹۵۰ م ،۲۰اوکتبر، شهرپیونگیانگ پایتخت کرهٔ شمالی به‌دست‌نیروهای‌سازمان ملل افتاد.

۱۹۵۰ م، ۲نوامبر ، «جرج‌برناردشاو» نمایشنامه نویس شهیر انگلیس در ۹۴ سالگی در گذشت، وی در ۲۸ ژوییه ۱۸۵۶ بدنیا آمده بود .

۱۹۵۰ م ، ۳ نوامبر ، به‌منظور تعمیم مبانی صلح درجهان گروهی بنام ناظر صلح ازطرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد تشکیل گردید .

۱۹۵۰ م ، ۴ نوامبر ، شانزده دولت اروپایی قرار داد حفظ و تأمین حقوق بشر وآزادی‌های اصلی‌را امضاءکردند.

۱۹۵۰ م ، ۲۰ نوامبر، درهنگامهٔ‌جنگ کره، ارتش آمریکا به سرحدمنچوری رسید .

۱۹۵۰ ، ۱ دسامبر ، آژانس کمك به کشورکره و تجدید بنای نقاط ویران شده آن ازطرف مجمع عمومی سازمان ملل تأسیس شد .

۱۹۵۱ م ، ۲۰ فوریه ، « آندره‌ژید » نویسندهٔ شهیر فرانسه در ۸۱ سالگی درگذشت .

۱۹۵۱ م ، ۱۱ آوریل ، ژنرال **مك‌آرتور** از فرماندهی قوای آمریکا درکره برکنار شد .

۱۹۵۱ م ، ۳ مه ، افتتاح نمایشگاه بین‌المللی **نیویورك** .

۱۹۵۱ م ، ۵ژوئن ،تشکیل نهمین‌دورهٔ اجلاسیهٔ‌شورای‌قیمومت سازمان‌ملل‌متحد.

۱۹۵۱ م ، ۲۵ژوئن، ششمین کنفرانس عمومی‌سازمان یونسکو درپاریس‌تشکیل گردید .

۱۹۵۱ م ، ۱۰ ژوییه ، مذاکرات ترك مخاصمهٔ جنگ کره آغازگردید .

۱۹۵۱ م، ۲۰ ژوییه،**ملك‌عبدالله**‌پادشاه اردن درمسجدالاقصی‌به‌قتل‌رسید .

۱۹۵۱ ، ۲۹ اوت ، باالحاق‌واحدهای نظامی انگلیس به واحدهای سایر ملل درکرهٔ جنوبی نیروی سازمان ملل در جنگ کره رسماً تشکیل شد .

۱۹۵۱ م ، ۱ سپتامبر ، قرار داد امنیتی سه جانبهٔ «پاسیفیك ،آرام»بین اتریش ونیوزلاند و آمریکاامضاء شد.

۱۹۵۱ م ، ۸سپتامبر ، چهل‌ونه کشور پیمان صلح باژاپون رادرسانفرانسیسکو امضاء نمودند .

۱۹۵۱ م، ۲۴ سپتامبر ،کشور سلطنتی افریقایی لیبی مستقل شد .

۱۹۵۱ م ، ۱۴ اوکتبر، لیاقت‌علی‌خان اولین نخست وزیر پاکستان از حزب مسلم لیك بوسیله مردی بنام سعداکبر بقتل رسید .

۱۹۵۱ م ، ۶ نوامبر ، ششمین دورهٔ اجلاسیهٔ عادی سازمان ملل متحدگشایش یافت .

۱۹۵۱ م ، ۲۳نوامبر،پرچم‌ایران‌برای نخستین‌باربوسیلهٔ یك‌هواپیمای اختصاصی برفراز قطب شمال قرارگرفت .

۱۹۵۲ م ، ۳۱ ژانویه،کمیسیون فرعی بالکان مأمور نظارت‌برصلح‌تصمیم گرفت که در مرزهای یونان ناظر نظامی بگمارد .

۱۹۵۲ م ، ۶ فوریه ، ژرژ ششم پادشاه انگلیس‌درگذشت ودخترش بنام‌الیزابت دوم به سلطنت رسید .

۱۹۵۲ م ، اول آوریل . فوت پرنس **مورنال** نویسندهٔ مجار در ۷۴ سالگی در نیویورك .

۱۹۵۲ م ، ۲۶ مه ، امضای قرارداد صلح بین‌آلمان‌غربی‌وآمریکا وانگلیس وفرانسه دربن .

۱۹۵۲ م ، ۱۹ ژوئن ، اعلام رژیم جمهوری در مصر وسیلهٔ ژنرال محمد **نجیب** .

۱۹۵۲ م ، ۲۶ ژوییه، بعد ازخلع‌فاروق ازسلطنت‌مصر، ژنرال **محمد نجیب**‌رییس جمهور ونخست وزیر مصرشد .

۱۹۵۲ م ، ۲۰ اوت ، دولت شوروی

آغاز آزمایشات هیدروژنی خود را اعلام کرد .

۱۹۵۲ م ، ۱۱ سپتامبر ، طبق تصمیم سازمان ملل متحد کشور «اریتره» ضمیمهٔ اتیوپی گردید .

۱۹۵۲ م ، ۱۴ اوکتبر ، اولین دورهٔ هفتمین اجلاسیهٔ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تشکیل شد .

۱۹۵۲ م، ۱۲ نوامبر، هفتمین کنفرانس سازمان یونسکو در پاریس تشکیل شد.

۱۹۵۳ م ، ۲ مه ، ملك حسین درادرن به‌سلطنت رسید .

۱۹۵۳ م ، ۲ مه ، **ملك فیصل** درعراق به‌سلطنت رسید .

۱۹۵۳ م ، ۲ ژوئن ، جلوس **الیزابت دوم** به تخت سلطنت .

۱۹۵۳م، ۲۷ ژوییه ، قرارداد متارکهٔ جنگ کره ومبادلهٔ اسرای جنگی امضاء شد .

۱۹۵۳ م ، ۱۵ سپتامبر ، هشتمین‌دورهٔ اجلاسیهٔ عادی‌سازمان ملل تشکیل شد .

۱۹۵۳ م ، ۱۷ اکتبر ، اولین قرارداد دوستی ایران ولبنان امضاء شد .

۱۹۵۳ م ، ۹ نوامبر ، ملك‌سعوداولین پادشاه عربستان سعودی پس از ۲۷سال سلطنت درگذشت .

۱۹۵۳ م،۱۳ نوامبر، چهارمین‌کنفرانس تعهد پرداخت کمك مالی سازمان ملل متحد تشکیل شد .

۱۹۵۳ م، ۱۵دسامبر ، بانو«مارجوری رالینگر» داستان سرای **نامی** آمریکا در سن ۸۴ سالگی درگذشت .

۱۹۵۴ م ، ۲۱ ژانویه ، اولین زیر دریایی اتومی ناتیلوس‌در گروتون به‌آب انداخته شد .

۱۹۵۴ م، ۲۲فوریه، «ژول‌هانریچماند» نویسندهٔ نامدار اتریشی به‌سن ۶۴ سالگی درگذشت .

۱۹۵۴ م ، ۲ آوریل ، امضای پیمان بغداد بین دولتهای ایران ، پاکستان ، عراق وانگلستان .

۱۹۵۴ م ، ۱۸ آوریل ، سرهنگ جمال‌**عبدالناصر** رییس‌جمهور **مصرشد** .

۱۹۵۴ م ، ۱۸ آوریل ، تشکیل کنفرانس ضداستعماری بـا شرکت ۲۹ کشور افریقایی وآسیایی در **باندوك** .

۱۹۵۴ م ، ۲۵آوریل ، کنفرانس **ژنو** با شرکت ۱۹ کشور برای رسیدگی به حوادث خاور دور (باشرکت چین ــ کمونیست) .

۱۹۵۴ م ، آوریـل ، امضـای پیمان همزیستی مسالمت‌آمیزبین چین وهندکه درآن‌هندوستان تبت را جزوخاك اصلی چین شناخت .

۱۹۵۴ م ،۷مه، سقوط دژ **دین بین فو** در **ویتنام** وخاتمهٔدورهٔتسلط فرانسویها برآن‌کشور .

۱۹۵۴ م ، ۱۴ مه ، امضای پیمان‌دفاع مشترك ورشو بین‌کشورهـای : شوروی، لهستان ،آلبانی، بلغارستان ، رومانی ، چکوسلواکی وآلمان‌شرقی برای‌مدت ۲۰ سال‌که‌آلبانی درسال۱۹۶۱ ازآن‌خارج شد .

۱۹۵۴ م ، ۱۷ مه، اعلام مساوات برای کلیهٔ محصلین آمـریکا توسط دیـوان عالی .

۱۹۵۴م ، ۱۹ مه، امضای‌قرارداد تعاون مشترك بین‌آمریکا وپاکستان .

۱۹۵۴ ، ۱۱ ژوئن،وفات کارسون**ولند** نقاش ومجسمه سازآمریکایی .

۱۹۵۴ ، ۲۶ ژوئن . قرارداد مودت‌بین ایران و سوریه امضاءگردید .

۱۹۵۴ م ، ۱۷ ژوییه ،کنفرانس ژنوبا شرکت‌سران‌چهارکشورفرانسه، شوروی، آمریکا ، انگلیس در ژنو تشکیل شد.

۱۹۵۴ م،۱۸ژوییه ،به‌موجب‌قراردادژنو جنگ درلائوس ، کامبوج و ویتنام‌پایان یافت .

۱۹۵۴ م ، ۲۱ ژوییه ، رژیم **بائودای** امپراتور ویتنام با کودتای **نگودین‌دیم** سرنگون‌گردید .

۱۹۵۴ م ، ۲۹ اوت ، مجسمهٔ حضرت مسیح‌که ۸ پا ارتفاع داشته طی مراسمی برای حفاظت از خاك ایتالیادرعمق۴۳ پایی غرب ایتالیا در دریای مدیترانه به آب انداخته شد .

۱۹۵۴ ،۸ سپتامبر ، پیماعدفاع‌مشترك آسیای جنوب شرقی در **مانیل** امضـاء شد .

۱۹۵۴م ،۷ اوکتبر، نمایندگان۷کشور عربی خاورمیانه دربندر اسکندریهٔمصر طی قراردادی متعهد شدندکـه در مدت کوتاهی‌اتحادیهٔعربی رابرای حفظ‌حقوق ممالك عربی بوجودآورند .

۱۹۵۴ م ،۲۶ اوکتبر ،کنـفرانس دوم ژنو،باشرکت وزیران‌خارجهٔ چهاردولت بزرگ تشکیل وپس از ۱۵ روزبـدون اخذ نتیجه‌خاتمه یافت .

۱۹۵۴ م ، ۲۶اوکتبر ، ژنـرال محمد نجیب‌رییس جمهور مصر ازکاربرکنارشد و تمام قدرت‌به‌دست سرهنگ عبدالناصر نخست وزیر افتاد .

۱۹۵۴م، ۲ نوامبر،اولین‌گلولهٔشورشیان الجزایر در یك ناحیهٔکوهستانی شلیك شدکه منجر به شورش دامنه‌دار الجزایر علیه فرانسه ودرنتیجه‌استقلال این‌کشور گردید .

۱۹۵۴ م ، ۴ نوامبر ، «هانری‌ماتیس» نقاش نامدار فرانسوی درسن۸۵ سالگی درگذشت .

۱۹۵۴م ،۱۲ نوامبر ، هشتمین‌کنفرانس سازمـان یـونسکو در « مونـتوویدو» (اوروگوئه) تشکیل گردید .

۱۹۵۵ م ، ۸ فوریه، حکومت‌گئورکی مالنکف ساقط شد و مـارشال بولگانین نخست وزیر شوروی‌گردید .

۱۹۵۵ م ، ۲۲ فوریه،پیمان « بغداد » بین‌دولتین ایران ، ترکیه وعراق امضاء شد . عراق بعداً از این پیمان خارج‌شد و انگلیس وآمریکا وارد این پیمـان شدند .

۱۹۵۵ م ، ۲۳فوریه،«پلوکلودل»شاعر و نویسندهٔ نامدار فرانسه براثر بیماری قلبی درگذشت .

۱۹۵۵ م ، ۱۸ آوریل ، درگذشت آلبرت **اینشتن** در سن ۷۶ سالـگی در آمریکا .

۱۹۵۵ م، ۱۲ ژوئن، افتتاح کنفرانسی جهت مبارزه با بیمـاری مالاریـا در **مکزیکو** از اعضای سازمان ملل .

۱۹۵۵ م ، ۲۰ سپتامبر ، دهمین دورهٔ اجلاسیهٔ عادی‌سازمان ملل‌متحد تشکیل گردید .

۱۹۵۵ م ، ۲۰نوامبر ،کنفرانس‌بغداد با حضورنخست وزیران‌انگلیس،ایران، ترکیه ، پاکستان وعراق دربغدادافتتاح شد .

۱۹۵۵ م، ۱۴دسامبر،کشورهای اردن، ایتالیا،ایرلند، هنگری،اوستریا،لائوس، آلبـانی ، سیلان ، بلغارستان ، لیبی ، فنلاند، نپال ،پرتغال و اسپانیا به‌عضویت سازمان ملل‌پذیرفته شدند .

۱۹۵۶ م ، ۱ فوریه ، بیستمین کنـگرهٔ حزب‌کمونیست‌که به کنگرهٔ ضد استالین

معروف گردید در مسکو تشکیل شد .
۱۹۵۶ م ، ۲۰ مارس، مقدمات استقلال تونس فراهم شد .
۱۹۵۶م ،**۲۳**مارس، روزاعلام جمهوریت پاکستان وروزآغاز کار **ژنرال اسکندر میرزا** دراین پست.
۱۹۵۶ م ، ۲۶ مارس ، روز افتتاح پارلمان اندونزی با ۲۶۰ عضو .
۱۹۵۶ ، ۲۷ مارس، **لیوشائوچی** بجای **مائوتسه‌تونگ** رییس جمهور چین شد .
۱۹۵۶ م ، ۴ آوریل ، روز استقلال **تونس** .
۱۹۵۶ م ، ۱۸ آوریل ، الحاق دولت آمریکا به کمیتهٔ اقتصادی پیمان بغداد.
۱۹۵۶م، ۱۸ آوریل ، ورود **بولگانین** و **خروشچف** به انگلستان .
۱۹۵۶ م ، ۹ مه ، مفقودشدن لیونل **گراپ** مرد قورباغه‌ای انگلیس .
۱۹۵۶ م ،۲۱ مه ، آزمایش اولین بمب هیدروژنی به قدرت ده ملیون تن مواد منفجرهٔ «T.N.T» .
۱۹۵۶م،۸ژوئن، هواپیماهای آمریکایی ۵۰ هزار کیلو بمب بر **ویت نام شمالی** فرو ریختند .
۱۹۵۶ م ، ۱۸ ژوئن ، خروج آخرین سرباز انگلیسی از سوئز .
۱۹۵۶م ، ۲۳ژوئن ، زنان و نظامیان مصر درانتخابات شرکت کردندوسرهنگ عبدالناصر به ریاست جمهوری آن کشور انتخاب گردید .
۱۹۵۶ م ،۲۲ژوییه ، ژنرال آیزنهاور رییس جمهورآمریکا و۱۸رییس جمهور کشورهای نیم کرهٔ غربی درپاناما اعلامیهٔ اصول سازمان کشورهای آمریکایی راصادر کردند .
۱۹۵۶ م ، ۲۸ ژوییه ، به دستور دولت مصر کانال سوئز ملی شد .
۱۹۵۶ م ،۱۲ اوت، **توماس مان** نویسندهٔ شهیر آلمانی در سویس درگذشت .
۱۹۵۶ م ، ۱۳ اوت ،کنفرانس وزرای خارجهٔ ۲۲کشور جهان بدون حضور نمایندهٔ مصر برای حل مسئلهٔ کانال سوئز درلندن تشکیل شد .
۱۹۵۶ م، ۲۳ اوت ، در آخرین جلسهٔ کنفرانس صلح سوئز پنج دولت آمریکا ، ایران ، سوئد ، استرالیا ، حبشه مأمور شدند که طرح دالس،وزیرخارجهٔ آمریکا را راجع به کانال سوئز به دولت مصرابلاغ نمایند .
۱۹۵۶م،۱۰ سپتامبر،شورای امنیت سازمان ملل متحد دولت مصر را دعوت به رفع محدودیت‌های کشتی رانی درکانال سوئز نمود .
۱۹۵۶م، ۵ سپتامبر ، عبدالناصر طرح پنج دولت را راجع به کانال سوئز رد کرد.
۱۹۵۶م،۱۰ سپتامبر، محاصرهٔ اقتصادی مصر از طرف دولت غربی آغاز گردید.
۱۹۵۶ م،۱۴ سپتامبر ،براثر حملهٔ شدید قوای اسراییل به اردن،ملك حسین به عراق رفته‌و نیروی عراق به سمت سرحدات اسراییل حرکت کرد.
۱۹۵۶ م، ۱ اوکتبر، بابتکار آمریکا چهل‌ودو کشور جهان روزحمایت کودکان راجشن گرفتند و این‌روز روزبین‌المللی کودك اعلام شد .
۱۹۵۶ م ، ۱۳ اوکتبر،برای حل مسئلهٔ «کانال‌سوئز» که انگیزهٔ اختلاف وجنگ بین چند دولت غربی و مصر شدشورای امنیت ملل متحدشش اصل وضع‌وتصویب کرد ولی نمایندهٔ شوروی برای هفتاد و هشتمین بار از حق وتو استفاده ومانع‌از تصویب آن شد .
۱۹۵۶ م، ۱۵ اوکتبر ، فداییان مصری دربخش «غزه» وارد خانهٔ«بن‌گوریون» نخست‌وزیراسراییل‌شده‌و ۱۱ نفرمحافظین او را کشتند.
۱۹۵۶م ،۲۰ اوکتبر ، به‌دنبال اختلاف شدید لهستان وشوروی زدوخوردهای شدیدی بین دوکشور آغاز شد.
۱۹۵۶ م، ۲۲ اوکتبر ، «بن‌بلا»، رهبر شورشیان الجزایر توسط مقامات نظامی فرانسه در هواپیما ربوده شد .
۱۹۵۶م،۲۳ اوکتبر ، شورش‌ضدشوروی در مجارستان آغاز ودر نهم نوامبردرهم شکسته شد .
۱۹۵۶م،۲۷ اوکتبر،درآلبانی تظاهرات ضد شوروی‌صورت گرفت ودولت شوروی از راه هوا به آنجا نیروی کمکی فرستاد.
۱۹۵۶ م،۲۸اوکتبر ، دولتین آمریکاو انگلیس دولت شوروی را به نقض‌حقوق بشری درمجارستان‌متهم‌و به‌شورای‌امنیت شکایت کردند .
۱۹۵۶ م ،۲۹اوکتبر ، نبردهای‌شدیدی بین ارتش سرخ و انقلابیون مجارستان بوقوع پیوست .
۱۹۵۶ م ، ۳۱اوکتبر ،به دنبال جنگ اسراییل و مصر قوای فرانسه وانگلیس نیز بدون اطلاع شهرهای مهم مصر را بمباران کردند .
۱۹۵۶م ،۲ نوامبر، مجمع‌عمومی سازمان ملل‌متحد برای‌رفع بحران کانال‌سوئز به‌دول انگلیس و فرانسه واسراییل ومصراعلام نمود که دست از تهاجم برداشته‌وآتش‌بس اعلام کنند.
۱۹۵۶م،۳ نوامبر ، ارتش‌سرخ به‌سرعت به مجارستان‌واردوفرودگاهها وایستگاه‌های راه‌آهن را اشغال کرد.
۱۹۵۶ م ، ۴نوامبر، نیروهای شوروی پس از زدوخورد خونین وارد بوداپست شده مرزاتریش‌رابسته وارابطهٔ مجارستان را با دنیای خارج قطع کردند .
۱۹۵۶م ، ۵نوامبر، چتربازان‌انگلیس و فرانسه در مصر پیاده شدند .
۱۹۵۶ م ،۵ نوامبر ، نهمین‌کنفرانس عمومی «یونسکو» در دهلی نو تشکیل شد .
۱۹۵۶ م ، ۵ نوامبر، دولت شوروی به انقلابیون مجارستان اولتیماتوم داد که اگر تسلیم‌نشوند پایتخت‌را باخاك‌یکسان خواهد کرد .
۱۹۵۶ م ، ۶ نوامبر ، در سراسر جبههٔ جنگ (پورت سعید) ، بین‌سربازان مصر و اسراییل ، فرانسه و انگلیس‌آتش‌بس اعلام شد .
۱۹۵۶ م ، ۶ نوامبر ، جنگ‌های شدید پارتیزانی در مجارستان‌آغاز وبمباران بوداپست شروع گردید .
۱۹۵۶ م ،۱۲ نوامبر ،کشورهای‌سودان و تونس ، به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شدند .
۱۹۵۶ م ، ۱۴ نوامبر ، ایمره‌ناکی نخست وزیر سابق مجارستان به سفارت یوگوسلاوی در بوداپست پناهنده شد .
۱۹۵۶م،۱۹ نوامبر ، درسوریه کودتایی بوقوع پیوست ونظامیان رییس جمهورو اعضای کابینه را تحت نظر قرار دادند.
۱۹۵۶ م ، ۲۰ نوامبر ، در لهستان آزادی مذهب وکلیسا اعلام گردید.
۱۹۵۶ م ، ۲۱ نوامبر ، دورهٔ اول یازدهمین‌اجلاسیهٔ‌عادی‌مجمع‌عمومی‌سازمان ملل متحدتشکیل شد .

۱۹۵۶ م ، ۲۳ نوامبر ، «ایمره ناگی» نخست وزیر سابق مجارستان از پناهندگی سفارت یوگوسلاوی خارج وروسها او را به رومانی تبعید نمودند .

۱۹۵۶ م، ۳ دسامبر، درارتش بلغارستان توطئه‌ای کشف ودوژنرال ودویست افسر دستگیر شدند .

۱۹۵۶ م ، ۷ دسامبر ، سران انقلاب بلغارستان دستگیر وعده‌ای کشته شدندو عده‌ای زخمی گردیدند .

۱۹۵۶ م، ۱۱ دسامبر، ملت مجارستان دوباره قیام کرد وارتش سرخ همهٔ نقاط حساس را اشغال کرد .

۱۹۵۶ م، ۱۲ دسامبر، درنتیجهٔ انقلاب خونین مجارستان ۱۲۸ نفر کشته شدند.

۱۹۵۶م، ۱۲ دسامبر، درلهستان تظاهرات شدید ضد شوروی به‌عمل‌آمد و کنسول‌گری روسیه دربندر «اشتیتین» آتش زده شد .

۱۹۵۶ م ، ۱۴ دسامبر ، ارتش سرخ مقر «کادار» نخست وزیر مجارستان رااشغال وزمام امور رابه‌دست گرفت .

۱۹۵۶ م ، ۱۸ دسامبر ، کشور ژاپون به عضویت سازمان ملل متحد درآمد.

۱۹۵۷ م ، ۱۶ ژانویه ، « توسکانی‌نی» کمپوزیتورو موسیقی‌دان معروف ایتالیایی که سالها درآمریکا بسرمی‌برد درآمریکا درگذشت .

۱۹۵۷ م ، ۱۶ ژانویه ، سه هواپیمای بمب افکن جت آمریکایی از نوع ب۵۲ درمدت ۴۵ ساعت و ۱۹ دقیقه پرواز بدون فرودآمدن وپیمودن ۳۹۱۴۷ کیلومتر راه دور زمین گردش کرده و به آمریکا بازگشتند .

۱۹۵۷ م ، ۱۶ ژانویه ، دولت مصر کلیهٔ بانکها ومؤسسات وشرکت های خارجی را در مصر ملی اعلام کرد .

۱۹۵۷ م ، ۲۴ مارس ، روز اعتصاب بیش از یك ملیون کارگر ومهندس صنایع انگلیس .

۱۹۵۷ م ، ۲۹ مارس ، عبور اولین کاروان کشتی ازترعه سوئز ، پس‌ازملی شدن آن .

۱۹۵۷ م ، ۲ آوریل، بازداشت فرانك **سیلوان** رییس جمهور **هاییتی** .

۱۹۵۷ م ، ۲۷ آوریل ، بازداشت ۷۰۰ نفر دراردن .

۱۹۵۷م، ۳۰ آوریل، پیاده‌شدن تفنگداران آمریکا در بیروت .

۱۹۵۷ م، ۲۹ مه، اجرای اولین آزمایش اتومی آمریکا از سری چهاردهم در **لاس‌وگاس** .

۱۹۵۷ م ، ۱۰ ژوئن ، اخراج سفیر اردن از قاهره .

۱۹۵۷ م ، ۱۱ ژوئن ، اخراج وابستهٔ نظامی و کنسول مصر دراردن .

۱۹۵۷ م، ۳ ژوییه ، مولوتف، مالنکف، کاگانوویچ از حزب و حکومت شوروی اخراج شدند .

۱۹۵۷ م ۳، ژوییه ، پس‌ازپایان جنگ دوم، نیروهای آمریکا، فرانسه وانگلیس مسؤولیت ادارهٔ شهر برلن را به عهده گرفتند .

۱۹۵۷م، ۶ ژوییه. آخرین سربازانگلیس خاك اردن را ترك کرد و همکاری نظامی چهل سالهٔ دودولت پایان یافت .

۱۹۵۷ م ، ۷ ژوییه ، با خروج آخرین سرباز انگلیس از بندر عقبه کشور اردن رسماً مستقل شد.

۱۹۵۷ م ، ۲۲ ژوییه ، درنتیجهٔ طغیان **شیخ غالب بن‌علی** امام سابق عمان علیه سلطان مسقط و عمان نیروهای زمینی و هوایی انگلیس بنا به‌دعوت سلطان‌مسقط به‌کمك وی شتافتند .

۱۹۵۷ م ، ۲۷ ژوییه ، رژیم سلطنتی تونس لغو شد **وحبیب بورقیبه** به‌ریاست جمهوری انتخاب گردید .

۱۹۵۷ م ، ۲۸ ژوییه ، جمهوری پیش‌آهنگی جهانی در لندن تشکیل شد .

۱۹۵۷ م ، ۲۸ ژوییه ، **کارلوس‌ستیلو آرماس** رییس‌جمهور **گواتمالا** به‌دست‌یکی از افراد کاخ ریاست جمهوری مقتول گردید .

۱۹۵۷م ، ۲۸ اوت، دانشمندان‌شوروی اولین موشك قاره پیما را به فضا پرتاب کردند .

۱۹۵۷ م ، ۳۱ اوت ، کشور سلطنتی مالایا(مالزی) مستقل شد .

۱۹۵۷ م ، اول سپتامبر ، برای‌هشتادو یکمین بار نمایندهٔ شوروی از حق وتو استفاده کرد ومانع پذیرفته شدن کره و ویتنام‌جنوبی به‌عضویت سازمان ملل‌متحد گردید .

۱۹۵۷ م ، ۱۲ سپتامبر ، هفتمین دورهٔ اجلاسیهٔ شورای قیمومت سازمان ملل‌متحد تشکیل شد .

۱۹۵۷ م ، ۱۸ سپتامبر ، دوازدهمین دورهٔ اجلاسیهٔ سازمان‌ملل متحد تشکیل شد .

۱۹۵۷ م ، ۲۱ سپتامبر ، «هاگن‌هفتم» پادشاه نروژ درگذشت و« پرنس‌اولاف» ولیعهد نروژ به‌سلطنت‌رسید.

۱۹۵۷م، ۲۷ سپتامبر ، **داك‌هامرشولد** برای بار دوم به دبیرکلی سازمان ملل متحد انتخاب شد .

۱۹۵۷ م ، ۴ اوکتبر، اولین قمرمصنوعی شوروی بنام‌اسپوتنیك به‌فضا پرتاب‌و به‌دور زمین به گردش پرداخت .

۱۹۵۷ ، ۱۱ اوکتبر، مجمع‌عمومی‌سازمان ملل‌متحد مواد ۱۴ و ۱۶ پیمان حقوق اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی بشررابطور آزمایشی تصویب کرد .

۱۹۵۷ م ، ۳ نوامبر ، « اسپوتنیك۲» شوروی یك سگ را که نخستین‌جاندار فضانوردبود به فضا پرتاب نموده‌این‌سگ را درفضا نابود نمودند .

۱۹۵۷م ، ۲۰ نوامبر ، «نوونتی» دبیر کل حزب کمونیست چکوسلواکی باحفظ سمت به‌ریاست‌جمهوری این کشورانتخاب شد .

۱۹۵۷ م ، ۲۲ نوامبر ، نمایندگان کمونیست ۶۴ کشور جهان در مسکو طی‌بیانیه‌ای، رهبری شوروی‌راپذیرفتند نمایندهٔ یوگوسلاوی از امضای‌این‌بیانیه خودداری‌کرد .

۱۹۵۸ م ، ۲۲ ژانوییه، به‌دستور کمیتهٔ نظامیان میهن پرست درونزوئلااعتصاب عمومی روی داد وعده‌ای کشته و زخمی شدند .

۱۹۵۸ م ، ۲۳ ژانویه ، دولت ژنرال **پرخمینز** رییس جمهوری ونزوئلاساقط و رییس جمهور به دومینیکن فرار نمود .

۱۹۵۸م، ۳۱ ژانویه، دانشمندان‌امریکایی نخستین اکسلورد را به فضا پرتاب کردند .

۱۹۵۸ م، اول‌فوریه، نخستین‌ماه‌مصنوعی آمریکا «کاشف» باموشك‌ژوپیتربه‌فضاپرتاب شد .

۱۹۵۸ م ، اول فوریه ، اتحاد مصر و سوریه‌اعلام وجمهوری‌متحد عربی‌تشکیل گردید .

۱۹۵۸ م ، ۱۴ فوریه ، پیمان وحدت کشورهای اردن وعراق درعمان به‌امضاء ملك‌حسین وملك‌فیصل‌پادشاهان‌دوکشور رسید .

۱۹۵۸م ، ۱۶ فوریه، قرارداد الحاق یمن به جمهوری متحد عرب در قاهره امضاء شد .

۱۹۵۸ م ، ۲۹ مارس، روز آغاز صدارت خروشچف به‌جای بولگانین .

۱۹۵۸ م ، اول آوریل، قطع آزمایشهای اتومی شوروی .

۱۹۵۸ م ، ۱۵ آوریل ، تشکیل بیست و پنجمین دورهٔ اجلاسیهٔ **شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل.**

۱۹۵۸م ، ۱۷ آوریل، افتتاح **نمایشگاه جهانی بروکسل.**

۱۹۵۸ م، ۲۹ آوریل، تشکیل **شورای** اقتصادی واجتماعی سازمان ملل متحد .

۱۹۵۸م ، ۱۳ مه ، تشکیل فدراسیون عربی ، مرکب از دو کشور عراق و اردن .

۱۹۵۸ م ، ۱۳ مه ، قیام ارتش فرانسه در الجزایر با شعار تساوی حقوق.

۱۹۵۸م، اول ژوئن ، پایان عمر جمهوری چهارم فرانسه .

۱۹۵۸م، ۲ ژوئن ، اخذ اختیارات کامل **دوگل** از مجلس فرانسه .

۱۹۵۸م ، ۱۷ ژوئن، اعدام ایمره‌ناگی نخست وزیر سابق مجارستان به اتهام تجدید نظرطلبی .

۱۹۵۸ م ، ۲۰ ژوئن ، درگذشت کرت **آلدر** شیمیدان آلمانی در ۵۶ سالگی.

۱۹۵۸ م ، ۱۴ ژوییه ، با یك کودتای خونین ملك فیصل پادشاه عراق وخانوادهٔ سلطنتی و نخست وزیر به قتل رسیدند ورژیم این مملکت جمهوری شد .

۱۹۵۸م ، اول اوت ، انحلال فدراسیون عربی .

۱۹۵۸ م، اول اوت، فدراسیون عربی عراق واردن منحل گردید .

۱۹۵۸م ، ۱۲ اوکتبر، جمهوری «گینه» با ۳ **ملیون** نفر جمعیت و ۲۵۰ هزار کیلومترمربع وسعت به استقلال رسید.

۱۹۵۸ م ، ۵ اوکتبر ، جمهوری پنجم فرانسه آغاز ومقرر شد رییس جمهور برای مدت ۷ سال مستقیماً با آراء مردم انتخاب شود.

۱۹۵۸ م ، ۱۶ اوکتبر ، مجمع عمومی ملل متحد بنحو آزمایشی مواد ۷ تا ۹ پیش‌نویس پیمان حقوق کشوری «سیویل» وسیاسی بشر را تصویب کرد .

۱۹۵۸م، ۱۶ سپتامبر، سیزدهمین اجلاسیهٔ عادی سازمان ملل متحد تشکیل شد.

۱۹۵۸ م ، ۱۹ سپتامبر ، سران انقلاب الجزایر اولین دولت آزاد الجزایر را در قاهره تشکیل وموجودیت خود را اعلام و فرحت عباس رییس جمهور و بن خده نخست وزیر و بن بلا دبیر کل جبههٔ آزادی شدند .

۱۹۵۸ م ، ۹ اوکتبر ، پاپ پی دوازدهم درگذشت .

۱۹۵۸ م ، ۲۷ اوکتبر ، فیلد مارشال ایوب خان ریاست جمهوری خود را در پاکستان آغاز کرد .

۱۹۵۸ م ، ۴ نوامبر ، عبدالسلام عارف همکار عبدالکریم قاسم رهبر کودتای عراق بازداشت شد، وی در ۱۱ ژانویهٔ ۱۹۵۹ در دادگاه نظامی به مرگ محکوم ولی با یك درجه تخفیف از مرگ نجات یافت .

۱۹۵۸م ، ۲۶ نوامبر، کنفرانس آسیایی هواشناسی بین‌المللی در دهلی‌نو برگزار شد .

۱۹۵۸ م ، ۴ دسامبر ، روبرت **تیم** و جان **کوک** آمریکایی با یك هواپیمای یك موتوره از لوس‌آنجلس پرواز کرده ودر ۸ فوریه ۱۹۵۸ در لاس وگاس (نوادا) فرود آمده‌ورکورد جهانی طول مدت پرواز را به‌دست آوردند.

۱۹۵۸ م ، ۱۲ دسامبر ، کشور گینه به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد.

۱۹۵۹ م ، ۲۶ ژانویه ، اولین دورهٔ اجلاسیهٔ هیئت مدیرهٔ صندوق مخصوص ملل متحد تشکیل شد .

۱۹۵۹م، ۲ فوریه، بیست و یکمین کنگرهٔ حزب کمونیست که به کنگرهٔ خارق‌العاده معروف شد در مسکو تشکیل گردید .

۱۹۵۹ م ، ۲۰ فوریه، دومین دورهٔ سیزدهمین اجلاسیهٔ سازمان ملل متحد در نیویورك تشکیل شد .

۱۹۵۹م ، ۲ آوریل ، تشکیل حکومت موقت قبرس و انتخاب **ماکاریوس** به ریاست جمهوری .

۱۹۵۹ م ، ۳ آوریل ، روزی که **دالایی‌لاما** رهبر مذهبی تبت به‌هندوستان پناهنده شد .

۱۹۵۹ م ، ۱۹ آوریل ، انتقال مرکز **پیمان بغداد** به **آنکارا** .

۱۹۵۹ م، ۲۴ مه، درگذشت جان‌فوستر **دالس** در ۷۰ سالگی .

۱۹۵۹ م ، ۲۹ مه ، در تصادف قطار راه‌آهن در **جاکارتا** ۱۸۵ نفر کشته و ۸۰۰ نفر زخمی شدند .

۱۹۵۹ م، اول ژوئن، استقلال **سنگاپور** وعضویت آن در کشورهای مشترك المنافع.

۱۹۵۹ م ، ۲۶ ژوئن ، الیزابت دوم و ژنرال آیزنهاور رییس جمهور آمریکا کانال **سن‌لوران** را افتتاح نمودند .

۱۹۵۹ م ، ۱ ژوییه ، **هانریش‌لوبکه** رییس جمهور آلمان فدرال گردید .

۱۹۵۹م، ۴ ژوییه، ایالت آلاسکا به‌صورت یکی از کشورهای متحد آمریکا درآمد .

۱۹۵۹ م ، ۲۱ ژوییه ، اولین کشتی اتومی آمریکا بنام **سادانا** به‌آب افکنده شد .

۱۹۵۹ م ، ۳۱ ژوییه ، دولت هند حکومت کمونیستی ایالت **کرایلا** رامنحل ساخت .

۱۹۵۹ م ، ۳ سپتامبر ، در آرژانتین عده‌ای از افسران کودتا کردند که بی‌فرجام ماند .

۱۹۵۹ م ، ۳ سپتامبر ، اولین کنگرهٔ بین‌المللی شعر در پراك پایتخت چکوسلواکی با شرکت ۲ هزار شاعر و ادیب از ۲۳ کشور برای نجات آثار منظوم از دست شاعر نماها تشکیل شد که تا ۷ سپتامبر ادامه داشت .

۱۹۵۹م، ۱۳ سپتامبر، موشك کیهانی شوروی پس از ۶۸ ساعت وطی ۳۸۰ هزار کیلو متر راه به ماه اصابت کرد .

۱۹۵۹م، ۱۵ سپتامبر، چهاردهمین اجلاسیهٔ سازمان ملل متحد تشکیل شد .

۱۹۵۹ م ، ۲۵ سپتامبر ، **باندرانیك** نخست وزیر سیلان در **کولومبو** به قتل رسید .

۱۹۵۹ م ، ۴ اوکتبر ، دومین موشك کیهانی شوروی بسوی ماه پرتاب شد واز قسمت نامریی ماه عکس گرفت .

۱۹۵۹ م ، ۱۵ اوکتبر ، کنفرانس واشنگتون برای استفادهٔ مساوی از قطب جنوب باحضور نمایندگان ۱۳ کشور افتتاح شد .

۱۹۵۹ م ، ۱۶ اوکتبر، ژنرال «جرج مارشال» فرماندهٔ جنگ جهانی دوم درگذشت .

۱۹۵۹ م ، ۲ نوامبر ، موافقت نامهٔ سودان و مصر در مورد تقسیم آب رود نیل به‌امضاء رسید .

۱۹۵۹م، ۳ نوامبر، یک هواپیمای شوروی باسرعت ۲۵۰۴ کیلومتر در ساعت رکورد سرعت هوایی را شکست.

۱۹۵۹ م، ۱۸ نوامبر، **میکویان** معاون اول نخست وزیر شوروی برای افتتاح نمایشگاه شوروی درمکزیک به این کشور سفر نمود.

۱۹۵۹م، ۱ دسامبر، آمریکا وشوروی در رأس کشورهای غرب و شرق موافقت نامهٔ استفاده از قطب جنوب را برای کشورهای جهان جهت مقاصد صلح جویانه امضاء کردند.

۱۹۵۹ م، ۲ دسامبر، سد «مالپاسه» در «فرژوس» فرانسه شکست و چهل ملیون متر مکعب آب زمینهای اطراف را فرا گرفته و فاجعهٔ دردناکی بوجود آمد.

۱۹۵۹ م، ۳ دسامبر، هشتمین سفینهٔ فضایی شوروی بسوی ماه پرتاب شد این سفینه به آرامی در کرهٔ ماه فرود آمد و بعداً از او خبری نشد.

۱۹۵۹ م، ۳ دسامبر، سفر ژنرال آیزنهاور رییس جمهور آمریکا به اروپا، آسیا و آفریقا آغاز شد.

۱۹۶۰م، ۱۸ ژانویه، دولت مصر کارهای ساختمانی مرحلهٔ دوم سد اسوان را به شوروی واگذار کرد.

۱۹۶۰ م، ۲۰ ژانویه، قرارداد دوجانبهٔ دفاعی آمریکا و ژاپن امضاء شد.

۱۹۶۰ م، ۲۴ ژانویه، بعلت احضار و برکناری ژنرال (ماسو) چندین هزار نفر فرانسوی مقیم الجزایر علیهٔ دوگل دست بشورش زدند.

۱۹۶۰ م، ۲۷ ژانویه، سلطان محمد پنجم سلطان مراکش درگذشت و پرنس مولای حسن به عنوان سلطان حسن دوم بجای پدر به سلطنت رسید.

۱۹۶۰م، ۱ فوریه، کشور جمهوری (سومالی) استقلال یافت.

۱۹۶۰ م، ۱ فوریه، یک ملیون نفر کارگر فرانسوی به پشتیبانی از ژنرال دوگل یک ساعت اعتصاب کردند.

۱۹۶۰م، ۲ فوریه، شورشیهای الجزایر سنگرهای خود را رها ساخته **ولاگایارو** رهبر شورشیان تسلیم قوای دولتی گردید.

۱۹۶۰ م، ۳ فوریه، مجلس فرانسه با دادن اختیارات مخصوص به ژنرال دوگل موافقت کرد.

۱۹۶۰ م، ۴ فوریه، آناستاس میکویان معاون اول نخست وزیر شوروی برای افتتاح نمایشگاه شوروی در **هاوانا** عازم کوبا شد.

۱۹۶۰م، ۴ فوریه، درتجدید انتخابات ایالت کرالای هندحزب کمونیست بهسختی شکست خورد.

۱۹۶۰ م، ۱۰ فوریه، خروشچف نخست وزیر شوروی سفر آسیایی خود را به کشورهای هند ـ برمه ـ اندونزی و افغانستان آغاز کرد.

۱۹۶۰ م، ۱۳ فوریه، انفجار اولین بمب اتومی فرانسه در صحرای افریقا بعمل آمد.

۱۹۶۰ م، ۲۳ فوریه، بزرگترین موشك شوروی بنام «موشك غول» در اقیانوس آرام آزمایش شد.

۱۹۶۰ م، ۱۲ آوریل، روز تأسیس **کمیتهٔ دایمی توسعهٔ صنعتی**، سازمان ملل.

۱۹۶۰م، ۲۶ آوریل، **توگو** از کشورهای افریقایی به استقلال رسید.

۱۹۶۰ م، ۲ مه، اعدام **کاریل چسمان** معروف به **جانی چراغ قرمز** بعداز ۱۲ سال زندان.

۱۹۶۰ م، ۵ مه، خروشچف با افشای ماجرای پرواز هواپیمای **یو-۲** آمریکا در خاک شوروی، کنفرانس شرق وغرب راکه قرار بود تشکیل شود بهم زد.

۱۹۶۰ م، ۱۲ مه، درگذشت پرنس علیخان براثر حادثهٔ اتوموبیل درپاریس.

۱۹۶۰ م، ۲۳ مه، ربوده شدن آدولف **آیشمن** وسیلهٔ مأمورین مخفی اسراییل.

۱۹۶۰ م، ۱۷ مه، باکودتای نظامی ژنرال **گورسل** حکومت جلال بایار سرنگون شد.

۱۹۶۰ م، ۲۶ ژوئن، دولت جمهوری مالاگاشی استقلال یافت.

۱۹۶۰ م، ۳۰ ژوئن، کشور کنگو **(لئوپولدویل)** مستقل شد.

۱۹۶۰م، ۱۲ ژوییه، یک هواپیمای بمب افکن آمریکایی توسط دوشکاری شوروی برفراز آبهای شوروی سرنگون گردید.

۱۹۶۰م، ۱۵ ژوییه، در موقعیت وخیم وبحرانی اولین دستهٔ نیروهای سازمان ملل متحد وارد کنگو شدند.

۱۹۶۰ م، ۲۸ ژوییه، بانو **اتل لیلیان وینچ** نویسندهٔ لهستانی الاصل انگلیسی درگذشت.

۱۹۶۰ م، ۱ اوت، کشور افریقایی **داهومی** به استقلال رسید.

۱۹۶۰م، ۳ اوت، استقلال کشور افریقایی **نیجر** اعلام گردید.

۱۹۶۰ م، ۵ اوت، کشور جمهوری افریقایی **ولتای علیا** استقلال یافت.

۱۹۶۰م، ۷ اوت، کشور افریقایی ساحل عاج به استقلال رسید.

۱۹۶۰ م، ۱۱ اوت، کشور جمهوری آفریقایی **چاد** به استقلال رسید.

۱۹۶۰ م، ۱۳ اوت، جمهوری افریقای مرکزی مستقل شد.

۱۹۶۰ م، ۱۵ اوت، جمهوری کنگو **(برازاویل)** مستقل شد.

۱۹۶۰ م، ۲۰ اوت، کشور جمهوری سنگال مستقل گردید.

۱۹۶۰ م، ۳۰ اوت، ویکی **بوم** رمان نویس مشهور آمریکایی در هولیوود درگذشت.

۱۹۶۰م، ۱۰ سپتامبر، اولین کنفرانس **اوپك** در بغداد تشکیل شد.

۱۹۶۰ م، ۱۱ سپتامبر، روزنامهٔ نیویورك ساندی تایمز یك شماره روزنامه در ۶۷۶ صفحه بهوزن ۲٫۸۳۵ کیلو منتشر کرد ورکورد پرحجم ترین روزنامه‌ها را شکست.

۱۹۶۰م، ۱۶ سپتامبر، سرهنگ موبوتو سفرای شوروی وچکوسلواکی را از کنگو اخراج ولومومبا را از نخست وزیری خلع وکابینهٔ جدیدی تشکیل داد.

۱۹۶۰ م، ۱۹ سپتامبر، با امضای یك قرارداد اختلاف هند وپاکستان برسر استفاده از آب رود سند حل شد.

۱۹۶۰م، ۲۰ سپتامبر، دولت‌های ژاپون، ولتای علیا، توگو، اتحادیهٔ افریقای جنوبی، نیجر، چاد، کامرون، گابون، قبرس، ماداگاسکار، داهومی، سومالی، کنگو (برازاویل) به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شدند.

۱۹۶۰م، ۲۰ سپتامبر، پانزدهمین دورهٔ اجلاسیهٔ سازمان ملل متحد گشایش یافت در این جلسات خروشچف نخست وزیر شوروی کفش خود را ازپا درآورد و بهپیش دستی صندلی خود کوبید.

۱۹۶۰ م، ۳۰ سپتامبر، فدراسیون **نیجریه** به استقلال رسید.

۱۹۶۰م، ۲۲ سپتامبر، جمهوری افریقایی **مالی** تشکیل شد.

۱۹۶۰م، ۲۸ سپتامبر، پس از یک کودتا دولت سوریه از کشور متحد عربی جدا شد و مستقل گردید.

۱۹۶۰ م، ۲۸ سپتامبر، کشورهای **سنگال** و **مالی** به‌عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شدند.

۱۹۶۰ م، ۷ اوکتبر، کشور نیجریه به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد.

۱۹۶۰ م، ۱۹ ارکتبر، «مارتین لوتر» لیدر سیاهپوستان امریکا با اتفاق ۵۲ نفر از سیاهپوستان به جرم عدم خروج از رستوران مخصوص سفیدها در آلاباما دستگیر شده و زندانی شدند.

۱۹۶۰م، ۱۴ نوامبر، یازدهمین کنفرانس عمومی سازمان یونسکو در پاریس تشکیل شد.

۱۹۶۰ م، ۱۵ اوت، کشور جمهوری آسیایی کره استقلال یافت.

۱۹۶۰ م، ۱۶ اوت، جمهوری اروپایی **قبرس** به‌استقلال رسید.

۱۹۶۰ م، ۱۷ اوت، کشور افریقایی **گابون** مستقل شد.

۱۹۶۰، ۲۸ نوامبر، کشور «موریتانیا» با حکومت جمهوری مستقل شد.

۱۹۶۰ م، ۲۹ نوامبر، ریشارد **رایت** نویسندهٔ سیاهپوست آمریکایی در پاریس درگذشت.

۱۹۶۱ م، ۱۵ ژانویه، دومین کنفرانس (اوپک) کشورهای صادرکنندهٔ نفت در (کاراکاس) پایتخت ونزوئلا تشکیل شد.

۱۹۶۱ م، ۱۷ ژانویه، (پاتریس لومومبا) کشته شد و مرگ وی قارهٔ افریقا و دنیا را عزادار ساخت.

۱۹۶۱ م، ۷ آوریل، تسلیم شدن شورشیان به نیروی دولتی اندونزی.

۱۹۶۱ م، ۱۲ آوریل، روز قیام ملی نیروی **آنگولا** علیهٔ پرتغال.

۱۹۶۱ م، ۱۲ آوریل، روزی که یوری گاگارین فضانورد شوروی، از ماوراء جو به‌سوی کرهٔ زمین پیام فرستاد، گاگارین در مدت یکساعت و ۴۸ دقیقه با **وستوک ۱** به دور زمین پرواز کرد.

۱۹۶۱ م، ۱۵ آوریل ورود عناصر ضد فیدل **کاسترو** در سواحل **کوبا**، تحت حمایت آمریکا.

۱۹۶۱ م، ۲۵ آوریل، اعلام آتش‌بس در **لائوس**، براثر موافقت دولتین، شوروی و انگلیس.

۱۹۶۱ م، ۲۷ آوریل، روز استقلال کشور **سیرالئون**.

۱۹۶۱ م، اول مه، تشکیل دولت کوبا وسیلهٔ کاسترو به‌عنوان اولین دولت جمهوری دموکراتیک در قارهٔ آمریکا.

۱۹۶۱ م، ۲ مه، بازدید از ایتالیا، واتیکان توسط ملکهٔ انگلیس.

۱۹۶۱ م، ۳ مه، اولین پیروزی استقلال طلبان **آنگولا** علیهٔ پرتغال و تصرف منطقهٔ وسیعی از کشور،

۱۹۶۱ م، ۵ مه، آغاز مسافرت فضایی **آلن شپرد**.

۱۹۶۱ م، ۸ مه، تشکیل شورای پیمان آتلانتیک شمالی دراسلو برای رسیدگی و حل مسئلهٔ برلن.

۱۹۶۱ م، ۱۶ مه، افتتاح کنفرانس ۱۴ دولت در **ژنو** برای مطالعهٔ مسئلهٔ **لائوس**.

۱۹۶۱ م، ۲۰ مه، با تشکیل کنفرانس **اویان** برای اتمام جنگ الجزایر.

۱۹۶۱ م، ۲۱ مه، ملاقات دوگل با صدر-اعظم آلمان در بن.

۱۹۶۱ م، ۳ ژوئن، ملاقات **کندی** با **خروشچف** در **وین**.

۱۹۶۱ م، ۴ ژوئن، ارتش کرهٔ جنوبی با یک کودتا زمام امور را به‌دست گرفت.

۱۹۶۱ م، ۶ ژوئن، سازمان ملل اعمال فشار وزور پرتغال را به آنگولا محکوم کرد.

۱۹۶۱ م، ۱۰ ژوئن، مسافرت وزیر دفاع شوروی به آلمان شرقی.

۱۹۶۱م، ۱۳ ژوئن، یکی از چهار دندان **بودا** که از ۱۵۰۰ سال پیش حفظ شده بود از چین کمونیست با یک هواپیمای روسی به **سین** برده شد.

۱۹۶۱ م، ۱۳ ژوئن، دولت شوروی دولتین آمریکا و انگلیس را به کارشکنی در کنفرانس چهارده گانهٔ صلح لائوس متهم کرد.

۱۹۶۱ م، ۱۷ ژوئن، سقوط نرخ سهام بورس لندن به‌علت مذاکرات خروشچف و کندی.

۱۹۶۱ م، ۱۹ ژوئن، اعلام استقلال کشور کویت.

۱۹۶۱م، ۲۳ ژوئن، سه شاهزادهٔ لائوسی در زوریخ کنفرانسی تشکیل دادند و قرار شد دولت ائتلافی لائوس تشکیل و هیئت واحدی به کنفرانس ژنو فرستاده شود.

۱۹۶۱ م، ۲۷ ژوئن، دولت عراق اعلام داشت که کویت جزیی از خاک عراق است.

۱۹۶۱م، ۲۹ ژوئن، دولت عراق اعلام کرد که شیخ نشین‌های خلیج فارس باید جزو عراق شوند.

۱۹۶۱ م، ۶ ژوییه، دولت اسراییل یک موشک چند طبقه را با موفقیت آزمایش کرد.

۱۹۶۱ م، ۸ ژوییه، مردم دومینیکن علیهٔ رژیم دیکتاتوری این کشور تظاهر کرد و ایستگاه رادیویی کارائیب را آتش زدند.

۱۹۶۱ م، ۸ ژوییه، نمایندهٔ شوروی با استفاده از حق وتو قطعنامهٔ شناسایی استقلال کویت را که ازطرف نمایندهٔ انگلستان به شورای امنیت سازمان ملل متحد تسلیم شده بود رد کرد.

۱۹۶۱ م، ۹ ژوییه، تیری از اسلحهٔ شکاری **ارنست همینگوی** نویسندهٔ شهیر آمریکایی خارج شد و به‌حیات وی خاتمه داد.

۱۹۶۱ م، ۱۱ ژوییه، کشتی پرتغالی که برای سرکوبی قیام مردم موزامبیک عازم آفریقا بود منفجر شد و سرنشینان آن کشته شدند.

۱۹۶۱ م، ۲۲ ژوییه، قوای فرانسه به شهر بیروت در ساحل جنوبی دریای مدیترانه حمله کرده و بر سر پایگاه هوایی این شهر جنگ شدیدی بین تونس و فرانسه درگرفت.

۱۹۶۱ م، ۲۲ ژوییه، شورای اتحادیهٔ عرب کشور کویت را به عضویت این اتحادیه پذیرفت.

۱۹۶۱م، ۲۵ ژوییه، اتحادیهٔ عرب تصمیم گرفت که برای مقابله با قوای فرانسه در بندرگاه **بیروت** داوطلبانی به کمک نیروهای تونس اعزام دارد.

۱۹۶۱ م، ۶ اوت، **گرمان تیتوف** دومین فضانورد شوروی با **وستوک دوم** به‌فضا پرتاب شد.

۱۹۶۱ م، ۱۳ اوت، ساختمان دیواری به‌طول ۱۵ کیلومتر و ارتفاع ۲٫۵ متر بین برلن غربی و برلن شرقی توسط مقامات آلمان شرقی آغاز شد.

۱۹۶۱ م، ۲۸ اوت، برای تخلیهٔ کنگو

از نیروهای مزدورخارجی سازمان‌متحد دست به اقدام زد .

۱۹۶۱ م ، ۶ سپتامبر ، دولت **کاتانگا** به سازمان ملل اعلان جنگ داد و جوانان کاتانگایی عمارت سازمان ملل را سنگ باران کردند .

۱۹۶۱ م ، ۱۷ سپتامبر ، هواپیمای «داگ هامر شولد» دبیرکل سازمان ملل‌متحد موقع عزیمت به کنگو جهت بررسی به‌اختلافات داخلی کنگو در نتیجهٔ یك توطئهٔ قبلی درجنگل‌های رودزیای شمالی سقوط کرد و دبیر کل و همراهانش به قتل رسیدند .

۱۹۶۱ م، ۱۸ سپتامبر، عدنان‌مندرس نخست وزیر سابق ترکیه اعدام گردید .

۱۹۶۱ م، ۱۹ سپتامبر، شانزدهمین اجلاسیهٔ عادی سازمان ملل متحد تشکیل‌شد.

۱۹۶۱ م، ۲۷ سپتامبر ، کشور **سیرالئون** به عضویت سازمان ملل پذیرفته‌شد.

۱۹۶۱ م، ۲۵ اوکتبر، جمهوری دوم ترکیه با نطق ژنرال گورسل در پارلمان ترکیه آغاز شد .

۱۹۶۱ م، ۲۶ اوکتبر ، مدت چندساعت تانك‌ها وواحدهای زرهی آمریکاوشوروی در دو طرف دیوار برلن به صف آرایی پرداختند .

۱۹۶۱ م، ۲۷ اوکتبر، کشورهای موریتانیا، مونگولیا به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شدند .

۱۹۶۱ م ، ۳ نوامبر، **اوتانت** نمایندهٔ دایمی کشور برمه در سازمان ملل پس‌از مرگ هامرشولد به کفالت دبیر کلی سازمان ملل متحد انتخاب شد .

۱۹۶۱ م ، ۱۸ نوامبر ، زارعین سویس برای اعتراض علیهٔ تصمیمات دولت دربارهٔ قیمت مواد غذایی ناگهان دست بشورش زده ودوساعت پارلمان‌را اشغال کردند.

۱۹۶۱ م، ۳۰ نوامبر، اوتانت به‌سمت دبیر کل سازمان ملل متحد انتخاب شد.

۱۹۶۱ م، ۵ دسامبر ، به‌دنبال ۵ـ۶ ماه مذاکره بین ۱۴ کشوردرکنفرانس ژنو بیطرفی لائوس اعلام وشوروی و انگلیس مسئول حفظ بیطرفی این کشور شدند .

۱۹۶۱ م، ۱۳ دسامبر، درائرسقوط بهمن درناحیهٔ «بوآراس» کشور «پرو» ۵ هزار نفر کشته شدند .

۱۹۶۱ م ، ۱۴ دسامبر، کشورتانگانیکا به‌عضویت سازمان ملل پذیرفته‌شد.

۱۹۶۱ م ، ۱۸ دسامبر ، درتظاهرات کم‌سابقه اعتراض به سیاست تبعیض نژادی آمریکا پلیس ۷۳۵ تن سیاهپوست را باز داشت‌کرد .

۱۹۶۱ م ، ۱۸ دسامبر ، ارتش هنددر سه جبههٔ «گوا، دانان ودیو» به‌مستعمرات پرتغال حمله‌کرد .

۱۹۶۱ م ، ۱۹ دسامبر ، به‌دنبال حملهٔ برق‌آسای ارتش هندبه گوامستعمرهٔ، پرتغال نیروهای هندوستان‌با استقبال شدیدمردم وارد پایتخت گواشده و آنجا را تصرف کردند .

۱۹۶۲ م ، ۱۸ ژانویه ، با درگذشت هیوگیت **سگل** رهبرحزب کارگرانگلیس هارولد **ویلسون** جانشین وی گردید.

۱۹۶۲ م ، ۱۸ ژانویه اولین کابینهٔ قانونی کویت تشکیل شد .

۱۹۶۲ م، ۲۴ ژانویه، چهل کشور آسیایی و افریقایی طرحی برای تأمین استقلال (آنگولا) از طرف پرتغال تقدیم مجمع عمومی سازمان‌ملل متحد نمودند .

۱۹۶۲ م ، ۲۸ ژانویه ، ۵۰ هزار نفر از کارگران کشتی سازی سراسر ایتالیا بخاطر پنج روز کار در هفته و افزایش دستمزد اعتصاب‌کردند .

۱۹۶۲ م، ۲۹ ژانویه ، رابرت **لی‌فراست** شاعر نامدار آمریکایی درسن ۸۸ سالگی درگذشت .

۱۹۶۲ م ، ۱۱ فوریه ، دولت شوروی (پاوزر) خلبان امریکایی هواپیمای (یو۲) راباسرهنگ رودلف ابل که به‌اتهام جاسوسی درآمریکا به ۳۰ سال زندان محکوم‌شده بودمبادله‌کرد.

۱۹۶۲ م، ۲۰ فوریه، سرهنگ دوم «جان گلن» امریکایی‌با سفینهٔ فضایی «دوستی ۷» ۴ ساعت و ۵۵ دقیقه در فضا گردش کرد .

۱۹۶۲ م ، ۵ آوریل ، تشکیل اولین دورهٔ کنفرانس چهارم اوپك .

۱۹۶۲ م ، ۱۹ آوریـل ، درگذشت هانری **مارسون** نویسندهٔ انگلیسی در ۶۵ سالگی در **اکسفورد** .

۱۹۶۲ م ، ۲۴ مه ، **کارپانتر** با سفینهٔ طلوع ـ ۷ درمدت ۴ ساعت و ۵۶ دقیقه سه بار به دور زمین چرخید.

۱۹۶۲ م ، ۲ ژوئن، اعدام آدولف **آیشمن** وسوزاندن جسدش.

۱۹۶۳ م ، ۴ ژوئن ، تشکیل دومین دوره از چهارمین کنفرانس **اوپك** در **ژنو** .

۱۹۶۲ م، ۴ ژوئن، درگذشت **کالنین** صدر هیئت رییسهٔ شوروی ، در ۶۷ سالگی.

۱۹۶۲ م ، ۹ ژوئن، حریق در دانشگاه الجزایر وسیلهٔ سربازان فرانسوی .

۱۹۶۲ م، اول ژوییه، **رواندا واورندی** کشورهای افریقایی استقلال یافتند.

۱۹۶۲ م، ۱۳ ژوییه، کنفرانس ۱۴ کشور درژنوبیطرفی لائوس‌را رسماً اعلام نمود .

۱۹۶۲ م، ۲۳ ژوییه، ضمانت‌نامهٔ بیطرفی **لائوس** در ژنوبین ۱۴ دولت امضاء گردید .

۱۹۶۲ م ، ۶ اوت ، کشور **جامائیکا** بارژیم جمهوری‌مستقل شد .

۱۹۶۲ م ، ۹ اوت ،هرمان **هسه** نویسندهٔ نامدار آلمانی بدرود حیات‌گفت .

۱۹۶۲ م ، ۱۳ اوت ، مجلس مؤسسان فرانسه پس ازچهل سال برای سومین‌بار درکاخ ورسای افتتاح شد .

۱۹۶۲ م، ۲۲ اوت ، کنفرانس تهیهٔ نقشهٔ بین‌المللی جهان به‌مقیاس یك‌ملیون و نیم دربن‌پایتخت آلمان تشکیل شد .

۱۹۶۲ م ، ۳ سپتامبر، **بن‌بلا** دراوران دستورحرکت نیروهای‌خود را به‌الجزایر صادر کرد .

۱۹۶۲ م ، ۹ سپتامبر، سرهنگ بومدین پیشاپیش نیروهای خود وارد الجزایر گردید .

۱۹۶۲ م ، ۱۷ سپتامبر ، هفدهمین‌دورهٔ اجلاسیهٔ سازمان ملل متحد تشکیل‌شد.

۱۹۶۲ م، ۲۹ سپتامبر ، نخستین‌دولت الجزایر به‌ریاست **بن‌بلا** تشکیل‌شد.

۱۹۶۲ م ، ۳ اوکتبر ، «شیرا» سومین فضانوردآمریکایی با سفینهٔ «سیگماـ۷» ۹ ساعت و ۵۷ دقیقه در فضا گردش کرد .

۱۹۶۲ م ، ۸ اوکتبر، دولت الجزایر به‌عضویت سازمان‌ملل متحدپذیرفته‌شد.

۱۹۶۲ م، ۹ اوکتبر ، جمهوری‌افریقایی، «اوگاندا» که بیش از ۶۰ سال مستعمرهٔ انگلیس‌ها بودبه‌استقلال‌رسید .

۱۹۶۲ م، ۲۵ اکتبر ،کشورهای بوتان، اوگاندا به عضویت سازمان ملل متحـد پذیرفته شدند .

۱۹۶۲ م ، ۳۱ اوت ، کشور «ترینیداد وتوباگو» مستقل شد .

۱۹۶۲م، ۹ نوامبر، دوازدهمین کنفرانس عمومی سازمان یونسکو در پاریس تشکیل شد .

۱۹۶۲م، ۲۲ نوامبر، اولین گلولهٔ **جنگ زمین** در انقلاب خونین برزیل بین دهقانان و مأمورین دولتی این کشور آتش شد .

۱۹۶۲م ، ۲۴ نوامبر، پنجمین کنفرانس کشورهای صادر کنندهٔ نفت اوپك در ریاض پایتخت عربستان سعودی تشکیل یافت.

۱۹۶۲ م، ۵ دسامبر، مخالفان بن بلا در چند شهر الجزایر شورش کردند ولی دولت، شورش را درهم شکست .

۱۹۶۲ م ، ۱۵ دسامبر، رودزیای شمالی با تشکیل یك حکومت افریقایی جدایی خود را با رودزیای جنوبی اعلام داشت.

۱۹۶۳م، ۱ فوریه، در یك تصادف هوایی برفراز شهر آنکارا ۶۷ نفر کشته شدند.

۱۹۶۳ م، ۶ فوریه، دولت آمریکا با محاصرهٔ دریایی کوبا محدودیت‌های کشتی‌رانی را در مورد این کشور اجرا کرد .

۱۹۶۳ م، ۸، فوریه عبدالسلام **عارف** با یك کودتای نظامی عبدالکریم قاسم نخست وزیر عراق و یاران او را بقتل رسانده وزمام امور را بدست گرفت .

۱۹۶۳ م، ۹ فوریه، سراسقف **لوف** پس از ۱۸ سال بازداشت از طرف روسها آزاد شد .

۱۹۶۳ م ، ۱۴ فوریه، در بیمارستان (لیدز) انگلیس برای اولین بار کلیهٔ شخص مرده‌ای را با موفقیت به‌جای کلیهٔ مردی زنده گذاشتند .

۱۹۶۳ م، ۱۶ ژانویه، کشور (عدن) به فدراسیون عربستان جنوبی پیوست .

۱۹۶۳ م، ۲۱ فوریه، زلزلهٔ وحشتناکی در ناحیهٔ «بارجه» لیبی روی‌داد که منجر بقتل ۳۰۰ نفر از مردم این کشور شد.

۱۹۶۳م، ۲۵ ژانویه، بیماری وبا بطرز وحشتناکی در ویتنام جنوبی شیوع یافت و ۱۱۰۰ نفر را کشت .

۱۹۶۳م، ۱۹ مارس، انفجار کوه آتشفشان **مونت آگونك** در بالی ومرگ ۱۱ هزار نفر .

۱۹۶۳م ، ۲ آوریل ، پرتاب چهارمین موشك کیهانی شوروی به فضا .

۱۹۶۳ م ، ۱۱ آوریل، **محمد خمیستی** وزیر خارجهٔ الجزایر ، با گلوله‌ای کشته شد .

۱۹۶۳ م ، ۱۷ آوریل ، به‌آب انداختن اولین زیر دریایی اتومی انگلیس .

۱۹۶۳ م ، ۱۴ آوریل ، اعلام اعتصاب عمومی در **گینهٔ انگلیس** .

۱۹۶۳م، ۲۲ آوریل ، انتخاب پروفسور لودویك **ارهارد** به صدارت عظمای آلمان .

۱۹۶۳م، ۳ مه، اعتراض سیاهان ایالت **آلاباما** علیهٔ تبعیض نژادی .

۱۹۶۳ م ، ۴ مه، افتتاح نمایشگاه هنر هفت هزار سالهٔ ایران در کاخ سلطنتی **میلان** .

۱۹۶۳ م ، ۷ مه ، پذیرفته شدن دولت **کویت** به عضویت سازمان ملل متحد .

۱۹۶۳م ، ۱۵ مه ، گوردن **کوپر** فضانورد آمریکایی با سفینهٔ **الماس** در مدت ۳۴ ساعت و ۲۰ دقیقه، ۲۲ بار به دور کرهٔ زمین گردش کرد .

۱۹۶۳ م ، ۱۵ مه ، تعویض کبد مریضی با کبد مرده‌ای در آمریکا .

۱۹۶۳ م ، ۲۲ مه ، تشکیل کنفرانس نمایندگان ۳۰ کشور آفریقایی در **آدیس آبابا** به‌منظوروحدت افریقا.

۱۹۶۳م ، ۲۵ مه ، امضای منشوروحدت افریقا .

۱۹۶۳م، ۲۷ مه، شکست میخاییل **باتووینیك** از تیکران **پطروسیان** شطرنج بازدیگر روسی .

۱۹۶۳ م ، ۲۹ مه ، ظهور گردباد عظیم در پاکستان که ۱۰ هزار نفر کشته شدند.

۱۹۶۳ م ، اول ژوئن ، براثر گرد باد در خلیج بنگال ، ۱۵۰ هزار نفر کشته شدند .

۱۹۶۳ م ، ۳ ژوئن ، مرگ پاپ **جان بیست و سوم** در ۸۱ سالگی به مرض سرطان .

۱۹۶۳ م ، ۱۰ ژوئن ، تشکیل پیمان منع آزمایشات اتومی .

۱۹۶۳ م، ۱۵ ژوییه ، کنفرانس سه‌جانبهٔ انگلیس و آمریکا وشوروی برای امضای قرارداد منع آزمایش‌های اتومی در کاخ کرملین تشکیل گردید .

۱۹۶۳ م ، ۱۶ ژوئن ، پرواز فضایی والنتینا **ترشکوا** دوشیزهٔ فضانورد شوروی با **وستوك ۶** در مدت ۷۰ ساعت و ۵۰ دقیقه .

۱۹۶۳ م ، ۲۱ ژوئن ، انتصاب **کیوان بات تیشا** اسقف میلان بنام پاپ پل ششم به‌سمت دویست‌وشصت ودومین پاپ.

۱۹۶۳ م، ۲۴ ژوئن، کنگرهٔ جهانی زنان با شرکت نمایندگان زنان ۱۱۹ کشور جهان درمسکو تشکیل گردید .

۱۹۶۳ م ، ۳۰ ژوئن، پاپ پل ششم طی تشریفات باشکوهی تاجگذاری کرد.

۱۹۶۳م، ۱۱ ژوییه، با یك کودتای نظامی ضد کمونیستی ، حکومت جمهوری **اکواتر** سرنگون گردید .

۱۹۳۶ م ، ۱۸ ژوییه ، سه دسته از رهبران کودتای سوریه اعدام شدند .

۱۹۶۳ م، ۲۴ ژوییه ، کنفرانس سران کمونیست در مسکو تشکیل گردید .

۱۹۶۳م، ۲۷ ژوییه، پیش نویس قرارداد منع آزمایش‌های اتومی بین کشورهای آمریکا ، روسیه و انگلستان در مسکو امضاء شد .

۱۹۶۳ م ، ۵ اوت ، قرارداد منع آزمایش‌های اتومی در سالن کاترین کاخ کرملین توسط نمایندگان روسیه، انگلیس و آمریکا امضاء شد

۱۹۶۳ م ، ۵ اوت ، یك بودایی بعنوان مخالفت با دولت **نکودین دیم** درویتنام جنوبی خود را آتش زد .

۱۹۶۳م، ۱۴ اوت ، **فرحت عباس** بعنوان اعتراض به‌قانون اساسی پیشنهادی از ریاست جمهوری الجزایر استعفا داد .

۱۹۶۳ م ، ۲۱ اوت ، درسراسر ویتنام جنوبی فرمان حکومت نظامی به‌مرحلهٔ اجرادر آمد و نیروهای پلیس به بتکده‌های بودایی پاکودا حمله کرده وصدها بودایی را بازداشت نمودند .

۱۹۶۳ م ، ۲۲ اوت ، رسماً اعلام شد حکومت نظامی ویتنام جنوبی یك هزار بودایی را دستگیر وزندانی نموده‌است.

۱۹۶۳م، ۲۸ اوت، راه‌پیمایی ۳۰۰ هزار نفر سیاهپوست آمریکا به‌سوی **واشنگتون** برای اجتماع وتظاهرجهت تصویب قانون مدنی آغازشد .

۱۹۶۳ م ، ۲۹ اوت ، تظاهرات ۲۵۰ هزار نفر سیاهپوست به عنوان اعتراض به تبعیضات نژادی در واشنگتون آغاز شد .

۱۹۶۳م، ۱۵ سپتامبر، «بن بلا» به‌ریاست

جمهوری الجزایر انتخاب گردید .
۱۹۶۳ م ، ۱۶ سپتامبر ، سنگاپور به عضویت فدراسیون مالزی درآمد .
۱۹۶۳م، ۱۶ سپتامبر، فدراسیون مالزی با شرکت کشورهای مالایا ، سنگاپور ، برنئوی شمالی و ساراداك در منطقهٔ جنوب شرقی آسیا تشکیل شد .
۱۹۶۳م ، ۱۷ سپتامبر، هیجدهمین دورهٔ اجلاسیهٔ سازمان ملل متحد تشکیل شد.
۱۹۶۳م، ۱۸ سپتامبر ، کشورهای برندیا، روآندا ، ترینیدار، توباگو، جامائیکا به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شدند .
۱۹۶۳م ، ۲۵ سپتامبر، ارتش **دمینیکن** حکومت **بوش** را سرنگون کرد و وی را بازداشت نمود .
۱۹۶۳ م ، ۲۹ سپتامبر ، **پاپ پل ششم** دومین دورهٔ اجلاسیهٔ شورای جهانی مسیح را افتتاح نمود .
۱۹۶۳م ، ۴ اوکتبر، « ژوزف ریران » سراسقف « پراك » پس از ۱۵ سال زندان آزاد شد .
۱۹۶۳ م ، ۴ اوکتبر، در اثر طوفان شدید و بی‌سابقهٔ دریای کارائیب ۶۰ هزار نفر هلاك شدند.
۱۹۶۳م ، ۷ اوکتبر، کندی رییس جمهور آمریکا پیمان منع آزمایش‌های اتمی با شوروی را امضاء کرد.
۱۹۶۳م، ۱۰ اوکتبر، سدضربی اروپا بر روی رودخانهٔ «پیاو» در ناحیهٔ «بلوتو» (ایتالیا) به ارتفاع ۲۶۲ متر شکست و سه هزار نفر اهالی دهکدهٔ مزبور تلف شدند.
۱۹۶۳م، ۱۱ اوکتبر ، « ژان کوکتو » نویسندهٔ نامدار فرانسوی در ۷۲ سالگی درگذشت .
۱۹۶۳م، ۱۱ اوکتبر، دکتر آدنائر صدر اعظم آلمان ازسمت خود استعفا داد .
۱۹۶۳م، ۱۲ اوکتبر، «آرتورو ایلیا» از حزب ملی رادیکال آرژانتین به ریاست جمهوری این کشور انتخاب شد .
۱۹۶۳م، ۱۳ اوکتبر، درجریان جنگ جهانی دوم دولت پرتغال به انگلستان اجازه داد که ازجزیرهٔ «ازور» به‌عنوان پایگاه دریایی متفقین استفاده نماید .
۱۹۶۳م، ۱۸ اوکتبر، حکومت «هندوراس» بایك کودتای نظامی سرنگون گردید .
۱۹۶۳م، ۱۶ اوکتبر، قرار داد ایران و بازار مشترك اروپا در بروکسل امضاء شد .
۱۹۶۳م، ۱۶ اوکتبر، « لودویك ارهارد » بسمت صدارت عظمی در آلمان انتخاب شد .
۱۹۶۳م، ۱۹ اوکتبر ، سیل شدیدی در ایتالیا دهات بسیاری را ویران و قریب ۲ هزار نفر بهلاکت رسیدند .
۱۹۶۳ م، ۱۹ اوکتبر ، هزاران جوان مسلمان اندونزی، حزب کمونیست این کشور را ویران کردند .
۱۹۶۳ م، ۲۵ اوکتبر، شورای واتیکان روز ثابت ومعینی را به‌مناسبت روز «ایستر» (صعودمسیح پس از مصلوب شدن) تعطیل مسیحیان اعلام نمود .
۱۹۶۳م، ۲۹ اوکتبر، کنفرانس باماکو با حضور سران کشورهای آفریقایی موفق به‌اعلام آتش‌بس در مرزهای الجزایر و مراکش گردید .
۱۹۶۳م، ۹ نوامبر، در حادثهٔ تصادف دو قطار درتوکیو ۲۷۵ نفر بقتل رسیدند.
۱۹۶۳م، ۹ نوامبر، یك هواپیما بوئینگ ۷۰۰ پان آمریکن حامل ۸۲ نفر مسافر و سرنشین پس از پرواز از فرودگاه بالتیمور دچار صاعقه شده وخاکستر گردید .
۱۹۶۳م، ۱۸ نوامبر، پس از کشمکش‌های خونین ارتش عراق تحت سرپرستی عبدالسلام عارف رییس جمهور براوضاع مسلط و رژیم حزب بعث دراین کشور سرنگون گردید.
۱۹۶۳م، ۲۲ نوامبر، مرگ جان اف کندی با گلوله یك خائن در **دالاس** .
۱۹۶۳م، ۲۶ نوامبر، لی اسوالد متهم به‌قتل کندی رییس جمهور آمریکا توسط جك روبی ترور شد .
۱۹۶۳م، ۱۰ دسامبر، کشورهای «زنگبار و پمبا» استقلال یافته و به گروه کشورهای کامنولث پیوستند .
۱۹۶۳م، ۱۲ دسامبر، کشور «کنیا» با ۶/۵ ملیون نفر جمعیت استقلال یافت .
۱۹۶۳م، ۱۶ دسامبر، کشور کنیا به عضویت سازمان ملل متحد در آمد .
۱۹۶۴م، ۲۷ ژانویه، دولت فرانسه رژیم چین کمونیست را برسمیت شناخت.
۱۹۶۴م، ۳۰ ژانویه، ژنرال (خان) بایك کودتای نظامی بدون خونریزی زمام امور ویتنام جنوبی رادردست گرفت .
۱۹۶۴م، ۶ فوریه، دولت کوبا آب آشامیدنی را در پایگاه دریایی گوانتانامو بروی آمریکاییها قطع نمود .
۱۹۶۴م، ۸ فوریه، براثر اختلاف مرزی بین سومالی وحبشه جنگ آغاز شد .
۱۹۶۴م، ۹ فوریه، یوری ایوانویچ نوستکو کارشناس خلع سلاح شوروی در ژنو به دولت آمریکا پناهنده شد
۱۹۶۴م، ۱۱ فوریه، ناوشکن ویجر با ۴۰۰ نفر سرنشین پس از تصادف با ناو هواپیما بر ملبورن با هزار نفر سرنشین غرق شدند .
۱۹۶۴م، ۱۳ فوریه، در کشور قبرس جنگ داخلی بین ترکها و یونانی‌های مقیم قبرس آغاز گردید.
۱۹۶۴م، ۱۳ فوریه، بدنبال شناسایی رژیم پکن ازطرف دولت فرانسه چین ملی با فرانسه قطع رابطه کرد.
۱۹۶۴م، ۱۶ فوریه، در گابون کودتای نظامی شد و رییس جمهوری معزول گردید.
۱۹۶۴م، ۱۷ فوریه، محاکمهٔ جك روبی قاتل اسوالد متهم به‌قتل جان کندی رییس جمهور فقید آمریکا شروع شد .
۱۹۶۴م، ۲۰ فوریه، نیروهای فرانسه وارد کشور « گابون» شدند و با ساقط کردن حکومت کودتا که بوسیلهٔ عده‌ای ازافسران ارتش بوجود آمده بود «لئون » رییس جمهور سابق را اززندان آزاد ومجدداً به‌ریاست جمهوری منصوب نمودند .
۱۹۶۴م، ۲۱ فوریه، عصمت اینونو نخست‌وزیر ترکیه مورد سوءقصد واقع شد ولی جان بسلامت برد .
۱۹۶۴م، ۲۵ مارس، روزاستعفاو برکناری دوشس **شارلوت** و آغاز حکومت ژان فرمانروای لوکزامبورگ.
۱۹۶۴م، ۲۵ مارس، روزتخلیهٔ اتباع چینی از اندونزی .
۱۹۶۴م، اول آوریل، آغاز اعتصاب پزشکان بلژیك .
۱۹۶۴ م، ۱۱ آوریل ، ژنرال امبرتو کاستلو **برانکو** ازطرف کنگرهٔ برزیل ، به‌ریاست جمهوری انتخاب شد .
۱۹۶۴م، ۲۰ آوریل ، موافقت آمریکا و شوروی در موردتقلیل تولید مواداتومی نظامی .
۱۹۶۴م، ۲۶ آوریل ، روزانتشار قانون اساسی موقت عراق .
۱۹۶۴م، ۲۹ آوریل، انتخاب دکتر خلعتبری به‌سمت دبیر کلی پیمان مرکزی.
۱۹۶۴م، ۲ مه، اولین تظاهرات آمریکاییها برضد سیاست دولت آمریکا **در ویتنام**.
۱۹۶۴م، ۱۳ مه، اشغال بندر **پیلون** وسیلهٔ قوای ضد **کاسترو** و فرار آنها به کوهها.

۱۹۶۴م ، ۲۰ مه، زد وخورد در بین تماشاچیان مسابقهٔفوتبال‌و کشته‌شدن۵۰۰ نفر براثر اظهاررأی‌داورمسابقه.(در ترکیه)

۱۹۶۴م، ۲۷مه، درگذشت جواهر لعل **نهرو**.

۱۹۶۴م،۲ ژوئن ، انتخاب لعل بهادر **شستری** به‌نخست وزیری هندوستان.

۱۹۶۴م، ۹ژوئن، درگذشت لرد بیو **بروك** سیاستمدار انگلیسی معروف به پدر مطبوعات

۱۹۶۴م، ۱۲ژوئن،اعطای‌دکترای‌افتخاری علوم انسانی ازطرف‌دانشگاه کالیفرنیا به شاهنشاه آریامهر .

۱۹۶۴م،۱۶ژوئن، آغاز زلزلهٔعظیم‌شهر **نیگاتا** در ژاپون .

۱۹۶۴م، ۲۵ ژوئن، دانشمندان شوروی قمرمصنوعی **کاسموس۱۲۲** را درحضور رییس‌جمهوری فرانسه به‌فضا پرتاب نمودند .

۱۹۶۴م، ۲۵ ژوئن،هنرپیشگان‌هولیوود به‌سیاهان رهنورد آزادی ملحق شدند.

۱۹۶۴م،اول ژوییه ، نیروهای‌سازمان‌ملل کنگورا ترك نمودند.

۱۹۶۴م،۵ژوییه، اعلام گردید که **فرحت عباس** پیرترین رجل‌انقلابی الجزایردر خانهٔ خودتحت‌نظرقرارگرفته است.

۱۹۶۴م،۶ژوییه، ششمین کنفرانس **اوپك** کشورهای‌صادرکنندهٔ نفت در ژنو تشکیل شد .

۱۹۶۴م،۶ ژوییه، **موسی چومبه** دولت تازهٔ کنگورا تشکیل‌داد .

۱۹۶۴م،۶ژوئیه ، استقلال کشور **مالاوی** اعلام‌گردید و **نیاسالاند** نامیده شد .

۱۹۶۴م،۱۲ژوییه، **موریس تورز** رهبر حزب کمونیست فرانسه بدرود حیات **گفت**.

۱۹۶۴م،۱۵ ژوییه، **آناستاس‌میکویان** به‌ریاست جمهوری‌شوروی‌انتخاب گردید.

۱۹۶۴م،۲۱ ژوییه ، کنفرانس عالی استانبول‌درحضوراعلیحضرت‌محمدرضاشاه وژنرال‌گورسل وفیلدمارشال‌ایوب‌خان‌در قصر **فلوریای**‌ترکیه تشکیل گردید.

۱۹۶۴م،۲۵ژوییه؛یك کشتی‌حامل‌مهمات در بندر **اران** الجزایرمنفجرشد.

۱۹۶۴م،۲۵ژوییه،دکتر **هربرت‌کالموس** آمریکایی مخترع فیلم رنگی وتکنی‌کالر درگذشت .

۱۹۶۴م،۳۰ژوییه،هواپیماهای‌آمریکایی منطقهٔ غیرنظامی وبیطرف‌ویتنام‌شمالی را بمباران‌کردند .

۱۹۶۴م،۳۱ ژوییه ، موشك آمریکایی **رنجر ۷** به کرهٔ‌ماه رسید .

۱۹۶۴م،۴اوت، هواپیماهای‌آمریکایی خاك ویتنام شمالی را بمباران‌کردند.

۱۹۶۴م،۱۵ اوت، **ادوارد‌شاب** به‌ریاست جمهوری لهستان انتخاب شد .

۱۹۶۴م،۱۵اوت، ژنرال **خان** زمام‌امور ویتنام جنوبی را بدست‌گرفت.

۱۹۶۴م،۳سپتامبر ؛ ژنرال **خان** رییس جمهور سابق ویتنام‌جنوبی‌مجدداً زمام امور را بدست‌گرفت .

۱۹۶۴م،۷سپتامبر،هواداران **لوموم‌با** در **استانلی‌ویل** تشکیل جمهوری‌خلق‌کنگو را اعلام‌کردند .

۱۹۶۴م،۱۸ سپتامبر، دانشمندان‌آمریکا موشك «ساتورن‌هفتم» راکه ۱۷ تن وزن داشت به‌فضا پرتاب‌کردند .

۱۹۶۴م،۱۹ سپتامبر ، جزیرهٔ مالت‌که تحت‌اختیار انگلیس‌ها بودبارژیم‌جمهوری به‌استقلال‌رسید .

۱۹۶۴م، ۱۹مه،طبق اعلامیهٔ آمریکا ؛ دولت‌شوروی‌روی‌دیوارهای‌سفارت‌آمریکا در شوروی تعداد چهل‌میکروفون **مخفی** کرده بود .

۱۹۶۴م،۲۱اوت، پالمروتولیاتی رهبر حزب کمونیست ایتالیا بدرود حیات گفت .

۱۹۶۴م،۲۸ سپتامبر، **ادیب‌ششکلی** رییس جمهور پیشین سوریه در برزیل بقتل رسید .

۱۹۶۴م،۱۰ اوکتبر؛ شانزدهمین‌دورهٔ بازی های المپیك در توکیو گشایش **یافت**.

۱۹۶۴م،۱۲اوکتبر،سیزدهمین‌کنفرانس عمومی سازمان یونسکودرپاریس‌تشکیل **شد** .

۱۹۶۴م، ۱۲ اوکتبر، «فئوکتیستوف» «اگوروف» و«کوباروف» فضانوردان شوروی با سفینهٔ « واسخود ـ ۱» ۷۰ ساعت و ۵۰ دقیقه به دور زمین گردش کردند .

۱۹۶۴م،۱۵ اوکتبر، خروشچف نخست وزیرشوروی ازکاربرکنارشد .

۱۹۶۴م،۱۶اوکتبر، نخستین بمب‌اتومی چین‌کمونیست منفجر گردید .

۱۹۶۴م، ۲۰اوکتبر، « هربرت‌هوور » سی ویکمین رییس جمهور آمریکا درگذشت،

۱۹۶۴م،۲۰ اوکتبر،پیشنهاداعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی شاهنشاه ایران در مورد تشکیل کنگرهٔ جهانی مبارزه با بیسوادی در تهران در سیزدهمین مجمع عمومی « یونسکو » در پاریس قرائت گردید .

۱۹۶۴م،۲۴اوکتبر، جمهوری‌رودزیای شمالی‌بنام‌زامبیا که‌قبلاً مستعمرهٔ‌انگلیس بود باده ملیون‌نفر جمعیت باستقلال رسید .

۱۹۶۴م، ۶ نوامبر، در اثر طوفان در ویتنام جنوبی ۷ هزار نفر به‌هلاکت رسیدند .

۱۹۶۴م،۱۰ نوامبر،اولین‌جلسهٔ‌نوزدهمین دورهٔ‌اجلاسیهٔ عادی‌مجمع‌عمومی سازمان ملل متحد تشکیل شد .

۱۹۶۴م،۱۳نوامبر،هواپیماهای‌جنگندهٔ عراق کاخ ریاست جمهوری‌را موردحمله قرار دادند ولی‌نتیجه‌ای نگرفتند و در روز ۱۸ نوامبرعارف بایك کودتا زمام اموررا به‌دست‌گرفت .

۱۹۶۴م،۱۹ نوامبر،درسیزدهمین مجمع عمومی یونسکو پیشنهاد شاهنشاه ایران برای‌تشکیل‌کنگرهٔ جهانی مبارزه با بیسوادی‌به‌اتفاق آراء تصویب شد .

۱۹۶۴م ، ۱۹ نوامبر، پنجمین اجلاسیهٔ انجمن‌روابط‌جهان‌اسلامی به‌ریاست‌مفتی اعظم عربستان سعودی در مکه تشکیل شد .

۱۹۶۴م،۲۳ نوامبر ، هفتمین کنفرانس «اوپك» کشورهای صادرکنندهٔ نفت در جاکارتا تشکیل‌شد .

۱۹۶۴ م، ۲۳ نوامبر، الدوس‌هاکسلی نویسندهٔ شهیر انگلیسی بدرود حیات گفت .

۱۹۶۴م، ۱ دسامبر، کشورهای‌زامبیا ، مالاوی ، مالت به‌عضویت سازمان متحد پذیرفته شدند .

۱۹۶۴م، ۲ دسامبر،ملك‌سعود پادشاه عربستان سعودی‌استعفاداد وملك‌فیصل‌به سلطنت رسید .

۱۹۶۴م،۴ دسامبر، جنگ سیاسی چین کمونیست وشوروی‌آغازشد.

۱۹۶۴م، ۵دسامبر،پاپ رهبر مسیحیان جهان ازلیبی‌بازدید کرد .

۱۹۶۴م، ۱۷ دسامبر، کنفرانس شورای وزیران اتحادیهٔ آتلانتیك پس ازسه جلسهٔ پی‌درپی باصدور یك اعلامیهٔ نهایی پایان یافت.

۱۹۶۴م، ۲۷ نوامبر، دانشمندان آمریکایی موشك «مارینردوم» رابه‌سوی مریخ پرتاب کردند.

۱۹۶۵ م، ۲۲ ژانویه، دولت اندونزی رسماً از سازمان ملل کناره‌گیری نمود.

۱۹۶۵م، ۲۴ ژانویه، به‌دنبال سکتهٔ مغزی که از ۱۵ ژانویه عارض سروینستون **چرچیل** سیاستمدار کهنسال انگلیس شده بود درگذشت.

۱۹۶۵م، ۱۷ فوریه، بعلت بحران شدید ویتنام شمالی نخستین اسکادران موشکهای روسی وارد هانوی شدند.

۱۹۶۵م، ۱۸ مارس، درگذشت **ملك فاروق** درروم.

۱۹۶۵ م، ۲۳ مارس، سفینهٔ فضایی آمریکا به سرنشینی جان **یانك** وویرجیل **گریسام** در مدت چهارساعت و۵۳ دقیقه درمدار زمین گردش کردوبرای اولین بارتوانست تغییرجهت بدهد.

۱۹۶۵ م، اول آوریل، انتصاب **شاهزاده حسین** برادرملك حسین به‌سمت ولایتعهدی اردن.

۱۹۶۵ م، اول آوریل، سقوط هواپیمای اسپانیایی درنزدیکی بندر طنجه بامرگ ۵۱ نفر.

۱۹۶۵ م، ۲ آوریل، آغاز مذاکرات **دوگل** و نخست‌وزیرانگلیس دربارهٔ بازار مشترك **ورودزیا**.

۱۹۶۵م، ۵ آوریل، سفر رسمی پادشاه و ملکهٔ **دانمارك** به‌پاریس.

۱۹۶۵ م، ۶ آوریل، بسته شدن شاهراه برلن شرقی توسط آلمان شرقی.

۱۹۶۵م، ۶ آوریل، قرارگرفتن نخستین رآکتوراتومی آمریکا در مدارزمین.

۱۹۶۵ م، ۷ آوریل، افتتاح شورای وزیران **سنتو** درتهران.

۱۹۶۵ م، ۷ آوریل، آغاز محاکمهٔ **آیت احمد** یکی ازهمکاران **بن بلا**.

۱۹۶۵ م، ۷ آوریل، **جانسون** پیشنهاد کردکه به مذاکرهٔ با ویتنام بدون هیچ قید وشرطی حاضر است.

۱۹۶۵ م، ۸ آوریل، پرتاب سفینهٔ **ایرلی برد** ازپایگاه **کیپ کندی** به‌فضا.

۱۹۶۵ م، ۱۱ آوریل، روز گشایش **کنکرهٔ تأثیر تمدن یونان وروم** درایتالیا.

۱۹۶۵ م، ۲۴ آوریل، **موگینای ـ ۱** نخستین ماهوارهٔ مخابراتی شوروی؛ برای استفادهٔ برنامه های تلویزیون به فضا پرتاب شد.

۱۹۶۵ م، ۲۴ آوریل، حملهٔ ارتش پاکستان به هند در منطقهٔ کوچ.

۱۹۶۵م، ۲۸ آوریل، ورود تفنگداران آمریکایی به **دومینیکن**.

۱۹۶۵ م، ۲۸ آوریل، تشکیل نخستین دورهٔ اجلاسیهٔ هم‌آهنگی شاهراه آسیایی در **بانکوك**.

۱۹۶۵ م، ۲۹ آوریل، انتخاب دولت مالت بعنوان هیجدهمین عضو شورای اروپا.

۱۹۶۵م، ۲۹ آوریل، افتتاح نمایشگاه ایران در مراکش.

۱۹۶۵م، اول مه، تفنگداران دریایی امریکاارتش انقلابی **دومینیکن** رامحاصره کردند.

۱۹۶۵ م، اول‌مه، روزدرگذشت لئوپولد **فیگل** صدراعظم اسبق اتریش.

۱۹۶۵م، ۳ مه، دولت کامبوج باایالات متحده قطع رابطه کرد.

۱۹۶۵ م، ۳ مه، تشکیل جلسهٔ وزیران دارایی اعضای بازار مشترك در **جان‌کان** فرانسه برای تهیهٔ یك سیستم پولی بین‌المللی به پیشنهاد دولت آمریکا.

۱۹۶۵ م، ۳مه، درگذشت آلن **اسکات** مخترع چترهای مدرن نجات.

۱۹۶۵ م، ۳ مه، تشکیل کمیسیون پیمان دفاعی جنوب شرقی آسیا درلندن با شرکت کشورهای: آمریکاواسترالیا و آسیا.

۱۹۶۵ م، ۵مه، تشکیل کابینهٔ انقلابی **دومینیکن**.

۱۹۶۵ م، ۸مه، پرتاب پنجمین سفینهٔ فضایی شوروی به کرهٔ‌ماه.

۱۹۶۵ م، ۱۲ مه، افتتاح کنگرهٔ **نفت ودریادرموناکو** با شرکت ۸۰۰ نماینده.

۱۹۶۵ م، ۱۲ مه، تشکیل هفدهمین کنفرانس **جمعیت و روابط عمومی** در آتن.

۱۹۶۵ م، ۱۳ مه، شناسایی اسراییل توسط آلمان‌غربی وقطع‌روابط کشورهای عربی باآلمانی غربی.

۱۹۶۵م، ۱۳ مه، فرودآمدن **لونا ـ ۵** درمنطقهٔ **دریای ابرهای** کرهٔ ماه.

۱۹۶۵ م، ۱۵ مه، افتتاح بنای یاد بود **کندی** درلندن.

۱۹۶۵ م، ۱۴ مه، انفجاردومین بمب اتومی چین کمونیست.

۱۹۶۵ م، ۱۵ مه، کشف یك شبکهٔ تروریستی به‌رهبری ژان **بیگو** درفرانسه.

۱۹۶۵م، ۱۹ مه، آغاز مجدد بمباران ویت نام‌شمالی توسط آمریکاییها.

۱۹۶۵ م، ۲۰ مه، سقوط هواپیما در صحرای شمال مصر و کشته شدن ۱۲۲ نفر.

۱۹۶۵ م، ۲۱ مه، کودتای نا فرجام در **ویت‌نام‌جنوبی**.

۱۹۶۵ م، ۲۲مه، تیراندازی به‌رییس جمهور **بولیوی** از طرف اعتصابیون معدنچی.

۱۹۶۵م، ۲۳مه، انتخاب فرانتس **یوناس** به ریاست جمهوری اتریش.

۱۹۶۵ م، ۲۳ مه، اعلام آتش بس در **دومینیکن**.

۱۹۶۵ م، ۲۳ مه، آغاز نزاعها و کشمکشهای خونین نژادی در آمریکا.

۱۹۶۵ م، ۲۳مه، درگذشت ماریا **دمبروسکا** نویسندهٔ لهستانی.

۱۹۶۵ م، ۲۵مه، لغو درجات نظامی در چین کمونیست.

۱۹۶۵ م، ۲۷ مه، درگذشت روژه **ویان**، نویسندهٔ فرانسوی.

۱۹۶۵ م، ۲۷ مه، قبول پرچم و سرود ملی مصر به‌جای پرچم وسرود ملی عراق ازطرف شورای ملی انقلاب.

۱۹۶۵ م، ۲۸ مه، حملهٔ ارتش اسراییل به‌مرکزعملیات **سازمان پیروزی فداییان عرب**.

۱۹۶۵ م، ۲ ژوئن، انتصاب پاتریسیا **هریس** به‌سمت سفارت در **لولزامبورگ**.

۱۹۶۵م، ۳ژوئن، وایت فضانورد آمریکا مدت ۲۰ دقیقه در فضا شناوربود.

۱۹۶۵م، ۷ژوئن، بازگشت فضانوردان سرنشین **جمینی چهارم** به زمین.

۱۹۶۵ م، ۷ژوئن، خروج قوای آمریکا از **دومینیکن**.

۱۹۶۵ م، ۷ ژوئن، خروج تفنگداران آمریکایی از **دومینیکن**.

۱۹۶۵ م، ۷ ژوئن، جمینی۹ حامل فضانوردان آمریکایی پس از ۹۸ ساعت گردش درفضا به زمین بازگشت.

۱۹۶۵ م، ۸ژوئن، کشته شدن ۹۰ نفر معدنچی براثر انفجار گاز ازمعدن زغال

سنگ **یوگوسلاوی**.

۱۹۶۵ م ، ۸ ژوئن ، پرتاب ششمین سفینهٔ فضایی شوروی به فضا .

۱۹۶۵م ، ۸ژوئن ، بمناسبت وخیم‌شدن اوضاع مراکش سلطان حسن دوم رسماً زمام اموررا دردست گرفت .

۱۹۶۵ م ، ۱۰ژوئن،اعلام شدکه‌عشایر عراقی ۱۰۰۰ نفر سربازرا کشتند .

۱۹۶۵ م، ۱۰ ژوئن ، در گذشت **بوبر** پروفسورآمریکایی .

۱۹۶۵م، ۱۰ ژوئن،صدورفرمان آزادی **فرحت‌عباس** وعده‌ای ازرهبران مخالف حکومت الجزایر وسیلهٔ **بن‌بلا** .

۱۹۶۵ م ، ۱۱ژوئن ، اعطای فرمان امپراتوری‌انگلیس‌به‌بیتل‌ها (دستهٔ‌ارکستر جاز) وسیلهٔ ملکهٔ انگلیس .

۱۹۶۵ م ، ۱۳ ژوئن ، ملك حسین در یك حادثهٔ اتومبیل مجروح‌شد.

۱۹۶۵م،۱۳ ژوئن ، دریونان یك‌توطئهٔ ضد دولتی کشف شد .

۱۹۶۵ م، ۱۳ ژوئن ، درگذشت‌مارتین‌ـ **لوتر** نقاش اتریشی.

۱۹۶۵ م ، ۱۸ ژوئن ، دولت انگلیس سیستم متری و گرمی را پذیرفت .

۱۹۶۵م، ۱۹ژوئن، سقوط **بن‌بلا** وتشکیل حکومت نظامی **بومدین** درالجزایر.

۱۹۶۵ م، ۲۶ ژوئن ، در نتیجهٔ‌انفجار یك بمب درسالنی‌که سران آفریقاوآسیا در الجزایر تشکیل میشد عده‌ای‌کشته ، گروهی زخمی و تعدادی کارگر مصری دستگیر شدند .

۱۹۶۵م، ۲۸ژوئن، **یانوس‌کادار** نخست‌ـ وزیرودبیرکل‌حزب‌کمونیست‌مجارستان‌از نخست‌وزیری‌استعفادادومعاون‌وی نخست وزیرگردید.

۱۹۶۵ م ، ۲۹ ژوئن،واحدهای چترباز وتفنگدار آمریکایی وواحدهای هوابرد ویتنام جنوبی درجنگ‌علیه کمونیست‌ها وارد جنگ شدند .

۱۹۶۵ م ، ۳۰ژوئن ، هندوپاکستان‌در منطقهٔ‌کوچ به اختلاف‌خودپایان دادند.

۱۹۶۵م، ۳۰ ژوئن ، سی‌ونهمین‌شورای اقتصادی سازمان ملل در پاریس‌تشکیل گردید .

۱۹۶۵ م ، اول ژوییه ، هواپیماهای آمریکایی‌دژ **دین‌بین‌فو** رابمباران کردند.

۱۹۶۵م ، اول‌ژوییه، درکویرکوچ بین هندوپاکستان قرارداد آتش بس‌بمرحلهٔ اجرا درآمد .

۱۹۶۵ ، ۴ ژوییه ، نیروهای زمینی و هوایی پروعلیه کمونیست‌ها دست‌به‌حملهٔ بزرگی زدند .

۱۹۶۵ م ، ۴ژوییه ، از طرف شورای انقلاب الجزایر ، سرهنگ **بومدین** بـه ریاست دولت تعیین‌گردید.

۱۹۶۵م، ۴ژوییه ، دانشمندان فرانسوی نخستین موشك دو طبقه را در صحرای الجزایر آزمایش کردند .

۱۹۶۵م،۷ژوییه ، نهمین‌کنفرانس‌اوپك در **تریپولی** تشکیل شد .

۱۹۶۵ م، ۱۱ ژوییه، شورشیان سودان به مرکزایالت **جویاوائو** حمله کردندو درآن کشورجنگ داخلی آغازگردید.

۱۹۶۵ م ، ۱۴ ژوییه، **ادلای‌استیونسن** نمایندهٔ‌دایمی‌آمریکادرسازمان ملل‌متحد درلندن درگذشت .

۱۹۶۵ م،۱۵ ژوییه ، ماهوارهٔ مارینر آمریکا ازنزدیك‌مریخ‌گذشت‌وعکس‌های جالبی به‌زمین مخابره‌کرد .

۱۹۶۵م،۱۵ ژوییه،**ژاك‌اودیبرتی** شاعر و داستانسرای فرانسوی بدرود حیات گفت .

۱۹۶۵م،۱۸ژوییه،کنفرانس بین‌المللی تعلیم وتربیت وابسته‌به‌سازمان فرهنگی جهانی یونسکو درژنو افتتاح شد .

۱۹۶۵ م ، ۱۹ ژوییه ، کمیتهٔ مبادلهٔ کالاهاوابسته به‌سازمان‌ملل‌در ژنوتشکیل شد .

۱۹۶۵م ، ۲۲ ژوییه،کنفرانس شورای وزیران‌کشورهای‌ایران، ترکیه‌وپاکستان در **آنکارا** تشکیل‌شد.

۱۹۶۵ م، ۲۴ ژوییه ، برای اولین بار یك هواپیمای آمریکایی توسط موشك زمین به‌هوای ویتنام شمالی در نزدیکی **هانوی** سرنگون گردید .

۱۹۶۵ م ، ۲۷ ژوییه ، هواپیماهای آمریکایی‌پایگاه موشکی‌ویتنام شمالی را بمباران‌کردند .

۱۹۶۵م، ۲۸ ژوییه، **لعل‌بهادرشستری** نخست وزیر هندجهت یك دیدار رسمی وارد یوگسلاوی‌شد .

۱۹۶۵م، ۳۰ ژوییه،دانشمندان‌آمریکایی قمر مصنوعی هواشناسی مجهز به دستگاه تلویزیونی‌با اشعهٔ‌مادون‌قرمزبنام **فایروس** رابه‌فضا پرتاب‌کردند .

۱۹۶۵ م ، ۳۱ ژوییه ، چریك‌های‌ویت‌ـ کنگ حومهٔ سایگون‌را مورد تهدیدقرار دادند، وباخمپاره‌ومسلسل به‌قوای‌دولتی حمله‌کردند .

۱۹۶۵م ، ۳اوت،شورای امنیت سازمان ملل متحد بررسی مسئلهٔ قبرس را آغاز کرد .

۱۹۶۵ م، ۳اوت، ویتنام شمالی پیشنهاد مداخلهٔ سازمان ملل دربحران ویتنام‌را ردکرد .

۱۹۶۵ م ، ۴اوت ، دولت آمریکااعلام کردکه در مقابل هرگونه تجاوز به‌خاك عربستان ازاستقلال این‌کشوردفاع‌خواهد کرد .

۱۹۶۵م، ۴ اوت، بمب‌افکن‌های‌آمریکا نزدیکی های مـرزچین کمونیست ویتنام شمالی رابمباران کردند .

۱۹۶۵ م ، ۵ اوت ، ویت کنگ هایك مخزن بنزین را در**دانانگ** آتش زدند.

۱۹۶۵م،۷اوت،دولت آمریکا درخواست **نکرومه** رییس جمهور**غنا** را برای قطع بمباران ویتنام شمالی ردکرد .

۱۹۶۵م ۷،اوت ، جنگ هند وپاکستان در خط آتش بس کشمیر دوباره آغاز شد .

۱۹۶۵ م،۸، اوت،دولت‌اندونزی‌نخستین موشك خودرا با ۵ برابر سرعت صوت آزمایش کرد .

۱۹۶۵ م، ۹ اوت ، سنگاپور به‌عضویت دوسالهٔ خود در فدراسیون مالزی پایان داد واعلام استقلال‌کرد .

۱۹۶۵ م ، ۱۰ اوت ، سومین کنگرهٔ سازمان ملل متحد در بارهٔ جلوگیـری ۷۵ کشور دراستکهلم تشکیل شد .

۱۹۶۵م ، ۱۱ اوت ، شورای انقلابی کشمیرتشکیل‌شدواوتانت‌دبیرکل‌سازمان ملل‌متحددراین‌باره‌به‌هندوپاکستان‌اعلام خطرکرد .

۱۹۶۵م ، ۱۱ اوت،ویت‌کنگ‌ها پایگاه آمریکایی **دانانگ** رامحاصره‌کردند.

۱۹۶۵م ، ۱۲ اوت،دریمن‌بسیج عمومی اعلام شد وسه تن ازرهبران برجستهٔ‌این کشور بازداشت گردیدند .

۱۹۶۵م، ۱۲اوت ، در**سریناکار** پایتخت کشمیر حکومت نظامی اعلام شد .

۱۹۶۵ م ، ۱۴ اوت ، ارتباط پایتخت کشمیر با خارج قطع‌گردید .

۱۹۶۵م ، ۱۶اوت،نیروهای‌هند،سه‌نقطه ازکشمیرآزاد رااشغال‌کردند. مجاهدین پایتخت کشمیر را محاصره نمودند .

۱۹۶۵ م، ۱۷ اوت ، عدهٔ زیادی ازمردم آتن به طرفداری از **پاپاندرو** تظاهرات عظیمی برپا کردند.

۱۹۶۵ م ۱۷ اوت ، دکترسوکارنو اعلام داشت کامبوج ، چین کمونیست ، کرهٔ شمالی ، اندونزی و ویتنام شمالی جبههٔ ضد امپریالیسم تشکیل خواهند داد.

۱۹۶۵ م ، ۱۸ اوت ، بزرگترین حملهٔ آمریکا اززمین وهوا ودریادرویتنام شمالی آغاز گردید .

۱۹۶۵ م، ۱۹ اوت ، «مك نامارا» وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد که شوروی چندین هواپیمای «یو-۲» آمریکارا باموشك سرنگون کرده که تاکنون سر وصدای آن درنیامده است .

۱۹۶۵ م ، ۲۰ اوت ، با تشکیل کابینهٔ تیسریموکوس بار دیگر پایتخت یونان مغشوش شد .

۱۹۶۵ م ، ۲۱ اوت، چین کمونیست یك هواپیمای شکاری بدون خلبان آمریکایی را در جزیرهٔ **بنهان** در چین کمونیست سرنگون کرد .

۱۹۶۵ م ، ۲۱ اوت ، گوردون کوپرو چارلز کنراد فضانوردان آمریکایی باجمینی پنجم درمدت ۸روز ۱۲۲ بار دورزمین گردش نمودند .

۱۹۶۵ م، ۲۱ اوت، سیاهپوستان آلابامای آمریکا برای اجرای قانون حق رأی دست بتظاهرات زدند .

۱۹۶۵ م ، ۲۲ اوت، نحاس پاشا نخست وزیراسبق مصر در۸۹ سالگی درگذشت.

۱۹۶۵ م ، ۲۲ اوت، نقص سفینهٔ جمینی پنجم که پس از اولین گردش به دورزمین پدیدآمده بود برطرف شد وسفینه همچنان بگردش خودبه دور کرهٔ زمین ادمه داد.

۱۹۶۵ م ، ۲۲اوت ، جمال عبدالناصر رییس جمهوری مصر برای مذاکره با ملك فیصل پادشاه عربستان دربارهٔ حل مسئلهٔ یمن به جده وارد شد .

۱۹۶۵ م ، ۲۳ اوت ، انقلاب شدید هوا چند قاره را فراگرفت، زلزله نواحی شرقی تهران را تکان داد ودر بسیاری ازنقاط دنیا سیل جاری وعده‌ای بی‌خانمان شدند.

۱۹۶۵ م ، ۲۵ اوت ، ارتش هند رسماً به کشمیرپاکستان حمله کرد وازدونقطهٔ آتش بس گذشت .

۱۹۶۵ م، ۲۶ اوت، جیمز نابریت سیاهپوست آمریکایی با درجهٔ سفیر کبیری به سمت نمایندهٔ آمریکا درسازمان ملل متحد تعیین شد.

۱۹۶۵ م، ۲۶ اوت ، دانشمندان شوروی یك ماه مصنوعی بنام کاسموس-۷۹ به فضا پرتاب کردند .

۱۹۶۵ م ، ۲۷ اوت ، چارلز ادوارد ژنر معروف به لوکوربوزیه بزرگترین معمار قرن بیستم سویس در ۸۷سالگی هنگام شنا در سواحل مدیترانه بدرود حیات گفت .

۱۹۶۵ م ، ۲۸اوت، پارلمان یونان به دولت تریموکوس ، رأی اعتماد داد و بحران سیاسی یونان همچنان ادامه یافت .

۱۹۶۵ م ، ۲۹ اوت ، بدنبال زدوخورد خونین اعضای جمعیت اخوان المسلمین و نیروهای انتظامی مصر درگرداگرد بیه حومه مصر، حکومت نظامی اعلام شد.

۱۹۶۵ م ، ۳۰اوت ، رشید عالی گیلانی سیاستمدار ونخست وزیر اسبق عراق در گذشت .

۱۹۶۵ م ، ۳۱اوت، هلیکوپترهای سویس برروی تکه یخ‌هایی که ناحیهٔ ساس نی را تهدید می‌کردند مواد منفجره فرو-ریختند .

۱۹۶۵ م ، ۳۱ اوت ، نخست وزیرویتنام شمالی با مذاکرهٔ صلح با آمریکامخالفت کرد وتنها راه حل را جنگ دامنه‌دار اعلام کرد .

۱۹۶۵ م ، ۱سپتامبر ، انقلابیون عدن رییس شورای قانون گذاری عدن راکه انگلیسی بود به‌قتل رساندند .

۱۹۶۵ م ، ۲ سپتامبر ، رسماً اعلام شد که ارتش پاکستان ۱۳ کیلومتر درداخل منطقهٔ اشغالی هند در کشمیر پیش رفته است .

۱۹۶۵ م ، ۲ سپتامبر ، نوزدهمین دورهٔ اجلاسیهٔ سازمان ملل متحد که در ۱۸ فوریه موقتاً تعطیل شده بود مجدداًشروع بکار کرد .

۱۹۶۵ م ، ۲ سپتامبر ، شعبهٔ بانك ملی ایران در هامبورك آلمان شـروع بکار کرد .

۱۹۶۵ م ، ۳ سپتامبر ، یك شبکهٔ مهم میکروفون درساختمان سفارت انگلیس در ورشوتوسط سرویس‌های امنیتی وزارت امور خارجهٔ انگلیس در ورشو کشف شد .

۱۹۶۵ م، ۳ سپتامبر ، ویت کنگ‌ها با یك حملهٔ ناگهانی به بزرگترین پایگاه هلیکوپتر جهان یورش بردند .

۱۹۶۵ م، ۴سپتامبر، دانشمندان شوروی بایك موشك ، پنج ماه مصنوعی به‌فضـا پرتاب کردند .

۱۹۶۵ م ، ۶سپتامبر ، پاکستان درهند چتربازپیاده کرد ودرهند وپاکستان وضع فوق‌العاده اعلام شد .

۱۹۶۵ م ، ۷ سپتامبر، ناوگان پاکستان سواحل هند رابه‌توپ بستند .

۱۹۶۵ م، ۹ سپتامبر ، چتربازان هند در ۱۲ شهر پاکستان پیاده شدند .

۱۹۶۵ م ، ۹ سپتامبر ، هواپیماهای آمریکا ۲۷ کیلومتری مرزچین کمونیست را درویتنام شمالی بمباران کردند.

۱۹۶۵ م ، ۹سپتامبر ، اوتانت دبیر کل سازمان ملل به‌پاکستان واردشد وباایوب خان رییس جمهور به‌مذاکره پرداخت.

۱۹۶۵ م ، ۱۳ سپتامبر ، کنفرانس عالی سران کشورهای عرب درکازابلانکا گشایش یافت .

۱۹۶۵ م، ۱۴ سپتامبر، نقاط مهم هند و پاکستان توسط هواپیماهای طرفین بمباران شد .

۱۹۶۵ م، ۱۵سپتامبر، دومین کنفرانس بین‌المللی صلح‌ازراه قانون درواشنگتن گشایش یافت .

۱۹۶۵ م ، ۱۶ سپتامبر، در حالی‌که مارشال عارف رییس جمهور عراق در کازابلانکا مشغول گفتگوباسران عرب بود عبدالرزاق نخست وزیرعراق کودتاکرد ولی با مقاومت عبدالرحمن عارف برادر رییس جمهورروبرو شد و به قاهره فرار کرد .

۱۹۶۵ م ، ۲۰ سپتامبر ، شورای امنیت طی قطعنامه‌ای دستور داد هند وپاکستان چهل وهشت ساعته آتش بس اعلام کنند.

۱۹۶۵ م ، ۲۱ سپتامبر ، نهمین دورهٔ اجلاسیهٔ سازمان ملل تشکیل شد .

۱۹۶۵ م ، ۲۱ سپتامبر ، بیستمین دورهٔ اجلاسیهٔ سازمان ملل تشکیل شد .

۱۹۶۵ م ، ۲۳ سپتامبر، درسراسرجبههٔ هندوپاکستان آتش بس اعلام شد.

۱۹۶۵ م، ۲۲ سپتامبر ، به ارتش هند فرمان دفع حملهٔ چین کمونیست صادر شد .

۱۹۶۵ م، ۲۴سپتامبر ، چین کمونیست

به‌دولت هند اعلام کرد که هند ۹۰ هزار کیلومتر از خاك چین را اشغال کرده است .

۱۹۶۵م ، ۲۸ سپتامبر، دولت انگلیس به‌طور ناگهانی قانون اساسی **عدن** را معلق نمود .

۱۹۶۵م ، ۲۶ سپتامبر، جت‌های روسی وارد ویتنام شمالی شدند .

۱۹۶۵م ، ۲۶ سپتامبر ، دانشمندان شوروی یك آدم مصنوعی را که به‌زبان انگلیسی تکلم می‌نماید ساختند .

۱۹۶۵م ، ۲۹ سپتامبر ، جنگنده‌های انگلیسی روستاهای عدن را بمباران کردند .

۱۹۶۵م ، ۱۲ اوکتبر ، « سوکارنو » رییس‌جمهور اندونزی روزنامه‌های وابسته به‌حزب کمونیست‌را تعطیل کرد .

۱۹۶۵م، ۳ اوکتبر ، دراولین انتخابات مستقیم‌ومخفی عمومی پارلمان افغانستان چهار نمایندهٔ زن به مجلس راه یافتند.

۱۹۶۵م ، ۳ اوکتبر ، بیستمین کنگرهٔ بین‌المللی صلیب سرخ افتتاح شد.

۱۹۶۵م ، ۴ اوکتبر، هفتمین سفینهٔ فضایی شوروی به ماه پرتاب شد .

۱۹۶۵م، ۶ اوکتبر، دکتر «رابرت ویلیامز» کاشف ویتامین «ب.آ» در نیوجرسی درگذشت .

۱۹۶۵م، ۶ اوکتبر ، توپخانهٔ ضدهوایی ویتنام‌شمالی ۵ هواپیمای آمریکایی را که برفراز ویتنام شمالی پرواز می‌کردند سرنگون کردند .

۱۹۶۵م، ۷ اوکتبر، کارگران نفت عدن اعتصاب کرده و رهبران سندیکای نفت بازداشت شدند .

۱۹۶۵م، ۷ اوکتبر، بین دکتر سوکارنو و ژنرال‌های ارتش اندونزی درمورد قلع‌و قمع کمونیست‌ها اختلاف پیداشد .

۱۹۶۵م، ۸ اوکتبر، ایستگاه خودکار «لونای ۷» شوروی باکرهٔ ماه تصادم کرد و متلاشی شد .

۱۹۶۵م، ۸ اوکتبر، «جوآری مونالك» رییس اتحادیهٔ دانشجویان الجزایر بعلت فعالیت‌های ضددولتی بازداشت شد .

۱۹۶۵م، ۹ اوکتبر، نیروی دریایی آمریکا شدیدترین حملات هوایی را در ویتنام شمالی آغاز کردند .

۱۹۶۵م، ۱۰ اوکتبر، خانه‌های رهبرو معاونان حزب کمونیست اندونزی غارت شد .

۱۹۶۵م، ۱۳ اوکتبر، «کازاوابو» رییس جمهور کنگو موسی چومبه نخست‌وزیر کنگو را از کار برکنار کرد و بحران سیاسی تازه‌ای دراین کشور آغاز گردید .

۱۹۶۵م، ۱۵ اوکتبر، سنگاپور مجدداً به عضویت کشورهای مشترك‌المنافع انتخاب شد .

۱۹۶۵م، ۱۶ اوکتبر، ماهوارهٔ ارتباطی (مولینا ــ ۱) شوروی به‌فضا پرتاب شد .

۱۹۶۵م، ۱۷ اوکتبر، درپایان نمایشگاه بین‌المللی نیویورك «کپسول زمان» شامل ۱۱۷ هزار صفحه در دستگاه‌های میکروفیلم کوچك درمحوطهٔ نمایشگاه درعمق ۱۷ متری زمین دفن گردید .

۱۹۶۵م، ۱۷ اوکتبر ، رسماً اعلام شد که «کمال‌الدین‌حسین» نخستین‌عضو شورای انقلاب و معاون‌سابق‌رییس‌جمهور مصر که دوسال قبل برکنارشده بود باتهام توطئه علیه دولت مصر بازداشت شد.

۱۹۶۵م، ۱۸ اوکتبر، کودتای نظامی «بروندی» باشکست روبه‌روشد و ۱۰۰ تن کشته و ۵۰ نفر اعدام‌شدند.

۱۹۶۵م. ۲۰ اوکتبر، برای اعلام استقلال رودزیا یان‌اسمیت نخست‌وزیر رودزیا به‌انگلستان اولتیماتوم داد .

۱۹۶۵م، ۲۳ اوکتبر، « مولر » کاشف (د ــ د ــ ت) پس‌از ۶۶ سال زندگی در شهر بال سویس درگذشت .

۱۹۶۵م، ۲۴ اوکتبر، اتحادیهٔ کارگران اندونزی غیرقانونی اعلام‌شد و نمایندگان کمونیست از پارلمان اخراج شدند.

۱۹۶۵م، ۲۶ اوکتبر، هندوپاکستان هیئت‌های دیپلماتیك خود را از پایتخت‌های یکدیگر احضار نمودند .

۱۹۶۵م، ۲۶ اوکتبر، الیزابت دوم ملکهٔ انگلیس نشان فرمان امپراتوری انگلیس را به‌لباس «بیتل‌ها» درکاخ بوکینگهام سنجاق نمود .

۱۹۶۵م، ۲۶ اوکتبر، تفنگداران ویتنام جنوبی درحالی‌که از پشتیبانی آتش توپخانه واحدهای آمریکایی برخوردار بودند خط محاصرهٔ ویت‌کنگ‌را دراطراف «پلی‌مه» شکستند .

۱۹۶۵م، ۲۷ اکتبر، ویت‌کنگها به‌پایگاه هوایی آمریکا شبیخون زده و ۴۷ جت و هلیکوپتر آمریکایی را نابود کردند.

۱۹۶۵م، ۲۷ اوکتبر ، کمونیست‌های اندونزی ۲۰۵ نفراز مخالفان خودرا درجاوهٔ مرکزی بقتل رسانده ودرجاوه جنگ اعلام شد .

۱۹۶۵م، ۷ نوامبر، در مراسم سالروز انقلاب شوروی برای نخستین‌بار موشك‌های‌مداری در میدان سرخ رژه‌رفتند.

۱۹۶۵م، ۹ نوامبر، به‌دنبال اولتیماتوم دولت‌قبرس به‌ترکها لشکر ترکیه به‌سوی اسکندرون حرکت کرد .

۱۹۶۵م، ۹ نوامبر، روزه‌**لابرت** آمریکایی بنام‌مخالفت باجنگ، خودرا درجلوسازمان ملل‌متحد آتش‌زدودر بیمارستان درگذشت.

۱۹۶۵م، ۹ نوامبر، در جاکارتا تظاهرات عظیمی‌علیه‌کمونیسم اندونزی بعمل آمد.

۱۹۶۵م، ۹ نوامبر ، « یانوس‌کادار » از طرف‌شوروی‌ها به‌نخست‌وزیری مجارستان منصوب شدوظاهراًشورش‌انقلابیون‌فرونشست .

۱۹۶۵م، ۱۰ نوامبر، چین کمونیست رهبران‌شوروی رامتهم‌کرد که در مسئلهٔ ویتنام‌با آمریکا همکاری دارند .

۱۹۶۵م، ۱۰ نوامبر، بعلت قطع جریان برق‌برای مدتی‌طولانی که‌در‌تاریخ‌آمریکا بی‌سابقه بود مشرق‌آمریکا و نیویورك در تاریکی‌مطلق‌فرورفت .

۱۹۶۵م، ۱۱ نوامبر، یان‌اسمیت‌استقلال رودزیارا یك‌جانبه‌اعلام‌کرد به‌جزافریقای جنوبی وپرتغال‌که‌طرفدار تبعیض نژادی هستند کلیهٔ‌کشورهای جهان‌این عمل را تقبیح‌نمودند .

۱۹۶۵م، ۱۲ نوامبر، دانشمندان شوروی سفینهٔ‌ونوس‌دوم‌را به‌سوی‌زهره‌پرتاب‌نمودند وچهار روزبعد ونوس‌سوم‌را بهمین‌منظور پرتاب‌کردند .

۱۹۶۵م، ۱۶ نوامبر، دانشمندان شوروی سفینهٔ‌ونوس سوم را‌که‌حامل‌آرم و نشان روسیه‌بود به‌سوی کرهٔ‌زهره‌پرتاب‌کردند.

۱۹۶۵م، ۱۸ نوامبر، ویت‌کنگها پنج هواپیمای‌آمریکا رامنفجر کردند .

۱۹۶۵م، ۱۹ نوامبر، ویت‌کنگها به‌سایگون شبیخون زدند .

۱۹۶۵م، ۱۹ نوامبر، کارشناسان چینی کشور اندونزی‌را ترك‌کردند .

۱۹۶۵م، ۱۹ نوامبر، مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری‌فرانسه‌آغازشد .

۱۹۶۵م، ۲۲ نوامبر، یك‌فرودگاه نظامی در دلتای‌رود(مکونگ) باخمپاره مورد

حملهٔ ویت کنگها قرار گرفت و چندهلیکوپتر آمریکایی آسیب دیدند .

۱۹۶۵م، ۲۳ نوامبر، با موافقت دولت آمریکا قرار شد چین کمونیست در کنفرانس جهانی خلع سلاح شرکت کند .

۱۹۶۵م، ۲۴ نوامبر، به خاطر حملهٔ احتمالی آمریکا چندین شهر چین کمونیست تخلیه گردید .

۱۹۶۵م، ۲۴ نوامبر، «شیخ سالم الصباح» امیر کویت در گذشت و شیخ صباح سالم الصباح ولیعهد کویت جانشین برادر شد .

۱۹۵۵م، ۲۵ نوامبر، ژنرال موبوتو فرماندهٔ کل قوای کنگو با یك کودتا **کازاوو بو** رییس جمهور و نخست وزیر را برکنار و زمام امور را به دست گرفت .

۱۹۶۵م، ۲۵ نوامبر، نمایندگان مخالف دولت اسمیت باسر نیزه از پارلمان رودزیا اخراج شدند .

۱۹۶۵م، ۲۶ نوامبر، ترکیه از آمریکا سلاح اتومی دریافت کرد .

۱۹۶۵م، ۲۶ نوامبر، اولین قمر مصنوعی فرانسه به فضا پرتاب شد .

۱۹۶۵م، ۲۸ نوامبر، بیستمین جلسهٔ خوارو بار کشاورزی جهانی در روم تشکیل شد .

۱۹۶۵م، ۲۸ نوامبر ، حکومت کودتای کنگو با تفاق آراء از مجلس این کشور رأی اعتماد گرفت .

۱۹۶۵م، ۲۹ نوامبر، چین کمونیست به رهبران شوروی اطلاع داد که یك نهضت جهانی کمونیستی جداگانه تشکیل خواهد داد .

۱۹۶۵م، ۲۸ نوامبر، در رودزیا اعتصاب عمومی اعلام شد .

۱۹۶۵م، ۲۹ نوامبر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تفاق آراء و یك رأی ممتنع فرانسه عضویت چین کمونیست را در کنفرانس خلع سلاح جهانی که قرار است در سال ۱۹۶۷ تشکیل شود تصویب کرد .

۱۹۶۵م، ۲۹ نوامبر، کنفرانس بانك عمران آسیا با شرکت ۱۰۰ نماینده از ۲۲ کشور جهان در مانیل پایتخت فیلیپین شروع بکار کرد .

۱۹۶۵م، ۲۹ نوامبر، کمونیست‌های «پاتت لائو» حملهٔ خود را به قوای پادشاهی لائوس آغاز کردند .

۱۹۶۵م، ۳۰ نوامبر، چین کمونیست دعوت کنفرانس خلع سلاح را که قرار است در ۱۹۶۷ در ژنو تشکیل شود رد کرد .

۱۹۶۵م، ۱ دسامبر، طبق کنفرانس «مانیل» پایتخت فیلیپین مرکز بانك عمران آسیا شد .

۱۹۶۵م، ۱ دسامبر، نخستین واحدهای نظامی انگلستان بقصد زامبیا وارد کنیا شدند .

۱۹۶۵م، ۱ دسامبر، ناوهای اتومی آمریکا وارد جنگ ویتنام گردیدند .

۱۹۶۵م، ۳ دسامبر، کنفرانس فوق العادهٔ وزرای خارجهٔ دول عضو اتحادیهٔ وحدت آفریقا در آدیس آبابا در پایان جلسهٔ خود اعلام نمود چنانچه تا ۱۵ دسامبر دولت انگلیس عملاً اقدامی جهت به وجود آوردن یك حکومت اکثریت در رودزیا به عمل نیاورد تمام دول آفریقایی مناسبات خود را با انگلستان قطع خواهند کرد .

۱۹۶۵م، ۳ دسامبر، نیروهای انگلیس در زامبیا مستقر شدند .

۱۹۶۵م، ۴ دسامبر، قبل از سپیده دم چریك‌های ویت کنگ به سایگون ریخته و با مواد منفجره به یك ساختمان نظامی آمریکا در داخل شهر حمله ورشده و ۱۰ آمریکایی را کشته و ۱۱۴ نفر را زخمی نمودند .

۱۹۶۵م، ۶ دسامبر، سفینهٔ «جمینی هفتم» آمریکا به سرنشینی جیمز لاول و سرهنگ دوم «فرانك بورمان» برای یك سفر ۱۵ روزه به فضا پرتاب شد .

۱۹۶۵م، ۴ دسامبر، برای اولین بار مردم فرانسه برای انتخاب رییس جمهوری پای صندوق آراء رفتند .

۱۹۶۵م، ۵ دسامبر، سازمان ۳۶ کشور وحدت ملل آفریقا نقشهٔ محرمانه‌ای برای واژگون کردن رژیم یان اسمیت در رودزیا طرح کردند .

۱۹۶۵م، ۶ دسامبر، دولت انگلیس تقاضای دول آفریقایی را برای فرستادن نیروی نظامی به رودزیا رد کرد .

۱۹۶۵م، ۶ دسامبر، دوگل در مرحلهٔ اول انتخابات ریاست جمهوری فرانسه شکست خورد .

۱۹۶۵م، ۶ دسامبر، کنفرانس اکافه با شرکت نمایندگان ۲۷ کشور آسیایی در مانیل تشکیل شد .

۱۹۶۵م، ۶ دسامبر ، دولت آمریکا ۱۵۹ پایگاه خود را در ۳۹ ایالت آمریکا و ۱۰ کشور خارجی جمع آوری کرد .

۱۹۶۵م، ۷ دسامبر، برای چهارمین بار فرود آمدن به آرامی در کرهٔ ماه از طرف دانشمندان شوروی با شکست روبه‌رو شد و ماهوارهٔ «لونا ـ ۸» شوروی به کرهٔ ماه تصادف و متلاشی گردید .

۱۹۶۵م، ۷ دسامبر، دکتر سوکارنو از عالی‌ترین مرجع مقننه که او را برای همهٔ عمر رییس جمهور کرد خواست تا اگر از طرز ادارهٔ کشور توسط او ناراضی است وی را از ریاست جمهوری اندونزی معاف نمایند .

۱۹۶۵م، ۷ دسامبر، دولت شوروی ۵ درصد به بودجهٔ نظامی خود افزایش داد .

۱۹۶۵ م ، ۸ دسامبر ، چین کمونیست شوروی را متهم به خرابکاری مرزی نمود .

۱۹۶۵م، ۹ دسامبر، پس از افزایش بودجهٔ نظامی شوروی «میکویان» صدر هیئت رییسهٔ شوروی استعفا داد و «نیکلای پادگورنی» به جانشینی وی تعیین شد .

۱۹۶۵م، ۹ دسامبر، «هوشی مینه» رییس جمهور ویتنام شمالی پیشنهاد مذاکره با آمریکا را رد کرد .

۱۹۶۵م، ۱۱ دسامبر، دانشمندان شوروی ماهوارهٔ «کاسموس ـ ۹۹» را به فضا پرتاب کردند .

۱۹۶۵م، ۱۲ دسامبر، موشك «تیتان ـ ۲» حامل کپسول «جمینی ۶» آمریکا ضمن پرتاب به فضا از کار افتاد ولی به «والتر شپرا» و «توماس استافورد» فضا نوردان این کپسول آسیبی نرسید .

۱۹۶۵م، ۱۲ دسامبر، چین کمونیست اعلام کرد برای جنگ با آمریکا آمادگی کامل دارد .

۱۹۶۵م، ۱۲ دسامبر، در جنگ‌های خونین ویتنام صدها نفر ویت کنگ کشته شدند .

۱۹۶۵م، ۱۲ دسامبر، انجمن «صلیب سرخ» پاکستان نام خود را به هلال احمر تغییر داد .

۱۹۶۵م، ۱۳ دسامبر، در جنگ میان ارتش‌های چین کمونیست و هند در مرزهای دو کشور عده‌ای کشته و زخمی شدند .

۱۹۶۵م، ۱۳ دسامبر، سوکارنو اعلام کرد تعقیب کمونیست‌ها فاجعه‌ای در اندونزی به وجود خواهد آورد .

۱۹۶۵م، ۱۴ دسامبر، رهبران حزب جمهوری‌خواه آمریکا به رییس جمهور آمریکا پیشنهاد کردند که ویتنام شمالی محاصرهٔ دریایی شود .

۱۹۶۵م،۱۴دسامبر، دولت «فایروبی» ارتباط پستی خودرا بارودزیاقطع کرد .

۱۹۶۵م،۱۵ دسامبر، دهمین کنفرانس وزیران کشورهای‌تولیدکنندهٔ نفت(اوپك) دروین‌تشکیل‌شد .

۱۹۶۵م،۱۵ دسامبر،جمینی‌ششم آمریکا پس از رفع نقص به‌فضا پرتاب شد وپس از۷ سال‌تلاش در زمینهٔ تسلط بشربرفضا این‌جمینی با جمینی ۷درفضا ملاقات و سرنشینان‌آن مدتی‌باهم گفتگو کردند و جمینی ۶روز۱۶دسامبر به‌زمین‌بازگشت.

۱۹۶۵م،۱۵ دسامبر، سامرست‌موآم نویسندهٔ نامدار در۹۱سالگی‌درگذشت.

۱۹۶۵م،۱۶دسامبر، بمباران مراکز صنعتی‌هایفونگ‌توسط‌هواپیماهای‌آمریکایی جنگهای ویتنام را وارد مرحلهٔ تازه‌ای کرد .

۱۹۶۵م،۱۷دسامبر، به‌دنبال این تصمیم اتحادیهٔ‌وحدت آفریقا، کشورهای‌تانزانیا، مالی، زامبیا،غنا، موریتانیا ومصرروابط خودرا باانگلیس‌قطع کرد .

۱۹۶۵م،۱۷دسامبر، هوشی‌مینه رییس جمهور ویتنام‌شمالی پیشنهادصلح کرد و گفت حاضرم باهرکس ودرهرجامذاکره کنم .

۱۹۶۵م،۱۷دسامبر ، گردباد وطوفان سهمگینی‌که ازخلیج‌بنگال شروع‌شده‌بود ۲۵ هزار نفر رادرپاکستان‌کشت.

۱۹۶۵م،۱۷دسامبر، سازمان‌یونسکوطرح ایران،الجزایر،مالی‌را در مورد مبارزه بابیسوادی تصویب کرد .

۱۹۶۵م،۱۸دسامبر، کشور سودان نیز به‌دنبال‌تصمیم‌اتحادیهٔ‌وحدت‌آفریقاروابط سیاسی خود را باانگلیس‌قطع کرد.

۱۹۶۵م،۱۸دسامبر، ویتنام‌شمالی‌ادعای وزارت خارجهٔ‌آمریکا را دایر به‌پیشنهاد مذاکرات صلح‌تکذیب کرد .

۱۹۶۶م،۱۵ژانویه، ارتش (نیجریه) با یك‌کودتای نظامی زمام اموررا به‌دست گرفت و نخست وزیر فدرال و وزیر دارایی اورا ربوده‌و نخست‌وزیر مناطق شمالی و غربی رابه‌قتل‌رساندند .

۱۹۶۶م،۱۵ ژانویه، نیروهای آمریکایی، استرالیا، ویتنام‌جنوبی‌درعملیات‌تخریبی علیه نیروهای ویت‌کنگ‌زیرزمینی‌مجهز و مدرنی‌به‌طول ۹۰کیلو متر راکشف نمودند .

۱۹۶۶م،۱۵ژانویه، برای‌نخستین‌بار در تاریخ‌آمریکایك سیاهپوست به‌نام(ربرت دیور) به‌مقام‌وزارت‌مسکن‌وتوسعهٔ‌روستایی رسید .

۱۹۶۶م،۱۶ژانویه ، هواپیمای(ك،ث۱۳۵) نیروی‌هوایی‌آمریکا مخصوص‌حمل سوخت هواپیما برفراز محلهٔ مسکونی (ویشتیا) کانزانس آمریکاسقوط کرد و ۷۵خانه راویران و۲۵ نفر به‌هلاکت رسیدند .

۱۹۶۶م،۱۶ ژانویه ، فرماندهٔ ارتش نیجریه قدرت رابه‌دست‌گرفت‌وشورشیان درمناطق مسلمان نشین مسلط‌شدند.

۱۹۶۶م،۱۶ژانویه،سرگی‌گورولف (پدر اسپوتنیك) نخستین‌طراح‌ماههای‌مصنوعی و سفینه‌های فضایی شوروی در۵۹سالگی درمسکودرگذشت .

۱۹۶۶م،۱۷ژانویه ، سرگرد(چوکوما) رهبرکودتای‌نیجریه‌باافراد خودبه‌ژنرال (ایرونس) رییس دولت جدیدپیوست.

۱۹۶۶م،۱۷ژانویه،چریك‌های‌ویت‌کنگ به‌یك‌گردان تفنگداران آمریکایی در نزدیك(دانانگ) حمله نمودند.

۱۹۶۶م،۱۸ژانویه ، ویت‌کنگها برای نخستین‌بار درمیان آمریکاییها تراکت پخش نمودند .

۱۹۶۶م،۱۸ ژانویه ، کمیتهٔ مشورتی پیمان ورشو برای مقابله با نیروهای چندجانبهٔ اتومی غرب‌باشرکت۱۹ تن از رهبران کمونیست در ورشو تشکیل شد .

۱۹۶۶م،۱۷ژانویه،یك‌سرهنگ‌دوم‌ارتش نیجریه درحال حمله به‌ژنرال ایرونس دستگیر و تیرباران‌شد .

۱۹۶۶م،۱۸ژانویه،ششصدتن‌اززندانیان زندان مرکزی آنکارا به‌عنوان‌اعتراض به‌لایحهٔ جدید دولت‌درموردعفوزندانیان سیاسی به‌شورش پرداخته و سه نفر کشته شدند .

۱۹۶۶م،۱۹ژانویه ، بانوایندیراگاندی دختر نخست‌وزیرفقیدهند(نهرو)ازطرف کنگرهٔ هند به نخست وزیری‌هندوستان انتخاب‌شد .

۱۹۶۶م،۱۹ژانویه ، جت‌های جنگندهٔ عراق کردهارا به‌مسلسل بستند.

۱۹۶۶م،۱۹ژانویه، دولت اندونزی کلیهٔ خبرنگاران‌آمریکایی را از کشور خود اخراج کرد.

۱۹۶۶م،۲۰ژانویه، بمناسبت آغازسال‌نو ویت‌نامی در کلیهٔ‌جبهه‌های جنگ‌ویتنام آتش‌بس‌اعلام‌گردید .

۱۹۶۶م،۲۱ژانویه ، دولت اسپانیا طی یادداشتی‌به دولتهای عضوپیمان‌ناتواعلام کرد ازاین پس‌جبل الطارق پایگاه ناتو نخواهدبود .

۱۹۶۶م،۲۱ژانویه،ارتش‌انقلابی‌دهقانان چین‌کمونیست تشکیل‌شد .

۱۹۶۶م،۲۱ژانویه ، رابرت مك‌نامارا وزیردفاع آمریکا اعلام‌کرد نیروهای آمریکا دراروپا کاهش‌یافت .

۱۹۶۶م،۲۱ژانویه،دولت‌عراق‌به‌کردها پیشنهادصلح‌نمودولی‌کردها پیشنهادادولت راردکردند.

۱۹۶۶م،۲۲ژانویه، به‌دنبال ربوده شدن مهدی‌بن‌بورکه‌رهبرمخالفین دولت‌مراکش در پاریس،دولتین‌فرانسه‌ومراکش‌سفرای خود را ازدوکشور احضار نمودند

۱۹۶۶م ، ۲۲ ژانویه ، ارتش انقلابی دهقانان چین‌کمونیست‌یك‌ایالت‌راتصرف کردند .

۱۹۶۶م،۲۲ژانویه، شبکهٔ ارسال اسلحه برای‌کردهای‌شورشی‌عراق درچکوسلواکی کشف‌گردید .

۱۹۶۶م،۲۲ژانویه،فرماندهٔ‌لشکرسلیمانیهٔ عراق در جنگ باکرادکشته شد .

۱۹۶۶م،۲۳ژانویه ، پس ازپایان مدت آتش‌بس، جنگ ویتنام مجدداً آغاز شد .

۱۹۶۶م،۲۵ژانویه ، یك‌فروندهواپیمای آمریکایی‌سقوط‌کرد و۵۷ نفرسرنشینان آن در آتش سوختند .

۱۹۶۶م،۲۶ژانویه، وزیردفاع‌آمریکااعلام کردتاسال۱۹۶۷موشکهای‌آمریکامیتوانند شوروی‌وچین‌کمونیست‌رانابودکنند .

۱۹۶۶م،۲۵ ژانویه،عقب‌نشینی‌نیروهای هند و پاکستان ازخاك دو کشور شروع شد .

۱۹۶۶م،۲۵ژانویه ، یازدهمین کنگرهٔ حزب کمونیست ایتالیا تشکیل شد .

۱۹۶۶م،۲۶ژانویه، رسماً اعلام شد کوماندوهای مصرسه‌باربا کشتی‌وهلیکوپتر قصد ربودن بن‌بلا رییس جمهور سابق الجزایر را از زندان داشتند .

۱۹۶۶م،۲۷ژانویه، کنفرانس۱۷جانبهٔ خلع‌سلاح در ژنو تشکیل‌شد .

۱۹۶۶م،۲۷ژانویه ، ملك‌فیصل پادشاه عربستان‌سعودی جهت مذاکره باملك حسین پادشاه اردن‌هاشمی به‌اردن سفر

نمود .

۱۹۶۶م،۲۷ژانویه ، درنبردهای خونین اکراد باارتش عراق استاندار هولر و فرماندهٔ تیپ عشرین کشته شدند .

۱۹۶۶م، ۲۸ژانویه، به‌علت کمبود مواد غذایی وقحطی وگرسنگی در ایالت کرالا جنوب هند، تظاهرات خونین دامنه داری به‌وقوع پیوست .

۱۹۶۶م،۲۹ژانویه، انفجارمهیبی‌هتل‌ـ های (پلیموت) و(پارامونت) را درشهر (بوستون) آمریکا به‌آتش‌کشید و۱۳ نفر کشته‌و۵۰ نفرزخمی شدند .

۱۹۶۶م، ۲۹ ژانویه ، برای اولین بار پس ازسقوط بن‌بلا در الجزایر تظاهرات ضد دولتی برپاشد .

۱۹۶۶م،۲۹ژانویه، سناتور(واین‌مورس) به‌موجب قطعنامه‌ای‌که به‌سنای آمریکا داد اعلام کرداختیارات جانسون رییس جمهور آمریکا در جنگ‌ویتنام بایدلغو شود .

۱۹۶۶م، ۳۰ ژانویه،رونالدکوانوفسکی فیزیک‌دان ویکی ازمخترعین تلویزیون شوروی در ۶۵ سالگی درگذشت .

۱۹۶۶م،۳۱ژانویه ، در دومین فاجعهٔ فضایی آمریکا دونفرکشته شدند .

۱۹۶۶م،۳۱ژانویه ، دانشمندان‌شوروی یک‌دستگاه خودکاربین‌السیاره بنام‌لونای‌ـ ۹ رابه‌سوی‌کرهٔ ماه‌به‌فضا پرتاب‌نمودند.

۱۹۶۶م،۳۱ژانویه، تفنگداران‌آمریکایی در بزرگترین عملیات جستجووانهدام‌در منطقهٔ(گوانک‌نگای) ۴۷۵۱ کمونیست‌را کشتند .

۱۹۶۶م،۳۱ژانویه، دولت‌شوروی اعلام داشت‌چین کمونیست در رساندن‌کمک‌ـ های‌نظامی به‌ویتنام شمالی مانع‌تراشی می‌کنند .

۱۹۶۶ م ، ۳۱ ژانویه ، دولت چین کمونیست فیدل‌کاستروونخست‌وزیرکوبارا دروغگوی بزرگ نامید و اظهارات او را درمورد نجات چین وکوبا عاری از حقیقت دانست .

۱۹۶۶ م،۳۱ژانویه،پس‌از۳۷روزکه‌از توقف‌بمباران‌ویتنام‌شمالی‌گذشت‌بمباران ویتنام شمالی بار دیگرآغازشد، دراثر این‌بمباران‌وبحران‌سختی‌که به‌دنبال‌آن روی‌داد دولت‌امریکاموضوع ویتنام رادر شورای امنیت مطرح کرد .

۱۹۶۶ م ، ۳۱ ژانویه، هوشی‌مینه‌رییس جمهور ویتنام شمالی علیه تهاجم سیاسی جانسون رییس جمهور آمریکا عملیات جهانی دامنه داری راشروع کرد .

۱۹۶۶م ، ۱ فوریه، حملات‌اکرادشورشی بارزانی به موصل افزایش یافت .

۱۹۶۶م،۲فوریه، درشورای‌امنیت‌باقطعنامهٔ آمریکا در مورد بررسی وضع ویتنام مخالفت شد .

۱۹۶۶م،۲فوریه، نخست‌وزیرشوروی‌طی پیامی، به‌کنفرانس‌خلع‌سلاح‌ژنواعلام‌داشت شوروی در جنگ آینده از سلاح اتومی استفاده نخواهدکرد .

۱۹۶۶م،۲فوریه ، زنان‌عراق‌درشهرهای بصره ، کرکوک‌وسلیمانیه اعلامیه‌هایی علیه دولت عراق‌منتشرکردند.

۱۹۶۶م،۳فوریه ، فیلدمارشال**ایوب‌خان** رییس‌جمهور پاکستان‌کنفرانس‌همکاری منطقه‌ای را در اسلام‌آبادگشود .

۱۹۶۶م،۳فوریه،موافقت‌نامهٔ‌لغو روادید بین‌ایران وفرانسه در پاریس امضاء شد این موافقت‌نامه از اول مارس اجراء گردید .

۱۹۶۶م،۳فوریه،زد وخورد شدیدی بین وزراءونمایندگان‌مجلس‌ترکیه درمجلس ملی این کشور روی داد .

۱۹۶۶م،۳فوریه، جوانان‌مراکش‌درشهر بردو فرانسه علیه‌ربوده‌شدن‌بن‌برکه‌دست به‌تظاهرات زده‌کنسولگری‌مراکش را اشغال نمودند .

۱۹۶۶م،۳فوریه، جمال‌گورسل رییس جمهور ترکیه‌جهت‌معالجه‌به‌آمریکاعزیمت نمود .

۱۹۶۶م،۴ فوریه، سفینهٔ(لونای۹)شوروی باموفقیت درکرهٔ‌ماه فرودآمد وبین‌زمین وماه ارتباط حاصل و دوربین‌های مجهز آن شروع به‌ارسال عکس از ماه به‌زمین نمود .

۱۹۶۶م،۵فوریه، رسماً اعلام شد ویتنام شمالی بااستفاده‌ازوقفهٔ۳۷ روزهٔ‌بمباران آمریکا ده پایگاه جدید موشکی احداث کرده است .

۱۹۶۶م،۵فوریه ، سران حزب‌کمونیست ایالت قحطی‌زدهٔ‌کرالای‌هند اعتصاب غذا کردند و بانوگاندی نخست وزیر این کشور اعلام داشت تابرطرف شدن‌کمبود آذوقه از خوردن برنج‌خودداری‌خواهد کرد .

۱۹۶۶م،۶فوریه، درکنفرانس‌هونولولو برسر مسئلهٔ ادامهٔ جنگ یامذاکرهٔ صلح بین‌جانسون وکائوکی اختلاف نظرپدید آمد ونخست‌وزیرویتنام طرفدارجنگ و رییس‌جمهور آمریکا موافق‌باراه‌حل‌معقول بود .

۱۹۶۶ م ، ۶ فوریه ، سر برناردلاول رییس رصدخانهٔ معروف انگلیس اعلام کردسفینهٔ‌شوروی درکرهٔ ماه‌به‌راه‌افتاده است .

۱۹۶۶م، ۷فوریه،رسماً اعلام‌شدکه‌سروان ویلیام‌کلاب افسر اسکادران‌بیستم هوایی آمریکا براثر سقوط هواپیمایش‌درویتنام شمالی در۲۶ ژانویه دستگیرشده است .

۱۹۶۶م، ۷فوریه، درجنگ‌شدیدملیون عدن با قوای انگلیس نیروی هوایی و توپخانه به‌کاررفت.

۱۹۶۶ م ، ۹ فوریه ، رسماً اعلام شدکه پنج تن اعضاء یک‌شبکهٔ‌قاچاق هواپیما، تانک، زیردریایی، ناوشکن،موشک‌هدایت‌ـ شونده وسایرسلاح‌های سنگین درتکزاس دستگیر شدند .

۱۹۶۶ م، ۹ فوریه ، جمال‌گورسل‌رییس جمهور ترکیه دریکی از بیمارستانهای آمریکا سکتهٔ مغزی‌کرد .

۱۹۶۶م، ۱۰ فوریه ، زیر دریایی های آمریکابرای‌یافتن بمب هیدروژنی گمشده وارد آبهای اسپانیا شدند .

۱۹۶۶ م ، ۱۰ فوریه ، رسماً اعلام شد قوای ویتنام شمالی واردجنگلهای‌لائوس گردیدند .

۱۹۶۶ م، ۱۰ فوریه، ۹سربازآمریکایی به‌دست‌یک‌پسر۱۳ ساله‌ٔویت‌کنگ‌بنام‌دودان وان‌لوین با دونارنجک بقتل رسیدند .

۱۹۶۶م، ۱۰فوریه، شورش‌های خونینی پایتخت دومی‌نیکن را فراگرفت .

۱۹۶۶م،۱۱فوریه، کودتای‌ضد انگلیسی مسقط سرکوب شد ونیروهای انگلیس‌از پایگاههای مجاور وارد بیت‌الفلج‌شده‌و آن‌را از تصرف‌کودتاچیان نجات‌دادند.

۱۹۶۶ م، ۱۱ فوریه، یک‌هواپیمای‌دیگر آمریکا در اسپانیا گم شد .

۱۹۶۶م، ۱۲ فوریه، بخاطرکشتارگاوـ های‌مقدس‌برای مبارزه باگرسنگی‌ده‌هزار هندی دولت هند را تهدید به خودکشی کردند .

۱۹۶۶م ، ۱۲فوریه،دانشمندان شوروی یک‌ماه مصنوعی بنام‌کاسموس ۱۰۸ به‌فضا پرتاب‌کردند .

۱۹۶۶ م ، ۱۳ فوریه،امید یافتن بمب

هیدروژنی آمریکا در دریا از بین‌رفت وجستجو درزمین آغازشد .

۱۹۶۶ م ، **۱۳** فوریه، بمب افکن‌هـای آمریکا مواضع کمونیستهای لائوس را بمباران کردند.

۱۹۶۶م،**۱۳**فوریه، الیتوویتورین نویسندهٔ شهیر ایتالیایی در ۵۷ سالگی درمیلان درگذشت .

۱۹۶۶ م،**۱۵**فوریه ،کابینهٔ عصمت‌اینونو درنتیجهٔمخالفت‌اکثریت نمایندگان ترکیه سقوط کرد .

۱۹۶۶ م ، **۱۵** فوریه ، دولت انگلیس تصمیم گرفت پایگاه نظامی عدن را رها نماید .

۱۹۶۶م، **۱۵**فوریه،سفیرواعضای‌سفارت مصر در مالاوی اخراج شدند .

۱۹۶۶ م، **۱۵**فوریه،دوهنگ‌ازسربازان سیام به کامبوج حمله‌کردند .

۱۹۶۶ م ، **۱۵** فوریه،درشورش دومی‌ـ نیکن ۹۲ نفرکشته وزخمی شدند.

۱۹۶۶م،**۱۶**فوریه،سه‌سیاهپوست آمریکایی ویک‌زن سفیدپوست‌کانادایی باتهام‌توطئه جهت متلاشی‌کردن،مجسمهٔ آزادی،زنگ آزادی،ومجسمهٔواشنگتون‌درآمریکاباز ـ داشت شدند.

۱۹۶۶ م،**۱۶** فوریه، پلیس‌هندتظاهرات گرسنگان ناحیه ای‌در ۶۴ کیلو متری کلکته را با استعمال اسلحه خاموش کرد .

۱۹۶۶م،**۱۷** فوریه، افراد شورشی‌قبیلهٔ استقلال طلب‌ناکام در ناحیهٔ آسای‌هندیک قطار را منفجرو۲۶ نفرکشته و ۳۴ نفر مجروح شدند .

۱۹۶۶ م ، **۱۸** فوریه ، قمر مصنوعی (دی.آ) فرانسه از پایگاه (هاماگیر) درصحرا به‌فضا پرتاب شد .

۱۹۶۶م، **۱۷** فوریه ، مادهٔ ضدیخ‌برای پاک‌کردن سطح فرودگاهها کشف شد.

۱۹۶۶م، **۲۰** فوریه،کنفرانس صلح‌یمن تشکیل شد .

۱۹۶۶ م، **۲۰**فوریه،چریک‌های‌ویت‌کنگ مجدداًبزرگترین‌پایگاه‌هلیکوپترجهان‌را درویتنام‌جنوبی زیرآتش‌خمپاره گرفتند .

۱۹۶۶ م ، **۲۰** فوریه ، رسماً اعلام شد «انستیتوی‌تحقیقات اسلامی»مصرمقدمات تشکیل سومین کنفرانس اسلامی را در قاهره فراهم نموده است .

۱۹۶۶م ، **۲۰** فوریه. درمجارستان یک توطئهٔ ضد دولتی‌کشف شد .

۱۹۶۶ م ، **۲۱** فوریه ، ارتش امریکا چریک‌های « ویت کنگ » را محاصره کردند .

۱۹۶۶ م ، **۲۱** فوریه ، رسماً اعلام شد «ملکم‌دهم» رهبر مسلمانان سیاه پوست آمریکا به‌ضرب‌گلوله کشته شده است .

۱۹۶۶ م، **۲۱** فوریه،ژنرال‌دوگل‌رییس جمهور فرانسه‌اعلام کرد تا سال**۱۹۶۹** ارتش فرانسه از پیمان ناتو خـارج می‌شود .

۱۹۶۶ م ، **۲۱** فوریه ، رییس جمهور اندونزی‌کابینه‌را ترمیم‌وژنرال«فاسوتیون» وزیردفاع وفرماندهٔ‌کل نیروهای دولتی ومخالف سرسخت کمونیستها را بر کنار کرد .

۱۹۶۶ م ، **۲۱** فوریه،توقیف شخصیت‌ـ های اکراد عراقی در بغداد آغـاز شد .

۱۹۶۶م، **۲۲** فوریه، به‌دنبال برکناری ژنرال «فاسوتیون» وزیر دفاع وفرماندهٔ کل‌قوای اندونزی این کشور در آستانهٔ کودتا قرارگرفت .

۱۹۶۶م،**۲۴** مارس،روزی‌که یک‌پرستار بودایی، به‌عنوان‌اعتراض به‌جنگ‌ویت‌ـ نام به‌طرزعجیبی خودکشی‌کرد .

۱۹۶۶ م ، **۲۶** مارس ، روز مصادرهٔ اموال نکرومه رییس جمهور معزول غنا .

۱۹۶۶ م ، **۲۷** مارس ، روز تظاهرات بیش از **۳۰**هزار دختروپسر بودایی‌علیه دولت ویت‌نام جنوبی .

۱۹۶۶ م ، اول آوریل ، روز پیروزی حزب کارگر در انتخابات‌انگلستان.

۱۹۶۶ م ، اول‌آوریل ، دولت ترکیه پرواز هواپیماهای یوـ۲ آمریکا را بر برفراز خاک خود منع‌کرد.

۱۹۶۶ م ، **۲** آوریل، نظامیان شهر **هوئه**در**ویت‌نام** جنوبی علیه دولت قیام کردند.

۱۹۶۶ م ، **۲** آوریل ، **بانوگاندی** از آمریکا وارد مسکو شد .

۱۹۶۶م ، **۵** آوریل ؛ انتشارشورش در تمام خاک ویت‌نام جنوبی .

۱۹۶۶م ، **۵** آوریل ، **آیت‌الله‌حکیم** دعوت ملاقات عارف را ردکرد .

۱۹۶۶ م ، **۵** آوریل، آمادگی‌سربازان شوروی برای شرکت درجنگ‌ویت‌نام.

۱۹۶۶ م ، **۸**آوریل ، پیدا شدن بمب هیدروژنی آمریکا از اعماق اقیانوس.

۱۹۶۶ م ، **۸**آوریل ، انتخاب برژنف به دبیرکلی حزب کمونیست شوروی در بیست‌وسومین کنگره .

۱۹۶۶م ،**۱۳** آوریل ، مرگ مارشال عبدالسلام عارف وهمراهان دریک حادثهٔ هوایی نزدیک بصره .

۱۹۶۶ م ، **۱۳** آوریل ؛ روز مرگ ژرژ **دوهامل** نویسندهٔ فرانسوی در سن ۸۲ سالگی .

۱۹۶۶م، **۱۵** آوریل ، حملهٔ عده‌ای شورشی به سفارت چین در اندونزی و به مسلسل‌بستن آنها توسط اعضای سفارت.

۱۹۶۶ م ، **۱۵** آوریل ، کردهای مسلح شورشی در تمـام شهرهای عراق منتشر شدند .

۱۹۶۶ م ، **۱۶** آوریل ، انتخاب ژنرال‌عبدالرحمن‌عارف، به‌جای‌عبدالسلام عارف به ریاست جمهوری عراق .

۱۹۶۶ م ، **۱۷** آوریل ، صدور فرمان آتش بس‌یک‌ماههٔ کردهای‌شورشی‌عراق.

۱۹۶۶ م ، **۱۸** آوریل ، قطع حملهٔ ارتش عراق به کردها وموافقت دولت‌با خود مختاری آنها .

۱۹۶۶ م، **۱۸**آوریل ، بمباران ناحیهٔ **هایفونگ**توسط **قوای** آمریکا.

۱۹۶۶م ، **۲۰**آوریل، تشکیل‌کنفرانس سنتو درآنکارا .

۱۹۶۶ م ، **۲۲** آوریل، امضای‌قرارداد دوستی و صلـح بین : ایـران ، ترکیه وافغانستان .

۱۹۶۶م، **۲۲** آوریل، بمباران‌دروازه‌ـ های **سایگون**توسط بمب‌افکن‌های**آمریکا** برای دفع حملات **ویت‌کنگ‌ها**.

۱۹۶۶ م،**۲۵** آوریل، تشکیل‌یازدهمین کنفرانس اوپک دروین .

۱۹۶۶ م،**۲۶**آوریل،، خبرگزاری پکن در اندونزی تعطیل‌شد .

۱۹۶۶ م ، **۲۷** آوریل ، حملهٔ بمب ـ افکن‌های سنگین آمریکا به ویت نام شمالی .

۱۹۶۶ ، **۲۸** آوریل ، خروج **۷** هزار سرباز مصری‌از عراق .

۱۹۶۶ م ، **۲۹** آوریل، موردسوء قصد قرارگرفتن سلطان **مسقط و عمان**.

۱۹۶۶ م ، **۳۰** آوریل ، ورود ارتش اسراییل به خاک اردن .

۱۹۶۶ م ، ۳ مه . به توپ بستن خاك کامبوج توسط قوای آمریکا .

۱۹۶۶ م ، ۳مه ، پایان یافتن جنگهای خونین **لائوس** .

۱۹۶۶ م ، ۶ مه ، اعدام اسیران جنگی امام یمن درصنعا .

۱۹۶۶م، ۶مه ، جانسون پیشنهاد کرد که کرهٔ ماه غیر نظامی اعلام شود .

۱۹۶۶ م ، ۹ مه ، انفجار اولین بمب هیدروژنی توسط چین کمونیست .

۱۹۶۶ م ، ۱۱ مه ، ماهوارهٔ کاسموس ۱۱۸ شوروی بدون سرنشین به فضا پرتاب شد و در مدار زمین قرار گرفت .

۱۹۶۶م ، ۱۵مه ، اشغال ستاد نظامیان وبوداییان مخالف رژیم ویت نام جنوبی به دستور **کائوکی** .

۱۹۶۶ م ، ۱۵ مه ، باورود تفنگداران دریایی به **دانانگ** بوداییان ویت نام علیه ارتش قیام کردند.

۱۹۶۶ م ، ۱۶ مه ، اعتصاب ملوانان انگلیس .

۱۹۶۶ م ، ۱۷ مه ، کشته شدن پسر **ملامصطفی** وبسیج عمومی کردها .

۱۹۶۶ م ، ۱۷ مه ، مفقود شدن موشك آمریکایی در فضا .

۱۹۶۶ م ، ۲۰ مه ، کائوکی دستورداد که مرکز بوداییان ویت نام جنوبی را بمباران کنند .

۱۹۶۶م، ۲۱ مه ، دولت ویت نام جنوبی بوداییان کشوررا به مسلسل بست .

۱۹۶۶ م ، ۲۲مه ، جنگ خیابانی در سایگون وتصرف هوئه ازطرف شورشیان و کشتار دستجمعی مردم دانانگ توسط تفنگداران آمریکا .

۱۹۶۶ م ، ۲۸ مه ، اعلام بسیج عمومی ووضع فوق العاده در کوبا به علت تشنجی که سراسر کشور را فراگرفته بود.

۱۹۶۶ م ، ۲۸ مه ، بوداییان به رژیم ویت نام جنوبی، خودرا با آتش زدن و بریدن رگ ودست و انگشت اعتراض کردند .

۱۹۶۶م ،۲۹ مه، در سلیمانیه تظاهراتی علیه دولت عراق به عمل آمد .

۱۹۶۶ م ، ۳۱مه ، کشف توطئه علیه جان فیدل کاسترو .

۱۹۶۶ م، ۳۱مه، یك دختر بودایی بعنوان اعتراض به رویهٔ دولت **ویت نام** جنوبی خود را آتش زد .

۱۹۶۶م، ۲ژوئن، فرود آمدن **سارویور ــ ۱** سفینهٔ آمریکا به کرهٔ ماه .

۱۹۶۶، ۲ژوئن، ملاقات فضایی **جمینی ۹** با موشك **اتلا**.

۱۹۶۶م ، ۶ژوئن ، حملهٔ سفیدپوستان به تنها دانشجوی سیاهپوست بنام جیمز **مرویت** دانشگاه **میسی سی پی** .

۱۹۶۶م، ۷ژوئن، سوء قصد به **توگینگ** وجیمز **مرویت** رهبر سیاهپوستان آمریکا.

۱۹۶۶ م، ۶ژوئن ، خودکشی ۹ سرباز آمریکایی بمناسبت اعتراض به جنگ ویت نام .

۱۹۶۶ م ، ۸ ژوئن ، آغاز پیاده روی سیاهان آمریکا برای اعتراض به تیراندازی به **جیمزمرویت**.

۱۹۶۶ م ، ۱۰ ژوئن ، انفجار کارخانهٔ سایگون وسیلهٔ ویت کنگ .

۱۹۶۶ م ، ۱۱ ژوئن ، دبیر کل حزب کمونیست رومانی پیشنهاد کرد که پیمانهای ورشو وناتو منحل گردد .

۱۹۶۶م، ۱۲ژوئن، سقوط دولت غیر نظامی ویت نام جنوبی .

۱۹۶۶ م ، ۱۳ ژوئن ، محاکمهٔ مجدد جك **روبی** قاتل **اسوالد** که به قتل کندی متهم بود ، درد الاس آغاز شد .

۱۹۶۶ م ، ۲۰ ژوئن، مسافرت ژنرال دوگل به روسیهٔ شوروی.

۱۹۶۶ م، ۲۲ ژوئن ، رهبر بوداییان ویت نام جنوبی پس از ۱۸روز اعتصاب غذا به حال اغماء افتاد.

۱۹۶۶م، ۲۲ژوئن، پیاده روی رهنوردان سیاهپوست آزادی آمریکا پایان پذیرفت.

۱۹۶۶ م ، ۲۷ ژوئن ، عدهٔ زیادی از کاتولیك های لهستانی در خیابانهای ورشو باپلیس کمونیست به زدوخورد پرداختند.

۱۹۶۶ م ، ۲۷ ژوئن ، مخازن نفت ویتنام شمالی به وسیلهٔ بمب افکن های آمریکا بمباران شد .

۱۹۶۶م ، ۲۷ ژوئن ، رییس ستاد ارتش آرژانتین قدرت حکومت را به دست گرفت و **رتوروایلیا** استعفا کرد .

۱۹۶۶ م ، ۲۸ ژوئن ، ارتش کنگو علیه رییس جمهور این کشور قیام نمود.

۱۹۶۶ م ، ۲۹ ژوئن ، ویلسون نخست وزیر انگلیس به بمباران انبارهای نفت ویت نام جنوبی اعتراض کرد .

۱۹۶۶ م ، ۲۹ ژوئن ، برای اولین بار هواپیماهای آمریکا ناحیهٔ **چیالام شهر هانوی** را بمباران کردند .

۱۹۶۶م، ۳۰ژوئن، انبارهای نفت هانوی مجدداً ازطرف نیروی هوایی آمریکا بمباران گردید .

۱۹۶۶م، ۲ژوییه ، ویت کنگها یك ترن زرهی آمریکارا نابود کردند .

۱۹۶۶م، ۲ژوییه، دریکی ازجزایر اقیانوس آرام، دانشمندان فرانسوی یك بمب اتومی منفجر نمودند .

۱۹۶۶م، ۴ژوییه، در بازدید ملکهٔ انگلیس ازایرلند یك بلوك سیمانی به اتومبیل وی پرتاب شد .

۱۹۶۶م، ۵ژوییه ، فرمان تخلیهٔ هانوی پایتخت ویتنام شمالی صادرشد.

۱۹۶۶م، ۷ ژوییه ، مردم جاکارتا بنفع ژنرال **سوهارتو** و علیه دکتر **سوکارنو** قیام کردند .

۱۹۶۶م، ۷ژوییه، کشورهای کمونیست عضو پیمان ورشو اعلام کردند که به ویت نام شمالی داوطلب خواهندفرستاد.

۱۹۶۷ م، ۷ژوییه ، نبرد سپاهیان چین و ژاپن آغاز گردید و در نتیجه بندر کانتون به تصرف ژاپنیها در آمد .

۱۹۶۶م، ۹ژوییه، ارتش وپلیس اندونزی به مخالفان **سوکارنو** پیوستند .

۱۹۶۶م، ۹ژوییه، به علت بمباران حومهٔ بندر **هایفونگ** توسط آمریکاییها، دولت شوروی به آمریکا اعتراض کرد .

۱۹۶۶م، ۱۰ ژوییه، وزیرخارجهٔ چین کمونیست اعلام کرد که ارتش شوروی چین را محاصره کرده است.

۱۹۶۶م، ۱۱ژوییه، قرارداد معروف به **معاهدهٔ ۱۱ژوییه** بین اتریش وآلمان منعقدگردید وبه موجب آن آلمان زمام امورسیاسی اتریش را به دست گرفت و بعد اتریش را ضمیمهٔ آلمان کرد .

۱۹۶۶م، ۱۷ژوییه ، رسماً اعلام شد که کردهای شورشی پیشنهادصلح دولت عراق را نپذیرفتند.

۱۹۶۶م، ۱۳ژوییه، دودیپلمات چکوسلواکی ویك جاسوس دوجانبه دردفتر کارمعاون وزارت خارجهٔ آمریکا شناخته شدند که می خواستندکه ضبط صوت نصب کنند.

۱۹۶۶م، ۱۴ ژوییه، سیاهان آمریکا در شیکاگو شورش کردند .

۱۹۶۶م، ۱۵ژوییه، به تلافی ماجرای ضبط صوت، دولت چکوسلواکی یك دیپلمات آمریکایی را اخراج کرد .

۱۹۶۶م، ۱۵ژوییه، بمب افکن های اسراییل

به‌خاک‌سوریه‌حمله‌کردند .

۱۹۶۶م،**۱۸** ژوییه ، چین‌کمونیست خاك خودرا در اختیارسربازان ویت‌نام‌شمالی گذاشت .

۱۹۶۶م،**۱۹** ژوییه، زدوخوردهای‌نژادی در شهرهای مختلف آمریکا مجدداً درگرفت .

۱۹۶۶م،**۱۹** ژوییه ، سفینهٔ جمینی ۱۰ آمریکا به‌فضا پرتاب‌شدو**مایکل‌کالینز**یکی ازسرنشینان‌آن دوبار ازسفینهٔ‌خودخارج گردید . سرنشین دیگر آن **جان یانك** بود .

۱۹۶۶م، **۲۰** ژوییه،**مایکل‌کالینز** فضانورد جمینی ۱۰ جعبه غبار فضایی‌را به‌دست آورد .

۱۹۶۶م،**۲۰** ژوییه، هواپیماهای پرتغال قسمتی‌از خاك‌جمهوری آفریقایی **زامبیا** را بمباران‌کردند .

۱۹۶۶م،**۲۳** ژوییه، سربازان‌چین‌درخاك هندپیشروی‌کرده‌وواردجنگ‌ویت‌نام‌شدند.

۱۹۶۶م،**۲۳** ژوییه ، براثر اغتشاشات نژادی شهرنیویورك متشنج‌گردید .

۱۹۶۶م،**۲۴** ژوییه ، ژاندارمهای‌شورشی ایالت **استانلی‌ویل**طرفدار **موسی‌چومبه** علیه دولت‌قیام‌کرده ویك شهررا تصرف نمودند .

۱۹۶۶م، ۲۵ ژوییه ، دکتر **سوکارنو** رییس جمهور اندونزی با ۵ وزیر به‌ریاست ژنرال**سوهارتو**کابینهٔ‌این‌کشور را تشکیل داد .

۱۹۶۶م،**۲۶** ژوییه، ویت کنگها به‌ستاد لشکرآمریکا درسایگون حمله بردند.

۱۹۶۶م،**۲۷** ژوییه ، رسماً اعلام شد که سیارهٔ**ایکاروس**به‌زمین‌نزدیك‌می‌شود.

۱۹۶۶م،**۲۹** ژوییه ، ارتش **نیجریه** علیهٔ ژنرال **ایرونسی**رییس‌کشور قیام‌مسلحانه کرد .

۱۹۶۶م،**۳۱** ژوییه، رسماً اعلام شد که مستشاران نظامی شوروی وارد ویتنام شدند .

۱۹۶۶م،**۳۱** ژوییه ، وزارت مستعمرات انگلیس‌منحل‌شد .

۱۹۶۶م،**۱** اوت ، سرهنگ دوم **گوون** رییس سابق ستاد ارتش نیجریه‌زمام‌امور را به‌دست‌گرفت .

۱۹۶۶م،**۲** اوت، بندر**هایفونگ** مجدداً از طرف هواپیماهای آمریکایی بمباران شد .

۱۹۶۶م،**۳** اوت، شورش کمونیستهای اندونزی در جزیرهٔ **بالی**علیه‌رژیم‌نظامی این‌کشور آغازشد .

۱۹۶۶م،**۴** اوت، برای سومین بارمنطقهٔ غیرنظامی ویت‌نام‌بمباران شد .

۱۹۶۶م،**۶** اوت ، با استعفای **البزاز** نخست وزیرعراق ژنرال **ناجی‌طالب** مأمورتشکیل کابینه شد .

۱۹۶۶ م، ۷ اوت ، **محمدعلی‌کلی** رقیب انگلیسی‌خودرا ناك‌اوت‌کرد، وی در ۲۵ مسابقه رقبای خود را از رینگ خارج ساخت .

۱۹۶۶م،**۷** اوت ، شیخ **شخبوط** حاکم جزیرهٔ **ابوظبی** برکنار شد و برادرش جانشین وی‌گردید.

۱۹۶۶م،**۷** اوت،ویت‌کنگها هفت‌هواپیمای آمریکایی را سرنگون‌کردند .

۱۹۶۶م،**۸** اوت ، يك‌قلب‌مصنوعی‌درقفسهٔ سینهٔ‌یك زن دریکی ازبیمارستانهای **هوستون** نصب‌گردید .

۱۹۶۶م،**۹** اوت،بزرگترین جنگ موشکی ویت‌نام‌وهواپیماهای آمریکادر ویت‌نام شمالی آغازگردید .

۱۹۶۶م،**۹** اوت ، هیئت پارلمانی ایران واردمسکوشد .

۱۹۶۶م،**۱۰** اوت، دانشمندان آمریکایی سفینهٔ بزرگی را به فضا پرتاب نمودند .

۱۹۶۶م،**۱۱** اوت، رسماً اعلام‌شد‌که‌دولت آمریکا بااستفاده ازآیینهٔ عظیم وحرکت آن با موشك در مدار زمین ، شبهای ویت‌نام راتبدیل‌به‌روز میکند .

۱۹۶۶م،**۱۲** اوت، قراردادصلح‌اندونزی ومالزی‌امضاء وبه‌کشمکش‌وجنگ چند سالهٔ بین دوکشور خاتمه داده‌شد .

۱۹۶۶م،**۱۲** اوت ، ملوانان شوروی در ویت‌نام شمالی بمباران شدند .

۱۹۶۶م،**۱۶** اوت، هواپیماهای‌آمریکایی کامبوج را بمباران‌کردند .

۱۹۶۶م،**۱۹** اوت، زلزله ۴ ایالت‌ترکیه را درهم‌کوبید وبیش ازهزارتن‌کشته و عده‌ای مجروح وبی‌خانمان شدند .

۱۹۶۶م،**۱۹** ،اوت،درعراق‌بیماری‌وباشیوع یافت و مرزهای ایران وعراق، اردن و عراق بسته شدند .

۱۹۶۶م،**۲۱** اوت ، رسماً اعلام‌شد تلفات زلزله‌های‌پی‌درپی ترکیه از۳هزار نفر تجاوزکرده و ۳۰ هزار نفر مجروح شده‌اند .

۱۹۶۶م،**۲۳** اوت، به‌دنبال‌سقوط‌هواپیماهای‌آلمانی که‌ازآمریکا خریداری‌شده‌بود سه ژنرال آلمانی از مقام خود استعفا دادند .

۱۹۶۶م،**۲۴** اوت، ده‌ژنرال دیگرآلمان آمادهٔ استعفا شدند .

۱۹۶۶م،**۱۴** اوت ، سازمان گارد سرخ درچین‌کمونیست‌به‌وجودآمد .

۱۹۶۶م،**۲۵** اوت، جوانان گاردسرخ‌در چین‌تمام‌خانه‌ها را بازرسی‌ووسایل‌تجملی خانواده‌ها رابه‌خیابانهاریختند .

۱۹۶۶م، ۲۸ اوت ، چین‌کمونیست در آستانهٔ‌شورش‌قرارگرفت و مردم به‌افراد گارد سرخ حمله کرده و عده‌ای کشته شدند .

۱۹۶۶م،**۲۷** اوت ، ویت‌کنگهادوکشتی آمریکارا غرق‌کردند .

۱۹۶۶م،**۲۸** اوت،**سیدقطب** رهبر ودوتن از اعضای‌اخوان‌المسلمین در مصراعدام شدند .

۱۹۶۶،**۲۹** اوت، گاردسرخ‌چین‌کمونیست سفارت‌شوروی‌درپکن‌رامحاصره‌ومناسبات سیاسی‌دوکشور تیره شد.

۱۹۶۶م،**۲۹** اوت ، دولت عراق املاك ملامصطفی‌بارزانی راآزادکرد .

۱۹۶۶ م ، ۳۱ اوت ، حزب کمونیست ژاپن استقلال خود را از مسکو اعلام نمود .

۱۹۶۶م،**۱** سپتامبر،رسماً اعلام شدصلاح بیطار ودونفر از رهبران سابق‌سوریه از زندان فرارکرده‌اند .

۱۹۶۶م، ۲ سپتامبر ، گارد سرخ چین کمونیست‌آمادهٔ جنگ درویت‌نام شمالی شد .

۱۹۶۶م،**۲** سپتامبر، شورشیان‌مسلح‌شمال رودزیا برای سرنگون‌کردن رژیم یان‌اسمیت مبارزهٔ خودرا آغازکردند.

۱۹۶۶م،**۲** سپتامبر ، شارل‌ندیزیه (ناتار پنجم) هفدهمین پادشاه‌کشور آفریقایی بوروندی به‌تخت سلطنت نشست .

۱۹۶۶م،**۵** سپتامبر ، جنگنده‌های‌آمریکا يك‌کشتی بازرگانی‌چین‌کمونیست را در خلیج **باك‌بو** غرق‌کردند.

۱۹۶۶م،**۶** سپتامبر،دکتر**هندریك‌فرورد** نخست‌وزیرآفریقای‌جنوبی، مظهرسیاست تبعیض نژادی‌به‌ضرب‌خنجربه‌قتل رسید.

۱۹۶۶م،۶سپتامبر ، ارتش‌چین کمونیست درمرزهای ویت‌نام‌شمالی مستقرشد.

۱۹۲۶م،۸سپتامبر،دولت آلمان به‌عضویت جامعهٔملل پذیرفته‌شد .

۱۹۶۶م،۸سپتامبر ، در آمریکا روز پیکار با بیسوادی‌اعلام شد .

۱۹۶۶م،۸سپتامبر،دومین کودتای‌سوریه باشکست روبروشد.

۱۹۶۶م،۹سپتامبر ، هواپیماهای‌آمریکا با موشك‌ومسلسل به‌چین‌کمونیست حمله کردند .

۱۹۶۶م ، ۱۰ سپتامبر ، دانشمندان فرانسوی در حضور ژنرال‌دوگل‌یك‌بمب اتومی را دراقیانوس‌آرام منفجر کردند.

۱۹۶۶م،۱۰ سپتامبر، وزیردفاع‌شوروی اعلام کردکه ارتش سرخ به خاطرجنگ ویت‌نام‌تقویت می‌شود.

۱۹۶۶م،۱۰ سپتامبر ، جت‌های جدید شوروی باخلبانان ومربی‌های‌روسی‌وارد جنگ‌ویت‌نام‌شدند.

۱۹۶۴م،۱۰سپتامبر، کودتای‌نافرجامی به‌رهبری **عبدالکریم‌مصطفی‌نصرت** علیه عبدالسلام **عارف** رییس جمهور عراق به‌وقوع پیوست .

۱۹۶۶م،۱۱سپتامبر، ستوان**اطاعتی**افسر ارتش ایران در۱۵ ساعت و۴دقیقه شنا از ساحل فرانسه،دریای‌مانش‌راطی‌نموده و به‌پلاژ«دوور» انگلیس رسید .

۱۹۶۶م،۱۳سپتامبر، «چارلزکنراد» و ریچاردگوردون فضانوردان آمریکا با سفینهٔ‌جمینی۱۱ ازپایگاه‌کیپ‌کندی‌به‌فضا پرتاب شدند .

۱۹۶۶م،۱۴سپتامبر،ویت‌کنگها به‌سایگون ریخته و ساختمان‌های نظامی آمریکاییها و۴۶ کامیون را منهدم نمودند .

۱۹۶۶م،۱۴سپتامبر ، تصفیهٔ‌آلبانی به سبك‌تصفیهٔ چین‌کمونیست آغازگردید .

۱۹۶۶م،۱۴ سپتامبر ، جمال گورسل رییس‌جمهور سابق‌ترکیه بعداز چند ماه بیماری درگذشت.

۱۹۶۶م،۱۵سپتامبر ، «تیك‌ترکوانك» کاهن‌اعظم‌بودائیان‌ویت‌نام‌جنوبی‌به‌اعتصاب غذای صدروزهٔ خود پایان داد .

۱۹۶۶م،۱۷سپتامبر ، در نزدیکی‌مدار ۱۷ درجه (منطقهٔ بی‌طرف)جنگ‌شدیدی میان نیروی زمینی‌آمریکا و سربازان ویت‌نام شمالی روی داد .

۱۹۶۶م،۱۷ سپتامبر ، اردوگاه سری مزدوران‌چومبه‌نخست‌وزیرسابق‌کنگودر جنوب فرانسه‌کشف شد.

۱۹۶۶م،۱۹سپتامبر ، کنفرانس‌سازمان بهداشت جهانی باشرکت نمایندگان ۱۷کشور درکراچی‌افتتاح‌شد.

۱۹۶۶م، ۲۰سپتامبر، ضمن مراسمی‌در نیویورك دین‌جدیدی بنام «عروج‌روح» به‌رهبری‌دکتر«تیموتی‌لاری»استاداخراجی دانشگاه هاروارد بوجودآمد .

۱۹۶۶م،۲۰ سپتامبر ، بیست و یکمین دورهٔ اجلاسیهٔ مجمع‌عمومی سازمان ملل متحد افتتاح شد .

۱۹۶۶م، ۲۱سپتامبر ، سفینهٔ مه‌نورد «سورویور-۲» از پایگاه کیپ‌کندی به سوی‌ماه پرتاب شد .

۱۹۶۶م،۲۲ سپتامبر ، هواپیماهای آمریکایی‌منطقهٔ‌غیرنظامی‌ویت‌نام‌راویران کردند .

۱۹۶۶م،۲۲سپتامبر،**پل‌رینو** نخست‌وزیر زمان جنگ فرانسه درگذشت .

۱۹۶۶م،۲۳ سپتامبر ، جنگ خونینی درپایتخت‌کنگوبوسیله سربازان طرفدار دولت وژاندارمهای پشتیبان چومبه‌آغاز گردید .

۱۹۶۶م،۲۵ سپتامبر ، شورشیان کنگو قسمتی از شهر **استانلی‌ویل** را آتش زدند .

۱۹۶۶م،۲۵سپتامبر، هواپیماهای‌آمریکا باموشك یك اژدرافکن ویتنام شمالی‌را در ۸۰ کیلومتری **هایفونگ** غرق کردند .

۱۹۶۶م،۲۵ سپتامبر ، ژاندارمهای **استانلی‌ویل** تسلیم قوای دولتی‌شدند .

۱۹۶۶م،۱ اوکتبر، مستعمرهٔ انگلیس بچوانالند بنام «باسوتولند» سی‌وهشتمین کشور مستقل‌آفریقایی‌شناخته شد.

۱۹۶۶م،۱ اوکتبر ، درلندن اعلام‌شد روزنامهٔ تایمز(۱۷۸۵) و نشریهٔ‌هفتگی «سندی‌تایمز» (۱۸۲۲) در یکدیگر ادغام شدند.

۱۹۶۶م ، ۳ اوکتبر ، هواپیماهای مصری ناحیهٔ مراد در کشور یمن را بمباران‌کردند .

۱۹۶۶م،۵اکتبر، درددادگاه تجدیدنظر تکزاس حکم اعدام‌جك‌روبی‌قاتل‌اسوالد متهم‌به‌قتل‌کندی‌لغو شد .

۱۹۶۶م،۶اوکتبر ،دولت‌شوروی تصمیم گرفت متقابلادانشجویان چین کمونیست رااخراج نماید.

۱۹۶۶م،۶اوکتبر، رسماً‌اعلام شدژنرال عبدالرزاق نخست‌وزیر و رهبر کودتای نافرجام سابق عراق اززندان فرارکرده است .

۱۹۶۶م،۶اوکتبر، برای‌پیدایش راه‌حلی جهت حل‌مسئلهٔ ویت‌نام جانسون‌رییس جمهورآمریکا به‌طور ناگهانی با اوتانت دبیرکل سازمان ملل‌متحد ملاقات نمود.

۱۹۶۶م،۸اوکتبر، گارد سرخی‌ها معبد بزرگ تبت را ویران‌کردند.

۱۹۶۶م،۹اوکتبر،درجنگ‌هوایی‌ویت‌نام شمالی ۵ جت‌آمریکایی وویت‌نام شمالی سرنگون‌گردیدند .

۱۹۶۶م،۱۰اوکتبر، گارد سرخ غیر از «مائوتسه‌تونگ» بقیهٔ رهبران‌چین کمونیست را منحرف ونالایق اعلام‌کرد.

۱۹۶۶م،۱۰اوکتبر،لسلی‌ایروین‌مخترع چترنجات (۱۹۱۵) درگذشت .

۱۹۶۶م،۱۲اوکتبر،دولت‌شوروی‌باانتشار عکس‌های‌موشك مجهز به‌پیکان‌هیدروژنی، دول‌غرب رابه‌وحشت انداخت .

۱۹۶۶م،۱۴ اوکتبر ، دولتین‌آمریکا و شوروی از اختلاف‌اعراب‌واسراییل‌ابراز نگرانی‌کردند .

۱۹۶۶م،۱۵ اوکتبر، کمیسیون‌اجتماعی مجمع عمومی ملل متحدروز۲۱ مارس‌را روز بین‌المللی ازبین‌بردن تبعیض‌نژادی اعلام نمود .

۱۹۶۶م،۱۸اوکتبر، نبردهای‌سختی‌میان آمریکاییها و ویت‌کنگها در گرفت .

۱۹۶۶م،۱۸اوکتبر،کشمیردوباره‌متشنج شد و در زدوخوردهای خونین بین‌پلیس و دانشجویان عده‌ای کشته و زخمی گردیدند .

۱۹۶۶م،۱۸ اوکتبر، سرهنگ «دلیمی» معاون‌پلیس امنیتی مراکش‌به‌قتل «بن‌بورکه»رهبرمخالفان‌دولت مراکش‌که‌در ۲۹اکتبر۱۹۶۵ ربوده‌شده بوداعتراف کرد .

۱۹۶۶م،۲۱اوکتبر، کوهی‌درانگلستان که معدن زغال سنگ در دامنهٔ آن‌قرار داشت ناگهان‌به‌حرکت‌درآمد ومدرسه و قریه‌ای را بادویست وبیست کودك‌ومردم آن را زنده‌به‌گورکرد.

۱۹۶۶م،۲۲اوکتبر، دانشمندان شوروی مه‌نورد « لونا ــ ۱۲ » را به‌فضا پرتاب نمودند .

۱۹۶۶م،۲۳اوکتبر، کنفرانس «مانیل» باشرکت جانسون رییس جمهور آمریکا وسران ۶کشور متحد آمریکا در جنگ ویت‌نام در پایتخت فیلیپین تشکیل شد .

۱۹۶۶م،۲۵اوکتبر،چهاردهمین‌کنفرانس عمومی سازمان‌یونسکو درپاریس‌تشکیل شد .

۱۹۶۶م،۲۶اوکتبر ، ناو۵۲ هزارتونی هواپیمابر آمریکا بنام اوریسکانی در نتیجهٔ‌اشتغال‌یك‌راکت آتش‌گرفت‌و۵۳ نفر کشته شدند .

۱۹۶۶م،۲۷ اوکتبر. رسماً اعلام‌شدچین کمونیست‌به‌موشك‌اتومی مجهز شده‌است .

۱۹۶۶م،۲۷اوکتبر،چهاردهمین‌کنفرانس بین‌المللی یونسکو در پاریس تشکیل گردید .

۱۹۶۶م،۲۹اوکتبر،طبق‌دستوردانشمندان آمریکا سفینهٔ مه‌نورد (لوناراورپیتر) آمریکابه‌نیمهٔ ناپیدای ماه اصابت‌کرد تا دربرنامه‌های جدید فضایی مانعی ایجاد نکند .

۱۹۶۶م،۳۱اوکتبر، موشك عظیم بیست وسه متری «امو-۱» ژاپون باموفقیت آزمایش گردید.

۱۹۶۶م،۱ نوامبر،چریك‌های‌ویت‌کنگ شجاعانه‌ترین حملهٔ خود رابه‌نیروهای آمریکاومتحدین‌وی درسایگون‌آغازویك کشتی مین‌جمع‌کن آمریکایی در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی سایگون منفجر شد .

۱۹۶۶م،۱ نوامبر ، به‌توصیهٔ شورای امنیت‌مجمع‌عمومی سارمان ملل‌متحد‌دبیر کلی اوتانت را تا پایان اجلاسیه تمدید کرد .

۱۹۶۶م،۳نوامبر ، دانشمندان‌آمریکایی به‌وسیلهٔ موشك«تیتان‌سی۳»اولین‌اتوبوس فضایی را باسه قمرمصنوعی‌به‌فضا پرتاب، کردند .

۱۹۶۶ م،۶نوامبر ، برای اولین باردر تاریخ‌جنگهای‌ویت‌نام‌ارتش‌آمریکاتأسیسات ساحلی ویت‌نام شمالی را باموشك مورد حمله‌قرار داد .

۱۹۶۶م،۶ نوامبر،سازمان‌ملی‌هوانوردی و فضایی آمریکا یك قمر مصنوعی جهت عکس‌برداری به‌کرهٔ ماه پرتاب نمود.

۱۹۶۶م،۷نوامبر ، ۱۲۰ هزار نفر مردم هندبه‌عنوان اعتراض‌به‌کشتن‌گاو-های مقدس‌دست به‌تظاهر زده و عده‌ای کشته‌شدند .

۱۹۶۶م،۱۱ نوامبر،ویت‌کنگها مراکز فرماندهی نظامی آمریکا در ویت‌نام را به‌خمپاره بستند.

۱۹۶۶م،۱۲ نوامبر ، جمینی۱۲ آمریکا به‌سرنشینی‌جیمزلاول‌وادوین‌الدرین‌برای یك سفر چهار روزه‌به‌فضا پرتاب وبرنامهٔ پروژهٔ جمینی‌آمریکا پایان‌یافت .

۱۹۶۶م،۱۶ نوامبر، کمیسیون اقتصادی کشورهای تولید کنندهٔ نفت اوپك در کویت‌تشکیل شد .

۱۹۶۶م،۲۸ نوامبر،چین‌کمونیست‌آمریکا رابه‌جنگ‌موشکی تهدیدکرد .

۱۹۶۶م،۱۸ نوامبر ، فعالیت‌افرادگارد سرخ درچین‌کمونیست محدود شد .

۱۹۶۶م،۱۹ نوامبر ، ناوگان آمریکا مراکز رادار ویت‌نام شمالی را به‌گلوله بستند .

۱۹۶۶م،۲۰ نوامبر، بحران‌گاومقدس‌در هندبالاگرفت.

۱۹۶۶م،۲۸نوامبر ، در اولین اجلاسیهٔ وزیران«کلمبو»(کشورهای‌کمك‌گیرنده) درکراچی دولت ایران‌به‌عضویت کلمبو انتخاب‌شد .

۱۹۶۶م،۲۹ نوامبر ،دانشمندان شوروی ماهوارهٔ « کاسموس۱۳۳»رابه‌فضاپرتاب کردند .

۱۹۶۶م،۳۰نوامبر ، سرزمین باراباد مستعمرهٔ انگلیس‌درجزایرآنتیل‌با ۲۵۰ هزار نفر جمعیت به‌استقلال رسید .

۱۹۶۶م، ۱دسامبر، به‌دنبال استعفای «لودویك‌ارهارد» صدر اعظم آلمان‌غربی «کی‌زینگر» ازطرف رییس‌جمهوربه‌مقام صدارت رسید .

۱۹۶۶م،۵دسامبر، دوازدهمین کنفرانس «اوپك» کشورهای صادرکنندهٔ‌نفت در کویت‌تشکیل شد.

۱۹۶۶م،۱۰ دسامبر ، دولت‌سوریه تمام تأسیسات نفتی عراق را مصادره‌نمود.

مورخین معروف جهان

آپیانوس Appien

(قرن اول میلادی)

مورخ یونانی اسکندرانی مؤلف « تاریخ رومی » .

آریانوس Arrien.

(۹۵-۱۸۰م)

مورخ و فیلسوف یونان ، شاگرد اپیکتت مؤلف‌کتاب **لشکرکشی اسکندر ومذاکرات‌ودریانوردی دردریای‌سیاه.**

آزاد بلگرامی

(فوت ۱۷۸۴م)

مورخ هندی متولد در **میدان پور** هند مؤلف « سبحةالمرجان فی‌آثار ـ هندوستان » است .

آفریکانوس ، سکستوس‌یولیوس. Africanus.

(قرن سوم میلادی)

سیاح‌ومورخ‌مراکشی‌وی درجنگهای **سپتیموس سوروس** بارقیبش **پوسیتوس نیگر**، ونیزدرجنگهای‌آدیابن وخسرون (جزو متصرفات دولت پارت) شرکت داشت ، اوتاریخی نوشته ووقایع‌جهان‌را ازآغازآفرینش‌تا ۲۲۱م. به‌رشتهٔ تحریر در آورده وضمناً‌تاریخ رابه‌حساب سال‌ـ شماری عیسوی باحسابهایی‌که قبل‌ازآن بوده مقایسه کرده ، ولی از این تألیف قسمت کمی باقی است و مابقی گم شده است.

آکتون، جان‌دالبرگ Acton ,j,E,D.

(۱۸۳۴-۱۹۰۲ م)

از مورخین معروف انگلیسی که مباحث‌تاریخی‌را باتجزیه‌وتحلیل‌حوادث نگاشته استودر سال ۱۸۹۵ به استادی دانشگاه **کمبریج** نایل‌آمد .

آگاتانژ Agathange

(قرن ۴م)

منشی **تیرداددوم**وازمورخین‌یونانی‌ـ الاصل وی ازسال ۳۳۰ تا۳۳۶ « تاریخ ارمنستان » را به زبان ارمنی **ویونانی** به‌اتمام رسانید .

تاریخ وی با تاریخ اشکانیان رابطه‌ای بس نزدیك دارد .

آملی ، محمدحسن (اولیاءالله) .
(قرن ۸ ه ق)

صاحب کتاب **تاریخ رویان** که به دستور ابوالمعالی فخرالدوله بـه تنظیم آن همت گماشته است .

آملی در سال ۷۸۰ هجری قمری به رستمدار رفته و به خدمت فخرالدوله رسیده است.

آمیانوس مارسلینوس
Ammien Marcellin
(۳۳۰-۴۰۰ م)

ازمورخین یونانی الاصل مؤلف کتاب قابل توجه « تاریخ فلورانس» که در آن مطالبی دربارهٔ تاریخ ایران نیز ذکـر کرده است .

ابن ابی‌اصیبعه ، موفق‌الدین .
(۵۹۹ ـ۶۶۸ ه ق)

ابوالعباس احمد معروف به ابن ابی‌ـ اصیبعه صاحب **عیون‌الانباء فی‌طبقات ـ الاطباء** که از تاریخهای علمی معروف عالم است .

موفق‌الدین طبیب بیمارستان قاهره بود .

ابن اثیر .

ابن‌الاثیر را به‌بینید .

ابن ابی‌الحدید ، عزالدین عبدالحمید.
(۵۸۶ـ۶۵۶ ه ق)

صاحب کتاب **شرح نهج‌البلاغه** که بخش اول آن شرح فتوحات مغـول در خراسان وعراق‌وماوراءالنهر می‌باشد.

عزالدین این کتاب را به‌نام دوست خود **ابن‌العلقمی** تألیف کرده است .

ابن اسحق ، محمد .
(فوت ۱۵۱ ه ق)

صاحب‌کتاب **سیرة‌النبی** ازمورخین زمان عباسیان‌که به‌امر **منصوردوانیقی** خلیفهٔ وقت به بغداد آمد ووقایع ایـام پیامبر را به رشتهٔ تحریر درآورد .

ابن‌اسحق این‌کتاب راتقدیم خلیفه کرد ، اگرچه این‌کتاب دردسترس‌نیست ولی مطالب مهم آن در **سیرة‌بن هشام** آمده است .

ابن اسفندیار ، بهاءالدین .
(مقتول ۶۱۷ ه ق)

صاحب کتاب **تاریخ طبرستان** ،که متن فارسی وترجمهٔ انگلیسی آن به‌چاپ رسیده است . کتاب تاریخ ابن‌اسفندیار در۶۱۳ تألیف شده‌وشاید قدیمترین‌سند عصرسامانی است. ابن اسفندیار ، اصلاً آملی واز درباریان **باوندی** است‌که به بغداد وخوارزم نیزسفرکرده است .

ابن‌الاثیر ، ابوالحسن عزالدین علی .
(۵۵۵ ـ ۶۳۰ هق)

صاحب کتابهای: **الکامل، اسدالغابه فی‌معرفة الصحابه و کتاب الانساب** . از مورخین دورهٔ **اتابك شهاب‌الدین‌طغرل** که در جزیرهٔ ابن‌عمر از ولایات موصل به‌دنیا آمدومدتی‌به سفارت‌به‌بغدادوحجاز وحلب‌رفت. کتاب الکامل ازکتب معتبر تاریخ است .

ابن‌البطریق ، سعید(اوتیکیوس).
(۲۶۳ ـ۳۲۸هق)

صاحب‌کتاب تاریخ **نظم‌الجهاد** که درسال ۳۲۱ اسقف اسکندریه بود ودر همان شهر وفات یافت .

ابن‌البیع .

حاکم نیشابوری‌را به بینید .

ابن‌العبری ، (ابوالفرج).
(۶۲۲ ـ ۶۸۵ هق)

کشیش سریانی‌درشهر ملاطیه‌متولد شد و با علوم دینی نصرانی ، علم‌طب و فلسفه وزبان‌عرب رانیز بیاموخت مدتی اسقف شهر **گوبای حلب** و خلیفهٔ حلب و **تکریت** بود ومدتی‌ازعمرخودرا به‌مسافرت گذرانید ودرآخر عمربه مراغه رفت و درهمانجا درگذشت . کتب‌بسیاری‌به‌زبان سریانی داشته ودر تاریخ وفلسفه وکلام موافق‌کیش نصاری‌بودویك جزوازتاریخ عمومی خودراکه موسوم به«مختصر تاریخ‌ـ الدول» است از سریانی به عربی‌ترجمه کرده وازتورات نیزچندی بر آن افزوده است. اختصار«مصوردیسفوریدس»وتفسیر «فصول‌ابقراط نیز ازوست.

ابن‌العدیم ،کمال‌الدین ابوالقاسم عمر.
(۵۸۸ ـ ۶۶۰ ه ق)

صاحب‌کتاب معروف ، **بغیة‌الطلب فی‌تاریخ حلب** می‌بـاشد . جوانی‌عمر به سیاحت در**سوریه** ، حجاز ، عراق‌وحلب گذشت ، چندی عهده‌دار مشاغل دیوانی بود و زمانی به حکم**هولاکو** بـه قضاء حلب مأمور شد ودر مصردرگذشت .

ابن‌الفرات ، محمدبن عبدالرحیم .
(۷۳۴ ـ ۸۰۷هق)

در قاهره متولد . در تاریخ ، فقه وحدیث شهرت تمام یافت . کتابـی در تاریخ نوشت‌که به « تاریخ ابن‌الفرات» معروف شده است .

ابن‌الفرضی، ابوالولید عبدالله.
(۳۵۰ ـ ۴۰۳ ه ق)

صاحـب‌کتاب **تاریخ‌علماء اندلس** قاضی **بلنسیه** که به دست بربریان‌کشته شد .

عبدالله درقرطبه متولد شدوبه‌حجاز ومصر وقیروان نیز سفرکرده است .

ابن‌بشکوال ، ابوالقاسم خلف .
(۴۷۹ ـ ۵۷۸ ه ق)

صاحب**الصله** که ذیلی‌بر**تاریخ‌علماء اندلس** می‌باشد .

ابن‌الابارالقضاعی ، ابوعبدالله محمد،
(مقتول ۶۶۸ ه ق)

صاحب‌کتاب **مشکل‌الصله** که ذیلـی بر‌کتاب **تاریخ‌علماء اندلس** میباشد .

ابن‌الفوطی ،کمال‌الدین عبدالرزاق بن. احمد .
(۶۴۲ـ۷۲۳ ه ق)

صاحب کتاب **حوادث الجامعه** از مردم خراسان بودکه به خدمت خواجه **نصیرالدین طوسی** در بغداد رسید و متصدی‌کتابخانه شد .

ابن‌القوطیه ، ابوبکر محمد .
(فوت ۳۶۷ ه ق)

صاحـب‌کتاب **تاریخ الاندلس** و **صرف‌الافعال** که تاریخ اوشامل وقـایع تا ۲۸۰ هجری‌قمری است.محمددرقرطبه متولد شده است .

ابن‌الکلبی ، ابوالمنذرهشام .
(فوت ۱۴۶ ه ق)

صاحب‌کتاب **انساب‌العرب واصنام** درکوفه متولد شد وبه بغداد سفرکرد .

ابن‌المقری ، شهاب‌الدین ابوالعباس .
(۹۶۹ـ۱۰۴۱هق)

ابوالعباس احمدبن محمد صاحـب کتاب **نفخ‌الطیب فی غصن الاندلس‌ـ المرطیب** در تلمسان به دنیا آمد ودر حمابدرود زندگی‌گفت .

کتاب ابن‌المقری مربوط به‌کشور اندلس واسپانیا وآفریقا است .

ابن‌الوردی ، زین‌الدین ابوحفص عمر.
(۶۹۰ ـ ۷۴۹ ه ق)

صاحب‌کتاب **روض‌المناظر** ، در **معرة‌النعمان** به دنیاآمد ودر حماتحصیل کرد وبه مرض طاعون مرد .

ابن‌الندیم ، ابوالفرج محمد .
(فوت ۳۸۶ ه ق)
صاحب‌کتاب **الفهرست** بنام محمد پسر اسحاق‌پسر ابی یعقوب ازکتابفروشان بغداد بودوکتاب اوجنبهٔ دایرةالمعارف دارد .

ابن‌بطوطه ، ابوعبدالله محمد .
(۷۰۳ — ۷۸۰ ه ق)
صاحب‌کتاب **سفرنامهٔ ابن بطوطه** بنام محمد پسرعبدالله پسر محمد پسر ابراهیم درطنجه متولد شد وازکشورهای عربستان،افریقای‌شمالی، مصر،فلسطین، عراق، ایران، سوریه وحجاز،خوارزم ، جنوب روسیه،آسیای صغیر،ماوراءالنهر، ترکستان ، هندوستان وافغانستان،چین، مالایا ، سیلان ، فرانسه و سودان دیدن‌کرده است .
سفرنامهٔ ابن‌بطوطه به قلم ابوعبدالله محمدبن جزی است . (سیاحان‌وکاشفین وجغرافی دانان رابه‌بینید)

ابن بلخی .
(زنده در۵۴۰هق)
صاحب **فارسنامه** که مستوفی فارس بوده این‌کتاب را به محمد بن ملکشاه تقدیم‌کرده است.

ابن بی‌بی ،امیر ناصرالدین حسین.
(زنده در ۶۸۴ ه ق)
صاحب‌کتاب تاریخ**الاوامر العلائیه فی‌امور العلاییه** که مادرش منجم بوده ، درسال ۶۷۰ به جای پدر رییس دیوان انشاء سلطان علاء الدین کیقباد سلجوقی شد .
کتاب‌ابن بی‌بی‌تاریخ‌سلجوقیان‌است.

ابن‌حزم‌اندلسی، علی .
(۳۷۳—۴۴۳ ه ق)
از مورخین‌که در جنگ **غرناطه** شرکت‌کرده‌و آثاری مانند:«طوق‌کبوتر» و«الفصل فی‌الملل ولاهواء والنحل» را پرداخته است .

ابن‌خلدون حضرمی ، عبدالرحمن بن محمد .
(۷۳۲ — ۸۰۸ هق)
فیلسوف‌ومورخ‌بزرگ‌اسلامی،ادبیات عصرخویش‌رانزدپدرش‌ودیگردانشمندان زمان فراگرفت وازآغاز جوانی‌بی‌آنکه دست از دامن دانش و پـای از محضر دانشمندان بکشد ، به‌کارهای سیاسی و دولتی‌پرداخت‌ووظایف‌طغرانویسی‌وکاتبی وحاجبی وسفارت ووزارت رادردولتهای مختلف افریقا و اندلس عهده‌دار شد و آنگاه‌که ازکار سیاست دوری جست، در سال ۷۸۴ عازم مصر گردید و از طرف سلطان مصر در سال ۷۸۶ به‌مقام قاضی‌ـ القضاتی‌مالکیان‌نایل‌آمدودرجامع‌الازهر بتدریس پرداخت . درسال ۷۹۶ برای ادای فریضهٔ حج سفری به‌حجـازکرد و هنگام اقامت تیمور لنگ با آن سلطان ملاقات نمود ومورد عنایت اوواقع‌شد.
مهمترین‌اثروی(کتاب السعیر) در هفت مجلداست‌که مقدمهٔ آن بزرگترین شاهکار فلسفی وتاریخی عالم‌اسلام‌است و نخستین تصنیف درعلم‌الاجتماع و فلسفهٔ تاریخ بشمار می‌رود . این‌کتاب بوسیلهٔ پروین‌گنابادی‌به‌فارسی برگردانده شده است .

ابن‌خلکان، شمس‌الدین.
(۶۰۸—۶۸۱ ه ق)
قضات را به‌بینید

ابن رسته ، ابوعلی‌احمدبن عمر .
(زنده‌در۳۱۰ ه ق)
صاحب‌کتاب **اعلاق‌النفیسه** ،که در سال ۳۱۰هجری پس از مسافرت‌به‌حجاز به تألیف این دایرةالمعارف‌که در هفت جلد بود دست زد .

ابن شاهین ، خلیل‌الزاهدی .
(زنده در ۸۳۹ ه ق)
صاحب‌کتاب**زبدةالکشف الممالك**، پس‌از سیاحت مصروحجاز وسوریه در اسکندریه مسکن‌گزید وبه تألیف‌این کتاب پرداخت .

ابن طقطقی ، صفی‌الدین محمد .
(تولد ۶۵۴ هق)
صاحب‌کتاب تاریخ **منیةالفضلاءفی تواریخ‌الخلفاء والوزراء**،که درخدمت فخرالدین عیسی امیر موصل بـه تألیف این‌کتاب پرداخته است .

ابن طیفور ، احمدبن‌ابی‌طاهر .
(۲۰۴ — ۲۸۰ ه ق)
صاحب**کتاب‌بغداد**،وی‌ازکتابفروشان بغداد بود وکتاب اوبه زبانهای عربی و آلمانی چاپ شده است .

ابن‌عبدالحکیم ، ابوالقاسم‌عبدالرحمن.
(فوت ۲۵۷ هق)
صاحب‌کتاب **فتوح مصر والمغرب** که درسال۲۴۶ هجری‌قمری آن‌راتألیف کرده است .

ابن عربشاه ، احمدبن محمد .
(۷۹۱ — ۸۵۴ ه ق)
صاحب‌کتب تاریخ،**عجایب‌المقدور فی‌نوایب التیمور و ناکهة الخلفاء و مفاکهة الظرفاء** ، از سمـرقند ، ختن ، دشت قپچاق و حاجی طرخان، خوارزم ، کریمه ،ادرنه ، شام ، حجاز ومصردیدن کرده است.ابن عربشاه مدتی در خدمت **محمد چلبی** بود و اواخر عمرخودرادر زندان سیف‌الدین چخماق‌گذرانیده‌است.

ابن‌عساکر ، ابوالقاسم علی‌بن حسن.
(زنده در قرن ۶ هق)
ازسیاحان عرب‌که حدیث ۸۰زن و ۱۳۰۰ مرد را نقل می‌کند ، کتاب ۸۰ جلدی‌تاریخ دمشق ازاواست.

ابن فندق ، ظهیرالدین ابوالحسن علی.
(۴۹۰ — ۵۶۹ هق)
صاحب‌کتب : **تتمهٔ‌صوان‌الحکمه** ، **تاریخ بیهق** ، و **جوامع‌احکام‌النجوم** ، از شاگردان عمرخیام بوده ودر حوالی سبزوار به دنیاآمده است .

ابن فقیه ، ابوبکر احمد .
صاحب‌کتاب : **مختصرکتاب‌البلدان** بنام احمد پسر محمد پسراسحق پسرابراهیم همدانی است که در ۲۷۹ هجری‌قمری این‌کتاب را تألیف‌کرده است .

ابن‌قتیبه .
(۲۱۳ — ۲۷۶ ه ق)
قضات را به‌بینید .

ابن مسکویه ، ابوعلی احمد .
(فوت ۴۲۱ ه ق)
ابوعلی احمد پسر یعقوب صاحـب کتابهای : **تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم و آداب العرب‌والفرس‌و کتاب السیاسه و کتاب‌الجامع و ترتیب‌السعادت وانس الفرید** از مردم شهری‌که بـه خدمت بزرگان سیاست چون**عضدالدولهٔ دیلمی و ابومحمد مهلبی و ابن‌عمید** رسیده و محضر بزرگان دانش چون : ابـوسهل مسیحی ، ابوریحان‌بیرونی وابن‌سینا و ابونصرعراق را نیز درك‌کرده‌وسرانجام در اصفهان بدرود زندگی‌گفت .

ابن‌مقفع ، عبدالله .
(۱۰۶ — ۱۴۲ هق)
مردی پارسی‌مجوسی‌که‌اسلام‌اختیار کرده دربصره‌مسکن‌گزید، نام‌اوازروزبه به عبدالله‌تغییر کرد ، پدرش مأمورووصول مالیات حج بود که براثر شکنجه ازیك

دست معیوب شد و به مقـفع معروف گشت. ابن‌مقفع کتابهای «الادب الکبیر» و «الادب الصغیر» و «خداینامك» را تألیف کرده است که حاوی مطالب تاریخی است .

ابن واضح .
یعقوبی را به‌بینید .

ابوالفدا ، اسماعیل بن علی.
کاشفین وسیاحان و علمای جغرافی را به‌بینید .

ابوالفضل بیهقی .
بیهقی را به‌بینید .

ابوبکر محمد پسر راوندی .
راوندی را به‌بینید .

ابوزید بلخی . احمدبن سهل.
(فوت ۳۲۲ هق)
صاحب کتابهای : **صدرالاقالیم ، تقویم البلدان ومسالك‌الممالك وكتاب البدروالتاریخ** از بزرگان فلسفه و تاریخ و جغرافی است .

ابوشامه ، شهاب‌الدین عبدالرحمن.
(۵۹۹ ــ ۶۶۵ ه ق)
عبدالرحمن پسر اسماعیل، صاحب کتاب : **الروضتین فی اخبارالدولتین** که دربارهٔ جنگهای صلیبی ووقایع ایـام زندگانی **صلاح‌الدین ایوبی وملك‌نورالدین** مدارك ارزنده‌ای به‌دست می‌دهد.

ابوطالب ، بن‌محمد بیك تبریزی .
(۱۱۶۵ ــ ۱۲۲۱ هق)
صاحب کتاب **سیر طالبی فی بلادالافرنجی** درهند به دنیا آمد، و به‌سیاحت اروپا رفت .

ابوطاهر ، مجدالدین محمد .
مجدی را به‌بینید.

ابوعلی مسکویه .
ابن‌مسکویه را به‌بینید .

ابوعمر عثمان‌منهاج الدین پسرمحـمد سراج‌الدین .
منهاج سراج را به‌بینید .

احمدبن فضلان .
(زنده‌درقرن‌سوم‌هق)
از سیاحان عرب بود که به امـر **المقتدر** خلیفهٔ عباسی با هدایایی نـزد پادشاهان‌اروپایی‌رفت‌و کتابی‌ازمشاهدات خود نوشته است .

احمد غفاری .
قاضی احمد غفاری را به‌بینید.

ادیب‌شهاب الدین‌عبدالله شیرازی.
حافظ ابرو را به‌بینید .


مارك بلوش

اراتوستن Eratosthène
(۲۸۴ ــ ۱۹۲ ق م)
منجمین را به‌بینید .

ارباب‌اصفهانی، محمدمهدی پسرمحمدرضا .
(زنده در ۱۳۰۸ ه ق)
صاحب کتاب **نصف‌جهان فی تعریف اصفهان** پدر محمد حسین ذکاء الملك که سفری به هند رفته ودر سال ۱۳۰۸ بـه تهران بازگشته است .

اسپنگلر آلمانی اسوالد . Spengler,o
(۱۸۸۰ ــ ۱۹۳۶ م)
فیلسوف و مورخ که به فلسفهٔ تاریخ و موضوعات اجتماعی بیشتر توجه‌داشته وکتابهای معروفش: «سالهای تصمیم» و «انحطاط غرب» است .

استرآبادی ، مهدی خان .
میرزا مهدی‌خان را به‌بینید .

اسفزاری ، معین‌الدین‌محمدزمچی .
(فوت۸۹۹هق)
صاحب کتاب **روضات الجنات‌فی‌اوصاف مدینة هرات**، که‌مدتها درخدمت‌سلطان ابوسعید بهادرخان‌می‌زیسته است .

اسکندر بیك، منشی ترکمان .
(۹۶۸ ــ ۱۰۴۳ هق)
صاحب کتابهای : **عالم‌آرای‌عباسی** و **ذیل‌عالم‌آرا**. ازدبیران شاه‌عباس‌اول بوده و اورا می‌توان بزرگترین مورخ عصر صفوی دانست.

افضل‌الدین‌کرمانی . ابوحامد احمد .
(زنده در ۶۱۲ هق)
صاحب کتب معروف **تاریخ افضل و عقدالعلی للموقف‌الاعلی** ، و از مردم بردسیر کرمان است .

افضل الملك ، غلامحسین بن مهدی بن ابراهیم .
تاریخ سلطنت مظفرالدین‌شاه را از سال اول جلوس، سال‌به سال نوشته است که جلد چهارم آن راجع‌به‌رجال‌درباری اطلاعات خوبی دارد .

انوشیروان ، ابن خالد .
(فوت ۵۳۲ هق)
شرف الدین ابونصرکاشانی صاحب کتاب **فتورزمان الصدور وصدورزمان الفتور** که درتاریخ سلجوقیان تنظیم‌شده وی مدتی خازن ملکشاه دوم و مـدتی وزیر سلطان محمود سلجوقی و چندی وزارت سلطان مسعود سلجوقی را داشته است .

اوسویوس .
(۲۶۳ ــ ۳۴۰ م .)
از مورخین مسیحی صاحب کتابی «تاریخ» که دربارهٔ‌ایرانیان‌نیز اطلاعاتی دارد .

اولیاءالله .
آملی محمدحسن را به بینید .

باکل . هنری توماس Buckle.
(۱۸۲۱ ــ ۱۸۶۲ م)
مورخ انگلیسی ، صاحب «تاریخ تمدن درانگلستان» که‌کتابش فوق‌العاده از نظر تحلیل مسایل موردتوجه اهل‌فن قرارگرفت .

بدلیسی ، شرف‌الدین .
(زنده در ۱۰۰۵ ه ق)
شرف الدین پسر امیر شمس‌الدین صاحب **شرفنامه** در قم متولد شد و در دربار صفوی بزرگ شد، و همواره بـه امارت به ایالات رفت ، در زمـان شاه اسماعیل‌دوم به نخجوان رفت و به**سلطان مراد اول** پناهنده‌شد وحاکم بدلیس‌شد.

بلاذری ، احمد پسر یحیی .
(فوت۲۸۴ ه ق)
صاحب کتابهای : **فتوح البلدان وانساب‌الاشراف** که در زمان **متوکل** و **مستعین** عباسی در بغداد بود وبا بیماری جنون درگذشت .

بلعمی ،ابوعلی محمد .
(متوفی‌به‌سال۳۵۳هق)
ابوعلی محمد بن محمد بلعمی ، دومین وزیر ازخاندان بلعمیان است که وزارت «عبدالملك بن‌نوح» و «ابوصالح ابن‌ابومنصوربن نوح سامانی » راداشت. ابوعلی در دانش و ادب‌مرتبتی ارجمند داشت. به‌امرمنصوربن نوح‌ترجمهٔ «تاریخ طبری» که اصل‌عربی‌آن به «تاریخ الرسل والملوك» معروف‌است ، دست‌زدواین‌کار به‌سال ۳۵۲ هجری بود .
کتاب تاریخ‌طبری‌یکی ازشاهکارهای جاویدان نثرفصیح‌دری است .

بلوش ، مارك . Bloch,M.
(۱۸۸۶ ــ ۱۹۴۴ م)
ازمورخین‌فرانسوی، فرزند **گوستاو بلوش** در سال ۱۹۱۹ میلادی استـاد کنفرانس تاریخ‌قرون وسطی دردانشکدهٔ استراسبورگ شد و در سـال ۱۹۳۶ استاد تاریخ‌اقتصادی دردانشگاه **سوربون** شد علاوه بر کتب تحلیلی در مباحث

تاریخی کتاب خاطرات او از جنگ نیز شهرت فراوان دارد .

بناکتی ، فخرالدین ابوسلیمان داود .
(فوت ۷۳۰ ه ق)

صاحب کتاب **روضة اولی الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب** و از درباریان **غازان خان** و **ابوسعید** بوده است .

بیات ، اروج بیك .
(۹۶۷ – ۱۰۱۴ ه ق)

اروج بیك پسر سلطانعلی قزلباش صاحب **خاطرات اروج بیك بیات** از مردم **کرد** که در تبریز متولد شد ، پس از مسافرت به اروپا مسیحی شد و بعد از مدتی یك نفر اسپانیایی او را کشت. خاطرات او به اسپانیایی و انگلیسی ترجمه شده است .

بیضاوی ، عبدالله عمر .
(فوت ۶۸۵ ه ق)

صاحب کتاب: **نظام التواریخ**، عالمی فقیه بوده و مدتی در تبریز شغل قضاء داشت.

بیهقی ، ابوالفضل محمد .
(۳۸۵ – ۴۷۰ ه ق)

محمد پسر حسین ازمستوفیان دربار محمود و مسعود غزنوی ، صاحب **تاریخ بیهقی** در حارث آباد بیهق از توابع سبزوار به دنیا آمد و در نیشابور تحصیل کرد و به دیوان رسایل محمود غزنوی راه یافت و در خدمت **ابونصر مشکان** مشغول شد ولی ابونصر معزول و او نیز مورد غضب قرار گرفت . بعد از مدتی کناره گیری مجدداً به خدمت گماشته شد ولی در زمان **عزالدوله** محبوس گردید و در دورهٔ **جمال الدین فرخزاد** برای بار سوم به کار دعوت شد، و از آن پس نیکو بزیست.

پروکوپیوس Procopius .
(فوت ۵۶۲ م)

منشی **بی لیزار** و یکی از مورخین بیزانسی که شرح جنگهای بیزانسی با ایرانیان و گت‌ها رامی نوشت و کتابی نیز در وصف آثار **ژوستی نین** دارد و کتابهای او بنامهای: «تاریخ زمان پروکوپیوس» و «تاریخ محرمانهٔ پروکوپیوس» .

پولوبیوس Polybius
(وفات حدود ۱۲۰ ق م)

مورخ یونانی، که تاریخ مفصلی در ۴۰ مقاله شامل کشورهای اطراف مدیترانه نوشت .

پلوتارك Plutarque
(۵۰ – ۱۲۵ م)

در آتن متولد شد و علوم زمان خود را در همان شهر آموخت و از نظر فلسفی پیرو افلاطون شد، سپس مسافرتهایی به مصر و سوریه و آسیا کرد و شرح حال بزرگانی چون: اردشیر، اسکندر ، تمیستوکلس و آژزیلاس را نوشت، چند کتاب فلسفی نیز از او بجا مانده است . (فلاسفه را به بینید)

پولینیاك ، اوگوست ژول آرماندماری.
Paliniak, J, A, A.

سیاستمداران خارجی را به بینید .

پولیب (پولیبیوس) Polybe
(۲۰۰–۱۲۵ م)

صاحب کتاب «تاریخ عمومی» از مورخین بزرگ یونان باستان.

پومپه ئوس تروگوس . Pompée
(قرن اول)

یکی از مورخان **اوگوست** امپراتور روم، وی اهل گل بود، از آثار او کتابی است در تاریخ عمومی که قسمتی از آن مربوط به **ژوستی نین** است، که تاریخی است ارزنده برای دورهٔ اشکانیان .

پیرزاد، حاج محمدعلی .
(فوت ۱۳۲۱ ه ق)

محمدعلی پسر محمداسماعیل نایینی، صاحب **سفرنامهٔ پیرزاد** از دراویش بوده که به استانبول، هند، مصر ، فرانسه ، انگلیس، اتریش و آلمان سفر کرده و در خانقاه **میرزا صفا** مدفون است .

پیرن هنری Pirenne, H.
(۱۸۶۲–۱۹۳۵ م)

از مورخان بزرگ بلژیك، او بررسی‌های فراوان در تاریخ به عمل آورد و در واقع متخصص اقتصادی و تاریخ قرون وسطی بود .

تاج سلمانی .
(زنده در ۸۷۰ ه ق)

صاحب **شمس الحسن** که ذیلی بر **ظفرنامهٔ شاهی** است، درسال ۸۱۳ به فرمان شاهرخ به طبع تاریخ خود همت گماشت .

تاسیت Tacitus.
(۵۴–۱۲۰ م)

از نویسندگان و مورخان روم که به مقام کنسولی و سناتوری در ممالك آسیا نایل شد از آثار او «تاریخ روم» را می توان نام برد .

تاسی توس ، کرنلیوس . Tasitus
(۵۰–۱۲۰ م)

صاحب کتاب «سالنامه» که یکی از کتب مهم تاریخ است، ولی متأسفانه جزیی بیشتر از آن باقی نمانده است، سالنامه از شاهکارهای ادبیات لاتین است .

تاین، هیپولیت . Taine, H .
(۱۸۲۸–۱۸۹۳ م)



ازمورخین انگلیسی ، صاحب کتاب تاریخ «آداب انگلستان» که جنسیت و مکان و زمان را سه عامل مهم بیان کنندهٔ حوادث معرفی کرده است .

تره‌زل، آلفونس . Trezel, A .
(۱۷۸۰–۱۸۶۰ م)

تره‌زل مهندس جغرافیا و منشی سفارتخانه و افسر ارتش فرانسه بود و بعدها مقامات مهمتری کسب کرد .

تره‌زل درسال ۱۸۰۷ از طرف ناپلئون همراه سرتیپ گاردان به‌عنوان منشی سفارت و معاون گاردان انتخاب شد و به ایران آمد. این هیئت مأموریت داشت دربارهٔ راههای سوق‌الجیشی ایران و امکان فراهم کردن پنجاه هزار سپاه ایرانی و جلب موافقت دولت ایران برای همکاری با دولت فرانسه در کار تسخیر هندوستان ، مطالعه و اقدام کند .



هنری‌پیرن

قسمتی از یادداشتها و نامه‌های تره‌زل که مربوط به این مسافرت است و توسط عباس اقبال به‌زبان فارسی ترجمه شده از نظر تاریخ ایران دارای اهمیت شایان توجهی است .

تریویلین ، ژرژماکولای .
Trevelyan, J, G, M .
(۱۸۷۶–۱۹۶۲ م)

از مورخین انگلیسی و استاد تاریخ دانشگاه کمبریج که بیش از ۵ دوره کتاب تاریخ مربوط به انگلیس تألیف کرده است که معروفترین آنها عبارتند از:

« تاریخ اجتماعی انگلیس » و «تاریخ انگلستان» است .



تریویلین

توسیدید Thucydide .

(۴۶۰–۳۹۵ ق م)

مورخ یونانی که ازمهمترین آثار او کتب تاریخی دنیای قدیم‌است. این کتاب



به‌زبان‌فارسی و به زبانهای دیگر ترجمه شده است . «تاریخ جنگهـای پلوپونز» از معروفترین کتب اواست که در ۸دفتر تألیف شده است .

تویسرکانی، اسماعیل.

(فوت ۱۳۱۰ ه ق)

صاحب کتاب تاریخ **فرازستان** بـه زبان‌فارسی سره که درهند چاپ‌شده.

توین بی ، آرنولد . Toynbee , A .

(متولد ۱۸۸۹ م)



توین بی

مـورخ معـروف انگلیسی ، استاد دانشگاه لندن (۱۹۱۹ –۱۹۲۴م) و مدتی‌مدیرمؤسسهٔشاهی (Royal Institu) «۱۹۲۵–۱۹۵۵م» سپس مدتها بمطالعهٔ فلسفه‌و تاریخ‌پرداخت‌و نتیجهٔاین‌مطالعات اوکتاب معروف « بررسی تاریخ» است، ازکتابهای دیگر او، کتاب «جهان، غرب زمینیها» و« درمیدان مذاهب » است .

تی‌یر ، ادولف Thiers ,A .

(۱۷۹۷–۱۸۷۷م)



مورخ وسیاستمدار فرانسوی‌که منـاصب و مشاغل مهم داشته و در سال۱۸۷۱ رییس جمهور شد، کتابهای مهم‌او عبارتند از : **تاریخ انقلاب فرانسوی** ، **تـاریخ کنسولی وامپراتوری** .



اوگوستین تی‌یر

تی‌یری ، اوگوستن . Thierry , Au .

(۱۷۹۵–۱۸۵۶ م)

مورخ‌فرانسوی‌که منشی**سنت‌سیمون** بود کـه‌کتب متعددی ازتاریخ فرانسه و انگلیس واحوال وروحیه های مردم‌قرن نوزده نوشته است .

ثعالبی ، ابومنصور عبدالملك .

(۳۵۰–۴۲۹ ه ق)

صاحب کتاب تاریخ : **غررالاخبار ملوك فرس وسیرهم** کـه بـه شاهنامهٔ ثعالبی معـروف است ، از این دانشمند پوستین دوز نیشابوری کتابهای دیگری مانند: **یتیمة‌الدهرفی‌محاسن‌اهل‌العصر** لطایف المعارف ، فقه‌اللغه ، سحرالبلاغه وسرالبراعه وچندین کـتاب دیگر باقی مانده است .

جاثلیق ، ژان .

ژان جاثلیق را به‌بینید .

جرجانی شریف‌الدین .

(وفات ۵۳۱ه ق)

صاحب « ذخیرهٔ خـوارزمشاهی » مدتی در خدمت خوارزمشاه بود ، سپس عازم‌مروشدوبقیهٔ عمررا درخدمت‌سلطان سنجربود . وقبر او درمرواست، کتابهای دیگر او عبارتست از : « درةالاخبار» و «لمعةالانوار» .

جرجی زیدان.

(۱۲۷۸–۱۳۳۲ ه ق)

مدیـر مجلهٔ (الهـلال) وصاحب تصنیفات و تألیفات فراوان ، در بیروت متولدشد وهمانجا علم آموخت ، سپس‌به مصررفت ودرآنجا **مجلهٔ الهلال**را بیست سال منتشر کرد ودرقاهره به‌سال۱۳۳۲ هجری در گذشت او دررشته های مختلف تاریخ وجغرافی ولغت وبیوگرافی‌وقیافه‌–شناسی تألیفاتی‌داردکه ازجملهٔ آنهاست: « تاریخ تمدن‌اسلامی » ، « تاریخ عرب قبل از اسلام » ، « آداب اللغةالعربیه » وغیره.

مجلهٔ‌الهلال‌سرشارازمطالب گوناگون است و کتابهایش‌تاحدی جنبه‌های تحقیق دارد. ودیگر ازآثار او ۲۲داستان‌است که اغلب به‌فارسی منتشرشده است .

جرمی ، محمدبن سلم .

(زنده درقرن سوم ه ق)

از مورخین وجغرافیادانها که کتابی در تاریـخ **روم** ، **خزر** و **بلغار** تألیف کرده است .

جعفری ، جعفر .

(زنده در ۸۵۰ ه ق)

صاحب‌کتب تاریخ : **تاریخ جعفری** و **تاریخ یزد** می‌باشد .

جلال بن‌کمال .

(متولد ۱۰۲۰ ه ق)

جلال پسرملاکمال‌پسرملاجلال‌منجم یزدی ، صاحب کـتاب **تاریخ عباسی** از منجمان و مورخان دورهٔ صفویه است .

جورجیس . ابن‌العمید .

(۶۰۱ – ۶۸۰ ه ق)

صاحب **تاریخ‌المجوس‌مبارك** مدتی نظارت امور مالی ارتش به عهده‌اش بود ولی‌به اتهام چندی در زندان بسر برده است .

جوینی ، علاء الدین عطاملك .

(۶۲۳ – ۶۸۱ ه‌ق)

صاحب تاریخ جهانگشاه مدتی به حکومت شهرها وولایات منصوب بوده و زمانی به دستور **اباقاخان** در زندان به‌سر برد.

جوینی‌از مردم‌سبزوار بودکه‌مدتها کار دیوانی داشت .

حاج ابراهیم بیك ، زین العابـدیـن مراغه‌ای .

زین‌العابدین مراغه‌یی را به بینید.

حاج‌خلیفه ، مصطفی‌بن عبدالله .

(۱۰۱۷–۱۰۶۷ه ق)

مورخ و نویسندهٔ ترك، آثارعمدهٔ او ازاین قرار است: « جامع‌المتون»مشتمل برسی‌متن ازمتون‌معتبرکه مؤلف خودبار دیگر دوازده متن‌آن‌راانتخاب کـرد و « مختصر جامع‌المتون » نامید، تقویـم التواریخ (به‌ترکی) و آن نتیجهٔ کتب تاریخ وفهرست ماانندی‌است برای‌آنها ، « جهان » (به‌ترکی)در هیئت وجغرافیا (دو نسخه) « سلم‌الوصول الی‌طبقات — الفحول » (به‌عربی) در تـرجمهٔ احوال بزرگان و« کشف الظنون » .

حافظ ابرو ، شهاب‌الدین عبدالله .

(فوت ۸۳۴ه ق)

صاحب‌کتب تاریخ: **مجمع‌التواریخ** و **زبدة التواریخ** دردستگاههـای **امیر تیمور** و **شاهرخ** و **بایسنقر** مقامی‌داشت وکتاب های او ازاسناد مهم تاریخ است.

حاکم نیشابوری ، ابوعبدالله محمد .

(۳۲۱–۴۰۵ ه ق)

معروف به **ابن‌البیع**صاحب‌کتابهای معروف**تاریخ‌علماء نیشابور**، **الصحیحان**، **العلل** ، **الامالی** ، **فواید الشیوخ** و **معرفت‌الحدیث** وبسیاری کتب دیگر از علماء وقضات نیشابور بوده‌است .

حزین، محمدعلی .

(۱۱۰۳ـ۱۱۸۱ هق)

صاحب کتابهای : تواریخ السلاطین و سوانح العمر و بسیاری دیگر ، از مردم اصفهان بود که سفرهایی به گیلان وشیراز، بندرعباس، یمن، بصره وخراسان وتهران وهندکرده است .

او زمانی در دستگاه شاه طهماسب مقرب‌می‌زیست ولی‌سرانجام‌درهندزندگی به‌سر آورد.

حسن بیگ روملو .

ازفضلا ومورخان ودانشمندان‌عصر خودکه‌دراواسط‌قرن‌دهم«احسن‌التواریخ» را تألیف ووقایع سالهای ۹۰۰ تا ۹۸۵ ه ق. سلطنت شاه طهماسب‌را با تفصیل در آن ثبت‌کرده است .

حسینی فسایی،حاج میرزاحسن .

(۱۲۳۷ـ۱۳۱۶ ه ق)

صاحب **فارسنامهٔ ناصری**، درشیراز متولد شده ودر موطن خود واصفهان به تحصیل پزشکی پرداخت .

حقایق نگار، محمدجعفرحسینی‌خورموجی.

(فوت ۱۳۰۱ ه ق)

صاحب کتاب:**حقایق‌الاخبار ناصری** در اطراف دشتستان فارس متولد شد ، مدتی درپست ریاست عدلیه خدمت کرد .

حلبی، بدرالدین ابومحمد حسن .

(۷۱۰ـ۷۷۹ ه ق)

صاحب‌کتاب : **درةالاسلاك فی‌دولة الاتراك**، درشام به‌دنیاآمد، وازشهرهای حلب وبیت‌المقدس، قاهره واسکندریه دیدن‌کرده است.

حمادالراویه، ابوالقاسم .

(فوت ۱۵۵ ه ق)

ازموالی **بنی‌بکربن‌وایل** ازراویان ادب عرب وازمتهمان به‌زندقه واعلم‌ناس درایام به‌اشعارواخبار وانساب بوده و **معلقات سبع** راگردآورده است .

حمدالله‌مستوفی .

(۶۸۰ ـ ۷۵۰ ه ق)

حمدالله پسرابی‌بکر پسرمحمدبن‌نصر مستوفی قزوینی صاحب **تاریخ گزیده**، **نزهةالقلوب وظفرنامه**که درایام جوانی به خدمت **خواجه‌رشیدالدین**بود ومدتی ولایات حکومت داشت و تا سال۷۳۶ خدمت **خواجه غیاث الدین** محمد می‌کرد .

حمزهٔ‌اصفهانی ، ابوعبدالله . حمزه.

(۲۷۰ ـ ۳۵۴ ه ق)

صاحب‌کتب:**سنی‌ملوك‌الارض والانبیاء** التصحیف ، کبارالبشر ، الامثال ، که کتاب‌اول دربارهٔ تاریخ ایران وحماسه‌های‌ملی وداستانهای معمول‌ومتداول‌بین مردم است .

حموی ،یاقوت

(۵۷۴ ـ ۶۲۶ هق)

مورخ و جغرافیادان معروف اسلامی‌درقرن‌هفتم‌که ازلغت وادبیات‌نیز اطلاع‌داشت.وی ازرونویسی‌کتابهاروزی می‌خورد تاکم‌کم همان‌تاجری‌که‌اورا از بلاد روم آورده‌بودبه اومقداری مال‌داد واورا به تجارت واداشت تا پس‌ازآن‌که وی‌درگذشت یاقوت استقلال یافت و به خراسان رفت و به تجارت مشغول شد هنگامی‌که به خوارزم‌رسید فتنهٔ چنگیز شروع شد یاقوت هرچه داشت گذاشت و به وموصل رفت وزندگی براو تنگ‌شد سپس‌به حلب‌رفت ودر محلی‌درخارج‌شهر زندگی می‌کرد تادرگذشت . مهمترین آثاراو دوکتاب معروف معجم‌البلدان و معجم الادباء است که بسیار ارجمند و مایه‌ور وپرسوداست وهموارهٔجزء منابع ومآخذ تاریخ ادبیات‌وجغرافیای اسلامی بشمار است .

خطیب بغدادی، ابوبکراحمد بن علی.

(۳۹۲ ـ ۴۶۳ هق)

مورخ معروف درغزنه متولد شده‌و دربغداد نشوونمایافت وبه مکه و بصره ودینور وکوفه سفرکرد وعلم آموخت و به بغداد بازگشت وازآنجا به شام رفت ومدتی در دمشق وصور وطرابلس وحلب اقامت‌گزید .

از مهمترین مصنفات او «تاریخ بغداد» در ۱۴ جلد است .

خلف‌احمر

(فوت ۱۸۰ هق)

خلف بن حیان فرغانی مکنی به **ابومحرز** ومعروف‌به خلف‌الاحمر مولای بلال‌بن ابی بردة بن‌ابی موسی اشعری. وی در روایت اشعار عرب بی نظیر بود .

خواجه رشیدالدین فضل‌الله .

رشیدالدین فضل‌الله را به بینید .

خواندمیر ، غیاث‌الدین .

(۸۸۰ ـ ۹۴۲ ه ق)

غیاث‌الدین پسرهمام الدین محمد پسربرهان‌الدین محمد شیرازی، صاحب کتابهای:**حبیب‌السیرفی‌اخبارافرادبشر**، **دستورالوزراء وخلاصةالاخبار** . مدتی درخدمت **امیرعلیشیر نوایی** وزمانی در وزارت **بدیع‌الزمان میرزا** و زمانی در خدمت **بابرشاه**وپسرش‌درآمد ودر**دهلی** مدفون است .

دورانت، ویل. Durant,w.

(متولد۱۸۸۵ م)

مورخ معروف معاصر آمریکا که مدتها تحت تعلیم **مورگان** وجان‌**دیویی** به تحصیلات خود ادامه داده است.

کتابهای معروف‌او: «تاریخ‌تمدن»، «تاریخ فلسفه»،«زندگی یونان»،«قیصرو مسیح»،«عصرایمان»، «عصراصلاح‌مذهب» «عصرعقل» و«قرن‌لویی‌چهاردهم» وچند کتاب دیگر است وهم‌اکنون نیز فعالانه بکار خود ادامه می‌دهد .

دولتشاه ، پسرعلاء الدوله .

(۸۴۲ ـ ۹۰۰ ه ق)

مؤلف **تذکرةالشعرا** که معاصر **امیرعلیشیر نوایی** بود .

دینوری ، ابوحنیفه احمد .

(فوت ۲۸۲ ه ق)

در حوالی کرمانشاه متولدگردید تاریخ او بنام **الاخبار الطوال** مربوط به نهضت خوارج معروف است . کتابهای دیگر او عبارتند از:**کتاب‌الجبرومقابله کتاب‌فی‌الحساب و کتاب‌الانواع وکتاب النبات .**

دیودورسیسیلی . Diodorus

(قرن اول قم)

ازمورخین یونان‌که‌ازآثارمورخین پیشین استفاده نمود و یك دورهٔ تاریخ عمومی نوشت که چندان معتبر نیست. آثاراو بیشتر مربوط به‌مسایل مهم‌جهانی درعهد **اوگوست** می‌باشد .

دهگان ، ابراهیم .

(متولد۱۳۰۷ قمری)

درخانوادهٔروستایی‌درقریهٔمرزیجران اراك متولد شد . درحوزه‌های اراك وقم درسلك طلاب بتحصیل پرداخته ودرسال



۱۳۰۷ش باعنوان دبیری در دبیرستان ملی‌صمصامی بتدریس مشغول گردید و درسال ۱۳۳۷ش بافتخار باز- نشستگی نایل آمد. تألیفات ایشان عبارتند ازعباسنامه- تاریخ صفویان- حادثهٔ‌رژی، تاریخ مهاجرین جنگ بین‌الملل‌اول - تاریخ‌ارمنستان- موسی‌خورن- تاریخ‌نو- فقه‌اللغة (گزارشنامه) - تاریخ سادات انجدان بعد از سقوط الموت - تاریخ سادات هزاوه- جغرافیای اراك‌وخرمشهر وامکنه وابسته به شیخ‌ابوعلی سینا که به چاپ رسیده‌اند وهمچنین آثار بسیاری‌هم به‌صورت‌فیش‌وجزوه‌درانتظارچاپ‌دارند.

دیوگنس لایرتیوس Diogène,l

(قرن سوم میلادی)

مورخ یونانی متولد درلایرتیوس‌در سیسیل مؤلف تذکرهٔ فلاسفه‌که در آن اطلاعات ذیقیمتی‌مندرج‌است .

دیون‌کاسیوس Dion.

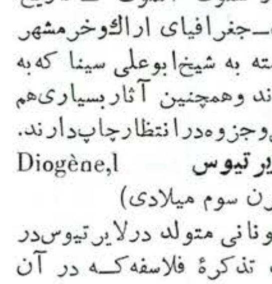
(۱۵۵ - ۲۳۵ م)

مورخ‌کتابی‌بنام«تاریخ‌رومی» به‌زبان یونانی نوشته که امروزه نیز سودمند است .

ذکاءالملك، میرزاحسین‌فروغی .

(۱۲۵۵ -۱۳۲۵ ه ق)

پسرآقا محمد مهدی ارباب در اصفهان به دنیا آمد ، پس از تحصیلات



مقدماتی به عراق رفت و در باز گشت در ایران اقامت‌گزید وبه امر **ناصرالدین شاه** لقب **ذکاءالملك** بوی داده شد .

در تاریخ ساسانیان « کلبهٔ هندی وژرژانگلیسی » ، «کتب عشق و عفت » «ریحانةالافکار» از تألیفات ایشان‌است و در انتشار نامهٔ دانشجو نیز همکاری،

لئوپولدرانکه

نزدیك داشت .

ذهبی ، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمد .

(۶۷۲ - ۷۴۸ ه ق)

صاحب‌کتاب « تاریخ دول الاسلام» مسافرتهایی به‌شام، بعلبك،حلب،اسکندریه، مکه ، و قاهره کرده‌وبه شام مراجعت و درآنجا درگذشته است .

رابینو، ه . ل Rabino,H,L

(فوت ۱۹۵۰ م)

پسر**رابینوی**بزرگ که‌اصلاً ایتالیایی بود و سپس‌به تابعیت انگلستان‌درآمد. وی سالیان دراز رییس بانك شاهنشاهی ایران (بانك انگلیس) در تهران بود. رابینودرخدمت کنسول‌انگلیس داخل‌شد و مدتی در رشت‌بود. او ظاهراً درایران متولد شده وعلاقهٔ بسیار به‌علوم وآداب و معارف ایرانی داشت. رابینو در۱۹۱۲ نمایندهٔ کنسول انگلیس در مراکش‌شد و سالهادرآن کشورماندو بعدهادر کنسولگری انگلیس‌در**ازمیر** مشغول‌خدمت بودو کتاب معروف خود رابه‌اسم«سفرنامهٔ مازندران و استرآباد»در همانجادراواخر۱۹۲۵م بپایان رسانید. چندی در وزارت‌خارجهٔ انگلیس درلندن‌کار کرد ومدتی‌نیزمأمور کنسولگری انگلیس درنیس (فرانسه) بود. در اثنای جنگ جهانی دوم‌هنگامی که‌فرانسه به‌دست مارشال‌پتن‌تسلیم آلمان شد و انگلیسیان ازفرانسه بیرون‌رفتند، اوهم ازنیس‌به‌لندن‌رفت وبقیهٔ‌عمرخود- را در آنجاگذرانده . ازآثار دیگر او «سکه‌ها ونشانهای پادشاهان ایران» از طرف بانك ملی ایران‌طبع‌شده، «فهرست نمایندگان سیاسی وکنسولی انگلیس در ایران» از طرف وزارت خارجهٔ ایران بچاپ رسیده است .

رازی ، احمدبن محمد .

(فوت ۳۳۴ هق)

مورخ اندلس ، صاحب تاریخ«ملوك- الاندلس»وکتاب«فی‌صفةقرطبه» و« کتاب الاستیعاب» .

رامبو ، آلفردنیکولا . Rambaud,A

سیاستمداران خارجی را به‌بینید.

رانکه ، لئوپولدفون . Ranke,L

(۱۷۹۵ - ۱۸۸۶ م)

صاحب‌کتاب معروف ، **تاریخ پاپها** از مورخین معروف‌آلمانی است که‌استاد تاریخ دانشگاه برلین بود .

راوندی ، محمد .

(قرن ششم هق)

محمدپسرعلی پسر سلیمان‌راوندی، صاحب‌کتاب **راحةالصدور وآیةالسرور** از مردم **راوند** که‌به دربارسلطان**طغرل** وغیاث‌الدین کیخسرو رسیده است .

رشیدالدین فضل‌الله .

(۶۴۵-۷۱۸هق)

فضل‌الله پسرعمادالدوله‌ابوالخیری، در زمان**غازان خان** به وزارت رسید وتا سلطنت ابوسعید درصدارت بود او به‌امر غازان وبه همکاری‌گروهی‌از علماء عصر به تدوین **جامع‌التواریخ**پرداخت.

رشیدالدین به‌دستورابوسعیدسه‌شقه‌شد.

رفعت ، محمد عباس .

(فوت ۱۳۰۷ ه ق)

محمد عباس پسر محمد همدانی ، صاحب‌کتاب : **باغ‌چهار چمن در تاریخ دکن‌وعمدة‌الاخبار**(تاریخ‌مکه) **وسلطان نامه**، از مردم همدان‌که به هند وکلکته سفرکرده است .

روان شارل Rollin,ch

(۱۶۶۱ - ۱۷۴۱ م)

بشردوست و مورخ فرانسوی‌رییس دانشگاه ، مؤلف بحث‌تتبعات قدیم‌تاریخ رومی است .

رنان ژوزف ارنست . Renan,J,E.

(۱۸۲۳ - ۱۸۹۲ هق)

درآغاز به‌تحصیلات‌علوم‌ادبی‌پرداخت آشنایی او با**برتوله** اورا به علوم‌طبیعی کشانید ، در فلسفه دکتری‌گرفت سپس دکترای ادبیات‌گرفت وبه استادی**کولژ دوفرانس** رسید، ولی بیش از یك‌جلسه نتوانست درس بگویدو به‌علت عقایدخاص خود معزول شد . در سال ۱۸۷۸م به- عضویت آکادمی‌فرانسه نایل‌آمد. کتابهای متعددی‌ازجمله: **آیندهٔ‌علم**، تاریخ‌مبادی مسیحیت ، رفورم‌عقلانی واخلاقی، تاریخ عمومی زبانهای سامی ملت‌بنی‌اسرایل‌و خاطرات‌کودکی وجوانی می‌باشند .

توجه او بیشتر به تاریخ بود .

روبرتسون ، ویلیام . Robertson.W

(۱۷۲۱ - ۱۷۹۳ ه ق)

مورخ انگلیسی و مطلع ازمبادی اسلامی‌درآداب‌واخلاق‌مسلمانان‌مطالعاتی کرده و نتیجهٔ‌آنهارا به‌رشتهٔ تحریردر- آورده است.

روملو، حسن بیگ .

حسن بیگ را به‌بینید.

زرکوب ، فخرالدین ابوالعباس احمد بن ابی‌الخیر شیرازی .
(زنده در ۷۴۴ هـ ق)
صاحب «شیرازنامه» و «عمدة التواریخ» از مورخین عصر **آل اینجو** .

زعیم‌الدوله، دکتر میرزا محمدمهدی‌خان.
(فوت ۱۳۲۳ هـ ق)
مقیم قاهره و مؤلف تاریخ «مفتاح باب‌الابواب» در تاریخ باب و بابیه و بهائیه و ازلیه به‌عربی .

زین‌العابدین مراغه‌یی، حاج ابراهیم بیگ، از آزادیخواهان معروف. وی مؤلف کتاب «سیاحتنامهٔ ابراهیم‌بیگ» است که به‌غلط بنام **حکمت** مدیر روزنامهٔ اختر (چاپ استانبول) شهرت یافته است .

ژان . Jean
(قرن ۱۲ م)
مورخ فرانسوی آثار تاریخی بسیار به زبان لاتینی دارد .

ژان ، جانلیق . Jean
(فوت ۱۹۲۵ م)
مورخ ارمنی تاریخ ارمنستان را به‌روایت موسی **خورنی** و **الیزه** و مورخان دیگر نوشته است .

ژرمن . الکساندر شارل . Germain
(۱۸۰۹ – ۱۸۸۷م)
مورخ فرانسوی آثار تاریخی بسیار بجای گذاشته است .

سائح ، علی‌بن‌ابوبکر
(فوت ۶۱۱هق)
معروف به **ابوالحسن** درموصل متولد شد و در حلب اقامت کرد . او سفرهای بسیار کرد بهمین‌جهت به سائح شهرت یافته. ازاوست : «الاشارات فی‌معرفة الزیارات» و «الخطب الهرویة».

ساباتیه . Sabatier,P
(۱۸۵۸ – ۱۹۲۸م)
مورخ فرانسوی ابتدا کشیش بود و سپس عمر خود را وقف تتبع و تحقیق در تاریخ مذهب **فرانسیسکن** کرد و کتب متعدد دراین‌باب انتشار داد .

سابلیکوس ،(مارکانتونیو کوکچیو). Sabellicus .
(۱۴۳۶ – ۱۵۰۶م)
مشهـور به **مارکوس آنتونیوس** مورخ و بشر دوست ایتالیایی آثار متعدد از او بیادگار مانده که از آن جمله است: «تاریخ ونیز» در ۲۲ جلد، مجموعهٔ کامل آثار او به‌سال ۱۵۶۰ درشهر بال منتشر شده است .

سارتون ، جرج . Sarton
(۱۸۸۴–۱۹۵۷م)
دانشمند آمریکایی دانشگاه **کنت** را بپایان‌رسانید، استاد تاریخ علوم در دانشگاه **هاروارد** بود ، ونیز در تحقیقات مربوط به تاریخ علوم در مؤسسهٔ **کارنگی** شرکت داشت و تا پایان عمر رییس اتحادیهٔ بین‌المللی تاریخ علوم، رییس افتخاری انجمن تاریخ علوم آمریکا ، عضو افتخاری انجمنهای تاریخ علوم بلژیك و هلند و آلمان و ایتالیا و سوئد بود و از دانشگاههای **براون، هاروارد ، گوته و شیکاگو** درجهٔ دکترای افتخاری داشت. وی مصنف دورهٔ کتاب «مدخل تاریخ علوم» و «تاریخ علم» (۲ جلد) و ناشر نشریات ایزیس (۴۳ جلد ۱۹۱۳ – ۱۹۵۲ م .) و ازیریس (۱۰ جلد ۱۹۳۶ – ۱۹۵۰ م .) بود. ۵۳ جلد اخیر مهمترین مجموعهٔ مباحث انتقادی است که تاکنون درباب تاریخ علوم انتشار یافته است .

ساگنا ، فیلیپ . Sagnac,Ph
(۱۷۶۸ – ۱۹۵۴م)
از مورخین بزرگ فرانسه و استاد دانشگاه **سوربون** بود .

سایکس ، سرپرسی مولسورث ، Sykes, PM
سیاستمداران خارجی را به‌بینید.

سپهر ، محمد تقی‌پسر محمدعلی.
(۱۲۱۶ –۱۲۹۷ هـ ق)
معروف به‌لسان‌الملك‌سپهر، ازمردم کاشان، درآغاز به‌خدمت دیوانی به‌دربار فتحعلیشاه وارد شد و درزمان **محمد شاه** مأمور تدوین‌یك دورهٔ تاریخ‌عالم گردید، اگرچه با مرگ محمدشاه مـدتی کارش تعطیل‌شدولی‌درزمان ناصرالدین‌شاه مجدداً به‌تهران دعوت شد و به ادامهٔ کارش‌مشغول شد و درسال **۱۲۷۴** به‌اتمام آن نایل‌آمد ولقب لسان‌الملك گرفت، کتاب او: «ناسخ‌التواریخ» است .


محمدتقی‌سپهر

سخاوی، محمدبن‌عبدالرحمن .
(۸۳۱ – ۹۰۲ هـ ق)
مورخ وعالم حدیث و تفسیر وادب اصل او از سخا (مصر) و مولد اوقاهره و محل وفات وی مکه است . مدتی‌دراز دربلاد مختلف‌مسافرت‌کرد وقریب **۲۰۰** کتاب تألیف نموده که‌عده‌ای ازآنهـا را ذکر می‌کنیم: درباب دوقرن هشتم ونهم «تاریخ‌المدینتین» ، «التاریخ‌المحیط» ، «طبقات‌المالکیة» ، «تلخیص تاریخ‌الیمن» الرحلة‌المکینة» ،

سرابی . حسین‌بن‌عبدالله .
(زنده در ۱۲۷۶ هق)
اصلا از مردم تبریز است که‌درسال **۱۲۶۷** به‌عنوان منشی سفارت به پطرزبورگ رفته‌پس ازبازگشت به تهران به مأموریت همراه **فرخ‌خان امین الدوله** به‌اروپا رفت . وی پس از این‌مأموریت شرح حوادث مسافرت هیئت را درکتابی بنام **مخزن‌الوقایع** تنظیم کرده که اخیراً چاپ شده است .

سعادت بوشهری ، شیخ محمد حسین .
(۱۲۸۲ – ۱۳۵۴ ق) .
مؤلف‌کتاب «تاریخ مختصر ایران» ازفرهنگیان‌ایران بودکه مدتی‌درمدرسهٔ سعادت **بوشهر** معلم و مدیر بود ودرسال **۱۳۴۲** به نمایندگی لارستان به مجلس رفت ودرشیراز وفات یافت .

سمرقندی ،کمال‌الدین عبدالرزاق .
کمال‌الدین عبدالرزاق را به‌بینید.

سمعانی، ابوسعید عبدالکریم‌تاج‌الاسلام.
(۵۰۶–۵۶۲هق)
از مردم **مرو** که مدتی طولانی ازعمر خود رادرسفرگذرانید وسرانجام‌به شهر خود مراجعت ودرآنجا وفات یافت. وی کتاب بزرگی‌درشرح‌احوال‌وآثارمشاهیر شامل اطلاعات تاریخی و جغرافیایی‌بنام **کتاب‌الانساب** وکتابی‌دیگر بنام **تاریخ‌مرو** تألیف‌کرده است .

سمهودی ، ابوالحسن نورالدین علی – بن‌احمد .
در ساحل نیل به‌دنیاآمد. درقاهره ومکه تحصیل‌کرد در مدینه بتـدریس مشغول‌گردید . وی مؤلـف‌کتابی بنـام **الوفا باخبار دارالمصطفی** می‌باشد کـه «خلاصة‌الوفا» تلخیصی ازآن است .

سیفی‌هروی ، سیف‌بن‌محمدبن‌یعقوب .
(زنده در ۷۲۹ هـ ق)
مؤلف‌کتاب تاریخ «نامهٔ هرات» و «سام نامه» در شرح آل‌کرت‌که قسمتی‌از کتاب نامهٔ هرات تاکنون چاپ‌شده‌است.

سیکولوس ، دیودورس. Siculus,D
(قرن اول ق م)
از مورخین یونانی زمان **اسکندر** است که ازکتابهای‌متعدداو،**۲۱** جلدتاریخ

بجا مانده است .

سیلی ؛ جان رابرت Seeley,J,R.

(۱۸۳۴ — ۱۸۹۰م)

از مورخین و محققین بزرگ است که دردانشگاه **کمبریج** تاریخ‌جدیدتدریس می‌کرد وکتاب معروف‌او : «رشدسیاست انگلیس» و«درانقلاب‌ضدناپلئونی»است.

شامی ، نظام‌الدین .

نظام‌الدین شامی‌را به‌بینید.

شرف‌الدین علی یزدی.

(متوفی به‌سال ۸۵۸)

معروفترین نویسندهٔ‌قرن‌نهم‌شرف‌الدین علی‌یزدی ، متخلص به «شرف»قدرت قلم وهنر نویسندگی خودرادرکتاب خودبنام «ظفرنامهٔ تیموری» بخرج داده وحوادث امپراتوری تیموری را تاسال ۸۲۸ بـا مطالعهٔ «ظفرنامهٔ شاهی» واوراق وقـایع روز بانثری متین وادیبانه درآن‌تألیف، درج کرده .

این مورخ ادیب درشعر ومعما نیز دست‌داشت‌وکتابی به‌عنوان «حلل‌مطرز» درفن معما و لغزوکتابی درعلم اعـداد دارد .

شرف الدین چندی ملازم شاهرخ- ابن‌تیمور و مدتی نیز مصاحب فرزندش ابراهیم سلطان فرمانفرمای فارس بودو تاریخ خودرا بخواهش و یـاری همین شاهزاده‌درشیراز نوشت هنگامیکه سلطان محمد بن بایسنقربن شاهرخ عصیان کرد شرف هم متأسفانه ندیم او بود وبه‌اتهام اغوای امیرزاده ، شاهرخ‌امر بکشتن او داد . دراین حال میرزا عبداللطیف نوهٔ دیگر شاهرخ در شفاعت مولانا کوششی مردانه کرد واورا نجات بخشید . تـا خود در سال ۸۵۸ در مدرسهٔ شرفیهٔ‌یزد وفات یافت .

شرف‌الدین ، فضل‌الله‌حسینی‌قزوینی.

(۶۶۰-۷۴۰ هق)

صاحب‌کتاب **المعجم‌فی آثارملوک- العجم** مدتی دردستگاه وزرای ایلخانان مغول و مدتی هم در دربار **نصرةالدین احمدلر**می‌زیست .

شطرنجی .

صولی را به‌بینید .

شهاب‌الدین‌عبدالله.

ادیب‌شهاب‌الدین‌را به‌بینید .

شهاب‌الدین عبدالله ، پسر زین الدین لطف‌الله ، معروف به حافظ**ابرو** .

حافظ ابرورا به بینید .

شهاوری.عبدالکریم‌بن‌علی‌الرضاالشریف شهاوری شیرازی

(زنده در۱۲۲۶ هق)

از مورخین‌ایران‌که‌تا سال ۱۲۰۶ در خدمت **لطفعلی خان‌زند** بود وبعد به اردوی **آغا محمدخان**رفته. در زمان **فتحعلی‌شاه** مأمور تألیف‌کتابی در تاریخ عالم شدکه بنام **زینت التواریخ**مشهور شد .

شهرستانی . ابوالفتح محمد بن — عبدالکریم

(۴۷۹ — ۵۴۸ ه ق)

درخراسان متولد وتحصیلات‌خودرا درنیشابور، خوارزم‌وبغداد بپایان‌رسانید وبه زادگاه خود برگشت وگویا مذهب اسمعیلی‌داشت،کتاب **اوالملل‌والنحل** در شرح‌افکار وعقاید و مـذاهب در میـان کتابهای آن زمان بی مانند است. این کتاب به زبان عربی بوده وافضل الدین محمد صدرترکه اصفهانی‌آن‌را به‌فارسی وهاربروکر(Harbruker)آنرابه‌آلمانی ترجمه‌کرد .

شیرازی ، محمد رضا .

محمدرضا شیرازی را به بینید .

شیروانی، حاج‌زین‌العابدین بن‌اسکندر

(۱۱۹۴-۱۲۵۳ ه ق)

درشماخی متولد وبه کربلا رفت و دوازده سال‌درآنجابه‌تحصیل‌اشتغال‌داشته سپس به سیاحت پرداخت واز عـراق ، مازندران ،گیلان ، آذربایجان، قفقاز، خراسان، هرات،کابل ، بلاد هند،کشمیر بدخشان ، عمان ، یمن ، حبشه، وحجاز دیدن‌کرد وپس ازبرگزاری مراسم حج به عراق وشام وآسیای صغیروارمنستان رفته واز راه آذربایجان به‌تهران‌آمد و ازآنجا عازم همدان واصفهان وفارس و کرمان‌شد.کتاب**بستان السیاحة**اودرشرح احوال رجال وبلاد و اماکن ومذاهب و فرق نوشته‌که چاپ شده است .

صابی، ابوالحسن هلال پسرابراهیم پسر هلال .

(وفات ۴۴۸ هق)

صاحب‌کتاب**تحفةالامراء فی‌تاریخ الوزراء** ازمورخین دورهٔ آل‌بویه بوده است .

صدرالدین نیشابوری ، ابـوالحسن علی‌بن ناصربن علی‌الحسین .

(۵۷۵-۶۲۲ ه ق)

صاحب کتاب **زبدة التواریخ** از مدرسین حوزهٔ نیشابور بودوکتابش‌تحت عنوان : «اخبارالـدولة السلجوقیه» بچاپ رسیده است .

صدیق‌الممالک-ابراهیم‌بن‌اسدالله‌شیبانی

(۱۲۵۷-۱۳۲۷ ه ق)

صاحب کـتاب **منتخب التواریخ مظفری** از مـردم کاشان بود وبه طریقهٔ نعمت‌اللهی‌گردن نهاده ودر کاشان وفات یافته‌است.

صفدی ، نابلسی .

(قرن۷ ه ق)

سلطان صالح نجم‌الدین ایوبویرا به‌کتابت‌گرفت‌وبه‌سال ۶۴۱ ه ق . اورا فرمود تادرتاریخ فیوم‌کتابی بنگاردواو کتابی بنام «تاریخ الفیوم وبلاده»تألیف کردکه چاپ شده است.

صلاح‌الدین صفدی ، خلیل‌بن آیبك .

(۶۹۴-۷۶۴ه ق)

ازمورخین و نویسندگان عرب‌که‌در دمشق بتحصیل پرداخت ودرفن‌رسم‌ماهر گشت ، وی را درحدود۲۰۰ تألیف‌است ازآن جمله : «الوافی بالوفیات»کـه کتابی بزرگ‌درشرح حال بزرگان‌است.

صولی ، ابوبکر محمدبن یحیی .

(فوت — ۳۳۵ ه ق)

معلم‌پسر **مقتدر** خلیفهٔ عباسی‌بودو آن‌پسربنام**راضی**خلیفه‌شد وصولی‌خدمت اورا نیزمی‌کرد . وی پس‌ازمرگ‌راضی ازدربارکناره‌گرفت وبه عنوان‌هواداری علی (ع) موردتعقیب‌قرارگرفت،بالاخره فراری شد ودر بصره در گذشت . **کتاب اخبار القرامطه و تاریخ عباسیان** از کار های برجستهٔ تاریخی اوست.صولـی بعلت‌ممارست‌دربازی شطرنج به‌شطرنجی نیزمعروفست .

ضرابی ، میرزا عبدالـرحیم بن‌محمد ابراهیم‌بن صادق‌کاشانی .

(زنده ۱۲۹۴ه ق)

صاحب‌کتاب« مرآت‌القاسان»مدتی درکاشان بکار دیوانی اشتغال داشت .

طبری ، ابوجعفر محمدبن جریر.

(۲۲۴-۳۱۰ ه ق)

ازمورخین بزرگ وصاحب‌تاریخ و تفسیرطبری ازمردم‌آمل بودکـه پس از

مسافرتهای متعدد در بغداد به تدریس مشغول شد تاریخ طبری به **تاریخ الامم والملوك** نیزمعروف است که بلعمی آنرا به فارسی ونلدکه (Noeldeke) آنرا به آلمانی ترجمه کرده است، تاریخ وتفسیر طبری هردو چاپ شده است .

ظل السلطان ، شاهزاده مسعود میرزا بن ناصرالدینشاه .
(متولد ۱۲۶۶هق)
غالباً حکومت نقاط مختلف را داشته و متصدی مشاغل دولتی بوده وبه شکار و سفر عشق میورزیده ولی سوادش به معلومات ابتدایی محدود بوده است.
درسال ۱۳۲۵ خاطرات ویادداشتهای خود را در کتابی بنام **تاریخ مسعودی** فراهم آورده که چاپ شده است.

ظهیرالدین مرعشی ، ابن نصیرالدین .
(۸۱۵ - ۸۹۲ ه ق)
مورخ معروف که پدران وی در مازندران حکومت داشته‌اند و هنگامی که پدرش به گیلان فرارکرد، او پنجساله بود . ظهیرالدین درسال ۸۷۸ ه ق. از جانب **کارکیا علی میرزا** به سپهسالاری ولایت گرگان منصوب گردید و تا آخر عمر در آن منصب باقی بود . ازآثار اوست: **تاریخ گیلان و دیلمستان، تاریخ طبرستان ورویان و مازندران** (ه . م .) **تاریخ جرجان و ری** که بدو نسبت می‌دهند ، دیوان شعر (بعضی از اشعارش در تاریخ طبرستان وگیلان نقل شده وقریحه‌ای متوسط داشته.) در تاریخ گیلان وطبرستان وقایع تاسال ۸۸۱ دنبال می‌شود ولی تاریخ وقایع سالهای ۸۸۲ به بعد را تا ۸۹۴ به آخر کتاب افزوده‌اند وازاینجا بعضی حدس میزنند که او تااین سال زنده بود . وی مورخی است صادق ورعایت انصاف نموده و مدارك خود را یادکرده است .

ظهیرالدین نیشابوری .
(فوت ۵۸۲ ه ق)
صاحب **سلجوقنامه** از مورخین با- انصاف و واقع‌بین بوده که سمت معلمی **ارسلان و مسعود** از شاهان سلجوقی را داشته است .

عبدالرزاق سمرقندی .
سمرقندی را به‌بینید .

عتبی ، ابوالحسن محمدبن عبدالجبار.
(فوت ۴۲۶ ه ق)
صاحب **تاریخ یمینی** که کتابش وسیلهٔ **ابوالشرف ناصر بن ظفر گلپایگانی وحبیب‌الدین‌محمد وعلی بن موسی تبریزی** (ثقةالاسلام) به فارسی ترجمه شده‌است، عتبی مدتی در دستگاه **ابوعلی سیمجور** و دولت غزنویان سرکرده است و خود نیزمدتی والی نیشابور بوده است .

عطاملك جوینی .
جوینی را به‌بینید .

عمادالدین ابوعبدالله محمد .
کاتب اصفهانی را به‌بینید .

عوفی . نورالدین محمدبن یحیی.
(زنده در ۶۳۰ ه ق)
صاحب «لباب‌الالباب» و« جوامع الحکایات و لوامع الروایات» اصلاً از مردم بخارا که به سال ۵۹۷ درسمرقند، از زمان حکومت قلچ‌ارسلان رییس دیوان رسایل بود . مولد اصلی عوفی دربخارا بود ولی به هندوستان نیز سفری‌کرده وتا سال ۶۲۵ هجری‌قمری نزد **ناصرالدین قباجه** بود .

علوی . ابوالمعالی محمدبن عبید الله ابن‌حسن.
(زنده در ۴۸۵هق)
صاحب‌کتاب «بیان‌الادیان» ازمردم بلخ بودکه به غزنین نیز سفر کرده و ناصرخسرو را نیز دیده و او را ملعون خوانده است .

عضدالدوله، احمدمیرزا بن فتحعلیشاه.
شاهزادهٔ قاجاری و از رجال‌القرن ۱۳ ه . وی پدر سپهسالار وجیه الدوله میرزا و«مؤلف تاریخ عضدی» است .

عمادالدوله ، وحید قزوینی .
وحید قزوینی را به‌بینید .

عینی ، بدرالدین‌محمودبن احمد .
(۷۶ - ۸۵۵ ه ق)
از مردم شام که در جوانی معاون حاکم عتبات بود مدتی هم در سوریه و حجاز به سیاحت پرداخت سپس روانهٔ بیت‌المقدس و مصر شد و درقاهره مدتی در شغل دیوانی خدمت کرد وبعد معزول و محبوس گردید . بعد ازاستخلاص به تدریس پرداخت . چندی‌هم به‌سفارت به دربار روم شرقی‌رفت ودر بازگشت‌قاضی وناظر اوقاف شد،پس ازعزل گوشه گیری انتخاب کرد .وی کتابی‌بنام: **عقدالجمان فی تاریخ اهل‌الزمان** وکتابی درتاریخ ایام سلطان ملك مؤید بنام **الجوهره** نوشته است .

غفاری،قاضی‌احمدبن محمدبن نجم‌الدین غفاری قزوینی .
(فوت ۹۷۵ ه ق)
صاحب «جهان‌آرا » مدتی‌قاضی‌ری بود وچندی نیز به سیر وسیاحت عمر گذرانید و کتاب «نگارستان» را در **دیبول** هندوستان تألیف‌کرده‌است.

فرود . جیمزآنتونی . Froude,j,A
(۱۸۱۸ - ۱۸۹۴ م)
مورخ انگلیسی واستاد تاریخ‌جدید در اکسفوردکه مهمترین اثر او «تاریخ انگلیس» در دوازده جلداست .

فرشته ، حکیم محمد قاسم بن غلامعلی استرآبادی .
(۹۶۰-۱۰۲۲ هق)
صاحب کتاب «گلشن ابراهیمی» معروف به **هندوشاه**طبیب دربارابراهیم عادلشاه‌بود، کتاب دیگراو**دستورالاطباء** است‌که هردو چاپ‌شده‌اند .

فرصت شیرازی ، سیدمیرزامحمدنصیر.
(فوت ۱۳۳۸ هق)
معروف به **میرزا فرصت** و **میرزا آقا**،صاحب‌کتاب«آثارالعجم»ازدانشمندان معروف عصر خود بود ، آثاردیگراو : «محورالالحان»درموسیقی‌و«اشکال‌المیزان» درمعانی‌وبیان و«دریای‌کبیر» است .

فروغی ، محمدحسین .
ذکاءالملك‌را به‌بینید.

فصیح خوافی ، فصیح‌الدین احمد.
(زنده ۷۷۷ - ۸۴۵ هق)
صاحب تاریخی‌درزمینه‌های مختلف قرن ۸ و ۹ هجری قمری .
فصیح‌خوافی درخدمت**امیرشاهرخ گورکانی** و بایسنقر با سمت منشی بود.
کتاب او به زبان فارسی‌درسه جلد به‌چاپ‌رسیده است .

فضل‌الله بن‌روزبهان .
صاحب‌کتاب تاریخ « عالم آرای امینی» اصلا از مردم شیراز است.
فضل‌الله سفرهایی به مکه ، مصر ، شام وعراق‌کرده ومدتی نیز درخدمت **سلطان یعقوب**آق‌قویونلوبسربرده‌است .
کتاب دیگر او **مهمان نامهٔ بخارا** است‌که در مورد امرای شیبانی‌اطلاعات جالبی داده است .

فلاویوس ، ژزف . Flavius,j
(۳۷ - ۹۵ ه ق)
مورخ یهودی پس‌از اتمام‌تحصیلات

عالی در عبری و یونانی برای دفاع بعض روحانیان یهود بهروم رفت وبعد درموقع جنگ وسپاسیان سردار روم بـا یهود تسلیم شد . او چون پیش بینی کرده بود که وسپاسیانوپسر او تیتوس امپراتوران روم خواهند شد ، وچنین هم شد ، مورد توجه مخصوص دو امپراتور مزبور گردید. تیتوس پس از تسخیر بیت المقدس تمام کتب مذهبی را بهاختیاراو گذاشت واوسنوات آخر عمرخود را در دربار روم گذرانده کتبی راجع به تاریخ یهود وخـراب شدن اورشلیم نوشت .

فلسفی ، نصرالله .

(متولد ۱۲۸۰ هش)

از مورخان معاصر ایران و کتاب معروفش **زندگانی شاه عباس اول** است.



نصرالله فلسفی

فلوروس . Florus

مورخ لاتینی آخر قرن اول میلادی. وی تاریخ روم را تألیف کرده ، نوشتهٔ او بسیار فشرده و مختصر ولی محققانـه میباشد .

فن . بارن فرانسوا . Fain,F,B

(۱۷۷۸ — ۱۸۳۷م)

مـــورخ فـرانسوی وی منشی نـاپلئـون بناپارت بود وازخودیاد ــ داشتهـای سودمندیبجا گذاشته که درحکم اسناد تاریخی زمان ویبشمارمیرود.



فبور ، لوسین . Febvre,L.

(۱۸۷۸—۱۹۵۶م)

از مورخین معروف فـرانسه ، در کتابهای او بیشتربه جنبهٔ منطقهٔعلم تاریخ توجه شده و تحلیل او از حوادث قابل استفاده است .

لوسین فبور

فیلون ، یهودی Philolaus

(در قرن ۲ م)

او اصلا فنیقی بود ، ولیچون بعدها یونانی شد،تألیفات خودرا بهزبان یونانی نوشت . کتاب او راجع به تاریخ فنیقیه است و بهاسم یکی از حکماء قدیم فنیقیه **سانخونیاتن** نام دارد. منابع این کتاب بومی است و در زمان آدریان امپراتور روم جمع آوری شـده ، ازکتاب او فقط قسمتهایی بهما رسیده است .

قاضی احمدقمی .

قمی را بهبینید .

قرطبی ، احمدبن محمد رازی.

(متولد ۲۷۲ هق)

صاحب کتاب معروف «کتاب فی اخبار ملوك الاندلس وکتا بهم وخططهم) فرزند یکی از ادبای معروف ری بود .

قرمانی ، ابوالعباس احمدبن سنان

(فوت ۱۰۱۹ هق)

ادیب و مـورخ اسلامی اوراست : کتاباخبارالدول وآثارالاول، درتاریخ دول اسلامی .

قفطی ، جمال الدین ابوالحسن علی.

(۵۶۰ —۶۴۶ هق)

از مورخین و وزرای قرن ۶ و۷ هجری قمری کـه کـتابهای معروف او : **اخبارالمصر**، درتاریخ صلاح الدین ایوبی، **اخبار المغرب** ، **تاریخ الیمن** ، **تاریخ محمودبن سبکتکین** ، **تاریخ سلجوقیه و تاریخ الحکماء و کتاب الاستئناس فی تاریخ آل مرواس** .

قمی ، قاضی احمد .

(زنده در سال ۱۰۰۱)

از نویسندگـان و مورخین زمـان صفوی که کتابی دارد بهنام **خلاصة التواریخ** درتاریخ صفویان که قسمتی ازآن به آلمانی ترجمه یافته است .

قمی ، حسن بن محمدبن حسن قمی شیبانی .

(زنده درسال ۳۷۸ هق)

در دستگاه صاحب بـن عباد بوده و کتابی در **تاریخ قم** بهزبان عربی نوشته در بیست باب که فقط پنج باب آن ترجمه شده این ترجمه وسیلهٔ **حسن بن علی بن حسن بن عبدالملك قمی** انجام گرفته است .

کاتب اصفهانی . عمادالدین ابوعبدالله محمد .

(۵۱۹—۵۹۸ هق)

از مورخین ایرانی ؛ تألیفات مهم او عبارتند : **الفتح القسی فی فتح القدسی** در بارهٔ جنگهای صلیبی، **نصرة الفتره وعصرة الفطره** دربارهٔ سلجوقیان، **البرق الشامی** مربوط بهزمان ملك عادل وصلاح الدین ایوبی .

کاتب یزدی ، احمدبن حسین .

صاحب **تاریخ جدید یزد** که مدتی در خدمت **امیرجهانشاه** قرهقویونلو بوده است .

کارلایل ، توماس Carlayle,T.

(۱۷۹۵—۱۸۸۱م)

مورخ معروف اسکاتلندی که بهزبان عربی آشنایی کامل داشت واستادزبان مزبور درکمبریج بوده از آثـار معروف او : **انقلاب فرانسه** ، **قهرمانان و طریقت قهرمانی** ، **گذشته و حال** ، **الیور ــ کرمول** ، **زندگانی فردریك کبیر** .

کازانوا . Casanova,P .

(متولد ۱۹۲۶ م)

از دانشمندان فرانسویست که در تاریخ و فرهنگ مصر تحقیقات فراوان بعمل آورده است از آثار اوست: **تاریخ و توصیف قلعهٔ قاهره**، ترجمهٔ کتاب الخطط مقریزی(مجلدسوم وچهارم ۱۹۰۶-۱۹۲۰م) **اساطیر فلکی اعراب ومصریان** ، **عقاید باطنی فاطمیان مصر**، **متن قبطی از قرن هشتم**، و چند اثر دیگر

کتزیاس . Ctésias

(قرن ۴ و ۵ ق م)

از مردم یونان که چندی در ایران بسر برد وازآثاراو «تاریخ ایران» «تاریخ آشور»، «تاریخ هند» میباشد.

کرنلیوس نپوس Cornelius Nepos.

(۹۹ — ۲۴ ق م)

ازمورخین روم که از آثاراو کتابهایی در شرح مردان نامدار است و درمورد تاریخ ایران نیز نکاتی دربردارد .

کروزینسکی . تاده یاداس .

Krusinsky,T .

(۱۶۷۵—۱۷۵۶م)

راهب لهستانی وی از طرف کلیسای کاتولیك به ایران آمدو بهزبانهای فارسی، عربی ، ترکی ، ارمنی نیزآشنایی داشت ازآثار اوجنگ **افغان و ایران** و ترجمهٔ کتاب اول **عبرت نامه** است .

کسروی ، سید احمد .

(۱۲۶۹—۱۳۲۴هش)

مورخ ، زبان شناس و اصلاح طلب ایرانی ، از مردم تبریز بود .آغاز کار او ، با ورود **دموکرات** آغـاز شد ولی چون با عدهای از رهبران حزب اختلاف نظر پیدا کرد به تهران آمدو وارد عدلیه شد ودرشهرهای زیادی باسمت دولتی خدمت کرده است. درمجلهٔ **پیمان** که خودمؤسس آن بوده مقالات تحقیقی و تاریخی مینوشت بعدازسال ۱۳۲۰ روزنامهای بنام پرچم منتشر کرد. کسروی از مخالفین سر سخت تصوف و

عرفان بود و بالاخره هم به‌دست یکی از افراد **فدائیان اسلام** کشته‌شد. آثارمعروف او عبارتند از: **تاریخ مشروطیت ایران، تاریخ هیجده سالهٔ آذربایجان ، شهریاران گمنام ، تاریخ پانصد سالهٔ خوزستان ، شیخ‌صفی‌و تبارش، تاریخچهٔ شیروخورشید و نامهای شهرها و دیه‌های ایران .**

کلانتر ، میرزا محمد .
(۱۱۳۲ - ۱۲۰۰هق)
صاحب اثر **روزنامهٔ میرزا محمد** که از طرف کریمخان زند به کلانتری فارس منصوب ودر سال **۱۱۹۸** باآغا محمدخان قاجار ملاقات کرد و مدتی در تهران تحت نظر بود تا وفات یافت .

کلاویخو ،گونزالزدو Clavija
(فوت ۱۴۰۶ م)
از سیاستمداران اسپانیایی ازآثار او **سفرکلاویخو** است که به زبان‌فارسی ترجمه یافته است .
کلاویخو ازطرف **هنری‌سوم** پادشاه کاستیل به‌ملاقات **تیمور لنگ** آمد.

کمال‌الدین‌عبدالرزاق سمرقندی .
(۸۱۶-۸۸۷هق)
نویسندهٔ تاریخ نفیس **«مطلع السعدین ومجمع البحرین»** کمال‌الدین عبدالرزاق جلال‌الدین اسحق‌سمرقندی‌از نویسندگان نامی قرن‌نهم که به‌سال **۸۱۶** درهرات‌قدم به‌جهان نهاد .
پس ازپدر ، ارثاً قاضی عسکرسپاه «شاهرخ بن‌تیمور» گردید و در دستگاه شاهرخ بسیار محبوب و محترم بود ودو سفر نیز ازطرف‌وی به‌سفارت‌هندو گیلان رفت.
در اواخر زندگی شیخی خانقاه را به‌مقامات دنیوی ترجیح‌دادو به‌سال **۸۸۷** به‌شهر هرات در خانقاه « شاهرخیه » درگذشت .
تألیف این مورخ‌چنان‌که از نامش پیداست ، محتوی شرح وقایعی است که‌از سلطنت «ابوسعید بهادر خان» ایلخان مغول تا پادشاهی «ابوسعیدتیموری»روی داده و نثری روان وپر مغز و متین دارد .
مطلع‌السعدین در دو جلد مفصل نوشته شده ومؤلف‌سفرهای خودرانیز که حاوی نکات سودمند می‌باشددرآن‌شرح داده‌است .

کنت کوروس . Quinte_Curce
(قرن اول میلادی)
از نویسندگان روم‌که‌کتابی به نام **تاریخ اسکندرکبیر** نوشته که ازآثارادبی زبان لاتین می‌باشد.

فوستل دوکولانژ . Fustel de Coulanges .
(۱۸۳۰-۱۸۸۹م)
ازمورخین بزرگ‌فرانسه که‌آثارش عبارتنداز: **تمدن‌قدیم، تاریخ تشکیلات سیاسی فرانسهٔ قدیم .**

کهزاد ، احمدعلی . Kohzade,A,A.
مورخ معاصرافغانستان ، دبیر کل انجمن تاریخ افغانستان .

گرین استایفورت . Green
(متولد ۱۸۴۷ م)
مورخ ایرلندی بنام خانم آلیس سوفیا **آملیا** معروف به‌گرین‌که‌کتاب معروفش ، «سازندگی و تخریب‌ایرلند» می‌باشد .

گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاك بن محمود .
(زنده در ۴۴۱ ه ق)
صاحب‌کتاب تاریخ **زین‌الاخبار** که در مورد صفاریان، غزنویان، سامانیان، طاهریان وآل‌بویه‌اطلاعات جالبی دارد.

گروسه ، رنه . Gorusset,R.
مورخ‌فرانسوی، صاحب‌کتاب **تاریخ جنگهای صلیبی** که مربوط به‌تمدن‌قدیم مشرق است .

گزنوفون Xenophon
(۴۳۰ - ۳۵۵قم)
مورخ وفیلسوف معروف یونان واز شاگردان سقراط که ازآثارمعروفش«باز گشت ده‌هزار یونانی» و «تاریخ یونان» قابل‌ذکر است .

گلستانه ، ابوالحسن .
(زنده‌در۱۱۹۶هق)
صاحب‌کتاب **مجمل التواریخ بعد نادریه** . اصلاً اصفهانی است که مسافرتی به هندکرده و وقایع بعد از نادر شاه را به رشتهٔ تحریر کشیده است ،

گی‌زو ، فرانسوا . Guixot,F.
(۱۷۸۷-۱۸۷۴م)
مورخ معروف فرانسوی که کتب متعددی در تاریخ دارد .

گیشاردن، فرانسوا . Guichardin,F.
(۱۴۸۳ - ۱۵۴۰م)
مورخ معروف ایتالیا که در بارهٔ کشورش کتاب تاریخی تنظیم کرده است .

لاویس ، ارنست . Lavisse,E.
مورخ‌فرانسوی‌صاحب،کتاب **تاریخ معاصرفرانسه** وچندکتاب معروف‌دیگر.

لاهیجی . علی پسرشمس‌الدین .
(زنده در ۹۲۱ هق)
مورخ دورهٔ سلطنت ، **سلطان‌احمد خان** ، امیر گیلان‌که وقایع سالهای ۸۸۰ تا ۹۲۰ رانوشته است .

لسان‌الملك .
سپهر را به‌بینید .

مازنی‌اندلسی .
(متولد ۴۵۹ هق)
از سیاحان عرب‌که به اسکندریه ، قاهره واروپاسفرکرده و کتابهای‌معروف او عبارتند از : **تحفهٔ خردها و گزیدهٔ شگفتیها .**

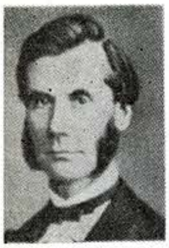
مافروخی ، مفضل بن‌سعد .
(زنده در ۴۴۵ هق)
صاحب‌کتاب **محاسن اصفهان** که بوسیلهٔ **حسین‌بن محمد** به فارسی ترجمه شد .

ماکیاول، نیکولا . Machiavel,N.
(۱۴۶۹-۱۵۲۷م)
نویسنده و مورخ و سیاستمدار ایتالیایی ،که‌کتاب **پرنس** او بهترین نمودار وضع موجودزمان خود او است. این‌کتاب بعدها در کار سیاستمداران کشورهای **اروپایی** تأثیربسیاری گذاشت .
روش حکومتی‌که او پیشنهادکرد، آمیخته‌به‌تزویروعوام فریبی وسختگیری به طبقات ضعیف است .
و روش اورا تحت عنوان **مکتب ماکیاول** مورد بحث قرار می‌دهند.
(سیاستمداران رابه‌بینید)

مانتن .
(قرن چهارم ق . م.)
ازکاهنین‌مصرکه‌تاریخ‌مصررانوشت. وآثار او نیز به تاریخ هخامنشی‌مربوط بوده است .

مجدی ، مجدالدین محمد .
(زنده در ۱۰۰۴ هق)
صاحب‌کتابی است‌بااطلاعات‌تاریخی و جغرافیایی وکتاب **تسلیةالمجالس** در بیان قتل امام حسین (ع) .

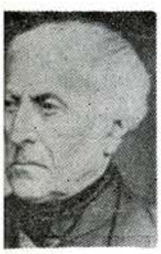
محمد بن‌ابراهیم . ابوطاهر .
(زنده در سال ۵۹۹ هق)
صاحب‌کتاب **تاریخ سلاجقهٔ‌کرمان،**



فوستل‌دو کولانژ



ارنست‌لاویس



فرانسوا گی‌زو



فرانسوا گیشارد

از مردم کرمان است همو ذیلی بر تاریخ ظهیرالدین نیشابوری نیز نوشته است .

محمدرضا شیرازی .
(زنده در سال ۱۲۰۶ هق)
ازمردم شیراز که ذیلی بر **تاریخ گیتی گشای** ، **میرزا محمد صادق** نوشته است .

محمد کاظم وزیر مروی .
(متولد ۱۱۳۰ هق)
در مشهد تحصیل کرده و در سی سالگی وزارت مرو را داشته . وی کتابی در سه مجلد نوشته بنام: **نامهٔ عالم آرای نادری** که مشروح ترین ومستندترین تاریخ بجای ماندهٔ زمان نادرشاه است ودو مجلد آن بچاپ رسیده است .

محمود گیتی .
(زنده در سال ۷۲۳ هق)
صاحب **تاریخ آل مظفر** که تغییر و تصحیح **مواهب الهیهٔ** معلم یزدی است.

محمود ، محمود .
(متولد ۱۲۶۱ هش)
از مورخین و نویسندگان معاصر که از آغاز مشروطه عضو حزب دموکرات بود و به اروپا و آمریکا سفر کرد . در دورهٔ ۱۵ وکیل مجلس شد . چندی وزیر پست و تلگراف و مدتی وزیر کار بود . از آثار او کتاب نفیسی است بنام **تاریخ روابط سیاسی ایران وانگلیس درقرن نوزدهم** در ۸ جلد و از آثار دیگرش **قربانیهای هند** ، **تعلیم و تربیت اطفال در مدارس** ، **رسول نخشبی** و ترجمهٔ **جنگ نفت و شهریار** است .

مداینی ، ابوالحسن علی .
(۱۳۶-۲۱۶ هق)
صاحب **تاریخ الخلفاء وکتاب المغازی** از مورخین ایرانی است که آثارش مورد استفاده همهٔ تاریخ نویسان قرار گرفته است .

مرعشی ، میرزا محمد خلیل.
(فوت ۱۲۰۰ ه ق)
وی نوهٔ محمد مرعشی است که در سال **۱۱۶۳** بنام شاه سلیمان ثانی درمشهد سلطنت می‌کرد . محمد خلیل در سال **۱۱۹۲** به بنگاله نزد او رفت و در آنجا مقیم شد. درسال **۱۲۰۷** کتابی بنام: **منتخب التواریخ** نوشت که چاپ شده ، وی آثار دیگری چون : **شرح تفسیر بیضاوی وشرح تذکرهٔ هیئت** که هنوز چاپ نشده است .

مرودی . فخرالدین مبارك.
(فوت ۶۰۲ هق)
صاحب کتاب **تاریخ فخرالدین مبارکشاه** در غزنین تحصیل کرده و مدتها وزارت خاندان غوریان را داشته است و **تاریخ غوریان** را به نظم در آورده است .

مستوفی ؛ حمدالله .
حمدالله مستوفی را به بینید.

مسعودی ، ابوالحسین علی .
(فوت ۳۴۶ ه ق)
صاحب **مروج الذهب و معادن الجوهر** از مورخین وسیاحان وجغرافی‌دانان معروف است و کتاب **التنبیه الاشراف** او در تاریخ نیز مشهور است از کتب دیگر او می‌توان : **الاستبصار**، **اخبار الامم من العرب والعجم** و المسالك والممالك نام برد .

مسعودی به هند و سیلان، مغرب و زنگبار ، سوریه ، مصر اندلس و عراق سفر کرده وبالاخره در مصر در گذشته است .

مسیحی ، عزالملك امیر المختار .
(۳۶۶ ـ ۴۲۰ هق)
از مورخین اسلامی است که کتابی در تاریخ مصر از او بجامانده است. مسیحی در سال ۳۹۸ در دستگاه خلیفهٔ فاطمی خدمت می‌کرد و مسؤولیت‌های مختلف داشته است .

معلم ، معین‌الدین یزدی.
معین‌الدین یزدی را به‌بینید.

معین‌الدین اسفزاری .
اسفزاری ، معین‌الدین را به‌بینید.

معین‌الدین یزدی، محمدبن جلال‌الدین .
(فوت ۷۸۹ هق)
صاحب کتاب **مواهب الهیه** ازمورخین قرن هشتم هجری است چون معلم شاه شجاع بوده به معلم معروف شده است. هم او واسطهٔ صلح بین دو برادر ؛ شاه شجاع و شاه محمود از آل‌مظفر بوده است .

معین‌السلطنه ، حاج میرزا محمدعلی.
صاحب **سفرنامهٔ آمریکا** ازمورخین ایرانی است که در رشت به دنیا آمده و به روسیه ، اتریش ، ایتالیا ، فرانسه ، انگلستان و آمریکا سفر کرده است.

معین‌السلطنه کتاب سفرنامه را در سال **۱۳۲۵** در فرانسه بچاپ رسانیده است .

مفید ، محمدمفیدبن نجم‌الدین محمود
(فوت ۱۰۹۶ ه ق)
از مورخین وجغرافی‌دانان ایرانی که کتاب **مختصر مفید** درجغرافیا و کتاب **جامع مفید** در تاریخ و جغرافی از او باقی مانده است .

مفید از یزد ، اصفهان ، عراق و هندوستان دیدن کرده است.

مقدسی . مطهربن طاهر .
(زنده در ۳۵۵ ه ق)
صاحب کتاب **البدء والتاریخ** . از مورخین ایرانی مقیم سیستان بوده است

مقری ، ابوالعباس احمدبن محمد.
ابن‌المقری را به‌بینید .

مقریزی ، تقی‌الدین ابوالعباس احمد .
(۷۸۷ ـ ۸۴۵ هق)
از مورخین وجغرافیدانان معروف مصری است. که کتاب **المواعظ والاعتبار بذکر الخطط والآثار** و **السلوك لمعرفة دول الملوك** او در مباحث تاریخ و جغرافی معروف است ،وی کتابی در تاریخ خلفای فاطمی و اثری در بارهٔ سکه های اسلامی ورساله‌هایی درشرح احوال بزرگان مصر دارد .

ملازاده ، معین‌الفقراء احمدبن محمود.
(قرن نهم)
صاحب **تاریخ ملازاده** از مورخین است که دربارهٔ شرح‌حال بزرگان وبقاع بخارا مطالب درستی دارد .

منهاج‌الدین ، ابوعمر عثمان .
منهاج سراج را به‌بینید .

منهاج سراج ، ابوعمرمنهاج‌الدین سراج الدین جوزجانی .
(قرن ششم وهفتم)
صاحب کتاب **طبقات ناصری** که مدتها در خدمت ملوك غور بوده وکتاب طبقات ناصری را بنام **ناصرالدین** تألیف کرده است .

مهدیخان استرآبادی .
میرزا مهدی‌خان را به‌بینید .

میرزا مهدیخان ، محمدمهدی بن محمد نصیر استرآبادی.
(فوت ۱۱۷۳ هق)
صاحب ، **جهانگشای نادری**، فرزند محمد نصیر استرآبادی ، منشی نادرشاه بود و جهانگشای نادری در بیان وقایع دوران سلطنت نادرشاه افشار است؛ اثر دیگر او **درهٔ نادری** است .

میرزا مهدیخان در مازندران چشم به دنیا گشود و در اصفهان تحصیل کرد و درزمان سلطنت شاه سلطان‌حسین ناظر باغهای‌سلطنتی بودودرتمام دوران‌اقتدار نادرهمراه اوبود، پس از مرگش منزوی شد .

میرخواند بلخی .

(۸۳۷ ـ ۹۰۳ هق)

سیدمحمدبن‌امیر برهان‌الدین‌معروف به «میرخواند» از سادات ماوراءالنهرو از خاندان سید اجل‌بخاری است ونسب این‌دودمان به «زیدبن‌علی‌بن‌حسین‌علیهم السلام» می‌رسد .

این نویسندهٔ نامی به سال **۸۳۷** دربلخ متولد ودرجوانی به‌هرات رفته‌منظورنظر «امیر علیشیر» واقع و در دستگاه وی تربیت شد . و تاریخ مشهور خود«روضة الصفافی‌سیرةالانبیاءو الملوك والخلفاء» را به‌تشویق وبنام امیر نامبرده در شش جلد تألیف‌کردووقایع جهان را ازآغاز آفرینش تا جلوس سلطانحسین بایقرادر آن درج‌نمود ؛ ولی بیماری دردناکی‌در شصت وشش سالگی به‌حیات اوخاتمه داد. به‌تاریخ‌دوم‌ذی‌القعده‌سال **۹۰۳** درخانقاه «اخلاصیه» هرات‌که مسکن وی بـود ، درگذشت وتاریخ وی ناتمام ماند.

جلد هفتم روضةالصفا را «خواند میر» در شرح پادشاهی سلـطانحسین و احوال فرزندانش براین‌کتاب افـزود و درزمان‌قاجاریان‌نیز«رضاقلیخان‌هدایت» تتمهٔ‌آنرادرسه‌جلد نوشته‌و «روضةالصفای ناصری» نام نهاد .

میرزا آقا .

فرصت شیرازی رابه‌بینید .

میرزا فرصت .

فرصت شیرازی را به‌بینید .

میشله ، ژول . Michellet,J.

(۱۷۹۸ ـ ۱۸۷۴ م)

مؤلف«تاریخ‌فرانسه»و«تاریخ‌انقلاب کبیر»از مورخین‌روشن بین‌تاریخ‌فرانسه بود .

نادر میرزا . پسربدیع الزمان میـرزا صاحب اختیار .

(۱۲۳۵ ـ ۱۳۰۳ هق)

صاحب ، **تاریخ و جغرافیای‌دار ـ السلطنهٔ‌تبریز** در استرآباد متولد شد و برای تحصیل به‌تبریز رفت ومدتی‌درکار دولتی به‌سر برده است .

ناصر منشی ، ناصرالدین عمدةالملك.

(زنده در ۷۱۶ هق)

صاحب ، **سمط العلی للحضرة العلیا و نسائم الاسحارمن لطائم‌الاخبار** در سال **۶۶۰** هجری‌قمری متولد شد ودرکرمان و در دستگاه **صفوة الدین قراختایی** مدتی عهده‌دار ریاست دیوان‌انشاء بود.

نامی ، میرزا محمد صادق اصفهانی.

(فوت ۱۲۰۴ هق)

صاحب **گیتی‌گشا** در تاریخ زندیه، مورخ ایرانی از مردم اصفهان است‌کـه مدتی درخدمت کریمخان‌زند بوده‌که بعد از مرگ کریمخان در بد بختی و فـقر مرد .

نرشخی .

(فوت ۳۵۰ ه ق)

از مورخین‌اسلامی ،از مردم‌بخارا، صاحب کتاب«تاریخ بخارا» که**القباوی،** آنراازعربی به فارسی ترجمـه کرده است .

نطنزی . معین‌الدین معروف به‌اسکندر

(زنده در ۸۱۷ هق)

صاحب **منتخب‌التواریخ**ازمورخین ایرانی بودکه در خدمت**اسکندربن عمر شیخ** اعتباری داشت‌ومدتی هم‌نزدشاهرخ می‌زیسته است .

نظام‌الدین شامی .

(زنده در ۸۰۶ هق)

صاحب تاریخ‌ظفرنامه ازمردم‌تبریز بودکه‌جوانی را درخدمت سلطان**اویس** گذرانیدوچندکتاب ورساله بنام اوتنظیم کرد و**امیر تیمور** او را به‌خدمت‌خـود درآورد وکتاب تاریخ خود را دربـارهٔ فتوحات تیمورنوشته است .

نویری ، ابوالعباس شهاب‌الدین احمـد البکری التیمی .

(۶۸۲ ـ ۷۳۲ ه ق)

از مورخین معروف مصری، صاحب کتابهای ؛ «نهایةالارب فی‌فنون‌الادب»، فصل پنجم‌این‌کتاب‌مربوط به تاریخ‌است. وی خطی خوش داشته‌است .

واقدی ، ابوعبدالله محمدبن‌عمر .

(۱۳۰ ـ ۲۰۷ هق)

از مورخان‌معروف دورهٔ اسلامی‌که به بغدادودربارمأمون‌رفت ،که‌شغل‌قضاوت به‌اوواگذارکردچندکتاب‌واقدی‌معروفند ازآن جمله : «فتوحات شام»،«المغازی» و«کتاب‌الرده» .

وحید قزوینی ، عمادالدوله‌محمد طاهر

(۱۰۱۵ـ۱۱۱۰هق)

صاحب تاریخ **عباس نامه** در سال **۱۰۵۵** هجری در خدمت عباس‌ثانی بود و در زمان شاه صفی‌بنام عمادالـدوله وزیر شد .

وزیری ، احمد علی .

(۱۲۲۵ ـ ۱۲۹۴ هق)

از مورخین ایـرانی و از مـردم کرمان ، اوکتابی در تاریخ‌کرمان‌دارد که فرزندعلیمحمد مشهور به‌آقا خـان‌با تکمیل‌آنرابنام **سالاریه** منتشرکرد.

وصاف‌الحضرة .

(فوت ۷۳۰ هق)

شهاب‌الدین عبدالله فرزند عزالدین فضل‌الله مشهور به‌وصاف الحضرة درحدود سال**۶۶۳** در خاك ادب پرورشیرازمتولد و فنون ادب را با مراتب دیگر دانش فراگرفت وبه‌خدمت‌عمال دیوانی‌درآمد.

وصاف در اندك‌مدتی توجه«خواجه صدرالدین احمدخالدی زنجانی» را که به نیابت امیر مغول در سرزمین فارس حکومت‌می‌کرد، به‌خود معطوف داشت و از خواص‌اوگردید. وصاف ازاین‌خواجه که بعداً به وزارت «کیخاتو» رسید، مدح بسیارکرده و سپس باخاندان : «خواجه رشیدالدین فضل‌الله» وزیر بزرگـوار و دانشمند «غازان» و«الجایـتو» آشنایی حاصل نمود وتاریخ‌معروف خودراوسیلهٔ وی بنظر هردوایلخان رسانیـده ومورد محبت‌آنان قرارگرفت .

تاریخ وصاف بنام «تجزیةالامصارو تزجیة الاعصار» اگرچه سبکی‌متکلف و مصنوع‌دارد ولی از جهت تشریح اوضاع زمان ایلخانان مغول اهمیتی بسزادارد.



ژول‌میشله

ولتر ، Volraire

از مـورخین بزرگ ، فلاسفه را به‌بینید .



هربرت‌جرج ولز

ولز ، هربرت جرج . WellsH,G .

(۱۸۶۶ ـ ۱۹۴۶ م)

مورخ و نویسندهٔ انگلیسی صاحب کتابهای«خطوط برجستهٔ تاریخ» و«کتاب عصر ماشین» .

ویل‌دورانت Durant,W

دورانت را به‌بینید .

هدایت ، رضاقلی.

(۱۲۱۵ ـ ۱۲۸۸ م) .

رضا قلی خان‌هدایت ، فرزندمحمد

هادی خان‌بن اسمعیل خان مازندرانی ، در تهران ولادت‌یافت‌و با مادرش‌به‌شیراز رفت و جوانی خودرا در آنجا گذرانید. درهمان‌زمان‌به‌شاعری آغـاز کرد و نخست «شاکر» تخلص می‌کرد وبعـد تـخلص «هدایت» را برگزید .

در جوانی وارد دربار فتحعلی شاه شدوشاه‌وی‌رامأمور تربیت‌پسرخود «عباس میرزا» کرد و بهمین جهت‌به «لله‌باشی» معروف شدبعدها در زمان ناصرالدینشاه وی‌رابه‌خوارزم‌نزد «خان‌خیوه» به‌سفارت فرستادند و درین سفر«سفرنامهٔ‌خوارزم» را نوشت .

در مراجعت نایب وزارت علوم و مدیر مدرسهٔ دارالفنون و سپس لله‌باشی مظفرالدین‌شاه در ولیعهدی اوشدوبا او به‌تبریز رفت و در بازگشت به تهـران درگذشت .

هدایت از مؤلفان پرکار زمان خود بود ، و در فنون مختلف ادب و تاریخ تألیفـات دارد، ازآن جمله است :کتاب تاریخی‌که در ذیل روضة الصفا نوشته و آن‌را(روضةالصفای ناصری) نام‌گذاشته، **فرهنگ‌انجمن‌آرای ناصری ، ریاض‌ـ العارفین، مجمع‌الفصحا،مفتاح‌الکنوز، نژاد نامهٔ سلاطین عجم ، شش مثنوی، فهرست التواریخ** و غیر اینها .

هرودوت Herodote

(۴۸۴ـ ۴۲۵ ق م)

هـرودوتوس ، (هـرودوت) پسر «لوکسس» و«درواو»(Dryo)در(هالیکا- رناسوس) واقع درکاریا (درگوشهٔ جنوب غربی‌آسیای‌صغیر) به‌سال ۴۸۴ به‌دنیا آمد. درطفولیت«هرودوت» سلسله‌یی‌که‌درکاریا



حکومـت می‌کـرد خراجگزار شاهنشاهـی ایران بود. اغتـشاشات سیاسی‌هرو- دوت‌جوانرا ناچارساخت کـه‌زادگاه خودراترك گوید‌مدتی در(ساموس) به‌سربرد، وپس‌ازآن‌به‌مسافرتهای‌طولانی پرداخت.سپس‌به‌آتن‌رفت تا«پریکلس» و «سوفوکلس» را بشنـاسد . آخر عمر را در(توریبی) به‌سر برد ودر نزدیك‌آغاز شدن‌جنگهای (پلوپونزی) درهمین‌شهر رخت ازجهان‌بربست . (در زمانهای‌قدیم تاقرن سوم‌میلادی‌اورا هرودوتس‌توریبی می‌نامیدند) .

مسافرتهای‌وی‌دامنه‌دار بود،ازمصر دیدن کرد و تا قسمتهای علیـای مصر یعنی اسوان وفیلیه پیش رفت ؛ احـتمال داردکه به‌کورنه نیز رفته باشد به غزه و صورنیز رفته و برروی فرات مسافرت کرده‌و به‌بابل رسیده‌است به‌قسمتهای‌شمالی منطقهٔ اژه تاتاسوس نیز پیش‌رفته. آنچه بیشتر قابل توجه‌است‌این‌که هرودوت‌به اسکوثیا که‌منطقهٔ شمالی دریای سیاه‌است مسافرت‌کرده و بایدقسمتی ازعمر رادر اولبیا واقع بردهانهٔ رودخـانهٔ هوپانیس (بوگ) و نقاط بالاتری از این‌رودخانه گذرانده باشد . بسیاری ازچیزهاکه‌نقل می‌کندخودشاهدوناظرآن بوده،وبسیاری دیگر شایعاتی است‌که از دهان این‌وآن شنیده است .

«چیچرو» وی راپدر تاریخ‌می‌نامد؛ این لقب از همان زمان مناسب حال وی بوده و برروی اسم وی باقی‌مانده است. باید دانست‌که «هرودوت» نخستین کسی است‌که‌کتابی نوشته وآن‌کتاب‌راخوب و خواندنی‌تألیف‌نموده؛ درحقیقت‌باید‌گفت کتاب‌وی‌نخستین‌شاهکار نثریونانی‌به‌شمار می‌رود .

کتاب وی گـزارشی است از زمان گذشته وحاضریونان‌ومصر وآسیای‌صغیر. منظور عمده از نوشتن‌آن روشن کـردن کشمکشها و مبارزات عظیمی است‌که‌از زمان (کرویسوس) تازمان (خشایارشا) وپایان‌جنگهای ایران‌وبه‌عبارت‌درست‌تر تا زمان تسخیر (سستوس) (میان یونان وآسیا وجود داشته است) این تاریخ به ۹ کتاب منقسم‌می‌شودکه عنوان هریك‌نام یکی ازالههٔ شعر یونانی است ، واحتمال داردکه این تقسیم بندی بعدها بـوسیله علمای صرف و نحو اسکندرانی صورت گرفته باشد.

هنر وافتخار بزرگ(هرودوت) در اینست‌که‌از مردم‌مختلف وآداب وعادات آنان وصف‌کرده‌است ، واو رانه‌تنهاپدر تاریخ‌بلکه‌پدرعلم‌نژادشناسی(Ethnology) نیز باید دانست .

هندوشاه ، حکیم محمد قاسم فرشته .

فرشته را به‌بینید .

هندوشاه، سنجر بن‌عبدالله‌صاحبی‌نخجوانی.

(زنده ۷۲۴ هق)

صاحب **تجارب‌السلف** ازمورخین ایرانی و از مردم‌نخجوان است و مدتی‌به‌نصرة‌ـ الدین‌**احمدلر**خدمت‌کرده‌وکتابش‌ترجمهٔ تاریخ ابن‌طقطقی بامنضمات تاریخی‌مفید دیگراست‌که‌به احمدلر تقدیم‌کرده‌است .

هیوم ، داوید . Hume,D.

(۱۷۱۱ ـ ۱۷۷۶ م)

فلاسفهٔ خارجی را به‌بینید .

یاقوت حموی .

حموی ، یاقوت را به‌بینید .

یحیی بن عبداللطیف قزوینی .

(فوت ۱۰۶۰ هق)

صاحب ، **لب‌التواریخ** ازمـورخین ایرانی و از ملازمان ابوالفتح بهـرام میرزای صفوی است .

یعقوبی ، احمدبن‌ابی یعقوب .

(وفات ۲۸۴ هق)

معروف بـه‌ابن واضح از مورخین و جغرافی‌دانان بزرگ عرب در دورهٔ بنی‌عباس‌که سفرهایی به هند ، مصر و مغرب‌کرده وکتابهای مفیدی‌تألیف‌کرده است ازآن جمله : **اخبارالامم‌السالف . اسماءالبلدان، تاریخ الکبیر و مشاکلة‌ـ الناس لزمانهم .**

فلاویوس ، یوسف Flavius,J

(۳۷ـ۱۰۰ م)

از مورخین یهودتابع‌اورشلیم وی در دربارروم به‌سربردوکتابهایی‌درتاریخ بنی‌اسراییل وروم نوشت .

خاور شناسی

خاورشناسی‌دراصطلاح به‌همهٔ‌تحقیقاتی گفته‌می‌شودکه ازطرف دانشمندان‌باختر برای شناختن وشناساندن شیوهٔ زندگی، دانش‌وهنر مردم خاورزمین به‌عمل‌آمده ومی‌آید .

این تحقیقات نخست بسیار محدود بود و از پاره‌ای اطلاعات جغرافیایی و زبانشناسی فرا پیش نمی‌رفت و آن نیز حاصل‌کوششهای راهبان‌کاتـولیك بود . اینان ازقرن‌سیزدهم برای‌آموختن‌زبان عبری‌وشناسایی‌راههای‌بیت‌المقدس‌کوشش کردند .

بـا توسعهٔ استعمار در قرن هفدهم

دامنهٔ خاورشناسی تا همه جای خاورزمین کشیده شد و دولتهای امپریالیست‌خود– را به شناسایی مردمان این نواحی ناگزیر دیدند و هیئتهای تحقیقاتی به هر کشور روانه کردند . این محققان در جامهٔ بازرگان، روحانی، پزشك، سفیر و جهانگرد و جز آن به آموختن زبان، فراگرفتن آداب و عادات مردم خاورزمین و جستجوی گنجینه‌های مادی و معنوی آنان پرداختند. این پیشاهنگان استعمار در عین آن که گاه به جعل و تحریف تاریخ و انکار استتار فضایل اخلاقی این مردمان پرداخته‌اند و گاه نیز بر اثر ناآشنایی با زبان و فرهنگ این اقوام در تحقیقاتشان راه خطا پیموده‌اند. با اینهمه کوشش و تلاش پیگیرشان مخصوصاً در زمینهٔ تاریخ و باستانشناسی و گردآوری و انتشار آثار علمی و ادبی ملتهای خاور– زمین ، نام بسیاری از این خاورشناسان را قرین افتخار ابدی ساخته است.

اینك در همهٔ کشورهای باختر انجمنهای خاورشناسی وجود دارد که بسیاری از آنان هرماه مجله‌ها و کتابهای سودمندی را به چاپ می‌رسانند .

تاریخچهٔ ایرانشناسی

رشتهٔ ایرانشناسی در جهان خاور– شناسی از ابتدا مقام و اهمیتی خاص داشته است زیرا گذشته از وسعت فوق العادهٔ فرهنگ و تمدن چند هزار ساله دارای کشش و جاذبهٔ خاصی است که بی‌اختیار محققین خارجی را به سوی خود جلب می‌کند. فرهنگ ایران در آغاز جنبه‌ای جهانی داشته است و فرق اساسی آن با تمدنهای مصری، کلدانی، آشوری، بابلی و هندو چینی در همین نکته نهفته است. در طول قرون متمادی ایران با استفاده از موقعیت جغرافیایی، تمدنها، فرهنگها و هنرهای شرق و غرب را بهم می‌آمیزد و با نوع خاص خود محصولی را که قابل درك همه باشد بوجود می‌آورد.

در طول سه قرن اخیر دانشمندان نخستین کشورهای علاقمند اروپایی (هلند– انگلستان– فرانسه – لهستان) دربارهٔ رشته‌های مختلف تمدن و فرهنگ ایران (تاریخ–زبان–مذهب–فلسفه–ادبیات–علوم–هنرها –علوم اجتماعی و غیره) کار کرده‌اند و در هر رشته به پیشرفتهای مهمی نایل شده‌اند و به‌خوبی سهم بزرگی را که ایران در تمدن جهان دارد نشان می‌دهند.

نخستین نقش جهانی تمدنهای ایرانی در دوران پیش از آریایی نقش واسطهٔ ارتباطی تمدنهای سند در درهٔ هندوستان با تمدنهای مناطق غربی ایران بـود . مرحلهٔ بعدی نفوذ معتقدات مذهبی زرتشتی و اوستایی در جانب شرق یعنی در آسیای مرکزی و هندوستـان از یك طرف و در سمت غرب یعنی آسیای صغیر و بین‌النهرین و فلسطین و مصر و یونان از طرف دیگر بود . شاید مهمترین اثر این نفوذ تأثیر عمیقی بود که آیین و معتقدات زرتشتی در مذهب یهود و از آن راه در معتقدات مذهبی آیین مسیح بخشید . بطوریکه محققین غرب اظهار می‌دارند بدون این تأثیـر مسلماً مسیحیت به این صورت که امروز هست وجود نداشت .

این نفوذ معنوی در اثر تماسهای ایرانیان با یونانیان ساکن آسیای صغیر به یونان زمین راه یافت. **هراکلیوس** فیلسوف یونانی می‌نویسد که مغان در پیرامون معبد الههٔ یونانی **آرتمیس** سکونت داشتند. و دانش و فلسفهٔ مغان نیز در این مراکز بصورت تعالیم ایشان متجلی بود در اوایل دوره هخامنشی پزشکان یونـانی مانند **دموسدس وکتزیاس** ، به دربار ایـران آمدند و یکی از متفکرین یونانی قبل از **سقراط** بنام **آمپدوکلس** نزد مغان درس آموخت . به کرات گفته شده است که فیثاغورث حکیم و فیلسوف معروف یونانی به بابل رفت تا در نزد زرتشت تعلیم گیرد. حکیم دانشمند **اودوکس** در بازگشت از ایران اصول عقاید ایرانی را در آکادمی به شاگردان افلاطون آموخت. ارسطـو نیز عقیده داشت که مکتب **افلاطون** که در یونان مکتب «تنویت» معرفی شده بود از مغان ایران الهام گرفته است . شاید بهمین دلیل بود که حکمای افلاطـونی یـونان در سال ۵۲۹ پس از طرد از امپراتوری روم و بیزانس به دربار انوشیروان پناه بردند .

در حـدود ۶۷ سال پیش از میلاد آیین «مهر» از راه آسیای صغیر به روم و از آنجا به سایر نواحی اروپا و آفریقا راه یافت . در ۶۶ میلادی **نرون** امپراتور روم به مذهب مهر پرستی گروید. و در قرن سوم میلادی به دستور **کاراکالا** امپراتور روم پرستشگاهی برای «دمیترای شکست ناپذیر» در روم ساخته شد. بیشتر معتقدات مذهبی آیین مسیح نیز از آیین مهرپرستی اقتباس شده است مثلاً رسوم تعمید مسیحی و شام نان و شراب تبرك و تقـدس روز یکشنبه (روز مهر یا خورشید که هنوز هم در زبانهای آلمانی سونتاك و در انگلیسی ساندی گفته می‌شود) واعلام روز ۲۵ دسامبـر جشن سالانهٔ تولد مهر به‌عنوان روز تولد مسیح و این اعتقاد که ستاره‌ای شبانان و شاهزادگان مغ را به زادگاه کودك نـو رسیده هدایت کرد عیناً از معتقدات مهر به دین مسیح انتقال یافته است . **ارنست رنان** دانشمند و متفکر نامی فرانسه میگوید:

«اگر عـاملی از پیشرفت دین مسیح جلوگیری می‌کرد بیشك عالم بشریت مذهب مهر را آیین رسمی خویش می‌کرد . »

پس از مسافرتهای متعدد شخص **مانی** به هندوستان ، بـلوچستان، خراسان ، آسیای مرکزی، شام ، فلسطین و مصر ، آیین او پس از مرگش ازچین تا فرانسه گسترش یافت. آثار مانوی به صورت بقایای ساختمان‌های معابد مذهبی در فرانسه و انگلستان و مصر و بالکان و اسپـانیا و ایتالیا باقی است و نفوذ معنوی آن در ادبیات و فلسفه‌های غرب نیز کاملا محسوس است چنانکه اثر معروف **ویکتور هوگو** « فلسفهٔ قرون» را غالباً یك تحلیل تاریخ بشر بر اساس نزاع دایمی خیر و شر دانسته‌اند و موریس بارز نویسنده معروف فرانسوی می‌نویسد که «هوگو اساساً مانوی بود» .

در دوران اسلامی فرهنگ و ادب و هنر ایران رنگ تازه‌ای به‌خود گرفت و امکانات بیشتری برای توسعه پیدا کرد و طولی نکشید که علم و هنر ایران در سراسر قلمرو اسلام گسترش یافت .

بغداد مرکز تجلی دانشمندان ایرانی شد و آثار مهم ادبیات اوستایی و پهلوی به‌عربی ترجمه گردید. این آثار عبارتند از اوستا، زند، دینکرد، پندنامه، خدای– نامه و تعداد بیشمار دیگر .

در رشته‌های مختلف ریاضیات، هیئت، معماری، شیمی و نیز در شعب الهیات، فلسفه، شعر و ادب دانشمـندان ایـرانی آثار گرانبهایی پدید آوردند و زبان فارسی در هند و آسیای مرکزی، امپراتوری عثمانی به‌صورت زبان رسمی دربـارهای سلطنتی درآمد به‌طوری که بیشتر سلاطیـن هند و عثمانی به فارسی شعر می‌گفتند و سران نظامی آل عثمان گزارش‌های جنگی را به زبان فارسی می‌نوشتند.

در قرن یازده ودوازده عدهٔ زیادی از دانشمندان مسیحی همت به ترجمهٔ آثار شرقی به‌زبان لاتین گماشتند به‌طوری که در طول سه قرن بیش از سیصد کتاب مهم ترجمه شد که در آن میان آثار متعددی از **ابن‌سینا**، **زکریای رازی**، **فارابی**، **بیرونی** و **خرقانی** وغیره وجود داشت. ترجمهٔ لاتین کتاب «القانون فی الطب» ابن‌سینا که در سال **۱۵۲۴** به‌چاپ رسید تا قرن پیش، در دانشگاه‌های متعدد اروپا تدریس می‌شد.

در آغاز قرن چهاردهم انتشار سفرنامهٔ معروف **مارکوپولو** عدهٔ زیادی از اروپاییان را متوجه آسیا ازجمله ایران کرد و از طرف پاپ **کلمندوس** چندین دارالعلم تدریس زبانهای شرقی در ایتالیا، اسپانیا و فرانسه تأسیس شد.

درقرن **۱۵** و **۱۶** مراوده‌های اروپاییان به‌مشرق‌زمین ازجمله ایران توسعهٔ روز افزون یافت.

آغاز قرن **۱۷** مسیحی در واقع آغاز نهضت آشنایی با زبان وادبیات ایران در اروپا بود در سال **۱۹۵۰** نخستین کتاب چاپی مربوط به ایران در پاریس انتشار یافت در **۱۶۳۴** نخستین ترجمهٔ گلستان سعدی در اروپا به‌زبان فرانسه توسط **آندره‌دوریه** در پاریس منتشر شده در **۱۶۳۹** نخستین دستور زبان فارسی توسط یك نفر هلندی در لاهه چاپ شد، سه‌دستور جامع‌دیگر زبان فارسی در همین قرن در آکسفورد، دروین ودر پاریس به‌چاپ رسید ودر **۱۶۸۰** برای اولین بار در اروپا ترجمهٔ قسمتی از دیوان حافظ توسط منینسکی به‌زبان لاتین دروین منتشر شد. ودر همین قرن بود که مهمترین سفرنامه‌های غربی مربوط به‌ایران پیاپی دراروپا انتشار یافت.

درسال **۱۶۳۶** **توماس‌هربرت** سفرنامهٔ خود را در انگلستان انتشار داد. در **۱۶۴۷** سفرنامهٔ معروف **آدام اولیوریوس** دانمارکی در شلویك چاپ‌شد و در **۱۶۵۱** **کورنلیوس‌بروین** هلندی شرح سفر جالب خود را در مجموعه‌ای نوشت، از **۱۶۵۷** تا **۱۶۶۳** سفر نامهٔ **پیترو دلاوال** ایتالیایی که‌عالیترین آثار نوع خود، دربارهٔ ایران است در پاریس انتشار یافت. ازلحاظ هنری این قرن، تجلی ایران درصحنه‌های تئاتر کلاسیك اروپا بود. درنیمهٔ قرن هفدهم بیش از **۱۲** نمایش مربوط به تاریخ ایران در پاریس وورسای به‌روی صحنه آمد که مهمترین آنها «شاهزاده‌خانم اشکانی» و «مهرداد» و «سورنا سردار اشکانی» و «استر» و «خسرو» تراژدی‌های معروف کرنی وراسین ورترو بود.

قرن هیجدهم قرن انتشار آثار بزرگ تحقیقی مربوط به‌تاریخ وزبان و ادبیات مذهبی ایران بود. مهمترین اثر دراین قرن انتشار ترجمهٔ کامل «اوستا» است. **آنکتیل دوپرون** مترجم این کتاب مدت **۱۵** سال برای آموختن زبان اوستایی و پهلوی با وجود تحمل حوادث بیشمار در هندوستان بسر برد.

آثار دیگری که دراین قرن انتشار یافت عبارتند از. «تحولات امپراتوری ایران» تألیف **کروسینسکی** لهستانی ـ کتابی دربارهٔ آیین‌مانی و «تاریخ‌مذاهب ایرانیان» تألیف **پل‌فوشه** روحانی فرانسوی در این قرن مکتب ایرانشناسی انگلستان توسط سر **ویلیام جونس** پایه گذاری‌شد وآموزشگاه زبانهای زندهٔ شرقی پاریس که هنوز هم مشغول کار است تأسیس شد.

قرن نوزدهم رامی‌توان دورهٔ اوج وکمال ایرانشناسی مغرب زمین دانست. تقریباً همهٔ آثار بزرگ ادبیات ایران به‌زبانهای مختلف اروپایی ترجمه‌شد و درعالم ادب اروپا آثار متعددی دربارهٔ ایران به‌وجود آمد که مهمترین آنها عبارتند از «دیوان شرقی و غربی گوته» بزرگترین سخنران آلمانی، **لاله‌رخ توماس موره**، رستم وسهراب روکرت و **ماتیو** وارنولد است.

ترجمه‌های عالی شاهنامه، ترجمه مشهور **فیتزجرالد** از رباعیات خیام و ترجمه های دیگر از عطار، نظامی، مولوی وسعدی وشبستری وسنایی وجامی حافظ، منوچهری وآثار مهم‌دیگر ازقبیل قابوسنامه و انوار سهیلی و سیاست نامه ومرزبان نامه درکشورهای مختلف انجام گرفت وبدین ترتیب‌زمینه برای تشکیل انستیتوها وانجمنهای خاورشناسی وایران‌شناسی مساعد گردید.

با شروع دوران اکتشافات دریایی اروپاییان وراه یافتن آنها به‌سرزمین‌های آسیایی ازجمله ایران لزوم تحقیق بیشتری را برای تتبع درآثار فرهنگی و مدنی و مذاهب شرقی موجب گردید.

براثر همین احتیاج بود که انجمن‌های خاورشناسی بوجود آمد. نخستین انجمن آکادمی **باتاوا** بود که در سال **۱۷۸۰** توسط هلندی‌ها تأسیس شد. و بلافاصله انجمن پادشاهی آسیایی **بنگال** وانجمن آسیایی بمبئی تشکیل شد. دو انجمن خاور شناسی بسیار معروف اروپا درپاریس و لندن بوجود آمد و به این ترتیب در آلمان، در اتریش و انجمن خاورشناسی آمریکا در نیوهاون تأسیس گردید وازسال **۱۸۴۲** ازطرف این‌مؤسسه مجله‌ای به نام «جورنال‌آف دآمریکن اوریانتال‌سوسایتی» انتشار یافت که هنوز هم منتشر میشود.

دراواخر قرن گذشته **انجمن‌شرق‌شناسی** درروسیه به‌نام انجمن امپراتوری خاورشناسی در سن پترزبورگ تأسیس شد. درقرن‌حاضر انجمنهای خاورشناسی درسوئد، فنلاند، واتیکان، نروژ، دانمارك، چکوسلواکی، لهستان ـ مجارستان ـ هلند ـ یوگسلاوی ـ بلژیك ـ اسپانیا ـ ژاپن سویس ـ اسراییل ـ کانادا ـ استرالیا تأسیس گردید.

ازخاورشناسان بزرگی که‌حق‌بزرگی به‌گردن فرهنگ‌ایران دارد وبجاست‌که اختصاصاً از او نام برده شود **هامرپورگشتال** ادیب اتریشی آغاز قرن نوزدهم است خدمت اساسی او این بود که نه‌فقط شخصاً بسیاری ازآثار بزرگان‌ادب‌پارسی را برای نخستین‌بار به‌اروپاییان شناسانید بلکه از راه ترجمهٔ دیوان حافظ به‌زبان آلمانی منبع الهام «گوته» شاعربزرگ آلمان درسرودن «دیوان شرقی وغربی» اوشد وانتشاراین دیوان نسلهای‌متعددی ازآلمانی زبانان راشیفتهٔ فرهنگ‌وادب ایران کرد. از تألیفات جالب اوتاریخ ادبیات عرب در **۷** جلد، تاریخ شعرای عثمانی در **۴** جلد وترجمه‌های متعدد از فارسی وعربی است. ازکارهای جالب‌او دربارهٔ ایران‌ترجمه‌هایی ازدیوان‌حافظ، خسرو وشیرین، گلشن راز شبستری و گلچینی از اشعار دویست شاعر ایران می‌باشد.

مقالهٔ خانم **«مهین پزشکپور»** دراطلاعات‌سالانه

خاور شناسان معروف

آربری. Arberry.
(متولد ۱۹۰۵م)
یکی از خاور شناسان قرن معاصر انگلیس که ازآثار او:
ترجمهٔ **پنجاه غزل از حافظ** و رسالات بسیار دیگر می‌باشد.

آپنهایم ، ادالف لیو . OPPenheim .
(متولد۱۹۰۴م)
استاد آشور شناسی مؤسسهٔ شرقی **دانشگاه شیکاگو** .

آتش، پرفسوراحمد. Ates,A.
خاورشناس معاصر ترکیه ، رییس و استاد فارسی انستیتوی شرقیات دانشگاه استانبول .

آدامس ، پرفسورچارلز . Adams , ch .
خاورشناس کانادایی ، رییس واستاد انستیتوی مطالعات اسلامی دانشگاه **مك کیل** درمونترال .

آرتور-گی. Arthur,G.
(۱۸۷۵ - ۱۹۲۸م)
خاورشناس فرانسوی وعضو انجمن آسیایی که سالها به عنوان مترجم سفارت فرانسه درطرابلس غرب، زنگبار، ازمیر، استانبول، قاهره ، حیفا ودمشق به‌سر برده است. ازآثاراوست: ترجمهٔ **دیوان حافظ** به زبان فرانسه(۱۹۲۷م) وترجمه‌ونشر کتاب الاشربه ابن‌قتیبه(۱۹۰۷م).

آربلی ، یوسیف آبکاروویچ . Arbela .
(متولد۱۸۸۷م)
خاور شناس روسی و از آثارش : **خرابه‌های آنی ، کتیبه‌های مرمشن ، هنردورهٔ ساسانی، فلزات دورهٔ ساسانی وداودساسونی** است .

آسموسن ، پرفسورجس . Asmussen, . J ,p.
خاورشناس معاصردانمارکی، استاد زبان شناسی ایرانی دانشگاه کپنهاك .

آشیکاگا ، پرفسورآتسوئوجی. Ashikaga , A.
خاورشناس معاصر ژاپونی ، رییس دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه توکیو، استاد افتخاری دانشگاه توکیو ورییس انجمن مطالعات خاورمیانه .

آلپاگو .
(وفات ۱۵۲۰م)
یکی از دانشمندان ایتالیا ئی که قانون را ازآثار ابن سینا به زبان لاتین ترجمه نمود.

آمدروز ، هنری فردریك . Amedroz,H ,F.
(۱۸۵۴ - ۱۹۱۷ م)
از خاور شناسان انگلیس که چند کتاب فارسی وعربی راچاپ ومنتشر کرده است .

آیلرس ، پروفسورویلهلم . Eilers,W.
رییس مطالعات ایرانشناسی دانشگاه وورتسبورگ آلمان .

اپرت، ژول. Oppert ,J.
(۱۸۲۵ - ۱۹۰۵ م)
درهامبورگ بەدنیا آمد . درجوانی به پاریس رفت وبه مطالعات خاورشناسی پرداخت وسرانجام به استادی دانشگاه انتخاب شد (۱۸۷۴م) وی مدتی ازعمر خود را در بین النهرین گذرانید و در ابنیه وآثارآشوروکلده به تحقیق مشغول شد . از آثار اوست : **نوشته‌های میخی، دستورزبان آشوری**، تاریخ امپراتوری‌های کلده وآشور وبابل **وآثارایرانی** .

اتینگهاوزن ، پروفسورریچارد. Ettinghausen , R .
رییس بخش هنر خاور نزدیك در موزهٔ **فریر** واشنگتون واستاد هنراسلامی دانشگاه میشیگان وانستیتوی هنرهای زیبای نیویورك ومتخصص هنرهای اسلامی ایران در آمریکا .

اردمان ، کورت آرتورهانیتس . Erdmann .
(متولد ۱۹۰۱ میلادی)
خاور شناس آلمانی ، استاد تاریخ هنراسلامی دانشگاه استانبول ، ازآثارش می‌توان : **هنرایران در دورهٔ ساسانیان وهنراسلامی** رانام برد.

ارزی ، پروفسورعدنان صادق. Erzi , A , S .
خاور شناس معاصرترکیه واستادتاریخ دانشگاه آنکارا .

ادوارد ، ادوارد . Edwards,E .
(۱۸۷۰-۱۹۴۴م)
خاورشناس انگلیسی که به زبانهای سریانی، عربی، فارسی و عبری آشنا بود. **فهرستی ازکتابهای چاپی فارسی درموزهٔ بریتانیایی** از آثار اواست .

اسپونر ، پروفسور بریان . Spooner , B .
خاور شناس انگلیسی ، کارشناس انستیتوی انگلیسی زبان وتاریخ ایران.

استروناخ ، دکتر دیوید . Stronach , D .
خاورشناس معاصر انگلیسی، رییس انستیتوی ایرانشناسی انگلستان در تهران.

استوری.
(متولد ۱۸۸۸ م)
بزرگترین خاور شناس انگلیسی ، صاحب **تاریخ ادبی ایران** .

اسحق ، پروفسور محمد . Ishaqve , M .
خاورشناس معاصرهندی، رییس بخش فارسی و عربی دانشگاه کلکته، دبیرکل (انجمن ایران)ومدیرمجلهٔ اینداوایرانیکا می‌باشد .

اسخومان ، پروفسور . Schuman , L , O .
خاورشناس معاصرهلندی، رییس مرکز مطالعات خاور نزدیك معاصر دردانشگاه آمستردام .

اسکارچیا ، پروفسور جان روبرتو. Scarcia , G , R .
خاورشناس معاصرایتالیایی، استاد انستیتوی مطالعات شرقشناسی دانشگاه ناپل .

اسمیت، دکترماین ، Smith,M,B .
خاورشناس معاصر آمریکایی ، رییس کمیتهٔ فرهنگ اسلامی وآرشیواسلامی و مشاورمطالعات تاریخ خاور نزدیك وباستان-شناسی اسلامی کتابخانهٔ کنگره.

اشپرنگر.
(۱۸۱۳-۱۸۹۳م)
یکی ازخاور شناسان اتریش که از

مهمترین آثار او «جغرافیای سرزمینهای عرب» می‌باشد.

اسپولر، برتلد. SPuler,B.
(متولد ۱۹۱۱م)

بزرگترین استاد سمینار تاریخ و فرهنگ شرق دانشگاه هامبورك و خاورشناس معاصر آلمانی و متخصص تاریخ اسلامی ایران که از مهمترین آثار او **تاریخ شهرهای اسلامی** را می‌توان نام برد.

استیهل، بانو پروفسور روت. Stiehl, R.

استاد مطالعات شرقی دانشگاه **مونتستر** ومتخصص تاریخ ایران.

اشلومبرژه، پروفسور دانیل، Schlumberger, D.

خاور شناس معاصر فرانسوی، رییس انستیتوی تمدن‌های خاور نزدیك و بیزانس دانشگاه استراسبورگ.

اگامی، پروفسور نامیو. Egami, N.

خاورشناس معاصر ژاپنی، استاد انستیتوی فرهنگ شرق در دانشگاه توکیو.

البرایت، ویلیام فاکول. Albright.
(متولد ۱۸۹۱م)

مستشرق معاصر آمریکایی، که در بعضی مواضع باستانی به‌حفاری پرداخته و چندین سفر به‌شرق نزدیك رفته ومقالات فراوانی درباستانشناسی نوشته است.

الشابی، دکتر علی. Al-chabi, A.

خاورشناس معاصر تونس، استاد فارسی دانشگاه تونس.

انبارجی‌اوغلو، بانو پروفسور ملیحه. Ambarciaglu. M.

خاورشناس معاصر ترکیه و متخصص ادبیات ایران، رییس و استاد فارسی انستیتوی شرقیات دانشگاه آنکارا.

اوبن، پروفسور ژان، Aubin, J.

خاورشناس معاصر فرانسوی، استاد تاریخ ایران در مدرسهٔ تتبعات عالیهٔ سوربن.

ایتیل، پروفسور عابدین. Itile,A.

خاورشناس معاصر ترکیه واستاد سنسکریت دانشگاه آنکارا.

ایوانوف، ولادیمیر. Ivanow, V.

ازخاورشناسان معاصر شوروی متخصص مطالعات اسمعیلی که کتاب «عقیدهٔ فاطمیان» از اواست.

ایوری، دکتر پیتر. Avery,P.

خاورشناس معاصر انگلیسی، متصدی کرسی فارسی دانشگاه کمبریج، دبیر کمیتهٔ تألیف تاریخ ایران در کمبریج.

بار، پروفسور کای. Barr, K.

خاورشناس معاصر دانمارکی، رییس اتحادیهٔ بین‌المللی خاورشناسان، رییس انستیتوی زبانشناسی دانمارك، استاد زبانشناسی ایرانی دانشگاه کپنهاك.

بارامیدزه، پروفسور الکساندر. Baramidze, A.

خاورشناس معاصر اتحادشوروی، عضو آکادمی علوم گرجستان، استاد دانشگاه تفلیس.

باربیه‌دومنار، کازیمیر آدرین. Barbier de Meynard.
(۱۸۲۷-۱۹۰۸م)

ازمستشرقین معاصر فرانسوی که مدتها وابستهٔ سفارت فرانسه درایران بود. فرهنگ جغرافیایی و تاریخی وادبی ایران وممالك مجاور، ترجمهٔ مروج‌الذهب وچند کتاب دیگر ازکارهای اواست.

بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، Barthold.
(۱۸۶۹- ۱۹۳۰م)

ازخاور شناسان روس واز استادان دانشگاه پطرسبورگ که از آثار او «تاریخ ترکستان» را می‌توان نام برد.

بارتولمه، کریستیان. Bartholomae.
(۱۸۵۵- ۱۹۲۵م)

ایرانشناس آلمانی، مؤلف **فرهنگ ایران‌باستان** و **تفسیر اوستا** وغیره.

باسه، رنه، Basset, R.
(۱۸۵۵-۱۹۲۴م)

خاورشناس فرانسوی که درزبانهای عربی، ترکی، فارسی، حبشی و بربری دست داشت ازآثار اوست:
نمازخانه های مسلمانان درچین، شعر عرب قبل ازاسلام، بحث درتاریخ حبشه، افسانه های عامیانهٔ بربری، بحث در دیانت بربر، انجیلها وکتابهای دینی تحریم وانکارشدهٔ حبشیان، افسانه‌های عامیانهٔ آفریقایی وبسیاری کتب و مقالات دیگر.

باقر، پروفسور محمد. Baqir.

خاورشناس معاصر پاکستانی، رییس واستاد بخش فارسی دانشگاه پنجاب.

باگالیوبوف، پروفسور میخاییل. Bogaliubov, M.

خاورشناس معاصر اتحادشوروی رییس و استاد دانشکدهٔ زبانهای شرقی دانشگاه لنینگراد و متخصص زبان های سغدی و خوارزمی.

بالدیرف، پروفسور الکساندر. Boldyrev, A.

خاورشناس معاصر اتحادشوروی، رییس واستادکرسی زبانشناسی فارسی دانشگاه لنینگراد.

بچکا، دکتر پیری. Becka, j.

خاورشناس معاصر چکوسلواکی، استاد فارسی دانشگاه پراك.

براگینسکی، پروفسور یوسف. Braginskiy, i.

خاورشناس معاصر اتحادشوروی عضو آکادمی علوم تاجیکستان، استاد فارسی دانشگاه دوشنبه مدیر مجلهٔ «ملل آسیا» (نشریهٔ رسمی آکادمی علوم اتحاد شوروی).

براون، ادوارد. Brown
(۱۸۶۲-۱۹۲۶م)

خاورشناس معاصر انگلیسی، وی استاد دانشگاه کمبریج بود و به‌زبانهای فارسی، عربی وترکی آشنایی کامل داشت. مؤلف آثار معروف «تاریخ ادبیات ایران» در ۴ جلد که همه به‌فارسی ترجمه‌شده، «یك سال درمیان ایرانیان» و «انقلاب ایرانیان و غیره» ونیز متن چندکتاب مهم فارسی را تصحیح کرده و به‌طبع رسانیده‌است.

براون، دکترهلموت. Braun, H.

خاورشناس معاصر متصدی بخش کتابهای شرقی وکتب خطی کتابخانهٔ دولتی ودانشگاهی هامبورگ متخصص کتاب شناسی ایران.

برتلس.
(۱۸۹۰-۱۹۵۷م)

خاورشناس معاصر شوروی که مهمترین اثر او **ادبیات ملل آسیای مرکزی** است.

برتلو. Berthelot, M.
(۱۸۲۷-۱۹۰۷م)

علمای شیمی را به‌بینید.

برس

کاهن بابلی که تاریخ کلده را نوشته است.

برستد، جیمزهانری. Breasteb,J,H.
(۱۸۶۵-۱۹۴۵ م)

خاورشناس و باستانشناس آمریکایی،

استاددانشگاه‌شیکاگواست. ازآثارمعروف او : **آثار مصرقدیم** ، **تاریخ مصر** را می‌توان نام برد .

بروکلمان ، کارل Brockalmann
(۱۸۶۸–۱۹۵۶م)
از بزرگترین خاورشناسان آلمانی وریس دانشگاههای معروف آلمان که‌از مهمترین آثار او مربوط به شناسایی احوال و آثار نویسندگان عربی زبان است.

بووا ، لوسین Boie,L.
(متولد ۱۸۷۲–۱۹۴۲ م)
خاور شناس فرانسوی . وی‌بتحقیق در تاریخ و ادبیات شرق بسیار علاقمند بود و مدیر کتابخانهٔ انجمن آسیایی و ناشر مجلهٔ عالم اسلامی و نخستین کتابی که دراین زمینه‌نوشت« برمکیان» است . از آثار دیگر وی ترجمهٔ نمایشنامه از نوشته های آخوند زاده‌و تألیف تاریخ امپراتوری مغول و تاریخ برمکیان است که در سال ۱۹۲۷ انتشار یافت.

بل ، گرترود . Bell,G
(۱۸۶۸–۱۹۲۶م)
از بانوان‌خاورشناس که ازآثاراو، **نقاشی در ایران** است .

بلوشه ، ادگار . Blochet,E
(۱۸۷۰–۱۹۳۷ م)
مدیرنسخ خطی شرقی‌کتابخانهٔ ملی پاریس، از آثار او : **فهرست قسمتی‌از کتب خطی عربی،فارسی وترکی‌کتاب‌خانهٔ ملی پاریس** ترجمهٔ **تاریخ حلب** و ترجمهٔ **تاریخ مصر** نشرقسمتی‌**ازجامع‌التواریخ رشیدی** وکتب‌ومقالات دیگر است .

بودروگلی ژتی ، پروفسور آندراس.
Bodrogligeti,A .
خاورشناس‌معاصر مجارستانی،استاد فارسی دانشگاه بوداپست .

بولداوی ، پروفسور باقر.
Boldavi , A .
خاور شناس معاصر عراقی ، رییس دانشکدهٔ زبان دانشگاه بغداد ومتخصص ادبیات فارسی.ومقالات بسیار .

بویل ، دکتر ج ا . Boyle,J,A
خاورشناس‌معاصرانگلیسی ، رییس واستاد بخش فارسی دانشگاه منچستر.

بیلی ، هرلدوالتر . Bailey,H.
(متولد ۱۸۹۹م)
خاورشناس‌انگلیسی‌استادسانسکریت دانشگاه‌کمبریج که‌آثارمهم اوعبارتنداز **مسایل زرتشتی** ، **متون ختنی** ، **متون بودایی ختنی** . وچند اثر دیگراست.

بیلاوسکی ، جوزف .
خاورشناس‌معاصر لهستانی ورییس تحقیقات شرقی دانشگاه ورشو که‌مدتی‌در خاورمیانه‌به‌سر برده‌وازآثاراوست. چند اثرا**زابن‌سینا** وترجمهٔ **زن‌خوشبخت** اثر **بزرگ‌علوی** را می‌توان نام برد.

بیوار ، دکتر ا – د . Bivar,A,D,H
خاورشناس معاصرانگلیسی،متصدی باستان‌شناس‌ایرانی مدرسهٔ‌مطالعات‌شرقی‌و آفریقایی‌دانشگاه لندن .

پاپازیان ، پروفسوراکوپ .
Papazian,A .
خاور شناس معاصر اتحادشوروی ، رییس‌بایگانی‌اسنادومدارك‌تاریخی‌ایران درجمهوری شوروی ارمنستان.

پارخا ، پروفسور فلیکس. Parija,F .
خاورشناس‌معاصراسپانیایی،دبیرکل خاورشناسان اسپانیا و استاد مطالعات اسلامی‌دانشگاه مادرید .

پالمر ، ادوارهنری .
(۱۸۴۰–۱۸۸۳ م)
خاور شناس‌انگلیسی‌که بەزبانهای فرانسوی ، ایتالیایی ، فارسی ، عربی ، اردوآشنایی یافت و اشعار قصاید بسیار از فارسی و عربی‌به انگلیسی‌ترجمه‌کرد و مدتها ازعمر خودرادرکشورهای‌عرب گذراند . از مهمترین آثار او **تصوف شرقی** است .

پورادا ، بانو پروفسور ادیت .
Porada,E .
خاورشناس معاصرآمریکایی ، استاد تاریخ‌هنروباستان‌شناسی‌شرق‌دردانشگاه کلمبیا و متخصص هنر ایران .

پورداود .
ابراهیم پور داود بەسال۱۲۶۴ خورشیدی در رشت تولد یافت و علوم مقدماتی را در رشت فراگرفت و سپس مدتی به‌تحصیل‌طب‌پرداخت‌ولی‌تحصیلات پزشکی را ناتمام‌گذاشت و مدتی خارج از ایران سفرکرد وبه‌آلمان رفت. پس از مراجعت به سمت استاد در دانشگاه تهران مشغول‌کارشد . از تألیفات‌اوست: گاتها ، یشتها ، خرده اوستا ، یسنا، یادداشتهای‌گاتها، ویسپرد ، ایرانشاه ، خرمشاه ، سوشیانس ، پوراندخت ، گفت وشنود پارسی ، هرمزدنامه ، فرهنگ ایران باستان.

پوپ اواترپهام. pope,A,U.
(متولد ۱۸۸۱م)



از ایران شناسان آمریکا رییس انستیتوی‌آسیا و متخصص هنر ایران ، از آثار او : **قالیهای قدیم شرقی** ، **مقدمه‌ای برهنر ایران** ، **نظری‌به هنر ایران از زمان ماقبل تاریخ تاکنون** ، **(۶جلد)**،**شرح‌زندگی‌ماکسیم‌لیتوینوف** و **شاهکارهای هنر ایران** است .

پی‌پر ، پروفسور هربرت. Paper,H.
ازخاورشناسان‌آمریکا ، رییس‌بخش زبان شناسی واستاد زبان‌فارسی‌دانشگاه میشیگان .

تارلان ، علی‌نهاد . Tarlan,A,N
خاورشناس معاصر ترکیه، متخصص ادبیات‌فارسی‌ومؤلف‌کتاب«تاریخ ادبیات ایران» .

تاور ، پروفسور فلیکس Tauer,F.
(متولد ۱۸۹۳ م)
خاورشناس‌معاصرچکوسلواکی،استاد خاورشناسی دانشگاه پراك ، از آثاراو؛ ترجمهٔ **هزار ویك شب** است .

تچالسکی
رییس تحقیقات شرقی کراکوی و یکی از خاورشناسان معاصر لهستانی‌که ازآثار او . **داستان تاریخی در ایران** و **قصهٔ تاریخی شمس وطغرای‌خسروی** را می‌توان‌نام برد .

تلگدی Telegdi.z .
خاورشناس معاصر مجارستانی، استاد زبان‌شناسی ایرانی دانشگاه بوداپست .

توچی ، پروفسور جیوسپ Tucci,G.
خاورشناس ایتالیایی ، رییس انستیتوی روابط فرهنگی ایتالیا با خاورمیانه و خاور دور و رییس هیئت باستانشناسی ایتالیا در ایران ، استاد فلسفه و مذاهب شرقی در دانشگاه روم .

جونز ، سرویلیام Jones,W .
(۱۷۴۶ ـ ۱۷۹۴ م)
از خاورشناسان و از شاعران بزرگ انگلیسی که ترجمهٔ **جهانگشای نادری** از آثار اوست.

جوینبول ، تئودرو ویلیام .
(۱۸۰۲ ـ ۱۸۶۱م)
یکی از خاورشناسان هلند و از استادان دانشگاه لیدن که از مهمترین آثار او ؛ **تاریخ مشرق زمین** است.

چرولی پروفسور انریکو .
Ceruli,E .
خاورشناس معاصر ایتالیایی، عضو آکادمی ایتالیا ، سفیر سابق ایتالیا در ایران، استاد دانشگاه روم، متخصص سده‌های تاریخی ایران .

چلدی ،
(متولد ۱۹۱۴ م)
یکی از خاورشناسان معاصر مجار که از آثار او **سفرهای ابن‌فضلان** است.

خانیکوف
(۱۸۲۲ـ۱۸۷۸ م)
از خاورشناسان شوروی که مدتی در ایران به‌سر برد و از آثار او **وصف مملکت بخارا** است.

خلیلی، جعفر Khalili,J .
خاورشناس معاصر عراقی، متخصص ادبیات فارسی .

دارك ، هیوبرت Darke,H.
خاورشناس انگلیسی، متصدی کرسی فارسی دانشگاه کمبریج .

دارمستتر Darmesteter,y.
(۱۸۴۹ ـ ۱۸۹۴ م)
خاورشناس فرانسوی و استاد زبان فارسی و نخستین مترجم **اوستا** از زبان پهلوی به انگلیسی و فرانسوی و معرف تعلیمات زرتشت و به اروپاییان بود . از آثار دیگر وی : **مهدویت در اسلام از آغاز تاکنون و ترانه‌های عامیانه افغانی** و نشر **رساله‌ای از ابن مقفع** را می‌توان نام برد .

دان ، گورگه . Dan,G.
خاورشناس معاصر رومانی ، عضو اتحادیهٔ نویسندگان رومانی، مترجم آثار شعرای ایران .

دالمانی ، رنه .
از خاورشناسان معاصر فرانسوی که از آثار او کتابی است به نام: **از خراسان تا بختیاری** که این کتاب به زبان فارسی نیز ترجمه شده است .

داور ، پروفسور فیروز DAVAR,F,C.
خاورشناس معاصر هندی، استاد افتخاری دانشگاه گجرات.

دخویه ، میخاییلیان DeGoeje,M,J .
(۱۸۳۵ـ۱۹۰۹م)
خاورشناس هلندی که در زبان و ادب عرب تبحر داشت و استاد دانشگاه که در لیدن بود. کتابهای «الاعلاق النفیسه» ابن رسته، «فتوح البلدان» بلاذری، «التنبیه» مسعودی وقسمتی از «تجارب الامم» ابن مسکویه را به طبع رسانیده است .

درایور .
(متولد ۱۸۹۲ م)
خاورشناس معاصر انگلیس و استاد زبان سامی که از آثار او: **کتاب سامی** و **اشتقاق اسم کرد** را می‌توان نام برد .

درسدن ، پروفسور مارك Dresben,M .
خاورشناس معاصر آمریکایی، استاد مطالعات ایرانی دانشگاه پنسیلوانیا .

درن
(۱۸۰۵ـ۱۸۸۱م)
از خاورشناسان آلمانی که در روسیه اقامت داشت از مهمترین آثار او ترجمهٔ **تاریخ افغان** است .

دزن ، فردریك .
(۱۸۵۶ـ۱۹۳۵م)
خاورشناس آلمانی و سفیر آلمان در ایران که مدتی در کشورهای شرقی به‌سر برد از مهمترین آثار او : **داستانهای ایرانی** است .

دفرمری De Fremery,C,H .
(۱۸۲۲ـ۱۸۸۳م)
خاورشناس فرانسوی و استاد زبانهای فارسی و عربی بود . از آثار اوست : **مظفریان ، امرای نیشابور و امرای دولت حمدانیه و تاریخ سلاجقه ، و تاریخ دولتهای اسلامی در خوارزم و ترکستان، اسمعیلیان در سوریه ، تاریخ اسمعیلیان باطنی ایران** ، است .

دلاگرانژه . De la Grangne.
(۱۷۹۰ـ۱۸۵۹م)
خاورشناس فرانسوی و سردبیر مجلهٔ آسیایی پاریس بود و در بارهٔ تصوف اطلاعات عمیق و دقیقی داشت و به زبانهای فارسی و عربی کاملاً مسلط بود. از آثار اوست؛ **تاریخ عرب در اندلس** ؛ ترجمهٔ **مقامات حمیدی** ، و چندین مقاله در بارهٔ تصوف.

دمورگان، ژاك ماری. De Morgan,J.
(۱۸۵۷ـ۱۹۲۴م)
مهندس معدن و باستانشناس معروف فرانسوی است که مدتها رییس هیئت اکتشافی و باستانشناسی فرانسویها در ایران و مصر بوده و هم او استل حمورابی را پیدا کرد و به موزهٔ لوور فرستاد آثار مهم او عبارتند از: **ازشوش تالوور، تمدنهای نخستین ، بشر ماقبل تاریخ ، رساله در سکه‌شناسی ایران باستان و مشرق زمین در ماقبل تاریخ** .

دوزی ، راینهارت. Dozy,R.
(۱۸۲۰ ـ ۱۸۸۴ م)
خاورشناس هلندی در کالج لندن معلم عربی بود، و به تحقیق در تواریخ دول اسلامی در اندلس و مغرب اشتغال داشت. از آثار مهم اوست؛ «ذیل قوامیس عرب» (۲ جلد به فرانسوی) «قاموس مشروح اسامی البسه در نزد عرب».

دوشن گیلمن، پروفسور ژاك .
Duchesne-Guillemin .
خاورشناس معاصر بلژیکی، استاد مطالعات ایرانی دانشگاه لیژ.

دونالدسن.
یکی از خاورشناسان انگلیسی که از آثار او: محمدغزالی و قانون کنونی ایران را می‌توان نام برد .

دومینار، باربیه . DeMnynrd , B.
(۱۸۲۷ـ۱۹۰۸م)
از خاورشناسان بزرگ فرانسوی است . وی درسال **۱۸۵۴** به ایران آمد و دو سال در تهران به سر برد . چندی نیز در کشور عثمانی اقامت گزید پس از بازگشت به فرانسه مدیر مجلهٔ آسیایی و استاد زبان عربی شد از آثار اوست : **تقویم ادبی خراسان در قرن چهارم، معجم جغرافیای تاریخی و ادبی بلاد فارس** به نقل از یاقوت، ترجمه و نشر **مروج الذهب المسالك والممالك ابن خرداد به، اطواق الذهب زمخشری و نوابغ الکلم همو ؛ مجموعه تواریخ صلیبی در ۱۶ جلد**؛ ترجمهٔ **بوستان سعدی** و شرح احوال بسیاری از

بزرگان تاریخ .

دوساسی . De Sacy,S.

(۱۷۵۸–۱۸۳۸م)

دوساسی خاور شناس معروف فرانسوی است که بنیانگزار مجامع و نشریات خاورشناسی درفرانسه بود(ساسی را به‌بینید) .

دوسلان . de Slane, M.

(۱۸۰۱–۱۸۷۸م)

خاورشناس فرانسوی ایرلندی‌الاصل ومترجم عربی‌وزارت جنگ فرانسه بود. از آثار اوست : ترجمه و نشر **دیوان امرؤالقیس** باهمکاری رینو ، قسمتی از ابن‌خلکان‌و ترجمهٔ آن به انگلیسی،مجموعهٔ **اشعار شعرای جاهلی** ، **تقویم‌البلدان ابی‌الفدا** با همکاری کاترمر ، رینو و دیرنبورگ‌**سفر نامهٔ ابن‌بطوطه به‌سودان**، تألیف **تاریخ بربر**، نشر**مسالك الممالك الکبری** ، مجلد اول **مسالك الممالك قرطبی** ، **منتخب اخبار البشرابی** و **منتخبات تاریخ‌مصر ابن میسر** وچنداثر دیگر .

دیکسون ، پروفسور مارتین .

Dickson , M .

خاورشناس‌معاصر آمریکایی، استاد مطالعات‌ایرانی‌دانشگاه پرینستون .

دی‌کونینگ.

یکی‌ازپزشکان وخاورشناسان‌معاصر هلندی‌که از مهمترین آثاراو : ترجمه ونشر**سه‌رساله‌درتشریح**ازرازی‌رامی‌توان نام برد .

دیولافوا ، مارسل اگوست .

Dieulafoy , M .

(۱۸۵۴–۱۹۲۰م)

مهندس و باستانشناس ، فرانسوی مهندس طرق وشوارع بود و در سبکهای معماری شرقی و غربی وارتباط آنها با یکدیگر مطالعاتی داشت . در سال ۱۸۸۱ م به‌مأموریت باستانشناسی به‌ایران اعزام شد ، و در شوش به کشف کاخهای داریوش واردشیر موفق گردید وقطعات جالب توجهی برای موزهٔ لوورتهیه‌کرد (۱۸۸۶م)، درسال۱۸۹۵ به‌عضویت‌وابستهٔ آکادمی کتیبه‌ها نایل آمد ، از آثار اوست:هنرقدیم‌ایران (۱۸۸۴–۱۸۸۵)، آکروپل‌شوش(۱۸۹۰–۱۸۹۴) ، داود–شاه (۱۸۹۷م)،قصرگایارومعماری‌نظامی درقرن سیزدهم ، جنگ موره (۱۸۹۹) وغیره . در سال ۱۹۱۴ وی به‌خدمت نظام در مراکش مشغول شد ودرهمانجا کارهای علمی خود را تعقیب کرد.

دی‌یونگ.

(۱۸۳۲–۱۸۹۰م)

خاورشناس‌هلندی‌استادعربی‌دانشگاه **لیدن**که ازمهمترین‌آثاراو ترجمه ونشر کتاب **البلدان‌یعقوبی والانساب مقدسی** است .

رابین‌لوی. Rabinloy

(متولد ۱۸۹۱م)

استاددانشگاه‌کمبریج وخاورشناس انگلیسی‌که از مهمترین‌آثاراو:**جامعه‌شناسی**،ترجمهٔ **مرزبان نامه** را می‌توان نام‌برد .

رابینو، سنت‌لویی. Rabino , L.

(۱۸۷۷–۱۹۵۰م)

خاورشناس انگلیسی که مدتی در کرمانشاه ، رشت، دارالبیضاء ، ازمیر، قاهره به خدمتهای سیاسی پرداخته ، از آثارش ؛ **سفرنامهٔ مازندران واسترآباد وکتاب‌سکه‌ها و نشانها ومهرهای‌شاهان ایران از ۱۵۰۰ تا ۱۹۴۱** می‌باشد.

راس؛ سرادوارد دنیسن . . Ross.

(۱۸۷۱–۱۹۴۰م)

خاورشناس انگلیسی تحصیلات‌عالی رادرلندن به‌اتمام‌رسانید ومقدمهٔ‌آشنایی اوباالسنهٔ‌شرقی‌درپاریس‌و استراسبورگ شروع شد . در سال ۱۸۹۶ م . به‌سمت استاد زبان فارسی درکالج لندن تعیین گردید ، در۱۹۰۱ از مقام خود استعفا داد و به ریاست مدرسهٔ کلکتهٔ (هند) انتخاب شد . در طول جنگ بین‌الملل اول مسافرتی به‌ایران‌کرد . پس‌ازمراجعت‌ازهندوستان‌به‌کشور خویش بازگشت ومجدداً کرسی استادی زبانهای شرقی راکه به‌اوتفویض‌شده بود بعهده گرفت . لیکن این افتخار دیری نپایید زیرا به جهت بعضی امور سیاسی به‌ترکیه فرستاده شدودرهمانجا درگذشت ومدفون‌گردید. آثاری‌که در بارهٔ‌ایران واسلام نوشته :

۱– اسلام .
۲– زندگی وزمان عمرخیام .
۳– هنر وادبیات شرقی .
۴– ترجمهٔ تاریخ‌رشیدی .
۵ – اوایل زندگی شاه اسماعیل وغیره .

راسك رامسوس . Rasck Ramsos.

(۱۷۸۷–۱۸۳۲ م)

خاورشناس‌دانمارکی‌درسال۱۸۲۰م. به‌ایران آمد وپس از چندی اقامت در بمبئی نسخ خطی اوستا وکتب دینی زردشتیان را به‌دست آورد وبه‌کپنهاگ برد .

نسخه‌های‌مزبورهم‌اکنون‌درکتابخانهٔ دانشگاه‌کپنهاگ موجود است . راسك نتیجهٔ مطالعات خود را در مجموعه‌ای به زبانهای‌انگلیسی ودانمارکی به‌عنوان «یادداشتها راجع به‌زبان زند واوستا » نگاشته است .

راشدی ، پیرحسام الدین .

Rashedi , H .

خاورشناس معاصرپاکستانی، رییس انجمن‌اردودرکراچی ، متخصص ادبیات فارسی.

راولینسون ، سرهانری .

Rawinson, H.

(۱۸۱۰–۱۸۹۵م)

باستان‌شناس وخاورشناس انگلیسی وی یکی ازموجدان مطالعات وتحقیقات آشورشناسی است .

راولینسون ـجورج Rawlinson.

(۱۸۱۲–۱۹۰۲م)

یکی از استادان وخاور شناسان‌در دانشگاه‌آکسفورد که ازآثاراو : **تاریخ مصر**، تاریخ‌**فنیقیهٔ**،**پنج مملکت‌بزرگ‌مشرق** (کلده، آشور، بابل، ماد وایران)است.

ریپکا، پروفسوریان.
(متولد ۱۸۸۶ م)
از خاورشناسان بویژه ایران‌شناسان معروف معاصر چك که درآثار نظامی تحقیق فراوان کرده است.

رحمن، پروفسور منیب.
Rehman, M.
خاورشناس معاصر هندی، متصدی شعبهٔ فارسی انستیتوی مطالعات اسلامی دانشگاه الیگره، رییس بخش فارسی.

ردار، پروفسور ژرژ. Redard, G.
خاورشناس معاصر سویسی، استاد زبانهای ایرانی دانشگاههای برن ونوشاتل. دبیر کل کمیتهٔ بین‌المللی اطلس زبانها ولهجه‌های ایرانی.

ردهاوس ـ سرجیمز ویلیام.
Redhouse.
خاورشناس معاصر انگلیسی که مدتها در کشور عثمانی به‌سر برده وازآثاراوست: ترجمهٔ **روزنامهٔ سفر فرنگستان ناصرالدین‌شاه، صرف ونحو استدلالی زبان عثمانی عصر ابراهیم** وچند فرهنگ مربوط به شرق‌است.

رزن، بارون ویکتور.
(۱۸۴۹ـ۱۹۰۸م)
از خاورشناسان معاصر شوروی که از آثار او تحقیق درشاهنامه وشرکت درنشر تاریخ طبری است.

روزن، فریدریك. Rosen, F.
(۱۸۶۵ـ۱۹۳۵م)
خاورشناس وایران شناس آلمانی، مدتی باپدرش در اورشلیم می‌زیست ودر آنجا زبانهای عربی وانگلیسی و تاریخ واساطیرعرب را فراگرفت و مدتی نیز مأمور ایران وهند گردید. روزن پس‌از چندسال‌سیاحت مجدداً به‌برلین بازگشت درسال ۱۸۹۱ به‌سمت منشیگری زبانهای شرقی سفارت آلمان به‌تهران آمد و سپس مأمور بوشهر شدومقام نایب کنسول یافت ودر ۱۹۰۰ مجدداً به برلین بازگشت ودروزارت خارجه شاغل مقامات مهم گردید. در ۱۹۱۲ مأمور لیسبون (لشبونه) شد وتا ۱۹۱۶ آنجا بود و سپس به‌لاهه‌رفت. وی متن رباعیات خیام را تصحیح وباترجمه منتشر کردودستوری نیز برای‌زبان‌فارسی نوشت، هاروت وماروت ومثنوی وتآتر میرزا ملکم‌خان را نیز ترجمه‌کرده. کتاب مهم او به‌عنوان ایران مشروح و مصور، شامل موقع جغرافیایی و آب وهوا، نباتات و تقسیمات نژادی ومذهبی و طریقتها وزبان وادبیات وتاریخ وسیاست ایران.

روسکا.
(۱۸۶۷ـ۱۹۴۱م)
یکی از خاورشناسان آلمانی که‌از مهمترین‌آثار او: **رسالهٔ امام جعفر‌صادق**(ع) **ومثلثات بیرونی** رامی‌توان‌نام برد.

رسی ژان، باتیست دو.
Rosi, J, B.
(۱۸۲۲ـ۱۸۹۴م)
باستانشناس ایتالیایی وعالم کتیبه‌ها که سردابها ودخمه‌ها را مورد مطالعه و دقت قرار داد.

رومر، هانس. Roemer,H.
(متولد ۱۹۵۱م)
از خاورشناسان معاصر آلمان ورییس انستیتوی شرق شناسی و رییس دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه فرایبورگ آلمان است.

رویتر. Reuter.
(متولد ۱۸۹۲م)
خاورشناس معاصر آلمان که‌سی‌سال دراستانبول بود ازآثار او: نشر **مقالات اسلامیین اشعری** است.

ریمپس، پروفسور کریستیان.
Rempis, ch.
استادایران‌شناسی معاصر دانشگاه توبیگن‌آلمان.

ریهتسیك، ادوارد.
(۱۸۱۹ـ۱۸۹۱م)
خاورشناس معاصر مجاراز اهل بوداپست که پس ازسیاحت‌اروپا وآمریکا دربمبئی مقیم‌شد وبه‌تدریس‌زبان لاتین وریاضیات پرداخت. ازمهمترین‌آثار او: **منتخب‌التواریخ بداؤنی** است.

زابا، اگوست:
(۱۸۰۰ـ۱۸۹۱م)
یکی از خاورشناسان لهستانی‌است که درزبان‌کردی تحقیقات زیادی‌نمود. از مهمترین‌آثار او: **فرهنگ‌فرانسوی** رامی‌توان نام برد.

زاخو، ادوارد. Sachau, E.
(۱۸۴۵ـ۱۹۳۰م)
یکی از خاورشناسان‌بزرگ آلمانی واستاد دانشگاه‌برلین ومؤسس‌انستیتوی زبانهای شرقی‌که ازمهمترین آثار او: **تاریخ‌خوارزم، الطبقات‌الکبیر ابن‌سعد، آثارالباقیه وماللهند** بیرونی را تصحیح ومنتشر کرد.

زاخودر، باریس نیکالایوویچ.
ZaKhoder.
(۱۸۹۸ـ۱۹۶۰م)
خاور شناس و ایرانشناس شوروی دکتر درعلوم تاریخی، استاد ومتصدی دایرهٔ ایران‌درانستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد جماهیرشوروی. ازآثاروی «نظام‌الملك، شرحی دربارهٔ سلطنت سلجوقیان» وترجمهٔ «رساله‌ای‌در بارهٔ خطاطان» تألیف‌قاضی احمدوترجمهٔ «سیاست نامه» نظام‌الملك را باید نام برد.

زانیچکووسکی، پروفسور آنانیاش.
Zajaczkovski, A.
خاورشناس‌معاصر لهستانی، عضوآکادمی علوم‌لهستان‌ورییس انستیتوی‌خاورشناسی آکادمی ـ رییس‌واستادمرکزخاورشناسی دانشگاه ورشو.

زاوادوسکی، یوری.
یکی ازخاورشناسان‌معاصر شوروی که از آثار او: **شرح‌حال ابن‌سینا و بیرونی**را می‌توان‌نام‌برد.

زند، پروفسور میخاییل. Zund, M.
خاورشناس‌معاصراتحادشوروی، مشاور علمی انستیتوی ملل‌آسیا درآکادمی‌علوم اتحاد شوروی.

زوتنبرگ Zotenberg,H.
(۱۸۳۴ـ۱۹۱۴م)
خاور شناس فرانسوی و مدیر نسخ خطی‌کتابخانهٔ ملی‌پاریس. ازآثاراوست: **تحقیق در کتاب کلیله ودمنه**، ترجمه ونشر **تاریخ بلعمی** وچندکتاب‌دیگر.

ژبر، پی‌یر آمده Joubert.
(۱۷۷۹ـ۱۸۴۷م)
خاورشناس‌وجغرافی دان‌وجهانگرد فرانسوی **جغرافیای‌ادریسی** را به‌فرانسوی در دوجلد ترجمه‌کرد ودرپاریس‌به‌چاپ رسانید، ونیز **تاریخ فرغانه** را ترجمه نمود و مقالات بسیار در بارهٔ مشرق در مجلهٔ آسیایی‌انتشار داد. کتابی‌نیز بعنوان

سفر ارمنستان و ایران دارد . وی‌مدتی رییس مدرسهٔ السنهٔ شرقی پاریس‌بود و شاگردسیلوستردساسی است .

ژوکووسکی
(۱۸۵۸ ـ ۱۹۱۸ م)
ازخاورشناسان روس‌که ازمهمترین آثار او : **تصوف ایرانی** است.

ساسی، سیلوستردو. Sacy,S.
(۱۷۵۸ـ۱۸۳۸م)
ازخاورشناسان‌ورجال‌نامدارفرانسه وازمردم‌پاریس، ساسی‌کودك‌بود‌که‌پدرش درگذشت و تربیت وی‌بعهدهٔ مادرمحول شد . ساسی ازآغاز جوانی ضمن تحصیل حقوق، به‌تحقیق ومطالعه‌درزبانهای شرقی مخصوصاً عربی ، فارسی ، ترکی،سریانی وعبری پرداخت .در سال ۱۷۸۱ خدمت دولتی را درضرابخانهٔ پاریس آغازکرد و در ۱۷۸۵ به عضویت آکادمی فرانسه انتخاب شد . در سال ۱۷۹۵ به‌معلمی عربی‌مدرسهٔزبانهای‌شرقی منصوب‌گردید. در۱۸۰۶ به‌عنوان معلم‌فارسی «کلژدـ فرانس» تعیین شد . در سال ۱۸۰۸ از ناحیهٔ‌سن‌به‌نمایندگی‌مجلس‌فرانسه‌انتخاب گردید. درسال ۱۸۱۵ به‌عضویت‌شورای دانشگاه پاریس برگزیده‌شد ولی‌اندکی بعد استعفاداد. در۱۸۲۳ مدیریت‌کلژدـ فرانس به‌عهدهٔ اومحول‌شد ودرهمان سال مجمع مشهور علمی «انجمن آسیایی» را بنیاد نهاد وبه‌ریاست‌آن انتخاب شد.در سال ۱۸۳۲ ریاست بخش خطی‌کتابخانهٔ ملی پاریس و مدیریت مدرسهٔ زبانهای شرقی‌به‌عهدهٔ او محول وبه‌لقب «بارون» ملقب‌گردید و بعدهامنشی دایمی‌آکادمی فرانسه‌شد. وی ازپیشروان خاور شناسی در اروپاست وبه ۲۰ زبان‌آشنایی‌داشت وفارسی وعربی‌را به‌فصاحت‌می‌نوشت.
ازآثار اوست : ترجمهٔ پندنامهٔ عطار با مقدمه‌ای‌به‌فارسی(۱۸۱۹م) ، صرف‌ونحو زبان عربی (۱۸۱۶م)، بخشی دربارهٔ کلیله ودمنهٔ فارسی(۱۸۱۸)،ملاحظاتی در باب‌دوایالت شرقی‌ایران :غرجستان وجوزجان (۱۸۱۳م) ، یادداشتهایی در بارهٔ ایران باستان‌به‌ضمیمهٔ ترجمهٔ‌قسمت ساسانیان از میرخواند(۱۷۹۳م) وکتب بسیار دیگر. «فرهنگ معین»

سالونن ، پروفسور آرماس .
Salonem,A .
خاورشناس‌معاصرفنلاندی،رییس‌انجمن خاورشناسان فنلاند ، استادزبان شناسی شرقی دانشگاه هلسینکی .

ساله
(متولد ۱۸۹۹ م)
ازخاورشناسان‌معاصرشوروی‌که از آثاراو : **هزارویکشب**رامی‌توان‌نام‌برد که‌به‌زبان روسی‌آن راترجمه‌کرد.

السعدانی ، دکتر عبداللطیف .
Saadani,A .
خاور شناس معاصرمراکشی، استاد فارسی دانشگاه مراکش .

سندبادزاده ، پروفسورعلی سویبیات .
Sundbad_zade,A .
خاورشناس‌معاصراتحادشوروی،عضو آکادمی‌علوم آذربایجان، رییس‌انستیتوی خاورشناسی‌آکادمی، استادتاریخ آکادمی علوم آذربایجان .

سیکیریچ ، پروفسور شاکیر .
Sikiric,S
خاورشناس‌معاصریوگوسلاوی،استاد فارسی‌دانشگاه سارایه .

سیوری ، پروفسوراجر.
Savory,R ; M .
خاورشناس‌معاصرکانادایی‌استادمرکز مطالعات‌اسلامی‌دانشگاه‌تورونتوـ‌متخصص کتاب شناسی اسلامی‌ایران .

شادانی، پروفسورعندلیب .
Shadani , A .
خاورشناس معاصرپاکستانی: رییس واستاد بخش فارسی و اردو دردانشگاه **داکا**.

شارپ ، رنان . Sharp,R,V
خاورشناس معاصر آمریکایی مقیم (شیراز)متخصص‌خطوط‌میخی‌وتاریخ‌زبان شناسی باستانی ایران ، معلم دانشگاه پهلوی شیراز .

شال، پروفسورآنتوان. Schall,A.
استادمعاصرمطالعات‌اسلامی‌دانشگاه هایدلبرگ‌آلمان .

شامپولیون ، ژان. Chauplion,J.
(۱۷۹۰ـ۱۸۳۲ م)
خاورشناس‌معاصرفرانسوی‌از نخستین کسانی‌بود‌که‌بخواندن‌بعضی‌حروف‌هیروـ گلیف مصری نایل‌آمدو‌هم‌او دستورزبان این خط را نوشت .

شاه محمد اف ، پروفسور شیخ‌الاسلام.
Shamuhamedov,SH .
خاورشناس‌معاصراتحادشوروی،رییس دانشکدهٔ خاور شناسی‌دانشکدهٔ تاشکند.

شایدر ، هانس هنریخ .
(۱۸۹۶ـ۱۹۵۷م)
استادزبانهای‌سامی‌دانشگاه‌گوتینگن و خاور شناس‌آلمانی و استاد ادبیات دانشگاه‌برلین‌که‌ازآثاراو: **آمیزش‌ادیان باستانی در ایران و یونان** را می‌توان نام برد .

شرع‌الاسلام ، محمد صالح.
Shar,ol — islam,M.S
خاورشناس‌معاصرعراقی،استاددانشکدهٔ ادبیات دانشگاه‌بغداد .

شفر Schefer.CH.
(۱۸۲۰ـ۱۹۰۲ م)
خاورشناس نامدارفرانسوی‌است‌که مدتی طولانی در خاورمیانه به سربرد و نسخه‌های نفیس خطی راگردآورد و به کتابخانهٔ ملی پاریس اهداء کرد .
(درمیان‌آنها ۲۷۶ نسخهٔ عربی ، ۲۷۶ نسخهٔ فارسی و ۲۳۹ نسخهٔ ترکی دیده می‌شود .) وی درعین حال رییس **مدرسهٔ السنهٔ شرقیهٔ پاریس** بود . از آثاراوست : ترجمه ونشرقسمتی‌ازسفرـ **نامهٔ ناصرخسرو، تاریخ بخارای نرشخی، سیاست نامهٔ نظام‌الملك** ، قسمتی از **جهانگشای‌جوینی وبیان‌الادیان**،قسمتی از **نزهة القلوب** ، **سفرنامهٔ خوارزم لله باشی**ومقالات وتحقیقات‌بسیار.

شمولدرس ، اوگوست .
(۱۸۰۹ـ۱۸۸۰ م)
خاورشناس‌آلمانی و استاد فلسفهٔ اسلامی‌که از مهمترین‌آثار او: ترجمه و نشر **مبادی‌الفلسفهٔ فارابی** است .

شمیل ، بانوآن‌ماری Schimmel,A.
استاد سمینار معاصر خاورشناسی دانشگاه بن.

شودزتو،الکساندر.
(۱۸۰۴ـ۱۸۹۱م)
خاورشناس لهستانی ومترجم‌سفارت روس در ایران‌که از مهمترین آثار او: **دستور زبان فارسی** است .

الصراف ، احمدحامد Sarraf,A,H.
خاورشناس‌عراقی‌ادیب‌ومترجم‌آثار ادبیات ایران .

طوماری ، عیسی بن محمد .
(۲۶۲-۳۶۰ هق)
معروف به ابوعلی ، محدث ازمردم بغداد است وچون صحبت ابوالفضل بن طومار هاشمی را دریافت به «طوماری» مشهور گشت . او از ثعلب وعده‌ای دیگر روایت کرده .

طه ، ابن مهنا .
(۱۰۸۴-۱۱۷۸م)
دانشمند مفسر ومحدث که درعلوم عقلی و نقلی تبحر داشت ومردی تیز خاطر و صاحب هوش سرشار بود، طه ازدانشمندان عصر استفاده کرد وتاسال ۱۱۳۱ به تحصیل ادامه داد ودر آن سال سفری به حجاز کرد و صحیح بخاری را نزد شارح آن ابومحمد عبدالله بن سالم بصری استماع نمود و از وی اجازهٔ روایت صحیح ودیگر کتب را بدست آورد و علوم عربیت را نزد **شیخ عبده** مصری آموخت **شیخ تاج الدین قلعی وشیخ عبدالقادر** که هردومفتی مکه بوده‌اند از استادان طه بشمار میروند . وی سپس به وطن خود بازگشت و به افاده مشغول شد وباردیگر به حجاز رفت (سال ۱۱۶۱ هق) و نزدیک دوسال در مکه اقامت گزید ومجدداً به موطن خود برگشت. طه برصحیح بخاری تا باب مغازی تعلیقاتی نوشته ، و تراجم احوال کسانی راکه در غزوهٔ بدر با پیغمبر(ص) همراه بوده‌اند فراهم آورده است. (لغت نامهٔ دهخدا)

علی اف . دکتر رستم   Alief,R .
خاورشناس معاصر اتحادشوروی، مشاور علمی انستیتوی ملل آسیا درآکادمی علوم اتحاد شوروی .

غفوراف ، پروفسور   Gafurov,B.
خاورشناس معاصر اتحادشوروی، رییس انستیتوی ملل آسیا درآکادمی علوم اتحاد شوروی ، عضو آکادمی علوم رییس بیست وپنجمین کنگرهٔ بین المللی خاورشناسان.

طوغان ، پروفسور زکی ولیدی .
Togan, Z,V .
خاورشناس معاصر ترکیه و رییس انستیتوی اسلامی دانشگاه استامبول و متخصص فرهنگ اسلامی ایران .

فارمر ، هنری .
(متولد ۱۸۸۲ م)
یکی از موسیقیدانان اسلامی وخاورشناس انگلیسی که از مهمترین آثار او **مبحث موسیقی دردائرة المعارف اسلامی** است .

فان برشم (ماکس)
(۱۸۶۳-۱۹۲۱ م)
خاورشناس سویسی که به ممالک شرقی مسافرت کرده واوراست: « مجموع الکتابات العربیة القدیمیة » که برای شناختن تاریخ ممالک شرقی اسلامی ازنظرسیاسی و فرهنگی شایان توجه است .

قران   Ferrand,G .
(۱۸۶۴-۱۹۳۵ م)
خاورشناس فرانسوی که دربارهٔ جغرافیدانان مسلمانان تحقیق بسیار کرده است . ازآثار اوست :
افسانه‌های سفرنامه‌ها و متون جغرافیایی مربوط به خاور دور به زبانهای عربی ، فارسی و ترکی از قرن هشتم تا هیجده ترجمهٔ متون جغرافیایی موجود درکتاب خانهٔ ملی پاریس **عصر ایرانی در متون مربوط به دریانوردی اعراب درقرون ۱۵ و ۱۶ نمازخانه‌های چین** در خلیج فارس در دورهٔ قبل از اسلام .

فرای ، پروفسور ریچارد .   Frye,R
خاورشناس معاصر آمریکایی، استاد فارسی دانشگاه هاروارد .

فریتاگ ، گئورگ ویلهلم .
Freytag, G .
(۱۷۸۸-۱۸۶۱م)
خاور شناس آلمانی از شاگردان **دساسی** است، ازتألیفات وی قاموس عربی به لاتین است وکتاب **معجم البلدان یاقوت حموی** را با فهرستهای متقنی منتشر کرده است .

فلوتن. وان .
(۱۸۶۶-۱۹۰۳م)
یکی ازخاورشناسان هلندکه از آثار او تحقیق ونشر آثار جاحظ رامی‌توان نام برد .

فلوگل، گوستاو.   Flugel, G.
(۱۸۰۲-۱۸۷۰م)
خاورشناس آلمان تحصیلات مقدماتی را درزادگاه خویش فرا گرفته والهیات وزبان‌شناسی‌را در لایپزیک تحصیل نمود. آنگاه فعالیت عمدهٔ خویش رابه‌مطالعهٔ زبانهای شرقی وقف کرد ودر سال ۱۸۴۲ جهت ترتیب فهرست نسخ خطی کتابهای عربی وفارسی و ترکی کتابخانهٔ سلطنتی به وین رفت ودرآنجا استخدام گردیده مشغول به‌کارشد. تألیفات مهم وی عبارتند از : **نجوم الفرقان فی اطراف القرآن**، این‌کتاب فهرستی است از کلمات واردهٔ در قرآن‌که به‌ترتیب حروف‌الفبا تنظیم گردیده. وبه سال ۱۸۴۲ درلایپزیگ به‌طبع‌رسیده، چاپ و ترجمهٔ لاتین **کشف‌الظنون حاجی‌خلیفه** نیز که به‌سال ۱۸۳۵ چاپ‌شده‌است .

فیلشر ، هنریش.   Fleisher , H .
(۱۸۰۱-۱۸۸۸م)
خاورشناس آلمانی، **بادساسی** وادبای سوریه و دانشجویان مصری اعزامی **محمدعلی پاشا** به مصرروابط‌علمی‌داشت **جمعیت‌شرقی‌آلمان** را تأسیس‌نمود واز سال ۱۸۳۶ تا پایان‌حیاتش‌استادزبانهای شرقی دردانشگاه لایپزیگ بود. ازآثار وی‌ترجمهٔ تفسیر **قرآن‌بیضاوی** است که در ۱۸۴۶ به‌طبع رسیده است.

فهمی، پروفسورصالح‌نقی .
Fahmi, S , T.
خاور شناس عراقی ، استاد فارسی دانشکدهٔ زبان دانشگاه بغداد .

فیتزجرالد ، ادوارد .
Fitz Garald , E .
(۱۸۰۹-۱۸۸۳م)
شاعر انگلیسی ، مترجم **سلامان و ابسال‌جامی‌ورباعیات‌خیام**(شعرای‌خارجی رابه‌بینید.)

فیشر، آنتوان .   Fisher,A.
(فوت ۱۹۴۹ م)
خاور شناس آلمانی مدیر مجلهٔ آسیایی‌آلمان بود .

فیشل .
(متولد۱۹۰۲م)
از خاورشناسان‌یهودی ، که‌ازآثار او : **یهودی درخراسان و بنی‌اسراییل** را می‌توان نام‌برد.

فیلیپانی ـ رونکونی ، پروفسور پیو.
Filippani—Ronconi.
خاورشناس ایتالیایی واستادمذاهب و فلسفه‌های شرقی درانستیتوی‌مطالعات شرقی دانشگاه ناپل .

قریشی ، اشتیاق حسین .
Quraishi,E.H.
خاورشناس پاکستانی ، وزیر اسبق فرهنگ‌آن‌کشورورییس‌دانشگاه‌کراچی، متخصص تاریخ ایران .

کاتراک ، جمشید .   Katrak,J.
خاورشناس‌هندی، متخصص‌مطالعات زرتشتی واوستایی .

کاترمر Quatermere, É.M.
(۱۷۸۲-۱۸۵۷م)
از خاور شناسان نامدار فرانسوی است، وی‌درپاریس به‌دنیا آمد. زبانهای کلدانی، سریانی، فارسی، عربی ویونانی را فراگرفت و به‌مدیریت‌قسمت نسخ‌خطی شرقی‌کتابخانهٔ ملی فرانسه انتخاب شد و نیز منشی مجلهٔ آسیایی‌گردید. ازآثار اوست، ترجمه‌ونشر: **تاریخ مغول‌خواجه‌ـ رشیدالدین فضل‌الله** ، **مسالك الابصار شهاب‌الدین‌العمری**، **معرفةدول الملوك مقریزی**‌وقسمتی از **الروضتین ابی‌شامه** وشرح‌حال **خواجه‌رشیدالدین** وبسیاری کتب‌ومقالات‌دیگر .

کارادی‌وو. Carradevaux .
(متولد۱۸۶۷م)
خاورشناس فرانسوی‌که ازآثاراو: نشرکتاب **اسطرلاب‌خواجه نصیرطوسی وحکمةالاشراق‌سهروردی** و **ترجمةالتنبیه والاشراق مسعودی** ، قسمتی از **تذکرهٔ خواجه‌نصیر وحکمت‌ابن‌سینا** وچند‌کتاب دیگر .

کامپمان ، پروفسور . ا
Kampman , A,A.
خاورشناس معاصر هلندی ، رییس انستیتوی‌هلندی خاورمیانه‌وخاورنزدیك ورییس‌انجمن فرهنگی هلند وایران.

کامرون ، پروفسور جرج .
Cameron , G.
خاورشناس‌معاصرآمریکایی، رییس‌بخش مطالعات‌خاور نزدیك واستاد تاریخ‌شرق دانشگاه میشیگان .

کاهن ، پروفسور کلو . Cahen, C.
خاورشناس معاصر فرانسوی، استاد تاریخ اسلامی‌دانشگاه سوربن، متخصص تاریخ ایران دردوران‌اسلامی .

کایوا، روژه . Caillois , R.
خاورشناس معاصر مؤسسهٔ یونسکو، رییس بخش ادبیات شعبهٔ امور فرهنگی یونسکو .

کدی ، پروفسور نیکی .
Keddie , N .
خاور شناس‌معاصر آمریکایی .

کراچکوسکی .
(۱۸۸۳ - ۱۹۵۱ م)
ازخاورشناسان بزرگ شوروی‌واز استادان زبان‌عربی‌دانشگاه‌پطرسبورگ ازآثاراوست: ترجمهٔ **کلیله‌ودمنه** و **تاریخ ادبیات جغرافیایی عرب** .

کرامرز .
(۱۸۹۱ - ۱۹۵۱ م)
یکی‌ازخاورشناسان‌هلندی‌که استاد زبانهای‌فارسی‌دانشگاه لیدن‌وازمهمترین آثاراو: **جامعه‌شناسی‌اسلامی** رامی‌توان نام برد .

کراوس، پل.
(۱۹۰۴-۱۹۴۴م)
یکی‌از خاور شناسان آلمانی‌که در بارهٔدانشمندان مسلمان ،مخصوصاً **محمد زکریای‌رازی** تحقیق بسیار نموده‌است. ازمهمترین‌آثاراو **احوال‌و آثارجابربن‌ـ حیان** را می‌توان نام‌برد .

کرزن ، لرد .
(۱۸۵۹ - ۱۹۲۵ م)
از سیاستمداران انگلیسی‌که‌چندی نمایندهٔ پارلمان انگلیس بود ازآثاراو **ایران ومسئلهٔ ایرانی** است.

کرنکوف ، فریتس .
(۱۸۷۲-۱۹۵۳م)
از خاورشناسان آلمان‌که ازتبعهٔ انگلیس بود که پس از تحصیل به‌تجارت پرداخت‌وبعدازجنگ‌جهانی‌اول‌به‌استرالیا رفت‌و به سال۱۹۲۷ به انگلستان برـ گشت وبه تحقیقات خاورشناسی پرداخت وازآثار معارف‌اسلامی‌اومقالاتی دربارهٔ **بیرونی‌وابن‌قتیبه‌وابن‌خالویه**‌رامی‌توان نام برد .

کروسه، رنه . Crousst,R,
(۱۸۸۵-۱۹۵۲م)
خاور شناس فرانسوی که از جملهٔ آثاراوست : **تاریخ آسیا** ، **تاریخ فلسفهٔ شرق**، **تاریخ‌جنگهای‌صلیبی**؛ **امپراتوری سلجوقی وامپراتوری مغول** .

کریستنسن، آرتر .
(۱۸۷۵-۱۹۴۵م)
یکی‌ازخاورشناسان بزرگ‌دانمارك که‌به‌ایران سفرکردوبه‌مطالعهٔ‌آثارفرهنگی وهنری وزبانهای ایرانی‌پرداخت،وی‌در سال ۱۹۱۹ استاددانشگاه‌کپنهاگ شد. از مهمترین آثار او **رباعیات خیام و فرهنگ فارسی** را می‌توان‌نام‌برد .

کلیما، پروفسور اتاکار. Klima, O.
خاورشناس چکوسلواکی ، رییس مطالعات‌ایرانی‌آکادمی‌علوم‌چکوسلواکی.

کوالسکی .
(۱۸۸۹-۱۹۴۸م)
استاد زبانهای‌فارسی وعربی‌وترکی وخاورشناس لهستانی‌که بیش از ۹۰ اثر ومقاله ازاوبجای مانده است .

کورتن ، ویلیام .
(۱۸۰۸-۱۸۶۴م)
یکی از استادان سریانی دانشگاه آکسفورد وازآثار وی : نشر: **الملل‌و النحل‌شهرستانی** است .

کوزگارتن .
(۱۷۹۲-۱۸۵۰م)
یکی از خاورشناسان آلمان‌واستاد فلسفه‌وعلوم الهی که به زبانهای عربی و عبری و ارمنی و فارسی آشنا بود،از مهمترین آثار او : قسمتی از کتاب **موسیقی‌فارابی** وترجمه ونشر قسمتی‌از **تاریخ‌طبری** است است .

کومارچاترجن ، پروفسور سونیتی .
Kumar chatterji, S.
ازخاورشناسان هندی ، استاد ملی دانشگاه هند ـ رییس سابق مجلس‌سنای بنگال‌و متخصص‌ادبیات‌فارسی‌هندوستان.

کوهل بروگز ، پروفسور .
Kohl Brugge, H.
خاورشناس‌معاصرهلندی، استادزبان فارسی در دانشگاه اوترخت .

کیجل ، شاندور .
(۱۸۶۲ - ۱۹۳۰ م)
استادادبیات‌فارسی‌دانشگاه **بوداپست** وایرانشناس‌که ازآثار او : **یادداشتهای ناصرالدینشاه** است .

کیسلینگ، پروفسور یواخیم .
Kisling, J .
استادمعاصرمطالعات‌ایرانی‌دانشگاه مونیخ آلمان .

گامو ، پروفسوررئیچی . Camou,R.
خاورشناس معاصر ژاپونی ، استاد افتخاری‌دانشگاه مطالعات‌خارجی‌توکیو. رییس انجمن ژاپونی‌مطالعات اسلامی ـ رییس انجمن فرهنگی ژاپون وایران .

گرای ، بازیل .
خاور شناس‌انگلیسی‌که ازمهمترین آثار او : نقاشی ایران‌است .

گرشویچ ، دکترایلیا . Gershevitch
خاورشناس معاصرانگلیسی،متصدی مطالعات‌ایرانی‌دانشگاه لندن .

گرون‌باوم ، پروفسور فن .
Grunebaum, G, E, von.
خاورشناس‌معاصرآمریکایی، رییس‌مرکز

مطالعات خاورمیانه واستاد تاریخ خاور نزدیك دانشگاه کالیفرنیا .
گلادوین، فرانسیس .
(فوت ۱۸۱۳ م)
خاورشناس انگلیسی و افسرارتش بنگال وعضو **شرکت هندشرقی** که ازآثار او نشر و ترجمهٔ منتخبات **بوستان** را می‌توان نام برد .
گلدزیهر . Goldgiher .
(۱۸۵۰ـ ۱۹۲۱م)
از بزرگترین خاور شناسان مجار، از آثار او: **فخرالدین رازی،اخوان‌الصفا** وکتب ومقالات دیگراست .
گواشون .
(متولد ۱۸۹۴)
از بانوان خاورشناس فرانسوی و استاد زبان عربی ومدیرکتابخانهٔ شرقی درفرانسه که‌ازآثاراومقالات بسیارونشر **المدخل ابن‌سینا** را می‌توان نام برد .
گوتشید .
(۱۸۳۱ـ۱۸۸۷ م)
از خاورشناسان آلمان که‌تحقیقاتی مفید در مورد تاریخ ایران ، مصر ، روم دارد.ازآثاراو: **تاریخ ایران** اززمان اسکندرتاانقراض‌اشکانیان و«تاریخ‌فنیقیه را می‌توان نام‌برد .
گوتوالد .
(۱۸۱۳ـ۱۸۹۷م)
از خاورشنان آلمانی‌که در روسیه به‌سرمی‌برد.ازمهمترین آثاراو:ترجمه و نشر **سنی‌ملوك‌الارض‌والانبیاء**است.
گودار ، آندره . Godard, A.
(متولد۱۸۸۱م)
از باستان شناسان فرانسوی که از آثاراو: **صنعت‌اسلامی‌وشاهکارهای ملی** است .
گوردلوسکی .
(۱۷۸۶ـ۱۹۵۶م)
یکی از خاورشناسان است، که از آثار او ، **تاریخ‌سلجوقیان‌آسیای‌صغیر** رامی‌توان نام برد .
گومز، پروفسورگارسیا . Gomez , G .
خاورشناس اسپانیایی، عضوآکادمی سلطنتی اسپانیا واستاد مطالعات اسلامی دانشگاههای مادرید وگرانادا و رییس مجلهٔ «الاندلس» وسفیر دولت‌اسپانیا در ترکیه .
گیدی ، میچلوآنجلو .
(۱۸۸۶ـ۱۹۴۶م)
یکی از خاور شناسان ایتالیایی‌که از او می‌توان ، **نقش ایران درتمدن اسلامی** را نام برد .
گیرشمن ، پروفسور رمان .
Ghirshman , R .
خاورشناس‌معاصرفرانسوی،عضوآکادمی ادبیات فرانسه،رییس هیئت‌باستانشناسی فرانسه در ایـران ، استاد دانشگاه **اکس‌آن پرونس**.
لازار ، پروفسور ژیلبر. Lazard, G.
خاور شناس فرانسوی، استادفارسی دانشگاه‌پاریس وآموزشگاه ملی زبان‌های زندهٔ شرقی فرانسه.
لانگله . Longl.
(۱۷۶۳ ـ ۱۸۲۴م)
خاورشناس فرانسوی‌ازاهالی پاریس ومعلم مدرسهٔ السنهٔ شرقیهٔ پاریس بود . از آثـار اوست ؛ **تاریخ‌تیمورلنگ** ، سفرنامهٔ **سوریه** ، **لبنان** ، **فلسطین‌ومصر** ترجمه‌ونشر**عجائب‌الامصار** ترجمهٔ‌قسمتی ازهزارویکشب .
لئونارد داوینچی .
Leunardo davinci .
علمای طبیعی رابه‌بینید .
لروا ، پروفسورموریس Leroy,M,V.
خاور شناس معاصر بلژیکی، رییس واستادبخش زبان شناسی شرقی‌واسلاوی دانشگاه بروکسل.
لسترنج .
(۱۸۵۴ ـ ۱۹۳۴ م)
از خاورشناسان معاصرانگلیسی‌که ازآثار اوست، **فارسنامهٔ‌ابن بلخی**.
لسدن.
(۱۷۷۷ـ۱۸۳۵ م)
وی از طرف شرکت هند شرقی به هند رفت وبه فراگرفتن زبانهای‌عربی‌و فارسی پرداخت و یکـی از پرکارترین ناشران اسلامی در آمدکه از مهمترین آثاراو: مقامات حریری ویوسف‌وزلیخا را می‌توان نام برد .
لسکو، روژه . Lescot,M,R.
خاورشناس فرانسوی ، سفیرفرانسه در اردن هاشمی ، مترجم آثار ادبیات کهن ومعاصر ایران .
لکهارت، لارنس . Lockhart,L.
از خاورشنان‌ومورخان قرن‌معاصر انگلیس متعلق به‌انستیتوی انگلستان ، مدیرمجلهٔ انگلیسی مطالعات ایرانی . که از آثار او «انقراض سلسلهٔ صفویه» و « ایام استیلای افاغنه درایران » را می‌توان نام برد .
لمب، هارولد . Lombe,H.
(متولد۱۸۹۲م)
از خاورشناسان معاصرآمریکاکه از آثار او چنگیزخان و**جنگهای‌صلیبی** ، **شعلهٔ‌اسلام** و**کورش کبیر**.
لمبتون، بانو پروفسور کاترین‌سنفورد.
Lambton,K,S .
خاورشناس انگلیسی، استاد فارسی دانشگاه لندن .
لنتس، پروفسورولفکانگ.
Kleiss ' w .
رییس سمینار خاورشناسی و استاد مطالعات‌ایرانی‌واسلامی‌دانشگاه‌هامبورگ آلمان .
لوبون، گوستاو .
(۱۸۴۱ـ۱۹۳۱م)
مورخ وفیلسوف وطبیب فرانسوی‌و نویسندهٔ**تاریخ تمدن‌اسلام وعرب** .
لین‌پول، استانلی .
(۱۸۳۲ـ۱۸۹۵م)
ازخاورشناسان‌انگلیس که‌ازمهمترین آثارتاریخی‌او ، **فهرست‌مسکوکات‌شرقی موزهٔ بریتانیایی** و کتب دیگر در بارهٔ تاریخ وسکه‌های سرزمین‌های اسلامی .
لیویس ، پروفسورلیویس .
Lewis . B .
خاورشناس معاصر انگلیسی، استاد تاریخ‌خاورنزدیك‌ومیانه‌دردانشگاه‌لندن، رییس بخش شرقی و افریقایی دانشگاه تاریخ در آموزشگاه مطالعات لندن .
ماخالسکی ، پروفسور فرانچیشك.
Machaliski, F.
خاورشناس معاصر لهستانی ، استاد فارسی دانشگاه کراکوی .
مار .
(۱۸۶۴ـ ۱۹۳۴م)
ازخاورشناسان معاصرشوروی که‌از آثاراوملاحظاتی‌دربارهٔ**پهلوانان‌ونمایش ملی‌درایران** را می‌توان نام برد .
مارآپاسکانینا.
(درقرن دوم ق.م.)
ازساکنین‌سوریه‌که به‌فرمان‌مهرداد اول ، **تاریخ‌ارمنستان** را نوشت . بگفتهٔ مورخ ارمنی **موسی‌خورن** گویدکه این شخص ازکتابهای سلطنتی ایران استفاده نموده است .

مارکوات.
(۱۸۶۴-۱۹۳۰م)
ازخاورشناسان آلمانی که تحقیقاتی در تاریخ وجغرافیای ایران داردکه از آثار او : **تاریخ آذربایجان** را می‌توان نام برد .

مارگولوث . Margolouth.
(۱۸۵۷-۱۹۴۰ م)
خاورشناس انگلیسی،مترجم «معجم - الادباء یاقوت‌حموی» و«انساب سمعانی» و«رسایل‌معری» .

ماسپرو، گاستون . Maspéro.G .
(۱۸۴۶-۱۹۱۶م)
یکی ازمصرشناسان فرانسوی‌که از مهمترین‌آثار اوست : «تاریخ ملل‌باستانی خاور» .

ماسه، هانری .
(متولد۱۸۸۶م)
از مهمترین خاورشناسان فرانسوی که ازآثار او : **فردوسی وحماسهٔ ملی وعادات وعقایدایرانیان‌است.**

ماسینیون، لویی .
(۱۸۸۳-۱۹۶۲م)
ازخاورشناسان فرانسوی‌که ازآثار او، **آلام‌حلاج ومذهب حلاجیه** رامی- توان نام برد .

ماکس‌مولر. Maxmuller .
(۱۸۲۳-۱۹۰۰م)
از خاورشناسان معروف آلمان که درزبانهاوآداب‌مردم‌مشرق‌زمین‌مطالعات فراوان داشت .

ماکنزی ، پروفسور دکتر .
Mackenzie .
خاورشناس معاصرانگلیسی ، استاد کرسی‌تحقیقات ایران شناسی و متخصص زبان‌کردی در دانشگاه لندن .

مایر،پروفسورفریتس. Meier,F .
خاورشناس‌سویسی،استادزبان‌ایرانی دانشگاه **بال** .

مایرهوف ، دکتر ماکس .
یکی ازبزرگترین پزشکان چشم و استادتاریخ طب‌دانشگاه‌لایپزیك‌وخاور- شناس‌معاصرآلمانی‌است که‌ازمهمترین آثار اونشر متن و ترجمهٔ آلمانی‌کتاب**صیدنه بیرونی** است .

محفوظ ، پروفسور حسین .
Mahfouz , H .
خاورشناس‌معاصرعراقی.استادفارسی دانشگاه بغداد .

مرگلیوث .
(۱۸۵۸- ۱۹۴۰م)
از خاورشناسان انگلیسی و استاد عربی دانشگاه اکسفوردکه ازآثار او : **فرهنگ سریانی‌است.**

مزاوی ، دکتر میشل . Mozavi,n.
خاورشناس‌معاصرکانادایی،استادتاریخ ایران‌وخاورنزدیك دردانشگاه مك‌گیل ورییس کتابخانهٔ انستیتوی‌مطالعات‌اسلامی این دانشگاه .

مزیك.
یکی ازخاورشناسان معاصراتریش است ،که ازآثار او : **عجائب الاقالیم- ابن‌سرابیون** را می‌توان نام برد.

مصطفوی ، سید محمد تقی
(متولد ۱۲۸۴ ش)
در تهران متولد شد و در رشتهٔ حقوق فارغ‌التحصیل گردید وکار عمدهٔاو تحقیق و مطالعهٔ باستان شناسی است از آثار معروف او : راهنمای اجمالی‌تخت- جمشید ، آستانهٔ حضرت عبدالعظیم ، هکماتانه، ترجمهٔ الواح‌گلی‌تخت‌جمشید است .

ممتازحسن. Mumtaz Hassan .
خاورشناس‌معاصرپاکستانی ورییس انجمن‌فرهنگی ایران وپاکستان .

موللر . Muller.
(۱۸۴۹- ۱۹۱۲م)
خاورشناس‌اتریشی‌ومؤلف‌جغرافیای «جزیرة‌العرب» .

مومسن، تئودور. Mommsen,Th
(۱۸۱۷-۱۹۰۳م)
مورخ ومحقق آلمانی که تحقیقات اودربارهٔ تاریخ روم قدیم اهمیت‌فراوان دارد وهم او درسال۱۹۰۲میلادی‌برندهٔ جایزهٔ نوبل شد .

میرزایف، پروفسور عبدالغنی .
Mirzoev , A .
خاورشناس‌معاصراتحادشوروی،رییس شعبهٔ خاورشناسی آکادمی‌علوم‌تاجیکستان واستادآکادمی تاجیك .

منینسکی .
(۱۶۲۳-۱۶۹۸م)
یکی از خاور شناسان لهستان است‌که از مهمترین آثار او ترجمهٔ **غزلیات‌حافظ** به زبان لاتین رامی‌توان نام برد .

مورگن‌اشتیرنه، پروفسورگئورك .
Morgenstierne , G .
خاورشناس‌معاصر نروژ ،رییس‌سابق آکادمی‌سلطنتی نروژواتحادیهٔ بین‌المللی خاورشناسان استاد زبان شناسی هند و ایرانی‌دانشگاه اسلو .

مول. Mohl,j.
(۱۸۰۰-۱۸۷۶م)
در اشتوتگارت آلمان‌به‌دنیاآمد . برای مطالعات‌خاورشناسی‌به پاریس‌رفت ودرآنجا به‌استادی‌زبان فارسی‌وعضویت انجمن آسیایی انتخاب گردید ، ازآثار اوست : ترجمه وانتشار شاهنامهٔ‌فردوسی و بیست و هفت مسأله از تاریخ دروس خاورشناسی .

موللر. Muller.
(۱۸۰۹-۱۸۷۴م)
خاورشناس آلمانی‌که از مهمترین آثار او نشر قسمتی از **جغرافیای ابن- کرخی** است .

موللر ، داویدهنریخ . Muller.D.
یکی‌ازخاورشناسان معاصراتریش‌که ازآثار او،نشرکتاب **المفرق اصمعی** را می‌توان نام برد.

مونته. Montet,Ed.
(۱۸۵۶-۱۹۲۷م)
خاور شناس سویسی الاصل‌که در فرانسه‌به دنیاآمد ودرانجمن‌های‌خاور- شناسی ژنو ، برلین وهایدلبرك عضویت یافت. ازجمله‌آثار فراوان‌اوست؛ترجمهٔ **قرآن**به‌زبان‌فرانسه ، **حال وآیندهٔ‌اسلام و سیاحت درافریقای غربی و تاریخ شعب بنی‌اسراییل .**

میرزا ، دکتر هـ . ك .
Mirza,H , K .
خاورشناس معاصر هندی ، استاد افتخاری‌زبانهای‌اوستایی‌دانشگاه‌بمبئی.

میللر . Miller
از خاورشناسان انگلیس در قرن معاصرکه ازآثار او ، **شیعه در ایران و جمال‌الدین در ایران** را می‌توان نام برد .

میللی آلدو .
یکی‌ازخاورشناسان‌معاصرایتالیایی‌که

از مهمترین آثار او ، **تاریخ علوم** را می‌توان نام برد .
مینورسکی ، ولادیمیر .
(۱۸۷۷-۱۹۶۶م)
ازخاورشناسان روسی که پس از انقلاب اکتبر به اروپا رفت و پس از آن به لندن رفت و در دانشگاه **لندن** به تدریس پرداخت. از آثار او ، **شیعة اهل الحق** را می‌توان نام برد .
نلدکه ، تئودور. Noelddke,TH .
(۱۸۴۷-۱۹۳۰م)
یکی از بزرگترین خاورشناسان آلمان که بزبانهای فارسی، سامی ، ترکی و سانسکریت تسلط داشت و در بزرگترین دانشگاههای اروپا معارف شرقی را تدریس می‌کرد و ۷۰ سال خدمات شایسته‌ای به فرهنگ خاورزمین انجام داد. ازمهمترین آثاراو، **اصل و ترکیب سوره‌های قرآن** است .
نللیتو ، کارلو آلفونسو .
(۱۸۷۲ - ۱۹۳۸م)
از خاورشناسان ایتالیایی که آثار او در بارهٔ هنر ودانش خاورمیانه است که از مهمترین آنان ، **تاریخ یمن قبل از اسلام** است .
نیبرگ، پروفسور ساموئل. Nyberg,H,S.
خاورشناس معاصر سوئدی، عضو آکادمی سلطنتی سوئد متخصص زبان‌شناسی ایرانی دانشگاه اوپسالا .
نیبور Niebuhr .
(۱۷۳۳-۱۸۱۵م)
خاورشناس وجهانگرد آلمانی ، دو کتاب معروف دربارهٔ عربستان نوشته است.
نیکلسن ، رینولد الن .
(۱۸۶۸-۱۹۴۵ م)
ازخاورشناسان انگلیس وازمهمترین ناشران اسلامی که از آثاراو، **تصوف اسلامی** رامی‌توان نام برد .
نیولی ، پروفسور گراردو . Gnoli,GH
خاورشناس معاصر ایتالیایی ورییس بخش ایرانی انستیتوی روابط فرهنگی ایتالیا با خاور میانه وخاور دور .
وامبری .
(۱۸۳۲ - ۱۹۱۳م)
از خاورشناسان مجار که از آثاراو **سفر نامه به ایران و سفر نامهٔ آسیای میانه** است .
واندن برگ ، پروفسور لویی .
Venden berghe,L .
خاورشناس بلژیکی ، رییس سمینار باستان شناسی شرقی دانشگاه **گان**، استاد باستان شناسی ایرانی دانشگاه بروکسل، مدیر و ناشر مجلهٔ ایران باستانی .
وان دیک Van dyck.
(۱۸۱۸-۱۸۹۵ م)
خاورشناس آمریکایی، استاد دانشگاه بیروت .
وایت، جوزف .
(۱۷۷۵-۱۸۱۴ م)
استاد عربی دانشگاهٔ آکسفورد یا خاورشناس انگلیسی نشرکنندهٔ **تزوکات تیموری** که نام آن را **ابوطالب الحسینی** نوشته است .
ونکلمان ، ژان ، ژوهاکیم .
Winckelmann,J,J
(۱۷۱۷-۱۷۶۸ م)
باستان شناس آلمانی ، پس از اتمام تحصیلات خود ، ابتدا کتابدار کنت **بونو** بود سپس به تاریخ هنر توجه پیدا کرد و دورهٔ مخصوصی برای اینکار دید ، و به‌روم رفت در سال ۱۷۵۸ ، کاردینال آلمانی ، او را برای تنظیم آثار عتیقهٔ خود استخدام کرد . سپس باسمت کتابداری به واتیکان رفت ودربارهٔ تشخیص مسکوکات طلای قدیم رساله ای تدوین کرد که مورد توجه باستان شناسان قرار گرفت، آثار دیگری نیز در زمینهٔ هنر قدیم و تشخیص آنها دارد .
ووشتنفلد .
(۱۸۰۸-۱۸۹۹ م)
از بزرگترین خاورشناسان آلمان که شصت سال ازعمر خود را در نشر و تحقیق معارف اسلامی گذراند. ازمهمترین آثار او ، **عجایب المخلوقات و آثار البلاد قزوینی** است .
ویت .
از خاورشناسان فرانسوی ، که از آثار اوکتابهایی است بسیاردر تاریخ و جغرافیای مصر .
ویدمان .
(۱۸۵۲ - ۱۹۲۸م)
از خاور شناسان آلمانی و استاد علوم طبیعی دانشگاه ارلینگن که چند رساله وکتاب درمعرفی دانشمندان مسلمان دارد .
ویدن گرن ، پروفسور گئو .
Widengren,G .
خاورشناس معاصر سوئدی، رییس مجمع بین‌المللی تاریخ ادیان ، استاد تاریخ ادیان در دانشگاه استکهلم و متخصص ادیان ومذاهب ایرانی .
ویکاندر ، پروفسور استیک .
Wikander , S
خاورشناس معاصر سوئدی ، استاد زبان شناسی ایرانی دانشگاه اوپسالا .
ویکه .
(۱۸۲۶-۱۸۶۴ م)
خاورشناس وریاضیدان آلمانی که از مهمترین آثار او : **جبر و مقابلهٔ کرخی** وچند اثر دیگر است .
ویلسون Wilson
(۱۸۸۴ - ۱۹۴۰م)
یکی از خاورشناسان انگلیس که در کشورهای ایران وهند و عراق مأمور سیاسی بودو از مهمترین آثار او: **تاریخ ورود مبلغان ژزوییت به ایران** است.
هاربروکر. Haarbruker.
(۱۸۱۵-۱۸۸۰م)
خاورشناس آلمانی ومترجم کتاب، **شهرستانی** .
هارتمن، مارتن. Hartmann,M.
(۱۸۵۱-۱۹۱۸م)
از خاورشناسان آلمانی وآشنا به زبانهای عربی وترکی .
هارلی ، شارل دو. Harlay,CH.
(۱۸۳۲-۱۸۹۹م)
ازخاورشناسان بلژیك صاحب کتب: «ترجمهٔ اوستا» ، «صرف ونحو سنسکریت» و«آیین بودایی» وچند کتاب دیگر
هارماتا ، پروفسور یانوس
Harmatta, j
خاورشناس مجارستانی، استاد زبان‌شناسی ایرانی دانشگاه بوداپست .
هالوی. Halevy,f
(۱۸۳۷-۱۹۱۷م)
خاور شناس فرانسوی و استاد دانشگاه **سوربون** که به یمن وعربستان جنوبی مسافرت کرد وتحقیقات مهمی در خطوط میخی به عمل آورد، از آثاراوست. **جمع و نشر و ترجمهٔ ۶۸۶ قطعه از سنگنبشته‌ها** ، تحقیق در باب **برزویه** در کتاب **کلیله و دمنه، حروف ساکن در زبانهای سامی** ، ومقالات دیگر که همه در مجلهٔ آسیایی به‌چاپ رسیده است .
هاماکر . Hamaker.
(۱۷۸۹-۱۸۳۴ م)
از خاورشناسان هلندی که به‌زبانهای

سریانی ، عربی ، سنسکریت ، فارسی و عبرابی آشنایی داشت .
هامر ، پـورگستال .
Hammer — Purgestall
(۱۷۷۴ــ۱۸۵۶م)
از اولین خاورشناسان اتریش که به‌زبانهای‌فارسی، عربی و ترکی آشنایی داشت.ازآثار او«تاریخ ادبیات عرب»، «تاریخ عثمانی» ، «تاریخ ایلخانیان» و «اسماعیلیه» را می‌توان نام برد .
هانسن، پروفسورالاف . Hansen,H.
استادمطالعات‌ایرانی‌دانشگاه برلن آلمان .
هاید ، توماس .
(۱۶۳۶ــ۱۷۰۳ م)
خاورشناس‌انگلیسی‌واستاددانشگاه آکسفورد. از مهمترین‌آثار اوترجمه و نشر ، **زیج‌الغ بیگ‌**رامی‌توان نام برد.
هرناندت ، میکل کروز .
از خاور شناسان معاصر اسپانیایی که ازآثار اوست.ترجمه و نشر،**منتخبان کتاب‌ما بعدالطبیعه** .
هنینگ، پروفسوروالتر .Henning,W
خاورشناس‌معاصرآمریکایی،استادزبان‌ــ شناس‌ایرانی دانشگاه‌برکلی(کالیفرنیا)،
هوارت ، کلمان . Huart, Cl
(۱۸۵۴ ــ ۱۹۲۷م)
خاورشناس فرانسوی‌که به زبانهای ترکی ، فارسی وعربی‌آشنایی‌کامل‌داشت وسالها در خاورزمین به‌سربرد ومقالات علمی او در همه‌جاشهرت تمام یافت .
از آثاراوست.ترجمهٔ **انیس‌العشاق رامی ،مذهب باب**، نشرترجمه ومتن‌یك قصیدهٔ‌کردی دربارهٔ‌آداب نماز ، دستور زبان فارسی ، نشرترجمه ومتن **البدءــ والتاریخ** منسوب به **ابوزید بلخی** و یا **ابوطاهر مقدسی** ، **تاریخ بغداد، تاریخ عرب، نقوش عربی و فارسی درمساجد چین، خطاطان ونقاشان شرق اسلامی ، دراویش بکتاشیه، دراویش آسیای‌صغیر** وکتب ومقالات‌بسیاردیگر.
هوارت .
(۱۸۴۲ــ۱۹۲۳م)
از خاورشناسان‌انگلیس ونویسندهٔ **تاریخ مغول** .
هوتسما .
(۱۸۵۱ــ۱۹۴۳ م)
از مؤسسان دایرة‌المعارف اسلامی و از مهمترین خاورشناسان هلندی‌که‌از آثار او تاریخ **ابن‌بی‌بی** را می‌توان نام برد .
هوداس Houdas,O.
(۱۸۴۰ ــ ۱۹۱۶م)
استاد مدرسهٔ‌السنهٔ شرقیه و عـضو فرهنگستان فرانسه وخاورشناس بود. از آثار اوست ، ترجمه ونشر **سیرهٔ‌جلال‌ــ الدین منکبرنی و نزهة‌الهادی، تاریخ فتح‌اندلس، اخبارملوك السودان، تاریخ‌ــ السودان** وآثار بسیار دیگر .
هورتن .
(۱۸۷۴ــ۱۹۴۵ م)
یکی از خاورشناسان‌آلمانی است از مهمترین‌آثاراو : نشر**فصوص‌الحکم فارابی** را می‌توان نام‌برد .
هینس ، پروفسوروالتر Hinz,W.
(متولد ۱۹۰۸ م)
استاد زبان فارسی در دانشگـاه گوتینگن وخاورشناس آلمانی‌که‌ازآثار او مقالات‌زیادی‌دربارهٔ **حکومت‌صفویان و تیمور لنگ** می‌توان نام‌برد .
هیلار Hilar.
(۱۸۰۵ــ۱۸۹۵ م)
صاحب‌کتاب «بودا» و «محمـد و قرآن» از خاورشناسان معروف‌فرانسوی است .
یان ،کارل.
(مقتول ۱۹۰۶ م)
یکی ازخاورشناسان معاصرهلندی از مهمترین‌آثار او ، نشر **تاریخ‌مبارك غازانی** رامی‌توان نام‌برد .
یاهن ، پروفسورکاست. Jahn,K.
خاورشناس هلندی ، استادمطالعات ایرانی دانشگاه لایدن .

جشنهای باستانی

و اعیاد اسلامی

آبریزان.
ازجشنهای تابستانی که درروز۱۳ تیرماه برگزار می‌شد. که موکل‌باران، نگهبان آن است .
اضحی .
روزدهم ماه ذی‌الحجه‌که مسلمانان در مکه‌مراسم‌حج انجام‌می‌دهند وقربانی می‌کنند .
باژگیران .
جشنی مخصوص روزهفدهم‌فروردین ماه ،که درآن روزبه‌فرمان ایزدآن‌روز باید **زمزم** (زمزمه) گرفت ودعاها را به‌صورتی‌که دیگران نشنوند ، خواند.
بهمنجنه .
بهمنگان را به‌بینید .
بهمنگان .
ایرانیان دردوم‌روز بهمن‌ماه‌جشنی برپا می‌کردندومعتقدبودند، نگهبان‌این روز **بهمن**امشاسپند است‌که‌نمایندهٔ منش نیك اهورامزدا می‌باشد.
بنابرنوشتهٔ بعضی،دراین‌روز، مردم شیر می‌خورند و اغلب غذاهای بدون گوشت می‌پزند ومهمانی فراهم می‌کنند.
۲۲مهرماه .
علیاحضرت شهبانوی ایران در۲۲ مهر ماه **۱۳۱۸** به‌دنیا آمده‌و این روز راجشن می‌گیرند.
قیام‌ملی۲۸مرداد.
دراین‌روزارتش‌همراه‌طبقات‌مختلف حکومت دکترمحمدمصدق راساقط‌کردند وزمام‌امورمملکت به‌فرمان‌شاهنشاه‌آریاــ مهر به سپهبدزاهدی سپرده‌شد.
۲۱آذر .
روزی‌که‌آذربایجان‌ازچنگ‌اشغال‌ــ گران‌بیگانه‌خارج‌شد وبه‌مام‌میهن‌پیوست.
چهارشنبه‌سوری .
در شب آخرین‌چهارشنبه‌ماه‌اسفند،جشنی برپامی‌شود که‌درآن‌شب آتش‌برمی‌افروزند وازروی‌آن می‌جهند وباهم‌می‌خوانند :
سرخی‌توازمن ــ زردی من ازتو.
چهارم‌آبان.
روزچهارم‌آبان ماه **۱۲۹۸** شمسی شاهنشاه آریا مهرچشم به دنیاگشودند ، این روزرا ملت ایران‌جشن می‌گیرند.
زمزمه.
باژگیران را به‌بینید .
سده.
از جشنها وعیدهای ایرانی،که در شب دهم بهمن‌ماه برگزارمی‌شود، عده‌ای این جشن را به هوشنگ پیشدادی نسبت می‌دهند و عده‌ای می‌گویند ، در این روز فرزندان کیومرث به‌صد نفررسیدند ویا چون‌تا عیدنوروز **۵۰**روزو **۵۰** شب مانده ، این‌عید به‌سده معروف شده‌است.
دراین‌جشن آتش بر می‌افروختند وشادی می‌کردند، خوردن شراب وانواع شادیهاوبازیها نیزدر این‌جشن‌معمول‌بوده است.**مردآویج‌زیاری** درکنارزاینده‌رود یکباردیگرباعظمت‌هرچه بیشتراین‌جشن را برگزارکرد وسرانجام خودنیزدرآن

جشن کشته‌شد.

سیزده‌بدر.

روز سیزدهٔ فروردین، عامهٔ مردم ایران خارج ازخانه وشهربه شادی می‌پردازند و گیاهانی که به‌مناسبت عید نوروز کاشته وسبز کرده اند به خارج از خانه می‌اندازند ودختران سبزه گره می‌زنند.

غدیرخم.

پیامبر اسلام درموقع مراجعت ازمکه (حجة الوداع) درناحیه‌ای بین‌مکه‌ومدینه (کنار آبگیری به‌همین‌نام)، خطبه‌ای ایراد فرمودکه شیعه به‌استناد آن‌حضرت‌علی(ع) را جانشین پیامبرمی‌دانند.

قربان.

عیداضحی‌را به بینید.

گلستان.

از جشنهای بهاری مربوط بـه سوم اردیبهشت‌ماه‌است.

فروردگان

ایرانیان زرتشتی‌عقیده دارندکه‌در آخر سال‌مردگان ازبهشت برگشته وبین اقوام خود زندگی می‌کنند، لذاروز۲۰ اسفندماه جشنی برای خشنودی آنهابرپا می‌دارند ودعامی‌خوانند.

فطر.

عید فطر یاعید روزه گشادن، نزد مسلمانان‌پس‌ازروزهٔ‌ماه‌رمضان‌یعنی‌درروز اول شوال‌است که درآن روز جشنی‌برپا می‌کنند.

مبعث

در روز ۲۷ رجب درسال ۱۲ قبل از هجرت‌حضرت محمد(ص) پیامبر اسلام به مقام رسالت مبعوث شد واین روزنزد مسلمانان گرامی است و جشن و سرور برگزار می‌شود.

مشروطیت.

در چهاردهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری (۱۴ امرداد ۱۲۷۳ ش) فرمان مشروطیت به امضای مظفرالدین شاه قاجار صادر شد و این روز را ملت ایران‌ازآن‌تاریخ‌همه ساله‌جشن‌می‌گیرد.

مهرجان.

مهرگان را به‌بینید.

مهرگان.

از اعیادباستانی وجشنهای بزرگ ایرانی است که۱۶ تا ۲۱ مهرماه‌هرسال برپا می‌شد. این جشن در دورهٔ‌هخامنشی شکوه وعظمتی داشت. وجشن روز ۱۶ رامهرگان عامه وجشن روز ۲۱راجشن مهرگان خاصه می‌نامیدند.

مهرگان خاصه.

مهرگان را به‌بینید.

مهرگان عامه.

مهرگان را به‌بینید.

میلاد شاهنشاه‌آریامهر.

چهارم‌آبان را به‌بینید.

میلادحضرت رضا (ع)

در یازدهم ذیقعدهٔ‌سال ۱۴۸ هجری قمری حضرت رضااز مادری ایرانی‌بنام **تکتوم** به دنیاآمد و این‌روز راشیعیان جشن می‌گیرند.

میلاد رضا دوم (ولایتعهد).

نهم‌آبان را به‌بینید.

میلاد شهبانو فرح.

۲۲ مهرماه را به‌بینید.

میلاد حضرت علی(ع)

در۱۳ رجب سال ۲۲ قبل‌ازهجرت حضرت علی‌بن ابیطالب در خـانهٔ خدا (کعبه) به دنیاآمد و این روز از اعیاد شیعیان جهان‌است.

میلادحضرت قایم(ع).

درپانزدهم شعبان سال۲۵۵ هجری قمری‌حضرت‌قایم‌درسامراچشم‌به‌دنیاگشود، شیعیان این روز را جشن می‌گیرند.

میلادحضرت محمد (ص).

در هفدهم ربیع‌الاول سال ۵۲ قبل از هجرت حضرت محمد (ص) در مکه به‌دنیاآمدواین‌روزبزرگ عید مسلمانان است.

نجات‌آذربایجان.

۲۱ آذر را به‌بینید.

نوروز (نوروز شاهان).

نخستین روزفروردین‌ماه ونخستین روزسال. دربیشترنوشته‌های پیشین‌آمده است که‌آن رابرای‌بار نخست‌جمشیدجشن گرفت. گفته‌اندکه:

در این روز جمشیدبه‌جنگ دیوان رفت وآنان‌را فرمانبردار خویش کرد.

جمشید در این‌روز برتختی‌نشست که دیوان‌آن‌رامی‌بردندوبا آن‌به‌یک‌روز راه از دماوند به‌بابل رسید ومـردم در شگفتی شدند وآن‌را جشن گرفتند.

جمشید به‌گردش درشهرهای‌خویش می‌پرداخت ودر این روز برتختی‌زرین نشست و به‌آذربایجان درآمد.

دراین روز ایـرانیان به‌فرمان و راهنمایی جمشید، شکـر از نیشکر گرفتند.

چون‌جمشید به‌پادشاهی نشست، دین را نو کرد دین صابیان را برانداخت.

جمشید دراین‌روز به‌دادخواهی‌مردم نشست و فرمان داد که همهٔ دانشمندان روزگاربراهنمایی‌نزداوگردآیند.

خیام‌در نوروزنامه نوشته است:

«سبب نهادن نوروز آن بوده است که چون دانستندکه‌آفتاب رادودوربود، یکی‌آن‌که هر سیصد وشصت و پنج روز و ربعی‌ازشبانه روزبه‌اول‌دقیقهٔ‌حمل بازآید بهمان وقت وروزکه رفته بودبدین دقیقه نتواندآمدن، چه‌هرسال از مدت همی‌کم شود. چون جمشید این دور را دریافت «نوروز» نام نهاد وجشن آیین آورد. پس‌ازآن‌پادشاهان‌ودیگرمردمان بدو اقتداکردند». ایرانـیان شش‌روز نخستین فروردین ماه‌را جشن‌می‌گرفتند و روز ششم رانـوروز بزرگ می‌گفتند. در پنج روز نخستین شاه نیازهای مردم ولشکریان‌را برمی‌آورد وبهرکس‌آنچه را ازپایگاه ونیکی سزاواربود، میداد و روز ششم راکه ازبرآوردن نیاز و حق مردم‌پرداخته بود، باویژگان وخلوتیان جشن می‌گرفت.

نوروز بزرگ (نوروز خوردادی)

روز ششم(خورداد نوروز) است از فروردین ماه. ایرانیان برآن‌بودندکه بسیاری از پیش‌آمدهای آینده در این روز رخ خواهد نمود وآن‌روز را بسیار ارجمند وگرامی می‌داشتند.

ایرانیان برآن‌بودندکه‌دراین‌روز **اهورا مزدا** جان جهانیان راآفریده و در این روز«هوشنگ پیشدادی»به‌پیدایی آمد.

در این روز «کیومرث» و «مشی» و «مشیانه» (نخستین مردوزن)به‌پیدایی آمدند.

در این روز «طهمورث» اهرمن را به باده، کرد، سی‌سال. دراین‌روزاوپیمانهٔ چیزهاآورد.

در این روز از جنـگ دیـوان و زنگیان به پیروزی بازگشت و مردمان از اوبه‌فراوانی‌رسیدند واز بلاهارستند.

در این روزفرمان‌دادکه دخمه‌هارا ویران‌کنند ودیگر دخمه‌نسازند.

در این روز او جهان را بی‌مرگ وبی‌پیری کرد.

در این روز فریدون ، جهان‌را به‌سه بخش کرد و به‌سه فرزند خود (ایرج وسلم وتور) داد .

در این‌روز منوچهر ، سلم وتوررا به‌کین‌پدر تباه‌کرد.

دراین روز کیخسرو، افراسیاب را به‌کین پدرخویش (سیاوش) بکشت.

دراین‌روزمنوچهرو «آرش» زمینهای ایرانشهر را ازافراسیاب بازستانیدند .

دراین‌روز کیخسرو پادشاهی را به لهراسب سپردوخودباشکوه به «گرزمان» (عرش) رفت .

دراین روز زرتشت‌دین‌مزدیسنی‌را از اهورامزدا پذیرفت .

دراین روز (کی‌گشتاسب شاه)دین مزدیسنی رااز زرتشت‌پذیرفت.

دراین روز «بهرام ورجاونـد» از کابلستان به‌پیدایی آمد(بهرام‌پادشاهی‌است از دورهٔ کیان‌که در دین‌مزدیسنی‌آمدن او درپایان‌هزارهٔ‌دهم‌نویدداده‌شده‌است).

در این‌روز «پشوتن گشتاسبان» از «کنگدز» به‌ایرانشهرمی‌آیدودین‌مزدیسنی را روا می‌کند .

(پشوتن پسر گشتـاسب کـیانی از کسانی است‌که مزدیسنان او را بی‌مرگ می‌شمارندو گویند که‌در کنگدزباهاوشتان (مریدان)خویش‌پرستش یزدان‌می‌کند).

در این روز «هوشیدر» به‌دیدار و همپرسگی‌اورمزدمی‌رسد ودین مزدیسنی را ازاورمزد می‌پذیرد ومردم را بـه‌دین مزدیسنی بی‌گمان می‌کند .

دراین‌روزسام(گرشاسب) به‌پادشاهی هفت‌کشور می‌نشیند تا کیخسرو پدیدار آید ؛ آنگاه سام پادشاهی رابه‌کیخسرو می‌سپارد .

وودراین‌روزاورمزدرستاخیز می‌کند وجهان بی‌مرگ‌وبی‌پیری می‌شودواهرمن ودیوان وزور گویان وستم‌گران‌ودشمنان دین ازکار می‌افتند.

نوروز خوارزمشاهی.

یا فروردینگان ، فروردیـن روز (روزنوزدهم) است ازفروردین‌ماه.

چون روز وماه بایکـدیگر همنام شوند پسوند «گان» به‌آن نام‌می‌افزایند وآن روزرابدان نام می‌خوانند و جشن می‌گیرند .

نهم آبان .

در نهم آبان ماه ۱۳۳۹ شمسی،رضا پهلوی ولایتعهد ایران به‌دنیا آمد ، این روز از اعیاد ملی ایران است.

..... ترین‌ها و ین‌ها

ارزانترین **تمبر**،

به‌احتمال‌قوی‌ارزانقیمت‌ترین‌تمبر‌های جهان تمبر ۱/۱۰ سانتیمی‌بودکه در اندونزی طبع‌گردید .

اولین **پول‌کاغذی** درایران.

به‌دستور «گیخاتو» سلطان مغولی بنام«چاو» رایج شد .

اولین**عمل‌جراحی** .

درسال ۱۱۳۶ میلادی توسط‌جراح نظامی‌پادشاه‌انگلستان‌ژرژدوم‌با موفقیت انجام شد.

اولین **خسوف** .

دردهم نوامبر ۱۲۰۶ قبل‌ازمیلاد رؤیت شده است.

اولین**کسوف**.

بطور مشخص در ۲۱ آوریل ۱۲۰۵ قبل از میلاد مسیح ثبت‌گردیده است .

اولین‌کسی که**کتیبهٔ بیستون** راخواند **راولینسن** انگلیسی‌درعهد سلطنت‌ناصر‌الدین شاه قاجار بود .

اولین**مردم‌فرانسه** .

«گل‌ها» بودند.

اولین **مسکوك**

اولین‌بارااهالی‌لیدی‌مسکوکاتی‌رادر ۷۰۰ سال‌قبل‌ازمیلاد (که آلیاژی‌ازطلا ونقره بود) ضرب‌کردند. ولی برخی‌از سکه شناسان‌گمان می‌برند که مسکوکات چینی اندکی قبل‌از سکه‌های لیدی‌ضرب یافته باشد .

بحرانی‌ترین**عطسه** .

بحرانی‌ترین عطسه‌ها را پزشکان جهان‌در مورد پسر ۱۳ ساله‌ای ازاهالی ادیمبورك‌ثبت کرده‌اندوی‌مدت ۳۰ روزدرهر دقیقه ۱ تا ۶ دفعه عطسه‌می‌کرد .

بزرگترین**آتشفشان‌های درحال‌غلیان**.

آتشفشان**کولاتره** (۶۰۶۰متر)واقع در منطقهٔ استوا است .

بزرگترین**اخذ‌آراء** .

در فوریهٔ ۱۹۶۲ ام‌به‌عمل‌آمد. زیرا قرار بودکه برای مجلس ملی هندوستان نمایندگانی انتخاب‌شود بنابراین ۱۲۶ ملیون نفربرای‌انتخاب ۱۴۷۴۴ نماینده رأی دادند .

بزرگترین **ارگ‌**جهان .

ابزارموسیقی‌که تاکنون ساخته‌شده است . ارگ‌آتلانتیك سیتی‌نیوجرسی‌در ایالات متحدهٔ آمریکا است‌که به ۵۰۰ هزاردلار می‌ارزد .

بزرگترین **ارکستر**.

بزرگترین هیئت‌ارکستری که‌تاکنون گردآمده‌اند.دستهٔ‌کنگرهٔ‌ملی‌نوازندگان دبیرستـانی شیپور درنروژ بوده است . این گروه‌دراوت‌سال ۱۹۵۸ در «ترونجهم» نروژکنسرتی دادند. تعداد نوازندگان این هیئت ۱۲۶۰۰ نفر بودند .

بزرگترین **استادیوم ورزشی**.

«استراهواستادیوم » در شهر پراك است‌که ساختمان آن‌به‌سال ۱۹۳۴ پایان یافت . این استادیوم‌گنجایش ۲۴۰ هزار تماشاچی‌و ۴۶۰۰ ورزشکار را دارد.

بزرگترین **اسکناس**.

دردسامبر ۱۹۶۰ درفرانسه‌انتشار یافت که ۵۰۰ فرانك‌جدید می‌ارزید .

بزرگترین **اقیانوس**دنیا.

اقیانوس‌آرام است که ۱۷۱۰۱۸۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد .

بزرگترین **ایستگاه راه‌آهن** .

«گراندسانترال‌ترمینال»درنیویورك است‌که‌مساحت‌آن‌برابر با ۱۹٫۴ هکتار می‌باشد ودردوطبقه بناشده ، درطبقهٔ‌بالا ۴۱ راه ودرطبقهٔ پایین ۲۶ راه کشیده شده است‌که روز ۶۰۰ ترن ازآنجاعبور می‌کند و ۱۸۰ هزارمسافررا بنقاط‌مختلفه انتقال می‌دهد.

بزرگترین **بمب اتمی** .

ده‌هزارمگاتن قدرت‌تخریبی‌دارد.

بزرگ‌ترین **بمب‌افکن‌روسی**،

۱۰۴ تی‌یو‌است‌که پهنای بالش ۵۴ متر و وزنش ۱۸۱ تن و سرعتش ۸۰۰ کیلومتردر ساعت ، در ارتفاع ۹ هزار متری پروازمی‌کند.

بزرگترین **بمب جهان** .

درجریان‌جنگ‌دوم‌جهانی‌و به‌تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۵۴ برفرازپل راه‌آهن‌بیله‌پلد آلمان افکنده شد . بمب ار.آ.اف. موسوم‌به‌گرانداسلام ۹۹۷۹ کیلوگرم‌وزن ۷٫۷۴متر طول و ۱٫۱۷ مترقطرداشت.

بزرگترین **بناهای تاریخی** .

هرم شولولا درمکزیك است، پایه‌های‌این‌بنامساحتی‌بیش‌از ۱۵٫۹۸ هکتار از زمین رافراگرفته است وحجم‌کلی‌آن بالغ بر ۳٫۲۸ ملیون متر مکعب است .

البته بناهای تاریخی مصرقدیم راکه از عجایب هفتگانهٔ جهان‌به‌شمار آمده‌اند ،

نباید از خاطر برد .

بزرگترین **بناهای جهان** .

«پنتاگون» در واشنگتون است که عمارت وزارت جنگ ایالات متحده در آنجا است . این بنا درروز ۱۵ ژانویهٔ ۱۹۴۳ بهاتمام‌رسیدوهزینهٔ آن ۸۳۰۰۰۰۰۰ دلار بود .هریك ازطبقات پنجگانهٔ این عمارت مساحتی بهاندازهٔ ۶۰۳۸۷۰ متر مربع را فراگرفته‌اند وهرروز ۲۹هزار نفر در آنجامشغول خدمتند.این‌ساختمان ۴۴هزار تلفن و۲۵۷۵۰۰ کیلومترکابل و۲۲۰ مأمور تلفون دارد .

بزرگترین **بیابانها**.

بزرگترین‌بیابان‌دردنیا سیاه درالجزایر است که عرض‌آن ۱۲۸۰ تا ۲۲۵۰ کیلو متروطول‌آن ۵۵۰۰ کیلومتراست‌وبنابر- این‌مساحت‌آن‌به ۹میلیون مربع کیلومتر می‌رسد .

بزرگترین **بیمارستان جهان** .

« کینك کونتی‌هاسپیتال‌سنتر » در بروکلین در نیویورك است‌کـه ۳۴۵۱ تختخوابی است .

بزرگترین **بیمارستان‌روحی**جهان

در نیویورك بنیان شده که مجهز به ۱۴۲۰۱ تختخواب است .

بزرگترین **پارك شهر**.

بزرگترین پارك شهر جهان، پارك **کافوی** باغ ملی رودزیای **شمالی** است‌که ۲۱۵۱۰ کیلومترمربع مساحت دارد .

بزرگترین **پرنده** :

شترمرغ افریقایی‌است،امااین‌حیوان نمی‌تواند پرواز کند.

بزرگترین **پلاژ** .

بزرگترین پلاژباتفریحات گوناگون در جهان **کنی‌ایسلند** در نیویورك است بطوری‌که‌تخمین‌زده‌شده‌هرسال ۵۰ملیون نفر از این پلاژدیدن‌می‌کنند .

بزرگترین **تابلو** .

بزرگترین تابلوی موجود جهان شاید «نبردآتلانتا» باشد که طی سالهای ۱۸۸۶ و۱۸۸۵ بهوسیلهٔ سه تن‌ازنقاشان آلمانی(لورلور-نتز-هاینه)بوجودآمد. پردهٔ این تابلو ۹۰ر۱۲۱ مترطول و ۲۴ر۱۵ متر ارتفاع و۸تن وزن دارد . ودرحال حاضر درگرانت پارك ، آلاسکا گئورکی نهاده‌شده است .

بزرگترین **تخمها**.

هیجده سانتیمترطول‌وپانزده سانتی مترقطر دارد و ازآن شترمرغ‌است .

بزرگترین **تمبر پست** .

بهسال ۱۹۱۳ درچین‌طبع گردید، اندازهٔ این تمبر ۲۴۸ میلیمتردر ۷۰ میلیمتر بود.

بزرگترین **تورم‌اسکناس** .

در مجارستان‌به‌سال ۱۹۴۶ بهوجود آمد .

بزرگترین **تونل** .

بزرگترین تونل‌جهان‌تونل‌هیدرو- الکتریك شانکادن نیویورك است که‌طول آن بالغ بر ۲ر۲۹ کیلومترمی‌باشد .

بزرگترین **تونل‌راه‌آهن** .

تونل سیمپلسن دوم است‌که سویس را بـه ایتالیا می‌پیوندد ، طول تونل ۸۲۳ر۱۹ کیلومتراست .

بزرگترین **جدول کلمات متقاطع**

بزرگترین جدول کلمـات متقاطع در جهان ۲۳۰۴ خانه و ۷۱۱ تعریف داشت که ام . ال آبات طراح آن بود این جدول روز ۲۵ دسامبر ۱۹۶۰ در لندن‌ابزرور به‌طبع رسید

بزرگترین **جزایرجهان** .

گروئنلند است‌که ۲۱۴۲۷۰۰ متر مربع وسعت دارد .

بزرگترین **جعل‌پول** .

بزرگترین جعل پول‌تقلبی‌به‌منظور مقاصد سیاسی‌ازطرف حکومت رایش‌سوم صورت‌گرفت در سال ۱۹۴۱ - ۱۹۴۰ قرارشد ۱۵۰ ملیون‌لیره بانك‌انگلیس، جعل شود ودرسراسر دنیا منتشرگردد.

بزرگترین **چاپخانهٔ جهان** .

ادارهٔ انتشارات حکومت آمریکادر **واشنگتون**است‌که‌به‌سال ۱۸۶۱ بنیادنهاده شده‌است اینچاپخانه‌مجهزبه ۱۶۰ پرس، ۳۷۸ ماشین است و در مساحتی برابر ۱۵ر۱۳ هکتار با ۲۷۵۰ کارگر مشغول فعالیت‌است .

بزرگترین **حوضه‌های‌رودخانه‌ای**.

متعلق به آمازون است بـه وسعت ۲ر۷۵۰۰۰۰ میل‌مربع .

بزرگترین **حیوان گوشتخوار دریایی**.

بزرگترین حیوان‌گوشتخواردریایی بالن است که گاهی وزنش از ۱۵۰ تن می‌گذرد .

بزرگترین **حیوان‌گوشتخوارزمینی** .

بزرگترین گوشتخوارخشکی خرس قهوه‌ای آلاسکا است‌که ۷۲۵ کیلو گرم وزن دارد .

بزرگترین **دانشگاهها** .

دانشگاهی که ازنظرتعداد دانشجو برسایر دانشگاهها تفوق دارد دانشگاه کلکته با ۱۲۲۱۳۵ دانشجو است،نظر به نداشتن جای‌کافی و وسایل تدریس و استاد،دانشجویان درسه نوبت به‌تحصیل می‌پردازند .

بزرگترین **دریاچه‌دنیا** .

بحرخزربه‌وسعت ۱۴۳۵۵۰ میل‌مربع می‌باشد.

بزرگترین **دزدی** .

درسال ۱۹۴۵ بهوسیله‌یك‌کانگستر آمریکایی درآلمان صورت گرفت ، این کانگستربه‌معیت‌دوستان‌آلمانی‌خودذخایر ملی طلای‌آلمان را درباویربه‌سرقت‌برد مجموعهٔ رقم‌دزدی‌آنهابالغ بر ۷۳۰ شمش طلا بهارزش ۲۰۱۵۰۰۰۰۰ فرانك‌جدید وشش بسته اسکناس بانك، ۲۵ صندوق شمش پلاتین و سنگهای قیمتی دیگـر می‌گردید .

بزرگترین **دیوارهای‌جهان** .

بزرگترین و طویلترین دیوارهای جهان ، دیوار چین است‌که درعهد**چین- تسیه‌هوانگ‌سی** قبل ازمیلاد درست‌شده است . طول این دیوار ۲۷۱۰ کیلومتر وارتفاع متغیرآن از۴/۵۰ تا ۱۱/۸۰ مترو قطرش ۹/۷۵ متراست .

بزرگترین **رقم‌آمارمتوفیات** .

بزرگترین رقم آمار متوفیات را جمهوری گینه بانسبت ۴۰ درهزار نفر بطور سالانه دارد .

بزرگترین **رقم‌آمارموالید** .

جزیرهٔ گوام‌دراقیانوس آرام‌بزرگ ترین‌رقم آمار موالید جهان را دارد . یعنی درهرهزارخانواده بیش‌از ۶۰ طفل بوجود می‌آید.

بزرگترین **رقم‌چك‌دردنیا**.

بزرگترین‌رقم چك مبلغ‌داردنیا در تاریخ‌بانکهای‌جهان‌چك ۵۹۵۶۴۵ لیره‌ای بودکه **شرکت محدود برادران لازارد لندن**، بهسود بانك‌ملی ایالتی هنگام‌باز خرید **شرکت فورد**،در روز ۲۴ ژانویهٔ ۱۹۶۱ ، کشید .

بزرگترین**رودخانهٔ زیرزمینی**.

در زیر رودخانهٔ نیل کشف شدکه میزان‌آب‌آن ۵۶۰۰۰۰ مترمکعب‌بیشتر **ازرود** نیل تشخیص‌داده‌شد.

بزرگترین **زایشگاه**.

بزرگترین زایشگاه جهان در سنگاپور است که ۳۱۶ تختخواب و سرویس های مجهز دارد. در این زایشگاه ۳۷هزار زایمان در سال واقع میشود.

بزرگترین **زباندان جهان**.

کاردینال جیوزپ کاسپار **موزوفانتی** کتابدار کتابخانهٔ واتیکان بود که ۶۰زبان را به‌روانی تکلم میکرد و قادر بود از ۱۱۴زبان و ۷۲ لهجه مطالب مورد نظر را به‌دقت ترجمه کند.

بزرگترین **زندانها**.

بوتیرسکایا درمسکو و زندان **خارکف** است که هریك گنجایش ۴۰هزار زندانی دارد.

بزرگترین **زیردریایی جهان**.

زیردریایی اتومی **تریتون** است که روز ۱۰ نوامبر ۱۹۵۹م درمعرض استفاده قرار گرفت وقیمت آن بالغ بر ۱۰۹ ملیون دلار است. ظرفیت این کشتی ۵۵۹۵تن در سطح آب و ۸۳۰ تن درعمق آب است.

بزرگترین **ساعت**.

ساعت کارخانهٔ **پالمالیو، کلگیت، جرسی سیتی** آمریکاست که قطر آن ۱۵/۲۴متر و سطح آن ۱۸۲ مترمربع. عقربك ساعت شمار آن ۵/۹۴متر و عقربك دقیقه‌شمارش ۸/۳۰ متر است.

بزرگترین **سد از لحاظ ارتفاع**.

سد و ازونت در ایتالیای شمالی است که ۲۶۵/۸۰ متر ارتفاع دارد.

بزرگترین **سد** جهان.

بزرگترین سد جهان که بزرگترین اثر بتونی جهان محسوب میشود، سدیست که در واشنگتون ساخته شده است. این سد ۱۲۷۱ر۹۰ متر طول و ۱۶۷ر۶۰ متر ارتفاع دارد. درساختمان آن ۹۰۹۲۸۰۰ مترمکعب بتون بکاربرده‌شده که ۲۱۹۵۰۰۰۰ تن وزن دارد. کارخانهٔ برق هیدروالکتریك آن برقی به نیروی ۱۲۴۹۸۰۰ کیلو وات تولید می‌کند که ازاین حیث نیز تاکنون سابقه نداشته است.

بزرگترین **سیگارهای جهان**.

سیگارهای کوبایی است که ۲۴ر۸ سانتیمتر طول دارد همچنین سیگارهای دیگری در کوبا ساخته می‌شود که ۴۹ر۶ سانتیمتر طول آنها است.

بزرگترین **سینمای جهان**.

بزرگترین سینما درهوای آزاد، در برلن غربی است. این سالن ۲۲۰۰۰ صندلی دارد. سینمای **گومون پالاس** پاریس نیز که ۵۲۰۰ صندلی دارد از سینماهای بسیار بزرگ جهان بشمار میرود.

بزرگترین **شبکهٔ راه**

آمریکا بزرگترین شبکهٔ راه را با ۴۹۳۰۷۰۰ کیلومتر راه دراختیار دارد.

بزرگترین **شبکهٔ راه‌آهن جهان**.

ایالات متحده کشوری است که بزرگترین راه‌آهن جهان را با ۳۵۱۴۸۰ کیلومتر راه‌آهن و ۳۲۴۰۰ لکوموتیو در حال استفاده، دراختیار دارد.

بزرگترین **شهر آسیا**.

توکیو پایتخت ژاپون است.

بزرگترین **شهر اروپا**.

لندن پایتخت انگلستان است.

بزرگترین **شهر استرالیا**.

ملبورن است.

بزرگترین **شهر قارهٔ آمریکا**.

نیویورك است.

بزرگترین **شهردار جهان**.

«ادموند **ماتیس**» شهردار اونس را را باید دانست زیرا وی به‌سال ۱۸۷۸ به‌مقام شهرداری رسید و ۷۵ سال تمام شهردار بود و در سال ۱۹۵۳ با مرگ خود پست شهرداری را نیز ترك گفت.

بزرگترین **دریا**.

به طول ۳۲۰۰ میل درشمال افریقا است.

بزرگترین **صخرهٔ جهان**.

در شمالشرقی استرالیا قرار دارد و طول آن ۲۰۲۵ کیلومتر است.

بزرگترین **صدف دنیا**.

درموزهٔ تاریخ‌طبیعی آمریکا در نیویورك نهاده شده‌است. اندازهٔ آن ۱۰۹ سانتیمتر و وزنش ۲۶۲ر۶ کیلوگرم است.

بزرگترین **ضایعهٔ ویرانی**.

حریق تآتر **کانتون** درچین به‌سال ۱۸۴۵ موجب مرگ ۱۶۷۰ نفر گردید.

بزرگترین **طاق نصرت**.

طاق‌نصرت «اتوال» پاریس است که ساختمان آن درسال ۱۸۳۶ به‌پایان رسید. ارتفاع این طاق نصرت ۴۸ر۷۵ متر و طول آن ۴۵ر۱۰ وعرضش ۲۲ متر است. در زیر آن قبرسرباز **گمنامی** قرار دارد.

بزرگترین **طبل جهان**.

در دانشکدهٔ تکزاس مضبوط است. این طبل در **الکارت** ایالات‌متحده ساخته شده است. محیط آن ۷ر۶۴ متر است و برروی چرخهایی سوارشده، تا بشود از آن استفاده کرد.

بزرگترین **غرامت**.

عجیب‌ترین ودرشت‌ترین رقم غرامت درجهان به‌یك پسر بچهٔ ۶ ساله پرداخت شد. وی برابر حادثه‌ای یکی ازاعضای بدنش ناقص شده و در ژانویهٔ ۱۹۵۸ مبلغ ۲۹۴۶۰۰۰ فرانك جدیدغرامت گرفت (هر فرانك جدید ۱۷ر۵ ریال).

بزرگترین **فرودگاهها**.

ایدل وایلد است که مساحتش به ۱۹۸۳ هکتار می‌رسد. اما از نظر تعداد پرواز از فرودگاه **لوس آنجلس** برسایرفرودگاهها تقدم دارد. درهر ۵۹ ثانیه یك هواپیما برروی باند این فرودگاه می‌نشیند.

بزرگترین **قالی جهان**.

به مساحت ۸۱۷۵ مترمربع مساحت دارد و دریکی ازتالارهای نمایشگاه‌های معروف **نیویورك** از آن نگهداری به‌عمل می‌آید.

بزرگترین **قحطی دنیا**.

موجب مرگ ۹ر۵ ملیون چینی در فوریه وسپتامبر ۱۸۷۷ گردید.

بزرگترین **قلهٔ کوه**.

بزرگترین قله درهیمالیای خاوری واقع شده وبنام **اورست** ۸۸۸۰ متراز سطح‌دریا ارتفاع دارد.

بزرگترین **کارخانه آجرسازی**.

«لندن بریك کمپانی» بدفورد است که در روز ۱۳ ملیون آجر تولیدمی کند.

بزرگترین **کانال کشتی رانی**.

بزرگترین کانال کشتی رانی درجهان کانال سوئز مصر است ۱۶۱ر۹۰ کیلومتر طول دارد.

بزرگترین **کشتی مسافری و تجارتی جهان**

«کویین الیزابت» است که ۸۳۶۷۳ تن ظرفیت دارد. سرعت‌معمولی‌این کشتی ۲۸ر۵ گره دریایی است. سالن ناهارخوری آن بزرگترین سالن کشتی های جهان است، زیرا مساحت آن ۱۷۳۹ کیلومتر مربع است و در آن واحد ۸۱۵ نفر را پذیرایی می‌کند.

بزرگترین **کشور آسیا**.

چین کمونیست است.

بزرگترین **کشورها**.

۱۶ جمهوری اتحادجماهیرشوروی، کشور بزرگی را درجهان تشکیل داده این کشور ۲۲۲۶۹۷ر۶ کیلومتر مربع وسعت دارد که ۱۴ر۸ درصد از مجموع

مساحت کلی زمین است .

بزرگترین **کتاب دنیا** .

تاریخ جنوب نام دارد که درسال ۱۹۲۵ در اتازونی به‌طبع رسیده است. قطع این کتاب ۸۰ر۲ متر در ۵ر۳۰ سانتی متر و به‌وزن ۲۲۵ کیلوگرم است.

بزرگترین **کلکسیون تمبر** .

از آن آلفرد ، **اچ. کاسیری** اهل نیویورك بودكه پس از مرگش، در روز ۲۹ اوکتبر ۱۹۵۸ به‌قیمت ۸۹۵۱۴۶ر۲ دلار به فروش رسید و رکورد فروش و قیمت کلکسیون تمبر را در جهان شکست.

بزرگترین **کلیسا** .

کلیسای وسیع وعمدهٔ سن پیرو اتیکان رم ازبزرگترین کلیساها و ابنیهٔ تاریخی ومذهبی جهان است که ۱۵۱۵۰ مترمربع مساحت دارد .

بزرگترین **کنیسه** .

بزرگترین معبد یهودیان جهان، پرستشگاه امانوئل ، در دالاس تکزاس است . این معبدگنجایش ۴۵۰۰ پیرو مذهبی را دارد . ارتفاع گنبدآن بالغ بر ۴۳ر۲۷ متر است .

بزرگترین **گورستان** .

پرلاشز پاریس است که درسال ۱۸۰۴ به‌وجودآمد این گورستان ۴۳ر۷ هکتار از زمین را فرا گرفته است .صادق‌هدایت نویسندهٔ ایرانی نیز در این گورستان مدفون است .

بزرگترین **ماهی‌ها** .

کوسه ماهی است که ۷۰ر۱۳ مترطول آن است . اخیراً در اقیانوس اطلس نمونهٔ کوسه ماهی یافتند که ۲۸ تن وزن داشت و ۱۸ متر طول قد آن بود .

بزرگترین **مجالس قانونگزاری جهان.**

پارلمان بریتانیای کبیر است، که در قصر وستمینستر لندن انعقاد می‌یابد. این مجلس مرکب از دومجلس لردها ۸۸۹ نفر ومجلس عوام ۶۳۰ نفر نماینده است که رویهمرفته ۱۴۹۸ عضو دارد.

بزرگترین **مجسمه‌ها** .

بزرگترین مجسمهٔ تاریخی جهان مجسمهٔ بت بوداست که ۷۵ر۵۲ متر ارتفاع دارد . این مجسمه در ۶۳۰ میلادی درست شده ودرسه کیلومتری «بیابان» افغانستان نصب گردیده است .

بزرگترین **مدرسهٔ جهان** .

مدرسهٔ دویت کلنیتون اسکول نیویورك بزرگترین مدرسهٔ جهان است. ازاین مدرسه درسال ۱۹۳۴ تعداد ۱۲۰۰۰ نفر فارغ‌التحصیل شدند. سال تأسیس این مدرسه ۱۸۹۷م است، ودر بدو تأسیس ۳۲۰۰ دانش آموز داشت .

بزرگترین **مرکز پزشکی جهان.**

«دیسترکت مدیکال سنتر» واقع در شیکاگو است که ۱۹۳ هکتارمساحت و ۵ بیمارستان دارد . رویهمرفته این بیمارستانها به ۵۶۰۰ تختخواب مجهزند.

بزرگترین مروارید سفته.

«پله گرینا» است که ۲۲ر۷ گرم وزن دارد .

بزرگترین **مروارید ناسفته** .

بزرگترین مروارید ناسفتهٔ دنیا ۱۱۶ میلی گرم وزن دارد

بزرگترین **مساجد جهان** .

مسجد جامع دهلی در هندوستان است. بنای این مسجدكه از سال ۱۶۴۴ تا ۱۶۵۸ بطول انجامید ۸۴۰۰ مترمربع مساحت دارد

بزرگترین **مصب‌رود** .

بزرگترین مصب‌رود دنیا ریومادریا ۳۵۰۰ کیلومتر است که از بولیوی سرچشمه می گیرد وبه آمازون می‌پیوندد .

بزرگترین **معدن مس** .

در شیلی است که بطورمتوسط سالانه ۱۱ ملیون تن مس از آنجا استخراج میشود .

بزرگترین **منبع** .

بزرگترین منبع رودهای جهان ، آمازون است که ۲۲۰۰ کیلومتر مکعب آب در اقیانوس می‌ریزد .

بزرگترین **میدان ورزشی فوتبال جهان.**

«مارانا استادیوم» در ریودوژانیرو است که گنجایش آن ۱۵۰۰۰۰ صندلی است .

بزرگترین **نبرد دریایی** .

در سراسر اعصار تاریخی ، نبرد «یوتلاند» است که روز ۳۱ مه ۱۹۱۶ اتفاق افتاد . در این نبرد ۱۵۱ کشتی بحری سلطنتی انگلیس با ۱۱ کشتی نیروی دریایی پادشاهی آلمان مصاف دادند. آمار تلفات این جنگ دریایی ، ۱۴ کشتی با ۶۰۹۷ سرباز انگلیسی و ۱۱ کشتی با ۲۴۵۴ سرباز آلمانی بود .

بزرگترین **نقشهٔ جغرافیا** .

بزرگترین نقشه جغرافیای جهان در بلژيك است که سطح آن يك هکتار می باشد.

بزرگترین و عمیق‌ترین **معادن**

معدن طلای **راند** آفریقای جنوبی است . این معادن زیرزمینی طلا ، بیش از ۴۵ درصداز کل طلای جهان را تأمین می کند .

بزرگترین ومهمترین **سندیکای کارگری جهان.**

سندیکا ث . ژ . ت (کنفدراسیون عمومی کارگران) در فرانسه است . این سندیکا روز ۲۸ سپتامبر ۱۸۹۵ درلیموژ تأسیس شد تعداد افرادی که به‌صف این سندیکا پیوسته‌اند ، در حال حاضر بالغ بر ۱۶۲۴۳۲۲ نفر است .

بزرگترین **هتل**

ازلحاظ تعداد اطاق ، کنرادهیلتون در شیکاگو است، بیست وپنج طبقه عمارت این هتل رویهمرفته ۳۰۰۰ اطاق دارد یعنی اگر کسی هرشب دریکی از اطاقهای آن به‌سر برد ، بایدهشت سال تمام در این هتل اقامت نماید .

بزرگترین **هلیکوپتر** .

ساخت شوروی واز نوع «میل می ۶» است، وزن این هلیکوپتر ۵ر۳۲ تن است. گنجایش باری آن ۱۲ تن و با ۱۲۰ نفر مسافر است . رکورد سرعت را همین هلیکوپتر با ۳۳۹ کیلومتر درساعت شکسته است .

بزرگترین **هواپیمای بمب‌افکن جهان.**

استراتوفورترس بوئینگ که با ۸ رآکتور کار می کندو ۱۸۲ تن وزن دارد، پهنای بال آن ۴۰ر۵۶ متر و طول آن ۴۷ر۵۵ متر است و سرعتی برابر با ۱۰۵۰ کیلو متر درساعت دارد .

بزرگترین **هواپیمای جهان** .

بزرگترین هواپیمایی که تاکنون ساخته شده‌است . سفینهٔ بزرگ «هرکول هوفنر» بود که درنوامبر ۱۹۴۷ به‌عنوان آزمایش از بندرلوس آنجلس پرواز کرد. این هواپیما ۱۹۳ تن وزن وهشت موتور داشت، اندازهٔ بالهایش هر يك به‌طول ۷۵ر۶۶ متر و پهنای آنها ۵۴ر۹۷ متر بود .

بزرگترین **یخچال طبیعی** .

قره‌قروم در کوههای هیمالیا است.

بزرگترین **یخچال طبیعی کرهٔ زمین** .

بیرومور واقع درقطب جنوب است که توسط شاکلتون کشف گردید (۱۹۰۸م)

بلندترین **ریش جهان**

از آن مردی بنام «لانوت» مهاجر

نروژی بود که در ۳۶ سالگی به سال ۱۹۱۲ طول ریشش ۳۰ر۲ متر بود .

بلندترین سبیل جهان .

رکورد بلندترین سبیل جهان را یك برهمایی هند شکست . طول سبیل وی پس از نه سال رویش ۵ر۲۵۵ سانتیمتر بود.

بلندترین ناخنهای جهان .

متعلق به مرد روحانی چینی از اهالی شانگهای بود که پس از ۲۷ سال (۱۹۱۰) طول ناخن او ۵ر۵۷ سانتیمتر رسید.

بلندترین وصیتنامه .

یك زن آمریکایی بنام میس فردریکا-کوك در چهارجلد تنظیم کرد، این وصیت نامه حاوی ۹۵۹۴۰ کلمه بود .

بلندقدترین زن تاریخ .

«ماریان وهد» به ۵۵ر۲ متر طول قد او بود. وی در ۱۸۶۶ بدنیا آمد ودر سن هفده سالگی در برلن درگذشت.

بلند قدترین زن معاصر .

«دولورس بیلارد» دختر سیاهپوست، اهل لوییزان است که ۴۹ر۲ متر طول قد دارد و به سال ۱۹۴۷ متولد شده .

بلندقدترین مرد ایران .

«حسین پوری» است که ۳۰ر۲ متر طول قد و ۱۷۵ کیلوگرم وزن دارد.

بلندقدترین مرد معاصر .

در حال حاضر قد بلندترین مردان معاصر مردی هلندی است که درسال ۱۸۹۸ درآمستردام پا به عرصهٔ وجود گذاشت. این مرد که «آلبرت یوهان کرامـر» نامیده می‌شود ۵۴ر۲ متر طول قد دارد.

پرآب‌ترین رود جهان .

رود آمازون در آمـریکای جنوبی به‌طول ۳۹۰۰ میل.

پراولادترین مادرها .

شاید مادری که قهرمان مادری در سراسر دنیاست ، خانم فئودورواسیلیت متوفی ۱۸۷۲ باشد که ۲۷ بار آبستن شد ۶۹ کودك به‌دنیا آورد (۱۶ دوقلو ۷ سه‌قلو ۴ چهار قلو) .

پرجمعیت‌ترین شهرها.

پرجمعیت‌ترین شهرهای جهان توکیو پایتخت ژاپون است. طبق سرشماری ۱۹۶۲ جمعیت توکیو را ۱۰ ملیون نفر برآورد کردند .

پرجمعیت‌ترین کشور جهان .

طبق احصاییهٔ سال ۱۹۶۱ ، چین با ۷۲۵ ملیون نفر جمعیت دارد .

پرخرج‌ترین فیلم .

پرخرج‌ترین فیلمهای تاریخ سینما تاکنون ، فیلم بن‌هور است که درسال ۱۹۵۹ تهیه شد. برای تهیهٔ این فیلم ۱۵ ملیون دلار خرج شد . زیرا ۴۵۲ هنر پیشه و ۲۵۰۰۰ سیاهی لشکر داشت که دکورهای آن هریك ۲۵ر۷ هکتار مساحت داشتند و ۴۰۰۰۰ تن شن برای بنای آنها به‌کار رفته بود .

پرتیراژترین ماهنامه.

پرتیراژترین ماهنامهٔ جهان ریدرز-دایجست ، مجلهٔ آمریکا یی است کـه ۲۸ مؤسسهٔ چاپ درجهـان به انتشار آن در دوازده زبان زنده اقدام می کنند و تیراژی برابر با ۸ ملیون نسخه دارد.

پرحجم‌ترین روزنامه‌ها .

پرحجم‌ترین شماره‌های روزنامه‌ها در جهان «نیویورك ساندی تایمز» مورخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۶۰ بود که در ۶۷۶ صفحه منتشر شد . هرشماره از این روزنامـه ۸۳۵ر۲ کیلوگرم وزن داشت .

پرسالترین پرنده .

به‌موجب اطلاعات دقیق کلاغ پرسالترین پرندهٔ روی زمین است .

پرعبورترین جاده‌های جهان .

هولیود درکالیفرنیاست. از این جاده بطور متوسط در روز ۲۲۵۰۰۰ اتومبیل میگذرد.

پرفایده‌ترین فیلمها .

فیلم ده‌فرمان پرفایده‌ترین فیلم‌در جهان بشمار آمده است چه این فیلم ۵۰ ملیون دلار در آمریکا سود آوری کرد.

پرفروش ترین تابلوهای مدرن.

تابلوی «خدمتکار با جلیقهٔ سرخ» اثر پل سزان، رکورد فروش تابلوهای مدرن را به‌دست آورد. این تابلو به‌قیمت ۲۲۰۰۰۰ لیره درلندن فروخته شد .

پرفروش‌ترین تابلوهای نقاشی کلاسیك

تابلوی ارسطو اثر رامبراند، رکورد قیمت فروش تابلوهای نقاشی کلاسیك جهان را به‌دست آورد . این تابلو در روز ۱۵ نوامبر ۱۹۶۱ به‌مبلغ ۲۳۰۰۰۰۰ دلار به‌گالری پارك بسنت نیویورك فروختـه شد .

پرفروش‌ترین کتابهای جهان .

انجیل می باشد . بعضی از قسمت‌های این کتاب آسمانی به ۱۱۳۶ زبان مختلف و خود انجیل بطور کامل به ۲۱۷ زبان طبع ونشر یافته است . تخمین زده‌اند که فقط در داخله ایالات متحده ، سالانه ۷ ملیون انجیل بطور کامل بفروش می‌رسد. تنها ظرف یك سال (۱۹۵۸) انجمن آمریکایی نشریات مذهبی ۱۶ر۶۰۰ر۰۰۰ نسخه انجیل را توزیع نموده است .

پرکارترین آهنگساز .

پرکارترین آهنگساز جهان فـیلیپ دو مونته (۱۶۰۳ ـ ۱۵۲۱م) بوده است که در دوران زندگانی خود ۱۰۰۰ قطعه شاعرانه و ۳۰۰ قطعه آواز مذهبی وهمچنین تعدادی زیاد از آثار گوناگون دیگر تصنیف نمود .

پرکارترین نویسنده .

لوپ فلیکس دووگا کارپیو بود کـه ۱۸۰۰ نمایشنامه ، ۲ رومان و مـقدار زیادی شعر نوشت .

پرکارترین نویسندهٔ زن .

شاید خانم **دنیز روبنس** اهل لندن است که از سال ۱۹۲۴ به‌بعد ۱۳۵ رمان منتشر ساخته که مجموعاً شامل ۴۵ ملیون کلمه می باشد.

پرکارترین نویسندهٔ معاصر .

ژرژسیمونن نویسندهٔ معاصر فرانسوی که درسال ۱۹۰۳ متولد شده است طی ۱۱ روز یك کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای نوشت ودر همین مدت ۱۷۰ داستان دیگر را به‌پایان رسانیده است . آثار او در ۲۴ کشور و به ۲۸ زبان زنده ترجمه شده و ۳۰۰ ملیون نسخه از آثار او به‌چاپ رسیده است. به‌علاوه سیمونن ۲۰۰ جلد کتاب دیگر نوشته است که نام مستعار خود را بر آنها نهاده .

پیرترین پادشاهان جهان.

شارل دهم بود که وقتی ۶۶ سال و ۱۱ ماه از سنش می گذشت به‌سلطنت رسید و در سن ۷۹ سالگی بدرود حیات گفت.

تندروترین کشتی‌ها .

تندروترین کشتی‌هـایی که توانست از فراز آبهای آتلانتیك، از نیویورك به‌بندر سوتامپتون برسد یونایتد استیت بود . این کشتی با سرعت متوسط ۵ر۶۵ کیلومتر در ساعت سینهٔ آبها را شکافت .

تیزروترین حیوانات .

تیزروترین حیوان جهان پلنگ است که ظرف یك ساعت ۱۳۵ کیـلومتر طی می کند.

در جریان آزمایشهایی کـه به‌سال ۱۹۳۹ درلندن انجام شد سرعت متوسط

پلنگ ۸ر۷۰ کیلو متر در ساعت تعیین گردید .

چاقترین **مردروزگارما** .

«روبرت ارل» بودکه درده‌سالگی وزنش به ۵ر۱۷۱ کیلوگرم‌ودرسنین آخر عمر به۹ر۴۸۴ کیلوگرم بالغ‌شد.همچنین ارل رکورد بزرگترین دور کمر را نیز شکست .کمربند او ۱۵ر۳ متر طـول داشت .

چاقترین **مرد معاصر** .

«چارلزتلینی‌کسنی» آمریکایی‌است که وزنش ۵ر۳۵۸ کیلوگرم است.

حجیم‌ترین **ناقوس** .

پرحجم‌ترین ناقوس جهان، تزار_ کلوکل است‌که در سال۱۷۳۳ درمسکو قالب ریزی شده است،وزن این ناقوس ۱۹۳ تن وقطرآن ۹۰ر۶متروارتفاعش ۸۰ر۵ متر است .

درازترین**سوسیس**.

درازترین‌سوسیس‌جهان‌سوسیسی‌بود که قصابهای‌گونیسبورگ آلمان درسال ۱۶۰۱ ساختند. این‌سوسیس رابه‌عنوان نمایش ۱۰۳ قصاب از خیـابانها عبور می‌دادندزیرا۷ر۹۱۴متر‌طول و۴ر۴۰۱ کیلوگرم وزن داشت .

درشت‌ترین **تگرگها** .

در سپتامبر ۱۹۵۹ درنواحی‌غربی اسپانیا باریدکه هر دانه ازاین تگرگها ۲ کیلوگرم وزن داشت .

دقیق‌ترین**ساعت جهان**.

ساعت دیواری اولسن که‌درهتل‌شهر کپنهـاک نصب شده است ، دقیق‌تـرین ساعتی‌است‌که برای ساختن آن ۱۰ سال تمام وقت‌صرف‌کرده‌اند بعلاوه‌این‌ساعت بغرنج‌ترین ساختمان ساعت‌های‌جهان را دارد زیرا از ۱۴۰۰۰ قطعه بوجودآمده است .

دور افتاده ترین **جزایرجهان** .

تریستادا کناست که ۳۱ کـیلومـتر مربع وسعت خاك و ۲۹۴ نفر جمعیت دارد.

رایج‌ترین **زبانها** .

زبان چینی است که ۴۸۰ ملیون نفر بدان تکلم می‌کنند . تعداد تمامی افرادی‌که بزبان‌انگلیسی تکلم می‌کنند ۲۸۰ ملیون نفر است .

سالخورده‌ترین**آهنگساز** .

بیش از تمام آهنـگسازان «ژان سیبلیوس» عمر کرد . وی هنگام مرگ یعنی در ۲۰ سپتامبر ۱۹۵۷ نود ویك سال از سنش می‌گذشت.

سالخورده‌ترین **کلاغ‌اهلی**.

کلاغی بودکه ۱۰۸ سال عمر کرد.

سبکترین **انسانها** .

«گالوا هوپکین هوپکینز» بودکه فقط ۴۴ر۵ کیلوگرم‌وزن داشت وبه‌سال ۱۷۵۴ وفات یافت.

سردترین **نقطه** .

در۲۴ اوت۱۹۶۰ درووستك‌شوروی ۳۰ر۸۸ درجه زیر صفـر گزارش شده است .

سریع السیرترین**هواپیما** .

رکورد سرعت را در مسابـقـات هوایی هواپیمای شکاری اف ۱۰۴ چـ_ فانتوم‌در روزبیست ودوم نوامبر۱۹۶۱ باسرعت متوسط۲۰ر۲۵۸۵کیلومتردر ساعت‌به‌دست‌آورد.این‌هواپیماراسرهنگ رابرت بی. روبینسون هدایت می‌کرد . جالب این بودکه خلبان بیباك‌آمریکایی توانست‌میزان‌سرعت‌راتا۲۶۶۵ کیلومتر در ساعت بالا برد .

سریع‌ترین**راه‌پیمایی** .

رکورد سرعت راه‌پیمایی را، تیپ انگلیسی، به‌سرکردگی روبرت کـرانه فوردکه به‌کمك‌سرآرتورو لسنلی‌می‌رفت‌در جریان جنگ اسپانیا شکست . این‌تیپ طی ۲۶ ساعت (از ۲۸ تـا ۲۹ ژوییهٔ ۱۸۰۹م) ۷ر۹۹ کیلو متر‌راطی‌کردند.

سریعترین **زیردریایی جهان** .

«اسکیپ ژاك» به‌ظرفیت۲۹۰۰ تن و طول ۸۱ر۷۶متر است‌که درماه‌مارس ۱۹۵۹ ازآن‌آزمایش‌به‌عمل‌آمد.سرعت این زیر دریایی در سطح وعمق‌آب ۴۰ گره و ۳۰۰ متربوده است. اما رکورد باقی‌ماندن‌زیر‌آب‌رازیردریایی‌یاتریك_ هانری‌آمریکایی شکست این زیر دریایی ۶۶ روز و ۲۲ ساعت در زیرآب باقی ماند.

سنگین‌ترین **سکه** .

سکهٔ ده دالری مسی‌سوئد ، درسال ۱۶۵۹ ، تقریباً ۶ر۱۳ کیلو گرم وزن داشته است .

سنگین‌وزن‌ترین **زن جهان** .

درآمریکا می‌زیسته، وی۵ر۳۸۲ کیلوگـرم وزن داشت وبه‌سال ۱۸۸۸ درگذشت .

شدیدترین **انفجارآتشفشانی** .

در سوئدواقع‌دربین جاوه‌وسوماترا اتفاق‌افتاد.سنگهایی‌که ازدهانهٔ‌آتشفشان کراکاتو بیرون‌آمدتاارتفاع۵۰ کیلومتر بالا رفت .

شدیدترین **زمین‌لرزه‌ها** .

در دو موردوبه‌شدت ۶ و ۸ ضبط شده است ، اولین زلزله‌روز ۳۱ژانویهٔ ۱۹۰۶ در نـقطهٔ انتشار زیر دریا ودر ایالت‌کالیفرنیا وقوع یافت .دومین‌زلزله در۱۵ اوت۱۹۵۰ درخلیج ساگامی‌ژاپون رخ داد .

طولانی‌ترین **اعتصاب جهان** .

طولانی‌ترین اعتصاب‌جهان‌دردون_ لائوگهایرکنت نشین دوبلین ، ایرلند ، بوقوع پیوست ، ماجرا این بودکه یکی از مأموران‌بارکافه‌را بیرون‌کرده‌بودند. سندیکای‌مأموران‌بار بی‌درنگ رهبران خود را درجریان‌گذاشتند ، اعتصاب از روز مارس سال ۱۹۳۹ آغاز شد وروز۵ دسامبر ۱۹۵۳ (بعداز۱۴ سال ونـیم) خاتمه‌یافت زیرا صاحب‌جدیدبار، تمشیت امورکافه رابه‌عهده‌گرفت وبه‌غایله پایان داد .

طولانی‌ترین **بحران سکسکه** .

طولانی‌ترین‌بحران‌سکسکه‌راادانش پزشکی در مورد «جك‌اولری» ۲۴ساله اهل‌لوس‌آنجلس‌کالیفرنیاثبت‌کرده است. وی روز اول ژوئن ۱۹۵۶ دچاربحران سکسکه شد وطی هفت سال ویازده‌ماه و بیست ویك روز بیش از۱۶۰ ملیون‌بار سکسکه‌کرد .

طولانی‌ترین **بیهوشی** .

طولانیترین دورهٔ بیهوشی کـه در تاریخ پزشکی‌ثبت شده‌است‌به‌دخترك‌هفت سالهٔ‌آمریکـایی‌بنام«الن‌اسپوریتو» نسبت داده می‌شود . وی پس ازعمل‌آپاندیس در سال ۱۹۴۲ به‌حالت اغماافتادوتا۱۵ سال به‌هوش نیامد.

طولانی‌ترین **پر** .

طولانی‌ترین‌پرپرندگان روی‌زمین محتملا ازآن مرغهای‌ژاپونی است که به ۳۰ر۷ متر میرسد .

طولانی‌ترین**جریان رودخانهٔ‌زیردریایی**

مسیر «کرامول»است‌به‌طول۳۵۰۰ میل و به عرض ۲۵۰ میل‌که ۳۰۰«پا» زیر اقیانوس اطلس در طول خط‌استوابه طرف غرب‌جریان داردوحجم‌آن‌یکهزار برابر رودخانهٔ «می‌سی‌سی‌پی» است .

طولانی‌ترین **جنگها** .

جنگ صدساله‌بوده است :که‌طی‌آن

(۱۳۳۸ ـ ۱۴۵۳م) فرانسه وانگلستان ۱۱۵ سال‌تمام بایکدیگر نبرد کردند. با اینهمه‌خاطرهٔجنگی، جنگ‌های‌مقدس، بسی خونین‌ترازجنگ‌های صدساله‌است، چه این جنـگ ۱۹۵ سال تمام به‌طـول انجامید.

طولانی‌ترین **خسوف**.

طولانی‌ترین‌خسوفی که تاکـنون‌از طرف هواشناسان ومنجمان‌ضبط‌شده است خسوف مجمع‌الجزایر فیلیپین‌است که در ۲۰ ژوئن ۱۹۵۵ رخ دادو۷دقیقه و۸ ثانیه به‌طول انجامید.

طولانی‌ترین **خمیازه‌ها**.

رکورد خمیازه‌را دختـر پانـزده ساله‌ای به‌نـام «یی» شکست. وی درسال ۱۸۸۸ مدت۵هفته به‌طورمداوم خمیازه می‌کشید.

طویل‌ترین **دریاچهٔ قابـل کشتی رانی جهان**.

تی‌تی‌کاکا در**بولیوی** و**پرو**است.

طویل تـرین **دوران حاملگی در حیوانات**.

در مورد فیل هندی می‌توان یافت که به‌طورمتوسط ۶۲۰ روزتا ۷۶۰روز (۲ سال ویك‌ماه)طول‌می‌کشد.

طویل‌ترین **راه‌پیمایی تاریخ**.

«راه‌پیمایی طولانی» معروف ارتش کمونیست‌چین‌است که‌از۱۹۳۴ تا۱۹۳۵ بطول انجامید. طی۳۶۸، که ۲۶۸ روز آن فقط راه پیمایی بودکه یك نیروی ۹۰۰۰۰ نفری۹۶۵۰کیلومتررا بطرف شمال، از ینان تاکیانك سی‌طی‌کرداین سربازان از ۱۸ سلسله جـبال و ۶رود بزرگ عبورکردندو تنها ۲۲۰۰۰تلفات دادند.

طویل‌ترین **راه‌های دریایی**.

کشوری که دارای طـولانی‌تـرین راه‌های‌دریایی‌قابل‌کشتی رانی‌است‌فنلاند است. مجموع دریاچه‌ها ورودخـانه‌های قابل‌کشتی‌رانی‌این‌کشور ۴۹۹۰۰ کیلو- متر مربع است.

طویل‌ترین **رود‌آسیا، رودایی**.

طویل‌ترین **رودافریقا، رود نیل‌وکنگو**.

طویل‌ترین **رودآمریکای جنوبی**.

رودآمازون.

طویل‌ترین **رودآمریکای شمالی**.

رود میسی‌سی‌پی.

طویل‌ترین **رودخانهٔ جهان**.

رودنیل به‌طول ۴۱۴۵ میل‌است و ۹۶۰ میل‌آن قابل‌کشتی رانی است.

طولانی‌ترین **سمفونی**.

طولانی‌ترین سمفونی‌ها راگوستاو- مالرموسیقیدان‌اتریشی ساخته‌است‌اجرای سمفونی‌شمارهٔ۳وی دررمینوریك‌ساعت و چهل‌و پنج دقیقه طول می‌کشد.

طولانی‌ترین **نامه**.

طولانی‌ترین‌نامه‌ای که‌تاکنون‌نوشته شده نامه‌ای به‌طول ۹۷۵/۴ متراست. این‌نامه‌در۱۹۵۴ طی‌یك‌ماه متوالی به‌وسیله میس لوییس‌گوردون ازاهالی بروکلین نیویورك برای یك‌سربازآمریکایی‌نوشته شده است.

طولانی‌ترین **نطقها**.

توسط سناتورتکزاسی، کیلمرکور- بین‌اولولوك در اوستین تکزاس‌ایرادشد. وی روز۱۷و۱۸مه۱۹۵۵ دربارهٔمالیات آب بیش از۲۸ ساعت و ۱۵ دقیقهٔ تمام لاینقطع نطق‌کرد.

طویل‌ترین **برج**.

طویل‌ترین برج تلویزیون‌جهان در آمریکا نزدیك کلمبیاست که ۵۳۳/۸۴ مترطول دارد. آخرین قسمت‌این‌برج‌در آوریل ۱۹۶۲ پایان یافت.

طویل‌ترین**شعرها**.

بلندترین شعری‌که تاکنون سروده شده متعلق به‌روبرت‌بارت شاعر معروف انگلیسی است. انشاء این‌شعر از۱۶۰۳ تا ۱۶۰۶بطول انجامید. عنوان«جنگ مقدسی‌که به‌یك‌شعرحماسی تقلیل یافت» می‌باشد و مجموعاً شامل ۶۸هزار بیت می‌باشد.

عجیب‌ترین **پستاندار**.

عجیب‌تریـن پستاندار روی زمین کانگوروها هستند که‌به‌طورمتوسط۲/۶۴ متر قد دارند، وزن‌آنها بالغ بر۹۰کیلو گرم است.

عظیم‌ترین **جنگهای‌جهان**.

جنگ دوم‌جهانی، بیش ازهمهٔجنگ- ها تلفات داد. به‌موجب‌تحقیقاتی که‌واتیکان به‌عمل‌آورد، مجموعهٔ قربانیان جنگ ۱۹۴۵و۱۹۳۹، اعم ازنظامی‌وغیرنظامی درسراسردنیاعبارت‌بودنداز۲۲۰۶۰۰۰۰ کشته و ۳۴۳۰۰۰۰۰ زخمی ولی در سال ۱۹۵۶، احصائیهٔ آماری‌دقیق، رقم بالا را مورد تجدید نظر و پژوهش‌کامل قرار داد ومعلوم شد، تنها اتحادشوروی ۲۵ ملیون نفرکشته داده است. خسارت این‌جنگ‌را۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۵ فرانك جدید تخمین زده‌اند (هرفرانك ۱۷/۵ ریال).

عمیق‌ترین **دریاچهٔ جهان**.

بایکال‌درسیبریه است.

عمیق‌ترین **دره**.

با۷۹۰۰فوت ارتفاع‌بین‌کوه‌شیطان ورودخانهٔ مار ایالت‌آرگون وآیداهوی آمریکااست.

عمیق‌ترین **نقطهٔ خشکی**.

درسواحل دریای سیاه‌است که‌نسبت به‌سطح‌دریا ۳۹۲ مترفرورفته‌است.

عمیق‌ترین **نقطهٔ‌زمین**.

موهول اطراف جزیرهٔ گادلوپ در اقیانوس‌کبیر است.

غول‌پیکرترین **مرد روزگارما**.

بعضی‌ها عقیده دارند غول‌پیکرترین و بلندقدترین مردان روزگارما شخصی به‌نام«روبرت پرشینك وادلو» بوده که۱۵ ژوئیهٔ ۱۹۴۰ وفات یافت ودرآن‌هنگام روبرت ۲٫۷۰ مترقد ۲۲۲٫۷ کیلوگرم وزن داشت.

قدیمی‌ترین **اپرای‌حقیقی**.

اپرای‌دافنه‌اثراوتاورینوچینی است که «یاکوپوپری» آنراتنظیم کرد.

قدیمی‌ترین**ارتش‌جهان**.

گارد سویسی واتیکان است ویکصد سرباز دراختیار دارد. این ارتش روز ۲۱ژانویهٔ ۱۵۰۶ تأسیس شد.

قدیمی‌ترین**پیانو**.

پیانویی‌که هنوز موجود است پیانو کریستوفوری است‌که درسال ۱۷۲۰ در فلورانس ساخته شده ودرحال حاضر در موزهٔ کراوس‌فلورانس نگهداری‌می‌شود.

قدیمی‌ترین **جدول**.

قدیمی ترین جدول کلمات متقاطع را آرتوروین ۲۱ دسامبر ۱۹۱۳ در نیویورك‌ورلد منتشرساخت.

قدیمی‌ترین**دانشگاهها**.

قدیمی‌ترین‌دانشگاه‌ومؤسسهٔ‌فرهنگی جهان، دانشگاه «کاروییوین» مراکش است که‌به‌سال۸۵۹ میلادی برای‌تحقیق درامور اسلامی بنانهاده شده است.

قدیمی‌ترین**دودمانهای سلطنتی**.

بزرگترین‌سلسلهٔ‌پادهی، سلسلهٔزاك- های‌حبشه‌است‌که از۱۲۷۰ تاسال۱۸۵۵ سلطنت‌کردند.

قدیمی‌ترین **روزنامه‌ها**.

روزنامهٔ «برووِرسترجورنال» که‌در انگلستان منتشرمی‌شودو به‌خودمی‌بالدکه

عنوان قدیمی‌ترین روزنامه های جهان رادارد و به‌طورمرتب چاپ می‌شود. این روزنامه به‌سال ۱۷۰۹ بنیان گذاشته شد ودرسال ۱۹۶۰ به‌صورت هفته نامه منتشر گردید.

قدیمی‌ترین **ساعت** .

ساعت کلیسای سالیسبوری انگلستان است که درسال ۱۳۸۶ میلادی ساخته شده است . این ساعت در سال ۱۹۵۶ تعمیر شد

قدیمی‌ترین **سرباز** .

جان بی‌سالینك بودكه ۱۱۲ سال و ۳۰۶ روز عمر کرد و آخرین بازماندهٔ جنگهای استقلال بود . وی روز ۱۶ مارس ۱۹۵۹ بدرود حیات گفت .

قدیمی‌ترین **سینما** .

قدیمی‌ترین سینمای جهان، «الکتریك» «تیاتر» در لوس آنجلس کالیفرنیاست که روزدوم آوریل ۱۹۰۲ زیرچادری افتتاح گردید .

قدیمی‌ترین **کتاب چاپ‌شده** .

قدیمی‌ترین کتاب چاپی نخست طوماری است که ۸۷ر۴ متر طول داردو برروی آن آیات بودایی ضبط شده وسپس کتابی است که شامل آداب مراقبهٔ بوداست که‌در ۹۴۹ میلادی طبع گردیده است .

قدیمی‌ترین **ناقوس** .

گمان می‌رود که قدیمی‌ترین ناقوس باشد که‌لایارد درقصر نمرود در بابل کشف کرده است گویا درسه‌هزارسال قبل، این ناقوس ساخته شده‌است .

قدیمی‌ترین **متون** .

قدیمی‌ترین متون جهان الواح **سومری** است که در ۵۰۰۰ سال قبل ازمیلادمسیح نبشته شده‌است .

قدیمی‌ترین **نت موسیقی** .

قدیمی‌ترین نت موسیقی که به‌صورت علایم خاص نمایش داده‌شده سرودمذهبی سومری است که برالواحی از خاك رس ، حك گردیده و ۸۰۰ سال قبل ازمیلادمسیح به‌وجود آمده است، و تاکنون هیچگونه تفسیر مقنعی از آن به‌دست داده نشده‌است.

کوتاه‌ترین **دورهٔ حاملگی درحیوانات** .

متعلق به «اپوزوم» است که دوران حاملگیش هشت روزطول می کشد .

کوتاه‌ترین **دورهٔ سلطنت** .

مربوط به ژان اول است که‌جانشین لویی‌دهم بود. وی ازبدو تولد یعنی ۱۵ نوامبر ۱۳۱۶ پادشاه بود ولی ۱۲۰ ساعت‌بعد یعنی روز ۱۹ نوامبر همان‌سال چشم‌ازجهان بست .

کوتاه‌ترین **وصیتنامه** .

درسال ۱۹۰۶ در انگلستان تنظیم گردیده است . این‌وصیت‌نامه درسه کلمه بوسیلهٔ تون . و . دیکنس نوشته شده . «همه ، مال مامان ».

کوتاه‌قدترین **انسان‌روزگارما** .

«والتر بوهمبنگ» آلمانی بودکه در سال ۱۹۵۵ درگذشت . قدوی فقط ۵۲ سانتیمتر بود.

کوتاه‌قد ترین **انسانها** .

کوتاه‌قد ترین انسان روی‌زمین‌طبق ادعای ژرژ بوفون‌دانشمند زیست شناس فرانسوی فقط ۴۰ سانتیمترطول‌قدداشته‌است.

کوتاه‌مدت ترین **جنگها** .

بین بریتانیا وزانزی بارا تفاق‌افتاد (۲۷ اوت ۱۸۹۶) ناوگان جنگی‌امیر-البحر سرهاری راوسون به سیدالخالدکه تازه به‌حکومت‌رسیده‌بود اولتیماتوم‌داد که قصرخود را ترك کند و تسلیم شود . ولی مقاومت ادامه یافت و جنگی بین آن‌دودرگرفت‌که تنها ۲۸ دقیقه پاییدو سیدالخالد شکست خورد .

کوچکترین **ارتش‌جهان**.

درحال حاضر ارتش جمهوری‌سن-مارن است‌که فقط ۱۱ سرباز دارد .

کوچکترین **پستاندار** .

موش پوزه‌دار به‌طول ۴۰ میلیمتر درشمال‌شرقی مدیترانه زندگی می کند.

کوچکترین **تخمها** .

۱۳ میلی‌گرم وزن دارد و از آن مرغ مگس‌خوار است .

کوچکترین **تمبرجهان** .

کوچکترین تمبر پستی درطول‌سال-های ۱۸۶۶-۱۸۶۳ دربولیوار منتشر شد .اندازهٔ‌این‌تمبر ۵ر۹ میلیمتردر ۵ر۷ میلیمتر بود .

کمترین **رقم‌آمارمتوفیات** .

کوچك ترین آمارمردگان را در «پورتوریکو با ۸ر۶ هزارنفر ودرقبرس با ۱۰ر۶ می‌توان یافت.

کمترین **رقم آمار موالید** .

آلمان‌غربی ، در هرهزار خانواده ۵ر۹ طفل‌دارند.

کوچکترین **صدف** .

سه صدم میلیمترطول ونیم میلیمتر قطر دارد .

کوچکترین **کتاب‌چاپی** .

درسال ۱۹۵۸ به‌وسیلهٔ جامعهٔ‌جهانی گوتنبرگ چاپ‌شده است. نسخ‌این‌کتاب قطعی برابر ۱۱×۱۱ میلیمتر داد.

کوچکترین **کتاب‌دنیا** .

اشعار «اگارگست»می‌باشد، این کتاب ۵ر۳ میلیمتر قطع‌آن است.این‌کتاب را «بووت راندل» درسال ۱۹۴۲ نوشت.

کوچکترین **کتاب‌خطی** .

مجموعه آثارشعری‌اگارگست است که‌درقطع ۵ر۳ × ۵ر۳ میلیمتری گردآمده است .

کوچکترین **کشورها** .

واتیکان مقرپاپ‌است که فقط ۴۴ هکتار مساحت دارد ، وفقط ۹۷۰ نفر جمعیت دارد وازاین‌نظرنیز کوچکترین کشورجهان بشمارمی‌رود، دیگر کشور سان مارینو .

کوچکترین **کلیسا**.

کلیسای کوچك‌جهان درفرانسه‌واقع شده‌که ابعاد آن ۵×۵ متر است وفقط گنجایش ده نفررا دارد . نام این‌کلیسا «هوت‌ساووا» است .

کوچکترین **ماهی جهان** .

در فیلیپین است‌که ۹ میلی‌مترطول و۶ میلی‌گرم وزن دارد .

کوچکترین **مسکوك‌طلای‌جهان** .

«کولپاتا» یا نوك‌سنجاقی‌است‌که‌در هندوستان جنوبی به‌سال ۱۸۰۰ ضرب شد وفقط ۱۵ر ۱ گرم وزن‌داشت .

کوچکترین **نامه** .

کوچکترین نامه‌ای‌که‌درجهان‌نوشته شد نامهٔ تبریکی بودکه برای « فایت » (شوالیه) معروف انگلیس فرستاده شده دراین نامه ، عنوان افتخاری او راذکر کرده بود .

کهنسال‌ترین **انسانها** .

فهرست زیرازپرسالترین انسانهای روی‌زمین تهیه شده است ولی هیچ شاهد دقیقی بر طول عمرآنها مهرتأیید نزده است .

۱۹۰ ساله:طبق ادعای‌رادیومسکو زن‌گمنامی‌که ۱۹۰ سال‌عمر کرده بود روز اول دسامبر ۱۹۵۷ بدرود حیات گفت .

۱۸۵ ساله: سیدعلی کوتاهی (ایرانی) که روز ۱۰ مارس ۱۹۵۹ فوت شد.

کهنسال‌ترین **مردی که تن به عمل جراحی داد.**

«جیمزبرت» اهل تکزاس بود، وی درسن ۱۱۱ سالگی براثر عمل جراحی سلامت‌خود را بازیافت (۷ نوامبر ۱۹۶۰)

گرانبهاترین **سگها.**

سگی ازنژاد چینی به‌نام «کوکو، او، یام» است که درسال ۱۹۵۶ هنگامی‌که سه‌سال ازعمرش می‌گذشت ده‌هزار و پانصد لیره ارزش داشت.

گرانبهاترین **کتابهای جدید.**

انجیل عهد جدید است که بر روی پوست نوشته شده و سالوادوردالی آن‌را مصور ساخته است. این کتاب ۱۸۵ کیلو گرم‌وزن‌دارد و پشت جلد آن‌مزین به الماس وزمرد است.

گرانبهاترین **نسخ خطی.**

درسال ۱۹۳۳ به‌وسیلهٔ موزهٔ بریتانیا از دولت شوروی خریداری شد، نسخهٔ خطی تورات است که در سال ۱۰۶۰ نوشته شده است. این کتاب تنها ۳۹۰ صفحه از ۷۳۰ صفحهٔ اصلی خودرا دارد که قطع صفحات آن به ۱ر۷۱ در ۶ر۴۶ سانتیمتر می‌رسد به‌زبان یونانی نوشته شده و بوسیله سه کاتب ورزیدهٔ خوش‌خط در ۳۵۰ به‌پایان رسیده است. بقایای این کتاب را یك مسافر آلمانی به‌نام کنستانتین تیشندروف از طعمهٔ حریق نجات داده است.

گرانترین **اتومبیل جهان.**

رولزرویس پانتوم نوع «و» بود که درسال ۱۹۵۹ به‌فروش رسید، قبلاقیمت آن ۱۶۵ هزارفرانك‌جدید فرانسه‌تخمین زده شده بود (هرفرانك ۵ر۱۷ ریال).

گرانترین **تمبر.**

در سال ۱۴۶۵ هنگام تورم اسکناس در مجارستان بهای یك تمبر ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ پنگویه بود. شاید از تمبر مزبور گرانقیمت‌تر تا کنون وجود نداشته است.

گرانترین **دستمزد سینما.**

ویلیام‌هولدن، به‌علت‌شرکت در پل رودخانهٔ‌کوای بیشترین سودهای‌سینمایی را به‌دست آورد. زیرا به‌موجب قرارداد ۱۰ درصد از مجموع سوداین فیلم‌نصیب او خواهد شد. یعنی ۲۵۰۰۰۰۰ دلار و پس‌از آن هرساله ۵۰۰۰۰ دلار به‌حساب او وارثین خواهد گردید.

گرانترین **ساعتهای جهان.**

گرانترین‌مبلغی‌که برای‌خرید یك‌عدد ساعت پرداخته شده ۴۴۱۰ لیره‌بود (۲۹ اکتبر ۱۹۵۹) ازاین‌ساعت شماطه‌ای فقط ۶ نمونه درجهان وجود دارد.

گرانترین **نفقه.**

گران‌ترین نفقه بعد از طلاق را «روبین هالیس فلیت» ملیونر آمریکایی وصاحب صنایع‌هواپیماسازی درسال ۱۹۴۵ به‌همسردومش پرداخت. دادگاه او را به‌علت‌دشنام واهانت به همسرش‌بپرداخت ۱۸ ملیون‌دلار محکوم ساخت.

گرانقیمت‌ترین **مسکوك.**

یك قطعه سکه نقرهٔ یك دلاری آمریکایی‌که به‌سال ۱۸۰۴ ضرب‌شده‌بود وشش‌نمونه بیشتراز آن در جهان موجود نیست، گرانترین مسکوك‌جهان‌است. این سکه‌دردسامبر سال ۱۹۶۰ به‌مبلغ ۲۸۰۰۰ دلار به‌فروش رسید.

گرم‌ترین **نقطه.**

درسال ۱۹۵۰ درصحرای‌داناگیل به ۷۰ درجه رسید.

گزاف‌ترین **حقوق‌پارلمانی.**

ازمیان‌تمام‌اعضای‌پارلمان‌های‌جهان نمایندگان سنای آمریکا بیش ازهمه جا حقوق می‌گیرند، زیراکه ماهانه ۱۹۵۰۰ دلاربه‌آنها پرداخت می‌شودو همچنین تا ۳۰۰۰ دلارمعافیت‌مالیاتی دارند. اعضای پارلمان آمریکاحق دارند، منشی‌ها و معاونانی برای‌خوداستخدام کنندو به‌طور سالانه ۱۳۰۰۰۰ دلار برای آنها حقوق بگیرند واین مبلغ نمی‌باید از ۱۳۳۴۴ دلارو ۶۲ سنت بیشتر باشد.

معظم‌ترین **برج.**

بزرگترین‌ومعظم‌ترین برجهای‌جهان برج‌ایفل‌است که ۳۰۰ متر ارتفاع‌دارد. ساختمان این‌برج روز ۳۱ مارس ۱۸۸۹ پایان یافت.

نایاب‌ترین **تمبرجهان.**

بعضی ازتمبرها را نایاب‌ترین تمبرها باید نامید زیرا ازآنهاجز یك نمونهٔ منحصر به‌فرد، وجود ندارد. از میان مشهورترین آنها تمبریك‌سانتی «گیانی» انگلستان است‌که به‌قیمت ۷ شلینگ ازیك محصل خریداری شده‌است. درحال‌حاضر قیمت‌این تمبررا ۴۰۰۰۰ لیرهٔ انگلیسی تخمین زده‌اند.

نخستین **دانشگاه ایران.**

دارالفنون‌نخستین دانشگاه‌جدیددر ایران‌که درسال ۱۲۶۶ به‌دست امیرکبیر بنیادنهاده‌شد ودرسال بعد درروزهایی‌که امیرکبیر آخرین روزهای خود را در تبعید می‌گذرانید به‌دست ناصرالدین شاه افتتاح شد (۱۲۶۸) دردارالفنون دروس نظامی، پزشکی، زبانهای خارجی، ریاضیات وفیزیك‌وشیمی به‌وسیلهٔ استادان ایرانی و خارجی تدریس‌می‌شد. محصلین‌لباس‌متحد‌الشکل داشتند ازناهار ووسایل مجانی استفاده می‌کردند و به‌بعضی‌ازآنان‌هزینهٔ تحصیل‌داده‌می‌شد. بنای مدرسهٔ‌دارالفنون در خیابان ناصرخسرو امروز یکی از دبیرستانهای تهران است.

وسیع‌ترین **شهر.**

کیرونا، واقع درسوئد، با ۱۴۱۳۶ کیلومتر مربع‌مساحت‌است.

وسیع‌ترین‌کشورها.

روسیهٔ شوروی.

استادان و معلمین

تاریخ در دانشگاه

آیتی، محمد ابراهیم. معلم تاریخ‌اسلام دانشکدهٔ معقول‌ومنقول، دانشگاه‌تهران.

باستانی پاریزی، دکتر محمدابراهیم. دبیرگروه تاریخ‌دانشکدهٔ‌ادبیات‌دانشگاه تهران.

بهمنش، دکتر احمد. استاد ومعاون گروه تاریخ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران.

بیانی، دکتر خانبابا. استادومدیرگروه تاریخ دانشکدهٔ‌ادبیات، دانشگاه‌تهران.

بیانی، خانم دکتر شیرین، استادیار گروه تاریخ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران.

بینا، دکتر علی‌اکبر. استادگروه‌تاریخ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران.

تقی‌زاده، سید حسن. استاد تاریخ‌علوم دراسلام، دانشکدهٔ‌معقول‌ومنقول‌دانشگاه تهران.

رضوانی‌خراشاد، دکتر محمداسماعیل. دبیرگروه‌تاریخ‌دانشکدهٔ‌ادبیات‌دانشگاه تهران.

زریاب‌خویی، دکترعباس. دانشیارگروه تاریخ‌دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران.

زرین‌کوب، دکتر عبدالحسین. دانشیار تاریخ اسلام دانشکدهٔ معقول و منقول دانشگاه تهران.

ستوده ، دکتر حسینقلی . دانشیار گروه تاریخ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران.
شادمان ، دکتر فخرالدین . استاد تاریخ اسلام در دانشکدهٔ معقول و منقول دانشگاه تهران .
شیبانی ، عبدالحسین .معلم حق التدریسی تاریخ عمومی دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران .
صدیق، دکتر عیسی .استاد تاریخ آموزش و پرورش دانشسرای عالی .
فاروقی ، دکتر عباس . استاد و رییس دانشکدهٔ ادبیات اصفهان ــ معلم گروه تاریخ دانشکدهٔ ادبیات .
فرمانفرماییان، دکتر حافظ.استاد گروه تاریخ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران.
فلسفی ، نصرالله . استاد تاریخ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران .
مجیر شیبانی ، دکتر نظام. استاد گروه تاریخ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران.
مشکور ، دکتر محمدجواد . استاد تاریخ دانشسرای عالی .
مقدم ، محسن. استاد تاریخ هنر دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران .
مینوی ، مجتبی . استاد تاریخ اسلام دانشکدهٔ معقول و منقول دانشگاه تهران.
هدایتی ، دکتر . دانشیار تاریخ ایران دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران .
یار شاطر ، دکتر احسان . استاد گروه تاریخ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران.

چند کتاب مفید از تاریخ

آیینهٔ سکندری در تاریخ ایران (۲ جلد): میرزا عبدالحسین بردسیری (آقاخان کرمانی) .
آثار البلاد و اخبار العباد : زکریای قزوینی .
آثار باستانی جلگهٔ مرودشت : علی سامی شیرازی .
آداب العرب والفرس : ابن مسکویه.
آستانهٔ ری : محمد علی هدایتی .
آغاز راه : واسیلی چویکوف . ترجمهٔ سیامك جلالی .
آلمانها : لئون کروچکوسی . ترجمهٔ احمد صادق.
آمریکا: استفن ونیست بنه، ترجمهٔ سروان ابوطالب صارمی .
احسن التواریخ : حسن بیك روملو.
احسن التواریخ در تاریخ آل عثمان: محمد فریدبك ، ترجمهٔ علی مستوفی اصفهانی نواب .
احسن الکلام : ابومنصور ثعالبی .
احسن ماسمعت : ابومنصور ثعالبی.
اختناق ایران : مورگان شوستر .
اردوکشی نادرشاه به هندوستان : ترجمهٔ محمد صادق اتابکی .
اروپا در آتش یا تاریخ جنگ کنونی (۲ جلد) : عزیزالله حاتمی .
از طاهریان تا مغول : عباس پرویز .
از مسکو تا برلین: مهدی سمسار .
استانداری مازندران : با همکاری ؛ سازمان جلب سیاحان .
اسدالغابه فی معرفة الصحابه : ابوالحسن ابن الاثیر .
استقلال پاکستان : میرزا عباس فیض قمی .
اسکندر مقدونی : هارولدلمب، ترجمهٔ دکتر رضا زادهٔ شفق .
اشکانیان: «انجمن فرهنگ ایران باستان» م . م . دیاکونو. ترجمهٔ ، کریم کشاورز.
اضمحلال رایش سوم: دکتر امیراصلان افشار .
اصنام : ابن الکلبی .
اعلاق النفیسه : ابن رسته .
افسانهٔ گتهایا تاریخ ژرمن و روم : فلیکس داهن ، ترجمهٔ شاهزاده یمین ــ الدولهٔ انشاء به مشارکت میرزا ابراهیم نشاط .
افغانستان و ایران : احمدعلی کهزاد.
اقبالنامهٔ جهانگیری: محمدشریف معتمدـ خان نخشبی .
الاخبار الطوال: دینوری .
الاوامر العلانیه فی الامور العلاییه: ابن بی بی.
الروضتین فی اخبار الدولتین: ابوشامه.
الصله: ابوالقاسم خلف بن بشکوال.
الفهرست: ابن الندیم
الکامل: ابوالحسن ابن الاثیر.
المجموع مبارك: جورجیس ابن العمید.
المسالك والممالك: ابن حوقل.
الملل والنحل: ابوالفتح المحمدشهرستانی.
الواح بابل : ادوارشی یر، ترجمهٔ علی اصغر حکمت .
امان التواریخ : حاج میرزا عبدالمحمدـ پورایرانی .
امپراتوری ژاپون: دکتر اسمیعل کوشان.
انس الفرید: ابن مسکویه.
انساب الاشراف: بلاذری .
انساب العرب: ابن الکلبی .
انقراض سلسلهٔ صفویه: لارنس لاکهارت. ترجمهٔ اسماعیل دولتشاهی .
انقراض سلسلهٔ صفویه و ایام استیلای افاغنه در ایران: لارنس لکهارت، ترجمهٔ مصطفی قلی عماد .
انقلاب ایران: باسکرویل، ترجمهٔ علی کمالوند .
انقلاب چین: چوئن لای ،ترجمهٔ نوذر .
انقلاب فرانسه: مهرداد شوشتری مهرین.
انقلاب کبیر روسیه: اوسیپ لوریه.ترجمهٔ نصرالله فلسفی .
انقلاب کبیر فرانسه(۲ جلد): مینیه فرانسوی ترجمهٔ عبدالله مستوفی.
انقلاب کبیر فرانسه : آلکساندردوما ؛ ترجمهٔ مرتضوی تبریزی .
انقلاب واستقلال آمریکا : دکتر نظام ــ الدین مجیرشیبانی.
اوضاع اجتماعی ایران در عهد قاجاریه : آن لمبتن ، ترجمهٔ منیر برزین .
اوضاع ایران پس از غلبهٔ عرب و تهاجم مغول: غلامحسین مقتدر .
ایران از آغاز تا اسلام: ر. گیرشمن، ترجمهٔ دکتر محمد معین .
ایران باستان : حسن پیرنیا .
ایران بعد از اسلام : عباس خلیلی .
ایران در جنگ جهانی اول: «امیرکبیر» تهران ل.ی میروشنیکف . ترجمهٔ ع ــ دخانیاتی .
ایران در جنگ جهانی بزرگ (۱۹۱۴ــ ۱۹۱۸م): مورخ الدولهٔ سپهر.
ایران در زمان ساسانیان : آرتور کریستین سن دانمارکی، ترجمهٔ رشید یاسمی.
ایران در جنگ گذشته: علی اصغر فقیهی.
ایران در فرهنگ جهان : علی اصغر حکمت .
ایران در دورهٔ سلطنت اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی : شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران . علی اصغر شمیم.
ایران در عهد باستان : «تهران ، سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی» محمدجواد مشکور .
ایران کنونی و خلیج فارس: اسماعیل نوری ــ زادهٔ بوشهری .
ایران نامه یا کارنامهٔ ایران در عصر اشکانیان (۳جلد): پروفسور عباس مهرین شوشتری.
این جنگ عجیب آنطورکه من دیدم رنه بالبو، ترجمهٔ احمد قاسمی .
بازگشت از ویتنام: ژان لاکوتور، ترجمهٔ: منوچهر کیا .
باغ چهارچمن در تاریخ دکن : رفعت.

بحرین‌حقوق ۱۷۰۰ سالهٔ ایران : سعید نفیسی.
بخشی از تاریخ مشروطیت : علی دیوــ سالار . .
برمکیان بنا بروایت مورخین عرب و ایرانی : ترجمهٔ مهندس عبدالحسین میکده .
بغیة الطلب فی تاریخ حلب: ابن‌العدیم .
پارس‌درعهد باستان: علی سامی‌شیرازی
پاسارگادیاقدیمترین‌پایتخت‌شاهنشاهی ایران : علی سامی شیرازی .
پلوتارك : کسروی تبریزی .
پیدایش آمریکا : سید احمد کسروی تبریزی .
پیکارخونین‌دریمن : ابراهیم شریفی.
تاجداران‌تیره‌بخت : علی‌اصغرمعینیان.
تاجگذاری و مرگ ناپلئون بناپارت: آلکساندردوما، ترجمهٔ‌محمدعلی رکنــ الدوله .
تاریخ: عطاء السلطنه .
تاریخ‌آل‌برمك : عبدالجلیل یزدی .
تاریخ‌آل‌سلجوقی : عماد کاتب .
تاریخ‌آل‌ناصر : ابوالفضل‌بیهقی .
تاریخ‌آل‌مظفر : دکترعبدالحسین‌نوایی
تاریخ اجتماعی‌ایران(ازآغازتاامروز) مرتضی راوندی .
تاریخ‌اجتماعی وسیاسی ایران دردورهٔ معاصر: سعید نفیسی .
تاریخ اجتماعی ایران باستان : دکتر موسی جوان .
تاریخ‌اجتماعی‌وسیاسی‌ایران‌دردورهٔ معاصر : سعید نفیسی .
تاریخ‌ادبی ایران : علی پاشا صالح .
تاریخ‌اراك : ابراهیم دهگان .
تاریخ ارمنستان : موسی خورون، ترجمهٔ آواساپیان ، نگارش ابراهیم دهگان .
تاریخ اروپا درقرن ۱۸و۱۷ : عباس پرویز .
تاریخ اروپادر۱۹و۲۰: نصرالله‌فلسفی.
تاریخ‌اروپا، درقرون‌وسطی: عباس‌پرویز.
تاریخ‌اروپا، قرون‌وسطی آغاز قرن‌جدید احمد بهمنش .
تاریخ اسپانیا : علی آقا مقدس‌تبریزی.
تاریخ‌اسکندر : جمزکل، ترجمهٔ شقاقی سرابی .
تاریخ‌اسکندرکبیر: ترجمهٔ‌محمدعلی‌فروغی.
تاریخ‌اسلام : دکتر خانبابا بیانی.
تاریخ‌اسلام : علی‌اکبرفیاض .

تاریخ‌اشخاص‌ماقبل‌التاریخ‌وایرانیهای قدیم : ر. خان‌آزاد، ترجمهٔ ، ع . زکی پور .
تاریخ‌افضل : افضل‌الدین‌کرمانی .
تاریخ افغانستان : احمد علی کهزاد به مشارکت محمدعثمان صدقی و م. غبارو علی احمد فصیحی .
تاریخ‌الاندلس: ابن‌القوطیه .
تاریخ‌الحکماء : شمس‌الدین محمد .
تاریخ‌الفی: احمدبن نصرالله .
تاریخ‌انبیاء: محمدعلی‌کاتوزیان.
تاریخ انقلاب مشروطیت : دکتر مهدی ملکزاده .
تاریخ‌انگلستان : آندره موروآ، ترجمهٔ نجفقلی میرزا معزی .
تاریخ‌ایلچی: نظام‌شاه .
تاریخ‌ایران: غلامرضا رشید یاسمی .
تاریخ‌ایران: دکترخانبابابیانی.
تاریخ‌ایران: کنت‌دوبینو، ترجمهٔ‌ابوتراب خواجه‌نوری.
تاریخ ایران ازابتدای قرن ۱۹ تاسال ۱۸۵۸م: رابرت گرنت واتسن، ترجمهٔ غلامعلی وحید .
تاریخ‌ایران‌ازازمنهٔ‌باستانی‌تا۱۳۱۶ش: عبدالله رازی همدانی .
تاریخ ایران ازاستیلای‌مغول‌تاانقراض قاجاریه : عباس اقبال آشتیانی .
تاریخ ایران ازبدوخروج چنگیز تا ظهورامیرتیمور: عباس اقبال آشتیانی.
تاریخ ایران از صدراسلام تااستیلای مغول : عباس اقبال آشتیانی .
تاریخ ایران‌ازعهدامیرتیمور تاکنون : غلامرضا رشید یاسمی .
تاریخ ایران ازمغول تاافشاریه : رضا پازوکی .
تاریخ ایران اقتصادی (۲جلد) **:** رحیم زادهٔ صفوی (فرهمند).
تاریخ ایران باستان : میرزا حسن‌خان پیرنیا .
تاریخ‌ایران‌بعدازاسلام: نصرالله‌فلسفی .
تاریخ ایران بعد از اسلام : « وزارت آموزش و پرورش » عبدالحسین زرینــ کوب .
تاریخ ایران‌بعدازاسلام‌تا عصرحاضر : عباس پرویز .
تاریخ‌ایران در قرون ۱۹و۲۰ : عباس پرویز .
تاریخ‌ایران درقرن‌پازدهم ودوازدهم

هجری: علی اصغرشمیم همدانی .
تاریخ ایران قدیم : محمدعلی فروغی .
تاریخ‌ایران‌و اروپا: دکترخانبابا بیانی.
تاریخ ایران واروپا درزمان‌صفویه : نصرالله فلسفی .
تاریخ‌ایران‌وعمومی: نصرت‌الله‌حکیم‌الهی.
تاریخ‌ایران ومختصری‌ازتاریخ‌جهان: نصرت‌الله حکیم الهی .
تاریخ‌ایران و ممالك همجوار آن از زمان اسکندرتا انقراض اشکانیان : آلفردفن ، گوتشمید ، ترجمهٔ کیکاووس جهانداری.
تاریخ‌بردگی: یدالله‌نیازمند .
تاریخ برگزیدگان وعده‌ای‌ازمشاهیر ایران وعرب : امیر مسعود سپهرم .
تاریخ‌بریتانیای‌کبیر: ترجمهٔ‌دکتراحمد تاجبخش .
تاریخ بشر : هندریك وان‌لوهلندی ، ترجمهٔ علی اکبر بامداد.
تاریخ‌بغداد : خطیب بغدادی .
تاریخ‌بلعمی: (ترجمه‌طبری). ابوالفضل بلعمی .
تاریخ‌بنیان‌قاجار: سرهنگ‌رضاجهانسوز
تاریخ بی دروغ: ظهیرالدولهٔ‌قاجار .
تاریخ‌بیزانس : پل‌نومرل ، ترجمهٔ ابوالقاسم اعتصام‌زاده.
تاریخ‌بیهق: ابوالحسن علی‌بیهقی.
تاریخ‌بیهق: ابن فندق .
تاریخ‌بیهقی : (۳جلد) ابوالفضل‌بیهقی به‌اهتمام سعید نفیسی .
تاریخ پارس درعهد باستان: علی‌سامی شیرازی .
تاریخ پانصد سالهٔ‌خوزستان: سیداحمد کسروی .
تاریخ پطرکبیر: اثرولتر، ترجمهٔ‌رضاقلی شقاقی.
تاریخ‌پیش‌ازاسلام : نصرالله‌فلسفی.
تاریخ‌پیدایش‌خدمات ودودمان‌پهلوی: «شورای مرکزی جشن‌های‌شاهنشاهی در آذربایجان شرقی) .
تاریخ‌تبریز: مینورسکی، ترجمهٔ‌عبدالعلی کارنك.
تاریخ ترکیه : سرهنگ لاموش، ترجمهٔ سعیدنفیسی .
تاریخ‌تشکیلات‌سیاسی‌قضایی‌واقتصادی: دکتر زکی عبدالمتعال ، ترجمهٔ احمد فرامرزی .
تاریخ‌تلگرافی : قاسم قاسمی .

تاریخ تمدن : ویل دورانت ، ترجمهٔ هوشنگ پیرنظر .
تاریخ تمدن: دکتر نظام‌الدین مجیرشیبانی.
تاریخ تمدن : ویل دورانت ، ترجمهٔ دکتر امیرحسین آریانپور.
تاریخ تمدن: ویل‌دورانت، ترجمهٔ مهرداد شوشتری مهرین .
تاریخ تمدن : ویل‌دورانت، ترجمهٔ احمد آرام .
تاریخ تمدن از آغاز آفرینش تا تمدن مادی: «دانشگاه تهران» نظام‌الدین‌مجیرشیبانی .
تاریخ تمدن اسلام: جرجی زیدان (امیرکبیر)
تاریخ تمدن ایرانی ساسانی: «دانشگاه تهران» سعید نفیسی .
تاریخ تمدن جدید اروپا : عباس پرویز .
تاریخ جعفری: جعفر جعفری.
تاریخ جمعیت سری : محمدعبدالله عنان ، ترجمهٔ هاشمی حایری .
تاریخ جندشاپور : ناصر علیشاه .
تاریخ جنگ بین‌المللی دوم : اسدالله اسکندربیاتی .
تاریخ جنگ ترانسوال : سپهبد عبدالله هدایت .
تاریخ جنگ جهان : دکتر شمس مستوفی.
تاریخ جنگ چین با دول متحدهٔ اروپ درسال ۱۳۱۸ق : ترجمهٔ سیدعلی حسین ذهبی شیرازی .
تاریخ جنگ فرانسه و آلمان: هدایت‌الله نیرسینا .
تاریخ جنگهای روس و ژاپون: سپهبد عبدالله هدایت .
تاریخ جنوب شرقی آسیا: له‌تان،خوی . ترجمهٔ مشفق همدانی .
تاریخ جهان‌آرا : غفوری .
تاریخ جهان برای خردسالان: و.م هیلیر ترجمهٔ مصطفی مقربی.
تاریخ جهانگردها موسوم به تاریخ نصرت جنگی: سیدعلی‌خان بهادر نصرت جنگ.
تاریخ جهانگشا (۳جلد) : علاءالدین‌عطاملك جوینی.
تاریخ جهان نو : رابرت روزول پالمر (امیرکبیر).
تاریخ چین: پادری اکسوس ، ترجمهٔ محمدزمان‌خان (فرنگی‌خان) .
تاریخ چین و ماچین: ترجمهٔ محمدخلیل شیرازی.
تاریخچهٔ زندگانی شاه عباس کبیر : ابوالقاسم تفرشی‌سحاب .
تاریخچهٔ مختصری از کشور عراق: سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا .
تاریخچه نادرشاه : مینورسکی ، ترجمهٔ غلامرضا رشیدیاسمی .
تاریخ حالات ایل بربری : ابراهیم‌شاه‌عالمی .
تاریخ حبشه: ترجمهٔ ابوالقاسم تفرشی‌سحاب.
تاریخ خاندان آل‌مظفر : محمود گیتی.
تاریخ خاندان طاهری : سعیدنفیسی.
تاریخ خانوادهٔ اسفندیاری : اسدالله نوری اسفندیاری .
تاریخ خاورمیانه: ژرژ لینچافسکی، ترجمهٔ دکتر هادی جزایری
تاریخ دلگشای روز: محمدهادی کرامتی
تاریخ دمشق : ابوالقاسم علی دمشقی .
تاریخ دول معظم: ماکسیم مورول ، ترجمهٔ علی‌اصغر شمیم همدانی .
تاریخ دو هزار و پانصد سالهٔ ایران : عباس پرویز .
تاریخ دیالمه و غزنویان : عباس پرویز.
تاریخ دینی ایران قدیم : محمدامین ادیب طوسی .
تاریخ ذوالقرنین: فضل‌الله منشی.
تاریخ راحت‌افزا: سیدمحمدعلی حسینی.
تاریخ رضاییه : احمد کاویانپور .
تاریخ روابط ایران با روسیه در نیمهٔ اول قرن نوزدهم: دکتر احمد تاجبخش.
تاریخ روابط ایران با اروپاییان در دوران سلطنت صفویه و قاجار : عباس پرویز .
تاریخ روابط سیاسی ایران با انگلیس: نجفقلی میرزا معزی .
تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس درقرن نوزدهم میلادی : محمود محمود
تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا: نجفقلی میرزا معزی .
تاریخ روابط سیاسی ایران با یونان و روم و اسپانیا و فرانسه و روسیه : نجفقلی میرزا معزی .
تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی: محمود فرهاد معتمد.
تاریخ روسیه: نجفقلی میرزا معزی.
تاریخ روم: آلبر ماله و ژول ایزاك، ترجمهٔ غلامحسین زیرك زاده.
تاریخ ریشهٔ نژادی کرد : احسان نوری.
تاریخ زندیه: عبدالکریم شیرازی شریف.
تاریخ زویان : محمدحسن آملی.
تاریخ سرجان ملکم : اسمعیل طهرانی .
تاریخ سرگذشت بزرگترین سلاطین هخامنشی سیروس یا کوروش کبیر: گزنفون، ترجمهٔ: ضیاءالدین شمس‌العلماء قریب.
تاریخ سمنان: رفیع.
تاریخ سند : تاریخ معصومی : نظام‌الدین سیدمحمد معصوم .
تاریخ سنی ملوك الارض و الانبیاء: حمزة بن حسن اصفهانی .
تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران: علی‌اکبر بینا .
تاریخ سیاه یا حکومت خانواده‌ها در ایران : ابوالفضل قاسمی .
تاریخ شارل دوازدهم پادشاه سوئد: ولتر ترجمهٔ رضاقلی شقاقی .
تاریخ شام : ابن‌الساکر .
تاریخ شاهنشاهی پهلوی : امیرلشکر عبدالله امیرطهماسبی .
تاریخ شاهی معروف بتاریخ سلاطین افاغنه در دهلی : احمد یادگار .
تاریخ شرفشاه یا تحفهٔ شرفشاهی : محمد عباس شروانی .
تاریخ شعراء: محمدعلی فروغی به‌مشارکت ابوالحسن فروغی .
تاریخ شهدای ایران : محمدرضا خلیلی عراقی .
تاریخ شهریاری شاهنشاه رضاشاه پهلوی: «شورای مرکزی جشن بنیادگزاری شاهنشاهی ایران». سعیدنفیسی
تاریخ صاحبقرانی : محمود میرزا .
تاریخ صفویان : ابراهیم دهگان .
تاریخ طبرستان : ابن اسفندیار .
تاریخ طبرستان پس از اسلام: اردشیر برزگر مازندرانی .
تاریخ طبرستان پیش از اسلام : اردشیر برزگر مازندرانی .
تاریخ طبرستان و رویان و مازندران : میرظهیرالدین حسینی مرعشی .
تاریخ طبری : محمد جریر طبری .
تاریخ طبیعی و سیاسی بریتانیا: عبدالعظیم صبوری .
تاریخ عالم آرای عباسی: اسکندربیك ترکمان
تاریخ عالم درقرون معاصر: عباس اقبال آشتیانی .
تاریخ عالم، مختصر : وقارالملك سیدعلی تبریزی .
تاریخ عباسی : جلال بن ملاکمال .
تاریخ عصر نهضت : سدنی دارك انگلیسی ترجمهٔ احمد فرامرزی .
تاریخ عضدی: عضدالدوله احمد میرزا قاجار .
تاریخ علم : جورج سارتن ، ترجمهٔ احمد آرام .

تاریخ علماء اندلس: ابن الفرضی .
تاریخ علماء نیشابور: حاکم نیشابوری.
تاریخ علوم: پی یرروسو (امیرکبیر)
تاریخ عمومی : ژاك، پیرن. ترجمهٔ رضا مشایخی .
تاریخ عمومی . مفتاح الملك .
تاریخ عمومی: ابوالحسن ارجمند ساوجی.
تاریخ عمومی : علی ناظم العلوم .
تاریخ عمومی و ایران : عباس اقبال آشتیانی .
تاریخ عمومی درقرون معاصر: نصرالله فلسفی .
تاریخ عمومی عالم : دکتر رضا اخوی.
تاریخ عمومی قرون معاصر : ترجمهٔ سعید نفیسی .
تاریخ عمومی قرون وسطی: وحید الملك عبدالحسین شیبانی .
تاریخ عمومی ، مصور : سیدعلی نصر.
تاریخ گزیده : حمدالله مستوفی .
تاریخ عمومی و اروپا ازقرون وسطی تا پایان جنگ بین المللی ۱۹۱۴ — ۱۹۱۸ : عباس پرویز .
تاریخ عمومی و ایران : نصرالله فلسفی بمشارکت علی اصغر شمیم و عباس پرویز.
تاریخ فرشته : محمد قاسم هندوشاه استر— آبادی .
تاریخ فرهنگ آذربایجان : شیخ محمد علی صفوت تبریزی .
تاریخ فلاسفهٔ اسلام : اکبر داناسرشت (صیرفی) .
تاریخ قدیم مصر : « دانشگاه تهران » احمد بهمنش .
تاریخ قرن نوزده: آلبرماله، ترجمهٔ حسین فرهودی .
تاریخ قرن نوزدهم ومعاصر: آلبرماله ترجمهٔ نصرالله فلسفی .
تاریخ قرون معاصر: حافظ فرمانفرمائیان.
تاریخ قرون وسطی : ابوالحسن ارجمند ساوجی .
تاریخ قضیه بحرین : علی اصغر فقیهی .
تاریخ قم : حسن بن محمد بن حسن قمی .
تاریخ قومس : عبدالرفیع حقیقت .
تاریخ کاشان : عبدالرحیم ضرابی سهیل کاشانی .
تاریخ کاظمین و بغداد : میرزا عباس فیض قمی .
تاریخ کثیره ومجموعهٔ سلیمی: سلیم بن رحیم سلیمی.
تاریخ کرمان : ابوحامد کرمانی .
تاریخ کرمان : ژنرال سایکس ، ترجمهٔ ابوتراب قاجار کرمانی .
تاریخ کشورهای متحدهٔ آمریکا: سلطان محمد عامری .
تاریخ کلیسای قدیم درامپراتوری روم و ایران : علی نخستین .
تاریخ گجرات : شاه ابوتراب ولی شیرازی .
تاریخ گیتی گشا: سیدمحمد صادق شیرازی (منشی) .
تاریخ گیتی گشا : میرزا محمد نامی.
تاریخ گیتی گشا، خاندان زندیه: به اهتمام سعید نفیسی .
تاریخ گیلان : آشو دزکو، ترجمهٔ محمد علی گیلك .
تاریخ گیلان : عبدالفتاح فومنی .
تاریخ گیلان : عباس کدیور .
تاریخ گیلان و دیلمستان : میرظهیرالدین حسینی مرعشی .
تاریخ گیلوم اول امپراتور آلمان : ادواردسیمون ، ترجمهٔ حاج محمد طاهر میرزا اسکندری .
تاریخ مازندران : اسماعیل مهجوری .
تاریخ مبارکشاهی ، سلاطین دهلی : ملایحیی سرهندی .
تاریخ مختصر ایران : پاول هرن، ترجمهٔ عزیزالله ربیع زاده .
تاریخ مختصر ایران: عبدالله رازی همدانی.
تاریخ مختصر ایران : غلامرضا رشید یاسمی .
تاریخ مختصر ایران : سید علی نصر .
تاریخ مختصر ایران : پاول هرن، ترجمهٔ عباس اقبال آشتیانی.
تاریخ مختصر ایران: پاول هارن آلمانی. ترجمهٔ دکتر رضا زادهٔ شفق .
تاریخ مختصر افغانستان : سید مهدی فرخ.
تاریخ مختصر جنگهای بین المللی اول و دوم : عباس اقبال آشتیانی.
تاریخ مختصر دولت قدیم روم: محمد علی فروغی .
تاریخ مختصر عالم: عباس اقبال آشتیبانی.
تاریخ مختصر مصر وخاندان محمدعلی پاشا . علی جواهرالکلام .
تاریخ مختصر یونان : ویکتوردورُوی، ترجمهٔ محمد علی لوایی .
تاریخ مسعودی : بیهقی (بیهقی) .
تاریخ مشروطهٔ ایران: « امیرکبیر تهران » احمد کسروی .
تاریخ مشروطهٔ ایران و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری: دکتر نورالله دانشور علوی .
تاریخ مصر قدیم : احمد بهمنش .
تاریخ مصر قدیم وخدایان مصر وکلده وآشور : صاحب نسق .
تاریخ معجم : شرف الدین فضل الله .
تاریخ مفصل افغانستان : حاج میرزا عبدالمحمد پورایرانی .
تاریخ مفصل ایران: عبدالله رازی همدانی.
تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت: عباس اقبال آشتیانی.
تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا انقراض قاجاریه: عباس اقبال آشتیانی.
تاریخ مفصل ایران وعمومی: علی اصغر شمیم همدانی .
تاریخ مکهٔ شریفه ورجال برجسته: میرزا علی تبریزی خراسانی.
تاریخ ملازاده : احمد ملازاده .
تاریخ ملایر: ابراهیم صفایی .
تاریخ ملل مشرق ویونان: رضا فاضلی به مشارکت بهمن کریمی .
تاریخ ملل قدیم آسیای غربی : احمد بهمنش .
تاریخ ملل قدیمهٔ شرق وغرب : عزت پور.
تاریخ ملل قدیمهٔ مشرق : رسن یوبس، ترجمهٔ محمد علی فروغی .
تاریخ منتظم ناصری : محمد حسن خان صنیع الدوله .
تاریخ مالك عالم : عزت الله شاهسون .
تاریخ مملکت فارس: میرزا آقا کمره‌ای.
تاریخ نادرشاه وشاه عباس : غلامحسین مقتدر .
تاریخ نادرشاه افشار ومختصری از تاریخ سلاطین مغول که درهند سلطنت کرده‌اند: ژامسن فریزر، ترجمهٔ ابوالقاسم قراگوزلو.
تاریخ نادری: میرزا مهدی خان استر— آبادی .
تاریخ نامهٔ هرات : سیف سیفی هروی .
تاریخ نظامی : سرهنگ محمود کسری .
تاریخ نظامی ایران : غلامحسین مقتدر .
تاریخ نظامی جنگ روس ولهستان: سپهبد عبدالحسین حجازی .
تاریخ نظامی جنگهای ناپلئون: سپهبد عبدالله هدایت .
تاریخ نکو (عمدة الاخبار). رفعت .
تاریخ نگارستان : احمد قزوینی.
تاریخ نو (ملخص): سلطان یعقوب خان، ابراهیم دهگان .

تاریخ نو . عزت پور .
تاریخ نیشابور : سیدعلی ثابتی .
تاریخ وصاف: ادیب شهاب‌الدین عبدالله شیرازی .
تاریخ ویتنام : آندره ماسون ترجمهٔ عبدالعظیم بیابانی .
تاریخ‌هرات: معین‌الدین‌محمداسفزاری.
تاریخ‌هرودوت: هرودوت. ترجمهٔ وحید مازندرانی .
تاریخ هرودوت: دکتر هادی هدایتی.
تاریخ‌هیجده سالهٔ آذربایجان: سیداحمد کسروی .
تاریخ یزد : جعفر جعفری .
تاریخ یزد : مهندس احمد طاهری .
تاریخ یونان: سینبوس فرانسوی، ترجمهٔ سیدعلی نصر .
تاریخ قدیم یونان : احمد بهمنش .
تجارب‌الامم‌وتعاقب‌الهمم: ابن‌مسکویه.
تحقیق دربارهٔ دورهٔ ایلخانیان : دکتر منوچهر مرتضوی .
تذکرةالشعراء . دولتشاه .
ترتیب‌السعادات : ابن‌مسکویه.
تقویم‌البلدان : ابوزیدبلخی .
تقویم‌التواریخ: حاجی خلیفه .
تقویم تاریخ : اسکندر محجوب‌کار.
تمدن ششهزار سالهٔ ایران‌باستان: علی غفاری .
تمدن فرانسه: «امیرکبیرتهران» ، ژرژ دوهامل. ترجمهٔ روح‌الله عباسی .
تمدنهای‌افریقا : «امیر کبیر تهـران» دنیزپولم . مترجمین : مسعودآشریان حجت‌الله ستوده .
تمدن هخامنشی : علی سامی شیرازی.
تواریخ‌السلاطین: محمد علی‌حزین .
تیمور ودستهٔ اول او : ترجمهٔ امیـن اسدی .
جامع التواریخ : رشیدالـدین فضل‌الله همدانی .
جامع عباسی : شیخ بهایی .
جامع مفیدی ، تاریخ یزد : محمدمفید مستوفی بافقی .
جغرافیای‌تاریخی دامغان: اقبال یغمایی.
جغرافیای‌تاریخی‌گرگان‌ودشت: اسدالله معینی .
جنگ‌ایتالیاوحبشه: (۱۹۳۵ ـ ۱۹۳۶م) علی قوام .
جنگ بزرگ: دکتر رضاکاویانی.
جنگ بین‌الملل (۱۹۱۴ ـ ۱۹۱۸م) : سرلشکر احمد وثوق .
جنگ بین‌المللی : موریس پالئولـك، ترجمهٔ دکتر اسمعیل مجاهدی.
جنگ‌بین‌المللی: سرهنگ‌محمود کسری.
جنگ‌چالداران : نصرالله فلسفی .
جنگ چالدران : سعیدنفیسی.
جنگ روس وترك : سپهبد عبـدالله هدایت .
جنگ ژرمن وروم : ترجمهٔ سید محمد صادق نشأة .
جنگ سوم : سرتیپ بوشری ، ترجمهٔ داود مؤید امینی .
جنگ شاپور ذوالاکتاف و امپراطور روم : ترجمهٔ محمد صادق‌اتابکی.
جنگ فرانسه وآلمان: ترجمهٔ خداداد یاور .
جنگ نامه (مختصر) : مـحمد نـعمت عالیخان عالی .
جنگ نامه ، پادشاهنامه عهد مبارك . بهارشاهنامه ، وقایع نعمت‌خان عالی : محمد نعمت عالیخان عالی .
جنگهای انقلابی چین : ژنرال چوته ، ترجمهٔ نوذر .
جنگهای بالکان : سپهبد عبدالله‌هدایت.
جنگهای صلیبی (۳ جلد) : رحیم زاده صفوی (فرهمند) .
جنگهای صلیبی: آنتونی وست، ترجمهٔ داریوش همایون .
جنگهای ناپلئون (یا) تاریخ نظامی
جنگهای ناپلئون : ترجمهٔ هدایت‌الله نیرسینا .
جنگهای هفتصد سالهٔ ایران و روم: غلامحسین مقتدر .
جنگهای هوایی درجبههٔ لهستان‌ونروژ وکشورهای باختر: ژوزف‌گرابلهٔ آلمانی ترجمهٔ داود مؤید امینی ».
جهانگشای جوینی : عطاملك جوینی .
جهانگشای نادری : میرزا مهدی‌خان‌ـ استرآبادی .
جهان‌نامه : بکران .
جهانی‌میان ترس و امید : تیبورمند . ترجمهٔ پرویزمهرگان .
چرا پیروز نشویم : بـاری‌گلدواتر . ترجمهٔ منوچهرحقیقی .
چرا فرانسه شکست خورد: آندره‌موروا. ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده .
چندتاریخچه : سیداحمد کسروی .
چنگیزخان : هارولدلمب، ترجمهٔ‌سروان ابوطالب صارمی .
چهرهٔ آریامهر درآیینهٔ تاریخ: بامقدمهٔ رضازادهٔ شفق ، احمدحق‌شناس .
چهرهٔواقعی‌آمریکا : محمودطلوعی.
حبیب‌السیر فی اخبار افراد البشر : غیاث‌الدین خواندمیر .
حساسترین دقایق تاریخ بشر : استفان زوایك، ترجمهٔ اسحق‌لاله‌زاری .
حسن‌صباح : کریم‌کشاورز .
حقایق‌الاخبار ناصری : حقایق‌نگار.
حقایق شهریور ۱۳۲۰: محمدرضاخلیلی عراقی .
حقایقی چند از تاریخ ایران . غ ـ سلیم .
حوادث‌بزرگ‌تاریخ : ویلیام ، دویت ، ترجمهٔ‌محمدرضا امینی.
حوادث‌الجامعه: ابن‌الفوطی .
خاطرات سفرترکیه : مهندس احمد ـ علوی .
خاطرات کلنل‌کاساکوفسکی: «امیرکبیر تهران » کاساکوفسکی، ترجمهٔ عباسقلی‌ـ جلی .
خاطرات وخطرات : مهدیقلی هـدایت (مخبرالسلطنه) .
خیاویا مشکین‌شهر : «دانشگاه‌تهران» غلامحسین‌ساعدی .
خاندان‌بویه: سعیدنفیسی .
خلاصةالاخبار : غیاث‌الدین‌خواندمیر .
خلفای‌راشدین : محمد علی طهرانی‌ـ خلیلی .
خلفای راشدین : علی‌روحانی اصفهانی نجفی .
داریوشنامهیا مسابةالالواح‌تخت‌جمشید: علی‌اکبرقویم .
داریوش‌یکم پادشاه پارسها: پتریولیوس یونکه . ترجمهٔ دکتر داود منشی‌زاده.
درةالاسلاك‌فی‌دولةالاتراك : بدرالدین ابومحمد حلبی.
دستورالوزراء : غیاث‌الدین‌خواندمیر.
دوازده‌سال‌کوشش درراه ساختن‌ایران‌ـ نوین:» شورای‌مرکزی جشن‌های‌بنیادـ گزاری‌شاهنشاهی ایران» اشرف‌احمدی.
دوران بین جنگ وصلح : رژر، سره. ترجمهٔ‌امینی .
دوران‌پهلوی نمایندهٔ‌عملیات رضاشاه: سیدمحمدرضا هزارشیرازی .
دورهٔ تاریخ : نصرت‌الله‌حکیم‌الهی .
دورهٔ‌تاریخ عمومی: عباس‌اقبال‌آشتیانی.
دورهٔ‌تاریخ عمومی شامل تاریخ ایران

سه‌سلسلهٔ سلوکی واشکانی وساسانی و عرب و روم : عباس اقبال آشتیانی .

دورهٔ تاریخ مختصر ایران : محمدعلی فروغی .

ذوالقرنین یا کوروش کبیر : محمد ابراهیم باستانی پاریزی کرمانی .

ذیل تاریخ عالم‌آرا عباسی : اسکندر بیك ترکان .

ذیل تاریخ گیتی گشا : محمدرضا ــ شیرازی .

ذیل عالم‌آرا . اسکندر بیك منشی .

راحةالصدور و آیةالسرور : محمد ــ راوندی .

راهنمای اصفهان : لطف‌الله ، هنرفر .

راهنمای تهران : میرمحسن مهدوی.

رضاشاه‌کبیر یا **ایران نو :** ال.پی.الول ساتن ، ترجمهٔ عبدالعظیم صبوری.

روض‌المناظر : ابن‌الوردی.

روضات‌الجنات فی اوصاف مدینةهرات: اسفزاری .

روضة اولی‌الالباب فی تواریخ الاکابر والانساب : بناکتی .

روابط سیاسی ایران و آمریکا از جنگ دوم جهانی : عبدالامیرعلم .

روابط ناپلئون و ایران : عباس میرزا فرزند فرمانفرما .

روزنامهٔ تاریخ: سیلوان هوفمان، هارنلی گرام ، ترجمهٔ ، احمد مرعشی .

روسها وانگلیسها در آسیای مرکزی : سلطان دیدرل ، ترجمه، عباس اقبال آشتیانی .

روسیه درآستانهٔ انقلاب: دکتر کریستین نظام‌احتشام .

روسیه‌وغرب در زمان لنین واستالین : ژرژمراست ، کنان. ترجمهٔ ابوالقاسم طاهری .

رهبران مشروطه : ابراهیم صفایی.

زبدة التواریخ : حافظ ابرو .

زبدةالتواریخ: محمدحسن بن عبدالکریم.

زبدةالحلب (بغیة الطلب فی تاریخ حلب): ابن‌العدیم .

زبدةالکشف‌الممالك: ابــن‌شاهین.

زمامداران انگلستان : ارنست کــلام . ترجمهٔ اسماعیل نشاط .

سحرالبلاغه و سرالبراعه : ابــومنصور ثعالبی .

سرانجام آلمان : ترجمهٔ سعیدنفیسی .

سرزمین بحرین از ادوار باستان تا امروز : علی‌زرین‌قلم .

سرزمین هند : علی‌اصغر حکمت.

سرگذشت بلوچستان : سپهبدامــان‌الله میرزا جهانبانی .

سرنوشت استعمار در ایران : نــاصرــ فرید .

سفرنامهٔ ابن‌بطوطه : تألیف ابن بطوطه به‌قلم ابوعبدالله محمدبن‌جری .

سفرنامهٔ آمریکا،شیکاگو: حاج‌محمدعلی رشتی‌اصفهانی .

سفرنامهٔ پیرزاد : حاج‌محمدعلی‌پیرزاد.

سفرنامهٔ جناب قاضی متقی: امین‌الله‌بن محمد منیر .

سفرنامهٔ شاردن در قسمت اصفهان : شوالیه شاردن ، ترجمهٔ سیدابــوالقاسم عریضی .

سفرنامهٔ مکه: امین‌الدوله علی‌بن‌محمد.

سقوط اصفهان : « دانشکــدهٔ ادبیات اصفهان» پطروس‌دی‌سرگیس‌گیلاننتز.

سقوط پاریس : ایلیاارنبورك ، ترجمهٔ ذبیح‌الله‌منصوری .

سقوط فرانسه: ترجمه ذبیح‌الله‌منصوری.

سقوط قسطنطنیه : برناردین کیلتی ترجمهٔ مصطفی مقربی .

سلجوقنامه : ظهیرالدین نیشابوری .

سلسلهٔ تیموری یا گورکانی : ابوالقاسم شکرایی .

سلطان‌نامه : رفعت .

سلطان‌نامه گرامی، تاریخ جنگ روس و عثمانی : عباس انصاری شروانــی (رفعت) .

سلطنت‌قبادوظهورمزدك: کریستین‌سن، تــرجمهٔ احمدبیرشك به‌مشارکت نصرالله فلسفی .

سنی‌ملوك الارض و الانبیاء : حمــزهٔ اصفهانی .

سوانح‌العمر : محمدعلی‌حزین .

سوانح مختصر شاه واجد علی‌قلندر : اکرامعلی .

سیاست مسیح : ترجمهٔ علی‌قزوینی.

سیاستنامه : خواجه نظام‌الملك .

سی‌افسانه از افسانه‌های محلی‌اصفهان: امیرقلی امینی .

سیرطالبی‌فی‌بلادالافرنجی: ابوطالب‌بن‌ــ محمدبیك .

سیرةالنبی : محمدابن‌اسحاق .

سیرهٔ جلال‌الدین یا تاریخ جلالی : نورالدین‌محمدی ، ترجمهٔ محمد علــی نــاصح .

شرح زندگانی یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه : (۴ جلد) ، عبدالله مستوفی .

شرح واقع جنگ نروژ : احمــد طباطبایی.

شرف‌نامه ، تاریخ کردستان :(۲جلد). شمس‌الدین شرف‌خان بدلیسی .

شکرستان‌تاریخ‌ششهزارسالهٔ‌خوزستان: سیدصدرالدین ظهیرالاسلام‌زاده .

شکست فرانسه‌وعلل‌ونتایج آن: محمدعلی مسعود انصاری .

شمس‌الحسن: تاج سلمانی.

شورش پرتغال : ترجمهٔ علی‌اکبرقویم.

شهریارنامه : مختــاری‌غزنوی .

صفحات‌مصوراز تاریخ تلخیص‌مشروطیت ایران : سلام‌الله جاوید .

صفحه‌ای از تاریخ سیاسی اسلام: خلیل عزمی ، ترجمهٔ علیرضا میرزا خسروانی.

صفوة‌الصفا : ابن‌بزاز .

صورالاقالیم : ابوزیدبلخی .

صورالاقالیم : اصطخری .

ظفرنامه : حمدالله‌مستوفی.

ظفرنامه : نظام‌الدین شامی .

ظفرنامه : شرف‌الدین‌علی یزدی .

ظهور وسقوط رایش سوم: «امیرکبیر تهران» ، ویلیام‌شایرر. ابوطالب‌صارمی

عالم‌آرای عباسی : اسکندربیك‌منشی .

عالم‌آرای نادری : محمد کاظم مروی .

عباس‌نامه ، تاریخ شاه عباس ثانی : عمادالدین محمدطاهر وحید قــزوینی ، به‌تصیح ابراهیم دهگان .

عجایب‌المخلوقات : زکریای قزوینی .

عجایب المقدور فی نوایب تیمور : ابن‌عربشاه .

عقاب کمازان‌یاکریمخان‌زند: محمدعلی، کشاورز صدر .

عقدالعلی‌للموقف‌الاعلی : افضل‌الدیــن کرمانی .

علل‌پیدایش‌مشروطیت‌ایران: عبدالحمید شعاعی .

عمدةالاخبار: (تاریخ‌نکو)رفعت .

عمدةالتواریخ : موهن‌لال .

عملیات قشون در بلوچستان از مرداد تابهمن ۱۳۰۷ ش : سپهبد جهانبانی.

عیون‌الانباء فی‌طبقات الاطباء : ابــن ابی‌اصیبعه .

غرراخبارملوك‌فرس‌وسیرهم: ابومنصورــ

ثعالبی .
فارسنامه : ابن بلخی .
فارسنامهٔ ناصری : حسینی‌فسایی .
فتح‌اندلس یا طارق‌بن زیاد : جرجی زیدان ، ترجمهٔ محمدعلی‌شیرازی.
فتوح‌البلدان : بلاذری .
فتوح مصر والمغرب : ابن‌عبدالحکم.
فتور زمان الصدور و صدور زمان‌الفتور : انوشیروان ابن‌خالد .
فرارستان : اسماعیل تویسرکانی .
فرماندهان‌کرمان: یحیی‌احمدی‌کرمانی، تصحیح ، محمدابراهیم باستانی‌پاریزی.
فرمانروایان ایران: معظم‌السلطنهٔ‌موسی دولت .
فلات‌قاره‌و جزایرخلیج‌فارس: اسماعیل نوری زاده بوشهری .
فلسفهٔ‌تاریخ : ترجمهٔ دکترعبدالله‌فریار.
فوایدالتواریخ ، تاریخ مصر : حاج میرزاعبدالمجید پور ایرانی .
فهرست‌التواریخ: رضاقلی نوری(هدایت).
فهرست اسامی سلاطین‌ایران: هدایت‌الله زنده‌دل .
فهرستی ازتاریخ ایران : غلامحسین مقتدر .
قبل ازکودتا : محمدعلی‌طهرانی‌خلیلی.
قرار داد ۱۹۰۷م بین‌روس وانگلیس راجع به‌ایران : ه.ل رابینو ، ترجمهٔ غلامعلی وحید .
قیام‌آذربایجان و ستارخان : محمد ــ اسمعیل امیرخیزی متخلص‌به‌هنر.
قلبی‌که بخاطر وطن و ملت می‌طپد : «شورای‌مرکزی‌جشن‌شاهنشاهی‌آذربایجان شرقی » حسین‌احمدی‌پور .
قیام کلنل محمد تقی‌خان پسیان در خراسان : علی آذری .
کاخ‌دلاویز یا تاریخ شریف رضی: سید حسن‌صدر ، ترجمهٔ سیدعلی‌اکبر برقعی (کاشف) .
کاروان: تاریخ خاورمیانه : کارلتون‌ــ کان ، ترجمهٔ علی‌جواهرالکلام .
کامل‌تاریخ بزرگ‌اسلام وایران : ابن اثیر . ترجمه عباس خلیلی بـه‌اهتمام سادات ناصری به‌تصحیح مهیارخلیلی.
کاوشهای دوازده سالهٔ بنگاه‌علمی‌تخت جمشید در نقاط مختلف تاریخی : علی سامی شیرازی .
کتاب‌آرزو ، تاریخ مفصل مشروطیت ایران (۲ جلد): عباس‌میرزا اسکندری
کتاب‌الانساب : ابوالحسن‌بن‌الاثیر .
کتاب‌البدء والتاریخ ، ابوزید بلخی .
کتاب‌التمثیل : ابومنصور ثعالبی.
کتاب‌الجامع : ابن‌مسکویه .
کتاب‌السیاسیه : ابن‌مسکویه .
کتاب بغداد : ابن‌طیفور .
کریمخان‌زند : عبدالحسین‌نوایی .
کسری نامه تاریخ ساسانیان : عباس یزدی .
کنزالتواریخ: محمدعلیخان نواب‌الدوله.
کمال‌آتاتورك : محمدتوفیق ، ترجمهٔ اسمعیل‌فردوس فراهانی .
کورش‌کبیر : دکتر هادی‌هدایتی .
کیانیان : آرتورکریستین سن. ترجمهٔ ذبیح‌الله صفا .
گامی‌دیگر بسوی صلح جهانی : حمید وارسته .
گتها،جنگ ژرمن وروم: میرزا ابراهیم نشاط .
گذشتهٔ‌خوزستان : علی‌اصغرفقیهی.
گرامی‌تاریخچهٔ داریوش: احمد خداــ داده .
گزارش خاکبرداری‌های پازارگاددر سال ۱۳۲۸ ــ ۱۳۲۹ : علی سامی شیرازی .
گزارشنامه (تاریخ‌آستانه) : ابراهیم دهکان .
گزارش‌های باستان‌شناسی : علی‌سامی شیرازی .
گزنفن در بازگشت : علی‌اکبرفیاض .
گیتی‌گشا : میرزامحمدصادق‌موسوی.
گیتی‌گشا (تاریخ دورهٔ‌زندیه): میرزا محمدنامی عبدالکریم‌بن علیرضا ومحمد رضای‌شیرازی.
لطایف‌الاخبار : سیدعلی‌مولانا تبریزی.
لطایف‌المعارف : ابومنصورثعالبی.
ماجرای شکست‌آرتش‌آلمان : مارشال رومل ، ترجمهٔ دکتر ابوالحسن‌فتاحی.
متن‌پیامهای‌اعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاه به‌پادشاهان ورؤسای‌جمهورکشورهای مختلف جهان و سیزدهمین مجمع عمومی‌سازمان‌تربیتی وعلمی‌وفرهنگی ملل‌متحد «یونسکو» : وزارت دربار شاهنشاهی ایران .
متمم‌تاریخ‌ایران‌از جهانداری‌ساسانیان تا زمان حاضر : عبدالله رازی همدانی.
مجمع‌التواریخ : حافظ ابرو .
مختصر کتاب‌البلدان : ابن‌فقیه .
مسالك‌الممالك: ابوزیدبلخی .
مشکل‌الصله: ابـوعبدالله‌محمدبن الابارــ القضاعی .
منیة‌الفضلاء : ابن‌طفطقی .
محاصرهٔ ورشو : استانیسلاووردون لهستانی ، ترجمهٔ داود مؤیدامینی .
مخالفت بین افغانستان‌وپاکستان: احمد علی‌کهزاد .
مختصر تازیخ البصرة (عربی) : علی ظریف‌الاعظمی .
مجمع‌الانساب: محمد بن علی‌بن محمد شبانکاره .
مجمع‌التواریخ : محمدخلیل‌مرعشی .
مجمع‌التواریخ سلطانی: تصحیح دکتر خانبابا بیانی .
مجمل‌التواریخ: ابوالحسن‌بن‌محمدامین گلستانه .
مجموعهٔ ملکم : ناظم‌الدوله‌میرزاملکم‌ــ خان .
مدیترانه درآتش ، جنگهای بالکان : داودمؤیدامینی .
مرزهای باختری‌ایران درسیردو هزار وپانصدسال تاریخ: مهندس‌احمدعلوی.
مسایل‌قندهاریه : شیخ محمدحسن‌کاشف‌ــ الغطاء ، ترجمهٔ سیدمحمدعلی‌طباطبایی .
مشعشعیان یا بخشی‌از تاریخ پانصدسالهٔ خوزستان : سیداحمدکسروی‌تبریزی .
مقام‌ایران‌درتاریخ‌اسلام : مارگولیوث، ترجمهٔ غلامرضارشید یاسمی.
مقدمهٔ‌تاریخ عمومی: احمدرفیق،ترجمهٔ: سیدصادق حسینی .
منتخب‌التواریخ : معین‌الدین‌نطنزی.
منتخب‌التواریخ‌مظفری: صدیق‌الممالك ابراهیم شیبانی.
مواهب الهی ، تاریخ‌خاندان‌آل‌مظفر: معین‌الدین یزدی .
مهر نیم‌روز(تاریخ تیموریان هند) : نجم‌الدوله دبیرالملك اسدالله غالب دهلوی .
میراث ایران : تألیف‌سیزده‌تن‌ازخاورــ شناسان انگلیس ، ترجمهٔ‌احمد بیرشك، دکتر بهاءالدین پازارگاد ، عزیزالله حاتمی ، محمد سعیدی ، دکتر عیسی‌ــ صدیق ، دکتر محمد معین.
ناپلئون‌وحمله‌بانگلستان: پل‌شاك،ترجمهٔ ذبیح‌الله منصوری .
ناسخ‌التواریخ،امام‌موسی‌کاظم(۲جلد): عباسقلی سپهرثانی .
ناپلئون: مؤدب‌الملك یوسف‌خان‌معروف به ریشارخان .

ناپلئون‌وشرق : سرلشکر دکتر آریانا.
نادرشاه : نقدی‌پاکباز .
نادرشاه: لاکهارت، ترجمهٔ مشفق‌همدانی.
ناسخ‌التواریخ امام محمد باقر (ع) : عباسقلی سپهر ثانی .
ناسخ‌التواریخ : (احوال حضرت سجاد (ع) ۲ جلد عباسقلی سپهر ثانی .
ناسخ‌التواریخ: (دراحوال‌حضرت زینب) عباسقلی سپهر ثانی.
ناسخ‌التواریخ (۱۵ جلد) : میرزاتقی‌خان متخلص به سپهر مستوفی .
ناسخ‌التواریخ: (وقایع‌اول‌سال شهادت). عباسقلی سپهر ثانی .
نبرد استالین‌گراد : داودمؤید امینی.
نبرد تمبره : غلامحسین مقتدر.
نبردهای بزرگ نادرشاه: غلامحسین‌مقتدر.
نتایج سیاسی‌جنگ بین‌المللی : رمزی میور ، ترجمهٔ احمد فرامرزی .
ندای‌سیاه : مارتین‌لوترکینگ . ترجمهٔ منوچهر کیا .
نزهة‌القلوب : حمدالله مستوفی .
نصف‌جهان‌فی‌تعریف‌اصفهان: الاصفهانی.
نظام‌التواریخ : عبدالله ، بیضاوی .
نظری به ایران‌وخلیج‌فارس : اسماعیل نوری زادهٔ بوشهری .
نظری به‌مشرق، تاریخ‌سیاسی‌افغانستان: معتصم‌السلطنه سیدمهدی فرخ .
نفخ‌الطیب : ابن‌المقری .
نقش آذربایجان‌در تاریخ دوهزار و پانصد سالهٔ شاهنشاهی‌ایران: «شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی‌آذربایجان شرقی» حسین احمدی پور.
نقش‌پارسی‌براحجارهند: علی‌اصغرحکمت.
نگاهی‌به‌ترکیهٔ‌امروز: ابوالفضل‌میربهاء.
نورتاریخ : محمد ظهیرالدین اظفری گورکانی.
نهضت‌دوماههٔ‌روحانیون‌ایران: علی‌دوانی.
واقعات‌اظفری، تاریخ محلی‌هند : محمد ظهیرالدین اظفری‌گورکانی .
ولایت فارس‌در زمان‌خلفاء: صدرالدین محلاتی شیرازی .
وقایع‌الایام: حاج‌ملاعلی‌تبریزی‌خیابانی.
وقایع صدسال قبل در ایران : عباس محتشمی نوری .
یزدگرد سوم : سعیدنفیسی .
یعقوب‌بن‌لیث‌صفارموجداولین‌حکومت اسلامی ایران : یحیی قریب .
یعقوب‌لیث: محمدابراهیم‌باستانی‌پاریزی .
یونانیان‌وبربرها، روی دیگر تاریخ: امیر مهدی بدیع ، ترجمهٔ احمد آرام.

تاریخ پرچم و شیر و خورشید

درفش‌وپرچم‌ایرانیان‌دردورهٔ پیش ازاسلام

مندرجات اوستا: در اوستاوادبیات مزدیسنا. بارها از درفش سخن به‌میان آمده وباصفات پهن وبرافراشته‌وگشوده و خونین توصیف‌شده است.

مندرجات شاهنامه : در شاهنامهٔ فردوسی مکرر از درفش های سلاطین و سرداران ایرانی ذکری به‌میان آمده ولی بین همه ، درفش‌کاویان مهمتر است و درواقع مظهرفتح‌وظفر ایـرانیان در دورهٔ پیش از اسلام بوده‌است .

دورهٔ هخامنشی: در دورهٔ‌هخامنشی نیز طبق توصیف گزنفون و هـرودوت مورخان یونانی ، هریك از فرماندهان و سر کردگان ایران دارای علامتی خاص بوده‌اند . اما درفش اصلی‌ایران همان درفش سلاطین بوده است .

حال به‌ذکرچند نمونه درفش‌که از قدیم به‌جای مانده می‌پردازیم.

۱ ــ درموزه‌لوورپاریس‌جامی‌موجود است‌که در یونان قدیم ساخته شده، ودر آن مبارزهٔ یك نفر یونانی با پرچمدار ایرانی نقش شده است . در ایـن نقش پرچمدار ایرانی رامرد یونانی از پای درآورده . ولی پرچمدار همچنان‌درفش را بالا نگاهداشته است . درفشی‌که در شکل مزبور ترسیم شده به‌شکل مستطیلی است‌که دووتر آن‌را وصل نموده‌اند .

۲ ــ از سلسله پادشاهان فرقه دار که درمنطقهٔ فارس و شایدکرمان مسکن داشتند واجداد پادشاهان‌ساسانی شمرده میشوند ، سکه‌هایی در دست است کـه روی‌آنها دریك طرف تصویر شاه‌وقت،و درطرف‌دیگر آتشکاهی در وسطودرفشی در سمت راست آتشکاه ، و تصویر شاه در حال نیایش در سمت چپ و فروهری در بالای آتشکاه است .

این درفش‌ها ، شبیه درفشی‌است‌که در تصویرداراواسکندر، در بشقاب‌یونانی موجود در موزهٔ لوور موجوداست .

درفش‌ایران‌دردورهٔ‌سلوکی‌هاوپارت‌ها

درفش سلوکی‌ها بنفش ، و شاید باطلاونقره مزین بوده است، پارت‌هاــ درقرن دوم بعداز میلاد ، دارای‌بیرقــ های ابریشمی‌بسیار مجلل‌وزیبا بوده‌اند، روی این‌بیرق‌هاشکل‌اژدهایی‌نقش‌می‌شده و به‌یك میلهٔ زرین وصل بوده، و چنین معلوم است‌که درایـن دوره بیرق‌هــای مشابه ، بادرفش‌های سلاطین پارس بکار می‌رفته وتاآن زمان عقاب مظهرسلطنت بوده است .

درفش در دورهٔ ساسانیان : در نقوش و حجاری‌های‌دورهٔ ساسانی‌نمونه‌ـ چنداز‌پرچم و علامات لشکری موجود است . مثلاً دریك مورد درفشی بسیار درازو کم عرض دیده می‌شود. دریکی از‌تصاویر نقش رستم ، عـلمداری دیده می‌شودکه میله‌ای دردست دارد و بالای آن میله‌ای افقی نصب شده و سه گوی فاقدار برفراز آن دیده می‌شود،یکی در وسط و دوگوی دیگر دردوسرمیلهٔ‌افقی و در زیر میلهٔ مزبور دردوطرف‌دوگوی آویخته است . این علامت گویا متعلق به‌شاپور سوم باشد .

دریکی از حجاری‌های نقش رستم پرچمی نقش است که‌گویا متعلق‌به‌هرمز است ، این‌پرچم میله‌ای است افقی‌که‌از دوطرف‌آن دوگوی آویخته و روی‌میلهٔ پرچم‌که به‌وسط این‌میله افقی متصل‌شده دونوار از پارچه وصل است‌که‌در حین حرکت به‌اهتزازدر می‌آیند.

بیرق بهرام چهارم از یك‌میلهٔ‌افقی تشکیل شده بودکه دوشرابهٔ‌ضخیم برآن آویخته‌شده ودرپای‌آن‌حلقهٔ‌کوچکی‌قرار داشت وروی‌حلقه‌یك جفت‌شاخ‌نصب‌بود .

درکتیبهٔ معروف شاپور اول کـه والرین امپراتورروم به‌سرافکندگی در برابر او زانو زده ودرمحل نقش رستم دیده می‌شود درپشت سرشاپورکه‌براسب نشسته ، پارچهٔ مواجی دیده میشود که جز درفش چیز دیگری نتواند بود.

«سعیدنفیسی»

رنگ‌درفش‌های دورهٔ‌پیش‌ازاسلام

بیرق سلوکی‌ها بنفش بود ، شاپور پادشاه ساسانی در هنگـام حمله درفش قرمزرنگ‌برمی‌افراشته، فردوسی‌دربارهٔ درفش‌کاویانی می‌نویسدکه‌ازآن درفش، پارچه‌های قیمتی‌به‌رنگ‌های سرخ وزرد وبنفش آویخته بودند .

درفش در دورهٔ بعداز اسلام

علم قریش وپیامبراسلام‌وخلفای راشدین : اعراب قبل از ظهور حضرت

محمد نیز دارای علم‌هایی بودند، ویکی ازمناصب قبیلهٔ‌قریش‌علمداری‌بود. گویند حضرت رسول را لوایی بنام عقاب بودو رنگ‌سفید داشت .

در روایت دیگر آمده است که‌علم حضرت رسول(ص) مربع‌شکل وسیاه‌رنگ بوده و روی آن را با دانه‌های الوان پوشانیده‌است .

بیرق بنی‌امیه‌وعلویان: بیرق‌امویان سرخ بوده و علامت و کسوت بنی‌امیه سبز وبنا بگفتهٔ ابن‌خلدون، بیرق‌آخرین خلیفهٔ اموی سفید بوده وکسانی‌که به‌نام علویان دعوت می‌کردند ، نیزعلم سفید داشتند .

بیرق ابومسلم‌وبنی‌عباس: ابومسلم چون‌خواست که‌علامت وکسوت‌سبز بنی‌امیه را تغییر دهد ، رنگ‌سیاه را برای علم خود انتخاب‌کرد.اواخر قرن چهارم هجری هریك از خلفای عباسی دو نوع بیرق داشتند ، یکی سیاه و رایت‌خوانده می‌شد، دیگری سفید ولوا نامیده‌می‌شد. بعضی اوقات روی این رایات و لـواها نام خلیفه نیز ذکر می‌شد.

در قرن هفتم در ایران انـواع و واقسام بیرق‌ها وجود داشته که بعضی از آنها دارای چند نیزه بود، وبعضی‌دیگر دارای اشکال عجیب‌می‌باشند .

بیرق سلاطین ایـران در دورهٔ اسلامی

بیرق یمین‌الدوله سلطـان محمود غزنوی ، به نقش‌ماه منقوش بوده است . سلطان مسعود علامت ونقش‌بیرق خودرا شیرانتخاب‌کرده‌بود. بیرق امیرمحمدبن محمود سیاه بود وبرآن‌شکل‌همای‌زرین نقش‌کرده بودند از عهد سلطان مسعود به‌بعد بیشتر سلاطین غزنوی و سلجوقی بررایت خود صورت شیررسم می‌کردند واغلب رایات آنها سیاه بوده‌است.

علم‌های دورهٔ سلجوقیان واتابکان ، از پارچه‌های ابریشمین ، باشکل شیریا پلنگ‌ساخته‌می‌شده‌و برسرعلم‌ورایت‌هلال ماه نصب‌می‌نموده‌اند. بیرق‌سلطان‌سنجر سیاه وچترش سفید بوده است . برعلم سلطان غیاث‌الدین عکس شیر منقوش بوده است . پرچم خوارزمشاهیان سیاه، وبیرق پادشاهان‌طبرستان زردرنگ بوده است .

پرچم چنگیز دارای ۹دم‌گاومیش سفید بوده است . رنگ بیرق ایلخان‌ها سفید بوده ، منولان برسربیرق‌های خود شرابه‌هایی از موی‌دم‌گاومیش مخصوص، معروف به‌**یاك** می‌آویختند.

امیرتیمور گورکانی ، روی‌بعضی از چادرهایش سرپرچم‌هایی نصب می‌نموده که‌به‌شکل‌گلوله‌ای بوده و دربـالای‌آن هلالی قرار داشته است .

درقرن نهم هجری بیرق‌ها مستطیل بود و خود از دویـا سه قسمت تشکیل می‌یافت‌وبه‌یك یا دوقسمت آن‌یك‌قسمت الحاقی نوك‌دارومواج متصل می‌کردند. رایت سلاطین‌ترکان قره قویونلو به‌شکل گوسفندنر سیاهی داشت وبه‌این مناسبت قره‌قویونلو نامیده شده‌اند . ونیز بر رایات ترکان‌آق‌قویونلو گوسفندنرسفیدی نقش‌می‌کردند .

روی رایات این دوسلسله علاوه‌بر یك‌گوسفند ، صورت خورشیدی نیز نقش بوده است .

شیر وخورشید

یکی از قدیمی‌ترین‌آثار مربوط‌به شیروخورشید که‌در دست است،استوانه‌ای است مربوط به‌پادشاه متیانی که‌درحدود ۱۴۵۰سال قبل‌از میلادسلطنت‌می‌کرده ودرآن مهر استوانه شکل‌خورشیدنموده شده‌که بالی‌به‌آن متصل‌است ومیله‌ای‌در زیردارد که‌دوطرف آن دوشیرمحـافظ نشسته‌اند .

در بابل معمولاً شمس‌خدای‌بابلی‌را به‌صورت‌شیرمی‌نمودند‌که گاهی‌اقات‌بالدار بوده ومظهر او صفحهٔ نورانی خورشید است .

از دورهٔ بعداز اسلام قدیمی ترین اثری‌که‌از شیروخورشید در دست است. در حجاری‌های پل جزیرهٔ **بن‌عمر** واقع در بین‌النهرین است .

درسال ۱۲۵۲ هجری‌قمـری ، در زمان محمدشاه قاجار ، شیر و خورشید به‌عنوان علامت قطعی‌ایران درآمد .

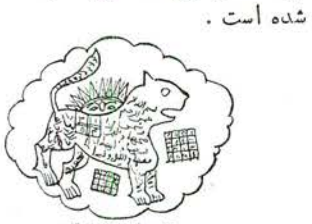
در نقش‌های‌قدیم‌هرجاشیروخورشید باهم‌آمده‌اند ، این تقارن‌مربوط‌به‌رابطهٔ نجومی این‌دوپیکر آسمانی است.ستاره‌ـ شناسان قدیم دوازده برج‌آسمان را که نام‌های آنها ، میان‌هفت‌سیاره که‌به‌عقیدهٔ قدما خورشید هم جزءآنها بوده ، بخش نموده ، هریك یادوبرج ازآنها راخاص یکی ازسیاره‌ها دانسته وخانهٔ‌آن سیاره می‌نامیدند.وازآن‌جمله برج اسدراخانهٔ خورشید می‌خواندند .

یکی‌ازقدیمی‌ترین‌آثاری‌که‌درایران ازشیروخورشید توأم به‌دست‌آمده، بشقاب لعابداری است از ری، که متعلق‌به‌قرن چهارم‌هجری می‌باشد.در این‌بشقاب‌شیری نشان داده‌شده‌که دم خود راعلم‌کرده و یك‌دست خود رابلند نموده وبربالای‌سر شیرستارهٔ‌چهارپری‌دیده‌می‌شود که‌به‌احتمال قوی خورشیده است .

دیگر در روی یك ظرف مفرغـی متعلق به‌قرن ششم یا هفتم‌هجری،موجود در موزهٔ گلستان که‌گویا متعلق بـه‌دورهٔ سلجوقی است شیروخورشید توأم بـرای تزیین بکار رفته‌است .

برروی قلمدان فلزی‌زیبا وظریفی که درسال ۶۷۹ هجـری قمری ساخته شده ، دوازده برج نقش شده ، در این قلمدان برای معرفی برج اسد ، شیری به‌حالت ایستاده کشیده شده کـه خورشیدی‌نیمه طالع‌ازپشت اوهویدااست قدیمی‌ترین‌سکه‌ای‌که تاکنون بانقش‌شیر و خورشیدبه‌دست‌آمده ، سکه‌غیاث‌الدین کیخسرو پسرکیقباد سلجوقی است.

روی‌سکه‌ای‌که از الجایتو به دست آمده‌خورشید در پشت شیر قـرار دارد در بشقاب چینی‌که در سال ۹۷۱هجری ساخته شده ودرموزهٔ اسلامی‌برلن‌موجود است ، ضمن بروج دوازده‌گانه خورشید نیمه طالع برپشت شیری ایستاده نموده شده است .



طلسم‌خوشبختی

شیر وشمس یك نوع طلسمی برای تأمین خوشبختی‌بوده‌که به‌شکل بازوبند ازفلزات‌گرانبها یاارزان‌قیمت‌می‌ساخته‌اند تا این اواخر بین‌مردم ایران مـرسوم بوده است .

اولین اثری‌که نقش شیروخورشید توأم بر روی بیرق‌هـا به‌دست آمـده ، مینیاتوری‌است‌که درکتاب تاریخ منظوم مغول ، به‌قلم شمس‌الدین کاشانی‌موجود است .

پس ازاین‌که علامت شیر وخورشید

در ایران معمول گردید ، بتدریج در کشورهای همسایه نیز راه یافت و پادشاهان ممالك مجاور نیز که تمدن ایران را پذیرفته بودند، این علامت را نیز به عنوان علامت خود با تغییراتی پذیرفتند .

بیرقهای دورهٔ صفویه تا قاجاریه

در دورهٔ صفویه نقش شیروخورشید در واقع علامت رسمی دولت ایران گردید در بین سلاطین صفوی پادشاهی که روی بیرق و علم خود نقش شیروخورشید نداشته و روی سکهٔ مسی خود نیز پیکر شیرو ـ خورشید نقش نکرده شاه اسمعیل صفوی است . بیرقهای وی سبز بوده و بالای علم نیز شکل ماه داشته است.

از آثار جالب دورهٔ صفویهٔ مربوط به شیرخورشید، قالیچه‌ای است که درچهار طرف میانهٔ آن عکس شیروخورشید نقش شده است . در این قالیچه شیر ایستاده و خورشید نیمه طالعی ازپشت او نمایان است .

سکه‌های مسی این دوره نیز فوق العاده تماشایی است. در این سکه‌ها شیر ایستاده و خورشید نیمه طالعی برپشت دارد.

بعلاوه درزمان صفویه علم به صورتی ـ که هم امروز درماه محرم در دسته‌های عزاداری بلند می کنند، در آن زمان معمول بوده است که چند نمونه از آنها درجنگ به دست عثمانیها افتاد، زیرا درجنگها نیز از این علمها که جنبهٔ دینی داشته ، استفاده می کرده اند .

آنچه مسلم است از زمان شاه عباس به بعد برای شیروخورشید در ایران، ارزش خاصی قائل بوده اند .

نادرشاه دارای دو نوع بیرق سلطنتی بود ، یکی راه‌راههای قرمز و آبی وسفید ودیگری راه‌راههای قرمز و آبی وسفید و زرد داشت . ولی از تزیینات دیگر عاری بود .

در مینیاتوری که در پشت جلد کتاب نزهة الارواح در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه ترسیم شده ، مجلس جنگ نادرشاه ومحمد گورکانی نقاشی شده ودرآن سپاهیان ایران بیرقهایی در دست دارند که مثلثی و نوکدارند ومتن آنها سفید است ودور آنها را نوارهای قرمزوسبز احاطه کرده ودر متن سفید پرچم در وسط شیری زرین بادم علم کرده ایستاده و خورشیدی ٥ طالع برپشت آن دیده می‌شود، ولی در دست شیر چیزی نیست .

بر بالای فرامین نادرشاه که در سال ۱۱۵۹ هجری نوشته شده ، مهر گلابی شکلی زده شده که شیری ایستاده را با خورشید طالع نشان می‌دهد. به جای صورت خورشید کلمات الملك لله نقر شده و نشان می‌دهد که شیروخورشید در زمان نادرشاه همچنان معمول و مرسوم بوده است.

از دورهٔ آغامحمدخان سکهٔ طلایی در دست است که روی آن شیری خفته بادم علم کرده دیده می‌شود، که درپشت خورشید درحال طلوع دارد. به جای صورت خورشید نوشته شده ، یامحمد ، و زیر شکم شیر نوشته شده ، یا علی .

بر بیرقهای ایران درعهد فتحعلیشاه و درعهد صفویه شیروخورشید و شمشیر ذوالفقار نقش می‌شده ومی‌توان حدس زد که دراین دورهٔ فاصله نیز چنین بیرق‌ـ هایی معمول و مرسوم بوده است .

درسفرنامه‌ای که یکی از اتباع روس در عهد فتحعلیشاه نوشته، بیرقی ازجمازه‌ـ سواران ایرانی را نقل می کند که شیر خفته‌ای را نشان می‌دهد که خورشیدی طالع برپشت دارد .

آنچه مسلم است این که صورت شیر درعهد فتحعلیشاه نشسته ترسیم می‌شده و این امر را مهر دولتی عهد فتحعلیشاه و شواهد دیگری تأیید می کند. از زمان فتحعلیشاه مدالی در دست است که عباس میرزا ولیعهد آن را منتشر کرده وازحیث ظرافت بی‌نظیر است . در این مدال شیر بایالی نشان داده شده که زبان خود را درآورده وخورشید تقریباً تمام طالعی بر پشت دارد و برروی خورشید، صورتی کشیده شده ودرزیرش نوشته شده،جهاندار عباس شاه جوان .

بیرق زمان محمد شاه ، سرخ رنگ و برآن نشان ایران که شیروخورشید است قرار داشته ، ودستهٔ بیرون به یك پنجه که روی آن نام علی نقش شده منتهی می گردد .

دردورهٔ محمدشاه برای این که بیرق رسمی ایران بالاخره یك علامت معین و واحد گردد شمشیر ذوالفقار را به دست شیر دادند، تا حامی وحافظ استقلال ایران باشد. ولی ناصرالدین شاه درابتدای سلطنت خود تامدتها شیرایستاده وشمشیر به دست را بکار نبرد .

در اولین سری تمبرهای ناصرالدین‌ـ شاهی شیر خفته وبدون شمشیر نقش شده و برسکه‌های نقره‌ای که ناصرالدین شاه در ابتدای سلطنت خودزده همه‌جا شیر خوابیده دیده می‌شود.

از وقتی که ضرابخانهٔ جدید به سبك اروپایی افتتاح شد، روی سکهٔ صاحبقرانی که از آن به بعد ضرب شد ، شیر ایستاده و شمشیر به دست دیده می‌شود.

بیرق ایران دراوایل دورهٔ ناصرالدین شاه خیلی شبیه به بیرق زمان محمدشاه است ودور بیرق دونوار باریك قرمز و سبز دیده می‌شود ، ولی زمینهٔ بیرق نقره‌ای یا سفید بوده و دروسط آن علامت شیرو ـ خورشیدی زرین ، کوچکتر از شیر و ـ خورشید بیرقهای محمد شاهی نقش است .

ناصرالدین شاه علاوه براین که بالاخره شیروخورشید امروزی را برای روی سکه وبیرق به عنوان علامت اختصاصی دولت پذیرفت نشانهای شیروخورشیدرا که از زمان فتحعلیشاه معمول شده بود ، حفظ کرد واصولاً شیروخورشید راعلامت رسمی دولتی قرار داد . و ازآن تاریخ شیروخورشید بر کلاه پاسبانان شهربانی، بر دکمهٔ افسران وافراد قشونی وشهربانی وبرسکه‌ها نقش می‌شود .

بیرق ایران در دورهٔ مظفرالدین‌ـ شاه و دورهٔ قبل ازمشروطیت وحتی سالهای اول مشروطیت ، بیرق سفید یانقره‌ای بوده که در وسط آن شیروخورشید بزرگی نقش بوده و دوحاشیهٔ باریك که بالایی سبز و پایینی سرخ بوده داشته است، وبعضی اوقات نیز حاشیه‌ای سبزرنگ یا دونوار سبزوسرخ دورادور آن می‌دوختهاند .

گرچه در ۲۹ شعبان سال ۱۳۲۵ هجری قمری ، در دورهٔ مشروطیت الوان رسمی بیرق ایران طبق اصل پنجم قانون اساسی ایران ، سبزوسفیدوسرخ وعلامت شیروخورشید اعلام گردید ، ولی عکس ـ هایی در دست است که نشان می‌دهد قبل از تصویب پرچم سه‌رنگ ، توسط مجلس شورایملی ، بیرق سه‌رنگ سبز وسفید و سرخ امروزی ایران بدون شیروخورشید معمول بوده ، وازطرفی درمجلس جشنی در باغ بهارستان که درسال ۱۳۲۷ برگزار شده بیرقهای ایران به سبك دورهٔ استبداد، یعنی سفید باعلامت شیروخورشیدوحاشیه

زینت‌بخش مجلس بوده است .

بهرحال ، از دورهٔ مشروطیت بیرق ایران به‌شکل امروزی آن تثبیت گردید . منتهی از این دوره به بعد بین بیرق ملی و بیرق دولتی اختلاف قایل شدند . بدین معنی که بیرق‌های دولتی با شیروخورشید، و بیرق‌های ملی فاقد آن بودند .

مفهوم رنگ‌ها و علایم روی بیرق

بیرق رسمی ایـران به‌موجب اصل پنجم قانـون اساسی مصوب ۲۹ شعبـان ۱۳۲۵ هجری‌قمری دارای رنگهای سبز وسفید وسرخ و علامت شیر و خـورشید است .

رنگ سبز که در بالای بیرق قرار دارد نشانی ازمذهب اسلام وشیعهٔ اثنی‌ـعشر وهم‌علامت سبزی و خرمی کشور و نشانهٔ صفای روح و باطن است. رنگ سفید نشان صلح دوستی و آرامش طلبی کشور است .

رنگ قرمز نشان انقلاب‌مشروطیت ایران است‌وهم نشانی ازآن‌است که‌اگر به‌حقوق وآزادی و استقلال ملت ایران تجاوزشود ، آماده جنگ است و باخون خویش ازخود دفاع خواهد کرد .

شیر عـلامت شجاعت و استقامت و متانت است.

خورشید منبع نیرو و نور و علامت روشنی دل‌وجان است .

شمشیر علامت دفاع ازکشور است.

بیرق در دورهٔ خاندان پهلوی

بعدازکودتای ۱۲۹۹ شمسی‌وتغییر خاندان‌سلطنت، تغییراتی چند دربیرق‌ـها و علایم دولتی و سلطنتی بـه ظهور پیوست .

در تمام‌دورهٔ قاجاریه‌شیروخورشید‌ـهایی‌که بر بیرق‌وسکه‌وابنیه رسم‌می‌شد، همه‌جا خورشید رابه‌صورت‌زنی‌می‌نمودند و چشم وابرووزلف برای‌آن‌می‌کشیدند. درزمان‌سلطنت رضاشاه کبیرطی‌بخشنامه‌ای دستور صادر شدکه‌برصورت‌خورشیدکه‌بر پشت شیر رسم‌می‌شود، چشم وابرو وزلف نگذارند و به‌رسم یك نیمدایرهٔ ساده با اشعهٔ ساطع اکتفاکنند .

برای‌این‌که‌بیرق‌های‌ایران‌به‌صورت متحدالشکل وقاطعی درآیدهیئت‌وزیران در جلسهٔ ۱۴ دیماه۱۳۳۶ شمسی‌مشخصات پرچم ایران رابه‌طریق زیر تعیین‌نمود:

۱ـ الوان رسمی پرچم ایران‌ازسه رنگ مساوی سبزوسفید وقرمز و علامت شیروخورشیدتشکیل می‌گردد، بطوری‌ـکه رنگ سبزبالا ، سفید وسط ، وقرمز در پایین قرار خواهدگرفت .

۲ـ نقش شیروخورشید‌به‌رنگ‌زرد طلایی دروسط پرچم ، روی‌قسمت‌سفید و به قسمی‌رسم‌می‌شود که‌سرشیر به‌طرف‌چوب پرچم و شمشیر بطـور عمودی در دست راست شیرقرارگرفته وپای شیر به‌طرف رنگ قرمز ، دم شیر به‌شکل قلاب‌کمر و یك خم‌بطرف‌بالا داشته‌ونگاه شیرمتمایل خواهد بود ، خورشید بطـور نیم قرص در انتهای‌گردن و کمر واقع‌شده و اشعهٔ آن نبایستی‌به‌سمت‌سر تجاوز نماید .

۳ـ پرچم‌نظامی‌همان‌ترتیب‌واندازهٔ پرچم ایران بوده و فقط یك تاج پهلوی در بالای سرشیر وخورشید، ودورشیرـ یك دایرهٔ برگ خرما قرار گرفته ودر قسمت فوقانی بازمی‌باشد ، و در پایین گرهی به‌شکل پروانه‌زده شده.

۴ ـ ابعاد پرچم ایران باتوجه به مکانی که‌نصب می‌شودمتغیر خـواهد بود و اصولانسبت عرض به‌طول‌پرچم به‌نسبت یك ویك‌وهفتاد و پنج‌می‌باشد.

۵ ـ چون تاکنون در مؤسسات و بنگاهها و اماکن ملی ازپرچم‌های‌بدون علامت شیروخورشید استفاده مـی‌شده ، موافقت‌می‌شود که مـؤسسات غیردولتی همواره برای تزیین در اعیاد وجشن‌ها و همچنین افراشتن پرچم‌دربالای‌عمارات ازپرچم‌های بدون علامت شیر وخورشید استفاده نمایند .

۶ ـ شیروخورشید وتاج پهلوی‌فقط روی مراسلات رسمی‌بکاربرده خواهدشد.

۷ ـ چوب پرچم‌به‌رنگ‌سفید،وطول آن‌همواره‌سه‌برابرعرض‌پرچم‌بوده‌وطنابی که‌پرچم‌را به‌چوب‌آن اتصال‌می‌دهدنیز باید به‌رنگ‌سفیدباشد، سرچوب‌پرچم‌های‌رسمی قبه‌یی کروی‌شکل به‌رنگ‌سفیدنصب‌خواهد شد .

در حال حـاضر علاوه بـردرفش سلطنتی سه‌نوع پرچم در ایـران معمول است .

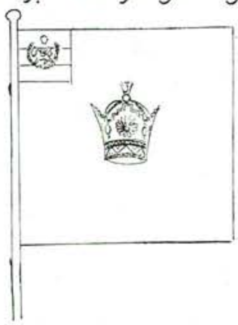
۱ ـ پرچم رسمی ایران : (پرچم دولتی) که سبز وسفید وقرمز و شیر و خورشید است .

۲ ـ پرچم نظامی : که سبزوسفید قرمز و شیروخورشیدمحاط‌دربرابر برگ خرما می‌باشد .

۳ ـ پرچم ملی : که سبز وسفیدو وقرمز وبدون شیروخورشید است و در مواقع اعیـاد ومراسم توسط بنگاههـا و مؤسسات واماکن‌ملی افراشته می‌شود .

درفش تـاجگذاری رضاشاه پهلوی

هنگام تاجگذاری، اعلیحضرت‌رضا شاه‌کبیر ، درفشی در دست داشتند که از نظر طرح و شکل وضع خاصی داشت . این‌درفش بزرگ که‌به‌رنگ‌آبی آسمانی بود مربع‌شکل وبوسیله ملیله‌ـدوزی حاشیهٔ نسبتاً پهنی دورادور بیرق به‌وجودآمده بود ، در وسط درفش، در میان برگ خرما نوشته‌شده بود،السلطان



درفش‌شاهنشاهی‌ایران

شاهنشاه رضاشاه پهلوی،و در چهارگوشهٔ درفش مزبور شیروخورشید و تاج‌پهلوی نقش شده بود بطوری‌که درهر گوشه،پای شیر به‌سمت وسط درفش ، وسرشیر واشعهٔ خـورشیدبه‌سمت بیرون و گـوشهٔ درفش متوجه‌بود،دونوار پهن که دورآن‌گلابتون دوزی شده بود . ازبالای درفش روی دسته‌وکنارهٔ درفش‌آویخته‌بود.این‌نوارها درقسمت‌فوقانی‌سبزرنگ ودرقسمت‌پایین آن درمتن‌قرمزی که‌محصور به‌ملیله‌دوزی بود ، شیر وخورشیدوبرگ‌خرمازردوزی شده بودوازانتهای این‌دو نوارشرا به‌های زرین آویخته‌بود .

درفش‌سلطنتی ایران

درفش‌سلطنتی‌خاندان پهلوی،درفشی است مربع‌کـه هرضلع آن ۱/۲۴ متر می‌باشد. چنین پارچه‌از ابریشم به‌رنگ آبی‌آسمانی‌که دربالای آن سمت میله ، به‌شکل آرم پرچم نظامـی ، یعنی بیرق ایران وشیروخورشیدی که‌در داخل برگ خرمـا قرار دارد، درمربعی که‌هرضلعش

۳۱ر۰ متر است ، منقوش گردیده است در وسط پردهٔدرفش تاج پهلوی زردوزی شده وسرمیلهٔ درفش قبهٔکوچکی از طلا قرار گرفته‌است .

هرجاکه درفش سلطنتی برافراشته شود ، دلیل حضور رسمی اعـلیحضرت همایون شاهنشاهی درحیطهٔمشاهدهٔدرفش می‌باشد. برافراشتن درفش شاهنشاهـی به‌عهدهٔمأمورین گارد است .

مهر سلطنتی رضاشاه پهلوی

مهرسلطنتی‌اعلیحضرت‌رضاشاه کبیر، عبارت از دوشیر به‌پاخاسته‌است که تاج پهلوی را بایك‌دست‌وبعضی‌دورزنجیره‌ای راکه درمیان آن نوشته شده ، پهلـوی شاهنشاه ایران، دردست‌دیگر گرفته‌اند.

مهرسلطنتی‌اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه آریا مهر

این مهر نیز از دوشیر که روی پا ایستاده‌اند و شمشیر بهیك دست دارند به‌دست‌دیگر آرم‌شاهنشاه‌رانگاهداشته‌اند تشکیل یافته است . دربالای ایـن آرم تاج پهلوی قرار دارد .

این شکل دوشیر که تاجی‌را حفظ می‌کنند سابقهٔ تاریخی خاصی دارد و به زمان بهرام‌گور وخسروباز می‌گردد .

مطالبی‌که در بـالا عنوان شده با استفاده از کتاب **تاریخچهٔ بیرق ایران وشیروخورشید** تألیف‌آقای **حمیدنیر نوری** تنظیم‌شده‌است وبی‌تردیدفقط برای آن عده قابل استفاده است که ازپرچم و شیروخورشید فقط به‌عنوان اطلاعـات عمومی و خلاصه‌خواسته‌باشندواهل‌تحقیق می‌توانند به‌کتاب مذکور وکتب‌دیگری که در این زمینه چاپ‌شده‌مراجعه‌فرمایند

پـرچم تمام کشورهـای جهـان دارای تاریخچه است ولی در این‌کتاب که همواره رعایت اختصار شده‌نمی‌گنجد و بعنوان اطلاع تصویرکلیه پـرچمهای کشور های جهان را در اینجا (رنگین) آورده‌ایم و از روی آنها می‌توان‌فهمید که اغلب کشورها با الهام‌از دین‌وملیت و تاریخ‌خود به‌انتخاب پرچم‌پرداخته‌اند.



باستـان شناسی

باستان شناسی Arcaeologie
تحقیق‌علمی‌در آثاربازماندهٔ انسان از آغاز زندگی بشر تـا دورهٔ تاریخی جدید ، در باستان‌شناسی از مورخ ، ـ دیر ینشناس و زمینشناس و زبانشناس و شیمیدان وگیاهشناس و معمار ومهندس وعکاس استفاده می‌شود .

آغازاین‌پژوهشهااز۱۴۵۳میلادی‌یعنی وقتی‌که دانشمندان‌یونان به‌ایتالیا آمدند آغاز شد . همین امر سبب پرداختن به کاوشهایی برای یافتن حجاریهای قدیـم یونانی گردید. در قرن ۱۸م ، باستانـ شناسی یونان و روم به وسیلهٔ کارهـای **وینکلمان‌وویسکونتی**وبه‌وسیلهٔحفاریهایی که در **هرکولانوم و پومپئی**به‌عمل‌آمد و در قرن نوزده پیشرفت کرد . تحقیق در فرهنگهای قدیم نواحی**اژه**باکاوشهای هانریش **شلیمان** در **تروا** و یـونان و کاوشهای سرآرتور **اونز** درکرت بـه‌راه افتاد . در حملهٔ ناپلئون به مصر، توجه دانشمندان فرانسوی‌که همراه **او** بودند به‌آثار باستانی‌مصرجلب‌شدواین امرسبب پیدایش رشتهٔ مصرشناسی‌ازعلوم‌باستانـ شناسی‌گردید .

باستانشناسی شرق نزدیك سابـقهٔ ممتدی دارد.در ۱۶۲۱م سیاح‌ایتالیایی **پی‌یتر ودولاواله**ازکتیبه‌های‌تخت‌جمشید چندعلامت‌میخی‌نقاشی‌کرده‌باخودبه‌اروپا برد .

در سال ۱۶۷۴ **شاردن** صورتی از کتیبه‌ای را در شرح مسافرت خود بـه ایران‌گنجانید . پس ازآن سیاحـان و محققینی سوادهایی از کتیبـه‌های تخت جمشید برداشتند ، که از جمله مـی‌توان **نیبور** را نام برد. گئورك فـریـدریش **گروتفند** در خواندن کتیبه‌ها کوشید . کارهـای ادسارد **رابینسن** در جغرافیای کتاب مقدس و موفـقیت **راولینسن** در خواندن‌کتیبهٔ **داریوش اول** دربیستون، باستانشناسی شرق نزدیك رابیش‌ازپیش مورد توجه ساخت. ازطرف‌دیگر،درسال ۱۸۴۱ **فلاندن وکوست** فرانسوی نقشهٔ تخت جمشید را رسم و حجاریهای‌جالبی کشف‌کردند .

در سال۱۸۸۵**دیولافوا** وزوجه‌اش در شوش مشغول‌تحقیق شدند سپس‌هیئتی به ریاست **دمورگان** کاوشی را تـعقیب کردند . هنوز هم‌حفاریها وکاوشها ادامه دارد ، وهرچند یك بار آثارگرانبهایی از ادوارباستانی ایران ونواحی مجاور آن‌کشف‌می‌شود.باستانشناسی‌بین‌النهرین مخصوصاً در قرن ۱۹ م توسعه یافت.

توضیح علمی دربارهٔیافته‌های‌ماقبل تاریخ از سال ۱۸۳۲ آغاز می‌شودکـه یکی ازباستـانشناسان دانمارکی‌فرهنگ و تمدن صنعتی بشر را برپایهٔ مـواد و مصالحی‌که ازآنها به‌عنوان سلاح وافزار کار در زندگی استفاده می‌شده است بـه دوره‌های مختلف تقسیم‌کرد این دوره‌ها عبارتست از : **عصر حجر قدیم ، عصر حجر جدید ، عصر مفرغ وعصر آهن** .

صحت متوالی این عصرهای فرهنگی در بیشتر نواحی زمین ، امروزه بطورکلی مقبول است ، این تقسیم در درجـهٔ اول نمایندهٔ وضع‌زندگی مردم در عصرهـای متوالی است ، نه نمایندهٔ تقسیم زمانی . در نواحی مختلف این عصرها بایکدیگر همزمان نیستند ، و نیز طول هرعصردر همه جـا به‌یك اندازه‌نیست . قسمتی از افریقا هنوزدر عصر حجرجدید است، و قسمتهای دور افتادهٔسیبریه درعصرمفرغ بعضی از اقدام بلافاصلـه ازمرحلهٔ حجری به‌مرحله مفرغی در آمده‌اند .

مطالعه و تحقیق درزبانهای گذشته در آمریکا مخصوصاً با توجه بـه زنـدگی بقایای بومیان اصلی ترقی فراوان کرده است ازکارهای باستانشناسی آمریکامی توان تحقیقات دربارهٔ اقوام **مایا** (آمریکای مرکزی) و **آزتک و تولتک**(مکزیك) و **اینکا** (آمـریکای جنوبی) را نـام برد . «دایرةالمعارف مصاحب»

در ایران اداره‌ای بنام **ادارهٔ کل عتیقات** در زمان رضاشاه فـقید تأسیس گردید، که‌هم‌اکنون بنام ادارهٔ کل باستان‌شناسی معروف است ووظیفهٔ آن حفظ و تعمیر آثار و ابنیهٔ تاریخی وکشف بقایای آثار و اشیاء عتیقه وحفاری درنقاطی است که احتمال باز یافتن آثار تـاریخی در آن نواحی باشد، علاوه برحفظ ابنیهٔ تاریخی، آثار و ظرف و اشیایی راکه درحفاریها یـافته می‌شود در **موزهٔ ایران باستان** وابسته به ادارهٔ کل باستانشناسی حفاظت می‌کنند.

این موزه درسال ۱۳۱۴ شمسی تأسیس شده ومورداستفاده قرارگرفته وشامل اشیاء مربوط به تمدنهای بسیار قدیم ایران تا انتهای دورهٔ ساسانی و آثاراسلامی می‌باشد همچنین دارای اطاق مخصوص سکه‌ها و مهرهای عتیقه و نمونه‌های قطعات سفالهای قدیمی نقاط مختلف ایران وکتابخـانهٔ مخصوص است .

قدیمترین نمونه‌هایی که تاکنون در آنجا ضبط شده اشیایی است متعلق به **تپهٔ سیلك** کاشان که توسط هیئت علمـی اعزامی **موزهٔ لوور** پاریس کشف شد و قسمتی ازآنها مربوط به حدود چهارهزار سال پیش از میلاد و قسمت دیگر متعلق به ۲۸۰۰ تا ۱۱۰۰ سال پیش از میلاد است .

درسال ۱۳۰۷ شمسی پروفسور **هرتسفلد** قطعات سفالهای منقوشی را مربوط به دورهٔ ماقبل تاریخ درحدود تخت‌جمشید بدست آورد .

ظروف قیری متعددی کـه در شوش بدست آمده متعلق به دورانی در حدود ۲۳۰۰ سال قبل از میلاداست. درنتیجهٔ کاوشهای علمی که در سال ۱۳۱۰ ازطرف هیئت علمی موزهٔ لوور در **تپهٔ یگان** نزدیك نهاوند بعمل آمده، اشیایی متعلق به ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد کشف شده است. کاوشهایی علمی که توسط هیئت عـلمی دانشگـاه **پنسیلوانیا** در سال ۱۳۱۰ در **تورنگ‌تپه و شاه تپه** (در دشت گرگان) به‌عمل آمده ، اشیایی متعلق به ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد را به‌دست داده اشیاء متعلق به عهد هخامنشی که‌شامل کتیبه‌ها، سرستونها، مجسمه‌ها و مهرهای متعدد است به دقت در این موزه نگهداری می‌شود .

آثار متعلق به عصر اسلامی بیشتر توسط هیئت اعزامی **موزهٔ متروپولیتن** نیویورك در نیشابور بین‌سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ به‌دست‌آمده است .

علاوه براین بعضی گـچ‌بـریها و محرابهای مساجد وکنده کاریهای چوب متعلق‌به‌دوران‌اسلامی‌رادرموزه نگهداری می‌کنند . یکی از قسمتهای جالب موزهٔ ایران باستان **تالار اردبیل** است . شاه‌عباس قسمتی از اموالخود را بامجموعهٔ مفصلی ازظروف چینی برآستانهٔ جداعلای خود **شیخ صفی‌الدین** در اردبیل وقف کرده بود که‌درمواردِاطعام به کارمی‌رفت. قسمت اعظم کتابهای تاریخی که دراردبیل بوده فعلاً در موزهٔ **ارمیتاژ** لنین‌گـراد نگهداری می‌شود و مجموعهٔ چینی‌هـای مذکور شامل ۱۲۲۱ عدد ظروف‌مختلف بود وآنها را در عمارت مخصوصی به‌نام چینی‌خانه‌که برای این ظروف‌درآستانهٔ اردبیل ساخته بود نگهداری می‌کردند، در سال ۱۳۱۴ شمسی، آنچه از دستبرد زمانه وحملات و غارتها باقی مانده بود یکجا از اردبیل به موزهٔ ایران باستان انتقال‌یافت ودرتالار مخصوصی‌نگهداری شد . برروی تمام این ظروف جملهٔ زیر به‌صورت‌مهر چهارگوشی حك شده است: « وقف برآستانهٔ شاه صفی‌نمود بندهٔشاه ولایت عباس»

علاوه براشیاءفوق،مجموعهٔ معتبری از سکه‌های دورانهای مختلف تاریـخی ایران در موزهٔ ایران باستان وجـود دارد . « لغتنامهٔ دهخدا »

کتیبه‌های معروف

کتیبه‌های پهلوی ساسانی

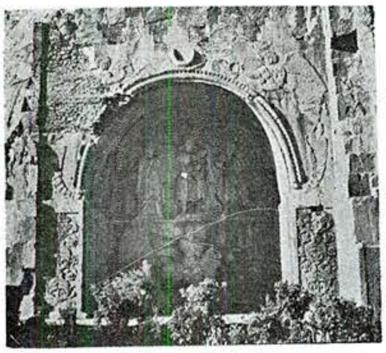
در تخت‌جمشید که یـکی از طرف شاپور پسر هرمز برادر شاپور دوم کـه مأمور پادشاهی سکستان بوده کنده شده است‌ودوکتیبهٔ‌دیگر درهمانجا به‌امردوتن از بزرگان‌کشور به‌نام شاپور دوم ساخته شده .

کتیبهٔ پهلوی

در قاعدهٔ کـعبهٔ زرتشت در نقش رستم به‌وسیله هیأت حفاری دکتر اشمیت به سال ۱۳۱۵ پیدا شده است ولی متأسفانه دوباره‌روی‌آن‌راگچ مالیده و پوشانیده‌اند و هنوز قرائت نشده‌است.

کتیبه‌های طاق بستان

۱ ــ کتیبهٔ کوچك پهلوی ساسانی‌از شاپور دوم‌درطاق‌کوچك طاق‌بستان‌کنده شده است.



طاق‌بستان‌در کرمانشاه

۲ ــ کتیبهٔ پهلوی ساسانی‌ازشاپور سوم‌که در سمت چپ‌کتیبهٔ شاپور دوم در طاق‌کوچك، طاق بستان‌کنده شده‌است.

کتیبه‌های نرسی

۱ ــ درپایکولی(شمال قصرشیرین) که به‌دوزبان ساسانی و اشکانی نـوشته شده است و استاد هرتسفلدآلمانی‌آن‌را خوانده وکتابی به‌دوجلد در آن بـاب نوشته است .

۲ ــ کتیبهٔ پهلوی ساسانی درروی نقش بهرام اول در شاپور فارس کـه از طرف نرسی‌کنده شده است .

کتیبه‌های ساسانی از موبد

۱ ــ درنقش‌رجب.

۲ ــ در بالای نقش برجستهٔ شاپور در نقش رستم‌که این کتیبه بسیار ضایع شده است .

کتیبه‌های‌شاپوراول

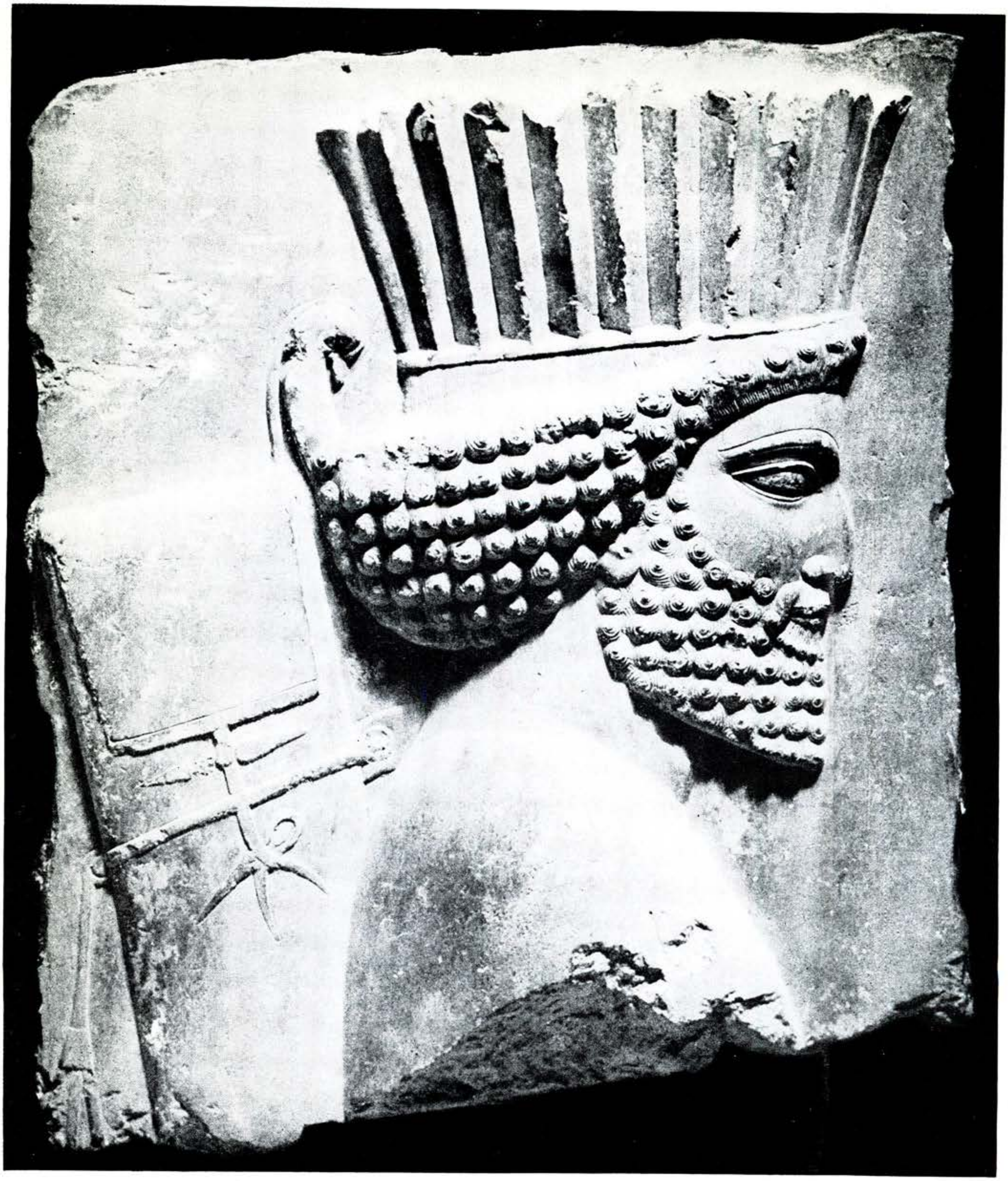
۱ ــ در نقش رجب که به‌سه‌زبان نوشته شده است .

۲ ــ درحاجی‌آباد به‌دوزبان‌پهلوی ساسانی واشکانی نوشته شده است .

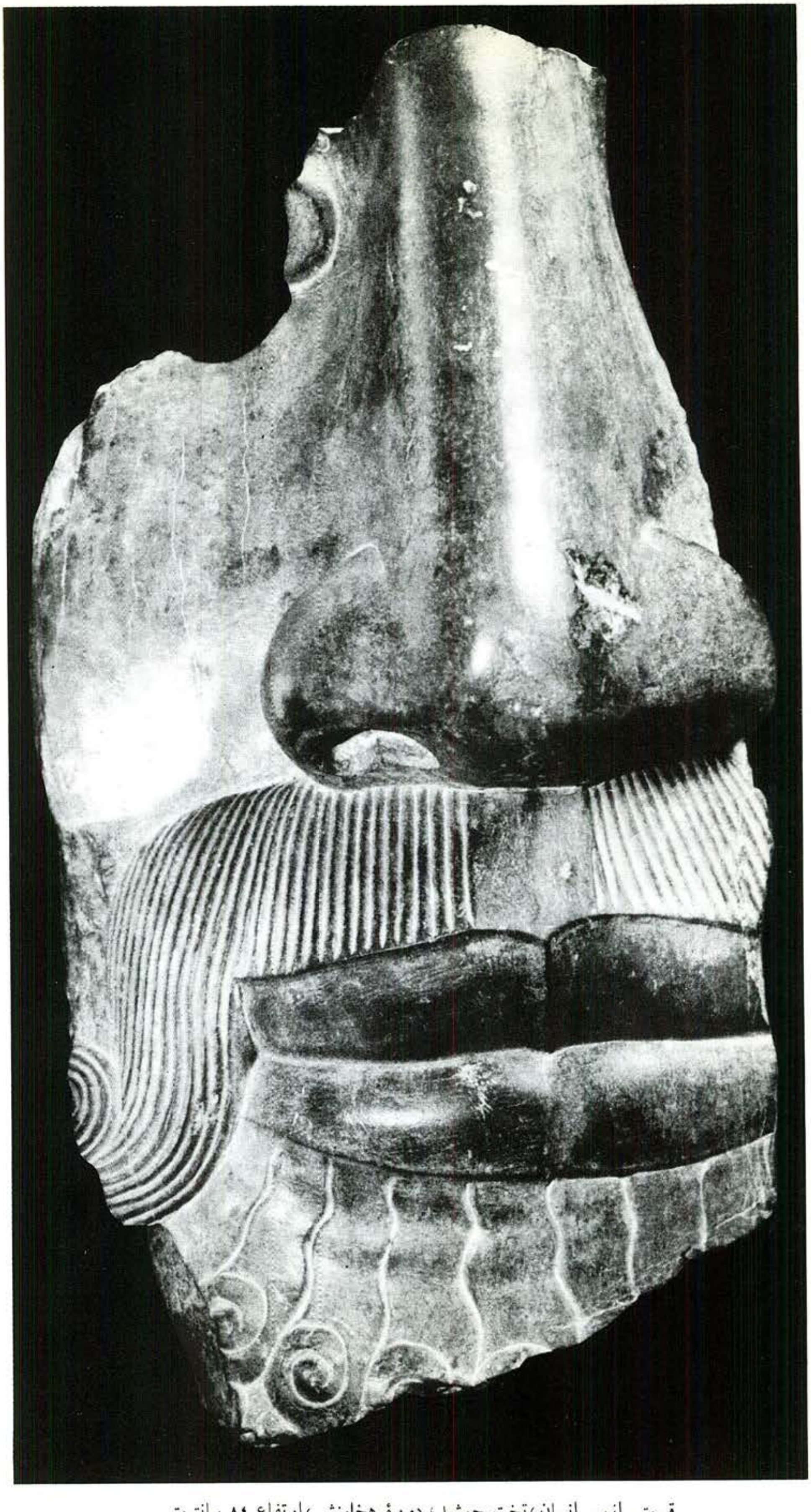
۳ ــ برروی ستون جـلوی‌عمارت شهرشاپور فارس‌به‌دوزبان‌ساسانی‌واشکانی کنده‌شده است .

کتیبهٔ اردشیر اول

درنقش رستم که‌به‌سه‌زبـان‌پهلـوی



سر نگهبان کاخ؛ نقش برجسته روی سنگ؛ تخت جمشید، دورهٔ هخامنشی، ارتفاع ۵۲ سانتیمتر
موزه هنرهای زیبا (بستن)



قسمتی ازسر انسان، تخت جمشید، دورهٔ هخامنشی، ارتفاع ۸٤ سانتیمتر
مؤسسه شرق شناسی ، شیکاگو

ساسانی و پهلوی اشکانی و یونانی نوشته شده است.

بیانیهٔ کورش بزرگ

کتیبه‌ای است از گل رس دارای ۴۵ سطر که قسمت بزرگی از آن محو شده است. این بیانیه در بابل، به زبان و خط بابلی انتشار یافته بود.

کتیبه‌ای دیگر از داریوش

وزنه‌ای است از مرمر سیاه که دوا کروشه وزن داشته است و بر سر قبر شاه نعمت‌الله در کرمان بوده و از آنجا به موزهٔ بریتانی نقل کرده‌اند. روی این سنگ به پارسی و عیلامی و آسوری کنده‌اند «دوا کرشه منم داریوش شاه بزرگ پسر ویشتاسب هخامنشی».

کتیبه‌ای دیگر از داریوش

مهری است چهارگوشه از داریوش استوانه شکل که پادشاه بر گردونه‌ای سوار است و به شکار شیر مشغول می‌باشد و روی آن مهر نبشته‌اند «من داریوش شاه‌ام»

کتیبهٔ وان

خشایارشا بر سنگی که به زمین عمود است و در ارک آن شهر واقع بوده است و آن را «ارتوقاپو» گویند کتیبه‌ای دارد که بسیار استادانه کنده گری شده. خشایارشا در این نوشته پس از ستایش هورمزد و معرفی خویش گوید داریوش کارهای زیادی انجام داد از جمله این سنگ را بفرمود تا صقال دادند اما چیزی بر آن نبشته نکرد، پس از او من این نبشته را فرمودم بر این سنگ بکنند، الی آخر.

کتیبه‌های همدان

درهمدان دو لوحه سنگ بنا از زر و سیم پیدا شد و دولت ایران آن را خریداری کرد، در آنجا داریوش حدود کشور خویش را مشخص می‌نماید.

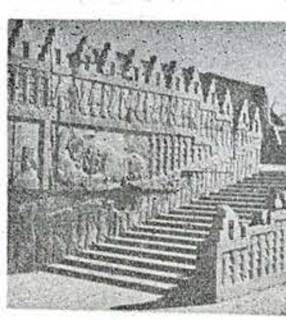
۲ ـ در همدان کتیبه‌ای از طرف اردشیر دوم بر پایهٔ ستونی که در موزهٔ بریتانی است به سه زبان نوشته شده است که خود و پدر و خانواده خویش را معرفی کرده است و اهورمزدا و آناهیتا و مهر را ستوده و از بنای اپدانه‌ای در همدان خبر می‌دهد که وی بنا گذارده است.

کتیبه‌های شوش

هخامنشیان در شوش ارک و قلعه و کاخ بزرگ و زیبایی داشته‌اند که ستون‌های سنگی شبیه به ستون‌های تخت جمشید و کاشی‌کاری‌های بسیار ممتاز در آن عمارت به کار برده شده بود و غالب این یادگارها در موزهٔ لوور پاریس موجود است در این ارک خشت‌هایی پیدا شد از گل رس که روی آن به خط میخی کتیبه‌هایی نوشته‌اند به سه زبان معهود و نسخهٔ بابلی (آسوری) از همه سالم‌تر مانده بود، آن را مأخذ ترجمه قرار دادند و پس از سالیان رنج و بررسی عاقبت در ۱۹۲۸ مسیحی بعد از سی سال تمام این نوشته‌ها خوانده و منتشر گردید این نوشته از داریوش بزرگ است که نخست وی این کاخ و ارک را آباد کرده است این کتیبه بعد از کتیبهٔ بیستون مهمترین نوشته‌ای است که از هخامنشیان به دست آمده است و اگر نوشته‌های خشتی تخت جمشید نیز خوانده شود سومین قسمت مهم این آثار شمرده خواهد شد. همچنین در شوش کتیبه‌های کوتاه دیگری بر پاسنگهای ستون، آجرها، کاشی‌ها، مجسمه‌ها و لوحه‌های سنگی و میزهای مرمر و اشیاء متفرق از داریوش پیدا شده است که این شاهنشاه را معرفی می‌نماید این یادگار نیز همه به سه زبان پارسی و عیلامی و آسوری می‌باشد. در شوش از خشایارشا و اردشیر سوم نیز کتیبه‌هایی یافت شده است که خود را معرفی می‌کنند و نام اپدانه و خدش و تچر و پردیس در ضمن ذکر ابنیه و کاخ‌ها برده می‌شود و معلوم می‌دارد که عمارات شوش باری آتش گرفته و ویران گردیده است و جانشینان داریوش از نو آن را عمارت کرده‌اند.

کتیبهٔ تخت‌جمشید

در وادی مرودشت که رود کر از میانش جاری است در دامنهٔ کوه رحمت پشت به مشرق بر کمر کوه چند کاخ عمارت بزرگ بوده است و شهری هم که به اغلب احتمالات پارس نام داشته و یونانیان آن را پرس پولیس خوانده‌اند در پیرامون این



تخت‌جمشید در فارس

عمارات وجود داشته است. این عمارات بر طبق کتیبه‌هایی که از داریوش و خشایارشا باقی مانده است هر کدام نامی خاص داشته، آنچه پیشاپیش پله و دروازهٔ ورود قرار دارد بارگاه شاهنشاهی و جایگاه پذیرایی فرستادگان و بار دادن همهٔ رعایای شاهنشاهی هخامنشی بوده — دیگر «اپدانه» نام داشت، قصر دیگر در دست چپ اپدانه واقع است که «صدستون» نام داشته است. دیگر کاخ «خدش» نام داشت و در سوی جنوبی اپدانه واقع بود چنین پنداشته‌اند که این کاخ اندرونی شاهنشاهی بوده است.

عمارت دیگر «تچر» است و آن کاخ کوچکتری بوده است در ضلع شمالی صفهٔ تخت جمشید که آن را قصر زمستانی یا «آفتاب‌کده» پنداشته‌اند ـ دو کتیبه از سکانشاه پهلوی و یک کتیبه از عضدالدوله فناخسرو دیلمی به خط کوفی و چند کتیبهٔ دیگر از آل مظفر و تیموریان در آنجا هست. سوای این چند کاخ بزرگ آثاری از معبد و خلوت‌ها و ابنیهٔ خرد و ریز دیگر نیز در آن صفه باقی است.

این بنا به دست داریوش در ۵۲۰ قبل از میلاد آغاز گردید و سپس داریوش ولیعهد خود خشایارشا را در حیات خود به تخت نشانید و اتمام ابنیهٔ نامبرده را به اهتمام وی باز گذاشت. در این ابنیه کتیبه‌هایی از داریوش و خشیارشا و ارتخشر سوم باقی است و اخیراً قریب سی هزار خشت مکتوب به خط میخی که نظیرش در شوش نیز به دست آمد در تخت جمشید پیدا شد و برای پختن و خواندن به فیلادلفی آمریکا ارسال گردید و نیز لوحه‌های زرین و سیمین که در زیر پایه‌های عمارت به عنوان سنگ یادگار بنا به خط میخی از داریوش به دست افتاده در موزهٔ ایران باستان در تهران موجود می‌باشد. این کاخ‌ها را اسکندر ملعون پس از ورود به پارس عمداً آتش زد.

در تنده کوه بیرون این عمارت نیز دو دخمه است و دخمهٔ سومین که گویا از آن داریوش سوم بوده ناتمام مانده است بر آن دو دخمه نیز نقوش و نام‌هایی کنده شده است.

کتیبهٔ الوند

در الوند دو کتیبه اول از داریوش بر کوه نزدیک روستای عباس آباد به قرب

همدان به‌سه‌زبان موجوداست که دارای‌دو بند می‌باشد. یکی درستایش‌اهورامزدا، دیگری در معرفی خود وپدرش ، کتیبهٔ دوم ازخشایارشا در دو بند درست‌مانند کتیبهٔ پدرش .

کتیبهٔ کرمان

در کرمان‌هرم کوچکی از سنگ‌پیدا شده‌که در پهلوهای آن‌سنگ به‌سه زبان کتیبه از داریوش نقش گردیـده است و او را و پدرش را نام می‌برد .

کتیبهٔ نقش‌رستم

در سه‌میلی تخت جمشید دخمه‌هایی بر بدنهٔ کوه‌کنده و تراشیده‌اند اینهاسه دخمه است که یکی روی دیگری به شکل چلیپا کنده شده است و ۲۴/۵ متر از زمین بلندتر است درقسمت‌بالای این آثار حجاریهای‌زیباوصورت‌داریوش و«گاس» و سریری که روی‌گاس نهاده شده و داریوش برآن ایستاده است‌نقش گردیده وکتیبه‌هم‌به‌امر داریوش درآنجا کنده شده است.

کتیبهٔ بیستون

این‌نوشته برتخته سنگی بزرگ‌در درهٔ‌کوچکی ازکوه معروف بـه بیستون «بغستان» ازطرف داریوش‌کنده‌شده‌است و در زیر نبشته‌ها صورت داریوش است که پای خود را روی‌مردمی که برزمین به‌پشت درافتاده است نهاده وکمان در دست دارد وپیش‌روی‌او نه‌نفر ازطاغیان به‌ریسمان بسته با جامه‌های گونـاگون دیده می‌شوند وبربالای صفه پیکرفروهر نمودار است وپشت سرداریوش دوتن از بزرگان ایستاده‌اند .

داریـوش دراین‌جـا دوکتیبه دارد یکی‌کتیبهٔ بزرگ به‌خط میخی‌و به‌زبان فارسی‌قدیم و عیلامی‌وبابلی در دو هزار کلمه ودیگرکتیبهٔ‌کوچك به‌زبان‌فارسی و وعیلامی‌ودرصدوپنجاه‌کلمه ، خلاصهٔ‌این نوشته‌هاشرح فتوحات داریـوش وفـرو نشاندن فتنهٔ بردیـای‌دروغین وداستان نه‌تن ازطاغیان می‌باشد ــ ایـن کتیبه از مهمترین‌کتیبه‌های هخامنشی است‌واز روی این نوشته‌ها قسمت بزرگی‌ازتاریخ هخامنشی روشن‌می‌گردد.

کتیبهٔ‌تنگهٔ سوئز

کتیبه‌ای‌که در تنگهٔ سوئز یافته‌اند از داریوش اول دارای هشتاد کلمه کـه بعضی ازآن‌ها محو شده است ، مضمون کتیبهٔ‌مذکور چنین‌است ــ بعدازعناوین والقابی‌که درهمهٔ‌کتیبه‌هـا معمول است گوید «داریوش شاه می‌گوید من‌پارسیم و به‌دستیاری‌پارسیان مصر را گشودم و فرمودم ازآب روانی‌که نیل‌نام‌داردودر مصرجاریست به‌سوی دریایی‌که از پارس به‌آنجامی‌روندا‌ین‌کانال رابکنندواین‌کانال کنده شد چنانکه من فـرمان دادم و روانه‌شدند ازمصرازدرون این‌کال‌به‌پارس چنانکه ارادهٔ من‌بود .

موزه‌های ایران

۱ ــ موزهٔ ایران باستان ،	تهران
۲ ــ موزهٔ‌مردم شناسی ،	تهران
۳ ــ موزهٔ استان قدس رضوی ،	مشهد
۴ ــ موزه‌های هنرهای تزیینی ،	تهران
۵ ــ موزهٔ شخصی محسن مقدم ،	تهران
۶ ــ موزهٔ شخصی محسن فروغی ،	تهران
۷ ــ موزهٔ اصفهان ،	اصفهان
۸ ــ موزهٔ‌کلیسای ارامنهٔ جلفا ،	اصفهان
۹ ــ موزهٔ تبریز ،	تبریز
۱۰ ــ موزهٔ فارس ،	شیراز
۱۱ ــ موزهٔ تخت جمشید ،	شیراز
۱۲ ــ موزهٔ قزوین ،	قزوین

چند موزه معروف جهان

موزهٔ آمار .

موزه‌ای در فرانکفورت (آلمان)، دارای‌آثار جالبی‌از نقـاشی ، مجسمه‌که به سال ۱۸۷۷ افتتاح شد .

موزهٔ راین‌لند .

موزه‌ای در بن (آلمـان) دارای آثار جالبی از تاریخ طبیعی که به سال ۱۸۲۰ گشایش یافت .

گالری ملی هنری.

موزه‌ای در **برلن** (آلمان) دارای مجموعه‌هایی از . نقاشی، مجسمه وکتاب که در سال ۱۸۷۶ تأسیس شد.

موزهٔ تولستوی .

موزه‌ای در روسیه مربوط به آثار تولستوی که‌در سال ۱۹۱۱ گشایش‌یافت.

موزهٔ مسکو.

موزه‌ای معروف‌که به سال ۱۸۷۳ گشایش یافت .

موزهٔ هنرهای ملی .

موزه‌ای در اتحاد جماهیر شوروی که به سال ۱۸۸۵ گشایش یافت .

موزهٔ هنری‌آلبرتینا .

موزه‌ای در وین (اتریش) دارای تابلوهای‌نقاشی‌ومینیاتورکه به‌سال ۱۷۷۶ گشایش یافت .

موزهٔ هنری زیبا .

موزهٔ معروفی در اتریش‌که درسال ۱۸۹۱ افتتاح شد .

موزهٔ وین .

موزه‌ای دراتریش‌که به‌سال ۱۸۸۷ گشایش یافت .

موزهٔ تاریخ نظامی .

موزه‌ای در اتریش‌که کتابخانه‌اش ۳۰۰۰۰ جلدکتاب‌داردودرسال ۱۸۵۰ گشایش یافت .

موزهٔ‌آکادمی هنرهای زیبا .

موزه‌ای در وین (اتریش) دارای تابلوها و مجسمه‌های معروف‌که بـه‌سال ۱۸۲۰ گشایش یافت .

گالری هنری کنت سرنین .

موزه‌ای در **وین** (اتریش) دارای تابلوهای نقاشی معروف‌که‌به‌سال ۱۸۰۰ گشایش یافت .

موزهٔ ملی‌نقاشی ومجسمه‌سازی.

موزه‌ای در اسپانیا که به سال ۱۸۱۹ گشایش‌یافت.

پرادو .

موزهٔ ملی نقاشی و پیکر تـراشی اسپانیا، در مادرید . یکی ازبهترین‌این گونه موزه‌ها در اروپا است . ساختمان آن درزمان‌کارلوس ــIII آغاز شد، ودر دورهٔ‌فردیناندVII به‌پایان‌رسید(۱۸۳۰م) شاهکارهای‌بیماننـدی‌ازسبکهای‌اسپانیایی، فلاندری ، و ونیزی درآن محفوظ‌است.

موزهٔ انسان شناسی و مردم شناسی .
موزهٔ معروفی درمادرید (اسپانیا) که بهسال ۱۸۷۵م گشایش یافت .
موزهٔ ملی باستانشناسی .
موزهٔ معروفی در اسپانیا که بهسال ۱۸۶۷م گشایش یافت .
موزهٔ ویکتوریاو آلبرت
موزه‌ای درلندن (انگلستان) دارای آثار هنری ملتهای مختلف دنیا که بهسال ۱۸۵۲م گشایش یافت .
موزهٔ علمی .
موزه‌ای درلندن (انگلستان) دارای آثارعلمی که بهسال ۱۸۷۵م گشایش یافت.
موزهٔ لندن.
موزه‌ای در لندن (انگلستان) دارای آثار و اسنادی از تاریخ شهر لندن که به سال ۱۹۱۲م گشایش یافت .
موزهٔ کتابخانهٔ هورنیمن .
موزه‌ای در لندن (انگلستان) که به سال ۱۹۰۱م گشایش یافت .
بریتیش میوزیم .
از موزه‌های معروف جهان درلندن (انگلستان) که به سال ۱۷۵۳م افتتاح شد وساختمان فعلی آن از ۱۸۲۳م گشایش یافته است .
موزهٔ ماساچوست .
موزه‌ای معروف در ایالات متحدهٔ آمریکا که درسال ۱۸۶۶م گشایش یافت.
موزهٔ متروپولیتن.
موزه‌ای در نیویورك که علاوه بر آثار باستانی کتابخانهٔ بزرگی نیز بضمیمه دارد ، این موزه درسال ۱۸۷۰م گشایش یافت .
موزهٔ هنرهای زیبای بوستون .
موزه‌ای در ایالات متحدهٔ آمریکا دارای آثار جالبی از نقاشی ومجسمه کشورهای شرقی، این موزه درسال ۱۸۷۰م افتتاح شد .
موزهٔ بالتیمور .
موزه‌ای در ایالات متحدهٔ آمریکا که تابلوهای نقاشی آن معروف است ، این موزه درسال ۱۹۱۴م گشایش یافت.
موزهٔ وکتابخانهٔ آلاسکا .
موزه‌ای در ایالات متحدهٔ آمریکا مربوط به زندگی مردم آلاسکا و دارای کتابخانهٔ معتبری است، این موزه درسال ۱۹۲۰م افتتاح شد .
موزهٔ تاریخ طبیعی شیکاگو .
موزه‌ای درشیکاگو (آمریکا).

انستیتوی هنر شیکاگو .
موزه‌ای در شیکاگو (آمریکا).
موزهٔ تئودور روزولت .
موزه‌ای در نیویورك (آمریکا).
موزهٔ شهر نیویورك .
موزه‌ای مربوط به تاریخ شهر نیویورك (آمریکا) .
موزهٔ هندیهای سرخ پوست .
موزه‌ای در نیویورك (آمریکا).
موزهٔ هنر مدرن .
موزه‌ای در نیویورك (آمریکا) .
موزهٔ یهودیها ،
موزه‌ای درنیویورك (آمریکا) .
گوکنهایم میوزیم .
موزه‌ای در نیویورك (آمریکا) .
بروکلین میوزیم .
موزه‌ای در نیویورك (آمریکا) .
آمریکن میوزیم .
موزه‌ای در نیویورك (آمریکا).
موزهٔ باراکو .
موزه‌ای در روم (ایتالیا) دارای مجسمه‌های معتبر که بهسال ۱۹۰۵ گشایش یافت .
موزهٔ چاپ روم .
موزه‌ای در ایتالیا مربوط به آثار چاپی از قرن ۱۴ تا عصر حاضر .
موزهٔ ملی روم .
موزه‌ای در ایتالیا که بهسال ۱۸۸۹ افتتاح شد .
موزهٔ سن مارتینو .
موزه‌ای درایتالیا دارای تابلوهای نقاشی که در سال ۱۸۷۲ افتتاح شد .
موزهٔ ناپل .
موزه‌ای در ایتالیا دارای آثار خرابه‌های پومپئی ونقاشی‌های معتبر که در قرن ۱۸ تأسیس شد .
موزهٔ مودنا.
موزه‌ای در ایتالیا دارای تابلوهای گرانقیمت که درقرن ۱۵ تأسیس شد .
موزهٔ آمیلان .
موزه‌ای در ایتالیا دارای تابلوهای معروف که بهسال ۱۸۷۹ افتتاح شد .
موزهٔ ملی و باستانشناسی سیواداال .
موزه‌ای در ایتالیا دارای آثار معتبری از ماقبل تاریخ که بهسال ۱۸۲۰ افتتاح شد .
موزهٔ ملی بولونی .
موزه‌ای در ایتالیا دارای تابلوهای نقاشی جالبی از قرن‌های ۱۴ تا ۱۸ که بهسال ۱۸۰۸م افتتاح شد .
موزهٔ شهر لیسبون .
موزه‌ای در بلژیك که بهسال ۱۹۴۲م افتتاح شد .
موزهٔ هنرهای مقدس .
موزه‌ای معروف در بلژیك دارای آثار نقاشی وگلدان‌های گران قیمت که بهسال ۱۸۹۸م افتتاح شد.
خانهٔ روبنسون .
موزه‌ای در **آنتورپ** که آثار نقاش معروف بلژیکی روبنسون در آن ضبط است و درسال ۱۹۴۶م افتتاح شده است.
موزهٔ مجسمه .
موزه‌ای در **آنتورپ** (بلژیك) دارای مجسمه‌های ارزنده .
موزهٔ سلطنتی هنرهای زیبا .
موزه‌ای در **آنت ورپ** (بلژیك) دارای آثار نقاشی وکتاب که درسال ۱۸۱۰م افتتاح شد .
موزهٔ باستانشناسی .
موزه‌ای معروف در پرتغال که در سال ۱۸۸۶م افتتاح شد .
موزهٔ ملی هنرقدیم .
موزه وکتابخانه‌ای در پرتغال که بهسال ۱۸۸۳م افتتاح شده‌است.
موزهٔ ملی پراك .
موزه‌ای از آثار: نقاشان، مجسمه‌سازان وموسیقی‌دانان قرون وسطی در چکوسلواکی که در سال ۱۸۱۸م افتتاح شد .
گالری هنری ملی .
موزه‌ای از آثار نقاشان و مجسمه‌سازان در شهر پراك (چکوسلواکی) که بهسال ۱۷۹۵ افتتاح شد .
موزهٔ شهرداری پراك .
موزه‌ای درچکوسلواکی مربوط به تاریخ پراك .
موزهٔ ملی .
موزه‌ای درکپنهاك (دانمارك) که دارای آثار عتیقهٔ فراوان است ودرسال ۱۸۰۷ افتتاح شد .
موزهٔ سلطنتی هنرهای زیبا .
موزه‌ای درکپنهاك (دانمارك) دارای آثار نقاشان معروف جهان .
موزهٔ ملی علوم .
موزه‌ای درژاپون که بهسال ۱۹۳۱م افتتاح شد .

موزهٔ‌ملی .

موزه‌ای در ژاپون‌شامل آثارهنری درطول تاریخ .

موزهٔ‌ملی‌شهر استکهلم .

موزه‌ای درسوئد که درسال ۱۹۴۲م افتتاح شد .

موزهٔ‌تاریخی استاتنس .

موزه‌ای در استکهلم (سوئـد) که به‌سال ۱۸۷۴م افتتاح شد .

موزهٔ ملی .

موزه‌ای در استکهلم (سوئد) که درسال ۱۷۹۲م افتتاح شد .

موزه‌هنری‌تاریخی .

موزه‌ای در ژنو(سویس) که به‌سال ۱۹۱۰م افتتاح‌شد .

موزهٔ مردم شناسی .

موزه‌ای درسویس که به‌سال ۱۸۶۲م افتتاح شد .

موزهٔ لوور .

موزه‌ای‌درفرانسه که به‌سال ۱۷۹۳م افتتاح‌شد ویکی از چند مـوزهٔ معروف دنیا است .

خانهٔ‌ویکتورهوگو .

موزه‌ای مربوط به‌زندگی و آثـار هوگو درفرانسه که به‌سال ۱۹۰۳م‌افتتاح شد .

موزهٔ‌ملی‌ورسای .

موزه‌ای در فـرانسه ازآثارهنری.

موزهٔ ابنیه‌های تاریخی .

موزه‌ای‌درفرانسه که به‌سال ۱۶۳۵م افتتاح شد .

موزهٔ‌ملی‌تاریخ‌طبیعی .

موزه‌ای‌ازحیوان‌شناسی، گیاهشناسی، معدن شناسی وغیره که دارای ۴۸۰هزار جلدکتاب است. این‌موزه درسال ۱۶۳۵م افتتاح‌شد .

موزهٔ نجوم .

موزه‌ای درفرانسه که به‌سال ۱۶۶۷م افتتاح شد .

موزهٔ نظامی .

موزه‌ای مربوط به‌آثار نظامی‌قدیم‌و دورهٔ ناپلئون که به‌سال ۱۶۷۰م درفرانسه افتتاح شد .

موزهٔ نظامی‌لهستان

موزه‌ای در لهستان که به‌سال ۱۹۲۰م افتتاح‌شد .

موزهٔ ملی .

موزه‌ای‌در لهستان که به‌سال ۱۸۶۱م افتتاح‌شد .

موزهٔ تاریخی .

موزه‌ای‌در لهستان‌مربوط به‌شهرورشو که درسال ۱۴۹۷م افتتاح شد .

موزهٔ باستانشناسی .

موزه‌ای درلهستان که‌درسال ۱۹۲۸م افتتاح شد .

موزهٔ‌هنرهای‌زیبای‌مجارستان .

موزه‌ای‌دربوداپست که آثاری‌ازمصر قدیم دارد ودر سال ۱۸۹۲م افتتاح‌شد.

موزهٔ‌مردم‌شناسی .

موزه‌ای در مجـارستان که به‌سال ۱۸۷۶م افتتاح شد.

موزهٔ تاریخی بوداپست .

موزه‌ای در مجارستان کـه به‌سال ۱۸۸۶م‌افتتاح شد .

موزهٔ‌هنرهای اسلامی.

موزه‌ای در قاهره(مصر) که درسال ۱۸۸۱م‌افتتاح شد .

موزهٔ‌مصر .

موزه‌ای درقاهره در سال ۱۹۰۰م افتتاح شد .

موزهٔ‌آثارقدیمی‌شمال .

موزه‌ای در اسلو(نروژ) که به‌سال ۱۸۲۸م‌افتتاح شد .

موزهٔ مردم نروژ .

موزه‌ای در اسلو (نـروژ) بسیار معروف و دیدنی که به‌سال ۱۸۹۴م‌افتتاح شد .

موزهٔ‌هنری .

موزه‌ای در نروژ دارای‌آثارهنری که‌به‌سال ۱۸۷۶م‌افتتاح‌شد.

گالری‌سلطنتی تصاویر .

موزه‌ای در لاهـه (هلند) دارای آثار معروف نقاشی که به سال ۱۸۲۱م افتتاح شد .

موزهٔ کشوری‌آمستردام .

موزه‌ای مشهوردر هلندکـه به‌سال ۱۸۰۸م‌افتتاح شد .

موزه‌وگالری‌تصاویر بارودا .

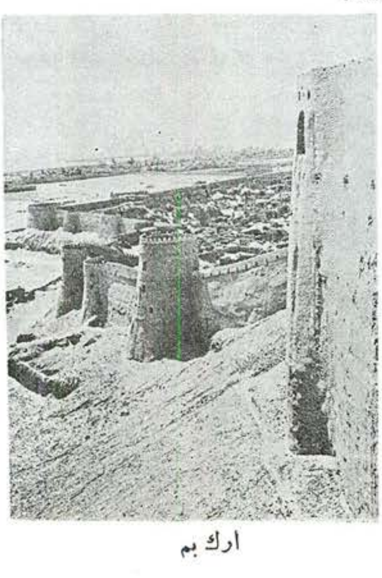
موزه‌ای معروف درهند که درسال ۱۸۹۴م افتتاح شد .

موزهٔ‌ملی مدرس

موزه‌ای مربوط به‌مجسمه‌های‌پیروان بودا و گیاهشناسی و جانور شناسی که به‌سال ۱۸۵۱م افتتاح شد.

موزهٔ دولتی .

موزه‌ای در دهلی‌نو (هندوستان) دارای آثارهنری که‌به‌سال ۱۹۴۸م‌افتتاح شد .



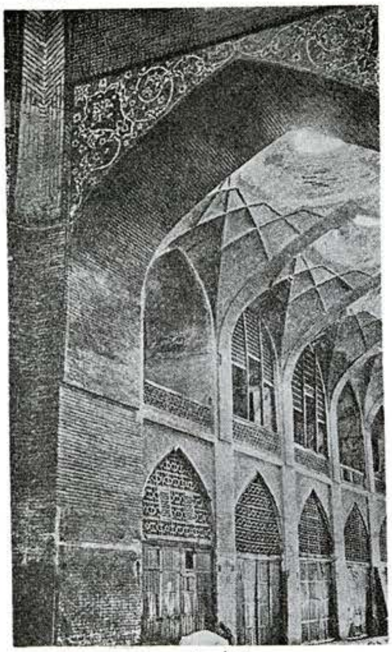
ارك بم

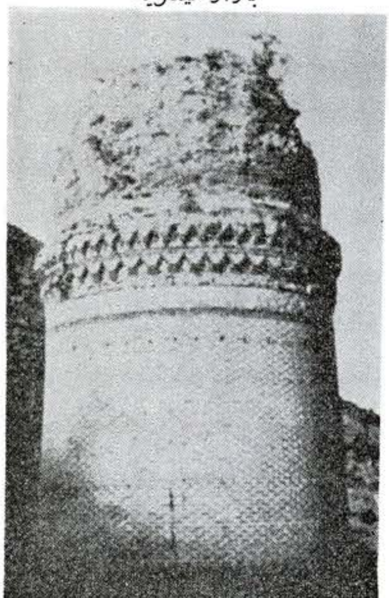
آثار باستانی ایران

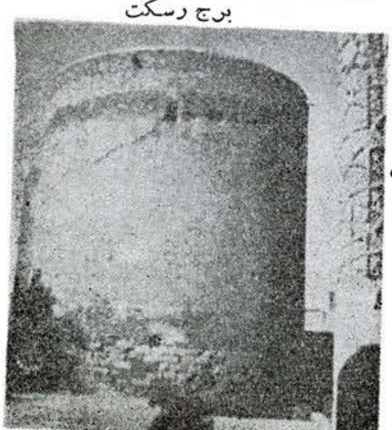
مساجد وآرامگاهها را در بخش‌ادیان و شرح چندکاخ سلطنتی‌را دربخش تاریخ ملاحظه فرمایید .

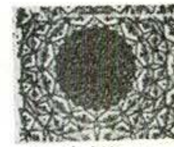
آثار باستانی	زمان ساختمان	محل
آپادانا ، تالار	هخامنشیان	شیراز
اتلال	عیلامی و ساسانی	بوشهر
ارك بم	(قبل از قرن پنجم)	بم
ارك علیشاه	قرن ۸ هجری	تبریز
ارك کریم‌خان‌زند	زندیه	شیراز
اسدآباد. خرابه‌ها	ساسانی	اسدآباد ــ همدان
اطاق‌فرهاد	قرن‌اول ق م.	کنگاور
اکباتان. (هکماتانه)	قرن۷ ق م.	همدان

آثار باستانی	زمان ساختمان	محل
اندرکش (اندرقاش، ویرانه	آشور	مهاباد
ایوان کرخه ، (کاخ)	ساسانی	دزفول
بازار ابراهیم خان	قاجار	کرمان
بازار اختیاری	قرن ۸ هجری	کرمان
بازار قیصریه	صفوی	اصفهان
بازار قیصریه	صفوی	لار ــ فارس
بازار وکیل	قرن ۱۲ هجری	شیراز
باغشاه فین	صفویه ـ زندیه	کاشان
باغ هفت تن	قرن ۱۲ هق	شیراز
برج رادگان	۴۰۷ هق	کردکوی ــ گرگان
برج رسکت	قرن ۵ هجری	شاهی
برج طغرل	سلجوقی	شهرری ـ تهران
برج مدور آجری	سال ۵۶۳ هق	مراغه
برج نقاره خانه	دورهٔ سلجوقی	ری (تصویر در صفحه بعد)
برج کرات	قرن پنجم هجری	گلشن (طبس)
برم دلك (حجاری ساسانیان) ۶ کیلومتری قصرابونصر شیراز		
بغستان	هخامنشی ــ ساسانی	بیستون ــ کرمانشاه
بیت یوناکی، ویرانهٔ	آشور	هلیلان ــ لرستان
پازارگاد	هخامنشیان	شیراز
پامنار ، مناره	۱۳ ه ق	تهران
پل کشگانرود	۳۸۹ ه ق	لرستان به امر: ابوالنجم بدر ــ ابن حسنویه
سی وسه پل (اللهوردیخان)	۱۰۱۱ هق	اصفهان
پل ساسانی	ساسانی	۸ کیلومتری ایوان کرخهٔ دزفول
بند قیصر (شادروان)	شاپور دوم	شوشتر
بند امیر	۳۶۵ ه ق بانی ، عضدالدولهٔ دیلمی	مرودشت
پل دختر	قرن هشتم	زنجان
پل الله وردی خان (سی وسه پل) قرن ۱۲		اصفهان
پل برسك (کشکانرود)	قرن ۴ هجری	لرستان
پل خواجو	قرنهای (۹ و ۱۱ و ۱۳)	اصفهان
پل دختر (برروی قزل اوزن)	مغول	نزدیك میانه، آذربایجان شرقی
پل ساسانی	ساسانی	فیروزآباد
پل ساسانی (پل میزان)	ساسانی	شوشتر
پل ساسانی	ساسانی	دزفول
پل شادروان (شوشتر)	ساسانی	شوشتر
پل شهرستان	دیلمیان	اصفهان
پل میزان	ساسانی	شوشتر


بازار قیصریه

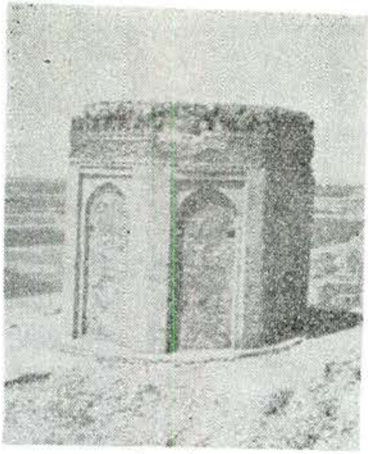

برج رسکت


برج مدور آجری



سقف تالار اشرف

آثار باستانی	زمان ساختمان	محل
پل والرین	ساسانی	شوشتر
تالار اشرف	صفوی	اصفهان
تالار الماس	دورهٔ ناصری	کاخ گلستان ــ تهران
تالار تیموری	صفوی	اصفهان
تپهٔ آلب ارسلان	سلجوقی	نیشابور
تپهٔ آوه	اوایل اسلام	۴۰ کیلومتری ساوه
تپهٔ تورنگ	۳ هزار سال ق م	دشت گرگان
تپهٔ حصار	۳ هزار سال ق م	دامغان
تپهٔ سیالك (بزرگ و کوچك)	۳ تا ۴ هزار ق م	کاشان
تپهٔ گلدان	عیلامی	خرم آباد
تپهٔ گودین	قبل از اسلام	کنگاور کرمانشاهان
تپهٔ مارلیك (چراغعلی تپه)	(هزاره اول قبل از اسلام)	رحمت آباد . رودبار
تپهٔ میل	ساسانی	ری ــ جادهٔ ورامین
تپهٔ هلیلان، گورستان	آشوری	لرستان
تچر (کاخ داریوش)	قرن ۵ ق م	فارس
تخت خورشیدی تخت طاووس		کاخ گلستان ــ تهران
تخت رستم (معبد)	اشکانی	رباط کریم ــ تهران
تخت سلیمان (تکاب)	ــ	میاندوآب
تخت سلیمانی (تخت مرمر)	۱۲۲۱ ه ق	عمارت تخت مرمر تهران
تخت شیرین	ساسانی	بیستون ــ کرمانشاه
تخت طاووس	قاجاریه	کاخ گلستان ــ تهران
تخت مادرسلیمان (قصر ابونصر)	ساسانیان	شیراز
تخت مرمر (تخت سلیمانی)	۱۲۲۱ ه ق	عمارت تخت مرمر ــ تهران
تخت نادری (تخت طاووس)		کاخ گلستان ــ تهران
تخماق تپه	(۲ تا ۳ هزار سال ق م)	دشت گرگان
تکیه میرچخماق (مصلی)	(قرن ۱۰ هجری)	یزد
تل بکسایه	عیلام به بعد	پشتکوه لرستان
تل تارهان	عیلام	سیمره پشتکوه ــ لرستان
تل خریز	عیلام به بعد	پشتکوه ــ لرستان
تل شیروان	عیلام	سیمره پشتکوه ــ لرستان
تل لالار	عیلام	سیمره پشتکوه ــ لرستان
تل لورت	عیلام	سیمره پشتکوه ــ لرستان
تنگ سولك	۲۵۴ ق م	کوهستان بختیاری
تورنگ تپه، خرابه	(۳ هزار سال قبل از میلاد)	دشت گرگان
جرجانیه، خرابه	اسلامی	دشت گرگان
چراغعلی تپه (مارلیك)	هزارهٔ اول قبل از میلاد	رودبار
چهار باغ، خیابان	صفوی	اصفهان
چهارطاق	ساسانی	نورآباد
چهارپادشاه، عمارت	صفوی	لاهیجان
چهل دختران	۴۶۶ ه ق	دامغان
چهلستون، عمارت	صفوی	قزوین
چهلستون کاخ	صفوی	اصفهان



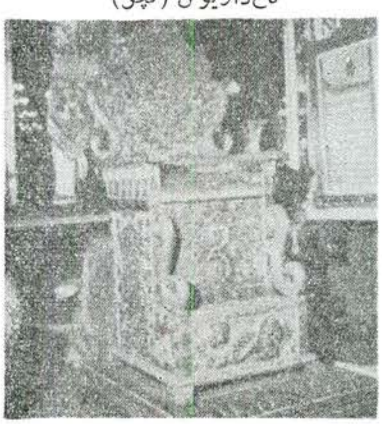
برج نقاره خانه



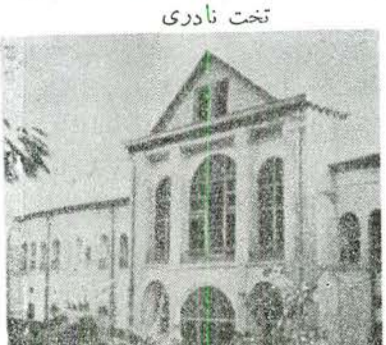
کاخ داریوش (تچر)



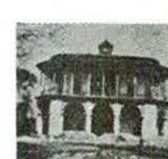
منظرهٔ عمومی تخت سلیمان



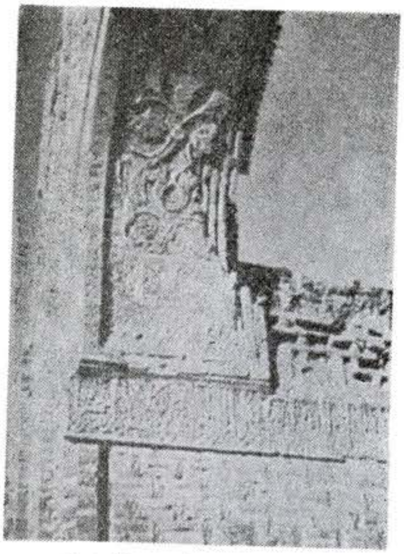
تخت نادری



کاخ صاحبقرانیه



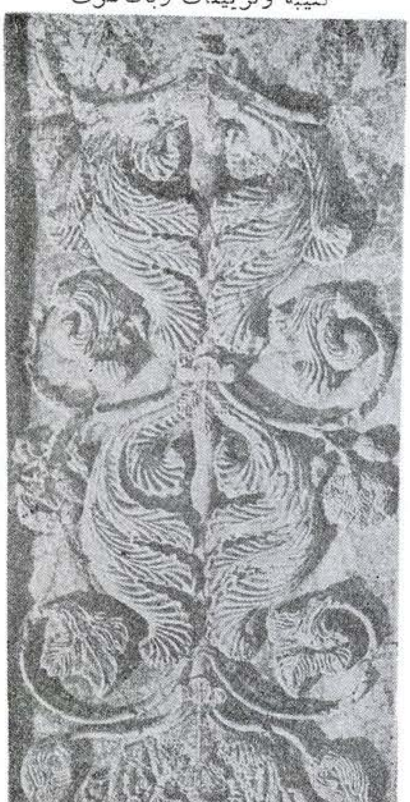
کاخ چهلستون



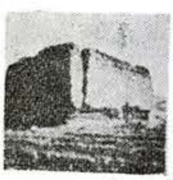
کتیبه وتزیینات رباط شرف



دو گنبد بسطام



حجاریهای جبههٔ طاق بزرگ (طاق بستان)



زندان‌هارون



سرخه حصار



شیرسنگی



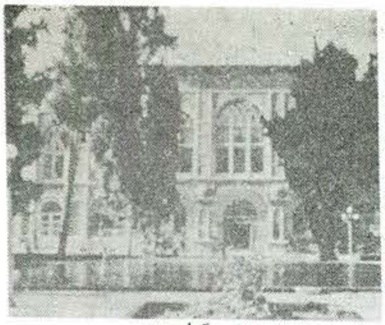
عمارت‌خورشید

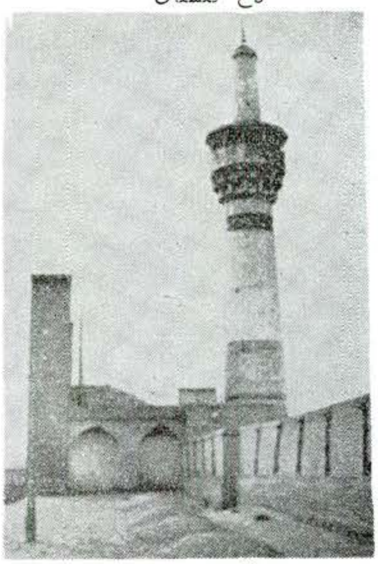
آثار باستانی	زمان ساختمان	محل
حجاری ونقوش	عیلام ، اشکانی	ایذه ــ بختیاری
حمام ابراهیم‌خان	صفوی	کرمان
حمام‌علیقلی آقا	قرن ۱۲ هجری	اصفهان
حمام وکیل	قرن ۱۲ هجری	شیراز
حوش‌کوری	ساسانی	قصر شیرین
خان تخته، نقوش‌حجاری	ساسانی	شاهپور ــ آذربایجان
خرابه‌های سامانی	سامانی	هرسین
خرابه‌های‌ساسانیان	ساسانی	بهبهان
خلمان‌قدیم	آشور	سرپل ذهاب ــ کرمانشاه
دخمه	ماد	صحنه ــ کرمانشاه
دخمهٔ اطاق فرهاد	ماد	سرپل ذهاب ــ کرمانشاه
دخمهٔ دکان داود	مادها	سرپل ذهاب‌ــ کرمانشاه
دخیه (قلعه‌درب)	ساسانی	دارابگرد فارس
دره شهر ، خرابه‌های	عیلام ــ ساسانی	سیمره پشتکوه‌ــ لرستان
درب‌کوشك	قرن ۹ ه	اصفهان
دروازهٔ ارگ	قاجاریه	سمنان
دروازهٔ قدیم‌تهران	قاجار	قزوین
دروازهٔ کوشك	قاجار	قزوین
دوگنبد بسطام	۷۰۰ ه ق	بسطام
دومنارهٔ دارالضیافه	قرن ۸ هجری	اصفهان
دومنارهٔدردشت	قرن ۸ هجری	دردشت ــ اصفهان
رباط شرف	۵۴۹ هجری	سرخس‌ــ مشهد
ریشهر (ریواردشیر)	عیلامی وساسانی ۲۰۰۰ قم	بوشهر
زرنج، ویرانهٔ	اشکانی	سیستان
زندان هارون	قرن ۴ هجری	ری ــ تهران
سرای‌گنجعلی خان	صفوی	کرمان
سرخه حصار ، کاخ	۱۳۰۷ هق	تهران
سردربازار	صفوی	اصفهان
سقاخانهٔ اسمعیل‌طلایی	صفوی ــ قاجاریه	مشهد
سلطنت آباد	قرن ۱۳ ه	شمیران‌ــ تهران
سنگر آغامحمدخان	قاجاریه	کرمان
سلیمان‌تپه	عیلام	لرستان
سلیمانیه، کاخ	قاجاریه	کرج
شاه‌گلی	قاجاریه	تبریز
شاهین‌آباد	عیلامی	خرم آباد
شکارگاه‌خسروپرویز	ساسانی	بیستون کرمانشاهان
شمس‌العماره	۱۲۸۴هق	خیابان ناصرخسرو ــ تهران
شهر صددروازه	(هکاتم پیلس) پارتیها	دامغان
شیخ خان ، حجاری	۳۰۰۰ سال ق م	قصر شیرین
شیرسنگی	ماد ــ هخامنشی	همدان
شیروان	ساسانی	لرستان
صاحبقرانیه ،کاخ	۱۳ هق	نیاوران‌ــ تهران

آثار باستانی	زمان ساختمان	محل
طاق اشکانی	(۱۲۴ ـ ۸۷ ق م)	بیستون کرمانشاهان
(تصویر گودرز تیرداد، مهرداد دوم)		
طاق بستان	ساسانی	طاق بستان ـ کرمانشاه
طاق گرا	اشکانی وساسانی	قصبه سرپل ـ پاطاق
طاق نصرت	دورهٔ ساسانی	رامهرمز
عالی قاپو ، کاخ	صفوی	اصفهان
عمارت تخت مرمر	زندیه ، قاجاریه	تهران
عمارت خورشید	۱۱۵۰ هجری	دره گز
عالی‌قاپو	(شاه طهماسب صفوی)	قزوین
عمارت‌هفت تن‌وباغ	قرن ۱۲ هـ	شیراز
غارشگفت سلمان	عیلامی	۴۰ کیلومتری ایذه
غارکرفتو	اشکانی	خاك افشار ـ کردستان
فقرگاه (دخمه سنگی)	ماد	مهاباد ـ آذربایجان‌غربی
فیروزآباد، کاخ	ساسانی	فیروز آباد ـ فارس
قصرابونصر (تخت‌سلیمان)	دورهٔ اشکانی و ساسانی	شیراز
قصر جمهور بابك	قرن دوم هجری	بین‌مشکین‌شهر واهر ـ آذربایجان
قصر شیرین ، کاخ	ساسانی	قصر شیرین ـ کرمانشاه
قلعهٔ دختر	ساسانیان	فیروز آباد
قلعهٔ درب (دخیه)	ساسانی	دارابگرد ـ فارس
قلعهٔ ضحاکی	پیش از تاریخ	فسا ـ فارس
قلعهٔ طبرك	(۱۳۲ ـ ۶۵۶ هق)	ری
قلعهٔ کژدم	(عیلامی)	۴۰ کیلومتری ایذه
قلقاتپه	عیلام به بعد	پشتکوه ـ لرستان
قیصریه	صفویه	لار
کاخ ابیض	قاجاریه	تهران
کاخ‌داریوش (تچر)	قرن۵ قم. قبل از میلاد	فارس
کاخ اشکانی	اشکانیان	چشمه علی ـ ری
	(دیوارقلعه‌وگورستان)	
کاخ‌ساسانی	ساسانی	سروستان ـ فارس
کاخ‌ساسانی	۲۴۱ ـ ۲۷۱ میلادی	فیروزآباد فارس
کاخ‌ساسانی	ساسانی	داراب ـ فارس
کاخ شاهپور	(۲۴۱ـ۲۷۱ میلادی)	هرسین کرمانشاهان
کاخ‌سلیمانیه	قاجاریه	کرج
کاخ صفی آباد	(شاه عباس‌اول)	بهشهر
کاخ‌گلستان	زندیه ـ قاجاریه	تهران
کاروانسرای‌پاسنگان	قرن ۱۳ هـ ق	قم ـ کاشان
کاروانسرای‌عین‌الرشید	صفوی	ورامین
کاروانسرای‌فتحیه	صفوی	اصفهان
کاروانسرای‌گز	سلجوقی	قریهٔ گز ـ اصفهان
کاروانسرای مهیار	صفوی	قریهٔ مهیار ـ اصفهان
کاروشینکا ، شهرقدیمی	آشور	مهاباد


قلعهٔطبرك


کاخ‌اشکانی


کاخ گلستان


گلدسته‌زرین


گنبدجبلیه کرمان


گنبد سلطانیه



تنگ ، با نقش نیلی و سرخ وطلائی ، قرن هشتم ، ارتفاع ۳۰ سانتیمتر - متعلق به ه . کورکیان

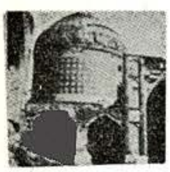


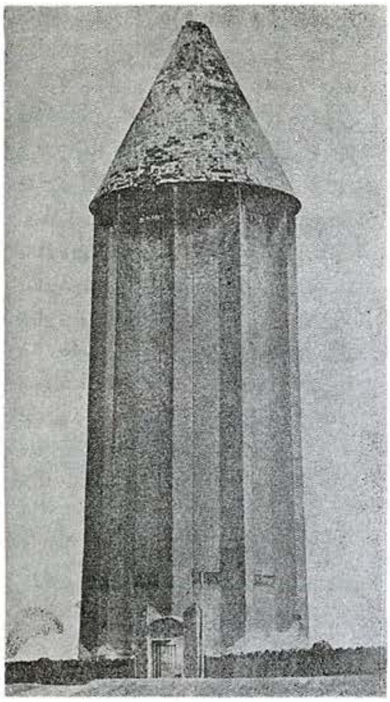
تنگ، مشرق ایران ، مفرغ کنده کاری وموصع ، قرون ششم وهفتم هجری . ارتفاع ۲۹ سانتیمتر
موزهٔ هنری کلوکند

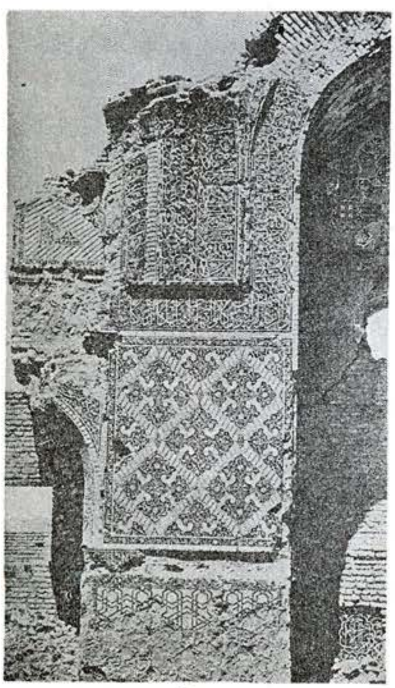

ستون‌شین


گنبدسرخ‌سلجوقی


گنبد غفاریه


گنبدکبودنادری

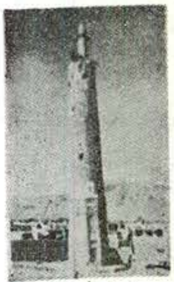

گنبدقابوس


مسجد کبود

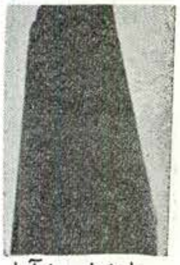
آثار باستانی	زمان‌ساختمان	محل
کامبادنهٔ قدیم ، شهر	ساسانی	حوالی طاق‌بستان ــ کرمانشاه
کتیبهٔ اردشیر بابکان	ساسانی	نقش رستم ــ شیراز
کتیبهٔ گنجنامه	هخامنشی	عباس‌آباد ــ همدن
کلاه فرنگی کریمخان	زندیه	شیراز
کله‌شین، ستون	۸۱۴ ق‌م .	بین‌راه‌رواندوزواشتویه ــ نقده
کورانگون ، نقوش	۲هزار سال‌قم	ممسنی(سراوان ــ مهلیان)
کوشك کریم‌خان زند	زندیه	شیراز
گرگان، خرابهٔ	اسلامی	گرگان
گلدستهٔ زرین	قرن‌هفتم	مشهد
گلستان ، کاخ	قرن۱۲و۱۳ هـ .	تهران
گنبد جبلیه	سلجوقی	کرمان
گنبدسبز	صفویه	کرمان
گنبدسرخ	قرن۶هجری	مراغه
گنبدسلطانیه	۷۱۳ هـ ق	سلطانیه
گنبدشیخ‌جنید	قرن۶ هجری	یزد
گنبدغفاریه	قرن هشتم	مراغه
گنبدقابوس	آل‌بویه	گنبدقابوس
گنبدکبود	۱۱۵۵ هجری‌قمری	کلات درهٔ‌گز
گنبدهارونیه	۸هجری(امویان)	طوس
مادا کتو(دره‌شهر)	عیلامی	لرستان
مجسمهٔ شاپورساسانی	ساسانی	شاپور
محراب ابوسعید مغول	ایلخانان	مرند
مدرسهٔ بالاسر	تیموری	مشهد
مدرسهٔ پیراد	تیموری	مشهد
مدرسهٔ خان	زندیه	شیراز
مدرسهٔ دودر	(قرن۹هجری)	مشهد
مدرسهٔ گنجعلی‌خان	صفویه	کرمان
مدرسهٔ مادرشاه	صفوی	اصفهان
مرمر ، عمارت	قرن۱۲و۱۳ هـ‌ق	تهران
مصلی(تکیهٔ میرچخماق)	قرن۱۰ هجری	یزد
مصلی	قرن۱۱ هجری	مشهد
مطبخ خسرو پرویز	ساسانی	الوند ــ همدان
معبد بدرنشانده	دورهٔ اشکانی	میدان‌نفت
معبد پازاگاد	هخامنشیان	شیراز
معبد سلوکیه	سلوکیها	کاشان
معبد سلوکیها	سلوکیها	کرمانشاه
مغارهٔ سلمان	عیلامی	۴۰ کیلومتری‌ایذه
مغارهٔ شیخ‌علی	آثاری از خط پهلوی	استخر شیراز
منار	سلجوقی	تایباد
منارجنبان	قرن۸هجری	کارلادان ــ اصفهان
مناره	قرن ۱۳ هجری	پامنار ــ تهران
مناره	قرن۶ هجری	سبزوار
منارهٔ آجری	سلجوقی	خرم‌آباد
منارهٔ باغ قوشخانه	مغول	اصفهان
منارهٔ پایه سنگی	قرن۵(اتابکان‌لر)	خرم‌آباد
منارهٔ پنجهٔ شاه	قرن ۵ هجری	امامزادهٔ پنجه شاه ــ کاشان
منارهٔ چهل دختران	سلجوقی	اصفهان



منارهٔ ساربان



منارهٔسلجوقی



منارهٔ فیروزآباد



میل اخنجان

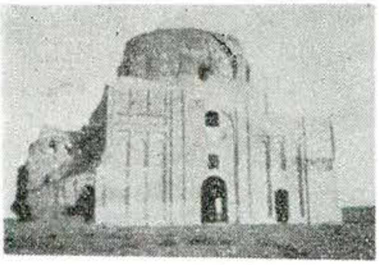


میل راداکان

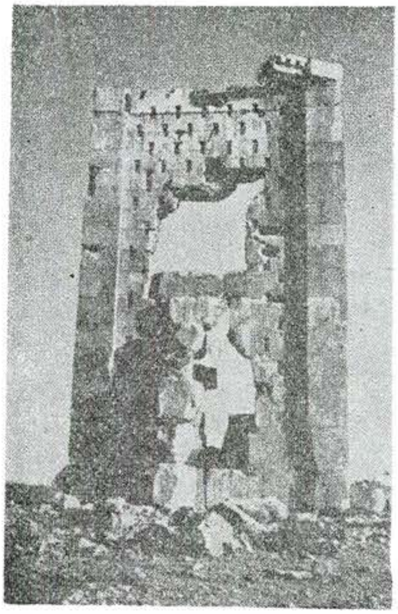


میل نادری

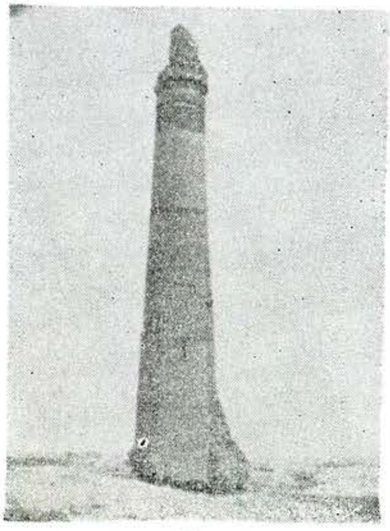
آثار باستانی	زمان ساختمان	محل
منارهٔ خسروگرد (۳۸متر)	قرن ششم	خسروگرد ــ سبزوار
منارهٔ رهروان	سلجوقی	اصفهان
منارهٔ زیار	قرن۶هجری	بلوک زیار ــ اصفهان
منارهٔ زین الدین	سلجوقی	کاشان
منارهٔ ساربان	سلجوقی	اصفهان
منارهٔ سلجوقی	قرن ۵ ه ق	اردستان
منارهٔ سلجوقی	قرن ۵ ه ق	سمنان
منارهٔ سنگ بست	قرن ۴ه	سنگ بست ــ خراسان
منارهٔ شهر	سلجوقی	گلپایگان
منارهٔ غار	قرن۶ هجری	بلوک غار ــ اصفهان
منارهٔ فیروزآباد (۱۸ متر)	قرن هفتم	کاشمر
منارهٔ فیروزکوه	سلجوقی	فیروزآباد ــ خراسان
منارهٔ کبیر	قرن ۵ هجری	گلشن (طبس)
منارهٔ گز	سلجوقی	قریهٔ گز ــ اصفهان
منارهٔ گلدسته	سلجوقی	امامزاده اسماعیل ــ اصفهان
منارهٔ مدرسه	سلجوقی	طبس
منارهٔ مسجد امام حسن	سلجوقی	اردستان اصفهان
منارهٔ مسجد برسیان	قرن ۵ هجری	قریهٔ برسیان ــ اصفهان
منارهٔ مسجد تاریخانه	قرن ۶ هجری	دامغان
منارهٔ مسجد جامع	سلجوقی	زواره ــ اصفهان
منارهٔ مسجد جامع	قرن ۶ هجری	دامغان
منارهٔ مسجد جمعه	قرن۶هجری	ساوه
منارهٔ مسجد جمعه	سلجوقی	کاشان
منارهٔ مسجد سین	سلجوقی	قریهٔ سین ــ اصفهان
منارهٔ مسجد شعیا	سلجوقی	اصفهان
منارهٔ مسجد علی	سلجوقی	اصفهان
منارهٔ مسجد سلیمان	قرن ۵ هجری	ساوه
منارهٔ مدرسهٔ دو منار	سلجوقی	گلشن ــ خراسان
میدان شاه	صفوی	اصفهان
میترا، تصویر	۵۹۰ ــ ۶۲۷ میلادی	کرمانشاه
میل اخنجان	قرن نهم	۲۲ کیلومتر شمال مشهد
میل رادکان (۲۵متر)	قرن ۶ هجری	قوچان
میل قاسم آباد	قرن ۶هجری	زابل
میل نادری	۱۱۶ــ۱۱۴۹ ه ق	نرماشیر کرمان
نقارخانه	۲تا۳هزار سال قم	دشت گرگان
نقاره خانهٔ باغ ملی	قاجاریه	تهران
نقش برجستهٔ آنوبانی نی	۲۸۰۰ قم	سرپل زهاب کرمانشاهان
نقش برجسته زیرطاق	۵۹۰ــ۶۲۷ میلادی	بیستون کرمانشاهان
نقش بهرام گور	ساسانی	سرمشهد
نقش بیستون	هخامنشی	کرمانشاه
نقش رستم	ساسانی	مرودشت
نقوش برجسته	عیلام	سرپل ذهاب
نقش رجب	۲۱۲ــ۲۷۱ میلادی	تخت جمشید شیراز
نقوش تاریخی بیستون	هخامنشی ـ ساسانی ـ اسلام	کرمانشاه
نقوش حجاری	اشکانی	بیستون ـ کرمانشاه
نقوش حجاری	۲۸۰۰ ق م	سرپل ذهاب ـ کرمانشاه
هارونیه	امویان	طوس
هشت بهشت ـ کاخ.	صفوی	اصفهان (تصویر در صفحه بعد)
هگمتانه	ماد ــ هخامنشی	همدان



گنبد هارونیه



معبد پاسارگارد



منارهٔ سنگ بست

آثاری که در شهرهای ایران می‌بینید

آباده.

آرامگاه آذرپیغمبر (کوه‌صفه)، تل‌آسیا ، گنبدسنگی، منارهٔ نظامه.

آمل.

امامزاده ابراهیم، مقبرهٔ سه‌سید، مشهد میر بزرگ ، بقعهٔ شمس آل‌رسول، امامزاده عبدالله ، بقعهٔ شیخ شهاب الدین ، بقعهٔ کاووس ابن کیومرث، قلعهٔ پلده‌نور، قلعهٔ شاهاندشت ، قلعهٔ کهرود مسجد جامع شکل شاه ، پل دوازده چشمه ، مقبرهٔ میر حیدر ، گنبد ناصرالحق ، گنبدکبود ، مسجد جامع مشاقی ، مسجد امام حسن عسکری(ع).

اراك.

امامزاده سهل‌بن‌علی (آستانه) ، آتشکده . چهارطاقی برزو ، امامزاده هفتاد و دوتن، برج‌شیشه ، ارك دولتی، مدرسهٔ سپهداری ، چهارسوق بزرگ، مسجد سپهسالار ، مسجد امامزاده .

ابرقو.

گنبدعلی ، مقبرهٔ طاووس الحرمین، مسجد جمعه ، محراب ومقبرهٔ پیرحمزه.


گنبدعلی

اردبیل.

مقبرهٔ شیخ‌صفی‌الدین ، مقبرهٔ شیخ جبرائیل ، مسجد جمعه .

اردستان.

خرابه‌های ساسانی ، مقبرهٔ شیخ‌شهاب‌الدین ، مناره‌ومسجد امام‌حسن(ع) مسجد پامنار، منارهٔ سلجوقی، مسجدجامع، مقبرهٔ میراویس، گنبدخیمه.


گنبد خیمه

استخر.

شهرقدیم استخر ، مناره شیخ‌علی.

اسدآباد.

خرابه‌های ساسانی .

اسفراین.

شهر بلقیس، شهرنوشیروان، معصوم‌زاده (کوران)

اشتهارد.

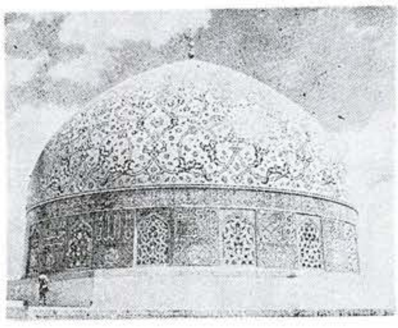
امامزاده کبری وام‌صغری .

اصطهبانات.

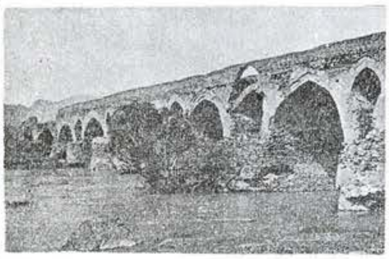
مقبرهٔ عارف ، شهرصبا وشبانکاره.

اصفهان.

آتشگاه ، دروازهٔ درب کوشك، سردرقیصریه ، سردر مسجد جورجیر، سردر مسجد قطبیه ، درب امام ، سردر زاویهٔ درب‌کوشك ، سردر مدرسهٔ جلالیه، مسجدحکیم، مسجدشعیا، مسجدلبنان، مسجدعلی، مسجدقطبیه، مسجد درب جوباره، مسجد، شیخ‌لطف‌الله، مسجدشاه، مسجد، خان‌مسجد

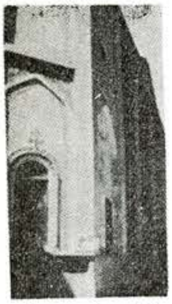

مسجد شیخ لطف‌الله

ساروتقی، مسجدظلمات، مسجدایلچی، مسجد مصری، مسجدسرخی، مسجدخارجی، مسجد حکیم ، مسجد علیقلی‌آقا ، مسجدسید ، مسجدحاج محمدجعفر (آباده)، مسجد جامع (اشترجان)، مسجدجمعه(برسیان) مسجد جامع (ازمیران)، مسجد (شمس‌آباد) ، مسجد ذوالفقار ، مسجدآقا نور مسجدسروشی آذران ، مسجد شیشه، مسجد جامع‌فرزان (همایونشهر)، مسجدناصری، مسجدحاجی‌منوچهر ، مسجد آقامیرزا محمدهاشم، مسجدرکن‌الملك(تخت‌فولاد)، مسجد سلام، مسجد باغ حاجی ، مسجد رحیم‌خان ، مسجد سلیمان بیك ، مسجد حاجی‌یونس ، مسجدصفا ، مسجداکافور، مدرسهٔ امامی ، مدرسهٔ جدهٔ کوچك، مدرسهٔ ملاعبدالله ، مدرسهٔ نیاور ، مدرسهٔ کاسه‌گران ، مدرسهٔ چهارباغ، مدرسهٔ ترکها، مدرسهٔ صدر ، مدرسهٔ آقامیرزاحسین ،

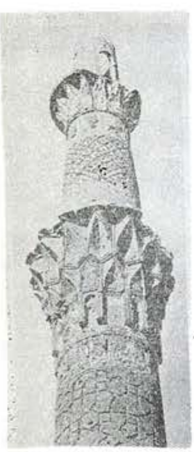

پل‌شهرستان

مدرسهٔ شفیعیه ، مدرسهٔ شاه سلیمان، مدرسهٔ جلالیه ، مدرسهٔ صدر خواجوی. مدرسهٔ مقصودبیك، مقبرهٔ پیربکران، مقبرهٔ شیخ ابوالقاسم، مقبرهٔ هارون‌ولایت، مقبرهٔ باباركن‌الدین ، مقبرهٔ (سیتی‌فاطمه) ، مقبرهٔ ملکشاه، مقبرهٔ سلطان‌سنجر ،مقبرهٔ خواجه نظام‌الملك، آرامگاه میرفندرسکی، آرامگاه صاحب، آرامگاه واله ، امامزاده حسین (شهرستان)، امامزاده ابراهیم (شهرستان) ، امامزاده جعفر ، بقعهٔ شهشهان ، امامزاده‌احمد، امامزاده شاه‌زید ، بقعهٔ میرزارفیعا(تخت‌فولاد)، بقعهٔ شاهزاده‌محمد، بقعهٔ آقاحسین آقاخوانساری، گنبد شاهزاده‌حسین ، مقبرهٔ مجلسی، بقعهٔ شیخ امیرمسعود ، منارهٔ چهل دختران ، منارهٔ ساربان ، منار غار ، منارزیار ، منارجنبان ، مناره‌های دارالضیافه. منارهٔ باقوشخانه ، گنبدچهارسوق، منارهٔ خواجه علم ، منارهٔ دارودشت، میدان‌شاه، خیابان چهارباغ ، چهارباغ (جلفا)، بازارشاهی، چهاربازار ، بازار بزرگ ، بازارچهٔ شاهی چهارباغ ، عالی قاپو، چهل‌ستون، تالار اشرف ، هشت بهشت ، رهروان ،


پل‌الله‌وردیخان


کاخ‌هشت‌بهشت


منارهٔ‌چهل‌دختران


منارهٔ‌ساربان
اصفهان

کاروانسرا (گز)، کاروانسرا (مهیار)، حمام علیقلی‌آقا، توحید خانه، تالار تیموری، کاروانسرای‌چال‌سیاه (برخوار)، شبستان قصر (چومیلان)، ساری‌خاتون، میدان‌کهنه، خیابان‌شاه، کاخ‌ابوالعساکر، پل‌خواجو، پل‌اللهوردی‌خان (سی‌وسه‌پل)، پل‌چوبی، پل‌بابا محمود، پل‌مارنان، پل‌شهرستان، کاروانسرای فتحیه، پل خان. کلیسای‌استفن، کلیسای‌بیت‌اللحم، کلیسای ایروان، کلیسای سن‌سور، تپهٔ اشرف.

افسنجان.

میل افسنجان.

اهر.

بنای‌اشکانی، قلعهٔ‌قدیمی، بقعهٔ‌شیخ‌شهاب‌الدین، مسجد جامع، مسجدعماد، مقبرهٔ شاهزاده قاسم، مقبرهٔ شیخ صالح، قلعهٔ‌جمهور.

اهواز.

خرابهٔ هرمز و اردشیر، خرابهٔ شاپور، مزار علی‌مرزبان، مقبرهٔ‌علی‌بن‌اهوازی.

ایذه.

غارشگفت سلمان، قلعهٔ‌کژدم.

ایرانشهر.

قلعهٔ ایرانشهر، قلعهٔ‌بمپور.

بابل.

امامزاده محمد طاهر، امامزاده قاسم، مدرسه ومسجد کاظم بیك، دخمهٔ سید جلال، مسجد صدر اعظم، مقبرهٔ درویش فخرالدین، مقبرهٔ درویش‌باقریه (بازیکلا) بقعهٔ امامزاده محمد، مسجد جامع، مقبرهٔ‌شهرآشوب.

باسیان.

مسجد جمعه، مناره.

بجنورد.

بش قارداش، معصومزاده.

کوههای بختیاری.

تنگ سولك، گورستان قدیمی.

بروجرد.

مسجد جامع، منارهٔ امامزاده‌هفده‌تن، مسجدشاه، امامزاده جعفر، بنای شاهزاده ابوالحسن، بنای مسجد قلعه، بنای‌مسجدمیر، امامزاده بیژن، مسجدسلطانی.



مسجد جامع بروجرد

بروجن.

مقبرهٔ‌حمزه‌علی، مقبرهٔ‌شاهزاده‌عبدالله، مقبرهٔ امامزاده محمد، مقبرهٔ عسکرعلی.

بسطام.

دوگنبد.

بم.

قلعهٔ‌ارك، مسجد ارك.

بندر پهلوی.

چراغ دریایی وامامزاده صالح.

بندر عباس.

بتکدهٔ هندوها، ایسین، سرخون، دام‌ماهی قلاب، هرموار.

بوشهر.

ریشهر، اتلال.

بهبهان.

خرابه‌های‌ارجان، امامزادهٔ‌فضل‌شاه.

بهشهر.

کاخ صفی‌آباد، باغشاه، عمارت چشمه، استخر عباس‌آباد، قلعهٔ‌فیروزکوه، مسجدبهشهر ومسجدکجور.

بیستون.

بغستان، شکارگاه خسروپرویز، طاق اشکانی، نقش برجستهٔ زیر طاق.

پازارگاد.

معبدمعروف.

پاوه.

قلعهٔ میرخسرو، مسجدعبداللهی.

پشتکوه.

تل‌بکسایه، تل‌تارهان، تل‌خریز، تل شیروان، تل‌لالار، تل‌لورت، دره‌شهر قلقاتپه.

تایباد.

منار.

تبریز.

مسجدکبود، ارك، عالی‌قاپو، مسجد صاحب، باغ شمال، عمارت شهرداری، شاه‌گلی، مسجد جمعه، ارك‌علیشاه، تخت سلیمان، پل‌دختر، مقبرهٔ عون‌بن‌علی، باغ‌گلستان، مسجد خواجه‌علی‌اصغر، مسجد استاد شاگرد، عمارت‌سیدحمزهٔ‌بن‌موسی‌الکاظم، مسجد حسن‌پادشاه، مسجد جامع، مقبره سیدحمزه.

تربت جام.

آرامگاه جامی.

تربت حیدریه.

بقعهٔ تربت حیدریه.

تفرش.

کوهك، برج شیشه، امامزاده‌محمد (فیم)، امامزاده‌ابوالولاء (فیم)، امامزاده زیدبن‌قاسم، امامزاده‌احمد کوهی.

تویسرگان.

مقبرهٔ حقوق‌نبی، بازار سرپوشیده، مسجد جمعه، مدرسه و حمام شاه‌عباس، معبد جنعوق‌پیغمبر، مدرسهٔ شیخ‌علی‌خان زنگنه، مسجدجامع، بقعهٔ‌ابوالحسن.

تهران.

کاخ گلستان، صاحبقرانیه، عمارت تخت مرمر، باغ ملی، امامزاده‌زید، مسجد سپهسالار، معبد (تخت رستم)، مدرسهٔ مروی، مدرسهٔ شیخ عبدالحسین، مسجد حاج رجبعلی (سنگلج)، برج‌طغرل (شهرری)، برج نقاره‌خانه (ری)، مقبرهٔ‌ابن‌بابویه (ری)، آرامگاه رضاشاه کبیر (ری)، مقبرهٔ حضرت عبدالعظیم (ع) (ری)، منارهٔ پامنار، کاخ سرخه‌حصار، سلطنت‌آباد، شمس‌العماره، کاخ ابیض، کاروانسرای عین‌الرشید (ورامین)، امامزاده مطهر (رودهن)، مسجدجامع (لواسان)، تپهٔ‌تاریخی لواسان (ناظم‌آباد)، بقعهٔ‌شاهزاده حسین مغولی (ورامین)، بقعهٔ‌امامزاده‌صالح (فرح‌آباد)، امامزاده‌عبدالله (ری)، امامزاده‌داود ساختمان نقارخانه (باغ‌ملی)، ارك‌تهران، مسجد سیدعزیزالله، مسجدحاج رجبعلی، مسجدسپهسالار، بقعهٔ سیداسماعیل، بقعهٔ امامزاده‌یحیی، امامزاده‌زید، بقعهٔ‌سیدناصرالدین، امامزاده عبدالله (دماوند)، امامزاده صالح (شمیران)، امامزاده‌قاسم، امامزاده عبدالقهار (کرج)، امامزاده معصوم زادگان (کرج)، امامزاده سلطان‌خواجه احمد (لواسان)، امامزاده حسین

(ساوجبلاغ)، امامزاده‌محمد، امامزاده کبری وام‌صغری (اشتهارد) ، امامزاده هادی ، امامزاده حسن (کوشك‌بالا) ، امامزاده سیدنصرالدین ، امامزاده‌یحیی حوضخانهٔ‌باغ‌فردوس(شمیران)،مجاریهای تنکهٔ‌داشی(فیروزکوه)، بقعهٔ بی‌بی‌زبیده، برج و مقبرهٔ شبلی(دماوند)، سرقبرآقا، سیدملك‌خاتون ، مسعودیه(عمارت‌وزارت آموزش‌وپرورش)، ضرابخانه، مسجدشاه، قلعهٔ‌گبرها (ورامین) بی‌بی شهربانو.

جهرم .

شاهزاده ابراهیم ، قلعهٔ شاهزاده حسین، تکیهٔ‌قدمگاه،غار(تاردان)،مقبرهٔ جاماسب حکیم، بقعهٔ حاج خلیفه (باغ‌ـ گز)، امامزاده‌شاه‌ابوالفضل،قلعهٔ‌گبری، مسجدجامع ، شاه حاجات ، شاه شاهان ، شاهزاده حسین .

خاك‌افشار .

غار کرفتو .

خرم‌آباد :

قلعهٔ فلك‌الافلاك ، مسجد شاه‌زند ، پل فتحعلی‌خان ، مسجدشاه صفی ، دخمهٔ انوشیروان ، خرابه‌های شوش‌تپه‌گلدان، شاهین‌آباد ، منارهٔ‌آجری ، منارهٔ‌پایه‌ـ سنگی ، پل‌شاهپور، پل‌کشتکان(چگین)، مناره (حومهٔ‌شهر)، پل محسنیه ، مسجد جامع ، سنگ چهارپهلوو پل‌شکسته.

خرمشهر .

پل خرمشهر ، پل کارون ، مسجد جامع .

خمین .

امامزاده شاهزاده ابوطالب .

خوی .

مسجدمیرحسن ، پل خاتون، منارهٔ شمس تبریزی ، مسجد مطلب خان ، مسجدخان ، مسجدشاه .

خیرآباد .

چهار طاق ساسانی ، پل‌ساسانی.

داراب.

قلعهٔ درب (دخیه)، نقش‌رستم،مسجد سنگی معروف به‌قصر دختر ، نقش‌شاپور اول ، قلعهٔ سنگ، تنگ چك چك ، قلعهٔ زنجیره (ایزد خواست) ، بقعهٔ‌شاهزاده قاسم، پیرمراد، امامزاده‌یعقوب، آتشکده آذرجود .

دامغان .

تپهٔ حصار،چهل دختران ، منارهٔ‌ـ مسجدتاریخانه،منارهٔ‌مسجدجامع،مقبرهٔ‌پیر علمدار ، خرابه‌های ساسانی ، امامزاده جعفر، کلاه‌فرنگ .

دردشت .

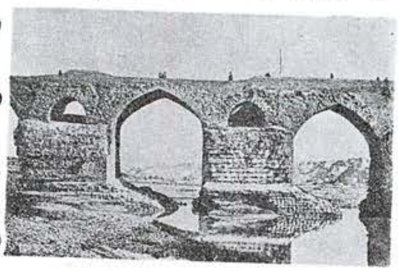
دومنارهٔ قدیم .

درگز .

مسجد و کاروانسرای گز .

دزفول .

امامزاده عبدالله ، پل دزفول،مسجد جامع ، کاخ ایوان کرخه ، بقعهٔ ابراهیم خلیل ، مسجد لب شط ، تپهٔ‌شوش ، شیر طاق نصرت ، قلعهٔ دروازه ، قلعهٔ‌نارنج ، بقعهٔ شیخ‌اسماعیل ، بقعهٔ محمدبن جعفر، بقعهٔ سیدسلطان علی تیموری ، بقعهٔ شاه رکن‌الدین تیموری ، مسجد جامع .



پل‌دختر دردزفول

دشتستان .

مقبرهٔ شاهزاده‌ابراهیم،کاروانسرای مشیرالملك وقلعهٔ قدیمی .

دشت گرگان

تپهٔ تورنگ ، تخماق‌تپه ، جرجانیه، نقارخانه .

دشتی .

گنبد دشتی .

دماوند .

امامزاده عبدالله ، بـرج و مقبرهٔ شبلی،مسجد جامع ، هفت‌تن .

رامهرمز.

طاق نصرت ، خرابه‌های ساسانی ، قلعهٔ مادر ودختر ، بـاغ خواجهٔ خضر ، آرامگاه‌هرمز .

رشت .

امامزاده ابراهیم ، امامزادهٔ‌هاشم، مسجد جامع ، باغ سبزه میدان و بـاغ محتشم .

رضاییه .

دخمهٔ‌سنگی، تخت‌سلیمان،خرابه‌های شهرقدیمی ، برج‌سه‌گنبد ، مسجدجامع ، قلعه ضحاك .

رفسنجان .

مسجدصباحی، امامزاده‌شاه‌سلیمان.

رودبار .

تپهٔ مارلیك .

رودهن .

امامزاده مطهر .

ری .

مقبرهٔ حضرت عبدالعظیم(ع)،مقبرهٔ رضاشاه‌کبیر ، مقبرهٔ ابن‌بابویه ، بـرج طغرل ، برج نقاره‌خانهٔ، تپه میل، زندان هارون، قلعه طبرك، کاخ اشکانی (چشمه‌ـ علی)، امامزاده عبدالله،تپهٔ‌مرتضی‌کرد، باروی‌شهر ، سلجوقی‌آباد،؛منصورآباد، مقبرهٔ بی‌بی‌شهربانو ، امامزاده حمزه ، کوه‌سرسره .

زابل .

میل‌قاسم‌آباد .

زنجان .

بقعهٔ قیدار نبی ، پل‌دختر ، مسجد جامع ، مسجد سید ابراهیم امامزاده اسماعیل .

زوزن .

مسجدملك‌زوزن .

ساوجبلاغ .

امامزاده حسین .

سراب .

مسجدجامع .

سبزوار .

منارهٔ خسروگرد ، مسجد پامنار ، مسجد جامع ، مدرسهٔ فخریه ، آرامگاه یحیی‌بن‌موسی‌بن‌جعفر، آرامگاه‌شعیب‌بن موسی‌بن‌جعفر، آرامگاه ملاحسین‌کاشفی، آرامگاه‌حاج‌ملاهادی‌سبزواری، آرامگاه حسن‌بن‌علی‌بن‌زیدبیهقی، مصلی، آرامگاه اسرار سبزواری، مقبرهٔ‌ابوالحسن‌بیهقی.

ساوه .

مسجد جامع ، تپهٔ آوه (۴۰ کیلو متری شهر) ، منارهٔ مسجد جامع،منارهٔ مسجد میدان ، امامزاده‌سیداسحق، بقعهٔ پیغمبر **اشموییل** ، سد ساوه ، امامزاده نوح‌بن کاظم، امامزاده عورقب قیطانیه، قلعهٔ‌کبری، مقبره بابا سلمان، امامزاده عبدالله (ارجان) ، قلعهٔ سلسال ، بقعه فاطمه دختر مردآویج ، شاهزاده حسین واصغر ، سید ابورضا ، مسجد میدان بزرگ .

سرپل‌ذهاب

دکان داود ، محل خلخال قدیم آشوری‌ها . نقش برجستهٔ آنوبانی‌نی.

سرخس .

مقبره‌ای از قرن هشتم، رباط‌شرف.

سرمشهد .

نقش برجستهٔ بهرام گور .

سروستان .

قصرساسانی .

سلطانیه .

مقبرهٔ‌خدابنده ، مقبرهٔ چلبی‌اوغلی، مقبره ملاحسین‌شیرازی .



سلطانیه

سمنان.

دروازهٔ ارك ، منارهٔ سلجوقی‌مسجد جامع ، مسجد شاه ، مسجد ارك، خانقاه و مزار شیخ‌علاء الدوله، مسجد جمعه، مسجدسلطان ، دروازه فرعی .

سمیرم.

امامزاده سلطان‌ابراهیم.

سنندج .

مسجدجامع‌دارالاحسان،مسجدجامع.

سیرجان.

خرابه‌های قدیمی، امامزاده‌حسین، قلعهٔ شاه فیروز ، قلعهٔ سنگ، امامزاده زید ، مقبرهٔ شاه علمدار(نگاربردسیر)، مسجد جامع (نگاربردسیر)، منبرسنگی (نگاربردسیر)،امامزاده محمد،امامزاده حمزه .

سیستان .

ویرانهٔ زرنج .

شاهپور .

مجسمهٔ شاپور در غار شاهپور ، حجاری‌های‌ساسانی ، نقش‌اردشیر،مسجد شاهپور.

شاهرود .

امامزاده محمد ، آتشکده، بسطام، مقبرهٔ منارجنبان ، مسجدجامع .

شاهی .

برج رسکت .

شمیران .

امامزاده صالح ، حوضخانـهٔ باغ‌ـ فردوس .

شوش .

بقعه دانیال ، شهرقدیمی .



مجسمهٔ سریك‌مرده از گل‌خام که‌درشوش پیداشده‌است

شوشتر :

پل یاسد میزان ، مسجد جمعه ، پل شاه‌علی ، پل‌والرین ، بندقیصر(پل شادروان) ، امامزاده عبدالله، دزسلاسل، مقبرهٔ امامزاده سیدمحمد، بازارصفوی، سید محمدعلی‌میرزا ، مقبره‌های سنگی زرتشتیان .

شهرضا .

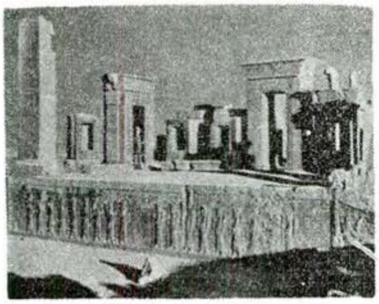
مسجدجامع ، دوازده امامزاده، بقعهٔ سیدعلی‌اکبر ، بقعهٔ سید ملك‌خاتون.

شهرکرد .

مزار حلیمه‌خاتون ، مزارحکیمه‌ـ خاتون ، پل‌زمان خان .

شیراز .

تخت‌مادر سلیمان (قصرابونصر) ، خرابه‌های مسجد عتیق ، مسجدنو، باغو عمارت هفت‌تن، مدرسهٔ‌خان ، مقبرهٔ‌دختر اتابك، مسجد وکیل،مقبره کریم‌خان‌زند، (کلاه فرنگی)، مقبرهٔ سیدعلاءالدیـن، آتشکدهٔ جزء،مزارشیخ‌یوسف‌سروستانی، بقعهٔ شاه چراغ،مسجد نصیرالملك،بندـ امیر ، تخت‌جمشید، آپادانا،ارك کریم‌ـ خان‌زند ، برم‌دلك، آثارنقش‌رستم، نقش‌ـ رجب، خاتون قیامت، بقعهٔ شاه‌میرحمزه،



تخت‌جمشید

امامزاده‌سیدمیرمحمد، قبرکوروش، تخت‌ـ جمشید، تنگاب، نیشابور فارس ، مجسمهٔ شاپور ، قصر ساسانی(سرمشهد)، آتشدان‌ـ سنگی(سمیرم)، آرامگاه‌عبدالله‌حفیف،حمام



کاخ‌پاسارگاد

وکیل، چهل‌تن ،آرامگاه شیخ‌روزبهان، بازاروکیل، آرامگاه خواجوی کرمانی، آرامگاه‌سعدی، آرامگاه‌حافظ، قیصریه، گور‌ـ



شاه‌چراغ

دختر (سرمشهد)، آتشکدهٔ کنارسیاه، چهار– طاقی آتشگاه، آتشکدهٔ جره.

شیروان .

امامزاده حمزه رضا، مدرسهٔ علوم– تیموری و برج وباروی قدیمی .

صحنه .

دخمهٔ مادی .

صومعه‌سرا .

بقعهٔ سیدجعفر آقا ، مقابر سلاطین آل کیا ، مقبرهٔ پری‌سلطان، منارهٔ بازار، مسجد بزرگ ، کافران کول (تپه)، پلنگ– علی‌دیمه (تپه) .

طاق بستان .

کامبادنه .



نقش برجستهٔ زیرطاق

طوس .

هارونیه ، آرامگاه فردوسی .

فراش بند.

آتشکدهٔ کران ، بنای گنبددار.

فردوس .

مسجدجامع بزرگ ، مدرسهٔ علمیه، مسجدکوشك ، امامزاده سلطان محمد– ابراهیم .

فسا .

تل‌ضحاك .

فومن .

قلعهٔ رودخان، منارهٔ سلجوقی، مسجد جامع .

فهلیان .

دخمهٔ داوددختر .

فیروزآباد .

پل ساسانی ، عمارت اردشیر ، قلعهٔ دختر ، آتشکدهٔ اعظم، دیوار شهرقدیمی، مناره ، آتشکدهٔ طاهری وگور قدیم .

فیروزکوه .

حجاریهای تنگهٔ داشی .

فین .

باغشاه ، مسجدمعتکف .

قزوین .

عمارت چهل‌ستون، مقبرهٔ شاهزاده– حسین، مسجدجامع، مقبرهٔ حمدالله‌مستوفی، دروازه قدیم تهران ، دروازه‌راه کوشك، مسجدشاه، حسینیهٔ امینی، مدرسهٔ حیدریه، امامزاده اسماعیل ، امامزاده ابـاذر ، امامزاده جعفر، امامزاده‌علی (شکرآب)، پنکه‌امام، مقبرهٔ شهیدثالث، بقعهٔ پیغمبریه، کاروانسرای وزیری . مدرسهٔ ابراهیم ، مدرسهٔ سرداری و مدرسهٔ ملاوردیخان .

قصرشیرین .

قصر شیرین ، حوش کوری، حجاری شیخ‌خان .

قم .

مقبرهٔ حضرت معصومه (ع) ، مقبرهٔ شاهان‌قاجار ، کاروانسرای پـاسنگال ، امامزاده‌علی‌بن‌جعفر، احمدبن‌قاسم، حارث ابن‌احمد، گنبدابراهیم، گنبدموسی‌مبرقع، گنبدسبز ، آتشکدهٔ ساسانی ، امامزاده احمد (کاره‌ای)، مدرسهٔ دارالشفاء، مدرسهٔ فیضیه، امامزاده هادی ، امامزادهٔ چهل دختران مسجدعظیم‌آقای بروجردی.

قوچان .

میل‌رادکان ، مسجدجامع، امامزاده ابراهیم .

کازرون .

آتشکده .

کاشان .

بـاغشاه‌فین ، تپهٔ سیالـك ، معبد سلوکیه، منارهٔ پنجه‌شاه، منارهٔ زین‌الدین، منارهٔ مسجد جمعه ، آتشکدهٔ خرمدشت آتشکدهٔ نیاسر ، بقعهٔ سلطان‌محمد، مسجد عمادالـدین‌محمود ، منارهٔ مسجد جمعه بقعهٔ خواجه تاج‌الدین ، قلعهٔ کهنه، مسجد جامع ، مسجد وزیر ، مدرسهٔ سلطانی ، کاروانسرای باسنگال، امامزاده حبیب‌بن– موسی، امامزاده‌میراحمد ، بقعهٔ شاهزاده ابراهیم، بقعهٔ پیرداود، بقعهٔ سیدابوالرضا، بقعهٔ قاضی‌اسدالله کاشانی، مقبرهٔ ابولؤلؤ، بقعهٔ مبارزالدین‌کاشانی، بقعهٔ حارث‌بن– موسی، بقعهٔ طاهر ومنصور، بقعهٔ سلطان– عطابخش ، بقعهٔ محتشم، کاروانسرای‌شاه– عباس (قهرود)، امامزاده محمد هـلالی ، امامزاده اسماعیل ، شاهـزاده‌حسین ، امامزاده سلطان محمود علوی، بقعهٔ ملا– فتح‌الله کاشانی، مسجدجامع (نوش‌آباد) ، بقعهٔ شاه شواران (نزدیك‌قمصر) ، بقعهٔ هارون‌بن‌موسی ، بقعهٔ شاه (یلان) ، بقعهٔ میرشانه (یلان) ، بقعه شاهزاده هادی (آران) ، حمام‌خان‌کاشانی، مسجدمعتکف (فین)، مسجد جامع‌علی (قهرود) ، بقعهٔ چهل دختران ، بقعهٔ شاه افضل‌کاشانی.

کاشمر .

منارهٔ فیروزآباد ، خانقاه ، منارهٔ علی‌آباد .

کتایون .

آثارعیلامی .

کرج .

کاخ‌سلیمانیه. (دانشکدهٔ کشاورزی)، امامزاده عبدالقهار ، امامزاده معصوم– زادگان، امامزاده حسن ، امامزاده باقرو کاروانسرای شاه‌عباس .

کرخه .

خرابه‌های ایوان کرخه .

کرمان .

گنبد جبلیه ، بازارکرمان، مسجد جامع مظفری ، مسجدملك تـورانشاه ، مدرسهٔ ابراهیم‌خان، ارك بم ، قلعه‌دختر، گنبد مشتاقیه ، گنبد سبز، مسجدپامنار، مقبرهٔ اتابك، مسجدجامع ، بازارابراهیم– خان ، حمام ابراهیم‌خان، مدرسهٔ گنجعلی– خان ، سنگر آقامحمدخان ، میل‌نادری (نرماشیر)، مسجدپامنار، امامزاده‌احمد ، امامزاده‌علی، بقعهٔ پیربرحق، قبرآخوند ، مقبرهٔ سلطان‌سیدحمید، تخت‌درگاه‌قلی‌بیك.

کرمانشاه.

آثار بیستون ، آثار طاق بستان ، تخت‌شیرین، دخمه (صحنه)، معبدسلوکیه، تصویر میترا ، مسجد شاهزاده ، مسجد عمادالدوله، مسجد جامع ، مسجدحاجی شهبازخان ، طاق کرمانشاه، کامبادیهٔ قدیم،



تصویر میترا

آثار قصرشیرین، بقعهٔ سیدمهدی (ایلام)، مسجدحاج‌محمدتقی، تکیهٔ معاون‌الدوله، مسجد وکیل‌الدوله ، تکیهٔ بیگلربیگی، کاروانسرای وکیل‌الدوله .



طاقبستان در کرمانشاه

کلات نادری .

عمارت‌خورشیدی .

کنگاور .

اطاق فرهاد ، نقش برجستهٔ‌سنگی، تپهٔ‌کودین .

گرگان .

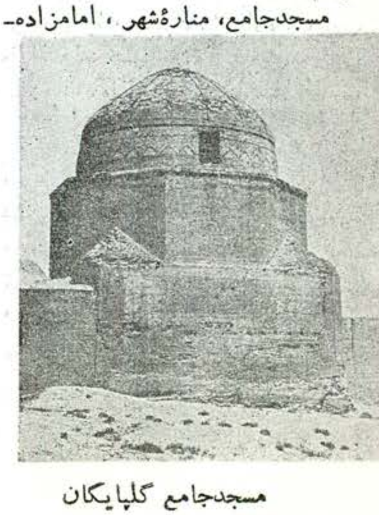
مسجدجامع، برج‌رادکان، امامزاده‌ـ نور، استرآباد ، امامزاده یحیی‌بن‌زید، مسجد گلشن .

گرمسار .

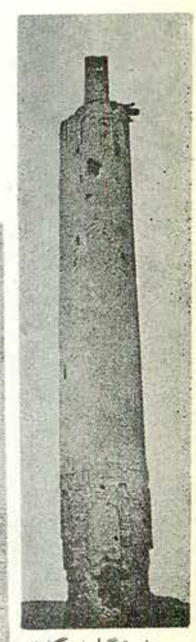
قصر بهرام ، قلعهٔ‌ارادان .

گلپایگان .

مسجدجامع، منارهٔ‌شهر ، امامزاده‌ـ



مسجدجامع گلپایگان



منارهٔ گلپایگان

هفده‌تن، امامزاده ابراهیم (سعیدآباد)، امامزاده(ارجان) ، بقعهٔ شاهزاده‌عمران (گوگد) ، کتیبه‌های منقوش‌بنام‌امامقلی .

گلشن(طبس) .

مسجد مـولانا ، منارکبیر ، منارهٔ مدرسه، برج‌کرات، مسجد جامع، مقبرهٔ شاهزاده‌حسین ،

گناباد .

مقبرهٔ سلطان‌محمد عابد ، مسجدـ جامع . مسجدجامع(کاخك) ، مسجدجامع (جویمند)، آرامگاه‌جغتای(گیسور)، قبر آصف‌برحیا(لجستان)، قبرپیران‌ویسه(زبید گناباد)، مسجدجامع(لجستان)، امامزاده‌ـ احمد (بولموغ) ، ایوان و حوض سیدی و ایوان ومسجدکوشك .

گنبد قابوس .

مقبره وبرج قابـوس‌بن‌وشمگیر و خرابه‌های جرجان .

لار .

قیصریه .

لاهیجان .

بقعهٔ‌چهارپادشاه، بقعهٔ‌شیخ‌زاهدگیلانی، مسجداکبریه، مسجدجامع، مسجدشیخ‌خانه‌ور آهندان ، بقعهٔ شیخ شمس‌الدین ومـوزهٔ کشاورزی .



مسجدجامع‌لاهیجان

لرستان .

پل‌کشکانرود ، ویرانهٔ بیت یوناکی (هلیلان)، تل‌بکسایه(پشتکوه)، تل‌تارهان (پشتکوه) تل خریز (پشتکوه) ، تل شیروان (پشتکوه)، تل‌لالار (پشتکوه)، تل‌لورت (پشتکوه) ، دره‌شهر(پشتکوه)، سلیمان تپه .

لنگرود .

پل‌خشتی ، مسجد جامع ، بقعهٔ سید حسین‌کیا .

لواسان .

مسجد جامع، تپهٔ تاریخی.امامزاده سلطان خواجه‌احمد .

ماکو .

خرابه‌لامبات (نزدیك آرارات) ، خرابهٔ‌قوزلو(مخند) بام فرهاد، خرابه‌های ساری‌فید، کلیسای‌طاطاووس .

ماهان .

بقعهٔ‌شاه نعمت‌اللهٔ‌ولی .

محلات .

خرابه‌های معبد ، محراب‌امامزاده ابوالفضل ، قلعه‌گبری، امامزاده فضل و یحیـی، امامزاده‌محمود، امامزاده‌موسی‌و فاطمه ، مسجد جامع محلات ، عمارت‌شاهـ سلیمان (نراق)، آتشکدهٔ ساسانی وقلعهٔ جمشیدی .

مراغه .

گنبدسرخ، گنبدکبود، گنبدغفاریه، برج مدورآجری .

مرند .

مسجد جامع ابوسعید ومسجدبازار.

مرودشت .

بندامیر .

مسجد سلیمان .

آتشکدهٔ قدیمی ، مسجد حضرت سلیمان .

مشگین شهر .

قبر شیخ حیدر .

مشهد .

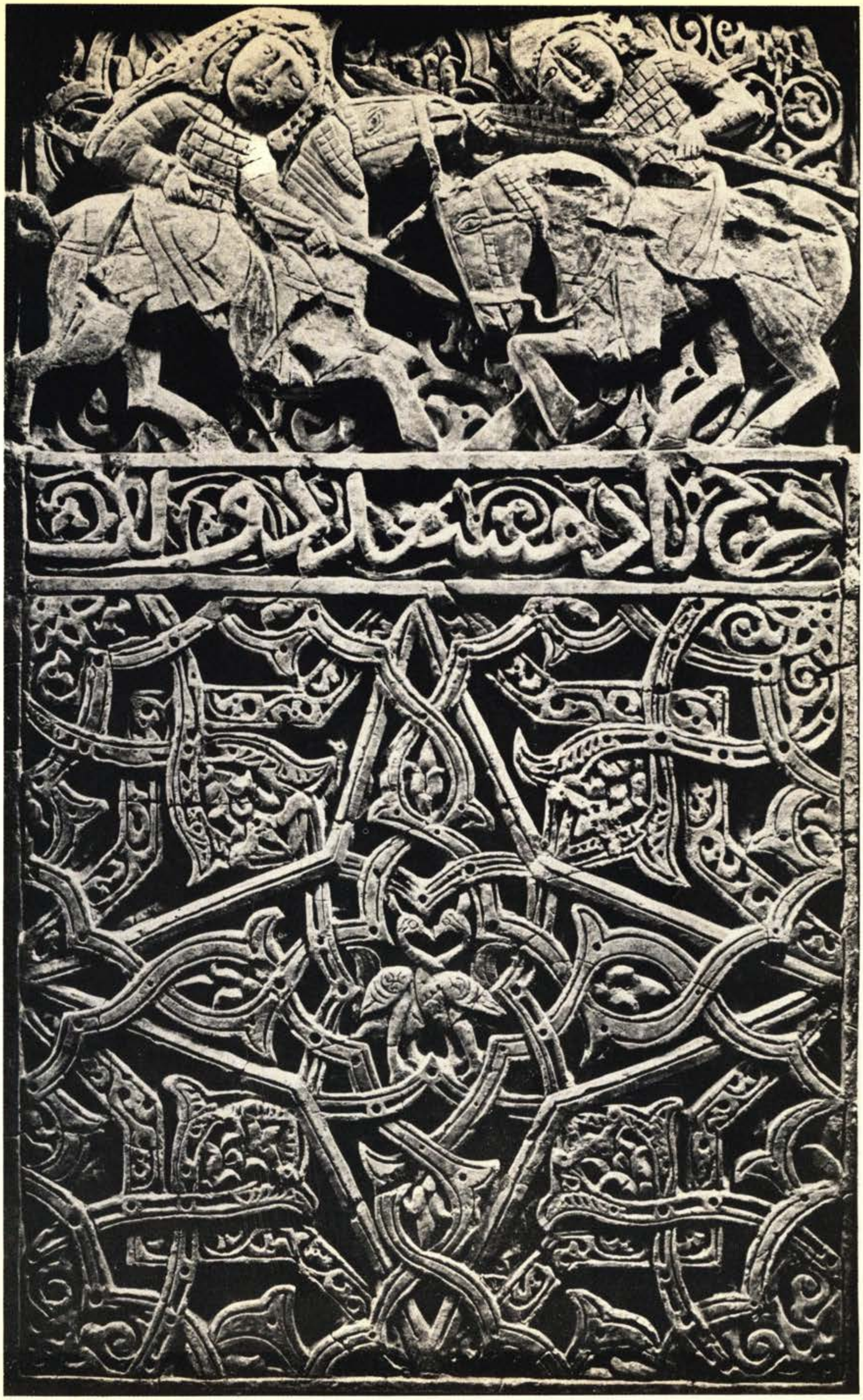
بناهای بقعه حضرت‌رضا (ع)، مصلیـ مقبرهٔ خواجه ربیع ، مسجدشاه، قدمگاه، مدرسه دودر ، مدرسه پیراد ، مدرسه‌بالاـ سر ، مقبرهٔ نادرشاه ، مسجد گوهرشاد، سقاخانهٔ اسماعیل‌طلایی ، مسجد بالاسر،



مقبرهٔ‌خواجه‌ربیع



دیگ ، مفرغی ، کنده کاری و مرصع ، قرن ششم ، قطر ۲۰ سانتیمتر
تالار هنری والترز ، بالتیمور



ورقه ای از تزیینات دیواری ، گچبری رنگارنگ ، قرون ششم و هفتم ، ارتفاع ۷۱ سانتیمتر
متعلق به دیموتی

میل اخنجان ، چهار طاقی (رباطسفید) مسجدملك‌زوزن ، مدرسهٔ ابراهیم‌خان ، مدرسهٔ پریزاد، برج کشمار، گلشن خراسانی، امامزاده حسین بن کاظم ، مقبرهٔ پیرپاره‌دوز ، مدرسهٔ عباسقلی‌خان، مقبرهٔ میرزاقلی‌خان حصار قلعه (محمودآباد)، ایوان (کوه‌سنگی)، بقعهٔ خواجه اباصلت، بقعهٔ خواجه‌مراد، باغ رضوان، آرامگاه شیخ‌بهایی وقبر هارون.

ممسنی .

نقوش کورانگون .

ملایر .

پارك ناصری، چهارسوق و بازار سرپوشیده .

مهاباد .

ویرانهٔ اندرکش ، دخمهٔ سنگی (فقرگاه)، کاروشینکا و مسجد جامع .

مهیار .

کاروانسرای قدیمی .

میاندوآب .

تخت سلیمان .

میانه .

پل‌دختر، قلعه، پل قافلانکوه، مقبرهٔ امامزاده اسماعیل ، رباط شاه‌عباسی (جمال‌آباد)، امامزاده‌محمد (کندوان)، حمام‌امیرکبیر (ترکمن‌چای) ومسجدسنگ (ترك) .

میدان نفت .

معبد بدرنشانده .

نایین .

مسجد باباعبدالله، مسجد شیخ‌مغربی، بقعهٔ امامزاده جعفر ، نارنج قلعه‌ومصلی عتیق ، مقبرهٔ شیخ‌الاسلام، مقبرهٔ امامزاده سلطان ، مسجد جامع ، امامزاده‌جعفر.



مسجدجامع

نجف‌آباد .

مزرعهٔ بلمچهٔ بین‌النهرین، فلکهٔ قدیم.

نرماشیر

میل‌نادری .

نطنز .

مسجد جمعه ، محراب‌ومسجد کوچه‌میرکوشك ، امامزاده‌سلمان، مسجدجامع (ابیانه)، مسجدجامع افراشته (تاج‌آباد)، بقعهٔ سیدحسن‌واقف ، بقعهٔ‌میرزینب‌سردر خانقاه ، منارهٔ نطنز .

نقده .

کله‌شین .

نقش رستم .

کتیبهٔ اردشیر بابکان ، آرامگاه شاهان هخامنشی .

نورآباد .

آتشکدهٔ میل‌اژدها ، چهار طاق .

نهاوند .

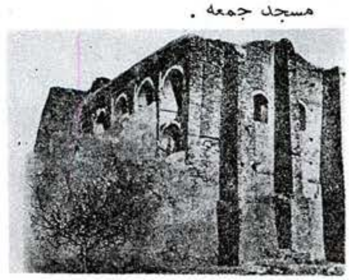
تپه‌کیان .

نیاوران .

کاخ صاحبقرانیه .

نیریز .

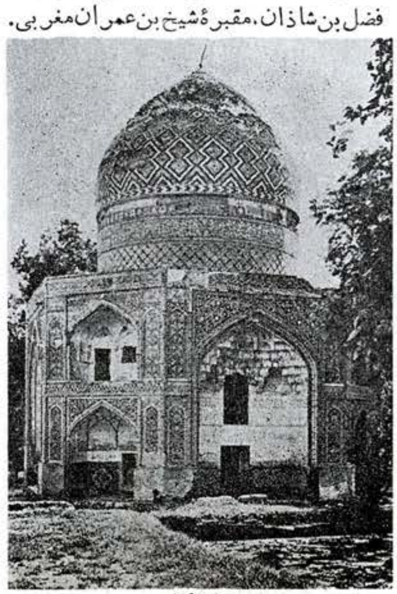
مسجد جمعه .



مسجدجامع

نیشابور .

رباط شرف ، مسجد جمعه، آرامگاه خیام، امامزاده محروق، تپهٔ آلب‌ارسلان، آرامگاه کمال‌الملك ، آرامگاه شیخ فریدالدین‌عطار ، تپهٔ شادیاك ، مقبرهٔ امامزاده‌محمد، امامزاده‌حسین‌اصغر، بقعهٔ فضل‌بن‌شاذان، مقبرهٔ شیخ‌بن‌عمران‌مغربی.



قدمگاه

ورامین .

کاروانسرای عین‌الرشید ، بقعهٔ شاهزاده حسین ، قلعهٔ گبرها .

هرسین .

خرابه‌های قدیمی .

هشتپر .

بقعهٔ سیدنیکی، عمارت‌سردارامجد.

هلیلان .

ویرانهٔ بیت‌یوناکی .

همدان .

شیرسنگی، گنج‌نامه ، مقبرهٔ استرومردخای، گنبدعلویان، مقبرهٔ ابوعلی‌سینا، مقبرهٔ باباطاهرعریان، برج‌قربان، خرابه‌های اسدآباد، هگمتانه (اکباتان)، مطبخ خسروپرویز، امامزاده هود، برج‌ومقبرهٔ پیرخضر ، تپهٔ مصلی ، امامزاده یحیی ، امامزاده‌قاسم (قاسم‌آباد)، مسجدابوالعلاء، مقبرهٔ عارف‌قزوینی .



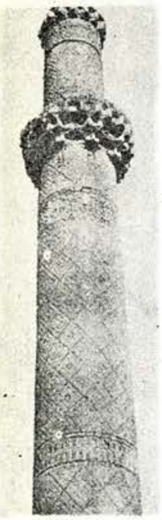
کتیبهٔ گنج‌نامه

هندیجان .

خرابه‌های قدیمی .

یزد .

مسجد جامع ، مسجد میرچخماق ، تکیهٔ امیرچخماق (بین گرمسار و کاشان) مسجد زاویه ، مسجدسروگ ، بقعهٔ سید شمس‌الدین ، بقعهٔ دوازده امام ، بقعهٔ شاهزاده فاضل ، امامزاده موسی‌الکاظم، مدرسهٔ شاه‌ابوالقاسم ، بازارچهار سوق ، مسجد شاه‌ولی (تفت) ، منارمیرچخماق، صفاییه، مدرسهٔ ضیاییه ،مقبرهٔ سیدگل ، بقعهٔ مأمون ، بقعهٔ شاه کمال ، بقعهٔ سید رکن‌الدین ، مصلی عتیق ، مسجد ریگ، مقبرهٔ شیخ‌احمد، مقبرهٔ شیخ داماد، کاخ بلاشگرد ، قلعهٔ اسلان، پالاس آباد ، قلعهٔ (میبد)، آتشکدهٔ اشك آور (مسجداسکندر) ، گنبدهشت .



منارهٔ خانقاه

آثار جاویدان هنری جهان



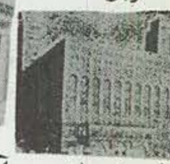
کلیسای ویرزنهیلی ژان

آلمان.

کلیسای استراسبورگ ، کلیسای ویرزنهیلی‌ژان، فواره‌ودروازه‌وکلیسای نورنبرگ ، قلعهٔ هایدلبرگ ، پل هایدلبرگ، موزهٔ برگامون، کاخ‌پوتسدام، خانه ومقبرهٔ شوپنهاور .



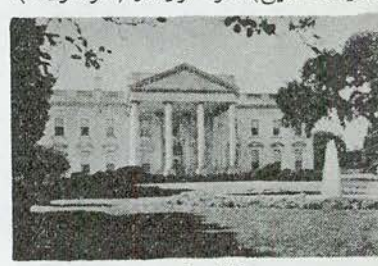
دروازهٔ نورنبرگ



تالار سخنرانی شیکاگو

آمریکا .

امپایراستت‌بیلدینگ، آبشار نیاگارا، کاخ کاپیتول ، کاخ‌سفید ، گراندکانیون، سدهوور ، درختان‌کالیفرنیا، پل معلق (دروازه‌طلایی)، کوه کووادو (کوه‌قوزی)،



کاخ سفید

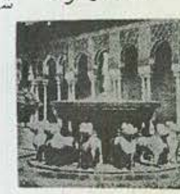


موزهٔ گوگنئوم

پارك‌پالرمو، آبشارایگوازو، بنای‌یادبود لینکلن ، کاخ دادگستری، تالارسخنرانی شیکاگو، موزهٔ گوگنئوم‌نیویورك، بندرتامپیکو



سدالارسون



میدان‌شیرها



مجسمهٔ آزادی



کلیسای وست منیستر

ومناظرطبیعی نیوزیلند، مجسمهٔ آزادی.

اتریش .

کلیسای سنت استیفن(وین) .

اردن .

مسجداقصی (اورشلیم) .

اسپانیا .

القصرطلیطله(تولدو)، دیواراویلا، مسجدقرطبه ، الحمراء، کاخ‌اسکورویال، کاخ فردیناند ، کاخ ایزابلا ، قصر شارل دوم ، قصرشاهی ، کلیسای شهر سیویل ، سدالارسون .



القصر طلیطله

استرالیا .



پل‌سیدنی .

افغانستان .

مزار شریف ، مجسمه‌های بودا (بامیان) .

انگلستان .

کلیسای‌وست‌مینستر ، کاخ آتیون ، برج‌لندن ، عمارت پارلمان، کلیسای‌سن‌پل ، قصرهوتفیلد، پل نیوکاستل .



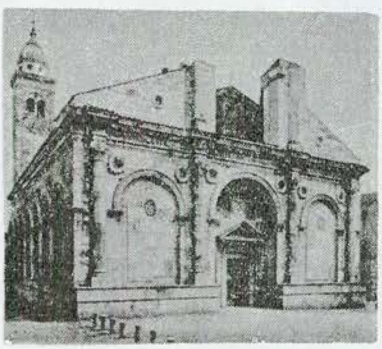
پل نیوکاستل

ایتالیا.

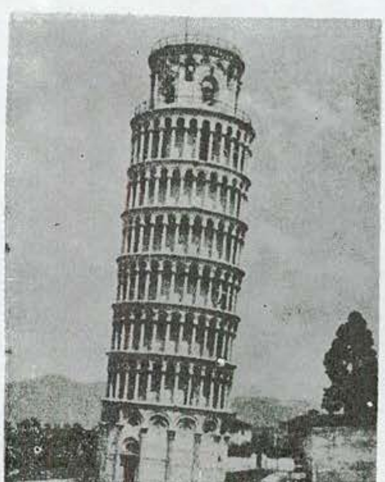
کلیزیوم، کلیسای‌سن‌پتر، فورورمانو، نمازخانهٔ سیستین ، ایستگاه راه‌آهن روم ، طاق‌قسطنطین ، پل قدیم‌فلورانس، برج کج‌پیزا ، کلیسای میلان، کلیسای سنت‌مارك، گراندکانال، ویرانهٔ‌پمپئی، تونل سنت گوتهارد، کاخ‌فارنز ، کاخ‌سنت‌آنژ واتیکان ،آمفی‌تآتر ، کلیسای‌فلورانس. سدسانتاژیوستینا ، لوژسو ، سانتاماریا دوفیور، میدان‌کاپیتول .



میدان کاپیتول



کلیسای فلورانس



برج کج‌پیزا

بلژیك .

تالارشهرداری‌بروکسل، کاخ‌سلطنتی کاخ دادگستری‌و کلیسای کوکایرك کلیسای نوتردام ، هتل‌اودنا آرد .



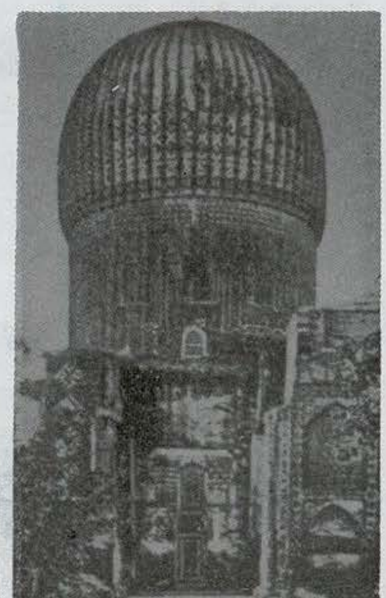
هتل ویل اودنا اور

تایلند.
معبدوات‌چانك (بانکوك)، صومعهٔ بنجاما بوپیتر.



صومعهٔ بنجاما

ترکستان.
گور امیر تیمور (سمرقند).



گور امیر

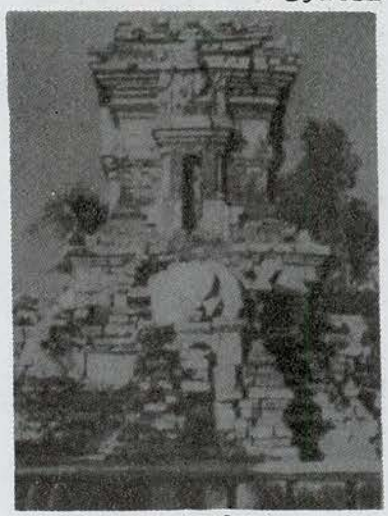
تایوان (فورمز)
قصر چانکایچك، معبدروی دریاچهٔ لاتوس، هرم‌تاجسن.



قصر چانکایچك

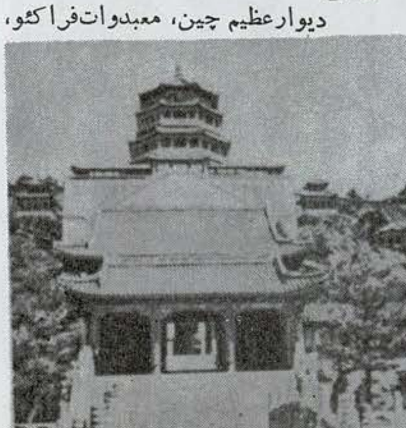
ترکیه.
مسجدایاصوفیه، مسجد سبز بورسا، مسجد سلیمان (استانبول)، کلیسای سانتاسوفیا.

جاوه.
معبدسنگ سیتربولنگ (بالی)، سنگاساری.



سنگاسارن

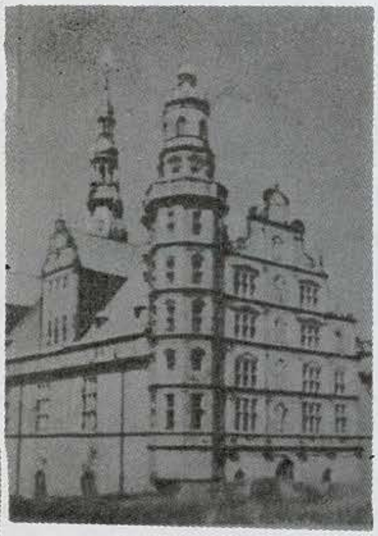
چین.
دیوارعظیم چین، معبدوات‌فراکئو،



قصر تابستانی

بودای زمردین، معبدوات‌پو (بانکوك). معبدکنفوسیوس، پلهٔ‌سنگی (نانکن) مجسمهٔ انسان فلزی (پکن)، برج وقلعهٔ‌کوتاه (پکن)، مقبرهٔ سن‌یات‌سن (نانکن)، معبد سونگ‌شان، قصر تابستانی (پکن)، معبد آسمان.

دانمارك.
قلعهٔ هاملت (هلسنگور)، کلیسای روسکیلد، قصرالسنور، قصرفردریکبورگ



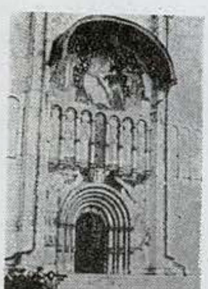
قصرفردریکبورگ

روسیه (اتحادجماهیرشوروی)
کاخ کرملین، دانشگاه‌مسکو، کلیسای



قصر زمستانی یا موزهٔ هنر

رستاخیز (نزدیك مسکو)، کلیسای وحی‌به‌مریم (نزدیك مسکو). کوشك زمستان



سردر کلیسای کاخ کرملین

(لنینگراد)، کلیسای سن‌ژان باپتیست ورکول.



قصرهوتفیلد



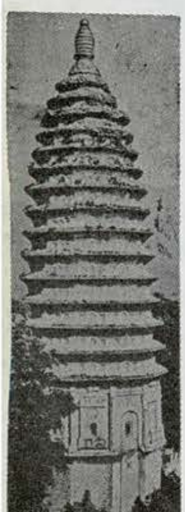
کاخ‌دادگستری بروکسل



سدسانتاژیوستینا

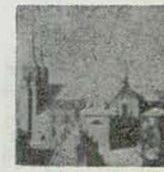


معبدآسمان



معبد سونگ‌شان


مقبرهٔ سن‌یات‌سن


کلیسای‌روسکیلد


قصر السنور


کلیشای‌وحی


کلیسای‌رستاخیز


کلیسای‌سن‌ژان باتیست


موزه هنر گوتنبرگ


قلعهٔ باستیل


کاخ کرملین

ژاپون .

معبدتوشوگو (نیك‌کو) ، معبدجیما (هیروشیما)، معبد فانوس‌ها (فارا)، معبد


معبدبیودوین

چوبی هوریوجی (فارا) ، معبدچیون‌دین (یوتو) ، ناقوس کی‌یوتو ، معبدبیودوین .

سوئد .

موزهٔ ملی استکهولم ، کلیسای لوند، قصر کالمار، موزهٔ هنر گوتنبرگ .


قصر کالمار

سوریه .

مسجد امویه در شام ، جامع‌دمشق، بیمارستان داماس .


بیمارستان داماس

سیام .

تایلند را به‌بینید .

عراق .

طاق کسری (بغداد)، مقبرهٔ حضرت علی(ع) (نجف) ، مقبرهٔ امام حسین(ع) (کربلا)، مقبرهٔ حضرت‌عباس‌ع (کربلا)، مقبرهٔ عسکرین (سامرا)، مقبرهٔ جوادین (کاظمین)، وادی السلام (نجف) ، خرابه‌های بابل.

عربستان سعودی .

خانهٔ کعبه (مکه)، قبرستان بقیع ، مقبرهٔ پیامبر (ص) مدینه ، مسجدعمر ، مسجدالحرام (مکه) .


کعبه

فرانسه.

برج ایفل ، کاخ‌ورسای، کاخ الیزه، قلعهٔ باستیل ، میدان کنکورد ، کلیسای مادلن ، قصربوربون ، ستون‌واندوم، کاخ تیریانون ، کاخ‌سوربون ، کاخ‌تویلری ، کلیسای نوتردام دوپاری ، کاخ پرنس ، کاخ‌لوور ، قصرفونتن‌بلو ، کلیسای سنت‌فوی ، سنت‌شاپل ، قصرشامبورد، موزهٔ


قصرشامبورد

فرانسه ، رومربرز ، کلیسای سن‌پل (فرانکفورت) ، کلیسای‌دول .


کاخ‌ورسای

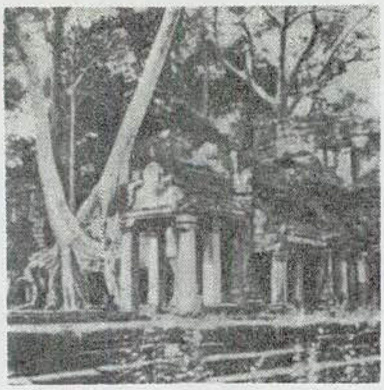
فنلاند .

پونکاهارجو ، کلیسای‌هاتولا .


کلیسای‌هاتولا

کامبوج .

کاخهای آنگکور، معابد آنگکوروات.


خرابه‌های معبدآنگکور

لبنان .

آثار تاریخی بعلبك .

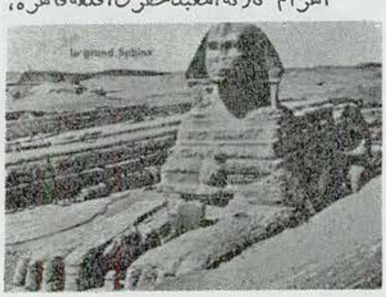
مجارستان .

کلیسای بوداپست، کاخ‌شاهی، کلیسای ژاك.

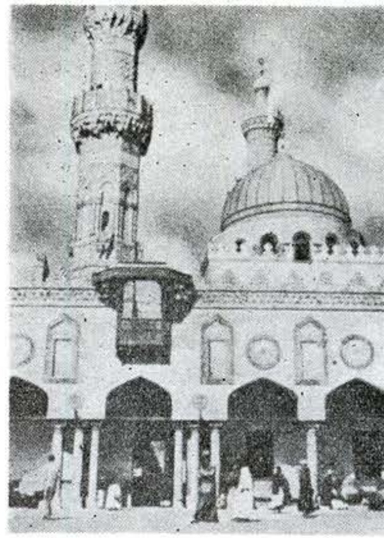

کلیسای قدیمی ژاك

مصر .

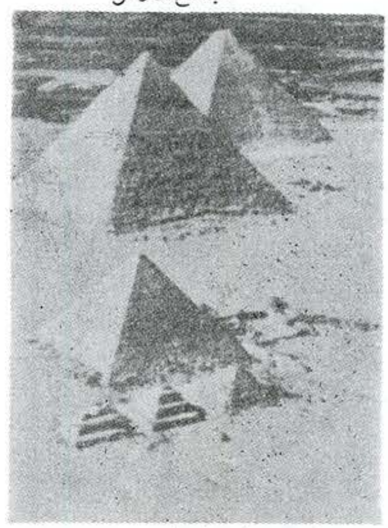
اهرام ثلاثه، معبدخفرن، قلعهٔ قاهره،


مجسمهٔ ابوالهول

مسجد محمدعلی ، مجسمهٔ ابوالهول،معبد آمون ، معبدلوکسور ، جامع‌ازهر.



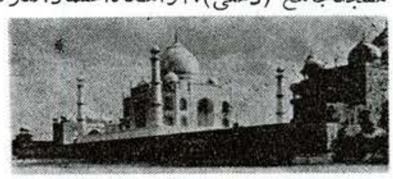
جامع‌الازهر



اهرام ثلاثه

هندوستان .

تاج‌محل، آگار (تاج‌محل)، جاموندی معبدطلایی، باغهای‌شالیمار ، قطب‌منار ، مسجدجامع (دهلی)، آرامگاه‌اعتمادالدوله



هندوستان

(آگرا) ، فتح‌پورسیکری، آرامگاه‌اکبر شاه ، بوده‌گایا ، گوالیور ، پالیتانا ، معابد کلکته .

یونان .

استادیوم آتن ، آکروپلیس، معبد آکروپل، معبد المپیاد .



خرابه‌های آتن

عجایب هفتگانه

اهرام .

مشهورترین فراعنهٔ مصر سه‌پادشاه ازسلسلهٔ چهارم‌اند موسوم به « خئوپس» و«خفرن» و «می‌کرنیوس» که در حدود قرن ۲۸ ق.م. می‌زیسته‌اند.

از روی ابنیهٔ عظیم قایم ودایمی که سلاطین سه‌گانهٔ مزبوربه‌عنوان خوابگاه ابدی خود ساخته‌اند . امروزمی‌توان قیاس کرد که قدرتشان تاچه‌حد بوده.این سه‌بنا بنام«اهرام» یا«اهرام‌ثلاثه»معروفست و به‌فاصله ۱۰۰۰۰ ذرع ازشمال«ممفیس» نزدیك قریهٔ جیزه برپای ایستاده.ازین سه،آن‌که بلندتراست . « هرم خئوپس » است‌که ۱۴۶ ذرع ارتفاع داشته ولی امروزبیش‌از۱۳۷ ذرع‌ارتفاع‌ندارد‌وطول ضلع‌موربآن به۲۲۷ذرع می‌رسیده. این هرم عظیم‌ترین بنای سنگی است که در ربع مسکون وجود دارد . هرم (خفرن) کمی‌ازآن کوچکتر است و ۱۳۶ ذرع بلندی دارد . هرم می‌کرنیوس بسیار کوچکتر است و ارتفاعش به۶۶ ذرع می‌رسد .

سطح خارجی‌اهرام، پوششی‌ازسنگ آهك داشته‌که به‌خوبی بریکدیگر سوار شده و صیقلی نیز بوده ولی‌امروزتقریباً بکلی ازمیان رفته.

مجسمهٔ ژوپیتر .

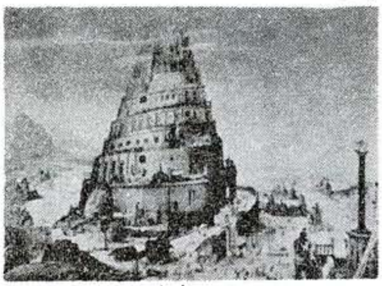
فیدیاس مجسمه‌ساز باستانی درقرن پنجم قبل از میلادمدت ۹سال وقت‌صرف کرد تا از **ژوپیتر** خدای خدایان مجسمه‌ای ساخت‌که مدتها در **معبدالمپ** جای داشت و توسط ترکان عثمانی‌منهدم گردید.

برج و چراغ دریایی‌بندر اسکندریه .

بطلمیوس‌در سال۲۷۹ قبل ازمیلاد در بندر اسکندریه‌برجی به‌ارتفاع۱۵۰ متر پی‌افکند،امروزه بیادآن برج‌فانوس‌هایی گذاشته‌اند که ازمسافت ۶۰ کیلومتری دیده‌می‌شود .

باغهای معلق‌بابل .

بخت‌النصرپادشاه معروف‌بابل‌بیادبود همسر خود سمیرامیس بنایی‌درکنار رود فرات پی‌افکندکه امروزه‌آثار آن در خرابه‌های بابل (نزدیك شهرحله) پابرجا است .



برج بابل

مجسمهٔ آپولون .

آپولون رب‌النوع موسیقی و هنر و شبانی در یونان باستان بوده است مجسمهٔ وی در مدخل **بندر رودس**قرار داشت .

ارتفاع این مجسمه ۶۰متروبوسیلهٔ **شاروس‌دولیندوس** در مدت دوازده سال ساخته شد، این مجسمه ۵۶سال بعد از این‌که‌بنا گردید براثر یك زلزلهٔ شدید به‌اعماق دریا فرورفت،تاریخ‌بنای آن ۳۰۰ تا ۲۸۸ قبل از میلاد است .

معبد دیان .

بنایی عجیب به‌طول۱۳۸ متردارای ۱۲۷ ستون‌بلند مرمری‌که به‌امر **کرزوس** پادشاه لیدی بناشده است . ویزیکتها مدت یك‌سال به‌کمك‌سه‌هزارسرباز آن‌را ویران کردند .

مقبرهٔ موزولد .

این‌مقبره بیادبود شوهر آرتمیس‌در هالیکارناس بناشده که ۴۲ متر ارتفاع داشت و تاریخ بنای آن ۳۹۲ قبل از میلاد است اکنون بقایای آن در موزهٔ انگلیس حفظ می‌شود .



کلیسای‌دول



موزهٔ لوور



آگار

۹۹۸

آثاری چند از عجایب باستان

الحمراء .

بقایای دژها ، قصرهای سلطنتی و جایگاه رجال و کارگزاران دولتی دورهٔ اسلامی که برتپه‌ای مشرف بـرغرناطه ، اسپانیا مـی‌باشند ، از سال ۶۲۹ ه‍ ق که نبونصر دولت مستقلی دایـرکرد و غرناطه را پایتخت خود قرار داداز آن ببعدالحمراء شهرت یافت .

الحمراء نموداری زنده‌از روزگار عظمت تمدن اسلامی و نمونه‌ای والا از معماری اعراب مغربی در اسپانیـاست . طالارها و اطاقهای‌آن برگردحیاطهای چندی بنا شده که‌معروفترین آنها«حیاط ریحان» و« حیاط‌شیرها»است طاقنماهای پیرامون حیـاط شیرها بر ۱۲۴ ستون مرمرین قرار دارند، درمیان‌آن حوضی از رخام بردوش دوازده شیر مـرمرین نهاده شده است.طاقهای‌مقرنس‌الحمراء درنوع خود نمونه‌های‌درخشانند،دیوارها وسقفهای‌آن باطرحهای تودرتو وظریف هندسی ، از مرمرورخام‌وکاشی وگچبری زینت یافته . نمای کاخ سنگینی خاصی دارد . اما پس‌از ورود به«تالارداوری» شکوه تزیینات و سبك معماری چشم را خیره می‌سازد .

ایوان‌کسری .

مشهورترین‌بنایی‌که پادشاهان‌ساسانی ساخته‌اند. قصری است‌که‌ایرانیان‌آن‌را طاق‌کسری یا ایوان کسری‌گویند هنوز در محلهٔ « اسپانبر » در مداین موجب حیرت سیاحان است . ساختمان این بنا را بەخسرو اول‌نسبت می‌دهند.

مجموع خرابه‌های این‌کاخ‌ومتعلقات آن مساحتی به‌عرض‌وطول ۴۰۰ X ۳۰۰ متر را پوشانیده است در ایـن مساحت آثار چند دیده می‌شود . علاوه بر طاق کسری‌عمارتی‌است‌درفاصلهٔ ۱۰۰ متری‌در مشرق‌طاق‌وتلی که‌معروف‌به«حریم کسری» است. طاق‌کسری تنها قسمتی‌است‌ازمحل عمارت‌که‌اثر قابل توجهی از آن‌باقیست تا سال ۱۸۸۸ م. نما وتـالار بـزرگ مرکزی‌آن‌نیز برپا بود.امادر آن‌سال‌جناح شمالی خراب شد و اکنون جناح جنوبی نیز در شرف انهـدام است . در وسط این جلوخان دهانهٔ طاق بزرگ بیضی‌ـ شکلی نمایان است که‌عمق‌آن تاآخر بنا پیش رفته است. طاق‌کسری مقر معمولی شاهنشاه بوده. حیرت‌واعجاب بینندگان بیشتر به‌علت عظمت وشکوه و ضخامت اضلاع آن‌است . مسلمانان پس از فتح تیسفون ایوان مداین را بـرای مسجد اختیار کردند و گـویند امیرالمؤمنین حضرت‌علی(ع) در همین ایوان نمازبجا آورد .

آرامگاه اکبر .

در سکندرا(درپنج‌میلی‌آگره)واقع شده‌بخاطرسبك‌معماریش‌که‌نیمه‌هندویی و نیمه اسلامی است بسیار جالب‌می‌باشد.

ابوالهول .

مجسمهٔ ابوالهول‌که روبه روی هرم خفرن قرار دارد وبه‌احتمال قوی بین سالهای ۴۸۰۰ و ۴۵۰۰ قبل‌ازمیلادساخته شده تن شیروکلهٔ‌فرعون‌را دارد . طـول ابوالهول ۲۴۰ قدم وبلندی‌آن ۶۶ قدم است .

جامع ازهر .

مسجد معروف قاهره‌است‌وآن‌اولین جـامعی است‌که در قاهره بناشده وآن‌را (جوهر) که ازطرف المعزلدین‌الله برای فتح مصرآمده بود بنا گـذاشت. شروع ساختمان آن درسال ۳۵۹ ه‍ ق. وپایان به‌سال ۳۶۱ بود. جامع‌ازهر امروزعین جامعی‌که جوهر بنا کرده نیست . بـلکه همانست‌بامجموع عماراتی‌که بعدهـا در دوره‌های مختلف بدان اضافه شده ، این جامع‌هم مسجد وهم‌مدرسه‌است ونخستین باربرای تدریس فقه شیعه ایجاد شده‌بود وتاکنون به‌صورت مدرسه باقی‌است.

ایاصوفیه .

مسجد معروفی است‌در استانبول،و آن در قدیم‌کلیسایی بود که بنام صوفیهٔ قدیسه از سال ۵۳۲ تا ۵۳۷ م. توسط (آنتیموس‌ترالی‌وایزیدورملیطی) به‌دستور (یوستینیانوس) ساخته شد. درسال۸۵۷ ه.ق.این معبد توسطسلطانمحمدخان‌ثانی به‌هنگام‌فتح استانبول‌به‌مسجد جامع‌تبدیل شد وآن‌پادشاه‌یك‌مناره ویك‌مدرسه‌بدان افزود و سلطان بایزید منارهٔ دیگـری را ساخت‌ومدرسه را وسعت‌داد.

باستیل .

قلعه‌ای در پاریس،دردروازهٔسنت‌ـ آنتوان . بنای آن‌در زمان شارل پنجم توسط (هوگ‌اوبریو) در ۱۳۷۰ م.آغاز شد ودر ۱۳۸۲ پایان‌یافت. نخست‌قلعه‌ای نظامی بود وبزودی تبدیل به‌محبس‌دولتی گردید و علاوه بر زندانیان معمولی زندانیان عالیرتبه را نیزدرآنجامحبوس می‌ساختند. باستیل در ۱۴ژوییهٔ ۱۷۸۹ از طرف ساکنان پاریس اشغال‌و تخریب شد واین روز به‌عنوان جشن ملی فرانسه شناخته‌گردید .

برج ایفل .

این برج‌راکه۸۸۴قدم‌ارتفاع دارد مهندس‌گوستاوایفل برای نمایشگاه سال ۱۸۸۹ پاریس بنا کرد واز بناهای بسیار دیدنی اروپاست و سمبول پاریس‌به‌شمار می‌رود .

برج کج‌پیزا .

برج کج پیزا که‌به‌نظرمی‌رسددرحال افتادن است و ۱۷۹ قدم طول‌دارداز‌قرن ۱۲ همچنان سالم باقی مانده است. ولی پیش‌بینی می‌شوددرآتیه برج‌پیزا‌بالاخره سقوط‌کند .

بوده‌گایا .

محل‌تولد بودیسم است. در همینجا بودکه بودا حقیقت زندگی‌راکشف‌کرد. مجسمهٔ طلایی بوداکه درمعبد آن قرار دارد بسیاردیدنی است .

تاج محل .

مقبره‌ای‌است‌عالی درنزدیك آگره «هندوستان» درساحل‌جمنا،که‌شاه‌جهان به‌یادگارزن خویش ملکه‌نورجهان‌یا‌نور محل‌که‌بهنگام وضع حمل درگذشت بنا کرد . اجساد این زن‌وشوهر در زیر دو ضریح مقبره قرار داده‌شده و ساختمان آن در سال ۱۰۴۰ ه.ق. شروع‌شد وپس از۲۲ سال پایان یافت .

دیوار عظیم چین .

این دیوارکه ۱۴۰۰ میل‌طول‌دارد و ارتفاعش‌به‌تناوب ۲۰ الی ۳۵ فوت و عرضش ۱۰ الـی ۲۳ فوت می‌باشد در زمان تسن‌شن‌هوانگ‌تی (قرن سوم‌قبل‌از میلاد) ساخته شده است واز عجایب‌دنیا بشمار می‌رود .

فتح پورسیکری .

فتح‌پورسیکری‌شهری‌است‌که‌اکبرـ شاه هندی‌بنا کرده و درین‌شهر کـه هنوز بقایایش دیده می‌شودقصری‌است‌که‌ایوان خاص‌آن بسیار جالب توجه است.

قلعهٔ‌هاملت .

قلعهٔ‌هاملت‌درهلسنگور(که‌ازشهرهای کوچك دانمارك است) قرار دارد و به‌سبك رنسانس هلندی ساخته شده و اکنون به‌صورت‌موزهٔ دریایی‌مورداستفاده

قرار گرفته است.

کاخ الیزه.

کاخی در فرانسه (پاریس) که در سال ۱۷۱۸ بناشده واز دورهٔ لویی۱۵، مقرحکومت بوده واکنون نیز به رییس جمهور اختصاص دارد.

کرملین.

ازکاخهای قدیمی‌مسکواست که‌درآن تزارها زندگی‌می‌کردند.این‌کاخ کلیسایی هم داردکه در آن تزارها تاجگذاری می‌نمودند.

کعبه.

یاخانهٔ‌خداوبخصوص‌مسجدعظیمی که درنزدیکی آن قراردارد وبه‌اندازهٔخود آیین‌اسلام‌قدمت‌دارد، ازعجایب‌عربستان به‌شمار می‌رود.

گوالیور.

شهری است در هندکه آثاری از زمان عظمت راچپوت‌ها دارد. این شهر چندین‌بار دلیرانه در برابر مهاجمان خارجی‌مقاومت نموده‌وهندوها به‌آن‌بسیار افتخار می‌کنند.

آرامگاه تیمور یا «گورامیر».

درآن‌جاجهانگشای سفاك‌آسیایعنی تیمورلنگ مدفون است. این آرامگاه که دارای گنبد عجیبی است در سمرقند قرار دارد.

معبد طلایی.

معبدسیکها درامریتسر (هند) که‌از مرمر سفید ساخته شده ودروسط‌استخری عظیم قرار دارد، از جاهای‌بسیاردیدنی هند است. این‌معبد خیلی تمیز است و سیك‌ها باکمال احترام از زائرین (ولو این‌که‌بیگانه باشند) پذیرایی می‌کنند وبرایگان توضیحات کافی در اطراف آیین‌سیك وتاریخچهٔ معبدمی‌دهند،قسمت فوقانی معبد سرتاسر از طلای ناب‌ساخته شده ومنظرهٔ بسیاربدیع و زیبایی دارد.

ساختمانهای بلند و معروف

نام ساختمان	شهر وکشور	بلندی
امپایراستیت‌بیلدینگ	نیویورك ــ آمریکا	۴۴۸ متر
برج شیباپارك	توکیو ــ ژاپن.	۳۳۳ »
کرایسلر بیلدینگ	نیویورك ــ آمریکا	۳۱۹ »
برج‌ایفل	پاریس ــ فرانسه	۳۰۰ »
بانك مانهاتان	نیویورك ــ آمریکا	۲۸۳ »
ساختمان‌آر ــ سی ــ آ	نیویورك ــ آمریکا	۲۵۹ »
دانشگاه لامونوسوف	مسکو ــ روسیه	۲۰۸ »
هتل‌دورگومیلوسکی	مسکو ــ روسیه	۱۷۵ »
والدورف‌آستوریا	نیویورك ــ آمریکا	۱۶۹ »
برج‌واشنگتون	واشنگتون ــ آمریکا	۱۶۷ »
شهرداری فیلادلفیا	فیلادلفیا ــ آمریکا	۱۶۳ »
کلیسای‌کولن	آلمان غربی	۱۶۰ »
بانکودواستادو	سائوپولو ــ برزیل	۱۵۸ »
کلیسای‌روئن	روئن ــ فرانسه	۱۵۱ متر
کلیسای‌استراسبورگ	استراسبورگ ــ فرانسه	۱۴۳ »
هرم‌خئوپس	قاهره ــ مصر	۱۳۷ »
ساختمان‌سن‌اتین	وین ــ اتریش	۱۳۷ »
کلیسای‌سن‌پی‌یر	روم ــ ایتالیا	۱۳۲ »
کلیسای آنورس	آنورس ــ بلژیك	۱۲۰ »
آسمانخراش میلان	میلان ــ ایتالیا	۱۱۵ »
گنبدفلورانس	فلورانس ــ ایتالیا	۱۱۳ »
گنبداوترخت	اوترخت ــ هلند	۱۱۲ »
کلیسای‌سن‌پل	لندن ــ انگلیس	۱۱۱ »
گنبدمیلان	میلان ــ ایتالیا	۱۰۹ »
شهرداری وین	وین ــ اتریش	۱۰۰ »
برج‌ناقوس	ونیز ــ ایتالیا	۹۹ »
مجسمهٔ‌آزادی	نیویورك ــ آمریکا	۹۴ »
ساختمان کاپیتول	واشنگتون ــ آمریکا	۹۳ »

باستان شناسان

در بخش خاور شناسان ملاحظه شود.

کتب‌مربوط به‌آثار باستانی

انجمن‌آثار ملی‌ایران: پروفسورهرتسفلد ترجمهٔ دکتراحمدمتین‌دفتری.

آثار عتیقهٔ بودایی بومیان: پروفسور هاکن و مسیو کدار، ترجمهٔ احمدعلی کهزاد.

ابن‌یمین‌وابنیهٔ تاریخی‌فرومد: مصطفی شهابی.

آثارهرات: خلیل‌نامی‌افغانی.

آثارباستانی‌کرمانشاهان: عزیزالله‌بیات.

شرح و نتیجهٔ کاوشهای علمی حسنلو ــ سلدوز در تخت‌جمشید: مهندس‌علی‌ــ حاکمی به‌مشارکت‌محمودراد.

تاریخچهٔ قسمتی از بناهای تاریخی کشور: ابوالقاسم‌شکرایی.

راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی: سیداسماعیل‌دیباج.

راهنمای آثار تاریخی کرمان: محمد ابراهیم باستانی پاریزی‌کرمانی.

زیارتگاه اهواز: حاج‌اسمعیل‌کلباسی.

شرح بزرگترین آثار ملی: دکترمهدی بیانی.

معماری ایران: ترجمهٔ، صدری‌افشار و احمدایرانی.

هنرایرانی: پوپ.

استادان و معلمین‌دانشگاه

بهنام: دکتر عیسی. استاد ومدیرگروه باستان‌شناسی و هنردانشکدهٔ ادبیات.

بیانی، خانم ملکه. دبیرباستان‌شناسی و هنر دانشکدهٔ ادبیات.

دانشور، خانم‌دکتر سیمین. دانشیار گروه‌باستان‌شناسی‌وهنردانشکدهٔ‌ادبیات.

زمانی، معلم‌گروه باستان‌شناسی وهنر دانشکدهٔ ادبیات.

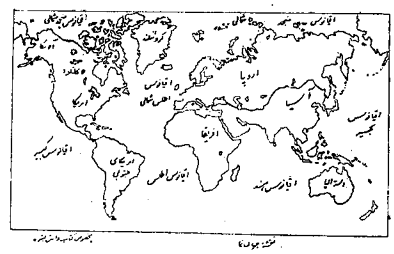
ستوده، دکترمنوچهر،معلم‌گروه‌باستان شناسی و هنر دانشکدهٔ ادبیات.

کاروزو، خانم، معلم‌گروه باستان‌شناسی وهنر دانشکدهٔ ادبیات.

مقدم، محسن استادباستان‌شناسی‌ایران دردانشکدهٔ ادبیات.

نگهبان، دکترعزت‌الله، استاد گروه باستان‌شناسی و هنر دانشکدهٔ ادبیات.

ورجاوند، دکتر. معلم باستان‌شناسی‌و هنر دانشکدهٔ ادبیات.



دانش جغرافیا

جغرافیای هومر

در آن‌هنگام که ایلیاد به رشتهٔ نظم کشیده می‌شد ، معلومات جغرافیایی فراوانی به‌وسیلهٔ دریانوردان واستعمارگران فنیقی فراهم آمده بود.و جهان مدیترانه و دریای سیاه را تاآن زمان بخوبی اکتشاف کرده‌بودند. دریانوردان بی‌باك به‌اقیانوس اطلس رسیده و باخود مفهوم رودخانهٔ بزرگی‌راکه بر گرداگرد جهان می‌چرخد و به‌خود باز می‌گردد همراه آورده بودند ، و این‌مفهوم با **اوسطورهٔ** (اوگئانوس) « اقیانوس» پسر «اورانوس» و «گایا» همسر «تتوس» نخستین پدرآنها و رودخانه‌های عالم درهم‌آمیخته بود . افسانهٔ دیگر دربارهٔ «ارگوناوتای» که باکشتی **ارگو** تحت سرپرستی «ژاسون» برای به‌دست‌آوردن گوسفندپشم طلایی به‌**کولخیس**(درسواحل جنوب شرقی دریای سیاه) شراع‌کشیده، نمایندهٔ یکی از ماجراهای دریانوردی آن‌زمان‌های‌دور به‌شمارمی‌رود.سرایندگان و خنیاگران قدیمی داستان‌های فراوان دیگری هم از اینگونه‌ها داشته‌اند، ولی دربند آن‌نبوده‌اند ، که‌آن داستان‌ها از لحاظ جغرافیایی درست باشد و حتی تناقضهای جغرافیایی‌درآنها وجودنداشته باشد .

جغرافیا وعلم‌الاساطیر که‌یکی نمایندهٔ واقعیت‌است ودیگری‌بافتهٔ خیال، به‌شکل عجیبی درافسانه‌های‌آنان درهم آمیخته بود ، کوشش برای شکافتن این‌گونه تناقضات و معماها در**اودیسه وسندباد‌نامه‌های** زمانهای متأخر تر،کار لغو و بی‌حاصلی بنظر می‌رسد، چه‌افسانه‌سرایان داستان وعجایب آن‌رامحفوظ نگاه‌می‌داشته وواقعیت‌های‌جغرافیایی‌آن‌رااز‌قلم می‌انداخته‌اند . با وجود این‌حقیقتی‌در ذهن ایشان اثرداشته وچهارباد: **بوراس و اوروس** و **نوتوس و زفوروس** را که به‌اجمال چهار جهت اصلی شمال و مشرق و جنوب و مغرب را نشان‌می‌دهد می‌شناخته‌اند ، دوتای ازاین‌ها که محل طلوع وغروب آفتاب‌است بیشتر به‌خاطرشان باقی می‌مانده، ودوتای‌دیگررا تغییرات منظم آب وهوای اژه درذهن‌ایشان‌زنده نگاه می‌داشته است .

ما باید اطمینان داشته‌باشیم‌که‌دریانوردان باستانی یونان محل‌های خودرا در مدیترانه خوب می‌شناخته‌اند،ولی‌باید گفت‌که آن دریانوردان چنین اطلاعات خود رابه هومرنداده‌اند و هومر برای به‌دست آوردن چنان اطلاعاتی علاقمند نبوده است .

ارسطوی جغرافیادان.

اساسی‌ترین سؤالات تاریخ طبیعی ناچارمربوطمی‌شود به‌خودزمین وشکل‌و اندازه‌وسطح‌آن.اندازه‌یی‌که‌ارسطوبرای زمین به‌دست می‌دهد بزرگتر از حقیقت است ولی چندان نیست‌که زننده‌ومایهٔ تعجب فراوان باشد ، اطلاع وی در بارهٔ بزرگی و اندازهٔ تمام زمین مبتنی‌بر محاسباتی‌بود که ازروی قسمت کوچکی از زمین به‌دست آمده‌بود وامکان این هست که این‌محاسبه به‌تدریج دقیقتر شده باشد، ولی‌آگاهی وی بر قسمتهای قابل‌سکونت زمین از روی گزارش‌های مکتشفان ومسافران بوده است . این کار درصورتی‌که خوب صورت بگیرد از حدس وگمان خارج نیست، چه‌هراندازه هم‌که شخص از نقطه‌یی خوب‌آگاه باشد، این‌آگاهی‌اصلا و ابداً تأثیری‌درشناختن جاهای دیگر نخواهد داشت . از اواسط این‌قرن چندین مسافرت اکتشافی‌صورت گرفته بود . ولی‌اگرحدوداین‌اکتشافات را برروی‌کره‌یی رسم کنیم معلوم‌می‌شود که جزء بسیارکوچکی ازآن‌کره رافرا‌می‌گیرد . لشکرکشی اسکندر اطلاعات مربوط به‌شرق میانه و اراضی واقع در مغرب دونهر **سند** و **سیحون** را توسعه بخشد ولی نتایجی‌که از این‌راه به‌دست آمده بود همه در دسترس ارسطو قرار نمی‌گرفت . ارسطو اطلاعات جمع‌آوری شده را درکتاب (مسافرت دور دریایی) آورده است .

پیدایش‌علم جغرافیا.

جهانگردی‌که‌درامتداددرهٔ نیل بالا بیاید پس از رسیدن‌به **آسوان** Assouan ومصر علیا طبعاً برای تماشای جزیرهٔ الفانتین (Elèphantine) مدتی توقف می‌کند و در این‌حال اگر راهنمای او متخصص باشد ممکن‌است بتواند یك‌چاه قدیمی راکه تقریباًدر زیر شاخ‌وبرگ‌ها مخفی است وهفت‌تا هشت مترعمق دارد مشاهده‌کند . در اولین نظراین چاه از سایرچاهها و قناتهایی که بومیان آب لازم برای‌آبیاری را به‌وسایل مقدماتی ازآن‌ها استخراج می‌کنند وجه امتیازی نداردودرمنظرهٔ مبهم‌ومتراکم تاریخ‌بشر هیچ‌چیز برای تشخیص‌قدمت آن‌موجود نیست و شاید فقط عدهٔ کمی ازساکنین محل مطلع‌باشند‌که‌به‌کمك این چاه بود که بیست‌ویك‌قرن پیش از این انسان برای اولین بار زمین را اندازه‌گرفت.

اگر کرویت‌زمین‌دردوران **اسکندر** بر کسی پوشیده نبود درعرض هنوزبرای اندازه‌گیری‌آن اقدامی نکرده بودند . **اودوکس و ارسطو**محیط آن‌رابه ۴۰۰ هزار استاد یعنی ۶۳۰۰۰ کیلومترمعین کرده بودند و این رقم را **دیسه‌آرك** (Dicéarque) از اهل**مسین** Messine به ۵۳۰۰۰ کیلومتر تقلیل داد. اما این نتایج ارزشی نداشت و **اراتوستن** مدیر کتابخانهٔ بزرگ‌ودوست**آرشمیدس**مسئله را از لحاظ هندسی مورد مطالعه قرار داد .

اراتوستن چگونه برای‌اندازه‌گیری زمین اقدام‌کرد؟

استدلال او ازاینقرار بود:
می‌دانیم‌که‌محیط دایره‌به ۳۶۰ درجه

تقسیم می‌شود پس اگر من بتوانم طول یك درجهٔ آن‌را برحسب استاد Stade معین کنم (هراستاد تقریباً ۵۷/۵ متراست) برای تعیین محیط کرهٔ زمین کافی است عدد حاصل را در ۳۶۰ ضرب کنیم بنا براین، مطلب رجوع شده بود به این که طول کمان یك درجه را معین کنند . فرض کنید که ما ازشهر پاریس مرتباً بسمت جنوب حرکت کنیم ازکجا درك خواهیم کرد که طول یك درجه عـرض جغرافیایـی را پیموده‌ایم ؟

متأسفانه اگر درجاده‌ها برای تعیین کیلومتر ، علاماتی وجـود دارد روی زمین حدودی برای تعیین درجات طول وعرض نیست و با نداشتن وسیلهٔ اندازه‌گیری زمین چاره‌ای نداریم جز آنکه به‌علامات آسمانی متوسل شویم. اگر به‌عنوان گردش در ابتدای انقلاب صیفی به‌مناطق استوایی مسافرت کنیم ملاحظه خـواهیم کرد که درهنگام ظهر خورشید درست در سمت الرأس قرارمی‌گیرد، حـال آن که اگر به‌قسمت شمال حرکت کنیم به‌تدریج خورشید نزول می‌کند بطوریکه در نقطهٔ قطب شمال درموقع انقلاب صیفی خورشید درست برروی افق واقع است:

به‌این‌ترتیب ازمدار رأس‌السرطان به‌بعد خورشید ۹۰ درجه درآسمان پایین آمده است. ازاینجا این فکر درما ایجاد می‌شود که چون باتغییر ۹۰ درجه عرض جغرافیایی خورشید نیز مکان خودرا ۹۰ درجه تغییر داده است ، پس به‌ازای هر یك درجه اختلاف عرض جغرافیایی، خورشید نیز یك درجه درآسمان نزول می‌کند. برای **آراتوستن** نیزهمین فکر به‌وجود آمد، وی اطلاع یافت که درآسوان که درآن اوقات (Syène) نام داشت چاهی وجود دارد که در انقلاب صیفی آفتاب بـه قعرآن می‌رسد . باخـود گفت از اینجا معلوم می‌شود که این چاه درست روی مـدار رأس‌السرطان قرار دارد. بنابراین ازآن نقطه عازم می‌شوم و آنقـدر سمت شمال حرکت می‌کنم تاوقتیکه به‌نظرمن خورشید یك درجه درآسمان نزول کند . اما بهتر آن دید که درهنگام انقلاب صیفی سال بعد درهمان شهر اسکندریه بماند و به‌مدد زاویه‌یاب معلوم کند که ما بین **سی‌ین و اسکندریه** خورشید چقدر پایین آمده است و ملاحظه کرد که این مقدار مساوی ۷ درجه و ۱۲ دقیقه است . پس با خود گفت شهرهـای **سی‌ین و اسکندریه** ۷ درجه و ۱۲ دقیقه انحراف دارند وچون می‌دانم که فـاصلهٔ این دو شهر ۵۰۰۰ ۲ استاد است پس نتیجه می‌گیرم که هردرجه مساوی ۶۹۴ ۱استاد و محیط زمین ۲۵۰۰۰۰ استاد است، ۲۵۰۰۰۰ استاد برابـر ۳۹۳۷۵ کیلو متر است . چه‌دقت قابل ملاحظه‌ای زیرا عدد واقعی ۴۰۰۰۰ کیلومتر است.

بعد از به‌دست‌آوردن ایـن نتیجه دانشمند مزبور درصدد برآمد که زمین را ترسیم کند ، دراین‌راه‌نیز پیشقدمانی داشته است و مسافرتهـای دور دست و رفت و آمدهای تجار بعضی اطلاعـات دربارهٔ سرزمینهای بعید وساکنان وآب وهوای آن‌ها به‌دست‌داده بود، اکتشافات اهالی جزیرهٔ **کرت** و **فنیقی‌ها** و سپس مسافرت‌های اقوام **یونانی** موضوع مختصری برای ایجاد علم جغرافیای مقدماتی تهیه کرده بود که در افسانه‌ها ازقبیل اشعار **آرگونوت** (Argonautes) و اودیسه (odyssé) ازآن‌ها یادشده‌است. برحسب امر فرعون **نشائو** (necheo) (درحدود ۶۰۰ قبل از میلاد مسیح) یـك کشتی فنیقی سواحل آفریقا را از دریای احمر تا **جبل‌الطارق** پیمود ودرقـرن چهارم قبل‌از میلاد بحرپیمای معروف **پیته‌آس** (pitheas) از اهالی بندر **مارسی** از جبل‌الطارق حرکت کرد و جزایر بریتانیای کبیر را دور زد تا نروژ پیش‌رفت. وسپس در امتداد سواحل آلمان تاهلیوگولاند (Heliogoland) گردش کرد. مجموعهٔ این اطلاعات امروزه نیز با همهٔ تحولات علوم حائز کمال اهمیت است .

« تاریخ‌علم ، ترجمهٔ احمدآرام ».

چند اصطلاح مفید جغرافیایی

آبخوست .

جزیره را ببینید .

آتمسفر .

هوایی که کرهٔ زمین‌را احاطه کرده وضخامت آن را ۱۰۰ کیلومتر تخمین می‌زنند .

آلیزه (باد) .

بادی که جهت آن ازقطب‌ها به‌طرف استوا است وسطحی ودایمی ومنظم‌است.

آیسبرك .

کوه‌یخ را ببینید .

استوا ، خط .

خطی دایره و فرضی وشرقی‌وغربی که کرهٔ زمین را به‌دوقسمت‌متساوی‌شمالی وجنوبی تقسیم می‌کند .

اقیانوس .

دریاهای بسیاربزرگ‌ودرکرهٔ‌زمین رویهم پنج اقیانوس وجود دارد (کبیر، اطلس،هند،منجمدشمالی‌ومنجمدجنوبی.)

اوج .

مدار زمین و سایرسیارات منظومهٔ شمسی به‌دورخورشید بیضی‌است‌ که‌خورشید دریکی از دوکانون آن‌قراردارد ودورترین نقطهٔ مدار به خورشید اوج نامیده می‌شود .

باب یا تنگه .

شاخه‌ای از دریا که بین دوخشکی واقـع است و دودریـا را بههم ارتباط می‌دهد .

باد .

هوایی که به‌جهت‌معینی تغییر مکان می‌دهد وممکن است منظم یـا نـامنظم باشد .

بیابان .

اراضی خشك ولم‌یزرع راگویند.

تنگه .

باب‌را ببینید .

جریانات دریایی .

اختلاف درجهٔ حرارت هوای‌مناطق استوایی‌وقطبی‌موجب تغییردرجهٔ‌حرارت آبهای سطحی این دومنطقه مـی‌شود ، چون آب‌گرم سبکتر ازآب‌سرد است‌بین بخشهای گرم‌دریا ومناطق‌سردآن‌جریا نهایی برقرار می‌گردد که معروفتریـن آنها **جریان‌خلیج، کورشیو، جریان‌لابرادور، کامچاتکا، همبلت، فالکلندوجریان‌کالیفرنی** است (به‌صفحه۱۰۰۴ مراجعه‌شود)

جزر ومد .

بالا آمدن آب و فرونشستن آن‌را جزر ومدگویند ، علت‌آن‌نیروی جاذبهٔ ماه و خورشید و سایر ستارگان است. این تغییر در دریاهای بسته بیشتراست. درهرشبانه‌روز دوبار جزرومـد صورت می‌گیرد ولی‌حداکثرجزر و مـد درماه دوبار روی می‌دهد .

جزیره یا آبخوست .

قطعه خاکی‌که بین‌آب ازهر طرف محصور باشد ومجموع چند جـزیره را

مجمع‌الجزایر گویند.

جلگه.

زمینی است صاف و هموار که کوه و تپه نداشته باشد وحداکثر ارتفاع آن به ۲۰۰ متر نرسد.

حرکت انتقالی.

زمین درهرسال یك بار بەدورخورشید می‌گردد، این حرکت را انتقالی گویند.

حرکت وضعی.

گردش زمین بەدورخود که درمدت ۲۳ ساعت و۵۶ دقیقه صورت می‌گیرد حرکت وضعی نامیده می‌شود. مهمترین نتایج آن، ایجاد شب‌وروز، ایجادفرورفتگی در قطبین و برآمدگی استواء، انحراف بادهادی آلیزه و کنترآلیزه، پیدایش جزرومد، اختلاف درجه حرارت.

حضیض.

مدار زمین و سایر سیارات منظومهٔ شمسی بەدورخورشید بیضی است که خورشید در یکی از دو کانون آن قرار دارد، نزدیك‌ترین نقطهٔ مدار به خورشید حضیض نامیده می‌شود.

خسوف.

در گردش انتقالی زمین گاهی زمین بین ماه و خورشید قرار می‌گیرد ومانع رسیدن نور خورشید به ماه می‌گردد و این حالت را خسوف گویند.

خط‌الرأس.

انتهای چند کوه به هم پیوسته را گویند.

خلیج.

قسمتی از دریا که درخشکی پیش‌رفته واز سه‌طرف به وسیلهٔ خشکی محصور است.

دامنه.

قسمت شیب دار کوه را گویند.

درجهٔ شوری.

حد متوسط‌شوری آب اقیانوس‌هارا گویندوآن عبارت از ۳۵در هزار است یعنی ۳۵ گرم نمك در یك کیلوگرم آب.

دره.

فاصلهٔ دو دامنهٔ کوه‌را دره گویند.

دریا.

آب زیادی که‌محیط‌وسیعی‌را اشغال کرده وبه‌اقیانوس راه داشته باشد.

دریاچه.

قسمتی ازآبهای محدودکرهٔ زمین که به‌دریا یااقیانوس راه نداشته باشد.

دماغه.

پیش رفتگی‌خشکی درآب دریا یا اقیانوس را دماغه گویند.

زلزله (زمین‌لرزه).

لرزش‌هایی‌که در سطح زمین اتفاق می‌افتد.

جنبش‌ناگهانی پوستهٔ‌جامد کرهٔ‌زمین که درصورت شدت خرابیهای فراوان ببار می‌آورد. زلزله یا افقی است یا عمودی.

زمین‌لرزه.

زلزله را ببینید.

ساحل.

فصل مشترك خشکی‌ها باسطح افقی دریا که‌بردوقسم است پست وبلند.

سال نوری.

مسافتی‌که نور باسرعت‌خود(سیصدهزار کیلومتر درثانیه) در مدت یك‌سال طی می‌کند.

سحابی.

مجموعهٔ ستارگان که‌به‌علت ریزی مشخص‌نبوده وبه‌صورت ابردیده‌می‌شوند.

سیارات صغار.

ستارگان کوچکی‌که‌بین مشتری و مریخ قرارگرفته‌اند.

شبه جزیره.

قطعه وسیعی ازخاك که از سه‌طرف محصوردرآب وازیك‌طرف‌متصل به‌خشکی باشد.

طول جغرافیایی.

فاصلهٔ هرنقطه از نصف‌النهار معین را برحسب درجه، طول جغرافیایی آن نقطه‌می‌نامنداگرنقطه‌درمشرق نصف‌النهار باشد طول‌را شرقی واگر درمغرب باشد طول را غربی‌گویند.

هر نصف‌النهاری را می‌توان مبداء قرارداد ولی معمولاً نصف‌النهاری‌که‌از شهر **پاریس** پایتخت‌فرانسه یا از **گرینویچ** لندن یامسکومی‌گذردمبداءقرارمی‌دهندو ازخواص‌طول‌جغرافیایی‌این‌است که‌مبداء ساعات‌مناطق واقع‌برروی‌یك نصف‌النهار یکسان است.

عرض جغرافیایی.

فاصلهٔ هرمنطقه از خط‌استوا عرض جغرافیایی آن منطقه نامیده می‌شود و برحسب‌آن‌که منطقهٔ مذکور در شمال‌یا جنوب خط استوا باشد عرض شمالی یا جنوبی خواهد بود. وکلیهٔ مناطق واقع بریك مدار دارای‌آب‌وهوای‌همانندند.

فلات.

دشتی پهناور و مرتفع‌که حداقل ارتفاع آن از ۲۰۰ مترکمتر نباشد.

کسوف.

گرفتگی خورشید را کسوف‌گویند و آن وقتی حاصل می‌شود که ماه بین خورشید وزمین‌قرار گیرد.

کنترآلیزه (باد).

بادهایی‌که از خط استوا به‌طرف قطبین می‌وزد و در ارتفاعات جریان دارند.

کوه (جبل).

برجستگی‌های بزرگ زمین‌را که‌از خاك‌وسنگ وکانیهای‌مختلف‌تشکیل شده کوه‌نامند.

کوه یخ.

یخ‌های مواج در اقیانوس‌ها را که باتغییر درجهٔ‌گرما از قلل مشرف به دریا یا از حرکت یخچالهای‌طبیعی یاشکسته و جدا شدن قطعات عظیمی‌ازیخهای‌قطبی حاصل شده است‌کوه یخ یا **آیسبرگ** گویند.

کویر.

اراضی خشک وشوره‌زار راگویند.

کهکشان.

مجموعهٔ ستارگان سحابی یا ابری که آن را راه شیری و راه مکه هم گویند.

مدارات.

دایره‌هایی به‌موازات خط‌استوا کوچکتر می‌شوند وخود خط استوا بزرگترین مدار زمین است.

موج.

حرکات ظاهری آب را موج گویند و عامل امواج دریا باد است وگاهی ارتفاع امواج به۱۵ مترمی‌رسد.

نصف‌النهارات.

دایره‌هایی فرضی‌که کرهٔ زمین را به‌قاچهایی تقسیم‌می‌کند، این‌خط ازقطبین گذشته برخط استوا عمودند و هرکدام ازآن‌هازمین‌رابه‌دونیمکرهٔ‌شرقی وغربی تقسیم می‌کند.

قاره ها

آسیا

آسیارا باید بزرگترین قارهٔ جهان دانست که قریب ۴۴ ملیون کیلومتر مربع یعنی چهاربرابر و نیم اروپاوسعت دارد. ۱۵۱۴ ملیون نفرجمعیت درآن ساکنند. وازشمال به اقیانوس منجمد شمالی، از مشرق به اقیانوس کبیر، ازجنوب به اقیانوس هند و از مغرب به بحر احمر و دریای مدیترانه ودریای سیاه واروپا محدود است. ممالك روسیه (قسمت آسیایی شامل قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان.) اردن، اسراییل، افغانستان، اندونزی ایران، برمه، بورنئو، پاکستان، تایلند، (سیام)، ترکیه، چین، ژاپون، سیلان، عراق، عربستان سعودی، عمان، فیلیپین، قبرس، قطر، کامبوج، کره، کویت، لائوس، لبنان، مالایا، مغولستان، نپال، ویتنام، هند، یمن، سوریه، عدن دراین قاره واقع شده‌اند.

هیمالیا عظیم‌ترین رشتهٔ کوه جهان همچنین بلندترین فلات ها، عمیقترین و بزرگترین دریاچه‌های جهان درآسیا قرار دارند. ازجملهٔ طویل ترین رودهای این قاره ابی، ینی سئی ولنارا می‌توان نام برد. گندم، جو، پنبه، زیتون، کتان، شاهدانه، نیشکر، چای، خرما و میوه محصولات این منطقه از جهان می‌باشد. و از معادن زغال‌سنگ، آهن نفت، قلع، بهره برداری بیشتر به‌عمل می‌آید. ساکنین آسیا ازنژاد های زرد و سفید و پیرو ادیان، اسلام، بودایی، تائویی، شینتویی، کنفوسیوسی، هندو ومسیحی می‌باشند.

آمریکا.

یکی ازپنج قارهٔ دنیاست که‌درسال ۸۹۷ هجری قمری **کریستف‌کلمب** آن را کشف نمود. و پس از او **آمریکو - وسپوس** براین قاره سفر کردو عاقبت‌الامر به نام وی آمریکا خوانده شد. آمریکارا قارهٔ‌جدید نیز می‌نامندووسعت آن قریب ۴۲ ملیون کیلو متر مربع است‌که ۳۵۷ ملیون نفر درآن اقامت گزیده اند و از نظر جغرافیایی به سه قسمت تقسیم نموده‌اند. آمریکای شمالی، مرکزی و جنوبی. و از ۸۵ درجه‌عرض شمالی تا ۵۵ درجه عرض جنوبی در نیم‌کرهٔ غربی‌قرارگرفته است.

آمریکای شمالی شامل‌کانادا، ایالات متحدهٔ آمریکا و مکزیك، آمریکای مرکزی شامل گواتمالا، هندوراس، سالوادر، نیکاراگوئه، کستاریکا و پاناما. وآمریکای جنوبی شامل کلمبیا، اکواتر، پرو، شیلی، آرژانتین، اروگوئه، پاراگوئه، برزیل، بولیوی، ونزوئلا و گویان می‌باشد.

معادن طلا، نقره، الماس، مس، زغال سنگ، قلع، نفت‌وآهن به مقدار قابل‌ملاحظه‌ای دراین قاره یافت‌می‌شود. همچنین گندم، ذرت، قند، قهوه، توتون، پنبه، کائوچو، گنه‌گنه، نیل و خشخاش ازمحصولات زراعتی آمریکاست. ساکنین اصلی این قاره رانژاد سرخ تشکیل می‌دهد لیکن نژاد سفیدنیز به‌این‌قسمت از دنیا مهاجرت نموده دولت های مستقلی تشکیل داده‌اند. بطور کلی آمریکا را یکی ازقاره‌های‌زرخیز جهان‌باید‌به‌شمار آورد.

اروپا.

اروپا را می‌توان پس از استرالیا کوچکترین‌قارهٔ جهان‌دانست که‌ده‌ملیون کیلو متر مربع وسعت و ۴۵۰ملیون‌نفر جمعیت دارد. ازشمال به اقیانوس‌منجمد شمالی، از مشرق به‌آسیا، از جنوب به‌دریای مدیترانه ودریای مرمره وبحر اسود و دریای آزو، ازمغرب به‌اقیانوس اطلس ودریاهای مجاور آن‌محدوداست، کشورهای آلبانی، آلمان‌شرقی، آلمان غربی، اتریش، اسپانیا. بلغارستان، ترکیه (اروپا)، چکوسلواکی، دانمارك، روسیه (اروپا)، رومانی، سوئد، سویس، فنلاند، لهستان، نروژ، هلند، یوگوسلاوی، یونان وچند ناحیهٔ کوچك مستقل دراین قاره قرار دارند. ارتفاع متوسط اروپا ۳۳۰ متر می‌باشد کوههای‌مهم‌این‌قاره اغلب درمرکزوجنوب‌واقع‌شده‌ومهمترین آن‌ها عبارتند از سیرامورنا، پیرنه و سلسلهٔ جبال آلپ می‌باشدکه سلسلهٔ‌جبال اخیر مرتفعترین جبال اروپا وبلندترین قلهٔ آن مون‌بلان ۴۸۰۰ گز ارتفاع‌دارد همچنین‌هکلا، اتنا، وزوو، استرامبولی ازقلل آتش‌فشانی اروپامحسوب می‌گردند به‌طور کلی آب وهوای اروپاملایم ومعتدل است وازمغرب به‌مشرق ازاعتدال هوا کاسته می‌شود. معتبرترین رود اروپـ‌ ولگا و دانوب‌است.

در این قاره فلات‌های وسیع وجود ندارد، لیکن‌جلگه‌های‌فراوان‌وحاصلخیز این قاره را فراگرفته ومهمترین جلگهٔ اروپا جلگهٔ اروپای مرکزی و جلگهٔ پو است که در ایتالیا واقع شده‌است و فلات بوهم نیز از فلات‌های پراهمیت آن‌است. جوبرهنه، چاودار، مارچوبه، چغندر، کلم، هویج، تربشامی، انگور فرنگی، و انجیر محصولات عمدهٔ این قاره می‌باشد. ازمعادن زغال‌سنگ، آهن، روی، سرب، نقره، گوگرد، قلع، مس، آلومینیوم، طلا، طلای سفید، نفت‌بهره‌برداری می‌گردد. ساکنین این قاره را نژادهای‌گوناگون تشکیل داده‌اند.

افریقا

یکی از پنج قارهٔ جهانست که با جزایرنزدیکش ۱۵۰ر۲۰۳ر۳۰ کیلومتر مربع مساحت و ۰۰۰ر۲۳۴ر۳۰۰ نفرجمعیت دارد، تنگهٔ جبل‌الطارق آن‌را ازاروپا و تنگهٔ‌سوئز ازآسیاجدا می‌کند قلهٔ‌کوه کلیمانجارو با ۹۷۰ر۵متر ارتفاع و دریاچهٔ ویکتوریا یکی ازبزرگترین دریاچه‌های جهان، رودخانه‌های نیل، نیجر، کنگو وزامبیادرآن قرار دارند. آفریقای مرکزی پوشیده از صحرای بزرگ و غیرقابل نفوذی است. جنوب شرقی، جنوب وجنوب غربی پوشیده از جنگلهای انبوه و جلگه‌های باورور و علفزارهاست، آفریقا دارای معادن ثروتمند الماس، طلا، نقره، آهن، نفت، زغال‌سنگ‌ومحصولات‌کشاورزی‌گوناگون مانند پنبه، شکر، قهوه، کاکائو، گندم وبرنج است. سکنهٔ اصلی آفریقاراسیاه‌پوستان، اقوام‌سامی‌وقوم‌آسیایی(معروف به‌قفقازی) تشکیل می‌دهند وبه زبانهای گوناگون سخن می‌گویند. در پایان‌قرن ۱۹ تقریباً سراسر این قاره در دست اروپاییان بود و اینك پس از۶۷ سال نام۳۶ دولت مستقل را می‌توان شمرد: مراکش، الجزایر، تونس، لیبی، مصر، سودان، چاد، نیجر، مالی، موریتانی، سنگال، گامبیا، گینه، سیرالئون، لیبریا، ساحل عاج، ولتای علیا، گانا، نیجریه، توگو، داهومی، کامرون، افریقای‌مرکزی، حبشه، سومالی، کینیا، اوگاندا، کنگو، کنگوی‌براراویل، گابون، تانزانیا، زامبیا، بوتسوانا، آفریقای جنوبی، لسوتو،

مالاگاسی . سرزمینهای مستعمره بیش‌از $\frac{۱}{۱۵}$ خاك این‌قاره راشامل‌نیست. در۳۰ کشور از ۳۶کشور واحد نظام‌یك‌حزبی و یاحکومت دیکتاتورها ویانظامی‌وجود دارد .

بیش‌ازنیمی از این کشورها عضو جامعهٔ کشورهای‌مشترك‌المنافع ویاجامعهٔ فرانسه هستند .

استرالیا

استرالیا کوچکترین قارهٔ دنیاست که۷۷۰۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۹۸۰۱۰۰۰ نفر جمعیت دارد . ازنظر جغرافیایی‌استرالیارامی‌توان به‌سه‌منطقه تقسیم‌کرد :

قسمت شرقی شامل‌نواحی‌کوهستانی قسمت مرکزی شامل‌فلات‌ها و کویرهای وسیع . وقسمت غربی شامل فلات‌هـای مرتفع . آب وهوای استرالیا درنواحی شمالی‌گرم ومناطق جنوبی معتدل و در مشرق مرطوب و درناحیهٔ مرکزی‌خشك وبری‌است. مهمترین‌رود این‌قاره**مورای** است. گندم از محصولات مهم غـذایـی استرالیـاست همچنین دامـداری بسیار رونق دارد . از معادن طلاء زغال،آهن، مس ، روی، نقره واورانیوم‌بهره‌برداری می‌گردد .

جریانهای دریایی

جریان آتلانتیك شمالی .
جریان آب‌گرم در اقیانوس‌اطلس است باسرعت۵تا ۲۵ کیلومتر درشبانه‌روز از شمال شرقی اروپا به‌شمال غربی جریان می‌یابد ، این‌جریان‌ادامهٔ‌جریان خلیج است .

جریان آنتیل .
جریان آب‌گرم در اقیاس اطلس‌که باسرعت بین ۲۴ تـا ۳۶کیلـومتر در شبانه روز درامتداد جـزایر آنتیل و باهامـا جریان‌دارد، در واقع این‌جریان ادامهٔ جریان پاسات شمالی است .

جریان استرالیا .
جریـان آب سرد در اقیانوس هند که درامتدادساحل‌غربی استرالیا به‌طرف استوا باسرعتی بین ۲۰ تا ۳۰کیلومتر در شبانه روز جریان دارد.

جریان استرالیای شرقی .
جریان‌آب‌گرم‌که در اقیانوس‌کبیر است ، در امتداد ساحل شرقی استرالیا به‌طرف جنوب وجنوب شرقی بـاسرعتی نزدیك به ۹۰کیلومتر در شبانـه روز جریان دارد .

جریان اگولهاس .
جریان آب گرم در اقیانوس‌هندکه در امتداد ساحلی جنوب شرقی آفـریقا باسرعتی درحدود ۹۰ کیلومتر درشبانه‌روز جریان دارد .

جریان برزیل.
جریان‌آب گرم در اقیانوس اطلس که در ساحل شرقی آمریکای جنوبـی بـاسرعتی بین ۲۴ تا ۴۸ کیلومتر در شبانه‌روز جریان دارد .

جریان بنگوئلا .
جریان آب‌سرد اقیانـوس اطلس است‌که در سواحل جنوب شرقی آفریقا با سرعتی بین ۲۴ تا ۴۸ کیلـومتردر شبانه روز جریان دارد .

جریان پاسات جنوبی .
جریان‌آب گرم در اقیانوس اطلس که ازافریقا به‌طرف آمریکای‌جنوبی با سرعتی بین ۲۰ تا ۶۵کیلومتر درشبانه روز جریان دارد.

جریان پاسات جنوبی .
جریان آب گرم در اقیانوس کبیر که از جزایر گالاپاگوس به طرف گینهٔ جدید با سرعتی‌بین۴۰ تا۱۸۵کیلومتر در شبانه روز جریان دارد .

جریان پاسات شمالی .
جریان آب‌گرم در اقیانوس اطلس است که باسرعت‌بین۲۰تا ۴۵ کیلومتر در شبانه روز ازخط استوا به‌طرف شمال واز آفریقا به‌طرف جزایرآنتیل جریان دارد .

جریان پرو .
جریان آب سرد اقیانوس کبیرکه درساحل پروبه‌طرف خط استوا باسرعتی قریب به ۲۵ کیلومتر در شبانه روز جریان دارد .

جریان جنوب .
جریان آب سرد در اقیانوس هند که ازاسترالیا به‌طرف ماداگاسکار ادامه دارد و سرعت‌آن تقریباً به۶۰کیلومتر درساعت می‌رسد .

جریان‌خلیج .
جریان آب‌گرم در اقیانوس اطلس است‌که باسرعت ۲۷تا ۱۴۴ کیلومتر از سواحل فلوریدا به‌طرف‌شمال‌شرقی‌روانه شده به‌سواحل‌بریتانیای کبیر می‌رسد ، این جریان ادامهٔ جریان فلوریدا است .

جریان فلوریدا .
جریان‌آب دراقیانوس اطلس است که‌باسرعت ۱۳۰ کیلومتر درشبانه روز ازخلیج مکزیك جریان یافته و ازراه تنگهٔ‌فلوریدا‌به اقیانوس اطلس‌می ریزد.

جریان کالیفرنیا .
جریان‌آب سرد در اقیانوس‌کبیر، در امتداد سواحل شمال غربی‌آمریکای شمالی باسرعتی قریب به۴۸ کیلومتردر ساعت .

جریان کامچاتکا .
جریان‌آب سرد در اقیانوس کبیر که‌در سواحل شرقی کامچاتکا با سرعتی نزدیك به ۲۵ کیلومتر در شبانه روز جریان دارد .

جریان گلف‌استریم .
جریان خلیج‌را به‌بینید .

جریان کوروشیوی جنوبی .
جریان‌آب گرم اقیانوس کبیر در سواحل ژاپون‌باسرعتی قریب به ۱۴۴ کیلومتر درشبانه روز .

جریان‌کوروشیوی شمالی .
جریان‌آب گرم در اقیانوس کبیر ازجزایر فیلی پین با سرعتی نزدیك به ۴۸ کیلومتر به طرف سواحل ژاپن در جریان است .

جریان‌گوریل .
جریان‌آب سرد در اقیانوس کبیر و درامتداد جزایر گوریل که سرعتی قریب ۲۵کیلومتر درشبانه‌روز دارد .

جریان لابرادور .
جریان‌آب سرد در اقیانوس اطلس است‌که باسرعت بین ۲۲ تا ۴۸کیلومتردرشبانه روز در سواحل شمال شرقی آمریکای شمالی جریان دارد .

جریان ماداگاسکار .
جریان‌آب سرد اقیانوس هندکه از ماداگاسکار به طرف جنوب غربی ممتد می‌شود ،سرعت‌این‌جریان تا۷۲کیلومتر درشبانه روز نیزمی‌رسد .

جریان مالك‌لند .
جریان‌آب سرد در اقیانوس اطلس

که‌از دماغهٔ هورن‌به‌شمال شرقی‌باسرعتی بین ۲۴ تا ۴۸ کیلومتر در شبانه‌روز جریان دارد .

جریان موزامبیك .

جریان‌آب‌گرم دراقیانوس هنداست که بین ماداگاسکار و افریقا به‌طرف جنوب جاری است و سرعت‌آن تا ۹۰ کیلومتر درشبانه روز نیزمی‌رسد .

جغرافیای ایران

موقعیت وحدود ایران

کشور ایران قسمتی است از فلات ایران‌که بین۴۴ تا۶۳ درجه طول‌شرقی (نسبت به‌نصف‌النهار ـ گرینویچ) و ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض شمالی واقـع شده و ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع‌وسعت دارد. فلات ایران سرزمین برجسته ای است که‌بین چهارجلگهٔ‌سند (درجنوب‌شرقی)، ماوراءالنهر(در شمال شرقی) ، کر (در شمال‌غربی) و بین‌النهرین (در جنوب غربی قرار دارد و وسعتش۳۰۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع یعنی تقریباً دوبرابر وسعت‌کنونی ایران می باشد . از آغاز تشکیل حکومت شاهنشاهی ایران در زمان هخامنشیان ، تاهجوم اعراب‌تمامی این فلات‌با‌نضمام قسمتی ازسرزمین‌های مجاور ، در اختیار امپراتوری ایران قرار داشت . بعداز اسلام‌نیز بار دیگر نادرشاه افشار سراسرآن را متصرف‌شد (۱۱۲۶ هجری شمسی) ولی پس‌از او درزمان حکومت سلسلهٔ قاجار درحدود نیمی ازوسعت فلات به‌تصرف دیگران در آمد و کشور ما به سرحدات‌کنونی رسید. ایران ازمشرق به پاکستان وافغانستان، ازشمال به‌اتحاد جماهیر شوروی‌ودریای مازندران ، از مغرب به ترکیه و عراق و ازجنوب به خلیج فارس ودریای‌عمان محدود می‌باشد و طول تقریبی مرز های آن‌باکشورهاو دریاهای فوق ازاین‌قرار است :

در مشرق ، ازگواتر تا ملك سیاه‌ـ کوه(مرزپاکستان‌ـ افغانستان ـ‌ایران) درحدود ۹۰۰ کیلومتر ، ازملك سیاه‌ـ کوه تا ذوالفقار (مرز افغانستان ـ روسیه ـ ایران)درحدود ۱۰۰۰ کیلو‌ـ متر . در شمال از ذوالفقار تا خلیج حسینقلی ۱۳۰۰ کیلومتر ، طول جنوبی دریای مازندران از حسینقلی تاآستارا درحدود ۱۰۰۰ کیلومتر (۹۹۲ کیلو‌ـ متر) و ازآستارا تـا آرارات ۶۰۰ کیلومتر ، درمغرب ، ازآرارات تا کوه دالامپر (سرحد ترکیه ـ عراق‌و ایران ۴۰۰ کیلومتر و از دالامپر تا دهانهٔ شط‌العرب ۱۵۰۰ کیلومتر،درجنوب از شط العرب تا مصب رود کر ۱۶۰۰ کیلو متر و از تنگهٔ هرمز تا گواتر ۷۰۰ کیلومتر) باشرح‌فوق محیط‌کشور ایران ۹۰۰۰ کیلومتر است که بیش از یك سوم‌آن راآب و بقیه را خشکی فرا گرفته است .

آمار ایران

جمعیت شهرستانها در هر استان و فرمانداریکل (آبان ماه سال ۱۳۴۵)

نام شهرستان و استان	جمع کل			
	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان مرکزی	۴,۹۵۰,۳۹۴	۲,۵۷۳,۶۰۲	۲,۳۷۶,۷۹۲	۱,۰۳۴,۷۸۱
اراك	۳۵۱,۶۲۵	۱۷۹,۸۰۹	۱۷۱,۸۱۶	۶۸,۶۹۲
تفرش	۸۹,۴۸۲	۴۴,۸۷۴	۴۴,۶۰۸	۲۰,۵۳۸
تهران	۲,۸۰۳,۱۳۰	۱,۴۶۸,۰۷۰	۱,۳۳۵,۰۶۰	۵۸۷,۲۷۸
خمین	۶۲,۸۹۵	۳۱,۸۹۲	۳۱,۰۰۳	۱۲,۲۷۹
دماوند	۵۷,۷۶۳	۲۹,۰۸۰	۲۸,۶۸۳	۱۱,۶۴۰
ری	۱۷۳,۹۲۰	۹۲,۶۷۰	۸۱,۲۵۰	۳۶,۵۱۰
ساوه	۱۴۲,۴۵۰	۷۲,۳۸۷	۷۰۰۶۳	۳۰,۷۴۰
شمیران	۲۰۰،۱۰۴	۱۰۴,۰۳۸	۹۶,۰۶۶	۳۹,۹۰۱
قزوین	۴۲۴,۶۹۰	۲۱۹,۹۰۷	۲۰۴,۸۷۲	۹۰,۳۷۲
قم	۱۷۹,۴۳۴	۹۲,۴۷۲	۸۶,۹۶۲	۳۸,۴۰۴
کاشان	۱۵۳,۹۸۶	۷۷,۶۵۹	۷۶,۳۲۷	۳۴,۶۹۰
کرج	۲۳۲,۵۷۸	۱۲۰,۹۶۳	۱۱۱,۶۱۵	۴۷,۳۲۸
گرمسار	۳۵,۷۵۹	۱۸‘۳۴۵	۱۷,۴۱۴	۷,۱۲۱
محلات	۴۲,۵۷۸	۲۱,۴۳۵	۲۱,۱۴۳	۹,۲۸۹
استان گیلان	۱,۷۵۴,۶۵۰	۸۸۸,۴۸۰	۸۶۶,۱۷۰	۳۴۲.۱۶۲
آستارا	۲۹,۱۸۹	۱۴,۸۵۶	۱۴،۳۳۳	۵,۵۱۶
بندر پهلوی	۵۹,۷۳۷	۳۰،۲۲۶	۲۹,۵۱۱	۱۱,۸۸۵
رشت	۳۵۸,۱۷۲	۱۸۷,۶۸۲	۱۷۹,۴۹۰	۷۰,۴۶۶

جمعیت شهرستانها در هر استان و فرمانداریکل (آبان ماه سال ۱۳۴۵)

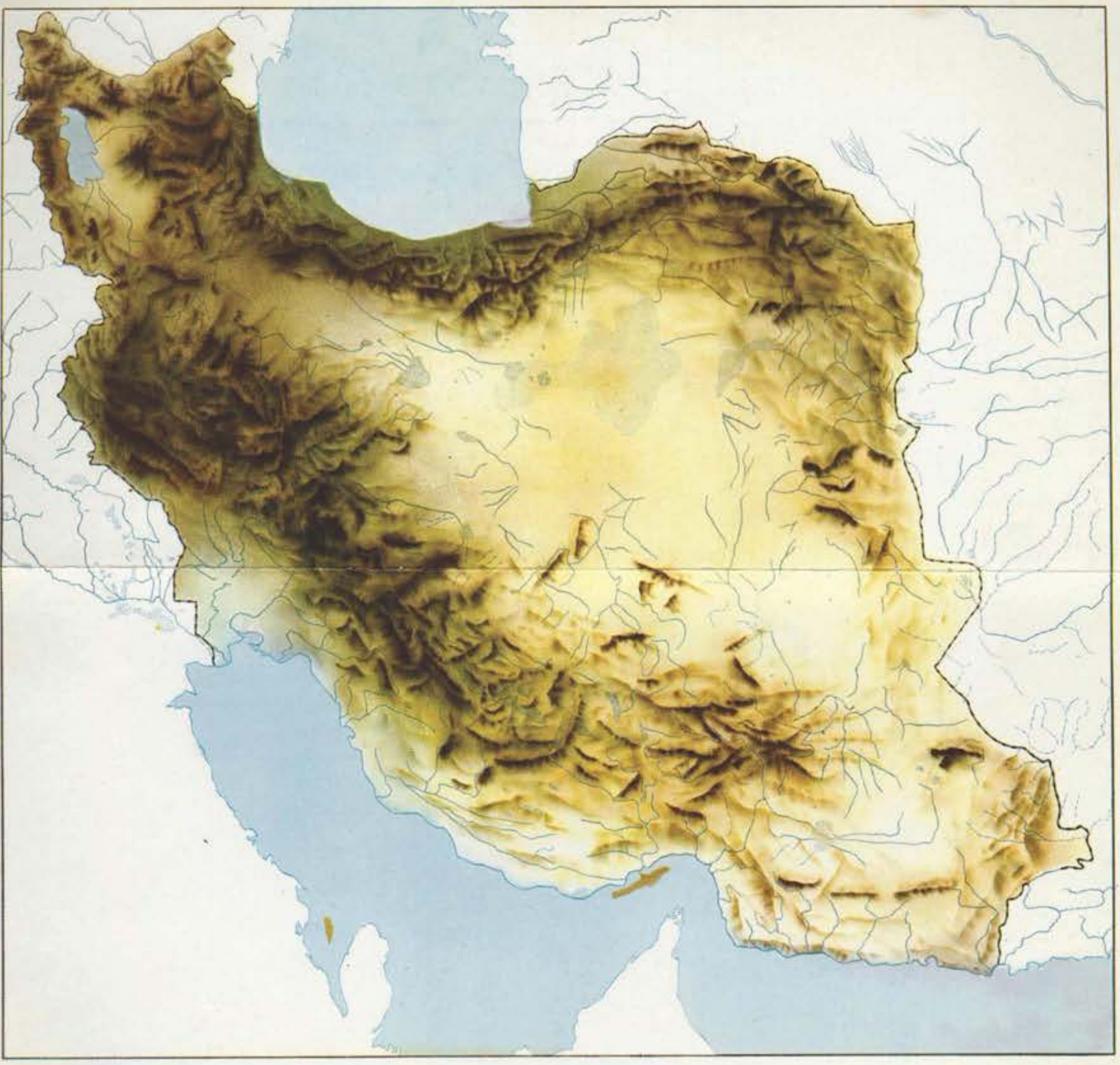
نام شهرستان و استان	جمع کل			
	جمعیت	مرد	زن	خانوار
رودبار	۷۴,۳۶۷	۳۸,۳۵۸	۳۶,۰۰۹	۱۵,۲۳۰
رودسر	۱۳۷,۶۰۵	۶۹,۶۱۹	۶۷,۹۸۶	۲۵,۴۸۴
زنجان	۴۶۱,۵۸۸	۲۳۸,۳۵۰	۲۲۳،۲۳۸	۹۶,۷۲۹
صومعه‌سرا	۹۱,۷۵۹	۴۵,۵۱۶	۴۶,۲۴۳	۱۶,۲۵۰
طوالش(هشتپر)	۱۲۲,۱۵۷	۶۲,۶۶۱	۵۹,۴۹۶	۲۲,۸۰۴
فومن	۱۲۳,۷۳۶	۶۲,۴۸۲	۶۱,۲۵۴	۲۱,۷۲۵
لاهیجان	۲۲۸,۴۲۸	۱۱۳,۷۵۸	۱۱۴,۶۷۰	۴۳,۳۴۲
لنگرود	۶۷,۹۱۲	۳۳,۹۷۲	۳۳,۹۴۰	۱۲,۷۳۱
استان مازندران	۱,۸۴۳,۳۸۸	۹۳۸,۵۲۴	۹۰۴,۸۶۴	۳۴۵,۶۹۰
آمل	۱۷۲,۲۲۷	۸۷,۲۳۹	۸۴,۹۹۸	۲۹,۹۹۸
بابل	۲۶۶,۴۱۸	۱۳۴,۱۹۲	۱۳۲,۴۲۶	۴۹,۱۹۳
بهشهر	۱۱۲,۶۹۸	۵۷,۱۸۰	۵۵,۵۱۸	۲۰،۳۵۱
دشت‌گرگان	۲۸۶,۵۹۴	۱۴۶,۸۸۱	۱۳۹,۷۱۳	۵۷,۶۰۳
ساری	۲۰۶,۴۶۳	۱۰۵,۴۴۶	۱۰۱,۰۱۷	۳۹,۱۲۲
شاهی	۲۰۲,۳۹۹	۱۰۰,۷۲۸	۱۰۱,۶۷۱	۳۷,۹۳۶
شهسوار	۱۲۹,۳۵۴	۶۶,۵۶۸	۶۲,۷۸۶	۲۳,۸۵۲
گرگان	۳۰۹,۸۷۸	۱۶۰,۹۹۷	۱۴۸,۸۸۱	۵۸,۵۹۴
نور(سولده)	۴۶,۶۹۲	۲۲,۹۵۱	۲۳,۷۴۱	۸,۸۱۱
نوشهر	۱۱۰,۴۵۵	۵۶,۳۴۲	۵۴,۱۱۳	۲۰,۲۳۰
استان آذربایجان شرقی	۲,۵۹۸,۰۲۲	۱،۳۵۵,۱۰۰	۱,۲۴۲,۹۲۲	۴۸۶,۴۵۹
اردبیل	۲۹۶,۱۵۶	۱۵۴,۷۱۰	۱۴۱,۴۴۶	۵۱,۶۴۰
ارسباران	۲۸۲,۳۷۱	۱۴۷,۸۹۱	۱۳۴,۴۸۰	۵۴,۷۴۵
تبریز	۸۰۹,۶۳۱	۴۱۷,۴۷۶	۳۹۲,۱۵۵	۱۲۵,۹۴۸
خلخال (هروآباد)	۱۲۴,۰۵۲	۶۹,۹۱۱	۶۴,۱۴۱	۲۵,۶۶۷
سراب	۱۱۵,۹۳۲	۶۱,۴۳۴	۵۴,۴۹۸	۲۱,۰۵۰
مرند	۱۷۳,۳۶۵	۸۰,۲۳۴	۷۳,۱۳۱	۳۰,۵۷۲
میانه	۱۷۳,۶۰۶	۹۰,۸۱۲	۸۲,۷۹۴	۳۲,۵۷۲
مراغه	۲۵۲,۲۱۸	۱۳۳,۰۲۰	۱۱۹,۱۹۸	۴۷,۴۵۳
مشکین‌شهر	۲۱۵,۷۳۲	۱۱۲,۷۳۹	۱۰۲,۹۹۳	۳۹,۷۰۶
هشترود (سراسکندر)	۱۶۴,۹۵۹	۸۶,۸۷۳	۷۸,۰۸۶	۳۰,۱۵۳
استان آذربایجان غربی	۱,۰۸۷:۷۰۲	۵۷۱,۲۵۰	۵۱۶,۴۵۲	۱۹۴,۲۹۵
خوی	۱۵۰,۲۳۰	۷۹,۴۸۶	۷۰,۷۴۴	۲۸,۲۸۴
خانه	۴۱,۵۴۴	۲۲,۶۱۳	۱۸,۹۳۱	۶,۳۵۲
رضاییه	۲۹۱,۳۶۹	۱۵۲,۲۲۶	۱۳۹,۱۴۳	۵۳,۹۳۵
سردشت	۳۹,۰۶۸	۱۹,۶۶۲	۱۹,۴۰۵	۶,۹۲۶
شاهپور	۶۷,۴۳۱	۳۵,۰۷۲	۳۲,۳۴۹	۱۱,۱۲۹
ماکو	۱۰۰,۸۵۱	۵۳,۰۶۲	۴۷,۷۸۹	۱۹,۰۲۱
مهاباد	۱۵۱,۲۵۲	۷۹,۸۰۵	۷۱,۴۴۷	۲۴,۳۳۳

جمعیت شهرستانها در هر استان و فرمانداریکل (آبان ماه‌سال۱۳۴۵)

نام شهرستان و استان	جمع کل			
	جمعیت	مرد	زن	خانوار
میاندوآب	۱۷۶,۹۲۵	۹۳,۳۷۰	۸۳,۵۵۵	۳۲٬۷۶۵
نقده	۶۹,۰۴۳	۳۵,۹۵۴	۳۳,۰۸۹	۱۱,۵۱۷
استان‌کرمانشاهان	۷۷۹,۳۳۶	۴۱۳,۴۴۰	۳۶۵,۸۹۶	۱۲۰,۶۳۰
پاوه (اورامانات)	۷۴,۹۸۴	۴۴,۶۶۷	۴۰,۳۱۷	۱۷,۴۶۱
سقز	۶۵,۴۵۵	۳۵,۱۱۳	۳۰,۳۴۲	۱۲,۶۶۰
شاه‌آباد	۱۲۸,۱۶۶	۶۷,۹۲۳	۶۰,۲۴۳	۲۴,۱۹۱
قصر شیرین	۷۵,۷۵۳	۴۰,۰۰۶	۳۵,۷۴۷	۱۴,۷۲۳
کرمانشاه	۴۲۴,۹۷۸	۲۲۵,۷۳۱	۱۹۹,۲۴۷	۸۱,۵۹۵
استان خوزستان	۱,۶۱۴,۵۷۶	۸۳۶,۸۳۶	۷۷۷,۷۴۰	۲۸۸,۲۰۰
آبادان	۳۳۹,۱۲۱	۱۷۳,۱۸۵	۱۶۵,۹۳۶	۲۸,۳۰۵
اهواز	۳۲۲,۰۶۸	۱۶۸,۴۲۷	۱۵۳,۶۴۱	۵۶,۱۷۱
ایذه	۱۵۰,۴۳۰	۷۹,۸۲۳	۷۰,۶۰۷	۲۸,۷۶۰
بندر ماه شهر	۵۴,۶۹۹	۲۸,۱۳۸	۲۶,۵۶۱	۹,۸۳۹
بهبهان	۹۱,۶۲۶	۴۷,۵۰۸	۴۴,۱۱۸	۱۶,۳۳۲
خرمشهر	۱۵۶,۳۲۳	۸۱,۱۱۰	۷۵,۲۱۳	۲۸,۱۵۱
دزفول	۱۷۳,۸۸۸	۹۱,۶۹۰	۸۲,۱۹۸	۳۱,۱۰۵
دشت‌میشان	۷۹,۵۲۳	۲۹,۳۸۱	۴۰,۱۴۲	۱۴,۸۳۶
رامهرمز	۵۶,۵۵۹	۲۹,۲۴۶	۲۷,۳۱۳	۱۰,۸۴۱
شوشتر	۷۹,۱۸۴	۴۱,۱۵۴	۳۸,۰۳۰	۱۵,۱۸۴
مسجد سلیمان	۱۱۱,۱۵۵	۵۷,۱۷۴	۵۳,۹۸۱	۱۸,۶۷۶
استان فارس	۱,۴۴۹,۴۷۲	۷۵۰,۱۳۵	۶۹۹,۳۳۷	۲۸۲,۱۳۷
آباده	۱۴۷,۵۴۴	۶۹,۷۱۵	۶۷,۸۲۹	۲۹,۲۸۰
اصطهبانات	۲۸,۰۳۲	۱۴,۴۵۱	۱۳,۵۸۱	۵,۸۱۹
جهرم	۸۴,۱۶۴	۴۳,۸۶۲	۴۰,۳۰۲	۱۶,۵۷۴
داراب	۷۶,۳۸۳	۳۸,۷۰۶	۳۷,۶۷۷	۱۶,۴۸۴
شیراز	۵۹۹٬۵۷۷	۳۱۳,۵۳۷	۲۸۶,۰۴۰	۱۰۸,۸۴۰
فسا	۷۸,۳۴۰	۳۹,۸۵۷	۳۸,۴۸۳	۱۵,۴۸۶
فیروزآباد	۶۷,۱۰۸	۳۴,۷۳۵	۳۲,۳۷۳	۱۴,۰۴۷
کازرون	۱۰۲,۸۹۱	۵۳,۶۸۱	۴۹,۲۱۰	۱۹,۹۲۶
لار	۱۳۷,۳۰۳	۶۹,۷۸۹	۶۷,۵۱۴	۲۸٬۰۷۹
ممسنی	۹۷,۵۲۹	۵۰,۷۹۸	۴۶,۷۳۱	۱۹,۱۴۱
نی‌ریز	۴۰,۶۰۱	۲۱,۰۰۴	۱۹,۵۹۷	۸,۴۷۱
استان‌کرمان	۷۶۳,۶۸۹	۳۸۵,۸۱۱	۳۷۷,۸۷۸	۱۶۳,۶۵۰
باختر	۶۲,۲۴۷	۳۱,۸۲۹	۳۰,۴۱۸	۱۲,۶۲۸
بم	۸۸,۸۰۰	۴۴,۶۷۷	۴۴,۱۲۳	۱۸,۱۸۵
جیرفت (سبزواران)	۱۴۶,۱۱۲	۷۴,۷۷۸	۷۱,۳۳۴	۳۱,۷۷۵
رفسنجان	۱۲۹,۸۳۳	۶۴,۹۸۵	۲۷,۳۵۱	۲۸,۷۹۱

جمعیت شهرستانها درهر استان وفرمانداریکل (آبان‌ماه سال ۱۳۴۵)

نام شهرستان و استان	جمع کل			
	جمعیت	مرد	زن	خانوار
سیرجان	۹۲,۹۲۷	۴۶,۴۵۷	۴۶,۴۷۰	۲۰,۳۵۱
کرمان	۲۴۳,۷۷۰	۱۲۳,۰۸۵	۱۲۰,۶۸۵	۵۳,۳۶۰
استان خراسان	۲,۴۹۴,۲۸۳	۱,۲۷۴,۷۰۳	۱,۲۱۹,۵۸۰	۵۶۶,۸۰۹
اسفراین	۵۹,۷۲۳	۳۰,۴۵۸	۲۹,۲۶۵	۱۳,۲۴۱
بجنورد	۱۸۴,۹۶۴	۹۵,۵۶۹	۸۹,۳۹۵	۳۸,۳۳۰
بیرجند	۲۳۴,۱۸۸	۱۱۹,۵۵۰	۱۱۴,۶۳۸	۵۹,۰۳۳
تربت‌جام	۱۳۰,۱۲۰	۶۸,۵۲۲	۶۱,۵۹۸	۲۸,۷۳۲
تربت‌حیدریه	۲۲۷,۸۴۵	۱۱۶,۲۸۸	۱۱۱,۵۵۷	۵۴,۲۷۱
درگز	۷۸,۸۲۱	۴۰,۳۱۱	۳۸,۵۱۰	۱۷,۱۶۶
سبزوار	۲۰۰,۹۹۴	۱۰۱,۶۱۱	۹۹,۳۸۳	۴۶,۷۴۱
شیروان	۴۵,۹۲۵	۲۳,۵۵۵	۲۲,۳۷۰	۹,۶۳۳
طبس	۳۳,۰۱۷	۱۶,۸۰۲	۱۶,۲۱۵	۷,۴۸۳
فردوس	۴۸,۵۳۵	۲۳,۴۳۱	۲۴,۱۰۴	۱۱,۶۸۰
قوچان	۱۶۷,۳۰۱	۸۵,۴۰۵	۸۱,۸۹۶	۳۶,۵۹۸
کاشمر	۱۰۶,۸۹۳	۵۳,۹۶۲	۵۲,۹۳۱	۲۵,۳۷۰
گناباد	۵۹,۳۹۰	۲۹,۳۰۸	۳۰,۰۸۲	۱۴,۴۳۰
مشهد	۷۰۷,۸۸۴	۳۶۳,۹۰۷	۳۴۳,۹۷۷	۱۵۵,۹۶۶
نیشابور	۲۰۹,۶۸۳	۱۰۶,۰۲۴	۱۰۳,۶۵۹	۴۸,۱۳۵
استان اصفهان	۱,۷۰۴,۷۲۶	۸۷۱,۹۳۴	۸۳۲,۷۹۲	۳۶۲,۵۹۹
اردستان	۴۴,۰۶۱	۲۲,۵۶۶	۲۱,۴۹۵	۱۰,۰۶۴
اصفهان	۸۶۲,۴۵۴	۴۴۵,۱۹۲	۴۱۷,۲۶۲	۱۸۰,۲۹۳
سمیرم	۳۱,۶۸۴	۱۶,۵۴۶	۱۵,۱۳۷	۶,۵۷۴
شهرضا	۹۵,۲۲۳	۴۸,۱۲۹	۴۷,۰۹۴	۲۰,۱۱۵
فریدن	۱۳۵,۳۲۴	۷۰,۳۰۳	۶۵,۰۲۱	۲۷,۳۴۱
گلپایگان	۸۳,۱۸۶	۴۲,۱۰۲	۴۱,۰۸۴	۱۶,۱۵۰
نایین	۴۰,۲۸۹	۲۰,۲۱۵	۲۰,۰۷۴	۹,۱۷۳
نجف‌آباد	۱۰۳,۲۲۲	۵۲,۸۵۷	۵۰,۳۶۵	۲۱,۴۶۷
نطنز	۲۸,۷۹۱	۱۴,۶۶۴	۱۴,۱۲۷	۷,۱۷۳
یزد	۲۸۰,۴۹۲	۱۳۹,۳۶۰	۱۴۱,۱۳۲	۶۴,۲۴۹
استان سیستان‌وبلوچستان	۴۵۶,۴۳۵	۲۳۳,۰۲۰	۲۲۴,۴۱۵	۱۰۰,۴۱۸
ایرانشهر	۱۰۱,۷۳۸	۵۲,۱۵۴	۴۹,۵۸۴	۲۴,۱۹۹
چاه‌بهار	۵۶,۶۴۳	۲۸,۹۶۴	۲۷,۶۷۹	۱۱,۹۸۱
زابل	۱۶۲,۲۹۳	۸۲,۶۵۸	۷۹,۶۳۵	۳۴,۷۵۸
زاهدان	۷۹,۲۵۷	۴۰,۶۲۵	۳۸,۶۳۲	۱۶,۳۳۷
سراوان	۵۶,۵۰۴	۲۸,۶۱۹	۲۷,۸۸۵	۱۳,۱۴۳





نقشهٔ کشور شاهنشاهی ایران.

«مخصوص دایرةالمعارف دانش بشر»

جمعیت استان‌ها وفرمانداریهای کل (آبان ماه سال ۱۳۴۵)

نام شهرستان و استان	جمع کل			
	جمعیت	مرد	زن	خانوار
استان کردستان	۶۲۴,۲۵۶	۳۳۲,۴۵۰	۲۹۱,۸۰۶	۱۱۸,۳۹۷
بانه	۴۱,۰۵۷	۲۲'۵۵۶	۱۸,۵۰۱	۶,۵۷۶
بیجار	۹۵,۹۷۰	۵۰,۴۹۰	۴۵,۴۸۰	۱۷,۲۵۰
سقز	۹۲,۰۸۸	۴۸,۱۷۵	۴۳,۹۱۳	۱۸,۲۳۶
سنندج	۲۰۴,۶۷۶	۱۱۰,۱۰۳	۹۴,۵۷۳	۳۹,۱۶۶
قروه	۱۰۱,۶۹۹	۵۴,۰۳۷	۴۷,۶۶۲	۱۹,۸۶۶
مریوان	۸۸,۷۶۶	۴۷,۰۸۹	۴۱,۶۷۷	۱۷,۴۰۳
فرمانداریکل همدان	۸۸۸,۶۶۳	۴۶۶,۷۶۹	۴۲۱,۸۹۴	۱۷۵,۳۵۹
تویسرکان	۷۹,۷۰۷	۴۱,۰۹۴	۳۸,۶۱۳	۱۵,۷۲۶
ملایر	۱۵۷,۳۲۷	۸۱,۳۵۱	۷۵,۹۷۶	۳۰,۷۴۱
نهاوند	۹۸,۰۳۱	۵۱,۶۵۰	۴۶,۳۸۱	۱۹,۶۰۳
همدان	۵۵۳,۵۹۸	۲۹۲,۶۷۴	۲۶۰,۹۲۴	۱۰۹,۲۸۹
فرمانداریکل لرستان	۶۸۸,۱۳۹	۳۶۱,۹۳۷	۳۲۶,۲۰۲	۱۳۰,۴۴۰
الیگودرز	۱۲۶,۱۰۶	۶۵,۷۷۹	۶۰,۳۲۷	۲۲,۷۸۶
بروجرد	۱۷۵,۸۱۱	۹۱,۹۴۷	۸۳,۸۶۴	۳۴,۳۹۸
خرم‌آباد	۳۸۶,۲۲۲	۲۰۴,۲۱۱	۱۸۲,۰۱۱	۷۳,۲۵۶
فرمانداریکل بنادروجزایر عمان	۳۴۶,۷۸۴	۱۷۷,۹۶۶	۱۶۸,۸۱۸	۷۶,۹۹۳
بندرعباس	۱۶۳,۱۳۳	۸۴,۱۱۲	۷۹,۰۲۱	۳۶,۵۳۵
بندر لنگه	۷۸,۹۴۱	۴۰,۵۰۳	۳۸,۴۳۸	۱۶,۵۳۲
میناب	۱۰۴,۷۱۰	۵۳,۳۵۱	۵۱,۳۵۹	۲۳,۹۲۶
فرمانداریکل چهارمحال بختیاری	۲۹۹,۰۵۷	۱۵۵,۸۳۸	۱۴۳,۲۱۹	۵۸,۳۳۳
بروجن	۱۲۰,۴۵۰	۶۳,۱۳۹	۵۷,۳۱۱	۲۳,۷۲۵
شهرکرد	۱۷۸,۶۰۷	۹۲,۶۹۹	۸۵,۹۰۸	۳۴,۶۰۸
فرمانداریکل کهکیلویه و بویراحمدی	۱۶۵,۱۱۲	۸۵,۸۲۷	۷۹,۲۸۵	۳۴,۶۰۸
بویراحمدی	۵۲,۵۶۸	۲۷,۵۴۳	۲۵,۰۲۵	۱۰,۰۶۷
کهکیلویه	۱۱۲,۵۴۴	۲۸,۲۸۴	۵۴,۲۶۰	۲۱,۷۲۴
فرمانداریکل بنادروجزایر خلیج فارس	۲۵۲,۰۰۵	۱۲۹,۹۳۹	۱۲۲,۰۶۶	۴۹,۵۴۳
بندر بوشهر	۱۷۴,۹۱۸	۹۰,۵۳۴	۸۴,۳۸۴	۸۴,۳۷۷
دشتی‌ودشتستان (برازجان)	۷۷,۰۸۷	۳۹,۴۰۵	۳۷,۶۸۲	۱۴,۳۶۶
فرمانداریکل سمنان	۲۰۷,۸۹۷	۱۰۵,۶۸۵	۱۰۲,۲۱۲	۴۴,۳۵۵
دامغان	۴۲,۹۰۴	۲۱,۶۲۷	۲۱,۲۷۶	۹,۲۶۱

جمعیت شهرستانها در هر استان و فرمانداریکل (آبان‌ماه سال ۱۳۴۵)

نام شهرستان و استان	جمع کل			
	جمعیت	مرد	زن	خانوار
سمنان	۵۹,۱۵۲	۲۹,۶۰۰	۲۹,۵۵۲	۱۲,۷۷۳
شاهرود	۱۰۵,۸۴۱	۵۴,۴۵۸	۵۱,۳۸۴	۲۲,۳۲۱
فرمانداریکل ایلام	۱۷۰,۵۶۷	۹۰,۹۰۹	۷۹,۶۵۸	۳۰,۰۹۰
ایلام	۵۸,۲۱۹	۴۵,۶۹۱	۳۹,۵۲۷	۱۴,۸۵۲
بدره	۲۴,۶۲۱	۱۳,۱۴۷	۱۱,۴۷۴	۴,۱۸۲
دهلران	۳۵,۶۸۴	۱۸,۵۵۶	۱۷,۱۲۸	۱۶,۶۵۹
مهران	۲۵,۰۴۳	۱۳,۵۱۵	۱۱,۵۲۸	۴,۳۹۶

جمعیت استانها و فرمانداریهای کل (آبان ماه سال ۱۳۴۵)

نام استان یا فرمانداریکل	جمع			
	جمعیت	مرد	زن	خانوار
کل کشور	۲۵٬۱۳۹,۱۵۳	۱۳,۰۰۰,۱۵۵	۱۲,۱۳۸,۹۰۸	۵,۰۳۳,۲۲۸
استان مرکزی	۴,۹۵۰,۳۹۴	۲,۵۷۳,۶۰۲	۲,۳۷۶,۷۹۲	۱,۰۳۴,۸۸۱
استان گیلان	۱,۷۵۴,۶۵۰	۸۸۸,۴۸۰	۸۶۶,۰۷۰	۳۴۲,۱۶۲
استان مازندران	۱,۸۴۳,۳۸۸	۹۳۸,۵۲۴	۹۰۴,۸۶۴	۳۴۵,۶۹۰
استان آذربایجان‌شرقی	۲,۵۹۸,۰۲۲	۱,۳۵۵,۱۰۰	۱,۲۴۲,۹۲۲	۴۸۶,۴۵۹
استان آذربایجان‌غربی	۱,۰۸۷,۷۰۲	۵۷۱,۲۵۰	۵۱۶,۴۵۲	۱۹۴,۲۹۲
استان کرمانشاهان	۷۷۹,۲۳۶	۴۱۳,۴۴۰	۳۶۵,۸۹۶	۱۵۰,۶۳۰
استان خوزستان	۱,۶۱۴,۵۷۶	۸۳۶,۸۳۶	۷۷۷,۷۴۰	۲۸۸,۲۰۰
استان فارس	۱,۴۴۹,۴۷۲	۷۵۰,۱۳۵	۶۹۹,۳۳۷	۲۸۲,۱۳۷
استان کرمان	۷۶۳,۶۸۹	۳۸۵,۸۱۱	۳۷۷,۸۷۸	۱۶۳,۶۵۰
استان خراسان	۲,۴۹۴,۲۸۳	۱٬۲۷۴,۷۰۳	۱,۲۱۹,۵۸۰	۵۶۶,۸۰۹
استان اصفهان	۲,۷۰۴,۷۲۶	۸۷۱,۹۳۴	۸۳۲,۷۹۲	۳۶۲,۵۹۹
استان سیستان و بلوچستان	۴۵۶,۴۳۵	۲۳۳,۰۲۰	۲۲۳,۴۱۵	۱۰۰,۴۱۸
استان کردستان	۶۲۴,۲۵۶	۳۳۲,۴۵۰	۲۹۱,۸۰۶	۱۱۸,۴۹۷
فرمانداریکل همدان	۸۸۸,۶۶۳	۳۶۶,۷۶۹	۴۲۱,۸۹۴	۱۷۵,۳۵۹
فرمانداریکل لرستان	۶۸۸,۱۳۹	۳۶۱,۹۳۷	۳۲۶,۲۰۲	۱۳۰,۴۴۰
فرمانداریکل بنادر و جزایر بحرعمان	۳۴۶,۷۸۴	۱۷۷,۹۶۶	۱۶۸,۸۱۸	۸۶,۹۹۳
فرمانداریکل چهارمحال بختیاری	۲۹۹,۰۵۷	۱۵۵,۸۳۸	۱۴۳,۲۱۹	۵۸,۳۳۳
فرمانداریکل بنادر و جزایر خلیج فارس	۲۵۲,۰۰۵	۱۲۹,۹۳۹	۱۲۲,۰۶۶	۴۹,۵۴۳
فرمانداریکل سمنان	۲۰۷,۸۹۷	۱۰۵,۶۸۵	۱۰۲,۲۱۲	۴۴,۳۵۵
فرمانداریکل ایلام	۱۷۰,۵۶۷	۹۰,۹۰۹	۷۹,۶۵۸	۳۰,۰۹۰
فرمانداریکل کهکیلویه و بویراحمدی	۱۶۵,۱۱۲	۸۵,۸۲۷	۷۹,۲۸۵	۳۱,۷۹۱

عشایر ایران



عشایر ، فرزند آزاد طبیعتند و جز با مظاهر طبیعت و آب و خاك خود ، باچیزی میانه و انس ندارند . افراد این اجتماعات مثل یك گل خود رو ـ که سپیده دمی سر از سینهٔ دشت بر ـ می‌دارد ، قد می‌کشد، به‌گل می‌نشیند ، دانه می‌کند، می‌پژمرد و همان جا فرو می‌ریزد، درداماان باز دشتها ودرآغوش فشردهٔ کوهساران به‌وجود آمده اند ، با مظاهر زیبایی طبیعت بزرگ شده‌اند ، با احشام و اغنام خود خوگرفته‌اند ،به گل‌نشسته، دانه‌کرده‌وپژمرده‌اند، عاقبت هم در داماان همان دشتها و در آغوش همان کوهساران ، بسان آن‌گل خود رو فرو ریخته و از خویش اثری جزیکی دوتن چون خود،به‌جای‌ننهاده‌اند ودامنهٔ این سیر جبری قرنهاست کـه ادامه دارد .

قطعی‌است چنین مردمانی درمحیط زندگانی عادی خود باخط وسواد سر و کار ندارند تاوسیلهٔ ثبت وضبط وقایع و سوانح زندگانـی آنها باشد و درمیان ایشان آنچه هست سینه به‌سینه نقل‌می ـ شود . واین‌گونه محفوظات هم رفته رفته باگذشت زمان به‌دست فراموشی سپرده خواهدشد .

اماقدر مسلم این که این فرزندان آزاد طبیعت قرنهای متمادی پاسداران مرزهای‌کشور ما بوده‌اند و تاریخ‌ایران صفحات بس‌درخشانی ازشرح جانبازی‌ها وازخودگذشتگی های‌آنان‌را دربردارد. چنانکه چه بسیار و به‌دفعات مرز های ایران ،ازبیابانهای بلوچستان‌ومکران گرفته تا دشت نا امید و ریگزار های ترکستان و صحرای ترکمان و سواحل دریای مازندران ورود ارس ودامنه‌های ارتفاعات زاگروس و بالاخره کرانه‌های خلیج‌فارس، باخون آن‌مردان وطن‌دوست وفرزندان غیورطبیعت گلگون شده‌است.

اینك‌که به پیروی از برنامه های مترقی وانقلابی شاهنشاه‌آریامهر عشایر ایران به‌سوی‌زندگی متمدن وبهتری‌گام برمی‌دارند و بالطبع پس‌از سپری شدن زمانی‌که شایدهم بدرازا نکشد،زندگانی و محیط‌آنها به‌تمدن شهرنشینی تغییر و تبدیل خواهد یافت و رفته رفته دیگراز زندگی‌عشایری و بیابان‌گردی وخانمان ـ به‌دوشی ایشان اثری باقی نمی‌ماند بجاست برای حفظ سوابق وتاریخ‌گذشته ـ های آنها که خود فصل مهمی از تاریخ اجتماعی ایران‌را تشکیل می‌دهد به‌جمع ـ آوری سوابق و پیشینه‌های این طبقه از اجتماع مبادرت شود و نگذاریم تاریخ و گذشته های‌آنها به‌سبب اینکه تاریخ و پیشینه ای ثبت و ضبط شده ای ندارند کلاً به‌دست‌فراموشی‌سپرده‌شود ومدارکی درزمینهٔ‌تحقیق باقی نماند ، امااز‌طرفی هم‌باید اذعان‌کرد‌که تدوین‌تاریخ عشایر کار چندان‌آسانی نیست زیرا چون این مردمان سابقهٔ مدونی از خود به‌جای نگذاشته‌اند ، کار تنظیم سوابق و تاریخ ایشان دشوار می‌گردد و به‌علاوه تحصیل اطلاعاتی هم دربارهٔ وضع زندگی،آداب رسوم ، معتقدات ،صنایع ، زبان ودیگر مسایل‌زندگی‌آنها ، خود مستلزم‌ارتباط مستقیم و تماس نزدیك‌با ایشان است و باید مدتها درمیان اجتماع آنها اقامت نمود‌که‌آن‌نیز خود مشکلات ودشواری ـ های دیگردربر دارد .

باتمام‌این احوال خوشبختانه دراین زمینه کارهایی صورت‌گرفته و مهمتر از همه اینکه وزارت فرهنگ و هنر از چندی پیش باتوجه به‌اهمیت این‌موضوع گروههایی تحقیقی به‌داخل مناطق‌عشایر ـ نشین فرستاده و تحقیقاتی در بارهٔ آنان به‌عمل‌آورده‌است ولی‌باید‌گفت‌که‌اقدامات وزارت فرهنگ‌وهنر به‌تنهایی کافی‌نیست بلکه وظیفهٔ مخصوص محققان محلی و مأموران‌بصیر دولتی‌است‌که بافراهم‌بودن امکانات و مقدورات در محل‌به مقتضای ذوق و دید خاص خود به‌جمع‌آوری و تدوین‌سوابق و جزییات زندگانی‌گذشتهٔ این گروه اقدام کنند وباتألیف رسالات ونگارش‌مقالاتی‌دربارهٔ جوانب‌گوناگون زندگی این اجتماعات ،مواد و مصالح لازم‌را برای تدوین «**تاریخ‌کامل‌عشایر ایران**» به‌تدریج فراهم سازند .

«مجلهٔ بررسیهای‌تاریخی؛سرهنگ مهندس جهانگیرقایم‌مقامی»

تیره‌های‌مختلف‌عشایردرایران

آقایی.

تیره ای از طایفهٔ بویر احمدی سردسیری علیا .

آل‌کثیر .

قبیله‌ای ازایلات عرب‌خوزستان .

ابوالعباسی .

تیره‌ای ازایل جانکی دارای۱۹۰ خانوار .

اردشیری .

تیره‌ای از ایل بویر احمدی .

استاجلو .

ایلی ترك‌درعهد صفویه‌که محتملاً مقراصلی آنان درناحیهٔ **فارس**بوده‌ودر ۹۱۳ه.ق.رییس آنان**محمدخان‌بن‌میرزا بیگ خلیفه**که باشاه‌ایران خویشی‌سببی داشت به حکومت دیاربکر منصوب‌شد .

اسفنده .

طایفه‌ای است از طوایف کرمان و بلوچستان ساکن ناحیهٔ**سراوان**مرکب‌از ۵۰ خانوار

اشاقه باش .

قاجار قویونلو را به‌بینید .

اصانلو .

یکی ازطوایف‌ساکن‌ساوه‌وقزوین‌وقم.

افشار ها .

گروهی‌ازترکمانان **غز**که دردورهٔ سلجوقیان به ایران آمده‌اند. دردوران **صفویه** کارآنها رونق‌گرفت و اغلب در گروه **قزلباش** مقاماتی داشته‌اند و به چند تیره تقسیم می‌شوند .

افشار قاسملو، افشار بکشلو،افشار قرخلوکه بر سر هم در حد۵۰۰/۰۰۰ نفرند،ییلاقشان کوه سبلان و قشلاقشان دشت مغان است .

اینانلو .

تیره‌ای ازایلات خمسه می‌باشندکه درجنوب فارس سکنی دارند .

۱۰۱۲

بابا ملکی .
تیره‌ای از ایل بویر احمدی .

باتولی .
تیره‌ای ازایل بویراحمدی .

بارکزایی .
طایفه‌ای ازبلوچها مرکب از۵۱۰ خانوار .

باصری .
ازایلات خمسهٔ فارس که ییلاقشان در اطراف **ایزد خواست** و **مرودشت** و **رامجرد** و **بیضا** و قشلاقشان در اطراف **جویم** و **کربال**است .
جمعیت آنها قریب۱۳هزار نفراست.

بامری .
طایفه‌ای از ایل بلوچ مرکب از ۲۳۵۰ خانوار .

بختیاریها .
مجموعهٔ ایلات **هفت لنگ** و **چهار لنگ** که قریب ۴۰۰۰۰۰ نفرند و در نواحی چهارمحال و فارس وخوزستان و لرستان زندگی می کنند و اصل آنها راازکردها می‌دانند و در تاریخ ایران گاهی رسماً واردمجادله‌های سیاسی شده‌اند، شلوار های پهن، وکلاه نمدی آنها لباس‌های مردم دورهٔ پارت رابه‌یادمی‌آورد . بختیاریها از نژاد خالص آریاهستند .

بزرگزاده .
تیره‌ای از طایفهٔ بلوچ مرکب از ۱۹۰۰ خانوار .

بکشلو .
تیره‌ای ازایل‌افشار .

بلوچزایی .
طایفه‌ای ازایل شه‌بخش .

بلوچها .
طوایفی چنددر بلوچستان، سیستان، سند ، پنجاب و به‌لهجهٔ فارسی مخصوص صحبت می کنند و اکثراً زارع و شترچرانند ومرکب ازچند تیره به‌شرح‌زیر تقسیم می شوند ؛ بارکزایی ، بامری ، بزرگزاده ، بلیده‌ای ، درازایی، ریگی، زابلی کرد ، سردارزایی ، شه بخش ، شهنوازی ، گمشاد زهی، لاشاری ، مبارکی ، میر مراد زایی ، ناروپی ، نعمت‌اللهی ونوشیروانی .

بلیده‌ای .
تیره‌ای از طایفهٔ بلوچ مرکب از ۱۹۰۰ خانوار .

بنی طوف.
قبیله‌ای ازایلات عرب‌خوزستان .

بنی‌کعب .
قبیله ای از ایلات عرب خوزستان می‌باشند .

بویر احمدی .
تیرهٔ بزرگی از طایفهٔ چهار بنیچه از ایل جاکی که در نواحی مختلف ، کوه کیلویه ، هفتگل، آغاجاری، جانکی سکونت دارند و به‌دو شاخهٔ بزرگ : بویر احمدی سردسیری و بویر احمدی گرمسیری تقسیم می‌شوند .که رویهم۱۰ هزار خانوارند .

بویر احمدی‌سرد سیری علیا .
تیره هایی از شاخهٔ بویر احمدی سردسیری مرکب از۳۰۰۰ خانوارتیره‌هایی به‌شرح‌زیر دارد؛ آقایی ، کایدگیوی ،تیرتاجی و سادات .

بویراحمدی سردسیری .
تیره‌های بزرگی ازایل‌بویراحمدی که۸۰ در صدآنها چادر نشینند و شهر بهبهان مرکز آنهاست و به دودستهٔزیر تقسیم می‌شوند :
بویر احمدی سرد سیری علیا و **بویر احمدی سردسیری سفلی**.

بویر احمدی‌گرمسیری .
تیره هایی از طایفهٔ بویراحمدی مرکب از۱۳۰۰ خانوار که‌نسبتاًشهری شده‌اند .

بهارلو .
تیره‌ای ازایلات خمسه که‌در جنوب فارس سکنی دارند .

پیرانوند .
ازطوایف پیشکوه وشاخه‌ای‌ازلرها ودسته‌ای ازکردها .

تامرادی .
تیره‌ای ازطایفهٔ بویراحمدی سردسیری سفلی .

ترکمن‌ها .
مردم ترك نژاد منولی و مسلمان جمعیت آنها قریب‌یك ملیون‌نفراست‌که در**ترکمن صحرا** و کوههای خراسان و ترکمنستان و سواحل بحرخزر زندگی می‌کنند .
عدهٔ زیادی ازآنها چادر نشین و گروهی کشاورزند و دوتیرهٔ آن بنام‌های **یموت** و **کوکلان** معروفند .

تیرتاجی .
تیره‌ای ازطایفهٔ بویر احمدی سردسیری‌علیا .

جاف .
قبیلهٔ بزرگی ازکردها که‌دراوایل قرن ۱۱ ه ق درجوانرودمتمرکز بودند و درسال ۱۱۱۲ ه ق قریب ده هزار نفر ازآنها بـه خاك عثمانی مهاجرت کردند .

جاکی .
از ایلهای کوه‌کیلویه که دارای طوایف مختلف است و مهمترین‌تقسیمات آن: طایفهٔ**لیراوی** و**چهاربنیچه** است .

جانکی .
مردمی‌کرد نژادکه در اوایل قرن ۷ م.ازشام به سرزمین لرستان‌آمده اند که‌امروزه به‌جانکی معروفند،از۲۵۰۰ خانوار تجاوزمی‌کنند .

جوانرودی ، جاف .
جاف را به‌بینید .

جوانرودی ، طایفهٔکرد .
ایلی کـرد نژادکه در کنار رود **سیروان** زندگی می کنند .

چرام .
طایفه‌ای‌ازایل **چهاربنیچه** که‌مرکز آنها تلگرد است .

چهاربنیچه .
ایلی بزرگ از**جاکی‌ها**که به‌چهار تیره به‌نامهای؛ بویر احمدی ، چرام ، دشمن زیاری و نویی تقسیم می‌شود .

چهارلنگ .
گروهی عظیم ازایل بختیاری است مرکب از۲۴ تیره که محل‌سکونت آنها در چهارمحال و فارس و خوزستان است .

حسنوند .
ازطوایف پیشکوه وشاخه‌ای‌ازلرها ودسته‌ای ازکرد ها می‌باشند .

خمسه ، ایلات .
چون ایل‌مذکور ازپنج تیرهٔ‌بزرگ تشکیل یافته است بهمین جهت‌به ایلات خمسه موسومند‌که عبارتند از باصری ، اینانلو ، بهارلو، عرب ، ونفر .

درازیی.
تیره‌ای از طایفهٔ بلوچ مرکب از ۱۳۵۰ خانوار.

دره شولی .
طایفه‌ای ازقشقایی‌که به‌زبان‌ترکی تکلم می‌کنند .

دشت موری .
تیره‌ای از طـایفهٔ بویر احمدی سردسیری‌سفلی .

دشمن زیاری .
طایفه‌ای ازایل چهار بنیچه مرکب از ۲۹۴۰ خانوار که به ۳۵ شعبه‌تقسیم می‌شوند .
دشتیاری .
دسته‌ای ازبلوچها که دربلوچستان ساکنند واز نژادآریایی می‌باشند .
دولو .
قاجار دولو را به‌بینید .
دینارو ند .
از طوایف پشتکوه و شاخه‌ای از لرها ودسته‌ای ازکردها می‌باشند .
ریگی .
تیره‌ای از طایفهٔ بلوچ مرکب از ۷۴۴۵ خانوار .
زابلی‌کرد .
تیره‌ای از طایفهٔ بلوچ مرکب از ۹۷۵خانوار .
زعفرانلو .
یکی ازتیره‌های ایل کــرد که در قوچان‌سکونت دارند .
سادات .
تیره‌ای از بویراحمدی سردسیری علیا .
ساگارت.
یکی‌ازاقوام باستانی‌ایران و به‌قول **هرودوت**یکی‌ازسه طایفهٔچادرنشین‌پارسی تابع شاهنشاهی هخامنشی. آنان به‌پارسی (باستان)سخن‌می گفتند،لباسشان‌بین‌لباس پارسیان و پاکتیکان بود . آنان ۸۰۰۰ سپاهی به‌دولت هخامنشی‌می‌دادند. اسلحه‌ـ ای از آهن یا مفرغ‌به‌کارنمی‌بردندوفقط خنجری وکمندی چرمی با خودداشتند.
سردار زایی
تیره‌ای از طایفهٔ بلوچ مرکب از ۱۱۵۵۰ خانوار .
سنجابی
یکی از طوایف کرد ساکن مغرب کرمانشاه .
شاهسون .
این‌عنوان در اوایل دورهٔ صفوی به‌قبایل حامیان شاه اطلاق‌می شده ولی بنا به‌دعوت**شاه عباس** بزرگ قبیله ای به‌همین نام‌ازآسیای صغیر به‌ایران‌آمد و در اردبیل سکنی گزید . اکنون ایل شاهسون یکی از ایلهای بزرگ ایران است‌که در ناحیهٔ وسیعی از آذربایجان (بین تبریز و اردبیل و جنوب‌قزوین) سکونت دارند .

شش بلوکی .
ازطوایف قشقایی‌که درزمان‌چنگیز‌ـ خان‌به ایران‌آمدند .
شکاك .
ازایلات آذربایجان می‌باشند و به‌ـ زبان‌ترکی تکلم می‌نمایند .
شه‌بخش .
تیره ای از طایفهٔ بلوچ مرکب از ۳۰۷۰ خانوار .
شهنوازی .
تیره‌ای‌ازطایفهٔ‌بلوچ مرکب‌از۴۰۰ خانوار .
عباسی .
تیره‌ای ازایل بویر احمدی .
عرب .
تعدادشــان ۱۵۰۰۰۰ نفر ودر خوزستان‌پراکنده‌اند.عدهٔ قلیل‌ازاعراب درخراسان شرقی و فارس به‌سرمی‌برند .
علی‌قنبری .
تیره‌ای ازایل باصری‌فارس .
علی میرزایی .
تیره‌ای‌است ازایل‌باصری فارس .
علی‌وند .
تیره‌ای‌است‌ازطایفهٔ‌بکشلوی‌فارس .
عمادی .
تیره‌ای ازایل عرب فارس .
فارسیمدان .
طایفه‌ای از قشقایی‌ها ، درعهد چنگیز به‌ایران‌آمدند .
قائد رحمت .
یاقائد رحمه یکی از ایلهای کرد ایران ، از طوایف پیشکوه ، ساکن‌دهی بنام قائد رحمت .
قاجار .
طایفه‌ای ترکمان منسوب به قاجار‌ـ نویان از سرداران مغول ، دسته های مختلف این طایفه پس‌از انقراض دولت ایلخانیان ، در ارمنستان و شام مسکن گزیدند ومانندیگر قبایل ترك‌به‌تاخت و تاز و غارتگری پرداختند ، **امیر تیمورگورکان** پس‌از لشکرکشی‌به روم (آسیای صغیر) و شام درسال۸۰۳ه ق هنگامی‌که به‌ایران باز می‌گشت ،جمعی ازطوایف‌ترکمان راکه درشام‌وارمنستان وآسیای صغیر به‌سر می‌بردند ، باخود به ایران‌آوردکه ازآن جمله‌اند طوایف **روملووشاملو**و **قاجار** . ازطایفهٔ قاجار جمعی به‌ترکستان باز گشتند ،وگروهی در اطراف شهر های گنجه و ایروان و قراباغ مسکن‌گرفتند . هنگامی‌که **شاه اسماعیل** اول ، درآغاز کار خویش ، از لاهیجان به آذربایجان آمد و به‌جمـع مریدان پدر پرداخت ، گروهی ازسران طایفهٔ قاجار نیز به‌اوپیوستند و درزمرهٔ صوفیان قزلباش داخل‌شدند و دردوران پادشاهی خاندان صفوی‌به‌مقامات‌ومنصب‌ـ های عالی رسیدند .
شاه‌عباس اول، این‌طایفه‌را به‌سه‌ـ قسمت تقسیم‌کرد : گروهی‌را به‌نواحی مرو وشمال خراسان فرستاد تا دربرابر حمله های ازبکــان و ترکمانان سدی باشند .
گروه دیگر را در حدود قره‌باغ و شمال‌رود ارس درمقابل طوایف‌لزگی گذاشت ، و دستهٔ سوم را در گرگان (استراباد) مسکن داد،دستهٔ سوم در اواخر عهدصفوی قدرتی یافتندوخاندان سلطنتی‌قاجاریه‌ازاین دسته برخاسته‌اند. (فرهنگ معین)
قاجاردولو.
یکی از دو تیرهٔ ایل‌قاجار . چون افراد این‌تیره‌به‌هنگام سکونت درساحل رود **ارس** وسپس در ساحل‌رودگرگان، دربخش علیای رود ساکن بودند ، تیرهٔ مذکور را**یوخاری‌باش** نامیدند و سپس به‌قاجار دولو شهرت یافت .
قاجار قویونلو .
یکی از دوتیرهٔ ایل قاجار . چون افراد این‌تیره به‌هنگام **سکونت**درساحل رود ارس وسپس دردشت‌گرگان وساحل رودگرگان در بخش سفلای رود ساکن بودند ، تیرهٔ مذکور به‌نام **اشاقه باش** معروف گردید و بعد به‌عنــوان قاجار قویونلو خوانده شد . سلسلهٔ قاجـاریه درایران به‌دست رؤسای این تیره‌تأسیس گردید .
قاسملو .
تیره‌ای ازایل افشار .
قرخلو .
تیره‌ای‌ازایل افشار .
قشقاییها .
قشقاییها درکوههای مرتفع فارس به‌سرمی‌برند.لباسشان شبیه‌لباس‌بختیاری‌ـ هاست جز اینکه کلاه نمدی شان کلاه مخصوص سربازان ناپلئون را به‌خاطر می‌آورد.جمعیت‌آنهادرحدود۲۰۰۰۰۰ نفراست، عده‌ای‌عقیده دارندکه **قشقاییها**

درعهدچنگیزخان مغول به ایران آمدند وزبان آنها اغلب ترکی است .

کاکاوند

طایفه‌ای از لرهای پشتکوه ودسته‌ای ازکردها می‌باشند .

کاید گیوی .

تیره‌ای ازطایفهٔ بویر احمدی سرد– سیری علیا .

کبیرکوهی .

ازطوایف لرپشتکوه و شاخه‌ای از لرها و دسته‌ای ازکردها .

کرد ها .

کردها که به‌لهجهٔ شیرین فرس‌قدیم صحبت می‌کنند اکثراً درمرزشمال‌غربی ایران یعنی مرز روسیه و ترکیه به سر می‌برندومنقسم‌به چندین‌قبیله اندکه مهم– ترین‌آنها عبارتند از .

۱ ــ کردهای شمالی ماکو و قسمت شمال غربی‌آذربایجان .

۲ ــ کردهای مهاباد که‌بین‌دریاچهٔ رضاییه وکردستان به‌سر می‌برند .

۳ ــ کرد های سنندج .

۴ــ کردهای‌کرمانشاه‌که ازکوه– های زاگـروس تا دشت خوزستان پراکنده اند،جمعیت کل‌کردهای ایران فقط یك‌ملیون نفر است .

کشکولی .

طایفه‌ای ازایل قشقایی‌که درزمان چنگیز به‌ایران‌آمدند .

کوکلان .

ازایلات ترکمن که به سبب‌داشتن اراضی حاصلخیز اخیراً دست اززندگی چادر نشینی بر داشته و در دشت‌گرگان مقیم شده‌اند .

گله‌زن .

ازطوایف قشقایی؛ به‌زبان تـرکی تکلم می‌کنند .

گمشاد زهی .

تیره‌ای از طایفهٔ بلوچ مرکب از ۱۵۶۵ خانوار .

گیلك‌ها.

گیلك هاکه به لهجهٔ خاص فارسی صحبت می‌کنند اکثراً درطالش و ساحل دریای‌مازندران به‌سرمی‌برند .

لاشاری .

تیره ای از طایفهٔ بلوچ مرکب از ۳۸۰۲خانوار .

لرها .

شاخه‌ای از ایلات‌کرد هستند که‌از نژاد آریایی‌باشند .

جمعیت‌لرها ۳۰۰۰۰۰ نفر واینها دراراضی‌مرتفع لرستان به‌سر می‌برند . لرهای ماماسانی که در کوههای غربی فارس زندگی می‌کنند از مهمترین‌قبایل لر به‌شمار می‌روند.

لیراوی .

طایفهٔ بزرگی ازایل جاکی .

ماماسانی .

دستهٔ‌بزرگی ازایل‌لرمی‌باشندکه‌در کوههای غربی فارس زندگی‌می‌کنند.

مبارکی .

تیره ای ازطایفهٔ بلوچ مرکب از ۶۰۲۰ خانوار .

مشهدی .

تیره‌ای از ایل بویر احمدی .

ملك‌شاهی .

طایفه‌ای‌ازلرهای پشتکوه‌وشاخه‌ای ازکردها .

ممسنی .

طایفه‌ای‌ازلرهای‌کهکیلویه‌ودسته‌ای ازکردها که در مغرب فارس و مشرق خوزستان مقیم‌اند .

میر مراد زایی .

تیره‌ای از طایفهٔ بلوچ مرکب از ۲۸۸۰ خانوار .

نارویی .

تیره‌ای از طـایفهٔ بلوچ‌مرکب از ۷۰۰ خانوار .

نعمت‌اللهی .

تیره‌ای از طایفهٔ بلوچ مرکب از ۱۰۵۰ خانوار .

نفر .

تیره ای ازایلات خمسه که‌درجنوب فارس سکنی دارند .

نگین تاجی .

شعبه‌ای ازبویر احمدی .

نوشیروانی .

تیره ای از طایفهٔ بلوچ مرکب از ۱۱۹۰ خانوار .

نویی .

طایفه‌ای ازایل چهار بنیچه .

هزاره‌ها .

طایفه‌ای ساکن دراطراف کوههای هزاره‌جات که به‌زبان فارسی‌تکلم می– کنند .

هفت‌لنگ .

گروهی از ایل بختیاری مرکب از۵۵ تیره که در چهارمحال ، فارس و خوزستان سکونت دارند .

یموت .

تیره‌ای از ترکمن هاکه در دشت گرگان سکونت دارند .

یوخاری‌باش

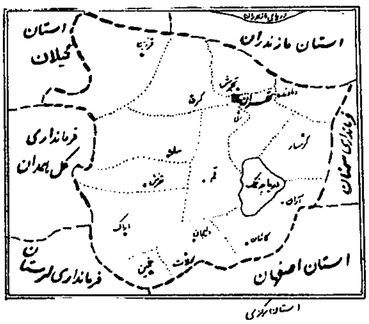
ایل‌قاجار دولورا به‌بینید .

یوسف وند .

طایفه ای از لرهای پیشکوه و شاخه‌ای ازکردها .

استانهای ایران

استان مرکزی



شهر تهران

تهران پایتخت ایـران و مرکز استان مرکزی در۵۱ درجه و۲۳دقیقه طول و ۳۵ درجه و ۴۱ دقیقه عرض جغرافیایی‌واقع شده و ارتفاع‌آن‌ازسطح دریا ۱۱۹۱ متر می باشد ، و از شمال به‌سلسلهٔ جبال‌البرزازمشرق‌به‌شهرستان– های‌دماوند وگرمسار،ازجنوب‌به دریاچهٔ نمك و شهرستانهای قم وری واز مغرب به‌شهرستان کرج محـدود است . این شهر میـان دو رودخانهٔ کوچك به‌نام جاجرود وکرج که‌از دامنه های جنوبی البرز سرازیر می‌شوند، واقع شده‌است، رودخانهٔ جاجرود از دو شاخه‌به‌وجود آمده‌که شاخهٔ شرقی‌آن ازشمال دماوند و شاخهٔ غربی از ارتفاعات شمالی‌شمشك سرچشمه می‌گیرد و پس ازعبوراز نقاط ییلاقی تهران وارد جلگهٔ حاصلخیز ورامین می شود .

رودخانهٔ کرج از دامنه های قلهٔ کندوان سر چشمه می‌گیرد و در کرج وارد جلگه می‌شود .

قسمت عمده‌ای از نیروی برق و همچنین آب مورد نیازپایتخت به‌وسیلهٔ سد امیرکبیر کـه اخیراً احداث‌شده تأمین می‌گردد.

گذشتهٔ تهران

تهران‌شهری‌است‌باستانی‌که ظاهراً

درقرن سوم‌هجری قمری وجود داشته ، ولی دردورهٔ آبادانی ری درقرون اولیهٔ اسلامی تـا حملهٔ مغول شهرتی نداشته است .

شاه صفی ، از نظـر اهمیت نظامی تهران رابه پایگاه نظامی تبدیل کرد . نادرشاه افشار نیزدر سال ۱۱۵۴ هجری قمری این‌شهررا به‌فرزند ارشد خودرضا– قلی میرزا سپرد ، به‌هنگام جنگهای جانشینان نادر ، عادلشاه افشار به‌تهران پناهنده شد ، ولی طرفداران ابراهیم– شاه اورا دستگیر و نابینا کردند .پس‌از انقراض سلسلهٔ افشاریه تهـران جزء قلمرو قاجار گشت . کریمخان زند پس از قلع و قمع محمد حسن خان قاجار ، به‌سال ۱۱۷۲ با اردوی خود به تهران آمد و سال بعد فرمان دادتادر تهـران کاخ و دیوانخانه و حرمسرا بنا کنند ، ظاهراً درنظرداشت که این‌شهررا پایتخت خود قرار دهد ، ولی در سال ۱۱۷۶ هجری قمری دستگاه حکومت خود را به‌شیرازمنتقل نمود .

آغامحمد خان ، سردودمان سلسلهٔ قاجاریه‌به‌سبب نزدیکی تهران‌به‌گرگان و اینکه تهران از لحاظ نظامی موقعیت مناسبی داشت وبخصوص دربرابرحملات ازشمال بخوبی‌قابل دفاع بود ، این‌نقطه را مرکز عملیات خـویش قرار داد و چندی بعد آنجارا به پایتختی برگزید، آنگاه در سال ۱۲۱۰ رسماً دراین‌شهر تاج‌گزاری نمود .

در زمان‌شاهنشاه فقید رضاشاه‌کبیر و بخصوص اعلیحضـرت محمدرضا شاه بروسعت تهران افزوده شده وعمارات و ابنیهٔ‌باشکوه و بطرزجالبی بنا گردیده و بر اهمیت و جمعیت آن اضافه شد بطوری‌که امروزه‌تهران با ۲۸۰۳۱۳۰ نفر جمعیت بزرگترین وپرجمعیت‌ترین شهرهای ایران محسوب می‌شود .

فاصلهٔ تهران تا آبادیهای اطراف

نام‌آبادی	فاصله برحسب کیلومتر	نام‌آبادی	فاصله برحسب کیلومتر
آبعلی	۶۰ کیلومتر	سلطنت‌آباد	۱۱ « «
آبگرم دماوند	۱۱۰ « «	شاه‌آباد	۲۶ « «
اوشان	۴۲ « «	شمشك	۵۸ « «
ایوانکی	۷۴ « «	علیشاه‌عوض (شهریار)	۲۸ « «
بومهن	۴۹ « «	فشم	۴۶ « «
تجریش (ازجادهٔ پهلوی)	۱۶ « «	قلهك	۱۱ « «
تجریش (ازجادهٔ قدیم)	۱۵ « «	کرج	۴۲ « «
تهران‌پارس	۷ « «	کن	۱۷ « «
تهران‌نو	۵ « «	کهریزك	۱۲ « «
جاجرود	۳۲ « «	لشکرك	۳۰ « «
دربند	۱۸ « «	میگون	۵۰ « «
دروس	۱۲ « «	نارمك	۵ « «
دماوند	۷۴ « «	نیاوران	۱۹ « «
رباط‌کریم	۴۰ « «	ورامین	۴۷ « «
رستم‌آباد	۱۴ « «	ینگی‌امام	۷۶ « «
سرخه‌حصار	۱۷ « «		

قناتهای تهران

اکبرآباد .
از شهرنو وارد تهران می‌شود و فاصلهٔ مادرچاه‌آن تا شهر $\frac{1}{2}$ فرسنگ و ۴ سنگ‌آب دارد .

امیرآباد .
ازشمال غربی وارد تهران می‌شود وفاصلهٔ مادر چاه‌آن تاشهر ۱ فرسنگ‌و ۴ سنگ‌آب دارد .

باغشاه .
ازخارج شهر وارد تهران می‌شود و فاصلهٔ مادرچاه‌آن تاشهر یك فرسنگ و۵ سنگ‌آب‌دارد .

باغ صبا .
ازشمال وارد تهران می‌شودوفاصلهٔ مادرچاه آن تاشهر یك فرسنگ است و یك‌سنگ‌آب دارد .

بریانك .
ازشهرنووارد تهران‌می‌شود وفاصلهٔ مادر چاه‌آن تاشهر $\frac{1}{2}$ فرسنگ است و ۵ سنگ‌آب دارد .

بهارستان .
ازشمال وارد تهران می‌شود وفاصلهٔ مادرچاه‌آن تا شهر $1\frac{1}{2}$ فرسنگ و ۲ سنگ‌آب دارد .

بهجت‌آباد.
ازشمال‌وارد تهران می‌شودوفاصلهٔ مادر چاه‌آن تاشهر ۱ فرسنگ و۲سنگ آب دارد .

پونك .
از مغرب واردتهـران می‌شود و فاصلهٔ‌مادرچاه‌آن‌ازشهر $1\frac{1}{2}$ فرسنگ و ۳سنگ آب دارد .

حاج‌علیرضا .
ازشمال‌وارد تهران می‌شود وفاصلهٔ مادر چاه‌آن تا شهر $\frac{3}{4}$ فرسنگ‌و۳سنگ آب دارد .

حاج محمد علی .
ازشمال واردتهران می‌شود وفاصلهٔ مادرچاه آن تاشهر $\frac{3}{4}$فرسنگ و $\frac{3}{4}$

سنگ آب دارد .

حبیب آباد .
ازخارج شهر داخل تهران می‌شود وفاصلهٔ مادرچاه آن تا شهر ۲ فرسنگ و $\frac{۱}{۲}$۲ سنگ آب دارد.

دار آباد .
ازشمال وارد تهران می‌شودوفاصلهٔ مادر چاه‌آن تاشهر ۲ فرسنگ و یك سنگ آب دارد .

سرداری .
از جنوب وارد تهران می‌شود و فاصلهٔ مادرچاه‌آن‌تاشهر$\frac{۱}{۲}$۱ فرسنگ است و ۳سنگ آب دارد .

سفارت انگلیس ،
ازشمال واردتهران می‌شودوفاصلهٔ مادر چاه آن تا شهر یك فرسنگ و $\frac{۱}{۴}$ سنگ آب دارد .

سفارت روس .
ازشمال وارد تهران‌می‌شودوفاصلهٔ مادرچاه‌آن تاشهر یك‌فرسنگ و $\frac{۱}{۲}$۲ سنگ آب دارد .

سنگلج .
ازشمال وارد تهران می‌شودوفاصلهٔ مادر چاه‌آن‌تاشهر یك‌فرسنگ و۳سنگ آب دارد .

شاهك .
ازشمال غربی وارد تهران می‌شود و فاصلهٔ مادرچاه‌آن تاشهر$\frac{۱}{۲}$ فرسنگ و$\frac{۱}{۲}$سنگ‌آبدارد .

شمیران .
ازشمال وارد تهران می‌شودوفاصلهٔ مادرچاه‌آن تاشهر ۲ فرسنگ و ۳سنگ آب دارد .

شهاب‌الملك .
ازشمال‌غربی وارد تهران می‌شود وفاصلهٔ مادر چاه آن‌تاشهر یك‌فرسنگ و$\frac{۱}{۲}$ ۱سنگ آب دارد .

صاحب‌الزمان .
ازشمال شرقی وارد تهران می‌شود و فاصلهٔ مادرچاه‌آن ازشهر ۲ فرسنگ ویك‌سنگ آب‌دارد.

صدقه ،
ازشمال غربی واردتهران می‌شود و فاصلهٔ مادرچاه‌آن تاشهر$\frac{۱}{۲}$ فرسنگ و$\frac{۱}{۲}$۲سنگ‌آب دارد .

صارم‌الدوله .
از شمال وارد تهران می‌شود و فاصلهٔ مادر چاه آن تا شهر $\frac{۱}{۲}$ فرسنگ‌و$\frac{۱}{۴}$۱ سنگ‌آب دارد

صفر آباد .
ازشمال‌وارد تهران می‌شودوفاصلهٔ مادر چاه‌آن تاشهر$\frac{۳}{۴}$۱ فرسنگ و $\frac{۱}{۴}$ ۱سنگ‌آب‌دارد.

کرج .
از مغرب وارد تهران می‌شود و فاصلهٔ مادر چاه آن تاشهر ۴ فرسنگ و ۲ سنگ‌آب دارد .

کریم آباد .
از مغرب وارد تهران می‌شود و فاصلهٔ مادر چاه آن تا شهر$\frac{۱}{۲}$ ۱فرسنگ و$\frac{۱}{۲}$ ۱سنگ‌آب‌دارد.

کوثریه .
از مغرب وارد تهران می‌شود و فاصلهٔ مادر چاه آن تا شهر ۲ فرسنگ است و ۶سنگ‌آب دارد .

مهرجرد .
ازشمال وارد تهران می‌شودوفاصلهٔ مادر چاه‌آن تاشهر $\frac{۱}{۲}$ فرسنگ‌و۲سنگ آب دارد .

ناصرالملك .
از مغرب وارد تهران می‌شود و فاصلهٔ مادرچاه آن تا شهر $\frac{۱}{۲}$۱فرسنگ و ۵سنگ‌آب دارد .

ناصری .
ازمغرب واردتهران می‌شودوفاصلهٔ مادرچاه‌آن تاشهریك فرسنگ‌و۵سنگ آب‌دارد.

نجف‌آباد .
ازشمال غربی وارد تهران می‌شود و فاصلهٔ مادرچاه‌آن تا شهر$\frac{۱}{۲}$ فرسنگ و ۳ سنگ‌آب دارد .

نظامیه .
ازشمال وارد تهران می‌شودوفاصلهٔ مادر چاه‌آن تاشهر$\frac{۱}{۲}$فرسنگ و$\frac{۱}{۲}$ ۱ سنگ‌آب دارد .

وزیری .
از مغرب وارد تهران می‌شود و فاصلهٔ مادر چاه آن تاشهر$\frac{۳}{۴}$ فرسنگ است و ۶سنگ‌آب دارد .

یوسف‌آباد .
ازشمال واردتهران می‌شود وفاصلهٔ مادرچاه آن تاشهر یك فرسنگ‌و ۴۰ سنگ‌آب دارد .

شهرستان اراك

اراك یکی ازشهرستانهای مرکزی می‌باشدکه‌در ۴۹ درجه و۴۲ دقیقه‌طول و۳۴ درجه و ۵دقیقه‌عرض جغرافیایی واقع شده است ؛ و محدود است‌ازشمال به‌بخشهای‌آشتیان و فرمهین ، ازمشرق به‌بخش خلجستان وشهرستان‌قم ومحلات، از جنوب بـه شهرستان خمین و بخش چاپلق و از مغرب به شهرستان ملایر . وسعت این شهرستان ۱۱۴۱ هکتار و فاصلهٔ‌آن تاتهران ۲۹۵ کیلومتر می‌باشد . ارتفاع اراك ازسطح دریا ۱۷۶۰ متر است . نام‌قدیم اراك «سلطان‌آباد» است . بنای اولیهٔ شهر در بین سالهای ۱۲۲۷ ـ ۱۲۲۳ هجری به‌وسیلهٔ یوسف‌خان گرجی سپهدار فـرمانده پادگان محل‌گذاشته شده وبنام قلعهٔ سلطان آباد نامیده شده است ، و در مهرماه ۱۳۱۶ هجری شمسی نام آن به‌اراك تبدیل شد شهرستان اراك فلاتی است که اطراف آن‌راکوههای مرتفع احاطه‌کرده ؛ کوه‌های راسوند در جنوب و کوه وفس در شمال غربی آن واقع شده است ؛ کویر میغان نیز در شمال شرقی قرار دارد . رود عمدهٔ‌آن‌قره چای می‌باشد‌که ازکوه‌های بخش سربند کزاز سرچشمه گرفته درآن بخش‌به‌نام رودخانهٔ طوره ـ نورآباد وآستانه معروف است .همچنین در اراك دو رودخانهٔ خشك و یك دریاچه بنام عمارت وجود دارد . جمعیت این شهرستان طبق‌آخرین سرشماری بالغ‌بر ۳۵۱،۶۲۵ نفر می‌باشد .

شهرستان تفرش

تفرش یکی‌ازشهرستان‌های مرکزی است که در ۵۰ درجه و ۱۵ دقیقه طول و۳۴درجه و ۴۰ دقیقه عرض‌جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال‌به‌بخش نوبران و قسمتی از شهرستان همدان و ارتفاعات بند ساوه ، از مشرق به شهرستان قم ، ازجنوب به‌شهرستان‌اراك وکوهستان‌خلجستان وازمغرب به بخش شراء پیشخور و بخش کمیجان ؛ وسعت این شهرستان ۷۸۱ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۲۸۲ کیلومتر است . جلگهٔ تفرش در میان کوهستان صعب‌العبوری واقع شده وکوههای آن عبارتند از بند ساوه وخلجستان‌که در۶کیلومتری شهر قرار دارند .

رودقره‌چای ، رود دستریه و رود سیدابه در این جلگه جاریند ، جمعیت تفرش‌طبق آخرین‌سرشماری‌بر ۸۹۴۸۴ نفر؛بالغ می‌باشد.

شهرستان خمین

خمین یکی ازشهرستان‌های استان مرکزی‌استودر۵۰درجه‌و۳دقیقه‌طول‌و۳۳ درجه و ۳۸دقیقه عرض جغرافیایی‌واقع شده‌که محدود است از شمال به محلات، ازشمال‌غربی به‌شهرستان اراك،از مشرق به‌بخش مرکزی (ازشهرستان گلپایگان) و'ازمغرب به‌بخش چاپلق ؛ وسعت آن ۷۲۹ هکتار می‌باشد . فاصلهٔ خمین تا تهران ۳۲۳کیلومتر می‌باشد و ارتفاع آن ازسطح دریا ۱۸۰۰ متر است . جمعیت خمین طبق آخرین سر شماری بالغ بر ۶۲۸۹۵ نفر می‌باشد .

شهرستان دماوند

دماوند یکی‌از شهرستانهای استان مرکزی است‌که در ۵۲ درجه و۴دقیقه طول و ۳۵ درجه و۴۳ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌سلسله جبال البرز و لاریجان و سوادکوه ، ازمشرق به‌شهرستان‌سمنان از جنوب به شهرستان گرمسار و بخش ایوانکی و ازمغرب به‌بخش قم ، وسعت دماوند ۷۴۴ هکتار وفاصلهٔ آن‌تاتهران ۷۷کیلومتر است .

دماوند از شهر های قدیمی ایران می‌باشد وبه‌عقیدهٔ باستانشناسان درزمان آبادی ری‌آباد و معمور بوده است. قلهٔ دماوند بلند ترین قلهٔ کوههای ایران است دراین شهرستان واقع‌است، ازرودهایش حبله رود را می‌توان نام برد . جمعیت دماوند طبق‌آخرین سرشماری بالغ بر۵۸۱۶۶ نفر می گردد .

شهرری

شهرری در۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه طول و ۳۵ درجه و۳۴ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به بخش شهریار ، از مشرق به ورامین ، ازجنوب به شهرستان قم و از مغرب به بخش مرکزی و زرند ، وسعت شهرری ۲۷۵۱هکتار می‌باشد .

ری ازشهر های‌آباد و پر جمعیت قدیم است که‌ازنظر طبیعی دارای‌ارزش فراوانی بوده است ؛ اهمیت جغرافیایی این‌شهر ازاین بوده است که در منطقهٔ حاصلخیزی بین‌کوهستان و بیابان قرار داشته و ازایام بسیار قدیم وسیلهٔارتباط میان شرق و غرب ایران بوده است . تاریخ فتح‌ری توسط اعراب به اختلاف اقوال از ۱۸ تا۲۴ هجری قمری‌نوشته شده است . در سال ۲۵ هجری قمری شورشی درری روی داد‌که سعدبن ابی‌وقاص آن‌را فرو نشاند . دراین هنگام ری تحت حکومت خاندان مهران‌بود ؛ در نتیجهٔ مقاومت سیاوخش بن مهران ابن بهرام چوبین نعیم‌بن مقرن شهر قدیم راویران ساخت‌وبه‌دستوراوفرخان شهر جدیدی‌بنا نهاد . باحکومت(۱۴۱ ۱۵۲ ه ق) ابو عبدالله محمد مهدی (بعداً مهدی ، خلیفهٔ عباسی)آغاز می‌شود . وی شهررا به‌نام محمدیه بنا کرد وخندقی بر گردآن ایجاد نمود . بار دیگر درسال ۴۲۷ هجری قمری غز ها این شهر را ویران کردند و در ۴۳۴ هجری قمری شهر به‌دست سلاجقه افتاد.

ری در نتیجهٔ اختلافات مذهبی که در بین ساکنین آن وجود داشت آسیب فراوان دید ، درجنگ سال ۵۸۲هجری قمری بین شیعه و سنی ،گروه‌کثیری از اهالی به‌قتل رسیدندویاجلای‌وطن‌نمودند

و در نتیجه شهر رو به ویرانی نهاد ، مغولها آخرین‌بقایای عظمت واقتدارری رازیر سم ستوران خویش لگدمال‌کردند و سکنهٔ شهر را از دم تیغ گذراندند . ولی شهر ویران شده‌ٔری کاملاً از رونق نیفتاد . اما علل اقتصادی وشاید سیاسی و مذهبی مانع ازتجدید رونق‌آن گردید . در ضمن حفاریهایی‌که در ری به‌عمل‌آمد مقدارزیادی اشیاءکه ازنظر باستانشناسی دارای اهمیت بودند بخصوص ظروف سفالی منقش‌ری در اثر فعالیت‌های‌تجار عتیقه فروش به بازارهای اروپا وآمریکا راه یافت . از سال ۱۳۱۳ دکتر اسمیت باستانشناس معروف به نمایندگی موزهٔ هنرهای‌شهر بوستون و دانشگاه فیلادلفی به‌کاوشهای علمی درنقاط ویران شدهٔ ری و مزار بی‌بی شهربانو پرداخت ؛ وی در سال ۱۳۱۵ بهاین کاوشها پایان داد. فاصلهٔ ری تاتهران ۱۲ کیلومتر است و مدفن حضرت عبدالعظیم درآن قرار گرفته‌که ازنظر مذهبی اهمیت‌خاصی دارد.جمعیت ری طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۱۷۳۹۲۰ نفر می‌باشد.

شهرستان ساوه

ساوه‌که نام‌قدیم‌آن ساوج است در ۵۰ درجه و ۲۰دقیقه طول و۳۵ درجه و ۱دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال به بخش بویین‌زهرا وآوج و شهریار و اشتهارد ، از مشرق به‌بخش غار ، ازجنوب به‌شهرستان قم و بخش خلجستان و ازمغرب به‌بخش‌رزن و شراء پیشخور . فاصلهٔ آن تا تهران ۱۳۷ کیلومتر می‌باشد . وسعت این شهرستان ۱۳۷۰ هکتار است . مغولها درسال ۶۱۷هجری قمری ساوه راغارت کردندوکتابخانهٔ‌آن‌راکه دارای‌آلات و ادوات نجومی نیزبود ،به‌آتش‌کشیدند. درقرن ۸ هجری قمری توسط خواجه نصیرالدین ساوجی باروی شهر مرمت گردید .

شهرستان ساوه درجلگه‌واقع‌شده و ارتفاع‌آن ازسطح دریا ۹۶۰ متر است راه‌آهن‌سرتاسری ایران ازاین‌شهرستان می‌گذرد و همین امر سبب اهمیت آن گردیده است ؛ رود های مزدقانچای و قره‌چای‌آن‌رامشروب می‌کنند.

شهرستان قزوین

قزوین یکی‌از شهرستانهای‌مرکزی است و در ۴۵ درجه و ۳۵ دقیقه طول و۳۴ درجه و ۳۱دقیقه عرض‌جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به

رودسر و بخش‌عمارلو وجیرند ،ازمشرق به‌بخش طالقان و هشتگرد و اشتهارد ، ازجنوب به‌بخش زرند و خرقان و رزن و از مغرب به‌بخش ابهر و قیدار ؛ این شهر دراوایل عهدصفویه تااواسط‌سلطنت شاه عباس بزرگ پایتخت ایران بود وآثار تاریخی بسیار دارد ؛ در قسمت جنوبی شهرستان قزوین و ساوه دشت وسیعی قرار گرفته و یك رشته کوه موسوم به خرقان در میان آن کشیده شده است ؛ رودهای کندر ، بازار زوار و دلی چای آنرا مشروب می‌سازند . وسعت قزوین ۲۱۱۲ هکتار می‌باشد و در فاصلهٔ ۱۴۴ کیلومتری تهران قرار دارد ، جمعیت شهر قزوین طبق آخرین سر شماری بالغ بر ۴۲۴۶۹۰ نفر است .

شهرستان قم

قم‌که در گذشته کمندان‌نامیده می‌شد یکی از شهرستانهای استان مرکزی است ودر ۵۰ درجه و ۳۵ دقیقه‌طول و ۳۴ درجه و ۳۸ دقیقه عرض‌جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به شهرستان ساوه و بخش غار ، از شمال شرقی به بخش ورامین ، از مشرق بـه دریاچهٔ‌نمك‌و‌کاشان، ازجنوب‌به‌شهرستان‌های کاشان و محلات و ازمغرب به‌بخش خلجستان. قم از شهرهای بسیار قدیمی است بطوری که بنای‌آن رابه طهمورث از پادشاهان پیشدادی نسبت داده‌اند ، این شهر درحملهٔ تیمورکه از شهرهای آبادو معتبربوده ، ویران‌شد وباردیگر بافتنهٔ افغان‌روبه‌روگردید. چنین به‌نظر می‌رسدکه قم پیش‌ازاین دو حمله‌آباد و معتبرترازامروز بوده‌است. قم‌شهری‌است مذهبی و مرقدحضرت‌معصومه(ع) دختر امام‌موسی‌بن‌جعفر(ع) درآن‌واقع‌شده‌واز این لحاظ اهمیت فراوانی دارد . قم‌در دشت وسیعی قرار گرفته و ارتفاع آن ازسطح دریا ۹۳۳ متر است؛ وسعت‌آن ۱۹۱۹ هکتار فاصله اش تا تهران۱۵۴ کیلومتر می‌باشد.

رودخانهٔ‌قم درآن جاری‌است‌که از ارتفاعات جنوبی گلپایگان‌سرچشمه می‌گیرد • جمعیت‌این‌شهرستان طبق‌آخرین سرشماری بالغ بـر ۱۷۹۴۳۴ نفر می‌باشد.

شهرستان‌کاشان

کاشان یکی ازشهرستان‌های استان مرکزی است ودر۵۱ درجه و۲۷ دقیقه طول و۳۳ درجـه و ۵۹ دقیقه عـرض جغرافیایی واقع‌شده و محـدود است از شمال به‌کویرنمك ودریاچهٔ قم ، ازمشرق به‌شهرستان اردستان،ازجنوب‌به‌شهرستان نطنز ، ازجنوب غربی به‌بخش میمه واز مغرب به‌بخش دلیجان ، درکنار راه‌آهن تهران ـ یزد قرارگرفته ویکی‌ازمراکز مهم‌صنعت قالیبافی‌است که‌ازنظر صادرات فرش حائزاهمیت فراوان است • وسعت آن ۱۱۵۴ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۲۵۸ کیلومتر می‌باشد. قسمتی ازکاشان در دشت و قسمتی دیگر در کـوهستان واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریـا ۹۵۴ متر است .

دنبالهٔ ارتفاعات مرکزی کشور که تقریباً ازوسط این شهرستان‌می‌گذرد، به ارتفاعات اردستان و نائین‌متصل‌می‌گردد رودخانهٔ مهمی در کاشان جریان ندارد بلکه تعدادی خشکرود مانند : دهنار ، سار ، وادقـان ، کله ، ارهـارد ، نابر ، قمصر ، قهرود ، جهق ، تتمـاج، وش، هنجن وجود دارندکه‌بجز رودهای‌نابر، قمصر ، قهرود وهنجن‌که مختصری آب دائم‌دارند بقیه‌خشکرودهایی‌بیش‌نیستند. جمعیت کاشان طبق آخرین سرشمـاری بالغ بر۱۵۳۹۸۶ نفرمی‌گردد.

شهرستان‌کرج

کرج‌یکـی از شهرستان‌های استان مرکزی است و در ۵۱ درجه و۲ دقیقه طـول و ۳۵ درجه و۴۸ دقیقه عـرض جغرافیایی واقع شده ومـحدود است از شمال به‌سلسله جبال البرز، از مشرق به شهرستان شمیرانات، ازجنوب‌به‌بخش‌غار و خرقان وزرند وازمغرب‌به‌بخش‌آبیك. کرج یکی از شهرستان‌های مهم اطراف تهران‌به‌شمار می‌رود. راه‌آهن تهران ـ آذربایجان نیزازآن‌می‌گذرد وسعت‌آن ۳۶۰۴ هکتار می‌باشد. فاصلهٔ کرج تا تهران ۴۵ کیلومتر است. رودخانهٔ‌کرج این شهرستان را مشروب می‌سازد. وسد عظیم امیرکبیر برروی آن‌ساخته‌شده‌که صرفنظر ازاستفاده‌ازآب‌آن‌برای‌آبیاری اراضی اطراف ، درحدود۷۵ هزارکیلو‌وات برق ازآن به‌دست می‌آید و قسمت عمدهٔ‌آب‌تهران ازاین سدتأمین‌می‌گردد. جمعیت‌کرج طبق آخرین‌سرشماری‌بالغ بر۲۳۲۵۷۸ نفرمی‌باشد .

شهرستان‌گرمسار

گرمساریکی از شهرستان‌های‌استان مرکزی است و در۵۲ درجه و۱۸دقیقه طول‌و۳۵درجه‌و۱۳دقیقه‌عرض‌جغرافیایی واقع‌شده ومحدوداست‌ازشمال‌به‌شهرستان دماوند ، از مشرق به شهرستان سمنان ، از جنوب‌به‌دشت‌کویر ، ازجنوب غـربی به‌دریاچهٔ قم واز مغرب‌به‌بخش ایوانکی و ورامین . گرمسار در امتداد راه‌آهن تهران ـ مشهد و تهران ـ گرگان‌قرار گرفته و وسعت آن۲۵۶۶هکتارمی‌باشد فاصلهٔ این شهرستان‌تا‌تهران۱۰۷ کیلومتر است . گرمسار در دشت واقع شده‌و رشته‌کوههای کلرز ـ سریر ـ قالیباف وسردرکه‌دراطراف آن کشیده شده است حبله‌روداین‌شهرستان‌رامشروب‌می‌نماید. جمعیت آن‌طبق‌آخرین سرشماری‌بالغ‌بر ۳۵۷۵۹ نفر می‌باشد .

شهرستان محلات

محلات یکی از شهرستان‌های‌استان مرکزی است و در ۵۰ درجه ۳۰دقیقه طول و ۳۳ درجـه و ۵۳ دقیقه عـرض جغرافیایی‌واقع‌شده‌ومحدود است ازشمال به‌شهرستان قم ، از جنوب به‌گلپایگان و بخش میمه ازمشرق به‌شهرستان کاشان و ازمغرب به‌شهرستان‌های خمین واراك وسعت آن ۹۵۸ هکتار و فـاصله‌اش تا تهران ۲۶۲ کیلومتر است . محلات در دامنهٔ‌کوه واقع شده‌وارتفاع آن از سطح دریا ۱۸۲۰ متر است و کـوه سور در جنوب وکوههای سیاه وسفید و سرچشمه در شمال آن واقع شده‌اند . رودخـانهٔ قم در چهار کیلومتری‌جنوب محلات‌قرار گرفته است .

جمعیت‌محلات‌طبق‌آخرین‌سرشماری بالغ بر۴۲۵۷۸ نفرمی‌باشد.

استان گیلان

استان‌گیلان در شمال ایران قرار گرفته وازشمال‌به‌دریای‌خزروآذربایجان شوروی ، از مشرق‌به‌استان مازندان و شهرستان قزوین واز جنوب به‌کـوههای البرز و استان مرکزی و فرمانداریکل همدان‌وازمغرب‌به‌آذربایجان‌شرقی‌محدود است . ومساحت‌آن ۳۵۹۵۵ کیلو متر مربع می‌باشد ، گیلان پـرآبتریـن و حاصلخیز ترین‌مناطق‌ایران‌است‌ودرقسمت اعظم‌آن برنج می‌کارند ، اطراف آن پوشیده ازجنگلها ومراتع‌است،رودخانهٔ

سفیدرود که شعبهٔ اصلی آن موسوم به قزل‌اوزون است، از کوههای کردستان سرچشمه گرفته و جلگهٔ حاصلخیز گیلان را مشروب می‌سازد. جمعیت آن طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۱٫۷۵۴،۶۵۰ نفر



استان گیلان — مخصوص کتاب «دانش بشر»

می‌باشد.

گذشتهٔ گیلان : سرزمین گیلان یا مرز دیلم درادوار گذشته جایگاه دلاوران ایرانی بوده است که همواره زندگانی خویش را در پیکار با دشمنان مرز وبوم خودسر کرده‌اند و هیچگاه درقبال خصم سر تسلیم فرود نیاوردند، جنگاوران عرب و ترك که سراسر آسیا را تحت استیلای خود درآورده و تا اروپا وآفریقا نیز نفوذ خود را بسط داده بودند، دربرابر شهامت و پایداری اهالی گیلان ناتوان شدند واز تسخیر این ناحیه بازماندند وبه ناتوانی خود اعتراف کردند. به هنگامیکه اعراب بایزدگرد مشغول پیکار بودند، یکی از دلیران دیلمی ایران موسوم به «موتا» آنچنان رعب وهراسی در دل خصم پدید آورد که ازپیشروی باز ماندند و ناچار ازخلیفه (عمر) استمداد طلبیدند. امادر نبرد واجرود که مابین همدان و قزوین درگرفت این سردار دلیر شربت شهادت نوشید و درنتیجه سپاه ایران متفرق شدند ودشمن به پیشروی‌هایی نایل آمد. سرداران عرب سعی وافی مبذول داشتند تا برمرز گیلان استیلا یابند ولی به سبب شجاعت و مردانگی اهالی در خود یارای مقابله ندیدند. در اواخر قرن اول هجری حجاج بن یوسف ثقفی قوای عظیمی به سرداری فرزندخود برای نبرد بامردم دیلم گسیل داشت وجنگی سخت درگرفت و باوجود کثرت قوای خصم، اهالی دیلم مردانه جنگیدند و بسیاری از ایشان را به خاك وخون درافکندند و آنان ناچار به بازگشت شدند. و دلاوران این سامان تا حدود قرن دوم هجری بااعراب درنبرد بودند ولی چون برای همیشه در آن کوهستان نمی‌توانستند محصور باشند، درصدد برانداختن دستگاه خلافت عباسیان برآمدند وبرای انجام این منظور با علویان طرح دوستی ریختند، به‌مرور ایام دیلمیان نیز تحت تأثیر افکار علویان قرار گرفته و به‌مذهب تشیع گرویدند.

هنگامی که حسن بن زید علوی در مازندران علم طغیان برافراشت، پادشاه دیلم بااو از در اتحاد درآمدوچون در سال ۲۹۰ هجری از سامانیان شکست یافت به کوهستان دیلم پناه برد و ده‌سال درآنجا می‌زیست و به تبلیغ اسلام پرداخت آنگاه به‌یاری مردم دیلم، گرگان و مازندران را فتح کردوسامانیان‌را ازآن حدود راند. سرداران او چون حسن فیروزان و مرداویچ ورادمردانی چند سلطنت‌های مختلف گیلانیان را به وجود آوردند.

پس از سه‌قرن‌محصور بودن‌در کوهها باکمك علویان اسلام آوردند و به‌میان مسلمین آمدند و خاندانهایی از ایشان در اکثر ممالك اسلامی به فرمانروایی نشستند و حتی درمکه و مدینه هم به‌نام آنها خطبه می‌خواندند. امرای گیلانیان بطورکلی نفوذ اعراب را برانداختند، درحملهٔ خانمان برانداز مغول باوجود آنکه بسیاری از شهرهای آباد ایران ویران گشت لیکن گیلان توسط پاسبانان دلیرش ازصدمات چنگیز واعقاب وی و همچنین تیمور وفرزندانش مصون‌ماندو امرای محلی، به‌استقلال حکومت راندند در زمان صفویان امرای محلی و سادات نسبت به خاندان صفوی اظهار اطاعت می‌نمودند، شاه عباس‌کبیر در گیلان راههایی احداث‌کرد وامرای گسکر را به‌شیروان کوچانید و جمعی از مردم آذربایجان را در حدود طالش مقیم ساخت.

شهرستان رشت

رشت یکی ازشهرستانهای استان‌اول است و در۴۹ درجه و۳۶ دقیقه طول‌و ۳۷ درجه و۱۶ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده ومحدود است از شمال به‌بندر پهلوی ودریای خزر ازمشرق به‌لاهیجان از جنوب به‌رودبار و ازمغرب به‌فومن و صومعه‌سرا. وسعت این‌شهرستان ۳۴۳۷ کیلومتر وفاصله‌اش تا تهران۳۴۳کیلو متر می‌باشد.

ارتفاع‌رشت ازسطح‌دریای‌خزرصفر است. سلسله‌جبال‌البرزدرقسمت‌جنوبی‌آن قرارگرفته‌ورودخانهٔ سفیدرود که‌ازتلاقی رودخانه‌های‌قزل‌اوزون‌وشاهرود‌درحدود منجیل‌به‌وجود آمده،ازرودبارمی‌گذردو درنزدیکی‌امامزاده‌هاشم‌ازکوهستان‌خارج می‌شود که به‌وسیلهٔ نهرهای‌گل‌رود،خمام رود، نورود، توشاجوب، حشمت‌رودو بالاخره به‌صدها نهرفرعی‌منشعب‌می‌گرددو به‌مصرف آبیاری مزارع‌وروستاها می‌رسد. جمعیت رشت طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۳۵۸۱۷۴ نفرمی‌شود.

شهرستان آستارا

آستارا یکی ازشهرستان‌های‌استان اول است‌که در۴۷ درجه‌و۵۱ دقیقه‌طول و۳۸ درجه و۲۶ دقیقه عرض‌جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال به‌مرز ایران وشوروی، ازمشرق به‌دریای‌خزر از جنوب‌به‌هشتپروازمغرب‌به‌نمین، وسعت آن۶۰۰ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۵۳۴ کیلومتراست. رودخانه‌های‌سرحدچای، ریدآقچای ورودخانهٔ مرزی‌ایران وشوروی این شهرستان‌را مشروب‌نموده جملگی وارد دریای خزر می‌گردند. جمعیت آستارا طبق آخرین سرشماری بالغ بر۲۹۱۸۹ نفرمی‌باشد.

شهرستان بندرپهلوی

بندرپهلوی‌که سابقاً انزلی نامیده می‌شد، یکی از شهرستانهای استان اول است که‌در۴۹ درجه و ۲۸ دقیقه طول و۳۷ درجه و۲۸ دقیقه عرض‌جغرافیایی واقع شده ومحدوداست از شمال به‌دریای خزر، ازجنوب به‌مرداب‌انزلی، ازمشرق به‌خمام‌وازمغرب به‌رضوان ده، وسعت‌آن ۲۱۰۰ هکتار وفاصله‌اش تاتهران۳۸۳ کیلومتر می‌باشد، بندر پهلوی ازنظر اوضاع واحوال سرحدی بندریست‌سیاسی ویکی ازبنادر مهم‌کشورمحسوب‌می‌گردد جمعیت‌آن طبق آخرین سرشماری بالغ بر۵۹۷۳۷ نفر می‌باشد.

شهرستان رودبار

رودبار یکی‌از شهرستان‌های‌استان اول است‌که در ۴۹ درجه و۲۴ دقیقه طول و ۳۶ درجه و ۴۷ دقیقه عرض.

جغرافیایی واقع شده ومحدود است از شمال به‌سلسله جبال البرز ورشت، ازشمال غربی به‌فومن ، از مشرق به‌سیاهکل و لنگرود ، از جنوب به‌قزوین وسیردان‌و از مغرب به کوه‌سندگدوك و زنجان، وسعت آن ۴۵۱ هکتار و فاصله‌اش تـا تهران ۲۶۸ کیلومتر است .

رودبار ناحیه‌ای‌است کوهستانی در دامنهٔ کوه واقع‌شده ورودخانهٔ‌قزل‌اوزون که پس ازالحاق شاهرود به‌آن، سفیدرود نامیده می‌شود. آن‌را مشروب‌می‌نماید. جمعیت‌رودبارطبق آخرین سرشماری بالغ بر ۷۴۳۶۷ نفرمی‌باشد.

شهرستان رودسر

رودسریکی از شهرستانهای استان اول است‌که در ۵۰ درجـه و۱۸ دقیقه طول و۳۷ درجه‌و۸دقیقه‌عرض‌جغرافیایی واقع شده ومحدود است ازشمال به‌دریای مازندران ، از مشرق به‌رامسر، ازجنوب به‌خط‌الرأس سلسله جبال البرزوازمغرب به‌لنگرود ، وسعت آن ۸۱۰ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۳۲۶ کیلومتر است این شهربنا برفرمان اعلیحضرت‌فقیدرضا شاه‌کبیربنا گردید . رودسر درجلگهٔ سر- سبز و خرمی درجنوب دریای خزر واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا ۵ متر است و رودهای شلمان‌رود، شیررودوکیا- رود آن‌رامشروب می‌سازد. جمعیت آن طبق‌آخرین‌سرشماری‌بالغ بر ۱۳۷۶۰۵ نفرمی‌باشد .

شهرستان زنجان

زنجان‌که نام قدیم‌آن سلطانیه‌بوده از شهرستانهای استان‌اول است و در۴۸ درجه و ۲۹ دقیقه طول و ۴۰ درجه و ۳۶ دقیقه عرض جغرافیایـی واقع شده و محدود است از شمال به‌افکند، کلورو هشتجین، وازشمال شرقی به‌ماسال، رشت فومن و رودبار ، از مشرق به شیروان ، تاکستان وآوج، ازجنوب به‌کبودرآهنگ ازشهرستان همدان، ازجنوب‌غربی‌به‌بیجار و ازمغرب‌به‌تکاب‌وازشمال‌غربی‌به‌قره‌آقاچ و میانه، وسعت‌آن ۱۱۶۵ هکتاروفاصله‌اش تا تهران ۳۲۸ کیلومتر می‌باشد. زنجان ناحیه‌ایست کوهستانی ، رودهایی که از آن می‌گذرند، ابهرود ، خررود ، قزل- اوزون وبعضی ازشعب آن جمعیت‌زنجان طبق‌آخرین سرشماری‌بالغ‌بر ۴۶۱۵۸۸ نفرمی‌باشد .

شهرستان صومعه‌سرا

صومعه‌سرا یکی‌ازشهرستانهای‌استان اول است که در ۴۹ درجه‌و ۱۹ دقیقه‌طول و۳۷ درجه و۱۷ دقیقه‌عرض جغرافیایی واقع شده، محدود است از شمال به‌بندر- پهلوی و رضوانده ، از مشرق‌به‌رشت، از جنوب‌به‌فومن وازمغرب به‌ماسال، وسعت آن ۶۰۰ هکتار و فاصله‌اش تـا تهران ۳۶۹ کیلومتر است. صومعه‌سرا دردشت قرارگرفته وارتفاعش از سطح دریا ۵۰ متر است . رودخانه‌های آن‌پلنگ‌رودو ماسوله وسیاه رودخان وتنیان می‌باشند. جمعیت صومعه‌سرا طبق‌آخرین‌سرشماری بالغ‌بر ۹۱۷۵۹ نفرمی‌باشد.

شهرستان‌فومن

فومن یکی از شهرستانهای استـان اول است‌که در۴۹ درجه و ۲ دقیقه طول ۲۷ درجه و ۱۲ دقیقه‌عرض جغرافیایی واقع‌شده و محدود است‌ازشمال‌به‌صومعه- سرا ، ازمشرق به‌رشت ، ازجنوب‌وجنوب غربی به‌خط‌الرأس‌سلسلهٔ جبال‌البرز، حد طبیعی این شهرستان با بخش طارم از شهرستان زنجـان محسوب می‌شود و از شمال‌غربی بـه‌ماسال ، وسعت‌آن ۵۲۹ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۳۷۱ کیلو متر است . فومن در دشت مسطحی قرار گرفته و ارتفاع آن ازسطح‌دریا ۵۴متر است . قلل برجسته و ارتفاعات جنوب و جنوب‌غربی هریك دارای‌نام بخصوصی است و ارتفاع برخی ازآنها به ۳۱۰۰ مترمی‌رسد .

رودهای ماسوله ، گـازرود خان ، گشت‌رودبار قلعهٔ‌رودخان ، شاخرز، شفت پسیخان وسنگ که جملگی‌از سلسله‌جبال جنوبی‌سرچشمه‌می‌گیرندو به‌مرداب‌منتهی می‌گردند، آن‌را مشروب‌می‌کنند .

جمعیت فومن‌طبق آخرین سرشماری بالغ‌بر ۱۲۳۷۳۶ نفرمی‌باشد .

شهرستان لاهیجان

لاهیجان‌یکی از شهرستانهای‌استان اول است‌که‌در ۵۰ درجه طول و ۳۷درجه و ۱۲ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده ومحدود است ازشمال به‌دریای‌خزر، از مشرق‌به‌لنگرود ، ازجنوب به‌عمارلو، از جنوب غربی‌به‌بخش مرکزی و از مغرب به‌رشت . وسعت‌آن ۵۷۲ هکتار وفاصلهٔ آن تا تهران ۳۵۵ کیلومتراست. لاهیجان سابقهٔ تاریخی دارد گویا در قرن‌چهارم هجری بنای مسجدجامع‌در این‌شهروجود داشته وسیدعلی‌کیا در آن نماز جماعت مـی‌گـزارده است . لاهیجان در دامنهٔ شمالی البرز قرار گـرفته و ارتفاعش ازسطح دریای خزر ۱۹ متراست. سلسلهٔ جبال البرزدرجنوب‌شهرستان کشیده‌شده است . رودخانه پلرودکه از ارتفاعـات بالااشکور سرچشمه گرفته پس از الحاق چند رود کوهستانی چون قلیکان رود ، کاکرود و غیره در محل سی‌پل‌بارودخانهٔ چاکرود که از ارتفاعـات دیلمـان و دره‌های شاهی‌جان‌ولسبوسرچشمه‌می‌گیرد یکی شده در جهت شمال‌جاری می‌گردد و درمحلی‌معروف‌به‌طولات ازکوهستان خارج شده‌به‌وسیلهٔ‌شهرهای‌مختلف‌ازمشرق تا رودکلاچای و ازمغرب‌تاحومهٔ‌لنگرود امتداد یافته به‌مصرف برنجکاری می‌رسد نهرهای حشمت رود وشلمان‌رود، شمرود، مرسارود و سامان رود از دیگررودهای این شهرستان می‌باشند. جمعیت‌لاهیجان طبق‌آخر سرشماری بالغ بر ۲۲۸۴۲۸ نفر می‌باشد .

شهرستان لنگرود

لنگرود یـکی از شهرستانهـای استان اول است که در۵۰ درجه و ۱۰ دقیقه طول و۳۷درجه و ۱۱ دقیقه‌عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال‌وشمال‌غربی‌به‌بخش‌مرکزی‌شهرستان لاهیجان ، از شمال شرقی به‌دریای‌خزر، از مشرق‌به‌رودسر ، از جنوب به‌عمارلو و از مغرب به‌سیاهکل ، وسعت‌آن ۸۵۷ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۳۴۰ کیلو متر است .

شهرستان لنگـرود در دامنهٔ کوه قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریای خزر ۵ متر است کوههای آن عبارتند از عطاکوه ولیلاکوه ، رودخانه‌های‌آن عبارتند ار رودخانهٔ لنگرودوشلمان‌رود که به‌دریای خـزر منتهی می‌گردند و رودخانهٔ لنگرود ازوسط شهر می‌گذرد و جمعیت‌آن طبق آخـریـن سرشماری بالغ بر۶۷۹۱۲ نفرمی‌باشد .

شهرستان هشتپر

هشتپر یکی از شهرستانهای استان اول‌است‌که‌از۴۸ درجه و۵۵دقیقه طول‌و ۳۷درجه‌و۴۸ دقیقه‌عرض‌جغرافیایی‌واقع شده‌ومحدوداست‌ازشمال‌به‌آستارا، ازمشرق به‌دریای‌خزر، ازجنوب‌شرقی به‌بندرپهلوی

وازجنوب به‌صومعه‌سراوفومن‌وازمغرب به خط‌الرأس سلسلهٔ جبال‌البرز که‌حدطبیعی آن با اردبیل و خلخـال است . وسعت هشتپر ۴۱۸ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۴۵۱ کیلومترمی‌باشد. سلسله جبال‌البرز در این شهرستان موازی با کرانهٔ دریاو تقریباً شمالی وجنوبی است.رودخانه‌های هشتپرعبارتند ازماسال، شاندرمن،چاف، ناو رود و هره‌دشت ، خطبه سرا ، شفارود ، دنیا چال ، ویکاسرا، کیلاسرا ناورود ، هره رود ، خطبه سرنیتلابن ، شیرآباد ، حویق ، چوبرولمر که . پرب‌آترین وطویل‌ترین رودخـانهٔ این شهرستـان شفارود وگرگـان رود است جمعیت هشتپر طبق آخـرین سرشماری بالغ بر ۱۲۲۱۵۷ نفر می‌باشد.

استان‌مازندران



مـازندران که درازمنهٔ‌قدیم‌طبرستان خوانده می‌شد ، درشمال ایران واقع‌شده و۳۵۲۶۴ کیلومترمربع وسعت‌داردیعنی کمی کوچکتر ازگیلان ، و محدود است ازشمال به‌دریای مازندران و ترکستان شوروی . از جنوب به‌استان مرکزی و فرمانداریکل سمنان،ازمشرق‌به‌خراسان وازمغرب‌به گیلان،مازندران‌جلگه‌ای‌است به‌طول ۱۲۰ وعرض۲۰ تا ۳۰ کیلومتر و چهار رودخانهٔ نسبتاًمعتبردر آن‌جریان دارد که در قسمت‌علیای‌هر کدام یك‌شهر به‌وجود آمده‌است بدین ترتیب:

آمل‌درکنار رود هراز ، بابل در کنار رودخانهٔ بابل‌رود ، ساری درکنار رود تجن و شاهی در ساحل‌رود طالار ، واقع شده است . کوههای‌البرزدرجنوب استان مازندران‌ازمغرب به‌مشرق امتداد داردوماننددیواری‌آن‌راازایران‌مرکزی جدامی‌کند.کوههای البرز موجب توقف رطوبت دریای مازندران‌گردیده وباعث فراوانی بارندگی در این ناحیه‌می‌شود،

مازندران‌پوشیده ازجنگلهای‌انبوه و حاصلخیز ودارای رودهای‌متعددی‌است که به آبادانی‌و تـوسعهٔ کشاورزی‌کمك شایانی‌می‌کند ، جمعیت این استان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۱۸۴۳۳۸۸ نفرمی‌باشد .

شهرستان ساری

ساری‌یکی از شهرستانهـای استان دوم است و در ۵۳ درجه و۵دقیقه طول و۳۶ درجه و۳۴ دقیقه عرض‌جغرافیایی واقع‌شده و محدود است ازشمال‌به‌دریای مازندران ، از مشرق‌به‌بهشهر ، ازجنوب به‌سلسله‌جبال البرزو ازمغرب به‌شاهی ، وسعت‌آن ۱۸۱۲هکتار و فاصله‌اش تـا تهران ۲۷۷ کیلومتر است ، راه‌آهـن سرتاسری ایران‌ازاین‌شهرستان‌می‌گذرد ساری در دشت و در ۲۷ کیلو متری دریای مازندران ، ۲۱ کیلومتری شاهی و یك‌کیلومتری مغرب رود تجـن واقع شده ، ساری شهری‌است قدیمی‌که قبل‌از اسلام احداث شده‌وبنای‌آن‌را به‌طوس‌بن نوذر نسبت‌می‌دهند . تجدیدبنای آن در قرن اول هجری‌به‌دست فرخان‌بن دابویه از ملوك‌گاوباره‌به‌عمل آمد و گویندوی آنرا به‌نام پسرخود «سارویه» نامید،در قرون اولیه آباد ولی بعدها براثرهجوم مغول و حوادث دیگر روبه‌خرابـی نهاد دردورهٔ‌صفویه‌به‌امر شاه‌عباس‌کبیربناهای مهمی درآن ساختند . در اوایل‌قاجاریه نیز‌به‌آبادی‌آن‌کمك‌شد ولی در اواخـر آن‌دوره روبه‌خرابی نهـاد . در دوران اعلیحضرت فقید رضاشاه‌کبیر براثرعبور راه‌آهن ازکنارشهرو احداث‌خیابانهای عـریض و اسفالته و ساختمان و ابنیهٔ دولتی روبه‌ترقی‌نهاد. سلسله جبـال‌البرز ازآن‌می‌گذرد و پوشیده از جنگل است و رودتجن با شعبه‌هایش ، فرسم،لاجیم، زارم‌رود ، گرماب رود و رودخانهٔ نکاه ساری را مشروب می‌نمایند. جمعیت آن طبق آخرین‌سرشماری بالغ‌بر۲۰۶۴۶۳ نفرمی‌گردد .

شهرستان‌آمل

آمل‌یکی از شهرستانهـای استان دوم است که‌در۵۲ درجه‌و۲۱ دقیقه‌طول و۳۶ درجه و۲۵ دقیقه عرض‌جغرافیایی واقع‌شده ومحدود است ازشمال به‌دریای مازندران ، ازمشرق به‌بابل، از جنوب شرقی‌به بخش‌پل‌سفید،ازجنوب‌به‌خط‌الرأس سلسله جبال البرزو ازمغرب‌به‌نور،وسعت آن ۱۹۵۰ هکتار وفـاصله‌اش از دریا ۸۰ مترمی‌باشد. آمل‌شهری‌است قدیمی و بنا به‌روایات مختلف این شهر یکبار در نتیجهٔ طغیان رودخانهٔ هراز (آجرها و ظروف سفالی‌که درکاوشها یافته‌اند دلیل این‌مدعی می‌باشد) باردوم در اثرحملهٔ قبایل وحشی مغول‌به‌هنگام تعقیب‌سلطان محمد خوارزمشاه و نوبت دیگر توسط تیمور، به‌سال ۱۳۲۸ هجری‌ونیز زلزله بسیاری از بناهای آن را ویران نموده است .

به‌هنگام‌زمامداری اعلیحضرت فقید رضاشاه‌کبیر باتلاقهای آن را خشك و خانه های محقر را خـراب نموده طبق اصول صحیح بنا نهادند و پلی برفراز رودخانهٔ هراز دروسط شهراحداث‌کردند که برزیبایی شهر افزود . آمل‌در دشت قرار گرفته وفاصلهٔ کوههای آن تاشهر ۲۵ کیلومتراست،رودهرازآن‌رامشروب می‌نماید . جمعیت آمل طبق آخرین سرشماری‌بالغ‌بر۱۷۲۲۳۷ نفرمی‌گردد.

شهرستان بابل

بابل یکی از شهرستانهـای استان دوم است و در ۵۲ درجه و ۴۴ دقیقه طـول و ۳۶ درجـه و۳۴ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال‌به‌دریای‌مازندران. ازجنوب به‌سلسله جبال‌البرز ، ازشمال شرقی‌به‌ساری واز جنوب شرقی به‌شاهی، ازمغرب به‌آمل ، شمال و مرکز آن دشت و قسمت جنوبی کوهستانی است . وسعت بابـل ۲۳۰۰ هکتار می‌باشد . نام‌قدیمی‌بابل‌بارفروش بود که در شهریور ۱۳۱۴ بنا به‌تصویب هیئت وزیران نام « بارفروش » به‌بابل مبدل شد . این شهر درگـذشته اهمیت تجارتی داشته و در اوائل قرن نوزدهم بازرگانی آن رونقی بسزا یافته است . قسمت شمال و مرکز بابل دردشت‌واقع شده و قسمت جنوبی آن‌کوهستانی‌است کاری‌رود ، سجا رود،ورود بابل‌قراءاین شهرستان‌رامشروب‌می‌نمایند.جمعیت‌بابل طبق‌آخرین سرشماری‌بالغ‌بر۲۶۶۶۱۸ نفر می‌باشد.

شهرستان بهشهر

بهشهر که در قدیـم اشرف نامیده می‌شد ، یکی از شهرستانهای استان دوم است و در۵۳ درجه و۳۳ دقیقه طول و ۳۶ درجه و۴۳ دقیقه عرض جغرافیایی قرار گرفته ومحدود است‌ازشمال‌به‌خلیج میانکاله، ازمشرق به‌گرگان ، ازجنوب به‌دامنه‌های البرز وچهاردانگه‌وازمغرب

به‌ساری، وسعت آن ۱۷۲۴ هکتار و فاصله‌اش تاتهران ۳۲۶ کیلومترمی‌باشد دردوران سلطنت اعلیحضرت‌فقید نام‌آن ازاشرف به‌بهشهر تبدیل‌شد وکارخانه‌های متعددی که از آن جمله کارخانه های چیت سازی بهشهر در آن دایرگردید و براهمیت آن‌افزود . بهشهر در دامنهٔ البرز قرار داردورودخانهٔ نکامشروبش می‌کند . جمعیت این شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۱۱۲۶۹۸ نفر می‌باشد .

شهرستان شاهی

شاهی که درگذشته علی‌آباد نامیده می‌شد یکی از شهرستانهای استان دوم است‌ودر ۵۲ درجه و۵۳ دقیقه طول و ۳۶ درجه و۲۸ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده ومحدود است‌ازشمال‌به‌دریای مازندران ، از مشرق به‌ساری، ازجنوب به‌خطالرأس سلسله‌جبال البرز وازمغرب به‌بابل و لاریجان ، وسعت آن ۱۹۵۲ هکتار وفاصله‌اش تاتهران ۲۵۷ کیلومتراست. نام‌این شهر در درزمان‌رضاشاه کبیر ازعلی‌آباد به‌شاهی تبدیل شد، راه آهن سرتاسری از مرکز آن‌می‌گذرد ، شاهی در دشت واقع‌شده واطراف آن‌را مراتع سرسبز و خرم احاطه‌کرده،سلسله جبال البرز در جنوب آن واقع شده و رودهای بابل ، تالار و سیاه‌رود آن را مشروب می‌نمایند . جمعیت شاهی طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۲۰۲۳۹۹ نفرمی‌گردد .

شهرستان شهسوار

شهسوارکه درگذشته‌تنکابن نامیده می‌شد یکی ازشهرستانهای استان دوم است و در ۵۰ درجه و ۵۲ دقیقه طول و ۳۶درجه و۴۸ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده ومحدود است ازشمال‌به‌دریای مازندران، از مشرق به‌چالوس، ازجنوب به‌سلسله جبال‌البرز وازمغرب به‌رودسر وسعت‌آن ۱۳۵۳ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۲۵۷ کیلومتر می‌باشد. شهسوار سابقاً بندری‌بودکه‌تجار ایرانی وقفقازی کالاهای تجارتی خود را ازباد‌کوبه‌به‌این بندر حمل می‌کردند، به‌هنگام‌زمامداری اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر شهرستان مذکور مورد توجه قرارگرفت و در آبادی آن سعی وافی مبذول‌داشتند.

خطالرأس‌سلسله‌جبال‌البرز به‌موازات ساحل‌کشیده شده وقلهٔ معروف آن تخت سلیمان است‌که ارتفاعش متجاوزازچهار هزار مترمی‌باشد، رشته‌های متعددی از سلسلهٔ اصلی به‌طرف دریا گسترش یافته ولی از ارتفاع آن به سمت ساحل کاسته می‌شود . دره‌های مشجر و حاصلخیزی اطراف آنجا را احاطه‌کرده که ییلاق‌و قشلاق دهستانهای مجاور به‌شمارمی‌رود. مهمترین رودهای این‌شهرستان ازمغرب به‌مشرق عبارتند از:صفارود، چالکرود، دوهزار ، سه‌هزار، ترکرود، گمرکرود، تیوم ، نشتارود ، نسا رود ، پلنگ‌آب‌رود ، کاظم‌رود ، و نمك آب‌رود که نواحی‌اطراف‌رامشروب‌می‌نمایند.جمعیت شهسوار طبق آخرین سرشماری بالغ‌بر ۱۲۹۳۵۴ نفرمی‌باشد .

شهرستان‌گرگان

گرگان‌که سابقاً استرآباد نامیده می‌شد یکی از شهرستانهای استان دوم است‌که در۵۴ درجه و ۲۲ دقیقه طول و۳۶درجه و ۴۵ دقیقه عرض‌جغرافیایی واقع شده ومحدود است از شمال وشمال غربی به مرز ایران و شوروی ودریای مازندران ،ازمشرق‌به‌گنبدکاووس‌ومینودشت ، ازجنوب‌به‌خطالرأس سلسله جبال البرز وازمغرب به بهشهر ؛ وسعت‌آن ۲/۲۵۰ هکتار و فاصله اش تاتهران ۴۲۰ کیلومتر می‌باشد.

گرگان شهریست قدیمی‌که بنای آن‌را به فیروزساسانی نسبت می‌دهند ، وبنامهای مختلف زادراکارتا، استرآباد و استاروا درکتب تاریخی وجغرافیایی ضبط‌کرده‌اند .

گرگان دردامنهٔ‌شاهکوه‌قرارگرفته است و جنوب آن‌را سلسله جبال البرز احاطه‌کرده و در اطراف دارای جنگل‌هایی‌است‌که مراتع‌خوبی برای پرورش دام‌به‌شمار می‌رود .

رودهای اونمان،رودخانهٔ خرخر ، حاجی‌لر، نوده‌رود، قره‌سو ورودخانهٔ‌زرین‌گل‌وهمچنین‌رودهای‌کوچك‌بسیاری‌آن‌را مشروب می‌نمایند. جمعیت گرگان طبق آخرین‌سر شماری بالغ بر ۳۰۹۸۷۸ نفر می‌گردد.

شهرستان‌گنبدکاووس

گنبد کاووس یکی ازشهرستانهای استان دوم است که در ۵۵ درجه و۱۰ دقیقه طول و۳۷ درجه و ۱۵دقیقه‌عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال‌به مرز ایران و شوروی ، ازمشرق به‌بجنورد ،ازجنوب به‌شاهرود وازمغرب به‌گرگان. فاصله‌اش تاتهران۵۱۶ کیلو متر می‌باشد .

گنبدکاووس از شهرهای‌آباددورهٔ قبل از اسلام است . در عهد آل زیار اهمیت یافت . یزیدبن محلب به‌سال۹۸ هجری این‌شهر را تصرف وخراب نمود وآنگاه‌به‌آبادی‌آن‌پرداخت، گنبدکاووس مدتی پایتخت بود و درقرن سوم‌وچهارم کاملاً آباد شد ولی درحملهٔ مغول ویران شد .گنبدکاووس دردشت‌قرارگرفته وکوه سنگوداغ‌که خطالرأس آن‌مرزایران و شوروی است شمال شرقی‌آن را احاطه کرده،ارتفاعات شرقی آن دنبالهٔ سلسله جبال البرز است‌که به کوه‌های بجنورد متصل می‌شود .

رودهای عمده‌آن رودخانهٔ اترك رودخانهٔ گرگان ، رودخانهٔ ساری‌سور، رود خانهٔ اوغان ، رودخانهٔ خرخر ، رودخانهٔ حاجی‌لر ونودرود می‌باشند . جمعیت‌آن طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۲۸۶۵۹۴ نفرمی‌باشد.

شهرستان نور

نورکه سابقاً سولده نامیده می‌شد یکی از شهرستانهای استان دوم است‌که در۵۲ درجه طول و ۳۶درجه‌و۳۵دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده است ازشمال به‌دریای مازندران ، از مشرق به‌آمل، ازجنوب به‌سلسله جبال البرز ولاریجان و ازمغرب به نوشهر ؛ وسعت‌آن ۲۸۰ هکتار و فاصله‌اش تاتهران ۲۴۳ کیلومتر است .

نور از قدیمی ترین شهرهای مازندران غربی می‌باشد و در جلگه ساحلی قرار گرفته و سلسلهٔ جبال‌البرز در آن کشیده شده است . رود خانهٔ تمیشان رود؛ نور را مشروب می‌نماید . جمعیت آن طبق آخرین سرشماری بالغ بر۴۶۶۹۲ نفر می‌گردد .

شهرستان نوشهر

یکی‌ازشهرستانهای استان دوم‌است، که در۵۱ درجه و ۲۹ دقیقه طول‌و۳۶ درجه و۴۰ دقیقه عرض جغرافیایی‌واقع شده و محدود است ازشمال به دریای مازندران ، ازجنوب به خطالرأس‌سلسله جبال البرز، از شرق به نور و ازمغرب به‌شهسوار ، وسعت آن ۷۵۲ هکتار و فاصله اش تا تهران ۱۹۵ کیلومتر می‌باشد .

اینشهرستان سابقاً خواجك‌نامیده می‌شد، در سال ۱۳۰۵ به امر رضاشاه کبیر ده نو نامیده شد و ابنیهٔ جدید و اسکلهٔ باشکوهی که قریب یك کیلومتر داخل آب شده احداث گردید و بندر نوشهر نام نهادندش. نو شهر در کنار دریای مازندران قرار گرفته وارتفاعش تاسطح دریا ۵متـــر است. سلسله جبال البرز دراین شهرستان‌کشیده ومرتفع‌ترین قلهٔ‌آن‌کوه تخت سلیمان درجنوب کلاردشت وکندوان می‌باشد، رودخانه‌هایی چون سردابرود ،چالوس، کجور، کچرود و چندین رود کوچك‌دیگر آن‌را مشروب می‌نماید. جمعیت آن‌طبق آخرین سر شماری بالغ بر ۱۱۰۴۵۵ نفـــر می‌باشد.

آذربایجان

آذربایجان از شهرهای تاریخی و قسمتی از کشور شاهنشاهـی ایران را تشکیل می‌داد . در دورهٔ مادها قسمت اصلی دولت ماد محسوب وبنام « ماد ــ کوچك» خوانده می‌شد. برخی بر این عقیده اند که چون این سرزمین زادگاه زرتشت پیامبر بوده‌آن راآذرآبادگان مشتق ازکلمهٔ آتش نامیده اند ؛گروهی دیگر که‌آذربایجان راموطن زرتشت می‌دانند، معتقدند که چون دراین سامان آتشکده‌های‌زیادی برپا بوده به‌این نام موسوم گردیده است.

این‌کلمه‌به‌مرور به‌صورت‌آذربایجان در آمـده است، در دورهٔ هخامنشیان ازساتراپی‌های بزرگ‌به‌شمار بوده و در عصر ساسانیان مورد توجه‌تمام‌ایرانیان قرار داشته است.

به‌هنگام خلافت‌عباسیان‌آذربایجان کانون نهضت ضد عرب به‌شماربوده و در حملهٔ مغول بواسطهٔ اهمیت ارتباطی و طبیعی مورد توجه ایشان واقع شد؛ همین امر عامل مهم رواج زبان ترکی دراین سرزمین‌گردید.

آذربایجان‌ناحیه‌ای‌است‌کوهستانی اطراف ومرکز آن‌را کـــوههای متعدد احاطه کرده است. درمیان این رشته کوهها جلگه‌های سرسبز و خرم که از آبرفت رودها بوجودآمده، قرار دارد و برای کشاورزی بسیار مناسب است. درآذربایجان‌رودهای‌متعددی‌جاری‌است که مهمترین‌آنها تلخرود و سیمینه رود وزرینه رود می‌باشند. درتقسیمات‌کشور، به‌جهت ازدیاد جمعیت و موقعیت خاص جغرافیایی به دواستان‌آذربایجان شرقی وآذربایجان غربی منقسم‌گردیده است.

استان‌سوم ـ آذربایجان شرقی



استان آذربایجان خاوری «مخصوص کتاب دانش بشر»

آذربایجان شرقی در شمال غربی کشور قرار دارد و محدود است‌ازشمال به قفقاز، ازجنوب به آذربایجان‌غربی و زنجان ،ازمشرق‌به‌گیلان وآذربایجان شوروی و ازمغـــرب به‌دریاچهٔ رضاییه آذربایجان غـــربی، وسعت آن ۶۰۸۵۸ کیلومترمربع می‌باشد،مرکز استانداری‌آذربایجان شرقی شهر تبریز است و شامل شهرستانهای مراغه،میانه، خلخال، اردبیل، مشکین شهر،سراب، اهر، مرند، وهشترود می‌باشد.

جمعیت ایـن استان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۲۵۹۸۰۲۲ نفـــر می‌شود.

شهر تبریز

تبریز مرکز استان سوم در ۳۸ درجه و۱۵ دقیقه طول و ۴۶ درجه و ۲۳ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال به مرند واهر، از جنوب به‌مراغه و هشترود، ازمشرق به‌سراب و میانه ومشکین شهر وازمغرب به‌دریاچهٔ رضاییه؛ وسعت آن ۹۷۸۰ هکتار می‌باشد.

شهر تبریز در جلگهٔ آبرفتی شمال شرقی دریاچهٔ رضاییه و درفاصلهٔ ۶۵۳ کیلومتری تهران واقع شده و چون برسر راه ارتباطی ایران با قفقاز و ترکیه قرار دارد .موقعیت‌تجاری و ارتباطی‌آن بسیار مهم می‌باشد. تبریز درقرن چهارم شهری آباد بوده ولی در سال ۴۳۰ بر اثـر زلزله‌ای که روی داد ویران شد وتلفات زیادی وارد آورد.

درحملهٔ مغول حکام این ناحیه در نتیجهٔ سیاست و حسن‌استقبال‌ازلشکریان ایشـــان، از گزند مغولان در امـــان ماند، درزمان قاجاریه به‌مناسبت‌اهمیت سیاسی تبریز مقر فرمانروایی ولیعهدهای پادشاهان این سلاله بشمار بود. چون تبریز بر سر راه ایران و اروپا واقع شده است، تمدن جدید نیززودتر ازسایر شهرهای ایران در این شهرراه یافت.

سهندکه‌ازکوههای آتشفشان خاموش است درجنوب غربی تبریز کشیده شده ودارای چشمه‌های آب معدنی فـراوان است. گذشته ازآن ارتفاعـات منفرد و کوچك دیگری در این شهر وجود دارد. رودخانهٔ تلخ رود ازشمال شهر تبریز و بخش‌اسکو می‌گذرد ودرجنوب خور خوره به‌دریاچهٔ رضاییه می‌ریزد. تبریزبوسیلهٔ خطوط‌آهن‌به‌جلفای‌شوروی و یك خط فرعی به‌بندر شرفخانه کنار دریاچه رضاییه متصل است. جمعیت آن طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۸۰۹۶۳۱ نفرمی‌باشد.

شهرستان اردبیل

اردبیل‌یکی ازشهرستانهای استان سوم است‌که در ۴۸ درجه و ۱۷ دقیقه طول و ۳۸ درجه و ۱۵ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محـــدود است ازشمال به‌مرز ایرانو شوروی ،ازمشرق به کوههای طالش و شهرستان آستارا و هشتپر، ازجنوب به سنجید و از مغرب به کـــوه سبلان و رودخانـهٔ قره سو و شهرستان میانـــه؛ وسعت آن ۱۴۵۱ هکتار وفاصله اش تا تهران۶۳۹ کیلومتر و تامرز شوروی قریب۴۰ کیلومتر است، لذا ازنظر نظامی و سیاسی‌دارای موقعیت بسیار می‌باشد.

آتشفشان خاموش سبلان درمغرب آن واقـــع شده، چشمه‌های آب معدنی اردبیل برای معالجهٔ امراض جلدی بسیار مؤثر است.

اردبیل از شهرهای بسیار قدیمی و در عصر بنی امیـــه مرکز حکومت آذربایجان بوده است. به‌هنگام حملهٔ مغول ویران شدواهالی‌آن قتل‌عام‌شدند.

مقبرهٔ شیخ صفی الدین اردبیلی، جدسلاطین صفوی دراین شهر قرار دارد . اردبیل درجلگه واقع شده ورودخانه‌های قره‌سو، بالیقلو چای، نیر چای وترك چای آن‌را مشروب می‌نماید . جمعیت اردبیل طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۲۹۶۱۵۶ نفر می‌گردد .

شهرستان اهر

اهر یکی ازشهرستانهای استان سوم است که در ۴۷ درجه و ۶ دقیقه طول و ۳۸ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به رود ارس و مرز بین ایران شوروی ، ازمشرق به مشکین شهر ، از جنوب به تبریز واز مغرب به مرند ؛ وسعت آن قریب ۲۹۰ هکتارو فاصله‌اش تا تهران ۷۶۵ کیلومتر می‌باشد .

اهر ناحیه ای‌است کوهستانی که بین رود ارس و کوههای ارسباران قرارگرفته است . در جنوب شرقی اهر کوه سبلان ودرجنوب غربی، کوه جلاداغ ورشته کوه‌های جمهور وکامتال از ارتفاعات قره‌داغ واقع شده اند . رود خانه های آن عبارتند ازرود ارس ،اهر،دوزال،سلین ، صوفی ،کجرود و قوری چای . جمعیت اهر طبق آخرین سر شماری بالغ بر ۲۸۲۳۷۱ نفرمی‌باشد .

شهرستان خلخال

خلخال یکی ازشهرستان‌های‌استان سوم است که در ۳۷ درجه و ۳۹ ثانیه طول و ۳۸ درجه و ۳۲دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است‌از شمال به‌اردبیل وازمشرق‌به‌کوههای‌طالش از جنوب به زنجان و از مغرب‌به‌میانه، وسعت آن ۴۲۶ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۵۹۴ کیلومتر است .

خلخال ناحیه‌ای‌است کوهستانی و سرد سیرکه درمغرب گیلان واقع شده و مرکز آن شهر هروآباد می‌باشد، جبال طالش وآق داغ از ارتفاعات این ناحیه می‌باشند. اراضی این شهرستان‌را رودهای قزل اوزن وشاهرود مشروب می‌نمایند . جمعیت خلخال طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۱۳۴۰۵۲ نفرمی‌گردد .

شهرستان سراب

سراب یکی از شهرستانهای استان سوم است که ۴۷درجه و ۳۴ دقیقه‌طول و ۳۷ درجه و۵۷دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال به مشکین شهر ، ازشمال غربی به‌اهر،یس ّو ارتفاعات سبلان ، ازمشرق به‌اردبیل،از جنوب‌به میانه وکوه‌بزگوش وازمغرب‌به بستان‌آباد ؛ وسعت آن ۱۰۳۵ هکتار وفاصله‌اش تاتهران ۶۶۱ کیلومترمی‌باشد .

سراب در مغرب تبریز در منطقهٔ کوهستانی و جلگه، مانند دهلیزی‌است که بین دورشته جبال ازشمال، وبزگوش از جنوب محدود است ، اراضی اطراف آن‌را رودخانه های پشو ، نسویون و انقارود مشروب می‌کنند . سراب‌دارای آب‌فراوان ودهستان‌آباد است .جمعیت آن طبق‌آخرین سر شماری بالغ بر ۱۱۵۹۳۲ نفر می‌باشد.

شهرستان هشترود

هشترود‌یکی از شهرستان‌های‌استان سوم است که در ۴۷ درجه و ۴ دقیقه طول و ۳۷ درجـه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌بستان‌آباد ، از مشرق به‌میانه ، ازجنوب به‌ماه‌نشان و تکاب و از مغرب به‌مراغه ؛ وسعت آن ۳۰۰ هکتـار و فاصله‌اش تاتهران ۵۶۷ کیلومتر می‌باشد .

هشترود دردامنهٔ جنوب شرقی‌کوه سهند واقع شده است . آب مصرفی‌این شهرستان از۸ رودکه عموماً ازکوههای سهند سرچشمه می‌گیرند ، تهیه می‌شود ومهمترین‌آنها قرانقوچای است.جمعیت هشترود طبق آخرین سرشماری‌بالغ بر ۱۶۴۹۵۹ نفر می‌گردد .

شهرستان مراغه

مراغه یکی از شهرستانهای استان سوم است که در ۴۶ درجه و۱۶ دقیقه طول و ۳۷ درجه و ۲۴ دقیقـه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌تبریز ، ازمشرق به هشترود ،از جنوب به‌میاندوآب‌و ازمغرب به‌دریاچهٔ رضاییه. وسعت آن۴۶۸هکتاروفاصله‌اش تاتهران ۷۹۶ کیلومتر است .

مراغه‌به‌هنگام حکومت هلاکوخان به‌پایتختی‌برگزیده شد وبه‌امروی‌خواجه نصیرالدین طوسی رصدخانه‌ای درمغرب مراغه و بر فراز تپه‌ای بنا نهاده شد . کوههای مندیل در جنوب شرقی‌وآقداغ درشمال شرقی ،کوه سرگونی در جنوب شرقی و قوزلجه در شمال‌غـربی مراغه واقعند .

رودخانه‌های صوفی چای ، زرینه‌رود ، سیمینه رود ، مـردق ،لیلان ، آیدوغموش ، قرانقو و رودخانهٔ قلعه، دهستانها و بخشهای مراغه را مشروب می‌نمایند . جمعیت آن طبق آخـرین سر شماری بالغ بـر ۲۵۲۲۱۸ نفر می‌باشد .

شهرستان مرند

مرند یکی از شهرستانهای استان سوم است‌که در ۳۵ درجه و ۴۶ دقیقه طول و ۳۸ درجه و ۲۶ دقیقه عـرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌مرزهای ایران و شوروی ، از مشرق به‌ورزقان ، ازجنوب به‌تبریز واز مغرب به‌خوی و قسمتی از ماکو؛ وسعت آن ۶۵۶ هکتار و فاصله اش تاتهران ۷۲۴ کیلومتر است .

مرند به‌مناسبت نـزدیکی بـه‌مرز شوروی و قرارگرفتن برسر راه تبریز ورضاییه ازنظر نظامی و تجاری دارای اهمیت است وبهمین‌جهت درجنگ های بین المللی اول و دوم و وقایع دیگر صدمات فراوانی به‌آن وارد شده است . مرند درجلگه قرار دارد و اطراف آن‌راکوههای سرتاسری احاطه کرده است و رودخانهٔ چای‌آن‌را مشروب می‌نماید. جمعیت‌آن طبق‌آخرین سر شماری بالغ بر ۱۵۳۳۶۵ نفر می‌گردد .

مشکین‌شهر

مشکین‌شهرکه‌درگذشته خیاو نامیده می‌شد، یکی از شهرستانهای استان سوم است و در۴۷ درجه و یك دقیقه طول و ۳۸ درجه ۲۳ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال‌ومشرق به اتحاد جماهیر شوروی ازجنوب‌شرقی به‌اردبیل ، ازجنوب به سراب وازمغرب به اهر؛ وسعت‌آن۹۴۰هکتاروفاصله‌اش تا تهران ۸۳۹ کیلومتر می‌باشد .کوه سبلان در نـزدیکی مشکین شهرکشیده شده است .

رودخانه های چنا چای ،مشکین‌چای،آوارلی، انار چای دراطراف شهر جریان دارند .جمعیت مشکین شهر طبق آخرین سر شماری بالغ بر ۲۱۵۷۳۲ نفر می‌باشد.

شهرستان میانه .

میانه که سابقاً میانج نامیده می‌شد، یکی از شهرستان های استان سوم است و در ۴۷ درجه و ۴۲ دقیقه طول و ۳۷ درجه و ۲۰ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال به‌سراب ، ازشمال شرقی به اردبیل ، از مشرق به خلخال، ازجنوب به‌زنجان ، ازمغرب به هشترود وازشمال‌غربی به‌بستان‌آباد ؛ وسعت آن ۲۷۰۵ هکتار می‌باشد .

میانه در جلگه و برسر راه‌تهران به‌تبریز واقع شده‌وخط‌آهن ازآن می‌گذرد . رشته جبال بزگوش‌درحدشمالی وکوه میانداغی در حدود شرقی و کوه قافلانکوه درآن کشیده شد و قوری‌چای، قزل اوزون ، میانه‌چای، تیرچای، قرنقو وچای کلله‌مره که (معروف به سفید رود) اراضی آن‌را مشروب می‌کند .

جمعیت‌میانه طبق‌آخرین‌سرشماری بالغ بر ۱۷۳۶۰۶ نفرمی‌گردد .

استان‌چهارم آذربایجان‌غربی



استان آذربایجان خاوری   مخصوص کتاب دانش بشر

آذربایجان غربی در شمال غربی کشور واقع‌شده و محدود است ازشمال به اتحاد جماهیر شوروی و ترکیه ، از مشرق به‌دریاچهٔ رضاییه و آذربایجان شرقی،ازجنوب به کردستان و از مغرب‌به ترکیه و عراق . وسعت استان چهارم ۴۰۴۴۹ کیلومتر مربع می‌باشد .

مرکز این استان رضاییه و شامل شهرستانهای‌نقده ، ماکو ، خوی،مهاباد، شاهپور ،ومیاندوآب‌است .جمعیت‌استان چهارم طبق آخرین‌سرشماری بالغ بر ۱۰۸۷۷۰۲ نفر می‌باشد .

رضاییه

رضاییه که‌سابقاً اورمیه‌نامیده‌می‌شد مرکز استان چهارم است و در ۴۵ درجه و ۴۰ دقیقه طول و ۳۷ درجه و ۳۲دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده‌و محدود است از شمال به‌شاهپور ، ازمشرق به‌دریاچهٔ رضاییه ، از جنوب به‌نقده و اشنویه واز مغرب به‌مرزترکیه . وسعت آن ۱۹۶۵ هکتار وفاصله‌اش تا تهران ۹۵۱ کیلومتر می‌باشد.بنا به‌عقیدهٔ بعضی‌ازمورخین، زرتشت‌پیامبر بزرگ ایرانی‌در این‌شهر دیده به‌جهان‌گشوده است واز این لحاظ از اماکن مقدس و زیارتگاه سلاطین عجم بوده اما برخی دیگر را عقیدت‌بر آنست که هنگام غلبهٔ رومیان‌نام‌ارومیه یا اورمیه بدان داده‌اند . رضاییه ازدیر گاه مرکز علم ومنشاء تمدن بوده‌است . بهنگام‌زمامداری‌اعلیحضرت‌رضاشاه‌کبیر نام آن از اورمیه به رضاییه مبدل شدو به‌آبادی آن توجه بیشتری‌مبذول گردید این شهر به‌مناسبت نزدیکی‌با مرزهای ترکیه‌وقفقاز وعراق دارای اهمیت‌نظامی و سیاسی است . رضاییه درمغرب دریاچهٔ رضاییه واقع شده و اطراف آن‌زمینهای سبزوخرم و باغهای مشجر احاطه‌کرده‌و کوههای باستان وگردنهٔ قوشچی وسلسله جبال مرزی ترکیه و عراق که مرز سه کشور را از یکدیگر مجزا نموده ، از ارتفاعات آن به‌شمار می‌رود. اراضی‌آن به‌وسیلهٔ رودخانه‌های‌نازلورود ، روضه‌چای ، برکشلو ، باراندوز رود ، گدار مشروب می‌گردد . جمعیت‌رضاییه طبق آخرین سرشماری بالغ‌بر ۲۹۱۳۶۹ نفر می باشد.

شهرستان‌خوی

خوی یکی ازشهرستانهای استان چهارم است و در ۴۴ درجه و ۲۸ دقیقه طول جغرافیایی واقع شده ومحدوداست ازشمال‌به‌سیدچشمه، ازمشرق به‌مرند، از جنوب به‌دریاچهٔ رضاییه و شاهپور و از مغرب به‌ترکیه ،وسعت‌آن ۱۸۵۰ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۸۰۷ کیلومتر می‌باشد.خوی‌شهری‌است قدیمی، به‌هنگام استیلای عثمانی‌ها برآذربایجان ویران شد و در عهد زمامداری نادرشاه که عساکر عثمانی سرکوب شدند دوباره معمور گردید .

جنگ چالدران که‌میان قوای‌شاه اسماعیل و سپاهیان سلطان سلیم عثمانی درگرفت ، میدان نبرد در ۷۰ کیلومتری این شهر قرار داشت .

خوی ازشمال شرقی باشوروی هم‌مرز است و از این لحاظ دارای‌اهمیت نظامی وسیاسی است. خوی‌جلگه‌ای‌است که در دامنهٔ جنوب‌شرقی فلات‌ارمنستان قرار دارد . از ارتفاعات این شهرستان می‌توان قلهٔ‌آورین،کوههای مرزی قطور و چله‌خانه را نام برد ، اراضی‌اطراف آن‌نیز به‌وسیلهٔ‌رودخانه‌های آقچای ، قطور ، قزل‌چای ، ایواوغلی و رودمند مشروب می‌گردد . جمعیت خوی طبق آخرین سرشماری بالغ‌بر ۱۵۰۲۳۰ نفر می‌شود.

شهرستان شاهپور

شاهپورکه درگذشته سلماس نامیده می‌شد یکی ازشهرستانهای استان‌چهارم است که در ۴۴ درجه‌و ۴۶ دقیقه‌طول و ۳۸ درجه و ۱۱ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال‌به‌خوی ازمشرق به‌دریاچهٔ رضاییه، از جنوب به کیلچین وازمغرب بمرز ایران وترکیه. وسعت آن ۲۹۰ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۸۵۴ کیلومتر می‌باشد . این‌شهر به‌سال ۱۳۰۹ دراثرزلزلهٔ شدید ویران گشت وبه‌فرمان اعلیحضرت‌فقید رضاشاه کبیر تجدید بناگردیدو نامش به‌شاهپور تبدیل‌شد . در نزدیکی‌شهر آثارتاریخی متعلق به‌شاپور اول پادشاه ساسانی دیده می‌شود. شاهپور به‌مناسبت نزدیکی‌به‌مرز ترکیه دارای اهمیت نظامی و سیاسی است . این شهر درجلگه‌ای‌کناردریاچهٔ رضاییه قرارگرفته است، کوههای‌مرزی ایران و ترکیه ، همچنین سلسله‌جبال بنشاب در ۲۴ کیلومتری شهر واقع شده است . اراضی آن به‌وسیلهٔ رودخانه‌های زولا و زرین‌دره‌مشروب‌می‌گردد.جمعیت شاهپور طبق آخرین سرشماری‌بالغ بر ۶۷۴۲۱ نفر می‌شود .

شهرستان میاندوآب

میاندوآب یکی از شهرستانهای استان چهارم‌است که‌در ۴۶ درجه‌و ۶ دقیقه

طـول و۳۶ درجه و ۵۸ دقیـقه عرض جغرافیایی واقع شده ومحـدود است از شمال بهملك کندی ، از مشرق بـهملك کندی و ماهنشان ، ازجنوب بهمیرانشاه وسقز ، از مغرب بهمهاباد وازشمال‌غربی به‌دریاچهٔ رضاییه. وسعت آن۸۷۷هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۸۲۳ کیلومتراست. میاندوآب درمنطقهٔ جلگه‌ای بین‌زرینه‌ـ رود وسیمینه رود واقع شده ودارای‌آب فراوان است . جمعیت آن طبق‌آخرین سرشماری‌بالغ‌بر۱۷۶۹۲۵ نفرمی‌گردد.

شهرستان‌ماکو

ماکو یکی از شهرستانهـای استان چهارم است‌که در۳۴ درجه و ۳۰دقیقه عرض جغرافیایی‌واقع‌شده و محدوداست از شمال به‌رودخانهٔ قره‌سو وترکیه، از مشرق به‌رود ارس واتحادجماهیرشوروی از جنوب به‌خوی و از مغرب به‌ترکیه ، وسعت آن ۴۲۵ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۹۳۹ کیلومتر است . مـاکو در درهٔ رودماکوبناشده‌و قسمتی ازخانه‌های آن در زیر یك تخته سنگ قرار دارد، و در ارتفاعات اطـراف آن‌آثـار قلاع قدیمی دیده می‌شود . ازنظر این‌که‌ماکو برسرراه تجارتی ایران و تـرکیه واقع شده دارای اهمیت سیاسی و نظامی می‌باشد . ماکو شهری است کوهستانی کوههای‌عمدهٔ آن‌ساری‌چیچیك ،ساری‌ـ چمن، سکاروچرگین؛ اراضی آن‌به‌وسیلهٔ رودخانه‌های ارس ، ماکوچای ، قره سو و ساری‌سو آبیاری می‌گردد . جمعیت این شهرستان طبق‌آخرین‌سرشماری‌بالغ بر۱۰۰۸۵۱ نفر می‌شود.

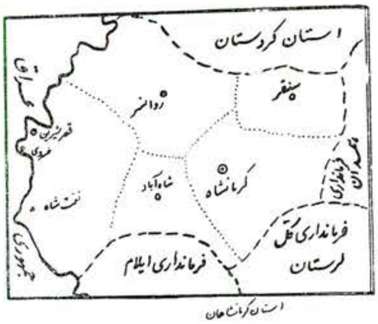
شهرستان مهاباد

مهاباد که در قدیم ساوجبلاغ‌نامیده می‌شد یکی از شهرستانهای‌استان چهارم است‌که در ۴۵ درجه و۴۳ دقیقه طول‌و ۳۶ درجه و ۴۶ دقیقه‌عرض جغرافیایی واقع‌شده ومحدود است‌از شمال‌به‌دریاچهٔ رضاییه و نقده ، ازمشرق به‌میاندوآب‌و شاهین دره ، از جنوب به‌سقز وبانه و از مغرب به بانه ، وسعت آن ۴۲۹ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۸۷۳ کیلـو متر می‌باشد . مهاباد در جلگه قرار دارد و کوههای دوشان مجید در اطـراف آن دیده‌می‌شود. دریاچهٔ‌قره‌قشلاق به‌عمق۱۵ متر در مهاباد واقـع شده است . اراضی آن به‌وسیلهٔ رودخانهٔ مهاباد و سردشت و سیمین‌رود مشروب می‌گردد . جمعیت این شهرستان طبق آخـرین سرشماری بالغ بر۱۵۱۲۵۲ نفرمی‌شود .

شهرستان نقده

نقده‌یکـی از شهرستانهای استان چهارم‌است‌که در ۴۵ درجه‌و۲۲ دقیقه طول و۳۶ درجـــه و۵۷ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال‌به‌دریاچهٔرضاییه‌وشهرستان رضاییه، از مشرق به‌مهاباد ، از جنوب به‌بانه‌واز مغرب‌به‌اشنویه ، وسعت‌آن۳۰۰هکتارو فاصله‌اش تاتهران۹۵۱ کیلومترمی‌باشد. نقده درجلگه قرارگرفته‌وکوه سلطان‌ـ یعقوب وکوه‌فرنگی اطراف‌این شهرستان را احاطه کرده ، دریاچهٔ رضاییه به‌عمق شانزده‌متر و دریاچهٔ حسنلوبه‌عمق سه‌ـ متر و دریاچهٔ یادگارلوبه‌عمق‌یك‌متر در نقده واقع شده و رود عمدهٔ آن‌گدارچای می‌باشد . نقده در مرزواقع‌شده‌وموقعیت نظامی مهم دارد ، جمعیت این‌شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ‌بر۶۹۰۴۳ نفرمی‌گردد .

استان پنجم کرمانشاهان



استان کرمانشاهان

استان پنجم در جنوب کردستان و مغرب فرمانداری کل همدان و لرستان قرارگرفته و از مغرب باعراق هم مرز است ، سرتاسر ایـن استان را رشته کـوههای پاتاق احاطه کرده‌که فاصلهٔ آنها راجلگه‌های حاصلخیـز و متعدد فراگرفته است .

رود گاماساب که پس از عبوراز کرمانشاهان درلـرستان سیمره و سپس درخوزستان به‌کرخه معروف است و از مهمترین رودهای این‌استان‌به‌شمارمی‌ـ رود . وسعت‌آن ۴۳۰۱۸ کیلومتر مربع می‌باشد . مرکز‌استان‌پنجم‌شهر‌کرمانشاه و شهرستانهای تابعهٔ‌آن عبارتند ازقصر‌ـ شیرین ، شاه آباد غرب ، سنقر و پاوه جمعیت این‌استان‌طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۷۷۹۳۳۶ نفر می‌گردد .

کرمانشاه

کرمانشاه مرکز استان پنجم است که‌در ۴۷ درجه و ۴ دقیقه طول و ۳۴ درجه و ۱۶ دقیقه عـرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال بـه کامیاران ، ازشمال‌شرقی‌به سنقر،ازمشرق به‌تویسرکان ونهاوند، از جنوب به‌نورـ آباد وکوهدشت ، از شمال غربی به‌ـ روانسر واز مغرب به شاه‌آباد غـرب . وسعت این‌شهر ۱۴۶۰هکتار وفاصله‌اش تاتهران ۵۸۸ کیلومتر می‌باشد .

کرمانشاه چندان قدیمی نیست ، بلکه در زمان سلاطین ساسانی بناشده و به‌نام‌بانی‌آن بهرام چهارم‌که‌به‌کرمانشاه ملقب بود ، نامگذاری کرده اند .این شهر‌به‌هنگام حملهٔ مغول ویران‌گشت،در زمان صفویه بر اثر کشمکشهای مذهبی ازرونق افتادودر عهدقاجاریه فتحعلیشاه پادگان نیرومندی‌دراین‌شهرایجادنمود .

دراطراف این‌شهر عده‌ای ازایلات کرد سنجابی و زنگنه سکونت دارند . در نزدیکی کرمانشاه منابع مهم نفت وجود داردکه رگه‌های‌آن دنبالهٔ رگه‌ـ های نفتی عـراق است وبه‌نام نفت شاه بهره‌برداری می‌شود .کرمانشاه دردامنهٔ کوه سفید قرار دارد و رودهای قره‌سو، سراب ، قنبردره‌وآبشوران اراضی‌آن‌ـ را مشروب می نماید جمعیت آن طبـق آخرین سرشماری بالغ بر۴۲۴۹۷۸ نفر می گردد .

شهرستان‌پاوه

پاوه‌کـه سابقاً اورامانات نامیده می‌شد ، یکی ازشهرستانهای استان‌پنجم است ودر ۴۶ درجه و ۱۲ دقیقه طـول و۳۵ درجه و ۳ دقیقه‌عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال وشمال شرقی به‌مریوان، ازمشرق به‌کایاران، از جنوب به شاه‌آباد غرب و سرپل ذهاب و ازمغرب به مرزعراق،وسعت‌آن قریب ۱۶۹ هکتار وفاصله‌اش تاتهران ۷۳۶ کیلومتر است .

پاوه ناحیه ای‌است کـوهستانی ، کوهستان شاهور در اطراف‌آن کشیده شده است و اراضی‌آن به‌وسیلهٔ رودهای سیروان و شمشیرآبیـاری می گردد . جمعیت پاوه طبق‌آخرین سرشماری‌بالغ

بر ۸۴۹۸۴ نفر می شود .

شهرستان سنقر

سنقر یکی ازشهرستان های استان پنجم است که در ۴۷ درجه و ۳۶ دقیقه طول و ۳۴ درجـه و ۴۷ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال بـه قروه ، از مشرق بهاسدآباد همدان، ازجنوب بهصحنه واز مغرب به کامیاران سنندج. وسعت آن ۲۲۶ هکتار وفاصله‌اش تا تهران ۴۰۴ کیلومتر می‌باشد .

سنقر در دشت واقع شده و اراضی آن به‌وسیلهٔ رودخانهٔ گاورود وشعباتی چندآبیاری‌می‌شود .جمعیت‌این‌شهرستان طبق‌آخرین سرشماری بالغ بر ۶۵۴۵۵ نفر می گردد .

شهرستان شاه‌آباد غرب

شاه‌آباد غرب‌که سابقاً هارون‌آباد نامیده می‌شدیکی‌از شهرستان‌های‌استان پنجم است و در ۴۶ درجه و ۳۲ دقیقه‌طول و ۳۴ درجه و ۷ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال بـه پاوه، ازمشرق به‌کـرمانشاه ، از جنوب شرقی به‌کوهدشت ، از جنوب به‌ایلام و از مغرب بـه قصر شیرین . وسعت‌آن ۱۱۳۶ هکتار و فاصله اش تا تهران ۶۸۵ کیلومتر است . جمعیت ایـن شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۱۲۸۱۶۶ نفر می‌باشد .

شهرستان قصر شیرین

قصر شیرین یکی از شهرستان های استان پنجم است که در ۴۵ درجه و ۳۵ دقیقـه و ۳۴ درجه و ۳۱ دقیقه عرض جغرافیایی واقع‌شده و محدود است از شمال به گله ، از مشرق به کرند ، از جنوب به‌جوار و ازمغرب به مرز ایران و عراق . وسعت آن ۱۸۶ هکتـار و فاصله‌اش تاتهران ۷۷۰ کیلومتر می‌باشد .

در نزدیکـی شهر آثار قصری‌که معروف است خسرو پرویز آن‌را برای زن‌زیبای خودشیرین‌ساخته‌است، دیده‌می‌شود و نیز آثار متعددی که‌مربوط به‌دورهٔ ساسانیان می باشد به دست آمده است .

قصر شیرین ازنظر موقعیت سیاسی و اقتصادی دارای اهمیت مـی‌باشد و اغلب‌پادشاهان‌درآبادی‌آن‌سعی‌داشته‌اند. قصر شیرین در دامنهٔ کوه واقع شده و کوه های‌آن عبارتند ازکوه بازودراز، آق داغ وکوه سه‌سر. اراضی‌آن‌به‌وسیلهٔ رودخانهٔ حلوان (الوند)وقوره‌توآبیاری می‌شود .جمعیت‌آن‌طبق‌آخرین‌سرشماری بالغ بر ۷۵۷۵۳ نفر می‌شود .

استان ششم خوزستان



استان خوزستان

استان ششم در جنوب غربی کشور واقع شده و محدود است از شمال به لرستان و پشتکوه ، ازمشرق‌به‌بختیاری وفارس و از مغرب به عراق ، وسعت‌آن ۷۹۹۱۵ کیلومتر مربع‌است . خوزستان ازقدیمی‌ترین‌مراکز پیدایش تمدن‌بشری ومرکز اصلی دولت قدیم ایلام بوده که ازسه هزار سال پیش از میلاد قدرت و اعتبار داشته است .

درعصر هخامنشیان وساسانیان از شهرهای‌آباد به شمار می‌رفته و سدهای بسیاری ازقبیل شادروان وبند قیربرای آبیاری اراضی زراعتی برروی رودهای آن ساخته شده بود که به‌تدریج از بین رفتند و این ناحیه نیزبه‌مرور زمان به‌ویرانی‌گرایید و ساکنین آن به اطراف پراکنده شدند .

خوزستان از دو ناحیه تشکیل‌شده است: ناحیه اول‌را برخی‌ازکوهها و کوه‌پایه‌های‌بختیاری‌در شمال‌شرقی ودامنه‌های‌کهکیلویه در مشرق تشکیل داده و ناحیهٔ دوم جلگهٔ وسیع و حاصلخیز است که ازآبرفت رود های کرخه و جراحی وکارون وشعبهٔ‌آن آبدیز به‌وجودآمده، ازنظر استعداد کشاورزی این ناحیه در سراسر ایران همانند ندارد . مرکز این استان اهواز و شهرستانهای تابعهٔ‌آن عبارتند از :آبادان ، بندر معشور، مسجد سلیمان، خرمشهر، دشت میشان ، دزفول ، شوشتر ، بهبهـان ، رامهرمز و ایذه . جمعیت استان ششم طبق‌آخرین‌سرشماری‌بالغ‌بر ۱۶۱۴۵۷۶ نفر می گردد .

اهواز

اهواز مرکز استانداری خوزستان است‌که در ۴۸ درجه و ۴۱ دقیقه طول و ۳۱ درجه و ۱۹ دقیقه‌عرض‌جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال بـه دزفول و شوشتر ، ازمشرق به رامهرمز وهفتگل ، از جنوب به بندر معشور و خرمشهر و ازمغرب به‌سوسنگرد .وسعت آن ۶۴۷۱ هکتار و فاصله‌اش تا‌تهران ۹۲۲ کیلومتر است .

اهواز درازمنهٔ قدیم‌آباد بوده ودر زمان ساسانیان « هرمز اردشیر » ،« رام شهر» و «شهر رام» نامیده‌می‌شد.اعراب آن‌را به اهواز تبدیل کردند ؛ در عهد ناصرالدین شاه نیز « ناصریه » خوانده می‌شد . درسال ۱۳۱۴ به‌تصویب هیئت‌وزیران نام «ناصری» به«اهواز» تغییر کرد .رودهای‌کارون ،دز، کرخه‌وشاهپور اراضی‌آن‌راآبیاری می کنند .

رودخانهٔ کارون از وسط شهر می‌گذرد . دراهوازپلی فلزی‌به‌طول ۱۱۰۰ متر برای عبور راه آهـن سرتاسری ایران برفراز این‌رود خانه ساخته شده که دارای ۵۱ دهانه است. بسترکارون ازسطح اراضی مجاور پست تراست لذا برای آبیاری زمینهای اطراف رود ، از تلمبه استفاده می‌کنند . این شهر از نظر این‌که ازطریق کارون به‌خلیج‌فارس و با راه آهن و راه شوسه به تهران و خرمشهر و بندر شاهپور ارتباط دارد ، موقعیت بازرگانی آن بسیار مهم می‌باشد .

جمعیت‌اهوازطبق‌آخرین سرشماری بالغ بر ۳۲۲۰۶۸ نفرمی‌شود .

شهرستان آبادان

آبادان‌که در قدیم عبادان نامیده می‌شدیکی‌ازشهرستان‌های‌استان‌ششم‌است ودر ۴۸ درجه‌و ۱۷ دقیقه‌طول‌و ۳۰ درجه و ۲۰ دقیقه عرض جغرافیایی‌واقع شده و محدود است ازشمال به خرمشهر و رود کارون ، ازمشرق به‌رود خانهٔ بهمنشیر و اراضی‌مسطح و باتلاقی و ازجنوب‌ومغرب

به شط‌العرب ، و سعت آن قریب ۱۷۰۰ هکتار و فاصله‌اش تاتهران ۱۰۴۶ کیلومتر می باشد. شهرستان آبادان به‌سبب محصور بودن بین‌رودکارون وشط‌العرب ورودبهمنشیر جزیره ای به‌طول ۶۴ و عرض ۲ تا ۳۰ کیلومتررا تشکیل می‌دهد .

آبادان مرکز یکی از بزرگترین پالایشگاههای نفت جهان است که نفت اغلب مناطق خوزستان بالوله به این جزیره می رسد و پس از تصفیه به‌نقاط مختلف جهان صادر می‌گردد . این‌شهر درساحل شط‌العرب قرار دارد وبادریاهای آزاد و خلیج فارس مربوط است در رود خانه های بهمنشیر و شط‌العرب برای‌آبیاری اراضی استفاده می‌گردد. جمعیت‌آبادان طبق آخرین سر شماری بالغ‌بر ۳۳۹۱۲۱ نفر می‌گردد .

شهرستان ایذه

ایذه که درقدیم مال امیرخوانده می‌شد ، یکی از شهرستانهای استان‌ششم است ودر۴۹ درجه و ۵۲ دقیقه طول و ۳۱درجه و ۵۱ دقیقه عرض جغرافیایی واقع‌شده‌ومحدوداست‌ازشمال‌به‌الیگودرز، ازمشرق به‌شهرکرد، ازجنوب به‌دهدشت و ازمغرب به مسجد سلیمان ، وسعت‌آن ۳۰۰ هکتار و فاصله اش تا تهران ۱۰۴۷ کیلومتر است .

در سالهای اخیر براثرکاوش های باستان‌شناسان‌آثار تاریخی متعدد مانند مجسمه ، کتیبه و معبد درآن به‌دست آورده‌اند‌که ازآن جمله مجسمهٔ مفرغی متعلق به دورهٔ اشکانی است که درموزهٔ ایران باستان نگاهداری می‌شود . ایذه ناحیه‌ای‌است کوهستانی‌که کوههایی چون جبال ورزد ، شاویش وآب بندان‌اطراف آن را احاطه کرده اند . جمعیت این شهرستان طبق‌آخرین سرشماری بالغ‌بر ۱۵۰۴۳۰ نفرمی گردد .

بندر معشور .

یکی از بنادر استان ششم است‌که در۴۹ درجه و۱۳ دقیقه‌طول و۳۰درجه و ۳۳ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال وشمال‌شرقی به اهوازو رامهرمز، ازمشرق به‌بهبهان، ازجنوب به خلیج فارس و آبادان و از مغرب به خرمشهر ، وسعت آن ۱۹۳۸ هکتار و فاصله اش تا تهران ۱۰۶۵ کیلومتر می باشد . موقعیت بندری آن خوب و از لحاظ صدور نفت بسیارمهم است .

بندر شاهپور بخش‌مهم بندرمعشور به‌شمار است‌که ازنظر موقعیت بندری مهم و دارای بارانداز ها و اسکله های متعدد می‌باشد که‌کشتی‌های نسبتاً بزرگ می‌توانند درآنجا پهلو بگیرند. قسمت مهم‌آن جلگه و باتلاق است .جمعیت بندر معشورکه اکثر آنها را کارکنان شرکت ملی‌نفت ایران تشکیل‌داده‌اند ، طبق‌آخرین سرشماری بالغ‌بر ۵۴۶۹۹ نفر می‌شوند .

شهرستان بهبهان

بهبهان یکی‌از شهرستان‌های‌استان ششم است که در ۵۰درجه و۱۶ دقیقه طول و ۳۰ درجه و ۳۵ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است‌از شمال به‌دهدشت ، ازمشرق‌به گچساران، ازجنوب به دیلم و ازمغرب به‌هندیجان؛ وسعت‌آن ۴۷۵ هکتاروفاصله‌اش‌تاتهران ۱۱۳۴ کیلومتر است .

بهبهان ازشهرهای قدیمی است که قبل از استیلای اعراب بر ایران یکی ازپنج ناحیهٔ شیراز بنام‌کوره قبادموسوم بوده است . خلوت نشین این ناحیه را اره‌کان یا ارجان می‌گفتند .

بهبهان ناحیه‌ای‌است کوهستانی‌که دنبالهٔ رشته‌های‌کهکیلویه درآن کشیده شده است .

رودخانه‌های مارون و خیر آباد اراضی‌آن‌را مشروب می‌کنند . جمعیت بهبهان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۹۱۶۲۶ نفر می‌گردد .

شهرستان خرمشهر .

خرمشهر که‌در قدیم محمره نامیده می شد ، یکی‌از شهرستانهای استان‌ششم است ودر ۴۸ درجه و ۱۱دقیقه طول و ۳۰ درجه و ۲۷دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده ومحدود است ازشمال‌به‌اهواز، از مشرق به بندر معشور ، ازجنوب به آبادان واز مغرب‌به‌مرز ایران وعراق؛ وسعت‌آن ۶۵۰ هکتار و فاصله اش تا تهران ۱۰۴۸ کیلومتر می‌باشد .

خرمشهربعد ازآبادان پرجمعیت‌ترین بنادرجنوب ایران است و بوسیلهٔ راه‌آهن و راه شوسه ازطریق اهوازبه‌تهران ارتباط دارد ، قسمت عمدهٔ بازرگانی ایران با خارج ازاین‌بندر صورت می‌گیرد . خرمشهر در شوره زار قرارگرفته و ارتفاع چندان مهمی‌ندارد و اراضی‌آن‌را رودهای کارون ،جراحی و زهره مشروب می گردانند . جمعیت این‌شهرستان طبق‌آخرین سرشماری‌بالغ بر ۱۵۶۳۲۳ نفر می‌شود .

شهرستان دزفول

دزفول یکی‌از شهرستان‌های‌استان ششم است‌که در۴۸درجه‌و۲۴ دقیقه‌طول و۳۲ درجه و۲۴ دقیقه عرض‌جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به حسینیه ، ازمشرق به سردشت وگتوند ، ازجنوب به‌اهواز و ازمغرب به‌موسیان . وسعت‌آن ۵۳۶۹ هکتار وفاصله‌اش تا تهران ۸۳۱ کیلومتر می‌باشد . قسمت شمالی دزفول‌کوهستانی و قسمت‌مرکزی وجنوبی‌آن دشت است .

کوههای‌آن عبارتند از کنگوان ، هداووکرناس ، رودخانه های دزوکرخه اراضی‌آن‌را مشروب می‌نمایند. جمعیت این شهرستان طبق آخرین سر شماری بالغ بر ۱۷۳۸۸۸ نفر می‌شود .

شهرستان سوسنگرد

سوسنگرد که سابقاً دشت میشان نامیده می‌شد ،یکی‌از شهرستانهای‌استان ششم‌استودر۴۸درجه‌و۱۰ دقیقه طول و ۳۱ درجه و۳۳ دقیقه عرض جغرافیایی واقع‌شده‌ومحدوداست‌ازشمال‌به‌موسیان،از مشرق‌وجنوب‌به‌اهوازوازمغرب‌به‌مرزایران وعراق وسعت‌آن ۲۶۲ هکتاروفاصله‌اش تاتهران ۹۷۴ کیلومتر می‌باشد. به‌وسیلهٔ راه شوسهٔ هموار‌ی به اهواز مربوط است .

سوسنگرد مرکز ایلات عرب بنی‌کعب می‌باشد . دراین شهرستان‌دو رشته کوه‌کم ارتفاع به‌نام حمرین وقرقی‌دیده می‌شود . آبیاری اراضی‌آن‌توسط رودکرخه‌صورت می‌گیرد. جمعیت سوسنگرد طبق‌آخرین سرشماری بالغ بر۷۹۵۲۳ نفر می‌گردد .

شهرستان رامهرمز

رامهرمز یکی ازشهرستان های استان ششم است‌که در ۴۹درجه و ۳۷ دقیقه طول و ۳۱درجه و۱۶ دقیقه‌عرض

جغرافیایی واقع شده و محدوداست از شمال به‌هفتگل ، از مشرق به صیدان ، ازجنوب به آغاجاری و هندیجان و از مغرب به‌اهواز ، وسعت آن ۴۲۲هکتار و فاصله اش تا تهران ۱۰۴۱ کیلومتر است .

ناحیهٔ شمال رامهرمز کوهستانی و قسمت جنوبی آن جلگه‌ای است . رود- های عمدهٔ آن‌عبارتند: رود رامهرمز، کوپال و ابوالعباس . جمعیت این شهرستان طبق‌آخرین سرشماری بالغ‌بر ۵۶۵۵۹ نفر می‌شود ،

شهرستان شوشتر

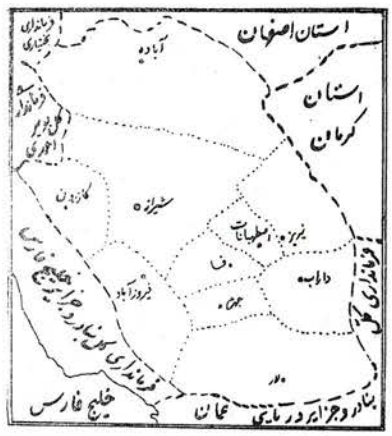
شوشتر یکی ازشهرستانهای استان ششم است‌که در ۴۸ درجه و۵۰ دقیقه طول و ۳۲ درجه و ۳ دقیقـه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به سردشت ، از مشرق بـه بخش مرکزی (از شهرستان مسجدسلیمان)، ازجنوب به هفتگل و بخش مرکزی(از شهرستان اهواز) و از مغرب بـه بخش مرکزی (ازشهرستان دزفول). وسعت آن ۳۷۳ هکتار وفاصله‌اش تا تهـران ۸۳۱ کیلومتر می‌باشد .

شوشتر ازشهرهای‌بسیار قدیمی‌است آثاری‌که به‌دست‌آمده می‌رساندکه‌شوشتر درزمان ساسانیان وجود داشته‌است، در عهد قاجاریه شوشتر کـرسی خوزستان محسوب می‌شده . این‌شهر درجلگه واقع است وکوههای‌آن تفت ، مامازاد ، چال وکوه سیاه می‌باشند. اراضی‌آن به‌وسیلهٔ رودکارون مشروب می شود . کارون در شمال غربی این شهرستان به‌دو شاخـه تقسیم می‌گردد . شاخـهٔ نخست معروف به‌گرگر ازبندمعروف «بند میزان» می- گذرد و در داخل شهر تشکیل چندین آبشار می‌دهد . شاخهٔ‌دیگر از سدتاریخی شادروان گذشته‌به‌طرف‌جنوب‌غربی‌جریان می‌یابد . جمعیت شوشتر طبـق آخرین سرشماری بالغ بر ۷۹۱۸۴ نفر می- شود .

مسجد سلیمان

مسجدسلیمان یکی ازشهرستانهای استان ششم است‌که در۲۹ درجـه و۱۷ دقیقه طول‌و ۳۱ درجه و۵۹ دقیقه‌عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌سردشت، ازمشرق بـه‌بابازاد و باغملك ، ازجنوب‌به‌رامهرمز ، ازجنوب غربی به‌اهواز و ازمغرب به‌شوشتر،فاصلهٔ آن تاتهران ۸۹۶ کیلومتر است.مسجد سلیمان از مراکز مهم استخـراج نفت خوزستان یعنی میدان نفتون و هفتگل می‌باشدکه به‌وسیلهٔ لوله‌های متعدد ازاین ناحیه برای‌تصفیه به‌آبادان‌برده‌می‌شود. رودکارون‌اراضی آن‌را مشروب می‌نماید جمعیت‌این‌شهرستان‌طبق‌آخرین‌سرشماری بـالغ‌بر۱۱۱۵۵ نفر می‌گردد .

استان هفتم فارس



استان فارس

فارس در جنوب کشور واقع شده است ، طول‌جغرافیایی‌آن۵۰تا ۵۵درجهٔ گرینویچ و عرضش از۲۶ درجه تا ۳۱ درجه‌و۴۵ دقیقه شمالی می‌باشد ومحدود است از شمال به اصفهان ، ازمشرق‌بـه کرمان ، ازجنوب به‌فرمـانداریکل بنادر خلیج فارس واز مغرب‌به‌خوزستان،وسعت آن ۱۳۷۷۲۲ کیلومتر مربع می‌باشد . مـرکز این استان شیراز است کـه از قدیمیترین مراکز تمدن ایران و قرنها مرکز حکومت شاهنشاهـی و نهضتهای سیاسی و تاریخی بوده‌است . قبل‌ازاسلام دو مرد بزرگ از این ایالت برخاسته و دوسلسلهٔ فارسی را تشکیل داده‌اند . کوروش بزرگ مؤسس سلسلهٔ هخامنشی، اردشیر بابکان بنیانگذار سلسلهٔ‌ساسانی. بعد از اسلام نیز بزرگ مـردانی چون عضدالدولهٔ دیلمی‌وکریمخان زند آن‌جا را مقر حکومت‌خویش ساختند.شهرستان تابعهٔ‌آن : آباده، کازرون، فیروز آباد، جهرم ، نیریز، فسا، اصطهبانات،داراب، لارو‌ممسنی می‌باشند.فارس ناحیه‌ای‌است کوهستانی ، ارتفاعات‌آن دنبالهٔ‌کوههای زاگروس‌است‌که به‌موازات یکدیگر در جهت شمال‌غربی و جنوب شرقی سراسر این‌استان کشیده‌شده‌است،وسعت‌جلگه‌ها در فارس کم و رودهای آن‌عموماً کوتاه و سیلابی می‌باشد . این‌استان‌دریاچه‌های بختگان، طشك، پریشان(فامور)ومهارلو را دربر گرفته است. معروفترین‌رودآن کر می‌باشد که ازناحیهٔ‌کوهستانی‌اوجان در شمال فارس سرچشمه می‌گیرد و پس از مشروب‌کردن‌اراضی‌اطراف به‌دریاچهٔ بختگان می‌ریزد . دوسدتاریخی برروی این رودساخته شده که‌یکی سد رامجرد متعلق به‌دورهٔ هخامنشی است و دیگری بندامیر است که‌به‌امرعضدالدولهٔ دیلمی احداث‌گردید . قریب ۳۰ درصدجمعیت فارس را ایلات چادر نشین مانند ایلات قشقایی و خمسه و لر، تشکیل می‌دهند. جمعیت این استان طبق‌آخرین‌سرشماری بالغ‌بر ۱،۴۴۹،۴۷۲ نفر می‌شود.

شیراز

شیراز مرکز استانداری هفتم است که در۵۲ درجه و۳۲ دقیقه طول‌و ۲۹ درجه و ۲۶ دقیقه عرض جغرافیایی‌واقع شده و محدود است از شمال به‌آباده، از مشرق به‌فسا و نیریز و اصطهبانـات،از جنوب‌به‌فیروزآباد و ازمغرب‌به‌کازرون. وسعت‌آن ۷۱۰۴ هکتار وفـاصله‌اش تا تهران ۹۱۹ کیلومتر است. نام‌شیرازدر الواح عیلامی‌که در تخت‌جمشیدیافته‌اند آمده است . در زمان خلفای‌اولیهٔ اسلام شیراز معروف بوده ودرطی‌تاریخ ایران چندین بار به‌پایتختی برگزیده شده‌است. در شیراز آثار و ابنیهٔ‌فراوان از ادوار مختلف تاریخی‌که نمودار عظمت وتمدن مردم این مرزوبوم است وجـود دارد. آرامگاه دوشاعر بزرگ سعدی و حافظ همچنین مقبرهٔ خواجو نیز در این شهر جای‌دارد. کوههای‌صبوی بابا ، مستسقی وسبزپوشان‌جلگهٔ‌شیراز را احاطه‌کرده‌و اراضی اطراف‌آن به‌وسیلهٔ رودهای‌کر ، سیوند ، قره‌آغاج ، شش‌پیر و قره‌بـاغ آبیاری مـی‌شود . جمعیت شیراز طبق آخرین سرشماری‌بالغ بر۵۹۹۵۷۷نفر می‌گردد .

شهرستان آباده

آباده یکی از شهرستانهای استان هفتم است‌که در ۵۲ درجه و ۴۰ دقیقه طـول و۳۱ درجـه و۱۱ دقیقه عـرض جغرافیابی‌واقع شده ومحدوداست‌ازشمال

به‌شهرضا واصفهان و یزد، ازمشرق به‌یزد ورفسنجان‌وسیرجان، ازجنوب به‌شیراز و نیریزوازمغرب به‌یاسوج وسمیرم، وسعت آن ۷۰۰ هکتار وفاصله‌اش تا تهران ۶۳۸ کیلومتر می‌باشد. آباده در دشت واقع شده وبوسیلهٔ رودخانه‌های ایزدخواست، رودکی یابندامیر، رودشادکام و رودخانهٔ بوانات مشروب می‌گردد. جمعیت آن طبق آخرین‌سرشماری بالغ‌بر ۱۳۷۵۴۴ نفر می‌شود.

شهرستان اصطهبانات

اصطهبانات یکی از شهرستانهای استان هفتم است‌که در ۵۴ درجه و ۴ دقیقه طول و۲۹ درجه و ۹ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال و مشرق به نیریز و آباده وطشك، ازشمال غربی بزرقان، ازجنوب‌به‌داراب و ازمغرب به‌فسا. وسعت آن ۶۳۵ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۱۱۱۲ کیلومتر می‌باشد. اصطهبانات در جنوب دریاچهٔ بختگان واقع شده‌است‌ورودخانهٔ‌بشار آن را مشروب می‌کنند. جمعیت‌این‌شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ‌بر ۲۸۰۳۲ نفر می‌گردد.

شهرستان جهرم

جهرم‌که سابقاً گهرم خوانده می‌شد یکی از شهرستانهای استان هفتم است و در ۵۳ درجه و۳۴دقیقه طول و۲۸درجه و ۳۳ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال به‌فساوسروستان، از مشرق به‌داراب، از جنوب به‌حویم و از مغرب به‌فیروزآباد وقیر. وسعت آن ۷۸۵ هکتار و فاصله‌اش‌تا تهران۱۱۵۸ کیلومتر می‌باشد.جهرم شهری‌است‌بسیار قدیمی که فردوسی دراثر حماسی خود درزمان‌ساسانیان‌ازآن‌یادکرده. حمدالله مستوفی‌قزوینی بهمن‌بن‌اسفندیار رادر کتاب‌خود (نزهةالقلوب) بانی این شهر خوانده. ولی قدرمسلم این‌است‌که‌جهرم سابقاً ارزشش زیاده برامروز بوده واز آثاری‌هم‌که به‌دست‌آمده می‌رسانند‌که‌محل اولیهٔ شهر درمکانی‌که فعلاً استوار است نبوده، شاید درناحیه‌ای‌که‌امروز موسوم به‌تنگ‌آب است، قرار داشته. قسمت شمالی جهرم درجلگه‌وقسمت جنوبی‌آن در دامنهٔ البرز قرار دارد. رودخانهٔقره‌آغاج اراضی‌آن‌را مشروب می‌گردانند جمعیت‌این‌شهرستان‌طبق آخرین‌سرشماری بالغ بر۸۴۱۶۴ نفرمی‌شود.

شهرستان داراب

داراب‌که سابقاً دارابگرد خوانده می‌شد یکی از شهرستانهای استان هفتم است و در۵۴ درجه‌و۳۴دقیقه طول و ۲۸ درجه و۴۶ دقیقه عرض جغرافیایی واقع‌شده‌ومحدوداست‌ازشمال به‌اصطهبانات و نیریز، از مشرق‌به‌بندرعباس، ازجنوب به‌لار و ازمغرب به‌لاروجهرم‌وفسا، وسعت آن ۳۹۶ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۱۱۴۱ کیلومتر است. رشته‌کوه‌داراب آن‌را احاطه کرده است. اراضی داراب به‌وسیلهٔ رودبال، بشاروعکس‌رستم‌آبیاری می‌شود. جمعیت این شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ‌بر ۷۶۳۸۳ نفر می‌گردد.

شهرستان فسا

فسا یکی از شهرستانهای استان هفتم است‌که در۵۳ درجه و۴۱ دقیقه طول و۲۸ درجه و ۵۸ دقیقه عرض جغرافیایی‌واقع‌شده ومحدوداست‌ازشمال به‌شیرازوقسمتی‌ازاصطهبانات، ازمشرق‌به اصطهبانات، ازجنوب‌به داراب وقسمتی‌از جهرم‌وازمغرب‌به‌شیرازوجهرم. وسعت آن ۸۶۰ هکتار وفاصله‌اش تا تهران ۱۰۸۵ کیلومترمی‌باشد. فسا ازشهرهای ایران است‌وقبل‌ازاسلام بناشده‌ومربوط به‌دورهٔ ساسانی است. ارتفاعات مهم‌آن‌عبارتند از خرمن‌کوه، کوه‌تودج، کوه کلاه‌قاضی؛ کوه‌بیزدان. اراضی‌آن‌به‌وسیلهٔ‌رودخانه‌های‌عکس‌رستم و بشارآبیاری می‌گردد. جمعیت‌این‌شهرستان‌طبق‌آخرین‌سرشماری بالغ بر۷۸۳۴۰ نفر می‌شود.

شهرستان‌فیروزآباد

فیروزآباد یکی از شهرستانهای استان هفتم است‌که در ۵۲ درجه و ۲۶ دقیقه طول و ۲۸ درجه و۵۲ دقیقه‌عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است‌از شمال به‌شیراز وقسمتی از کازرون، از مشرق به‌جهرم، از جنوب به‌لاروازمغرب به‌برازجان و خورموج. وسعت‌آن۳۸۹ هکتار و فاصله‌اش تا تهران۱۰۳۵ کیلومتر می‌باشد. فیروزآباد از شهرهای قدیمی‌ایران است.

محل نخستین این شهر در۳کیلومتری مغرب شهر کنونی و موسوم به‌شهر «گور» یا «جور» بوده‌و گلاب‌گورشهرت داشته است. امیرعضدالدولهٔدیلمی‌آنرا فیروزآباد نامید.

فیروزآباد دریك منطقهٔ کوهستانی قرار دارد و ارتفاعات آن‌عبارتند از: ارتفاعات سفیدار و کوه سرخ درشمال شهرستان، رشته‌ارتفاعات معروف‌به‌خرقه، بریز و میمند درشمال‌شرقی وشمال‌غربی شهر فیروزآباد، ارتفاعات‌کل درشمال و مشرق فراشبند. ارتفاعات برمزه و روشونوو آسیاب بادی درجنوب وجنوب شرقی جلگهٔ فیروزآباد، ارتفاعات‌محال اربعه وافرزکه‌از شمال غربی‌به‌ارتفاعات فراشبند متصل است. اراضی‌آن به‌وسیلهٔ رودخانه‌های‌قره‌آغاج‌وفیروزآبادمشروب می‌شود.جمعیت این‌شهرستان طبق‌آخرین سرشماری‌بالغ بر۶۷۱۰۸ نفرمی‌گردد.

شهرستان‌کازرون

کازرون یکی ازشهرستانهای‌استان هفتم است‌که در ۵۱ درجه و۴۰ دقیقه طول‌و۲۹درجه‌و۳۶دقیقه‌عرض‌جغرافیایی واقع‌شده و محدوداست‌ازشمال‌به‌نورآباد ازمشرق به‌شیراز، ازجنوب غربی ومغرب به‌قسمتی‌ازبرازجان وازجنوب‌به‌فراشبند. وسعت آن۴۹۹ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۱۰۳۲ کیلومتر می‌باشد. کازرون ازشهرهای قدیمی ایران است‌که در عهد ساسانیان از توابع شهرشاپور بوده و پس‌از خرابی شهرشاپور فیروزبن بهرام ساسانی کازرون را آبادکرد ودر زمان قبادساسانی آبادتروبزرگترگردید.

کازرون در ناحیهٔ کوهستانی واقع شده وارتفاعات‌آن‌عبارتنداز: ارتفاعات شمالی رودخانهٔ فهلیان‌که‌امتدادکوههای کهکیلویه است.ارتفاعات‌جنوبی‌رودخانهٔ فهلیان و ارتفاعات بین رودخانهٔ دالکی و شاپور. اراضی‌کازرون‌به‌وسیلهٔ‌رودخانه‌های شاپور، دالکی وشش پیر مشروب می‌شود. جمعیت این شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ بر۱۰۲۸۹۱ نفر می‌باشد.

شهرستان‌لار

لاریکی ازشهرستانهای استان هفتم است‌که در ۵۴ درجه و۱۷ دقیقه طول‌و ۲۷ درجه و۴۱ دقیقه عرض جغرافیایی واقع‌شده ومحدود است‌ازشمال‌به‌فیروزآباد و جهرم وداراب، ازمشرق‌به‌بندرعباس، ازجنوب به‌بندر لنگه و ازمغرب

به بوشهر. وسعت آب ۶۴۲ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۱۳۲۴ کیلومتر می‌باشد. لار ازشهرهای بسیارقدیمی ایران است که در اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ بر اثر زلزلهٔ شدیدی که روی‌داد بکلی ویران شد وشهر جدید لار ساخته شد. لار در دشت واقع شده و ارتفاعات آن عبارتند از: بالنگستان، ارتفاعات گاوبست ، ارتفاعات بالاسیاه یا گاوبندی، ارتفاعات هفت‌چاه یاشاهین‌ـ کوه، ارتفاعات شیب کوه وارتفاعات چاه‌ـ مسلم ، تنها رودمهم لار رودخانهٔ شورـ مهران است. جمعیت این شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۱۳۷۳۰۳ نفرمی گردد .

شهرستان نیریز

نیریز یکی از شهرستانهای استان هفتم است که در ۵۴ درجـه و ۲۰ دقیقه طول و ۲۹ درجـه و ۱۲ دقیقه عـرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌سوریان ، ازمشرق به‌سیرجان ، از جنوب به‌داراب‌وازمغرب به‌اصطهبانات و درخشان ، وسعت آن ۲۶۷ هکتار و فاصله‌اش تـا تهران ۱۱۴۰ کیلـومتر می‌باشد . نیریزدرمشرق‌دریاچهٔ بختگان قرار دارد و جمعیت آن‌طبق آخـرین سرشماری بالغ‌بر ۴۰۶۰۱ نفرمی‌شود.

استان هشتم کرمان



استان کرمان

استان‌هشتم‌درجنوب‌شرقی کشورقرار دارد و محدود است ازشمال به کویر لوت ویـزد وقهستان ، ازمشرق به‌بلوچستان ازجنوب به‌فرمانداریکل بنادر وجزایر دریای عمان واز مغرب به‌فارس ویزد . وسعت ایـن استان ۱۹۱۹۷۶ کیلو متر مربع است . نام قدیم این ناحیه بنابه‌ـ کتیبه‌های هخامنشی «بوتیا» بوده وجزو خشترپاون ۱۴ به‌شمار می رفت و بعد ها «کارامانیا» نامیده شدکه کم کم «کرمان» شده است .

کوههای مرکزی و غربی کـرمان دنبالهٔ کوههای شرق فارس و کـوههای مرکزی است که امتداد کوههای‌غربی‌آن ازشمال غربی به‌جنوب‌شرقی است‌وتامکران امتدادیافته‌وازآن‌جا به‌ارتفاعات‌پاکستان غربی متصل می‌شود . معروفتریـن آنها شاه‌کوه و بارز وکوه هزار می‌باشد. در شمال کرمان بیابان‌لوت ودرشمال‌شرقی آن‌جلگهٔ سیستان‌واقع شده‌که‌اولی‌خشك و فاقد آب‌وآبادی‌ودومی‌بسیارحاصلخیز و مستعد کشاورزی است . رودهای این استان عموماً سیلابی است‌ومهمترین‌آنها هلیل‌رود وبمپور می‌باشدکه‌هـردو وارد باتلاق‌خرموریان می گردند. مرکزاستان هشتم ، شهرکرمان وشهرستانهای تابعهٔ آن‌رفسنجان ، جیرفت، سیرجان وبم و بافت می‌باشد . جمعیت ایـن‌استان‌طبق آخرین سرشماری بالغ‌بر ۷۶۳۶۸۹ نفر می‌گردد .

کرمان

کرمان مرکز استان هشتم است‌که در ۵۷ درجه و ۵ دقیقه طول و ۳۰ درجه و ۱۷ دقیقه عرض جغرافیایی واقع‌شده و محدود است از شمال به‌یزد،از مشرق به‌دشت کویر ، از جنوب به‌بم وبافت واز مغرب به رفسنجان ، وسعت آن ۳۳۷۱ هکتار وفاصله‌اش تا تهران ۱۰۷۶ کیلو متر می‌باشد. کرمان در زمان‌شاهنشاهان ساسانی‌بناشده وبانی‌آن‌را بهـرام پنجم نوشته‌اند‌که درزمان‌ولیعهدی‌به‌کرمانشاه ملقب‌بوده است . این شهر درناحیهٔ‌پستی واقع شده که جنوب‌آن شنزار و مغرب کویر ومشرق وشمال کوه سعیدی است . ارتفاعات آن‌غیرازکوه سعیدی که ذکر شد، کوه‌مسجدصاحب‌الزمان‌وکوه‌جوپاری می‌باشد . رودهای‌کرمان عموماً سیلابی که مهمترین آنهاهلال‌روداست و به‌باتلاق جزموریان می‌ریزد .

جمعیت کرمان‌طبق‌آخرین‌سرشماری بالغ‌بر ۲۴۳۷۷۰ نفرمی‌شود.

شهرستان بافت

بافت یکی‌از شهرستانهـای استان هشتم است که در ۵۶ درجه و ۳۶ دقیقه طول و ۲۹ درجـه و ۱۷ دقیقه عرض جغرافیایی واقـع شده ومحدود است از شمال به‌مشیز، ازشرق‌به‌اسفندقه،ازجنوب به‌دهیارزوخاصی‌آبادوازمغرب‌به‌سیرجان. وسعت‌آن ۴۶۲ هکتاروفاصله‌اش‌تاتهران ۱۲۴۰ کیلومتر می‌باشد.رودخانهٔ‌خلیل‌ـ رود اراضی‌آن‌رامشروب‌می‌نماید.جمعیت بافت‌طبق‌آخرین‌سرشماری‌بالغ‌بر ۶۲۲۴۷ نفر می گردد .

شهرستان بم

بم یکی از شهرستانهای استان‌هشتم است‌که در ۵۸ درجه و ۲۱ دقیقه طول‌و ۲۹ درجه و ۵ دقیقه عرض جغرافیایـی واقع شده ومحدوداست ازشمال‌به‌کرمان از مشرق بهزاهدان، ازجنوب وغرب به ایرانشهر و سبزواران‌وکوهستان نمداد و شاه‌کوه و ازمغرب به‌بافت و جیرفت، وسعت آن ۲۰۱۴ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۱۲۸۳ کیلومتر می‌باشد . بم تا زمان آغامحمدخان آباد بود ولـی در نبردهای اوبالطفعلی‌خان زند زیانهایی فراوان به‌این شهر وارد آمد وبه‌دستور خان‌قاجار عدهٔ‌زیادی از ساکنین شهررا به‌قتل رساندند وازکلهٔ‌ایشان‌مناره‌ها برپا ساختند . این ضایعه سبب‌شدکه بم‌ارزش قبلی خود را ازدست بدهد و تامدتها به آبادی و جمعیت سابق نرسد. ارتفاعات شاه کوه ونمداد در جنوب و کوه‌کشیت در شمال و ارتفاعات کوهستان راین و جبال لبارزکه ازکوههای مهم‌استان‌هشتم به‌شمارمی‌آید،درشمال‌غربی‌ومغرب‌بم‌قرار گرفته‌اند.دربم‌رودخانه‌هایی‌که‌آب‌دایمی داشته باشد ، موجودنیست‌وعموماًسیلابی می‌باشند ، از جملهٔ آنهارودخانهٔ‌تهرود، رودخانهٔ‌ده‌بکری و رودخانهٔ گرانمان‌را می‌توان نام برد. جمعیت این شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ‌بر ۴۴۶۷۷ نفر می‌شود .

شهرستان سبزواران (جیرفت) .

سبزواران‌یکی‌از شهرستانهان‌استان هشتم است‌که در ۵۷ درجه و ۴۵ دقیقه طول و ۲۸ درجـه و ۳۹ دقیقه عـرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال‌به‌بم‌وسیرجان،ازمشرق‌به‌بم‌وایرانشهر از جنوب به‌جاسك واز مغرب به‌بافت و میناب، وسعت‌آن ۴۷۳ هکتاروفاصله‌اش

تا تهران ۱۳۵۷ کیلومتر است. خرابه‌های شهر قدیم جیرفت در دو کیلومتری مغرب سبزواران قـرار دارد . جیرفت سابق‌براین آباد بود ولی براثر زلزله وخرابی سد ویران شده است .

جیرفت دردامنه‌های‌جنوبی‌کوههای بارز واقع شده و به‌وسیلهٔ هلیل رود و جویبارهای متعدد مشروب‌می‌شود.جمعیت این‌شهرستان‌طبق‌آخرین سرشماری بالغ بر۱۴۶۱۱۲ نفرمی گردد.

شهرستان رفسنجان

رفسنجان یکی‌ازشهرستانهای‌استان هشتم است‌که در۵۶درجه‌طول و۳۰درجه و ۲۵ دقیقه‌عرض جغرافیایی واقع‌شده‌و محدود است ازشمال به‌یزد ، از مشرق به‌کرمان ، ازجنوب به‌ابرقو و سوریان. وسعت‌آن ۲۸۹۵ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۹۴۹ کیلومتر می‌باشد .

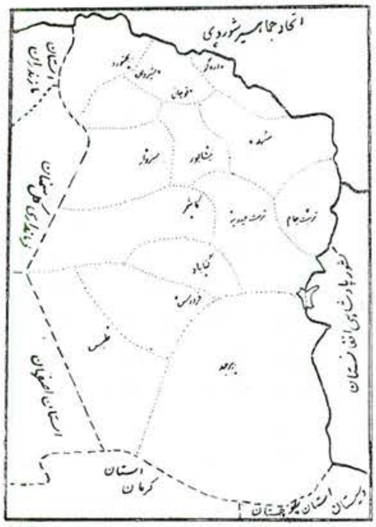
رفسنجان سابقاً آبادی‌کوچکی بود به‌نام«بهرام‌آباد» ولی‌امروزه‌شهری‌است که از سه‌آبادی متصل بهم (علی‌آباد ، بهرام‌آباد و قطب‌آبـاد) تشکیل شده است . رشتهٔ‌کوه داوران‌و قسمتی ازشیر‌کوه (دریزد) در این شهر دیده‌می‌شود. رودخانهٔ شور اراضی آن رامشروب‌نموده سپس به‌کویر بافق‌منتهی‌می‌گردد.جمعیت این شهرستان طبق‌آخرین‌سرشماری‌بالغ بر۱۲۹۸۳۳ نفر می‌شود .

شهرستان سیرجان

سیرجان یکی‌ازشهرستانهای‌استان هشتم است‌که در۵۵درجه‌و۴۲ دقیقه‌طول و۲۹ درجه و۲۷ دقیقه‌عرض جغرافیایی واقع‌شده ومحدوداست‌ازشمال‌به‌رفسنجان، از مشرق به‌بم وبافت، از جنوب به‌حاجی‌آباد و از مغرب به‌بخش پشتکوه.وسعت آن ۹۸۷ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۱۰۹۹ کیلومتر می‌باشد . مرکـز این شهرستان سعیدآباد است . شهر قدیمی سیرجان در۸کیلومتری سعیدآباد برسر راه تهران به‌بندرعباس قرار داردکه در دورهٔ عباسیان مرکز ایالت‌کرمان بوده به هنگام حملهٔ تیمور چون مـردم این سامان فرمان‌وی‌راگردن ننهادند، عمر شیخ(۱۷۹۶) آنجا را محاصره کرد و اهالی پس‌از دوسال مقاومت به‌سبب‌قحطی تسلیم‌شدند و ازآن به‌بعد سیرجان‌دیگر روی‌آبادی‌به‌خود ندید .

کوههای آن عبارتند از: کوه پنج درشمال ، کوه‌چهارگنبددرقسمت‌مرکزی وکوه‌لاله‌زاردرمشرق.جمعیت‌این‌شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ‌بر۹۲۹۲۷ نفر می‌شود .

استان نهم خراسان



استان خراسان

این استان در مشرق و شمال‌شرقی کشور قرارگرفته و محدوداست ازشمال به‌شوروی ، از مشرق بـه‌افغانستان ، از جنوب به‌کرمان و سیستان و از مغـرب به‌اصفهان وگرگان،وسعت‌آن۳۰۳۶۹۲ کیلومترمربع یعنی یك‌پنجم خاك ایران است . خراسان از شهرهای‌قدیمی‌ایران می‌باشد . وسعت خراسان‌در ادوارپیشین بیشتر از امروز و تا حدودرود جیحون و جبال هندوکش بسط داشته وپیوسته مرکز جنبشهای ملـی‌بود ، خصوصاً در هنگام تسلط‌اعراب برایران، چون این ناحیه ازمرکز حکومت فاصلهٔ زیـادی داشت . ایرانیان وطن‌پرست که‌طـالب استقلال میهن وکوتاه کردن دست عمال خارجی بودند . در این‌سامان علم‌طغیان برافراشتند . ازاین سرزمین رادمردانی چون‌ابومسلم‌خراسانی، طاهرذوالیمینین‌و یعقوب‌لیث‌صفاری که پرچمداران قیام‌های ملی بودند برخاستند و نام‌ایران‌و ایرانیان را بلندآوازه نمودند، همچنین بسیاری از بزرگان علـم و ادب ایران چون ابوریحان‌بیرونی،خواجه‌نظام‌الملك و خواجه‌نصیرالـدین طـوسی و حکیم ابوالقاسم فردوسی و عمرخیام نیشابوری و عدهٔ دیگری از فلاسفه و ادبا و شعرا که جملگی باعث افتخارکشورنـد ، در خراسان‌دیده به‌جهان‌هستی گشودند.شهرهای قدیم خراسان مانند مرو، خوارزم، بخارا ، هرات و نیشابور از مراکزعلم وادب‌به‌شمار می‌رفت وبیش‌ازیك ملیون نفرجمعیت داشت‌که‌براثرحملهٔ وحشیانهٔ مغول جملگی ویران واهالی آنجا قتل عام‌گردیدند ، مرکز استانداری‌خراسان شهر مقدس‌مشهد و شهرستانهای تابعهٔ‌آن اسفراین ، بجنورد، بیرجند، تربت‌جام، تربت حیدریه، دره‌گز،سبزوار،شیروان، طبس، فردوس ، قوچان،کاشمر(ترشیز)، گناباد و نیشابور . اصولاً ارتفاعـات شمالی‌خراسان‌به‌فاصلهٔ نسبتاًزیاد ازمغرب به‌مشرق‌امتداد یافته‌و به‌کوههای‌هندوکش در افغانستان، می‌پیوندد که‌ازمعروفترین این‌رشته‌ها آلاداغ‌و بینالود وهزارمسجد را می‌توان نام برد. درخراسان‌مرکزی و جنوبی کوههای منفرد و کـم‌ارتفاعی وجود دارد . دربین کـوههای شمال خراسان جلگه‌های حـاصلخیزی چون نیشابور ، مشهد و قوچان قرار دارندکه ازنظر کشاورزی بسیار مهـم و استعداد زراعی فراوان دارند با این‌حال بیش از نصف وسعت خراسان قابل‌کشت‌وزرع و سکونت‌نمی‌باشد . هرقدردراین‌استان از شمال به‌جنوب پیش‌رویم‌به‌سبب‌خشکی هوا از آبادی و حاصلخیزی اراضی کم می‌شود و در جنوب و مغرب به‌کویرهای لوت ونمك منتهی می‌گردد . از رودهای مهم این‌استان‌سمبار،اترك،گرگان،کشف‌رود وهریرود را می‌توان‌نام‌برد جمعیت استان خراسان طبق‌آخریـن سرشماری بالغ‌بر۲۰۰۷۵۸۱ نفر می‌گردد .

مشهد

مشهدمرکز استانـداری استان نهم است که در ۵۹ درجه و۳۷ دقیقه‌عرض جغرافیایی واقع‌شده و محـدود است‌از شمال و شمال‌غربی به‌دره‌گز وقوچان،از مشرق به‌مرزایران وشوروی‌وافغانستان، از جنوب و جنوب غربی به‌شهرستانهای تربت‌جام و تربت‌حیدریه و کوه‌باخرزو از مغرب به‌کوه بینالود ونیشابور.وسعت آن ۳۴۸۴ هکتار و فاصله‌اش تاتهران ۹۰۹ کیلومتر می‌باشد . مشهد تاپیش‌از قرن سوم هجری قریه‌ای موسوم به‌سناباد از توابع طوس بـود وارزش چندانـی نداشت .

هارون در لشکرکشی خـود جهت

سرکوبی رافع بن نصر به طوس آمد و بیمار گشت و هم آنجا جان سپرد . و اورا در سناباد مدفون نمودند . وچون حضرت رضا علیه السلام به دست مأمون شربت شهادت نوشید ، آن حضرت را نیز در این قریه (سناباد) به خاك نهادند. در قرن چهارم بر گرد قبور دوگانه (قبر حضرت رضا «ع» وهارون) قلعهٔ محکمی احداث کرده مسجد باشکوهی بنا نهادند . به گاه حملهٔ مغول طوس بـه ویرانه ای مبدل گشت . لیکن سناباد از نقطه نظر این که مقبرهٔ امام هشتم شیعیان را در بر گرفته بود، همچنان پای برجا بماند وروز به روز در آبادی آن سعی بلیغ نمودند . در قرن هشتم قریهٔ مذکور (سناباد)مشهد نام گزاری شد .

همسر شاهرخ تیموری مسجد گوهر- شاد را بنا کرد و پادشاهان صفویه و قاجاریه جهت آبادی و توسعهٔ این شهر سعی وافی مبذول داشتند و بدین ترتیب براهمیت آن افزوده گشت .

امروزه مشهد توسط خط شوسه و آهن به تهران و همچنین به وسیلهٔ خطوط متعددی به کرمان گرگان و کشورهای شوروی و افغانستان مربوط می باشد . مشهد در جلگه وبین دورشته کوه بینالود وهزار مسجد قرار دارد . اراضی آن به وسیلهٔ هریرود، کشف رود و رود جام مشروب می‌شود . جمعیت مشهد طبق آخرین سر شماری بالغ بر ۷۰۷۸۸۴ نفر می‌شود .

اسفراین (میان آباد)

اسفراین که سابقاً میان آباد نامیده می‌شد یکی از شهرستانهـای استان نهم است و در ۵۷ درجه و ۱۶ دقیقه طول و ۳۷ درجه و ۷ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به بجنورد، از شمال شرقی به شیروان، ازمشرق به قوچان وچگینه بالا و ازجنوب به سبزوار و از مغرب به جاجرم ، وسعت آن ۱۵۵ هکتار و فاصله‌اش تا تهـران ۷۷۲ کیلو متر است .

رودخانهٔ بیداز وسط شهر می‌گذرد و اراضی آن رامشروب می‌نماید .جمعیت اسفراین طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۵۹۷۲۳ نفر می گردد .

شهرستان بجنورد

بجنورد یکی از شهرستانهای استان نهم است که در ۵۷ درجه و ۲۰ دقیقـه طول و ۳۷ درجه و ۲۸ دقیقه عـرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به مرز ایران و شوروی، ازمشرق به شیروان و باجگیران . از جنوب بـه اسفراین و جنتای و ازمغرب به مرادتپه ودشت گرگان ومیامی ، بجنورد در دامنهٔ کوه واقع شده و مهمترین کوههای آن رشته ارتفاعات آلاداغ می باشد که قلهٔ معروف آن موسوم به شاه جهان است .

اراضی بجنورد به وسیلهٔ رود اترك و شعب رود مذکور تأمین می گردد، جمعیت این شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۱۸۴۹۶۴ نفر می گردد .

شهرستان بیرجند (قهستان)

بیرجند که سابقاً قهستان نامیده می- شد ، یکی از شهرستانهای استان نهم است ودر ۵۹ درجه و ۱۳ دقیقه طـول و ۳۲ درجه و ۵۳ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به خواف و بخش مرکزی (ازشهرستان گناباد) ،از مشرق بـه مرز ایران وافغانستان ،از جنوب شرقی و جنوب به زابل و نصرت- آباد و شهداد و از مغرب به بخش مرکزی (از شهرستان طبس) وسرایان ؛ وسعت آن ۵۷۵ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۱۳۰۹ کیلومتر می‌باشد .

ارتفاعات آن شاه کوه و اسفیان و بینالود، کوههای طبس، میناکوه ،شیشه و ارتفاعات بهاران می باشد . در بیرجند رودهای دایمی وجود ندارد ، رودخانهٔ گاراژگان ، رود خانهٔ سهل آباد که آب آنها شورمی باشد . جمعیت این شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۲۳۴۱۸۸ نفر می گردد .

شهرستان تربت جام

تربت جام یکی از شهرستانهای استان نهم است که در ۶۰ درجه و ۳۷ دقیقه طول و ۳۵ درجه و ۱۲ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به مشهد، ازمشرق به رودخانهٔ هریرود، از جنوب به مرز ایران و افغانستان و دهستان یوسف آباد و از مغرب به تربت- حیدریه ، وسعت آن ۳۲۱ هکتار وفاصله‌اش تا تهران ۹۹۶ کیلومتر می‌باشد .

تربت جام دردشت واقع شده کوه بیزك که ازکوههای بینالود مـی‌باشد از این شهرستان دیده می‌شود . ازرودهای آن جام رود وهریرود (درشرق تربت جام) را می‌تـوان نام برد . جمعیت ایـن شهرستان طبق آخرین سر شماری بالغ بر ۱۳۰۱۲۰ نفر می شود .

شهرستان تربت حیدریه

یکی از شهرستانهای استان نهم است که در ۵۹ درجه و ۱۳ دقیقه طول و ۳۵ درجه و ۱۷ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به نیشابور ازشمال شرقی به احمدآباد و فـریمان ، ازمشرق به تربت جام ، از جنوب شرقی به مرز ایران و افغانستان ، از جنوب به قاینات و گناباد و از مغرب بـه کاشمر ، وسعت آن ۱۵۴۳ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۱۰۰۵ کیلومتر می‌باشد .

تربت حیدریه در دامنهٔ کوه واقع شده، کوه شتران از رشته کوههای این شهرستان می باشد . رودخانهٔ صبی، رود مهجن یا معجن ، رودخانهٔ سرخ آباد ، رودخانهٔ قلعه حق و رودخانهٔ شصت دره اراضی این شهرستان رامشروب می‌نمایند. جمعیت تربت حیدریه طبق آخرین سر- شماری بالغ بر ۲۲۷۸۴۵ نفر می گردد.

شهرستان دره گز (محمدآباد)

دره گز که سابقاً محمدآباد خوانده می‌شد یکی از شهرستانهـای استان نهم است ودر ۵۹ درجه و ۹ دقیقه طول و ۳۷ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال و مشرق به مرز ایران وشوروی، از جنوب به مشهد و ازمغرب به باجگیران و بخش حومه (ازشهرستان قوچان) ، وسعت آن ۲۰۰ هکتارو فاصله‌اش تا تهران ۱۹۱۰ کیلو متر می‌باشد .

دره گـز در دامنه قرار گرفته و هزار مسجد از رشته‌های کـوههای آن بشمار است . گردنهٔ معروف الله‌اکبر در این کوه قرار دارد. رودخانه‌های زنگالو ودرونگر اراضی این شهرستان رامشروب می‌نماید. جمعیت دره گز طبق آخـرین سر شماری بالغ بر ۷۸۸۲۱ نفر می- باشد .

شهرستان سبزوار (بیهق).

سبزوار که سابقاً بیهق نامیده می- شد یکی ازشهرستانهای استان نهم است ودر ۵۷ درجه و ۴۳ دقیقه طول و ۳۶

درجه و ۱۲ دقیقه عرض‌جغرافیایی واقع شده ومحدود است ازشمال به میان‌آباد وجاجرم ، ازمشرق به‌برقان وکوه‌سرخ، ازجنوب به‌برداسکن‌وازمغرب‌به‌شاهرود، وسعت‌آن ۷۰۰ هکتار و فاصلـه‌اش تا تهران ۶۵۴ کیلومتر می‌باشد .

سبزواردر دشت‌واقع‌شده وازکوه‌های‌آن جغتای ،کوه زواك وکوه مهار را می‌توان نام برد . اراضی سبزوار به وسیلهٔ رودخانه‌های بکال شور و بشورکال و یازده رشته روددیگر که ازکوههای مجاور سر چشمه می‌گیرند،آبیاری می‌شود .جمعیت این شهرستان طبق‌آخرین سرشماری بالغ بر ۲۰۰۹۹۴ نفرمی‌گردد .

شهرستان شیروان

شیروان یکی‌از شهرستان‌های‌استان نهم است‌که در۵۷ درجه و۵۵دقیقه‌طول و ۳۷درجه و۲۷ دقیقه عرض‌جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال‌به‌باجگیران ، ازمشرق به بخش مرکزی (از شهرستان قوچان)،ازجنوب به‌میان‌آباد واز مغرب به‌بجنورد، وسعت‌آن ۱۵۵۵ هکتار و فاصله‌اش تاتهران۷۷۲کیلومتر می‌باشد .

شـیروان در دشت قـرار دارد . ارتفاعات‌آن عبارتند ازکوه کلول،کوه شاه‌جهان و زوارم ، شعبه‌ای ازرودا‌ترك این‌شهرستان‌رامشروب می‌نماید. جمعیت شیروان طبق‌آخرین سر شماری بالغ بر ۴۵۹۲۵ نفرمی‌باشد .

شهرستان طبس

طبس یکی از شهرستانهای استان نهم است‌که در۵۷ درجه و۴۳دقیقه‌طول و۳۶ درجه و۲۶دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به کویر نمك و برداسکن ، از مشرق به بیرجند وبشرویه . ازجنوب به‌کویرلوت و استان‌کرمان و ازمغرب به‌کویر لوت واستان اصفهان ، وسعت‌آن۷۰۷ هکتار وفاصله‌اش‌تاتهران ۱۳۴۵ کیلومترمی‌باشد .

طبس در دامنهٔ کوه قرار دارد و رشته کوه شهری درمشرق شهرواقع‌شده است.جمعیت این شهرستان طبق‌آخرین سرشماری بالغ بر ۳۳۰۱۷ نفر می‌گردد .

شهرستان فردوس

فردوس یکی‌از شهرستانهای استان نهم است‌که در۵۸ درجه و۱۰دقیقه طول و۳۴ درجه ویك دقیقه عرض‌جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال بـه گناباد وکاشمر وکویر نمك‌وبرداسکن، از مشرق به‌قاینات ، ازجنوب‌به خوسف ودشت لوت و از مغرب به‌طبس ، وسعت آن ۶۱۹ هکتار و فاصله اش تا تهران ۱۱۵۸ کیلومتر می‌باشد .

رشته‌کوههای‌کلات در شمال وشمال شرقی رشته های شمال شرقی ازمغرب به طبس که‌به اسامی گلستانه ، شترکوه و کوه جـلال نامیده می‌شود و ارتفاعات مغرب معروف به اسد آباد در این شهر کشیده شده است ، رودهای یخاب ورود پشو اراضی‌فردوس رامشروب می‌نمایند. جمعیت این شهرستان طبق‌آخرین سرشماری بالغ‌بر ۴۷۵۳۵ نفرمی‌باشد.

شهرستان قوچان

قوچان یکی ازشهرستانهای استان نهم است که در۵۸ درجه و ۳۰ دقیقه طول و ۳۷ درجـه و۷ دقیقه عـرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌مرز ایران وشوروی ونوخندان، ازمشرق به‌نوخندان‌و چاپشلو رادکانی، از جنوب به چگینهٔ بالاپام و صفی‌آباد واز مغرب به شیروان ، وسعت‌آن ۸۷۵ هکتار وفاصله‌اش تاتهران ۸۰۷ کیلومتر می‌باشد .

به‌طور کلـی قوچان ناحیه‌ای‌است کوهستانی.رودخانهٔ اترك اراضی آن را مشروب می‌نماید. جمعیت این شهرستان طبق‌آخرین‌سرشماری بالغ بر ۱۶۷۳۰۱ نفر می‌گردد .

شهرستان کاشمر (ترشیز)

کاشمر که سابقاً ترشیزنامیده می‌شد یکی ازشهرستان‌های استان‌نهم است و در۴۸ درجه‌و۲۷ دقیقه طول‌و۳۵ درجه و۱۱ دقیقه عرض جغرافیایی واقع‌شده و محدود است ازشمال به‌پژقان‌وششتمد،از مشرق به تربت حیدریـه ، از جنوب به بجستان وبشرویـه ، وسعت‌آن ۱۶۶۶ هکتارو فاصله‌اش تاتهران ۹۲۶ کیلومتر می باشد .

کاشمر ازشهرهای‌قدیمی ایران‌است که بنای‌آن‌رابه‌زمان زرتشت نسبت می‌دهند .این‌شهر به هنگام تسلط اعراب و حملهٔ مغول ویران‌گردیده است .

درناحیهٔ غربی‌کوه سرخ‌قلهٔ آتش‌فشانی دیده می‌شود واز دیگر کوههای معروف آن کوه دروند وکـوه گرماب است‌که دارای قلل مخروطی‌آتشفشانی است. وهمچنین‌کوه مغان‌را می‌توان‌ذکر کرد .

کاشمر رود مهمی که اهمیت داشته باشد ندارد . جمعیت این شهرستان‌طبق آخرین سرشـماری بالغ بر ۱۰۶۸۹۳ نفر می‌باشد.

شهرستان‌گناباد (جویمند)

گناباد کـه سابقاً جویمند نامیده می‌شد یکی از شهرستانهای استان نهم است و در ۵۸ درجه و ۴۲ دقیقه طول‌و ۳۴ درجه و۲۰ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده ومحدود است ازشمال‌به‌فیض‌آباد و رشتخوار و کاشمر ، ازمشرق به بخش رود (از شهرستان تربت‌حیدریه)، ازجنوب به‌قاینات و فردوس و از مغرب به‌فردوس ، وسعت‌آن ۲۳۴ هکتـار و فاصله‌اش تا‌تهران ۱۰۹۱ کیلو متر می‌باشد .

گناباد از شهرهای بسیار قـدیمی ایران است‌که درزمان هخامنشیان‌ایجاد شده وآثاری از قبیل قبر پیران وقلعهٔ فرود ، قلعهٔ رستم و قلعهٔ پشنگ مبین این مدعی است .

رشته‌کوههای این شهرستان‌عبارتند از : سیاه کوه ، کوه‌میسور ، براکو، کوه چنگور ، ترس‌کوه و کوه شتران. در گناباد رود مهمی جز کاشور جریان ندارد، جمعیت این‌شهرستان‌طبق‌آخرین سرشماری بالغ بر ۵۹۳۹۰ نفر می‌گردد .

شهرستان نیشابور

نیشابور یکی‌ازشهرستان‌های‌استان نهم است که در ۵۸ درجه و۵۰ دقیقه طول و۳۶ درجـه و ۱۳ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌کوه بینالود ، از مشرق‌به‌مشهد، ازجنوب به‌کدکن و ریوش واز مغرب‌به سبزوار ، وسعت آن ۲۴۵۲ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۷۶۸ کیلومتر می‌باشد .

نیشابور از شهرهای قدیمی ایران

است که در فتنهٔ مغول ویران گردید. این شهرستان دردشت واقع‌شده و مهم ترین ارتفاعات آن بینالود می باشد . در این شهرستان رودخانهٔ دایمی وجود نداردو عموماً سیلابی هستند که از جملهٔ آنها رودخانه های فاروب، شمس آباد ،پوژ ـ آباد و یـزدآباد را می‌توان نام برد. جمعیت این شهـرستان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۲۰۹۶۸۳ نفر می ـ گردد.

استان دهم اصفهان



استان اصفهان

استان دهم در مرکز کشور قرار گرفته و محدود است ازشمال به استان مرکزی ، تهران وفرمانداری کل سمنان و شهرستان الیگودرز ، ازجنوب بهاستان کرمان واستان فارس و فرمانداری کل بویر احمدی سردسیر ، ازمشرق به کویر لوت و استان خراسان و از مغـرب به فرمانداری های بویر احمدی سردسیر وبختیاری و چهار محال و شهرستانهای ایذه و الیگودرز ، وسعت ایـن استان ۱۷۳۹۹۹ کیلومتر مربع می‌باشد . اصفهان از نظر پستی و بلندی به سه ناحیه منقسم می گردد :

۱ ــ ناحیهٔ کوهستانی مغرب کــه فریدن رادربر گرفته است .

۲ ــ منطقهٔ کوهستانی شمال شرقی و مشرق که دنبالهٔ رشته کوههای کرکس می‌باشد .

۳ ــ قسمت سوم دشت وسیعی است که از آبرفت رود ها بخصوص زاینده ـ رود به وجود آمده و شیب آن متوجه ناحیهٔ پست و باتلاق گاو خونی می‌باشد. مهمترین رود این استان زاینده رود است و چون سرچشمهٔ زاینده‌رود نزدیک سرچشمهٔ اصلی کارون و فاصلهٔ این‌دورود از زیر کوه بیش از سه کیلومتر نیست در سالهای اخیر تونلی بنام کوهرنگ حفر کرده قسمتی ازآب کارون را به زاینده‌رودآورده‌اند و در نتیجه آب آن زیاد شده و بـر وسعت اراضی زراعی اصفهان افزوده شده است .

مرداب گاو خونی دراین استان و در جنوب شرقی اصفهان قـرار دارد . مرکزاستان‌دهم شهراصفهان‌وشهرستان ـ هـای تابعهٔ آن‌اردستان، سمیرم ،شهرضا، فریدن ، گلپایگان ، نایین، نجف آباد، نطنز ویزد می‌باشد . جمعیت این‌استان طبق‌آخرین‌سرشماری بالغ‌بر ۱۷۰۴۷۲۶ نفر می‌باشد.

اصفهان

اصفهان مرکز استانداری استان دهم است و۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه طول و۳۲ درجه و۳۸ دقیقه عرض‌جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال‌به‌نطنز و محلات ، ازمشرق به اردستان ونایین وخضرآبادوشهرضا، وسعت آن ۶۱۴۱/۵ هکتار و فاصله‌اش تاتهران ۴۲۴ کیلو ـ متر می‌باشد ، اصفهان ازشهر های‌قدیمی ایران است اما دورهٔ طلایی‌آن درعصر صفوی خاصه به‌هنگام‌زمامداری‌شاه‌عباس کبیر که‌به اوج عظمت‌وشکوه رسیدوبنا ـ های بی‌نظیر در اکثر نقاط شهراحداث گردید شروع می‌شود. اصفهان در زمان صفویه ازآبادترین شهرهای‌جهان به‌شمار بوده است، چنانکه‌شاردن سیاح‌فرانسوی که در این‌عهد از اصفهان دیدار نموده بود ، درسفرنامهٔ خود از شکوه وآبادی این‌شهر بسیارتعریف‌کرده است.اصفهان پس‌از فتنهٔ افاغنه کم‌کم‌ازجلال‌وجبروت سابق افتاد و بخصوص که نادر شاه‌افشار در زمان سلطنت خـود مشهد راپایگاه عملیات خویش ساخت و کریم خان زند نیزشیرازرا به پایتختی‌برگزید وسلاطین قاجار هم تهران را مرکز فعالیت خود ساختند ، به‌اصفهان کمتر توجه شد ولی درزمان سلطنت اعلیحضرت فقید خاصه شاهنشاه‌آریامهر توجه‌فراوانی به‌این‌شهر مبذول گردید و بطوری که می دانیم کارخانهٔ ذوب آهن در اصفهان دایر شده است با این عمل‌امید فراوان می ـ رود که این‌شهر اهمیت سابق را به‌دست آورد .

اصفهان راکوههای مرتفعی احاطه کرده است. درجنوب شرقی ارتفاعـات شاهکوه و لاشتر و کـلاقاضی و شیدان قراردارد و رشته کوه معروف به‌کوه ـ صفه درجنوب واقع است. مهمترین‌رود ـ های اصفهان زاینده رود ومرغاب می ـ باشد. جمعیت این شهرطبق آخرین‌سر ـ شماری بالغ‌بر ۸۶۲۴۵۴ نفرمی گردد.

شهرستان اردستان

اردستان یکی‌از شهرستانهای استان دهم است که در۵۲ درجه و ۲۲ دقیقه طول و ۳۳ درجه و ۲۲ دقیقه عـرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌دشت کویر ، ازمشرق به‌انارك، ازجنوب به‌نایین و اصفهان و از مغرب به کاشان و نطنز ، وسعت آن ۳۹۳ و فاصله‌اش تا تهران ۴۱۶ کیلو متر می ـ باشد .

اردستان از شهرهای قدیمی ایران است که قرنها قبل ازاسلام بنا شده‌ولی به‌طوریقین معلوم‌نیست که‌بانی‌آن کیست. خرابه‌های‌آن هنوزهم‌باقی‌است که از نظر باستانشناسی اهمیت دارد . قسمتی از کوههای‌کرکس‌دراین‌شهرستان بطورغیر منظم قرار دارد که از شمال غربی بـه جنوب شرقـی امتداد دارد . در این شهرستان رود مهمی جریان ندارد وآب مورد نیاز از چشمه‌ها تأمین می‌گردد . جمعیت اردستان طبق‌آخرین سرشماری بالغ بر ۴۴۰۶۱ نفر می‌باشد.

شهرستان سمیرم

سمیرم یکی از شهرستانهای استان دهم است که در ۵۱ درجه و ۴۷ دقیقه طول و ۳۱ درجه و۲۲ دقـیقه عـرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به شهرضا ، از مشرق‌به‌آباده ، از جنوب به یاسوج وقسمتی از آباده واز مغرب به بروجن و اردکان ، وسعت‌آن ۳۶۹ هکتار و فاصله‌اش‌تا تهران ۵۹۰ کیلومتر می‌باشد . سمیرم در دامنهٔ‌کوه واقع شده و ارتفاعات‌آن عبارتنداز‌کوه دینار ، زردکوه،الجوق وقمیشلو.اراضی آن به‌وسیلهٔ رودخانه‌های حنا، گندمان و شمس‌آباد مشروب می‌شود . جمـعیت این شهرستان‌طبق‌آخرین سرشماری‌بالغ بر ۳۱۶۸۴ نفر می گردد .

شهرستان شهرضا (قمشه)

شهرضاکه سابقاً قمشه نامیده‌می‌شد، یکی از شهرستانهای استان دهم است و در۵۱درجه و۵۲ دقیقه طول و۳۲درجه و ۱۰ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به اصفهان ، از

مشرق به یزد، ازجنوب به سمیرم و آباده و از مغرب به کوه شترمهران وشهرستان بروجن، وسعت آن ۶۲۴ هکتار و فاصله اش تا تهران ۵۰۸ کیلومتر می باشد . قسمتی از شهرضا در دشت و بقیه در دامنهٔ کوه قرار دارد، کوههای قمیشلو، بیدکان، زرد-کوه طالخونی ، سفیدکوه و کوه کلاه قاضی ازرشته کوههای این شهرستان به شمار می رود. رودهای گندمان ، شمس آباد ، سمیرم و حنا اراضی آن رامشروب می کند. جمعیت شهرضا طبق آخرین سرشماری بالـغ بر ۹۵۲۲۳ نفر می باشد.

شهرستان فریدن

فریدن یکی از شهرستانهای استان دهم است که در ۵۰ درجه و ۲۴ دقیقه طول و ۳۲ درجه و ۵۸ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمـال بـه گلپایگان، از شمال غربی به الیگودرز، ازمشرق به نجف آباد، از جنوب به شهر-کرد و از مغرب به سردشت ، وسعت آن ۱۲۸ هکتار و فاصله اش تا تهران ۴۲۴ کیلومتر می باشد . فریدن دردشت واقع شده و ارتفاعات آن عبارتند از دالان کوه، کوه باغ بالاوهرمودر . رودداران اراضی آنرا مشروب می نماید . جمعیت ایـن شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۱۳۵۳۲۴ نفر می گردد .

شهرستان گلپایگان

گلپایگان یکی ازشهرستانهای استان دهم است که در ۵۰ درجه و ۱۸ دقیقه وطـول ۳۳ درجه و ۲۴ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به خمین و محلات ، از مشرق بـه نجف آباد و میمه ، از جنوب به داران و ازمغرب به الیگودرز ، وسعت آن ۳۰۷۲ هکتار و فاصله اش تاتهران ۳۵۲ کیلو-متر می باشد. گلپایگان در دشت واقع شده و رشته کوههای مرکزی ایـران از این شهرستان می گذرد . نیز کوهـهای الوند وصالح پیغمبر دراطراف آن کشیده شده است. این شهرستان به وسیلهٔ رودخانهٔ قبله که از مهمترین رودهای گلپایگان است آبیاری می گردد. برروی آن سدی ایجاد کرده اند که برای کشاورزی بسیارسودمند می باشد. این رودازگلپایگان که می گذرد «لعل بـار» نـامیده می شود . جـمعیت گلپایگان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۸۳۱۸۶ نفر می باشد .

شهرستان نایین

نایین یکی از شهرستانهای استان دهم است که در ۵۳ درجه و ۵ دقـیقه طول و ۳۲ درجه و ۵۱ دقیـقه عـرض جغرافیایی واقع شده و محـدود است از شمال به دشت کویر ، از مشرق به طبس، از جنوب به اردکان و خرانق و بافق و از مغرب به بخش کوهپایه از شهرستان اصفهان ، وسـعـت آن ۳۸۰ هـکتار و فاصله اش تاتهران ۵۰۵ کیلومترمی باشد. نایین ازشهرهای بسیارقدیمی ایران است اما تاریخ بناو بانی آن به تحقیق معـلوم نیست ولی طبق اظهار عقیدهٔ بـرخی از مورخین قبل از میلاد مسیح یعنی درزمان زرتشتیان وجودداشته است و خرابه های قلعهٔ نایین که از آن زمان باقی مانده مؤید این مدعا است . نایین در جلگه قرار دارد و از ارتفاعات آن کوه سراش، کوه محمدیه وزردکوه را می توان نام برد . جمعیت این شهرستان طبق آخرین سر-شماری بالغ بر ۴۰۲۸۹ نفر می گردد.

شهرستان نجف آباد

نجف آباد یکـی از شهرسـتـانهای استان دهم است که در ۵۴ درجه و ۲۶ دقیقه طول و ۳۱ درجه و ۵۰ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به بخش میمه (ازشهرستان اصفهان)، ازمشرق به اصفهان، ازجنوب به فلاورجان و از مغرب به داران ؛ وسعت آن ۴۱۷۸ هکتار و فاصله اش تاتهران ۴۵۳ کیلومتر می باشد . در خصوص بنای ایـن شهر مورخین عقیده دارند که درزمان شاه عباس مقداری جواهرات و پول برای مقـبرهٔ حضرت علی علیه السلام در نظر گرفته شد تا به نجف فرستاده شود. چون شیخ بهایی که از مقربین شاه بود از این موضوع اطلاع حاصل نمود و دانست که بیرون رفتن این ذخایر تا چه حد به ضرر مملکت است، تدبیری اندیشید و نزد شاه رفت و اظهار داشت که شب حضرت علی(ع) را به خواب دیده وحضرت به او فرموده است که نجف به جواهرات شما نیازی ندارد، وجوه مزبور را صرف بنای شهری نزدیك اصفـهان به نام «نجف آباد» به نمایید . شاه این گفته را حقیقت پنداشت و به ساختمان شهر به همان نام امرداد . وشیخ بهایی را به نظارت آن مأمورداشت . شیخ درمرکز شهر فلکهٔ زیبایی فرمود که خیابانها از آن منشعب می گشت . چون فلکهٔ مذکور در سال ۱۳۱۲ ویران گـردید ، عمارت شهرداری و فلکهٔ کنونی به جای آن بنا شد . نجف آباد در جلگه واقـع شده و ارتفاعات آن کوه سورمه و کوه صالح ، کوه ملکه ، کوه فیجی وکـوه داران و کوه فیله می باشد . اراضی این شهرستان به وسیلهٔ رودخانهٔ کرون آبیاری می شود . جمعیت نجف آباد طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۱۰۳۲۲۲ نفر می باشد.

شهرستان نطنز

نطنز یکی از شهرستانهای استان دهم است که در ۵۱ درجه و ۵۴ دقیقه طول و ۳۳ درجه و ۳۵ دقیقه عـرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به کاشان ، از مشرق به اردستان ، ازجنوب به کوهپایه و برخوار (ازشهرستان اصفهان) و از مغرب و شمال غربی بـه قمصر کاشان ؛ وسعت آن ۱۶۱۴ هکتار و فاصله اش تاتهران ۳۳۸ کیلومترمی باشد. نطنز در درهٔ شرقی کوه کرکس قراردارد و کوه مذکوردر کنار آن کشیده شده است جمعیت این شهرستان طبق آخرین سر-شماری بالغ بر ۲۸۷۹۱ نفر می گردد .

شهرستان یزد

یزد یکی از شهرستانهـای استان دهم است که در ۵۴ درجه و ۲۵ دقیقه طول و ۳۱ درجه و ۵۴ دقـیقه عـرض جغرافیـایی واقع شده و محدود است از شمال به دشت کویر ، از مشرق به دشت لوت و طبس ، از جنوب بـه زرنـد و رفسنجان وشهربابك وازمغرب به ابرقو و شهرضا ، وسعت آن ۲۷۵۶ هکتار و فاصله اش تاتهران ۶۸۹ کیلومترمی باشد. یزد از شهرهای قدیمی ایران است که قبل از اسلام وجود داشته و بنابرآثاری که ازآن جا به دست آمده مربوط به دوره هایی است که در قبور مردگان وسایل جنگ می نهادند . ساکنین این شهر در زمان تسلط اسلام از جمله کسانی بودند که در برابر حفظ آیین خودشان یعنی دین زرتشت، جزیه راگردن نهادند. اما بعدها، اسلام درآن نیز نفوذ یافت . این شهر نـزد زرتشتیان مقدس بود واکنون هم درآنجا معبدی است که به نام هیئت آتشکده

معروف است، وجود دارد. عقیدهٔ مورخین در مورد احداث یزد مختلف است برخی اسکندر و بعضی یزدگرد اول و گروهی نیز اردشیر بابکان را بانی شهر می‌پندارند. ولی در تاریخ پهلوی از پادشاه اخیرالذکر به‌عنوان بانی شهر یاد شده است. یزد در دشت قرار دارد و مهمترین رشتهٔ کوه آن شیرکوه می‌باشد که در مغرب شهر واقع شده است. رودهای تفت و ده بالا اراضی آن را مشروب می‌نمایند. جمعیت این شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۱۸۰۴۹۲ نفر می‌باشد.

استان یازدهم سیستان و بلوچستان

این استان در مشرق و جنوب شرقی



استان بلوچستان و سیستان

کشور واقع شده و محدود است از شمال به افغانستان و بیرجند، از جنوب به دریای عمان، از مشرق به افغانستان و پاکستان و از مغرب به استان کرمان و فرمانداری کل بنادر و جزایر بحر عمان، وسعت آن ۱۷۹۱۳۵ کیلومتر مربع می‌باشد. استان یازدهم از دو قسمت سیستان و بلوچستان تشکیل یافته و شمال آن را کوههای کم‌ارتفاع و منفردی احاطه کرده است همچنین قلهٔ معروف تفتان که آتشفشانی خاموش است و گاه گازهای گوگردی از آن خارج می‌شود، در این استان قرار دارد. سیستان که سابقاً زرنگ نامیده می‌شد، سرزمینی است پست که دنبالهٔ کوههای مرکزی و شرقی ایران بین کوههای مکران و نجد هشتادان و کوههای افغانستان قرار گرفته و اراضی آن شن‌زار است که سیلابهای نواحی مجاور در گودالهایش جمع شده و دریاچه‌ها و باتلاقهای هامون و گودزره را تشکیل داده است. رود هیرمند در سیستان جاری است. وسعت سیستان ۴۴۱۲ کیلومتر مربع است که از این مقدار حدود ۳۰۰۰ کیلومتر مربع دایر و بقیه باتلاقی است. کشاورزی در سیستان از قرون قدیم با استفاده از رود هیرمند صورت می‌گرفته ولی اخیراً به‌علت سدهای متعددی که دولت افغانستان بر روی این رود در خاك کشور خود بسته است، از ورود آب رود مذکور در ایام تابستان به منطقهٔ سیستان جلوگیری شده و این امر سبب گردیده که به سیستان لطمه و خسارت فراوان وارد آید. ولی اخیراً دولت دو سد بنام زهك و میانکنگی جهت ذخیرهٔ سیلابهای بهاری ایجاد نموده است تا در تابستان از آب این سدها جهت آبیاری اراضی کشاورزی استفاده به‌عمل آید. سیستان از مراکز تاریخی ایران باستان و در کتب قدیم از آن به‌نامهای زابلستان، زرنگ، سکستان و نیمروز یاد شده و در ایران بعد از اسلام یکی از مراکز مهم جنبش ضدعرب بوده و یعقوب ابن‌لیث صفاری از این دیار برخاسته است. سیستان در جنگ با اعراب و حملهٔ مغول و فتنهٔ تیمور زیانهای فراوان دید ولی ساکنین آن هربار پس از کوتاه کردن دست یغماگران و متجاوزین به آبادی شهر خود می‌پرداختند. و اما بلوچستان ناحیه‌ای است کوهستانی در مشرق ایران مجاور کشورهای افغانستان و پاکستان که از نظر سیاسی و نظامی حائز اهمیت می‌باشد. در بلوچستان کوههای آتشفشانی وجود دارد که حتی هنوز هم از دهانهٔ بعضی از آنها مانند تفتان گازسوزان و دود خارج می‌شود. بلوچستان همیشه جزو ایران بوده است. در زمان قاجاریه اختلافاتی میان خان کلات و رؤسای ایلات پدید آمد و دولت انگلیس به‌عنوان حکم، شخصی را مأمور تصفیهٔ نزاع رؤسا کرد و چون برای محافظت سرحد هندوستان متوجه اهمیت معبر «بولان» بود به‌تدریج آن معبر را متصرف شد. و پس از چندی بعض نقاط دیگر بلوچستان را به‌تصرف درآورد. در نتیجه کلات به‌اسم بلوچستان انگلیس ضمیمهٔ هندوستان شد و امروز جزو پاکستان است. مساحت بلوچستان ایران بالغ بر ۱۵۵۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. بلوچستان برای کشاورزی استعداد زیادی دارد. مرکز استان یازدهم شهر زاهدان و شهرستانهای تابعهٔ آن ایرانشهر، چاه‌بهار، زابل و سراوان می‌باشد. جمعیت استان سیستان و بلوچستان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۴۵۶۴۳۵ نفر می‌شود.

زاهدان (دزداب)

زاهدان که سابقاً دزداب نامیده می‌شد مرکز استانداری استان یازدهم است که ۶۱ درجه و ۲۸ دقیقه طول و ۲۹ درجه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به کویر لوت و زابل از مشرق به مرزهای افغانستان و پاکستان، از جنوب‌شرقی به سراوان، از جنوب به ایرانشهر و از مغرب به بم و شهداد، وسعت آن ۷۵۰ هکتار می‌باشد. این شهر در قدیم آبادی کوچکی بیش نبود و در طی جنگ جهانی اول چندین خانوار بلوچ در آنجا زندگی می‌کردند. و چون این ناحیه از نقطه نظر مجاورت با کشورهای هندوستان و افغانستان توجه دولت را به‌خود معطوف داشت، کارگزارانی بدان منطقه گسیل داشتند و اندکی بعد از تجارت ایران و هند این آبادی رونق گرفت و بر تعداد کارمندان دولت نیز افزوده شد و کم‌کم بر اثر احتیاجات ایشان به‌مایحتاج زندگی در این ناحیه دوایری ایجاد گردید و تجار و بازرگانان در آن‌جا راه یافتند و به‌تدریج این آبادی کوچك به‌صورت شهری به‌مساحت امروزی و تأسیسات کنونی به‌وجود آمد و در زمان اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر نام آن از «دزداب» به «زاهدان» تبدیل شد. زاهدان در دشت واقع شده و ارتفاعات آن عبارتند از کوه ملك سیاه و میرجاوه که خط‌الرأس آن مرز ایران و پاکستان را تشکیل می‌دهد و کوه تفتان نیز بین خاش (از بخشهای زاهدان) و میرجاوه قرار دارد. جمعیت زاهدان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۷۹۲۵۷ نفر می‌گردد.

شهرستان ایرانشهر

ایرانشهر یکی از شهرستانهای استان یازدهم است که در ۶۰ درجه و ۲۲ دقیقه طول و ۲۷ درجه و ۱۲ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌خاش، ازمشرق به‌سراوان وزابل، ازجنوب به‌دشتیاری و قصرقند و نیکشهر و ازمغرب به‌کهنوج . وسعت آن ۴۳۱ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۱۹۸۷ کیلومترمی‌باشد. اراضی آن به‌وسیلهٔرودهای سرباز و بمپور آبیاری می‌گردد . جمعیت‌این شهرستان‌طبق آخرین‌سرشماری بالغ ۱۰۱۷۳۸ نفرمی‌باشد.

شهرستان بندر چاه‌بهار

چاه‌بهار یکی ازشهرستانهای‌استان یازدهم است که در ۶۰ درجه و ۳۷ دقیقه طول و ۲۵ درجه و ۱۷ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌بمپور و سرباز و راسك ، از مشرق به مرز ایران‌و پاکستان، ازجنوب به‌دریای عمان و ازمغرب به‌بندر جاسك ومیناب ، وسعت‌آن ۱۵۱ هکتار وفاصله‌اش تا تهران ۲۳۸۳ کیلومترمی‌باشد.اراضی آن‌به‌وسیلهٔ رودخانه‌های باهوکلات،رود خواجه و رودگه مشروب می‌شود.جمعیت چاه بهارطبق آخرین سرشماری‌بالغ بر ۵۶۶۴۳ نفرمی‌گردد .

شهرستان زابل

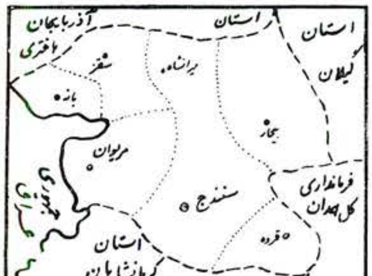
زابل یکی از شهرستانهای استان یازدهم است‌که در ۶۱ درجه‌و ۲۹ دقیقه طول و ۳۱ درجه و یك دقیقه عرض جغرافیایی واقع‌شده‌ومحدود است‌ازشمال و مشرق به‌مرز ایران و افغانستان ، از جنوب به زاهدان و از مغرب و شمال غربی به‌کویرلوت و بیرجند، وسعت‌آن ۹۷۸ هکتار و فاصله‌اش‌تاتهران ۱۸۲۸ کیلومتر می‌باشد . زابل‌درقدیم سیستان و نیمروز خوانده می‌شد و در شهریور ۱۳۱۴ ه ش. به موجب تصویبنامهٔ هیئت وزیران‌آن‌را زابل نامیدند . زابل در جلگه واقع شده و ارتفاع مهم آن کوه خواجه یا رستم است که در بالای آن آثار قلعهٔ بسیار قدیمی دیده می‌شود . رودخانه‌های این شهرستان‌عبارتند از هارود ، خاش رود و قرا رود که فقط در زمستان و بهار جاری هستند. مهمترین رود این ناحیه هیرمنداست که‌کشاورزی سیستان به‌آب‌آن بستگی دارد .

جمعیت زابل طبق‌آخرین‌سرشماری بالغ‌بر ۱۶۲۲۹۳ نفر می‌باشد.

شهرستان سراوان

سراوان یکی از شهرستانهای‌استان یازدهم است‌که در ۶۲ درجه و ۱۴ دقیقه طول و ۲۷ درجه و ۱۹ دقیقه عرض جغرافیایی واقع‌شده ومحدوداست‌ازشمال و مشرق و جنوب به‌مرز ایران‌وپاکستان و ازمغرب به‌خاش و سرباز . وسعت آن ۱۵۴ هکتار و فاصله‌اش‌تا تهران ۱۹۷۴ کیلومتر می‌باشد . در نزدیکی سراوان رشته کوه‌چهارپشت کشیده است. دراین شهرستان رود دایمی وجود ندارد و از رودماشکید می‌توان‌به‌عنوان بزرگترین رود این ناحیه نام برد که آنهم جز در مواقع بارندگی جاری نیست . جمعیت سراوان طبق آخرین سرشماری بالغ‌بر ۵۶۵۰۴ نفرمی‌گردد .

استان‌دوازدهم کردستان



استان کردستان

استان دوازدهم در مغرب ایران و مجاورت خاك کشور عراق قرار گرفته و محدود است از شمال به‌آذربایجان‌غربی و زنجان، از جنوب به فرمانداری‌کل همدان و استان‌کرمانشاهان ، از مشرق به زنجان و فرمانداری‌کل همدان و از مغرب به کشور عراق ، وسعت آن ۲۷۶۰۸ کیلو مربع می‌باشد . اراضی کردستان‌کوهستانی و پوشیده از جنگل است‌وکوههای‌چهل‌چشمه وپنجه‌علی‌آن‌را احاطه‌کرده‌اند . قلهٔاین کوهها در تمام مدت سال پوشیده از برف است و به‌همین جهت جویبارهای‌متعددی ازآن به‌وجود می‌آید . کردستان مراتع‌وسیع و اراضی آبرفتی حاصلخیزداردکه دراین‌جلگه‌ها جمعیت بیش از نواحی دیگر تمرکز دارد . قسمت عمدهٔ اهالی آن‌راکردها تشکیل می‌دهندکه عموماً مردمی شجاع و وطن پرست می‌باشند. مرکز این‌استان سنندج وشهرستانهای‌تابعهٔ‌آن‌بانه، بیجار، سقز ، قروه و مریوان است . جمعیت استان دوازدهم طبق‌آخرین سرشماری بالغ‌بر ۶۲۴۲۵۶ نفرمی‌گردد .

سنندج

سنندج‌مرکز استانداری استان دوازدهم است‌که در ۴۷ درجه طول و ۳۵ درجه و ۱۹ دقیقه عرض‌جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال‌به‌تکاب، ازمشرق به‌بیجار و قروه ، ازجنوب به‌کرمانشاهان وازمغرب به مریوان وسقز. وسعت آن ۵۵۴ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۵۷۸ کیلومتر می‌باشد ، این‌شهر به‌هنگام‌زمامداری شاه‌صفوی‌توسط‌سلیمان خان اردلان‌والی‌کردستان‌احداث‌گردید و«سنه» نامش نهادند . براثروجوددژی در داخل شهر ازنظر نظامی حائزاهمیت فراوان بود ، وبه‌همین سبب «سنندج» و «سنددژ» و بعدها به لفظ کنونی یعنی «سنندج» بدان اطلاق‌گردید . یکی‌از جغرافی نویسان‌می‌نویسد« مقارن‌سلطنت شاه‌صفی سنندج دهی بود بنام سنه»،این شهرکوهستانی و میان کوههای چهل‌چشمه و پنجه علی محصور می‌باشد . مهمترین رودهای آن رودخانهٔ قشلاق است که‌درجنوب سنندج به‌رودخانهٔ‌گاورودمتصل می‌شود و آن‌گاه ژاوه رودنام می‌گیرد سپس به‌رودخانه‌های رزاب و مریوان‌پیوسته ، رودخانهٔ‌سیروان‌خوانده می‌شود واز ایران‌خارج شده‌به‌خاك‌کشور عراق راه می‌یابد . جمعیت سنندج‌طبق آخرین سر شماری بالغ بر ۲۰۴۶۷۶ نفر می‌شود .

شهرستان بانه

بانه یکی از شهرستانهای استان دوازدهم است که در ۴۵ درجه و ۵۳ دقیقه طول و ۳۵ درجه و ۵۹دقیقه‌عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌مهاباد و خط‌الرأس ارتفاعات واقع بین‌بانه و سقزومهاباد،ازخط‌الرأس ارتفاعات بین دهستان سرشیوه ، میرده وبانه ، از جنوب به‌خط‌الرأس ارتفاعات بین‌بانه ودره شیلر (در مرزکشورعراق) واز مغرب به مهاباد ، وسعت‌آن ۵۶۰ هکتار وفاصله‌اش تاتهران ۶۹۹ کیلومتر می‌باشد .

بانه در تپه واقع شده و کوههای مرتفعی‌آن‌رامحصورنموده‌است. رودخانهٔ

زاب‌صغیر در قسمت غربی آن جریان دارد . جمعیت شهرستان بانه طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۴۱۰۵۷ نفر می‌گردد.

شهرستان بیجار (گروس)

بیجار که آنرا گروس نیز می‌نامند یکی ازشهرستانهای استان دوازدهم است و در ۴۷ درجه و ۳۶ دقیقه طول و ۳۵ درجه و ۵۲ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال و شمال‌شرقی به مراش (از شهرستان زنجان)، ازمشرق به‌قیدار (ازشهرستان زنجان)، ازجنوب به‌قروه واز مغرب به‌دیواندره وسنندج. وسعت آن ۳۵۲ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۴۷۴ کیلومتر می‌باشد . ارتفاع بیجار از سطح دریا ۱۹۲۰ متر است و از این حیث مرتفعترین شهرهای ایران محسوب می‌شود .

ارتفاعات این‌شهرستان از سه‌قسمت تشکیل یافته رشتهٔ شمالی که حد طبیعی شهرستان با بخشهای تکاب و ماه نشان می‌باشد . رشته مرکزی موازی با کوههای شمالی است که از قلل معروفش پنجه‌علی را می‌توان نام‌برد . رود قزل اوزون‌در چند نقطه کوههای مرکزی را قطع‌می‌کند ، رشته کوههای جنوبی حد طبیعی باشهرستان قروه است . اراضی بیجار به‌وسیلهٔ رودخانه‌های قزل‌اوزون و تلوار مشروب می‌گردد .

جمعیت این شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۹۵۹۷۰ نفرمی‌باشد.

شهرستان سقز

سقز یکی از شهرستانهای استان دوازدهم است که‌در ۴۶ درجه و ۱۷ دقیقه طول و ۳۶ درجه و ۱۴ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌میاندوآب و مهاباد ، ازمشرق به‌دیواندره ، از جنوب به‌مریوان واز مغرب وشمال‌غربی به‌بانه ومهاباد،وسعت آن ۷۲۸ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۷۰۶ کیلومترمی‌باشد .

درجنوب این شهرستان رودخانه‌ای موسوم به‌سقزجاری‌است که پیوسته خشك و بی‌آب است . همچنین قسمتی از رود جغتو آنرا مشروب می‌نماید . جمعیت سقز طبق آخرین‌سرشماری بالغ‌بر ۹۲۰۸۸ نفر می‌گردد .

شهرستان قروه

قروه یکی‌از شهرستانهای استان دوازدهم است که در ۴۹ درجه و ۶۰ دقیقه طول و ۳۵ درجه و ۱۸ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌بیجار، ازمشرق به‌کبودرآهنگ، از جنوب به اسدآباد و سیمینه رود و سنقر و ازمغرب به‌بخش حومهٔ سنندج ، وسعت‌آن ۲۹۴ هکتاروفاصله‌اش تا تهران ۴۲۴ کیلومتر می‌باشد . جمعیت این شهرستان طبق آخرین سرشماری‌بالغ‌بر ۱۰۱۶۹۹ نفرمی باشد.

شهرستان مریوان

مریوان یکی ازشهرستانهای استان دوازدهم است که در ۴۶ درجه‌و ۳۷ دقیقه طول و ۳۴ درجه و ۱۹ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال و مغرب به‌کشور عراق ، ازشمال شرقی به‌سقز ، از مشرق به‌سنندج و از جنوب به‌پاوه ، وسعت آن ۷۰ هکتارو فاصله‌اش تا تهران ۷۰۶ کیلومترمی‌باشد.

مریوان در دامنهٔ کوه‌واقع‌شده ومهمترین رشتهٔ کوه این‌شهرستان کوه هزارمرگه است‌که در شمال شرقی قرار دارد .

رودخانه‌های گردلان ، چاولکان،ده‌بنیاد، گلچیدر و قزلچه اراضی مریوان را مشروب می‌نماید . جمعیت این‌شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ‌بر ۸۸۷۶۶ نفر می‌گردد .

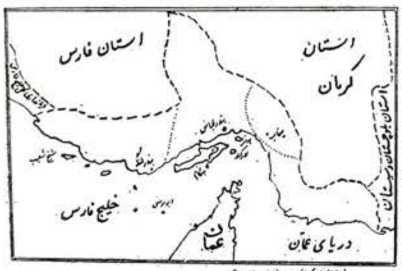
استان سیزدهم بحرین

مجمع‌الجزایر بحرین در خلیج فارس ، بین‌شبه‌جزیرهٔ‌قطرو خاك‌عربستان سعودی قرار دارد مرکب از عدهٔ زیادی جزیره است‌که‌مهمترین‌آنها عبارتند از: بحرین ، محرق ، ستره وام‌نعمان .

جمعیت بحرین بالغ بر ۱۴۳۲۱۳ نفر است ، مرکز استان بحرین **منامه** است‌که ۳۹۶۴۸ نفر جمعیت دارد.

باوجودی‌که تمام اسناد تاریخ‌نشان می‌دهدبحرین‌جزءلاینفك‌ایران‌است‌معهذا دولت‌انگلیس غاصبانه آنرا تحت‌حمایت خودگرفته‌وشیخی‌را به‌حکومت آن‌گمارده است دولت ایران‌برای‌انضمام‌آن‌به‌کشور ایران مشغول اقدام است .

فرمانداری کل بنادروجزایر بحر عمان



فرمانداری کل بنادروجزایر دریای عمان

فرمانداری‌کل بنادروجزایردریای عمان درجنوب‌کشور واقع شده و شامل قسمتی از سرزمینهای پست کنار دریای عمان و جزایر ساحلی می‌باشد ومحدود است از شمال‌به‌استانهای‌کرمان وفارس، از جنوب به‌دریای عمان و خلیج‌فارس ، از مشرق به‌استان‌کرمان و چاه‌بهار واز مغرب به استان‌هفتم‌وخلیج‌فارس ، وسعت آن ۶۴۵۲۶ کیلومترمربع‌است.اراضی آن در نواحی شمالی بلند و کوهستانی ودر کنار دریا شنزارو‌پست می‌باشد . کمی بارندگی ، سبب گردیده است که آبادی آن بسیار محدود و کم باشد وفقط شهرستان میناب که رودخانهٔ‌میناب آنرا مشروب می‌نماید. نسبت به‌نواحی دیگر آباد و حاصلخیز است . مرکز فرمانداری‌کل، بندرعباس‌و شهرستانهای تابعهٔ آن بندر لنگه و میناب می‌باشد . جمعیت‌فرمانداری‌کل‌بنادروجزایردریای عمان طبق آخرین سرشماری‌بالغ بر ۳۴۶۷۸۴ نفر می‌گردد .

بندر عباس

بندرعباس‌که سابقاً گمبرون نامیده می‌شد . مرکز فرمانداری‌کل بنادر و جزایر دریای‌عمان‌است که در ۵۶ درجه و ۱۸ دقیقه طول و ۲۷ درجه و ۱۱ دقیقه عرض جغرافیایی واقع و محدود استاز شمال به‌سیرجان و بافت،ازمشرق به‌میناب، ازجنوب به‌خلیج فارس و جزیرهٔ قشم و از مغرب به بندر لنگه ولار و داراب . وسعت‌آن ۱۱۲۵ هکتاروفاصله‌اش‌تاتهران ۱۴۸۴ کیلومتر می‌باشد . این‌بندر که‌در کنار تنگهٔ هرمز واقع شده وخلیج‌فارس را به‌دریای عمان متصل می‌کند ، مدتی در تصرف پرتغالی‌ها بود لیکن شاه‌عباس کبیر آنان را اخراج نمود (سال ۱۶۲۳

میلادی) و از آن پس این بندر به نام وی به «بندرعباس» موسوم گردید. بندرعباس یك اسكلهٔ چوبی دارد که موتور لنجهای محلی در آنجا پهلو می‌گیرند. محوطهٔ بندری آن ۵۰۰۰ متر مربع انبار سرپوشیده دارد که ازطریق این بندر صورت می‌گیرد. همچنین یك اسكلهٔ فلزی به‌طول ۱۸۵ متر و عرض ۳ متر در جزیرهٔ قشم (جنوب بندرعباس) جهت پهلوگرفتن موتورهای محلی و برای تخلیه و بارگیری کالاهای مورد احتیاج اهالی جزیرهٔ قشم ایجاد گردیده است . یك دستگاه مولد برق نیز به‌منظور تأمین روشنایی اسکله در آنجا نصب شده است .

رشته کوههای کشکوه، فارغان، گینو وکوه نمکی و نیان در شمال بندرعباس واقعند، اراضی این ناحیه به‌وسیلهٔ رودشور، رود میناب، رود شمیل و رود کل آبیاری می‌گردد. جمعیت بندرعباس طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۱۶۳۱۳۳ نفر می‌شود .

بندر لنگه

بندر لنگه یکی از شهرستانهای فرمانداری کل بنادر و جزایر دریای عمان است که در ۵۴ درجه و ۵۴ دقیقه طول و ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌لار و ارتفاعات تنگ کوه ، از مشرق به بندر خمیر ، از جنوب ومغرب به‌خلیج فارس، وسعت آن ۱۴۳۹ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۱۶۳۱ کیلومتر می‌باشد.

بندر لنگه درساحل خلیج فارس قرار دارد و سواحل آن برای ایجاد بندر مناسبتر از بوشهر است .

جمعیت این شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۷۸۹۴۱ نفر می‌گردد.

شهرستان میناب

میناب یکی از شهرستانهای فرمانداری کل بنادر و جزایر دریای عمان است که در ۵۷ درجه و ۴ دقیقه طول و ۲۷ درجه و ۹ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به بافت، از مشرق به کهنوج ، ازجنوب به‌دریای عمان ، از جنوب‌شرقی به‌بندر جاسك و تنگهٔ هرمز و از مغرب به‌بندرعباس ، فاصلهٔ آن تا تهران ۱۶۱۶ کیلومتر می‌باشد. نواحی شمالی ومشرق. میناب کوهستانی ومنطقهٔ مرکزی و غربی آن جلگه است. رودخانهٔ میناب آن‌را مشروب می‌نماید. جمعیت این شهرستان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۱۰۴۷۱۰ نفر می‌باشد

فرمانداری کل بنادر وجزایر خلیج فارس



فرمانداری کل بنادر وجزایر خلیج فارس

فرمانداری کل بنادر وجزایر خلیج فارس در جنوب کشورواقع شده ومحدود است ازشمال به‌استان هفتم و فرمانداری کهکیلویه و بهبهان ، از مشرق به‌استان هفتم و از جنوب و مغرب به‌خلیج فارس، وسعت آن ۲۸۵۷۱ کیلو متر مربع می‌باشد . مرکز فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس بندر بوشهر وشهرستان تابعهٔ آن برازجان است .

جمعیت فرمانداری مذکور طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۲۵۲۰۰۵ نفر می‌باشد.

بندر بوشهر

بندر بوشهر مرکز فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس است که در ۵۰ درجه و ۵۰ دقیقه طول و ۲۸ درجه و ۵۹ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به زیدون (از شهرستان بهبهان) وگچساران، ازمشرق به‌نورآباد ، برازجان، فیروزآباد ولار و از جنوب ومغرب به‌خلیج فارس،وسعت آن ۱۴۰۰ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۱۲۱۸ کیلومتر می‌باشد . بندر بوشهر یك اسكلهٔ كوچك برای پهلو گرفتن موتورلنجهای محلی دارد . این بندر تاقبل از احداث راه‌آهن سرتاسری از مهمترین بنادر خلیج فارس محسوب می‌شد . لیکن امروزه اهمیت سابق را ندارد. سواحل بندر بوشهر عمق کافی ندارد و به‌همین‌جهت کشتی‌های بزرگ دوراز ساحل به‌بارگیری و باراندازی می‌پردازند . بندر مذکور به‌وسیلهٔ راه‌شوسه به‌سایر نقاط کشور مرتبط است و قسمتی از صادرات و واردات استان فارس و اصفهان ازاین بندر صورت می‌گیرد . بندر بوشهر در جلگهٔ وسیعی قرار دارد و اراضی آن به‌وسیلهٔ رود حله و رود شور و رود اهرم آبیاری می‌شود. ضمناً رود مند نیز در این شهر جریان دارد لیکن چون از نمکزارها می‌گذرد آب آن شور و در بوشهر قابل استفاده نمی‌باشد .

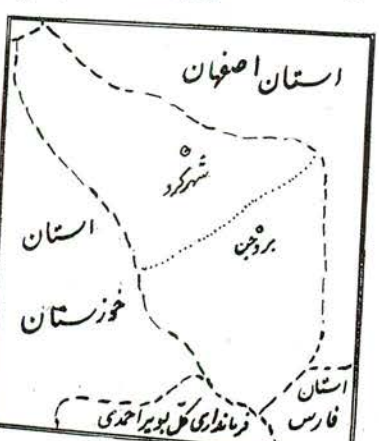
جمعیت بندر بوشهر طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۱۷۴۹۱۸ نفر می‌گردد .

شهرستان برازجان

برازجان شهرستان تابعهٔ فرمانداری کل بنادر وجزایر خلیج فارس است که در ۵۱ درجه و ۱۳ دقیقه طول و ۲۹ درجه و ۱۶ دقیقه عرض جغرافیایی واقع‌شده و محدود است از شمال به کنار تخت (از کازرون) و میلاطون (از نورآباد)، از شرق به‌کازرون ، از جنوب به‌اهرم و خورموج (از بندر بوشهر) ، وسعت آن ۵۵۰ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۱۱۴۷ کیلومتر می‌باشد. اراضی آن‌را رودخانه‌های شاهپور ودالکی مشروب می‌نمایند.

جمعیت برازجان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۷۷۰۸۷ نفر می‌باشد.

فرمانداری کل چهارمحال بختیاری



فرمانداری کل بختیاری وچهارمحال

فرمانداری کل چهارمحال بختیاری در جنوب غربی کشورواقع‌شده ومحدود

است از شمال به‌استان اصفهان ، ازجنوب به‌فرمانداری کل بویراحمدی و سمیرم ، از مشرق به‌اصفهان، ازشمال‌غربی به‌ایذه، از جنوب غربی به فرمانداری کل بویراحمدی، وسعت آن ۱۵۷۳۱ کیلومتر مربع می‌باشد. فرمانداری کل‌چهار محال بختیاری منطقه‌ای‌است کوهستانی که‌چین‌خوردگی‌های آن‌دنبالهٔ کوههای‌غربی‌است. آب‌وهوای بختیاری در کوهپایهٔ جنوب و مغرب بستگی به‌جلگهٔ خوزستان‌دارد اراضی آن پوشیده‌از مراتع و جنگلهای وسیع است که ایل بختیاری در ایـن ناحیه ساکن‌می‌باشند مرکز‌فرمانداری‌کل‌چهارمحال‌بختیاری‌شهر کردوشهرستان تابعهٔ آن‌بروجن‌است . جمعیت‌فرمانداری مذکور طبق آخرین سر شماری بالغ بر ۹۹۰۵۷ نفر می گردد .

شهرکرد

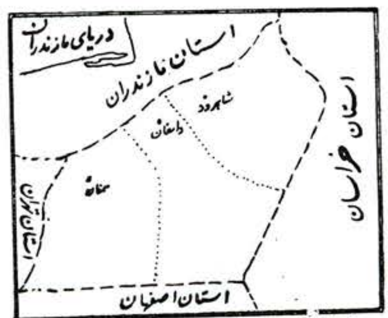
شهر کردمرکزفرمانداری کل چهار‌محال بختیاری است که در ۵۰درجه و ۵۲ دقیقه طول و ۳۲ درجه و۲۱ دقیقه عرض جغرافیایی واقـع شده و محدود است از شمال به داران ، ازمشرق بـه فلاورجان(ازاصفهان)،ازجنوب‌به‌بروجن و از مغرب به‌ایذه،وسعت‌آن۵۱۷ هکتار و فاصله‌اش تـا تهران ۵۴۳ کیلومتر می بـاشد . در خصوص شهر کرد برخی عقیده دارند‌که در قرن‌هفتم‌هجری‌قمری که این نواحی در تصرف اتابکان فارس و لرستان بود . پاسگاهی به‌منظور رفع نیازمندی‌های مسافرین‌همچنین تعمیرراه ایجاد گردید و سپس به‌سبب داشتن‌آب‌و هوای خوب این‌ناحیه‌به‌تدریج بسط یافت و جمعیت بیشتری را درخود پروراند. به‌هنگام‌زمامداری اعلیحضرت‌فقیدرضا‌شاه‌کبیر نام«شهر کرد» بر‌آن نهادند ، شهر کرددرمیان کوههای تله‌جان، کورال‌چشمه و شاه‌منظر محصور است. جمعیت این شهر طبق‌آخرین سرشماری بالغ بر ۱۷۸۶۰۷ نفرمی‌باشد .

شهرستان بروجن

بروجن‌ازشهرستانهای‌فرمانداری‌کل چهار محال بختیاری‌است‌که در ۵۱درجه و ۱۸ دقیقه طول و ۳۲ درجه عـرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌شهر کرد و اصفهان ، از مشرق به‌شهرضا و سمیرم ، از جنوب به‌سمیرم و یاسوج و ازمغرب به‌یاسوج وایذه،وسعت آن ۵۴۰ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۵۷۱ کیلومتر می‌باشد . ایـن شهرستان در جلگه‌ای‌که میان کـوههای مرتفع محصور است ، قرار دارد .

جمعیت بروجن‌طبق‌آخرین‌سرشماری بالغ‌بر ۱۲۰۴۵۰ نفرمی‌گردد .

فرمانداری کل‌سمنان



فرمانداری کل سمنان

فرمانداری کل‌سمنان درشمال کشور واقع شده و محدوداست‌ازشمال به‌استان مازندران ، از جنوب به‌استان خراسان و از مغرب به‌استان مرکزی تهران ، وسعت آن ۶۹۹۵۸ کیلـومتر مـربع می‌باشد . مرکز این فـرمانداری شهر سمنان و شهرستانهای تابعهٔ آن شاهرود و دامغان است . جمعیت فرمانداری‌کل سمنان‌طبق آخرین سرشماری بـالغ بر ۲۰۷۸۹۷ نفرمی‌گردد .

سمنان

سمنان مرکز فرمانداری‌کل‌سمنان است که در ۵۳ درجه و۲۳ دقیقه‌طول‌و ۳۵ درجه و ۳۳ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده‌ومحدوداست‌ازشمال‌به‌خط‌الرأس سلسله جبال البرزو کهنه‌ده(ازشهرستان ساری) و پل سفید (ازشهرستان‌شاهی)، از مشرق به‌دامغان ، از جنوب به دشت کویرمرکزی و اردستان و از مغرب به گرمسار وفیروزکوه ، وسعت آن۲۳۶۹ هکتار و فاصله‌اش تا تهران (از طریق راه‌آهن) ۲۲۷ کیلومتر می‌باشد.سلسله جبال البرز مانند سدی میان این‌شهرو مازنـدران کشیده شده است. اراضی‌آن بوسیلهٔ‌رودخانهٔ‌گلرودبارمشروب‌می‌گردد. جمعیت سمنان طبق آخـرین سرشماری بالغ‌بر ۵۹۱۵۲ نفرمی‌باشد.

شهرستان دامغان

دامغان‌یکی‌ازشهرستانهای‌فرمانداری‌کل سمنان است‌که در ۵۴ درجه و ۲۰ دقیقه طول و ۳۶ درجه و ۹دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده ومحدود است از شمال‌به‌گرگان و بهشهروساری،ازمشرق به‌شاهرود ، از جنوب به‌دشت کویر واز مغـرب بـه‌سمنان و ساری . وسعت آن ۱۹۱۲ هکتار و فـاصله‌اش تـا تهران ۳۳۵ کیلومتر مـی‌باشد . دامغان در دشت قرار دارد و سلسله جبال‌البرز در شمال شهرستان کشیده شده است و در قسمت جنوب کوههای‌کم‌ارتفاعی‌که‌رفته‌رفته از ارتفاع‌آن کاسته می‌شود ، وجود دارد . در این شهرستان خشکرودهایی جریان دارد که ازاهم‌آنها خشکرودهای چشمه‌علی ، رودبار و دریان را می‌توان نام‌برد .

جمعیت این شهرستان‌طبق آخرین سرشماری بالغ‌بر۴۲۹۰۴ نفرمی‌گردد.

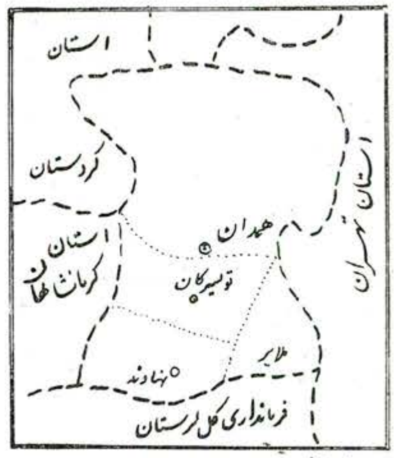
شهرستان شاهرود

شاهرودیکی‌ازشهرستانهای‌فرمانداری کل سمنان است که‌در۵۴درجه و۵۸دقیقه طول و ۳۶ درجـه و۲۵ دقیقه عـرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به‌گرگان و گنبدکاووس ازمشرق به بجنورد و سبزوار، از جنوب‌به‌دشت‌کویر و خور (از شهرستان‌نایین) و ازمغرب به‌دامغان ، وسعت آن ۱۶۲۹ هـکتار و فاصله‌اش تا تهران۴۰۰ کیلومترمی‌باشد. شاهرود در دامنه قرار گـرفته و جبال البرز در شمال‌و رشته‌کوههای‌کم‌ارتفاعی نواحی جنوبی آنرا فرا گرفته است . رودخانهٔ تاش که ازمهمترین رودهـای این شهرستان محسوب مـی‌شود اراضی شاهرود را مشروب می‌نماید . جمعیت شهرستان شاهرود طبق‌آخرین سرشماری بالغ‌بر ۱۰۵۸۴۱ نفر می‌باشد .

فرمانداری کل‌همدان

فرمانداری کل‌همدان‌درمغرب کشور واقع شده و محدوداست‌ازشمال‌به‌قزوین، زنجان و بیجار،از مشرق‌به‌استان‌مرکزی و فرمانداری‌کل لرستان‌پیشکوه و از مغرب‌به‌استان‌کردستان‌واستان‌کرمانشاهان وسعت‌آن۱۹۹۰۳ کیلومترمربع‌می‌باشد. این فرمانداری از منطقه‌ای کوهستانی تشکیل یافته و اغلب ارتفاعات آن از لحاظ تقسیم بندی کوههای ایران جزء رشته‌کوههای مرکزی محسوب می گردد

و الوند که یکی از کوههای مرتفع ایران است دراین منطقه قرار دارد. آب آن



فرمانداری کل همدان

کافی و دارای چمن‌زارهای سرسبز وخرم و وسیع می‌باشد. لذا ازنظر دامپروری حایز اهمیت فراوان است. مرکز این فرمانداری شهر همدان وشهرستانهای تابعهٔ آن ملایر و نهاوند و تویسرکان است. جمعیت فرمانداری کل همدان طبق آخرین سرشماری بالغ بر۸۸۸۶۸۵ نفر می‌گردد.

شهرستان همدان

همدان مرکز فرمانداری کل همدان است که در ۳۸ درجه و۳۱ دقیقه طول و۳۴ درجه و۴۸ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدوداست از شمال به بیجار و قیدار (از شهرستان زنجان)، ازمشرق به تفرش و خرقان و نوبران، ازجنوب به ملایر و تویسرکان و کمیجان (از شهرستان اراك) و ازمغرب به سنقر و قروه و قسمتی از کرمانشاهان، می‌باشد وسعت آن ۲۱۷۱ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۳۳۷ کیلومتر می‌باشد. همدان از شهرهای قدیمی ایران است و در دورهٔ مادها هگمتانه نامیده می‌شد. دیااکو مؤسس دولت ماد برج و بارویی برآن ساخت وآنجارا به پایتختی خویش برگزید وبرگرد آن هفت حصار کشید. گویند همدان روزگاری مقر تابستانی پادشاهان مقتدر مادی، هخامنشی و اشکانی بوده است. ازآثاری که در حفاریها به‌دست آمده چنین استنباط می‌گردد که این شهر یکبار توسط اسکندر مقدونی و دیگر بار به‌وسیلهٔ اعراب ونوبت سوم در حملهٔ خانمانسوز مغول ویران گشته و از نو آباد شده است. همدان در دامنهٔ کوه الوند واقع و بلندترین ارتفاعات آن الوند می‌باشد که در جنوب شهر کشیده شده است. اطراف این شهر زمینهای حاصلخیزی وجوددارد که به‌وسیلهٔ جویبارهای متعدد مشروب می‌گردد.

جمعیت همدان طبق آخرین سرشماری بالغ بر۵۵۳۵۹۸ نفرمی‌باشد.

شهرستان تویسرکان

تویسرکان یکی از شهرستانهای فرمانداری کل همدان است که در ۴۸ درجه و ۲۸ دقیقه طول و ۳۴ درجه و۳۳ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده ومحدود است ازشمال به کوه الوند و همدان، از مشرق به همدان و ملایر، از جنوب به نهاوند و ازمغرب به کرمانشاهان، وسعت آن ۱۰۴۸ هکتار وفاصله‌اش تا تهران ۴۳۵ کیلومترمی‌باشد.

تویسرکان ناحیه‌ای است کوهستانی که درجنوب همدان و در دامنهٔ کوه الوند قرار دارد و کوههای کمرزرد وسیاه دره درجنوب این شهرستان کشیده شده است. رودخانه های کرزان و خرم رودار اضی آن را مشروب می‌نمایند. جمعیت تویسرکان طبق آخرین سرشماری بالغ بر۷۹۷۰۷ نفر می‌گردد.

شهرستان ملایر

ملایر یکی ازشهرستانهای فرمانداری کل همدان است که در ۴۸ درجه و۴۹ دقیقه طول و ۳۴درجه و۱۷ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به همدان، از مشرق به اراك، از جنوب به بروجرد و از مغرب به نهاوند و تویسرکان. وسعت آن ۶۹۸ هکتار و فاصله‌اش تا تهران ۳۹۹ کیلومترمی‌باشد.

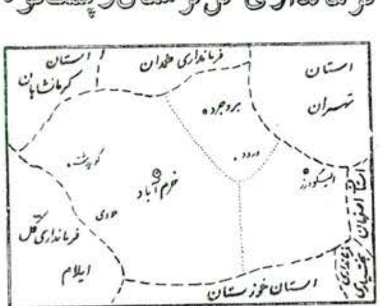
ملایر شهری است تازه‌ساز که دردامنهٔ کوه قرار دارد. کوه الوند در شمال وکوه یزدجرد در جنوب و کوه بیاتان درجنوب شرقی آن کشیده شده است. رود خرم آباد اراضی آن را مشروب می‌نماید. جمعیت ملایر طبق آخرین سرشماری بالغ بر۱۵۷۳۴۹ نفر می‌باشد.

شهرستان نهاوند

نهاوند یکی از شهرستان های فرمانداری کل همدان است که در ۴۸ درجه و ۲۲ دقیقه طول و ۳۴ درجه و ۱۲ دقیقه عرض جغرافیایی واقع‌شده و محدود است از شمال به تویسرکان و کنگاور (از کرمانشاهان)، ازمشرق به ملایر، ازجنوب به الشتر (ازفرمانداری کل خرم آباد) و از مغرب به دلفان وهرسین (ازکرمانشاهان). وسعت آن ۷۲۸ هکتار و فاصله‌اش تاتهران ۴۵۲ کیلومتر می‌باشد.

نهاوند یکی از شهر های بسیار قدیمی ایران است وآخرین مقاومت ایرانیان در برابر اعراب در این شهر بوده است وبهمین جهت نام آن در تاریخ مشهور شده است. نهاوند در دامنهٔ کوه قرار دارد وبوسیلهٔ رودگاماسب آبیاری می‌شود. جمعیت نهاوند طبق آخرین سرشماری بالغ بر۹۷۰۳۱ نفرمی‌گردد.

فرمانداری کل لرستان و پشتکوه



فرمانداری کل لرستان

فرمانداری کل لرستان و پیشکوه درمغرب کشور واقع شده و محدوداست از شمال به فرمانداری همدان و استان کرمانشاهان و اراك، ازمشرق به استان مرکزی و اصفهان، از جنوب به داران و خوزستان و ازمغرب به فرمانداری کل ایلام، مرکز آن خرم آباد و شهرستانهای تابعهٔ آن بروجرد والیگودرز می‌باشد.

جمعیت فرمانداری کل لرستان طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۶۹۲۰۳۶ نفر می‌گردد.

خرم آباد

خرم آباد مرکز فرمانداری کل لرستان و پیشکوه است که در ۴۸درجه و۲۱ دقیقه طول و۳۳ درجه و ۳۲دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است. ازشمال به نهاوند وکرمانشاه، از مشرق به بروجرد و الیگودرز، از جنوب به ایذه و دزفول و ازمغرب به شاه‌آبادغرب و ابهر و ایلام، وسعت آن

۴۱۵ هکتار و فاصله اش تا تهران ۴۹۴ کیلومتر می‌باشد .

خرم آباد در کنار رودخرم آباد واقع شده واز ارتفاعات آن سفیدکوه ، بهشت کوه ، سیاه‌کمر وکوه ملاتخت را می‌توان نام برد .

رودخانهٔ‌سیمره‌اراضی‌آن‌رامشروب می‌نماید . جمعیت خرم آبادطبق‌آخرین سرشماری بالغ بر ۳۹۰۱۱۹ نفر می‌باشد .

شهرستان الیگودرز

الیگودرز یکی‌از شهرستان های فرمانداری‌کل لرستان و پیشکوه است که‌در ۴۹ درجه و ۴۲دقیقه طول و۳۳ درجه و ۲۳ دقیقه عرض‌جغرافیایی‌واقع شده‌ومحدوداست‌ازشمال‌به‌اراك، ازمشرق به‌گلپایگان ، ازجنوب‌به‌آخوره‌وازمغرب به شبول آباد ، وسعت آن ۱۸۰ هکتار وفاصله‌اش‌تاتهران۵۰۳ کیلومترمی‌باشد.

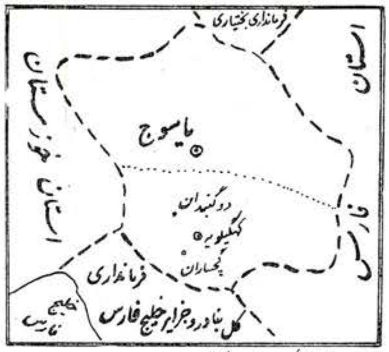
قسمتی‌ازالیگودرز دردشت‌وقسمتی دردامنه واقع‌شده وارتفاعات‌آن عبارتند از اشتران‌کوه و قالی‌کوه ، رودخانهٔ الیگودرز اراضی این‌شهرستان‌رامشروب می‌نماید . جمعیت این شهرستان بالغ بر ۱۲۶۱۰۶ نفر می‌گردد .

شهرستان بروجرد

بروجرد یکی از شهرستان های فرمانداری‌کل لرستان و پیشکوه است که در۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه طول و۳۳ درجه و ۵۴ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است‌ازشمال‌به‌نهاوند وملایر ، ازمشرق به‌اراك و الیگودرز، ازجنوب به‌الیگودرز وازمغرب به‌خرم‌آباد ، وسعت‌آن۶۰۶ هکتار وفاصله‌اش تاتهران۳۹۴ کیلومترمی‌باشد .

بروجرد دردامنهٔ‌کوه قرار دارد و از ارتفاعات آن‌گرو، الشتر،شیخ‌میری، نایی و توده زن رامی توان نام برد . رودخانهٔ باغشاه وقلعه‌کرم و رودخانهٔ نایی اراضی آن را مشروب می نماید . جمعیت بروجرد طبق‌آخرین سرشماری بالغ بر ۱۷۵۸۱۱ نفر می‌باشد .

فرمانداری کل کهکیلویه و بویراحمدی



فرمانداری کل بویراحمد سرحدی کهکیلویه

فرمانداری‌کل کهکیلویه وبویر-احمدی در جنوب غربی کشور واقع شده و محدود است ازشمال به بروجن‌وایذه، ازجنوب به‌نورآبادو بهبهان‌وفرمانداری‌کل بندربوشهر ، ازمشرق به‌استان‌فارس وسمیرم و ازمغرب به رامهرمز و قسمتی ازبهبهان، مرکزفرمانداری‌کل کهکیلویه وبویراحمدی یاسوج و شهرستان تابعهٔ آن ده دشت می باشد . جمعیت این فرمانداری طبق‌آخرین سرشماری بالغ بر ۱۶۵۱۱۲ نفر می گردد .

یاسوج

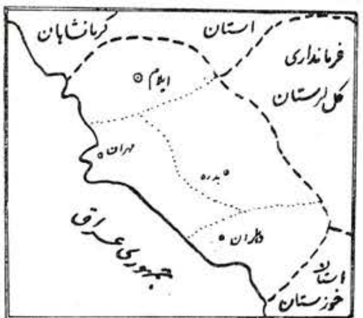
یاسوج‌مرکزفرمانداری‌کل کهکیلویه وبویر احمدی است‌که در ۵۱ درجه و ۴۱ دقیقه طول و ۳۰ درجه و ۵۰ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است ازشمال به‌سمیرم، از مشرق‌به‌آباده، از جنوب به‌اردکان و شیراز و نورآباد و ازمغرب به‌دهدشت‌وگچساران ، وسعت آن۲۸۰ هکتارمی‌باشد.این‌شهر در دامنه واقع‌شده‌ورودخانهٔ‌بشاردرآن‌جریان‌دارد.

جمعیت یاسوج طبق آخرین سر - شماری بالغ‌بر ۵۲۵۶۸ نفر می‌شود.

شهرستان دهدشت

دهدشت یکی از شهرستانهای فرمانداری‌کل کهکیلویه وبویر احمدی است‌که ۵۰ درجه و ۳۰ دقیقه‌طول و۳۰ درجه و۵۲دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده ومحدود است از شمال به‌بروجن و ایذه ، ازمشرق به‌یاسوج و سمیرم ، از جنوب به‌میلاطون (از نورآباد) و از مغرب به‌رامهرمز . جمعیت‌دهدشت طبق آخرین سرشماری بالغ‌بر۱۱۲۵۴۴ نفر می‌گردد .

فرمانداری‌کل‌ایلام ولرستان وپشتکوه



فرمانداری کل ایلام ولرستان پشتکوه

فرمانداری‌کل ایلام و لرستان پشتکوه‌در مغرب‌کشورواقع شده ومحدود است از شمال به استان کرمانشاهان و فرمانداری‌کل لرستان وپشتکوه ، از جنوب به استان خوزستان وکشورعراق، ازمشرق‌به‌فرمانداری‌کل‌لرستان‌وپشتکوه و بخش اندیمشك و از مغرب به‌کشور عراق مرکز این فرمانداری ، ایلام و شهرستانهای تابعهٔ آن مهران و ابهر (بدره) می‌باشد . جمعیت‌فرمانداری‌کل ایلام ولرستان پشتکوه طبق آخرین سرشماری‌بالغ‌بر ۱۸۷۶۳۰ نفرمی گردد .

ایلام

ایلام مرکز فرمانداری‌کل‌ایلام و لرستان پشتکوه است که در ۴۶درجه‌و ۲۶ دقیقه طول و ۳۳ درجه و۳۷ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده ومحدوداست ازشمال به‌شاه‌آباد غرب، ازمشرق‌به‌خرم-آباد ، از جنوب به‌ابهر ومهران و از مغرب به‌مرز ایران و عراق ، وسعت‌آن ۲۱۸ هکتار و فاصله‌اش تا تهران۸۰۱ کیلومتر می‌باشد . ایلام در دامنه‌قرار دارد وکبیرکوه ازارتفاعات‌مهم آن‌است دینارکوه ، شاه‌نخجیر، سیاه کوه، کوه‌سرخ و کوه حمرین از شعبات مهم آن می‌باشد . رودخانه‌های سرآب کلان و کلیم، سیکان، دره‌شهر وشیخ‌مکان اراضی ایلام رامشروب نموده به‌سمیره می‌ریزند ورودخانه های کاوی ، چنگوله‌ورودخانهٔ میوات به دشت عراق منتهی می گردند .

جمعیت ایلام‌طبق‌آخرین سرشماری بالغ بر ۹۱۵۴۵ نفر می‌باشد.

شهر ابهر (بدره)

ابهر که درقدیم بدره نامیده‌می‌شد

یکی از شهرستانهای فرمانداری کل ایلام و لرستان پشتکوه است که در ۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه طول و ۳۵ درجه و ۱۹ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و محدود است از شمال به ایلام ، ازمشرق به ملاوی وکوه‌دشت (ازخرم‌آباد) ، از جنوب و جنوب‌غربی به زرین‌آباد و آبدانان (از دهلران) و از مغرب به قلعه جوق و ارکوازی (از مهران)،وسعت آن ۱۰۷۷ هکتار می‌باشد .

جمعیت ابهر طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۳۵۰۸۸ نفر می‌گردد .

شهرستان مهران

مهران که سابقاً منصورآباد پشتکوه نامیده می‌شد ، یکی از شهرستانهای فرمانداری‌کل ایلام و لرستان پشتکوه است که در ۴۶ درجه و ۱۰ دقیقه طول و ۳۳ درجه و ۷ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده ومحدود است ازشمال به ایلام، ازمشرق به ابهر ، ازجنوب به زرین‌آباد و قسمتی ازمرز ایران و عراق و فاصلهٔ آن تاتهران ۹۰۸ کیلومتر می‌باشد . مهران در دشت واقع شده و رودخانه‌های کاوی وچنگوله ازآن می‌گذرد.

جمعیت مهران طبق آخرین سرشماری بالغ بر ۲۵۰۴۳ نفر می‌باشد.

نام قدیمی شهرهای ایران

نام‌جدید	نام قدیم
آبادان	عبادان
آذرشهر	دهخوارقان
آمل	محمودآباد
ابهر	بدره
اراک	سلطان‌آباد
اسفراین	میان‌آباد
اصفهان	یهودیه
اندیمشک	صالح‌آباد
اهر	ارسباران
اهواز	ناصریه
ایرانشهر	بمپور ، فهرج
ایلام	حسین‌آباد پشتکوه
ایذه	مال امیر
بابل	بارفروش، تربابل،مطیر
بابلسر	مشهدسر
برازجان	دشتستان
بمپور	فتج
بندرپهلوی	انزلی
بندر شاهپور	خورموسی
بندرعباس	گمبرون
بندرگز	بندر جز
بهشهر	اشرف
بیجار	گروس
پاوه	اورامانات
پهلوی دژ	آق قلعه
تاکستان	سیه دهون
تفرش	ترخوران
خرمشهر	محمره
درگز	محمدآباد
داراب	دارابگرد
دشت میشان	بنی‌طرف
رامسر	سخت‌سر
رضاییه	اورمیه، چیچست
زاهدان	دزداب
زنجان	سلطانیه
ساری	طوسان
سبزوار	بیهق
سبزواران	جیرفت
سنندج	سنددژ
سوسنگرد	دشت میشان، خفاجیه
شاپور	سلماس
شادگان	فلاحیه
شاه‌آباد غرب	هارون آباد
شاهی	علی‌آباد
شاهین دژ	صایین قلعه
شهداد	خبیص
شهرکرد	ده‌کرد
شهرضا	قمشه
شهریار	علیشاه عوض
فردوس	تون
قم	کلندان
قوچان	خبوشان
کاشمر	ترشیز
کرمان	گواشیر
گرگان	استرآباد
گلشن	طبس
گنبدکاووس	دشت گرگان
مشیز	بردسیر
ملایر	دولت‌آباد
مهاباد	ساوجبلاغ مکری
مهران	منصورآباد پشتکوه
میانه	میانج
نور	سولده
نوشهر	حبیب‌آباد
نیکشهر	قصرقند
هشترود	سراسکندر
همدان	اکباتان

بنادر ایران

آبادان	خلیج فارس
آستارا	دریای خزر
بابلسر	دریای خزر
بوشهر	خلیج فارس
بهشهر	دریای خزر
پهلوی	دریای خزر
جاسک	دریای عمان
چالوس	دریای خزر
چاه‌بهار	دریای عمان
خارک	خلیج فارس
خرمشهر	خلیج فارس
خمیر	خلیج فارس
دیلم	خلیج فارس
رامسر	دریای خزر
رضوانده	دریای خزر
رودسر	دریای خزر
ریگ	خلیج فارس
شاه	دریای خزر
شاهپور	خلیج فارس
شهسوار	بحر خزر
طاهری	خلیج فارس
عباس	خلیج فارس
عسلویه	خلیج فارس
غازیان	دریای خزر
کنگان	خلیج فارس
گز	دریای خزر
گمیشان	دریای‌خزر
گناوه	خلیج فارس
گواتر	دریای عمان
لنگه	خلیج فارس
معشور	خلیج فارس
مغو	خلیج فارس
منامه(بحرین)	خلیج فارس
مینو	خلیج فارس
نخیلو	دریای‌خزر
نور	دریای خزر
نوشهر	دریای خزر
هندیجان	خلیج فارس

فاصله شهرها از تهران

نام شهر	شهرهای بین‌راه	فاصله به‌کیلومتر
آبادان	بروجرد، اهواز، خرمشهر	۱۰۷۳
آباده	قم، دلیجان، اصفهان	۶۲۴
آستارا	قزوین، رشت	۵۰۰
آستانه	کرج، چالوس، رودسر، لاهیجان	۳۴۷
آغاجاری	آغاجاری، تهران	۱۳۹۴
آمل	شاهی، بابل	۳۰۰
ابهر	قزوین	۲۲۵
اراک	قم	۲۸۳
اردبیل	قزوین، رشت، آستارا	۵۶۵
اردبیل	میانه، بستان‌آباد، سراب	۷۲۷
اردستان	کاشان، نطنز	۳۹۳
اردکان	کاشان، اردستان	۶۰۹
اسدآباد	قزوین، همدان	۴۲۲
اسکو	تبریز	۶۶۶
اصطهبانات	شیراز، فسا	۱۱۴۲
اصفهان	قم، دلیجان	۴۲۰
اقلید	آباده	۶۶۲
الیگودرز	اراک، ازنا	۴۰۸
انارک	کاشان، اردستان، نائین	۵۶۵
اهر	تبریز	۷۲۳
اهواز	اراک، خرم‌آباد	۹۳۷
اهواز	باراه‌آهن	۸۱۹
ایلام	قزوین، همدان، کرمانشاه	۷۵۶
بابل	شاهی	۲۶۴
بابلسر	شاهی، بابل	۲۸۲
بافت	کرمان، سیرجان	۱۲۷۵
بجنورد	فیروزکوه، سبزوار، قوچان	۹۵۳
برازجان	دلیجان، اصفهان، شیراز	۱۱۳۰
بروجرد	قم، اراک، ملایر	۴۳۸
بروجن	اصفهان	۵۴۵
بم	کاشان، اردستان، یزد، کرمان	۱۲۳۷
بناب	شیراز، لار، بندرعباس	۱۶۳۳
بناب	تبریز، مراغه.	۷۷۷
بندربوشهر	دلیجان، اصفهان، شیراز	۱۱۹۷
بندرشاه	با راه‌آهن	۴۶۱
بندر شاهپور	اراک، دزفول، اهواز	۱۰۴۸
بندرشاهپور	باراه‌آهن	۹۲۸
بندرعباس	کاشان، یزد، باغین	۱۵۳۳
بندرعباس	شیراز، جهرم، لار	۱۵۲۹
بندرگز	شاهی، بهشهر	۳۵۸
بندرگز	باراه‌آهن	۴۴۲
بهار	تهران، بهار	۳۸۴
بهبهان	اراک، اهواز	۱۲۸۶
بهشهر	باراه‌آهن	۴۰۳
بیجار	قزوین، همدان	۵۲۱

نام شهر	شهرهای بین‌راه	فاصله به‌کیلومتر
بیرجند	نیشابور — سه‌راه زاهدان	۱۲۷۵
بیرجند	مشهد، تربت‌حیدریه	۱۴۱۱
پهلوی	قزوین، رشت	۳۶۴
تبریز	قزوین، زنجان	۶۲۸
تجریش	تهران، تجریش	۱۲
تربت‌جام	شاه‌تقی، سه‌راه‌سنگ‌بست، فریمان	۱۰۰۶
تربت‌حیدریه	نیشابور، سه‌راه زاهدان	۹۴۱
تربت‌حیدریه	فیروزکوه، مشهد	۱۰۷۷
تویسرکان	قم، اراک، ملایر	۴۳۵
جهرم	دلیجان، اصفهان، شیراز	۱۱۰۴
چالوس	تهران، چالوس	۱۹۳
خاش	کرمان، بم	۱۶۰۸
خرم‌آباد	اراک، ملایر، بروجرد	۵۵۳
خرمشهر	از راه‌آهن	۹۴۲
خرمشهر	بروجرد ـ اهواز	۱۰۵۵
خلخال	میانه	۵۶۲
خمام	قزوین — رشت، بندرپهلوی	۳۴۲
خمین	قم، دلیجان	۳۲۰
خوانسار	دلیجان، خمین، گلپایگان	۳۸۹
خوی	تبریز، مرند	۷۷۷
داراب	دلیجان، اصفهان، شیراز، فسا	۱۱۷۹
دامغان	باراه‌آهن	۳۶۳
دامغان	فیروزکوه، سمنان	۳۳۰
درگز	محمدآباد	۹۳۰
دزفول	اراک، بروجرد، خرم‌آباد	۸۰۶
دماوند	—	۷۲
دلیجان	قم	۲۳۹
دهخوارقان	تبریز	۶۸۳
رامهرمز	اراک، اهواز	۱۰۷۱
رشت	قزوین	۳۲۹
رشت	چالوس، لنگرود	۳۸۲
رضاییه	تبریز، خوی	۹۲۱
رفسنجان	کاشان، یزد، اردستان	۹۲۱
رودسر	چالوس، شهوله، لنگرود	۳۱۳
زابل	کرمان، بم، زاهدان	۱۷۷۷
زاهدان	کرمان، بم، کهورک	۱۵۶۱
زنجان	باراه‌آهن	۳۱۵
زنجان	قزوین	۳۱۴
ساری	باراه‌آهن	۳۵۴
ساری	شاهی	۲۵۹
ساوه	—	۱۲۹
سراب	میانه، بستان‌آباد	۶۴۰
سبزوار	فیروزکوه، سمنان	۶۶۰
سقز	قزوین، همدان، سنندج	۷۵۳
سمنان	باراه آهن	۲۲۷
سمنان	فیروزکوه	۲۱۹
سمنان	گرمسار	۲۲۴

نام شهر	شهرهای بین‌راه	فاصله به‌کیلومتر
سنگسر	فیروزکوه	۲۳۷
سنقر	کرمانشاه	۶۷۳
سنندج	قزوین ، همدان	۵۴۸
سیرجان	کاشان ، اردستان ، یزد، باغین	۱۱۷۰
شادگان	اراك ، اهواز	۱۰۵۷
شاه‌آبادغرب	همدان ، کرمانشاه	۶۲۲
شاهپور	تبریز ، خوی	۸۲۳
شاهرود	باراه‌آهن	۴۲۹
شاهرود	سمنان	۴۰۶
شاهی	باراه‌آهن	۳۳۴
شاهی	—	۲۳۸
شاهین‌دژ	تبریز، دوراه بناب ، میاندوآب	۸۵۴
شبستر	—	۶۸۸
شوشتر	اراك ، خرم‌آباد ، دزفول	۸۶۶
شهرری	—	۸
شهرری	باراه‌آهن	۱۰
شهرضا	قم ، دلیجان ، اصفهان	۵۰۱
شهرکرد	دلیجان ، اصفهان	۵۵۵
شهسوار	چالوس	۲۰۶
شیراز	قم ، دلیجان ، اصفهان	۹۰۴
شیروان	فیروزکوه،سمنان،سبزوار،قوچان	۸۷۸
صحنه	قزوین ، همدان	۴۹۲
صومعه‌سرا	قزوین ، رشت	۳۳۳
فردوس	نیشابور ، سه‌راه ، زاهدان	۱۱۶۹
فریدون‌کنار	شاهی ، بابل ، بابلسر	۲۹۴
فسا	دلیجان ، اصفهان ، شیراز	۱۰۶۸
فومن	رشت	۳۵۶
قاین	نیشابور ، سه‌راه‌زاهدان	۱۱۶۷
قاین	مشهد ، تربت‌حیدریه	۱۳۰۳
قزوین	با راه‌آهن	۱۴۵
قصرشیرین	قزوین ، همدان ، کرمانشاه	۷۳۵
قم	باراه‌آهن	۱۸۰
قم	—	۱۴۷
قوچان	فیروزکوه ، سمنان ، سبزوار	۸۱۲
کازرون	دلیجان ، اصفهان ، شیراز	۱۰۲۷
کاشان	قم	۲۵۱
کاشمر	سمنان ، مشهد ، تربت‌حیدریه	۱۱۵۵
کرج	باراه‌آهن	۳۹
کردکوی	ساری	۳۶۹
کرمان	کاشان ، اردستان	۱۰۴۴
کرمانشاه	قزوین ، همدان	۵۵۸
کرمانشاه	اراك ، ملایر ، نهاوند	۵۹۴
کرند	قزوین ، همدان ، کرمانشاه	۶۵۶
کنگاور	قزوین ، همدان	۴۶۱
گرگان	شاهی، بهشهر	۹۳۸
گرمسار	باراه‌آهن	۱۱۴
گرمسار	ایوانکی	۱۰۷
کوچصفهان	قزوین ، رشت	۳۳۴
گلپایگان	قم ، دلیجان ، خمین	۳۶۰
گناباد	نیشابور ، سه‌راه زاهدان	۱۰۶۳
گنبدکاووس	بندرشاه ، گرگان	۴۹۵
لار	اصفهان ، شیراز	۱۲۷۰
لاهیجان	چالوس ، لنگرود	۳۴۱
لاهیجان	قزوین ، رشت	۳۷۰
لنگرود	چالوس ، شهسوار	۳۲۷
لنگه	اصفهان ، شیراز ، جهرم	۱۵۷۶
محلات	قم	۲۶۱
مراغه	تبریز	۷۶۰
مرند	تبریز	۶۹۶
مسجدسلیمان	اراك ، دزفول ، شوشتر	۹۳۸
مشکین‌شهر	رشت ، آستارا ، اردبیل	۶۵۰
مشهد	گرمسار ، سمنان	۹۱۳
ملایر	قم ، اراك	۳۸۱
مهاباد	تبریز، میاندوآب	۸۴۹
میاندوآب	تبریز	۷۹۷
میانه	باراه‌آهن	۴۳۹
میانه	قزوین ، زنجان	۴۵۳
میمه	—	۶۲۰
نائین	کاشان ، نطنز ، اردستان	۴۸۹
نجف‌آباد	دلیجان	۴۴۷
نطنز	قم ، کاشان	۳۲۵
نوشهر	چالوس	۲۰۱
نهاوند	قم ، اراك ، ملایر	۴۴۶
نیریز	—	۱۱۳۲
نیشابور	گرمسار ، سمنان	۷۷۶
هشت‌پر	قزوین ، رشت ، بندرپهلوی	۴۳۷
همدان	قزوین	۳۶۸
یزد	دلیجان ، اصفهان ، نائین	۷۵۷
یزد	کاشان ، اردستان ، نائین	۶۶۷

کوههای ایران

الف ــ سلسله‌جبال البرز: ازآرارات شروع شده به‌هندوکش‌می رسد. کوههای معروف این سلسله عبارتند از :

۱ ــ کوههای آذربایجان شامل آرارات ، سهند ، سبلان وبرغوش .

۲ ــ کوههای البرز شامل ، طالش، الموت ، تخت‌سلیمان ، دماوند ، سوادکوه ، فیروزکوه ، شاه‌کوه و هزار جریب .

کوههای خراسان: شامل آلاداغ، بینالود، هزار مسجد، جغتای وجوین .

ب ــ سلسله جبال زاگروس : از آرارات شروع شده تافارس‌ادامه دارد. کوههای معروف این سلسله عبارتند از:

۱ ــ کوههای ماکو .

۲ ــ کوههای آذربایجان غربی (قطور) .

۳ ــ کوههای چهل‌چشمه .

۴ ـ کوههای پنجه علی .
۵ ـ کوههای بیستون .
۶ ـ کوههای پشتکوه .
۷ ـ کوههای پیشکوه .
۸ ـ کبیرکوه .
۹ ـ کوههای زاگروس شامل کوه‌های : الوند ، اشتران کوه ، بختیاری، زردکوه ،کیلویه ، دنا .

ج ـ سلسله جبال جنوبی: کوههای معروف این سلسله عبارتند از :
۱ ـ کوههای تنگستان .
۲ ـ کوههای بلوچستان .
۳ ـ کوههای مکران .

د ـ سلسله جبال مرکزی: کوههای معروف این سلسله عبارتند از :
۱ ـ کوههای قافلانکوه .
۲ ـ قراداغ .
۳ ـ خرقان .
۴ ـ کوه تفرش .
۵ ـ کوه شاه‌زند .
۶ ـ کوه کرکس .
۷ ـ شیرکوه .
۸ ـ کوه قهرود .
۹ ـ کوه بنان .
۱۰ ـ کوههای لاله‌زار .
۱۱ ـ کوه هزار جبال .
۱۲ ـ آتشفشان تفتان .

هـ ـ سلسله جبال شرق ایران: کوه‌های معروف آن عبارتند از :
۱ ـ کوههای خراسان .
۲ ـ کوههای بلوچستان شرقی .
۳ ـ کوههای جام .
۴ ـ کوههای باخرز .
۵ ـ کوههای پنبگان .
۶ ـ کوه بم‌پشت .
۷ ـ کوه ایرافشان .

قله های معروف ایران

نام	ارتفاع برحسب متر	موقعیت	نام	ارتفاع برحسب متر	موقعیت
آرارات	۳۹۱۶	بین ایران‌وترکیه	بینالود	۳۳۵۰	خراسان
آرنون	۲۹۰۸	کوههای مرکزی	پرو		کرمانشاه
آغوان داغ	۲۷۴۶	آذربایجان	پشته‌کوه	۳۰۲۶	دیلمان
آقداغ	۱۹۹۷	آذربایجان	پشتکوه		لرستان
آق دربند	۱۵۰۴	کوههای‌شمالی	پلنگان	۲۰۰۱	سیستان
آگواهیك	۲۳۸۱	ارتفاعات‌جنوب‌شرقی	پنج انگشت	۱۶۹۱	جنوب شرقی
آلاداغ	۲۳۵۰	خراسان	پنجه‌علی	۳۱۶۳	کردستان
آهنگران	۲۸۷۷	خراسان	پونه	۲۶۵۲	بختیاری
ابروجیلن‌بیلن	۲۳۸۱	گرگان	پیرکاوك	۷۰۷	جنوب شرقی
احمدی	۲۴۰۸	جنوب ایران	پیشکوه		لرستان
ازباغ	۱۸۶۳	جنوب شرقی	تاپال‌کوه	۲۰۳۹	گرگان
اشتران‌کوه	۴۵۰۰	محلات	تاسك	۲۹۵۶	جنوب
الغ‌کوه	۳۲۸۲	آذربایجان	تاکر	۱۷۵۳	بشاگرد
الله‌اکبر	۲۵۷۹	خراسان	تخت سلیمان	۴۸۲۳	گیلان
الوند	۳۷۴۶	همدان	تخت شاه	۴۰۵۴	بختیاری
بارز	۳۷۹۰	کرمان	تخته پوش		خراسان
باغ جلال	۲۶۱۱	سلسلهٔ مرکزی	تفتان	۳۹۶۲	مرزایران وافغانستان
بافق	۲۶۰۰	رشتهٔ مرکزی	توچال	۳۸۷۰	تهران
باقران	۲۷۱۲	قاینات	جغتای	۲۲۵۵	خراسان
باوز	۳۷۹۰	کرمان	جون‌دون	۳۴۴۴	جنوب
برده	۲۶۱۱	کردستان	جهان شورا		سوادکوه
بریك	۲۵۲۲	جنوب شرقی	چالچیان	۲۶۲۰	گرگان
بزمان	۳۹۳۵	بلوچستان	چم‌کوه	۳۵۲۹	آذربایجان
بل	۴۳۲۰	فارس	چنگ علیا	۱۶۷۴	قاینات
بم پشت	۱۷۱۴	جنوب شرقی	چوپار	۳۹۵۲	کوههای‌مرکزی
بندپی	۳۰۱۰	مازندران	چهل چشمه	۳۱۶۳	کردستان
بندنیلك شاه‌کوه	۲۵۵۴	جنوب شرقی	چهل‌دختران	۲۰۶۲	خراسان
بن‌کهر	۳۴۸۶	جنوب	چهل نابالغان	۴۵۰۰	نهاوند
بنفشه داغی	۳۱۶۳	کردستان	خاتون	۳۸۰۰	فارس
بیستون	۳۵۴۸	کرمانشاه	خارسر	۳۲۶۱	کردستان
بینار داغ	۳۳۹۴	مرز ایران وترکیه	خاکستری‌کوه	۳۲۷۷	بختیاری

نام	ارتفاع برحسب متر	موقعیت
خاله‌داغ		آذربایجان
خرقان		بین قزوین وهمدان
خرمن	۲۲۰۱	جنوب
خشکرودکوه	۳۳۴۰	بختیاری
خمك	۲۵۰۷	قاینات
جمیز پاکوه	۱۲۷۵	جنوب شرقی
خواجه	۶۰۹	زابل
خواجه سالار	۲۸۶۲	قاینات
خواجه سلیمان	۲۱۲۱	جنوب شرقی
خوش کوه	۲۵۹۱	جنوب
خونیك	۲۳۴۸	قاینات
خینگ	۲۸۵۰	سوادکوه
داشلی داغ		آذربایجان
دالامیر	۳۴۷۸	مرزایران وترکیه
دالاهو		مغرب ایران
دالو	۳۱۰۰	جنوب فارس
دامارگی	۱۷۸۰	بشاگرد
دراز	۳۶۵۵	قاینات
دربند	۲۴۳۳	ارتفاعات مرکز
درفك‌کوه	۲۷۷۰	دیلمان
دره‌پیاز	۲۹۵۴	کردستان
دستگرد	۲۲۲۰	جنوب‌شرقی
دل	۳۰۴۰	کیلویه
دلنشین	۳۵۰۰	ارسنجان
دماوند	۵۶۷۱	شمال تهران
دمبیار	۲۰۴۵	آباده
دنا	۵۲۰۰	فارس
ده‌سرو	۳۳۱۹	ارتفاعات مرکزی
رأس‌کوه	۱۷۳۰	بشاگرد
ران	۲۱۶۱	بشاگرد
رضا	۲۴۳۸	ارتفاعات‌مرکزی
رباط کوه	۳۱۰۹	بختیاری
ریمن	۱۳۹۵	بشاگرد
زاغه‌کوه	۲۸۶۵	بختیاری
زردکوه	۴۵۴۲	بختیاری
زرنه	۲۵۹۹	کردستان
زری‌کوه	۳۸۴۰	بختیاری
زنگالیان	۱۸۳۰	شمال
زنگی‌بك	۱۲۱۰	بیابان
ساروباز	۲۷۳۷	خراسان
ساربان‌کوه		گیلان
زاری داش	۲۰۸۵	آذربایجان
سبزپوش	۱۷۴۰	جنوب
سبزپوشان	۱۷۴۰	جنوب
سبزکوه		بختیاری
سبلان	۴۸۴۴	اردبیل
سحرآسمان	۳۴۹۹	مرکزی

نام	ارتفاع برحسب متر	موقعیت
سرخ‌کلات	۲۹۵۶	شیراز
سرخ‌کوه	۲۴۰۸	ارتفاعات مرکزی
سردك	۳۲۰۳	جنوب
سرسبز	۳۴۱۴	بختیاری
سرك	۲۷۱۱	جنوب شرقی
سفید	۲۸۳۳	کردستان
سفیدکوه	۳۶۵۸	گرگان
سفیدکوه		سمنان
سفیدون	۳۱۳۹	بختیاری
سگ‌کش	۲۸۰۴	مرکزی
سلطان احمد	۲۶۵۱	کردستان
سلطان‌کوه	۳۲۹۸	آذربایجان
سمام	۳۴۲۴	دیلمان
سمنان	۲۷۵۰	سوادکوه
سنبله‌کوه		کرمانشاه
سنگ رستم	۱۹۰۲	پشتکوه
سنگستان	۳۵۴۸	جنوب
سواد		مازندران
سه‌گدش‌ماهان	۳۹۹۳	مرکزی
سهند	۳۷۰۰	تبریز
سیالار	۳۴۲۴	دیلمان
سیاکوه	۱۱۸۰	قاینات
سیاه	۱۴۴۱	پشتکوه
سیاه‌کو	۱۷۰۴	جنوب
سیاهکوه	۳۰۸۰	خراسان
سیرچ	۳۹۶۲	مرکزی
شاهان	۲۳۱۹	بختیاری
شاه جهان	۳۰۹۱	خراسان
شاه بیك	۱۸۴۹	خراسان
شاهسوران		کرمان
شاهکوه	۳۷۵۰	گرگان
شاهکوه غرب		مغرب ایران
شاه‌نشین	۲۳۱۶	بختیاری
شهان	۲۵۵۸	کردستان
شهسواران	۲۰۹۸	مرکزی
شیخ معروف	۲۹۵۱	کردستان
شیرکوه	۴۰۷۵	یزد
طاق‌آشیتان	۲۲۹	قاینات
طالش	۱۹۹۹	گیلان
طالقان	۲۸۱۷	دیلمان
عسلك	۴۰۸	طالقان
علم‌کوه		(تخت سلیمان)
فورسکون	۳۲۸۰	لار
فیروزکوه		مازندران
قارون	۳۳۷۴	جنوب
قافلانکوه		آذربایجان
قبله	۳۴۹۱	مرکزی
قراداغ	۲۶۸۱	آذربایجان

نام	ارتفاع برحسب متر	موقعیت
قرق	۲۰۷۳	دیلمان
قزلق	۲۶۲۰	گرگان
قندیل‌کوه	۳۴۸۶	آذربایجان
کابوتان	۳۴۷	جنوب شرقی
کافت‌کوش	۶۵۱	جنوب شرقی
کال قاضی	۲۳۵۹	پشتکوه
کاویز	۱۶۰۸	جنوب
کبیرکوه	۲۰۶۰	لرستان
کپت داغ	۲۲۵۵	خراسان
کربوش‌کوه	۴۲۹۵	بختیاری
کرخود	۲۸۱۹	خراسان
کرکس	۴۲۱۶	کاشان
کریوه‌کوه	۲۳۱۶	بختیاری
کلات	۲۶۰۵	خراسان
کلات	۳۴۴۴	بختیاری
کلامل	۲۸۰۱	پشت‌کوه
کلایر	۴۲۹۷	جنوب
کلون‌بسته	۴۲۰۰	لار
کلهر		کرمانشاه
کرگز	۲۴۹۲	قاینات
کمیستان	۳۲۰۰	بختیاری
کوبر	۲۷۸۰	رشته‌های مرکزی
کوتوال‌داغ	۲۹۱۰	آذربایجان
کوثر	۱۶۰۸	خاورایران (مرز)
کوران داغ	۱۲۵۵	خراسان
کوساهیم	۳۴۷۲	مرکزایران
کوم	۳۲۸۶	جنوب
کهرود	۳۱۸۲	در مرکز ایران
گدار بلبل	۱۲۱۹	کوههای مرکزی
گدارخانهٔ‌سرخ	۲۵۸۸	کوههای‌مرکزی
گدارده بکری	۳۵۳۶	بارز
گدار مزار	۲۴۴۴	رشته‌های مرکزی
گران ریگ	۲۵۴۸	رشته‌های مرکزی
گراه	۳۹۲۷	جنوب
گرمز		کرمانشاه
گداسمنه	۵۹۵	بیابان

نام	ارتفاع برحسب متر	موقعیت
لاله‌زار	۴۳۷۴	کوههای مرکزی
لنگرکوه	۲۲۵۶	بختیاری
مارکش	۱۳۸۲	رفسنجان
ماسوله	۲۲۴۰	گیلان
ماکران	۲۶۱۱	کردستان
ماه‌گنی‌کوه	۲۵۰۹	کردستان
مدوار	۳۶۰۰	رشته‌های مرکزی
مشکین‌لات	۱۸۹۲	جنوب شرقی
ملوس	۳۶۵۸	رشته‌های مرکزی
ملک‌سیاه	۱۶۴۳	جنوب شرقی (مرزی)
منارکوه		جنوب ایران
مورشهیدان		آذربایجان
مؤمن‌آباد	۲۹۷۵	قاینات
مها	۱۷۲۲	بشاگرد
میان‌کوه	۱۷۱۱	کردستان
میشوداغ	۳۰۵۷	آذربایجان
میله‌کوه	۱۹۳۷	پشتکوه
نارخان‌کوه	۸۹۲	مرز شرقی ایران
نخود چال	۳۲۸۰	کردستان
نشانکوه	۳۷۰۰	آذربایجان
نصفانده	۱۷۱۶	مرز شرقی
نوخوش	۲۰۸۷	جنوب شرقی
نوق (نوک)	—	—
نوک	۱۳۸۲	رفسنجان
نهرکوه	۳۱۷۰	بختیاری
نیردار	۳۹۶۵	سوادکوه
نیله‌کوه	۴۱۷۶	بختیاری
وارگانه	۳۲۱۶	رشته‌های مرکزی
هرمز	۲۸۰۴	لار
هزار	۵۰۰۰	بم
هزارچای	—	دیلمان
هزار مسجد	۳۱۶۳	خراسان
هشتاد پهلو		خرم‌آباد
هفت تنان	۴۱۰۰	بین‌اصفهان وخوزستان
یاجیلان	۲۴۰۲	آذربایجان
یاغلی	۲۲۳۹	آذربایجان

دریاچه های ایران

اورمیه.

دریاچهٔ اورمیه که در زمان رضا‌شاه پهلوی بنام دریاچهٔ رضاییه نامیده شدودر آذربایجان‌قرار دارد و ۱۲۰۰متر از سطح دریا بلندتر است.

در فصل تابستان‌سطح‌آب‌آن‌دومتر پایین می‌رود بطوریکه ۶۰۰۰کیلومتر مربع‌که مساحت دریاچه است، ۱۵۰۰ کیلومتر خشك شده ۴۵۰۰کیلومترمربع باقی می‌ماند، عمق متوسط آن ۵تا ۶ متراست و هیچیك از نقاط‌آن عمیق‌تر از ۱۵ متر نیست.

میزان املاح دریاچه ۲۳۰ درهزار وزن مخصوص آن در شهریور ماه ۱/۱۷۵ است.

بختگان.

دریاچهٔ بختگان یا دریاچهٔ نیریز، دریاچه‌ای‌است به‌طول ۱۰۰ و به‌عرض ۲۵ کیلومتر واقع در ۵۰کیلو متری شرق شیراز و بیش از ۱۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و با ترعه‌ای طبیعی به‌دریاچهٔ دیگری به‌نام نرگس(طشت) متصل می‌شود.

هنگام تابستان قطعات نمك‌برروی آن شناور است. مهمترین‌رودی که‌وارد این دریاچه می‌شود رودکر (کورش) می‌باشد.

پریشان (نامور) .

دریاچه‌ای‌است در نزدیکی کازرون به طول ۸ و به‌عرض ۳ کیلومتر که آب آن شیرین است وماهی فراوان دارد .

دریاچهٔ حسنلو .

دریاچه‌ای در نقده به‌عمق متوسط ۳ متر و وسعت نیم کیلومتر مربع .

دریاچهٔ خزر یا دریای مازندران

بحر خزر که بزرگترین دریاچهٔ جهان است ، بین دوقارهٔ آسیا و اروپا و نیز بین دو کشور ایران و روسیه‌قرار دارد . محیط آن ۶۳۸۰ کیلومتر است که‌ازاین مقدار ۹۹۲ کیلومتر جنوبیش، از رود آستارا در مغرب ، تــا خلیج حسینقلی در مشرق به ایران تعلق دارد وبقیهٔ آن که ۵۳۸۸ کیلومتر می‌باشد متعلق به‌دولت‌شوروی است . وسعت این دریا در ۱۹۳۰ ، ۴۳۶۳۴۰ کیلومتر مربع بوده است ولی در سالهای اخیر به‌علت پایین‌رفتن سطح این دریاوخشك شدن قسمتی‌ازآبهای شرقی آن‌ازوسعتش کسر گردیده و امروز ۴۲۴۳۰۰ کیلو- متر مربع مساحت دارد . این دریا را ازنظر شکل به‌سه حوضهٔ شمالی،مرکزی و جنوبی تقسیم کرده‌اند . شوری آب آن درحوضهٔ شمالی ۷/۵ در هزار ، درحوضهٔ مرکزی ۱۶ درهزار و در حوضهٔ‌جنوبی ۱۴ در هزار می‌باشد و این مقادیر نسبت به‌شوری آب اقیانوس‌ها که ۳۵ در هزار می‌باشد نسبتاً ناچیز است. بر اثر تبخیر آب در قسمت شرقی دریاچه، سطح خلیج قره بغاز نسبت به حوضهٔ مرکزی اندکی پایین‌تر است به‌طوری که آب در تمام ایام سال وارد این‌خلیج‌شده‌و تبخیر می‌گردد به‌همین دلیل شوری آب آن فوق‌العاده زیاد و در حدود ۲۰۰ در هزار است .

عمق متوسط این ۱۸۱ متر است ولی در حوضه‌های مختلف ، عمق فرق می‌کند، به‌این ترتیب که حداکثرعمق‌در حوضهٔ شمالی ۲۵ متر،درحوضهٔ مرکزی ۷۵۰ متر ودرحوضه جنوبی ۹۵۰ متر می‌باشد .

دریاچهٔ زریوار .

دریاچه‌ای در مریوان ، درسه‌کیلو- متری دژ شاهپور به‌طول ۸ و به‌عرض ۳ کیلومترو آب آن‌از چشمه‌های کف‌دریاچه تأمین می‌شود .

دریاچهٔ عمارت .

از دریاچه‌های حوضهٔ شهرستان اراك که اغلب خشك است .

طشت‌نرگس .

نام‌دریاچه‌ای‌است که‌در نزدیك‌دریاچهٔ بختگان است .

دریاچهٔ قره قشلاق.

دریاچه‌ای در مهاباد که عمق آن ۱۵ متر است و رودهایی نیز به آن می‌ریزد .

دریاچهٔ قم .

این دریاچه در مقابل جنوبی‌ترین قسمت قوس البرز واقع شده و در طرف مغرب آن الوند و در جنوبش رشته جبال مرکزی قرار گرفته است. طولش ۸۰ کیلومتر و عرض آن ۳۰ کیلومتر می‌باشد ولی این ابعاد دایماً در تغییر است و درنقشه‌های‌مختلف‌به‌اشکال‌متفاوتی ترسیم شده است .

دریاچهٔ کافتر .

دریاچه‌ای در دهستان خنکشت آباده .

دریاچهٔ گود زره .

دریاچه‌ای در سیستان که هنگام پر- آبی به‌دریاچه‌های هامون‌وهامون‌سواران متصل می‌گردد .

بهارلو .

در ۱۸ کیلومتری جنوب‌شرقی‌شیراز واقع شده و درموقع پرآبی طولش‌قریب ۵۰ و عرضش در حدود ۱۲ کیلومتر می‌باشد . واردات آن آبهای بهاره‌اطراف شیراز است .

مرداب نقده .

مردابی در نقده وجود دارد که رودخانهٔ‌گدار به‌آن می‌ریزد .

دریاچهٔ هامون .

دریاچه‌ای است در سیستان کنار دریاچه هامون‌سواران که بوسیلهٔ باتلاقی به‌نام نیزار بهم وصل می‌شود ، آب این دریاچه‌هاهنگام پرآبی‌لبریزشده به‌طرف دریاچهٔ گودزره جریان‌می‌یابند . رودی به‌نام شلاق‌به‌این دریاچه می‌ریزد .

دریاچهٔ هامون سواران .

دریاچه‌ای درسیستان که به‌وسیلهٔ باتلاقی به‌نام نیزار به دریاچهٔ هامون متصل‌می‌شود .

دریاچهٔ یادگارلو .

دریاچه‌ای در نقده به‌عمق متوسط یك‌متر و مساحت تقریبی ۶۰۰/۰۰۰ متر مربع .

باتلاقها و مردابهای ایران

باتلاق نمك.

باتلاقی در کویر نمك .

باتلاق‌کویربافق .

در مشرق‌یزدواقع‌شده ومعروفترین واردات آن : شوراب- نمکی ورودشور است .

باتلاق‌کویر نمك رفسنجان .

در مغرب سعیدآباد واقع شده از اطراف رودهای کوچکی به‌آن می‌ریزد که مهمترین‌آنها رود مارون، رودتنگه، رود سرخ است .

باتلاق جزموریان .

در جنوب‌کوه شاهسواران‌واقع‌شده از اطراف رودهایی به‌آن می‌ریــزد کــه مهمترین آنها هلیل رود و رود بمپور است .

مرداب انزلی .

پهنهٔ آرام‌آب‌شیرین(به‌طول‌حدود ۳۲ کیلومتر وعرض در حدود ۱۱ کیلو- متر) در شمال گیلان ، در جنوب غربی دریای‌خزر که به‌وسیلهٔ دو زبانه ازدریای خزر جدا وبه‌وسیلهٔ تنگه‌ای (به‌طول در حدود ۸ کیلومتر) با آن مرتبط است . مدخل‌مرداب دارای دوموج شکن است عمق آن کم است ، تمام نقاطش قــابل کشتیرانی نیست . اطرافش نیزار است صیدماهی درآن رایج و ماهی سفیدش معروف‌است. رسوبات رودهایی که به‌آن می‌ریزند به‌تدریج از وسعت آن‌می‌کاهند. بندر غازیان وبندر پهلوی(سابقاً‌انزلی) در دو طرف آن قرار دارد .

مرداب سهل‌آباد .

مردابی درسهل‌آباد بیرجند که از آب رودخانهٔ سهل‌آباد تشکیل‌می‌شود .

مرداب گاوخونی .

مردابی درحوضهٔ‌اصفهان درانتهای دهستان رودشت به‌طول ۶ و به‌عرض ۵ هزار گز ، زاینده رود به این مرداب می‌ریزد .

جزایر ایران

آبسگون .

در جنوب شرقی **دریای خزر** و سلطان محمد خوارزمشاه درآن‌جان ــ سپرد ، این‌جزیره‌تا گرگان ۲۴ فرسنگ فاصله داشته ،امروزه این جزیره‌درآب فرو رفته است .

آرزو .

جزیرهٔ کوچکی به‌مساحت ۳۶ کیلو- متر مربع در دریاچهٔ رضاییه .

آشوراده .

شامل سه جزیرهٔ کوچك درمدخل خلیج گرگان در دریای‌خزر .

ابوموسی .

جزیره‌ای به‌طول ۴/۵ وعرض ۵/۴ کیلومتر ، در خلیج فارس‌که در فاصلهٔ ۶۷ کیلومتر بندر لنگه قرار گرفته و معدن خاك سرخ دارد و اهالی‌آن بــه کارصید ماهی و مروارید مشغولند .

اشك داغی .

جزیره‌ای به‌طول ۱۸ و به عرض ۶ کیلومتر در دریاچهٔ رضاییه .

ام‌نعان .

یکی از جزایــر مجمع الجزایر بحرین (استان سیزدهم)درخلیج فارس.

مجمع‌الجزایر بحرین .

شامل عدهٔ زیادی جزایر بزرگ و کوچك ، درقسمت جنوبی‌خلیج فارس واقع شده و مرکزآن منامه‌است‌وایالت سیزدهم ایران است .

تنب بزرگ .

در ۲۷ کیلو متری جنوب جزیرهٔ قشم درخلیج فارس .

تنب کوچك .

جزیرهٔ کوچکی در ۱۴/۲ کیلو- متری مغرب تنب بزرگ درخلیج‌فارس واقع شده است .

خارك .

جزیره‌ای به‌طول ۱۰ کیلومتر و به عرض ۵ کیلومتر در **خلیج‌فارس** که ۳۷ کیلومتر از ساحل فاصله دارد ، فعــلا دومین بندر صدور نفت ایران است ، در این جزیره آثاری از تمدن باستان دیده می‌شود .

خارکو .

جزیره ای در شمال شرقی جزیرهٔ خارك بــه فاصلهٔ ۳۲ کیلومتری ساحل و بندر ریگ درخلیج فارس‌قراردارد .

ستره .

ازمجمع‌الجزایر بحرین در خلیج فارس .

سیری .

از جزایرخلیج فارس .

شاهی .

ازجزایر کوچك دریاچهٔ رضاییه.

شیخ شعیب .

جزیره‌ای درخلیج‌فارس به‌طول ۱۲ کیلومتر و به عرض ۵ کیلومترکه قریب ۸۰۰ نفر سکنه دارد که اغلب به صید ماهی‌مشغولند . و این‌جزیره تا بندرلنگه ۸ میل فاصله دارد .

فرور .

جزیره‌ای در خلیج فارس‌که محل صید مروارید است .

قشم .

بــزرگترین جزیرهٔ **خلیج فارس** به‌طول ۱۰۷ وعرض ۱۸ کیلومترومرکز آن قشم است و دارای ۲۰ قریهٔ دیگر است و معدن‌آهن دارد . این جزیره تا بندرعباس ۱۸ کیلومتر فاصله دارد ودر حدود ۲۳ هزار نفر جمعیت دارد.

کیش .

از جزایر خلیج فارس ، متعلق به ایران به‌طول ۱۵ و به عرض ۸ کیلومتر که تاساحل ۱۸ کیلومتر فاصله دارد .

لارك .

از جــزایر ایران درخلیج فارس به طول ۱۱ و به عرض ۷ کیلومتر و در حدود ۶۰ خانوار در آن زندگی می- کنند .

جزیرهٔ لاوان .

جزیرهٔ شیخ شعیب رابه‌بینید.

محرق .

ازجزایر خلیج فارس جزء مجمع- الجزایر بحرین ومتعلق به‌ایران است.

میانکاله .

ازجزایر دریای خــزرکه به علت خشك شدن دریا به شبه جزیره‌تبدیل‌شده است .

هرمز .

جزیره‌ای در خلیج فارس به وسعت ۳۷ کیلومتر و نیم‌که سابقاً آبادترو پر- جمعیت بوده است ، آثار باستانی آن حکایتی ازتمدن پیشین‌آن است .

هندورابی .

ازجزایر خلیج فارس‌که به‌طول ۹ و به عرض ۴ کیلومتراست .

هنگام .

از جزایر خلیج فارس نــزدیك جزیرهٔ قشم .

حوزهٔ خلیج فارس .

اهرم رود .
بهمن شیر .
تاب، رود .
دالکی ، رود .
شش‌پیر ، رود .
شط‌العرب .
شور ، رود .
فاریاب .
کارون ، رود
گاماسب .
مند ، رود .
میناب ، رود .
مهران ، رود .
تابند ، رود .
هندیجان ، رود .

دریاچهٔ هامون

خاش رود .
قرا رود .
هار رود .

رودهای مرزی و رود هایی که سرچشمهٔ آنها داخلی و مصب آنها خارج ویا بالعکس است .

آستارا ، مرز ایران و شوروی ، بین‌طالش ایران و طالش شوروی .

اترك ، رود، مرز ایران وشوروی در قلعهٔ جات .

ارس ، رود ، سرحد ایــران و شوروی .

بالها رود . این‌رود ، در دریاچهٔ **محمودچاله** درآذربایجان‌شوروی می- ریزد .

چنگوله ، رود ، سرچشمهٔ این‌رود در ایران و وارد خاك عراق می‌شود .

حلوان رود ، از کوههای سیاهانهٔ ایران سرچشمه گرفته وارد خاك عراق

می‌شود .

دیاله ، ازکرمانشاهان سرچشمه‌می‌ـ گیرد ، در نزدیکی بغداد وارد دجله می‌شود .

ایدآقچای ؛ قسمتی از مرز ایران و شوروی بوده و به دریای خزر می‌ـ ریزد .

زاب صغیر ، از شمال غربی ایران سرچشمه می‌گیرد و درخاك عراق وارد دجله می‌شود .

زاب‌کبیر ، از ایران سر چشمه گرفته نزدیك موصل وارد دجله می‌ـ شود .

زنگالو رود ، از خاك‌شوروی‌وارد ایران می‌شود .

ژاوه رود ، از ایران خارج‌می‌ـ شود .

ساری‌سو ، ازکشور ترکیه نزدیك مرز بازرگان وارد ایران می‌شود .

قزلجه ، ازکـوههای هزار ماله سرچشمه می‌گیرد وواردخاك عراق‌می‌ـ شود .

قوره‌تو ، از ایران سرچشمه گرفته و از تنگ‌حمام وارد خاك عراق می‌شود .

کاوی ، از کبیـرکوه ایـران سرچشمه‌گرفته وواردخاك عراق‌می‌شود.

کنجان چهر ، از کبیر کـوه در ایران سرچشمه گرفته وارد کشور عراق می‌شود .

میوات، رود.ازکبیرکوه درایران سرچشمه‌گرفته وارد خاك‌عراق می‌شود.

هریرود، ازافغانستان واردایران می‌شود ودر لقمان بامرز ایران‌وشوروی است .

هیرمند ، رود ، ازکوههای کابل سرچشمه گرفته و مرز ایران وشوروی است و به دریاچهٔ هامون می‌ریزد .

دریاچهٔ رضاییه

باراندوز،رود .
بر کشلو،رود .
بلوار ، رود ،
تلخه ، رود .
دهخوارقان ،
زرینه ، رود .
سیمینه ، رود .
شهری ، رود .
صافی ، رود .
قادر ، رود .
مهاباد ، رود .
نازلو ، رود .

باتلاق جزموریان

بمپور ، رود .
هلیل ، رود .

دریاچهٔ بختگان

کر ، رود .

رودهایی‌که به دریای خزرمی‌ریزند.

آستارا ، رود .
اترك ، رود .
ارس ، رود .
بابل ، رود .
بالها، رود .
پلرود ، رود .
بیربازار ، رود ،
تالار ، رود .
تجن ، رود .
ترك ، رود .
تیرم ، رود .
جاف ، رود .
چالوس ، رود .
حسن ، رود .
خطبه‌سرا ، رود .
دنیاچال ، رود .
ریدآقچای .
فرانوس ، رود .
سجا ، رود .
سرحد چای .
سرداب رود .
سفید،رود .
سوبار،رود .
سه‌هزار،رود .
شاندرمن، رود.
شفا،رود .
شلمان رود.
صفا،رود .
قره‌سو ، رود .
کیا، رود .
گرگان،رود .
گرگ،رود .
لنگرود، رود .
میخسار، رود.
ناو رود .
نسارود .
نشتا رود .
نیکا ، رود .
ولمرا ، رود .
ویکاسرا،رود .
هره‌دشت،رود .
هزار ، رود .

دریاچهٔ قم

حبه رود .
جاجرود .
زرین رود .
قم رود .
کرج رود .

باتلاقهای دورق

جراحی ، رود .

دریاچهٔ باختر

شادکام‌رود .

دریاچهٔ مهارلو

قره‌باغ، رود .

مرداب گاوخونی زاینده رود.

زاینده رود .

باتلاق نمك

کاشور ، رود .
کالیمور ، رودشومبار .

رودخانه های ایران

آبدیز .

یکی‌از شعب رود خانهٔ کارون در شمال خوزستان است‌که پلی بادهانهٔ ۶۰ متری دارد .

آبشوران .

ازرودهای حوضهٔ‌کرمانشاه .

آجی‌چای .

تلخه رود را به‌بینید .

آستارا .

رودخـانه‌ای مرزی ، بین طالش ایران و طالش شوروی و بنادرآستارای ایران وشوروی را از هم جدا می‌کند و به **دریای‌خزر** می‌ریزد .

آستانه .

قره‌چای رابه‌بینید .

آغ‌چای .

رودی در خوی‌کـه به رود **ارس** می‌ریزد .

آوارلی .

رودی در **مشکین شهر** .

آوج رود .

رودی در حوضهٔ **قزوین** .

رودخانهٔ**آیدوغموش** .

از رودهای مراغه و میانه .

ابهررود .

ازکوههای سلطانیه سرچشمه گرفته به**خررود** می‌پیوندد .

رود اترك .

ازلاله رویان سرچشمه گرفته به‌طول ۵۰۰ کیلومتر که درقلعهٔ چات‌مرزایران و شوروی رود سوبار بـه آن پیوسته ، وارد **بحرخزر** می‌شود .

رود ارس .

به‌طول تقریبی ۸۰۰ کیلومتر ازکوه **هزار برگه** در جنوب ارز روم‌سرچشمه گرفته قسمتی ازسرحد ایران و شوروی را تشکیل می دهد و در حوالی **خلیج قزل‌آقاج** وارد بحرخزر می‌شود .

ارم رود .

از رودهای شهرستان ساری‌که با **زادمرود** پیوسته بعد ازطی مسافتی بـا رودخانهٔ تجن متحد می‌شود .

اشك رود .

رودی درساری .

رودالقنا .

ازآبادی های‌فرخلارسرچشمه می‌ـ گیرد و پس از طی۴۲کیلومتر به رود **ارس** می‌رسد .

الوند رود .

حلوان را به‌بینید .

رود **الیگودرز .**

ازکوه زمزم سرچشمه می‌گیرد .

رود امیرعمران .

رودی در سنقر که به **گاورود** وارد می‌شود .

رود انار .

ازرودهای رفسنجان .

انار بار .

قهرود رابه‌بینید .

انار چای .

ازرودهای مشکین‌شهر .

اورمیه رود .

شهری رود را به‌بینید .

رود اوپلا .

از رودهای بندر پهلوی .

اوغان رود .

ازکوههای البرز (دانیال) سر ـ چشمه می‌گیرد، به‌رودخانهٔ **گرگان** می‌ـ پیوندد .

اهر رود .

ازکوههای **پیر شفاء** سرچشمه‌می‌ـ گیرد وپس از طی ۲۴۰/۲ کیلومتر و پیوستن به **قره‌سو** بالاخره به رود**ارس** می‌ریزد .

رود اهرم .

رودی‌که ازکوههای**فاریاب**سرچشمه گرفته وبه **خلیج‌فارس** می‌ریزد .

ایجرود .

ازدره‌های اطراف زنجان سرچشمه گرفته به**قزل اوزون** می‌ریزد.

رود ایزدخواست .

رودی در**آباده**که ازکوه مروارید سرچشمه می‌گیرد بعد از طی۴کیلومتر آب‌آن پخش می‌شود .

ایو اوغلی .

از رودهایی‌کـه در **خوی** جریان دارد .

رود **بابا امان .**

رودی در**بجنورد**که‌از اتحادرود‌ـ های ؛ مهنان ، چرمغان، عین‌اللطیف و داغ‌بورسی‌به‌وجودآمده‌وبه**اترك** می‌ریزد.

باباکوهی .

از رودهای لاهیجان .

بابلرود .

طولش ۷۸ کیلومتر است وازسواد‌ـ **کوه** سرچشمه گرفته در بابلسربه‌دریای خزر می‌ریزد .

باراندوز رود .

ازکوههای‌مرزی سرچشمه‌می‌گیرد به دریاچهٔ **رضاییه** می‌ریزد .

بازار زوار .

از رودهای قزوین .

رود باغشاه .

ازکوههای **توده زن** و **شیخ‌میری** سرچشمه می‌گیرد و در بروجرد جاری است .

بالاجاده .

از رودهای گرگان .

بالارود .

از شعبات گرماب‌رود در ساری.

بالیقلو چای

از رودهای اردبیل .

بالها رود .

رودی که از کـوههای **اجارود** آذربایجان سرچشمه‌می‌گیرد و درددریاچهٔ **محمود چاله** در آذربایجـان شوروی می‌ریزد .

برکشلو (شهرچار)

از رودهای شهررضاییه که‌به‌دریاچهٔ رضاییه‌می‌ریزد .

بزینه‌رود .

ازکوه خرقان سرچشمه گرفته به **قزل‌اوزون** می‌پیوندد .

رودبشار .

از جنوب شرقی **ایج** سرچشمه‌گرفته به‌نام **رودبال** به‌داراب می‌رسد.

رودبمپور .

رودی‌که از شرق ایران، ارتفاعات دامین سرچشمه می‌گیرد و بـه‌باتـلاق جزموریان درکرمان می‌ریزد .

رود بندبیهود .

رودی دربیرجند .

رود بوانات .

رودی‌که ازکوه قبر سفید سرچشمه گرفته ودر حومهٔ آباده پخش‌می‌گردد .

بوقچیل‌چای .

از رودهای اردبیل .

رودبهمن شیر .

از رود کارون سرچشمه‌گرفته وبه **خلیج‌فارس** می‌ریزد .

رودبید .

از رودهای اسفراین است .

رودپسیخان .

از رودهای فومن .

رودپشو .

ازکوههای**بشرویه**سرچشمه می‌گیرد و در**فردوس** جریان دارد .

رودپشو .

از سلیمان سرچشمه مـی‌گیرد در **سراب** جریان دارد .

پله رود .

از شعبات **گرماب** رود درساری.

پلرود (رود بزرگ) .

از رودهای رودسرکه ازکـوههای **اشکور** سرچشمه می‌گیرد وبه‌دریای‌خزر می‌ریزد .

پلنگ‌آبرود .

از رودخانه‌های شهسوار .

پلنگ‌رود .

از رودخانه‌های صومعه‌سرا .

پلوار .

رودی است‌که از حـوالـی ده‌بید سرچشمه‌گرفته از شمال به‌جنوب‌جـاری می‌گردد از مشرق مرغاب و مغرب‌مشهد مادر سلیمان عبورکرده و درجنوب‌غربی خرابه‌های استخر به‌کامفیروز یاکرمتصل شده ازبند امیر گذشته از مغرب وارد

دریاچهٔ **بختگان** می‌شود.
پلی‌چشمه .
از رودهای گنبدکاووس که به رود **ساری‌سور** می‌پیوندد .
پیر بازار رود .
رودی در حومهٔ بندر پهلوی .
تاب‌رود .
رودی که ازکهکیلویه (مغرب‌فارس) سرچشمه می‌گیرد و در نزدیکی هندیان به **خلیج فارس** می‌ریزد .
تاتائو .
سیمینه رود را به‌بینید .
رودخانهٔ تار .
از رودهای شهر دماوند .
رودتاش .
رودی در شاهرود که سرچشمهٔ آن شاه‌کوه گرگان به‌کویر جریان‌می‌یابد.
رود تالار .
از کوههای شهمیرزاد و سوادکوه سرچشمه می‌گیرد ، طولش ۱۵۰ کیلو-متر است و به‌دریای مازندران‌می‌ریزد.
تتماج‌رود .
از رودهای کاشان است.
رودتجن .
از هزار جریب سرچشمه‌گرفته پس ازطی ۱۰۵ کیلـومتر از مشرق ساری گذشته در فرح‌آباد به‌دریای مازندران می‌ریزد .
ترك رود .
ازکوه‌میان بند سرچشمه گرفته و حومه شهسوار را مشروب کرده‌به‌دریای **مازندران** می‌ریزد .
رود تفت .
ازرودهای خشك یزدکه‌از**شیرکوه** سرچشمه می‌گیرد .
تلخه رود .
ازکوههای سبلان آذربایجان‌سر-چشمه می‌گیرد،از شمال تبریز می‌گذرد و به‌دریاچهٔ رضاییه می‌ریزد . طول آن قریب ۱۶۰ کیلومتر است و سابقاً آنرا «آجی‌چای» می‌نامیدند که‌تلخه‌رودترجمهٔ آن است .
رودتلوار .
از ارتفاعات اسفندآباد سرچشمه گرفته به **قزل‌اوزون** ملحق‌می‌شود .
تمیشان‌رود .
از رودهای شهرنور مازندران.
تنیان رود .
از رودهای صومعه‌سرا .

توشاجوب .
از نهرهای انشعابی سفیدرود.
تیرم‌رود .
ازکوههای‌البرز (میان‌بند) سرچشمه گرفته‌در حومهٔ‌شهسوار به‌دریای**مازندران** می‌ریزد .
جاجرود .
از دامنهٔ‌کوههای شمالی شمیران و **کلون‌بسته** سرچشمه مـی‌گیرد و پس از عبور از لواسانات به‌طرف جلگهٔ ورامین ازسمت شرقی تهران جاری‌می‌گردد . و هروقت‌آب آن زیادشود به‌رودخانهٔ‌کرج در ورامین می‌پیوندد .
رودجام .
از شمال **بندفریمان** ، **بالا جام** و **میان‌جام** سرچشمه گرفته و به**هریرود** می‌ریزد .
رودجراحی .
از مرتفعات شرقی خوزستان سر-چشمه می‌گیرد ومرکب از دوشعبه است شعبه شمالی و شعبهٔ‌شرقی . این‌دوشعبه‌در **کلات شیخ** باهم متصل شده به‌اسم‌جراحی نامیده می‌شود و به‌باتلاقهای **دورق** یا **فلاحیه** می‌ریزد .
جزولی .
از رودهای‌گرگان که‌به**قره‌سو**می-پیوندد .
جغتوچای .
زرینه رود را به‌بینید .
رود حنا .
از رودهای **سمیرم** که‌به زاینده‌رود می‌ریزد .
جهق .
از رودهای شهرکاشان است .
جاف‌رود .
از رودهای **هشتپر** که ازکوههای البرز سرچشمه‌می‌گیرد وبه **دریای‌خزر** می‌ریزد .
چاك‌رود .
ازکوههای دیلمان ودره‌های شاهی جان سرچشمه‌گرفته‌درمحل‌سی‌پل‌باپلرود یکی می‌شود .
چالك رود .
ازکوههای البرز سرچشمه گرفته‌و آبادی گلیجان را مشروب می‌سازد .
رود چالوس .
ازگردنهٔ‌کندوان سرچشمه می‌گیرد به‌چند رودمی‌پیوندد وطولش ۸۰ کیلو-

متر بوده و شعب آن **زانوس و میخساز** است .
رودچاولکان .
از رودهای معتبر **مریوان** است .
رودچای .
از سبلان سرچشمه‌می‌گیرد به**قره‌سو** می‌ریزد .
چای‌کله‌مره .
از رودهای‌میانه .
رودچرمغان .
رودی‌که از **آلاداغ** سرچشمه‌گرفته به‌رود **باباامان** می‌ریزد .
چقر رود
از رودهای‌گرگان .
رود چنا .
از سبلان‌سرچشمه‌می‌گیردو به**قره‌سو** می‌ریزد .
رود **چنگوله** .
رودی‌که در **ایلام** جـاری است و از**کوه‌کبیر**سرچشمه می‌گیرد وواردخاك عراق می‌شود .
چوبر .
از رودهای شهرستان **هشتپر**.
رود چهل چای .
ازکوه قافه(گرگان)سرچشمه‌گرفته به رود **حاجی لر** ملحق می‌شود .
رود حاجی لر .
از پیوستن دو رود ، چهل چای و نرم‌آب‌تشکیل شده واز مینودشت‌گذشته به **گرگان رود** می‌پیوندد .
حبله رود .
رودی است در استان مرکزی از فیروزکوه سرچشمه‌گرفته و قرای **خوار** را مشروب می‌سازد و شعبهٔ‌آن موسوم به نمرود و دولی‌چای می‌باشد ، وچون از قریهٔ عمارت می‌گذرد به شعبه‌هایی‌تقسیم می‌گردد و وارد دریاچهٔ قم می‌شود .
حشمت رود .
از نهرهای انشعابی سفید رود که آبادیهای لفجان ، دهشال و رودبنه را مشروب می‌سازد .
رود حصارچه .
رودی‌در **تربت‌حیدریه** که‌به**کال‌ازغنه** می‌ریزد .
حلوان رود (الوند) .
رودی در قصر شیرین‌کـه‌ازکـوه **سیاهانه**سرچشمه می‌گیردپس ازمشروب کردن **قصر شیرین** از مرزگذشته وارد

کشور عراق‌می‌شود و تا خانقین‌می‌رسد.

رود حله .

رودی دردشتستان‌که از بهم‌پیوستن دورود، **دالکی وشاپور**پدیدآمده‌است و **سدشبانکاره** روی‌آن بنا شده است.

خاش رود .

رودی در زابل‌که‌ازارتفاعات‌شمال به**دریاچهٔهامون** می‌ریزد .

رود خاکو .

از رودهای **همدان**که‌ازالوندسر- چشمه گرفته به سیمینه رود می‌پیوندد.

رود خرم‌آباد .

از ارتفاعات **سربنداراك** سرچشمه گرفته وپس از اتصال با چند رود در نهاوند به‌گاماسب می‌پیوندد .

خرم رود .

از جنوب غربی الوند سرچشمه گرفته به رود **شهاب** می‌پیوندد .

جویق .

از رودخانه‌های شهرستان**هشتپر**.

خاصه‌رود .

از رودهای‌گرگان‌که به **قره سو** می‌پیوندد .

خانقا چای .

از رودهای اردبیل .

خرا رود .

ازکوههای‌گیلان سرچشمه گرفته و در **لاهیجان** جاری است .

خرخر رود .

ازکوه دوزین (البرز) سرچشمه می‌گیرد و اطراف مینودشت را مشروب ساخته به‌**گرگان رود** می‌پیوندد .

خررود .

ازکوههای قیدار سرچشمه گرفته به رودخانهٔ‌آوج می‌پیوندد .

خشك رود .

از کوههای‌گیلان سرچشمه گرفته و در **لاهیجان** جاری است .

رودخانه خشکه .

از رودهای شهر اراك که‌فقط مواقع برف وباران آب دارد .

خطبه سرا.

ازرودهای‌هشتپرکه‌ازکوههای‌البرز سرچشمه گرفته به دریای **مازندران** می‌ریزد .

خمام رود .

از رودهای بندر پهلوی‌که ازسفید- رود منشعب شده است .

خلیل رود .

از کوههای شاه و**لاله‌زار** سرچشمه گرفته و حومهٔ سبزواران را مشروب می‌سازد .

خور خوری چای .

ازکوههای اردبیل .

رودخیرآباد .

رودی در بهبهان‌که از کوههای **چلخور** سرچشمه گرفته به رودخانهٔ **هندیجان** می‌ریزد .

خیر رود .

از رودهای نوشهر است .

رود داران .

از رودهای فریدن .

رود داغ یورلی .

رودی‌که از**آلاداغ** سرچشمه‌گرفته به رود **باباامان** می‌ریزد .

دالکی .

رودی‌است درمغرب‌فارس‌که‌ازدشت **ارژن** سرچشمه گرفته به خلیج فارس می‌ریزد ، و دارای دو شعبهٔ مهم است : یکی شعبهٔ‌اصلی‌موسوم به دالکی‌درمشرق ودیگری بنام**شاپور**درشمال‌که درکولال به هم رسیده وبه دریا می‌ریزند .

رودخانهٔ درجزین .

ازکوه خرقان سرچشمه گرفته به **قره‌چای** می‌پیوندد .

رود درونگر .

ازکوههای **امامقلی و شمخال**سر- چشمه می‌گیرد وحومهٔ درگز را مشروب می‌سازد .

رودخانهٔ دره .

رودی در **سنقر** که وارد **گاورود** می‌شود .

رود دره‌چوگان .

رودی در **سنقر**که وارد **گاو رود** می‌شود .

رود درهٔ چومله وخسروآباد.

رودی در **سنقر**که به**گاورود**وارد می‌شود .

رود دره میخوان و ورمغان .

رودی در**سنقر**که‌به **گاورود** وارد می‌شود .

روددرهٔ‌کرسورن.

رودی در **سنقر** که وارد **گاورود** می‌شود .

روددرهٔ مرادبیگ.

از **الوند** سرچشمه گرفته **به‌خاکو** می‌پیوندد .

دز رود .

رودی‌که منشأ آن دزفول وکوههای لرستان است‌وارداهواز شده‌به‌رود**شطیط و کارون** می‌پیوندد .

رودخانهٔ دستریه .

از رودهای شهر تفرش است.

رودخانهٔ دمق .

از ارتفاعات **خدابنده** سرچشمه گرفته به **سیمینه رود** می‌پیوندد .

دلیچای .

از رودهای قزوین .

رود دوزال .

از ارتفاعات **آق داغ و جلاداغ** سرچشمه می‌گیرد پس ازطی۷۰کیلومتر راه به رودخانهٔ ارس می‌پیوندد .

رود ده‌بالا

رودی‌در یزدکه‌از**شیرکوه**سرچشمه می‌گیرد .

دهخوارقان رود .

رودی‌است‌به‌طول۴۰۰کیلومترکه‌از کوه **سهند**سرچشمه‌می‌گیرد واز**آذرشهر** گذشته وارددریاچهٔ اورمیه می‌شود .آب آن درزراعت‌مورداستفاده‌قرار می‌گیرد.

دهنار .

از رودهای شهر**کاشان** است .

رود دهنهٔ راویز .

از رودهای **رفسنجان** .

دیاله .

سرچشمه‌های آن ازکرمانشاهان و کردستان بوده و در جنوب شرقی‌بغداد به دجله می‌ریزد ، بخشی ازآن**سیروان** نام دارد .

دیناچال رود .

از رودهای **هشتپر**که از کوههای البرز سرچشمه‌گرفته به **دریای خزر** می‌ریزد .

رودخانهٔ رامهرمز .

رودی‌که در رامهرمز جریان‌دارد و به رودخانهٔ مارون می‌پیوندد .

روضه‌چای .

از رودهای شهر رضاییه .

ریدآقچای .

از رودهای مرزی ایران وشوروی درآستاراکه به‌دریای**مازندران**می‌ریزد.

زاب صغیر .

یکی از رودهایی که از ناحیهٔ **اورامان** و شمال غربی ایران سرچشمه می‌گیرد درخاك عراق به‌دجله می‌پیوندد

طول این به ۴۰۰ کیلومترمی‌رسد (این روددر ایران بنام‌سرشت معروف‌است).
زاب‌کبیر .
یکی ازرودهایی‌که از جنوب‌شرقی ترکیه و شمال عراق و از بین دریاچهٔ اورمیه ووان‌سرچشمه می‌گیرد ونزدیك موصل به دجله می‌ریزد . طول این رود به ۳۹۲ کیلومتر می‌رسد .
زارمرود .
از رودهای شهرستان ساری که از **کوه‌چنگی** سرچشمه مــی‌گــیرد پس از پیوستن با **ارم رود** به رودخــانهٔ **تجن** می‌پیوندد .
زانوس .
از رودهای **نوشهر** .
زاینده رود .
از دامنهٔ شرقی زردکوه بختیاری مقــابل سرچشمهٔ‌کارون سرچشمه می‌گیرد و شعب‌دیگر آن‌از **فریدن وچهار محال** می‌آیند . پس از مشروب کــردن خاك **اصفهان** وعبور از جنوب شهر درباتلاق گاوخونی فرو می‌رود . از حیث‌استفادهٔ زراعتی‌مهمترین‌رودایران‌است وافزایش آب‌آن به‌وسیلهٔ حفر تونل «کوهرنگ» (زردکوه‌بختیاری)درحاصلخیزی‌اصفهان بسیار مؤثراست .در جنوب شهر اصفهان پلهای متعددی در زمان صفویه به روی آن‌بسته شده‌است‌که‌با وجودگذشت زمان **پل‌خواجو و سی وسه پل** هنوز مــورد استفادهٔ عموم است .
زرین دره .
ازکوههای مرزی شینطال سرچشمه می‌گیرد وبه رودخانهٔ **زولا** می‌ریزد.
زرین رود یا قره‌سو .
از اتصال رودهایی‌که ازکــوههای مرکزی ایران سرچشمه می‌گیرد ووارد دریاچهٔ‌قم (حوض سلطان) می‌شود.رود— خانهٔ قم نیز از شعب‌آن می‌باشد .
زرینه‌رود .
سابقاً «جغتو چای» می‌نامیــدند و قریب ۲۴۰ کیلومتر طــول دارد و از کوههای چهل چشمهٔ کردستان سرچشمه می‌گیرد . پس از گــذشتن از جــلگهٔ میاندوآب‌درجنوب دریاچهٔ رضاییه وارد آن‌می‌شود وآب‌آن‌برخلاف همهٔ‌رودهایی که وارددریاچهٔ مذکور می‌شوند،شیرین می‌باشد .

رود زرین‌گل .
ازکوه ایر سرچشمه گرفته به **قره— سو** ملحق می‌شود .
زنجانرود .
ازکوههای اطراف سلطانیه سر— چشمه‌گرفته به **قزل‌اوزون** می‌ریزد .
زایندرود .
ازشعبات **گرماب** رود در ساری .
رود زنگالو .
ازرودهای درگزکه **ازهزارمسجد** سرچشمه می‌گیرد وازخاك شوروی وارد ایران‌می‌شود .
زنگمار .
ماکوچای رابه‌بینید .
زواردشت .
از رودهای‌گرگان .
زولا رود .
ازکوههای مرزی شپیران سرچشمه می‌گیرد و در**شاهپور** جاری‌است .
رودزهره .
از رودهای خرمشهر .
زیلان‌رود .
از رودهای گرگان‌که به **قره‌سو** می‌پیوندد .
ژاوه رود .
ازالحاق دورود **،قشلاق وگاورود** تشکیل شده‌که به رود **رزاب و مریوان** پیوسته به‌نام **سیروان** ازایران خارج‌می— شود .
سار .
ازرودهای **کاشان** است .
ساری سو .
از باتلاقهای بایزیدکشور ترکیه سرچشمه گرفته و در ۵ کیلومتری مرز بازرگان وارد خاك ایران می شودوشهر **ماکو**را مشروب می‌سازد .
ساری سور .
ازکوههای**گلی‌داغ** سرچشمه‌گرفته وپس از اتحادبارودپلی‌چشمه به**گرگان‌— رود** می‌پیوندد .
رودسالار .
ازکوههای تربت**حیدریه** سرچشمه گرفته به‌رودکسگك‌می‌پیوندد .
سامان‌رود .
ازکوههای‌گیلان سرچشمه‌گرفته در لاهیجان جاری است .
سایه‌گر آسیاب جوب .
رودی‌در سنقرکه به**گاو رود**وارد می‌شود .

سجارود .
از کوههای البرز سر چشمه گرفته ودر **بابل** جاری است‌و سرانجام‌به‌دریای **خزر** می‌ریزد .
سجاس رود .
ازکوههای جنوب سلطانیه سرچشمه گرفته به**ایجررود** می‌پیوندد .
سراب .
ازرودهای‌کرمانشاه .
سربازرود .
ازرودهای**ایرانشهر** که‌ازارتفاعات **شکند** سرچشمه می‌گیرد .
سرحدچار .
ازرودهای آستارا که از کوه‌های **حاجی امیر** سر چشمه گرفته به **دریای مازندران** می‌ریزد .
رود **سرخ آباد .**
درتربت حیدریه جریان دارد .
سرداب رود .
ازکوه‌تخت سلیمان سر چشمه می— گیرد و ناحیهٔ قشلاق نوشهررا مشروب می‌سازد و به**دریای‌خزر** می‌ریزد .
رودسردارآباد .
رودی درسنقرکه به **گاورود** وارد می‌شود .
رودسرشت .
ازکوههای جنوب غربی‌آذربایجان سرچشمه می گیرد و از مرز خارج شده درخاك عراق به**زاب‌صغیر** معروف است.
سفیدرود (قزل‌اوزون).
ازکوه چهل‌چشمهٔ‌کردستان‌سرچشمه می‌گیرد . این‌کوه ۷۸۰ کیلومتر طول دارد و شعب مهمش قرانقو ، میانه و هشترود هستند و این‌رود خانه به‌دریای مازندران می‌ریزد .
سلین رود .
ازسلسلهٔ البرز سر چشمه می‌گیرد و پس‌از الحاق بارودهای مختلف و طی ۴۵ کیلومتر به**ارس** می پیوندد .
رودخانهٔ **سهل‌آباد .**
رودی‌که **فقط** چندماه در **بیرجند** جریان دارد و مردابی‌تشکیل می‌دهد.
رود سه‌هزار .
از **سلیم‌بار کندوان**سرچشمه می— گیرد و پس‌از مشروب نمودن شهسواربه دریای مازندران وارد می‌شود .
سیارود .
از رودهای‌شهر شاهی .

سیارودخان .
ازرود خانه‌های صومعه سرا .
سیاهاب .
قره‌سوی گرگان را به بینید .
سیاهگل‌رود .
ازکوههای گیلان سرچشمه گرفته ودر لاهیجان جاری است .
سیروان رود .
رودی در **پاوه** ودریکی‌ازآبادی‌های مرز ایران و عراق جاری‌است که‌از اتصال رود های **رزاب** و **مریوان** و **ژاوه** تشکیل شده است .
سیمره رود .
گاماساب رابه بینید .
سیمینه رود (تاتائو) .
رودی در کردستان و آذربایجان غربی‌که ازکوههای سقز و بانه‌سرچشمه می‌گیرد و به دریاچهٔ رضاییه می‌ریزد .
رود سیونَد .
ازکوههای**دلانظر**وچهاردانگه‌سرچشمه گرفته‌وپس‌ازمشروب کردن،مشهدمرغاب، کمین‌و مرودشت به‌رود **کر**می‌پیوندد .
رودشاپور .
رودی دراهوازکه منشأآن چشمه‌های متعددی‌است‌که اززمین می‌جوشند.
شاخرز رود .
ازرودخانه‌های‌فومن .
رودشادکام .
از کوههای مروارید سرچشمه گرفته و به‌دریاچهٔ **کافتر** می‌ریزد .
شاندرمن رود .
ازکوههای البرز سرچشمه‌می‌گیرد و شاندرمن را مشروب می سازد و به **دریای‌خزر** می‌ریزد .
شاهرود .
رودی که‌ازکوههای‌طالش سرچشمه می‌گیرد ، پس‌از طی ۴۵ کیلومتر به **قزل اوزن** می‌پیوندد .
رودشش پیر.
ازکوههای جنوب اردکان سرچشمه می‌گیرد و درمسیر طولانی‌خود به‌نام‌های : شمس‌زیاری ، فهیلان و زهره موسوم شده به‌**خلیج فارس** می‌ریزد .
رود **شصت دره .**
رودی‌که از کوههای شمال تربت حیدریه سرچشمه گرفته به جویبارها تقسیم می‌شود .
شط‌العرب .
رود عظیمی‌که از کارون و دجله و فرات متحداً تشکیل شده و در آبادان وارد **خلیج‌فارس** می‌شود .
شفا رود .
رودخانه‌ای پی آب از شهرستان هشتپر که‌ازکوههای البرزسرچشمه گرفته به **دریای خزر** می‌ریزد .
شفعت رودخان .
از رودخانه‌های فومن .
شلمانرود .
ازرودخانه‌های‌لاهیجان که‌ازدره‌های **ناتشکو**سرچشمه می گیرد وپس‌ازپیوستن با رودخانهٔ لیل نواحی املش راآبیاری می‌کند .
شلمانرود .
از رودهای **رودسر** که **از** کوههای امام سرچشمه می‌گیرد وبه **دریای خزر** می‌ریزد .
شمرود .
ازکوههای دیلمان‌سرچشمه‌می‌گیرد و به رودهای **باباکوهی و بالارود** می‌پیوندد و حومهٔ لاهیجان را مشروب می‌سازد .
رود شمس زیاری .
رود شش‌پیر را به‌بینید .
رود شمشیر .
ازرودهای پاوه که‌از سراب‌سرچشمه می‌گیرد وبه رود **سیروان**ملحق‌می‌شود.
رود شمیل .
از رودهای بندر عباس .
رود شور .
از رودهای رفسنجان .
رود شور .
از شهرضا سرچشمه گرفته در جهرم جاری است به رود **قره‌آغاج** می‌ریزد.
رود شور .
از رودهای بندرعباس که به **خلیج فارس** می‌ریزد .
شورکال .
رودی در سبزوار که ازکوههای نیشابور سرچشمه می‌گیرد و بـه **جلگهٔ جاجرم** می‌رسد .
شومبار .
ازکوههای تقر سرچشمه می گیرد به **باتلاق نمك** فرو می‌رود .
رود خانهٔ شهاب.
ازکوههای‌شرقی وغربی چهاردولی سرچشمه گرفته و بـا **خرم رود** یکی می‌شود .
شهر چای .
برکشلو را به‌بینید .
شهری رود (اورمیه رود) .
ازکوههای‌مرزی سرچشمه‌می گیرد. و به **دریاچهٔ رضاییه** می‌ریزد .
رود شهمیرزاد .
از رودهای سمنان‌که به **گلرودبار** می‌ریزد .
شیرآب .
از رودهای هشتپر گیلان .
شیردار بن .
از رودهای گرگان .
رود شیرین چای .
از ارتفاعات‌بجنورد سرچشمه گرفته به **اترك** می‌ریزد .
شیرین رود .
رودی در ساری .
صافی رود .
ازکوههای سهند سرچشمه می گیرد وپس از مشروب کردن و عبور از مراغه وبناب به‌**دریاچهٔ رضاییه** می‌ریزد.
رودصبی .
رودی در تربت حیدریه که به رود **سالار** می‌پیوندد .
صفارود .
ازکوههای البرز سرچشمه گرفته پس از مشروب کردن رامسر به **دریای خزر** می‌ریزد .
رود صمیکان .
رودی‌که ازارتفاعات‌میمندسرچشمه گرفته به **قره‌آغاج** در جهرم می‌ریزد.
رودخانه صوفی .
ازکوههای البرز سرچشمه‌می گیرد پس از طی ۶۲ کیلومتر راه به **رودارس** می‌پیوندد .
رود صوفیان .
از رودهای سمنان‌که به‌**گلرودبار** می‌پیوندد .
صوفی چای .
از رودهای مراغه .
رود صیمره .
از سلسلهٔ دلفان سرچشمه گرفته و در **خرم‌آباد** جاری است .
طوره .
قره چای را به‌بینید .
رودعباس‌آباد .
از **رودگنجنامه** و دره‌های‌اطراف آن‌سرچشمه گرفته به‌رود**خاکو** می‌پیوندد.

۱۰۵۸

عروس و داماد .
رودی در ساری .

رود عکس رستم .
از ارتفاعات فسا سرچشمه گرفته و حومهٔ شهر را مشروب می‌سازد .

رودعین‌اللطیف .
رودی که از **آلاداغ** سرچشمه گرفته به رود **بابامان** می‌ریزد .

رودفاروب .
از رودهای نیشابورکه از **بینالود** سرچشمه گرفته است .

فرتاب .
رودی دربیرجند .

رود فرخی .
از رودهای بیرجند .

رود فرزدق .
رودی درنیشابورکه ازکوه **بینالود** سرچشمه می‌گیرد .

فرقان رود .
قره چای را به‌بینید .

فریم .
رودی‌که از اتحاد **شیرین رود و اشك رود و عروس و داماد** تشکیل شده وپس از طی ۴۰ کیلومتر راه به رودخانهٔ **تجن** می‌پیوندد .

رود فهیلان .
رود **شش پیر** را به‌بینید .

رود فیروزآباد .
از ارتفاعات سفیدار کوه **سرخ** سرچشمه‌گرفته پس‌ازطی مسیری طولانی به **قره‌آغاج** می‌ریزد .

رود (گمدار)
رودی است که در رضاییه جریان دارد وپس از طی مسیری طولانی به دریاچهٔ رضاییه می‌ریزد .

رود قبله .
از رودهای گلپایگان که ازکوههای جنوبی خوانسار سرچشمه گرفته و سدی برروی آن بنا شده‌است. این‌رود درحومهٔ قم **لعل** رود خوانده می‌شود .

قرا رود .
از رودهای **زابل** که از ارتفاعات بیرجند سرچشمه گرفته وارد دریاچهٔ **هامون** می‌شود .

قراقوچای .
از مهمترین رودخانه‌های هشترود است .

رود قرانقو .
از رودهای شهر مراغه و میانه .

قره‌آغاج .
ازکوههای‌ممسنی و **بن‌رود** درشمال دشت **ارژن** سرچشمه‌گرفته و در جهرم می‌گذرد . وبا رود **فیروز آباد** متحد شده به‌نام **رودمنه** واردشهرستان بوشهر می‌شود .

رودقره‌باغ .
ازکوههای قبله سرچشمه گرفته در دریاچهٔ **مهارلو** می‌ریزد .

قره‌چای .
رودی در اراك که‌ازکوههای سربند کزازسرچشمه‌می‌گیرد ودرمسیربه‌نامهای طوره ، نورآباد ، آستانه معروف است، و از آنجا پس ازطی مسیری طولانی به بندرساوه می‌رسد در این محل به رود فرقان مشهور است و درمحل **پل دلاك** به **قم‌رود** می‌پیوندد .

قره سو .
زرین رود را به‌بینید .

قره‌سو (سیاه‌آب) ،
ازکوههای شرقی گرگان سرچشمه گرفته درشمال **ملاقلعه** به **خلیج گرگان** می‌ریزد .

قره سو .
از باتلاقها و چشمه های **بورالان** سرچشمه می‌گیرد وقسمتی از مرزایران وترکیه را تشکیل می‌دهد سپس به رود **ارس** می‌پیوندد .

قزل‌اوزون.
ازکوههای‌کردستان و همدان سرچشمه می‌گیردواز قشلاقات و ماهنشان و قافلانکوه‌گذشته‌در میانه باچندرودخانهٔ کوچك یکی شده، پس از عبور ازطارم در نزدیکیهای پل منجیل با شاهرود پیوسته و سفید رود را تشکیل می‌دهد .

رود قزلچه .
ازکوههای **هزار ماله** سرچشمه می‌گیرد و ازمرز ایران و عراق خارج می‌شود .

رود قشلاق .
رودی در سنندج که از کوههای حسین‌آباد سرچشمه‌گرفته و به‌**رودگاو** می‌پیوندد .

قطور .
رودی‌که ازترکیه سرچشمه‌می‌گیرد و درخوی جاری است و به‌رود **ارس** می‌پیوندد .

رود قلعه .
از رودهای مراغه .

رودخانهٔ قلعه حق.
ازکوههای بابك سرچشمه می‌گیرد و در آبادی های **تربت حیدریه** پخش می شود .

قلعه رودخای .
از رودخانه های فومن .

رود **قلعه‌کرم** .
از ارتفاعات **سیلاخور** سرچشمه می‌گیرد و در بروجرد جاری است .

قلیکانرود .
از رودهای لاهیجان .

قم رود .
سرچشمهٔ این رود درکوههای گلپایگان‌است که درزمستان‌ها پرآب‌ودر تابستان‌ها کم‌آب‌است و به‌**دریاچهٔقم** می‌ریزد. این‌رود به‌نام‌های‌انار بار، لعل‌رود ولعل‌بار نیز مشهور بوده است .

قمصر رود .
از رودهای‌کاشان است .

رود **قمسر دره** .
رودی در کرمانشاه .

رودقوره تو .
رودی در قصر شیرین‌که از **تنگ‌حمام** به‌بعد مرز ایران وعراق است .

قوری چای .
ازگردنهٔ زاغه سرچشمه‌گرفته به رودخانهٔ **درآورد** می پیوندد.وسرانجام به‌**سیمینه** رود می رسد .

قهرود .
ازرود های شهرکاشان است .

کارون .
سرچشمهٔ آن زردکوه‌بختیاری‌موسوم به‌کوهرنگ است مهمترین شعبهٔ آن **دز** است‌که در**بندقیر** به‌کارون می‌ریزد .
قسمتی‌ازآب‌کارون وارد شط‌العرب می شود ، بقیه در خورموسی و خورسیلیچ و خور بهمنشیروارد **خلیج‌فارس** می‌شود .

کاری رود .
انشعابی از رود هراز در شهر بابل .

کاشور .
رودی در **گناباد**که از کوه سرخ سرچشمه‌گرفته پس‌از طی ۱۵۰ کیلومتر مسیر خود به **کویر نمك** می‌رسد .

کاظم رود .
ازرودخانه‌های شهسوار .

کاکرود .
از رودهای لاهیجان .
کال ازغنه .
رودی در **تربت حیدریه** .
کال شور .
ازرودهای سبزوار که آب آن تلخ و شور است .
رودکالیمو .
رودی که ازکوههای قوچان سرچشمه می‌گیرد و آب آن شور است ودر **باتلاق نمک** فرو می‌رود .
رود کامفیروز .
از رودهایی که نزدیك خرابه های استخر به‌رودکر می‌پیوندد .
رود کاوی .
رودی که در **ایلام** جاری است واز کبیرکوه سرچشمه می‌گیرد و واردخاك عراق می‌شود .
رودکجرود .
ازرودخانه های اهر که به‌رودخانهٔ **درآورد** می‌ریزد .
رودکجور .
ازرودهای نوشهر است .
کجرود .
ازرودهای نوشهر است .
رودکر .
ازکوههای مرکزی فارس سرچشمه می‌گیرد و وارد دریاچهٔ بختگان می‌شود وآن همانست که در شمال شیراز جریان دارد .
روی این رود خانه سدی بسته‌اند که‌معروف به **بند امیر** است واز بناهای **عضدالدولهٔ** دیلمی است کـه امروزه خراب است . همچنین سد **رامجرد** متعلق به‌دورهٔ هخامنشی است که آثارآن باقی است .
رودکرج .
ازکوههای کلون‌بسته درشمال تهران سرچشمه می‌گیرد و پس ازگذشتن از ساوجبلاغ ، شهریار ، پشاپویه به دریاچهٔ قم‌می‌ریزد . قسمتی ازآب آن را به تهـران آورده اند و برای استفادهٔ بیشتر اخیراً سدی برروی‌آن بسته‌اند .
کرخه .
سرچشمهٔ‌آن دامنهٔ جنوبی‌کوه‌الوند است .
رودکرزان .
از کوههای **سنجرزان** سرچشمه گرفته و به‌رودگاماساب می‌پیوندد .
کشف رود .
از انشعابات مهم هریرود است.
گرگان‌رود .
از رودهای پرآب‌هشتپر که‌از کوه‌های البرز سرچشمه گرفته به‌دریای **خزر** می‌ریزد .
رود کرون .
رودخانهٔ نجف‌آباد که از کـوههای داران و صالح سرچشمه مـی‌گیرد و به **زاینده رود** ملحق می‌گردد .
رودکسگك .
از رودهای بزرگ تربت‌حیدریه.
کشف رود .
رودی که‌از کوه **بینالود** چمن‌رادکان سرچشمه گرفته و به **هریرود** می‌ریزد .
کلا رود .
از رودهای بابل که کوه **میان بند** سرچشمه می‌گیرد .
کلنده‌چای .
از رودخانه‌های اردبیل .
کله‌رود .
از رودهای **کاشان** است .
کنجان چم .
رودی کـه از **کبیرکوه** سرچشمه می‌گیرد و در ایلام‌جاری است‌و به‌کشور عراق می‌رود .
کند رود .
از رودهای‌قزوین .
کنس‌رود .
از رودهای نوشهر .
کیارود .
از رودهای **رودسر** که به‌دریای **خزر** می‌ریزد .
کیلاسرا .
از رودهای هشتپر که ازکوههای البرز سرچشمه گرفته به‌دریای **خزر** می‌ریزد .
رودخانهٔ گاراژگان .
از رودهای بیرجند که‌با رودخانهٔ فدشك یکی شده و درجنگل فرومی‌رود.
گازروبار .
از رودخانه‌های فومن .
رود گاماساب (سیمره ــ کرخه).
این روداز **الوند** سرچشمه می‌گیرد و در لرستان سیمره واز «پای‌پل» به‌بعد کرخه نامیده می‌شود .
گاورود .
از رودهای حومهٔ سنقر که از درهٔ تولان و میوله سرچشمه می‌گیرد و به‌بخش مرکزی‌کرمانشاه می‌رسد .
گدار .
قادر رود را به‌بینید.
رود گردلان .
از کوه‌هزار مرگه سرچشمه‌می‌گیرد و در مریوان جاری است .
رودگردنهٔ اسدآباد .
از اسدآبادسرچشمه گرفته به **همه‌کس** می‌پیوندد .
رودگرگان .
از آلاداغ در حدود بجنورد سرچشمه می‌گیرد و درخـواجه نفس وارد خلیج‌گرگان می‌شود طولش ۳۰۰ کیلو متر است .
گرگ رود.
از کوههای میان‌بندسرچشمه گرفته و در حوضهٔ شهسوار بـه‌دریـای **خزر** می‌ریزد .
گرماب رود .
سرچشمهٔ‌آن چشمه‌های **شدرکو** بوده و پس‌ازطی ۷۵ کیلومترراه به‌رودخانهٔ **تجن** می‌پیوندد .
گل‌رود .
از نهرهای انشعابی سفیدرود .
گل‌رودبار .
رودی در سمنان‌که مورد استفادهٔ کشاورزی است .
گندمان .
از رودهای **سمیرم** که به‌زاینده‌رود می‌ریزد .
رودگودزن .
ازرودهای بیجار که‌به **قزل‌اوزون** می‌پیوندد .
رود گیوه .
از رودهای رفسنجان .
لاجیم .
رودی‌که ازکوههای‌رسکت‌سرچشمه می‌گیرد پس‌از ۳۰ کیلومتر مسافت بـه رودخانهٔ **تجن** می‌پیوندد .
لعل بار .
قم رودرا به‌بینید .
لعل‌رود .
قم رود را به‌بینید .
لمر رود .
از رودهای شهرستان هشتپر .
رودخانهٔ لنگرود .
از رودهای شهر لنگرود کـه از ارتفاعات‌البرزسرچشمه‌می‌گیردو به‌دریای‌

خزر می‌ریزد .
رودلیلان .
از رودهای مراغه .
مارون رود.
بزرگترین رود شهر بهبهان است که از **کوپرکوه** و کوه **سخت‌ده** سرچشمه گرفته در محل **قلعه شیخ** به رودخانهٔ **رامهرمز** می‌پیوندد .
ماسال رود .
از رودهای بندر پهلوی .
ماسوله‌رودخان .
از رودهای صومعه‌سرا که از کوههای **ماسوله** سرچشمه می‌گیرد .
رودماشکید.
از رودهای سراوان .
ماشلك‌رود .
از رودهای نوشهر است .
ماکوچای (زنگمار) .
از کوههای مرزی سرچشمه می‌گیرد و در حومهٔ **ماکو** جاری است ویك شعبهٔ آن به **ساری‌سو** می‌پیوندد .
ماban .
از رودهای گرگان که به **قره‌سو** می‌پیوندد .
مردق رود .
از رودهای مراغه .
مرسا رود .
از کوههای گیلان سرچشمه گرفته‌و در لاهیجان جاری است .
رود مرغاب .
از کوه‌داران سرچشمه گرفته ودر قرای اصفهان پخش می‌شود .
مزدقانچای .
از رودهای ساوه .
مسکین جمه .
از رودخانه‌های شهرستان دماوند.
مشکین‌چای .
از **سبلان** سرچشمه‌می‌گیردو به **قره‌سو** می‌ریزد .
رود مند .
از رودهای بزرگ دشتستان که از الحاق رودهای : قره‌آغاج ، فیروزآباد، شورهکان، سیمکان‌ودشت پلنگ‌پدیدآمده و به **خلیج‌فارس** می‌ریزد .
مهابادرود .
از کوههای مرزی ایران وعراق سرچشمه می‌گیرد و به **دریاچهٔ رضاییه** می‌ریزد .

رود مهجن .
از **چشمهٔزندگی** سرچشمه گرفته و درمسیر خود آبشاری به‌ارتفاع ۲۸متر تشکیل می‌دهد و واردرودخانهٔ **حصارچه** می‌شود .
رودمهنان .
رودی‌که از آلاداغ سرچشمه‌گرفته به **بابا امان** می‌ریزد .
میانکنگی .
از انشعابات رود **هیرمند** .
میدان چای .
از کوههای **عون‌بن‌علی** سرچشمه گرفته **به‌تلخه‌رود** می‌پیوندد .
رودمیوات .
رودی‌که از **کوه‌کبیر** سرچشمه‌می‌گیرد و در ایلام جاری است و وارد خاك عراق می‌شود .
میلك .
از انشعابات رود **هیرمند** .
میناب .
ازرودهای بندر عباس که‌به **خلیج فارس** می ریزد .
ناجیم‌رود .
ازشعبات **گرماب** روددرساری .
نازلورود .
از ترکیه‌سرچشمه‌می‌گیردو به‌دریاچهٔ رضاییه می‌ریزد .
ناورود .
از رودهای هشتپر که از کوههای البرز سرچشمه‌گرفته‌به **دریای خزر** می‌ریزد .
نرم‌آب .
از مارکوه سرچشمه گرفته به رود **حاجی‌لر** می‌پیوندد .
نسارود .
ازرود های شهسوار که به‌دریای **مازندران** می‌ریزد .
رود نسویون .
ازکوه سبلان سر چشمه‌گرفته ودر **سراب** جریان دارد .
نشتارود .
از رود های شهسوار که ازکوههای میان بند سرچشمه گرفته به دریای **مازندران** می‌ریزد .
نیکارود .
نیکارا به‌بینید
نمك آب‌رود .
ازرودخانه های شهسوار.

ننه کران رود .
ازرودخانه های اردبیل .
نوچمن شوریان .
از رودهای‌گرگان که به **قره‌سو** می‌پیوندد .
نوده رود .
از کوههای **خوش‌ییلاق** گرگان سرچشمه گرفته به گرگان رود می‌پیوندد .
نورآباد .
قره‌چای رابه بینید .
نورود .
ازنهرهای انشعابی **سفیدرود** .
نهرآب .
از انشعابات رود هیرمند.
نهرشهر
از انشعابات رود **هیرمند** .
نیانك .
از انشعابات رود **هیرمند** .
نیرچای .
ازرودهای اردبیل .
رود نیکا .
طولش۱۲۰کیلومتر وسرچشمه‌اش شاه‌کوه است . در نوروزآباد به **خلیج گرگان** می‌ریزد .
وادقان .
ازرودهای کاشان است .
وانقا .
رودی‌که ازکوه **بزگوش** سرچشمه می‌گیرد و در**سراب** جریان دارد .
وش .
ازرودهای کاشان است .
رودخانهٔ **ونایی .**
ازرودهای بروجرد‌که از کوههای ونایی سرچشمه می‌گیرد .
ولمرا رود .
ازرودهای شهسوار که‌ازکوه‌میان‌بند سرچشمه‌گرفته به دریای**مازندران** می ریزد .
ویکاسرا.
رودخانه‌ای درهشتپر که ازکوههای البرز سر چشمه می‌گیرد و به **دریای خزر** می‌ریزد .
هار رود .
از رودهای زابل که از ارتفاعات بیرجند سرچشمه گرفته وارد دریاچهٔ **هامون** می‌شود .
هره دشت .
ازرود های هشتپر که از کوههای

البرز سرچشمه گرفته به دریای **مازندران** می‌ریزد .

رودهراز .

ازدرهٔ لار درشمال تهران فرودآمده پس از طی ۱۵۰ کیلومتر و عبور ازوسط شهر آمل به‌دریای خزر می‌ریزد .

هریرود .

ازکوههای شمال شرقی افغانستان سرچشمه می‌گیرد ودرنزدیك لقمان بابا مرز ایران و شوروی است .

هزار خانی .

رودی‌درسنقر که‌وارد گاورودمی‌شود.

رود هفت آشیان .

رودی، در سنقر که به **گاورود** وارد می‌شود

هلیل رود .

ازشرق ایران سرچشمه می‌گیرد و به باتلاق جزموریان که درجنوب کوه شاهسواران درکرمان واقع‌شده‌می‌ریزد.

رودخانهٔ **همه‌کسی .**

از گردنهٔ همه‌کسی سرچشمه گرفته به‌رودخانهٔ گردنهٔ **اسدآباد** می پیوندد .

هنجن‌رود .

ازرودهای شهرکاشان است .

رود هندیجان .

رودی در بهبهان که به **خلیج‌فارس** می‌ریزد .

هیرمند .

رود بزرگی درزابل که ازکوههای بابا یغما درمغرب کابل سرچشمه می‌گیرد و پس از طی ۱۲۰۰ کیلومتر به دریاچهٔ **هامون** می‌رسد .

رود یخاب .

رودی که از کوههای شیرویه سرچشمه می‌گیرد و در **فردوس** جریان دارد .

شناسنامهٔ کشور های قارهٔ آسیا

نام کشور	پایتخت	نام‌قاره	مذهب	نوع حکومت	تعدادجمعیت	زبان	مساحت
ابوظبی(عمان)	—	—	—	—	—	—	—
اردن‌هاشمی	عمان	آسیا	اسلام ، مسیحی	مشروطهٔ‌سلطنتی	۱/۶۹	عربی	۹۶۵۰۰
اسرائیل	تل‌آویو	آسیا	کلیمی، اسلام	جمهوری	۲/۱۱	عبری	۲۰۷۰۰
افغانستان	کابل	آسیا	اسلام	مشروطهٔ سلطنتی	۱۴/۷۳	فارسی ، پشتو	۶۵۰۰۰۰
ام‌القوین(عمان)	—	—	—	—	—	—	—
اندونزی	جاکارتا	آسیا	اسلام، بودائی، مسیحی	جمهوری	۱۰۲	مالایایی، هلندی	۱۹۰۴۳۴۵
اوکیناوا	ناها	آسیا	—	مستعمرهٔ آمریکا	۰/۸۸۲	—	۲۱۹۶
برمه	رانگون	آسیا	بودایی، برهمایی	جمهوری فدرال	۲۲/۶	برمه‌ای، انگلیسی	۶۷۸۰۰۰
برونئی	برونئی	آسیا	—	مستعمرهٔ انگلیس	٪.۵۵	—	۶۰۰۰
بوتان	پوناخا	آسیا	بودایی ، هندو	سلطنتی	./۷۰۰	چینی، تبتی	۵۰۰۰۰
پاکستان	راولپندی	آسیا	اسلام، مسیحی، توده‌ای	جمهوری	۹۷	انگلیسی، اردو	۹۴۴۶۲۹
پریم‌جزیره	—	آسیا	—	مستعمرهٔ انگلیس	—	—	۱۲
تایلند (سیام)	—	—	—	—	—	—	—
تایوان(چین‌ملی)	—	—	—	—	—	—	—
ترکیه	آنکارا	اروپاوآسیا	اسلام	جمهوری	۲۹/۴	ترکی	۷۶۷۱۲۰
تیمور	دیلی	آسیا	—	مستعمرهٔ پرتغال	٪.۱۷۰	—	۱۹۰۰۰
چین‌ملی	تایپه	آسیا	بودایی ، مسیحی	جمهوری	۱۱/۶	چینی	۳۶۰۰۰
چین‌کمونیست	پکن	آسیا	بودایی، کنفوسیوس، مسیحی، اسلام	جمهوری‌توده‌ای	۷۵۹/۱۲	چینی. ترکی، مغولی	۹۸۰۰۰۰۰
دوبی (عمان)	—	—	—	—	—	—	—
رأس‌الخیمه (عمان)	—	—	—	—	—	—	—
روسیهٔ شوروی	مسکو	اروپاوآسیا	اسلام، مسیحی، بودایی	جمهوری‌سوسیالیستی	۲۲۱	روسی، ترکی، فارسی، ارمنی کرجی	۲۲۴۰۳۰۰۰
ریوکیو (اوکیناوا)	—	—	—	—	—	—	—
ژاپن	توکیو	آسیا	بودایی	سلطنتی	۹۵/۳	ژاپنی، انگلیسی	۳۶۹۸۱۳
سوریه	دمشق	آسیا	اسلام	جمهوری	۵	عربی	۱۸۴۴۸۰
سیام	بانکوك	آسیا	بودایی ، اسلام	مشروطهٔ‌سلطنتی	۲۸	تاهی، چینی، خمر	—
سیلان	کلمبو	آسیا	بودایی، برهمایی مسیحی، اسلام	جمهوری	۱۰/۵	انگلیسی‌محلی	۶۶۰۰۰
شارجه(عمان)	—	—	—	—	—	—	—
شام (سوریه)	—	—	—	—	—	—	—
عجمان (عمان)	—	—	—	—	—	—	—

نام کشور	پایتخت	نام‌قاره	مذهب	نوع حکومت	تعداد جمعیت	زبان	مساحت
عدن، بندر	—	آسیا	—	مستعمرهٔ انگلیس	۰/۲۰۰	—	۲۰۷
عراق	بغداد	آسیا	اسلام	جمهوری	۷/۲۶	عربی، کردی، فارسی	۴۴۴۰۰۰
عربستان‌جنوبی‌فدراسیون	—	آسیا	—	مستعمرهٔ انگلیس	۰/۹۵۰	—	۲۹۰۰۸۲
عربستان‌سعودی	ریاض	آسیا	اسلام	سلطنتی	۸	عربی	۱۸۰۰۰۰۰
عمان شبه جزیره	—	آسیا	اسلام	مستعمرهٔ انگلیس	۰/۱۱۰	عربی	۸۳۶۵۴
عمان و مسقط (مسقط‌وعمان)	—	—	—	—	—	—	—
فجیره (عمان)	—	—	—	—	—	—	—
فورمز (چین‌ملی)	—	—	—	—	—	—	—
فیلی‌پین	مانیل	آسیا	مسیحی، اسلام	جمهوری	۲۹/۷	فیلی‌پینی، انگلیسی، اسپانیایی	۳۰۰۰۰۰
قبرس	نیکوزیا	آسیا	مسیحی، اسلام	جمهوری	۰/۵۸	یونانی، ترکی، انگلیسی	۹۲۵۱
قطر	دوحه	آسیا	اسلام	مستعمرهٔ انگلیس	۰/۵۵	عربی	۲۲۰۱۴
کامبوج	فنوم‌پنه	آسیا	بودایی، مسیحی، اسلام	مشروطهٔ سلطنتی	۵	کامبوجی، فرانسه	۱۸۱۰۰۰
کرهٔجنوبی	سئول	آسیا	بودایی، مسیحی، بتپرست	جمهوری	۲۶	کره‌ای، چینی، ژاپنی	۹۹۲۰۶
کرهٔشمالی	پیونگ‌یانگ	آسیا	بودایی، کنفوسیوس	جمهوری‌دموکراتیک	۱۱	کره‌ای، چینی، ژاپنی	۱۲۱۲۴۸
کوریاموریا (جزیره)	—	آسیا	—	مستعمرهٔ انگلیس	—	—	۷۲
کویت	کویت	آسیا	اسلام	امیرنشین (مشروطه)	۰/۳۲۲	عربی، فارسی، انگلیسی	۱۵۰۰۰
لائوس	وین‌تیان	آسیا	بودایی، مسیحی	مشروطهٔ‌سلطنتی	۳	تایلندی، فرانسه، آنامی	۲۳۶۸۰۰
لبنان	بیروت	آسیا	مسیحی، اسلام	جمهوری	۱/۸۲۲	عربی، فرانسه	۱۰۲۰۰
ماکائو	ماکائو	آسیا	—	مستعمرهٔ پرتغال	۰/۲۰۰	—	۲۰
مالدیو	ماله	آسیا	—	مستعمرهٔ انگلیس	۰/۹	—	۲۹۸
مالزیا	کوالالامپور	آسیا	اسلام، هندو کنفوسیوس	جمهوری فدرال	۷/۱۳۷	مالایایی، انگلیسی	۱۳۱۷۹۰
مسقط‌وعمان	مسقط	آسیا	—	مستعمرهٔ انگلیس	۰/۵۶۵	—	۲۱۲۴۰۰
مغولستان	اولان‌باتور	آسیا	لامایی، بودایی	جمهوری‌توده‌ای	۱	مغولی، روسی	۱۵۳۱۰۰۰
منطقهٔ‌بی‌طرف (عربستان‌وکویت)	—	آسیا	—	مستعمرهٔ انگلیس	۰/۰۰۰۳	—	۵۹۵۷
منطقه‌بی‌طرف (عربستان‌وعراق)	—	آسیا	—	مستعمرهٔ انگلیس	—	—	۵۰۰۰
نپال	کاتماندو	آسیا	هندو بودایی	سلطنتی	۹/۳۸	چینی، تبتی، هندی	۱۴۰۰۰۰
ویتنام جنوبی	سایگون	آسیا	بودایی، مسیحی	جمهوری	۱۴/۶۱	ویتنامی، فرانسه، چینی	۱۶۲۵۰۰
ویتنام شمالی	هانوی	آسیا	بودایی، مسیحی	جمهوری‌دموکراتیک	۱۶	ویتنامی، چینی	۱۵۵۰۰۰
هندوستان	دهلی‌نو	آسیا	هندو، اسلام، سیک	جمهوریهای متحده	۴۴۹/۳۸	هندی، انگلیسی، اردو	۳۲۶۸۶۹۲
هونگ‌کنگ	ویکتوریا	آسیا	—	مستعمرهٔ انگلیس	۳/۴	—	۱۰۱۳
یمن	صنعا	آسیا	اسلام	جمهوری	۵	عربی	۱۹۵۰۰۰

شناسنامهٔ کشورهای قارهٔ اروپا

نام کشور	پایتخت	نام‌قاره	مذهب	نوع حکومت	تعداد جمعیت	زبان	مساحت
آلبانی	تیرانا	اروپا	اسلام، مسیحی	جمهوری توده‌ای	۱/۶۶	تراکو، آلبانی	۲۸۷۰۰
آلمان‌شرقی	برلین‌شرقی	اروپا	مسیحی	جمهوری‌دموکراتیک	۱۷/۱۲۵	آلمانی	۱۰۷۴۵۹
آلمان‌غربی	بن	اروپا	مسیحی	جمهوری‌فدرال	۵۶/۹۴	آلمانی	۲۴۸۰۰۰
آندورا	آندورالاولا	اروپا	مسیحی	جمهوری	۰/۰۰۸	کاتالانی	۴۶۵
جماهیر اتحاد شوروی	—	—	—	—	—	—	—
(روسیهٔ شوروی)	—	—	—	—	—	—	—

نام کشور	پایتخت	نام قاره	مذهب	نوع حکومت	تعداد جمعیت	زبان	مساحت
اتریش	وین	اروپا	مسیحی	جمهوری فدرال	۷ر۱۷۱	آلمانی	۸۴۰۰۰
اسپانیا	مادرید	اروپا	مسیحی	دیکتاتوری	۳۰/۸۱۷	اسپانیولی	۵۰۵۸۰۹
اسپیتز برگن	لونگی یر	اروپا	مسیحی	مستعمرهٔ نروژ	۰/۰۰۳۵	—	۶۲
انگلستان (بریتانیای کبیر)	—	—	—	—	—	—	—
ایتالیا	روم	اروپا	مسیحی	جمهوری	۵۰/۴۶۴	ایتالیایی	۳۰۱۰۰۰
ایرلند جنوبی	دوبلین	اروپا	مسیحی	جمهوری	۲/۸۲۴	ایرلندی، انگلیسی	۷۰۲۸۲
ایسلند	ریکیاویک	اروپا	مسیحی	جمهوری	۰/۱۸۵	ایسلندی دانمارکی انگلیسی	۱۰۳۰۰۰
بریتانیای کبیر وایرلند	لندن	اروپا	مسیحی	مشروطهٔ سلطنتی	۵۲/۸۷۲	انگلیسی	۲۴۴۷۶۰
بلژیک	بروکسل	اروپا	مسیحی	مشروطهٔ سلطنتی	۹/۱۸۴	فرانسه، فلاماند	۳۰۵۰۰
بلغارستان	صوفیه	اروپا	مسیحی	جمهوری دموکراتیک	۸/۱۰	بلغاری، ترکی	۱۱۰۵۴۴
پرتغال	لیسبون	اروپا	مسیحی	جمهوری	۹	پرتغالی	۹۱۷۰۰
ترکیه	آنکارا	اروپا و آسیا	اسلام	جمهوری	۲۹/۴	ترکی	۷۶۷۱۲۰
جبل الطارق	جبل الطارق	اروپا و آفریقا	مسیحی	مستعمرهٔ انگلیس	۰/۰۲۴	انگلیسی	۶
چکوسلواکی	پراك	اروپا	مسیحی	جمهوری سوسیالیستی	۱۳/۸۵۶	چکی و اسلاوی	۱۲۸۰۰۰
دانمارك	کپنهاك	اروپا	مسیحی	مشروطهٔ سلطنتی	۴/۶۳۴	دانمارکی	۴۳۰۴۳
روسیهٔ شوروی	مسکو	اروپا و آسیا	مسیحی، اسلام، بودایی	جمهوری سوسیالیسی	۲۲۶	روسی، ترکی، فارسی، ارمنی گرجی	۲۲۴۰۳۰۰۰
رومانی	بخارست	اروپا	مسیحی	جمهوری سوسیالیستی	۱۸/۶۸۱	رومانی، مجاری، آلمانی	۲۳۷۵۰۰
سان مارینو	سان مارینو	اروپا	مسیحی	جمهوری	۰/۰۱۷	ایتالیایی	۶۰/۵۷
سوئد	استکهلم	اروپا	مسیحی	مشروطهٔ سلطنتی	۷/۵۸	آلمانی	۴۵۰۰۰۰
سویس	برن	اروپا	مسیحی	جمهوری فدرال	۵/۶۱	آلمانی، فرانسه، ایتالیایی	۴۱۳۰۰
شوروی (روسیهٔ شوروی)	—	—	—	—	—	—	—
فرانسه	پاریس	اروپا	مسیحی	جمهوری	۴۷/۶۰۰	فرانسه	۵۵۱۷۰۰
فنلاند	هلسینکی	اروپا	مسیحی	جمهوری	۴/۵	فنلاندی	۳۳۷۰۰۰
لوکزامبورك	لوکزامبورك	اروپا	مسیحی	دوك نشین	۰/۳۲۳	فرانسه، آلمانی	۲۵۸۶
لهستان	ورشو	اروپا	مسیحی	جمهوری سوسیالیستی	۳۰/۴۸	اسلاو	۳۱۲۰۰۰
لیختن اشتاین	وادوز	اروپا	مسیحی	شاهزاده نشین	۰/۰۱۷	آلمانی	۱۶۰
مالت	والتا	اروپا	اسلام، مسیحی	تحت الحمایهٔ انگلیس	۰ر۳۵	عربی، انگلیسی	۳۱۶
مجارستان	بوداپست	اروپا	مسیحی	جمهوری توده‌ای	۹ر۸۶	مجاری، آلمانی	۹۳۰۰۰
موناکو	موناکو	اروپا	مسیحی	شاهزاده نشین	۰ر۰۲۲	آلمانی	۱ر۵
نروژ	اسلو	اروپا	مسیحی	مشروطهٔ سلطنتی	۳ر۶۴	فرانسه	۳۲۴۰۰۰
واتیکان	واتیکان	اروپا	کاتولیك	حکومت مذهبی	۰ر۰۰۰۹۰۱	لاتین	۰ر۴۴
هلند	آمستردام و لاهه	اروپا	مسیحی	مشروطهٔ سلطنتی	۱۱ر۸	آلمانی	۳۴۰۰۰
یوگسلاوی	بلگراد	اروپا	مسیحی، اسلام	جمهوری دموکراتیک	۱۸ر۸۴	سربی، کرآتی، اسلاوی	۲۵۶۰۰۰
یونان	آتن	اروپا	مسیحی	مشروطهٔ سلطنتی	۸ر۴۵	یونانی	۱۳۳۰۰۰

شناسنامهٔ کشورهای آفریقائی

نام کشور	پایتخت	نام قاره	مذهب	نوع حکومت	تعداد جمعیت	زبان	مساحت
آسونسیون، جزیره	جرج تاون	افریقا	—	مستعمرهٔ انگلیس	۰ر۰۰۰۳۲۶	—	۸۸
آفریقای جنوب غربی	ویندهوك	افریقا	مسیحیت	مستعمرهٔ انگلیس	۰ر۵۳۹	افریقایی، انگلیسی	۸۲۳۸۷۰
آفریقای جنوبی اتحادیه	پرتوریا	افریقا	مسیحیت، آنیمست	جمهوری فدرال	۱۵۸۴۱۰۰۰	افریقایی، انگلیسی	۱۲۲۳۷۵۵
آفریقای مرکزی	بانگی	افریقا	مسیحی، پرستش ارواح	جمهوری	۱ر۲۵	فرانسه، افریقایی	۷۳۲۰۰۰
آنگولا	لوآندا	افریقا	مسیحی، پرستش ارواح	مستعمرهٔ پرتغال	۴ر۸۳۳	افریقایی، پرتغالی	۱۶۴۶۶۹۰
اتیوپی (حبشه)	—	—	—	—	—	—	—

نام کشور	پایتخت	نام قاره	مذهب	نوع حکومت	تعداد جمعیت	زبان	مساحت
الجزایر	الجزیره	افریقا	اسلام، مسیحیت	جمهوری	۱۱	عربی، فرانسه	۲۳۸۲۰۰۰
آفریقای غربی آنگولا	—	—	—	—	—	—	—
اوبانکی شاری (آفریقای مرکزی)	—	—	—	—	—	—	—
اورانژ (وابسته به آفریقای جنوبی)	—	—	—	—	—	—	—
اوراندی	اوسومبورا	افریقا	اسلام، مسیحی، پرستش ارواح	پادشاهی	۲ر۶۰۰	فرانسه، سواحلی	۲۷۸۳۴
اوگاندا	آنتبه	افریقا	مسیحیت، اسلام	جمهوری	۵ر۶۷۹	بانتو، انگلیسی، سواحلی	۲۴۳۴۰۰
ایفنی	سیدی ایفنی	افریقا	—	مستعمرهٔ اسپانیا	۰ر۴۹	—	۱۵۰۰
باسوتولند	ماسرو	افریقا	مسیحیت	مستعمرهٔ انگلیس	۰ر۶۴۲	انگلیسی	۳۰۳۴۴
بچوانالند	مافکینگ	افریقا	مسیحیت، بت‌پرستی	مستعمرهٔ انگلیس	۰ر۳۲۷	افریقایی، انگلیسی	۷۱۲۰۰۰
بوروندی (اوروندی)	—	—	—	—	—	—	—
پرنسیب وسائوتومه	سائوتومه	افریقا	اسلام، مسیحی، هندو	مستعمرهٔ پرتغال	۰ر۰۶۳	—	۹۶۵
تانزان	دارالسلام	افریقا	—	جمهوری فدرال	۱۹ر۱۱۸	بانتو، عربی، انگلیسی	۹۳۹۸۰۲
تانزانیا (تانزان)	—	—	—	—	—	—	—
تانگانیکا، وابسته به تانزان	—	—	—	—	—	—	—
ترانسوال (وابسته به آفریقای جنوبی)	—	—	—	—	—	—	—
تریستان‌داکونهاجزیره	هرالدیوآن	افریقا	—	مستعمرهٔ انگلیس	۰ر۰۰۰۲۸۲	—	۸۷
تونس	تونس	افریقا	اسلام، مسیحی	جمهوری	۴ر۲۶	عربی، فرانسه، اسپانیولی	۱۶۴۲۰۰
توگو	لومه	افریقا	اسلام، مسیحی، پرستش ارواح	جمهوری	۱ر۵۶۳	فرانسه، نگرو، مانتو	۵۶۶۰۰
توگولند (توگو)	—	—	—	—	—	—	—
چاد	فورت‌لامی	افریقا	مسیحیت، اسلام، پرستش ارواح	جمهوری	۲ر۶۷	فرانسه، عربی، بومی	۱۲۴۸۰۰۰
حبشه	آدیس آبابا	افریقا	اسلام، مسیحیت	مشروطهٔ سلطنتی	۱ر۲۲	سامی، انگلیسی، عربی	۱۱۹۰۰۰
داهومی	پورتونووو	افریقا	اسلام، مسیحیت، بتپرست	جمهوری	۲ر۰۵	عربی، نگرو	۱۱۶۰۰۰
رئونیون جزیره	سن‌دنیس	افریقا	—	مستعمرهٔ فرانسه	۰ر۳۶	—	۲۵۱۱
رواندا	کیگالی	افریقا	اسلام، مسیحیت	جمهوری	۲ر۶۲۴	رواند، فرانسوی	۲۳۰۰۰
رودزیای جنوبی	سالیسبوری	افریقا	مسیحیت	مستعمرهٔ انگلیس	۳ر۸	نگرو، فرانسه	۳۷۵۹۴۰
رودزیای شمالی (زامبیا)	—	—	—	—	—	—	—
ریودواورو	ال‌ایوان	افریقا	اسلام	مستعمرهٔ اسپانیا	۰ر۴۲	عربی، اسپانیایی	۲۸۰۰۰
ریومونی (گینهٔ اسپانیا)	باتا	افریقا	—	مستعمرهٔ اسپانیا	۰ر۱۸۳	—	—
زنگبار (وابسته به تانزان)	—	—	—	—	—	—	—
زامبیا	لوساکا	افریقا	مسیحیت، بتپرستی	جمهوری	۲ر۵	افریقایی، انگلیسی	۷۱۹۳۶۰
ساحل طلا (غنا)	—	—	—	—	—	—	—
ساحل عاج	آبی‌جان	افریقا	اسلام، مسیحی، پرستش ارواح	جمهوری	۳ر۳۴	فرانسه، نگرو	۳۲۲۵۰۰
سنت‌هلن (جزیره)	جیمزتاون	افریقا	—	—	۰ر۰۰۵۱	—	۲۱۰
سنگال	داکار	افریقا	اسلام، مسیحی، پرستش ارواح	جمهوری	۳ر۲۸	فرانسه	۲۰۱۰۰۰
سوازیلند	امبابان	افریقا	مسیحیت	مستعمرهٔ انگلیس	۰ر۲۶۷	انگلیسی، افریقایی	۱۷۳۶۰
سودان	خرطوم	افریقا	اسلام، مسیحیت	جمهوری	۱۲ر۲۸۹	عربی، انگلیسی نیلوتیک	۲۵۰۶۰۰۰
سومالی فرانسه	جیبوتی	افریقا	مسیحیت، اسلام	مستعمرهٔ فرانسه	۰ر۰۸۱	سومالی، فرانسه	۲۲۰۰۰
سومالی	موگادیشو	افریقا	اسلام، مسیحی	جمهوری	۲ر۰۳	عربی، ایتالیایی، سومالی	۶۳۷۶۰۰

نام کشور	پایتخت	نام قاره	مذهب	نوع حکومت	تعداد جمعیت	زبان	مساحت
سیچل (جزایر)	ویکتوریا	افریقا	—	مستعمرهٔ انگلیس	۰۴۳ر.	—	۴۰۵
سیرالئون	فریتون	افریقا	اسلام، مسیحیت، بومی	جمهوری	۲ر۴۵	انگلیسی، بانتو	۷۲۳۲۳
صحرای اسپانیا	ولاشیس نرس - دایون	افریقا	—	مستعمرهٔ اسپانیا	۰۲۳ر.	—	۲۹۰۰۰۰
غانه (گینه)	—	—	—	—	—	—	—
غنا	آکرا	افریقا	اسلام، مسیحی، بتپرست	جمهوری	۶ر۷۲۶	انگلیسی، بومی	۲۳۷۸۵۰
فرناندوجزایر	سانتاایزابل	افریقا	—	مستعمرهٔ اسپانیا	۰۶۲ر.		۲۰۰۰
قناری جزایر	سانتا کرور	افریقا	—	مستعمرهٔ اسپانیا	۷۹۳ر.	اسپانیولی	۷۲۷۳
کاپ (وابسته به آفریقای جنوبی)	—	—	—	—	—	—	—
کاب ورد جزایر	سیودادو پریا	افریقا	—	مستعمرهٔ پرتغال	۲۰۱ر.	—	۴۰۳۳
کامرون	یائوندی	افریقا	اسلام، مسیحیت	جمهوری فدرال	۴ر۳۲۶	فرانسه، بومی	۵۰۰۰۰۰
کاناری جزایر (قناری)	—	—	—	—	—	—	—
کنگو	لئوپولدویل	افریقا	اسلام، بتپرست، مسیحی	جمهوری	۱۵	بانتو، فرانسه	۲۳۴۵۰۰۰
کنگوی میانه	برازویل	افریقا	مسیحیت، بتپرستی	جمهوری	۰ر۸۴۶	فرانسه، افریقایی	۳۴۰۰۰۰
کنگوی وسطی (کنگوی میانه)	—	—	—	—	—	—	—
کنیا	نایروبی	افریقا	اسلام، مسیحی، بتپرست	جمهوری	۸ر۶۸۶	بانتو، هندو، انگلیسی	۵۸۲۶۲۴
کومور، جزایر	دزائودزی	افریقا	—	مستعمرهٔ فرانسه	۱۷۵ر.	—	۲۱۷۱
گابون	لیبرویل	افریقا	مسیحی، پرستش ارواح	جمهوری	۴۵ر.	فرانسه، افریقایی	۲۸۰ر۰۰۰
گامبی	باتورست	افریقا	اسلام، پرستش اروح مسیحی	جمهوری	۲۸۳ر.	افریقایی	۱۰۵۰۰
گامبیا (گامبی)	—	—	—	—	—	—	—
گانا (غنا)	—	—	—	—	—	—	—
گینه	کوناکری	افریقا	اسلام، مسیحی، پرستش ارواح	جمهوری	۳	فرانسه، نگرو	۲۵۰ر۰۰۰
گینهٔ اسپانیا	باتا	افریقا	مسیحیت	مستعمره	۲۱۳ر.	اسپانیولی	—
گینهٔ پرتغال	بیسائو	افریقا	اسلام، مسیحیت	مستعمرهٔ پرتغال	۵۶۵ر.	پرتغالی	۳۶۱۲۵
لیبریا	مونریا	افریقا	اسلام، مسیحی، بتپرست	جمهوری	۱ر۳۷	انگلیسی، بومی	۱۲۰ر۰۰۰
لیبی	طرابلس-تریپولی	افریقا	اسلام، مسیحیت	مشروطهٔ سلطنتی	۱ر۲۷۰	عربی، ایتالیا	۱۷۵۹۰۰۰
ماداگاسکار	تاناریو	افریقا	اسلام، مسیحی، بتپرست	جمهوری	۵ر۵۷۷	فرانسه، مالگاشی	۵۹۲۰۰۰
مادرا، جزایر	فونشال	افریقا	—	مستعمرهٔ پرتغال	۲۷۰ر.	—	۷۹۷
مالاگاسی (ماداگاسکار)	—	—	—	—	—	—	—
مالاوی	زامبیا	افریقا	مسیحی، اسلام، پرستش ارواح	جمهوری	۲ر۹۵۰	—	۱۲۲۷۷۲
مالگاش (ماداگاسکار)	—	—	—	—	—	—	—
مالی	باماکو	افریقا	اسلام، مسیحی، بتپرست	جمهوری	۴ر۵	فرانسه، بومی	۱۲۰۴۰۰۰
مزامبیک (موزامبیک)	—	—	—	—	—	—	—
مراکش	رباط	افریقا	اسلام	سلطنتی مشروطه	۱۱ر۶۲	عربی، فرانسه	۴۵۱۰۰۰
مصر	قاهره	افریقا	اسلام، مسیحی، یهودی	جمهوری	۲۷ر۲۸۵	عربی	۹۰۷۰۰۰
مغرب (مراکش)	—	—	—	—	—	—	—
موریتانی	نواک	افریقا	اسلام	جمهوری اسلامی	۶۸۶ر.	عربی، فرانسه، نگرو	۱۱۰۰۰۰۰
موریس جزیره	پورت لوئیز	افریقا	—	مستعمرهٔ انگلیس	۶۸۶ر.	—	۲۰۹۶
موریتیوس (موریس)	—	—	—	—	—	—	—

نام کشور	پایتخت	نام قاره	مذهب	نوع حکومت	تعداد جمعیت	زبان	مساحت
موزامبیک	لورانسومارکز	افریقا	مسیحیت	—	۶ر۵	بنتو، پرتغالی	۷۷۱۰۰۰
ناتال (وابسته به آفریقای جنوبی)	—	—	—	—	—	—	—
نیاسالند (مالاوی)	—	—	—	—	—	—	—
نیجر	نیامی	افریقا	اسلام	جمهوری	۳ر۱۱۲	فرانسه، بومی	۱۲۷۹۰۰۰
نیجریا (نیجریه)	—	—	—	—	—	—	—
نیجریه	لاگوس	افریقا	اسلام، مسیحی	جمهوری	۳۶ر۵	عربی، انکلیسی، بانتو	۸۷۷۰۰۰
ولتای علیا	اواگادوگو	افریقا	اسلام، مسیحی، پرستش ارواح	جمهوری	۴ر۴۰۰	فرانسه، افریقایی	۳۰۵۰۰۰
هوت ولتا (ولتای علیا)	—	—	—	—	—	—	—

شناسنامهٔ کشورهای قارهٔ آمریکا

نام کشور	پایتخت	نام قاره	مذهب	نوع حکومت	تعداد جمعیت	زبان	مساحت
آرژانتین	بوئنوس آیرس	آمریکای جنوبی	کاتولیک	جمهوری فدرال	۲۱	اسپانیولی، پزو	۲۸۰۰۰۰۰
آروبا	—	—	—	مستعمرهٔ هلند	۰ر۲۵۳	—	—
اتازونی (ایالات متحدهٔ آمریکا)	—	—	—	—	—	—	۱۹۰
اکوادور	کیتو	آمریکای جنوبی	کاتولیک	جمهوری	۴ر۵	اسپانیولی	۲۷۵۰۰۰
السالوادور	سان سالوادور	آمریکای شمالی	کاتولیک	جمهوری	۲ر۵۰۱	اسپانیولی	۲۱۴۰۰
اوروگوئه	مونتویدئو	آمریکای جنوبی	کاتولیک	جمهوری	۲ر۸	اسپانیولی	۱۸۷۰۰۰
ایالات متحدهٔ آمریکا	واشنگتن	آمریکای شمالی	مسیحی، یهودی، اسلام	جمهوری فدرال	۱۹۳ر۵	انکلیسی	—
باربادوس، جزایر	بریج تاون	آمریکای شمالی	—	مستعمرهٔ انکلیس	۰ر۲۳۲	—	۴۳۱
باهاما، جزایر	ناسائو	آمریکای شمالی	—	مستعمرهٔ انکلیس	۰ر۱۰۶		۱۱۳۹۶
برزیل	برزیلیا	آمریکای جنوبی	کاتولیک	جمهوری فدرال	۷۵ر۲۷۱	پرتغالی، اسپانیولی	۸۵۱۰۰۰۰
برموداجزایر	هامیلتون	آمریکای شمالی	—	مستعمرهٔ انکلیس	۰ر۰۴۴	—	۵۳
بولیوی	سوکر، لاپاز	آمریکای جنوبی	کاتولیک	جمهوری	۴	اسپانیولی	۱۱۰۰۰۰۰
پاراگوئه	آسونسیون	آمریکای جنوبی	کاتولیک	جمهوری	۱ر۸۵	اسپانیولی	۴۰۷۰۰۰
پاناما	پاناما	آمریکای شمالی	کاتولیک	جمهوری	۱ر۱۳۹	اسپانیولی	۷۵۰۰۰
پاناما، منطقهٔ کانال	بالبوا	آمریکای مرکزی	—	مستعمرهٔ ایالات متحده	۰ر۰۴۲	—	۱۶۸۰
پرو	لیما	آمریکای جنوبی	کاتولیک	جمهوری	۱۰ر۳۶	اسپانیولی	۱۳۵۰۰۰۰
پورتوریکو	سان ژوان	آمریکای مرکزی	—	مستعمرهٔ ایالات متحده	۲ر۳۴	—	۸۸۹۶
ترینیداد، روباگوجزایر	پورت دو اسپانی	آمریکای شمالی	مسیحی	جمهوری	۰ر۸۵۹	انکلیسی	۸۵۹۰۰۰
جامائیکا	کینگستون	آمریکای شمالی	مسیحی	جمهوری	۱ر۶۵	انکلیسی	۱۱۴۲۵
دومونیکن	سانتودومینیکو	آمریکای شمالی	کاتولیک	جمهوری	۳ر۲۰۵	اسپانیولی	۴۸۷۳۴
سن پی یر و میکلون	سن پیر	آمریکای شمالی	—	مستعمرهٔ فرانسه	۰ر۰۰۵	—	۲۴۲
شیلی	سانتیاگو	آمریکای جنوبی	کاتولیک	جمهوری	۸	اسپانیولی	۷۴۲۰۰۰
فالکلندجزایر	استانلی	—	—	مستعمرهٔ انکلیس و آرژانتین	۰ر۳	—	۱۲۰۰۰
کانادا	اوتاوا	آمریکای شمالی	مسیحی	جمهوری فدرال	۱۸ر۸۹۶	انکلیسی، فرانسه	۹۹۶۰۰۰۰
کوبا	هاوانا	آمریکای شمالی	کاتولیک	جمهوری توده‌ای	۷	اسپانیولی	۱۱۴۵۰۰
کوستاریکا	سان ژوزه	آمریکای شمالی	کاتولیک	جمهوری	۱ر۳۰۲	اسپانیولی	۵۱۰۰۰
کولومبیا	بوگوتا	آمریکای جنوبی	کاتولیک	جمهوری	۱۵	اسپانیولی	۱۱۴۰۰۰۰

نام کشور	پایتخت	نام قاره	مذهب	نوع حکومت	تعداد جمعیت	زبان	مساحت
گروئنلند	گوداب	آمریکای شمالی	پروتستان	مستعمرهٔ دانمارک	۰ر۰۳۰	دانمارکی، گروئنلندی	۲۱۷۵۶۰۰
گواتمالا	گواتمالا	آمریکای شمالی	کاتولیک	جمهوری	۴	اسپانیولی	۱۰۹۰۰۰
گوادلوپ	باس‌تر	آمریکای مرکزی	—	مستعمرهٔ فرانسه	۰ر۲۲۹	—	۱۷۸۰
گویان انگلیس	جرج‌تاون	آمریکای جنوبی	—	مستعمرهٔ انگلیس	۰ر۵	اسپانیولی	۲۱۵۰۰۰
گویان فرانسه	کاین	آمریکای جنوبی	—	مستعمرهٔ فرانسه	۰ر۰۵	—	۹۱۰۰۰
گویان هلند	پاراماریبو	آمریکای جنوبی	—	مستعمرهٔ هلند	۰ر۲۵	—	۱۴۳۰۰۰
لیوارد، جزایر	سنت‌جونز	آمریکای شمالی	—	مستعمرهٔ بریتانیا	۰ر۱۲۳	—	۱۰۹۴
مارتینیک	فورت‌دوفرانس	آمریکای مرکزی	—	مستعمرهٔ فرانسه	۰ر۲۴۷	—	۱۰۹۰
مکزیک	مکزیکوسیتی	آمریکای شمالی	کاتولیک	جمهوری فدرال	۳۸ر۴۱۶	اسپانیولی	۱۹۷۰۰۰۰
نیکاراگوئه	ماناگوا	آمریکای شمالی	کاتولیک	جمهوری	۱ر۶۰۵	اسپانیولی	۱۴۸۰۰۰
ونزوئلا	کاراکاس	آمریکای جنوبی	کاتولیک	جمهوری	۷ر۸۷۲	اسپانیولی	۹۱۲۰۰۰
ویرجین	سن توماس	آمریکای مرکزی	—	مستعمرهٔ ایالات متحده	۰ر۰۳۱	—	۳۴۴
ویندوارد، جزایر	سنت‌جورج	آمریکای شمالی	—	مستعمره	۳۱۳	—	۲۱۳۹
هاییتی	پودتوپرنس	آمریکای شمالی	کاتولیک	جمهوری	۴ر۴	فرانسه	۲۷۸۴۰
هندوراس	تگوسیگالپا	آمریکای شمالی	کاتولیک	جمهوری	۱ر۹۵	اسپانیولی	۱۱۲۰۰۰
هندوراس (انگلیس)	بلیز	آمریکای مرکزی	—	مستعمرهٔ انگلیس	ر۰۹۰	—	۲۲۹۶۵

شناسنامهٔ کشورهای قارهٔ اقیانوسیه

نام کشور	پایتخت	نام قاره	مذهب	نوع حکومت	تعداد جمعیت	زبان	مساحت
استرالیا	کانبرا	اقیانوسیه	انگلستان کاتولیک	جمهوری	۱۰ر۹۱	انگلیسی، بومی	۷۷۰۴۰۰۰
زلاند جدید	ولینگتون	اقیانوسیه	مسیحی	جمهوری	۲ر۵۲	انگلیسی، بومی	۲۷۰۰۰۰
نیوزلاند (زلاند جدید)	—	—	—	—	—	—	—
ساموای غربی	آپیا	اقیانوسیه	—	جمهوری	۰ر۱۱۷	انگلیسی	۲۹۲۷

آرژانتین Argentine

پایتخت : بوینوس آیرس. مساحت ۲۷۸۳۲۲۳ر۰۳ کیلو متر مربع جمعیت (طبق برآورد سال ۱۹۵۷) ۱۹۸۵۸۰۰۰ نفر. واحد پول پزو. شهرهای عمدهٔ آن عبارتند از : **لاپلاتا ، روساریو ، سانتافه، باچابلانکا و کوردووا .**

کشور آرژانتین ازطرف شمال به بولیوی، ازشمال شرقی به پاراگوئه، مشرق به برزیل و اوروگوئه و ازمغرب به شیلی محدود گردیده است .

یکی ازرودخانه‌های مهم آرژانتین ریودولابلاتا است که درکنار آن سه شهر مهم بوینوس آیرس، لاپلاتا و مونته‌ویدئو قرار دارد . بوینوس آیرس (پایتخت آرژانتین) بزرگترین شهر آمریکای لاتین بوده و جمعیت آن طبق آمار سال ۱۹۵۸ ۳۷۰۷۰۰۰ نفر می‌باشد .

منابع طبیعی وکشاورزی : کوه‌های آرژانتین دارای ذخایر نقره و مس وطلا می‌باشد . نفت خام در این کشور به وسیلهٔ دولت و شرکت‌های خصوصی بهره‌برداری می‌شود.

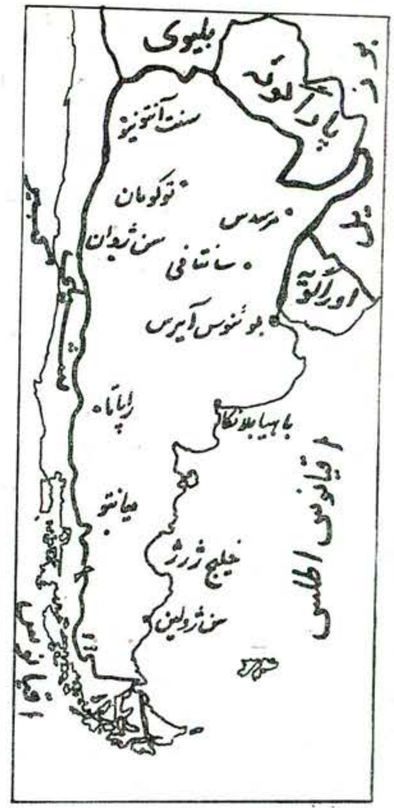
چاههای نفت دردرجهٔ اول درنواحی کومودورو و ریوادلویا قرار گرفته‌اند . محصولات عمدهٔ آرژانتین عبارت‌ازگندم جو، چاودار ، بزرک و یونجه می‌باشد.

درسال ۱۹۵۸ محصول ذرت بزرگ‌ترین رقم‌را دارا بوده است ، انواع دارو‌ها ، آهن ، لوازم و ماشینهای کشاورزی ظروف شیشه‌ای و بدل چینی مهمترین واردات آرژانتین را تشکیل می دهند .

تجارت این کشور با بلوك شوروی نسبت به‌سال ۱۹۵۶ به‌میزان ۵ درصد کاهش یافته است .

فرهنگ و مذهب : ۹۰ در صد جمعیت آرژانتین را کاتولیك ها تشکیل می‌دهند . تعلیمات ابتدایی مجانی و اجباری‌است. دانشگاههای ملی درشهر‌های کوردوبا ، بوینوس‌آیرس ، مندورا، لاپلاتا ، توکومان ، و سانتافه تأسیس شده‌اند . زبان اهالی اسپانیایی است .

وضعیت نظامی : خدمت نظام‌وظیفه ازسن ۲۰ تا ۴۵ سال اجباری است علاوه بر ۱۰۵۰۰۰ سپاهی آرژانتین دارای ۳۰۰۰۰۰ ذخیره است که ۲۱۵۰۰۰ ازآنها اعضای گارد ملی و ۷۰۰۰۰ نفر



گارد محلی‌را تشکیل می‌دهند . نیروی دریایی آرژانتین از ۵ فروند رزم‌ناو، ۱۰ فروند اژدرافکن ، ۱۱ فروند ناوشکن، ۳ زیردریایی و ۱۴ کشتی تشکیل‌شده است. تعداد نفرات نیروی دریایی تقریباً ۱۱۵۰۰ نفرمی‌باشد. نیروی هوایی آرژانتین به‌سه گروه که هر کدام به دو دستهٔ اکتشافی و جگنده تقسیم‌شده‌اند.

آلمان شرقی . Allemagne



آلمان شرقی از طرف شمال‌به دریای بالتیك، ازمشرق به‌لهستان ، از جنوب به چکوسلواکی و ازمغرب به جمهوری‌فدرال آلمان غربی‌محدوداست. پایتخت آن برلین شرقی وشهرهای عمده‌اش:**لایپزیك،درسدن، ماگدبورگ، ارفوت و روستوك** می‌باشد ، مساحت آلمان شرقی ۱۰۷۴۴۴٫۱ کیلومتـــر مربع است که۱۷۸۳۲۲۰۰ نفر (طبق برآورد ۱۹۵۷) جمعیت رادر خود متمرکز نموده است . ساکنین این‌کشور متدین به دین مسیح و پیــرو مذاهب پروتستان (۸۵ درصد) وکاتولیك (۱۲ درصد) می‌باشند .

واحد پول‌آلمان مارك است.آلمان شرقی عضو پیمان ورشو و اتحادیـهٔ اقتصادی کشورهای کمونیست می‌باشد و در سازمان ملل عضویت ندارد . زبان رسمی‌آلمانی است .

آلمان غربی Allemagne



جمهوری فدرال آلمان ازطـرف شمال وشمال شرقی به دانمارك ودریای بالتیك از مشرق به آلمـان شرقی و چکوسلواکی، ازجنوب وجنوب شرقی به اتریش و سویس و از مغرب به‌فرانسه، بلژیك وهلند محدوداست،پایتخت آن**بن** وشهرهای عمده‌اش **مونیخ‌وفرانکفورت هانور ، و هامبورگ و دوسلدروف** می باشد.آلمان غـربی ۲۴۷۴۶۸٫۴۴ کیلومترمربع (برلن‌غربی‌و سار)وسعت دارد کـه (طبق برآورد سال۱۹۵۷) ۵۳۳۳۹۰۰۰ نفر جمعیت در آن‌زندگی می‌کنند .

زبان‌مردم‌آن‌آلمانی‌وواحدپول‌شان مارك است . جمهوری فدرال آلمان در سازمان ملل عضویت ندارد ولـی عضو پیمان ناتو و بازار مشترك اروپاست . رودهای عمدهٔ این‌کشور راین و دانوب و دریاچهٔ کنستانس تنها دریاچهٔ آلمان غربی‌است. ناحیهٔ **آخن** یکی از بهترین مراکز استخراج‌زغال سنگ‌آلمان‌نیزدر این‌کشور قرار دارد .

صنایع : آلمان غربـی یکی از بزرگترین‌کشورهای صنعتی جهان است و صنایع عمدهٔ‌آن عبارتند از :

داروسازی ، ماشین سازی ، تهیـهٔ وسایل الکتریکی، میزان تولیدماشین‌ـ های سواری و باری در سال ۱۹۵۷ به میزان ۱۲۱۲۲۶۰ دستگاه ترقی کرد و نسبت به‌سال۱۹۵۶ مقدار۱۲٫۷درصد بیشتر بود .

صادرات ایـن کشور دارو های شیمیایی واشیای‌فلزی وواردات‌آن‌مواد اولیهٔ صنعتی و غذایی‌است .

فرهنگ ومذهب :جمهوری‌فدرال و برلن غربی دارای ۳۰۰۰۰ مؤسسهٔ فرهنگی، ۱۵۸۷ مدرسهٔ ابتدایی، ۱۵۸۷ مدرسهٔ متوسطه و ۱۹ دانشگاه است . اکثر اهالی‌آلمان پیرومذهب پروتستان می باشند .

سار : سار ناحیه‌ای‌است صنعتی که‌در شمال لورن قرار داشته و مساحت آن ۱۹۵۴٫۵۴ کیلومتر مربع می‌باشد . جمعیت سار ۹۹۶۰۰۰ نفر است کـه اکثریت‌آنرا آلمانها تشکیل می‌دهند. ناحیهٔ‌سار پس‌ازجنگ‌جهانی‌اول‌از آلمان جداشدواداره‌ٔ آن به‌جامعهٔ‌ملل‌واگذار شد.

دراول مارس ۱۹۳۵ جامعهٔ ملل سار رابه رایش پس داد . بعداز جنگ دوم جهانی ازنظر اقتصادی سار به‌کشور فرانسه‌پیوست وطبق‌پیمان لوکزامبورگ منعقده بین فرانسه وآلمان‌ناحیهٔ سار از اول ژانویهٔ ۱۹۵۷ از نظـر سیاسی به جمهوری فدرال آلمان پیوست و به این ترتیب یکی از ایالات دهگانهٔ جمهوری فدرال گردید .

آلبانی . Albanie



پایتخت : تیرانا . مساحت : ۲۷۴۲۲٫۸۲ کیلومترمربع. جمعیت(طبق برآوردسال ۱۹۵۶) ۱۴۲۱۰۰۰ نفر . **واحدپول :** لك. شهرهای عمدهٔ آن سکوتاری، دوراتتسو؛ ووالونا می‌باشد .

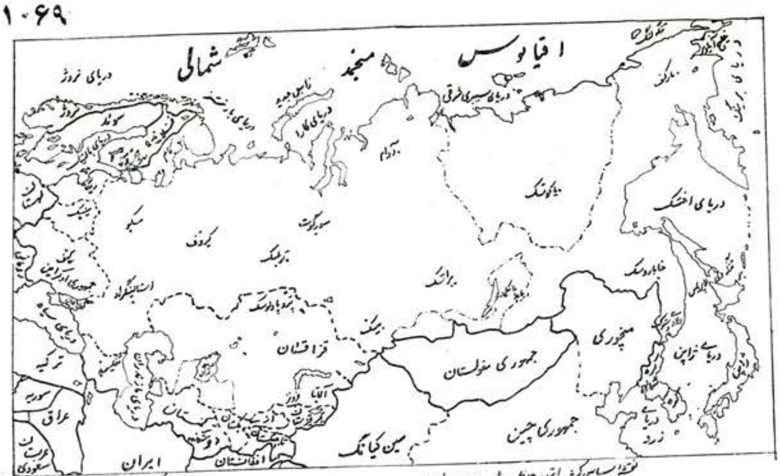
آلبانی یکی از کشورهای جمهوری کمونیست بالکان بوده‌ودرمغرب یوگسلاوی ومشرق‌دریای آدریاتیك واقع‌شده‌است .

مهمترین منابع‌طبیعی آلبانی‌جنگل و بعضی ازمعادن است . فرآورده های آن‌توتون، پشم، پوست‌خام ، خز و روغن زیتون‌می‌باشد. اکنون‌دولت‌دربسط‌و توسعهٔ کشاورزی وساختمان‌راههای‌جدید‌کوشش بسیارمی‌کند. رودعمدهٔ کشور **درین**است .

فرهنگ و مذهب : دراین کشور مذهب رسمی وجود ندارد ولی اکثریت اهالی مسلمان‌وبقیه پیرو مذهب‌ارتدکس و کاتولیك هستند. تعلیمات ابتدایی اجباری ومجانی است ولی تعدادمدارس بسیارکم است، زبان اهالی شعبه‌ای از زبان‌های آریاییست .

آندورا Andorre

سر زمینی است میان فرانسه و اسپانیا دردامنهٔ کوههای پیرنه که ۴۹۵ کیلومتر مربع‌وسعت و ۵۰۰۰ نفرجمعیت دارد. پایتخت آن **آندورالاویخا**می‌باشد. اهالی این کشور به‌زبان کاتالان تکلم‌می‌کنند و پیرو مذهب کاتولیك هستند .



نقشهٔ سیاسی کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

«مخصوص کتب دانش بشر»

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

U.R.S.S.(Union des Republique Socialiste Souietiques

اتحاد جماهیرشوروی به‌شکل‌چهار گوشهٔ گسترده‌ای ازشرق به غرب تمام آسیای شمالی و مشرق اروپا را فرا گرفته و از شمال به اقیانوس منجمد شمالی، ازمشرق به‌اقیانوس‌آرام ودریای اختك و ازجنوب به کرهٔ شمالی ،چین، افغانستان ، ایران، ترکیه ودریای‌سیاه و از مغرب به رومانی ، مجارستان ، چکوسلواکی ، لهستان، دریای بالتیك، فنلاند و نروژ محدود است .

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ۲۲۴۰۳۰۰۰ کیلومترمربع‌وسعت(آمار سال ۱۹۶۴) بالغ‌بر ۲۲۶۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد .

پایتخت آن‌مسکو وشهرهای‌عمده‌اش لنینگراد، کیف، باکو ، خارکف، گرکی، تاشکند، کوی بیچف ، نووسیبیرسك ، سوردلوفسك ، تفلیس‌واستالینو‌می‌باشد .

در سراسر شوروی فقط سلسلهٔ کم ارتفاع اورال‌است که‌باجهت‌شمال‌به‌جنوب از اقیانوس منجمد شمالی تابیابان های قزاقستان کشیده‌شده وبقیهٔ‌ارتفاعات‌این کشورهمه‌تقریباً‌درجنوب‌ومشرق‌آن‌واقعند.

مهمترین رشتهٔ کوههای مزبور از مغرب به مشرق عبارتند از : کوههای کریمه ، قفقاز، کپه داغ ، پامیر، جبال تیانشان ، آلتایی ، سایان ، یابلونویی و استانوویی است‌که دورشتهٔ اخیر در مشرق سیبری واقع‌شده و امتداد آنهااز یك‌طرف به کوههای آتش فشانی کامچاتکاو ازطرف‌دیگرتا باب« برینگ»امتداددارد.

کوههای اورال ازارتفاعات دوران اول‌زمین‌شناسی‌وقلل آن‌به‌کلی‌ساییده‌شده وارتفاع‌متوسط آن‌قریب ۶۰۰متراست‌در صورتی‌که‌کوههای جنوبی وشرقی‌همه از دوران‌سوم‌ودارای قلل‌متعددومرتفعند .

بلندترین‌آنهادرجمهوری‌تاجیکستان قلهٔ استالین ۷۴۹۵ متر ارتفاع داردکه از قلل‌کوههای پامیر محسوب می شود .

سراسر نواحی شمالی شوروی‌ازبقایای زمین‌های دوران اول است که در نتیجهٔ فرسایش یخچالها و عوامل دیگر پست گردیده وجز یك‌عده تپه و فلاتهای کم ارتفاع مانند فلات‌والدایی(که ۴۰۰متر ارتفاع دارد) درمغرب مسکو وفلاتهای شمال شرقی سیبری ارتفاع مهمی‌ندارد ، در قسمت جنوب این منطقه جلگه های ناهموارباخاك نرم از آبرفت رودها و ته نشست سیلابها به‌وجود‌آمده‌که در بعضی نقاط به مناسبت آمیختگی باخاك برگ‌درختان‌قدیمی‌بسیارحاصلخیزوچون تیره‌رنگ‌است‌به‌خاك‌سیاه معروف‌می‌باشد.

درناحیهٔ‌جنوب خاك‌سیاه ، استپهای سفیدوخاکستری ازمغرب به‌مشرق گسترده شده‌تاکوههای‌قفقازوفلات‌پامیر بسط‌دارند. زمینهای‌این منطقه جزدرنواحی‌ریگزار، های‌ترکستان همه جاپوشیده ازعلف‌های خودرومی‌باشدکه‌برای‌دام‌پروری مساعد است‌ولی‌استعداد‌کشاورزی چندان‌ندارد.

کشور شوروی از۳۵ درجه عرض شمالی تامنطقهٔ قطبی‌کشیده شده وقسمت عمدهٔ‌آن درمنطقهٔ معتدل سردقرار گرفته ونواحی شمال‌آن یخ‌بندان است و چون ارتفاعی‌که جهت شرقی و غربی داشته باشد جزدرمناطق جنوبی دیده‌نمی‌شود ،

آب وهوای سرد[1] قطبی[1] تانواحی جنوبی تأثیر می‌نماید . منتهی به مناسبت تأثیر عرض جغرافیایی و دوری و نزدیکی به اقیانوس شدت سرما در نواحی جنوب کمتر ودرجهٔ حرارت و خشکی هوا در نواحی شرقی بیشتر است .

آب و هوا و جنس نباتات شوروی را می توان به شرح زیر تقسیم بندی کرد :

۱ ـ کنارهٔ اقیانوس منجمد شمالی که بیشتر سال مستور از یخ و برف و تابستان‌های آن کوتاه وزمستان‌ها برحسب فاصلهٔ نقاط تاقطب از ۸ تا ۱۱ ماه طول می کشد. دراین نواحی به علت یخبندان و وزش باد‌های سرد ، قسمتی بدون گیاه وقسمتی هم پوشیده از خزه و گلسنگ است. این ناحیه که قریب ۱۶ درصد اراضی شوروی را فرا گرفته به نام توندرا خوانده می شود واز مغرب به مشرق خشکی وشدت سرمای آن افزایش می یابد .

۲ ـ درجنوب منطقهٔ توندرا از دریای بالتیك تا کامچاتکا منطقه‌ای است به نام تایگا که قریب نیمی از وسعت کشور را فرا گرفته و همه‌جا پوشیده از جنگل‌های مناطق سردسیری وهرچه به طرف جنوب پیش رویم از انبوهی درختان کاسته می‌شود ونواحی پر درخت تا نقاط هم‌عرض مسکو بسط دارد .

دراین نواحی آب و هوای زمستان سرد ودارای باران وبرف است که از مغرب به‌مشرق ازمقدار آن کاسته می‌شود ودارای تابستانهای معتدل است .

۳ ـ ناحیهٔ مرکزی شوروی یعنی ناحیهٔ خاکهای سیاه که منطقهٔ کشاورزی ومخصوصاً مرکز کشت غلات است دارای آب وهوای بری با زمستانهای بسیار سرد وتابستانهای نسبتاً گرم است و دربعضی نقاط مانند مسکو درجهٔ حرارت درزمستان به ۴۰ درجه زیر صفر می رسد ودر ورخویانسك در سیبری از ۷۰ درجه زیر صفر می گذرد (این ناحیه سردترین نقاط سطح زمین ودر اصطلاح جغرافیایی قطب سرما می باشد.

۴ ـ در نواحی استپهای سفید و خاکستری که زمین پوشیده از علف‌های خود روست آب وهوا کاملا بری یعنی تابستانها بسیار گرم و زمستان‌ها بسیار سرد است و هرچه از مغرب به مشرق پیش برویم بر شدت درجهٔ حرارت افزوده شده ازمیزان باران کاسته می‌شود).

چنانکه درریگزارهای قره‌قوم در ازبکستان درجهٔ حرارت تا ۷۰ درجه هم رسیده وبعضی سالها حتی قطره‌ای باران نمی بارد .

۵ ـ سواحل اقیانوس آرام که تابستانهای آن نسبتاً گرم و بارانی و زمستانهایش سرد و پربرف است وهرچه در طول سواحل از جنوب به شمال پیش رویم از درجهٔ حرارت کاسته می‌شود .

۶ ـ تنها ناحیه‌ای که درشوروی دارای آب و هوای نسبتاً ملایم و مدیترانه‌ای است سواحل دریای سیاه و قسمتی از جلگه‌های ماورای قفقاز است که زمستانهای ملایم و تابستانهای معتدل دارد و در همین نواحی است که کشت درختان میوه، مرکبات، انجیر ، توت وموز رواج دارد. مقدار باران شوروی در نواحی غربی مخصوصاً کنارهٔ دریای سیاه تا ۲۵۰ سانتی‌متر هم دیده شده وهرچه به طرف مشرق پیش رویم ازمیزان آن کاسته می‌شود و در زمستان در سراسر کشور برف‌های انبوه می‌بارد و بادهای بسیار سخت و طاقت‌فرسا در آن می‌وزد. رودهای روسیه به علت وسعت کشور ودور بودن سرچشمهٔ آنها ازدریاهای اطراف وجلگه‌ای بودن خاك عموماً طویل و جریان آنها ملایم و جز در ایام یخبندان زمستان همه‌وقت قابل کشتیرانی است . مهمترین رودهایی که به اقیانوس منجمد می‌ریزند درشوروی اروپا رودهای پچورا ودوینا ودرشوروی آسیا رودهای طویل ابی «اب» ینی سی ولنا می‌باشند. رودهای دیگر این کشور عبارتند از : رودهای دنیستر ، دنیپر و دن که به دریای سیاه و دریای آزوف می‌ریزند ورود نوا که طول آن کم و به خلیج فنلاند «دریای بالتیك» وارد می‌شود، غیر از رود های فوق رودهای دیگر نیز در شوروی جاری است که به دریاچه‌های داخلی میریزد . مانند رود طویل ولگا (به طول ۳۶۸۸ کیلومتر) و رود اورال که به دریاچهٔ خزر و رودهای معروف سیحون « سیر دریا » و جیحون « آمودریا » که وارد دریاچهٔ اورال می‌شوند و در جنوب شرقی سیبری نیز رود آمور جریان دارد که به اقیانوس آرام می‌ریزد . در فرورفتگی‌های این کشور که اغلب آثار فرسایش یخچال‌ها دیده می‌شود دریاچه‌های متعددی وجود دارد مانند دریاچه‌های لادگا ، انگا ، ایلمن و بیپوس در قسمت اروپایی و آرال، بالخاش وبایکال در قسمت آسیایی که از لحاظ استفادهٔ حمل ونقل اهمیتی ندارند. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با وجود منابع ثروتی سرشار و جمعیت فراوان تا قبل از انقلاب سال ۱۹۱۷ از لحاظ اقتصادی جزء ممالك عقب افتاده بود . از زمان بروز انقلاب ، اشتراکی کردن کشاورزی وصنعت معمول گردید و با اجرای برنامه‌های اقتصادی پنجساله یکی بعد از دیگری به سرعت ترقی کرد وامروز یکی از بزرگترین ممالك صنعتی جهان است .کشاورزی شوروی کاملا ماشینی و با اصول علمی انجام می‌شود وکشاورزان درمزارع اشتراکی کلخوز به کار می پردازند اعضای کلخوز می توانند از زمین‌های کوچك متصل به خانهٔ خود استفاده کنند و کشاورزانی که مایل به شرکت در کلخوز نباشند می‌توانند زمین برای کشت وزرع داشته باشند ولی باید شخصاً کشت وزرع نمایند و اجازهٔ استخدام کارگر ندارند. از سال ۱۹۵۰ به‌بعد برای تمرکز بیشتر کارهای کشاورزی تشکیلاتی به‌نام پزلك ایجاد گردید که فعالیت آن وسیع‌تر از کلخوز بود و کشاورزان با راهنمایی تشکیلات دولتی به‌کشت وزرع و تهیهٔ محصول مشغول بودند لیکن از ۱۹۵۷ برای تمرکز کامل امور اقتصادی سراسر کشور را به ۹۲ حوزهٔ اقتصادی تقسیم نموده‌اند .

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یکی از بزرگترین کشورهای تولید کنندهٔ غلهٔ جهان است ودربین غلات، کشت گندم بیش ازسایر مواد رواج دارد که علاوه بر تأمین احتیاجات داخلی هرساله مقداری از آن صادر می گردد ، محصولات غذایی دیگر آن ، چاودار ، جوسیاه، جو، برنج و سیب‌زمینی است که در واقع بزرگترین کشور تولید کنندهٔ سیب‌زمینی درجهان است مهمترین نباتات صنعتی این کشور چغندر قند ، پنبه ، چای ،توتون، کتان (۷۰٪ کتان جهان را شوروی تأمین می‌کند) وشاهدانه می‌باشد . قریب ۹ میلیون کیلومتر از اراضی شوروی را جنگلهای مناطق سردسیر پوشانیده است که ازنظر وسعت جنگلها بزرگترین کشور جهان است. اتحاد جماهیر شوروی از لحاظ منابع کانی در ردیف بزرگترین ممالك دنیاست و از نظر استخراج زغال اولین کشور عالم و از لحاظ استخراج آهن بعد از کشورهای متحد آمریکا قرار دارد. شوروی درسال ۱۹۶۳ متجاوز از ۳۰۶ ملیون تن نفت استخراج نمودکه بعد از ایالات متحده مقام دوم را دارا بوده است . مس، قلع، سرب ،نیکل (دومین کشور بعد از کانادا)

منگنز (اولین کشور جهان) طلا (در سال ۱۹۵۴ بعد از کشورهای متحد افریقا جنوبی مقام اول را داشته است) وطلای سفید که ۹۰ درصد طلای سفید را تأمین می کند، دراین کشور بهره برداری می شود. فراوانی منابع زیر زمینی و وجـود کار اجباری و تمرکز کارها تحت نظر دولت سبب گردیده که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی در ردیف مهمترین ممالك صنعتی جهان قرار گیرد. شوروی درتمام رشته‌های صنایع فلزی سنگین و سبك و ذوب همه نوع فلزات وساخت انواع ماشین، اتومبیل، تراکتور، هواپیما وصنایع برقی و ساخت تلویزیون وصنایع اتمی فعالیت دارد.

تولیدفولاد اتحادشوروی در سه ماه اول سال ۱۹۵۸ درحدود ۱۴۶۰۰۰۰۰ تن بوده است (در حدود ۷۸٪ تولید ممالك متحده آمریکا که ۱۸۷۹۰۲۳۵ تن بوده است). دولت در سال ۱۹۵۸ اعلام نمود که در شش ماه اول سال رشدصنایع به میزان ۴ درصد بیش از نقشهٔ پیش بینی شده بوده است. ولی درعین حال گزارش دولتی حاکی از عدم اجرای کامل نقشه در صنایع بخصوص صنایع فلزی وماشین‌آلات نفتی است. تولیـد طلا در سال ۱۹۵۸ به ۱۷۰۰۰۰۰۰ اونس رسیده که بیش از تولید آفریقای جنوبی بوده و برابر ۶۰ درصد تولید در بقیهٔ نقاط جهان است. دراین کشور تولید نیروی برق به سرعت توسعه می یابد. درمـاه اوت ۱۹۵۸ کوبیبشف، یکی ازتأسیسات بزرگ هیدروالکتریك افتتاح گردید. طول سدکوبیبشف بالغ بر ۵ر۳ میل است.

تجارت خارجی اتحاد شوروی درانحصار دولت است. میزان صادرات و واردات جمعاً بالغ بر ۹ر۲۹ بیلیون روبل بوده که از این مبلغ ۷۶ درصدمربوط به تجارت باکشورهای کمونیستی است. صـادرات مهم عبارتست از: سنگ آهن، منگنز، پنبهٔ نسوز، ماشین آلات، الوار، نفت و پنبه.

تعلیمات عمومی اجـباری در سال ۱۹۳۰ برقرار گردیده در سال ۱۹۵۶ در ۲۲۵۰۰۰ مدرسهٔ ابتدایی ومتوسطه بیش از چهل میلیون دانش آموز مشغول تحصیل بوده‌اند و تعداد معلمین یك میلـیون و هفتصد هزار نفر بوده است. آکادمی علوم شوروی دارای ۶۱ انستیتو، ۳۳ مرکز تحقیقات و ۳۱ آزمایشگاه مخصوص است. برای تربیت کادر پزشکی اتحاد شوروی در سـال ۱۹۵۷ دارای ۷۰ دانشکدهٔ پزشکی مستقل از دانشکده‌ها بوده و ۷۰ درصد دانشجویان این مؤسسات رازنان تشکیل می‌داده‌اند. ساخـتمان دانشگاه مسکو از ۳۲ طشکیل یافته ودارای ۲۲۰۰۰ اطاق، ۱۴۸ آمفی تأتر، ۱۰۰۰ آزمایشگاه و کتابخـانه است. تعداددانشجویان ۲۲۰۰۰ وتعداد استادان ۲۰۰۰ نفر می باشد. تعلیمات مذهبـی فقط به شرط تطابق با قانون تفـکیك دین حکومت آزاد است وپیروان هفت فرقهٔ مسیحی و ادیان اسلام، یهودی و بوایی در این سرزمین زندگی می کنند. عدهٔ پیروان مذهب اسلام پس از مسیـح از سایر ادیان بیشتر است. زبان رسمی روسی است ولی اهالی به زبانهای محلی خود تکلم می کنند ضمناً فراگرفتن زبان روسی برای کلیهٔ جمهوری های تابعه اجباری است.

ممالك عضو اتحاد جماهیر شوروی

کشور	پایتخت	جمعیت	مساحت
آذربایجان شوروی	باکو	۲ر۴ ملیون	۸۷۰۰۰
ارمنستان	ایروان	۶ر۲ ملیون	۳۰۰۰۰
ازبکستان	تاشکند	۵ر۹ ملیون	۳۹۹۰۰۰
تاجیکستان	استالین آباد	۲ر۳ ملیون	۱۴۲۰۰۰
ترکمنستان	عشق آباد	۲ر۱ ملیون	۴۸۸۰۰۰
سیبری، ایالات	تابع مسکو	۹ر۲۱ ملیون	۱۲۲۲۰۰۰۰
قرقیزستان	فرونزه	۲ر۳ ملیون	۱۹۸۰۰۰
قزاقستان	آلما آتا	۲ر۱۱ ملیون	۲۷۶۶۰۰۰
گرجستان	تفلیس	۲ر۴ ملیون	۷۲۰۰۰

اتریش
Autriche



جمهوری فدرال اتریش در اروپـا واقع شده وازشمال وشمال‌شرقی به باویر (جمهوری فدرال آلمان) وچکوسلواکی، از مشرق به مجارستان، از جنوب بـه یوگوسلاوی و ایتالیا وازمغرب به سویس ولیختن اشتاین محدود است. پایتخت آن **وین** و شهرهای عمده‌اش سالزبـورگ، اینسبروگ و گواتس می باشد. اتـریش ۸۳۸۵۱ کیلو متر مربع وسعت و (طبق برآورد سال ۱۹۵۷) ۶۹۹۷۰۰۰ نفر جمعیت دارد. رود دانوب از اتـریش جاری است. وبلندترین قلهٔ این کشور قلهٔ گروسگلوکنر است که ۳۷۹۸ متر ارتفاع و جزء رشتهٔ هوهه تاورن می باشد.

منابع طبیعی وکشاورزی:

ذخایر زیر زمینی در اتـریش از منابع پرسود به شمار می‌روند ولی هنوز بهره برداری کامل نشده‌اند. زغال سنگ، نفت خام، سنگ آهن، آلومینیوم ومس از موادی هستند که بیشتر در اتـریش استخراج می گردند.

میزان بهره برداری نفت خام در سال بالغ بر ۳۴ر۰۰۰۰۰ تن می باشد. محصولات عمدهٔ این کشور عبارتند از: گندم، جو، ذرت و سیب زمینی. ولی به علت محدود بودن زمینهای زراعتی آن محصولات غذایی برای خوراك سکنهٔ این سرزمین کافی نیست.

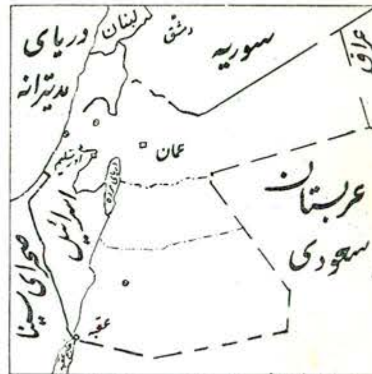
پرورش اسب، بز، گوسفند وخوك در اتریش رواج دارد.

فرهنگ ومذهب:

اکثر سکنهٔ اتریش پیرو مـذهب کاتولیك بوده و زبان آنهـا آلمـانی است.

تعلیمات ابتدایی در سنین ۶ تـا ۱۴ سال مجانی واجباری است.

اردن‌هاشمی (المملکة‌الهاشمیة‌الاردنیه)
Ordon



نقشهٔ سیاسی کشور اردن هاشمی

اردن هاشمی کشوریست در آسیای غربی که از طرف شمال وشمال شرقی به سوریه وعراق ، از مشرق و جنوب به عربستان سعودی و از مغرب به اسراییل محدودست. پایتخت آن عمان ومهمترین شهرش اورشلیم (ناحیهٔ شرقی) می‌باشد. اردن هاشمی ۱۰۲۰۰۰ کیلو متر مربع وسعت و ۱۶۹۵۰۰۰ نفر جمعیت دارد. بندر عقبه تنها راه ارتباط این کشور با دریاست که در خلیج عقبه قرار دارد . قریب ۹۵ درصد اراضی اردن بیابانی است وزمینهای قابل کشت آن بسیار محدود می‌باشد .

منابع طبیعی وصنایع :

معادن فسفات ، پتاس ، نفت دراردن وجود دارد . صنایع جدید در این کشور رایج نیست .

زبان و مذهب

زبان رسمی اردن هاشمی عربی و اکثراً متدین به دین اسلام هستند . و قریب ۹۰ هزار نفر از اعراب پیرو آیین‌مسیح می‌باشند لیکن به زبان‌عربی تکلم می‌نمایند . واحد پول اردن‌هاشمی دینارمعادل ۲/۸۰ دلاراست .

اوروگوئه Uruguay

اوروگوئه کشوریست در آمریکای جنوبی که از طرف شمال به برزیل، از مشرق و جنوب به اقیانوس اطلس و از مغرب به آرژانتین محدوداست. اوروگوئه ۱۸۶۳۰۳ کیلومتر مربع وسعت و (طبق برآورد سال ۱۹۵۶ سازمان ملل) ۲۶۵۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن مونته‌ویدو و شهرهای عمده‌اش سالتو



وگولونیا می‌باشد . واحد پول اروگویه پزو می‌باشد .

اوضاع طبیعی :

اروگویه که یکی از مترقی‌ترین ممالك امریکای‌جنوبی است، کوچکترین کشور این منطقه است . اروگویه با برزیل وآرژانتین همسایه است وقسمتی از رود «اروگویه» که‌سرحد این کشور با آرژانتین واقع شده قابل‌کشتیرانی‌است این‌کشورآمریکای جنوبی دارای هوای نسبتاً یکنواختی‌است. ۶۰ درصدمحصولات اروگویه به‌دامپروری و ۲۷ درصدبه‌کشت و زرع اختصاص دارد . محصولات عمدهٔ این سرزمین عبارتند از : گوشت ،پشم، چرم ، ذرت ،گندم ، مرکبات ، برنج ، توتون، جوسیاه و بزرك ، تهیهٔ کنسرو گوشت ،پارچه بافی‌وشرابسازی‌مهمترین صنایع اروگویه را تشکیل می‌دهد.

فرهنگ و مذهب :

دولت از کلیسا تفکیك شده است طرفداران فرقهٔ‌کاتولیك پیرو پاپ نسبت به فرقهٔ دیگر اکثریت دارند دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه از پرداخت شهریه معاف هستند وتحصیلات ابتدایی‌اجباری است . مونته‌ویدودارای دانشگاهی است . زبان اهالی‌اسپانیولی است .

اسپانیا Espagne

اسپانیا کشوری‌است دراروپای‌جنوب غربی‌که از طرف شمال‌به اقیانوس‌اطلس و سلسله جبال‌پیرنه ، از مشرق وجنوب شرقی به دریای‌مدیترانه ،ازجنوب‌غربی به‌آتلانتیك و از طرف مغرب به‌پرتغال وآتلانتیك محدود است. وسعت اسپانیا ۵۰۳۰۶۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۲۹۶۸۴۰۰۰ نفرمی‌باشد . پایتخت‌آن مادرید و شهرهای عمده‌اش بارسلون ، والانس و سویل می‌باشد .

اوضاع طبیعی :

این‌کشور به اتفاق پرتغال تمام مساحت شبه‌جزیرهٔ ایبری واقع درگوشهٔ جنوب غربی اروپا را فراگرفته ویك سرزمین‌کوهستانی است .

جبل‌الطارق ، پایگاه‌نظامی‌بریتانیا در منتهی‌الیه جنوبی اسپانیا قراردارد. علاوه‌بر سرزمین واقع‌درشبه‌جزیرهٔ‌ایبری جزایر بلاری درمغرب دریای‌مدیترانه، جزایرکاناری (قناری) در مغرب افریقا (اقیانوس اطلس) ، پایگاه سوتا . در افریقا روبروی جبل‌الطارق و ملیلا در ساحل ریف‌از نظرتأسیسات جزءسرزمین مرکزی‌اسپانیامحسوب‌می‌گردند .فقط‌یك سوم‌اراضی اسپانیاقابل‌کشت وزرع است. وازنظروسایل‌کشاورزی‌عقب‌افتاده‌است . محصولات عمدهٔ‌کشاورزی عبارتند از: گندم ، جو، جوسیاه ، چاودار ،زیتون، انگور ، لیمو ، پرتقال و انواع میوه‌ها پیاز ، بادام،کتان، حبوبات، چوب‌پنبه، توتون ، برنج ، وپنبه نیزکشت می‌شود، شراب سازی از صنایع مهم این مملکت است .

اسپانیا دارای‌آهن ، مس ، روی ، زغال سنگ ، کبالت ، جیوه ، نقره ، گوگرد وفسفاتهای مختلف است. صنایع اتومبیل ، تهیهٔ‌چوب‌پنبه و سیمان است. برای مدرن‌کردن راه‌آهن‌ها و سدبندی اقدامات و نقشه‌هایی در جریان است.

فرهنگ و مذهب:

ژنرال فرانکو مذهب‌کاتولیك را مجدداً به صورت مذهب دولتی درآورد. دولت‌وکلیسادرانتصاب‌روحانیون‌دخالت‌و از دولت مستمری دریافت می‌نمایند . تحصیلات ابتدایی اجباری‌و مجانی‌است. دراین‌کشور ۱۲ دانشگاه وجود دارد.

وضع دفاعی :

خدمت نظام به مدت‌دوسال‌اجباری است . بودجهٔ نظامی در حدود یك دوم بودجهٔ‌کل است . طبق موافقت‌نامهٔ ده ساله‌ای‌که در سال ۱۹۵۳ بین‌اسپانیا و امریکابه امضا رسید اسپانیا کمك‌نظامی و اقتصادی‌دریافت می‌دارد . و درعوض ارتش امریکا از پایگاههای هوایی و دریایی این‌کشور استفاده می‌نماید .



نقشهٔ آسیا. «مخصوص دایرةالمعارف دانش بشر»



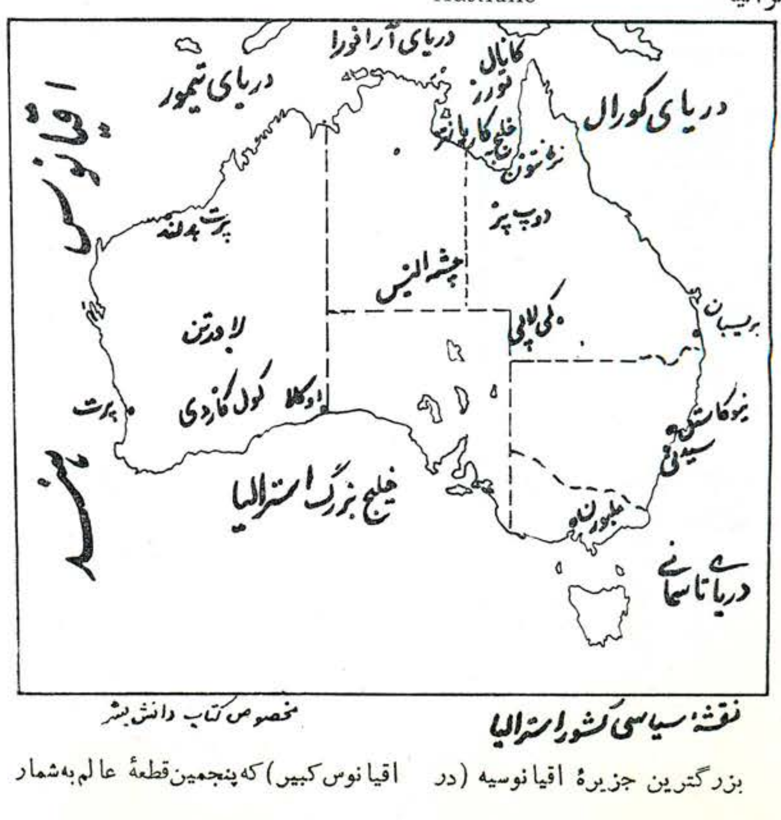
نقشهٔ آمریکای جنوبی.

«مخصوص دایرة‌المعارف دانش بشر»



مستعمرات اسپانیا : گینهٔ اسپانیا (در افریقا) شامل سرزمین گینه وچندجزیره جمعاً به‌مساحت ۲۷۹۹۸ کیلومتر مربع ودارای جمعیت ۱۱۲۰۰۰ نفر. صحرای اسپانیا (افریقا) ایفنی: قطعهٔ کوچکی در ساحل مراکش.

استرالیا Australie



مخصوص کتاب دانش بشر

نقشهٔ سیاسی کشور استرالیا

بزرگترین جزیرهٔ اقیانوسیه (در اقیانوس کبیر) که پنجمین قطعهٔ عالم به‌شمار می‌رود ، و آن سرزمین وسیعی است که مرکزش پست و اطراف آن مرتفع است. در قسمت پست مرکزی دریاچه‌هایی مانند دریاچهٔ تورنس واقع شده و در ساحل شرقی آن سلسله جبالی قرار دارد که به آن آلپ استرالیا می‌گویند و بلندترین قلهٔ آن ۳۲۴۱ متر ارتفاع دارد. آب و هوای استرالیا بری است . در قسمت داخل خشك وسوزان و در قسمت مشرق و جنوب شرقی مرطوب و معتدل می‌باشد. محصول استرالیا نیشکر ، پنبه ، غلات ، گوشت و معادن فراوان دارد. رودخانه‌های مهم آن دارلینگ وموری است که به یکدیگر متصل می‌شوند. این کشور ۷۷۰۴۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت ۹۸۰۱۰۰۰ نفر جمعیت دارد . استرالیا جزو کشورهای مشترك المنافع بریتانیای کبیر می‌باشد . پایتخت آن شهر **کانبرا** است و شهرهای مهم دیگر آن عبارتند از : ملبورن ، سیدنی ، بریسبان ، ادلاید و پرت در استرالیای غربی .

اسراییل Israel

اسراییل کشوری است در آسیای غربی



نقشهٔ سیاسی کشور اسراییل

(خاور نزدیك) در حاشیهٔ دریای مدیترانه که از طرف شمال و شمال غربی دریای مدیترانه، از شمال شرقی سوریه، مشرق و جنوب شرقی اردن هاشمی و از جنوب و جنوب غربی به عربستان سعودی صحرای سینا محدود است. وسعت اسرائیل ۲۰۸۵۰ کیلومتر مربع است که ۲۱۷۰۰۰۰ نفر جمعیت در آن ساکنند. پایتخت اسرائیل اورشلیم و شهرهای مهمش تل آویو و حیفا می‌باشد. مذهب اهالی کلیمی است و به زبان عبری تکلم می‌کنند. واحد پول پوند اسرائیلی است.

محصولات کشاورزی :

مرکبات، گندم، جو، زیتون، خربزه، انگور، انجیر، گوجه فرنگی و موز.

معادن :

سنگ آهك گچ. مس، آهن، فسفات، منیزیم، منگنز، خاك رس، سولفور و پتاس.

بنادر مهم :

حیفا، تل آویو.

صادرات عمده :

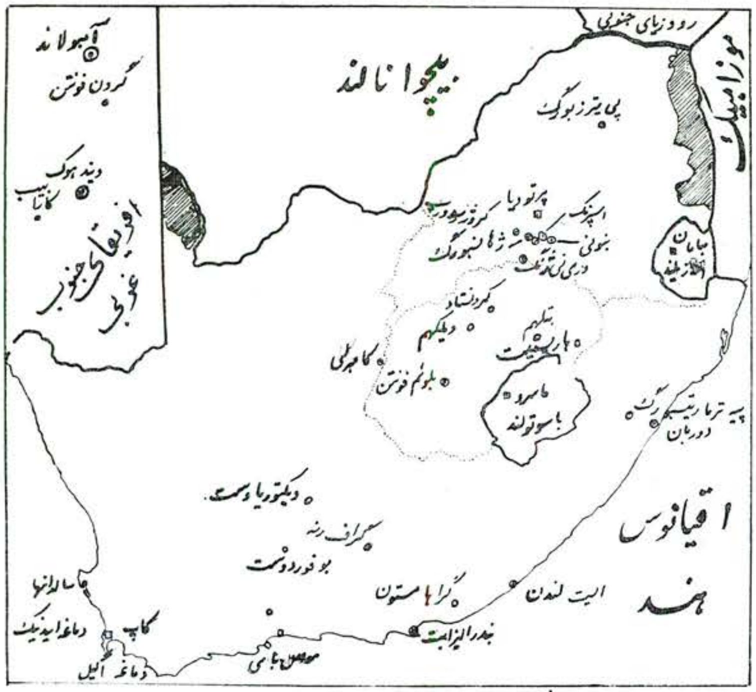
مرکبات، اتومبیل، پارچه، مصالح ساختمانی، لاستیك اتومبیل ودارو.

واردات عمده :

دانه‌های غذایی، گوشت، ماشین‌آلات صنعتی و کشاورزی، موادشیمیایی، منسوجات، چوب، چرم و مواد خام دیگر.

افریقای جنوبی، اتحادیه.

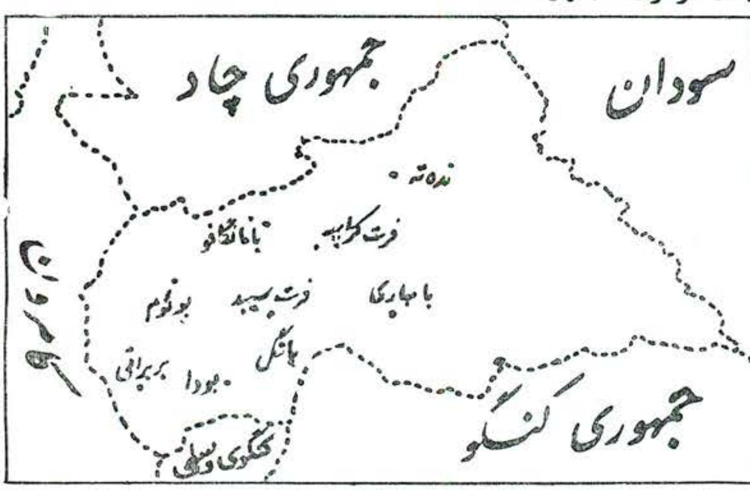
از اتحاد چهار کشور کاپ، ناتال، اورانژ و ترانسوال تشکیل شده است. مساحت آن ۱۳۲۳۰۰۰ کیلومتر مربع و بیش از ۱۲ ملیون جمعیت دارد. پایتختش پرتوریا و جزو کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیا می‌باشد که قسمت جنوبی قارهٔ افریقا را اشغال کرده است. حکومت اتحادیهٔ افریقای جنوبی جمهوری فدرال و شهرهای عمده‌اش یوهانسبورگ و دوربان می‌باشد، محصولات آن، ذرت، غلات، پنبه، توتون پسته و نیشکر و



نقشهٔ سیاسی اتحادیهٔ افریقای جنوبی

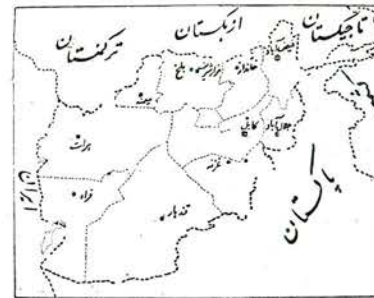
میوه می‌باشد. وطلا، الماس، اورانیوم، زغال سنگ، مس، آهن، منگنز، پنبهٔ کوهی و کروم صادرات آن را تشکیل می‌دهد.

افریقای مرکزی، جمهوری.



کشوری است در قلب افریقا که از طرف شرق و مشرق به سودان، از جنوب به کنگو، از جنوب غربی و مغرب به کامرون و از شمال غربی به جمهوری چاد محدود داست ۷۳۲۹۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۱۱۳۵۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت جمهوری افریقای مرکزی بانگی می‌باشد. نواحی جنوبی آن پوشیده از جنگل‌های انبوه است مهمترین محصولات آن پنبه و قهوه است که به همراه الماس به خارج صادر می‌گردد. این جمهوری جوان در سپتامبر ۱۹۶۰ به عضویت سازمان ملل درآمد، اکثر مردم این کشور پیرو دین مسیح می‌باشند. نام سابق جمهوری افریقای مرکزی، اوبانگی ــ شاری بود.

افغانستان Afghanistan



نقشهٔ سیاسی کشور افغانستان

کشوری‌است در آسیای‌غربی که از شمال به شوروی ، از مشرق و جنوب به پاکستان و از مغرب به ایران محـدود است. وسعت افغانستان ۶۵۰۰۰۰ کیلو-متر مربع و (طبق برآورد ۱۹۴۹) ، ۱۲۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد که از چهار نژاد افغانی ،تاجیك، ترك ومغول و هندوتشکیل یافته‌اند. پایتخت افغانستان کابل و شهرهای عمده‌اش قندهار،هرات. مزارشریف و غزنه می‌باشد . دین‌مردم این‌کشور اسلام است‌که‌قریب ۹۰درصد سنی وبقیه‌شیعه‌اند . زبان‌رسمی‌پشتواست ولی زبان فارسی نیز رایج است واحد پول افغانستان افغانی (نقره) می‌باشد.

اوضاع طبیعی :

افغانستان کشوری‌است کوهستانی که در مشرق ایران قرارگرفته است رشته کوههای هنـدوکش که مرتفـع‌تـرین کوههای‌جهان‌است‌دراین کشور قراردارد. رود عمدهٔ این‌کشور هری‌رود وفراه‌رود است. گله‌داری‌به‌خصوص پرورش گوسفند در افغانستان به میزان وسیعی تـوسعه یافته ومهمترین صادرات آن‌پوست وپشم است. درافغانستان‌انواع‌میوه‌هاو‌گیاهانی زقبیل‌روناس، کرچك وانغوزه می‌روید . معادن مس، سرب ، روی ،آهن ، نقره، پنبهٔ نسوز و نفت‌از منابع زیر زمینی این کشور بـوده وهنوزبسیاری ازآنها بهره‌برداری‌نشده‌است صنایع جدید در افغانستان چندان رایج نیست .

اکوادور Equateur

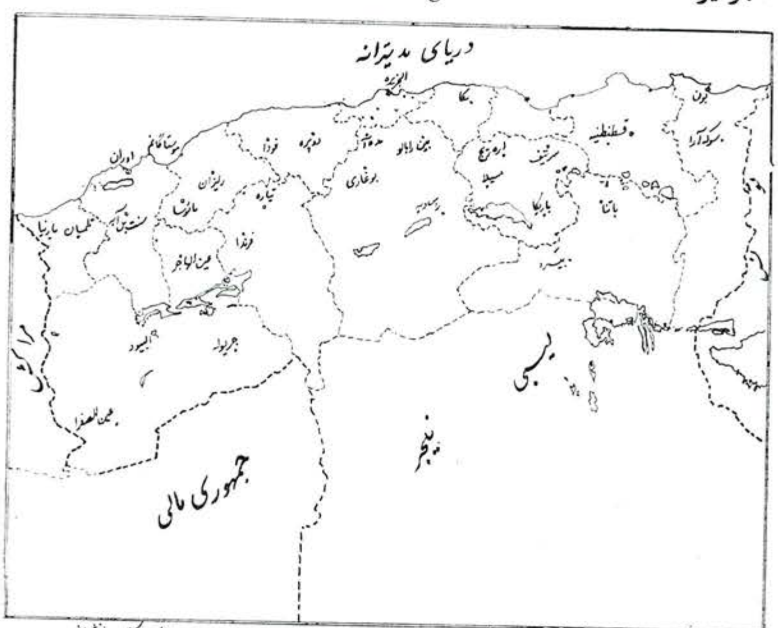
اکوادور کشوری‌است‌درشمال شرقی آمریکای جنوبی‌که از طرف شمال بـه کلمبیا ، از مشرق و جنوب به پرو واز مغرب و شمال غربی به اقیانوس کبـیر محدود است . مساحت آن ۳۰۰۳۹۸ کیلومترمربع‌و۴۱۶۹۰۰۰ نفرساکنینش را تشکیل می‌دهد .

پایتخت آن کیتووشهرهای عمدهٔ آن گویاکی ،کوانکا ،آمباتو ، ریـوبامبا ، لاتاکونگا ، لوژا ، و ایبارا مـی‌باشد . کوههای‌آند از این کشور می گذرد . اکوادور ازنظر ذخایر زیر زمینی‌بسیار غنی است . مهمترین این ذخایرعبارتند از : نقره ،آهن ، مس وسرب‌که به‌طور کامل از آنها بـهره‌برداری نمـی‌شود . محصولات عمدهٔ آن: قهوه ،کاکائو، سیب-زمینی و برنج می‌باشد . صنایع جدیددر اکوادور سریع انجام‌گرفته و تقریباً ۲۰ درصد درآمـد ملی‌کشور را تـأمین می‌نماید .

فرهنگ و مذهب :

زبان اهالی‌اکوادور اسپانیایی‌است واکثرآنها پیرو مذهب‌کاتولیك می‌باشند. تعلیمات‌ابتدایی‌دراین کشوراجباری‌است.

الجزایر Algérie



نقشهٔ سیاسی کشور الجزایر

کشوری‌است درشمال غربی افریقا که از طرف شمال به دریای‌مدیترانه، از مشرق‌به تونس ولیبی،ازجنوب‌به‌صحرای کبیر افریقا و سودان فرانسه وازمغرب به مراکش و موریتانا محـدود است . مساحت تقریبی الجزایـر ۲۰۹۷۰۱ کیلومتر مربع‌است‌که ۱۰۳۰۰۰۰۰ نفر ساکنین‌آن را تشکیل می‌دهد پایتخت این‌کشور الجزایر و شهرهای‌عمـده‌اش دهران ، بونه ، تلمسان و فیلیپویـل می‌باشد .

الجزایر از نظر جغرافیایی‌به‌سه-منطقه تقسیم می‌شود :

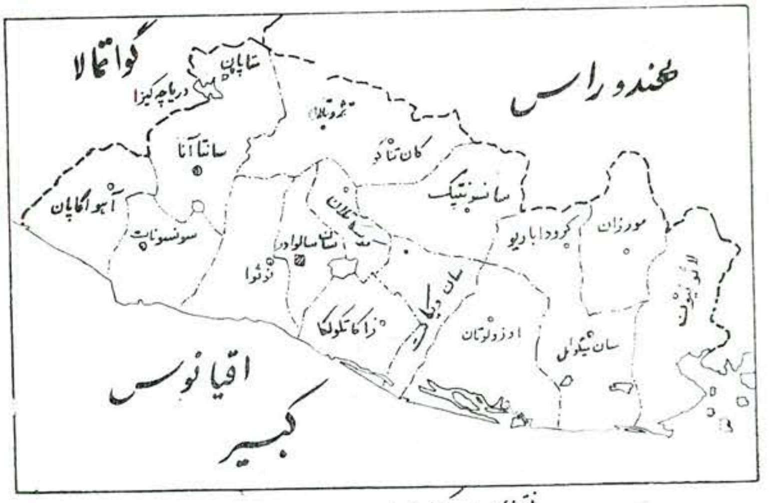
۱ ـ منطقهٔ تل که‌میان کوه«الاطلس» و دریای مدیترانه قراردارد و سرزمین زراعی است .

۲ ـ جلگه‌های مرتفع کـه برای چراگاه چارپایان‌مناسب‌است ودریاچه-هایی شور دارد .

۳ ـ جبل‌اطلس صحراوی کـه در بعضی جاها دارای واحه هایی است . طویل‌ترین رود الجـزایر وادی‌الشلف می‌باشد .زبان مردم‌عربی ومتدین‌به‌دین اسلامند . محصولات زراعی آن ، پنبه ، زیتون ، توتون، حبوبات ، سبزی ومیوه است .آهن ، فسفات وزغال‌فرآورده‌های آن را تشکیل می‌دهند . همچنـین در نواحی جنوب و جنوب شرقی منابع عظیم نفت وجوددارد که درصنعتی کردن الجزایر تأثیر به‌سزایی نموده است.

السالوادور Elsalvador

کشوری‌است در آمریکای‌مرکزی‌که از طرف شمال و مشرق به هندوراس ، از جنوب ومغرب‌به اقیانوس کبیر‌محدود است . السالوادور را باید کوچکترین وپرجمعیت‌ترین جمهوری‌های آمریکای لاتین‌به‌شمار آورد زیرا ۲۱۳۹۳ کیلومتر



نقشهٔ سیاسی کشور السالوادور

مربع وسعت و (برطبق برآورد ۱۹۵۷ سازمان ملل) ۲۸۱۰۰۰۰ نفر ساکنینش را تشکیل می‌دهند. پایتخت السالوادور سان سالوادور ومهمترین شهرش سانتاآنا می‌باشد. السالوادور سرزمین فلاحتی نسبتاً پررونقی است. محصول عمدهٔ آن قهوه وپنبه می‌باشدکه علاوه بر تأمین احتیاجات داخلی از صادرات عمدهٔ کشو است. السالوادورجزء اتحادیهٔ آمریکای مرکزی وعضو سازمان ملل است. زبان مردم این‌کشور اسپانیایی و از پیروان کلیسای‌کاتولیك هستند.

اندونزی Indonesie

کشوری‌است‌در جنوب‌شرقی‌آسیاکه از چندین هزارجزیرهٔ بزرگ و کوچك تشکیل یافته‌که ازآن جمله سوماترا ،



نقشهٔ جزایر اندونزی

جاوه ، سلب، ملوك وبالی را می‌توان‌از جزایر بزرگ و معروف این سرزمین به‌شمارآورد . اندونزی ۱۹۸۵۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و (برطبق‌برآورد ۱۹۵۷ سازمان‌ملل) ۸۵۵۰۰۰۰۰ نفر سکنه دارد . پایتخت این کشور شهر جاکارتا (واقع‌درجزیرهٔ‌جاوه) وشهرهای عمده‌اش مدان ، سورابابا ، باندونگ و سمارنگ می‌باشد . در جزایر اندونزی یك رشته‌کوههای‌آتشفشانی از مغرب به مشرق‌کشیده شده‌که برخی ازآنهاروشن واغلب تولید خسارات فراوانی‌نماید. خاك اندونزی بر اثر وجود لایه‌های آتشفشانی بسیارحاصلخیز و برای‌کشت همه نوع محصول مستعد است به خصوص جزیرهٔ جاوه را می‌توان حاصلخیزترین نقاط اندونزی دانست . به‌مناسبت وفور باران دراین‌کشور کشاورزی رونق‌بسیار دارد و در برخی نقاط سالی سه بار از زمین‌بهره‌برداری می‌کنند . قسمت‌اعظم جزایر اندونزی پوشیده از جنگلهای انبوه است‌که انواع‌واقسام چوبهای‌سخت و قیمتی ازآن به‌دست میآید. محصولات کشاورزی اندونزی برنج (که در تمام جزایرکشت‌می‌شود)، ذرت، سیب‌ زمینی، قهوه ،کاکائو ،توتون وانواع واقسام‌ادویه (فلفل، میخك ، دارچین ، زنجبیل‌و...) الیاف‌گیاهی ، نارگیل ، چای ، نیل و گنه‌گنه می‌باشد .

قلع ، نفت،زغال سنگ ، بوکسیت، منگنز ، مس،نیکل و نقره ذخایر زیرزمینی این کشور را تشکیل می‌دهد . قریب ۹۰ در صد مردم اندونزی‌متدین به دین اسلامند بقیه مسیحی ، هندو یا بودایی می‌باشند . زبان‌رسمی **اندونزی** است‌ولی‌به‌زبان‌های‌مختلف‌تکلم‌می‌نمایند واحد پول اندونزی روپیه (برابر ۵ر۱ ریال) است . این کشور دارای چندین دانشگاه وآکادمی ملی است .

انگلستان Angleterre

بریتانیای‌کبیر را به‌بینید.

اوراندی .

بوروندی رابه‌بینید .

اوروگوئه .

اروگوئه‌را به‌بینید .

اوگاندا . Ouganda

یکی‌ازکشورهای افریقای شرقی‌به مساحت ۲۴۳۰۰۰ کیلومتر مربع واقع بین سودان و کنیا . رودخانهٔ نیل از وسط این‌کشور می‌گذرد وبه‌این جهت اوگاندا دارای جنگل های بزرگی است .

پایتخت اوگاندا، آنته‌به می‌باشد .

ایالات متحدهٔ آمریکا .

ایالات متحدهٔ آمریکا که‌از ۴۹ ایالت تشکیل یافته . درنیمکرهٔ غربی زمین واقع شده و ازطرف شمال به‌کانادا ، از مشرق به‌اقیانوس اطلس ، ازجنوب به خلیج مکزیك و کشور مکزیك و از مغرب به اقیانوس آرام محدود است .

ایالات متحدهٔ آمریکا ۹۳۵۷۷۰۰ کیلومترمربع وسعت و ۱۶۴۶۸۹۰۰۰ نفر جمعیت دارد

پایتخت آن واشنگتن و شهر های عمده‌اش نیویورك، شیکاگو،لوس‌آنجلس، فیلادلفیا، دیترویت،بستن،سانفرانسیسکوو پتسبورگ می‌باشد .

دورشته‌جبال درمشرق و مغرب‌این کشور وجود دارد . کوههای شرقی‌که آپالاش نامیده می‌شود بارشته‌های‌موازی ازشمال شرقی به جنوب غربی کشیده شده‌وازچین‌خوردگی‌های قدیمی‌ومرکب ازچند رشتهٔ موازی می‌باشد و بلندترین قله‌اش بلاکدم در حدود ۲۰۰۰ متر ارتفاع دارد .

کوههای غربی‌که به‌راکی «رشوز» موسوم است و ازشمال به‌ارتفاعات کانادا واز جنوب به‌کوههای‌آتشفشانی‌مکزیك می‌پیوندد متعلق به دوران سوم زمین‌شناسی است و از چندین رشته تشکیل شده‌که ازشمال به جنوب درمغرب‌جلگهٔ میسی‌سیپی کشیده‌شده ودارای‌قلل‌مرتفعی است‌که بلندترین قلهٔ آن بلانکا ۴۴۱۰ متر ارتفاع دارد و بلند ترین کوههای این‌کشور است .

در وسط دو رشته جبال مذکور (آپالاش ـ راکی) جلگهٔ میسی سیپی واقع‌شده‌که‌دریاچه‌های‌پنجگانهٔ:میشیگان سوپریور ، اریه ، انتاریو و هورن در شمال‌آن قرار دارند .



رودخانهٔ میسی سیپی و میسوری که ازجمله طویل ترین رودهای عالمند ، ایالات متحدهٔ آمریکا را مشروب می‌سازند .

قریب دو ملیون مترمربع ازاراضی این کشور بخصوص دامنهٔ کوههای آپالاش و راکی را جنگل های انبوه فراگرفته است .

زبان رسمی درممالك متحدهٔ آمریکا انگلیسی می‌باشد و ساکنین ایـن کشور پیرو مذاهب گـوناگون هستند . بنادر مهم ایالات متحده عبارتند از نیویورك، فیلادلفیا، سانفرانسیسکو ولوس آنجلس.

صنایع طبیعی و کشاورزی :

این کشور یکی از بزرگترین تولیدکنندگان مواد غـذایی است و از نظر تولید پنبه ، جو ، ذرت ، توتون، رازك، آبجو ، شیر، کره ، پنیر ، میوه‌جات و سبزیجات مقام اول را دردنیا حائزمی‌باشد وازلحاظ تولید گندم ، پشم‌وپرورش دام دردرجهٔ دوم‌قرارگرفته است .

ازدیاد روز افزون ماشین های کشاورزی ، اصلاح بذر ، و اصلاح خاك و استفاده از زمین های بایر ، دایماً به میزان محصولات کشاورزی‌اتازونی‌می‌افزاید .

معادن و صنایع : ایالات متحده بزرگتریـن تولید کنندهٔ زغال سنگ ، نفت ، انرژی هیدرولیك ،آهن ، مس ، روی ، سرب ، و فسفات در دنیا است . تولید نیروی برق‌درایالات متحده‌توسعهٔ زیادی یافته است .

سدهای معروفی برای تولید برق ساخته شده است که عبارتند ازهوردام، گراندکوله ، بونه ویلدام . میزان‌تولید برق درسال۱۹۵۷، ۷۱۵۷۰۵۰۰۰۰۰۰ کیلوات‌ساعت‌می‌باشد.شهرهای‌ایلی‌نویین اوهایو ، پنسیلوانی و نواحی‌آلاباما ، کالیفرنی و تنسی مهمترین مراکزصنایع فلزی هستند . صنایع شیمیایی ، تولید مواد غذایی وصنایع بافندگی‌نیز دراین کشور به میزان وسیعی ترقی‌کرده‌است.

صادرات عمده : نفت ، پنبه ، گندم، مصنوعات‌مختلف **واردات‌عمده:** مواداولیه مانند پوست وپشم ومس‌وغیره می‌باشد. **راه‌ها:** درایالات متحده راه‌آهن نقش مهمی در پیشرفت صنعت کشاورزی و تجارت دارد .

راه‌آهنهای سراسری شمال وجنوب و شرق و غرب این کشوررا به‌یکدیگر مربوط می سازد . طول خطوط راه آهن تقریباً ۳۳۶۰۰۰ و طول مجموع خطوط شوسهٔ‌آن ۵۰۰۰۰۰۰ کیلومتر می‌باشد.

راه‌آبی داخلی:(رودخانهٔ‌میسی‌سیپی) وراه‌آبی‌دریاچه‌هادارای‌اهمیت‌بسیاراست مسافربری در اقیانوس اطلس باکمپانی هوم‌لین و در اقیانوس آرام با کمپانی دلارلین است .

ایالات متحدهٔ آمریکا

ایالت	مرکز	جمعیت به ملیون	وسعت به میل‌مربع
آلاباما	مونتگمری	۳	۵۱۶۰۹
آلاسکا	جونو	۰ر۱۲۸	۵۸۶۴۰
آرکانزاس	لیتل روك	۰ر۲	۵۳۱۰۴
آریزونا	فنیکس	۰ر۷۵	۱۱۳۹۰۹
اوتاه	سالت‌لیك‌سیتی	۰ر۷	۸۴۹۱۶
اورگون	سالم	۱ر۵۲۲	۹۶۹۸۱
اوکلاهوما	اوکلاهوما سیتی	۲ر۵	۶۹۹۱۹
اوهیو	کلمبوس	۸	۴۱۲۲۲
ایداهو	بواز	۰ر۷	۸۳۵۵۷
ایلی‌نویز	اسپرینگ فیلد	۱۰	۵۶۴۰۰
ایندیانا	ایندیاناپولیس	۴	۳۶۲۹۱
ایووا	موانس	۴	۵۶۲۹۰
پنسیلوانیا	هاریسبورگ	۱۱	۴۵۳۳۲
تگزاس	اوستین	۸	۲۶۷۳۳۹
تنسی	ناشویل	۳ر۳	۴۲۲۴۴

ایالت	مرکز	جمعیت به ملیون	وسعت به میل‌مربع
جئورجیا	آتلانتا	۳ر۴۴۴	۵۸۸۷۶
داکوتای‌جنوبی	پیر	۰ر۶۸	۷۷۰۴۷
داکوتای‌شمالی	بیسمارك	۰ر۶۳	۷۰۶۶۵
دلاوار	دوور	۰ر۴۴۶	۲۰۵۷
رودآیلند	پروویدانس	۰ر۸۵۹ر۵	۱۲۱۴
فلوریدا	تالاهاس	۴ر۹	۵۸۵۶۰
کارولینای‌جنوبی	کلمبیا	۲ر۴	۳۱۰۵۵
کارولینای‌شمالی	رالی	۴ر۵۶	۵۲۷۱۲
کالیفرنیا	ساکرامنتو	۱۶	۱۵۸۶۹۳
کانزاس	توپه‌کا	۲ر۱۸	۸۲۲۷۶
کلرادو	دانور	۱ر۸	۱۰۴۲۴۷
کنتوکی	فرانگفورت	۲ر۱	۴۰۳۹۵
کن‌نیك‌تیکت	هارتفورد	۲ر۵۳۵	۵۰۰۹
لوئیزیانا	باتون‌روژ	—	۴۸۵۲۳
ماریلند	آناپولیس	۳	۱۰۵۷۷

ایالت	مرکز	جمعیت به ملیون	وسعت به مترمربع
ماساچوست	بوستون	۴ر۷	۸۲۵۷
ماین	اگوستا	—	۳۳۲۱۵
مونتانا	هلنا	—	۱۴۷۱۳۸
میسوری	جفرسون‌سیتی	۴ر۳۲	۶۹۶۷۴
میسی‌سی‌پی	جاکسون	۲ر۱۸	۴۷۷۱۶
میشیگان	لانسینگ	۸	۵۸۲۱۶
مینه سوتا	پائول	—	۸۴۰۶۸
نبراسکا	لینکلن	۱ر۵	۷۷۲۲۷
نوادا	کارتون‌سیتی	۲۹ر.	۱۱۰۵۴۰
نیوجرسی	ترنتون	۶۱	۷۸۳۶

ایالت	مرکز	جمعیت به ملیون	وسعت به میل‌مربع
نیومکزیکو	سانتافه	—	۱۲۱۶۶۶
نیوهمپشایر	کنکورد	۶۱ر.	۹۳۰۴
نیویورك	آلبانی	۱۰	۴۹۵۷۶
واشنگتون	اولمپیا	۲ر۶	۶۸۱۹۲
ورمونت	مونت‌پلیه	۳۹ر.	۹۶۰۹
ویرجینیا	ریچموند	۴	۴۰۸۱۵
ویرجینیای‌غربی	چارلستون	۱ر۹	۲۴۱۸۱
ویسکونسین	مادیسون	۴	۵۶۱۵۴
ویومینگ	چه‌ین	۰ر۳	۹۷۰۱۴
هاوایی	هونولولو	۱	۶۴۲۳

ایتالیا

Italie



ایتالیا کشوری است درجنوب اروپا مرکب ازیك‌قسمت بری‌ویك قسمت‌شبه‌جزیره‌ای که‌ازشمال غربی تاجنوب‌شرقی درکناردریای مدیترانه کشیده شده‌است، ازطرف شمال به‌سویس و اتریش ازشمال شرقی به‌یوگسلاوی ، ازشمال غربی به فرانسه ، از مشرق به‌دریای‌آدریاتیك و از مغرب به‌دریای تیرنی محدود است . ایتالیا ۳۰۱۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت وطبق(برآورد ۱۹۵۷ سازمان ملل) ۴۸۳۵۳۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن شهر تاریخی **رم** وشهرهای عمده‌اش میلان ، ناپل ، تورن ، ژن ، پالرم و فلورانس می‌باشد .

درشمال ایتالیا (قسمت بری)رشته کوههای عظیم آلپ‌به شکل قوسی‌ازمغرب به‌مشرق‌کشیده شده که قلل‌آن مرز ایتالیا وکشورهای فرانسه ، سویس و اتریش‌را تشکیل می‌دهد .

درناحیهٔ شبه جزیره ای کوههای آپنین از شمال به جنوب کشیده شده است . در دامنهٔ کوههای‌آلپ جلگهٔ وسیع و حاصلخیز پو از آبرفت رود پو به وجودآمده که شیب‌آن از مغرب‌به مشرق به‌طرف‌دریای‌آدریاتیك است و بزرگ‌ترین مرکز‌کشاورزی وفعالیت‌اقتصادی ایتالیا محسوب می‌شود .

مهمترین رود های این‌کشور پو و آدیژ که هر دو به‌دریای‌آدریاتیك می‌ریزند و تیبر وآرنو که‌به‌دریای تیرنی منتهی می‌گردند .

جزیرهٔ سیسیل بزرگترین جزیرهٔ ایتالیا و جزایر مهم دیگرآن‌ساردنی ، آلپ وکاپری می‌باشد . پنج‌ملیون‌هکتار از اراضی ایتالیا بخصوص دردامنه‌های آلپ وآپنین پوشیده ازجنگل است که محصول‌آن‌درتهیهٔ سلولز ،کاغذ وکشتی‌سازی به‌کار می‌رود .

آب و هوای ایتالیا ازنظرموقعیت جغرافیایی متفاوت است‌به‌طور‌کلی‌هرچه از شمال به جنوب وازمغرب به مشرق پیش رویم میزان حرارت افزایش یافته از مقدار باران‌کاسته می‌شود.

ایتالیا، زادگاه سیسرون ، گالیله، میکل‌آنژ ،رافائل ، دانته، توسکانینی و گاریبالدی و سرزمین رنسانس‌ومنبع و سرچشمهٔ مدنیت‌های اروپاست . مذهب رسمی ساکنین این‌کشور کاتولیك است و به‌زبان ایتالیایی‌تکلم می‌کنند وواحد پولشان لیر می‌باشد .

باآنکه وسعت ایتالیا نسبت به جمعیتش‌کم است و قسمتی ازآن‌راکوه‌های آپنین در برگرفته با این حال مرغوبیت و حاصلخیزی خاك جلگهٔ پو سبب گردیده‌که موقعیت‌کشاورزی‌ایتالیا ازکشور های انگلیس و فرانسه بیشتر باشد .

مهمترین محصول غذایی ایتالیا گندم است که بیشتر در جلگهٔ پو کشت می‌شود. و کشت ذرت در درجهٔ دوم اهمیت قرار دارد. محصولات غذایی دیگر این کشور عبارتند از: برنج، جو، جوسیاه، چاودار و سیب ـ زمینی.

آب‌وهوای ایتالیا برای کشت انواع واقسام درختان میوه مخصوصاً انگور، زیتون، ومرکبات و درخت توت مساعد و باغداری نیز رواج کامل دارد.

صنایع ایتالیا پا به پای افزایش نیروی هیدروالکتریك (۴۰ ملیون کیلووات در سال) وکشف منابع گازطبیعی، توسعه یافته است. ایتالیا از خاور میانه به خصوص ازعراق و عربستان سعودی نفت وارد می‌کند.

تصفیه خانه های نفت در ایتالیا سبب شده است که این کشور از ممالك صادر کنندهٔ نفت گردد، گازمتان که جانشین زغال سنگ ونفت می‌گردد در درهٔ پو و نواحی دیگر یافت می‌شود. تولید فولاد سالیانه به‌طورمتوسط به ۶۰۰۰۰۰۰ تن می‌رسد.

درسال ۱۹۵۷ تولید اتومبیل ۳۵۰۰۰۰ بود که ۱۰۰۰۰۰ از آن صادر گردید. در همین سال ۳۵۰۰۰۰ ماشین تحریر ساخته شد که دو سوم آن صادر گردید و مقدار درآمد ازاین بابت ۴۱۰۰۰۰۰۰ دولار بود.

دیگر محصولات صنعتی ایتالیا عبارتند ازچرخ خیاطی، کشتی های تجارتی، موادشیمیایی. در سال بیش از پانصد هزار تن از این کشور مرمرسفید ورنگین صادر می‌گردد.

به علت وجود موزه های نقاشی و مجسمه سازی و آثار تاریخی، سالیانه بیش‌از ۱۲۰۰۰۰۰۰ نفر جهانگرد و مسافر ازایتالیا دیدن می‌کنند.

تریست

تریست که قسمتی از آن اکنون متعلق به ایتالیا می باشد، در پیمان صلح چهار کشور بزرگ با ایتالیا منعقده در ۱۰ فوریهٔ ۱۹۴۷، تحت ادارهٔ شورای امنیت سازمان ملل درآمد. نیروهای سازمان ملل وبریتانیای کبیر درقسمت شمال ونیروهای یوگسلاوی در قسمت جنوب تریست مستقر گردید.

مساحت: ۸۲۵٫۶ کیلومتر مربع

جمعیت (۱۹۵۴): ۳۰۲۰۰۰ نفر، طبق موافقت نامهٔ مورخهٔ ۵ اکتبر ۱۹۵۴ بین ایتالیا و یوگسلاوی قسمت شمال و بندر تریست ۲۳۲٫۲ کیلومتر مربع مساحت و ۲۲۶۲۲۹ نفر جمعیت به‌تصرف ایتالیا درآمد. ومنطقهٔ اشغالی یوگسلاوی طبق موافقت نامهٔ مذکور ۵۱۶ کیلومتر مربع با ۷۳۵۰۰ نفر جمعیت می‌باشد.

ایرلند Irlande

ایرلند جزیره‌ای است درشمال‌غربی اروپا و مغرب جزیرهٔ بریتانیای کبیر که قسمتی ازآن در اشغال انگلستان است. ایرلند ۸۲۴۶۰ کیلومتر مربع وسعت و (طبق برآورد ۱۹۵۷ سازمان ملل) ۲۸۸۵۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن‌دوبلین‌و شهرعمده‌اش بلفاست می‌باشد.

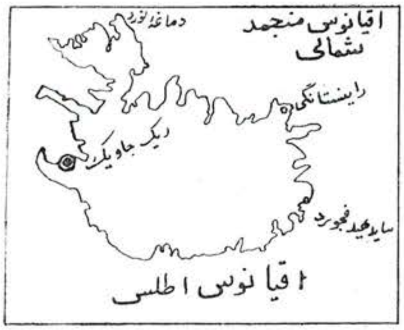
در مرکز جزیرهٔ ایرلند دشت بسیار وسیع و حاصلخیزی وجود دارد که اطراف آن راکوهستان حلقه وار احاطه‌کرده است.

باران‌دراین ناحیه به‌حدوفور می‌بارد و بهمین جهت‌اراضی آن‌سبزوخرم وبه‌جزیرهٔ زمردین اشتهار یافته است. محصولات‌کشاورزی ایرلند گندم، جو، جودوسر، چاودار، سیب‌زمینی، چغندر قند، کتان وکنف‌می باشد.

پارچه بافی از صنایع نسبتاً مهم این‌کشور محسوب، می‌شود و پارچه های کتانی و توری های‌آن شهرت جهانی دارد.

ایرلند عضو بازار مشترك المنافع بریتانیاست و۱۴ دسامبر ۱۹۵۵ به عضویت سازمان ملل پذیرفته شد. اهالی این‌کشور به زبان ایرلندی تکلم می‌کنند و اکثراًپیرومذهب کاتولیك هستند واحد پول ایرلند پوند ایرلندی (معادل ۲٫۰۸ دولار) است.

ایسلند Islande



ایسلندجزیره‌ای‌است درشمال‌اروپا به مساحت ۱۰۳۰۰۰ کیلومتر مربع که (طبق برآورد ۱۹۵۸) ۱۶۶۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت‌آن‌ریکیاویك و شهرعمده‌اش آکوریری است.

ایسلندفلاتی است به ارتفاع‌متوسط ۶۱۰ متر و دارای‌کوههای آتشفشان متعددکه برخی ازآنها هنوز هم روشن هستند وبلندترینشان‌کوه آتشفشان هکا می‌باشد. چشمه‌های‌آب‌گرم آن فراوان بوده وآب‌گرم به پایتخت لوله‌کشی شده و درگرم‌کردن ساختمانها به‌کارمی‌رود. بیش‌از ۲۵ درصدخاك ایسلندقابل‌سکونت نیست و بیشتر شهرهای‌آن درکنار دریا قرارگرفته‌اند. آب وهوای ایسلندملایم و مرطوب‌است‌وکشاورزی‌آن‌محدود. شغل عمدهٔ ساکنین این جزیره صیدماهی‌است و ۹۵ درصد صادرات ایسلند از این‌راه تأمین می‌شود. لیکن این‌کشور هرساله زغال سنگ، نفت، پارچه، مصنوعات چوبی و فلزی، ماشین‌آلات، غلات و کاغذ را از خارج وارد می‌کند. ایسلند در ۱۹۴۶ به عضویت سازمان ملل ودر ۱۹۴۹ به‌سازمان پیمان‌آتلانتیك‌شمالی پیوست. زبان ایسلندی، دانمارکی و انگلیسی درمیان‌ساکنین این‌کشوررایج است‌لیکن اولی‌زبان رسمی‌کشورمحسوب می‌گردد. اغلب مردم پیرو مذهب پروتستان می‌باشند. ایسلند ازنظر فرهنگ بسیار پیشرفته است و بی سواد ندارد.

برزیل Brésil

برزیل‌کشوری‌است‌درآمریکای‌جنوبی که از طرف شمال به‌گویان و ونزوئلا، از شمال شرقی ومشرق‌به‌اقیانوس‌اطلس، از جنوب به پاراگوئه، اوروگوئه و

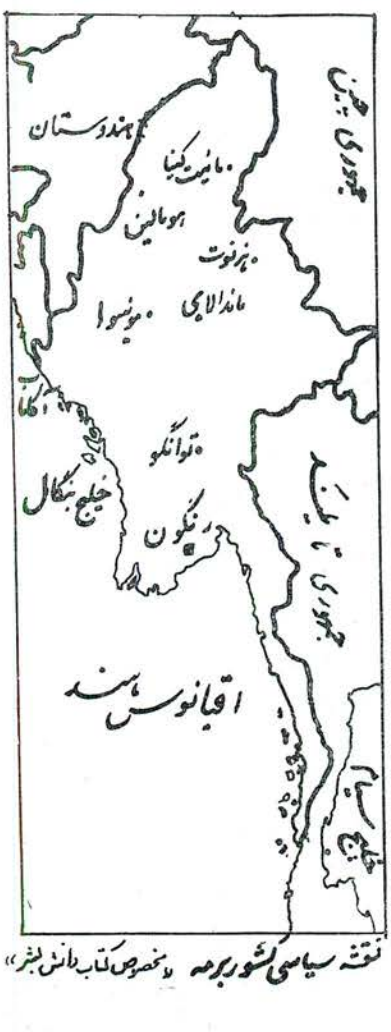


نقشهٔ کشور برزیل — مخصوص کتاب دانش بشر

آرژانتین واز مغرب به بلیوی ، پرو و کلمبیا محدود است. برزیل بزرگترین و پرجمعیت‌ترین کشورهای آمریکای جنوبی وچهارمین کشور (از نظر وسعت) جهان‌است که ۸۴۸۳۱۶۹ کیلومتر مربع وسعت و (طبق برآورد ۱۹۵۸م) ۶۳۱۰۱۶۲۷ نفر جمعیت‌دارد. پایتخت آن برازیلیا وشهرهای‌عمده‌اش‌سائوپولو، ریودوژانیرو ، رسیف ، سالوادور و پورتوالگر می‌باشد . برزیل را از نظر پستی وبلندی به دوقسمت می‌توان‌تقسیم کرد . یکی فلات شرقی که در شمال و مغرب با شیب ملایمی به جلگهٔ آمازون متصل می‌شود ، دیگر جلگهٔ آبرفتی و حاصلخیز آمازون‌که سراسر شمال این کشور را فراگرفته و دردامنهٔ کوههای آند با شیب ملایمی از مغرب به مشرق رو به سمت اقیانوس اطلس گسترده شده و حوضهٔ وسیعی به وسعت تقریبی‌سه‌ملیون کیلومتر مربع به وجود‌آورده است . رود آمازون‌که ازکوههای‌آند در مغرب برزیل‌سرچشمه‌گرفته‌سراسرشمال ومرکز برزیل را مشروب می‌سازد وپرآب‌ترین رودهای جهانست‌که سرانجام به‌اقیانوس اطلس منتهی‌می‌گردد . آب وهوای‌برزیل به طورکلی گرم و مرطوب است ولی فلاتها و مرتفعات شرقی به علت ارتفاع زمین و مجاورت با اقیانوس دارای‌آب وهوای نسبتاً معتدل و در اطراف رود آمازون رطوبت هوا نسبت به سایر نقاط بیشتر است . نیمی از خاک‌برزیل را جنگلهای‌انبوه‌وعظیم‌استوایی‌پوشانده است . کشاورزی برزیل چندان توسعه نیافته ولی‌اساس اقتصادکشور برکارهای کشاورزی ، دامپروری و استفاده از جنگلها استوار است. مهمترین محصول برزیل قهوه است که از حیث کشت قهوه برزیل سرآمد تمام کشورهای‌جهان‌است. دیگر محصولات آن گندم ، ذرت، برنج، کاکائو ، توتون ، موز ، نارگیل و میوه می‌باشد .

گاوداری در برزیل بسیار رایج است . کمبود منابع زغال و فلزات سبب گردیده‌که برزیل درکار صنعت پیشرفت زیادی ننماید . لیکن از سال ۱۹۴۶ جنبشی جهت توسعهٔ صنایع‌آغاز گردیده و امروزه‌فولادسازی ، صنایع‌آلومینیوم، سیمان ، صنایع شیمیایی ، داروسازی ، چرم سازی، بافندگی به خصوص‌لاستیک‌سازی وکاغذسازی فعالیت‌های صنعتی‌این کشوررا تشکیل می‌دهد. زبان‌رسمی‌برزیل پرتغالی و اکثر ساکنین این‌کشور پیرو مذهب‌کاتولیک‌می‌باشندو پیروان‌پروتستان نیز خالی از اهمیت نیست.

برمه Birmanie



نقشه سیاسی کشور برمه «مخصوص کتاب دانش بشر»

برمه کشوری‌است‌درجنوب‌شرقی‌آسیا که از شمال به تبت ، از مشرق به‌چین، لائوس و تایلند، از جنوب غربی‌به‌خلیج بنگال و از مغرب به پاکستان شرقی و هند محدوداست. وسعت برمه۶۷۸هزار کیلو مترمربع وقریب ۲۰ ملیون نفر جمعیت دارد . پایتخت این کشور رانگون‌می‌باشد . از جمله‌ارتفاعات برمه کوههای راکان یوما ، را می‌توان نام برد . ایراوادی بزرگترین رود این‌کشور است . بیش ازنیمی از خاک برمه را جنگل فراگرفته و هرچه به نواحی مرطوب تر نزدیک گردد بر انبوهی‌آن افزوده می‌شود . به‌طور کلی خاک برمه حاصلخیز وغنی و مهمترین محصول غذایی‌آن برنج است که اولین صادرکنندهٔ برنج جهان است. محصولات دیگرآن‌پنبه ، نیشکر، ادویه وچوبهای جنگلی می‌باشد.

برمه منابع معدنی فراوان دارد‌که از جملهٔ‌آنها نفت ،تنگستن ، طلا، نقره ، نیکل ، قلع و سرب می‌باشد . وجود تمدن بزرگ چین وهند دردوطرف‌برمه و ارتباط تجاری وبازرگانی برمه‌ای‌ها با ساکنین این دوکشور ، پای تمدن را به برمه‌بازکرد . اهالی این‌سرزمین‌به‌زبان‌برمه‌ای تکلم می‌کنند لیکن زبان انگلیسی دردرجهٔ دوم اهمیت قراردارد. مذهب‌اکثرمردم بودایی است. واحدپول برمه کیات نامیده می‌شود .

بریتانیای کبیر و کشورهای مشترک‌المنافع .

بریتانیای کبیر جزیره‌ای‌است در شمال‌غربی اروپا شامل جزایرانگلستان ویلز ، اسکاتلند ، ایرلند شمالی ، مان و مانش (آنگلونرمان)که از طرف شمال ومغرب به اقیانوس اطلس،ازمشرق به‌دریای شمال وازجنوب به‌دریای مانش محدود است .

بریتانیای‌کبیر ۲۴۳۲۳۹ کیلومتر مربع وسعت‌و(طبق‌برآورد۱۹۵۷) ۵۱۴۵۵۰۰۰ نفرسکنه دارد .

مساحت انگلستان ۱۳۰۳۵۰ کیلو متر مربع و جمعیت آن (طبق‌آمار سال ۱۹۵۱) ۴۱۱۴۷۹۳۸ نفر می باشد . پایتخت‌انگلستان‌لندن وشهرهای مهم‌آن بیرمنگام ، گلاسکو ، لیورپول،منچستر، شفیلد،لیدز، بریستول‌وبرادفوردمی‌باشد.



مرتفعات بریتانیای کبیر متعلق به دوران اول و دوم زمین شناسی است و به‌همین‌جهت ارتفاع آنها کم وقله‌ها سائیده شده و درنواحی‌جنوبی به شکل تپه‌ماهور درآمده است.

بلندترین قلهٔ آن بن‌نویس ۱۳۴۳ متر ارتفاع دارد که در اسکاتلند قرار گرفته‌است. آب و هوای انگلستان معتدل وقسمت اعظم سال مه آلود است. وآب گلف استریم درمجاورت ساحل غربی آن جریان دارد.

رودهای مهم انگلستان تایمز، همبر مرسی وسورن می‌باشد. ساکنین بریتانیای کبیر از اقوام گوناگون چون سلت ها، اسکت ها، انگل‌ها، ساکسون‌ها، دانواها، و نرمان ها تشکیل شده اند و به زبان انگلیسی تکلم می نمایند و پیرو دین مسیح واغلب تابع کلیسای انگلیسی‌می‌باشند.

قسمت اعظم جنگلهای این کشور در اسکاتلند شمالی ویلز و ایرلندشمالی قرار دارد و برای مصرف داخلی کافی نیست. بطوری‌که کمبودآن‌را ازممالك دیگروارد می‌کنند. نامساعد بودن‌وضع طبیعی در این کشور سبب گردیده که کشاورزی آن رونق نیابد.

وجودکانهای سرشار زغال سنگ و آهن موجب ترقی صنایع انگلستان گردیده است‌وصنایع‌پارچه بافی‌وماشین‌سازی دردرجهٔ اول اهمیت صنایع این کشور قرار دارد.

اسکاتلند.

اسکاتلند به مساحت ۷۸۴۴۴٫۹ کیلو متر مربع نیمهٔ شمالی جزیرهٔ انگلستان راتشکیل می‌دهد. جمعیت آن (طبق بر آورد ۱۹۵۶) ۵۱۴۵۰۰۰ نفر است.

مرکز اسکاتلند شهرادنبورگ است که دارای ۵۰۰۰۰۰ جمعیت می‌باشد، شهرگلاسکو بزرگترین مرکز صنعتی اسکاتلند بوده و درآن انواع پارچه‌های پشمی و ابریشمی‌تولید می‌گردد. تولیدات فولادی این کشور (طبق برآورد سال ۱۹۵۷) ۳۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ تن می‌باشد. ویسکی بزرگترین رقم‌صادرات اسکاتلند است.

ایرلند شمالی.

ایرلند شمالی‌به‌نام اولستردرگوشهٔ شرقی‌جزیرهٔ ایرلند واقع‌گردیده است. مساحت‌آن ۱۳۵۱۴٫۴۰ کیلومتر مربع وجمعیت‌آن (طبق برآورد ۱۹۵۶) ۱۳۹۶۶۰۰ نفر می‌باشد. بلفاست مهم‌ترین مرکز صنعتی‌ایرلند شمالی‌است. یکی ازمهمترین محصولات‌آن‌سیب‌زمینی است. گله‌داری و پرورش مرغ در این کشور اهمیت بسیار دارد.

حکومت: جزیرهٔ ایرلند در سال ۱۹۲۰ به‌دوقسمت شمالی وجنوبی‌تقسیم گردید و وقتی درایرلند جمهوری‌اعلام شد ایرلند شمالی به بریتانیای کبیر پیوست. پارلمان ایرلند شمالی تشکیل شده است ازسنا با۲۶ عضو و مجلس

عوام با ۵۲ نماینده . ایـن‌پارلمان در امور محلی اختیار وضع قوانین دارد.
فرهنگ و مذهب : اکثر اهالی پیرو مذهب پروتستان هستند . تعلیمات ابتدایی اجباری است. دانشگاه بلفاست یکی از بزرگترین مؤسسات فـرهنگی بشمار می‌رود .

کشورهای مشترک المنافع

بریتانیای کبیر .
انگلستان .
ولز «کشور گال»
اسکاتلند
ایرلند شمالی
جزیرهٔمان
جزایر مانش (آنگلونرمان)

اروپا .
جبل‌الطارق
مالتا
گزو

آسیا .
هندوستان (جمهوری)
پاکستان (جمهوری)
عدن
سوکوتره
قبرس
سیلان
جزایر مالدایو
اتحادیهٔ مالایا
سنگاپور
برنئوشمالی
برونی
ساراراك
هنگ‌کنگ

آفریقای مرکزی
رودزیای شمالی
رودزیای جنوبی
نیوزلاند

آفریقای شرقی
کنیا
اوگاندا
تانگانیکا
زنگبار
سومالی

آفریقای جنوبی .
اتحادیهٔآفریقای جنوبی
باسوتلند
سوازیلند
بشوانالند

آفریقای غربی .
غنا
نیجریه
گامبیا
سیرالئون
کامرون

اقیانوس هند .
جزیرهٔ موتیتیوس
جزیرهٔ سی‌شلر

اقیانوسیه .
استرالیا
جزیرهٔ نورفولك
پاپوا
گینهٔ جدید
نائورو
جزیرهٔ کریسمس
زلاند جدید
جزیرهٔ توکلائو
ساموا شرقی

جزایر اقیانوس‌آرام
جزایر میجی
جزیرهٔ تونگا
جزیرهٔ ژیلبرت والیس
جزایر سلیمان
هبرید جدید
جزایر دیگر اقیانوس‌آرام

آتلانتیك .
جزیرهٔهلنا
جزیرهٔ آسانیون
ترتسیان ــ دا ــ کونها

آمریکای شمالی .
کانادا .
آلبرتا
کلمبیا
مانی توبا
برونزویك جدید
نوا اسکومیا
انتاریو
جزیرهٔ پرنس ادوارد
کوئیك
ساسکاوان
یوکن
زمین‌های شمال شرقی
نیوفندلند

آمریکای مرکزی .
هندوراس انگلیس

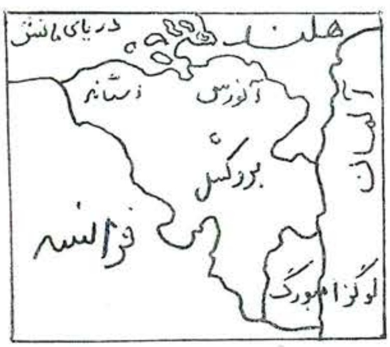
جزایر آنتیل
اتحادیهٔ آنتیل:
باربادوس
جامائیکا
جزایر ترکس وکیلوس
جزیرهٔ کیمان
جزیرهٔ لیوارد
جزیرهٔ ویند وارد
تیرینداد ــ توباگو
برمودا
باهاماس

آمریکای جنوبی .
گینهٔ انگلیس
جزایر ماك‌لند و جورجیای‌جنوبی

قلمرو بریتانیایی قطب‌جنوب .

ایـن مستعمره که درسال ۱۰۶۲ تشکیل شد شامل ساحل گراهام جزایر جنوبی و جزایر اورکنی جنوبی بـه مساحت ۱٫۲۹۲٫۵۰۰ کیلومتر مربع زیرنظریك نمایندهٔ عالی انگلیسی‌اداره می‌شود .

بلژیك . Belgique



کشوری است درشمال‌غربی‌اروپا که ازطرف شمال بـه‌هلند و دریای شمال ، ازمشرق به‌آلمان غربی ولوکزامبورگ از جنوب و مغرب بـه فرانسه محدود است. بلژیك ۳۰۳۷۹ نفر جمعیت دارد پایتخت‌آن بروکسل و شهرهای‌عمده‌اش آنور ، لیژ ، و گان می‌باشد .

سراسر خاك بلژیك راجلگه های هموار که ازآبرفت رودها و رسوبات دریا به‌وجودآمده، تشکیل شده است و فقط درجنوب شرقی(فلات‌آردن) اراضی مرتفعی وجود داردکه حد اکثرارتفاع آن قریب۷۰۰ متر می‌باشد .

زمین‌های ساحلی بلژیك نیز مانند هلند از سطح دریـا پایین تراست وبه‌

همین‌جهت آب دریا به‌هنگام بالا آمدن (مد) آنرا می‌پوشاند اما سدهایی که‌در طول ساحل برپا داشته‌اند مانع پیشروی آب می‌گردد .

ازمهمترین رودهای بلژیك مزو- اسکورا باید نام برد که هردو از ارتفاعات فرانسه سرچشمه گرفته پس از مشروب کردن اراضی بلژیك درهلند بـه دریا منتهی می‌گردند. آب وهوای‌فلات‌آردن در زمستان سرد و تابستان معتدل است. اراضی‌ساحلی بلژیك‌هم‌براثروزش بادهای دریایی مرطوب‌وپرباران‌می‌باشد نواحی مرکزی بلژیك آب‌وهوای نسبتاً ملایم دارد . قسمت‌عمدهٔ زمینهای‌زراعتی این‌کشور در نواحی‌مرکزی وغربی‌قرار گرفته که‌کشت‌برنج (درنواحی‌مرکزی) و جووجوسیاه (درفلات‌آردن) رایج‌است بااینکه کشاورزی بلژیك ماشینی است و دامداری‌آن حایز اهمیت مـی‌باشد . لیکن وجود کان‌های سرشار زغال سنگ و آهن و روی وسرب سبب گـردیده که بلژیك در عداد صنعتی‌ترین‌ممالك‌جهان قرارگیرد . فعالیت‌های‌صنعتی این‌کشور بیشتر در رشته‌های‌صنایع‌فلزکاری(ساخت انواع ماشین‌های بافندگی، کشاورزی ، لوکوموتیو ، اسلحه‌وکشتی‌و...) صنایع شیمیایی (ساخت انواع واقسام دارو و رنگ وکودهای شیمیایی) صنـایع‌غذایی الکتریکی و مخصوصاً صنایع شیشه‌سازی و بلورسازی می‌باشد .

بلژیك عضو پیمـان ناتو وبـازار مشترك‌المنافع اروپاست . اکثرمردم‌پیرو مذهب‌کاتولیك هستند . زبان فـرانسه و فنلاندی زبان‌هـای رسمی بلـژیك است لیکن زبان‌آلمانی نیز در میان اهالی رایج می‌باشد . واحدپول بلژیك فرانك است .

بلغارستان
Bulgarie



نقشهٔ سیاسی کشور بلغارستان – مخصوص کتاب دانش بشر

کشوری‌است‌درجنوب‌شرقی‌اروپاواز ممالك شبه‌جزیرهٔ بالکان‌که ازطرف‌شمال به‌رومانی ، ازمشرق به‌دریای سیاه . از جنوب به‌ترکیهٔ اروپا و یونان وازمغرب به‌یوگوسلاوی محدود است . بلغارستان ۱۱۰۴۱۲ کیلومتر مربع وسعت و(طبق برآورد۱۹۵۷ سازمان‌ملل) ۷۶۶۷۰۰۰ نفرجمعیت دارد . پایتخت آن صوفیه و شهرهای عمده‌اش، پلودیو، وارنا،وروسه می‌باشد . ارتفاعات بالکان از بلغارستان می‌گذرد و رودهای دانوب و ستروما آن- رامشروب می‌کنند .

به‌طورکلی بلغارستان سرزمینی‌است غله‌خیزکه اراضی‌ومراتع‌وسیعی‌زیرکشت دارد ومحصولات‌عمدهٔ کشاورزی‌آن گندم، جو ، چاودار، جودوسر ، ذرت ، سیب- زمینی، توتون. انگور وگل می‌باشد. از منابع‌آهن ، مس، زغـال‌سنگ ، روی ، سرب، نفت ولینییت در بلغارستان‌بهره- برداری می‌شود . صنایـع سنگین ایـن کشورکه ازسال ۱۹۴۸ بااجرای‌برنامهٔ پنجسالهٔ اول و دوم اقتصادی موردتوجه قرارگرفت امروزپیشرفت‌فراوانی نموده است . اهالی بلغارستان به‌زبان بلغاری که‌ازاسلاوگرفته شده ،تکلم می‌نمایند.و مذهب اکثرمردم‌ارتودوکس‌یونانی‌است. واحدپول این کشورلومی‌باشد . تعلیمات ابتدایی از ۷ سالـگی تـا ۱۴ سالگی اجباری‌است.



نقشهٔ سیاسی کشور بولیوی

بولیوی
Bolivie

کشوری‌است‌درمغرب‌آمریکای‌جنوبی از طرف شمال ومشرق‌به‌برزیل، ازجنوب به‌پاراگوئه وآرژانتین ، از جنوب‌شرقی و جنوب‌غربی ومغرب‌به‌شیلی وپرومحدود است . بولیوی۱۰۷۳۳۸۳ کیلومترمربع وسعت و(طبق برآورد ۱۹۵۷ سـازمان ملل) ۳۲۷۳۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت‌آن سوکر (ولی مرکز فعالیت- های سیاسی واقتصادی‌آن‌شهرلاپازاست) و شهرهای عمده‌اش کوشابامبا ، اورورو، پوتوسی‌وسانتاکروزمی‌باشد.رشته کوههای آند در مغرب بولیوی‌کشیده شده‌است و

جنوب غربی آنرا نمکزار وسیعی فرا گرفته است . محصولات عمدهٔ کشاورزی بولیوی سیب‌زمینی ، کاکائو، قهوه ، کائوچو، جو و کوکا می‌باشد . منابع سرشار مس، سرب، روی، قلع ، طلا ، نقره، نفت، آنتیموان، بیسموت در بولیوی وجود دارد ، نیمی از مردم این کشور را بومیان سرخ‌پوست و ربع آنرا سیاهپوستان و دورگه‌ها و بقیه را مهاجران اسپانیایی و سفیدپوستان تشکیل می‌دهند . در بولیوی آزادی مذهب وجود دارد ، لیکن مذهب رسمی کاتولیك است و اهالی به زبان اسپانیایی تکلم می کنند. واحد پول این کشور بولیویانو می‌باشد .

بوتان

کشوری است در جنوب آسیا و شمال هیمالیا که از طرف شمال به تبت، **ازمشرق** و جنوب به هند، و ازمغرب به نپال محدود است . بوتان ۴۶۴۴۰ کیلو متر مربع وسعت و ۷۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت آن **پوناکا** است .

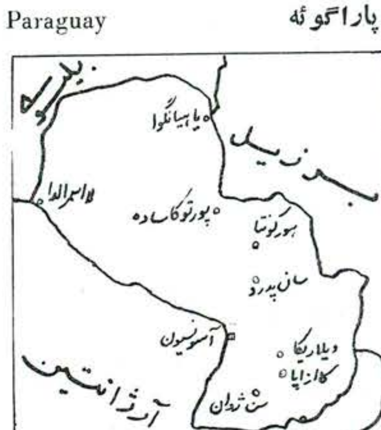
بوتان سرزمینی است کوهستانی و پوشیده از جنگل ، محصولات عمدهٔ آن برنج ، ذرت ، ارزن مـی‌باشد ، مـردم بوتان از نژاد مغول بوده اکثراً پیرو مذهب مالایی هستند .

بوروندی

کشوری درمشرق آفریقای شرقی با ۲۷۸۰۰ کیلومتر مـربـع مساحت و ۲۲۱۳۰۰۰ نفر جمعیت، پایتخت آن **اوسومبورا** و محصولات عمده‌اش قهوه و پنبه است .

این کشور درسال ۱۹۶۲ به‌عضویت سازمان ملل درآمد .

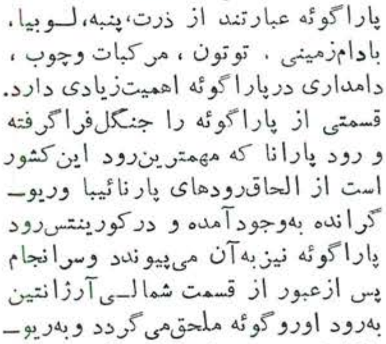
پاراگوئه Paraguay



نقشهٔ سیاسی کشور پاراگوئه «مخصوص کتاب دانش بشر»

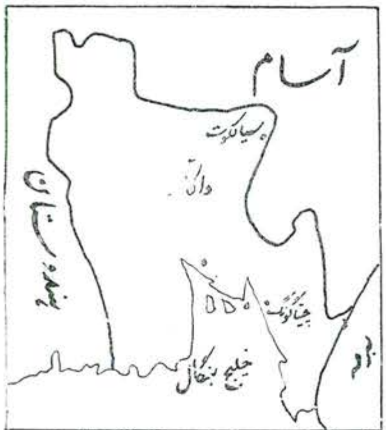
کشوری است درجنوب شرقی آمریکای جنوبی، که ازطرف شمال ومشرق به برزیل، از جنوب‌شرقی و جنوب و جنوب‌غربی به آرژانتین ، از مغرب و شمال غربی بـه بلیوی محدود است . پاراگوئه ۴۱۷۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و (طبق برآورد ۱۹۵۷ سازمان‌ملل) ۱۶۳۸۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت آن آسونسیون و شهرهای عمده‌اش کونسپسیون و ویلاریکا می‌باشد . نواحی شمالی این کشور هموار نیست وشمال‌غربی وشمال‌شرقی را کوهستان فرا گرفته ولی ناحیهٔ جنوبی آن حاصلخیز است ، به‌طور کلی محصولات کشاورزی پاراگوئه عبارتند از ذرت، پنبه، لـوبیا، بادام‌زمینی ، توتون ، مرکبات وچوب ، دامداری درپاراگوئه اهمیت زیادی دارد. قسمتی از پاراگوئه را جنگل فرا گرفته و رود پارانا که مهمترین رود این کشور است از الحاق رودهای پارانائیبا وریوگرانده به‌وجود آمده و درکورینتس رود پاراگوئه نیز به آن می‌پیوندد وسرانجام پس ازعبور از قسمت شمالـی آرژانتین به‌رود اوروگوئه ملحق می گردد و به‌ریودلاپلاتا می‌ریزد. این رود پاراگوئه را به دوقسمت تقسیم می‌کند . در پاراگوئـه معادن آهن ، منگنز ، مس و نفت وجود دارد ولی هنوز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است . اهالی پاراگوئه متدیـن به‌دین مسیح و پیرو مذهب کاتولیك هستند زبان رسمی آنها اسپانیولی است. واحد پول پاراگوئه گارانی می‌باشد .

پاکستان.



نقشهٔ پاکستان باختری «مخصوص کتاب دانش بشر»

کشوری است درجنوب آسیا که ازدو قسمت شرقی وغربی تشکیل یافته است . هردو قسمت کاملاً ازهم مجزاست و قریب ۱۷۰۰ کیلومتر بایکدیگر فاصله دارند و ازآنجایی که هم پاکستان شرقی و هم پاکستان غربی به‌اقیانوس‌هند راه‌دارند بیشتر از راه‌دریایی وهوایی با یکدیگر ارتباط دارند، نام پاکستان درسال ۱۹۳۳ توسط دانشجویان مسلمان کامبریج برگزیده شد که پاك بـه‌زبان اردو یعنی طهارت روح وستان به‌معنای سرزمین است. پاکستان غربی ازطرف شمال ومغرب به‌افغانستان، ازمشرق به‌هندوستان ،ازجنوب به‌دریای عمان و ازجنوب غربی به‌ایران محدود



نقشهٔ پاکستان خاوری «مخصوص کتاب دانش بشر»

است . پاکستان شرقی ازطـرف شمال ، مشرق ومغرب به‌هند ، از جنوب شرقی و جنوب به بیرمانی و خلیج بنگال محدود است . پاکستان (هردوقسمت بر رویهم) ۹۴۵ هزار کیلومترمربع وسعت و (طبق‌بـرآورد ۱۹۵۷ سازمان ملل) ۸۴۷۷۷۰۰۰ نفر جمعیت‌دارد. پایتخت آن شهر نوبنیاد اسلام‌آباد (درپاکستان غربی) و شهرهای عمده‌اش کراچـی ، لاهور ،داکا وحیدرآباد می‌باشد .

قسمت بلوچستان‌وناحیهٔ شمال‌غربی پاکستان‌غربی کوهستانی‌است ورشتهٔ‌کوه سلیمان درشمال غربی این‌کشور کشیده شده که‌دنبالهٔ آن تامشرق‌افغانستان‌امتداد دارد و معبرخیبر که راه‌طبیعی‌افغانستان به‌پاکستان است در این‌ناحیه‌قرار گرفته است . در بلوچستان نیز یك رشته کوه درشمال شرقی به‌نام براهویی ودرقسمت جنوب آن رشتهٔ دیگری به‌موازات‌ساحل دریای عمان‌کشیده شده و بقیهٔ سطح آن را فلات خشك وسوزانی فرا گرفته‌است. غیراز دوناحیهٔ‌کوهستانی فوق، بقیهٔ‌خاك پاکستان غربی جلگه است که‌ازآبرفت رود سند وشعبه‌های‌آن‌تشکیل شده‌است. پاکستان شرقی در دهانهٔ رودهای‌گنگ وبرهماپوترا قرار‌گرفته وخاك‌آن‌بسیار

حاصلخیز است. چون قسمت عمدهٔ پاکستان شرقی نزدیک منطقهٔ حاره واقع شده و قریب شش ماه تحت تأثیر مستقیم بادهای موسمی اقیانوس هند است، دارای آب و هوای گرم و مرطوب و میزان بارندگی آن در بعضی نقاط در تابستان نزدیک به ده متر می‌رسد ولی پاکستان غربی که در مسیر بادهای موسمی قرار ندارد به‌طور کلی خشک و برحسب وضع پستی و بلندی دارای آب و هوای متنوع است به‌این معنی که نواحی کوهستانی شمال‌غربی دارای زمستانهای بسیار سرد و تابستانهای ملایم و مناطق سند و پنجاب غربی دارای آب و هوای گرم و بارندگی آن کم و مغرب بلوچستان دارای آب و هوای خشک و بیابانی است.

رود بزرگ پاکستان غربی سند است که ازهیمالیای غربی سرچشمه گرفته با شعبه‌های خود پنجاب، جلم، چیناب، راوی، ستلج و ایندوس موجب آبادی و رونق کشاورزی قسمت بزرگی از این ناحیه گردیده است، در پاکستان شرقی دو رود گنگ و برهماپوترا جریان دارد. رود گنگ دارای شاخه‌های متعدد و آب فراوان و حوضهٔ بسیار وسیع دارد و به مناسبت حاصلخیزی بسیار زیاد از قدیم‌الایام مورد تقدیس هندوان بوده‌است و رود برهماپوترا از کوههای تبت دهانهٔ گنگ به‌این رود می‌پیوندد. قسمت عمدهٔ پاکستان غربی به‌علت غلبهٔ خشکی و کوهستانی بودن برای کشاورزی مساعد نیست ولی ایالات پنجاب غربی، سند و بهاوالیور در پاکستان غربی و سراسر پاکستان شرقی اززمینهای آبرفتی حاصلخیز تشکیل شده که مساحت مجموع این اراضی قریب ۲۲ میلیون هکتار یعنی بیش از $\frac{۱}{۴}$ وسعت تمام کشور است. قریب نیمی از اراضی کشاورزی ازطریق آبیاری و بقیه که اغلب در پاکستان شرقی قرار دارند. با استفاده ازآب‌باران آبیاری می‌شوند. مهمترین محصولات‌غذایی در پاکستان‌شرقی برنج ودرپاکستان غربی گندم‌است‌ومحصولات‌دیگرغذایی آن‌که‌در پاکستان‌غربی کشت می‌شود ذرت، جو، کنجد، انواع میوه، مرکبات و دانه‌های روغنی می‌باشد. مهمترین نباتات‌صنعتی پاکستان کنف (در پاکستان شرقی $\frac{۳}{۴}$ محصول کنف جهان است)، پنبه، چای‌و نیشکر می‌باشد. منابع‌معدنی پاکستان بسیار محدود ومنحصر به‌مقدار کمی زغال‌سنگ، کرومیت، نفت‌گاز می‌باشد. صنایع پاکستان باوجود کمی منابع معدنی پس از استقلال توسعهٔ بسیار پیدا کرد و بخصوص درچند سال اخیر دولت در پیشرفت‌صنایع کوشش بسیار نموده است و کارخانه‌های ذوب‌آهن، فولادسازی، کشتی‌سازی، کاغذ-سازی، پارچه‌بافی‌وسیمان‌سازی‌فعالیت-های‌صنعتی این کشور راتشکیل‌می‌دهند. پاکستان‌کشوری‌است‌اسلامی و اکثراً سنی مذهبند.

زبان رسمی اردو (پاکستان‌غربی) و بنگالی (پاکستان شرقی) است ولی انگلیسی نیز رایج است، واحد پول پاکستان روپیه است.

پاناما Panama

پاناما کشوری‌است‌در آمریکای‌مرکزی که از طرف شمال به دریای‌کارائیب، از مشرق به‌کلمبیا، از جنوب به اقیانوس کبیر و از مغرب به‌کستاریکا محدود است. پاناما ۷۴۰۱۰ کیلو متر مربع وسعت و ۱۱۳۹۰۰۰ نفر جمعیت‌دارد. پایتخت‌آن پاناما و شهرهای عمده‌اش



نقشهٔ سیاسی کشور پاناما

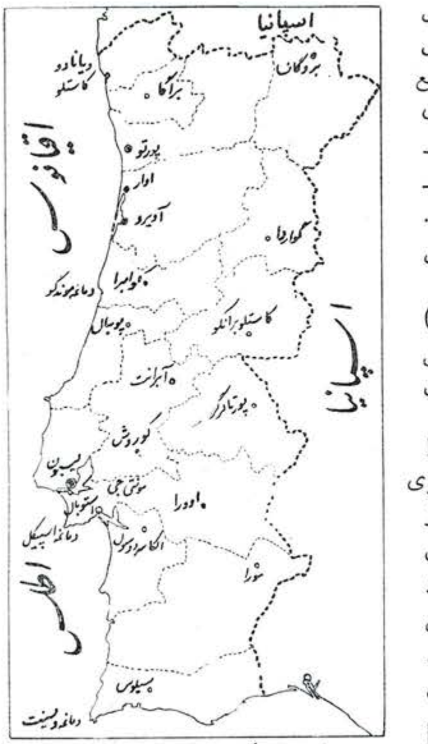
داوید و کولن می‌باشد.

پاناما از جنگلهای انبوه پوشیده شده و محصولات عمدهٔ کشاورزی آن‌موز، نارگیل، کاکائو، شکر، آناناس و برنج است.

ترعهٔ پاناما که اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام را به یکدیگر مرتبط می‌سازد این‌کشور را به دومنطقهٔ شرقی وغربی تقسیم می‌کند. اهالی پاناما به زبان‌اسپانیولی(زبان رسمی) وانگلیسی تکلم می‌نمایند و اکثراً پیرو مذهب کاتولیک هستند. واحد پول پاناما آلبوآ می‌باشد.

پرتغال Portugal

پرتغال‌کشوری‌است درمغرب اروپا که از طرف شمال و مشرق به‌اسپانیا، وازمغرب به اقیانوس اطلس‌محدوداست. پرتغال ۸۸۵۵۱ کیلومتر مربع وسعت و ۹۲۶۸۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن لیسبون و شهرهای عمده‌اش پرتو،



نقشهٔ سیاسی کشور پرتغال

براگا، کوآمبرا، اوورا می‌باشد. بیشتر نواحی‌این‌کشور را کوهستان‌احاطه‌کرده که این‌کوهها جزورشته جبال‌ایبری‌است و از جملهٔ آنها کابرئیرا، مارائو، استرلا، آلکارو، و منشیک را می‌توان نام‌برد. بزرگترین‌رودهایی‌که پرتغال رامشروب می‌گرداننددوئرو، مینیو، وتاج‌می‌باشد. پرتغال‌کشوری‌است‌زراعتی‌دارای‌تاکستانهای زیاد و جنگلهای چوب‌پنبه و بلوط که عموماً در اطراف کوهها قرار گرفته‌اند همچنین باغهای بزرگ زیتون نیز در دامنهٔ‌کوهها جای دارند. به طور کلی محصولات عمدهٔ پرتغال گندم، ذرت، جودوسر، جو، چاودار، برنج، انگور، شراب، روغن زیتون وانواع میوه است که ۱۹ درصد اراضی‌کشور به‌کشت‌آنها اختصاص دارد.

گله‌داری وصیدماهی ازفعالیتهای عمدهٔ‌اهالی‌کشورمحسوب می‌گردد، منابع زغال سنگ، پیریت، سرب، قلع، خاک چینی، گوگرد، لتیوم وتیتانیوم

در این‌سرزمین وجود دارد صنایع‌سنگین در پرتغال هنوز چندان رایج نیست . از منابع درآمد دیگر این کشور حقوق ترانزیتی و درآمد جهانگردی وعواید مستعمرات است . مردم‌پرتغال اکثراً پیرو مذهب‌کاتولیك هستند و بهزبان پرتغالی تکلم می‌نمایند . پرتغال در سال۱۹۴۹ به سازمان آتلانتیك شمالی ودر ۱۹۵۵ به عضویت سازمان ملل درآمد .

مستعمرات‌پرتغال‌درماوراءدریاها:

جزایرکاب‌ـ ور. تعداداین جزایر ۱۵ بوده و در اقیانوس اطلس قـرار دارند.مساحت آنها ۴۰۱۷٫۰۶کیلومتر مربع و جمعیتشان (برآورد ۱۹۵۴) ۱۶۶۰۰۰ نفر است .

محصولات‌عمدهٔاین‌جزایر عبارتند از : قهوه ، پوست ، میوه وغیره .

گینهٔ پرتغال : در آفریقـا قرار دارد .مساحت آن۳۵۹۸۵٫۸۴کیلومتر مربع و جمعیتش (برآورد ۱۹۴۷) . ۵۵۴۰۰۰ نفر وصادرات عمدهٔ آن عاج و پوست وغیره است .

جزایرسان‌توم وپرنسیپ :درغرب آفریقا و در خلیج گـینه قرار دارند . مساحت آنها ۹۵۹٫۷۶ کیلومتر مربع وجمعیتشان (برآورد ۱۹۵۴)۵۳۰۰۰ نفرمی‌باشد .

محصولات‌عمدهٔ آنهاعبارتنداز:کاکائو، قهوه، نارگیل و...

آنگولا ، آفریقای غربی پرتغال: این‌منطقه‌ازسال۱۵۷۵درتملك پرتغالیها می‌باشد . پایتخت : لوآندا . مساحت: ۱۲۴۱۸۸۵٫۵۸ کیلو متربع . جمعیت (۱۹۵۷) : ۴۳۵۴۰۰۰ نفر .

محصولات عمده : قهوه ، کائوچو ، نیشکر، دانه‌های روغنی، معادن الماس وجود داردکه بیشتر به بلـژیك صادر می‌شود .

معادن دیگرعبارتند،ازمس،آهن ، منگنز، سیکا ، نمك، طلا .

موزامبیك ، آفریقای شرقی پرتغال : مساحت موزامبیك ۷۶۸۱۴۵٫۹۸ کیلومتر مربع و جمعیت آن (آمارسال ۱۹۵۷)۶۱۷۰۰۰۰نفرمی‌باشد.پایتخت موزامبیك لورنکومارك نام دارد .

محصولات‌وتولیدات‌عمده: سیمان، قند ، نارگیل، پنبه وغیره . معادن‌زغال سنگ ، نقره ، اورانیوم ،پنبهٔ کوهی.

مستعمرات پرتغال درهند : شامل گوآ (پایتخت نوگوآپانگیم) واقع‌در ساحل مالابر . دامائو واقع درنزدیکی بمبئی . و دیو جزیرهٔ کوچکی واقع در ۳۶۱کیلو متری دامائو .کل مساحت . ۳۹۶۵٫۴۶ کیلومتر مربع ، جمعیت (۱۹۵۷)۶۴۷۰۰۰ نفر .

محصولات‌طبیعی ومعدنی : نمك، منگنز ، نارگیل ، ماهی ، ادویه و..

ماکائو : جزیرهٔ ماکائو در دهانـهٔ رودکانتون در چین قرارگـرفته است . مساحت آن ۱۵٫۴۸کیلومتر مربـع و جمعیتش (برآورد ۱۹۵۴) ۲۰۰۰۰۰ نفر می‌باشد .

تیمور پرتغال : قسمت شرقی جزیـرهٔ تیمور واقع در اقیانوسیه متعلق‌به‌پرتغال می‌باشد . پایتخت آن دیلی و مساحتش ۱۸۹۱۱٫۴۰ کیلو متر مربع می‌باشد . جمعیت تیمور پرتغال (آمار ۱۹۵۱) ۴۸۴۰۰۰نفر است .

پرو

Perou



نقشهٔ سیاسی کشور پرو

پرو کشوری‌است‌درمغرب آمریکای جنوبی‌که از طرف شمال به اکـوادور ، از شمال شرقی ومشرق به کلمبیاوبرزیل، از جنوب شرقی و جنوب به بـولیوی و شیلی، از جنوب غربی ومغرب‌به‌اقیانوس اطلس محدود است ، پرو ۱۲۸۵۲۱۵ کیلومتر مربع وسعت و۱۲۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت‌آن لیماوشهرهای عمده‌اش‌آرکیپا،کالائو،کوسکو، تروژیلو وایکیتوس می‌بـاشد . پرو را از نظـر جغرافیایی می‌توان به سه‌منطقهٔ ساحلی، جنگلی وکوهستانی‌تقسیم‌کرد . اهالـی

این کشور بیشتر به‌کار کشاورزی اشتغال دارند و مهمترین محصولات کشاورزی آن پنبه ، شکر ، برنج ، گندم ، جو ، قهوه ، کاکائو ، چای ، توتون ، زیتون و گنه گنه است و در میان فرآورده‌های دامی پشم حائز اهمیت می‌باشد . در پرو معادن و ذخایر گرانبها نهفته است که از جمله — نفت ، مس ، نقره ، انادیوم ، بیسموت وزغال سنگ را باید نام برد . در این کشور آزادی‌مذهب وجود دارد ولی‌مذهب کاتولیك حمایت می‌شود ؛ ۶۰ درصدمردم پرو رابومیان و ۱۰ درصدرا سفیدپوستان تشکیل می‌دهند . زبان‌رسمی اسپانیولی و واحد پول پروشل می‌باشد .

تانگانیکا
Tanganyika



نقشهٔ سیاسی کشور تانگانیکا

سرزمینی در افریقای شرقی‌که بین موزامبیك ، مالاوی وزنگبار در ساحل غربی دریاچهٔ تانگانیکا قـرار دارد . تانگانیکا ۹۳۹۳۶۲ کیلومترمربع وسعت و ۸۷۷۸۹۰۰ نفر جمعیت‌دارد پایتخت آن دارالسلام است . درتانگانیکا کشت سیسال ، قهوه وپنبه رایج است . ومنابع الماس و طلا وسرب وجود دارد .

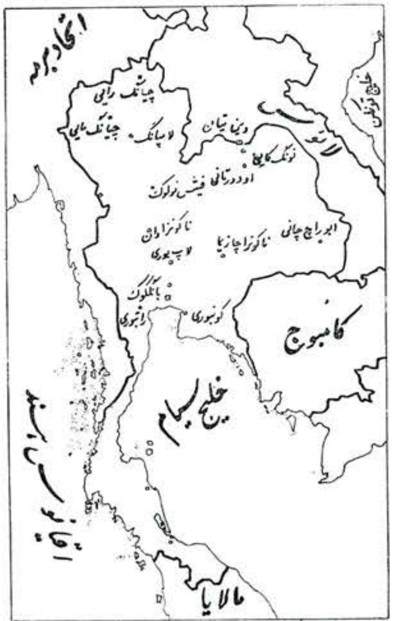
تاهیتی

ازمستعمرات فرانسه است. مساحت آن درحدود ۱۰۴۸ کیلو متر مـربع و مرکز آن «پاپیت» می‌بـاشد. بریدگی‌های تند و سنگ‌های مرجانی اطراف ایـن ناحیه را فراگرفته‌است . جزیرهٔ تاهیتی به سال ۱۶۰۵ توسط «کیرو» کشف ودر سال ۱۷۶۷ «والی» آن را شناساند. در نیمهٔ اول‌قرن‌نوزدهم مردم این‌ناحیه‌به‌ دین مسیح گرویدند و بین‌سال‌های ۱۸۴۲ تا ۱۸۴۶ میان انگلیس و فرانسه برسر تاهیتی کشمکش بود و سرانجام‌در ۱۸۸۰ فرانسه توانست تـاهیتی را در عـداد مستملکات خویش درآورد . زبان مردم این سرزمین پولینزی است و اغلب به کارکشاورزی اشتغال‌دارند .

تربیت‌گاو و صید ماهی درسواحل تایلند حائزاهمیت می‌باشد. منابع زیر— زمینی این کشور زغال ، قلع ، آهـن ، منگنز ، تنگستن ، آنتـیموان و جیوه می‌باشد . فرودگاه دون موانك ، تایلند واقع در بانکوك‌از نظر ارتباط خطوط هوایی بین‌المللی موقعیت خاصی به این کشور بخشیده‌است . اهالی‌تایلندازنژاد تای‌هستند وبه‌زبان «تهایی» که مخصوص خودشان‌است (تك‌سیلابی‌است) تکلم‌می‌کنند و اکثراً بودایی می‌باشند . تعلیمات از سنین ۸ تا ۱۵ سالگی اجباری‌است.

تایلند (سیام)
Thailande

تایلند کشوری‌است درجنوب شرقی



نقشهٔ سیاسی کشور تایلند

آسیا و قسمتی از شبه جزیرهٔ مـالایـا را دربر گرفته است ، و ازطرف شمال و مشرق به لائوس ؛ ازجنوب‌شرقی وجنوب به‌کامبوج و خلیج سیام ، از جنوب غربی و مغرب‌به برمه محدوداست . تایلندقبل ازسال ۱۹۳۹ سیام نامیده می‌شد وازآن پس نام‌کنونی برآن‌اطلاق گردید. تایلند ۵۱۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و(طبق برآورد ۱۹۵۷ سازمان‌ملل) ۲۱۰۷۶۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت آن بانکوك (ازشهرهای‌مدرن‌آسیای‌جنوب‌شرقی‌است.) و شهرهای عمده‌اش لاپ‌بوری وابوراچ— چاتی می‌باشد.

نواحی‌شمال غربی تایلندکوهستانی است . رشتهٔ اصلی‌کوههای آن امتـداد کوههای‌تبت وبوتان‌می‌باشدکه‌جلگه‌های حاصلخیزی را دربردارد . مهمترین‌رود تایلند منام و مکنگ است . جنگلهای انبوه و مراتع سبز و خرم سراسر این کشور راپوشانده است، ۹۰ درصداهالی به‌کشاورزی اشتغال دارند و مهمتریـن محصول‌آن برنج است که‌خوراك اهالی‌و رقم بزرگ صادرات کشور را تشکیـل می‌دهد . محصولات دیگرآن : توتون ، ادویه، پنبه، کائوچوك‌وچوبهای‌جنگلی‌است.

تایوان (فورموز) :

جزیرهٔ‌تایوان که‌در ۲۸۳ کیلومتری سرزمین اصلی چین قرار دارد بین‌جزایر فیلیپین و ژاپون واقع شده‌است، علاوه‌بر



نقشهٔ سیاسی کشور تایوان «چین ملی» بنقل از کتاب «دانش بشر»

فورموز و ۱۴ جزیرهٔ دیگرو دو گـروه جزایر پنگو مرکب از ۶۴ جزیره بهـ وسیلهٔ حکومت جمهوری چین ملی اداره می‌شوند .

محصولات عمدهٔ کشاورزی : برنج (که در بعضی‌جاها سالی دوبار محصول می‌دهد) ، چای ، نیشکر ، سیب زمینی ، گیاهان صنعتی وغیره .

ذخایر زیرزمینی: طلا ، نقره،مس، زغال سنگ . جزیرهٔ تایوان بعدازجنگ جهانی‌دوم در۱۹۴۵ همراه‌باجزایرپنگو دوباره به‌کشورچین‌ملی‌واگذارگردید .

جزایر پنگو (پسکادور): مساحت ۱۲۹ کیلومتر مـربع . جمعیت ۸۲۶۳۶ نفر (۱۹۵۴) . محصول عمده نیشکر . این مجمع‌الجزایر که‌بین فورموز و سواحل چین قرارگرفته است، در ۱۸۸۵ به وسیلهٔ فـرانسویها اشغال گردید و از ۱۸۹۵ تـا۱۹۴۵ درتصرف ژاپون‌بود. بعد ازشکست ژاپون‌درجنگ دوم جهانی در۱۹۴۵ دوباره به‌چین‌ملی واگذارگردید .

تبت .

چین کمونیست را به‌بینید .

ترکیه Turque

ترکیه‌کشوری‌است‌درآسیای‌صغیر و جنوب شرقی‌اروپاکه از دوقسمت‌تشکیل گردیده یکی ترکیهٔ آسیا که شامل فلات وسعت ترکیهٔ اروپا قریب ۲۴هزار کیلومترمربع‌است که‌ازشمال‌به بلغارستان



نقشهٔ سیاسی کشور ترکیه

آسیای صغیراست ، دیگر ترکیهٔاروپایا تراس شرقی .

از شمال شرقی به‌دریای سیاه ، ازجنوب به تنگهٔ بسفور و دریای مرمره و تنگهٔ داردانل‌که ترکیهٔ‌آسیا و اروپا را ازهم جدا می‌کند، واز مغرب به‌یونان ودریای اژه محدود است . ترکیهٔ آسیا از شمال به دریای‌سیاه ،از مشرق به‌قفقازوایران، از جنوب به عراق و سوریه ودریای اژه مدیترانه ، و از مغرب به دریای اژه و مرمره محدود است . وسعت تمـام خاك ترکیه۷۶۷۰۰۰ کیلومتر مربع و (طبق برآورد۱۹۶۴)متجاوزاز۳۱۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت‌آن‌آنکارا و شهرهای‌عمده‌اش‌استانبول ، ازمیر،آدانا، بروسه ، اسکی شهرارزنةالروم،دیابکر، بایزید،وان،قارص، اورنه‌وقونیه‌می‌باشد. ترکیهٔ‌آسیا فلات‌مرتفعی است‌که‌درمغرب فلات ایران چون‌پلی ، دوقـارهٔ‌آسیا و اروپا را به یکدیگر متصل نموده هرـ چه به طرف‌مغرب پیش می‌رود ازارتفاع آن‌کاسته می‌شود.درمرکز این‌فلات‌ناحیهٔ همواری قرارگرفته که‌کوههای‌مرتفعی‌آنـ را محصور نموده است ، معروفتـرین کوههای ترکیه‌جبال‌توروس‌است که‌قسمت عمدهٔ جنوب فلات‌راپوشانده ودنبالهٔ‌آنـ به نام‌آنتی‌توروس رو به سمت‌شمال‌شرقی پیش می‌رود. کوههای مزبور در مشرق ترکیه باکوههای‌آقداغ که درشمال بهـ موازات ساحل‌دریای سیاه کشیده شده‌بهم پیوسته وفلات‌مرتفع ارمنستان راتشکیل می‌دهند . در مغرب ترکیه کوههای‌منفرد کوتاه بریدگیها و خلیجهای مـتعددی به‌وجودآورده است. کوههای‌ترکیهٔ اروپا در واقع دنبالهٔ‌رشته‌کوههای‌غربی به‌طرف ترکیهٔ‌آسیاست‌که بین‌آنها گودال عمیـق دریای مرمره قرارگرفته . این دریا از سمت شمال به وسیلهٔ‌تنگهٔ بسفور به‌دریای سیاه وازسمت جنوب‌توسط تنگهٔ‌داردانل به دریای اژه متصل است و تنگه‌هـای مزبور از لحاظ‌موقع‌نظامی دارای‌اهمیت است . کوههای ترکیه ازارتفاعات‌دوران سوم و بلندین قلهٔ‌آن درناحیهٔ ارمنستان قریب۳۷۵۵متر ارتفاع‌دارد. درد‌ریاهای مرمره واژه جزایر متعددی وجود دارد که بعضی ازآنها مانند جزایر مرمره‌در دریای مرمره و ایمبرس در دریای اژه متعلق به‌دولت ترکیه است. برحسب‌وضع پستی وبلندی و دوری و نزدیکی‌به‌دریا و چگونگی وزش بادهای‌مرطوب‌چندنوع آب و هوا در ترکیه وجود دارد :

۱ ـ نواحی شمال و مغرب ترکیه که‌تحت‌تأثیر وزش بادهای‌مرطوب‌دریای سیاه ومدیترانه‌است ، دارای آب‌وهوای معتدل و ارتفاع باران آن ۵۵ تا ۹۵ سانتیمتر است .

۲ ـ سواحل جنوب ترکیه که‌متکی به‌دریای مدیترانه است دارای تابستان گرم و زمستـان معتدل وحداکثرارتفاع باران‌آن‌به۷۵ سانتیمتر می‌رسد .

۳ـ در نواحی‌شرقی‌به‌علت‌وجود کوه‌های مرتفع زمستان‌ها سرد وپرباران و برف و تابستان‌ها معتدل و حـداکثر ارتفاع باران تا ۵۵سانتیمتر می‌رسد . خشكـ ترین نواحی ترکیه دشت وسیع مرکزی است‌که به‌مناسبت محصور بودن‌درکوهها دارای باران‌کم‌وآب وهوای بری‌ومتغیر است . رودهای مهم ترکیه عبارتند از : دو رود قزل‌ایرماق و یاشل‌ایرماق‌که‌هرـ دوازکوههای آقداغ سرچشمه‌گرفته‌وارد دریای سیاه می‌شود . در جنوب نیز دو رود سیحون وجیحون‌ازکوههای توروس وآنتی‌توروس سرچشمه‌گرفته و به‌دریای مدیترانه‌می‌ریزد. درخاك‌ترکیه‌دریاچه‌های توزگول،ایگری‌دیرگول درنواحی‌داخلی است که رودهای‌کوچکی‌بدانهامی‌ریزند

اگرچه به‌علت کوهستانی بودن قریب $\frac{1}{4}$ خاك ترکیه برای کشاورزی مساعد نیست ولی با کوشش فراوانی که درسالهای اخیر جهت ماشینی کردن کشاورزی واحداث سدهای جدیدو به‌کاربردن اصول علمی درامر کشاورزی ، به‌کارمی‌رود، به‌مقدارمحصول آن‌چند برابرافزوده شده‌است. مهمترین محصولات غذایی ترکیه گندم‌است که کشت آن در نواحی مرکزی و جنوبی متداول می‌باشد. کشت‌جو، ذرت، جوسیاه ، برنج، بقولات، حبوبات سیب‌زمینی ، سبزیجات، مرکبات وزیتون متداول‌است .

توتون ، پنبه ، چغندرقند و درخت توت مهمترین‌نباتات‌صنعتی ترکیه‌می‌باشد قریب ده درصد از وسعت کشور پوشیده از جنگل مخصوصاًدرختهای سرو، کاج و بلوط می‌باشد. گله‌داری وصیدماهی در ترکیه رواج کامل دارد .

صنایع ترکیه نسبتاً جوان است با وجود این، امروزه یکی ازمهمترین‌ممالك صنعتی‌آسیای‌غربی‌می‌باشد. صنایع بافندگی فلزکاری ، تهیهٔ قند ، سیمان، کاغذ، شیشه، بلور، کارخانه‌های‌توتون‌بری‌ومیوه‌خشك‌ـ کنی مهمترین رشتهٔ فعالیت صنعتی این کشور محسوب می‌شود . ترکیه دارای منابع وسیع زغال سنگ ، آهن ، مس ، نفت‌وکروم است‌که از اغلب آنها هنوز استفادهٔ کامل نمی‌شود . منابع‌کروم‌بسیار وسیع است و ترکیه درحال‌حاضر اولین تولیدکنندهٔ‌کروم جهان به‌شمار می‌رود . علاوه برمعادن مزبورمنابع‌منگنز، سرب، روی ، آنتیموان ، نقره، جیوه، گوگرد و پنبه‌نسوز موجود است . صنایع نظامی ترکیه بزرگترین صنایع نوع خود در خاورمیانه است ، زبان رسمی ترکی ـ عثمانی است . مذهب کاملاً از سیاست تفکیك شده ، در حدود ۷۸ درصدسکنهٔ ترکیه مسلمان و سنی‌مذهبند .

تحصیلات از سنین ۷ تا ۱۵ سالگی اجباری و مجانی است .

توگو . Togo

توگو کشوری‌است‌در جنوب غربی آفریقاکه ازطرف شمال به اوپرولتا ،از مشرق به‌داهومی ، از جنوب به‌اقیانوس اطلس و از مغرب به‌گانا محدود است . توگو ۵۶۶۰۰ کیلومتر مربع وسعت و۱٫۵ میلیون‌نفرجمعیت دارد . پایتخت آن‌لومه و شهرهای عمده‌اش اتاکپامه و لامارا می‌باشند .

این‌کشور ازآب و هوای استوایی برخوردار است ودربعضی نواحی‌میزان رطوبت هوا بسیار زیاد است . بومیان توگو سیاهپوستانی تشکیل می دهند‌که ازدیر باز به صید ماهی وکشاورزی اشتغال داشته‌اند و تمدنشان با تمدن داهومی‌ارتباط نزدیك دارد . محصولات عمدهٔ‌کشاورزی توگو قهوه ، کاکائوموز می‌باشد .

تونس Tunisie

تونس کشوری‌است درشمال آفریقا وساحل مدیترانه‌که از طرف شمال و مشرق به دریای مدیترانه ، از جنوب شرقی به لیبی ،ازجنوب‌غربی و مغرب‌به الجزایر محدود است .

تونس ۱۵۶۰۰۰ کیلو متر مربع وسعت و(طبق برآورد ۱۹۵۷ سازمان ملل) ۳۸۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت آن شهرتونس وشهرهای‌عمده‌اش اربا و کایروآن می‌باشد .

جبال اطلس شمال تونس رااحاطه کرده‌است و نواحی ساحلی شمال و شرق این کشورپست و قسمت های جنوبی تا صحرای‌کبیر امتداد می‌یابد . مهمترین رود تونس‌مجرده است‌که درنواحی‌شمال جریان دارد .

آب و هوای این کشور درنقاط مختلف متغیر است ، به طور کلی‌تونس کشوری‌است‌کشاورزی و محصولات عمدهٔ آن :

گندم ، جو ، جو سیاه ، زیتون، انگور ، خرما ، بادام ، پرتقال و حنا می‌باشد . گله داری و صنایع دستی در تونس رایج است .

معادن سرب ، روی ومس درتونس خالی ازاهمیت نیست ، سکنهٔ این‌کشور را اعراب و بومیان تشکیل می‌دهند‌که اکثراً مسلمانند . زبان رسمی تونس عربی است و زبان فرانسه نیز متداول است .



نقشهٔ سیاسی کشور تونس

چاد . Tchad

کشوری‌است‌درآفریقای‌مرکزی‌که ازطرف شمال به‌لیبی ازمشرق به‌سودان، از جنوب به جمهوری آفریقای مرکزی و ازمغرب به‌کامرون ، نیجریه و نیجر محدود است .

چاد ۱۳۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۲۷۲۱۰۰۰ نفر جمعیت‌دارد. پایتخت‌آن فورت‌لامی وشهرهای‌عمده‌اش آلبکه ، تیبستی و فورت‌آرکامبل می‌ـ باشد .

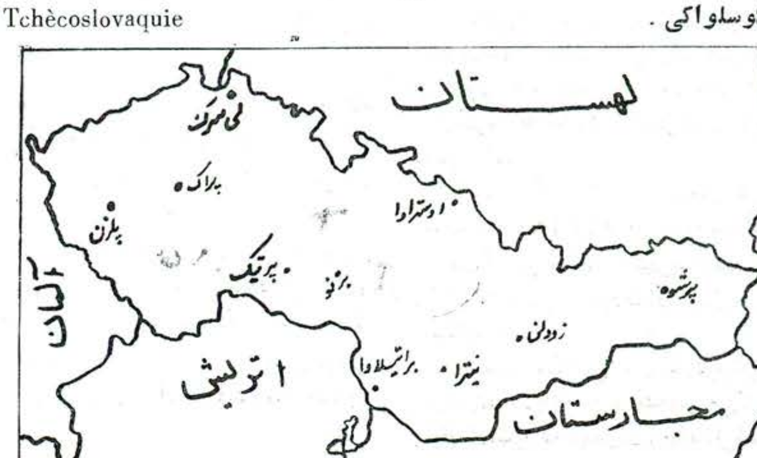
قسمت مسکونی چاد به‌جنوب‌غربی وپیرامون دریاچهٔ چاد منحصر می گردد و بقیهٔ‌اراضی‌آن ریگزار وبیابانی‌است.

اهالی این کشور سیاهپوست هستندوغالباً به گله داری اشتغـال دارند . مهمترین محصولات کشاورزی آن پنبه و بادام ← زمینی است که به خارج صادر می گردد. چاد در سپتامبر ۱۹۶۰ به عضویت سازمان ملل درآمد. این کشوردرجامعهٔ فرانسه نیز عضویت دارد .



نقشهٔ سیاسی کشور چاد

چکوسلواکی . Tchècoslovaquie



نقشهٔ سیاسی کشور چکوسلواکی

مخصوص کتاب دانش بشر

کشوری‌است‌دراروپای‌مرکزی که‌از طرف شمال‌به‌لهستان، ازمشرق‌به‌اوکراین، از جنوب به مجارستان و اتـریش ، از مغرب و شمال غربی بـه‌آلمان محدود است .

چکـوسلواکی ۱۲۷۸۲۷ نفر جمعیت دارد. پایتخت‌آن پراك وشهرـ های عمده‌اش برنو، استراواوبراتیسلاوا می‌باشد .

بلندترین ناحیهٔ‌آن در مشرق‌قرار دارد که قسمتی ازکوههای کارپات درآن کشیده شده است .

در قسمت غربی این کشور نیـز ارتفاعات‌فرسودهٔ قدیمی بوهم دیده می‌ـ شود ودر فاصلهٔ این‌دو برجستگی جلگهٔ پست مراوی وجود دارد .آب و هوای چکوسلواکی بری و متغیر و شعبه های دانوب،ادر ، وآلپ اراضی‌آن‌رامشروب می‌گردانـد . فعالیت های اقتصادی چکوسلواکی در منطقهٔ بوهـم و مراوی متمرکز است .

کشت نباتات صنعتی بیشتر ازسایر محصولات‌کشاورزی مورد تـوجه است . اگرچه دردشت های‌حاصلخیز بوهم‌گندم به‌مقدار متوسطی تولید می شود ، ولی کشت جو ، چاودار و چغندر قند کـه درصنایع‌غذایی به‌کارمی‌رودا همیت‌بیشتر دارند.

دامپروری در مراتع کوهپایه های کارپارت‌ازمنابع‌بزرگ ثروت این‌نواحی محسوب می‌شود.چکوسلوا کی کشوری‌است صنعتی . منابع زغال‌آن فراوان ورگهـ های فلزی‌متنوع مانندآهن ، مس‌وسرب نیز درمناطق‌کوهستانی این کشوریافت می شود . کارخانه های ذوب فلـز در نزدیکی‌پراك تولید قابل توجهی‌دارند، صنایع پارچه بافی(پنبه‌وکتان)واسلحهـ سازی از دیگر صنایع‌آن است. اغلب ساکنین چکوسلواکی ازنژاداسلاوهستند و پیرو مذهب‌کاتولیك و پروتستان می‌ـ باشند. لیکن‌اکثریت باپیروان کاتولیك است (۷۵ درصد). چکوسلواکی درسال ۱۹۴۵ به‌عضویت سازمان ملل درآمد . ضمناً عضو پیمان ورشو وبازار مشترك اروپای شرقی است .واحد پول‌این‌کشور کرونا نام دارد.

چین . Chine

کشوری‌است‌درآسیا که قسمت عمدهٔ مرکز و مشرق این‌قاره رافراگرفته‌است واز طرف شمال به سیبری و مغولستان

از مشرق به دریای ژاپون ، شبه جزیرهٔ کره ، دریای زرد و دریای چین ، از جنوب به‌ویتنام شمالی ، لائوس ، برمه ، هند ، نپال و بوتان ، واز مغرب بـه تاجیکستان و قرقیزستان و قزاقستان شوروی محدود است .

وسعت آن ۹۷۸۰۰۰۰ کیلو متر مربع و ۷۵۰ ملیون جمعیت دارد که از ازاین نظر پر جمعیت‌ترین ممالك جهان است .

ضمناً طبق تحقیقات سازمان ملل چین‌ازلحاظ وسعت سومین کشوردنیاست. سرزمین چین اکنون به‌وسیلهٔدوحکومت اداره می‌شود :

جمهوری چین درجزیرهٔ فورموز ، و جمهوری توده‌ای چین درنواحی شمال و شمـال غربی وشمـال چـین‌کوههای عظیم تیانشان، آلتایی و سایان به‌صورت رشته های موازی باجهت شرقی ـ غربی وشمال غربی ،جنوب شرقی به داخل‌چین کشیده و ارتفاع بعضی قلل‌آن متجاوز از ۵۰۰۰ متر است .

درنیمهٔغربی‌چین کوههای کوین‌لن و آستین‌طاق و در جنوب غربی این‌کشور کوههای هیمالیا کشیده‌شده‌است. کوههای مزبور همه از فلات پامیر شروع شده و از ارتفاعـات دوران سوم زمین‌شناسی می‌باشند وبعضی ازقلل هیمالیا درجنوب غـربی چین بیش از ۷۵۰۰ متر ارتفاع دارد و بین‌کوههای تیانشان وآلتایی و سایان فلات مغولستان‌ودشت‌گبی ودربین کوههای تیانشان وآلتایی وکوئن‌لن و آستین‌طاق فلات ترکستان شرقی و مابین کوههای‌کوئن‌لن وهیمالیافلات‌مرتفع‌تبت قرار دارد .

منطقهٔشرقی‌خاك‌چین‌جلگهٔ‌حاصلخیز وسیعی‌است‌که‌ازآبرفت‌رودهای متعددی که ازکوههای مرکزی و جنوب غربی سرچشمه می‌گیرندتشکیل‌شده وخودبه‌دو قسمت شمالی وجنوبی تقسیم‌می‌گردد؛در قسمت شمالی‌چین شرقی ، چندرشته کوه موازی درامتداد شمال‌وجنوب‌کشیده‌شده که مهمتر ازهمه‌کوههای خینگان است که چین شمالی را از فلات مغولستان جدا می‌کند . در قسمت‌جنوبی چین‌شرقی نیز رشته‌کوههای‌تیانشان باامتدادشرقی وغربی در جنوب‌جلگهٔ یانگ تسه‌کشیده شده است . حاصلخیزی زمینهای شمالی از جنوبی بیشتر وقطر خاك زرد رنگ (لس) آن به‌ده‌مترمی‌رسد وازجلگه‌های بسیار حاصلخیز جهان محسوب می‌شود.

کشور چین‌براثر وسعت زیاد وتنوع‌پستی و بلندی و دوری‌ونزدیکی به‌دریادارای آب‌وهوای‌گوناگون است . نواحی فلات که از دریـا دور وبین‌رشته‌هـای متعدد کوهستان محصورند دارای بارندگی‌کم ونامنظم و اختلاف درجهٔ حرارت شدید می‌باشد قسمت‌جنوب‌غربی‌چین‌چون‌نزدیکتر به‌خط استوا قرارگرفته‌و در معرض‌وزش بادهای موسمی‌اقیانوس آرام می‌باشد و در تابستان دارای‌آب‌وهوای‌گرم‌وباران و در زمستان به‌علت وزش بادهای سرد غربی دارای آب و هوای سرد و خشك است. چین‌شمالی و منچوری‌که ازمغرب به‌فلات مغولستان ودشت گبی وازمشرق به‌دریاهای‌کنار اقیانـوس آرام محدود می‌شود تحت تأثیر دوآب وهوای متضاد (آب وهوای مرطوب دریایی ازمشرق و آب‌وهوای خشك صحرایی ازمغرب)قرار دارد وهرچه ازمشرق به‌مغرب وازجنوب به‌شمال پیش‌رویم ازمیزان بـاران آن کاسته شده و براختلاف درجهٔ حـرارت تابستان وزمستان افزوده‌می‌شود .

مهمترین رودهای‌این‌کشور ازشمال به‌جنوب عبارتند از : رود پئی‌هو‌که از کوههای خینگان سرچشمه گرفته و پس از طی قریب ۵۰۰ کیلومتر به خلیج پوهه می ریزد . هوانگهو که ازکوههای کوئن‌لن سرچشمه‌می‌گیرد ومقدار زیادی مواد رسوبی درمواقع طغیان در اطراف بستر خود باقی می گـذارد که برای کشـاورزی بسیـار سودمـند است. طول این رود بیش‌از ۴۰۰۰ کیلومتر و پس‌ازگذشتن ازمناطق‌کوهستانی‌وجلگه‌ای در جنوب خلیج پوهه به دریا می‌ریزد. رودیانگ تسه از کـوههای مشرق تبت سرچشمه‌گرفته وپس‌از طی‌قریب ۵۰۰۰ کیلومتر وارد دریای چین‌می‌شودومانند رود هوانگهو درآبادی چین‌تأثیر بسیار دارد . رودسی‌کیانگ‌ازکوههای‌تیانشان سرچشمه‌گرفته وپس از طی ۱۸۰۰ کیلو متر وارد خلیج‌کانتون می‌شود. جمعیت فراوان این‌کشور ازیك‌طرف و احتیاج به موادغذایی ازطرف‌دیگر دست‌به‌دست یکدیگرداده وقریب ۸۰درصد ازمردم این‌کشور را در مزارع به‌کشت و زرع واداشته است. اماچون هنوز کشاورزی به‌سبك‌قدیم انجام‌می‌گیرد ووسایل‌جدید ماشینی و روشهای علمی در کشاورزی هنوز کاملاً رایج نشده و غالباً سیل‌های نابهنگام مخصوصاًدرنواحی‌شمال‌خسارات عظیمی‌به‌بارمی‌آورد.محصولات‌کشاورزی کفاف‌مصرف داخلی را نمی‌نماید ودولت ناگزیرمقداری ازمواد مـذکـور را از خارج وارد می‌نماید.

مهمترین محصولات‌غذایی‌چین، برنج است‌که غذای‌اصلی‌مردم‌راتشکیل‌می‌دهد و در نواحی جنوب و جنوب‌شرقی به‌حد وفوربه‌دست می‌آید. بعدازبرنج ذرت‌نیز ازمحصولات غذایی عمده محسوب‌می‌شود که درسراسرچین‌شرقی و مرکزی به‌دست می‌آید و ازلحاظ‌محصول‌بعدازکشورهای متحدآمریکا مقام‌اول رادرجهان‌داراست . محصول برنج ، ذرت ، گندم،جو وارزن حوضهٔ رود یانگ‌تسه ، برسایـر مناطق چین برتری دارد .

مهمترین نباتات‌صنعتی چین‌عبارتند از نیشکر ، چای ، پنبه و درخت‌توت . چین‌ازلحاظ‌منابع‌معدنی از جملهٔ‌کشور ـ های درجهٔ اول عالم است . وسعت‌کانهای زغال‌سنگ چین قریب ۷۰۰ هزار کیلو متر مربع است ولی براثر بدی وسایل استحراج و دوربودن‌کانهامقرون‌به‌صرفه نیست . آهن، سرب، نیکل، نقره،جیوه، طلا ، تنگستن و اورانیوم‌از منابع‌معدنی دیگر چین‌است . بعداز تسلط‌کمونیستها برچین ، براثراجرای‌برنامه‌های‌اقتصادی که باکمك‌کارشناسان ومهندسان شوروی آغاز گردید تاکنون پیشرفت‌های‌زیادی به‌خصوص درقسمت صنایع نصیب آن‌هـا شد .

اکثریت‌مردم چین‌پیرومذاهب بودا وکنفوسیوس می‌باشند . پیروان‌تائوئیسم (لائوتسه۶۰۴ قبل از میلاد) نیزنسبتاً زیاداست، به‌علاوه‌دراین‌کشورعدهٔمسلمانان ۵۰۰۰۰۰۰۰ نفر ، عدهٔ کاتولیکها ۳۲۸۰۰۰۰نفروپروتستانها ۷۰۰۰۰۰ نفر می‌باشد. پایتخت چین‌کمونیست‌پکن و شهرهای عمده‌اش شانگهای ،چونگ، کینگ ، کانتون ، نان‌کینگ و موکدن می‌باشد. پایتخت چین‌ملی تایپه است .

چین‌کمونیست .

پایتخت : پکن . مساحت : سرزمین چین به‌جز تـایـوان . جمعیت (بـرآورد ۱۹۵۶ سازمـان ملل).

۶۲۱۲۲۵۰۰۰ نفر . در ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۹ در کنفرانس مشورتی سیاسی مردم‌چین به‌ریاست‌مائوتسه‌تونگ‌جمهوری توده‌ای چین موجودیت خود را اعلام کرد .

در اول اوکتبر ۱۹۴۹ چوئن‌لای به‌سمت نخست‌وزیر‌ووزیر امورخارجه چین کمونیست تعیین گردید. در۱۵ فوریهٔ ۱۹۵۰ « پیمان دوستی ، اتحاد وکمك متقابل » بین اتحاد شوروی و جمهوری توده‌ای‌چین امضاء گردید. تاکنون‌عده‌ای از کشورهای جهان جمهوری‌توده‌ای‌چین را به‌رسمیت شناخته‌اند . اکنون‌بین‌چین‌و شوروی‌اختلاف شدیدی‌است.



نقشهٔ سیاسی چین

مغولستان داخلی .

پایتخت : هوهه‌هوت(کویسوئی) . جمعیت (۱۹۵۳). ۶۱۰۰۱۰۴ نفر . در۱۲مه۱۹۴۷ ، ازطرف‌چین‌کمونیست جمهوری خودمختار در مغولستان‌داخلی اعلام‌گردید .

سن‌کیانگ(ترکستان چین)

سن‌کیانگ یاترکستان‌چین‌درآسیای مرکزی قرار دارد. این‌منطقه‌در۱۹۴۹ تحت‌کنترل‌کمونیستها درآمد . مساحت ۱۶۳۵۲۰۹ کیلو متر مربع . جمعیت (برآورد۱۹۴۸) : ۴۰۴۷۴۵۰ نفر . مردم این سرزمین ترك ، مسلمان و یا چینی هستند و اکثریت آنها چادرنشین می باشند . معادن زیادی از قبیل : وولفرام ، مس ، روی، زغال‌سنگ، اورانیوم ونفت و غیره در این سرزمین وجود دارد . در۱۹۵۳ سن‌کیانگ‌به‌صورت ایالت خود مختار در آمد .

تبت

تبت در آسیای مرکزی بین‌چین‌و هندوستان و برمه قرارگرفته است.

پایتخت: لهاسا. مساحت: ۱۲۲۵۵۰۰ کیلومترمربع . جمعیت :(برآوردژوییهٔ ۱۹۴۸) : ۱۰۰۰۰۰۰ نفر ، ارتفاع متوسط‌تبت ازسطح دریا ۱۶۰۰۰ پامی‌باشد مذهب: شعبه‌ای‌ازمذهب‌بودابه‌نام‌لامائیسم در ۲۰ دسامبر ۱۹۵۳ حکومت‌خود‌مختار کمونیستی در تبت‌به‌وجود آمد.

منچوری (ایالت شمال‌شرقی) .

ایالت‌منچوری در شمال شرقی خاك چین قرار دارند .

مساحت : ۱۰۴۳۴۲۴ کیلو متر مربع. جمعیت(۱۹۴۰): ۴۳۲۳۳۹۵۴ نفر . منچوری در۱۹۳۲ مستقل‌گردید. پایتخت‌آن شهرموکدن می‌باشد . این سرزمین در ۱۹۴۵ بعداز خاتمهٔ‌جنگ جهانی دوم‌دوباره به‌چین‌واگذار‌گردید.

محصولات عمدهٔ‌کشاورزی.

سوژا ، ارزن ، ذرت، گندم ، برنج، چوب و غیره . ذخایر زیرزمینی: آهن، طلا، زغال‌سنگ ، منیزیوم وغیره .

کوانتونك .

کوانتونك در جنوب منچوری‌قرار دارد . پایتخت آن‌شهر دایرن می‌باشد. سابقاً این‌منطقه را دولت روسیه از چین اجاره‌کرده بود . واز ۱۹۰۵ تا۱۹۴۵ کوانتونك در تحت اشغال ژاپون بود . کوانتونك در۱۹۵۰ به‌کشورچین‌واگذار گردید .

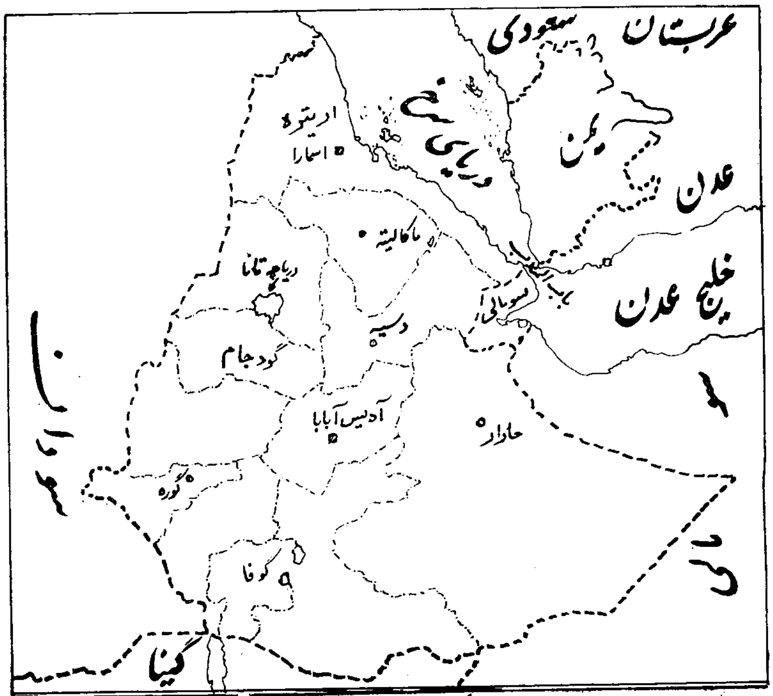
چین‌ملی .

تایوان‌را ببینید .

حبشه Éthiopie

کشوری‌است‌درمشرق‌افریقای‌مرکزی که از شمال شرقی به دریای احمر ، از مشرق به سومالی ، از جنوب به‌کنیا ، و از مغرب به سودان محدود است . حبشه ۱۱۰۸۰۰۰ کیلومترمربع‌وسعت و(طبق بر آورد ۱۹۵۶) ۱۵۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت:آدیس آبابا و شهرهای‌عمده‌اش اسمرا ، مصوع، دسیه و هراز می‌باشد . حبشه بزرگترین‌کشور مشرق افریقاست و به علت نزدیکی به خط استوا نواحی پست آن داری آب و هوای‌گرم و مرطوب است . سرزمینهای کوهستانی بلند این کشور از هوای خنك‌تری بهره‌منداست. داشان‌بلندترین قلهٔ حبشه در شمال‌شرقی دریاچهٔ‌تانا‌قرار دارد . نیل‌آبی مشرق ، جنوب و شمال غربی‌آن رامشروب می‌سازدوچنددریاچهٔ کوچك وبزرگ تشکیل می‌دهد که مهمترین‌آنها دریاچهٔ تانا در شمال‌غربی است .

محصولات‌عمدهٔ‌کشاورزی‌حبشه‌گندم، جو، ارزن، توتون وقهوه است.دامداری نیز بسیاررایج‌است . در این‌کشورمنابع پلاتین ، طلا ، نقره ، منگنز ، قلع،مس، پنبهٔ‌نسوز، پتاسیوم، نمك،زغال‌سنگ وآهن وجود دارد . مردم حبشه از اقوام گالا (افریقایی) آمهارا (آسیایی) اعراب ، یهودیان و مصریان می‌باشند . زبانشان آمهاری وغالباً مسیحی و مسلمانند .



نقشهٔ سیاسی کشور حبشه «اتیوپی»

دانمارک Danemark



نقشهٔ سیاسی کشور دانمارک

شبه‌جزیرهٔ دانمارک کشوری است در شمال غربی اروپا که درشمال آلمان قرار گرفته است . دانمارک ۴۳۰۴۰ کیلومتر مربع وسعت و (طبق برآورد ۱۹۵۷ سازمان ملل با جزایر فاروئه و گروئنلند) ۴۵۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن کوپنهاك وشهرهای عمده‌اش آرهوس و ادانس می‌باشد . دانمارك کشوری است کشاورزی و در بیشتر نواحی آن گندم، جو ، جوسیاه ، سیب زمینی وچغندر قند کاشته می‌شود . دامپروری و ماهیگیری نیز یکی از منابع در آمد مردم ایـن سرزمین است و هر سال مقدار زیـادی ماهی وحیوانات زنده وفرآورده‌های شیری مانند کره و پنیر از ایـن کشور صادر می‌گردد .کشتی سازی وصنایع مکانیکی آن توسعه یافته است. نیمی ازصنایع جدید در پایتخت متمرکز شده است . مـذهب اکثر مردم دانمارك لوتری می‌باشد .

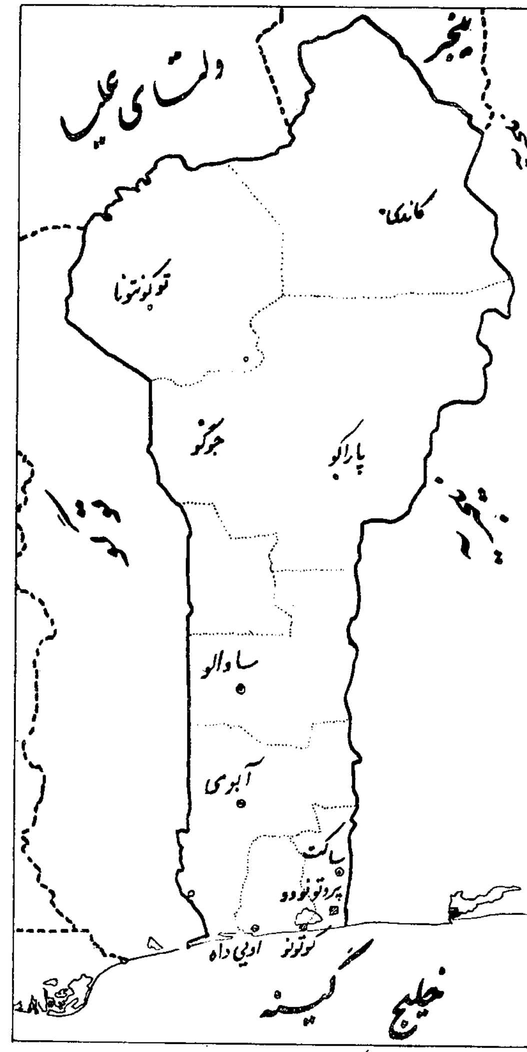
جزایر فاروئه : در شمال اقیانـوس اطلس تقریباً در ۷۷۴ کیلومتری شمال غربی شتلند قراردارد. مساحت: ۱۳۹۳٫۲ کیلو متر مربع . جمعیت : ۳۲۰۰۰ نفر .

گروئنلند :

این جزیرهٔ بزرگ در شمال آمریکا بین اقیانوس اطلس و اقیانوس منجـمد شمالی قرار دارد . مساحت کلی این جزیره ۲۱۳۳۴۳۴ کیلو متر مربع می‌باشد که اغلب آن پوشیده از یخ است. ضـخامت متوسط یخ در این جزیره ۱۰۰۰ یـا می‌باشد. جمعیت آن (طبق برآورد ۱۹۵۴) ۲۶۱۹۲ نفر است . پایتخت گروئنلند گدهاب نام دارد . بزرگترین ذخایـر کریولیت دنیا دراین جزیره است. ماهی، پوست، گرافیت نیز ازصادرات گروئنلند است .

داهومی Dahomey

کشوری است درافریقای غربی وساحل خلیج گینه ، همسایهٔ توگو، ولتاو، نیجریه با ۱۱۵ هزارکیلومتر مربع مساحت و ۲٫۲ ملیون نفر جمعیت . حکومت آن جمهوری پورتو نووو Porto — Nowo از نژاد سیاه و دارای سابقهٔ تمدنی خاص هستند و سرزمین داهومی پوشیده ازمرتع و جنگل است . تا دههٔ آخر قرن نوزدهم پایتخت در آبومی قرار داشت و شاه با ۴۰ همسر مخصـوص و ۲۵۰۰ متعهٔ در این شهر هشت هزار نفری به سر- می‌برد .کشور به ایالاتی منقسم بود که حکومت موروثی داشتند . وصول مالیات صورتی منظم داشت وسرشماری سالی یک- بار صورت می‌گرفت. بردگان ازاسیران جنگی و مجرمان تشکیل می‌شدند ولی



نقشهٔ سیاسی کشور داهومی

بردگی موروثی نبود . انتخاب وزیران از طبقهٔ عامه صورت‌می‌گرفت وزنان‌شاه دارای‌مشاغل‌نظامی‌ودولتی بودند.دین‌بر اساس پرستش ارواح مردگان و ارباب انواع قرار داشت وهـر شخص ازشاه و گدا باید دوست مهربانی بـرای خـود برمی‌گزیدند که‌مشاور، محرم راز، وصی وحتی ضامن وی محسوب می‌گـردید . رؤسای قبایل‌برافرادقبیله ریاست دینی و دنیوی داشتند و مالک‌جان ومال‌آنان بودند . خانواده اساس استواری داشت ومناسبات‌خویشاوندی‌سخت رعایت‌می‌شد. هرچندبنیان‌جامعه برکشاورزی وملك‌ داری‌استواربود، مردم‌پیشه‌وربازرگانان نیزکم نبودند و فلزات را از هزارسال پیش به‌کار می‌بردند .

دومینیکن Dominicane

منطقه‌ای از آمریکای مرکـزی از جزایر آنتیل‌دردریای‌کارائیب که‌درقسمت شرقی هاییتی قرار دارد . دومینیکـن ۴۸۴۴۲ کیلو متر مـربع وسعـت و ۲۸۹۴۰۰۰ نفرجمعیت دارد . پایتخت آن سیوداد‌تروجیلو است . کشت‌کاکائو ، قهوه ، برنج، ذرت، توتون دردومینیکن رایج است و از جملهٔ ذخایر زیر زمینی آن نقره ، پلاتین ، مس ، آهن ، نمك و نفت را می‌توان نام برد . این کشور دررشتهٔ صنایع الکل‌سازی،شکلات‌سازی، پارچه بافی وکفش دوزی فعالیت دارد. دردومینیکن‌آزادی‌مذهب‌وجود دارد. ← ولی اکثریت پیرو مذهب‌کاتولیك‌هستند. اهالی این‌کشور به زبان اسپانیولی‌تکلم می‌کنند ، انگلیسی نیز بسیار رایـج است .

رواندا .

کشوری در شرق افریقای شرقی به مساحت ۲۶۰۰۰ کیلو مـتر مـربع و ۲۶۴۴۰۰۰ نفر جمعیت. پـایتخت آن کیگالی . محصول عمده‌اش پنبه، روغن، نخل، توتون وکتان است .

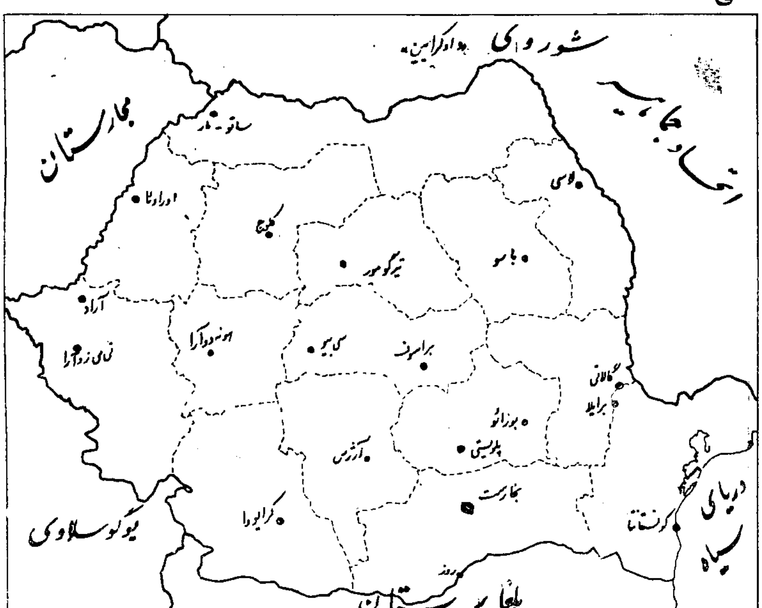
رودزیای شمالی .

زامبیا را به‌بینید .

روسیهٔ شوروی .

اتحاد جماهیر شوروی را به‌بینید.

رومانی Roumanie



نقشهٔ سیاسی کشوررومانی

کشوری‌است درجنوب شرقی اروپا که ازطرف‌شمال وشمال شرقی‌به جمهوری شوروی اوکراین ، از مشرق بهـ دریای سیاه ، از جنوب به بلغارستان ، از جنوب غربی و مغرب به یوگوسلاوی و مجارستان محدود است . رومـانی ۲۳۷۳۸۴ کیلومتر مربع وسعت دارد و ۱۸۵۶۷۰۰۰ نفرجمعیت‌دارد. پایتخت آن بخارست و شهرهای عمده‌اش کلوج، یاشی، پلوئشتی وتیمی شوآرا می‌باشد . رومانی در شبه‌جزیرهٔ بالکان واقع شده وآخرین‌کشور دانوب است . رود‌دانوب دراین‌کشور جریان یافته به دریای‌سیاه می‌ریزد .

رومانی شامل دو منطقـهٔ متفاوت است‌که توسط‌کوههای کارپات ازهم جدا شده‌اند :

۱ ـ منطقهٔ جلگه‌ای در مشرق و جنوب شامل جلگه‌های ملداوی‌ووالاشی که ازآبرفت حاصلخیز دانوب وشعب آن تشکیل یافته و ثروتمندترین منطقهٔ کشاورزی حوضهٔ‌دانوب‌به شمار می‌رود .

۲ ـ منطقهٔ کـوهستانی آلپهای کارپات و ترانسیلوانی و کوهپایه های غربی‌آنها که دارای مراتع و باغ های وسیع و مراکزدامپروری است . آب و هوای‌این‌کشور در قسمت‌های‌جنوب‌شرقی که مجاوردریای سیاه است مـرطوبو

دریایی ودر سایر نقاط‌بری ومتغیراست.

با توجه به وضع طبیعی و اشتغال قریب شصت‌تاهفتاد درصد ازاهالی‌کشور به‌کار کشاورزی، رومانی رامی‌توان‌کشور کشاورزی دانست .

مهمترین محصول این کشور ذرت‌که همه‌ساله مقداری از آن به‌خارج صادر می‌گردد . از محصولات دیگراین کشور گندم ، جو ، چاودار ، چغندر قند و جو سیاه را می‌توان نام برد . رومانی‌علاوه برمحصولات فوق دارای‌تاکستانها وباغ‌های‌میوهٔ وسیع می‌باشد .

درمراتع و چمنزارهای این‌کشور انواع دامها نگاهداری می‌شود و تربیت حیوانات اهلی و صدورآن به خارج یکی از منابع درآمد کشاورزان رومانی محسوب می گردد .

نفت‌یکی‌ازمنابع معدنی‌رومانی‌است که ازنظر استخراج آن دراروپا بعداز شوروی مقام دوم را داراست .

همچنین ازمنابع معدنی لینیت،طلا، آهن ، مس، روی، پیریت ونمك بهره‌برداری می گردد . تولیدات صنعتی رومانی‌عبارت‌است‌ازماشین آلات‌کشاورزی و انواع محصولات نفتی وشیمیایی .

رومانی روابط اقتصادی و سیاسی بسیار نزدیکی بااتحاد جماهیر شوروی دارد .

۴ ــ فرهنگ و مذهب .

تعلیمات ابتدایی مجانی واجباری است . دربخارست و سه مرکز دیگر دانشگاه وجود دارد . زبان مبنای‌لاتین دارد وآثاری ازنفوذ و تأثیر فرانسه ، یونانی ، زبانهای اسلاو و ترکی درآن به‌چشم می‌خورد .

آزادی مذهب طبق قانون اساسی تأمین شده است ولی دول آمریکا و انگلستان اعتراضاتی برضد عدم‌آزادی مذهب بـه عمل‌آورده‌اند . روحانیون ارتدوکس ازدولت مستمری دریافت‌می‌نمایند .

دولت و کلیسا ازیکدیگر تفکیك شده است .کلیساهای کاتولیك وابسته‌به‌روم وکاتولیك وابسته به‌یونان روابط خودرا بامراکز اصلی ازدست داده ودر داخل‌کلیسای ارتدوکس رومانی منحل گشته اند .

وضع‌دفاعی : خدمت نظام‌بین‌سنین ۲۱ تا۵۰ اجباری وعمومی‌است، خدمت عادی به مدت دوسال است . رومانی دارای نیروی دریایی و هوایی کوچکی می‌باشد .

زامبیا .

کشوری‌درآفریقابه‌مساحت ۷۴۶۲۵۰ کیلومتر مربع و ۲۵۰۰۰۰۰ نفر جمعیت ، کرسی آن **لوساکا** است و بین آنگولا و کنگو وتانگانیکا و نیاسالند و موزامبیك قرارگرفته است . دومین صادرکنندهٔ مس دنیااست و عضوسازمان ملل است .

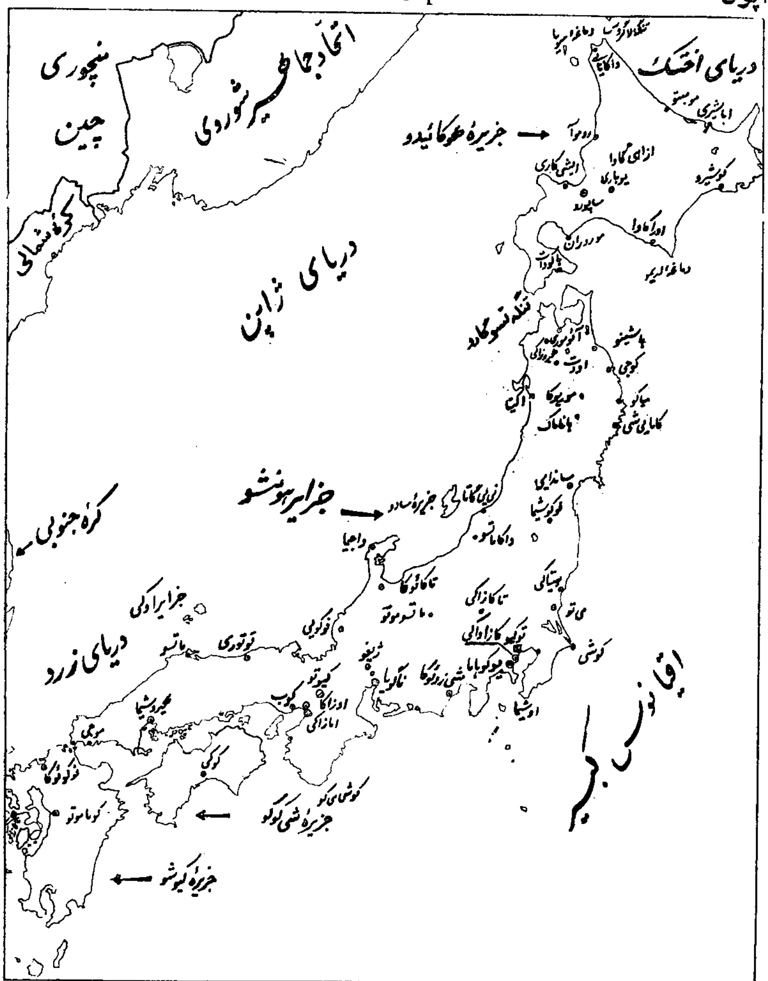
زنگبار .

کشوری در شمال‌آفریقا که۲۶۴۵ کیلومتر مربع وسعت دارد ، مجاور کشور تانگانیکا است شامل دو جزیرهٔ زنگبار وپمبااست .

محصولات عمدهٔ آنها میخك‌است .

پایتخت‌آن زنگبار است .

ژاپون Japon



نقشهٔ سیاسی کشور ژاپن

کشوری‌است‌درشرق‌آسیاکه ازچهار جزیرهٔ بزرگ هکایدو، هن‌شو، شیکوکو وکیوشو تشکیل شده ازشمال به دریای اختسك ، ازمشرق به اقیانوس‌آرام ، از جنوب به‌دریای‌چین و از مغرب به‌دریای ژاپون‌محدود است .

قریب به ۳۶۸۸۴۴ کیلومتر مربع وسعت و ۹۴۲۸۰۰۰۰ نفر جمعیت‌دارد. پایتخت ژاپون‌توکیو و شهرهای عمده‌اش ازاکا ،کیوتو ، ناگویا و یوکوهاما می‌باشد .

درجزایر ژاپون‌دو رشته کوه بـه موازات یکدیگر ازشمال شرقی به‌جنوب غربی‌کشیده شده‌که از آثار دوران سوم

زمین شناسی و دارای قلل مرتفع وعموماً آتشفشانی است و در حال حاضر قریب پنجاه قلهٔ آنها آتش‌فشان و بقیه خاموشند . مرتفع ترین قلل آتشفشانی این کشور فوجی‌یاما است که از سال ۱۷۰۷ خاموش شده است .

درژاپون به‌واسطهٔ وجود آتشفشان‌های متعدد ووقوع زلزله‌های بسیار هرسال خسارات فراوان به‌مردم وارد می‌آید .

قسمت وسیعی از اراضی ژاپون را کوهها فراگرفته وجلگه‌ها که درسواحل شرقی و غربی جزایر چهارگانه و بین رشته کوههای مرکزی واقع شده اند وسعتشان از $\frac{1}{5}$ وسعت کشور تجاوز می‌کند .

در نواحی مرکزی جزیرهٔ هن‌شو زمین‌های پستی بین‌دریای ژاپون واقیانوس آرام وجود دارد که کوههای آتشفشانی متعددی در آن دیده می‌شود .

چون اطراف ژاپون رادریاها فراگرفته وعرض جزایر کم و بریدگی سواحل زیاد است همه‌جا آب و هوای مرطوب دریایی مشاهده می شود منتهی درجنوب به علت نزدیکی به منطقهٔ گرم و تأثیر جریان آب گرم کوروشیو و وزش بادهای موسمی اقیانوس آرام آب وهوا گرمتر و باران فراوان و هرچه به‌طرف شمال‌پیش رویم از مقدار باران و میزان درجهٔ حرارت کاسته می‌شود چنانچه درجزیرهٔ هکایدو هوا کاملاً سرد و مقدار باران نسبت به نواحی جنوب بسیارکم‌است.

در فصل تابستان چون مرکزفشار زیاد بر روی اقیانوس است بادهای دریایی ازجنوب شرقی و مشرق وزیده‌و دربرخورد به‌سواحل‌ژاپون تولید باران زیاد می کند در صورتی‌که در زمستان چون‌بادها از سیبری‌و منچوری می‌وزند مقدار بخار آبی راکه‌از دریای‌ژاپون به نواحی غربی می آورند چندان زیاد نیست .

بنابراین‌درنواحی‌شرقی فصل‌باران تابستان و مقدارآن در حدود دومتر و درنواحی غربی بارندگی زمستان و ارتفاع آن کم ودرحدود ۶۰سانتیمتر است .

درژاپون‌به مناسبت فراوانی باران تعداد رودها زیاد است ولی چون‌عرض جزایرکم و فاصلهٔ سر چشمهٔ رود ها تا دهانه‌کوتاه است رودهاعموماً طول‌زیادی ندارند .

طویلترین‌رودهای ژاپون درجزیرهٔ هن‌شو رود های شیناتو و تونه است‌که چون قسمت اعظم آنها در جلگه جاری است‌قابل‌کشتی رانی می‌باشد . درژاپون به‌علت فراوانی جمعیت و محدود بودن اراضی قابل‌کشت که وسعت آن بیش از یك‌پنجم تمام کشور نیست امر تهیهٔ غذا مشکل است و به‌همین واسطه‌کشاورزان ازقدیم‌الایام تمام‌کوشش رادراستفاده‌از زمین به‌کار برده‌اند .

درژاپون‌کشاورزی‌با اصول علمی و اکثراً به وسیلهٔ ماشین انجام می‌گیرد ، مقدار تولید زیاد است ولی بااین همه محصول کشاورزی کفاف مصرف داخلی را نداده و هر ساله مقدار زیادی مواد غذایی ازخارج وارد می‌کنند .

مهمترین محصول‌غذایی ژاپون‌برنج است‌که قسمت اعظم اراضی مزروعی را به‌کشت این محصول اختصاص داده اند وبااینکه مقدار زیادی برنج در این کشور به دست می‌آید ژاپون هر سال مجبور است‌که کمبودآن را ازممالك خارجی خریداری نماید .

محصولات دیگر این کشور چای (پنجمین‌کشور تولیدکنندهٔ‌چای)،توتون پنبه و نیشکر می‌باشد .

قریب نیمی از اراضی ژاپون را جنگل فراگرفته و یکی از بزرگترین منابع ثروت کشور به‌شمار می‌رود. صید ماهی درژاپون بسیار رایج است .

ژاپون‌اگرچه‌ازکشورهای‌بزرگ‌صنعتی جهان است ولی‌از حیث موادکانی به‌جز مس وگوگرد فقیر و باید بیشتر مواد اولیهٔ صنعتی مورد احتیاج خود را از خارج‌وارد نماید.مهمترین‌کانهای ژاپون عبارتند از مس، گوگرد ، زغال سنگ، نفت ،آهن و منگنز.صنایع‌ژاپون‌اگرچه بعد از جنگ جهانی دوم براثر شکست و اشغال این‌کشور یك‌چندمحدود گردید ولی اخیراً به علت عوامل سیاسی‌بین‌المللی تجدیدحیات نموده و توسعهٔ‌کامل یافته‌است. ژاپون‌دررشتهٔ صنایع‌فلزکاری وکشتی سازی ، ساخت اقسام ماشینهای بافندگی ، اتومبیل ، وسایل راه‌آهن ، لوکوموتیو . هواپیما ، پارچه بافی . صنایع شیمیایی ، صنایع غذایی ، کاغذسازی ، مقواسازی ، چینی وبلورسازی، وسایل الکتریکی ، میکروسکوپ ، الکتروموتور وباتری و سیمان سازی فعالیت می‌نماید . در حال حاضرژاپون یکی از مترقی ترین ممالك آسیایی می‌باشد .

فرهنگ و مذهب : اکثریت‌مردم به دین‌بودا (۱۲ شعبه) و یا شینتو(۱۳ شعبه) هستند . تعداد معابد بوداییها ۱۰۶۶۳۴ ومعابدشینتوییها ۱۰۰۰۰۰ است . در حدود چند هزار هم کلیسای مسیحی در ژاپون‌وجود دارد . تعلیمات ابتدایی و سه سال از تعلیمات متوسطه اجباری‌است.زبان تجارتی‌انگلیسی‌است و در مدارس عالی نیز زبان انگلیسی تدریس می‌شود .

اوکیناوا .

این جزیره‌درجنوب ژاپون وشمال شرقی جزیرهٔ‌فورموز قراردارد. مساحت آن ۱۲۵۱/۳ کیلومتر مربع وجمعیتش بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر است . اوکیناوا پایگاه نظامی‌آمریکا در خاوردوراست. این جزیره را ژاپونی‌ها در ۱۸۷۵ از چین‌گرفتند . در ۲۱ ژوئن ۱۹۴۵ پس‌ازجنگ‌خونینی‌جزیرهٔ‌اوکیناوا به‌تصرف نیروهای‌آمریکادر آمد.پایتخت‌اوکیناوا شهر ناهاست .

ساحل عاج .

کشوری در مغرب افریقا با ۳۲۵۰۰۰ کیلو متر مربع وسعت و ۳۳۰۰۰۰ نفر جمعیت ، پایتخت آن **ابیجان** ومردمش سیاهپوست ومسلمان و صادراتش کاکائو است .

ساحل طلا .

غنا به‌بینید .

سان مارینو Saint Marin

کشوری است در جنوب اروپا ، کوچکترین‌جمهوری جهان‌ودردامنهٔ‌کوه تیتانو ازجبال آپنین‌درایتالیاقراردارد. سان مارینو ۶۱ کیلو متر مربع وسعت و (طبق‌برآورد۱۹۵۷) ۱۵۰۰۰ نفرجمعیت دارد.پایتخت‌آن شهر زیبای سان‌مارینو می‌باشدکه بر فراز صخره‌ای بنا شده است.محصولات عمدهٔ سان‌مارینو شراب،

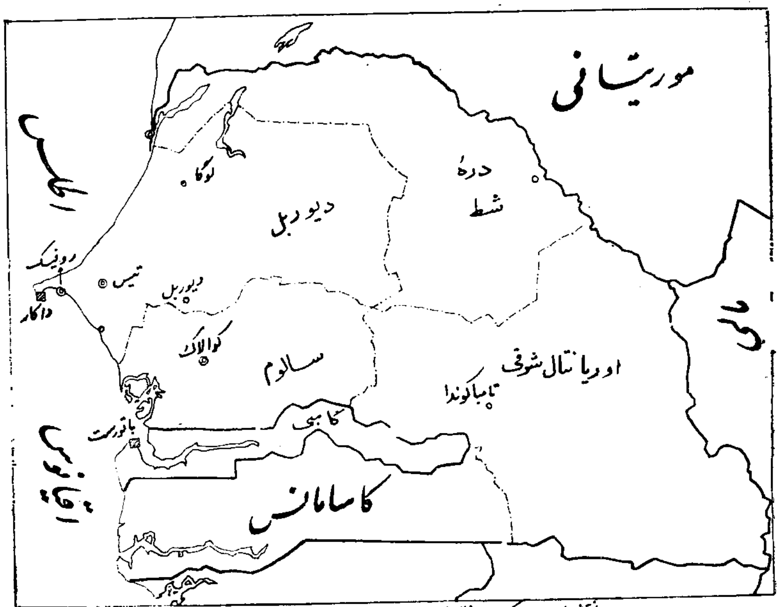
غلات ، روغن زیتون ، پنیر ، دام و سنگهای ساختمانی می‌باشد . این کشور دارای پول و تمبرمخصوص به خوداست ولی پول وتمبر ایتالیا وواتیکان درمیان عامهٔ مردم رایج است .

سرانديب .
سیلان را به‌بینید .

سنگاپور Singapour
کشوری‌است درانتهای‌شبه‌جزیرهٔ ← مالاکا در جنوب آسیا . سنگاپور ۵۳۴ کیلومتر وسعت و ۱۲۰۸۰۰ نفرجمعیت دارد .

این کشورجزءممالك‌مشترك‌المنافع بریتانیاست . بندر سنگاپور از مراکز مهم تجاری در این کشور قرار دارد . ساکنین سنگاپوررا اغلب‌چینی‌ها تشکیل می‌دهند .

سنگال Sénégal

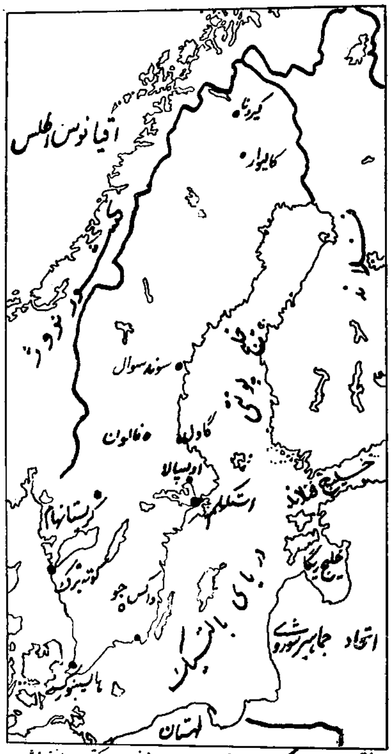


نقشهٔ سیاسی کشور سنگال

از جمهوری‌های نوبنیاد افریقایی برساحل اقیانوس اطلس است و ازطرف شمال به موریتانیا، از مشرق به مالی، از جنوب به‌گینهٔ پرتغال محدود است . سنگال ۲۰۱۳۷۵ کیلومتر مربع وسعت و ۳۱۰۰۰۰۰ نفرجمعیت دارد.پایتخت آن داکارو و شهرهای عمده‌اش‌سن‌لویی، روفیسك ،کائولاك ، تیس ، دیوربل و زیگنشور می‌باشد . قسمت عمدهٔ سنگال پوشیده‌ازدشت‌های‌پست‌می‌باشد ورودهای سنگال وگامبیا اراضی آن را مشروب می‌گرداند . به‌طورکلی سنگال‌سرزمینی است‌گرم و مرطوب وپوشیده از جنگل، و اقتصادش براساس کشاورزی ودامداری استوار است . محصول عمدهٔ آن پنبه می‌باشدکه هرساله‌مقداری ازآن به‌خارج صادر می‌شود. ساکنین این‌کشور متدین به دین اسلام و از خالص‌ترین نژادهای افریقایی می‌باشند.سنگال درسال ۱۹۶۰ به عضویت سازمان ملل درآمد.

سوئد Suède
کشوری‌است‌درشمال اروپا که‌قسمت بزرگی‌ازشبه‌جزیرهٔ‌اسکاندیناوی را دربر گرفته وازشمال‌شرقی به فنلاند، ازمشرق به خلیج بوتنی ، از جنوب به دریای بالتیك ، ازمغرب و شمال غربی‌به نروژ محدود است . سوئد ۴۴۹۱۶۵ کیلومتر مربع وسعت و ۷۵۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن استکهلم و شهرهای عمده‌اش‌گوتبرگ، مالمو، نورکوپینگ، هلسینگبرگ و اوپسالا می‌باشد . آب و هوای سوئددر زمستانها بسیار سردودر تابستانهامعتدل‌است‌واراضی‌آن به وسیلهٔ رودهای‌گوتا،وانگرمان‌مشروب‌می‌گردد. کشاورزی سوئد به‌علت بدی جنس‌زمین و سردی‌آب و هوا چندان رونق ندارد و خاك‌آن را از لحاظ‌استعدادکشاورزی می‌توان به سه‌ناحیه تقسیم نمود .

۱ ــ در نواحی جنوبی‌که خاك‌آن نسبتاً حاصلخیز و هوای‌آن ملایم‌تراست



نقشهٔ سیاسی کشور سوئد «مخصوص کتاب دانش‌گستر»

گندم ، چغندرقند و سیب زمینی به عمل می‌آید .

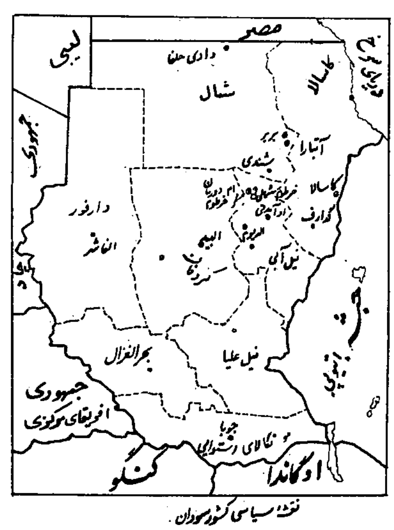
۲ ــ در نواحی مرکزی‌که خاك آن‌کم قوت‌تر است چاودار ، جو وسیب‌زمینی می‌کارند و از جنگلهای آن نیز استفاده می‌کنند .

۳ ــقسمت شمالی‌که سراسرپوشیده از جنگل‌است و سردی هوا وبدی‌جنس خاك مانع ازکشاورزی است . در سوئد با به‌کار بردن اصول‌کشاورزی علمی حد اکثر کوشش را جهت تولید محصول می‌نمایند ، مع‌هذا تولیدات کشاورزی برای مصرف داخلی‌کافی نیست وهرسال مقداری غلات‌از خارج وارد می‌نمایند. بیش از نیمی‌ازاراضی‌سوئد را جنگلهای سرووکاج پوشانده است که‌ازچوب‌آن در صنایع‌کاغذ و مقوا سازی و تهیهٔ خمیر چوب استفاده بعمل می‌آید . دامداری در سوئد بسیار مورد توجه است . وصید ماهی نیز رایج می‌باشد . منابع معدنی سوئد به جز نفت و زغال سنگ فراوان است وغیر از مقداری نفت و زغال‌که از خارج وارد می‌شود اکثر احتیاجات صنعتی در داخل‌کشورفراهم

می‌کنند و به علت کمی محصول زغال‌حد اکثر استفاده را از نیروی آب جهت تولید برق به عمل می‌آورند. مهمترین مادهٔ معدنی آهن است که نوع آن نسبتاً خالص و ازلحاظ جنس در دنیا بی‌نظیر و در نواحی مرکزی و شمالی استخراج می‌شود . سایر معادن سوئد عبارتند از: طلا ، مس ، سرب ، ارسنیك ، منگنز و نقره . سوئد از ممالك معتبر صنعتی اروپاست و علت اصلی پیشرفت صنایع این کشور آهن فراوان و برق ارزان آن‌است . در این‌سرزمین انواع واقسام ماشین‌های‌بافندگی واتومبیل ولکوموتیو و توربین کشتی وماشینهای کشاورزی و اسلحه و مهمات ساخته می‌شود . اهالی این‌کشور پیرو مذهب پروتستان لوتر هستندو به‌زبان‌سوئدی‌تکلم‌می‌کنند. سوئد در سال ۱۹۴۶ به‌عضویت سازمان ملل‌درآمد. درسوئدتحصیل‌اجباری‌است.

سودان Soudan

کشوری‌است‌درشمال شرقی که از طرف شمال به مصر، از شمال شرقی به دریای احمر ، از شمال غربی به لیبی ، از مشرق به اریتره وحبشه ، از جنوب شرقی‌به کنیا،ازجنوب‌به‌اوگاندا وکنگو ، از جنوب غربی به جمهوری افریقای مرکزی ، واز مغرب به‌چاد محدوداست. سودان ۲۵۰۰۰۰۰ کیلومترمربع‌وسعت و۱۲۴۷۰۰۰۰ نفرجمعیت‌دارد.پایتخت



نقشهٔ سیاسی کشور سودان

آن‌خرطوم وشهرهای عمدهٔ آن امدرمان، وادی مدنی ،کسلا،عطبره‌وملکال‌می‌باشد. اراضی سودان‌درنواحی مرکزی‌به وسیلهٔ نیل ابیض مشروب‌می‌گردد ونیل‌آبی‌که ازکوههای حبشه سرچشمه می‌گیرد در نزدیکی پایتخت به‌آن ملحق می‌شود و این شطعظیم ازآنجا به‌سوی مصرجریان می‌یابد. نواحی‌جنوبی‌سودان‌راجنگلهای استوایی وباتلاقی‌فراگرفته است.سودان سرزمینی‌است‌زراعتی‌که‌درآن(به‌خصوص در درهٔ نیل) غلات ،پنبه و انواع‌مختلف گیاههای مخصوص مناطق‌گرم و خرما به عمل می‌آید . دامپروری این کشور خالی از اهمیت نیست و در قسمتی از نواحی جنوبی تربیت حیوانات معمول است . و از میان محصولات دامی چرم و پوستهای مختلف در خورارزش‌فراوان می‌باشد .سودان‌دارای‌منابع مس،منگنز، طلا ، آهن ، نمك و دیگر مواد معدنی است .

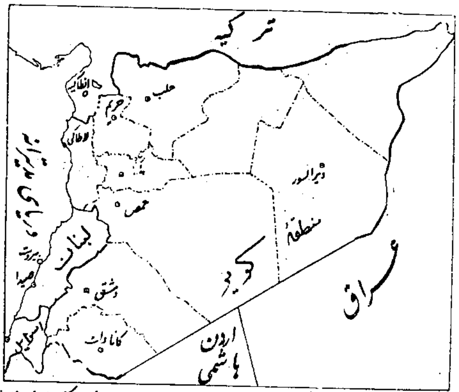
این‌کشور تولیدکنندهٔ‌عمدهٔ‌صمغ‌عربی در جهان‌است.

اهالی سودازرا اعراب ، نژاد افریقایی و نوبی‌ها (نژاد مختلف عرب و افریقایی) تشکیل می‌دهند . اعراب و نوبی‌ها از پیروان دین اسلامند . زبان ملی عربی می‌باشد .

«سوریه» Syrie

کشوری‌است‌درجنوب غربی‌آسیاکه از طرف شمال به ترکیه ، از مشرق به عراق،ازجنوب‌به‌هاشمی‌اردن و اسراییل و از مغرب به لبنان و دریای مدیترانه محدود است .

سوریه قریب ۱۸۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و (طبق برآورد ۱۹۶۴) ۵۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن دمشق و شهرهای عمده‌اش حلب ، حمص و حماء می‌باشد . در مغرب‌سوریه کوهی‌به موازات‌دریای‌مدیترانه ازشمال به جنوب‌کشیده شده و جلگهٔ باریکی‌در مغرب‌این‌کوههادرساحل دریاقراردارد ، دامنه‌های شرقی‌کوههای مزبور رفته‌رفته به بیابان سوریه (شام) منتهی می‌شود . در جنوب سوریه رشته کوه دیگری در جوارکشور هاشمی اردن واقع شده که جبل‌دروز نامیده می‌شود . نواحی‌غربی سوریه دارای آب و هوای مدیترانه‌ای است ، یعنی تابستانهای خشك و گرم و زمستان‌های معتدل دارد . میزان باران متوسط‌آن در نزدیکی ساحل دریا زیاد و درحدود ۱۲۰ سانتیمتر است وهرچه



نقشهٔ سیاسی کشور سوریه
مخصوص کتاب دانش‌بزرگ

از مغرب به مشرق و از شمال به‌جنوب در این‌کشور پیش‌برویم‌از میزان‌باران کاسته می‌شود و در بعضی نقاط مشرق میزان باران از ۱۰ سانتیمتر هم‌کمتر است وآب وهوای این نواحی صحرایی است .

رودهای سوریه به علت‌کمی وسعت ونزدیکی رشته‌کوههای‌غربی‌به‌بحرالمیت در خاك فلسطین می‌ریزد . در مشرق سوریه‌نیز قسمتی ازرودفرات‌که‌سرچشمهٔ آن در ترکیه و دهانهٔ‌آن در شط‌العرب است جریان داردکه ازآن درکشاورزی استفاده می‌شود. سوریه با درنظرگرفتن موقعیت آن یکی از حاصلخیزترین و آبادترین نواحی‌اطراف دریای‌مدیترانه است‌که قریب‌نیمی‌از وسعت‌آن‌راجنگلها و باغهای طبیعی و احداثی و۵ر۱ آن را مزارع‌کشاورزی‌وباغات میوه تشکیل داده و بیشتر ساکنین آن از طریق کشاورزی امرارمعاش‌می‌کنند.محصولات عمدهٔ سوریه عبارتند از : گندم ، جو ، میوه ،مرکبات ، انجیر، انگور ، توتون و زیتون . تربیت دام در سراسر کشور مخصوصاً در نواحی شرقی رایج واغلب افراد ایلات بدان اشتغال دارند. سوریه از لحاظ منابع معدنی (به جزنفت)فقیر است ودرمورد استخراج نفت هم‌تاکنون اقدام مهمی در این‌کشور به‌عمل نیامده است .

صنایع‌عمدهٔ‌سوریه‌بیشترتهیهٔ‌کنسرو، شراب ، چرم سازی ، بافندگی‌ابریشم و پنبه است و مخصوصاً به‌علت توجه‌به‌کشت پنبه صنایع آن رو به‌ترقی نهاده است . لولهٔ نفت عراق به‌ساحل دریای‌مدیترانه از خاك سوریه می‌گذرد و دولت سوریه هرسال به تناسب مقدارنفتی که‌به وسیلهٔ

لوله از این کشور منتقل می‌شود از شرکت‌های مربوطه دریافت می‌دارد. قریب ۷۰ درصد اهالی سوریه مسلمان سنی و ۱۱ درصد شیعه و ۸ درصد عیسوی وبقیه از اقوام دیگرند زبان رسمی عربی است وزبانهای فرانسه وانگلیسی رایج است.

سومالی Somalie



نقشهٔ سیاسی کشور سومالی

کشوری است درمشرق افریقا که از طرف شمال به خلیج عدن، از مشرق و جنوب به اقیانوس هند، از جنوب‌غربی به‌کنیا و از مغرب وشمال غربی به‌حبشه محدود است.

سومالی ۶۳۷۶۶۰ کیلومتر مربع وسعت و ۲۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت‌دارد. پایتخت‌آن مقدیشیو می‌باشد دورود شبلا وجوبه‌اراضی‌سومالی رامشروب‌می‌گردانند ساکنین این کشوررا غالباً اقوام‌سومالی تشکیل داده که از پیروان دین‌اسلامند و به یکی از زبانهای حامی تکلم واز راه دامداری امرار معاش می‌کنند. سومالی اندکی‌پس از استقلال(۱۹۶۰) به عضویت سازمان ملل متحد درآمد.

سویس Suiss



کشوری است دراروپای‌مرکزی که از طرف شمال به‌آلمان، از مشرق به‌اتریش ولیختن اشتاین، از جنوب به ایتالیا، از مغرب و شمال‌غربی به فرانسه‌محدود است. سویس ۴۱۲۹۵ کیلومتر مربع وسعت و ۶۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت‌دارد پایتخت‌آن برن‌وشهرهای‌عمده‌اش‌زوریخ، بال، ژنووولوزان‌می‌باشد. سویس‌کشوری کوهستانی است، کوهها و دره‌های آلپ بیشتراراضی آن‌راپوشانده وشعبه‌های‌رود‌های‌راین‌ورن‌دراین‌دره‌ها جریان دارند.

آب وهوای‌سویس کوهستانی،دورهٔ‌سرمای آن طولانی وتابستانهای معتدل دارد.

در سویس دریاچه‌های متعددی وجود داردکه ازآن‌جمله‌دریاچه‌های‌کنستانس، ژنو ولوگانو می‌باشد که دارای مناظر طبیعی دلپذیری‌است. کشاورزی‌درسویس به سبب کوهستانی بودن این‌کشورچندان رایج نیست و مهمترین محصول غذایی آن گندم، جو، سیب زمینی و چغندر قندمی‌باشدکه‌کفاف داخلی‌رانمی‌دهد وهرساله مقدارزیادی‌گندم و برنج ازخارج وارد می‌کنند.

اما دامپروری در دامنهٔ‌کوهستانها و جلگه های سرسبز این‌کشور توسعهٔ زیاد دارد و تهیهٔ مواد شیر یکی‌ازارقام مهم‌درآمد سویس می‌باشد.

باآنکه زغال سنگ در سویس کم است ولی بهره‌برداری ازقدرت سقوط آبشارها تاحدی‌جبران‌کمبود راکرده و به‌میزان $\frac{1}{5}$ از واردات زغال آن‌کشور کاسته است.

ساعت سازی یکی از صنایع عمدهٔ سویس است‌که درصدور اقسام ساعت‌این کشور شهرت دارد. همچنین ماشین‌سازی وساختمان آلات‌وادوات‌دقیق،صنایع‌عمده ومشهور سویس‌راتشکیل می‌دهد به‌علاوه منسوجات پشمی و ابریشمی و نخی، از تولیدات مهم این‌کشور است.

واحد پول سویس فرانك می‌باشد.

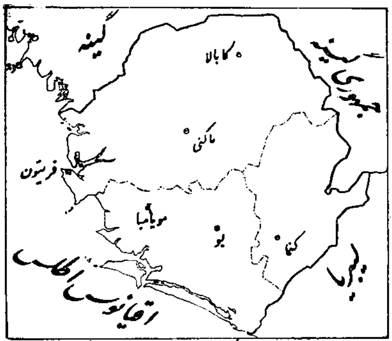
اهالی سویس ازتیره‌های ژرمن و لاتین هستندکه‌گروهی کاتولیك و دسته ای پروتستان مذهبند.

ساکنین شمال‌ومشرق به‌زبان‌آلمانی واهالی نواحی غربی به فرانسه و مردم ناحیهٔ جنوبی به‌زبان ایتالیایی‌تکلم‌می‌کنند. تعلیمات‌ابتدایی‌مجانی‌واجباری‌است.

سیام.

تایلند رابه‌بینید.

سیرالئون Sieraleone



نقشهٔ سیاسی کشور سیرالئون

کشور کوچکی‌است‌درجنوب غربی آفریقا، بین‌گینه و لیبریا و برساحل اقیانوس اطلس واقع شده است.

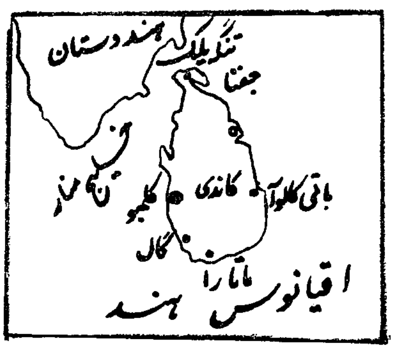
سیرالئون ۷۲۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۲۵۰۰۰۰۰ نفر جمعیت‌دارد. پایتخت‌آن فرتیون و شهرهای عمده‌اش بو، ماکنی، کنما و کابالامی‌باشد.

پایتخت‌سیرالئون یکی‌ازبزرگترین بنادر جهان است‌که بیشترداد و ستداین کشور باممالك خارجی‌ازطریق‌آن‌صورت می‌گیرد.

مهمترین محصول زراعی‌آن قهوه و کاکائوست‌که به همراه الماس و آهن(که ازمنابع مهم معدنی این کشور است) به خارج صادر می‌شود.

اهالی سیرالئون سیاه پوستند و به زبان‌ماننتو تکلم می‌نمایند. بعضی‌ازایشان پیرو دین اسلامند و گروهی مسیحی و دسته‌ای هم بت‌پرست‌می‌باشند.

سیلان، جمهوری.



ازکشورهای‌آسیایی، جزیره‌ای با ۶۵۵۹۰ کیلومتر مربع وسعت وقریب

۱۰٫۵ ملیون نفر جمعیت که در جنوب شرقی هندوستان واقع‌شده و پایتخت آن کولومبو می‌باشد.

قسمت شمالی جزیره جلگه‌ای و قسمت جنوبی آن کوهستانی است و کوه مقدس بوداییان (کوه آدم) در آن قرار دارد.

محصولات عمدهٔ سیلان، چای، کائوچو و نارگیل، برنج و میوه و سبزیجات است و معادن عمدهٔ کشور، میکا آهك، آهن است.

شهر های عمدهٔ سیلان عبارتند از کندی، گال وترینکو مالی است.

سین کیانك.

چین کمونیست را به بینید،

شیلی Chili

جمهوری شیلی باریکهٔ درازی را درجنوب غربی آمریکای جنوبی تشکیل داده و با آرژانتین و پروهمسایه‌است. مرزهای غربی و جنوبی آن را اقیانوس کبیر احاطه کرده و از جانب مشرق به دامنهٔ غربی جبال آند مشرف می گردد. شیلی ۷۴۱۷۶۷ کیلومتر مربع وسعت و ۷۶۲۷۰۰۰ نفرجمعیت دارد.

پایتخت آن سانتیاگو و شهرهای عمده‌اش آنتو فاگاستا، والپاریزو، و کنسپسیون می باشد.

شیلی کشوری است کوهستانی و جلگهٔ رسوبی وسیعی در آن دیده نمی‌شود. آب و هوای آن متغیر و در نواحی شمالی صحرایی و درناحیهٔ مرکزی آب‌وهوای مدیترانه‌ای ودر منطقهٔ جنوبی آب‌وهوای معتدل و در قسمت انتهایی سرد می‌باشد. دراین کشور اراضی حاصلخیز و قابل کشت وسعت چندانی ندارد لیکن درهمین زمین‌های کم‌وسعت کشاورزی رایج است وکشاورزان به کشت سیب‌زمینی، گندم، جو و برنج می‌پردازند.

نواحی جنوبی شیلی که از آب و هوای معتدل برخوردار می‌باشد پوشیده ازجنگلها و چراگاههای وسیع است و دامپروری دراین منطقه رایج می باشد. مهمترین منابع معدنی شیلی نیترات دوسوداست که هرسال مقدار قابل ملاحظه‌ای به خارج صادر می‌شود.

منابع دیگر آن عبارتند از: مس، آهن، زغال سنگ، طلا، نقره. اکثر مردم شیلی پیرو مذهب کاتولیك هستند و به زبان اسپانیولی تکلم می کنند.



نقشهٔ سیاسی کشور شیلی — مخصوص کتاب دانش بشر

عراق Iraq



نقشهٔ سیاسی کشور عراق

کشوری است درآسیای غربی، از طرف شمال به ترکیه، ازمشرق به ایران، ازجنوب به عربستان صعودی وکویت، و از مغرب به سوریه و اردن محدود است. عراق ۴۴۴۴۴۲ کیلومتر مربع وسعت و ۷۰۸۵۰۰۰ نفرجمعیت دارد. پایتخت آن بغداد و شهر های عمده اش موصل، کربلا، بصره، نجف، سامره، کاظمین و کرکوك می باشد.

عراق تقریباً به شکل مثلثی است که رأس آن به طرف خلیج فارس و قاعدهٔ آن مجاور ترکیه وسوریه است.

قسمت بزرگی از عراق را آبرفت رود های دجله و فرات به وجود آورده و جز مناطق شمال شرقی و قسمتی از مشرق آن که کوهستانی است، درسایر نقاط آن کوه بلندی دیده نمی‌شود.

کوههای عراق ازچین‌خوردگی‌های دوران سوم زمین شناسی و در شمال شرقی و شمال دارای قلل مرتفعی است که بلندی آنها به ۳۵۰۰ مترمی‌رسد.

درمشرق خاك عراق کوههای اورامان قرارگرفته که دنبال کوههای کردستان ایران می‌باشد و خطمرزی ایران وعراق درهمین ناحیه از قلل کوهها می گذرد. درامتداد کوههای اورامان رو به سمت جنوب بلندی‌های حمرین وجود دارد که ارتفاع آن درحدود ۵۰۰ متر است. این کوهها باشیب تندی متوجه دجله می‌شود ودر نزدیکی بغداد اراضی بیش از ۴۰ متر ارتفاع ندارند.

درنواحی جنوب ومرکز عراق جلگهٔ بسیار حاصلخیز بین النهرین قراردارد

که‌از آبروفت‌رودهای‌دجله‌وفرات‌تشکیل شده و شیب‌آن‌رو به‌سمت جنوب است و روز‌به‌روز بر وسعت آن در سمت خلیج فارس افزوده‌می‌شود. به‌ارتفاع زمین‌های عراق در جنوب وجنوب غربی‌رفته رفته افزوده می‌شود و این نواحی به فلات‌کم‌ارتفاع‌عربستان‌منتهی می گردد. عراق از جنوب به بیابان عربستان و از شمال و شمال شرقی به‌کوههای مرتفع‌وپربرف مجاور است، و به‌طورکلی سه نوع‌آب و هوادرآن می‌توان مشخص‌نمود:

۱ــ مناطق‌کوهستانی شمال‌و مشرق دارای‌آب و هوای‌کوهستانی با زمستان‌های سرد و پرباران وبرف‌وتابستانهای معتدل است.

۲ ــ نواحی جنوب و جنوب غربی به‌علت وزش باد های سوزان عربستان دارای‌آب و هوای بسیار گرم و خشك است.

۳ ــآب و هوای نواحــی‌مرکزی و اطراف‌رودهای دجله و فرات نسبةً معتدل است. به‌طورکلی‌هرچه از شمال و مشرق به‌سمت جنوب و مغرب‌پیش رویم ازمیزان‌بارندگی‌کاسته و به‌درجهٔ‌حرارت هواافزوده‌می‌شود. درعراق دورودبزرگ دجله‌وفرات‌جریان‌دارد که‌هردواز‌کوههای جنوب و مشرق ترکیه سرچشمه گرفته وموادوآبرفتی‌آنهادر طول‌ازمنهٔ متمادی جلگهٔ‌بین‌النهرین راتشکیل داده است.

روددجله از‌کوههای‌اطراف‌دریاچهٔ وان درمشرق ترکیه سرچشمه‌گرفته‌وپس ازآنکه رود های زاب اعلی و سفلی و دیاله به‌آن می پیــوندد شهر بغداد را مشروب‌کرده ودر ۱۸۵ کیلومتری‌ساحل خلیج فارس درمحل قرنه به‌فرات می‌پیوندد.

سرچشمهٔ رودفرات نیز مانندد‌جله از کوههای شرقی ترکیه جریان پیدا کرده ودر نزدیکی بغداد به رود دجله نزدیك می شود. سپس بــه تدریج از یکدیگر دورشده و چنانکه‌گفتیم‌درقرنه به‌روددجله پیوسته و شط‌العرب‌راتشکیل می‌دهند.

در نزدیکی خلیج فارس نیزقسمت عمدهٔ رودکارون که در خوزستان‌جاری است‌به‌شط‌العرب وارد می‌شود، شط‌العرب درقسمتی ازانتهای مسیرخود مرزطبیعی ومشترك ایران و عراق است.

رود های دجلــه و فرات موجب آبادانی‌کشور عراق است و همانطور که رود نیل موجب آبادانی‌کشور مصرشده‌ این‌دورود نیزجلگهٔ‌پربرکت‌بین‌النهرین رابه‌وجودآورده است‌ودرصورتی‌که‌رود‌های مزبور در عــراق جریان نداشتند این کشور نیز مانند صحرای عربستان خشك‌و خالی ازسکنه بود.

جلگهٔ بین‌النهرین‌چون ازآبروفت رودهای دجله و فرات تشکیل شده استعدادکشاورزی بسیار دارد و موضوع مهم در زراعت عراق بستن سد روی رودها و رساندن‌آب به‌زمین‌های‌زراعتی است به همین مناسبت از قدیم‌الایام سدهای‌معتبری برروی رودها مخصوصاًرود دجله احداث شده و در سالهای اخیربا ایجاد سدهای متعدد و اجــرای اصول جدیدکشاورزی بر میــزان محصول آن کشور افزوده شده است

مهمترین محصولات‌غذایی‌عراق‌گندم مــی‌باشد که‌کشت آن در سراسر‌کشور معمول است، بعداز‌گندم‌کشت‌جو، برنج، ذرت و ارزن بیش‌ازسایرمحصولات‌رواج دارد.

علاوه براین کشت انواع حبوبات سبزی، تربیت درختان میوه، مرکبات تنباکو، توتون، پنبه و چغندر قندمتداول است. خرما مهمترین محصول عــراق می باشدکه درنواحی‌گرم جنوب اطراف شط‌العرب‌کشت‌آن معمول و محصول آن قریب ۸۰ در صد خرمای جهان است. درنواحی کوهستانی‌تربیت‌گاو و‌گوسفند و درنواحی‌گرم و خشك تربیت‌شتررایج است.

عراق ازمراکز مهم استخراج‌نفت می‌باشد. محصول‌نفت‌عراق درسال ۱۹۶۳ قریب ۵۵ ملیون تن بــوده و نفت خام به‌وسیلهٔ چندرشته لوله به بندر طرابلس (درلبنان) و بانیاس (در-وریه) و بندر فائو در ساحل خلیج فارس حمل می‌شود.

معادن دیگر عراق عبارتند از: زغال سنگ، آهن، سرب، مس، نقره، طلا و گوگرد که هنوز برای استخراج آنها اقدام اساسی به‌عمل نیامده است.

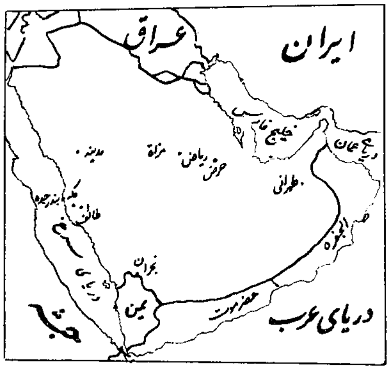
صنایع‌کارخانه‌ای عــراق جوان و شامل کارخانه های بافندگی پشم، پنبــه، تهیهٔ روغن‌های نباتی، سیمان، قند، صابون، چرم، بلور سازی و سیگارپیچی‌است.

قریب ۷۵ درصد ازاهالی عرب، ۵ درصد کرد و ۵ در صد ایرانی و بقیه اقوام دیگرند.

زبان اکثر مردم عراق عربی‌وکردها و ایرانی‌ها عــلاوه برزبان عربی به زبان قومی خودنیز تکلم‌می‌کنند. اسلام دین رسمی است و تعداد مسیحیان و یهودیان وپیروان سایر مذاهب در این کشور‌کم است.

عربستان‌سعودی(مملکةالعربیةالسعودیة)

Arbie Saoudite



کشوری‌است درجنوب غربی‌آسیا که چهار پنجم شبه‌جزیــرهٔ‌عربستان را فرا گرفته و ازطرف شمال به‌عراق، فلسطین و اردن، از مشرق بــه خلیج فارس و دریای عمان، از جنوب به‌دریای عمان وخلیج عدن، و ازمغرب به‌دریای احمر محدود است.

کشور عربی سعودی ۲۲۴۹۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت‌و۷۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد.

پایتخت‌آن‌ریاض وشهرهای‌عمده‌اش مکه (پایتخت زمستانی) مدینه و جده می‌باشد. اطراف عربستان راکوههای‌کم‌ارتفاعی‌که‌به‌موازات ساحل‌کشیده‌شده‌فرا گرفته‌است. قسمت بزرگی‌ازخاك‌این‌کشور راصحرایی خشك احاطه کرده که‌زندگی درآن ممکن نیست. آب‌وهوای‌عربستان به‌علت عدم‌وزش بادهای مرطوب، بسیار گرم و خشك است و بهمین جهت‌رودی وجود نداردو رگبارهایی‌که بعضی‌اوقات می‌بارد سیلی‌جاری‌کرده و بعدازمتوقف

شدن باران مسیل خشك می‌شود .

در عربستان به علت کمی آب وغلبهٔ گرما ، اراضی[ب]کشاورزی بسیارکم و محدود به نواحی مرتفع عسیر و بعضی واحه های داخلی است که مقداری جو، مرکبات ، سبزی ومخصوصاً خرما کاشته می‌شود .

شغل عمدهٔ ساکنین این کشور گله‌داری‌است ومحصولات‌حیوانی مانند پشم و پوست به‌خارج صادر می‌شود .

بندرجده دردریای احمراین کشور راباجهان خارج‌مربوط می‌سازدوصادرات و واردات عمدهٔ عربستان از طریق این بندر صورت می گیرد .

عربستان سعودی دارای منابع سرشار نفت است ودرخاور **میانه** پس‌از کویت مهمترین منبع نفت به شمار می‌رود .

مواد نفتی به‌وسیلهٔ لوله‌های طویل به‌بندر صیدا درلبنان حمل می‌شود . در پایان هر سال قمری صدها هزار نفر مسلمان‌که برای ادای حج به عربستان می‌آیند منبع درآمد قابل‌توجهی برای دولت وملت عربستان به‌شمار می‌روند. عربستان پیوسته روبه خشکی می‌رود و منابع‌غذایی آن کاهش می‌یابد .

این کشور ازسازمان ملل کمك فنی دریافت می‌دارد .سکنهٔ عربستان سعودی همگی پیرو دین اسلامند وبه‌زبان‌عربی تکلم می کنند .

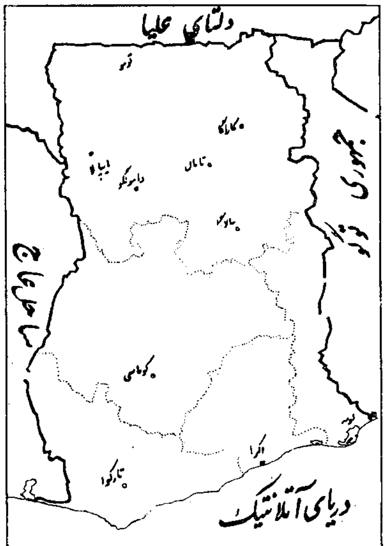
تحصیلات ابتدایی ، متوسطه‌وعالی مجانی است‌ولی اجباری‌نیست .عربستان سعودی عضو سازمان های ملل و اوپك می‌باشد .

غنا Ghana

غنا که سابقاً ساحل طلا به‌آن گفته می‌شد، کشوری‌است در افریقای غربی‌که ازطرف شمال‌غربی به دلتای علیا ،از مشرق به توگو ، از جنوب به اقیانوس اطلس ، واز جنوب غربی به ساحل‌عاج محدود است .

غنا ۳۲۳۹۲۵ کیلومتر مربع‌وسعت و ۵۵۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد.

پایتخت آن شهر اکرا است و آن بندری‌است درساحل اقیانوس اطلس که ۲۰۰۰۰۰ نفوس‌دارد ، سراسرزمین‌های این کشور برای زراعت قهوه مناسب

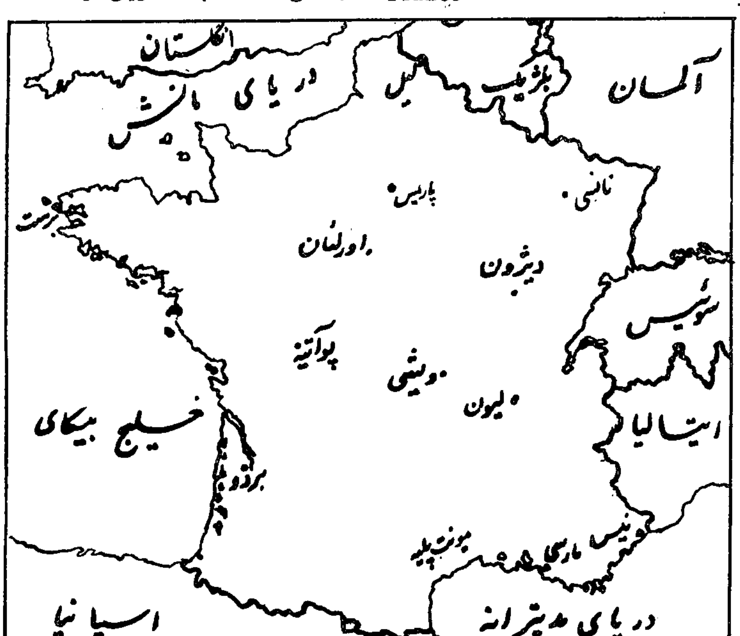


نقشهٔ سیاسی کشور غنا با ساحل طلا

است.جنوب شرقی غنا تقریباً خشك وبی‌حاصل ونواحی جنوب غربی در ساحل اقیانوس اطلس پوشیده ازجنگل است . مهمترین منابع معدنی این کشور طلا و الماس می‌باشد. منگنز و قلع‌نیز درآن یافت می‌شود .

غنا عضوکشور های مشترك‌المنافع انگلیس است و در سازمان ملل متحد نیز عضویت دارد .

فرانسه France



کشوری‌است درمغرب‌اروپاکه از طرف‌شمال به‌دریای شمال ودریای‌مانش، ازمشرق‌به‌ایتالیا، سویس، آلمان‌وبلژیك، ازجنوب به اسپانیا و دریای مدیترانه و ازمغرب به اقیانوس اطلس محدود است .

فرانسه ۵۴۸۶۶۰ کیلومتر مربع وسعت و بالغ بر ۴۹۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت‌آن شهر قدیمی پاریس و شهرهای عمده‌اش لیون ، بردو و مارسی می‌باشد .

مرتفعات فرانسه بیشتر متعلق به دوران اول و سوم زمین شناسی است و اغلب در مشرق و جنوب و مرکزآن قرار گرفته اند . تودهٔ کوهستانی مرکز فرانسه ماسیف‌سانترال وکوههای **وژ** بین حوضهٔ پاریس و ناحیهٔ آلزاس متعلق به دوران‌اول‌زمین‌شناسی است. به همین‌سبب ارتفاع آن کم وقلل‌آن ساییده و گنبدی می‌باشد . کوههای ژورا متعلق به‌دوران سوم زمین‌شناسی و رشته های آن‌موازی و به‌شکل قوسی ، فرانسه‌را ازسویس‌جدا می کند. دردامنهٔ‌این کوهها جنگلهای‌وسیع و مراتع سبز وخرمی وجود دارد که از لحاظ‌دامپروری‌حائز اهمیت است .رشته کوههای آلپ درجنوب شرقی فرانسه واقع شده و بلند ترین‌کوههای اروپا محسوب می شود و کشور ایتالیا را از فرانسه جدامی‌نماید، کوههای آلپ‌متعلق

به‌دوران سوم‌زمین‌شناسی است و مهمترین قلهٔ آن من‌بلان است که ارتفاع آن ۴۸۱۰ متر می‌رسد. در دامنهٔ کوههای آلپ جنگلها ومراتع سبز و خرم ودریاچه‌های زیبایی وجود دارد . کوههای پیرنه که سرحد فرانسه و اسپانیاست متعلق به دوران سوم زمین شناسی و قسمت‌های غربی وشرقی آن کوتاه و قسمت مرکزی آن بلند و دارای گردنه هایی است که عبور از آن بسیار مشکل و نواحی پست کنارهٔ مدیترانه واقیانوس اطلس بهترین راه ارتباط فرانسه و اسپانیاست .

درفرانسه رودهای متعددی جاری است که مهمترین آنها به قرار زیراست :

۱ ــ رودسن که ازدامنه های غربی کوههای وژ سرچشمه گرفته و پس ازمشروب نمودن جلگهٔ پاریس به دریای مانش می‌ریزد.

۲ــ رودلوآر که ازکوههای مرکزی سرچشمه گرفته به اقیانوس اطلس می‌ریزد .

۳ ــ رودگارن ودردنی که اولی ازکوههای پیرنه سرچشمه گرفته پس از مشروب نمودن جلگهٔ آکتین بـه خلیج کوچک ژیرند می‌ریزد و دومی ازکوه‌های مرکزی جریان می‌یابد ودر نزدیکی دهانهٔ رود گارن به‌خلیج ژیرند واردمی‌شود.

۴ــ رود رن که از کوههای کشورسویس سرچشمه گرفته پس‌ازعبور ازدریاچهٔ ژنو وارد فرانسه می‌شود و پس از مشروب کردن جلگهٔ رن بادلتای نسبتاً بزرگی به دریای مدیترانه می‌ریزد .

فرانسه به واسطهٔ موقعیت طبیعی و تنوع آب و هوا وجلگه های وسیع ورود‌های متعدد ازقدیم برای کشاورزی مساعد بوده و امروزه نیز باوجود پیشرفت صنایع کشاورزی آن اهمیت بیشتری دارد و به طریق علمی انجام می گیـرد . در فرانسه انواع واقسام محصولات غذایی مانند : گندم، جو ،جوسیاه،سیب‌زمینی، چاودار، برنج ، ذرت وانواع میوه‌ها ، سبزیجات زراعت می شود و بزرگترین مراکز کشت این محصولات جلگه های وسیع این کشور است .

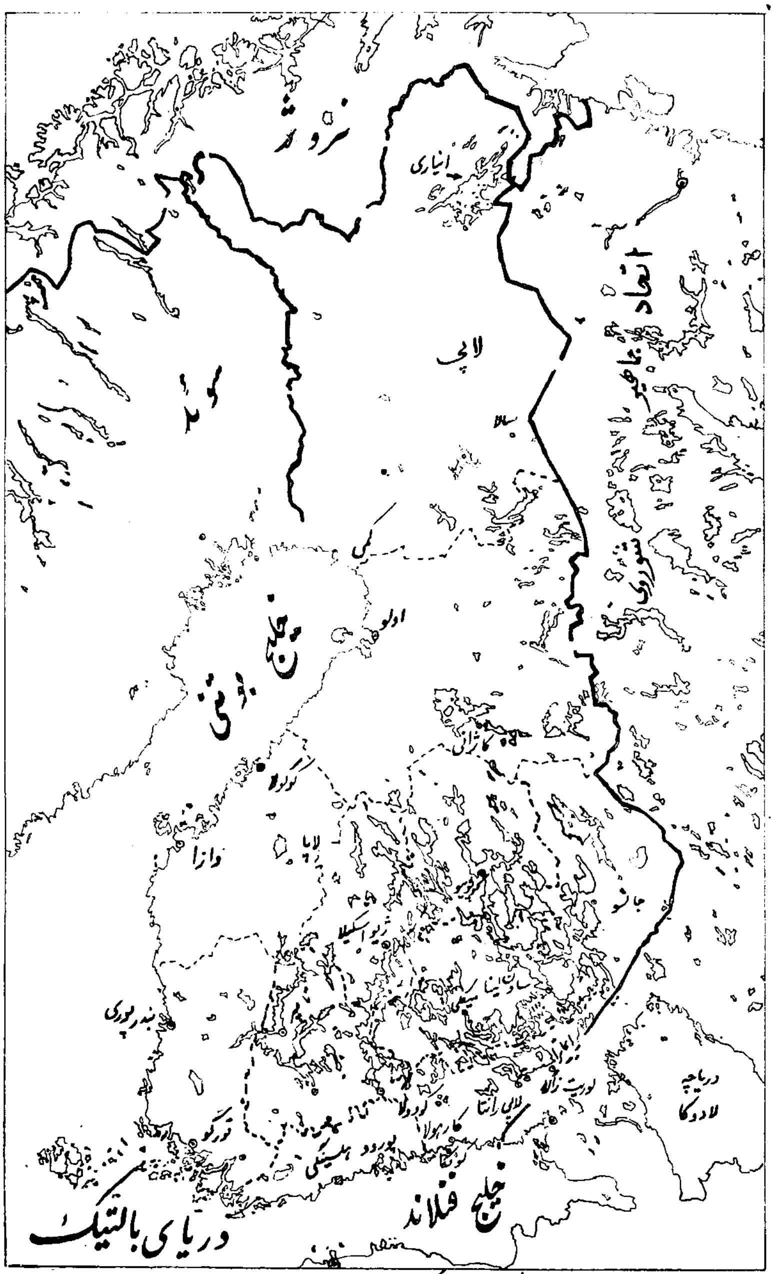
مهمترین منبع معدنی این کشور آهن است که مقداری نیز به‌خارج صادرمی‌شود، همچنین معادن زغال‌سنگ، نمک، بوکسیت، پتاس و نفت نیز بهره برداری می‌شود.

فرانسه در رشتهٔ صنایع فلزی (ساخت انواع ماشین‌های کشاورزی، لــوازم راه آهن، هواپیمـا ، اتومبیل ،لوکوموتیو و اسلحه‌سازی، بافندگی (پارچه‌های پنبه‌ای وابریشمی فرانسه دردنیا مشهوراست).

صنایع‌غذایی (قند ، شکر شراب ، که دردنیا اولین کشورتهیه کنندهٔ شراب است، خمیر غذایی،کنسرو میوه‌وماهی) صنایع‌شیمیایی (داروهای طبی،رنگ‌های گوناگون و کودهای‌شیمیایی) وبلور و چینی سازی فعالیت دارد .

فرانسوی‌ها اکثراً متدین به دین مسیح و پیرو مذهب کاتولیک می‌باشند و به‌زبان فرانسه تکلم می‌کنند .

فنلاند Finlande



نقشه سیاسی کشور فنلاند

کشوری‌است درشمال اروپا که ازطرف شمال به‌نروژ ، ازمشرق به‌اتحادجماهیر شوروی ، ازمغرب به‌خلیج تبنی‌وسوئد ، ازجنوب به‌خلیج فنلاند محدوداست .

فنلاند ۳۳۷۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و (طبق برآورد ۱۹۵۷ سازمان ملل) ۴۳۳۳۰۰۰ نفر جمعیت دارد، پایتخت آن هلسینکی وشهرهای عمده‌اش تورکو و تامپر می‌باشد.

سراسر آن پوشیده ازهزاران دریاچهٔ کوچك چسبیده به هم می‌باشد و قریب هفتاد درصد خاکش را بیشه وجنگل فرا گرفته است.

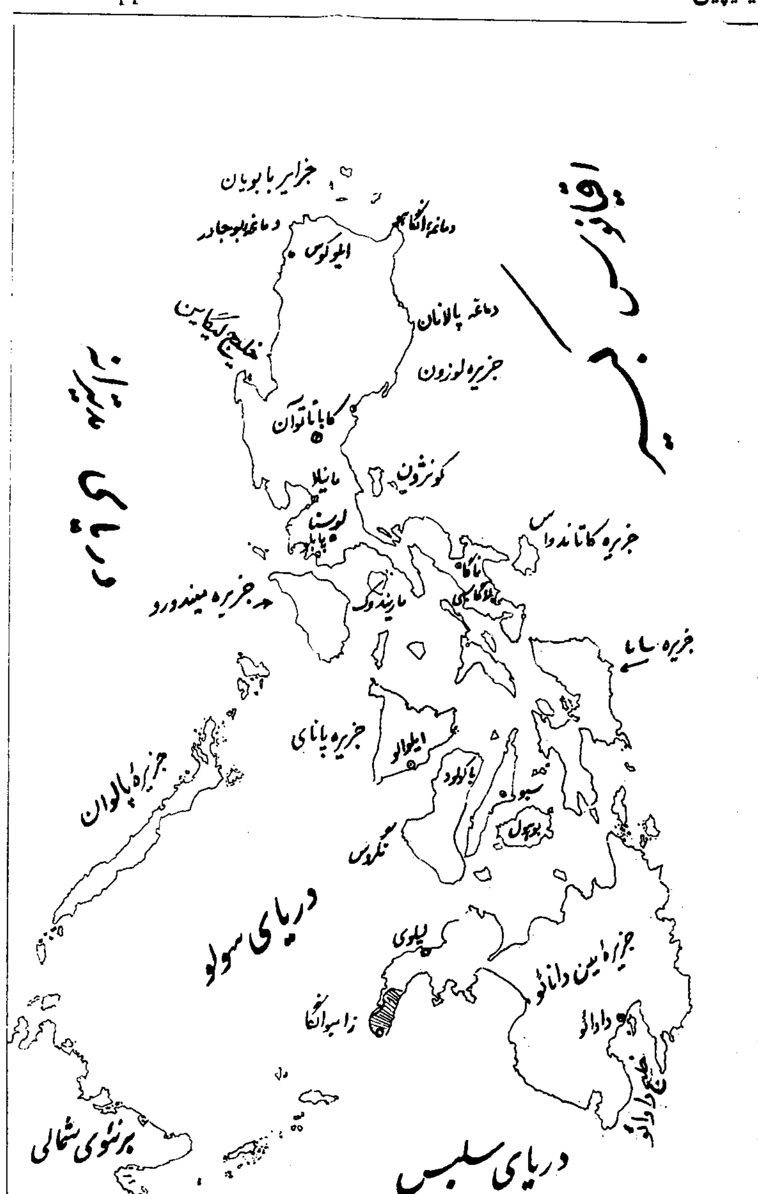
آب و هوای این کشور درنواحی شمالی سرد ودر قسمت های جنوب ومغرب معتدل و مرطوب می باشد. به علت ↑ نامساعدبودن‌زمین و آب‌وهوا، کشاورزی درفنلاند رواج زیادی ندارد. عایدات مردم‌این سرزمین ازراه‌گله داری‌وشکار حیوانات و صیدماهی تأمین می‌گردد. صنعت مهم این کشورکاغذ سازی و تولید خمیرکاغذ است.

بااستخراج معادن، صنایع‌فلزی‌نیز درآن توسعه یافته است. اهالی فنلاند پیرو مذهب پروتستانند وبه‌زبان سوئدی تکلم می کنند.

فورمز.

تایوان رابه بینید.

فیلیپین Philippines



نقشهٔ سیاسی کشور فیلیپین

مجمع‌الجزایر فیلیپین در جنوب شرقی آسیا واقع شده وازطرف شمال به اقیانوس‌کبیر، ازمشرق به‌دریای‌فیلیپین ازجنوب به‌دریای سلب، وازمغرب به دریای چین‌محدود است.

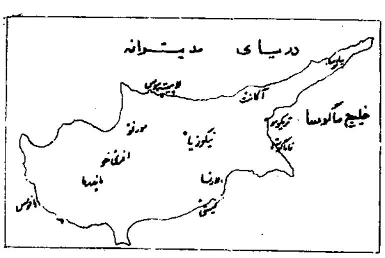
فیلیپین ۲۹۷۳۷۰ کیلومتر مربع وسعت و ۲۹۶۹۸۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن کزون وشهرهای‌عمده‌اش مانیل، زامبو آنگا، داوائو، سبو، باکولو وایلوالو می‌باشد.

مجمع‌الجزایر فیلیپین ازیازده جزیرهٔ بزرگ تشکیل شده که عبارتند از: لوسون، ماندانو، سامار، نگرو، پانایی. پالووان، ماندورو، لوییت، سبو، بوهل و ماسبات.

ثروت عمدهٔ جزایر فیلیپین از کشاورزی، دامداری، استخراج‌معادن، جنگل و صید ماهی تأمین می‌گردد. منابع عمدهٔ زیرزمینی فیلیپین‌عبارتست از: طلا، نقره، سرب، روی، مس، آهن، زغال سنگ، نفت، کرومیت، پنبهٔ‌کوهی، منگنز، آهك، سنگ‌مرمر، نمك وغیره.

درمجمع‌الجزایر فیلیپین سه زبان رسمی‌وجود دارد که عبارتند از زبان تاگالوك که زبان ملی است، زبان انگلیسی، زبان اسپانیایی. مذهب اکثریت مردم‌کاتولیك می‌باشد وبقیه‌پروتستان و مسلمان‌وغیره‌هستند.

قبرس Chypre



جزیره‌ای در دریای مدیترانه با ۴۵۰۰۰۰ نفر جمعیت و ۹۲۵۱ کیلومترمربع‌وسعت‌ودارای حکومت‌جمهوری است. پایتخت آن: نیکوزیا، وشهرهای عمده‌اش، لیماسول، فاماگوستا، کتیما ولانکاست.

محصولات عمدهٔ قبرس. گندم، جو، سیب‌زمینی، تنباکو، انگور، و معادن آهن، مس، کروم‌قلع و طلای‌آن‌معروف

است .

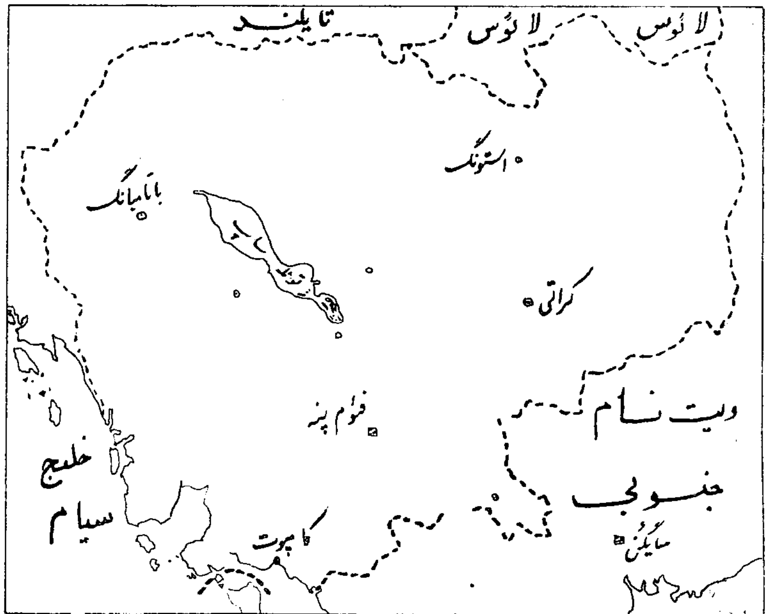
کاپادوکیه Cappadocia

داریوش درکتیبه های بیستون و نقش رستم و تخت‌جمشید ازاین‌کشورنام برده است . حدود این‌کشور تقریباً عبارت خواهد بود از : طرف شمال **دریای سیاه** ، از طرف جنوب **کوههای توروس** ، از طرف‌مشرق رود فرات و ازسمت مغرب‌رود قزل‌ایرماق(هالیس).

بیشتر این مملکت فلاتی است مسطح که رویید‌نی‌کم دارد وآب‌و هوای آن بری است ، قسمت‌های حاصلخیزش درطرف جنوب شرقی در دامنهٔ‌کوهها به طرف فرات است و در قسمت شمال هم سواحل دریای سیاه مساعدکشت و زرع است .

قسمت شمالی‌را اغلب‌نویسندگان، پنت‌نامیده‌اند. رود های مهم کاپادوکیه قزل ایرماق و یاشیل ایرماق می باشند که قابلیت‌کشتی رانی‌ندارند .

کامبوج Cambodge



نقشهٔ سیاسی کشور کامبوج

کشوری‌است در جنوب شرقی‌آسیا که‌از طرف شمال‌به‌لائوس ، ازشمال‌شرقی و مشرق به ویتنام شمالی ، ازجنوب به خلیج سیام ، از مغرب و شمال غربی به تایلند محدود است .

کامبوج ۱۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۵۰۴۰۰۰۰ نفرجمعیت‌دارد . پایتخت‌آن فنوم پنه و شهرهای عمده‌اش سامرونگ ، پورسات وباتامبانگ می‌باشد .

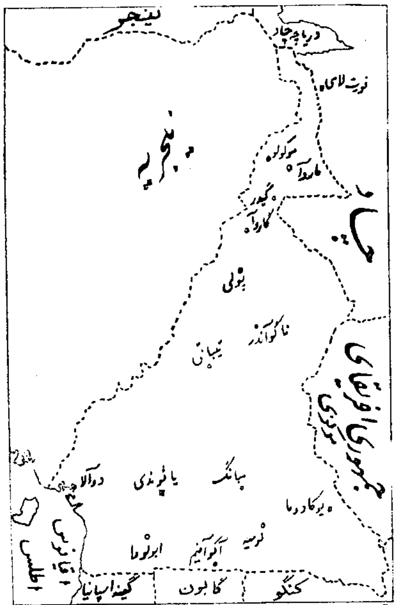
تقریباً سه چهارم خاك این کشور پوشیده ازجنگل است .مهمترین‌محصول آن‌پنبه ،برنج ،کائوچو ، ابریشم، توتون می‌باشد .

درکامبوج منابع‌آهن، مس،منگنزو طلا وجود دارد . زبان ملی‌کامبوجی یا خمرمی‌باشد.دراین‌کشوربه‌زبان‌فرانسه نیز حرف می‌زنند . مذهب رسمی مردم کامبوج‌بودایی می‌باشد .

کامرون Camerone

منطقهٔ افریقایی‌درکرانه های‌خلیج گینه‌که به طرف داخل تا دریاچهٔ چاد کشیده‌شده است وازطرف شمال‌به‌دریاچهٔ چاد ، ازشمال شرقی به جمهوری چاد ، ازمغرب به جمهوری مرکزی افریقا ، ازجنوب شرقی به‌کنگوی‌وسطی،ازجنوب به‌گابن ازجنوب غربی به گینهٔ اسپانیا و خلیج گینه ، و ازمغرب وشمال غربی به نیجریه محدود است .

کامرون ۴۳۲۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۳۱۹۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد .



نقشهٔ سیاسی کامرون

پایتخت‌آن یائوندی و بندر مهمش دووالا می‌باشد .

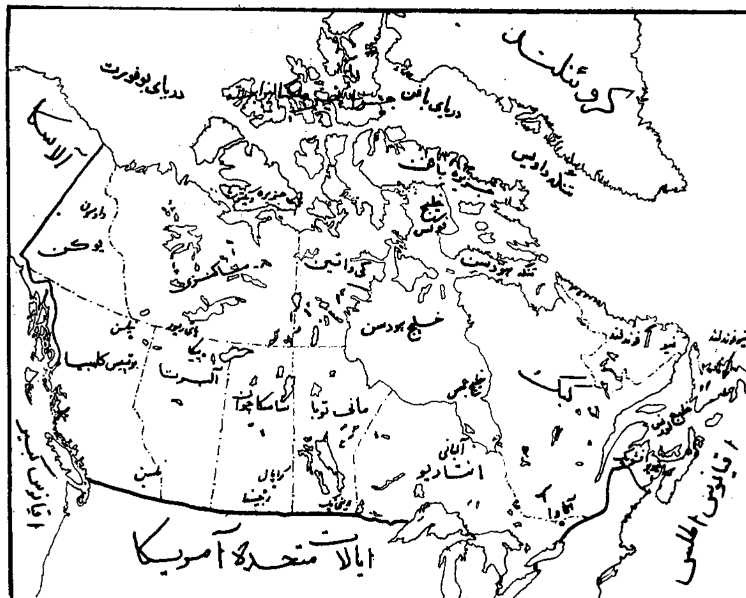
مهمترین محصول این‌سرزمین کاکائو و پنبه است‌که علاوه بر تأمین احتیاجات داخلی مقداری هم به خارج صادر می‌شود .

کانادا Canada

کشوری‌است درآمریکای‌شمالی که ازده ایالت بزرگ به‌نام‌های : اکوس‌جدید، برانسویچ جدید، کبك،اونتاریو، مانیتوبا ، کلمبیای انگلیس ، جزیرهٔ پرنس ادوارد ،آلبرتا ، ساسکاچوان و ترنو تشکیل یافته است .

کانادا ۹۹۵۹۴۰۰ کیلومترمربع وسعت و ۱۷۸۱۴۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن اوتاوا و شهر های عمده‌اش مونتره‌آل، تورونتو، وانکوبه، هامیلتون ، ادمونتن و هالیفاکس می‌باشد . کانادا پهناورترین کشور قارهٔ آمریکاست و نواحی شمالی آن تا قطب شمال چندان فاصله ندارد ،آب و هوای قسمت شمالی‌کانادا سرد قطبی است و در نواحی جنوب نیز دورهٔ سرما طولانی می‌باشد .

درنواحی جنوبی این‌کشور اراضی وسیع و حاصلخیزوجود داردکه‌ازمناطق بزرگ کشاورزی و دامپروری جهان



نقشهٔ سیاسی کشور کانادا

محسوب می‌شود.

علاوه بر این دامنهٔ کوهستانهای غربی پوشیده‌ازجنگل‌های انبوه‌ومتراکم است که‌آن نیز ثروت بزرگی برای‌این کشور است.

مهمترین تولید کشاورزی کانادا گندم‌است‌که هرساله مقدارزیادی‌ازآن‌را به‌خارج‌صادر می‌کند.

محصولات حیوانی کانادا در درجهٔ دوم اهمیت قرار دارد وگوشت و چربی حیوانی و کنسرواین کشور به اروپا مخصوصاً انگلستان صادر می‌شود.

اقسام‌کاغذ درکارخانه‌های‌عظیم‌کانادا ساخته می‌شود و کشورهای متحدآمریکا و انگلستان مشتری بزرگ کاغذکانادا هستند. منابع زیرزمینی‌کانادا متنوع و مقدار ذخیرهٔ آنها زیاد است.

نیمی از طلای سفید جهان ازاین کشور به‌دست می‌آید. معادن زغال‌وآهن آن‌نیز قابل‌اهمیت است و ازلحاظ‌تولید نیروی برق حاصله از آبشارها نیزمقام بزرگی به‌دست‌آورده‌است درتولیدنیکل کانادا مقام اول‌رادرجهان‌داراست، طلا، نقره، مس‌و سرب نیز دراین‌کشوریافت می‌شود، این منابع به توسعهٔ صنعت در کاناداکمك بسیار کرده است.

مهمترین رشته های صنعت‌کانادا اتومبیل سازی، کشتی‌سازی و تهیهٔ‌ابزار لوکوموتیو ولوازم برقی‌است. محصولات صنعتی این کشور دربسیاری ازبازارهای دنیاخریدار دارد.

کانادا ازکشور های مشترك‌المنافع است و با دولت انگلستان همکاری اقتصادی نزدیك دارد. اکثر ساکنین این منطقه ازنژاد سفید و بازماندگان مهاجران اروپایی‌می‌باشندوبقیه‌ازنژاد‌های‌سیاه وزردهستند وبه‌زبانهای‌فرانسه وانگلیسی تکلم می‌نمایند.

کره Corée



نقشهٔ سیاسی کشور کره

شبه‌جزیره‌ای‌است‌کوهستانی درمشرق آسیا که توسط رودهای یالوYaluوتومن Tumen ازخاك منچوری واتحادشوروی جدامی‌شود.

خلیج کره و دریای زرد آن راازچین و دریای ژاپون، اززاپون‌جدا می‌کند وبالغ‌بر۳۴۰۰ جزیره دارد.مردم کره ازنژاد مغولی هستند که‌دراعصار باستانی به‌این سرزمین‌آمده‌اند وحماسه هایشان ازشاهانی‌که در۴۲۰۰ سال‌پیش فرمان می‌رانده‌اند حکایت‌می‌کند. مردم کره بر اثرآمیزش ممتد بامردم‌چین و ژاپون، زبان، خط، مذهب مخصوصی پدید آورده‌اند.

اینك‌کره دوقسمت شده وتوسط دو دولت کرهٔ شمالی و جنوبی اداره می‌شود.

کرهٔ‌جنوبی Corée Sud

کرهٔ‌جنوبی از طرف شمال به‌کرهٔ شمالی، از مشرق و جنوب به دریای ژاپون واز مغرب به دریای زرد محدود است.

کرهٔ جنوبی ۹۹۲۰۶ کیلومتر مربع وسعت‌و ۲۸۵۰۰۰۰۰ نفرجمعیت دارد. پایتخت آن سئول و شهر های عمده‌اش پوزان و موکپو می‌باشد.

این‌کشورپوشیده ازجلگه‌هاوجنگل‌هاو برنج زارهاست.مهمترین محصولاتش برنج، جو،گندم و تنباکو می‌باشد. در کرهٔ جنوبی‌تربیت‌گاومیش وخوك‌معمول است.صنایع‌عمدهٔ‌این‌کشورنساجی‌وسیمان‌سازی‌می‌باشد.

کرهٔ‌شمالی Corée Nord

کرهٔ شمالی ازطرف شمال و شمال شرقی به‌منچوری، ازشرق به‌دریای‌چین، از جنوب‌به‌کرهٔ جنوبی‌وازمغرب‌به‌دریای زردمحدود است.

کرهٔ‌شمالی۱۲۱۲۴۸ کیلومترمربع وسعت و۱۲۰۰۰۰۰۰ نفرجمعیت‌دارد. پایتخت آن پیونگ‌یانگ و شهرهای‌عمده‌اش‌هونگ نام وهام‌هونگ‌می‌باشد.

کرهٔ شمالی ازنظر منابع معدنی نسبت به جنوب غنی تر ومعادن زغال‌سنگ، آهن و مس و طلا درآن وجود دارد و فعالیت های صنعتی‌آن در رشتهٔ نساجی، کشتی سازی و فلزکاری می‌باشد.

محصولات کشاورزی این کشور برنج، گندم و سیب‌زمینی است و تربیت گاو و خوك رایج است .

کلمبیا .

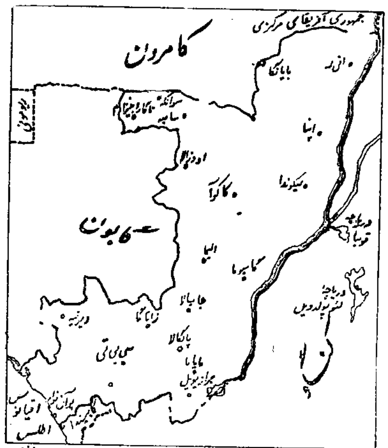
کولومبیا را به‌بینید .

گامبی Gambie

از کشور های غرب آفریقا است که ۹۳۰۱ کیلومتر مربع وسعت و تقریباً ۳۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن **باتورست** می‌باشد بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر ازمردم گامبی مسلمانند .

این کشور سابقاً مستعمرهٔ بریتانیای کبیر بود که ازسال ۱۹۵۹ مستقل‌شد .

کنگو (جمهوری‌کنگو) Congo



نقشهٔ سیاسی جمهوری کنگوی وسطی

کشوری‌است‌درافریقا،شامل‌سرزمین‌های قدیمی کنگوی وسطی جنوب شرقی کنگو و اوباکی که از طرف شمال به جمهوری‌آفریقای مرکزی وکامرون ،از جنوب به‌کابیندا ، و ازمغرب به‌گابون و آتلانتیك محدود است .

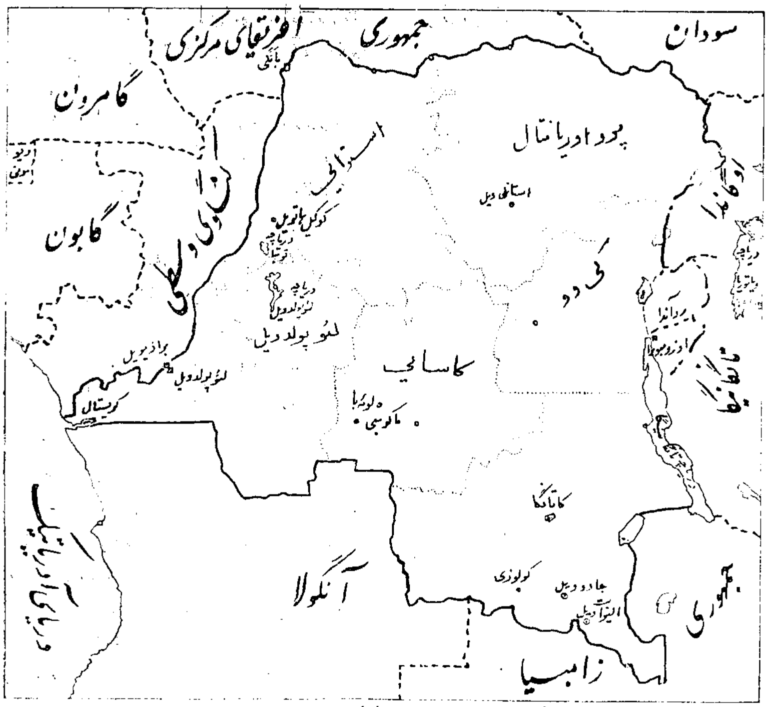
جمهوری‌کنگو ۳۴۲۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۷۹۵۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت آن برازاویل و شهر عمده‌اش پوآل‌نوار می‌باشد .

اهالی این‌کشور به‌زبان بانتو‌تکلم می‌کنند واکثراً بت‌پرستند و جمعی نیز پیرو مذهب‌کاتولیك می باشند .

کنگو (جمهوری فدرال‌کنگو) Congo

جمهوری فدرال کنگو که سابقاً کنگوی بلژیك خوانده می‌شد،منطقه‌ای ازافریقای استوایی است و بزرگترین بخش سرزمین کنگواست .

جمهوری فدرال‌کنگو ۲۳۴۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۱۳۲۹۱۰۰۰ نفر جمعیت دارد .



نقشهٔ سیاسی جمهوری فدرال کنگو

پایتخت‌آن لئوپولدویل و شهرهای عمده‌اش الیزابت‌ویل وجاکویل‌ه

محصول عمدهٔ این کشور موز و قهوه ، نارگیل و الوار می باشد . اهالی پیرو دین مسیح و اسلام و برخی‌بت‌پرستند .

کنیا kenya

کشوری‌است‌درآفریقای غربی که‌از طرف شمال به‌حبشه وسومالی ، ازمشرق به‌اقیانوس هند ، ازجنوب‌به تانگانیکا، و از مغرب به‌اوگاندا محدود است .

کنیا ۵۸۳۰۰۰ کیلو متر مربع وسعت و ۷۱۳۱۰۰۰ نفرجمعیت دارد. پایتخت‌آن نایروبی و شهرهای عمده‌اش مومباسا و مالیندی می‌باشد .

مهمترین محصولات کشاورزی‌این سرزمین چای و پنبه است وازمحصولات



نقشهٔ سیاسی کشور کنیا

کانی‌آن‌نمك و میکا بهره برداری می‌شود. ساکنین این کشور هندی و عرب افریقایی هستند . و به‌زبانهای بانتو و انگلیسی تکلم می‌کنند .

کوبا Cuba



نقشهٔ سیاسی کشور کوبا

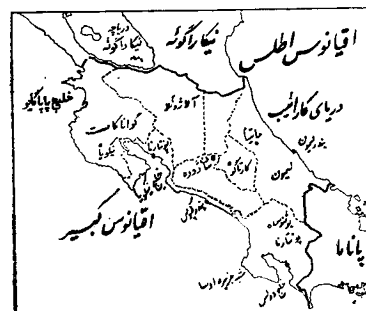
جزیره‌ای‌است‌دراقیانوس اطلس‌که بزرگترین جزیرهٔ آنتیل در آمریکای مرکزی است .

کوبا ازمشرق به مغرب دردریای کارائیب‌کشیده شده است و ۱۱۴۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۶۹۳۳۰۰۰ نفرجمعیت دارد .

پایتخت‌آن‌هاوانا وشهرهای‌عمده‌اش ماریانائو ومانزانیلومی‌باشد. محصولات عمدهٔ‌کشاورزی کوبا نیشکر ، توتون ، قهوه، آناناس،موز، مرکبات‌ونارگیل‌می‌باشدوازمنابع‌آهن، منگنز، مس، نیکل، نمك وکرم بهره‌برداری می‌شود .

ساکنین کـوبا را اسپانیایـی‌ها ، آمریکایی‌ها ، بومی ها و سیاه پوست ها تشکیل می دهند که به زبان اسپانیولی تکلم می‌کنند و به زبان انگلیسی نیـز آشنائی دارند . اکثـریت پیرو مذهب کاتولیك‌هستند .

کوستاریکا Costarica



نقشه سیاسی کشور کوستاریکا

کشوری‌است درآمریکای‌مرکزی‌که از طرف شمال غربی به نیکاراگوئه ، از مشرق به‌دریای‌کارائیب ، ازجنوب شرقی به پاناما ، و ازمغرب به اقیانوس کبیر محدود است .

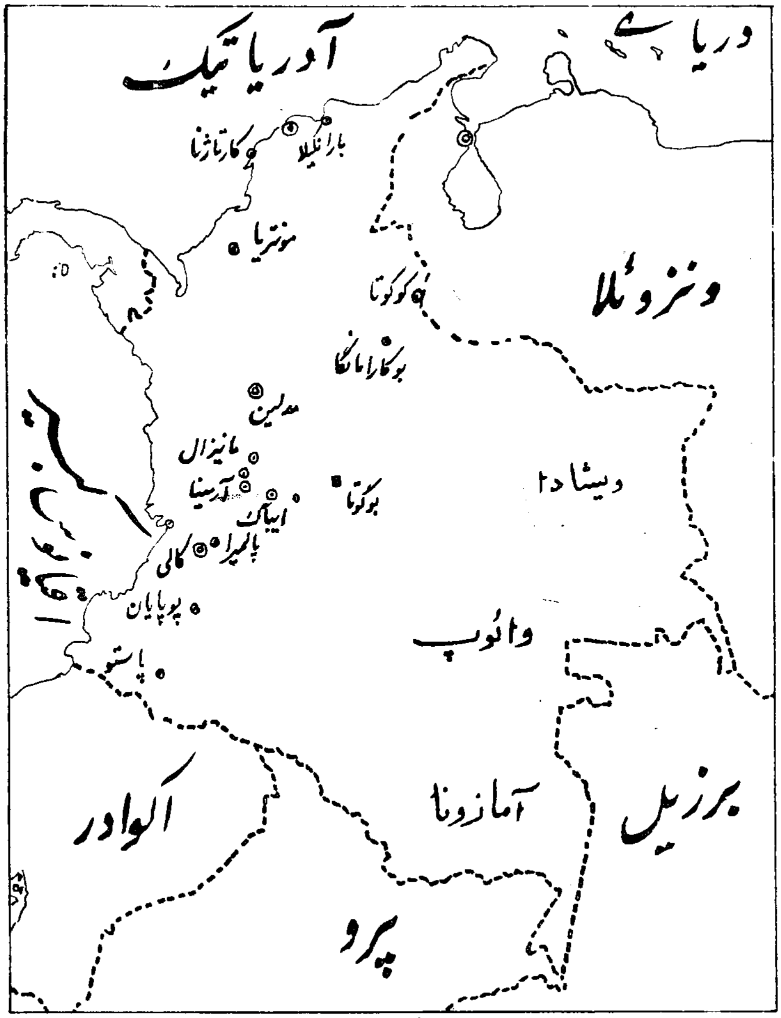
کوستاریکا ۵۱۰۱۱ کیلومتر مربع وسعت و ۱۲۲۴۰۰۰ نفرجمعیت‌دارد .

پایتخت‌آن سان ژوزه و شهـرهای عمده‌اش سیمون و پونتاراناس‌می‌باشد . محصولات‌عمدهٔ کشاورزی‌کوستاریکاقهوه، موز، کاکائو ، نیشکر ، برنج، توتون، سیب‌زمینی، آناناس وچوبهای‌جنگلی‌می‌باشد.

دراین کشور ، طلا، نقره، کوارتز ، گرانیت ، نفت ، جیوه ، گوگرد و مس بهره‌برداری می‌شود .

اهالی این‌کشور به زبان اسپانیولی تکلم‌می‌کنند واکثراًپیرومذهب کاتولیك می‌باشند .

کولومبیا. Colombie



نقشهٔ سیاسی کشور کولومبیا

کشوری‌است درشمال‌غربی‌آمریکای جنوبی که‌ازطرف شمال به‌دریای‌کارائیب، ازشمال شرقی و مشرق به‌ونزوئـلا ، از جنوب به‌برزیل ، ازجنوب غربی به‌پرو، ازمغرب به‌اکوادور واقیانوس‌کبیر ، و ازشمال غربی به‌پاناما محدود است .

کولومبیا ۱۱۳۸۳۵۵ کیلو متـر مربع وسعت و ۱۳۸۲۴۰۰۰ نفرجمعیت دارد.

پایتخت آن بوگـوتا و شهرهای عمده‌اش‌پرنس، مدلین ، کالی‌وبارانکیلا می‌باشد .

محصولات‌عمدهٔ‌کشاورزی کولومبیا قهوه ، برنج ، توتون ، نیشکر ، پنبه ، کاکائو ، گندم و موز می‌باشد .

دراین‌کشورازمنابع‌زمرد، طلا، نقره، مس ،سرب ،جیوه ، منگنز، پلاتین،زغال سنگ ،آهن و نفت بهره‌برداری‌می‌شود.

اهالی‌کولومبیا به زبان اسپانیایی تکلم می‌کنند و اکثراً پیرو مذهب کاتولیك هستند .

کویت .

قسمتی ازشبه جزیرهٔ‌عربستان بـه وسعت ۳۹۰۰۰ کیلـومتر مربع دارای ۴۶۹۰۰۰ نفـر جمعیت کـه قریب ۱۵۰۰۰۰ نفرآن دربندرکویت ساکن هستند و ازشیخ نشینهای سواحل خلیج فارس محسوب می‌شود .

نفت عظیم‌ترین سرمایهٔ این کشور را تشکیل می‌دهد، در سال ۱۹۵۱ شیخ عبدالله **سالم‌الصباح** از طرف انگلستان به‌امیری این‌ناحیه انتخاب شدو کوشش

فراوانی برای استقلال کشور به‌عمل آورد تادرسال ۱۹۶۱ به آرزوی خود رسید، این کشور پس‌از ۶۲سال ازتسلط انگلیس خارج‌شد ودرسال ۱۹۶۳ به‌عضویت سازمان ملل درآمد .

گابون Gabon



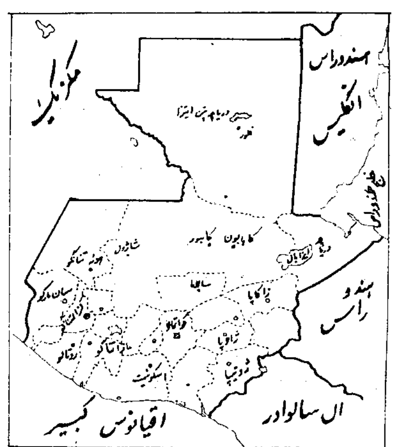
نقشهٔ سیاسی کشور گابون

کشوری‌است درمغرب آفریقا که از طرف شمال به گینهٔ اسپانیا وکامرون واز مشرق و جنوب به‌جمهوری کنگو ، واز مغرب به آتلانتیك محدود است .

گابون ۲۶۷۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و۴۱۶۰۰۰ نفر جمعیت دارد : پایتخت آن لیبرویل و شهرهای عمده‌اش مویبلا،لاستورویل،ماماکو و بندرژانتیل می‌باشد. صادرات گابون چوبهای جنگلی ، منگنز و نفت خام، همچنین معادن الماس، آهن، طلاو محصول کاکائوی قابل توجهی دارد.

اهالی گابون ازاقوام افریقایی می‌باشند و به زبان بانتو تکلم می‌کنند ، برخی ازایشان بت‌پرست و بعضی پیرو آیین‌مسیح هستند .

گواتمالا Guatemala



نقشهٔ سیاسی کشور گواتمالا

کشوری‌است درجنوب آمریکای‌مرکزی که از طرف شمال به مکزیك ، ازشمال شرقی به‌یوکاتان ، ازمشرق به هندوراس انگلیس ، ازجنوب به هندوراس وال ـ سالوادور ، واز مغرب به اقیانوس کبیر محدود است .

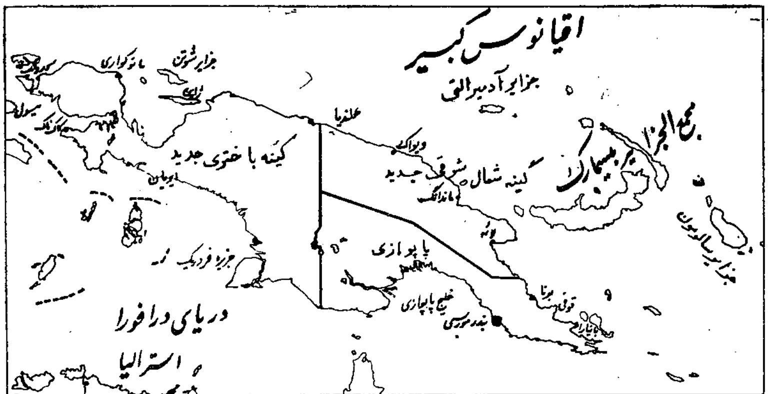
گواتمالا ۱۰۸۸۸۹ کیلومتر مربع وسعت و۳۷۵۹۰۰۰ نفر جمعیت‌دارد .

پایتخت آن گواتمالا و شهر های عمده‌اش سالاما واکوس می‌باشد .

محصولات عمدهٔ کشاورزی گواتمالا قهوه ، موز ، برنج ، پنبه ، گندم‌و ذرت می‌باشد . همچنین منابع طلا، نقره،مس، آهن ، سرب ، روی، کروم وجوددارد .

اهالی گواتمالا به‌زبان اسپانیولی تکلم می کنند و پیرو مذهب کاتولیك‌هستند .

گینهٔ نو شمال شرقی



نقشهٔ سیاسی گینهٔ نو

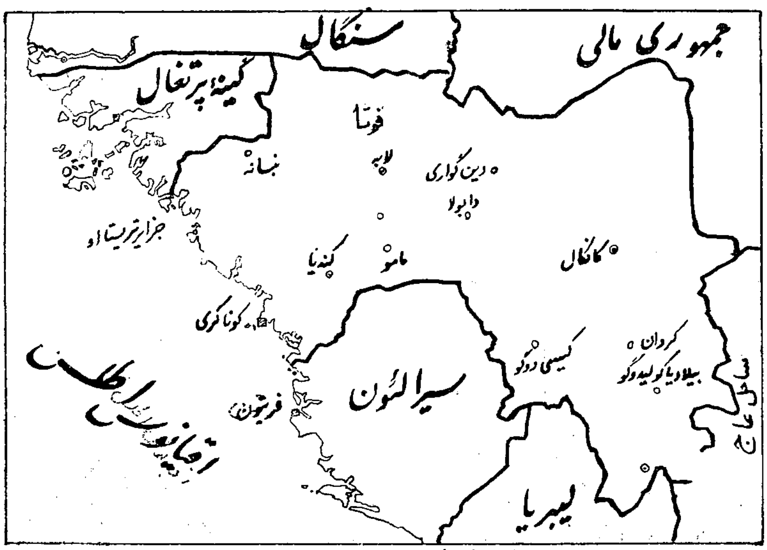
گینهٔ نو شمال شرقی میان پاپوا و گینهٔ نوشمال غربی و درشمال استرالیا قرار دارد .

این سرزمین بامجمع‌الجزایر بیسمارك، جزایر آدمیرالتی ، جزایر سلیمان‌شرقی و تعدادی جزایر دیگر از طرف جامعهٔ ملل تحت قیمومت استرالیا (۱۹۲۰) قرار گرفت .

درسال ۱۹۴۹ پاپواجزایرانتره‌ـ کاستو ، لوییزیاد و عده‌ای جزایردیگر بدان پیوست و سرزمینی بسه مساحت ۹۵۹۶۰۰ کیلومتر مربع‌با ۲۱۰۱۰۰۰ نفر جمعیت را به‌وجودآورد .

پایتخت گینهٔ نو شمال شرقی بندر مورسبی و محصولات عمده اش نارگیل، کائوچو، کاکائو، طلا، طلای‌سفید و نقره‌است.

گینه Guinée



نقشهٔ سیاسی کشور گینه

کشوری‌است در مغرب آفریقا که از طرف شمال به‌سنگال ، از شمال‌شرقی به فدراسیون مالی ، ازمشرق‌به سواحل‌عاج، ازجنوب به‌لیبریا ، از جنوب‌غـربی به سیرالئون ، ازمغرب به اقیانوس اطلس، و از شمال‌غربی به‌گینهٔ پرتغال محدود است .

گینه ۲۴۶۰۰۰ کیلومترمربع‌وسعت و ۲۵۲۹۰۰۰ نفرجمعیت‌دارد. پایتخت آن کونا کری و شهرهای عمده‌اش فرتای‌تاون‌می‌باشد .

آلومینیوم ، موز،قهوه وسنگ‌آهن صادرات‌گینه را تشکیل می دهد ،اهالی این کشور متدین‌به‌دین اسلام‌هستند و به زبان بومی تکلم می‌کنند .

گویان Guyane

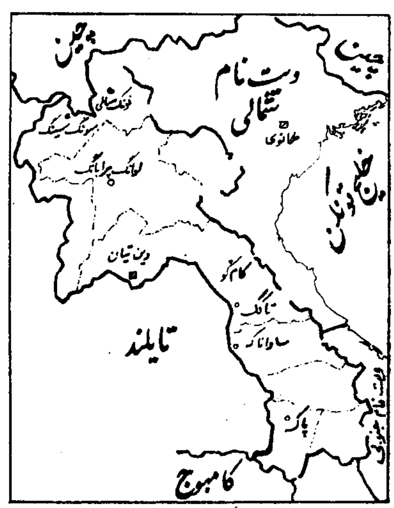
ناحیه‌ای درحاشیهٔ‌اقیانوس اطلس و شمال اتازونی‌که بین دول فـرانسه ، انگلیس، هلند، وبرزیل وونزوئلا تقسیم شده‌است .

گویان هلند (سورینام) با ۱۴۳ هزار کیلومتر مربع‌مساحت و ۳۱۰هزار نفر جمعیت ، پایتخت: **پاراماریبو** .

گویان‌فرانسه ، با ۹۱ هزار کیلو‌متر مربع مساحت و ۵۰ هزارنفرجمعیت پایتخت‌آن ، **گاین** .

گویان انگلیس : با ۲۱۵ هـزار کیلومتر مربع مساحت و ۵۸۲ هـزار نفر جمعیت کـه پایتخت‌آن **ژرژتون** است .

لائوس Laos



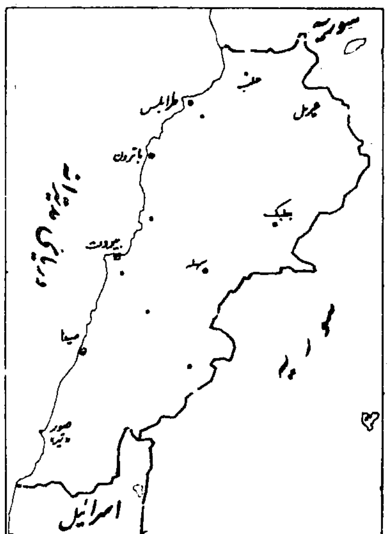
نقشهٔ سیاسی کشور لائوس

کشوری‌است درآسیای‌جنوب‌شرقی که‌ازطرف‌شمال به‌پنیسول هندوچین ، از مشرق به‌چین ، ازجنوب به‌ویتنام ، واز مغرب‌به‌کامبوج، تایلند و بیرمانی‌محدود است .

لائوس ۲۳۶۸۰۰ کیلو متر مربع وسعت و ۱۸۵۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن وین‌تین و شهرهای عمده‌اش موئونگ سینگ وموئونگ‌لان‌می‌باشد.

محصولات عمدهٔ لائوس ،برنج،ذرت، توتون ، مرکبات ، چای وقهـوه است . اهالی این‌کشور بـه زبانهای فرانسه ، تایلندی وآنامی‌تکلم می‌کنند و اکثراً پیرو دین بودامی‌باشند .

لبنان Liban



نقشهٔ سیاسی لبنان

کشوری‌است کوچک‌درکنارهٔ شرقی دریـای مدیترانه که از طرف شمال و مشرق به سوریه ، ازجنوب به‌اسراییل ، و از مغرب به دریای مدیترانه محدود است .

لبنان ۱۰۴۰۰ کیلـومتر مربع وسعت و ۱۶۸۰۰۰۰ نفرجمعیت دارد. پایتخت‌آن‌بیروت وشهرعمده‌اش‌تریپولی می‌باشد .

لبنان ازیک‌منطقهٔ‌کوهستانی‌پرشیب ویک جاگهٔ باریک ساحلی تشکیل شده که ارتفاع بعضی از قلل آن متجاوز از ۳۰۰۰ متر است .

آب‌وهوای لبنان کاملاً مدیترانه‌ای و به مناسبت وزش بادهای دریایی و وجود کوهها ، بارندگی آن فراوان است .

درلبنان رود مهمی وجود ندارد و به علت نزدیکی کوه به دریا نهر های متعدد کوتاهی‌درآن‌جاری‌می‌باشد. باآن‌ـ که وسعت لبنان بسیارکم وقسمت عمدهٔ آن را نیز کوهستان فرا گـرفته است معذلك اهالی برای تـوسعهٔ کشاورزی فعالیتهای قابل توجهی دارند .

مهمترین محصولات آن عبارتند از مرکبات ، موز، سیب ، انگـور ،هلو ، انجیر ، غلات و دامپروری آن نیز به علت توسعهٔ مراتع‌طبیعی خالی‌از اهمیت نیست . تربیت‌کرم ابریشم و صید ماهی نسبتاً مهم و محصول پیلهٔ ابریشم آن قریب شش هزارتن است .

درلبنان معادن لینییت ، آهن و سنگ مرمر وجود داردکه ازآن بهره‌ـ برداری می‌شود.صنایع‌لبنان توتون‌بری و سیگار پیچی و تهیهٔ روغن زیتون ، کنسرو ، شراب و پارچه های ابریشمی است .

ساکنین لبنان رااقوام عرب،ارمنی وترك‌تشکیل می‌دهند که‌اکثراً‌مسیحی و مسلمانند و به‌زبان‌عربی‌تکلم‌می‌نمایند. لبنان دارای پالایشگاه‌نفت‌است ولوله‌ـ های نفت عراق وعربستان سعودی نفت خام را برای تصفیه به این پالایشگاه می‌فرستند .

فرودگاه بیروت از نظربین‌المللی حایز اهمیت است .

لوکزامبورگ Luxembourg

دوك نشینی است در قلب اروپاکه ازطرف شمال به‌بلژیك ، از شمال‌شرقی ومشرق به‌آلمان، و ازجنوب و مغرب‌به فرانسه‌محدود است .

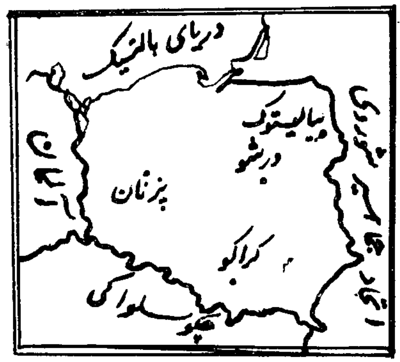
لوکزامبورگ ۲۵۷۷ کیلومتـر مربع وسعت و (طبق بر آورد ۱۹۵۷ سازمان ملل) ۳۱۴۰۰۰ نفرجمعیت‌دارد وپایتختش‌شهر لوکزامبورگ‌می‌باشد .به طورکلی‌لوکزامبورگ کشوری‌است‌فلاحتی و محصولات عمدهٔ آن جو ، جودوسر ، گندم، چاودار، سیب زمینی می‌باشد .

لوکزامبورگ دارای معادن آهن وفولاد فراوانی است . اهالی این کشور پیرو مذهب‌کاتولیك می‌باشند .

لوکزامبورگ عضو بازار مشترك است و درسازمان ملل‌هم عضویت دارد.

لهستان Poland

کشوری‌است اروپایی که از طرف



شمال به‌دریای بالتیک ، ازشمال شرقی و مشرق به اتحاد جماهیر شوروی ، از جنوب به‌چکوسلواکی ، و ازمغرب به آلمان محدود است .

لهستان ۳۱۰۵۱۵ کیلومتر مربع وسعت و ۳۱۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد .

پایتخت‌آن‌ورشو و شهرهای‌عمده‌اش پزنان ، لدز و کراکوی می باشند . شمال و مرکز لهستان دنبالهٔ جلگهٔ بزرگ اروپای شمالی است ودر جنوب آن کوه‌های‌کارپات قرار دارد .

آب و هوای لهستان خشك و بری است ، و ازرودهای‌مهم‌آن ویستول‌وادر رامی توان نام برد .

کشاورزی لهستان بر اثر تعدیل مالکیت و به کار بردن روشهای علمی پیشرفت‌زیادی کرده وبیش از دو ثلث زمین‌های‌قابل‌کشت آن‌موردبهره‌برداری قرارگرفته است .

چاودار و سیب زمینی پایه‌های‌مهم غذایی مردم لهستان به شمار می‌آیند . زراعت‌گندم در ناحیهٔ اسلانسك محصول فراوان به دست می‌دهدو کشت چغندر قند وکتان در دشت های‌مرکزی‌وشمالی معمول است .

دامپروری‌لهستان درمنطقهٔ کارپات اهمیت زیاد دارد و مخصوصاً پرورش اسب و خوك ازرشته‌های پرسوددامداری این‌کشور است .

جنگل نیز ثروت طبیعی بزرگی برای‌لهستان محسوب‌می‌شود و یك‌چهارم خاك‌کشور ازآن پوشیده شده است .

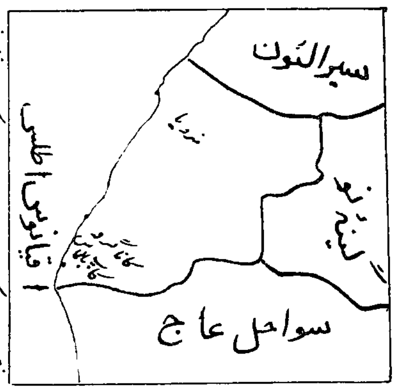
لهستان ازنظر منابع‌زیرزمینی‌غنی است ، دردامنهٔ‌کوههای کارپات‌ودر ناحیهٔ اسلانسك زغال سنگ ومخصوصاً‌نمك به مقدارکافی استخراج می گردد .

صنایع فلزی لهستان توسعهٔ‌فراوان یافته و انواع کارخانه‌های فلزی‌ونساجی احداث گردیده است . اهالی این‌کشور پیرو دین مسیح و اکثراً تابع مذهب کاتولیك هستند .

گدانسك (دانتزیك)

بندر دانتزیك در ساحل دریای بالتیك قرار دارد. این‌شهر در ۳۰ مارس ۱۹۴۵ توسط نیرو های شوروی اشغال و طبق اعلامیهٔ پوتسدام به‌دولت‌لهستان واگذار گردید . (اوت ۱۹۴۵)

لیبریا Liberia



نقشه سیاسی کشور لیبریا

کشوری‌است درجنوب غربی‌افریقا که ازطرف شمال‌به‌گینه ، از شمال‌شرقی ومشرق به‌سواحل عاج، ازجنوب ومغرب به اقیانوس اطلس ، و ازشمال‌غربی به سیرالئون محدود است .

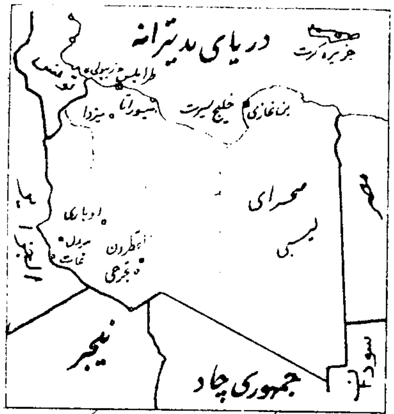
لیبریا ۱۱۵۹۴۰ کیلومتر مربع وسعت و ۳۱۵۰۰۰۰ نفرجمعیت دارد . پایتخت آن منرویا وشهرهای عمده‌اش مارشال وهارپر می باشد .

لیبریا پوشیده‌ازجنگلهای گرمسیری است و از لحاظ چوب غنی می‌باشد . محصولات عمدهٔ کشاورزی این سرزمین قهوه، کاکائو، نیشکر ، برنج وکائوچوی خام است . وازمنابع طلا وآهن والماس که‌به تازگی پیدا شده بهره برداری می‌شود .

اهالی لیبریا اکثراًپیرو دین‌مسیح هستند وبه زبان‌انگلیسی تکلم‌می‌کنند.

لیبی Libye

کشوری‌است درشمال افریقاکه از طرف شمال شرقی ومشرق به‌مصر ، از جنوب شرقی و جنوب به‌سودان و چاد و نیجر ، ازجنوب غربی و مغرب به الجزایر ، و ازشمال غربی به تونس



نقشه سیاسی کشور لیبی

محدود است .

لیبی ۱۷۵۲۷۴۳ کیلومتر مربع وسعت و ۱۵۰۰۰۰۰ نفر جمعیت‌دارد، پایتخت‌آن‌تریپولی وشهرعمده‌اش‌بنغازی می‌باشد .

آب وهوای‌لیبی بسیار گرم‌وخشك است و بهمین‌جهت‌کشاورزی‌آن رونقی ندارد .درمجاورت دریای مدیترانه‌کمی غله به‌عمل می‌آید وجز معدن‌گوگرد و نفت معدن مهمی ندارد .

زندگی مردم این‌کشور بیشتر از طریق دامپروری تأمین می شود .ازنظر اقتصادی به‌طورکلی‌لیبی از عقب‌مانده‌ترین ممالك دنیاست .

این کشور از آمریکا وانگلستان کمك اقتصادی دریافت می‌کند. اکثریت قاطع ساکنین لیبی رااعراب چادرنشین که متدین به دین اسلامند، تشکیل می‌دهند و بقیه ایتالیایی و یهودی وسایر مذاهب‌هستند.

لیختن اشتاین

شاهزاده نشین لیختن اشتاین در اروپای مرکزی بین کشورهای سویس‌و اتریش قرار دارد .

لیختن اشتاین ۱۵۹۹۶ کیلومتر مربع وسعت و(طبق برآورد ۱۹۵۵) ۱۴۷۵۷ نفر جمعیت دارد .

این کشور صنایع قابل ملاحظه‌ای ندارد و مردم به‌کشاورزی و دامپروری اشتغال دارند . اهالی لیختن اشتاین پیرو مذهب کاتولیك هستند و به زبان آلمانی تکلم می‌کنند .

ماداگاسکار Madagascar

جزیرهٔ بزرگی است به وسعت ۵۹۲۰۰۰ کیلومتر مربع در اقیانوس

هند دارای ۶ملیون نفر جمعیت،معادن این کشور عبارت است از :
زغال سنگ، نیکل، آهن، بوکسیت، اورانیوم، و طلا و محصولات عمده‌اش عبارت است از :
برنج ، ذرت ، سیب زمینی ، قهوه، کاکائو و نیشکر .
پایتخت آن **تاناناریو** و شهر های مهمش عبارت‌است ازتولئار ، تاماتار و موروندااوا است .

مالاوی

نیاسالندرا به‌بینید .

مالایا Malaya

مالزی را به‌بینید .

مالت Malte

جزیره‌ای در دریای مدیترانه به‌وسعت ۳۱۶ کیلومترمربع وبادرحدود ۴۰۰۰۰۰ نفـر جمعیت. پایتخت‌آن والتا و شهرهای مهمش ویکتوریا ، رباط و مارفااست .
مردم مالت ازنـژاد سفید و اغلب مسلمان و مسیحی هستند.این کشور از سال۱۹۶۴ مستقل شد و اکنون جزء کشورهــای مشترك المنافـع انگلیس است .

مالزی Malaisie



نقشهٔ سیاسی کشور مالایا — مخصوص کتاب دانش بشر

کشوری با حکومت سلطنتـی در جنوب شرقی‌آسیا ، بین‌اندونزی وچین و فیلیپین . شامل ۱۳ ایالت به وسعت ۱۳۲۰۰۰ کیلومتر مربع و ۸ ملیون نفر جمعیت ، پایتخت‌آن کـوالالامپور و شهرهای مهم‌آن، تای‌پنیك،کوتا بهارو سنگاپور ، وساندا‌کان است .
محصولات مهم‌مالزی ، برنج، فلفل، نیشکر ، پنبه،کائوچو ، نارگیل،چای و قهوه و معادن مهم‌آن، قلع، مس،سرب، زغال‌سنگ ، نفت ، آهن وطلا است .
نژاد مردم ماله ای (زرد) ، زبان آنها مالایایی و دین آنها کنفوسیوسی، اسلام ، بوداییی و مسیحی است .

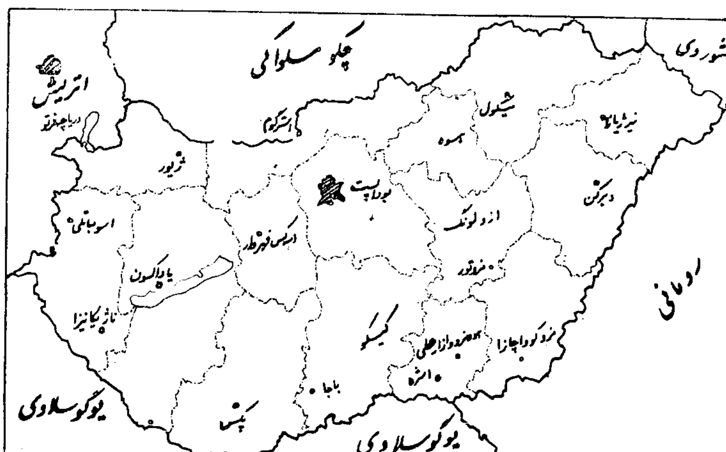
مالگاش

ماداگاسکار را به بینید .

مالی Mali

ازکشورهای غرب افـریقاکه در قسمت جنوبی جمهوری اسلامی‌موریتانی قـرار دارد . وسعت آن ۱۲۰۰۰۰۰ کیلومترمربع‌و جمعیت‌آن ۴۵۰۰۰۰۰ نفراست. پایتخت مالی‌باماکو وشهرهای مهمش : سگو ، کایس و تومبوکتو می‌باشد.این‌کشور از ۱۹۶۰ مستقل شده وعضو سازمان ملل گردید .

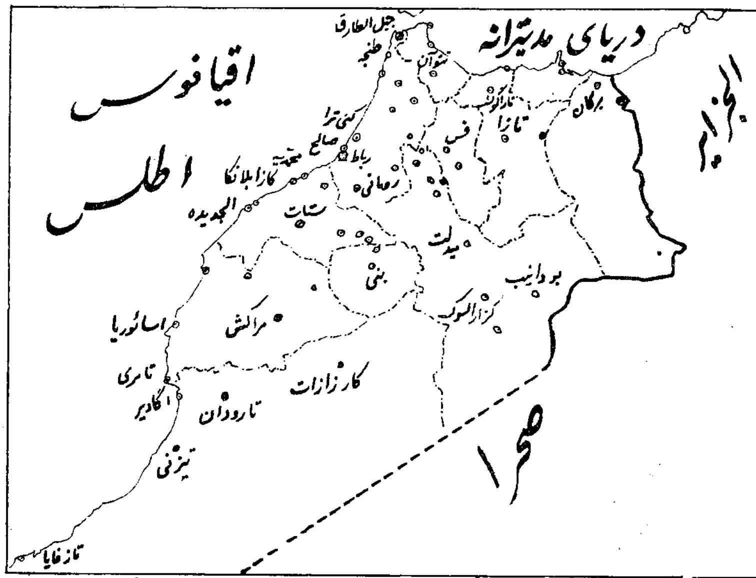
مجارستان Hongrie



نقشهٔ سیاسی کشور مجارستان

کشوری‌است‌دراروپای‌مرکزی که‌از طرف شمال به چکوسلواکی ، از شمال شرقی به جمهوری اوکراین ، ازمشرق و جنوب شرقی به رومانی ، ازجنوب به یوگوسلاوی ، ازمغرب و شمال غربی به اتریش محدود است .
مجارستان ۹۳۰۳۰ کیلومتر مربع وسعت و ۱۰۰۴۵۰۰۰ نفـر جمعیت دارد. پایتخت‌آن بـوداپست و شهرهای عمده‌اش پك ، میس‌کولك ، دبرسن و زومباتلی می‌باشد .
آب وهوای مجارستان بری‌ومتغیر است و رود دانـوب و شعب‌آن **دراو** تیس‌زا دراین سرزمین جریان دارد . قسمت بزرگی ازمجارستان‌که امروز به صورت جلگه‌دیده‌می‌شود ،دردوران سوم زمین شناسی زیر دریا قرار داشت،پس ازخشك شدن این دریا رود دانوب در امتداد مسیر خود به‌طرف‌دریا باانباشتن آبروفت سر زمین حاصلخیزی‌به‌وجود آورده است .
مجارستان بسیار حاصلخیز است . درجلگه های هموارآن گندم ، جو، جو‌سیاه ، سیب‌زمینی ، چغندر قندو توتون کاشته می‌شود .
دامپروری نیز در این‌کشور رونق فراوان دارد و صدور دام‌های‌زنده‌یکی از منابع مهم درآمد ملی محسوب می‌شود .
مجارستان دارای منابع مختلف است . ازلحاظ تولید آلومینیوم در دنیا مقام چهارم و از جهت تهیهٔ منگنز مقام اول‌را دراروپا دارد . مقدارزغال‌سنگ و لینییت آن نیز قابل توجه می‌باشد. بااستفاده‌ازمنابع معدنی‌صنایع‌مجارستان توسعهٔ بسیار یافته است .
امروزه دراین کشور ابزار برقی، ماشین‌های کشاورزی ، مواد پلاستیکی وشیمیایی ساخته می‌شود .
مجارها ازنژاد گـرامان و اسلاو هستند و اکثراً‌کاتولیك و‌به‌زبان‌مجاری تکلم می‌نمایند .

مراکش Maroc



نقشهٔ سیاسی کشور مراکش

کشوری‌است‌درشمال‌غربی آفریقاکه ازطرف شمال به دریای مدیترانه ، از شمال شرقی‌ومشرق به‌الجزایر ، ازجنوب به‌صحرای‌اسپانیا ، ازمغرب وشمال‌غربی به‌اقیانوس اطلس محدود است .

مراکش ۴۴۴۰۲۸ کیلومتر مربع وسعت و قریب ۱۳۰۰۰۰۰۰ نفرجمعیت دارد . پایتخت‌آن رباط و شهـر های عمده‌اش فاس ،بندر کازابلانکا و بندرطنجه می‌باشد .

مراکش دارای‌زمین‌های حاصلخیز وآب و هوای معتدل مدیترانه‌ای‌است از این رو برای کشاورزی و دامپروری استعداد فراوان دارد .

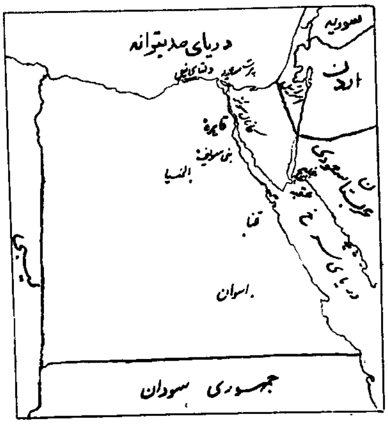
محصولات عمدهٔ آن زیتون ، پنبه، توتون، غله،چغندر، قند ، مـرکبات و فرآورده‌های حیوانی‌است . معادن‌آهن، طلا ، مس ونقره نیز در مراکش وجود دارد .

اکثریت مردم مراکش پیرو دین اسلام می باشند و به زبان عربی تکلم می‌کنند .

مصر Egypte

کشوری‌است‌درشمال‌شرقی افریقاکه ازطرف شمال به دریای مدیترانه ، از مشرق به‌اسراییل ، اردن ودریای‌احمر، ازجنوب به سودان ، واز مغرب به لیبی محدود است .

مصر قریب ۹۰۷۰۰۰ کیلومتـر مربع وسعت و(طبق برآورد ۱۹۶۳) در حدود ۲۸۰۰۰۰۰۰ نفـر جمعیت دارد .



پایتخت‌آن‌قاهره‌وشهرهای‌عمده‌اش اسکندریه، پورت‌سعید، طنجه ، دمیاط ، منصوره ، بندر اسماعیلیه وپورت فؤاد می‌باشد .

درسال ۱۹۴۹ ادارهٔ یك‌قطعـه از اراضی واقع درمغرب اسراییل‌که بندر غزه نیز درآن قرار دارد،طی‌یك قرار- داد متارکه به‌عنوان سرزمین‌پناهندگان عرب به‌مصر واگذارشد .

خاك‌مصرازفلات‌کم ارتفاعی‌تشکیل شده که شیب‌آن ازجنوب به‌شمال کم‌می- شود . در وسط این‌فلات رود نیل‌دربین دورشته کوه کم ارتفاع جریان دارد .

کـوههای شرقی راجبال عربی و رشتهٔ غربی‌راکوههای لیبی می گویند .

ارتفاعات مذکور چه در مشرق‌وچه درمغرب خشك و عاری از گیاه بوده و به‌بیابان ختم می‌شوند .

کوههای‌شرقی تاجنوب‌قاهره کشیده شده وازآنجا به‌طرف‌کانال سوئزامتداد می‌یابند ، ولی ارتفاع‌کوههای غربی از صحرای لیبی به تدریج کاسته می شودتا در ساحل مدیترانه بازمین های اطراف هم‌سطح می گردد .

درجنوب شبه جزیرهٔ سینا نیزرشته کوهی وجود داردکه‌آن‌را طور سینا می- نامند .

قسمت‌آباد و قابل استفادهٔ مصر ، درهٔ نیل است و اگرنیل در ایـن‌کشور جریان نداشت مصرنیز مـانند صحرای افریقا وعربستان‌خشك‌و‌بی‌آب‌وعلف‌بود. مصردارای‌آب‌وهوای‌گرم‌وخشك‌واختلاف درجهٔ حرارت شب‌وروز درآن زیاداست وبادخمسین‌که ازصحرای‌بزرگ افریقابه آن میوزد، برگرمی‌وسختی‌هوامی‌افزاید. میزان متوسط بـاران سالانهٔ آن بسیار کم ونزدیك قـاهره قریب سه سانتیمتر است‌وفقط‌دراطراف‌نیل‌وسواحل‌مدیترانه به علت تبخیرآب، هواکمی معتدل‌است. تنها رود بزرگ مصر نیل استـکه از نزدیکی دریاچه‌های افریقای شرقی در جنوب خط استوا سرچشمه گرفته وپس ازالحاق نیل آبی‌کـه ازکوههای حبشه سرچشمه‌می گیرد، کشورسودان‌را مشروب نموده وارد مصرمی‌شود وپس‌ازطی‌قریب ۶۰۰۰ کیلومتر به دریای مـدیترانه می‌ریزد.

رود نیل از اوایل بهارکـه ذوب برف‌کوههای حبشه آغاز می‌شود شروع به‌طغیان‌کرده وسطح‌آب‌آن بالا می‌آیدو پس از فرونشستن ، رسوب حاصلخیزی در اطراف بسترخود به‌جا می‌گذارد که برای‌کشاورزان‌بسیارنافع است . دلتای رود نیل از حـاصلخیزتریـن مناطق جهان‌است.

مردم‌مصراززمانهای قدیم‌دراطراف نیل به‌کار زراعت اشتغال داشته وامروز نیز قریب ۶۰ در صد اهـالی از طریق کشاورزی امرارمعاش می‌کنند.مهمترین محصول‌کشاورزی مصر پنبه استـکه از

لحاظ مرغوبیت جنس در دنیا بی نظیر و هر ساله مقداری بـه خـارج صادر می گردد .

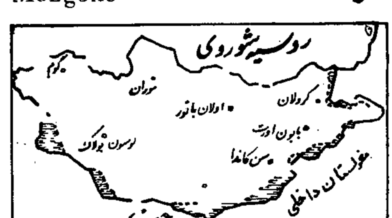
محصولات دیگر آن عبارتند از : گندم ، ذرت ، برنج، نیشکر، باقلا، خرما وانواع میوه‌جات وسبزیجات.

سدهایی که برای کنترل آب نیل بسته شده در نوع‌خودبی‌نظیر وازسدهای بزرگ جهان‌است.سدآسوان که ازنخستین آبشار نیل‌ساخته شده در حال حاضر ۱۷۶ پا ارتفاع دارد وآبی کـه پشت آن ذخیره می‌شودبه‌طول۵۹۳ کیلومتراست که‌قریب دوملیون جریب‌از اراضی کشاورزی را مشروب خواهد ساخت . مصر از لحاظ منابع معدنی غنی نیست و ازنظر مـواد سوختنی هـم کامـلاً در مضیقه است . مهمترین معادن‌آن‌که استخراج می‌شود. عبارتند از : منگنز، فسفات ، نـفت و علاوه براین معادن طلا ، آهن ، نیکل ، کربنات سدیم، تنگستن نیزموجود است لیکن چندان اهمیت نـدارد . مصر در سالهای اخیربه‌کمك مهندسان آلمانی و روسی‌کارخانهٔ ذوب‌آهن نزدیك قـاهره احداث نموده وبه‌ساختن‌انواع مصنوعات فلزی حتی اتومبیل ، هواپیما ، وسایل راه‌آهن و کشتی و ادوات الکتریـکی مبادرت کرده است . دیـن اکثر مردم مصر اسلام و عموماً پیرو مذهب تسنن هستند .

زبان رسمی عربی است که‌عموماً به این زبان تکلم می‌نمایند .

تـعلیمات ابتدایی اجباری‌است . دانشگاه اسلامی الازهر کـه از مراکز معروف فرهنگی اسلامی است در مصر می‌باشد .

مغولستان Mongolie



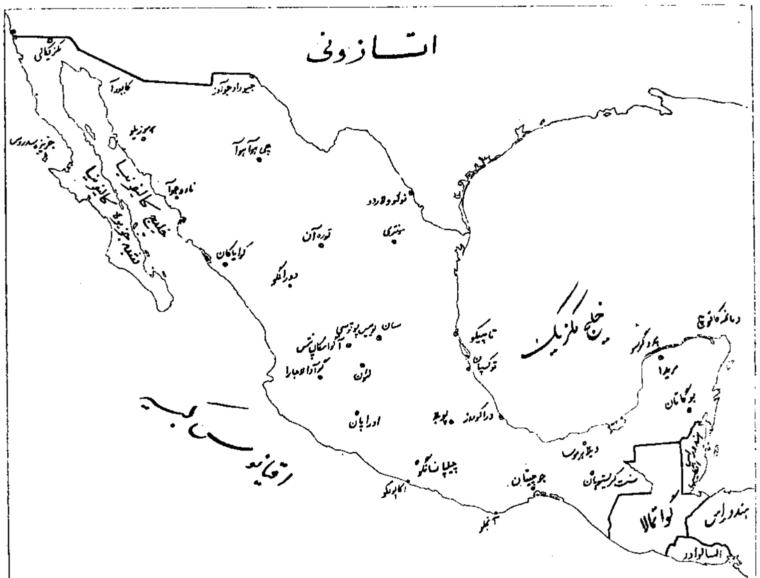
نقشه سیاسی کشور مغولستان

کشوری‌است‌در آسیای‌مرکزی‌که‌از طرف شمال بـه سیبری ، از مشرق به منچوری ، از جنوب به چین واز مغرب به سین‌گیانگ محدود است . مغولستان ۱۵۳۱۰۰۰ کیلو متر مربـع وسعت و ۹۵۴۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت آن‌اولان باتوروشهرهای عمده‌اش اولان گرم‌وبیزو می‌باشد.دامداری شغل‌اساسی مردم مغولستان‌راتشکیل‌می‌دهد.پرورش گوسفند ،گاو و شتر رواج کامل دارد . صنایـع عمدهٔ ایـن کشور پشم شویی ، کارخانجات مصالح ساختمانی،کارخانجات تولید کفش وچرم‌سازی می‌باشد . در آ مغولستان از منابع طلا ، زغال سنگ و سنگ مرمربهره‌برداری می‌شودودرسال ۱۹۵۰ منابع‌نفت‌نیزدر آن کشف‌شده‌است. اهالـی مغولستان پیرو دین مالایایی و بودایی هستندوبه‌زبان‌های مغولی وروسی تکلم می‌کنند.

مغولستان داخلی .

چین‌کمونیست را به بینید .

مکزیك Mexique



نقشه سیاسی کشور مکزیک

کشوری‌است در جنوب آمریکای مرکزی‌که ازطرف شمال‌به ایالات‌متحدهٔ آمریکا ، از مشرق به خلیج مکزیك ، ازجنوب به‌یوکاتان وگواتمالا، ازجنوب غربی ومغرب به اقیانوس کبیر محدود است . مکزیـك ۱۸۶۱۷۶۲ کیلومتر مربع وسعت وقریب ۳۶۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت آن مکزیکو و شهرعمده‌اش گوادالاجارامی باشد .

مکزیك کشوری است کوهستانی ، کوههای مغرب‌کشورهای متحدآمریکا بـه‌صورت دورشته‌درمکزیك امتداد می‌یابد و در میان آنها فـلات بالنسبه بلندی وجود دارد. نواحی‌پست‌آن‌درکناره‌های اقیانوس آرام و خلیج مکزیـك دیده می‌شود. به‌استثنای‌قسمتهای‌شمالی‌مکزیك که مجاور بیابان تگزاس است ، نقاط دیگراین‌کشور استعداد کشاورزی دارد وبه‌علت تنوع‌آب وهوا نباتات‌گوناگون درآن‌کاشته می‌شود.گندم وجو درنواحی معتدل‌ومحصولات گرمسیری‌مانندکاکائـو ونیشکر وپنبه درنـواحی‌گرم جنوبی و کناره‌های خلیج مکزیك به‌دست می‌آید و محصول برخی ازآنهاازمیزان داخلی بیشتراست .گله‌داری‌وپرورش‌دام‌خصوصاً تربیت اسب در ایـن‌کشور رواج بسیار دارد. درمکزیك منابع زیرزمینی‌زیادی هست‌که برخی ازآنها مانند نفت ، روی ونقره اهمیت بسیار دارند . درسالهای اخیرصنایع تصفیهٔ نفت ، شکروبافندگی پارچه وهمچنین‌صنایع‌فلزی دراین‌کشور توسعه یافته است . در مکزیك آزادی مذهب وجود دارد ولی مذهب اکثریت مردم‌کاتولیك است وبه زبان اسپانیولی تکلم می کنند .

منچوری

چین‌کمونیست را به بینید .

موریتانی Mauritanie

ازکشورهای اسلامی افریقا واقع‌در شمال سنگال‌که۸۳۵۰۰۰ کیلومترمربع وسعت و ۷۵۰۰۰۰ نفرجمعیت دارد.

پایتخت آن: **چت** وشهرهای مهمش:

نما، کاندی وروسو است .

این کشور از سال ۱۹۶۰ مستقل شد .

موناکو Monaco

شاهزاده نشین موناکو مانند تیغهٔ باریکی در ساحل مدیترانه و پانزده کیلومتری مشرق شهر نیس (فرانسه)



نقشهٔ سیاسی پرنس نشین موناکو مخصوص کتاب دانش بشر

قرار دارد . موناکو ۱۵ کیلو مترمربع وسعت و طبق بر آورد (۱۹۵۶) ۲۰۴۳۲ نفرجمعیت دارد . مهمترین شهرهای این شاهزاده نشین لاکوندامین، مونت کارلو و موناکو می باشد . موناکو ناحیه‌ای است کوهستانی با آب و هوای خوش . موناکو در واقع یکی از تفریحگاههای معروف جهان است ودرآمد آن از مالیاتهای غیر مستقیم ، انحصار توتون و کازینوی مونت کارلو تأمین می‌شود. در این شاهزاده نشین مالیات بردرآمد وجود ندارد . ساکنین موناکو فرانسوی هستند وبه‌زبان فرانسه تکلم می کنند .

نپال Nepal

کشوری است در آسیا که ازطرف شمال به سلسله جبال هیمالیا و از مشرق ، جنوب ومغرب به هندوستان محدود است. نپال ۱۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۹۱۸۰۰۰۰ نفرجمعیت دارد پایتخت آن **کاتماندو** می باشد. نپال از لحاظ وجود جنگل وذخایر کوارتز خیلی غنی می باشد. این کشور هرساله مقداری گندم ، برنج،



نقشهٔ سیاسی کشور نپال

پوست، الیاف گیاهی و دامهای زنده به خارج صادر کرده در عوض منسوجات ، قند، نمک وغیره خریداری می نماید ساکنین این سرزمین را نژادهای منول و هندو تشکیل می‌دهند که پیرو مذاهب بودایی وهندو هستند و به زبان نپالی تکلم می کنند .

نروژ Norvege

کشوری است درشمال اروپا ومغرب شبه‌جزیرهٔ اسکاندیناوی، نروژ ۳۲۲۶۶۵ کیلومترمربع وسعت و ۳۵۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن اسلو وشهرهای عمده‌اش برگن، تروندهیم واستاوانگر می باشد. نروژ کشوری است کوهستانی و قریب ۵ درصد ازاراضی آن یعنی زمینهای اطراف رودها ودریاچه‌ها و سواحل دریا قابل کشاورزی است . وبه‌علت کمی وسعت اراضی زیر کشت محصول زراعتی آن کم وقسمت عمدهٔ احتیاجات غذایی خود را خریداری می کنند. مهمترین محصولات کشاورزی آن گندم ، جو ، جو سیاه و سیب زمینی است . قریب ۳۰ درصد از اراضی نروژ درجنوب وجنوب شرقی پوشیده از جنگلهای سرو وکاج است که ازچوب آنها برای ساختن کشتی و تهیهٔ کاغذ و خمیرچوب و مصارف ساختمانی استفاده می‌شود ومقداری از آن راهرساله به‌خارج صادر می نمایند.

چون دامنهٔ کوههای نروژ پوشیده‌از مراتع وآب وهوای کشور نیز معتدل است، گله‌داری این کشور نسبتاً با رونق و محصولات حیوانی علاوه‌برمصرف داخلی به خارج نیز فرستاده‌می‌شود. صید ماهی نیز به‌علت اعتدال آب وهوا و وجود خلیجها و جزایر بیشمار در نروژ بسیار رایج و سواحل آن ازلحاظ داشتن ماهی بال در دنیا بی‌نظیر است. منابع معدنی نروژ به جز نفت وزغال‌سنگ ، فراوان و فقط مقدار کمی زغال در جزیرهٔ اسپیتز برگ دراقیانوس منجمد شمالی که متعلق به‌این کشور است استخراج می‌شود، در نروژ نیز مانندسوئد از نیروی آب و آبشارها استفادهٔ سرشار جهت تولید برق‌می‌شود. در برابر کمی زغال معادن آهن در نروژ فراوان ومیزان استخراج آن ازمصرف داخلی بیشتر است. سایر معادن این کشور عبارتند از: آلومینیوم، روی ،مس، مولیبدن، تنگستن، آنتیموان، قلع وپیریت است . مهمترین رشتهٔ صنایع نروژ کشتی‌سازی ، فلزکاری، ساخت اسلحه ، تهیهٔ خمیر چوب وتولید کاغذ وکنسرو ماهی می‌باشد. اهالی این کشور پیرو مذهب پروتستان‌هستند وبه زبان نروژی تکلم می کنند .

اسپیتز برگن(سوالبارد) .

جزایر کوهستانی اسپیتزبرگن در اقیانوس‌منجمدشمالی‌قرار دارد. مساحت ۶۱۸۰۹ کیلو مترمربع جمعیت برحسب فصول فرق می کندواز ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر می‌باشد شغل‌اصلی مردم‌این جزایر شکار نهنگ دریایی و ماهی می‌باشد . معادن زغال سنگ در آنجا فراوان است .

متصرفات دیگر نروژ .

جزیرهٔ ژان ماین : بین گروئنلند ونروژشمالی قراردارد.مساحت‌آن ۳۷۹ کیلومتر مربع است .

جزیرهٔ بووت : این جزیرهٔ غیر مسکونی درجنوب اقیانوس اطلس قرار دارد ومساحت آن ۵۶ کیلو متر مربع است .

جزیرهٔ پطر اول : جزیرهٔ غیر مسکونی واقع در قطب‌جنوب . مساحت آن ۲۵۰ کیلومتر مربع است .

متصرفهٔ نروژ در قطب جنوب :

سرزمین‌گویین واقع در قطب جنوب در ۱۴ ژانویهٔ ۱۹۳۹ به‌ملکیت نروژ درآمد.

نیاسالند . Nyassaland

ازکشورهای جنوبی افریقا است به مساحت ۱۲۲۷۷۲ کیلومتر مربع و ۳ ملیون نفر جمعیت .

پایتخت آن زامبا ومحصولات‌مهمش چای ، توتون وگندم است .

این کشور از سال ۱۹۶۴ مستقل گردید .

نیجر Niger

کشوری‌است در افریقا که از طرف

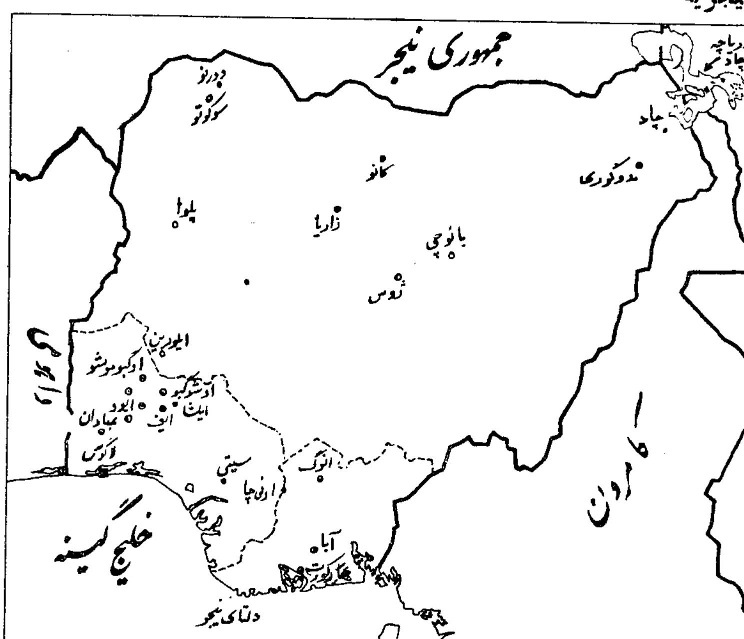


نقشه سیاسی کشور نیجر

شمال به الجزایر ولیبی، از مشرق به چاد، از جنوب به نیجریه، داهومی وهوت ولتا، و از مغرب به مالی محدوداست . نیجر ۱۱۸۰۰۰۰ کیلومتـر مـربع وسعت و ۲۸۵۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن نیامی وشهر عمده‌اش زیندرمی‌باشد. رود نیجر اراضی جنوب این کشور را مشروب می‌کند . نیجرهر ساله مقداری بادام‌کوهی (۶۰٪) و الیاف (۲۵٪) به‌خارج صادر می‌کند . اهالی این کشور مخلوطی از نژاد بربر وزنگی هستند و به‌زبان سودانی تکلم می‌نمایند واکثراً مسلمانند .

نیجردر میانۀافریقا مرکز برخورد تمدن‌های گونـاگون مصری ، سودانی ، حبشی وبربری بوده‌است،جمعی صنعتگر و فلزکاریهودی تا قرن پانزدهم دراین سرزمین به‌سرمی‌برده‌اند،مردم‌یك‌زندگی شبانی و کشاورزی مشترك توأم باتاخت و تاز ، راهزنی و باجستانی داشته‌اند .

نیجریه Nigeria



نقشۀ سیاسی کشور نیجریه

کشوری‌است درافریقای‌غربی که از طرف شمال به‌نیجر، ازمشرق به‌کامرون، از جنوب به‌خلیج گینه ؛ و ازمغرب به‌داهومی محدوداست . نیجریه ۹۵۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۳۲۲۹۷۰۰۰ نفر جمعیت دارد .

پایتخت آن‌لاگوس‌وشهرهای‌عمده‌اش عبادان ، اوگبوموشو ،کانو ، اوشوگبو و ایفه می‌باشد . محصول عمدۀ نیجـریه کاکائو و نیشکر است ومنابع زغال‌سنگ و قلع بهره‌برداری می‌شود . نیجریه در رشتۀ صنایع نساجی وتهیۀ شراب فعالیت دارد . ساکنین این کشور مـخلوطی از نژاد سیاه و سفید است و به زبان‌های انگلیسی ، بانتو وعربی تکلم می‌نمایند و گروهی پیرو دین مسیح و دستـه‌ای مسلمانند .

نیکاراگوئه Nicaragua

کشوری‌است در جنوب آمریکای مرکزی‌که از طرف شمال به هندوراس ، از مشرق به دریای‌کارائیب ، از جنوب به‌کوستاریکا ، و از مغرب به اقیانوس کبیر محدوداست. نیکاراگوئه ۱۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۱۵۰۱۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت آن ماناگوئه وشهرهای‌عمده‌اش‌لئون وداکورامی‌باشد. جنگلهای پرارزش و معادن‌طلامهمترین منبع درآمد نیکاراگوئه می‌باشد . مردم این‌کشور به‌کشاورزی ودامپروری‌اشتغال دارند . محصولات عـمدۀ‌کشاورزی آن موز ، پنبه ، قهوه ، نیشکر، کاکائو، برنج، توتون، گندم، ذرت وانواع میوه‌می‌باشد. اکثر ساکنین نیکاراگوئه پیرو مذهب کاتولیك هستند و به زبان اسپانیولی‌که زبان رسمی است تکلم می‌کنند .

واتیکان Vatican

کشوری‌کوچك در قلب ایتالیا که نیم‌کیلومتر مربع مساحت ونه‌هزار نفر جمعیت دارد ، حکـومت آن استبداد مذهبی‌است‌و پاپها بر آن‌حکومت‌می‌کنند. مرکز مذهب؛ کاتولیك وزبان رسمی‌آن لاتین است .

ولتای علیا Valta

ازکشورهای افـریقایی به مساحت ۳۰۵۰۰۰ کیلومترمربع و ۴۴۰۰۰۰۰ نفر جمعیت . پایتخت آن . اوگادوگو (دارای‌۵۹۱۲۶نفر جمعیت) می‌باشد ، مردم آن‌اغلب مسلمان ومسیحی وسیاه‌پوستند .

ونزوئلا Vênézuêla



کشوری‌است‌درشمال‌آمریکای‌جنوبی که ازطرف شمال به دریای‌کارائیب؛ از

مشرق به‌گویان انگلیس ؛ از جنوب به برزیل وازجنوب غربی ومغرب به‌کلمبیا محدود است. ونزوئلا ۸۹۸۵۴۷ کیلومترمربع وسعت و(طبق برآورد ۱۹۵۷ سازمان ملل) ۶۱۳۴۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت آن کاراکاس و شهرهای عمده‌اش ماراکایبو ، والنسیا و سان‌کریستوبال‌می‌باشد. ونزوئلاجنوبی‌ترین مملکت آمریکای جنوبی است و علاوه بر سرزمین اصلی دارای ۷۲ جزیره می‌باشد. رود**ارینوکو**چهارپنجم کشوررا مشروب‌می‌سازد.

ونزوئلا یکی ازکشورهای بزرگ تولیدکنندهٔ نفت است این کشور علاوه برنفت دارای معادن آهن، طلا ، مس ، زغال ، نمك، قلع، پنبهٔ نسوز، الماس و میکامی‌باشد .

قهوه یکی از مهمترین محصولات کشاورزی و بعداز نفت بزرگترین رقم صادرات ونزوئلا را تشکیل می‌دهد . محصولات دیگر آن عبارتند از : قند ، کاکائو و کائوچو ؛ صنایع جدید مانند فولاد سازی ، مواد شیمیایی نفتی وتهیهٔ شیشه و کاغذ در این کشور رایج‌است .

زبان اهالی ونزوئلا اسپانیولی و اکثراً پیرو مذهب کاتولیك هستندکه از کلیسای رم متابعت می‌کنند .

ویتنام Viet Nam

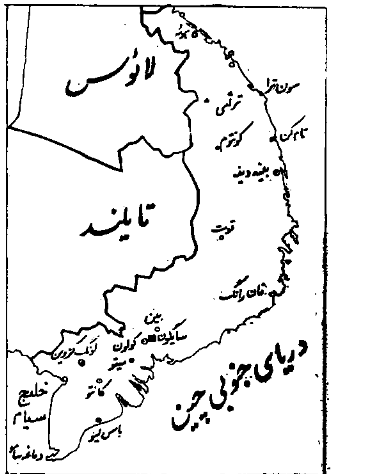
کشوری‌است‌درجنوب شرقی‌آسیاکه از طرف شمال به چین، ازمشرق وجنوب به دریای جنوبی چین ، ازجنوب غربی به‌کامبوج ، و ازمغرب به لائوس محدود است .

ویتنام (هر دو قسمت بـا هـم) ۳۲۷۶۶۰کیلومترمربع وسعت و (طبق برآورد ۱۹۵۶) ۲۵۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد . رودخانه‌های سون‌کوای و مکونگ شمال وجنوب‌آن را مشروب می‌سازد .

آب‌وهوای ویتنام درزمستان سرد و درتابستان‌گرم ومرطوب و همراه بـا بارانهای سیل‌آساست .

محصول عمدهٔ آن برنج ،کائوچو ، چای وزغال سنگ است . مردم ویتنام مخلوطی از نژادمالەای ، مغولی وچینی هستند.زبان مخصوص دارندوخطشان را از چین گرفته‌اند ، اکثراً پیرو مذهب بودایی و بعضی نیزمسیحی هستند . در حال حاضرویتنام بین‌دوحکومت متخاصم تقسیم شده است . یکی جمهوری ویتنام که در قسمت جنوب حـکومت دارد و دیگری رژیـم کمونیستی ویتنام که ناحیهٔ شمالی را اشغال نموده است.

ویتنام جنوبی



نقشهٔ سیاسی کشورویتنام جنوبی

در جنوب مدار ۱۷ درجه ومشرق کامبوج وساحل دریای چین قرار دارد . ویتنام جنوبی ۱۷۰۴۷۵ کیلومتر مربع وسعت و۱۶۱۲۵۰۰۰ نفـر جمعیت دارد . پـایتخت آن سایـگون و شهرهای‌عمده‌اش کانتو، دالات وکینهون می‌باشد .

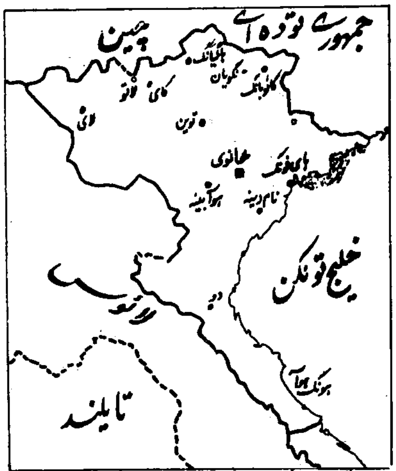
در ویتنام جنوبی‌کشت برنج، قهوه، چای وهمچنین‌تربیت گاو ، گاومیش و خوك رایج است وکائوچوی‌آن نیزقابل اهمیت است .

این‌کشوردررشتهٔ‌صنایع کشتی‌سازی، صابون سازی و صنایع شیمیایی فعالیت دارد .

ویتنام شمالی.

جمهوری دموکراتیك‌ویتنام شمالی درجنوب چین وشمال مدار ۱۷ درجه و ساحل خلیج تونکن واقع شده است ، ویتنام‌شمالی ۱۵۸۴۵۰کیلومتروسعت و ۱۸۵۰۰۰۰۰ نفرجمعیت دارد. پایتخت آن هانوی وشهرهای عمده‌اش هایفونگ ودونك هوآ میباشد .

درویتنام‌شمالی کشت‌برنج، نیشکر،



نقشهٔ سیاسی کشورویتنام شمالی

ذرت ، پنبه و چای همچنین تربیت‌گاو ، گاومیش و خوك رایج است . و دررشتهٔ صنایع نساجی، سیمان سازی ، صابون‌سازی‌وصنایع‌شیمیایی، کشتی‌سازی‌فعالیت دارد .

هایی‌تی Haïte

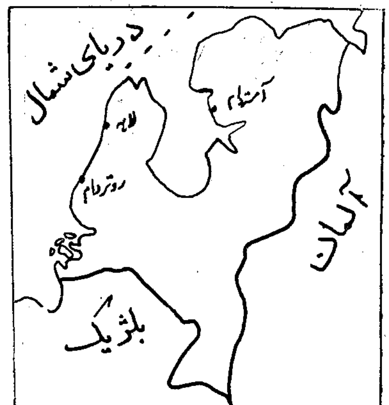
از جزایر آنتیل است‌که از طرف شمال بـه اقیانوس اطلس، از مشرق به دومینیکن، ازجنوب و مغرب به دریای کارائیب محدود است. هایی‌تی ۲۷۷۵۰ کیلومترمربع وسعت و ۳۵۰۵۰۰۰نفر جمعیت دارد . پایتخت آن پورتوپرنس وشهرعمده‌اش جاکمل می‌باشد.

هایتی تنها جمهوری آمریکاست‌که اهالی‌آن به‌زبان فرانسه‌تکلم می‌کنند . اکثر ساکنین این کشور را سیاهپوستان تشکیل می‌دهند.محصولات عمدهٔهایی‌تی قهوه، پنبه ، موز،کاکائو ، توتون وبرنج است و از منابـع مس ، طلا ، نقره ، گوگرد ، قـلـع ، زغال سنگ ، آهن ، نیکل ، آنتیموان و گچ بهره برداری می‌کنند . ساکنین هایی‌تی پیرو مذهب کاتولیك‌می‌باشند .

هلند Pays-Bas

کشوری‌است در شمال غربی اروپا که از طرف شمال و مغرب بـه دریای شمال ؛ از مشرق به‌آلمان ؛ وازجنوب به بلژیك محدود است. هلند ۳۳۵۵۰ کیلومترمربع‌وسعت‌و۱۲۰۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت دارد .

پایتخت آن آمستردام و شهرهای عمده‌اش لاهه ، رودتردام ، اوترخت ،



نقشهٔ کشور هلند بخصوص کتاب دانش بشر

هارلم وایندهوون می‌باشد. خاك هلند قسمتی از جلگهٔ شمال غربی اروپاست وسراسرآن به جزناحیهٔ لیمبورگ (که درجنوب شرقی قرارگرفته ومرتفعاتی در حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰متردارد) جلگه‌های کم ارتفاعی است که در هیچ قسمت آن ارتفاع زمین به صد متر نمی‌رسد وحتی اراضی غرب کشور که در مجاورت دریای شمال قرار گرفته از سطح دریا پست‌تر است وآب دریا هنگام بالاآمدن اراضی مزبوررامی‌پوشاند و به‌همین مناسبت‌مردم هلند ازروزگاران پیش سدهای محکمی دربرابر دریا ایجاد نموده و مقداری اراضی حاصلخیز نیز از زمینهای ساحل دریا بروسعت‌کشور خود افزوده‌اند. در قسمت شمال و مغرب هلند بریدگیهای متعددی مانند خلیج زویی درزی، دلارت، جزایرزیلند و فریزیان وجود داردکه براثرطغیان دریا وشکستن‌سدها در طول قرون پیش ایجاد شده است. آب و هوای هلند تحت تأثیر بادهای غربی اروپا و مجاورت دریای شمال مرطوب ومه‌آلود ومیزان متوسط باران آن در سال ۸۰ سانتیمتر است ولی زمستانهای آن به علت آنکه در معرض بادهای سرد شرقی و شمال اروپا قرار دارد نسبتاً سرد وپربرف است.

رودهای هلند عبارتند از: راین، مز و اسکوکه سرچشمهٔ اولی در خاك سویس وسرچشمهٔ دورود دیگر در خاك فرانسه است.

جلگه‌های حاصلخیزرودهای راین، مز، اسکوکه‌درنتیجهٔانباشته‌شدن‌آبرفت این رودها به وجودآمده‌برای‌کشاورزی بسیار مساعد است وچون باران‌کافی در آن می‌بارد ورودها نیزآب لازم جهت مصرف‌کشاورزی در دسترس کشاورزان می‌گذارند واراضی کشاورزی هم متعلق به خرده مالك است وکشت وزرع با آخرین‌اصول علمی انجام می‌شود.

محصول‌آن نسبت به وسعت‌مملکت زیاد است.

مهمترین محصولات کشاورزی آن چاودار، جوسیاه و کشت گندم و جو کمتر متداول است، کشت سیب زمینی و چغندرقند درسالهای‌اخیرتوسعه یافته زراعت کتان، توتون ورازك نیزرواج دارد.

در هلند سبزی و میوه زیادکشت می‌شود و محصول آن علاوه بر مصرف داخلی مقدار زیادی هرسال به خارج صادر میشود. تربیت انواع و اقسام‌گل مخصوصاً گل‌لاله‌وسنبل بارنگهای‌مختلف واقسام پیازگل‌درنواحی‌ساحلی‌مخصوصاً درشهر هارلم بسیار رایج واستفاده از فروش‌گل یکی از ارقام مهم صادرات کشور محسوب‌می‌شود.

درهلند به واسطهٔ وجود رطوبت کافی قسمت عمدهٔ اراضی پوشیده از چمنزار ومراتع طبیعی است وهمین امر باعث‌رونق‌دامپروری وتهیهٔفرآورده‌های شیری مخصوصاًپنیرشده است. صیدماهی درسواحل ورودهای داخلی رواج بسیار دارد.

هلند ازنظر معادن خصوصاً معادن فلزات بسیار فقیراست وفقط مقدارکمی زغال سنگ و لینییت دارد. و معادن آهن وسایر فلزات آن محصول قابلی ندارد ولی بااین‌همه مردم هلندباپشتکار فراوان کارخانه‌های متعددی مخصوصاً در نواحی ساحلی که ورود مواد اولیه ازخارج‌ارزانترتمام‌می‌شود،دایرکرده‌اند و انواع و اقسام مصنوعات فلزی و الکتریکی همچنین اتومبیل وکشتی و لوکوموتیو و دوچرخه می‌سازند. علاوه براین صنایع غذایی، شیمیایی، دارو- سازی وساخت‌کاغذ وانواع واقسام چینی و بلور و شیشه در این کشور رایج است.

قریب ۴۴ در صد از مردم هلند پروتستان مذهب و ۳۱ در صد آنها کاتولیك و بقیه پیرو مذاهب دیگرند و زبان‌مردم‌آن‌هلندی‌که‌اززبان‌آلمانی‌مشتق گردیده‌است.

جمهوری متحدهند Inde

کشوری‌است‌درجنوب‌آسیاکه‌ازطرف شمال به کوههای هیمالیا، از مشرق به بیرمانی و خلیج بنگال، از جنوب به اقیانوس هند وازمغرب به‌پاکستان غربی واقیانوس‌هند محدوداست. جمهوری‌متحد هند ۳۲۵۴۰۹۰کیلومترمربع وسعت و ۴۵۰۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن دهلی‌نو و شهرهای عمده‌اش بمبئی، کلکته، مدرس، حیدر آباد، بنگلور وکاونپور می‌باشد. هندوستان را ازلحاظ‌پستی و بلندی به‌سه‌منطقه‌می‌توان تقسیم کرد:

۱ـ درشمال‌هندکوههای‌عظیم‌هیمالیا با رشته‌های موازی از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده و سرزمینی به وسعت ۲/۵ ملیون کیلومتر مربع را پوشانیده‌که قسمت شمال‌آن‌کشور تبت و قسمت جنوب آن در خاك هندوستان است.

کوههای‌هیمالیا ازارتفاعات‌دوران سوم‌زمین شناسی و دارای قلل متعدد و مرتفع‌که معروفترین آن قلهٔ اورست با ۸۸۸۲ متر ارتفاع‌بلندترین‌قلل‌کوههای عالم است.

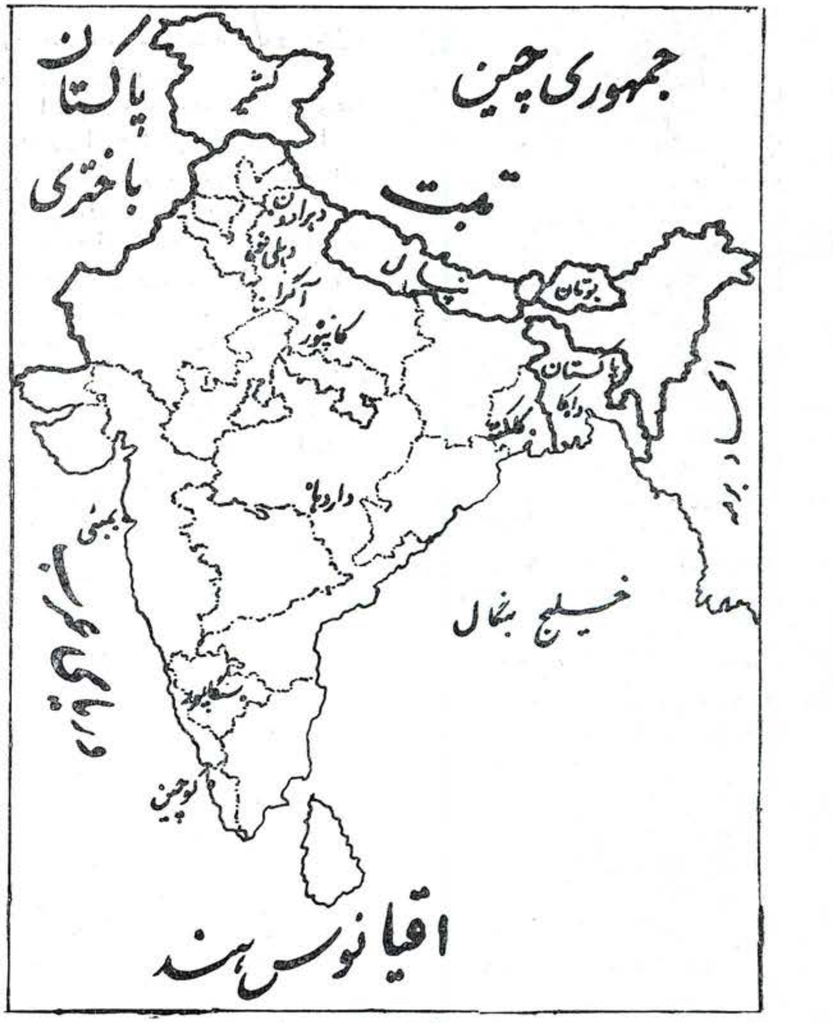
کوههای هیمالیا ازیکطرف به‌فلات پامیر و ازطرف دیگربه‌کوههای‌بیرمانی اتصال دارد.

قلل‌کوههای هیمالیا سراسرپوشیده ازبرف و دارای یخچالهای طبیعی‌عظیم و متعدد می‌باشد.

۲ ـ دردامنهٔکوههای‌هیمالیاجلگهٔ وسیع و حاصلخیز گنگ ازآبروفت رود گنگ وشعبات متعددآن به وجودآمده که‌جنس‌آن درنواحی شرقی‌ومرکزی از آبروفتهای حاصلخیزودرمغرب‌ریگزار است.

۳ ـ درجنوب هند،شبه‌جزیرهٔدکن واقع شده که اراضی‌آن ازبقایای قارهٔ بزرگ دوران اول‌زمین شناسی است‌که درسراسرجنوب‌آسیا ازاسترالیاتاافریقا ادامه داشته و بعدهااقیانوس هندبه‌جای آن ایجاد شده است.

درساحل غربی و شرقی فلات دکن دورشته کوه قدیمی و کم ارتفاع به نام غاتهای شرقی و غربی به موازات‌ساحل ازشمال به‌جنوب کشیده شده‌که‌جلگه‌های



نقشهٔ سیاسی کشور هندوستان

باریکی در دامنهٔ کوهها رو به اقیانوس هند گسترده شده است .

در سطح فلات دکن تپه ماهورهای متعدد وجوددارد ودرشمال کوههای کم‌ارتفاع آراوالی آن رااز جلگهٔ گنگ جدا می‌کنند .

قسمت بزرگی ازهنددارای آب‌وهوای موسمی‌است . باران مناطق‌شمالی‌وشرقی آن براثروزش بادهای موسمی تابستانی اقیانوس هند بسیار زیاد وناحیهٔ چراپونچی‌دردامنهٔ هیمالیا باارتفاع متوسط باران سالانه ۱۲ متر، پر باران ترین نقاط عالم است .

برخی از نواحی مرکزی هند داخل شبه جزیرهٔ دکن وخشك صحرای تهر خشك‌ترین صحرای هند است. رودهای مهم‌هندعبارتند از :

رود گنگ که‌از کوههای هیمالیا در خاك‌تبت سرچشمه گرفته ودارای شعبه‌های متعدد است و حوضهٔ بسیار وسیعی دارد. رود گنگ از لحاظ اهمیتی که در کشاورزی‌مناطق شمال هند دارد ازقدیم مورد احترام و تقدیس برهمایی‌مذهبان هند بوده است .

در فلات دکن نیز چند رود کوتاه جریان دارد که مهمترین آنها گداوری وکیستنا می‌باشد .

هند به‌علت داشتن زمین های‌وسیع حاصلخیز و آب وهوای مساعد یکی از بزرگترین کشور های کشاورزی جهان است و قریب ۷۵ در صد ازمـردم به کارهای کشاورزی اشتغال دارند .

هنددارای قریب ۸۸ملیون هکتار اراضی زیر کشت است ولی چون جمعیت کشورزیاد وزراعت ماشینی و علمی نیز درآن توسعه نیافته ، بعضی سالها دچار کمبود مواد غذایی مـی‌شود ازاین رو دولت هند ضمن برنامه های پنج سالهٔ اقتصادی که ازسال ۱۹۵۱ به‌اجرای‌آن مشغول گردیده به توسعهٔ آبیاری وایجاد زمین‌های‌کشاورزی تازه و تقسیم‌اراضی بین کشاورزان و اجـرای کشاورزی ماشینی و علمی تـوجه مخصوص مبذول داشته است .

مهمترین محصولات‌غذایی هندبرنج است که‌کشت‌آن در سراسر جلگهٔ گنگ و دراطراف خلیج بنگال و نیز جلگه‌های باریك ساحلی فلات دکن‌رواج‌دارد و بعدازکشور چین اولین مملکت تهیه کنندهٔ برنج عالم است .

بعدازبرنج‌کشت‌گندم بیش ازسایر غلات متداول است و نواحی کشت آن سرزمین های پنجاب شرقـی و ایالات مرکزی و شمال‌غربی و همچنین نواحی داخل‌فلات دکن می‌باشد .

کشت‌جو،ذرت، وارزن نیز دراین کشور معمول می باشد ولی محصول آن زیاد نیست . نباتات صنعتی مهـم هند عبارتند از پنبه ،کنف ، چای،نیشکر ، ادویه وکائوچو .

دامنهٔ جنوبی کوههای هیمالیا در شمال وقسمت مهمی ازنواحی ساحلی‌هند پوشیده ازجنگلهای انبوه‌ازنوع درختان منطقهٔ‌گرم است و دارای انواع چوبهای سخت و قیمتی وهمچنین خیزران می‌باشد .

چوب جنگل بـه مصرف کارهای ساختمانی ساخت‌کشتی ،کاغذسازی وهم‌چنین تهیهٔ سلولزمی‌رسد. دامپروری در هند به علت‌گرمی هوا و مناسب نبودن مصرف گوشت و معتقدات مذهبی زیاد رایج نیست وگاو وگاومیش بیشترجهت استفاده در امـورکشاورزی و باربری تربیت می شود و چون‌گوشت حیوانات مزبورکمتر مصرف می‌شود تعداددام‌های آن بالنسبه زیاد است ، به طوری‌که از لحاظ تعدادگاو سرآمد کشورهای‌جهان است .

صیدماهی در سواحل اقیانوس هند ونیز در رودهای داخلی دارای اهمیت زیاد است ومصرف‌گوشت ماهی‌ازگوشت حیوانات دیگر بمراتب بیشترمی‌باشد.

هند از لحاظ منابع معدنی بسیار غنی می باشد و دولت هند ضمن‌اجرای برنامه‌های اقتصادی به توسعهٔ استخراج معادن و ایجاد سد جهت تهیهٔ برق توجه مخصوص مبذول می‌دارد .

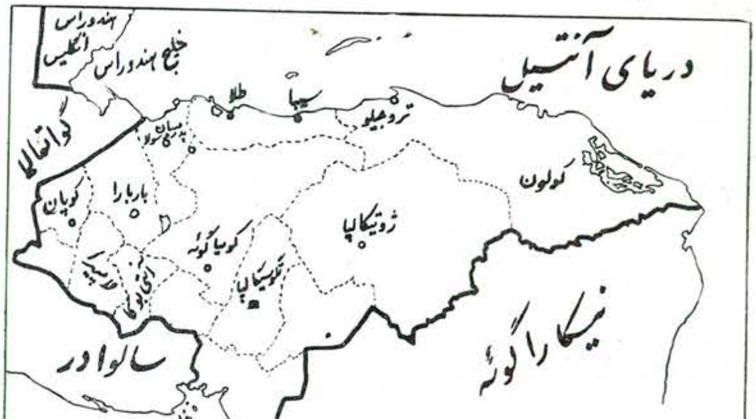
معادن مهم این کشور عبارتنداز : زغال سنگ ، نفت ، مس، آهن، منگنز، طلا، نقره، تنگستن و اورانیوم.

هند بعد از ژاپون مهمترین‌ممالك صنعتی‌آسیا محسوب می شود و مهمترین رشتهٔ صنایع آن نساجی (بافندگی‌پنبه و کنف) ، فلز کاری (ساخت انواع و اقسام ماشین‌های کشاورزی و بافندگی ولوکوموتیو) تهیهٔ نیشکر، گونی بافی ، روغنهای‌نباتی، کاغذسازی، سیمان‌سازی، ↑ چرم سازی ، کبریت سازی و صنایع شیمیایی می‌باشد .

اکثریت مردم هند پیرو دین‌برهما و متجاوز از ۴۰ ملیون نفر مسلمان و قریب ۸ملیون‌نفرمسیحی و ۹ملیون‌نفر سیك وعده‌ای زرتشتی می‌باشند .

مردم این‌کشور پهناور به‌۱۴زبان عمده حرف می زنندکه ۱۲ تای آنهای ریشهٔ سنسکریت دارند. تقریباً ۵۰درصد مردم به‌زبان هندی حرف می‌زنند و ۱۰ در صد به زبان اردو تکلم می کنند (به طورکلی اردوزبان مسلمانان هند است) اما زبان رسمی هندی است و انگلیسی‌هم به‌عنوان‌زبان دوم درمدارس تدریس می‌شود .

هند و راس Hondouras



«نقشهٔ سیاسی کشور هندوراس» «مخصوص کتاب دانش بشر»

کشوری‌است درجنوب آمریکای مرکزی‌که از طرف شمال و مشرق به دریای‌کارائیب ، ازجنوب به‌نیکاراگوئه، از مغرب به ال سالوادور ، و ازشمال غربی به‌گواتمالا محدوداست .

هندوراس ۱۱۱۵۲۵کیلومترمربع وسعت و۱۹۵۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت آن تکوسی‌گالپا و شهر های عمده‌اش لاسیبا ، پروگرسو و پوترتو-کورتس می باشد .

در اراضی این‌کشور موز، نارگیل، قهوه ، توتون ، بعمل می‌آید و منابع طلا ، نقره ، مس ، سرب ، روی، آهن، آنتیموان وزغال سنگ نیزوجوددارد .

اهالی هندوراس از نژادهای سرخ و سفید تشکیل یافته اند که بـه زبان اسپانیولی تکلم می‌کنند و پیرو مذهب کاتولیك می باشند .

هندوراس انگلیس

سرزمینی درآمریکای مرکزی که از طرف شمال به یوکاتان ، ازمشرق و جنوب شرقی به‌دریای‌کارائیب ،ازجنوب غربی ومغرب به‌گواتمالا محدوداست .

هندوراس‌انگلیس ۲۲۹۲۵کیلو-مترمربع وسعت و۱۰۶۰۰۰نفرجمعیت دارد. پایتخت آن بلیزاست، مرکبات و شکر و چوبهای جنگلی محصولات عمدهٔ این منطقه را تشکیل می‌دهد . اهالی هندوراس انگلیس، پیرودین‌مسیح‌هستند وبه‌زبان انگلیسی‌تکلم می کنند .

یمن Yemen

کشوری‌است در جنوب غربی شبه



نقشهٔ سیاسی کشور یمن

جزیرهٔ عربستان سعودی ، ازمشرق به عدن ، ازجنوب‌به خلیج عدن وازمغرب به‌دریای سرخ محدود است .

یمن۱۹۵۰۰۰ کیلومترمربع‌وسعت و۴۵۰۰۰۰۰ نفرجمعیت دارد. پایتخت آن‌صنعاوشهرهای عمده اش ماربوصغدی می‌باشد .

آب‌و هوای یمن نسبتاً مرطوب و ملایم و به‌طورکلی این ناحیه‌آبادترین مناطق شبه جزیرهٔ عربستان است.

یمن توسط یك‌رشته‌کوه ازصحرای عربستان‌جدا می شود. اراضی‌این کشور حاصلخیز ومحصول عمده‌اش جو ،گندم، ارزن ، خرما و قهوه است که محصول آن به‌مصرف داخلی می رسد و فقط‌قهوه به‌خارج صادر می‌شود .

یمن‌دارای منابع معدنی ونفت‌است که هنوزموردا‌ستخراج‌قرارنگرفته‌است.

اهالی متدین‌به دین اسلام وبه‌زبان عربی تکلم می‌کنند .

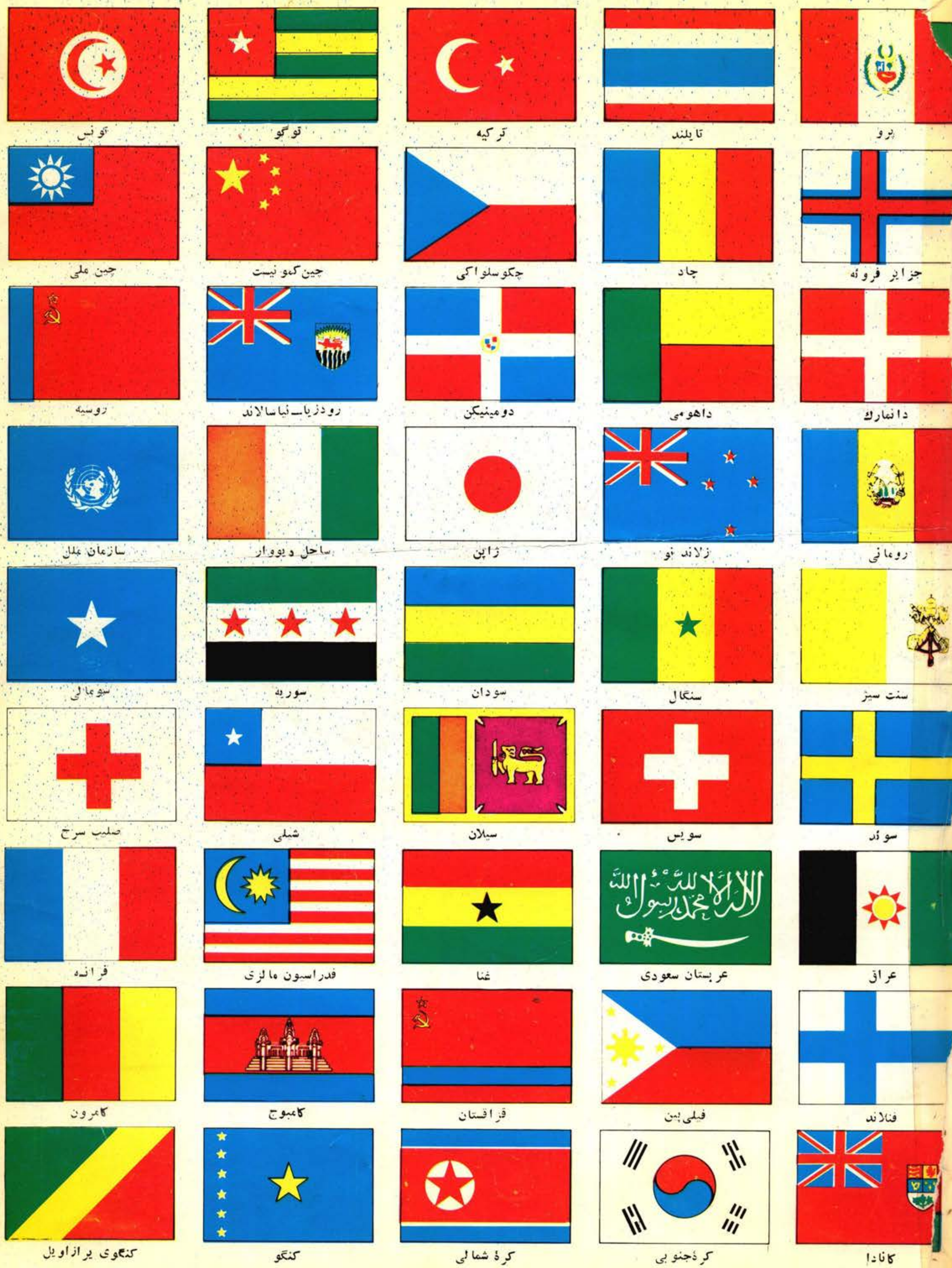
یوگوسلاوی Yougoslavie

کشوری‌است درجنوب شرقی اروپا که ازطرف شمال به مجارستان ،ازشمال شرقی به‌رومانی، ازمشرق به‌بلغارستان، ازجنوب به یونان ، از جنوب شرقی و مغرب بـه دریای مدیترانه ، واز شمال غربی به ایتالیا واتریش محدود است.

یوگوسلاوی ۲۵۵۸۰۴ کیلو متر مربع وسعت‌و۲۹۰۹۷۰۰۰ نفرجمعیت دارد.

پایتخت‌آن بلگـراد و شهر های عمده‌اش زاگرب، اسکوپژ ، ساراجه و لیوبل‌ژانا ، نووی‌ساد وریژه‌کا می‌باشد.

غیرازرودهای شمالی‌که روددانوب وبرخی از شعبه‌هایش درآن‌جاری‌هستند

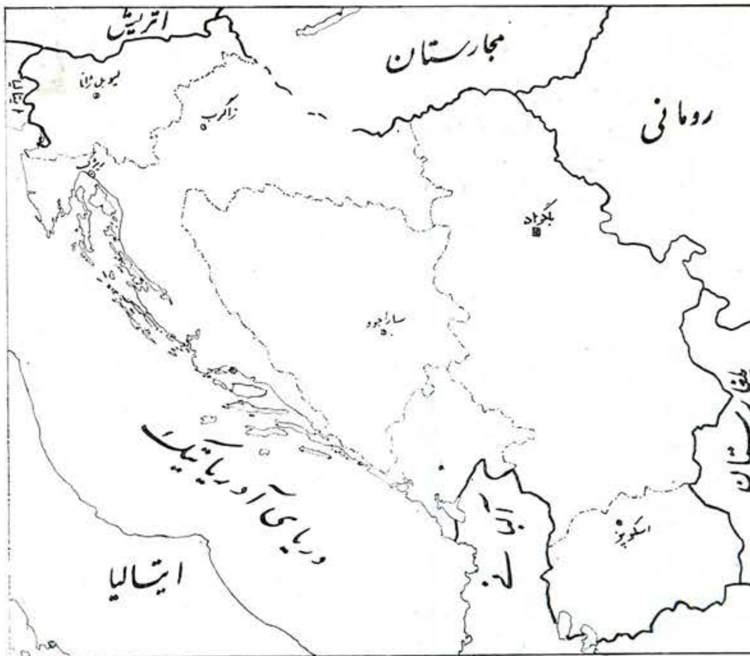


پرو
تایلند
ترکیه
توگو
تونس
جزایر فروئه
چاد
چکوسلواکی
چین کمونیست
چین ملی
دانمارک
داهومی
دومینیکن
رودزیا ـ نیاسالاند
روسیه
رومانی
زلاند نو
ژاپن
ساحل دیووار
سازمان ملل
سنت سیژ
سنگال
سودان
سوریه
سومالی
سوئد
سویس
سیلان
شیلی
صلیب سرخ
عراق
لا اله الا الله محمد رسول الله
عربستان سعودی
غنا
فدراسیون مالزی
فرانسه
فنلاند
فیلیپین
قزاقستان
کامبوج
کامرون
کانادا
کرهٔ جنوبی
کرهٔ شمالی
کنگو
کنگوی برازاویل


ایران
آذربایجان شوروی
آرژانتین
آلبانی
آلمان شرقی
آلمان غربی
آندور
اتحادیهٔ افریقای جنوبی
اتحادیهٔ عرب
اتحاد جماهیر شوروی
اتریش
اتیوپی
اردن
ارمنستان
اسپانیا
استرالیا
استونی
افریقای مرکزی
افغانستان
اکاتور
ایسالوادور
اندونزی
اوروپ
اوروگوئه
اوزبکستان
اوکراین
اوگاندا
ایالات متحده
ایالت کبک
ایتالیا
ایرلند
ایسراییل
ایسلند
بریتانیای کبیر
برزیل
بلژیک
بلغارستان
بوتان
بولیوی
بیرمانی (برمه)
بیلوروسی
پاراگوئه
پاکستان
پاناما
پرتغال



کنیا
کو با
کویت
کوستاریکا
کو لومبیا
گا بون
گر جستان
گوا تمالا
گینه
لائوس
لبنان
لتو نی
لو کزامبورگ
لهستان
لیبریا
لیبی
لیتوانی
لیختنشتن
ماداگاسکار
مالی
مراکش
مغولستان
مکزیك
موریتانی
مولداوی
مو ناکو
نپال
نروژ
نیجر
نیجریا
نیکاراگوئه
ولتای علیا
ونزوئلا
ویت نام جنوبی
ویت نام شمالی
هاییتی
هلال احمر
هلند
هند
هند غربی
هندوراس
هنگری
یمن
یوگوسلاوی
یونان



نقشهٔ سیاسی کشور یوگسلاوی

بقیهٔ خاك یوگوسلاوی کوهستانی است .

آب و هوای قسمت بزرگی از این کشور خشك و بری است و فقط نواحی مجاور دریای آدریاتیك از رطوبت دریا بهره می‌گیرد .

پس ازجنگ دوم جهانی کشاورزی یوگوسلاوی با به کار بردن ماشین های جدید کشاورزی به سرعت دگرگون شد وباخشکانیدن باتلاقها سرزمین های قابل کشت افزایش یافت و بـه وسیلهٔ ایجاد کانال و سد بندی برروی دانوب و شعبهٔ آن به نام **تیس زا** آب کافی فراهم آمد .

هم اکنون یوگوسلاوی تولید کنندهٔ مهم غلات ، سیب‌زمینی ،دانه‌های روغنی و الیاف نباتی است .

برنج و توتون وچغندر قند آن نیز اهمیت دارد . از لحاظ منابع زیر زمینی یوگسلاوی بسیار غنی است.ومعادن سنگ، آهن ومس به مقدار لازم استخراج می‌شود .

تولید سرب و منگنز وجیوهٔ آن نیز قابل ملاحظه است . با استخـراج معادن سنگ آهن کارخانه‌های ذوب آهن اسلاونی مقدار زیادی فولاد در اختیار صنایع بزرگ کشور قرار می‌دهد که با آن ادوات برقی و ماشین‌های کشاورزی می‌سازند.صنایع پلاستیکی نیز اخیراً اهمیت بسیار یافته است .

در یوگوسلاوی همهٔ مذاهب از حقوق متساوی برخوردارند . قریب ۴۶ درصد پیرو مذهب ارتدکس و ۳۶ درصد تابع مذهب کاتولیك وقریب ۱۱ درصد نیز متدین به دین اسلام هستند .

اهالی این کشور به زبان‌های اسلاوی صربی و کرتی تکلم می‌کنند .

یونان Grec

از کشورهای شبه جزیرهٔ بالکان است که ازطرف شمال به بلغارستان ، ازشمال شرقی به ترکیهٔ اروپا ، از شمال غربی به یوگوسلاوی، ازمشرق به دریای اژه ، ازجنوب و جنوب غربی به دریای یونان و از مغرب به آلبانی محدود است .

یونان ۱۳۲۵۶۲ کیلومتر مـربع وسعت و ۸۳۲۷۰۰۰ نفر جمعیت دارد . پایتخت آن آتن و شهرهای عمده‌اش پیره وسالونیك می‌باشد .

شمال یونان منطقه ای کوهستانی است که دنبالهٔ آلپهای دیناری وهمچنین قسمتی ازتودهٔ قدیمی رود وپ بـ طرف یونان پیش آمده و سراسر شمال شرقی این کشور را پوشانیده است .

آب وهوای یونان درمناطق شمالی سرد با بارندگی درفصل زمستان است. جنوب آن تابستان های گرم و خشك دارد و بقیهٔ فصول معتدل می‌باشد .

رطوبت فقط درکناره ها به صورت بارانهای منظم ظاهر می‌گردد . اراضی کشاورزی آن وسیع نیست و بهمین جهت کشاورزی آن رونق زیاد ندارد .

بااین حال بر اثـر مجاهدت ها و کوششهایی که به عمل آمده سطح کشتزارها که سابقاً ۲۰ درصد خاك یونان می‌شد به ۳۰ درصد افزایش یافته است .



نقشهٔ سیاسی کشور یونان

غلات ، برنج ، توتون و تنباکو محصول اصلی یونان را تشکیل می‌دهد ، زیتون، انجیر و انگور درشیب ملایم کوهستانها محصول بسیار می‌دهد و جنگل از منابع درجهٔ دوم آن محسوب می‌شود .

صنعت یونان شامل صنایع کوچك بافندگی ، غذایی و تهیهٔ سیگار وبعضی ازرشته‌های صنایع شیمیایی است .

مذهب رسمی دریونان ارتدکس است. و بهزبان یونانی تکلم می‌کنند .

دودکانزوکرت

دودکانز : ۵۰ جزیره در دریای اژه تشکیل جزایر دودکانزرا می‌دهد .

مرکز این جزایر رود ارس است .

مساحت آن: ۴۰۹۱/۸۷ کیلومترمربع و جمعیت آن (طبق سرشماری ۱۹۵۱) : ۱۲۱۱۰۰ نفر می‌باشد .

بعداز جنگ جهانی دوم ، در ۲۷ ژوئن ۱۹۴۶ در کنفرانس وزرای خارجه که درپاریس تشکیل گردید این جزایر به‌یونان واگذار گردید .

کرت : یکی از جزایر بزرگ دریای مدیترانه است . مساحت آن ۸۳۴۳/۷۲ کیلومتر مربع وجمعیت آن ۴۴۲۳۳۹ نفر است .

کشورهایی که دو نام‌دارند

آسیای صغیر : آناطولی.
آلمان: پروس
آمریکا : ینگی‌دنیا.
آناطولی : آسیای صغیر.
آنام : ویتنام شمالی وجنوبی.
اتیوپی : حبشه
اسپانیا : ایبریا .
اسراییل: فلسطین .
اتریش : نمسه .
اندونزی : هند هلند .
ایبریا : اسپانیا
ایران : پرس ، پرشیا .
برمه . بیرمانی .
برنئو شمالی : ساراواك.
بلوروسی : روسیهٔ سفید .
بهارات: هندوستان.
بیرمانی: برمه.
بین‌النهرین: عراق.
پرس : ایران .
پروس : آلمان .
تانزان : تانگانیکا وزنگبار .
تانگانیکا وزنگبار : تانزان.
تایلند : سیام .
ترکستان چین : سین‌کیانگ .
ترکستان روس : ماوراءالنهر .
ترکیه : عثمانی .
تریپولی : طرابلس .
چین : کاته ، ختا .
ختا : چین .
رودزیا : زامبیا .
روسیهٔ سفید : بلوروسی .
زامبیا : رودزیای شمالی .
زی‌پانگو : ژاپون .
ژاپون : زی‌پانگو، نیپون .
ساحل طلا : گانا ، غنا .
ساراواك : برنئو شمالی .
سرانديب : سیلان .
سوریه : شامات .
سویس : هلوسیا .
سیام : تایلند .
سیلان : سرانديب .
سین‌کیانگ: ترکستان چین .
شامات: سوریه .
صربستان : یوگوسلاوی .
طرابلس : لیبی ــ تریپولی .
عثمانی : ترکیه .
عراق : بین‌النهرین .
عربستان سعودی : حجاز ونجد .
فرانسه : گل .
فلسطین : اسراییل .
کاته : چین .
گانا : ساحل طلا . غنا .
گرجستان : ایبری .
گرس: یونان .
گل. فرانسه .
لیبی : طرابلس .
ماداگاسکار : مالگاشی .
مالگاشی : ماداگاسکار .
ماوراءالنهر : ترکستان روس .
مجارستان : هنگری .
ندرلند : هلند .
نمسه : اتریش .
نیپون: ژاپون .
هلاس : یونان .
ویت‌نام : آنام .
هلند : ندرلند .
هندهلند : اندونزی .
هلوسیا : سویس .
هندوستان : بهارات .
هنگری : مجارستان .
ینگی‌دنیا : آمریکا .
یونان : هلاس .

القاب کشورها

آفریقای جنوبی : کشور الماس .
آلمان : کشور خروس جنگی .
آمریکا : ینگی‌دنیا .
اسپانیا : سرزمین‌گاوبازان .
استرالیا : سرزمین‌گوسفندان .
اسراییل : ارض موعود .
اتریش : سرزمین دانوب‌آبی .
اندونزی : هزار جزیره .
انگلستان : سرزمین ماوراء بحار.
ایتالیا . سرزمین امپراتوران .
ایران : کشورگل وبلبل .
ایسلند : سرزمین یخ .
برزیل : سرزمین‌آمازون .
تایلند : کشورهزار معبد .
تبت : بام دنیا .
چین : سرزمین آسمانی .
روسیه : پشت پردهٔ‌آهنین .
ژاپون: کشورآفتاب.
سویس : بهشت اروپا .
سیبری: سرزمین‌یخبندان .
سیلان : انبارچای دنیا .
عراق : سرزمین رودخانه‌ها .
فرانسه : کشور شراب .
فنلاند : کشور هزار دریاچه .
کانادا : انبار غله .
کره : کشور مدار ۳۷ درجه .
کشمیر : سویس‌آسیا .
گانا: ساحل طلا .
لیبریا : کشوربردگان .
مصر : سرزمین فراعنه .
مونت‌کارلو: کشور قمار .
هاوایی : بهشت اقیانوس .
هلند : سرزمین‌آسیای بادی .
هندوستان : کشورهفتاد ودوملت .
یونان : سرزمین فلاسفه .

آنچه از کشورها مشهور شده است

ادویه ، هندوستان .
اسب ، مجارستان .
الاغ ، قبرس .
پنبه ، مصر .
پنیر، هلند .
خاویار ، ایران .
ساعت ، سویس .
شراب ، فرانسه .

شوره، شیلی .
صمغ، عربستان سعودی .
ظروف‌چینی، چین .
فلفل ، هندوستان .
قند، بلژیك .

کائوچو، برزیل .
کالباس، لوکزامبورگ،
کره ، دانمارك.
گربه، ایران .
گل ، هلند .

گوسفند، استرالیا.
گوشت، آرژانتین .
نفت، ایران .
نیشکر ،کوبا .

پایتخت‌های جهان

پایتخت	کشور	قاره	جمعیت
آبی جان	**ساحل عاج**	افریقا	۲۰۰۰۰۰
آپیاد	**ساموای غربی**	اقیانوسیه	۱۱۸۴۰
آتن	**یونان**	اروپا	۱۸۳۷۰۴۱
آدیس‌آبابا	**اتیوپی(حبشه)**	افریقا	۴۵۰۰۰۰
آسونسیون	**پاراگوئه**	آمریکای‌شمالی	۲۸۱۰۰۰
آکرا	**غنا**	افریقا	۳۸۸۳۹۶
آمستردام	**هلند**	اروپا	۹۵۰۰۰۰
آندورا	**آندورا**	اروپا	۱۰۰۰
آنکارا	**ترکیه**	آسیا اروپا	۵۰۰۰۰۰
استکهلم	**سوئد**	اروپا	۸۰۴۹۱۰
اسلو	**نروژ**	اروپا	۵۰۰۰۰۰
الجزیره	**الجزایر**	افریقا	۸۸۳۸۷۹
امان (عمان)	—	—	—
امبابان (مبابان)	—	—	—
انتبه	**اوگاندا**	افریقا	۱۰۰۰
اوتاوا	**کانادا**	آمریکای شمالی	۲۶۸۲۰۶
اورشلیم	**اسراییل**	آسیا	۱۶۶۳۰۱
اوزومبورا	**بوروندی**	افریقا	۴۸۰۰۰
اوگادوگو	**ولتای‌علیا**	افریقا	۵۹۱۲۶
اولان باتور	**مغولستان خارجی**	آسیا	۱۶۰۰۰۰
باتا	**گینهٔ اسپانیا**	افریقا	—
باتورست	**گامبی**	افریقا	۲۳۶۵۵
باس‌تر	**گوادلوپ**	آمریکا	—
بالبوآ	**منطقهٔ کانال پاناما**	آمریکا	—
باماکو	**مالی**	افریقا	۱۰۳۸۰۰
بانکوك	**تایلند (سیام)**	آسیا	۹۰۰۰۰۰
بانگی	**افریقای مرکزی**	افریقا	۸۰۰۰۰
بخارست	**رومانی**	اروپا	۱۳۴۹۰۰۰
برازاویل	**کنگوی‌وسطی**	افریقا	۱۳۵۶۳۲
برازیلیا	**برزیل**	آمریکا	۱۴۱۷۴۲
برلین شرقی	**آلمان‌شرقی**	اروپا	۱۲۰۰۰۰۰
برن	**سویس**	اروپا	۱۶۳۰۰۰
بروکسل	**بلژیك**	اروپا	۱۳۸۰۰۰۰
برونئی	**برونئی**	آسیا	—
برویج تاون	**باربادوس**	آمریکا	—
بغداد	**عراق**	آسیا	۵۰۰۰۰۰
بلفاست	**ایرلند شمالی**	اروپا	۴۴۳۶۷۰
بلگراد	**یوگوسلاوی**	اروپا	۵۹۰۰۰۰
بلیز	**هندوراس انگلیس**	آمریکای‌جنوبی	—
بن	**آلمان غربی**	اروپا	۱۵۰۰۰۰
بن‌غازی	**لیبی**	افریقا	۷۰۵۳۳
بوئنوس‌آیرس	**آرژانتین**	آمریکا	۴۷۰۰۰۹۰
بوداپست	**مجارستان**	اروپا	۱۹۰۰۰۰۰
بوگوتا	**کولومبیا**	آمریکای جنوبی	۱۱۲۳۶۰۰
بیروت	**لبنان**	آسیا	۵۰۰۰۰۰
بی‌سائو	**گینهٔ پرتغال**	افریقا	—
پائونده	**کامرون**	افریقا	۵۵۰۰۰
پاراماریبو	**گویان‌هلند (سورینام)**	آمریکا	—
پاریس	**فرانسه**	اروپا	۲۸۵۰۰۰۰
پاناما	**پاناما**	آمریکا	۲۷۱۴۲۵
پراگ	**چکوسلواکی**	اروپا	۱۲۵۹۴۰۰
پکن	**چین‌کمونیست**	آسیا	۵۴۲۰۰۰۰
پورتوریا	**اتحادیهٔ افریقای جنوبی**	افریقا	۴۱۶۰۰۰
پورتوپرنس	**هاییتی**	آمریکای‌شمالی	۲۵۰۰۰۰
پورت دواسپانی	**ترینیداد**	آمریکای‌جنوبی	—
پورت‌لوییز	**موریس**	افریقا	—
پورتونووو	**داهومی**	افریقا	۶۴۰۰۰
پوناخا	**بوتان**	آسیا	۸۰۰۰
پیونگ‌یانگ	**کرهٔ شمالی**	آسیا	۹۴۰۰۰۰
تاناناریو	**ماداگاسکار (مالگاش)**	افریقا	۲۴۷۹۱۷
تایپه	**تایوان (چین ملی)**	آسیا	۶۰۰۰۰۰
تریپولی	**لیبی**	افریقا	۱۹۴۶۸۶
تکوسیگالپا	**هندوراس**	آمریکای‌مرکزی	۱۳۳۸۷۷
تل‌آویو	**اسراییل**	آسیا	۶۰۰۰۰۰
توکیو	**ژاپون**	«	۸۴۷۲۰۰۰
تهران	**ایران**	«	۲۳۰۰۰۰۰
تیرانا	**آلبانی**	اروپا	۱۳۶۰۰۰
جاکارتا	**اندونزی**	آسیا	۲۹۱۳۰۰۰
جبل‌الطارق	**جبل‌الطارق**	اروپا ـ افریقا	—
جرج‌تاون	**گویان انگلیس**	آمریکا	—
جیبوتی	**سومالی فرانسه**	افریقا	—
جیمزتاون	**سنت‌هلن**	«	—

پایتخت	کشور	قاره	جمعیت
خرطوم	**سودان**	افریقا	۱۰۰۰۰۰۰
دارالسلام	**تانزانیا**	»	۱۲۸۷۴۲
داکا	**پاکستان**	آسیا	۴۱۷۰۰۰
داکار	**سنگال**	افریقا	۳۷۵۰۰۰
دزائودزی	**کومور**	»	—
دمشق	**سوریه**	آسیا	۴۰۰۰۰۰
دوبلین	**ایرلند جنوبی**	اروپا	۵۵۰۰۰۰
دوحه	**قطر**	آسیا	۱۰۰۰۰
دهلی‌نو	**هندوستان**	»	۲۳۴۴۰۵۱
دیلی	**تیمور**	»	۴۴۰۰۰
رانگون	**برمه**	»	۸۰۰۰۰۰
راولپندی	**پاکستان**	»	۳۳۷۰۰۰
رباط	**مراکش**	افریقا	۲۲۷۴۴۵
روم	**ایتالیا**	اروپا	۲۲۰۰۰۰۰
رومبا	**نیاسالند**	افریقا	۱۸۰۰۰
ریاض	**عربستان سعودی**	آسیا	۱۰۵۰۰۰
ریکیاویک	**ایسلند**	اروپا	۶۰۰۰۰
زنگبار	**زنگبار**	افریقا	۱۶۵۲۸۳
سائوتومه	**پرنسیب و سائوتومه**	»	—
سالزبری (سالیسبوری)		—	—
سالیسبوری	**رودزیای جنوبی**	افریقا	۲۶۰۸۰۰
سانتا ایزابل	**گینهٔ اسپانیا (فرناندو)**	»	—
سانتاکروز	**جزایر قناری**	»	—
سانتیاگو	**شیلی**	آمریکای جنوبی	۱۷۰۰۰۰۰
سان‌ژوآن	**پورتوریکو**	آمریکا	—
سان ژوزه	**کوستاریکا**	آمریکای مرکزی	۱۶۷۵۷۳
سان‌سالوادور	**السالوادور**	» »	۲۴۸۱۰۰
سانتودومینگو	**دومنینکن**	» »	۴۷۷۷۸۲
سان مارینو	**مارینو**	اروپا	۱۵۰۰
سایگون	**ویت‌نام جنوبی**	آسیا	۶۹۸۰۰۰
سئول	**کرهٔ جنوبی**	»	۲۵۰۰۰۰۰
سن‌پی‌یر	**سن‌پی‌یر ومیکلون**	آمریکا	—
سن‌توماس	**ویرجین**	»	—
سنت‌جرج	**ویندوارد**	»	—
سنت‌جونز	**لیوارد**	»	—
سن‌ژوان	**پورتوریکو**	»	—
سنگاپور	**سنگاپور**	آسیا	۹۳۵۵۰۰
سیدی‌ایفنی	**ایفنی**	افریقا	—
سیودادودوپریا	**کاپ‌ورد**	»	—
صنعا	**یمن**	آسیا	۱۰۰۰۰۰
صوفیه	**بلغارستان**	اروپا	۶۷۱۰۰۰
طنجه	**طنجه (بندرآزاد)**	افریقا	۱۳۵۰۰۰
عدن	**بندرعدن**	آسیا	—
عمان	**اردن**	»	۲۴۶۵۰۰
فریتائون	**سیرالئون**	افریقا	۱۲۸۰۰۰
فنوم پنه	**کامبوج**	آسیا	۴۲۰۰۰۰
فورت ـ دوفرانس	**مارتینیک**	آمریکا	—
فورت لامی	**چاد**	افریقا	۵۸۱۷۹
فون شال	**مادرا**	افریقا	—
قاهره	**مصر**	»	۲۶۰۰۰۰۰
کابل	**افغانستان**	آسیا	۲۵۰۰۰۰
کاتماندو	**نپال**	»	۱۹۵۲۶۰
کاراکاس	**ونزوئلا**	آمریکای جنوبی	۸۴۰۰۰۰
کانبرا	**استرالیا**	اقیانوسیه	۵۶۴۴۹
کاین	**گویان فرانسه**	آمریکای جنوبی	—
کپنهاک	**دانمارک**	اروپا	۸۰۰۰۰۰
کوالالامپور	**مالایا**	آسیا	۴۷۷۰۰۰
کولومبو	**سیلان**	»	۴۵۰۰۰۰
کوناکری	**گینه**	افریقا	۱۱۲۵۰۰
کویت	**کویت**	آسیا	۱۲۰۰۰۰
کیتو	**اکوادور**	آمریکای جنوبی	۳۵۰۰۰۰
کیگالی	**رواندا**	افریقا	۴۱۴۷
کینگستون	**جامائیکا**	آمریکا	۱۵۰۰۰۰
گواتمالا	**گواتمالا**	»	۴۱۷۲۱۸
گردآب	**گروئنلند**	»	—
لاپاز	**بولیوی**	آمریکای جنوبی	۹۴۸۴۴۶
لاگوس	**فدراسیون نیجریه**	افریقا	۴۰۰۰۰۰
لاهه	**هلند**	اروپا	۶۰۵۲۱۳
لئوپولدویل	**کنگو**	افریقا	۳۷۰۰۰۰
لندن	**بریتانیای کبیر**	اروپا	۸۳۵۰۰۰۰
لوآندا	**آنگولا**	افریقا	۳۴۷۱۷۳
لورنسومارکیز	**موزامبیک**	»	—
لوزاکا	**زامبیا**	»	۸۶۰۰۰
لوکزامبورگ	**لوکزامبورگ**	اروپا	۷۳۲۲۱
لومه	**توگو**	افریقا	—
لهاسا	**تبت**	آسیا	—
لیبرویل	**گابون**	افریقا	۳۱۰۰۰
لیسبون	**پرتغال**	اروپا	۸۱۸۶۳۲
لیما	**پرو**	آمریکای جنوبی	۱۲۶۰۰۰۰
مادرید	**اسپانیا**	اروپا	۲۲۶۰۰۰۰
ماسرو	**باسوتولند**	افریقا	—
مافکینگ	**بچوانالند**	»	—
ماکایو	**ماکایو**	آسیا	۱۶۷۰۰۰
ماله	**مالدیو**	»	۱۲۰۰۰
ماناگوا	**نیکاراگوئه**	آمریکای مرکزی	۲۴۱۴۰۹
مانیل	**فیلیپین**	آسیا	۱۰۰۰۰۰۰

پایتخت	کشور	قاره	جمعیت
مبابان	**سوازیلند**	افریقای جنوبی	—
مدرس	**مدرس**	آسیا	—
مسقط	**مسقط و عمان**	»	۵۵۰۰
مسکو	**روسیهٔ شوروی**	آسیا_اروپا	۶۳۵۴۰۰۰
مکزیکوسیتی	**مکزیک**	آمریکای مرکزی	۴۰۰۰۰۰
مکه	**عربستان سعودی**	آسیا	۲۰۰۰۰۰
مکادیشو	**سومالی**	افریقا	۸۷۰۰۰
مونتویدئو	**اوروگوئه**	آمریکای جنوبی	۱۰۰۰۰۰۰
موناکو	**موناکو**	اروپا	۲۰۰۰
مونرویا	**لیبریا**	افریقا	۴۱۸۲۹
ناسائو	**باهاما**	آمریکا	—
ناها	**اوکیناوا**	آسیا	۲۱۸۰۰۰
نایروبی	**کنیا**	افریقا	۲۶۷۰۰۰
نواکشوت	**موریتانی**	»	۵۵۱۰
نیامی	**نیجر**	»	۳۰۰۳۰
نیکوزیا	**قبرس**	آسیا	۸۷۱۹۰
واتیکان	**واتیکان**	اروپا	۱۰۰۰۰
وادوز	**لیختن‌اشتاین**	»	۲۷۳۵
واشنگتون	**ایالات‌متحده**	آمریکا	۷۶۴۰۰۰۰
والتا	**مالت**	اروپا	۱۸۳۴۹
ورشو	**لهستان**	»	۱۱۳۹۰۰۰
ولینگتون	**زلاندنو**	اقیانوسیه	۱۲۵۲۰۰
ویکتوریا	**سیچل**	افریقا	—
ویکتوریا	**هونگ‌کنگ**	آسیا	۱۰۰۰۰۰۰
ویلاسیس	**صحرای**	افریقا	—
نروس‌دایون	**اسپانیا**	اروپا	
ویلمستاد	**آروبا**	آمریکا	—
ویلمستاد	**کوراسایو**	آمریکا	—
وین	**اتریش**	اروپا	۱۸۰۰۰۰۰
وین‌تیان	**لائوس**	آسیا	۱۶۲۳۰۰
ویندهواک	**افریقای‌ـ جنوب غربی**	افریقا	—
هامیلتون	**برمودا**	آمریکا	—
هانوی	**ویت‌نام‌شمالی**	آسیا	۹۹۸۰۰۰
هاوانا	**کوبا**	آمریکای‌مرکزی	۹۰۰۰۰۰
هرالدیوآن	**تریستان**	افریقا	—
هلسینکی	**فنلاند**	اروپا	۵۰۰۰۰۰
یائونده	**کامرون**	افریقا	۵۵۰۰۰

شهرهای معروف دنیا

نام‌شهر	کشور	قاره	جمعیت
آپورتو	پرتغال	اروپا	—
آتن	یونان	اروپا	۴۸۱۰۰۰
آجمر	هند	آسیا	۱۸۳۷۰۴۱
آخن	آلمان	اروپا	۱۵۹۰۰۰
آدلایید	استرالیا	اقیانوسیه	۵۹۳۵۰۰
آرچامبولت	چاد	افریقا	—
آرکیپا	پرو	آمریکای‌جنوبی	—
آرهوس	چکوسلواکی	اروپا	—
آستریدا	روآندا	افریقا	—
آژن	فرانسه	اروپا	۲۸۵۹۱
آگره	هند	آسیا	۳۷۵۶۶۵
آگریجنتو	ایتالیا	اروپا	۳۷۵۰۶
آکرون	ایالات متحده	آمریکا	۲۷۴۶۰۵
آگوام	ایالات‌متحده (ماساچوست)	آمریکا	۱۵۷۲۰
آکوریری	ایسلند	اروپا	—
آکیاب	برمه	آسیا	—
آلاسو	فرانسه	اروپا	۲۴۳۰۰
آلبرت لی	ایالات‌متحده (مینه زوتا)	آمریکا	۱۷۱۰۰
آلبرت‌ویل	ایالات‌متحده (آلاباما)	آمریکا	۸۲۵۰
آلبروگ	چکوسلواکی	اروپا	—
آلبی	فرانسه	اروپا	۲۷۷۶۸
آلبیون	ایالات‌متحده (میشیگان)	آمریکا	۱۲۷۵۰
آلپین	ایالات‌متحده (تگزاس)	آمریکا	۴۷۴۰
آلپه‌نا	ایالات‌متحده (میشیگان)	آمریکا	۱۴۶۸۰
آلتدورف	سویس	اروپا	۸۴۷۷
آلتوس	ایالات متحده (اوکلاهما)	آمریکا	۲۱۲۲۵
آلتون	ایالات‌متحده (ایلی نویز)	آمریکا	۴۳۰۵۰
آلتونا	ایالات‌متحده (پنسیلوانیا)	آمریکا	۶۷۴۰۰
آلدان	شوروی	آسیا	۱۰۰۰۰
آلدرشات	انگلستان	اروپا	۳۶۱۸۴
آلوراستار	مالزیا	آسیا	—
آلوست	بلژیک	اروپا	۴۴۱۷۹
القصرالکبیر	مراکش	افریقا	۳۱۵۰۰
آلکاسارکیویر	مراکش	افریقا	۳۱۵۰۰
آلکانتارا	اسپانیا	اروپا	۴۱۵۱
آلکمار	هلند	اروپا	۴۲۴۴۳
آلکوباسا	پرتغال	اروپا	۴۰۱۶

شهر	کشور	قاره	جمعیت
آلنشتاین	پروس	اروپا	۲۹۰۵۳
آلما	کانادا	آمریکا	۱۳۳۱۰
آلماآتا	شوروی	آسیا	۳۳۰۰۰۰
آلماده	پرتغال	اروپا	—
آلمادن	اسپانیا	اروپا	۱۲۳۷۵
النتاون	ایالات متحده	امریکا	۱۰۶۷۵۶
آلساندریا	ایتالیا	اروپا	۷۰۲۳۸
آلکساندرسیتی	آلاسکا	آمریکا	۱۳۱۴۰
آلکساندروفسك ساخالینسکی	شوروی	آسیا	۱۰۰۰۰۰
آلکساندریا	ایالات متحده (ایندیانا)	آمریکا	۵۵۸۵
آلوا	ایالات متحده	آمریکا	۶۲۶۰
آل‌هامبرا	» » (کالیفرنیا)	»	۵۴۸۰۰
آله‌س‌ساندره‌یا	ایتالیا	اروپا	۹۲۳۰۰
آلیانس	ایالات متحده (اوهیو)	آمریکا	۲۸۳۷۰
آلیس	ایالات متحده (تکزاس)	آمریکا	۲۰۸۶۰
آلیس‌سپرینگز	استرالیا	اقیانوسیه	۲۷۸۵
آلی‌کیوپا	ایالات متحده (پنسیلوانیا)	آمریکا	۲۶۳۷۰
آماراپورا	برمه	آسیا	۸۲۵۴
آماریلو	ایالات متحده (تکزاس)	آمریکا	۱۳۸۰۰۰
آمالفی	ایتالیا	اروپا	۶۲۳۷
آمبریج	ایالات متحده	آمریکا	۱۶۴۲۹
آمبواز	فرانسه	اروپا	۵۷۳۵
آمریتسار (امرتسر)	هند	آسیا	۳۲۵۷۴۷
آمریکوس	ایالات متحده (جئورجیا)	آمریکا	۱۳۴۷۵
آمس	ایالات‌متحده(یووا)	آمریکا	۲۷۰۰۰
آمسبوری	» » (ماساچوست)	»	۱۰۷۸۵
آمهرست	کانادا	آمریکا	۱۰۸۰۰
آمهرستبورگ	»	»	—
آمیتی‌ویل	ایالات متحده (نیویورك)	»	۸۳۲۰
آمین	فرانسه	اروپا	۸۷۱۲۶
آنادارکو	ایالات متحده (اوکلاهما)	آمریکا	۶۳۰۰
آناکوندا	ایالات متحده (مونتانا)	آمریکا	۱۲۰۵۴
آناموسا	ایالات متحده (یووا)	آمریکا	۴۶۱۶
آناهیم	ایالات متحده	آمریکا	۱۰۴۲۰۰

شهر	کشور	قاره	جمعیت
آنتوفاگاستا	شیلی	آمریکای‌جنوبی	—
آنورس	بلژیك	اروپا	—
آیوتایا	سیام	آسیا	—
آندالوزیا	آلاسکا	آمریکا	۱۰۲۶۵
آندرسن	ایالات متحده (ایندیانا)	آمریکا	۴۶۸۲۰
آنتورپ	بلژیك	اروپا	۱۲۹۶۶۸۷
آمیه	فرانسه	»	۱۰۱۶۸۷
آندووا	ایالات‌متحده (ماساچوست)	آمریکا	۱۷۱۳۵
آنگ‌کوریج	آلاسکا	آمریکا	۴۴۲۳۷
اپسالا	سوئد	اروپا	—
اتبره	سودان	افریقا	—
احمدآباد	هندوستان	آسیا	—
ادرنه	ترکیه	اروپا	۳۰۲۴۵
ادینبورگ	انگلیس	»	۴۶۶۷۷۰
ادمونتون	کانادا	آمریکای شمالی	۲۸۱۰۷۲
ادنس	چکوسلواکی	اروپا	—
اردهان	ترکیه	آسیا	۴۰۰۰
ارزروم	مشرق ترکیه	»	۵۴۴۰۰
ارزنجان	ارمنستان ترکیه	آسیا	۱۷۰۰۰
ارفورت	آلمان‌شرقی	اروپا	۱۷۴۶۳۳
ارلانگن	آلمان	»	۵۶۳۰۰
ارلی	فرانسه	»	۷۶۰۰
ارورو	بلیوی	آمریکا	—
اروموچی	چین‌اصلی	آسیا	—
اریکا	فلسطین	»	۳۰۰۰
اریسا	هند	آسیا	۷۴۰۰۰
ازاکا	ژاپون	»	۱۹۵۶۰۰۰
ازمیر	ترکیه	آسیا_اروپا	۱۹۸۰۰۰
اسپارت	یونان	اروپا	۹۷۰۰
استامبول	ترکیه	آسیا_اروپا	۱۲۱۴۶۰۰
استاند	بلژیك	اروپا	۴۹۶۰۰
استانلی‌ویل	کنگو	افریقا	—
استاوانگر	نروژ	اروپا	—
استراسبورگ	فرانسه	اروپا	—
استراوا	چکوسلواکی	اروپا	—
اسکندریه	مصر	افریقا	—
اسکوبژ	یوگوسلاوی	اروپا	—
اسکوتاری	آلبانی	»	—
اسماعیلیه	مصر	افریقا	۸۲۲۰۰
اسمره	حبشه	»	—
اسن	آلمان	اروپا	۶۳۷۹۰۰
اسن	بلژیك	»	۸۷۰۰

شهر	کشور	قاره	جمعیت
استراسبورگ	فرانسه	اروپا	۲۰۰۹۰۰
اسروشنه	ماوراءالنهر	آسیا	—
اسفیجاب(سیرام)	»	»	—
اسکوتاری	آلبانی	اروپا	۳۰۰۰۰
اسکوریال	اسپانیا	»	—
اسکندریه	مصر	افریقا	۹۲۵۰۰۰
اش	لوکزامبورگ	اروپا	—
اشتوتگارت	آلمان‌غربی	»	—
اکس ـ آن ـ پرووانس	فرانسه	اروپا	۳۸۹۸۵
اکس‌له‌بن	فرانسه	اروپا	۱۲۷۹۹
اکوس	گواتمالا	آمریکا	—
اگبوموشو	نیجریه	افریقا	—
العبیه	سودان	»	—
امبارار	اگاندا	»	—
امس	آلمان	اروپا	۴۵۴۸
الله‌آباد	هندوستان	آسیا	۳۳۲۰۰۰
الیزابت‌ویل	کنگو	افریقا	—
ام‌درمان	سودان	»	۱۱۳۶۸۶
امرتسر(آمریستار)	هند	آسیا	۳۲۵۷۴۷
اوبیا	سومالی	افریقا	—
اوپاوا	چکوسلواکی	اروپا	—
اوترخت	هلند	اروپا	—
اورادا	رومانی	اروپا	—
اورشلیم	اسراییل	آسیا	—
اورلئان	فرانسه	اروپا	۷۶۴۰۰
اورورو	بولیوی	آمریکای‌جنوبی	—
اوزاکا	ژاپون	آسیا	—
اوکلند	زلاند جدید	اقیانوسیه	—
اولان‌گوم	مغولستان‌خارجی	آسیا	—
اولد	فنلاند	اروپا	—
اومدرومان	سودان	افریقا	—
اویدو	بولیوی	آمریکای‌جنوبی	—
ایپسیلانتی	ایالات متحده	آمریکا	۲۱۰۰۰
ایلوایلو	فیلیپین	آسیا	—
اینچون	کرهٔ جنوبی	آسیا	—
اینسبروگ	اتریش	اروپا	—
ایندهون	هلند	اروپا	—
باتامبانگ	کامبوج	آسیا	—
بارانکیلا	کولومبیا	آمریکای‌جنوبی	—
بارسلون‌سویلا	اسپانیا	اروپا	—
باکولود	فیلیپین	آسیا	—
بال	سویس	اروپا	۱۹۶۵۰۰
بالتیمور	ایالات‌متحده	آمریکای‌شمالی	۹۳۹۰۰۰
بالفایی	بوتان	آسیا	—
بامباری	افریقای مرکزی	افریقا	—
باهیابلانکا	آرژانتین	آمریکای جنوبی	—
باندونگ	اندونزی	آسیا	۹۱۳۰۰۰
بخارست	رومانی	اروپا	۱۲۳۷۶۰۰
براتیسلاوا	چکوسلواکی	اروپا	—
براشو	رومانی	اروپا	—
براگا	بلغارستان	اروپا	—
برانشویك	آلمان غربی	اروپا	—
بربرا	سومالی	افریقا	—
بردو	فرانسه	اروپا	۲۵۷۹۰۰
برسلاو	لهستان	اروپا	۳۷۴۰۰۰
برقه	لیبی	افریقا	—
برگن	نروژ	اروپا	—
برلین‌شرقی	آلمان	اروپا	۱۲۰۰۰۰۰
برلین‌غربی	آلمان	اروپا	—
برنو	چکوسلواکی	اروپا	—
بروکسل	بلژیك	اروپا	۱۳۸۰۰۰۰
بریستول	انگلیس	اروپا	—
بریسبان	استرالیا	اقیانوسیه	—
بصره	عراق	آسیا	—
بلفاست	انگلیس	اروپا	—
بلم	برزیل	آمریکای‌جنوبی	—
بلوئم‌فونتین	افریقای‌جنوبی	افریقا	
بمبئی	هند	آسیا	۲۸۳۹۰۰۰
بن	الجزایر	افریقا	—
بنگاله	هندوستان	آسیا	
بنگالور	هندوستان	آسیا	
بو	سیرالئون	افریقا	
بوار	افریقای‌مرکزی	افریقا	—
بواکه	ساحل عاج	افریقا	—
بوئنوس‌ـ آیرس	آرژانتین	آمریکا	۴۷۰۰۰۹۰
بوپورو	لیبریا	افریقا	
بوداپست	مجارستان	اروپا	۱۷۵۷۰۰۰
بودپر	ایسلند	اروپا	—
بوکاو	کنگو	افریقا	—
بویو	نیجریه	افریقا	—
بهاءگائون	نپال	آسیا	—
بهوپال	هندوستان	»	—
بیالیستوك	لهستان	اروپا	—
بیرمنگام	انگلیس	اروپا	۱۱۱۲۰۰۰
بیرمنگام	اتازونی	آمریکا	۱۲۶۰۰۰
بیزوتا	مغولستان‌خارجی	آسیا	—
پاتان	نپال	»	—
پاتراس	یونان	اروپا	—
پاتنا	هندوستان	آسیا	—
پاریس	فرانسه	اروپا	۲۸۵۰۰۰۰
پالرم	ایتالیا	اروپا	—
پالم‌بانگ	اندونزی	آسیا	—
پتسدام	آلمان	اروپا	—

شهر	کشور	قاره	جمعیت
پرت	استرالیا	اقیانوسیه	—
پکن	چین	آسیا	۵۴۲۰۰۰۰
پروگرسو	هندوراس	آمریکا	—
پزنان	لهستان	اروپا	—
پلزن	چکوسلواکی	اروپا	—
پلودیو	بلغارستان	اروپا	—
پوان نوار	کنگوی‌وسطی	افریقا	—
پوئرتوپلاتا	دومینیکن	آمریکا	—
پوئرتو-کورتس	هندوراس	»	—
پوبیلا	مکزیك	»	—
پورت‌آنتونیو	جامائیکا	»	—
پورت-الیزابت	آفریقای‌جنوبی	افریقا	—
پورت‌سعید	مصر	افریقا	—
پورت‌ژنتیل	گابون	افریقا	—
پورتو	بلغارستان	اروپا	—
پورتوآلگر	برزیل	آمریکای جنوبی	—
پورتونووو	داهومی	افریقا	۶۴۰۰۰
پورسات	کامبوج	آسیا	—
پورت‌سودان	سودان	افریقا	—
پورت‌فؤاد	مصر	افریقا	—
پوزان	کرهٔ جنوبی	آسیا	—
پوکت	سیام	»	—
پونا	هندوستان	»	—
پونتارناس	کستاریکا	آمریکا	—
پونتیاناك	اندونزی	آسیا	—
پیره	یونان	اروپا	—
پیشاور	پاکستان	آسیا	۱۲۵۰۰۰
پیورا	پرو	آمریکای جنوبی	—
تاتابانیا	مجارستان	اروپا	—
تال‌تال	شیلی	آمریکای جنوبی	—
تاماتاو	مایکاش	افریقا	—
تامپره	فنلاند	اروپا	۱۰۲۹۱۰
تامپیکو	مکزیك	آمریکا	—
تامگو	کرهٔ جنوبی	آسیا	—
تاهووا	نیجر	افریقا	—
تای‌پینگ	مالزیا	آسیا	—
تایتونگ	چین‌ملی	آسیا	—
تایچونگ	چین‌ملی	آسیا	—
تاینان	چین‌ملی	آسیا	—
ترومسو	نروژ	اروپا	—
تروندهیم	نروژ	اروپا	—

شهر	کشور	قاره	جمعیت
تریپولی	لبنان	آسیا	—
تریست	ایتالیا	اروپا	—
ترینیداد	بولیوی	آمریکای جنوبی	—
تسوایبروکن	آلمان	اروپا	۳۱۱۴۷
تسینگ‌تائو	چین	آسیا	—
تسویکو	آلمان	اروپا	۱۲۹۰۰۰
تسیستر-سدورف	اتریش	اروپا	۳۰۴۴
تعز	یمن	آسیا	—
تورگو	فنلاند	اروپا	—
توکیو	ژاپون	آسیا	۸۴۷۲۰۰۰
تورگو	فنلاند	اروپا	—
تورن	ایتالیا	اروپا	—
تورنتو	کانادا	آمریکا	۱۳۵۸۰۰۰
تورینو	ایتالیا	اروپا	۶۲۹۰۰۰
توکومان	آرژانتین	آمریکای جنوبی	—
تولوز	فرانسه	اروپا	—
تولون	فرانسه	اروپا	—
تومبوکتو	مالی	افریقا	—
تیتوگراد	یوگوسلاوی	اروپا	—
تیس	سنگال	افریقا	—
تیمیزوآرا	رومانی	اروپا	—
تین‌تسین	چین اصلی	آسیا	—
جافنا	سیلان	آسیا	—
جاکمل	نیکاراگوئه	آمریکا	—
جاکویل	کنگو	افریقا	—
جده	عربستان	آسیا	۴۰۰۰۰
جلال‌آباد	افغانستان	آسیا	—
جوك‌جاکار-تاپادانگ	اندونزی	آسیا	—
چونگ-کینگ	چین اصلی	آسیا	—
حدیده	یمن	آسیا	—
حلب	سوریه	آسیا	۴۰۷۶۱۳
حماء	سوریه	آسیا	—
حمص	سوریه	آسیا	۱۰۰۱۴۰
حمص	لیبی	افریقا	۳۴۹۴۰
حیدرآباد	پاکستان	آسیا	۲۴۱۸۰۱
حیفا	اسراییل	آسیا	—
خاباروفسك	شوروی	آسیا	۲۰۰۰۰۰
خاربین	منچوری	آسیا	۶۶۰۰۰۰
خارکف	اوکراین	اروپا	۸۷۷۰۰۰

شهر	کشور	قاره	جمعیت
خونکار- اسکله‌سی	ترکیه	آسیا	—
داروین	استرالیا	اقیانوسیه	—
داکا	پاکستان	آسیا	۴۱۷۰۰۰
داکار	سنگال	آفریقا	۲۳۰۰۰۰
داکورا	نیکاراگوئه	آمریکا	—
دالات	ویت‌نام‌جنوبی	آسیا	—
داوائو	فیلیپین	آسیا	—
دبرسن	مجارستان	اروپا	—
دترویت (دیترویت)	اتازونی	آمریکا	۱۸۵۰۰۰۰
دربن	اتحادیهٔ‌افریقای جنوبی	افریقا	۴۳۰۹۰۰
دربند	شوروی	آسیا	۴۶۰۰۰
درتمونت	آلمان	اروپا	۵۰۰۰۰۰
درسدن	آلمان	اروپا	۴۶۸۰۰۰
دنیپرو - پتروفسك	شوروی	اروپا	۵۷۶۰۰۰
دوالا	کامرون	افریقا	—
دو - پون (تسوایبروکن)	آلمان	اروپا	۳۱۱۴۷
دوربان	افریقای‌جنوبی	افریقا	—
دورتموند	آلمان غربی	اروپا	—
دوسلدورف	آلمان	اروپا	۵۶۳۷۰۰
دونکار	بوتان	آسیا	—
دونگ‌هوی	ویت‌نام شمالی	آسیا	—
دونیسبورگ	آلمان غربی	اروپا	—
دهلی‌کهنه	هند	آسیا	۹۱۴۷۹۰
دهلی‌نو	هند	آسیا	۲۳۴۴۰۵۱
دیترویت - (دترویت)		—	—
دیاربکر	ترکیه	اروپا	—
دیولامو	نیجریه	افریقا	—
دیوندین	زلاند نو	اقیانوسیه	—
راستف	شوروی	اروپا	۶۰۰۰۰۰
رباط	مالت	اروپا	—
رسیف	برزیل	آمریکای جنوبی	—
روم	ایتالیا	اروپا	۲۲۰۰۰۰۰
روتردام	هلند	اروپا	۶۷۶۰۰۰
روزاریو	آرژانتین	امریکای جنوبی	—
روسو	موریتانی	افریقا	—
روسه	بلغارستان	اروپا	—
ریودوژانیرو	برزیل	آمریکا	۲۳۰۳۱۰۰
ریوگراند	برزیل	آمریکای‌جنوبی	—
زاپاروژیه	اوکرایین	اروپا	۴۳۵۰۰۰
زاگرب	یوگوسلاوی	اروپا	۴۲۷۳۱۹
زاگورسك	شوروی	اروپا	۷۳۰۰۰

شهر	کشور	قاره	جمعیت
زامبوآنگا	فیلیپین	آسیا	۱۳۱۴۰۰
زاموشیچ	لهستان	اروپا	۲۸۰۰۰
زاندام	هلند	اروپا	۴۸۵۱۳
زانس‌ویل	ایالات متحده (اوهیو)	آمریکا	۳۹۰۷۷
زبید	یمن	آسیا	—
زقازیق	مصر	افریقا	۹۶۹۰۰
زلن	چکوسلواکی	اروپا	۵۵۶۰۰
زوریخ	سویس	اروپا	۴۴۰۱۷۰
زووله	هلند	اروپا	۵۷۴۰۰
زیاتوست	شوروی	آسیا	۱۶۷۰۰۰
زیندر	نیجر	افریقا	—
زینه	ایالات‌متحده (اوهیو)	آمریکا	۲۰۴۵۰
زیون	ایالات‌متحده (ایلی‌نویز)	آمریکا	۱۲۰۰۰
ژرارمه	فرانسه	اروپا	۸۲۱۸
ژن	ایتالیا	اروپا	—
ژنو	سویس	اروپا	۱۴۵۰۰۰
ژهانسبورگ	افریقای‌جنوبی	افریقا	۱۱۰۰۰۰۰
ژیتومیر	اوکرایین	آسیا-اروپا	۱۰۵۰۰۰
سائوپولو	برزیل	آمریکا	۲۰۱۷۰۰۰
سارابوری	سیام	آسیا	—
ساراجوو	یوگوسلاوی	اروپا	—
ساراگوا	اسپانیا	اروپا	—
ساساری	ایتالیا	اروپا	—
ساساندرا	ساحل‌عاج	افریقا	—
سالونیك	یونان	اروپا	—
سانتوس	برزیل	آمریکای‌جنوبی	—
سالاما	گواتمالا	آمریکا	—
سالتو	اوروگوئه	آمریکای‌جنوبی	—
سالتیلو	مکزیك	آمریکا	—
سالوادور	برزیل	آمریکای‌جنوبی	—
سالیزبورگ	اتریش	اروپا	—
سالیما	نیاسالند	افریقا	—
سامرونگ	کامبوج	آسیا	—
سامره	عراق	آسیا	۱۰۰۰۰
سامسون	ترکیه	اروپا	—
سانتاآنا	السالوادور	آمریکا	—
سانتافه	آرژانتین	آمریکا	۲۰۲۵۹۲
سانتاکروز	بولیوی	آمریکای‌جنوبی	—
سانتامارتا	کلمبیا	آمریکا	۴۴۹۰۰
سانتاندر	اسپانیا	اروپا	۱۰۲۵۰۰
سانتوس	برزیل	آمریکا	۱۹۸۴۰۰
سانتیاگو	پاناما	آمریکا	۱۷۰۰۰۰۰
سانتیاگو	دومینیکن	آمریکا	—
سانتیاگو	شیلی	آمریکا	۱۷۰۰۰۰۰
سانتیاگو	کوبا	آمریکا	۱۱۸۳۰۰
سانتیاگو- (دکومپوستلا)	اسپانیا	اروپا	۵۳۶۰۰

شهر	کشور	قاره	جمعیت
سانداکان	مالزیا	آسیا	—
سان‌ژوزه	اتازونی	آمریکا	۶۷۵۷۳
سان‌فرانسیسکو	ایالات‌متحده	آمریکای شمالی	۷۴۳۰۰۰
سان‌کریستوبال	ونزوئلا	آمریکای جنوبی	
سایگون	ویتنام(جنوبی)	آسیا	۶۹۸۰۰۰
سبا	لیبی	افریقا	—
سبو	فیلی‌پین	آسیا	۱۳۵۰۱۳۰
ستسگد	مجارستان	اروپا	—
سرایوو	یوگسلاوی	اروپا	۱۳۵۰۰۰
سکوندی ـ تاکورادی	غنا	افریقا	—
سگو	مالی	افریقا	
سلیگو	ایرلند	اروپا	—
سلیمانیه	عراق	آسیا	—
سنت‌اتین	فرانسه	اروپا	—
سندایی	ژاپون	آسیا	—
سن‌کانتن	فرانسه	اروپا	۵۳۹۰۰
سنگاپور	سنگاپور	آسیا	۹۳۵۵۰۰
سن‌گال	سویس	اروپا	—
سن‌لویی	اتازونی	آمریکا	۸۵۶۸۰۰
سن‌لویی	سنگال	افریقا	—
سؤل	کره‌جنوبی	آسیا	۲۵۰۰۰۰۰
سوچه‌ملکو	مکزیك	آمریکا	۳۰۰۵۰
سورابایا	اندونزی	آسیا	—
سوراکارتا	اندونزی	آسیا	—
سیدنی	استرالیا	اقیانوسیه	۱۶۲۱۰۰۰
سی‌مارانگ	اندونزی	آسیا	—
سیوداد ـ بولیوار	ونزوئلا	آمریکای‌جنوبی	
شاروله	فرانسه	اروپا	—
شام	سویس	اروپا	۵۵۰۰
شامبری	آلبان	اروپا	۳۲۱۵۰
شامبون ـ فوژرل	فرانسه	اروپا	۱۷۷۰۰
شامپانی	فرانسه	اروپا	—
شانگهای	چین	آسیا	۲۰۴۰۰۰
شاه‌جهانپور	ایالات متحده	آمریکا	۱۱۰۱۶۳
شربروك	جنوب‌شرقی ـ کانادا	آمریکا	۵۰۵۰۰
شفیلد	انگلیس	اروپا	۵۱۲۰۰۰
شیکاگو	اتازونی	آمریکا	۳۶۲۱۰۰۰
شیلونگ	هندوستان	آسیا	—
صغدی	یمن	»	—
صور	لبنان	»	—
صیدا	»	»	—
طایف	عربستان‌سعودی	»	—
طرابوزان	ترکیه	آسیا ـ اروپا	—
طنطه	مصر	افریقا	—
ظامورا	اسپانیا	اروپا	۴۲۰۶۰
ظهران	عربستان سعودی	آسیا	—

شهر	کشور	قاره	جمعیت
عبادان	نیجریه	افریقا	—
علیگره	هند	آسیا	۱۴۱۰۰۰
عماره	عراق	»	—
عموریه	ترکیه	اروپا	—
غزنین	افغانستان	آسیا	—
فاس	مراکش	افریقا	۲۱۹۰۰۰
فالموت	جامائیکا	آمریکا	—
فاماگوستا	قبرس	آسیا	—
فارانگ	ویتنام‌جنوبی	»	—
فرانکفورت	ایالات‌متحده	آمریکا	۱۸۴۰۰
فرانکفورت ـ آم مین	آلمان	اروپا	۵۸۱۶۰۰
فرانکفورت اندزادر	آلمان	اروپا	۵۱۵۰۰
فرمیان	کامرون	افریقا	—
فلورانس	ایتالیا	اروپا	—
فورت	چاد	افریقا	—
فورتالزا	برزیل	آمریکای‌جنوبی	—
فورت‌هیل	نیاسالند	افریقا	—
فونشال	بلغارستان	اروپا	—
فیانارانسوآ	مالگاش	افریقا	—
فیلادلفیا	اتازونی	آمریکا	۲۰۶۵۰۰۰
قارص	ترکیه	اروپا	—
قاهره	مصر	افریقا	۲۶۰۰۰۰۰
قسطنطنیه	الجزایر	»	—
قندهار	افغانستان	آسیا	—
قونیه	ترکیه	اروپا	—
کائدی	موریتانی	افریقا	—
کائولاك	سنگال	»	—
کاتان	ایتالیا	اروپا	—
کاراکاس	ونزوئلا	آمریکا	۸۴۰۰۰۰
کارتاژنا	کولومبیا	آمریکای‌جنوبی	—
کارل‌مارکس	آلمان شرقی	اروپا	—
کازابلانکا	مراکش	افریقا	—
کازاپا	بولیوی	آمریکای‌جنوبی	—
کاشغر	چین اصلی	آسیا	—
کالائو	پرو	آمریکای‌جنوبی	—
کالگاری	کانادا	آمریکای شمالی	۲۴۹۶۴۱
کالی	کولومبیا	آمریکای جنوبی	—
کامپالا	اوگاندا	افریقا	—
کانپور	هندوستان	آسیا	—
کان‌تو	ویت نام‌جنوبی	»	—
کانتون	اتازونی	آمریکا	—
کانتون	چین‌اصلی	آسیا	۱۶۰۰۰۰۰
کان‌کان	گینه	افریقا	—
کانگ‌تری	ویت‌نام جنوبی	آسیا	—
کانو	نیجریه	افریقا	—
کاهوبانگ	ویت‌نام شمالی	آسیا	—
کایس	مالی	افریقا	—
کبك	کانادا	آمریکای شمالی	۱۷۱۹۷۹
کپنهاك	دانمارك	اروپا	۸۰۰۰۰۰

شهر	کشور	قاره	جمعیت
کراچی	پاکستان	آسیا	—
کراکو	لهستان	اروپا	—
کربلا	عراق	آسیا	۱۲۳۰۰۰
کردبا	آرژانتین	آمریکا	—
کرك	ایرلند	اروپا	—
کرکوك	عراق	آسیا	—
کزونسیتی	فیلی‌پین	»	—
کریست‌جرج	زلاندنو	اقیانوسیه	—
کریستیان‌ـ سوند	نروژ	اروپا	—
کلاگن‌فورت	اتریش	اروپا	—
کلکته	هند	آسیا	۳۰۶۷۰۰۰
کلن	آلمان	اروپا	—
کلوج	رمانی	»	—
کلیولند	ایالات متحده	آمریکای شمالی	۸۷۶۰۰۰
کمبریج	اتازونی	آمریکا	—
کوامبرا	پرتغال	اروپا	—
کوتابهارو	مالزیا	آسیا	—
کوتیه	پاکستان	»	—
کوچابامبا	بلیوی	آمریکا	—
کوردوبا	آرژانتین	آمریکای‌جنوبی	—
کوردوبا‌ـ (قرطبه)	اسپانیا	اروپا	—
کوسکو	پرو	آمریکای جنوبی	—
کوکیل ـ هاتویل	کنگو	افریقا	—
کولون	آلمان غربی	اروپا	—
کولیما	مکزیك	آمریکا	—
کوماسی	غنا	افریقا	—
کومپنگ	کامبوج	آسیا	—
کونسپسیون	شیلی	آمریکای جنوبی	—
کویت	کویت	آسیا	۱۲۰۰۰۰
کیتما	قبرس	»	—
کیزومو	کنیا	افریقا	—
کیشفالودی	اوکرایین	اروپا	—
کیف	اوکرایین	اروپا	—
کیلولنگ	چین‌ملی	آسیا	—
کی‌نهون	ویت‌نام جنوبی	»	—
کیوتو	اکوادر	»	—
گال	سیلان	»	—
گالوا	نپال	»	—
گان	بلژیك	اروپا	—
گراتس	اتریش	»	—
گراز	اتریش	»	—
گراناوا‌ـ (غرناطه)	اسپانیا	»	—
گراندباسام	ساحل عاج	افریقا	—
گلاسکو	بریتانیای‌کبیر	اروپا	—

شهر	کشور	قاره	جمعیت
گوادا‌ـ لاجارا	مکزیك	آمریکا	
گوآیاکیل	اکوادر	آمریکای‌جنوبی	
گوتنبرگ	سوئد	اروپا	—
گودانسک‌ـ دانزیك	لهستان	»	—
گودیلها	بلغارستان	اروپا	—
لاپاز	بلیوی	آمریکا	۹۴۸۴۴۶
لاتاگونگا	اکوادر	آمریکای‌جنوبی	—
لارناکا	قبرس	آسیا	—
لاسیبا	هندوراس	آمریکا	—
لاشیو	برمه	آسیا	—
لاهور	پاکستان	»	—
لاهه	هلند	اروپا	—
لایپزیك	آلمان‌شرقی	»	—
لایمریك	ایرلند	اروپا	—
لئون	نیکاراگوئه	آمریکا	—
لدز	لهستان	اروپا	—
لزان	سویس	»	—
لس‌آنجلس	اتازونی	آمریکا	—
لکنهو	هند	آسیا	—
لندن	انگلیس	اروپا	—
لوانگ‌ـ پرابانگ	لائوس	آسیا	—
لوبلین	لهستان	اروپا	—
لودز	لهستان	»	—
لودوار	کنیا	افریقا	—
لوس‌آنجلس	ایالات‌متحده	آمریکای‌شمالی	۲۴۷۹۰۰۰
لوهاور	فرانسه	اروپا	—
لهاسا	چین‌اصلی	آسیا	—
لیتر	اتریش	اروپا	—
لیذر	انگلیس	»	—
لیل	فرانسه	»	—
لیما	پرو	آمریکا	۱۲۶۰۰۰۰
لیماسول	قبرس	آسیا	—
لیمون	کستاریکا	آمریکا	—
لینتس	اتریش	اروپا	—
لیوبلیانا	یوگوسلاوی	»	—
لیورپول	انگلیس	»	—
لیون	فرانسه	»	—
لیوینگستون	زامبیا	افریقا	—
ماتارا	سیلان	آسیا	—
ماتیزبورگ	افریقای‌ـ جنوبی	افریقا	—
مادرید	اسپانیا	اروپا	۲۲۶۰۰۰۰
ماراکایبو	ونزوئلا	آمریکای‌جنوبی	—
مارامپا	سیرالئون	افریقا	—
مارب	یمن	آسیا	—
مارسی	فرانسه	اروپا	—
مارشال	لیبریا	افریقا	—

شهر	کشور	قاره	جمعیت
مارفا	مالت	اروپا	—
ماریانائو	کوبا	آمریکای‌مرکزی	—
مازاتلان	مکزیك	آمریکا	—
مازیندی	اوگاندا	افریقا	—
ماژونکا	مالگاش	«	—
ماگدبورگ	آلمان‌شرقی	اروپا	—
مالاگا	اسپانیا	«	—
مالمو	سوئد	«	—
مالیندی	کنیا	افریقا	—
ماناثوس	برزیل	آمریکای‌جنوبی	—
مانار	سیلان	آسیا	—
مانانا	پاناما	آمریکا	—
ماندالایی	برمه	آسیا	—
مانزانیلو	کوبا	آمریکای‌مرکزی	—
مانیلا	فیلی‌پین	آسیا	۱۰۰۰۰۰۰
ماکاسار	اندونزی	آسیا	—
مبلوکی	اتازونی	آمریکا	—
مخا	یمن	آسیا	—
مدان	اندونزی	«	—
مدرس	هندوستان	«	—
مدلین	کولومبیا	آمریکای‌جنوبی	—
مدینهٔ‌طیبه	عربستان‌ـ سعودی	آسیا	—
مراطه	لیبی	افریقا	—
مراکش	مراکش	افریقا	—
مرکا	سومالی	«	—
مریدا	مکزیك	آمریکا	—
مزارشریف	افغانستان	آسیا	—
مزال	کانادا	آمریکا	—
مزیکالی	مکزیك	«	—
مسکو	روسیه	اروپا	۶۳۵۴۰۰۰
معان	اردن	آسیا	—
مکزیکو	مکزیك	آمریکا	—
ملبورن	استرالیا	اقیانوسیه	—
ملتان	پاکستان	آسیا	—
منچستر	انگلیس	اروپا	—
مندوزا	آرژانتین	آمریکای‌جنوبی	—
منصوره	مصر	افریقا	—
موئونگ‌ـ سینگ	لائوس	آسیا	
موئونگ‌لان	لائوس	آسیا	—
موپتی	مالی	افریقا	—
موروران	ژاپون	آسیا	—
موصل	عراق	آسیا	—
موکپو	کرهٔ جنوبی	آسیا	—
موکدن	چین اصلی	آسیا	—
موگو	نپال	آسیا	—
مولتان	پاکستان	«	—
مولمن	برمه	«	—
مولندو	پرو	آمریکای جنوبی	—

شهر	کشور	قاره	جمعیت
مومباسا	کنیا	افریقا	—
مونترال	کانادا	آمریکای‌شمالی	۱۱۹۱۰۶۲
مونتری	مکزیك	آمریکا	—
موندو	چاد	افریقا	—
مونیخ	آلمان غربی	اروپا	—
میسوری	هندوستان	آسیا	—
میلان	ایتالیا	اروپا	—
میلودکی	ایالات متحده	آمریکای‌شمالی	۷۴۱۰۰۰
میناس	اوروگوئه	آمریکای جنوبی	—
ناپل	ایتالیا	اروپا	—
ناتا	پاناما	آمریکا	—
ناتال	برزیل	آمریکای جنوبی	—
ناخون‌ـ راچاسیما	سیام	آسیا	—
نارویك	نروژ	اروپا	—
ناگازاکی	ژاپون	آسیا	—
ناگویا	ژاپون	آسیا	—
نانت	فرانسه	اروپا	—
نان‌چانك	چین	آسیا	—
نانکن	چین اصلی	آسیا	—
نانکینگ	چین	آسیا	—
نجف	عراق	آسیا	—
نما	موریتانی	افریقا	—
نما	غنا	افریقا	—
نورکوپنینگ	سوئد	اروپا	—
نورنبرگ	آلمان غربی	اروپا	—
نیالا	سودان	افریقا	—
نیانزا	رواندا	افریقا	—
نیس	فرانسه	اروپا	—
نیوپلیموت	زلاندنو	اقیانوسیه	—
نیویورك	ایالات متحده	آمریکای‌شمالی	۷۷۸۲۰۰۰
واباش	ایالات متحده (ایندیانا)	آمریکا	۱۲۶۲۵
وابان	کانادا	آمریکا	۸۰۳۰
واپاکونه‌تا	ایالات متحده (اوهیو)	آمریکا	۶۷۶۰
واپیتون	ایالات متحده (داکوتای‌شمالی)	آمریکا	۵۸۷۵
واتربری	ایالات‌متحده (کونکتی‌کات)	آمریکا	۱۰۷۱۳۰
واترتاون	ایالات‌متحده (داکوتای‌جنوبی)	آمریکا	۱۴۸۴۰
واترفورد	ایالات‌متحده (کونکتی‌کات)	آمریکا	۱۵۳۹۵
واترلو	کانادا	آمریکا	۲۱۳۷۰
واترویل	ایالات‌متحده (مین)	آمریکا	۱۷۷۰۰
واترویلت	ایالات متحده (نیویورك)	آمریکا	۱۳۹۲۰
واتسون‌ویل	ایالات‌متحده (کالفرنیا)	آمریکا	۱۳۳۰۰

شهر	کشور	قاره	جمعیت
واتیکان	ایتالیا	اروپا	۱۰۰۰
وادس‌ورث	ایالات‌متحده (اوهیو)	آمریکا	۱۰۶۳۵
وادمدانی	سودان	افریقا	—
وادوتس	لیختن اشتاین	اروپا	۳۰۳۰
وارساو	ایالات‌متحده (ایندیانا)	آمریکا	۷۲۳۵
وارن	ایالات متحده (اوهیو)	آمریکا	۵۹۶۴۸
وارنا	بلغارستان	اروپا	—
وارنتون	ایالات‌متحده (ویرجینیا)	آمریکا	۳۵۲۳
وارنسبورگ	ایالات متحده (میسوری)	آمریکا	۹۶۹۰
وارویك	ایالات‌متحده (ردآیلند)	آمریکا	۶۸۵۰۵
وارینگتون	ایالات متحده (فلوریدا)	آمریکا	۱۶۷۵۵
واستراس	سوئد	اروپا	۷۷۹۰۰
واشنگتون	ایالات متحده	آمریکای‌شمالی	۷۶۴۰۰۰۰
واکایاما	ژاپون	آسیا	۲۸۵۱۷۰۰
واکو	ایالات متحده (تکزاس)	آمریکا	۹۸۰۰۰
واگرام	اتریش	اروپا	۳۹۲۰
والاسبورگ	کانادا	آمریکا	۷۹۰۰
والپارزو	شیلی	آمریکای‌جنوبی	—
والپول	ایالات متحده (ماساچوست)	آمریکا	۱۴۰۷۰
والتهام	ایالات متحده (ماساچوست)	آمریکا	۵۵۴۱۵
والتهام‌آبی	انگلستان	اروپا	۸۲۰۰
والتهامستو	انگلستان	اروپا	۱۰۷۳۰۰
والسنبورگ	ایالات متحده (کولورادو)	آمریکا	۵۰۷۵
والنیا	اسپانیا	اروپا	—
والنیا	ونزوئلا	آمریکای جنوبی	—
والونا	آلبانی	اروپا	—
والی‌استریم	ایالات متحده (نیویورك)	آمریکا	۳۸۶۳۰
والی‌سیتی	ایالات متحده (داکوتای‌شمالی)	آمریکا	۷۸۱۰
والی‌فیلد	کانادا	آمریکا	۲۷۳۰۰
والینگتون	ایالات متحده (نیوجرسی)	«	۹۲۶۵
والینگفورد	ایالات متحده (کونکتی‌کات)	آمریکا	۲۹۹۲۰
وان	فرانسه	اروپا	۳۴۱۰۰
وان	ترکیه	آسیا_اروپا	۴۵۰۰۰

شهر	کشور	قاره	جمعیت
واناك	ایالات متحده (نیوجرسی)	آمریکا	۷۱۳۰
وانپورت	ایالات متحده (اوره‌گوئه)	آمریکا	—
واندالیا	ایالات متحده (ایلی‌نوییس)	آمریکا	۵۵۳۷
واندرگریفت	ایالات متحده (پنسیلوانیا)	آمریکا	۸۷۴۵
واندوم	فرانسه	اروپا	۱۱۰۰۰
وانکوور	کانادا	آمریکای‌شمالی	۳۸۴۵۲۲
وانورت	ایالات متحده (اوهیو)	آمریکا	۱۱۳۲۵
واهیو	هونولولو		۱۵۵۱۵
وایت‌پلینس	ایالات متحده (نیویورك)	آمریکا	۵۰۴۸۵
وایت‌ستلمنت	ایالات متحده (تکزاس)	آمریکا	۱۱۵۱۵
وایتفیش‌بی	ایالات متحده (ویسکونسین)	آمریکا	۱۸۳۹۰
وایتمن	ایالات‌متحده (ماساچوست)	»	۱۰۴۸۵
وایت‌واتر	ایالات‌متحده (ویسکونسین)	»	۳۶۸۰
وایت‌هال	ایالات‌متحده (ایلی نوییز)	»	۳۰۱۵
وایتهورس	کانادا	»	۴۸۰۰
واینلند	ایالات متحده (نیوجرسی)	»	۳۷۶۸۵
وب	ایالات متحده (میسوری)	»	۶۷۴۰
وبستر	ایالات متحده (ماساچوست)	»	۱۳۶۸۰
وبسترسیتی	ایالات متحده (ایووا)	»	۸۵۲۰
وبسترگروس	ایالات‌متحده (میسوری)	آمریکا	۲۸۹۹۰
وبسن	هلند	اروپا	۶۵۰۰۰
وبور	دانمارك	«	۲۳۲۶۵
ودرسفیلد	ایالات متحده (کونکتی‌کات)	آمریکا	۲۰۵۶۰
وراکروز	مکزیك	آمریکا	—
ورخویانسك	شوروی	آسیا	۱۵۰۰
وردن	کانادا	آمریکا	۷۸۳۲۰
وردن	فرانسه	اروپا	۲۲۰۰۰
ورسای	«	«	۸۶۷۶۰
ورشو	لهستان	«	۱۱۳۹۰۰۰
ورمیلون	ایالات متحده (داکوتای‌جنوبی)	آمریکا	۶۱۰۰
ورنال	ایالات متحده (یوتاه)	آمریکا	۳۶۵۵

شهر	کشور	قاره	جمعیت
ورنون	کانادا	آمریکا	۱۰۲۵۰
ورنون	ایالات متحده (تکزاس)	آمریکا	۱۲۱۴۵
ورو بیچ	ایالات متحده (فلوریدا)	«	۸۸۵۰
وروکلاو	لهستان	اروپا	—
وست‌پالم بیچ	ایالات متحده (فلوریدا)	آمریکا	۵۶۲۱۰
وست‌پورت	ایالات متحده (کونکتی کات)	«	۲۰۹۵۵
ورونا	ایتالیا	اروپا	۲۳۳۶۰۰
ورونا	ایالات متحده (نیوجرسی)	آمریکا	۱۳۷۸۵
ورونش	شوروی	آسیا-اروپا	۵۳۵۰۰۰
ورویه	بلژیك	اروپا	۳۵۴۵۵
وزر	ایالات متحده (ایداهو)	آمریکا	۴۲۱۰
وست‌آلیس	ایالات متحده (ویسکونسین)	آمریکا	۶۸۱۶۰
وست-اسپرینگفیلد	ایالات متحده (ماساچوست)	آمریکا	۲۴۹۲۵
وست‌اورنج	ایالات متحده (نیوجرسی)	آمریکا	۳۹۹۰۰
وستبروك	ایالات متحده (مین)	آمریکا	۱۳۸۲۰
وستبری	ایالات متحده (نیویورك)	آمریکا	۱۴۷۶۰
وست‌بند	ایالات متحده (ویسکونسین)	آمریکا	۹۹۷۰
وستبورو	ایالات متحده (ماساچوست)	«	۹۶۰۰
وست‌پوینت	ایالات متحده (میسی‌سیپی)	«	۸۵۵۰
وست‌پیتستون	ایالات متحده (پنسیلوانیا)	«	۷۰۰۰
وستچستر	ایالات متحده (پنسیلوانیا)	«	۱۵۷۰۵
وستدموین	ایالات متحده	«	۱۱۹۵۰
وسترلی	ایالات متحده (ردآیلند)	«	۱۴۲۷۰
وسترویل	ایالات متحده (اوهیو)	«	۷۰۱۰
وست-ریدینگ	ایالات متحده (پنسیلوانیا)	«	۴۹۴۰
وست-فرانکفورت	ایالات‌متحده (ایلی نویز)	«	۹۰۳۰
وستفیلد	ایالات متحده (ماساچوست)	«	۲۵۳۰۰
وست‌کلمبیا	ایالات متحده (تکزاس)	آمریکا	۶۴۱۰
وست‌کوونیا	ایالات متحده (کالیفرنیا)	«	۵۰۶۴۶
وست‌لافییت	ایالات متحده (ایندیانا)	«	۱۲۶۸۰
وست‌لانگ-برانچ	ایالات متحده (نیوجرسی)	«	۵۳۴۰
وست‌لوطین	اسکاتلند	اروپا	۹۷۶۰۰
وستمط	ایرلند	اروپا	۱۷۶۰
وست‌ممفیس	ایالات متحده (آرکانزاس)	آمریکا	۱۹۳۷۵
وست‌میفلین	ایالات متحده (پنسیلوانیا)	«	۲۷۲۹۰
وستمونت	ایالات متحده (کیتسی)	«	۲۵۰۱۵
وست‌مونروئه	ایالات متحده (لوییزیانا)	«	۱۵۲۱۵
وستمینستر	انگلستان	اروپا	۸۵۲۲۵
وستمینستر	ایالات متحده (مریلند)	آمریکا	۶۱۲۵
وست-نیویورك	ایالات متحده (نیوجرسی)	«	۳۵۵۵۰
وست-وارویك	ایالات متحده (رودآیلند)	«	۲۱۴۱۵
وست‌وگو	ایالات متحده (لوییزیانا)	«	۹۸۱۵
وستون	کانادا	«	۹۷۱۵
وست‌یورك	ایالات متحده (پنسیلوانیا)	«	۵۵۲۵
وسلیکو	ایالات متحده (تکزاس)	«	۱۵۶۵۰
وکسفورد	ایرلند	اروپا	۸۳۳۰۰
وکسیهاچی	ایالات متحده (تکزاس)	آمریکا	۱۲۷۵۰
ولادیمیر-وولینسکی	اوکراین	آسیا-اروپا	۲۵۰۰۰
ولاولا	ایالات متحده (واشنگتن)	آمریکا	۲۴۵۳۵
ولترا	ایتالیا	اروپا	۹۴۰۰
ولچ	ایالات متحده (ویرجینیا)	آمریکا	۵۳۱۵
ولس	انگلستان	اروپا	۶۷۰۰
ولس	ایالات متحده (مین)	آمریکا	۳۵۲۵
ولسال	انگلستان	اروپا	۱۱۷۸۰۰
ولسبورگ	ایالات متحده (ویرجینیا)	آمریکا	۵۵۱۵

شهر	کشور	قاره	جمعیت
ولسلی	ایالات متحده (ماساچوست)	آمریکا	۲۶۰۷۵
ولگاگراد (استالینگراد)	شوروی	آسیا ـ اروپا	۵۹۱۰۰۰
ولند	کانادا	آمریکا	۳۶۸۰۰
ومبلی	انگلستان	اروپا	۱۲۴۸۴۵
ومبلی	»	»	۱۲۴۸۴۵
ونت‌نور	ایالات‌متحده (نیوجرسی)	آمریکا	۸۶۹۰
ونتورا	ایالات‌متحده (کالیفرنیا)	»	۲۹۱۱۵
ون چئو	چین	آسیا	—
ونسان	فرانسه	اروپا	۵۰۴۴۰
ونیز	ایتالیا	»	۱۷۵۰۰۰
ونیس	ایالات‌متحده (ایلی‌نویز)	آمریکا	۵۴۰۰
ونیو	هلند	اروپا	۵۸۷۰۰
وواتوسا	ایالات‌متحده (ویسکونسین)	آمریکا	۵۶۹۲۵
ووپرتال	آلمان	اروپا	۴۲۳۱۲۵
ووپون	ایالات متحده (ویسکونسین)	آمریکا	۷۹۳۵
ووچانگ	چین	آسیا	—
ووسو	ایالات متحده (ویسکونسین)	آمریکا	۳۱۹۴۵
ووسنسه	چین	آسیا	۸۳۲۰۰۰
ووکه‌گان	ایالات متحده (ایلی نویز)	آمریکا	۵۵۷۲۰
ووکیشا	ایالات متحده (ویسکونسین)	آمریکا	۳۰۰۰۰
وولوس	یونان	اروپا	۴۹۲۲۵
وولوگدا	شوروی	اروپا	۱۵۲۰۰۰
وونسان	کرهٔ‌شمالی	آسیا	—
ووکا	ایالات متحده (اوکلاهما)	آمریکا	۹۵۵۵
ووهان	چین	آسیا	۳۱۳۰۸۰۰
وهران	الجزایر	افریقا	—
وه‌لور	هند	آسیا	۱۱۳۷۵۰
ویاردجو	ایتالیا	اروپا	۴۷۳۲۵
ویبورا	کانادا	آمریکا	۹۱۰۰
ویبورگ	شوروی	آسیا ـ اروپا	۵۷۰۰۰
ویتبسک	»	» »	۱۷۴۰۰۰
ویتبی	کانادا	آمریکا	۱۴۶۸۵
ویتبی	انگلستان	اروپا	۱۱۶۶۵
ویسالیا	ایالات‌متحده (کالیفرنیا)	آمریکا	۱۵۸۰۰
ویزاتا	ایالات‌متحده (مینه زوتا)	آمریکا	۳۲۲۰
ویرجینیا ـ سیتی	ایالات‌متحده (مونتانا)	آمریکا	۱۹۴
ویرجینیا بیچ	ایالات‌متحده (ویرجینیا)	آمریکا	۸۴۲۱۵
ویرجینیا	ایالات‌متحده (مینه زوتا)	»	۱۴۰۳۵
ویرجنز	ایالات‌متحده (ورمونت)	»	۲۰۰۰
ویرتون	ایالات‌متحده (ویرجینیا)	»	۲۸۲۰۰
ویدالیا	ایالات‌متحده (جیورجیا)	»	۷۵۷۰
ویچیتا ـ فالس	ایالات‌متحده (تکزاس)	»	۱۰۱۷۲۵
ویچیتا	ایالات‌متحده (کانزاس)	»	۲۵۴۷۰۰
ویچینتسا	ایتالیا	اروپا	۹۸۰۲۰
ویتییر	ایالات‌متحده (کالیفرنیا)	آمریکا	۳۳۶۶۵
ویت‌ویل	ایالات‌متحده (ویرجینیا)	»	۵۶۵۰
ویتون	ایالات‌متحده (ایلی‌نویز)	»	۲۴۳۱۵
ویتوریو ـ ونه تو	ایتالیا	اروپا	۴۵۰۰۰
ویتشیر	انگلستان	»	۴۲۲۷۵۵
ویتربو	ایتالیا	»	۵۰۰۰۰
ویسمار	آلمان شرقی	اروپا	—
ویشی	فرانسه	اروپا	۳۰۶۱۵
ویکتوریا	مالت	اروپا	—
ویکتوریا	کانادا	آمریکا	۵۵۰۰۰
ویکتوریا	مکزیک	»	۳۵۰۰۰
ویکتوریا	ایالات متحده (تکزاس)	»	۳۳۰۵۰
ویکتوریاویل	کانادا	آمریکا	۱۸۷۲۰
وی‌کراس	ایالات متحده (جیورجیا)	»	۲۰۹۵۰
ویکسبورگ	ایالات متحده (میسی سیپی)	»	۲۹۱۳۰
ویکفیلد	انگلستان	اروپا	۶۱۶۰۰
ویکفیلد	ایالات متحده (ماساچوست)	آمریکا	۲۴۳۰۰
ویکلو	ایرلند	اروپا	۵۸۴۵۰
ویکلیف	ایالات متحده (اوهیو)	آمریکا	۱۵۶۷۰
ویکنبورگ	ایالات متحده (آریزونا)	»	۲۴۵۰
ویگان	انگلستان	اروپا	۷۸۷۰۰
ویلا ـ فرانکاده‌وارونا	ایتالیا	اروپا	۱۸۰۰۰
ویل‌پلت	ایالات متحده	آمریکا	۷۵۱۵

شهر	کشور	قاره	جمعیت
	(لوییزیانا)		
ویلتون	انگلستان	اروپا	۳۴۰۵
ویلربان	فرانسه	اروپا	۱۱۶۴۲۰
ویلسون	ایالات متحده (کارولینا)	آمریکا	۲۸۷۵۵
ویلکس باره	ایالات متحده (پنسیلوانیا)	»	۶۳۵۵۰
ویلکینسبورگ	ایالات متحده (پنسیلوانیا)	»	۳۰۰۷۰
ویلمار	ایالات متحده (مینه زوتا)	»	۱۰۴۲۰
ویلمردینگ	ایالات متحده (پنسیلوانیا)	»	۴۳۵۰
ویلمینگتون	ایالات متحده (ماساچوست)	»	۱۲۴۷۵
ویلمینگتون	ایالات متحده (کارولینای‌جنوبی)	»	۴۴۰۱۵
ویلوفبی	ایالات متحده (اوهیو)	آمریکا	۱۵۰۶۰
ویلهلمس‌هافن	آلمان	اروپا	۱۰۰۰۰۰
ویلیامسبورگ	ایالات متحده (ویرجینیا)	آمریکا	۶۸۳۵
ویلیامسپورت	ایالات متحده (پنسیلوانیا)	»	۴۹۹۷۰
ویلیامستاون	ایالات متحده (ماساچوست)	»	۷۳۲۵
ویلیامسون	ایالات متحده (ویرجینیا)	»	۶۷۵۰
ویلیستون	ایالات متحده (داکوتای شمالی)	»	۱۱۸۷۰
ویلیمنتیک	ایالات متحده (کونکتی کات)	آمریکا	۱۳۸۸۰
ویلنیگ	ایالات متحده (ویرجینیا)	»	۵۳۴۰۰
ویمار	آلمان	اروپا	۶۶۶۶۰
ویمبلدون	انگلستان	اروپا	۵۷۰۰۰
ویموث	ایالات متحده (ماساچوست)	آمریکا	۴۸۱۸۰
ویموث‌اند ملکومب‌رجیس	انگلستان	اروپا	۴۰۹۶۵
وین	فرانسه	اروپا	۲۷۰۰۰
وین	اتریش	اروپا	۱۸۰۰۰۰۰
وین	ایالات متحده (میشیگان)	آمریکا	۱۶۰۳۵
ویناچی	ایالات متحده (واشینگتن)	»	۱۶۷۳۰
وینتکا	ایالات متحده (ایلی‌نوییز)	»	۱۳۳۷۰
وینچستر	ایالات متحده (ماساچوست)	»	۱۹۳۷۵
وینچستر	انگلستان	اروپا	۲۸۶۴۵
وینچندون	ایالات متحده (ماساچوست)	آمریکا	۶۲۴۰
ویندبر	ایالات متحده (پنسیلوانیا)	»	۷۰۰۰
ویندزور	کانادا	آمریکا	۱۱۴۳۷۰
ویندزور	انگلستان	اروپا	۲۷۱۳۰
ویندزور لاکس	ایالات متحده (کونکتی کات)	آمریکا	۱۱۴۱۵
وین‌دوت	ایالات متحده (میشیگان)	»	۴۳۵۲۰
ویزیو	پرتغال	اروپا	۱۷۰۰۰
وینسبورگ	ایالات متحده (پنسیلوانیا)	آمریکا	۵۱۹۰
وینسبورو	ایالات متحده (ویرجینیا)	»	۱۵۷۰۰
وینسنز	ایالات متحده (ایندیانا)	»	۱۸۰۵۰
وینس‌ویل	ایالات متحده (نیوکاسل)	»	۶۱۶۰
وینفیلد	ایالات متحده (لوییزیانا)	»	۷۰۲۵
وینفیلد	ایالات متحده (کانزاس)	»	۱۱۱۱۵
وینه	ایالات متحده (ویرجینیا)	»	۱۱۴۴۵
وینیپگ	کانادا	»	۲۶۵۴۳۰
وینیتا	ایالات متحده (اوکلاهما)	»	۶۰۲۷
وینیتسا	اوکراین	آسیا-اروپا	۱۳۹۰۰۰
ویورلی	ایالات متحده (یووا)	آمریکا	۶۳۶۰
ویهوکن	ایالات متحده (نیوجرسی)	»	۱۳۵۰۵
وی‌هیوا	چین	آسیا	۱۷۵۰۰۰
هارپر	لیبریا	افریقا	—
هارلم	هلند	اروپا	—
هاستینگ	زلاندنو	اقیانوسیه	—
هال	آلمان‌شرقی	اروپا	—
هال‌سینگ بورگ	سوئد	»	—
هامبورگ	آلمان‌غربی	»	—
هام‌هونگ	کرهٔ‌شمالی	آسیا	—
هامیلتون	کانادا	آمریکای‌شمالی	۲۷۳۹۹۱
هانکئو	چین	آسیا	—
هت‌نلسن	زلاندنو	اقیانوسیه	—
هرات	افغانستان	آسیا	—
هرار	حبشه	افریقا	۴۰۰۰۰
هفوف	عربستان سعودی	آسیا	۲۰۰۰۰۰
هلندیا	اندونزی	»	—

شهر	کشور	قاره	جمعیت
هنگ‌کنگ	—	آسیا	—
هوبارت	استرالیا	اقیانوسیه	—
هورا	ویت‌نام‌جنوبی	آسیا	—
هوستن	ایالات‌متحده	آمریکای شمالی	۹۳۸۰۰۰
هونگ نام	کرهٔ‌شمالی	آسیا	—
هایفونگ	ویت‌نام‌شمالی	آسیا	—
هیروشیما	ژاپون	»	—
یارکاند	چین	آسیا	—
یارموت	کانادا	آمریکا	۸۶۴۰
یارموت	انگلستان	اروپا	۵۲۷۶۰
یاروسلاوی	شوروی	»	۴۵۴۰۰۰
یافا	اسرائیل	آسیا	—
یاکوتسک	شوروی	آسیا ـ اروپا	۸۲۰۰۰
یالتا	اوکرایین	» »	۳۴۱۰۰
یاماگوچی	ژاپون	»	۸۷۷۰۰
یانک‌تون	ایالات‌متحده (داکوتای‌جنوبی)	آمریکا	۹۲۸۰
یانگجو	چین	آسیا	۲۲۱۷۰۰
یاواتا	ژاپون	»	۳۵۵۰۰۰
یدون	ایالات‌متحده (پنسیلوانیا)	آمریکا	۱۱۶۱۰
یازویستی	ایالات‌متحده (میسی‌سیپی)	»	۱۱۲۴۰
یاکه‌ما	ایالات‌متحده (واشینگتن)	»	۴۳۲۸۵
یانگستاون	ایالات‌متحده (اوهیو)	»	۱۶۶۷۰۰
ینا	آلمان‌شرقی	اروپا	—
یوباسیتی	ایالات‌متحده (کالیفرنیا)	آمریکا	۱۱۵۰۰
یورک	ایالات‌متحده (پنسیلوانیا)	»	۵۴۵۰۰
یورکتاون	ایالات‌متحده (ویرجینیا)	»	۳۱۱
یورکتون	کانادا	آمریکا	۱۰۰۰۰
یوکاتان	مکزیک	»	۱۸۰۰۰
یوکوسوکا	ژاپون	آسیا	۳۰۰۰۰۰
یوکوم	ایالات‌متحده (تکزاس)	آمریکا	۵۷۶۵
یوکوهاما	ژاپون	آسیا	۱۶۵۰۰۰۰
یونکرز	ایالات‌متحده (نیویورک)	آمریکا	۱۹۰۶۳۴

بنادر مهم و معروف جهان

بندر	کشور	دریا
آبادان	ایران	خلیج فارس
آبی‌جان	ساحل عاج	اقیانوس اطلس
آرخنگل	روسیهٔ شوروی	دریای سفید
آژاکسیو	جزیرهٔ کرس	دریای مدیترانه
آکاپولکو	مکزیک	اقیانوس کبیر
آکرا	غنا	خلیج گینه
آکوریی‌یر	آیسلند	اقیانوس اطلس
آلکانتا	اسپانیا	دریای مدیترانه
آلگراس	اسپانیا	دریای مدیترانه
آلمه‌رآ	اسپانیا	دریای مدیترانه
آلوسون	نروژ	دریای نروژ
آماگاساکی	ژاپون	خلیج اوزاکا
آمستردام	هلند	دریای شمال
آنورس	بلژیک	رود اسکو
ادسا (اودسا)	—	—
آنکونا	ایتالیا	دریای آدریاتیک
ازمیر	ترکیه	دریای اژه
استانبول	ترکیه	بسفر
استراخان	روسیه	دریای خزر
استکهلم	سوئد	دریاچهٔ ملار
اسکندرون	ترکیه	بحرالروم
اسکندریه	مصر	نیل
اسلامبول	ترکیه	دریای بسفر
اسلو	نروژ	خلیج اسلو
الجزیره	الجزایر	دریای مدیترانه
اودسا	روسیهٔ شوروی	دریای سیاه
اوزاکا	ژاپون	اقیانوس کبیر
بادکوبه (باکو)	آذربایجان شوروی	دریای خزر
بارسلن	اسپانیا	مدیترانه
باکو	روسیهٔ شوروی	دریای خزر
بالتیمور	اتازونی	اقیانوس اطلس
بانکوک	سیام	خلیج سیام
بردو	فرانسه	اقیانوس اطلس
برگن	نروژ	اقیانوس اطلس
بریزبان (بریسبان)	استرالیا	دریای کورال
بصره	عراق	خلیج فارس
بلفاست	ایرلند شمالی	دریای ایریش
بمبئی	هند	دریای عمان
بن‌غازی	لیبی	دریای مدیترانه
بوئنوس‌آیرس	آرژانتین	اقیانوس اطلس
بوستن	اتازونی	اقیانوس اطلس
بوفالو	اتازونی	دریاچهٔ اریه
بیروت	لبنان	دریای مدیترانه
بی‌زرت	تونس	دریای مدیترانه
باستون	اتازونی	اقیانوس اطلس
بیلبائو	اسپانیا	خلیج کاسکنی
پاناما	پاناما	اقیانوس کبیر
پورت اسموت	انگلستان	دریای مانش
پورت‌الیزابت	افریقای جنوبی	اقیانوس هند
پورت‌سعید	مصر	مدیترانه

بندر	کشور	دریا
پورت‌سودان	سودان	دریای سرخ
پلیموت	انگلستان	دریای مانش
تاییه	چین ملی	دریای‌چین‌شمالی
تالین	روسیهٔ شوروی	خلیج فنلاند
ترابوزان	ترکیه	دریای سیاه
تریپولی(طرابلس)	لبنان	دریای‌مدیترانه
تریست	ایتالیا (بین‌المللی)	دریای‌آدریاتیك
تل‌آویو	فلسطین	دریای مدیترانه
تولون	فرانسه	دریای مدیترانه
تونس	تونس	خلیج تونس
تین‌تسین	چین	دریای چین
جاکارتا	اندونزی	اقیانوس هند
جده	عربستان سعودی	دریای احمر
جنوا	ایتالیا	دریای لیگوریان
چونك‌کینگك	چین	یانك‌تسه‌کیانگك
جیبوتی	سومالی	خلیج‌عدن
چارلستون	اتازونی	اقیانوس اطلس
حیفا	اسراییل	دریای مدیترانه
داکار	سنگال	اقیانوس اطلس
دایرن	چین	اقیانوس‌کبیر
دوبلین	ایرلند آزاد	دریای ایرلند
دورازو	آلبانی	دریای‌آدریاتیك
دوربان	افریقای جنوبی	اقیانوس هند
دونکرك	فرانسه	دریای شمال
دوور	انگلستان	پادوکاله
رانگون	بیرمانی	خلیج مارتابان
رباط	مراکش	اقیانوس اطلس
روتردام	هلند	دریای شمال
ریگا	روسیهٔ شوروی	خلیج ریگا
ریکاجاویك	ایسلند	اقیانوس‌کبیر
ریودوژانیرو	برزیل	اقیانوس اطلس
زارا	یوگوسلاوی	دریای‌آدریاتیك
ژدانو	روسیهٔ شوروی	دریای‌آزوف
ژن	ایتالیا	خلیج ژنوا
ژنوا (جنوا)	—	—
سالونیك	یونان	دریای اژه
سامارانگ	اندونزی	جزیرهٔ جاوه‌دراقیانوس‌هند
سامسون	ترکیه	دریای سیاه
سانتوس	برزیل	اقیانوس اطلس
سانتیاگو	کوبا	دریای‌کارائیب
سان‌دیگو	اتازونی	خلیج سان‌دیگو
سان رمو	ایتالیا	دریای مدیترانه
سانفرانسیسکو	اتازونی	اقیانوس‌کبیر
سباستوپول	روسیهٔ شوروی	دریای سیاه
سنگاپور	سنگاپور	اقیانوس‌کبیر
سوئز	مصر	دریای احمر
سورابایا	اندونزی	جزیرهٔ جاوه‌دراقیانوس‌هند
سیدنی	استرالیا	اقیانوس‌کبیر
شانگهای	چین	مصب‌رودیانگك تسه‌— کیانگك
شربورگ	فرانسه	دریای مانش
شیکاگو	اتازونی	دریاچهٔ میشیگان

بندر	کشور	دریا
طرابلس شرق	لبنان	مدیترانه
طرابلس غرب	لیبی	مدیترانه
طنجه	مراکش	دریای مدیترانه
عدن	عدن	خلیج عدن
عقبه	اردن	خلیج عقبه
فائو	عراق	خلیج فارس
فوچئو	چین	اقیانوس‌کبیر
فیلادلفیا	اتازونی	اقیانوس اطلس
کارتاژن	کلمبیا	دریای آنتیلها
کاراکاس	ونزوئلا	دریای‌کارائیب
کاردیف	انگلیس	خلیج بریستول
کازابلانکا	مراکش	اقیانوس اطلس
کانتون	چین	اقیانوس‌کبیر
کراچی	پاکستان	دریای عمان
کوناکری	گینه	اقیانوس اطلس
کلکته	هند	خلیج بنگاله
کلمبو	سیلان	اقیانوس هند
کویت	کویت	خلیج فارس
کیپ‌تاون	افریقای جنوبی	اقیانوس هند
گوا	هندوستان	اقیانوس هند
لنین‌گراد	روسیه	دریای بالتیك
لوهاور	فرانسه	دریای مانش
لوس‌آنجلس	اتازونی	اقیانوس‌کبیر
لیسبون	پرتغال	اقیانوس اطلس
لیما	پرو	اقیانوس‌کبیر
لیورپول	انگلستان	دریای ایرلند
ماخاچ‌قلعه	داغستان	دریای خزر
مارسی	فرانسه	مدیترانه
ماکائو	چین	خلیج‌کانتون
مالاگا	اسپانیا	دریای‌مدیترانه
مالموئه	سوئد	دریای بالتیك
مدرس	هند	خلیج بنگاله
مسقط	عمان	دریای عمان
ملبورن	استرالیا	اقیانوس کبیر
ممباسا	کنیا	اقیانوس هند
منرویا	لیبریا	خلیج‌گینه
مورمانسك	روسیهٔ شوروی	اقیانوس‌منجمدشمالی
مونترو	سویس	دریاچهٔ لمان
مونتویدئو	اوروگوئه	اقیانوس اطلس
میلان(بندرنیست)	ایتالیا	دریای‌مدیترانه
ناپل	»	دریای تیرنین
ناگازاکی	ژاپون	دریای‌چین
ناگویا	ژاپون	اقیانوس‌کبیر
نانت	فرانسه	رودلوار
نانسی (بندرنیست)	فرانسه	ژنوا
نانکن	چین‌کمونیست	رودیانگك — تسه کیانگك
نیس	فرانسه	مدیترانه
نیکوزیا	قبرس	دریای مدیترانه
نیویورك	ایالات‌متحده	اقیانوس‌اطلس

بندر	کشور	دریا
وارنا	بلغارستان	دریای‌سیاه
واسا	فنلاند	دریای بالتیك
واکاماتسو	ژاپون	دریای ژاپون
والپارزو	شیلی	اقیانوس کبیر
وراکروز	مکزیك	خلیج مکزیك
ولادی‌ووستوك	سیبری	دریای ژاپون
ونیز	ایتالیا	دریای آدریاتیك
ولونا	آلبانی	« »
ونتس پولیس	شوروی	دریای بالتیك
ویتوریا	برزیل	اقیانوس اطلس
ویسمار	آلمان شرقی	دریای بالتیك
ویگو	اسپانیا	اقیانوس اطلس
هامبورك	آلمان	رود آلپ
هانگ‌چئو	چین	خلیج‌هانگ‌چئو
هاوانا	کوبا	دریای‌کارائیب
هایفونگ	ویتنام شمالی	دریای جنوبی چین
هلسینکی	فنلاند	خلیج فنلاند
هنگ‌کنگ	بندرآزاد	خلیج کانتون
هوبارت	استرالیا	اقیانوس کبیر
هوپه (تین تسن)	—	—
یالتا	روسیه	دریای‌سیاه
یوکوهاما	ژاپون	خلیج‌توکیو

شهرها و کشورهایی که به‌نام شخصیتها معروف است

استانلی‌ویل : شهری در کنگو، معروف به‌نام کاشف وجهانگرد انگلیسی.

اسکندریه : بندری‌معروف درمصر به‌نام اسکندرمقدونی .

بافین: جزیره‌ای در شمال‌کانادا ، معروف به‌نام‌ویلیام‌بافین،جهانگردمعروف انگلیسی .

بندر پهلوی : بندری درکناردریای مازندران معروف به‌نام‌رضاشاه‌پهلوی .

بندرشاه : بندری درمغرب گرگان به‌نام‌رضاشاه‌کبیر معروف است.

بندر عباس : ازبنادر خلیج فارس معروف‌به‌نام شاه‌عباس‌کبیر .

بولیوی: کشوری‌درآمریکای‌جنوبی که‌به‌نام سیمون **دوبولیوار** مرد سیاسی آمریکای جنوبی‌مشهور شده است.

بیسمارك : مرکز ایالت داکوتای شمالی درآمریکا، معروف به‌نام صدر ـ اعظم‌آلمان .

پنسیلوانیا : ایالتی درآمریکا،معروف به نام ویلیام**پن** . روحانی و سیاستمدار انگلیسی .

تاسمانی : جزیـره‌ای در جـنوب استرالیا ، مشهور به‌نام تـاسمانی کاشف هلندی .

تربت‌جام: شهری‌دراستان‌خراسان معروف‌به‌نام شیخ‌جام .

تربت حیدریه : شهـری‌در استان خراسان‌معروف به نام‌شیخ‌قطب‌الدین‌حیدر، زاهدایرانی .

جاکسون : مرکزایالت میسی‌سی‌پی درآمریکا به‌نام رییس جمهور آن‌کشور معروف است .

جفرسون‌سیتی: مرکزایالت‌میسوری در آمریکا، معروف به‌نام رییس‌جمهور آن کشور .

داروین : مرکزایالت تریتوری‌در استرالیا به‌نام‌طبیعی‌دان‌معروف‌انگلیسی.

رالی : مرکز ایالت کارولینیای شمالی درآمریکا ، به نام‌کاشف‌معروف انگلیسی .

رضاییه: مرکزاستان‌چهارم‌معروف به‌نام رضاه‌شاه‌کبیر .

رودزیا: ازکشورهای‌آفریقا،معروف به‌نام**سیسیل رودزیا**جهانگردوسیاستمدار انگلیسی .

روم : پایتخت‌ایتالیا ، معروف بهـ نامهای**رومولوس و رموس** ، برادران افسانه‌ای ایتالیا .

ژرژتاون : پایتخت‌گینهٔ انگلیس، معروف به‌نام جرج‌سوم پادشاه انگلیس.

سالیسبوری: پایتخت‌رودزیای‌جنوبی، به‌نام‌یکی‌ازسیاستمداران انگلیس‌مشهور شده است .

سیوداد تروجیلو : پایتخت کشور دومینیکن‌که به اسم دیکتاتورآن‌کشور نامیده شده است .

شهرضا: شهری‌دراستان‌دهم معروف به‌نام‌رضاشاه‌کبیر .

قسطنطنیه : شهری در ترکیه به‌نام **کونستانتین** امپراتور روم معروف شده است .

کزون سیتی : پایتخت فیلی‌پین که به‌نام‌اولین‌رییس جمهورآن‌کشور معروف شده است .

کلمبوس : مرکزایالت اوهایو در آمریکا معروف‌به‌نام‌کاشف‌آمریکا.

کلیولند : شهری در**اوهایو** که‌بهـ نام‌رییس‌جمهورآمریکا مشهورشده‌است.

کولومبو: پایتخت‌کشور سیلان که به اسم‌کاشف‌آمریکا مشهور شده‌است .

کولومبیا : کشوری درآمریـکای جنوبی‌که به‌نام کریستوف**کولومب**، کاشف معروف‌آمریکا نامگذاری شده است.

گنبدقابوس: شهری‌دراستان‌دوم(دشت گرگان) معروف‌به‌نام‌قابوس‌بن‌وشمگیر .

لئوپولدویل: پایتخت‌کشور کنگو، به‌نام‌پادشاه بلژیك مشهور شده است .

لنینگراد : بندری معروف‌درروسیه به‌نام بنیان‌گذار حزب کمونیسم مشهور است .

لوییزیانا : نام ایالتی درآمریکا، مشهور بـه‌نام لویی پـانزدهم ، پادشاه فرانسه .

لینکلن : مرکز ایالت نبراسکادر آمریکا معروف به نام رییس جمهورآن کشور .

مادیسون: شهری درآمریکا،معروف به‌نام رییس‌جمهورآن‌کشور.

مونروئه (مونروویا) : پایتخت کشورلیبریا که‌به‌نام رییس‌جمهورآمریکا **مونروئه**نامگذاری‌شده است .

واشنگتون(ایالت): پایتخت‌کشور آمریکاکه به‌نام‌رییس جمهور آن‌کشور معروف‌شده است .

ولینگتون : پایتخت زلاند جدید‌که به اسم سردار معروف انگلیسی نامگذاری شده است .

ویکتوریا : مرکز ایالت‌کولومبیا درکانادا معروف به‌نام ملکهٔ انگلیس .

ویکتوریا : ایالتی‌در استرالـیا ، معروف به نام ملکهٔ انگلیس .

ویکتوریا ایسلند : جزیره‌ای در شمال کانادا ، مـعروف بـه نام ملکهٔ

انگلیس .

ویکتوریالند: از مناطق قطب جنوب، معروف به نام ملکهٔ انگلیس .

شهرهای مقدس جهان

آکروکورنیتوس : صخره‌ای به ارتفاع ۵۷۵ متر که معبد آفرودیت روبه‌روی آن است .

آکسوم : شهری در حبشه ، مرکز مسیحیان قبطی .

اور: ازشهرهای قدیم کلده مولد حضرت ابراهیم (ع) .

اورشلیم: شهری مقدس نزد مسلمانان، مسیحیان و مردم یهود ، زیرا محل ظهور وزندگی بسیاری از پیامبران یهود ومحل تولد و ابلاغ دین حضرت مسیح (ع) و محل مصلوب شدن ومدفن اواست ودرزمان عمر مسجد عظیمی درآنجا بنا شد که از نظر اسلامی فوق‌العاده محترم و مقدس است .

بنارس: شهرمقدس هندوان درکنار رودگنگ و از شهرهای جمهوری هند است .

بیت‌المقدس : اورشلیم را به بینید.

حبرون : معروف است که درغار این شهر حضرت ابراهیم جان‌سپرد .

سامره: شهری در عراق عرب،مرقد امام‌علی‌النقی(ع) وامام‌حسن‌عسکری(ع) درآنجا است .

عکا : شهری در اسراییل ، مقابل بندر حیفا ، مرکز فرقهٔ بهاییان ومدفن رؤسای ایشان‌است .

غرناطه : ازشهرهای قدیمی‌اسپانیا دارای آثار جاودانی از هنر اسلامی و مورد توجه مسلمین‌جهان‌است .

فلسطین : کشور اسراییل ، ارض موعودآنها و مکانی که در قدیم کنعان نامیده می‌شد ، واز نظربسیاری‌ازادیان مقدس و معتبراست.واورشلیم‌درآن‌واقع است .

قم : مرقد حضرت معصومه (ع) خواهر امام رضا (ع) وسالها مرکزعالم تشیع بوده و امروزه مدرسه‌های دینی بزرگی درآن دایر است .

کاظمین : شهری درعراق عرب ، مدفن امام موسی کاظم(ع) و امام محمد تقی (ع) می‌باشد .

کربلا: شهری درعراق عرب،مشهد حضرت‌امام حسین(ع)وحضرت عباس(ع) وجمعی از بزرگان دین است .

کنعان : ازبلاد مصر ، محل‌زندگی و مرگ بسیاری‌ازپیامبران‌بنی‌اسراییل.

کوفه : شهری درعراق عرب،خانهٔ علی(ع) ومسجد معروف‌کوفه (محل‌نماز و شهادت آن حضرت درآنجا است.

کوه‌آدم : کوهی در سیلان که به عقیدهٔ مسلمانان ، خدا حضرت‌آدم‌را از بهشت به‌آنجا افکند وبه‌عقیدهٔ‌عده‌ای‌این کوه پلی است که **راما** آن را ساخته تا همسرش را ازجزیرهٔ سیلان نجات بدهد. در هرحال زیارتگاه‌بسیاری از مذاهب است .

لهاسا : مرکز عده‌ای از بوداییها که رهبرآنها دالایی‌لاما نامیده می‌شود وزیارتگاه همهٔ فرق بودایی است .

مدینهٔ منوره: ازشهرهای‌عربستان سعودی ، بعد از مکه مقدس‌ترین‌مقامات اسلام است ، زیرا محل فعالیت اسلام‌در آغاز و محل رحلت حضرت رسول (ص) است .

مشهد : مرقد حضرت‌امام رضا (ع) امام هشتم شیعیان .

مکه : از شهرهای عربستان‌سعودی در حجاز خانهٔ‌کعبه‌که‌قبله‌گاه وزیارتگاه مسلمانان است درآن واقع‌است، تاریخ آغاز این شهر را به‌حضرت ابراهیم (ع) می‌رسانند . وآبی‌که اسماعیل در آنجا یافت زمزم نامیده می‌شود و ابراهیم و اسماعیل خانهٔ‌کعبه راساختند .

نجف : یکی‌از شهرهای عراق‌عرب و مرقد حضرت علی (ع) درآنجا است.

چند شهر معروف‌جهان

که دونام دارند

آخن	اکسلاشاپل
آدانا	سیحان
آسترخان	هشترخان
آگرام	زاگرب
استالین‌آباد	دوشنبه
اشبیلیه	سیویل
اندلس	اندولوزیا
اندولوزیا	اندلس
آنکارا	آنقوره
آنقوره	آنکارا
ازمیر	اسمیرنا
استانبول	قسطنطنیه
اسلو	کریستیانا
اسمیرنا	ازمیر
اکسلاشاپل	آخن
آلپو	حلب
انگوریه	انکارا
اورشلیم	بیت‌المقدس
باتاویا	جاکارتا
بانکوك	کرونك‌تیپ
برسلو	وروسلاو
بغداد	زورا ، مدینة‌السلام
بسطاویه	جاکارتا
بیت‌المقدس	اورشلیم
پالمیرا	تدمر
پکن	خان‌بالغ
پورت‌ناتال	دوربان
تاشکند	چاچ
تبلیس	تفلیس
پطرزبورگ	لنینگراد
تدمر	پالمیرا
تفلیس	تبلیس
جاکارتا	باتاویا، بطاویه
چاچ	تاشکند
حاج‌طرخان	هشترخان، آسترخان
حلب	آلپو
خان بالغ	پکن
خیوق	خیوه
دارالبیضاء	کازابلانکا
دمشق	شام
دوربان	پورت‌ناتال
دوشنبه	استالین‌آباد
رومیةالصغری	بیزانس
زاگرب	آگرام
زوراء	بغداد
سیحان	آدانا
سیویل	اشبیلیه
شام	دمشق
شاه‌جهان	مرو
صنعا	عسیر
عسیر	صنعا
غرناطه	گرناد
قرطاجنه	کارتاژان
قرطبه	کردوبا
قسطنطنیه	استانبول
قندهار	نادرآباد
کارتاژان	قرطاجنه
کازابلانکا	دارالبیضا
کردوبا	قرطبه
کرونگ‌تیپ	بانکوك

کریستیانا	اسلو
گرانادا	غرناطه
گورکی	نیژنی‌نوگورود
لاهور	لوهاور
لنینگراد	پطرزبورگ
لاهاور	لاهور
مدینةالسلام	بغداد
مدینهٔ منوره	یثرب
مرو	شاه‌جهان
مونش	مونیخ
مونیخ	مونش
نادرآباد	قندهار
نیژنی‌نوگورود	گورکی
نیوآمستردام	نیویورك
نین‌تسن	هوپه
نیویورك	نیوآمستردام
وروسلاو	برسلو
هشترخان	حاج‌طرخان
هوپه	نین‌تسن
یثرب	مدینهٔ منوره

کوههای معروف جهان

آلاسکا
سلسله ای در آمریکای شمالی (اتازونی) که بلندترین قلهٔ آن **مك‌کینلی** می‌باشد.

آلپ
سلسله‌ای به‌طول ۱۲۰۰ کیلومتر در اروپا بلند ترین قلـهٔ آن **من‌بلان** است.

آلپ‌زلاندنو
سلسله‌ای دراقیانوسیه‌که بلندترین قلهٔ‌آن **کوك** است.

آلتایی
سلسله‌ای در آسیای مرکزی کـه معادن فراوان دارد و به‌دوقسمت:آلتایی روس و آلتایی مغول‌تقسیم می‌شودوبلندترین قلهٔ آن **بیلوخا** درسیبری‌است.

آند
سلسله‌ای به طول ۶۵۰۰ کیلـومتر درساحل‌غربی‌آمریکای‌جنوبی‌وقله‌های‌مهم آن عبارتند از : اکونکاگوآوشمبراز.

ارمنستان
سلسله‌ای درترکیه که‌بزرگترین قلهٔ آن **آرارات بزرگ** است.

اطلس
سلسله‌ای به‌طول ۲۵۰۰ کیلـومتر در شمال‌آفریقاکـه بلند ترین قلهٔ آن **توبکال**‌است.

البرز
سلسله‌ای به طول ۱۰۰۰ کیلومتر درشمال ایران‌که ازسه قسمت‌متمایز تشکیل شده‌که اولین قسمت آن ازکوه‌های قفقاز شروع شده و قسمت دوم آن ارتفاعات شمال تهران‌را تشکیل می‌دهد و قسمت‌سوم‌از خراسان‌گذشته‌به‌کوههای هندوکش می‌پیوندد.
قله‌های مهم‌آن به **دماوند و توچال** است.

اورال
سلسلهٔ‌کم ارتفاعی‌در حدفاصل‌اروپا وآسیا.

اون‌استانلی
سلسله‌ای درگینهٔ‌جدید‌که‌بلندترین قلهٔ‌آن ویکتوریا است.

باریزان
سلسله‌ای دراقیانوسیه‌که بلندترین قلهٔ‌آن **کرینتیی و دمپو** در سوماترا است.

بام دنیا
پامیر رابه‌بینید.

بلنویی
قراقوروم رابه‌بینید.

پامیر
ناحیه ای کوهستانی در آسیای مرکزی‌که سلسله‌های‌کوئن‌لن‌وقراقوروم و هندوکش ازآن منشعب می شوند.
قله های معروف آن : **استالین و کونگور** است.

توروس
سلسله‌کوهی در جنوب ترکیه است که مهمترین قلهٔ آن **آلاداغ و بین‌گول** است.

تیانشان
سلسله ای در آسیای مرکزی واقع درخاك‌شوروی‌که بلند ترین قله های‌آن **خان‌تنگری و پوبیدا** است.

تی‌بستی
سلسله‌ای در قسمت صحرای‌افریقا (افریقای مرکزی) و بلند ترین قلهٔ‌آن **تی‌بستی** است.

جاوه. کوههای جنوب شرقی
سلسله‌ای دراقیانوسیه‌که بلندترین قلهٔ‌آن کوه‌سمر است.

دینار
سلسله ای درساحل یوگوسلاوی که ازطرفی به‌کوههای‌آلپ وازطرف دیگر به‌کوه های جزیرهٔ بالکان متصل‌است.

روکی
سلسله‌جبال‌عظیمی‌در آمریکای‌شمالی (اتازونی)که قله های معروفش عبارتند از **آلبرتا ، رینه و بلانکا**‌است.

ژاپون
سلسله‌های متعددی درخاك‌ژاپون‌که بلندترین قلهٔ‌آن **فوجی یاما** نامیده می‌شود.

سوکارنو
سلسله جبالی درگینهٔ جدیدکه بلندترین‌قلهٔ‌آن**ویلهلمینا** است.

سه‌لبس
سلسله‌ای دراندونزی‌که‌بزرگترین قلهٔ‌آن **رانت کومبول** است.

سیرامادرا.
سلسله‌ای در آمریکای مرکزی (مکزیك)که قله های معروف‌آن**پوپوکاته پل، کلیماوتایو مولکر**نامیده می‌شود.

سیرا مورنا
سلسله جبالی درجنوب‌اسپانیا.

سیرا نوادا
سلسله جبالی در آمریکای شمالی (اتازونی)که قله‌های معروف آن **ویتنی شاستا ، ویلسون هوکر ، اوانس و یوئینتا**است.

قراقوروم
سلسله جبالی به موازات هیمالیا و کوئولن ازشمال غربی‌به‌جنوب‌شرقی‌نجد تبت و جلگه های سند و گنگ کشیده شده است و امروزه **بلنویی**‌نامیده می‌شود.
بلند ترین قلـهٔ این‌کوه **گودوین استن** درکشمیر است.

کارپات.
سلسله جبالی به‌طول ۱۴۵۰ کیلومتر دراروپا که قله‌های‌بلند دارد.

کاسکاداس
سلسله‌ای درآمریکای‌شمالی(کانادا) که بلند ترین قلهٔ آن **اونگان و سن‌الیاس** است.

کامچاتکا
سلسله‌ای درسیبری که بلندترین قلهٔ آن **کلیوچیوسکی** است .

کامرون
سلسله‌ای در افریقا که بلندترین قلهٔ آن **فوکو** است .

کانتابریکا
سلسله جبالی در اروپا و درناحیهٔ اسپانیا که درواقع امتداد سلسله جبال پیرنه محسوب می‌شود .

کنیا
سلسله‌ای درافریقای شرقی که بلندترین قلهٔ آن **کنیا** است .

کلیمانجارو
سلسله‌ای در افریقای شرقی که بلند ترین قلهٔ آن **کلیمانجارو** در تانگانیکا است

کوین لن
سلسله‌ای در خاك چین بین تبت و ترکستان .

هاوایی ، کوههای جنوب
سلسله‌ای دراقیانوسیه که بلندترین قلهٔ آن **مونالوا** است .

هاوایی کوههای شمال‌شرقی
سلسله‌ای دراقیانوسیه که مهمترین قلهٔ آن : **موناکی** است .

هندوکش
سلسله ای به‌طول ۶۰۰ کیلومتر در آسیای مرکزی، بین پامیروکوئن‌لن‌ودر افغانستان ممتد است . بلند ترین قلهٔ آن **تریخ پیکو** است .

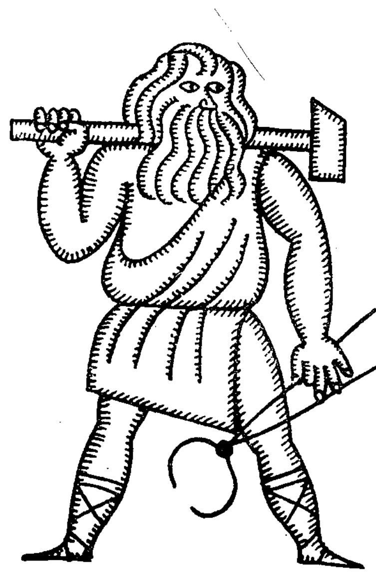
هیمالیا
سلسله‌ای به‌طول ۲۷۰۰ کیلومتر، درشمال شبه قارهٔ هند، بین‌سند، برهما- پوترا ، هندوستان وتبت، قله‌های‌معروف آن : **اورست و کین‌چین‌جین‌گا وماکالو** می‌باشد .
رودهای معروف‌آن : سند و گنگ است .

قله‌های معروف جهان

قله	سلسله	موقعیت	ارتفاع به متر
آپو	—	فیلی پین	—
آتسمون	—	اسرایيل	۳۹۶۳
آرارات بزرگ	ارمنستان	ترکیه	۵۱۶۵
آتیت‌لان	—	گواتمالا	۳۵۴۶
آساهی	—	ژاپون	۷۵۱۳
آسپاتو	آند	پرو	۶۳۰۰
آکوانکاگوا	—	آرژانتین	۶۹۶۰
آگوا	—	گواتمالا	۳۷۰۰
آلبرتا	روکی	کانادا	۴۴۱۵
آنگ‌کادوی	—	تایلند	—
آهاگار	اطلس	الجزایر	۳۰۰۰
ابیض(من بلان)	آلپ	اروپا	۴۸۱۰
اتنا	—	ایتالیا	—
استالین‌پیك	—	بلغارستان	۷۴۹۵
اسکانل‌پیك	—	انگلیس	۳۲۱۰
الگون	کنیا	کنیا	۴۳۱۱
اوانس	روکی	آمریکا	۴۳۰۰
اوخوس‌داسالادو	آند	مرزشیلی‌وآرژانتین	۷۱۰۰
اورست	هیمالیا	نپال	۸۸۴۰
اوسا	—	تاسمانی	۵۳۰۵
ایلامپور	آند	بولیوی	۶۴۸۵
ایلیمانی	آند	بولیوی	۶۴۵۰
بلانکا	روکی	آمریکا	۴۳۸۶
بیلوخا	آلتایی	سیبری	۴۵۴۰
بین‌گول	توروس	ترکیه	۳۶۵۰
پایاکاتا	آند	شیلی	۶۲۳۰
پوبیدا	تیان شان	ترکستان	۷۴۳۹
پوپوکاته‌پل	سیرامادراباختری	مکزیك	۵۴۵۰
تاکسپیتز	آلپ	مرزاتریش	۳۰۰۰
پیسیس	آند	آرژانتین	۶۷۸۰

قله	سلسله	موقعیت	ارتفاع به‌متر
تایوmolکر	سیرامادرا	گواتمالا	۴۲۱۰
تریخ پیکو	هندوکش	افغانستان	۷۷۵۰
توپونگاتو	آند	آرژانتین	۶۸۰۰
توپکال	اطلس	مراکش	—
توکورپوری	آند	بولیوی	۶۷۵۵
تولایاکو	آند	شیلی	۶۷۵۰
تی بستی	تی‌بستی	چاد	۳۴۰۳
تیبستی	آند	پرو	۵۸۴۲
خان تینگری	تیان‌شان	ترکستان	۶۹۹۵
دالامیر	مرزی	ایران-ترکیه	۳۴۷۸
دمپو	باریزان	سوماترا	۳۱۵۹
رأس‌داشان	فلات اتیوپی	اتیوپی	۴۶۲۰
رانت‌کومبول	سه‌لبس	اندونزی	۳۴۹۶
رینه	روکی	آمریکا	۴۳۹۱
سانتاآنا	جنوب‌شرقی‌جاوه	السالوادور	۳۶۷۵
سایاما	آند	بولیوی	۶۵۰۰
سمر	جاوه	اندونزی	۳۶۷۵
سملیك داغ	مرزی	ایران-ترکیه	۳۰۰۷
سن‌الیاس	کاسکاواس	کانادا	۵۹۶۵
شاستا	سیرانوادا	امریکا	۴۳۷۴
شیمبورازو	آند	اکوآدور	۵۹۸۶
فوجی‌یاما	ژاپون	ژاپون	۳۷۷۵
فوکو	کامرون	کامرون	۴۰۷۰
قطور	کوههای‌مرزی	ایران-ترکیه	۱۹۹۷
کرینتیی	باریزان	سوماترا	۳۷۳۶
کلیما	سیرامادرا	مکزیکو	۴۳۴۰
کلیمانجارو	کلیمانجارو	تانگانیکا	۵۹۳۰
کلیوچیوسکی	کامچاتکا	سیبری	۴۹۱۶
کنیا	کنیا	کنیا	۵۱۹۶
کوروپونا	آند	پرو	۶۶۱۳
کوك	آلپ	زلاندجدید	۳۷۶۴
کونگور	پامیر	تبت	۷۶۶۵
کونوپاکسی	آند	اکوادور	۵۹۸۶

قله	سلسله	موقعیت	ارتفاع به‌متر
کین‌چین‌جین‌گا	هیمالیا	تبت	۸۵۸۱
کی‌نی‌بالو	مرکزی	برنئو	۴۱۷۵
گودوین‌اوستین	قراقوروم	کشمیر	۸۶۱۱
لونگان	کاسکاواس	کانادا	۵۹۶۵
ماکالو	هیمالیا	نپال	۸۴۷۲
مرسداریو	آند	آرژانتین	۶۶۷۰
ملك‌کینلی	آلاسکا	اتازونی	۶۱۹۰
من‌بلان	آلپ	اروپا	۴۸۱۰
مورشهیدان	مرزی	ایران‌ـ‌ترکیه	۳۶۱۴
موناکی	شرقی‌هاوایی	هاوایی	۴۲۱۳
مونالوا	جنوبی	هاوایی	۴۱۶۸
ویتنی	سیرانوادا	آمریکا	۴۴۱۸
ویس‌هورن	کوههای‌سویس	سویس	۴۵۰۰
ویکتوریا	اون‌استانلی	گینهٔ جدید	۴۰۰۵
ویلسون	روکی	آمریکا	۴۳۴۴
ویلهلمینا	سوکارنو	گینهٔ‌جدید	۴۷۹۰
وینه‌مال	پیرنه	فرانسه	۳۲۵۰
هواسکاراك	آند	پرو	۶۸۶۸
هوکر	روکی	کانادا	۴۳۲۶
یوبینا	روکی	آمریکا	۴۰۹۲
قطور	کوههای مرزی	ایران‌ـ‌ترکیه	۱۹۹۷



آتشفشانی

علل آتشفشانی.

۱ــ **نظریهٔ‌فوکو :** نتیجهٔ فشاربخار آب بر تودهٔ مذاب درونی.

۲ــ نظریهٔ دولاپاران : آزاد شدن وتجمع‌گازهای محلول درکرهٔ‌آذردریك نقطه (زیرطبقهٔ سیال).

اقسام آتشفشانی

برحسب نوع‌گدازه وشکل مخروط آتشفشانها را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند.

الف ــ **هاوایی** : گدازهٔ آن سیال و بدون انفجار وبدون خاکستروسرعت حرکت‌گدازه ۱۹ کیلومتر درساعت و مخروط‌دارای شیب ملایم مانندآتشفشان هاوایی .

ب ــ **نوع استرومبولی :** گدازهٔ آن‌نیم سیال ، دارای بخار وگاز همراه انفجار وبمب آتشفشانی تشکیل می‌شود. مانندآتشفشان دماوند .

ج ــ **نوع وولکانو :** گدازهٔ‌خمیری، همراه انفجار شدید ، خاکسترفراوان ، بمب‌ها به ارتفاع زیاد پرتاب می‌شوند . مانند وولکانو در جزایر لیپاری .

نوع پله : گدازهٔ کاملاً غلیظ ، همراه انفجارهای شدید وابرهای سوزان وسوزن‌آتشفشانی دردهانه تشکیل‌می‌شود مانند پله‌درآمریکای مرکزی.

مناطق آتشفشانی

نقاط‌آتشفشانی کرهٔ زمین را به‌چهار منطقه‌تقسیم کرده‌وقله‌های‌معروف‌هربخش را نام می‌بریم :

۱ــ منطقهٔ اقیانوس کبیر.
۲ــ منطقهٔ اقیانوس هند .
۳ــ منطقهٔ‌مدیترانه
۴ــ منطقهٔ اقیانوس‌اطلس.

منطقهٔ اقیانوس‌کبیر

۱ــ**کامچاتکا:** بیش‌از۱۴ آتش‌فشان فعال‌دارد، معروفترین‌آنها:**اوچفس‌کایا** است .

۲ ــ **جزایرکوریل :** بیش از ۱۳ آتشفشان فعال دارد .

۳ــ **ژاپون:** تعداد آتشفشانهای‌این منطقه از۴۳تجاوزمی‌کندکه معروفترین آنها عبارتند از: **فوجی‌یاما**؛آدزوما یاما اسامایاما.

۴ــ **جزایربونین:** کوه معروف‌آن **سوری‌باجی** است.

۵ــ **مجمع‌الجزایر سامویا :** آتش‌فشان **سوالی** درآن معروف‌است .

۶ــ **نیوافو :** بین جزایر **سامویا** وفیجی‌آتشفشانی زیردریایی‌وعظیم وجود دارد .

۷ــ **جزایرفیلی پین :** معروفترین کوه آتشفشان آن به **هیبوك هیبوك** است .

۸ــ**ساندوویچ:**معروفترین کوههای آتشفشان‌منطقهٔ اقیانوس‌کبیراست وبه‌نام **مائونالوآ** نامیده می‌شود .

۹ ــ **آلاسکا :** دارای قله‌های : **ورانکل ، کاتمایــی و نوواروپتا** است .

۱۰ ــ **کالیفرنیا :** قله‌های معروف آن‌عبارتند از:**لاس‌پیك، شاستا ، هود، کری‌تر وری‌نی‌یر**است .

۱۱ــ **مکزیك :** قله‌های‌معروف‌آن **پوپوکاته پتل ، کولیما ، اوری‌زابا و پاری‌کوتین** .

۱۲ ــ **سن‌بندیکتو :** قلهٔ معروف آن : **بوکویه رون** است .

۱۳ ــ **گواتمالا :** دارای قله‌های معروفی چون:**سانتاماریا ، تاجوموالکو آتیت‌لان** است .

۱۴ ــ **السالوادور :** کوههای آتشفشانی این قسمت‌عبارتندازـ**ایزالکو سان سالوادور ، کونچاگوئه** است.

۱۵ ــ **نیکاراگوئه :** تلیکا ، کوزه گوبیناو**سرورونگرو**ازآتشفشانهای‌معروف این منطقه است.

۱۶ ــ کولومبیا : از آتشفشانهای جنوب شرقی اقیانوس‌کبیربوده وقله‌های معروف آن عبارتند از **هوییلا** و **پوراکه** .

۱۷ ــ **اکوددور :** بلندترین‌آتش‌ـ فشان فعال جهان در این منطقه بوده و به‌نام**کوتوپاکسی** معروف است ،

۱۸ــ **شیلی وآرژانتین :** بیش از ۲۵ آتشفشان فعال در این منطقه قراردارد .

منطقهٔ اقیانوس هند

۱ـ سوماترا: دارای ۱۲ آتشفشان فعال و بیش از ۷۸ آتشفشان خاموش می‌باشد، معروفترین آنها کراکاتوآ است.

۲ ـ زلاندنو: آتشفشان معروف آن تاراورا نامیده می‌شود.

منطقهٔ مدیترانه

در این منطقه سه نقطه مرکز آتشفشانی شناخته شده که عبارتند از:

الف ـ ایتالیا: کوه معروف آن وزوو است.

ب ـ سیسیل: کوه فعال آن اتنا است.

ج ـ جزایر لیپاری: قلهٔ آتشفشان استرومبولی از قله‌های فعال این منطقه است.

منطقهٔ اقیانوس اطلس

در این منطقه دو نقطه مرکز آتشفشانی تشخیص داده شده است:

الف ـ جزایر کومورو: آتشفشان معروف آن کارتالا است

ب ـ جزایر رئونیون: کوه فعال آن پیتون دولافورنز است.

چند کوه آتشفشان

معروف در جهان

آتیت لان.
قله‌ای در گواتمالا (منطقهٔ شمال شرقی اقیانوس کبیر).

آذروما یاما.
از آتشفشانهای منطقهٔ اقیانوس کبیر (ژاپون).

وآساما.کوه.
این کوه که هم اکنون فعال است، ۲۵۰۰ متر ارتفاع دارد و در جزیرهٔ هونشو در ژاپون (منطقهٔ اقیانوس کبیر) واقع است، بزرگترین طغیان آن متعلق به ۱۷۸۳ میلادی است.

آنتیلهای کوچك.
منطقهٔ آتشفشانی در اقیانوس اطلس.

اتنا.
آتش فشان فعال در مشرق سیسیل (منطقهٔ مدیترانه) به ارتفاع ۳۲۶۱ متر اولین آتشفشانی آن (تا آنجا که ثبت شده) در ۴۷۵ ق‌م. و به ترتیب در سالهای ۱۰۶۹ میلادی و ۱۶۶۹ میلادی است که بر اثر طغیان ویرانی فراوان به بار آورده است.

استرومبولی.
از قله‌های فعال در شمال سیسیل منطقهٔ مدیترانه که در سال ۱۹۵۶ طغیان کرد. این قله به چراغ دریایی مدیترانه معروف است.

اسك جا.
آتشفشان بزرگی در منطقهٔ اقیانوس اطلس است (ایسلند).

اوچفس کایا.
از آتشفشانهای فعال کامچاتکا (منطقهٔ اقیانوس کبیر) که در سال ۱۹۵۴ برای اولین بار طغیان کرد.

اوری زابا.
اوری سابا را به بینید.

اوری سابا.
قله‌ای آتشفشانی به ارتفاع ۵۷۰۰ متر در مکزیك.

ایزالکو.
قله‌ای در السالوادور معروف به چراغ دیده‌بان که در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۵۶ طغیان کرده است.

انیکچك.
کوهی آتشفشان از کوههای آلاسکا که در سال ۱۹۳۱ فوران کرد.

بوکوئه‌رون.
دهان بزرگ را به‌بینید.

پاری‌کوتین.
قله‌ای آتشفشان در مکزیك که در سال ۱۹۵۲ متر در حالتی که هنوز یك سال از ظهور آن نگذشته بود در ارتفاع ۴۵۷ متری دهان باز کرد.

پوپوکاتیت.
قله‌ای در مکزیك به ارتفاع ۵۴۵۰ متر که هنوز فعالیت دارد.

پیتون دولافورنز.
قله‌ای آتشفشان در مشرق ماداگاسکار (منطقهٔ اقیانوس هند)، در جزیرهٔ رئونیون.

پیکودتیدو.
از آتشفشانهای جزایر قناری (منطقهٔ اقیانوس اطلس می‌باشد.

تاجومولکو.
قله‌ای به ارتفاع ۴۲۱۰ متر در گواتمالا (منطقهٔ شمال شرقی اقیانوس کبیر).

تاراورا.
از قله‌های زلاندنو در بخش جنوب غربی اقیانوس کبیر که در سال ۱۸۸۶ آتشفشانی داشته است.

تلیکا.
از آتشفشانهای نیکاراگوئه (منطقهٔ شرقی اقیانوس کبیر).

تولیما.
قله‌ای به ارتفاع ۵۲۱۵ متر در کولومبیا.

چراغ‌دیده‌بان آمریکای‌مرکزی.
ایزالکو را به‌بینید.

دهان بزرگ.
قله‌ای آتشفشان در جنوب کالیفرنیا. در جزیرهٔ بندیکتو.

رینیر.
قله‌ای در واشنگتون (منطقهٔ شمالی شرقی اقیانوس کبیر) که اکنون خاموش است.

ژاپون.
در ژاپون بیش از ۳۳ هزار قلهٔ آتشفشان وجود دارد.

سانتاماریا.
قله‌ای به ارتفاع ۳۷۶۸ متر در گواتمالا که خطرناکترین قلهٔ آتشفشانی آمریکای مرکزی است.

سان سالوادور.
از آتشفشانهای منطقهٔ شمال شرقی اقیانوس کبیر که در سال ۱۹۲۳ طغیان کرده است.

سوالی.
قله‌ای آتشفشانی در مجمع الجزایر ساموئه (منطقهٔ اقیانوس کبیر) که در سال ۱۹۰۵ منفجر شد.

سورونگرو.
قله‌ای در نیکاراگوئه که در سالهای ۱۹۴۷، ۱۹۴۸ و ۱۹۵۰ آتشفشانی کرده است.

سوری باچی.
از قله‌های آتشفشان واقع در جزایر بونین (منطقهٔ اقیانوس کبیر) که هنوز بخار گوگرد از آن خارج می‌شود.

سوماترا.
در این منطقه ۱۲ آتشفشان فعال و بیش از ۷۸ آتشفشان خاموش کشف شده است.

سیتلالتپتل.
اوری سابا را به‌بینید.

شاستا .

ازآتشفشانهای خاموش کالیفرنیا .

فوجی‌سان .

فوجی یامارا به‌بینید .



فوجی‌یاما .

آتشفشانی مقدس(در منطقهٔ اقیانوس کبیر) به ارتفاع **۳۷۸۰** متر درمغرب توکیوکه از سال **۱۷۰۷** میلادی به بعد خاموش است .

فوکو .

ازآتشفشانهای جزایرقناری(منطقهٔ اقیانوس اطلس)که شدیدترین طغیان آن متعلق به‌سال **۱۸۵۷** وآخرین آن‌درسال **۱۹۵۱** بوده است .

کاتمایی .

قله‌ای آتشفشان درآلاسکا (شمال شرقی اقیانوس کبیر) به **ارتفاع ۲۲۸۶** متر که در سال **۱۹۱۲** منفجر شده‌است.

کارتالا .

قله‌ای آتشفشان‌در جزایر کومورود (منطقهٔ اقیانوس هند)که‌آخرین انفجار آن در سال **۱۹۰۴** بوده است .

کایامبه .

قله‌ای آتشفشان به ارتفاع **۵۸۴۳** متر در منطقهٔ‌استوایی .

کراکاتوآ .

مشهورترین قلهٔ آتشفشان سوماترا که خطرناکترین‌انفجارآن متعلق به‌سال **۱۸۸۳** میلادی که **۳۸۰۰۰** نفر تلفات داد وخاکستر این‌آتشفشان به بالای‌جو رسیدکه به دور زمین دوران پیداکرد، انفجارهای بعدی‌آن متعلق به سالهای **۱۹۲۸** ، **۱۹۵۰** و**۱۹۵۳** است .

کلوچف .

اوچفس‌کایا را به‌بینید .

کلیوچیوسکی .

ازقلهٔ‌آتشفشان کوه‌های‌کامچاتکا که در سیبری‌**شرقی** قرار دارد و**۴۹۱۶**متر

از سطح دریا ارتفاع دارد .

کوتوپاکسی .

آتش‌فشان فعال در جهان به‌ارتفاع **۵۹۳۶**متردراکوادور (منطقهٔ‌شمال‌شرقی اقیانوس‌کبیر) .

کوزه‌گوینا .

ازآتش‌فشانهای‌نیکاراگوئه (منطقهٔ شمال شرقی‌**اقیانوس‌**کبیر) .

کولیما .

قله‌ای‌آتش‌فشان درمکزیك (منطقهٔ اقیانوس‌کبیر) به ارتفاع **۴۳۴۰** متر.

کونچاگوئه .

ازآتش‌فشانهای السالوادور(منطقهٔ اقیانوس‌کبیر) در سال**۱۹۴۷**آتش‌فشانی کرده است .

کیلائوئیا .

کوهی در منطقهٔ هاوایی (اقیانوس کبیر)که یك بار در سال **۱۹۵۲** ویك باردرسال **۱۹۵۵** آتش‌فشانی کرده‌است .

لاس‌پیك .

به‌ارتفاع **۴۲۲۱** قله‌ای واقع در کالیفرنیا **به ارتفاع ۴۲۲۱** متر و از آتش‌فشان‌های‌فعال‌آمریکااست، آخرین دورهٔ فعالیت‌آن **۱۹۱۴** – **۱۹۱۷** بود.

لووونکان .

پیتون‌دولافورنز را به‌بینید .

مائوناکی .

قله‌ای‌درهاوایی‌به‌ارتفاع**۴۲۰۵**متر.

مائونالوئه .

بزرگترین کوه آتشفشان جهان از نظرموادخروجی است‌که درمنطقهٔ‌هاوایی (اقیانوس‌کبیر) قراردارد .

موموتومبو .

ازآتش‌فشانهای‌نیکاراگوئه .

مونت‌پوله .

قله‌ای واقع درشمال باختری‌**مارتی نیك** (منطقهٔ اقیانوس اطلس) و انفجار آن در سال **۱۹۰۲** شهر **سن‌پی‌یر** را ویران‌کرده و تلفات جانی بسیار وارد کرده است

نکائوروهو .

قله‌ای در جنوب باختری **اقیانوس** کبیرکه‌درسالهای **۱۹۵۲**و**۱۹۵۴**طغیان داشته است .

نوواروپتا .

قله‌ای درآلاسکا (شمال خاوری اقیانوس‌کبیر) .

نیوافو .

آتشفشانی بین جزایر ساموآ و جزایر فیجی‌که رأس‌آن **۱۸۲** متر بالای آب است .

وراز .

مائونالوئه را به‌بینید .

ورانگل .

قله‌ای در آلاسکا (منطقهٔ شمال خاوری اقیانوس‌کبیر).

وزوو .

قله‌ای به ارتفاع **۱۱۸۶** متر در ایتالیا (منطقهٔ مدیترانه) تنها آتشفشان فعال در سرزمین اروپاست . در سال **۷۹** میلادی شهر پمپئی زیرموادآتش‌فشانی این‌کوه مدفون‌گردید ، آخرین آتش‌فشانی‌آن درسال **۱۹۴۴** میلادی بود .

هکلا .

بلندترین قلهٔ‌آتش فشان‌آیسلند (**۱۵۵۸** متر)که هنوز فعال است.

هویلا .

قله‌ای به ارتفاع**۵۷۰۰** متر واقع درکولومبیا ،آتش فشانی است که بخار آب بیرون می‌فرستد .

هود .

قله‌ای واقع دراورگون(بخش‌شمال شرقی اقیانوس‌کبیر) امروزه خاموش است .

هیبوك هیبوك .

قله‌ای در مجمع الجزایر فیلی‌پین (منطقهٔ‌اقیانوس‌کبیر)که‌درسالهای **۱۹۵۰**، **۱۹۵۱** ، **۱۹۵۲** و**۱۹۵۳** انفجارداشته است .

یوراکه .

قله‌ای به ارتفاع **۴۷۰۰** متر واقع درکولومبیا ، انفجار این‌آتش فشان در **۱۹۴۹** هفده نفر راکشت .

غار های جهان

نام‌غار	موقعیت	مشخصات
آب چکان (غار مغان)	—	—
آگ تلك	شمال مجارستان	به‌طول تقریبی ۵ میل
آلتا میرا	ماندان تردراسپانیا	دارای‌آثارهنری‌عصرحجر
آنتی پاروس	مجمع‌الجزایر یونان	دارای استاکتیت هایی به‌طول ۲۰ فوت
آوازخوان	ایسلند	ازجنس موادآتشفشانی
اسپهبد (خورشید)	—	—
باد	داکوتای جنوبی‌درامریکا	ازجنس سنگ آهکی و دارای‌اشکال بلوری
بلوگروت تو	جزیرهٔ‌کاپری ایتالیا	از جنس آهك برنگ آبی مخصوص
پوستوژناگروت‌تو	یوگسلاوی	دارای استالاکتیت‌های متعدد و زیبا
پوستومیا گروت‌تو (پوستوژناگروت‌تو)	—	—
پیك(سوراخ شیطان)	انگلستان	عمیق‌ترین نقطهٔ آن ۶۰۰ فوت‌زیرسطح آب‌قراردارد
ثور	مکه عربستان سعودی	پناهگاه‌حضرت محمد(ص)
حرا	« «	درآنجا به حضرت‌محمد (ص)وحی‌رسید
خسرو دوم	کرمانشاه ایران	به‌فرمان خسرو پرویز کنده شده است
خورشید	دوآب مازندران(ایران)	آثارمعماری‌ساسانی
ژنولان	ویلزجنوبی جدید در استرالیا	استالاکتیتهای‌زیبادارد
سوراخ شیطان(پیك)	—	—
شاپور	فارس ایران	دارای‌مجسمهٔ‌سنگی‌شاپوراول
غاشیهٔ‌کوکیلی‌دز (خورشید)	—	—
فینگال	اسکاتلند	ستونهای بازالت به‌ارتفاع ۴۰ فوت دارد
کارلسباد (مغاره‌های‌کارلسباد)	—	—
کنت	انگلستان	منبع اطلاعات در بارهٔ انسان عصر حجر
گچسر	تهران ـ ایران	—
لورای	ویرجینیا ـ آمریکا	دارای ستونهای ملون وبزرگ استالاکتیت و استالاکتیت
ماموت	کنتوکی‌مرکزی‌درآمریکا	۴۵ درجه‌فارنهایت‌حرارت ده‌میل‌قطرو ۱۵۰ میل‌طول تقریبی‌معبرهای‌زیرزمینی آن است .
مغاره های کارلسباد	مکزیکوآمریکا	بزرگترین راهرو زیرزمینی کشف‌شده
مغان	خراسان ایران	بیشتر اطاقهای غار حجاری شده است
ویاندوت	جنوب‌ایالت‌ایندیانا در آمریکا	ازجنس آهك‌و بزرگترین غارهای‌آمریکای‌شمالی‌است
یخی	چکواسلواکی	بلورهای یخی‌زیبادارد

رودهای جهان

آباسکا.
رودی در کانادا به‌طول ۱۲۰۰ کیلومتر .

آدور .
رودی درجنوب غربی‌فرانسه‌جریان دارد به‌طول ۳۳۵ کیلومتر است که از **پیرنه** سر چشمه می گیرد و **درخلیج بیسکی**می‌ریزد .

آدیجه .
رودی به طول ۳۶۲ کیلومتر در شمال ایتالیاکه ازکوههای**آلپ** سرچشمه می گیرد و **به دریای آدریاتیك** می‌ریزد .

آر .
رودی درسویس به‌طول ۲۹۵ کیلومتر که‌از**آلپ** سرچشمه می‌گیرد و از دریاچه های برینز (Brienz) و تون (Thun) عبور می‌کند و به **راین** می‌ریزد .

آرکانزاس .
رودی به‌طول ۲۳۳۳ کیلومتر که‌از کوههای **روشوز** سر چشمه گرفته به **می سی‌سی‌پی**می‌ریزد .

آرکانساس .
آرکانزاس را به‌بینید .

آشه‌لوس .
رودی درشمال غربی یونان‌به طول ۲۲۰ کیلومترکه‌ازکوههای**پند**(Pinde) در شمال سر چشمه می‌گیرد و به**دریای یونان** می‌ریزد و دلتای بزرگی تشکیل می‌دهد .

آکر .
رودی در مرز **پرو** و **برزیل** که قسمتی از خاك برزیل و بولیوی را مشروب می‌سازد .

آلفیوس .
رودی به طول ۱۱۰ کیلومتر در جنوب **یونان** که‌پس‌ازعبور ازشمال‌غربی پلوپونزه به**دریای یونان** می‌ریزد .

آلیا .
رودی به طول ۴۱۰ کیلومتر در **فرانسه** ازشاخه‌های رودلوار .

آمازون .
رودی درآمریکای‌جنوبی‌که از کوه‌های**آند** سرچشمه می‌گیرد وبه**اقیانوس اطلس** می‌ریزد و ۷۰۲۵ کیلومتر طول

آن است و از الحاق رودهای **مارانون** و **اوکایالی** تشکیل می‌شود وبزرگترین رودجهان است .

آمودریا .

آمودریا که جیحون نامیده می‌شود،رودی است به‌طول ۲۵۴۰ کیلومتر که ازکوههای **شمال افغانستان** سرچشمه گرفته **به‌دریاچهٔ آرال** می‌ریزد .

آمور .

رودی به‌طول ۴۳۷۷ کیلومترواقع درآسیا که ازکوههای **یابلونویی** سرچشمه می‌گیرد و به بغازتاتار دریای **اخستك** می ریزد و به‌ساخالین نیزاشتهار دارد .

آنادیر .

رودی در روسیهٔ شوروی بـه طول ۱۱۲۷ کیلومتر کـه از جنوب غربی سیبریه می گذرد وبه‌**دریای برینگ** می‌ریزد .

آنگرهان .

رودی به طول ۴۵۰ کیلومتر که از ارتفاعات **شمال سوئد** سرچشمه گرفته به **خلیج بوتنی** می‌ریزد .

ابر .

رودی‌دراروپا به‌طول ۹۰۰ کیلومتر ازکوه‌های **کانتابریکا** سرچشمه می گیرد و به **دریای مدیترانه** می‌ریزد .

ابی .

رودی به طول ۵۵۰۰ کیلومتر از کوههای **آلتایی** سرچشمه می گیرد وبه **اقیانوس منجمد شمالی** می‌ریزد .

ارس .

رودی است‌به طول ۸۰۰ کیلومتر که از کوه **هزاربرکه** درخاك‌ترکیه‌سرچشمه گرفته پس‌ازعبور از دشت مغان به رود کورا پیوسته به **دریای‌خزر** می‌ریزد . قسمتی ازاین رود مرز ایران وشوروی را تشکیل می‌دهد .

اروگوئه.

رودی‌است به‌طول ۱۵۰۰ کیلومتر که از**جنوب برزیل** سرچشمه‌گرفته به‌**ریودلاپلاتا** می‌ریزد .

اسکو .

رودی به‌طول ۱۱۰۰ کیلـومتر از **فلات‌آراتو** سرچشمه می گیرد **و به‌دریای شمال** می‌ریزد .

الب .

رودی به طول ۱۱۰۰ کیلومتر از کوههای **چکوسلواکی** سرچشمه‌می گیرد وبه‌**دریای شمال** می‌ریزد .

اودر .

رودی است به‌طول ۹۰۰ کیلومتر که‌از**موراوی** سرچشمه‌گرفته به **دریای بالتیك** می‌ریزد .

اورال .

رودی است به‌طول ۲۳۹۶ کیلومتـر از سلسله جبال اورال سر چشمه گرفته به‌دریای خزرمی‌ریزد .

اورانژ

طول تقریبی این‌رود ۲۱۰۰ کیلومتر است که از **باسوتولند** سر چشمه گرفته **به‌اقیانوس اطلس** می‌ریزد.

اورینوکو .

رودی‌است به‌طول ۱۸۰۰ کیلومتر که‌ازکوههای **مرکزی ونزوئلا** سرچشمه گرفته به **اقیانوس‌اطلس** می‌ریزد .

اوهایو .

رودی است به‌طول ۱۵۵۶ کیلومتر که از**پوترکونتی‌پنسیلوانیا** سرچشمه گرفته به‌رود **میسی‌سی‌پی** می‌ریزد.

ایراوادی .

رودی است به‌طول ۲۱۷۰ کیلومتر که ازکوههای **آسام** سرچشمه گرفته **به‌خلیج بنگال** می‌ریزد .

ایرتیش .

رودی است به‌طول ۱۵۴۰ کیلومتـر که از کوههای **آلتایی** سرچشمه گرفته **به رود ابی** می ریزد .

براهماپوترا .

رودی است به‌طول تقریبی ۲۹۰۰ کیلومتر که **ازکوههای‌هیمالیا** سرچشمه گرفته **به‌خلیج‌بنگال** می‌ریزد .

بنوئه .

رودی در نیجر که ازکوههای **تبریه** سرچشمه می گیردوبه رودنیجر می‌ریزد

بوك .

رودی‌است به‌طول ۷۵۰ کیلومتر که از **شرق‌لووف** سرچشمه گرفته به دریای سیاه‌می‌ریزد.

بحرالابیض

رودی‌درشمال‌سودان که‌پس‌ازپیمودن ۸۰۰ کیلومتر در نزدیکی شهر خرطوم به نیل‌آبی می‌پیوندد .

پاتیا .

رودی است به طول ۴۸۰۰۰۰ گز که ازکردیلر **مرکزی‌وغربی** سرچشمه گرفته به **اقیانوس کبیر** می‌ریزد .

پاراگوئه .

رودی است به طول تقریبی ۲۴۰۰ کیلومتر که ازجبال **ماتوگرسو** سرچشمه گرفته به‌رود **پارانا** می ریزد.

پارانا .

رودی به طول ۳۳۰۰ کیلومتـر در آمریکای جنوبی ،از **کوههای برزیل و آرژانتین** سرچشمه‌می گیردو به‌**اقیانوس اطلس** می‌ریزد .

پارانگوئه .

ازکوههای **آند** سرچشمه می گیرد و به‌رود **سالادو** می‌ریزد .

پکور .

رودی در آمریکا که از کوههای **روکی** سرچشمه گرفته و به‌رود **گـراند** می‌ریزد .

پلات .

رودی‌درآمریکا که ازکوههای **روکی** سرچشمه گرفته و به رود **میسوری** می‌ریزد .

پـو .

رودی به‌طول ۶۵۰ کیلومتر از **آلپ مرکزی** سر چشمه می گیرد و به‌دریای **آدریاتیك** می‌ریزد .

پوتوماك .

از**کوههای اتازونی** سرچشمه گرفته و به **اقیانوس‌اطلس** می‌ریزد .

پوروس .

رودی است به‌طول تقریبی ۳۳۸۰ کیلومتر که از**شمال‌پرو** سر چشمه گرفته به **آمازون** می‌ریزد .

پیچورا .

رودی است به‌طول ۱۷۰۰۰۰۰ گز که از**دامنه های غربی اورال** سرچشمه گرفته به **اقیانوس منجمد شمالی** می‌ریزد .

پیس .

ازکوه‌های **روکی** سرچشمه گرفته و به دریاچهٔ **اسلاوبزرگ** می‌ریزد .

پیلکومایو .
رودی است به‌طول ۱۶۰۰ کیلومتر که ازکوههای **بولیوی** سرچشمه گرفته به‌رود **پاراگوئه** می‌ریزد .

پی‌هو .
رودی است به طول ۴۵۰ کیلومتر که‌از**کوههای منچوری** سرچشمه گرفته به**خلیج‌چه‌لی** می‌ریزد .

تاپاژوس .
این رود از **ماتوگروسو** سرچشمه گرفته به‌رود**آمازون** می‌ریزد .

تاج .
بزرگترین رودشبه جزیرهٔایبریا که از کوههای **ایبری** سرچشمه گرفته بـه **اقیانوس اطلس** می‌ریزد .

تایمز .
رودی است به‌طول ۳۳۶ کیلومتر که‌ازکوههای **انگلستان** سرچشمه گرفته پس‌از عبور از لندن **به دریای شمال**می‌ریزد . **تایمز** بزرگترین رود انگلستان است .

تجن .
رودی است در افغانستان کـه از **کوه بابا** سرچشمه‌گرفته وازمغرب هرات به‌نام **هریرود** تا سرخس پیش‌می‌آید و از سرخس به بعـد به نام تجن ازشمال غربی ایران گذشته به **ریگزارترکستان** فرو می‌ریزد .

توکانتینس .
رودی‌است درآمریکا به‌طول‌تقریبی ۲۵۱۰ کیلومتر که از **کوههای برزیل** سرچشمه‌گرفته به **رود پیرا** می ریزد .

تون .
از **جزیرهٔ هندوچین** سر چشمه گرفته و **به اقیانوس‌کبیر** می‌ریزد .

تیبر .
رودی است به طول ۴۰۳ کیلومتر که‌از**کوههای‌آپنن** سر چشمه گـرفته‌به **دریای تیرنه** می‌ریزد .

جاپورا .
از**کوه‌آند** سر چشمه می‌گیرد و به رود **مانائوس** می‌ریزد.

جورا .
ازکوه‌**آند** سرچشمه می‌گیرد و به رود **آمازون** می‌ریزد .

جوبا .
ازکوههای **حبشه** سرچشمه‌می‌گیرد و به **اقیانوس هند** می‌ریزد .

جیحان .
رودی است بـه طول تقریبی ۴۷۰ کیلومتر که از**کوههای توروس وآنتی‌توروس**سرچشمه‌گرفته به**دریای‌مدیترانه** می‌ریزد .

جیحون .
آمودریا را به‌بینید .

چاری .
از **یوبانگی‌شری** سرچشمه‌می‌گیرد و به دریاچهٔ **چاد** می‌ریزد .

چو .
رودی است به طول تقریبی ۱۰۹۰ کیلومتر که‌از**کوههای تیان‌شان**سرچشمه گرفته‌درشمال‌آمودریا به دریاچهٔ‌کوچکی می‌ریزد .

چوآپا .
ازکوه‌**کاسایی**سرچشمه‌می‌گیردو به‌رود **کنگو** می‌ریزد .

دانوب .
رودی است‌به طول ۲۹۶۰ کیلومتر که‌از**جنوب‌آلمان**سرچشمه‌گرفته‌به**دریای سیاه** می‌ریزد .

دجله .
رودی است‌به طول ۲۰۰۰ کیلومتر که ازسلسله‌جبال **توروس**سرچشمه گرفته و به **فرات**می‌ریزد .

دراوا .
رودی است به‌طول تقـریبی ۸۲۰ کیلومترازآ**لپهای ایتالیا**سرچشمه گرفته به **رود دانوب** می‌ریزد .

دن .
رودی‌است به طول۱۹۷۰ کیلومتر که از ارتفاعات **جنوبی مسکو** سرچشمه به **دریای آزوف** می‌ریزد.

دنیپر .
رودی‌است‌به‌طول ۱۹۵۰ کیلومتر که از ارتفاعات والدایی سرچشمه گرفته به **دریای سیاه** می‌ریزد .

دنیستر .
رودی‌است‌به‌طول ۱۲۰۰ کیلومتر که از**کارپات** سرچشمه گرفته به**دریای سیاه** می‌ریزد .

دوئرو .
رودی‌است‌به‌طول‌تقریبی۷۶۵ کیلو‌متر که ازکوههای **ایبری** سرچشمه‌گرفته به **اقیانوس اطلس** می‌ریزد .

دورو .
دوئرو را به‌بینید .

دون .
دن را به‌بینید .

دونا .
دوینا را به‌بینید .

دوینا .
رودی‌است‌به‌طول ۱۰۲۰ کیلومتر که از ارتفاعات **والدایی**سرچشمه‌گرفته به **خلیج ریگا** می‌ریزد .

راس بالزآس .
ازکوه‌هـای**سیرامادرای** سرچشمه می‌گیرد و به **اقیانوس‌کبیر** می‌ریزد.

راین .
از**کوههای‌سویس**سرچشمه‌می‌گیرد و به **دریای شمال** می‌ریزد .

دن .
از **دشت شمال اروپا** سرچشمـه می‌گیرد و به **دریای‌آزوف** می‌ریزد .

ریوگراند .
رودی‌است به‌طول ۳۷۰۰کیلومتر که از ارتفاعات **جنوب غربی ایالت کولورادو**سرچشمه‌گرفته به**خلیج‌مکزیك** می‌ریزد .

زامبزی .
رودی‌است‌به طول ۲۶۶۰کیلومتر که از **رودزیای شمالی** سرچشمه گرفته به **اقیانوس هند** می‌ریزد .

زرد رود .
هوانگ‌هو را به‌بینید .

زینگگو .
رودی به طول ۱۹۸۰ کیلو متردر **برزیل**که به رود**آمازون** می‌پیوندد .

سائو فرانسیسکو .
رودی‌است به طول تقریبی ۳۰۵۰ کیلومتر که ازکوههای **برزیل** سرچشمه گرفته به **اقیانوس اطلس** می‌ریزد .

سائون .
رودی‌است‌به طول۴۸۰ کیلومتر که از**کوههای وژ** سرچشمه گرفته به‌رود**رن** می‌ریزد . این رود سون نیز نامیـده می‌شود .

ساخالین .
آمور رابه‌بینید .

ساسکاچوان .
از **ارتفاعات‌کانادا** سرچشمه‌گرفته

به **دریاچهٔ وینی‌پك** می‌ریزد .

سالادو .

رودی‌است به‌طول ۱۸۰۰ کیلومتر که از **آند**سرچشمه گرفته به **اقیانوس‌اطلس** می‌ریزد .

سالوین .

رودی‌است به طول تقریبی ۲۸۰۰ کیلومتر که از ارتفاعات **تبت** سر چشمه گرفته به خلیج **مارتابان** می‌ریزد .

سانفرانسیسکو .

سائوفرانسیسکو را به‌بینید .

ساوا .

رودی‌است به‌طول ۷۱۲ کیلومتر که‌از **کوههای‌آلپ** سرچشمه گرفته و به **رود دانوب** می‌ریزد .

رود سرخ .

از**کوههای روکی**سرچشمه‌می‌گیرد و به **می‌سی‌سی‌پی**می‌ریزد .

سن .

رودی‌است به‌طول ۷۷۶ کیلومتر که از‌کوههای **سن‌ژرمن** سرچشمه گرفته به **دریای مانش** می‌ریزد .

سند .

رودی‌است به‌طول ۳۱۸۹ کیلومتر که از **هیمالیا** سرچشمه گرفته و به **دریای عمان** می‌ریزد .

سنگال.

رودی‌است به‌طول ۱۷۰۰ کیلومتر که از**فوتاجالون** سرچشمه گرفته به**اقیانوس اطلس** می‌ریزد .

سن‌لران .

رودی‌است به‌طول ۳۷۰۰ کیلومتر که از کـوههای **آمریکای شمالی** سرچشمه گرفته به **اقیانوس اطلس** می‌ریزد .

سون .

سائون را به‌بینید.

سونگاری

رودی‌است به‌طول ۱۳۵۰ کیلومتر که از ارتفاعات **منچوری** سرچشمه گرفته به **رودآمور** می‌ریزد .

سیحان.

رودی‌است به‌طول تقریبی ۵۰۰ کیلو متر که **ازکوههای‌جنوب ترکیه**سرچشمه گرفته **به خلیج اسکندرون** (مدیترانه) می‌ریزد .

سیحون.

رود. است به‌طول ۲۲۰۰ کیلومتر که از**کوه‌آلایی** سرچشمه گرفته به‌دریای **آرال** می‌ریز .

سیحون به سیر دریا نیز اشتهار دارد .

سیردریا.

سیحون را به بینید .

سی کیانگ.

رودی‌است‌به طول ۱۹۰۰ کیلومتر که از**کوههای چین** سرچشمه گرفته به‌- **دریای چین** می‌ریزد .

سیمارون

از کوههای **روکی**سرچشمه می‌گیرد و **به می‌سی‌سی‌پی** می‌ریزد.

سینی‌سئی .

از **جبال سایان** سرچشمه می‌گیرد و به **اقیانوس منجمد شمالی** می‌ریزد .

شانن

رودی‌است درایرلند در مغرب این کشور . به **اقیانوس اطلس** می‌ریزد .

شط‌العرب .

رودی‌است به‌طول ۱۷۵ کیلومتر که از **کوههای ایران و ترکیه** سرچشمه گرفته به **خلیج فارس** می‌ریزد .

شوبرت .

از **کوههای‌آند** سرچشمه می‌گیرد وبه **اقیانوس اطلس**می‌ریزد.

شی‌بانو .

از**کوههای ژاپون**سرچشمه‌می‌گیرد وبه **دریای ژاپن** می‌ریزد.

فرات .

رودی‌است بـه طول تقریبی ۲۹۰۰ کیلومتر که از کوههای **جنوب شرقی ترکیه** سرچشمه گرفته به **خلیج فارس** می‌ریزد .

فلیندرز.

رودی‌دراقیانوسیه‌ازجبال‌دیویدهنیک سرچشمه می‌گیرد و به خلیج **کارپن‌تر** می‌ریزد .

فینك.

رودی در اقیانـوسیه که از جبال **مکدویل** سرچشمه می‌گیرد وبه **دریاچهٔ آیر** می‌ریزد .

کابل.

از هندوکش سرچشمه می‌گیرد و به **رود سند** می‌ریزد .

کاسایی .

ازکوههای‌کاتانگاسرچشمه می‌گیرد و به رودکنگو می‌ریزد.

کلرادو.

رودی به طول ۲۹۰۰ کیلومتر ،از کوههای **روکی** سرچشمه می‌گیرد و به **خلیج‌کالیفرنیا** می‌ریزد .

کلمبیااسنیك.

رودی به طول ۳۰۰۰ کیلومتر ، از کوههای **روکی** سرچشمه می‌گیرد و به **اقیانوس‌کبیر** می‌ریزد.

کلیازنا.

از فلات مرکزی روسیه سرچشمه می‌گیردوبه‌رودولگا می‌ریزد.

کنگو.

رودی به طول ۴۶۴۰ کیلومتر در افریقا : از کوههای **کاتانگا** سرچشمه می‌گیرد وبه **اقیانوس اطلس** می‌ریزد.

گوادیانا.

ازکوههای **ایبری** سرچشمه‌می‌گیرد وبه **اقیانوس اطلس**می‌ریزد.

کوبانگو

از کوههای آمالند سرچشمه‌می‌- گیرد.

کامرون.

از پیرنه سرچشمه می‌گیرد و بـه **بیسکی** (اقیانوس اطلس)می‌ریزد.

گامبیا.

ازکوههای‌گامبیاسرچشمه می‌گیرد و به‌اقیانوس اطلس‌می‌ریزد.

گداوری.

رودی‌درهندبه‌طول ۱۵۰۰ کیلومتر که به خلیج بنگاله می‌ریزد.

گراند.

ازکوههای **روکی**سرچشمه‌می‌گیرد و به**خلیج مکزیك** می‌ریزد.

گنگ.

رودی به طول ۳۰۰۰ کیلومتر، از **هیمالیا**سرچشمه‌می‌گیرد وبه‌خلیج **بنگاله** می‌ریزد .

گوادالاکویر

ازکوههای شبه جزیره **ایبری** سر- چشمه می‌گیرد و به **اقیانوس اطلس** می‌ریزد.

۱۱۵۰

کیستنا.
از فلات دکن سرچشمه می‌گیرد و به اقیانوس هند می‌ریزد.

لب نور.
از کوههای ترکستان شرقی‌سرچشمه می‌گیرد و به خلیج **تارین** می‌ریزد.

لنا.
رودی‌به‌طول ۴۶۰۰ کیلومتردرآسیا از کوههای **بایکال** سیبری سرچشمه می‌گیرد و به **اقیانوس منجمد شمالی** می‌ریزد.

لوار.
رودی در فرانسه به طول ۱۰۰۰ کیلومتر، از کوههای فرانسه سرچشمه می‌گیرد و به **اقیانوس اطلس** می‌ریزد.

لیم‌پوپو.
رودی به طول ۱۶۰۰ کیلومتر، از کوههای **بیچوآنا** سرچشمه‌می‌گیرد و به **اقیانوس هند** می‌ریزد.

ماریرا.
از کوههای **آند** سرچشمه می‌گیرد و به رود **آمازون** می‌ریزد.

ماگدونا.
رودی‌به طول ۱۷۰۰ کیلومتر، از **کوههای آند** سرچشمه‌می‌گیرد و به‌دریای کارائیب می‌ریزد.

ماکنزی.
رودی درآمریکای شمالی به طول ۵۶۰۰ کیلومتر که از کوههای **کادنا — کوسترا** سرچشمه گرفته و به‌دریای **بیوفورت** می‌ریزد.

مانائوس.
از کوههای‌برزیل سرچشمه‌می‌گیرد و به رود **آمازون** می‌ریزد.

مرغاب.
از کوه هندوکش سرچشمه می‌گیرد و در ریگزار **مرو** فرو می‌رود.

مکنزی:
ماکنزی را به‌بینید.

مکونگ.
رودی‌به طول ۵۰۰ کیلومتر، از **گائیک‌گونری** (تبت) سرچشمه‌می‌گیرد و به‌دریای چین جنوبی می‌ریزد.

مورای دارلینگ.
رودی به‌طول ۳۸۰۰ کیلومتر، از **آلپ استرالیا** سرچشمه می‌گیرد و به **اقیانوس هند** می‌ریزد.

میسوری.
از کوههای **روکی** سرچشمه‌می‌گیرد و به **می‌سی‌سی‌پی** می‌ریزد.

میسی‌سی‌پی.
رودی به طول ۶۷۹۰ کیلومتر در آمریکای شمالی، از کوههای **روکی** سرچشمه می‌گیرد و به **خلیج مکزیك** می‌ریزد.

میوری.
رودی دراسترالیا که از کوههای‌این قاره سرچشمه می‌گیرد و از طرف‌جنوب به دریا می‌ریزد.

نازلورود.
از کوههای ترکیه سرچشمه‌گرفته و به دریاچهٔ رضاییه می‌ریزد.

نگرو.
از کوه **آند** سرچشمه‌گرفته و به **اقیانوس اطلس** می‌ریزد.

نلسون ساسکاچوآن.
رودی به طول ۲۴۴۰ کیلومتر، از کوههای **روکی** سرچشمه‌می‌گیرد و به **خلیج هودسن** می‌ریزد.

نوا.
از کوههای روسیه سرچشمه‌گرفته و به **دریای بالتیك** می‌ریزد.

نهنگ.
ازارتفاعات‌پاکستان‌وایران‌سرچشمه می‌گیرد و به **خلیج‌گواتر** می‌ریزد.

نیاگارا.
شاخه‌ای از رود **سن‌لران** است که به رود سن‌لران می‌ریزد.

نیجر.
رودی است‌به‌طول ۴۱۶۰ کیلومتر در افریقا، از **فوتاجالون** سرچشمه می‌گیرد و به **خلیج‌گینه** می‌ریزد.

نیژر.
نیجر را به‌بینید.

نیل.
رودی است به طول ۶۴۰۰ کیلومتر در افریقا، از **دریاچهٔ ویکتوریا** سرچشمه می‌گیرد و به **دریای مدیترانه** می‌ریزد.

نیمن.
از کوههای روسیهٔ اروپا سرچشمه می‌گیرد و به **دریای بالتیك** می‌ریزد.

واتری.
رودی درایالت نیوکاسل آمریکا به‌طول ۴۷۰ کیلومتر که به‌رود **کونگاری** می‌پیوندد.

وارتا.
رودی‌به‌طول ۸۰۰ کیلومتر که‌از لهستان سرچشمه می‌گیردوپس‌ازطی راه‌درازی‌و عبور ازچك‌اسلواکی درآلمان به **اودر** می‌ریزد.

واردر.
رودی به‌طول ۴۰۰ کیلومتر که پس از عبور ازجنوب یوگوسلاوی ومقدونیه یونان به **دریای اژه** می‌ریزد.

وال.
شاخهٔ‌اصلی‌رود**راین**درهلند مرکزی که در نزدیکی مرزآلمان از راین جدا می‌شود و به طرف باختر جریان یافته به‌رود**موز**ملحق می‌گردد.

وایت ریور.
رودی به‌طول ۱۱۳۰ کیلومتر که‌از شمالغربی‌ایالت‌آرکانزاس‌آمریکاسرچشمه گرفته به رود **می‌سی‌سی‌پی می‌پیوندد** و قسمتی ازآن قابل‌کشتیرانی‌است.

وزر.
رودی در شمالغربی‌آلمان بطول ۴۹۵ کیلومتر که از الحاق رودهای**ورا** و **فولدا** تشکیل می‌شود و به‌دریای‌شمال می‌ریزد.

وزلو.
ازکوه **آند** سرچشمه می‌گیرد و به **اقیانوس اطلس** می‌ریزد.

ولتا.
رودی در افریقاکه از ولتای علیا سرچشمه می‌گیرد ودر**گانا**به **خلیج‌گینه** می‌ریزد.

ولگا.
رودی به‌طول ۳۷۵۰ کیلومتر در اروپا، از ارتفاعات **والدایی** جمهوری شوروی فدراتیو روسیه سرچشمه‌می‌گیرد و در نزدیکی‌حاجی طرخان(هشترخان) به **دریای خزر** می‌ریزد.

ووپر.
رودی در شمالغربی به طول ۱۰۰ کیلومتر از شاخه‌های راین.

ویتیم.
رودی درجنوب‌شرقی سیبری‌به‌طول ۱۸۵۰ کیلومتر که به‌رود لنا می‌پیوندد.

ویستول .
رودی در اروپا به طول **۱۰۷۰** کیلومتر ، ازکوه **بسکی‌دوس** سرچشمه گرفته و به **دریای بالتیک** می‌ریزد .

ویسچولاد .
ویستول را به‌بینید .

ویلیویی .
رودی به طول **۱۵۰۰** متر در سیبری از شعبات غربی لنا که درسواحل آن پلاتین وطلا به دست می‌آید .

وین .
رودی به طول **۳۷۰** کیلومتر از شاخه‌های رود **لوار** .

هریرود .
از هندوکش و سفید کوه سرچشمه می‌گیرد و در ریگزار تجن فرومی‌رود .

هسی‌چیانگ .
از ایالت خاوری یون نان چین سرچشمه‌می‌گیرد و به دریای‌چین‌می‌ریزد.

هوانگ هو .
به طول **۴۱۸۰** کیلومتر که‌ازایالت **چینگهایی** سرچشمه گرفته به‌**دریای زرد** می‌ریزد .

هودسن .
ازکوههای‌**اتازونی**‌سرچشمه‌می‌گیرد و به **اقیانوس اطلس** می‌ریزد .

هیرمند .
رودی به‌طول **۱۱۰۰** کیلومتر ، از **کوه بابا** افغانستان سرچشمه می‌گیرد و به **دریاچهٔ هامون** می‌ریزد .

یازو .
رودی‌به‌طول **۳۰۰** کیلومتر درایالت می‌سی‌سی‌پی که به رود می‌سی‌سی‌پی می‌ریزد .

یاشل‌ایر .
ازکوههای‌آق داغ ترکیه سرچشمه می‌گیرد و به دریای‌سیاه می‌ریزد .

یالوا .
رودی‌به‌طول **۸۰۰** کیلومتر درمرز منچوری و کره‌که ازکوههای **چینگیایی** سرچشمه می‌گیرد و در نزدیکی‌انتونگ به **خلیج کره** می‌ریزد .

یانگ‌تسه‌کیانگ .
به‌طول **۵۳۰۰** کیلومتردرآسیا (چین) ازجنوب‌غربی‌چینگهایی‌سرچشمه‌می‌گیرد و در نزدیکی شانگهای به دریای چین می‌ریزد .

یللوستون .
رودی به طول **۱۱۰۰** کیلومتر که از ایالت **ویومینگ** آمریکا سرچشمه می‌گیرد و دریاچهٔ **یللوستون** را درشمال غربی‌آن تشکیل می‌دهد .

ینیسی سلنگا .
رودی به طول **۵۲۰۰** کیلومتر در آسیا .

ینی‌سئی .
رودی به طول **۵۵۰۰** کیلومتر در سیبری‌مرکزی، ازکوههای‌**سایان**‌سرچشمه می‌گیرد و به **اقیانوس منجمد شمالی** می‌ریزد .

یوبانگی .
ازکوههای **زوم زوری** سرچشمه می‌گیرد و به **رود کنگو** می‌ریزد .

یوکن .
رودی‌به طول **۳۲۸۰** کیلومتر ، از کوههای **کادناکوستر** سرچشمه می‌گیرد. و به **دریای برینگ** می‌ریزد .

آبشارهای معروف جهان

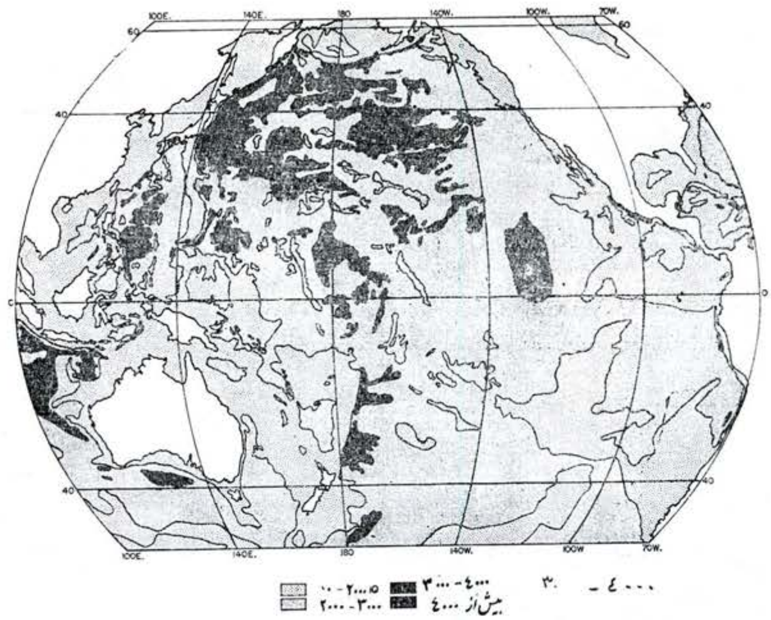
نام	کشور	ارتفاع به‌متر
آگویان	اکوادور	۶۰
آنژل	ونزوئلا	۹۶۳٫۵
استائوب‌باخ	سویس	۹۸۵
استرلینگ	زلاندنو	۱۵۱٫۵
اسکای‌کجه‌فوس	نروژ	۸۲۰
اسکی‌اک‌گوااسفوس	نروژ	۵۲۵
اسکی‌کی	نروژ	۲۴۶
اسلویسکین	ایالات متحده	۹۰
اسنوکوالمی	ایالات متحده	۸۱
اسیگدان	نروژ	۱۵۷٫۵
اشتوباخ	سویس	۲۹۵
اشتوبر	سویس	۱۷۷
ال‌سالتو	ایالات متحده	۵۵٫۵
امبویلو	تانگانیکا	۳۸۹
اوروبومیونگا	برزیل	۱۲
ایفی‌ژن	سویس	۱۱۸
ایگوازو	برزیل	۶۴
ایگواتسو	آرژانتین — برزیل	۷۱
ایل‌لوئت	ایالات متحده	۱۱۱
باراتیرا	حبشه(افریقا)	۱۳۷٫۵
باون	زلاند نو	۱۶۲
بریوال‌ویل	کالیفرنیا	۶۲۰
پائولوآفونسو	برزیل	۷۲٫۵
پاتوس‌ماریبوندو	برزیل	۳۴٫۵
پانتر	کانادا	۱۸۰
پیستیل‌ریادر	انگلستان	۷۲
پیسواخ	سویس	۶۴
تاکاکاو	کانادا	۴۹۶
تالولا	ایالات متحده	۷۵
ترنی	ایتالیا	۵۲۵
ترومبل‌باخ	سویس	۳۹۳٫۵
تکوئنداما	کولومبیا	۱۲۸
توسا	ایتالیا	۱۴۱
توگانوک	ایالات متحده	۶۴٫۵
توگیلا	افریقای جنوبی	۹۴۳
ترورون	ایتالیا	۶۸۰
تولی	استرالیا	۱۶۵
چمبران	گینهٔ انگلیس	۳۰۰
چیرومبو	زامبیا	۲۶۴
دارد	فرانسه	۴۰۰
دوک‌براگانکا	آنگولا (افریقا)	۱۰۳
دیسباخ	سویس	۳۹۳٫۵
رایش‌باخ	سویس	۳۰۰

نام	کشور	ارتفاع به‌متر
رزانکانا	آنکولا (افریقا)	۱۲۲
ریبن	ایالات متحده	۴۸۳ر۵
ریبون (ربین)	—	—
ریچنباخ	سویس	۱۹۷
ریوکان	نروژ	۲۷۱
ساترلند	زلاند نو	۵۷۱
سلوییس‌کین	واشنگتون	۳۰۰
سوترلند	زلاند جدید	۵۸۰
سون	ایالات متحده	۸۰
سونزلند	زلاند نو	—
سیلوراستراند	ایالات متحده	۳۵۱
سیمن	سویس	۱۳۷
شاه ادوارد هشتم	گینهٔ انگلیس	۲۵۲
شاه‌جورج	افریقای‌جنوبی	۱۳۵
شاه‌جورج ششم	گینهٔ انگلیس	۴۸۰
شرشون	ایالات متحده	۵۸ر۵
شکوه خورشید	هند	۲۴۹
فال‌کریك	ایالات متحده	۸۷
فیدر	ایالات متحده	۱۹۲
فیری‌فالز	ایالات متحده	۲۱۰
فینچا	حبشه	۱۵۲ر۵
کاتاراتادوکانتلاس	کولومبیا	۲۹۵
کاریتور	گینهٔ انگلیس	۱۳۲
کایی‌تور	گینهٔ انگلیس	۸۲۱
کارکاروسطی	کالیفرنیا	۶۷۵
کاسکاد دو ـ ژیتروتس	سویس	۴۹۲
کامبولا	تانگانیکای شمالی	۷۰۴
کایی‌استر	گویان	۲۴۷
کریمل	اتریش	۳۷۵
کلاس	برزیل	۳۹۷/۵
کوکونه‌آم	گویان انگلیس	۶۱۰
کوکوئنان	ونزوئلا	۶۰۰
کولومبو	تانگانیکا	۲۱۱ر۵
کومت	واشنگتون	۳۲۰
کینك‌ادوارد‌هشتم (شاه ادوارد هشتم)	—	—
کینك‌جورج (شاه جورج)	—	—
کومرا	استرالیا	۶۳
کیگون	ژاپون	۹۹
کیلفوسن	نروژ	۷۸۰
گاستین بالاتر	اتریش	۶۲
گاستین پایین‌تر	اتریش	۸۴
گاوارنیه	فرانسه	۴۱۵ر۵
گراند	کانادا	۷۳ر۵
گرسوپا ـ (شکوه خورشید)	—	—

نام	کشور	ارتفاع به‌متر
گریت‌فال	لابرادور	۶۱۰
گلوماخ	انگلستان(اسکاتلند)	۸۱
گوائیرا	پاراگوئه	۳۷۴
گولینگ	اتریش	۶۰
گدوری	هند	۸۹ر۵
گوییرا	برزیل ـ پاراگوئه	۳۰
گیسباخ	سویس	۱۱۸
نوفونی	کنگو	۳۸۴
مارادالسفوس	نروژ	۶۴۳
ماردولای باختری	نروژ	۴۶۰ر۵
ماردولای خاوری	نروژ	۵۰۹
مارمور	ایتالیا	۱۶۵
مارینا	گینهٔ انگلیس	۱۵۰
مالتسونیان	جمهوری افریقای ـ جنوبی	۱۸۹
مالتنومنا	ایالات متحده	۱۸۶
مانیتو	ایالات متحده	۴۹ر۵
مورتیسون	اوگاندا	۱۲۲
مولت‌نوماج	اورگون	۶۲۰
مونت مورنسی	کانادا	۸۲
مونی	ایالات متحده	۶۶
نارادا	ایالات متحده	۵۰ر۵
نوادا	ایالات متحده	۱۷۸



نام	کشور	ارتفاع به‌متر
نیاگارا	کانادا ـ ایالات‌متحده	۵۰
وت تیس	نروژ	۸۵۳
ورنال	ایالات متحده	۹۵
ورینگ	نروژ	۱۷۹
ولومومبی	استرالیا	۳۳۰
ونت‌ورث	استرالیا	۱۵۵
وتیس	نروژ	۲۶۴
وت‌تیس	نروژ	۸۵۳
ویرجینیا	کانادا	۹۴ر۵
ویکتوریا	رودزیای جنوبی	۱۲۵
هاراسپرانگ	سوئد	۷۳ر۵
هاندل	سویس	۴۵
هاندل	سوئد	۱۰۳ر۵
هروال	برزیل	۱۲۰
هفت آبشار (سون‌فالزا)		—
هلنا	زلاندنو	۲۶۷
هویك	افریقای‌جنوبی	۱۰۹ر۵
یلوستون بالاتر	ایالات متحده	۳۲ر۵
یلوستون پایین‌تر	ایالات متحده	۹۲ر۵



آبهای روی زمین وعمق متوسط آنها

مساحت اقیانوسها و دریاهای بزرگ جهان

مشخصات اقیانوسهای جهان

اقیانوس اطلس.

اقیانوسی بین آمریکا و اروپا و افریقا که مساحت آن قریب ۸۲/۴۴۱ ملیون کیلومتر مربع است.

اقیانوس کبیر.

بزرگترین منطقهٔ آبی کرهٔ روی زمین است که به پاسیفیك (آرام) معروف شده و بالغ بر ۱۸۰ ملیون کیلومتر مربع وسعت دارد.

بزرگترین طولش ۱۳۰۰۰ کیلومتر و بزرگترین عرضش ۱۷۷۰۰ کیلومتر است.

عمق متوسط آن ۴۰۲۷ متر است و عمیق‌ترین نقطهٔ آن گودال ماریاناست. ۱۰۹۰۰ متر است.

اقیانوس هند.

چون شبه قارهٔ هند در این منطقهٔ آبی قرار گرفته آن را اقیانوس هند نامیده‌اند و بالغ بر ۷۵ ملیون کیلومتر مربع وسعت دارد و عمیقترین ژرفنای آن ۷۳۰۰ متر است

اقیانوس منجمد جنوبی.

آبهای جنوب کرهٔ زمین به این نام معروف است که عمیق ترین نقطهٔ آن در عرض ۷۰ درجهٔ جنوبی نزدیك نصف النهار ۱۸۰ درجه به ژرفنای ۸۵۸۰ متر است.

اقیانوس منجمد شمالی.

از ۷۵ درجهٔ عرض شمالی تا قطب شمال ممتد است. مساحت آن قریب ۱۴ ملیون کیلومتر مربع است.

دریاچه‌های معروف جهان

دریاچه‌های ایران در بخش جغرافیای ایران آمده است.

آبسکول.

در آسیا بامساحت ۶۲۰۰ کیلومتر مربع

آتاباسکا.

به مساحت ۱۱۵۰۰ کیلومتر مربع در کانادا (آمریکای شمالی).

آرال.

به مساحت ۶۷۰۰۰ کیلومتر مربع در ترکستان شوروی (آسیا).

آلبانو.

دریاچه‌ای در ایتالیا به طول ۲۹۳ کیلومتر و به عمق ۱۷۰ متر.

آلبرت نیانزا

به مساحت ۴۵۰۰ کیلومتر مربع مرز بین کنگوی بلژیك و اوگاندا (افریقای مرکزی).

ادوارد.

به مساحت ۴۱۵۰ کیلومتر مربع در کنگو (افریقا).

ارتا.

دریاچه‌ای در ایتالیا (اروپا).

اریه

به مساحت ۲۵۸۴۰ کیلومتر مربع در کانادا (آمریکای شمالی).

اسکوتاری.

به مساحت ۳۷۰ کیلومتر مربع در آلبانی (اروپا).

اسلاو بزرگ.

دریاچه‌ای در کانادا (امریکای شمالی).

اور.

به مساحت ۲۹۰۰۰ کیلومتر مربع در کانادا (آمریکای شمالی).

اونتاریو.

به مساحت ۱۸۸۰۰ کیلومتر مربع در کانادا (امریکای شمالی).

اونگا.

به مساحت ۹۹۰۰ کیلومتر مربع در روسیه (اروپا).

اونی پگ.

دریاچه‌ای در کانادا (آمریکای شمالی).

آیر.

به مساحت ۸۹۰۰ کیلومتر مربع در استرالیای جنوبی (اقیانوسیه).

ایسیك کول.

به مساحت ۶۲۰۰ کیلومتر مربع در ترکستان شوروی (آسیا).

ایلامپور.

دریاچه‌ای در آمریکای جنوبی و در کشور بولیوی.

ایلمن.

به مساحت ۱۱۰۰ کیلومتر مربع در قسمت اروپایی شوروی.

باراکیو.

در آمریکای جنوبی با ۱۳۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت.

بالی.

دریاچه‌ای در جنوب غربی استرالیا.

بالاتن.

به مساحت ۵۹۶ کیلومتر مربع در مجارستان (اروپا).

بالخاش.
به مساحت ۱۷۰۰ کیلومترمربع‌در ترکستان شوروی (آسیا).

بایکال.
به مساحت ۳۱۵۰۰ کیلومترمربع درسیبری (آسیا).

بحرالمیت.
به مساحت ۹۲۶ کیلومترمربع در فلسطین (آسیای‌غربی).

بحیرةالمنتنه.
بحرالمیت را به بینید.

بردهٔ بزرگ.
درکانادا با ۲۸۹۳۰ کیلومترمربع مساحت.

برنئو.
بین‌کنکووزامبیای شمالی.

بزرگ شور.
درآمریکای شمالی با ۴۶۹۰ کیلو مترمربع مساحت.

بسمرگول
در منولستان با ۳۴۰۰ کیلومتر مربع‌مساحت.

بوئنوس‌آیرس.
به مساحت ۲۱۰۰ کیلومتر مربع درآمریکای‌جنوبی.

بین.
دریاچه‌ای درسویس (اروپا).

پئی‌پوس.
به مساحت ۳۶۰۰ کیلومترمربع‌در استونی(اروپا).

چاد.
در افریقای مرکزی با۱۰٫۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت.

پیوا.
درژاپون‌با ۹۱۰ کیلومتر مربع مساحت.

تانا.
به‌مساحت ۳۶۰۰ کیلومتر مربع درحبشه (افریقا).

تانگانیکا.
به‌مساحت ۳۱۹۰۰ کیلومتر مربع درتانگانیکا (افریقا).

تبا.
در سوماترا با ۲۰۵۰ کیلو متر-مربع مساحت.

بقیه درصفحهٔ روبرو

دریاهای معروف جهان

نام دریا	منطقهٔ اقیانوس	مجاور
آدریاتیک	اطلس	شرق ایتالیا وغرب یوگوسلاوی
آرافورا	آرام	شمال استرالیا وجنوب‌گینه
آزوف	اطلس	شمال دریای سیاه
آندامان	آرام	شمال سوماترا مغرب شبه جزیرهٔ مالاکا
اختسك	منجمد شمالی	شرق سیبریا
احمر	هند	بین آسیا (عربستان) وافریقا
اریتره	هند	مجاور دریای سرخ
اژه	اطلس	غرب ترکیه وشرق یونان
اسکوتیا	اطلس	جنوب شرقی آرژانتین
اسود	اطلس	شمال ترکیه وجنوب روسیه
ایرلند	«	شرق ایرلند وغرب انگلستان
ایونی	«	جنوب ایتالیا
بارنتس	منجمد شمالی	غرب جزایرزامبل جدید وشمال روسیه
بالئار	اطلس	غرب اسپانیا
بالتیك	اطلس	شمال لهستان وجنوب سوئد
باندا	آرام	شمال شرقی دریای فلور
بحرالمیت	دریای‌مسدود	درخاك فلسطین
بحرالروم	اطلس	سه قاره : آسیا ، اروپا وافریقا
برینگ	منجمد شمالی	شمال دریای اختسك
بلینگ شوزن	منجمدجنوبی	درجنوب
بوفورت	منجمد شمالی	شمال غربی‌کانادا
تاسمانی	آرام	شرق استرالیا وغرب زلاند جدید
تیمور	«	شمال‌شرقی‌استرالیاوجنوبغربی‌جزایرسواند
تیرنین	اطلس	شمال سیسیل غرب ایتالیا
جاوه	آرام	شمال جاوه
چین جنوبی	«	شمال برنئو وجنوب چین
چین شرقی	«	جنوب دریای زرد
زرد	«	شرق چین وغرب‌کره
ژاپون	«	شرق‌کره وغرب ژاپون
سادو	«	جنوب شرقی دریای فلور
سرخ (احمر)	—	—
سفید	منجمد شمالی	جنوب دریای بارنتس
سلبس	آرام	شال‌شرقی برنئو
سولو	«	شمال دریای سلب
سیاه (اسود)	—	—
شمال	اطلس	شرق انگلیس وشمال هند
عرب	هند	مغرب هندوستان

←

نام دریا	منطقهٔ اقیانوس	مجاور
عمان	هند	شرق خلیج فارس وجنوب ایران
غرائب (کارائیب)	اطلس	—
فلور	آرام	شرق دریای جاوه
فیلی‌پین	»	جزایر فیلی‌پین
کارا	منجمد شمالی	شمال سیبری وجنوب جزایرزامبل‌جدید
کارائیب	اطلس	شرق‌آمریکای مرکزی وشمال غربی‌آمریکای‌جنوبی
کرام	آرام	شمال دریای باندا
کرت	اطلس	درجنوب دریای اژه
کورال	آرام	شمال شرقی استرالیا
گروئنلند	منجمد شمالی	شرق‌گروئنلند
لاپته‌ویخ	منجمد شمالی	شمال سیبری
لیگوریا	اطلس	شمال غربی ایتالیا وشمال جزیرهٔ کرس
لینکلن	منجمد شمالی	شمال غربی جزیرهٔ‌گروئنلند
مالزی	آرام	—
مانش	اطلس	بین‌ساحل فرانسه وساحل‌جنوبی انگلیس
مدیترانه	»	شمال افریقا وجنوب اروپا
مرجان	آرام	مشرق استرالیا
مرده (بحرالمیت)	—	—
مرمره	اطلس	بین‌ترکیهٔ اروپا وترکیهٔ‌آسیا
ملوك	آرام	شمال‌شرقی دریای‌آرام
هند	هند	هندوستان
یونان	اطلس	غرب یونان وجنوب شرقی ایتالیا

ترازیمن .
به‌مساحت ۱۲۸۶ کیلومتر مربع‌در ایتالیا(اروپا).

تران.
دراسترالیا با ۶۰۰۰کیلومترمربع مساحت .

تسانا .
دریاچه‌ای در فلات حبشه(افریقا)

تمساح .
دریاچه ای‌است‌شور درشمال شرقی مصر (افریقا) .

تنگری‌نر .
در تبت با ۱۸۰۰ کیلومتر مربع مساحت .

تنله‌ساپ .
به‌مساحت ۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع درکامبوج (آسیا).

توپو .
درزلاند نو با۶۲۶کیلومتر مربع مساحت .

تورن .
دریاچه‌ای شور دراسترالیا به‌طول ۲۰۹ و به‌عرض ۴۸کیلومتر .

توزگل .
به مساحت ۴۰۰۰ کیلومتر مربع درترکیه(اروپا).

تی‌تی‌کاکا .
به مساحت ۹۶۰۰ کیلومتر مربع درآمریکای جنوبی .

چاد .
به مساحت ۲۵۶۷۰ کیلومترمربع در سودان (افریقای مرکزی).

حبانیه .
دریاچه‌ای‌درکشور عراق .

خرس سفید بزرگ .
در کانادا با ۳۱۰۷۰ کیلومتر- مربع مساحت .

خوارزم .
آرال‌را به‌بینید .

رنس .
در کانادا با ۶۳۰۰ کیلومترمربع مساحت .

رودولف .
به مساحت ۸۶۰۰ کیلو متر مربع بین‌کنیا و حبشه (افریقا).

ریندر .
دریاچه‌ای در کانادا .

زوریخ .
به مساحت ۸۸کیلومتر مربع در سویس(اروپا).

ژنو .
لمان را به‌بینید .

سالت .
به‌بزرگ شور مراجعه‌شود .

سالتون .
درآتازونی‌با ۱۱۰۰ کیلومترمربع مساحت .

سوپریور .
به‌مساحت ۸۲۳۸۰کیلومتر مربع درکانادا(آمریکای‌شمالی).

شامپلن .
به‌مساحت ۱۵۵۰ کیلومترمربع در کانادا (آمریکای‌شمالی).

کاترکانتون .
به‌مساحت ۱۱۴ کیلومتر مربع در سویس(اروپا).

کاریبو (رنس) .
به‌رنس مراجعه شود .

کنستانس .
به‌مساحت ۵۴۰۱کیلومتر مربع در سویس (اروپا)

کوکونور .
به‌مساحت۷۲۱۰۰۰کیلومتر مربع درچین (آسیا) .

کوم .
به مساحت ۱۴۶کیلومتر مربع در ایتالیا (اروپا).

کومو .
دریاچه ای در ایتالیا .

کیر قیز .
دریاچه‌ای درجمهوری منولستان .

کیوو .
به مساحت ۲۶۵۰ کیلومتر مربع

درکنگو (افریقا)

گریت ایسلیو . (بزرگ بردگان)
به بردهٔ بزرگ مراجعه‌شود .

گریت بیر .
خرس سفیدرا به‌بینید .

گریت سلیو .
بردهٔ بزرگ را به‌بینید .

گودزره .
دریاچه‌ای درافغانستان .

گیردنر .
دریاچه‌ای‌شوردراسترالیا با ۷۷۰۰ کیلومترمربع مساحت .

لاتومرکا .
دریاچه‌ای درفنلاند .

لادوگا .
به‌مساحت ۱۸۴۰۰ کیلومتر مربع درشوروی (اروپا).

لئوپولد دوم .
به‌مساحت ۲۳۲۰ کیلومتر مربع‌در کنگو(افریقا) .

لمان .
به‌مساحت ۵۸۲ کیلومتر مربع در سویس(اروپا).

لوگانو .
دریاچه‌ای درایتالیا .

مازور .
به مساحت ۲۱۲ کیلومتر مربع‌در ایتالیا(اروپا).

ماناگوا .
به مساحت ۱۲۳۴ کیلومتر مربع درنیکاراگوئه (آمریکای مرکزی).

مانکل
دریاچه‌ای درروسیه .

مانی‌تبا .
به مساحت ۴۸۰۰ کیلومتر مربع درکانادا(آمریکای‌شمالی).

مورو .
دریاچه‌ای در افریقا به مساحت ۴۹۰۰ کیلومتر مربع .

میستاسیتی .
درکانادا با ۳۵۰۰ کیلومتر مربع مساحت .

میشیگان .
به مساحت ۵۷۹۹۴ کیلومتر مربع در مرز کانادا واتازونی (آمریکا)

نوشاتل .
به‌مساحت ۲۱۶ کیلومتر مربع در سویس (اروپا)

نیاسا .
به مساحت ۲۶۰۰۰ در افریقای جنوبی .

نی‌پیگن .
درکانادا با ۴۵۰۰ کیلومتر مربع مساحت.

نیکاراگوئه .
به‌مساحت ۸۴۰۰ کیلومتر مربع‌در آمریکای مرکزی.

وان .
به‌مساحت ۳۷۰۰ کیلومتر مربع‌در ترکیه(آسیا) .

وانرن .
به مساحت ۵۵۶۸ در سوئد (اروپا)

ولاستو
دریاچه‌ای درکانادا .

ویکتوریا .
به‌مساحت ۶۸۱۰۰ کیلومتر مربع افریقای مرکزی .

ویکتوریا نیانزا .
ویکتوریارا به‌بینید .

وینباگو .
دریاچه‌ای در ایالت ویسکونسین آمریکا با ۵۰ کیلومتر طول و ۸–۱۶ کیلومتر عرض .

ویندرمر .
به‌مساحت ۱۷ کیلومتر درانگلستان (اروپا) .

هورون .
به مساحت ۵۹۵۰۰ کیلومتر مربع درمرز کانادا واتازونی (آمریکا)

وینی‌پگ .
به‌مساحت ۲۴۶۵۰ کیلومتر مربع درکانادا) آمریکای شمالی)

خلیج‌های معروف دنیا

نام	موقعیت	قاره
آپلانچی	جنوب فلوریدا	آمریکای شمالی
آدالیا	جنوب ترکیه	آسیا
آلاسکا	جنوب آلاسکا	آمریکای‌شمالی
آلکساندرتا	جنوب ترکیه	آسیا
آموندسن	شمال‌کانادا	آمریکای‌شمالی
آنادیر	مشرق سیبری	آسیا
آرنگا	جنوب دریای‌سفید	اروپا
استرالیا	جنوب استرالیا	اقیانوسیه
اگنی‌سانتی	مشرق برزیل	آمریکای‌جنوبی
اوبسکایا	شمال روسیه	اروپا
اوبی	شمال سیبری	آسیا
اورابی	شمال‌پاناما	آمریکای مرکزی
ونگاوا	شما شبه‌جزیرهٔ — لابرادور	آمریکای شمالی
برنگ	جنوب‌آلاسکا	آمریکای‌شمالی
بریستول	مغرب‌آلاسکا	آمریکای شمالی
بمبئی	مغرب هندوستان	آسیا
بنگاله	مشرق هند	آسیا
بوتن	مشرق سوئد	اروپا
بوتیا	شمال‌کانادا	آمریکای شمالی
بیسکای	شمال اسپانیا	اروپا
پاپوا	جنوب‌گینهٔ شرقی	اقیانوسیه
پاناما	مشرق پاناما	آمریکای مرکزی
پرنس‌البرتو	شمال‌کانادا	آمریکای شمالی
پکو	جنوب‌برمه	آسیا
تارانتو	جنوب ایتالیا	اروپا
تومینی	مشرق سه‌لبس	آسیا

نام	موقعیت	قاره
تونكن	جنوب چین	آسیا
تهوان‌پتیك	جنوب‌مكزیك	آمریكای شمالی
جمس	جنوب خلیج‌هودسن	آمریكای‌شمالی
حسینقلی	مشرق دریای‌خزر	آسیا
دارنلی	شمال‌كانادا	آمریكای شمالی
دارین	مغرب‌كولومبیا	آمریكای جنوبی
دونگال	شمال ایرلند	اروپا
سان ژورژ	جنوب‌شرقی‌آرژانتین	آمریكای جنوبی
سریت	شمال لیبی	افریقا
سنت‌مالو	شمال‌غربی فرانسه	اروپا
سنت لاورانس	مشرق‌كانادا	آمریكای شمالی
سنت‌ماتیا	مشرق‌آرژانتین	آمریكای شمالی
سوفالا	مشرق موزامبیك	افریقا
سیام	جنوب سیام	آسیا
سیدرا	جنوب‌مدیترانه	آسیا
شارلوت	شمال استرالیا	اقیانوسیه
عدن	جنوب عربستان	آسیا
فارس	جنوب ایران	آسیا
فنلاند	مشرق‌دریای‌بالتیك	اروپا
فوكس	جنوب جزیرهٔ بافن	آمریكای‌شمالی
فونسكا	جنوب‌هندوراس	آمریكای‌مركزی
قابس	مشرق تونس	افریقا
قره بغاز	مشرق‌دریای خزر	آسیا
كادیز	مغرب فرانسه	اروپا
كارپانترا	شمال استرالیا	اقیانوسیه
كالیفرنیا	مغرب مكزیك	آمریكای شمالی
كامباس	مغرب هند	آسیا
كامپچ	مشرق مكزیك	آمریكای‌شمالی
كروماسین	شمال‌كانادا	آمریكای‌شمالی
كنای	جنوب‌آلاسكا	» »
كوچ	مغرب هندوستان	آسیا
كوركووادو	مغرب‌شیلی	آمریكای‌شمالی
كوسكیور	مغرب‌آلاسكا	» »
گاسكنی	شمال اسپانیا	اروپا
گراند	جنوب‌شرقی‌آرژانتین	آمریكای‌جنوبی
گرهاگا	شمال‌دریای اختسك	آسیا
گینه	جنوب افریقا	افریقا
گیورگیو	مشرق‌آرژانتین	آمریكای‌جنوبی
اورنس	مشرق‌كانادا	آمریكای‌شمالی
لیورپول	شمال‌كانادا	» »
لیون	شمال مدیترانه	اروپا
مارتابان	جنوب‌برمه	آسیا
ماراكاس	جنوب‌دریای‌بوفورت	آمریكای‌شمالی
ماكنزی	» »	» »
مكزیك	مشرق‌مكزیك	» »
منار	جنوب هندوستان	آسیا
مورای	شمال‌دریای‌شمال	اروپا
موسكیتوس	مشرق‌كوستاریكا	آمریكای مركزی
نورتون	مغرب‌آلاسكا	آمریكای شمالی
والانسیا	مشرق اسپانیا	اروپا
ونزوئلا	شمال‌ونزوئلا	آمریكای‌جنوبی
ویپاریا	شمال‌ونزوئلا	» »
هاینان	جنوب چین	آسیا
هندوراس	شمال هندوراس	آمریكای‌مركزی
هودسون	شمال‌كانادا	آمریكای‌شمالی
ینی‌سئی	شمال سیبری	آسیا

جزایر جهان

آتسورس .
از جزایر اقیانوس اطلس .

آتو .
از جزایر اقیانوس‌كبیر .

آداك .
از جزایر اقیانوس‌كبیر .

آدمیرالتی .
در شمال شرقی آلاسكا واقع و جزء **مجمع‌الجزایر الكساندر** است و توسط **تنگهٔ استفنس** از خشكی‌جدا شده‌است.

آرشیپلاكو .
از جزایر اقیانوس اطلس .

آروبا .
ازجزایردریای‌كارائیب‌درآمریكای مركزی.

آسانسیون .
از جزایر اقیانوس اطلس .

آلاند .
در اروپا ودریای بالتیك .

آلسن .
جزیره‌ای درآبهای‌ساحلی‌دانمارك به مساحت **۳۱۲** كیلومتر مربع ودارای نیم‌ملیون نفر جمعیت‌كه تا سال **۱۹۲۰** در قلمرو پروس بود . مهمترین شهرش **سوندربورگ** است .

آلوتیانس .
از جزایر اقیانوس‌كبیر.

آماگر .
جزیره‌ای در دانمارك در جنوب **كوپنهاك** با **۸۰** كیلومتر مربع مساحت و **۱۷۸۲۰۰** نفر جمعیت .

آمبون .
از جزایر اندونزی دارای **۸۱۰** كیلومتر مربع مساحت‌كه مركزش بندر **آمبون** با **۵۵۲۶۵** نفر جمعیت .

آمچیتكا .
جزیره‌ای به طول **۷۰** كیلومتر در آبهای ساحلی‌مغرب‌آلاسكا ، دراقیانوس كبیر .

آنتی‌كوستی .
از جزایر اقیانوس اطلس .

آنتی‌گوا .
از جزایر دریای‌كارائیب .

آنتیل‌ها (مجمع‌الجزایر) .
در آمریكا و اقیانوس اطلس و دریای‌كارائیب .

آندامان ونیكوبار .
سرزمینی هندی به مساحت **۸۳۰۰** كیلومتر در خلیج بنگال با **۶۳۵۵۰** نفر جمعیت كه مركزش بندر **بلائر** است .

آندروس .
جزیره‌ای در دریای **اژه** با **۳۷۵**

کیلومتر مربع مساحت و ۱۴۷۰۵ نفر جمعیت در آبهای ساحلی یونان که شهرو بندر آن **اندروس** است .

آیرلند .
به مساحت ۸۲٫۰۶ کیلو مترمربع دراروپا واقیانوس اطلس .

آیرلند جدید .
از جزایر اقیانوس کبیر .

آیسلند .
جزیره‌ای در مشرق گروئنلند در اقیانوس منجمد شمالی .

ابوموسی .
جزایر ایران را به‌بینید .

ارض‌آتش، (تیرادل فوئکو).
از جزایر اقیانوس اطلس .

ارض جدید .
به مساحت ۱۱۰۷ کیلومترمربع در آمریکای شمالی و اقیانوس‌اطلس.

ارکینز .
از جزایر اقیانوس کبیر .

اژینا .
جزیره‌ای در شمال‌شرقی یونان در **خلیج اژینا** در **دریای اژه** و نزدیک آتن با ۸۲ کیلومتر مربع مساحت و ۹۶۰۰ نفر جمعیت .

اسپیتز برگ .
به مساحت ۳۹٫۵ کیلو مترمربع در اروپا و اقیانوس منجمد شمالی .

استرالیا.
جزیره‌ای بزرگ ازقارهٔ اقیانوسیه در اقیانوس کبیر .

استوارت .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

اسکی .
از جزایر اقیانوس کبیر .

اکیناوا .
ازجزایراقیانوس‌کبیر

البا .
از جزایر دریای مدیترانه و در مغرب شبه جزیرهٔ ایتالیا .

السمر .
به مساحت ۲۰۰٫۴۴۵ کیلومتر مربع در آمریکا .

اواهو .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

اوگادین
مجمع‌الجزایر کوچکی است درمغرب **سیسیل** که رومیان نخستین موفقیت خود را در جنگهای پونتی در آن‌محل به‌دست آوردند.

اولاند .
از جزایر دریای بالتیك در شمال اروپا .

اومناك .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

ایرلند .
از جزایر اقیانوس اطلس درمغرب بریتانیای‌کبیر .

ایستر .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

ایسلند .
به مساحت ۱۰۲٫۸۲۰ کیلومتر مربع در اروپا و اقیانوس منجمدشمالی.

ایوجیما .
از جزایر مجمع‌الجزایر ژاپون در اقیانوس‌کبیر .

باربادوس .
از جزایر دریای‌کارائیب .

بافن .
به مساحت ۵۱۲٫۱۸۳ کیلو متر مربع در آمریکای شمالی ، و اقیانوس منجمد شمالی .

بالی .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

بالیریك .
از جزایر دریای مدیترانه .

بانکز .
جزیره‌ای جزء جزایرفرانکلین در اقیانوس منجمد شمالی .

باهاما .
جزایری در اقیانوس‌اطلس وجنوب غربی ایالات متحدهٔ آمریکا .

بحرین .
به جزایر ایران مراجعه‌شود.

برمودا .
از جزایر اقیانوس اطلس .

برنئو .
به مساحت ۷۴۵٫۹۵۰ کیلومتر مربع درآسیا و اقیانوس‌کبیر .

بریتانیا .
به مساحت ۲۲۸٫۳۰۰ کیلو متر مربع در اروپا و اقیانوس اطلس .

بیسمارك ، مجمع‌الجزایر .
جزء جزایر ملانزی در شمال‌شرقی گینهٔ جدید .

پالاوان .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

پاینز .
از جزایر دریای‌کارائیب .

پرتوریکو.
جزیره‌ای‌ازجزایر آنتیل‌دراقیانوس اطلس .

پرنس ادوارد .
از جزایر اقیانوس اطلس .

پمپا .
از جزایر اقیانوس هند .

پورتوریکو .
از جزایر دریای‌کارائیب .

پولینزی .
جزایری در مشرق استرالیا و در اقیانوس‌کبیر .

پانی .
از جزایراقیانوس‌کبیر .

تاسمانی .
به مساحت ۶۷٫۹۰۰ کیلومترمربع در اقیانوسیه و اقیانوس‌کبیر (جنوب استرالیا) .

تاناگا .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

تریستان داکونها .
از جزایر اقیانوس اطلس .

تری نیداد .
از جزایر دریای‌کارائیب .

تزیف .
از جزایر اقیانوس اطلس .

توباکو .
از جزایر دریای‌کارائیب .

تونگاس .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

تیرادل‌فوئکو .
ارض‌آتش را به‌بینید .

تیمور .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

جامایکا .
در آمریکا ودریای‌کارائیب .

جاوه .
به مساحت ۱۲۵٫۹۰۰ کیلومتر مربع در اقیانوسیه و اقیانوس‌کبیر .

جنوب .
به مساحت ۴۱٫۶۰۰ کیلومترمربع در اروپا و دریای مدیترانه .

جورجیای جنوبی.
از جزایر اقیانوس اطلس .

چاتامز .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

دومینیك
از جزایر دریای‌کارائیب .

دوون .
به مساحت ۹۶ر۵۵ کیلومتر مربع درآمریکای شمالی و اقیانوس منجمد شمالی .
دیومدبزرگ .
از جزایر اقیانوس کبیر .
دیومدکوچك .
از جزایر اقیانوس کبیر .
رودوس .
جزیره‌ای در جنوب ترکیه وشمال شرقی دریای مدیترانه .
ریوکیو .
جزایری در اقیانوس کبیر و غرب چین وشمال فورمز .
ریونیون .
از جزایر اقیانوس هند .
زامبل .
به مساحت ۱۱۰ر۵۱ کیلومترمربع در اروپا .
زانته ـ زاکینتوس.
جزیره‌ای به مساحت ۳۷۵ کیلومتر مربع دارای ۳۵۵۱۰ نفر جمعیت در دریای یونان که مرکزش شهر **زانته** است .
زلاند .
بزرگترین جزیرهٔ دانمارك با ۵۳۷۵ کیلومتر مربع مساحت و ۵۶۰ر۷۷۱ر۱ نفر جمعیت. شهرهای مهمش : **کوپنهاك روسکیلد و السینور** است.
زلاند جدید .
واقع در مشرق استرالیا به‌مساحت ۲۶۸۳۰۰ کیلومتر مربع .
زنگبار .
از جزایر اقیانوس هند .
ژاپون ، مجمع‌الجزایر .
جزایری متعدد که امپراتوری ژاپون را تشکیل می‌دهد .
سائومیگویل .
از جزایر اقیانوس اطلس .
ساخالین .
به مساحت ۷۶۰۰۰ کیلومترمربع درآسیا و اقیانوس کبیر .
ساردنی .
به مساحت ۳۳۸۱۳ کیلومترمربع در اروپا و دریای مدیترانه .
سانتاکروز .
جزایری دراقیانوس کبیرودرمشرق استرالیا .
سامار .
از جزایر اقیانوس کبیر .
سریدس .
جزایری در شمال‌شرقی کالدونیای جدید دراقیانوس کبیر .
سلب .
به مساحت ۱۷۹۴۰۰ کیلومترمربع در اقیانوسیه و اقیانوس کبیر .
سلیمان ، مجمع‌الجزایر .
جزء جزایر ملانزی در اقیانوس کبیر و در شمال شرقی گینهٔ جدید .
سن‌پی‌یر .
به‌مساحت ۲۵ کیلومترمربع و ۰۰۰ر۴ نفرجمعیت در مشرق کانادا .
سنت‌هلن .
جزیره‌ای‌است آتشفشانی‌دراقیانوس اطلس به فاصلهٔ ۰۰۰ر۲ کیلومتری‌ساحل غربی افریقا با ۵ر۱۲۱ کیلومتر مربع مساحت .
سولاویسی (سلب).
جزیره‌ای بزرگ از جزایر اندونزی .
سوماترا .
به مساحت ۴۳۳۸۰۰۰ کیلومتر مربع درآسیا واقیانوس هند وجنوب‌شبه‌جزیرهٔ مالایا .
سیرام .
جزیره‌ای از جزایر اندونزی در اقیانوس‌کبیر.
سیسیل .
به مساحت ۲۴۴۴۰ کیلومترمربع در اروپا و دریای مدیترانه .
سیکلس .
از جزایر اقیانوس هند .
سیلان .
به مساحت ۶۵۶۰۰ کیلومترمربع درآسیا و اقیانوس اطلس و جنوب هندوستان .
سیلی .
از جزایر اقیانوس کبیر .
شتلاند .
جزیره‌ای در شمال دریای شمال .
شی‌ککی .
درآسیا و اقیانوس‌کبیر از جزایر مجمع‌الجزایر ژاپون.
شیکوکو .
از جزایر مجمع‌الجزایر ژاپون در اقیانوس‌کبیر .
شی‌او .
جزیره‌ای درجنوب غربی شیلی در اقیانوس‌کبیر .
فال‌کلند .
جزیره‌ای‌درجنوب شرقی‌آمریکای جنوبی و در اقیانوس اطلس .
فرناندو دونورونا .
از جزایر اقیانوس اطلس .
فورتونتورا .
از جزایر اقیانوس اطلس .
فوره‌وز .
درآسیا و اقیانوس‌کبیر و جنوب شرقی چین‌کمونیست .
فیجی .
جزءجزایرپولینزی‌دراقیانوس‌کبیر.
فیروئس .
از جزایر اقیانوس اطلس .
فیلی‌پین .
مجمع‌الجزایر در اقیانوس‌کبیر .
فیندر .
جزیره‌ای در جنوب استرالیا .
قبرس .
در اروپا، دریای مدیترانه .
قناری .
از جزایر اقیانوس اطلس .
کارولین .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .
کالاپاگو .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .
کالدونیای جدید .
جزیره‌ای در مشرق استرالیا .
کالیمانتان .
جزیرهٔ بزرگی ازجزایر اندونزی در اقیانوس‌کبیر و جنوب دریای چین .
کاناری .
جزایر قناری را ببینید .
کاناگا .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .
کرت .
بزرگترین جزیرهٔ مدیترانهٔ شرقی در ۱۵۰ کیلومتری جنوب شرقی خاك اصلی یونان قرار دارد دارای ۸۳۶۰ کیلو مترمربع مساحت و نیم ملیون نفر جمعیت است .
کرس .
در اروپا ودریای مدیترانه .
کوئموی .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

کوبا .
به مساحت ۱۱۴۰۰۰ کیلومترمربع درآمریکای‌مرکزی و اقیانوس اطلس.

کودیاك .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

کورسیکا .
از جزایر دریای مدیترانه .

کورفو .
از جزایر دریای مدیترانه .

کورکائو .
از جزایر دریای‌کارائیب .

کیپ بریتون .
از جزایر اقیانوس اطلس .

کیپ ورد .
از جزایر اقیانوس اطلس .

کیسکا .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

کینگ .
جزیره‌ای درجنوب‌استرالیا.

کیوشو .
درآسیا واقیانوس‌اطلس ودرمشرق دریای زردازمجمع‌الجزایر ژاپون .

گران‌کاناریا .
از جزایر اقیانوس اطلس .

گروئنلند .
به مساحت ۲۱۷۰۰۰۰ کیلومتر مربع‌درآمریکای‌شمالی واقیانوس‌منجمد شمالی .

گوادالوپ .
از جزایر دریای‌کارائیب .

گوتلاند .
در اروپا و دریای بالتیك .

گودال‌کانال .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

گینهٔ جدید .
به‌مساحت ۷۸۵۰۰۰ کیلومترمربع در استرالیا و اقیانوس‌کبیر .

لوتسون.
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

لوزون.
درآسیا و اقیانوس‌کبیر .

لوس .
به مساحت ۱۰۶۲۰۰ کیلومترمربع در اقیانوسیه و اقیانوس‌کبیر .

لیت .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

ماداگاسکار .
به مساحت ۵۸۵۵۰۰ کیلو متر مربع در افریقا و اقیانوس هند .

مادورا .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

مادیراس .
از جزایر اقیانوس اطلس .

ماراژو .
از جزایر اقیانوس اطلس .

مارتازو واین‌یارد .
از جزایر اقیانوس اطلس .

مارتینیك .
از جزایر دریای‌کارائیب .

مارشالوز .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

مارکیز .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

ماریاناس .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

مالت .
از جزایر دریای مدیترانه .

مالوکاس .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

محرق .
با مساحت ۴۲ کیلومتر مربع در آسیا و خلیج فارس .

ملانزی .
جزایری در شمال شرقی استرالیا و در اقیانوس‌کبیر .

ملوك .
جزایری متعدد جزء اندونزی در شمال استرالیا .

موریس .
در افریقا و اقیانوس هند .

مونت دسیرت .
از جزایر اقیانوس اطلس .

میکه‌لون .
با ۲۱۵ کیلومتر مربع مساحت و ۱۰۰۰ نفر جمعیت در مشرق‌کاناداقرار دارد .

میندانائو .
بامساحت ۹۳۳۰۰ کیلو مترمربع درآسیا .

میندورو .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

نانتوکت .
از جزایر اقیانوس اطلس .

نگروز .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

نورفولك .
جزیره‌ای در مشرق استرالیـا .

نی‌پن .
درآسیا واقیانوس‌کبیر .

نیوفوندلند .
جزیره‌ای‌بزرگ در اقیانوس‌اطلس و مشرق‌کانادا .

والخه‌رن .
جزیره‌ای به مساحت ۲۳۵ کیلو- مترمربع در ایالت‌زلاند هلند(دردریای شمال) که مهم‌ترین شهرش میـدلبرگ می‌باشد .

والیس .
جزیره‌ای درشمال‌شرقی **فیجی** که با جزیرهٔ **فوتونا** یکی ازایالات ماوراءبحار فرانسه را تشکیل می‌دهد .

وانکوور .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

وانوالوی .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

وایت .
جزیره‌ای‌درآبهای‌ساحلی **هامپشایر** انگلستان‌با ۳۸۰ کیلومتر مربع‌مساحت و ۹۵۴۸۰ نفر جمعیت .

وست‌من .
شامل ۱۴ جزیرهٔ‌کوچك درآبهای ساحلی جنوب غربی ایسلند .

ولکانو .
گروهی جزیرهٔ کوچك به مساحت ۲۸ کیلومترمربع با ۱۱۵۵ نفرجمعیت در اقیانوس‌آرام .

ویترلوو.
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

ویکتوریا .
بزرگترین جزیرهٔ‌قطب‌شمال به‌طول ۵۰۰ متروعرض ۲۵۰-۶۰۰ کیلومتردر سرزمینهای شمال‌غربی‌کانادا .

هاوایی .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

هاینان .
از جزایر اقیانوس‌کبیر .

هاییتی .
با مساحت ۲۸۰۰۰ کیلومتر مربع درآمریکای مرکزی و اقیانوس‌کبیر .

هندو (نی‌پن) .
به جزیرهٔ‌نی‌پن مراجعه شود.

هن‌شیو (نی‌پن) .
به جریرهٔ نی‌پن مراجعه شود.

هنگ‌کنگ .
جزیره‌ای در دهانهٔ رودخانهٔ **کانتون** با ۸۲/۵ کیلومتر مربع‌مساحت که مرکز مستعمرهٔ هنگ‌کنگ‌می‌باشد.

هوکایدو .
جزیره‌ای در جنوب ساخالین در اقیانوس کبیر به مساحت ۷۸۰۰۰ کیلومتر مربع .

هونشو .
جزیرهٔ نی‌پن را به‌بینید .

هونگ‌کونگ .
هنگ‌کنگ .

هیبرید .
از جزایر اقیانوس کبیر .

هیبرید‌جدید .
از جزایر اقیانوس کبیر .

یاپ .
گروه جزایری در اقیانوس آرام غربی از**جزایرکارولین** به‌مساحت ۱۰۰ کیلومتر مربع‌با ۵۷۰۰ نفرجمعیت‌شامل ۱۴ جزیره.

یونالاسکا .
از جزایر اقیانوس کبیر .

شبه جزایر معروف جهان

شبه جزیره	وسعت برحسب کیلومترمربع	قاره
آسیای‌صغیر	۵۰۶۰۰۰	آسیا
اسپری	۵۸۴۰۰۰	اروپا
اسکاندیناوی	۸۰۰۰۰۰	«
آلاسکا	۱۵۰۰۰۰۰	آمریکای‌شمالی
ایتالیا	۱۳۸۰۰۰	اروپا
بالکان	۴۶۸۰۰۰	«
برتانی	۲۴۰۰۰	«
پلوپونز	به‌طول۲۲۲۴متر	«
چوکچ	۴۹۰۰۰	آسیا
دلاوار	۱۶۰۰۰	آمریکا
ژوتلند	۴۰۰۰۰	اروپا
ساموآید	۱۳۳۰۰۰	آسیا
شانتونگ	۲۹۰۰۰	«
عربستان	۲۷۳۰۰۰۰	«
فلورید	۱۱۰۰۰۰	آمریکا
کالابریا	۱۴۰۰۰	اروپا

بقیه درصفحهٔ بعد

ترعه‌ها وکانالهای معروف جهان

نام‌کانال	موقعیت	ارتباط
اترانتو	شبه‌جزیرهٔ بالکان‌وایتالیا	دریای بالتیك به دریای ایونی
اتواین	شمال آلاسکا	خلیج گوسکیوم به دریای برینگ
استفنسن	مجمع‌الجزایر آلکساندر	دریای برینگ
اسکارژاك	نروژ ودانمارك	دریای بالتیك به دریای شمال
اسکیلکو	جنوب آلاسکا	اقیانوس کبیر
اوترانتو	ایتالیا وآلبانی	دریای ایونی به دریای آدریاتیك
اورسوند	سوئد ودانمارك	دریای بالتیك به‌کاتگات
باب‌المندب	عربستان وسومالی	دریای سرخ به خلیج فارس
باسا	تاسمانی واسترالیا	دریای تاسمانی به اقیانوس هند
برینگ	مغرب آلاسکا	دریای برینگ به اقیانوس منجمدشمالی
بسفر	ترکیهٔ آسیا وترکیهٔ اروپا	دریای مرمره به دریای سیاه
بونی‌ناچیو	ساردنی وکرس	مدیترانهٔ غربی به مدیترانهٔ مرکزی
پادوکاله	فرانسه‌ـ انگلیس	دریای مانش به دریای شمال
پالی	سیلان‌ـ هند	اقیانوس هند به خلیج بنگاله
پاناما	آمریکای مرکزی	اقیانوس اطلس به اقیانوس کبیر
پلك	آسیا	دریای اندامان به خلیج منار
تایوان	جزیرهٔ فورموزوچین	دریای شرقی چین به دریای جنوبی چین
تیه‌ور	استرالیا‌ـ گینهٔ‌نو	دریای‌کورال به آرافورا
جبل‌الطارق	اروپا (اسپانیا) وافریقا (مراکش)	دریای مدیترانه به اقیانوس اطلس
جرج	مغرب انگلیس	اقیانوس‌اطلس به‌دریای اتریش
داردانل	ترکیه	دریای مرمره به دریای اژه
دانمارك	ایسلند وگروئنلند	اقیانوس اطلس به اقیانوس‌منجمدشمالی
دریك	آمریکای‌جنوبی‌واراضی‌قطب‌جنوب	اقیانوس اطلس به اقیانوس‌کبیر
دوور	شمال فرانسه	دریای شمال به دریای مانش
دیویس	اقیانوس‌اطلس	دریای بافین به اقیانوس اطلس
دی‌لاپروس	آسیا	دریای ژاپون به دریای چین
راویس	کانادا	اقیانوس اطلس به دریای بافین
زوندا	سوماترا ـ جاوه	اقیانوس هند به دریای جاوه
سوئز	مصرـ شبه جزیرهٔ سینا	دریای احمر به مدیترانهٔ شرقی
سویا	ژاپون ـ سیبری	دریای ژاپون به‌دریای اختسك
شارلوت	غرب‌کانادا	اقیانوس‌کبیر
فورموز	مغرب جزیرهٔ فورموز	دریای چین جنوبی به‌دریای چین شرقی
فلوریدا	شبه جزیرهٔ‌فلوریدا‌ـ‌کوبا‌ـ خلیج مکزیك	اقیانوس اطلس به خلیج مکزیك
کابو	کانادا	اقیانوس اطلس به خلیج لاور
کارا	سیبری ـ نوایازملیا	دریای‌کارا به دریای بارنت

ترعه‌ها و کانال‌های معروف جهان

نام کانال	موقعیت	ارتباط
کانال شمال	ایرلند شمالی	اقیانوس اطلس به دریای ایرلند
کرچ	مغرب کریمه	دریای سیاه به دریای آزوف
کره	چین ـ کره	دریای چین شرقی به‌دریای ژاپون
کوك	جزیرهٔ شمالی ـ زلاندنو	اقیانوس کبیر به دریای تاسمانی
کیل	آلمان	دریای شمال به دریای بالتیك
گوریل	آسیا	دریای اختسك ـ اقیانوس کبیر
لانکاستر	آمریکا	میل ویلسوند به دریای بافین
لنت	آسیا	دریای سیبری خاوری
ماژلان	آرژانتین	اقیانوس‌کبیر به اقیانوس اطلس
ماکاسا	آسیا	دریای سه‌لبس ، دریای جاوه
ماك‌کلور	قارهٔ آمریکا	دریای بوفورت ـ میل ویلسوند
مالاکا	مالایا ـ سوماترا	خلیج بنگاله به دریای جاوه
مانش	انگلیس ـ فرانسه	دریای مانش به اقیانوس اطلس
مسینا	سیسیل ـ ایتالیا	دریای تیرنی به‌دریای ایونی (مدیترانه)
موزامبیك	ماداگاسکار ـ موزامبیك	اقیانوس هند شمالی‌به اقیانوس‌هندجنوبی
ولگادون	روسیهٔ شوروی	دریای خزر به‌دریای‌آزوف
ویندوارد	کوبا ـ هاییتی	اقیانوس اطلس به دریای‌کاراییب
هاینان	جزیرهٔ هاینان	خلیج تونکن به دریای چین جنوبی
هورموز	ایران	دریای عمان به خلیج‌فارس
هکات	غرب‌کانادا	اقیانوس‌کبیر
هودسن	جزیرهٔ‌بافین‌وایالت‌کبك‌کانادا	خلیج هودسن به اقیانوس اطلس
یوکاتان	آمریکا	دریای‌کاراییب به خلیج‌مکزیك

شبه‌جزایر معروف جهان

شبه‌جزیره	وسعت برحسب کیلومتر مربع	قاره
کاتیاوار	۶۰۰۰۰	آسیا
کالیفرنیا	۱۴۳۰۰۰	آمریکا
کامچاتکا	۲۶۴۰۰۰	آسیا
کانین	۱۰۵۰۰	«
کره	۱۵۲۰۰۰	«
کریمه	۲۶۰۰۰	اروپا
کلا	۱۲۰۰۰۰	«
کورلاند	۱۷/۶۰۰	«
لابرادور	۱۳۰۰۰۰۰	آمریکا
لیبری	۶۰۰۰۰۰	اروپا
مالاکا	۲۳۷۰۰۰	آسیا
ولز	۲۰۷۰۰	اروپا
هند	۲۰۸۸۰۰۰	آسیا
هندوچین	۲۰۵۰۰۰۰	«
یرك	۱۹۵۰۰۰	اقیانوسیه
یوکاتان	۱۶۹۰۰۰	آمریکای‌مرکزی

آتشفشانیها و زلزله‌های بزرگ تاریخ

۷۹ میلادی ۲۴ اوت ، طغیان‌کوه **وزو** و نابود شدن دو شهر **پمپئی** و **هرکولانئوم** و قتل هزارهـا نفر از مردم .

۱۷۵۵ میلادی ، اول نـوامبر ، زلزلهٔ شدیدی لیسبون را لرزانید وبیش از ۱۰ هزار نفرنابود شدند .

۱۸۸۳ میلادی، دراواخرماه‌اوت ، باطغیان‌کوهٔ **کراکاتوآ** ،بیش‌از ۳۶هزار نفرنابود شده و قسمت اعظم جزیره در آب فرورفت .

۱۹۰۲ میلادی ، هشتم ماه مه ، با فوران قلهٔ‌کوه **مارتنیك** شهر**سن‌پی‌یر** ویران شد و بیش از ۴۰ هزارنفرکشته شدند .

۱۹۰۶ میلادی ، هیجدهم آوریل، زلزله‌ای در سانفرانسیسکو روی داد و پانصد نفرکشته شدند .

۱۹۰۸ میلادی ، ۲۸ دسامبر ، زلزله‌ای شهرمسین را لرزانید و شهر با مرگ ۸۵ هزار نفر نابود شد .

۱۹۲۳ میلادی ، اول سپتامبر، با زلزله‌ای درژاپـون ، بیش‌از ۹۰ هزار نفر از مردم شهر **توکیو** و **یوکوهاما** نابود شدند .

۱۹۳۵ میلادی ، ۳۱ مـه ، در زلزلهٔ **کوتیا** ۵۰ هزارنفرکشته شدند .

۱۹۳۹ میلادی، ۲۷ دسامبر ، در زلزلهٔ ترکیه بیش از ۱۰۰ هزار نفراز مردم شمال ترکیه جان سپردند .

۱۹۴۹ میلادی ، ۵ اوت ، زلزلهٔ **اکوادور** بیش از ۶۰ هزار نفرکشته شدند .

۱۹۵۰ میلادی ، ۱۵اوت ، درزلزلهٔ هند، بیش‌از۲۰هزارنفرازمردم **آسام** کشته شدند.

۱۹۵۱ میلادی ، درژانویه ، در آتشفشانی‌کوه**لامینگتون**، بیش‌از۳هزار نفرکشته شدند .

۱۹۵۴ میلادی، ۹سپتامبر،درزلزلهٔ شمال‌الجزایربیش از ۱۵۰۰ نفرمردند .

۱۹۵۶ میلادی، ۱۷ ژوئن، زلزلهٔ کابل ، دوهزارنفررا به قتل رسانید .

۱۹۵۷ میلادی ، دوم ژوییه ، در زلزلهٔ شمال ایران۱۵۶۴نفرکشته‌شدند.

۱۹۵۷ میلادی ، ژوییه ، زلزلهٔ مکزیك ۶۰ نفرراکشت .

۱۹۵۷ میلادی ، در ماه دسامبر ، زلزلهٔ‌غرب ایران۲۹۳۹رابه‌قتل‌رسانید.

۱۹۶۸ درسپتامبر،درزلزلهٔ‌خراسان درحدود۱۲هزارکشته‌شدند.

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

در تهیه این بخش ازکتاب **تاریخ اکتشافات جغرافیایی** ترجمهٔ آقای رضا مشایخی استفاده شده است .

سفر	تاریخ به سال مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
الف ــ در قارهٔ آسیا		
گزنوفون	۴۰۱ ق.م	ازبابل به طرابوزان (مسافرت مشهور به بازگشت ده هزار نفر)
اسکندر	۳۳۱ـ۳۲۳ ق.م	امپراتوری ایران تا حدود سیردریا افغانستان ـ هندوکش ـ پنجاب ـ بلوچستان .
نئارك	۳۲۵ـ۳۲۴ ق.م	راه دریایی ازرود سند تا مصب دجله .
مگاستن	۲۹۰ ق.م	حوضهٔ گانژ (اللهآباد).
مهندسین چینی	۲۲۰ ق.م	عبورازصحاری بزرگ وکوههای سخت واحداث دیوار بزرگ چین
تجارچینی	۱۱۴ ق.م	عبور از چین مرکزی وارتباط بامناطق فرغانه.
تجاریونانی وچینی	قرن اول مسیحی	راهقدیمی تجارتی دریای قرمز ـ حوضهٔ گانژوفرات واسکندریه وختن شناسایی مناطق مالزی ــ سواحل غربی عربستان ــ باب المندب .
پان زائو	۹۴م	راه زمینی از چین تا سواحل دریای خزر.
سفیرامپراتور روم	۱۶۶م	مسافرت دریایی هیأت رومی (احتمالامرکب از تجار رومی).
فا ــ هیو	۳۹۹ـ۴۱۷م	مسافرت درمناطق گبی ـ افغانستان ـ هندوکش ـ پنجاب ــ حوضهٔ گانژ. جزیرهٔ سیلان جاوه وچان ــ تونك.
مبلغین نستوری	۶۳۵م	مسافرت بهچین وآسیای مرکزی.
ارکوف	۶۸۰م	مسافرت به فلسطین ــ درهٔ نیل.
تجار عرب	۷۰۰م	جزیرهٔسیلان وبنادرآسیای مرکزی.
وی لی بالا	۷۲۱م	مسافرت بهفلسطین.
سلیمان وابنوهاب	حدود ۸۵۰م	مسافرت بهسواحلخلیج فارس ـ مالابار ـ مالایو ـ نیکوبار ـ سوماترا کانفو (درچین).
مسعودی	۹۵۰م	مسافرت بهماداگاسکار ، هند، چین ، ایران، ماوراء خزر.
ابن حوقل	۹۴۳ـ۹۶۹م	مسافرتهای مطالعاتی در سرزمین خلفای عباسی درشمال افریقا.
ابن یامین تودل	۱۱۵۹م	فلسطین، سوریه ، بینالنهرین، ایران ، مالابار، سیلان، چین، حوضهٔ ولگا، استپهای اورال ، دریاچهٔ اورال ، تین چان.
پلانکارپن	۱۲۴۵م	دریاچهٔ اولی اوگور، آلتایی، قرهقوروم.
لونژومو	۱۲۴۹م	آسیای صغیر ، ایران ، ترکستان غربی، قرهقوروم.
روبروکی	۱۲۵۳ـ۱۲۵۶م	کریمه، استپهای قرهقوروم، دریاچهٔ بایکال، قفقاز، آرارات، شطفرات.
برادران پولو	۱۲۶۰ـ۱۲۶۹م	کریمه ، حوضهٔ ولگا ، بخارا، تینشان تامقرکوبلایی(سرحدچین) ومراجعت ازراه سوریه وارمنستان .
مارکوپولو	۱۲۷۱ـ۱۲۹۵م	ارمنستان ، ایران ، بدخشان ، فلاتپامیر، سرچشمههای جیحون ، لوب نور، کانیو، پکن، هوانگهو، تبت، حوضهٔ یانك تسهکیانك ، یوننان، سالوآن، داخلهٔچین، سوماترا ، نیکوبار، هورموزوونیز.
مونتکورون	۱۲۸۹ـ۱۳۲۸م	مسافرتبهایران ،آسیای مرکزی، چین.
ادریك دوپورومون	۱۳۱۷ـ۱۳۳۰م	طرابوزان، ارمنستان ، هورموز، سیلان، نیکوبار ، سوماترا، جاوه، برنئو، هند جنوبی ، چین ، لهاسا ، ایران وونیز .

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
ویتوریا	۱۳۳۸م	خیوه ، جغتایی ، سرایی .
ابن‌بطوطه	۱۳۲۴–۱۳۴۹م	سرایی ، بلغار، خیوه ، بخارا، سمرقند ، افغانستان ، درهٔ سند ، مالابار ، مالدیو ، سیلان، نیکوبار ، سوماترا، چین.
ماری نیولی	۱۳۳۹–۱۳۵۳م	سرایی، آلاسک، پکن از راه قافله رو، زایتون ، مالابار، مالدیو، هورموز، فلسطین
نیکولاکنشی	۱۴۱۲–۱۴۴۰م	هورموز،کاسبائی ، مدرس ، سیلان،جزیرهٔ آندامان، سوماترا، جاوه، برنئو، گانژ، بیرمانی ، ایروآدی ، سیام ، ملوك ، باندا ، چین ، هند، سوکوتورا ، عدن ، دریای قرمز ، مصر.
کونیلهام	۱۴۸۸م	کانافود ،کالی‌کوت،گوآ .
واسکودوگاما	۱۴۹۸م	هند(کالیکوت) ازراه دماغهٔ کاپ .
دوموتو	۱۵۰۲م	جزایر ژاپون.
بارتما	۱۵۰۶م	جزایر باندا ، ملوك .
آلمئیدا	۱۵۰۸م	جزایرلاکدیو .
آلبوکرك	۱۵۰۷–۱۵۱۰م	جزایرهورموز،گوالا .
البوکرك	۱۵۱۱م	مالاکا .
سرو	۱۵۱۱–۱۵۱۲م	جزایرملوك ، بوئرو، آمبوان، سوماترا ، جاوه .
اوبرو	۱۵۱۱–۱۵۱۲م	سیمبالا ، ژالور ، باندا .
اودرادا	۱۵۱۲م	مالدیو، سوماترا.
سیلورا	۱۵۱۲م	بنگال.
پرز	۱۵۱۸م	جزیرهٔ نیوکیو.
ماژلان	۱۵۲۱م	فیلیپین، برنئو.
موتو	۱۵۴۲م	جزایرژاپون .
تموفویچ	۱۵۸۰–۱۵۸۴م	سرزمین سیبری.
قزاقهای روسی	۱۶۰۰م	مانگاری خلیج‌تاز.
قزاقهای روسی	۱۶۱۰م	مسافرت در طول رودخانهٔ ینی‌سئی تامصب.
قزاقهای روسی	۱۶۱۶م	مسافرت درسیبری شمالی .
قزاقهای روسی	۱۶۱۹م	فلات‌گبی ، دیوار بزرگ چین.
دلاوال	۱۶۲۰–۱۶۲۴م	فلات ایران.
قزاقهای روسی	۱۶۲۴م	مسافرت درداخلهٔ سیبری .
قزاقهای روسی	۱۶۲۸–۱۶۳۲م	حوضهٔ لنا، احداث مرکز «واکوتسك».
قزاقهای روسی	۱۶۳۷–۱۶۳۹م	مسافرت ازمصب لنا تااولنك، باپاندی‌کیرگا .
ایوان مورکووی تین	۱۶۳۹م	سواحل دریای‌اختسك.
قزاقهای روسی	۱۶۴۳م	دریاچهٔ بایکال.
دوریس	۱۶۴۳م	سواحل شرقی ژاپون، دریای‌اختسك تا۴۸ درجهٔ شمالی، ساخالین.
دوریس وشاپ	۱۶۴۳م	تنگهٔ فوکیو، جزیرهٔ فورموز.
پایارکو	۱۶۴۳–۱۶۴۴م	یاکوتسك ، آلدان ،آمور ،دریای اختسك.

اکتشافات مهم ومسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال‌مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
قزاقها	۱۶۴۴ـ۱۶۴۶م	سواحل‌کالیما ، برخورد باقبایل چوکچ.
دچنف	۱۶۴۸ـ۱۶۴۹م	ازکالیما تا باب برنگ، مصب‌آنادیر.
خاباروف	۱۶۵۳م	حوضهٔ لنا ، اولکما ، تونگور ، قلل‌بابلونویی‌مور.
هندر ـ هامل	۱۶۵۴م	کره
تاورنیه	۱۶۳۸ـ۱۶۶۳م	ایران ، هند، جزایرسوند .
تونوت	۱۶۶۱ـ۱۶۶۷م	مشرق چین.
شاردن ـ دوبرن	۱۶۷۰م	ایران ، هند،مجدداً ایران.
کومفر	۱۶۹۰ـ۱۶۹۲م	ایران ، عربستان ، هند ، سیلان ، جاوه، سوماترا، ژاپون.
موروسکو	۱۶۹۰م	کامچاتکا .
محبوسین سوئدی	۱۷۱۱م	جزایرمکوریل .
محبوسین سوئدی	۱۷۱۷م	افتتاح‌کشتی رانی بین اختسك وبولچریك.
برنگ	۱۷۲۸ـ۱۷۲۹م	سواحل‌کامچاتکا ، باب برنگ.
فدروف	۱۷۳۲م	سرزمین‌چوکچها تا۶۶درجهٔ‌شمالی،مسافرین‌سواحل‌آمریکارامی‌دیدند.
موروویوف ـ پاولوف	۱۷۳۴م	ارخانژلسك، دریای‌کارا،تا۷۲ درجه و۴۵دقیقه شمالی.
اوف زین	۱۷۳۴ـ۱۷۳۶م	مسافرت در روی رودخانهٔ اوبی تا ۷۲ درجه و۳۴ دقیقه شمالی.
پرون چیسیچف	۱۷۳۵ـ۱۷۳۶م	یاکوتسك ، اولنك ، شانتانگا۷۷ درجه و۲۹ دقیقهٔ شمال.
مالی‌ژین اسکورف	۱۷۳۶ـ۱۷۳۷م	ارخانژلسك ، اوبی از راه دریا.
اوف زین	۱۷۳۷م	مسافرت روی اوبی تا ملتقای ینی سئی.
لاپروف	۱۷۳۹م	دماغهٔ تاده واقع در۷۶ درجه و۴۷دقیقه شمالی دریاچهٔ‌تای میر.
برنگ وستلر	۱۷۴۱م	جزایرآلئوسین ، جزیرهٔ برنگ.
لاتیف	۱۷۴۱ـ۱۷۴۲م	لنا، دماغهٔ پارانو،آنادیر.
هیأت بزرگ‌اکتشافی روسی	۱۷۳۲ـ۱۷۴۸م	سرزمین سیبری،کامچاتکاوکوریل.
چلیوسکین	۱۷۴۲م	شبه جزیرهٔ چلیوسکین باسرتمه.
باکوف	۱۷۶۰م	ازلنا تاکولی ماازراه دریا .
نی‌بور	۱۷۶۲ـ۱۷۶۴م	عربستان
پالوسی	۱۷۶۸ـ۱۷۷۴م	سیبری تابایکال سرزمین چین.
لاپروز	۱۷۸۷م	جزیرهٔ فورموز، دریای زرد،ساخالین ، تنگهٔ لاپروز.کامچاتکا.
ماکارینز	۱۷۹۳م	تنگهٔ فورموز، دریای زرد، پکن، دیوار بزرگ،کانال امپراتوری .
سکزن	۱۸۰۲ـ۱۸۰۵م	سوریه، فلسطین.
کروزنسترن	۱۸۰۴ـ۱۸۰۵م	ماگاتسکی، تنگهٔ‌کره ، سیرو ، ساخالین،گوریل.
وب	۱۸۰۷م	سرچشمه‌های رودگانژ.
الفینستن	۱۸۰۸م	مکانیز،کابل.
سانیکوف	۱۸۰۵ـ۱۸۱۱م	سواحل سیبری جدید.
کریستی وپوتینگر	۱۸۰۹ـ۱۸۱۰م	سیدنی ، بلوچستان ، ایران .
سیتزن	۱۸۰۹ـ۱۸۱۰م	مسافرت به‌مکه، مدینه ، یمن.
بورکهارت	۱۸۰۹ـ۱۸۱۲م	حلب ، پالمیر(سوریه)وفلسطین

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به سال مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
مورکروفت وهرسی	۱۸۱۲ م	سرچشمه‌های رود گانژ ، دریاچهٔ منسرووار، فات.
هوکسون	۱۸۱۲م	سرچشمه‌های گانژ.
کیز	۱۸۰۸-۱۸۱۴م	آسیای صغیر، ارمنستان (بعداً به ایران).
بورکهارت	۱۸۱۴م	مکه، مدینه یامبو.
کوتزبو	۱۸۱۶م	جزیرهٔ برنگ.
سادلیه	۱۸۱۹م	عربستان وخلیج فارس تا دریای احمر .
موروبوف	۱۸۱۹م	خیوه .
اورسەن	۱۸۲۰-۱۸۲۱م	بخارا .
سی بولد	۱۸۲۳ وسالهای بعد	جزایرژاپون.
گرافورد	۱۸۲۶-۱۸۲۷م	سیرمانی ، ایراواآدی.
ارسن	۱۸۲۸-۱۸۲۹م	سرزمین سیبری ازاورال تا کامچاتکا.
لوتك	۱۸۲۹م	کامچاتکا ، سرزمین چوگچها، کاراگیسك .
هومبولد	۱۸۲۹م	آلتایی، دزونگاری.
گرافورد	۱۸۳۰-۱۸۳۷م	لائوس ، سالوئن، سیام.
مك لود	۱۸۳۷م	سالوئن، مکنگ .
شوبرت	۱۸۳۷م	ساحل دریای قرمز، کشف اختلاف ارتفاع بین دریای قرمزواقیانوس،
ورد	۱۸۴۳م	عربستان.
فن میدندورف	۱۸۴۳-۱۸۴۴م	خلیجهای شمال سیبری.
جونگان	۱۸۴۵-۱۸۴۹م	جاوه.
والن	۱۸۴۵-۱۸۴۸م	عربستان.
بوتاکف	۱۸۵۳م	سیردریا (جیحون).
براندیس	۱۸۵۶م	ایراواآدی.
برادران شلان‌گین تیویت	۱۸۵۷م	هیمالایا ، معبر قره‌قوروم و کون‌لون.
چی‌باچف	۱۸۴۷-۱۸۵۸م	آسیای‌مرکزی.
خانیکف	۱۸۵۷-۱۸۵۹م	ایران.
والی‌کانف	۱۸۵۸م	تین‌شان.
لونزوبرتو	۱۸۲۷-۱۸۶۴م	آسیای‌مرکزی.
گابت وهوك	۱۸۴۴-۱۸۶۴م	هوانگ ــ هوعلیا ، صحرای اوردوسی،کوکو نور ، تبت ، لهاسا.
سمنوف	۱۸۵۷ وبعد	آلاتو ، تین‌چان، ایس‌کول ، سرزمین‌های ماوراء قفقاز.
موهوت	۱۸۵۹-۱۸۶۱م	مکونگ.
باستیان	۱۸۶۱-۱۸۶۳م	هندوچین وسایگون ، مالاکا.
پالگراو	۱۸۶۲-۱۸۶۳م	عربستان.
دوگرن	۱۸۶۳م	آسیای مرکزی.
وامبری	۱۸۶۲-۱۸۶۴م	بخارا.
مهندسین انگلیسی	۱۸۶۴-۱۸۶۷م	ایران .
فن اوستن‌ـساکن	۱۸۶۷م	سرچشمه‌های «نارین» دلتای «آمودریا».

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال‌مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
گارنیه	۱۸۶۸-۱۸۸۶م	مکنگ.
موهو	۱۸۶۸-۱۸۶۶م	مکنگ.
کوپر	۱۸۶۸م	یانك ـ تسه ـ کیانك ، باهمو ،آسام.
فدچنکو	۱۸۶۸م	فلات پامیر.
فن ریشتهوفن	۱۸۷۲-۱۸۶۸م	چین.
دوگرن	۱۸۷۱-۱۸۷۰م	آسیای‌دور.
دریك	۱۸۷۱م	فلسطین
اسکوتلوف	۱۸۷۱م	مناطق کوههای آرال ودریای خزر .
فدچنکو	۱۸۷۱م	فرغانه ، ماوراء سالایی.
پرزوااسکی	۱۸۷۳-۱۸۷۰م	آلاشان، نان‌شان، تسائیدام،کوکو نور، تبت‌شمالی‌ویانك‌تسه‌کیانك.
نائین‌سینگ	۱۸۷۳م	تبت.
سوسنوویسکی	۱۸۷۴وسالهای‌بعد	آسیای مرکزی.
اسکولیتوف	۱۸۷۴م	حوضهٔ آمور.
مارگاری	۱۸۷۴م	جنوب غربی چین ، بهامو.
کوروپاتکین	۱۸۸۶م	تین‌شان‌جنوبی.
هارماند	۱۸۷۷-۱۸۷۵م	هندوچین.
پرزوالسکی	۱۸۷۷-۱۸۷۶م	طارم ، لوب ـ نور ، آلتین تاغ.
پوتانین	۱۸۷۷م	مغولستان .
سوروزف	۱۸۷۸م	فلات پامیر.
سزشتی	۱۸۸۰-۱۸۷۷م	شانگهایی ،کان‌ـسو ، سی‌ـنینگ ـ بهاما
پرزوالسکی	۱۸۸۰-۱۸۷۹م	سائی‌زانسك ، دشت‌گوبی، نان‌شان ، یانك‌تسه، قلل‌تانکلا،تبت، کون‌ـلون ، سرچشمه‌های هوانگ‌هو. کوکونور ،کیاچا .
بونوالو	۱۸۸۰م	بخارا ، سمرقند ، ترکستان ،کوهستان تین‌شان ، حوضهٔ سیحون .
سمیرنوف	۱۸۸۱م	دارواز وتبت.
کریشنا	۱۸۷۸-۱۸۸۶م	سرچشمه‌های براهماپوترا.
هانری دورلئان	۱۸۸۲م	های‌نان.
پرازوالسکی	۱۸۸۵-۱۸۸۲م	کیاختا، سرچشمه‌های هوانگ هو ، لوب‌نور ، آلتین تاغ ، تبت ، ترکستان‌روس.
وروهورپ	۱۸۸۵م	حوضهٔ براهماپوترا.
بونوالو	۱۸۸۵م	ترکمنستان، ایران.
نیدهام و لوورث	۱۸۸۶-۱۸۸۵م	آسام ، بیرمانی علیا.
کاری	۱۸۸۷-۱۸۸۵م	ختن ، حوضهٔ‌تارم.
بونوالووکاپوس	۱۸۸۷-۱۸۸۶م	ترکستان ، پامیر،کشمیر.
گلازر	۱۸۸۸م	جنوب‌غربی عربستان.
هانری‌دورلئان	۱۸۹۰-۱۸۸۹م	کولجا، تین‌شان، لوب‌نور ،آلتین تاغ،تبت ، ساتان،یون‌نان،تنکن.
دوورنی	۱۸۸۹م	قره‌قوروم، پامیر، زرافشان، سرچشمه‌های اوکسوس‌وجبال‌هندوکش.

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال‌مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
پاستوشوف	۱۸۹۰م	سلسله جبال البرز.
سون_هادن	۱۸۹۰ـ۱۸۹۱م	خراسان، ماوراء قفقاز، بخارا ، سمرقند، کوه دماوند.
دینر	۱۸۹۲م	جبال هیمالیا.
فن‌اوپن‌هایم	۱۸۹۳م	عربستان شمالی، حوضهٔ فرات.
اشتال	۱۸۹۰ـ۱۸۹۴م	ایران.
سایکس	۱۷۹۳وسالهای بعد	هفت بار مسافرت به ایران.
اوسوالد	۱۸۹۸م	ارمنستان .
وودنبورگ	۱۸۹۸ـ۱۸۹۹م	بلوچستان.
گوسلوو	۱۸۹۹ـ۱۹۰۱م	آلتـئی ، فلات تبت‌شرقی.
سون_هادن	۱۹۰۰ـ۱۹۰۲م	حوضهٔ تارم ، تبت شمالی ، قره قوروم، کشمیر.
شاپوشنیکوف	۱۹۰۲م	تین‌شان ،آلاتو ، دوزانگاری.
اشتال	۱۹۰۴م	ایران غربی وشمالی.
یونگوسباد	۱۹۰۴م	هیئت نظامی انگلستان به لهاسا.
فیشنر	۱۹۰۳ـ۱۹۰۵م	چین و تبت.
هرزفلد	۱۹۰۵م	بین‌النهرین‌وایران.
نولوک‌وبارتوس	۱۹۰۴ـ۱۹۰۶م	تورفان.
تافل	۱۹۰۵ـ۱۹ ۸م	مناطق سرچشمه‌های هوانگ‌ـهو.
سون_هادن	۱۹۰۶ـ۱۹۰۸م	ایران شرقی وماوراء سلسله جبال هیمالیا.
مرزناخر	۱۹۰۷ـ۱۹۰۸م	تین‌ـشان.
لوژاندر	۱۹۱۰ـ۱۹۰۱م	یانگ تسه ، تسولینگ‌هو ، یاچئو، یالونگ، تونکو.
بیلی	۱۹۱۱م	باتان ، سرچشمه‌های ایروآدی وبراهماپوترا .
وارد	۱۹۱۳م	سالوان علیا، حوضهٔ مکونگ.
بیلی	۱۹۱۳م	حوضهٔ علیای براهماپوترا.
اوربان_اولسن	۱۹۱۴م	قلل سایام، اوریان خائی.
ب ـ آفریقا		
یونانیان	۶۳۰ق.م	احداث‌مستعمرهٔ سیرن.
هانون	۴۷۰ق.م	ازجبل‌الطارق وسواحل گینه .
پورپدونیوس	۲۲۳ق.م	حبشه .
کورنلیوس بالیوس	۱۹ق.م	فزان.
پولینوس	۴۲م	قلل اطلس، سرچشمه‌های سولویا.
مأموران نرون‌قیصرروم	۶۰م	ملتقای بحرالغزال ، نیل‌ابیض.
تجارمصری	قرن اول	راه تجارتی قدیمی ساحلی‌که از مصر به‌زنگبار ممتد بوده است.
مسعودی	۹۵۰م	ماداگاسکار ، افریقای شمال.
ابن‌یامین‌اهل‌تولدو	۱۱۷۰م	ازحبشه به‌آسوان.
مالاکسلوس	۱۲۷۰م	جزایرقناری.

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال‌مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
ابن بطوطه	۱۳۲۴ـ۱۳۴۹م	حبشه‌و نوبی.
ابن بطوطه	۱۳۵۲م	سرزمین‌های‌ماندینگ.
پرتغالیها	۱۴۲۷م	تسخیرجزایرآسور.
دنیزدیاز	۱۴۴۵م	شط سنگال ودماغهٔ اخضر.
دیگوگومز	۱۴۵۶م	شهرکانتور واقع درگامبی.
سانتارم	۱۴۷۱ـ۱۴۷۰م	ساحل طلا ، مصب نیجر، خط استوا .
دیکوکادو	۱۴۸۶م	مصب شط‌کنگو.
بارتلمی‌دیاز	۱۴۷۷م	دماغهٔ امید.
واسکودوگاما	۱۴۹۷ـ۱۴۹۸م	ناتال ، لورنسومارکس ، دلتای زامبز ، موزامبیك.
ماسکاراناهاس	۱۵۰۷م	موزامبیا، ملند.
پاژ	۱۶۱۸م	جزایررئونیون، موریس،سرچشمه‌های نیل‌آبی.
بروس	۱۷۶۹م	حبشه، سرچشمه‌های نیل‌آبی ، دریاچهٔ تانا.
تونبرگ	۱۷۷۳م	افریقای‌جنوبی.
گوردون	۱۷۷۷م	شط اورانژ.
هوگتون	۱۷۹۰م	گامبی ، مدینه(درکشور اولی)، بامبوك.
برون	۱۷۹۳م	بحرالغزال (نیل‌علیا).
مونگوپارك	۱۷۹۵ـ۹۷م	حوضهٔ‌گامبی، بوندو، سنگال،مورزان‌تعیین‌مسیرسنگال‌وگامبی‌و نیجر.
لالسرو	۱۷۹۸م	موزامبیك، کازامبو.
مونگوپارك	۱۸۰۵م	سان‌سان‌دینك،مسیرنیجردر ماوراء تمبوکتو.
داکوستا	۱۸۰۲ـ۱۸۱۱م	افریقای جنوبی، انگولا تا مصب زامبز.
بورگهارت	۱۸۱۳ـ۱۸۱۴م	نوبی،آتبارا.
هیئت‌کلا پرتون	۱۸۲۱ـ۱۸۲۴م	دریاچهٔ چاد،کوکا، مانکارا،کانو.
گنك	۱۸۲۵ـ۱۸۲۶م	تمبوکتو.
لیونگستون	۱۸۴۹م	دریاچهٔ انگامی.
ماژیار	۱۸۴۹ـ۱۸۵۲م	کنگوی سفلی ، سرزمین‌کواآنزا ،کاسایی ، زامبزعلیا.
کازی‌زیو	۱۸۵۱م	حوضهٔ «لیم پوپو».
لیونگستون	۱۸۵۱م	زامبزعلیا .
بورتن	۱۸۵۴م	جارار پایتخت سومالی عبور ازمشرق به‌مغرب‌درافریقای شمالی.
لیونگستون	۱۸۵۳ـ۱۸۵۶م	آبشار ویکتوریا.
لیونگستون	۱۸۵۵م	دریاچهٔ تانگانیکا
بورتن	۱۸۵۸م	دریاچهٔ ویکتوریا ، نیاسا.
سپیك	۱۸۵۸م	زامبزوسطی .
لیونگستون	۱۸۵۸م	دریاچهٔ نیاسا وشیروا .
لیونگستون	۱۸۵۹م	پولگو(نیل علیا) .
فن‌هوگلن	۱۸۶۲ـ۱۸۶۳م	صحرای الجزایر .
دووریر	۱۸۵۴ـ۱۸۶۴م	طرابلس ، خلیج گینه ، مورزوك، بورنوماندارا.

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال‌مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
روفس	۱۸۶۶–۱۸۶۷م	سوکوتز، بنوئه، لوکوجا ،لاگوس.
لیونگستون	۱۸۶۷–۱۸۶۸م	دریاچهٔ موئرو ، بنگوئلو ، لوآلابا .
روفس	۱۸۶۷–۱۸۵۸م	سیرنائیک ، بیوه ،گودال لیبی .
ناشتکال	۱۸۶۹م	تیبستی.
باکر	۱۸۷۱م	حوضهٔ نیل تا مجاورت خط استوا.
شوین‌فورت	۱۸۷۰–۱۸۷۱م	شط غزال ، سرزمین نیام‌نیام ، اوله مانگ یاتو.
استانلی	۱۸۷۱–۱۸۷۲م	زنگبار ، تانگانیکا ، روسی‌لی .
روفس	۱۸۷۳–۱۸۷۴م	صحرای لیبی .
ناشتکال	۱۸۷۰–۱۸۷۵م	بورکو ،کانم ، بورنو ، اوآدائی ، دارفور،کورذومان .
استانلی	۱۸۷۳–۱۸۷۵م	اطراف دریاچهٔ نیاسا ، مصر، نیل، دریاچهٔ‌آلبر •
استانلی	۱۸۷۶–۱۸۷۷م	کشف سرزمین‌آلبر ، ادوار .
استانلی	۱۸۷۹م	مسیرلوآلابا وکونگوازنیان‌گوئه تا دریا اولین تأسیسات تجاری‌در استانلی پول .
تومسون	۱۸۷۸–۱۸۸۰م	دریاچهٔ نیاسا ، تانگانیکا ، هیکوآ .
استانلی	۱۸۸۱م	دریاچهٔ لئوپولددوم .
ژیرو	۱۸۸۴م	سرزمینهای شمالی دریاچهٔ نیاسا ، بانگوئلو ،کنگوی علیا .
ویزمان	۱۸۸۶–۱۸۸۷م	عبور سرتاسر افریقای مرکزی .
تلکی	۱۸۸۸م	کنیا .
استانلی	۱۸۸۷–۱۸۸۹م	کنگو ، دریاچهٔ‌آلبر ،. نیاسا ، نیان‌گوئه ، موزامبیک .
میر	۱۸۸۹م	صعود به‌قلل‌کلیمانجارو .
بومان	۱۸۹۲م	سرچشمهٔ اصلی نیل .
فن‌گوئرن	۱۸۹۳–۱۸۹۴م	مسافرت از زنگبار به‌کنگو ، دریاچهٔ‌کیوو ـ جویا قلل‌گیرونگا.
سمیت	۱۸۹۴–۱۸۹۵م	سومالی ، دریاچهٔ استفانی .
اوگارد	۱۸۹۴–۱۸۹۵م	نیجریه (بورگو).
گرونر	۱۸۹۵م	فلات نوگو .
کاوندیش	۱۸۹۶–۱۸۹۷م	بربرا ، دریاچهٔ رادلف .
مارشاند	۱۸۷۶–۱۸۹۹م	شطالغزال ، فاشودا ، جیبوتی.
فیشر	۱۸۹۸م	مراکش .
لامی	۱۸۹۸–۱۹۰۰م	صحرا ، چاد ، اوبانگی .
هارتمان	۱۹۰۰م	افریقای جنوبی غربی.
دومی‌نیک	۱۹۰۱–۱۹۰۲م	کامرون شمالی .
موئروفن‌والدو	۱۹۰۲–۱۹۰۳م	اراضی مجاور سرچشمه‌های بنوئه ، دریاچهٔ چاد .
لوهان	۱۹۰۳م	سلسله جبال هوگار .
ژاگر	۱۹۰۴م	افریقای شرقی .
دوک‌دزابروز	۱۹۰۶م	روئنزوری .
الکساندر	۱۹۰۴–۱۹۰۷م	نیجر، چاد ، شطالغزال .

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال‌مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
سینر	۱۹۰۷م	قلل کاپریوی .
دوك مكلنبورگ	۱۹۰۷–۱۹۰۸م	بوکوبا ، دریاچهٔ کیوو ، روئنزوری ، کنگو .
ج - آمریکای شمالی و مرکزی		
بیارن‌هرجولفون	۹۹۹م	واین لاند (ارض جدید) .
لیف‌اریکسون	۱۰۰۰م	سواحل شرقی امریکای شمالی بین مدار ۴۰ تا ۴۲ درجهٔ شمالی.
پی‌نینگک	۱۴۷۲م	کانادا ، مصب سن‌لوران ، ارض جدید .
کریستف‌کلمب	۱۴۹۲م	گوآناهاتی (جزیرهٔ واتلنیگک) ، کوبا ، هاییتی .
کریستف کلمب	۱۴۹۳م	دومی نیك، گوادلوپ ، آنتیل‌کوچك، پورتوریکو .
کریستف‌کلمب	۱۴۹۴م	ژامائیك ۷۰۰ جزیرهٔ کوچك درجنوب کوبا وغیره .
کابوت	۱۴۹۷م	لابرادور ، ارض جدید، ساحل جنوبی .
کوترل	۱۵۰۰م	کانادا ، سن‌لوران ، لابرادور .
باستیداس	۱۵۰۱م	از دماغهٔ ولا به خلیج اورابا ، ریوماگدالنا ، ساحل پاناما .
کریستف‌کلمب	۱۵۰۲م	هوندوراس ، نیکاراگا ، کوستاریکا ، وراگا، پاناما ، جزایر لیموئن.
کابوت	۱۵۰۳	سواحل‌شرقی‌آمریکای شمالی بین‌مدار ۴۵ و ۵۸ درجه به‌ارض‌جدید.
	۱۵۰۴م	آغاز صید ماهی درارض جدید .
اوکامپو	۱۵۰۸م	مسافرت به‌دور مجمع‌الجزایر کوبا .
پونس‌دولئون	۱۵۱۲م	فلوریدا .
بالبوئا	۱۵۱۳م	کشف دریای‌جنوبی (اقیانوس‌کبیر).
کابوت	۱۵۱۶م	خلیج هودسن ۶۷ درجه و ۳۰ دقیقهٔ شمالی .
کوردووا	۱۵۱۷م	یوکاتان ، فلورید .
گریژالوا	۱۵۱۸م	ساحل شرقی مکزیك .
فرناندکورتز	۱۵۱۹م	مکزیك .
ژیل‌گونسال	۱۵۲۲م	دریاچهٔ نیکاراگا .
ورازانو	۱۵۲۴م	سواحل امریکای شمالی از ۳۴ تا ۵۰ درجهٔ شمالی .
گومز	۱۵۲۵م	از لابرادور تا فلوریدا .
واگا	۱۵۲۶–۱۵۲۸م	فلورید ، آلاباما ، می‌سی‌سی‌پی ، آرکانزاس ، کولورادو ، مکزیك جدید ، سواحل‌کالیفرنی .
ژاك‌کارتیه	۱۵۳۵م	مسافرت در سن‌لوران .
کورژ	۱۵۳۲–۱۵۳۶م	جنوب‌کالیفرنی وسواحل شمالی .
دوسوتو	۱۵۴۰–۱۵۴۱م	آلاباما ، می‌سی‌سی‌پی .
آلوارادو	۱۵۴۱م	سلسله جبال روشوز از مبدأ سواحل شرقی، درخط سیرمی‌سی‌سی‌پی تا مصب‌آن .
هیئت‌کورونادو	۱۵۴۱–۱۵۴۰م	مکزیك ، مکزیك جدید ، کانیون بزرگ‌آرکانزاس، میسوری .
ملشیوردیاز	۱۵۴۰م	مسافرت درمسیرریوکلورادو ازمصب .

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال‌مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
بودگا	۱۵۷۵م	خلیج سانفرانسیسکو .
دریك	۱۵۷۸م	سواحل غربی تارودکولومبیا ، خلیج سانفرانسیسکو .
دوفوکا	۱۵۹۲م	سواحل امریکا تا محل وان‌کوور .
	۱۶۰۶م	احداث شرکت ویرژینی وپلیموت .
جون‌اسمیت	۱۶۰۷م	احداث جاستون ، آغاز تشکیل ممالك متحده .
هودسون	۱۶۰۹ـ۱۶۱۰م	شط و خلیج هودسن .
نیکوله	۱۶۳۵م	اوتاوا ، دریاچهٔ‌هورن ، سواحل غربی دریاچهٔ میشیگان .
پرمارکت	۱۶۷۳م	ازکانادا به می‌سی‌سی‌پی .
دولاسال	۱۶۸۱ـ۱۶۸۲م	شط ایلی نوا ومی‌سی‌سی‌پی تا خلیج مکزیك ، لوئی زیان .
لاسال	۱۶۸۷م	خلیج سن برنار ، ریوکولورادو .
دامپیه	۱۷۰۹م	پورتوسکورو ،کالیفرنی .
برنك	۱۷۴۱م	جزایرآلئوسین .
چیریکوف	۱۷۴۱م	سواحل‌آلاسکا درعرض ۵۵ تا ۵۶ درجه.
	۱۷۶۹م	احداث بندر مونتره درکالیفرنی .
بودگا	۱۷۷۵م	گوادلوپ .
کوك	۱۷۷۸م	طی سواحل غربی تاشوماگین ودماغهٔ‌پرنس دوگال (غربی‌ترین‌نقطهٔ آمریکا) باب برنگ (۷۰ درجه و۴۱ دقیقه عرض شمالی) .
لاپروز	۱۷۸۶م	بنادر «فرانسویان» ، جزایر «نکر» .
مکنزی	۱۷۸۹م	سواحل مکنزی تـا ابتدای اقیانوس منجمد .
شارلوت	۱۷۹۱م	جزایر شارلوت ، ترعهٔ فوکس ، نوتکا.
مکنزی	۱۷۹۲ـ۱۷۹۳م	کاناداازطریق‌کوههای روشوز .
وان‌کوور	۱۷۹۲ـ۱۷۹۵م	از تنگهٔ «وان‌کوور» شرح‌کامل از سواحل غربی .
هومبولا	۱۸۰۳م	فلات مکزیك .
لویس‌وکلارك	۱۸۰۴ـ۱۸۰۸م	میسوری ، یلستون ،کولومبیا .
پیك	۱۸۰۷م	اراضی واقع درمجاورت سرچشمه‌های می‌سی‌سی‌پی، «ریودل نورت».
شرکت‌پوست‌آستوریا	۱۸۱۲م	کوههای روشوز ، رودپلات ، یلوری .
کوتزبو	۱۸۱۶ـ۱۸۱۷م	جزایر ساریچوف ، خلیج‌کوتزبو، اونالاسکا، باب برنگ .
بل	۱۸۱۹ـ۱۸۲۰م	می‌سی‌سی‌پی ، لاپلات ،روشوز .
کاس	۱۸۲۰م	دریاچه‌های هورن ، سرپریور ، ساندی می‌سی‌سی‌پی ، دریاچهٔ‌کاس .
بونویل	۱۸۳۱ـ۱۸۳۶م	کوه‌های روشوز ، دریاچهٔ بزرگ شور، هومبولد ، سناك رویور.
لیل	۱۸۴۱م	کانادا ، ممالك متحده، اکس جدید .
وارنر	۱۸۴۷ـ۱۸۴۹م	کوههای ساحلی کالیفرنی .
نیوبری	۱۸۵۱ـ۱۸۵۵م	کالیفرنی شمالی ، اورگون ، اوتاه ، آریزونا، مکزیك جدید.
دال	۱۸۶۷م	آلاسکا ، یوکسن .
سلوین	۱۸۷۵ـ۱۸۷۶م	کوههـای روشوزکانادائی .
کانت	۱۸۷۱ـ۱۸۷۹م	فلات‌کولورادو ، آریزونا .

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به سال مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
بروور	۱۸۹۵م	سرچشمه‌های میسوری .
بل	۱۸۹۷ـ۲۹۰۱م	خلیج هودسن ، لابرادور .
ساپر	۱۹۰۲ـ۱۹۰۳م	گواتمالا وهند غربی .
والاس	۱۹۰۳م	لابرادور .
د ـ آمریکای جنوبی		
کریستف‌کلمب	۱۴۹۸م	تری‌نی‌داد ، دلتای اورنوك ، مارگاریتا .
امریك‌وسپوس‌وهوجدا	۱۴۹۹م	سواحل مروارید ، ونزوئلا ، جزایرباهاما .
کاپرال	۱۵۰۰م	برزیل .
وسپوس	۱۵۰۳م	احداث اولین مستعمره دربرزیل .
دوسولیس	۱۵۰۹ـ۱۵۱۵م	بندرگاه ریودولاپلاتا .
هوجدا	۱۵۰۹م	کارتاژن (کولومبی) .
پرولوپز	۱۵۱۵م	خلیج ریودوژانیرو .
ماژلان	۱۵۲۰م	سواحل شرقی پاتاگونی ، تنگهٔ ماژلان .
کوارا	۱۵۲۶م	سواحل غربی آمریکا جنوبی ازارض‌آتش تااستوا .
فرانسواپیزار	۱۵۲۷م	کشورپرو .
ماندوزا	۱۵۲۷م	لاپلاتا ، پارانا، احداث بوئنوس آیرس .
شمیت	۱۵۳۶ـ۱۵۵۴م	لاپلاتا، پارانا ، پاراگوئه ، شاکو ،پرو، اوروگوئه .
گونزالوپیزار	۱۵۳۹ـ۱۵۴۰م	پرو ، سرچشمه‌های آمازون ،کیتو .
اورلانا	۱۵۳۹ـ۱۵۴۰م	پرو ، شطآمازون تا مصب .
والدیویا	۱۵۴۰م	صحرای‌آتاکاما ، تسخیرشیلی.
دریك	۱۵۷۸م	سواحل غربی ازمدار ۵۷درجهٔ جنوبی،کشف منطقهٔ آتش فشانی ، کشف دریای‌آزاد جنوب درجنوب قاره .
کاوندیش	۱۵۸۶م	بندر قحطی (در معبرماژلان) سواحل غربی‌آمریکای جنوبی .
رالی	۱۵۹۲م	اوزبوك .
نورت	۱۵۹۸ـ۱۶۰۰م	سانتاکلارا ، تنگهٔ ماژلان ، مانیل .
رالی	۱۶۱۷م	گویان .
لاکوندامین	۱۷۴۳م	نقشه برداری ازشطآمازون .
بوگنویل	۱۷۶۴ـ۱۷۶۷م	مستعمره‌کردن جزایر مالوئین ، تنگهٔ ماژلان .
هومبولد	۱۷۹۹ـ۱۸۰۰م	اورنوك وریونگرو .
هومبولد	۱۸۰۱ـ۱۸۰۲م	کولومبی ، اکواتور، پرو .
داروین	۱۸۳۳م	سلسله‌آندهای شیلی .
فی‌لیپی	۱۸۵۳ـ۱۸۸۳م	شیلی ، صحرای آتاکاما .
موستر	۱۸۶۹م	پونتاآرناس ، لیمه .
ستلزنر	۱۸۷۲ـ۱۸۷۳م	کوردلیر، آرژانتین پامپا .

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال‌مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
نوردنسیکولد	۱۸۹۵ـ۱۸۹۷م	ارض‌آتش .
شمیت	۱۹۰۰ـ۱۹۰۱م	ماتو ،گروسو .
گوسر	۱۹۰۱ـ۱۹۰۲م	اکواتور .
میر	۱۹۰۳م	کوردیلیرا کواتور .
هـ ـ استرالیاواقیانوسیه		
ماژلان	۱۵۲۱م	جزایر ماریان ، فیلیپین ، لماسوآ ، زبو، ماکتان ،کاگایا ، پالاـ آن ، میندانائو ، سارانگانی ، ملوك . جزایرسوند .
منزس	۱۵۲۶م	گینهٔ جدید .
سائوودرا	۱۵۲۸ـ۱۵۲۹م	کارولین ، جزایر مارشال .
کریجالوا	۱۵۳۷م	ازآمریکای‌جنوبی‌تا مجاورت‌گینهٔ جدید درامتداد خط استوا .
دریك	۱۵۶۷م	ملوك، تاراتیوا ، جاوه غارت سرزمین جنوب .
مندانا	۱۵۹۵م	جزایرمارکیز، پوکاپوکا ، سانتاگروز .
تورس	۱۶۰۶م	لوییزیاد،سواحل‌جنوبی‌گینهٔ جدید، تنگهٔ‌تورس، دماغهٔ‌لورك، مانیل.
لمر	۱۶۱۶م	فرناندز، جزایرکوکو ، دفلو،گینهٔ جدید، جزایرآشوتن،برتانی‌ـ جدید، باتاویا .
تاسمان	۱۶۴۲م	سرزمین وان دیمن (تاسمانی) سواحل غربی زلاند جدید .
تاسمان	۱۶۴۳م	تونگاتابو،اوآ،ناموکامشرق‌جزایرفیجی،ایرلاندجدید،برتانی‌جدید.
دامپیه	۱۶۹۹ـ۱۷۰۱م	خلیج روکن (استرالیا) دورگینهٔ جـدید، تنگهٔ دامپیه ، جزایر سانتاماتیا، ایرلند جدید، جزایرآسانسیون.
دامپیه	۱۷۰۹م	جزایرگالاپاگوس .
روگژوین	۱۷۲۲م	جنوب دماغهٔ هورن، جزایر پاك، توآموتو، ماکاتا، مانوئا، برتانی جدید، گینهٔ جدید ، اسانسیون .
آنسون	۱۷۴۱ـ۱۷۱۳م	تنگهٔ لمر، سریگان ، سالئی پان، تی‌نیان ماریان .
بایرون	۱۷۶۳ـ۱۷۶۵م	بندرگاه قحطی قبل از مجمع‌الجزایر توآموتو، جزایر«خطر» .
والیس	۱۷۶۷م	تاییتی ، مورآ ، سیلی ، تیمور، تی‌نیان .
کارتره		توآموتو ، جزایرسلیمان ، برتانی جدید، ایرلاند جدید.
بوگنویل	۱۷۶۸م	توآموتو، پوآیلند ، مائی‌تئا، تاییتی، ساموا ، هبرید جـدیـد ، سانتو ، مالیکولو، سان‌بارتلمو ، خلیج لوییزیا،شوآزول،بوگنویل، بندرکارتره ، بیرمانی جدید ،گینهٔ جدید ، بورئو .
سورویل	۱۷۶۹م	جزایرباشی ، بندر پراسلین ، جزیرهٔ سلیمان ، زلاند جدید .
کوك	۱۷۶۹م	کشف جزایر جدید درتوآموتو، مایی‌تئا ، تاییتی، سورئا، جزایر سوسیته ، اوتئورا،جزیرهٔ شمال زلاند جدید .
کوك	۱۷۷۰م	عبور از تنگهٔ کـوك ، دور جزیرهٔ سود ، سواحل شرقی استرالیا ازبتانی‌بی‌تادماغهٔ یورك‌جزیرهٔ والیس،بوبی، جزیرهٔ پرنس‌دوگال، گینهٔ جدید.

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال‌مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
کوك	۱۷۷۳م	زلاند جدید ، تاییتی، جزایر سوسیته، جزایر هروی(جزیرهٔ کوك) تونکاتابو .
کوك	۱۷۷۴م	جزایرپاك، جزایر مارکیز، توآموتو، تاییتی ، سوسیته ، سوهیسپا پالمرشی، ساواژ آیلاند، موناکو، ساندوویچ، هی‌شینلوك،اروما نکو، تانا، هبریدجدید ،کالدونی‌جدید،نسورخرك .
کوك	۱۷۷۵م	تنگهٔ‌کوك ، مانکایا ، واترو ، ونوامه، جزایرهروی ، پالمرستون، کامانکو،آناموکا، هاپایی، تونکاتابو،ائوآ، توبایی، تاییتی،موروآ، سوسیته ، المس .
کوك	۱۷۷۸ـ۱۷۷۹م	جزایر ساندویچ(هاوایی).
لاپروز	۱۷۸۶ـ۱۷۸۸م	جزایر پاك ، هاوایی ، ساموآ ، نورفوك ، بتانی‌بی ، وانیکورد .
مارشال	۱۷۸۸م	جزایر مارشال .
فیلیپ	۱۷۸۸م	کوچ دادن محبوسین وتأسیس محبس در استرالیا و نورفوك .
مارشان	۱۷۹۱م	کشف‌جزایر شمالی مجمع‌الجزایرمارکیز .
وانکوور	۱۷۹۱م	بندر ژرژ (استرالی) ، زلاند جدید ، چاتام ، هاوایی .
بوتلر	۱۷۹۴م	کشف جزایر برون .
والپول	۱۸۰۰م	کشف جزایر لویالتی .
اوانز	۱۸۱۳م	ازکوه‌های‌آبی به «فیش‌ریور» و «ماکاری» و «کامبیل‌ریور» .
اوانز	۱۸۱۵م	باشورت .
کوتزبو	۱۸۱۶م	جزایرپاك ، رومانزوف ،کوتوزوف ، سوواروف، (جزایرمارشال)، هاوایی ، جزایرکاون ، اور ، راداك ،گوم .
اوکسلی	۱۸۱۷م	مسافرت در روی رودخانهٔ لاکلان تا مصب .
هیوم	۱۸۱۷م	دریاچهٔ باتورت، جلگهٔ‌گولبورن، سیدنی.
جونستون	۱۸۲۱م	رودکلاید .
کانیگهام	۱۸۲۲م	سرچشمه‌های رود«کوکس» ، ماکاری باتورت .
دوپری.دومون‌دورویل	۱۸۲۱ـ۱۸۲۳م	جزایرمالوپین،کارمن‌تونر، تاییتی، ایرلاند جدید، وایژن،زلاندـ جدید ، روتوما .
دوپری.دومون‌دورویل	۱۸۲۴م	ماك اسکیل ، جزایر دوپری ، مجمع‌الجزایر هوکولئو .
بوگنویل	۱۸۲۴م	کوشنشین ، انامبوس .
دومون‌دورویل	۱۸۲۶م	بندر ژرژ، سواحل غربی قارهٔ‌استرالیا، زلاند جدید، مجمع‌الجزایر فیجی ، اورونان ، اناتوم ،کابرول ، هالگان .
کانیگهام	۱۸۲۷م	جلگهٔ لیورپول،کوندامین.
میچل	۱۸۳۲ـ۱۸۳۶م	ناموبی، بوگان ، اوراتز،لاکلام ، موری ، سوآل‌هیل .
	۱۸۳۷م	احداث مستعمرهٔ‌آدلائید .
ایر	۱۸۴۰م	آلبانی ، پرت،آدلایید ، قلهٔ‌هوپلس ، خلیج فاولر .
لیکهارت	۱۸۴۴ـ۱۸۴۵م	اراضی‌شمال قاره تاخلیج‌کارپانتری، کشف‌رودخانه‌های‌متعدد .
گرگوری	۱۸۴۵ـ۱۸۴۶م	رود بلاکورد ، رود بولگارت .

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال مسیحی	مناطق بازدید ویا اکتشافی
مك‌کینلی	۱۸۶۱-۱۸۶۲م	عبور سرتاسر قارهٔ استرالی ازجنوب به شمال ، رودخانهٔ لکهارت، خلیج کارپانتاری .
استوارت	۱۸۶۲م	عبورسرتاسرقارهٔ‌استرالی از جنوب‌به‌شمال (نیوکاستل،سرچشمه‌های ادلائید) .
فن لندنفلد	۱۸۸۵م	آلپ‌های استرالیائی .
لیندس	۱۸۸۷-۱۸۸۸م	عبور سرتاسر قاره‌ازشمال‌به جنوب، سرزمین‌آرنهیم، دماغهٔ‌داروین، رودخانهٔ کاترین ، خلیج پلومود.
زوار	۱۸۸۸م	گینهٔ جدید مستعمرهٔ‌سابق‌آلمان .
مك‌گرگور	۱۸۹۰-۱۸۹۶م	گینهٔ جدید انگلستان .
نیوونهوس	۱۸۹۴م	بورنئو .
اسپنسر	۱۹۰۱-۱۹۰۲م	ادلایید ، خلیج کارپانتاری .
کارل‌لومهولا	۱۹۱۵-۱۹۱۷م	بورنئو .
ح - اروپا		
یونانیان	۷۷۰ق.م	سواحل دریای سیاه .
یونانیان	۷۵۰-۶۵۰ق.م	سواحل ایتالی ، سیسیل .
یونانیان	حدود ۵۰۰ق.م	احداث بندر مارسی .
هامیکون‌کارتاژی	۴۶۰ق.م	سواحل غربی و جنوبی تا انگلستان .
پی‌تئاس	۳۲۰ق.م	سواحل وغربی‌مدیترانه جنوبی تا سواحل انگلستان دریای شمال .
سزار	۵۰-۵۸ق.م	ژرمانی ، لوآر ، برتانی ، جنوب انگلستان دریای شمال .
دریانوردان‌اگریکولاامپراتورروم	۸۴میلادی	گردش دور انگلستان .
دریانوردان‌اگریکولاامپراتورروم	۸۶-۷۸میلادی	انگلستان ، ایرلند .
گاردار وفلاك	۸۷۰-۸۶۰م	ایسلاند .
اینگولف‌وهیوراف	۸۷۴م	ایسلاند .
کشیشان‌ایرلند	۷۹۵م	ایسلاند .
ابن‌فضلون	۹۲۰م	مسافرت به روسیه و بولغارها وشط ولگا .
—	۱۵۱۰م	اولین هیئت رسمی به‌ساموییدا وپچورا .
—	۱۵۵۱م	ایجاد شرکت «مسکوی».
ویلوگبی	۱۵۵۳م	لاپونی روس ، زامبل جدید .
شانسلور	۱۵۵۳م	از راه دریای سفید ودونیا به مسکو .
بوروگ	۱۵۵۵م	پچورا ، زامبل جدید ، وایگاش .
پست‌وژاکمان	۱۵۸۰م	وایگاش ، دریای‌کارا .
ط - مناطق قطب شمال		
کون‌بیورن	۸۷۶م	سواحل‌گروئنلند برای اولین بار دیده شد .
اریك رود	۹۸۱م	اولین مسافرت به جزیرهٔ‌گروئنلند .

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
اریك‌رود	۹۸۶م	مستعمره نمودن گروئنلند.
تورن	۱۵۲۷م	سعی کرد که از راه‌شمالی به‌چین مسافرت کند .
ویلوگبی	۱۵۵۳م	سرزمین «ویلوگبی» در زامبل جدید .
بوردگ	۱۵۵۶م	زامبل جدید .
فروبیشر	۱۵۷۶م	گروئنلاند، لابرادور، تنگهٔ هودسن،خلیج رزولسیون .
دیویس	۱۵۸۵م	سواحل غربی گروئنلاند تا مدار ۶۶ درجه و۴۰دقیقه.
دیویس	۱۵۸۷م	سواحل غربی گروئنلاند تامدار۷۲ درجه و۱۲ دقیقه وتنگهٔدیویس و هودسن .
بارنتس	۱۵۹۵م	جزیرهٔ خرسان .
بارنتس	۱۵۹۶ـ۱۵۹۷م	سواحل غربی زامبل جدید ، دماغهٔ یخ (۷۶ درجه و ۷ دقیقهٔ شمالی) .
هودسن	۱۶۰۷م	سواحل شرقی گروئنلاند (۷۳ درجه) اسپیتزبرگ تا مدار ۸۰ درجه .
هودسن	۱۶۰۸م	سرزمینهای منجمد کارما کولی ، زامبل جدید.
پول	۱۶۱۰م	اسپیتزبرگ .
اج	۱۶۱۱م	آغاز صیدبالن در سواحل اسپیتزبرگ .
بیلوت	۱۶۱۵م	کانال فوکس .
بافن	۱۶۱۶م	خلیج بافن ، تنگهٔ لانکاسترو «اسمیت» .
پارس	۱۷۲۸م	مسافرت‌به‌سواحل منجمدگروئنلاند از مشرق‌به‌مغرب .
فن‌بون	۱۷۶۱م	خلیج بون .
لیاکوف	۱۷۷۰م	کشف سه جزیره در سیبری جدید .
کوک	۱۷۷۸م	سواحل شمال شرقی‌آسیا .
اسکورسبی	۱۸۰۶م	گروئنلاند متوسط واسپیتزبرگ تا ۸۱ درجه و ۳۰دقیقهٔ شمالی .
لوکان وفرانکلین	۱۸۱۸م	جزایر دانمارکی ، اسپیتزبرگ .
جون‌رس	۱۸۱۸م	خلیج بافن ، تنگهٔ لانکاستر .
پاری	۱۸۱۹ـ۱۸۲۰م	تنگهٔ بارو ،کانال دلنگین ، باتورث ملویل ، سرزمین بانکز .
ورانگل	۱۸۲۱م	دماغهٔ چلاکسوئه .
پاری	۱۸۲۱ـ۱۸۲۲م	تنگهٔ هودسن ، تنگهٔ ملویل ، فوری ، هکلا ، سرزمین کوك‌بورن.
اسکورسبی	۱۸۲۲م	نقشهٔ سواحل گروئنلاند بین۶۹ و۷۴ درجه ، تنگهٔاسکورسبی.
فرانکلن وریچاردسون	۱۸۲۱م	مسافرت در اقیانوس منجمدشمالی .
فرانکلن	۱۸۲۴ـ۱۸۲۶م	سواحل‌اقیانوس منجمدشمالی‌درمغرب ماکنزی .
ریچاردسون	۱۸۲۶م	سواحل‌اقیانوس منجمدشمالی‌درمشرق ماکنزی .
السن	۱۸۲۷م	دماغهٔ بارو .
جیمزرس	۱۸۳۰ـ۱۸۳۱م	سرزمین‌گیوم ، قطب مغناطیسی شمالی .
جون‌رس	۱۸۲۹ـ۱۸۳۳م	تنگه‌های لانکاستر ، بارو وغیره .
مادام دونه	۱۸۳۸ـ۱۸۳۹م	تنگهٔ بل ، ماگدالنا (واقع در اسپیتزبرگ) .

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال‌مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
فرانکلین	۱۸۴۵ـ۱۸۴۷م	کانال ولینگتن،جزایر کورنوالیس،تنگهٔ ویکتوریا ـ گیوم .
شدون	۱۸۴۹م	اولین عبورازدماغهٔ بارو .
جون‌رس‌وپنی	۱۸۵۰ـ۱۸۵۱م	اولین مسافرت با سرتمه از سرزمین‌کورنوالیس .
انگلفلد	۱۸۵۲م	تنگهٔ «جونس» .
آندرسن	۱۸۵۵م	شط بالن «جزیرهٔ مونترآل» .
ماک‌کلینتوک	۱۸۵۷ـ۱۸۵۹م	خلیج ملویل جزیرهٔ «بچه»تنگهٔ پیل،تنگهٔ بلوت ودماغهٔ کندی‌قطب مغناطیسی ، دماغهٔ ویکتوریاگیوم ، تنگهٔ سیمسون .
نوردنسکیولد	۱۸۶۴م	سیف‌هاربر خلیج یخ تنگهٔ بل‌ـ هورن خلیج بزرگ سرزمین اج ، و مارنتس‌کوه‌های «سفید» .
هیس	۱۸۶۹م	یخچالهای‌عظیم گروئنلاند وملویل .
یوهانسن	۱۸۶۹ـ۱۸۷۰م	دریای‌کارا نقطهٔ شمالی زامبل جدید .
هال	۱۸۷۱م	کانال‌کندی، تنگهٔ روبنسن ، اقیانوس منجمد تا عرض ۸۲درجه منتهاالیه ، شمالی‌گروئنلاند .
نیلسن	۱۸۷۲م	سواحل شمالی اسپیتزبرگ تا ۷۹ درجه و۲۰ دقیقه .
نوردنسکیولد	۱۸۷۲ـ۱۸۷۳م	موسول بی ، هفت جزیره ، معبر شمال تا خلیج والنبرگ .
برنگ	۱۸۷۵م	مسافرت درمعبرشمال‌غرب‌تاتنگهٔ‌پیل .
نوردنسکیولد	۱۸۷۵ـ۱۸۷۶م	درضمن‌دومسافرت ازدریای‌کارا به مصب ینی‌سئی‌رسید .
جونسون ونوردنسکیولد	۱۸۷۸م	مسافرت به‌دور زامبل جدید،کشف جزیرهٔ سولی‌تود تـامصب لنا ، (یاکوتسک) .
نوردنسکیولد	۱۸۷۸ـ۱۷۸۹م	کشف مسیر شمال غرب .
گیسلار	۱۸۸۱م	خلیج سن‌لوران‌ـ کولیماـ ورچویانسك .
نوردنسکیولد	۱۸۸۳م	از سواحل غربی‌گروئنلند مسافرت در داخله .
پیری	۱۸۸۶م	از خلیج دیسکو ۵۰ میل مسافرت در سرزمین‌های منجمد داخلی.
نانسن	۱۸۸۸م	عبورگروئنلاند از «اومی‌بیك» تاگوتاب
نیسیلوف	۱۸۸۷ـ۱۸۹۱م	داخلهٔ زامبل جدید .
نوردنسکیولد جوان	۱۸۹۰م	مطالعهٔ یخچالها بین تنگهٔ هورن و خلیج «رشرش» .
پیری	۱۸۹۱ـ۱۸۹۲۰م	خلیج ملك‌کورمیك، خلیج‌انگلفلد،خط تقسیم‌آبهای دریای«کان» و تنگهٔ «بالن» مسافرت در روی زمین‌های منجمده‌ارتفاع ۲۴۰۰متر خلیج اندپاندانس .
پیری	۱۸۹۳م	مسافرت به خلیج «بودوان» .
پیری	۱۸۹۴ـ۱۸۹۵م	مسافرت در اراضی منجمد شمـال‌گروئنلاند از خلیج سودوان تـا اندپاندانس .
نانسن ویوهانسن	۱۸۹۳ـ۱۸۹۶م	جزایر سیبری جدید و قشر منجمد تا ۸۶ درجه و۱۲ دقیقه شمالی مراجعت ازطریق سرزمین‌فرانسواژزف .
اسوردروپ (نانسن)	۱۸۹۳ـ۱۸۹۶م	مسافرت دراقیانوس‌منجمد شمالی‌باکشتی«فرام» تا ۸۵ درجه و۵۷ دقیقهٔ شمالی ومراجعت از طریق اسپیتزبرگ .

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
آندره	۱۸۹۷م	اولین‌مسافرت با بالن تا۸۳ درجه و۳۲ دقیقه‌شمالی .
پیری	۱۸۹۹ــ۱۸۹۸م	دماغهٔ «اورویل» سرزمین «السمر» وگرفیل، قلعهٔ‌گونگر کانون‌بی.
«	۱۹۰۰ــ۱۸۹۹م	رأس شمالی‌گروئنلاند ومسافرت در یخهای مواج تا ۸۳ درجه و ۴۵ دقیقه شمالی .
دوك‌دزابروز	۱۹۰۱م	سرزمین فرانسواژوزف تا ۸۶ درجه و۳۴ دقیقه شمالی .
اسوردروپ	۱۹۰۲ــ۱۸۹۸م	تنگهٔ جونس ورایس نقشهٔ سرزمین السمر گرینل هیبرگ، جزایر آموئد ــ کریستیان .
پیری	۱۹۰۲ــ۱۹۰۱م	از قلعهٔ‌کونرژ به خلیج لینکلن و بندرپیر .
اریکسون	۱۹۰۴م	مسافرت با سرتمه از دماغهٔ یورك تا اوپرنیك .
کولچاک	۱۹۰۴م	جزایر بنت .
آموندسن	۱۹۰۶ــ۱۹۰۳م	اولین مسافرت باکشتی از معبر شمال‌غرب از طرف مشرق‌به‌مغرب.
پیری	۱۹۰۶ــ۱۹۰۵م	تنگهٔ اسمیت‌سرزمین‌گرانت ، اقیانوس منجمد تا۸۷ درجه و۷دقیقه شمالی وسرزمینهای نار ، هیبرگ وکروگر .
میکلسن	۱۹۰۶م	جزایر بانکز دریای بوفور .
«	۱۹۰۷ــ۱۹۰۶م	مناطق شمالی آلاسکا .
کوخ	۱۹۰۸م	سرزمین لامبر .
پیری	۱۹۰۹م	نقطهٔ جغرافیایی قطب شمال این مسافرت از دماغهٔ‌کولومبیا آغازشد و هانسن سیاه‌پوست همراه پیری بود .
راسموسن	۱۹۱۲ــ۱۹۱۰م	شمال‌گروئنلند .
«	۱۹۱۷م	عبور سرتاسری جزیرهٔ‌گروئنلاند درعریض‌ترین مدار.
آموندسن	۱۹۲۰ــ۱۹۱۸م	دومین مسافرت‌آموندسن از مسیر شمال‌غرب .
سوردروپ	۱۹۲۰م	باکشتی «مود» درشمال آلاسکا .
آموندسن ــ السورث	۱۹۲۵م	اولین مسافرت با هواپیما تا ۷۸ درجه و ۴۰ دقیقه شمالی .
بیرد	۱۹۲۶م	باطیاره به قطب شمال ــ اسپیتزبرگ .
آموندسن ــ السورث	۱۹۲۶م	باکشتی هوایی «نورژ» (که به وسیلهٔ نوبیل هدایت می‌شد) از اسپیتزبرگ به قطب شمال‌تا آلاسکا .
نوبیل	۱۹۲۸م	باکشتی‌هوائی «ایتالیا»ازاسپیتزبرگ سرزمین‌فرانسواژزف‌زامبل‌جدید گروئنلاندشمالی‌وقطب‌شمال(درمعبرشمال‌غرب به‌زمین‌اصابت‌کرد) .
ویلکنز	۱۹۲۸م	باطیاره‌ازکانادا به اسپیتزبرگ .
ی‌ــ اقیانوس‌منجمدجنوبی ومناطق قطب جنوب		
دیرك	۱۵۹۹م	سرزمین‌گراهام .
لاروش	۱۶۷۵م	گرجستان جنوبی .
لوزیه‌ــ بووه	۱۷۳۹م	جزیرهٔ «بووه» .
ماریون دوفرن وکروزه	۱۷۷۲م	سرزمین «اسپرانس» جزیرهٔ«کاورن»جزیرهٔ «فروآو»گروزل‌ماریون سرزمین وان دیمن .

اکتشافات مهم و مسافرتهای مشهور

سفر	تاریخ به‌سال‌مسیحی	مناطق بازدید و یا اکتشافی
کرگولان	۱۷۷۲ـ۱۷۷۳م	جزایر کرگولان کروآریوبیون ـ زلاند .
کوک	۱۷۷۲ـ۱۷۷۴م	سد بزرگ یخ ـ مسافرت در اقیانوس منجمد تا عرض ۷۱ درجه و ۱۰ دقیقه جنوبی .
»	۱۷۷۵م	جزایر ساندویچ .
»	۱۷۷۶م	کرگولان ، کرزو .
سمیت	۱۸۱۸م	شتلاند جنوبی .
بیسکو	۱۸۳۱م	سرزمین اندربی جزیرهٔ آدلایید، جزایر بیسکوزمین گراهام .
بالنی	۱۸۳۹م	جزایر «بالن» زمین ویلکس به‌سابرینا .
ویلکس	۱۸۳۹ـ۱۸۴۰م	پالمی، شتلاند جنوبی،خلیج پیز ، سرزمین منجمده .
دومون‌دورویل	۱۸۳۹م	اورکاد جنوب، کلارنس، سرزمین ژوانویل ، لویی فیلیپ وزامبل، استرولاب .
»	۱۸۴۲م	زمین «آدلی» .
جیمس‌رس	۱۸۴۰ـ۱۸۴۱م	کرگولام سرزمین ویکتوریا ، جزیرهٔ فرانکلن (اربوز) .
»	۱۸۴۲م	شتلاند جنوبی ـ زمین‌لوئی فیلیپ،زمین ژوانویل .
لارسن	۱۸۹۲ـ۱۸۹۳م	سیمور ـ اوسکاردوم ـ جزایر رابرتسن،دوکوه آتش‌فشان در ۶۵ درجهٔ جنوبی .
اوانس	۱۸۹۳م	پالمر ، دریای اسکندر .
گرلاش	۱۸۹۸ـ۱۸۹۹م	اولین اقامت زمستانی در مناطق‌سرزمین گراهام پالمر.
الکوت دیسکووری	۱۹۰۱ـ۱۹۰۴م	اطاق زمستانی درقلل«اربوز» دیوار بزرگ‌یخ‌ـ زمین‌ادواردهفتم.
نوردنسکیولد	۱۹۰۲ـ۱۹۰۳م	شتلاند جنوبی ـ سیموراوسکار دوم لویی فیلیپ .
بروس	۱۹۰۲ـ۱۹۰۴م	دریای ودل ، زمین‌کوات ، توقف زمستانی .
شارکت	۱۹۰۳ـ۱۹۰۴م	توقف زمستانی در جزایر واندل‌گراهام لوبه .
شاکلتن	۱۹۰۸ـ۱۹۰۹م	جزایر رس تا ۸۸ درجه و۲۳ دقیقه جنوبی ـ ۱۷۹ کیلومتری قطب اثبات وجود قارهٔ منجمد جنوبی ـ وصول به قطب مغناطیسی جنوبی .
آموندسن	۱۹۱۱م	در ۱۵ دسامبر به نقطهٔ قطبی رسید .
اسکوت	۱۹۱۲م	در ۱۲ ژانویه به نقطهٔ قطبی رسید .
شاکلتن	۱۹۱۴ـ۱۹۱۶م	مسافرت در اقیانوس منجمد جنوبی ، شتلاند جنوبی .
بیرد	۱۹۲۹م	پرواز بربالای نقطهٔ قطبی به وسیلهٔ طیاره .
فاوسن	۱۹۳۰م	سرزمین ماك رابرتشتین .
لارسن	۱۹۳۰م	سرزمین مارتا ، سود .
کریستنسن	۱۹۳۰ـ۱۹۳۱م	مسافرت در اطراف اراضی منجمد (نوروژیا) .

دریانوردان اولیه

اولین مردمان دریانورد

تاریخ استفاده از وجود زورق و قایق از دوهزار و پانصد تا سه هزار سال تجاوز نمی‌کند. در بدو قرن نیولیسیك بشر، با کمك تنهٔ درختان قوی هیکل و یا مشك‌های پر از باد مسافرت خود را در میان آب انجام می‌داد و در کشورهای مصر و سومر مسافرت دریایی به‌واسطهٔ سبدهایی انجام می‌شد که اطراف آنها را با پوست پوشانده بودند و نظیر همین قایق‌ها هنوز هم مورد استفاده و استعمال است و حتی در **ایرلند و ولز و آلاسکا** فعلا هم یك چنین وسیلهٔ مسافرت در روی آب معمول است و از تنگهٔ **بهرینگ** امروز هم به‌واسطهٔ قایقهایی که از پوست سگ آبی تدارك می‌شود عبور و مرور صورت می‌گیرد و هرقدر اسباب و ابزار برای کندن و گرد انداختن تنهٔ درختها بیشتر ترقی کرد، ساختن قایق و کشتی نیز به‌همان تناسب از حیث استحکام و استعداد پیشرفت نمود و شاید موضوع کشتی نوح عبارت از وجود یك خاطرهٔ باستانی مربوط به مساعی کشتی سازی و موفقیت در آن رشته بوده باشد، چنانچه قضیهٔ طوفان هم که امروز در السنه و افواه عمومی شهرت و اشتهار دارد مربوط به انقلابی است که در بستر دریای مدیترانه صورت گرفته است. باری مطابق اطلاعی که در دست است در حدود هفت‌هزار سال قبل از میلاد پیش از آنکه اهرام مصر از طرف فراعنه ساخته و پرداخته گردد در بحر احمر و دریای مدیترانه و خلیج فارس کشتی‌ها و سفاین در عبور و مرور بوده‌اند، بدیهی است زورق‌های مذکور اغلب متعلق به ماهیگیران و حتی دزدان دریایی بوده‌اند که ضمناً تجارت و دادوستد نیز می‌کرده‌اند و برای ما مسلم است که ملاحان مزبور در هر نقطه که امکان عملی داشت به‌غارت و هرجا که چاره نداشتند به کسب و تجارت می‌پرداختند و این گروه در آبهای محصور خطر دریانوردی را برخود هموار و حتی‌المقدور از وجود بادهای موافق و یا آرامش هوا برای انجام منظور استفاده می‌نمودند و اینك چهارصد سال است که از وجود کشتی‌های دکل دار و اقیانوس نورد بهره‌برداری می‌شود و زورقهای عصر عتیق چنانچه اطلاع داریم عموماً به‌وسیلهٔ پارو اداره می‌شدند و هروقت هوا نامساعد می‌بود خود را به‌طرف بندر و پناهندگی به‌امنیت ساحل متمسك می‌شدند، تدریجاً به‌حجم کشتی‌ها افزوده شد و احتیاج به وجود پارو زن و زورقران بیشتر گردید و در نتیجه اسرای جنگی مکلف از انجام وظیفهٔ مذکور شدند. و اروپاییها آغاز کار دریانوردی خود را از بنادر معروف آن روز یعنی تیر (Tyre) و صیدون (Sedon) آغاز کردند. در دورهٔ **حمورابی** در بابل این گروه به نامهای بازرگان، سیاح در تمام دریای مدیترانه پخش شدند، تاریخ آنها را به نام **فینیقیها** می‌شناسد که قسمت اعظم آنها از مردم اصلی **اسپانیا** بودند که مستعمرات افریقایی را برای اولین بار تشکیل دادند. این تیره به‌مراتب بر یونانیها مقدم بودند.

سیاحان، کاشفین، جغرافیدانان

آفریکانوس Africanus

ازمردم مراکش که درسالهای ۱۵۰۸ تا ۱۵۱۵ به سودان سفر کرد (مورخین را به‌بینید).

آگریکولا، جینوس ژولیوس Agricola
(زنده درقرن اول میلادی)

از سیاحان رومی که در سال ۳۸ میلادی سرزمین اسکاتلند را سیاحت کرده است.

آلامینوس، آنتونی. Alaminos,A.

دریانورد اسپانیایی که در پالوس متولد شده و در دومین مسافرت کولومب در سال ۱۴۹۳ همراه او بود و در سال ۱۵۱۷ به کشف **جریان خلیج** نایل آمد.

آلبوکرك، الفونس. Albuquerque, A.
(۱۴۵۳ - ۱۵۱۵م)

دریانورد پرتغالی که کلکته را بمباران کرد، گوا و مالاکا را به تصرف در آورد و قدرت پرتغالیان را در نواحی هند مستقر ساخت.

در سال ۹۱۳ هـ ق. از طریق خلیج فارس به جزیرهٔ هورموز تاخت و آنجا را گرفت و در هورموز قلعه‌ای مستحکم ساخت. سال بعد آنجا را ترك کرده و به هند بازگشت.

درسال ۹۲۱ هـ ق. مجدداً به هورموز لشکر کشید و امیر آن سامان را مطیع نمود، سپس باشاه اسمعیل معاهده‌ای بست که به موجب آن پادشاه صفوی تسلط پرتغال را بر هورموز تصدیق نمود.

آلبوکرك درکشتی وفات یافت و جسدش درگوآ بخاك سپرده شد.

آلماگرو، دیه‌گودو. Almagro,D.
(۱۴۷۵-۱۵۳۸م)

ازکاشفین اسپانیایی که قسمتی از پرو و شیلی و **صحرای آتاکاما** درآمریکای جنوبی را به همراهی پیشارو کشف و فتح کرده است.

آلوارادو، پدرودو. Alvarado,P.
(۱۴۸۵-۱۵۴۱م)

ازکاشفین اسپانیایی که به کوبا سفر کرد و سواحل یوکاتان را شناخت (۱۵۱۸) و درسال ۱۵۱۹ به مکزیك سفر کرد و درسال ۱۵۲۳ (به‌همراهی ۷۵۰ اسپانیایی و ۳۰۰۰ هندی) ازگواتمالا وسالوادور دیدن کرد.

آمریك وسپوس. Améric Vespuce.

وسپوس را به‌بینید.

آموندسن، روآل. Amundsen.R

کاشف نروژی نخستین بار از معبر شمال غربی گذشت و به قطب جنوب رسید (۱۹۱۱م) آموندسن هنگامی که در جستجوی **نوبیل** در اقیانوس منجمد شمالی می‌گشت، درگذشت.

آنتونیوس. Antonius
(زنده درقرن ۷م)

از روحانیون مسیحی و از مردم ایتالیا که به اطراف بحرالمیت سفر کرده و اوضاع جغرافیایی و تاریخی آن نقاط را یادکرده؛ هم او است که مجسمهٔ زن لوط را که دوباره به سنگ نمك تبدیل شده، کشف کرده است.

آنس، مینو.

ازمردم کرت که در قرن ۲۰ ق م. به سیاحت قسمت وسیعی از سرزمینهای شناخته نشده نایل آمد.

آنسا، خوان باوتیستادو. Anza
(۱۷۳۵ - ۱۷۸۸م)

از سیاحان ایتالیایی و بانی سان‌فرانسیسکو درآمریکا.

آوینوس روفوس Avienus,R.
(زنده درقرن چهارم میلادی)

از علمای جغرافیای یونان است. شاعر وجغرافیدان یونان قدیم.

ابن بطوطه.
(۱۳۰۲ - ۱۳۸۴م)

در طنجهٔ مراکش به‌دنیا آمد و در

حقوق والهیات به‌درجهٔدکتری رسید در سال ۱۳۲۴ بزیارت مکه و مدینه رفت و از این تاریخ مسافرتهای او آغاز می‌شود :

افریقای شمالی راطی کرده به‌مصر رسید ، پس از طی‌طول رودنیل دوباره به دلتا مراجعت‌کرده و به سوریه رفت، از دمشق عازم خراسان (مشهد) شد ، سپس ازراه‌اصفهان وبغداد وبصره‌مجدداً به مکه رسید ، پس از سه سال توقف به عدن وحبشه رفت وبه‌ممالك بربر رسید و ازآن جا عازم آسیا شد وبه هورموز واز آن‌جا عازم‌خلیج فارس شد ، پس‌از سیاحت بسیاری از نقاط ایران به مکه بازگشت وازآن‌جا به‌مصرعلیاوازآن‌جا به سوریه و آناطولی وسپس از مغرب به کریمه رفت وازآنجا همراه یکـی از شاهزاده‌خانمهای یونانی(دخترامپراتور قسطنطنیه) عازم آن دیار شد و۳۶ روز در آن شهر ساکن‌شد و سپس به قبچاق برگشت و ازآن جابه خیوه وبخارارفت و از سمرقند به طرف افغانستان و سند رفته وازآن جا به دهلی رفت، چندسالی در دهلی ساکن شد و به نام سفیر هند عازم‌دربار چین‌شد ودر راه مورد غارت دزدان قرارگرفت و دوباره باتجهیزات فراوان به راه افتاد و به مجمع‌الجزایر مالایا رسید ، درآن‌جا سه‌زن گـرفت و یك‌سال ونیم به عیش وعشرت پرداخت، سپس‌عازم‌سیلان شد و قلهٔحضرت‌آدم(ع) را تماشاکرد ، وازآن‌جاعازم**کورماندل** شد و به‌زحمت به‌کلکته رسید و به‌کمك تجار به‌سوماترارسیدوازآن‌جا عازم‌چین شد پس از ۷۱روزبحرپیمایی به‌نانکن رسید و مراسم تدفین یك‌خان بزرگ‌را دید وپس از مسافرتهای طولانی درخاك چین به‌هند بازگشت .

مسافرت دیگر او درصحرا بودکه به‌نیجریه‌رسیده وپس‌ازسه سال‌به‌مراکش برمی‌گردد .

ابن بطوطه بزرگترین سیاح عرب است و سفر نامهٔ او مشهوراست(مورخین را به‌بینید) .

ابن‌حوقل ، ابوالقاسم محمد.
(زنده در ۳۵۹ هـ ق)

از علمای جغرافیایی قرن چهارم ، صاحب‌کتاب **المسالك والممالك** که‌مدت ۲۸ سال از عمر خود را به سیاحت در عراق ، ایران ، ماوراءالنهر ، اندلس، شام و مراکش گذرانیده است .

ابن‌خردادبه . ابوالقاسم .
(فوت ۳۰۰هـ ق)

جغرافیدان معروف ایرانی، پدرش حاکم طبرستان بـوده وجدش بگفتـهٔ ابن‌الندیم به‌دست برمکیان به‌دین اسلام درآمده است .

وی از ندمـای معتمد خلیفهٔ عباسی بود . مهمترین تألـیف اوکتاب **المسالك والممالك** است کـه از روی اسناد رسمی تألیف شده و مورد استفادهٔ جغرافیا نویسان‌بعدازاوقرارگرفته‌است.

ابن‌خلدون .
مورخین را به‌بینید .

ابن شاهین.
مورخین را به‌بینید .

ابن‌عربشاه .
مورخین را به‌بینید .

ابن‌عساکر .
مورخین رابه‌بینید .

ابن‌فضلان .
احمدبن‌فضلان‌درمورخین‌دیده شود.

ابن فقیه .
مورخین را به‌بینید .

ابن‌مسکویه .
مورخین را به‌بینید .

ابن واضح .
یعقوبی را در مورخین‌به‌بینید .

ابن‌یامین تودل Tudela

یك یهودی از خانواده‌ای روحانی وسیاح مشهوری است‌که از بارسلون به فارس و ازآن جا به رن و ازپیزگذشته به روم رسید ، ازروم به سودان وناپل وسالرم واز **اوترانت** به‌کورنت رفت و از تب بازدیدکرد ، سپس‌ازراه معروف نظامی رومیهاازساحل‌اژه‌عازم قسطنطنیه شدوازآن جابه آناطولی، **قبرس‌ورودس** رفت ،آنگاه‌عازم سوریه وفلسطین‌گردید واز هیکل سنگی‌که لوت مبدل بـه‌آن شده بود بازدیدکرد وبه دمشق می‌رسد وازآن جا به بعلبك وازپالمیر به حمص وبالاخره به بغداد می‌رود ، وازآن جا خرابه‌های بابل و برج بابل وکلده را می‌بیند وبه‌بصره‌می‌رسد وازآن‌جا وارد ایران شده به اصفهان می‌آید و بعدها ازافغانستان ، سمرقند وممالك سرحدی تبت بازدید می‌کند ، و به بین النهرین بازگشته و به هندوستان روی می‌آوردو از آن جـا به سیلان می‌رود و به چین راه می‌یابدودرمراجعت به عدن و حبشه می‌رسد واز راه صحرای سودان به مصر وارد می‌شود وازآن جا به صحرای‌سینا می‌رسد وازراه سیسیل به اروپامراجعت می‌کند .

یـادداشتهای او حـائز اهمیت است .

ابوالفداء ، اسماعیل بن‌علی‌بن‌ایوب .
(۶۷۲–۷۳۲ هـ ق)

صاحب دو کتاب معروف **تقویم‌ـ البلدان** درجغرافیاو**مختصر تاریخ‌البشر** درتاریخ عمومی‌عالم‌است. وی ازمورخین و جغرافیا دانـانی بود که به حکومت رسید .

ابوالقاسم، محمد.
ابن حوقل را به بینید .

ابوطالب‌بن محمد بیك تبریزی .
مورخین را به بینید .

احمد بن فضلان
مورخین را به بینید .

ادریسی ، ابوعبدالله محمدبن عبدالله بن ادریس .
(۴۹۳–۵۶۰ هـ ق)

یکی از بزرگترین جغرافیدانان قـرون وسطی است . اصلاً از مردم مراکش است ، کتابهای معروف او : « نزهةالمشتاق » و « روض الانس » و « نزهةالنفس» است .

ادریسی‌به شریف‌ادریسی‌نیزمعروف می‌باشد.

اراتوستن Eratosthene.
(۲۸۴–۱۹۲ ق م)

پـدر جغرافیای علمی ، ازعلمای شهر اسکندریه و مدیرکتابخانهٔ معروف آن‌شهر(منجمین را به‌بینید).

اریك قرمز Eric.

از سیاحان معروف نروژ ، در ۹۸۲ میلادی بـه گروئنلند رفت و در ۹۸۶ بازگشت و راه مسافرت بـه این سرزمین را بازکرد.

اریکسون، لیف. Erikssonn.
(قرن دهم)

فرزنـد **اریك قرمز** از نخستین سیاحان‌قرن‌اول‌میلادی‌که‌آمریکای‌شمالی و مناطق مکشوفـهٔ خود را **وینلاند** نامید.

اریکسون از گـروئنلند به نروژ

حرکت کرد پس از یك سال توقف در ۹۹۹ بهسوی گروئنلند حرکت کرد ولی در بین راه دچار طوفان شدیدی شد و کشتی او پس ازمدتها بهسواحل مجهولی رسیدند ودر آنجا گندم کاشته ویك نوع عصاره از درختها برای محافظت چوب از پوسیدن بکار میبردند یافتند و با نمونهای از این محصولات بهطرف شمالشرقی حرکت کرد و بهگروئنلند رسید .

استانلی ، هانری مورتن . Stanley
(۱۸۴۱ـ ۱۹۰۴ م)

سیاح معروف که درسال ۱۸۷۱ بهـ جستجوی لیوینگستون بهافریقای مرکزی رفت واورا پیداکرد و بهکشف چندنقطهٔ تازه نایل آمد .

استرابون Sstrabon
(تولد ۵۸ قمـوفات ۲۵م)

بزرگترین جغرافیدان عصر قدیم است ، درشهر امازی (درآسیای صغیر) به دنیاآمد و درمدارس تلوس و روم و احتمالاً در اسکندریـه تحصیل کرد و سپس به مسافرتهای زیادی پرداخت و یادگارهایخویش را در۴۳ مجلدتألیف کرده که حاوی وقایع آن زمان(ازسقوط کارتاژ تا مرگ سزار) و ۱۷ جلدکتاب درجغرافی نگاشته است.

استوارت ، جان مکداول. Stvart
(۱۸۱۵ـ۱۸۶۶م)

ازکاشفین وسیاحان اسکاتلند واولین کسیکه به مرکزاسترالیا رسید .

اسکات ، رابرت ، فالکن .
Scotte, R. F.
(۱۸۶۸ـ۱۹۱۲م)

از سیاحان وکاشفین انگلیسی ، که در سال ۱۹۰۱ همراه گروه اکتشافی قطب بود ومجدداً درسال۱۹۱۲ دررأس گروهی بهقطب جنوب رفت وبراثرسرما وگرسنگی نابودگردید .

اسکندرکبیر .
سرداران بزرگ جهانرابه بینید.

اسمیت ، جان Smith . J.
(۱۵۷۹ـ۱۶۳۱م)

ازدریانوردان و سیاحانانگلیس ، جزء اولین دستهایکه به ویرجینیا وارد شد وبسیـاری از نقاط ساحلی اقیانوس اطلس درآمریکای شمالی از کشفیات اواست .

اشنایتزر ، ادوارد . Schnitzer . E
امین پاشارا بهبینید .

اقبال آشتیانی .
(۱۳۱۴ ـ ۱۳۷۵ ه ق)

شادروان عباس اقبال ، فـرزند محمدعلی آشتیانی ، ادیب ونویسنده و مورخعالیمقام، درسال ۱۲۷۷خورشیدی درآشتیان متولد شد .



دردارالفنون تحصیل کرد وهمانجا به تدریس پرداخت ـ اقبـال در دورانمعلمی دست بهکار نویسندگی و تحقیقات عمیـق در تاریـخ و ادبیات زد و در مجلات « دانشکده» و «فروغ» بههمکاریمرحوم «ملكالشعراء بهار » و«محمد علیفروغی » یك رشته مقالات جالب و دقیق پیرامون تاریخ ادبیات ومسایل تاریخی نوشت و شهرت یافت .

اقبال مدتها در مدارس دارالفنونـ دارالمعلمین عالی ـ نظام ـعلومسیاسی بهتدریسپرداخت وبرایتکمیلمعلومات بهاروپاهمسفرکردچونبازگشتبهاستادی دانشگاه و عضویت فرهنگستان ایران انتخاب گردید .

مرحوم اقبال را کتب وآثار ادبی بسیار است ازجمله :

عتبة الکتبه ـ سمطالعلی ـجنگـ های ایران وانگلیس ـ تاریخطبرستانـ تاریخ بحرین ـ بیان الادیان ـ فضایلـ الانام غزالی ـ لغت فرس اسدیـدیوان معزی ـ حدایقالسحر رشید وطواط ـ تبصرةالعوام ـتتمة الیتیمة وآثار بسیار دیگر .

اصطخری ،ابواسحقابراهیم .
(زندهدرسال ۳۴۰ ه ق)

صاحـب کتاب **صورالاقالیم** در جغرافی که با استفاده از آثار ابوزید بلخی و مشـاهدات شخصی تنظیم شده است .

کتاب دیگر اوبه **مسالكالممالك** معروف است .

امینالریحانی .
(۱۸۷۶ـ ۱۹۴۰ م)

نویسنده وجهانگرد عرب ، صاحب کتاب : ملوكالعرب میباشد .

امین پاشا .
(۱۸۴۰ـ۱۸۹۲ م)

ازسیاحانآلمان، مدتهاطبیب دولت عثمانی بود ، سپس سالها درآلبانی و مصر و سودان خدمت کرد، مدتی بـه حکومت ناحیه ای در جنـوب سودان گمارده شد ، سپس به **مومباسا** رفت ودر ناحیهٔدریاچهٔتانگانیکا بهقتلرسید .

اندروز ، روی چپمن Andrews
(فوت ۱۸۸۴ م)

از سیاحان و طبیعیدانانآمریکا است که روی پستانداران آبی آلاسکا مطالعات فراوان دارد، ازآثارش **غول دریاها و دینوسورها** به فارسیترجمه شده است .

اودوکس. Eudoxedecyzique
(قرندوم ق م)

ازکاشفین ودریانوردان وجغرافیاـ دانهای معروف کهبهامر بطلمیوس هشتم برایکشف سرچشمهٔ نیل حرکت میکند و درراه متوجه میشودکه ممکناستدر جنوب افریقا دریایی باشد . برایکشف این مطلب تمام دارایی خود را فروخته به ژن ومارسی مسافرت میکندودرآنجا سرمایه جمعکرده به ساختنکشتی میـ پردازد .

چون قطبنما نداشت ، همیشهبـه نحوی حرکت میکرد که ازساحل دور نشود و بالاخره باغرق شدن بزرگترین کشتی کاروان اودوکس ، رکودی در حرکت پیش میآید ، او دوباره وسیلهٔ حرکت فراهم کرده و ازمسافرت دوماو خبری دردست نیست .

اورلیانا، فرانسیسکودو . Orellana
(فوت ۱۵۴۶ م)

ازکاشفین اسپانیاییکه رودآمازون راشناخت ودرتصرف پروشرکت داشت .

بارت ، هانریش. Barth,H.
(۱۸۲۱ ـ ۱۸۶۵ م)

ازکاشفین و جغرافیدانهایآلمان، در سالهای ۱۸۵۰ تا ۱۸۵۵ مسافرت طولانی به سودانکرد سپس همراهگروه **ریچاردسون واووروگ** به مسافرتهای اکتشافی در صحرا، تریپولی وچاددست

زدند .

بارتلت ، رابرت ایبرم . Bartlett,R
(۱۸۲۰ – ۱۹۰۵ م)
از کاشفین آمریکایی که تحقیقات جالبی در گروئنلند کرده است .

بارنتس ویلیام Barents.W.
(فوت ۱۵۹۷ م)
ازدریانوردان هلندی، مناطق‌شمال نروژ ودریای بارنتس از شناخته‌های‌او است .

بارو، ستیون . Borough.
(۱۵۲۵ – ۱۵۸۴م)
دریانورد انگلیسی و رییس اولین کشتی که‌دماغهٔ شمال رادورزد. وی‌کاشف تنگهٔ جنوبی **نووایازملیا**است که به‌دریای **کارا** متصل می‌شود .

باس ، جرج. Bass .
جراح و دریانورد انگلیسی که در ۱۷۹۸ **تنگهٔ‌باس** (بین تاسمانی و ویکتوریا) راکشف کرد .

باستیداس، رودریکودو. Bastidas.
(۱۴۶۰ – ۱۵۲۶ م)
ازکاشفین و کشورگشایان اسپانیا که مصب **ماگدالنا** را در سال ۱۵۰۱ کشف کرد .

بافن، ویلیام. Baffin,W.
(۱۵۸۴ – ۱۶۲۲ م)
جهانگرد انگلیسی ، خلیج بافن و جزیرهٔ بافن راکشف کرد .

بالبوا ، واسکونونیت دو . Blloi, V. N.
(۱۴۷۵ – ۱۵۱۹ م)
کشورگشای اسپانیایی که در آغاز زندگی به‌آمریکا رفت وقتی به پاناما برگشت به‌کشف **دریای‌جنوب** موفق‌شد و با توقیف‌رییس‌هیئت اکتشافی به‌تصرف مستعمرهٔ جدیدموفق‌آمد ودرسال ۱۵۱۱ به حکومت‌موقت‌منصوب شدوبازنی بومی ازدواج کرد و به‌کمک‌آنها به معادن‌طلا دست یافت، درسال ۱۵۱۴ **پدراریاس** به عنوان حاکم مستعمرهٔ جدید واردشد و بالبوا را به عنوان خیانت به پادشاه اسپانیا گردن زد .

بتانکور ، ژان Bethencourth,J.
(۱۳۳۹ – ۱۴۲۵ م)
ازکاشفین و فاتحین جزایر قناری در سالهای (۱۴۰۵ – ۱۴۰۳) .

برازا، پی‌یرپول. Brazza,p,p .
(۱۸۵۲–۱۹۰۵ م)
ازسیاحان‌ایتالیایی‌تابع‌فرانسه وبنیانهندهٔ شهر **برازاویل**‌درافریقای‌استوایی.

براندن .
(۴۸۴ – ۵۷۸ م)
کشیشی‌ازمردم‌ایرلندکه‌درجستجوی جزیرهٔ‌بهشت‌به‌اتفاق ۱۷ کشیش‌به‌سیاحت پرداخت ووقایع فراوانی همچون‌افسانه را درکتابهایش‌آورده است .

برتون ، ریچارد فرانسیس. Burton
(۱۸۲۱ – ۱۸۹۰م)
سیاح و نویسنده و زبان شناس انگلیسی ، مسافرتهای فراوانی به مکه، مدینه ، حبشه ، برزیل و افریقا کرد و هم اوالف لیل‌را به‌انگلیسی‌ترجمه‌کرد.

برنگ ، ویتوس . Bering,V
(۱۶۸۰–۱۷۴۱م)
کاشف باب و جزایر برنگ‌درسال ۱۷۲۵ میلادی. برنگ دانمارکی است ولی همراه هیئت اکتشافی روسها به‌این کشفیات نایل‌آمد .

بطلمیوس ،کلاودیوس. Ptolemy.
(قرن۲ م)
از علمای نجوم و جغرافی است‌که در مصر متولد شد ودرمدرسهٔ اسکندریه تحصیل‌کرد وکتاب **المجسطی** اومعروف است وکتاب جغرافی اوشامل‌نام و شرح هشت هزار قبیله و شهراست و طول جغرافیایی ۴۰۰ شهر رامعین‌کرده‌است (علمای نجوم را به‌بینید)

بغایری ، سرتیپ مهندس عبدالرزاق.
(۱۲۴۸ – ۱۳۳۲ ه ش)
در اصفهان متولد شد، پس‌ازاتمام تحصیلات خود در دارالفنون درآن جا به تدریس ریاضی،مهندسی ونقشه‌برداری مشغول‌گردید و مدتها در مدرسهٔ علوم



سیاسی و نظام نیز تدریس می‌کرده و **مدرسهٔ‌خرد** ازتأسیسات اواست.از آثار او: **فرهنگ جغرافیایی ایران** در ۳۲ جلد ، **تاریخ جدولی** ، **معرفة‌القبله** ، **نقشهٔ‌ایران** ، **نقشهٔ‌تفصیلی سرحدی** وچند اثر دیگر است .

بکران ، محمد پسرنجیب .
(زنده در ۶۰۵ ه ق)
از علمای جغرافی ، صاحب‌کتاب **جهان نامه**‌که نقشه‌هایی‌ازکوهها ودریاها و رودها ،کشورها و شهرها رسم کرد و به‌سلطان محمد خوارزمشاه‌تقدیم‌کرد .

بل ،گرترود Bel .
(۱۸۶۸ – ۱۹۲۶ م)
به نام مارگریت لوذین بانوی جهانگرد و باستانشناس انگلیسی ، مسافرتی به دور دنیا کرد و مدتها در رومانی وایران توقف‌کرد و زبان عربی و فارسی را به خوبی می‌دانست.درجنگ جهانی اول جاسوس انگلیس شد و بعد از جنگ در بغداد اقامت‌کرد ودرآنجا به‌تأسیس موزهٔ‌ملی‌باستانشناسی مشغول‌شد تا درگذشت ، از آثار او : **سفر نامه** ، **کاخ و مسجد اخیضر** ، **اشعاری از دیوان حافظ** و منتخبی از نامه‌های‌او به نام **نامه‌های‌گرترودبل** .

بوکهارت ، یوهان لودویک Burekhardt
(۱۷۸۴ – ۱۸۱۷ م)
سیاح سویسی‌که به افریقا وسوریه ومصرسفرکرده‌وکتاب**سیاحت‌درعربستان** ازاو است .

بوگنویل . لویی‌آنتوان دو . Bougainville . L . A .
(۱۷۲۹ –۱۸۱۱م)



دریانورد فرانسوی‌که به‌دورزمین سفرکرد و سفرنامه‌ای مربوط به سفرهای‌خود نوشت(۱۷۶۷ –۱۷۶۹م).وی‌جزیره‌ای در مجمع الجزایر سلیمان‌کشف نمود.

بیرد،ریچارد. Beard
(متولد ۱۷۹۴ م)
از کاشفین آمریکایی. سیاح قطب شمال‌وجنوب که‌به‌لقب دریاسالاری مفتخر شده است و نقشهٔ قطب جنوب‌را برای اولین‌بار اوتهیه‌کرد .

بینگام، هیرام. Bingham
(۱۷۸۹–۱۸۶۹م)
مبلغ‌آمریکایی‌که به جزایر هاوایی

رفت وبـاهمکارانش الفبایی اختراع کرد
که‌در هاوایی رایج‌شد .

پارك . مونگو . Park.M.
(۱۷۷۱-۱۸۰۶ م)
از سیاحان اسکاتلند که به افریقا سفرکرد ، و رود نیجررا پیداکرد و با حملهٔ بومیان هنگام‌فرارغرق‌شد .

پاری،ادوارد. Paris.E .
ازکاشفین انگلیسی جزایر مجاور قطب جنوب .

پرژوالسکی ، نیکولای‌میخاییلوویچ . przhcvalsky
(۱۸۳۹ - ۱۸۸۸ م)
از سیاحان روسی در آسیاکـه کوهستان غربی چین و شمال تبت‌راطی کرد ، ازاکتشافات او شتروحشی‌ونوعی ازاسبهای‌اولیه است .

پری ، ویلیام ادوارد parry.w.
(۱۷۹۰ - ۱۸۵۵ م)
از سیاحان بریتانیای کبیر از مسافرت های خود به شمالگان اطلاعات جالبی بجاگذاشته است .

پری، روبرت‌ادون سیاح . peary,R.E
(۱۸۵۶ - ۱۹۲۰م)



دریانورد وکاشف‌قطب از مـردم آمریکا،پس ازواردشدن به‌خاك گرو- ئنلند ۱۶۰ کیلومترپیش رفت وبـه نـزدیـك **آبگیر دیسکو** رسید و قسمت های ناشناخته ای را بازشناخت ، دو مسافر تازه و چند اثر دیگر از او باقی‌مانده است .

پریژت ، دنیس Perigete.D.
(زنده درقرن ۵م)
از علمای جغرافی معروف قرن پنجم میلادی .

پلان‌کارپن Plan Carpin
کارپن رابه‌بینید .

پلین . Pline
(۲۳ - ۷۹ م)
اولین‌کسی ازعلمای طبیعی بزرگ وجغرافی دان است‌که برای اولین بار ازاسکاندیناوی نام برده است،آثار او به‌علت اینکه توضیح کافی در برندارد ناقص است .
(علمای طبیعی‌را به‌بینید) .

پوزیدونیوس . Posidonius
(۱۳۵ - ۵۰ ق م)
ازعلمای فلسفه و جغرافیا و پیرو مکتب رودس کـه در سوریه‌متولد شده است .
او می‌خواست ازاین افسانـه پرده بردارد که‌چگونه خورشید هنگام‌غروب در دریـا می‌نشیندوصدای مهیبی‌ایجاد می‌کند و تاسن ۴۰ سالگـی دردریای روم مسافرت وسیاحت نمود، ازآثار او **اوسئانوس** (درشرح کرهٔ زمین)،**پوزی دونیوس** (درفیزیك وریاضیات) .

پولو .
مارکوپولورا به‌بینید .

پولیب Polybe
(۲۰۰ - ۱۲۵ ق م)
ازمورخین یونانی که مأموریت‌یافت سواحل افریقا تا سواحل اقیانوس کبیر راتحت مطالعه درآورد .
اثر این سیاح به‌نام تاریخ عمومی از بین رفته است . (مـورخین را به‌بینید).

پیته‌آس Pitheas.
ازسیاحان قبل ازمیلاد یونانی در سواحل غربی اروپا که زمان حیات او مقارن اسکندر بوده است و او اولین کسی است‌که علت وقوع جزرو مد دریا راکشف و بیان نموده است .
نوشته های پیته‌آس تقریباً از بین رفته است .

پیری، رابرت. Peary R.
(۱۸۵۶-۱۹۲۰م)
ازکاشفین آمریکایی قطب شمال که رهبری چند هیأت پـویندهٔ گروئنلند را داشت وپس‌ازکوشش‌های فراوان به‌قطب رسید .

پیزارو ، فرانسیسکو. Pizarro.F.
(۱۴۷۶-۱۵۴۱م)
کاشف ودریانورد اسپانیایی که در میان پست‌ترین طبقات‌جامعه بزرگ‌شد. در ۱۵۰۹ به آمریکا رفت وبابی‌باکی وشقاوت خودشهرتی‌کسب کردودرچندین مسافرت اکتشافی شرکت جست و ازسال ۱۵۲۴ درصدد فتح‌پرو برآمد ودرسال ۱۵۲۸ پس از تحمل مشقات فراوان و از دست دادن اکثریت همراهـانش به سواحل پرو رسید .
سپس بـه اسپانیا باز گشت تا از پادشاه‌کمك واجازه‌بخواهد . وفرماندار مطلق‌العنان‌پروتعیین گردیددرسال ۱۵۳۰ به سوی پاناما وسال بعد بـه طرف پرو عازم شد و با ۱۶۸ نفر متمدن‌تریـن امپراتوری‌آمریکارافتح کرد (۱۵۳۲) آنگاه یازده سال به جنگ بـا همکار سابق ، آلماگرو پرداخت تا سر انجام اوراکشت (۱۵۳۷) و سرانجام خودش نیزبه دست پسران آلماگرو Almagro کشته شد .

پیزارو ، گونسالو. Pizarro
(۱۵۰۶-۱۵۴۸م)
بـرادر فرانسیسکو پیزارو ، از کشورگشایان اسپانیاکه ناحیهٔ **کیتو** را طی‌کرد ومدتی خودرا حاکم پرو خواند ولی دستگیرشده وبه قتل رسید .

پنسون ، مارتین‌آلونسو . Pinzon
(فوت ۱۴۴۰-۱۴۹۳م)
دریانورد اسپانیایی و در اولین سفرکریستف‌**کولومب** فرماندهٔ‌کشتی بود پس‌از مراجعت دراسپانیادرگذشت.

پنسون ، ویسنته‌یانیس . Pinzon
(۱۴۹۲-۱۵۰۹ م)
برادر م ـ پنسون، که‌مانندبرادرش فرماندهٔ‌کشتی‌**کولومب** در سفر بـه قارهٔ جدید بودومصب‌آمازون‌راکشف‌کرد .

تاسمان ، آبل Tanszoon.A.
(۱۶۰۳-۱۶۵۹ م)
کاشف **زلندنو** و **تاسمانی** در سال ۱۶۴۲ میلادی از دانشمندان هلندبود. وی استرالیا را باکشتی دورزد .

تاسیت Tacitus
(۵۴-۱۲۰م)
از نویسندگان و جغرافی دانـان معروف روم، درکتاب معروف‌خود به‌نام **ژرمنی** اطلاعات مفیدی از سرزمینهای **رن و سارمات و دانوب و دریای سیاه** جمـع‌آوری نموده است (مورخین را به‌بینید) .

تانر، ویکتور. Tanner,V.
(۱۸۸۱-۱۹۴۸م)
جغرافی دان سوئدی که فنلاندی‌ـ الاصل‌بود.اوروی‌جمعیت شناسی فنلاند و

جغرافیای فیزیکی‌وانسانی لابرادورکار کرده است .

تاورنیه ، ژان باپتیست .
Tavernier . J. B .
(۱۶۸۹–۱۶۰۵م)
سیاح وجهانگردفرانسوی که بیش‌از ۹ بار به ایران و کشورهای شرقی سفر کرد ،کتاب خاطرات او ازمنابع تاریخ زمان **شاه صفی** و شاه عباس دوم وشاه سلیمان است .

تره‌زل، آلفونس. Trézel,A
مورخین را به‌بینید .

تودل ، ابن‌یامین
ابن‌یامین را به بینید .

ته‌وه، آندره. Thevet,A.
(۱۵۹۲–۱۵۰۴م)



سیاح‌فرانسوی که‌ازایتالیا، آسیای‌صغیر، یونان ، فلسطین و برزیل‌دیدن کرد وکتاب **خوش قلب** کوسموگرافی جهانی ازاواست .

جانسون ، سرویلیام . Johnson W.
(۱۷۷۴ – ۱۷۱۵م)
استعمارگر انگلیسی در آمریکا که شهر**جانز تاون** را بنانمود .

جرجی زیدان .
مورخین را به بینید.

جرمی ، محمدبن‌سلم .
مورخین را به بینید .

چیریکوف ، الکسی ایلیبیچ .
Chirikov , A.
(فوت ۱۷۴۸ م)
سیاح‌روسی که‌درکشف‌آلاسکا همراه **برینگ** بود .

حموی ، یاقوت .
(۶۲۴–۵۷۴ ه ق)
مورخین را به بینید .

داوتی ، چارلز مانتگیو
Doughty, ch,M .
(۱۹۲۶–۱۸۴۳م)
سیاح و نویسندهٔ انگلیسی که در اروپا وافریقا وسوریه وفلسطین مسافرت بسیارکرده وکتاب : **سیاحتها دربیابان عربستان** ازاواست .

دریک ، سرفرانسیس . Drake
(۱۵۹۶–۱۵۴۰م)
اولین انگلیسی که با کشتی دور دنیا گشت ، وازتنگهٔ ماژلان عبورکرد و اعمال حادثه جویی و تاراج کشتیهای اسپانیایی‌ها درساحل شیلی خشم آنها را برانگیخت وحتی به‌انگلیس اعلام‌جنگ دادند .
دریک سفرهای اکتشافی فراوانی کرد و سرانجام درکشتی خود به مرض اسهال خونی درگذشت .

دسوتو ، هرناندو .
سوتو ، هرناندو را به‌بینید .

دکیموس‌جونیوس، بروتوس .
(مقتول ۴۳ ق م)
از مردم روم به اسپانیا سفر کرد.

دوتروی دورین ، ژول لئون .
Dutreuil de Rhins,J. L .
(۱۸۹۴ – ۱۸۴۶ م)
دریانورد وکاشف فرانسوی که در سن‌اتین متولدشده ودر تبت مرده است، درزمان‌جنگ



بین‌فرانسه وویت‌نام‌او فرماندهٔ‌قسمتی بود ، سپس علاقه‌ای به سیاحت‌پیدا کرده‌سفرهایی به‌افریقاکرد ودوباره‌به آسیا بازگشت واز تبت‌وختن ویانگ‌تسه‌وبسیاری‌نقاط‌دیگردیدن‌کرد، **حکومت‌آنام‌ومردم‌آنام، آسیای‌مرکزی** وبسیاری دیگر ازآثار سیاحت اواست.

دووی‌ریر، هانری. Duveyrier,H.
(۱۸۹۲ – ۱۸۴۰ م)
سیاح فرانسوی که در دانشگاه لایپزیك تحصیلات خودرا به پایان رسانید وپس از مسافرتی به‌لندن همراه



عده‌ای‌عازم صحرا شد و از مناطق کویری صحرابازدید کردند ، دووی ریر از بسیاری مناطق‌دیگر افریقایی و آسیایی نیز دیدن‌کرد.

دیاز ، بارتلمی. Diaz .
(فوت ۱۵۰۰ م)
ازکاشفین پرتغالی سواحل غربی افریقا ، وی نخستین اروپایی بودکه دماغهٔ امید نیك را دورزد .

راس، سرجان. Ross .
(۱۸۵۶ – ۱۷۷۷م)
افسر دریایی بریتانیا که در سال ۱۸۱۸ به جستجوی‌گذرگاه شمال غرب رفت . وشبه جزیرهٔ **بوتیا**وجزیرهٔ**کینگ ویلیام** راکشف‌نمود .

راس، سرجیمز کلارك. Ross.
(۱۸۶۲ – ۱۸۰۰م)
افسر دریایی بریتانیایی که با**جان راس** به‌گذرگاه شمال غرب رفت . وی دریای **راس** وارض ویکتوریا را کشف کرد .

راسموسن، کنودیوهان‌ویکتور.
Rasmussen .
(۱۹۳۳ – ۱۸۷۹ م)
از مردم دانمارك و سیاحی نژاد شناس که‌به‌شمالگان وگروئنلندسفرکرده و او اصلاً‌اسکیموبود .

رالی Raleigh,W.
(۱۶۱۸ – ۱۵۵۲م)
ازکاشفین و ماجراجویان انگلیسی که جنگهای فراوانی به نفع انگلیس انجام داد و دریکی‌از این جنگهاپسرش را از دست داد و به‌علت عدم موفقیت مدتی در زندان به سر برد . وی سبب پیدایش ایالات متحدهٔ آمریکا گردیده است .

رکلوس، الیزه ، Reclus,E.
(۱۹۰۵ – ۱۸۳۰ م)



جغرافیدان و سیاح فرانسوی ، صاحب‌کتاب **زمین‌وشرح پدیده‌های حیاتی‌کرهٔ زمین ، افریقای استرالیاجغرافیای‌فرانسه**وبسیاری‌دیگر.

روبروکی . Rubruquis
ایلچی پاپ و **سن‌لویی** پادشاه فرانسه به خدمت خان مغول‌که سفرنامهٔ

او حاوی نکات دقیق و عاری از لغزش است .

ریتر : کارل . Ritter, K.



جغرافی‌دان آلمانی استاد جغرافی دانشگاه و مدرسهٔ ملی برلن و بعداً به سمت مدیر مطالعات جغرافیایی بر گزیده شده وعضو آکادمی علوم گردید .

مهمترین اثر او : روابط متغیر طبیعت (از جاندار و بی جان) به‌تاریخ جمعیت .

ریچاردسون، جیمز. Richardson ,j.
(۱۸۰۶ — ۱۸۵۱ م)

سیاح انگلیسی که به‌**صحرا** مسافرت کرده وازقادامس ، قات، فزان، موزدوك و غیره دیدن کرده است و به تریپولی مراجعت کرده و از **دامرگو** و چادنیز بازدید کرده است .

زکریای قزوینی ،عمادالدین .
(فوت ۶۸۲ ه ق)

صاحب کتابهای : **آثار البلاد و اخبار العباد** و **عجایب المخلوقات و قاضی حلب** بود و کتاب **آثارالبلاد** او را **جهانگیر میرزا** به فارسی گردانده است .

زمارك Zemarke

سفیر ژوستینین دوم به‌دربار سمرقند که ازراه کریمه وشمال بحرخزرو ولگا به‌سمرقند رسید .

یادداشتهای زمارك از نظر جغرافیایی و تاریخی اهمیت دارد .

زیگفرید ، آندره . Sigfried ,A
(متولد ۱۸۷۵ م)

جغرافی‌دان و عالم علوم اجتماعی فرانسه مؤلف کتب بسیار مربوط به‌امور اجتماعی و سیاسی وجغرافیای اقتصادی است .

ژمینوس Geminus
(زنده در ۷۰ ق‌م)

از علمای ریاضی و نجوم و جغرافیا که طول دنیا را ۱۰۰۰۰۰ ستاد و عرض دنیارا کمتر از ۵۰۰۰۰ ستاد می دانست و اولین کسی است که وجود قاره‌ای را در جنوب استوا حدس زده و قوهٔ جاذبهٔ زمین را عنوان کرده است .

ژانتیل ، امیل . Centil, E .
(۱۸۶۶-۱۹۱۴ م)



کاشف فرانسوی به **چاد و راباه‌وکونو** مسافرت کرده. کتابی در زمینهٔ این‌سیاحت منتشر کرده است .

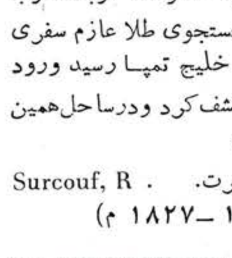
ژبر ، پی‌یر آمده .
خاور شناسان را به‌بینید .

سزار ، ژولیوس .
سرداران جهان را به بینید .

سوتو ؛ هرناندودو . Soto,H
(۱۵۰۰-۱۵۴۲ م)

سیاح اسپانیایی که مدتی درخدمت **پدرایاس** ومدتی همراه پیزارو بود واز طرف شارل‌پنجم به حکومت کوبا منصوب شد و بعداً در جستجوی طلا عازم سفری طولانی شد و به خلیج تمپا رسید وورود می‌سی‌سی‌پی را کشف کرد ودرساحل همین رود درگذشت .

سورکوف ، روبرت. Surcouf, R .
(۱۷۷۳ — ۱۸۲۷ م)



دریا نورد فرانسوی ، که مسافرتهایی در دریای هند و اقیانوس هند کرده و چند کتاب مفیددر بیار اوضاع جغرافیایی نقاط بازدیدشده ازخودبه‌یادگار گذاشته است، **کتاب اعتماد** ازاوست .

سولیس، خوان‌دیازدو . Solis
(فوت ۱۵۰۶ م)

دریا نورد اسپانیایی ، کاشف **ریودو — لاپلاتا** وقتی وارد **اوروگوئه** شد کشته شد .

سیاح ، حاج میرزا محمدعلی .
(۱۲۵۲ — ۱۳۴۴ ه ق)

زندگی را به سیاحت گذرانید و به ملاقات پاپ نهم و گاریبالدی والکساندر دوم تزار روسیه نایل آمد ودرمراجعت دراستانبول باسید جمال‌الدین اسدآبادی ملاقات کرد. وازمریدان او گردید .سپس به امریکا و ژاپون و مکه مسافرت کرد و بعداً به ایران و از اینجا به چین و هندوستان و آمریکا رفت.

دربمبئی خدمت آقاخان محلاتی رسید. معاشرت وی باسید جمال‌الدین موجب سوءظن ناصرالدین‌شاه‌شد و اورا به خراسان تبعید کردندووی‌پس از ۱۴ ماه تبعید به‌تهران بازگشت .

سیلاکس Seylakc

سیاح یونانی معاصر داریوش کبیر که‌به امرآن شاهنشاه در مدت ۳۰ ماه طول رود سندرا پیمود و از مصب آن گذشته خودرا به دریای قرمز رسانید و داریوش از اطلاعات اوجهت لشکرکشی به‌هندوستان استفاده کرد .

سیمپسن، سرجورج. Simpson .
(فوت ۱۸۶۰)

سیاح اسکاتلندی که در سالهای ۱۸۴۱ تا ۱۸۴۲ ازکانادا به سیبری و ازآنجا به سن‌پطرزبورگ رفت.

سیمنوس Symnos
(زنده‌درقرن دوم ق‌م)

ازعلمای جغرافیای یونان که شرح زمین را منظوماً نوشته و قطعات چندی ازآن در دست است .

شاردن ،ژان. Chardin . j .
(۱۶۴۳ — ۱۷۱۳)

ازسیاحان فرانسوی است که ۲ بار به ایران سفر کرده و کتاب «سفر به **ایران** و هندشرقی» او اطلاعات جالبی **از** دورهٔ صفویه دربردارد .

شاردن ، از مشاهیر فلاسفه نیز می باشد و اولین کسی است که دانش ایران شناسی را در غرب بنیان نهاد **وادوارد براون** او را معتبرترین مورخ عهد صفویه می‌داند .

شارنه ،کلود . Charnay , C
(۱۸۲۸ — ۱۹۱۵ م)

جهانگرد فرانسوی که تمدن قدیم مکزیك رامورد مطالعه و تتبع قرارداده است .

شامپلن، ساموئل‌دو. Champlain, S.

(۱۵۷۰ – ۱۶۳۵ م)



کاشف فرانسوی که سفری به آمریکای شمالی کرد ودریاچهٔ شامپلن در مرز ایالات متحده و کانادا به‌نام او است.

شریف ادریسی.

(۴۹۳ – ۵۶۰ ه ق)

ادریسی را به‌بینید.

شیروانی.

مورخین را به‌بینید.

صفوی، رحیم‌زاده.

(فوت ۱۳۳۸ ه ش)

نویسنده و دانشمند ایرانی، از مردم مشهد،داستان؛شهربانو وجغرافیای اقتصادی ایران از او است.

طالس Thalés.

کسی که برای‌اولین‌بار درسال۵۸۵ ق م.وقوع‌یك کسوف را پیش‌بینی کرد، (فلاسفه را به‌بینید).

طلیطلی. بنیامین. Tudell,B.

(فوت ۱۱۷۳ ه ق)

ابن یامین را به‌بینید.

عبداللطیف بغدادی.

(۵۴۲ – ۶۱۰ ه ق)

ازسیاحان‌عرب که کتابی درجغرافیا دارد.

فرانکلین. جان. Franklin.

دریانوردمعروف‌انگلیسی که درسال ۱۸۴۷ درآبهای قطبی غرق شد.

فیلیپ، آرتور. Phillip,A.

(۱۷۳۸ – ۱۸۱۴ م)

سیاح و دریانورد انگلیسی که به استرالیا سفرکرد.

کابرال، پدرو آلوارز.

Cabral, P. A.

ازکاشفین‌پرتغالی که درسال۱۵۰۰ میلادی برزیل راکشف‌کرد.

کابو، ژان Cabot, j.

(۱۴۵۱ – ۱۴۹۸ م)

ازکاشفین ایتالیایی، وکاشف‌ارض جدید **لابرادور**.

کابو، سباستین. Cabot, sebostien

پسر ژان‌کابو، ایتالیایی‌که قسمتی از پاراگوئه راکشف‌کرد.

کاتب دمشقی، شهاب‌الدین ابوالعباس.

(۷۰۰ – ۷۴۹ ه ق)

کتاب **مسالك الابصار فی‌ممالك الامصار** در جغرافیا از اوست.

کاتمر.

(زنده در قرن سوم میلادی)

از علمای جغرافیا در قرن سوم مؤلف: **خلاصهٔ جغرافیای بطلمیوس**.

کارپن، پلان. Carpin, P.

ایلچی پاپ اینوسان به‌دربارمغول، در سال ۱۲۴۵ ازلیون حرکت‌کرد، در ساحل رود دنیپر به اولین شهر تاتار وارد شد و ازآنجا همراه سه نفر تاتار به دربار خان رهسپارگردید، ابتدا به دربار **باطوخان** رسید واز آنجا عازم دربارگردید، وقتی واردشدکه چهارسال از مرگ اوکتای می‌گذشت، سران‌سپاه هنوز مشغول انتخابات بودند وقتی کویرك‌خان انتخاب شد اوبه حضوررفت ونامهٔ پاپ راعرضه داشت وجوابی‌به‌این مضمون «ماخدا راپرستش می‌کنیم و با کمك خدا زمین را از شرق تا غرب از خرابی خواهیم پوشاند» دریافت داشت.

کارتیه، ژاك. Cartier, j.

(۱۴۹۱ – ۱۵۵۷ م)

دریانورد و مکتشف فرانسوی، که در سن‌مالو متولد شد و پس از سفر به ایسلند وگروئنلند عازم برزیل‌گردید.

وی اکتشافات کابو را دنبال کرد و درکانادا سیاحت نمود و نام‌کانادا را برآن نهاد.

کارلسون Karlsenne.

یکی از سیاحان ایسلندی که به **لابرادور**سفرکردومارکلاینداز کشفیات او است.

کازاس،لاس Casas, Las.

(متولد ۱۴۷۴ م)

ازسیاحان بزرگ‌که پدرش همراه کولومب مسافرت کرد و خود در سال ۱۵۰۲ به **هیسپانیولا**سفرکرد تااملاك پدر را اداره‌کند و در آن جا شاهد شقاوتهای کاشفین اسپانیایی نسبت به بومیان‌بیچاره‌شدوکتابش‌مملوازحکایتهای وحشتناکی است‌که حاکی از رفتارمردم به اصطلاح متمدن با مردم بی‌تمدن است.

کتزیاس Ctesias.

(زنده در ۴۰۰ قم)

ازپزشکان‌یونانی‌دردربارخشایارشاه که قسمتهای مختلف ایران و هند را سیاحت کرده استوکتاباو جزمختصری ازبین رفته است. (مورخین را به‌بینید)

کره‌وو، ژول. Crevaux, j.

(۱۸۴۷ – ۱۸۸۲ م)



کاشف فرانسوی و اثرش **مسافرتها به‌آمریکای‌جنوبی** نام دارد.

کولومب،کریستف.

Colomb,Christophe.

(حدود ۱۴۵۱ – ۱۵۰۶م)

درژن‌متولد شد. درچهارده‌سالگی به دریانوردی‌مشغول گردید. وی‌پیش‌از کشف آمریکا، مدتها بازرگانان ایتالیایی‌را به کشف‌راه دریایی‌هندوستان متوجه می‌ساخت تااینکه به خدمت ملکهٔ کاستیل درآمد وازملکهٔ ایزابل‌سه‌کشتی گرفت و به مسافرت پرداخت و قارهٔ جدیدآمریکا راپیداکرد. کلمب باتحمل رنجهای فراوان‌از اقیانوس‌اطلس گذشت تا به سرزمین گواناهانی رسید، سپس‌در جزیرهٔ‌کوباوهاییتی پیاده شد وآنرا **هیسپانیولا** نامید.

وی دردومین‌سفرخود**پورتوریکو، جامائیك،گوادلوپ** وقسمتی ازکوبا را شناخت. در سومین سفرش تا **کاراکاس** پیش رفت و درچهارمین سفر خود از **هندوراس** تا خلیج **دارین** را کشف نمود.

کورتز، هرناندو Cortez.H.

(۱۴۸۵ – ۱۵۴۷ م)

کاشف‌اسپانیایی، که در رأس‌هیأتی به اکتشاف در قارهٔ جدید پرداخت وبه‌مکزیکو رفت و شهر **وراکراز** رابنیان نهاد وپس از دست یافتن به مکزیکوبه **هندوراس** رفت. در سال ۱۵۲۶ از حکومت مکزیك معزول‌شده وبه‌اسپانیا خوانده شددرآنجا توانست‌افتخارات‌خود را تجدیدکند.

در سال ۱۵۳۰ مجدداً به مکزیك

بازگشت وقسمتی ازکالیفرنیاراکشف کرد سرانجام درضمن یکی ازاکتشافات کشتی اش شکست ودرگذشت .

کورماك Cormac .

(۵۲۱ – ۵۹۷ م)

ازکاشفین نروژی که سه بار به ایسلند مسافرت کرده است.

کوك، جیمز. Cook, J .

(۱۷۲۸ – ۱۷۷۹ م)

دریانورد وکاشف انگلیسی که در ۲۷ سالگی داخل نیروی دریایی بریتانیا شد و به کانادا رفت . در سال ۱۷۶۸ از طرف دولت انگلستان مأمور اکتشاف در دریای جنوب گردید و پس از رسیدن به زلند جدید به استرالیا رفت وآن سرزمین را به نام دولت انگلستان تصاحب نمود .

سفر دیگر کوك به اقیانوس منجمد شمالی بود که درآن سرزمین‌های تازهٔ بسیاری کشف گردید . سفر کوك موجب کشف جزایر هاوایی گردید ودرهمان‌جا به قتل رسید .

گاما ، واسکودو. Gama, vascoda.

(۱۴۶۹ – ۱۵۴۴ م)

دریانورد پرتغالی، که درسال ۱۴۹۷ از دماغهٔ امیدنیك عبور کرد و به‌سواحل زنگبار رسید ، ولی با مخالفت اعراب که بازرگانی بین هند و مدیترانه‌را در دست داشتند روبرو گردید و به کشورش بازگشت . وی در زمان سلطنت ژان‌سوم باسمت نایب‌السلطنه به‌هند اعزام گردید و سرانجام در شهر **بالامار** درگذشت.

لاپروز ، کنت ژان فرانسوا.

La perouse

(۱۷۴۱ – ۱۷۸۸ م)

ازدریانوردان‌فرانسه، کاشف‌سرزمین وسیعی در اقیانوس اطلس .

لئون ، پونس‌دو. Leon .

ازکاشفین اسپانیایی ، شبه جزیرهٔ فلوریدا .

لیوینگستون ، داوید .

Livingstone , D .

(۱۸۱۳ – ۱۸۷۳م)

سیاح اسکاتلندی که در **لانارك‌شایر** متولد شد وپس‌ازتحصیل در طب وزبان یونانی و علوم به فعالیت‌های اکتشافی پرداخت در سال ۱۸۴۹ دریاچهٔ **نیامی** و در سال ۱۸۵۱ رود **زامبزی** راکشف نمـود . آبشار **ویکتوریا** هم بـوسیلهٔ لیوینگستون کشف گردید . دریاچـه‌های **موئرو** ، **نیاسا**، **بانگ وولو** را کشف کرد لیکن به کشف سرچشمهٔ رود نیل که هدفش بود موفق نگردید وجان سپرد. جسدش درکلیسای **وست مینستر** مدفون است .

لون ژوه‌و، اندره دو .

Longjvmeau , Ade .

سرپرست گروهی به ایلچی گـری سن‌لویی(پادشاه فرانسه) به‌دربارکویرك مغول (سال ۱۲۴۹ م) .

مارتون ، امانوئل . Martonne,E .

(۱۸۷۳ – ۱۹۵۵ م)



جغرافیدان فرانسوی ، فارغ‌التحصیل دانشسرایعالی واکروژه‌تاریخ و جغرافـی که آثاری چندازاوبه‌جا مانده‌است: عمل‌فیزیکی جغرافیا ، جغرافیای هوایی وغیره .

مارگام، سرکلمان روبرت .

Markham, C , R.

(۱۸۳۰ – ۱۹۱۶ م)



جغرافی‌دان و سیـاح انگـلیسی که ازکشور پرو، سیلان وهند،حبشه دیدن کرده و منـاصب سیاسی نیز داشته‌وعضو جامعهٔ‌جغرافیدان انگلیس بوده وکتاب اوازا ۱۸۷۲ تا ۱۸۷۸ **مارخام** نام دارد.

مارخام ، سرآلبرت هاستینگ.

Aarkham , A . H .

(۱۸۴۱ – ۱۹۱۸م)

دریانوردوکاشف‌قطب‌ازمردم‌انگلیس ، برادر کلمان جغرافیادان معروف که **زندگی سرجان فرانکلن** از اوست .

مارکوپولو Marco , Polo

(۱۲۵۴ – ۱۳۲۴ م)

ازاهالی ونیز کـه بعلت‌آشنایی با زبان وآداب مغولان‌به‌نزد قوبیلای‌قاآن رفته و مورد استقبال او قرار گرفت .و بعد به اتفاق برادرش بـه عنوان سفیر روانهٔ دربار پاپ‌گردید .

دو بـرادر درسال ۱۲۶۹ به ونیز بازگشتند . در سال ۱۲۷۱ مجدداً عازم سفر شدند . مسیر آنها آسیای صغیر ، ارمنستان ،گرجستان ، قفقاز ، گیلان ، آذربایجان ،کردستان. بغداد،شط‌العرب، خلیج فارس ، هورموز،کرمان ، کویر ، دامغان ، بلخ ، بدخشان ، فلات،پامیر ، دشت‌گبی ، سانچو ، خانخو ، وسرانجام در دربار ایلخان بود .

مارکو ۱۷ سال در دربار ایلخان بود و از جانب وی عازم مأموریت های گوناگون می‌شد .

درجنگ بین‌ونیز وژن مارکواسیر شد و در مدت اسارت شرح سفرهایش را **به‌نام‌عجایب عالم**به‌رشتهٔ تحریر کشید . سفرنامهٔ مارکوپولو در اروپاییان تأثیر فراوان بجاگذاشت .

مارینوس Marinus de Tyr.

ازمؤلفین یونانی درعلم‌جغرافی‌که بطلمیوس جغرافیای خودرا اقتباس‌ازآن می‌داند .

مازنی اندلسی .

مورخین‌رابه بینید .

ماژلان ، فردیناند. Magellan. F .

(۱۴۸۰–۱۵۲۱م)



دریا نورد پرتغالی که می‌توان اولـین را اولیـن مسافربه‌دور دنیا دانست در جوانـی بـه خدمت سربازی همراه با هیأتی که‌به جزایر هند خاوری می‌رفتند روانهٔ‌آن سامان‌گردید و در جنگ های بین بومیان جزایر و مردم سواحل شرکت می جست . تـا مأموریت یافت کـه برای اکتشاف به جزایر ادویه از سرزمین های استوایی برود ، در این سفر ماژلان و همراهان موفق به تسخیر جزایر مذکور گردیدند وهمچنین وی موفق شد از طـرف دماغهٔ امید نیك راهـی به هندوستان کشف کند .

ماگاستن . Magasthene
سفیر سلوکوس (جانشین اسکندر کبیر) به دربار گانژ ، این سیاح به الله‌آبادرسید و کتابی‌درشرح‌مسافرت‌خود نوشته‌که ازبین رفته است .

مسعودی ، ابوالحسین علی .
مورخین را به بینید .

معتمدالدوله ، فرهاد میرزا
(۱۲۳۳ ـ ۱۳۰۵ ه ق)
جام‌جم (درجغرافیا) از ترجمه‌های اوست .

مفید ، محمد .
مورخین را به‌بینید .

مقدسی ، ابوعبدالله محمدبن البشاری .
(قرن چهارم ه ق)
از سیاحان عرب است که کتاب «احسن‌التقاسیم فی معرفةالاقالیم» او از کوهها ، دشتها ، رودخانه ها و آداب رسوم شهرها و کشورهایی گفتگومی‌کند که بازدیدکرده است .

مقریزی، تقی‌الدین.
مورخین‌را به‌بینید.

ملا Mela .
از جغرافیدانهای یونان که کتابی به زبان لاتین در بارهٔ سواحل مدیترانه نگاشته است .

ناچتیگال ، گوستاو. Nachtigal,G.
(۱۸۳۴ ـ ۱۸۸۵م)



سیاح‌آلمانی و فارغ‌التحصیل دورهٔ‌پزشکی که به‌تونس، تریپولی ، کوکا، بورنو، چادو بسیاری نقاط آسیایی وافریقایی سفرکرده‌است .

نانسن، فریدلوف. Nansen,F .
(۱۸۶۱ ـ ۱۹۳۰ م)



ازکاشفین نروژی ، قطب شمال وبرندهٔ‌جایزه صلح نوبل در سال ۱۹۲۲ م . که در سال **۱۸۸۸** اولین‌مسافرت‌خودرا به‌گرین‌لند آغاز نمود و ۵ سال بعد جزایر سیبری‌جدیدرا کشف‌نموددر سال **۱۹۰۰** به اقیانوس اطلس شمالی سفرکرد ودر سال**۱۹۰۸** در انجمن سلطنتی فردریك استاد نقشه برداری‌اقیانوس‌ها شد .

ازآثار او می‌توان: **روسیه‌وصلح، زندگی اسکیمو ، آنسوی گرین‌لند ، ارمنستان و خاور نزدیك ، سفرهای اکتشافی نروژی‌ها به قطب شمال** رانام برد .

نئارك Nearque.
(قرن ۴ ق م)
ازسرداران‌اسکندرکبیر وازدریانوردان یونانی که در مأموریت جنگی ساحل‌عمان و خلیج‌فارس ، این‌سرداراز مصب رود سند تاشوش را طی‌کرد و به اسکندر پیوست .

نوردنسکیولد Nordenskjold.
(۱۸۳۲ ـ ۱۹۰۱ م)
سیاح‌سوئدی، کاشف راه شمال‌شرقی که مدت یك سال از نروژ تا مدخل اقیانوس‌کبیررفت وازترعهٔ‌سوئزمراجعت نمود .

واسکودوگاما .
گاما را به‌بینید .

وان لنشوتن ، ژان هویی ژن .
Van Linschoten,J,H .
(۱۵۶۳ ـ ۱۶۱۱ م)
سیاح هلندی که ابتدا به هند سفر کرد، سپس ازراه‌دریای شمال‌به‌چین رسید، در مراجعت مشاهدات خودرادر کتابی منتشر کرد .



وانکوور، جرج . Vancouver. G .
(۱۷۵۸ ـ ۱۷۹۸ م)
دریانورد وکاشف انگلیسی که به اکتشافات نواحی جنوب غربی آمریکا پرداخت و جزیره و دو شهر وانکوور به نام اوست .

وسپوس آمریکو. Vespucci,A.
(۱۴۵۱ ـ ۱۵۱۲ م)
درفلورانس‌به‌دنیاآمد و تحصیلاتش را نزد عمویش‌که اسقف‌کلیسا بود به اتمام رسانید. ابتدا به تجارت پرداخت و سپس عازم سفر به‌اطراف **ارض‌جدید** شد .

در ژوئن**۱۴۹۷** به‌آمریکای‌جنوبی رسید و وی اولین کسی‌بودکه می‌دانست سرزمینی‌که کریستف‌**کولومب**‌کشف کرد با خاك‌آسیا ارتباط ندارد . وبه همین‌دلیل آن سرزمین‌آمریکا نامیده شد .

ویتوس ، برنگ
برنگ را به‌بینید .

ویدال دولابلاش .
Vidal de la Blache,P .
(۱۸۴۵ ـ ۱۹۱۸ م)



استادجغرافی از مردم فرانسه ،که وارددانشسرایعالی فرانسه شد و آکروژه تاریخ‌جغرافیا درسال**۱۸۶۶** شد، به‌مدرسهٔ فرانسوی **آتن** رفت و تز دکترای‌خود را درمورد گزارشی‌که از این‌مدرسه‌تهیه کردنوشت. در سال **۱۸۷۷** رییس کنفرانس‌دانشسرا **شد .**

پس ازچندی استاد دانشسرا شد و **سالنامهٔ جغرافیایی** از او است .

ویسمان ، هرمان فون .
Wissmann . H . F .
(۱۸۵۳ ـ ۱۹۰۵ م)
کاشف‌آلمانی ، که در سال **۱۸۸۰** به‌آنگولا سفرکرد همچنین به‌کشورهای افریقایی واقع در منطقهٔ استوا مسافرت نمود وی **لانگنبرگ** را در دریاچهٔ **نیاسا** کشف‌نمودوثابت‌کرد که‌رود**کاسایی** قابل‌کشتی رانی است .

هارون بن‌یحیی .
(فوت ۳۹۴ ه ق)
از جغرافیدانان بزرگ عرب بود که سفرهایی به قسطنطنیه وروم کرد و کتابهایی در باب جغرافی و تاریخ آنها نگاشت .

هانری Henrie .

(۱۳۹۳ ـ ۱۴۶۰ م)

پسرژان اول، مؤسس نیروی دریایی و امپراتوری پرتغال و از پیشروان اکتشافات جغرافیایی است . که جمعی دریانوردآزموده تربیت کرد وموجب بازدید از سواحل غیر مسکون گردید .

هانون Hanon .

سردارکارتاژی از سیاحان قبل از میلاد (درحدود ۴۷۰ ق م).

که با ۶۰ کشتی وپنجاه پاروزن و سی‌هزار مهاجر جهت اکتشاف سواحل اطلس حرکت کرد و شمال غربی افریقا راکشف کرده و تا حوالی سنگال پیش رفت .

هدن، آندرس‌سون، Hedin . A . S .

(۱۸۶۵ ـ ۱۹۵۲ ه ق)

جهانگرد وکاشف سوئدی ویکی از شجاع‌ترین دانشمندان معاصر جهان . وی تحصیلات خود را در ادبیات به‌پایان رساند(۱۸۹۲) چندی در باکو به‌تدریس و درهمان حال به‌تحصیل زبانهای شرقی پرداخت. در سالهای ۱۸۸۵ ـ ۱۹۰۲ ایران ، ترکستان ، پامیر ، تبت ، چین وهند واز سالهای ۱۹۰۵ ـ ۹ باردیگر تبت و ترکستان و ایران ودرسالهای ۱۹۲۷ ـ ۳۵ برای بارسوم همین سرزمینها را سیاحت کرد . تحقیقات او برایش افتخارات فراوانی به‌بار آورد و دانشگاههای بزرگ اروپا درجهٔ دکترای افتخاری به وی دادند و فرهنگستانها اورا به عضویت پذیرفتند . هدن تحقیقات ومطالعات خود را دربارهٔ ملتهای خاورزمین در ۳۷ کتاب فراهم آورد که ازآن‌جمله سه کتاب سفربه‌ایران است .

هرودوت .

بزرگترین عالم جغرافیای یونان قدیم است (مورخین را به بینید) .

هکاته Hécatée de Milet .

(زنده در قرن ۶ قم)

از علمای جغرافیا و تاریخ یونان قدیم‌که **تصویر نقشهٔ هکاته وشرح‌زمین** (پریودوس) و کتاب او بیشتر در شرح سواحل دریای مدیترانه است ولی از مجموعهٔ آثار او معلوم می‌شود که در شناسایی‌دریای روم، آدریاتیک،ایتالیای جنوبی ، جزایرکرس ، ساردنی وآلپ اطلاعات‌کافی داشته است .

همیلکون Himilcon .

ازکاشفین سواحل غربی اروپا در قرن پنجم قبل از میلاد است .

هودسن ، هانری . Hudson,H.

(زنده در قرن ۱۶ م)

کاشف انگلیسی‌که خلیج هودسن (۱۶۱۰ م) و جزایر متعددی در شمال نروژ راکشف‌کرده است .

یعقوبی ، احمدبن ابی‌یعقوب .

مورخین را به‌بینید .

استادان و معلمین دانشگاه

ایرانپور جزنی ، استاد جغرافیای اقتصادی در دانشگاه ملی .

بدیعی، دکتر ربیع. دانشیار گروه‌جغرافیا دانشکدهٔ ادبیات .

پورکمال، مهندس. معلم گروه جغرافیای دانشکدهٔ ادبیات .

خلیل یحیوی، خانم پوراندخت . دبیر جغرافیا در دانشسرایعالی .

دانایی، حسین.دبیر جغرافیای‌دانشسرای عالی .

زاهدی، دکتر حمید . دانشیار آمار . علم‌الاجتماع دانشکدهٔ حقوق .

ستوده، حسینقلی . رییس دفتر و دبیر جغرافیای تاریخی دانشکدهٔ ادبیات.

شباهنگ، دکترخسرو دانشیارجغرافیای اقتصادی ایران در دانشکدهٔ ادبیات.

صبا، دکترمحسن رییس‌کتابخانه واستاد آمار دردانشکدهٔ حقوق .

صوفی، دکتر جهانگیر . استاد گروه جغرافیا در دانشکدهٔ ادبیات .

غروی، دکتر محمد . دبیر جغرافیا در دانشسرایعالی .

فرهودی، حسین. دبیر جغرافیای ایران و عمومی دانشسرایعالی .

قدیری، دکترباقر.استادیار آمار دانشکدهٔ حقوق .

کیهان، دکترمسعود.استادجغرافیای‌طبیعی ایران و جغرافیای سیاسی ایران در دانشکدهٔ ادبیات .

گنجی، دکترمحمد حسن . استاد گروه جغرافیا در دانشکدهٔ ادبیات .

مستوفی، دکتراحمد . استاد ومدیرگروه جغرافیا در دانشکدهٔ ادبیات.

معتضدی، خانم مهران . دبیر جغرافیا در دانشسرایعالی .

معتمدنژاد، دکترکاظم.استادیارجغرافیای سیاسی وجغرافیای اقتصادی دردانشکدهٔ حقوق .

میرحیدر، خانم‌دکتردره. استادیارگروه جغرافیا دردانشکدهٔ ادبیات .

ودیعی، دکترکاظم. استادگروه جغرافیا در دانشکدهٔ ادبیات .

ورقا، دکتر علی محمد . استاد جغرافیا در دانشسرایعالی .

چندکتاب جغرافی

آتشکدهٔ اردستان (تاریخ و جغرافیا و انساب سادات طباطبائی) : ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی متخلص به نزهت .

آثارالبلاد : قزوینی .

آمارسالیانهٔ رودخانه‌های ایران: وزارت کشاورزی

اصول جغرافیای‌کرهٔ زمین : محاسب‌الملک محاسب الدوله میرزا آقا خان مصفی .

اصول علم جغرافی : میرزا رفیع‌خان .

اصول علم جغرافی: سرتیپ عبدالرزاق خان بغایری .

اصول علم جغرافیای سیاسی وطبیعی: حاج میرزا عبدالغفار اصفهانی .

اطلس تاریخی‌اسلامی: هارمی‌وهازارد، ترجمه : محمود عرفان .

اطلس تازه جغرافیا : حاج عبدالغفار اصفهانی .

افغانستان : سرگرد عبدالعظیم ولیان .

افغانستان درعصر حاضر : سعیدنفیسی.

التفهیم لاوایل الصناعة التنجیم : ابوریحان‌بیرونی .

انسان‌وطبیعت : جهانگیرصوفی .

ایالت چهل و نهم : جیمز الدوریج ، ترجمه : رضا آذرخشی .

بدایة الجغرافیا : میرزا رفیع خان .

پاکستان : سرگرد عبدالعظیم ولیان .

پیدایش فلات ایران : مسعود کیهان .

تات‌نشین‌های بلوک‌زهرا: جلال‌آل‌احمد

تاریخ اکتشافات جغرافیایی از آغاز تاریخ تا دورهٔ معاصر: اوریان اولسن، ترجمهٔ مهندس رضا مشایخی (فرهاد) .

تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا : عباس اقبال آشتیانی .

تاریخ وجغرافیای‌خوزستان: سیدمحمد علی امام شوشتری .

تاریخ وجغرافیای‌کاشمر: سیدعبدالحجة بلاغی نایینی .

ترکستان: مختاربیک، ترجمهٔ سیدرضا‌ـ

علی زاده .
هند : ترجمه و تهیه : مسعود برزین .
ترکیهٔ امروز : دکتر عباس نرسی .
توسعه و ترقی صنایع پاکستان : هوشنگ نیری .
تحقیق ماللنهد: ابوریحان بیرونی ترجمهٔ اکبر داناسرشت .
جغرافیا (۲جلد) : علی اصغر شمیم همدانی .
جغرافیا : ناظم العلوم محمد صفی ادیب .
جغرافیا : ترجمهٔ میرزا محمود خان .
جغرافیای آسیا : کارپانتر انگلیسی ، ترجمهٔ ابوالقاسم تفرشی سحاب .
جغرافیای آسیا، آفریقا ، اقیانوسیه : عباس اقبال آشتیانی .
جغرافیا ازقدیم تاامروز: حسین خلیلی فر
جغرافیاوروش تحقیق درآن : جهانگیر صوفی .
جغرافیای اروپا، آفریقا : آشتیانی .
جغرافیای اقتصادی: لستر کلیم(ودیگران) ترجمهٔ سرهنگ فتح‌الله حکیمی .
جغرافیای اقتصادی ایران : دکترولی‌الله نصر.
جغرافیای اقتصادی عمومی ایران : عباس پرویز .
جغرافیای اقتصادی ایران و انگلیس و فرانسه و آلمان : عباس پرویز.
جغرافیای اقتصادی عمومی: کاظم ودیعی.
جغرافیای اقتصادی و تجارتی ایران و انگلیس و فرانسه و آلمان : عباس اقبال آشتیانی .
جغرافیای ایران در خارجه : عباس اقبال آشتیانی .
جغرافیای ایران وکشورهای همجوار سرگرد احمداحتسابیان .
جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی: لسترنج، ترجمهٔ محمود عرفان.
جغرافیای جهان : نصرت‌الله حکیم الهی، به مشارکت محسن حداد ، عبدالعلی زنهاری، جواد حیدری ، بهمن کریمی.
جغرافیای خوزستان: سیف‌الله رشیدیان.
جغرافیای دنیا: بدایع نگار میرزا سید مهدی حسینی لاهوتی تفرشی متخلص به مخلص .

جغرافیای رهنما : علی محمد فره‌وشی.
جغرافیای سیاسی و نظامی در ممالک همجوار : سرهنگ فتح‌الله حکیمی .
جغرافیای طبیعی و تاریخ سیاسی خلیج فارس : سرهنگ علی ملکزاده .
جغرافیای طبیعی و سیاسی کامل ایران: دکتر ولی‌الله نصر .
جغرافیای عمومی (۳جلد) : علی اصغر شمیم همدانی .
جغرافیای عمومی: دکتر احمدمستوفی.
جغرافیای عمومی: عباس اقبال آشتیانی.
جغرافیای عمومی: کاظم ودیعی .
جغرافیای عمومی جهان، مناطق مهم
جغرافیایی: جسی، یلر، ابوطالب صارمی
جغرافیای کردستان : ناصر محسنی .
جغرافیای کشورهای اسلامی و تاریخ اسلام : علی اصغر فقیهی .
جغرافیای گیلان : عباس کدیور .
جغرافیای مصور عالم : هدایت‌الله نیر سینا .
جغرافیای مفصل اقتصادی : علی اصغر شمیم همدانی به مشارکت نصرالله فلسفی .
جغرافیای مفصل اقتصادی ایران واروپا: نصرالله فلسفی به مشارکت علی اصغر شمیم .
جغرافیای مفصل اقتصادی و بازرگانی ایران وکشور های انگلستان ، فرانسه آلمان : نصرالله فلسفی به مشارکت علی اصغر شمیم .
جغرافیای مفصل ایران: مسعود کیهان.
جغرافیای ممالک بزرگ دنیا: نصرالله فلسفی .
جغرافیای نظامی آسیا : سرلشکر احمد وثوق .
جغرافیای نظامی اروپا : سرلشکر وثوق .
جغرافیای نظامی افغانستان : سرهنگ علی کریم قوانلو .
جغرافیای نظامی افغانستان وبلوچستان و هند : سرگرد احمد احتسابیان .
جغرافیای نظامی ایران: سلطان احمد بهار مست .
جغرافیای نظامی ایران : ابراهیم کوکلان.

جغرافیای نظامی ایران، آذربایجان : سپهبدحاج‌علی‌رزم‌آرا.
جغرافیای نظامی ایران اصفهان و بختیاری: سپهبدحاج‌علی‌رزم‌آرا .
جغرافیای نظامی ایران، پشتکوه: سپهبد حاج رزم آرا .
جغرافیای نظامی ایران، جزایر ایران درخلیج فارس: سپهبد حاج‌علی‌رزم‌آرا.
جغرافیای نظامی ایران ، خراسان : سپهبد حاج علی رزم آرا .
جغرافیای نظامی ایران ، خلیج‌فارس: سپهبد حاج‌علی‌رزم‌آرا.
جغرافیای نظامی ایران ، خوزستان : سپهبد حاج‌علی‌رزم آرا .
جغرافیای نظامی‌ایران.دریای‌مازندران سپهبد حاج علی رزم آرا .
جغرافیای نظامی ایران، شهرستان‌های مرزی : سپهبد حاج علی رزم آرا .
جغرافیای نظامی ایران ، فارس : سپهبد حاج علی‌رزم‌آرا .
جغرافیای نظامی ایران قسمت عمومی: سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا .
جغرافیای نظامی ایران ، کردستان : سپهبد حاج علی رزم آرا .
جغرافیای نظامی ایران ، کرمان : سپهبد حاج علی رزم آرا .
جغرافیای نظامی ایران ، کرمانشاهان: سپهبد حاج علی رزم‌آرا .
جغرافیای نظامی ایران ، کویرها : سپهبد حاج علی رزم‌آرا .
جغرافیای نظامی ایران، گرگان‌ودریای خزر : سپهبد حاج علی رزم‌آرا .
جغرافیای نظامی ایران ، گیلان و مازندران : سپهبد حاج علی رزم‌آرا .
جغرافیای نظامی ایران ، لرستان : سپهبد حاج علی رزم‌آرا .
جغرافیای نظامی ایران ، مکران : سپهبد حاج علی رزم آرا .
جغرافیای نظامی ایران ، ممالک همجوار : سپهبد حاج‌علی‌رزم آرا .
جغرافیای نظامی بلوچستان انگلیس : سپهبد حاج علی رزم‌آرا .
جغرافیای نظامی ترکستان شوروی : سپهبد حاج‌علی رزم آرا .
جغرافیای نظامی قفقازیه : سپهبد حاج علی رزم آرا .

جغرافیای نظامی کشور افغانستان : سپهبد حاج علی رزم‌آرا .
جغرافیای نظامی کشور ترکیه : سپهبد حاج علی رزم‌آرا .
جغرافیای نظامی کشور عربستان : سپهبد حاج علی رزم آرا .
جغرافیای نظامی کشور های همجوار ایران (شوروی ، عراق ، پاکستان) : ابراهیم کوکلان .
جغرافیای همدان : رضا خزایل کردستانی .
جغرافیای هندوستان : سید محمدنصیر فرصت شیرازی ملقب به میرزا آقا .
جهانگردی در ایران (۲ جلد) : علی جواهر کلام .
جهان‌نامه : محمد بن نجیب‌بکران به اهتمام محمد امین‌ریاحی .
چگونگی کاوشهای مختصر گنج تپه و تپه‌های اطراف خوروین و آجین و دوجین : مهندس علی حاکمی .
حدود العالم من المشرق الی المغرب : به‌کوشش منوچهر ستوده
دشت گرگان: عباس شوقی .
دورهٔ جغرافیا : نصرت الله حکیم‌الهی به مشارکت علی نقی بهمنیار و جلال افشار .
دورهٔ جغرافیای عمومی ، جغرافیای آمریکا واسترلیا: عباس اقبال‌آشتیانی.
دورهٔ جغرافیای مختصر عالم : ابـو طالبخان .
دورهٔ جغرافیای مقدمات و جغرافیای قطبی آمریکا : عباس اقبال آشتیانی .
دورهٔ نقشه برداری : سرتیپ محمد علی پیروزان .
راهنمای مسافرت باوسیلهٔ نقلیهٔ شخصی: تهران‌کانون جهانگردی ایران .
راهنمای مسافرت به آمریکا : بیژن منوچهری .
راهنای مسافرت به اروپا : مهرداد مهرین
رساله در علم جغرافیا : رتن‌لال .
رساله در هیئت وجغرافیا و طبقات‌ــ الارض : مفاخرالدولهٔ مهدی .
رحله : ابن بطوطه .
روسیه و مستعمرات آن : والتر کلازر ترجمهٔ سرهنگ یمنی .

زادوبوم‌درجغرافیای ایران: محمدعلی تبریزی تربیت .
ستارهٔ کارون در اوضاع خراسان و ماوراءالنهر : رضا حجت .
سرزمین و مردم ایتالیا : فرانسس وینوار ، ترجمهٔ منوچهر امیری .
سرزمین‌ومردم‌سویس: لیلیان‌براگدون، ترجمهٔ مهدی جوهریان .
سرزمین‌ومردم‌فرانسه: لیلیان‌براگدون، ترجمهٔ محمود مصاحب .
سرزمین و مردم هلند : اوریان بارنو ترجمهٔ مشفق همدانی .
سرزمین یخبندان: آرمسترانگ،اسپری ترجمهٔ : محمود مصاحب .
سفرنامهٔ ناصرخسرو : ناصـرخسرو، به‌کوشش محمد دبیرسیاقی.
سیاحت‌دورکره: ترجمهٔ ابوتراب‌شایگان.
شرق اقصی وژاپون: سروان‌عبدالرحیم ورزگر .
عجایب البلادان : ابوالمؤید بلخی .
علم جغرافیا : مفتاح الملك موسی بن‌ــ محمود .
فارسنامه : ابن بلخی .
فروغ علم جغرافیا : حاج میرزا عبدــ الغفار اصفهانی .
فلسطین در گذشته ، حال و آینده : و دیع ماحوق ، ترجمهٔ میشل حداد .
فهرست مقالات‌جغرافیایی : محمدحسن گنجی باهمکاری جواد صنعتی‌نژاد .
قانون مسعودی : ابوریحان بیرونی .
کابل : دکتر صادق کیا .
کردستان : شامل جغرافیا و نژاد و مذهب و تقسیمات ایلات کرد،علی‌اصغر شمیم همدانی .
کشور عراق : محمد خلیل جواهری .
کشورهای توسعه‌نیافته : ایولاکوست ، ترجمهٔ دکتر هوشنگ نهاوندی .
كفاية‌الجغرافیاطبیعی و سیاسی : حاج میرزا عبدالغفار اصفهانی .
کلیات جغرافیایی : ابوالقاسم شکرایی.
کلیات جغرافیای اقتصادی و تجاری ایران و انگلیس و فرانسه و آلمان . عباس اقبال آشتیانی .
کلیات‌جغرافیای‌طبیعی: جهانگیرصوفی.

کلیات‌علم جغرافیا: عباس اقبال‌آشتیانی.
کوه کیلویه وایلات آن: محمود باور.
لندن‌بزرگترین‌شهردنیا: ف ه. لی، ترجمهٔ دکتررحمت مصطفوی .
مازندران،اوضاع جغرافیایی وتاریخی وتراجم‌رجال‌معاصر آن‌سامان(۲جلد): عباس شایان .
مبادی‌علم‌هواشناسی: دانشگاه تهران؛ احمد سعادت .
مجموعهٔ جغرافیا : مظفر حسین‌خان .
مختصرجغرافیای عمومی: مشیرالوزاره مسعودبن مشیرالوزاره محمود.
مرزهای ایران: مهندس محمد علی‌مخبر فروغ فسایی .
مرزهای‌ایران وشوروی : سپهبدامان. الله میرزا جهانبانی .
مسالك وممالك : ابواسحاق اصطخری به‌اهتمام ایرج افشار .
مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس : عباس اقباس آشتیانی .
نامهای شهرها وده‌های‌ایران : سیدــ احمد کسروی تبریزی .
نجوم‌الهند جغرافیا (فارسی‌وانگلیسی) مصباح‌السلطنه محمدعلی انصاری .
نخستین اطلس‌جغرافیای‌ایران‌وجهان‌با ۱۶ نقشه به‌انضمام مقدمه و نقشهٔ تهران: امیرکبیرتهران عباس سحاب.
نزهة‌القلوب : ابوبکر حمدالله مستوفی به‌کوشش محمددبیرسیاقی.
نظری به آرژانتین : احمد توکلی .
نظری به کشور آسمانی چین : داود دینجونمین .
نقشه‌برداری : علی‌دانشور .
نقشهٔ تاریخ جنگ بین‌المللی: سرهنگ محمود کسری .
نکاتی‌چند دربارهٔ‌خوزستان: سیدمحمد علی‌امام اهوازی .
هاوایی ، گوهر اقیانوس آرام : کارلوییس ؛ ترجمهٔ محمود کیانوش .
همسایهٔ ما ترکیه : عباس شاهنده .
هواشناسی : دانشگاه تهران ؛ محمدــ منجمی .

زبان و ادبیات

از آغاز تا امروز

پیدایش خط

از تتبع و بررسی که راجع به پیدایش خط بعمل آمده چنین نتیجه شده که بشر اولیه برای بیان تمایلات و تفهیم آن به طرفش، ابتدا به وسیلهٔ اشارات و حرکات مخصوصه این تمایل را اعلام می‌کرد. پس از مدتی که تعداد نفوس بیشترشد با علایمی که بین خود آنها قرار داده شده بود تبادل افکار می‌کردند. هنگامی که اجتماعات کوچك زیاد ودر نقاط مختلف پراکنده شدند نخست صلاح دیدند که به وسیلهٔ قاصدی مرام و مقصود خود را به دیگران بفهمانند چون دراین اجتماعات هم کثرت حاصل گردید لذا تحصیل آن همه پیك مقدور نیفتاد و از آن‌جا حجاری روی تخته سنگها یا گل پخته به وجود آمد بدین صورت که مطالب خود را بر تخته سنگ یا گل‌پخته رسم می‌کردند و به وسیلهٔ یك پیك برای جمعیت های گوناگون می‌فرستادند.

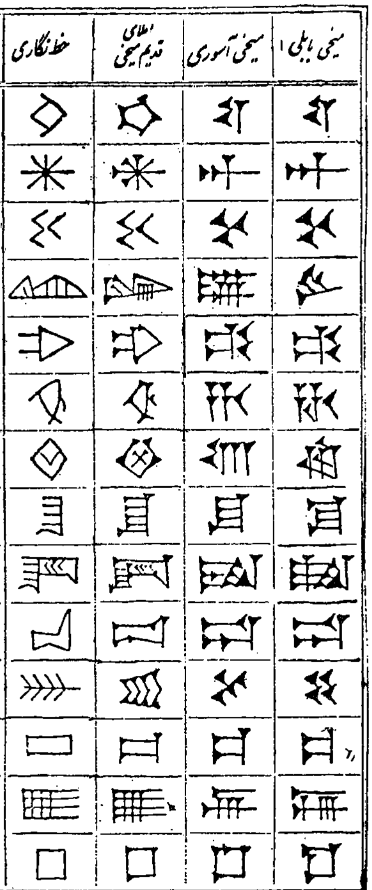
تکمیل و تطور خط شامل چهار مرحله است:

۱ ـ خط نگاری یا نقشی: یعنی کسی خیال و اندیشهٔ خود را به صورت نقش و نگار تجسم داده و آن‌را وسیلهٔ فهم دیگری قرار دهد.

این خط دارای زبان خاصی نیست خط **هیروگلیف** مصر قدیم اصلاح‌شدهٔ این خط بوده است.

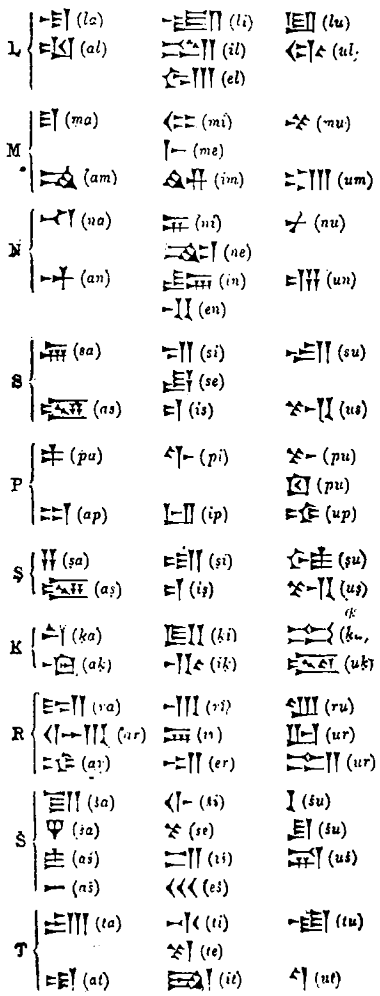
۱ـ علامات یا نمودارها [۱]

	معانی به انگلیسی	معانی به فارسی
1.	The sun	الشمس، خورشید
2.	God, heaven	الله ـ سما (آسمان)
3.	Mountain	جبل (کوه)
4.	Man	انسان
5.	Ox	ثور (گاو)
6.	Fish	ماهی
7.	Heart	قلب
8.	Hand	کف دست
9.	Hand and arm	دست وبازو
10.	Foot	پای
11.	Grain	خوشه
12.	Piece of wood	پارهٔ چوب
13.	Net	دام (شبکه)
14.	Enclosure	چار دیواری



۲ـ خط نموداری یا علامتی: یعنی خطی که برای هر اسم خواه اسم ذات یا اسم معنی نشانه و علامت خاصی قرار دهند در چنین خطی باید به‌شمارهٔ مفاهیم لغات یا کلمات معمول درآن زبان علامت‌هایی معین بکار برد والفبا در این خط موردی ندارد این قبیل خطها دارای شکل‌ها و علامت‌های بسیاری است که گاهی ازهزار هم می‌گذرد مثل خطوط مصری متأخرتر وبابلی وآشوری قدیم. ↓

صوتها یا آهنگها



۳ ـ خط آهنگی یا صوتی: یعنی خطی که هرحرف یا شکل نشانه یکی از صوت‌ها است. خط چینی امروز مخلوطی

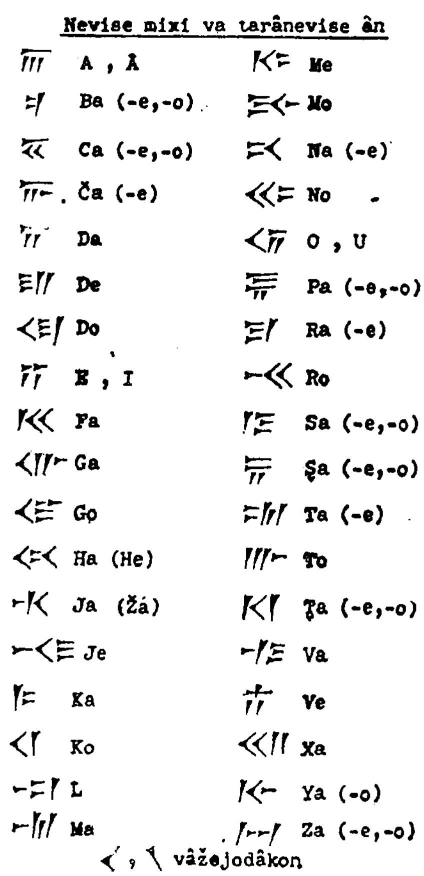
از خط علامتی وخط صوتی است .

۴ ـ خط الفبایی : آن‌چنان است که هرحرف نمایندهٔ یك مخرج است و آن مخارج گاهی حروف مصوت و گاهی حروف غیر مصوت را ادا می‌کنند واز ترکیب مجموع حروف، لغات وکلمات ساخته می‌شودوچون لغات وکلمات‌ساخته شده ازچند مخرج‌مختصر بیش نیست با همان‌چند حرف که ازسی‌چهل عددتجاوز نمی‌کند می‌توان تمام لغات و معانی و مقاصد را وانمود ساخت، مانند: خطوط اسلامی ، لاتینی ، هندی ، سامی .

خطوط ایران پیش از اسلام

۱ ـ خط‌میخی: سومریان مردمی بودند‌که پیش‌از۳۰۰۰سال قبل ازمیلاد مسیح در قسمت جنوبی عراق سکونت داشته ودارای تمدنی بوده‌اند وخطی‌نیز داشتند‌که‌آن راازچپ‌به راست‌می‌نوشتند و این خط میخی است . ↓

الفبای میخی ایرانی



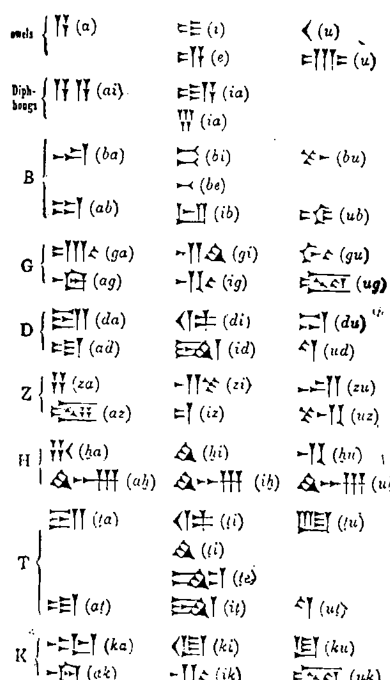
خط میخی ازچهارتا پنج هزارسال پیش از میلاد نزدسومریان ساکن‌جنوبی بین‌النهرین معروف بود طوایف‌آشور و عیلام نیزهمان خط‌را از سومریان‌گرفته بکار بردند .

درست روشن نیست‌که ازچه تاریخ این خط به دست مادها افتاده است. اما معلوم‌است‌که این خط در دست‌ایرانیان رو به‌ترقی و اصلاح نهاده واواسط قرن ۶قبل ازمیلاد از مرحلهٔ علامتی وصوتی به صورت الفبایی درآمده است .

خط میخی‌کلدانی دارای حروف و اشکالی‌بسیاربود‌که بعضی ازآنها‌نمودار یك ذات بایك معنی و بعض‌دیگر‌نمایندهٔ صوت وهجایی خاص بود‌که بایك یاچند صوت ازآنها یك معنی ساخته می‌شد .

مجموع مقاطیع حروف‌بی‌صدای‌خط میخی‌کلدانی‌از۱۸حرف تجاوز‌نمی‌کرده است به‌قرار ذیل :

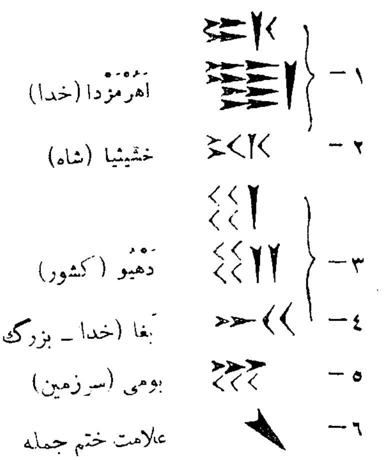
ا ، ب ، ج ، د ، ز ، ح ، ط ، ك، ل ، م ، ن ، س ، پ ، ص ، ق ، ر ، ش، ت. اماحروف‌الفبای‌میخی‌مادی ۴۲حرف ↓



۱۸ حروف بی‌صدای خط میخی کلدانی با تلفظ انگلیسی

بوده‌است و۳۶حرف‌آن راازروی‌حروف میخی‌آشوری ساخته‌اندکه پنج حرف‌آن از حروف صدادار‌بوده است وشش‌حرف دیگر از جنس نمودار برآن‌افزوده‌اند وآن شش علامت : بغا ـ اوهـرمزد ـ دهیو ـ شاه ـ بومی وعلامت ختم جمله می‌باشد توضیح‌آنکه نمودارها درالفبای آشوری ازهشتصد حرف هم‌تجاوزمی‌کند ولی در الفبای مادی یاهخامنشی ازشش حرف‌زیاده نیست‌واین است‌صورت‌آنها.

نمودار شش‌گانه



اصلاح مهمی‌که در ایران راجع به خط‌میخی‌شده‌است جای‌حیرت‌است. زیرا اولاآن‌را ازحالت علامتی‌وصوتی‌به‌حالت الفبایی درآوردند وثانیاً اعراب راجزء حروف‌قرارداد‌ندوثالثاً برای‌حروف مختص به‌زبان‌آریا صورتهایی‌اختراع کردند .

خط پهلوی

از خط‌آرامی گرفته‌شده وخط‌آرامی در اصل منتهی می‌شود به خط قدیم که یکی فینیقی و دیگری‌عبری است .

قدیمترین نمونه‌ای‌که ازخط‌فینیقی یافته‌اندکتیبهٔ (ستون مهزا)است‌که‌تاریخ آن به ۸۹۵ قبل از میلاد می‌رسد . این خط‌که بعدهاخط‌آرامی و نبطی ومسند و حبشی وقبطی ازآن تقلیدشد درایران‌به خط‌پهلوی تبدیل یافت.

پادشاهان هخامنشی خط آرامی را از لحاظ سهولت‌آن رواج دادند وبه‌کار بردن‌آن‌رادرممالك‌مفتوحه‌انتشاردادند.

زبان‌آرامی به‌دو لهجه‌منشعب گردید. لهجهٔ عراقی‌که‌آن را لهجهٔ آرامی شرقی نامند ولهجهٔ سوریه وفلسطین وطور سینا که‌آن راآرامی غربی نامند .

بعد ازکتیبهٔ نقش رستم قدیم‌ترین آثاری‌که به‌خط‌آرامی از طرف ایرانیان دردست‌است‌سکه‌های‌پادشاهان «پرته‌دار» می‌باشد . قدیم‌ترین سکه‌ای‌که از ایـن شاهزادگان‌بدست‌آمده‌متعلق‌به‌قرن۳قبل



عبارت سکه: بغ دات پرت رکه زی بغی بغ کرت

ازمیلادو به نام بغه‌دات(Bagadat)می‌باشد.
خط پهلوی دارای ۲۵ حرف باصدا وبی‌صدااست (ا ، ب ، گ ، ج ، د ، ه، و ، ز ، ی ، ك ، ل ، م ، ن ، س ، ف ، پ، چ،ژ، ر، ش ، ت ، ث، خ ، ذ ، غ).
خط پهلوی و لهجهٔ پهلوی به دودسته تقسیم شده است یکی خط و لهجهٔ اشکانی که آن راپهلوی شمالی می‌نامند و سابق پهلوی کلدانی می‌گفتند دیگر خط و لهجهٔ ساسانی که آن را پهلوی جنوب و جنوب غربی می‌نامند وعلاوه براین دوقسم خط، خط دیگری‌هم برای تحریر معمولی بکار برده می‌شد و این خط با حروف متصل نوشته شده و ازحیث شکل با خط دیگر تفاوت داشته است .

چنانکه درجدول دیدیم الفبای پهلوی ازالفبای آرامی گرفته‌شده والفبای‌مزبور به‌ترتیب ابجد هوزمرتب بوده‌است وخط تحریری پهلوی که آن‌را **خط هزوارش** نیز می‌نامندبقرار ذیل‌است :

خط اوستایی

خط اوستایی یا زند که آن را دین دبیری نامند به اغلب احتمالات‌درزمان ساسانیان اختراع شده است چه تا آن عهد متون اوستا سینه به سینه می‌رسیده و یا با خطوط مختلف هر عصریادداشت می‌شده است ازآن به‌بعد از خط پهلوی ناقص یا خط سریانی که یکی از خطوط خوب آن‌زمان‌شمرده‌می‌شد استفاده گردید به طوری که صورت یك دسته از حروف مصوت که شکل نداشت‌وحال‌زیروزبرفعلی خطمارا داشت وچند حرف بی‌صدا که‌در اوستا بودودرخط پهلوی نبوداختراع گردید وآن حروف را برحروف موجود پهلوی الحاق کردند واوستارا بدان‌خط نوشتند .

خط اوستا دارای ۴۴ حرف باصدا وبی‌صدا است و هم‌امروزکاملترین خطی است که در دنیاموجود می‌باشد ودرظرف چند ساعت با چند درس می‌توان حروف مذکور رافراگرفت وکلمات ایزدی‌دین قدیم را بدون‌غلط باهمان لهجه وتجوید اصلی قرائت‌کرد .

خطوط ایران بعد از اسلام

خط پهلوی بعد از اسلام به سبب دشواری که درخواندن و نوشتن داشت نتوانست‌مانند سایرآداب وفرهنگ‌های ملی ساسانی مقاومت کند و درملت‌غالب اثر بخشد چندی نگذشت که خط‌مذکور منحصر به‌موبدان‌زردشتی شد وبا سرعتی عجیب روبه‌فنا و زوال نهاد خطوط ملل سامی کــه ازهر طرف بااعراب مربوط بودند بقرار ذیل‌است :

عبریان ــ آرامیان ــ نبطیان ــ سریانیان ــ کلدانیان ــ حمیریان ــ یمن اقوام ثمود و بنی لحیان ــ صفــویان و خطوطی که این‌ملل بدان چیزمی‌نوشتند به‌قرار ذیل است :

الف ــ خط عبری که از اصل خط فنیقی گرفته شده بودوآن‌راقلم‌عبری‌می‌نامیدند .

ب ــ خط نبطی که از خط آرامی گرفته‌شده و اصلش به‌خط فنیقی می‌رسد وبا تصرفاتی که در آن بعمل آمد اصل و ریشهٔ خط کوفی را بــه وجود آورد .

ج ــ خط سریانی کــه اصلاح شده خط‌آرامی است ودرتمام‌دورهٔ ساسانیان ودیری بعد از اسلام یگانه خط‌علمی و مشهور مشرق شناخته می شد و بعد از غلبهٔ مغول بر بــلاد اسلامی از میان رفت.

د ــ خط کلدانی که باقی ماندهٔ خط‌آرامی و با خط نبطی نزدیك بوده است .

ه ــ خط سبا یا «سبئی» که‌اصلاح شدهٔ خط مسند بود وازاصل‌فنیقی گرفته شده ودر یمن متداول بوده است .

و ــ خطوط ثمودی ولحیانی که‌در غرب وشمال‌حجاز نوشته می‌شده‌وشعبه‌ای ازخط سبا بوده است .

ز ــ خطوط‌صفوی‌منسوب به‌سرزمین «صفاة» که در سوریه نزدیك کوه لبنان قسمت های بسیاری از آن کشف شده است و به خط نبطی قدیم شباهت داشته است .

ح ــ خط نسطوری ــ این خط در میان نسطوریان ــ مسیحیان پیروکلیسای مشرقی معروف به نسطوری رایج بوده ونوعی ازخط‌سطرنجیلی‌وسریانی‌محسوب می‌شده است .

خط در اسلام

خط کوفی که مشتق‌ازخط **سطرنجیلی سریانی** بود در بین‌النهرین رواج یافت واول‌کسی که‌آن خط را درجزیرةالعرب رواج داد **حرب‌بن امیة بن عبد شمس** ازفضلای قریش بود وبرای تحصیل خط کوفی ازمکه به‌طرف‌حیره(کوفه)حرکت کرد و زمانی دراز درآنجا ازاستادان فن طریقه وشیوهٔ نوشتن خط کوفــی را بیاموخت‌تادراین‌فن‌استادشدسپس به‌مکه مراجعت‌کرد و عده‌ای ازقریش نزد او تعلیم گرفتند و به تدریــج این خط در مکه و جزیرةالعرب مشهوربه خط کوفی گردید.زیرااین‌خط به‌وسیلهٔ **حرب** از کوفه به‌جزیرةالعرب‌آمده بود بعد ازحرب، **ابوطالب** عم پیغمبر و **عفان‌بن‌ابی‌العاص** درنوشتن خط کوفی اشتهاریافتند و اول‌کسی که خط‌کوفی را در تحت نظم وترتیب درآورد **مرارة‌بن‌مرة** بود ازاو دست بــه دست **اسلم بن سدره** رسید و **حرب‌بن امیه** ازاسلم یاد گرفت بعد از ظهور دین اسلام عده ای در نوشتن خط کوفی اشتهار یافتندکه پنج نفر آنها از دیگران معروفترند :

۱ ــ علی‌بن ابیطالب (ع) .
۲ــعمر بن خطاب . ۳ ــعثمان .
۴ ــ ابی‌بن‌کعب . ۵ ــ زیدبن ثابت .

اشتقاق خط کوفی

از خط‌کوفی‌دوازده شکل‌خط‌دیگر اشتقاق پیداکرده‌بدین شرح :

۱ــ طومار.۲ــسجلات . ۳ــعهود
۴ ــ مؤامرات.۵ــامانات. ۶ــ دیباج.
۷ ــ مدیح. ۸ ــ مرصع. ۹ ــ ریاس .
۱۰ ــ غبار. ۱۱ــ حسن.۱۲ــبیاض و حواشی .

این خطوط دوازده‌گانه را **اسحاق حماد** که‌درسال ۱۵۴ ه وفات‌یافته‌اختراع کرد وپس از وی برادرش **ضحاك** و بعد از او **ابراهیم سکزی** وبرادرش**اسحاق** که ازمردم سیستان‌ایران بودند درحسن خط مشهور شدند .

فضل‌بن سهل مروی ایرانی وزیر مأمون عباسی‌نیز.تصرفات عالمانه‌ای در خط‌کرده و مقدم‌قلم (ریاسی)که منسوب به ریاست او است اختراع و چند شکل دیگر نیز در پرتو اهتمامات اوپیدا شد که روی‌هم سی وهفت شکل خطوط‌در بین کتاب ونویسندگان‌دربارخلفا دورمی‌زد

به این ترتیب :
۱ ـ کوفی ۲ ـ طومار ۳ ـ جلیل ۴ ـ مجموع ۵ ـ ریاسی ۶ ـ ثلثین ۷ ـ نصف ۸ ـ جوانحی ۹ ـ مسلسل ۱۰ ـ غبارجلیته ۱۱ ـ محدث ۱۲ ـ مؤامرات ۱۳ ـ مدمج ۱۴ ـ منثور ۱۵ ـ مقترن ۱۶ ـ حواشی ۱۷ ـ اشعار ۱۸ ـ اولوی ۱۹ ـ مصاحف ـ ۲۰ ـ فضاح النسخ ۲۱ ـ غبار ۲۲ ـ عهود ۲۳ ـ معلق ۲۴ ـ مخفف ۲۵ ـ مرسل ۲۶ ـ مبسوط ۲۷ ـ مقود ۲۸ ـ ممزوج ۲۹ ـ مفتح ۳۰ ـ معماة ۳۱ ـ مؤلف ۳۲ ـ توأمان ۳۳ ـ معجز ۳۴ ـ مخلع ۳۵ ـ دیوانی ۳۶ ـ سیاقت ۳۷ ـ قرمه که این اختلاف اسامی منسوب به مخترعین هـر خط و درشتی وریزی بوده است .

این خطوط تازمان **المقتدر بالله** که درسال ۲۹۵ هـ. برتخت خلافت نشست استعمال مـی‌شدند تا **ابن‌مقله** بیضاوی نابغهٔ خط پا به‌عرصهٔ ظهور گذاشت وخطرا از بلای اختلاف اشکال و تغییر نجات داد و از هرجهت این خطرا پیراسته و آراسته کرد.

ابن‌مقله‌وخط ـ ابوعلی محمدبن‌علی‌ـ بن‌حسین‌بن‌مقلهٔ بیضاوی شیرازی پیشوای نویسندگان وخطاطان و از فضلای زمان بود . در نوشتن خط کوفی وسایر **خطوط مستحدثه** که‌خود واضع ومخترع آنها بود کسی به‌پایهٔ اونرسید .

وی مدارخط را بر دایره وسطـح گذارد و از خط کوفی خطی احداث کرد وآن راخط **محقق** نامید ودرتحت‌قاعدهٔ صحیحی درآورد و جمعی را بیاموخت و کتابت قرآن وکتب دینی را بدان خط نمود . وچون خط کوفی را بیش از پنج دانگ‌ونیم‌سطح‌ونیم‌دانگ دور نبودیک‌ـ دور برخط‌محقق بیفزودآنگاه به‌ایجادخط ریحان پرداخت‌وآن‌خطرااز‌محقق‌درآورد که‌بیشترکلمات آن‌تابع‌خط‌محقق‌بوددور سطح و دورباخط‌محقق‌شباهت تامه داشت مگردرحرف‌(یا) که‌دور آن‌بیشتراز(یای) محقق بودوچون‌ازتکمیل‌خط‌محقق‌فراغت یافت آن‌رابه‌دیگران آموخت. سپس‌خط **ثلث ریحانی** را از خط ریحان بیـرون آورد . پس از انتشار این خطوط، **خط نسخ** را اختراع کرد و برای آن چهار دانگ دور ودودانگ سطح قرار داد و مدار وتعلیم‌آن را به‌نقطه‌گذارد وبرای آن دوازده قاعده مقررداشت ومردم را یاد دادتا حروف‌آن‌رانسبت به‌یکدیگر بزرگ و کوچك نکنند و آن قواعد دوازده‌گانه به‌این شرح است :

۱ـ ترکیب ۲ـ کرسی ۳ـ نسبت ۴ ـ ضعف ۵ـ قوت ۶ـ سطح ۷ـ دود ۸ـ صعود ۹ـ مجاز ۱۰ـ اصول ۱۱ـ صفا ۱۲ـ شأن .

تسمیهٔ‌خط‌نسخ ـ چون خط نسخ نسبت به سایر خطوط مانند : کوفی و محقق و ریحان وثلث آسانتر بود لذا همهٔ‌مردم به آن‌گرویدند و به تدریج سایـر خطوط منسوخ‌گردید لذا این خط به **خط نسخ** موسوم گردید .

اولین چیزی‌که به خط نسخ نوشته شد قرآن بود و خطوط‌کوفی وریحانی‌و محقق را در سرسوره‌ها قرار داد وچون خواست‌کتابت قرآن با سایرخطوط فرق داشته باشد. **خط توقیع** را احداث‌کرد که نصفش سطح و نصفش دور بود. پس‌از آن **خط رقاع** را ایجادکرد و به جهت پنج دانگ سطح ونیم دانگ دور مقرر داشت‌تا رقعه‌ها و فرمانهای‌حکام‌ولایات را بدان خط نوشتند .

از خوشنویسان دیگر بایستی **حسن ابن‌علی بن مقلهٔ بیضاوی شیرازی** برادر محمدبن مقله(که شرحش گذشت) را نام برد که به خطاطی پرداخت ولی به پایهٔ برادرکوچك نرسید .

پس از شهادت برادرش طالبان‌هنر خط به او مراجعه ونکات و قواعد خط را می‌آموختندومحضرش مملوازمتعلمان بود .

حسن‌بن مقله درهنرخط‌اختراعات تازه‌ای نیاوردولی‌قواعدی راکه‌برادرش وضع‌کرده بود تکمیل نمود و بـه مردم آموخت . خطش شبیه به بـرادرش بود چنانکه تمیز کلام‌الله مجیدی را که وی نوشته بود باکلام‌الله‌مجید برادرش به‌آسانی مقدورنبود .

دیگر از خوشنویسان آن زمان **ابوالحسن‌علاءالدین علی‌بن‌هلال** مشهور به **ابن‌بواب** ملقب به قبلة الکتاب است که معاصر القادر بالله بیست و پنجمین خلیفهٔ عباسی بود .

خوشنویسان

در بخش هنر ملاحظه فرمایید .

بدیع

فصاحت‌کلمه : خالی بودن آن از چهارعیب(تنافر حروف،غرابت‌استعمال، مخالفت باقواعد اشتقاق ، مبتذل بودن) است .

فصاحت کلام : در صورتی میسر است‌که کلمات‌آن دارای فصاحت و خود ازشش عیب (تنافر، ضعف تألیف، تعقید لفظی ، تعقید معنوی ، تتابع اضافات و کثرت تکرار) خالی باشد .

فصاحت متکلم : عادت و ملکهٔ نفسانی گوینده است ودربرآوردن‌کلمات وکلام فصیح .

بلاغت: رسانیدن‌مقصود یا چیرهـ زبانی .

علوم بلاغت : عبارتند از معانی و بیان وبدیع وعروض وقافیه .

علم معانی : موضوعاتی از قبیل : اسناد ، قصر ، انشاء وصل‌و فصل،ایجاز واطناب و مساوات است .

بیان : مجموع قوانینی است برای آوردن‌یك معنی‌ازراههای مختلف.

علم بدیع

محسنات سخن بلیغ به آن وسیله شناخته می‌شود .

انواع سخن : نظم ، نثر.

نثر : بدان کتاب و نامه نویسند یامرسل و عاری است یامصنوع ومسجع.

نظم : سخنی باوزن و قافیه مطابق بحور عروضی .

اقسام نظام :

رباعی ، دو بیتی ، قطعـه ، غزل قصیده، مثنوی ، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، مسمط ، مستزاد .

رباعی : چهار مصراع‌که سه‌تای‌آن متفق‌القافیه‌باشد .

دوبیتی : از نظر وزن با رباعی اختلاف دارد .

قطعه : چندبیت هم‌وزن و هم قافیه وسخن ازمضمون واحدی باشد .

وهم قافیه بودن در دومصراع بیت اول شرط نیست .

غزل : چندبیت هم‌وزن، که قافیهٔ آنها با قافیهٔ مصراع اول بیت نخستین یکی باشد .

قصیده : ابیاتی متحدالوزن‌که همهٔ آنها بامصراع اول مطلع‌هم‌قافیه‌اند ودر

تمام آنها قصد معینی تعقیب می‌شود .
مثنوی : وزن ابیاتش یکی ولی هر بیت قافیهٔ جداگانه دارد .
ترجیع بند : در بخشهای هم‌وزن اختلاف قافیه دیده می شود و درفواصل بخش‌ها یك بیت تکرار می‌شود .
ترکیب بند: بر گردان آن برخلاف ترجیع‌بند ازحیث مضمون وقافیه متغیر است .
مسمط : چندمصراع بریك‌وزن‌ویك قافیه گفته شود و مصراع آخر،قافیهٔ جداگانه داشته باشد .
مستزاد : درآخرهرمصراع‌جمله‌ای زیاد کنند که در وزن بدان احتیاجی نباشد ولی در معنی با مصراع مربوط باشد .

صنایع بدیعی

آرایش سخن یا در لفظ یادرمعنی است؛ لذا به‌دونوع تقسیم می‌شود؛صنایع لفظی‌صنایع معنوی .
صنایع لفظی : عبارتند از: تسجیع ترصیع ، لف ونشر ، تجنیس، تضمین ، اعنات ، ردالقافیه ، ردالعجزعلی‌الصدر، ردالصدر علی‌العجز ، موشح و ملون .
تسجیع : کلمات هماهنگ در آخر جمله‌های یك عبارت نثر .
ترصیع : بخش‌کردن سخن (شعریا نثر) بطوری‌که دومصراع یالخت‌عبارت کلماتی دربرابر هم‌بیاورندکه در وزن و عدد وحرف متساوی باشد .
لف و نشر : اول کلماتی‌چند دریك جا جمع‌آورند ، سپس کلمات دیگری‌به همان شماره ذکرکنندکه هرکدام‌به‌یکی ازکلمات سابق مربوط باشدو ممکن‌است مرتب یامشوش باشد .
تجنیس : دو کلمه است که درلفظ به‌یك صورت‌ویاشبیه به‌یکدیگرودرمعنی مختلف باشد . چون این دوکلمه هم‌جنس بنظر می آیند این صنعت را اجناس می‌گویند که‌بر ۷ قسم است ، تام ، ناقص . زاید ، مرکب ، مکـرر ، مطرف و خطی .
تضمین : شاعراشعار یامثال‌وگفتار مشهوری رابر سبیل عاریه دراثنای شعر خود بیاورد .
اعنات، لزوم‌مالایلزم : شاعرحرفی یاکلمه‌ای‌راکه التزام‌آن واجب نباشد، التزام‌کند وآنرادرهربیت‌یامصراع‌مکرر گرداند .
ردالقافیه : قافیهٔ مصراع اول‌مطلع یك‌قصیده یاغزل را درآخر بیت دوم‌آن تکرارکنند .
ردالعجز علی‌الصدر : جزء اول ازمصراع اول‌را صدر و جزوآخرآن را ضرب جزو اول از مصراع‌دوم را ابتداء وجزو آخرآن راکه آخرین جزو بیت است عجز گویند،در این‌صنعت ،کلمهٔ‌اول بیت‌درآخر تکرار شود .
ردالصدر علی العجز : کلمهٔ آخر بیتی را درصدر بیت بعدبیاورند .
رد المطلع : مصراع اول یا دوم مطلع را در مقطع قصیده یا غزل تکرار کنند .
مرتشح : شاعر دراول یادر اواسط قصیده یا غزل حروف یاکلماتی آوردکه چون‌آنهارا یك‌جاجمع‌کنند نام یا لقب کسی یامثل و مطلب خاصی پیداشود .
ملون : شعری‌که به‌دو بحرازبحور عروض‌خوانده شود .
صنایع معنوی : عبارتند از،تشبیه استعاره ، کنایه و مجاز ، ایهام ،مطابقه مراعات نظیر ، براعت استهلال ، حسن طلب ، اغراق ، تنسیق صفات ، اعداد ، جمع ، تفریق ، تقسیم ،التفات ، حشو ، قلب ، تمثیل ، حسن مطلع ، حسن‌مقطع، حسن تخلص، سؤال وجواب ، لغزومعماو صنایع دیگر .
تشبیه : مانندکردن‌چیزی به‌چیزی که هفت نوع دارد ، مطلق ، مشروط ، مضمر ، تفضیل ، تسویه ، عکس‌وکنایه
مجاز : بکار بردن لفظ‌درغیرمعنی حقیقی‌آن .
کنایه : سخن پوشیده گفتن .
استعاره : لفظی‌رادرغیرمعنی‌حقیقی آن بکار برند .
ایهام : گوینده در سخن خودلفظی آوردکه دارای دومعنی باشد .
مطابقه : استعمال‌کلمات‌ضدیکدیگر مانند ، نورو ظلمت ، سیاه وسفید .
مراعات‌نظیر : در نظم یانثرکلماتی نظیر و مناسب هم‌بیاورند .
براعت استهلال : آغاز سخن‌تفوق وبرجستگی خاصی داشته باشد .
حسن‌طلب : چیزی‌را ازکسی‌چنان به لطف و ظرافت بخواهند که قبح طلب وذل‌سؤال محسوس نباشد.
اغراق: چیزی‌رازیادت‌ازحدمعمول وصف‌کنند .
اعداد: شاعرچنداسم‌یاصفت‌رابشمارد و آنها رابه‌خود یا کسی یا چیزی‌نسبت دهد .
تقسیم: چندچیز را بشمارند، سپس هریك را جداگانه وصف کنند .
جمع: چند چیزراتحت یك حکم درآورند.
تفریق: شاعر دو چیز را بیان‌کند سپس میان آندو از جهتی جدایی اندازد .
تنسیق‌الصفات: صفات‌ممدوح‌یاخود یا جز آن را به توالی بشمارند .
التفات : از مطلبی به‌مطلب دیگر یا از مخاطب به غایب و از غایب به مخاطب ویا از مخاطبی به‌مخاطب دیگر توجه کنند .
حشو: کلامی‌زاید در میان جمله‌که می‌توان از قبیل جملهٔ معترضه دانست که بر سه گونه است : قبیح ، متوسط، ملیح .
تجاهل العارف : کسی چیزی را بداند ولی تظاهر به ندانستن آن کند .
قلب مطلب : باز گونه کردن مطلب به‌طوری که مطبوع باشد.
مدح‌موجه: مدحی‌که متضمن‌مدحی دیگر است .
تهکم : کسی را بستایند در حالی که مقصود از این ستایش تحقیر باشد.
تمثیل : (ارسال مثل) : گوینده جمله‌ای گوید که مثل یا در حکم مثل باشد .
تلمیح: شاعر در شعر خود داستان یا شعریا حدیثی مشهور را اشاره‌کند.
مدح‌شبیه‌به‌ذم: مدح به نحوی آغازشود که شنونده ، نخست گمان ذم برد ولی در پایان مقصود مدح رادریابد .
ذم شبیه به مدح : شنونده نخست گمان برد که گوینده مدح می‌گوید بعد متوجه مقصود اوکه ذم است می‌شود .
حسن مطلع : سخن به‌نوعی آغاز شود که شنونده را خوش آید .
حسن تخلص: به‌معنی‌گریزازمطلبی به مطلب دیگر و اسم شاعر را در فارسی تخلص گویند .
حسن مقطع : قطع کردن سخن و به آخر رسانیدن آن و حسن آن اثر بیشتری دارد .

سؤال وجواب : شاعر با مخاطب خود به گفتگو پردازد .
لغز : شمردن نشانیهای چیزی بی‌آنکه نام آنرا ببرند .
معما : اگر اسم ومعنایی را به‌شکل پیچیده و غامضی بیان کنند .

قافیه، پساوند

کلمات‌آخرابیات است که آخرین حرف اصلی آنها یکی است به‌شرطی که کلمات عیناً تکرارنشده باشد .
ردیف: در آخرابیات کلمات عیناً تکرار شود .
حرف رویّ : آخرین حرف اصلی قافیه را که‌درآخرهمهٔ‌ابیات‌تکرارمی‌شود.
حروف قافیه : هشت حرف که چهارتای آن پیش از رویّ وچهار تای دیگر بعد ازروی در آیند .
حروف پیش از رویّ : چهارتا، تأسیس ، دخیل ، ردف . قید .
حرف تأسیس و دخیل : الفی که با فاصله شدن یك حرف متحرك پیش ازحرف رویّ در آید و آن حرف متحرك را دخیل گویند .
حرف ردف : بر دو قسم است ، اصلی ، زاید .
ردف‌اصلی: حرف مدی که بی‌فاصله پیش از رویّ در آمده باشد .
ردف‌زاید: حرف ساکنی که میان حرف مدو حرف‌روی‌فاصله‌شده‌باشد.
حروف‌واقسام ردف‌زاید ومرکب: شش‌حرف است : ش ، ر، ف، س،خ ، ن .
قید : هرساکن غیر مدّی است که بی‌فاصله پیش از حرف رویّ آمده باشد.
حروف قید : در کلمات فارسی بیشتر حروفی که در این ترکیب آمده وارد شده‌اند (سه شب فرخ نغز) .
حروف بعد ازرویّ : چهاراست ، وصل ، خروج، مزیدونایره.
حرف وصل : بدون فاصله به‌رویّ می‌پیوندد .
قافیهٔ موصوله : رویّ که حرف وصل بدان پیوسته باشد .
حرف خروج : حرفی که به وصل می‌پیوندد .
حرف مزید : به حرف خروج‌می‌پیوندد .
حرف نایره : یك حرف یا بیشتر که به مزید می‌پیوندد (سایرحروف‌قافیه بعد از مزید) .
حرکات قافیه: حرکاتی که به‌حروف قافیه تعلق می‌گیرد و شش نوع است : رسّ ، اشباع ، حذو ، توجیه ، مجری، نفاذ .
رسّ : فتحهٔ ما قبل الف تأسیس است .
اشباع: حرکت حرف دخیل است.
حذو : حرکت پیش از حروف ردف و قید است .
توجیه: حرکت‌پیش از رویّ‌ساکن است که آنرا در اصطلاح رویّ مقید (یعنی از حرکت باز داشته) می‌گویند .
مجری : حرکت‌حرف‌رویّ است.
نفاذ : حرکت حرف وصل و سایر حروف بعد از رویّ است.
اصناف قافیه : به حسب احوال حرف رویّ و هشت حرف دیگر قبل و بعد روی به‌انواع مختلف تقسیم می‌شود.
القاب قافیه : اسامی واصطلاحات اصناف .
قافیهٔ مطلق: حرف رویّ آن‌متحرك است‌که قافیهٔ موصول‌نیزنامیده می‌شود.
قافیهٔ مقید : حرف رویّ‌آن ساکن باشد .
اقسام قافیهٔ مطلق: مطلق‌به‌تأسیس، مطلق‌به‌ردف،مطلق‌به‌قید،مطلق‌به خروج ومطلق به‌خروج ومزید ونایر.
اقسام قافیهٔ مقید : مجرد ، مقید به تأسیس، مقید به‌تأسیس‌ودخیل و مقید به ردف و مقید به قید .
عیوب قافیه : اقواء، اکفاء، سناد، ایطاء .
اقواء: اختلاف حرکت‌حذو وتوجیه
اختلاف حذو : چنانکه فردوسی را با طوسی وشکفت را با گرفت قافیه کنند: وزیر و مفتی و گویندهٔ طوسی — نظام الملك و غزالی و فردوسی .
اختلاف توجیه : مانند ، به فرق چمن ابر گسترده پر ، به فرش زمرد فروریخت در .
اکفاء : اختلاف حرف‌رویّ است . دو حرف قریب المخراج را از قبیل «ب،پ»و«ك،گ»با هم قافیه کنند .
سناد : اختلاف حرف ردف است ، مثل قافیه‌کردن «یاری،دوری» و«باخت بافت» .
ایطاء : مکرر کردن قافیه و بردو قسم است ، ایطای جلی ، ایطای خفی .
ایطای‌جلی: تکرارقافیه‌پیداوواضح باشد .
ایطای‌خفی: تکرارقافیه‌ظاهرنباشد.
شایگان: مرادف ایطاء و بیشتر آن را در مورد تکرار علامت جمع‌بکار می‌برند مانند قافیه کردن « مردان — زنان» و«خوبان— پاکان» .
قافیهٔ‌معمولی : لفظ مرکب را در حکم بسیط‌قرار داده‌و به تدبیر شاعرانه حرفی را رویّ سازند و آوردن یکی از این‌نوع‌قوافی‌درشعر جایز است .

علم عروض

فنی‌است که‌ازوزن‌اشعار بحث‌می‌کند.
وزن : سنجیدن اشعار به یکی از بحور عروض .
بحر : دستگاههای شعر را گویند، مانند بحر متقارب ، هزج رجز .
بیت : یك واحد شعر .
مصراع ، نیم بیت .
اجزاءچهارگانهٔ‌بیت: صدر «جزء اول مصراع اول» عروض « جزء آخر مصراع‌اول»ابتداء «جزءاول مصراع‌دوم» ضرب و عجز «جزءآخر مصـراع دوم» اجزاء میان مصراعها را حشوگویند .
ارکان‌اصلی‌اوزان: سبب،وتد،فاصله.
سبب : بردو قسم است ، خفیف وثقیل .
سبب خفیف : از یك متحرك ویك ساکن تشکیل شده است .
سبب ثقیل: دومتحرك‌متوالی‌دارد.
وتد: بردوقسم‌است،مفروق،مقرون.
وتد مفروق : دو متحرك‌که بیـن خود یك حرف ساکن‌دارند .
وتدمقرون: دو متحرك‌که بعدآنها یك ساکن است .
فاصله : دوقسم ، صغری و کبـری است .
فاصلهٔ صغری: سه‌متحرك ویك‌ساکن است .
فاصلهٔ کبری : چهار متحرك ویك ساکن است .
اجزاء و اصول اوزان : بنـای

اوزان عروضی مانند وزنهای صرفی بر حروف فاوعین ولام است که گاهی ارکان می‌گویند و از تکرار یکی ازاجزاء و ترکیب آنها بحور واوزان‌ساخته می‌شود.

اجزاء اصلی: تشکیل دهندهٔ بحور و اوزان دارای هشت وزن‌است دو جزء ۵حرفی «فعولن و فاعیلن»شش جزءهفت حرفی «فاعلاتن ، مفاعیلن ، مستفعلن ، متفاعلن، مفاعلتن و مفعولات» .

تقطیع : تجزیه کردن اشعاروبرابر ساختن اجزای بیت با اجزای اوزان .

وزن‌عروضی: عدد حروف وسکون و حرکات معتبر است .

وزن‌صرفی: خصوصیت وچگونگی حرکات رعایت می‌شود .

اسامی‌بحوراصلی : نوزده است : طویل ، مدید، بسیط، رجز،هزج، سریع، رمل، وافر ، مضارع ، متقارب،متدارك، کامل،مقتضب، منسرح ، مجتث ، خفیف ، جدید ، قریب ومشاکل .

بحور متفق الارکان : هفت بحرکه از تکرار یکی از اجزا حاصل می‌شود عبارتند از : بحر متقارب «فعولن» بحر رمل «فاعلاتن» هزج « مفاعیلن » رجز «مستفعلن» کامل«متفاعلن»وافر«مفاعلتن» متدارك «فاعلن» .

شش رکنی: دربحور متفق‌الارکان وقتی اجزاء شش بار تکرار می‌شوند .

هشت رکنی:در بحور متفق‌الارکان وقتی اجزاء هشت بار تکرار شوند .

بحورمختلف‌الارکان:دوازده بحردارد مضارع«مفاعیلن،فاعلاتن»مجتث«مستفعلن فاعلاتن » خفیف « فاعلاتن ، مستفعلن ، فاعلاتن» مقتضب «مفعولات ، مستفعلن» منسرح«مستفعلن،مفعولات»طویل«فعولن، مفاعیلن» مدید «فاعلاتن ، فاعلن»بسیط «مستفعلن، فاعلن»سریع«مستفعلن،مستفعلن مفعولات»قریب«مفاعیلن،مفاعیلن،فاعلاتن» جدید«فاعلاتن،فاعلاتن،مستفعلن»مشاکل «فاعلاتن،مفاعیلن،مفاعیلن» .

بحور واوزان‌معمول شعرفارسی: طویل ، مدید ، بسیط ، وافـر و کامل .

بحر مخصوص فارسی : جـدید ، قریب ومشاکل .

جزوسالم : درآن تغییری نیابد . فعولن ، مفاعیلن وفاعلاتن .

وزن سالم : از اجزاء سالم‌تشکیل می‌شود .

بحر سالم : به وزن سالم‌گویند .

زحاف: تغییراتی‌که به اجزای‌سالم اصلی داده باشند .

مزاحف : جزوی‌که‌از تغییرحاصل شده باشد .

بحرهزج: بحری‌است‌که از تکرارجزء مفاعیلن تشکیل شده باشد .

بحررمل : ازتکرار جزء فاعلاتن حاصل می‌شود .

بحر متقارب:از تکرار جزءفعولن حاصل می‌شود .

بحر متدارك:از تکرار جزءفاعلن تشکیل می‌شود .

بحر مضارع : اصل این‌بحر چهار بار مفاعیلن مفاعلاتن‌است ولی سالم‌آن مطبوع نیست بیشتر غیر سالم و مزاحف آن معمول است .

بحر منسرح: اصل‌این‌بحرمستفعلن مفعولات اما سالم‌آن‌معمول است .

بحر مقتضب : اصل بحر مفعولات مستفعلن عکس بحر منسرح است .

بحر خفیف: ازبحرهای سبك وزن عروض‌اصل‌آن‌فلاعلاتن مستفعلن‌فاعلاتن و مزاحف‌آن معمول است .

بحرمجتث : اصل بحر مستفعلن فاعلاتن است .

بحرسریع : اصل بحر مستفعلـن مستفعلن مفعولات‌بوده بیشتر مزاحف‌آن معمول‌است .

بحرقریب : از بحورمخصوص‌زبان فارسی است وبحرآن ، مفاعیلن‌مفاعیلن فاعلاتن است .

بحر جدید: بحری‌که شعرای‌جدید افزوده‌اند و اصل‌آن فاعلاتن فاعـلاتن مستفعلن است .

بحرغریب: بحر جدید راگویند .

بحرمشاکل: مخصوص فارسی واصل آن فاعلاتن مفاعیلن مفاعیلن است .

بحر اخیر: بحر مشاکل راگویند.

شش دایرهٔ معروف‌بحور ۱ـدایرهٔ متفقه «دوبحر متقارب و متدارك» ۲ـ دایرهٔ مختلفه «سه بحر طویل و مدید و بسیط» دارد ۳ـ دایرهٔ مؤتلفه «مشتمل بر دوبحر وافروکامل» ۴ ـ دایرهٔ مجتلبه «سه بحر رجز وهزج ورمل» ۵ـ دایره مشتبهه «چهار بحر منسرح ومـضارع و مجتث ومقتضب ۶ـ دایرهٔمنتزعه«خفیف، سریع، جدید ، قریب ، مشاکل» .

دوره‌های مختلف نثر فارسی

دوره‌های مختلف

تفاوتهای آشکاری‌که در سبك نثر هر دوره پیداآمده وآنرا از سلف‌خود امتیازبخشیده‌موجب می‌شودکه‌نثرفارسی به چهار دوره تقسیم شود .

دورهٔ اول ــ این‌دوره‌ازآغازتشکیل دولت‌های مستقل ایرانی است و مبداء واقعی‌آن از زمانی است‌که اولین‌کتاب نثرفارسی‌تألیف‌آن‌زمان به‌دست‌مارسیده که زمـان نوح‌بن منصور سامانــی یعنی اواخر نیمهٔ اول قرن‌چهارم هجری باشد نویسندگان مشهورآن دوره ابومنصورــ المعمری و ابوالمؤید بلخی و بلـعمی هستند .

دورهٔ دوم ــ این دوره از طـلوع کلیله ودمنه یعنی از اواسط قرن ششم هجری‌آغازمی‌شود و به‌ورودی تغییرهای عمده‌درآن سبك‌راه یافته و مبدل‌به‌شیوهٔ نثر فنی‌می‌گردد . این دوره تاقرن‌هفتم و هشتم پیش می‌رود و درآن واحد دو سبك و طریقه ، در عرض هم نمو می‌کند یکی‌نثرمرسل وساده‌که دارای‌مترادفات و موازنه است ، ودیگر نثرمسجع وفنی مطلق که علاوه برمترادفات و موازنات زیاد دارای سجع‌های‌فراوان است، ولی غلبه با سبك اول است .

این‌حالت تا اواخر قرن‌هفتم دوام دارد وگلستان‌سعدی‌کاملترین نمونهٔاین شیوه است. ازآن تاریخ به‌بعد نثرمسجع و متکلف‌غلبه پیدامی‌کند وطریقهٔمذکور معکوس‌می‌شود، کتب‌متصوفه‌ازیادگارهای این‌عصراست‌که مهمترآن کشف‌المحجوب و اسرارالتوحید و تذکرةالاولیا است.

دورهٔ سوم ــ این‌دوره‌دورهٔ سجع و قافیه و عصر تکلف و تصنع وزمانهٔفساد نثر فارسی است و دبیران ایرانی‌ازخود اعراب هم‌در استعمال‌کلمات‌عربی ولغات غریبه پیش می‌افتند . در این‌دوره نیز مانند عصر پیشین نثر مسجع ومصنوع‌با نثرهای ساده و مطبوع هردو در عرض هم‌موجودند وکتب‌فصیح و بلیغ وزیبایی که به‌ندرت‌سجع‌وقافیه رارعایت‌کرده‌اند در تمام این‌مدت نوشته شده است ، اما غلبه بانثر متکلفانه و مسجع است.این سبك از قرن هشتم تا سیزدهم هجری در ایران و ترکستان وهند و عثمانی دایر ورایج‌بوده و مراسلات درباری و تواریخ

عمده به این‌شیوه نوشته می‌شده است و نمونهٔ کامل این سبك تاریخ تیمورموسوم به ظفر نامه تألیف شرف‌الدین‌علی‌یزدی و تاریخ شاه‌عباس دوم‌تألیف میرزاطاهر وحید تبریزی‌است .

دورهٔچهارمـ این‌دوره‌زمان‌بازگشت ادبی است، ونظم ونثردر این دوره‌تغییر پیدامی‌کند ونثردیر‌تراز‌نظم موردا‌صلاح قرارمی‌گیردودراین‌دوره‌است که‌سبکهای مختلف درنثر به وجود می‌آیدولغت‌های ساختگی فارسی پیدا می‌شود ونوشتن‌نثر به فارسی خالص در هند وایران معمول می‌گردد. ابتدای این‌دوره قرن‌دوازدهم هجری است و قوت‌گرفتن‌آن از اواخر این‌قرن‌است ودراین‌عصر است‌که‌پیروی ازگلستان سعدی به وسیلهٔ قائم‌مقام‌رواج یافت . پس از او تقلید ازبیهقی وطبری و نثر دورهٔ دوم شروع‌گردید و بالاخره پس از اختلاط شرقیان بامردم مغرب و نشرجرایدوروزنامه‌ها، سبك ساده‌نویسی رواج‌گرفت. معروفترین نویسندگان‌این عصر ابوالفضل‌دکنی وشیخ فیضی‌دکنی و شیخ محمدعلی حزین ونشاط وقائم‌مقام‌و عبدالوهاب قزوینی و فروغی و هدایت است

«بااستفاده‌ازکتاب سبك‌شناسی ملك‌الشعرای بهار»

نویسندگان معروف

ایران

آخوندوف، میرزا فتحعلی .

(۱۱۹۱ـ۱۲۵۶ ه ش)

نویسنده ، شاعر و نمایشنامه نویس بزرگ ایرانی است . به زبان ترکی ؛ فارسی ،عربی وروسی‌تسلط داشت .

نمایشنامه‌های او به**تمثیلات** معروف است ، نامهٔ کمال‌الدوله‌به‌شاهزاده‌جلال‌ـ الدوله، ستارگان فریب خورده ، ملاـ ابراهیم ، خلیل کیمیاگر، حکیم‌نباتات، سر گذشت وزیر خان قسمتی ازآثـار اوست .

آذربیگدلی ، لطفعلی‌بیك .

شعرای ایران‌را به‌بینید .

آذری ، حمزة‌بن علی طوسی .

شعرای ایران رابه‌بینید.

آذریزدی ، مهدی .

(متولد ۱۳۰۱ ش)

نویسندهٔ ایرانی ، صاحب چندیـن کتاب قصه برای‌کودکان وشعرقند وعسل وترجمهٔ‌گربهٔ‌ناقلا ، ودوکتاب‌آموزشی به نامهای خود آموز عکاسی و خود آموز شطرنج تاکنون منتشر کرده است .

آرام ، احمد .

(متولد ۱۲۸۱ ه ش)

نویسنده و مترجم دانشمند ایرانی دورهٔ حقوق دانشگاه و تا سالهای آخر دورهٔ طب‌راگذرانید، وازهمکاران‌نزدیك مجلهٔ سخن علمی می‌باشند .

شش بال علم ، اثبات وجـودخدا ، مرزهای دانش، تاریخ علم ، فلسفه های بزرگ ، مقدمه‌ای برفلسفه، مشرق زمین گهوارهٔ تمدن ، علم و مردم ، پیدایش و مرگ خورشید ، تکامل فیزیك ، حساب دیفرانسیل وانتگرال برای‌همه، چگونه روحهای محکم و زنده بسازیم ، فلسفهٔ تربیت قسمتی ازآثار ایشان است .

آریاپارت ، شروین .

زبان‌شناسان رابه بینید .

آریان پور ، امیرحسین .

(متولد ۱۳۰۳ ه ش)

دکتر در علوم اجتماعی و ادبیات فارسی و استاد دانشگاه ، رساله در باب دینامیسم ، فرویدیسم ، آموزشگاههای فردا ، مقدمه‌ای برفلسفهٔ‌آموزش‌وپرورش بزرگمردان تاریخ ، جامعه شناسی‌هنری قسمتی از آثار ایشان است .

آزاد همدانی ، شیخ‌علی محمد .

(متولد ۱۳۰۲ ه ق)

ازنویسندگان‌آشنابه ادبیات فارسی عرب و علوم دینی است .

آقاخان‌کرمانی ، میرزا .

آزادی‌خواهان را دربخش سیاست به‌بینید .

آل‌احمد ، جلال .

(متولد ۱۲۹۵ ش)

از نویسندگان معاصر،صاحب آثاری چـون :

دیدو بازدید ، زن زیادی ، هفت مقاله ، از رنجی‌که می‌بریم ، سرگذشت کندوها ، نون والقلم ، مدیر مدرسه ، خسی درمیقات می‌باشد و تـرجمه هایش عبارتند از :

دستهای‌آلوده، سوءِ تفاهم ،بازگشت ازشوروی ،کرگدن ،قمارباز وبیگانه .

آل احمد از نـویسندگان موفق و پرکارایران است .

ابن بی‌بی ، ناصرالدین‌یحیی‌بن مجدـ الدین‌محمد .

(قرن ۷ ه ق)

مورخین ایرانی‌را به بینید .

ابن‌ربن طبری، ابوالحسن علی‌بن سهل.

(زنده درقرن۳ ه ق)

نویسندهٔایرانی، صاحب : فردوسـ الحکمه ، کتاب الدین والدوله و کتاب حفظ‌الصحه .

ابن‌طیب الجاثلیق ، ابوالفرج‌عبدالله .

(متولد ۴۳۵ ه ق)

نویسنده و مترجم ایرانی ، مقولات ارسطو ، یکی ازآثار اوست .

ابن‌عمیدکاتب خراسانی،ابوالفضل‌محمد.

(فوت ۳۵۹ ه ق)

نویسنده و وزیر معـروف ایرانی است . دیوان الرسایل ، یکـی ازآثار اواست .

ابن مقفع ، عبدالله روزبه .

(مقتول ۱۴۲ ه ق)

مردی پارسی،کاتب ومترجم بزرگ ایرانی است.التاج ، آیین‌نامه ، کلیلهـ و دمنه ، الادب الکبیر ، الادب الصغیر قسمتی ازآثار و ترجمه‌های او است.

ابن‌هندو ، ابوالفرج علی بن حسین .

(زنده درقرن ۵ ه ق)

مردی ادیب وکاتب وشاعرو حکیم بود، الکلم الروحانیه ، الرسالةالمشوقه فی‌المدخل الی‌علم‌الفلسفه وکتاب‌النفس ازآثار اوست .

ابوالفتح بستی ، علی‌بن‌محمد .

(فوت ۴۰۰ ه ق)

ازنویسندگان و شاعران ایرانـی است‌که به فارسی و عربی تسلط داشت.

ابوالفرج اصفهانی ، علی‌بن حسین.

(۲۸۴ ـ ۳۵۶ ه ق)

نویسندهٔ ایرانـی ، صاحب کتاب **الاغانی** ، مقاتل الطالبین ، الاماء ـ الشواعر و الدیارات می‌باشد .

ابوالمعالی منشی شیرازی ، نصرالله‌بن عبدالحمید .

(قرن ۶ ه ق)

نویسنده و مترجم ایرانی ، ترجمهٔ فارسی کتاب‌کلیله و دمنه ازاوست .

ابوالمؤید بلخی .

شعرای ایران رابه‌بینید .

ابوبکرخوارزمی ، محمد بن‌عباس .

(فوت۳۸۳ ه ق)

نویسنده و شاعر در زبان عربی ،

به **طبرخزی** معروف‌است ،دیوان‌شعری دارد .

ابوحاتم رازی، احمدبن حمدان .
(فوت ۳۲۲ هـ ق)
نویسندهٔ ایرانی از مردم ری ، **اعلام‌النبوة** ، **کتاب الزینة** ازآثار اواست .

ابوعبید، عبدالواحدبن‌محمد جوزجانی.
(زنده درقرن ۴و۵هـ ق)
نویسندهٔ ایرانی و مصاحب ابوعلی سینا بود . ابو عبید ، بسیاری ازکتب ازجمله زندگینامهٔ بوعلی‌را تکمیل‌کرده است .

ابوعلی ، حسن‌بن احمد فارسی .
(۳۰۷-۳۷۷ هـ ق)
از علمای ادب زبان عرب بود ، کتاب ، **الایضاح والتکمله فی‌النحواثر** اواست .

ابوعلی ، محمد بن‌احمد بلخی .
شاعران ایران رابه بینید .

ابونصر مشکان ، شیخ‌العمید .
(فوت ۴۳۱ هـ ق)
نویسندهٔ زبان فارسی و عـربی و استاد ابوالفضل بیهقی بود .

ابونعیم ، احمدبن محمد .
(فوت ۵۱۷ هـ ق)
نویسندهٔومورخ‌شیعی،معرفةالصحابه، ازآثار اوست .

ابویعقوب ، اسحق بن‌احمد سگزی .
(قرن ۴ هـ ق)
صاحب**کشف‌المحجوب**ازنویسندگان ایرانی است .

اسلامی‌ندوشن، دکتر محمدعلی .
(متولد ۱۳۰۴ ش)
ازنویسندگان، مترجمین وشاعران معاصر؛و ازمردم یزد است ، چنداثر از ایشان : ایران را ازیاد نبریم ، بهترین اشعار هنری لانگ فلو ، پیروزی آیندهٔ دموکراسی (ترجمه) ، جهاد در اروپـا (ترجمه)،چشمه(مجموعهٔشعر)سوززندگی (ترجمه)،عمرخیام (ترجمه)،گناه(شعر)، مسلمان پاریس وگلهای بدی (ترجمه).

اخگر ، سرهنگ احمد .
روزنامه‌نگاران را به‌بینید .

ادیب‌الدوله ، محمدحسن‌خان .
(۱۲۸۸ - ۱۳۵۳ هـ ق)
از نویسندگان وفارغ‌التحصیلان و مدرسین دارالفنون بود .

ادیب‌السلطنه .
سمیعی رابه‌بینید .

اعتضادالسلطنه، علیقلی‌میرزا.
(۱۲۳۴ - ۱۲۹۷ هـ ق)
صاحب‌کتاب‌های:**تاریخ افغانستان**، **متنبیین** ازشعراونویسندگان‌ایران‌است.

اعتصام زاده ، یوسف .
روزنامه نگاران رابه‌بینید .

اعتصامی ، یوسف .
(۱۲۵۳ - ۱۳۱۶ هش)
نویسنده ، مترجم ایرانی،دوره‌های **مجلهٔ بهار**، تیره‌بختان (ترجمه) ازآثار او است .

اعتماد زاده ،(م. ا. به‌آذین).
(متولد ۱۲۹۳ ش)
مترجمی‌ازمردم‌رشت،آثار فراوانی دارد؛ اتللو ، باباگوریو ، چرم‌ساغری، دختررعیت، دخترعمویت‌بت ، زنبق‌دره، ژان‌کریستف، شاهکارها، نامهٔسان‌میکله وازتألیفات‌ایشان،بسوی مردم،پراکنده، راهنمای انشاء ومقالات، راهنمای‌انشاء ونامه نگاری.

افشار ، ایرج .
لغویهاونویسندگان‌لغت‌نامه‌وفرهنگ را به‌بینید .

افغانی ، محمدعلی .
(متولد۱۳۰۴ ش)
از نویسندگان معاصر ، ازآثارش، **شوهرآهو خانم**(برندهٔجایزهٔ سلطنتی) سال ۴۱ - ۱۳۴۰ و**شادکامان‌درهٔقره‌سو** می‌باشد .

اقبال‌آشتیانی، عباس .
جغرافی‌دانان را به‌بینید .

انصاری ، خواجه عبدالله .
خواجه عبدالله انصاری در بخش دراویش .

ایرانشهر ، حسین‌کاظم‌زاده .
کاظم زادهٔ ایرانشهر را به‌بینید .

باستانی پاریزی‌کرمانی ، دکترمحـمد ابراهیم .
(متولد ۱۳۰۴ هـ ش)
نویسنده و شاعر معاصر ، قسمتی‌از آثار ایشان :
۱ - آثار و اشعارپیغمبر دزدان یا نبی‌السارقین (به اهتمام ایشان) .
۲ - ذوالـقرنین یاکورش کبـیر (ترجمه) .
۳ - راهنمای‌آثار تاریخی‌کرمان.
۴ - یادبودمن، شعر.

بدیع‌الزمان همدانی، احمدبن‌حسین.
(فوت ۳۹۸ هـ ق)
نویسندهٔ ایرانی ، صاحب : **رسایل و مقامات** ودیوان شعری است .

بزرگ علوی .
علوی را به‌بینید .

برخوردارترکمان، (ابن محمودفراهی)
(قرن ۱۱ هـ ق)
نویسنده‌وشاعرایرانی،صاحب‌آثاری چون : شمسه وقهقهه (داستان) .

بنی‌احمد ، ابراهیم .
ازفرهنگیان معاصر، صاحب‌آثاری چون :
۱ - بهداشت روح برای صد سال خوشحال زیستن .
۲ - روش‌آموختن نقاشی .
۳ - زنده دلی یا خوب زیستن .
۴ - صدبازی دبستانی .
۵ -کلید دلها درپرورش روح .
قسمتی ازآثارچاپ‌شدهٔ ایشان‌است.

بلاغی ، صدرالدین .
شعرای ایران را به‌بینید .

بلعمی، ابوالفضل محمدبن‌عبدالله .
(فوت ۳۲۹هـ ق)
ادیب و وزیر دورهٔ سامـانی است (وزرای ایران را به‌بینید) .

به‌آذین .
اعتماد زاده را به‌بینید .

بهاءالدین بغدادی ، بهاءالدین‌محمـد بن مؤید .
(فوت ۵۸۸ هـ ق)
نویسنده وشاعرایرانی، منشی‌علاءالدین تکش خـوارزمشاه ، صاحب ، **التوسل‌الی‌الترسل** می‌باشد .

بهار ، ملک‌الشعراء .
شعرای ایران‌را به‌بینید .

بهروز ، ذبیح‌الله .
(متولد ۱۲۶۹ هـ ش)
نویسندهٔ‌معاصرایرانی، جیجک‌علیشاه، شب فردوسی ، در راه مهر ، خواندن و نوشتن در دوهفته، منظومهٔ‌گنج‌بادآورد، ازآثار او است .

بهمنیار ، احمد .
(وفات ۱۳۳۴ ش)
نویسندهٔ‌ایرانی‌متخلص‌به‌دهقان‌ازمردم کرمان‌استاد دانشگاه‌ومدیرومؤسس**روزنامهٔ دهقان** (نشر درکرمانشاه) ، فکر آزاد

(نشر در مشهد) ، دارای آثاری چون : تحفهٔ احمدیه ، شرح‌حال صاحب‌بن عباد وترجمهٔ زبدةالتواریخ . وشرح وتصحیح التوسل الی‌الترسل ، تصحیح تاریخ بیهقی ، تصحیح‌اسرارالتوحید ، صرف ونحو زبان ترکی‌عثمانی، تاریخ‌ادبیات عرب، مجمع‌الامثال فارسی، وچند رسالهٔ دیگر .

بهمنیار ، ابن‌مرزبان .
(وفات ۴۵۸ ه ق)
نویسنده و دانشمندزرتشتی‌وایرانی معروف‌به**ابوالحسن**، دارای‌آثاری چون، التحصیل ، رساله فی مراتب موجودات، فی‌موضوع‌العلم المعروف‌بما بعدالطبیعه، المفارقات والنفوس فـی اثبات العقول الفعالة والدلالةعلی عددهاواثبات‌النفوس السماویة می‌باشد .

بیرشك ، احمد .
(۱۲۸۵ ش)
مترجم، ریاضی‌دان و معلم‌دانشگاه ازآثار اوست :
پرسش وپاسخ از کتاب دانش (به مشارکت دکتر خراسانی) (ترجمه) ، جدولهای لگاریتم (به مشارکت‌انواری) جهان وانیشتن (ترجمه) ، حساب برای دورهٔ متوسطه، سرگذشت علم (ترجمه)، سلطنت قباد و ظهـور مزدك (ترجمه)، علم قدیم وتمدن جدید(ترجمه)،مثلثات، میراث‌ایران ترجمه(به‌مشارکت‌عده‌ای)، والتر شناس ، هندسهٔ ترسیمی ، هندسهٔ سطحیه ، هندسهٔ فضایی .

پاینده ، ابوالقاسم .
روزنامه‌نگاران رابه بینید .

پازارگاد، دکتربهاءالدین.
شاعران ایران رابه بینید .

پورداود ، ابراهیم .
خاورشناسان رابه بینید .

پورشالچی ، محمود .
مترجم معاصر ، چند اثر ازایشان: انسان وحشی ، پردهٔ عنابی ، تفکرات تنهایی ، چهرهٔ یك زن ، درس‌زندگی ، رؤیا ، رسوایی ، زناشویی . زنبق سرخ، زن‌شناسی ، زن ومرد،سوء ظن،سوویتیسم وفاشیسم ، فلسفه و عرفان علوم دینی ، لوند ، مـادام بواری ، هوس ، یك‌نوع لبخند .

تفضلی ، محمود .
نویسنده ، مترجم و روزنامه‌نگار (مدیر روزنامهٔ ایران ما) چنداثر از ایشان: اتوبیوگرافی فرانکلین،اندیشه‌ـ های‌نهرو ، دوستی ! دوستـی ! ، روابط هند و ایران ،زندگی بتهوون، زندگانی من ، زندگانی یوهان سباستیان باخ ، سفری به مسکو ، نگاهی به‌تاریخ‌جهان وبسیاری دیگر .

تقوی ، حاج سیدنصرالله اخوی .
(فوت ۱۳۲۶ه ش)
نویسنده و دانشمند و سیاستمـدار ایرانـی . هنجار گفتار ، تصحیح متن دیوان ناصر خسرو ، ازآثار اواست .

ثعالبی ، ابومنصور عبدالملك‌بن محمد نیشابوری .
(فوت ۴۲۹ ه ق)
ادیب و نویسنده و مورخ، یتیمةـ الدهر ، الاعجاز و الایجاز ، خاص ـ الخاص ، ثمار القلـوب فـی المضاف والمنسوب ، نثرالنظم ، کتاب التمثیل و المحاضرة قسمتی از آثار اواست .

جمال‌زاده ، سید محمد .
(متولد ۱۲۷۴ ش)
نویسندهٔ‌کتاب **یکی‌بود ویکی نبود** ازنویسندگان معروف معاصراست ،آثار دیگر اوعبارتند ازفارسی شکـراست ، شاهکار، راه آب نامه ، صحرای محشر، قلتشن‌دیوان ، نمك‌گندیده ، عموحسینـ علی ، دارالمجانین است. جمال زاده از همکاران مجلهٔ سخن است .

جهانداری ، کیکاووس .
(متولد ۱۳۰۲ ش)
مترجم وادیب و نویسنده وکتابـ شناس ایرانی ؛ ازآثارایشان است: جهانهای‌گمشده ، گرگ بیابان .

جهانگیرخان .
صوراسرافیل را به‌بینید .

چوبك ، محمد صادق .
(متولد ۱۲۹۵ ش)
نویسندهٔ باذوق معاصر ، ازآثار او : خیمه شب بازی ، انتری‌که لوطیش مرده بود ، تنگسیر، چراغ آخر ، روز اول قبر ، سنگ‌صبور از آثار موفق او است .

حبیب اصفهانی، (میرزا) .
(فوت ۱۳۱۱ ه ق)
دانشمند،مترجم ونویسنده و شاعر ایرانی‌متخلص به‌دستان ؛ دستور سخن ، تصحیح‌وچاپ دیوان‌اطعمهٔ‌ابواسحاق‌حلاج شیرازی ، منتخب کلیات عبید زاکانـی ، تصحیح وچاپ‌دیوان البسهٔ قاری،غرائب عواید ملل، برگ‌سبز ، خط وخطاطان، دبستان فارسی، خلاصهٔ راهنمای فارسی ، رهبر فارسی ، مردم گریز (ترجمهٔ اثر مولیر) ودیوان شعری ازاوبه جامانده است .

حجازی، محمد.
(متولد ۱۲۷۹ ش)



نویسنده و روزنامه نگارایرانی و سناتـور تهـران ، دارای‌آثاری چون:زیبا، آرزو، آهنگ آیینه ، اندیشه ، سرشك ، ساغر، سخنان جاوید ، پریچهر ، نسیم ،پروانه و هما می‌باشد .

حسن‌فسایی ، حاجی میرزا .
(۱۲۳۷ ـ ۱۳۱۶ ه ق)
نویسندهٔ ایـرانی ، **قرآن حسن** از تفاسیر اواست .

حسین دهستانی.
(زنده درقرن۷ ه ق)
نویسنده و شاعر ایرانـی ، صاحب کتاب : **الفرج بعدالشدة** می باشد .

حکمت ، علی اصغر .
شاعران و سیاستمداران را بهـ بینید

خانلری، دکترپرویزناتل.
به شاعران و سیاستمداران رجوع شود .

خزائلی ، دکتر محمد .
(۱۲۹۲ ش)
نویسنده و محقق و ادیب از مردم اراك ، که از دو سالگی از دیدگانش محروم شد .
از آثار ایشان : اعـلام قرآن ، تاریخ‌فلسفه ومتافیزیك وخلاصهٔ‌زیباییـ شناسی،خودآموزحکمت مشاء ،المنتخب من‌ادب‌العرب (عربی). منطق نظری ، خلاصهٔ منطق عملی و فلسفهٔ اولی ، منطق وفلسفهٔ شرق .

خلخالی ، عبدالرحیم .
(فوت۱۳۲۱ ه ش)
نویسنده وآزادی خـواه ایرانی و

همکار روزنامهٔ **مساوات** و مصحح دیوان حافظ.

خواجه عبدالله انصاری.
دراویش را به‌بینید.

خواجه‌نوری، ابراهیم.
(متولد ۱۲۷۹ ش)
نویسنده‌و روانشناس ایرانی صاحب آثاری چون:
روانکاوی، چهره های درخشان تاریخ(ترجمه)، سیمای شجاعان(ترجمه)، بازیگران عصر طلایی، عقایدلله آقا، زندانی باغ فردوس، اولین‌برخورد، یك ایرانی‌در مقابل‌زن دارد.

خانلری، دکتر پرویز ناتل.
شعرای ایران را به‌بینید.

داریوش، پرویز.
(متولد ۱۳۰۱ ه ش)
مترجم وشاعر ونویسندهٔ ایرانی از مردم مشهد، صاحب ترجمه‌هایی چون. مردی‌که مرده‌بود، دو بلیتی‌ها، باراباس، موبی دیك و تسخیرناپذیر می‌باشد.
داریوش، مجموعهٔ شعر **مزامیر** و باد بیداررا نیز منتشر کرده است.

داناسرشت، اکبر (صیرفی).
نویسنده و مترجم معاصر، ترجمهٔ آثار الباقیه، خلاصهٔ حکمة‌الاشراق، بر سنگ سفید (ترجمه)، تحقیق ما للهند (ترجمه)، رسالة الغفران، بهشت ودوزخ معری(ترجمه)، روانشناسی یاعلم النفس و سقاءازآثاراو است.

دانشور، دکتر سیمین.
(متولد ۱۳۰۲ ه ش)
مترجم وشاعر وروزنامه‌نگار(نقش ونگار) ایرانی ازمردم‌شیراز، ازترجمه‌های‌معروفش می‌توان: بئاتریس، سرباز شکلاتی، دشمنان، را نام برد.
شهری چون بهشت و آتش خاموش ازمجموعه های‌شعری ایشان است.

دشتی، علی.
(متولد ۱۲۷۴ ش)
نویسنده و روزنامه‌نگار، ازآثار قلمی و ترجمه‌های ایشان: فتنه، سایه، جادو، ایام محبس، درقلمرو سعدی، نقشی ازحافظ، سیری در دیوان شمس، شاعری دیرآشنا، اعتماد به نفس، راز توفق آنگلوساکسون، هندو ودمی‌باخیام چاپ شده است.

دقایقی مروزی، شمس‌الدین محمد.
(قرن ۶ ه ق)
عالم و واعظ وشاعر و تنظیم‌کنندهٔ سندبادنامه به نثری مصنوع.

دولت‌آبادی، حاجی میرزا یحیی.
(فوت ۱۳۱۸ ه ش)
شاعر و نویسنده و از پیشقدمان فرهنگ جدید و بانی **مدرسهٔ سادات** است. تاریخ معاصر (حیات یحیی) و کتاب شرعیات از او باقی مانده‌است.

دولتشاه، ابن علاء‌الدوله سمرقندی.
(زنده درقرن ۹ ه ق)
صاحب **تذکرة‌الشعراء** از رجال دورهٔ امیر علیشیرنوایی است. درکتاب او شرح حال ۱۰۵ تن شاعرآمده است.

دهخدا، علی‌اکبر.
(فوت ۱۳۳۴ ش)
دانشمند ولغوی و نویسندهٔ‌معروف نزد شیخ غلامحسین‌بروجردی‌به‌آموختن علوم ادبی پرداخت و سپس در مدرسهٔ سیاسی‌مشغول تحصیل شد.
چون منزل اودر جوار منزل آیة‌الله حاجی شیخ‌هادی نجم‌آبادی بود، دهخدا ازاین حسن جوار استفادهٔ کامل می‌برد، وباوجودحداثت سن‌ازمحضر آن‌بزرگوار بهره‌مند می‌گشت.
وی درهمین‌ایام به‌فراگرفتن زبان فرانسوی‌اشتغال ورزید، بعدها، معاون‌الدولهٔ غفاری او را باخود به اروپا برد ووی دو سال در اروپا و بیشتر در **وین** پایتخت اتریش اقامت داشت، در این مدت زبان فرانسوی و معلومات جدیدرا تکمیل کرد.
مراجعت دهخدا به‌ایران مقارن با آغاز مشروطیت بوده، اوبا همکاری **جهانگیر خان و قاسم خان**، **روزنامهٔ صور اسرافیل** را منتشرکرد.
جذاب‌ترین‌قسمت آن‌روزنامه ستون فکاهی بودکه به عنوان چرند و پرندبه قلم استاد و با امضای **دخو** نوشته می‌شد و سبك نگارش‌آن درادب‌فارسی‌بی‌سابقه بود، و مکتبی‌جدید را درعالم روزنامه‌نگاری ایران ونثر فارسی پدیدآورد، دهخدا، مطالب‌انتقادی‌وسیاسی راباروش فکاهی درطی‌آن مقالات منتشر می‌کرد. پس از تعطیل مجلس شورای ملی، در دورهٔ محمدعلی شاه، دهخدا را باجمعی ازآزادیخواهان به اروپا تبعید کردند، دهخدا در پاریس با علامه محمد قزوینی معاشر بود سپس به سویس رفت و در **ایوردون** سویس نیز سه‌شماره ازصور اسرافیل را منتشر ساخت، وازآن‌جا به استانبول رفت وبا مساعدت تنی چند از ایرانیان‌که درترکیه بودند، روزنامه‌ای به‌نام **سروش** به زبان فارسی انتشارداد که در حدود ۱۵ شماره منتشر شد، پس ازآن‌که مجاهدان تهران را فتح‌کردند، و محمد علی شاه خلع گردید، دهخدا از تهران وکرمان به‌نمایندگی‌مجلس‌شورای ملی انتخاب شد، و با استدعای احرار وسران مشروطیت‌ازعثمانی به ایران‌باز آمد وبه مجلس شورای ملی رفت. در دوران جنگ بین‌المللی‌اول، دهخدا در یکی‌از قرای **چهارمحال** بختیاری‌منزوی بود، وپس از جنگ به تهران بازگشته ازکارهای‌سیاسی کناره‌گرفت، وبه‌خدمات علمی و فرهنگی مشغول شد و بالاخره‌تا پایان حیات بیشتر به مطالعه وتحقیق و تحریرمصنفات خویش اشتغال داشت، وی در تهران‌درگذشت، ومدفن‌او **ابن‌بابویه** است.
ازآثار او: ترجمهٔ عظمت‌وانحطاط رومیان، ترجمهٔ روح‌القوانین، فرهنگ فرانسه به فارسی، تصحیح یوسف‌وزلیخا، تصحیح دیوان حافظ، تصحیح دیوان منوچهری، پندها وکلمات قصار،امثال و حکم، مجموعهٔ اشعار دهخدا، لغت نامهٔ دهخدا است.

ذبیح، بهروز.
(متولد ۱۲۷۰ ه ش)
شاعر و نویسنده ونمایش‌نامه نویس تهرانی، مخترع‌خط‌جدیدی‌برای‌سهولت‌در فراگیری‌خواندن و نوشتن، آثاری چون،



درویشی، آیین‌بزرگی، زبان‌وفرهنگ (با همکاری دکترمقدم) دبیره،خطو دبیره، فرهنگ، کودك دبیره،**موش** و گربه، **هوشی‌وموشی** از او به چاپ رسیده است.

ذکاء، دکتر سیروس.
(متولد ۱۳۰۵ ه ش)
مترجم ایرانی از مردم تبریز، گفتاردربارهٔ‌منشأعدم‌مساوات میان‌مردم،

وسوسهٔ غرب‌ومائده‌های‌زمینی‌ازترجمه‌های ایشان است .

رازی‌همدانی ، عبدالله .

(متولد ۱۲۷۳ ه ش)

شاعروروزنامه‌نگار(مجلهٔرستاخیز، سودمند ، عصر پهلوی ، آزادی شرق)، از آثاراوآیین زرتشت ، تاریخ‌ایران، آخوندنامه، تاریخ‌مفقوده، وجدان ویکتور هوگو چاپ شده است .



راغب‌اصفهانی ، ابوالقاسم‌حسین .

(فوت ۵۰۲ ه ق)

ازنویسندگان ودانشمندان،صاحب: مفردات‌الفاظ‌القرآن،محاضرات‌الادباء، تفصیل‌النشأتین‌الذریعةالی‌مکارم‌الشریعه، تفسیرالقرآن، حل‌متشابهات‌القران‌است.

رامی ، شرف‌الدین‌حسن .

(قرن ۸ ه ق)

نویسنده و شاعر ایرانی ؛ صاحب انیس‌العشاق،حدائق‌الحقائق می‌باشد .

راوی بایندری، محمدگروسی.

(۱۱۹۸ ــ ۱۲۵۳ ه ق)

ملقب بـه فاضل و فاضل گروسی صاحب‌کتاب **انجمن خاقان** .

رسول‌زاده ، محمد امین .

نویسندهٔ معاصر و روزنامـه‌نگار ، (همکار روزنامهٔ ایران) ، تنقیر فـرقهٔ اعتدالیون ، سعادت بشر ، عصر مزدك، سیاووش ، ملیت و بلشویزم از آثار او است .

رضازادهٔ شفق ، دکترصادق .

(۱۲۷۲ ش)

نویسنده و استاد دانشگاه تهران وعضو فرهنگستان ایران ، دکتـر در فلسفه است ، تاریخ ادبیات ایران‌وتاریخ مختصر ایران ، فـرهنگ شاهنامه ، تاریخ ادبیات‌فارسی (ترجمه) ازآثاراو می‌باشد .

رشید یاسمی ، غلامرضا .

(۱۲۷۴ ــ ۱۳۲۸ ه ش)

نویسنده و مترجم واستاد ایرانی، به‌زبانهای انگلیسی، فرانسوی، عربی‌و پهلوی آشنا، صاحب‌آثاری‌چون: ترجمهٔ تاریخ‌آلبرماله،آیین‌دوست‌یابی(ترجمه) و غیره می‌باشد .

رضی‌الدین نیشابوری .

شاعران ایران رابه‌بینید .

روزبه ،عبدالله .

ابن مقفع رابه بینید .

زرین‌کوب ، دکترعبدالحسین .

شاعران ایران رابه‌بینید .

سحاب ، ابوالقاسم تفرشی .

لغوی‌ها ونـویسندگان لغت نامه و فرهنگ‌را به‌بینید .

سعدالدین وراوینی .

(قرن۷ ه ق)

نویسندهٔ‌معروف،تنظیم‌کنندهٔ**مرزبان‌ــ نامه** است .

سعید نفیسی .

نفیسی رابه‌بینید .

سعیدی ، محمد .

(متولد ۱۲۸۶ ه ش)

مترجم ، نویسنده و روزنامه نگار (شفق‌سرخ)ایرانی. خلیج فارس،جنگ‌ــ های‌ایران وروم، نمایشنامه‌های‌سوفوکل، انسان درتکاپوی‌تمدن ، رازآفرینش ، سالومه ، هلن، اخلاق‌قسمتی از ترجمه‌ــ های ایشان است .

سلامی نیشابوری، ابوعلی‌حسین .

(قرن ۴ ه ق)

نویسندهٔ ایرانی صاحب : **التاریخ فی‌اخبار ولاة خراسان** است .

سلطان‌القراء تبریزی،شیخ عبدالرحیم .

(۱۲۵۵ــ۱۳۳۶ ه ق)

استاد و نویسندهٔ ایرانی ، صاحب **درالمنثور** ، و چندرسالهٔ دیگر است .

سمیعی ، حسین .

(۱۲۹۳ــ۱۳۷۳ م)

ملقب به**ادیب‌السلطنه** و متخلص‌به **عطا** از نویسندگان و شعرای ایرانی است ، دیوان شعر ، رساله‌ای در دستور و رساله‌ای بنام **جان‌کلام** ازاوباقی‌مانده است .

سید حسینی ، رضا .

(متولد ۱۳۰۵)

معاون‌مدیریت‌کل‌تلفون وزارت‌پست‌و تلگراف‌وتلفون‌مترجم‌ونویسنده‌وازهمکاران مطبوعات(سردبیر مجلهٔ سخن ادبی) ؛ از ترجمه‌های‌ایشان،بهارکشنده،بیست‌وچهار ساعت اززندگانی یك‌زن ، پیروزی‌فکر، تونیر کـروکر ، جادهٔ تنباکو ، دژ تنگ ، دختر زرین چشم ، دنیاومردم ، دو قتل در کوچهٔ مرگ ، زن و بازیچهٔ او ، سه امتحان در بارهٔ نظریهٔ میل‌جنسی، غوغای‌ژوبیه، کوکایین،لایم‌ــ لایت ، مالك سانفرانسیسکـو ، مطالب مجهول‌دربارهٔ اشخاص‌معروف، معشوقه‌ــ های من،طاعون ، مکتب زنان و ازآثار تحقیقی و قلمی ایشان مکتبهای ادبی است .

سیفی‌نیشابوری ، حکیم‌علی‌بن احمد .

(قرن ۶ ه ق)

شاعر و نویسندهٔ‌آل‌سلجوق وکتابش به نام **صدعشق‌نامه** درزمان خود مشهور بوده است .

شبستری ، شیخ سعدالدین محمود بـن عبدالکریم .

(فوت ۷۲۰ ه ق)

نویسنده‌وشاعروعارف‌ازمردم‌شبستر، صاحب**گلشن راز** ، از تصنیـفـات او ، **حق‌الیقین وشاهد نامه** است .

شجره ، حسین .

(متولد ۱۲۷۱ ش)

نویسنده وشاعراصفهانی،آثارایشان عبارتست از:

شخصیت مولوی ، تحقیق دربـارهٔ رباعیات خیام ، رساله‌ای در تعبیررؤیا وروانشناسی‌امروز،مقدمه‌ای‌برجغرافیای اقتصادی ، علم معاش ، نمونهٔ شعرایشان:

مشو اسیربه بندهوس اگر خواهی

زقید غم شوی اندرتمام عمرآزاد

شرف‌الدین‌علی‌یزدی .

مورخین را به‌بینید .

شفا ، شجاع‌الدین .

(۱۲۹۷ ه ش)

مترجم معروف معاصر ومدیرعامل کتابخانهٔ پهلوی ، ترجمه‌های مـعروفی چون :کمدی‌الهی ، منتخبی‌ازشاهکارهای شعر جهان ، نغمه‌های ایرانی ، نغمه‌های شاعرانه،دیوان‌شرقی،ترانه‌های‌بیلی‌تیس، بهترین اشعارآمریکایی ،کتاب‌آوازها ، سایهٔ ایام ، شراب‌شیراز ، جامهٔ‌ارغوانی، کاندیدا وبرفهای‌کلیمانجارو دارند.

شکیباپور ، عنایت‌الله .

(متولد ۱۲۸۶ ش)

مترجم ایرانی ازکارمندان وزارت دارایی، آثار فراوانی از اوباقی است؛

بسیاری از آثار موریس متر لینگ و موریس لبلان را به فارسی برگردانده است.

شمس آملی .

(قرن هفتم)

شمس الدین محمدبن محمود آملی، صاحب کتاب «نفایس الفنون» به فارسی، به‌عهد سلطان اولجایتو مدرس سلطانیه بود و با «قاضی عضدایجی» مناظره داشت. «شرح کلیات قانون ابن‌سینا» و «شرح کلیات شرف الدین ایلاقی» و «شرح مختصرــ الاصول ابن‌حاجب» و «شرح تهذیب علامه» از تألیفات اوست.

شمس العلماء قریب ، حاج میرزا محمد حسین .

(۱۲۲۲ــ ۱۳۰۵ هـ ش)

متخلص به ربانی ، ازمردم گرگان (توابع آشتیان)، در فقه، حدیث و تفسیر و ادبیات زبان فارسی و عربی مطالعه داشت . و معلم مدرسهٔ سیاسی و دارالفنون بود، شاعر و نویسنده است. ابداعــ البدایع، مقصد الطالب ، زینة الاسد ، رسالهٔ منظوم در اصول، نورــ الحدیقه، حواشی برمعالم، حواشی برروضه، حواشی برقاموس، رسالهٔ لؤلؤ، تاریخ خطاطان، لطایف الحکم، رساله در معانی جزیی از آثاراوست .



شمس العلماء. شیخ محمدمهدی .

(فوت ۱۳۳۱ هـ ق)

ازدانایان علوم دینی و نویسندگان، صاحب آثاری چون :

المآثر والآثار ، مطلع الشمس میــ باشد .

شمس قیس رازی .

(زنده در قرن ۷ هـ ق)

شمس الدین محمدبن قیس، ازمردم ری بود، اما مدتی درماوراءالنهر و خوارزم و خراسان می‌زیست و در سال ۶۱۴ درفتنهٔ مغول با «علاءالدین محمد خوارزم شاه» به‌عراق آمد و تا سال ۶۱۷ که‌وی از لشکریان مغول گریخت ، با او بود.

بعد در حدود سال ۶۲۳ از عراق به فارس رفت و به‌دربار «اتابك سعدبن‌زنگی» راه یافت و ندیم او شد. سپس دردربار پسرش «ابوبکر» نیز بود .

وی مؤلف کتاب «المعجم فی معائیر اشعار العجم» است که در سال ۶۱۴ در مرو طرح آنرا ریخته ودر حوادث ۶۱۷ ازمیان رفته . وپس از مدتی روستاییان کوهپایه‌های عراق ، اوراق آن را به او رسانیدند و او در سال ۶۳۰ تألیف آن را به پایان برد. کتابهای دیگری نیز داشته به عنوان «المغرب فی معائیر اشعار العرب» و «کافی فی العروضین» و «التوافی» و کتاب «حدائق العجم» که گویا از میان رفته است .

شوشتری مهرین ، مهرداد

(متولد ۱۳۱۰ ش)

مترجم معاصر ، چند اثر از او : اخلاق مردان بزرگ (تألیف) اشاوــ هیشتایا یا پیام زرتشت (تألیف) افکار و اخلاق ناپلئون ، الفبای نویسندگی ، اندیشه‌های مردان بزرگ، هند اسرارــ آمیز ، وظیفه ، مکتبهای فلسفی، فلسفهٔ شرق، فلسفهٔ ایران باستان ، طباخی ملل و بسیاری دیگر .

شهران، جمال.

(متولد ۱۲۹۹ ش)

نویسنده، روزنامه‌نگار (سردبیری مجلهٔ دموکرات ، صاحب امتیاز مجلهٔ برای مردم) و شاعر از مردم تهران ، فرانسواز، سقاخونه، درجستجوی زندگی، مجموعهٔ داستانها، تصحیح اشعارانوری.

شهریاری ، پرویز .

(متولد ۱۳۰۵ ش)



ریاضی‌دان مترجم ، نویسنده و روزنامه‌نگار (سردبیر مجلهٔ علمی سخن) و انسانی انسان دوست وانسانــ پرور از مردم کرمان است .

فرزند، شهریار وگلستان ، زن و شوهری که کارگر و تهیدست وزرتشتی کیش بودند.

پرویز وقتی کتاب به‌دست وارد دبستان شد، که؛ گواهی درگ‌همه رنگ رنج و تلخکامی را به دست آورده بود.

پدر او، شهریار، تلاش فراوان کرد و نگذاشت ، پرویز تاآن وقت که دست و پای کار کردن نداشت از گرسنگی بمیرد .

مادر او ، گلستان ، با سیمای آفتاب سوخته واندام رشید، دستی گشاده داشت . وآنچه تا ظهربرای ناهار فراهم می‌شد ، بدون کمترین چشمداشت پیش روی او و برادران وخواهرش می‌نهاد.

او گاهی از گذشتهٔ دور به سختی یاد می‌کند ، خاطرات کودکیش راچون افسانهٔ قرنها پیش، باز می‌گوید ؛ گویا روزهای سخت زندگی ، زمان را دراز می‌نماید و سختی و رنج متوالی ، موضوعی بنام خاطره باقی نمی‌گذارد .

اشتیاق دوستانش در بازی برای او معما شده بود ، گاهی توپ بازی را تعقیب می‌کرد وبا تعجب، بیهوده بودن کار همشاگردان را باز می‌یافت زیرا، توپها نه‌به‌سوی انبان نان روانه بودند و نه خود به شیره و آردآلودگی داشتند.

بزرگترین حادثهٔ زندگی او درسال ۱۳۱۷ روی داد زیرادریکی ازروزهای آن سال، شهریاردیگربه صحرا نرفت ودرخانه بی طبیب ودرمان جان سپرد.

پرویز دوازده ساله بود وموجودی خانه، از یك پول سیاه تجاوز نمی‌کرد غیرت هم‌کیشان، بارسفرپدررنجدیده‌اش را بست و عازم دیار ناشناختهٔ دیگرش ساخت .

رنج فقر و ترس ازفردای گرسنگی، مصیبت مرگ پدر را ازخاطرش برد، او پسر بزرگ خانواده بود و از دوبرادر و یك خواهر کوچکتر باید سر پرستی می‌کرد .

علاقه به درس خواندن او را به دبیرستان ایرانشهر کشانید و استعداد فراوانش عذرغیبتهای متعددش را موجه کردبالاخره درکنارسخت‌کوشی وسختــ جانی به‌تحصیل‌خود ادامه داد .

دیگر قدش دراز شده بود، کلاهش اززمین فاصلهٔ زیادی داشت ونمی‌توانست نقش سر انگشت پا را برخاك ،که خیال باریك و مبهم زندگی اورا رسم می‌کرد بخواند. چون گردن می‌افراشت در آسمان‌نیز هیچگاه ستارهٔ روشنی محاذی

سرخود نمی‌دید ودر تاریکی بین‌ستاره‌ها کوره‌راهی برای آینده می کشید، که‌همیشه آغازاین‌راه‌قبولی دردانشسرای مقدماتی بود،زیرااین‌موفقیت بعدها تغییری‌بزرگ‌در زندگی‌اوایجادکرد، دردانشسرا به‌اوغذاو لباس‌می‌دادندولی‌فرصت‌های زیادی راکه برای تأمین زندگی برادران وخواهر و مادرش داشت ازاوگرفتند . بهرحال او بیکار ننشست وبارسنگین خانواده رابا زحمت‌به‌دوش‌کشید. درشبهایی که به‌خانه می‌آمدوهمهٔ‌کسان‌او به‌دورهم‌جمع‌می‌شدند ونورماه از آنها آدمهای کج وکوله‌ای می‌ساخت، به‌نظر می‌رسید که‌این چندنفر سایه‌ای جز وجود همدیگر ندارند ولی بدبختانه‌برخلاف‌مشهورکه ازبهم‌پیوستن، قدرت پدید می‌آید ، از جمع آنها ضعف بیشتری به وجودآمده بود وسایه‌هایشان بهترین نمودارقوای آنها بود.

در سالن غذا خوری دانشسرای مقدماتی گاهی صدای ظرفها ، او را از خیال بیرون می‌آورد، به‌اندیشهٔ تازه‌ای فرو می‌برد ودیدگانش ساعتها باز وبی‌فروغ باقی‌می‌ماند و این ماجرای ذهنی هنوز هم در پرویز دیده می‌شود و چشمان ثابت وبی‌حرکتش غوغای درون او را می‌نماید .

او در دورهٔ دانشسرا کوشش می‌کرد با کمرنگ ترین جوانها بیامیزد تابا بیرنگی او اختلاف زیادی نداشته باشند ولی باز می‌دید تنهای‌تنهااست .

پرویزهمیشه پیاده‌می‌رفت وکوتاه‌ترین پیاده روی های او از کیلومتر ها تجاوز می کرد ، زیرا هیچوقت به‌پایان یک‌خیال باریک که اورا کلافه‌کرده بود نمی‌رسید وبالاخره مجبور بود رشتهٔ‌افکار را پاره‌کند و راه‌رفته‌را دوباره‌باخیالی به‌حساب بی‌خیالی بپیماید .

دراین غوغا ، بـه او اعلام کردند شاگرد دوم‌شده است و حق‌ادامهٔ تحصیل دارد. بالاتر ازهمه به‌اوگفتند در تهران کارهست . وحتی می‌توان بامعلمی‌ازعهدهٔ مخارج چند نفر برآمد .

پرویزکه سابقهٔ راه‌پیمایی داشت و پاهایش با مایهٔ امید ساعـتها او را از خستگی آگاه نمی کرد ، برای مسافرت به‌تهران‌دچارماجراهایی‌شدکه جهانگردان پردل برای گردش‌به دورزمین آن‌چنان نرنجیده‌اند .

بالاخره دستهای‌خالی را به‌نام‌توشهٔ راه به‌هم بست وبه تهران‌آمد ، و دورهٔ مقدماتی راگذرانید، وارد دانشگاه‌شد .

دیگر جوان رشیدی شده بود وهر کس او راهم درد و هم آواز خود حس می‌کرد، زیرا از سختی‌های زندگی‌خود سخن نمی‌گفت به‌درد دل دیگران باریک ودقیق می‌شد وبالاخره می‌خندیدوشیرین سخن می‌گفت ودوستان‌فراوانی خارج‌از دنیای درونش‌پیرامون‌اوجمع‌شده‌بودند.

آن روزها نغمه‌های روشنگری از همه‌جانب دربیان دردهای‌اجتماعی‌وامید به‌درمان‌آنها بلند شده بود .

گویندگان‌ونویسندگان‌می‌کوشیدند درد ورنج طبقات زحمتکش را به‌جامعهٔ روشنفکر تفهیم کنند، پرویز آنچه‌ازدردهای مردم‌فقیر می‌خواند به روشنی لمس و درك می‌کرد وکلماتی‌که از نظر عده‌ای فقط تأثر آور بود ، او رابا تمام وجود منقلب می‌کرد، او به خوبی می‌توانست معنی‌فقر وگرسنگی را درك‌کند، وگاهی که می‌خواست مطلبی اجتماعی را برای دوستان خود نقل‌کند ، از هیجان‌به‌خود می‌لرزید و اطرافیان او نیز از راستی و صراحت‌کلامش منقلب شده و بعد از مدت‌کوتاهی‌معاشرت به‌اومعتقد می‌شدند.

پرویز روزها و سالها درجستجوی نانی بود تا خود وکسانش گرسنه نباشند اما دیگرتنها برای مادروخواهر وبرادرانش در تلاش نبود واز هرکس که می‌خواست نان‌برای همه فراهم کند حمایت‌می‌کردو ازدل وجان‌به‌کمک اومی‌کوشید. تأثرات فردی ، در او به صورت‌احساسی‌عمیق و اجتماعی درآمده بود،اوبه جای کینه و انتقام می‌خواست‌کمک‌کند ، به همه‌کس، به‌کودکانی که‌پدرشان زودمرده، به‌زنانی که‌با فقرمسئولیت بچه‌هارا به‌عهده‌دارند به مردانی‌که با همهٔ تلاش قادربه تأمین زندگی نیستند به‌جوانانی‌که نارسیده به بار رنج رسیده‌اند .

پرویز وارد مجامعی‌شدکـه شعاری هم‌آهنگ ایده‌های او داشت ، وبعد از مدتی به جرم این‌عقیده سالها ازتحصیل بازماند وآوارگی‌هاکشید تابالاخره‌پس از ۷سال‌زحمت ورنج وبی‌خوابی‌فرار و زندان دورهٔ دانشگاه را به‌پایان‌رسانید و در رشتهٔ ریاضی وعلوم تربیتی‌لیسانس شد .

درسال ۱۳۳۴ خانم‌زمردبهی‌زاده درزندگی‌او واردشدویک‌سال بعدشهریار را برای او زایید .

اکنون پرویز وزمرد ، سه‌فرزند به نامهای : شهریار ، مژده وشرین‌دارند.

ازکارهای‌اجتماعی ایشان:

۱ـ به‌کمک‌دوستان‌فرهنگی، تشکیل و تکمیل‌گروه فرهنگی خوارزمی .

۲ ـ سرپرستی دوره‌های سیمرغ(که تاکنون ۶۰جلد ازآنها چاپ‌شده است).

۳ ـ سرپرستی‌هیئت علمی‌درتألیف دایرة المعارف علمی در بنیاد فرهنگ ایران .

۴ ـ سردبیری مجلهٔ سخن(تاکنون ۶ دوره‌این مجله منتشر شده‌است).

۵ ـ پایه‌گذاری شرکت انتشارات خوارزمی .

۶ ـ به دعوت وزارت علوم اقدام درنشرمجلهٔ علمی**دانش‌وپژوهش** .

۷ ـ دبیری دبیرستانهای تهران ، دانش‌سرای‌عالی، دانشکدهٔ فنی .

آثاری‌که از ایشان به چاپ رسیده است : تألیف :

۱ـ جنبش مزدك ومزدکیان‌خرداد ۱۳۲۷ .

ترجمه ۲ ـ آنالیزریاضی .

» ۳ ـ هندسهٔ غیراقلیدسی.

» ۴ ـ تاریخ حساب .

« ۵ـ هندسه درگذشته‌وحال.

« ۶ ـ مثلثات .

« ۷ ـ اعداد اول .

« ۸ ـ تقارن درهندسه وجبر.

« ۹ـ سرگرمی‌های ریاضی.

« ۱۰ـ ریاضیات ، محتوی‌روش واهمیت آن.

« ۱۱ـ مثلثات (مستقیم الخط وکروی).

تألیف : ۱۲ ـ روشهای جبر

ترجمه ۱۳ ـ مسایـل مسابقات ریاضی

« ۱۴ ـ سرگرمی‌های جبر.

« ۱۵ ـ تقارن درجبر.

« ۱۶ ـ سرگرمی‌های هندسه.

« ۱۷ ـ استقراء ریاضی .

« ۱۸ـ درسرزمین ریاضی

تألیف ۱۹ ـ نقدی‌براحمد کسروی باکمك‌مهدی‌نعمت‌الهی.

۲۰ـ حل‌مسایل امتحانی دبیرستان‌ـ

۱۲۰۸
های مختلف کشور درسال ۱۳۴۴ برای سال چهارم ریاضی .
۲۱ـ تألیف ـ حل مسایل امتحانی دبیرستان‌های مختلف کشور درسال ۱۳۴۴ برای سال پنجم ریاضی.
باکمك آقای جهانگیر شمس آوری
۱ ـ حساب دوم ابتدایی.
۲ ـ « سوم «
۳ ـ « چهارم «
باکمك آقای امامی
۱ ـ مسایل جبر و راهنمای حل آنها برای داوطلبان کنکور .
۲ ـ مسایل مثلثات و راهنمای حل آنها برای داوطلبان کنکور.
۳ ـ مسایل حساب برای سال سوم متوسطه .
۴ ـ جدول لگاریتم .
باکمك آقای ازگمی
۱ ـ مسائل هندسه وراهنمای حل آنها برای داوطلبان کنکور
باکمك آقای دکتر عصار و آقای امامی
۱ـ مسائل آنالیز ریاضی.
باکمك آقایان امامی ، ازگمی و بهنیا .
۱ـ مسائل جبر برای سال چهارم.
۲ ـ « « « پنجم
۳ ـ « « « ششم ریاضی
۴ ـ « « « « طبیعی
۵ ـ مسایل حساب سال چهارم
۶ ـ « « ششم ریاضی
۷ ـ مسایل مثلثات سال پنجم.
۸ ـ « « « ششم ریاضی
۹ ـ مسایل هندسه سال چهارم .
۱۰ ـ « « « پنجم.
۱۱ ـ « هندسه ومخروطات سال ششم ریاضی
۱۲ ـ « ترسیمی سال ششم ریاضی
۱۴ ـ « رقومی « « «
با کمك آقایان امامی و قوام زاده .
۱ ـ تست حساب
۲ ـ « جبر
۳ ـ « مثلثات
باکمك آقایان امامی، ازگمی، بهنیا وشیخ رضایی .
یك دورهٔ کامل کتابهای درسی ریاضی ازاول تاششم متوسطه برای همهٔ رشته‌ها .

شهید نورایی، دکترحسن.
(۱۲۹۱ ـ ۱۳۳۰ ه ش)
ازنویسندگان معاصر و همکاراولیهٔ **مجلهٔ سخن** بود ، تاریخ عقاید اقتصادی و خاموشی دریا ازآثار اواست .
شیخ بهایی .
علمای دین را دربخش فلسفهٔ دینی. به بینید .
شیرازی حائری ، میرزا محمدتقی
(۱۲۵۶ـ۱۳۲۸ ه ق)
متخلص به گلشن از علمای دین و نویسندگان ، ذخیرةالمعاد تعلیقه علی‌ـ المکاسب (عربی) .
صائن‌الدین ، علی بن محمد اصفهانی
(فوت ۸۳۵ ه ق)
دانشمند و نویسنده، صاحب آثاری چون رسالهٔ بائیه ، رسالهٔ انزالیه، رسالهٔ محمدیه، مناهج ، اسرارالصلوة، قسمتی از آثار اوست .
صابی ، ابراهیم بن هلال بن ابراهیم.
(فوت ۳۸۴ ه ق)
معروف به ابواسحاق ، نویسنده و شاعر عیسوی مذهب ؛آثار اوعبارتند از دیوان شعر ،دیوان رسایل ، کتاب دولة بویه ،(التاجی) .
صادقی کتابدار، صادق بیك .
(متولد ۹۴۰ ه ق)
نویسنده ودانشمند و شاعر و نقاش تبریزی صاحب آثاری چون :
مجمع‌الخواص ، زبدةالکلام، فتح‌ـ نامهٔ عباس نامدار ،مثنوی سعد و سعید ، غزلیات فارسی وترکی .
صارمی ، ابوطالب .
مترجم معاصر ازمردم اراك درسال ۱۳۱۴ش به درجهٔ افسری نایل آمد ودر سال ۱۳۲۷ ازارتش خارج شدو به مشاغل دیگرپرداخت .

ترجمه‌های زیادی تاکنون ازایشان به چاپ رسیده است . عصر ایدئولوژی جغرافیای عمومی جهان ، اوج اعتـلای بیزانس (تـاریخ تمدن) ماریاشاپدلن ، اختراع تلفون ، چنگیزخان ، اختلافات زبان انگلیسی ، ایده‌آلیست یار غایب ، بردهٔ آزادی بخش،راهنمای ترجمه، روح انسان ،فلسفهٔ علمی .
صالح شیرازی (میرزا).
(قرن ۱۴ ه ق)
نویسنده و روزنامه نگار ایرانی ، درسـال ۱۲۵۳ هجری قمری در تهران چاپخانه دایرکرد .
صالح شیرازی میرزا.
(قرن ۱۴ ه ق)
نویسنده ، روزنامه نگار ایرانی است .
صبحی مهتدی ، فضل‌الله.
(فوت ۱۳۴۱ ش)
نویسنده وقصه گوی معروف ایران، صاحب رسایلی راجع به داستانهای ملی وخارجی است.
صدرالافاضل ، لطفعلی .
(۱۲۷۴ ـ ۱۳۵۰ ه ق)
دانشمند و نویسندهٔ ایرانی ، معلم احمدشاه قاجار ، صاحب آثاری چون : مفتاح خط کوفی ، مقدمهٔ اصلاح المنطق ، ایضاح الادب می‌باشد .
صدرالافاضل ، قاسم بن حسین .
(مقتول ۶۱۷ ه ق)
نویسنده وشاعر درزبان عرب؛ بدایع الملح ، التجمیر ، التوضیح ، قسمتی از آثار او است .
صدرالدین ، ابوالقاسم عبداللطیف .
(فوت ۵۸۰ ه ق)
نویسنده و شاعر اصفهانی است .
صفا ، دکتر ذبیح‌الله .
(متولد ۱۲۹۰ ش)
نویسنده و محقق و استاد و شاعر ایرانی از مردم سمنان ، دارای آثارادبی فراوان است ، تاریخ ادبیات ایران (۳ جلد) وگنج سخن ، حماسه‌ای درایران، تاریخ علوم عقلی درتمدن اسلامی،جشن نامهٔ ابن‌سینا ،آیین سخن ، تاریخ تحول نظم و نثر در ایران ، دانشهای یونانی درکشورشاهنشاهی ایران، اخوان‌الصفا، تصحیح و طبع کتاب اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی‌سعید، رافائل (ترجمه) ، مرگ سقراط(ترجمه) .
صفایی ، ابراهیم .
(متولد ۱۲۹۲ ه ش)
نویسنده، روزنامه‌نگار (روزنامـهٔ خوزستان ، عسس) وشاعر ایرانی است، رسالهٔ حقیقت تصوف،تجدید حیات ادبی، مقایسهٔ افکار خیام بامترلینگ از آثار ایشان است .
صفوت ، محمدعلی .
(متولد ۱۲۹۸ ه ق)
نویسنده و شاعری از مردم تبریز

که به‌فارسی‌وعربی‌وترکی شعرمی‌سراید، آثاری به شرح زیر از ایشان چاپ شده است:منابع‌الحکم، دانش وپرورش،شرح حال محمد زکریای رازی ، مـاه‌معین ، کلمات علیه‌گوهر دانش ، دسته‌گل ،گل وبلبل، تاریخ فرهنگ‌آذربایجان،مرآت الاعتبار ، داستان دوستان ، فهم الرفیق وبسیاری دیگر .

صنعتی‌زاده ، عبدالحسین .
(متولد ۱۲۷۳ ش)
نویسنده‌ای ازمردم‌کرمان، ازآثار او است :
چگونه‌ممکن است‌متمول‌شد،داستان مانی نقاش، دام‌گستران یاانتقام‌خواهان مزدك(تحریر مقدمه)، رستم‌در قرن۱۱، سلحشور ، سیاه‌پوشان ، داستان ابومهم، عالم ابدی، فرشتهٔ صلح یافتانهٔ‌اصفهانی، مجمع دیوانگان ، نادر فاتح دهلی .

صفوی، رحیم‌زاده .
جغرافیدانان را به‌بینید .

صلاح، ابن‌مبارك بخاری‌نقشبندی.
(قرن ۸ ه ق)
نویسنده وعارف ایـرانی ، صاحب آثاری‌چون،انیس‌الطالبین‌وعدةالسالکین فی‌مناقب خواجه بهاءالدین می‌باشد.

صناعی. دکتر محمود .
(متولد ۱۲۹۸ ش)
نویسنده ودانشمند ومحقق و استاد ایرانی ، از مردم اراك‌است . دورهٔ‌عالی تحصیلات ایشان در روان شناسی وفلسفه است‌وازروانشناسان وروانکاوان‌مشهور ایران می‌باشند.

صوراسرافیل، جهانگیرخان .
(۱۲۹۲ ـ۱۳۲۶ه ق)
نویسنده و روزنامه نگار ایرانی ، از مردم شیراز ، مؤسس و مدیرروزنامهٔ صور اسرافیل ، بود (مشروطه‌خواهان‌را به‌بینید) .

صورتگر ، دکتر لطفعلی .
شعرای ایران رابه‌بینید .

طالبوف، حاج ملاعبدالرحیم .
(۱۲۵۰ ـ ۱۳۲۸ ه ق)
نویسندهٔ دانشمندتبریزی ، صاحب آثاری چون : تاریخ مختصر اسلام، نخبهٔ سپهری ، ترجمهٔ پندنامهٔ مارکوس،هیئت جدیده (ترجمه) ، ایضاحات در خصوص آزادی ، سیاست طالبی می‌باشد .

طاهربن احمدقزوینی .
(فوت ۷۵۷ ه ق)
ملقب به‌بهاءالدین،ادیب ودانشمند ایرانی،آثار بسیاری از او باقی است.

طاهرتنکابنی (میرزا) .
(۱۲۸۰ ـ ۱۳۶۰ ه ق)
از مردم مازندران، فقیه ، حکیم، ادیب وقاضی بود .

طبری ، حسن‌بن‌علی .
(فوت ۶۸۰ ه ق)
صاحب کتاب**کامل بهایی**ازنویسندگان ایران است .

ظهیری سمرقندی .
(قرن ۵ ه ق)
نویسنده وکاتب، مترجم‌سندبادنامه است.

عامری ، علیمحمد.
درسال ۱۲۹۷ تصدیق‌نامهٔ متوسطه گرفت و در سال ۱۳۱۰ لیسانسیهٔ امور اداری شد ، از مترجمین معروف‌ایران است . ازآثـار ایشان : آنسوی منظومهٔ شمسی،آهن‌ربا ، اجتماع حشره‌ها، ازهوا شناس به‌پرس ، برق،جانداران، حرارت برای‌کودکان،حیوانات‌گذشته،حیواناتی را که می‌شناسیم، خاك، دانشمند ووسایل کارش ، سطح متغیرزمین ، شبیه ماشیـن هستید ، صوت ، قوهٔ‌جاذبه ،کارافزارها ، گل ، میوه ، تخم ، مرغان، نزدیکترین همسایهٔ زمین ، وبسیاری دیگر .

عبدالقادر جرجانی . ابوبکربن عبدـ الرحمن .
(قرن ۵ ه ق)
نویسنده و دانشمندگرگانی،اسرارـ البلاغه،دلایل‌الاعجاز،کتاب‌الجمل،کتابـ المغنی،المقتصد،کتاب‌العدة،سراج‌الجمل، ازآثاراو است .

عبداللطیف طسوجی .
(قرن ۱۳ ه ق)
ادیب و مترجم أیرانی ، ترجمـهٔ **الف‌لیلة ولیله** به‌نام **هزارویك‌شب**. از او است .

عبدالله انصاری، خواجه .
خواجه عبدالله انصاری در بـخش دراویش .

عبدالوهاب قزوینی .
(فوت ۱۳۰۶ ه ق)
نویسندهٔ‌دانشمندایرانی،ازگردانندـ گان **نامهٔ‌دانشوران** بود .

عبتبی، ابونصرمحمدبن‌عبدالجبار .
(فوت ۴۲۷ ه ق)
نویسندهٔ معروف از مردم ری‌بود، تاریخ یمینی از او است .

عبده ، محمد .
(فوت ۳۸۳ ه ق)
نویسنده وشاعر و دبیر بغراخـان (ازپادشاهان خانیهٔ ماوراءالنهر) .

عتبی ، ابوابراهیم‌اسعد .
شاعران را به‌بینید .

علیشیر نوایی،نظام الدین.
(۸۴۴ـ۹۰۶ ه ق)
در هرات « یا مازندران » متولد شده . وی با « ابوالغازی سلطان حسین میرزابایقرا» از ایام طفولیت دوست و همدم بوده وددرزمان‌سلطنت‌نیزباوی‌قرین ومقدم‌امراء اومحسوب می‌شده است .
نوایی مادام‌العمرتأهل‌اختیارننمود وبه‌هدایت استادزمان خود«جامی» وارد طریقه‌دراویش‌نقشبندیه‌گردید. گویند در حدود سیصد و هفتاد مسجد و مدرسه و صومعه ودیگر اماکن خیر ، درخراسان به تنهایی بنا نمود و یا تعمیر و مرمت کرد .
وی‌مؤلف ونویسنده‌ای شایسته‌است و تعداد مصنفات او رابالغ بر ۲۹ ضبط کرده‌اند .
میر علیشیر در زبان ترکی‌جغتایی شاعری بی‌مانند است که به آن زبان چهار دیوان غزلیات و پنج مثنوی مفصل به‌تقلید از « خمسهٔ‌نظامی » و یك مثنوی در تقلید«منطق‌الطیرشیخ‌عطار » به‌نظم آورده . در اشعار ترکی خود «نوایی»و درفارسی«فانی»تخلص میکرد. درعلم عروض‌کتابی داردبه‌نام «میزانـ الاوزان» .

عماد کاتب ، محمدبن صفی‌الدین .
(۵۱۹ـ۵۹۷ ه ق)
مورخ ، ادیب و شاعر ایرانی ، فریدة القصر(ده‌جلد)، قسم شعرای‌مصر، البرق‌الشامی،الفتح‌القسی‌فی‌الفتح‌القدسی دیوان شعر ، قسمتی از آثار او است .

عمادی ، کاظم .
(۱۳۰۱ ش)
مترجمی‌ازمردم‌اراك، که‌ترجمه‌های متعددی ازایشان به چاپ رسیده است ، آب و هوا ، آخرین پیام ، اپیکور ، ارسطو ، اسپینوزا ، افلاطون ، انقلاب

کبیر فرانسه، باغ اپیکور، پاسکال، ترس اطفال، تولستوی، خدایان تشنه‌اند، خزان زندگی زن و مرد در سن بحران، در زیر آسمان ایران (سفرنامه)، دکارت، دیدرو، رشداخلاقی اطفال، زندگی ناپلئون، ژان‌ژاك‌روسو، سقراط، شرط بندی، دو میلیاردر، شوپنهاور، شهسوار اسلام علی(ع)، عقاید ژروم کوانیار، فرانسیس بیکن، فرانکشتین، قدرت اراده دراعضای بدن و اشخاص و سرنوشت، کارمن، کانت، لایب نیتز، مارك‌اورل، مجموعهٔ آناتول فرانس، مشکلات روحی اطفال، مونا وانا، مونتنی، ولتر، هگل.

عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر.
(فوت ۴۶۲ ه ق)

از امرای آل‌زیار وهمسرش فرزند سلطان محمود غزنوی بود.

خود او مردی مطلع ودانشمندبود و به زبانهای فارسی و طبری اشعاری متوسط می‌سرود، شهرت او بیشتر به خاطر اثر معروفش: **قابوسنامه** است.

عوفی، سدیدالدین‌محمدبن‌محمدبخاری.
(۵۷۲ ــ ۶۳۵ ه ق)

نویسنده ودانشمند ایرانی، صاحب آثاری چون: لباب‌الالباب، جوامع‌ــ الحکایات وترجمهٔ فرج بعدازشدت‌می‌باشد.

علوی، بزرگ.
(متولد ۱۲۸۵ ش)

از نویسندگان معاصر، چمدان، نامه‌ها، چشمهایش، باد سام، انتظار، پادنگ، پلیس ینگی دنیا ودیوایران، حماسهٔ ملی ایران، دوشیزهٔ اورلئان، دوازده ماه، شبی در پاییز، مستنطق، کسب وکار، مسیووارن، و باغ‌آلبالو، وی همچنین بسیاری از داستانهای صادق هدایت را به‌آلمانی ترجمه‌کرده و یك جلد فرهنگ فارسی ــ آلمانی تألیف نموده است.

غنایی، عبدالوهاب بن محمد حسینی حسنی معموری هندی.
(قرن ۱۱ ه ق)

صاحب شرح خاقانی، ادیب و نویسنده بود.

غنی، دکترقاسم.
(فوت ۱۳۳۱ ه ش)

پزشك و ادیب و استاد، از مردم سبزوار بود، به زبانهای فرانسوی و انگلیسی وعربی احاطه داشت، طائیس، عصیان فرشتگان، بریان پزی‌ملکهٔ سبا، از ترجمه‌های او است، بحث در آثار و افکار حافظ، رساله در شرح احوال و آثار ابن‌سینا، معرفةالنفس، شرکت در تصحیح رباعیات عمر خیام (با مرحوم فروغی)، شرکت در تصحیح تاریخ بیهقی (با دکتر فیاض)،شرکت درتصحیح‌دیوان‌حافظ (بامحمدقزوینی).

غنی‌زاده، محمود سلماسی.
(۱۲۹۶ــ۱۳۵۳ ه ق)

ادیب و شاعر و روزنامه‌نگار از مردم سلماس، صاحب **روزنامهٔ سهند** وتاریخ‌آذربایجان؛ ایرانیان مستعرب‌و آثار منظوم محمود غنی‌زاده دیوان اواست.

غیاث‌الدین، علی‌بن‌علی امیران.
(قرن ۹ ه ق)

دانشمند و نویسنده ازمردم‌اصفهان، صاحب دانشنامهٔ جهان است.

غیاث‌الدین، محمد بن جلال‌الدین.
(قرن ۱۳ ه ق)

شاعر و نویسنده، صاحب غیاث‌ــ اللغات، منظومهٔ مفتاح الکنوز، منظومهٔ باغ وبهار، کشف الاسرار.

فاضل، جواد
(۱۲۹۵ ــ ۱۳۴۰ ه ش)

نویسنده وروزنامه‌نگار ایرانی از مردم‌آمل، آثار او، ترجمه نهج‌البلاغه از اوست، از آثار قلمی او: دختران پیغمبر سخن می‌گویند، صحیفهٔ سجادیه، معصومین چهارده‌گانه وبسیاری دیگر.

فاضل تونی، محمد حسین.
(۱۲۵۷ــ۱۳۳۹ ه ش)

دانشمند و استاد از مردم فردوس، حکمت قدیم، الهیات، تعلیقه‌بر شرح فصوص‌الحکم و حواشی براسفار ازآثار اواست.

فتح‌بنداری، پسرعلی پسرمحمد.
(قرن ۷ ه ق)

دانشمند ونویسنده ازمردم‌اصفهان، صاحب آثاری چون: زبدة النصرة و نخبةالعصرة ومترجم شاهنامهٔ فردوسی‌به عربی.

فخرالدین، اسعد گرگانی
(زنده‌درقرن ۵ ه ق)

شاعروداستانسرای ایرانی، منظومهٔ ویس ورامین ازاوست.

فخرالدین، مبارکشاه محمد بن‌منصور.
(فوت ۶۰۴ ه ق)

مشهور به فخر مدبر، نویسنده و دانشمند ایرانی **تاریخ‌الحرب والشجاعه** ازاوست.

فخرداعی، سیدمحمد تقی‌گیلانی
(فوت ۱۳۴۳ ه ش)

ملقب به فخر المحققین و داعی‌ــ الاسلام، نویسنده ومشروطه طلب ومحقق ایرانی، ازآثاروترجمه‌های او.

تمدن اسلام وعرب (گوستاولوبون) تاریخ‌ایران،(سرپرسی سایکس)، تاریخ عرب و اسلام (امیر علی)، شعرالعجم یا تاریخ منظوم ایران (شبلی‌نعمانی)،تفسیر قرآن(سید احمدخان)، تاریخ علم‌کلام (شبلی نعمانی)، مجموعهٔ مقالات شبلی نعمانی، تاریخ هند (امیرعلی)می‌باشد.

فرامرزی، عبدالرحمن.

روزنامه نگاران رابه بینید.

فراهانی، میرزامحمدحسین.
(۱۲۴۶ــ ۱۳۱۳ ه ق)

نویسندهٔ ایرانی صاحب سفرنامه و رسالات حالت وآداب السرور می‌باشد.

فرزاد، مسعود.
(متولد ۱۲۸۵ ه ش)

مترجم،نویسنده و شاعر ایرانی از مردم سنندج، صاحب ترجمه هایی چون رؤیا درنیمه‌شب تابستان و هملت، از آثار قلمی ایشان همکاری باصادق‌هدایت در تنظیم وغوغ‌ساهاب وازآثار منظوم ایشان کوه تنهایی، گل‌غم، بزم درد را می‌توان نام برد.

فروتن، عباس.
(متولد ۱۳۰۳ ه ش)

شاعر و نویسنده و از فرهنگیان ایران، فلاسفهٔ بزرگ یونان، تجزیهٔ افغانستان، گیتارازآثار چاپ شدهٔ ایشان است.

فروزانفر، محمدحسین بدیع‌الزمان.
(متولد ۱۲۷۸ ه ش)

نویسنده ودانشمند واستاددانشگاه ایران است؛ تصحیح معارف بهاء ولد، فرهنگ تازی به فارسی، مآخذ قصص مثنوی، سخن و سخنوران، تصحیح فیه مافیه، تصحیح دیوان‌شمس‌تبریزی‌ازآثار او است.

فروغ ، دکتر مهدی .
(متولد ۱۲۹۰ ه ش)
مترجم و نمایشنامه نویس از مردم اصفهان، رییس اداره هنرهای دراماتیك؛ کتاب موسیقی، نمایشنامهٔ پدر، باغ وحش شیشه‌ای ، فن نمایشنامه نویسی ، خانهٔ عروسك و اشباح از ترجمه‌ها و آثار ایشان است .

فروغی ، ابوالحسن .
(فوت ۱۳۳۸ ه ش)
ادیب و شاعر و حکیم ومدیرمجلهٔ **تعلیم تربیت** و فــروغ تربیت و استاد دانشگاه وعضو فرهنگستان بود، مثنوی شیدوش و ناهید ، سرمایهٔ سعادت،اوراق مشوش، تمدن و ترکیب (بهزبان‌فرانسه) ازآثار او است .

فروغی ، محمدعلی (ذکاءالملك دوم) .
(۱۲۵۷ ـ ۱۳۲۱ ه ش)
سیاستمدار ، نویسنده و دانشمند ایرانی . سیاستمداران ونخست وزیران ایران را به‌بینید .

فروغی ، محمدحسین (ذکاءالملك‌اول)
(فوت ۱۲۸۹ ه ش)
نویسنده وشاعر وروزنامه‌نگار(در روزنامهٔ ایران ، شرف ، رسمی و اطلاع و تربیت چیز می‌نوشت) .
بدیع‌ومعانی وعروض وقافیه‌وتاریخ شعر ازآثار او است .

فره‌وشی ، مترجم همایون‌علی محمد.
(متولد ۱۲۵۴ ه ش)
از مردم‌اصفهان، مترجم، ریاضی‌ـ دان ، وازفرهنگیان معروف ایران‌است ازآثار ایشان است:
اصول جبر و مقابله ، ایرانی که‌من شناخته‌ام ،باستان‌نامه، جغرافیای‌رهنما؛ حساب‌جدیدمظفری،حساب‌ابتدایی‌مفصل، حساب‌سال‌اول،حساب‌مظفری،حساب‌مقدماتی، حساب‌نوین،حل‌المسایل‌جبر،دستوردانش، ربنس سویس (ترجمه)، سفرنامهٔ« نامه‌ای ازخراسان تاکشور بختیاری»(ترجمه) ، سفرنامهٔمادام‌دولافوا(ترجمه)،علم‌الاشیاء، هندسه .

فریدون بیك ، احمدمنشی .
(قرن ۱۰ ه ق)
ملقب به توقیعی ، نویسندهٔایرانی، صاحب‌آثاری‌چون : نزهةالاخبار،منشآت فریدون بیك ، می‌باشد .

فریدون‌کار .
(۱۳۰۷ ه ش)



شاعــری اهوازی،از همکــاران مطبوعات ، آثاری‌چون تلخ ، کاج میعادگاه ، فلسفهٔ‌کهن، غلط‌ننویسیم، اشك‌وبوسه، آرزوی‌جنوب، پنج‌شعله‌جاوید،اشك‌وبوسه، واژه‌های علمی وسیاسی وادبی.

فسایی ، حاج میرزاحسن .
حسن فسایی را به‌بینید .

فصیحی‌تهرانی ، ذبیح‌الله .
شاعران ایران را به‌بینید .

فصیح‌خوافی، احمدپسرجلال‌الدین‌محمد.
(متولد ۷۷۷ ه ق)
نویسندهٔ ایرانی، **مجمل فصیحی** از او است .

فلسفی ، نصرالله .
جغرافیدانان رابه‌بینید .

فندرسکی ، میرزا ابوطالب .
(قرن ۱۲ ه ق)
نویسنده‌وشاعر ، صاحب‌آثاری‌چون ترجمهٔ فارسی شرح‌لمعه ، حاشیهٔ تفسیر بیضاوی، منظومهٔغزوات حیدری، نگارــ خانهٔ چین وبسیاری دیگر می‌باشد.

قائم‌مقام فراهانی (میرزا ابوالقاسم).
(۱۱۹۳ ـ ۱۲۵۱ ه‌ق)
نخست‌وزیران ایران‌را به‌بینید .

قائمیان، حسن .
(۱۲۹۵ ش)
نویسنده و مترجم معاصر ، دارای آثاری‌چون: آری‌بوف‌کوررا باید‌سوزانید (ترجمه)، احتضار سرمایه داری،انتظار، بیکاری (ترجمه) ، تولید ، طفیلی گری انقلاب، داستان ویکتورهو گوی وطنی و شاهکاروی،راهنمای‌تلفظ‌کلمات‌انگلیسی امور زبان‌انگلیسی، زبان انگلیسی‌پیش خود ، ژاکوب سوردلف همکار انقلابی لنین (ترجمه)،سوسیالیزم ، صادق‌هدایت نوشته‌ها و اندیشه‌های او ، عــبرت بودا (ترجمه) ،کارخانهٔمطلق‌سازی (ترجمه)، گروه‌محکومین(ترجمه)، لنین ولنینیسم، مجموعهٔ مقالات و نوشته‌ها و ترجمه‌های صادق هدایت(ترجمه)،مجموعهٔ‌نوشته‌های پراکندهٔ صادق‌هدایت، مسیح وگراکوس شکارچی(ترجمه‌به‌اشتراك‌هدایت)،مصدر سرکارستوان، مهمان مردگان، شمشیردر کنیسهٔما(ترجمه)، نظربازی، یادبودنامهٔ صادق‌هدایت .

قاضی ، محمد .
(متولد ۱۲۹۲ ه ش)
مترجم‌ایرانی‌ازمردم مهاباد،جزیرهٔ پنگوئن‌ها ، سپیددندان، دورهٔ‌کامل‌دون کیشوت ، در آغوش خانواده ، شاهزاده وگدا ، شاهزاده کوچولو، طلا،مادر،نان و شراب ، نظری به طبیعت واسرارآن، ساده دل‌قسمتی‌ازآثار وترجمه‌های‌ایشان است .

قاضی‌حمیدالدین ابو بکربن محمود .
(فوت ۵۵۹ ه ق)
قاضی شهر بلخ و ازدانشمــندان و ادبای معروف زمان خودبودکه باانوری شاعر مشهور روابط داشته است .
در شعر «حمیدی» تخلص می‌کرده وحمیدالدین مؤلف کتاب ادبی معروفی است به زبان فارسی‌که به تقلید مقامات «بدیع‌الزمان» ومقامات «حریری» نوشته وبه‌نام «مقامات حمیدی» معروف‌گردیده و تألیف‌آن در سال ۵۵۱ به‌پایان‌رسیده است .

قریب ، میرزاعبد العظیم‌خان .
(۱۲۵۷ ـ ۱۳۴۴ ه ش)
درگرکان‌اراك متولد شد، تحصیلات مقدماتی خودرا درقریهٔ‌گرکان‌انجام‌داد، در سال ۱۳۱۱ هجری قمری به‌تهــران آمد و به تحصیل پرداخت وصرف ونحو فقه‌واصول‌ومنطق‌وحکمت‌وزبان‌آموخت. سپس به سال ۱۳۱۵ هجری قــمری در مدرسهٔ‌علمیه به‌تدریس‌مشغول‌شد ، وبعدها در مدارس نظام، سیاسی ، ایران‌وآلمان دارالفنون ، دارالمعلمین مؤسسهٔ وعظو خطابه ، دانشکدهٔ ادبیات و دانشسرای عالی به تدریس مشغول بودند ومدت‌پنج سال افتخار تدریس اعلیحضرت آریامهر را داشته‌اند آثار وتألیفاتش به شرح‌زیر است :

۱ ــ دستورزبان‌فارسی چهاردوره.
۲ ــ بدایة‌الادب برای کلاس دوم دبستان .
۳ ــ سخنان شیوا .
۴ ــ تاریخ برامکه .
۵ ــ تاریخ شعرا (۶ جلد) .
۶ ــ کتاب الاملاء(دو جلد).

۷ ـ کتاب کلیله ودمنه با مقدمه و تعلیقات.
۸ ـ کتاب گلستان و تعلیقات مفصل.
۹ ـ بوستان با مقدمه وحواشی .
۱۰ ـ گنج هنر (کتاب درسی) .
۱۱ ـ مقالات ورسالات متعدد دیگر.

قزوینی ، محمد .
(۱۲۹۴ـ۱۳۲۸ هـ ق)
ازمؤلفان «نامهٔ دانشوران ناصری» بود. تحصیلات خود را درعلـوم قدیم و ادبیات درتهران آغازکرد. درسال ۱۳۲۲ برای مطالعات به‌اروپا رفت ومدتها در فرانسه وانگلستان وآلمان اقامت داشت آثار مهم قزوینی عبارتست از :
تصحیح متون مهم زبان فارسی که بر آنها مقدمه‌های جالب وحواشی وتعلیقات سودمند نوشته است ازآنجمله «تاریخ جهانگشای جوینی» و «المعجم فی معاییر اشعار العجم» و «شدالازار» و «چهارمقاله» و «مرزبان‌نامه» ویك جلد از «لباب الالباب محمدعوفی» و «سمط العلی» و «دیوان حافظ» وچندرسالهٔ جداگانه دراحوال مسعود سعد سلمان و ابو سلیمان منطقی و مقاله ای در بارهٔ کتاب «نفثة المصدور» و رساله‌ای دربارهٔ «ممدوحان سعدی» دردومجلد شامل مقالات وی ، وچهار مجلد از یادداشت های وی نیزچاپ شده است .
جنازهٔ این دانشمند عـلامه به شاه عبدالعظیم منتقل و در جوار مزار شیخ ابوالفتوح رازی به‌خاك سپرده‌شد .

کار . فریدون .
فریدون‌کار را به بینید .

کاسمی ، دکتر نصرت‌الله .
(متولد ۱۲۹۱ ش)
طبیب و استاد دانشگاه و شاعـرو نویسنده و مترجم، چهارصدسال بعـداز فردوسی ، سه‌نامه ، تامن‌هم ندانم شوهر دارم ، مهرمادر (منثور) ، مسمومیت از سرب وترجمه‌هایی ازقبیل :
راه‌خوشبختی، آنچه یك جوان باید بداند ، آنچه یك دختـر باید بداند و چند اثر علمی‌نیز از ایشان به‌چاپ‌رسیده است .

کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین
(۱۲۶۲ ـ ۱۳۴۰ م)
نویسنده وطبیب وروانشناس وروزنامه نگار تبریزی ،که به زبانهای فرانسه ، آلمانی، ترکی وانگلیسی تسلط داشت. رهبر نژادنو، اصول اساسی فن تربیت، راه‌نو درتعلیم و تربیت، سفر نامهٔ مکه، زبان آموز ،هنرآموز ، شرح زندگانی زرتشت جزیی ازآثار اواست

کسروی ، سیداحمد .
مورخین ایرانی‌را به‌بینید .

کمال‌الدین ، عبدالرزاق پسرجلال‌الدین اسحاق .
(فوت هرات ۸۸۷ هـ ق)
نویسندهٔ معروف‌تاریخ **مطلع السعدین ومجمع البحرین** می‌باشد .

کمال‌الملك سمیرمی ، علی‌بن احمد.
(فوت ۵۱۶ هـ ق)
نویسنده ووزیر ایرانی است .

کمالی اصفهانی ، حیدرعلی .
(فوت ۱۳۲۵ هـ ش)
شاعر و نویسنده و روزنامه نگار (روزنامهٔ پیکار) اصفهانی ، از آثار او است: مظالم ترکان خاتـون ، لازیکا ، منتخب اشعار صائب .

کیا، دکترصادق.
زبان شناسان را به بینید .

کیا (خانلری)، خانم دکترزهرا.
(متولد ۱۲۹۴ ش)



تحصیلات متوسطه‌را دردارالمعلمات مرکزی (دانشسرای دختران تهران) به پایان رسانید، آنگاه دردانشگاه بـه تحصیلات‌خود ادامه‌داد ودرسال ۱۳۲۳ به دریافت درجـهٔ دکتری در ادبیات فارسی نایل‌آمد . رسالهٔ وی «تحقیق در سبك تاریخ نویسی ایران تا قرن نهم هجری» است .
مشاغلی‌که خانم‌دکترکیا(خانلری) به عهده داشته‌اند، دبیری دبیرستانهای پایتخت، ریاست دبیرستان رضاشاه‌کبیر (نوربخش)، دانشیاری‌واستادی‌دانشگاه بوده است .
خـانم دکتر خانلری از ابتدای انتشار مجلهٔ سخن باهمسر خـود دکتر پرویز خانلری همکاری داشته ومقاله‌ها وترجمه‌های متعددی درآن مجله انتشار داده‌اند .
ازآثار ایشان : پروین وپرویز ، ژاله یـا رهبر دوشیزگان ، داستانهای دل انگیز ادبیات فـارسی ، راهنمای ادبیات فارسی ، نمونهٔ غزل فـارسی ، تلخیصی از قابـوسنامه، خلاصهٔ داستان حسنك وزیر (ازتاریخ بیهقی)که ایـن سه اثرجزء شاهکارهـای ادبیات فارسی منتشرشده است .
از دیگر کارهـای سودمند خانم خانلری ، تألیف کتابهای درسی فارسی است‌که اکنون بطور رسمی در مدارس تدریس می‌شود .
از ترجمه‌های ایشان :
۱ ـ شبهای‌روشن(اثرداستایوسکی).
۲ ـ رنجهای جوانی ورتر (اثر آندره موروآ).
۳ـ بیست‌داستان (اثرپیراندللو).
خانم دکترکیا (خانلری) هنوز هم بـه مطالعات و تحقیقات خـود ادامه می‌دهند .

کیانوش ، محمود .
(متولد ۱۳۱۳ ش)
نویسندهٔ کتابهای : مرد گرفتار ، غصه‌ای وقصه‌ای ومترجم‌آثاری چـون : درکرانهٔ شب، به‌خدای ناشناخته،زنی‌که گریخت ، بچه‌های عموتوم ، سیرروز در شب ، عشق در میان کومه‌های یـونجه و غیره می‌باشد .
کیانوش شعرنیز می‌سرایـد ، ساده وغمناك و شکوفه حیرت نمونه‌ای ازکار اواست .

گلچین معانی، احمد.
شاعران ایران را به بینید.

لاله‌زاری ، اسحق .
(متولد ۱۲۹۴ ش)
مترجمی از مردم همدان‌که آثاری از قبیل ، آهنگ روستایی ، جنایات و مکافات ، حافظه وبسیاری دیگردارد .

مایل، یدالله.
شاعران ایران را به بینید .

محجوب ، دکترمحمد جعفر .
(۱۳۰۳ ه ش)

نویسندهٔ‌معاصرایرانی،صاحب‌ترجمه‌ها و آثاری چون :خاطرات خانهٔ مردگان، مروارید ، داستانهای دریای جنوب ، سگ‌سیرك،ازخودگذشتگی‌زنان، دخمه‌نشینان می‌باشد .

محمد عوفی بخارایی
عوفی بخاری را به بینید .

مستعان ، حسینقلی .
(متولد ۱۲۸۳ ه ش)

نویسنده وروزنامه‌نگار (راهنمای زندگی) ایرانی ، قصهٔ انسانیت ، پلهٔ اول ، عشق مقدس ، آفت قصهٔ رسوایی جزیی ازآثار او است .

مشایخی ، رضا.
(متولد ۱۲۸۴ ه ش)

ازمترجمین ایران، ماری‌آنتوانت، ماری استوارت ، وکلئوپاتر ، اعترافات ژان‌ژاك روسو ، تصویر دوریان‌گری و جمهوریت از ترجمه‌های ایشان است.

مشفق همدانی، ربیع.
(متولد ۱۲۹۱ ه ش)

مترجم‌ونویسندهٔ ایرانی ، نادرشاه، مدرسه و اجتماع ، ابله ، برادران کارامازوف ، آزردگان ، آناکارنین . اخلاق وشخصیت ازآثار ایشان است.

مسعود، محمد.
روزنامه‌نگاران را به بینید .

مشکوة ، سید محمد .
(متولد ۱۲۷۹ ه ش)

عالم‌دینی واستاددانشگاه ونویسندهٔ ایرانی است، تعلیقات المشکوة کلمة التوحیدوتصحیح بسیاری‌ازکتب‌پیشینیان ازآثار اواست .

مشکور ، دکتربهاءالدین محمدجواد.
(متولد ۱۲۹۷ ش)

نویسنده و محقق و استاد دانشگاه است ، ازآثار ایشان ، تاریخ اوستا و ادبیات‌دینی پهلوی، تاریخ ایران‌باستان به روایت ابن‌عبری (ترجمه) ، تاریخ مذاهب اسلام یا الفرق و بین‌الفرق (ترجمه) ، النکت الاعتقادیة ، تاریخ مردم اورارتو، ترجمهٔ‌تاریخ طبری‌قسمت مربوط به ایران ، دستورنامه در صرف ونحو زبان فارسی، فرق‌الشیعه‌یامقامات الامامیه و الفرق والمأوها و صنوفها (ترجمه)، کارنامهٔ‌اردشیربابکان ،کلمات محمد ص (متن عربی وترجمه) ، گفتاری در بارهٔ دینکرد ، مجوس در کتب مقدس‌سامی، هفتاد وسه‌ملت یا اعتقادات مذاهب .

مدرسی ، تقی .
نویسندهٔ معاصر ، صاحب : یکیلیا وتنهایی او، شریفجان می‌باشد .

مصفا ، دکترمظاهر.
شاعران را به بینید .

معین ، محمد .
علمای‌لغت را به‌بینید .

معتمدالدوله ، فرهاد میرزا.
علمای جغرافی را به بینید .

معین ، محمد .
(متولد ۱۲۹۳ ه ش)

درشهر رشت متولد شد ، تحصیلات



ابتدایی ودبیرستانی را درآن شهرستان به‌پایان رسانید (دردبیرستان‌اسلامی) در سال۱۳۱۳دررشتهٔ‌فلسفه ازدانشسرایعالی لیسانس شد .

دکترمعین اولین‌کسی است که در ایران به‌اخذ دکترای‌ادبیات نایل‌آمد، آثار فراوانی دارد از جمله : فرهنگ معین (در ۶ جلد) و تصحیح و تکمیل فرهنگ برهان قاطع (در ۵ جلد)، و مزدیسنا می‌باشد .

اکنون قریب به دوسال است که دکتر معین دراغما بسرمی‌برد .

منصوری ، ذبیح‌الله .
از مترجمین پرکار ومعاصر ایران است ، چنداثر ازایشان .

افکار مترلینگ ، اندیشه‌های یك مغز بزرگ ، موریانه ، مورچگان ، ماکسیم‌گورکی ، دنیای دیگر وبسیاری دیگر .

میبدی ، رشیدالدین .
(فوت ۵۴۷ ه ق)

نویسندهٔ ایرانی ، صاحب : کشف‌الاسرار می‌باشد .

میرزا صالح شیرازی .
صالح شیرازی را به بینید .

مینوی ، مجتبی .
(متولد ۱۲۷۹ ه ش)

نویسنده ومحقق و استاد ایرانی ، آثار بسیاری از او بجا مانده که‌قسمتی ازآنها را نام می‌بریم .

شیروخورشید ، تاریخ خط عربی و فارسی، پانزده گفتار ، آزادی وآزادی فکر، وضع‌ملت و دولت ودربار دردورهٔ شاهنشاهی ساسانیان ، مازیار و تصحیح بسیاری ازآثار پیشینیان .

میمندی نژاد ، دکترمحمد حسین.
(متولد . . . .)

استاد دانشگاه و رییس اسبق دانشکدهٔ دامپزشکی ، نویسنده و مترجم که از پرکارترین نویسندگان ایران است قسمتی از آثار ایشان ، آرزوهای‌بالدار،استفاده‌ازگازومیکروب درجنگ، اشکها، افسانه‌است یاحقیقت، امید وآرزو، اهمیت ویتامین درزندگی موجودات ، ایران باید سویس آسیا گردد ، بت‌های عیار ، بسوی او ، رمز تکامل ، شاهکار خلقت ، بهداشت شیر وسل‌گاوی در ایران ، بی‌طرفی ایران ، بیگناه ، بیماریهای درونی ، بیماریهایی که‌باعث تغییر شکل استخوانها می‌شود، پاتولوژی مقایسه ، تاریخ دامپزشکی . تومورهای مشترك ، جنگ با گاز و میکروب،حوادث،خاطرات گذشته،خطر!؟ (ایادی بیگانه راقطع‌کنید)، درتاروپود زندگی اسیروگرفتاریم ، در راه حق ، راهنمای‌تغذیه،رنجهایی‌که پایان‌پذیرفت، روسیاهان، زخم‌زبان، زندگی‌پرماجرای نادر ، زندگانی خیام ، زهره ، سُعدرم پرآبی یاخته‌ای (سخنرانی پروفسور هامبورژه)،سازش‌جسم‌با تغییرات برونی و درونی ، سالمونلا، سل بیماری‌مشترك انسان ودام ، سنت‌های بیجا ، سنگهای ریزه مجاری ادرار ، سیاه زخم ، شب‌زنده داریهای پاریس ، شکم‌دردیاقولنج یا دل درد است وغیره.

۱۲۱۴

ناتل خانلری، دکتر پرویز.
خانلری درشعرای ایران دیده شود.
ناظر زادهٔ کرمانی، احمد.
(۱۲۹۶ ش)
شاعر و نویسنده واستاد دانشگاه از مردم کرمان است، آفات قرن (شعر)، آوازهای جوانی، اختر، برفراز سیحون، دختر شامگاه، رقص با سه خنجر، شام شوم، شیرزاد یا گرگ جاده قسمتی از آثار ایشان است.
نشاط، میرزا عبدالوهاب.
شاعران ایرانی را به بینید.
نظام وفا.
شاعران ایران را به بینید.
نظامی عروضی.
(قرن ۶ ه ق)
از نویسندگان و از درباریان آل‌ـ غور است که کتاب معروف چهار مقاله (علم دبیری، علم شعر و صلاحیت شاعر نجوم، علم طب) را به نام یکی از این پادشاهان نوشته است.
نظمی، ناصر.
(متولد ۱۳۰۰ ه ش)
شاعر و نویسندهٔ معاصر، **اتاق کبود**، جنگل میسوزد، شب مهتابی، معشوقهٔ بیگناه، یاد بودهای جوانی، تاتیانا، اسرار بغداد، گربهٔ سیاه، طلا در کوه، چه عشقی بود؟ روح گمشده، این تو بودی، توفان زندگی، جمیله، شبهای هند، فراموش نمی‌شوی، پدری که پسر خود را می کشد، فریده، رنج و نگاه از آثار او است. در سال ۱۳۲۵ نظمی **مجلهٔ هنری وسیاسی عقیده** را منتشر کرد.
نفیسی، سعید.
(۱۲۷۴ ـ ۱۳۴۵ ه ش)
یکی از پر کار ترین نویسندگان و محققین ایرانی است که قسمتی از آثار او را نام می‌بریم: کتاب لغت فرانسه، ماه نخشب، آتشهای نهفته، زندگی و کار و محیط رودکی، نیمه راه بهشت، زندگی و کار و هنر ماکسیم گورکی، تصحیح بسیاری از آثار پیشینیان.
نوایی، علیشیر.
علیشیرنوایی را به بینید.
نیکپور، اردشیر.
(متولد ۱۲۹۷ ش)
مترجمی ازمردم تبریز، از آثارش می‌ـ باشد:
آتیلایا بلای آسمانی، اشندن یا جاسوس انتلیجن سرویس، افسانه‌های دلپذیر، باغ بهشت، بیست هزار فرسنگ زیر دریاها، تاریخ دیپلوماسی، جزیرهٔ گنج، دور دنیا در هشتاد روز، شاعر شمشیر زن، میشل استروگف، نتوشکا قسمتی از آثار ایشان است.
نیساری، دکتر سلیم.
(۱۲۹۹ ش)
از نویسندگان و مترجمین معاصر، از آثار ایشان:
انشای دبستان، تاریخ ادبیات ایران بعد از اسلام، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام و بعد از اسلام، چند حکایت از ملانصرالدین به خط جهانی، در برابر، درس انشاء فارسی، راهنمای مکالمهٔ انگلیسی، اشعار و بسیاری دیگر.
هدایت، رضا قلی خان.
(۱۲۱۵ـ۱۲۸۸ ه ق)
از نویسندگان معاصر، صاحب آثاری چون: ریاض العارفین، مجمع الفصحا، تکملهٔ روضة الصفا و بسیاری دیگر می باشد.
هدایت، صادق.
(۱۲۸۱ـ۱۳۳۰ ه ش)
نویسندهٔ معروف ایرانی، که تحصیلات مقدماتی خود را در تهران به پایان رسانید، سپس عازم اروپا شد و مدتی بعد به هندوستان رفت و دربارهٔ زبان و ادبیات پهلوی تحقیقاتی به‌عمل آورد، مدتی به‌کارهای دولتی مشغول بوده و مجدداً به فرانسه رفت و برای بار دوم دست به خودکشی زد، با گاز مسموم شد و مرد، از آثار معروف او:
بوف کور، سه‌قطره‌خون، حاجی آقا، افسانهٔ آفرینش، علویه خانم، سایه روشن، زنده بگور، ولنگاری، وغ وغ ساهاب، مازیار، پروین دختر ساسان، اصفهان نصف جهان و غیره می باشد.
هدایی، ابوتراب.
(متولد ۱۳۱۳ ه ق)
از مردم اراك و فرهنگیان آن سامان، شاعر و نویسنده است. از آثار او است:
۱ـ اسلام و آفرینش.
۲ـ اسلام و نظام با کلید سعادت.
۳ـ بهاییت دین نیست.
۴ـ پیام در آرامش ناله بی هنگام.
۵ـ ترازوی داد در سنجش ندای اتحاد.
۶ـ چرا گناه می کنیم.
۷ـ راه بیداری یا قدمی بسوی اصلاح.
۸ـ سفرنامه بشر ازخاك به افلاك (شعر).
۹ـ شرح بهاریه در علم ترتیب.
همایونفرخ. رکن الدین.
شاعران ایران را به بینید.
همایی، استاد جلال الدین.
(متولد ۱۳۱۷ ه ق)
نویسنده‌ای محقق و شاعری لطیف طبع متخلص به **سنا**، آثاری چون:
غزالی نامه، مصباح الهدایه، فلسفه (یك دوره) معانی و بیان فارسی، تاریخ ادبیات ایران (۵ جلد)، و تاریخ اصفهان را در ۱۰ جلد تنظیم کرده‌اند که چاپ نشده‌است.
هوشیار، دکتر محمد باقر.
(متولد ۱۲۸۳ ه ش)
استاد اسبق فلسفه و اصول آموزش و پرورش دانشگاه و دانشسرایعالی آثار و ترجمه‌های ایشان عبارتند از:
کنجکاوی در چگونگی کودکان و جوانان، روانشناسی علمی، اصول آموزش و پرورش وسالهای تصمیم.
هنرمندی، حسن.
(متولد ۱۳۰۷ ش)
از مترجمین ایرانی، دارای آثاری چون: ازرومانتیسم تاسوررئالیسم، بازیهای علمی، پرنده، سکه سازان، مائده‌های زمینی و مائده‌های تازه، هراس (شعر)، همسران هنرمندان.
یاسمی، غلامرضا رشید.
رشید یاسمی را به بینید.
یار شاطر، دکتر احسان.
از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۷، نظامت و معاونت دانشسرایعالی را عهده‌دار بود. از آثار او است:
۱ـ اشارات و تنبیهات (ترجمه).
۲ـ پنج رساله از ابن سینا (ترجمه و تصحیح).
۳ـ داستانهای ایران باستان.
۴ـ داستانهای شاهنامه.
۵ـ زبانها و لهجه‌های ایرانی.
۶ـ شعر فارسی در عهد شاهرخ.
یحیی دولت آبادی
دولت آبادی را به بینید.
یزدی، شرف الدین علی.
شرف الدین علی یزدی را در بخش مورخین به بینید.
یمینی بیك، امین.
(متولد ۱۲۶۱ ه ق)
از نویسندگان معاصر ایران است.

سخن‌سرایان پارسی و شاعران ایرانی

آتش، میرزا حسن.
(۱۲۸۴-۱۳۴۹ ه ق)
شاعری از مردم اصفهان؛ درآغاز **بینوا** تخلص اختیار کرد، غزلسرایی متمایل به سبك هندی بود، متجاوز از ۵۸۰۰ شعراز او باقی است. بیتی از او:
آن‌که برخوان غم عشق تو مهمانم کرد
خاطرش شاد که شرمندهٔ احسانم کرد

آخوندوف، میرزا فتحعلی.
نویسندگان ایرانی را به بینید.

آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ.
(۱۱۳۴-۱۱۹۵ه ق)
شاعردورهٔ افشاریه وزندیه، صاحب منظومهٔ (یوسف و زلیخا) و تذکرهٔ **آتشکده** می‌باشد. سبك آذر خراسانی است.

آذرکیوان پارسی.
(فوت ۱۰۲۷ ه ق)
شاعری زرتشتی در زمان اکبرشاه به هند رفت، نمونه‌ای از اشعارش:
خداوندرا پایه زان برتراست.
که‌آمیزش بنده رادرخوراست.

آذری، حمزة بن علی طوسی.
(وفات ۸۶۶ ه ق)
شاعرعارف، صاحب‌جواهرالاسرار، سعی‌الصفا، طغرای همایون، بهمن‌نامه، غرایب الدنیا و عجایب‌الاعلا، مرآت، نمونه‌ای از شعراو:
بیاد چشم او هرجا می‌آرید
من بدمست‌را این جامیآرید.

آذری طوسی.
آذری، حمزة بن علی طوسی را به بینید.

آزاد، محمد امجد علی.
(متولد ۱۲۶۴ ه ق)
شاعرپارسی‌گوی‌واردوسرای، نمونه‌ای ازشعرش:
چشم برزلف چه دوزم پی‌غمخواری دل
که خودش‌درخم‌وپیچ‌است زبسیاری دل.

آزاد، سید علی نوربخش.
(متولد ۱۲۶۷ ه ش)
شاعری از مردم اصفهان و از خدمتگزارن فرهنگ است.

آسایش، خلیل.
(۱۳۰۶ ه ش)
شاعری از مردم مشهد نمونه‌ای از شعرایشان:
آهسته پیش می‌رودآن‌گوشه رهگذر
بی‌آن‌که‌یك‌نظر کند اندرقفای خویش
گویی زخویش نیستش اندیشه وخبر
چون‌می‌نهدبروی‌زمین‌گامهای خویش

آشفته، میرزا محمد صالح.
(فوت ۱۶۷۲ ه ق)
شاعر پارسی‌گوی کابل، نمونه‌ای از شعراو:
می‌رود دل به سر کوی تو پنهان ازمن
بدگمان‌گشته‌ندانم به‌چه عنوان ازمن؟

آصفی هروی.
(زنده در قرن ۹و۱۰ ه ق)
شاعر دورهٔ سلطنت سلطان حسین بایقراسبك هندی داشته ودیوانی بزرگ به جا گذاشته است.

آغاجی، ابوالحسن علی بن الیاس بخارایی.
شاعر وامیر دورهٔ سامانی و معاصر نوح‌بن منصور است. آغاجی به‌فارسی و عربی‌شعرمی‌گفت.

آقاخانی
محمد سعید **سائل** را به بینید.

آواره، عبدالحسین آیتی.
آیتی را به بینید.

آیتی، عبدالحسین.
(۱۲۸۷ ه ق)
شاعرونویسنده‌وروزنامه‌نگار(مجلهٔ نمکدان) معاصر، صاحب کشف‌الحیل، درابتدا **آواره** تخلص‌کرد وبیش‌از ۳۰ هزار بیت شعردارد، نمونهٔ شعر او:
مرا عزم ثابت مرا رأی صائب
براین شدکه‌باید شدازتوبه‌تائب

آیتی، عبدالمحمد.
(متولد ۱۳۰۵ ه ش)
شاعری از مردم بروجرد، نمونهٔ شعر او:
چون توگل ازچمن‌عشق نچیده‌است‌کسی
ای بهر حلقهٔ زلف تو دل بلهوسی

آینده، اسماعیل شاهرودی.
شاهرودی را به بینید.

ابتهاج، هوشنگ.
(متولد ۱۳۰۶ ه ش)



شاعری غزلسرا و نوپرداز، صاحب مجموعه‌هایی به نامهای: نخستین نغمه‌ها، سراب، سیاه مشق، شبگیر و زمین. نمونهٔ شعراو:
گفتمش: «شیرین‌ترین‌آواز چیست؟»
چشم غمگینش برویم خیره‌ماند
قطره قطره اشکش از مژگان چکید
لرزه افتادش به‌گیسوی بلند
زیرلب غمناك خواند:
«نالهٔ زنجیرها بردست من»

ابراهیم دهلوی، محمد.
(۱۰۸۷ ه ق)
شاعر پارسی‌گوی و عارف از مردم دهلی، نمونه‌ای ازشعراو:
بدم به نام‌که ذوق پیام اودانست
زبان خامه بریدم‌که رازاودانست

ابن‌حسام استرآبادی.
(قرن ۷ ه ق)
شاعری معاصر سعدی‌که دیوانش پس‌از مرگش گردآوری شد.

ابراهیم میرزا.
سلطان ابراهیم میرزا را به‌بینید.

ابن‌حسام هروی، جمال‌الدین.
(فوت ۷۳۷ ه ق)
شاعری از مردم خواف.

ابن‌حسام.
(فوت ۸۷۵ ه ق)
شاعری از مردم قهستان.

ابن‌عماد.
(فوت ۸۰۰ ه ق)
شاعری خراسانی، صاحب **مثنوی ده‌نامه**، نمونه‌ای ازشعراو:
به یاد لعل تو چشمم ز اشك‌پرگهر است
که‌این نثار ترا لایق‌است ودرنظر است.

ابن‌هندو.
نویسندگان ایرانی‌را به‌بینید.

ابن یمین ، محمود بن امیر یمین‌الدین محمد .
(فوت ۷۶۹ ﻫ ق)
شاعری از مردم خراسان ، دیوان کامل او در کتابخانهٔ سلطنتی تهران است .
ابوالحسن‌طلحه ، شهاب‌الدین.
(قرن ۶ ﻫ ق)
شاعررباعی‌گوی ازمردم مرو بود.
ابوالحسن‌علی، بهرامی.
بهرامی را به‌بینید .
ابوالعباس ربنجنی، فضل.
(زنده درقرن ۴ ﻫ ق)
شاعر دورهٔ سامانی است .
ابوالعباس‌مروزی.
(قرن‌دوم ﻫ ق)
شاعر پارسی گوی‌که خودرا اولین شاعر پارسی‌گوی بعداز استیلای عرب می‌داند .
هم‌اوبودکه درورود مأمون به مرو قصیده‌ای در مدح او گفت .
ابوالعلای شوشتری .
(قرن چهارم هجری)
شاعرپارسی‌گوی‌صاحب‌کتابی در عروض .
ابوالعلای‌گنجوی.
(قرن ۶ ﻫ ق)
شاعر ومداح‌دربارشروانشاه جلال‌ـ الدین بود .
ابوالفتح بستی، علی‌بن‌محمد.
نویسندگان ایرانی را به‌بینید.
ابوالفرج‌اصفهانی.
(۲۸۴ ـ ۳۵۶ ﻫ ق)
شاعر ومورخ عرب زبان ، صاحب کتاب **اغانی** است .
ابوالفرج رونی .
(فوت ۴۹۲ ﻫ ق)
شاعری از مردم نیشابور ، معاصر سلطان ابراهیم غزنوی بود .
ابوالفرج سکزی.
(قرن۴ ﻫ ق)
شاعرپارسی‌گوی مداح سیمجوریان بود .
ابوالمعالی رازی
شاعری دردورهٔ سلجوقی است .
ابوالمؤید بلخی
(قرن۴ ﻫ ق)
شاعر و نویسندهٔ ایرانی ، صاحب کتاب **گرشاسب وعجایب‌البلدان** است ، او برای اولین بار یوسف و زلیخارا به نظم درآورد .
ابوبکرخوارزمی ، محمد بن‌عباس.
نویسندگان ایرانی رابه‌بینید .
ابوحفص سغدی ، سمرقندی .
(قرن ۳و۴ ﻫ ق)
شاعر وموسیقی‌دان معروف عصر سامانی است و بعضی او را از نخستین شاعران پارسی‌گوی دانسته‌اند . او در سال ۳۰۰ هجری ، یک آلت موسیقی بنام «شهرود» اختراع‌کرده است .
ابوحنیفهٔ اسکافی.
(قرن ۵ ﻫ ق)
شاعری از مردم مرو معاصرسلطان ابراهیم غزنوی . نمونه‌ای ازشعراو:
از بسکه شب و روز کشم بیدادت
چون موم شدم زان‌دل‌چون‌پولادت.
ابورجاء غزنوی .
(فوت ۵۹۷ ﻫ ق)
معروف به **شاه‌ابورجاء** ، دردربار بهرامشاه غزنوی بود .
ابوسعیدابوالخیر.
(۳۵۷ـ۴۴۰ ﻫ ق)
دراویش را به‌بینید .
ابوسلیک‌گرگانی .
(۱۶۵ـ۲۸۵ ﻫ ق)
از قدیمترین شاعران پارسی‌گوی بعد از اسلام ومعاصر**عمرولیث** بودکه نمونهٔ شعراو است :
خون خودراگر بریزی برزمین
به که آب روی ریزی درکنار
ابوشعیب‌هروی.
(فوت ۳۲۹ ﻫ ق)
ازشعرای دورهٔ سامانی است .
ابوشکور بلخی
(قرن ۴ ﻫ ق)
صاحب **آخرین نامه** ، شاعری از مردم بلخ دردربار نوح سامانی است . نمونهٔ ازشعراو :
هرکه ناموخت ازگذشت روزگار
نیز ناموزد ز هیچ آموزگار
ابوطاهرخاتونی
(فوت ۵۳ ﻫ ق)
ازقدمای شعرای پارسی سرا ودبیر دستگاه گوهر خاتون و صاحب مناقب‌ـ الشعراء، شکار نامهٔ ملکشاه ، نمونهٔ شعر او :
استاد مبرگمان‌که دل ریش نیم
وز فعل‌توو از توبد اندیش نیم
ابوطیب مصبعی .
(قرن ۴ ﻫ ق)
ازشعرای دربارنصربن احمد بود، نمونهٔ شعراواست :
جهانا همانا فسوسی و بازی
که‌بر‌کس نپایی و‌با‌کس‌نسازی
ابوعلی ، محمدبن احمد بلخی .
(قرن ۴ ﻫ ق)
شاعر و نویسنده و مؤلف شاهنامهٔ منثور .
ابوعلی مروزی ، ابن‌حسین .
(قرن ۶ و۷ ﻫ ق)
شاعر پارسی‌گوی‌که با عوفی در نیشابور ملاقات‌کرده است .
ابونصرطالقانی ، احمدبن ابراهیم .
شاعر دورهٔ سلجوقی است ، نمونهٔ شعراو :
گر چه‌داری به نازکژدم را
بکزد هرکجا بیاید ، زود
ابونصراحمد فراهی.
(فوت ۶۱۸ ﻫ ق)
شاعر ولغوی از مردم سیستان ، صاحب **نصاب‌الصبیان** گویندکور مادر‌ـ زاد بود .
ابونواس ، حسن‌بن‌هانی.
(۱۴۶ـ۱۹۸ ﻫ ق)
شاعر ایرانی عربی‌گوی ، ازمردم اهواز است .
اثیراخسیکتی.
اخسیکتی را به بینید .
اثیرالدین اومانی، عبدالله.
(وفات ۶۶۰ ﻫ ق)
شاعری از مردم همدان و شاگرد خواجه نصیرالدین طوسی بود .
احمد ساجدی.
(متولد ۱۲۸۱ ﻫ ش)
شاعری از مردم همدان ، نمونهٔ شعراو :
نزاید مام‌گردون‌بهترازیاری‌که من‌دارم
نبیند چرخ زیباترزدلداری‌که من‌دارم.
احمدغزالی.
(فوت ۶۱۷ ﻫ ق)
شاعر عارف ایرانی ، نمونهٔ شعراو :
رویم چو بدید زرد آن سبزنگار
گفتا که دگر به وصلم امید مدار

زیراکه تو ضد من شدی در دیدار
تورنگ خزان‌داری ومن‌رنگ‌بهار
احمد بختیاری، عبدالحسین.
(متولد ۱۲۸۲ ه ش)
شاعری‌ازمردم بختیارکه عمری‌در دادگستری گذرانیده است . نمونهٔ شعراو :
شبهای بهار وعشق و مهتاب
مخصوص عوالم جوانی
تابیده ز عکس ماه در آب
برقلب فروغ شادمانی
با یار نشسته دست در دست
بالاتراز این سعادتی هست؟
احمدی، علی.
(متولد ۱۳۲۲ ه ق)
شاعری از مردم کرمان ، جزوه‌ای به نام **صافی نامه** ازدیوان او به چاپ رسیده است ، نمونه‌ای از شعراو :
دیدی‌که یار یادی ازاین بینوا نکرد
یاد دل فکار من مبتلا نکرد
اختر ، قاضی‌محمد صادق خان.
(مقتول ۱۲۷۳ ه ق)
شاعر پارسی گوی ، صاحب محامد حیدریه ، آفتاب عالمتاب و غیره. نمونهٔ شعر او :
کرد صید دل باز به طرز دگری
ترك ناوك نظری
سرکشی، نازفروشی،زخدا بی‌خبری
نامسلمان پسری
شاهد حوروشی ، دلبر عالی منشی
میرزایی روشی
کعبه‌رویی به‌حریم دلما جلوه‌گری
از همه خوبتری
اختیار ، (خواجه).
شاعری از خراسان دردورهٔ سلطان حسین‌میرزاصاحب**قیاسات**،مثنوی **عدل‌و داد**، **مختارالاخبار**، نمونهٔ شعراو:
دوزخ پی عقوبت ما کافران‌کم است
ما را مگربه‌آتش هجران سزا دهند
اخسیکتی ، اثیرالدین.
(فوت ۵۷۷ ه ق)
شاعری ازمردم **فرغانه** بود ، رکن‌الدین ارسلان طغرل ، اتابك ایلدگز ، محمد جهان پهلوان ، و قزل ارسلان را مدح‌گفته است .
اخوان تقوی، عباس.
شهدی را به بینید .

اخوان‌ثالث ، مهدی.
(متولد ۱۳۰۷ ه ش)
شاعری از مردم طوس ، که نام مستعارش (م-امید) است و ازهمکاران جدی مطبوعات می‌باشند ، ارغنون ، زمستان ،آخرشاهنامه ، از این اوستا ، شکار ، قسمتی ازآثار اواست .
ادهم‌کاشانی
(فوت ۹۶۹ ه ق)
شاعری غزلسرا ازمردم‌کاشان ، در تبریزبه دست جوانی کشته شد .
ادیب الممالك فراهانی ، میرزا صادق حکیم .
(۱۲۷۷-۱۳۳۶ ه ق)
شاعر و نویسنده و روزنامه نگار (روزنامهٔ مجلس ، روزنامهٔ عراق عجم، ادب تبریز وآفتاب) ایرانی متخلص به **امیر**که ابتدا **پروانه** تخلص می‌کرد، اولین شاعری است که برای بار اول موضوعهای سیاسی ولغات فرنگی درشعر آورد .
ادیب برومند، عبدالعلی .
(متولد ۱۳۰۰ ه ش)
شاعری ازقریه‌**گز**برخوار اصفهان، **نامه‌های وطن**ازاو به‌چاپ رسیده، نمونهٔ شعر او :
ای‌آن‌که سست عشق ز پیمانهٔ توام
مسحور آن دو نرگس مستانهٔ توام
ادیب بیضایی، علی‌محمد .
(وفات ۱۳۱۲ ه ش)
شاعری ازکاشان ، دارای دیوانی با ۲۰۰۰۰ بیت شعر ، نمونهٔ شعر او :
بد مکن‌کز برای مردم بد
بد تو در بدی بهانه شود
پس بدیها کنند بر اثرش
بد تو شهرهٔ زمانه شود .
ادیب پیشاوری ، سید احمد.
(۱۲۶۰-۱۳۴۹ ه ق)
شاعری‌دانشمند، ازمردم پاکستان، است .
ادیب‌صابر، شهاب‌الدین.
(فوت ۵۴۶ ه ق)
شاعری از دورهٔ سلجوقی که برای خدمت به سنجربه خوارزم رفت و اتسز آگاه شد او را در جیحون خفه کرد . نمونهٔ شعراو :
دراین برف وسرما دوچیزاست لایق
شراب مروق رفیق موافق
گر از برف چون روز شد شهرهٔ شب
یکی آتش افروز چون صبح صادق
ادیب نیشابوری، عبدالجواد.
(۱۲۸۱-۱۳۴۴ ه ق)
شاعری ازمردم نیشابور ، دیوانش قریب ۶۰۰ بیت شعردارد .
ازرقی هروی، ابوبکر زین‌الدین.
(فوت ۴۶۵ ه ق)
شاعری پارسی‌گوی در دربار طغانشاه پسر الب ارسلان سلجوقی و امیرانشاه بن‌قاورد. صاحب**الفیه‌وشلفیه** و منظومهٔ **سندباد نامه** .
استاد الائمه .
رضی‌الدین نیشابوری را به‌بینید .
استرآبادی، ابن‌حسام.
ابن حسام را به بینید .
استغنایی ، ابوالمظفر، نصربن محمد
(قرن ۴ ه ق)
شاعرمعاصر سامانیان .
اسدی طوسی .
(متوفی سال ۴۶۵ه ق)
ابونصر علی بن احمد طوسی ، متخلص به اسدی ، از شاعران بزرگ قرن پنجم هجری است. شهرت او بیشتر بواسطهٔ نظم «گرشاسبنامه» است‌که به تقلید از شاهنامهٔ فردوسی ساخته و آن را درسال ۴۵۸ هجری درنخجوان‌به‌نام «ابودلف» حکمران اران ونخجوان به نظم درآورده و درساختن‌آن قدرت‌طبع نشان داده است .
غیر از گرشاسب نامه ، اثر نفیس دیگری نیز به‌نام «لغت فرس» ازخودبه یادگارگذاشته ،که درآن لغات فارسی را معنی‌کرده وازشعرای پیش از خود شواهدی درآن‌آورده است .
و نیز یادگاری دیگر که از وی باقی‌مانده«کتاب‌الابنیةعن‌حقایق‌الادویه» تألیف « ابومنصور موفق هروی» است که در سال ۴۴۷ به خط خود نوشته و امروز از کهن‌ترین نسخ خطی فارسی و در جهان منحصربه فرد است . نمونهٔ شعر او :
فرومایه را دار دور ازبرت
مبادا که ننگین شودگوهرت
نویسنده را دست گویا نبود
گل دانش از دلش بویا بود
اسعدگرگانی .
فخرالدین اسعد را به بینید.

۱۲۱۸

اسفندیاری، علی.
نیما یوشیج را به بینید.
اسماعیل ابن یسار .
(فوت ۱۳۰ ه ق)
شاعر ایرانی عربی زبان، معروف به نسایی است.
اسیری اصفهانی، حسین.
(قرن ۱۲ ه ق)
شاعری ازاصفهان است، که معاصر آذر بیگدلی بوده است.
اسیری لاهیجی، شمس الدین محمد.
(فوت ۹۱۲ ه ق)
شاعر و عارف‌ایرانی،صاحب‌اسرار الشهداء،مفاتیح الاعجاز می‌باشد .
اشتری، هادی.
فرهاد را به‌بینید.
اشرف، مشکوتی.
(متولد ۱۲۹۰ ه ش)
شاعرهٔ تهرانی، نمونهٔ شعر او:
به چهر گلی باغبان اشك دید
همی آه حسرت ز دل بر کشید
اشرف الدین حسینی، سید .
(۱۲۸۸ ه ق ـ۱۳۱۳ ه ش)
شاعری از مردم رشت و مؤسس روزنامهٔ نسیم شمال با بیماری جنون در گذشت. نمونهٔ شعر او:
روز و شب زارع بیچاره به‌صدرنج‌وعذاب
بهر یك‌لقمهٔ نان غرقه میان گل و آب
آخر سال که شد می‌کندش خانه خراب
همه آن‌است که‌انصاف دراین‌ویران‌نیست
اعتصامی، پروین.
پروین اعتصامی را به بینید.
اعلامی، شهناز.
(متولد ۱۳۰۰ ه ش)
شاعره‌ای از اصفهان،نمونهٔ شعراو:
چنان بود در عمر من زندگانی
که‌در گورجان کندن وسخت‌جانی
پر از تلخی و نامرادی است یکسر
مرا دورهٔ خردی و نوجوانی
افراشته، محمد علی.
(متولد ۱۲۸۷ ه ش)
شاعری ازرشت،صاحب نامهٔ فکاهی چلنگر،بیشتر اشعار او به زبان گیلکی است، نمونهٔ شعر فارسی او:
ای چهارده ساله پالتو من
ای رفته سرآستین و دامن
ای آن که به پشت و رو رسیدی
جز خوردی و وصله پینه‌دیدی

افشار، دکترمحمود .
(متولد ۱۳۱۳ ه ق)
شاعری از یزد، صاحب مجلهٔ آینده و نمونهٔ شعر او:
چه هستی؟ گفتمش ای بادهٔ ناب
که بردی از سرم هوش از دلم‌تاب
افضل‌الدین محمد بن حسین کاشی .
بابا افضل را به‌بینید .
افضل‌اصفهانی ، خواجه‌افضل‌الدین‌ترکه
(فوت ۹۹۱ ه ق)
شاعری از اصفهان، نمونهٔ شعر او:
در چشم به آهوی ختا می مانی
در مو به شب سیا می‌مانی
معبدنئی و گرنه در یکتایی
گر کفر نباشد به خدا می‌مانی
افضل‌کرمانی، فضل‌الله .
(قرن ۹ و ۱۰ ه ق)
شاعری از کرمان، معاصر امیر علیشیر نوایی است.
الفت، شیخ محمد باقر.
(متولد ۱۳۰۱ ه ق)
شاعری از اصفهان، نمونهٔ شعر او:
ای‌عشق، جز تودرد مرا کس دوا نکرد
با من توکردی‌آن چه‌به‌مس‌کیمیا نکرد
الفت، عبدالله فاطمی .
(متولد ۱۳۰۶ ه ش)
شاعری از بروجرد، نمونهٔ شعراو:
رفتی و بی تو در دل شبها گریستم
شبها به یاد روی تو تنها گریستم
امیر.
ادیب‌الممالك‌فراهانی را به بینید.
امیرخسرو، خسرو بن امیر سیف الدین محمود.
دهلوی را به‌بینید.
امید، م.
نام‌مستعار،اخوان‌ثالث شاعرایرانی است.
امید، رحیم‌معینی.
(متولد ۱۳۰۱ ه ش)
شاعری از کرمانشاه، نمونهٔ‌شعراو:
مدار چرخ به کجداریش‌نمی ارزد
دوروزعمر به این‌خواریش‌نمی‌ارزد
امیدی رازی، ارجاسب.
(فوت ۹۲۵ ه ق)
شاعری قصیده سرا ، ساقی نامه‌ای دارد.
امیر، سید عبدالله .
(۱۲۸۴ ـ ۱۳۳۲ ه ق)
شاعری تهرانی، منشی میرزا علی

اصغرخان اتابك که هجویهٔ او در بارهٔ عین‌الدوله مشهور است. نمونهٔ شعر او:
گر جان کنم از عشق فدای‌توچطوراست
ور سر نهم از مهر به پای توچطوراست.
امیر، کریم
امیری‌فیروز کوهی را به بینید.
امیرالشعراء .
برهانی نیشابوری را به بینید.
امیرمعزی، ابوعبدالله‌محمدبن‌عبدالملك
(متوفی‌به‌سال ۵۲۸ ه ش)
متخلص به معزی‌شاعر معروف‌دورهٔ ملکشاه سلجوقی از مردم نیشابور است معزی پس از پدرش «عبدالملك» به خدمت ملکشاه راه یافت و مدتی در سختی و گمنامی روزگار می‌گذراند، تا مورد لطف و عنایت قرارگرفت‌و تاآخر عمردرخدمت‌ملکشاه وبعدازآن‌درخدمت سلطان‌سنجر بسر می‌برد، وتخلص‌خودرا ازلقب‌ملکشاه «معزالدنیا والدین» گرفت وبعدها به‌امیرالشعراءمعروف‌گردید.
معزی ازقصیده سرایان‌بزرگ‌دورهٔ سلجوقی است. نمونهٔ‌شعراو:
درعشق توام امیدبهروزی نیست
وزعهدشب وصال تو روزی نیست
از آتش تو دلم چرا می‌سوزد
چون هیچ تراعادت دلسوزی‌نیست.
امیری فیروز کوهی، کریم
(متولد ۱۲۸۹ ه ش)
متخلص‌به امیر، شاعری مازندرانی در غزل پیروصائب‌است،نمونهٔ شعر او:
من‌کیستم؟ زجان‌وجهان دست‌شسته‌ای
وارسته‌ای،به گوشهٔ عزلت نشسته‌ای
امین، مولانا احمد.
(۱۱۱۴ ـ ۱۱۷۶ ه ق)
معروف به شاه ولی‌الله ، شاعر و عارف معروف ازمردم‌هند صاحب آثاری چون‌حجة الله‌البالغة، ازالة‌الخفاءعن‌خلافة الخلفاء ، فتح الرحمان، تفسیرالقرآن، انفاس‌العارفین،فیوض‌الحرمین وبسیاری دیگر.
نمونهٔ شعر او:
نخستین باده کاندر جام کردند
مزاجش عکس آن گلفام‌کردند
امینی‌نجار، ابوسرافه عبدالرحمن.
(قرن ۴ ه ق)
شاعر از مداحان سلطان محمود غزنوی، نمونهٔ شعر او:
زره پوش ترك من آن ماه پیکر
زره دارد از مشك بر ماه انور

امین میرهادی.
(متولد ۱۳۰۱ش)
شاعری ازمعلمین علوم‌طبیعی صاحب تألیفات فراوان‌دراین رشته، اشعارش به نام **غزلیات امین** منتشر شد، نمونهٔ شعر او:
ما سالهاست طالب معشوق و باده‌ایم
از دست رفته‌ایم وز پا اوفتاده‌ایم

انوری ابیوردی، اوحدالدین محمد.
(فوت ۵۸۷ ه ق)
شاعری‌ازقریهٔ‌مهنهٔ‌ابیور، که‌درآغاز **خاوری** تخلص می‌کرد و بعد به انوری مشهورشد. اومعاصرسلطان‌سنجر سلجوقی بود در قصیده توانا و دیوانش صاحب قصاید متین و عالی است. نمونهٔ شعر او،
شادمانی گزین و نیکی جوی
زندگانی وفا نخواهد کرد
از سر روزگار گرد برآر
پیش‌ازآن کزسرت بر آرد گرد

انیسی‌شاملو، علی‌قلی‌بیگ.
(فوت ۱۰۱۴ ه ق)
شاعری پارسی‌گوی ازقبیلهٔ شاملو، دیوان و یك مثنوی (محمود وایاز) از اوباقی‌است.

اوحد، خواجه‌اوحدالدین مستوفی.
(فوت ۶۸۸ ه ق)
شاعری ازسبزوار، نمونهٔ شعراو.
گردون فراشت رایت بیضای‌آفتاب
وزپرده های‌دیدهٔ شب شست‌کحل خواب
صبح سمن عدار چو خوبان شوخ چشم
پرده ز رخ فکنده برون‌آمداز حجاب

اوحد کرمانی، ابو حامد اوحدالدین احمد.
(فوت ۶۳۵ه ق)
شاعر و عارف ایرانـی، از آثار فارسی او **رباعیات** و مثنـوی **مصباح‌الارواح** است.

اوحدی مراغه‌ای، رکن‌الدین.
(۶۷۰ ـ ۷۳۸ ه ق)
شاعری از مراغـه، از مخلصان اوحدالدین ابو حامدکرمانی بوده‌است. جام‌جم، دیوان‌شعر منطق‌العشاق(ده‌نامه) ازاوباقی است.
نمونهٔ شعراو:
سرپیوند ما ندارد یار
چون‌توان‌شدزوصل‌برخوردار؟
همدمی نیست تا بگویم راز
خلوتی نیست تابگریم زار

اورنگ، عبدالحسین.
(متولد ۱۳۰۵ ه ق)
ملقب بـه شیخ الملك، شاعـر و سیاستمدار ایرانی.
نمونهٔ شعر او:
دل‌زغم لبریز وبراب قدرت‌گفتار نیست
مردم ازحسرت‌که‌یك‌تن‌محرم‌اسرار نیست

اوستا، مهرداد.
(متولد ۱۳۰۸ ه ش)
شاعری خراسانی. صاحب آثاری چون:فلسفه ومنطق و روانشناسی (برای دبیرستانها)، تصحیح دیـوان ساووجی، تصحیح رسالهٔ وجود و نوروزنامهٔ خیام، ازکاروان رفته (مجموعهٔ شعر)،پالیزبان (مجموعهٔ نثر)، نمونهٔ شعر او:
وفانکردی وکردم، خطا ندیدی و دیدم
شکستی و نشکستم، بریدی و نبریدم
اگر زخلق ملامت و گر ز کرده ندامت
کشیدم ازتوکشیدم، شنیدم از توشنیدم

اهلی ترشیزی
(فوت ۹۰۲ ه ق)
شاعری ازخراسان، دارای سبکی خاص شعرای‌هرات.

اهلی‌شیرازی، محمد
(فوت ۹۴۲ ه ق)
شاعری از شیراز با سبك هندی، دیوانش ۱۲۰۰۰ بیت شعـر دارد، ۵ مثنوی به‌نامهای:
رسالهٔ نغز، ساقی‌نامه، سحر حلال، شمع و پروانه. فوایـد الفـواید و چند رسالهٔ دیگر از اوباقی است.
نمونهٔ شعراو:
ماچنین بیخود، اگر یار رسد برسرما
که دهد مژده اگر دل نتپد در برما

ایران‌الدوله، فصل بهار خانم.
جنت‌را به‌بینید.

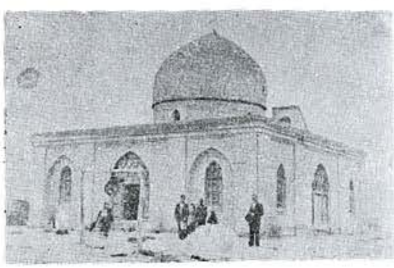
ایرج، ایرج میرزا
(۱۲۹۱ ـ۱۳۴۴ ه ق)
شاعری،ایرانی‌درشاعری‌سبك‌خاصی داشت‌که ساده و روان وآراسته به صفت سهل وممتنع بود.دیوان او بارهاتجدید چاپ شده‌است، مثنوی **زهره و منوچهر** ایـرج‌شهرت عام‌دارد.

ایزد، کاظم‌رجوی.
(متولد ۱۲۹۱ه ش)
شاعری ازدیلمقان، صاحب‌آثاری چون نامهٔ پیروزی، تاریخ وجغرافیای سلماس‌وتاریخچهٔ‌ادبی‌آن‌جا،خردپژوهی، فارابی و فلسفهٔ او، روش نگارش، وراثت روحانی،پرورش خانوادگـی. روزگار خونین، ارمغان‌آذربایجان، پیروزی نامه، ترجمهٔ خطبهٔ توحیدیهٔ ابن سینا، ارمغان ایران به‌پاکستان،بهترین روش درآموزش نگارش، وبسیاری‌دیگر که هنوز چاپ نشده است.
نمونهٔ شعر او.
چه‌خوش باشدکه هنگام بهاران
گذشتن از میان لالـه زاران

بابا افضل، افضل‌الدین محمد بن حسین کاشی
(قرن ۶ و۷ ه ق)
شاعر وعارف ازمردم کاشان،صاحب آثاری چون:
انجام‌نامه، جاودان‌نامه، ره‌انجامـ نامه، المفیدللمستفید، ساز وپیـرایه، سه‌گفتار، گشایش نامه، ینبوع‌الحیوة و ایمنی ازنفس در پناه خردمی‌باشد.

باباسودایی.
سودایی ابیوردی رابه‌بینید.

باباطاهرعریان.



(فوت ۴۱۰ ه ق)
شاعر متصوف و ترانه‌گوی بزرگ قرن پنجم هجری‌باباطاهر همدانی است، اززندگانی اواین اندازه اطلاع هست‌که طغرل‌اول پادشاه سلجوقی درهمدان اوـ را ملاقات‌کرده و مورد احترامش قرار داده‌است.
شهرت‌باباطاهر بواسطهٔ دوبیتی‌های لطیف ودل انگیز است‌که به لهجهٔ لری سروده و از نوع فهلویات و ترانه های معمول در نقاط مختلف‌ایران است.
علاوه بردوبیتی‌ها، رسالاتی نیزبه عربی و فارسی تدوین کرده‌که از جمله مجموعهٔ **کلمات قصاری** است بـه عربی در عقاید تصوف و عبادت وتوحید.
باباطاهر در همدان درگذشت و در همان‌جا مدفون‌گردید.

باباغانی شیرازی .
(فوت ۹۲۵ ه ق)
شاعری ازشیراز که دردربار یعقوب آق قویونلو بود .

باباکمال خجندی، کمال‌الدین مسعود.
(فوت ۸۰۳ ه ق)
شاعری غزلسرا وعارف بود .

باقی بالله ، خواجه باقی بالله دهلوی .
(۹۷۲ ه ق)
شاعروعارفی ازمردم کابل، نمونهٔ شعراو:
در راه خدا جمله ادب باید بود
تاجان باقی است در طلب باید بود
دریا دریا اگـر به کامت ریـزند
کم باید کرد و خشک لب باید بود

باستانی پاریزی، دکتر محمد ابراهیم.
نویسندگان را به‌بینید .

باخرزی ، ابوالقاسم علی‌بن الحسن.
(۴۳۷ ـ ۴۶۸ ه ق)
شاعر پارسی گوی وتازی گوی که در دربار سلطان رکن الدین طغـرل سلجوقی می‌زیست ، غیر ازدیوان شعر ، **دمیةالقصر وعصرةاهل‌العصروطرب‌نامه** از او باقی مانده است .

بامداد .ا.
شاملو را به‌بینید .

بامداد، پروین تکین.
(متولد ۱۳۰۲ ه ش)
شاعره‌ای تهرانی ،که نام مستعارش **سیمرغ** است،نمونهٔ شعراو :
مطرب آهنگ سفر، نغمهٔ روح افزایی است
مـایهٔ شادی و امید دل شیدایی است

بامداد، محمد علی.
(۱۲۶۳ـ۱۳۳۰ ه ش)
شاعری از مردم خراسان ، صاحب **روزنامهٔ بامداد روشن و حافظ‌شناسی یا الهامات حافظ ، درس اخلاق ، مکتوبات** می‌باشد ، نمونهٔ شعراو :
زاییده شدی ، شدی گرفتار محن
باید تـا مرگ بار محنت بردن
سرتاسر تـاریخ بشر نیست مگر
زاییده شدن ، رنج کشیدن،مردن

بدرجاجرمی .
(فوت ۶۸۶ ه ق)
شاعر ایرانـی ، از مردم اصفهان معاصر بهاءالدین محمد جوینی .

بدیع ، ملامحمد یوسف اندجانی .
(فوت ۸۹۷ ه ق)
شاعر پارسی گوی ، نمونهٔ شعراو:
گر به این آب وهوا کویت بود منزلگهم
نی زلال خضر باید نی دم روح اللهم

بدیع ، عبدالحمید بدیع‌الزمان.
(متولد ۱۲۸۳ ه ش)
شاعری از مردم سنندج ، صاحب آثاری چون اتحاف الاخوان به تذکرة رجال ابن‌خلکان ، مخزن الادب ،بدایع‌ـ الفوایـد ، مؤیدالفواید ، و بسیاری دیگر نمونهٔ شعراو:
مرا وظیفهٔ تـدریس در دبیرستان
چه‌خیرها که نداده‌است رایگان به‌جهان

بدیع ، محمد حسن .
(۱۲۵۱ ـ ۱۳۱۶ ه ش)
از شاعران ایرانی متولدکاظمین و از همکاران **روزنامهٔ حبل‌المتین** ، از آثار اواست : دستور زبان فـارسی ، تاریخ بصره ، شمس‌الدین وقمر، داستان باستان ، دیوان‌اشعارو‌داش مشتی‌پاریس (ترجمه) .
نمونهٔ شعر او :
پندی به تو گویم ای پسرجان
کارزد همه دولت جـهان را
چیزی‌که برای خـود نخواهی
بهر دگری مـخواه آن را

بدیع الزمان همدانی .
نویسندگان ایرانی را به بینید .

بدیع بلخی ، ابومحمد.
(متولد ۳۸۱ ه ق)
شاعری ازبلخ ، نمونهٔ شعراو :
چه پوشی جوشن غفلت‌که روزی
توبـاشی تیر محنت را نشانه
امل با عمرت اندرنه به معیار
نگه کن تا کجا گردد زمانه

براهنی، دکتررضا .
(متولد ۱۳۱۴ ه ش)
شاعری ازمردم‌تبریز، وازهمکاران مطبوعات است ، آهوان باغ ، جنگل شهروبرفراز دار ، شبی ازنیمروز ، پلی بررودخانهٔ درینا (ترجمه) ، تراژدی ریچاردسوم (ترجمه)،کلادرمس ، ازآثار اواست .

برخوردار ترکمان.
نویسندگان ایرانی رابه بینید .

برهانی نیشابوری ، عبدالملک.
(قرن ۵ ه ق)
ملقب به امیرالشعراء شاعری از نیشابور که در آغاز سلطنت ملکشاه سلجوقی‌هنگام‌مسافرت‌به‌قزوین‌درگذشت.

بساطی سمرقندی، سراج‌الدین.
(فوت ۸۱۵ ه ق)
شاعرپارسی‌گوی سمرقند که تخلص او درآغاز**حصیر** بود .

بلاغی، صدرالدین.
(متولد ۱۲۹۰ ه ش)
شاعری ازمردم نایین، سخنرانیهای بلاغی ، ترجمهٔ صحیفهٔ سجادیه ، قصص قرآن‌و فرهنگ‌آن ازکارهای‌ایشان‌است.
نمونهٔ شعر:
زکار چشم و لب خویش در عجبم
که درمیان دودریا همیشه تشنه لبم
زشوق روی‌توهرشب به‌انتظارطلوع
به یادموی تو هرروز در خیال شبم

بناکتی ، فخرالدین ابوسلیمان داود .
(فوت ۷۳۰ ه ق)
شاعرومورخ دورهٔ غازان‌خان‌مغول.

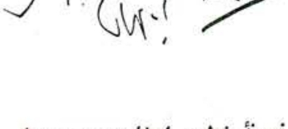
بنی‌آدم، حسینعلی‌خان.
(متولد ۱۲۷۹ ه ش)
شاعری ازکاشان ملقب به **شریف ـ السلطنه**، نمونهٔ شعراو:
دلم گرفت در این عاریت سرای درنگ
فسرد خاطرم از واردات رنگ به رنگ

بوشهری، حسین دیشهری.
(۱۲۵۳ ه ق)
شاعری بوشهری‌که آثاری چند از مدح و مرثیه ازاو بجا مانده است .

بهاءالدین بغدادی .
نویسندگان ایران را به ببنید.

بهار ، محمدتقی ملک‌الشعراء
(۱۲۶۶ـ۱۳۳۰ ه ش)
شاعر و نویسنده و روزنـامه‌نگار (روزنامهٔ نوبهار ، مجلهٔ دانشکده و) محقق ایرانی، که بایداورا بزرگترین قصیده‌سرای ایران‌دانست، **سبک‌شناسی بهار** ازکتب مراجعهٔ قابل اعتباراست،





نمونهٔ خط و امضاء مرحوم بهار

تصحیح تاریخ بلعمی ، تاریخ سیستان ، جـوامع الحکایات ، مجمل التواریخ و تاریخ‌احزاب سیاسی ازکارهای مهم‌ایشان است.بهار در اثر ابتلای به بیماری سل درگذشت .

بهارشیروانی.
شیروانی را به بینید .

بهبهانی، سیمین.
(متولد ۱۳۰۶ ه ش)



شاعرهٔ ایرانی ، آثاری‌چون: سه‌تارشکسته، جای پا ، چلچراغ ، مرمر ازاو چاپ شده نمونهٔ‌شعراو :

هرعهدکه باچشم دل انگیزتو بستم
امشب‌همه‌راچون سرزلف توشکستم
فریادزنان، ناله‌کنان،عربده‌جویان
زنجیر ز پای دل دیوانـه گسستم

بهرام پژدو.
زردشت را به‌بینید .

بهرامی، ابوالحسن.
(قرن ۴ ه ق)
ازشعرای‌دورهٔ‌غزنوی،صاحب‌آثاری چون:
خجسته‌نامه،غایةالعروضین،کنزالقافیه از اوبه‌جا مانده است، نمونهٔ‌شعراو:

ماهردو بتاگل دورنگیم
بنگربه‌چه‌خواهمت‌صفت‌کرد
یك‌نیمهٔ آن‌تویی به سرخی
وین‌نیم دگرمنم چنین زرد

بهروزی،محمد جواد.
(تولد ۱۳۰۰ ه ش)
شاعری بوشهری، که غوغای جوانی یاشراره‌های عشق ازاومنتشر شده است.
نمونهٔ کاراو:

تاقلب پریش وچشم‌تر دارم
بهتر که‌دل از حیات‌بردارم
یك عمر گذشت و تاسحرهر شب
برماه وستارگان نظر دارم

بهروزی،محمود.
(متولد ۱۲۸۹ ه ش)
شاعری ازمردم ساری، و صاحب **روزنامهٔ کنار دریا** و کتاب **اگر خدا بخواهد**، می‌باشد. نمونهٔ شعر ایشان :

نازنینا گر شود دستم از آن دامن جدا
بیم آن دارم که گردد جان‌من‌ازتن‌جدا

بهمنیار، احمد.
نویسندگان ایران رابه‌بینید.

بیانی.
مروارید را به‌بینید.

بیدار، محمدحسین جلیلی
(متولد ۱۲۹۸ ه ش)
شاعری‌از کرمانشاه، نمونهٔ‌شعر او:

به دوش دل زغم هجر بارها دارم
هنوز اول عشق است کارها دارم

بیدل‌شیرازی، سید میرزا محمد رحیم.
(زنده‌درقرن ۱۳ ه ش)
ملقب به‌فخرالدوله، شاعرو طبیب‌و ندیم فتحعلی شاه قاجاربود.

بیضایی، حسین
پرتو، رابه‌بینید.

بیضایی، نعمت‌الله.
ذکایی، را به‌بینید.

بیگدلی.مصطفی‌بیك.
آذر بیگدلی را به‌بینید.

بینوا.
آتش‌را به‌بینید.

پارسی.
(فوت ۶۲۲ ه ق)
امام‌ضیاءالدین فارسی‌خجندی‌شاعر شیرازی که‌نسبش‌به سلمان‌فارسی‌می‌رسد، مداح ملوك خانیه وخوارزمشاهیان بوده است .

پازارگاد، دکتر بهاءالدین.



(متولد ۱۳۱۷ ه ق) نویسنده ، مترجـم ، روزنامه‌نگار (مجلهٔ خورشید ایـران) و شاعرایرانی، نمونهٔ شعراو:

درمانده‌وبیچاره وژولیده وعریان،
بیچاره فقیری
هم گرسنه، هم برهنه، بی‌مسکن وحیران
ماتم زده پیری
بنشسته بدانذر سرره چون بت بی جان
با آه ضمیری
می‌گفت به‌خود:«آه ازاین حال‌پریشان»

پرتو، حسین بیضایی.
(متولد ۱۲۸۵ ه ش)
شاعری از کاشان ، صاحب آثاری چون:
تاریخ کاشان،تذکرهٔ شعرای کاشان، تلخیص تاریخ (گیتی‌گشای‌زند)، جمع‌آوری وتصحیح دیوان **صباحی بیدگلی کاشانی‌وسعیدای قصاب کاشانی ،دیوان ادیب‌بیضایی** (پدر شاعر)، تاریخ ورزش باستانی می‌باشد. نمونه شعراو:

گربرای‌خدمت مردم مهیا نیستم
بار دوش وخارراه کس‌به‌دنیا نیستم

پرتو، سید عبدالعلی‌علوی.
(متولد ۱۲۸۱ ه ش)
شاعری ازتهران، آثاری‌چون: راست‌ونو،زندگی‌علی‌بن‌ابیطالب(ترجمه)، دستور زبان آلمانی (به فارسی) دارد. نمونهٔ شعراو:

بامدادان خروس‌دادآواز
که‌سحرگاه‌برف باریده‌است
وندران کلبهٔ شکسته زطاق
خفته‌ای‌زیربرف‌خوابیده‌است

پروانه.
ادیب الممالك فراهانی را به‌بینید.

پروین‌اعتصامی.
(۱۲۸۵ ـ ۱۳۲۰ ه ش)
شاعرهٔ‌ایرانی دختریوسف اعتصامی درشعر پیرو ناصرخسرو، وسخنش رنگ کلام عراقی دارد ، بیشتر شامل نکات اخلاقی واجتماعی وپند واندرزاست.

پری،پروین دولت‌آبادی .
دولت‌آبادی را به‌بینید.

پژمان‌بختیاری. حسین.
(۱۲۷۹ ه ش)



شاعری از ایل‌بختیاری، فرزندعلی‌مرادخان و ژاله(شاعره)، بهترین‌اشعار، دیوان‌حافظ ، دیوان‌خیام، دیوان‌جامی، تاریخ پست وتلگراف، دیوان پژمان و منظومه‌های زن‌بیچاره، سیه‌روز، محاکمهٔ شاعر، از آثار قلمی و ترجمه‌ها و گردآوری و

تصحیح ایشان است. نمونهٔ شعر او:
در کنج دلم عشق کسی خانه ندارد
کس جای در این کلبهٔ ویرانه ندارد
دل را به کف هر که دهم باز پس آرد
کس تاب نگهداری دیوانه ندارد

پور بهاء جامی.
(فوت ۶۹۹ ه ق)
شاعری از خراسان، از مداحان خواجه شمس الدین جوینی بود. نمونهٔ شعر او:
بر بیاض آفتاب از شب رقم خواهد کشید
ماه را بر صفحهٔ خوبی قلم خواهد کشید
امشب ای شمع از سر بالین بیماری مرو
بیدلی سر در گریبان عدم خواهد کشید

پور.
پورداود را به بینید.

پورداود، ابراهیم.
متخلص به پورولسان و گل، (خاور شناسان را به بینید)، نمونهٔ شعر او:
از سوز من و سازش دلدار مپرسید
از درد من و مرحمت یار مپرسید
بگشود درم دوش بتی زهره جبینی
از عیسی حسن و دل بیمار مپرسید

پیدا.
مزارعی را به بینید.

پیدا، جعفر.
(متولد ۱۲۷۰ ه ش)
شاعری از همدان، نمونهٔ شعر او:
آتش جانسوز عشق یار ودل افسانه نیست
داستان شمع وجان افشانی پروانه نیست
شاد باد آن کس که گردد پاسبان کوی دوست
هر گدایی لایق این منصب شاهانه نیست

ترجمان الاسرار.
حافظ را به بینید.

تقوی، سید نصرالله.
(فوت ۱۳۲۶ ه ش)
استاد دانشگاه و شاعری تهرانی، **هنجار گفتار** و تصحیح دیوان ناصر خسرو از او است. نمونهٔ شعر ایشان:
بیا که عشق تو از سر نمی‌رود مارا
به دست آر دل اوفتاده از پا را

تقی الدین کاشی، محمد بن شرف الدین حسینی
(فوت ۱۰۱۶ ه ق)
شاعر و تذکره نویس کاشانی، صاحب خلاصة الاشعار زبدة الافکار می‌باشد.

تمیمی، فرخ.
(متولد ۱۳۱۲ ه ش)
شاعری نو پرداز از نیشابور، آغوش، سرزمین پاك، خسته از یك رنگی تکرار از آثار او است.

توللی، فریدون.
(متولد ۱۲۹۸ ه ش)
شاعری شیرازی، صاحب آثاری چون:
مینیاتور در ایران، رها، پویه، التفاصیل، کاروان، نافه بوده و از همکاران **مجلهٔ سخن** است.

تیرا، دکتر محمد صادق کیا.
(متولد ۱۲۹۹ ه ش)
استاد زبان شناسی دانشگاه.
(زبانشناسان را به بینید.)
نمونهٔ شعر ایشان:
ما گوش بـه بستیم و دو دیده بگشادیم
همراه گـزیدیم و بـه ره گام نهادیم
راهی بـه شکیبایی و خاموشی و گرمی
مردانه پـریدیم و دمی وانستـادیم

ثابت، علی.
(۱۲۵۸ــ۱۳۲۲ ه ش)
شاعری مازندرانـی، دارای خطی خوش و مـدتها استاد دانشگاه بود، از کارهای اوست:
تصحیح دیوان میرزا ابوالحسن جلوه، فرخی سیستانی، خاقانی شروانی، منوچهری، عنصری، سروش اصفهانی، محمود خان ملك الشعرا و قسمتی از دیـوان ادیب پیشاوری.
نمونهٔ شعر او:
حرمت پیر مغان را سفری کردم باز
تا از آن خاك مصفا مددی جویم باز
سر سودایی من راه جنون پیش گرفت
دل هرجایی من کرد ز سر عشق آغـاز

ثابتی، رضا.
(متولد ۱۳۱۰ ه ش)
شاعری تهرانی، **تذکرهٔ علوی** و **رقص شعله** از آثار چاپ شدهٔ ایشان است.
نمونهٔ شعر او:
دیشب گل من غنچهٔ خاموش که بودی
تا وقت سحر تنگ در آغوش که بودی

جامی، نورالدین عبدالرحمان.
(۸۱۷ ــ ۸۹۸ ه ق)
شاعر عارف از مردم **خرجرد جام**، متخلص به جامی، وملقب به **خاتم الشعراء**، ۷ مثنوی او عبارتند از:
سلسلة الذهب، سلامان و ابسال، تحفة الاحرار، سبحة الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون، خردنامهٔ اسکندری و از کتب دیگرش: بهارستان، نفحات الانس معروفند.

جانان بیگم.
(فوت ۱۰۷۰ ه ق)
شاعر و نویسندهٔ پارسی گوی، نمونهٔ شعر او:
عاشق ز خلق عشق تو پنهان چسان کند
پیداست از دوچشم ترش خون گریستن

جاهی.
سلطان ابراهیم میرزا را به بینید.

جبلی غرجستانی، عبدالواسع.
(وفات ۵۵۵ ه ق)
شاعر، مداح سلطان سنجر و بهرام شاه غزنوی.

جعفر، فخرالدین احمدخان.
(۱۲۳۰ ه ق)
شاعـری پارسی گوی از دوستان اختر.

جلال، ملامحمد جلال الدین محقق دوانی.
(فوت ۹۰۸ ه ق)
شاعر و نویسندهٔ پارسی زبان، صاحب آثاری چون:
حواشی شرح تجرید، شرح هیاکل، شرح حکمة الاشراق، شرح تهذیب، شرح عقاید، اخلاق جلالی می‌باشد.
نمونهٔ شعر ایشان:
ای مصحف آیـات الهی رویت
وی سلسلهٔ اهل ولایت مـویت
سرچشمهٔ زندگی لب دلجویت
محراب نماز عاشقان ابرویت

جلال شیرازی.
جلال طبیب را به بینید.

جلال طبیب (جلال شیرازی).
(فوت ۷۹۵ ه ق)
شاعر و طبیب ایرانی، معروف به حکیم جلال، صاحب آثاری چون: گل و نوروز (منظومه) می‌باشد.

جلال عضد، جلال الدین بن سید عضد.
(قرن ۸ ه ق)
شاعری از یزد، که مدتی وزیر بود و خطی خوش داشت.

جلوه، میرزا ابوالحسن.
(۱۲۳۸ــ۱۳۱۴ ه ق)
شاعری از **نایین**، صاحب رساله‌ای در تاریخ صفویه و حاشیه ای بر اسفار، دیوان او به چاپ رسیده است.
نمونهٔ شعر ایشان:

باحرص وامل چون هلـه همراه نباشم
پس از چـه من عور گـدا شاه نباشم
درویشم و خرسند چـرا بامدد دوست
با این شرف و مـرتبه و جاه نباشم

جلیلی ، محمد حسین .
بیدار را به‌بینید .

جلی ، ابوتراب .
(متولد ۱۳۲۷ ه ق)



شاعری از دزفول فرزند حسین (متخلص به حقیـر) از همکاران جدی مجله و روزنامه است . طـوفان ، اسرارشیطان، ترانه، عشق و عفت ، و کتاب ابـراهیم از آثار او است .

نمونهٔ شعرایشان:
در گوشهٔ سنکلج یتیمی
بیمار وضعیف و ناتوان بود
شب خفته به‌دامن گلیمی
روز از پی لقمه‌ای دوان بود
پیوسته به ناله و فغان بود

جمال‌الدین عبدالرزاق .
(فوت ۵۸۸ ه ق)
شاعری از اصفهان ، از مداحان ارسلان بن طغرل و نصرة‌الدین جهان پهلوان ایلدگز بود.
نمونهٔ شعراو:
ای‌عشق چه دردی توکه درمانت نیست
ای‌جان به‌چه‌زنده‌ای‌که جانانت نیست
ای صبح نه وصلی که تـو پیدا نشوی
ای شب نه غم منی کـه پایانت نیست

جمالی اردستانی ،جمال‌الدین محمد .
(فوت ۸۷۹ ه ق)
شاعر و عارف از مردم اردستان معروف به **پیرجمال** دیوانش شامل بیش از ۵۰ هزار بیت شعر است .
از جملهٔ آثاراو:
کشف‌الارواح، مصباح‌الارواح، شرح‌ـ الواصلین، روح‌القدس ،فتح‌ابواب، تنبیه‌ـ العارفین ، مهر افروز ، ناظر و منظور ، شرح‌الکنوز ، و استقامت‌نامه می‌باشد .

جنت ، فصل بهار خانم .
(۱۲۹۵ـ۱۳۵۹ه ق)
شاعرهٔ ایرانی ملقب به‌ایران‌الدوله می‌باشد .

جنیدی ، ابوعبدالله محمد .
(قرن۴ه ق)
شاعر دورهٔ صاحب بن عباد .
نمونهٔ شعراو :
شبگیر وصبوح را زسر گیر
بربانگ خروس ناله و زیر
خورشیدکه برزند سرازکوه
آن به‌که خورد زجام‌تشویر

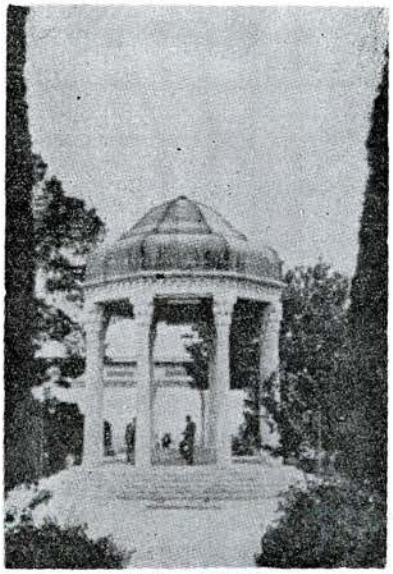
جهان خاتون .
(قرن ۸ ه ق)
شاعرهٔ ایرانی همسر خواجه **امین‌ـ الدین** (وزیر شاه‌ابواسحاق اینجو).

حاتم‌دهلوی ، شیخ‌ظهورالدین محمد .
(فوت ۱۱۹۷ ه ق)
شاعر پارسی گوی از مـردم‌هند ، متخلص به **رمزی** ومعروف به **شاه حاتم‌ـ دهلوی .**
نمونهٔ شعر او :
فتدآتش به جان ناتوانیهای من حاتم
ندارم طاقت دیـدار می‌گویندیار آمد

حاجب ، حیدر علی .
(۱۲۷۱ ـ ۱۳۳۴ ه ق)
شاعری از مـرودشت ، استاد خط نستعلیق وشکسته .
نمونهٔ شعراو :
آنجاکه هست‌بوی تـوباد بهار چیست
وآن‌جا که هست‌موی تومشك‌تتار‌چیست
زلف و رخ‌تو معنی لیل‌ونهار مـاست
با بودن تو گردش لیل و نهار چیست

حاجی‌بابا، حاجی‌امین‌الدین تبریزی .
(فوت ۷۵۸ ه ق)
شاعری عالم‌درحدیث وتفسیر، نمونهٔ شعراو :
تاکی‌آخرلعل‌نوشینت به‌می‌خواران‌رسد
زلف مشکینت به‌دست ناسزاواران رسد

حافظ ، شمس‌الدین محمد .
(فوت ۷۹۱ ه ق)
شاعر و غزلسرای معروف ایـران معروف به خواجه حافظ وملقب به‌لسان‌ـ الغیب و ترجمان‌الاسرار ، در حدود سال ۷۲۴ ه ق درشیرازمتولد شد، درجوانی به‌آموختن‌قرآن وادبیات عرب واسلامی پرداخت، وچون قرآن را ازحفظ داشت بـه حافظ معروف شد . در سال ۷۴۲ **شیخ جمال الدین ابواسحاق اینجو** بر شیراز مسلط شد وحافظ راگرامی‌داشت، ازبزرگان این دوره‌کسانی مانند :



آرامگاه حافظ

شیخ‌امین‌الدین بلیانی،قاضی‌عضدالدین ایجی و قاضی مجدالدین شیرازی از حافظ حمایت می‌کرده‌اند ، شاه شجاع و شاه منصور از ممدوحان حافظ بوده‌اند.
حافظ برخلاف سعدی‌مسافرت‌نکرد، فقط یك‌بار به‌یزد ویك‌بار به‌هورموز رفته ویك‌بارهم خیال مسافرت به‌هند داشته‌که به‌علت طوفانی شدن دریا موفق نشد.
غزلیات شورانگیز وعارفانهٔ اونزد صاحبدلان معروف ومقبول است .
مزارحافظ‌درشیرازازیارتگاه‌اهل‌دل‌است.

حالت، ابوالقاسم.
(متولد ۱۲۹۲ ه ش)
نویسنده، مترجم و شاعروروزنامه‌ـ نگار (سردبیری روزنامهٔ توفیق) است. ترجمه‌هایی مانند :



بهارزندگی، پـیشـروان موشك سازی، جادوگرشهر زمرد، شبح درکوچهٔ‌میکل آنژ، کلمات قصارحضرت علی (ع)، رقص‌کوسه ، داشته‌وپروانه

وشبنم (قصاید حالت) ، دیـوان حالت ، کلمات قصـارحضرت علی (ع) منظوم ، فکاهیات‌حالت‌ازآثاردیگر اواست، نمونهٔ شعرایشان :

کسی که دوش زبهرتو بزم چیدکه بود ؟
کسی که‌سوی خودآن‌سان‌تراکشیدکه‌بود؟
کسی که‌هرچه‌درآویخت‌درتوچون‌خس‌وخار
زباغ لطف توآخر گلی نچید که بود ؟

حبیب خراسانی ، حاج میرزا .
(۱۲۶۶ـ۱۳۲۷ ه ق)
شاعری عالم از مردم خـراسان ، دیوان‌کاملش به‌چاپ رسیده است. نمونهٔ شعر ایشان :

می‌خواست دلت‌که بیدل ودین باشم
بی عقل و وفا وهوش وتمکین باشم
بازآ که چنانم که دلت می‌خواهد
مپسند اگر که بدتر از این باشم

حجازی ، سیدصدرالدین ظهیرالاسلام‌ـ زاده .
(۱۲۷۳ـ۱۳۲۲ ه ش)
شاعری خوزستانی (متولد تهران)، صاحب‌آثاری چند ازتاریخ وادب، نمونهٔ شعرایشان :

ازعجایب‌که درجهان دیدم
عزت ودولت خسان دیدم
سرور قوم عالم و دانا
خری ازصنف‌جاهلان‌دیدم

حجت.
ناصرخسرو را به بینید .

حزین ، شیخ محمدعلی‌پسر سیدابوطالب حزین لاهیجی اصفهانی.
(۱۱۰۳ـ۱۱۸۱ ه ق)
شاعروعارف ایرانی،صاحب **تذکرهٔ حزین**، **تاریخ حزین**. دیوان اوچاپ‌شده است .

حسابی ، احمد .
(متولد ۱۳۰۲ ه ش)
شاعـری از تهران و از همـکاران مطبوعات .

حسام، حسام‌الدین‌دولت‌آبادی.
(متولد ۱۲۸۲ ه ش)
شاعری از اصفهان،نمونهٔ شعراو:

آن‌که جان داده ومهرتوخریده‌است‌منم
وآن‌که دل‌ازهمه غیرازتوبریده‌است‌منم
آن‌که افسانه به‌عالم شده ازعشق تویی
وآن‌که حرفی زدهانت نشنیده‌است منم

حسن آملی.
حسن‌کاشی‌را به‌بینید .

حسن‌دهلوی
دهلوی، حسن را به‌بینید.

حسن غزنوی، سیداشرف‌الدین .
(۵۵۶ ه ق)
شاعردربارمسعودبن‌ابراهیم‌غزنوی، شیرزاد، سلطان‌الدوله وبهرامشاه بود.
دیوان او، شامل: قصاید، غزلیات، ترجیعات است وبه‌چاپ رسیده است.

حسن‌کاشی،حسن‌آملی.
(قرن ۸ ه ق)
شاعری ازکاشان، مداح ائمهٔ اطهار (ع)، مدفنش درسلطانیه است .

حسن متکلم، حسن نیشابوری
(قرن ۸ ه ق)
شاعری فارسی‌گوی ، مداح امرای آل‌کرت .

حسن‌نیشابوری .
حسن متکلم رابه بینید .

حسین مروی، خواجه .
(۹۷۹ ه ق)
شاعری دردربار اکبرشاه‌هند،نمونهٔ شعر او :

شب جا دل دیوانه درآن زلفسیه داشت
نتوانمش امروز به زنجیر نگهداشت

حسینی،سید محمد.
سحاب اصفهانی به بینید .

حسینی، حسین
(متولد۱۲۹۶ ه ش)
شاعری‌ازقم، نام مستعار او **خروس اخته**بود، دواثرش : اشك ملت، سیاست روز چاپ شده، نمونهٔ شعرش :

به‌جهان عشق تنها نه‌منم اسیربندت
که‌هزاردل‌اسیراست‌به‌گیسوی‌کمندت
توگلی تبسمی‌کن زلبان باده‌نوشت
توشهی ترحمی‌کن به‌گدای مستمندت

حسینی‌هروی،میرحسین هروی.
(فوت ۷۱۷ یا ۷۱۹ ق)
شاعری ازمردم غور، غیراز دیوان شعر، آثـاری چون کنزالرموز، نزهةـ الارواح ، زادالمسافرین دارد ، منظومهٔ گلشن راز شبستری در جـواب سؤالات هفده‌گانهٔ منظوم اواست .

حصیر .
تخلص‌بساطی‌سمرقندی‌شاعرپارسی‌گوی.

حکمت، علی‌اصغر .
(متولد ۱۳۱۰ ه ق)
شاعر وسیاستمدار (سیاستمـداران ایران رابه‌بینید)وعضوپیوستهٔ‌فرهنگستان ایران و استاد دانشگاه، آثار فراوانی دارد: پارسی‌نغز، درسی‌از دیوان حافظ، شرح احوال جامی، از سعدی تا جامی ، تاریخ‌ادبیات ایران (ترجمهٔ جلدچهارم) رومئو وژولیت ولیلی ومجنون، تصحیح و تحشیهٔ مجالس‌النفائس، راه زنـدگانی (ترجمه ازعربی) قسمتی ازآثار اواست اشعار فراوانی نیز از او بجا مانده است .

حکیم جلال.
جلال طبیب رابه بینید .

حکیم روحی.
روحی ولوالجی رابه بینید .

حکیم شیرازی،محمود.
(فوت ۱۲۶۸ ه ق)
شاعری ازشیراز که به سبك **قاآنی** شعـر می‌سرود و خـط نستعلیق نیکـو می‌نوشت .

حمدالله‌مستوفی.
مورخین رابه بینید .

حمیدی .
قاضی حمیدالدین را درنویسندگان ایران به‌بینید .

حمیدی شیرازی ، دکترمهدی.
(متولد ۱۲۹۳ ش)
شاعری استاد از مردم شیراز ، از آثار معروف او :
دریای گوهر ، شاعر در آسمـان ، سبکسریهای‌قلم، پس‌ازیك سال،فرشتگان زمین، عشق‌دربدرشکوفه‌ها،سالهای سیاه، اشك معشوق ، طلسم شکسته ، زمزمـهٔ بهشت چاپ شده‌است. نمونهٔ شعرایشان:

دوش بدوگفتم کای دلفریب
کو صلهٔ‌آن همه اشعار من ؟
یاعوض‌آن‌همه گوهر که‌ریخت
برسرتو طبع گهربار من ؟

حکیم صفای اصفهانی،محمدحسین.
صفای اصفهانی را به‌بینید .

حمید الدین بلخی ، قاضی حمیدالدین ابوبکر عمر.
(فوت ۵۵۹ ه ق)
شاعرونویسندهٔ‌ایرانی،**مقامات‌حمیدی** از او است .

حنظلهٔ، بادغیسی.
(فوت ۲۲۰ ه ق)
شاعری از نیشابور ، از قدیمترین شاعران فارسی‌گوی معاصرطاهریان‌است.

اکنون جزدوقطعه ازاوچیزی باقی نمانده است .

مهتری گربه کام شیردراست
شوخطرکن زکام شیر بجوی
یا بزرگی وعزونعمت وجاه
یاچومردانت مرگ روباروی

حیدری، علیخان سالار سعید کردستانی.
(متولد ۱۲۹۰ ه ق)
شاعری از مردم کردستان ، نمونهٔ شعر او :

غم دوری خورم وغصهٔ هجران تاکی
جور گردون کشم ومحنت دوران تاکی

حیرت، ابوالحسن میرزاشیخ الرییس .
(۱۲۶۴ــ۱۳۳۶ ه ق)
شاهزاده‌ای شاعر، دیوانش دربمبئی چاپ شد، نمونهٔ شعراو :

مراپیمانه پرگشته‌است واوپیمانه می‌ریزد
به ساغرساقی امشب بادهٔ مستانه می‌ریزد

حیرت بخاری
(قرن ۱۰ ه ق)
شاعری ازمردم بخارا دردربارشاه طهماسب، نمونهٔ شعراو :

جزمن که رند وعاشق وازسر گذشته‌ام
آن ترك مست راکه تواند عنان گرفت

خاقان، فتحعلی خان کاشی.
صبارا به‌بینید.

خاقانی شروانی ، افضل‌الدین بدیل بن علی نجار .
(فوت ۵۹۵ ه ق)
شاعری‌ازشروان فرزند نجاری‌بود. خاقانی زیرنظر **کافی‌الدین عمر بن عثمانی** (عموی‌خود) تربیت‌شد و وسیلهٔ **ابوالعلاء گنجوی** به دربــار **شروانشاه منوچهر** معرفی شد خاقانی‌مداح اوگردید وبعداز اومدح **خاقان‌کبیرابوالمظفر اخستان بن منوچهر** راگفت تخلص خاقانی درآغاز **حقایقی** بود، سپس خاقانی‌را برگزید ، دیوان اوقریب ۱۷ هزاربیت شعر دارد، که به‌چاپ رسیده،مدفن اوتبریزاست.

خالد بن ربیع مکی، امیرفخرالدین.
(قرن ۶ ه ق)
شاعر دربــار **علاءالدین جهانسوز** وهــم عصر ومصاحب **انوری ابیوردی** بــود .

خانلری، دکترپرویز.
(متولد ۱۲۹۲ ش)
شاعری‌لطیف‌طبع، نویسنده‌ای‌چیره‌ــ دست، نقادی نکته سنج که‌کار خودرا بــا مجلهٔ سخن‌آغازکرده است، درواقع مجلهٔ سخن رامی‌توان کارنامهٔ فعالیتهای ادبی ایشان دانست .

بعداز شهریور ۱۳۲۰، گروهی از نویسندگان آن‌روز ومفاخر ادبیات‌ایران امروزمانند



صــادق ــ هدایت، بزرگ علوی،صادق چوبك،سعید نفیسی، به‌گرد مجلهٔ سخن فراهم‌آمدند وازآن راه به فارسی‌ــ زبانان شناسانده شدند ، دکتر خانلری مجلهٔ سخن را پرچمدار هنرنو گردانید ودراین راه کوشش پرارزشی را آغــاز کرده .

دکترخانلری تحصیلات‌متوسطهٔ‌خودــ رادردارالفنون و تحصیلات عالیه را در دانشکدهٔ ادبیات به‌پایان‌رسانید ودرسال ۱۳۲۲ به‌عنوان دکترای ادبیات فارسی به تدریس مشغول شد .

اشعار دکترخانلری به‌شیوهٔ خاصی سروده شده‌که درشعرنو ارزش‌بسیاردارد شاید بتوان شیوه‌اش را **کلاسیك جدید** نامید، مجلهٔ سخن، شیوهٔ شعر ایشان را رواج وقوت داد، گروهی‌از شاعران‌جوان بدان سبك روی‌آوردند .

درسال ۱۳۲۸ ایشان برای‌مطالعات وتحقیقات ادبی به‌پاریس رفتند ودوسال درآن‌جا اقامت‌کردند، سخنرانی جالب ایشان درمدرسهٔ **زبانهای شرقی‌پاریس**، مربوط به‌حافظ،مدتها موضوع روزنامه‌هاو مجلات‌ادبی‌بود(درکتاب **روح‌ایران**چاپ پاریس مندرج است) .

مشاغلی‌که‌تاکنون داشته‌اند،دبیری دبیرستانها ، دانشیاری و استادی تاریخ زبان‌فارسی،معاونت‌وزارت‌کشور، وزارت فرهنگ، مدیریت عامل پیکاربا بیسوادی، مدیریت عامل بنیاد فرهنگ ایــران ، سناتوری تهران، عضویت درفرهنگستان (جدیداً) .

دانشگاه برای تجلیل ازتلاش‌شبانه‌ــ روزی‌ایشان‌درمعرفی‌وشناساندن‌فرهنگ‌های دنیاونویسندگان‌وشاعران‌ایرانی‌وخارجی وسایرفعالیت‌های ادبی وبه‌مناسبت‌بیستو پنجمین‌سال انتشار مجلهٔ‌سخن،دردانشگاه مجلس جشنی برپا کردکه درآن‌عده‌ای ازاساتید وشاعران، مجلهٔ سخن‌وشخصیت ایشان راستودند،آثارایشان:

۱ــ ماه درمرداب (شعر) .
۲ــ زبان شناسی وزبان فارسی .
۳ــ شعر وهنر .
۴ــ فرهنگ واجتماع .
۵ــ تحقیق‌انتقادی درعروض‌فارسی (۱۳۲۶).
۶ــ وزن شعرفارسی(۱۳۳۸).
۷ــ روان شناسی(۱۳۱۶).
۸ــ دخترسروان(ترجمهٔ‌اثرپوشکین).
۹ــ چندنامه برشاعرجوان (ترجمهٔ اثرریلکه).
۱۰ــ تریستان وایزوت .
۱۱ــ بابك (ترجمهٔ اثرولتر)
۱۲ــ شاهکارهای هنرایران(ترجمهٔ اثر پوپ) .
۱۳ــ چند نکته در تصحیح دیوان حافظ (انتقاد).
۱۴ــ غزلهای‌حافظ (تصحیح).
۱۵ــ داستــان سمك عیار (۱) (۱۳۳۸).
۱۶ــ داستان‌سمك‌عیار(۲)۱۳۴۰.
۱۷ــ داستان‌سمك‌عیار(۳)۱۳۴۴.
۱۸ــ داستان‌سمك‌عیار(۴)۱۳۴۵.
۱۹ــ اسباب حدوث الحــروف از ابن‌سینا (ترجمه وتصحیح)، اشعارایشان به زبانهای انگلیسی ، روسی، آلمانی و فرانسوی و مجارستانی و بعضی زبانهای دیگرترجمه شده است .

خامنه‌ای، جعفر.
(متولد ۱۲۶۶ ه ش)
شاعرمشروطه‌خواه‌تبریزی، نمونهٔ‌شعراو

حسن تو برده‌است به‌خوبی‌گروز ماه
هستند مهرو ماه براین مدعا گواه
باآن صباحتی‌که توداری‌کجا رواست
روزسفید دلشدگان راکنی تباه

خاوری.
سودایی ابیوردی را به‌بینید .

خبازی نیشابوری .
(فوت ۳۴۲ ه ق)
شاعر فارسی گــوی دورهٔ سامانی که جزچند بیت ازاو به‌جا نمانده‌است.

خسروی‌سرخسی، ابوبکر.
(فوت ۸۳۳ ه ق)
شاعری حکیم‌مداح‌قابوس وشمگیر،

صاحب‌بن عباد و ناصرالدوله وابوالحسن محمد سیمجور .

خسروی ، محمدباقر میرزا .
(۱۲۶۶ــ۱۳۳۸ ه ق)
شاعری ازمردم کرمانشاه، دیوانش در سال ۱۳۰۴ به‌چاپ رسیده است، نمونه‌ای ازشعر او :

هرکه ره دردل صاحب نظری پیدا کرد
دردل خویش زاسرار دری پیدا کرد .

خواجوی کرمانی
(۶۷۹ــ۷۵۳ ه ق)
کمال‌الدین ابوالعطا محمود بن علی کرمانی ، متخلص به «خواجو» در کرمان متولد وپس‌از تحصیل، اززادگاه خود به‌مسافرت آغاز کرد وبا «علاالدولهٔ سمنانی» از مشایخ بزرگ ملاقات نمود.

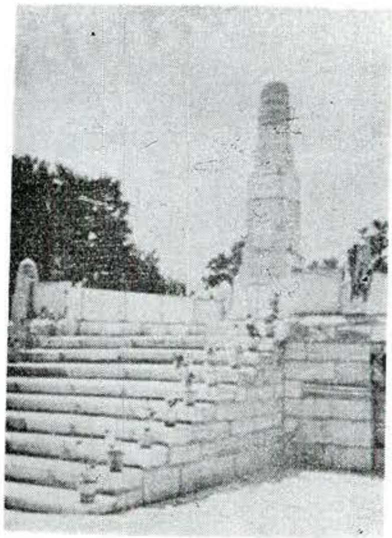
خواجو، با «سلطان‌ابوسعید بهادر» معاصر بوده واووزیرش «غیاث‌الدین‌ــمحمد»را مدح کرده .

خواجو به‌تقلید «نظامی» مثنویهای «همای و همایون» را درسال ۷۳۲ و «گل و نوروز»رابه‌وزن «خسرووشیرین» و «کمال‌نامه» و «روضة الانوار» را به سبك «مخزن‌الاسرار» و «گوهر نامه» را نیز به وزن «خسرووشیرین» دراخلاق و تصوف سروده است .

خواجه حافظ.
حافظ را به بینید.

خواجه عماد فقیه‌کرمانی.
عماد فقیه را به بینید.

خیام


آرامگاه خیام

ریاضی‌دانان ایران را به بینید.

داریوش ، پروین.
نویسندگان ایران را به بینید .

داعی شیرازی
(۸۱۰ــ۸۷۰ ه ق)
شهرت سید نظام‌الدین محمود ، معروف به **شاه‌داعی** شاعروعارف وواعظ ایرانی است. خیرالزاد ، اسوةالکسوة، مرآةالوجود، لطایف راه روشن ، نسائم گلشن ، شرح مثنوی مولوی ، دیباچهٔ جمال و کمال قسمتی از آثار ایشان است ، دیوان شعر و قصاید فراوان دارد .

دانش ، میرزا حسین‌خان.
(۱۲۸۶ــ۱۳۶۲ه ق)
شاعر فاضل ایرانی ، دستور زبان فارسی ، ترجمهٔ رباعیات خیام (به ترکی) ، سرآمدان سخن از آثار او است .

دانش، محمدآقاسی خویی.
(متولد ۱۲۹۶ ه‌ش)
شاعری از مردم خوی ، نمونهٔ اشعار او :

تاجان به هوای آن‌لب میگون رفت
چون چشم‌قدح زدیدهٔ دل خون‌رفت
مستانه به شرح حال ما بنویسید
مست آمد ومست‌ازجهان‌بیرون‌رفت

دانش ، میرزارضا (پرنس ارفع).
(فوت ۱۳۱۵ ه ش)
شاعری از تبریز ؛آثاری چون : مثنوی**طول عمر**، صلح‌لاهه، گوهرخاوری و تصحیح و چاپ دیوان ابونصرفتح‌الله شیبانی دارد.

دانشور، دکترسیمین.
نویسندگان ایرانی را به بینید .

دقایقی مروزی، شمس‌الدین محمد.
نویسندگان را به بینید .

دقیقی، ابومنصور، محمد.
(مقتول ۳۶۷ ه ق)
شاعردورهٔ سامانی ، دومین‌سرایندهٔ شاهنامه ، مداح شاهان سامانی وامرای چغانی و مهمترین اثر او **گشتاسب نامه** است .

دولت آبادی ، حسام‌الدین.
حسام را به بینید .

دولت‌آبادی ، میرزا یحیی
نویسندگان ایران را به بینید.

دولت‌آبادی، پروین.
متخلص به **پری** شاعره‌ای ازاصفهان، نمونهٔ اشعار او :

کس چومن درپای‌جانان ترك‌جان‌وسر نکرد
جزمن سرگشته‌این سوداکس‌دیگر نکرد

دهخدا، علی‌اکبر.
نویسندگان ایران را به بینید .

دهقان، ایرج.
(متولد ۱۳۰۴ ه ش)



شاعری از ملایر، گلهای وحشی‌ویادــبود ازآثار او است . نمونه‌ای از شعر ایشان :

بی‌گنه تا همچواشك ازچشم یارافتاده‌ام
راست پنداری زچشم روزگار افتاده‌ام
روزگاری در بر او اعتباری داشتم
بی‌گنه در چشم اوازاعتبار افتاده‌ام

دهقان ، احمد بهمنیار.
بهمنیار نویسندگان ایران را به‌ــبینید .

دهقان سامانی ، ابوالفتح.
(فوت ۱۳۲۶ ه ق)
ملقب به سیف‌الشعراء شاعری از چهارمحال بختیاری است ، کتاب **الف لیل‌ولیله** را به‌نظم‌آورد، شکرستان‌نیز از مثنویهای وی است .

دهلوی ، محمد ابراهیم .
ابراهیم را به بینید .

دهلوی، امیرخسروبن امیرسیف‌الدین.
(۶۵۱ــ۷۰۵ ه ق)
بزرگترین‌شاعرپارسی‌گوی، ازمردم هند ، ازارادتمندان نظام‌الدین اولیاء (صوفی معروف)که دیوانش از ۵ قسمت تشکیل شده : تحفةالصغر ، وسطالحیوة، غرةالکمال ، بقیه نقیه ، نهایة‌الکمال.

سایر آثار دهلوی به شرح زیر است :

مطلع‌الانوار ، شیرین و خسرو ، مجنون ولیلی ، آینهٔ اسکندری ، هشت بهشت ، قرآن‌السعدین، مفتاح‌الفتوح ، خزائن‌الفتوح وغیره می‌باشد.



آرامگاه امیرخسرو دهلوی

دهلوی، امیرحسن.
(فوت ۷۲۷ ه ق)
شاعری پارسی سرای از مردم هند وبه حافظ هند لقب یـافته وغزلیات او در ادبیات فارسی شهرت فراوان دارد .
نمونهٔ شعراو :
ابرچون چشم زلیخا بهریوسف ژاله بار
ژاله‌ها چون دیدهٔ یعقوب پیغمبر سفید

دیواره‌وز
(قرن ۴ ه ق)
شاعری طبری دردربار عضدالدولهٔ دیلمی‌که به زبان طبری شعر می‌گفته و به او **مسته مرد** نیزمی‌گفتند .

ذبیح ، بهروز.
نویسندگان ایران را به بینید.

ذکایی ، نعمت‌الله بیضایی.
(متولد ۱۲۸۳ ه ش)
شاعری کاشانی ، فرزند محمد رضا (متخلص به **ابن روح**) آثاری چـون : شعرای‌گمنام ، عروض و قافیه ، قصص‌ـ الشعرا، حقوق بین‌الملل دارد .
نمونهٔ شعرایشان :
روزم به انتظار و شب اندرتعب گـذشت
بسیارم این چنین به‌جهان‌روزوشب گذشت
زان موی تابدار و ازآن روی تـابناك
بس روزوشب مراهمه درتاب وتب گذشت

ذوالفقار،شیروانی ، سید قوام‌الدین
(فوت ۶۷۹ ه ق)
شاعری شیروانی ، مداح **یوسف شاه‌لر** ، ودربدایع شعری‌استاد بود .

ذوق ، میرزا ابوالقاسم ذوقی .
(۱۲۷۳ـ۱۳۳۶ ه ق)
شاعری اصفهانی ، دیوانش ۵۰۰۰ بیت شعردارد .

رازی همدانی ، عبدالله.
نویسندگان ایران را به بینید.

رامی، شرف‌الدین حسن.
نویسندگان ایران را به بینید.

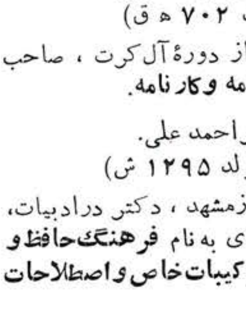
ربانی.
شمس‌العلماءقریب‌را درنویسندگان ایران به بینید .

ربیعی بوشنجی (پوشنگی) .
(فوت ۷۰۲ ه ق)
شاعری از دورهٔ آل‌کرت ، صاحب مثنوی**کرت نامه وکارنامه**.

رجایی ، دکتراحمد علی.
(متولد ۱۲۹۵ ش)
شاعری ازمشهد ، دکتر درادبیات، صاحب رساله‌ای به‌نام **فرهنگ‌حافظ و نوادرلغات‌وترکیبات‌خاص واصطلاحات صوفیه.**

رجوی، کاظم.
ایزد را به‌بینید.

رخ ، رکن‌الدین‌همایونفرخ.
(متولد ۱۲۹۷ ه ش)
نویسنده و شاعر و روزنـامه‌نگار (صاحب روزنامهٔ رخ وسردبیرروزمه‌های آرزو ، آزادی شرق ، نـیروی ملی ، نهضت‌کشاورزی ،) ازآثار او :سوزدل، عاشق‌بینوا، شهریـار ، عـروس ، گورستان ، خـوئین خـونین ، امپریالیست چگونه به ایران‌آمد ،



اسکندر و دارا ، ابـومسلم خراسانی می‌باشد . نمونهٔ شعرایشان :
وه که با هم چه مهربان بودیم
هردوبا هم‌چه‌جسم‌وجـان بودیم

رزاقی.
(متولد ۱۳۹۶ ش)
شاعری ازمردم قم .

رشید ، خواجـه رشیدالدین فضل‌الله همدانی .
(متولد ۶۴۵ ه ق)
مورخین را به بینید .

رشید وطواط .
(فوت ۵۷۳ ه ق)
از نویسندگان وشاعران سخن‌سنج قرن ششم هجری است .
درواخر قرن‌پنجم دربلخ متولدشد درزبان فارسی وعربی استادی‌یافته ودر خدمت«علاءالدوله‌اتسز بن‌محمدخوارزم‌ـ شاه»تقرب جسته وجزونویسندگان‌دربار اوشده .
رشید در جنگ اتسز با « سلطان سنجر »جواب شعرانوری‌راگفته است‌که به‌سپاه سنجر فرستاده‌اند ، و به همین مناسبت پس‌ازفتح قلعهٔ هزار اسب‌سلطان سنجر قصد داشته‌که او را به‌قتل‌رساند، اما به‌وساطت «منتخب‌الدین بدیع اتابك جوینی» اورا موردعفو قرارداده .
وی‌آثار بسیار داشته که مهمتر از همه « حدائق السحر فی دقایق‌الشعر » است درعلم بدیع،دیگرصدکلمه ازکلمات علی‌علیه‌السلام‌رابه‌پارسی و عربی ترجمه و تفسیر کرده که به «صد کلمه»معروف است .

رشیدی سمرقندی، سیدالشعرا .
(قرن۶ ه ق)
شاعری‌ازسمرقندصاحب**زینت‌نامه** ، **مهرو وفا** می‌باشد .

رشید یاسمی
نویسندگان ایران را به بینید .

رضوانی، سیدمحمد.
(۱۲۴۰ـ۱۳۲۴ه ش)
شاعری از مـردم فسا مـلقب به **فصیح‌الزمان** و سلطان‌الواعظین ،کلیات اشعار او قریب به ۵ هزار بیت است.

رضی‌الدین نیشابوری.
(فوت ۵۹۸ ه ق)
استاد الائمه ، شـاعر ، نویسنده و دانشمند نیشابوری ، مداح چند تن از **آل‌افراسیاب** بود ، دیوان شعر وکتابی به نام **مکارم الاخلاق** دارد .

رعدی‌آذرخشی، دکترغلامعلی .
(متولد ۱۲۸۸ ش)
شاعری از تبریز ، لیسانسیهٔ‌ادبیات دانشگاه تهران و دکتر ادبـیات از

دانشگاه پاریس است .
نمونهٔ شعرایشان :
من ندانم به نگاه توجه رازی است نهان
که من آن راز توان دیدن و گفتن نتوان

رفیع لبنانی اصفهانی.
(قرن ۶ ه ق)
شاعر پارسی‌گوی ، دیوان او شامل ۱۰۰۰۰ بیت شعر بوده است که جز اندکی باقی نمانده است .

رمزی.
خاتم دهلوی را به بینید .

رنجی، هادی پیشرفت.



(متولد ۱۲۹۴ ه ش) شاعری تهرانی ، صاحب دیوان شعر، نمونهٔ شعراو :
گرچه می‌سوزد به‌عمر رشتهٔ جانم چوشمع
شادمانم زانکه بزم افروز یارانم چوشمع

رنگین ، سعادت یارخان دهلوی.
(فوت ۱۲۵۱ ه ق)
شاعر اردو وفارسی، نمونهٔ شعراو:
ای عشق مرا مجنون کردی
برلاله رخان مفتون کردی
هرقطرهٔ اشك رنگین را
سیحون کردی، جیجون کردی

روحانی سمرقندی، ابوبکر .
(قرن ۶ ه ق)
شاعری پارسی‌گوی ، اشعارمختصری که ازاو باقی مانده نشان می‌دهد که غزلسرای ماهری بوده است .

روحانی ، وصال.
(متولد ۱۲۵۷ ه ش)



شاعری‌شیرازی نوادهٔ‌وصال شیرازی. استاد خط شکسته و نسخ‌ونستعلیق، گلشن وصال از آثار او است .

روح عطار .
(قرن ۸ ه ق)
شاعری‌شیرازی‌مداح‌اتابك‌افراسیاب دوم (ازاتابکان‌لر) وگاهی روحی نیز تخلص می‌کرد .

روحی ولوالجی .
(قرن۶ ه ق)
شاعری پارسی‌گوی ، هزل‌گوی وبه حکیم روحی معروف است .

رودکی ، ابوعبدالله جعفربن محمد .
(فوت ۳۲۹ ه ق)



شاعری استاد در شعرو موسیقی از ولایت سمرقند (قریهٔ بزج مرکزرودك) مداح نصربن احمد سامانی بود و لقب نخستین شاعربزرگ ایران را به‌دست آورد . وسخنش را تالی سخن پیغمبر دانسته‌اند ،آوازی نیکو داشت و چنگ خوب می‌نواخت، وشاعری‌کور بوده، از اشعار فراوان اوجز اندکی باقی‌نمانده شاید دو اثر مطمئن ازاو :
یکی **کلیله ودمنهٔ منظوم** ودیگری **سندبادنامهٔ منظوم**‌است وازآنها اشعاری پراکنده‌باقی‌است ،کلیله را او به‌تشویق ابوالفضل بلعمی تنظیم‌کرد ، این‌دوبیت ازاوست :
من‌موی‌خویش را نه ازآن می‌کنم سیاه
تا باز نوجوان شوم و نو کنم گناه
چون‌جامه‌ها به‌وقت‌مصیبت‌سیه‌کنند
من موی در مصیبت پیری کنم‌سیاه

رهی‌معیری.
معیری را به‌بینید.

ریحان، یحیی‌سمیعیان.
(۱۳۱۳ ه ق)
شاعر، وروزنامه‌نگار (ازهمکاران روزنامهٔ فکاهی گل زرد، نوروز، نوبهار شفق سرخ، ایران) معاصر است .

زردشت، بهرام‌پژدو.
(قرن۷ ه ق)
شاعر نام‌آور زردشتی در قرن‌هفتم ازآثارش‌زردشت‌نامه، ارداویرافنامه، داستان چنگرنگهاچه، داستان‌شاهزادهٔ‌ایران‌زمین با عمرخطاب، خمسهٔ‌زردشت می‌باشد.

زرکوب‌تبریزی.
(فوت ۷۱۲ ه ق)
شاعری ایرانی معاصر **آباقا.**

زرین‌کوب، دکترعبدالحسین
(متولد ۱۳۰۰ ش)
شاعر و نویسنده و مترجم ایرانی فلسفهٔ شعر، ترجمهٔ متافیزیك فلیسین‌شاله، نقدالشعروتاریخچهٔ اصول‌آن، دو قرن‌سکوت، ترجمهٔ منابع شعرفارسی، فن شعرقسمتی‌ازآثاراواست. نمونهٔ‌شعرایشان:
درحسرت وشکنجه به‌سرشد جوانیم
این بود سر گذشت من وزندگانیم

زرین‌قلم، مهدی.
(متولد . . .)
شاعروخوش‌نویس‌وادیب‌معاصر، دبیر دبیرستانهای تهران هیچوقت برای‌نشان دادن خود تلاشی نکرده است وگرنه، شهرت ایشان امروزبیشتر بود. یکی از کارهای جالب‌ایشان، به نظم‌کشیدن‌**اپرای شاه‌اسماعیل**‌است، نمونهٔ شعر ایشان:
ای‌شب‌زدیده دورمشو اندکی بپای
ای صبح‌پرده‌درزدل شب‌برون‌میای
ای‌مرغ،رحمتی‌به‌دل‌ماندهٔ ضعیف
یك امشبی خموش‌زبانگ‌سحرنمای

زلالی‌خوانساری ، محمدحسن .
(فوت ۱۰۲۴ ه ق)
ملك‌الشعرای دربار شاه‌عباس‌کبیر، هفت مثنوی او:
شعلهٔ دیدار ، محمود وایاز، حسن گلوسوز ،آذر وسمندر ،سلیمان وبلقیس (سلیمان‌نامه) ، ذره و خورشید ، می و میخانه مشهور است .

ابوعبدالله‌حسین‌بن احمدزوزنی.
زوزنی رادر علمای لغت به‌بینید .

زینتی‌علوی محمود، عبدالجبار .
شاعر دورهٔ‌محمود ومسعودغزنوی . معدودی اشعار ازاو باقی مانده است .

رهی معیری ، محمدحسین .
(۱۲۸۸ ش)
شاعر ونقاش و موسیقیدان معاصر ،

ازمردم تهران‌است ،غزل‌نیکومی‌سراید.
نمونهٔ شعرایشان :

آنقدر باآتش دل‌ساختم ، تا سوختم
بی‌توای‌آرام‌جان ، یاساختم‌یاسوختم

زهری ، محمد .
(۱۳۰۴ ش)
شاعری ازمردم مازندران ،صاحب آثاری چون : **جزیرهٔ‌گلایه**‌است ونمونهٔ شعر ایشان :

زبی‌هم زبانی زبان بسته‌ام
زناآشنایی زخوددرسته‌ام

زیادبن سلیمان اعجم .
(فوت ۸۵ ه ق)
شاعرعرب‌زبان ایرانی‌الاصل‌است.

ژاژخای .
طیان رابه‌بینید .

ژاله سلطانی .
(متولد ۱۳۰۰ه ش)
شاعری ازاصفهان ،صاحب اثری به‌نام **گلهای خودرو**،نمونهٔ‌شعراو :

یاربزچه‌مارابه‌جهان‌برگ ونوانیست
دردهربه‌جزدردوالم‌قسمت مانیست

سائل .
(فوت ۹۴۰ه ق)
شاعری از مردم دماوند که به‌نام دیوانه به زنجیرش‌کشیدند و دراین‌رنج جان داد .

سائل ، محمدسعید .
(فوت ۱۲۲۵ ه ق)
معروف به **آقاخانی** ، شاعـری از مردم فیروزآباد فارس است ،دیوان او بالغ بر۷۰۰۰ بیت‌شعر دارد .

ساجدی ، احمد .
احمدرا به‌بینید .

ساقی ، حاج محمد زمان .
(فوت ۱۲۸۶ ه ق)
شاعری ازخراسان ، درویش‌ومرید محمد اسماعیل ازغدی‌کـه بعد از قبول طریقت **وجدی**‌تخلص‌کرد، نفحات غیبیه، درج لآلی و برج‌المعالـی از اوست . دیوانی نیز دارد .

سام میرزا .
(زنده درقرن۱۰ه ق)
شاعری‌شاهزاده (پسر شاه اسماعیل صفوی) ،**تحفهٔ‌سامی** از اوست .

سالار،ناصرالدین .
(۱۳۰۲ ه ق)
شاعری شیرازی ، که سالها ریاست ایلات خمسهٔ داراب را داشت .

سایه، ه . ا.
نام مستعار هوشنگ ابتهاج شاعر ایرانی‌است .

سپهری ، سهراب .
(متولد ۱۳۰۷ ش)
شاعری کاشانی ، نقاشی چیره دست چمن مرگ‌رنگ، زندگی خوابهاوآواز—آفتاب ازآثار اواست .

سحاب اصفهانی ، سیدمحـمد حسین طباطبایی .
(فوت ۱۲۲۲ ه ق)
فرزندهاتف اصفهانی، از فتحعلی‌شاه لقب مجتهدالشعرا گـرفت ، تذکرهٔ **رشحات** و مجموعهٔ**سحاب‌البکاء** ودیوان شعری ازاو باقی است .

سحابی استرآبادی .
(فوت ۱۰۱۰ ه ق)
شاعری مازندرانی است.

سرخوش ، مهندس مصطفی .



شاعری باذوق‌صاحب آثاری‌چون: پیك مهر ، روزگارتلخ، آتش دل ، از او بـه چاپ‌رسیده است . نمـونهٔ شعر ایشان : (تضمین)

ای کاش‌که بینندت ، ای درگه‌نوشروان
اینسان‌که منت بینم ، ویرانه و آبادان
آن روز چنان‌آباد، امروز چنین ویران
تن زیر پی تازی ، دل درگـرو دهقان
«هان‌ای‌دل‌عبرت‌بین ازدیده‌نظرکن‌هان»

سرمد، سیدصادق.
(۱۲۸۶—۱۳۳۹ ش)
شاعر وروزنامه‌نگار(صدای‌ایران) ایرانی که بـه مرض سرطان از جهان رفت.نمونهٔ شعرایشان :

تاشنیده است رقیب ازلبم افسانهٔ تو
خانهٔ من شده پر فتنه‌تر ازخانهٔ تو
من بی‌تجربه رازدل خودکردم‌فاش
غافل ازاین‌که بلاخیزدازافسانهٔ تو

سروری‌کاشانی.
علمای لغت را به بینید .

سروش اصفهانی ، میرزا محمدعلی.
(۱۲۲۸—۱۲۸۵ ه ق)
ازشعرای دربار ناصرالدین شاه ، ملقب به‌شمس‌الشعرا؛ صاحب‌دیوان شعر، ساقی‌نامه، الهی‌نامه،زینت‌المدایح‌است.

سعدالدین تفتازانی ، مسعود بن عمر.
(زنده درقرن۸ ه ق)
شاعری ازخـراسان و استاد علوم زمان خود ومورد احترام **امیرتیمور**که عاقبت عمررا درسمرقندگذرانید .

سعدی .
(۶۰۰—۶۹۱ ه ق)
شیخ مشرف‌الدین مصلح بن‌عبدالله سعدی شیرازی ، بزرگترین نویسنده و شاعر ایران در شیراز به دنیاآمد . در کودکی‌پدرخودرا ازدست داد. درحدود پانزده‌سالگی شیرازرا ترك‌گفت وبرای کسب علوم ومعارف به بغداد رفت و در مدرسهٔ نظامیهٔ بغدادبه‌تحصیل‌پرداخت و



پس از فراغ ازتحصیل به‌شام و دمشق و حجاز ومکه مسافرت‌کرد، درجنگ‌های صلیبی اسیرشدواورا به‌کارگل‌گماشتندتا امیرحلب وی‌را شناخت واورا بازخرید و دخترخودرا به‌عقد او درآورد ؛ پس‌از چهل سال سیروسیاحت‌وگشت‌وفراگرفتن علوم و دیدن دانشمندان و اهـل حق ، به شیرازبازگشت ودراین هنگام اتابك «ابوبکربن‌سعدبن ابـوبکرزنگی » از اتابکان فارس در آنجا حکومت می‌کرد و فارس وشیراز در سایهٔ حمایت او در

آسایش بودند .

سعدی تخلص خود را نیز از همین امیر گرفته و به تشویق و حمایت او درشیراز بسر می‌برد و آنچه را که آموخته و دیده بود، به نظم و نثر نگاشته و به یادگار گذاشت .

درسال ۶۵۶ هجری، یك اثر بدیع و عالی نثری به نام «گلستان» درهشت باب تصنیف کرد که عالیترین نمونهٔ نثر مسجع است ودرسال ۶۵۵ هجری «بوستان» را به نظم درآورد که درده باب و ازحکایات وحکم وامثال درآن درج کرده‌است.

علاوه‌براین دواثر گرانبها، غزلیات نغز وشیرین وروان فراوان سروده که هریك نموداری از فصاحت و شیوایی او در سخنوری است و بیهوده نیست که اورا «افصح‌المتکلمین» لقب داده‌اند.

مجموعهٔ آثار سعدی به‌نام «کلیات سعدی» شاید بیش از هرکتاب دیگر تاکنون استنساخ شده و به چاپ رسیده است .

کلیاتش شامل :

۱ـ تقریر دیباچه، ۲ـ مجالس پنجگانه، ۳ـ سؤال صاحبدلان، ۴ ـ عقل وعشق ، ۵ـ نصیحة‌الملوك ، ۶ ـ رسائل ثلاثه ، ۷ـ گلستان ، ۸ـ بوستان (سعدی‌نامه) ، ۹ـ قصائد فارسی ، ۱۰ـ قصائدعربی ، ۱۱ـ ملمعات ، ۱۲ـ ترجیعات ، ۱۳ـ طیبات ، ۱۴ـ بدایع، ۱۵ـ خواتیم ، ۱۶ـ غزلیات قدیم ، ۱۷ـ صاحبیه ، ۱۸ـ مقطعات ، ۱۹ـ رباعیات ، ۲۰ـ مفردات، ۲۱ـ خبیثات، ۲۲ـ هزلیات، ۲۳ ـ مضحکات ۲۴ ـ کریما ، ۲۵ـ لغزیات و دواثراخیردرانتساب به‌سعدی مشکوك است .

آثار شیخ به‌زبانهای مختلف ترجمه شده است .

مزار سعدی ، در سعدیهٔ شیراز زیارتگاه‌صاحبدلان است.

سعیدا ، بی‌بدیل‌خان .

(قرن۱۱ ه ق)

شاعری‌خوشنویس‌وحكاك‌بود ومأمور ساختن تخت طاووس گردید ، یك رباعی و ۱۶ بیت غزل ازاو باقی است .

سعید هروی

(فوت ۶۴۹ ه ق)

مشهور به سعدالدین هروی، شاعر دورهٔ مغول ، عزالدین طاهر فریومدی‌را مدح کرده است .

سلطان ابراهیم میرزا صفوی

(۹۴۶ ـ ۹۸۴ ه ق)

ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا ، فرزند بهرام میرزاابن شاه اسمعیل اول صفوی درهیچ زمان درمیان شاهزادگان گذشته کسی به‌جامعیت وی‌درعلوم وفنون وهنرها دیده نشده.

ازعلوم متداولهٔ زمان خود ، در صرف ونحوومعانی وبیان‌وعروض وقافیه ومعما وانشاء و منطق وحکمت الهی و پزشکی وریاضی وموسیقی وهیئت‌وتاریخ وعلم‌الانساب واصول وفقه‌وقرائت‌وازفنون مختلف درخوشنویسی و نقاشی و تذهیب وتصویر وزرفشانی وسوارکاری وچوگان‌بازی وتیراندازی وشطرنج بازی‌دست داشت‌شعرفارسی‌وترکی‌میگفت و «جاهی» تخلص میکرد یك نسخه از دیوان وی اکنون در کتابخانهٔ سلطنتی موجود است .

مجموعهٔ آثار هنری یا موزهٔ او مشهور آفاق بود ؛ که درآن مجموعهٔ چینی ، مجموعهٔ خطوط خوشنویسان ، نقاشی مصوران ، جواهر گرد آمده بود .

کتابخانهٔ وی چهارهزار نسخهٔ خطی داشت ـ خط نستعلیق را بسیار پاکیزه می‌نوشت .

سلمان ساوجی ، خواجه جمال‌الدین .

(فوت ۷۷۸ ه ق)

شاعری قصیده سرا ، ازمردم ساوه، درآغاز مداح خواجه غیاث‌الدین محمد، سپس امرای‌آل جلایر گردید، حافظ‌اورا **پادشاه‌ملك‌سخن** خوانده است،مثنویهای، جمشید وخورشید و فراقنامهٔ او مشهور است .

سلیمی ، علی‌اکبر .

روزنامه‌نگاران را به بینید .

سمیعیان ، یحیی .

ریحان را به بینید .

سمائی مروزی ، محمودبن علی .

(قرن۶ ه ق)

شاعری پارسی‌گوی عهد سلجوقی ، ابیاتی چند از او باقی نیست .

سنا

همایی را در نویسندگان به بینید.

سنایی غزنوی، ابوالمجدمجدودبن‌آدم.

(۴۷۳ـ۵۴۵ ه ق)

شاعری عارف ازمردم غزنه ، مداح سلاطین غزنوی، مهمترین‌آثارش: حدیقة‌الحقیقه ، سیرالعبادالی‌المعاد ، طریق‌التحقیق ، کارنامهٔ بلخ ، مطایبه نامه ، عشقنامه، عقل‌نامه و تحریمة‌القلم می‌باشد. مقبره‌اش در غزنین زیارتگاه عام‌است .

سودایی ابیوردی.

(فوت ۸۵۳ ه ق)

شاعر عهد تیموری ، که تخلص او نخست **خاوری** بود و شاهزاده بایسنقر را مدح کرده است وبعداً به **باباسودائی** معروف شد ، اشعاری در بارهٔ حضرت علی(ع) از او باقی است.

سنگلاخ .

(فوت ۱۲۹۴ ه ق)

شاعر و عارف و خوشنویس عهد فتحعلی شاه‌ومحمد شاه و ناصرالدین‌شاه قاجار .

سوزنی‌سمرقندی، شمس‌الدین، محمدبن علی سمرقندی .

(فوت۵۶۲ ه ق)

ملقب به **تاج‌الشعرا**، شاعری هجاء و بد زبان بود ، درهجو معانی خاص ابداع‌کرده است ، قصاید وقطعات وی سهل وصریح وفصیح است ، دیوان او باقی است .

سهیلی خوانساری، احمد .

(متولد ۱۲۹۱ ه ش)

شاعر و خطاط و نقاش و هنرمند



تذهیب کار ومینیاتورساز، ازکارهای‌او: تصحیح‌وجمع‌آوری‌اشعار باباغفانی شیرازی ، جلوه،حکیم صفای‌اصفهانی، و حصارنای در شرح احوال مسعود سعد سلمان ومحمود وایاز را نگاشته‌است.

نمونهٔ شعرایشان :

ای دل سودا زده‌ام سوختی
سوختی از آتش غم سوختی
خرمن عمر من غمدیده را
زآتش اندوه والم سوختی

سهیلی ، مهدی .

(۱۳۰۳ ه ش)

شاعر وروزنامه‌نگار معاصر، آثاری

چند ازایشان :



فکاهیات سهیلی (مجموعهٔشعر)، دوقطره‌اشك (نظم‌ونثر)، خوشمزگیها (نظم‌ونثر)، نمك‌پاش (نظم‌ونثر)، زنگ تفریح (نظم‌ونثر)، چوب دوسرطلا (نظم‌ونثر)، مادرحوا (نظم ونثر)، خیام و سهیلی، دزدناشی‌که به‌کاهدان زد (نظم و نثر)، سخنان حسین بن علی (ع) (ترجمه)، کاروانی ازشعروموسیقی (مجموعهٔاشعار) گنجینهٔ سهیلی (در سه جلد) و اشك‌مهتاب (برگزیده اشعار) و کارهای بسیاری دیگردرنمایشنامه نویسی وتهیهٔ سناریو، تاکنون انجام داده است.

سید حسن غزنوی

حسن غزنوی را به بینید.

سیف‌اسفرنگ.

(قرن ۶ ه ق)

شاعری از مردم اسفرنگ ومداح سلطان محمد بن تکش خوارزمشاه، و قطب‌الدین حبش بود.

سیف‌الشعرا.

دهقان سامانی را به بینید.

سیف فرغانی.

(قرن ۷ ه ق)

شاعروعارف وازمعاصرین ودوستان سعدی شیرازی بود، دیوانش درسه جلد منتشرشده.

سیفی بخاری، مولانا.

(فوت درحدود ۹۰۹ ه ق)

شاعرپارسی‌گوی، آثاری‌چون:دیوان شعر،رساله‌ای‌درمعما، رساله‌ای‌درعروض، دارد وبه سیفی عروضی نیزمشهوراست.

سیفی‌نیشابوری، حکیم علی‌بن‌احمد.

نویسندگان ایران را به بینید.

سیمرغ.

نام مستعار پروین تکین **بامداد** شاعرهٔ ایرانی است.

سیمین، سیمین دخت صحت.

(متولد ۱۳۰۸ ه ش)

شاعره‌ای تهرانی، که به تشویق **نظام وفا** به شاعری گراییده است.

شاتانی، حسن‌بن علی‌بن سعیدبن‌عبدالله.

(۵۱۳-۵۷۹ ه ق)

نویسنده و شاعر ایرانی‌که در نزد صلاح‌الدین ایوبی محترم بود.

شاطر، مصطفی انتظاری.

(۱۳۰۹-۱۳۵۶ه ق)

شاعری‌قمی‌که شغل شاطری‌داشت.

نمونهٔ شعراو :

گفت‌گر یارمنی بگذرزجان گفتم‌به‌چشم
گفت‌بیرون کن‌زدل‌عشق‌بتان گفتم‌به‌چشم

شاکر بخاری.

(قرن۴ ه ق)

شاعری‌از ماوراءالنهر.

شاه‌ابو رجاء.

ابورجاء غزنوی را به‌بینید.

شاه‌حاتم دهلوی.

حاتم‌دهلوی را به‌بینید.

شایان، اسدالله شهریاری.

(۱۲۹۹ ه ش)

شاعری ازکرمانشاه، نمونهٔ شعر ایشان :

ای توسن گسسته عنان گریزپای
زین‌سرکشی‌چه‌فایده؛ لختی‌بمان‌به‌جای

شاه‌داعی.

داعی شیرازی‌را به‌بینید.

شاملو، احمد.

(متولد ۱۳۰۴ ش)

متخلص به ا. بامداد، از شعرای نوپرداز معاصر، آهنگهای فراموش شده، باغ آینه، آیدا درآینه، درخت و خنجر و خاطره، ققنوس درباران، هوای تازه ازآثار ایشان است.

شاهرودی، اسماعیل.

(متولد ۱۳۰۶ ه ش)

شاعرنو پرداز از مردم دامغان، فارغ‌التحصیل دانشکدهٔ هنرهای زیبا و دبیر فرهنگ، **آخرین نبرد**اولین‌مجموعهٔ شعری است‌که منتشرکرده استوآخرین اثر ایشان ... نام‌دارد.

شاهی، آقاملك‌بن ملك جمال‌الدین.

(فوت ۸۵۷ ه ق)

غزلسرای‌سبزواری، مداح‌بایسنقر میرزا پسر شاهرخ بود.

شباب، محمد جوادکرمانشاهی.

(متولد۱۳۱۲ ه ش)

شاعر و روزنامه نگار (روزنامهٔ فصاحت) ازمردم‌کرمانشاه، کلیات‌اشعارش بیش‌از ۵۰هزاربیت‌شعردارد، **شکرستان**، مخزن‌لآلی از دیگرآثار ایشان است.

نمونهٔ شعرایشان :

هربنده راکه داور یکتاکمال داد
فرخنده نعمتی‌که ندارد زوال‌داد

شبستری، شیخ سعدالدین محمودبن‌عبدالکریم.

نویسندگان ایران‌را به‌بینید.

شجره، حسین.

نویسندگان ایران را به‌بینید.

شرف، شریف‌الدین خراسانی.

(متولد ۱۳۰۶ ه ش)

شاعری متولد شیراز صاحب‌آثاری چون :

تحقیق دربارهٔ زندگی ادبی‌وفلسفی ابوالعلاء معری، بیزاز، تحقیق راجع به فلسفهٔ اگزیستانسیالیسم، ترجمهٔ منتخباتی از آثار نویسندگان اروپایی، وسوسه، پرستو وترجمهٔ چند ازژان‌پل ـ سارتر.

نمونهٔ شعر ایشان :

ای‌زلف، ای بنفشهٔ‌رقصنده
برروی دوش وسینهٔ‌آن زیبا
ای عطر دلنواز و پراکنده
ای‌آرزوی خفته وناپیدا

شرف.

شرف‌الدین علی یزدی در مورخین دیده شود.

شرف‌الدین، شفروه‌یی.

(اواخرقرن ششم ه)

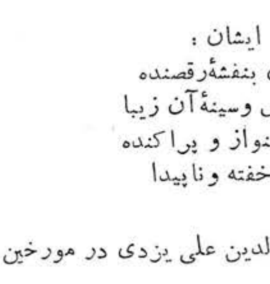
شاعر دربار طغرل بن ارسلان، صاحب دیوانی‌که بیش از ۸۰۰۰ بیت شعر دارد، رسالهٔ دیگر او : اطباق‌الذهب است

شرف‌الدین، علی‌یزدی.

مورخین‌را به‌بینید.

شریفی، محمد علی.

(متولد ۱۲۸۹ ه ش)



ازشعرای معاصرواز مردم‌بوشهر که‌دیوانش چاپ‌شده است نمونهٔ نظم او:

من کیم ؟ وامانــده ای ازکاروان
در قفای محمل جانــان روان
من کیم ؟ مرغی شکسته بال وپر
مانده و گم کــرده راه آشیان

شطرنجی ، دهقان علی .
(قرن ۶ هـ)
شاعری از سمرقند از شاگــردان سوزنی است .

شعاع ، محمد حسین شعاع‌الملک .
(تولد ۱۳۲۴ هـ ش)
شاعری ازشیرازکه دیوان او بیش از ۳۰۰۰۰ بیت شعردارد ، از کارهای ایشان :
تذکرهٔ شعاعیه ، تذکرهٔ شکرستان فارس و اشعهٔ شعاعیه و تصحیح و چاپ دیوان باباکوهی است .
ازاشعار ایشان :
هرلاله‌که روید ازگل من
داغیست ز آتش دل من
جز مهرگیاه دوست نبود
هـر سبزه‌که رویدازگل‌من

شفائی ، حکیم‌شرف‌الدین‌حسن .
(فوت ۱۰۳۸ هـ ق)
شاعر وطبیب وندیم شاه عباس‌اول علاوه برغزلیات و هجویات یك مثنوی به‌نام **نمکدان‌حقیقت** ازاوباقی است .

شفیعی، محمد .
(۱۲۹۹هـ ش)
شاعری ازاصفهان ، صاحب آثاری چون :
درراه میهن، شرح‌حال خواجه‌نصیر– طوسی،امواج احساسات ، مالکیت .
نمونهٔ شعر ایشان :
هرگز خیال همسر دیگر نمی‌کنم
دل را پناهگاه دو دلبــر نمی‌کنم
دیوار سست عهدکسان تکیه‌گاه‌عمر
بسیارکرده‌ام من و دیگــر نمی‌کنم

شکوهی، سید حسن.
(۱۲۷۱–۱۳۳۳ ش)
شاعری‌ازیزد،رباعی زیرازاواست:
می‌خورکه بکار شر وشورت بخورد
اما نه بقدری که شعورت ببرد
امروز بخور می‌که چو فردابروی
ناخورده‌و خورده مارو مورت‌ببرد

شمس ، شمس‌الدین محمدبن عبدالکریم طبسی .
(قرن ۶و۷ هـ ق)
شاعری فاضل ازمردم طبس، مداح **نظام‌الملك تاج‌الدین محمد** ، دیوان او ، شامل ۲۰۰۰ بیت شعر است .

شمس تبریزی،محمدبن علی‌بن‌ملك‌داد.
(فوت پس از ۶۴۵ هـ ق)
به دراویش رجوع شود .

شمس فخری، شمس‌الدین بن فخرالدین اصفهانی .
(اواسط قرن ۸ هـ)
شاعری‌ازاصفهان،صاحب**معیار نصرتی**، معیارجمالی ومفتاح ابواسحاقی می‌باشد.

شمس‌الشعرا .
سروش اصفهانی را به بینید .

شمس العلماء قریب .
نویسندگان ایران را به بینید .

شورش ، امیرمختارکریم‌پور.
روزنامه‌نویسها را به بینید .

شوشتری ، ابوالعلاء .
ابوالعلاء را به بینید .

شوکت بخاری .
(فوت ۱۱۰۷ هـ ق)
یکی ازشعرای‌قرن۱۱ هجری‌قمری است .

شهاب ، سید محمد طاهری .
(متولد ۱۲۹۵ ش)
نویسنده، شاعروروزنامه‌نگار(خبر ایران) از مردم ساری ، دیوان اشعارش ۵۰۰۰ بیت شعردارد ، آثاری چون : ترجمهٔ طب‌الرضا ، تـاریخ دودمـان علوی درمازندران ، سخنان‌شهریاران و یاران علی ، آتشکدهٔ‌کوسان ، خـزاین حکمت،یادگار بزرگمهر،کلید سعادت ، وتصحیح دیوان عسجدی ، دارد .
نمونهٔ شعرایشان :
دانی‌که چرا قرین‌گل خار بود
اندر دل لاله داغ آزار بـود
دردهرسخنوران براین منوالند
روشن چوچراغ وپایشان‌تار بود

شهدی ، عباس اخوان تقوی.
(متولد ۱۳۰۲ ش)
شاعری ازمردم‌رشت، صاحب**گلزار گیلان** ، نمونهٔ شعرایشان :
آمدی اشك به چشمانت بود
نازنین‌گریه چرا می‌کردی
هیچ دانی‌که بدان قطرهٔ اشك
بادل‌خسته چها می‌کردی .

شهران ، جمال .
نویسندگان ایران را به بینید .

شهریار ، استاد سید محمد حسین.
(متولد ۱۲۸۳ هـ ش)



استاد سید مــحمد حسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار فرزند حاج میـرآقـا خشکنابـی یـکی از ستارگـان آسمان‌ادب ایران است که درتبریز پا به عرصهٔ گیتی‌نهاد و از گلستان فضل پدرگلی برچید وبه هنگام سیاحت درهمین‌گلزاربودکـه دست قضا وی را بادیوان خواجه‌آشنا کرد . استاد پس‌از انجام رساندن تحصیلات متوسطه درسال ۱۳۰۰ بقصدعزیمت به‌تهران‌زادگاهش را ترك‌گفت‌ودرآنجا برای ادامهٔ‌تحصیل به‌دارالفنون رفت ورشتهٔ طب را انتخاب نمود وبه تحصیل پرداخت ، اما یکسال پیش از اخذ دکترای خـویش دست از تحصیل‌کشید وبه‌جانب خراسان شتافت. قریب شش سال درآنجا می‌بود وآنگاه دگر بارآهنگ تهران نمود . چند سال دراین سامان رحل اقامت‌افکند و سپس به زادگاه خویش روان گشت و در آن دیار نغمهٔ جـانسوز و دردناکش را به همراه آوای سحرانگیز سه‌تار سرداد و اکنون‌نیزاشعارنغز وشیوای اونوازشگر روح یاران و دوستان و طرفداران سخنش می‌باشد . استاد ازآشنایان‌به‌هنر موسیقی‌است وازدنیای موسیقی چنانکه ذکرشد سه‌تـار را برای بیان احساسات لطیف ودردهای‌سوزندهٔ خویش برگزیده است .

استاد دیوانه وار به خواجه حافظ عشق می‌ورزد و غالب اوقات‌گرامیش با مطالعهٔ دیـوان او سپری می‌گردد . در سال ۱۳۰۸ دیوان شهریـار بـه همت دوستان‌گرانمایهٔ شاعر به حلیهٔ طبع در– آمد. شهریار درسرودن انواع شعرتبحر دارد وغزلیاتش‌را اغلب به‌سبك عراقی می‌سراید ودربرخی‌ازابیاتش شیوهٔ‌هندی دیده‌می‌شود .

شهید بلخی ، ابوالحسن شهیدبن حسین جهودانکی .
(فوت ۳۲۵ ه ق)
استاد شعرفارسی و عربی و خط ، مداح نصربن احمد سامانی ، و ابوعبدالله محمدبن احمد جیهانی بود ، شهید هم‌عصر زکریـای رازی و با او مراوده داشت .
اشعاری ازاو بطورپراکنده به دست آمده است .

شیبانی، ابوالنصرفتح‌الله بن محمد کاظم بن‌محمد حسین .
(۱۲۴۱ـ۱۳۰۸ ه ق)
شاعری‌ازدورهٔ قاجاریه ، درج‌درر، گنج‌گهر ، زبدةالآثـار ، فتح و ظفر ، مسعود نامه ، تنگ شکر، شرف‌الملوك ، کامرانیه ، یوسفیه ، خطاب فرخ، مقالات سه‌گانه ، فواکة السحر ، جواهرمخزن ، لآلی‌مکنون ، نصایح‌منظومه ، ازآثاراو است .

شیبانی ، لعبت والا.
لعبت والارا به‌بینید .

شیخ بهایی .
علمای دین را دربخش‌فلسفهٔ دینی به‌بینید .

شیخ سعدی.
سعدی را به بینید.

شیخ عطار.
عطار را به‌بینید .

شیروانی ، میرزانصرالله.
(۱۲۵۲ـ۱۳۰۴ ه ق)
متخلص به‌بهار،شاعری ازشیروان، نمونهٔ‌شعراو :
آفرین باد برآن ساغرمستانه زدن
وان‌کمربستن‌وآن‌زلف سیه‌شانه‌زدن

شیری .
(فوت ۹۹۴ ه ق)
شاعری پارسی‌گوی ازلاهور، مداح محمداکبرشاه ، نمونهٔ شعراو:
چرا ای‌اشك درچشم‌ازوداع‌یارمی‌گردی
کجابودی‌که‌اکنون مانع دیدارمی‌گردی
سراپا جانی ای باد صبا در قالب شوقم
سرت گردم‌مگردرکوی او بسیارمی‌گردی

شیدا، علی‌اکبر.
(قرن ۱۳ ه)
موسیقی‌دان ، شاعرو تصنیف‌ساز و خطاط ایرانی‌است .

صائب تبریزی، میرزامحمد علی .
(۱۰۱۶ـ۱۰۸۱ ه ق)
شاعری ایرانی ، متولد اصفهان ، مورد احترام‌شاه عباس‌صفوی و ظفرخان (حاکم‌کابل) وشاه جهان (پادشاه هند) ، وملك‌الشعرای دربـار شاه عباس دوم ، بزرگترین شاعرسبك هندی است.

صابر،ادیب.
ادیب صابررا به‌بینید.

صادقی‌کتابدار .
نویسندگان‌ایران را به‌بینید.

صارمی ، علی.
(۱۳۰۱ ه ق)
شاعری‌ازاهل‌کمره، نمونه‌ای ازشعر ایشان :
چون موج سرسپرده به دریای زنـدگی
غلتم بـه سوی ساحل فردای زنـدگی

صافی‌اصفهانی ، میرزا جعفر
(فوت ۱۲۱۹ ه ق)
شاعری غزلسرا ازمردم اصفهان ، صاحب: **شهنشاه‌نامه**، **گلشن‌خیال**،می‌باشد.

صالح .
(فوت۱۰۴۳ ه ق)
شاعری ازاصفهان است .

صالح، محمدصالح وکیل.
(متولد ۱۳۰۷ ه ش)
شاعری ازمردم سنندج است.

صامت بروجردی، محمدباقر .
(فوت۱۳۳۱ ه ق)
شاعری ازمردم بروجرد ، صاحب دیوان شعر.

صبا ، فتحعلی‌خان‌کاشی.
(فوت ۱۲۳۸ ه ق)
ملك‌الشعرافتحعلی‌خان‌کاشی‌متخلص به‌خاقان، مربی‌فتحعلی‌شاه‌قاجار، صاحب **شهنشاه‌نامه**، **خداوندنامه** ، **عبرت‌نامه**، **گلشن‌صبا** می‌باشد . نمونهٔ اشعاراو :
خاقان‌که به هجراشك گلگون می‌ریخت
وزتیغ غمت زچاك دل خـون می‌ریخت
خونی‌کـه ذخیره داشت انـدردل ریش
دیدم‌کـه ز راه دیـده بیرون می‌ریخت

صبا، محمودخان ملك‌الشعرا.
(فوت ۱۳۱۱ ه ق)
شاعری ازکاشان ، نوهٔ فتحعلی‌خان صبا ، ملك‌الشعرای دربار ناصرالدین‌شاه قاجار است ، دیوانش ۲۵۰۰ بیت شعردارد .

صباحی ، حاجی سلیمان‌بیدگلی‌کاشانی.
(فوت ۱۲۱۸ ه ق)
شاعری‌ازکاشان مداح آغامحمدخان قاجار، **چهارده‌بند** اومشهوراست.

صبوحی .
(فوت ۹۷۲ ه ق)
شاعری ازمردم بدخشان است.

صبور ، دکترداریوش .
(متولد ۱۳۰۵ ه ش)



شـاعـر معاصرواز فارغ‌ـ التحصیلان دورهٔ دامپزشکی، نمونهٔ شعر ایشان :
مهرتو ، مهری است پیمان ناپذیر
کارما ، کاری است سامان ناپذیر
عشق ما عشقی است آلوده به درد
درد مادردی است درمان ناپذیر

صبوری‌خراسانی ، حاجی میرزاکاظم .
(فوت ۱۳۲۲ ه ق)
قصیده سرا و ملك‌الشعرای‌آستان رضوی در دورهٔ ناصرالدین شاه ، پدر ملك‌الشعرای بهار است .

صبوری رشتی ، میرزاباقرخان حکیم.
(فوت ۱۳۱۳ ه ق)
شاعـری طبیب ودانشمند از مردم رشت است.

صحبت‌لاری ، ملامحمد باقر.
(فوت ۱۲۵۱ ه ق)
شاعری ازمردم لار وامام جمعهٔ‌آن شهر ، دیـوانش ۳۰۰۰۰ بیت شعر دارد .

صدرالدین، ابوالقاسم عبداللطیف.
نویسندگان ایران را به‌بینید.

صدر ، سیدصدرجهان .
(فوت ۱۰۲۷ هق)
شاعرپارسی‌گوی هند است .

صغیر، محمد حسین .
(متولد ۱۳۱۲ ه ق)
شاعـری از مـردم اصـفهان ، از دراویش **نعمت اللهی**، نمونهٔ‌شعرایشان:
پیرگشتیم ودل ازعشق جوان است هنوز
دیده برطلعت خـوبان نگرانست هنوز

صفا ، دکترذبیح‌الله .
نویسندگان ایران را به بینید

صفا، علی ظهیرالدوله.
دراویش ایران را به بینید .
صفای اصفهانی، محمد حسین .
(فوت مشهد ۱۳۲۲ ه ق)
شاعری ازمردم اصفهان ، غزلهای عارفانه از او بجا مانده است . نمونهٔ شعرایشان :
سالها بود دلم آینهٔ روی تو بود
خانه‌آینهٔ دل ازخم ابروی تو بود
صفای لواسانی، میرزا علی‌محمد.
(قرن ۱۳ ه ق)
شاعرواستاد خط ، از مردم‌لواسان است .
صفائی ، ابراهیم.
نویسندگان ایران را به بینید.
صفاری . فتح‌الله.
(۱۲۸۸ ه ش)
شاعری ازرشت، نمونهٔ شعرایشان:
تا سوز هجرروی تو درسینه باقی است
ما را همان محبت دیرینه باقی است
صفوت ، محمدعلی.
نویسندگان ایران را به‌بینید .
صفی‌علیشاه.
دراویش را به بینید .
صفی ، شیخ محمد.
(فوت ۹۷۴ ه ق)
شاعری ازمردم شیرازکه به‌ریاضی نیزآشنایی داشت و در هند درگذشت.
صقیر، سید محمد علی.
(متولد ۱۳۰۰ ه ش)
شاعری ازکرمانشاه ، شاعری معلم دارای‌آثاری‌درسوگواری‌امام‌حسین(ع).
صورتگر ، دکترلطفعلی .
(متولد۱۲۷۹)
شاعرونویسنده واستادایرانی ، از مردم شیراز ، از آثار اواست : سبك رومانتیزم درانگلستان ، تاریخ ادبیات انگلیس، اصول علم اقتصاد، سخن‌سنجی، عناصر موجود درادبیات پارسی،سخنانی چنداز نویسندگان باختر ، برگهای پراکنده ، اشعاروی قریب ده هزاربیت می‌باشد .
صوفی ، احمدخان .
(متولد ۱۲۵۰ ه ق)
شاعری از مردم اکبرآباد هند ، مثنوی **بلقیس وسلیمان** را سروده (به زبان فارسی) و مثنوی **افسون بابل** را به اردو به نظم‌آورده است .

صهبا ، سید ابراهیم.
(متولد ۱۲۸۶ ه ش)
شاعری توانا ازتربت حیدریه ،که اشعار اودر غالب جراید منتشرمی‌شود.
صیدی .
(فوت ۱۰۸۳ ه ق)
شاعری از مردم تهران ، مداح **خانم جهان آرا بیگم و شاه جهان** ، دیوانش چهارهزاربیت شعردارد .
ضمیری ،کمال‌الدین حسین .
(فوت ۹۷۳ ه ق)
شاعر معاصر شاه طهماسب صفوی . صاحب‌آثاری‌چون:نام‌ونیاز،جنة‌الاخیار، بهار وخزان . وامق و عذرا ، لیلی و مجنون، اسکندرنامه وکتب دیگری‌نیز دارد .
ضیاء .
(فوت ۹۲۷ ه ق)
شاعری ایرانی‌معاصر یعقوب‌میرزا ازمردم تبریز‌بود .
طالب جاجرمی .
(فوت۸۸۴ ه ق)
شاعر و ادیب شیرازی ، صاحب «مناظرهٔ‌گوی وچوگان» است .
طالب‌آملی ، ملك‌الشعراء محمد .
(فوت ۱۰۳۶ ه ق)
شاعری‌ازمردم‌آمل،دیوان‌جهانگیر نامه ازآثار اوست .
طاهرزاده ، میرزاعلی‌اکبر صابر.
(۱۲۷۸–۱۳۲۱ه ق)
شاعری ازمردم‌شروان،که به‌طریق هجو وطنز وکنایه حقایق‌جالبی رابیان می‌کرد .
طاهری ، سیدمحمد .
شهاب‌را به بینید
طاهری ، سیداسماعیل
(۱۲۷۳–۱۳۲۰ ه ش)
شاعری از توابع قم ، نمونهٔ شعر ایشان :
چه خوش‌گفت‌آن پیر روشن روان
فراموش بنما دو چیز اززمان
یکی‌آن چه نیکی‌کنی در جهان
یکی آنچه بد بینی از ناکسان
طرزی افشار .
(قرن۱۱ه ق)
شاعری از ایل افشار دیوانش به چاپ رسیده است .

طغرائی، امیرمحمود .
(فوت ۷۶۹ ه ق)
شاعری ازنژاد ترك ، معاصر ملك معزالدین ابوالحسن محمد کرت و خواجه وجیه‌الدین مسعودسربداراست .
طلوعی ، سید فخرالدین .
(متولد ۱۳۱۹ ه ش)
شاعری از اراك ، نمونهٔ شعر ایشان :
یاران چرا به‌کلبهٔ ما سرنمی‌زنید
برگرد آشیانهٔ ماسر نمی زنید
ازدست رفته ایم وزما پاکشیده‌اید
ازپا فتاده‌ایم و به ماسرنمی‌زنید
طوطی ترشیزی .
(فوت ۸۶۶ ه ق)
شاعری فارسی‌گوی مورد توجه **بابر**.
طیان، ژاژخای.
شاعری ازعهد سامانی است .
ظهوری‌ترشیزی ، نورالدین .
(فوت ۱۰۲۵ ه ق)
شاعری فارسی‌گوی مقیم هندکه بر دیوانش سه‌نثر مقدم است و به سه نثر ظهوری مشهور شده است .
ظهیرفاریابی ، طاهربن محمد .
(فوت ۵۹۸ ه ق)
ازبزرگان قصیده‌سرا و غزلسرا و مداح ، حسام‌الدین اردشیر ، طغانشاه ، محمدبن ایلدگز ،وقزل ارسلان‌ونصرة‌الدین‌ابوبکر، دیوان وی مکرر چاپ شده است، مدفن وی تبریز است .
ظهیرالدین مرعشی .
مورخین‌را به‌بینید .
عارف قزوینی ، ابوالقاسم .
(۱۳۰۰–۱۳۵۲ ه ق)
شاعر وتصنیف‌سازمعاصر،شعری که روی‌سنگ قبرش درصحن‌آرامگاه ابن‌سینا (همدان) نوشته شده :
عمرم‌گهی به‌هجر وگهی در سفرگذشت
تاریخ زندگی همه در دردسر گذشت
عارفی هروی .
(متولد ۷۹۱ ه ق)
شاعری فارسی سرای‌صاحب**حال‌نامه** که به‌مثنوی‌گوی وچوگان‌معروف شده‌است .
عارفی ، علی .
(۱۳۳۱ ه ق)
شاعری ازقم ، برندهٔ جایزهٔ شعر **وطن**ازتبلیغات ورادیو .



نقشهٔ آمریکای شمالی و مرکزی.

«مخصوص دایرةالمعارف دانش بشر»



اقیانوس کبیر
اقیانوس هند
جمهوری اندونزی
استرالیا
دریای جنوبی چین
مجمع الجزایر فیلیپین
دریای سه‌لبس
دریای جاوه
دریای باندا
دریای آرافورا
دریای تیمور
دریای تاسمانی
خلیج بزرگ استرالیا
مجمع الجزایر بیسمارک
مجمع الجزایر سلیمان
گینه نو
زلاند جدید
جزیره شمالی
جزیره جنوبی
تاسمانی
سرزمین شمالی
سرزمین کوئینزلند
استرالیای غربی
استرالیای جنوبی
سرزمین ویکتوریا
سوماترا
جاوه
مالایا
سنگاپور
کامبوج
ویتنام
تایلند
خلیج سیام
داروین
سیدنی
ملبورن
کانبرا
پرت
آدلاید
بریزبن
ولینگتون
جزایر فیجی
جزایر نوهبرید
کالدونیا جدید



نقشهٔ افریقا.

«مخصوص دایرة‌المعارف دانش بشر»



نقشهٔ اروپا.

«مخصوص دایرةالمعارف دانش بشر»

عاشق اصفهانی ، آقامحمد .
(فوت ۱۱۸۱ ه ق)
شاعری ازاصفهان هوا خواه سبك شعرای قرنهای ۷و۸هجری است .

عبده ، محمد .
نویسندگان ایران را به‌بینید .

عبرت نایینی، میرزا محمدعلی مصاحبی .
(فوت ۱۳۲۱ ه ش)
شاعری ازنایین واستادخط، صاحب: مدینة الادب ، نامهٔ فرهنگیان می‌باشد .

عبیدزاکانی، خواجه نظام‌الدین .
(فوت حدود ۷۷۲ه ق)
شاعری ازقزوین ، صاحب آثاری چون :
اخلاق‌الاشراف ، رسالهٔ دلگشا ، رسالهٔ صدپند، ریش‌نامه، رسالهٔ تعریفات، موش‌وگربه، منظومهٔ سنگ‌تراش می‌باشد.

عبدالواسع جبلی .
(فوت ۵۵۵ ه ق)
شاعری ازغرجستان، مداح بهرام‌شاه غزنوی و ارسلان بن کرمانشاه سلجوقی است .

عتبی ، ابوابراهیم اسعد .
(متولد ۴۰۴ ه ق)
شاعر ونویسندهٔ دورهٔ غزنوی و سلجوقی است .

عثمان بن محمد مختاری غزنوی .
مختاری را به‌بینید .

عراقی، فخرالدین .
(۶۱۰-۶۸۸ ه ق)
شیخ فخرالدین ابراهیم بن بزرگمهر ابن عبدالغفار جوالقی همدانی، متخلص به «عراقی» درقریهٔ « کومجان » همدان به دنیا آمد .
درکودکی قرآن‌را فراگرفت و پس‌ازآن به هندوستان رفت و درسلك مریدان « بهاءالدین زکریا» در آمد و دختراو را به عقدخود درآورد .
عراقی مدت‌بیست و پنج سال‌در خدمت بهاءالدین بود و پس‌از مرگ‌او خلیفهٔ‌او شد و چندی‌بعد ازآنجاحرکت کرد وازراه‌عمان به‌زیارت‌حج‌وسپس به روم رفت‌وبه خدمت « **صدرالدین قونیوی**» رسید .
چنانکه نوشته‌اند «**فصوص‌الحکم**» رادرخدمت او استماع نمود ودرآنجا «لمعات» رانوشت و«**معین‌الدین پروانه**» امیرروم مرید اوشد .
پس‌از فوت‌معین‌الدین به مصررفت و به‌مقام «شیخ‌الشیوخی» مصررسید و بالاخره دردمشق‌درگذشته ودر«صالحیه» به‌خاك سپرده‌شد .
عراقی‌ازعرفای بزرگ قرن هفتم هجری و غزلهای شورانگیز عارفانهٔ او مشهور است .
علاوه‌برغزلیات، قصیده وقطعه و ترجیع‌بند نیزدارد و همچنین یك‌مثنوی دارد به‌نام «ده‌نامه» یا«عشاق نامه» که آن‌را بنام « شمس‌الدین صاحب دیوان جوینی» سروده وکتاب «لمعات» او نیز در مقامات و سیرو سلوك عارفانه به‌نثر نوشته شده

عرفی ، جمال‌الدین .
(۹۶۳-۹۹۹ ه ق)
شاعری شیرازی ،که‌بیشتر عمرخودرادر خدمت اکبرشاه هندی گذرانیده است.اودرلاهور وفات‌یافت .

عسجدی ، ابوالنظر عبدالعزیز .
(فوت ۴۳۲ ه ق)
متخلص به‌عسجدی ، یکی‌ازشعرای دورهٔ محمود غزنوی است .
اشعارش درمدح این پادشاه سروده شده است ودیوان اشعارش سه هزاربیت بوده ، امااکنون ابیاتی چند ازآن در دست است .

عسکری ، ابوهلال حسن .
(فوت درآخرقرن ۴ه ق)
شاعری منسوب به‌شهر اهوازاست . (عسکر مکرم) .

عشقی .
میرزاده عشقی‌را به‌بینید .

عصمت بخاری ، خواجه عصمة‌الله .
(فوت ۸۲۹ ه ق)
شاعرعهدتیموری، مداح‌امیرتیموربود.

عطار ، شیخ فریدالدین محمد .
ازمردم‌نیشابور، ازبزرگان‌مشایخ، درحدودسال۵۳۷هجری‌درقریهٔ«کدکن» نیشابور به دنیاآمد وچون درآن‌شهر به داروفروشی وعطاری اشتغال داشت‌بدین لقب معروف‌شد.
عطار دردکان داروفروشی، به‌درمان بیماران می‌پرداخت وبه کسب علوم و درك‌صحبت مشایخ و بزرگان اهل‌تصوف مانند «شیخ‌نجم‌الدین کبری» و دیگران نیز روزگار می‌گذراند ، تاخود از پیشوایان این طریقت گشت و مقامش به جایی‌رسید که‌مولاناجلال‌الدین‌محمد گفت:
هفت شهرعشق راعطار گشت
ماهنوز اندر خم یك‌کوچه‌ایم
عطار درسال ۶۲۷ هجری درفتنهٔ مغولان به‌قتل رسید ، و دربارهٔ قتل او به‌دست مغولان داستان‌هایی‌نقل کرده‌اند.
تألیفات وتصنیفات عطاررادرنظم و نثر بعددسوره‌های‌قرآن ۱۱۴ دانسته‌اند، معروفترین‌آنها عبارتست از :
دیوان قصاید و غزلیات اوکه در حدود ده‌هزاربیت است .
دیگرالهی‌نامه ، پندنامه، خسرونامه ، اسرارنامه ، مصیبت‌نامه و از مثنوی‌های‌بسیار مشهوراو «منطق‌الطیر» است که نزدیك به‌هفت هزاربیت دارد و مراتب سیرو سلوك و رسیدن به‌حق وتوحید را اززبان مرغان که‌درطلب سیمرغ حرکت می کنند ، بیان می‌دارد و هفت‌منزل: طلب،عشق،معرفت،استغنا، توحید ، حیرت و فنا رادرآن شرح می‌دهد .
از تألیفات مهم شیخ عطاربه‌فارسی و نثرکتاب « تذکرة‌الاولیاء» است که آن‌را درسال۶۱۷ تألیف‌کرد وشرح‌حال واقوال‌وکرامات‌نودو شش‌تن‌ازپیشوایان طریقت تصوف وعارفان‌بزرگ‌رابه‌نثری ساده وشیوا نگاشته .

عطاردی ، امام ابوعبدالله .
شاعری زاهد از دورهٔ یمین‌الدوله محمودغزنوی است.

عظامی ، سیدعلی‌قائمی .
(متولد ۱۲۷۵ ه ش)
شاعری ازشیراز است .

علی‌تبریزی ، میر .
خطاطان رابه بینید .

عماد، عمادالدین خراسانی .
(متولد ۱۳۰۰ ه ش)
شاعری ازخراسان،**شبی دربهشت**، **چندغزل از عماد** ، ازآثار او به چاپ رسیده است .
نمونهٔ شعرایشان :
بس درسرزلف بتان‌جاکردی ای دل
مارا میان خلق رسواکردی‌ای دل
غافل مرا ازفکر فردا کردی‌ای دل
تاازکجا مارا تو پیداکردی ای‌دل
روزم سیه حالم تبه کردی توکردی
ای‌دل بسوزی هرگنه کردی توکردی

عمادفقیه ، خواجه عمادالدین کرمانی .
(فوت ۷۷۳ ه ق)
شاعر،فقیه‌وزاهد،ازآثارش، دیوان غزل وپنج مثنوی (صحبت‌نامه،مونس ــ الابرار،صفانامه ، محبت‌نامهٔ‌صاحبدلان، طریقت‌نامه) .

عمادی شهریاری .
(فوت ۵۸۲ ه ق)
شاعردربار عمادالدوله فرامرزپسر شهریار (باوندی) ، و مــداح سلطان طغرل‌بن محمد واتابك جهان‌پهلوان.

عماره ، ابومنصور .
(قرن ۴ و ۵ ه)
شاعر دورهٔ سامانی وغزنوی‌ومداح سلطان محمود است .

عمرخیام .
علمای ریاضی ایران‌را به‌بینید .

عمعق بخارایی، ابوالنجیب شهاب‌الدین.
(قرن ۵ ه ق)
شاعر معروف ازمردم بخارا ، با چندتن‌ازشاهان‌آل خاقان مربوط بوده، دیوانش با۶۱۴ بیت‌شعر به‌چاپ رسیده است .

عمارهٔ مروزی ، ابومنصور .
(قرن ۵ و۶ ه ق)
شاعری ازدورهٔ سامانی . و مــداح اسماعیل‌بن نوح‌بن‌منصور سامانی‌است .

عنصری ، ابوالقاسم حسن‌بن‌احمد .
(فوت۴۳۱ ه ق)
استاد شاعران دربارمحمودغزنوی است‌واوراملك‌الشعرای دربارآن‌پادشاه خوانده‌اند،درحدودسال۳۵۰هجری‌دربلخ متولدشد واوایل زندگی خود را همانجا گذرانده است .

پدرش بازرگان بوده و اونیزابتدا پیشهٔ‌پدر اختیارکرده است ، امادرراهی دزدان مالش‌رابه‌غارت بــرده‌اند . پس بازرگانی‌را رهاکــرده ودرراه تحصیل معلومات وکسب‌دانش گــام برداشته و آنگاه به‌شاعری پرداخته است .

عنصری درحدود سال ۳۹۰ هجری نزد ، امیر نصربن ناصرالدین بــرادر سلطان محمودرفت وموردعنایت اوقرار گرفت و به‌وسیلهٔ اوبه دربار محمود راه یافت‌وتا آخرعمر درخدمت‌سلطان‌محمود بسر برد. درجاه وجلال ومکنت‌وثروت به‌جایی‌رسیدکه در میان شاعران‌معروف ومشهورگردید ومورد مثال قرارگرفت، وبر شاعران زمان خود برتری و تفوق یافت .

اشعارش در حــدود سی‌هزار بیت بوده ولی‌اکنون بیش‌ازسه هزار بیت‌آن باقی‌نیست ، علاوه‌بر دیوانش چندمثنوی به‌نام: «وامق وعذرا »و « شادبهــر» و «عین‌الحیات» و«سرخ بت» و « خنگ‌ــ بت » نیز به اونسبت داده شده‌است .

عنصری بعداز مرگ سلطان‌محمود غزنوی مدتها زندگی‌کرده است .

عیوقی .
(قرن ۴و۵ ه ق)
شاعردورهٔ‌سلطان‌محمودغزنوی‌است.
نمونهٔ شعرایشان :
به‌نام خداوند بالا وپست
که‌ازهستیش هست‌شدهرچه‌هست

غزالی‌مشهدی .
(فوت ۹۸۰ ه ق)
شاعر دورهٔ‌شاه طهماسب اول‌صفوی کلیاتش شامل۷۰۰۰ بیت‌است .

غزالی هراتی .
(اواخرقرن۱۰ ه ق)
شاعر پارسی‌گوی هم عصر غــزالی مشهدی است .

غزنوی، ابورجاء .
ابورجاءرا به‌بینید .

غزنوی، سیدحسن .
حسن‌غزنوی رابه بینید .

غزنوی ، عثمان‌بن‌محمدمختاری .
مختاری غزنوی را به‌بینید .

غمام‌همدانی ، سید محمدبن یوسف .
(فوت ۱۳۲۱ ه ش)
شاعر وعارف‌صاحب دیوان‌غزلیات است‌که درسه جلدچاپ شده است .

غمگین ، حاج‌محمدکاظم اصفهانی .
(۱۲۸۰ــ۱۳۵۵ ه ق)
شاعراصفهانی ، بیش از ۲۰ هزار بیت‌شعردارد‌که درسال ۱۳۲۷ درحدود ۹هزاربیت‌آن چاپ شد .

غنی، محمدطاهرکشمیری .
(فوت ۱۰۷۹ ه ق)
شاعرپارسی‌گوی ازمردم کشمیر ، دیوانش‌چاپ شده‌است .

غنی‌زاده ، محمود سلماسی .
نویسندگان ایران‌را به‌بینید .

غوغا ، عادل‌نژاد خلعتبری .
(متولد ۱۳۱۲ ه ش)
شاعری تهرانی. نمونهٔ شعرایشان:
مرغ‌شب خوابیدو بایاد تو بیدارم هنوز
دیــده‌نابیناشد و مشتاق دیــدارم هنوز
چشمه‌هاخشکید ودریاها زموج‌افتادلیك
اشك‌می‌ریزد زچشمان‌گهــربارم هنــوز

غیاث‌الدین ، محمدبن‌جلال‌الدین.
نویسندگان ایران‌را به‌بینید .

غیرت‌اصفهانی، سیدمیرزا جعفر .
(فوت ۱۲۱۵ ه ق)
شاعری از اصفهان .

غیرت‌کرمانشاهی ، سیدعبدالکریم .
(فوت ۱۲۷۵ ه ق)
شاعری ازکرمانشاه صاحب‌منظومهٔ **دل‌نامه** .

فارسی‌خجندی ،امام ضیاءالدین .
پارسی‌را به‌بینید .

فاریابی .
ظهیرفاریابی را به‌بینید .

فاضل‌گروسی .
راوی بایندری رابه بینید .

فتحعلی‌خان‌صبا .
صبارا به‌بینید .

فتوحی‌مروزی،اثیرالدین‌شرف‌الحکماء.
(قرن۶ ه ق)
شاعر وادیب مرو و معاصر ادیب صابر و انوری و مــداح سلطان سنجر سلجوقی است .

فخرالدوله ،سیدمیرزامحمدرحیم .
بیدل شیرازی‌را به‌بینید .

فخرالدین اسعدگرگانی .
(قرن ۵ ه ق)
معاصر با امیر ابوطالب طغــرلبك محمدبن میکائیل سلجوقی است‌وشهرتش بواسطهٔ منظومهٔ عاشقانهٔ «ویس‌و رامین» است‌که‌به‌تشویق‌ابوالفتح مظفرنیشابوری اززبــان پهلوی آنرا به نظم آورده و داستانی‌بس‌دل انگیــز و لطیف و شیوا ساخته‌است .

این‌منظومه‌رادراصفهان‌به‌نظم‌آورده زیرا ابوالفتح مظفر همراه طغرل‌بــه اصفهان رفته و پس‌ازاوحکومت‌اصفهان راعهده‌دار شده‌است .

فخرالدین اسعد اندکی پس ازسال ۴۴۶،یعنی زمان ساختن مثنوی ویس و رامین، جهان رابدرودگفته‌است .

فرالاوی ، ابوعبدالله محمدبن‌موسی.
(قرن۴ ه ق)
شاعر هم پایهٔ شهیدبلخی است .

فرامرزی، عبدالرحمن .
روزنامه نگاران را به‌بینید .

فراهانی ، اسماعیل .
(متولد ۱۲۸۲ ه ش)
شاعری ازمشك‌آباد اراك ، آثاری چون:اسلام‌وهیئت(ترجمه)،کمال‌آتاترك (ترجمه) . ونمونهٔشعر ایشان :
آن‌که ازدیده‌گهی بر تونگاهی دارد
نتوان‌گفت‌که بیچاره‌گناهـی دارد

فرخ ،تمیمی
(متولد۱۳۱۲ ه ش)
شاعری تهرانی ، نمونهٔشعرایشان :
لغزنده چون‌اثیر ،
رخشنده‌چون‌شهاب
پاینده چون خیال
گیرنده چون‌شراب
پوینده چون امید
گوینده‌چون‌نگاه
فرخنده چون‌شباب
دلزنده‌چون بهار
اینست‌آن‌چه من
خوانم‌به‌نام یار

فرخ ، سیدمحمود .
(۱۲۷۵ ه ش)



شاعری ازمـــردم مشهد،سفینهٔ فــرخ، از آثـــار او است .

فرخ‌زاد ، فروغ .
(متولد ۱۳۱۲ــ۱۳۴۵ه ش)



شاعره‌ای توانا ، با احســاسی رقیق‌وروحی لطیف،صاحب آثـــاری چون : اسیر،دیوار و تــولــد دیگر. اشعار او بین همهٔ طبقات مردم طرفداردارد نمونهٔ شعر ایشان :

گنه کردم‌گناهی پر زلذت
درآغوشی‌که‌گرم وآتشین‌بود

فرخی سیستانی، ابوالحسن‌علی .
(فوت ۴۲۹ ه ق)
از شاعران بـزرگ دورهٔ سلطان محمودغزنوی است .
او دراوایل نیمهٔ دوم قـرن‌چهارم هجری درسیستان متولدشده است .
پدرش غلام امیـر خلف‌بن احمد معروف به‌امیر خلف بانو ،آخرین امیر صفاری بود .
فـرخی درسیستان پرورش‌یافت و درآنجا خدمت دهقانی می‌کرد، وچنگ ترمی‌زد ، وشعر خوش می‌گفت . وچون زنی از موالی خلف خـواست، خرجش بیشترشد وازدهقان اضافهٔمقرری‌سالیانه درخواست‌کرد و دهقان در خواستش را نپذیرفت. پس‌اودرطلب‌نام‌ونان‌برخاست، وچون نام‌ابوالمظفر چغانی‌را شنید،روی به‌چغانیان نهاد و نزد عمیداسعد پیشکار امیرچغانی، واووادارش‌کردکه دروصف داغگاه امیرچغانی قصیده‌ای بسازد واو قصیدهٔ **داغگاه** راساخت و با عمید اسعد نزد امیر چغانی بـه داغگاه شتافت و قصیدهٔ داغگاه‌را خواند که بسیار مورد تعجب وتحسین امیر قـرار گرفت و۴۲ اسب‌صله‌یافت .
فرخی درخدمت امیر چغانی به سر برد و جاه و جلال وتجمل فراوان‌پیدا کرد .
درحدود سال۴۰۰ هجری به‌دربار سلطان محمود غزنوی رفت، ودرنزد او نیز جاه‌وجلال یافت ، وازشعرای‌بزرگ دربار‌آن‌سلطان بشمارآمد، ودربسیاری ازسفرهای سلطان همراه اوبود ، واورا درجشن های بزرگ و مواقع گوناگون مـدح می‌گفت، ودرخدمت سلطان تقرب داشت .
فرخی هنگام مرگ سلطان نیز در سال۴۲۱ هجری، قصیده‌ای عالی ومؤثر سرود، ودرسال۴۱۶ هجری هنگام فتح سومنات نیزقصیده‌ای به نظم‌آورد.
فرخی‌درسال ۴۲۹هجری‌درگذشت.
دیوانش درحدود شش‌هزار بیت‌دروصف و مدح شاهان وبزرگان است‌که به چاپ رسیده‌است .

فرخی‌یزدی، محمد .
(تولدیزد۱۳۰۶ ه ق)
شاعرو روزنامه نگـار (روزنامهٔ طوفان)معاصر .
نمونهٔ شعرایشان :
گر چه مجنونم و صحرای جنون جای من‌است
لیك دیوانه‌تر ازمن دلشیدای من است

فردوسی،حکیم‌ابوالقاسم‌حسن.
(فوت ۴۱۱ ه ق)



شاعر، حماسه‌سراوافتخار ایران و زنده‌کنندهٔزبان وملیت‌ایرانی، درحدود سال ۳۲۹ هجری‌در قریهٔ «باژ»ازقراء «طابران»طوس به‌دنیاآمد .
اوازطبقهٔ دهقانان بود که طبقه‌ای ازمردم اصیل و بزرگوار ایران بودند و به‌حفظ آثار نژادی و باستانی ایران علاقه‌ای فراوان داشتند و فـردوسی‌نیز بر علاقه وافر بـه ملیت درحدود۳۷۰ هجری به‌نظم‌شاهنامه پرداخت و این‌کار راقبل‌ازاو چندتن به‌نظم یابه نثرآغاز کرده ،امابه‌انجام‌نرسانیده بودند، چند تن‌ازبزرگان و امرای‌طوس نیزفردوسی رادرساختن‌شاهنامه‌کمك‌کرده‌اند .
استادبزرگ وسخن‌سرای‌نامی‌طوس پس‌از سی وپنجسال‌رنج وزحمت وصرف عمر ومال نظم‌شاهنامه‌را به‌انجام رساند واین شاهکار عالی ادبیات جهانـی‌را به پایان‌آورد ودرحدود سال۳۹۵ هجری آن‌را نزد «سلطان محمود غزنوی» برد وابتدابه‌پایمردی « ابوالعباس فضل‌بـن احمد اسفراینی » وزیر سلطان محمود به‌حضرت سلطان راه یافت ، اما قـدر استادآن‌گونه‌که‌بایدشناخته نشدورنجیده خاطر گردید وازغزنین بیرون‌آمدومدتی

متواری شد.

پس به‌طوس رفت وشاهنامه را برداشت و به‌طبرستان سفر کرد و نزد «سپهبد شهریار» فرمانروای طبرستان رفت و خواست تاشاهنامه را به نام او کند ولی اونپذیرفت وگفت دربارهٔ تو بدگویی کرده‌اند وبزودی سلطان تورا می‌خواند وحق‌زحمت ترامی گذارد، و توشاهنامه‌را به نام‌محمود بگذار.

فردوسی پس‌ازآن به‌طوس بازگشته و درموطن خود مسکن گزید.

چندی‌بعد به کمك: «احمدبن‌حسن میمندی» سلطان محمود فردوسی را به خاطرآورد و ازرفتار خود نسبت به‌او پشیمان گشت و جایزه‌ای بس گرانبها برای اوبه‌طوس فرستاد، اما این جایزه هنگامی رسیدکه فردوسی چشم‌از جهان فرو بسته‌بود.

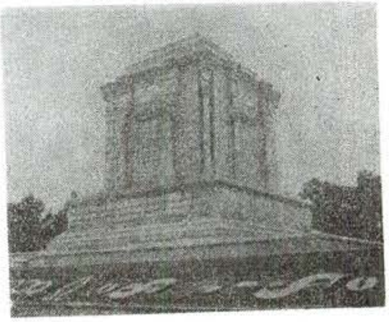
استادطوس درسال ۴۱۱ هجری‌در گذشت و دربیرون دروازه در باغی که ملك خود او بود دفن‌شد و اکنون آرامگاهش درهمانجاست.

فردوسی مذهب تشیع داشت و به ایران وایرانیان و افتخارات ایرانی عشق‌می‌ورزید مردی حکیم و روشن بین ودانا بود.

شاهنامه‌اش درحدود ۶۰ هزاربیت شعردارد و بزرگترین حماسهٔ ملی‌ایران است.

کنگرهٔ فردوسی.

صبح‌روز پنجشنبه ۱۲ مهرماه‌سال.. کنگرهٔ فردوسی مرکب ازمستشرقین و دانشمندان و سیاستمداران خارجی و عده‌ای از نویسندگان وشاعران ایرانی



آرامگاه‌فردوسی

درتالاردارالفنون‌تشکیل‌شد، اسامی‌آقایان مستشرقین و نمایندگان خارجی که به دعوت وزارت معارف‌آن روز به‌کنگرهٔ فردوسی حضور یافتند به‌قرار زیراست:

۱ــ آتسوجی **آشیکاگا**، Ashikaga,A، معلم ادبیات دانشگاه توکیو.

۲ ــ دکتر محمد **آقااوغلو**، معلم صنایع شرق نزدیك دردانشگاه‌میشیگان ایالات متحده.

۳ ــ بهرام‌گورطهمورث **آنکلساریا** Anklesaria,B . T .

۴ ــ محمد **اسحق**، نمایندهٔ هند.

۵ ــ **اوربلی** Orbeli، نمایندهٔ شوروی.

۶ ــ **انوالا** Unvala,J , M نمایندهٔ پارسیان‌هند.

۷ــ **برتلس** Bertels نمایندهٔ‌شوروی.

۸ ــ سباستیان **بك** Beck,S، استاد السنهٔ شرقی دانشگاه برلن (آلمان).

۹ــ **بلوتنیکوف** Bolotnikov نمایندهٔ شوروی.

۱۰ــ آنتونینو **پاگلیارو** Pagliaro,A استاد تاریخ مقایسه‌ای السنهٔ کلاسیك و معلم زبان ایرانی در دانشگاه سلطنتی روم (ایتالیا).

۱۱ــ جان‌درینگ‌واتر Drinkwater,J شاعر شهیر انگلیسی.

۱۲ ــ جمیل‌صدقی **زهاوی** نمایندهٔ عراق.

۱۳ــ سردنیس **راس**، مدیرمدرسهٔ علوم شرقی‌لندن.

۱۴ ــ پروفسورمحمدطاهر **رضوی** نمایندهٔ هندوستان.

۱۵ــ **روماسکوویچ** Romaskevitch نمایندهٔ شوروی.

۱۶ ــ پروفسور **ریپکا** Rypka , j نمایندهٔ چکوسلواکی.

۱۷ ــ پروفسور **فردریخ زاره** Sarre,F. نمایندهٔ آلمان.

۱۸ ــ لسان‌الدین سلجوقی، نمایندهٔ افغانستان.

۱۹ــ عبدالحمید **عبادی** استادتاریخ اسلام دردانشگاه‌ادبیات مصر.

۲۰ــ عبدالوهاب **عزام** استادفارسی جامعهٔ مصر.

۲۱ ــ فریمان Friman، نمایندهٔ شوروی.

۲۲ــ فهیم **بیرقداروپچ** Bajrktarevitch نمایندهٔ یوگوسلاوی.

۲۳ــ آرتور **کریستن‌سن** Christensen,A استاد دانشگاه کوپنهاك (دانمارك).

۲۴ ــ فؤادبیك **کوپریلی زاده**، نمایندهٔ ترکیه.

۲۵ ــ دکتر ارنست **کوهنل**، Kühnel,E مدیر آثار قدیمهٔ اسلامی موزه‌های برلن (آلمان).

۲۶ ــ دکتر **کونتنو** Contenau، نمایندهٔ فرانسه.

۲۷ ــ فرانکلین موت **گونتر** Gunther,F,M مدیرمؤسسهٔ آمریکایی‌صنایع و حفریات ایران.

۲۸ ــ محمد سرور خان **گویا**. نمایندهٔ افغانستان.

۲۹ ــ پروفسور ژرژ**مار** Marr. نمایندهٔ شوروی.

۳۰ــ هانری **ماسه** Masse,H نمایندهٔ فرانسه.

۳۱ ــ دکتر **مایر** Mayer، استاد صنایع وتاریخ شرق نزدیك در دانشگاه اورشلیم (فلسطین).

۳۲ ــ محمد **حبیب**. استاد تاریخ دانشگاه علیگر، نمایندهٔ هند.

۳۳ــ **مینورسکی**، نمایندهٔ‌فرانسه.

۳۴ ــ **نظام‌الدین**، نمایندهٔ هند.

۳۵ ــ علی **نهاد بیك**، نمایندهٔ ترکیه.

۳۶ ــ سردار دستور **نوشیروان**، نمایندهٔ پارسیان هند.

۳۷ــ هادی**حسن**، نمایندهٔ‌هندوستان.

۳۸ــ ژرژ**هاکن** Hackin,j، نمایندهٔ فرانسه.

۳۹ ــ پروفسور**هروزنی** Hrozny نمایندهٔ چکوسلواکی.

۴۰ ــ ژنرال **یارفش کیوویچ**، فرمانده‌لشکرمرکزی‌ورشووریپس انجمن ایران و لهستان.

جلسه وسیله آقای‌محمد علی**فروغی** رییس‌الوزرای‌وقت به نیابت از طرف شاهنشاه افتتاح شد.

فرزاد، مسعود.

نویسندگان ایران را به‌بینید.

فرصت، محمدنصیر حسینی.

(فوت ۱۳۳۹ ه ق)

شاعری‌شیرازی، نمونهٔ شعرایشان:

بوسه برلعل توجانا نکنم‌گوچه‌کنم
کام دل از تو تمنا نکنم‌گو چه‌کنم.
ازسرکوی‌توام‌راندرقیب‌وپس‌ازاین
بر سرکوی تو مأوا نکنم‌گوچه‌کنم

فرغانی، سیف .
سیف فرغانی را به‌بینید .
فروتن، عباس .
نویسندگان ایران را به‌بینید .
فروغ‌فرخزاد .
فرخزاد را به‌بینید .
فروغ، مهندس محمدعلی مخبر .
(متولد ۱۲۸۸ ه ش)
شاعری شیرازی‌که آثاری علمی و ادبی از اوچاپ شده‌است .
فروغی، ابوالحسن .
نویسندگان ایران را به‌بینید.
فروغی بسطامی، میرزا عباس .
(۱۲۱۳ ــ ۱۲۷۴ ه ق)
فرزند «آقاموسی» در سال ۱۲۱۳ در عتبات تولد یافته وبعد از چندی به مازندران‌آمده ودرساری اقامت‌گزیده. مدتی‌درر‌کاب فتحعلی‌شاه بوده وسپس‌به کرمان به خدمت «شجاع‌السلطنه» رفته و تخلص(فروغی) راآن شاهزاده به‌اوداد.
فروغی‌به تصوف و تجردعلاقه‌داشت و در غزلسرایی ازسعدی وحافظ پیروی می‌کرد اشعارش را تا حدود بیست هزار بیت نوشته‌اند .
فروغی، محمدحسین .
نویسندگان ایران را به بینید .
فرهاد، علی .
(۱۳۰۱ ــ ۱۳۴۰ ه ش)



متخلص به فرهاد،شاعری تهرانی ، درسبك‌هندی همراه شیوهٔ عراقی شعر می‌سراید ، نمونهٔ شعر او :

گرچه‌افکندی‌زچشم‌خویش‌آسانم چواشك
یك‌شب‌ای‌آرام‌جان‌بنشین‌به‌داما نم‌چواشك

فرید، سید اسماعیل روزبه .
(متولد ۱۳۰۴ ه ش)
شاعری‌از مردم خوی، دبیروزارت آموزش و پرورش .
فریدون‌کار .
نویسندگان را به‌بینید .
فصیحی تهرانی، ذبیح‌الله .
(متولد ۱۲۸۹ ش)
شاعر ونویسنده ، ازآثاراو: آیینهٔ سپاس رضاشاه‌کبیر ، منظومهٔ ژاندارك ، منتخب مغان یا نادر دوران ، تاریخ منظوم زندگی نادرشاه ، مادران‌معاصر، احسن‌الاثار یامنظومهٔ محمدی چاپ شده است .
فضولی بغدادی .
شاعران خارجی را به‌بینید .
فغانی شیرازی .
بابافغانی را به‌بینید .
فقیر دهلوی، میرشمس‌الدین .
(قرن۱۲ ه ق)
نویسنده و شاعر از مردم دهلی ، صاحب‌کتاب حدائق‌البلاغه ، ودیوانی‌با ۷۰۰۰ بیت شعر .
فقیهی، رضا .
(متولد ۱۲۹۳ ه ش)
شاعری‌از مردم‌اراك .
فکور، کریم.
(متولد ۱۳۰۴ ه ش)
شاعر و تصنیف ساز خراسانی ، از همکاران مطبوعات ، نمایشنامهٔ شاهین طوس‌از او است.درروزنامهٔفکاهی



توفیق‌به‌نام مستعار ، شیطان ، فتنه، سخن چین‌وفکلی اشعار فراوان از او چاپ‌شده است.

فیروزآبادی، علی .
(متولد ۱۳۱۰ ه ش)
شاعری تهرانی ، از همکاران مطبوعات ، نمونهٔ شعر ایشان :

در شاهراه روشن صبحی‌پر ازامید
در قعر چاه چشم زنی سرنگون‌شدم
درکوره راه تیرهٔ شامی‌پرازهراس
آلوده از دهانهٔ چشمش برون شدم

فلکی شروانی، نجم‌الدین ابوالنظام .
(فوت ۵۷۷ه ق)
شاعری‌ازمردم‌شماخی،مداح‌منوچهربن فریدون شروانشاه وپسرش بود، دیوانی که از او چاپ شده ۲۰۰۰ بیت شعر دارد .
فندرسکی، میرزا ابوطالب .
نویسندگان ایران‌رابه‌بینید .
فیروزمشرقی .
(فوت ۲۸۲ ه ق)
شاعر معاصر عمرولیث صفاری است .
فیضی .
(متولد ۹۵۴ ه ق)
شاعرپارسی‌گوی هندوستان، ملك‌الشعرای دربار اکبر شاه هندی‌است .
قاآنی‌شیرازی، میرزا حبیب .
(۱۲۲۲ــ۱۲۷۰ ه ق)
درشیراز متولد شد . ودرجوانی‌به خراسان رفت وتحصیل دانش‌کرد وبه شعرگفتن‌آغاز نمود و «حبیب» تخلص داشت.وبعدها نزد«حسنعلی میرزاشجاع‌السلطنه» والی خراسان تقرب‌یافت و تخلص«قاآنی»رااز‌نام‌پسر او«کتاقاآن» برای‌خود اختیار‌کرد .
قاآنی به وسیلهٔ شجاع‌السلطنه نزد فتحعلی‌شاه معرفی و در جشنها و مراسم رسمی‌قصاید ومسمطات می ساخت ومی‌خواند .
بجز دیوان قصاید و مسمطات ،یك کتاب نثربه تقلید «گلستان» نوشته که به‌نام«پریشان‌قاآنی» معروف است.
قائم مقام‌فراهانی،میرزاابوالقاسم.
نخست وزیران ایران را به بینید .
قاسم‌انوار،سیدعلی .
(فوت ۸۳۷ ه ق)
شاعر و عارف ایرانی است،انیس‌العاشقین،تذکرةالاولیا،دیوان‌شعرازآثار اواست .
قاسم شیرازی .
(فوت ۹۴۷ ه ق)
خطاط و نقاش و شاعر ایرانی است .
قاضی‌حمیدالدین .
نویسندگان ایران‌را به‌بینید .
قانعی طوسی .
(قرن ۷ه ق)
ملك‌الشعرای‌دربارچندتن‌ازشاهان سلجوقی است .
سلجوقنامه ،کلیله ودمنهٔ‌منظوم از آثار اوست .
قریب، میرزاعبدالعظیم‌خان .
نویسندگان ایران‌را به‌بینید .

قصارامی .
(قرن ۵ ه)
شاعر مداح ابواحمد محمدبن‌محمود غزنوی است .

قطران تبریزی، ابومنصور .
(فوت ۴۶۵ ه ق)
مداح «ابومنصوروهسودان بن‌محمد و ابونصر مملان» ازشعرای بزرگ قرن پنجم هجری است .
قصیدهٔ معروف او در بارهٔ زلـزلهٔ تبریز ، که در ماه ربیع‌الاول سال ۴۳۴ اتفاق افتاده ، واقعهٔ دردناك و مـوحش زلزله‌را به‌خوبی وصف می‌کند.
علاوه بر دیوان اشعار منظومـهٔ «قوسنامه»و«کتاب لغت» رانیز به‌او نسبت داده‌اند .

قمری جرجانی .ابوالقاسم زیاد .
(درنیمهٔ دوم قرن ۴ ه)
شاعری‌معاصرقابوس‌بن‌وشمگیراست.

قوامی رازی .
(قرن ۶ ه)
شاعری ایرانی‌که در خدمت رجال بزرگ شیعی عراق به‌سر برد.

قهرمان، پاك‌بین‌آورزمانی .
(متولد ۱۲۹۶ ه ق)
شاعری ازملایر .
نمونهٔ شعرایشان :
گویندجز این سرا سرایی داریم
برحسب عمل‌مقام و جایـی‌داریم
مؤمن به بهشت وکافر اندر دوزخ
مانیز دراین میان‌خـدایی داریم

قهرمان ، یزدانبخش .
(متولد ۱۲۹۵ ه ش)
شاعری خراسانی .
نمونهٔ شعرایشان :
فاش می‌گویم‌که عاشق پیشه و زیباپرستم
ناصح،ازجا نم‌چه‌می‌خواهی من‌این‌رندم‌که هستم
من ازآن ساعت‌که باساغرلبانم‌آشناشد
صبح‌تاشب نیستم هشیار و شب‌تاصبح‌مستم.

کاتبی ترشیزی نیشابوری ، محمدبن عبدالله .
(قرن ۹ ه ق)
شاعری‌نیشابوری،دارای‌خطی‌خوش، ازآثار اواست : بهـرام وگل اندام ، حسن و عشق‌] ، دیوان اشعار و بسیاری دیگر .

کاسمی ، دکتر نصرت‌الله .
نویسندگان ایران رابه‌بینید .

کسایی مروزی، حکیم ابواسحاق.
(فوت ۳۹۱ ه ق)
شاعر دورهٔ غزنوی و استاد مسلم شعر ولی‌ازآثاراوجزاندکی‌باقی‌نیست.

کسرایی، سیاووش .
(متولد۱۳۰۴ه ش)
شاعری‌نوپرداز، **آوا، آرش‌کمانگیر، دماوند خاموش، خون سیاووش** ، از مجموعه‌های ایشان است .

کلیم‌کاشانی ، ملك‌الشعرا ابوطالب.
(فوت ۱۰۶۱ ه ق)
شاعری ازمردم‌همدان‌ومقیم‌کاشان، و مدتی هم‌ملك‌الشعرای دربار**شاه‌جهان** در هند بود ، دیوان اومکررچاپ شده است .

کمال‌الدین‌اسماعیل ، خلاق المعانی.
(فوت ۶۳۵ ه ق)
شاعری اصفهانی‌که در حملهٔ مغول کشته شد .

کمال‌خجندی ،کمال‌الدین مسعود.
(قرن ۸ ه ق)
شاعر دربار سلطان‌حسین جلایر ، نمونهٔ شعر او :
سیری نبود ازلب شیرین توکس‌را
کس سیر ندیداز شکرناب مگس‌را

کمالی‌اصفهانی ، حیدرعلی .
نویسندگان ایران را به‌بینید .

کمالی ، سیدعلی .
(متولد ۱۲۹۲ ه ش)



شاعری از دزفـول ، نمـونـهٔ شعـر ایشان :
تا درآغوش خیالت‌همه‌شب‌تا سحرم
روزسرمستم وتاشام زخود بی‌خبرم
جز توهرسنگدلی‌دیده‌مرا باغم وددرد
رحم‌آورد وبه‌خون‌دل وسوزجگرم.

کوروش ، سیدهادی حائری
(متولد ۱۲۹۵ ه ش)



شاعـری فارسی‌گوی ، نمونهٔ شعر ایشان :
رخسارهٔ‌آن لعبت دردانه درخشید
یاددل شب مهردراین‌خانه درخشید
درجام‌جهان‌بین می‌اسرار ازل بین
بس‌نورحقیقت‌که‌زپیمانه درخشید .

کیا، دکتر محمدصادق .
تیرا را به‌بینید .

کیانوش ، محمود .
نویسندگان ایران رابه‌بینید .

کیوان، سیدمجتبی .
(متولد۱۳۳۰ه ق)
شاعری ازاصفهان،نمونهٔ‌شعرایشان:
فاش می‌گویم غمت‌آسایش جان من است
قامتت سرومن ورویت‌گلستان من است.

کوشککی ، سرف‌الشعرقاینی .
(نیمهٔ اول قرن ۶ ه)
شاعر مداح سلطان سنجر .

گرگانی،فضل‌الله .
(متولد۱۲۹۵ه ش)
شاعری‌فارسی‌گوی، صاحب مجموعهٔ امواج. نمونهٔ شعر ایشان :
دراین سیاه شبم دل هوای کوی تو دارد
منش‌چه‌گفت توانم‌که آرزوی تو دارد .

گرگانی ، فخرالدین‌اسعد .
فخرالدین اسعدگرگانی رابه‌بینید.

گروسی ، محمد .
راوی بایندری را به‌بینید .

گل .
پورداود را به‌بینید .

گلچین‌معانی ، احمد .
(۱۲۹۵ ه ش)



شاعـری تهرانی ، و از همکاران مطبوعات ، گلزارمعانی، دیوان‌جلال عضد، لطایف‌ـ الطوایف، و بسیاری‌دیگر

از آثار او است .

گلچین ، مجدالدین میرفخرائی .

(متولد ۱۲۹۱ ش)

شاعری معاصر از مردم گیلان ، سالهاست که در انگلستان به سر می‌برد، شعرهایش غالباً در دوره‌های گذشتهٔ مجلهٔ سخن چاپ شده است و نیز مجموعه‌های نهفته ومهر وکین به چاپ رسیده است .

نمونهٔ شعر ایشان :

گل بود وسبزه بود وسرود و پرنده بود
در آفتاب گرمی شادی دهنده بود
برآب و خاك باد بهشتی وزنده بود
در باغ بود کاجی پر شاخ و سهمگین

گلشن ، عبدالوهاب ایرانپور .

(متولد ۱۳۱۶ ه ش)

شاعری ازاردکان یزد، صاحب روزنامهٔ **اخترمسعود**. ازآثار او است : دلکش و پریوش ، عقل و جنون، منتخب غزلیات او در هند چاپ شده است .

گوهری، عباس ایراندوست.

(متولد ۱۲۸۲ ه ش)

شاعری از بروجرد ، نمونهٔ شعر ایشان :

آذر رسید وزاغ ، به‌گلشن مکان گرفت
ظلم خزان به‌باغ کران تا کران گرفت

لسان .

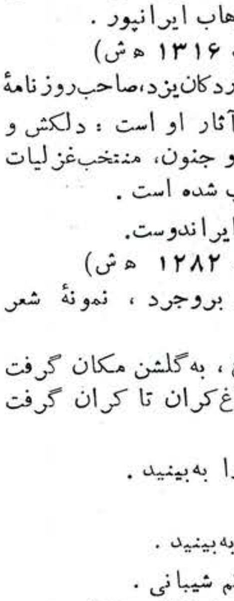
پور داوددرا به‌بینید .

لسان‌الغیب .

حافظ را به‌بینید .

لعبت‌والا ، خانم شیبانی .

(متولد ۱۳۱۸ ه ش)



شاعره‌ای نو پرداز از مردم تهران که تاکنون آثار و اشعار فراوانی از ایشان به‌چاپ رسیده است. نمونهٔ شعر ایشان :

به دل سیاهی شبهای دیرپا سوگند
به روشنایی دلهای آشنا سوگند
به‌مهر وماه وثریا وچشمهٔ خورشید
به بارگاه درخشان کبریا سوگند

لوکری، ابوالحسن علی بن محمد غزوانی.

(قرن ۴ ه ق)

شاعری از مرو معاصر نوح بن منصور سامانی است.

لبیبی .

(قرن ۴ و ۵ ه ق)

شاعری از خراسان است .

ماهرخ، پورزینال .

(متولد ۱۳۰۹ ه ش)

شاعری ازبندر پهلوی، **دلهای شکسته** مجموعهٔ اشعار ایشان است که چاپ شده است .

مایل ، یدالله .

(۱۲۶۵ ـ ۱۳۲۹ ه ش)

شاعری از تویسرکان ، همکار مطبوعات (سردبیرروزنامهٔ شفق) ، از ترجمه‌های ایشان :

قرارداد اجتماعی روسو و حکایت **میگرومیکاس** تألیف ولتر است .

مجتهدالشعرا .

سحاب اصفهانی را به‌بینید .

مجد همگر شیرازی، مجدالدین .

(فوت ۶۸۶ ه ق)

شاعر قصیده سرا از مردم شیراز ، مداح اتابك سعدبن ابوبکر بن سعد زنگی بود .

مجلدی گرگانی .

(قرن ۴ و ۵ ه ق)

شاعری پارسی‌گوی ، نمونهٔ شعر ایشان :

از آن چندان نعیم این جهانی
که‌ماند ازآل ساسان وان‌سامان
ثنای رودکی ماندست و مدحت
نوای باربد ماندست و دستان

مجمر اصفهانی .

سحاب اصفهانی را به‌بینید .

مجیر بیلقانی، مجیرالدین.

(فوت ۵۸۶ ه ق)

شاعری از شمال آذربایجان، مداح شروانشاه و سلاجقهٔ عراق و اتابکان آذربایجان ، مدفن او تبریز است .

محتشم کاشانی .

(فوت ۹۹۶ ه ق)

شاعر دربار صفوی ، نمونهٔ شعراو:

باز این چه شورش است که درخلق عالم است
باز این چه نوحه وچه عزا وچه ماتمست
گرخوانمش قیامت دنیا بعید نیست
این رستخیز عام که نامش محرم است

محمدابراهیم دهلوی.

ابراهیم را به بینید .

مختاری غزنوی، عثمان بن محمد .

(فوت ۵۴۴ ه ق)

شاعر دربار غزنوی وسلجوقی، دیوانش بیش از ۸۰۰۰ بیت شعر دارد .

مدرس ، میرزایحیی .

(متولد ۱۳۱۰ ه ش)

شاعری عالم وفقیه صاحب دیوانی با ۲۰ هزاربیت شعر .

مروارید، شهاب‌الدین عبدالله .

(۸۶۵ ـ ۹۲۲ ه ق)

شاعری با تخلص بیانی ، مداح سلطان حسین بایقرا وشاه اسماعیل صفوی است که خطی خوش داشت .

مسرور طالقانی ، ابوالفضل مسرور بن محمد .

(قرن ۴ ه ق)

شاعر دربار سلطان محمود غزنوی است .

مزارعی ، سید علی.

(متولد ۱۳۰۱ ه ش)

شاعری از شیرازمتخلص به **پیدا**، نمونهٔ شعر ایشان :

مشکن‌دلم ترا به خدا مشکن
آیینه‌را به سنگ جفامشکن
بس‌عهد ها که بستی بشکستی
عهد مرا برای خدا مشکن

مزدا ، غلامرضا جولایی .

(متولد ۱۳۰۵ ه ش)

شاعری ازاراك .

نمونهٔ شعر ایشان :

به‌فردای دنیا به امروزچین
به‌ایمان مستحکم وآهنین
به دستان پر پینهٔ کارگر
به چین‌های پیشانی برزگر

مژده ، علی‌محمد .

(متولد ۱۲۹۶ ه ش)

شاعری شیرازی .

نمونهٔ شعر ایشان:

به‌نام خدایی که‌ازتیره خاك
دل روشن‌آراید و جان‌پاك

مسته مرد .

دیواره‌وز را به‌بینید .

مسعود سعد ، مسعود بن‌سعدبن سلمان .

(۴۳۹ ـ ۵۱۵ ه ق)

در لاهور متولد شد .اصل‌وی از همدان بود ونیاکان اوهمه ازبزرگان فضل وادب بودند .

مسعود سعد بین سالهای ۴۵۰ تا ۴۹۲ در زمان سلطان ابراهیم پسر مسعود ابتدادر لاهوربه‌امارت رسیدودر آنجاقصری ساخت ، امادر چهل سالگی براثر سعایت بد خواهان و بد خواهی

دشمنان، نزدسلطان ابـراهیم متهم شد وچون به‌غزنین برای‌شکایت آمد اورا به زندان افکندند و مـدت هفت سال در قلعهٔ «سو» و«دهك» زندانی‌بود وسه‌سال نیز درقلعهٔ «نای» در زندان به‌سر برد.

درحدود سال ۴۹۰ اززندان‌رهایی یافت و بار دیگر به امر سلطان درقلعهٔ«مرنج» زندانی‌شد و جمعاً سیزده سال در زندان ماند و در سال ۵۱۵ در گذشت.

بهترین قصاید مسعود «حبسیات» اوست که‌در زندان سروده وازرنج وددرد زندان‌نالیده‌است .

دیوانش‌را نخستین بارسنایی‌غزنوی جمع‌آوری‌کرده‌است و غیـر از دیوان فارسی دودیوان تازی و هندی نیزبه او نسبت داده‌اند .

مسعود مروزی .
(قرن ۳و۴ ه ق)
شاعری‌که نخستین بار به‌نظم‌داستان‌ـ های ملی‌پرداخت .

مشرقی .
فیروز مشرقی را به‌بینید .

مشیری ، فریدون.
(متولد۱۳۰۵ ه ش)



شاعری از تهران نشئهٔ‌طوفان، گناه دریا، نـایافتـه، ابـر ، از مجموعه‌های اشعاراوست.

معیری ،رهی .
(متولد ۱۲۸۸ ه ش)



شاعری شیرین‌سخن و.پرکـار و ازشعرای بـزرگ و شایستهٔ‌معاصر است . غزل‌های او مخلوطی ازسبك هندی و عراقی است و چون با موسیقی‌آشنایی دارد ، تصنیفهای جالب همه‌پسندی می‌سازد .

مصفا، دکتر مظاهر.
(متولد ۱۳۰۷ ه ش)
شاعری‌گرانقدر از مـردم اراك ، صاحب‌آثاری چندمانند :

تصحیح و مقابله دیوان سنایـی، دیوان نظیری نیشابوری ، دورهٔمجمعـ الفصحا ، وپاسداران سخن ،منتخباتی‌از حکیم‌صفای اصفهانی، تصحیح‌کلیات‌سعدی، راهی‌ازبن‌بست ، انواع‌شعرهای‌ایشان در ۶جلد چاپ شده‌است .

مظلوم ، حسن .
(۱۳۰۶ ه ش)
شاعری‌از **علیشاه عوض‌**شهریار،در انواع شعرکارکرده وشعرآزاد نیزسروده است .

معروفی بلخی، ابوعبدالله .
(قرن ۴ ه ق)
شاعری ازدورهٔ‌سامانی است .

معزی (امیر) .
امیرمعزی‌را به‌بینید .

معینی، رحیم .
امیررا به‌بینید.

معینیان ، علی‌اصغر .
(متولد ۱۲۹۱ ه ش)
شاعری از سمنان .
نمونهٔ شعر ایشان :

گاه‌سحر نسیم فرح‌بخش‌بوستان
آورده مژده‌ای که‌مراتازه‌گشت جان
آورده مژده وخبری بس‌گران‌بها
کان‌را به‌هرکسی‌ندهدمفت ورایگان

مغربی ،مولانا محمدشیرین .
(فوت ۸۰۹ ه ق)
شاعری عارف ازمردم نایین‌معاصر شاهرخ بن‌تیمور است .

مفتون ، ملاعبدالرزاق .
(۱۱۷۶ ــ ۱۲۴۲ ه ق)
شاعری مورخ ،صاحب**مآثرسلطانیه** و عبرت نامه،معاصر عباس میرزانایبـ السلطنه .

مفتون ، یدالله مفتون امینی .
(متولد ۱۳۰۴ ه ش)
شاعری ازجنوب‌آذربایجان .نمونهٔ شعر ایشان :

مادٔغدیدگان که ز دنیا بریده‌ایم
چون‌لاله رخت‌خویش‌به صحراکشیده‌ایم

مکتبی ،شیرازی .
(قرن ۹ه ق)
شاعری‌که خمسه‌ای ساخته ولیلی و مجنون‌آن لطیف وجالب می‌باشد .

ملك ، عبدالحمید .
(متولد ۱۳۳۴ ه ش)
شاعری‌از تبریز، متخلص به‌طوطی، نمونهٔ شعر ایشان :

رفتی‌ای دوست جسم وجانم سوخت
جسم وجان طاقت وتوانم سوخت .

ملك‌الشعرای بهار .
بهار را به‌بینید .

منجیك‌ترمذی ، ابوالحسن‌علی .
(قرن ۴ ه ق)
شاعر دربار چنانیان است .

منشوری ، ابوسعید .
شاعری‌ازعهدسلطان‌محمودغزنوی‌است

منطقی‌رازی ، ابومحمد .
(قرن۴ه ق)
شاعری معاصرصاحب‌عباد که‌درشعر دری استاد بود .

منوچهری ، ابوالنجم احمد .
(فوت ۴۳۲ ه ق)
از شعرای‌دورهٔ غزنوی، دردامغان متولد شد و تخلص‌خود را از نام «فلك المعالی منوچهربن قابوس وشمگـیر) حکمران زیاری‌گرفت .

در سال ۴۲۰ هجری که سلطان مسعود غزنوی به قصد تسخیـراصفهان وعراق‌به‌ری‌آمد ، منوچهری‌نزد اورفت وجاه وجلال یافت .

منوچهری در قصاید و مسمـطاتش طبیعت را به خوبی با تشبیهات لطیف و نغزوصف‌کرده‌استودر این‌شیوهٔ‌سخنوری در بین شاعران ممتاز است .

از اشعار وی در حدودسه‌هزاربیت در دیوانش اکنون در دست‌است .

مولاناجلال‌الدین‌بلخی(مولوی)
(۶۰۴ ــ ۶۷۲ ه ق)
پسر بهاءالدین محمد بـن حسین الخطیبی ، شاعروعارف ومتفکر بزرگ ایران دربلخ متولدشد .

پدرش بهاءالدین ملقب بـه «بهاء ولد» نوهٔ دختری خوارزمشاه بود و از مشایخ ودانشمندان بـه‌شمار می‌رفت و چون‌از خوارزمشاه رنجش‌یافت در سال ۶۱۸هجری باپسرش جلال‌الدین بلخ را ترك‌گفت و چنانکه‌گفته‌اند ،درنیشابور شیخ فریدالدین عطار رادیـدارکرد و عطاریك‌نسخه‌ازمثنوی«اسرارنامه»خودرا به‌جلال‌الدین‌داد.

بهاءالدین هنگامی که جلال‌الدین



بیست و چهارساله بود وفات یافت و پس از اوجلال الدین درخدمت «سیدبرهان الدین محقق ترمذی» که ازشاگردان سابق پدرش بود، کسب فیض کرد وپس به‌شام و حلب رفت و به‌کسب علوم ومعارف مشغول‌شدو آنگاه به قونیه آمد و ارشاد و وعظ آغازکرد و چون «شمس الدین تبریزی» که پیری بزرگ و صوفی عالیقدر بودبه قونیه آمد دیدارش جلال‌الدین مولوی‌را دگرگون ساخت به طوری که ارشاد و وعظ و تدریس را کنار گذاشت و شورید. وی آشفته حال و دل ازکف داده شد و حلقهٔ ارادت شمس درگوش گرفت. شاگردان مولانا ازاین تغییر حال درشگفت ماندند و در صدد برآمدند که او را از دیدار شمس تبریزی محروم سازند. پس‌یك بارشمس‌را وادارکردند که ازقونیه برود وچون رفت، مولانا جلال‌الدین به اندوه و غصه وبی تابی دچار شد، اورا بازگرداندند، اما درسال ۶۴۵ دوباره براو شوریدند وبنا به‌قولی اورا کشتند.

دیدار شمس‌تبریزی درجلال‌الدین مولوی‌چنان اثری کردکه سراپای اورا سوزانده وعشق آتشینی‌سراسروجود اورا گرفت وهفت‌سال پس از غیبت همیشگی باکشته‌شدن شمس به‌ساختن مثنوی آغاز کرد. ومثنوی راکه یك شاهکار عرفانی زبان‌فارسی است به خواهش‌خلیفه و شاگرد ومرید خود «حسام‌الدین» چلپی درشش‌دفتر سرودکه گنجینهٔ بزرگی‌از عرفان و حکمت وسراسر پندو تمثیل و قصه‌و روایت است.

ازآثار او غیراز مثنوی «دیوان کبیرغزلیات» اوست که به‌نام‌شمس تبریزی به«دیوان‌شمس‌تبریزی»معروف‌شده ونیز «فیه‌ما فیه» به‌نثرازاوست‌ومکاتیب‌نیز ازاو باقی است.

جلال‌الدین، در یکشنبه پنجم جمادی الاخر سال ۶۷۲ در قونیه وفات یافت‌واورا درمقبرهٔ‌پدرش‌به‌خاك‌سپردند.

منیر، طه.

(متولد ۱۳۰۹ ه ش)

شاعره ای تبریزی، **سرگذشت** مجموعهٔ اشعارایشان است.

مولوی.

مولانا جلال‌الدین‌را به‌بینید.

مهستی گنجوی، منیژه.

(۴۹۰-۵۷۶ ه ق)

شاعره‌ای در دورهٔ سلطان سنجر که رباعیات جالبی‌باقی گذاشته‌است.

مهین، مهیندخت معتمدی.

(متولد ۱۳۰۸ ه ش)

شاعره‌ای‌ازمردم بانه، دریای اشك، مجموعهٔ اشعار ایشان است.

نمونهٔ شعر ایشان:

بوسه براشك زدم نیمه شبی جانم سوخت
پنجه‌درخون دلم‌زد سر و سامانم‌سوخت

میرزاحسین‌خان.

دانش را به‌بینید.

میرزادهٔ عشقی، محمدرضا.

(مقتول ۱۳۰۳ ه ش)

ازمردم همدان، صاحب **روزنامهٔ قرن بیستم** شاعری‌حساس و وطن‌پرست، اوپرای رستاخیز او معروف است، کفن سیاه و ایده‌آل از تابلو های دیگر او است، دیوانش مکرر چاپ شده است.

مشفق‌کاشانی، عباس کی‌منش.

(متولد ۱۳۰۲ ه ش)

شاعری کاشانی از آثار چاپ شدهٔ ایشان:

شباهنگ، اشکها، خاطرات، سرود زندگی، زینة‌المرائی است.

میزبان، جلال.

(متولد ۱۳۰۹ ه ش)

شاعری ازمردم مشهد، از همکاران مطبوعات است.

نمونهٔ شعرایشان:

سوختم چون‌شمع شبها درسرای خویشتن
از غم تنهایی واز ماجرای خویشتن
هرکجا بینم گرفتار است مرغی‌درقفس
یاد خود می افتم و ماتم سرای خویشتن

میلانی، میزسقی.

(متولد ۱۲۹۳ ه ش)

شاعری تبریزی، نمونهٔ شعرایشان:

بعداز این موسم عیش است‌ونشاط
که جهان نوشد ونوگشت بساط

میمنت، ذوالقدر.

(متولد ۱۳۱۶ ه ش)

شاعره‌ای از مردم اصطهبانات، متخلص به‌آزاده، نمونه‌ای ازشعرایشان:

بخوان درچشم من، نقش تمنایی‌که من دارم
ببین در موی خود، آشفته رؤیایی‌که من دارم

میرزا نصیراصفهانی.

(فوت ۱۱۹۲ ه ق)

شاعر و طبیب و منجم و حکیم ایرانی است.

ناتل‌خانلری، دکترپرویز.

خانلری‌را به‌بینید.

نادرپور. نادر.

(۱۳۰۸ ه ش)



شاعر تهرانی، که برای اولین بار، تحت تأثیرآهنگ معروف‌رقص امواتشعری به همان‌نام سرود، از آثار چاپ شدهٔ ایشان دستها و چشمها، دختر جام و دختر انگور است.

ناصر دولت‌آبادی.

(متولد ۱۲۹۹ه ش)

شاعر اصفهانی، دارای مجموعهٔ شعری به‌نام **آرمان مادر** است.

نمونهٔ شعر ایشان:

کسی که دیده بدان دیدگان زیبا داشت
دگر چگونه تواند دل شکیبا داشت
ناصر، محمدحسین ناصر ترك.
(۱۲۷۴ هـ ش)
شاعر یزدی صاحب روزنامهٔ ناصر، دیوانش بالغ بر ۵۰۰۰ بیت شعر دارد.
نمونهٔ شعر ایشان:
داروی درد عشق بجز جام باده نیست
ای شیخ، رو ترش مکن، این حرف ساده نیست
ناصرخسرو، حکیم ابومعین.
(۳۹۴ – ۴۸۱ هـ ق)
ملقب به «حجت» حکیم و شاعر و نویسندهٔ بزرگ، درسال ۳۹۴ هجری قمری، در قبادیان بلخ به‌دنیا آمد، در آغاز زندگی به‌خدمات درباری اشتغال داشت، وسلطان محمود و مسعود غزنوی را خدمت کرد و اما در سال ۴۳۷ از اشتغالات دیوانی کناره گرفت و به مسافرت پرداخت و در مدت هفت سال مکه معظمه و شمال شرقی و جنوب غربی و مرکز ایران وآسیای صغیر و شام و سوریه و فلسطین و مصر و قیروان و نوبه و سودان را سیاحت نمود. دراین مسافرتها بادانشمندان هر دین ملاقات کرد ومباحثه نمود تا بالاخره به‌طریقهٔ فاطمیان گروید وازجانب خلیفهٔ فاطمی مصر «المستنصر بالله» عنوان «حجت جزیرهٔ خراسان» را «به‌اصطلاح اسمعیلیه» گرفت و در سال ۴۴۴ به خراسان بازگشت و به‌بلخ موطن اصلی خود فرود آمد و به دعوت پرداخت. لیکن با مخالفت علماء مواجه گردید و متواری شد تا سرانجام در سال ۴۸۱ جهان را بدرود گفت. آثار معروف او عبارتست از: سفرنامه، زادالمسافرین، وجه‌دین، خوان‌اخوان، دلیل‌المتحیرین. از آثارمهم اوبه شعر دیوان اشعاراوست که درحدود ۱۲ هزاربیت ودیگرمثنوی **روشنایی‌نامه** است که همه‌درحکمت وموعظه وتشویق به‌کسب معرفت ودانش‌می‌باشد.
نجاتی، محمدعلی.
(متولد ۱۳۲۴ هـ ق)
شاعر و همکار مطبوعات، **عجایب‌المخلوق‌فی‌مثالب‌تیمور** (تألیف‌عربشاه) را به فارسی روان ترجمه کرده است.
نزاری قهستانی، سعدالدین.
(۶۵۴–۷۲۱ هـ ق)
شاعری از مردم بیرجند، پیرو طریقهٔ اسماعیلی ومعاصر سعدی است.
نسایی.
اسماعیل‌بن یسار را به‌بینید.
نسیم شمال.
اشرف‌الدین حسینی را به‌بینید.
نشاط، میرزاعبدالوهاب.
(فوت ۱۲۴۴ هـ ق)
شاعر و نویسنده و خطاط دورهٔ قاجاریه، **گنجینهٔ معتمد**، از آثار او است.
نصرت، نصرت‌الله رحمانی.
شاعر نوپرداز تهرانی، صاحب مجموعهٔ **کوچ**، چند شعر از او شهرت عام دارد.
نصیر اصفهانی، میرزا
میرزا نصیراصفهانی را به‌بینید.
نظام وفا
(۱۲۶۶–۱۳۴۳ هـ ش)



شاعر و نویسنده‌ای از مردم کاشان، صاحب آثاری چون: تاچهل سالگی، حبیب و رباب، فروز وفرزانه، ستاره وفروغ، پیوندهای دل، یادگار اروپا، پیروزی دل، کاکلی، مهتاب، منطق‌وفا، رمزشاعری، نویسندگان واقعی معاصر.
اشعار نظام‌وفا از ۲۰ هزارمتجاوز است.
نظامی گنجوی، حکیم الیاس‌بن یوسف.
(فوت ۶۲۴ هـ ق)
درگنجه به جهان‌آمد و در همانجا به کسب علوم پرداخت و در خدمت پادشاهان و اتابکان آذربایجان و شروانشاهان به‌سر برد.
نظامی ازبزرگترین داستانسرایان وشعرای معروف ایران است ومثنویهای او شهرت خاص دارد. این مثنویها عبارتند از:
«مخزن‌الاسرار» که در سال ۵۷۰ هجری ساخته شده دارای ۲۲۶۰ بیت است.
«خسرو وشیرین» که در سال ۵۷۶ هجری ساخته شده و ۶۵۰۰ بیت است.
«لیلی و مجنون» که به فرمان «شروانشاه ابوالمظفر اخستان» ساخته شده و ۴۵۰۰ بیت دارد و آن را به سال ۵۸۴ هجری به نظم‌آورده.
«هفت پیکر» یا «بهرام نامه» ۵۰۰۰ بیت که در سال ۵۹۳ به نظم درآمده.
«اسکندرنامه» که آن را دردوقسمت به «اقبالنامه» و «شرف نامهٔ اسکندری» نامیده‌وظاهرآدرسال۵۹۷ به‌نظم‌درآورده.
مجموعهٔ این مثنویها به «خمسه» یا «پنج گنج» معروف می‌باشد.
نظمی، ناصر.
نویسندگان را به‌بینید.
نظیری نیشابوری، محمدحسین.
(فوت ۱۰۲۱ هـ ق)
شاعری فارسی‌سرای درددربار اکبرشاه هندی، بود که آخر عمررا به‌انزوا در احمدآباد گذرانید.
نوا، جعفر
(متولد ۱۲۹۳ هـ ش)
شاعری از اصفهان، که مجموعه‌اش، **نواهای جانگداز** نام دارد.
نوربخش، سیدعلی.
آزاد را به‌بینید.
نواب صفا.
(متولد ۱۳۰۳ هـ ش)



شاعری‌از مردم کرمان، که تصنیف های‌اواغلب مشهور عام است، نواب غزل رابه سبك هندی می‌سراید.
نیمایوشیج، علی اسفندیاری.
(۱۲۷۴ – ۱۳۳۸ هـ ش)
یکی از بانیان شعر نوفارسی است در دهکدهٔ یوش از قرای مازندران به دنیا آمد، دنبالهٔ تحصیلات خودرادرمدرسهٔ کاتولیکهای تهران تعقیب کرد وبه زبان فرانسه‌مسلط شد، محبس، قصهٔ رنگ‌پریده، افسانه برای دلهای خونین، روجا، از مجموعه های ذیقیمت ایشان است. افسانهٔ نیما مهمترین اثرایشان می‌باشد.
والا.
لعبت والا را به‌بینید.

وجدی، غلامحسین جواهری

(متولد ۱۳۰۳ ه ش)

شاعری از قم، که فکاهیاتش در روزنامهٔ توفیق، با امضای **خروس بی‌محل** منتشرشده است.

وجدی

ساقی را به‌بینید.

وحشی بافقی.

(فوت ۹۹۱ ه ق)

شاعر بزرگ قرن دهم هجری در بافق کرمان متولد شده، اما بیشتر زندگی او در یزد گذشته است.

از آثارمعروف او مثنوی «فرهاد و شیرین» است که آن را ناتمام گذارده و بعد «وصال شیرازی» نظم آن را تمام کرده دیگرمثنوی «خلدبرین» و «ناظرومنظور» علاوه بر این قطعات و غزلیات فراوان دارد.

وراق هروی، محمود.

(فوت ۲۲۱ ه ق)

از شعرای معاصر **محمدبن طاهر** است.

ورزی، ابوالحسن.

(متولد ۱۲۹۳ ه ش)



شاعری تهرانی، آشنا به‌موسیقی، بالغ بر ۸۰۰۰ بیت شعرسروده، وازغزلسرایان معروف‌معاصر است.

نمونهٔ شعرایشان:

رفتی ازچشم ودلم محوتماشاست هنوز
عکس‌روی تو دراین‌آیینه پیداست‌هنوز

وصال شیرازی، میرزا شفیع.

(۱۱۹۳-۱۲۶۲ ه ق)

شاعردربار فتحعلی‌شاه ومحمدشاه، بزم وصال، فرهادوشیرین (تکمیل فرهاد و شیرین وحشی بافقی) از مثنویهای او است.

وفایی، حسین.

(متولد ۱۲۹۷ ه ش)

شاعری از مردم قم، نمونهٔ شعر ایشان:

تا توبودی‌کی خبرازماه وسالی داشتم
خاطری آسوده از رنج و ملالی داشتم
عالم ازمن بی‌خبر، من بی‌خبرازعالمی
کی‌به جز عشق تودر عالم خیالی‌داشتم

ولوالجی، ابوعبدالله محمد.

شاعر دورهٔ سامانیان است.

هاتف اصفهانی

(فوت ۱۱۹۸ ه ق)

شاعر معروف ازمردم آذربایجان، دیوان او، شامل قصیده، غزل، رباعی و قطعه‌است. ترجیع‌بندهاتف‌شهرت‌عام‌دارد.

هاتفی خرجردی، مولاناعبدالله.

(فوت ۹۰۷ ه ق)

شاعرخراسانی، خواهرزادهٔ **جامی**، هاتفی خمسه‌ای ساخت که شهرت چندانی ندارد.

هاله، حیدررفابی.

(متولد ۱۳۱۰ ه ش)

شاعری تهرانی، صاحب مجموعه‌های آسمان اشك، خاطرات میگون، شهرزاد می‌باشد.

هشیار، علینقی

(متولد ۱۲۶۶ ه ش)

شاعری‌از کردستان، نمونهٔ‌شعرایشان:

زانتظارت دوخته بره دوچشم زار دارم
جلوه‌ای‌کن‌تا سروجان دررهت‌ایثاردارم

هلالی جغتایی، بدرالدین.

(مقتول ۹۳۶ ه ق)

شاعری مازندرانی، آثاری چون: شاه و درویش (مثنوی)، صفات‌العاشقین (مثنوی) ولیلی‌ومجنون (مثنوی) دارد، غزلیات شیوا ولطیفی از او باقی است.

نمونهٔ شعراو:

ترك یاری‌کردی ومن همچنان یارم ترا
دشمن جانی وازجان دوست تر دارم ترا

هما، گرامی.

(متولد ۱۳۲۲ ه ش)



شاعره‌ای که بیش‌از ۴هزاربیت شعر دارد، نمونهٔ شعر ایشان:

یاران همه‌رفتندوما، تنهای تنها مانده‌ایم
چون‌محمل‌بشکسته‌ای، زین‌کاروان‌جامانده‌ایم

همام تبریزی، خواجه همام‌الدین.

(فوت ۷۱۴ ه ق)

شاعرغزلسرا ومداح‌خاندان‌جوینی، صاحب:منظومهٔ **صحبتنامه** می‌باشد.

همایون، محمد.

(متولد ۱۲۹۰ ه ش)

شاعری‌کرمانی، **منتخبات‌همایون**، **گلزار همایون** ازآثاراواست.

همایون‌فرخ، رکن‌الدین.

فرخ‌را به‌بینید.

همایی، استاد جلال‌الدین.

نویسندگان ایران را به‌بینید.

یحیی، دولت‌آبادی.

دولت‌آبادی در نویسندگان ایران دیده شود.

یغمای جندقی، میرزا ابوالقاسم.

(۱۱۹۶-۱۲۷۶ ه ق)

شاعری از بیابانك، **سرداریهٔ** او به خاطر تندخویی ذوالفقارخان سمنانی سروده شده‌است، سپس به دربارمحمدشاه قاجار راه یافت و عمر به‌راحتی به سر آورد.

یکتا، عبدالمجید.

(متولد ۱۲۹۰ ه ش)

شاعری اصفهانی، اثرش، **توشهٔ‌یکتا** ۱۰ هزار بیت شعردارد.

یوسفی، دکترغلامحسین.

(متولد ۱۳۰۶ ه ش)

شاعری از مردم مشهد، نمونهٔ شعر ایشان:

بهر تو امروز گویم نکته‌ای از شاعری
تا به چشم دل به راز و معنی‌آن بنگری
گرچه بسیارند اندر ملك ما گویندگان
لیك کمتر کس بود آگه به راز شاعری

یمینی‌شریف، عباس.

(متولد ۱۲۹۸ ه ش)

شاعری شیرین سخن صاحب بیانی روشن، که عمرخودرا وقف دنیای‌کودکان کرده‌است. ازآثاراو: آواز فرشتگان، قصه‌های شیرین، گربه های شیپورزن، دوکدخدا، بسیاری از اشعار ایشان در کتابهای‌درسی‌کودکان وارد شده است.

نویسندگان خارجی


لویی آراگون

آبوت ، بکت ژیلبرت .
نمایشنامه نویسها را به‌بینید.

آپولیوس، لوکیوس Apuleius
(قرن دوم میلادی)
نویسندهٔ رومی، صاحب، الاغ طلایی .

آتنه Athénée
(قرن سوم میلادی)
نویسندهٔ یونانی مؤلف کتاب ، **ضیافت سوفسطاییان** .

آداموف ، آرتور
نمایشنامه نویسهارا به‌بینید .

آراگون، لویی
برندگان جوایزمختلف‌ادبی‌فرانسه **رابه‌بینید .**


ماری آگو

آرتسیباشف ، **میخاییل پتروویچ**
Artzy-Bashev
(۱۸۷۸ – ۱۹۲۷م)
نویسنده و نمایشنامه نویس روسی، دارای آثاری چون: سانین، داستانی‌که دادستان نقل‌کرد وغیره می‌باشد .

آرلاند. مارسل.
برندگان‌جوایز ادبی‌کنکورفرانسه را به‌بینید (درسال ۱۹۲۹ م)

آرنیم ، آخیم فون Arnim, A.
(۱۷۸۱–۱۸۳۱ م)
نویسندهٔ آلمانی ، که اثر معروفی به‌نام ایزابلای مصری دارد.

آرنیم ، بتنافون Arnim, A, B.
(۱۷۸۵–۱۸۵۹ م)
نویسندهٔ آلمانی، همسر آخیم آرنیم واثرمعروفش **مکاتبات گوته با یك بچه** است.


شرور آندرسن

آزبورن ، داروثی Osborne, D.
(۱۶۲۷–۱۶۹۵ م)
معروف به لویی‌تمپل، کتابی به‌نام نامه‌های تمپل ازاوباقی مانده است .

آستوریاس، میکوئل‌انژل.
برندگان نوبل ادبی را به‌بینید .

آکساکوف ، سرگی‌تیمافیوویچ
Aksakov, S, T.
(۱۷۹۱–۱۸۵۹ م)
صاحب اثر **وقایع خانوادگی** از نویسندگان روس است .


آهو

آگنون ، ساموئل یوزف.
برندگان نوبل ادبی را به‌بینید .

آگو ، کنتس‌ماری Agoult, C, M.
(۱۸۰۵–۱۸۷۶ م)
زنی نویسنده از مردم فرانسه که آثارش را به‌نام **دانیل استرن** منتشرکرد .

آلارکون ، پدروآنتونیودو.
Alarcon,P,A.
(۱۸۳۳–۱۸۹۱ م)
نویسنده و منتقد و شاعر اسپانیا ، صاحب‌اثر معروف: **کلاه سه‌گوشه** می‌باشد.

آلدانوف ، مارك Aldanov, M
(۱۸۸۶–۱۹۵۷ م)
نویسندهٔ روس، ازآثار مهم او: مهر پنجم ، متفکر و فرار و آنطورکه می‌خواهیم زندگی‌کنیم معروف است .

آلگت ، لویزامی Algott, L.
(۱۸۳۲–۱۸۸۸ م)
صاحب اثر، **زنان‌کوچولو** نویسندهٔ آمریکایی است .

آلن Allan .
کاراك را به‌بینید .

آلوی ، لودوویك Halevy, L.
(۱۸۳۴–۱۹۰۸ م)
صاحب آثاری چون ، روایی، آقاو خانم‌کاردینال ازنویسندگان ونمایشنامه‌نویسهای فرانسه است .

آله، الفونس Allais. A
نمایشنامه‌نویسها را به‌بینید .

آمادو،ژرژ.
روزنامه نگاران را به‌بینید .

آناتول‌فرانس Anatole France
(۱۸۴۴–۱۹۲۴ م)
نویسنده وشاعر معروف فرانسوی ، دارای‌آثاری چون : جنایات سیلوستر بونار،بریان بزی ملکهٔ سبا،زنبق‌سرخ، کرنکبیل و بسیاری دیگر ازاوبه‌جامانده‌است. آناتول فرانس درسال ۱۹۲۱ جایزهٔ ادبی نوبل رادریافت‌کرد.



آندرسن ، شروود Anderson, Sh.
(۱۸۷۶–۱۹۴۱ م)
داستان نویس آمریکایی، صاحب کتاب : وینسبورگ اهیو.

آندرسن ، هانس، کریستین
Andersen.Ch.
نویسندگان نمایشنامه را به‌بینید.

آندریك ، ایوو
برندگان نوبل ادبی را به بینید.

آندریف ، لئونیدنیکولایویچ
Andreyev, L, N.
(۱۸۷۱–۱۹۱۹ م)
نویسندهٔ روسی ، دارای آثاری از قبیل : به دار آویختگان ، تبسم سرخ وغیره می‌باشد .

آنژل Angell.
اینجل را به بینید .

اوستن، جان Awsten, J.
(۱۷۷۵–۱۸۱۷ م)
داستان نویس انگلیسی، صاحب کتاب: تکبر ورأی بی‌مطالعه .

آهو، یوهانی بروفلد . Aho, J, B
(۱۸۶۱–۱۹۲۱ م)
نویسندهٔ فنلاندی ، صاحب اثر : وقتی‌که بابا چراغ خواهد خرید .

ابن ابی‌حجله.
(۷۲۵– ۷۷۶ ه ق)
نویسنده‌وشاعرافریقایی‌عرب زبان، صاحب انموذج‌القتال فی لعب‌الشطرنج می‌باشد .

ابن‌المعتز، ابوالعباس عبدالله
شعرای خارجی را به‌بینید .

ابن‌خفاجه اندلسی
شعرای خارجی رابه‌بینید .

ابنراشنباخ ، بارونین‌فون .
Ebner-Eschenbach.
(۱۸۳۰–۱۹۱۶ م)
نویسندهٔ اتریشی،دارای‌آثاری‌چون: بچه‌های‌دهاتی، کرامباموبولی‌وغیره‌می‌باشد.

ابن‌عبدربه ، احمدبن محمد .
(۲۴۶ – ۳۲۸ ه ق)
شاعر ونویسندهٔ عرب،صاحب‌کتاب العقدالفرید می‌باشد .

ابن‌لیون .
(فوت ۷۵۰ ه ق)
نویسندهٔ اسپانیایی .

ابو ، ادموند About.E.
(۱۸۲۸ – ۱۸۸۵م)



نویسندهٔ معروف فرانسوی‌از شاگردان قدیم‌دانش‌سرایعالی و مدرسهٔ آتن

است،آثار ارزنده‌ای از او به‌جا مانده است .

ابوالعلاء معری .

شعرای خارجی را به‌بینید .

ابوالکلام آزاد مولانا .

(۱۸۸۸ – ۱۹۵۸ م)

نویسنده وناطق وسیاستمدارهندی، تألیفاتی مربوط به قرآن دارد .

ابوفراس ، حمدانی .

شعرای خارجی را به‌بینید

ادیسن ، جوزف Addison,J.

(۱۶۷۲–۱۷۱۹ م)

نویسنده وشاعر و نمایشنامه نویس انگلیسی ، صاحب آثاری چون : نبرد ، ممتحن آزادیخواه ، وغیره می‌باشد .

ارسکین، جان Erskine,J .

(۱۸۷۹ – ۱۹۵۱ م)

نویسندهٔ آمریکایی که کتاب: **زندگی خصوصی هلن** ازاو است .

ارنبورگ ، ایلیا Ehren burg, I.

(متولد ۱۸۹۱م)

روزنامه‌نگاران را به‌بینید .

اروینگ ، واشنگتون Irving,W .

(۱۷۸۳ – ۱۸۵۹ م)



نویسندهٔ آمریکایی با آثاری چون:زندگی کریستف‌ کولومب ، سلمگاندی وداستانهای یك سیاح ، تاریخ فتح‌غرناطه، کتاب‌الحمرا، افسانهٔ هالو، محمدوپیروانش، الیورگلداسمیت دارد .

ازوپ Esope .

(قرن ۵ ق م)

افسانه نویس یونانی،صاحب‌کتاب: **زندگی ازوپ .**

اسپینسل، ویتنته ماریتنت.

شعرای خارجی را به‌بینید .

استاندال، هنری‌بیل Stendhal,H,B.

(۱۷۸۳ – ۱۸۴۲ م)



نویسندهٔ معروف‌فرانسه، دارای‌آثاری چون: سرخ وسیاه، آرناس، راسین و شکسپیر ، گردشهای روم،زندگی روسینی،وقایع ایتالیا،معبد پارم ، زندگی ناپلئون وغیره می‌باشد.

استریندبرگ ، اوگوست .

Strindberg,Au .

(۱۸۴۹ – ۱۹۱۲ م)



نویسنده، نمایش‌نامه‌نویس وشاعرسوئدی دارای‌آثاری چون: پسر کلفت،متفکر آزاد، به‌سوی روم،هریسون، اطاق‌قرمز، قلمرو سلطنتی تازه و غیره می‌باشد .

استروسکی ، الکساندرنیکلایویچ .

Ostrovski . A.N .

نویسندگان نمایشنامه را به بینید.

استروسکی ، نیکلا الکسی ویچ .

Ostrovski, N , A .

(۱۹۰۴ – ۱۹۳۶ م)



نویسندهٔ روسی که‌اثر معروف او: **سقط جنین براثر طوفان** نام دارد.

استروولس ، فرانك لاتور .

Streuvels,F,L .

(۱۸۷۱ م)

نویسندهٔ بلژیکی،دارای‌آثاری‌چون، درو ، مزرعهٔ کتان وغیره .

استفان ، ابن‌بسیل Stephanus .

ازمترجمان‌عهدمأمون‌وازشاگردان حنین‌بن اسحق‌بود وبسیاری ازکتب‌طب یونانی را به عربی نقل‌کرد از جملهٔ ترجمه‌های او کتاب (الحشائش) تألیف دیسقوریدس‌العین زربی است .

استفان ، جیمز .

شعرای خارجی را به‌بینید .

استیونسون ، روبرت لویی .

Stivenson,R, L .

(۱۸۵۰ – ۱۸۹۴ م)



نویسندهٔ اسکاتلندی دارای‌آثاری چون:جزیرهٔ گنج،پرنس اوتو،فرزند ربوده‌شده، کاتریونا ، الف‌لیل جدید ، هشت سال آشوب در ساموا،عمارت‌کلاه‌فرنگی وغیره‌می‌باشد.

اسکات، والتر Scott,W .

(۱۷۷۱ – ۱۸۳۲ م)



نویسندهٔ بزرگ اسکاتلند ، از آثار او است:ترجمهٔ اشعاربورگر، اشعارسواحل اسکاتلند ، سرودآخرین خنیاگر ، خاتون دریا ، ویورلی ، ایوانهو وطلسم وغیره می‌باشد .

اسکاروایلد.

وایلد را به بینید .

اسکارون ، پل Scorron,P.

(۱۶۱۰ – ۱۶۶۰ م)

شاعر ونویسندهٔ فرانسوی ، دارای آثاری چون : رمان مضحك،داستانهای غم‌انگیز و خنده آور می‌باشد .

اسکودری ، مادلن‌دو . Scudery,M

(۱۶۰۷ – ۱۷۰۱ م)

زنی داستان‌نویس **از مردم‌فرانسه**، صاحب‌اثر معروف **آرتامن‌یاکورش‌کبیر** می‌باشد .

اسلاتاپر ، اسپیپو Slataper,S .

(۱۸۸۸ – ۱۹۱۵ م)

نویسندهٔ ایتالیایی ، دارای آثاری



اروپ



استراوسکی



استروولس



اسلاتاپر

چون : برادرم کارسو و بسیاری دیگر.

اسلاوجکوف ، پتکو . Slavejkov,P

(۱۸۲۷ – ۱۸۹۵ م)



نویسندهٔ بلغاری که بامجلات و روزنامه‌ها همکاری می‌کرد.



ایریارت

اسلوواتسکی ، پرلیوش . Slovacki, P.

(۱۸۰۹ – ۱۸۴۹ م)

نویسنده و شاعر لهستانی، آثاری چون : مازپا وماری استوارت دارد.

اشتاین بك ، جان .

برندگان نوبل ادبی را به‌بینید.

اشتورم ، تئودور. Storm, Th.

(۱۸۱۷ – ۱۸۸۷ م)

نویسندهٔ آلمانی دارای آثاری‌چون: داستانهایی از تون وغیره‌می‌باشد.

اصطفن ، ابن‌بسیل .

استفان ، ابن‌بسیل را به‌بینید.

اکر ، پل.

برندگان‌جوایز مختلف‌ادبی‌فرانسه را به‌بینید .

اگزوپر، آنتوان سنت .

سنت‌اگزوپر را دربرندگان‌جوایز مختلف ادبی فرانسه به‌بینید .



ایسنر

الیوت، ماری‌ان‌اوان Eliot,M,A,E.

(۱۸۱۹ – ۱۸۸۰ م)



زنی‌نویسنده از مردم انگلیس معروف به ژرژ،دارای آثارمعروفی چون: آدام بید،آسیای نهر فلاس ، سیلاس مارنر ، رمولا ومناظر زندگی روستایی می‌باشد .

امرسون،رالف والدو .Emerson,R,W

(۱۸۰۳ – ۱۸۸۲ م)

نویسنده وشاعر آمریکایی ، دارای آثاری چون : مقالات، مردان نماینده، خصوصیات انگلیسی ، راه زندگی ، اجتماع‌وانزوا، نامه‌هاوهدفهای‌اجتماعی، تاریخ طبیعی فهم وغیره می‌باشد .

امین، قاسم .

روزنامه نویسها را به‌بینید .

امین‌الریحانی.

جهانگردان و جغرافیدانان را به‌بینید .

انرود، هانس .

نمایشنامه نویسها را به‌بینید .

اودو، مارگریت.

برندگان جایزهٔ فمینا رابه‌بینید .

اورتگای‌گاسه ، خوسه.

Ortegay Gasset,J.

(۱۸۸۳ – ۱۹۵۵ م)



نویسندهٔ اسپانیایی‌و استادفلسفهٔ ماوراءالطبیعه در **دانشگاه مادرید**.صاحب آثاری‌چون: دوراندیشی و تکنیك ، انتلکتوئل و دیگری و غیره می‌باشد .

اورف ، اونوره‌دو . Orfé

(۱۵۶۷–۱۶۲۵ م)

نویسندهٔفرانسوی‌صاحب‌کتاب آستره.

اوفلاهرتی ، لیام . O'flaherti, L.

(متولد ۱۸۹۷ م)

نویسندهٔ ایرلندی دارای آثاری چون : روح سیاه، خبرنگار، زن‌همسایه و غیره است .

اورکوت، سرتامس . Urquhart.

(۱۶۱۱–۱۶۶۰ م)

نویسندهٔ اسکاتلندی و مترجم کتاب گاراگانتوای رابله می‌باشد .

اورول ، جورج Orwell, G.

(۱۹۰۳–۱۹۵۰ م)

نویسندهٔ انگلیسی ، صاحب آثاری چون: روزهای برمه ، شیرواونیکورن ، دورهٔ مستمندی درپاریس ولندن .

اوستن ، جین Austen,J.

(۱۷۷۵–۱۸۱۷ م)

نویسنده‌ای انگلیسی دارای آثاری چون: غرور وتعصب، کلیسای‌نورثانگر، پارك مانسفیلد، و غیره می‌باشد .

اونامونو ، میشل‌دو. Unamuno, M.

(۱۸۶۴–۱۹۳۶ م)



نویسندهٔ اسپانیایی صاحب‌آثاری چون: صلح‌در جنگ ، از کشورمن ، فیلسوف با زندگی‌دون‌کیشوت و سانکو پانسا ، احساس الهام‌انگیز حیات.

اوندست، زیگرید.

برندگان نوبل ادبی را به‌بینید.

اونرو ، فریتس‌فون Unruf,F.

(متولد ۱۸۸۵ م)

نویسندهٔ‌آلمانی‌صاحب آثاری‌چون، فداکاری،هنوزکاربه‌پایان نرسیده وغیره.

اوهنری. O,Henry .

(۱۸۶۲–۱۹۱۰ م)

نویسندهٔ آمریکایی‌که نام اصلی او، **ویلیام‌سیدنی‌پورتر**می‌باشدآثاری‌چون: داروی‌محبت، حکمها وشاهان،اختیارات جاده‌های سرنوشت، شهرآرام ، سنگهای غلطان، ولگردان وآوارگان ، کارسخت وآوازشهر می‌باشد .

ایبسن ، هنریك Ibsen, H.

نویسندگان نمایشنامه را به‌بینید.

ایریارت ، توماس‌دو Iriarte, Th.

(۱۷۵۰ – ۱۷۹۱ م)

نویسندهٔ اسپانیایی دارای آثاری چون : ادبیات دورهٔ تحریم، افسانه‌های ادبی وبسیاری دیگر می‌باشد.

ایروینك .

اروینگ را به‌بینید .

ایبانز،ونسانت‌بلاسکو . Ibanez,V,B

(متولد ۱۸۶۷ م)

نویسندهٔ اسپانیایی دارای آثاری چون :گل بهار ، آرزوی تارتانا ، سرزمین‌های نفرین شده ، خون و شن ، سونیکای هرجایی، مشرق زمین وغیره می‌باشد .

ایسنر، کورت Eisner,K .

(۱۸۶۷–۱۹۱۹ م)

نویسندهٔ‌سوسیالیست‌وشخصیت‌سیاسی آلمان .

ایشروود ،کریستوفر . Isherwood,C

(متولد۱۹۰۴م)

نویسندهٔ صوفی‌مسلك‌انگلیسی‌است .

ایلف، ایلیا. Ilf.
(۱۸۹۷ – ۱۹۳۷م)
نویسندهٔ روسی که در تألیف کتاب گوسالهٔ طلایی شرکت داشت و آمریکای کوچك زرین‌را خود او نوشت.

ایمرمان، کارل. Immermann, K.
(۱۷۹۶ – ۱۸۴۰ م)
نویسندهٔ آلمانی، صاحب اثر: اپیگونها.

ایده، مارسل.
برندگان‌جوایز‌مختلف ادبی‌فرانسه را به‌بینید.

اینجل. سرنورمن Angell, N.
(متولد ۱۸۷۴م)
نویسندهٔ انگلیسی، صاحب‌کتاب: اندیشهٔ بیهودهٔ‌بزرگ و برندهٔ‌جایزهٔ‌صلح نوبل.

بابل، ایسائاك امانوییلوویچ.
Babel, I, E.
(۱۸۹۴ – ۱۹۳۹م)
داستان‌نویس روس، که سواره نظام سرخ و داستانهای اودسا از او است.

باتلر، ساموئل Butler,S.
(۱۸۳۵ – ۱۹۰۲ م)
صاحب رمان معروف **راه و رسم بنی‌آدم** از نویسندگان انگلیس.

باربوس، هانری.
برندگان جوایز ادبی گنکوررا به‌بینید.

باربه‌دو اورویی، ژول.
Barbey d'Aurevilli, J.
(۱۸۰۹ – ۱۸۸۹م)
از نویسندگان فرانسوی است، اثر معروفش **دیال‌بولیك** می‌باشد.

بارس، موریس Barrès ,M.
نویسندهٔ‌کتاب مستأصلها، سیاستمدار و نویسنده و روزنامه‌نگار، فرانسوی است.

بارم، ریچاردهریس Barham.
(۱۷۸۸ – ۱۸۴۵م)
نویسندهٔ بذله‌گوی انگلیسی‌است.

بارو، جورج‌هانری Barrow,G,H.
(۱۸۰۳ – ۱۸۸۱ م)
صاحب «کتاب مقدس در اسپانیا» از نویسندگان سیاح انگلیسی است.

باروفا، پیو Baroja, P.
(۱۸۷۲ – ۱۹۵۶ م)
نویسندهٔ‌کتاب «خاطرات يك مرد فعال» و «بی‌قراریهای شانتی‌آندیا» از رمان نویسان اسپانیا است.

باکن، جان Bachan.
(۱۸۷۵ – ۱۹۴۰ م)
رجل سیاسی و نویسندهٔ‌اسکاتلندی‌که داستانهای «سی و نه‌پله» و «روپوش سبز» و «سه‌گروگان» او معروف است.

بالزاك، اونوره دو Balzac,H.
(۱۷۹۹ – ۱۸۵۰ م)



نویسندهٔ معروف فرانسوی، دارای‌آثاری چون: بابا– گوریو، اوژنی‌گرانده، زن‌سی‌ساله، چرم‌ساغری، کمدی انسانی، دختری زرین چشم، زنبق دره، سرهنگ شابر، فاحشه‌ها، آرزوهای برباد رفته، گوبسك رباخوار وغیره می‌باشد.

باون.
بوون را به‌بینید.

باهلی.
(فوت ۲۳۱ ه ق)
نویسنده و لغت شناس عرب.

بایر، فردریك Bajer, F.
(۱۸۳۷ – ۱۹۲۲ م)
نویسندهٔ‌دانمارکی برندهٔ قسمتی‌از جایزهٔ صلح نوبل.

بدل، موریس.
برندگان‌جوایز ادبی‌گنکورفرانسه را به‌بینید. (در سال ۱۹۲۷ م)

براون، سرتامس Browne, Th.
(۱۶۰۵ – ۱۶۸۲ م)
نویسنده و طبیب‌انگلیسی، صاحب آثاری چون: مذهب يك طبيب، دفن در ظرف وغیره است.

برتون، اندره.
شعرای خارجی را به‌بینید.

برد، رابرت مانتگامری Bird,R,M.
(۱۸۰۶ – ۱۸۵۴ م)
نویسندهٔ‌آمریکایی، صاحب‌کتاب: شیطان جنگل.

برشت، برتو Brecht.B.
نویسندگان نمایشنامه را به‌بینید.

برناردن دوسن – پی‌یر، ژاك‌هانری.
Bernardin Desaint Pierre, J.
(۱۷۳۷ – ۱۸۱۴ م)
نویسندهٔ فرانسوی، صاحب‌آثاری چون: کلبهٔ هندی، هماهنگی طبیعت و پل وویرژینی.

برنانوس، ژرژ.
برندگان‌جوایز فمینارا به‌بینید. (در سال ۱۹۲۹).

برنتانو، کلمنس Brentano,C
(۱۷۷۸ – ۱۸۴۲ م)
شاعری ایتالیایی، دارای آثاری چون: تنزلات‌تاج‌گل، گردوی(داستان)، کاسپرل وآنرال می‌باشد.

برنشتاین، هانری Bernstein.
نمایشنامه نویسهارا به‌بینید.

برود، هانری.
برندگان‌جوایزادبی‌گنکورفرانسه را به‌بینید. (درسال ۱۹۲۲ م)

بروکس. وان وایك Brooks,V.
(متولد ۱۸۸۶ م)
نویسندهٔ‌آمریکایی، صاحب‌آثاری چون: شکوفایی انگلستان وغیره.

بریو، اوژن Brieun,A.
نمایشنامه نویسها را به‌بینید.

بکت، ساموئل Beckett , S.
(متولد ۱۹۰۶ م)
شاعر، نویسنده ونمایشنامه نویس ایرلندی؛ جای لگد ها بیش ازلگدها، درانتظارگودو، مولوی، وات، مورفی ومالدن می‌میرد، قسمتی ازآثاراواست.

بکفورد، ویلیام Beckford , W
(۱۷۶۰–۱۷۸۴ م)
نویسندهٔ انگلیسی، صاحب اثر معروف: واثق، است.

بلکمور، ریچارد داوریج
Blackmore , R , D.
(۱۸۲۵–۱۹۰۰ م)
شاعروداستانسرا ومترجم‌انگلیسی، **لورنادون**، ازداستانهای اومعروف‌است.

بلوا، لئون Bloy , L.
(۱۸۴۶–۱۹۱۷ م)
نویسندهٔ‌فرانسوی، صاحب‌داستانهای: ناامید، زن فقیراست.

بلوم، لئون Blum , L.
(۱۸۷۲–۱۹۵۰ م)
نویسنده وسیاستمدار فرانسوی، که مدتها در زندان به سربرد.



باتلر



بارس



برشت

بلی ، آندری .
شعرای خارجی را به بینید .

بلینسکی ، ویساریون گریگوریویچ
Belinsky , V , G .
(۱۸۱۰–۱۸۴۸ م)
نویسندهٔ روسی است .

بنوا ، پی‌یر Benoit , P .
(متولد ۱۸۸۶ م)
نویسنده و شاعر فرانسوی ، دارای آثاری چون : رومان اتلانتید و رومان کونیگسمارك می‌باشد. بنوا درسال ۱۹۱۹ برندهٔ جایزهٔ بزرگ رومان آکادمی فرانسه شد .

بنویل، ژاك Bainville, J .
(۱۸۷۹–۱۹۳۶م)



نویسندهٔ فرانسوی با افکاری‌روشن و نوشته‌های روان .



بوسوئه

بنه ، استفان‌ونسانت . Benet .
(۱۸۹۸–۱۹۴۳ م)
نویسنده وشاعر آمریکایی دارای آثاری چون : جسد جان براون ، ستارهٔ باختری ، احضار به‌سوی آزادی ، آغاز دانایی ، شیطان ودانیال وبستر، داستان گربه‌ها وغیره می‌باشد .

بنیامین، رنه.
برندگان جوایز ادبی گنکور را به‌بینید . (درسال ۱۹۱۵ م)

بووار، سیمون دو.
برندگان‌جوایز ادبی‌گنکورفرانسه را به‌بینید.(درسال ۱۹۵۴م)

بورژه ، پل Bourget , P .
(۱۸۵۲–۱۹۳۵م)
نویسنده وشاعر فرانسوی که‌اثرمهم او **مرید** نام دارد .

بورن،رندالفسیلیمن Bourne, R , S.
(۱۸۸۶–۱۹۱۸م)
نویسندهٔ صلح طلب ازمردم‌آمریکا.

بوسکو، هانری.
برندگان‌جوایز مختلف‌ادبی‌فرانسه را به‌بینید .

بوسوئه ، فردریك Bossuet , F .
(۱۶۲۷–۱۷۰۴م)
خطیب و نویسندهٔ فرانسه ، صاحب آثاری‌چون: گفتار دربیان تاریخ‌عمومی، کتاب‌سیاست وغیره.

بوسه ، کارل . Busse,K.
(متولد ۱۸۷۲م)
نویسنده وشاعر آلمانی ، دارای آثاری‌چون : اشعار، اشعارنوولگردان، بازی قلم‌ودانش آموزان وغیره است .

بوسیکولت، داین.
نمایشنامه نویسهارا به‌بینید .

بوکاچیو، جیووانی Boccaccio.
(۱۳۱۳–۱۳۷۵)
نویسنده و شاعر ایتالیایی ، اثر معروف او ، دکامرون نام دارد .

بوکاسیو، جیووانی.
بوکاچیو را به‌بینید .

بو اسلاو .
پروس ، الکساندر گلوواچی را به‌بینید .

بومارشه، پی‌یر .کارون
Beaumarclais , P , C .
(۱۷۳۲–۱۷۹۹م)



نویسندهٔ فرانسوی ، دارای‌آثاری چون :ریش تراش‌سویل، عروس‌فیگارو می‌باشد .

بومانت.
نمایشنامه نویسها را به بینید.

بونزلس ، والدمار Bonsels,W.
(۱۸۸۱–۱۹۵۲ م)
نویسندهٔ آلمانی ، صاحب آثاری چون : مایا، دخترگریزان‌کندو و سرگذشت ماریو، می‌باشد .

بونین ، ایوان آلکسی یوویچ.
Bunin , I,A .
(۱۸۷۰– ۱۹۵۳ م)
نویسنده و شاعر روسی ؛ صاحب اثری چون : پولدار ، است و در سال ۱۹۱۹ برندهٔ جایزهٔ نوبل گردید .

بونیفاتسیو، ژوزه Bonifacio, J.
(۱۷۶۳– ۱۸۳۸ م)
سیاستمدار و نویسندهٔ برزیل است .

بوون ، الیزابت Bowen, E.
(متولد ۱۸۹۹ م)
نویسندهٔ ایرلندی دارای آثاری چون :آخرین سپتامبر ، دنیای عشق ، درقصربوون وغیره‌می‌باشد.

بویل، راجر Boyle.
(۱۶۲۱– ۱۶۷۹ م)
نویسنده و سیاستمدار ایرلندی بوده است .

بیربوم ، سرمکس Beerbohm , M.
(۱۸۷۲– ۱۹۵۶ م)
نویسنده و منتقد نمایشنامه‌ها و کاریکاتورنگار انگلیسی است .

بیرس ، امبروزگوینت Bierce , A.
(۱۸۴۲– ۱۹۱۴ م)
نویسندهٔ آمریکایی ، صاحب‌آثاری چون : قصه‌های سربازان وغیرنظامیها، آیا چنین چیزهایی ممکن است ؟ و غیره

بیرس ، سرجیمزمثیو.
نمایشنامه‌نویسها را به بینید .

بیورتسون ، مارتینوس
برندگان نوبل ادبی را به‌بینید .

پاپینی ، جووانی Papini,G.
(۱۸۸۱– ۱۹۵۶ م)



نویسنده و فیلسوف ایتالیایی ، صاحب کتابهای : اصالت‌عمل، زندگی‌مسیح، زندگی‌دانته وشیطان .

پارکر ، دوروتی Parker,D.
(متولد ۱۸۹۳ م)
نویسندهٔ آمریکایی ، دارای آثاری چون : مرگ ومالیات ، نه به عمق‌چاه، شعر، پس‌از این شادمانی وغیره .

پاسترناك، بوریس.
برندگان نوبل ادبی را به‌بینید.

پاسوس ، جان دوس Passos,G,D.
(متولد ۱۸۹۶ م)
نویسندهٔ آمریکایی ، دارای آثاری چون : آغـاز کار یك مرد ، نخستین برخورد ، سفرهـایی در میان جنگها ، ماجراهای یك مرد جوان ، سه سرباز وغیره .

پاکن Pakin .
(متولد ۱۹۰۵ م)
داستان نـویس چینی ، تحصیلات



خود را در شانگهای و پکن انجام داد ، و به فرانسه‌رفت‌و درکارخانه‌ای مشغول شد و اولـین داستان خود را منتشر کرد. مشهورترین اثراو **خانواده** نام دارد .

پالدینگ ، جیمز کرك Paulding,J.
(۱۷۷۹ـ ۱۸۶۰ م)
نویسندهٔ آمریکایی صاحب آثاری چون : جان بول ، زندگی واشنگتون .

پایرون ، ادوارد .
نمایشنامه نویسها را به بینید.

پرز دوآیالا، رامون.
شعرای خارجی را به‌بینید .

پرگود، لویی.
برندگان جوایز ادبی گنکور را به بینید .

پرل‌باك، سایدنستریك.
برندگان نوبل ادبی را به بینید.

پروس ، الکساندرگلوواچی .
Prus, A,G .
(۱۸۴۷ـ ۱۹۱۲ م)



نویسندهٔ **لهستـانـی** معروف به **بولسلاو** دارای‌آثاری چـون : قبل‌ازیست، عروسك و غیره .

پروست ، مارسل Proust , M.
(۱۸۷۱ـ ۱۹۲۲ م)
نویسندهٔ فرانسوی صاحب آثاری



چون : از **طرف خانهٔ سوآن** ، در **جستجـوی عمر تلفـشده** ، **در سایهٔ‌درختان جوان وگلها** وبسیاری دیگر می‌باشد.
پروست در سال ۱۹۱۹ برنـدهٔ **جایزهٔ ادبی گنکور** شد .

پروشون ، ارنست.
برندگان جوایزادبی گنکورفرانسه را به‌بینید (درسال ۱۹۲۰ م) .

پرون ، ادگاردو Perron, E.
(۱۸۹۹ـ ۱۹۴۰ م)
نویسندهٔ هلندی آثـاری چون : **کشور اصلی** ، خلق‌کرده است .

پره‌وست ، ژان Prevost , J .
(۱۹۰۱ ـ ۱۹۴۴م)
نویسنده‌ای از فرانسه که از آغاز



جوانی بـا روزنامه ها و مطبوعات ادبی‌همکاری داشت. کتاب **صفات** ، **زندگی در کوهستان** او معروف است .
پره‌وست در سال ۱۹۴۳ برندهٔ جایزهٔ بزرگ ادبی فرانسه شد .

پره‌وست دکسیل ، آبه‌آنتوان فرانسوا.
Prevost D'exiles, A,A,F.
(۱۶۹۷ـ۱۷۶۳م)



نویسندهٔ فـرانسوی صاحب‌آثاری مـانند : **تاریخـ مسافرت‌های ژون گران** می‌باشد .

پسیکاری ، ژان .
زبان شناسان را به بینید .

پشیبشفسکی ، ستانیسلاوس .
Przybyszewski,S.
(۱۸۶۸ـ ۱۹۲۷ م)
نویسندهٔ لهستانی ، صاحب کتابـهای ، در راه خوشبختی و هوموساپینس می‌باشد .

پگی ، شارل Peguy, Ch.
(۱۸۷۳ـ ۱۹۱۴ م)



نویسندهٔ مـعـروف فـــرانسه دارای‌آثاری چـــون : دفـتر ۱۵ ورقـی ، ژان دارك، نـوتردام و بسیاری دیگر .

پلادان، ژوزف Paladan, J.
(۱۸۵۹ـ ۱۹۱۸ م)



نـویسندهٔ فـرانسوی دارای‌آثاری چـــون : **بدترین‌عیب**، انـحطاط لاتین‌وبسیاری دیگر.

پلیسنی‌یر، شارل.
برندگان جـوایز ادبی گنکور فرانسه را به بینید. (درسال ۱۹۳۷م)

پلیسون ، پل Pellisson, P.
(۱۶۲۴ـ ۱۶۹۳ م)



نـویسندهٔ فـرانسوی، دارای‌آثاری چـــون : مکالمه‌باشاه، هوش‌وبسیاری دیگر.

پلیکو ، سیلویو Pellico, S.
(۱۷۸۹ ــ ۱۸۵۴ م)



نــویسندهٔ ایتالیایی ، دارای آثاری چـــون : مراجــعت به میلان ، فرانسیسکو داری مینی، وبسیاری دیگر.

پن وارن، رابرت.
برندگان جوایز پـولیتزر را به‌بینید .

پو ، ادگار، آلن Poe, E,A.
(۱۸۰۹ ــ ۱۸۴۹م)
نویسنده و شاعر آمریکایی دارای ،



آثـــاری چـــون : سوسك‌طلایی، گربهٔ سیاه، تیمورلنگ، دوزخ، کلاغ اسرافیل‌وهلن وغیره .

پورتر، کاتیرین‌ان Porter,C,A.
(متولد ۱۸۹۴ م)
زنی نویسنده از مردم آمریکا ، دارای‌آثاری چون : یهودای شکوفا ، شراب ظهر، اسب رنگ پریده، برج کج وغیره .

پوررا ، هانری.
برندگان جوایز ادبی گنکور را به‌بینید.(درسال ۱۹۴۱ م)

پورریر، هربرت Porrier, H.
(متولد ۱۹۱۳ م)
نــویسنده و نمایشنامه نویس فرانسوی ، دارای آثاری چون : با وجود این می‌گردد ، پابندها ، دایرهٔ گچی ،ژولیت درگذرگاه ، بهشت زمینی وغیره .

پوشکین ، الکساندر .
شعرای خارجی را به بینید.

پونتوپیدان، هنریك.
برندگان نوبل ادبی را به بینید.

پونسون‌دوترایل، پی‌یرالکسی‌ویکونت.
Ponson du Terrail , P, A,V .
(۱۸۲۹ ــ ۱۸۷۱ م)



داســتان نــو یس فرانسوی‌که آثاری چند دارد از جمله: پشت سن دنیا ، سواران شبانه وغیره .

پویس، جان کوپر powys, j,C.
(متولد ۱۸۷۲م)
نویسندهٔ انگلیسی دارای آثاری چون : التذاذ از ادبیات وزندگانی‌نامه می‌باشد .

پیتر،والترهوریشیو Pater,W,H.
(۱۸۳۹-۱۸۹۴م)
نویسنده‌ومنتقد انگلیسی که‌شاهکارش ماریوس اپیکور روسی‌است .

پیراندلو، لوییجی
برندگان نوبل ادبی را به بینید.

پی‌ره ، ژوزف .
برندگـان‌جوایزادبی‌گنکورفرانسه رابه‌بینید (درسال ۱۹۳۵ م)

پیزان ، کریستین‌دو
Christine de Pisan .
(۱۳۶۴ــ۱۴۳۰ م)
زنی‌نویسنده وشاعر ازمردم‌فرانسه، صاحب آثـاری چون : کتاب اعمال و خصال نیك‌پادشاه شارل‌پنجم، وکتاب سه فضیلت می‌باشد .

پیکاك، تامس دو .
شعرای خارجی را به‌بینید.

پیکته ،ادولف.
زبان شناسان‌را به‌بینید .

پیلنیاك، باریس Pilnyak, B.
(۱۸۹۴ــ۱۹۳۷ م)
نویسندهٔروسی‌به‌نام باریس‌اندریویچ‌ـ وگاو،دارای‌آثاری چون: برهنه، درخت ماهوگانی ، ولگابه بحرخزر می‌ریزد و غیره می‌باشد.

پین،تامس Paine,Th.
(۱۷۳۷ــ۱۸۰۹م)
نویسندهٔ آمریکایی اثر معروفش : عقل سلیم می‌باشد .

پیوجین، اوگاستن چارلز.
Pugin,A,Ch.
(۱۷۶۲ــ۱۸۳۲ م)
نویسندهٔ انگلیسی است .

تارود،شارل(ژان).
برندگان‌جوایز ادبی گنکورفرانسه را به‌بینید. (درسال۱۹۰۶م)

تارود، ارنست(ژروم) .
برندگان جوایزادبی گنکورفرانسه را به‌بینید. (سال۱۹۰۶م)

تاسی‌توس، کرنلیوس.
مورخین را به‌بینید .

تاکرای، ویلیام .
روزنامه‌نگاران را به‌بینید .

تاگور ، سررابیندرانات .
شعرای خارجی رابه‌بینید.

تاگور، رابیندرانات .
برندگان نوبل ادبی را به‌بینید .

تانسن ، کلودین الکساندرین گرین‌دو
Tancin,C,A,G.
(۱۶۸۲ــ۱۷۴۹ م)



نویسنده‌ای‌از مردم فرانسه دارای‌آثاری چـون : بدبختان‌عشق، نامه‌هایی‌بهــ ریشیلیو ، شوخی‌های ادوارد دوم وچند اثر دیگر می‌باشد .

تامس، جیمز.
شعرای خارجی را به‌بینید .

تایلاد،لوران Tailhade, L.
(۱۸۵۴ــ۱۹۱۹ م)



نویسندهٔ فرانسوی دارای‌آثاری چند ازقبیل: باغرؤیاها، اشعار،پنجره‌ـ ها وبسیاری دیگرمی‌باشد.

ترویا، هانری .
برندگان جوایزادبی گنکورفرانسه را به‌بینید . (درسال۱۹۳۸م)

تزارا، تریستان Tzara, T.
(۱۸۹۶-۱۹۶۳ م)



نویسندهٔ رومانی‌الاصل و فرانسوی صاحب آثاری چون : ۲۵ قصیده ، گرگها آنجا می‌نوشند ، گریز، گل‌و سگ‌و بسیاری دیگرمی‌باشد.

تریوله، السا.
برندگان جوایز ادبی گنکور را به‌بینید . (درسال ۱۹۴۴م)

تسوایك ، استفان Zweig,S .
(۱۸۸۱-۱۹۴۲ م)



نویسندهٔ اتریشی‌در وین‌به دنیا آمدودررشتهٔ حقوق‌تحصیل کرد چون یهودی بود در دورهٔ اقتدارنازیها به‌برزیل رفت‌از آثار او : لوند، خانه‌ای درکنار دریا ، میش‌بیچاره، رومن رولان ، نامهٔ یك‌زن ناشناس،ماجرای‌جوانی‌یك‌استاد،ماژلان، بالزاك وماکسیم گورکی‌وچنداثر دیگر .

تنسی Tennessee
توماس‌لانیه‌**ویلیام**را درنویسندگان تآتر به‌بینید.

تنوخی، ابوعلی محسن .
(۳۲۷-۳۸۴ه ق)
ادیب‌ونویسنده وشاعرعرب، صاحب آثاری چون : نشوارالمحاضره ، الفرج بعدالشدة وغیره می‌باشد .

تواین، مارك Twain, M.
(۱۸۳۵-۱۹۱۰ م)



نویسندهٔ آمریکایی به‌نام‌ساموئل کلمنس که به‌مارك‌تواین مشهور شده است ، دارای آثاری از قبیل: بی‌گناهان‌خارج، شاهزاده وگدا، دیسك مرگ، ماجراهـای هاکل‌بری‌فین وغیره می‌باشد.

توربر ، جیمز گروور .
Thurber, j , G .
(۱۸۹۴-۱۹۶۱ م)
نویسندهٔ آمریکایی ، دارای آثاری چون : عاشق ومعشوقه‌اش ، پدرودخترش وغیره‌می‌باشد.

تورس بوده، جم . Torres Bodet
(متولد ۱۹۰۲ م)



نویسنده وسیاستمدار فـرانـسه دارای‌آثاری چون :گلی در تاریکیها، اول ژانویه، سایه‌ها، تولد ونوس وبسیاری دیگرمی‌باشد .

تورگنیف ، ایوان سرگیوویچ
Turgenev .
(۱۸۱۸ - ۱۸۸۳م)
نویسندهٔ‌روسی دارای‌آثاری چون: آبهای بهاری ، ترانهٔ پیروز ، مرداب آرام ، یك داستـان شگرف پدران و پسران، دو دوست وغیره می‌باشد.

تورو ، هانری Thoreau, H.
(۱۸۱۷- ۱۸۶۲ م)



نویسندهٔ آمریـکایی دارای‌آثاری چـــون : زندگی در جنـــگـل، یك هفته‌در کنکوردو مریماکس وچنداثر دیگرمی‌باشد .

توفیق‌الحکیم .
(متولد ۱۹۰۲ م)
نویسنده و نمایشنامه‌نویس مصری ، دارای آثاری چـون : اهـل الکهف می‌باشد .

توکویل ، شارل الکسی هانری‌کلرل‌دو.
Tocqueville,Ch, A, H, C.
(۱۸۰۵-۱۸۵۹م)



ازنویسندگان اجـتماعی فـرانـسه دارای‌آثاری چـــون : دمـکراسی درآمریکا ، رژیـمهای کهنه و تحول وبسیاری دیگرمی‌باشد .

تولستوی ، الکسی نیکولایی‌ویچ .
Tolstoï, A,N.
(۱۸۸۳- ۱۹۴۵ م)





تور گنیف

ازنویسندگان اتحادجماهیر شوروی، با انتشـار : **درآنجا از گلها**، کارش راآغازکرد، داستانهای زاغی ،کتاب طلا ، بچگی نیکیتا ، خواهران و بسیاری دیگر از کارهای او است .

تولستوی،الکسی،کونستانتینوویچ کنت.
Tolstoï , A, C.
(۱۸۱۷ - ۱۸۷۵م)
از نویسندگان روسیه دارای اثر معروفی به‌نام : **مرگ ایوان مخوف** و آثاری چـون : تزار فیودورایوانوویچ، تزاربوریس وچند اثردیگر.

تولستوی، نیکولایی‌ویچ کنت‌لئو .
Tolstoï , N , L
(۱۸۲۸- ۱۹۱۰ م)
فرزندیك زمین داربزرگ‌ازمردم **تولا** ، کودکی را در محیط خانوادگی گذرانیدودرشانزده سالگی وارد دانشگاه شد ولی بعداز سه سال‌آن محیط را ترك گفته شخصـاً بـه مطـالعه پرداخت و مسافرتهایی به‌مسکو وسن‌پطرزبورگ و قفقازکرد .

لئو در سال ۱۸۵۱ وارد هنگ توپخانهٔ قفقازگردید وپس‌از ۶ سال از ارتش بیرون رفت پس ازمسافرتهایی به سویس ،آلمان وفرانسه بقیهٔ عمررا در



ملك شخصی گذرانید. ازآثاراو: کودکی، نوجوانی ، جوانی (مجموعهٔ این سه موضوع درکتابی به‌نام: **مراحل زندگی** منتشرشد)،طوفان برف،دوسرباز،صبحانهٔ یك مالك ، قزاقها ، جنگ و صلح و بسیاری دیگر.

Thibaudel,A. **تی‌بودل**، آلبرت
(۱۸۷۴ـ ۱۹۳۶ م)
منقد ادبی فرانسه ، آگروژه



تاریخ و جغرافی ، مدتها معلم دبیرستانها و دانشگاه **یورك** بود، از آثار او است : سی‌سال زندگی در فرانسه ، فلوبرت ، پل والری ، تشریح نقد وبسیاری دیگر .

تیخونوف ، نیکولای سمیونوویچ .
Tikhonov , N , S .
(متولد ۱۸۹۶ م)



نویسندهٔ روسی‌دارای آثاری‌چون: کلهٔ داغ ، کیروف باما، بهار گرجستان، دوسیلاب و غیره می‌باشد .

تیرسو دومولینا .
نویسندگان تآتررا به بینید .

Thiry, M. **تی‌ری** ، مارسل.
(متولد ۱۸۹۷ م)



نویسندهٔ بلژیکی دارای‌آثاری چون: دریای آرام ،گاو آهن ، کارخانهٔ اندیشه به چیزهای غم‌آور ، زندگی شاعرانه و بسیاری دیگرمی‌باشد .

Johnson,J. **جانسن** ، جیمزوارن
(۱۸۷۱ ـ ۱۹۳۸ م)
نویسندهٔ آمریکایی صاحب‌کتاب : زندگی‌نامهٔ مردی‌که پیشتر ناسفید بود به‌قلم خودش .

جبران خلیل جبران .
(۱۳۰۰ ـ ۱۳۴۹ ه ق)
نویسنده ، فیلسوف لبنانی ، وی دارای اندیشه‌ای وسیع وتفکراتی‌انسانی وعمیق بود. آثارش او را تا سرحد یك نابغه پیش می‌برد ، وی مدتی از عمر خویش را درآمریکا وفرانسه‌گذرانید و در آمریکا درگذشت ، جنازه‌اش را به دهکده‌ای که زادگاهش بود انتقال دادند ،

جبران خلیل، نقاشی استاد وماهر بود و از پاریس مدرك استادی داشت و درجمعیت‌نقاشان‌انگلستان عضوافتخاری محسوب می‌شد، به زبان انگلیسی مانند نویسندگان‌انگلیسی زبان‌کتاب‌می‌نوشت مقداری از آثارش به انگلیسی است که به عربی ترجمه شده است و مقداری به عربی است که برخی ازآنها به فارسی برگردانیده شده‌است. از جملهٔ آثارش «الاجنحة المتکسرة»و«الارواح المتمرده» و «النبی» می‌باشد. یکی ازنویسندگان از کلمات او کتابی جمع کرده و به‌نام «کلمات جبران» منتشرکرده است. در سراسرنوشته‌هایش افکاربلند و انسانی و لطیف موج می‌زند .

جرم ، جردم کلاپکا .
نمایشنامه نویسها را به بینید .

جونز ، هنری آرتور .
Jones , H , A .
نمایشنامه‌نویسها را به بینید .

Joyce. **جویس** ، جیمز
(۱۸۸۲ ـ ۱۹۴۱م)
داستان‌نویس‌ایرلندی،دارای‌آثاری چون : مجموعهٔ اشعار ، تبعیدی ها و غیره می‌باشد .

James, H . **جیمز**، هانری .
(۱۸۴۳ـ۱۹۱۶م)



داستان‌نویس انگلیسی دارای‌آثاری چندازقبیل : آمریکاییها، اروپاییها، رودریك‌هودسون ، میللر ، واشنگتون و غیره می‌باشد .

Capek. **چاپك** ، یوسف .
(۱۸۸۷ـ۱۹۴۵ م)
نویسندهٔ منتقد هنری و نقاش چك، دارای‌آثاری ازقبیل: گودالهای‌نورانی، باغ کراکونوشا ومصلوب می‌باشد.

Chandler,R. **چاندلر** . ریمند .
(۱۸۸۸ـ۱۹۵۹ م)
نویسندهٔ آمریکایی صاحب آثاری چون: خواب بزرگ ، خداحافظ،زیبای من می‌باشد .

چخوف، آنتوان .
نمایشنامه نویسها را به‌بینید .

چسترین، گیلبرت‌کیث.
Chesteron, G,C.
(۱۸۷۴ـ۱۹۳۶ م)
نویسنده و شاعر ومنتقد انگلیسی، صاحب‌اثر:**مردی‌که پنجشنبه بود**، می‌باشد.

Chase,M,E . **چیس**، ماری الن
(متولد۱۸۸۷م)
نویسندهٔ آمریکایی ، دارای آثاری چون : میراث نیك ، سیلاس‌کروکت ، کشیش‌مین ودروازهٔ‌سفیدوغیره‌می‌باشد.

چیمبرلین، هوستن‌استوارت
Chamberolin, H.
(۱۸۵۵ـ۱۹۲۷ م)
نویسندهٔانگلیسی-آلمانی که‌**مبانی‌قرن نوزدهم**‌اثرمعروف‌اواست .

حریری ، ابومحمد قاسم بن‌علی‌بصری .
(۴۴۶ـ۵۱۶ ه ق)
نویسند عرب،صاحب **مقامات‌حریری**

است.

حنین بن اسحاق.
(۱۴۹ـ۲۶۴ ه ق)
ازمترجمین عرب می باشد.

حسن رماح .
(فوت ۶۹۴ ه ق)
نویسنده ودانشمند مسلمان معروف به نجم الدین احدت ، آثار او عبارتند از: سوارکاری وفن جنگ، کتاب الفروسیه والمناصب الحربیه ونهایة السؤل والامنیه فی تعلم اعمال الفروسیه.

داجسن چارلز Dodgson,Ch.
(۱۸۳۲ـ۱۸۹۸ م)
مشهور به لوییس کارل نویسندهٔ انگلیسی مؤلف «آلیس درسرزمین عجایب» است.

دارو . پی یر آنتوان (کنت)
Daru , P , A .
(۱۷۶۷ـ۱۸۲۹م)
مؤلف، عضو آکادمی فرانسه .

داستایوسکی ، فیودور میخاییلوویچ .
Dostaïevski,F,M .
(۱۸۲۱ـ۱۸۸۱ م)



داستانسرای بزرگ روس ، آثاری چون : مردم بیچاره ، جنایات ومکافات، تسخیرشدگان ، برادران کارامازوف ، قمارباز، خانهٔ اموات ، ابله، زن صاحب خانه وغیره ازخود به جاگذاشته است.

داستایفسکی، فیودورمیخایلوویچ.
داستایوسکی را به بینید .

دانکور، فلوران .
نمایشنامه نویسهارا به بینید.

دانونزیو، گابریل .
شعرای خارجی را به بینید

داوتندای، ماکس . Dauthendey,M.
(۱۸۶۷ـ۱۹۱۸ م)
شاعر وداستانسرا ونمایشنامه نویس آلمانی بوده ، **بلهوسیهای یك امپراتور** از اوست .

درایزر ، تئودور . Dreiser,Th
(۱۸۷۱ـ۱۹۴۵ م)



داستان نویس آمریکایـی دارای آثاری چون: نابغه، یك تراژدی آمریکایی و سرمایه دار وغیره می باشد .

درایسر، تئودور .
درایزر را به بینید .

درینکواتر، جان . Drinkwater .
(۱۸۸۲ـ۱۹۳۷ م)
نویسنده ، شاعر ونمایشنامه نویس انگلیسی، دارای آثاری چون : آبراهام لینکلن، ماری استوارت، پرنده ای دردست ودیوانی شعروغیره می باشد .

دزومبیو، موریس .Desombiaux,M
(۱۸۶۸ـ۱۹۴۳ م)



نویسندهٔ بلژیکی صاحب آثار : ملکهٔ سفید کوچك، روانکاوی بروکسل و غیره.

دزونو، روبرت Desnos, R.
(۱۹۰۰ـ۱۹۴۵ م)



نویسنـدهٔ فرانسوی صاحب اثر معروف : آزادی و عشق.

دس پسس ، جان رودریکو .
Dospassos,J,R.
(متولد ۱۸۹۶م)



نویسندهٔ آمریکایی، شـاهکارش کتـاب U_S_A می باشد .

دستره، ژول Destrée,J.
(۱۸۶۳ـ۱۹۳۶ م)



نویسنده وسیاستمدار بلژیکی ، دارای آثـاری چون: مسئلهٔ روزوغیره.

دسولیه ، آنتوانت دولی ژیر دولاگارد
Deshouliéres,A,L,L.
(۱۶۳۷ـ۱۶۹۴ م)



زنی ادیب ازمردم فرانسه، که درآثارخود اغلب درراه بیان نظریات **فدر** و **راسین** کوشیده وطرفدار متجددین بوده است.

دفو ، دانیل Defoe, D.
(۱۶۶۰ـ۱۷۳۱م)



نویسنـدهٔ انگلیسی ، دارای آثاری چـون : روبنسون ـ کروزوئه ، تـاریـخ جنگهای شارل هفتم، خاطرات یك سوار وغیره می باشد .

دکوینسی، تامس De Quincey, Th.
(۱۷۸۵ـ۱۸۵۹ م)
نویسندهٔ انگلیسی، صاحب کتاب؛ اعترافات یك تریاکی انگلیسی می‌باشد.

دلدا، گوردزیا.
برندگان نوبل ادبی را به بینید.

دمورگن، ویلیام فرند De Morgan, W, F.
(۱۸۳۹ـ۱۹۱۷ م)
داستان نویس انگلیسی، صاحب آثاری چون: جوزف و نس. ملاقات اشباح و غیره می‌باشد.

دنا، ریچارد هانری Dana, R, H.
(۱۸۱۵ـ۱۸۸۲ م)
نویسندهٔ آمریکایی صاحب کتاب، **دوسال برابر دگل**.

دوآمل، ژرژ.
دوهامل را به‌بینید.

دوبلین، آلفرد Doblin, A.
(۱۸۷۸ـ۱۹۵۷ م)
طبیب وداستان‌نویس آلمانی صاحب کتاب‌های: مردان بی‌رحم، میدان آلکساندر برلین وغیره.

دوبووار، سیمون.
بووار را به بینید.

دوبو، شارل. Dubo, Ch.
(۱۸۸۲ـ۱۹۳۹ م)



نویسنده و منقد فرانسوی، دارای آثاری چون: نامه‌های شارل دوبو به آندره‌ژید.

دوپن، لوسیل آوور. Dupin, L,A.
ساند، ژرژ را به بینید.

دوده، آلفونس Dauder, A.
(۱۸۴۰ـ۱۸۹۷ م)
نویسنده و نمایشنامه‌نویس فرانسوی دارای آثاری چون: مرمون جوان



وریسلهٔ ارشد، کوچولو، سافو، تارتارن تاراسکنی، ژاك، جاویدان، همسران هنرمندان و غیره‌می‌باشد.

دورانتی، لویی ادموند.
Duranty, L, E.
(۱۸۳۳ـ۱۸۸۰ م)



منتقد هنری و داستان‌نویس فرانسوی‌از آثار او: بدبختی‌ هانریت‌ژرارد وبسیاری دیگراست.

دورژله، رولاندلکاوله.
برندگان جوایز فمینا را به بینید.

دوکلوس، شارل پینو
Duclos, Ch, P.
(۱۷۰۴ـ۱۷۷۲ م)
نویسندهٔ فرانسوی دارای آثاری چون: تاریخ بارون لوز، سفری به ایتالیا وغیره می‌باشد.

دوکوستر، شارل تئودورهانوی
De coster, Ch,Th,H.
(۱۸۲۷ـ۱۸۷۹ م)
نویسندهٔ بلژیکی که در کتابهایش سرگذشت تیل اویلنشپیگل‌را آورده است.

دولامر، والتر. De la Mare, W
(۱۸۷۳ ـ ۱۹۵۶م)
شاعر و داستان نویس انگلیس، ترانه‌های‌کودکی، شنوندگان، اشعاری برای‌کودکان، خاطرات یك کوتوله از آثار اواست.

دوما، الکساندر(پدر) Dumas, A.
(۱۸۰۲ـ۱۸۷۰ م)



داستان نویس و نمایشنامه نویس فرانسوی دارای‌آثاری چون: هانری سوم و دربارش، سه تفنگدار، ژوزف دوبالسامو، کنت مونت کریستو و غیره می‌باشد.

دوما الکساندر(پسر) Duma, A.
(۱۸۲۴ـ۱۸۹۵ م)
این نویسنده ابتدا به تعقیب از کارهای پدر به نوشتن رمان پرداخت



ولی‌به‌زودی تنظیم نمایشنامه توجه‌اورا جلب کرد و کمدیها و درامهای‌متعدد نوشت‌ودرهمهٔ آنهاهمواره‌از اخلاق‌اجتماعی هیشه دفاع‌کرد، از آثار معروف او: خانم‌کاملیا، نصف جهان، اندیشه‌های خانم اوبری، مسأله پول است. بیشتر آثار او مربوط به مسایل اجتماعی است و خواسته قوانین و آداب را اصلاح کند.

دوموریه، دفنی. Du Maurier, D.
(متولد ۱۹۰۷ م)
بانوی داستان نویس انگلیسی، صاحب‌کتاب **ربکا** می‌باشد.

دونای، موریس. Donnay, M.
(۱۸۵۹ـ۱۹۴۵ م)



نویسندهٔ فرانسوی دارای‌آثاری چون: خطر دیگر، ارباب و غیره.

دوویگنی، آلفرد.
ویگنی را دربخش شعرای خارجی به بینید.

دوهامل، ژرژ Duhamel, G.
(۱۸۸۴ م)



نویسندهٔ معروف فرانسوی، دکتر در پزشکی، دارای‌آثاری چون:

زندگی شهیدان ، تملك جهان ، لذات وبازیها ، تمدن وغیره می‌باشد . دوهامل درسال ۱۹۱۸ برندهٔ جایزهٔ گنکور شده است .

دویل ، آرتور کونان . Doyle, A, C.
(۱۸۵۹ــ ۱۹۳۰ م)



نویسندهٔ انگلیسی ، دارای آثاری چون : میکاکلارك، پناهگاهها، سایهٔ بزرگ وداستانهای مربوط به **شرلوك هولمز** وغیره‌می‌باشد .

دیده‌رو ، دنیس Diderot, D.
(۱۷۱۳ــ ۱۷۸۴ م)



نویسندهٔ معروف‌فرانسوی دارای‌آثاری چون:نامه‌ای روی‌کوران، نامه‌ای‌روی کران‌ولالان، پسرطبیعت وبسیاری دیگرمی‌باشد .

دیسرائیلی ، بنجامین لردئباکنسفیلد
Disraeli, B, B.
(۱۸۰۴ــ۱۸۸۱ م)
رمان نویس و سیاستمدار انگلیسی بودکه‌صاحب‌آثاری چون: ویویان‌گری، اندیمیون وغیره می‌باشد .

دیگبی ، سرکنلم Digby, C.
(۱۶۰۳ــ ۱۶۶۵ م)
نویسندهٔ انگلیسی است .

دیکنز ، چارلز. Dickens, Ch.
(۱۸۱۲ ــ ۱۸۷۰م)



نویسندهٔ انگلیسی دارای‌آثاری چون : الیورتویست، انتظارات بزرگ ،

دوریت‌کوچك،داستان دو شهر،ماجرای نیکلانیکل‌بای وغیره می‌باشد .

رابرتس ، سرچارلزجورج داگلس
Roberts, Ch, G,D.
(۱۸۶۰ - ۱۹۴۳م)
شاعر ونویسندهٔ‌کانادایی است .

رابله ، فرانسوا Rablais.
(۱۴۹۰ــ۱۵۵۳م)



نویسنده، طبیب و کشیش فرانسوی ، آثاری چون : گارگانتوا ، پانتاگروئل وغیره دارد .

رادویانی ، محمد بن عمر.
(قرن ۵ ه)
ازادیبان، مؤلف«ترجمان البلاغه» است .

راسکین ، جان Ruskin, J.
نویسنده ومنتقد انگلیسی ، صاحب کتب : نقاشان جدید ، هفت چراغ معماری، سنگهای‌ونیز، تاج‌زیتون‌وحشی وغیره می‌باشد .

رامو ، شارل فردیناند
Ramug, Ch, F.
(۱۸۷۸ ــ ۱۹۴۷م)
نویسندهٔ سویسی‌که در پاریس به دنیاآمد ، درسال ۱۹۰۲ تا ۱۹۱۴ به سویس عزیمت و در آنجا سکنی کرد و آثاری چند از او به شرح زیر است : دهکدهٔ‌کوچك ، ترانه‌ها ، حق حیات ، بهار بزرگ، آوازرودرون، سلام‌وبسیاری دیگر .

راموزیو ، جاماتیستا Ramusio.
سیاستمداران خارجی را به‌بینید.

رانکوویس،اسوتولیك .Rankovice, S
(۱۸۶۳ــ۱۸۹۹م)
نویسندهٔ صربی که نوولهای زیاد وسه‌داستان نوشته است از جمله،پادشاه کوهستانها ، خیالات‌واهی است .

رانگاویس، آلکساندروس ریزوس .
Rhangavis.
رانگابه را به‌بینید.

رانگابه، آلکساندر ریزو .
Rangabes, A,R.
(۱۸۱۰ــ۱۸۹۲ م)



مردسیاسی ونویسندهٔ یونانی‌دارای آثاری‌چون: قصیده‌های مختلف ، قدمت‌یونان، داستان ونوول وغیره‌می‌باشد.

رایت ، ریچارد Wright, R.
(۱۹۰۸ــ۱۹۶۰ م)
نویسندهٔ سیاهپوست‌آمریکایی‌دارای آثاری چون : پسرك سیاه، رانده شده و بچه‌های عموتوم وغیره می‌باشد.

رج ، میکولاج Rej, M.
(۱۵۰۵ــ۱۵۶۹ م)



نویسندهٔ لهستانی دارای‌آثاری چون : پدر شعر، آیینهٔ‌تمام حالات،پارك گروه نجبا و بسیاری دیگر می‌باشد .

رستیف‌دولابرتون ، نیکولا
Rastif de la Bretonne, N
(۱۷۳۴ــ۱۸۰۶ م)



نویسندهٔ فرانسوی دارای‌آثاری چون:دختر طبیعت ، دهقان ، زندگی‌پدرم وبسیاری دیگر می‌باشد .

رصافی ، معروف .
شعرای خارجی را به‌بینید .

رضی ، سید محمدحسین موسوی .
(فوت ۴۰۶ ه ق)
از ادبا وشعرای‌عرب است .

رفاعه‌بی.
(۱۸۰۱–۱۸۷۳ م)
نویسنده وروزنامه‌نگار مصری که آثار زیادی از زبانهای فرنگی به‌عربی گردانده‌است .

رنارد ، ژول Renard,J.
(۱۸۶۴–۱۹۱۰ م)



نویسندهٔ فرانسوی ، دارای‌آثاری چون: جنایت دردهکده ، رزبان در تاکستان ، تاریخ‌طبیعی وبسیاری دیگر می‌باشد .

رنان ، اری Renan,Ary.
(۱۸۵۸–۱۹۰۰ م)
نقاش ونویسندهٔ فرانسوی ، صاحب آثاری چون : سیماهای تاریخی، رؤیای هنرمندان وبسیاری دیگرمی‌باشد .

روپنل ، گاستون Raupnel,G.
(۱۸۷۱–۱۹۴۶ م)



نویسندهٔ فرانسوی دارای‌آثاری چون:تاریخ دهات فرانسه تاریخ قضاو قدروبسیاری دیگر .

رودبرگ ، آبراهام ویکتور.
شعرای خارجی رابه‌بینید .

روسو ، ژان‌ژاك Rousseau,J,J.
(۱۷۱۲–۱۷۷۸ م)
فلاسفه را به‌بینید .

رومارك ، اریخ ماریا . Remarque , E, M.
(متولد۱۸۹۸م)



معروف به اریخ‌ماریا، نویسندهٔ آلمانی ، نویسندهٔ کتاب، **در غرب‌خبری**

نیست، بعداً وبسیاری دیگر.

رومن‌رولان.
برندگان نوبل ادبی را به‌بینید.
(درسال ۱۹۱۵م)

رومن ، ژول Romains,J.
(متولد ۱۸۸۵م)



نویسندهٔ فرانسوی دارای‌آثاری چون: روح مردان ، زندگی‌مشترك وبسیاری دیگرمی‌باشد.

روی، ژول .
برندگان‌جوایزمختلف ادبی‌فرانسه را به بینید.

روی ، گابریل .
برندگان جوایز فمینارا به‌بینید.

ریپلی، جورج Ripley,J.
(۱۸۰۲–۱۸۸۰ م)
نویسنده و منتقد ادبی آمریکا است.

ریچاردسونساموئل Richardson, S.



نویسندهٔ انکلیسی‌و صاحب‌آثار: کلاریس هارلو،پاملا، کراندسیون است.

ریختر ، یوهان پاول فردریش . Richter,J, P,F.
(۱۷۶۳– ۱۸۲۵ م)



نویسندهٔ آلمانی ، معروف‌به **ژان‌پل** ، دارای‌آثاری چون:ادعای گروئنلندی، زندگی‌شادی‌آوراستاد درمدرسهٔماری‌ووز (Wuz) وبسیاری دیگر می‌باشد .

رید، چارلز.
نمایشنامه نویسها را به‌بینید.

ریدبرگ ، ابراهام ویکتور . Rydberg,A,V.
(۱۸۲۸–۱۸۹۵ م)



نویسندهٔ سوئدی‌دارای آثاری‌چون: دریانورد بالتیك ، آخرین نفرآتنی، دکترین انجیل مسیح وغیره می‌باشد.

ریسال، خوسه . Rizal,J.
(۱۸۶۱–۱۸۹۶م)
نویسنده ومیهن پرست‌وطبیب‌فیلی‌پینی است .

ریشپن ، ژان Richepin,J.
(۱۸۴۹–۱۹۲۶ م)
نویسندهٔ‌فرانسوی،ازفارغ‌التحصیلان



دانشسرایعالی است که مدتی در پاریس‌با مطبوعات همکاری داشت،از آثار او می‌توان‌نام برد :آوازفقیران، نوازشها، دریا وبسیاری دیگر.

ریلکه ، راینرماریا.
شعرای‌خارجی رابه‌بینید .

ریمونت،ولادیلاوستانیلاوا.
برندگان نوبل ادبی را به‌بینید .

ریوارول،آنتوان. Rivarol,A.
معروف به‌**کنت‌دوریوارول**نویسندهٔ



فرانسوی دارای‌آثاری چون:گفتکو روی تعمیم زبان‌فرانسه، بـــاغ و بسیاری‌دیگر می‌باشد .

ری‌ویر ، ژاك Riviere , J .
(۱۸۸۶ــ ۱۹۲۵ م)



نــویسندهٔ فــرانسوی دارای‌آثاری چــون : مطالعات ، آلمانــی ، بزرگتروغیره می‌باشد .

زاپوسکا، گابریلا .
نمایشنامه نویسها را به بینید.

زالتن،فلیکس Salten.
(۱۸۶۹ ــ ۱۹۴۵ م)
نویسنده ، روزنامه‌نگار و منتقد نمایشنامه‌ها ، کتابهای بامبی ، پــانزده خرگوش او معروف است .

زرکلی،خیرالدین.
روزنامه‌نگاران را به بینید .

زرومسکی ، استفان Zeromski, S.
(۱۸۶۴ ــ ۱۹۲۵ م)



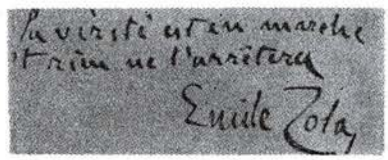
داستان‌نویس لهستانــی است کــه اولین‌اثراو: «کلاغهاترا تکه تکــه خواهندکرد» بود درتمام آثارش غم و انــدوه دردناکی به چشم می‌خورد . شاهکار او « les Cendres» می‌باشد .

زوتنر ، بارونس برتافون
Suttner , B,B .
(۱۸۴۳ ــ ۱۹۱۴ م)
زنی نویسنده وصلح طلب از مردم اتریش ، اثر معروفش اسلحهٔ خود را به زمین بگذارید نــام دارد و اولین‌کسی است که جایزهٔ صلح نوبل را ربــوده است.

زولا ، امیل ادوارد شارل آنتوان .
Zola, E,E,Ch, A.
(۱۸۴۰ ــ ۱۹۰۲ م)
داستان نویس بزرگ فرانسوی در



پــاریس به دنیا آمد ، او براثــر شکست در امتحان‌ادبیات مــدرسه را ترك‌گفت : ازآثار او می‌توان نام برد : داستانهای نیتون ، آرزوی یك مرده ، خانوادهٔ روگون مارگارت ، نانا ، من‌متهم‌می‌کنم، طبیعی دان ، افسانهٔ مارسی ، و عــدهٔ زیادی دیگر



نمونه‌ای ازخط‌زولا

زیلاهی ، لاژوس Zilahy,L.
(متولد ۱۸۹۱ م)
داستان نویس و نمایشنامه نویس مجارستانی ، دارای آثاری چــون : دو زندانی، خورشیدمی‌درخشد (نمایشنامه) وغیره می‌باشد.

زین‌کیه‌ویچ ، هانریخ .
سینکیویچ را به بینید .

ژاری ، آلفرد Jarry ,A .
(۱۸۷۳ ــ ۱۹۰۷ م)



نویسندهٔ فــرانسوی که:مینوتهای شنی ،سزار ضد مسیح ، روزهــا و شبهــا و بسیاری‌دیگر از آثار او است .

ژاکلیو ، لویی Jacolliot.
(۱۸۳۷ ــ ۱۸۹۰ م)
ازنویسندگان فرانسه است .

ژاکوب ، ماکس Jacob, M.
(۱۸۷۶ ــ ۱۹۴۴ م)
نویسنده ، شاعر ونمایشنامه نویس ونقاش‌فرانسوی، صاحب اثرهنر شاعری است .

ژالو ، ادموند Jaloux,E.
(تولد ۱۸۷۸ م)
داستان نــویس و منتقد فرانسوی وی‌عضوآکادمی ونویسندهٔ «بقیه خاموشی است» می‌باشد .

ژامبلیك . Jamblique.
(قرن دوم میلادی)
داستان نویس یونانی که در شام ، متولد شده است .

ژان ،کنت‌آنگولم Jean,C,A.
(۱۴۰۴ ــ ۱۴۶۷ م)
ازنویسندگان فرانسه است .

ژان‌پل.
ریشتررا به بینید .

ژانن ، ژول Janin, J .
(۱۸۰۴ ــ ۱۸۷۴ م)



نویسندهٔ فــرانسوی دارای‌آثاری چون:آیین مذهبی در تولوز، راه کج وبسیاری دیــگــر می‌باشد .

ژبهارت ، امیل Jebhart, E .
(۱۸۳۹ ــ ۱۹۰۸ م)
ادیب فرانسوی است .

ژرار ،کرمونی .
(۱۱۱۴ ــ ۱۱۸۷ م)
مترجم معروف ایتالیایی است.

ژرژساند.
ساند ، ژرژ را به بینید .

ژرسون ، ژان شارلیه دو .
Gerson,G,Ch .
(۱۳۶۳ ــ ۱۴۲۹ م)
نویسنده وفیلسوف وواعظ‌فرانسوی است .

ژرمن ، اوگوست .
نمایشنامه نویسها را به بینید .

ژرن ــ لاژوا ، آنتوان .
Gerin-Lajaie,A .
(۱۸۲۴ــ۱۸۸۲ م)
نویسنده وشاعرکانادایی فرانسوی‌ـ زبان است.

ژسنر، شالومون Gessner , S.
(۱۷۳۰ ــ ۱۷۸۸ م)



نویسندهٔ فرانسوی دارای آثاری از قبیل : مرگ‌ دابل، و غیره می‌باشد .

ژنووآ ، موریس Genêvoin , M.
(متولد ۱۸۹۰ م)



نویسندهٔ فرانسوی ، دارای آثاری چون : در آستانهٔ خیمه، جنگندهٔ المپیك و غیره می باشد ودرسال ۱۹۲۵ برندهٔ جایزهٔ ادبی گنکور فرانسه شد .

ژنه ، ژان Genet , J.
(متولد ۱۹۱۰ م)
نویسنده وشاعر و نمایشنامه نویس فرانسوی، که‌عمر به بدنامی گذرانید، آثاری چون : نوتردام گلها ، خوبها ، محکوم به مرگ وخاطرات یك دزد دارد.

ژوسران ، ژان ژول Jusserand.
سیاستمداران خارجی را به‌بینید .

ژول‌ورن .
ورن را به بینید .

ژونی‌شیرو، تانی‌زاکی Junichiro,T
(تولد۱۸۸۶م)
نویسندهٔ ژاپونی ، صاحب آثاری چون: خالکوبی، عصراندوه ، زن‌عاشق، زن شوم ، ززوسیم، وشیطان می‌باشد .

ژونگر ، ارنست Junger,E .
(متولد ۱۸۹۵ م)



نویسندهٔ آلمانی‌دارای آثاری‌چون: دل‌تسلیم به قضاوقدر ، برگها و سنگها ، بازیهای افریقایی و بسیاری دیگر می‌باشد .

ژید ، آندره .
برندگان نوبل ادبی را به‌بینید .

ژیرودو، ژان Giraudoux,J.
(۱۸۸۲ــ۱۹۴۴ م)



نویسنده و نمایشنامه‌ نویس‌فرانسوی دارای‌آثاری چند ازقبیل: دهاتی‌ها ، سوزان‌ومرد آرام ، زن دیوانهٔ شایو وغیره‌می‌باشد.

ژیونو ، ژان. Giono,G.
(متولد ۱۸۹۵م)
داستان نویس فرانسوی ، صاحب آثاری چون: نانوا، دروو‌غیره می‌باشد.

ساباتیه ، آنتوان Sabatier,A.
(۱۷۴۲ــ۱۸۱۷ م)
شاعر و نویسندهٔ فرانسوی ، دارای آثاری چون : معبد هوس، آبهای بانیر، ربع‌ساعت،منزوی‌خوشحال،تصویرفلسفی، روح ولتر، وسه‌قرن ادبیات فرانسه‌ که‌از مشهورترین آثار اواست .

سابق ، احمد بن‌محمدبن‌علی .
(فوت ۱۱۶۱ ه ق)
ادیب فاضل و شاعر صاحب کتاب «مختصر الاتقان» است .

ساد، مارکی‌دو Sade,M.
(۱۷۴۰ــ۱۸۱۴ م)
نویسندهٔ فرانسوی‌که‌به‌کنت دوساد معروف شده است صاحب آثاری‌چون : ژوستین یا بدبختیهای عفت ، ژولیت یا رونق فساد، لفظ سادیسم از اسم اواخذ شده است .

ساردو ، ویکتورین .
نمایشنامه نویسهارا به‌بینید .

سارسه ، فرانسیسك Sarcey.
نمایشنامه نویسهارا به‌بینید .

سارمینتو ، دومینگوفاوستینو.
Sarmiento .
(۱۸۱۱ــ۱۸۸۸ م)
نویسنده و سیاستمدار آرژانتینی است .

سارویان ، ویلیام Saroyan,W.
(متولد ۱۹۰۸ م)



نویسندهٔ آمریکایی ، دارای آثاری‌چون: زمان‌زندگی شما ، پاپاتو دیوانه‌ای ، کمدی‌انسانی،مردمان‌زیباوغیره‌می‌باشد.

ساش، نلی .
برندگان نوبل ادبی را به‌بینید .

سافو . Sapho.
(۶۲۵ ــ ۵۸۰ ق م)
شاعرهٔ یونانی ، اکنون جز دو منظومهٔ‌کامل و ابیاتی پراکنده ازاو در دست نیست .

ساکتی ، فرانکو Sacchetti,F.
(۱۳۳۰ ــ ۱۴۰۰ م)
نویسنده و شاعرایتالیایی ، آثارش به **سیصد داستان** مشهورشده است .

ساگان، فرانسواز Sagan,F.
(متولد ۱۹۳۵ م)
داستان نویس فرانسوی ، صاحب کتاب‌های : سلام برغم ، عالیترین‌ابرها، قصری در سوئد (نمایشنامه)، ویولون‌ها گاهی وغیره می‌باشد .

سالتیکوف ، میخاییل یوگرافوویچ .
Saltykov,M,I
(۱۸۲۶ــ ۱۸۸۹ م)



نویسندهٔ نامدار روسی ، دارای‌آثاری چون : خانوادهٔ گولولیون ، تاریخ یك شهر،روزنامهٔ یك ایالت وغیره می‌باشد .

سالواندی ، آشیل کنت دو
Salvandy,A .
نویسندهٔ فرانسوی است .

سالومون ، ارنست فون
Salomon, E.
(متولد ۱۹۰۲ م)



نویسندهٔ آلمانی دارای آثاری چون : شهر ، فرزندان کوچك ، مستنطق و غیره می‌باشد.

سالینجر ، جروم داوید .
Salinger,J, D .
(متولد ۱۹۱۹ م)
نویسندهٔ آمریکایی ، دارای آثاری چون : ناطوردشت و نه داستان و غیره می‌باشد .

ساند ، ژرژ Sand,G.
(۱۸۰۴ — ۱۸۷۶م)



داستان نویس فرانسوی ، دارای آثاری چون : ژان دولارش ، اعترافات زن ، یك دختر جوان ، تاریخ زندگی من ، مرداب شیطانی وغیره‌می‌باشد.

ساندرار ، بلز Cendrars,B.
(۱۸۷۷— ۱۹۶۱ م)
نویسنده و شاعرفرانسوی ، دارای آثاری چون: زندگی خطرناك و مرد صاعقه زده وغیره است .

ساندو ، ژول Sandeau,J.
(۱۸۱۱— ۱۸۸۳ م)



نویسندهٔ فرانسوی ، دارای‌آثاری چون : برگشت‌ها ، ماریانا،دکتر هربو و مشهورترین اثرش دوشیزهٔ سکلیر نام دارد .

ساوذی ، رابرت southey,R .
(۱۷۷۴— ۱۸۴۳ م)
نویسنده و شاعر انگلیسی دارای آثاری چون : تاریخ برزیل،زندگی‌نامهٔ نلسن وغیره می‌باشد .

ستال ، مادام .
(۱۷۶۶— ۱۸۱۷ م)
نویسندهٔ فرانسوی ، دارای آثاری چون: دلفین ،کرین وغیره می‌باشد.

ستاین ،گرترود Stein,G.
(۱۸۷۴— ۱۹۴۶ م)
بانوی نویسندهٔ آمریکایی ، صاحب آثار: سه زندگی،سرنوشت آمریکاییان ، داستان نویسی ، جنگهایی که من‌دیده‌ام وغیره می‌باشد.

ستاینبك ، جان ارنست.
اشتاین بك را به بینید .

سترایت ،کلرانس کرشمن .
روزنامه‌نگاران را به بینید.

سترن ، گلدیس برانوین Stern, G.
(متولد ۱۸۹۰ م)
زنی نویسنده از مردم انگلیس ، صاحب اثر : تواریخ ایام یك کدبانو می‌باشد .

سترن ، لارنس Sterne,L.
(۱۷۱۳— ۱۷۶۸ م)
نویسندهٔ انگلیسی ، دارای آثاری چون : یادداشتهای روزانه به‌ایزابلا ، تریسترام شاندی ، یك سفر احساساتی می‌باشد .

ستروولس ، ستاین
استروولس را به بینید .

ستندال .
استاندال را به بینید .

ستو، هریت بیچر Stowe,H,B.
(۱۸۱۱— ۱۸۹۶ م)
بانوی‌نویسندهٔ آمریکایی ، صاحب اثر معروف کلبهٔ عموتوم و کتابهای‌گل بهاری وغیره .

ستیل، سرریچارد Steele , R.
(۱۶۷۲— ۱۷۲۹ م)
نویسندهٔ ایرلندی و مدیر مجلهٔ تتلر و نمایشنامه نویس که‌اثر معروفش عشاق هوشیار نام دارد .

ستیفون ، سرلزلی Stephen,L .
(۱۸۳۲— ۱۹۰۴ م)
نویسنده و فیلسوف انگلیسی ، صاحب **فرهنگ رجال ملی** می‌باشد.

ستیونسن ، رابرت لویس.
استیونسون را به بینید .

سرکیس ، یوسف بن الیاس بن موسی.
(۱۸۵۶— ۱۹۳۲ م)
نویسندهٔ عرب ، صاحب : معجم ـ المطبوعات ، جامع‌التصانیف الحدیثه و غیره می‌باشد .

سروانتس ، میگل دو .
Servantés, M .



نویسندهٔ اسپانیایی ، صاحب‌کتاب معروف دون‌کیشوت، وکتابهای گالایتا و داستانهای نمونه‌وغیره است.

سکارون،پل.
اسکارون را به بینید .

سکاکی ، سراج الدین ابویعقوب یوسف خوارزمی .
(۵۵۵ — ۶۲۶ م)
نویسندهٔ عرب زبان صاحب مفتاح ـ العلوم می‌باشد .

سکودری ، مادلن دو .
اسکودری را به بینید .

سکویل ـ وست، ویکتوریامری .
Sackville – west.
(۱۸۹۲ — ۱۹۶۲م)
نویسنده وشاعرهٔ انگلیسی، صاحب آثاری چون: میراث ، وارث ، مسافری به تهران ، ادواردیها ، پایان شوق ، زمین وباغ می‌باشد .

سلوواتسکی ، پرلیوش .
اسلوواتسکی را به بینید .

سلین ، لویی فردینان .
Celine, L, F .

(۱۸۹۴ـ ۱۹۶۱ م)
نویسندهٔ فرانسوی ، دارای آثاری چون : مسافرت به عمق ظلمت ، مرگ تدریجی می باشد .

سگالن ، ویکتور Segalen, V.
(۱۸۷۸ـ ۱۹۱۹ م)



نویسندهٔ فرانسوی دارای آثاری چون : نقاشیها ، از حافظه رفتنی‌ها و غیره‌می‌باشد.

سگرس ، نتی راوانی‌یی .
Seghers, N, R .
(متولد ۱۹۰۰ م)



معروف‌به آنا اززنان ادیب‌آلمان که دارای آثاری چند از قبیل : شورش صیادان سنت باربارا ، مردها که جوان می‌مانند وغیره .

سگور ،کنتس دو Segur, C.
(۱۷۹۹ـ ۱۸۷۴ م)
زنی نویسنده ازمردم فرانسه به‌نام **صوفی روستوپشین** دارای‌آثاری چون: بدبختیهای صوفی ، ژنرال دوراکین می‌باشد.

سنانکور ، اتین پیوردو
Senancour, E, P.
(۱۷۷۰ـ ۱۸۴۶ م)



نویسندهٔ فرانسوی دارای‌آثاری چون : خوشبختی درتاریکی، تحقیق‌در بارهٔ طبیعت اولیهٔ‌انسان، وغیره می‌باشد .

سنت اگزوپری ، آنتوان دو .
برندگان جوایز مختلف ادبی فرانسه را به بینید .

سنت‌ـاورمون ، شارل دو .
Saint-Evremoned, Ch.
(۱۶۱۶ـ۱۷۰۳م)
نویسنده و منتقد فرانسوی ، اثر معروفش ، کمدی فرهنگستانیان نام دارد .

سن‌پی‌یر ، ژاك هانری برناردون دو
Saint, Pierre .
(۱۷۳۷ـ ۱۸۱۴ م)
نویسندهٔ معروف فرانسوی ، دارای آثاری چون: مسافرت به‌ایل دوفرانس، پل وغیره می‌باشد .

سندبرگ،کارل.
شعرای خارجی را به بینید.

سنت بو ، شارل اوگوستن .
Saint-Beuve, Ch, Au.
(۱۸۰۴ـ۱۸۶۹ م)
شاعر و نویسنده و منتقد فرانسوی دارای‌آثاری ازقبیل : زندگانی ، شعر و اندیشه‌های ژوزف دلورم ، تسلی‌ها، صور ادبی ، گفتگوهای دوشنبه و غیره می‌باشد .

سندر ، رامون خوسه
Sender, R, J .
(متولد ۱۹۰۲ م)
داستان نویس اسپانیایی ، اثر معروفش، هفت یکشنبهٔ سرخ نام دارد .

سن سیمون ، کلود ـ هانری.
Sain-cimon,L.
(۱۷۶۰ـ ۱۸۲۵م)
نویسندهٔ فرانسوی، پیشوای مکتب سیاسی و اجتماعی‌سن سیمونیان می‌باشد. در مدت ۱۰ سال که او به مسافرت پرداخته کتابهای ارزنده‌ای در بارهٔ عقاید اقتصادی نگاشته است.

عقیدهٔ سن سیمون این بودکه اگر جامعهٔ بشری ازمنابع وثروت زمینی به درستی استفاده‌کند و اخلاق جامعه را درست رهبری نماید خوشبخت خواهد شد . از آثار او : تعلیم صنعتگران ، مسیحیت جدید ، بحث در تغییر جامعهٔ اروپایی‌می‌باشد.

سنگور ، لئوپولد سدار
Senghor, L, S.
(متولد ۱۹۰۶ م)



شخصیت‌و نویسنده ، سنگال‌دارای آثاری‌چون : آواز در سایه ، نوول ادبیات‌سیاه ومالگاشی به‌زبان فرانسه‌وغیره‌می‌باشد.

سو ، اوژن Sue, O.
(۱۸۰۴ـ۱۸۵۷ م)
داستان‌نویس‌فرانسوی، که نام‌اصلی اوماری‌ژوزف سو می‌باشد، دارای‌آثاری چون:اسرارپاریس، یهودی‌سر گردان‌می‌باشد.

سواره ، ایساك فلیکس .
Suarés, I, F .
(۱۸۶۸ـ ۱۹۴۸ م)



نویسندهٔ فرانسوی معروف به آندره ، فارغ‌التحصیل دانشسرایعالی، دارای‌آثاری چون : **سه مرد**، **پاسکال** ، **ایبسن و داستایوسکی**، اثردیگری به‌نام سروانتس ، وبسیاری دیگرمی‌باشد.

سوپرویل ، ژول .
شعرای خارجی را به بینید .

سوماروکوف ، آلکساندرپتروویچ
Sumarokov, A, P.
(۱۷۱۸ـ ۱۷۷۷ م)
نویسنده و شاعر روسی و نمایندهٔ سبك‌کلاسیك زبان روسی است .

سویفت ، جوناتان . Swift,J .
(۱۶۶۷ـ ۱۷۴۵ م)



نویسندهٔ انگلیسی دارای‌آثاری چون:سفرنامهٔ گالیور،باران شهر، نامه‌های یك‌بزاز،

گفتگوی مؤدبانه وغیره می‌باشد .

سیتول، سرآزبرت.
شعرای خارجی را به بینید .

سیرانودوبرژراك ، ساوینین
Cyrano De Bergerac,S.
(۱۶۱۹ ـ ۱۶۵۵م)
نویسندهٔ فرانسوی، دارای آثاری چون:جهان دیگر می‌باشد .

سیرز ، داروثی‌می Sayers,D.
(متولد ۱۸۹۳ م)
زنی نویسنده از مردم انگلیس، که داستانهای پلیسی او مشهور است .

سیدنی ، سرفیلیپ Sydney.
(۱۵۵۴ ـ ۱۵۸۶ م)
نویسنده و شاعر انگلیسی ، آثاری چون : آرکادیا، دفاع از شعر، استروفل وستلا و غیره دارد .

سپلانپاآ ، فران ، امیل .
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

سیلونه ، اینیاتسیو Silone ,I.
(متولد ۱۹۰۰ م)
داستان نویس و روزنامه نگار ایتالیایی ، دارای آثاری چون : نان‌و شراب ، آقای ارسطو ، مدرسه برای دیکتاتور ها وغیره‌می‌باشد.

سیمنون ، ژرژ Simenon , G.
(تولد ۱۹۰۳ م)



نویسندهٔ بلژیکی ، دارای آثاری چند ازقبیل: سگ زرد ، ناشناس‌هادر خانه وغیره می‌باشد .

سیمونوف، کونستانتین کیریل‌میخایلوویچ
Simonow, C,K , M.
(متولد ۱۹۱۵ م)
نویسندهٔ روسی ، اثر معروفش : **استالینگراد هم‌چنان‌می‌جنگد** نام‌دارد.

سینکلر ، آپتن .
برندگان جوایزپولیتزررا به‌بینید.

سینکیویچ، هنریك.
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

سیوطی، عبدالرحمن‌بن ابوبکربن‌محمد.
(۸۴۹ ـ ۹۱۱ ه ق)
ملقب به جلال الدین ، نویسنده و مورخ مصری که‌اصلاً ایرانی بوده‌است ، وی در حدود ۶۰۰ تألیف و تصنیف دارد، از جمله:
الکتاب الکبیر ، الرسالةالصغیر ، الاتقان فی‌علوم القرآن ، اتمام‌الدرایة ، لقراء النقایة ، الاحادیث المنیقه ، الارح بعدالفرج، و بسیاری دیگر.

شاپلن ، ژان Chapelain , J.
(۱۵۹۵ ـ ۱۶۷۴م)
ازنویسندگان‌و شعرای‌فرانسه‌است.

شاتانی ، حسن بن علی .
(۵۱۳ ـ ۵۷۹ ه ق)
ادیب و شاعر عرب است.

شاتله ، ماکیز دو Chatelet, M.
(۱۷۰۶ ـ ۱۷۴۹م)
زنی نویسنده از مردم فرانسه‌است.

شاتوبریان ، فرانسوا رنه.
Chateaubriand , F , R.
(۱۷۶۸ ـ ۱۸۴۸م)
نویسندهٔ فرانسوی ، دارای آثاری چون : مقاله ای تاریخی ، سیاسی و اخلاقی در بارهٔ انقلاب، جلال مسیحیت، بهشت گمشده (ترجمه) و غیره می‌باشد.

شاتوبریان ، آلفونس .
برندگان جوایزمختلف‌ادبی‌فرانسه را به‌بینید .

شاو ، جرج برنارد .
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

شاو ، ایروین Shaw , I.
(متولد ۱۹۱۳ م)
نویسندهٔ آمریکایی ، دارای‌آثاری چون : مرده ها را دفن کنید ، شیرهای جوان ، به شهر خوش آمدید ، دو هفته در شهر بیگانه و غیره می باشد .

شبلی ، محمد نعمانی .
(۱۲۷۴ ـ ۱۳۳۲م)
ادیب هندی ، دارای آثاری‌چون : شعرالعجم ،می‌باشد .

شلژل ، فردریك فون Schlegel, F.
(۱۷۷۲ ـ ۱۸۲۹م)



نویسنده و دانشمند آلمانی ، دارای‌آثاری چون: لوسیند، زبان‌وفلسفهٔ هندیها وبسیاری دیگر می‌باشد .

شلژل ، اوگوست ویلیام فون
Schlegel , A , W.
(۱۷۶۷ ـ ۱۸۴۵م)



نویسندهٔ آلمانی دارای‌آثاری چون : ساعتها ، روابط بین فدر و راسین وغیره می‌باشد .



ژان‌شاپلن

شلومبرژه ، ژان Schlumberger.
(متولد ۱۸۷۷ م)



نویسندهٔ فرانسوی دارای آثاری چون : مادلین و آندره‌ژید ، مردخوشحال، وغیره.



فرانسوارنه شاتوبریان

شنیتسلر ، آرتور Schnitzler, A.
(متولد ۱۸۶۲ م)
نویسندهٔ اتریشی ، دارای آثاری چون : آناتول ، مرگ ، حیوان‌آزاد ، زن ، مرد عاقل و غیره می‌باشد .

شولوخف ، میخاییل .
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

شیگاناویا Shiga,naoya.
(متولد ۱۸۸۳ م)



داستان نویس‌ژاپونی دارای آثاری‌چون: آشتی ، جاده در شب سیاه و غیره.

صابی ، ابراهیم بن هلال‌بن ابراهیم بن زهرون حرانی .
(فوت ۳۸۴ ه ق)
نویسنده و شاعر مسیحی صاحب

آثاری چون : دیوان شعر، دیوان رسایل و غیره .

صلاح الدین صفدی ، خلیل بن آیبك .
مورخین را به بینید .

طایی ، مصطفی بن محمد .
(۱۱۳۸–۱۱۹۳ م)
صاحب کنزالبیان مختصر ، از نویسندگان عرب است .

طاشکبری ، احمدبن مصطفی .
(۹۰۱ – ۹۶۸ م)
نویسنده و دانشمند ترك ، صاحب آثاری چون : نوادر الاخبار فی مناقب الاخیار، شرح تجرید سید شریف جرجانی و غیره می باشد .

طاهر بن صالح .
(متولد ۱۳۳۸ ه ق)
نویسندهٔ عرب صاحب اتمام الانس فی عروض الفرس می باشد .

طه حسین .
(متولد ۱۸۸۹ م)
نویسنده و محقق نابینای مصری ، صاحب آثاری چون : دربارهٔ ابوالعلاء معری، و الایام وبسیاری دیگرمی باشد .

ظاهر ، علی نصوح . zahir , A , N.
نویسنده ومورخ معاصرعرب وسفیر دولت هاشمی اردن درایران .

عبدالحمید کاتب ، ابن یحیی بن سعد .
(مقتول ۱۳۲ ه ق)
از نویسندگان عرب وشامی ، واز بزرگان مروان حکم، واستاد انشاءبود، هماوبرای مراسلات نظمی قرارداد .

عبدالرحمن کواکبی .
روزنامه نگاران را به بینید .

عتابی ، کلثوم بن عمروشامی .
(زنده در قرن دوم)
شاعر و نویسندهٔ عرب ، مداح برمکیان و هارون الرشید و عبدالله بن طاهر ، صاحب : **کتاب المنطق** ، **کتاب الاداب** ، کتاب فنون الحکم ، کتاب الخیل ، کتاب الالفاظ ، کتاب الجواد می باشد .

عکبری، ابوالبقاء .
(فوت ۶۱۶ ه ق)
نویسندهٔ عرب صاحب آثاری چون : التبیان فی اعراب ، القرآن و غیره می باشد .

علاءالدین ، ابن غانم .
شعرای خارجی را به بینید .

غزولی ، علاءالدین علی .
(فوت ۸۱۵ ه ق)
ادیب و دانشمند عرب است .

غماری ، محمد بن محمد .
(۷۲۰ – ۸۰۲ ه ق)
معروف به شمس الدین ، ادیب و محدث مصری است .

غیلان دمشقی .
(مقتول بعد از ۱۰۵ ه ق)
معروف به ابومروان نویسنده و رییس غیلانیه است .

فادیف ، الکساندر الکساندرویچ .
Fadeïev, A, A.
(۱۹۰۱ – ۱۹۵۶ م)



داستان نویس شوروی صاحب اثر: نگهبان جوان و شکست وغیره می باشد.

فاررر ، کلود .
برندگان جوایز ادبی گنکور را به بینید .

فارل ، جمس توماس
Farrell, J, Th.
(متولد ۱۹۰۴ م)



داستان نویس آمریکایی دارای آثاری چون : زن خطرناك، دنیایی که من ساخته ام، ستاره ای که از بین نمی رود ، و غیره می باشد .

فاست ، هوارد Fast, H.
(متولد ۱۹۱۴ م)
نویسندهٔ آمریکایی دارای آثاری چون : اسپارتاکوس ، همشهری توم پین، راه آزادی، رام نشدگان و غیره می باشد.

فاکنر ، ویلیام .
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

فراپیه ، لئون .
برندگان جوایز ادبی گنکور را به بینید.

فرانس، آناتول France , A.
آناتول فرانس را به بینید .

فررِو ، لئو Ferrero, L.
(۱۹۰۳ – ۱۹۳۳ م)



نویسندهٔ ایتالیایی ، فارغ التحصیل ادبیات و تاریخ هنر از دانشگاه فلورانس ، دارای آثاری چون : انژلیکا لئونارد داوینچی یا شاهکار هنر و غیره می باشد.

فرشت ، لویی . Frechette, L.
(۱۸۳۹ – ۱۹۰۸ م)



نویسندهٔ معروف کانادایی دارای آثاری چند از قبیل : بیکاریهای من، برگهای پرنده ، گلهای شمالی و پرندگان برفی و غیره می باشد.

فلوبر ، گوستاو Flaubert, G.
(۱۸۲۱ – ۱۸۸۰ م)



نویسندهٔ فرانسوی ، دارای آثاری چون : مادام بواری، سالامبو ، وسوسهٔ سنت آنتوان ، اولین عشق ساده وغیره می باشد .

فلوریان ، ژان پی یر
Florian, G, P.
(۱۷۵۵ – ۱۷۹۴ م)
افسانه نویس فرانسوی است .

فلوریو ، زناییده Fleuriot, Z.
(۱۸۲۹ – ۱۸۹۰ م)
زنی ادیب از مردم فرانسه است .

فنلون، فرانسوا Fenelon, F.

(۱۶۵۱ - ۱۷۱۵م)

نویسندهٔ فرانسوی صاحب آثاری چون: تلماك، نامه ای به آکادمی و تربیت دختران می‌باشد.

فوسکولو، اوگو Foscolo, U.

(۱۷۷۸ - ۱۸۲۷م)



نویسندهٔ ایتالیایی دارای آثاری چون: قصیده ای دربارهٔ بناپارت آزاد کننده، آخرین نامه‌های یاکوپو اورتیس و غیره می‌باشد.

فونتنل، برنارد. Fontenelle, B.

(۱۶۵۷ - ۱۷۵۷م)



نویسندهٔ فرانسوی دارای آثاری چون: گفتگو‌های مردگان و غیره می‌باشد

فویه، اوکتاو. Feuillet, O.

(۱۸۲۱ - ۱۸۹۰م)



نویسندهٔ فرانسوی دارای آثاری چون: دهکده، موی سفید، و غیره می‌باشد.

فیتز جرالد، اسکات.

Fitz, Gerald, S.

(متولد ۱۸۹۶ م)

نویسندهٔ آمریکایی صاحب اثر، این سوی بهشت می‌باشد.

فیضی، ابوالفیض فیاضی.

(۹۵۶ - ۱۰۰۴ م)

نویسنده و شاعر هندی، صاحب آثاری چون: سلیمان و بلقیس، نل و دمن، هفت کشور، اکبر نامه، مرکز ادوار (به شیوهٔ مثنوی نظامی)، گیتا، سواطع الالهام، موارد الکلام و غیره می‌باشد.

فیلدینگ، هانری.

نمایشنامه نویسها را به بینید.

قادری، محمد بن قاسم.

(قرن ۱۴ ه ق)

نویسنده و دانشمند مغربی، صاحب آثاری چون: رفع العتاب و الملام عمن قال العمل بالضعیف و غیره می‌باشد.

قاسم بن عبدالله.

(۲۵۸ - ۲۹۱ م)

نویسنده و شاعر عرب است.

کاپوت، ترومن. Capote, T.

(متولد ۱۹۲۴ م)

نویسندهٔ آمریکایی، دارای آثاری چون: صداهای دیگر و اطاقهای دیگر، درخت شامگامی، با خونسردی و غیره می‌باشد.

کاتایف، ولانتین پتروویچ.

Kataïev, V, P.

(۱۸۹۷ م)



نویسندهٔ روسی، دارای آثاری چون: گوشهٔ نقاب، پسر هنگ، مربع شدن دایره و غیره.

کاتر، ویلا.

برندگان جوایز پولیتزر را به بینید.

کار، آلفونس Karr, A.

(۱۸۰۸ - ۱۸۹۰م)



روزنامه‌نگار و نویسندهٔ فرانسوی، دارای آثاری چون: گردش در اطراف باغ من، تاریخ یك پیاده، و بسیاری دیگر می‌باشد.

کارامزین، نیکولای میخایلوویچ.

Karamzine, N, M.

(۱۷۶۶ - ۱۸۲۶م)



نویسندهٔ اجتماعی و مورخ روسی دارای آثاری چون: نامه های یك مسافر روسی، لیز بیچاره وژولی، و بسیاری دیگر می باشد.

کاردك، هیپولیت ریوای

Kardec, H.

(فوت ۱۸۶۹ م)

مشهور به آلن، صاحب کتابهای: ارواح، مدیومها و غیره.

کارل، آرمال.

روزنامه نگاران را به بینید.

کازانتزاکی، نیکوس.

شعرای خارجی را به بینید.

کاسانیاك، برنارد، آدولف گارنیه دو.

Cassagnac, B, A, G.

(۱۸۰۶ - ۱۸۸۰م)

نویسندهٔ اقتصادی فرانسه است.

کافکا، فرانز. Kafkl, F.

(۱۸۸۳ - ۱۹۲۴ م)



نویسندهٔ یهودچك، دارای آثاری چون: فتوا، مسخ، قصر، دیوار چین، گروه محکومین و غیره می‌باشد.

کالدول، ارسکین.

Caldwell, E.

(متولد ۱۹۰۳ م)



نویسندهٔ آمریکایی، دارای آثاری چون: جادهٔ تنباکو، یك وجب خاك خدا، خانه در کوهستان،

آفتاب‌جنوبی، دست‌مطمئن‌خدا، حرامزاده و غیره می‌باشد .

کامپانلا ، توماس .

Campanella, Th.

(۱۵۶۸ - ۱۶۳۹ م)



نویسندهٔ ایتالیایی ، صاحب‌آثاری چون ، یادداشتهای زندان ، فلسفهٔ‌منطقی، مکان‌خورشید و بسیاری دیگر می‌باشد .

کامو ، آلبر .

برندگان نوبل ادبی را به‌بینید .

کامینگز ، ادوارد، ای .

شعرای خارجی را به‌بینید .

کرازوسکی ، ژوزف‌ایکناسی .

Kraszewski, J, I.

(۱۸۱۲ - ۱۸۸۷م)



داستان‌نویس لهستانی دارای‌آثاری چون: سیب طلایی ، کلبه، افسانهٔ قدیمی ، و بسیاری دیگر می‌باشد .

کرلی ، ماری .
Corelli, M.

(۱۸۶۴ - ۱۹۳۴ م)

بانوی نویسنده‌ای‌از مردم اسکاتلند دارای آثاری چون : هیئت قضات معبد، غم شیطان ، عمر جاودانی ، تلها وغیره می باشد .

کرنلیوس نپوس .

Cornelius, Nepos.

(قرن اول پیش از میلادی)

از نویسندگان لاتینی است .

کروچه ، بندتو .
Croce, B.

(۱۸۶۶ - ۱۹۵۲ م)

نویسندهٔ ایتالیایی ، صاحب آثاری چون : چرا نمی‌توانیم جزمسیحی باشیم، ماتریالیسم کارل‌ماکس ، زیبایی شناسی‌و غیره می‌باشد .

کره‌آنگا، یون .
Créanga , I.

(۱۸۳۷ - ۱۸۸۹ م)



نویسندهٔ رومی واثر معروفش : نوشته های یون کره‌آنگامی‌باشد.

کرین ، استفان .
Crane, S.

(۱۸۷۱ - ۱۹۰۰ م)

نویسنده وروزنامه‌نگار آمریکایی، دارای آثاری چون : نشان‌سرخ‌دلیری ، زورق بی حفاظ ، زخمها در باران ، مادرژرژ، هنگ کوچك و غیره می‌باشد.

کلایست ، هنریخ فون .
Kleist ,H.

(۱۷۷۷ - ۱۸۱۱ م)



نویسندهٔ آلمانی‌دارای آثاری‌چون : خانواده‌شروفانستن ، کوزهٔشکسته ، روبرت‌کیزکاردوك‌نورماندی و بسیاری دیگر می‌باشد .

کلر،هلن‌آدامز

زنان مشهور را به‌بینید .

کلر ، گوتفرید
Keller , G.

(۱۸۱۹ - ۱۸۹۰م)



نویسندهٔسویسی دارای آثاری چون : هنری رنگ سبز ، نوولهای زوریخی‌وبسیاری دیگر می‌باشد.

کلودل ، پل‌لویی شارل

شعرای خارجی را به بینید .

کمپ ، روبرت
Kemp,R.

(۱۸۷۹ - ۱۹۵۹م)



منتقد ادبیات‌و نمایشنامه‌ها از مردم فرانسه دارای آثاری چون : آزادی‌و انعکاس پاریس، زمان، نوولهای ادبی ،وبسیاری دیگر می‌باشد.

کنراد ، کوناردکورزنیووسکی ، ژوزف

Conrad , K، K, J.

(۱۸۵۷ - ۱۹۲۴ م)



داستان نویس انگلیسی، دارای آثاری‌چون:مردی فاسد درجزایر، لرد جیم ، انسان سیاهی‌از نارکیسوس، تیفون وغیره می‌باشد،

کنك ، هانس
Kinck, H.

(۱۸۶۵ - ۱۹۲۶م)



نویسندهٔ نروژی دارای‌آثاری چون: ازدریای زمینهای بایر، پاستور ،هرمان اك ، وبسیاری دیگر می‌باشد.

کوپر ، جمس فنیمور.
Cooper,J,F

(۱۷۸۹ - ۱۸۵۱م)



داستان‌نویس آمریکایی ، آثارمعروف‌او: چمن ، کشندهٔ گوزن، پیشروان، دریانوردی و غیره می‌باشد.

کورزنیووسکی ، کو نارد .

Korzeniewsky , K .

کنراد را به بینید .

کورل ، فرانسوادو . Curel,F.
(۱۸۵۴–۱۹۲۸م)
نویسندهٔ فرانسوی صاحب آثاری چون: غذای شیر ، بت جدید وغیره می‌باشد.

کوستولانی، دزو Koszolanyi, D.
(۱۸۸۵ – ۱۹۳۶م)



نویسندهٔ مجارستانی دارای آثاری چون: بین چهار دیوار، نان وشراب ، ناله‌های بچه‌های فقیر و بسیاری دیگر می‌باشد .

کوك، پل Kock, P.
(۱۷۹۳ – ۱۸۷۱ م)



نویسندهٔ فرانسوی ، دارای آثاری چون: بچهٔ مادرم، همسایهٔ من رایموند، آقای دوپون و بسیاری دیگر می‌باشد .

کوکتو ، ژان Cocteau , J.
(متولد ۱۸۸۹ م)



نویسنده و نقاش ، کارگردان معروف فرانسوی ، دارای آثاری چون : چراغ علاءالدین ، عروسی روی برج ایفل، رومئو وژولیت و غیره می‌باشد .

کولاس ، کنستانتین میخائیلوویچ میسکوویچ Kolas, K, M, M.
(متولد ۱۸۸۲ م)



معروف به یا بوك نویسندهٔ روس دارای آثاری چون: سیمون موسیقی‌دان، مزرعهٔ ما ، زمین تازه و بسیاری دیگر می‌باشد .

کولت ، مادام فرانس(سید ونی گابریل) Colette,F.
(۱۸۷۳ – ۱۹۵۴ م)



نویسندهٔ فرانسوی دارای آثاری چون: دنیای موزیك‌هال، انزوای پر احساسات ، ولگرد، پیچك انگور وغیره می‌باشد .

کولومل Columelle.
(قرن اول میلادی)
نویسندهٔ لاتینی است .

کونوپنیکا، ماریا Konopnicka,M.
(۱۸۴۲ – ۱۹۱۰ م)



زنی ادیب از مردم لهستان ، دارای آثاری چون : آقای بلاسه در برزیل ، سوگند و غیره می‌باشد.

کیپلینگ ، رودیار . شعرای خارجی را به بینید .

کیزرلینگ ، هرمان کنت Keyserling,H.
(۱۸۸۰ – ۱۹۴۶ م)



نویسنده و فیلسوف آلمانی ، دارای آثاری چون: بقاء ، دیباچهٔ فلسفی طبیعت، روزنامهٔ سفر یك فیلسوف و بسیاری دیگر می‌باشد .



گارسیا لورکا

گارسیالورکا ، فردریك Garcia Lorca, F.
(۱۸۹۹ – ۱۹۳۶ م)
نویسندهٔ اسپانیایی ، دارای آثاری چون : احساسات و دهقانان ، طلسم پروانه و غیره می‌باشد .

گاسپه ، فیلیپ اوبرت دو Gaspé, ph, Au .
(۱۷۸۶ – ۱۸۷۱ م)
نویسندهٔ کانادایی دارای آثاری چون : کانادایی های قدیمی و غیره می‌باشد .



گاسپه

گاله‌گو ، رومولو Gallegos, R.
(۱۸۸۴ م)
داستان نویس ونزوئلا دارای آثاری چون: حوادث ، سیاه بیچاره و بسیاری دیگر می‌باشد ،

گالزوورثی، جان. برندگان نوبل ادبی را به‌بینید .

گراك ، ژولین برندگان جوایز گنکوررا به‌بینید، (در سال ۱۹۵۱ م)

گریم ، ملکیو بارون دو Grimm , M.
(۱۷۲۳ – ۱۸۰۷ م)



نویسنده و منتقد آلمانی، دارای اثر معروفی به‌نام ادبیات ، فلسفه‌وتحلیل می‌باشد .



گاله‌گو



گوبینو

گرین ، گراهام Greene, G.
(متولد ۱۹۰۴ م)
نویسندهٔ انگلیسی ، دارای آثاری چون : قدرت و افتخار، پایان کار ، انسان و درونش و غیره می‌باشد .

گرین ، ژولین Green, J.
(متولد ۱۹۰۰ م)
نویسندهٔ فرانسوی ، دارای آثاری چون سفر سیاه ، رؤیاگر ، روزگار خوش و غیره می‌باشد .

گلاسوورثی ، جان Glasworthy, J.
(متولد ۱۸۶۷ م)



نویسندهٔ انگلیسی دارای آثاری چون: پاریسیها، مالك و بسیاری دیگر می‌باشد.



گورکی

گوبینو ، ژوزف آرتورکنت دو
Gobineau, J, A .
(۱۸۱۶ – ۱۸۸۲ م)
نویسنده و سیاستمدار فرانسوی دارای آثاری چند ازقبیل: تلاشهاروی عدم تساوی بنیادهای انسانی، سفربه‌زمین تازه و غیره می‌باشد .

گوته ، ژوهان ، ولفگانگ فون.
نمایشنامه نویسها را به بینید .



گوزی

گوتیه ، تئوفیل .
شعرای خارجی را به بینید .

گورکی ،الکسی‌یی‌ماکسیموویچ پشکوف.
Gorki, A, M, P .
(۱۸۶۸ – ۱۹۳۶م)
نویسندهٔ روسی‌دارای‌آثاری چون : درجهان،دانشگاههای‌من،استادان‌زندگی، نخستین‌عشق،اعتراف،لنین‌وغیره‌می‌باشد.

گورمونت ، رمی‌دو .
Gourmont, R .
(۱۸۵۸ – ۱۹۱۵م)



نویسندهٔ فرانسوی دارای‌آثاری چندازقبیل: بازی‌وطن‌پرستی ، داستان‌زندگی مشهور



لاکنس

وغیره‌می‌باشد .

گوزی ، کارلو . Gozzi, C .
(۱۷۲۰ – ۱۸۰۶م)
نویسندهٔ مشهور ایتالیا ، دارای آثاری چون : کلاغ ، شاه‌گوزن ، پرندهٔ سبز و غیره می‌باشد .

گوگول ، ژانوسکی نیکلا
Gogol, G, N .
(۱۸۰۹ – ۱۸۵۲م)



نویسنده و نمایشنامه نویس‌روس، دارای‌آثاری چون:بازرس، نفوس‌مرده، تصویر ، شنل ، یادداشتهای روزانهٔ یك‌نفردیوانه و غیره می‌باشد .

گولداسمیت ، اولیویه
Goldsmith, O .
(۱۷۲۸ – ۱۷۷۴م)
نویسندهٔ فرانسوی ، دارای آثاری چون : زنبوران ، نامه های چینی ، همشهری مردم دنیا ، و غیره می‌باشد .

گومس دولاسرنا ، رامون
Gomez de la serna, R.
(متولد ۱۸۸۸ م)



نویسندهٔ اسپانیایی ، دارای‌آثاری چون : الراسترو ، بیوهٔ سیاه و سفید وغیره می‌باشد .

گیلروپ ، کارل آدولف .
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

لئوتود ، پل Leautaud, P .
(۱۸۷۲ – ۱۹۵۶م)
نویسندهٔ فرانسوی اثر معروف او : شعرای امروزی است .

لئوتولستوی .
تولستوی را به بینید .

لئونوف ، لئونید Leonov, L.
(متولد ۱۸۹۹ م)



نویسندهٔروسی ازآثار او . جنگل روسیه، رودخانهٔ سوت و بسیاری دیگر می‌باشد.

لابروبر، ژان دو Labruyére , J.
(۱۶۴۵ – ۱۶۹۶ م)



نویسنده‌و عالم اخلاق از مردم فرانسه و عضوآکادمی این کشور است، ازآثار او است : صفات وتیپها و غیره .

لارنس عربستان ، شاوتوماس ادوارد.
Lawrence , Ch , Th , E .
(۱۸۸۸ – ۱۹۳۵ م)
صاحب کتاب **هفت رکن حکمت** ، از فرماندهان نظامی انگلیس بود .

لارنس ، دیوید هربرت .
شعرای خارجی را به‌بینید .

لافونتن ، ژان دو .
شعرای خارجی رابه بینید.

لافونتن ، اوگوست هنریخ
Lafontaien, A, H .
(۱۷۵۸ – ۱۸۳۱ م)
داستان نویس فرانسوی که **تاریخ خانواده** از آثار او معروف است .

لاکنس هالدور کیلیان
برندگان نوبل ادبی را به بینید.

لاکلوس ، پی‌یر کودرلوس
Laclos, p, Ch.
(۱۷۴۱ – ۱۸۰۳ م)
نویسندهٔ فرانسوی دارای آثاری چون : نامه‌ای به م م ، از جنگ و از صلح و روابط خطرناك (در فارسی‌گزند دلبستگی ترجمه‌شده‌است)وغیره‌می‌باشد

لاگرکویست، پارافابیان
برندگان نوبل را به بینید .

لاگرلوف ، سلما .
برندگان نوبل را به‌بینید .

لامب ، شارل Lamb,Ch.
(۱۷۷۵ – ۱۸۳۴ م)
نویسندهٔ انگلیسی اثری معروف به‌نام انگلیسی زمان شکسپیر دارد .

لامونه ، فلیسیته روبرت
Lamennais, F, R .
(۱۷۸۲ – ۱۸۵۴ م)



نویسنده و متفکر فرانسوی دارای آثاری چون: کارهای روم ، کتاب جمعیت، کشور و حکومت و بسیاری **دیگر** می‌باشد .

لاول ، جیمز راسل .
شعرای خارجی را به بینید.

لندن ، جك London ; J .
(۱۸۷۵ – ۱۹۱۶ م)



نویسندهٔ آمریکایی ، دارای آثاری از قبیل : آوای وحش، سپیددندان، گرگ دریا، دختر برفها و بسیاری دیگر می‌باشد .

لوئیس ، سیتکر
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

لوئیس ، پی‌یر Lewis , P .
(قرن ۱۹ م)
نویسنده‌وشاعر، صاحب آثاری چون: آفرودیت ، ترانه‌های بیلیتیس و غیره می‌باشد .

لوبلانك ، موریس Leblanc, M.
(۱۸۵۷ – ۱۹۲۳ م)



نویسندهٔ فرانسوی ، که ابتدا به علت انتشار رومانهای تحلیلی مشهور شد ولی سرانجام به تحریر رومانهای پلیسی گرایش یافت و شخصیت هایی از قبیل آرسن لوپن را خلق کرد .

لوبلوند ، آری .
برندگان جوایز ادبی گنکور فرانسه را به بینید . (درسال ۱۹۰۹ م)

لوبلوند ،ماریوس .
برندگان جوایز ادبی گنکور فرانسه را به بینید . (در سال ۱۹۰۹ م)

لوپ‌دو وگا کارپیو ، فلیکس .
Lope de vega carpio,F.
(۱۵۶۲–۱۶۳۵ م)



نویسندهٔ مشهوراسپانیا دارای آثاری چون: بدون ژوان ، فیلیس ، کامیلالوسینا و آماریلیس و بسیاری دیگر می‌باشد .

لوپس دوایالا ، پدرو .
Lopez de Ayala , P .
(۱۳۳۲ – ۱۴۰۷م)
نویسندهٔ کاستیلی دارای آثاری چون : پادشاهان کاستیل وغیره‌می‌باشد.

لوتی ، پی‌یر . Loti, P .
(۱۸۵۰ – ۱۹۲۳م)
نویسندهٔ فرانسوی ، به‌نام ژولین‌ویو معروف به لوتی دارای آثاری چون : به‌سوی اصفهان ، آزاد ، پریرویان ناکام، کاپیتان روسو، ماهیگیر ایسلند وبسیاری دیگر می‌باشد .

لودویگ، امیل Ludewig, E .
(۱۸۸۱ – ۱۹۴۹م)
نویسنده و نمایشنامه‌نویس آلمانی، دارای آثاری چون : تریستان‌وایزوت، برژیا ، ناپلئون ، آزادی وشرح‌زندگی بسیاری از مشاهیر جهان .

لوفدرت ، گرترودفون .
زنان مشهور را به بینید .

لوکا ، امیل Lucka, E .
(متولد ۱۸۷۷ م)
نویسندهٔ اتریشی ، دارای آثاری چون : تخیل ، مرگ و زندگی ، یك دختر باکره و غیره می‌باشد .

لومونیه ، کامیل Lemonnier, C.
(۱۸۴۴ – ۱۹۱۳م)
نویسندهٔ بلژیکی ، شاهکار او : **مادام لوپار** است .

لوورتن ، اوسکار Levertin, O.
(۱۸۶۲ – ۱۹۰۶م)



نویسندهٔ سوئدی **دشمنان حیات** ، از آثار اوست .

لوول ، جام روسل .
Lowell, J, R.
(۱۸۱۹ – ۱۸۹۱م)
نویسندهٔ آمریکایی دارای آثاری چون : یك سال از زندگی، افسانه‌برای تحلیل ، دیداری از سرلونفال وبسیاری دیگر می‌باشد .

لویی ، پی‌یر لویی .
Louys, P, L .
(۱۸۷۰ – ۱۹۲۵م)
نویسندهٔ فرانسوی دارای آثاری چون : خانه‌ای روی نیل،نمایش زندگی زنان معروفه و بسیاری دیگر می‌باشد .

مارتن دوگار ، روژه .
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

مارتنس ، ژوهاکم پدرو دواولیویرا .
Martins, J, P, O .
(۱۸۴۵ – ۱۸۹۴م)
نویسنده و شخصیت سیاسی پرتغال آثاری چون : تاریخ تمدن اسپانیا ،



لامب



لوئیس



لوپس



لوتی



لومونیه



اوول

تاریخ پرتغال و بسیاری دیگر می باشد.

مارسل ، گابریل .

برندگان جوایز مختلف ادبی فرانسه را به بینید .

مارك تواین .

تواین را به بینید .

مارمونتل، ژان فرانسوا

Marmontel, J, F.

(۱۷۲۳ - ۱۷۹۹م)



نویسندهٔ فرانسوی دارای آثاری چون : هراکلیدیها، داستانهای اخلاقی ، عصر شعر فرانسه و بسیاری دیگر می‌باشد .

مارینتی ، فیلیپو توماسو .

Marinetti, F, T.

(۱۸۷۶ - ۱۹۴۴م)



نویسندهٔ ایتالیایی ، دارای آثاری چون : شاه خوش‌گذران و عدهٔ زیادی داستان و نمایشنامه دارد.

مازراس ، آلفونس .

شعرای خارجی را به بینید .

ماسیس ، هانری .

برندگان جوایز مختلف ادبی فرانسه را به بینید .

ماك اورلان ، دومارکه .

Mac Orlan, P, M.

(متولد ۱۸۸۲ م)



نویسندهٔ فرانسوی . دارای آثاری چون ، خندهٔ جوان، زیر نور سرد و بسیاری دیگر می‌باشد.

ماکسیم گورکی Maxim Gorki.

گورکی را به بینید .

ماکیاول ، نیکولا .

مورخین و سیاستمداران را به بینید.

مالاپارت ، گورتزیو .

Malaparte , G.

(متولد ۱۸۹۸ م)

نویسندهٔ ایتالیایی ، دارای آثاری چون : زنی چون من، تکنیك کودتا ، خورشید نابینا و غیره می‌باشد .

مالرو، آندره .

برندگان جوایز مختلف ادبی فرانسه را به بینید .

مان ، توماس .

برندگان نوبل ادبی را به بینید .

مان ، هنریخ Mann , H.

(۱۸۷۱ - ۱۹۵۰م)



نویسندهٔ آلمانی ، دارای آثاری چون : کشور نعمت، پروفسور اونرا ، نی‌لبك‌ها و خنجر ها و شهر کوچك و بسیاری دیگر می‌باشد .

مانزونی ، الساندرو

Manzoni, A.

(۱۷۸۵ - ۱۸۷۳م)



نویسندهٔ ایتالیایی ، دارای آثاری چون : قصیدهٔ مارس ، ۵ مه ، نامزد ها و و بسیاری دیگر می‌باشد.

مانسفیلد ، کاترین .

زنان مشهور را به بینید .

مایستر ، کاویه Maistre, X.

(۱۷۶۳ - ۱۸۵۲م)



مایستر

نویسندهٔ رومانتیك فرانسوی کتاب «**پیرامون اطاق من**» و «زندانی کوکاس و جوانی از مردم سیبری» و چند اثر دیگر از او است .

مردیت ، ژرژ Meredith, G.

(۱۸۲۸ - ۱۹۰۹م)



نویسندهٔ انگلیسی ، دارای آثاری چون : عشق مدرن ، ویتوریا ، خانه‌ای در ساحل ، و غیره می‌باشد .

مریمه ، پروس پر . Merimé , P.

(۱۸۰۳ - ۱۸۷۰م)

نویسندهٔ فرانسوی ، دارای آثاری چون : دو اشتباه ، کارمن ، کولومبا و غیره می‌باشد .

ملك نیس لوییس .

شعرای خارجی را به بینید .

ملویل ، هرمان Melville, H.

(۱۸۱۹ - ۱۸۹۱م)

نویسنده و شاعر آمریکایی ،دارای آثاری چون : نهنگ سفید ، اولین سفر، مجموعهٔ اشعار کارل ، دگلبان و غیره .

منندز ای پلایو ، مارسلینو

Menéndez Y Pelayo, M.

(۱۸۵۶ - ۱۹۱۲م)



منتقد ادبی ازمردم اسپانیا ، صاحب کتاب تاریخ ملحدین اسپانیا .

موام ، ویلیام سامرست

Maugham , W , S.

(متولد ۱۸۷۴ م)



نویسندهٔ معروف انگلیسی که در پاریس متولد شده آثار معروفی چون :اسارت بشری، مأمور مخفی ، یادگار همین

دوره، وفای‌زن ، و گذرگاه‌خطرناك‌دارد.

موپاسان ، هانری ،رنه، آلبرت گی‌دو .
Maupassant, H, R, A, G .
(۱۸۵۰ – ۱۸۹۳م)



داستانسرا و شاعر فرانسوی ، آثاری‌معروف از قبیل : خداوندمتعال (شعر)، گلولهٔ توپی ، تپلی ، منظومه‌ها (شعر) ، یك زندگی ، صلح‌در خانه، لبخندبخت ، خوشگل‌پسر وغیره دارد .

مورا ، شارل Maurras, Ch.
(۱۸۶۸ - ۱۹۵۲م)

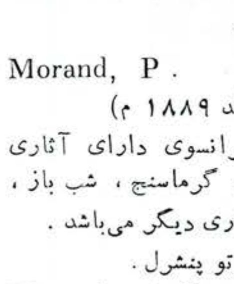


نویسندهٔ فرانسوی دارای‌آثاری چون : راه بهشت ، جستجوروی حکومت مطلقه، آیندهٔ هوش ، و بسیاری دیگر .

موراند ، پل Morand, P .
(متولد ۱۸۸۹ م)

نویسندهٔ فرانسوی دارای آثاری چون : برگهای گرماسنج ، شب باز ، شب بسته و بسیاری دیگر می‌باشد .

موراویا ، آلبرتو پنشرل .
Moravia, A, P.
(متولد ۱۹۰۷ م)



نویسندهٔ ایتالیایی دارای‌آثاری چون : بی‌تفاوتها ، طمع گول زننده و بسیاری‌دیگر می‌باشد .

موروآ ، آندره . Maurois, A .
(متولد ۱۸۸۵ م)



نویسنده معروف و معاصر **فرانسه** دارای آثاری چون : سکوت‌سرهنگ برامبل ، سخنرانیهای دکتر اوگرادی ، زندگی‌شیلی زندگی ژرژساند وبسیاری دیگر .

موریاك ، فرانسوا.
برندگان نوبل ادبی را بـه‌بینید. (سال ۱۹۵۲ م)

موریه، دافنه دو . Maurier, D
(متولد ۱۹۰۷ م)

زنی نویسنده از مـردم انگلیس ، دارای آثاری‌چون: روح دوست‌داشتنی، سپربلا ، میکدهٔ ژامایبك ، يك تصویر ، من هرگز دوباره جوان نخواهم شـد و غیره می‌باشد .

موزللی ، امیل.
برندگان‌جوایز ادبی‌گنکورفرانسه را به بینید (در سال ۱۹۰۷ م)

موزیل، روبرتون.
Musil, R, V .
(۱۸۸۰ – ۱۹۴۲ م)

نویسندهٔ اتریشی دارای‌آثاری‌چون بی‌نظمی‌های تورلس ، جمعیت و سه زن و بسیاری دیگر می‌باشد .

موساتو ، آلبرتینو . Mussato.
(۱۲۶۱ – ۱۳۲۹ م)

نویسندهٔ ایتالیایی کـه اثر اشیل واسرنیس ، از او است .

موکل ، آلبرت Mockel, A.
(۱۸۶۶ – ۱۹۴۵ م)

نویسندهٔ بلژیکی دارای آثـاری چون : شعلهٔ جاوید ، يك‌شجاع وبسیاری دیگر می‌باشد .

مولروان دن بروك
Moeller Van Den Bruck .
(۱۸۷۶ – ۱۹۲۵ م)



نویسندهٔ آلمانی دارای آثاری چون: جمعیت و ملت،آلمانیها، قانون ملل جـوان و بسیاری دیگر. می‌باشد .

مونترلانت ، هانری میلون دو
Montherlant, H, M .
(متولد ۱۸۹۶ م)

نویسندهٔ فرانسوی ، تعویض صبح، خواب،المپیك و غیره .

مونترلانت در سال ۱۹۳۴ برندهٔ جایزهٔ بزرگ ادبی آکادمی فرانسه شد.

مونکریف ، فرانسوااوگوست پارادی دو
Moncrif, F, A, P.
(۱۶۸۷ – ۱۷۷۰ م)



نویسندهٔ فرانسوی ، دارای‌آثاری چون : تاریخ گربه‌هـا ، خطای‌ماژی وغیـره مـی‌باشد .

میتسکیویچ، آدام Mickiewrcz, A.
(۱۷۹۸ – ۱۸۵۵ م)

نویسنده‌وشاعرلیتوانی(روسیهٔ‌شوروی) دارای آثاری از قبیل : ملت لهستان و زائران، منظومهٔ مارس و بسیاری‌دیگر

میچل، مارگرت.
برندگان جوایزپولیتزررا به‌بینید .

میربو ، اوکتاو Mirbeau, O.
(۱۸۴۸ – ۱۹۱۷ م)

نویسندهٔ فرانسوی، کتابهای: سیاق ، اخمها ، از آثار او است .

میسترال، فردریك.
برندگان نوبل ادبی را به بینید .



موراند



موزیل



موکل



مونترلانت



میربو



میوماندر

میللر ، هانری Miller, H.

(متولد ۱۸۹۱ م)



نـویسندهٔ آمریـکایی دارای آثاری چـون : بهارسیاه ، مجسمهٔ ماروسی، مدار رأس السرطان ، مـدار رأس‌الجدی و غیره می‌باشد .

میوماندر، فرانسی دو.

برندگان جوایز ادبی گنکور را به بینید . (در سال ۱۹۰۸ م)



نوویکوف

نو، ژان آنتوان.

برندگان جوایز گنکور فرانسه را به بینید. (در سال ۱۹۰۳ م)



واست

نودیر ، شارل Nodier, Ch .

(۱۷۸۰ – ۱۸۴۴ م)



نویسندهٔ فـرانسوی دارای آثاری از قبیـل : وامپیر، ترز، خواب طلایی و بسیاری دیگر می‌بـاشد .

نولاك ، پی‌یر ژیرولددو

Nolhac, P, G.

(۱۸۵۹ – ۱۹۳۶ م)



شاعرومورخ فـرانسوی دارای آثاری چون: کتابخانهٔ فـولـویو اورسینی ، اراسم در ایتالیا و بسیاری دیگر .



والری

نوویکوف، نیکولای ایوانوویچ .

Novikov, N,I.

(۱۷۴۴ – ۱۸۱۸ م)

نویسندهٔ روسی صاحب آثاری چون: زنبور ، بورس وبسیاری دیگر می‌باشد.



وانکورا

نیکولای فردریخ Nicolaï,F.

(۱۷۳۳ – ۱۸۱۱ م)



نویسندهٔ آلمانـی ، دارای آثاری چـون : کتابخانه‌های عمومی آلمان، زندگی و افکار استاد نوتانکه ، تاریخ یك ملت بزرگ و بسیاری دیگر می‌باشد .

وازوف ، ایوان .

شعرای خارجی را به‌بینید.

واست ، گوستاومارتینه‌زوبی ریا

Wast, G, M,Z.

داستان نویس فرانسوی ازآثاراو: گل درخت‌هلو ، چشمهٔ ممهور ، صحرای سنگ ، آنچه خدا پیوسته است و چند اثر دیگر می‌باشد .

والپول، هوراس Walpole, H .

(۱۷۱۷ – ۱۷۹۷ م)



نـویسندهٔ انـگلیسی معروف به **کنت‌دورفورد** تحصیلات‌خود را در **اتون** و کمبریج انجام داد و مسافرتهای فراوانی کـرد ، در سال **۱۷۴۱** وارد پارلمان شـد و در سال **۱۷۶۸** دسـت از سیاست کشید، **قصر اوترانت** و کتابی‌درزمینهٔ اشتباهات تاریخی در زندگی وحکومت **ریشاردسوم** دارد.

والری ، پل آمبرواز

Valery, P, A .

(۱۸۷۱ – ۱۹۴۵ م)

نویسنده وشاعر معروف‌سمبولیسم و عضوآکادمی فرانسه‌که سبك جدید را با سبك کلاسیك درهم آمیخته‌است، ازآثار معروف او : آلبوم قـدیمی ، افسون ، روح ورقص ، دورهٔ تغییر وبسیاری‌دیگر می‌باشد .

والوتون ، بنیامین Vallotton, B.

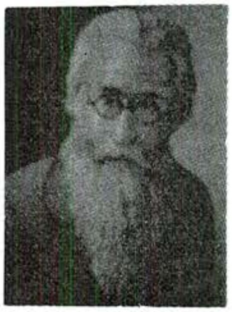
(۱۸۷۷ – ۱۹۶۲ م)

نویسندهٔ سویسی با آثاری چون : در خصوص پوترای دلال،درهایی کـه از داخل بازند ، وقف به‌کورهای جنگ و بسیاری دیگر که مشهور است .

وال انکلان ، راموندل

Valle Inclan, R, D .

(۱۸۶۹ – ۱۹۳۶ م)



نـویسندهٔ اسپانیولی صاحب آثاری چون: پنجره‌ـ های‌مصلحت، پرتوآتشگاه و غیره می‌ـ باشد .

وان درمرش. Von der Meersch.

(۱۹۰۷ – ۱۹۵۱ م)



نویسندهٔ فـرانسوی دارای‌اثرهایی چون: خانه‌ای در تودهٔ‌شن، وقتی‌که‌بوقها خاموش می شوند ، نمی‌دانندکه می‌کنند و بسیاری دیگر می‌باشد .

وانکورا . ولادیسلاف

Vancura , V .

(۱۸۹۱ – ۱۹۴۲ م)

داستان نویس چك دارای آثاری چون : ژان مارول نـانوا ، مزرعه و میدان جنگ ، سیمای تاریخ ملت چك و بسیاری دیگر.

وایل ، سیمون.

زنان مشهور را به بینید .

وایلاند، روژه .

برندگان جوایز ادبی گنکورفرانسه رابه بینید. (در سال ۱۹۵۷ م)

وایلد، اسکار فینگالو افلاهرتی ویلز
Wilde, O.
(۱۸۵۴ – ۱۹۰۰ م)



نویسنده و نمایشنامه نویس مشهور انگلیسی در شهر دوبلین به دنیا آمد و درفرانسه وفات‌یافت، از آثار او : سالومه، از اعماق، تصویر دوریان گری ، اهمیت در سنت یک شوهر ایده‌آل، رؤیای ستاره ، شاه جوان و تاجگذاری، خانهٔ انار ، دوشس پادوا، ورا ، دیو خودخواه، نامه‌هایی از زندان ری دینگ .

وبستر، جین
Webser, J.
(۱۸۷۶ – ۱۹۱۶ م)

بانوی نویسنده از مردم آمریکا دارای آثاری چند از قبیل : وقتی که پاتی به دانشکده رفت ، بابا لنگ دراز و غیره می‌باشد .

ورسل، روژه.
برندگان‌جوایز ادبی گنکورفرانسه را به بینید .

هریا ، فیلیپ.
برندگان جوایز گنکوررا به‌بینید.
(در سال ۱۹۳۹)

ورفل، فرانز .
نویسندگان تآتر را به بینید .

ورمیلن ، اوگوست
Vermeylen, A.
(۱۸۷۲ – ۱۹۴۵ م)



نویسندهٔ بلژیکی ، یکی از معرفین ادبیات‌فلاماندر است وآثارمعروف او . **یهودی سرگردان**، تاریخ یک روح ، دو دست و بسیاری دیگر .

ورن ، ژول
Verne, J.
(۱۸۲۸ – ۱۹۰۵ م)



نویسندهٔ فرانسه که‌آغاز نویسندگی اوازکارتآتر شروع شده است و از آثار اومی‌توان نام بـرد : مسافرتهای اکتشافی ، مسافرت به اعماق زمین ، از زمین بـه ماه ، بچه‌های کاپیتن گرانت و بسیاری دیگر .

وسل، جان هرمان
Wessel, J, H.
(۱۷۴۲ – ۱۷۸۵ م)

نویسندهٔ نروژی کـه شهرت او با انتشارکتاب : عشق بی‌اساس، آغاز شد . «خدمتگزار شما اوسیوسی» اثـر دیگر اوست. وسل چندین اثـر معروف به‌جا گذاشته است .

وگا ، جیووانی
Vega, J.
(متولد ۱۸۴۰ م)

نویسندهٔ ایتالیایی که آثاری چنداز قبیل : نان سیاه و سربـاز روستایی ، بدبیار و غیره دارد .

ولتر ، فرانسواماری .
Voltaire, F, M.
(۱۶۹۴ – ۱۷۷۸ م)

فلاسفهٔ خارجی را به بینید .

ولز ، هربرت جرج
Wells.
مورخین خارجی را به بینید .

ولهاون ، جان سباستین .
Welhaven, J, S.
(۱۸۰۷ – ۱۸۷۳ م)

نویسندهٔ نروژی ، استاد فلسفه در دانشگاه مسیحی بود ، سخت تحت تأثیر ادبیات دانمارك و آلمان واقع شد ، اولین اثر او «اشعار ومناظرهٔ هنریك و ژلاند» نام دارد،آثار دیگر او عبارتند از : «قصیده» و «قصیده‌های نو» و چند اثر دیگر.

ووآتور، ونسان
Voture, V.
(۱۵۹۷ – ۱۶۴۸ م)



نویسندهٔ فرانسوی صاحب‌اثرـ های: نامه‌ها، زیبایی‌سحرگاه و بسیاری دیگرمی‌باشد

ووگ ، اولین
Wau .
(متولد ۱۹۰۳ م)

نویسندهٔ انگلیسی، تحصیلات‌خودـ را در آکسفوردبه پایان رسانید، ازآثار معروف او : **ووگ در آبی‌سینی** ، وافسون است.

ووگه ، اوژن ملشیور
Vogué, E, M.
(۱۸۴۸ – ۱۹۱۰ م)



نویسندهٔ فـرانسوی صاحب‌اثرهای: داستان روس، خـاطره و منظره ،قلبهای روسـی ، مـلاحظات تاریخی و ادبی ، تاریخ و شعر و بسیاری دیگر .

وولارد، آمبرواز
Volloef, A.
(۱۸۶۸ – ۱۹۳۹ م)

نویسندهٔ فـرانسوی صاحب اثر : خاطرات یك تابلو فروش، گلهای بدی، افسانه‌های لافونتن و غیره .

وولف ، توماس کلایتون
Walfe, T, C.
(۱۹۰۰ – ۱۹۳۸ م)



داستان‌نویس آمریکایی ، صاحب‌کتاب «چشمهٔ شطوط» پس‌ازتحصیلات ابتدا بـه



ولتر



ولهاون



ووگ



وولارد


ویالار

نمایشنامه نویسی پرداخت پس از مدتی با سمت استادی زبان انگلیسی در دانشگاه هاروارد به‌کار مشغول شد و از آثار دیگر او «فرزندزمانه»، «کرباس وسنگ»، «تونمی‌توانی برگردی» وچند اثر دیگر است .

وولف ، ویرجینیا Woolf, V.
(۱۸۸۲ ـ ۱۹۴۱ م)




ویتت

نویسنده و نقادانگلیسی، فرزند یك فیلسوف‌معروف انگلیسی و دختری با استعدادودقیق بوداز آشنایی‌بادوستان پدرش ثمرهٔ فراوان برچید، درسال ۱۹۱۲ بالئونارد**وولف** که یك اقتصاد دان بود و ازدواج کرد . از آثار معروف او : «اطاق‌ژاکوب» «آقای دالدوای» «گردش‌فانوس‌دریایی» و آخرین داستانهای او : «سالها» و«امواج» است .


ویچرت

وویلو، لویی Veuillot, L.
(۱۸۱۳ ـ ۱۸۸۳ م)




وی‌ویر

نویسنده‌و روزنامه‌نگار فرانسوی ، از آثار او روم ولورت، به‌سوی‌پاریس و پی‌نهم و سیاری دیگر است .


وی‌یرا

ویالار ، پل.
برندگان جایزهٔ فمینا را به‌بینید .

ویتت ، لویی Vitet, L.
(۱۸۰۲ ـ ۱۸۷۳ م)
نویسنده و سیاستمدار فرانسوی معروف به **لودوویك** صاحب اثرهای : مرگ هانری سوم ، نوتردام‌فیون و بسیاری دیگر .


هردر

ویچرت ، ارنست Wiechert, E.
(۱۸۸۷ ـ ۱۹۵۰ م)
نویسندهٔ آلمانی صاحب آثار : «جنگل»، «گرگ مرده‌ها» و «زندگی ساده» وبسیاری آثار دیگر .

ویگنی ، آلفردکنت دو
شعرای خارجی را به بینید .

ویلاند ، کریستوف مارتن .
شعرای خارجی را به بینید .

ویلسون، جان Wilson, J.
(۱۷۸۵ ـ ۱۸۵۴ م)
نویسنده و استاد فلسفهٔ اسکاتلندی از آثار او «جزیرهٔ نخلها» و بسیاری دیگر است .

ویلیام توماس‌لانیه.
نویسندگان تآتر را به بینید .

وین‌یی ، آلفرد دو .
ویگنی را به بینید .

وی‌ویر ، روبرت Viveir, R.
(متولد ۱۸۹۴ م)
نویسندهٔ بلژیکی اکسپرسیون‌فرانسه صاحب اثرهای : دشت خارج ، درحاشیهٔ زمان ، نه ، و بسیاری دیگر .

وی‌یرا ، آنتونیو Vieira , A .
(۱۶۰۸ ـ ۱۶۹۷ م)
نویسنده و سیاستمدار پرتغال که مدتها سفیر کشورش در فرانسه ، ایتالیا و ایالات متحده بوده است، آثاری چند از اوبه‌جا مانده است .

هاردی ، توماس Hardy, Th .
(۱۸۴۰ ـ ۱۹۲۸ م)
نویسندهٔ انگلیسی ، شاهکارش ، **تس‌دختر دوربرویل** نام دارد .

هاکسلی، آلدوس لئونارد .
Haxley, A, L.
(متولد ۱۸۹۴ م)
نویسندهٔ انگلیسی، که آثار معروفش جهان نو شجاع ، جزیره و زمان باید وقفه‌ای داشته باشد ، می‌باشد .

هازار، پول Hazar, P.
(۱۸۷۸ ـ ۱۹۴۴ م)



ادیب و نویسندهٔ نام‌دار فرانسه ،که مدتی‌رییس دانشگاه پاریس‌بود، از اعضاء آکادمی فرانسه و صاحب تألیفات مهم زیر است : «تاریخ ادبیات فرانسه»، «مردان» و «بحران شعور اروپایی» و «اطفال» .

هالوی، لودویك.
آلوی را به بینید .

هامسون ، کنرت پدرسون.
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

هامل ، ژرژ دو .
دو هامل را به بینید .

هاوثورن، ناتانیل
Hawthorn, N.
(۱۸۰۴ ـ ۱۸۶۴ م)
داستانسرای آمریکایی ، دارای آثاری چون : داغ‌ننگ، نامهٔ ارغوانی، ربالنوع مرمرین کشتزارها و غیره می‌باشد .

هایدنستام ، ورنرفون .
برندگان‌نوبل ادبی را به بینید .

هایسه ، هرمان.
برندگان جایزهٔ نوبل ادبی را به بینید .

هاینه ، هانریش.
شعرای خارجی را به بینید .

هردر ، جان گوتفرید
Herder, J, G.
(۱۷۴۴ ـ ۱۸۰۳ م)
نویسندهٔ آلمانی است ، ملاقات او باگوته، اثر عمیقی‌برروی گوته‌گذاشت.

هرسی ، جان.
برندگان جوایزپولیتزررا به‌بینید.

هسه ، هرمان
برندگان نوبل را به بینید .

همینگوی ، ارنست.
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

هویتمان ، گرهارت .
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

هوگو ، ویکتور Hugo, V .
شعرای خارجی را به بینید .

هیلتون جیمز Hilton, J .
(متولد ۱۹۰۰ م)
نویسندهٔ انگلیسی‌که اثر معروفش افق گمشده نام دارد .

یابوك .
کولاس را به بینید .

ینسن ، یوهانس ، ویلهلم .
برندگان نوبل را به بینید .

ییتنز ، ویلیام بوتلر yeats, W, B.
(۱۸۶۵ – ۱۹۳۹ م)
نویسنده و نمایشنامه‌نویس ایرلندی در ساندی‌مونت نزدیك دوبلن به دنیا آمد مشهورترین اثر او : «مسافرتی به اوازن» می‌باشد .

شعرای خارجی

آپولودوروس Apollodorus
(زنده در قرن ۲ ق م)
شاعر یونانی، صاحب؛ کتاب **کتابخانهٔ اساطیر** است.

آپولینر، گیوم Apollinaire, G.
(۱۸۸۰ – ۱۹۱۸ م)



شاعر فرانسوی، صاحب آثاری چون الکلها ، سرمشقها می‌باشد .

آخماتووا ، آنا
Akhmatova, A.
(تولد ۱۸۸۸ م)
به نام آنا اندریونا گورنکو شاعرهٔ روسی دارای آثار فراوان .

آدی ، اندر Ady, A.
(۱۸۷۷ – ۱۹۱۹ م)



شاعر بزرگ هنگری و خالق آثار بزرگی است که درادبیات کشورش اثر انقلابی داشت.

آدیسون ، جوزف Addisson, J.
(۱۶۷۲ – ۱۷۱۹ م)
شاعر و روزنامه نگار انگلیسی ، مقالات **تماشاگر** و تـراژدی **کاتون** او مشهور است .

آراگون، لویی .
برندگان جوایز مختلف ادبی‌فرانسه را به بینید .

آرکیاس ، لیسینوس Archias, L.
(متولد ۸۰ ق م)
شاعر و نحوی‌یونان، استادسیسرون بوده است .

آرنولد ، ماتیو Arnold, M.
(۱۸۲۲ – ۱۸۸۸ م)
شاعری انگلیسی بـود ، صاحب منظومهٔ : رستم و سهراب، تـریسترم و ایزالده ، نماز خانهٔ راگبی مـی‌باشد .

آرنولد، سرادوین Arnold
(۱۸۳۲ – ۱۹۰۴ م)
شاعر و روزنامه نگار انگلیسی ، صاحب آثاری چون : فروغ آسیا ، شرق و غرب و غیره می‌باشد .

آریستوفانس Aristophance.
(۴۴۵ – ۳۸۶ ق م)
شاعر کمدی آتن ، اثر او به‌کمدی قدیم معروف شده است .

آریوست، لودوویك Ariost, L.
(۱۴۷۴ – ۱۵۳۳ م)
شاعر ایتالیایی، صاحب اثرمعروف **اورلاند خشمگین** می‌باشد .

ریوستو ، لودوویکو
Ariosto, L.
آریوست را به بینید .

آریون Arion
(۷۰۰ – ۶۲۵ ق م)



شاعرو نوازندهٔ افسانه‌ای یونان می‌باشد.

آستوریاس ، میکوئل آنژل .
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

آسکلپیادس Asclépiade.
(قرن ۷ ق م)
غزلسرای معروف یونان است .

اشیل .
نمایشنامه نویسها را به بینید .

آلارگون ، پدروآنتونیو دو .
نویسندگان خارجی را به بینید .

آلامانی ، لوییکی
Alamanni, L.
(۱۴۹۵ – ۱۵۵۶ م)
شاعری ایتالیایی است.

آلدینگتون ، ریچارد
Aldington, R.
(متولد ۱۸۹۲ م)
شاعری انگلیسی است.

آلفیری ، ویتوریو Alfieri, V.
(۱۷۹۴ – ۱۸۰۳ م)



شاعری ایتالیایی ، صاحب آثاری چون :فیلیپ دوم، تاریخ زندگانی‌من، ویرژینی ، آگاممنون و غیره می‌باشد.

آلکایوس Alkaios.
(قرن ۷ ق م)
شاعری یونانی است .

آلکمان Alcman.
(قرن ۷ ق م)
شاعری یونانی است .

آناکرئون Anacréon.
(زنده ۵۲۱ ق م)
از شعرای یونان است کـه اشعار عشق و مستی او معروف است .

آندراد ، اولگاریوویکتور
Andrassy
(۱۸۳۹ – ۱۸۸۲ م)
روزنامه‌نویس‌وشاعرملی‌آرژانتین‌است.

آندریك ، ایوو
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

آیشندورف ، فرایهر یوزف‌فون
Eichendorlf, F, J.
(۱۷۸۸ – ۱۸۵۷ م)
شاعری آلمانـی ، صاحب اشعار غنایی موزون که مـورد توجه **شومان** آهنگساز قرار گرفته است .

ابن‌ابی حجله .
نویسندگان خارجی را به بینید .

ابن‌المعتز، ابوالعباس‌عبدالله.
(مقتول ۲۹۶ ه ق)
شاعر و ادیب زبان عرب ، صاحب آثاری چون : مکاتبات الاخوان‌بالشعر ، الجوارح والصید و غیره می‌باشد .



همینگوی



هگو ویکتور



آرنولد

ابن خفاجهٔ اندلسی
(۴۵۰ ـ ۵۳۳ ه ق)
شاعر و نویسندهٔ عرب است .

ابن‌درید (ابوبکرمحمد) .
(۲۲۳ ـ ۳۲۱ ه ق)
لغت شناس و شاعر و نحوی عرب ، از مردم بصره ، **الجمهره،المقصوره** از آثار او است .

ابن‌الرومی ، علی‌بن‌عباس.
(فوت ۲۸۴ه ق)
شاعری معروف از موالی بنی‌عباس و از مردم روم .

ابن‌عبدربه .
نویسندگان خارجی را به بینید .

ابن هانی اندلسی ، ابوالقاسم محمد .
(۳۲۶ ـ ۳۶۳ ه ق)
شاعر عرب زبان اسپانیایی است .

ابوتمام، حبیب‌بن‌اوس.
(۱۸۸ ـ ۲۳۱ ه ق)
شاعـر عرب ، دیوانی از او باقی است .


اکار

ابوفراس حمدانی.
(۳۲۰ ـ ۳۵۷ ه ق)
شاعر و نویسندهٔ عرب است .

ابوالعتاهیه،ابواسحاق اسماعیل‌بن‌قاسم.
(زنده در قرن ۳ ه ق)
ازشعرای عرب است واغلب‌اشعارش دروصف زنی به‌نام عتبه است .

ابوالعلاءمعری،ابوالعلاءاحمدبن‌عبدالله.
(۳۶۳ ـ ۴۴۹ ه ق)
فیلسوف،شاعرولغوی‌ونویسندهٔ نابینای عرب بود، دیوان‌شعر او فوق‌العاده‌مورد توجه شعرا است ، آثار دیـگر او : رسالةالغفران، الفصول‌الغایات وبسیاری دیگر است .

ابومحجن ثقفی.
(فوت ۳۰ ه ق)
شاعر دورهٔ جاهلیت عرب است ، دیوانی‌از او باقی است.

ابونواس، حسن‌بن‌هانی.
(زنده در قرن دوم ه ق)
شاعری ایرانی الاصل وعرب زبان‌است.

ادیسون ، جوزف
نویسندگان خارجی را به بینید .

ادیا ، ژوزه ماریا دو
Heredia, J, M .
(۱۸۴۲ ـ ۱۹۰۵ م)
شاعری فرانسوی، صاحب اثرمعروف غنائم است .

اررا ، فرناندو Herrera, F.
(۱۵۳۴ ـ ۱۵۹۷ م)
شاعر اسپانیایی است .

اریستوفان
نمایشنامه نویسها را به بینید .

ازری، شیخ کاظم.
(۱۱۴۳ ـ ۱۲۱۱ ه ق)
شاعری از بغداد که به شاعرخاندان نبوت معروف بود ، دیوانی از او باقی است .

اسپندر ، ستیون Spender .
(متولد ۱۹۰۹ م)
شاعـر و منتقد انگلیسی ، عنصر مخرب ، زندگی و شاعر جهانی‌درجهان، قسمتی از آثار او است .

اسپنسر ، ارمند Spenser, E.
(۱۵۵۲ ـ ۱۵۹۹ م)
شاعر انگلیسی ، گاهنامهٔ شبانان ، ملکهٔ پریان ، استرفل ، امورتی قسمتی از آثار او است .

اسپیتلر ، کارل فردریك جرج
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

اسپینل ، ویتنته‌مارتینت.
Espinel, V, M.
(۱۵۵۰ ـ ۱۶۲۴ م)
شاعر و داستان‌نویس وموسیقی‌دان اسپانیا ، اثر معروف او، زندگی ارباب مارکوس است .

استرندبرگ ، یوهان اوگوست .
نویسندگان خارجی را به بینید .

استفان ، جیمز Stephan, J.
(۱۸۸۲ ـ ۱۹۵۰ م)
شاعر و داستان نویس ایرلندی ، دارای آثـاری چون : سبوی طلایی ، داستانهای پریان در سرزمین جوانی و غیره می‌باشد .

استیلیانوس، سفریاجیس گیورگس.
سفرس را به بینید .

استیونز ، والاس Stevens, W.
(۱۸۷۹ ـ ۱۹۵۵ م)
شاعر آمریکایی ؛ هـارمونیکا ، اندیشه‌های نظم و ترتیب مردی باگیتار آبی ، زیبایی شناسی زنچ ، انتقال بـه تابستان قسمتی از آثار او است .

اسکات، سروالتر.
نویسندگان خارجی را به بینید .

اسکلتون،جان Skelton ,J.
شاعر و روحانی نمایشنامه نویس انگلیسی ؛ ریزه‌خواران درباری ، چرا بـه دربار نمی‌آیید ، عظمت ، از آثار او است.

اسلوواکی ، ژولیوز Slowacki, J.
(۱۸۰۹ ـ ۱۸۴۹ م)



شاعـری لهستانی دارای آثاری چنداز قبیل: شاه‌امید، ماری‌استوارت، کـوردیان و غیره می‌باشد .

اسن ، ایوارآندرئاس .
علمای لغت را به بینید .

اسنین ، سرگئی الکساندروویچ .
Esenin, S, A.
(۱۸۹۵ ـ ۱۹۲۵ م)
شاعرروسی که اثر معروف‌او**شورش** نام دارد .

اسونبورن ، الژرنون شارل
Swinburne, A,Ch.
(۱۸۳۷ ـ ۱۹۰۹ م)



شاعرانگلیسی دارای‌آثاری چون : ملکهٔ مادر ، ماری استوارت ، خواهران و بسیاری‌دیگر می‌باشد .

اقبال پاکستانی ، محمد.
(۱۲۵۲ ـ ۱۳۱۷ م)
شاعری از پاکستان ، اشعار وآثار فراوانی از او باقی است .

اکار ، ژان Aicard, J.
(۱۸۴۸ ـ ۱۹۲۱ م)
شاعر و نمایشنامه نـویس فرانسه است .

اکیر ، ییه Aakjaer, I.
(۱۸۶۶ ـ ۱۹۳۰ م)
شاعر دانمارکی ، صاحب آثاری چون : ترانه‌های رای ، سرگردانیهای

هیمدال و غیره می‌باشد .

الوار ، پل Eluard, P.
(۱۸۹۵ — ۱۹۵۲ م)
شاعری فرانسوی دارای آثاری چون: زندگی بی‌درنگ، گل برای همه وجریان طبیعی و غیره‌می‌باشد .

الیوت، توماس .
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

امانوئل ، پی‌یر Emmanuel, P.
(متولد ۱۹۱۶ م)
شاعری فرانسوی دارای آثاری چون : جنگ با مدافعین تووروزخشم، کارگر ساعت یازدهم و غیره می‌باشد .



امرسون، رالف والدو. نویسندگان خارجی را به بینید .

امرؤالقیس ، ابوحارث . شعرای معلقات عرب را به بینید .

امینسکو ،میخاییل. Eminescu, M.
(۱۸۵۰ — ۱۸۸۹ م)



شاعررومانی، ونوس‌وتمثال مریم ازآثار او است .

امیةابن‌ابی‌الصلت .
(فوت ۸ یا ۹ ه ق)
شاعری از دورهٔ جاهلیت عرب‌است که مسلمان نشد .

انیوس ، کوینتوس Ennius .
(۲۳۹ — ۱۶۹ ق م)
شاعر و نمایشنامه نویس رومی ، اثر معروفش آنالس نام دارد .

اوال‌یوهانس .
نمایشنامه نویسها را به بینید .

اوپیتس ، مارتین. Opitz, M.
(۱۵۹۷ — ۱۶۳۹ م)
شاعر و منتقد آلمانی صاحب اثر معروف : کتاب در شعر آلمانی است .

اودن، ویستن‌هیو.
نمایشنامه نویسها را به بینید .

اورلئان ، شارل Orleans, Ch.
(۱۳۹۱ - ۱۴۶۵ م)
شاعری شاهزاده از مردم فرانسه است .

اولاند ، لودویك Uhland, L.
(۱۷۸۷ — ۱۸۶۲ م)



شاعر آلمانی صاحب‌آثاری چون : قصر کنار دریا ، شاه کور ، نفرین آوازه خوان‌وبسیاری دیگرمی‌باشد.

اووید ، پوبلیوس Ovid' P.
(۴۳ ق م — ۱۸ م)
شاعر و نویسندهٔ رومی ، صاحب آثاری چون : هنر عشق بازی ، مسخ وغیره‌می‌باشد .

ایبسن، هنریك.
نمایشنامه نویسها را به بینید .

اینگمان ، برنهارد سورین Ingemann, B, S.
(۱۷۸۹ — ۱۸۶۲ م)
شاعری دانمارکی است ، آثار معروفش عبارتند از : ترانه‌های بامداد و شامگاه و اشعار دیگری که جزو ترانه‌های ملی شده است .

بائیف ، انتوان دو Baïf, A .
(۱۵۳۲ — ۱۵۸۹ م)
از شعرای فرانسه صاحب کتاب **سرگرمیها** .

باتای، هانری.
نمایشنامه نویسها را به بینید .

باتلر ، ساموئل Butler.
(۱۶۱۲ — ۱۶۸۰ م)
صاحب **هیودیبرس** شاعری‌انگلیسی است .

بارودی ، محمود سامی .
سیاستمداران خارجی را به بینید.

بالاشا ، بالینت Balassa, B.
(۱۵۵۱ — ۱۵۹۴ م)
نخستین‌شاعر مجاری‌که آثارطبیعت را وصف‌کرده است.

بایرون ، جرج گاردون .
لردبایرون را به بینید .

ببغاء ، ابوالفرج عبدالواحدبن‌نصر
(۳۱۳ - ۳۹۷ ه ق)
شاعر و نویسندهٔ عرب است .

بحتری، ابوعباده ولیدبن‌عبید.
(۲۰۶ - ۲۸۴ ه ق)
شاعری عرب دارای آثاری چون: ایوان‌کسری، حماسه ،معانی‌الشعر وغیره می‌باشد .

بداؤنی ، عبدالقادربن ملوکشاه .
(فوت ۱۰۱۴ ه ق)
شاعر و مورخ هندی است .

بدیع‌اصطرلابی، ابوالقاسم‌هبةالله.
(فوت ۵۳۴ ه ق)
شاعر عرب صاحب زیج محمودی است .

برانت ، زباستیان Brant .
(۱۴۵۸ — ۱۵۲۱ م)
شاعر آلمانی ، صاحب اثرمعروف: کشتی ابلهان است .

برانژه ، پی‌یر ژان دو Beranger, P,G .
(۱۷۸۰ - ۱۸۵۷ م)
شاعر غنایی‌فرانسه‌است وتصنیفهای او مدت طولانی ورد زبان تودهٔ مردم فرانسه بود .



براونینگ

براونینگ ، الیزابت‌برت Browning, E, B.
(۱۸۰۶ - ۱۸۶۱ م)
زنی شاعر ازمردم انکلیس‌دارای آثاری چون : پیکار ماراتن ، پرومته درزنجیر(ترجمه)، باغ متروك ، سایبان گمشده می‌باشد.

براینت ، ویلیام‌کالن Bryant, W.
(۱۷۹۴ — ۱۸۷۸ م)
شاعری آمریکایی ، صاحب آثاری چون : مرگ‌گلها ، جنتیانای‌کنگره‌دار و غیره می‌باشد .

برتران دوبورن
Bertran(D)de Born.
(فوت ۱۲۱۴ م)
شاعری فرانسوی است .
برتن ، سرریچارد فرانسیس .
سیاحان وکاشفین رادربخش‌جغرافی به بینید .
برتون، آندره Breton, A.
(۱۸۹۶ — ۱۹۶۶ م)
شاعر و داستان نویس فرانسوی ، دارای آثاری چون : کوه رحم،فضاهای مغناطیسی، ناجا، ظروف مرتبطه‌می‌باشد.
بردستریت ، ان Bradstreet, A .
(۱۶۱۲ — ۱۶۷۲ م)
زنی شاعر از مردم‌آمریکا، صاحب اثر معروف : دهمین الههٔ شعر اخیراً سر ازآمریکا برآورد ، می‌باشد .
برشت، برتولت.
نمایشنامه نویسها رابه‌بینید .
برونته، خواهران.
آن و امیلی و شارلوت برونته را به بینید .



بوالو



برونته ، آن Bronté, A.
(۱۸۲۲ — ۱۸۵۱ م)
زنی شاعراز مردم انگلیس صاحب آثاری چون : اگنزگری ، اجاره نشین ویلدفل‌هال‌می‌باشد .
برونته ، امیلی Bronté,E.
(۱۸۱۸ —۱۸۴۸ م)
زنی نویسنده ازمردم‌انگلیس‌دارای آثاری‌چون: بلندیهای بادگیر،می‌باشد.
برونته ، شارلوت Bronté,Ch.
(۱۸۱۶ — ۱۸۵۵ م)
زنی‌شاعر، از مردم انگلیس‌صاحب ترانه‌های ، جین‌ایر است .

بروك ، روبرت Brooke, R .
(۱۸۸۷ — ۱۹۱۵ م)
شاعری انگلیسی است .
بریجز رابرت سیمور
Bridges, R, S.
(۱۸۴۴ — ۱۹۳۰ م)
شاعری انگلیسی و صاحب اثر معروفی به‌نام وصیت زیبایی‌است .
بسه‌نی‌یی ، گیورگی.
نمایشنامه نویسها را به بینید .
بکت ، ساموئل .
نویسندگان خارجی را به بینید.
بل ، گرترود .
سیاحان وکاشفین رادربخش‌جغرافی به بینید .
بلانت ، ویلفریدسکاون Blant.
(۱۸۴۰ — ۱۹۲۲ م)
شاعری انگلیسی صاحب آثاری چون : مجموعهٔ اشعار ، خاطرات روزانه می‌باشد .
بلکمور ، ریچارد دادریج .
نویسندگان خارجی را به بینید .
بلوك ، آلکساندر آلکساندروویچ
Blok, A, A.
(۱۸۸۰ — ۱۹۲۱ م)
شاعری روسی صاحب آثاری‌چون: خانم زیبا ، دوازده‌تن وغیره می‌باشد .
بلوندل‌دونل Blondel De Nesle.
(زنده در قرن ۱۲ م)
شاعری فرانسوی است .
بلی ، آندری Bely, A .
(۱۸۸۰ — ۱۹۳۴ م)
شاعر و نویسندهٔ روسی ، صاحب آثاری چون : سمفونی‌ها،کبوترنقره‌ای، پطرزبورگ و غیره می‌باشد .
بلیك ، ویلیام Blake, W.
(۱۷۵۷ — ۱۸۲۷ م)
شاعر و نقاش انگلیس ، دارای آثاری چون : زناشویی ، بهشت وجهنم، درهای بهشت ، اروپا و بیت المقدس وغیره می‌باشد .
بنوا ، پی‌یر .
نویسندگان خارجی را به بینید .
بنوادوسنت ، مور
Benoit de sainte – more
(زنده در ۱۱۷۵ م)
شاعری از فرانسه ، صاحب اثر : داستان تروا می‌باشد .

بنویل ، تئودور دو
Banville, Th .
(۱۸۲۳ — ۱۸۹۱ م)
شاعری فرانسوی است .
بنه ، استفان ونسانت
Benet, S, V.
نویسندگان خارجی را به بینید .
بوالو دسپره‌ئو ، نیکو .
Boileau despréaux ,N.
(۱۶۳۶ — ۱۷۱۱ م)
شاعر و منتقد فرانسوی ازآثاراو: هجویات ، مکاتیب ، هنر شاعرانه بوده است .
بودل ، ژان Bodel.
(زنده ۱۱۶۵ م)
شاعری فرانسوی صاحب : درام نیکولای مقدس می‌باشد .
بودلر ، شارل‌پی‌یر
Baudelaire, Ch, P.
(۱۸۲۱ —۱۸۶۷م)



شاعری فرانسوی که آثار مهم او عبارتند از : داستانهای عجیب(ترجمه)، حشیش، گلهای اهریمنی، شراب،عصیان، مرگ و سنگفرشها.
بورژه ، پل
نویسندگان را به بینید ،
بورگر ، گوتفرید اوگوست
Burger, G, A.
(۱۷۴۷ — ۱۷۹۴ م)
شاعرغزلسرای‌آلمانی،دارای‌آثاری چون: **لئونور** شکارچی وحشی و ترانهٔ مرد دلیر می‌باشد .
بورینی ، بدرالدین حسن‌بن‌محمد
(۹۶۳ — ۱۰۲۴ م)
شاعری‌عرب‌است،اثرمعروفش‌تراجم‌الاعیان من‌ابناءالزمان نام دارد .
بوسه ، کارل
نویسندگان خارجی را به بینید .

بوصیری ، شرف‌الدین محمد بن‌سعید.
(تولد ۶۰۸ م)
شاعری‌عرب،قصیدهٔ **برده** اومعروف است.

بوکاچیو ، جیوانی .
نویسندگان خارجی را به بینید .

بونین ، ایوان آلکسیویچ .
نویسندگان خارجی را به بینید .

بویاردو ، ماتئوماریا Boiardo,M.
(۱۴۳۴ – ۱۴۹۴ م)
شاعری ایتالیایی ،که **اورلاندوی عاشق** او معروف است .

بینین ، لارنس Binyon.
(۱۸۶۹ - ۱۹۴۳ م)
شاعری انگلیسی می‌باشد ، **برای کشتگان** از قطعات عالی دیوان او است.

بیورنسون ، مارتینوس .
برندگان نوبل ادبی را به بینید.

پارنل ، توماس Parnell, Th.
(۱۶۷۹ – ۱۷۱۸ م)
شاعر انگلیسی ، کتاب **گوشه‌گیر** او مشهور است .

پاسترناك، بوریس .
برندگان نوبل ادبی را به بینید.

پاسکولی ، جووانی Pascoli.
(۱۸۵۵ – ۱۹۱۲ م)
شاعری ایتالیایی است .

پالاماس ، کوستس Palamas.
(۱۸۵۹ – ۱۹۴۳ م)
شاعری یونانی، صاحب اثرمعروف **دوازده‌گفتارکولی** می‌باشد.

پالگریو، فرانسیس‌ترنر Palgrave.
(۱۸۲۴ – ۱۸۹۷ م)
شاعری انگلیسی است که **گنجینهٔ زرین بهترین ترانه‌ها و اشعار غنایی زبان انگلیسی** را او فراهم‌کرده است .

پاوند، ازرا Pound,E.
(متولد۱۸۸۵م)
شاعری آمریکایی . اثرمعروف‌او: منظومهٔ **کانتوس** نام دارد .

پترآرك ، فرانچسکو .
Petrarck, F.
(۱۳۰۴ – ۱۳۷۴ م)
شاعر ایتالیایی، اثر معروف او : **سرود و مردمان نامی** است .

پتمور ،کاونتری Patmore,K.
(۱۸۲۳ – ۱۸۹۶ م)
شاعر انگلیسی اثر معروف او : فرشته درخانه، نام دارد .

پتوفی ، ساندور Petofi, S.
(۱۸۲۳ - ۱۸۴۹ م)
شاعر هنگری‌آثاری چون دهکده، برگهای سرو وغیره خلق‌کرده است .

پرز، دوآیالا ، رامون
Perez de Ayala,R.
(متولد۱۸۸۱م)
شاعر و نویسندهٔ ایتالیایی است .

پرو ، شارل Derrault,Ch.
(۱۶۲۸ – ۱۷۰۳ م)
شاعری‌فرانسوی، صاحب**داستانهای ایام گذشته** می‌باشد .

پره‌زه‌رن،فرانس Preseren, F.
(۱۸۰۰ - ۱۸۴۹ م)
شاعری از مردم اسلاو است .

پره‌ورت ، ژاك Prévert, J.
(متولد ۱۹۰۰ م)



شاعری‌از مردم فرانسه دارای‌آثاری چون:سخن‌ها، نمایش‌می‌باشد.

پلیکو، سیلویو.
نویسندگان‌خارجی را به بینید .

پوتوکی ، واسکلاو
Potocki, W.
(۱۶۲۵ - ۱۶۹۶ م)
شاعری لهستانی‌که بیشتر آثار او تحت تأثیر جنگ شومی بوده که بین لهستان و ترك عثمانی جریان داشت .

پوریر ، هربرت .
نویسندگان خارجی را به بینید .

پوشکین ، آلکساندرسرگیوویچ
Pushkin, A.
(۱۷۹۹ – ۱۸۳۷ م)



شاعرونویسندهٔ روسی،دارای آثاری چون : روسلان و لودمیلا ، زندانی‌قفقاز ، فوارهٔباغچه‌سرا بوریس‌گودنف، سواربرنجی ، تابوت‌ساز،طوفان،دام‌سیاه‌وغیره می‌باشد.

پونسارد ، فرانسوا Ponsard, F.
(۱۸۱۴ - ۱۸۶۷ م)



شاعر فرانسوی دارای‌آثاری چون :کسی که خوش آیند زنها است ، نمایشنامهٔ گالیله و عده‌ای دیگر می‌باشد .

پیزان ، کریستین دو .
نویسندگان خارجی را به بینید .

پیکاك، تامس‌لاو Peacock,Th.
(۱۷۸۵ - ۱۸۶۶ م)
شاعر و داستان نویس انگلیسی ، صاحب آثاری چون : دیرکابوس ، قلعهٔ کراچت و غیره می‌باشد .

پینداروس Pindar.
(زنده در قرن ۵ ق م)
شاعر غنایی یونان ، آثارش به نام **چکامهٔ پینداروسی** معروف شده است .

تاسو ، تورکواتو Tasso, T.
(۱۵۴۴ – ۱۵۹۵ م)
شاعر ایتالیایی ، **رهایی اورشلیم** شاهکار او است .

تاسیت .
جغرافی دانان را به بینید.

تاگور ، رابیندرانات .
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

تامسن ، دیلن مارله
Thomas, D. M.
(۱۹۱۴ - ۱۹۵۳ م)
شاعری از مردم بریتانیا، مجموعهٔ


پترارك


پتوفی


پره‌زه‌رن


تاگور

شعرش چاپ شده است .

تامسن، جیمز Thomson, J.

(۱۷۰۰ – ۱۷۴۸ م)

شاعر بریتانیایی **فصول** معروفترین اثرش است .

تامسن ، جیمز Thomson, J.

(۱۸۳۴ – ۱۸۸۲ م)

شاعر و نویسندهٔ بریتانیایی ، **شب مخوف** بزرگترین اثر شعری او است .

تامسون ، فرانسیس Thompson, F.

(۱۸۵۹ – ۱۹۰۷ م)

شاعرانگلیسی،صاحب‌دیوانی‌می‌باشد.



توویم

تاوان ، آلفونس Tavan, A.

(۱۸۳۳ – ۱۹۰۵ م)

شاعری فرانسوی که ازادبیات‌شرقی متأثر شده و آثار معروف او عبارتند از : **عشق و اشك و جادوها** .

تئوکریتوس Theocritus.

(زنده در قرن ۳ ق م)

شاعری یونانی است .

تگنر، اسایاس Tegnér, E.

(۱۷۸۲ – ۱۸۴۶ م)



شاعری‌سوئدی، صاحب آثاری چون : آواز جنگ ،افسانهٔ فریتیوف ، محور ،اولین عقیدهٔ‌دینی و غیره می‌باشد .



جیمنز دوانسیزو

تنوخی ، ابوعلی محسن .

نویسندگان خارجی را به بینید .

تنیسن ، آلفردلرد ،

تنیسون را به بینید .

تنیسون، آلفرد لرد Tennyson,A.

(۱۸۰۹ – ۱۸۹۲ م)



شاعرانگلیسی، دارای‌آثاری چون : دو برادر،ماجرای عاشقانهٔ‌پادشاه، خورندهٔ میوهٔ لوتوس، مرگ آرتــور ، شاهزاده‌خانم وغیره‌می‌باشد.

توفو Tufu.

(۷۱۳ – ۷۷۰ م)

شاعر چینی است .

توفیق‌فکرت.

(۱۲۸۴ – ۱۳۳۱ ه ق)

شاعر بزرگ ترك ، مؤسس مکتب جدیدی در شعر ترکی ، **رباب شکسته** اثر معروف او است .

توویم ، ژولیان Tuwim, J.

(۱۸۹۴ – ۱۹۵۳ م)

شاعری لهستانی ، صاحب آثــاری چون : بهاران ، هفتمین پاییز ، موضوع داغ و بسیاری دیگر می‌باشد .

تیارد ، پونتوس دو Tyard, P.

(۱۵۲۱ – ۱۶۰۵ م)



شاعری از فرانسه دارای آثاری‌چون : ترس‌های‌عشق‌آلود، تنهای دوم، بحث‌زمان و بسیــاری دیگرمی‌باشد .

تیبولوس ، آلبیوس Tibullus, A .

(قرن اول ق م)

شاعری چکامه سرا از مردم روم .

تیت ، نیم Tate, N.

(۱۶۵۲ – ۱۷۱۵ م)

شاعری انگلیسی است .

تیك، لودویگ Tiecke, L.

(۱۷۷۳ – ۱۸۵۳ م)

شاعر و نمایشنامه نویس‌وداستان‌سرای آلمانــی ، **گربهٔ چکمه پوش** ، **گنو ففا** ، از آثار او است .

ثورو ، هنری دیوید Thoreou, H, D.

(۱۸۱۷ – ۱۸۶۲ م)

شاعر و نویسندهٔ آمریکایی،والدن بزرگترین اثر او است .

جاکوزا ، جوزپه .

نمایشنامه نویسها را به بینید .

جانسون ، بن .

نمایشنامه نویسها را به بینید .

جبران‌خلیل جبران.

نویسنده‌های خارجی را به بینید .

جمالی دهلوی ، حامدبن‌فضل‌الله .

(فوت ۹۴۲ ه ق)

شاعر پارسی‌گوی هند ، صاحــب مرآت‌المعانی ، سیرالعارفین می‌باشد .

جیمنز ، ژان رامون.

برندگان نوبل ادبی را به بینید.

جیمنز دوانسیزو ، دیگو Jimenez de Enciso, D.

(۱۵۸۵ – ۱۶۳۳ م)

شاعر اسپانیایی‌که شاهزاده دون‌کارلوس از او است .

چاسر ، جفری Chaucer,J.

(۱۳۴۰ – ۱۴۰۰م)

شاعــر انگلیسی ، صاحب کتاب دوشس ، خانــهٔ شهرت، مجلس شورای مرغان ، ترویلوس وکرسیدا و قصه‌های کنتربری می‌باشد .

چپمن ، جرج Chapman.

(۱۵۵۹–۱۶۳۴م)

شاعر و نمایشنامه نویس انگلیسی است .

چترتن ، تامس Chatterton.

(۱۷۵۲ – ۱۷۷۰ م)

شاعر انگلیسی است .

چخ، سراتوپلوك Cach.

(۱۸۴۶ – ۱۹۰۸ م)

شاعر و داستان نویس چك ، ترانه‌های يك اسلاو از او است .

چسترتن ، گیلبرت‌کیث.

نویسندگان خارجی را به بینید .

حارث ، ابن حلزه‌یشکری وائلی .

شعرای معلقات عرب را به‌بینید .

حسان‌بن ثابت‌خزرجی.

شاعر معروف دورهٔ پیامبر اسلام .

حیدر حلی ، حیدربن سلیمان بن داود حلی حسینی

(۱۲۴۶ – ۱۳۰۴ ه ق)

شاعری مشهور از عرب‌که به شاعر اهل‌البیت مشهور است ، آثار فراوانی ازاو به جا مانده است.

خان‌آرزو .

سراج‌الدین علی‌آرزو را به‌بینید.

خنساء، تماضر بن‌عمرو .
(فوت ۴۴ ه ق)
شاعر مشهور عرب ،که در مرگ برادرانش مرثیه‌های جان‌سوزی گفته است .

خوانا اینس دولاکروس
Juana Inés De La Cruz.
(۱۶۵۱ – ۱۶۹۵ م)
شاعرهٔ مکزیکی است .

خوولیانوس ، گاسپار ملچورد
Jovellanos, G, M .
(۱۷۴۴ – ۱۸۱۱ م)
شاعر و نویسندهٔ اسپانیایی ؛ جانی درستکار از آثار او است .

خیمنث، خوان رامون
Jimenez, J, R.
جیمنز را در برندگان جوایزادبی نوبل (۱۹۵۶) به‌بینید .

داروین ، اراسموس . Darwin, A
(۱۷۳۱ – ۱۸۰۲ م)
شاعر و طبیب انگلیسی ، منظومهٔ **باغ نباتات** ازاو است .

داریو، روبان Dario, R.
(۱۸۶۷ – ۱۹۱۶ م)



شاعر غنایی و نویسندهٔ حساس نیکاراگوئه، نغمه‌های زندگی و امید مجموعهٔ شعراو است .

داغ ، نواب میرزا خان .
(۱۲۴۶ – ۱۳۲۲ ه ق)
شاعر بزرگ اردو از مردم دهلی است . گلزار داغ ، بزم داغ از آثار او است .

دالین ، اولف‌فون . Dalin, A.
(۱۷۰۸ – ۱۷۶۳ م)
شاعرومورخ وروزنامه‌نگارسوئدی، **آزادی سوئد، تاریخ‌مملکت سوئد** از او است .

دان ، جان Donne, J.
(فوت ۱۶۳۱ م)
شاعر انگلیسی است .

دانته ، آلیگیری . Dante, E, A.
(۱۲۶۵ – ۱۳۲۱ م)



شاعر خلاق ایتالیا، صاحب آثاری چون: زندگانی نو، کمدی الهی می‌باشد .

دائونزیو ، گابرین
D,Annunzio, G.
(متولد ۱۸۶۳ – ۱۹۳۸ م)



شاعر،روزنامه نویس‌ایتالیایی دارای‌آثاری چون:بامدادهای بهاری ، شهر مرده، پیروزی‌مرگ، آتش‌وغیره می‌باشد .

دانیل ، ساموئل Daniel, S.
(۱۵۶۲ – ۱۶۱۹ م)
شاعر انگلیسی است .

داوتندای ، ماکس.
نویسندگان خارجی را به بینید .

داوسن ، ارنست‌کریستوفر
Dowson, E, C.
(۱۸۶۹ – ۱۹۰۰ م)
شاعری از مردم انگلیس است .

درایدن ، جان Dryden, J.
(۱۶۳۱ – ۱۷۰۰ م)
شاعر و نمایشنامه نویس انگلیسی است، درآثار او ظرافت ، ذوق و تخیل مشهود است . از آثارش بانوان رقیب، ملکهٔ هندی ، همه چیز بـرای عشق ، آمفیتریون ، عشق پیروزمنـد و غیره است .

درژاوین ، گابریل رومانوویچ
Derjavine, G, R .
(۱۷۴۳ – ۱۸۱۶ م)
شاعری روسی است .

دریتن ، مایکل . Drayton,M.
(۱۵۶۳ – ۱۶۳۱ م)
شاعری انگلیسی ، آیینهٔ اندیشه ، اشعار تغزلی و شبانی، هماهنگی کلیسا از او است .

درینکواتر ، جان .
نویسندگان خارجی را به بینید .

دعبل بن‌علی .
(۱۴۸ – ۲۴۶ ه ق)
شاعر عرب ، **طبقات‌الشعراء** ازاو است .



درایدن

دمامینی ، بدرالدین محمد .
(فوت ۸۲۷ ه ق)
شاعر ونحوی عرب، مختصرحیاة‌الحیوان ، عین‌الحیاة ، شرح بخاری از او است .

دمل ، ریشارد . Dehmel, R.
(۱۸۶۳ – ۱۹۲۰ م)
شاعر آلمانی ، مجموعهٔ **نجات** ، **دنیای وحشی زیبا** ، **دوروح** از آثار او است .

دوبارتاس ، گیوم دوسالوست
Du Bartas, G, S.
(۱۵۴۴ – ۱۵۹۰ م)
شاعر فرانسوی، **خلقت‌عالم** ازآثار او است .

دوبله ، ژوآشم . Dubellay, J
(۱۵۲۲ – ۱۵۶۰ م)
شاعر فرانسوی ، دفـاع و تشریح زبان فرانسه ، عتیقات روم ، افسوسها ، از آثار او است .

دولامر ، والتر.
نویسندگان خارجی را به‌بینید .

دهمل ، ریشارد. Dehmel, R.
(۱۸۶۳ – ۱۹۲۰م)
شاعری آلمانی است .

دیک‌الجن، ابومحمدعبدالسلام‌بن‌رغبان.
(زنده در **قرن سوم ه ق**)
شاعری از عرب بود .

دیکینسن ، امیلی . Dickinson
(۱۸۳۰ – ۱۸۸۶ م)
شاعرهٔ آمریکایی است .

دیوپ ، دیوید . Diop, D
(۱۹۲۷ – ۱۹۶۰ م)
شاعر سیاه پوست افریقا ، دیوانی شعر ازاو به‌جامانده است .

ذوالرمه، غیلان بن‌عقبه.
(فوت ۱۱۷ ه ق)
ازشعراوعشاق‌معروف عرب،عاشق‌ به‌**میه** و خرقا عشق می‌ورزید ، دیوانش چاپ شده‌است .


راکی

رابرتس ، سـرچارلز جورج داگلس.
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید .

رابینسن، ادوین آرلینگتن.
Robinson,E,A.
(۱۸۶۹ــ ۱۹۳۵ م)
شاعری‌آمریکایی،اطفال شب،انسان برضدآسمان،تریسترم ، ازآثار اواست.

راس ، سررانلد Ross, R.
(۱۸۵۷ــ۱۹۳۲م)
شاعر وطبیب‌انگلیسی،برندهٔ‌جایزهٔ نوبل پزشکی درسال ۱۹۰۳ شد.

راسل،جورج ویلیام .Russell,G,W
(۱۸۶۷ــ۱۹۳۵م)
شاعر ، نقاش ، روزنامه‌نگـار و نمایشنامه‌نویس ایرلندی ، شمع رؤیا ، اشعار برگزیدهٔ او است.


روستاولی

راسین،ژان .
نمایشنامه‌نویسهارا به‌بینید.

راکی، میلان Rakic,M.
(۱۸۷۶ــ۱۹۳۸م)
شـاعر صربی ؛ **آخر قرن** از او است.

رامی ، محمدپاشا.
(۱۶۵۴ــ۱۷۰۷م)
شاعر وسیاستمدارعثمانی‌بود.

رصافی،معروف.
(۱۸۷۵ــ۱۹۴۵م)
شاعر ونویسندهٔ عراقی ، **رصافیات** از او است .

رضی، سیدمحمدحسین موسوی.
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید .


روسو

رمبو، آرتور Rimbaud,A,N.
(۱۸۵۴ــ ۱۸۹۱م)



شاعر فرانسـوی شاهـکار او فصـل در دوزخ نـام دارد.

رنیه ، هانری دو Regnier,H.
(۱۸۶۴ــ۱۹۳۶ م)
شاعرفرانسوی، صندل‌بالدار،متعلق به اواست .

رنسار، پی‌یردو.
رونسارد را به‌بینید.

روتبوف . Rutebeuf.
(۱۲۵۴ــ۱۲۸۵م)
شاعر و نمایشنامه‌نویس فرانسوی ؛ معجزهٔ تئوفیل از او است .

رود برگ ،آبراهام ویکتور
Rydberg,A,V.
(۱۸۲۸ــ۱۸۹۵م)
فیلسوف ، شاعر، نویسندهٔ سوئدی است ، آخرین‌آتنی ، ازآثار او است.

رود نباخ ، ژرژ Rodenbach,G.
(۱۸۵۵ــ۱۸۹۸م)
شاعری‌بلژیکی، دارای‌آثاری چون:



جوانی سفید، محیط سکوت و بسـیاری دیگر.

رووِدی ، پی‌یر Reverdy,P.
(۱۸۸۹ــ۱۹۶۰م)



شاعرفرانسوی دارای آثاری چون : پنجرهٔ بیضوی ، قلب بزکوهی ،آنچه آسمان‌می‌آورد، آوازمرده‌ها و بسیاری دیگر می‌باشد .

روزبه‌نکتی، ابوعبدالله.
(زنده درقرن ۵ ه ق)
شاعر پارسی‌گوی لاهوراست.

روژه، دولیل‌کلود ژوزف.
موسیقی دانان را به‌بینید.

روستان ، ادمون .
نمایشنامه‌نویسهارا به‌بینید.

روستاولی ،کوتا .Rousthaveli
(قرن ۱۲ م)
شاعری‌گرجی، که اشعاری حماسی وجالب به‌جا گذاشته‌است.

روسو،ژان باپتیست .Rousseau,J,B
(۱۶۷۱ــ۱۷۴۱م)
شاعرغنایی فرانسه ، دارای دیوان بزرگی‌است.

روکرت، فریدریش .Ruckert, F
(۱۷۸۸ــ۱۸۶۶ م)
شاعر و خاورشناس‌آلمانی، گلهای شرقی، بهارعشق، حکمت برهمنها از او است.

رونبرگ، یوهان لودویگ
Runeberg, J, L.
(۱۸۰۴ــ۱۸۷۷ م)
شاعر ملی فنلاند ، صیادان الك ، سلطان فیالار، از او است .

رولینا ، موریس Rollinat,M.
(۱۸۴۶ــ۱۹۰۳م)



شاعری فرانسوی‌دارای آثاری چون : آخرقرن،آنچه از زندگی و آنچه از مرگ می‌دانـند و بسیاری دیگر می‌باشد.

رونسارد، پی‌یردو Ronsard,P.
(۱۵۲۴ــ۱۵۸۵ م)
شاعرفرانسوی دارای‌آثاری‌چون :



عشقهای هلن ، تـابـلویی از شعرفرانسه در قرن۱۶، سرود-ها ، فرانسیاد وغیره‌می‌باشد.

ریلکه، رینرماریا Rilke,R,M.
(۱۸۷۵ ــ ۱۹۲۶م)



نویسنده و شاعراتریشی؛ کتاب‌ساعات، اشـعار نو ، اکـکین از اشعاراواست.

زهاوی، جمیل صدقی.
(۱۲۸۱–۱۳۵۴ه ق)
شاعر بزرگ عراق ، دیوانی به‌عربی و اشعاری به‌فارسی دارد.

زهیر ابن ابی‌سلمی.
(۵۳۰–۶۲۷ م)
شاعر عرب در دورهٔ جاهلیت، دیوانی از او به‌جا مانده‌است .

زهیر بن‌جناب.
شعرای معلقات عرب را به‌بینید .

ژاسمن ، ژاك بوئه Jasmin,J,B.
(۱۷۹۸–۱۸۶۴م)
شاعر گاسکنی ، **من باید بمیرم** ، **لاس پاپی یوتوس** از او است .

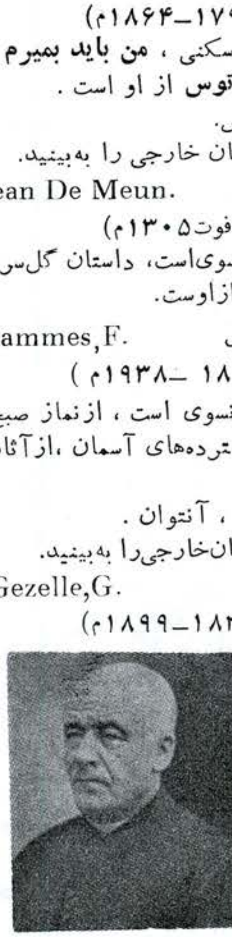
ژاکوب ،ماکس.
نویسندگان خارجی را به‌بینید.

ژان دومون Jean De Meun.
(فوت ۱۳۰۵م)
شاعر فرانسوی‌است، داستان گل‌سرخ (قسمت دوم)ازاوست.

ژام ، فرانسیس Jammes,F.
(۱۸۶۸ –۱۹۳۸م)
شاعر فرانسوی است ، از نماز صبح تا نماز شب، سترده‌های آسمان ،از آثار او است.

ژرن ــ لاژوا ، آنتوان .
نویسندگان خارجی را به‌بینید.

ژزل، گیدو. Gezelle,G.
(۱۸۳۰–۱۸۹۹م)



شاعر بلژیکی دارای آثاری چون: گلهای گورستان ، ترانــه‌ها و آوازهای دعا وغیره می‌باشد.

ژنه ، ژان.
نویسندگان خارجی را به بینید.

ژوکوفسکی، واسیلی آندریویچ Zhukovsky, V, A.
(۱۷۸۳–۱۸۵۲م)
شاعر ومترجم روس‌است.

ژول ، اتین Joule,E.
(۱۵۳۲–۱۵۷۳م)
شاعر و نمایشنامه‌نویس فرانسوی ، کلئوپاتر، اسیرژول ازآثار او است .

ژوونالیس Juvenal.
(۴۲–۱۲۵ م)
شاعر یونانی است.

ژیلبر، نیکولا. Gilbert,N.
(۱۷۵۱–۱۷۸۰م)
شاعر فکاهی فرانسوی است

سابینوس ، الوس Sabinus,Au.
(فوت۱۴ ق م)
شاعر وخطیب لاتینی‌است.

ساپفو Sappho.
(زنده درقرن۶ق م)
شاعره‌ای یونانی، اشعار او معروف است.

ساکتی،فرانکو .
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید.

ساکلینك ، سرجان Suckling,J.
(۱۶۰۹–۱۶۴۲م)
شاعر انگلیسی‌است.

سامن،آلبر Samain,A.
(۱۸۵۹–۱۹۰۰م)
شاعر فرانسوی، باغ کودکان، کالسکهٔ طلایی از اشعار او است .

ساناتسارو، یاکوپو Sannazaro,I.
(۱۴۵۸–۱۵۳۰م)
شاعر ایتالیایی، آرکادیا ازمنظومه‌های او است.

سانتایانا، جورج Santayana,G.
(۱۸۶۳–۱۹۵۲م)
فیلسوف و شاعر اسپانیایی ، حس زیبایی، حیات عقل، قلمروهای وجود ، پیرایشگر، ازآثار او است.

سانتیلیانا ، اینییکولوپث دومندوثا. Santillana,I.
(۱۳۹۸–۱۴۵۸م)
شاعر معروف اسپانیایی‌است.

ساندراز ، بلز.
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید.

ساوذی ، رابرت.
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید.

سایمنز،آرتور Symons,A.
(۱۸۶۵ –۱۹۴۵م)
شاعر ومنتقد انگلیسی، اعترافات، نهضت سمبولیسم در ادبیـات ، **نهضت** رومانتیك در شعر انگلیسی ، بی‌رحمی عشق‌قسمتی‌ازآثار او است.

سپندر، سیتون .
اسپندر، را به‌بینید .

سپنسر، ادموند.
اسپنسررا به‌بینید.

ستیونز ، والاس.
استیونز را به‌بینید.

سراج‌الدین‌علی‌آرزو
(فوت ۱۱۶۹ه ق)
شاعر ولغت‌نویس فارسی‌زبان هند، چراغ هدایت،سراج اللغات، تنبیه‌الغافلین، تحفة‌النفائس تذکرهٔ آرزو از آثار او است .

سری رفاء ، ابوالحسن.
(فوت ۳۶۶ق)
شاعرمشهور عرب ازمردم موصل ، دیوان شعر،المحب والمحبوب والمشموم والمشروب‌ازآثار او است.

سفرس ، جرج .
برندگان نوبل را به‌بینید.

سفریاجیس، گیوگوس.
سفرس را در برندگان نوبل ادبی به‌بینید.

سکات ، سروالتر.
اسکات را در نویسندگان خارجی به‌بینید.

سکلتون،جان.
اسکلتون را به‌بینید.

سکویل، تامس Sackville,Th.
(۱۵۳۶–۱۶۰۸م)
سیاستمدار وشاعر ونمایشنامه‌نویس انگلیسی است .

سکویل،چارلز Sackville,Th.
(۱۶۳۸–۱۷۰۶م)
شاعرونمایشنامه‌نویس انگلیسی‌است.

سکویل‌وست ، ویکتوریامری.
نویسندگان‌خارجی‌را به‌بینید.

سلامة‌بن‌جندل .
(قرن ۶ م)
شاعر عرب دردورهٔ جاهلیت‌است.

سنت‌بو، شارل اوگوستن.
نویسندگان‌خارجی‌را به‌بینید.

سندبرگ، کارل Sandburg,C.
(متولد۱۸۷۸)
شاعر ونویسندهٔ آمریکایی ، دارای اثاری چـون : اشعارشیکاگویی ، پسر شهرآباد وزندگی لینکلن وغیره .

۱۲۸۴

سن‌ژان‌پرس ، آلکسی‌لرژ.
برندگان نوبل ادبی‌را به‌بینید .

سوپرویل،ژول Supervielle,J.
(۱۸۸۴–۱۹۶۰م)



از شعرا و نویسندگان فرانسه‌دارای آثاری‌چون: مانندکشتی‌های بادی ، دورنماها ، قصیدهٔ شوخی غم‌آلود و بسیاری دیگر می‌باشد.
سوپرویل در سال ۱۹۵۵ برندهٔ جایزهٔ بزرگ ادبی آکادمی فرانسه شد .



سیکه لیا نوس

سوتونگ ـ پو Sutung-po.
(۱۰۳۶–۱۱۰۱م)
شاعر چینی که هجویاتش معروف است.

سودا ، میرزا محمد رفیع .
(۱۱۲۵–۱۱۹۵ ه‍ ق)
شاعرفارسی‌گوی واردوسرای‌هندی، هجویات او معروف است .

سوفوکل.
نمایشنامه‌نویسهارا به‌بینید.

سولوموس،دیونیزیوکنت.Solomos,D
(۱۷۹۸–۱۸۵۷م)



شاعریونانی دارای‌آثاری ازقبیل : در مرگ لرد بایرون، زن زانت، سرود خدا وآزادی وغیره می‌باشد .



شیکسپیر

سولی‌پرودوم ، رنه فرانسوا آزمان .
برندگان نوبل ادبی را به‌بینید.

سومارو کوف ، آلکساندرپتروویچ .
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید.

سوینبورن، الجرنن‌چارلز.
Swinburne, A,Ch.
(۱۸۳۷–۱۹۰۹م)
شاعر و نمایشنامه‌نویس انگلیسی ، آتا لانته در کالودون ، اشعار وقصاید ، ترانهٔ ایتالیا ، ترانهٔ صبحگاهی، قسمتی ازآثار او است .

سیتول ، سرآزبرت Sitwell, A.
(متولد ۱۸۹۲ م)
شاعر ونویسندهٔ انگلیسی ، پیش‌از بمباران ، منتخب اشعارقسمتی‌ازآثار او است.

سیتول ، ایدیث Sitwell,I.
(۱۸۸۷ – ۱۹۶۵م)
شاعره و منتقد انگلیسی ، دیوان شعر، دفتریادداشتهای یك شاعر، قسمتی ازآثار او است .

سیتول ، سشورل Sitwell,S.
(متولد۱۸۹۷م)
شاعرانگلیسی،دکتردان‌وگارگانتوا یکی ازآثاراواست.

سیدحمیری.
(زنده در قرن ۲ ه‍ ق)
شاعرعرب ، از دوستاران خاندان علی(ع) بود.

سیمونیدس‌کئوسی
Simonides de ceos.
(زنده درقرن ۵ و ۶ ق م)
شاعر غنایی یونان است .

سیکه لیانوس ، آنژلوس
Sikelianos.
(۱۸۸۴–۱۹۵۱ م)
شاعری یونانی دارای‌آثاری چون: مادرخدا ، سیتون درتآ تر وغیره .

سینگ، جان میلینگتن.
نمایشنامه‌نویسهارا به‌بینید.

شاپل ،کلود امانوئل لوییلیه.
Chappelle,C,E,L.
(۱۶۲۶ – ۱۶۸۶م)
شاعرفرانسوی؛ با همکاری شومون، مسافرتی به‌پروانس را نوشت.

شاپلن ، ژان .
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید.

شکسپیر، ویلیام Shakespeare,W.
(۱۵۶۴–۱۶۱۶م)
نمایشنامه‌نویسهارا به‌بینید.

شلونسکی، اوراهام Shlonsky,A.
(متولد ۱۹۰۰ م)



شاعر اسراییلی که آثار زیادی به جاگذاشته است

شلی، پرسی‌بیسش. Shelley,P,B.
(۱۷۹۲ – ۱۸۲۲م)
شاعر انگلیسی،دارای‌آثاری‌چون: عصیان اسلام ، باد غرب ، پرومته از بند رسته وغیره می‌باشد.

شمردل، ابن‌شریك.
(فوت۸۰ ه‍ ق)
شاعر عرب است .

شمردل، ابن‌عبدالله.
(فوت ۱۰۷ ه‍ ق)
شاعرعرب ومقیم‌خراسان‌بود.

شنفری ، عمروبن مالك
(فوت۷۰ه‍ ق)
شاعر عهد جاهلیت ، **لامیةالعرب** او مشهور است .

شنیه ، آندره ماری.Chenier, A,M
(۱۷۶۲–۱۷۹۴م)



شاعرفرانسوی، دارای‌آثاری چون :کور ، دختر جوان تارانت،هرمس و آمریکا وغیره‌میباشد.

شوپینل ، ژان .
ژان دومون را به‌بینید .

شوچنکو، تاراس .Chevtchenko,T
(۱۸۱۴ – ۱۸۶۱ م)



شاعری از مردم اوکراین دارای‌آثاری چون:کاترینا، ماریاوغیره می‌باشد.

شوسه ، ژئوفری Chaucer, G.
(۱۳۴۰ _ ۱۴۰۰ م)



شاعر انگلیسی، از شعرای نو - پردازمحسوب می‌شود.

شوکانو ، ژوزه سانتو Chocano, J, S.
(۱۸۷۵ _ ۱۹۳۴ م)



شاعری ازمردم پرو، دارای‌آثاری چون : خشم مقدس وغیره می‌باشد.

شیللر، فردریك فون .
نمایشنامه‌نویسهارا به‌بینید.

صابی ، ابراهیم‌بن هلال بن‌ابراهیم بن زهرون حرانی.
نویسندگان خارجی را به‌بینید.

صادق‌بن‌صالح.
(فوت ۱۲۰۳ ه ق)
شاعری ازمردم حلب‌است .

صادقی، سیدجعفر.
(فوت ۱۱۹۰ ه ق)
شاعری هندی ، **بهارستان جعفری** اثر معروف او است .

صخر ، ابن‌جعد خضری .
(فوت۱۴۰ه ق)
شاعر وعاشق عرب ، معشوقه‌اش‌کاس نام داشت .

صدرجهان ، (سید صدر) .
(فوت ۱۰۲۷ ه ق)
شاعرفارسی‌زبان هند است .

صرصری ، جمال‌الدین ابوزکریا .
(فوت ۶۵۶ ه ق)
شاعرعرب، دیوانی از اوباقی‌است.

صریع‌الدلاء ، علی‌بن‌عبدالواحد .
(فوت ۴۱۲ ه ق)
شاعر عرب ، هجویات او معروف است .

صریع‌الغوانی ، مسلم‌بن‌ولید انصاری .
(فوت ۲۰۸ ه ق)
شاعرعرب، ازمردم کوفه بود.

صعصعه ، ابن صوحان عبدی .
(فوت۶۰ ه ق)
شاعر وخطیب عرب بود .

صفی‌الدین حلی، عبدالعزیز.
(۶۷۷ _ ۷۵۰ه ق)
شاعری ازمردم حله (عراق)،مداح **الملك‌الناصر**،صفوةالشعراءوخلاصةالبلغا از آثار او است و قصیدهٔ بدیعیهٔ او در مدح پیامبر مشهور است .

صیدلانی، محمدبن‌عبدالرحمن.
(فوت ۴۶۳ ه ق)
شاعر و ادیب عرب ، **دمیة القصر** از او است .

صیرفی ، عبداللطیف‌بیك .
(۱۲۵۷ - ۱۳۲۲ م)
شاعری مصری ، در زمان خود مناصبی بالا در دولت داشت ، دیوانش به‌چاپ رسیده‌است .

صیمری ، محمدبن‌اسحاق .
(فوت ۲۷۵ ه ق)
شاعرونویسندهٔ‌عرب، **تأخیرالمعرفة** از آثار اوست .

ضحاك ، ابن‌سلیمان .
(فون ۵۴۷ ه ق)
عالم نحو ولغت وشاعر عرب‌است .

ضرار بن خطاب .
(فوت ۱۳ ه ق)
شاعر و جنگ‌آور عرب‌بود .

ضراربن مالك‌بن اوس .
(فوت ۱۱ ه ق)
شاعر و جنگ‌آور عرب بود .

طالوی ، ابوالمعالی درویش .
(۹۵۰ _ ۱۰۱۴ م)
شاعر و نویسندهٔ عرب ، **سانحات دمی‌القصر** از اوست .

طباطبائی ، ابراهیم .
(۱۲۴۸ _ ۱۳۱۹ ه ق)
شاعر عراقی، دیوانی شعرازاوباقی است .

طرفه ، عمروبن العبد عبدی .
شعرای معلقات را به بینید .

طرماح‌بن‌حکیم .
(فوت ۸۰ ه ق)
شاعر عرب و هجوسرا بود .

طریح ثقفی .
(فوت ۱۶۵ ه ق)
شاعر عرب ومداح‌خلفای‌وقت‌بود .

طنطاوی جوهری(شیخ) .
(۱۲۸۷ - ۱۳۵۸ ه ق)
شاعر عرب ، الارواح ، اصل‌العالم قسمتی از آثار اوست .

عباسه (دخترمهدی‌خلیفه) .
(۱۶۰ _ ۲۱۰ ه ق)
شاعره‌ای عرب ، دیوانی از اوباقی است .

عبدالباقی ، محمود .
(۱۵۲۶ _ ۱۶۰۰م)
شاعر ترك ، دیوانی‌ازاو باقی‌است.

عبیدبن‌ابرص .
(زنده در قرن ۶ م)
شاعر دورهٔ جاهلیت عرب ، یکی‌از صاحبان معلقات است .

عتابی ، کلثوم‌بن عمروشامی .
نویسندگان خارجی را به بینید .

علاءالدین ، ابن‌غانم .
(۶۸۰ - ۷۳۸ ه ق)
شاعر و نویسندهٔ عرب است .

عمروبن‌کلثوم .
شعرای معلقات رابه بینید.

عنترةبن‌شداد .
شعرای معلقات عرب رابه بینید .

غزال اندلسی .
(۱۵۶ _ ۲۵۰ ه ق)
شاعر عربی گوی اندلسی ، دیوان شعری‌دارد .

غزی ، ابراهیم کعبی .
(فوت ۵۲۴ ه ق)
شاعر عرب بوده‌که بیشترعمرش را درایران گذرانده است .

غسانی ، حسن‌بن علی .
(فوت ۵۶۳ ه ق)
شاعر عرب و برادر **احمدبن علی** هست .

غضایری، ابوزید محمدبن‌علی.
(فوت ۴۲۶ ه ق)
شاعر عراقی مداح امرای دیلمی است .

غلام‌دهلوی(شیخ).
(فوت ۱۲۴۰ ه ق)
شاعر اردوسرا ، دیوانی ازاو باقی است.

غنوی،طفیل‌بن‌عوف.
(فوت۱۳ه ق)
شاعر دورهٔ جاهلیت ،دیوان شعری دارد.


فارگ


فرلیگراث


فورت

غنی، ملا محمدطاهر کشمیری .
(فوت ۱۰۷۹ ه ق)
شاعر فارسی‌گوی کشمیر ، دیوانی دارد.

غیلان ، ابن‌سلمهٔ ثقفی.
(فوت ۲۳ ه ق)
شاعردورهٔ جاهلیت که مسلمان شد.

فاخوری ، خوری ارسانیوس.
(۱۸۰۰–۱۸۸۳م)
نویسنده و شاعر ، **روض‌الجنان فی‌المعانی والبیان** از او است.

فارگ، لئون‌پل Fargue,L,P.
(۱۸۷۶–۱۹۴۷م)
شاعرفرانسوی دارای‌آثاری‌چون : برای موزیك ، ابله ، فضا وغیره .

فراست ، رابرت . Frost, R.
(متولد ۱۸۷۵م)



شاعر آمریــکایی دارای‌آثاری چون،ارادهٔ یك پسر ، شمال‌بوستون، فاصلهٔ‌کوه ، جویباری که به‌سوی مغرب روان است، درخت شاهد، هدیهٔ بی‌پروا وغیره‌می‌باشد.

فرانس ، آناتول .
آناتول فرانس را در نویسندگان خارجی به‌بینید .

فرزدق ، ابوفراس.
(فوت ۱۱۰ه ق)
شاعربزرگ عرب که‌اشعار اوموجب بقا و حفظ زبان عربی شده‌است.

فرلیگراث،فردیناند.
(۱۸۱۰–۱۸۷۶م)
شاعرآلمانی، آثاری چند ازاوباقی است.

فضولی بغدادی.
(فوت ۹۷۰ ه ق)
شاعری ازمردم بغداد،که به‌سه‌زبان فارسی ، ترکی و عربی شعر می‌سروده است،**حدیقةالسعداء** اثر او است.

فکرت ، توفیق .
(۱۸۶۷–۱۹۱۵م)
شاعرترك؛ رباب شکسته ، ازشاهکار‌های اواست .

فورت ، پل Fort,P.
(۱۸۷۲–۱۹۶۰م)
شاعرفرانسوی دارای‌آثاری چون: به‌طرف پروس،فرانسویهاوغیره می‌باشد.

فیتز جرالد ، ادوارد
Fitz, Gerald, E.
(۱۸۰۹–۱۸۸۳م)



شاعر انگلیسی ، که ترجمهٔ رباعیات‌خیام او شــهرت جهانی‌دارد.

فیضی، ابوالفیض فیاضی .
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید .

فیلیپس ، استفان Philips,S.
(۱۸۶۸–۱۹۱۵ م)
شاعری از انگلیس ، صاحب اثر معروفی‌چون: **مسیح درهادس.**

قاسم بن عبدالله.
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید .

قاسم ابن‌حسین.
(فوت ۵۷۶ ه ق)
شاعرعرب ، ازمردم بغداد است .

قدامه،ابن‌جعفر .
(فوت۳۳۷ ه ق)
شاعر ونویسندهٔ‌عرب، تریاق‌الفکر، جلاءالحزن ، السیاسة ، صابون‌الغم ، قسمتی ازآثار اواست .

قطامی، عمربن شییم .
(تولد ۷۱۰ م)
شاعرنصرانی عرب ، دیوانی‌دارد .

کاتول Catulle.
(۸۴–۵۴ ق م)
شاعرلاتینی، **اپتیالامیوم تنیس‌دپله** مجموعهٔ اشعار او است.

کارل‌فلت، اریك‌آکسل.
برندگان نوبل ادبی‌را به‌بینید.

کاری ، هری Carey,H.
(فوت ۱۷۴۳ م)
شاعر وموسیقی‌دان انگلیسی،سرود ملی انگلیس ازساخته‌های‌او است .

کازانت زاکی، نیکوس
Kazantzakis,N.
(۱۸۸۵–۱۹۵۷ م)
شاعر و نمایشنامه‌نویس و نویسندهٔ



یونانی‌دارای آثاری‌چون: مارولیس ، اولیس،مسیح و بســیاری دیگرمی‌باشد.

کاسپرویس،ژان Kasprowic،g,J.
(۱۸۶۰–۱۹۲۶ م)



شاعری از لهستان ، صاحب‌: کتاب مردم ساده ، دانشگاه من و بسیاری دیگرمی‌باشد.

کالیداس Kalidas.
(زنده درقرن ۴ م)
شـاعر هندی ، مالویکاگنی میترا ، ویکراموسی ، ازآثار او است.

کالریج ، ساموئل تایلر.
Coleridge, S, T.
(۱۷۷۲–۱۸۳۴م)
شاعرانگلیسی، دارای‌آثاری‌چون: کریستابل، قوبیلای قاآن ، دریانورد فرتوت وغیره می‌باشد .

کامینگز،ادوارد،ای Cummings'E,E.
(۱۸۹۴–۱۹۶۲ م)
نویسنده و شاعر و نمایشنامه‌نویس آمریکایی‌دارای‌آثاری چون : اطاق‌عظیم (داستان) ، لاله‌ها ودودکش‌ها (شعر)، ۴۱ شعر، اورا (نمایشنامه) می‌باشد.

کت ، جان . Keats, J.
(۱۷۹۵–۱۸۲۱ م)



شاعری انگلیــسی دارای‌آثاری چون:لامیاد هیپریون ، ایزابلا،خانم قشنگ سنگدل،

نغمهٔ یك بلبل وغیره می‌باشد .

کثیر.

(متولد ۷۲۳ م)

متخلص به‌غره شاعرعرب‌است.

کرنر، ژوستینیوس Kerner, J.

(۱۸۶۲-۱۷۸۶م)

شاعرآلمانی‌است .

کرنی، پی‌یر .

کورنی را به‌بینید.

کروس ، شارل. Cros, Ch

(۱۸۸۸-۱۸۴۲م)

دانشمند وشاعر فرانسوی ، دارای آثاری چون : فرهنگستان شارل کروس وغیره می‌باشد.



کروس

کلوپینل ، ژان

ژان دومون را به‌بینید.

کلودل ، پل‌لویی شارل .

Claudel, P, L, Ch.

(متولد ۱۸۶۸ م)

شاعری فرانسوی دارای آثاری چون : تصویر یك زن ، نوید جبرییل به مریم‌عذرا، هنرشاعری وغیره‌می‌باشد.

کواسیمودو، سالواتور.

برندگان نوبل ادبی‌را به‌بینید .

کورنی، پی‌یر Corneille, P.

(۱۶۸۴ _ ۱۶۰۶ م)

شاعر و نمایشنامه‌نویس فرانسه ، دارای آثاری چون : سید ، هوراس ، دروغگو،ادیب،مرگ پومپه‌وغیره‌می‌باشد.

کورنر، کارل تئودور.

Körner, K, T.

(۱۸۱۳-۱۷۹۱م)

شاعرآلمانی دارای آثاری چون : بهترین شب ، حکومت ، لیر و شمشیر و بسیاری دیگر .

کولار، ژان Kollar, J.

(۱۸۵۲-۱۷۹۳م)



شاعر چك ؛ دارای آثاری‌چون : آواز های عامیانهٔ‌اسلواك، استحکام ادبی بین ریشه و حرف‌زدنهای اسلاو، وبسیاری دیگرمی‌باشد.

کونتس دونوای

Contesse de Noailles.

(متولد ۱۸۷۶-۱۹۳۸م)

شاعرهٔ فرانسوی ، دارای آثاری چون : سایهٔ ایام ، زندگان ومردگان ، خیرگیها، افتخار رنج، شعرعشق، وغیره می‌باشد.

کیشفالودی، ساندور Kisfaludy, S.

(۱۸۴۴ _ ۱۷۷۲م)



شاعر مجارستانی دارای‌آثاری چون : عشق همفی ، تاتار در هنگری ، کرسی‌بلگراد و بسیاری دیگر .

کینتانا ، مانوئل ژوزه

Quintana, M, J.

(۱۸۵۷_۱۷۷۲ م)

شاعر و سیاستمدار اسپانیا دارای آثاری چون : نامه‌هایی به‌لرد هلند ، ناپلئون وفرانسویها وبسیاری دیگر.



کینتانا

گرای، توماس Gray, Th.

(۱۷۷۱ - ۱۷۱۶م)

شاعری انگلیسی ، دارای آثاری چون : کلیسا در یك قبرستان ده و غیره .



گرای

گوتیه ، تئوفیل Gautier, Th.

(۱۸۷۲ -۱۸۱۱م)



نویسنده و شاعرفرانسوی دارای آثاری چون:جوان‌های فرانسه، دختر خانم موپن ، پای مومیایی ، کاپیتان فراکاس ، کمدی مرگ وغیره می‌باشد.

گونگورا ای‌آرگوت

Gongora Y Argote.

(۱۶۲۷- ۱۵۶۱ م)



شاعر اسپانیایی دارای‌آثاری چون:منتخبات شعرای‌معروف اسپانیا ، افسانهٔ پولیفم وگالاته‌وغیره.

گویا ، غلام سرور Gooya, S.

شاعر و نویسندهٔ افغانستان .

لاورنس ، داوید هربرت

Lawrence, D. H.

(۱۹۳۰ _ ۱۸۸۵ م)

شاعر انگلیسی، دارای‌آثاری‌چون: قوس قزح ، کفشدوزك ، مردی‌که مرده بود، طاووس سفید وغیره می‌باشد.

لافونتین، ژان دو La Fontaine, J.

(۱۶۹۵ _ ۱۶۲۱ م)

شاعر و افسانه سرای فرانسوی



که در آغاز میخواست‌وکیل دادگستری‌شود ولی‌گرایش‌او به‌شعروادارش کردکه‌از ۳۰ سالگی‌به‌شعرو شاعری‌بپردازد داستانها.افسانه‌هاازآثارجاوید اواست .

لاگرکویست، پارافابیان.

برندگان نوبل را به‌بینید

لامارتین،آلفونس‌دو Lamartine, A.

(۱۸۶۹ _ ۱۷۹۰ م)

شاعرمعروف فرانسه صاحب آثاری چون : اندیشه‌های شاعرانه و مذهبی ،



اندیشه‌های‌تازه ، هماهنگی ها ، دریاچه،سقوط‌یك فرشته، برگزیده و اعترافات ، مرگ سقراط ، سفرمشرق وغیره می‌باشد.

لانگ فلو ، هنری ورد زورث.
Long Fellow, H,V.
(۱۸۰۷ ـ ۱۸۸۲م)
شاعری آمریکایی، دارای آثاری چون:



صدای شب، سفر به آن سوی دریا، داستان های مهمانخانهٔ کنار جاده و غیره می باشد.

لاول ، جمیز راسل .
Lowell, J, R.
(۱۸۱۹ـ۱۸۹۱ م)
شاعر و نویسندهٔ آمریکایی ، دارای آثاری چون : داریوش، برف اول، شکوه گلها وغیره می باشد.



مایاکوفسکی

لبیدبن ربیعة العامری، ابوعقیل.
شعرای معلقات را به بینید.

لردبایرن ، جرج گاردون
Lord Byron, G, G .
(۱۷۸۸ ـ ۱۸۲۴ م)



شاعری انگلیسی دارای آثاری چون: ساعتهای بیکاری، زیارت چایلدهارولد ، مانفرد، عروس آبیدوس، پاریزنیا ، په پو ، دون زوان، رامشگران انگلیسی و منتقدان اسکاتلندی، راهزن، زندانی شیلن وغیره بوده است.

لرمونتوف، میخاییل یوریویچ
Lormontov, M, I .
(۱۸۱۴ ـ ۱۸۴۱ م)



شاعر روسی دارای آثاری از قبیل : قهرمان عصر ما، نوآموز ، شیطان ، بالماسکه ، والریك و غیره.

لورکا ، فدریکو گارسیا
Lorca, F, G .
(۱۸۹۹ ـ ۱۹۳۶ م)
شاعر اسپانیایی اثر معروف او : کتاب شعرها می باشد .

لوکرس
Lucréce.
(۹۸ ـ ۵۵ ق م)
شاعر لاتین دارای آثاری، چون : روی طبیعت وغیره.

لونرو، الیاس
Lonnrot, E .
(۱۸۰۲ ـ ۱۸۸۴ م)



شاعر فنلاندی که اشعاری به سبك **هومر** سروده است.

مارسلو ، الساندرو
Marcello, A .
(۱۶۸۴ ـ ۱۷۵۰ م)



شاعر و موسیقی دان ایتالیایی دارای آثاری چند در موسیقی و شعر که یکی از آنها **تآتر برای مردم** است .

مارو، کلمان
Marot, C.
(۱۴۹۶ ـ ۱۵۴۴ م)



شاعر فرانسوی صاحب آثاری چون: دوزخ، اولین شبان، قضاوت مینوس و بسیاری دیگر می باشد.

مازراس ، آلفونس
Maserac, A .
(متولد ۱۸۸۴ م)
نویسنده و شاعر اسپانیایی، دارای آثاری چون : دلیریوم (شعر) ، ادمون، تازه پسر ، پایان یك ماجرای عشقی وغیره می باشد.

مالارمه ، استفان.
Mallarmé, S.
(۱۸۴۲ ـ ۱۸۹۸ م)



شاعری از فرانسه آفرینندهٔ شاهکارهایی چون: گلهای بدی، به یاغی ، دایم السفر و بسیاری دیگر . این شاعر ، **شاهزادهٔ شعر** لقب گرفت .

مالرب ، فرانسوادو
Malherbe, F.
(۱۵۵۵ ـ ۱۶۲۸ م)
شاعر فرانسوی که در اصلاح زبان فرانسه کوشیده است و شعله در مشت از آثار او است در سال **۱۹۱۷** برندهٔ جایزهٔ گنکور شده است .

مایاکوفسکی ، ولادیمیر ولادیمیروویچ.
Maïkovski, V, V .
(۱۸۹۴ ـ ۱۹۳۰ م)
شاعری از اتحادشوروی دارای آثاری چون : ابر در شلوار ، ولادیمیرلنین ، اوکتبر و غیره می باشد .

مترلینگ، موریس
Maeterlinck, M .
(۱۸۶۲ ـ ۱۹۴۹ م)



شاعر ، فیلسوف ، نمایشنامه نویس و محقق بلژیکی است از آثار اواست: معبدمدفون ، عقل و سرنوشت ، زنبور عسل ، پرندهٔ آبی ، موریانه ، مورچگان ، در برابر خـدا و غـیره . (فـلاسفه را به بینید)

مك‌نیس ، لوییس Mac Neice, L.
(۱۹۰۷ – ۱۹۵۹ م)

داستان نویس ، نمایشنامه نویس و شاعر آمریکایی . دارای آثاری ازقبیل: گزارش‌نامهٔ پاییز ، مشعل مشتعل ، برج **تاریك** می‌باشد .

موپاسان، گی دو .
نویسندگان خارجی را به بینید .

ملویل، هرمان.
نویسندگان خارجی را به بینید .

مور، توماس . Moore, Thomas
(۱۷۷۹ – ۱۸۵۲ م)



شاعرایرلندی دارای آثاری چون: قصیده و رساله ، ملودیهای ایرلندی ، چکامه‌های آناکرون ، عشقهــای فرشتگان وغیره می‌باشد .

موراند ، پی‌یردو .
نمایشنامه نویسها را به بینید .

موسه، آلفرد دو Musset, A.
(۱۸۱۰ – ۱۸۵۷ م)



شاعر فرانسوی حکایـات اسپانیاوایتالیا افکار نهایی رافایل،آمال بیهوده ، شب ونیزی ، در یك صندلی راحت ، منظومهٔ رولا ، برای هیچ چیز نباید قسم خورد ، شمعدان ، عشق را نباید به شوخی گرفت ، قسمتی از آثار او است .

میتسکیویچ ، آدام .
نویسندگان خارجی را به بینید .

میسترال، فردریك .
برندگان نوبل ادبی را به بینید .

میسترال، خانم گابریلا .
برندگان نوبل را به بینید .

میلتون ، جان Milton, J.
(۱۶۰۸ – ۱۶۷۴ م)

شاعرانگلیسی، بهشت گمشده ، بهشت باز یافته از شاهکارهای او است .

میلوش ، اوسکار ولادیسا دولوبیس
Milosz ,O,V, L.
(۱۸۷۷ – ۱۹۳۹ م)



شاعر و نویسنده ای از فرانسـه دارای‌آثاری چون : شعر منحطین و ۷ منزوی، عناصروغیره می باشد .

نرودا ، پابلو Neruda, P.
(متولد ۱۹۰۴ م)

شاعری از مردم اسپانیا ، دارای آثاری چند است: یکی‌ازآنها **من‌هستم** می‌باشد .

نوالیس ، فردریك ، فون‌هاردنبرگ .
Novalis, F, H.
(۱۷۷۲ – ۱۸۰۱ م)

شاعری آلمانی، دارای‌آثاری‌چون : سرودهای شب ، سرودهای مقدس معنوی، وبسیاری دیگر می‌باشد .

نوروید، سیپسریان Norwid, C.
(۱۸۲۱ – ۱۸۸۳م)



شاعـر لهستانی دارای آثاری‌چون : پیانوی‌شوپن، بسیاری‌دیگر .

نولاك ، پی‌یر ژیرولددو .
نویسندگان خارجی رابه بینید .

واتسون ، سرویلیام Watson,W.
(۱۸۵۸ – ۱۹۳۵ م)

شاعر انگلیسی ، ازآثار معروف‌او «جستجو» ، «هجویه‌روی هنر» و «زندگی و طبیعت» و بسیاری دیگر .

وازوف ، ایوان Vazov, I.
(۱۸۵۰ - ۱۹۲۱ م)



شاعر و نویسندهٔ بلغاری شاعری که به‌کشور، به دوران طفولیت وبه‌بازیهای خود عشق می‌ورزد و شاهکار او : حماسهٔ‌فراموش شده است .

والتر ،ون در ووژلوید .Walther
(۱۱۷۰ - ۱۲۳۰ م)



میلتون

شاعرآلمانی،مدتی دراتریش‌همراه دوك‌فردریك زندگی‌جالبی‌داشت، بامرگ او سرگردان شد ، وبالاخره باتوسل به عده‌ای ازرجال‌به‌دستگاه‌امپراتورفردریك دوم وارد شد ، آثار او روش خاصی در شعر پدید آورد .

والمور ، مارسلین دبور دو
Valmore, M.
(متولد ۱۷۸۵ م)

شاعره‌ای ازمردم‌فرانسه ،که‌آثاری چند ازاو به‌جا مانده است .

والری ، پل‌آمبرواز .
نویسندگان خارجی رابه بینید .

وان‌استاژن ، پل Van Ostaijen, P.
(۱۸۹۶ - ۱۹۲۸ م)

شاعر بلژیکی صاحب اثر : خانهٔ اشغال شده است

واندن‌ووندل ، ژوست
Van Den Vondel, J.
(۱۵۸۷ - ۱۶۷۹م)



واندن

شاعری ازهلندباآثارمعروفی‌چون: ابلیس‌آدم دور ازوطن وبسیاری دیگر.

ودکیند ، فرانك .
نمایشنامه نویسها رابه بینید .

ورائرن ، امیل Verhaeren, E.
(۱۸۵۵ - ۱۹۱۶ م)



شاعر بلژیکی صاحب‌اثر : جوان‌بلژیکی، فلاماند و اعضای‌مذهبی و بسیاری

دیگر .

ورلن ، پل Verlaine,P.
(۱۸۴۴ – ۱۸۹۶ م)



شاعرفرانسوی صاحب‌آثار **معروفی‌چون :** جشنهای‌هوس آمیز ،آواز دلپذیر ، افسانه‌های عاشقانه و غیره می‌باشد.



ویتمان

ورهارن ، امیل Verhaeren,E.
(۱۸۵۵ – ۱۹۱۶م)

شاعر بلژیکی، دارای‌آثاری‌چون: فلاماند ،کشیش‌ها، شامگاهها، مشعلهای سیاه وغیره می‌باشد .

وگاگازپیو، لوپ فلیکس‌دو .
نمایشنامه نویسها را به‌بینید .

وورد‌س وورث ، ویلیام Wordsworth,W.
(۱۷۷۰ – ۱۸۵۰ م)



ویگنی



شاعرانگلیسی بعدازاتمام تحصیلات خود در کمبریج به فرانسه‌سفر کرد ، در آن‌جا تحت تأثیرمحیط انقلابی‌روزقرار گرفت ازآثاراو: گردش شبانه،خاطرهٔ‌یك مسافرت دردشت وبسیاری دیگرمی‌باشد.



ویو

وورو‌سمارتی ، میهالی Vorosmarty,M.
(۱۸۰۰–۱۸۵۵ م)



شاعرهنگری، فرزند خانواده‌ای فقیر،که با زحمت به تحصیلات خود ادامه داد، اولین کاراوتحریردو نمایشنامه، به‌نام **شاه‌سلیمان** و **شاه سیگیسموند** بود ، از آثار دیگر



هاینه

او : **میوهٔ زالان** شاهکار او **ویکتور قاراپط** بود.

ووگان ، هانری Vaughan,H.
(۱۶۲۲– ۱۶۹۵ م)

شاعر انگلیسی صاحب اثر: لك‌لك رودخانه، جرقهٔ سنگ‌آتش‌زنه.

ویتمان ، والت Whitman,W.
(۱۸۱۹ – ۱۸۹۲ م)

شاعر آزادهٔ‌آمریکا‌که اشعارش از صدها سرباز برای تقویت آزادیخواهان وپشتیبانی از لینکلن مفیدتر بود ، اثر معروف او **برگهای گیاه** نام دارد .

ویرژیل، پابلیوس Virgil, P.
(قرن اول ق م)

شاعر روم باستان ، از آثار او : دکلوگ و انئید می‌باشد .

ویلاند ،کریستوف مارتن .
Wialand,Ch,N
(۱۷۳۳ – ۱۸۱۳ م)



شاعر و نویسندهٔ آلمانی‌که اولین اثر او:«طبیعت اشیاء » نام دارد . از آثار دیگر او :« نامه‌های اخلاقی » و تحت تأثیر عقاید اپیکور «آگاتون» را نوشت و مشهورترین اثر او : «Mercure Allemand» است .

ویگنی ، الفرد‌کنت دو . Vigny'A
(۱۷۹۷–۱۸۶۳م)

نویسنده و شاعر فرانسوی صاحب اثرهای: خواهران فرشته ، طوفان نوح، موسی، اشعارنو وکهنه وبسیاری دیگر می‌باشد .

ویو ، تئوفیل‌دو Viau, T.
(۱۵۹۰– ۱۶۲۶ م)

شاعر فرانسوی شاهکار شعری او در سه‌جلددرسالهای (۱۶۲۳–۱۶۲۵) منتشر شد .

ویون ، فرانسوا Villon, F.
(متولد ۱۴۳۱ م)

شاعری فرانسوی ،که اثرمعروفش **وصیت‌نامهٔ بزرگ** می‌باشد .

هاینه ، هانریش Heine, H.
(۱۷۹۷ – ۱۸۵۶ م)

شاعرآلمانی،شاهکارش:**اینترمتسو** نام دارد .

هردیا ، ژوزه ماریادو .
اردیا را به‌بینید .

هررا ، فرناندو .
اررا را به‌بینید .

هسه،هرمان .
برندگان نوبل را به‌بینید .

هوراس Horace.
(قرن اول ق م)

شاعر روم قدیم ، دارای‌کتابهایی به‌نام :قصاید، غزلیات ، مجموعهٔ‌هجویات و مراسلات منظوم‌می‌باشد .

هوگو ، ویکتور Hugo, V.

در فوریهٔ **۱۸۰۲** به دنیا آمد ، آن‌قدر ضعیف بود‌که کسی تصور نمی‌کرد زنده بماندولی مراقبت‌های‌دایمی‌مادرش او راازمرگ‌نجات داد.ازدوران کودکی



به‌کتاب علاقمند بود ، در سال **۱۸۱۶** مسابقهٔ‌آکادمی فرانسه را به شعر جواب گفت ، زمانی‌که اعضای آکادمی تاریخ تولد شاعر را درپای ورقه دیدند، تصور کردندکه نویسنده می‌خواهدآنها را به مسخره‌گیرد، لذاجایزه را به‌او ندادند، ولی پسر جوان ازپای ننشست وسال‌بعد جایزه دریافت‌کرد . هوگو ، ازچهارده سالگی تاآخرین روزهای زندگی بدون دمی غفلت کارکرد وآثار پر ارزش و گرانبهایی از خود باقی‌گذاشت ، هوگو نه‌تنها در زمینهٔ ادبیات به مردم خدمت کرد ، بلکه از راه سیاست نیز قدمهای بزرگی برداشت و بادیکتاتوری‌ناپلئون سوم سخت مبارزه‌کرد، ومدت۱۹سال در تبعید به‌سربرد **وقسمتی** از اثر جاویدان بینوایان را درآنجا سروده است .

بعداز خلع ناپلئون سوم ، به‌فرانسه بازگشت و مورد استقبال پرشوری‌قرار گرفت،و دردفاع‌ازمردان‌**کمون** شجاعت بی‌نظیری از خود بروز داد .

مردم فرانسه روز ۸۰ سالگی او را به‌مثابهٔ عید ملی جشن گرفتند ودرطول روز ازبرابر پنجرهٔعمارتش ۶۰۰هزار نفر از مردم رژه رفتند و به او تبریك گفتند .

اوخودرا**شبان گروه بی‌شمارانسانها** می‌دانست .

هوگو در اول ژانویهٔ ۱۸۸۵ براثر ذات‌الریه به‌درودزندگی گفت ودرلحظهٔ مرگ گفت :

نبرد میان شب وروزاین‌جااست.

ازآثار معروف‌اوبایداز: بینوایان، نوتردام دوپاری ، مردی که می‌خندد ، رنجبران دریا، ری بلاس ، آخرین‌روز یك محکوم،کلود ولگرد،عشق وجوانی، شاه تفریح می‌کند، مشهودات، تاریخ‌یك جنایت ، تآتر در هوای آزاد ، زندگی من و چندین اثر دیگر نام برد .

هومر Homére.

در بارهٔ زندگی و تاریخ تولـد و مرگ«هومر» شاعر نابینای‌یونان‌باستان اطلاعات دقیقی دردست نیست. هرودوت مورخ یونانی نوشته است‌که هومر ۸۵۰ سال‌قبل ازمیلادمسیح می‌زیست وگروهی دوران زندگی او را تا۱۲۰۰ سال‌قبل از میلاد مسیح نیزدانسته‌اند . هفت‌شهر در یونان هنوز ادعا دارند که هومر در آنجامی‌زیسته‌است بااین همه‌هنوزمورخین و محققین نتوانسته‌اند به درستی‌معـلوم سازندکه هومر افسانه‌ای بوده یا حقیقی و اقامتگاه اودرکجا وزمان اوچه قرنی بوده است .



درافسانه‌های یونان‌آمده است که‌هومر در سالهای پیری‌وکبر سـن ازدو چشم نابینا گردیـد و برای‌امرار معاش اشعاری به‌نوای جنگ می‌خوانده وازمردم پول مختصری دریافت می‌کرده است. آثاراوتدریجاً جمع شده ودوکتاب ادبی بزرگ به‌نام«**ایلیاد و ادیسه**» را به‌وجودآورده است.

این دواثر حماسی ازپرارزش‌ترین آثار ادبیات دنیای قدیم است وباجنگ «تروا» آغاز می‌شود .

مطالعه وعلاقه‌به‌آثار هومرشش‌قرن قبل از میلادآغاز شد . اولیـن کسی که اشعارمتفرق وپراکندهٔ‌هومرراجمع‌آوری کرد ونگذاشت دستخوش تغییر گـردد «ویستارکوس» رییس کتابخانهٔ معظم‌شهر اسکندریه بود .

هیوز ، لنگستون Hughes, L.
(متولد ۱۹۰۲ م)

شاعرسیاه‌پوست آمریکایی‌شیوهٔ‌-فید پوستان شاهکار او است .

یتز ، ویلیام باتلر .
یات را در نویسندگان خارجی به‌بینید .

یسنین ، سرگئی الکساندروویچ
Iéssenine,S,A.
(۱۸۹۵ - ۱۹۲۵ م)



شاعری روسی‌دارای آثاری‌چون تبدل شکل، آکوردئون و چند اثر دیگر .

نمایشنامه نویسهای معروف

آبوت، بکت ژیلبرت Ahout, B, G
(۱۸۱۱ - ۱۸۹۶ م)

نویسنده ونمایشنامه‌نویس‌وروزنامه نگار انگلیسی است ؛ بـلاك استون ، تاریخ کمدی انگلیس ، ناقوسها ، درام جن و پری، هندی‌های فراری، قسمتی‌از آثار او است .

آچه‌گارای ، ای‌ایزاگیر، ژوزه
برندگان نوبل را به بینید .

آداموف ، آرتور Adamov , A .
(فوت در قفقاز ۱۹۰۸ م)



مـؤلف بـا ارزش دراماتیك در سن‌چهل‌سالگی وارد هیئت تآترال فرانسه شد وازاین نظر می‌توان او را هم‌ارج **برشت**قرارداد

آدام دولاهال
Adam De La Halle.
(زنده در قرن ۱۳ م)

نمایشنامهٔ ، بازی روبن و ماریون ازاواست. آدام از مردم‌فرانسه می‌باشد.

ارتسیباشف، میخاییل پتروویچ.
نویسندگان خارجی را به بینید .

آررابال ، فرناندو Arrabal, F.
(متولد ۱۹۳۲ م)

نمایشنامه نویس اسپانیایی ، **دو دژخیم** ، **گورستان ماشین** از آثار او است .

آربوزوف ، الکسی نیکولاییوویچ .
Arbozov,A,N.
(متولد ۱۹۰۸ م)

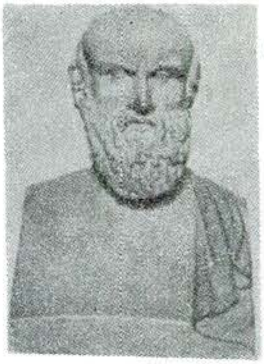
نمایشنامه‌نویس روس ، شش‌عاشق ، طبقه ، جادهٔ طولانی، تانیا، جاویدانان، ملاقات باجوانی ، سالهای سفر ، ساعت دوازده قسمتی از آثار او است

آزبورن ، جان Osborne, J.
(متولد ۱۹۲۹ م)

نمایشنامه نویس انگلیسی ، دنیای پال‌سلیکی، لوتر،مایهٔ رسوایی‌ونگرانی، شیطانی در وجود او است ، با چشم به گذشته بنگر (به‌کمك ریچاردسون) ، در لفاف ساده و نمایشگر (به‌کمك ریچاردسون) قسمتی از آثار او است .

آشیل Eschyle.

(۵۲۵ – ۴۵۶ ق م)



شاعر و نمایشنامه‌نویس یونان است صاحب آثاری چون: ملتمسان، ایرانیان، مخالفان هفتگانهٔ تب، پرومته، اورستیامی‌ باشد.



ایبسن

آلبی ، ادوارد Albiee, E.

(متولد ۱۹۳۸ م)

نمایشنامه‌نویس آمریکایی، چه کسی از ویرژینیا وولف می‌ترسد، رؤیای آمریکایی، داستان باغ وحش قسمتی از آثار او است.

آلفیری ، ویتوریو.

شعرای خارجی را به بینید.

آلوی ، لودویك.

نویسندگان خارجی را به بینید.

آله ، آلفونس Alais, A.

(۱۸۵۵ – ۱۹۰۵ م)



نویسنده و نمایشنامه‌نویس فرانسوی که مدتها مشغول ادارهٔ کابارهٔ گربهٔ سیاه بود.

آندرسن ، هانس کریستین،

Andersen, Ch.

(۱۸۰۵ – ۱۸۷۵ م)

نویسندهٔ دانمارکی، حکایات و نمایشنامه‌های متعددی از او به جامانده است که تحت تأثیر زندگی سخت خود وی قرار دارند.

ادیسن، جوزف.

نویسندگان خارجی را به بینید.

اریستوفان Aristophan.

(قرن ۵ ق م)

شاعر و نمایشنامه نویس یونانی،

ابرها اثر معروف او است.

اروین ، سنت‌جان Ervine, S.J.

(متولد ۱۸۸۳ م)

نمایشنامه‌نویس انگلیسی، دارای آثاری چون: جان فرگس، خانم‌فریزر اول و غیره می‌باشد.

استرندبرگ ، یوهان اوگوست.

نویسندگان خارجی را به بینید.

استروسکی ، الکساندرنیکلایویچ.

Ostrovski, A, N.

(۱۸۲۳ – ۱۸۸۶م)

درام نویس روسی که بیش‌از پنجاه نمایشنامه نوشته است معروفترین آنها **بوران، دیمتری‌دیوانه ومیدان‌پرسود، دلی پرشوق** می‌باشد.

اسخیلوس .

آشیل را به بینید.

اسکلتون ، جان.

شعرای خارجی را به بینید.

اکارد، ژان.

شعرای خارجی را به بینید.

انرود ، هانس Aanrud, H.

(۱۸۶۳ – ۱۹۵۳ م)

نویسنده و نمایشنامه نویس نروژی است.

اوال ، یوهانس Evald, I.

(۱۷۴۳ – ۱۷۸۱ م)

شاعر و نمایشنامه نویس دانمارك، صاحب آثاری چون: رولف کراژ، ماهیگیران و غیره است.

اودن ، ویستن‌هیو Auden, V.

(متولد ۱۹۰۷ م)

شاعر و نمایشنامه نویس آمریکایی که آثار معروفش عبارتند از: مجموعهٔ اشعار، سگ در زیر پوست، در جبههٔ جنگ و غیره.

اونیل ، یوجین گلادستون

برندگان نوبل ادبی را به بینید.

ایبسن ، هنریك Ibsen, H.

(۱۸۲۸ – ۱۹۰۶ م)

نمایشنامه نویس و شاعر نروژی، صاحب آثاری‌چون: کاتیلینا، خانهٔ‌عروسك، اشباح، دشمن ملت، وحشی، وقتی ما مردگان برمی‌خیزیم، پایه‌های اجتماع قسمتی از آثار او است.

ایمه ،مارسل.

برندگان جوایز مختلف ادبی‌فرانسه را به بینید.

باتای، هانری Bataille, H.

(۱۸۷۲ – ۱۹۲۲ م)

شاعر و نمایشنامه‌نویس فرانسوی، آثارمعروفش عبارتند از: ننه‌کولیبری، دوشیزهٔ خل.

بار ، هرمان Bahr, H.

(۱۸۶۳ – ۱۹۳۴م)

نمایشنامه نویس اتریشی، کنسرت، جبرناتورالیسم و اکسپرسیونیسم ازکارهای او است.

برشت ، برتو Brecht, B.

(۱۸۹۸–۱۹۵۶م)

درام‌نویس شهیرآلمانی که در هنر تآتر، انقلابی به‌وجودآورد و راههای تازه‌ای درایرجهان‌گشود، او بیش‌از ۸ دیوان شعر دارد، مکتب هنری وفلسفی اوچشم‌اندازهای‌آموزنده‌وجالبی‌دربرابر دیدگان‌انسانها می‌گشاید و بیشتر اشارات او مربوط به‌مسئولیت‌شناسی انسان این قرن‌است و



بیش‌از ۴۰ نمایشنامه‌از او در دست است. اپرای گدایان، زندگی گالیله، آدم، آدم است، ننه‌کورژ وفرزندانش، اپرای عظمت و انحطاط شهر ماهاگونی قسمتی‌از آثار او است.

برگمان، اینگمار Bergman, I.

(متولد ۱۹۱۸ م)

هنرپیشگان سینمارا به‌بینید.

برنشتاین ، هانری Bernstein.H.

(۱۸۷۶–۱۹۵۳م)

نمایشنامه‌نویس‌فرانسوی، که کمدیها



و درامهای فراوان‌نوشته است. از نمایشنامه‌هایش «دزد»«سر» و «امید» را می‌توان نام برد.

بریو، اوژن Brieux,E.
(۱۸۵۸—۱۹۳۲م)



نمایشنامه نویس‌فرانسوی که بیشتر نوشته‌هایش مربوط به مسایل‌زندگی خانوادگی و اجتماعی‌است

بسه‌نی‌نی ، گیورکی Bessenyei,G.
(۱۷۴۷—۱۸۱۱م)
شاعر و نمایشنامه‌نویس مجار ؛ آگیس ، فیلسوف ، ازآثار او است.

بکت، ساموئل.
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید.

بناو، ژاسینتو.
برندگان نوبل ادبی‌را به‌بینید.

بوخنر، کارل‌گئورگ Büchner,C,G.
(۱۸۱۳—۱۸۳۶م)
نمایشنامه‌نویس آلمانی ، دارای آثاری چون : مرگ دانتون ، لئونس ولناوغیره می‌باشد .

بوسیکولت ، داین Boucicault,D
(۱۸۲۲—۱۸۹۰ م)
هنرپیشه‌ونمایشنامه‌نویس بریتانیایی، که در اکثر نمایشنامه‌هایی که نوشته یا اقتباس‌کرده ، خودش بازی‌نموده‌است.

بومانت ،فرانسیس Beaumont, F.
(۱۵۸۴—۱۶۱۶ م)
شاعرونمایشنامه نویس انگلیسی‌که ازآثارمعروف وی**دشمن زن** است.

بیری ،سرجیمز، مثیو Beery,J,M.
(۱۸۶۰—۱۹۳۷م)
نمایشنامه‌نویس و داستان‌پرداز انگلیسی،خیابان‌کیفیت ،کشیش‌کوچك، آن چه هرزنی می‌داند ، بروتوس‌عزیز، ازآثار او است .

بیورنسون ،مارتینوس.
برندگان نوبل ادبی‌را به‌بینید.

پایرون،ادوارد Pailleron,E.
(۱۸۳۴—۱۸۹۹م)



نمایشنامه نویس فرانسه ، صاحب آثاری چون : دیوار مشترك، آخرین قسط و غیره .

پریستلی ، جان ، بوینتون
Priestly, J, B.
(متولد ۱۸۹۴ م)
نمایشنامه‌نویس و نویسندهٔ‌انگلیسی ، مستنطق،رؤیای روز تابستانی،وطن‌فرداست ، درخانه چطورند، درتاریکی‌جهل، روزخوش ، قبل‌از این‌هم این‌جا بوده‌ام ، مردم سرگردان ، آدم در پرتو نورماه قسمتی‌ازآثار او است .

پلیکو، سیلویو .
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید.

توفیق‌الحکیم .
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید.

تیرسو دومولینا ، کابریل تلز
Tırso De Molina,G,T
(۱۵۸۳—۱۶۴۸م)



از آتر نویسان‌اسپانیایی دارای آثاری چون: آمیختن و زندگی‌کردن مفید، جاه‌طلب خجالتی و چند اثردیگرمی‌باشد.

تیك ، لودویك.
شعرای خارجی‌را به‌بینید.

جاکوزا ، جوزپه Giacosa.
(۱۸۴۷—۱۹۰۶م)
شاعر ونمایشنامه‌نویس ایتالیایی ، عشق مغموم ، مادام دوشالان، ازآثار او است .

جانسون ، بن . Jonson, B.
(۱۵۷۲—۱۶۳۷ م)
شاعر ، نمایشنامه‌نویس ، منتقد و هنرپیشهٔ‌انگلیسی، **هرکس به‌حال خود**، سیانوس ، کاتیلین ، والپونی ،کیمیاگر، بازارمکارهٔ بارسالومبو،غزل نغمه‌ای‌برای سلیا ازآثار او است .

جروم ،جروم کلاپکا Jerome.
(۱۸۵۹—۱۹۲۷م)
نویسنده ونمایشنامه‌نویس انگلیس، دارای‌آثاری چون:سه‌مرد درقایق،افکار بیهودهٔ یك‌انسان وغیره می‌باشد.

جونز، هنری‌آتور Jones,H,A.
(۱۸۵۱—۱۹۲۹ م)
نمایشنامه‌نویس‌انگلیسی، که‌ازجملهٔ نمایشنامه‌هایش**ثروت ودروغگو** درباب مسایل اجتماعی‌است.

چپمن، جورج.
شعرای خارجی‌را به‌بینید.

چخوف.آنتوان پائولوویچ.
Tchekhov, A,P.
(۱۸۶۰ — ۱۹۰۴)
نمایشنامه‌نویس وداستانسرای روس، دارای‌آثاری چون : استپ، هنگام‌سحر، خرس ،رنگها وغیره‌است.

دانکور، فلوران Dancourt,F.
(۱۶۶۱ — ۱۷۲۵ م)
هنرپیشه ودرام‌نویس فرانسوی وی کمدیهای اخلاقی‌به جای‌گذاشته: **شوالیهٔ مد پرست** ، زنان بورژوای ممتاز از آثارمعروف اوست .

دانونزیو، گابریل .
شعرای خارجی‌را به‌بینید.

داوتندای ، ماکس.
نویسندگان‌خارجی‌را به‌بینید .

درایدن ، جان.
شعرای خارجی را به بینید.

درینکواتر، جان.
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید.

دوده، آلفونس.
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید.

دوما،الکساندر (پدر) .
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید.

دوما ، الکساندر (پسر).
نویسندگان‌خارجی را به‌بینید.

دوهامل ، ژرژ .
نویسندگان‌خارجی‌را به‌بینید.

ذبیح بهروز.
نویسندگان ایران را به‌بینید.

راسل، جورج ویلیام .
شعرای خارجی‌را به‌بینید.

راسین، ژان Racine, G.
(۱۶۹۹-۱۶۳۹ م)



شاعر و نمایشنامه‌نویس فرانسوی، دارای آثاری چون: فدر بریتا نیکوس، برنیس، بایزید، مهرداد، ایفی‌ژنی، آتالی، پریروی برهنهٔ رود سن، آب تنی‌های ونوس، وغیره می‌باشد.

روستان، ادموند Rostand, E.
(۱۹۱۸ - ۱۸۶۸ م)



نمایشنامه‌نویس فرانسوی، دارای آثاری‌چون: بچهٔ عقاب سیرانو، دستکش قرمز، شاهزاده خانم و غیره می‌باشد.

روی، ژول.
برندگان جوایزمختلف‌ادبی‌فرانسه را به‌بینید.

رید، چارلز، Reade, Ch.
(۱۸۸۴-۱۸۱۴ م)
داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس انگلیسی، که داستان تاریخی **دیر وکانون خانوادگی** شاهکاراوست.

زاپولسکا، گابریلا Zapolska, G.
(قرن۱۹ م)
بانویی نویسنده از مردم لهستان، نمایشنامه‌های او عبارتند از: مالاسکا، پیش‌از دوزخ، آن زنها، تکه‌ای‌اززندگی، زمزمهٔ جنگل، پرندهٔ بهشت، تربیت روحها، ناسازگاری، عفت‌خانم‌دولسکا.

زالتون، فیلکس.
نویسنده‌های خارجی‌را به‌بینید.

زیلاهی، لازوس.
نویسندگان خارجی را به‌بینید.

ژاکوب، ماکس.
نویسندگان خارجی را به‌بینید.

ژرمن، اگوست Germain, Au.
(۱۹۱۵ - ۱۸۶۲ م)
مورخ ورمان‌نویس‌ونمایشنامه‌نویس فرانسوی است.

ژنه، ژان.
نویسندگان خارجی را به‌بینید.

ساردو، ویکتورین Sardou, V.
(۱۹۰۸ - ۱۸۳۱ م)



نمایشنامه نویس‌فرانسوی دوستان‌یك دل، خانوادهٔ بنواتون تئودرا، میهن‌وتوسکا، ازآثاراواست.

سارسه، فرانسیسك Sarcey, F.



منتقد آثار درام‌وداستان، صاحب اثر: **چهل سال نمایش**.

سالاکرو، آرماند Salcrou, A.
(متولد ۱۸۹۹ م)



نمایشنامه نویس‌فرانسوی دارای‌آثاری چون: دور زمین، پل اروپا، زن آزادوغیره می‌باشد.

سکویل، تامس.
شعرای خارجی را به‌بینید.

سکویل، چارلز.
شعرای خارجی را به‌بینید.

سنژ، جان میلنگتون Synge, J.M.
(۱۹۰۹ - ۱۸۷۱ م)



نویسندهٔ تآترازمردم ایرلند، دارای‌آثاری چون: اسب سواری‌به‌طرف‌دریا، چشمهٔ‌مقدسین، دلقك وبسیاری دیگر می‌باشد.

سوفوکل Sophocles.
(۴۹۷ - ۴۰۵ ق.م)
شاعر ونمایشنامه نویس یونانی.
آیاس، آنتیگونه، اودیپ، الکترا، زنان تراخیس، **فیلوکتتس**، اودیپ درکولون، ازآثار او است.

سوینبورن، الجرنن چارلز.
شعرای خارجی را به‌بینید.

سیبر، کالی Cibber.
(۱۷۵۷ - ۱۶۷۱ م)
هنرپیشه و نمایشنامه نویس مشهور انگلیس، که ابتدا در نقشهای کمدی و سپس‌درنقش‌افراد غیرعادی بازی‌می‌کرد نخستین نمونهٔ کمدی او **عشق تدبیر** نام دارد.

سینگ، جان میلینگتن.
Synge, J, M
(۱۹۰۹ - ۱۸۷۱ م)
شاعر ونمایشنامه نویس ایرلندی، در سایهٔ دره، چاه قدیسین، نیرنگ باز جهان غرب قسمتی ازآثاراو است.

شاو، برنارد.
برندگان نوبل ادبی را به‌بینید.

شکسپیر، ویلیام
Shakespeare, W.
(۱۶۱۶ - ۱۵۶۴ م)
بزرگترین و مشهورترین شاعر دراماتیك انگلیس‌است، اززندگی شاعر اطلاعات دقیقی در دست نیست. آنچه معلوم است زندگی ویلیام خوش نگذشته



است. ازنگهبانی اسبان، تا هنرپیشگی راگذرانده است. در سال ۱۶۱۱ وقتی که به‌عنوان هنرپیشه‌ای مشهور شده بود دست ازکارکشید و به‌انزوا کشیده شد. وی موضوع بسیاری‌از نمایشنامه‌ها رااز

تاریخ روم باستان و کتاب پلوتارك برگزیده و به‌نیروی تصور و تخیل به‌صورت تراژدیهای زیبا در آورده است . سبك نویسندگی او به مکتب کلاسیسم تعلق دارد ازآثار مهم او : اتللو ، هملت، مکبث، ژولیوس‌قیصر،رومئو و ژولیت،تاجرونیزی واز جمله منظومه های او باید : ونوس و وآدونیس را نام برد .

شیللر ، فردریك‌فون Schiller,F.
(۱۷۵۹ — ۱۸۰۵ م)



نمایشنامه نویس‌وشاعر آلمانی‌آثاری چون: کیوم‌تل و ماری استوارت ، خدعهٔ‌عشق، راهزنان ، دوشیزهٔ اورلئان ، تاریخ‌جنگ‌سی‌ساله، تاریخ انحطاط‌هلند وغیره دارد .

فیدو ، ژرژ Feydeau,G .
(۱۸۶۲ — ۱۹۲۱م)
مؤلف نمایشنامه از مردم‌فرانسه‌از آثارش‌خیاط برای‌خانم وغیره می‌باشد .

فیلدینگ، هانری Fielding,H.
(۱۷۰۷ — ۱۷۵۴م)
نویسنده و نمایشنامه‌نویس انگلیسی، دارای‌آثاری چون: نمایش مضحك‌مؤلف، نامه نویسان،دون کیشوت درلندن،شوهر متجدد وغیره می‌باشد .

کاردیف ، جك .
هنر پیشگان‌سینما را ببینید.

کارمون تل ، لویی‌کارژی .
Carmontelle,L, C.
(۱۷۱۷ — ۱۸۰۶ م)
رسام و نمایشنامه نویس فرانسوی ، اثر معروف اومثلها نام دارد .

کاره ، میشل Carré,M.
(۱۸۱۹ — ۱۸۷۲ م)
نمایشنامه نویس فرانسوی، آثاری چون :گالاته، فاوست ، مجلسهای‌عروسی ژانت ، هاملت ، رومئو و ژولیت را با همکاری ژول **باربیه** به‌وجود آورده‌است.

کاری‌گرانت .
هنرپیشگان سینمارا به‌بینید .

کازانت زاکی، نیکوس.
شعرای خارجی را به‌بینید .

کالیداس Kalidasa.
شعرای خارجی را به‌بینید .

کامو ، آلبر .
برندگان نوبل ادبی را به‌بینید .

کامینگز، ادوارد،ای .
شعرای خارجی را به‌بینید.

کروملینك ، فرناند .
Crommelynck, F .
(متولد ۱۸۸۶ م)



نمایشنامه نویس بلژیك آثارمعروف او : ما به‌جنگل نخواهیم‌رفت، تاجر غم و غیره می‌باشد .

کمب ، روبرت .
نویسندگان خارجی را به‌بینید .

کوتزبو ، اوگوست فون .
Kotzebue,A, V.
(۱۷۶۱ — ۱۸۱۹ م)
نمایشنامه نویس‌آلمانی صاحب اثر معروف : مردم‌گریزی وپشیمانی است.

کورل، فرانسوا دو Curel,F.
(۱۸۵۴ — ۱۹۲۸ م)



نمایشنامه نویس‌فرانسوی شاگردمدرسه **سانترال** ، دارای‌آثاری چون:رقص در مقابل آیینه،دختر وحشی‌وغیره می‌باشد .

کورنی ، پی‌یر .
شعرای خارجی را به‌بینید .

کووارد ، نوئل Coward,N.
(متولد ۱۸۹۹ م)
نمایشنامه نویس‌انگلیسی‌دارای آثاری‌چون: مکالمهٔ نمایشنامه ،گردباد و غیره می‌باشد .

کیپلینگ ، رودیار .
شعرای خارجی را به‌بینید .



فیدو



کووارد

گالزورثی ،جان.
برندگان جایزهٔ ادبی رابه‌بینید.

گری‌لاپارزر ، فرانز .
Grillaparzer , F.
(۱۷۹۱ — ۱۸۷۲ م)



نمایشنامه نویس‌اتریش، دارای‌آثاری چون : گنج طلا ، خوش شانس و عاقبت کار شاه اوتار، و غیره می‌باشد .

گریگوری‌پك.
هنرپیشگان سینما رابه‌بینید .

گوته ، ژوهان ولفگانگ فون
Goethé, J , W .
(۱۷۴۶ — ۱۸۳۲م)



نمایشنامه نویس و داستانسرای معروف آلمان،خالق آثاری‌چون: فاوست، اگمنت ، دیوان شرقی ،ایفی‌ژنی، شرکای جرم ، رقص اموات ، یادداشتهای من وغیره می‌باشد .

گوگول، ژانوسکی نیکلا .
نویسندگان خارجی را به بینید .

گولدونی،کارلو Goldoni, C .
(۱۷۰۷ — ۱۷۹۳ م)
نمایشنامه نویس معروف ایتالیایی، دکان‌قهوه‌فروشی،لالوکاندیرا ، دروغگو، یك واقعهٔ مضحك قسمتی ازآثار اواست.



لابیس

لابیس ، اوژن Labiche, Eu .
(۱۸۱۵ — ۱۸۸۸ م)
نمایشنامه نویس فرانسوی است .

لسینگ، گوتهولد، افرایم. Eessing,G,E.
(۱۷۲۹ – ۱۷۸۱ م)
نمایشنامه نویس آلمانی دارای آثاری چون: امیلیا گالوتی، فیلوتاس وغیره می باشد.

لودویك ، امیل .
نویسندگان خارجی را به بینید .



موانو

لوساژ ،آلن رنه . Le Sage, A ,R .
(۱۶۶۸ – ۱۷۴۱ م)
نمایشنامه نویس فرانسوی ، دارای آثاری چون: شیطان لنگ ، ژیل بلاس، ماجرای بوشن، تورکاه و غیره می باشد.

ماتیو ، سرجیمز Mathieu, J .
(۱۸۶۰ – ۱۹۲۷ م)
نمایشنامه نویس و روزنامه نگار انگلیسی، یك جامعهٔ کهنه، مرگ بهتر ، ماری کوچك، آلیس در کنار آتش بنشین.

مارلو ،کریستفره. Marloux, C.
(۱۵۶۴ – ۱۵۹۳ م)
شاعر و نمایشنامه نویس انگلیسی ، یهودی مالت، دکتر فاستوس، ازآثاراواست.

ماریوو ، پی یر کارل دوشامبلن Marivaux, P,C.
(۱۶۸۸ – ۱۷۶۳ م)



موراتن



نمایشنامه نویس معروف و نویسندهٔ فرانسوی دارای آثاری چون : درشکهٔ ساقط، ایلیاد عوضی ، و بسیاری دیگر .

متر لینگ، موریس.
شعرای خارجی را به بینید .

ملك نیس ، لوییس .
شعرای خارجی را به بینید .

موانو ، ژول Moinaux, J.
(۱۸۱۵ – ۱۸۹۵ م)
نمایشنامه نویس فرانسه دارای آثاری چون : **بلندگوی مسخره** وغیره می باشد.



میلاك

موراتن ، لئاندرو فرناندزدو Moratin, L, F.
(۱۷۶۰ – ۱۸۲۸ م)
نمایشنامه نویس فرانسوی دارای آثاری چون : پیرمرد و دختر جوان ، قهوه خانه و کمدی تازه و بسیاری دیگر.

موراند ، پی یر دو Morand, P.
(۱۷۰۱ – ۱۷۵۷ م)
نمایشنامه نویس فرانسوی دارای آثاری چون امید طلاق، اشعار و بسیاری دیگر می باشد .

مولیر ، ژان باپتیست بوکلن Molière, J,B,P .
(۱۶۲۲ – ۱۶۷۳ م)



نمایشنامه نویس معروف فرانسه؛ دارای آثاری چون: مضحکه‌های دقیق ، مکتب شوهران، مکتب زنان، دون ژوان، طبیعت عشق، مردم آزار، ژرژ دندان خسیس، ریاکار و بسیاری دیگر .

میلاك ، هانری Meilhac,H.
(۱۸۳۱ – ۱۸۹۷ م)
نمایشنامه نویس فرانسوی دارای آثاری چون: هلن زیبا، زندگی پاریسیها، دوك کوچك و غیره می باشد .

میللر ، آرتور Miller,A.
(متولد ۱۹۱۵ م)
نمایشنامه نویس آمریکایی ؛ مردی که کاملاً خوشبخت بود، حالت طبیعی ، کانون، مرگ یك فروشنده، چشم اندازی از پل ، خاطره‌ای از دوشنبه ، مجموعهٔ نمایشنامه‌ها ، ناجورها و حادثهٔ درویشی از آثار او است .

وایلد ،اوسکار.
نویسندگان خارجی را به بینید .

ودکیند ، فرانك Wed Kind,F.
(۱۸۶۴ – ۱۹۱۸ م)
نمایشنامه نویس و روزنامه نگار آلمانی ؛ بیداری بهار ، جن ، کاخ و تراشتین وفرانسیسکا ،چهار فصل ازآثار او است .

ورفل ، فرانز Werfel, F .
(۱۸۹۰ – ۱۹۴۵ م)



نویسنده و نمایشنامه نویس اتریشی تحصیلات خود را درپراك، هامبورگ ولایپزیك به انجام رسانید و شاهد جنگ جهانی اول بود اولین اثر او : «دوست جهان» بود آثار دیگر او: «روز داوری» «من و کلنل» و آخرین اثرش «ستارهٔ آنهایی که به دنیا نیامده‌اند» می باشد .

وگا کاروپیو . لوپ فلیکس دو Vega Carpio, L,F.
(۱۵۶۲ – ۱۶۳۵ م)
شاعر و نمایشنامه نویس اسپانیا ، است که بیش از ۴۰۰ نمایشنامه و ۵۰ شعر از او به جا مانده است .

ولز ،درسون.
هنرپیشگان سینما رابه بینید.

وورو سمارتی ، میهالی .
شعرای خارجی را به بینید .

ویس پیانسکی ، استانیلاو Wyspianski,S.
(۱۸۶۹ – ۱۹۰۷ م)



درام نویس و نقاش لهستان، آغاز کار او از نقاشی امپرسیونیسم شروع شد و تابلوهای متعددی در موضوع کتاب **ایلیاد** فراهم آورد و اولین اثر شعری او «**افسانه**» نام دارد .

ویلیامز ، توماس لاینه Williams, T,L.
(متولد ۱۹۱۴ م)



درام نویس آمریکایی معروف به تنسی (Tennessee) ازآثاراو : نمایشنامه‌های «جنگ طلا» «اتوبوسی به نام هوس»، گربه روی شیروانی داغ ، ناگهان تابستان گذشته ، پرندهٔ شیرین جوانی ، تابستان و دود، دوران التفات و بسیاری دیگر قابل ذکراست.

هوپتمان ، گرهارت .
برندگان نوبل ادبی را به بینید.

ییتز ، ویلیام بوتلر .
نویسندگان خارجی را به بینید .

یونسکو ، اوژن Ionesco, E.
(متولد ۱۹۱۲ م)



نمایشنامه نویس فرانسوی ، رومانی الاصل، از یك پدر رومانی و یك مادر فرانسوی به‌وجود آمد.
آثار معروفش: درس ، صندلیها و قربانی، کرگدن ، آمده‌ ،آوازخوان تاس وغیره می‌باشد .

شعرای معلقات عرب

قصاید معلقات

بنا برمشهور، قصاید معلقات شامل ۷ قصیدهٔ خوب زبان عرب است که اعراب به‌آنها ارج فراوان می‌گذاشتند و بردیوار خانهٔ کعبه آویخته بودند. این قصاید اخیراً وسیلهٔ عبدالمحمد آیتی به‌فارسی ترجمه شده‌است.

وسه قصیدهٔ دیگر نیز برآن افزوده شده و گاهی معلقات عشره‌هم می‌گویند.

امرؤالقیس.
(۵۰۰ ـ ۵۴۰ م)

ابوالحارث جندج بن حجر کندی از شاعران عاشق پیشه و غزلسرای دوران جاهلیت ، پدرش امیر بنی‌اسد بود چون کشته شد امرؤالقیس برای انتقام قیام کرد ولی ازمنذر شکست خورد تا عاقبت به‌طرف قیصر روم رفت و او پناهش داد وامارت فلسطین بدو واگذار کرد ولیکن پس ازمدتی به‌مرض آبله درگذشت. دیوان شعرامرؤالقیس، ابتداء در سال ۱۸۷۷ میلادی در پاریس به‌چاپ رسیده است . معروفترین اثر اوقصیدهٔ معلقهٔ اوست که درادبیات عرب مشهورومعروف می‌باشد.

حارث یشکری .

حارث بن‌ظلیم بن‌حلزهٔ یشکری، شاعر معروف روزگار جاهلیت است . از او اشعار بسیار به‌جای مانده‌است، مهمترین و زیباترین اثر او قصیدهٔ معلقهٔ او است که‌آن را درحضور پادشاه حیره عمروبن هند ارتجالاً درجواب عمروبن‌کلثوم سروده ودرآن افتخارات قبیله خودرا گفته است .

قصیدهٔ معلقهٔ او به‌جز جنبهٔ شعری درفن خطابه نیز نمونه‌است. گویند حارث عمری زیاد کرده و ۱۳۵ سال زیسته است .

دیوان وی در سال ۱۹۲۲ میلادی چاپ شده‌است .

زهیر بن ابی‌سلمی.
(۵۳۰ـ۶۲۷ م)

زهیربن‌سلمی مری ، شاعر معروف روزگارجاهلیت ازقبیله‌ای که تماماً شاعر بودند. شاعری پاك نفس وخردمند وصلح‌جو وهمواره‌از ستیزه وجنگ گریزان بود. او هرم بن‌سنان ذبیانی رابه‌خاطرصلح‌دوستی و کوششی که درصلح دوقبیلهٔ عبس وذبیان کرد ستایس گفت وسپاسگزاری کرد.

دراشعار زهیرمضامین حکمت‌آمیز فراوان است تا جایی‌که‌اورا شاعرحکیم خوانده‌اند.

دیوانش نخست به‌سال ۱۸۷۰ درلندن چاپ شده است ، از آثار معروف او قصیدهٔ معلقهٔ‌اوست .

طرفة بن العبد
(۵۴۳ ـ ۵۶۹ م)

طرفة‌بن‌السعید‌بن‌سفیان‌بن‌سعد ، از شاعران معروف‌ونام‌آور روزگارجاهلیت عرب است‌که ازخاندانی شریف وبزرگ بوده‌است. زادگاهش بحرین‌بوده وپس‌از آن‌که‌ثروتش‌را به‌باداسراف‌داده‌وتهیدست گشت ، پیش عمروبن هند پادشاه حیره رفت و به مداحی اوپرداخت، اما پس‌از چندی‌مغضوب‌اوشدو به‌قتل‌رسید. مهمترین اثر او همان اثر معروف (قصیدهٔ طرفه) است .

عمرو بن‌کلثوم ثغلبی.

عمروبن‌کلثوم بن‌مالك ثغلبی ، از شاعران نام‌آور دوران جاهلیت که در پانزده سالگی به‌سرداری‌قوم خود رسید.

عمرو در محاکمهٔ دو قبیلهٔ بکر و ثغلب شرکت‌کرد. این محاکمه درحضور عمروبن‌هند بود، شاعر پس‌از این‌شکست خشمناك از محضر عمروبن هند بیرون آمد، روز بعد عمرو او ومادرش‌را دعوت کرد و به‌مادر خویش‌هندگفت‌که به‌مادر عمروبن کلثوم (لیلی‌دختر مهلهل) از روی اهانت‌کاری فرماید . لیلی در خشم شد وفرزندان خود را به‌حمایت خواست عمروبن‌کلثوم به‌حمایت مادر برخاست و به‌کیفر این بی‌ادبی عمروبن هند را در همان مجلس بکشت واین‌کاربه‌سال ۵۷۰ میلادی واقع شد.

مهمترین اثر عمرو نیز قصیدهٔ‌معلقهٔ او است .

عنترة بن‌شداد عبسی .
(۵۲۵ـ۶۱۵م)

عنترةبن‌شداد عبسی، از سوارکاران و شاعران بزرگ و مشهور عصر جاهلی است .

پدرش ازبزرگان قبیلهٔ بنی‌عبس‌بود ولی‌چون مادرش‌برده‌بود اورا به‌فرزندی نپذیرفت تا روزی‌که قومی‌ازعرب به‌قبیلهٔ آنان تاخت آوردند پدر فریاد زد: ای عنتره حمله‌کن. اوگفت: برده را به‌حمله کردن چه‌کار ؟ پدرگفت« توآزاد هستی» پس خودرا بردشمن‌زد وآنچه برده‌بودند بازگرفت .

عنتره درشعر بسیار نیرومند و در شجاعت سرآمد همگنان‌بود،قصیدهٔ معلقهٔ او که در اثرعشق به‌دختر عمویش عبله به‌وجودآمده مشهورترین اثر او است.

لبیدبن ربیعهٔ عامری.
(فوت ۴۱ ﻫ ق)

ابوعقیل لبیدبن ربیعهٔ عامری، از شاعران‌مشهورعهدجاهلیت‌است،خاندانش از دلاوران و بخشندگان بوده‌اند و او خود این صفات را به‌ارث برده‌است .

لبید پیامبر اسلام را درك‌کرد وبا نمایندگان قبیلهٔ بنی‌عامر پیش پیامبر آمد ومسلمان شد وقرآن را حفظ‌کرد و شعر سرودن راکنار گذاشت وبعدها به‌کوفه رفت ودرآنجا ماند از اودیوانی باقی‌است ومهمترین‌اشعارش قصیدهٔ‌معلقهٔ اوست .

اعشی‌الکبیر ، ابوبصیرمیمون‌بن‌قیس.
(فوت ۶۲۹ میلادی)

از شعرای جاهلیت و از اصحاب معلقات دهگانه‌است.

عبید بن ابرص.
(زنده درقرن ۶ م)

ازشعرای زمان‌جاهلیت وازاصحاب معلقات دهگانه‌است.

نابغهٔ ذبیانی ، ابن‌معاویة‌بن ذباب.
(وفات ۶۰۴م)

ازشعرای‌زمان جاهلیت وازاصحاب معلقات دهگانهٔ عرب‌است .

دستور زبان فارسی

با استفاده از کتاب ادبیات دوره‌های کنکور
تألیف: ظهوری‌واقعی

دستور زبان

آیین درست گفتن و درست نوشتن را دستور زبان گویند.

سخن

مجموعی از کلمات که مقصودی را بیان کند سخن نام دارد.

جمله

کوچکترین صورت سخن را که در آن یك فعل به‌کار رفته باشد جمله گویند مانند:

خدا داناست.
بهار فرارسید.

جمله دوقسم است

جملهٔ اسمی — جملهٔ فعلی

۱ــ **جملهٔ اسمی**: جمله‌ای است که فعل آن از افعال ربطی باشد.
مانند:

جهان ناپایدار است.
نوشیروان دادگر بود
هوا گرم شد (گشت، گردید).

۲ــ **جملهٔ فعلی**: جمله‌ای است که فعل آن از افعال خاص (غیر ربطی) باشد.
مانند: دانش‌آموز درسش را یاد می‌گیرد.

ارکان جمله

هر جمله دو قسمت اصلی دارد (مبتدا ــ خبر).

۱ــ جزء نخست را که اسم است و معمولاً باید در آغاز جمله باشد مسند الیه (مبتدا) ویا (نهاد) گویند.

۲ــ وجزء دوم را که خبر کلام است (گزاره) می‌نامند.

جزء اصلی گزاره **فعل** است و فعل گزاره از سه حال بیرون نیست:

الف ــ اگر فعل گزاره از افعال لازم باشد مسندالیه را فاعل گویند.

حسن — آمد
فاعل — فعل

ب ــ اگر فعل گزاره از افعال متعدی باشد جمله محتاج به مفعول است.

حسن — درسش را — یاد گرفت
فاعل — مفعول — فعل

این نوع مفعول را مفعول صریح یا بی‌واسطه گویند.

ج ــ اگر فعل گزاره از افعال ربطی باشد (بودن ــ شدن) در گزاره غیر از فعل رابطه صفتی ویا چیزی به‌معنی صفت ویا کیفیت وجود دارد که آن را **مسند** خوانند و فعل رابطه **مسند** را به **مسندالیه (نهاد)** ربط وپیوند می‌دهد.

بهار — خوش‌ترین — فصلهاست؛
مسندالیه — مسند — رابطه

جملهٔ اسمی = مسندالیه + مسند + رابطه.
جملهٔ فعلی = فاعل (مسندالیه) + مفعول + فعل

فاعل

اسم ظاهر — ضمیر
ضمیر: بارز — مستتر

الف ــ فاعل ظاهر اسم ویا ضمیری است که قبل از فعل درآید و انجام فعل از او باشد.

ب ــ اگر فاعل صریح نباشد به‌صورت ضمیر است.

فاعل ضمیر:

۱ــ ضمیر بارز: (م.ی.د.یم.ید.ند) در آخر فعل واقع می‌شود.

۲ــ ضمیر مستتر:
در فعل ماضی سوم شخص مفرد ضمیر مستتر (او) فاعل است. درمفرد امر حاضر ضمیر مستتر (تو) فاعل است.
مانند:

۱ ــ خدا انسان را آفرید.
فاعل

۲ــ خدا را شکر کن که نعمت و سلامتت بخشید.

در فعل (شکر کن) ضمیر مستتر (تو) فاعل است. و درفعل (بخشید) ضمیر مستتر (او) فاعل است.

مفعول

مفعول یا متمم خبر (فعل) اسمی است که معنی فعل را تمام می‌کند:

نادرشاه — هندوستان را — فتح کرد.
فاعل — مفعول — فعل

مفعول دو نوع است:

مستقیم بی‌واسطه — غیرمستقیم باواسطه

۱ــ مفعول مستقیم با فعل متعدی می‌آید و معنی جمله را به‌کمال می‌رساند. این مفعول معمولاً درجواب (که را؟) یا (چه را؟) واقع می‌گردد و معمولاً علامت این نوع مفعول حرف نشانهٔ (را) درآخر مفعول می‌باشد.

مثال:

درجملهٔ [من دیدم] که ناتمام است یکی ازدوسؤال ویاهر دوسؤال (که را؟) یا (چه را؟) برای شنونده مطرح می‌شود که برای تکمیل جمله و ساکت‌کردن شنونده می‌توان گفت:

من «دوستم را» دیدم.
من «منارجنبان اصفهان را» دیدم.

۲ــ مفعول باواسطه معمولاً با یکی ازحروف متمم یا اضافه (از ــ به ــ در ــ تا ــ با ــ برای ــ بر) وجزآن همراه است.

حالات اسم

وضع اسم را درجمله حالت اسم گویند. و اسم را چهار حالت است: **فاعلی، مفعولی، اضافی و ندایی**

۱ــ هرگاه اسم درجمله مسند الیه باشد یعنی انجام کاری ویادارا بودن حالت وصفتی را بدان نسبت دهند گویند اسم درحالت فاعلی است.

۲ــ حالت مفعولی: وقتی است که اسم مفعول واقع شود.

۳ــ حالت ندایی: وقتی است که اسم منادا واقع شود وعلامت ندا غالباً الفی است که درآخر اسم وارد می‌شود مانند: خدایا، شهریارا وگاهی هم یکی ازحروف ندا (ای ــ ایا ــ هلا ــ الا) برسر اسم قرار می‌گیرد.

مانند:

ایا **شاه محمود** کشورگشای.

الا یا **خیمگی** خیمه‌فروهل.

ای **مرغ سحر** عشق‌زپروانه‌بیاموز.

۴ــ حالت اضافه: وقتی است که اسم ← مضاف‌الیه ویا متمم اسم دیگر واقع شود و دراین‌صورت اسم اول را مضاف و دوم را مضاف‌الیه گویند وهمیشه‌درآخرمضاف کسره‌ای می‌آورند که حالت اضافه‌ای را بیان می‌کند.

حالات اضافه‌ای

اضافهٔ ملکی (۱)	اضافهٔ تخصیصی (۲)	اضافهٔ بیانی (۳)	اضافهٔ تشبیهی (۴)	اضافهٔ مجازی (۵)	اضافهٔ وصفی (۶)	اضافهٔ نسبی (۷)

←

۱ــ در اضافهٔ ملکی ملکیت‌مضاف نسبت به‌مضاف‌الیه بیان می‌شود مانند: کتاب حسن.

این‌اضافه‌مخصوص‌انسان‌است‌به‌صورت اسم خاص.

۲ــ درترکیب‌اضافی تخصیصی‌مضاف خاص مضاف‌الیه‌است.

مانند: درباغ، پوست شیر.

۳ــ در اضافهٔ‌بیانی مضاف‌الیه‌جنس مادهٔ مضاف ویا نوع‌آن رامعرفی‌می‌کند. مانند: **انگشتری‌طلا ــ عیدنوروز**

(۱) (۲)

که نوع اول را بیانی جنسی و نوع دوم را بیانی توضیحی‌گویند.

۴ــ در اضافهٔ تشبیهی مضاف شبیه مضاف‌الیه‌است‌یا بالعکس‌مانند: **قد سرو ــ سرو قامت**.

نوع‌اول‌را اضافهٔ (مشبه به مشبه‌به) ونوع‌دوم‌رااضافهٔ(مشبه‌به به‌مشبه) گویند.

۵ــ دراضافهٔ مجازی مضاف درمعنی واقعی‌خودبه‌کار نمی‌رود و بطورکنایه و استعاره معنی می‌دهد.

مانند: کمرهمت. دست روزگار.

۶ــ دراضافهٔ وصفی مضاف‌الیه‌صفت وحالت‌مضاف را بیان می‌کند ودر واقع **همان اضافهٔ موصوف به‌صفت است** مانند: هوای خوب.

۷ــ اضافهٔ نسبت(بنوت) دراین‌نوع اضافه اسم فرزند به‌پدر یا اسم به‌لقب اضافه می‌شود.

مانند: نصر احمد سامانی، به‌معنی نصربن احمد ملقب به‌سامانی.

در زبان پارسی قدیم گاهی به‌آخر اسم‌پدرعلامت (ان) می‌افزودند‌مانند: **اردشیر بابکان = اردشیر بابك**.

جمله دوقسم‌است

مستقیم	غیرمستقیم

۱ــ جملهٔ مستقیم(مستوی) جمله‌ای است که ارکان‌آن به‌ترتیب مذکور پیش قرارگرفته‌باشد.

۲ــ جملهٔ غیرمستقیم (مقلوب) جمله‌ای راگویند که ترتیب مستقیم آن به‌هم‌خورده‌باشد.

یك جملهٔ مقلوب:

نشیند غمت درنهانخانهٔ‌دل.

یك جملهٔ مستقیم:

غمت درنهانخانهٔ دل‌نشیند.

جمله چند قسم‌است (از نظرمعنی)

اخباری	امری	تعجبی	پرسشی	تردیدی	شرطی

۱ــ **درجملهٔ خبری**، خبری بیان می‌شود.

مانند: بهارفصل معتدل سال‌است.

۲ــ **درجملهٔ امری**، انجام ویا عدم انجام‌کاری بطور امر وفرمان و یا بطور تمنا وطلب خواسته می‌شود.

مانند:

برای موفقیت‌کارکنید.

ای مرد خدا ره خداگیر.

درجمله های‌امر فعل به‌صورت امر آورده می‌شود.

۳ــ **در جملهٔ تعجبی** حالت شور و هیجان بیان می‌شود خواه این حالت از خوبی حکایت‌کند یا از بدی.

مانند:

چه‌هوای خوبی‌است.

حالت انتظار چه‌رنج‌افزاست.

درجمله‌های تعجبی حالت تعجب با کلمه (چه!) بیان می‌شود.

۴ــ **درجملهٔ پرسشی** ازچیزی‌پرسش می‌شود.

مانند:

که‌گفتت‌برو دست رستم‌ببند؟

کتاب‌گلستان‌تألیف‌کیست؟

جملهٔ پرسشی غالباً محتاج‌پاسخ‌است تا معنی سخن تمام باشد و گاهی جواب پرسش‌برای‌گوینده روشن‌است ولی‌غرض تأکید ویا انکار مقصود است.

تأکیدی مانند؛

مگرآدمی نبودی؟که‌اسیردیوماندی (البته‌که‌آدمی‌بودی‌چرااسیردیوشدی) = تأکیدی.

انکاری مانند؛

تن زنده دل‌گربمیرد چه‌باك؟ (تن زنده دل‌اگربمیرد باکی‌نیست چون‌دلش زنده‌است) = انکاری.

۵ ــ **درجمله‌های** تردیدی(التزامی) وقوع فعل و عدم وقوع آن با تردید و احتمال‌بیان می‌شود.

مانند:

شاید ای دل‌نرسیدیم به‌فردای دگر

کاش می‌آمد و از دورتماشا می‌کرد

باید ای دل سر در این ره باختن

درجمله‌های‌التزامی‌کلماتی که مفید معنی‌التزام (احتمال ــ تأکید ــ تمنا)اند قبل‌ازفعل‌آورده می‌شود.

۶ــ **درجملهٔ شرطی** معنی‌شرط‌به‌کار می‌رود یعنی‌وقوع و عدم‌وقوع‌کاری بر وقوع‌وعدم‌وقوع‌کاری‌دیگروابسته‌است.

مانند:

اگر درس بخوانید. موفق می‌شوید

جملهٔ شرطی همیشه به‌صورت‌ناتمام است چه‌غرض‌اصلی درجملهٔ بعدازشرطی به‌کارمی‌رود واین‌جملهٔ دوم که‌غرض‌اصلی در آن‌به‌کار رفته جملهٔ متمم شرط ویا جملهٔ پایه گویند و جملهٔ شرطی همیشه به‌صورت پیرو متمم وجواب جمله‌است.

تبصره ــ انواع و اقسام جمله از نظرمعنی و وضع متنوع و بسیار است و هرجا با توجه به‌معنای خاصی‌که در آن است می‌توان ازجمله قسمی و نوعی معین کرد مانند: جمله‌های دعایی، ندایی،

تفسیری، معترضه، مؤول و جز آنها.

جمله (از نظر استقلال معنی و ترکیب)

جمله

ساده — مرکب

مستقل(تام) — ناقص

جملهٔ ساده فقط یك فعل در آن به‌کار می‌رود.

واگر چنین جمله‌ای مقصودی‌را تمام بیان کند و شنونده را منتظر متمم کلام نگذارد مستقل است (تام).

مانند : دانا به‌هرکاری تواناست .

واگر جملهٔ ساده مقصودی را تمام بیان نکند وشنونده منتظرمتمم کلام باشد ناقص و ناتمام‌است .

مانند:اگر زباغ رعیت ملك خوردسیبی .

جملهٔ مرکب جمله‌ای است که‌در آن چندفعل به‌کار رفته‌باشد تا مقصودی تمام بیان شود (جملهٔ مرکب ازترکیب‌چند جمله به‌دست می‌آید).

مانند :

هرکس سخن به‌اندیشه گوید هرگز پشیمان‌نشود.

رازی‌که‌نهان خواهی‌باکس درمیان منه .

در درستی راهی‌که انتخاب کرده‌ام تردید ندارم .

اسم

اسم کلمه ای است‌که برای نامیدن به‌کار می‌رود.

مانند : انسان ، سنگ ، خوبی ، نوشتن .

اسم‌را‌از‌نظرهای‌مختلف مورد توجه قرار می‌دهیم.

۱ــ‌اسم: عام — خاص

۲ــ اسم: ذات — معنی

۳ــ‌اسم: معرفه — نکره

۴ــ‌اسم: بسیط — مرکب

۵ــ‌اسم: جامد — مشتق

۶ــ اسم: مفرد — جمع

۱ــ اسم از نظر شمول یا عام است ویا خاص.

الف: اسم‌عام برعموم‌افراد هم‌جنس خود دلالت دارد.

مانند: انسان ، درخت .

ب : اسم خاص برفرد یاافراد معین دلالت دارد.

مانند: حسن، تهران .

۲ــ اسم ازنظر وجود ذاتی یا اسم ذات است ویا اسم معنی.

الف:اسم ذات وجودش وابسته به‌خود ذات است .

مانند: اسب ، سنگ .

ب:اسم‌معنی‌وجودش وابسته به‌موجود دیگری،مانند **هوش** در انسان و **سختی** درسنگ است .

۳ــ اسم‌ازنظر‌تعریف یا معرفه‌است ویا نکره .

الف: اسم‌معرفه برای‌شنونده‌به‌نوعی آشنا ومعین‌است .

ب:اسم‌نکره‌برفرد یا افراد ناآشنا دلالت‌دارد ومعمولاً به(یای) نکره ختم می‌شود ویا اسم مبهم (یکی) برآن مقدم می‌گردد .

مانند: **بیگنهی** نزد **شهی** محتشم
گشت به‌قتل **چوخودی** متهم

ویا : **یکی‌نامه** فرمود نزدیك‌سام
سراسردرود ونوید وخرام

۴ــ اسم از نظر ترکیب و اجزاء کلمه یا مرکب‌است ویا بسیط.

الف : اسم بسیط یك‌کلمه و بدون اجزاء زاید است .

مانند : باغ ،کتاب .

ب : اسم‌مرکب‌ازترکیب چند جزء ویا چندکلمه باهم به‌وجودمی‌آید.

مانند : باغبان ،کتابخانه .

معمولاً‌اسم مرکب به‌صورتهای‌زیر است :

الف ــ ازدواسم مرکب‌است مانند: کتابخانه .

ب ــ از دوفعل مرکب است مانند: گیرودار .

جـ ازدوصفت مرکب‌است مانند : سردوگرم.

د ــ از دو قید مرکب است مانند: چون وچرا.

هـ ــ از دومصدرمرکب‌است مانند: زدوخورد.

وــ ازاسم‌وصفت مرکب‌است مانند: زبان‌بسته .

زــ‌ازصفت واسم مرکب‌است مانند: پریشان خاطر .

ح ــ‌ازاسم ومتمم‌مرکب‌است مانند: تختخواب .

ط ــ‌ازاسم وفعل مرکب‌است مانند: سرباز .

یــ‌ازاسم‌وپساوندمرکب‌است‌مانند: خردمند.

كـ‌ازپیشوند واسم‌مرکب‌است‌مانند: بخرد .

ل ــ‌ازعدد واسم مرکب‌است مانند: چارپا .

م ــ ازقید واسم مرکب‌است مانند: همیشه‌بهار.

ن ــ ازمشبه ومشبه به مرکب‌است مانند : سروقد .

وبطور کلی درترکیب‌اسمهای‌مرکب گاهی دو یا چند اسم وفعل باهم‌ترکیب می‌شوند مانند : شترگاو پلنگ . ویا : سربازخانه ویا :گلابدان .

وگاهی‌اسم‌با متمم‌آن‌با حذف‌کسرهٔ اضافه ویا به‌صورت مقلوب تشکیل اسم مرکب می‌دهد.

مانند: سرمایه وگلاب .

۵ ــ‌اسم‌ازنظراشتقاق یاجامد است ویا مشتق .

الف : اسم جامد ازکلمهٔ دیگر ویا ازفعل‌گرفته‌نشده‌است وگاه‌صورت‌نخستین کلمه باوندها (پیشوند ــ پسوند)ترکیب می‌شود.

مانند : شهر ــ گلزار ــ بخرد ــ نوشتن .

ب : اسم‌مشتق‌ازمصدر یا فعل‌گرفته می‌شود و گاه درصورت نخستین کلمه دگرگونی حاصل می‌گردد.

مانند : دانش ، بینا ،گوینده.

۶ــ اسم‌ازنظر افراد یا مفرد است ویا جمع .

الف : اسم مفرد بریك فرد دلالت دارد.

مانند :کتاب ،کبوتر ، داستانسراــ سربازخانه .

ب : جمع بربیش ازیك‌فرد دلالت دارد .

مانند: کتابها، کبوتران،داستانسرایان، سربازخانه‌ها.

یادآوری: اسم‌هایی که به‌صورت‌مفرد و به‌معنی‌جمع‌اند اسم جمع‌نامیده می‌شوند و درحکم مفردند مانند : طایفه، مردم.

علامت جمع اسم در زبان‌فارسی

در زبان فارسی دوعلامت (ان‌ـها) برای جمع وجود دارد.

الف:علامت(ا ن)برای موجودات زنده (انسان وحیوان).

مانند : پسران ، زنان ، کبوتران، چارپایان .

جان خوکان وسگان از هم جداست
متحد جانهای شیران خداست

ب : علامت (ها) برای موجودات غیرزنده .

مانند :کتابها ، دانشها، برنامه‌ها.

درجمع‌کلمات گاهی برخلاف قاعدهٔ کلی‌هم‌معمول گردیده‌است مثلاً استعمال کلمات : پسرها ، اسبها غلط‌نیست.

و همچنین اختران ، ستارگان ، سخنان ، درختان‌هم صحیح‌است وچنانچه ضرورتی درکارنباشد به‌جای‌آنها اخترها وستاره‌ها و سخنها ودرختها بهتراست .

وهمچنین‌است‌جمع‌بعضی‌ازاندامهای جفت بدن مانند:ابروان ، لبان،چشمان، رخان .

ونادرست است‌که کلمات فارسی را با علامت (ات) جمع‌ببندیم وبگوییم (دهات ، باغات) و نادرست‌تر آنکه علامت جمع(جات) را بکاربریم وبگوییم (نوشتجات ، سبزیجات) واستعمال‌کلمات (پیشنهادات،گمرکات) جزتداول وشیاع عامیانه محملی ندارد.

یادآوری: کلماتی‌که به‌هاء غیرملفوظ ختم می‌شوند درجمع‌آنها به (ان) هاء غیرملفوظ بدل به(گ) می‌شود.

مانند : زندگان ، تشنگان ، آزادگان .

صفت

صفت اسمی‌است‌که حالت وچگونگی اسمی دیگر را بطور روشن یا مبهم ویا با اشاره بیان‌کند .

مانند :

خواهی‌که سخت‌وسست‌جهان‌بر‌تو‌بگذرد.
بگذر ز**عهدسست**و**سخنهای‌سخت**خویش.

کلمات (سست و سخت) درترکیبات (عهد سست و سخنهای سخت) اسمهای (عهد و سخنها) را وصف می‌کند.

بنابراین صفت وابستهٔ اسم و متمم آن است واگرصفت بعداز اسم واقع‌شود کسرهٔ اضافه در آخر موصوف ضرورت دارد . مانند (عهد سست).

۱ــ واگرصفت‌قبل‌ازموصوف درآید ترکیبی‌مقلوب وبدون‌کسرهٔ‌اضافه‌به‌وجود می‌آید .

مانند: سست عهد.

۲ــ صفت همیشه مفرد است مانند: **سخنهای سخت** .

درگذشته‌گاهی صفت را با موصوف مطـابقه می‌دادند مانند : **جوانان کارنادیدگان**.

واگرصفت وموصوف هردوازکلمات عربی‌باشندمطابقهٔ‌آن‌دوباهم مانعی‌ندارد مانند: علمای عظام.

۳ــ و اگر صفت جانشین موصوف گردد و موصوف حذف شود همهٔ احوال موصوف‌را می‌پذیرد.

مانند : بی‌هنران مرهنرمند را نتوانندکه بینند.

اقسام صفات

صفات را از نظرهای مختلف مورد توجه وتقسیم قرار می‌دهیم .

صفات ازنظرمعنی

توصیفی ۱ — عددی ۲ — پرسشی ۳ — اشاره‌ای ۴ — مبهم ۵

۱ــ صفت توصیفی به‌بیان حالت و کیفیت می‌پردازد.

مانند : نیکمردان **آزاده** ــ درختان **سرسبز** .

۲ــ صفت عددی شماره یا مقدار و یا ترتیب موصوف را می‌رساند.

مانند : **دو**کتاب ،کتاب **دوم** .

۳ــ در صفت پرسشی از کیفیت و چگونگی موصوف می‌پرسند.

مانند:**کدام**کتاب؟ **چه**راهی؟

۳ــ با صفت اشاره‌ای به‌موصوف مشارالیه اشاره‌می‌کنند.

مانند: **این**کتاب **آن**کتابها.

۴ ــ صفت مبهم چگونگی‌موصوف‌را بطور نامعین ومبهم بیان می‌کند.

مانند: **چند**کتاب ، **هر** روز.

صفات توصیفی

فاعلی — مفعولی — نسبی

الف :

صفت فاعلی برکنندهٔ‌کار یا دارندهٔ حالت وچگونگی دلالت می‌نماید.

مانند مرد **نویسنده**،پادشاه**ستمکار**.

صفات فاعلی‌را از روی پسوندهای آنها می‌توان شناخت .

پسوندهای صفات فاعلی متعددند و اهم‌آنها عبارتنداز:

۱ــ(نده) درآخر ریشهٔ امر.

مانند:دانده ، بیننده .این‌گونه را **اسم فاعل**گویند.

۲ــ(الف)درآخرریشهٔ امر.

مانند : دانا، بینا،این‌گونه‌را صفت مشبهه‌گویند.

۳ــ (ا ن) درآخر ریشهٔ امر.

مانند:افتان ، دوان، پرسان.

این‌گونه‌را صفات‌حالیه نیزگویند.

۴ــ(ار ،گار ،کار ،گر، مند، ور ، ور . . . .) در آخر ریشهٔ فعل یا اسم مانند : پرستار، خواستار ، پرهیزگار، آفریدگار ، فراموشکار ، آهنکار ، ستمگر،مسگر، خردمند، کارمند، تاجور، نامور، مزدور،رنجور و مانندآن .

این‌گونه صفات مبالغه(زیاده روی وکثرت) و یا پیشه و حرفه و یا تشبیه رامی‌رسانند.

ب:صفت‌مفعولی‌برمفعولیت(حالتی‌که فعل‌برموصوف واقع‌شود)دلالت دارد.

مانند : مرد ستمدیده ، دست شکسته.

صفت مفعولی همان‌اسم مفعول‌افعال است درصورتی‌که صفت واقع شود.

واگر اسم مفعول ازفعل‌لازم ساخته شود برای‌موصوف‌حالت‌فاعلی‌رامی‌رساند نه‌حالت مفعولی را .

مانند: عالم متهاون سوار**خفته**است وعامی متعبد پیادهٔ **رفته** .

صفات(رفته‌وخفته)ازصفات‌فاعلی‌اند

نه‌مفعولی.

ج: صفت نسبی نسبت چیزی را به کسی یا به‌چیزی می‌رساند.

مانند: مرد روستایی، هاون‌سنگی، درچوبی وپسوندهای نسبت عبارتند از:

۱ـ (ی) در آخر اسم مانند: شهری، خانگی، آهنی.

۲ـ (ین) درآخر اسم مانند: سیمین، چوبین، نمکین.

۳ـ (ینه) درآخر اسم مانند: زرینه، پشمینه، فرودینه.

۴ـ (ه) درآخر اسم وعدد مانند: دهه، صده، روزه، هفته.

۵ ـ (گان) در آخر اسم مانند: بازرگان، مهرگان، گروگان، دهگان.

۶ ـ (انه) درآخر اسم مانند: مردانه، جانانه، دیوانه.

اقسام صفت از نظر ترکیب

ساده — مرکب

صفت ساده یك کلمه و بی‌جزء زاید است.

مانند: خوب، بد، زشت، زیبا.

صفت مرکب مانند اسم مرکب از ترکیب چند جزو باهم به‌وجود می‌آید مانند: بخرد، خردمند، گوینده، بینا، فرحبخش.

از نظر اشتقاق

جامد — مشتق

صفت جامد ازکلمهٔ دیگر(مصدر یا فعل) گرفته نشده‌است.

مانند: آسان، چابك، فراخ.

صفت مشتق از مصدر یا فعل و اسم دیگر گرفته می‌شود.

مانند: جوینده، بنده‌نواز، فرحزا.

صفت از نظر سنجش

مطلق — تفضیلی — عالی

۱ـ در صفت مطلق موصوفی بدون مقایسه و سنجش با موصوف دیگر وصف می‌شود مانند: زندگی‌مرفه، جهان‌متغیر، هوای فرحبخش.

۲ـ درصفت تفضیلی (برتر) موصوفی باموصوف دیگر با صفت یا صفات مشترك سنجیده می‌شود.

مانند: روزهای تابستان دراز و گرمتر از روزهای سایرفصلهاست.

۳ـ درصفت عالی (برترین) موصوفی باسایرموصوفها بایك یا چند صفت‌مشترك سنجیده می‌شود.

مانند: روزاول‌زمستان کوتاهترین روزهای سال است.

درصفات (برتر وبرترین) پسوندهای (تر وترین) به‌آخرصفت مطلق آورده می‌شود وبنابراین‌هرموصوف برتردارای موصوف متمم (مفضل منه) است.

مانند:

فصل بهار بهترین فصل‌هاست.

برتر — متمم

به‌نزدیك من صلح بهتر که جنگ

برتر — متمم

صفات مرخم (بریده)

گاهی‌صفات‌فاعلی‌یا مفعولی‌با حذف پسوند فاعلی یا مفعولی‌به‌کارمی‌رود این گونه راصفات مرخم گویند.

مانند:

جنگجو که‌دراصل‌جنگجوینده

فرحبخش » فرحبخشنده

دستپخت » دستپخته بوده‌است.

توجه به جدول زیرکثرت استعمال صفات مرخم راروشن می‌کند:

دلانگیز ـ نده	حقشناس ـ نده	دلپذیر ـ نده	واقع‌بین ـ نده
دادخواه ـ نده	دلارای ـ نده	دلفریب ـ نده	دلربای ـ نده
رنجبر ـ نده	سخنگوی ـ نده ←	دانش‌آموز ـ نده	سخندان ـ نده
		دستپخت ـ ه	نازپرورد ـ ه
		بادآورد ـ ه	پاکزاد ـ ه
		دادخواست ـ ه	خواب‌آلود ـ ه

یادآوری مهم

در تشخیص صفات فاعلی و مفعولی باید به‌معنای وصفی‌کلمه ومورد استعمال آن‌توجه‌کرد وتنهاالتفات‌به‌پسوندها کافی نیست چنانچه کلمات (کردار و گفتار) حاصل مصدرند نه صفت فاعلی‌وهمچنین صفات (گرفتار ومردار) معنی مفعولی می‌دهند نه‌فاعلی‌ونیزصفات‌مرخم (ناشناس ـ نیم‌سوز ـ زهرآمیز ـ دست‌آموز) به‌جای کلمات (ناشناخته ـ نیم‌سوخته ـ زهرآمیخته ـ دست‌آموخته) وبه‌معنای مفعولی بکار رفته‌اند نه‌فاعلی.

ودیگر از روی‌قرینه‌استعمال‌کلمات (دیرکرد ـ بازدید ـ نگاهداشت ـ دستبرد ـ چشمداشت) ومانندآنها مصدر مرخم‌اند نه‌صفت مفعولی.

فعل (کنش)

فعل‌کلمه‌ای است که برواقع‌شدن کاری در زمانی (گذشته ـ حال ـ آینده) دلالت‌نماید.

فعل ازنظرزمان:

فعل ماضی برانجام‌کاری در زمان گذشته دلالت دارد مانند: نوشتم.

فعل‌مضارع برانجام‌کاری در زمان حال‌وآینده دلالت دارد مانند: می‌نویسم.

فعل مستقبل برانجام‌کاری درزمان آینده‌دلالت دارد مانند: خواهم‌نوشت.

فعل ماضی مشهور پنج‌نوع است

ماضی‌مطلق — ماضی‌استمراری — ماضی‌نقلی — ماضی‌بعید — ماضی‌التزامی

۱ـ ماضی‌مطلق (ساده) فعل را درگذشته بطورمطلق بیان می‌کند.

مانند:

چوگوی‌حسن‌درمیدان**فکندند**
به‌یك‌جولان‌دوعالم **رام‌کردند**

۲ـ ماضی‌استمراری، فعل را در گذشته بطورهمیشگی یاتکرار بیان می‌کند.

مانند ..

شکرخنده‌ای‌انگبین **می‌فروخت**
که دلها زشیرینیش **می‌سوخت**

ماضی‌بعید: فعل را درگذشتهٔ دور بیان می‌کند مانند: من این داستان‌را چندسال‌قبل**شنیده بودم.**

و گاهی ماضی بعید برفعلی دیگر از حیث زمان مقدم است و دراین صورت ماضی بعیدراماضی‌مقدم‌هم‌می‌گویند

مانند: گفته بودم چو بیایی
غم‌دل با تو بگویم.
وقتی نوشدارو رسید که
سهراب مرده بود

ماضی التزامی: فعل‌را در گذشته با تردید و
احتمال و یا تأکید و آرزو
بیان می‌کند مانند: امشب
صدای ناله از بیستون نیامد
شاید به‌خواب شیرین فرهاد
رفته‌باشد اگر گفته‌باشد

تردید	شرط
کاش‌خفته‌باشد	باید نوشته‌باشد
آرزو	تأکید

افعال ماضی مشهور پنج نوع است

فعل ماضی مطلق، فعل را در گذشته بطور
مطلق بیان می‌کند. مانند:
بلبل فصیح **گشت** چو بوی بهار **یافت**
گل تازگی **گرفت** چو در بوستان **رسید**

فعل ماضی استمراری، فعل را در گذشته
بطور همیشگی یا تکرار بیان
می‌کند. مانند:
شکرخنده‌ای انگبین **می‌فروخت**
که دلها زشیرینیش **می‌سوخت**

فعل‌ماضی‌نقلی، ازفعل گذشته به‌یکی‌ازدو
صورت‌بیان می‌کند یا ازفعلی
که کاملاً گذشته و آثار آن‌را
درحال بیان می‌کند و یا از
فعلی که در گذشتهٔ نزدیك
واقع شده و آثار آن تاحال
ادامه داشته‌باشد.
مانند:
دوستم به آموزشگاه **رفته‌است**
این‌شاخه‌هارا باد شکسته‌است

طرز ساختن افعال ماضی

ماضی مطلق، مصدر مرخم فعل
موردنظر + ضمایرمتصل فاعلی:
م ــ ی ــ د
یم ــ ید ــ ند

ماضی استمراری، می + ماضی‌مطلق
ماضی‌نقلی، اسم‌مفعول‌فعل‌موردنظر +
ضمایرمخفف ربطی:
ام ــ ای ــ است
ایم ــ اید ــ اند

ماضی‌بعید، اسم‌مفعول‌فعل‌موردنظر +
ماضی‌مطلق فعل (بودن).

ماضی التزامی، اسم مفعول فعل
موردنظر + مضارع مطلق‌فعل (بودن).

تصریف‌افعال ماضی ازمصدر (نوشتن)

ماضی مطلق

نوشت م	نوشت یم
نوشت ی	نوشت ید
نوشت ــ	نوشت ند

ماضی‌استمراری

می‌نوشتم	می‌نوشتیم
می‌نوشتی	می‌نوشتید
می‌نوشت	می‌نوشتند

ماضی‌نقلی

نوشته‌ام	نوشته‌ایم
نوشته‌ای	نوشته‌اید
نوشته‌است	نوشته‌اند

ماضی‌بعید

نوشته بودم	نوشته بودیم
نوشته بودی	نوشته بودید
نوشته بود	نوشته بودند

ماضی‌التزامی

شاید نوشته‌باشم	شاید نوشته‌باشیم
شاید نوشته‌باشی	شاید نوشته‌باشید
شاید نوشته‌باشد	شاید نوشته‌باشند

یادآوری ها

۱ــ درماضی استمراری گاهی برحسب
ضرورت به‌جای علامت استمراری (می)
لفظ (همی) به‌کار می‌برند. مانند:
همی‌کشت وهمی‌گفت ای دریغا
که‌باید کشتن‌وهشتن دراین‌دشت
ودرسابق غالباً به‌جای (می) یای
استمراری به‌آخر فعل به‌کار می‌بردند.
مانند:
درویش بجز بوی طعامش **نشنیدی**
مرغ‌ازپی‌نان‌خوردن اودانه **نچیدی**
بلرزیدی زمین لرزیدنی سخت
که کوه **اندر فتادی** زو به‌گردن
وگاه هردو علامت استمرار در آغاز
وانجام‌فعل باهم به‌کاربرده می‌شوند.
مانند:
گرآنها که می‌**گفتمی** کردمی
نکو سیرت و پارسا بودمی

۲ــ همیشه پیش‌از وجوه التزامی
افعال الفاظی‌که دلالت برشك و تردید یا
شرط و احتمال و آرزو و تأکید می‌نماید
آورده می‌شود.
مانند **شاید** ای‌دل‌ نرسیدیم به‌فردای
دگر (احتمال و تردید).

شود آیا که درمیکده‌ها بگشایند
گره از کار فروبستهٔ ما بگشایند
تا بوکه به‌گوش دل‌پاسخ شنوی زایوان

۳ــ درسابق‌افعال ماضی دیگری‌هم‌به‌کار
می‌رفته‌که اکنون متروك‌اند و درترجمهٔ
زبانهای دیگراین‌افعال‌را به‌نزدیکترین
معنای ماضی‌مرسوم برمی‌گردانند.

ماضی‌های نادرالاستعمال

ماضی نقلی استمراری، می‌نوشته‌ام
ماضی‌ابعد، نوشته‌بوده‌ام (نوشته‌بوده
بودم).
ماضی‌ابعداستمراری، می‌نوشته‌بوده‌ام
ماضی‌ابعد التزامی، شاید نوشته
بوده‌باشم.

فعل آینده درگذشته

کاری‌در گذشته‌دلالت بر آینده‌می‌کند
مانند:
خواستی رفت، می‌خواست رفت،
می‌خواست برود.

ماضی ملموس (درحال جریان)

این‌نوع ماضی فعل‌را درحال‌جریان
بیان می‌کند مانند: **داشتم‌می‌خواندم**،
برف داشت می‌بارید این فعل به‌کمك
فعل‌داشتن تصریف می‌شود.
ماضی ملموس، ماضی مطلق فعل
(داشتن) + ماضی استمراری فعل
منظور.
و مضارع درحال جریان‌هم به‌همین
قیاس است (دارم می‌نویسم ــ برف‌دارد
می‌بارد).
مضارع ملموس، مضارع مطلق فعل
(داشتن) + مضارع‌استمراری‌فعل‌منظور.
البته این‌نوع افعال درحال جریان
فقط درمحاورات مورد استعمال دارد.

فعل مضارع

مضارع برانجام‌کاری درحال‌و آینده
دلالت دارد(شروع‌ازحال‌است)و بر دو قسم
است (مضارع ــ امر).
۱ــ فعل امر برطلب انجام کاری
دلالت دارد و از هرمصدری فعل امری
مسموع ومستعمل‌است ودولفظ دارد(امر
حاضرمفرد ــ امرحاضرجمع).

ازفعل نوشتن
بنویس
بنویسید
ازفعل رفتن
برو
بروید

یادآوری

۱ـ حرف باء (ب) را برسه فعل امر باء تأکید گویند.

۲ـ چون به‌جای باء تأکید نون نفی آورند فعل نهی تشکیل می‌شود (ننویس ـ نرو) وغالباً به‌جای نون نفی حرف (م) می‌آورند (منویس ـ مرو).

فعل مضارع

فعل مضارع برانجام کاری درحال وآینده دلالت دارد (شروع آن از زمان حال است) وبدین‌ترتیب ساخته می‌شود.

فعل‌مضارع ـ ریشهٔ‌امرحاضر + ضمایر متصل فاعلی.

فعل‌مضارع به‌دوصورت به‌کارمی‌رود (مضارع اخباری ـ مضارع‌التزامی).

فعل مضارع‌اخباری‌کاررا بطورقطع و خبر بیان می‌کند و مضارع التزامی به‌طریق‌شك وآرزو.

طرز ساختن فعل مضارع

مضارع مطلق . ریشهٔ امرحاضر + ضمیرمتصل‌فاعلی (م. ی. د. یم. ید. ند).

مضارع مورد استعمال:

مضارع‌اخباری(استمراری)،(می) + مضارع‌مطلق.

مضارع‌التزامی (تردیدی)،(ب) + مضارع‌مطلق.

مانند :

فعل مضارع اخباری از مصدر نوشتن

می‌نویسم	می‌نویسیم
می‌نویسی	می‌نویسید
می‌نویسد	می‌نویسند

فعل مضارع التزامی از مصدر نوشتن

شاید بنویسم	شاید بنویسیم
« بنویسی	« بنویسید
« بنویسد	« بنویسند

فعل مستقبل (آینده)

فعل مستقبل‌برانجام‌کاری درآینده دلالت می‌نماید.

فعل مستقبل

مستقبل قریب = می‌خواهم بنویسم

« بعید = خواهم‌نوشت

طرز ساختن فعل مستقبل

مستقبل قریب = مضارع اخباری فعل خواستن + مضارع التزامی فعل منظور.

مستقبل‌بعید = مضارع مطلق فعل خواستن + مصدر مرخم فعل منظور.

مستقبل‌قریب ازمصدر نوشتن :

می‌خواهم بنویسم

می‌خواهی بنویسی

می‌خواهد بنویسد

مستقبل بعیدازمصدر نوشتن:

خواهم رفت

خواهی رفت

خواهد رفت

وجوه افعال

صورت دستوری و طرزبه‌کاربردن فعل را درجمله وجه‌فعل‌گویند وشش‌وجه رایج است .

وجوه افعال

۱ـ وجه‌اخباری : دراین‌وجه‌فعل‌به‌طریق قطع ویقین بیان خبرمی‌کند . تمام‌فعلهای(ماضی‌مطلق،ماضی نقلی ، ماضی بعید ، مضارع استمراری، مستقبل) بین این وجه‌اند.

۲ـ وجه‌التزامی : دراین‌وجه‌انجام‌فعل مورد تردید و محتمل است افعال (ماضی‌التزامی، مضارع التزامی) بین این وجه‌اند.

۳ـ وجه شرطی : دراین‌وجه انجام ویا عدم انجام فعل بطور مشروط بیان می‌شود و عبارات شرطی همیشه ناتمام‌است وکمال‌معنی آن وابسته به‌بیان جملهٔ متمم است که آن را جواب جملهٔ شرطی گویند.

مانند :

اگرعلم‌بیاموزی	سربلند می‌شوی
جملهٔ شرطی	جملهٔ متمم

۴ـ وجه‌امری : دراین‌وجه‌فعل به‌طریق امر یا نهی‌بیان می‌شود.

مانند : برو کار می‌کن مگو چیست کار ؟

۵ـ وجه وصفی :دراین‌وجه فعل به‌صورت صفت مفعولی به‌کار می‌رود و همیشه مفرد است

مانند : دوستان **خبر نکرده**رفتند .

غم او را به‌جان آورده کشت

۶ـ وجه‌مصدری : دراین‌وجه‌فعل‌به‌صورت مصدربه‌کارمی‌رود.

مانند : جزراست **نبایدگفت**

وهرراست **نشایدگفت** .

یادآوری :

در وجه مصدری زمان فعل و فاعل نامعین است .

۲ـ وجه مصدر همیشه بعداز افعال (شایستن ، بایستن، توانستن، یارستن) به‌کارمی‌رود.

تقسیم فعل ازنظر وابستگی به‌مفعول

فعل‌لازم	فعل‌متعدی

۱ـ در فعل لازم عمل‌فعل از فاعل مقصودی را تمام می‌رساند.

۲ـ درفعل متعدی عمل‌فعل‌ازفاعل گذشته به‌مفعول می‌رسد و بدون مفعول معنی مقصود ناتمام‌است وبه‌عبارت دیگر در فعل متعدی همیشه مفهومی از سؤال (که‌را؟ـ چه را؟)درجمله‌قابل‌طرح‌است.

در جمله‌های [حسن رفت ، آمد ، نشست،ایستاد،افتاد،دوید،خندید،گریست] فاعل وفعل‌جمله‌های کامل‌می‌سازند.

ودرجمله‌های[حسن‌خورد، شکست، نوشت ، دید،آورد ، یادگرفت] هرکدام ناتمام‌اند.

وباآوردن‌مفعول (مفعول‌بی‌واسطه) معنی هرجمله کمال می‌پذیرد.

مانند [حسن‌میوه را خورد، شیشه را شکست ، نامه را نوشت ، رفیقش را دید،کتابش‌راآورد،درسش‌رایادگرفت].

افعال دو وجهی(مطاوعه)

بعضی ازافعال متعدی‌گاهی‌به‌صورت لازم به‌کاربرده می‌شوداین‌گونه افعال‌را دو وجهی‌گویند.

مانند: افعال (شکستن، سوختن ، ریختن) درعبارات شاخهٔ درخت **شکست**، ناگهان بانگی برآمد خانه **سوخت**،آب از قدح **ریخت** «آن سبو بشکست و آن پیمانه ریخت» .

یادآوری : بعضی ازافعال لازم را با افزودن (اندن) یا (انیدن) به‌آخر ریشهٔ امرمتعدی می‌کنند .

مانند : ازنشستن

نشاندن

نشانیدن

از رسیدن

رساندن

رسانیدن

از دویدن

دواندن

دوانیدن

تقسیم فعل از نظر وابستگی به‌فاعل

فعل معلوم — فعل مجهول

۱ـ فعل معلوم به‌فاعل نسبت داده می‌شود یعنی فاعل آن درجمله ذکر می‌گردد.
۲ـ فعل مجهول به‌مفعول نسبت داده می‌شود (درفعل مجهول مفعول مسندالیه جمله‌است) .

باد شیشه را **شکست** (معلوم)
شیشه **شکسته شد** (مجهول)

باید دانست که فعل مجهول ازافعال متعدی ساخته می‌شود وفعل لازم به‌صورت مجهول نمی‌آید.

فعل‌مجهول، اسم مفعول مورد نظر + فعل(شدن) .

ماضی : شد
مضارع : می‌شود
مستقبل : خواهد شد

گاهی درافعال‌مجهول به‌جای‌فعل‌معین (شدن)ازافعال معین (آمدن یا افتادن) (گردیدن یا گشتن) استفاده می‌شود.
مانند :
گفته‌آمد= گفته افتاد= گفته شد

ازمصدر نوشتن :
نوشته شد= ماضی‌مطلق مجهول.
نوشته‌می‌شد= ماضی‌استمراری‌مجهول
نوشته‌شده‌است = ماضی‌نقلی‌مجهول
نوشته‌خواهدشد = مستقبل مجهول
نوشته شده‌بود= ماضی‌بعید مجهول
شاید‌نوشته‌شده‌باشد= ماضی‌التزامی مجهول
اگرنوشته بشود = مضارع التزامی مجهول
نوشته می‌شود = مضارع اخباری مجهول

درفعل مجهول‌گاهی بعضی‌ازمصادر عربی درنقش و معنی صفت مفعولی قرار می‌گیرد.
مانند:
اختیارگردید، ارسال‌شد، اتفاق‌افتاد.

افعال ربطی (اسنادی)

افعال‌مشتق‌از (استن‌به‌معنی‌هستن‌ـ باشیدن ـ بودن ـ شدن ـ گشتن به‌معنی‌شدن ـ گردیدن به‌معنی‌شدن) را این اثر است که حالت وکیفیتی را به‌اسمی‌که آن را مسندالیه‌گویند اسنادمی‌دهند وبدین‌جهت این افعال را رابطهٔ‌اسنادی یا خبرکلام گویند

مانند :
هوا گرم است
« « بود
« « شد
« « گشت
« « گردید

درعبارات مورد مثال فعلی از هوا که (مسندالیه) است سرنزده‌است‌بلکه (گرم استن یا گرم‌شدن) را دربارهٔ هوا حکم‌کرده‌ایم (اخبار واسنادکرده‌ایم).

گاهی فعل **هستن** یا **بودن** ازنتیجهٔ فعل فاعل حکایت می‌کند ودرآن‌صورت فعل‌خاص محسوب می‌شود.
۱ـ خدا داناست (است)
۲ـخدا همه‌جاست(هست)

و غالباًفعل **استن** به‌صورت مخفف (ام . ای. است . ایم. اید . اند) به‌کار می رود .
مانند:
عاقلان نقطهٔ پرکار وجود**ند** ولی
عشق‌داندکه‌دراین‌دایره‌سرگرد**انند**
عهد ما با لب شیرین‌دهنان‌بست‌خدا
ما همه بنده واین قوم خداوند**انند**
لاف عشق‌و‌گله‌ازیار زهی‌لاف‌گزاف
عشق‌بازان چنین مستحق هجر**انند**

افعال‌صیروره(شدن، گردیدن، گشتن)

گاهی صفات و بعضی‌از اسمهایی‌که به‌معنی صفت نزدیکند با فعل (شدن) ترکیب می‌شوند و نوعی‌فعل مرکب ولازم به‌وجودمی‌آورندکه آن را فعل صیروره گویند. مانند:

داناشدن‌ـ خجل‌شدن‌ـ هلاک‌شدن‌ـ بیمارشدن‌ـ سراسیمه‌شدن‌ـ تاریک‌شدن‌ـ غافل‌شدن .
مانند :
۱ـصوفی‌مجلس که وی‌جام‌وقدح‌می‌شکست
باز به‌یک جرعهٔ می**عاقل‌وفرزانه شد**
۲ـ هر که **علم شد** به‌سخا و کرم
بند نشاید که **نهد** بردرم

یادآوری ـ اگر درافعال‌صیروره جزء اول آن صفت مفعولی یا از مصادر متعدی باشد فعل به‌صورت‌مجهول‌است.
مانند: ارسال‌گردید‌ـ کشته‌می‌شود.

فعل دعا

فعل دعا فعلی‌است‌که چیزی‌یاکسی رابه‌دعا یادکنند ویک صیغه بیش ندارد وآن‌هم ازسوم شخص فعل مضارع ساخته می‌شود بدین‌ترتیب:
۱ـ(الفی)بعداز ریشهٔ‌فعل‌درآورند مانند: رحمت‌کناد ـ گزند مرساد.
۲ـ (الفی)درآخرآورند مانند: رحمت‌کندا ـ گزند مرسدا .
۳ـ گاهی هردو (الف)باهم درریشهٔ فعل‌بودن‌آورده می‌شود مانند: مبادا ـ بادا .

فعل‌های معین

فعلهای معین‌فعلهایی هستندکه‌به‌کمک آنهاافعال‌دیگرتصریف می‌شوندوعبارتند از فعلهای : استن (هستن) ، خواستن، بودن ، توانستن ، شایستن ، یارستن ، شدن .
مانند: نوشته‌ام ، خواهم نوشت ، رفته‌بودم، توانم‌گفت ، شاید رفت ، یارد نهفت ، شکسته شد .

فعل از نظر تصریف

تام — ناقص

۱ـ درفعل‌تام‌همهٔ زمانها وصیغه‌های فعل‌به‌کارمی‌رودمانند : نوشتن،خواندن، دیدن .
۲ـ درفعل ناقص جزچند صیغه و زمان‌آن‌به‌کار نمی‌رود.
مانند : بایستن(باید. بایست. بایا)، شایستن (شاید ، شایسته ، شایا، شایان) (یازیدن) به‌معنی (یارستن) ، هستن (استن)ازمصدر اخیرفقط زمان حالش معمول است و در سایر زمانها با فعل (بودن) یا (باشیدن) درهم‌شده وتصریف می‌شود.

مصدر

مصدر اسمی‌است که برکاری دلالت کند وبه‌نشانه‌های (تن ـ دن) ختم شود مانند: نوشتن ، خواندن .

اقسام مصدر

مصدر: اصلی — جعلی
مصدر: بسیط — مرکب

۱ ـ مصدر اصلی دراصل‌مصدر وضع شده‌است .
مانند : رفتن، آمدن .
۲ـ مصدرجعلی در اصل اسم و یا

مصدری عربی است و درآخر آن نشانهٔ (یدن) افزوده شده است مانند: جنگیدن، طلبیدن که دراصل جنگ و طلب بوده است.

۳ــ مصدر بسیط یك کلمه و بدون زایده است

مانند: خوردن، آشامیدن.

۴ــ مصدر مرکب: مصدری مرکب ازچند قسمت است

مانند: نگاه کردن، براه افتادن، برگشتن درمصدرمرکب قسمت آخر همیشه به‌صورت مصدراست و اجزاء پیش‌از آن به‌صورت اسم یا پیشوند و یا ترکیبی از هردوقسمت است مانند (بــ راهــ افتادن) (برــ گشتن).

مصدرمرخم

مصدرمرخم (بریده) مصدری است که نون آخر آن حذف شده باشد مانند: ← نوشت مرخم نوشتن
خواند مرخم خواندن است.

اسم مصدر

اسم مصدر اسمی است که برحاصل و معنای مصدر دلالت کند و عموماً سماعی است و با نشانه‌هایی (پسوندها) شناخته می‌شود.

۱ــ نشانهٔ (شین ماقبل مکسور) درآخر ریشهٔ امر

مانند: بینش، دانش، کوشش، کنش ←

۲ــ نشانهٔ (ار) درآخر مصدرمرخم.

مانند: کردار، گفتار، رفتار، دیدار، کشتار.

۳ــ نشانهٔ (هاء غیرملفوظ) درآخر ریشهٔ امر

مانند: گریه، ناله، مویه، بوسه، پذیره.

۴ــ نشانهٔ (ی) درآخر اسم وصفت.

مانند: مردی، دوستی، بزرگی، بدی.

کنایات

کنایه کلمه‌ای است (اسمی است) که معنیش پوشیده باشد و به‌قرینه روشن گردد.

اقسام کنایات

- ضمیر (۱)
- اسم اشاره (۲)
- موصول (۳)
- اسم مبهم (۴)
- کلمات استفهام (۵)

ضمیر

ضمیر کلمه‌ای است که جانشین اسم ← می‌شود و ازتکرارش جلوگیری می‌نماید.
مانند: فرهاد را دیدم و به‌او گفتم که‌مدارکش را همراه‌خود بیاورد [کلمهٔ م ← در (دیدم و گفتم) به‌جای (من) وکلمات (او. ش. خود. د) به‌جای فرهاد قرار گرفته‌است.

- ضمیر
  - شخصی
    - منفصل
      - فاعلی = من، تو، او / ما، شما، ایشان
      - مفعولی = من را (مرا)، تورا (ترا)، او را / ما را، شمارا، ایشان را [به‌من، ازتو، برای او / ازما، به‌شما، برای آنها]
      - اضافی = کتاب من، فعالیت‌تو، ، ، ،
    - متصل
      - فاعلی = (م. ی. د. یم. ید. ند) درآخر افعال
      - مفعولی = (م. ت. ش. مان. تان. شان) » »
      - اضافی = (م. ت. ش. مان. تان. شان) » اسم
  - اشاره
    - برای نزدیك: این، اینان (اینها)
    - برای دور: آن، آنان (آنها)
  - **مشترك**: خود، خویش، خویشتن = من خود به‌چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود
    - (خود ←) ضمیرمشترك تأکیدی
    - (خویشتن ←) ضمیرمشترك غیرتأکیدی

یادآوری:

۱ــ ضمایر (**ام، ای، است، ایم، اید، اند**) را ضمایرمخفف فعل گویند وبه‌جای (**استم، استی، است، استیم، استید، استند**) به‌کار می‌روند وگاهی با تخفیف بیشتر به‌آخر اسم می‌آیند و نوعی معنی وحاصل فعل ربطی را می‌رساند مانند:

گرچه ما بندگان پادشهیم
پادشاهان ملك صبحگهیم

یادآوری:

۲ــ باتوجه به‌تعریف ضمیرهرکلمه‌ای که به‌جای اسم قرار می‌گیرد ضمیراست خواه به‌صورت اشاره یاپرسش ومبهم باشد وبنابراین کلمات پرسش ومبهمات غالباً درنقش ضمیر درجمله قرار می‌گیرند.

« اسم اشاره »

دوکلمهٔ (این، آن) را اسم اشاره می‌گویند وباآن اسمی را به‌اشارهٔ حسی به‌دور یا نزدیك بیان می‌کنند اسم اشاره درجمله یابه‌صورت صفت است یا ضمیر.

اسم اشاره

صفت اشاره

ضمیر اشاره

الف ــ اگراسم اشاره بااسمی دیگرهمراه باشد صفت است و دراین صورت همیشه به‌صورت مفرد به‌کار می‌رود

مانند:

مطالعهٔ این کتاب را به‌شما توصیه می‌کنم

من آن کتاب را خوانده‌ام.

ب ـ اگر اسم اشاره جانشین اسمی دیگر شود ضمیر است و با مرجع خود در جمع و مفرد مطابقه می‌کند.

مانند:

عام نادان پریشان روزگار
به ز دانشمند ناپرهیزگار
کان به نابینایی از راه اوفتاد
وین دو چشمش بود و در چاه اوفتاد

موصول

کلمه‌ای است که دو قسمت از یک جمله را به‌هم می‌پیوند و دو لفظ بیشتر برای آن نیامده‌است (که ـ چه)

مانند:

۱ـ راهی که انتخاب کرده‌ام ...

۲ـ هرچه را که خواندم ...

غالباً پیش از موصول اسم نکره یا مبهم واقع می‌شود.

یادآوری: (که) موصول را که ضمن یک جمله‌است نباید با (که) ربط اشتباه کرد چه (که) ربط دو جمله را به‌هم می‌پیوندد و بین دو جمله قرار دارد.

مانند: دانش‌آموزان به‌مدرسه رفتند که درس بخوانند.
ربط

(مبهمات)

مبهمات کلماتی هستند که کسی یا چیزی را بطور نامعین و مبهم بیان کند

مانند:

هر کس در اندیشهٔ کار خویش است
کسانی که بد را پسندیده‌اند
فلان را دیدم

مبهمات بر دو دسته‌اند (بسیط ـ مرکب).

۱ـ مبهمات بسیط: هر، کس، همه، فلان، کسی، برخی، بعضی، بس، بسی، چند، اند، بسیار، دیگر، هیچ، وجز اینها.

۲ـ مبهمات مرکب: هر کس، همه کس، هیچ کس، یک‌دیگر، هیچ یک، همین، همان، چنین وجز اینها.

کلمات پرسش (ادوات استفهام)

ادوات استفهام کلماتی هستند که برای پرسش به‌کار می‌روند

مانند: که؟ چه؟ کجا؟ کی؟ کدام؟ چند؟ مگر؟ هیچ؟ چرا؟ چون؟ چسان؟

بعضی از کلمات پرسش در جمله ضمن بیان پرسش معنی انکار را می‌رسانند و این‌گونه ادوات را (پرسش انکاری) گویند مانند:

۱ـ مگر آدمی نبودی که اسیر دیو ماندی؟
(یعنی البته که آدمی بودی چرا اسیر هوای نفس شدی).

۲ـ هرگز این بدان کی ماند؟
(یعنی هرگز این بدان نمی‌ماند)

قید

قید کلمه‌ای است که فعل و یا صفت و یا قید دیگری را به‌چیزی از زمان و یا مکان و یا حالت و جز آن وابسته و مقید می‌سازد. مانند:

دانش‌آموز درسش را خوب یاد گرفت
دوستم بسیار فعال است
سردی هوا خیلی زودتر از موعد پیش‌بینی شده شروع گردید.

قید
مختص — مشترك

۱ـ قید مختص همیشه به‌صورت قید به‌کار می‌رود.

مانند: همیشه، هنوز، هرگز.

هنوزت دل‌ضعیف وجثه خرد است
هنوز از چرخ بیم دستبرد است
ابر اگر آب زندگی بارد
هرگز ازشاخ بید برنخوری

قیود

قیود ازنظر لفظ به‌ساده و مرکب تقسیم می‌شود

۱ـ قید ساده یك کلمه و بدون حرف اضافه است.

۲ـ قید مرکب به‌صورت ترکیب اضافی و یا جمله و یا با حرف اضافه همراه است

مانند:

به زحمت این راه را طی کردم
با دلی فارغ به‌سرای جاوید شتافت
برای تمدید قوا به‌استراحت احتیاج دارم.

قیود از نظر معنی اقسام بسیار دارد که قسمتی از آنها بدین قرار است:

۱ـ قید زمان: پیوسته، گاهی، هنوز، اکنون، شب، فردا.

۲ـ قید مکان: پیش، نزدیك، چپ، راست، بالا، خارج.

۳ـ قید مقدار: چند، اندك، لختی، بیش، افزون.

۴ـ قید علت: چرا، زیرا، از برای، از آن روی.

۵ـ قید تأکید وایجاب: هرآینه، البته، راستی، بس.

۶ـ قید ترتیب: نخست، دوم، سرانجام، پیاپی.

۷ـ قید نفی: نه، هیچ، هرگز.

۸ـ قید کیفیت (چگونگی) آهسته، خوب، عمداً، پیاده.

۹ـ قید استثناء: جز، مگر، الا، غیر.

۱۰ـ قید شرط: هرگاه، هروقت، هرجا.

۱۱ـ قید تکرار: باز، دیگربار، دوباره.

۱۲ـ قید سوگند: به‌خدا، خدارا، برای خدا.

۱۳ـ قید تمنا: کاش، انشاءالله، آیا می‌شود.

۱۴ـ قید تشبیه: چنین، این‌گونه، همانا، بسان.

۱۵ـ قید تردید: پنداری، شاید، مگر، گویا.

۱۶ـ قید استفهام: چرا؟ چطور؟ کی؟ کجا.

عدد

عدد کلمه‌ای است که شماره را بیان کند و چیزی را که شمرده شود معدود گویند.

مانند: چهار سال (چهار را عدد وسال را معدود گویند).

عدد
اصلی — ترتیبی — کسری — توزیعی

۱ـ عدد اصلی مانند یك یا ده،

۲ـ عدد ترتیبی (ترتیب را می‌سازند) یکم، دوم، دهم
یکمین، دهمین

۳ـ عدد کسری (قسمتی از عدد را می‌سازند) مانند: سه یك، چهار یك یا یك‌سوم وسه چهارم.

۴ـ عدد توزیعی (معدود را به مقدار مساوی تقسیم شده بیان می‌کند) مانند: یك‌یك، دوتا دوتا، صدی چهار.

حروف

حروف کلماتی هستند که نسبت بین دو کلمه و یا رابطهٔ دو کلمه یا دو جمله را بیان کند.

حروف

حرف‌متمم‌اضافه   حرف‌ربط   حرف‌نشانه

۱ ـ حرف اضافه (حرف متمم) بـرسر اسم واقع می‌شود و اسم را متمم فعل می‌کند (متمم فعل به‌صورت مفعول بواسطه یاقیداست).

حروف اضافهٔ متمم عبارتند از :
ب ، با ، از ، در ، تـا ، را ، اندر ، نزد، پیش، برای ، بهر ، روی ، زیر ، سوی ، میان ، بی ، جز.

۲ ـ حروف ربط : دوکلمه یـا دو جمله را به‌هم ربط و پیوند می‌دهد و بین دوکلمه یـا دو جمله قرار مـی‌گیرد و مشهورترین آن عبارتنداز:
با ـ و ـ تا ـ یا ـ که ـ پس ـ نه چون ـ چه ـ هم ـ نیز.

۳ ـ حروف نشانه : در آغاز و یا انجام‌کلمه واقع می‌شود یا در معنی آنها دگرگونی می‌دهد.

حروف نشانهٔ مشهور (را) بـرای مفعول (می) برای استمرار (مر) برای تـأکید و حـروف **پیشوند وپسوند و میانوند** وجز آنها .

وندها

وندها حروفی هستندکـه در آغاز یا انـجام‌کلمه واقع می‌شوند و در معنی کلمه‌دگرگونی به‌وجود می‌آورند .

پیشوندهاکه به اول کلمه افـزوده می‌شوند مانند : برافتادن ـ براه‌آمدن ـ آلاله ـ بی‌خرد ـ خرچنگ ـ هماورد

پیشوندهادرآخرکلمه‌می‌آیندمانند : خدایا ـ خردمند ـ مردانه ـ رفته ـ زندگی ـ دانش ـ پیشه‌ور.

اصوات

اصوات یا (آواها) الفاظ وکلماتی هستندکه آواز و صدایی از انسان یـا حیوان وچیزی باشد و برتحسین ،شادی رنج ، تعجب ، تنبیه و یا حیرت وافسوس و بیم وامید دلالت کند.

مانند :

اصوات تحسین: آفرینی ، زه،خوب، بارك‌الله ،حبذا.

اصوات تعجب : وه ، خوشا ، عجب سبحان‌الله ، چه‌خوب

اصوات تحذیر ، زینهار ، مبادا ، امان ، زنهار.

اصوات افسوس: دریغ، وای،آوخ ، اوف ، دریغا.

اصوات تنبیه : هان ، ها ، هلا ، نگر ، هی ، هین .

اصوات امیـد : کاش ، کاشکی ، ای‌کاش.

اصوات آواها مانند : عوعو ، خش‌خش، تق‌تق ،کیش‌کیش،دنگ‌دنگ، واق‌واق و جز آن

کتابهای:

دستورزبان وزبان آموزی‌فارسی

آداب نویسندگی : قدرت‌الله واحدی .
آموزگار فارسی: سیدمحمد صادق‌نشأة.
آدات تشبیه درزبان پارسی : (تشبیه به‌اعتبارادات)، دکترسیدمحمود نشاط .
از اصول فراموش شدهٔ خط فارسی : محموددهناد.
اسم جنس معرفه و نکره، محمدمعین.
اسم‌مصدر ، حاصل‌مصدر : محمدمعین.
اضافه : محمدمعین .
اشرف‌القوانین ، دستور زبان فارسی : سیدعبدالفتاح حسینی‌گلشن آبادی .
اصلاح یاتغییر خط فارسی: (مجلهٔیغما تهران) : مجتبی مینوی.
اصول ادبیات یاخودآموز سیوطی : محمدرضاشالچیان (شمس‌الهدی) .
اصول دستور زبان فارسی (امیر کبیر تهران و مشعل اصفهان) :کمال‌طالقانی.
الفباشناسی: صدرالمعالی آقانورحقیقی خوانساری.
الفبای نویسندگی : مهرداد شوشتری مهرین .
انشاء فارسی : ابوالحسن‌فیاضی.
انشاء ونامه‌نگاری برای‌همه:حسام‌الدین امامی.
انشاء ونویسندگی : ایازحدادی.
آیین‌دبیری : (جلددوم) شرکت‌چاپ و نشرکتاب اصفهان،کمال‌طالقانی.
آیین نگارش : حسین (ادیب‌السلطنه) سمیعی.
اصول‌انشاء : بهرام‌یاری‌اهری.
اصول نامه‌نگاری و انشاء برای همه : فروغی، عنایت‌الله شکیباپور.
انشاء فارسی : ابوالحسن‌فیاضی.
انشاء فارسی : (چطور انشاء بنویسیم) امیرکبیر، رضاایزدی.
انشاء ونامه‌نگاری برای‌عموم: فریدون کار ومحمود کردوانی.
انشاء و نگارشهای نظامی : میرحسین یکرنگیان .
انشاء ونویسندگی : ایازحدادی.
بهترین روش آموزش نگارش : کاظم رجوی.
انقلاب درساده نویسی : علی‌شجاعیان.
پیونددرزبان فارسی(مجلهٔوحیدتهران) خسروفرشیدورد.
تاریخ ادبیات ایران: دکتر ذبیح‌الله‌صفا
تشبیه در زبان‌فارسی (یاتشبیه به‌اعتبار آدات)محمود نشاط.
حالات‌اسم درفارسی امروزی : دکتر عبدالرسول خیام‌پور .
خودآموزدستورزبان فارسی:جعفرنوا.
دانش‌افزا ، (شامل دستورزبان و نکات املایی و انشایی) محسن‌خلیق رضوی.
دانش‌نگارش: یاانشاءونامه‌نگاری‌برای همه ، علی اکبر دلفی ، به اهتمام محمد حسین تسبیحی.
در مکتب‌استاد : سعیدنفیسی.
دستوراملاء : محسن خلیق رضوی.
دستورپارسی‌آموز : عبیدالله‌سهروردی.
دستورجامع زبان‌فارسی: بامقدمه‌ای‌از مجتبی‌مینوی، عبدالرحیم همایون فرخ.
دستورجدید املاء :کمال‌طالقانی‌وحسن قوامی زاده
دستورزبان: عبدالعظیم‌قریب .
دستورزبان : عبدالواسع‌حسینی‌هانسوی.
دستورزبان : جلال الدین احمدجعفری زینبی.

دستورزبان: مهدی‌آذریزدی .
دستور زبان بااسلوب‌السنهٔ مغرب‌زمین. عبدالعظم قریب.
دستور زبان پارسی: در صرف و نحو و املای فارسی، ر. ذوالنور.
دستورزبان‌فارسی: ر.ذوالنور.
دستور زبان‌فارسی : دانشگاه تبریز ، عبدالرسول‌خیامپور.
دستور زبان‌فارسی: رضا دایی‌جواد.
دستور زبان‌فارسی: صادق فردوس.
دستورزبان‌فارسی: عبدالعلی‌کارنك (و دیگران) .
دستور زبان‌فارسی: سهراب‌زندپور.
دستور زبان‌فارسی برای دبیرستانها : (جلداول)اسماعیل‌حاکمی .
دستور زبان‌فارسی وراهنمای تجزیه‌و ترکیب : سیدمحمد رضا دایی‌جواد .
دستور زبان فارسی و روش تجزیه و ترکیب: طاهره‌فرید ودیگران.
دستور زبان‌فارسی و فنون ادبی : عبدالحسین‌سعیدیان
راهنمای دستور زبان‌فارسی برای‌همه: سیدمحمد رضا دایی‌جواد .
دستور زبان‌فارسی یاآیین سخن: کمال طالقانی .
دستورزبان‌کنونی آذربایجان:عبدالعلی کارنگ .
دستورنامه درصرف ونحو زبان‌فارسی: محمد جوادمشکور.
دستور نو : حسن‌ناظمی.
چطور انشاءبنویسیم: جلال‌چوبینه.
چگونه بنویسیم: شریف رحمانی .
خودآموز انشاء : لطف‌الله نمکین.
راه آموختن املای فارسی : فـرامرز برزگر .
راه‌درست‌نوشتن : جمشید وصال.
راهنمای انشاء ونامه‌نگاری : آذینفر.
راهنمای‌نگارش:امیرکبیر،حسین‌نخعی.
راهنمای نویسندگی : (انشاء) علی مدرسی .
راهنمای‌نویسندگی (جلداول‌ـ‌انشاء) ، علی مدرسی
روش‌نویسندگی : اسدالله‌مبشری .
راهنمای دستور زبان فارسی : محمد رضا دایی‌جواد .

راهنمای فرهنگ واصلاح تعلیمات عمومی : علی‌اکبر مشیرسلیمی .
راهنمای گردآوری‌گویش‌ها : ادارهٔ هنرهای زیبای‌کشور،صادق‌کیا.
راهنمای‌نگارش : ابوالقاسم فلاح‌عدل.
رساله درقواعدزبان‌فارسی: حاج‌میرزا عبدالکریم ایروانی‌تبریزی ملاباشی .
زبان آموز فارسی برای بیگانگان : احمدآرام .
زبان‌پاك:(دستورزبان):سیداحمدحسینی کسروی تبریزی .
زبان‌فارسی (دستور) . ابراهیم ادیب‌ـ العلماء .
زبان فارسی و راه توانا گردیدن‌آن : سیداحمد حسینی‌کسروی‌تبریزی.
زبان‌کنونی آذربایجان: دانشگاه‌تبریز ماهیارنوابی.
زبانها‌ولهجه‌های ایرانی:مجلهٔ‌دانشکدهٔ ادبیات،احسان‌یارشاطر.
زنگ‌انشاء : مجیدبدیعی.
زیب سخن در علم بدیع پارسی : دکتر سیدمحمود نشاط .
ساده‌ترین‌راهنمای زبان‌فارسی: اسدالله شهریاری شایان .
ساده‌ترین دستورزبان‌فارسی‌وانگلیسی: جوادشریعت.
شاهنامه ودستور : محمودشفیعی .
صرف ونحو فارسی . وزارت فرهنگ، حسین (ادیب‌السلطنه)سمیعی.
صفوة المصادر : (مصادر فارسی) محمد مصطفی روشن.
طرح جدید دربارهٔ رسم خط‌فارسی : جعفرشعار.
طرح دستورزبان‌فارسی: (معانی‌حروف مفرده) پوران شجیعی .
عربی برای‌فارسی‌یاقواعد عربی‌مستعمل درفارسی : جعفرشعار.
فارسی برای انگلیسی‌زبانان: (دانشگاه تهران) ، منوچهرستوده.
فقطخواندن خطیا بهترین راه مبارزه با بی سوادی : محمود دهناد .
فن‌نگارش یاراهنمای‌انشاء: محمدجعفر محجوب وعلی‌اکبر فرزام‌پور.

فن‌نویسندگی : مهردادمهرین.
قند پارسی دستور زبان : سیف‌الدین محلاتی .
قواعدفارسی:روشنعلی‌جونپوری‌انصاری.
قواعدفارسی درصرف ونحو: (۳جلد) عبدالعظیم‌قریب .
قواعد وضوابط زبان‌فارسی : ملاعبدـ الرشیدحسنی مدنی .
کافنامهٔ دستورزبان : سیداحمد حسینی کسروی تبریزی .
کتاب ادبیات : (از دوره‌های کنکور) ، ناشر امیرکبیر ، تألیف ، محمد حسن ظهوری واقعی .
کلید ادبیات ، درسی : محمودغنی‌زاده سلماسی .
گرامرفارسی:عبدالواسع‌حسینی‌هانسوی.
مفرد وجمع و معرفه ونکره : دانشگاه تهران،محمدمعین.
فرنودسار : ناظم‌الاطباء .
فن‌نگارش یاراهنمای‌انشاء: محمدجعفر محجوب وعلی اکبرفرزام‌پور .
فن‌نویسندگی : مهردادمهرین.
مجلهٔ ادبی سخن : (دوره‌های مختلف) به قلم عده‌ای از زبده ترین نویسندگان معاصر ، زیر نظر دکتر پـرویز ناتل خانلری .
مجلهٔ دانشکده ادبیات : نشریهٔ دانشگاه تهران .
مقدمه برهان قاطع : به قلم دکتر محمد معین .
میراث ایران : ترجمه دکتر محمد معین
مزدیسنا و ادب فارسی : محمد معین .
مقدمهٔ لغت‌نامه دهخدا : به قلم عده‌ای ازاساتید .
نکات‌اساسی‌نامه‌نگاری: ابوالقاسم‌جنتی عطایی.
هنرانشاء و نویسندگی : (جلد دوم) ، حسام‌الدین‌امامی.
هنر نگارش : (مخصوص دبیرستانها) ، هیأت مؤلفین‌تهران.
یگانه راه‌جهت تسهیل املاءکلمات زبان فارسی و نجات‌ازشك و تردید و غلط نویسی: کمال‌الدین بهشتی.

اصطلاحات خارجی در زبان فارسی

Abat-Jour سایه‌گستر چراغ (آباژور)
Abonnement حق اشتراک‌هفتگی (آبونمان)
Académicien وابسته به‌آکادمی (آکادمیسین)
Academie فرهنگستان (آکادمی)
Admiral دریاسالار (ادمیرال)
Agence نمایندگی (آژانس)
بزرگ‌کردن عکس درعکاسی (آگراندیسمان)
Agrandisement
Alamode مطابق‌بامد (آلامد)
Analyse تجزیه و تحلیل (آنالیز)
Analysiation پژوهیدن (آنالیزاسیون)
Anatomie علم تشریح (آناتومی)
Anophéle پشهٔ مالاریا (آنوفل)
Anormal غیر عادی (آنورمال)
Antheropologie مردم شناسی (آنتروپولوژی)
Anthropologie انسان شناسی (انتروپولوژی)
Archéolagie باستانشناسی (آرکئولوژی)
Archives بایگانی (آرشیو)
Arme نشان (آرم)
Art هنر (آرت)
Astronomie ستاره‌شناسی (استرونومی)
Autobiographie اتوبیوگرافی
Automatique خودکار (اتوماتیک)
Avence کمک (آوانس)
Axiologie ارزش شناسی (آکسیولوژی)
Bacteriologie میکروب شناسی (باکتریولوژی)
Banal مبتذل (بانال)
Bilan ترازنامه (بیلان)
Biographie تذکره وشرح‌احوال (بیوگرافی)
Botaniqie گیاه‌شناسی (بوتانیک)
Bourse محل داد وستد (بورس)
Carabine نوعی تفنگ‌کوتاه (کارابین)
Caracterologie خصلت شناسی (کاراکترولوژی)
Cardinal مقامی درکلیسا (کاردینال)
دستگاهی است برای ثبت حرکات قلب
Cardiograph (کاردیوگراف)
Carnaval کاروان شادی (کارناوال)
اتحادیهٔ چند شرکت‌برای تثبیت بهای‌کالا(کارتل)
Cartel
کیفیت تجزیهٔ مواد غذایی در بدن انسان
Catabolisme (کاتابولیسم)
Central مرکزی (سانترال)
Chanceéllerie دبیرخانه (شانسلری)
افراط ومبالغهٔ‌کورکورانه درمیهن ـ
Chavinisme پرستی (شووینیسم)
Choque تکان شدید (شوک)
Cinematique مبحث علم وحرکات (سینماتیک)
Classement طبقه بندی (کلاسمان)
Collection مجموعه (کلکسیون)
Complexe عقده ـ گره (کمپلکس)
Conte عنوانی‌است اشرافی‌درکشور فرانسه (کنت)
Cosmologie جهان شناسی (کسمولوژی)
Critique انتقاد (کریتیک)
Decoration نومید (دکوراژه)
Diabete مرض قند (دیابت)
Dictionnaire فرهنگ (دیکسیونر)
Didactique شعر حکمی (دیداکتیک)
Disciphline انضباط (دیسیپلین)
Douchesse زن‌دوک (دوشس)
Echelle پایه (اشل)
Ecologie شناخت روابط انسان با محیط (اکولوژی)
Economie اقتصاد(اکونومی)
Economique باصرفه (اکونومیک)
Economiste دانشمند اقتصادی (اکونومیست)
Embryologie جنین شناسی (امبریولوژی)
Encyclopédie فرهنگنامه (آنسیکلوپدی)
Endogamie خویش‌آمیزی (اندوگامی)
Emperial شاهنشاهی (امپریال)
Epidémie بیماری مسری(اپیدمی)
Escale بندرگاه (اسکله)
Ethics علم اخلاق (اتیک)
Ethnographie نژاد شناسی (اتنوگرافی)
Etiologie علت شناسی (اتیولوژی)
Exogamie زناشویی بابیگانه (اکسوگامی)
Fantesie تجملی (فانتزی)
بزرگترین رتبهٔ نظامی دربرخی‌ازکشورها
Feldmarechal (فیلد مارشال)
Formule رمز ـ علامت (فرمول)
Genetique علم وراثت (ژنتیک)
Geologie زمین شناسی (ژئولوژی)
Golerie محل آثار نقاشی (گالری)
Gorupe گروه (گروپ)
Halogene نمک‌ساز (هالوژن)
خودکشی و انتحار (گرفته شده ازژاپونی)
Harakiri (هاراکیری)
Heliotherapie درمان به‌وسیلهٔ آفتاب (هلیوتراپی)
Histologie بافت شناسی (هیستولوژی)
عشق به‌هم‌جنس (هوموسکسوآلیسم)
Homosexualisme
تولید برق به‌وسیلهٔ آب (هیدروالکتریک)
Hydroelectrique
معالجه و درمان به وسیلهٔ آب معدنی یا بخار آب
Hydrotherapie (هیدروتراپی)
Hypnotisme خواب مصنوعی وغیرطبیعی(هیپنوتیسم)
Hysterie اختناق رحم (هیستری)
Hysterique کسی‌که به‌بیماری‌هیستری‌مبتلاشده(هیستریک)
Imitation تقلید (امیتاسیون)
Inceste زنا بامحارم (انسست)

Inguisition	دادگاه تفتیش عقاید (انکیزسیون)
Injection	تزریق مایع‌بوسیلهٔسوزن (انژکسیون)
Intime	مهربان وصمیمی (انتیم)
Intrique	تحریك (آنتریك)
Jour	روزنه‌یاشبکه (ژور)
Journal	روزنامه (ژرنال)
Joornalist	روزنامه‌نگار (ژرنالیست)
Jury	هیئت داوران (ژوری)
Logique	منطق (لوژیك)
Magneteisme	مغناطیس (مانیه‌تیسم)
Manie	نوعی بیماری روانی (مانی)
Maquette	نمونه ساختمانی (ماکت)
Marquis	عنوانی است اشرافی (مارکی)
Marquise	زن مارکی (مارکیز)
Matador	گاوباز (ماتادور)
Mathematique	علم‌ریاضی (ماتماتیك)
Maximum	حداکثر (ماکزیموم)
Mediom	واسطه (مدیوم)
Melancolie	یك نوع بیماری روانی(ملانکولی)
Methode	سبك (متد)
Methodologie	شناخت روشهای علوم (متدولوژی)
Minute	پیش نویس (مینوت)
Monopole	انحصاری (مونوپل)
Moujik	دهقان روسی(موژیك)
Mourse	مخابرهٔپیام با حروف واعداد (مورس)
Musicologie	موسیقی شناسی (موزیکولوژی)
Myope	نزدیك‌بین (میوپ)
Mythologie	علم اساطیر (میتولوژی)
Naratif	شعر وصفی (ناراتیف)
Novelle	داستان‌کوتاه (نوول)
Negatif	منفی (نگاتیف)
Neurologie	پی‌شناسی (نورولوژی)
Neverose	بیماری و اختلال عصبی (نوروز)
Nicotine	ماده‌ای‌است سمی‌که دربرگ‌توتون وجوددارد (نیکوتین)
Normal	طبیعی (نرمال)
Paleontologie	دیرین شناسی (پالئون نتولوژی)
Pantheisme	وحدت وجود (پانته ییسم)
Pathologie	روانشناسی مرضی (پاتولوژی)
Pedagogie	علم‌آموزش و تربیت‌کودکان (پداگوژی)
Petrographie	سنگ شناسی (پتروگرافی)
Phenomene	پدیده (فنومن)
Philantropisme	انسان دوستی (فیلانتروپیسم)
Philosophe	دوستدارفلسفه (فیلسوف)
Phonographe	ضبط صوت (فونوگراف)
Phonotque	هنرهای سمعی (فونتیك)
Photographe	عکس (فتوگراف)
Photographie	عکاسی (فوتوگرافی)
Plastique	هنرهای بصری (پلاستیك)
Pointation	نقطه‌گذاری (پوانتاسیون)
Pratique	تکرار و تمرین در عمل (پراتیك)
Prestigie	حیثیت و اعتبار (پرستیژ)
Principe	نظم و ترتیب (پرنسیپ)
Projet	نقشه ، طرح (پروژه)
Psychanalyse	تجزیه و تحلیل روانی (پسیکانالیز)
Psychiatrie	روان پزشکی (پسیکیاتری)
Psychologie	روانشناسی (پسیکولوژی)
Pyste	محل رقص (پیست)
Radioactive	جسمی‌که دارای‌تشعشعات اتمی‌باشد (رادیواکتیو)
Radioactivite	تشعشع اجسامی‌که دارای اثر فیزیکی هستند (رادیواکتیویته)
Radiographie	پرتونگاری (رادیوگرافی)
Radiologie	درمان با اشعهٔ برق (رادیولوژی)
Radioscopie	پرتوبینی (رادیو سکوپی)
Radiotherapie	معالجهٔ با ریون‌ایکس(رادیوتراپی)
Rapport	گزارش (راپرت)
Reaction	سنت‌پرستی(رآکسیون)
Refree	داور (رفری)
Relativite	نسبیت(رلاتیویته)
Religion	مذهب، دین (ریلژیون)
Repertoire	فهرست (رپرتوار)
Repetition	تکرار (رپه تیسیون)
Repression	واپس زدن (رپرسیون)
Resistance	پایداری (رزیستانس)
Resonance	انعکاس و طنین‌صدا (رزنانس)
Sabotage	خرابکاری درکارها بطورعمد (سابوتاژ)
Sanyas	دست کشیدن از حوادث وزندگی (سانیاس)
Scandale	بدنامی(اسکاندال)
Scholastique	اهل مدرسه (اسکول استیك)
Scisophrenie	جنون جوانی (اشیزوفرنی)
Sentimental	آدم‌خوش‌برخورد ومهربان (سانتیمانتال)
Serom	آب خون (سرم)
Serotherapie	درمان باسرم (سرتراپی)
Sociologie	جامعه شناسی (سوسیولوژی)
Sociologiste	جامعه شناسی (سوسیولوژیست)
Somnambolisme	راه‌رفتن درخواب (سمنامبولیسم)
Spiritvalisme	روان‌گرایی (اسپریتوآلیسم)
Stagire	کارآموز (استاژیر)
Standard	نمونه (استاندارد)
Strategie	فن راهنمایی ارتش هنگام جنگ (استراتژی)
Symbole	نشانه (سمبول)
Sympathie	همدردی داشتن (سمپاتی)
Sympathique	دوستدار(سمپاتیك)
Systeme	روش (سیستم)
Tabeau	پرهیز (تابو)
Télépathie	ارتباط‌فکری‌بین دونفرازراه‌دور(تله‌پاتی)
Terebenthine	صمغ درخت‌کاج (تربانتین)
These	پایان نامه(تز)

۱۳۱۲

گیاهان (توتم) Toteme
لقب پادشاهان روسیه (تزار) Tsar
مایه‌کوبی (واکسیناسیون) Vaccinatoin
ارزش واهمیت (والور) Valeur
امضای گذرنامه برای سفر به کشوری معین (ویزا) Visa
رطوبت ناپذیر (واترپروف) Vaterproof
کنگره‌دار (زیگزاک) Zigzag
جانور شناسی (زئولوژی) Zoologia

مکتب‌های ادبی

اکسپرسیونیسم Expressionisme
روشی‌که جهان را ازنظر عواطف‌و احساس می‌نگرد .

اگزیستانسیالیسم Existentialisme
مکتبی فلسفی که به بررسی وجود می‌پردازد ووجودرا پیشرو ماهیت می‌داند ، ژان‌پل**سارتر** ازپیشروان ومبلغین این روش‌است .

اونانیمیسم Unanimisme
روشی‌مبتنی‌به‌تأثیراجتماع درنبوغ و تکامل نیروهای فردی است و در آثار تولستوی ، ویتمن ، گوستاولوبون این روش ملاحظه می‌شود .

پوپولیسم Populisme.
روشی‌مبتنی بربیان‌احساس ورفتار مردم عامی‌وپیروان این‌مکتب کوشیده‌اند توجه خود را فقط به مردم طبقات پایین جامعه‌بکنند .

دادائیسم Dadaisme.
روشی محصول جنگ جهانی اول ، مبتنی برناامیدی ونگرانی وپیروان این مکتب می‌خواهند، ادبیات را از عقل و منطق آزادکنند وانسان را از اخلاق و قوانین اجتماعی نجات دهند . **تزارا** ، الوار **آراگوان**، فیلیپ**سوپو**ازبزرگان این مکتب هستند و ایـن مکتب درسال ۱۹۲۰ به‌عنوان مکتبی‌ضد ادبیات اعلام شد .

رئالیسم Realisme
پیروان این‌مکتب به توصیف تودهٔ مردم ونقاشی‌اجتماع خویش‌باتمام‌واقعیت های‌آن می‌پرداختند ، ودرقرنهای ۱۸ و ۱۹ به‌اوج خودرسیده بود، ازشاهکارهای این مکتب باباگوریو ، اوژنی‌گرانده ، الیورتویست، آرزوهای‌بزرگ ، جنگ وصلح ومادام‌بواری است .

رومانتیسم Romantisme
در این روش، هیچگاه واقعیت‌های خارج توصیف‌نمی‌شود بلکه آن چه باید باشد مورد توجه آنها بود ، هنرمندان این مکتب‌اغلب به اندیشه‌های خودپناه می‌بردند و قهرمانـان شایسته‌ای باهمهٔ مزایای‌انسانی‌می‌ساختند، ویکتورهوگو، شاتوبریان، استاندال، لرمانتوف گروهی از افراد این‌مکتب هستند .

سمبولیسم Symbolisme
شیوه‌ای مبتنی برسه‌اصل ، آهنگ کلام ورمزبیان ، هیجان و استقلال .
واعتقاد براین‌است‌که شعر باید از راه‌آهنگ کلمات‌حالات‌روحی‌واحساسات را که امکان بیان مستقیم آنها نیست به خواننده یاشنونده القاءکند .

سوررئالیسم Surréalisme
بیان وتثبیت تفکر دور از فرمان عقل‌است و رابطه‌ای‌باقوانین زیباشناسی واصول اخلاق‌ندارد واعتقاد براین‌است که‌باید واقعیت‌جامع‌راکه دراعماق‌ضمیر پنهان آدمی است بیرون کشید منشأ این‌مکتب را به شعور مربوط می‌دانند.

فوتوریسم Futurisme
روشی‌مبتنی به‌جنبش‌ها و هیجانات زندگی درعصرکوششهای صنعتی است و نشان دهندهٔزندگی آینده می‌باشد،واضع این‌مکتب مارینتی شاعرایتالیایی است .

کاسموپلیتیسم Cosmopolitisme
روشی مبتنی به اعتقاد به هم‌وطنی مردم‌جهان، والری لاربوو‌پل موران از موجدین این مکتب هستند .

کلاسیسم Classicisme
روشی‌متوجه به‌هنروادب‌روم‌ویونان باستان‌ومتکی براصول‌عقل وحقیقت‌نمایی و خلق اثری دل پسند است ، دورهٔ اوج این‌مکتب قرنهای ۱۶ و ۱۷ بوده‌است.

ناتورالیسم Naturalisme
روشی‌است باتقلید دقیق از طبیعت که‌انسان‌راتا بع‌جبرطبیعت نشان‌می‌دادند، نویسندگانی چون‌امیل‌زولا، ویلیام‌فاکنر ازهواداران‌این‌مکتب‌بودند ودردوره‌ای از قرن ۱۹ به اوج قدرت رسیده است .

ناتوریسم Naturisme
روشی‌مبتنی برتحلیل زندگی،عشق و طبیعت وکار است . اوژن مونفور وسن ژرژ بوبلیه‌ازموجدین این مکتب‌هستند.

وریسم Verisme
روشی مرکب از روشهای رئالیسم و ناتورالیسم‌که پیروان این مکتب عدهٔ زیادی را به عنوان قهرمان در داستان خود واردمی‌کنند ، واضع این،جیووانی **ورگا** است .

جوایز ادبی جهان

ایران

آیین‌نامهٔ مسابقهٔ سلطنتی بهترین کتاب سال.

مادهٔ اول ــ بنیادپهلوی در نوروز هرسال به‌بهترین اثرتصنیف یا تألیف و ترجمه که برطبق این آیین‌نامه شایسته شناخته شودجایزهٔ سلطنتی‌بهترین‌کتاب‌ــ سال اعطا می‌کند .

تبصره ــ تصنیف عبارت از اثـر تحقیقی ابتکاری است که اقتباس از کار دیگران نباشد .

مادهٔ دوم ــ تعداد جوایز سلطنتی بهترین‌کتاب در رشته‌های مختلف‌به‌شرح زیر است :

رشتهٔ علوم وفنون	سه جایزه
رشتهٔ ادبی	دوجایزه یکی برای تحقیقات ادبی ویکی برای تألیف وتصنیف
رشتهٔ‌علوم‌انسانی‌واجتماعی‌وتربیتی	دوجایزه
ترجمه	دوجایزه، یکی برای‌بهترین‌ترجمهٔ علمی و یکی برای بهترین ترجمهٔ ادبی
اطفال ــ نوجوانان	دوجایزه یکی برای بهترین‌تألیف، ویکی‌برای بهترین ترجمه‌که به‌میزان زیر می باشد

تصنیف درجهٔ اول	يك صد هزارريال
تصنیف درجهٔ دوم	هشتاد هزار ریال
تألیف درجهٔ اول	هشتاد هزار ریال
تألیف درجهٔ دوم	پنجاه هزار ریال
ترجمه	پنجاه هزار ریال
تألیف در رشتهٔ اطفال و نوجوانان	سی هزار ریال
ترجمه در رشتهٔ اطفال و نوجوانان	بیست هزار ریال

مادهٔ سوم ـ شرایط شایستگی کتاب برای جایزهٔ سلطنتی به‌قرار زیر است :

الف ـ کتاب به‌زبان فارسی باشد.

ب ـ کتاب برای اولین بار به‌چاپ رسیده وتاریخ چاپ درپشت آن مذکور باشد .

ج ـ در تألیف مؤلف باید فهرست تمام مآخذی‌راکه ازآنها اقتباس کرده با معرفی‌کامل از لحاظ سنه و محل چاپ و صفحه‌یاصفحات مورداقتباس ضمیمهٔ‌کتاب سازد‌به‌علاوه درهرمورد درصفحات‌کتاب نیز به‌موضع مخصوصی‌که از آن استفاده شده ارجاع کامل دهد .

د- درترجمه‌اصل‌کتاب همراه‌باشد.

هـ ـ کتاب منطبق باسایر شرایط و مقررات این آیین‌نامه باشد .

و ـ کتاب از طرف هئیت داوران به‌عنوان بهترین‌کتاب رشتهٔ خود شناخته شود .

ماده‌چهارم ـ بنیاد پهلوی همه‌ساله تاآخرمردادماه به‌وسیلهٔ جراید ورادیو و تلویزیون اعلام می‌داردکه داوطلبان شرکت درمسابقهٔ سلطنتی‌کتاب پنج‌نسخه از آثارخود را اعم ازتصنیف یاتألیف و ترجمه یا تقاضانامه ای مبنی بر شرکت درمسابقهٔ سلطنتی‌کتاب به‌قسمت فرهنگی بنیاد پهلوی ارسال دارند .

تبصره‌ـ کتابهایی‌که برای مسابقه فرستاده می‌شود پس داده‌نمی‌شود.

ماده‌پنجم ـ در هرسال‌کتابهایی در مسابقه شرکت داده می‌شودکه دراثنای سال پیش‌به‌چاپ رسیده باشد وتاریخی‌که به‌عنوان‌چاپ درپشت جلدکتاب ذکرشده معتبر است .

مادهٔ ششم ـ قسمت فرهنگی بنیاد پهلوی همه ساله با تصویب مقام نیابت تولیت هیئت داورانی مرکب از نه‌نفر دعوت خواهد کرد تا در مورد کتابهای رسیده قضاوت نمایند .

تبصره ـ حق‌الزحمهٔ‌داوران‌به‌تناسب زحمات آنان تعیین و پرداخت خواهد شد .

مادهٔ‌هفتم ـ رسیدگی وقضاوت در‌ـ بارهٔ‌کتابهایی‌که برای شرکت درمسابقهٔ سلطنتی‌کتاب به‌قسمت‌فرهنگی‌بنیادپهلوی تسلیم می‌شوند سه مرحله دارد:

مرحلهٔ اول ـ رسیدگی به وجود شرایط‌شرکت در مسابقهٔ سلطنتی‌بهترین کتاب سال ـ دراین مرحله‌هیئت‌داوران فقط‌کتابهایی رابرای رسیدگی درمرحلهٔ دوم‌منظورمی‌دارندکه‌واجدشرایط‌شرکت در مسابقه باشند .

پس از تعیین‌کتابهای واجد شرایط شرکت درمسابقه هیئت داوران‌کتابها را برحسب موضوع‌تقسیم‌بندی‌وسپس به‌موجب موضوع کتابها و تبحر و تخصص اعضای هیئت‌داوری داوران انفرادی‌را انتخاب خواهند نمود .

مرحلهٔ دوم ـ رسیدگی‌به‌ارزش‌علمی کتاب ـ کتابهایی که واجد ارزش علمی و مفید فایده‌ای نباشند یا تازگی نداشته باشد در مرحلهٔ دوم رسیدگی از جریان خارج می‌شود .

این رسیدگی‌چنانکه‌گفته‌شدبه‌وسیلهٔ داوران انفرادی صورت می‌گیرد .

تبصره ـ درصورتی‌که هیئت‌داوران مقتضی بدانند برای رسیدگی به‌بعضی‌از کتابهاکه ازحدود تخصص اعضای هیئت داوران‌خارج‌باشدممکن‌است‌افرادمتخصص و متبحری را برای داوری انتخاب و به‌قسمت‌فرهنگی بنیادپهلوی معرفی‌کنند و پس‌ازتصویب‌قسمت فرهنگی‌ازآنان‌دعوت به‌عمل خواهد آورد . بهرصورت قضاوت در بارهٔ‌کتابها بایدازطرف متخصصان‌امر به‌عمل آید .

مرحلهٔ‌سوم‌ـ سنجش‌کتابها بایك‌دیگر و انتخاب بهترین‌کتاب سال ـ برای‌این امرهیئت داوران درجلسهٔ مشورتی نظر خواهند داد،کتابی برندهٔ جایزهٔ‌سلطنتی بهترین‌کتاب سال است‌که در شورای نه نفری هیئت داوران حداقل پنج نفر به آن رأی داده باشند .

مادهٔ‌هشتم‌ـ فرمان جایزهٔ‌سلطنتی‌بهترین کتاب سال برحسب استدعای بنیادپهلوی ازطرف قرین‌الشرف بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در نوروز به برندهٔ جایزه اعطا خواهد شد .

مادهٔ نهم ـ این آیین نامه مشتمل بر نه ماده وچهار تبصره‌از تاریخ‌تصویب به‌معرض اجراگذارده‌می‌شودو آیین‌نامه‌ـ های سابق لغو می‌شود .

آمریکا

جایزهٔ پولیتزر

بانی این جایزه جـوزف پولیتزر (Pulitzer,J)(۱۸۴۷ـ ۱۹۱۱م) ناشر يك روزنامهٔ آمریکایی بود ، از ایـن شخص دو ملیون دولار سرمایه به‌جاماند که‌دراختیاردانشگاه‌کولومبیاقرارگرفت تا ازسودآن‌همه ساله جوایزرابپردازند.

چگونگی توزیع جوایز پولیتزر : رییس‌دانشگاه‌کولومبیا هرسال،ازعده‌ای روزنامه‌نگار ، نویسنده، منتقد وموسیقی دان دعوت می‌کند تادربارهٔ آثار هنری جالب آن‌سال نظربدهند، وبه‌اثرانتخاب شده جایزه تعلق می‌گیرد .

تعداد جوایز و مقدار آنها :

الف‌ـ۸جایزه‌به‌اموررروزنامه‌نگاری دررشته‌های‌مختلف‌زیر:خبرنگاری‌عمومی، گزارشهای عمومی، گزارشهای تلگرافی داخلی، گزارشهای تلگرافی‌بین‌المللی، گزارشهای‌داخلی ،گزارشهای مخصوص، خبرنگاری‌بین‌المللی ، ابتکار درروزنامه نگاری، نوشته‌هـای مربوط به‌سردبیر ، کاریکاتور،عکاسی،تاریخ‌نویسی‌روزنامه‌های سرویس عمومی .

ب ـ يك جایزه برای موسیقی.

ج ـ۵جایزه‌برای رشته‌های مختلف ادبیات مانند : داستان ، نوول ، رمان، درام ، تاریخ ، بیوگرافی ، شعر و اتوـ بیوگرافی .

انگلستان

I ـ جایزه‌های یادبود جیمز تیت‌بلاك (Black , J , T)

بانی این جایزه خانم جانت کوتز بلاك‌بودکه به‌یاد شوهرش (یکی‌ازشرکای

مؤسسهٔ انتشارات بلاك) آن را مقرر کرده خانم بلاك مبلغ یازده‌هزار لیرهٔ انگلیسی را در اختیار هیئت امنـای دانشگاه **ادینبورگ اولدکالج** قرارداد تا از سود سالانهٔ آن به دونفر درسال جایزه اعطا گردد .

انتخاب کننده‌ها : استاد ادبیات انگلیسی دانشگاه ادینبورگ و درشرایط نامناسب استاد ادبیات انگلیسی **دانشگاه گلاسگو.**

انتخاب شونده ها : نویسندهٔ بهترین نوول و بهترین بیوگراف نویس.

II ـ **جایزهٔ ادبیات روزمری کراشی** (Roze Mary Crashay)

بانی این جایزه **خانم روزمری کراشی** است که اصل مبلغ را دراختیار هیئت امنا قرارداد وازصندوق مخصوص آن هرسال به صوابدید شورای آکادمی بریتانیا به یك زن (از هر ملیت) که راجع به ادبیات انگلیسی کتاب نوشته باشد (چاپ کتاب سه سال قبل از تاریخ توزیع جایزه باشد) مبلغ صدلیره اعطا می کنند(در وصیت قیدشده بود که اثر مربوط به آثار ادبی شاعران ، بایرون ، شلی و کیتز باشد مقدم است) و درآغاز کار منحصراً به نویسندگانی جایزه می‌دادند که راجع به سه شاعر ذکر شده یا آثارشان چیز نوشته باشند . ولی بعدها تعمیم داده شد .

II **جایزهٔ انجمن ملی کتاب و کافه‌رویال.**

مناسبت ایـن جایزه ، نودمین سال پیوستگی کافه رویال به هنرها بود .

این جایزه با نظارت آکادمی بریتانیا بین یك برندهٔ اول و چند برندهٔ دوم، برای بهترین اثری (موضوع اثر هرسال تغییر می کرد) که در یك رشتهٔ خاص نوشته‌اند ، این جایزه را دریافت می کنند اثر باید ۵ سال قبل ازسال توزیع جایزه چاپ‌شده‌باشد و توزیع این جایزه دوسال بیشتر طول نکشید وقطع شد .

IV ـ **جایزهٔ یادبود داف کوپر** (Copper, D)

بانیان این جایزه دوستداران کوپر (اولین سرپرست نیوکالج آکسفورد) بودند که مبلغی درصندوقی جمع کردند وسود آن را به داوری سرپرست نیو کالج آکسفورد و سه داور دیگر(هر ۵ سال یك بار عوض می‌شوند) و با نظارت آکادمی بریتانیا، به بهترین اثر ادبی می‌دهند که به زبان انگلیسی یا فرانسوی منتشر شده باشد .

V ـ **جایزهٔ شعر ویلیام فویل** (Foyle, W, A)

بانی این جایزه فویل مدیر **شرکت کتاب** و مبلغ جایزه ۲۵۰ لیره و برندهٔ بهترین کتاب شعرمنتشره درانگلستان است .

انتخاب بهترین کتاب شعر به عهدهٔ آکادمی بریتانیا است .

VI ـ **جایزهٔ ادبی هاثورندن** Hawthornden

بانی این جایزه میس آلیس **وارندر** Warrender, A و مبلغ جایزه صدلیره همراه یك مدال نقره ، است که به بهترین نویسندهٔ کمتر از ۴۰ سال داده‌می‌شود .

VII ـ **جایزهٔ سامرست موام** Mougham, S .

بانی این جایزه سامرست **موام** و ادارهٔ آن به‌عهدهٔ انجمن نویسندگان و جایزهٔ آن ۵۰۰ لیرهٔ انگلیسی است که فقط به برندگان کمتر از ۳۵ سال داده می‌شود که مبلغ مذکور را برای مسافرت خارج از کشور (حداقل سه ماه) مصرف کنند .

VII ـ **جایزهٔ نیودیگیت .**

بانی جایزه ، سرروجر نیودیگیت (Newdigate, R) نمایندهٔ مجلس از دانشگاه آکسفورد(۱۷۵۰ ــ ۱۷۸۰م) بود طبق وصیت او ، مبلغ ۱۰۰۰ لیره به این کار واگذارشد که سودسالانه‌اش را (۲۱ لیره) به یکی از اعضای آکسفورد اعطا کنند به شرطی که شعری حداکثر با ۵۰ مصراع در زمینهٔ آثار معماری ، پیکر سازی، نقاشی یونان و روم باستان سروده باشد .

وراث نیودیگیت موافقت کردند که شعر ۳۰ مصراع باشد و موضوع شعرهم قبلاً تعیین گردد .

این جایزه به داوری سه‌نفر و بـا نظارت آکادمی بریتانیا پرداخت می‌شود.

IX ـ **جایزهٔ یادبود لولین رایس .**

بانی جایزه همسر لولین رایس ، و مبلغ جایزه ازمحل جایزه‌ای تأمین شد که کتاب **رایس** (انگلستان دهکدهٔ من است) برندهٔ آن شد.

(جایزهٔ هاثورندن).

برندگان باید کمتر از ۳۰ سال داشته باشند و کتابها باید قبل از پایان سال انتشار فرستاده شود و مبلغ جایزه ۵۰ لیره است .

در اعطای این جایزه انجمن ملی کتاب وآکادمی بریتانیا نظارت دارد .

X ـ **جایزهٔ انجمن سلطنتی ادبیات .**

بـانی این جایزه ویلیام **هیمان** (Heimemann) ناشرانگلیسی وازسال ۱۹۴۴ گذاشته شد .

این جایزه دوبرنده دارد که به هر یـك صدلیره می‌دهند اثر برنده باید انگلیسی و بیشتر مربوط به نقد ادبی و شعر شرح‌احوال بزرگان و تاریخ باشد .

انجام این مسابقه با نظارت انجمن سلطنتی ادبیات صورت می گیرد .

XI ـ **جایزهٔ ادبی اسمیت و پسر.**

بانی جایزه ، **شرکت اسمیت و پسر** برای بزرگداشت نویسندگان کشورهای مشترك المنافع است. شرایط قبولی، آن است که کتاب بزبان انگلیسی بوده و درخود انگلستان منتشرشود و مهمترین خدمت را به ادبیات بنماید .

کتابهای مسابقه باید دوسال قبل از توزیع جوایز چاپ شده باشد و هر نویسنده فقط یك بار شانس موفقیت دارد .

XII ـ **مدال کارنگی**

ابتکار مدال مربوط به انجمن کتابخانه هااست و به برندهٔ بهترین کتاب کودکان اعطا می‌شود .

XIII ـ **مدال کیت گرینوی.**

ابتکار اعطای این نیز بـا انجمن کتابخانه‌ها است که بـه نقاشی بهترین تصاویری که در کتابهای کودکان برای فهم بیشتر مطلب آمده داده می‌شود .

اتحاد جماهیر شوروی

جوایز لنین.

جوایز لنین هرساله به‌خاطر برجسته‌ترین آثار ادبی وهنری وروزنامه‌نگاری ومقاله نویسی که بین‌مردم محبوبیت وشهرت زیادی کسب کرده اعطا می‌شود.

از ۵۰ جایزهٔ لنین کـه هرکدام ۷۵۰۰۰ روبل (معادل ۸۴۰۰ دولار) می‌باشد ، ۱۳ جایزه به رشته‌های علمی و۱۳ جایزه به فنون و۸ جایزه به‌ادبیات وهنر و۱۳ جایزه به‌صلح تعلق می گیرد.

چگونگی اعطای جایزه:دو کمیتهٔ مخصوص که درجنب شورای وزیران اتحادجماهیر شوروی تأسیس‌شده‌اند برای مدت‌سه‌سال ازطرف دولت تعیین می‌شوند، کمیتهٔ علوم وفنون، کمیتهٔ ادبیات وهنر.

درکمیتهٔ علـوم وفنون ۱۲۱ نفر عضویت دارند ورییس‌فرهنگستان رییس کمیته‌ووزیرتعلیمات‌عالیه‌معاون‌آن‌است.

درکمیتهٔ ادبـیات وهنر ۱۰۸ نفر عضویت دارند تصمیم دوکمیته دربـارهٔ اعطای‌جوایز باراًی مخفی و با اکثریت سه‌چهارم آرا به‌تصویب می‌رسد .

جلسات کمیته وقتی رسمی است‌که دوسوم اعضاحاضر باشند .

تصمیمات‌کمیته در ۲۱آوریل روز تولدلنین درمطبوعات منتشرمی‌گردد .

فرانسه

I ــ **جایزهٔ‌ادبی‌نوبل** .

بانی‌این‌جایزه آلفرد‌برنهارد‌نوبل (Nobel, A, B) (به‌علمای شیمی‌مراجعه شود) . درسال ۱۸۹۶ درگذشت ، طبق وصیت او ۳۱ ملیون‌کرون سوئدکه‌از اوبه‌جا مانده‌بود ، بایدبه‌صورت وجه‌نقد درآید ، به‌عنوان سرمایه به‌کارانداخته شود و از سود آن ، جوایزی به کسانی داده‌شود‌که منشأخیر وفایده‌برای بشریت بوده‌اند .

گروه برندگان به ۵ دسته تقسیم می‌شوند .

۱ ــعلمای‌فیزیك ، (به‌بخش‌فیزیك مراجعه شود) .

۲ ــ علمای‌شیمی ، (به بخش شیمی مراجعهٔ شود) .

۳ــ اطبا و علمای طبیعی (به بخش طبیعی مراجعه شود)

۴ ــ ادیبان وشاعران(دراین‌بخش می‌آید) .

۵ ــ جایزهٔ صلح .

انجام‌وصیت‌نوبل‌به‌عهدهٔ‌نمایندگان ایالات‌پادشاهی سوئد ونروژ(درآن‌موقع کشور واحدی‌بودند) ، واگذارشده‌بود . که‌آکادمی علوم‌سلطنتی (برای فیزیك و شیمی) ومؤسسهٔ‌طبی‌سلطنتی‌کارولین(برای طب) اکادمی سلطنتی‌سوئد(برای‌ادبیات) و کمیتهٔ نروژی نوبل (برای صلح)بـا نمایندگان همکاری می‌کنند .

معرفین وپیشنهاد دهندگان بـرای جوایزنوبل :

۱ــ برندگان قبلی‌جوایز (در رشتهٔ خود) .

۲ ــ اعضای هیئت امنا .

۳ ــ اعضای‌کمیتهٔ نروژی‌نوبل ،

۴ــپروفسورهای برجستهٔ‌دانشگاه.

۵ ــ ناشران ، آثار نامزدها (در مورد ادبیات) .

۶ ــ اعضای مجلس (برای‌صلح).

۷ ــ افرادکابینه (برای‌صلح).

II ــ **جایزهٔ‌بزرگ‌ادبیات آکادمی.**

مبتکر جایزهٔ‌آکادمی فرانسه ، (از سال ۱۹۱۲ م) برندهٔ مسابقه شاعر یـا نویسنده‌ای‌است‌که‌یك‌یاچنداثرفوق‌العاده به‌سبکی عالی منتشرکرده باشد. درآغاز مبلغ جایزه ۱۰ هزار فرانك بود ولی اکنون ۵۰۰ هزار فرانك می‌باشد .

III ــ **جایزهٔ رومان‌آکادمی**

مبتکرجایزهٔ آکادمی فرانسه ، (از سال۱۹۱۵م)،مبلغ‌جایزه درآغاز۵هزار فرانك اکنون ۳۰۰ هزار فرانك‌است ، برندگان ازبین بهترین رومان‌نویسها با عالیترین اثر تخیلی انتخاب می‌شوند .

IV ــ **جایزهٔ‌ترجمهٔ دنیس‌کلروئن‌آکادمی فرانسه**

آکادمی فرانسه ، این جایزه را به یادبود دنیس**کلروئه** مترجم ممتاز ادبی نامگذاری‌کرد.

این‌جایزه‌مخصوص ترجمه‌هایی است کـه از زبان انگلیسی به فرانسه انجام می‌گیرد، وهردوسال یك‌بار ومبلغ‌جایزه ۵۰ هزارفرانك‌است، اخیراً به‌ترجمه‌های فرانسه‌به‌انگلیسی‌هم(به‌داوری‌کمیتهٔ‌مختلط انگلیسی‌وآمریکایی)جایزه‌تعلق‌می‌گیرد.

V ــ **جایزهٔ فمینا** (Femina)

آغازاین‌مسابقه از۱۹۰۴ وبانیان آن‌گروهی از زنان‌نویسندهٔ فرانسوی به کمك مجله‌های فمینا ، وی هورور و وی پراتیك‌بودند. مبلغ‌جایزه ۵هزارفرانك وموضوع مسابقه‌بهترین‌کتاب رومـان و داستان که نشان دهندهٔ آیندهٔ درخشان نویسنده‌اش باشد .

VI ــ **جایزهٔ‌گنکور**.

بانی‌ایـن جایزه ژول وادموند دو گنکور (مؤسسان مکتب امپرسیونیسم‌در داستان‌نویسی) بودند .

جایزه به‌بهترین اثر داستانی داده می‌شود‌که نشان دهندهٔ استعداد و جوانی وشهامت باشد ، ۱۰ نفراز بزرگان‌ادب در این‌مسابقه رأی می‌دهند . (برندگان جوایز‌گنکوررادرپایان‌جوایزنوبل‌به‌بینید).

VII ــ **جایزهٔ انترالیه**.

درسال ۱۹۳۰ به ابتکار روزنامه‌نگاران این مسابقه‌گذاشته شد و هرسال یك‌هفته بعداز مسابقهٔ‌گنکور ، به‌بهترین رومان‌که‌مضمونی‌جهانی داشته‌باشدجایزهٔ انترالیه تعلق می‌گیرد .

VIII ــ **جایزهٔ‌فلسفی‌وعلمی‌پی‌یرکنت‌دونوی**

بانی این مسابقه **دونوی** (در سال ۱۹۵۳ م) بوده ، موضوع‌مسابقه بهترین اثرفلسفی یاعلمی ویـا ترجمهٔ شرح‌حال است (که در دفاع ازعظمت انسان‌نوشته شده‌باشد) مبلغ‌جایزه ۵۰۰ دولار و یك مدال نقره‌است .

این‌جایزه یك‌سال‌درپاریس به‌کتابی‌که به زبان‌فرانسوی نوشته شده ودرفرانسه منتشرشده باشد ویك سال در نیویورك ، برای‌کتابی‌کـه در انگلستان یا ایالات متحده منتشر شده‌باشد اعطامی‌گردد .

IX ــ **جایزهٔ تئوفراست ره‌نودو**.

بانی ایـن جایزه روزنامه‌نگاران فرانسوی(درسال ۱۹۲۵ م) به‌یاد**ره‌نودو** پدرمطبوعات فرانسه‌بنیاد نهادند .

جایزه رابه‌کسی‌می‌دهندکه به‌عقیدهٔ آنهاصلاحیت‌دریافت‌جایزهٔ‌گنکوریافمینا را داشته‌است . برنده می‌تواندازفروش ۵۰ هزارنسخه ازکتاب خودبهره ببرد .

X ــ **جایزهٔ‌برژه** (Berger,j,j)

جایزه‌ای‌که‌تحت‌نظارت‌آکادمی‌فرانسه وبه بهترین‌کتاب مربوط به پاریس اعطا می‌گردد .

XI ــ **جایزهٔ بروکت‌گونن**

(Broquette ــ Conin)

جایزه‌ای‌که بانظارت‌آکادمی‌فرانسه به‌شاهکارهای ادبی‌که نشان دهندهٔ عالی عشق به‌نیکی به‌حقیقت وبه‌زیبایی‌باشد.

XII ــ **جایزهٔ‌گوبرت** (Gobert)

جایزه‌ای بانظارت آکادمی فرانسه به بهترین‌کتاب مربوط به تاریخ فرانسه اعطا می‌شود :

XIII ــ**جایزهٔ‌پررو**(Perrot)

جایزه‌ای به بهترین اثر در زمینهٔ تحقیقات زبان و ادبیات‌لاتین وباستان‌شناسی روم .

XIV ــ **جایزهٔ ماسپرو** (Maspero)

جایزه‌ای‌برای‌تحقیقات‌درزمینهٔ‌آثار مصروکلده، تحت‌نظارت‌آکادمی فرانسه .

XV ــ **جایزه‌پیو** (Piot)

جایزه‌ای‌تحت‌نظارت‌آکادمی‌فرانسه به‌بهترین تحقیقات باستان‌شناسی .

XVI ــ **جایزهٔ‌گارنیه** (Garnier)

جـایزه‌ای تـحت نظارت آکادمی فرانسه ، برای‌بهترین رسالهٔ علمی .

برندگان جوایز سلطنتی ایران


دکترحسین کریمان


علی‌محمدافغانی


حسن‌صفاری


دکترعلی‌زرگری


دکترهوشنگ دولت‌آبادی


سید صدرالدین بلاغی

برندگان جوایز سلطنتی سال ۱۳۳۲

نام مؤلف یامترجم	نام کتاب
رشتهٔ ادبی	
۱ ـ محمد**حجازی** (مطیع‌الدوله)	سرشك وپروانه
۲ ـ زین‌العابدین **مؤتمن**	شعر و ادب فارسی
۳ ـ شجاع‌الدین **شفا**	ایران‌در ادبیات‌فرانسه ـ (جلداول‌ایران‌ادبیات‌جهان)
رشتهٔ علمی	
۴ ـ دکترعلی **زرگری**	گیاهان دارویی ایران در ۳ جلد
۵ ـ علی‌اکبر **نوزاد**	جلداول شرکتهای تعاونی وبانك برای کشاورزان
۶ـ ربیع مشفق **همدانی**	روانشناسی برای همه
رشتهٔ اجتماعی	
۷ ـ محمدحسین **طباطبائی**	فلسفه و روش رئالیسم
۸ ـ محمدصالح **بوسعیدی**	خانواده و تربیت اولاد
۹ ـ علی‌اکبر **کسمائی**	آیین‌کامیابی
رشتهٔ تاریخ وجغرافیا	
۱۰ ـ دکتر ذبیح‌الله **صفا**	تاریخ ادبیات ایران
۱۱ ـ مهندس خانبابا **ایروانی**	نقشه‌برداری هوایی

برندگان جوایزسلطنتی سال ۱۳۳۳

نام مؤلف یامترجم	نام کتاب
رشتهٔ ادبی	
۱ ـ پروفسور منوچهر **وارسته**	آموزش زبانهای خارجی
۲ ـ عباس یمینی **شریف**	بازی باالفبا
۳ ـ علی پاشا **صالح**	تاریخ ادبی ایران
رشتهٔ علمی	
۴ ـ مرحوم‌دکتر محمدحسن **مافی**	بهداشت تغذیه
۵ـ احمد**بیرشك**	سرگذشت علم
رشتهٔ اجتماعی	
۶ ـ ناصرمکارم **شیرازی**	فیلسوف نماها
۷ ـ دکتر بهاءالدین **پازارگاد**	تاریخ فلسفهٔ سیاسی
۸ ـ احمد **سعیدی**	چرا اطفال‌بداخلاق بارمی‌آیند
رشتهٔ تاریخ و جغرافیا	
۹ ـ سرلشکر غلامحسین **مقتدر**	کلید خلیج فارس
۱۰ ـ علی **جواهرکلام**	تاریخ تمدن اسلام
۱۱ ـ دکتر تقی **بهرامی**	جغرافیای کشاورزی

برندگان جوایزسلطنتی سال ۱۳۳۴

نام مؤلف یامترجم	نام کتاب
رشتهٔ ادبی	
۱ ـ سید صدرالدین**بلاغی**	برهان قرآن
۲ ـ سیدغلامرضا **سعیدی**	عذر تقصیر به‌پیشگاه محمد وقرآن
۳ ـ احمد**کوشا**	انشاء ابتدایی دردو جلد

بقیهٔ جوایزسلطنتی‌درستونهای اول‌صفحهٔ۱۳۱۷

برندگان جوایزادبی نوبل

۱۹۰۱

سولی‌پرودوم . رنه فرانسوا آرمان

Sully Prudhomme, R, F, A.

(۱۸۳۹ ـ ۱۹۰۷ م)



شاعرومنتقد فرانسوی ، عـدالت ، سعـادت ، قطعات‌واشعار، بلایا،تنهاییها، مهربانیهای بیهوده ، بیان در هنرهای زیبا ، تفکرانی درفن شعر ، چه می‌دانم، قسمتی از آثار او است . سولی‌پرودوم اولین برندهٔ نـوبل ادبی است .

۱۹۰۲

مومسن ، تئودور Mommsen, Th.

(۱۸۱۷ـ ۱۹۰۳م)



مورخ‌وشاعر آلمانی ، برندهٔ‌جایزهٔ نوبل.

۱۹۰۳

بیورنسون ، مارتینوس Bïornson, M.

(۱۸۳۲ ـ ۱۹۱۰م)



شاعـر و نمایشنامهـ نـویس و نـویسندهٔ نروژی، آثاری چون: چگونه مـن شاعر شـدم ، در جنـگها ، ازدواجهای تازه ، اشعار و آوازها و غیره دارد .

بقیه‌درستون‌آخرصفحهٔ بعد

بقیهٔ جوایز سلطنتی

برندگان جوایز سلطنتی

نام مؤلف یا مترجم	نام کتاب
رشتهٔ علمی	
۴ ــ ضیاءالدین **جزایری**	حساب مصور
۵ ــ دکتر حسین **رضاعی**	بیماریهای روانی در ۳ جلد
رشتهٔ اجتماعی	
۶ ــ دکتر عبدالحسین **علی‌آبادی**	حقوق جنایی
۷ ــ منوچهر سعید **وزیری**	رهبر مردم
۸ ــ دکتر عبدالرضا **مهدوی**	دومین شانس
رشتهٔ تاریخ و جغرافیا	
۹ ــ مهندس کریم **طاهرزاده بهزاد**	قیام آذربایجان
۱۰ ــ دکتر احمد **متین دفتری**	روابط بین‌المللی از قدیم‌الایام
۱۱ ــ محمدلوی **عباسی**	جهانگردی مارکوپولو
۱۲ ــ دکتر محسن **عزیزی**	تحقیق در اوضاع اقتصادی دول معظم

برندگان جوایز سلطنتی سال ۱۳۳۵

نام مؤلف یا مترجم	نام کتاب
رشتهٔ ادبی	
۱ ــ محمد **رشاد**	اصول فقه
۲ ــ ابوالقاسم **پاینده**	ترجمهٔ قرآن مجید
رشتهٔ علمی	
۳ ــ دکتر محمدجواد **جنیدی**	آب شناسی
۴ ــ احمد **آرام**	علم و مردها
رشتهٔ اجتماعی	
۵ ــ رضا **خزائلی**	تعلیمات اجتماعی
۶ ــ محمد ابراهیم آیتی **بیرجندی**	افکار جاوید محمد (ص)
رشتهٔ تاریخ و جغرافیا	
۷ ــ دکتر رضازاده **شفق**	ایران از نظر خاورشناسان
۸ ــ دکترهادی **هدایتی**	کورش کبیر
۹ ــ سپهبد امان‌الله **جهانبانی**	مرزهای ایران و شوروی

برندگان جوایز سلطنتی سال ۱۳۳۶

نام مؤلف یا مترجم	نام کتاب
رشتهٔ ادبی	
۱ ــ عبدالرحیم **همایون فرخ**	دستورزبان فارسی
۲ ــ امیرجلال **غفاری**	فرهنگ غفاری
۳ ــ دکتر احسان **یارشاطر**	داستانهای شاهنامه
۴ ــ حسینعلی **محفوظ**	متنبی وسعدی
رشتهٔ علمی	
۵ ــ علی اصغر **هدایتی**	بیمه و نقش آن در تعیین خسارات بعدچهارم
۶ ــ منصور **شریف زندیه**	
رشتهٔ اجتماعی	
۷ ــ دکتر زین‌العابدین **شیدفر**	حقوق عمومی واداری
۸ ــ محمود **منصور**	پیشرفت مدارس
رشتهٔ تاریخ و جغرافیا	
۹ ــ عباس **شایان**	تاریخ طبرستان ومازندران
۱۰ ــ دکتر محمود **بهزاد**	سرگذشت زمین
۱۱ ــ احمدعلی **سپهر**	ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۴ــ۱۹۱۸

بقیهٔ جوایز سلطنتی در ستونهای اول صفحهٔ ۱۳۱۸

۱۹۰۴

میسترال، فردریك Mistral, F. (۱۸۳۰ ــ ۱۹۱۴م)



نویسنده و شاعر فرانسوی آواز ضربه، جزایرطلا، ملکهٔ جوان، اشعارپروانش، شعر رون، آیینه‌هایش چند نمونه از آثار او است.

آچه‌گارای ای ایزاگیر، زوزه. Echegarayy Eizaguirre. (۱۸۳۲ ــ ۱۹۱۶ م)

نمایشنامه نویس و شخصیت سیاسی اسپانیا، درمشت شمشیر، در مرز مرگ دو اثر او است.

۱۹۰۵

سینکیویچ، هنریك Sienkiwicz, H (۱۸۴۶ ــ ۱۹۱۶ م)



داستان‌نویس لهستانی، صاحب آثاری چون: **کوئو و ادیس**، باآتش‌وآهن، **طوفان‌نوح**، کجا برویم و غیره‌می‌باشد.

۱۹۰۶

کاردوچی، جیوزوئه Carducci, G (۱۸۳۵ ــ ۱۹۰۷ م)

شاعر ومنتقد ایتالیایی است.

۱۹۰۷

کیپلینگ، رودیار Kipling, R. (۱۸۶۵ ــ ۱۹۳۶م)



نویسنده و نمایشنامه نویس وشاعر انگلیسی دارای آثاری چون: نوری که خاموش می‌شود، آواز

بقیه درستون آخر صفحهٔ بعد



مهندس عین‌الله بهبودی



محمدابراهیم آیتی



ابوطالب صارمی



پری منصوری



دکتر جهانشاه صالح



محمد کوثری



دکتر حسین نصر



دکتر محمود شفیعی



دکتر سیدعلی رضا تقوی



دکتر امیرحسین یزدگردی



دکتر کمال موسوی



اردشیر نیکپور

بقیه جوایز سلطنتی

برندگان جوایز سلطنتی سال ۱۳۳۷

نام مؤلف یامترجم	نام کتاب
رشتهٔ ادبی	
۱ ــ سعید **نفیسی**	آرزوهای بربادرفته
۲ ــ جواد **مصلح**	فلسفهٔ عالی
رشتهٔ علمی	
۳ ــ محمدباقر **تاجبخش**	بیمه
۴ ــ دکتر مهدی **اردبیلی**	هیدرولوژی
رشتهٔ اجتماعی	
۵ ــ مرحوم محمدعلی **بامداد**	علم‌اخلاق یاحکمت علمی
۶ ــ حمید **عنایت**	سیاست
۷ ــ دکتر نظام‌الدین **مجیرشیبانی**	تاریخ تمدن

برندگان جوایز سلطنتی سال ۱۳۳۸

نام‌کتاب	نام مؤلف یامترجم
رشتهٔ ادبی تحقیقی	
۱ ــ کتاب‌فرهنگ‌ولغات‌واصطلاحات فلسفی	تألیف : سیدجعفر **سجادی**
۲ ــ روش تدریس انگلیسی	تألیف : خانم نای **دری**
رشتهٔ علمی	
۳ ــ کتاب طرح آب و برق و اصلاحات ارضی	تألیف : مهندس ابراهیم **همایونفر**
۴ ــ کتاب سبزیکاری	تالیف: غلامرضا **وزیرالهی**
رشتهٔ علوم انسانی‌واجتماعی وتربیتی	
۵ ــ کتاب میهن ما	تألیف : سناتور محمد **حجازی**
۶ ــ کتاب سرگذشت بلوچستان	تألیف : سپهبد **جهانبانی**
۷ ــ کتاب دانش و اخلاق	تألیف : مرحوم سید ولی‌الله **نصر**
ترجمه :	
۸ ــ کتاب تاریخ دول معظم	ترجمهٔ : علی‌اصغر **شمیم**
۹ ــ کتاب غلبه برترس	ترجمهٔ : امیرقلی **امینی**

برندگان جوایز سلطنتی سال ۱۳۳۹

نام‌کتاب	نام‌مؤلف یامترجم
رشتهٔ علمی	
۱ ــ کتاب راز سلامت‌کودك	تألیف : دکترعلی **پریور**
رشتهٔ علوم انسانی واجتماعی وتربیتی	
۲ ــ کتاب‌توسعهٔ اقتصادی‌کشورهای توسعه نیافته	تألیف: دکتر علی‌محمد **اقتداری**
۳ ــ کتاب آب و هوای ایران و تقسیمات‌اقلیمی ورستنیهای‌ایران	تألیف: احمدحسین **عدل** در دو جلد
۴ ــ کتاب **تاریخ** سکه	تألیف : خانم دکتر**ملکزاده بیانی**
ترجمه :	
۵ ــ کتاب شش‌بال علم	ترجمهٔ : **احمد آرام**
۶ ــ کتاب تعلیم وتربیت جدیددر مدارس روستایی	ترجمهٔ : جواد **عامری**
۷ ــ کتاب جنگ جهانی دوم ۱۹۳۹ ــ ۱۹۴۵	ترجمهٔ : سپهبد **نخجوان**

بقیهٔ جوایز سلطنتی‌درستونهای اول‌صفحهٔ۱۳۱۹

دستجمعی افراد یك اطاق ، زندگی در جنگل و بسیاری دیگر .

۱۹۰۸

اوکن ، رودلف‌کریستوف

Euckőe,R, C.

(۱۸۴۶ ــ ۱۹۲۶ م)

فیلسوف آلمانی ، صاحب آثاری چون : تاریخ و تحلیل مهمترین ارکان عصر ما ، بخش حقیقی دین و غیره می‌باشد .

۱۹۰۹

لاگرلوف، سلما اوتیلیانا لوویرا

Lagerlof, S.

(۱۸۵۸ ــ ۱۹۴۰ م)



زنی‌نویسنده، ازمردم سوئد، مانوار پیر ، ملکه‌های گالکالا، گوستا برلینگ ، خانهٔ لیلیرــ کرونا ،ارابهٔ مرگ‌وبسیاری دیگر از آثار او است .

۱۹۱۰

هایسه ، پل یوهان لودویك

Heyse, P, J, L.

(۱۸۳۰ ــ ۱۹۱۴ م)

نویسندهٔ آلمانی : بچه‌های دنیا ، برای بهشت ، نوولهای دریاچهٔ گاردو آررابیاتا از آثار او است .

۱۹۱۱

مترلینگ ، موریس Maeterlinck.

شعرای خارجی را به بینید .

۱۹۱۲

هوپتمان ، گرهارت ، یوهان روبرت

Hauptmann, G, J, R.

(۱۸۶۲ ــ ۱۹۴۶ م)



نویسنده‌و نمایش‌نامه نویس‌آلمانی صاحب‌آثاری چون: قبل‌از طلوع‌خورشید؛ جشن‌صلح؛

بقیه‌درستون‌آخرصفحهٔ‌بعد

بقیهٔ جوایزسلطنتی

برندگان جوایز سلطنتی سال‌های ۱۳۴۰ - ۱۳۴۱

نام مؤلف یامترجم	نام کتاب
۱ ــ دکتر حسین **کریمان**	تحقیق‌درکتاب‌طبرسی‌ومجمع‌البیان(دوجلد)
۲ ــ علی‌محمد **افغانی**	شوهر آهوخانم
۳ ــ محمد حسن **صفاری**	ترجمهٔ : تاریخ صنایع و اختراعات
۴ ــ دکترهوشنگ **دولت‌آبادی**	تشخیص و درمان بیماریهای هورمونی
۵ ــ مهندس‌عین‌الله **بهبودی**	علفهای هرزه
۶ ــ دکتر علی **زرگری**	روش شناسایی‌گیاهان

برندگان جوایز سلطنتی در سال ۱۳۴۲

نام مؤلف یامترجم	نام کتاب
۱ ــ ابوطالب **صارمی**	ترجمهٔ : عصرایمان
۲ ــ بانو پری‌**منصوری**(کیانوش)	ترجمهٔ : زندگی‌مادام‌کوری



۳ ــ دکتر ایوب **خدادادی** ــ دکترایرج **دردشتی** ــ دکتر ایرج **رضوانی**ــ دکتر مظفر **سالمی** دکتر مهدی **خانمحمدی**

نام مؤلف یامترجم	نام کتاب
	ترجمهٔ : اصول ونکات علمی طب داخلی
۴ ــ دکتر جهانشاه **صالح**	بیماری زنان
۵ ــ محمد**کوثری**	شپشکهای نباتی جدید درایران
۶ ــ دکتر سیدحسین‌**نصر**	نظر متفکران اسلامی دربارهٔ طبیعت
۷ ــ دکتروازگن **آوانسیان**	مقدمه برآنالیز نوین

برندگان جوایز سلطنتی در سال ۱۳۴۳

نام‌مؤلف یامترجم	نام‌کتاب
۱ ــ دکتر محمود **شفیعی‌قهفرخی**	شاهنامه و دستور
۲ ــ دکتر سیدعلیرضا **نقوی**	تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان
۳ ــ دکتر امیرحسین **یزدگردی**	تصحیح و تحشیه نفثةالمصدور
۴ ــ دکترکمال **موسوی**	فرهنگ روز عربی به فارسی
۵ ــ اردشیر **نیکپور**	ترجمهٔ دورماه
۶ ــ دکتر محمدابراهیم **آیتی**	ترجمهٔ : تاریخ یعقوبی (۱ و ۲)
۷ ــ دکتر فیروز **تقی‌زاده‌متقی**	جوندگان مضرایران و طرز مبارزه‌باآنها
۸ــ دکترناصرالدین‌**صاحب‌الزمانی**	آنسوی چهره‌ها

برندگان جوایز سلطنتی سال ۱۳۴۴

نام‌مؤلف یامترجم	نام‌کتاب
۱ ــ دکتر لطف‌الله **هنرفر**	گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان
۲ ــ دکتر جلال **متینی**	مقابله وتصحیح هدایةالمتعلمین‌فی‌الطلب
۳ ــ دکتر حبیب‌الله **ثابتی**	درختان ودرختچه‌های ایران
۴ ــ دکتر اسماعیل **تشیدی**	انتخاب روش بیهوشی
۵ ــ دکتر علیقلی **بیانی**	ترجمهٔ : فیزیك و فلسفه

برندگان جوایز سلطنتی ۱۳۴۵

نام‌مؤلف یامترجم	نام‌کتاب
۱ ــ کریم **کشاورز**	تاریخ ماد

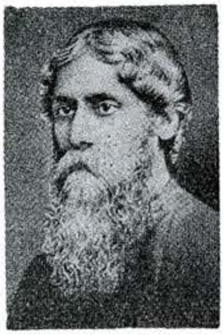
ادبیات

۱۳۱۹

ارواح‌منزوی، میکاییل کرامر، بافنده‌ها و غیره می‌باشد .

۱۹۱۳

تاگور، سررابیندرانات Tagore. (۱۸۶۱ - ۱۹۴۱ م)



نویسنده و شاعرهندی ، دارای‌آثاری چون: باغبان، چیدن میوه، میهن‌وجهان، فراری، گوراو بسیاری‌دیگر تاگوردرسال **۱۹۱۳** برندهٔ جایزهٔ ادبی نوبل گردید

۱۹۱۴

برای سال بعد محفوظ گردید .

۱۹۱۵

رومن‌رولان Rolland,R. (۱۸۶۶ـ۱۹۴۴ م)

نویسندهٔ فرانسوی دارای آثاری چون : ریشه و اساس تآترجدید، تاریخ اوپرا در اروپا ، گرگها ، ژان‌کریستف، بتهـوون ،



گاندی و میکل‌آنژو غیره‌می‌باشد. رومن‌رولان درسال**۱۹۱۳** برندهٔ‌جایزهٔ بزرگ‌ادبی آکادمی فرانسه و در سال ۱۹۰۵ نیز برندهٔ جایزه فمینا شده بود .

۱۹۱۶

هایدنستام، کارل‌گوستا و ورنرفون. Heidenstam, K,G, V. (۱۸۵۹ـ۱۹۴۰م)



نویسندهٔ سوئـدی ، سالهـای مسافرت و ولگردی . باز گـشت ادبی،هانس آلینوس ، کارولین ،



دکترفیروز تقی‌زاده‌متقی



دکترناصرالدین صاحب‌الزمانی



دکترلطف‌الله‌هنرفر



دکترجلال متینی



دکترحبیب‌الله ثابتی

۱۳۲۰

مسافرت و زیارت سنت بریژیت، قسمتی ازآثار او است.



دکتر محمد اسماعیل تشیدی

۱۹۱۷

گیلروپ، کارل آدولف.
Gjellarup, K, A.
(۱۸۵۷-۱۹۱۹م)



نویسندهٔ دانمارکی، دارای آثاری چون: یك خیالباف، جوان‌دانمارکی و غیره می‌باشد.

۱۹۱۷

پونتوپیدان، هنریك.
Pontoppidan, H.
(۱۸۵۷-۱۹۴۳م)



علیقلی بیانی



نویسندهٔ دانمارکی، دارای آثاری چون: بالهای بریده، نقشی ازدهکده، گل فراموشم مکن وبسیاری دیگر می‌باشد.

۱۹۱۸

برای سال بعد محفوظ گردید.

۱۹۱۹

اسپیتلر، کارل فردیك جرج
Spitteler, K, F, G.
(۱۸۴۵-۱۹۲۴م)



شاعر سویسی، پرومته واپی‌مته، بهار ساکنان کوهستان، و بسیاری دیگر آثار ازاو به‌جا مانده‌است.

۱۹۲۰

هامسون. کنوت پدرسون.
Hamsun, K, P.
(۱۸۵۹-۱۹۵۲م)
داستان‌نویس نروژی، قلب وحشی،

ملکهٔ تامارا، آتش زیر خاکستر، قمار زندگی، اوگوست قسمتی ازآثار او است.

۱۹۲۱

فرانس، آناتول France, A
آناتول‌فرانس‌را دربخش‌نویسندگان خارجی به‌بینید.

۱۹۲۲

بناو، ژاسینتو Benavont, j
(۱۸۶۶-۱۹۵۴م)
نمایشنامه‌نویس اسپانیایی، لانهٔ دیگری، دوستی‌بد، قسمتی از آثار او است.

۱۹۲۳

ییتز، ویلیام بوتلر.
نویسندگان خارجی‌را به‌بینید.

۱۹۲۴

ریمونت، ولادیسلاف وستانیسلاف
Reymont, V, S.
(۱۸۶۷-۱۹۲۵م)
داستان‌نویس لهستانی صاحب اثر معروف او: دهقانان، که درسال۱۹۲۴ برندهٔ جایزهٔ ادبی نوبل گردید.

۱۹۲۵

شاو، جرج‌برنارد Shaw, G, B.
(۱۸۵۶-۱۹۵۰م)



نویسنده نمایشنامه نویس آمریکایی، دارای آثاری چون: سلاحها و انسان، کار وپیشهٔ خانم وارن، سنت جان، میجر باربارا، هارت برك هوز وغیره می‌باشد.

۱۹۲۶

دلدا، گوردزیا Deledda, G.
(۱۸۷۵-۱۹۳۶م)
بانوی داستان نویس ایتالیایی، صاحب آثاری چون: پس از طلاق، خاکستر، نی‌ها درباد، مادر و غیره می‌باشد.

۱۹۲۷

برگسون، هانری Bergson, H.
(۱۸۵۹-۱۹۴۱م)
فیلسوف فرانسوی؛ نامه به‌دانیل هالوی، فلسفهٔ کلود برنارد، روی اصالت

عمل ویلیام جیمز، تحقیق درمتافیزیك، فکر وحرکت. روح و جسم، وجدان و زندگی، مغز وفکر، جزیی از آثار او است (فلاسفه را به بینید).

۱۹۲۸

اوندست، زیگرید Undset, S.
(۱۸۸۲-۱۹۴۶م)



بانوی داستان نویس نروژی صاحب آثاری چون: خانم مارتولی، ژنی، بهار، دخترعاقل، اولاف آودونسن، گلهای سفید وپارده‌سال، مادام بورتئا، زن وفا دار وغیره می‌باشد.
اوندست درسال ۱۹۲۸ برندهٔ جایزهٔ ادبی نوبل گردید.

۱۹۲۹

مان، توماس Mann, Th.
(۱۸۷۵-۱۹۵۵م)



نویسندهٔ آلمانی، دارای آثاری چون: افتاده‌ها، فرید من کوچك، برودان بروکس، کوه جادو، مرگ‌درونیز، کوهستان سحرآمیز وبسیاری دیگر.
مان در سال ۱۹۲۹ برندهٔ جایزهٔ نوبل گردید.

۱۹۳۰

لوئیس، سنکلر Lewis, S.
(۱۸۸۵-۱۹۵۱م)



داستان‌نویس آمریکایی؛ کارهنر، مترصدخدا، در دنیای آنقدربزرگ، اروسمیت و

بسیاری دیگر از اوست .

۱۹۳۱

کارل‌فلت ، اریک آکسل .

Karlfeldt, E , A

(۱۸۶۴ — ۱۹۳۱ م)

شاعری ازسوئد دارای آثاری‌چون: آواز جنگل و عشق، گل وسیب‌وبسیاری دیگر می‌باشد .

۱۹۳۲

گالزورثی ، جان. Galsworthy, j

(۱۸۶۷ — ۱۹۳۲ م)

نویسنده و نمایشنامه‌نویس انگلیس دارای آثاری چون : جاسیلن ، جعبهٔ نقره‌ای ، جنگلها، شادی ، زیر شکوفه‌های سیب وغیره می‌باشد .

۱۹۳۳

بونین ، ایوان الکسی‌یوویچ.

نویسندگان خارجی را به‌بینید .

۱۹۳۴

پیراندللو، لوییجی

Pirandello, L .

(۱۸۶۷ — ۱۹۳۶ م)



نویسندهٔ ایتالیایی دارای آثاری چون : درد مطبوع ،عشق بی‌دلبستگی ، مسخرهٔ مرگ و زندگی ، نوبت ، زن مطرود وغیره می‌باشد .

۱۹۳۵

تقسیم نشد .

۱۹۳۶

اونیل، یوجین گلادستون

O,Neill, F, G.

(۱۸۸۸ — ۱۹۵۳ م)

نمایشنامه‌نویس آمریکایی ، آنا — کریستی ، روزهای بی پایان ، سیر روز درشب ، فواره ، قسمتی از آثار اواست.

۱۹۳۷

مارتن دوگار ، روژه . Gard, R, M

(۱۸۸۱ — ۱۹۵۸ م)

نویسندهٔ فرانسوی ، دارای آثاری چون : ژان باروا،خانوادهٔ تیبو و غیره می‌باشد .

۱۹۳۸

پرل‌باک، سایدنستریک. Pearl Buck, S

(متولد ۱۸۹۲ م)

بانوی داستان نویس آمریکایی که برندهٔ جایزهٔ ادبی نوبل ۱۹۳۸ بوده دارای آثاری ازقبیل : بادشرقی ، باد غربی ، خاک خوب ، پسران ، مادر ، میهن‌پرست ، فرشتهٔ جنگجو ، محبوبم بازگرد ، انقلابی جوان ، اتحاد آمریکا و آسیا ، نسل اژدها ، این دل پرغرور وغیره می‌باشد .

۱۹۳۹

سیلاناآفران امیل Sillanaa, F, E.

(متولد ۱۸۸۸ م)



نویسندهٔ دانمارکی دارای‌آثاری چون:زندگی و خورشید ، زنده‌ها در خدمت‌حیات و غیره‌می‌باشد .

۱۹۴۰

تقسیم نشد .

۱۹۴۱

تقسیم‌نشد .

۱۹۴۲

تقسیم نشد .

۱۹۴۳

تقسیم نشد .

۱۹۴۴

ینسن، یوهانس ویلهلم .Jensen, j, V

(۱۸۷۳ — ۱۹۵۰ م)

نویسندهٔ دانمارکی ، مادام دورا ، وکوچه، تحولات، تحول‌اخلاقی ، جشن‌های سالانه،جزیی از آثار او است .

۱۹۴۵

میسترال ، لوسیلاگودوی ای‌الکایاگا

Mistral, L , A .

(۱۸۸۹ — ۱۹۵۷ م)



شاعره‌ای‌از شیلی معروف به گابریلا دارای‌آثاری چون: شیپور مرگ ، پریشانی ،

دعابه خاطر آنهاکه خودکشی کردند وغیره می‌باشد .

۱۹۴۶

هسه ، هرمان Hesse, H.

(۱۸۷۷ — ۱۹۶۲ م)



هسه

شاعر و نویسندهٔ آلمانی ، دارای آثاری چون : گرگ بیابان ، گرترود، سفر مشرق‌زمین ، دانشمندی از مشرق زمین‌و غیره می‌باشد .

۱۹۴۷

ژید ، آندره Gide,A.

(۱۸۶۹ — ۱۹۵۱ م)



نویسندهٔ فرانسوی ، دارای‌آثاری چون:سکه‌سازان‌بازگشت ازشوروی ، مایده‌های زمینی،آهنگ روستایی، تربیت‌زنان بی‌اخلاق ، مکتب زنان و غیره می‌باشد .

۱۹۴۸

الیوت ، توماس استرن

Eliot, Th, S.

(متولد — ۱۸۸۸ — ۱۹۴۸ م)



شاعرانگلیسی ازآثار او : جنگل مقدس، عقیدهٔ‌یک عیسوی اجتماعی ، جنایت در کلیسا، کوکتیل پارتی،سرزمین ویران و شخم و غیره است .

الیوت درسال ۱۹۴۸ برندهٔ‌جایزهٔ ادبی نوبل گردید .

۱۹۴۹
فاکنر، ویلیام Faulkner, W.
(۱۸۹۷ ـ ۱۹۶۲ م)



نویسندهٔ آمریکایی، دارای آثاری چون: روشنایی در ماه اوت، شکست ناپذیر، پاداش سرباز، خشم وهیاهو وغیره می‌باشد. فاکنر درسال ۱۹۴۹ برندهٔ جایزهٔ ادبی نوبل گردید.

۱۹۵۰
راسل، برتراند.
فلاسفهٔ خارجی را به بینید.

۱۹۵۱
لاگرکویست، پارافابیان.
Lagerkvist, P.
(متولد ۱۸۹۱ م)
نویسنده و شاعر سوئدی، دارای آثاری چون: آهن و انسان، لبخند جاویدان، نبوغ باراباس وغیره می‌باشد.
لاگرکویست درسال ۱۹۵۱ جایزهٔ ادبی نوبل را دریافت کرد.

۱۹۵۲
موریاك، فرانسوا. Mauriac, F.
(متولد ۱۸۸۵ م)



ازنویسندگان معاصر فرانسه دارای آثاری چون: دستها به‌حالت دعا، کودکی در زنجیر، صحرای عشق
موریاك در سال ۱۹۲۶ نیز جایزهٔ بزرگ رومان آکادمی فرانسه را دریافت کرده بود.

۱۹۵۳
چرچیل، وینستون
سیاستمداران خارجی را به‌بینید.

۱۹۵۴
همینگوی، ارنست Hemingway, E.
(۱۸۹۸ ـ ۱۹۶۱ م)
نویسندهٔ آمریکایی، دارای‌آثاری چون: وداع بااسلحه، مردان بی زن، تپه‌های سبز افریقا، داشتن و نداشتن، ستون پنجم، زندگانی خوش کوتاه، برفهای کلیما نجارو، کلبهٔ سرخ پوستان، خورشید همچنان می‌درخشد، آدمکش‌ها و غیره می‌باشد.

۱۹۵۵
لاکنس، هالدورکیلیان
Laxness, H, k
(متولد ۱۹۰۲ م)
نویسندهٔ ایسلندی دارای آثاری چون: بزرگترین بافندهٔ کشمیر، جمعیت آزاد و غیره می‌باشد.

۱۹۵۶
جیمنز، ژان رامون
Jimenez, J, R.
(۱۸۸۱ ـ ۱۹۵۸ م)
شاعر اسپانیایی، ازآثار اومی‌توان نام برد: دوستان بنفشه، مرثیهٔ خالص و بسیاری دیگر.

۱۹۵۷
کامو، البر Damus, A.
(۱۹۱۲ ـ ۱۹۵۹ م)
نویسنده، نمایشنامه نویس، هنرپیشه، کارگردان و روزنامه نویس معروف فرانسه، دارای آثاری چون: ره آورد سفر ایتالیا واسترالیا، غریبه، سوءتفاهم، طاعون، تسخیر شدگان وغیره می‌باشد.
او مؤسس روزنامهٔ «کومبا» بود.
کامو در سال ۱۹۵۷ بـه دریافت جایزهٔ ادبی نوبل نایل آمد.

۱۹۵۸
پاسترناك، بوریس لئونیدوویچ.
Pasternak, B, L.
(متولد ۱۸۹۰ ـ ۱۹۶۶ م)



نویسنده و شاعر روسی، دارای‌آثاری چون: دکتر ژیواگو، برفرازحصارها، رهبری‌بی‌خطر، واشعار منتخب می‌باشد. پاسترناك در سال ۱۹۵۸ م برندهٔ جایزهٔ نوبل‌ادبی‌گردید ولی از دریافت آن امتناع کرد.

۱۹۵۹
کواسیمودو، سالواتوره Quasimodo, S
(متولد ۱۹۰۱ م)
شاعر ایتالیایی، آب و زمین‌ها، روز به‌روز، زندگی بی‌خیال، جزیی از آثار او است.

۱۹۶۰
سن ژان پرس، الکسی لژر
Saint john Perse, A, L.
(متولد ۱۸۸۷ م)



سیاستمدارو شاعر فرانسوی جلای وطن، بادها، تلخیها، مزمن، قسمتی از آثار او است.

۱۹۶۱
آندریك، ایوو Andritc'I.
(متولد ۱۸۶۲ م)
شاعر و نویسندهٔ یوگوسلاوی است، از آثار او. پلی بر رودخانهٔ درینا دختر خانم، حیاط نفرین شده وبسیاری دیگر می‌باشد.
آندریك در سال ۱۹۶۱ برندهٔ جایزهٔ ادبی نوبل‌گردید.

۱۹۶۲
اشتاین‌بك، ژون Steinbeck, j.
(۱۹۰۲ـ۱۹۶۸ م)



داستان‌نویس آمریکایی، دارای‌آثاری چون: موشها و آدمها، سگ من، آمریکاومن، آپارتمان تورتیلا، به خدایی ناشناخته، خوشه‌های خشم، ماه پنهان است، مروارید، آتش درخشان، چراگاههای‌آسمان، ولگردان، جام‌زرین، یا بوی‌سرخ، اتوبوس‌سرگردان، رؤیای افیونی و غیره.

۱۹۶۳
سفرس، جرج Seferes, G.
(متولد ۱۹۰۰ م)
شاعر یونانی دارای آثاری چون،

لحظهٔ حساس ، اشعار خیالی و قبرس تو مرا جادو کرده‌ای و غیره می‌باشد .

۱۹۶۴

سارتر ، ژان‌پل

فلاسفهٔ خارجی را به بینید .

۱۹۶۵

شولوخوف ، میخاییل الکساندروویچ .
Sholokhuv, M, A .
(متولد ۱۹۰۵ م)



نویسندهٔ روسی دارای آثاری چون: دن آرام، سرنوشت یك انسان، آنها که برای وطن می جنگند وغیره می‌باشد.

شولوخوف در سال ۱۹۶۵ برندهٔ جایزهٔ نوبل گردید .

۱۹۶۶

ساش ، نلی Sache, N .
(متولد ۱۸۹۱ م)

نویسندهٔ یهودی از مردم آلمان ، دارای آثاری چون : منزل ارواح ، فرار و تغییر می‌باشد .

ساش در سال ۱۹۶۶ برندهٔ قسمتی از جایزهٔ نوبل ادبی گردید .

۱۹۶۶

آگنون، ساموئل یوزف Agnon, S, j.
(متولد ۱۸۸۸ م)

نویسندهٔ اسراییلی، دیروز وپریروز یکی از آثار او است .

۱۹۶۷

آستوریاس ، میکوئل آنژل .
Asturias , M . A .

(متولد ۱۸۹۹ م)

شاعر و داستان نویس گواتمالایی، پاپ سبز ، چشمان زیرخاك ، از آثار او است .

برندگان جوایز ادبی
گنکورد فرانسه
(Goncoururt)

۱۹۰۳

نو ، ژان آنتوان Nau, J , A
(۱۸۷۳ — ۱۹۱۸ م)
نویسندهٔ فرانسوی ؛ در آستانهٔ امید **قدرت دشمن** ، از آثار او است .

۱۹۰۴

فراپیه، لئون Frapié, L.
(۱۸۶۳ — ۱۹۴۹ م)
نویسندهٔ فرانسوی ، معلم ، ایالت ، مارسلن گایارد ، **مادری** قسمتی از آثار ایشان است .

۱۹۰۵

فارر ، کلود (فردریك شارل بارگون)
Farrére,C.
(۱۸۷۶ — ۱۹۵۷ م)



نویسنده و دریانورد ، فرانسوی ، **متمدنین** ، دودمـخدر (سیگار) ، متحدین کوچك قسمتی ازآثارایشان است .

۱۹۰۶

تارود ، ارنت (ژروم)
Tharaud, E (j),
(۱۸۷۴ — ۱۹۵۳ م)
نویسندهٔ فرانسوی ، فارغ‌التحصیل دانشسرایعالی، که به همراهی ژان‌تارود برندهٔ جایزه گنکورد شدند ، قسمتی از آثارمشترك آنها: حمال ناتوان، دفترـ های پانزدهم پگویی ، در سایهٔ صلیب ، حکومت خدا ، موقعی‌که اسراییل‌پادشاه است ، سال نزدیك برای بیت‌المقدس .

۱۹۰۶

تارود ، شارل (ژان)
Tharaud, Ch (j).
(۱۸۷۷ — ۱۹۵۲ م)
نویسندهٔ فرانسوی که بــه همراهی ژروم تارود برندهٔ جایزهٔ ادبی گنکورد شدند ، قسمتی از آثار مشترك آنها ، حمال ناتوان، دفترهای پانزدهم پگویی در سایهٔ صلیب ، حکومت خدا ، موقعی که اسراییل پادشاه است ، سال نزدیك برای بیت‌المقدس .

۱۹۰۷

موزلی، امیل Moselly, E.
(۱۸۷۰ — ۱۹۱۸ م)
نویسنده فرانسوی ، ژان میسها ، **زمین‌لرنیها** ، تاریخیـك دهقان لرنی ، قسمتی از آثار ایشان است .

۱۹۰۸

میوماندر ، فرانسی دو
Miomandre, F, de.
(۱۸۸۰ — ۱۹۵۹ م)
نویسندهٔ فرانسوی، **نوشتهٔ روی آب** باد و خاك، عشق و آب خنك ، مسافرت یك منزوی قسمتی از آثار ایشان است.

۱۹۰۹

لوبلوند ، ماریوس (ژرژآتناس)
Leblond,M.
(۱۸۷۷ — ۱۹۵۵ م)
نویسندهٔ فرانسوی که به کمك **آری لوبلوند** آثار متعددی خلق کردند از آن جمله : زندگی‌های موازی ، **در فرانسه** ، تاریخ افـریقا ، بهشت گمشده قسمتی از آثار ایشان است .

۱۹۰۹

لوبلوند ، آری (مرلو)
Leblond, M.
(۱۸۸۰ — ۱۹۵۸ م)
نویسندهٔ فرانسوی که بــه کمك **ماریوس لوبلوند** آثار متعددی خلق کردند از آن جمله، زندگی‌های موازی، **در فرانسه** ، تاریخ افریقا ، بهشت گم شده ، قسمتی از آثار ایشان است .

۱۹۱۰

پرگود ، لویی Pergaud, L.
(۱۸۸۲ — ۱۹۱۵ م)
نویسندهٔ فرانسوی **گوپیل ومارگو** انتقام کلاغ ، جنگ دلمه ، جنگ وحوش قسمتی از آثار ایشان است .

۱۹۱۱

شاتوبریان ، آلفونس.
برندگان جوایز مختلف ادبی فرانسه را به بینید .

۱۹۱۲

ساویگنون ، آندره Savignon, A.
از نویسندگان معاصر فرانسه و با

اثر : **دختران ماران** خود برندهٔ جایزه گردید .

۱۹۱۳

الدر ، مارك Elder, M

از نویسندگان معاصر فرانسه ، که اثر : جمعیت دریا از او برندهٔ جایزه شد .

۱۹۱۴

توزیع جایزه به سال ۱۹۱۶ محول گردید .

۱۹۱۵

بنیامین ، رنه Benjamin, R.

(۱۸۸۵ ــ ۱۹۴۸ م)

نویسندهٔ فرانسوی ، **کاسپار** ، اثر معروف او است .

۱۹۱۶

باربوس، هانری Barbusse, H.

نــویسندهٔ کتاب **زیر آتش** ، از نویسندگان فرانسوی است .

۱۹۱۷

مالرب ، هانری Malherbe, H.

شاعران خارجی را به بینید .

۱۹۱۸

دوهامل، ژرژ Duhamel, G.

نویسندگان خارجی را به بینید .

۱۹۱۹

پروست ، مارسل Proust, M .

نویسندگان خارجی را به بینید .

۱۹۲۰

پروشون ، ارنست Pérochon, E.

(۱۸۸۵ ــ ۱۹۴۲ م)

نویسندهٔ فــرانسوی ، **نن** Nêne تــکه ۳۲ ، معلم ، از نظر روز ، ماری روز مشن قسمتی از آثار ایشان است .

۱۹۲۱

ماران ، رنه Maran, R.

(۱۸۸۷ ــ ۱۹۶۰ م)

نویسندهٔفرانسوی، نویسندهٔ**باتوآلا** جوما ، سگ قسمتی ازآثار ایشان است.

۱۹۲۲

برود ، هانری Beraud, H.

(۱۸۸۵ ــ ۱۹۵۸ م)

روزنامه‌نگار و نویسندهٔ فرانسوی، صاحب‌اثر (et le vitriol de lune (Martyre de l' oliese می‌باشدکه برندهٔ جایزه شد .

۱۹۲۳

فابر ، لوسین Fabre, L.

(۱۸۸۹ ــ ۱۹۵۲ م)

نویسندهٔ فرانسوی ، شناسایی فرشته **رابول**(بدی حاد)، قسمتی از آثارایشان است .

۱۹۲۴

ساندر ، تی‌یری Sandre, Th.

نویسندهٔ فرانسوی‌که اثر : Chevrefeuilleاز او برندهٔ جایزه‌شده است .

۱۹۲۵

ژنووآ، موریس Genevoit, M.

نویسندگان خارجی را به بینید .

۱۹۲۶

دبرلی ، هانری Deberly,H

نویسندهٔ فرانسوی‌که اثر **رنج فدر** او برندهٔ جایزه شد .

۱۹۲۷

بدل ، موریس Bedel, M.

(۱۸۸۳ ــ ۱۹۵۴ م)

نویسندهٔ فرانسوی ، که اثر ، jérôme 60°lati tude nord ازاو برندهٔ جایزه شد. مطالعهٔروح ایتالیایی در فیلی پین ، جــوان ترك در زولفو ، قسمتی از آثار ایشان است .

۱۹۲۸

کنستانتین وی‌یر ، مورس

Constantin– Weyer, M .

نویسندهٔ فرانسوی ، **مردی‌کــه در گذشتهٔ خودزندگی می‌کند** ، این‌اثراو برندهٔ جایزه شد .

۱۹۲۹

آرلاند ، مارسل Arland, M.

(متولد ۱۸۹۹ م)



نویسندهٔ فرانسوی ، ارواح‌معذب، ordre ، زنده‌ها ،عفو، قسمتی‌ازآثار ایشان‌است،

۱۹۳۰

فوکونیه،هانری Fauconnier.H.

نویسندهٔ فرانسوی، **مالزیا** ازآثار او برندهٔ جایزه شد .

۱۹۳۱

فایارد ، ژان Fauard J.

نویسندهٔ فرانسوی ، که **عشق بد** ، از او برندهٔ جایزه شد .

۱۹۳۲

مازلین ،گی Mazeline, G.

نویسندهٔ فرانسوی، **گرگها** ازآثار او برندهٔ جایزه شد .

۱۹۳۳

مالرو ، آندره Malraux, A.

برندگان‌جوایزمختلف ادبی‌فرانسه را به‌بینید. کتاب‌برندهٔ او،**شرط‌آدمیت** نام دارد .

۱۹۳۴

ورسل ، روژه Vercel, R.

(۱۸۹۴ ــ ۱۹۵۷ م)

نویسندهٔ فرانسوی؛ پدرما تراژان، ,capitaine conan قسمتی ازآثارایشان است .

۱۹۳۵

پی ره، ژوزف Peyrè, J.

(متولد۱۸۹۲م)

نویسندهٔ فرانسوی ، اسواران سفید، رییس‌برای ستارهٔنقره‌ای،زیرپرچم‌سبز، **خون و نورها** قسمتی ازآثارایشان‌است.

۱۹۳۶

واندرمیرش ، ماکزنس

Von der Meersch, M.

(۱۹۰۷ ــ ۱۹۵۱ م)

نویسندهٔ فرانسوی ، خانه درتپه‌ای شنی ، وقتی سیرنها خفه می‌شوند، گناه دنیا ، قسمتی از آثار ایشان است .

۱۹۳۷

پلیسنی‌یر ، شارل Plisnier, Ch.

(۱۸۹۶ ــ ۱۹۵۲ م)



نویسندهٔ بلژیکی ،که درآغازشاعری پیشه کرد ، سپس به نوشتن **رومان‌پرداخت** نیکول‌آرنود ، دوستان خوب من ، تصاویر

خراب شده ، ازدواجها ، **گذرنامهٔ غلط** قسمتی از آثار ایشان است .

۱۹۳۸

ترویا ، هانری (لئوتاراسوف)
Troyat, H.
(متولد ۱۹۱۱ م)



متولدروسیه ازنویسندگان فرانسه؛ بازی غلط ، اشتباه عام ، آنقدر که زمین‌عمر می کند ، کیف و خاکستر ، بیگانه روی زمین ، دروغ رور ، گور مشترك قسمتی از آثار ایشان وکتاب (Araigne) او برندهٔ جایزه شده است .

۱۹۳۹

هریا ، فیلیپ Hériat, Ph.
(متولد ۱۸۹۸ م)

نویسندهٔ فرانسوی ، بی‌گناه، دست بسته، عنکبوت صبح، آیینه‌ها، **بچه‌های فاسد** ، خانوادهٔ بوساردل قسمتی ازآثار ایشان است .

۱۹۴۰

آمبری‌یر، فرانسی Ambrière, F.

این جایزه درسال ۱۹۴۶ به‌آمبری داده شد ، زیرا در سال ۱۹۴۰ ایشان در زندان سیاسی بودند .

۱۹۴۱

پوررا ، هانری Pourrat, H.
(۱۸۸۷ — ۱۹۵۹ م)

نویسندهٔ فرانسوی ؛ پسر بچهٔ بد ، زندگی سیسیل وحشی ، کوه و زیباییها، **باد مارس** قسمتی از آثار ایشان است .

۱۹۴۲

برنارد، ژان مارك Bernard, j, marc.

نویسندهٔ فرانسوی که اثر بچه‌های شبیه از او برندهٔ جایزه شد .

۱۹۴۳

گرو ، ماریوس Grout, M.

نویسندهٔ فرانسوی‌که **گذرگاه یك مرد** از او برندهٔ جایزه شد .

۱۹۴۴

تریوله، السا Triolet, E.
(متولد ۱۸۹۶ م)

زنی نویسنده ، از نویسندگان فرانسوی که‌اصالتاً روسی‌است؛ عصر بخیر ترز ، هزار افسوس، اسب سفید ، وکتاب accororx coût deux cents franc) Le premsier) اوبرندهٔ جایزه شده‌است.

۱۹۴۵

بوری ، ژان لویی Bory, j, L.

نویسندهٔ فرانسوی‌که ، **دهکدهٔ من باساعت آلمانی**از آثار اوبرندهٔ جایزه شد .

۱۹۴۶

گوتیه ، ژان ژاك Gautier,J, J.

نویسندهٔ فرانسوی که ، **تاریخ یك کار متفرق** از آثار او برندهٔ جایزه شد.

۱۹۴۷

کورتی ، ژان لویی curtis, j, L.

نویسندهٔ فرانسوی ؛ جنگلهای‌شب، از آثار او برندهٔ جایزه شد .

۱۹۴۸

درو اون ، موریس Druon, M.

نویسندهٔ فرانسوی‌که،**خانواده‌های بزرگ** از آثار او برندهٔ جایزه شد .

۱۹۴۹

مرل ، روبرت Merle ,R.

نویسندهٔ فرانسوی‌که اثر : Week_End à zuydcoote ازاوبرندهٔ جایزه شد .

۱۹۵۰

کولن ، پل Colin, P

نویسندهٔ فرانسوی کــه : **بچه‌های وحشی** از او برندهٔ جایزه شد .

۱۹۵۱

گراك ، ژولین Gracq, J.
(متولد ۱۹۱۰ م)

نویسندهٔ فرانسوی : فارغ‌التحصیل تــاریخ و جغرافی ، در قصر آرگول ، آزادی بزرگ ، اندره برتون ، پادشاه هیزم شکن(نمایشنامه)،**خرابیهای‌سیرت** قسمتی از آثار ایشان است .

۱۹۵۲

بك ، بئاتریس Beck , B

نویسندهٔ فرانسوی ، **لئون مارن پیشوای مذهبی** ازآثار او برندهٔ‌جایزه شد .

۱۹۵۳

گاسکار، پی‌یر Gascar , P.

نویسندهٔ فرانسوی، که اثر ، **زمان مرگ حیوانات وحشی** اوبرندهٔ جایزه شد .

۱۹۵۴

بوو وار ، سیمون دو
Beauvoir, S.
(متولد ۱۹۰۸ م)



زنی نویسنده از مــردم فــرانسه ، فارغ‌التحصیل رشتهٔ‌فلسفه‌که در سالهای ۱۹۳۱ تــا ۱۹۴۳ بــه مطالعه وتحصیل درادبیات مشغول بود؛ مهمان،خون دیگران،خاطرات‌یك دختر جوان، دهانهای بی‌فایده ، دومین‌سکس، **نارنگی‌ها** قسمتی از آثار ایشان است .

۱۹۵۵

ایکور ، روژه Ikor, R

نویسندهٔ فرانسوی‌که **آبهای‌آلوده** از آثار او برندهٔ جایزه شد .

۱۹۵۶

گاری ، رومن Gary, R.

نویسندهٔ فرانسوی ، du ciel
L esaines از آثار اوبرندهٔ جایزه‌شد.

۱۹۵۷

وایلاند ، روژه Vailland , R.
(متولد ۱۹۰۷ م)

رومان نویس فرانسوی ، بـازی بزرگ ، تفریح بازی، ضربات بد، قدم خوب ، پاك چشم ، مـرد جوان مجرد ، ماسك قشنگ ، شاه و عید و ۳۲۵ هزار فرانسوی از آثار ایشان است .

۱۹۵۸

والدر، فرانسی Walder, F.

نویسندهٔ فرانسوی **سنت ژرمن یا معامله** از آثار او برندهٔ جایزه شد .

۱۹۵۹

چارلزبارت ، آندره
Schwarz-Bart, A.

نویسندهٔ فرانسوی؛ **آخرین‌قضاوت** از آثار او برندهٔ جایزه شد .

۱۹۶۰

هوریا ، ونتیلا Horia, V.

نویسندهٔ فرانسوی ؛ **خدا دردنیای فانی به دنیا آمده** از آثــار او برندهٔ جایزه شده است .

برندگان جوایز
فمینا

۱۹۰۴

هاری، میریام Harry, M
(۱۸۷۵ – ۱۹۵۸ م)
زنی نویسنده از مردم فرانسه، دختر یك کلیمی از مردم روس بود، تحصیلات خود را در برلن، لندن و پاریس تمام کرد؛ **فتح اورشلیم**، دختر کوچك اورشلیمی، شاهزادهٔ کوچك سوریه، شاهزادهٔ ترك، زندگی ژول لومتر، از آثار او است.

۱۹۰۵

رومن رولاند.
برندگان جایزهٔ ادبی سال ۱۹۱۵ را به بینید.

۱۹۱۰

اودو، مارگریت Audoux,M.
(۱۸۶۳ – ۱۹۳۷ م)
رومان نویس فرانسوی، برای اولین بار مقدمهٔ جالبی توسط اوکتاو **میربو** بر رومان **ماری‌کلر** او نوشته شد، وموجب شهرت او گردید، کارگاه **ماری کلر** اثر مشهور دیگر او است.

۱۹۱۹

دور ژله، رولاند لکاوله.
Dorgelos, R , L
(متولد ۱۸۸۶ م)
نویسندهٔ فرانسوی، ماشین برای پایان جنگ، صلیب‌های چوبی، کابارهٔ زن‌قشنگ، معاد مرده‌ها، همه‌چیزفروشی است، زندگی‌آزاد قسمتی از آثارایشان است.

۱۹۲۲

لاکره‌تل، ژان شارل دومینیك.
Lacretelle, j.
(۱۷۶۶ – ۱۸۵۵ م)
مورخ فرانسوی، تاریخ فرانسه در دورهٔ جنگهای مذهبی، تحلیل تاریخی ازانقلاب، قسمتی ازآثار ایشان است.

۱۹۲۹

برنانوس، ژرژ Bernanos, G
(۱۸۸۸ – ۱۹۴۸ م)



نویسندهٔ فرانسوی؛ جلودار، زیر خورشید ساتان، خدعه، شادی (برندهٔ جایزه)، قسمتی ازآثار ایشان است.

۱۹۳۱

سنت‌اگزوپری
Saint – Exupéry, A.
برندگان جوایزمختلف‌ادبی‌فرانسه را به بینید.

۱۹۳۹

ویالار، پل Vialar, P.
(متولد ۱۸۹۸ م)
نویسنده و نمایشنامه‌نویس‌فرانسوی؛ عمر فصل، مرد شجاع، آدمها، از نمایشنامه‌های ایشان‌و بعداً به‌رومان‌نویسی روی آوردند و اثر **گل دریا** از ایشان برندهٔ جایزه شد، دستهٔ بزرگ، بلدرچین، گردش‌عشاق، بچهٔ‌کوچك‌آسانسور وغیره قسمتی از آثار ایشان است.

۱۹۴۷

روی، گابریل Roy,G.
(متولد ۱۹۱۹ م)
رومان نویس کانادایی فرانسوی، رومان **شانس موقعیت** او برندهٔ جایزه شده، مرغ کوچك آبی و کوه متروك قسمتی از آثار ایشان است.

برندگان جوایز مختلف ادبی فرانسه

آراگون، لویی Aragon، L .
(متولد ۱۸۹۷ م)
شاعر و داستان نویس فرانسوی و از بانیان نهضت سوررآلیست بود. آراگون درسال **۱۹۳۶** برندهٔ جایزهٔ ادبی تئوفراست شد.

اکر، پل Acker, P
(۱۸۷۴ – ۱۹۱۵ م)
نویسندهٔ فرانسوی، خانم‌کوچولوی تیانژ، میل به زندگی، برناردسرباز، دو عشق، باغ قشنگ از رومانهای‌ایشان است، **اکر** درسال **۱۹۱۵** برندهٔ جایزهٔ بزرگ رومان آکادمی گردید.

ایمه، مارسل Ayme, M.
(متولد ۱۹۰۲ م)



نویسنده و نمایشنامه نویس‌فرانسوی مادیان‌سبز، گوستالن، مرزوی‌قاچاقی درعقب‌سر، راه شاگرد مدرسه‌ها، اورانوس، سر دیگران، پرندگان ماه، قسمتی از آثار ایشان است.
ایمه درسال ۱۹۲۹ برندهٔ **جایزهٔ ادبی تئوفراست** شد.

بنوا، پی‌یر
نویسندگان خارجی را به بینید.

بوسکو، هانری Bosco, H.
(متولد ۱۸۸۸ م)
نویسندهٔ فرانسوی که بیشتر عمر خود را در افریقای شمالی و مرکزی گذرانده است، خرتنکه، باغهیاسنت، رمان شب، آنتونن قسمتی از آثار او است، بوسکو درسال **۱۹۴۵** برندهٔ جایزهٔ **ادبی تئوفراست** شد.

پروست، ژان.
نویسندگان خارجی را به‌بینید.

دومونتزلانت، هانری
مونترلانت، در نویسندگان‌خارجی دیده شود.

رومن رولان
برندگان نوبل ادبی را به بینید.

روی، ژول Roy,J.
(متولد ۱۹۰۷ م)
نویسنده و نمایشنامه‌نویس‌فرانسوی، صاحب آثاری چون: درهٔ خوشحال، جنگلهای زیبا، مانندیك فرشتهٔ بد، کار ارواح، جنگ‌الجزایر، خون زیبا، شط قرمز، **روی** درسال **۱۹۵۸** برندهٔ جایزهٔ بزرگ ادبی آکادمی فرانسه شد.

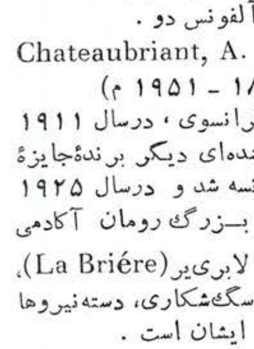
سنت‌اگزوپری ، آنتوان دو .
Saint – Fxupery, A.
(۱۹۰۰ – ۱۹۴۴ م)
نویسنده و هـوا نورد فرانسوی ، آثاری چون : پست جنوب، پروازشبانه، زمین آدمیزاد ، خلبان جنـگ وغیره دارد .
اگزوپـزی درسال **۱۹۳۹** بـرندهٔ جایزهٔ بزرگ رومـان آکادمی فرانسه شد .

سوپرویل ،ژول.
شاعران خارجی را به‌بینید .

شاتوبریان ، آلفونس دو .
Chateaubriant, A.
(۱۸۷۷ - ۱۹۵۱ م)
نویسندهٔ فرانسوی ، درسال **۱۹۱۱** به اشتراك نویسنده‌ای دیگر برندهٔ جایزهٔ گنکورد فـرانسه شد و درسال **۱۹۲۵** بـرندهٔ جایزهٔ بـزرگ رومان آکادمی فرانسه گردید؛ لابری‌یر(La Briére)، پاسخ آقا ،گلهٔ سگ‌شکاری، دسته‌نیروها قسمتی از آثار ایشان است .

کسل ، ژوزف Kessel, J.
(متولد **۱۸۹۸** م)
نویسنده و روزنامه‌نگار فرانسوی، استپ‌قرمز ، شبهای شاهزادگان ، ضربهٔ آخر ،گردش فقرا ، شیر ازآثاراواست.
کسل درسال **۱۹۲۷** برندهٔ جایزهٔ بزرگ رومان آکادمی فرانسه شد .

مارسل ، گابریل Marcel.G.



نویسنده و فـیلسوف فـرانسوی دارای‌آثاری چون : قلب دیگران ، مرد خدا ، تشنگی و بسیاری دیگر می‌باشد ، مارسل درسال **۱۹۴۸** برندهٔ جایزهٔ بزرگ ادبی آکادمی فرانسه شد .

۱۹۲۹

ماسیس ، هانری Massis,H.
(متولد **۱۸۸۶** م)
نویسندهٔ فرانسوی ، صاحب آثاری چون : جوانهاغول امروزی ، قضاوتها ، دفاع ازغرب وبسیاری دیگر می‌باشد .

مالرو ، آندره Malraux, A.
(متولد **۱۹۰۱** م)



نویسنده و شخصیت‌سیاسی فرانسه دارای آثاری چون : شرطانسانی، زمان‌ناچیز ، امید، سرنوشت بشر ،فاتحان وغیره‌می‌باشد.
مالرو بـرندهٔ جایزهٔ ادبی سال **۱۹۳۰** انترالیه می‌باشد.

موریاك ، فرانسوا
برندگان جوایز ادبی نوبل را به‌بینید (سال **۱۹۵۲**).

مونترلانت ، هانری دو
نویسندگان خارجی را به بینید .

جوایز پولیتزر
Tne Pulitzer prizes

جوایز پولیتزر برای‌روزنامه‌نگاری، ادبیات و موسیقی بنا به وصیت جوزف پولیتزرناشرروزنامهٔ آمریکایی ، ایجاد شد. این جوایز از سال **۱۹۱۷** به‌وسیلهٔ امنای دانشگاه کولومبیا اعطا شده است برای روزنامه‌نگاری سالانه هشت‌جایزه در نظر گرفته شده است که هفت جایزهٔ هزاردلاری ویك مدال طلاست . بـرای موسیقی و ادبیات هرکدام یك جـایزهٔ پانصد دلاری.

برندگان جوایز پولیتزر

۱۹۱۷
جایزه به‌کسی داده نشد .

۱۹۱۸
پل ، ارنست Poole,E.
(۱۸۸۰ – ۱۹۵۰ م)
نویسندهٔ آمریکـایی ، از مـردم شیکاگـو ، درفرانسه وآلمان و روسیه خبرنگاربود.ازآثاراوست:نمایشنامه‌های نه اینسان‌کور ، دوستان یـك مرد ، و داستانهای:دهکده‌ماهیگیری،**خانواده‌اش**، طلای‌گدا ، ملیونها ، خطر ، پرستاران بربشت اسب ، یکی ازما،دلیران‌رفته .

۱۹۱۹
تارکینگتن ، بوث
Tarkington,B.
(۱۸۶۹ – ۱۹۴۶ م)
نویسندهٔ آمریکایـی ، از مـردم ایندیاناپولیس ، فارغ‌التحصیل دانشگاه پرینستون : نویسندهٔ: آقایی ازایندیانا، مسیوبوکر،هفده، **آمبرسونهای‌باشکوه**، آلیس آدامز (این دوکتاب هردوبرندهٔ جایزهٔ پولیتزر شد .)زنان ،اشرافمنش، بانوگریلی جوان ، میراث‌هاچراید ،

۱۹۲۰
جایزه به‌کسی داده نشد .

۱۹۲۱
وارتن ، ایدیث Wharton,E.
(۱۸۶۲ – ۱۹۳۷ م)
نویسندهٔ آمریکایی ، نویسندهٔ:درهٔ تصمیم ، خانهٔ نشاط ، **دوران بیگناهی**، پسری در پیش،کودکان، مردم درستکار و شرح حال خودش .

۱۹۲۲
تارکینگتون، بوث Tarkington,B.
برندهٔ جایزه در سال **۱۹۱۹** دیده شود .

۱۹۲۳
کاتر ، ویلا . Cather, V.
(۱۸۷۵ – ۱۹۴۷ م)
نویسنده وروزنامه‌نگارآمریکایی، پل الکساندر **ویکی ازما** از نـوول‌های معروف او است .

۱۹۲۴
ویلسون ،مارگرت Wilson, M.
(متولد **۱۸۸۲** م)
بانوی نویسندهٔ آمریکایی. ازآثار اوست **مك‌لافتیر توانا** ، دختران هند ، همسر دلیر .

۱۹۲۵
فربر ، ادنا Ferber,E.
(متولد **۱۸۸۷** م)
ازنویسندگان آمریکایی از مردم ایالت میشیگان،ازآثار اوست : شرکت مك چسنی ، زیکولو ، **خیلی‌بزرگ** ، سیمارون ، زیبایی آمریکایی ، بیاوآن را بدست‌آر ، زلزلهٔساراتوگا وشرح‌حال خودش .

۱۹۲۶

لوییس، سینکلر .Sinclair Leuies

برندگان نوبل ادبی را به‌بینید .

۱۹۲۷

برومفیلد ، لوییس .Bromfield، L

(۱۸۹۶ – ۱۹۳۶ م)

نویسندهٔ آمریکایی ومؤلف، درخت خلیج سبز ، **اول پاییز** ، صندوقچهٔ عجیب دوشیزه آنی‌اسپراگ ، باران می‌بارد،شب دربمبیی، بانوپارکینگتون

۱۹۲۸

وایلدر ، تورنتن نیون

Wilder, Th , Niven.

(متولد ۱۸۹۷ م)

داستان پرداز و نمایشنامه‌نویس آمریکایی،ازمردم ایالت ویسکانسین. از آثار اوست : **پل‌سن‌لویی‌ری** ، زن آندروس ، مقصد من بهشت .

۱۹۲۹

پیترکین، جولیا Peterkin ' J.

(۱۸۸۰ – ۱۹۶۱ م)

نویسندهٔ آمریکایی‌ازمردم‌کارولینای جنوبی‌نویسندهٔ‌پنجشنبهٔ‌سبز، **آوریل‌سیاه**، **خواهر ماری ارغوانی** ، پوست روشن.

۱۹۳۰

لافارگ ، الیوبر La Farqe,O.

(۱۹۰۱ – ۱۹۶۳ م)

نویسندهٔ‌آمریکایی ازمردم‌نیویورك عضو هیئت باستاشناسی آمریکایی در مکزیك ، گواتمالا و آریزونا . ازآثار اوست : قبیله‌ها و معبدها ، **پسرخندان**، طناب دار بلند ، همهٔ مردان جوان ، خدایان دشمن .

۱۹۳۱

ایربارنز، مارگرت

AyerBarnes،M.

از زنان نویسندهٔ معاصر ، که اثر **سالهای زیبایی** اوبرنده شد.

۱۹۳۲

پرل‌باك ، س Pearl, Buck, S.

برندگان نوبل ادبی را به‌بینید .

۱۹۳۳

استریبلینگ ، توماس سیجیسموند

Stri Bling، T، S.

(۱۸۸۱ – ۱۹۶۵ م)

نویسندهٔ آمریکایی از مردم ایالت تنسی . از آثار اوست : حق اولادارشد (نخست زادگی) ، فوم‌بوم‌بو ، شن‌سرخ، تیف تالو ، فلز درخشان ، ماه غریب ، کوره، **انبار** و نمازخانه .

۱۹۳۴

میللر ، کارولین Miller،C.

نویسندهٔ معاصر آمریکایی‌که اثر، **لمب در میان خانواده** ، از او برندهٔ جایزه شد .

۱۹۳۵

جانسون ، جوزفین ونیسلو

Jahnson، J، W.

(متولد ۱۹۱۰ م)

نویسندهٔ آمریکایی . از آثار او است : **اینك در نوامبر** ، باغ زمستانی و پایان سال .

۱۹۳۶

دیویس ، هارولد ،ال

Davis' H ، L .

(۱۸۹۶ – ۱۹۶۰ م)

نویسندهٔ‌آمریکایی ازمردم‌اورگون به‌کارهای‌گوناگونی‌مانند روزنامه‌نگاری آهنگسازی ، و غیر آن پرداخت ، در جنگ جهانی‌دوم شرکت جست. از آثار اوست **عسل‌درشاخ** .

۱۹۳۷

میچل ، مارگریت Mitchel،M.

(۱۹۰۰ – ۱۹۴۹ م)

زنی‌نویسنده‌ازمردم آمریکاصاحب اثر **برباد رفته** می‌باشد .

۱۹۳۸

مارکوند، جان‌فیلیپس .Marquand,J

(۱۸۹۳–۱۹۶۰ م)

نویسندهٔ آمریکایی از مردم(لیور) درجنگ جهانی دوم به درجهٔ سرگردی رسید . از آثار اوست:آقای تمام‌عیار ، محمولهٔ سیاه ، پایان‌بهشت ، جورج‌آپلی فقید و برخی داستانهای پلیسی .

۱۹۳۹

راولینگز ،مارجوری‌کینان

Rawlings, M,K.

(۱۸۹۶ – ۱۹۵۳ م)

داستان نویس آمریکایی از مردم واشنگتون،ازآثاراوست؛ در زیرماهتاب جنوب، سیبهای زرین، **یك‌ساله** وغیره.

۱۹۴۰

استاین‌بك ، جان Steinbeck، J

برندگان نوبل ادبی را به‌بینید .

۱۹۴۱

جایزه اعطا نشد

۱۹۴۲

گلاسکو ، الن Glasgow، E .

(۱۸۷۴ – ۱۹۴۵ م)

داستان نویس آمریکایی از مردم ویرجینیا نویسندهٔ کتابهای: نسل، میدان جنگ، چرخ زندگی وگابریلا ،دلقکها، زندگی مصون، خط آهن،**دراین‌زندگی**.

۱۹۴۳

سینکلر ،آپتن Sinclair، A.

(متولد ۱۸۷۸ م)

داستان نویس آمریکایی ، ازآثار او است : جنگل ، سلطان زغال **سنگ** ، نفت ، پایان جهان و **دندانهای اژدها** وغیره.

۱۹۴۴

فلاوین ، مارتین Flavin،M .

نویسندهٔ معاصر آمریکایی ، **سفر درتاریکی**ازآثار اواست‌که برندهٔ‌جایزه شد .

۱۹۴۵

هرسی ، جان Hersey، j .

(**متولد** ۱۹۱۴ م)

نویسنده وروزنامه‌نگارآمریکایی، دارای‌آثاری‌چون: **ناقوس‌برای‌آدانو** ، دیوار، وغیره می‌باشد .

۱۹۴۶

جایزه اعطانشد .

۱۹۴۷

پن وارن ، روبرت

Warren، R، P.

(متولد ۱۹۰۵ م)

نویسندهٔ آمریکایی ، استاد زبان انکلیسی در دانشگاه **یال**. چند اثر از او: سوارشبانه،درهای‌آسمان،دیوانگی‌های شاه و **همهٔ آدمهای شاه** و بسیاری دیگر.

۱۹۴۸

میچینر ، جیمز ، ای

Michener' j .

(۱۹۰۷ م)

نویسندهٔ‌آمریکایی،دردانشگاههای پنسیلوانیا ، ویرجینیا، هاروارد و سنت آندریوز درس خواند . رییس برنامهٔ غذابرای صلح‌از آثاراوست :**داستانهای دریای جنوب** ، آتشهای بهاری ، باز–

گشت به بهشت ، صدای آسیا ، پلهای توکوری، سایونارا، جهان شناوروغیره.

۱۹۴۹

کوزنس ، جیمز گولد

Cozzens' J,G.

(۱۹۰۳ م)

نویسندهٔ آمریکایی، فارغ‌التحصیل دانشگاه هاروارد ، عضو مؤسسهٔ هنر و ادبیات آمریکا، ازآثاراوست: اعتراف، مایکل اسکارت ،میدان جنگ ، فرزند تباهی، اس اس ، سان‌پدرو ،آخرین‌آدم، کشتی شکسته ، مردان و برادران ، فردا بپرس ، درست ونادرست، **نگهبان‌افتخار**، کودکان و دیگران ، و غیره .

۱۹۵۰

گوتری جونیور ، ای . بی

Guthrie, j,A ' B .

نویسندهٔ آمریکایی، نویسندهٔ کتاب **راهی به غرب** می‌باشد .

۱۹۵۱

ریختر، کنراد

Richter, C .

(متولد ۱۸۹۰ م)

نویسندهٔ آمریکایی ، کار خود را باخبرنگاری روزنامه آغازکرد. چندین جایزه، مدال و دکترای‌افتخاری‌دریافت داشته است . از آثار اوست: برادران نوکین ، دریای سبز ، درختان ، انسان آزاد ، کشتزاران ،همیشه زیبا وجوان، **شهر**، روشنایی درجنگل، کوه درکویر، بانو ، آبهای کرونوس ، پدر بزرگ و غیره .

۱۹۵۲

ووك ، هرمان

Wouk, H.

(متولد ۱۹۱۵ م)

نویسندهٔ آمریکایی در زمان‌جنگ درنیروی دریایی خدمت می‌کرد . استاد زبان‌انگلیسی است. ازآثار او پسرك شهری، راه طبیعت، اینست خدای من و عصیان قابیل است .

۱۹۵۳

همینگوی، ارنست.

برندگان نوبل ادبی را به ببینید

۱۹۵۴

جایزه‌ای اعطا نشد.

۱۹۵۵

فالکنر،ویلیام.

برندگان نوبل ادبی‌را به بینید .

۱۹۵۶

کانتر، مك کینلی

Kanter,M,K.

نویسندهٔ معاصر آمریکایی‌باانتشار اثر، **آندرسن ویل** برندهٔ جایزه شد.

۱۹۵۷

جایزه‌ای اعطا نشد.

۱۹۵۸

آگی، جیمز

Agee,J .

نویسندهٔ معاصر آمریکایی باانتشار **اثر مرگی درخانواده** برندهٔ جایزه‌شد.

۱۹۵۹

تیلر، رابرت لوییس

Tyler,R,L .

نویسندهٔ معاصرآمریکایی، باانتشار اثر ، **سفرهای جمی مك فیترز** برندهٔ جایزه شد.

۱۹۶۰

دریوری، آلن استیوارت

Drury, A.

(متولد ۱۹۱۸ م)

نویسندهٔ آمریکایی فارغ‌التحصیل دانشگاه استانفورد. در مجله‌هاوروز- نامه‌های معروف آمریکایی چون‌نیویورك تایمز و ریدرزدایجست بکار پرداخت.از آثار او است **نصیحت و رضایت**، سایهٔ اختلاف ،آن تابستان.

۱۹۶۱

لی، هارپر

Lee, H.

نویسندهٔ‌معاصرآمریکایی‌که باانتشار اثر، کشتن مرغ مقلد برندهٔ جایزه‌شد.

۱۹۶۲

اوکونر، ادوین

O'Connor,E

نویسندهٔ معاصرآمریکایی‌که‌باانتشار لبهٔ غم برندهٔ جایزه شد.

۱۹۶۳

فاکنر،ویلیام.

برندگان نوبل ادبی را به‌بینید،

۱۹۶۴

جایزه‌ای اعطا نشد.

۱۹۶۵

گرو، شرلی آن

Grau,Sh, A.

نویسندهٔ معاصر آمریکایی است که با انتشاراثرنگهبانان خانه برندهٔ‌جایزه شد.

۱۹۶۶

پورتر،کاترین‌آن

Porter, K, A.

(متولد ۱۸۹۰ م)

نویسندهٔ آمریکایی دارای دکترای افتخاری‌ادبیات‌ازدانشگاه‌کارولینای شمالی در نوشتن داستهای کوتاه مهارت دارد. با انتشار **موازنهٔ‌احساس** برندهٔ جایزه شد.

۱۹۶۷

مالامود، برنارد

Malamud, B.

(متولد ۱۹۱۴ م)

نویسندهٔ‌آمریکایی‌دردانشگاه‌کولومبیا تحصیل کرده عضو مؤسسهٔ ملی هنر و ادبیات آمریکاست و آثارش جایزه‌های فراوانی بدست آورده از معروفترین کتابهایش طبیعی، دستیار، زندگی تازه و سد بزرگ است.

برندگان جوایز

پولیتزر

درنمایشنامه نویسی

۱۹۱۷ ـ جایزه داده نشد.

۱۹۱۸ ـ چرا مری؟ اثر جس‌ـ‌لینچ‌ـ **ویلیامز**.

Why Marry? by Williams J. L.

۱۹۱۹ـ جایزه داده نشد.

۱۹۲۰ـ ماورای‌افق‌ـ‌اثراوجن‌ـ**او نیل**.

Beyond the Horizen, by O'Neill E.

۱۹۲۱ـ دوشیزه‌ـ‌لولابت اثر زونا **گیل**

Miss Lula Bett, by Gale Z.

۱۹۲۲ـ آنا کریستی‌اثر اوجن **او نیل**.

Anna Christie,by o,Niell E.

۱۹۲۳ـ محصوردریخ‌ـ‌اثرآون‌ـ**دیویز**.

Icebound, by Davis o. o.

۱۹۲۴ـ دیوخووبهشت‌ـ‌اثرهاچر**هاگس**.

Hell-Bont for Heaven, by Hughes H.

۱۹۲۵ـ آنها می‌دانستندچه‌می‌خواهند اثر سیدنی‌هوارد.

Tkey knew what they wented, by Howards.

۱۹۲۶ـ همسر کرایج ـ اثرجرج‌کلی.

Craig,s Wife, by Kelly G.

۱۹۱۷ـ درآغوش آبراهام ـ اثر پل گرین
In Abraham,s Bosom. by Green P.

۱۹۲۸ـ نمایش عجیب اثر، اوجن اونیل.
Strange interlude,by O'Neill E.

۱۹۲۹ ـ سن خیابان ـ اثر ـ المر ـ ال. رایس
Street Scene, by Rice E. L.

۱۹۳۰ـ مرتع سبز ـ اثر مارك کونلی.
The Green Pastures, by Connelly M.

۱۹۳۱ـ خانهٔ آلیسون ـ اثر سوزان ـ گلاسپل
Alison,s House, by Glaspell S.

۱۹۳۲ـ من از طرف تو می‌خوانم، اثر جـورج، اس، کوفمن، ایـرا، جر شوین و موری، ریسکیند.
Of thee I Sing , by Kauf man G.S. , Gershwin I. , Ryskind M.

۱۹۳۳ـ هم‌منزلهای شما ـ اثر ، ماکسول آندرسون.
Both your Houses, by And–erson M.

۱۹۳۴ـ مردان‌سفید (مردان درسفیدی) اثرسیدنی کینگزلی .
Men in white. by Kingsley S.

۱۳۹۵ـ خدمتکار قدیمی، اثر، زواکینز.
The old Maid, by Akins, Z.

۱۹۳۶ـ خوشی‌دلقك ـ اثر، رابرت ، ی شروود .
Idiot,s Delight, by sher–wood R. E.

۱۹۳۷ـ شما نمی‌توانید اورا با خود ببرید. اثر، موس، هارت و جورج ـ اس کوفمن.
you can,t take it with you by Hart M. and Kauf man G. S .

۱۹۳۸ـ شهرما ـ اثر تورنتون ـ ویلدر .
Our Town, by Wilder T.

۱۹۳۹ـ ایب لینکلن درالینویز ـ اثر رابرت‌ی. شروود .
Abe Lincoln in illinois, by Sherwood R.E.

۱۹۴۰ـ وقت زندگی شما ـ اثر ویلیام سارویان .
The Time of your Life, by Saroyan W.

۱۹۴۱ـ شبی‌وجود ندارد (شبی‌نخواهد بود) اثر رابرت ـ یی ـ شروود.
There Shall Be NoNight, by Sherwood R.E.

۱۹۴۲ـ جایزه داده نشد.

۱۹۴۳ـ روپوش دندانهای‌ما ـ اثر تورن تون‌ویلدر.
The Skin of our Teeth, by Wilder T.

۱۹۴۴ـ جایزه داده نشد.

۱۹۴۵ـ هاروی ـ اثر مری‌چیس
Harvey, by chase M.

۱۹۴۶ـ اعلان پیوستگی ـ اثر راسل ـ کروس وهـوارد لیندسی .
State of the union, by Crous R.and Lindsay H.

۱۹۴۷ـ جایزه اعطا نشد.

۱۹۴۸ـ ماشینی‌به‌نام اشتیاق (میل) ـ اثر تنسی ویلیامز.
A Street car Named Desire, by Williams T.

۱۹۴۹ـ مرگ یك فروشنده ـ اثر آرتور میللر.
Death of a Sales man, by Miller A.

۱۹۵۰ـ جنوب آرام ـ اثر ریچارد رود گرز، اسکار همرزتین ـ وجوشا لوگان.
South Pacific , by Rodgers R. و Hammerstein O. and Logan J.

۱۹۵۱ـ جایزه داده نشد.

۱۹۵۲ـ فریاد ـ اثر ژوزف ـ کرام
The Shrike, by Kramm J.

۱۹۵۳ـ گردش دسته‌جمعی ـ اثر ویلیام اینج.
Picnic, by Inge W.

۱۹۵۴ـ چایخانهٔ ماه اوت ـ اثر جان پاتریك.
The Teahouse of the August Moon, by Patric J.

۱۹۵۵ـ گربه روی شیروانی داغ ـ اثر تنسی ویلیامز.
Cat on a Hot tin Roof, by Williams T.

۱۹۵۶ـ (سفر نامه) دفترچهٔ خاطرات آن‌فرانك، اثر آلبرت هاکت و فرانسیس گودریچ .
Diary of Anne Frank, by Hackett A. and Goodrich F.

۱۹۵۷ـ روزهای طولانی مسافرت در شب، اثر اوجن انیل.
Long Day,s Journey into Night, by O'Neill E.

۱۹۵۸ـ بسوی خانهٔ فرشته نگاه کن ـ اثر کتی ـ فرینگز.
Look Home ward,Angel, by Frings K.

۱۹۵۹ـ جی ـ بی ـ اثر آرشی بالد ـ ملك ـ لیش.
J. B., by Mac Leish A.

۱۹۶۰ـ فیورلو کتاب اثر جرم ویدمن و جورج آبوت موزیك اثر ـ جری بوك اشعار بزمی ـ از شلدام ـ هارنیك.
Fiorello! book by weid man J. and Abbott G. music by Bock J iyrics by Harnick S.

۱۹۶۱ـ تمام راه خانه ـ اثر تاد موزل.
All the way Home, by Mosel T.

۱۹۶۲ـ چگونه‌درشغلتان موفق‌می‌شوید بدون کوشش واقعی ـ اثر فرانك لوزر و ایب باروز.
How to succeed in business Without Really Trying, by Luesser F. and Burrows A.

۱۹۶۳ـ جایزه داده نشد.

۱۹۶۴ـ جایزه داده نشد.

۱۹۶۵ــ مسئلهٔ مورد اشاره گلها بود ــ اثر فرانك دی گیل‌روی.
The Subject was Roses, by GilRoy F. D.

۱۹۶۶ــ جایزه داده نشد.

۱۹۶۷ــ یك توازن ظریف ــ اثر ادوارد **آل بی**.
A Delicate Balance, by Albee E.

برندگان جوایز پولیتزر

(درزندگی‌نامه یاخاطره‌نویسی)

۱۹۱۷ــ ژولیاواردهواثر: لورا ــ یی ریچاردز، مود ــ اچ ــ **الیوت** وفلورانس ــ اچ ــ **هال**.
Richards L. E. . Elliot M.H. and Hall F. H.

۱۹۱۸ــ الهام‌شخصی بنژامین‌فرانکلین اثر ویلیام کابل **بروس**.
Bruce W. C.

۱۹۱۹ــ تحصیلات هنری آدامز ــ اثر هنری آدامز. Adams H.

۱۹۲۰ــ زندگی جان مارشال (۴جلد) اثر آلبرت ــ جی ــ بوریج.
Beveridge A. J

۱۹۲۱ــ آمریکایی‌مآب‌بودن‌ادواردبوك ــ اثر ادوارد بوك. Bok. E.

۱۹۲۲ــ دختری ازسرحد (مرز)میانی اثر هامیل ــ **گارلند**. Garlnd H.

۱۹۲۳ــ زندگی و نامه‌های والتر ــ اچ بیچ ــ اثر بورتون ــ جی ــ **هندریك**.
Hendrick B.J.

۱۹۲۴ــ از مهاجرت‌کننده تا مخترع اثر ــ میشل ــ ایدورسکی ــ **پوپین**.
Pupin M.I.

۱۹۲۵ــ بارت وندل و نامه‌هایش ــ اثر ام ــ آ ــ دی‌ولف ــ **هاو**.
Howe M. A. D.

۱۹۲۶ــ زندگی سر ویلیام اسلر ــ (دو جلد) اثر هاروی **کوشینگ**.
Cushing H.

۱۹۲۷ــ ویتمن ــ اثر اموری **هالووی**.
Holloway E.

۱۹۲۸ــ ارکستر آمریکاو تئودور توماس ــ اثر چارلز ادوارد **راسل**.
Russell C.R.

۱۹۲۹ــ تعلیم و تربیت یك آمریکایی ــ زندگی‌گذشته و نامه‌های والتر ــ اچ ــ بیچ اثر بورتون ــ جی **هندریك**.
Hendrick B.J.

۱۹۳۰ ــ کلاغ سیاه ــ اثر مارکوییس **جیمز**. James M.

۱۹۳۱ــ چارلز ــ و ــ الیوت ــ اثر هنری **جیمز**. Jemes H.

۱۹۳۲ــ تئودور روزولت ــ اثر هنری اف ــ **پرینگل**. Pringle H.E.

۱۹۳۳ــ گراورکلیولند ــ اثر آلن نوینز. Nevins A.

۱۹۳۴ــ جان‌هی ــ اثر وتیلر**دنت**. Dennett T.

۱۹۳۵ــ ار ــ یی ــ لی ــ اثر دوگلاس ــ سوتال ــ **فری‌من**. Freeman D.S.

۱۹۳۶ــ اندیشه وشخصیت ویلیام‌جیمز اثر رالف بارتن **پری**. Perry R.B.

۱۹۳۷ــ همیلتن‌نیش ــ اثر آلن **نوینز**. Nevins A.

۱۹۳۸ــ پیشرفت پدلارز اثرادل **شپارد**. Shepard O.
آندروجکسون اثر مارکوییس **جیمز**. James M.

۱۹۳۹ــ بنژامین فرانکلن ــ اثر کارل وان ــ **دورن**. Doren C,O, V.

۱۹۴۰ــ زندگی‌ونامه‌های‌وودرو ــ ویلسون در ۷ جلد و۸ جلداثر ری‌استنارد**بیکر**. Baker R,S.

۱۹۴۱ــ ژوناتان ادواردز ــ اثر الا ــ یی ــ وینزلو. Winslow D.E.

۱۹۴۲ــ مجاهد رزم ناو ــ اثر فارست **ویلسون**. Wilson F.

۱۹۴۳ــ دریا سالار اقیانوس ــ اثر ساموئل ــ الیوت **موریشون**. Morison S.E.

۱۹۴۴ــ لئوناردوی آمریکایی: زندگی اف ــ بی ــ مورس ــ اثر کارلتون ــ **ماب**. Mabee C.

۱۹۴۵ــ جورج بانك‌رفت: برهمن‌سرکش ــ اثرراسل ــ بلین ــ **نای**. Nye R.B.

۱۹۴۶ــ پسر صحرا ــ اثر: لینی ــ ام ــ **ساموئل**. Samuel L.M.

۱۹۴۷ــ زندگی‌نامهٔ‌ویلیام آلن‌وایت‌اثر ویلیام آلن وایت. White W.A.

۱۹۴۸ــ جان بیکلواولین تبعهٔ‌فراموش شده ــ اثر مارگریت‌کلپ. Clâpp M.

۱۹۴۹ــ روزولت و هوپ کینز اثر رابرت ــ یی ــ شروود. Sherwood R.E.

۱۹۵۰ــ جان‌کوینسی‌آدامز وپایه‌های سیاست خارجی آمریکا ــ اثر ساموئل ــ فلگ **بمیس**. Bemis S.F.

۱۹۵۱ــ جان ــ سی ــ کالهون ــ تصویر آمریکایی ــ اثرمارگریت لوییس ــ کویت. Coit M.L.

۱۹۵۲ ــ چارلز ایوانز ــ هاگس اثر مرلو ــ جی ــ پوزی. Pusey M' J

۱۹۵۳ ــ ادموند پندلیتون ۱۸۰۳ ــ ۱۷۲۱ ــ اثر دیوید ــ جی ــ میز. Mays_D.J.

۱۹۵۴ــ روح سینت لوییز ــ اثرچارلز ــ آ ــ لیندبرگ. Lindbergh C.A.

۱۹۵۵ــ داستان جای پارو(داستان‌تفت) اثرویلیام‌اس **وایت**. White W.S.

۱۹۵۶ــ بنژامین ــ هنری ــ لاتروب‌اثر ــ تی ــ اف ــ **هملین**. Hamlin T.F

۱۹۵۷ــ سیمای شجاعان اثر: جان ــ اف **کندی**. Kennedy J.F.

۱۹۵۸ ــ جورج واشینگتن در ۱ ــ ۶ جلد اثر دوگلاس سوت هال **فری من** و جلد ۷ اثر ماری ــ ولز ــ **اشورت** و جان الکساندر **کارول**
Freeman D.S.
Ashworth M.W.
Carol J.A.

۱۹۵۹ــ وودرو ــ ویلسون‌پیغمبر ــ آمریکا اثر: آتور**والورث**. Walworth A.

۱۹۶۰ــ جان ــ پل ــ جونس ــ اثرساموئل الیوت ــ **ماریسون** Marison S.E.

۱۹۶۱ــ چارلز ــ سومنر وآمدن جنگ داخلی اثر دیوید**دونالد**.
Donald D.

۱۹۶۲ـ جایزه داده نشد.

۱۹۶۳ـ هنری جیمز ـ اثر، لئون، ادال. Edal L.

۱۹۶۴ـ جان کیتز ـ اثر. والتر جکسون بیت. Bate W.J.

۱۹۶۵ـ هنری آدامز ـ اثر؛ ارنست ساموئلز. Samuels E.

۱۹۶۶ـ یکهزار روز ـ اثر، آرتور، ام، شل‌زینگر. Schlesinger Jr. A. M.

۱۹۶۷ـ آقای کلیمنز و مارك تواین، اثر، ژوستین کاپلان. Caplan J.

برندگان جوایز پولیتزر

شعر

۱۹۱۸ـ ترانه‌های عاشقانه از سارا ـ تیزدال. Teasdal, S.

۱۹۱۹ـ راه‌قدیمی‌بهشت ـ ازمارگریت ویدمر. Widmere, M.

کرن هاسکرز ـ اثر کارل سندبرگ Sandburg, C.

۱۹۲۲ـ اشعار جمع آوری شده ـ از ادوارد، آرلینگتن روبینسون Robinson E.A.

۱۹۲۳ـ ترجیع بند هارپ وی‌ور ـ اثر ادنا، سینت، وین‌سنت، میللی. Millay E. St. V.

۱۹۲۴ـ نیوهمشایر ـ اثر رابرت فارست. Forest R.

۱۹۲۵ـ مردی که دوبار مرد ـ اثر ادوین آرلینگتن، روبینسون. Robinson E.A.

۱۹۲۶ـ ساعت چیست؛ اثر. لاول. Lowell A.

۱۹۲۷ـ خداحافظی‌فیدلر ـ اثر. لئونورا اسپیر. Speyer L.

۱۹۲۸ـ تریسترام ـ اثر ادوین، آرلینگتن رابینسون. Robinson E.A.

۱۹۲۹ـ جسم جان براون ـ اثر، استفن وین سنت، بنت Benet S.V.

۱۹۳۰ـ اشعار انتخاب‌شده (منتخب اشعار) اثر، کنراد ایکن Aiken C.

۱۹۳۱ـ مجموعهٔ اشعار ـ اثر، رابرت فارست. Forest R.

۱۹۳۲ـ سنگ گلدار ـ اثر جورج دیلن. Dillon G.

۱۹۳۳ـ پیروزی، اثر آرچیبالد، مك لیش. Macleish A.

۱۹۳۴ـ نظم (شعر) جمع‌آوری شده ـ اثر رابرت هیلیر. Hillyer R.

۱۹۳۵ـ کمینگاه روشن ـ اثر، ادری وردمن. Wurdemann A.

۱۹۳۶ـ تقدس عجیب ـ اثر رابرت پی تریست رام کوفین. Coffin R.P.T.

۱۹۳۷ـ (افردرنج) اثر رابرت فراست. Frost R.

۱۹۳۸ـ آسمان سرد صبحگاهی ـ اثر ماریا زاتورنسکا Zaturenska M.

۱۹۳۹ـ منتخب اشعار ـ از، جان، گلد فلتچر. Fletcher j.G.

۱۹۴۰ـ مجموعهٔ اشعار از، مارك وان دورن Doren M.V.

۱۹۴۱ـ سر زمین مغلوب ـ اثر لئونارد بیکن Bacon, L.

۱۹۴۲ـ (د داست ویچ ایز گاد) اثر ویلیام رز، بنت. Benet W.R.

۱۹۴۳ـ یك شاهد درخت ـ اثر رابرت فراست Frost R.

۱۹۴۴ـ ستارهٔ غربی ـ اثر استفن وین سنت بنت Benet S.V.

۱۹۴۵ـ پنج نامه و اشعار دیگر ـ از، کارل شاپیرو. Shapiro K.

۱۹۴۶ـ جایزه داده نشد.

۱۹۴۷ـ قصر لرد ویری ـ اثر رابرت لوول. Lowell R.

۱۹۴۸ـ زمان اشتیاق اثر و، اچ، اودن Auden W.H.

۱۹۴۹ـ وحشت وادب اثر پتر ویرك. Viereck P.

۱۹۵۰ـ آنی آلن، اثر، گندولین بروکس. Brooks G.

۱۹۵۱ـ اشعار کامل ـ از، اکارل سندبرگ. Sandburg C.

۱۹۵۲ـ مجموعهٔ اشعار، ازمریان، مور. Moore M.

۱۹۵۳ـ مجموعهٔ اشعار ۱۹۱۷ـ۱۹۵۲ از آرشیبالد مك‌لیش. Mac leish A.

۱۹۵۴ـ شب زنده‌داری (بیداری) ـ اثر تئودور، روتك Roethke T.

۱۹۵۵ـ مجموعهٔ اشعار ازوالانس استیونز. Stevens W.

۱۹۵۶ـ اشعار شمال و جنوب ـ از، الیزابت بیشاپ Bishop E.

۱۹۵۷ـ اشیاء این دنیا از، ریچارد ویلبر. Wilbur R.

۱۹۵۸ـ پیمان‌ها اشعار ۱۹۵۴ـ۱۹۵۶ از رابرت پن وارن. Warren R.P.

۱۹۵۹ـ منتخب اشعار ۱۹۵۸ـ۱۹۲۸ ازاستانلی کونیتز Kunitz S.

۱۹۶۰ـ قلب‌سوزن اثر، و.د. اسنودگرس Snodgress W.D.

۱۹۶۱ـ (تری تایمز) نظم انتخاب شده از (تری‌دیك‌اید) اثر فیلیپس، مك‌گینلی. Mcginley P H.

۱۹۶۲ـ اشعار از آلن داگن. Dugan A.

۱۹۶۳ـ مناظری از بـروگل اثر ویلیام کارلوز، ویلیامز Williams, W.C.

۱۹۶۴ـ در انتهای جادهٔ باز ـ اثر لوییز سیمپ سون. Simpson L.

۱۹۶۵ ۷۷ تضنیف رؤیایی ـ از جان بری من. Berryman J.

۱۹۶۶ منتخب اشعار، از ریچارد ابرهارت Eberhart R.

۱۹۶۷ـ زندگی یا مرگ ـ از آن سکستون. Sexton A.

برندگان جوایز پولیتزر

مطالب غیر تخیلی

۱۹۶۲ـ نامزد کردن رییس جمهور ۱۹۶۰ به‌وسیلهٔ؛ تئودرو، اچ، وایت White T.H.

۱۹۶۳ـ توپ‌های اوت ـ بوسیلهٔ باربارا و، تاچمن. Tuchman B.W.

۱۹۶۴ـ مخالف اندیشه گرایی (فلسفه عقلیه) در زندگی آمریکایی ـ اثر ریچارد هوف‌استادتر Hofstadter R.

۱۹۶۵ـ اچه‌دنیای عجیبی اثر هوارد مومفرد، جونس Jones H.M.

۱۹۶۶ــ سرگردانی درزمستان ــ ازادوین وی ، **تیل**. **Teale E.W.**

۱۹۶۷ــ مسئلهٔ بردگی درفرهنگ غربی از: دیوید،بریون ، **دیویز**. **Daivs D.B.**

برندگان جوایز مختلف ادبی انگلیس

لاورنس ، دیوید هربرت
Lawrence, D, H.
(۱۸۸۵ــ۱۹۳۰م)

نویسندهٔ انگلیسی در ایالت ناتینگهام‌شایر به دنیا آمد. دردانشگاهٔ ناتینگهام درس خواند و سپس معلم شد . نخستین داستانش به نام **طاوس نرسفید** در ۱۹۱۱ منتشر شد .

از دیگر آثار اوست کتاب شعری به‌نام **اشعار عشق** ، **داستانهای پسران وعشاق** ، **رنگین کمان** ، **زنان عاشق** ، **کانگورو** ، **مرغان** ، **جانوران وگلها** ، **عاشق بانو چترلی**، **مردیکه مرد** وغیره

اودر سال ۱۹۲۱ برندهٔ جایزهٔ جیمز تیت بلاك گردید .

ووگ، اولین. Waugh, E.
(متولد ۱۹۰۳ م)

نویسندهٔ انگلیسی که در اکسفورد تحصیل کرد درسالهای ۱۹۴۲ ــ ۱۹۴۵ سروان قسمت نگهبانان سوارسلطنتی بود داستانش به‌نام زندگی ادموند کامپیون برندهٔ جایزه هاوثورندن شده است . از آثار دیگر اوست : وقتیکه رفتن خوب بود، معشوقه ، هلنا،مردان‌مسلح،عشق‌در میان ویرانه‌ها (برندهٔ جایزهٔ جیمزتیت بلاك ۱۹۵۳) جهانگردان در افریقا، معلومات‌اندك(شرح حال‌خودش) .

گرین ، گراهام Greene G.
(متولد ۱۹۰۴ م)

نویسندهٔ انگلیسی‌که کارخود را با نویسندگی مطبوعات آغازکرد . از آثار اوست : سفر بی‌نقشه ، میدان جنگ ، راههای بی‌قانون، قدرت‌وپیروزی(برندهٔ جایزهٔ هاوثورندن ۱۹۴۱) وزارت‌ترس، کودکی‌گمشده ، آمریکایی آرام ، دو روزنامهٔ افریقایی ، آدم افراطی و دهها داستان دیگر. وی برندهٔ‌جایزهٔ جیمزتیت بلاك ۱۹۴۹ نیز بوده است .

هاکسلی ، آلدوس لئونارد
Huxley, A . L.
(۱۸۹۴ ــ ۱۹۶۳ م)

نویسندهٔ انگلیسی،دراکسفورد تحصیل کرد . ازآثار اوست: جهان نوشجاع،پس ازتابستانی‌طولانی قومی‌میرد،اوگرایشی بــه تصوف داشت ، مقاله‌های بسیار در تخطئه ماتریالیسم نوشت .

او برندهٔ جایزهٔ جیمز تیت بلاك ۱۹۴۰ گردید .

پریستلی ، جان بونیتون
Priestley, j , B .
(متولد ۱۸۹۴م)

نویسندهٔ انگلیسی،درکمبریج تحصیل کرد . در نمایشنامه‌نویسی شهرت بسیار دارد . ازآثار اوست: درتحقیق ادبی ، شخصیتهای کمدی انگلیسی ، هنر درام‌نویسی، ادبیات و مردم مغرب زمین ، دو داستان، آدم درنورماه،دوستان‌خوب، قهرمان عجیب ، در شهر راه می‌روند . بگذار مردم نغمه خوانی کنند ، سه‌مرد درجامه‌های‌نو،جادوگران،امپراطوریهای گمشده ، نمایشنامه‌های گوشهٔ خطرناك ، قبلاً دراینجا بوده‌ام ، وقتی عروسی کردیم ، خانه فرداست ، رؤیای‌روزهای تابستان ، قفس شیشه‌یی، او برندهٔ‌جایزهٔ جیمزتیت بلاك ۱۹۳۰ بود .

ساسون . زیگفرید Sosson, S.
(متولد ۱۸۸۶ م)

نویسنده وشاعر انگلیسی . از آثار اوست :

شکارچیان پیر، سفر دل، خاطرات شکارچی روباه(برندهٔ‌جایزهٔ هاوثورندن ۱۹۲۸)قرن پیر، سفرزیگفرید،مجموعهٔ اشعار ، مناظر ، ساسون برندهٔ جایزهٔ جیمزتیت بلاك ۱۹۲۹ نیز می‌باشد .

اوفلاهرتی ، لیام O'Flaherty, L.
(متولد ۱۸۹۶ م)

نویسندهٔ ایرلندی ، ازآثار اوست: زن‌همسایه ، روح سیاه، راهنما ، زندگی تیم‌هیلی ، آدمکش ، خانهٔطلا ، دوسال، من به روسیه رفتم، پورتین (پیرایشگر) گورستان هــولیوود، داستانهای‌کوتاه ، سرزمین ، دو جــانور دوست داشتنی . اوفلاهرتی برندهٔ جایزهٔ جیمز تیت بلاك ۱۹۲۶ بوده است .

فورستر ، ادوین مورگان
Forster, E, M .
(متولد ۱۸۷۹ م)

نویسندهٔ انگلیسی، درکمبریج تحصیل کرد . از آثار اواست : درازترین‌سفر، راهی به‌هند، سرزمین دل‌انگیزانگلیس، مجموعهٔ داستانهای کوتاه و غیره .

فورستر برندهٔ جایزهٔ جیمزتیت‌ــ بلاك نیز بوده است .

گریوز ، رابرت رینك
Gravs' R . R .
(متولد۱۸۹۵م)

نویسنده ، نقاد و شاعر انگلیسی ، در لندن زاده شد . نخستین اشعار خود را در سالهای ۱۹۱۶ ــ ۱۹۱۷ منتشر کرد از آثار اوست: بررسی شعرجدید شرح‌حال خودش‌به‌نام‌خداحافظ‌باهمهٔ‌آنها، و داستانهای تاریخی : مــن کلودیوس ، کلودیوس خدا، کنت پلیزاریوس ،همسر آقای میلتون، وسلطان عیسی،گریوز در سال۱۹۳۵ برندهٔ جایزهٔ هاوثورندن‌شد.

اوکاسی ، سین O'Casey, S.
(متولد ۱۸۸۰ م)

نمایشنامه نویس ایرلندی که شرح حال خود را در شش مجلد منتشرکرد . از آثار اوست : درپس دروازه‌ها، آتش بازی اسقف‌و غیره ،اوکاسی برندهٔ‌جایزهٔ هاوثورندن ۱۹۲۵ بوده است .

بلوندن ، ادموند چارلز
Blunden, E. C.
(۱۸۹۶م)

شاعر ونــاقد انگلیسی ، درجنگ جهانی اول‌درفرانسه خدمت‌کرد . مدتی استاد زبان انگلیسی دانشگاه توکیوبود وپس از مدتی اقامت در انگلستان به هنگ‌کنگ رفت، نخستین‌کتابش به‌نام ، ترانه‌های روستایی در ۱۹۱۶ منتشرشد. بهترین اثرش **ناله‌های جنگ** است .

بلوندن برندهٔ‌جایزهٔ۱۹۲۲هاوثورندن است .

ماسفیلد ، جان ادوین
Masefeld' j . E
(۱۸۷۸ م)

شاعر، نمایشنامه‌نویس و داستان‌ــ پرداز انگلیسی در ایالت هرفوردشایر به دنیا آمد . در دورهٔ جوانی مدتی در

۱۳۳۴

کشتی کار کرد و به آمریکای شمالی و جنوبی سفر کرد. از آثار اوست: قصیده‌های آب شور، رحمت بی‌پایان، بیوه در بی‌استریت، جمعهٔ خوب، مردم نیمه‌شب، در آسیا، چادر.
ماسفیلد برندهٔ جایزهٔ ادبی ۱۹۶۱ **ویلیام فویل** بوده است.

سیتول، ادیت Sitwell, E.
(متولد ۱۸۸۷ م)
شاعرهٔ انگلیسی، در اسکاربورو به دنیا آمد از آثار اوست:
آوازهای خیابان، آواز سبز، آواز سرد، باغبانان و ستاره شناسان، مجموعهٔ اشعارش در ۱۹۵۷ منتشر شد.
سیتول درسال ۱۹۵۸ برندهٔ جایزهٔ ادبی ویلیام **فویل** گردید.

دولامر، والترجان De La Mare, W. j.
(۱۸۷۳ ــ ۱۹۵۶م)
شاعر انگلیسی، کارخود را باکتابداری دریك شرکت آغاز کرد، نخستین دفتر شعرش در ۱۹۰۲ منتشر شد به‌نام نغمه‌های کودکی، در ۱۹۰۴ نخستین داستانش نیز به‌نام هنری بروکن انتشار یافت وپس ازسال ۱۹۰۸ همه‌وقت خود را به‌کار ادبی اختصاص داد وبیش از ۲۰ مجموعهٔ شعر منتشر کرد. زیباترین داستانش خاطرات کوتوله در ۱۹۲۱ منتشر شد او آثار جالبی برای کودکان نوشته است.
درسال ۱۹۴۸ مدال کارنگی دریافت کرد. دولامر برندهٔ جایزهٔ ادبی جیمز تیت ــ بلاك ۱۹۲۲ نیز می‌باشد ودرسال ۱۹۵۴ برندهٔ جایزهٔ ادبی ویلیام فویل گردید.

توماس، دیلن Thomos, D.
(۱۹۱۴ــ۱۹۵۳م)
شاعر انگلیسی، چندی خبرنگار بود ولی انتشار مجموعه‌های هجده شعر (۱۹۳۴) وبیست و پنج شعر (۱۹۳۶) او را معروف ساخت.
مجموعهٔ اشعار، سیمای هنرمند چون سگ جوان از دیگر آثار اوست.
توماس درسال ۱۹۵۳ برندهٔ جایزهٔ ادبی ویلیام فویل گردید.

فرای، کریستفر Fry, Ch.
(متولد ۱۹۰۷ م)
نمایشنامه نویس انگلیسی، در بریستول به‌دنیا آمد. چندی مدیرمدرسه بود. نخستین کمدی او به‌نام توضیح‌خانم برای آتش‌سوزی باموفقیت روبرو شد (۱۹۴۸) نخستین زایمان، ونوس نگهبانی شده، تاریکی بقدرکافی روشن‌است، خواب زندانیان، هالهٔ گرد ماه، بربپشت پرچین و مبارزهٔ فرشتگان از دیگر آثار اوست.
فرای برندهٔ جایزهٔ انجمن سلطنتی ادبیات بوده است.

گروهی ازبرندگان جوایز لنین

برای نوشتن رومان «ترونکا»:
۱ ــ الکساندر ترنتی‌یویچ **کونچار**.

برای نوشتن کتاب «قدمهایی روی شبنم»:
۱ ــ واسیلی میخایلوویچ **پسکوف**
روزنامه نگار.

بخاطر مجموعهٔ آثار موزانیك:
۱ ــ الکساندر الکساندرویچ **دی‌نه‌کا**
نقاش ملی اتحادشوروی.

بخاطر فعالیت هنری:
۱ ــ مایامیخایلوونا **پلیستسکایا**
بالرین وهنرپیشهٔ ملی اتحادشوروی.

بخاطر فعالیت دررشتهٔ نوازندگی موسیقی:
۱ ــ مستیسلا ولئوپولــدویچ **راستروو پوویچ**، نوازنده، هنرپیشهٔ شایستهٔ فدراسیون روسیه.

بخاطر اجرای نقش درونف درفیلم هنری (همه چیز بــرای مــردم می‌ماند):
۱ــ نیکالای کنستانتینوویچ **چرکاسوف**
هنرپیشه ملی اتحادشوروی.

بخاطر کارهای علمی در رشتهٔ پزشکی:
۱ ــ بالکین خالماتوویچ **توراکولف**
عضو وابستهٔ فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان. رییس ــ آزمایشگاه انستیتوی پزشکی ناحیه‌ای ازبکستان وابسته بــه فرهنگستان علوم پزشکی اتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی.
۲ ــ رجب کاپلانوویچ اسلام **بکوف**
دکتردرعلوم پزشکی رییس آزمایشگاه انستیتو.

بخاطر مطالعه و تحقیق در نقش عناصرذره بینی واستفاده‌ازآنها درکشاورزی:
۱ ــ یان‌ولدماروویچ **پیوه**
عضووابستهٔ فرهنگستان علوم اتحاد شوروی و رییس آزمایشگاه انستیتوی زیست‌شناسی فرهنگستان علوم جمهوری لاتوی.
۲ ــ یان ماتوه‌یویچ **برزین**
آکادمیسین فــرهنگستان عــلوم جمهوری لاتوی و استادکرسی آکادمــی کشاورزی لاتوی.
۳ ــ ویکتور ولادیسلاوویچ **کوورالسکی**
دکتر درعلوم زیست‌شناسی ورییس آزمایشگاه انستیتوی ژئو شیمی و شیمی تحلیلی به‌نام و ــ ای ــ ورنادسکی وابسته به فرهنگستان علوم اتحاد شوروی.

بخاطر تحقیقات علمی درزمینهٔ میکروبیولوژی:
۱ ــ بارین واسیلی یویچ **پرفیلی‌یف**
دکتر درعلوم زیست‌شناسی وکارمند ارشد علمی آزمــایشگاه سابــق مسایل هیدروزئولوژی به‌نام فــ‌پساوارنسکی.
۲ ــ دینارونینو **ناگابه**
کاندید علوم زیست‌شناسی و کارمند علمی همین آزمایشگاه.

بخاطر آثاروتحقیقات علمی‌در قسمت پزشکی:
۱ ــ ایپولت واسیلی‌یویچ **داویدوفسکی**
عضو پیوستهٔ فرهنگستان علوم پزشکی اتحاد شوروی رییس آزمایشگاه انستیتوی مورفولوژی انسان وابسته به‌فرهنگستان علوم پزشکی اتحاد شوروی.

بخاطر بکاربستن ماشین «او.س ا. پ. ا.»
۱ ــ مارك آرنوویچ **ایزرمان**
دکتر علــوم‌فنی، سرپــرست شعبهٔ انستیتوی اتوماتیك و تله مکانیك کمیتهٔ دولتی لوازم و آلات‌سازی و لوازم اتوــ ماتیزاسیون و دستگاههای مرکب اداره و هدایت سازمان‌برنامهٔ اتحاد شوروی و فرهنگستان علوم شوروی.
۲ ــ تاتیاناکنستا نتینوونا **برندس**
سرمهندس.
۳ ــ تامارا کنستانتینوونا **یفرموو**ا
سرمهندس.
۴ ــ آگینا آرکادی‌یونا **تاگایفسکایا**
کارمندعلمی.
۵ ــ الکسی الکسی‌یویچ **تال**.
کاندید علوم‌فنی‌ورییس آزمایشگاه.
۶ ــ پطر ماتوی ویچ **آتلاس**
سرمهندس سازندهٔ کارخانه «تیزــ پریبوره» شورای اقتصاد ملی ناحیهٔ شهر مسکو.

۷ ــ پاول پاولویچ **بندیکتوف**
رییس کارخانهٔ (تیزپریبور).

بخاطر کشف منابع نفت و گازدر غرب سیبری:

۱ ــ ولادیمیر ولادیمیرویچ **آنیسمیوف**
ژئو فیزیسین ارشد ادارهٔ زمین شناسی.
۲ ــ صوفیا گدالی **یونابلکینا**
رییس اداره.
۳ ــ الکساندر گریگوریویچ **بیستریتسکی.**
معاون‌اداره.
۴ ــ لئوایوانوویچ **روونین**
زمین‌شناس‌ارشد .
۵ ــ بارین ولاسوویچ **ساوایی‌یف**
سرپرست هیئت اعزامی اکتشافی نفت سورگوت
۶ ــ لئوگریگوری‌یویچ **تنیبولین**
ژئو فیزیسین‌ارشد.
۷ ــ یوری گئورگی یویچ‌اروپه**رائول.**
۸ ــ آلبرت‌گریگوری یویچ **یودین**
زمین شناس ارشد هیئت اعزامی نازیکارسك
۹ــ ولادیمیرپانتله‌مونوویچ**کارانیوف**
دکتر درعلوم زمین‌شناسی و سنگ شناسی وسرپرست شعبهٔ انستیتوی علمی تحقیقی زمین‌شناسی و ژئوفیزیك و مواد خام معدنی .
۱۰ ــ نیکالای فیکیتیچ **راستووتف**
دکتر درعلوم زمین‌شناسی، سنگ‌شناسی و رییس انستیتو.
میخاییل‌کالینکوویچ **کاروو ین**
دکتر درعلوم زمین‌شناسی، سنگ‌شناسی.
۱۱ ــ واسیلی دمتری‌یویچ**نالیوگین**
دکتر در علوم زمین‌شناسی،سنگ شناسی و رییس شعبهٔ انستیتوی علمی تحقیقی‌اکتشافی‌زمین‌شناسی‌سراسری‌نفت.
۱۲ ــ تاتیانا ایوانوونا **اوسیکو**
کاندیدعلوم‌زمین‌شناسی، سنگ‌شناسی و رییس شعبهٔ انستیتوی علمی تحقیقی زمین‌شناسی سراسری.

بخاطر ایجاد متد فشاری جدید تولید لوله‌های مختلف به شیوهٔ گرم:

۱ــ اولك‌الکسی یوویچ **سمبونف**
کاندید علوم فنی و رییس انستیتوی علمی تحقیقی لوله سازی اوکرایین.
۲ ــ گریگوری یاکوولویچ **اوسترین**
کاندیدعلوم‌فنی و کارمند ارشدعلمی.
۳ ــ ویکتور فیلیوویچ **فرولوف**
کارمند ارشدعلمی.
۴ ــ الکساندرکوزمیچ **سامیلین**
سرپرست آزمایشگاه.
۵ ــ سرگی میخایلوویچ میاسوید
رییس‌شعبه .
۶ــ میخائیل سیمونوویچ**کونچارنسکی**
رییس قسمت
۷ ــ سالومون ابوشویلوویچ **شایکویچ**
رییس کارگاه کارخانهٔ شمارهٔ ۱ لوله سازی اورال.
۸ ــ سرگی یوسیفوویچ **واسیلنکو**
سرمهندس کارخانهٔ لوله‌سازی‌جنوبی نیکوپول.
۹ ــ گئورگی الکسی‌یوویچ **سدیخ**
رئیس‌کارگاه کارخانه.
۱۰ــ گریگوری نیکاندروویچ**نائومنکو**
معاون‌کارگاه .
۱۱ ــ زگان آبلویچ **سومینسکی**
سرمهندس کارخانهٔ لوله‌سازی‌سینار.

بخاطر طرح و تولید سریالی کمباین‌غله‌جمع کن (س‌ك‌ـ۴):

۱ ــ خاناآن ایلیچ **ایزاکسون**
مهندس‌سازندهٔ‌ارشد دفترکل‌طراحی اختصاصی کمباین‌های غله‌جمع کن وشاسی‌های خودرو کارخانهٔ کمباین سازی‌تاگانروك و سرپرست‌پروژه.
۲ــ یوگنی الکساندروویچ**گارباچوف**
معاون‌دفتر.
۳ ــ الکساندر ترو فیموویچ **آناشکین**
رییس قسمت .
۴ ــ یوگنی‌کنستانتینویچ **رومیانتسف**
رییس قسمت .
۵ ــ ویکتورگئورگی‌یویچ **شوماکف**
رییس قسمت .
۶ ــ الکساندر ماتوی یویچ **مرکوکف**
رییس کارخانهٔ (روست‌سلماش).
۷ ــ نیکالای‌ولادیمیررویچ **لوتای**
رییس کارخانهٔ کمباین سازی تاگانروك.
۸ ــ واسیلی الکساندرویچ **ایوانوف**
رییس‌شورای اقتصاد ملی‌شمال‌قفقاز و رییس اسبق‌کارخانهٔ(روست سلماش).
۹ ــ ایوان‌آندری یویچ **کووال**
سرمهندس سازندهٔ کارخانهٔ ماشین سازی (داس وچکش)خارکف .
۱۰ ــ والرین ایوانوویچ **آوفچاروف**
سرمهندس ادارهٔماشین‌های‌تراکتور کشاورزی شورای اقتصاد ملی‌خارکف.
۱۱ ــ نوسان اشنئو کوویچ **آبلف**
رییس اسبق ادارهٔ ماشینهای کشاورزی شورای‌اقتصاد ملی‌شمال‌قفقاز.

بخاطر اتوماتیزاسیون مختلط و جامع امورمربوط به‌تولید تراش اجزاء موتورها:

۱ ــ نیکالای ماکسیموویچ **وارونیچف**
ریاست دفتر اختصاصی شمارهٔ ۱ دستگاههای بزرگ وخطوط دستگاههای اتوماتیك شورای اقتصادیات ملی ناحیهٔ شهرمسکو سرپرست پروژه.
۲ ــ ولادیمیر واسیلی‌یویچ **بولایف**
مهندس طراح کل پروژه.
۳ ــ میخائیل ایوانوویچ **کورچین**
مهندس طراح‌کل پروژه .
۴ ــ میخائیل الکسی‌یویچ **کونین**
رییس‌شعبه.
۵ــ واسلی ولادیمیروویچ **کریلنکو**
مهندس‌طراح‌ارشدلوازم‌وآلات‌برقی.
۶ ــ سیمون‌میتروفانوویچ **استپاشکین**
تکنولوژیست‌ارشدکارخانهٔ اتومبیل سازی مسکو به‌نام آی .آ . لیخاچف .
۷ ــ ویتالی واسیلی‌یویچ **تواروگوف**
رییس کارگاه‌کارخانهٔ دستگاه‌سازی به‌نام:سرگواورجونیکدزه.
۸ــ نیکالای‌ساولی‌یویچ **برشوف**
سرکارگر مونتاژ لوازم کارخانهٔ دستگاه سازی .

بخاطر بکاربستن شیوه‌های‌جدید تولید پروفیل‌های گرد :

۱ ــ الکساندرایوانوویچ **تسلیکوف**
آکادمیسین رییس انستیتوی علمی و طراحی ساختمان سراسری ماشین‌های تراش فلزات‌سرپرست پروژه .
۲ ــ ایناایوانوونا **کازانسکایا**
کاندید علم‌فنی ومتصدی‌آزمایشگاه انستیتو .
۳ ــ یوگنی‌ایلئیچ **لوین**
رییس اسبق آزمایشگاه انستیتو .
۴ ــ سرافیم پورفیریوویچ **میلیوتین**
رییس شعبهٔ انستیتو.
۵ ــ میخائیل گریگوریویچ **پانفیلوف**
سرپرست گروه .
۶ ــ بارین فیودوروویچ **رومانچیکوف**
رییس‌شعبه.

۱۳۳۶

۷ ـ نیکیفور آندری یویچ **گرچکین**
رییس کارگاه کارخانهٔ فلز سازی به‌نام: ف. ا. دزرژینسکی.

بخاطر تکامل متدهای جدید تونل زدن سریع معادن زیرزمینی:

۱ ـ گریگوری کوزمیچ **آگی‌یف**
رییس دستهٔ تونل زنان معدن ذغال شمارهٔ ۲ چوکاس شمالی وابسته به‌تراست (لنین‌اوگول).

۲ ـ نیکالای پطرویچ **بیبکو**
رییس دستهٔ تونل زنان ادارهٔ معادن ذغال تراست (کمونارسک اوگول) در ناحیهٔ کمیساروف.

۳ ـ میخائیل لوکیانوویچ **بویکو**
رییس دستهٔ تونل زنان ادارهٔ معادن ذغال شمارهٔ ۲۲ به‌نام کی‌روف وابسته به تراست (کی‌روف اوگول).

۴ ـ ایوان دنیسوویچ **زینچنکو**
رییس دستهٔ مختلط تونل زنان معدن به‌نام آباکوموف وابسته به‌تراست (زوتچنکو و اوگول).

۵ ـ نیکالای گریگور یویچ **کاشکاروف**
دبیر اول کمیتهٔ تولیدی ناحیه کی‌روف وابسته به‌حزب کمونیست اوکرایین.

۶ ـ پاول آندری یویچ **بویدنکو**
سرمهندس تراست «کادیو اوگول».

۷ ـ نیکالای پاولوویچ **موسکالنکو**
رییس دستهٔ تونل زنان شمارهٔ ۲ زامکوفسکایا

۸ ـ ایوان سیمونوویچ **چالی**
رییس ادارهٔ معدن به‌نام ایلیچ

۹ ـ ایوان الکساندروویچ **گریگوزیف**
رییس تراست (لیسیچانسک اوگول).

۱۰ ـ یوری پطروویچ **اسمورچکوف**
رییس معدن ذغال شمارهٔ ۱ سوخودولسکی وابسته به تراست «کراسنودون اوگول».

۱۱ ـ الکسی الکساندرویچ **دمنکوف**
سرمهندس معدن شمارهٔ ۳ ناگولچانسکی وابسته به‌تراست (آنتراسیت).

۱۲ ـ ایوان نیکیتوویچ **داویدوف**
رییس دستهٔ مختلط تونل زنان معدن شمارهٔ ۴ ـ ۹ تراست شاخیتورسک ـ آنتراسیت).

۱۳ ـ ویکتور باریسیوویچ **بوبیروف**
رییس ادارهٔ معدن شمارهٔ ۲ تراست «کرابسنو آومیسک اوگول».

بخاطر تکامل و تعمیم وسیع جراحی برای اعادهٔ شنوایی بیماران مبتلا به اتوسکلز در عمل جراحی:

۱ ـ الکسی ایسیدوروویچ **کولومیچنکو**
دکتر در علوم پزشکی، رییس انستیتوی علمی و تحقیقی بیماریهای گوش، حلق، بینی وابسته به وزارت بهداری جمهوری شوروی سوسیالیستی اوکرایین.

۲ ـ والنتینا فیودوروونا **نیکیتینا**
کارمند علمی انستیتوی دولتی علمی و تحقیقی گوش و حلق و بینی وابسته به وزارت بهداری جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه.

۳ ـ نیکالای الکساندروویچ **پراومراـ رنسکی**
دکتر درعلوم پزشکی معاون رییس انستیتوی فوق الذکر.

۴ ـ سیمون نیکالایویچ خچینا **هویلی**
دکتر درعلوم پزشکی رییس کرسی انستیتوی دولتی مخصوص تکمیل اطلاعات پزشکان در تبلیسی.

۵ ـ کنستانتین لوویچ **خیلوف**
دکتر درعلوم پزشکی رییس کرسی پزشکی نظامی آکادمی به‌نام س. م کی‌روف.

بخاطر ساختن مجموعه دستگاههای استحفاظی و اتوماتیک خطوط طولانی سیمهای ناقل جریان برق:

۱ ـ الکساندر واسیلی‌یویچ **بویوولوف**
ریاست ادارهٔ صنایع نیروی برق شورای اقتصاد ملی ناحیهٔ ولگو ـ ویاتکا.

۲ ـ سرگ لئونتی‌یویچ **والودین**
استاد ارشد ادارهٔ بهره برداری از شبکه‌های برق ۵۰۰ هزار کیلوواتی.

۳ ـ الکسی میخایلوویچ **فدوسی‌یف**
دکتر علوم فنی و ریاست شعبهٔ انستیتوی «انرگوست پرویکت».

۴ ـ ویکتور میخایلوویچ **پرمولنکو**
سرمهندس پروژه.

۵ ـ سرگی یاکوولویچ **پطروف**
سرمهندس پروژه.

۶ ـ میخائیل فیودورویچ **ملنیکوف**
معاون ریاست سرویس دستگاه‌های استحفاظی و دستگاههای اتوماتیک و تله مکانیک مرکز متحده ادارهٔ کنترل شبکهٔ واحد نیروی برق بخش اروپایی اتحاد شوروی.

۷ ـ گنریخ ویکنتی‌یویچ **میکوتسکی**
کاندید علوم فنی و سر پرست شعبهٔ انستیتوی علمی تحقیقی سراسری نیروی برق اتحاد شوروی.

۸ ـ یوگنی داویدوویچ **ساپیر**
کاندید علوم فنی.

۹ ـ میخایل ایوانوویچ **تساریوف**
کاندید علوم فنی و رییس آزمایشگاه انستیتو.

۱۰ ـ نیکالای واسیلی‌یویچ چرنو **برووف**
معاون سرمهندس (موس انرگو)

بخاطر ساختن ژنراتورهای کوانتی ترانزیستوری:

۱ ـ بنسیون موییسی‌یویچ **وول**
عضو وابستهٔ فرهنگستان علوم اتحاد شوروی، رییس آزمایشگاه انستیتوی فیزیک به‌نام پ. ن. لیدف وابسته به فرهنگستان علوم اتحاد شوروی.

۲ ـ اولگ نیکالایویچ **کروخین**
کاندید علوم فیزیک و ریاضیات. کارمند علمی انستیتو.

۳ ـ یوری میخایلوویچ **پاپوف**
کاندید علوم فیزیک و ریاضیات، کارمند علمی انستیتو.

۴ ـ الکسی پطرورویچ **شوتوف**
کارمند علوم فیزیک و ریاضیات، کارمند انستیتو.

۵ ـ دمیتری نیکالایویچ **ناسلدوف**
دکتر درعلوم فیزیک و ریاضیات، رییس آزمایشگاه انستیتوی فیزیک و فنی به‌نام آ. ف. یوفه وابسته به‌فرهنگستان علوم اتحاد شوروی.

۶ ـ سالامون می‌برویچ **ریوکین**
دکتر درعلوم فیزیک و ریاضیات، رییس آزمایشگاه.

۷ ـ الکساندر الکساندروویچ **روگاچف**
کارمند علمی انستیتو.

۸ ـ باریس واسیلویچ **تسارنکوف**
کاندید علمی انستیتو.

بخاطر تحقیقات رادیولوکاسیونی سیارات زهره و مشتری و مریخ:

۱ ـ ولادیمیر الکساندروویچ **کوتلنیکف**
آکادمیسین رییس انستیتوی رادیو تکنیک و الکترونیک وابسته به فرهنگستان علوم اتحاد شوروی، رهبر کارها

۲ ـ میخایل دمتریویچ **کیسلیک**
دکتر درعلوم فنی، کارمند ارشد علمی انستیتو

۳ ـ ولادیمیر ماکسیموویچ دوبروویچ **دوبروین**.

کارمند علمی انستیتو .

۴ – ولادیمیر الکساندروویچ **ماروزوف**
کارمند علمی انستیتو

۵ – گنادی میخایلوویچ پطروف
کارمند علمی انستیتو .

۶ – اولك نیکالایویچ **رژیگا**
کاندیدعلوم‌فنی، کارمندعلمی انستیتو.

۷ – آناطولی میخایلویچ **شاخوفسکی**
کارمند علمی انستیتو .

۸ – ولادیمیر پاولوویچ **منیاشین**
کارمند علوم فنی، رییس آزمایشگاه انستیتوی علمی و تحقیقی دولتی وابسته به‌وزارت‌ارتباطات اتحادشوروی.

بخاطر آثار تحقیقی مربوط به تئوری ماشین‌های‌رقمی.

۱ – ویکتور میخایلوویچ **گلوشکوف**
آکادمیسین، رییس انستیتوی کیبرنتیك وابسته فرهنگستان علوم‌جمهوری‌شوروی سوسیالیستی اوکرایین .

بخاطر آثار تحقیقی در زمینهٔ استفاده‌ازمنطق‌ریاضی درجبرو تئوری مدلسازی:

۱ – آناتولی ایوانوویچ **مالتسف**
آکادمیسین ، رییس شعبهٔ انستیتوی ریاضیات شعبهٔ فرهنگستان علوم اتحاد شوروی در سیبری .

بخاطرپی‌ریزی‌اساس‌علم‌تکامل سواحل‌دریاها:

۱ – وسه ولورپاولوویچ **زنکوویچ**
دکتر درعلوم جغرافی ، رییس‌شعبهٔ انستیتوی‌اقیانوس‌شناسی‌وابسته‌بفرهنگستان علوم اتحاد شوروی.

بخاطراثرعلمی‌درقسمت‌پزشکی:

۱ – فیودور میخایلوویچ **خیتروف**
دکتر درعلوم پزشکی ، رییس شعبهٔ انستیتوی علمی و تحقیقی استومولوژی.

بخاطرساختن‌و تعمیم‌کمباین‌های مخصوص مکانیزاسیون کندن زغال درقشرهای شیب‌دار :

۱ – سورن میخایلوویچ **آروطونیان**
طراح کل انستیتوی‌دونگیپرو**اوگماش**

۲ – الکساندر ایلیچ **باشکوف**
کاندید علوم فنی ؛ رییس انستیتو.

۳ – الکسی پاولوویچ **یوچکارف**
رییس دستهٔ مختلط اداره کنندهٔ کمباین‌های معدن «کاسامولنس» وابسته به تراست «گورلوفسك اوگول».

۴ – گئورگی الکسی‌یویچ **ایتونیف**
طراح کل پروژه.

۵ – ولادیمیر ایوانویچ **راسپوپوف**
طراح کل پروژه .

۶ – الکساندر اویدوویچ**سوکاچ**
رییس شعبه.

۷ – کنستانتین ایوانوویچ **دیاچنکو**
سرپرست گروه.

۸ – پاول ایوانوویچ **گروژیه**
رییس دستهٔ مختلط معدن.

۹ – سرگی ولادیمیروویچ **میخی‌یف**
رییس سابق قسمت‌معدن.

۱۰ – گریگوری ایوانوویچ **کووتون**
رییس کارخانهٔ ماشین سازی‌گور – لوفسك‌به‌نام س . ای . کی. روف.

۱۱ – ویکتور فیودوروویچ **لیاکین**
رییس تراست‌درگورلوفسك‌اوگول.

۱۲ – نیکالای یاکولویچ **مامای**
رییس دستهٔ مختلط اداره‌کنندگان کمباین‌های معدن شمارهٔ ۱ سوخودیسکایا وابسته به تراست «کراسنودون‌اوگول».

۱۳ – سرگی‌نیکالای **آلکساندروف**
رییس دستهٔ مختلط اداره کنندگان کمباین‌هـای معدن شمارهٔ ۴ – ۵ «نیکیتوفکا».

بخاطر تحقیقات درآثار ـت.ك. شفچنکو:

۱ – فیودوریاکولویچ **پریما**
دکتر در علوم زبان‌شناسی، کارمند ارشد علمی انستیتوی ادبیات وابسته به فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی .

۲ – یوگنی پروخوروویچ **کیریلوف**
عضو وابستهٔ فرهنگستان جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان – رییس شعبهٔ انستیتوی ادبیات‌به‌نام ت.ك‌شفچنکو وابسته بـه فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی‌اوکرایین.

۳ – یوگی‌استپانوویچ **شابلیوفسکی**
عضو وابستهٔ فـرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی اوکرایین کارمندارشد علمی انستیتو.

۴ – ایوان دمتریویچ **نازارنکو**
دکتر درعلوم‌فلسفه،رییس‌انستیتوی تاریخ حزب‌وابسته به‌کمیتهٔ‌مرکزی‌حزب کمونیست‌اوکرایین.

۵ – میخاییل ایوانوویچ **نوویکوف**
دکتر در علوم فلسفه ، استادکرسی فلسفهٔ فرهنگستان علوم اتحادشوروی .

بخاطر اثر علمی راجع به‌قارچ‌های انگل :

۱ – والری ایوانوویچ **اولیانیشچف**
دکتر در علوم زیست‌شناسی، رییس شعبهٔ انستیتوی گیاه شناسی وابسته بـه فرهنگستان علـوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان.

«جوایز رشته های علمی به علت تأخیر در دسترسی به‌منابع اینجاآورده شد».

کتب‌زبان شناسی و لهجه شناسی

افسانه‌های آذربایجان : (شمس‌تبریز)، بهروز دهقانی و صمدبهرنگی .

الفبای پهلوی : صدرالمعالی آقا نـور حقیقی خوانساری .

بابا تیلار : (شمس تبریز)، م . فرزانه.

بررسی و تحقیق‌زبان و ادبیات‌کردی: عبیدالله ایوبیان .

چند نمونه ازمتن نوشته‌های پهلوی : دکتر صادق‌کیا .

خسرو وریدك : (مجلهٔ موسیقی‌تهران)، برگردان متن پهلوی از ایرج ملکی .

خط پهلوی نو : عبدالصمد فرهنگ .

خلخالی یك لهجه ازآذری : عبدالعلی کارنك .

دستور پهلوی : قواعد دستور زبـان ، دین محمد بی . ای .

دستور زبان عامیانهٔ فارسی : (باستان مشهد) ، تقی وحیدیان.

دستورزبان‌کنونی‌آذربایجان: عبدالعلی کارنك .

راهنمای‌زبانهای‌پهلوی: ر. ابراهامیان.

زبان پارسی : سیداحمد حسینی‌کسروی تبریزی .

زبانشناسی و زبان فارسی : (امیرکبیر تهران) ، پرویز ناتل خانلری.

زبان فارسی : عبدالعظیم قریب .

زبان‌کنونی آذربایجان : دکتـر یحیی ماهیار نوابی .

زبانهاولهجه‌های ایرانی : مستخرج‌از مجلهٔ‌دانشکدهٔ‌ادبیات‌دکتراحسان‌یارشاطر.

ضرب‌المثلهای بختیاری : بـامقدمه و شعر پژمان بختیاری (طهوری تهران) ، بهرام داوری .

فرمانهای شاهنشاهی هخامنشی : که به‌زبان آریایی (پارسی‌باستان) نوشته شده (دانشگاه‌پهلوی‌شیراز)، رلف‌نارمن‌شارپ.
گویش آشتیان : دکتر صادق کیا .
گویش کرینگان زبانشناسی : یحیی‌ذکاء.
لهجهٔ بخارایی: (دانشگاه مشهد)، احمد علی‌رجایی.
مبانی دستور زبان آذربایجان:(اصوات کلمات) (شمس تبریز)، م . ع . فرزانه.
مختصر صرف و نحو کرد : سعیدصدقی.
یاد داشتی‌دربارهٔ‌زبان رازی‌وطهرانی: دکتر صادق کیا .

نویسندگان لغویها :
لغت‌نامه و فرهنگ و علمای صرف و نحو

آرام، احمد.
صاحب **فرهنگ‌اصطلاحات‌جغرافیایی**، نویسندگان ومترجمان‌ایرانی‌را به‌بینید.
آریان‌پور کاشانی، عباس.
(متولد ۱۲۸۵ ش)
مترجم ایرانی ،که اخیراً فرهنگ بزرگ انگلیسی به‌فارسی در ۵ جلد منتشر کرده‌است ، از دیگرآثار ایشان:
۱ــ اشتباهات خنده‌آور (ترجمه).
۲ــ زمینهٔ دانش در علوم طبیعی (ترجمه) .
۳ــ سگ‌باوفا (ترجمه) .
۴ــ عروس مدی (ترجمه).
۵ــ کتاب شادمانی(ترجمه) .
۶ــ کجا می‌روی (ترجمه).
۷ــ ماشین زندگی.
۸ــ نخستین‌بانوی پزشك(ترجمه).
۹ ــ فرهنگ انگلیسی به فارسی دوجلدی دانشگاهی .
آریون .
شعرای‌خارجی‌را به‌بینید.
آموزگار، حبیب‌الله .
(متولد ۱۲۶۹ ش)
از فرهنگیان ، روزنامه‌نویسها ، قضات ولغویهای مردم‌فارس است،ازآثار ایشان :
۱ــ آموزش وپرورش .
۲ــ ابومسلم خراسانی(ترجمه).
۳ــ اصطلاحات اجتماعی.
۴ــ تاریخ اسلامی.
۵ــ جهان وروح آفرینش.
۶ــ رهنمای‌تربیت (ترجمه).
۷ــ زن درجامعه .
۸ــ عالم ارواح .
۹ــ عمدة‌النحو .
۱۰ــ فرهنگ‌آموزگار.
۱۱ــ فلسفهٔ روحی.
۱۲ــ ملکهٔ اسلام (ترجمه).
۱۳ــ منطق‌آموزگار.
آیتی ، عبدالحسین‌آواره.
نویسندگان و مترجمین ایران را به‌بینید.
ابن‌اجدابی، ابواسحق‌ابراهیم‌بن‌اسماعیل طرابلسی.
(فوت ۶۰۰ ه ق)
ادیب و لغوی زبان عرب، صاحب: کفایة‌المتحفظ و نهایة‌المتلفظ در لغت است .
ابن دریده ، ابوبکرمحمد.
(۲۲۳ــ۳۲۱ ه ق)
ادیب ومقاله‌نویس ولغوی،الجمهرة فی‌اللغة، المقصوره والاشتقاق.
ابن‌فارس، ابوالحسن.
(فوت ۳۹۰ ه ق)
صاحب‌کتاب لغت **المجمل** است .
ابن‌مالك ، جمال‌الدین ابوعبدالله.
(۶۰۰ــ۶۷۲ ه ق)
شاعر و نحوی معروف زبان عرب است .
ابن‌ندیم
(فوت ۳۷۸ ه ق)
مؤلف‌کتاب **الفهرست است.**
ابوبکرمحمدبن دریده
ابن‌دریده را به‌بینید.
ابوبکر محمدبن‌عباس خوارزمی
(متولد ۳۸۳ ه ق)
نویسنده ، لغوی ، نحوی و شاعر زبان‌عرب ازمردم خوارزم‌بود.
ابوحنیفه ، احمدبن داود.
(فوت ۲۸۱ ه ق)
نحوی ولغوی وادیب و ریاضی‌دان ازمردم دینوراست . **اخبارالطوال** کتاب او است .
ابوعبدالله حسین‌بن‌احمد زوزنی
زوزنی‌را به‌بینید .
ابوطاهر، مجدالدین .
مجدالدین ابوطاهررا به‌بینید.
ابوالفضل‌احمدبن‌محمدالمیدانی
(فوت ۵۱۸ ه ق)
ادیبی فاضل وعارف واستاد به‌لغت عرب ، درنیشابور بدرود زندگی‌گفت ، اورا به‌درب **میدان زیاد** به‌خاك‌سپردند.
السامی فی‌الاسامی (عربی‌به فارسی)، مجمع‌الامثال ، نزهةالطرف‌فی‌علم‌الصرف (عربی) ، الهادی‌للشادی (عربی) از آثار او است .
ابونواس فرزدق
فرزدق‌را به‌بینید.
اخفش ، سعیدبن‌سعده .
(فوت ۲۲۱ ه ق)
عالم‌نحوزبان عرب‌ازمردم ایران .
ادیب طوسی ، محمد امین.
(متولد ۱۳۲۰ ق)
شاعر، نویسنده ، مترجم ومحقق و لغوی ایران ، ازآثار ایشان :
آموزش وپرورش‌ازنظرغزالی،انتقام عشق ، ایام کودکی (شعر) ، بودا در هند ، پیام فردوسی (شعر)، تاریخ دینی ایران قدیم ، تخت سلیمان ، دخمه‌های سیاه یا کلبهٔ بدبختان ، دستور نوین زبان ، رابطهٔ اوزان شعر با ترانه‌های محلی ایران ، **لغات آذری** ، لهجه‌های محلی ، مهرشاه و میهن (شعر) ، نقدالادب .
اردوبادی، احمد .
نویسنده‌ومترجم‌معاصرایرانی،ازآثار او است :
بهداشت و تداوی روحی، چگونه درست فکر کنیم یا منطق برای همه ، راهنمای‌پرورش اندام، راهنمای زیبایی اندام ، روانشناسی تحلیلی، **فرهنگ روانپزشکی** ، مسایل فلسفی ، مقدمه‌ای بر روانشناسی.
ازهری ، ابومنصورمحمدبن‌احمد.
(۲۸۲ــ۳۷۱ ه ق)
عالم‌لغت ازمردم‌هرات ، **التهذیب** کتاب او است .
اسدی طوسی، ابونصرعلی‌بن‌احمد.
شعرای ایران را به‌بینید.
اسن ، ایوارآرئاس.
زبان شناسان را به‌بینید.
اعلم‌الدوله
ثقفی را به‌بینید.

افشار، ایرج
(متولد ۱۳۰۴ه ش)
پس از فراغت از تحصیل حقوق، با سمت کتابداری استخدام شد، ومراحل و مدارج فراوانی را طی کرد وهمواره برای کتاب و کتابخانه در دورهٔ حاضر عضو مفید بوده‌است.
قسمتی از آثاری که به‌اهتمام ایشان به‌چاپ رسیده:
۱ــ بیان‌الصناعات.
۲ــ تاریخ کاشان.
۳ــ تاریخ یزد.
۴ــ رسالهٔ آغاز وانجام.
۵ــ عرض سپاه اوزون‌حسن.
۶ــ فردوس‌المرشدیه.
۷ــ فرهنگ ایران زمین (تألیف).
۸ــ فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های دنیا (تألیف).
۹ ــ قندیه در مزارات سمرقند (اهتمام).
۱۰ــ کتابشناسی ایران (تألیف).
۱۱ــ کتابهای ایران (تألیف)
۱۲ ــ گفتاری دربارهٔ زردشتیان (تألیف).
۱۳ــ نثرفارسی معاصر.
۱۴ــ یادداشتهای قزوینی (به‌اهتمام ایشان).

اقتداری، احمد.
نویسندهٔ معاصر که **فرهنگ لارستانی و لارستان کهن** از او به سال ۱۳۳۴ش چاپ شده‌است.

امینی، امیرقلی.
نویسنده و روزنامه‌نگار (روزنامهٔ اخگراصفهان) معاصر ازمردم اصفهان صاحب آثار: ابطل‌الباطل یاردقرارداددریس الوزراءایران با انگلیس درسال ۱۳۳۱ ه‌ق، داستانهای امثال، داستانهای کوچک، سی افسانه از افسانه‌های محلی اصفهان، عبدالرحمن ناصر، عروس فرغانه (ترجمه)، غلبه بر ترس، **فرهنگ عوام**، فولکلر ایران و کداك. گزیدهٔ آثار، هزار ویك سخن.

السته، یوهان هنریخ Alsted,J,H.
(۱۵۸۸ــ۱۶۳۸ م)
فیلسوف وعالم دینی ازمردم آلمان اثرش دائرةالمعارفی به‌زبان آلمانی است.

انصاری، میرزا موسی‌شیخ‌الانصار.
(۱۲۷۳ــ۱۳۶۰ق)
لغوی وادیب، **خلاصةاللغة** (عربی، فارسی، ترکی) ازآثار او است.

انجوشیرازی، عضدالدوله، جمال‌الدین حسین.
(زنده درقرن ۱۰ و۱۱ق)
از لغت شناسان و صاحب **فرهنگ جهانگیری** است.

اورنگ، سرگرد مراد.
(متولد ۱۲۸۳ش)
افسر ارتش، ازمردم آذربایجان، بررسی یسنا، جشنهای ایران باستان، سد در، سوشیانت، **فرهنگ اورنگ**، گزارش گاتاها، همبستگی در اوستا، یکتاپرستی درایران باستان ازآثارچاپ شدهٔ ایشان است.

اوژه، کلود Augé, c.
(۱۸۵۴ــ۱۹۲۴ م)
لغتشناس و ناشرفرانسوی، مؤلف کتب تعلیم زبان و مدیر تدوین لاروس مصورجدید، لاروس کوچك، لاروس عمومی ومجلهٔ لاروس ماهانه می‌باشد.



ایزیدور دوسویل، سنت
Isidore de Seville,
(۵۶۰ــ۶۳۶م)
از روحانیون و رییس کلیسا، از مردم اشبیلیه اثرش به‌نام دایرةالمعارف قرون وسطی (Etymologiae) معروف است.

بایل، پی‌یر Bayle, P.
(۱۶۴۷ــ۱۷۰۶ م)
نویسنده و لغت‌شناس فرانسوی‌واز بنیانگذاران دایرةالمعارف است.



برهان، محمدحسین‌بن‌خلف تبریزی.
دانشمندی از مردم تبریز مقیم هندوستان، صاحب **برهان‌قاطع** می‌باشد.

بلگرامی، احسن.
لغوی، صاحب لغات شاهجهانی‌است.

بلگرامی، مولوی اوحدالدین.
(زنده در ۱۲۵۳ ه ق)
صاحب **نفایس‌اللغات** است که برمبنای زبان اردوی هندوستانی (فارسی وعربی وترکی وهندی) نوشته شده و فارسی و عربی معنی کرده‌است.

بوجعفرك.
بیهقی سبزواری را به‌بینید.

بهروز، ذبیح.
(متولد ۱۲۷۰ش)
صاحب **فرهنگ کوچك تازی به‌فارسی** (نویسندگان ایران را به‌بینید).

بیکن، راجر Bacon, R.
(فوت ۱۲۹۴م)
کشیش انگلیسی ملقب به **دکتر ستودنی** ازبزرگترین دانشمندان قرون وسطی.

بیهقی سبزواری، ابوجعفر.
(۴۷۰ــ۵۴۴ ه ق)
معروف به‌بوجعفرك، لغوی ومفسر، صاحب تاج‌المصادر فی‌اللغه (عربی).

پروین گنابادی، محمد.
(متولد ۱۲۸۲ش)
نویسندهٔ معاصر از مردم گناباد و **عضو مؤسسهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا**، ازآثار ایشان است: اندیشه‌ها، پرورش‌اراده، راهنمای مطالعه، روح تربیت، شیوهٔ نگارش، فن مناظره مشاعره سی و دو حرف ازسی ودوشاعر، مقدمهٔ ابن‌خلدون (ترجمه)، هفتخوان رستم.

ترنتیوس وارو، مارکوس.
Trentius Varro.
(۱۱۶ــ۲۷ ق م)
نخستین نویسندهٔ **دائرةالمعارف** در روم، که اثرش به‌نام **دیسیپلی ناروم لیبریکس** بود.

توانا، جلال‌الدین.
(متولد ۱۲۹۴ش)
مهندس نفت استاد دانشگاه وصاحب آثاری چون؛ استخراج نفت، نبرد نفت، و**فرهنگ اصطلاحات صنعت نفت** می‌باشد.

ثقفی، دکترخلیل.
(۱۲۷۶-۱۳۶۴ه ق)
طبیب وادیب، مترجم ولغت‌شناس، صاحب آثاری‌چون: پسرکنت دومونت‌کریستو(ترجمه)، تربیت‌نامه، تکثیر عوالم سکونی(ترجمه)، خردنامه(تحریر ثقفی)، خردنامهٔ جاودان حکایات‌وقصص، رساله در حساب، رساله درشیمی، صد حکایت، صد وپنجاه مقاله یادگار عصر جدید، **فرائدالغه ناصر ناصری**، کلید زندگانی یا هزار و یك نصیحت، کلید سعادت درهیئت وحکایات، کلید شناسایی درعالم غیرمرئی، مقالات گوناگون، هزار ویك حکایت، هفتاد و یك مقالهٔ معرفةالروح.

جمال‌زاده، سید محمدعلی.
نویسنده و مترجم معروف ایران، صاحب **فرهنگ عوامانه** است. (نویسندگان ایران را به‌بینید).

خطیب‌تبریزی، ابوزکریا یحیی‌بن‌علی.
(۴۲۱-۵۰۲ ه ق)
از بزرگان لغت و ادب عرب، از مردم تبریز است. آثار متعددی از ایشان باقی است.

خوارزمی، ابوبکرمحمدبن‌عباس.
ابوبکرمحمدبن عباس را به‌بینید.

خیام‌پور، دکترعبدالرسول.
(متولد ۱۳۱۶ ه ق)
نویسنده‌ومترجم‌معاصرازمردم‌تبریز، از آثار ایشان: تذکرهٔ مجمع‌الخواص (ترجمه)، حالات اسم درفارسی‌امروز، خاقانی شروانی، دستور زبان فارسی و **فرهنگ سخنوران** است.

دارمستتر، جمس Darmesteter.J.
(۱۸۴۹-۱۸۹۴ م)
ایران شناس فرانسوی، صاحب تحقیقاتی، در زبان ولغت وشعر، ازآثار ایشان:
تتبعات‌ایرانی، زند اوستا، مبانی شعر فارسی وغیره.

دبیرسیاقی، دکترمحمد.
(متولد ۱۲۹۸ ش)
شاعر ونویسندهٔ معاصر ازترجمه‌ها ونوشته‌ها و گردآوری و تصحیح ایشان است: تذکرةالملوك، ترجمان‌القرآن، دیوان فرخی سیستانی، دیوان منوچهر دامغانی، سفرنامهٔ ناصرخسرو، گنج بازیافته، **لغت‌فرس اسدی**، لبیبی‌واشعاراو.

دزبوری، شارل Dezbory,Ch
(۱۷۹۸-۱۸۷۱ م)
دانشمند فرانسوی، صاحب «فرهنگ ترجمهٔ احوال، تاریخ، جغرافی‌وغیره» به‌کمك **باشله**.

دهخدا، علی‌اکبر.
نویسندگان‌ایران را به‌بینید.

دومرگ، فرانسوا اوریان.
Domergue,F,U.
(۱۷۴۵-۱۸۱۰م)
استاد دستور زبان ازمردم فرانسه؛ ازآثار ایشان:
دستور زبان بطور آسان، تلفظ نامعین زبان فرانسه‌بوسیلهٔ‌علامات متغیر و بسیاری دیگر.

ذوالرمه، غیلان‌بن‌عقبه.
شعرای خارجی‌را به‌بینید.

رحمتی، یوسف.
نویسنده و مترجم معاصر، صاحب راهنمای ازدواج درحفظ‌الصحه (ترجمه) و**فرهنگ عامیانه** است.

رضا زادهٔ شفق.
صاحب‌فرهنگ‌شاهنامه، (نویسندگان ایران رابه‌بینید.)

رضی، رضی‌الدین استرآبادی.
(فوت ۶۸۴ ه ق)
معروف به‌نجم‌الائمه، ازعلمای‌نحو است **شرح الکافیة** از او است.

زجاج، ابو اسحاق ابراهیم‌بن‌محمد.
(فوت ۳۱ ه ق)
عالم‌نحو ولغت، صاحب آثاری‌چون، کتاب‌النحو، معانی‌القرآن و امالی.

زجاجی، عبدالرحمن نحوی.
(فوت۳۳۷ ه ق)
صاحب کتاب **الجمل**، از مردم نهاوندکه مقیم بغداد بود.

زمخشری، جارالله.
(۴۶۷-۵۳۸ ه ق)
استاد نحوولغت وعلوم دیگرعربی، **الکشاف فی‌تفسیر القرآن ومقدمةالادب** از او است.

زندنیا، اردشیر.
مترجم و نویسندهٔ معاصر، ازآثار او: جورج واشنگتون (ترجمه) و **فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی واجتماعی** است.

زوزنی، ابوعبدالله حسین‌بن‌احمد.
(فوت ۴۸۶ ه ق)
لغوی ونحوی‌عرب، صاحب، المصادر (لغت)، شرح سبعهٔ‌معلقه‌وترجمان‌القرآن.

سامی‌بیك، شمس‌الدین‌بن خالدبیك.
(۱۲۶۶-۱۳۲۰ه ق)
دانشمندترك، صاحب **قاموس‌الاعلام** که در ۶مجلد در استانبول چاپ شده است.

ستخر، اردشیر.
از نویسندگان معاصر که فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی و اجتماعی‌را در سال ۱۳۲۵ در سری جیبی به‌چاپ رسانیده‌است.

ستوده، منوچهر.
نویسنده‌ولغوی معاصرازمردم‌شمال، ازآثار ایشان:
بادهای‌گیلان، فارسی‌برای‌انگلیسی زبانان، **فرهنگ کرمانی، فرهنگ گیلکی**، ماهی‌های دریای خزر.

سجستانی، ابوسهل‌بن‌محمد
(فوت ۲۵۵ه ق)
لغوی ونحوی‌معروف؛ صاحب آثاری چون: کتاب‌الشمس‌والقمر، کتاب‌فی‌النحو، کتاب‌الشوق الی‌الوطن، کتاب‌الوصایا، و بسیاری دیگر.

سحاب، ابوالقاسم تفرشی.
(متولد۱۳۰۴ ق)
نویسنده ومترجم از مردم تفرش، ازآثار او است:
اسرارحج(ترجمه)، اقوال‌اروپاییان دربارهٔ قرآن (ترجمه)، بیداری امت در اثبات رجعت (ترجمه)، تاریخ ادبیات عمومی (ترجمه)، تاریخ تربیت عمومی، تاریخ حبشه (ترجمه)، تاریخ عصرجعفر یا زندگانی امام جعفرصادق، فرهنگ خاورشناسان و بسیاری دیگر.

سراج‌الدین، علی‌خان‌آرزو.
(فوت ۱۱۶۹ ه ق)
دانشمند هندی، صاحب **سراج‌اللغه** (فارسی) وتنبیه‌الغافلین.

سروری، محمد قاسم.
(قرن ۱۱ه ق)
نویسنده و شاعر ازمردم اصفهان، کتاب لغت اوبه‌نام(مجمع‌الفرس)معروف است.

سهل ، ابوحاتم.
(فوت ۲۵۵ هـ ق)
نحوی و لغوی زبان عرب ، کتاب فی‌النحو ،الشمس والقمر از او است .
سیاح ،احمد.
مترجم و لغوی معاصر؛ازآثار او: **فرهنگ** (عربی به‌فارسی)، آینهٔ باطن یا آخرین نظریهٔ دانشمندان غرب در علم فیزیولوژی (ترجمه) ، قیافه‌شناسی (ترجمه) به‌چاپ رسیده‌است .
سیبویه ، ابوبشرعمربن‌عثمان.
(۱۴۸—۱۸۰هـ ق)
از بزرگان لغت عربی ، ازنژاد ایرانی‌وازمردم پارس. سیبویه در واقع، قانونگذار علم نحو در زبان عربی‌است و کتاب ، **الکتاب** او جامع‌ترین کتاب دراین زمینه‌است .
سیرافی، ابوسعید حسن‌عبدالله.
(۲۸۴—۳۶۸ هـ ق)
ازبزرگان نحو ولغت عرب به‌شرح کتاب سیبویه، اخبارالنحویین‌البصریین.
شاطبی ، ابراهیم‌بن‌موسی .
(فوت۷۹۰ هـ ق)
ازعلمای اصول، تفسیر، فقه‌وحدیث ولغت است .
شاطبی ، محمدعلی
(۶۰۰—۶۸۴ هـ ق)
عالم‌لغت،صاحب، **حواشی‌برصحاح جوهری** می‌باشد.
دکترشلیمر، ژهسن، ل ، فلنمکی.
معلم طب مدرسهٔ دارالفنون‌تهران، جلاءالعیون درکحالی، زینت‌الابدان در امراض جلدی ، سرالحکمه در تشریح ، شفاییه ، کلیات طب فرنگی ، **لغات طبی** (فرانسه‌به‌فارسی).
شلیمر، ژن Schlimmer, J.
معلم دارالفنون وصاحب **فرهنگ طبی** است .
شنتمری ، یوسف‌بن‌سلیمان .
(۴۱۰—۴۷۲ هـ ق)
عالم نحو که **تحصیل عین‌الذهب** وبسیاری‌کتاب دیگر ازایشان بجا مانده است .
شنقیطی ، محمد محمود بن التلامید ترکزی .
(فوت ۱۳۲۲ هـ ق)
ادیب ولغوی و عالم‌انساب است .

صاحب‌بن‌عباد کافی‌الکفاة ، ابوالقاسم اسمعیل .
(۳۲۶—۳۸۵ ق)
از مردم طالقان که مدتی کاتب مؤیدالدوله دراصفهان ومدتی‌وزیرایشان درگرگان و وزیر فخرالدوله بود مدفن او در درب طوقچی میدان‌کهنهٔ شهر ری می‌باشد.
المحیط (درلغت)،وعنوان‌المعارف و ذکرالخلائف ، و بسیاری دیگر از او باقی‌است .
صاحب‌قاموس .
مجدالدین‌ابوطاهر را به‌بینید.
صاعد ، ابن‌حسن‌بن‌عیسی
(فوت۴۱۷ هـ ق)
ادیب ، لغوی و عالم‌نحو در زبان عرب از مردم موصل ، صاحب**الفصوص** است .
طالب بن عثمان بن محمد ازدی.
(۳۱۹—۳۹۶ هـ ق)
نحوی و ادیب زبان عرب از مردم بصره .
طاهربن‌احمد
(فوت۴۶۹ هـ ق)
عالم‌نحو عربی‌ازمردم دیلم،صاحب آثاری چون : المقدمه ، شرح‌الجمل ، شرح‌کتاب‌الاصول است .
طاهربن‌احمد
(فوت ۳۸۰ هـ ق)
نحوی معروف،صاحب **تذکره**است .
طرادبن‌علی
(فوت ۵۲۴هـ ق)
نحوی ونویسنده وشاعرعرب‌است.
طهرانی خلیلی. محمدعلی.
ازنویسندگان ومترجمین معاصر ، چند اثر از ایشان اسرار خوشبختی یا خویشتن‌شناسی ، (ترجمه)، بانوی نیل یا فتح مصر ، بهرام گور ، پریوش ، خلفای راشدین، **دایرةالمعارف‌الاسلامیه** (ترجمه)،**فرهنگ** (عربی به‌فارسی) ، **فرهنگ امیرکبیر** (به مشارکت شمیم)، **فرهنگ دانش‌آموز** ، وبسیاری دیگر.
طبیبی‌شبستری، سید احمد.
(متولد ۱۳۴۹ق)
از مترجمین معاصر ، ازآثار او ، **فرهنگ‌عقایدوقوانین‌اسلامی**(ترجمه)،

حول تفسیرالمیزان (عربی).
ظهیر ، حسن‌بن‌ظئر.
(فوت ۵۹۸ هـ ق)
فقیه ، لغوی و نحوی زبان عرب ، که به‌ابوعلی فارسی معروف شده‌است ، **شرح‌الصحیحین** ازاو است.
عباسی،محمد
(متولد ۱۲۹۵ هـ ش)
مترجم ومحقق معاصر ، افسانه‌های آسیایی تاریخ ادبیات ومطبوعات ایران در دورهٔ مشروطیت ، تذکرةالشعرای سمرقندی،جهانگردی مارکوپولو،خاقانی شروانی ، خودآموزمصورآلمانی، دیوان اشعارلاهوتی‌کرمانشاهی ، رباعیات‌خیام، نوروزنامهٔ خیام ، ری‌بلاس ، سیاحتنامهٔ ساردان ، شگفتی های جـهان باستان ، **فرهنگ بزرگ آلمانی به‌فارسی** ، **فرهنگ بزرگ فارسی به‌آلمانی** ، **فرهنگ‌جامع آلمانی، فرهنگ‌رشیدی،** و بسیاری دیگر از ترجمه‌ها ونگارش و تصحیح ایشان است .
عتابی، محمدبن‌علی‌بن‌ابراهیم.
(فوت ۵۶۶ هـ ق)
ادیب ، لغوی و نحوی زبان عرب است .
عصام‌الدین، ابراهیم‌بن‌محمد.
(فوت ۹۳۴ هـ ق)
نحوی معروف ، صـاحب تعلیقات برشرح جامی‌است .
عظیم‌آبادی، امین‌الله.
صاحب‌کتابی‌به‌نام **کارنامهٔ فرهنگ** است که درسال ۱۸۷۴ میلادی درهند چاپ شده‌است .
عمید، حسن .
لغوی وروزنامه‌نگار (روزنامهٔطوس، سالنامهٔ خراسان)، معاصر،صاحب‌آثاری چون : اسرار مانیتیسم ، برخرابه‌های تخت‌جمشید(۱۳۱۰ش)،سالنامهٔخراسان، **غلطهای‌فاحش‌فرهنگهای‌فارسی،فرهنگ عمید** .
غسانی ، محمدبن‌علی‌بن‌خضر.
(فوت ۶۳۶ هـ ق)
نحوی ومورخ ولغوی معروف‌زبان عرب .
عینی، بدرالدین محمود.
(فوت۸۵۵ هـ ق)
ادیب ولغوی معروف ، شرح صحیح بخاری ، شرح شواهد طبقات حنفیه و

مختصر تاریخ ابن‌عساکر از او است .

غالب‌دهلوی

نجم‌الدوله را به‌بینید.

غفاری، مهندس امیرجلال‌الدین.

پس‌ازخاتمهٔدورهٔ دارالفنون به‌برلن رفته و رشتهٔ حقوق بین‌الملل و علوم ریاضی و اقتصاد را در۸ سال گذرانید ، و در ایران به‌مشاغل مختلف مشغول‌بود.

اثرمعروفش**فرهنگ غفاری** (فارسی به‌فرانسه) است .

فراء ، ابو زکریا یحیی‌بن‌زیاد.

(۱۴۴-۲۰۷ه ق)

عالم لغت و نحو عرب ؛ المقصور والممدود، معانی‌القرآن ، المذکر والمؤنث ، **اللغات** ، **الفاخر**، قسمتی از آثار ایشان است .

قالی ، اسماعیل‌بن‌قاسم .

(فوت ۳۵۶ ه ق)

ادیب ولغوی ، در زبان عرب ، و کتب بسیاری از او باقی‌است .

قریب، میرزاعبدالعظیم‌خان.

نویسندگان‌ایران را به‌بینید.

قطران‌تبریزی ، ابومنصور.

(فوت ۴۶۵ ق)

شاعری از مردم رضاییه ، مداح ابونصرمحمد بن مسعودبن مملان بود ، **دیوان شعر** او شامل ۷ هزاربیت باقی است ، **تفاسیرفی‌لغة‌الفرس** را نیز به‌او نسبت می‌دهند.

کاکستون، ویلیام Caxton, W

(۱۴۲۲ - ۱۴۹۱ م)

از اصحاب دایرةالمعارف **جهان‌نما** و ازمردم انگلیس‌است .

کریمی،احمد.

ازفرهنگیان اراك‌که درسال۱۳۱۹ مدیرباشگاه دوچرخه‌سواران‌آن‌شهربود، ازآثار او:

زن پاکدامن (ترجمه)، **واژه‌های کلیله ودمنه** می‌باشد.

کمال‌الدوله‌ادیب

زوزنی را به‌بینید.

کیا، دکترصادق.

(متولد ۱۲۹۹ه ش)

نویسنده و زبان‌شناس ، صاحب ، **واژه‌نامهٔ طبری** و **واژه‌نامهٔ گرگانی** (زبان شناسان را به‌بینید).

گوهرین ، دکترسید صادق.

ازنویسندگان معاصر ودکترادبیات فارسی‌است ، از آثار او : پیرچنگی ، حکایاتی ازمثنوی ، حجةالحق ابوعلی‌سینا ، و **فرهنگ لغات واصطلاحات مثنوی** است .

لاروس، پی‌یر. Larousse,P.

(۱۸۱۷-۱۸۷۵ م)

عالم قوانین زبان ولغت‌شناس و از بانیان دایرةالمعارف و ازمردم فرانسه است ، اقدامات زیادی در تغییر کتب



درسی به‌عمل‌آورد وبرای تشکیل‌وتدوین دایرةالمعارف خود شب وروزکارمی‌کرد و درحالی که کتابش تا حرف ح چاپ شده‌بود ، بدرود زندگی‌گفت .

لاژر . لوف ، سلما .

نویسندگان خارجی را به‌بینید .

مجدالدین ابوطاهر فیروزآبادی .

(۷۲۹ - ۸۱۷ ه ق)

معروف به‌صاحب قاموس ،که گویند اصل‌کتاب در ۶۰ جلد بوده است .

مدنی ، عبدالرشید بن‌عبدالغفورحسنی .

(زنده در سال ۱۰۶۴ ق)

از علمای لغت در شهر تته از بلاد سند متولد شده که **فرهنگ رشیدی** ، رسالهٔ معربات ، قواعد و ضوابط زبان فارسی از او است .

مرعشی ، احمد.

مترجم معاصر ، صاحب **فرهنگ مرعشی آلمانی به فارسی** و روزنامهٔ تاریخ (ترجمه) .

مستوفی، حمدالله.

مورخین را به بینید .

مصاحب ، دکتر غلامحسین .

(متولد ۱۲۸۹ ش)

ریاضی دان ، روزنامه‌نگار (مدیر مجلهٔریاضیات‌علمی‌ومقدماتی) وازاصحاب **دایرةالمعارف فارسی** وازمفاخر علمای ایرانی‌دارای‌آثارفراوان‌از جمله: توابع مستدیر ، جبر ومقابله‌باجداول‌لگاریتم، براهین‌الجبروالمقابله عمرخیام ، تاریخ علوم ریاضی تا زمان عمر خیام ، حکیم عمرخیام به عنوان عالم جبر ، رساله در باب افراد خانواده های نادرستکار ، رسم‌فنی، شیخ علی‌دشتی، علوم تفریحی ، فیزیك ، مثلثات ، مدخل منطق صورت، هندسهٔ مسطحه وبسیاری دیگر.

معلوف‌یسوعی ، لویس .

(۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ ه ق)

از مردم لبنان ، مؤلف **المنجد**، روزنامه‌نگار (روزنامهٔ البشیر)، که به چند زبان شرقی و فرنگی مسلط بود .

معین ، محمد .

نویسندگان ایران را به بینید .

میدانی .

ابوالفضل احمدبن‌المیدانی را به‌بینید.

ناظم‌الاطباء .

علی‌اکبر نفیسی را به بینید .

نجم‌الدوله، دبیرالملك، اسدالله‌بن‌عبدالله بیك غالب دهلوی .

(۱۲۱۲ - ۱۲۸۵ ه ق)

صاحب **قاطع برهان** و از شعرای فارسی واردو زبان هند است .

نفیسی ، علی‌اکبر .

(۱۲۶۳ - ۱۳۴۳ ق)

طبیب و لغت‌شناس از مردم کرمان، فارغ‌التحصیل دارالفنون (۱۲۸۹) ودر سال ۱۲۹۰ بیمارستان دولتی آن روز را به نام **ابن‌سینا** تأسیس‌کرد و تاآخر سلطنت ناصرالدین شاه جزء اطبای درباری بود، از آثار ایشان :

۱ -پزشکی نامه، تعلیمات‌ابتدایی حفظ‌الصحه ، **فرهنگ نفیسی در لغت** ، نامهٔ زبان‌آموز می‌باشد .

نفیسی ، سعید .

صاحب‌فرهنگ‌نامهٔ‌پارسی، نویسندگان ایران را به بینید .

نوری هدایت ، رضاقلی .

(۱۲۱۵ - ۱۲۸۸ ه ق)

شاعر دربار قاجاری ،که به لقب

امیرالشعرایی مفتخر شده است ، از آثار ایشان اجمل التواریخ ، ریاض العارفین، تذکرة المحققین، ریاض المحبین در اخلاق، سفارتنامهٔ خوارزم، **فرهنگ انجمن آرا ناصری درلغت** ، فهرست التواریخ ، گلستان ارم ، بکتاشیه (شعر) ، مجمع الفصحا در تذکرهٔ شعراء، متمم روضة الصفا خواندمیر، مدارج البلاغة در بدیع، مظاهر الانوار فی مناقب ائمة الاطهار و منتخب دیوان شمس .

هاریس ، Harris, j
(۱۷۰۹ ــ ۱۷۸۰ م)

عالم گرامر زبان انگلیسی ، صاحب **تحقیقات فلسفی روی قواعد زبان بین المللی** .

هوتسما

خاورشناسان را به بینید .

یگانی ، اسماعیل (عامی) .
(۱۲۶۶ ه ق)

قاضی دادگستری ، خرده فرهنگ یالغت منظوم ، سرآغاز (شعر) ، از او به چاپ رسیده است .

تاریخچهٔ دایرة المعارف

شکل لاتینی شدهٔ یونانی مقلوب آن **ائوکوکلوئیدیا** (Eykukloidia) بوده که در آثار **کوینتیلیان و پلینی بزرگ** (Pliny) بجای کلمهٔ یونانی کلمهٔ **ائوکوکلیوس پائیدئا** (Eykukliospaideia) آمده ، و ویترو ویوس (Vitruvius) آن را (Encyclios disciplina) ترجمه کرده است، که به معنی آموزش در دایرهٔ هنرها و علوم است (یعنی معلومات عمومی) در زبان انگلیسی ، اولین بار این کلمه در کتاب سرتوماس **الیوت** به معنی دایرهٔ فکر یا آموزش بکار رفت (نه به معنی کتاب بلکه به معنی روش برای معرفت ۱۳۳۱ م) نخستین بار دانشمند لهستانی چالیچ دولیکا (Lika , sch) در سال ۱۵۵۹ میلادی این کلمه را بعنوان کتاب بکار برد . این نام اینك به اثری که برحسب موضوعات گوناگون مربوط به معلومات بشری (غالباً به ترتیب الفبایی) ترتیب یافته ، اطلاق میشود . از زمان ارسطو، نویسندگان اروپایی، تحقیقات خود را در زمینه‌های گوناگون تدوین کرده‌اند، ولی تا سده‌های اخیر ، اثری که پاسخگوی توقع از دایرة المعارف باشد بوجود نیامده بود . گذشته از ارسطو و اسپیوسیپوس (Speusippus) مجموعه‌های مارکوس **ترنتیوس واررو** (Terentiusvarro) (۳۰ ق م) و تاریخ طبیعی پلینی بزرگ (۲۷ــ۷۹ق م) و در سدهٔ پنجم، کتاب معروف هفت جلدی (صرف و نحو، جدل ،معانی و بیان، هندسه، نجوم و حساب وموسیقی مارتیانوس کاپلا (Martianus capella)، در قرن هفتم کتاب ۲۰ جلدی ایزیدور (Isidor) اسقف اشبیلیه به نام (Originom Seu Etymologiarum) در سدهٔ ۱۳ میلادی کتابهای ونسان **بووه** (V . Beauvais) و **برونتو لاتینی** (Brunetto Latini) در خور توجه است.

در سدهٔ ۱۷ برخی کارهای مهم دایرة المعارفی در اروپا انجام گرفت ، مانند آثار ، آنتونیو **زارا** (A . zara) یوهان هانریش **آلستد** (H . Alsted) «۱۶۲۰ م». لوتی **موردی** (L.Moreri) «۱۶۷۴م». ژرژ **هوفمان** (J.J,Hofmann) «۱۶۷۷م». توماس **کورنی** (T.corneile) «۱۶۹۴م». ومهمتر از همه فرهنگ تاریخی و انتقادی پییر **بایل** (P . Bayle) «۱۶۹۷م» که باملحقاتش هنوز هم دارای ارزش و اهمیت است .

از قدیمترین فرهنگ جهانی، تاریخی، جغرافیایی ، زبان شناسی و مدرسی (۱۷۰۳ م) و فرهنگ فنی (۱۷۰۴) و دایرة المعارف دو جلدی چمبرز (Chambers) «۱۷۲۸ م » را می‌توان نام برد ،کتاب اخیر الذکر در سالهای ۱۷۳۸ تا ۱۷۵۳ تجدید چاپ شد و ژان **میل** (J. Mills) آن را به فرانسوی ترجمه کرد و بعداً **دالامبر** (d,Alamber) و **دیدرو** (Diderot) به کمك آن دایرة المعارف مهم و اساسی خود را که به آنسیکلوپدی (Encyclopedie) معروف است در ۲۸ جلد در سالهای ۱۷۵۱ ــ ۱۷۶۵ م) در پاریس منتشر کردند ، در سالهای (۱۷۶۸ ــ ۱۷۷۱ م) ، نخستین چاپ دایرة المعارف بریتانیکا در **ادینبورو انگلستان** در سه جلد منتشر شد، چاپ دوم آن شامل ۱۰ جلد بود وپس از چند چاپ، یك شرکت آمریکایی آن را خرید و چاپ چهارمش را در سال ۱۹۲۹ در ۲۴ جلد انتشار داد . در قرن ۱۹ دایرة المعارفهای گوناگون انتشار یافت .

دایرة المعارف ادین بورو (۱۸۰۹ــ ۱۸۳۱) **لندنینسیس** (Londiniensis) (۱۸۱۰ــ۱۸۲۹م)

متروپولیتانا «۱۸۱۷ ــ ۱۸۴۵م»

پنی (۱۸۳۳ ــ ۱۸۴۶ م)

انگلیش (۱۸۵۴ ــ ۱۸۷۳ م)

و چمبرز (۱۸۵۹ ــ ۱۸۶۸) ، سه دایرة المعارف معروف آلمانی عبارت است از : فرهنگ علمی و ادبی هنریس تسدلر (H . zeller) در ۶۴ جلد (۱۷۳۲ــ ۱۷۵۰ م)، فرهنگ مکالماتی **بروکهاوس** (F.A.Brockhaws) «آغاز ۱۷۹۶م» که چاپ شانزدهمش در ۱۲ جلد در سال (۱۹۵۲ ــ ۱۹۶۰) منتشر شد.

بسیار محتمل است که چینی‌ها ، مبتکر تنظیم دایرة المعارف بوده باشند، قدیمترین دایرة المعارف مربوط به قرن ۱۴ است نسخه‌ای از دایرة المعارف بزرگ چین در ۵۰۲۰ جلد که درسال ۱۷۲۶ در پکن چاپ شده است در **موزهٔ بریتانیایی لندن** نگهداری می‌شود .

تدوین دایرة المعارف دیگری در چین شامل ۱۱۰۰۰ جلد درسال ۱۴۰۸ آغاز شد وچند مجلد از آن اینك در دست است وبقیه درجنگهای گوناگون ازمیان رفته است .

انسیکلوپدی فرانسه ، از آن جهت شهرت فراوان یافت که مبشر اندیشه‌یی علمی وفلسفه‌یی مترقی بود، با آنکه مجلد اول ودوم این کتاب از طرف دولت فرانسه توقیف شد معذلك **دیدرو ، لوبرتون** (Le Breton) از کوشش باز نماندند وبه کمك مردم به انتشار مخفیانهٔ آن ادامه دادند ، ولی دالامبر که مقدمهٔ عالمانه‌یی بر کتاب نوشته بود بزودی از همکاری باسایرین کناره گرفت .

همکاران دیگر انسیکلوپدی عبارتند از :

اتین **دوکوندیلاك** (E.deCondillac) «درفلسفه» آنتوان **دوکوندورسه** (A . decondorcet) « ریاضیات» شارل پ ، **دوکلو** (Ch . P . Duclor) «نقد هنر و تاریخ» کلودآ . هلوسیوس (C A. Heluetius) «فلسفه » و هولباخ (P. d'Holbach) «شیمی وعلوم طبیعی»

ژان‌فرانسوامارمونتل(J.F.Marmontel) «نقد ادبی»مونتسکیو (Montesquieu) « نقد هنر ، فلسفه » فرانسوا کسنه (F.Quesney) «اقتصاد سیاسی» ژان ژاك روسو (j. j.Rousseau) «نقد موسیقی» تورگو (A.R.G.Turgo)«قانون، اقتصاد سیاسی» ولتر (Voltaire) « نقد ادبیات وتاریخ» یکی دیگر از دایرةالمعارفهای مهم بـه اهتمام شارل ژوزف پانـکوك (C. j Panckoucke) در ۱۶۶ مـجلد انتشار یافت که ۴۰ مجلدآن شامل نقشه‌ها و اطلسها بود

وجمعی ازمحققان معروف باآن‌همکاری داشتند، نخستین مجلدکتاب درسال ۱۷۸۱ و آخرینش در سال ۱۸۳۲ منتشر شد . مهمترین دایـرةالمعارف کشورهـای اسپانیایی زبان اروپا و آمریکا ،دایرة‌ـ المعارف ۷۰ جلدی است به‌نام :

(Encyclopedia Universal Ilustrada)

کـه علاوه برآن ضمایم و ملحقاتی نیز دارد . در کشورهای پرتغالی زبان نیز دایرةالمعارفی بنام :

(Grande Encyclopedia Pertuguesey Brasibira)

ودر بلژیك **دایرةالمعارف‌بلژ**

(Encyclopedie Belge)

در ۱۹۳۸ منتشر شده است .

در ایـالات متحده دایرةالمعارف آمریکانا(Encyclopedia Americana) در سالهای (۱۹۵۷ ــ ۱۹۶۰) در۵۳ جلد انتشار یافت .

کشورهای دیگر نیز همه‌یك یاچند دایرةالمعارف‌دارند،که مثلاازهمسایگان ما می‌توان در ترکیه **ازقاموس الاعلام** (در ۶جلد)که باحروف عربی چاپ شده واز **تورك انسیکلوپدیسی** در **۱۲** جلد که درسالهای پس‌از جنگ انتشار یافته بـاید نام برد . در مصر دایرةالمعارف بستانی و دایرةالمعارف کابل‌فیزیوجری در افغانستان ، دایرةالمعارف **آریانا و دایرةالمعارف** چاپ شده است

اما در مورد ایران ، باید گفت‌که از اواخرسدهٔ‌سوم‌هجری‌کاردایرةالمعارف نویسی آغاز شده است . اخوان‌الصفا ، وابونصرفارابی آثاری نوشتند کـه به دایرةالمعارف شبیه بـود . الفهرست ، ابن‌ندیم (قرن چهارم) ، احصاءالعلوم ، فارابی (قرن چهارم)، و جامع‌العلوم‌امام فخررازی معروف‌به ستینی (قرن۶ هـ ق) وصبح‌الاعشی‌قلقشنه (قرن هفتم) ونهایة‌ـ الادب نویری (قرن هفتم) و نزهة‌العلوم مستوفی (قرن هشتم) ستینی زمخشری و درةالتاج محمودشیرازی (قرن هشتم) و نفایس الفنون محمد بـن محمود آملی (قرن ۸ هـ ق) ومدائن‌العلوم استرابادی (دورهٔ قاجاریه) و از دایرةالمعارفهای فعلی باید ، لغت‌نامهٔ دهخدا ، دایرة ــ المعارف‌فارسی. فرهنگ عمید ،فرهنگ اعلام معین‌را نام‌برد.

کتابهای مناسب کودکان
(۷ تا ۸ ساله)

آواز فرشتگان : « شعر » عباس‌یمینی **شریف.**

اردك پرچونه : ناشر نور جهان، هلن **اورز.**

اردك خوشبخت: ترجمهٔ **فریده.**

افسانه‌پردازها: بنگاه‌نشریات‌پروگرس مسکو،ارن **نوسوف** ترجمهٔ **گامایون .**

افسانه‌های‌کودکان:محسن **فارسی.**

بابونه هفت گونه: ناشربنگاه نشریات پروگرس مسکو، والنیتن**کاتایف.**

بازگشت‌لاسی: ناشر نور جهان، اریك **نایت،** ترجمهٔ ایوب **دوستدار .**

بازی با الفبا: عباس **یمینی‌شریف.**

بچه خرسها فرار می‌کنند: ناشرکانون دنیا و هنر .

بچه‌های با ادب این را درست کنید خواهش می‌کنم : ناشر گوتنبرگ ، طلعت **مقدم.**

بچه‌های حیوانات: ناشر گوتنبرگ.

بز زنگوله پپا: ناشر سیروس، محسن **فارسی.**

بهترین داستان کودکان: نـاشر نور جهان، ترجمهٔ رضوان **مهتدی.**

به فرمان ماهی: م. **بولاتوف،** تـرجمهٔ **اخگر.**

بیایید خوبتر شویم : نـاشر ادارهٔ اطلاعات‌آمریکا ، **مونرولیف .**

بیژن و شیر: نـاشر کیهـان، جمس **داکرتی،** ترجمهٔ‌عباس **یمینی‌شریف.**

پالتوقرمز: ناشربنگاه ترجمه‌ونشرکتاب.

پروانه‌ها وباران : ناشرسخن ، **شاهد.**

پنج برادر چینی: بنگاه‌ترجمه و نشر کتاب. کلر بشیات و کرت **وایز** ،ترجمهٔ فرخ **یکرنگی «دواچی»** .

پیتر و گرگ : ناشر پدیده، سرزیرو **کوفیف،** ترجمهٔ احمد **مقربیان .**

پینوکیو: کارلو **کودی،** ترجمهٔ فریدون کار .

تازی‌تاك : ناشر شعبهٔ ادبیات شوروی، اثر مارشاك، ترجمهٔ فرزان.

تحصیل قبل از هفت‌سال: ناشرعلمی، امیرکبیر.

تلاش نیکو : ناشر نور جهان ، بازیل **میتور.**

جوجه اردك زشت : نـاشر فرهنگ ، **آندرسن.**

چشمهٔ سحر آمیز : نـاشر بنگـاه گوتنبرگ .

حساب مصور: ناشر امیرکبیر، ضیاءـ الدین **جزایری.**

حکایات‌شیرین: ناشر نورجهان، دوریت **دونالدسون.**

حیوانات مزرعه : ناشر گوتنبرگ.

خرگوش بهانه گیر: ناشر نورجهان . هلن **اورز.**

خرگوش شیطان: غلامرضا **آثار.**

خروسك تاج طلایی: ناشرشعبهٔ ادبیات شوروی به زبانهای خارجی،**تولستوی.**

خواندنیهای کودکان افسانه‌هاست : (سه جلد) علینقی **وزیری.**

داستان چهارخرگوش: ناشر بنـگاه استرلیگ،بئاتریکس**پاتر.**

داستان عروسك: ناشر مؤسسه‌کیهان، جمس **داکرتی،** ترجمهٔ **یمینی شریف‌ـ والی‌زاده.**

داستان هفت سین: آزادهٔ **مقدم.**

داستانهای کودکان: «ناشر گوتنبرگ» ترجمهٔ قازار **سیمونیان.**

دختر حصیری: ترجمهٔ فریدون**کار.**

دختر خوشبخت: «از نشریـات حسن، برادران **گریم.**

درستکاری و همکاری : «نـاشر ادارهٔ اطلاعات‌آمریکا» **مرنرولیف.**

دریا سالارپیر: ناشرابن‌سینا ، ساموئل کالریج. ترجمهٔ‌پروین انوار.

دنیاگردی جمشید و مهشید : نـاشر کانون‌دنیا و هنر، عباس **یمینی‌شریف.**

دوتا قصهٔ قشنگ راجع به‌مداد ورنگ: «ناشر کتابفروشی ساکو» **وسویتف.**

دو خواهر : ترجمهٔ فریدون **کار** .
دوکدخدا: ناشرمؤسسه انتشارات امیرکبیر، عباس **یمینی‌شریف** .
دیوان‌بلخ: ناشرامیرکبیر، **صبحی‌مهتدی.**
راپونزل: ناشر گوتنبرگ، برادران **گریم**. ترجمهٔ **توانگر.**
زاغچهٔ پهلو سفید : ناشر شعبهٔ ادبیات شوروی به زبانهای خارجی، ترجمهٔ **فرزان.**
زن جادوگر: ترجمهٔ فریدون **کار.**
زیبای سیاه : ناشر امیرکبیر، ترجمهٔ محمد رضا جعفری.
زیر زمین وروی زمین : ناشرابن‌سینا، **ایرلی‌وبر** ، ترجمهٔ عباس **یمینی‌شریف.**
ساز و آواز حیوانات : ناشر نشریات کودك، برادران **گریم.**
سه خرس: ناشر امیرکبیر ، ترجمهٔ محمد **رضاجعفری** .
سه داستان برای بچه‌ها: «ناشرسازمان بانوان‌یهود ایران» لولین **پیترز** .
شاهزادهٔ خوشحال: اسکار **وایلد** .
صد ویك خطر: ،ناشرامیرکبیر،ترجمهٔ محمد رضا **جعفری.**
صندوق بالدار: ترجمهٔ فریدون **کار.**
عمو نوروز: ناشر اشرفی، **صبحی.**
غلام سفید : ناشر گوتنبرگ، پون **کرانیك** ترجمهٔ کاظم **گیلانپور.**
فرفروزنگ: ناشرمعرفت،حسن **معرفت.**
فری به‌آسمان می‌رود: ناشر امیرکبیر، عباس **یمینی شریف** .
قصه قصه: هوشمند **فتح‌اعظم.**
قصه‌های سیامك : ناشر ابن سینا، مهدی **نراقی.**
قصه‌های شیرین : ناشر دانش، عباس **یمینی‌شریف.**
قصه‌های مصور : ناشر بنگاه نشریات پروگرس مسکو، ن. **رادلف** ، ترجمهٔ **فرزان.**
کدو قلقله زن : ناشر سخن، **شاهد.**
کوتولهٔ باهوش ، ترجمهٔ فریدون کار.
کی گفت میائو : ناشر شعبهٔ ادبیات شوروی به زبانهای خارجی، **و.سوییتف.**
گربهٔ مقلد: هلن **اورز.**
گربهٔ ناقلا: «ناشر خزر» ترجمهٔ مهدی **آذریزدی.**
گربه‌های شیپور زن : ناشرامیرکبیر، عباس **یمنیی‌شریف.**
گردش‌درجنگل: ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ماری هال **انس** ترجمهٔ هوشنگ **فتح‌اعظم.**
گرگ وهفت بزغاله: ناشرامیرکبیر ، **هوفمان،** ترجمهٔ محمد رضا **جعفری.**
گفتگوی درختها : خانه کتاب و انتشارات مروارید، فهیمهٔ **میرهادی.**
مرد ریش آبی: ترجمهٔ فریدون **کار.**
مرغابی سیاه کوچولو : ناشر معرفت، حسن **معرفت.**
مرغ سرخ کوچولو: «ناشر ایران ملك گروهیل» مترجم وسراینده، **عموعماد.**
ملکهٔ گلها: ناشر گوتنبرگ، **اندرسن** ترجمهٔ کاوه **دهگان.**
مورچه و بلبل : نقاشی از جعفر تجارتچی.
موش‌دم بریده : ناشرنیل، ج **تجارتچی.**
ملیونها گربه : ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، واندا **گاگ** ترجمهٔ فرح **یك‌رنگی**(دواچی) .
میمون مسخره: ناشر نور جهان ، هلن **اورز.**
نارنج‌وترنج : (نیل، تهران)، نقاشی از جعفر تجارتچی.
نرگس و عروسك مو طلایی : ناشر بنگاه ترجمه و نشرکتاب، لیلی **ایمن** (آهی)
هرکس خانه‌ای دارد : ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب،لیلی **ایمن** (آهی).
هر که پیدا کرد مال خودش : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ویل و **نیکلاس،** ترجمهٔ لیلی **ایمن** (آهی) .
یکی بود یکی نبود و دویدم ودویدم: (نیل، تهران)، نقاشی‌از جعفرتجارتچی.

کتابهای‌مناسب برای کودکان ۸ تا ۱۲ سال

۱ــ داستان ۲ــ شرح‌حال ۳ــ علوم اجتماعی ۴ ــ سرگرمی ۵ــ علوم.

آتشفشان وزلزله : ناشر نیل، فردریك **پو** ــ ترجمهٔ ع. **مهاجری.**
آدمك‌چوبی: کارلو **کولودی** ترجمهٔ صادق **چوبك.**
آلیس در سر زمین آینه‌ها : ناشر بنگاه گوتنبرگ، لوییز**کارول،** ترجمهٔ محمدرضا **امینی.**
آنسوی منظومهٔ شمسی: ناشر ابن‌سینا، ترجمهٔ علیمحمد **عامری.**
آهنربا : ناشر ابن سینا، برتاموریس **پارکر** ترجمهٔ علیمحمد **عامری.**
ابر و باران و برف: ناشر ابن‌سینا ، برتاموریس**پارکر،** ترجمهٔ مجید**روشنگر.**
اردك سحر آمیز : ناشر امیرکبیر، ترجمهٔ محمد رضا **جعفری.**
از فیل تا فنجان: شنایدر.
از هوا شناسی بپرس : ناشر ابن‌سینا ، ترجمهٔ علیمحمد **عامری** .
افسانه‌ها (دو جلد) ناشر امیرکبیر، صبحی **مهتدی.**
افسانه‌های‌افریقایی : ناشر امیرکبیر، ترجمهٔ صادق **فرهید.**
افسانه‌های آلمانی : ناشر امیرکبیر ، ترجمهٔ نیره جعفری .
افسانه‌های باستانی : ناشر امیرکبیر **صبحی.**
افسانه‌های باغ‌بهشت، فانوس فرسوده، گنجشکهاوگلسرخها: (سه‌جلد)ناشرامیرکبیر،اندرسن، ترجمهٔ اردشیر**نیکپور.**
افسانه‌های بوعلی : ناشر امیرکبیر، **صبحی مهتدی.**
افسانه‌های چینی وترکمنی : ناشر گوتنبرگ، ترجمهٔ مهین **رادپور** .
افسانه‌های دلپذیر : بنگاه ترجمه و نشر کتاب، **اندرسن** ، ترجمهٔ اردشیر **نیکپور.**
افسانه‌های روستایی : ناشر امیرکبیر، کوهی**کرمانی.**
افسانه‌های شیرین : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، **برادران گریم** ــ ترجمهٔ دکترشمس‌الملوك **مصاحب.**
افسانه‌های ویتنامی: کامبوجی‌ولائوسی (۲ جلد)ناشرامیرکبیر، ترجمهٔ اردشیر نیك‌پور.
افسانه‌های‌کره‌ای . ناشر گوتنبرگ، ترجمهٔ مهین**رادپور.**
افسانه‌های کودك : ناشرگوتنبرگ، ترجمهٔ **شهسواری** .

۱۳۴۶

افسانه‌های کودکان : ناشر صفیعلیشاه، ترجمهٔ **رازی**.
افسانه های چینی : (۲ جلد) ناشر امیرکبیر، ترجمهٔ کامیار ومهیار نیکپور.
افسانه‌های کهن (دوجلد) : ناشرامیرـ کبیر،**صبحی مهتدی**.
افسانه‌های ملل: ناشر گوتنبرگ، ژیزال **والر** ـ ترجمهٔ حسن **هنرمندی** .
افسانه‌های اسپانیائی : (۲ جلد) ناشر امیرکبیر، ترجمهٔ اردشیر نیك‌پور.
افسانه‌های سرخپوستان : (۲ جلد) ناشر امیرکبیر، ترجمهٔ اردشیر نیك‌پور.
امیل و کارآگاهان : ناشر مؤسسه انتشارات امیرکبیر، **اریخ‌گستز**، ترجمهٔ محمدرضا **جعفری** .
ابن خطاب‌کهنسال : ناشر گوتنبرگ. **لاگین** .
باغ اسرارآمیز: ناشر اندیشه، فرانسیس **برنت** ، ترجمهٔ دکتر ش. **مصاحب** .
برق : ناشرابن‌سینا، برتاموریس‌پارکر، ترجمهٔ علیمحمد**عامری**.
بشر وابزارکارش : مزنر.
بهترین‌داستانهای‌کودکان: ناشرمعرفت، ترجمهٔ رضوان **مهتدی**.
پادشاه رودخانه طلایی : ناشر فروغی، جان ارسکین ، ترجمهٔ شیده **جلالی‌فر**.
پادشاه نهر طلایی : ناشر نور جهان ، **روسکین** ، ترجمهٔ والیهٔ **راستان** .
پتی‌شز : آلفونس **دوده** ، ترجمهٔ اقبال **یغمایی**.
پرندهٔ طلایی: «ناشر فروغی، ترجمهٔ شیده **جلالی‌فر**.
پروانه‌ها : ناشر نیل. ر. س . **لمون**، ترجمهٔ پرویز**داریوش**.
پری‌دریایی : ناشرامیرکبیر، کریستیان **اندرسن** ، ترجمهٔ خسرو **خلیقی** .
پسران شکارچی : ناشر بنگاه ترجمه و نشرکتاب ، توماس **میزید** ، ترجمهٔ غلامرضا **ثمری** .
پسرك بند انگشتی : «ناشر امیرکبیر» شارل **پرو** ، ترجمهٔ خسرو خلیقی .
پسرك چوپان : ناشر نورجهان ، ژوهنا **سپرس** .

پسری در سمرقند : ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج **ساوا** ترجمهٔ جلال **عنایت**.
پشه بینی دراز : ناشر امیرکبیر، ترجمه ابراهیم **یونسی** .
پنج رود : ناشر نیل ، آن توی **وایت** ترجمهٔ شهین **صنعتی**.
پنج سفـر پـر خطر علمـی : ناشر نیل، ر . **هولدن** ــ ترجمهٔ هوشمند **فتح اعظم**.
تاریخ جهان برای خردسالان : ناشر دانش، **هیلیر** ــ ترجمهٔ مصطفی **مقربی**.
تخته‌قبا : ناشر اقبال، ج . **تجارتچی**.
ترمه دختر ده (اقبال تهران) : پروین رادپور.
تکه یخ‌بلورین : ناشر معرفت ، ترجمهٔ شیرین **معرفت**.
تلخکامیهای سفی : ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، کنتس **دوسگور** ــ ترجمهٔ منوچهر **ضرابی**.
تلفن شما چگونه‌کار می‌کند : **شنایدر** ــ ترجمهٔ احمد **آرام**.
تندرستی‌مایه نشاط است : **مونرولیف**.
توسن بادپا : ناشر سخن، م. **هنری** ــ ترجمهٔ امیر **فرسود**.
تیر سیاه : ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ر . ل . **سیتونس** ــ ترجمهٔ فریده **قره‌چه‌داغی**.
جادوگر شهر زمرد : ناشر اندیشه ، فرانك **باوم** ــ ترجمهٔ ابوالقاسم **حالت**.
جانداران : ناشر ابن‌سینا، برتاموریس **پارکر** ــ ترجمهٔ **عامری**.
جان در جنگل : ناشر بنگاه ترجمه و نشرکتاب، **جان بادن** ، ترجمهٔ فریده **قره‌چه داغی** .
جزیرهٔ اسرارآمیز : گوتنبرگ، ژول **ورن**.
جزیرهٔ گنج : ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ر . ل . ستیونس، ترجمهٔ هاجر **تربیت**
جزیرهٔ مرجان : ناشر بنگاه ترجمه و نشرکتاب، **بلنیتن** ــ ترجمهٔ عباس **یمینی شریف** .
جنگل : ناشر بنگاه ترجمه و نشرکتاب، رود یارد **کپلینگ** ، ترجمهٔ ابوالفضل **میربها** .
جنگلهای جهان: ناشرنیل، ارمسترانگ **سپری**، ترجمهٔ ناصر **جدیدی**.

جوجه اردك زشت : ناشر علی اکبر علمی، **آندرسن** ، ترجمهٔ احمد **سعیدی**.
جهان جانداران : ناشر نیل ، رابرت مك **کلانگ** ، ترجمهٔ جواد **عامری**.
جهان‌حشرات: ناشر نیل، فردیناند **لین** ترجمهٔ مهرداد **نبیلی**.
جهان گلها : ناشرنیل ، فردیناند **لین** ، ترجمهٔ سروش **تاجبخش**.
چهره سوخته کوچولو : فرانسیس جی **الکت** ، ترجمهٔ اسمعیل **والی‌زاده**.
چهره‌های درخشان تاریخ : ناشرحافظ، و . ا . **رویت**، ترجمهٔ خواجه **نوری**.
چهل طوطی سخن‌گو: ناشرگوتنبرگ، پروین **منصور** .
حرارت : ابن‌سینا، برتاموریس **پارکر** ترجمهٔ علیمحمد**عامری**.
حسنی : ناشر سخن ، فریدهٔ **فرجام** .
حیوانات‌گذشته: ابن‌سینا، برتاموریس **پارکر** ، ترجمهٔ **عامری**.
حیواناتی‌که می‌شناسیم : ناشرابن‌سینا، برتاموریس **پارکر**، ترجمهٔ **عامری**.
خاك : ناشر ابن‌سینا، برتاموریس **پارکر**؛ ترجمهٔ علیمحمد**عامری**.
خاکستری : ناشر شرق، **پطروسیان**.
خر آوازه خوان : ناشر امیرکبیر ، برادران **گریم** ، ترجمهٔ **مازیلاتریپ** .
خرگوش مشکل‌گشا : ناشر امیرکبیر، ترجمهٔ محمد رضا **جعفری**.
خلیفه‌ای‌که لك لك شد: ناشرامیرکبیر، ترجمهٔ محمد رضا**جعفری**.
خواندنیها و سرگرمیهای کلاسهای ۴ و۵ و۶(پنج جلد): ناشروزارت‌فرهنگ.
خیاط‌کوچولو: ناشر امیرکبیر، ترجمهٔ یومان **قشقایی**.
داستان جن و پری : ناشر بنگاه‌ترجمه و نشرکتاب ، کارل **چاپك** ، ترجمهٔ رستا **مصاحب** .
داستان دوستان : ناشر پیروز، ترجمهٔ **مساعدی** .
داستان زندگی من : ناشر نیل ، هلن **کلر**، ترجمهٔ باغچه‌بان.
داستان مصور ایالات متحده : ناشر ادارهٔ اطلاعات آمریکا.
داستان نیکان و پاکان : ناشر وزارت فرهنگ .
داستانهای خواندنی برای کودکان (ده‌جلد) : ناشر گوتنبرگ، **پرو**.
داستانهای شاهنامه : بنگاه ترجمه و

نشرکتاب، دکتراحسان **یارشاطر** .

داستانهای شیرین : داریوش **زمانی**.

داستانهای مصورکودکان: ناشرکیهان.

داستانهای ملل : ناشر بنگاه ترجمه و نشرکتاب، ترجمهٔ پریچهر **حکمت**.

داستانهای ملل مشرق زمین : ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بیستروف پیتوس **رورنفلد**، ترجمهٔ روحی **ارباب**.

دانستنیها برای همه : ناشر گلشایی، آ. **گود**.

دانشمند و وسایل‌کارش: ناشرابن‌سینا، برتاموریس **پارکر**، ترجمهٔ **عامری**.

دختر بیگناه : «ناشر معرفت» شارل **پرو** ترجمهٔ شیرین **معرفت** .

دختر لنگ : ناشر نورجهان ، ج .ب. **واگنر**.

دریا دیار عجیب : «ناشرنیل» فردیناند **لین** ، ترجمهٔ شهین**صنعتی**.

دژهوش ربا : ناشر امیرکبیر، صبحی **مهتدی** .

دفتر خاطرات یك خر: ناشر گلشایی ، کنتس **دوسگور**، ترجمه محمود**مصاحب**.

دیوان بلخ : ناشر امیرکبیر، **صبحی مهتدی** .

رابین هود : ناشر بنگاه ترجمه ونشر کتاب، ترجمهٔ مسعود **رجب‌نیا** .

رامین‌کوچولو : اقبال تهران ، پروین رادپور.

روبنسن‌کروزوئه : دانیل **دفو** ، ترجمهٔ اقبال**یغمایی**.

رستم قرن بیست و دوم : صنعتی زادهٔ کرمانی .

روبنسن کروزوئه : نشریات آتشکده، **دفو** ، ترجمهٔ دکتربهرام **فره‌وشی**.

روبنسن سوییس: ناشرمهرآیین، **و بس** ترجمهٔ **همایون** «فره‌وشی» .

روز مادر : باستان ، مشهد ، آزاده مقدم ، نقاشی ازاسماعیل بطحایی.

زیبای‌خفته: ناشر فروغی، **پرو**، ترجمهٔ شیدهٔ**جلالی‌فر**.

سرزمین‌یخبندان: ناشرنیل، ارمسترانگ **سپری** ، ترجمهٔ محمود **مصاحب**.

سرگذشت رز : ناشر بنگاه ترجمه و نشرکتاب، **استال**، ترجمهٔ هما **زاهدی**،

سرگرمیها : ناشر زوار.

سطح متغیر زمین: ابن‌سینا، برتاموریس **پارکر**، ترجمهٔ **عامری** .

سلطان ریش بزی : «ناشر امیرکبیر» برادران **گریم** ، ترجمهٔ مازیلا **قریب**.

سه‌پسر زرنگ : ناشر معرفت،شیرین **معرفت**.

شاهزاده پرنده : ناشر امیرکبیر ، ترجمهٔ محمد رضا **جعفری**.

شاهزادهٔ موطلایی : ناشر امیرکبیر، ترجمهٔ محمد رضا **جعفری**.

شاهزاده وگدا : ناشر امیرکبیر،مارك **تواین** ، ترجمهٔ محمد **قاضی**.

شبیه ماشین هستید : ناشر ابن‌سینا ، برتاموریس **پارکر**، ترجمهٔ **عامری**.

شهر زیر دریا : ناشر فروغی، **هنری بستون**، ترجمهٔ شیدهٔ **جلالی‌فر**.

شکارچی قهرمان: ناشراشراقی،ترجمهٔ رضا **طاهری**.

شیپور : ناشر معرفت،شیرین **معرفت**.

شیطان : ناشر معرفت، شیرین معرفت.

صدبازی دبستانی : ناشر اقبال ، **پاد گرنی**.

صندوق پرنده : ناشر امیرکبیر ، کریستیان **آندرسن** ، ترجمهٔ خسرو **خلیقی** .

صوت : ابن‌سینا ، برتاموریس **پارکر** ترجمهٔ علیمحمد **عامری** .

طبل میان تهی : ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، لئون **تولستوی** ، ترجمهٔ منوچهر **ضرابی**.

عروسك مویی : ناشر علمی ، کنتس **دوسگور**، ترجمهٔ محمد علی‌دانیا.

علاءالدین : حسن معرفت .

عینك شیر : ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، شارل **ویلدراك** ، ترجمهٔ منصور **شریف‌زندیه** .

فرانسوا گوژپشت : ناشر بنگاه ترجمه ونشرکتاب،کنتس دوسگور، ترجمهٔایرج **پورباقر**

فلیسی : ناشر ابن‌سینا، کنتس**دوسگور** ترجمهٔ رشید **یاسمی** .

فندق‌شکن : ناشر امیرکبیر، ترجمهٔ محمد رضا **جعفری**.

فندق‌شکن : ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، هوفمان، ترجمهٔ **حیدری** .

فندك جادو : ناشر امیرکبیر، ه . ك **آندرسن**، ترجمهٔ محمدرضا **جعفری**.

قصرو اژدها : ناشر پیروز ، خجسته **کیا**.

قصه‌های آذربایجانی : ابوالفضل ــ آزموده .

قصه‌های آندرسن : ناشرگلشایی ، هانس‌کریستان **آندرسن**.

قصه‌های پای کرسی : ، ناشر پیروز، خجسته **کیا**

قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب : «جلد اول تاششم » ناشر امیرکبیر،آذر **یزدی** .

قصه‌های سهیلا : ناشر ابن‌سینا،**نراقی**.

قصه‌های طلایی : ترجمهٔ **روحی‌ارباب**.

قصه‌های کودکان : ناشر اقبال، ترجمهٔ فرح **بهروز** .

قصه‌های‌کهن روسی : ناشرگوتنبرگ ، ترجمه **دانیال وناهید**.

قوهٔ‌جاذبه: ناشر ابن‌سینا، برتاموریس **پارکر**، ترجمهٔ علیمحمد **عامری**.

قهرمانان کوچك : ناشر بنگاه ترجمه ونشرکتاب، ترجمهٔ دکتر مهدی آهی.

کارافزارها: ناشر ابن‌سینا،برتاموریس **پارکر** ، ترجمهٔ **عامری**.

کتاب پرنده یا بازیهای علمی : ناشر گلشایی ، ا. **گرد**.

کتاب شادمانی: ناشر نورجهان، الینور **پورتر**، ترجمهٔ عباس**آرین‌پور**.

کشتی اسرارآمیز: ناشرفروغی،ادوارد **پیل** ، ترجمهٔ شیده **جلالی‌فر**.

کفش بلورین: ناشر امیرکبیر ، ترجمهٔ محمدرضا **جعفری** .

کفشهای بالت : ناشر بنگاه ترجمه و نشرکتاب، نوئل‌متریت**فیلد**، ترجمهٔ‌منصور **عظیما**.

کلاغ لجباز : (نیل،تهران) ، نقاشی از جعفرتجارتچی.

کوتوله بینی دراز: ناشر شرق ، ترجمهٔ مهدی**نیکزاد** .

کوچولو وکارسون :آسترید **لیندگرن**، ترجمهٔ **عبیش‌زاده** .

گربهٔ چکمه پوش : ناشر بنگاه‌ترجمه ونشرکتاب، ترجمهٔزینت ومجید**کشاورز**.

گل ارغوانی : ناشر بنگاه ترجمه و نشرکتاب، ترجمهٔ **روحی ارباب** .

۱۳۴۸

گل قرنفل: ناشر معرفت، شیرین **معرفت**.
گل و میوه و تخم: ناشر ابن‌سینا، موریس **پارکر**، ترجمهٔ **عامری**.
گلهای حافظ: ناشر انجمن دوستداران کتاب، هازی گی، ترجمهٔ محسن **صبا**.
گلی: ناشر معرفت، شیرین **معرفت**.
گیاهان عجیب: ناشر کیهان، ماری **نورا**، ترجمهٔ جعفر **بدیعی**.
ماجرای پینتو: ناشر صفی‌علیشاه، ویلفرید **برنسون**، ترجمهٔ فرح **خواجه‌نوری**.
ماریاشا پدوان: ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، لویی **همفون**، ترجمهٔ ابوطالب صارمی.
ماکسیم کوچولو: ناشر گوهر خای، ستانیو **کویچ**، ترجمهٔ **باقرزاده**.
مامان کوچولو: ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، کولت **ناست**، ترجمهٔ نگار **روحانی**.
ماهپاره، ناشر معرفت، شیرین **معرفت**.
ماه مصنوعی: ابن‌سینا، موریس **پارکر** ترجمهٔ **عامری**.
ماهیگیران جوان و شاهزاده خانم: یوشیکوا **وچیدا**، ترجمهٔ اسماعیل **والی‌زاده**
مایا دختر گریزان کندو: نیل، والدمار **بونسلس**، ترجمهٔ د. **منشی زاده**.
مرال جنگل: علینقی **وزیری**.
مرغان: ناشر ابن‌سینا، برتاموریس **پارکر**، ترجمهٔ علیمحمد **عامری**.
مسافرت شاباجی خانم و خان عمو به کرهٔ مریخ، خرگوش عجیب طلایی بچه‌فیل پرنده (آرمان، تهران)، جعفر تجارتچی.
مسافرتهای گالیور: ناشر گوتنبرگ **سویفت**، ترجمهٔ قازار **سیمونیان**.
ملانصرالدین: ناشر گوتنبرگ.
ملکهٔ سرزمین فانوس: ناشر فروغی، هنری‌بستون، ترجمهٔ شیدهٔ **جلالی‌فر**.
موش و گربه: ناشر دوستداران کتاب، عبید **زاکانی**.
موهای طلایی: ناشر معرفت، شیرین **معرفت**.
مهمانخانهٔ انژگاردین: کنتس **دوسگور**، ترجمهٔ شیرین **بیانی**.
میمون گلی کوچولو: ناشر اندیشه، کارلو **کولودی**، ترجمهٔ محمود **کیانوش**.
نخستین روزهای جهان: ناشر سخن، **وایلر**، ترجمهٔ احمد **بطحایی**.
نخستین مردم جهان: ناشر سخن، ج. وایلر، ترجمهٔ احمد **بطحائی**.
نزدیکترین همسایه به زمین: ناشر ابن‌سینا، ترجمهٔ علیمحمد **عامری**.
نمایشنامه‌های مدارس: ناشر اقبال، جنتی **عطایی**.
نوازندهٔ نابینا: ناشر اندیشه، **کارالنکو** ترجمهٔ جهانگیر **افکاری**.
نور: ناشر ابن‌سینا، برتاموریس **پارکر** ترجمهٔ علیمحمد **عامری**.
ویگی سگ راهنما: **مارگریت** دهلن **جانسون**.
هایدی: ناشر نورجهان، ژوهنا **سپری**، ترجمهٔ مهرداد **نیکپور**.
هزار و یکشب (دوجلد): ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، دکتر شمس‌الملوك **مصاحب**.
هفت نمایشنامهٔ کوچك: ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج. گ. م. **اندیکوت**، ترجمهٔ محمد هادی **حق‌اندیش**.
همایون: ناشر معرفت، شیرین **معرفت**.
همراه آفتاب: ناشر نیل، هارولد **کورلندر**، ترجمهٔ دکتر سیمین **دانشور**.

متون نثر قدیم

آثار الوزراء: دانشگاه تهران، به تصحیح و تعلیق جلال‌الدین حسینی ارموی «محدث»، سیف‌الدین حاجی بن نظام **عقیلی**.
اخلاق محتشمی و سه رسالهٔ دیگر: دانشکدهٔ علوم معقول و منقول با دیباچه و تصحیح محمدتقی دانش پژوه، ابوجعفر محمدبن محمد **نصیرالدین طوسی**.
اخلاق ناصری: کتابی است در حکمت عملی و اصول اخلاق، تألیف دانشمند بزرگ خواجه نصیرالدین طوسی، تاریخ تألیف این کتاب در حدود سال ۶۳۳ ه ق است.
اسکندرنامه: داستانی است که در بارهٔ اسکندر ساخته‌شده وشاید در اواخرقرن پنجم هجری نوشته‌شده باشد، مؤلف این کتاب معلوم نیست.
الابنیه عن حقائق الادویه: کتابی است در داروشناسی به فارسی بسیار روان و ساده تألیف ابومنصور موفق هروی که ظاهراً درقرن پنجم می‌زیسته است.
الادب الوجیز للولد الصغیر: دانشکدهٔ ادبیات اصفهان به تصحیح و اهتمام غلامحسین آهی، عبدالله ابن‌مقفع (روزبه)، ترجمهٔ خواجه نصیرالدین **طوسی**.
الرسالة السنجریه فی الکائنات العنصریه: فرهنگ ایران زمین، به تصحیح محمدتقی دانش **پژوه**، عمر بن سهلان **ساوجی**.
السعادة و الاسعاد فی السیرة الانسانیه: دانشگاه تهران، به کتابت و مباشرت مجتبی مینوی، ابوالحسن محمدبن ابی‌ذر **عامری**.
الفنون فی عرایس العیون: **اسلامیه**، شمس الدین محمدبن محمود **آملی**.
الکشکول: شیخ محمدبن حسین **عاملی**.
الکلم والحکم: به اهتمام فخرالدین نصیری امینی **صدرالافاضل**.
المعجم فی معاییر الاشعار العجم: دانشگاه تهران با مقابله مجد و محمدتقی مدرس رضوی، تصحیح محمد قزوینی، شمس‌الدین محمدبن قیس **رازی**.
اوصاف الاشراف: به‌اهتمام سید نصرالله تقوی، محمدبن محمد **نصرالدین طوسی**.
تاریخ برامکه: کتابی در شرح سجایای برمکیان که بیشتر حکایات آن مربوط به سه تن از مهمترین افراد این‌خانواده یعنی یحیی و دو پسرش فضل و جعفر می‌باشد.
بهارستان: از آثار منثور جامی شاعر بزرگ قرن نهم است که به تقلید گلستان تنظیم شده است.
بیان الصناعات: به‌کوشش ایرج **افشار**، ابوالفضل حبیش بن ابراهیم **تفلیسی**.
بیدپا، کلیله و دمنه، علمیه اسلامیه، ترجمهٔ نصرالله **منشی**.
پانزده باب جوامع الحکایات: کلاله‌خاور، سدیدالدین محمدبن محمد **عوفی**.
پریشان: محمدی به تصحیح اسماعیل اشرف، حبیب **قاآنی شیرازی**.
تاریخ اجتماعی دورهٔ مغول: به‌اهتمام امیرحسین جهانبگلو فضل‌الله بن عمادالدوله، **رشیدالدین فضل‌الله همدانی**.
تاریخ اعثم کوفی: ادبیه، احمدبن محمد **اعثم کوفی**، ترجمهٔ احمدبن‌محمد **هروی**.
تاریخ جهانگشا: کلاله خاور، به‌همت محمد رمضانی، عطاملك بن بهاءالدین **جوینی**.
تاریخ یمینی: به تصحیح و تحشیه علی

قویم، ابو نصر محمد عبدالجبار **عتبی**، ترجمهٔ ابو لشرف ناصح **جرفادقانی**.

تحفه « در اخلاق وسیاست » : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، به کوشش محمدتقی **دانش پژوه**.

تحفهٔ حکیم مؤمن: دار الکتب الاسلامیه، با مقدمهٔ محمود نجم آبادی، محمد **مؤمن حسینی** .

تذکرة الاولیاء : مرکزی، بامقدمهٔ محمد قزوینی ، فریدالدین ابو حامد محمد بن **ابوبکر عطار نیشابوری**.

تذکرة الملوك (شرح اوضاع اداری و مالی دورهٔ صفوی) به کوشش محمد دبیر **سیاقی**.

ترجمهٔ تاریخی بلعمی ، خیام ، ابوعلی محمد بن ابو الفضل **بلعمی** .

ترجمهٔ تفسیر طبری : چاپ دانشگاه ، ترجمهٔ تفسیر بزرگی از قرآن مجید است که اصل آن را محمد بن جریر طبری به زبان عربی تألیف کرده بود ودر اواسط قرن چهارم هجری به فرمان منصور بن سامانی گروهی ازدانشمندان ماوراءالنهر آن را به فارسی ترجمه کردند. به اهتمام حبیب یغمایی .

ترفیعات کسری انوشیران: (ترجمهٔ فارسی از متن عربی) بامقدمهٔ مجتبی مینوی، به اهتمام حسین نخجوانی، محمد جلال الدین **طباطبایی زواره‌ای**.

تفسیر تربت جام : تفسیر قرآن مجید خلاصه و اقتباسی است از بزرگ ابوبکر عتیق سورآبادی که در قرن ششم هجری نوشته شده ویك نسخهٔ آن در شهر تربت شیخ جام باقی مانده که اکنون در موزهٔ تهران است .

جامع التواریخ : اقبال، به کوشش بهمن کریمی، فضل‌الله بن عمادالدوله **رشیدالدین فضل‌الله همدانی** .

جامع التواریخ : تاریخ فرقه اسمعلیان ـ الموت) طهوری، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، فضل‌الله بن عمادالدوله **رشیدالدین ـ فضل‌الله همدانی** .

جوامع الحکایات عوفی : تألیف محمد عوفی یکی از کتابهای معتبر زبان فارسی است. این کتاب درحدود سال ۶۳۰ ه ق تألیف شده و مشتمل است برحکایتهای ادبی و اشعار و امثله در چهار جلد .

جبر و اختیار : ابوجعفر محمد بن **نصیر ـ الدین طوسی** .

جوامع الحکایات و لوامع الروایات : دانشگاه تهران ، به تصحیح محمد معین، سدیدالدین محمد بن محمد **عوفی** .

جواهر العقول یا پند اهل دانش وهوش: نوبهار ، **مجلسی** .

چهارده رساله : دانشگاه تهران، ترجمه و تصحیح ومقدمه و تراجم احوال نگارش محمد باقر سبزواری، ابوعبدالله فخرالدین محمد بن عمر **رازی** .

چهار مقاله : طبق نسخهٔ تصحیح محمد قزوینی با تصحیح مجدد و اهتمام محمد معین ابوالحسن نظام الدین احمد بن عمر **نظامی عروضی سمرقندی** .

چهار مقاله : با تصحیحات و تعلیقات جدید محمد معین از روی چاپ محمد قزوینی، ابوالحسن نظام الدین احمد بن عمر **نظامی عروضی سمرقندی** .

چهار مقالهٔ عروضی : دانشگاه تهران، به تصحیح محمد معین، ابوالحسن نظام الدین احمد بن عمر **نظامی عروضی سمرقندی**.

حدود العالم من المشرق الی المغرب : دانشگاه تهران، به کوشش منوچهر ستوده.

خارستان : خواجو ، کرمان ، به اهتمام منوچهر نیستانی، **قاسمی کرمانی** .

خوان الاخوان: بارانی، بامقدمه وحواشی و تراجم واعلام به خامهٔ علی قویم، ابومعین ناصر بن حارث **ناصرخسرو قبادیانی مروزی** .

داراب نامه : بنگاه ترجمه و نشر کتاب به اهتمام ذبیح‌الله صفا، کتابی است شامل یکی از افسانه‌های ایرانی که افسانه ـ سرایان ازروزگار کهن برای عامهٔ مردم نقل می کردند . یکی از سرگرمیها و تفریحهای مردم این سرزمین در اوقات فراغت گوش دادن به این افسانه‌ها بود این داستان چند بار نوشته شده است ویك نسخه از آن در حدود قرن نهم هجری به قلم داستان نویسی بـه نام محمد بیغمی نوشته شده است .

داستان نل ودمن: به اهتمام علی قویم، ترجمه اززبان سانسکریت ابوالفضل **فیضی دکنی**.

دیوان قوامی رازی: به تصحیح و اهتمام امیر جلال الدین ارموی (محدث)، بدرالدین **قوامی رازی** .

رسائل جناب شاه نعمت‌الله ولی کرمانی: خانقاه نعمة‌اللهی، به کوشش جواد نوربخش کرمانی، نورالدین نعمة‌الله ابن میر عبدالله **نعمة‌الله کرمانی** .

رسائل خیام: (نوروزنامه، رسالهٔ وجود)، به اهتمام مهرداداوستا، ابوالفتح عمر بن ابراهیم **خیام نیشابوری** .

رسالة فی الهدایة والضلالة، به اهتمام حسین محفوظ، اسماعیل بن عباد **صاحب بن عباد** .

رسالهٔ آثار علوی : فرهنگ ایران‌زمین، در جزء دو رساله در بارهٔ آثار علوی، به اهتمام محمد تقی دانش‌پژوه، شرف الدین محمد **مسعودی مروزی**.

رسالهٔ حق نما : مجمع البحرین ، انهکت مندك، به سعی و اهتمام محمدرضا جلالی نایینی بامقدمه تاراچند، محمد **داراشکوه**.

رسالهٔ لوایح : تصحیح و ترجمهٔ رحیم فرمنش، ابوالمعالی عبدالله بن محمد **یمین ـ القضاة همدانی** .

روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات، دانشگاه تهران ، با تصحیح وحواشی و تعلیقات محمدکاظم امام معین الدین محمد زمجی **اسفزاری** .

روضة الشهداء: اسلامیه، به تصحیح و مقابله محمد رمضانی کمال الدین حسین **کاشفی**.

روضة المنجمین : کتابی در فن نجوم تألیف شهمردان پسر ابوالخیر رازی که از دانشمندان ریاضی وطبیعی قرن پنجم هجری ومعاصر حکیم عمر خیام بود .

زادالمسافرین : با تصحیح و مقدمه و حواشی و تعلیقات و تراجم اعلام به خامهٔ علی قویم، ابومعین ناصر بن حارث **ناصر خسرو قبادیانی مروزی** .

زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر: معه مقدمه و تعلیقات المیرسید احمد الروضاتی بهاءالدین محمد بن محمد باقر **المختاری النایینی** .

سفرنامه : به کوشش محمد دبیر سیاقی، شرح سفر هفت سالهٔ ناصرخسرو شاعر و حکیم بزرگ ایرانی است ، وی در این کتاب شهرهایی راکه در سفر خود دیده است به دقت وصف می کند و از بناهای بزرگ اوضاع جغرافیایی، آداب ورسوم و چگونگی زندگی مردم آن شهرها سخن می گوید .

سمك عیار : کتاب سمك عیار نمونه‌های داستان پردازی در ادبیات فارسی است که مؤلف آن فرامرز بن خداداد کاتب

ارجانی است تاریخ تألیف آن به‌درستی معلوم نیست و شاید در اواخر قرن ۷ یا اوایل قرن ۸ باشد که با تصحیح و مقدمهٔ دکتر پرویز ناتل خانلری استاد دانشگاه تهران چاپ شده است .

سندباد نامه : (نثر مصنوع قرن ششم) کلاله خاور، بامقدمه وتصحیح علی قویم، محمدبن علی **ظهیری سمرقندی** .

سیاست‌نامه: یکی از کتابهای ادبی مهم زبان فارسی در دورهٔ سلجوقی است، مؤلف آن خواجه نظام‌الملك، وزیر مشهور سلجوقیان است.

سی‌وشش صحیفه: انجمن‌اسمعیلی، به تصحیح هوشنگ اجاقی ، با مقدمهٔ انگلیسی ولادیمیر ایوانف،سهراب ولی **بدخشانی**.

شانزاده رسالهٔ شاه داعی شیرازی : علی اکبرعلمی، به‌کوشش محمد دبیر سیاقی،شاه داعی**شیرازی**.

شرح قصیدهٔ فارسی‌خواجه‌ابوالهیثم‌احمد ابن‌حسن جرجانی: انستیتو ایران و فرانسه به‌تصحیح هنری کربن (و) محمد معین،محمد بن‌سرخ **نیشابوری**.

شش‌رساله، مصطفوی : به‌اهتمام جلال‌ـ الدین حسینی ارموی (محدث)، (شامل: ۱ـ معالجة‌النفس ۲ـ مباحثة‌النفس ۳ـ ترجمهٔ تنبیه‌الراقدین ۴ـ رساله‌درزکوة ۵ـ رساله‌درصلوة ۶ـ تحفهٔ عباسی)، محمد ظاهر قمی .

عبهرالعاشقین : انستیتوی ایران و فرانسه، به‌تصحیح‌ومقدمهٔ فارسی‌وفرانسوی هنری **کربین** و محمد معین، روز بهان **شیرازی**.

عجایب‌المخلوقات‌وغرائب‌الموجودات: مرکزی، به‌تصحیح نصرالله‌سبوحی،زکریای **قزوینی**.

عرض‌سپاه‌اوزن: به‌کوشش‌ایرج افشار، جلال‌الدین محمد بن اسعد**دوانی**.

عرفان‌الحق:محمدی دانش،حسن بن محمدتقی **صفیعلیشاه**.

فرج‌بعدالشدة:کتابی است شامل حکایات مختلف که از عربی به فارسی ترجمه شده است، تألیف، تنوخی، ترجمهٔ حسین ابن‌سعد مؤیدی.

فردوس المرشدیه فی اسرارالصمدیه: طهوری، به‌کوشش‌ایرج افشار،محمودبن عثمان .

فصل‌دربیان‌شناخت‌امام:رسالهٔ‌اسماعیلیه در حدود دین، با مقابله و تصحیح و مقدمهٔ انگلیسی ولادیمیر ایوانف، خیر خواه پسر خواجه حسین **هراتی**.

فی‌شرح‌الیاقوت:دانشگاه‌تهران، به‌تصحیح و مقدمهٔ محمدنجمی زنجانی، احمدبن محمد**حلی**.

فیه مافیه: شرکت سهامی ناشرین کتاب‌ـ های ایران (جلد ۱ و ۲)، (پاورقی و تصحیح زیر نظردارالتصحیح والترجمهٔ تهران)، جلال‌الدین‌محمد **مولوی**.

قابوس‌نامه:کتابی‌است‌تألیف عنصرالمعالی کیکاوس‌بن‌قابوس بن‌وشمگیر از امیران آل زیار که آن را در سال ۴۷۵ هـ ق در نصیحت به فرزند خود گیلانشاه نوشته است

قراضهٔ‌طبیعیات : انجمن آثار ملی ، با مقدمه و حواشی و تصحیح غلامحسین صدیقی، ابوعلی‌حسین بن‌عبدالله **ابن‌سینا**.

قصص‌الانبیاء : بنگاه‌ترجمه ونشر کتاب به‌تصحیح‌حبیب یغمایی،ابواسحق‌ابراهیم‌بن منصور بن خلف **نیشابوری**.

قندیه: دربیان مزارات سمرقند،طهوری، به‌کوشش‌ایرج **افشار**.

کتاب سلم‌السموات:به‌اهتمام یحیی‌قریب، ابوالقاسم انصاری **کازرونی**.

کتاب نصیحت‌نامه معروف‌به‌قابوس‌نامه: ابن سینا به تصحیح امین عبدالحمید بدوی،قابوس‌بن وشمگیر **عنصرالمعالی**

کشف‌الاسراروعدة‌الابرار : (معروف به تفسیر خواجه‌عبدالله انصاری)، دانشگاه تهران، به‌سعی واهتمام علی‌اصغرحکمت، ابوالفضل رشیدالدین **المیبدی**.

کشف‌المحجوب:(از روی متن تصحیح شدهٔ والنتین‌ژوکوفسکی)، ترجمه ومقدمه فارسی محمدعباسی ، ابوالحسن علی‌بن عثمان **هجویری غزنوی**.

کلید نقض و تعلیقات‌آن : جلال‌الدین محدث(ارموی).

کلیله ودمنه: کتابی است هندی که در زمان انوشیروان به وسیلهٔ برزویهٔ‌طبیب به ایران آورد شده و به زبان پهلوی ترجمه گردید، سپس به وسیلهٔ عبدالله ابن مقفع از پهلوی به عربی ترجمه شد در اوایل قرن ششم هـ ق ابوالمعالی نصرالله منشی از روی ترجمهٔ عربی به فارسی ترجمه کرد و اشعار عربی و فارسی بدان افزود.

کلیله و دمنه کاشفی: (انوار سهیلی)، امیر کبیر،کمال‌الدین حسین **کاشفی**.

کیمیای سعادت: چاپ کتابخانهٔ‌مرکزی، تألیف حجة‌اسلام امام محمد غزالی‌طوسی که آن را پس از سفر ۱۰ سالهٔ خوددر میان سالهای ۴۹۰ تا ۵۰۰ هـ ق به زبان فارسی نگاشته است، با مقدمهٔ احمد آرام.

گشایش و رهایش : انجمن اسماعیلی، به‌کوشش سعید نفیسی، ابومعین ناصر ابن‌حارث **ناصرخسروقبادیانی‌مروزی**.

گلستان: تصحیح فروغی واهتمام سعید نفیسی، ازمعروفترین کتابهای نثر فارسی‌است‌که سعدی‌شاعر وادیب بزرگ قرن هفتم آنرا در سال ۶۵۶ هـ ق تألیف کرده است گلستان‌کتابی تربیتی و اخلاقی است شامل یك مقدمه و هشت باب است.

لطائف‌الطوائف : اقبال، به‌سعی واهتمام احمدگلچین معانی(به‌زبان عربی‌است)، فخرالدین‌علی **صفی**.

لوامع‌جامی: (شرح قصیدهٔ خمریهٔ ابن فارض)، بنیاد مهر، تصیحح حکمت آل آقا، نورالدین‌عبدالرحمن**جامی**.

مجموعه‌ورسایل‌مشهوربه‌کتاب (الانسان الکامل): انستیتو ایران و فرانسه، به اهتمام‌ماریژان**موله**،عزیزبن**نسفی**.

محبوب‌القلوب(شمس وقهقهه)، بارانی، برخورداد بن محمود ترکمان **فراهی** (متخلص‌به ممتاز) .

مرزبان‌نامه: بارانی، به تصحیح وتحشیه محمد قزوینی،**مرزبان‌بن‌رستم**.

مرصاد العباد من المبداء الی المعاد : اسلامیه، نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن محمد **رازی**.

مسالك و ممالك: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ترجمهٔ فارسی‌به‌اهتمام‌ایرج افشار، ابواسحق ابراهیم بن محمد **اصطخری**.

مصنفات: (شامل:زبدة‌الحقایق، تمهیدات شکوی‌الغریب)، دانشگاه تهران، با مقدمه و تحشیه و تعلیق عفیف عسیران، ابوالمعالی عبدالله‌بن محمد **عین‌القضاة همدانی**.

معارف‌بهاءولد:وزارت‌فرهنگ، به‌تصحیح و اهتمام بدیع‌الزمان فروزانفر، بهاءـ الدین محمدبن‌حسین**بهاء ولد**.

معتقدالامامیة: (گزیدهٔفارسیغنیةالنزوع الی علمی الاصول والفروع) بهاهتمام محمد تقی دانش پژوه.
مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز: محمودی، با مقدمهٔ کیوان سمیعی، محمد **لاهیجی.**
مقامات‌حمیدی: دانشکدهٔادبیات‌اصفهان، با سعی و اهتمام سید علی‌اکبرابرقویی، حمیدالدین عمربن محمود **بلخی.**
مقامات‌ژنده‌پیل (احمدجام) بنگاه‌ترجمه و نشر کتاب به تصحیح حشمت مؤید، سدیدالدین محمد **غزنوی.**
مقدمهٔ تحفةالخواطر و زبدةالنواظر (تحفةالعراقین): به‌اهتمام‌حسین‌آموزگار، افضل‌الدین ابوبدیل بن علی **خاقانی شیروانی.**
مقدمهٔ قدیم اخلاق ناصری: دانشگاه تهران، به‌اهتمام جلال‌الدین، همایی‌محمد بن‌محمد **نصیرالدین‌طوسی.**
مقدمه نقض و تعلیقات‌آن: جلال‌الدین محدث(ارموی).
مکارم‌اخلاق: ازرضی‌الدین نیشابوری و گشایش‌نامه منسوب به‌نصیرالدین‌طوسی، دانشگاه تهران، رضی‌الدین ابوجعفر محمد**نیشابوری.**
مکتوبات: پاینده، با مقدمه وحواشی و تعلیقات به‌کوشش‌یوسف جمشیدی پور و غلامحسین‌امین، جلال‌الدین‌محمد**مولوی.**
مناجات‌نامه: خواجه عبدالله انصاری، انجمن‌دوستداران کتاب، ابواسماعیل عبدالله بن محمد**انصاری.**
منشآت قائم مقام: علمیهٔ اسلامیه، گرد، آوری معتمدالدوله حاج فرهاد میرزا، **قائم مقام فراهانی.**
مهمان نامهٔ‌بخارا: (یاتاریخ پادشاهی محمد شیبانی)، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، فضل‌الله‌بن‌روزبهان **خنجی.**
نامه‌های رشیدالدین‌وطواط: دانشگاه تهران، با مقدمهٔ قاسم تویسرکانی رشید- الدین **وطواط.**
نزهةالقلوب: طهوری، بامقابله وتعلیقات به‌کوشش محمد دبیرسیاقی، ابی‌بکربن احمدبن نصر **حمدالله مستوفی.**
نسائم‌الاسحارمن‌لطائم‌الاخبار: دانشگاه تهران، به‌تصحیح ومقدمه و تعلیق‌جلال- الدین حسینی ارموی «محدث» ناصر- الدین**منشی کرمانی.**
نصیحةالملوک: کتابی فارسی ازآثار امام محمد غزالی دانشمند بزرگ قرن پنجم هجری.
نفایس‌الفنون: تألیف علامه شمس‌الدین محمد آملی ازعالمان قرن‌هشتم‌هقاست.
نفحات الانس جامی: باهتمام مهدی توحیدی‌پور، نورالدین‌عبدالرحمن‌**جامی.**
نگارستان عجائب و غرائب: ادبیه، با مقدمهٔ محمد محیط طباطبایی، **پیشاوری.**
هدیةالملوك: نام کتابی در اخلاق و حکمت عملی و در قرن ششم تألیف‌شده و نام مؤلف‌آن معلوم نیست.
هزارویکشب: ابن‌سینا، ترجمهٔ‌عبداللطیف طسوجی تبریزی.
هفتاد و سه ملت یا اعتقادات مذاهب: عطایی، به تصحیح محمدجواد مشکور.
هفت اقلیم: علمی، تصحیح وتعلیق‌جواد فاضل، امین‌احمد **رازی.**
هفت باب ابواسحاق، انجمن تحقیقات اسماعیلیه، ابواسحاق **قهستانی** متن فارسی باترجمهٔ انگلیسی به‌کوشش‌ولادیمیر **ایوانف.**

داستانهای ترجمه شده به فارسی

آبی: آناتول **فرانس** (نام‌مستعار)، ترجمهٔ د. **نوابی.**
آتش: ر. **استوارت**، ترجمهٔ شاهپور**زند.**
آتش درخشان: جان **اشتاین‌بك**، ترجمهٔ **سکوت.**
آتشباره افسونگر: امیرکبیر، پیتر- چینی، ترجمهٔ اورنقی‌کرمانی.
آتیلا یا بلای آسمانی: گوتنبرگ، لوین **دول**، ترجمهٔ اردشیر **نیکپور.**
آخرین برگ: امیرکبیر، (مجموعه داستان) ترجمهٔ هوشنگ مستوفی.
آخرین روز یك محکوم: گوتنبرگ، ویکتور**هوگو**، ترجمهٔ **کاویان.**
آخرین گانگستر: گلچین، دیوید **لاین** ترجمهٔ ذبیح‌الله **منصوری.**
آدلف: کنستانتین **بنیامین**، ترجمهٔ نصرت- الله **معینیان.**
آرزوهای بزرگ: نیل، چارلز دیکنز، ترجمهٔ ابراهیم یونسی**بانه‌ای.**
آرزوی بر باد رفته: امیرکبیر، اونوره دو**بالزاك**، ترجمهٔ سعید **نفیسی.**
آرسن‌لوپن در نقش کارآگاه: ابن‌سینا، موریس **لبلان** ترجمهٔ خ. **وکیلی.**
آرسن‌لوپن و خانهٔ مرموز: ابن‌سینا، موریس **لبلان**، ترجمهٔ **وکیلی.**
آرسن‌لوپن و دختر ژوزف بالسامو: افلاطون، موریس**لبلان**، ترجمهٔ س. **افسانه**
آرگاردین، امیرکبیر اورسن **ولز**، ترجمهٔ ف **فرهاد.**
آزاده: مروج، پیر **لوتی**، ترجمهٔ حشمت **شریعتمداری.**
آزادگان: صفی‌علیشاه، فئودور **داستایوسکی**، ترجمهٔ مشفق **همدانی.**
آدمك‌حصیری: ابن‌سینا، آناتول**فرانس** (نام مستعار)، ترجمهٔ**ناطق.**
آسواگش: کانون‌معرفت، آلن **بوزاند**، ترجمهٔ **نروس.**
آسیابان عشوه‌گر: آرمان، پدرو دو **آلارکن** ترجمهٔ **«دالك».**
آشتی ناپذیر: آرمان، جك **لندن**، ترجمهٔ فرامرز **برزگر.**
آفتاب جنوبی: ارسکین**کالدول**، ترجمهٔ فرخ **آگاه.**
آقایان قضات! قاتل حقیقی را پیدا کنید: گلچین، رالف**کولدمان**، ترجمهٔ ذبیح‌الله **منصوری.**
آقای براون: صفیعلیشاه، آگاتا کریستی، ترجمهٔ احمد**آجودانی.**
آموری: طبع کتاب، الکساندر **دوما**، ترجمهٔ ا. **مستشار.**
آناکارنین: امیرکبیر، لئون **تولستوی**، ترجمهٔ **مشفق همدانی.**
آنتونی‌یای من: امیرکبیر، ویلا**کاذر**، ترجمهٔ پرویز**داریوش.**
آنتیگون: نیل، ژان**آنوی** ترجمهٔ‌داریوش **سیاسی.**
آوارهٔ مصری: **میکاوالتاری**، ترجمهٔ **لاهیجی.**
آوای وحش: صفی‌علیشاه، جك **لندن**، ترجمهٔ پرویز**داریوش.**
ابله: صفی‌علیشاه، فئودورداستایوسکی، ترجمهٔ مشفق**همدانی.**
اتللو: مجلهٔ ماه نو، امیل **لودویگ**، ترجمهٔ محسن**فارسی.**
اتمسك: کانون معرفت، کارل**میکل‌اسمیت.**
احترام به‌قانون یاشاهزاده‌هامبورگ: ابن‌سینا، هاینریش**کلایست**، ترجمهٔ محسن خواجه نوری با مقدمه مهدیقلی خان هدایت (مخبرالسلطنه).
ادیسه: بنگاه‌ترجمه ونشر کتاب، **هومر** ترجمهٔ سعید **نفیسی.**

۱۳۵۲

ارادتمندشما اجانی‌دالر: گلشایی، عنایت‌الله **زنده دل** (مترجم).

ارمغان دریا: سخن، باهمکاری فرانکلین، آن مارو **لیندبرگ**، ترجمهٔ حبیبهٔ **فیوضات.**

از اینجاتا ابدیت: ابن‌سینا، جیمز **جونز**، ترجمهٔ غ. **تاجبخش.**

از پا نیفتاده ودوداستان‌دیگر: مروارید، ارنست همینگوی، ترجمهٔ سیروس **طاهباز.**

از خود گذشتگی زنان: سپهر، جک **لندن**، ترجمهٔ محمدجعفر **محجوب.**

اسارت بشر: علی اکبر علمی، سامرست **موآم**، ترجمهٔ یوسف **جمشیدی‌پور.**

اسب سرخ: سازمان کتابهای جیبی، جان **اشتاین بك**: ترجمهٔ سیروس **طاهباز.**

اسپارتاکوس: امیرکبیر، هوارد **فاست**، ترجمهٔ ابراهیم **یونسی‌بانه‌ای.**

اسپارتاکوس: کانون‌معرفت، آرتور **کوستلر**، ترجمهٔ ح. **رواسانی.**

استاد آرسن لوپن: سعادت، ام. اف. **جفرسون**، ترجمه و اقتباس س. م. س.

استفراغ: قائم‌مقام، ژان پل **سارتر**، ترجمهٔ احمد **بهروز.**

اسرار چین یا پنجهٔ خون آلود: ام. اف. **جفرسون** ترجمهٔ س. م. س.

اسرارقصرسیاه: مروج، گزاویه **دومونتپن** ترجمهٔ ابوتراب **شایگان.**

اسرار گورستان زلفورد یا درب هفت قفله: جامی، ادگار **والاس**، ترجمهٔ ع. **شعاع.**

اسرار لندن: سعادت س. م. س مترجم.

اسرار نیویورك یا دست خفه کننده: امیرکبیر پی، یر **کورسل** ترجمهٔ م. **جهانگیر.**

اسکاراموش: مجلهٔ ماه‌نو، رافائل **ساباتینی** ترجمهٔ محمد علی **شیرازی.**

اسکلت سبز: افشاری، ادوارد **بروکرد** ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور.**

اسماء یا دوشیزه قریش: جرجی **زیدان**، ترجمهٔ تقوی **پاکباز.**

اشتیاق: (مجموعه داستان) امیرکبیر، ترجمه هوشنگ مستوفی.

اشتن یا جاسوس انتلیجنس سرویس: گوتنبرگ، سامرست **موآم**، ترجمهٔ اردشیر **نیکپور.**

اطاق شمارهٔ ۶ و چند داستان دیگر: سازمان کتابهای‌جیبی، آنتوان **چخوف**، ترجمهٔ کاظم **اعتمادی.**

اعتراف: (مجموعهٔ چهارداستان)، آرمان، جك **لندن**، ترجمهٔ **الك.**

اعترافات: کانون معرفت، ژان‌ژاك **روسو**، ترجمهٔ رضا **مشایخی** «فرهاد».

اعتراف نیمه‌شب: نیل، ژرژ **دوهامل** ترجمهٔ ناصر **مجد.**

افسانه‌های آسیایی: ابن‌سینا، کنت دو **گوبینو**، ترجمهٔ م. **عباسی.**

افسانه‌های ایتالیا: ابن سینا، ماکسیم **گورکی**، ترجمهٔ بهروز **دهقانی.**

افسانه‌های راز وخیال: ابن‌سینا، ادگار آلن **پو**، ترجمهٔ شجاع‌الدین **شفا.**

افسانه‌های یونان‌وروم: دانش، ه. گریس **کوپفر**، ترجمهٔ نورالله **ایرانپرست.**

افعی‌درمشت: دانش، هروه **بازن**، ترجمهٔ فرامرز **برزگر.**

افسونگران دریا: آبشار، آلفرد **ماشار** ترجمهٔ ایرج **پزشکزاد.**

افق گم‌گشته: دنیا و هنر، جیمس **هیلتن**، ترجمهٔ مجید **مسعودی.**

اگر تمام بر و بچه‌های دنیا . . . . : آبشار، ژاك **ارمی**، ترجمه ناصر **موفقیان.**

الحمراء: ابن‌سینا، باهمکاری‌فرانکلین، واشنگتن‌ایروینگ، ترجمهٔ سلطانا ابراهیم **عامری.**

الفبای‌جنایت: علی اکبر علمی، آگاتا **کریستی**

آمریکایی زشت: روزنامهٔ پیك‌ایران، ویلیام **لدرر**، ترجمهٔ حسین **سعادت نوری.**

امضای مرموز: سازمان کتابهای جیبی، ژرژ **سیمون**، ترجمهٔ کریم **کشاورز.**

امواج خون آلود: مجلهٔ ماه نو، رنه **کلاراک**، ترجمهٔ ناصر **نجمی.**

انتقام خون‌حسین: مجلهٔ ماه‌نو، جرجی **زیدان**، ترجمهٔ محمد علی **شیرازی.**

انتقام موحش و قماربازان: گوتنبرگ، نیکلا **گوگول**، ترجمهٔ ا. **امید.**

انقلاب‌عثمانی: مجلهٔ ماه نو، جرجی **زیدان**، ترجمهٔ محمدعلی **شیرازی.**

اوراق زرین ادبیات جهان: گوتنبرگ، شجاع‌الدین **شفا** (مترجم).

اولین خون: امیرکبیر، جك **شیفر**، ترجمهٔ محمد **آثار.**

ایلیاد: بنگاه ترجمه ونشرکتاب، **هومر**- ترجمهٔ سعید **نفیسی.**

ایمنسی: نیل، تئودور **اشتورم**، ترجمهٔ ع. **هدایت‌وزیری.**

ایندیانا: ابن‌سینا، ژرژ **ساند**، ترجمهٔ ف. **رسام.**

ایوانهو: آرمان، والتر **اسکات**، ترجمهٔ ا. **حدادی.**

بابا بزرگ: جان **اشتاین بك**، ترجمهٔ سیروس **رامتین.**

باباگوریو: نیل، اونوره‌دو **بالزاك**، ترجمهٔ م. ا. **به‌آذین** (محمود اعتمادزاده).

با بالنگ دراز: صفی‌علیشاه، جین **وبستر**، ترجمهٔ میمنت **دانا.**

بابك: (یا وضع زمانه) مجلهٔ سخن، فرانسوا ماری آروه **ولتر.**

با خشم بیاد آر: جان **آزبرن**، ترجمهٔ کریم **امامی.**

باراباس: بنگاه ترجمه و نشرکتاب، پار **لاگرکوئیست**، ترجمهٔ پرویز **داریوش.**

بازرس دلباخته: شرق، جی **درتیلر**، ترجمهٔ ذبیح‌الله **منصوری.**

بازگشت: (مجموعهٔ دوازده داستان از ۱۲ نویسندهٔ معروف دنیا) دانش، شجاع‌الدین **شفا** (مترجم).

باز هم خداحافظ: مرجان، فرانسواز **ساگان**، ترجمهٔ سیروس **گ.جوی.**

بازی با آتش: گلچین، لسلی **شارتریش**، ترجمهٔ ذبیح‌الله **منصوری.**

بازی زندگی: دنیا وهنر، موریس **تسکا**، ترجمهٔ ناصرالدین **خطیر.**

بازی مرگ: سازمان کتابهای‌جیبی، ارل استانلی **گاردنر**، ترجمهٔ کریم **کشاورز.**

باغ اپیکور: ابن سینا، آناتول **فرانس**، (نام مستعار). ترجمهٔ کاظم عمادی.

باغ چتر: نوبهار، **ماربا**ین- ترجمهٔ فریدون **بدره‌ای.**

بالتازاد: حکمت، آناتول **فرانس** (نام مستعار)، ترجمهٔ احمد **جزایری.**

باید بمیری: گلچین، میکی **اسپیلین**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ رازی.**

بئاتریس: آرتور، **شنیتسلر**، ترجمهٔ سیمین دانشور.

بخاطریك‌عشق: صفی‌علیشاه. شجاع‌الدین **شفا** (مترجم).

به‌خدایی ناشناخته: نیل، جان **اشتاین بك**، ترجمهٔ محمود **کیانوش.**

برادران کارامازوف: امیرکبیر، صفی علیشاه، فئودور داستایوسکی ترجمهٔ مشفق همدانی.

براه خرابات در چوب تاك: سازمان کتابهای‌جیبی، رنست **همنیگوی**، ترجمهٔ پرویز **داریوش.**

برای چه: (یاداستانی از دوران انقلاب لهستانی) افشاری، لئون **تولستوی**، ترجمهٔ

علینقی **سادات** .

بربادرفته: امیرکبیر، مارگارت‌میچل ، ترجمهٔ حسن شهباز .

برزخ: کانون‌معرفت، ژان **رووِرزی**، ترجمهٔ احمد**شاملو** .

برفهای کلیمانجارو: مـروج ، ارنست **همینگوی**، ترجمهٔ علی**محیط**.

بریج: علـی‌جعفری، فرانسوا **موریاک** ، ترجمهٔ فرامرز**برزگر**.

بعد؟: ابن‌سینا،ا. م. **مارك**،ترجمهٔ م.س. **مظفرزاده**.

بنفشه‌های بهاری (مجموعهٔ چهارداستان از ۴ نویسندهٔ بزرگ جهان): گوتنبرگ، شجاع‌الدین **شفا** (مترجم) .

بن‌هور: امیـرکبیر، پیروز ، فرانکلین، لیو **والاس**،ترجمهٔ محمد**نوروزی**.

بوریدان‌پهلوان برج‌نل: میشل **زواگو**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ**.

بوسهٔ خونین: گوتنبرگ،میکی**اسپیلین**، ترجمهٔ کاظم **اسمعیلی**.

بهار زندگی: علی اکبرعلمی، گلادیس هاستی**کارول**، ترجمهٔ ابوالقاسم **حالت**.

بهارکشنده: کانون‌معرفت،لازوس**ژیلاهی**، ترجمهٔ رضا سید **حسینی** .

بیچارگان: عطایی،فئودور **داستایوسکی**، ترجمهٔ **حدادی**.

بیرون: جلوی در، ولفکانگ **بورشرت**، ترجمهٔ هوشنگ **بهشتی**.

بیست داستان: بنگاه ترجمه‌ونشرکتاب، **پیراندلو**، تـرجمهٔ‌زهرا **خانلری**.

بیست وچهار ساعت‌از زندگی‌یك زن: کانون معرفت،استفن **تسوایگ** ، ترجمهٔ عبدالله **توکل** و رضا **سید حسینی**

بی‌غیرت: کانون‌معـرفت، پروسپر **مریمه**، ترجمهٔ بیژن**جهانگیری** .

بینوایان: گـوتنبرگ، ویکتور**هوگو**، ترجمهٔ حسینقلی**مستعان**.

پا برهنه‌ها: گوتنبرگ،زاهاریا**استانگو**، ترجمهٔ احمد **شاملو** وعطا **بقایی**.

پاردایانها: گوتنبرگ، میشل **زواگو** ، ترجمهٔ منوچهر**مطیعی**.

پاك سرشت: ژان پـل **سارتر**، تـرجمهٔ بهمن **نوایی**.

پتی‌شر: آلفـونس**دوده**، تـرجمهٔ اقبال **یغمایی** .

پر: کانـون دنیا وهنر،س. م، **ماتیسن** ، ترجمهٔ میمنت **دانا**.

پرتو عشق: مجلهٔ ماه نو، ریدر **هگارد** ، ترجمهٔ جواد **فاضل**.

پرنس خلیل : ابن‌سینا،شـرق: سیکست **دولرم**، ترجمهٔ محمد**نصیر** .

پرومته‌سست زنجیر: نشراندیشه، آندره **ژید** ، ترجمهٔ غلامرضا **سمیعی**.

پدران وپسران : بنگـاه ترجمه و نشر کتاب،ایوان **تورگنیف** ، ترجمهٔ مهـری **آهی**.

پدران و فرزندان: سازمان کتابهـای جیبـی،ایوان **تورگنیف** ، ترجمهٔ م. ه. **شفیعیها** با نظریه د. ای.پیسارف.

پستچی همیشه دوبار زنگ می‌زند : دنیا وهنرجیمز **کین**، ترجمهٔ **سرور** .

پسر آفتاب: کانون معـرفت، جك **لندن** ترجمهٔ فرامرز**برزگر**.

پسرك سیاه: حکمت،ریچارد**رایت**،ترجمهٔ **«سرود»**.

پسر یتیم: (آلیورتویست)، کانون‌معرفت، چارلز **دیکنز**، ترجمهٔ مسعود**برزین**.

پشیمان: صفی‌علیشـاه،ژزف **ویشبرگ** ، ترجمهٔ هوشنگ **فلسفی**.

پل آندو: (خلاصه‌ای ازریدرزدایجست) مینو ، جیمز**میچر**.

پل مرگ: تی**وایلدر**، ترجمهٔ شجاع‌الدین **شفا**.

پلی بر رودخانهٔ درینا: سازمان کتابهای جیبی،ایو**آندریچ**،ترجمهٔ رضا **براهنی**.

پولدار، کانون نشریات نوایوان**بونین**، ترجمهٔ فریدون **صدری**.

پیر دختر: نیل،اونوره‌دو **بالزاك**،ترجمهٔ غلامرضا **سمیعی**.

پیر مرد ودریا: کانون معرفت، ارنست همنیگوی،ترجمهٔ م. ح. **یحیوی**.

پیغمبر: کانون‌معرفت،جبران‌خلیل**جبران**، ترجمه مظفر**صالح‌زاده**.

پیوند عشق: ژان**کازبور**، ترجمهٔ غلامعلی **صادقیان**.

تابش نور در ظلمت : تـألیف لئـون **تولستوی**،ترجمهٔ محمد جعفر **شیرازی**.

تاراس بولبا: گوتنبرگ، نیکلا **گوگول** ترجمهٔ ق. **س**.

تاریکترین زندان، نشر انـدیشه،ایوان **اولبراخت**، ترجمهٔ‌محمد**قاضی**.

تام ساویر: طهوری،مارك **تواین**،ترجمهٔ پرویز**داریوش** .

تا یك ماه تا یك سال: البرز،فرانسواز **ساگان**،ترجمهٔ فرهاد **امین**.

تب طلا: گوتنبرگ،جك**لندن**، تـرجمهٔ **پورکریم** .

تبه‌کار کوچك: گلچین، کاریـل**چسمان**، ترجمهٔ‌گیورگیس **آقاسی**.

تپه‌های سبز افریقا: افلاطـون،ارنست **همنیگوی**، ترجمهٔ«سکوت».

تپه‌های شنی: حکمت،واندر**مرش**،ترجمهٔ حسین**زعیم** .

ترانه‌های غم‌انگیز: افشاری،**کنستانس**، ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور**.

ترزدکی‌رو: فرانسوا **موریاك**،تـرجمهٔ یحیی **سمیعی**.

ترس ومجموعه نامرئی: اقبـال،اشتفن **زوایگ**،ترجمهٔ عزت‌الله **خردمند**.

ترس و یك دقیقه جنون: گلشـایـی، استفن **تسوایگ** ترجمهٔ روحی ارباب .

تریبوله دلقك دربارفرانسه: مـروج، میشل **زواگو**، ترجمهٔ رشید **امانت**.

تریستان و ایزوت: بنگاه ترجمهٔ ونشر کتاب،ژوزف **بدیه**،ترجمهٔ پـرویز ناتل **خانلری**.

تسخیرناپذیر: امیرکبیر ویلیام **فالکنر**، ترجمهٔ پرویز **داریوش**.

تصویر دوریان‌گری: کانـون معـرفت، اسکار **وایلد**،ترجمهٔ **فرهاد**.

تند باد حوادث: (یدوو ترینگ هایتز) امیلی**برونته**،ترجمهٔ عبدالعظیم**صبوری**.

تنگ اهریمنی: هنری **جیمز**،تـرجمهٔ علی اصغر **مهاجر**.

تودهٔ طلا: موریس **لبلان**،ترجمهٔ عنایتـ الله **شکیبایور**.

تورتیلافلت: نشر اندیشه، جان **اشتاینـ بك**، تـرجمهٔ محمدعلی **صفریان** وصفدر **تقی‌زاده**.

تونیوگروگر: کانون‌معرفت، توماس**مان**، ترجمهٔ رضا **سیدحسینی**.

تیر انداز: کانـون معرفت، الکسـاندر **پوشکین**،ترجمهٔ هوشنگ**رکنی**.

جادوگران قـرون وسطی: گوتنبرگ، ژول **میشل**،ترجمهٔ‌عنایت‌الله **شکیباپور**.

جادهٔ تنباکو: کانون معـرفت، ارسکین **کالدول**،ترجمهٔ رضاسید **حسینی**.

جاسوسه: گوهر، نـورا **موری** ترجمهٔ موسی **رضایی**.

جاسوسهٔ آلمان در ایران: مجلهٔ‌ماه نو، رکس **آدمز**،ترجمهٔ **شمع**.

جاسوس‌دوجانبه: گلچین،دریا،الکساندر **کلین**،ترجمهٔ‌گیورگیس **آقاسی**.

جاسوسهٔ غرب: گوتنبرگ، ژان**روس**،

۱۳۵۴

ترجمهٔ حبیب **شوقی**.

جانی چراغ قرمز: هدف، کاریل **چسمان**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ‌رازی**.

جانی دستکش سیاه: گلچین، جیمز هاردلی **چیز**، ترجمهٔ هوشنگ **انصاری**.

جانی عجیب: صفی‌علیشاه، ژرژ **هامل**، ترجمهٔ ج. **منصوری**.

جدال دون فرانك با آرسن لوپن: سعادت، ام. اف. **جفرسون**، نگارش و اقتباس: س م. س.

جری در جزیره: آرمان، جك **لندن**، ترجمهٔ فرامرز **برزگر**.

جزیرهٔ اسرار آمیز: گوتنبرگ، ژول **ورن**، ترجمهٔ جواد **محیی**.

جزیرهٔ پنگوئن‌ها: صفی‌علیشاه، آناتول **فرانس** (نام مستعار)، ترجمهٔ محمد **قاضی**.

جزیرهٔ گنج: گوتنبرگ، رابرت لویز **استونس**، ترجمهٔ اردشیر **نیکپور**.

جمیله: آبشار، هانری **بردو**، ترجمهٔ ایرج **پزشکزاد**.

جنایتکاران لندن: گلچین، آگاتا **کریستی**، ترجمهٔ ذبیح‌الله **منصوری**.

جنایتکاران مخوف: خاك، میکی **اسپیلین**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ‌رازی**.

جنایتکاران مخوف: شعله، پرنسون **دوپترای**، ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور**.

جنایتکاران می‌ترسند: البرز، جیمز هاردلی **چیز**، ترجمهٔ **آرزو**.

جنایتکاران واشنگتن یا دستهٔ آدم‌کشان: جیمز هاردلی **چیز**، ترجمهٔ س. م. س.

جنایت ومکافات: صفی‌علیشاه، فئودور **داستایوسکی**، ترجمهٔ اسحق **لاله‌زاری**.

جنگ وصلح: امیرکبیر — صفی‌علیشاه، لئون **تولستوی**، ترجمهٔ کاظم **انصاری**.

جوئی بلیندا: صفی‌علیشاه، ژان **نگولسکو**، ترجمهٔ یحیی **اسفرجانی**.

جویبارخون: گوتنبرگ، م.ی. **هرفکن**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ‌رازی**.

چرم ساغری: بنگاه ترجمه ونشر کتاب، اونوره دو **بالزاك**، ترجمهٔ (محمود **اعتمادزاده**) به‌آذین.

چشمان سبز و آبی یا معاشقهٔ آرسن لوپن: ابن‌سینا، موریس **لبلان**، ترجمهٔ محمد **جزایری**.

چگونه یك تبهکار آمریکایی شدم؟: گلچین، جیمز هاردلی **چیز**، ترجمهٔ ذبیح‌الله **منصوری**.

چلکاش: نشر اندیشه، ماکسیم **گورکی**، ترجمهٔ کاظم **انصاری**.

چمنزارهای بهشت: امیرکبیر، جان **اشتاین بك**، ترجمهٔ پرویز **داریوش**.

چند نامه به شاعری جوان: طهوری، ریزماریا **ریلکه**، ترجمهٔ پرویز ناتل **خانلری**.

چه باید کرد؟: لئون **تولستوی**، ترجمهٔ مهدی **سمسار**.

حاجی بابا اصفهانی: شهریار، جیمز **موریه**، ترجمهٔ احمد **تارخ**.

حساسترین دقایق تاریخ بشر: صفی‌علیشاه، اشتفن **زوایگ**، ترجمهٔ اسحق **لاله‌زاری**.

حکایتها: آرتور **ماکسول**، ترجمهٔ آرسن **واعظ‌زاده**.

حکیم باشی: کانون معرفت، آرتور ای **هرتزلر**.

حماسهٔ شمال: کتابفروشی ایران، جك **لندن**، ترجمهٔ **نوذر**.

حماسهٔ عشقی: (جلد دوم پارادایانها) گوتنبرگ، میشل **زواگو**، ترجمهٔ محمد امین **کاردان**.

حوادثی که‌من دیده‌ام: آرمان، ویکتور **هوگو**، ترجمهٔ فرامرز **برزگر**.

حیات‌مردگان: خزر، کورت **سیورمارك**، ترجمهٔ گیورگیس **آقاسی**.

خاك خوب: سازمان کتابهای جیبی، پرل. س. **باك**، ترجمهٔ غفور **آلبا**.

خاطرات خانهٔ اموات: طهوری، فئودور **داستایوسکی**، ترجمهٔ مهرداد **مهرین**.

خاطرات یك دختر جوان: آن **فرانك**، ترجمهٔ پرویز ع. **بهروزی**.

خاطرهٔ یك دوست: امیرکبیر، حسن **شهباز** (مترجم).

خاموشی دریا: گوتنبرگ، **ورکور**، ترجمهٔ حسین شهید **نورایی**.

خانه‌ای در کوهستان: ابن‌سینا، ارسکین **کالدول**، ترجمهٔ هما **ناطق**.

خانهٔ مخوف: معرفت، آگاتا **کریستی**، ترجمهٔ هوشنگ **رکنی**.

خانهٔ مرگ: شعله، موریس **لبلان**، ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور**.

خانه‌های اجاره‌ای: ابن‌سینا، برنارد **شاو**، ترجمهٔ «**زاگروس**».

خانهٔ هفت شیروانی: کانون معرفت، ناتانیل **هاثورن**، ترجمهٔ حسن **مسعودی**.

خداحافظ: مرجان، اونوره دو **بالزاك**، ترجمهٔ فریدون **بدره‌ای**.

خداوندگاران کهن: لئون **شانت**، ترجمهٔ هریك آ. **الهوردیان**.

خدای از دست رفته: کانون معرفت، ریچارد **گراسمان**، ترجمهٔ «**پرهان**».

خدایان تشنه‌اند: ابن‌سینا، آناتول فرانس (نام‌مستعار)، ترجمهٔ کاظم **عمادی**.

خرمگس: سازمان کتابهای جیبی، اتل لیلیان **وینیچ**، ترجمهٔ خسرو همایون‌پور.

خشم وهیاهو: نیل با همکاری فرانکلین، ویلیام **فالکنر**، ترجمهٔ بهمن **شعله‌ور**.

خطابه ویکتورهوگو بر سرقبر وستر: (به‌ضمیمهٔ آخرین روز یك محکوم)، ابن سینا، ویکتور **هوگو** ترجمهٔ مجید **سعیدی**.

خنجرخونین یا جنایتکارمخوف لندن: عالمگیر، آگاتا **کریستی**، ترجمهٔ واقتباس **شبدیز**.

خواب عمو جان: آرمان، فئودور داستایوسکی، ترجمهٔ **آلك**.

خورشید همچنان می‌درخشد: سازمان کتابهای جیبی، ارنست **همینگوی**، ترجمهٔ رضا **مقدم**.

خوشه‌های خشم: امیرکبیر، جان **اشتاین بك**، ترجمهٔ م. **بهیار** وعبدالرحیم **احمدی**.

خیاط جادو شده: امیرکبیر، علیخم **شولم**، ترجمهٔ ابراهیم یونسی **بانه‌ای**.

داستان دو شهر: امیرکبیر، چارلز **دیکنز**، ترجمهٔ امین کاردان.

داستان شگفت انگیز: امیرکبیر، ادگار آلن **پو**، ترجمهٔ ح. سید**جوادی** و ه. **دانشجو**.

داستانهای ارمنی: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ه. کاراکاش (مترجم).

داستانهای برگزیدهٔ چخوف: نشر اندیشه، آنتوان **چخوف**، ترجمهٔ کاظم **انصاری**.

داستانهای کوتاه ازنویسندگان بزرگ: صفی علیشاه، نصرالله **فلسفی** (مترجم).

داشتن یا نداشتن: دنیا و هنر، ارنست **همینگوی**، ترجمهٔ پرویز **داریوش**.

داش مشدی پاریس: گوتنبرگ، گی‌دو—**موپاسان**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ‌رازی**.

داغ ننگ: نیل، ناتانیل **هاثورن**، ترجمهٔ سیمین **دانشور**.

دافنیس‌وکلوئه: نشراندیشه، **لونگوس**، ترجمهٔ عبدالله **توکل**.

دام‌سرنوشت: مجلهٔ‌ماه‌نو، ملتون **اوزاکی**، ترجمهٔ **اورنقی کرمانی**.

دام‌شهرت: محمدی، ژرژ داوید، ترجمهٔ موسی **فرهنگ رازی**.

دانشکده‌های من: قائم‌مقام، ماکسیم **گورگی**، ترجمهٔ علی‌اصغر **هلالیان**.

داویدکاپرفیلد: کیهان، چارلز **دیکنس**، ترجمهٔ مسعود **رجب‌نیا**.

دختران دزدان نیویورك: افلاطون، مایك **هامر**، ترجمهٔ افسانه.

دختر برفها: دانش، جك **لندن**، ترجمهٔ فرامرز **برزگر**.

دختر جنگل: مجلهٔ ماه‌نو، **«شمع»** (مترجم).

دختر جنگل: کیهان، یون **سلاویس**، ترجمهٔ ب. **فتحی**.

دختر دزدان نیویورك: افلاطون. میکی **اسپیلن**، ترجمهٔ **افسانه**.

دخترزرین چشم: کانون‌معرفت، اونوره **دوبالزاك**، ترجمهٔ عبدالله **توکل** و رضا **سید حسینی**.

دختر سروان: سازمان کتابهای جیبی، الکساندر **پوشکین**، ترجمهٔ دکترپرویز ناتل **خانلری**.

دختر عموبت: نشر اندیشه، اونوره دو **بالزاك**، ترجمهٔ **به‌آذین (اعتمادزاده)**.

دختر فقیر: شرق، واندرمرش، ترجمهٔ ذبیح‌الله **منصوری**.

دخترك‌سیاه‌درجستجوی خدا: طهوری، برنارد **شاو**، ترجمهٔ علی اشرف **شیبانی**.

دختر گرجی: نیل. موریس **کبرا**، ترجمهٔ ایرج **پزشکزاد**.

دخترنیل: مجلهٔ ماه نو، جرجی **زیدان**، ترجمهٔ محمد علی **شیرازی**.

دختری از پاریس: مجلهٔ ماه‌نو، **«شمع»** (مترجم).

دختر یك قاتل: **الوودکرلی**، ترجمهٔ پ. **ناصر**.

در آستانهٔ مرگ: کیهان، کاریل **چسمان**، ترجمهٔ «کمند».

درآغوش خانواده: صفی‌علیشاه، هکتور مالو، ترجمهٔ محمد **قاضی**.

در آغوش یك‌زن: مجلهٔ‌ماه‌نو، **تولینی**، ترجمهٔ **اورنقی کرمانی**.

دراکولا یامرد خون‌آشام: گوتنبرگ، برام **استوکرو**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ رازی**.

دراکولا، مرد خون آشام: افشاری، علی‌اکبر **کسمایی** (مترجم).

دراوج قدرت: هدف، اونوره‌دو **بالزاك**، ترجمهٔ ع. **شکیباپور**.

در تلاش آتش: جك **لندن**، ترجمهٔ ا.ب. **زند**.

در تنگ: متین، آندره **ژید**، ترجمهٔ عبدالله **توکل** ورضا **سیدحسینی**.

درحرمسرای‌سلطان: شرق، جان **موریس**، ترجمهٔ علی **جواهرکلام**

در ظلمت بیدار شد: کیهان، برت **هالیدی**، ترجمهٔ عبدالله **توکل**.

در غرب خبری نیست: ابن‌سینا، اریش ماریا **رمارك**، ترجمهٔ هادی **سیاح**.

در قلاب گیر افتاد: گوتنبرگ، ی. ل. گزف، ترجمهٔ موسی **فرهنگ‌رازی**.

درکرانهٔ‌شب: پیروز باهمکاری فرانکلین، مری‌آلن **چیس**، ترجمهٔ‌محمود **کیانوش**.

در نهمین‌ساعت: گلچین، بن **بنس**، ترجمهٔ محمود **ایران‌پناه**.

دریای سبز: امیرکبیر، کنراد **ریختر**، ترجمهٔ جلال **نعمت‌الهی**.

دزدان‌خلیج: آرمان، جك **لندن**، ترجمهٔ فرامرز **برزگر**.

دزیره: نیل، آن ماری **سلینکو**، ترجمهٔ ایرج **پزشکزاد**.

دستهٔ جنایتکاران: افشاری، **پارسا** (مترجم).

دشتبان مرده‌ها: انوشه، پ. **پیشوازاده** (مترجم).

دشمنان: سازمان کتابهای جیبی، آنتوان **چخوف**، ترجمهٔ سیمین **دانشور**

دفتر حرفهای گذشته (شعر): کانون معرفت، تسین یان **یانگ**، ترجمهٔ علی **معیری**.

دکتر ژیواگو: بوریس **پاسترناك** ترجمهٔ علی **محیط**.

دلاوران عرب: مجلهٔ ماه نو جرجی **زیدان**، ترجمهٔ‌محمد علی **شیرازی**.

دلباختهٔ زیبا: مجلهٔ‌ماه نو، گی دو—**موپاسان**، ترجمهٔ محمدعلی **شیرازی**.

دلشکسته: مرواريد، ناتانیل **وست**، ترجمهٔ عبدالله **توکل**.

دلقك: مروج، ویکتور **هوگو**، ترجمهٔ منصور **شریف زندیه**.

دم‌غنیمت‌است: کانون‌معرفت، آن **می‌بوری**، ترجمهٔ میمنت **دانا**.

دمیان: هرمان **هسه**، ترجمهٔ خسرو **رضانی**.

دندان‌ببر: فروغی، موریس **لبلان**، ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور**.

دنده‌های‌چرخ: ابن‌سینا، ژان‌پل **سارتر**، ترجمهٔ جمشید **توللی**.

دن‌کیشوت: نیل، **سروانتس**، ترجمهٔ محمد **قاضی**.

ده داستان: (آثاری از نویسندگان) علی‌اکبرعلمی، محمود **فخرداعی** (مترجم).

دهکده: فدور **بلو**، ترجمهٔ **آهنگ**.

دهکدهٔ مرگ: پیروز، مری‌آلن **چیس**، ترجمهٔ محمود **کیانوش**.

دهقانان: سازمان کتابهای‌جیبی، آنتوان **چخوف**، ترجمهٔ کریم **کشاورز**.

دهلیز مرگ: امیرکبیر، کاریل **چسمان**، ترجمهٔ تورج **فرازمند**.

دهمین سر مومیایی شده: گوتنبرگ، ی. هوف **منگر**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ رازی**.

دوبرفسکی: الکساندر **پوشکین**، ترجمهٔ هوشنگ **مستوفی**.

دو جایزهٔ بزرگ: صفی‌علیشاه، یون لوکا **کاراجیال**، ترجمهٔ امیر **احمدی**.

دو داستان: سوگند، جك **لندن**، ترجمهٔ ا. **پرویز**.

دوران کورکی: سازمان کتابهای‌جیبی ماکسیم **گورکی**، ترجمهٔ کریم **کشاورز**.

دو سرنوشت: آبشار، ویلکی **کالینز**، ترجمهٔ ایرج **پزشکزاد**.

دوشیزهٔ قهرمان: دانش، میشل **زواگو**، ترجمهٔ محمد رکنی **قاجار**.

دو معشوقه: آلفرد دو **موسه**، ترجمهٔ شکرالله **نجفی**.

دومین شانس: کانون معرفت، کنستانتین ویرژیل گیورگیو، ترجمهٔ عبدالرضا **مهدوی**.

دیوار چین: طهوری، فرانتس **کافکا**، مترجمان: شرف‌الدین **خراسانی**، مسعود **رجب‌نیا** واسفندیار **سپهری**.

راز: اشتفان **زوایگ**، ترجمهٔ رحمت **الهی**.

۱۳۵۶

راز زندگی دختران: پاینده، اشتفن **زوایگ**، ترجمهٔ ناصر **ایراندوست**.
راسپوتین: امیرکبیر، رنه فلوپ **میلز** ترجمهٔ **جهانتاب**.
راسپوتین: گوتنبرگ، **ژولین** (پرنس)، ترجمهٔ منوچهر **مطیعی** (عقاب).
راسپوتین: مجلهٔ ماه نو، شارل **پتی**، ترجمهٔ ح. **شبگرد**.
راهبه کاسترو: نیل، هنری‌بیل **استاندال**، ترجمهٔ جهانگیر **افکاری**.
راه بی پایان: امیرکبیر، اسلاویمیر **راویچ**، ترجمهٔ حسن‌شهباز از روی‌نوشتهٔ دونالد **داونینگ**.
ربنسن سویس: آتشکده، **ویس**، ترجمهٔ همایون **فره‌وشی**.
ربه‌کا: امیرکبیر، دافنه **دوموریه**، ترجمهٔ حسن **شهباز**.
ردا (خرقه): نورجهان، لویدس**دوگلاس**، ترجمهٔ ایرج م. **امینی**.
رستاخیز: کانون معرفت، موریس **مترلینگ**، ترجمهٔ فرامرز **برزگر**.
رستاخیز: ابن سینا، لئون تولستوی گزاره به‌فارسی ازعلی اصغر **حکمت**.
رسوایی: صفی‌علیشاه، اشتفن **زوایگ**، ترجمهٔ محمود **پورشالچی**.
رقص جسد: فرد، جیمز هاردلی **چیز**، ترجمهٔ ع. **امیدوار**.
رنجها و نبردهای‌جمیله‌بوپاشا: مؤسسهٔ اطلاعات، تألیف سیمون **بوآر**، ژنرال **حلیمی**، ترجمهٔ منصور **تاراجی** و حسن **پویان**.
روح: آسیا، آلفرد **هیچکاک**، ترجمهٔ **افخم**.
رودخانهٔ جنایت: صفی علیشاه، خوزه‌**دوبروی**، ترجمهٔ **ج.منصوری**.
ری‌بلاس: گوتنبرگ، ویکتور**هوگو**، ترجمهٔ م. **محمد لوی‌عباسی**.
زنبق دره: نشر اندیشه، اونوره دو **بالزاک**، ترجمهٔ **محمود اعتماد زاده** (به‌آذین).
زن خطرناك: گوتنبرک، لوید**میلر**، ترجمهٔ‌کاظم **اسمعیلی**.
زندگی بازیافته: ابن‌سینا، اسکارلت **پانوفینك**، ترجمهٔ جعفر **حاجیانی**.
زندگی کازابلانکا: موریس**کبرا**، ترجمهٔ ایرج **پزشکزاد**.
زندگی من: سازمان کتابهای جیبی، آنتوان**چخوف**، ترجمهٔ جهانگیر**افکاری**.
زندگی و سرانجام آنتوانت: شرق، پیر **نزلف**، ترجمهٔ ذبیح‌الله **منصوری**.
زندانی زندا: افلاطون، آنتونی**هوپ**، ترجمهٔ **حدادی**.
زن دلفریب: مجلهٔ‌ماه‌نو، ریموند **ماکار**، ترجمهٔ محمدعلی **شیرازی**.
زن سفید پوش: ریدشاو **داولی**، ترجمهٔ **ج.منصوری**.
زن سیاهپوش: افلاطون، **فرانك‌جمس**، ترجمهٔ **افسانه**.
زن سی‌ساله: امیرکبیر، اونوره دو**بالزاك**، ترجمهٔ علی‌اصغر**خبره‌زاده**.
زنگار: کانون معرفت، هربرت**لوپوریه**، ترجمهٔ احمد **شاملو**.
زنگها برای‌که به‌صدادرمی‌آیند؟ ارنست **همینگوی**، ترجمهٔ ر. **نامور**.
زن و بازیچهٔ او: **پیرلوییس**، ترجمهٔ عبدالله توکل و رضا **سیدحسینی**.
زنی که‌گریخت: آبشار، **لارنس**، ترجمهٔ **محمودکیانوش**.
زیر درختان زیزفون (ماگدواین): امیرکبیر، آلفونس **کار**، ترجمهٔ محمد **سعیدی**.
ژاندارك: افشاری، موریس **مترلینگ**، ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور**.
ژان‌کریستف: نیل، رومن **رولان**، ترجمه محمود **(اعتماد زاده)**، به‌آذین.
ساعت ۲۵: کیهان، کنستانتین ویرژیل **گئورگیو**، ترجمهٔ هوشنگ **مهرآسا**.
سالهای کودکی سبزقبا: کانون دنیا و هنر، ا. ج. **کرنین**، ترجمهٔ محمد **مسعودی**.
ساندی: جان **مك دونالد** ترجمهٔ‌ایران **فرهودی**.
سایهٔ ایام: افشاری، کنتس دو **فوای**، ترجمهٔ شجاع‌الدین‌شفا.
سایهٔ‌گریزان: سازمان کتابهای جیبی، گراهام **گرمن**، ترجمهٔ پرویز**داریوش**.
سایهٔ مرگ: پاینده، امیل **زولا**، ترجمهٔ نسترن **جامعی**.
سپر بلا: پیروز، دافنه **دوموریه**، ترجمهٔ‌یوسف **قریب**.
سپید دندان: نیل، جک**لندن**، ترجمهٔ، **محمد قاضی**.
سپیده دم: امانوئل **روبلس**، ترجمهٔ امیرحسین **جهانبگلو**.
ستون پنجم: دنیاوهنر، ارنست**همینگوی**، ترجمهٔ سرود.
سدهرتها: سخن، هرمان **هسه**، ترجمهٔ فریدون**گرگانی**.
سر پروفسور دوئل: گوتنبرگ، الکساندر **بلیایر**، ترجمهٔ‌کاظم **انصاری**.
سرتنگ بلور: فروغی، موریس **لبلان**، ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور**.
سرخ وسیاه: بنگاه ترجمه ونشرکتاب، هنری‌بیل **استاندال**، ترجمهٔ‌عظمی **نفیسی**.
سرشت زنان: علی جعفری، آندره **ژید**، ترجمهٔ **رکنی‌قاجار**.
سرگذشت: امیرکبیر، ابن‌سینا، ماری **کرلی**، ترجمهٔ حسن **شهباز**.
سرگذشت سه منجم روسی و سه‌منجم انگلیسی: ژول **ورن**، ترجمهٔ‌حسین **نورصادقی**.
سرگذشت‌شگفت‌انگیز سلطان هالیوود: قائم مقام، ژرژ **کارپوزی**، مترجم ع. ح. **جلالی**.
سرگذشت کشتی استارك: جك **لندن**، ترجمهٔ فرامرز **برزگر**.
سرگذشت مادر: قصه‌ها ازچند نویسندهٔ ایرانی‌وخارجی. تبریز، ابن‌سینا، غلامحسین **فرنور** (مترجم).
سرگذشت ورتر: کانون معرفت، یوهان ولفکانگ**گوته**، ترجمهٔ نصرالله **فلسفی**.
سرگذشتهای نگهبانان صید ماهی: دانش، جك **لندن**، ترجمهٔ **الك**.
سرنوشت‌امپراطور: شرق، پیر **نزلف**، ترجمهٔ ذبیح‌الله **منصوری**.
سرنوشت یك انسان: نیل، **شولوخف**، ترجمهٔ ض. **فروشانی**.
سرودکریسمس«اسکروج»: ابن‌سینا، چارلز **دیکنز**، ترجمهٔ **سپهری‌نیك**.
سعادت خانوادگی: گوتنبرگ، لئون **تولستوی**، ترجمهٔ سیدحسین **تفرشیان**.
سفرنامهٔ گالیور: بنگاه ترجمه ونشر کتاب، جوناتان **سویفت**، ترجمهٔ منوچهر **امیری**.
سفرهای من: گوتنبرگ، ویکتور **هوگو**، ترجمهٔ فرامرز **برزگر**.
سکه سازان: امیرکبیر، آندره **ژید**، ترجمهٔ حسن **هنرمندی**.
سگ ولگرد: عطایی، آنتوان**چخوف**، ترجمهٔ عبدالرحمن **صلیبی**.
سلام بر غم: صفی علیشاه، فرانسواز

ساگان ترجمهٔ ب . **مقدم.**

سلطان طپانچه : گوتنبرگ، ی. هوف **منگری**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ رازی** .

سلول۲۴۵۵ یا دهلیزمرگ: امیرکبیر، کاریل **چسمان** ـ ترجمهٔ «ت. ف».

سلیمان فاتح : صفی‌علیشاه ، هارولد **لمب** ، ترجمهٔ حمید **رهنما** .

سندی : کانون معرفت ، جان . ب . **تامپسون**، ترجمهٔ **لاهیجی.**

سنگ معجزه : فروغی، موریس **لبلان**، ترجمه عنایت‌الله **شکیباپور** .

سنین بحرانی: البرز، کارمن میخائیلیس. ترجمهٔ عبدالله **توکل** .

سه‌تفنگدار : الکساندر **دوما**، ترجمهٔ **حدادی**

سه داستان (از برناردشاد و جک‌لندن وگی دوموپاسان) : حکمت ، برنارد **شاو**، ترجمهٔ حمید **عنایت** .

سه‌رفیق: ماکسیم **گورکی**، ترجمهٔ ابراهیم **یونسی.**

سوداگران مرگ (یا) بهتر از پول چیست: متین، جیمز هاردلی **چیز**، ترجمهٔ گیورگیس **آقاسی** .

سوز زندگی: سخن با همکاری فرانکلین، ایروینگ **استون** ، ترجمهٔ محمدعلی **اسلامی ندوشن.**

سید یا تاج افتخار : کرنی ، ترجمهٔ عزیزالله **سامان** .

شاخهٔ یاس (مجموعهٔ ۱۶ داستان از ۱۶ نویسندهٔ بزرگ جهان) : گوتنبرگ ، شجاع‌الدین **شفا** (مترجم).

شارل و عبدالرحمن : مجلهٔ ماه‌نو ، جرجی **زیدان** ، ترجمهٔ محمد علی شیرازی .

شاعرشمشیرزن: گوتنبرگ، جان ارسکین، ترجمهٔ اردشیر **نیکپور.**

شاهزادهٔ گمنام: افشاری، امینه **پاکروان**، ترجمهٔ حسین **کسمایی.**

شاهزاده و گدا : گوتنبرگ ، مارك **تواین**، ترجمهٔ محمد **قاضی.**

شاهکارگمنام : سپهر، اونوره‌دو**بالزاك**، ترجمهٔ عبدالله **توکل** .

شاهکارهای جاویدان از ادبیات آمریکا (متضمن ۱۹ داستان از ۱۷ نویسندهٔ شهیر آمریکایی) : ابن‌سینا ، حسن **شهباز** (مترجم).

شایعه : گلچین ، لیلیان **هلمن**، ترجمهٔ گیورگیس **آقاسی.**

شب رؤیایی : کانون معرفت ، استفن **تسوایگ**، ترجمهٔ عبدالله **توکل** .

شب و شلوغی : کانون معرفت ، ژاك **ربرت**، ترجمهٔ فرامرز **برزگر.**

شبهای روشن : روزنامهٔ مرد مبارز، فئودورو**داستایوسکی**، ترجمهٔ قاسم **کبیری.**

شبهای مراکش: مجلهٔ ماه نو، «یك بانوی فرانسوی» ترجمهٔ «**آفرین**».

شبی‌درچهارراه : سازمان کتابهای جیبی، ژرژ**سیمون**، ترجمهٔ کریم **کشاورز.**

شبی درعمارت ییلاقی : دریا، سامرست **موآم**، ترجمهٔ حمید **رهنما** .

شراب شیراز و ده داستان دیگر : صفی‌علیشاه ، شجاع‌الدین **شفا** (مترجم).

شراره‌های زندگی : علی‌اکبر علمی ، اریس **مارك** ، ترجمهٔ فریدون **صدری.**

شرط‌بندی دومیلیارد : ابن‌سینا، مارك تواین ، ترجمهٔ کاظم **عمادی** .

شکوه علفزار : مرجان ، ویلیام **انیك**، ترجمهٔ **حکیم.**

شش داستان‌ازشش نویسنده (کالدول ـ موپاسان‌ـ چخوف ـ هنری ـ هوگو ـ ولتر) حسن **مسعود انصاری** (مترجم).

شش قدم به‌مرگ : گلچین، جیمزهاردلی **چیز**، ترجمهٔ ذبیح‌الله **منصوری** .

شکارگاه : کانون‌معرفت، آنتوان**چخوف**، ترجمهٔ **آلك** .

شطرنج‌باز : ابن‌سینا ، اشتفن **زوایگ**، ترجمه نیر **سعیدی.**

شط مروارید : خاقانی ، رن دوبن **حمرست**، ترجمهٔ رضا **فهیمی** .

شعاع وحشت: گلچین، هرمان **لاندون**، ترجمهٔ ذبیح‌الله **منصوری** .

شکار شبانه یا سرجوخه : گوتنبرگ، لوسین ویکتور**مونیه**، ترجمهٔ ایرج **نجد سمیعی** .

شکست ناپذیر : سازمان کتابهای جیبی هوارد**فاست**، ترجمهٔ حسن**مرندی** .

شوالیه‌دارمانتال: گوتنبرگ، الکساندر **دوما**، ترجمهٔ ا. ت. **حبیب** .

شوالیه دومزن ژرژ: مرکزی، الکساندر **دوما**، ترجمهٔ **ضیایی** .

شوانها : اونوره **دوبالزاك** ، ترجمهٔ علیقلی **کاتبی.**

شهر درتاریکی: گوتنبرگ : ج . ب . **پریستلی** .

شهر زیر دریا : دانش ، جورج . ج . **توذر**، ترجمهٔ هوشنگ **توانگر.**

شیطان : تأیید : لئون **تولستوی**، ترجمهٔ پرویز **نظامی** .

شیطان سرخ: سعادت ، الف .**طین**، ترجمهٔ س. م. **س** .

شیطان‌هم فریب می‌خورد : توفان ، پیترچی‌نی ، ترجمهٔ ا. **آرزو** .

شین‌قهرمان دشتهای وسیع: مجلهٔ ستارهٔ سینما ، جك **شیفر**، ترجمهٔ **پروانه.**

صلاح‌الدین ایوبی: مجلهٔ ماه نو، جرجی‌ـ زیدان. ترجمهٔ محمدعلی **شیرازی.**

صلیب‌آهنین: کانون دنیا وهنر، مؤلف: هانری دو **منفرد** ، ترجمهٔ ناصرالدین **خطیر.**

طغیان: عطایی ، آدامز ساموئل **هاپکینز**، ترجمهٔ شاهپور بهروزی .

طولانی‌ترین روز : سازمان کتابهای جیبی، کرینوس **راین**، ترجمهٔ دکتر اسماعیل **دولتشاهی.**

عاشق لیدی چاترلی : کانون معرفت ، دیوید هربرت **لاورنس** ، ترجمهٔ **علی پاك‌بین** .

عاشق مترسك : سازمان کتابهای جیبی ، فیلیس **هستینگز**، ترجمهٔ علی‌اصغر **مهاجر.**

عباسه‌وجعفر برمکی: شرق، جرجی زیدان ، ترجمهٔ محمدعلی **شیرازی.**

عدالت آسمان: مجلهٔ ماه‌نو آگاتا **کریستی**، ترجمهٔ همایون **بدیع** .

عذراء قریش : مجلهٔ ماه‌نو ، جرجی **زیدان**، ترجمهٔ محمد علی **شیرازی.**

عروس ایران : هارولد **لمب**، ترجمهٔ علی **جواهرکلام** .

عروسکهای ساحره ، کانون معرفت، ا. **مریت**، ترجمهٔ م . **شریعتمداری** .

عشق امپراطور : مجلهٔ ماه‌نو ، روجیه **ریجیس** ، ترجمهٔ محمدعلی **خلیلی.**

عشق زیر آسمان شرق : مجلهٔ ماه‌نو ، اشتفن**زوایگ**، ترجمهٔ محمدعلی **شیرازی.**

عشق و نومیدی : صفیعلیشاه ، اشتفن **زوایك**، ترجمهٔ ناصر **ایراندوست** .

عشق و دروغ : صفی‌علیشاه ، مارگریت **وست**، ترجمهٔ میمنت **دانا** .

عشق و زناشویی ، علی‌اکبرعلمی، نیکلا **حداد**، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده .

عشق و ناکامی (سرگذشت خانم کاملیا): افشاری، الکساندر **دوما** ، ترجمهٔ احمد

۱۳۵۸

شهیدی .

عشق و نفرت: دنیا و هنر ، ژان باتیست **رسی**، ترجمهٔ پرویز **داریوش**.

عشقهای کارمن : گوتنبرگ ، پروسپر **مریمه**، ترجمهٔ جواد **محبی** .

عشق‌های کازانوا: گوتنبرگ ، آلفرد **کلنی**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ‌رازی**.

عشق‌هرگز نمی‌میرد: (وودرینگ‌هایتس)، علی‌اکبر علمی ، امیلی **برونته**، ترجمهٔ **سرود** .

عصیان : ابن‌سینا ، هرمن **ووک**، ترجمهٔ محمود **فخرداعی** .

عقاب درطوفان : طهوری ، ارنست د . **گان**، ترجمهٔ عبدالله **گله‌داری** .

عقده : مارك‌آگاپی ، ترجمهٔ سیروس **احمدیه** .

عقربهٔ طلایی: مجلهٔ ماه‌نو، ساکس **رونر**، ترجمهٔ محمدعلی **خلیلی**.

عمارت‌کلاه فرنگی : دنیا و هنر ، رایت **لوییس** ترجمهٔ مجید **مسعودی** .

عملیات خارق‌العادهٔ آرسن لوپن : افشاری، موریس لبلان، ترجمهٔ ع. **شکیباپور**.

عنبر : کانون معرفت ، کاتلین **وینسود**، ترجمهٔ مجید **مسعودی** .

عنکبوت زجاجی : کانون معرفت، موریس **مترلینگ**، ترجمهٔ فرامرز **برزگر**.

غرور و تعصب: بنگاه‌ترجمه‌ونشرکتاب، جین **اوستین** ، ترجمهٔ شمس‌الملوك **مصاحب** .

غریزهٔ خوشبختی: آندره **موروآ**، ترجمهٔ ابوذر **صداقت** .

غوغای ژوبیهٔ : محسن، ارسکین **کالدول** ترجمهٔ رضا **سید حسینی**.

فاجعهٔ رمضان : مجلهٔ ماه نو ، جرجی **زیدان** ، ترجمهٔ محمدعلی **شیرازی**.

فاجعهٔ کربلا: مجله ماه‌نو، جرجی **زیدان** ، ترجمهٔ محمدعلی **شیرازی** .

فانوس خیال : افشاری ، (مجموعهٔ داستان از گوته ، دیکنس و هوگو) یوهان ولفکانگ **گوته** ، ترجمهٔ علی **حمید**.

فاوست: مرجان، ایوان **تورگینف**، ترجمهٔ شاپور **رزم‌آزما** و فریدون **بدره‌ای**.

فاوست : یوهان ولفکانگ **گوته**، ترجمهٔ دکتر اسدالله **مبشری** .

فتح قطب شمال وجنوب : امیرکبیر، روسل **اون**، ترجمهٔ حسین **زمانی**.

فرار: سازمان‌کتابهای‌جیبی، پل **بریکهیل**، ترجمهٔ ایرج **ساویز**.

فرار ازظهرین : خزر ، بارت **مایکل** ، ترجمهٔ گیورگیس **آقاسی**.

فراریان سانتاگروز : عطایی.

فردا به‌جهنم‌خواهم رفت : گلچین ، آدلف‌آیشمن ، ترجمهٔ احمد **مرعشی**.

فردا خیلی دیراست : صفیعلیشاه، آلفرد **ماشار**، ترجمهٔ ایرج **علی‌آبادی**.

فردا گریه خواهم کرد : امیرکبیر ، لیلیان **روبرت**، ترجمهٔ ایرج **پزشکزاد**.

فرزندان کاپیتن گرانت : گوتنبرگ، ژول**ورن**، ترجمهٔ جواد **محبی** .

فرزند ملت: مجلهٔ ماه نو، رافائل **ساباتینی**، ترجمهٔ محمدعلی **شیرازی**.

فرشتهٔ لبنان و پادشاه جدید فینقیا : نیکلا **حداد**، ترجمهٔ سیدمصطفی **طباطبایی**.

فوستا (جلد سوم پاردایانها) : گوتنبرگ، میشل‌زواگو، ترجمهٔ **اعتماد**.

قاتل‌کیست : مجلهٔ ماه نو، روی **مایزر**، ترجمه و اقتباس ع . **هاشمی** به‌ضمیمهٔ « خنجر خونین » اثر ن. **شاهرخی**.

قاتل موطلایی : البرز ، جیمز هاردلی‌**چیز** ، ترجمهٔ ا. **آرزو**.

قاضی : برنارد **بویین**، ترجمهٔ ا. **فرید**.

قتل‌درآشیانه: گوتنبرگ، آگاتا **کریستی**، ترجمهٔ **مزدك** .

قدرت و افتخار : امیرکبیر ، گراهام گرین ، ترجمهٔ عبدالله **آزادیان** .

قربانی‌عشق: مجلهٔ ماه نو، رایدر**هگارد**، ترجمهٔ محمدعلی**شیرازی**.

قصر : فرانتس **کافکا**، مترجم عبدالرحمن **صدریه** .

قصر مرموز : فروغی ، موریس **لبلان**، ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور**.

قصه‌های چینی : دنیا وهنر ، لین **یوتانگ** ، ترجمهٔ پرویز **داریوش**.

قلب پاك : کانون معرفت، واندر**مرش**، ترجمهٔ ذبیح‌الله **منصوری** .

قهرمان عصر ما : بنگاه، ترجمه و نشر کتاب، میخائیل **لرمانتف**، ترجمهٔ مهری **آهی** .

قهرمان و نیز: افشاری، میشل **زواگو**، ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور** .

کابوس : کیهان، ویلیام ایرلیس، ترجمهٔ **ضمیر**.

کاپیتان‌راشیل : میشل **زواگو**، ترجمهٔ مهدی **محمود زاده** .

کاپیتان محتاط و دزدان دریایی : گوتنبرگ ، کنت **رابرت**، ترجمهٔ **مسعود رجب‌نیا**

کاتالیا: مجلهٔ ماه نو ، سامرست**موآم** ، ترجمهٔ محسن **فارسی**.

کارآگاه درکاباره : سازمان کتابهای جیبی، ژرژ سیمون، ترجمهٔ حسن **پویان**.

کارخانهٔ مطلق سازی: گوهرخای ، کارل **چاپك**، ترجمهٔ حسن **قائمیان** ، با مقدمهٔ صادق هدایت .

کارد وطناب: سازمان کتابهای جیبی، ژرژ **سیمون**، ترجمهٔ کریم **کشاورز**.

کارگران دریا : امیرکبیر ، ویکتور **هوگو**، ترجمهٔ اردشیر **نیکپور**، (رنجبران دریا ، ترجمهٔ محمدعلی **شیرازی** ، مجلهٔ ماه‌نو.)

کارمن: پروسپر **مریمه**، ترجمهٔ علی **دیوان‌بیگی**.

کاروان مرگ: گوتنبرگ ، ی. هوف‌**منگری**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ رازی** .

کاندیدا : کانون معرفت ، برنارد شاو، ترجمهٔ شجاع‌الدین **شفا** .

کاندید یا خوشبختی : بنگاه ترجمه و نشرکتاب ، فرانسوا ماری آروه **ولتر**، ترجمهٔ جهانگیر **افکاری** .

کشتار بزرگ : متین، میکی **اسپیلین**، ترجمهٔ ا. **آرزو**.

کشتی‌شکسته‌ها : کانون دنیا وهنر ارنست **همینگوی**، ترجمهٔ ابراهیم **گلستان**.

کشتی شکسته‌ها (ترجمهٔ چند داستان): صفی‌علیشاه. شجاع‌الدین **شفا** (مترجم) و دیگران .

کشف هویت جمعیت سرخ مویان: کانن دویل، ترجمهٔ مجید **مسعودی** .

کلئوپاترا: کانون‌معرفت، آرتور **ویکال**، ترجمهٔ **«فرهاد»** .

کلئوپاترا : مجلهٔ ماه‌نو، رایدر**هگارد**، ترجمهٔ محمدعلی **شیرازی** .

کلئوپاترا: امیرکبیر، کارلوماریا **فرانزرو**، ترجمهٔ رضا **براهنی** .

کلبهٔ عموتم: امیرکبیر، هریت‌**بیچراستو**، ترجمهٔ منیرمهران (جزیی).

کلودولگرد: گوتنبرگ، ویکتور**هوگو**، ترجمهٔ محمد **قاضی** .

کمدی الهی: امیرکبیر، الیگیری‌دانته، ترجمهٔ شجاع‌الدین **شفا** .

کمدی انسانی: پیك مرگ و زندگی ، ابن‌سینا ویلیام **سارویان**، ترجمهٔ سیمین **دانشور** .

کنت مونت کریستو : گوتنبرگ ، الکساندر **دوما**، ترجمهٔ ا. **شهریاری** .

کنیتن دور وارد: پاینده، والتر**اسکات**، ترجمهٔ کورش **زعیم**.

کوتولهٔ بینی دراز(مجموعهٔده داستان از نویسندگان معروف): مهدی‌نیکزاد (مترجم).
کوچه‌های تاریك‌لندن: گوتنبرگ، لیندلی **هاردلی**، ترجمهٔ کاظم **اسمعیلی**.
کودکان‌عجیب: تأیید، ژان **کوکتو**، ترجمهٔ ایرج **پور باقر**.
کودك خونخوار: مجلهٔ ماه نو، گاستون **لیرو**، ترجمهٔ محمدعلی **شیرازی**.
کوکایین: آبشار، پیتی **گریلی**، ترجمهٔ رضا **سید حسینی**.
کوهسارحقیقت: دافنه دو**موریه**، ترجمهٔ یوسف **قریب**.
گذرگاه حوادث: گلچین، جمس م. **کاین**، ترجمهٔ «**سرود**».
گرادیوا: صفی‌علیشاه، **نیسن**، ترجمهٔ محمود **نوایی**.
گرازیلایا سوز وگداز عشق: عطایی، آلفونس‌دو **لامارتین**، ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور**.
گربه روی شیروانی داغ: مروارید، توماس لاینر **تنسی ویلیامز**، ترجمهٔ پرویز **ارشد**.
گرتا: کانون معرفت، ارسکین‌کالدول، ترجمهٔ هوشنگ **رکنی**.
گردن کلفت محله: گوتنبرگ، آندره **برتومیو**، ترجمهٔ حبیب **شوقی**.
گرسنه: بنگاه ترجمه و نشرکتاب، کنوت **هامسون**، ترجمهٔ غلامعلی **سیار**.
گرگ‌بیابان: بنگاه، ترجمه‌ونشرکتاب هرمان **هسه**، ترجمهٔ کیکاوس**جهانداری**.
گرگ دریا: کانون معرفت، جك **لندن**، ترجمهٔ جواد **پیمان**.
گرگ سفید: علی جعفری، پل **فوال**، ترجمهٔ فرامرز **برزگر**.
گروه محکومین: امیرکبیر، فرانتس **کافکا**، مترجم حسن **قائمیان** بامقدمهٔ صادق **هدایت**.
گریزپا: کانون‌معرفت، پانتیت**ایستراتی**، ترجمهٔ اورنقی**کرمانی**.
گزند دلبستگی: سخن، پیرگودرلودو **لاکلو**، ترجمهٔ عبدالله توکل با مقدمهٔ آندره مالرووامیل‌وار.
گلوله‌وخون: معرز، جیمزهاردلی‌چیز ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور**.
گمشده: مجلهٔ ماه‌نو، فرانسوا **موریاك**، ترجمهٔ بزرگمهر **صدر**.
گم‌گشته‌ها: گوتنبرگ، آنتوان چخوف، مترجمان: رضا **آذرخشی** وهوشنگ**رادپور**.
گناه‌آغشته به‌خون: گوتنبرگ، میکی **اسپیلین**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ رازی**.
گناه‌عشق(مجموعهٔداستان‌ازنویسندگان خارجی): صفی‌علیشاه، شجاع‌الدین**شفا** مترجم.
گناهکار کیست: کانون معرفت آگاتا‌ـ **کریستی**، ترجمهٔ فرامرز **برزگر**.
گنج گمشده: مرگان، کانن **دویل**، ترجمهٔ **افروز**.
گنجینهٔ ناچیز: کانون معرفت، موریس **مترلینگك**، ترجمهٔ فرامرزبرزگر.
گوزن یکساله: گوهر، مارجوری کینان **راولنیگر**، ترجمهٔ‌موسی **رضایی**.
گوژپشت نتردام: صفی‌علیشاه، ویکتور **هوگو**، ترجمهٔ ا. **کاویان**.
گیل‌گمش: انتشارات فرهنگ سومکا، گئورگ**بورکهارت**، ترجمهٔ‌داود**منشی‌زاده**.
لارونس عربستان: مرجان، روبرت **پاین**، ترجمهٔ‌منوچهر**حقیقی**.
لاله سیاه: گوتنبرگ، الکساندر**دوما**، ترجمهٔ محمد امین **کاردان**.
لام‌لایت: افلاطون، چارلی **چاپلین**، ترجمهٔ رضا **سید حسینی**.
لئون‌مورن‌کشیش: کانون‌معرفت، بئاتریس **بك**، ترجمهٔ‌احمد **شاملو**.
لبخند بخت: مروارید، گی‌**دوموپاسان**، ترجمهٔ‌کریم**کشاورز**.
لبهٔ تیغ: سازمان‌کتابهای جیبی، سامرست **موآم**، ترجمهٔ مهرداد **نبیلی**.
لعنت برجنگك: عطایی، اریش ماریا‌ـ **رمارك**، ترجمهٔ **محمود**.
لکهٔ ننگك: افلاطون، هری‌**گری**، ترجمهٔ س. **افسانه**.
لوکرس برژیا: مروج، ویکتور**هوگو**، ترجمهٔ م. **شریف زندیه**.
لوند: صفی‌علیشاه، اشتفن زوایگ، ترجمهٔ محمود **پورشالچی**.
لیدا: آبشار، آلبرتو **مراویا**، ترجمهٔ موسی **رضایی**.
ما آدم‌نمی‌شیم: خانهٔ کتاب وهنر، عزیز **نسین**، ترجمهٔ ولی‌الله **آصفی**.
مائده‌های زمینی: بنگاه ترجمه ونشر کتاب، آندره**ژید**، ترجمهٔ‌سیروس **ذکاء**.
مادام بوواری: امیرکبیر، گوستاو **فلوبر**، ترجمهٔ مشفق همدانی.
مادر روکامبول: افشاری، پرنسون **دواتری**، ترجمهٔ هاشمی **حایری**.
مارتین‌ایدن: علی‌اکبرعلمی، جك **لندن**، ترجمهٔ ا. **دوستدار**.
ماری‌استوارت: استفن **تسوایگ**، ترجمهٔ «**فرهاد**» (رضامشایخی).
ماه‌پنهان است: صفی علیشاه، جان‌اشتاین بك، ترجمهٔ‌پرویز **داریوش**.
ماه شش‌پنی: پیروز، سامرست**موآم**، ترجمهٔ **مهدی حمیدی**.
ماه عسل: علی جعفری، س **آندره**، ترجمهٔ رضا **قازیاری**.
ماجراجو: مروج، جك **لندن**، ترجمهٔ فرامرز**برزگر**.
ماجراهایی از یورش‌های کرمول به ایرلند: گوتنبرگ، **بررتون**، ترجمهٔ پرویز **نظامی**.
ماجراهای‌اولیورتوایست: گوتنبرگ، چارلز **دیکنز**، ترجمهٔ یوسف**قریب**.
ماجراهای سواستپول: علی جعفری، لئون **تولستوی**، ترجمهٔ پرویز**نظامی**.
ماجراهای‌شرلوك هولمز، کارآگاه‌نامی جهان، گوتنبرگ، کانن **دویل**، ترجمهٔ مجید **مسعودی**.
ماجرای آغاز شب: ابن‌سینا، اشتفن **زوایگ**، ترجمهٔ ناصر **ایراندوست**.
ماجرای تلهاك و هرکول: گلچین ـ قائم‌مقام، **هومر**، ترجمه ونگارش نصرالله باب‌الحوایجی.
ماجرای مضحك: آناتول فرانس(نام مستعار)مترجم‌ـ مصطفی**سادات شریفی**.
ماجرای یك‌قتل: سازمان‌کتابهای‌جیبی، آگاتا**کریستی**، ترجمهٔ محمود **فخرداعی**.
متهم (سرگذشت یك‌نفر زندانی در روسیه) الکساندر **ویسبرگك**.
مجادلهٔ آرسن لوپن وشرلوك‌هلمس: شعله، موریس**لبلان**، ترجمهٔ‌ع.**شکیباپور**.
مجلس اشراف‌یاسالن‌اشیاء عتیقه: هدف، اونوره **دوبالزاك**، ترجمهٔ موسی**فرهنگ رازی**.
مجموعهٔ کامل‌آثارجبران‌خلیل‌جبران: کانون معرفت، جبران خلیل **جبران**،

۱۳۶۰

ترجمه و نگارش، مصطفی **طباطبایی**.

محاکمهٔ ابلیس: سازمان کتابهای جیبی، و پیر **فورکن**، ترجمهٔ مح. **کدری**.

محبوس سری: افشاری، الکساندر **دوما**، ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور**.

محکوم بی‌گناه (مجموعه‌ای از آثار نظم و نثر، دو ترجمهٔ اشخاص مختلف): افلاطون، ویکتور **هوگو**.

مرتد: افشاری، جک **لندن**، ترجمهٔ مسعود **فرزان**.

مرداب آرام: حکمت، ایوان **تورگنیف**، ترجمهٔ م. د. **نادر** با مقدمهٔ سعید **نفیسی**.

مردان بی‌زن: طهوری، ارنست **همینگوی**، ترجمهٔ محمد **عباسی**.

مرد بی‌شناسنامه: مروج، ژان **روسلو**، ترجمهٔ ب. **بهرام**.

مرد خاکستری: گوتنبرگ، پرنسون دو **ترای**، ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور**.

مردم فقیر: گوتنبرگ، فئودور **داستایوسکی**، ترجمهٔ کاظم **انصاری**.

مرد نامرئی: سپیده، هربرت جورج **ولز**، ترجمهٔ گیورگیس **آقاسی**.

مرده مرموز: آلری **کوئین**، ترجمهٔ **صدری**.

مردی در دام: گوتنبرگ، جک **فینی**، ترجمهٔ **پندار**.

مردی که آدم کشت: گوتنبرگ، کلود **فارر**، ترجمهٔ حشمت **شریعتمداری**.

مردی که زیرزمین زندگی می‌کرد: نیل، ریچارد **رایت**، ترجمهٔ امیرحسین **جهانبگلو**.

مردی که سایه‌اش را فروخت: کانون معرفت، ادالبردو **دوشامیو**، ترجمهٔ عبدالله **توکل**.

مردی که می‌خندد: گوتنبرگ، ویکتور **هوگو**، ترجمهٔ جواد **محیی**.

مردی که می‌لنگد: گوتنبرگ، ی. ل. **گنرف**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ رازی**.

مرگ آرام: گلچین، جیمز هاردلی چیز، ترجمهٔ ذبیح‌الله **منصوری**.

مرگ و زندگی به‌ضمیمهٔ اعجاز مریم مقدس اثر کلودل: شعله، موریس **مترلینگک**، ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور**.

مروارید: سازمان کتابهای جیبی، جان **اشتاین بک** ـ ترجمهٔ محمد جعفر **محجوب**.

مزد ترس: امیرکبیر، ژرژ **آرنو**، ترجمهٔ محمود **نوایی**.

من عادل هستم: گلچین، ترجمهٔ گیورگیس **آقاسی**، تألیف، میکی **اسپیلین**.

مسابقه: دانش، جک **لندن**، ترجمهٔ «**الک**».

مسافرت به‌کرهٔ ماه: گلشایی، ه. ج. **ولز**، ترجمهٔ محمدرضا **امینی**.

مسخ و گراکوس شکارچی: امیرکبیر، فرانتس **کافکا**، ترجمهٔ صادق **هدایت** و حسن **قائمیان**.

مشعل سنگین: کانون معرفت، شیلاملک‌کی **راسل**، ترجمهٔ حبیبهٔ **فیوضات**.

مشعل عشق و ازدواج و سعادت: ابن‌سینا، مارسل **کسار**، ترجمهٔ مسعود **جنتی عطایی**.

معشوقه‌چینی: گوتنبرگ، ی. ل. **گنرف**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ رازی**.

معشوقهٔ لویی پانزدهم: کانون معرفت، الکساندر **دوما**، ترجمهٔ ابوتراب **نوری**.

معشوقهٔ ناپلئون: لئون ویال **دوبویر**، ترجمهٔ، ف. **بهروان**.

معشوق‌های من: کانون معرفت، والتر **کرایسلر**، ترجمهٔ رضا **سید حسینی**.

مقتولین نیمه شب: صفی‌علیشاه، آگاتا **کریستی**، ترجمهٔ ج. **منصوری**.

مکافات: شرق، موریس **مترلینگک**، ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور**.

ملانصرالدین: گوتنبرگ، آلیس **گیرکلیس**، ترجمهٔ موسی **فرهنگ رازی**.

ملکهٔ باکره: علی جعفری، **لانتیاک** ترجمهٔ ذبیح‌الله **منصوری**.

ملکهٔ مرموز: مجلهٔ ماه نو، رایدر **هگارد**، ترجمهٔ محمدعلی **شیرازی**.

موروناى سبزپوش: امیرکبیر، ج. م. ماتیسن، ترجمهٔ حسن **صفوی**.

موبی‌دیک (وال سفید): ناشر امیرکبیر ترجمهٔ پرویز **داریوش**.

میخائیل: سگ سیرک، صفی‌علیشاه جک لندن، ترجمهٔ م. **مهربان**.

میخواهم زنده بمانم: کتاب کیهان، ادوارد. س. **مونتگمری**، ترجمهٔ فروغ **مصباح زاده**.

میشل استروگف: مجلهٔ ماه نو: ژول **ورن**، ترجمهٔ محمدعلی **خلیلی**.

میکدهٔ ژامائیک: امیرکبیر، دافنه **دوموریه**، ترجمهٔ ف. **جلوه**.

نازنین و بوبوک: فئودور داستایوسکی، ترجمهٔ رحمت **الهی**.

ناشناس مرا ببوس: عطایی، دافنه **دوموریه**، ترجمهٔ **محمود**.

ناکامی جاودانه: کانون معرفت، ایدیت **وارتن**، ترجمهٔ جواد **امامی**.

نانا: مجلهٔ ماه نو، امیل **زولا**، ترجمهٔ محمدعلی **شیرازی**.

نامزدی: کانون معرفت، ژیلاس **ژیلاهی**، ترجمهٔ عبدالله **توکل**.

ناندسان میکله: نشر اندیشه، اکسل **مونته**، ترجمهٔ (**محمود اعتماد زاده**) م. به‌آذین.

نامه‌های آسیابم: آلفونس **دوده**، ترجمهٔ م. **صالحی**.

نامه‌های گذشته (ترجمهٔ ۱۱ داستان): صفی‌علیشاه، شجاع‌الدین **شفا** (مترجم).

نامه‌های یک برهمایی: فرانسوا ماری آروه **ولتر**، ترجمهٔ امیر **فرزان**.

نامهٔ یک زن ناشناس: ابن‌سینا، اشتفن **زوایگ**، ترجمهٔ حسنعلی **نصر**.

نبرد با مشکلات: صفی‌علیشاه، والتر **کرایسلر**، ترجمهٔ محمود **ضیایی**.

ندای وجدان: کانون معرفت، استفن **تسوایگ**، ترجمهٔ مجید **مسعودی**.

نشان سرخ دلیری: امیرکبیر، استفن **کرین**، ترجمهٔ غفور **آلبا**.

نعرهٔ انتقام: عطایی، کورت **اشتاینر**، ترجمهٔ فرامرز برزگر و ج. **منصوری**.

نقاب وحشت: آرمان، گاستون **بوکا**، ترجمهٔ فرامرز برزگر. ج **منصوری**.

نقشه برای قتل: کیهان، ویلیامز **هاردلی**، ترجمهٔ سیروس **ارشادی**.

نود و سه: افلاطون، ویکتور **هوگو**، ترجمهٔ ج «**همای**».

نوستراداموس: افشاری، م. پ. **ادوارد**، ترجمهٔ عنایت‌الله **شکیباپور**.

نوکر: راسین **موآم**، ترجمهٔ همایون **نوراحمر**.

نه‌سال مرده بودم: جان **نوبل**، ترجمهٔ مهدی **ملکی** و عزت‌الله **دهقانی**.

نیرنگ زنان: معرفت، اشتفن **زوایگ**، ترجمهٔ عبدالله **توکل**.

نیکی (داستان یک سگ): تیبور **دری**، ترجمهٔ جلال **پایدار**.

نیورنززیبا: انوشه، آلفونس **دوده**، ترجمهٔ روحی **ارباب**.

نیوشکا: گوهرخای، فئودور **داستایوسکی**، ترجمهٔ اردشیر **نیکپور**.

وانیبا وانینی: سازمان کتابهای جیبی، هنری بیل **استاندال**، ترجمهٔ جهانگیر

افکاری .

وداع با اسلحه : صفی‌علیشاه ، ارنست همینگوی، ترجمهٔ نجف دریا بندری .

وسوسهٔ شیطان: دریا، جیمزهاردلی چیز، ترجمهٔ گیورگیس آقاسی.

وقتی‌که گانگسترها جدیت می‌کنند : گلچین،هورس مك‌کری، ترجمهٔ ذبیح‌الله منصوری .

ولگردان: علمی، جان‌اشتاین‌بك، ترجمهٔ یوسف جمشیدی پور.

ولگردان:ماکسیم گورکی، ترجمهٔ علی‌اکبر کسمایی .

ویکتوریا: دنیا وهنر، کنوت هامسون، ترجمهٔ ناصرالدین خطیر.

هایی‌تی : نشر اندیشه ، ویلیام بوآ، ترجمهٔ کاظم انصاری .

۱۹۸۴ : جورج اورول، ترجمهٔ مهدی بهره‌مند .

هفت امضاء : علی‌اکبر علمی ، ریشارد اسکس، ترجمهٔ رضا قازیاری .

هکلبری فین : مارك تواین ،ترجمهٔ ابراهیم گلستان .

هلوییز جدید: گوتمبرگ ، ژان ژاك روسو، ترجمهٔ علی‌حقیقی .

همسران هنرمندان: نیل، آلفونس دوده، ترجمهٔ حسن هنرمندی .

همیشه شوهر : امیرکبیر ، فئودور داستایوسکی، ترجمهٔ علی‌اصغرخبره‌زاده.

هنگامهٔ مرگ وزندگی : گوتمبرگ، اریش‌ماریارمارك، ترجمهٔ فریدون‌صدری.

هوس بهاری: سازمان کتابهای جیبی، توماس لاینرتنسی ویلیامز، ترجمهٔ عبدالله گله‌داری .

هوسهای امپراتور یا کجا می‌روی: امیرکبیر، هنریك سینکیویچ ،ترجمهٔ حسن‌شهباز .

یادداشتهای زیرزمینی : فئودور داستایوسکی، ترجمهٔ رحمت‌الهی.

یادداشت‌های یك محصل:کانون‌معرفت، لاسنر اوبك، ترجمهٔ هوشنگ نمازی.

یاغی‌سیسیل: م. نصیری (مترجم).

یتیم : کانون معرفت ، شارلوت برونته، ترجمهٔ مسعودبرزین .

یك روزقبل ازفردا : رابرت ویتمن، ترجمهٔ پروان .

یك شب خلوت : خزر، میکی اسپیلین ، ترجمهٔ گیورگیس آقاسی .

یك قلب آشفته : مجلهٔ ماه نو ، اشتفن زوایگ، ترجمهٔ جواد فاضل.

یك گلوله و یك زن : سازمان کتابهای جیبی، پل گروگر، ترجمهٔ م. هاشمی.

یك محصل در مسکو : آندرو ریچارد آمر، ترجمهٔ جلال پایدار .

یك مومیایی : تئوفیل گوتیه ، ترجمهٔ شجاع‌الدین شفا.

یك نوع حکومت : گوهر، والتر کولار، ترجمهٔ ا. پورهاشم.

یك‌نوع لبخند: صفی‌علیشاه ، فرانسواز ساگان، ترجمهٔ محمود پورشالچی .

یك وجب‌خاك‌خدا: دنیا وهنر،ارسکین کالدول، ترجمهٔ « سرود » .

یهودی سرگردان : اوژن سو، ترجمهٔ « نویساد ».

نثرمعاصر

« داستانها وقطعات ادبی »

آیینه: ابن‌سینا ، محمد حجازی (مطیع‌الدوله) .

آثار ادبی ایران با ترجمهٔ انگلیسی : عطایی، احمد ترك‌زاده.

آتشهای نهفته(یاحساب‌درست‌درنیامد): گوهرخای، سعید نفیسی.

آدمکهای پلاستیکی«کلافه»: هنروکتاب، محمد آقازاده .

آدمها دربند: هنر وکتاب، امیرگل‌آرا.

آرزوی جنوب: شرق، فریدون‌کار.

آرش در قلمرو تردید (ده داستان): نادرابراهیمی.

آزیتا : حسینقلی مستعان .

اسرار مقبرهٔ سبز : افشاری ، مهدی محمودزاده .

آلامد :گوتمبرگ ، حسینقلی مستعان.

آن‌روزخورشیدمرد:حسین‌عازمی‌خواه.

آوار : مازیار . ج . ناطقی و د . احیاء .

آواره: معرفت ، ارونقی‌کرمانی.

آهنگ : ابن‌سینا ، محمد حجازی.

آهنگ زندگی: با مقدمهٔ احمد افشار ، غنچهٔ نیکخواه .

احمدآقا : نیکو ، ف.علوی وزیری.

اسائهٔ ادب : هاشم اعتماد سرابی.

اسب‌سفید: غلامحسین‌خیر.

استخوانهای تهی(مجموعهٔ داستان) : مجید دانش‌آراسته.

اسیرخاك :گلستان، فریدون آموزگار .

اشتباه‌نکنیم: غلامرضا، افخمی‌روحانی.

اشك دیوانه : کانون معرفت ، جلیلای رکنی .

اعترافات من : ملکهٔ اعتضادی .

اعتراف یك معلم :رضا ایزدی .

افسانهٔ دنیا و تجلی خدا : فروغی با مقدمهٔ سعید نفیسی ، انور قهرمان .

افسانهٔ قاجار : علی‌اکبر علمی ، حمزهٔ سردادور .

افسانه‌های‌زرین : با همکاری هوشنگ توانگر و کورش زعیم ، محمد رضا امینی .

افسونکار : امیرکبیر، جواد فاضل.

الاراجیف : تأیید ، مهدی سهیلی.

التهاب : هوشنگ اکبرزاده .

امید زندگی: شهریار،محمد صمصامی.

انتری‌که لوطیش مرده بود : سازمان کتابهای جیبی، صادق‌چوبك .

اندیشه : ابن‌سینا ، محمد حجازی .

انسانهای کشتزار : حسن شریفی.

اولین برگ: امیرکبیر، ناصرخدایار.

ایام‌محبس : ابن‌سینا ، علی‌دشتی.

این است زندگی: منصور منصوری.

بازیچه و دو داستان دیگر : جلال سعیدنیا .

باستان نامه :آتشکده، فره‌وشی(مترجم همایون) .

باشرفها (جلد۱،۲،۳): امیرکبیر،ع. راصع .

بانوی بی‌گناه: امیرکبیر،جواد فاضل.

بخاطر لیلی : کانون معرفت ، احمد ناظرزادهٔ کرمانی .

برروی شنهای ساحل:جهانگیر تفضلی.

برگ سبز : محمد مصری .

برگور خاطرات : علیرضا شهلاپور.

بسوی او(جلد اول) ورمز تکامل (جلد دوم) و شاهکار خلقت (جلد سوم): سروش . محمدحسین میمندی نژاد.

بوبول : نیل ، ایرج پزشکزاد .

بوسهٔ تلخ : اقبال ، ملکهٔ بقایی‌کرمانی.

بوف کور : امیرکبیر ، صادق هدایت.

بهشت:گوتمبرگ حسینقلی مستعان .

بیژن و منیژه: مجلهٔ ماه‌نو، رحیم‌زادهٔ صفوی .

۱۳۶۲

بیشادکا: رضا موسی‌زاده (جهانگیر).
بی‌گناه: صفی‌علیشاه، محمدحسین میمندی نژاد.
بینوا و من: ملکهٔ اعتضادی.
بیهودگی: اهوازامیرکبیر، احمد محمود.
پادزهر: خسرو حمزوی.
پاشنه‌های برفی: با مقدمهٔ محمد معین، عباس حکیم.
پالیزبان: انجمن ادبی حافظ، مهرداد اوستا.
پانزده‌سال‌رنج: باستان، ایرج مستوفی.
پایان‌سرنوشت‌دردریا: مهدی‌محمودزاده.
پتیاره‌خانم: «کامپوره».
پرسیلا: صفی‌علیشاه، انوری.
پروازروح: صدرالدین میرزایی.
پروانه: ، ابن‌سینا، محمدحجازی.
پریچهر: ابن‌سینا، محمدحجازی.
پشت‌به‌دیوار: علی‌اصغر صدرحاج سید جوادی.
پشیمان: گوتمبرگ، حسینقلی مستعان.
پنج‌پر: داریوش‌صبور.
پنج‌داستان: امیرکبیر، فریدهٔ قراچه‌داغی (مترجم).
پنجره‌های‌کور: مجلهٔ هنر واندیشه، علی‌اصغر صدرحاج سیدجوادی.
پیشگویی‌سال۱۳۳۲: حسین گلپایگانی وستار شاهین.
پیک‌آشنا: «منیر».
پیوندزندگی: مجلهٔ ماه نو، ابراهیم‌دیلمقانی.
پیوندهای تلخ: طاهرهٔ صفارزاده (مردمك).
تازیانه‌های بهشت: جلد اول (دالان جهنم) با مقدمهٔ خلیل‌ملکی، ناشرعلی‌اکبر علمی، ناصر خدایار.
تاوقتی‌که خروس می‌خواند: لعبت‌والا.
تبسم‌بودا: سعید عنایتی.
تپهٔ‌سبزپوش: فروغی «راز.»
تحصیل‌کرده‌ها: صفی‌علیشاه، ربیع مشفق‌همدانی.
تلخ‌وشیرین: کانون معرفت، محمدعلی جمال‌زاده.
تنگسیر: امیرکبیر، صادق چوبك.
تهران‌مخوف: ابن سینا، مرتضی مشفق کاظمی.
توفان (مجموعهٔ داستان): رضا آذرخشی.
جادو: امیرکبیر، علی‌دشتی.
جاده‌های بریده: خزر، قاسم لاربن.
جاودانگی: پیروز، «درویش».
جذام، چه می‌توان‌کرد؟ هنروکتاب، امیرگل‌آرا.
جمیله: کتاب فروشی‌تهران، محمدحسین شهرستانی.
جوانی: کیواندخت یحیایی.
جوجه‌ها به‌پروازدرمی‌آیند: کورش‌زعیم.
جهازی: ابن‌سینا، مهدی بهره‌مند.
جهانبانو: امیرکبیر، جواد فاضل.
چالهٔ‌زندگی: ابوالفتح قهرمانی.
چرندوپرند: سازمان‌کتابهای جیبی، علی‌اکبر دهخدا.
چشمه: (چندنوول از خارجی وایرانی) صفی.
چشمهٔ سیماب: شین پرتو.
چکمه‌های‌سیاه: ناهید سرفراز.
چمدان: صفی‌علیشاه، بزرگ علوی.
چینی‌شکسته: ابوالقاسم پرتواعظم.
حاج مم جعفر درپاریس: صفی‌علیشاه، ا.پ. آشنا.
حاجی‌آقا: امیرکبیر، صادق‌هدایت.
حادثه: امیرکبیر، جواد فاضل.
حذف‌النور: اپیکور، معرفت، محمدحسین شهرستانی.
حرمسرای خسروپرویز: افشاری، عنایت‌الله شکیباپور.
حسن صباح: علی اکبرعلمی، جلال نعمت‌اللهی.
حکایتی‌واشارتی: سازمان‌کتابهای‌جیبی، فخرالدین شادمان.
خاطرات‌خدا: صفی‌علیشاه، ا.نوری.
خاطرات‌کوهستان: عطاءالله اخگر.
خاطرات یك‌دزد: محمود دژکام.
خاطره‌ای چند: ابن‌سینا، محمد علی شکوهیان.
خاك‌برسرعشق: گوتمبرگ، خاکسارابهری.
خاك‌وآدم: محمدعلی جمالزاده.
خانه‌ای برای شب: امیرکبیر، نادر ابراهیمی.
خانهٔ‌فلزی: طاعتی، محمود طیاری.
خانه‌های‌شهری: غلامحسین ساعدی.
خداحافظ‌باسل: (نامه‌های دلنشین‌او)، محمدیزدی.
خردجال: ایرام شهیدی.
خرگوشها: ایرج پزشکزاد.
خروش: مجلهٔ ماه نو، عباس‌خلیلی.
خفاش: ابن سینا، ابوالقاسم‌پرتواعظم.
خم‌کوچه: معرفت، وجدی شاداب.
خونبها: ابن‌سینا، نوری
خیزران: خسروحمزوی.
خیمه‌شب بازی: گوتمبرگ، صادق چوبك.
داستان‌حرمان: بهین دارایی.
داستانهای‌ح،م،حمید: حسینقلی‌مستعان.
داستانهای واقعی‌به‌نام‌عشقها_خونها: ایفل، شاپور آرین‌نژاد.
دخترپرستار: «یك‌پزشك».
دخترشامگاه: ابن‌سینا، احمد ناظرزادهٔ کرمانی.
دختریتیم: معرفت، جوادفاضل.
دختری‌که مرد: انوشه، فریدون بدره‌ای.
دختری‌وعروسکهایش: آرمان، ناصر خدایار.
دخمهٔ‌ارغون: ابن‌سینا، حبیب‌یغمایی.
دربزم‌گلها (مجموعهٔ‌داستان): ابن‌سینا بامقدمهٔ‌فریدون‌توللی، بهاررهگو.
در بسته: نیل، ناصرنیرمحمدی.
درپس پرده: علی‌اکبر علمی، حمزهٔ سردادور.
درخانه‌اگرکسی‌هست: فریدون‌هدایت‌پور وعبدالحسین نیری.
درسیمای زندگی: ابوالقاسم‌پاینده.
درشکه‌چی مفت‌آباد: شجاع ملایری.
درمرز سیاهیها: احمدآقایی.
درمیان آسمان آبی: عنایت پایگان.
دریا: ابن‌سینا، عزت‌الله همایونفر.
دسته‌گل: خزر، محمد مختارزاده.
دلارام: حسینقلی مستعان.
دوران خوش‌گذشتهٔ ما: علی‌رضا.
دوشیزهٔ ایروان یاخورشیدکلاه‌خانم: علی‌جعفری، مهدی مافی (سعدالملك).

دوگدا: ابوالفتح **قهرمانی.**
ده‌نفر قزلباش: مرجان، حسین **مسرور** (سخنیار).
دیدار: ناصر نظمی.
دید و بازدید (مجموعهٔ هفت داستان وهفت مقاله): امیرکبیر، جلال **آل‌احمد.**
رابعه دختر کعب : کانون معرفت، ناصر **نجمی .**
راز گلها : (به‌انضمام سی و دو نامهٔ عاشقانه) : امیرکبیر، فریدون **کار.**
رازها : خزر، قاسم **لادبن.**
راه‌آب نامه : کانون معرفت ، محمدعلی **جمالزاده .**
راه شیطان : غلامحسین **خیر.**
رفزا : گوتمبرگ ، حسینقلی **مستعان .**
رقص با خنجر: افشاری، احمد **ناظرزادهٔ کرمانی .**
رقص گلها : شمس‌الدین **فرهیخته .**
رنجهایی‌که پایان پذیرفت: محمدحسین **میمندی‌نژاد .**
رنه : عباس **آشفتهٔ کاشانی .**
روزهای رفته : ابن‌سینا ، محمد علی **شکوهیان .**
رؤیای قمصر : کاظم **سزایی.**
زنبق ناچین: صفیعلیشاه، مهین **بهرامی.**
زنجیر: خاکسار ابهری .
زندگی پرماجرای نادرشاه افشار (طوطی) : سپید وسیاه ، محمدحسین **میمندی نژاد .**
زنده بگور وآب زندگی : امیرکبیر، صادق **هدایت .**
زن زیادی (مجموعهٔ داستان): جلال **آل احمد .**
زورق طلایی : مجلهٔ ماه‌نو ، **اورنقی کرمانی.**
زهره: مهدی ، بادونظریه ازکاظم‌زادهٔ ایرانشهرومحیی‌الدین‌معارفی، محمدجعفر **معین‌فر .**
زیبا : سازمان‌کتابهای جیبی، محمد **حجازی.**
ساغر: ابن سینا ، محمد**حجازی .**
ساکن‌محلهٔغم : ر.**اعتمادی.**
سایه: ابن‌سینا ، علی **دشتی .**
سایه‌روشن: امیرکبیر ،صادق**هدایت .**
سایهٔگذشته‌ها: ابن‌سینا، مهدی **اخوت.**
سحرگاه‌خونین:افلاطون ،امیر**عشیری.**
سرپل: علی**پاك‌بین.**
سرشك: سازمای کتابهای جیبی ، محمد **حجازی .**
سرگذشت‌بدری: امیرکبیر. جواد**فاضل.**
سرگذشت کندوها (یک قصه): جلال **آل احمد .**
سر وته یك کرباس : کانون معرفت ، محمدعلی **جمالزاده.**
سرود ناز : ابن‌سینا ، بهرام **شاهرخ.**
سگ ولگرد: امیرکبیر، **صادق‌هدایت.**
سنجاق مروارید : مهین **تولّلی.**
سه قطره خون : امیرکبیر ، صادق **هدایت .**
سیماجان: با مقدمهٔ محمودتفضلی،محمد **عاصمی .**
شاعره (مجموعهٔ داستان) : نصرت‌الله **پور افکاری .**
شام شوم: مجلهٔ ماه‌نو، احمد **ناظرزادهٔ کرمانی .**
شاهد شیراز: احمد **خان‌ملك‌ساسانی.**
شاهزاده خانم سبزچشم و داستانهای دیگر : جمال **میرصادقی.**
شاهکار : کانون معرفت ، محمدعلی **جمالزاده .**
شب نشینی با شکوه : امیرکبیر ، غلامحسین **ساعدی .**
شبهای اصفهان: عطایی،احمد**ترك‌زاده.**
شبهای عزیز : ناصر **خاکی.**
شراره : با مقدمهٔ سعید نفیسی، علی‌اصغر **نصیریان .**
شرف راهزن : خزر، شاپور **آرین‌نژاد.**
شرنگ : با مقدمهٔ زین‌العابدین‌مؤتمن، علیرضا **شهلاپور.**
شرنگ زندگی : گلستان ، ابوالقاسم **رحمانی.**
شش‌سال‌درقبیلهٔزنهای وحشی‌آمازون: گوتمبرگ ، منوچهر**مطیعی (عقاب).**
شطرنج زندگی: گالری هنری جدید ، **ژازه (طباطبایی) .**
شعله : صفی‌علیشاه ، جواد **فاضل.**
شقو : حمید **رهنما .**
شکار سایه : ابراهیم**گلستان .**
شکسته : ابن‌سینا، عزت‌الله **همایونفر .**
شلوار چیت گلدار : با مقدمهٔ ابراهیم بنی‌احمد ، ابوالفتح **قهرمانی.**
شلوارهای وصله‌دار: امیرکبیر، رسول **پرویزی .**
شمع می‌سوخت : عزت‌الله **همایونفر .**
شور آباد : مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات ، محمدعلی **جمالزاده .**
شوره‌زار: خاکسارابهری .
شوریده :گوتمبرگ ، حسینقلی**مستعان.**
شوریده: فریدون **صلاحی.**
شوهرآهوخانم : امیرکبیر،محمدعلی **افغانی .**
شهرآشوب:گوتمبرگ، حسینقلی**مستعان** (حبیب) .
شهرزاد :گوتمبرگ ، حسینقلی**مستعان.**
شهرزاد قصه می‌گوید : صفیعلیشاه، تنظیم‌کننده علیرضا کریمیان ، **شهرزاد.**
شهری چون‌بهشت:علی‌اکبرعلمی،سیمین **دانشور.**
شیخ مرتضی‌دعانویس: مجلهٔامیدایران، اسماعیل**پور سعید .**
شیدا : گوتمبرگ ، حسینقلی **مستعان.**
شیدای‌بهبهانی(بیست‌داستان) ابن‌سینا، **« نوری ».**
شیرزاد یا گرگ‌جاده : ابن‌سینا،احمد **ناظرزادهٔ کرمانی.**
شیرین وتلخ : شیرین **جلایر.**
شیطانه : مجلهٔ ماه‌نو ، محمدعلی**خلیلی.**
صحرای‌محشر: کانون معرفت، محمدعلی **جمالزاده .**
طوطی (گوشه‌ای از تاریخ جذاب و هیجان‌انگیز نادرشاه افشار) : علی‌اکبر علمی ، مجید **دوامی.**
عروس: گوتمبرگ ، حسینقلی **مستعان.**
عروس‌مرو (کیانوش دختر یزدگرد): علی**صفری .**
عشق پروین : علی‌اکبر**مهران.**
عشق‌مقدس:گوتمبرگ،حسینقلی**مستعان.**
عشق وانتقامهای وحشتناك : جهانگیر **صالحی .**
عشق و سرنوشت : علی**آذری.**
عشق و عشق : امیرکبیر ، ربیع **مشفق همدانی.**
عشقهای بهرام گور : مجلهٔ ماه‌نو ، محمدعلی**خلیلی.**
عشقهای سلطان عبدالحمید : افشاری ، مهدی **محمود زاده .**
عصر پاییزی : شاپور **قریب .**
عقاب تنها : ب **مقدم .**
علویه خانم و ولنگاری : امیرکبیر ، صادق **هدایت .**
غزال : گوتمبرگ ، حسینقلی **مستعان.**
غمهای زندگی : مهدی **محمود زاده .**
غیرازخدا هیچ‌کس‌نبود:کانون معرفت، محمدعلی **جمالزاده .**

۱۳۶۴

فاحشه : معرفت ، جواد **فاضل.**
فانوس : ابن‌سینا ، نورالهدی **منگنه .**
فتنه: معرفت، علی **دشتی.**
فراموش مکن: اطاق بازرگانی تهران، علی **وکیلی .**
فردا تاریکتراست : قـائم مقام، حسین **فروتن.**
فردای روشن: حسین **برتون.**
فرمان شمشیر: شرق ، نعمت‌الله **قاضی.**
فرنگیس: امیرکبیرـ نشر اندیشه، سعید **نفیسی.**
فروغ اندیشه: حمید، علی **مدرسی.**
فریب: علی‌اکبر علمی، جواد **فاضل.**
فقیر: م. ج. **خانشقاقی .**
قاضی واق واق: گوتمبرگ ، عبدالحق **فاضل.**
قبول : تجدید؟ رد : خاکساراپهری.
قربانی: امیرکبیر، جواد **فاضل.**
قصری درسوئد: (پرستو) امیرکبیر ، ترجمهٔ ایرج **قریب .**
قصهٔ انسانیت: گـوتمبـرگ، حسینقلی **مستعان.**
قصهٔ رسوایی : امیـرکبیـر، حسینقلی **مستعان.**
قلبی در موج خون: علـی اکبرعلمی، جواد **فاضل.**
قلتشن دیوان: کانون معرفت،محمد علی **جمالزاده .**
قلم حساس: علی‌اکبر **مهتدی.**
قوس قزح: نوری.
قیام اسمعیلیه (فتنهٔ حسن صباح یا راه بهشت): امیدوار، شاپور **آرین نژاد.**
کتاب آلیسا : علیرضا **شهلاپور.**
کتاب بی نام (زندگی من در خانهٔ خداست): ابن‌سینا، فخرالدین **شادمان.**
کجاوهٔ زرین: منیرالدین **دادگستر.**
کنسرت ناتمام: جلال **مصحفی کرمانی.**
کوهستان سبز: نـور جهـان، جمشیـد **صفای اصفهانی.**
کهنه و نو: کانون معرفت، محمد علـی **جمالزاده.**
کیمیاگران: علـی اکبـر علمی، حمزهٔ **سردادور.**
گذرگاه بی پایان : ک. تینا.

گذشت: عباسقلی **آذری.**
گردباد: کورش **زعیم.**
گشت و گله: داود **محمدی.**
گل ریواس: عباس **حکیم.**
گل سفید: با نوشته‌ای از مهدی آذرـ یزدی، جلال **مصحفی کرمانی.**
گلهای درهم ریخته: خ موحدی **دیلمقانی.**
گلی: گوتمبرگ، حسینقلی **مستعان.**
گلی بدامان خار: مـؤسسهٔ چـاپ و انتشارات‌علمی بـا مقدمهٔ سعید نفیسی، مصطفی **شهرام .**
گناه مقدس: جاوید، حسینقلی **مستعان.**
گنبد حلبی: مروارید، شاپور **قریب.**
گول: (مجموعهٔ داستان)، م. **بضاعتی.**
گیتا (دختر کولی): هدایت‌الله **حکیم‌ـ الهی.**
لانهٔ پرستو: علی رضا.
لبخند: معرفت، مهدی **آذر یزدی.**
لذت: حسینقلی **مستعان.**
لیلا: امیرکبیر (مجموعهٔ داستان) ، ترجمهٔ هوشنگ **مستوفی .**
ماجرای دل سر افکنده: گـوتمبرگ، حسینقلی **مستعان.**
مادام بوواری: امیرکبیر ،گوستافلوبر ترجمهٔ مشفق **همدانی.**
مادر: معـرفتـ اپیکور، محمـد حسین **شهرستانی.**
ماه نخشب : (چهارده داستان تاریخی) امیرکبیر،سعید **نفیسی.**
مجسمه‌ها: قائم مقام، **مـ ارغوان.**
مجموعهٔ نوشته‌های پراکنده: امیرکبیر، گردآورنده حسن‌قائمیان،صادق **هدایت.**
محکوم: ابوالحسن **صدر.**
مدیر مدرسه : (پرستو) امیرکبیر ، جلال **آل‌احمد.**
مردان خدا: صفیعلیشاه، مسعود **حاتم.**
مردك: خزر، قاسم **لادبن.**
مردی‌در تاریکی‌روحش‌و«جهادمقدس»: صدر **ذوالریاستین سروش.**
مردی در قفس: گلستـان، فـریـدون **آموزگار.**
مردی که تنها مانده بود: ابـوالحسن **اعتصامی.**
مردی که درغبارگم شد: گـوتمبرگ، نصرت **رحمانی.**
مرغ عشق: (مجموعهٔ‌داستان)مرتضی **یونس.**

مروارید غم: علیرضا **شهلاپور.**
مزمزهٔ خاطرات: (مجموعـهٔ داستـان) **نواب‌پور.**
مسافرت قاچاقی من به لندن: ع **راصع.**
معصومهٔ شیرازی: کانون معرفت، محمدـ علی **جمالزاده.**
مکافات: شرکت طبع کتـاب، همـایون **الهی** (پاروت).
مکر زنان: کمال‌الدین **مرتضویان .**
من بیگناهم: گوتمبرگ، **حافظی.**
منشورات یا منشآت و ترسلات سمیعی: علی اکبر علمی، حسین **سمیعی** (ادیبـ السلطنه).
من و گریه‌های من: محمدجعفر **معین‌فر.**
مول: احمد **محمود.**
مهتاب: امیر کبیر، جواد **فاضل.**
مهربانی: گوتمبرگ، حسینقلی **مستعان.**
مهرداد (ترانهٔ زندگی ومرگ): ابنـ سینا، بهرام **شاهرخ.**
نادر فاتح دهلی: با مقدمه بازیل نیکیـ تین، **صنعتی‌زادهٔ کرمانی.**
ناز مرگ: منوچهر **جابری.**
نازنین: کانون معرفت، جواد **فاضل.**
ناشناخته: فریدون **بدره‌ای.**
ناگفتنی: نصرت‌الله **فتحی.**
نامه‌ها: ستاره، بزرگ **علوی.**
نامه‌های سرگردان و ترانه‌ها: «کارو».
نامه‌های فراموش نشدنی: طغـرل **افشار.**
نبرد در ظلمت: امیر **عشیری.**
ندا: ابن سینا، عطیهٔ **شایانی.**
نزهت: صفیعلیشاه، **مـ ادیب‌صابر**
نسل شجاعان: علی‌اکبرعلمی، سبکتکین **سالور.**
نسیم: ابن سینا، محمد **حجازی.**
نسیم اسفند: ابوالحسن **احتشامی.**
نکبت: هنر وکتاب، امیر **گل‌آرا.**
نمک گندیده : مجلهٔ سخن، محمدعلی **جمالزاده.**
ننگهای اجتماع: سپید وسیاه، منوچهر **مطیعی** (عقاب).
نوازندهٔ شاعر : امیر کبیر ، ترجمهٔ دکتر تقی **تفضلی.**
نودوسه : امیرکبیر ، ترجمهٔ منصور **شریف‌زندیه.**
نو شکفته‌ها: علی‌اصغر **شریف.**

نون والقلم: جلال **آل احمد**.

نویسنده: صفیعلیشاه، جواد **فاضل**.

نیرنگستان: امیر کبیر، صادق **هدایت**.

نیلوفر وحشی: با مقدمهٔ محمد جواد تربتی، علی اصغر **خطابخش**.

نیمه‌راه بهشت: امیر کبیر و گوهرخای، سعید **نفیسی**.

وحشی: علی اکبر علمی، جواد **فاضل**.

وسوسه: گوتمبرگ، حسینقلی **مستعان**.

وظیفه بالاتر از عشق: خزر، جواد **فاضل**.

وغ وغ ساهاب: امیر کبیر، صادق **هدایت** و مسعود **فرزاد**.

وفا: (با قطعاتی از محمد حجازی)، ابراهیم **رشیدپور**.

وقتی که کولیها کوچ می‌کنند: محمد **نوری**.

هار: رضا **صدری**.

هدیهٔ سفری: حسام الدین **فیلسوف ناظمی**.

هذیان زندگی: ناد علی **کریمی**.

هزار سخن: ابن‌سینا، گرد آورنده سید علی دزفولی، محمد **حجازی**.

هذیان یك مالیخولیایی: رامین **یادگاری**.

هفت‌ستاره: (مجموعهٔ هفت داستان) منوچهر **سامان**.

هما: ابن‌سینا، محمد **حجازی**.

همزه ولمزه: مجلهٔ یغما، محمد علی **جمالزاده**.

هندو: امیر کبیر، علی **دشتی**.

هوس: جلال **چوبینه**.

هوس: گوتمبرگ، حسینقلی **مستعان**.

یادداشتهای یك دیکتاتور: امیر کبیر، هدایت‌الله **حکیم الهی**.

یادداشت‌های یك معلم: محمد **عاصمی**.

یادگاد سفر اروپا: امیر کبیر، **نظام‌وفا**.

یادگار یك شب: (کتاب دوم تهران مخوف) ابن‌سینا، مرتضی مشفق **کاظمی**.

یأس وامید: ناهید.

یك ایرانی در قطب شمال: گوتمبرگ، منوچهر **مطیعی** (عقاب).

یکروز سفر: محمد علی **شکوهیان**.

یکشنبه شوم: علی اکبر علمی، فریدهٔ **رهنما**.

یکلیا و تنهائی او: نیل، تقی **مدرسی**.

یکی بود یکی نبود: ابن‌سینا، محمدعلی **جمالزاده**.

یگانه: معرفت، جواد **فاضل**.

ادبیات ایران

«کلیات»

آتشکدهٔ آذر: امیر کبیر، به کوشش حسن سادات ناصری، لطفعلی بیك **آذر بیگدلی**.

اثرها: (منتخبی از اشعار شعری معاصر) آرمان، حسین **گلپایگانی**.

ارمغان پاك: (برگزیدهٔ سخنان پارسی گویان شبه‌قارهٔ هندوپاکستان)، معرفت، محمد **اکرام**.

از رابعه تا پروین: (زنانی که به فارسی شعر گفته‌اند)، **کشاورز صدر**.

از رودکی تا بهار: حسین **کوهی کرمانی**.

ازسعدی تاجامی: ترجمه وحواشی به قلم علی اصغر **حکمت**.

اشتباهات ادوارد براون در تاریخ ادبی وسیاسی ایران: ابراهیم **صفایی**.

اشعار جاویدان پارسی: امیر مسعود **سپهرم**.

اشکها و شادیها: بهترین انتخاب از انواع مختلف شعر فارسی، با مقدمهٔ **نجفی مرعشی** و جلال **همایی** و **کمالی سبزواری**، جلال الدین **افتخارزاده**.

انقلاب ادبی: وحید **دستگردی**.

ایران در ادبیات جهان: (جلد اول، ادبیات فرانسه)، شجاع الدین **شفا**.

بررسی هنر و ادبیات: امیر کبیر، مهدی **توحیدی پور**.

برگزیدهٔ دیوان غزلیات ترجیعات و قطعات فارسی و ترکی: خسرو (برهان السلطنهٔ زنجانی).

برگزیدهٔ شعر: (تاریخ مختصر شاعران)، عصمت (شریف افشار) **صدریه**.

برگزهٔ شعر فارسی: محمد **معین**.

برگ‌سبز: (مورد استفادهٔ اهل ذوق و مشاعره) محسن **خلیق رضوی**.

برگهای زرین: (برگزیدهٔ بهترین آثار اجتماعی و ادبی و تربیتی (از سخن سرایان گذشته و معاصر)، محمد **قریب**.

بزم سخن: (شامل شرح حال و برگزیدهٔ آثار **۱۹۷** تن سرایندگان از آغاز شعر فارسی تازمان حاضر)، یدالله **قصیری**.

بهشت سخن: (شامل، گزیدهٔ آثار ونقد اشعار وشرح احوال شعرای پنج قرن اول) مهدی **حمیدی شیرازی**.

بهشت سخن: یا آیین نویسندگی، تبریز، امیدی، محمد **مصری**.

پاسداران سخن: (جلد اول ـ چکامه سرایان) مظاهر **مصفا**.

تاریخ ادبیات ایران: محمد رضا **دایی‌جواد**.

تاریخ ادبیات ایران: (از حملهٔ مغول تا نیمهٔ اول دورهٔ صفویه «از کمال تا صائب» تأیید، محمدرضا **دایی جواد**.

تاریخ ادبیات ایران: (از قدیمترین عصر تاریخ تا عصر حاضر) جلدهای اول و دوم (از ازمنهٔ قدیم تاریخی تا حملهٔ مغول) فروغی، جلال الدین همایی.

تاریخ ادبیات ایران: (جلد اول، آغاز دورهٔ اسلامی تا دورهٔ سلجوقی)، ذبیح‌الله **صفا**.

تاریخ ادبی ایران: (جلد اول، از قدیمترین روزگاران تازمان فارسی)، وزارت فرهنگ، ادوارد **براون**، ترجمهٔ علی پاشا **صالح**.

تاریخ ادبیات ایران: (نیمهٔ اول از جلد دوم از فردوسی تا سعدی) سازمان کتابهای جیبی، **ادوارد براون**، ترجمه و حواشی به قلم فتح‌الله مجتبایی.

تاریخ ادبیات فارسی: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، هرمان **اته**، ترجمهٔ صادق رضا زادهٔ شفق.

تاریخ نویسندگان پارس: مریم (ناهید) میرهادی.

تذکرهٔ حزین: با مقدمهٔ محمد باقر الفت، محمدعلی **حزین**.

تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی: کلالهٔ خاور، به همت محمد رمضانی، امیر دولتشاه بن علاءالدوله سمرقندی، **دولتشاه سمرقندی**، تذکرة الشعراء سمرقندی، به اهتمام محمد عباسی.

تذکرهٔ زنان شاعر معاصر ایران: هادی (کورش) **حایری**.

تذکرهٔ شعرای خوانسار: یوسف بخشی.

تذکرهٔ شعرای سمنان و شرح حال علاءالدوله، نصرت **نوحیان** (نوح).

تذکرهٔ شعرای معاصر ایران: طهوری، عبدالحمید **خلخالی**.

تذکرهٔ شعرای معاصر: اصفهان، تأیید، مصلح الدین **مهدوی**.

تذکرهٔ طلعت: طلعت (اعتماد مقدم) **عنقا**.

تذکرهٔ مختصر شعرای کرمانشاه و انجمن‌های ادبی و مطبوعات، باقر **شاکری**.

تذکرهٔ میخانه: اقبال، به اهتمام احمد گلچین معانی، عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی.

۱۳۶۶

تذکرهٔ نگارستان دارا: جلد اول بخش منشور، بکوشش دکتر عبدالرسول **خیامپور**، عبدالرزاق بیگ **دنبلی**.
تصویرها: (مجموعهٔ شعر و داستان و ترجمه) مازیار، تهران، انتشارات مازیار.
چراغ هدایت: (مجموعه‌ای منتخب از شعر و نثر مختلف) **عزیز شرقی**.
چنتهٔ درویش: دهخدا، محمدعلی احسانی **طباطبایی**.
چهل مقالهٔ کسروی: طهوری، گردآورنده یحیی ذکاء، احمد **کسروی**.
حماسه سرایی در ایران: امیرکبیر، ذبیح‌الله **صفا**.
دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، خیام، محمد حسین **رکن زادهٔ آدمیت**.
درپیرامون ادبیات: باهماد آزادگان، احمد کسروی.
دریای گوهر: (جلد اول، گزیدهٔ مقالات و داستانهای کوتاه ازنویسندگان معاصر)، امیرکبیر، مهدی **حمیدی شیرازی**.
دریای گوهر: (جلد سوم، گزیدهٔ اشعار معاصران)، امیرکبیر، مهدی **حمیدی شیرازی**.
دسته‌گلی دلپذیر از بوستان ادب، اکبر **ترابی**.
دنیای شاعران: بنگاه تلویزیون ایران، عزت‌الله **همایونفر**.
راهنمای ادبیات فارسی: ابن‌سینا، زهرا (کیا) **خانلری**.
روزمادر: مجموعه‌ای از بهترین و زیباترین قطعات شعر و نثر فارسی و ترجمه‌هایی از ادبیات جهان دربارهٔ مادر، اقبال، مهستی **بحرینی**، (و) حسین خدیوجم.
روش نویسندگان بزرگ معاصر: (شامل بحثهایی درهنر نویسندگی) حسین **رزمجو**.
زبان گلها، (رمز عشق)، اسدالله **شریف رازی**.
زبان گلها: حسین **لعل**.
زبان سخنور: علی‌اکبر علمی، علی‌اکبر **مشیر سلیمی**.
زندگی: (مجموعه‌ای از بهترین آثار مترجمین و نویسندگان و شعرای معاصر)، تهران ـ سازمان تأمین زندگی.
سبک شناسی: امیرکبیر، محمدتقی **بهار** (ملک‌الشعراء).
سبک شناسی یا تاریخ تطور شعر فارسی: مؤسسهٔ مطبوعاتی علمی، به‌کوشش علیقلی محمودی بختیاری. محمدتقی **بهار** (ملک‌الشعرا).
سخنوران نامی معاصر: امیرکبیر، محمد **برقعی**.
سفینهٔ غزل: صفیعلیشاه، بامقدمهٔ محسن هشترودی، ابوالقاسم **انجوی شیرازی**.
سفینهٔ غزل: (مجموعهٔ اشعار گردآوری شده)، علی **شمس‌آبادی**.
سیری درادبیات ایران: اصفهان، ثقفی، محمد **صمصامی**.
شاخه‌های گل: محمود درویش.
شعرالعجم یا تاریخ شعر و ادبیات ایران: ابن‌سینا، نعمانی **شبلی**، ترجمهٔ محمد تقی **فخرداعی گیلانی**.
شعرای بزرگ ایران: (ازقرن سوم تا نیمهٔ قرن پنجم)، امیرکبیر، با دومقدمه از **رضازادهٔ شفق** و **ذبیح‌الله صفا**، هوشنگ **مستوفی**.
شعر جدید فارسی: آ. ج ـ **آربری**، ترجمهٔ فتح‌الله **مجتبایی**.
شعروشاعری درعصر صفوی، دانشکدهٔ ادبیات اصفهان، محمد **صدرهاشمی**.
غنچه‌های ادب: رضا **خسروشاهی**.
فرهنگ اشعار حافظ: جلد اول (شرح مصطلحات صوفیه در دیوان حافظ) احمد علی **رجائی بخارائی**.
فرهنگ سخنوران: تبریز کتابفروشی تهران، عبدالرسول **خیامپور**.
فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی: دانشگاه تهران، صادق **گوهرین**.
فریادها: (چندشعر ازسیزده شاعر معاصر)، ره‌آورد علی **عموئیان** (آوا).
فن نگارش: نشر اندیشه، محمد جعفر محجوب (و) علی‌اکبر **فرزام پور**.
کاروانی از شعر: امیرکبیر، تألیف مهدی **سهیلی**.
کاروان شعر وموسیقی: اپیکور، محمد حسن **اسکندری**.
کشکول جمالی: معرفت، سیدمحمد علی **جمال زاده**.
کلمات شیوا: سخنان زیبا، تقی **تقوی**.
گلزار ادب: علی اکبرعلمی، حسین **مکی**.
گلستان ادب: بامقدمهٔ جلال همایی، حسین **مکی**.
گلها و غنچه‌ها: عطایی، حسن **نعیمی** (مجرد) باهمکاری محمدعلی **خردمند**.
گلهای پراکنده: (نظم و نثراز بهترین شعرا و نویسندگان ایران و جهان)، و. **اعتدالی**.
گلهای جاویدان دربوستان ادب ایران، (شامل بهترین اشعار و احوال شعرای قدیم)، عطایی، مهدی **توحیدی پور**.
گلهای رنگارنگ: (شامل اشعار از: خیام، باباطاهرعریان، ابوسعید ابوالخیر) صفیعلیشاه، محمد **تجویدی**.
گنج بازیافته: (شامل احوال و اشعار لبیبی، ابوشکور بلخی، دقیقی، ابوحنیفهٔ اسکافی، غضائری رازی، ابوالطیب مصعبی) خیام، محمد **دبیرسیاقی**.
گنج سخن: دانشگاه تهران، ذبیح‌الله **صفا**.
گنجینهٔ دانشوران: احمد رحیمی.
لباب‌الالباب: به‌کوشش سعید نفیسی، سدیدالدین محمد **عوفی**.
لغز: (شامل لغزها، معماها،) اتحادیهٔ مطبوعات فارس، محمد جواد **بهروزی**.
ماجرای تغییرخط: مرکزی، علی اکبر **شهابی**.
مادر: با مقدمهٔ زین‌العابدین رهنما ـ محمد **محیط طباطبایی**، حسن صدر، جلال‌الدین **افتخار زاده**.
مادر ترا ستایش می‌کنم: برگزیدهٔ زیباترین آثار ایرانی و خارجی دربارهٔ مادر، امیرکبیر.
مجمع‌الفصحاء: امیرکبیر، به‌کوشش مظاهر مصفا، رضا قلیخان **هدایت**.
مجموعهٔ دل وعشق بضمیمهٔ رباعیات و شمع و پروانهٔ عطار: خانقاه احمدی، اصغر **منتظر صاحب**.
مجموعهٔ نظم و نثر: (چندتن ازنویسندگان وشاعران جوان)، نام کتاب (جای پای رهگذر).
مختصری درتاریخ تحول: ونظم و نثر فارسی، ذبیح‌الله **صفا**.
مرغ آمین: مجموعهٔ اشعار از: فرهنگ فرهی، نیمایوشیج، ا. بامداد، گلرپافرهی، سهراب سپهری، م. آزاد.
مشاعره: امیرکبیر، تألیف: مهدی سهیلی.
مشاعره: (باسی‌ودو حرف ازسی‌دوشاعر) ابن‌سینا، مقدمه بقلم محمدپروین گنابادی ابراهیم **خاوری**.

مقالات کسروی: گرد آورنده یحیی **ذکاء**، احمد **کسروی** .

نامه‌های عاشقانه : (زبان گلها ، زبان رنگها، زبان تمبرها)، محسن **رمضانی** .

نغمهٔ گل: یارمز گلها، امیر کبیر، بامقدمهٔ میمندی نژاد، مهدی **توحیدی پور** .

نغمهٔ گمشده : (ترجمهٔ منظومی از اشعار جدید فارسی که به زبان انگلیسی بامقدمه‌های یوسف جمشیدی پور و غلامحسین امین آ. ج. **آربری** .

نموداری ازشعر امروز ایران : اندیشه، بامقدمهٔ فریدون ایل بیگی ، فریدون **گیلانی** .

نمونه‌های شعر آزاد : (۴۷ اثر از ۱۸ شاعر نو) سازمان کتابهای جیبی تهران .

نهضت ادبی ایران در عصر قاجار : ابراهیم **صفایی** .

نی لبک : (مجموعهٔ داستان وشعر)، بادو مقدمه از ایرج **دهقان** (و) **نظام وفا** س. حسن **رضیانی** .

یادداشتهای قزوینی : دانشگاه تهران، به کوشش ایرج افشار، محمد **قزوینی** .

متون شعر قدیم

احوال وافکار ومنتخبات عرفی شیرازی گوتمبرگ، به کوشش اسدالله شهریاری ، جمال الدین محمد بن بدرالدین **عرفی شیرازی** .

اسرارنامه: صفی علیشاه ، با تصحیح صادق گوهرین ، فریدالدین ابوحامد محمدبن ابوبکر **عطار** نیشابوری .

اشترنامه: انجمن آثار ملی، به کوشش مهدی محقق ، فریدالدین ابو حامد محمد بن ابوبکر **عطار نیشابوری** .

اشعار برگزیدهٔ صائب تبریزی به انتخاب جعفر آزمون بامقدمهٔ نصرت الله کاسمی، محمد علی بن میرزاعبدالرحیم **صائب تبریزی**.

افسانه‌های هفت گنبد : نیل، باتلخیص نقطه گذاری ومقدمه ا . بامداد، جمال الدین ابومحمد الیاس بن یوسف **نظامی گنجه‌ای** .

الآثار فی ترجمهٔ مثنوی مولانا محمد جلال الدین البلخی الرومی: دانشگاه تهران، عبدالعزیز صاحب الجواهر ، جلال الدین محمد **مولوی** .

الهی نامه عطار نیشابوری: به تصحیح فؤاد روحانی ، فریدالدین ابوحامد محمدبن ابوبکر **عطار نیشابوری** .

بانگ نای: انجمن کتاب، به انتخاب محمد علی جمالزاده با مقدمهٔ بدیع الزمان فروزانفر ، جلال الدین محمد **مولوی** .

برگی ازدیوان صفای سپاهانی: به کوشش مظاهر مصفا، **صفای سپاهانی**.

بهترین اشعار فرخی یزدی: محمد **فرخی یزدی** .

پیرچنگی : (وچند حکایت دیگر از مثنوی) ، امیر کبیر، به انتخاب سیدصادق گوهرین ، جلال الدین محمد **مولوی** .

ترجیع بندهاتف : انجمن دوستداران کتاب، میراحمدلو، **هاتف اصفهانی**.

تفسیر سورهٔ یوسف یا یوسف و زلیخا (منسوب به فردوسی): اسلامیه ، ابوالقاسم **حسن فردوسی** .

خسرونامه: انجمن آثار ملی ، به تصحیح واهتمام احمدسهیلی خوانساری، فریدالدین ابوحامد محمدبن ابوبکر **عطار نیشابوری**.

خلاصهٔ بیژن و منیژه، باستان، باهتمام جلال متینی، ابوالقاسم حسن **فردوسی**.

خلاصهٔ لیلی و مجنون : باستان، باهتمام جلال متینی، جمال الدین ابومحمد الیاس بن یوسف **نظامی گنجه‌ای** .

خلاصهٔ ویس ورامین : باستان، باهتمام جلال متینی ، فخرالدین **اسعد گرگانی**.

خمسهٔ نظامی گنجه‌ای: ابن سینا، به تصحیح وحید دستگردی ، جمال الدین ابومحمد الیاس بن یوسف **نظامی گنجه‌ای** .

داستان بهرام وآرزو: طهوری، به کوشش حسین نجفی، ابوالقاسم حسن **فردوسی**.

داستان رستم وسهراب از هاشم رضی، پیروز ، ابوالقاسم حسن **فردوسی** .

دیوان ابوالحسن نهاوندی : بامقدمه و تصحیح واهتمام تقی ترابی ، ابوالحسن **نهاوندی** .

دیوان استاد منوچهر دامغانی: به کوشش محمد دبیرسیاقی ، ابوالنجم احمد بن قوص **منوچهری دامغانی** .

دیوان اشعار مفتون همدانی : همدان، کتابفروشی بوعلی ، **مفتون همدانی**.

دیوان اشعار ناصرالدین شاه قاجار : قائم مقام، گردآوری محمدباقر اعتضادی، ناصرالدین شاه قاجار .

دیوان اشعار ناصر خسرو: محمد حسن علمی، به اهتمام وکوشش م . درویش ، ابومعین ناصربن حارث **ناصر خسرو قبادیانی مروزی** .

دیوان امیر نظام الدین علی شیر نوایی: ابن سینا، به سعی واهتمام رکن الدین همایون فرخ، مقدمهٔ علی اصغر حکمت . امیر نظام الدین **علی شیر نوایی** .

دیوان حاج میرزا محمدکاظم صبوری: کتابخانهٔ ابن سینا، **محمدکاظم صبوری**.

دیوان حکیم سنایی: ابن سینا، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی ، مجدود بن آدم **سنایی غزنوی** .

دیوان حکیم سوزنی سمرقندی: امیر کبیر، به اهتمام ناصرالدین شاه حسینی، شمس الدین محمد بن علی **سوزنی سمرقندی**. (تاج الشعراء) .

دیوان حکیم صفای اصفهانی : اقبال ، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، **صفای اصفهانی** .

دیوان سلطان فتحعلی قاجار: گردآوری غلامحسین جواهری ، **فتحعلیشاه قاجار**.

دیوان سیف الدین محمد فرغانی : دانشگاه تهران، به اهتمام ذبیح الله صفا ، سیف الدین محمد **سیف فرغانی** .

دیوان شاه داعی شیرازی، معرفت، به کوشش محمد دبیر سیاقی ، و مقدمهٔ علی اصغر حکمت ، شاه داعی **شیرازی** .

دیوان شاه نعمت‌الله ولی : محمد حسن علمی، نورالدین نعمت‌الله بن میرعبدالله **نعمت‌الله کرمانی** .

دیوان شمس تبریزی : امیر کبیر ، با خلاصهٔ شرح احوال به قلم بدیع الزمان فروزانفر ،مقدمهٔ علی دشتی ، جلال الدین محمد **مولوی** .

دیوان صباحی بیدگلی : تصحیح و مقدمهٔ پرتو بیضایی ، به اهتمام عباس کی منش (مشفق کاشانی) ، سلیمان **صباحی بیدگلی کاشانی** .

دیوان صحبت لاری: معرفت، **صحبت لاری** .

دیوان صفیعلیشاه : امیر کبیر، با مقدمهٔ فریدون کار، حسن بن محمد باقر **صفی علیشاه** .

دیوان طرزی افشار : ادبیه ، **طرزی افشار** .

دیوان ظهیر فاریابی : باستان مشهد ، به کوشش تقی بینش، ظهیرالدین ابوالفضل طاهر بن محمد **ظهیر فاریابی** .

دیوان عبدالواسع : دانشگاه تهران ، به تصحیح ذبیح الله صفا ، بدیع الزمان عبدالواسع بن عبدالجامع **عبدالواسع جبلی** .

۱۳۶۸

دیوان عثمان مختاری: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، به‌اهتمام جلال‌الدین همایی، ابوالمفاخر سراج الدین ابو عمر **عثمان مختاری غزنوی** .

دیوان‌عسجدی: طهوری، به‌اهتمام و تصحیح و تحشیهٔ طاهری‌شهاب، با مقدمهٔ سعید نفیسی، ابونظر عبدالعزیز بن منصور **عسجدی مروزی** .

دیوان‌عطار: سنایی، به‌اهتمام سعیدنفیسی، فریدالدین ابوحامدمحمدبن ابوبکر، **عطار نیشابوری** .

دیوان عمعق بخارایی: فروغی، بامقدمه وجمع‌آوری‌سعیدنفیسی، ابوالنجیب‌شهاب الدین **عمعق بخارایی** .

دیوان عنصری: ابن‌سینا، بامقدمه و حواشی و تعلیقات یحیی‌قریب، ابوالقاسم حسن‌بن‌احمد **عنصری**.

دیوان‌استاد عنصری: بلخی به‌کوشش محمد دبیرسیاقی، سنایی.

دیوان: (غزلیات، رباعیات–ترجیعات، مثنوی)، امیرکبیر، بامقدمهٔ ایرج‌افشار، کمال‌الدین **وحشی بافقی‌کرمانی** .

دیوان غمام‌همدانی: ابن‌سینا، به‌اهتمام موسی‌نثری، محمدبن‌یوسف **غمام‌همدانی** .

دیوان فرخی‌سیستانی: اقبال، به‌کوشش محمد دبیر سیاقی، ابوالحسن علی‌بن جولوغ **فرخی سیستانی** .

دیوان‌قاآنی: امیرکبیر، به‌کوشش‌محمد جعفرمحجوب، حبیب **قاآنی** .

دیوان‌قصایدوغزلیات: تأیید، محمدحسین **صغیر اصفهانی** .

دیوان‌قصاید وغزلیات نظامی‌گنجه‌ای: فروغی، به‌کوشش‌سعیدنفیسی، جمال‌الدین ابومحمد الیاس‌بن‌یوسف **نظامی‌گنجه‌ای**.

دیوان قصاب: کاشانی، ابن‌سینا، به‌تصحیح و مقدمهٔ حسین پرتو بیضایی، **قصاب کاشانی** .

دیوان قطران تبریزی: کتابفروشی تهران، تبریز، به سعی و اهتمام محمد نخجوانی، ابومنصور **قطران تبریزی**.

دیوان کامل فروغی بسطامی: به‌کوشش حسین نخعی، امیرکبیر، بامقدمه وشرح حال بقلم ادوارد براوان و رضاقلیخان هدایت (و) اسدالله قاجار، عباس **فروغی بسطامی** .

دیوان‌کلیم‌کاشانی: خیام، به‌تصحیح پرتو بیضایی، ابوطالب کلیم همدانی، **کلیم کاشانی** .

دیوان‌کمال‌الدین‌مسعودخجندی: کتاب فروشی‌تهران، به‌اهتمام‌عزیزدولت‌آبادی، کمال‌الدین مسعود **خجندی** .

دیوان محتشم‌کاشانی: برادران‌محتشم، محتشم‌کاشانی (شمس‌الشعراء) .

دیوان محزون اسدآبادی: خاور، گرد آوری لطف‌الله اسدآبادی، محزون**اسد– آبادی** .

دیوان‌مسعودسعد سلمان: پیروز، به‌اهتمام رشید یاسمی، **مسعود سعد سلمان** .

دیوان مشتاق‌کرمانی: مشتاق‌کرمانی (صدرالعرفاء) .

دیوان‌مهستی‌گنجوی: سالنامهٔ‌کشورایران، به‌اهتمام‌طاهرشهاب، **مهستی‌گنجوی**.

دیوان میرزاعلی معجز شبستری، میرزا علی **معجز شبستری** .

دیوان نظیری نیشابوری: امیرکبیر، به‌کوشش‌مظاهرمصفا، محمدحسین **نظیری** نیشابوری .

دیوان نورعلیشاه: میرکمالی، محمدبن فیض علیشاه، **نور علیشاه**، (دیوان‌رضا علیشاه ضمیمهٔ‌آنست) .

دیوان‌والهٔ اصفهانی: تأیید، باهتمام جلال همایی، محمدکاظم **والهٔ‌اصفهانی**.

دیوان وطواط (به‌انضمام حدایق‌السحر فی‌دقایق‌الشعر): بارانی، به‌اهتمام‌سعید نفیسی، رشیدالدین سعدالملك محمدبن محمد **وطواط** .

دیوان هلالی جغتایی باشاه ودرویش وصفات‌العاشقین: سنایی، به‌اهتمام‌سعید نفیسی، نورالدین **هلالی‌جغتایی** .

دیوان همام تبریزی: بامقدمه و تصحیح مؤید ثابتی، همام‌الدین **همام‌تبریزی**.

زبدةالاسرار: اسلامیه، حسن‌بن محمد **صفی علیشاه** .

زبدهٔ‌شاهنامه: (بترتیب موضوع)، ابن‌سینا، به‌انتخاب‌عطاءالله‌روحی‌کرمانی، ابوالقاسم حسن **فردوسی** .

شاهنامهٔ فردوسی: ابن‌سینا، به‌کوشش محمددبیرسیاقی، ابوالقاسم‌حسن**فردوسی**.

شاهنامهٔ فردوسی: امیرکبیر، ابوالقاسم حسن **فردوسی** .

شاهنامهٔ نادری: انجمن‌آثارملی، به‌تصحیح و اهتمام احمد سهیلی‌خوانساری، محمد علی **فردوسی طوسی‌ثانی** .

شمس: ابن‌سینا، به‌انتخاب‌ابوالقاسم‌انجوی شیرازی، جلال‌الدین **محمدمولوی** .

شمس‌تبریزی: ادبیه، ازروی‌خط‌اردو– بادی، جلال‌الدین محمد **مولوی**.

شمس تبریزی: امیرکبیر، بامقدمهٔ‌محمد جعفر محجوب، جلال‌الدین‌محمد**مولوی**.

شمس تبریزی: به‌اهتمام منصور مشفق، صفیعلیشاه بامقدمهٔ‌جلال‌همایی، جلال‌الدین **محمد مولوی** .

شمس یادیوان کبیر: دانشگاه تهران با تصحیحات‌وحواشی‌بدیع‌الزمان فروزانفر جلال‌الدین محمد **مولوی** .

صد غزل از عراقی: فریدون علمی، فخرالدین ابراهیم همدانی **عراقی** .

طاقدیس: احمد نراقی.

غزلیات شاطر مصطفی قمی: گردآوری شاطرمصطفی **قمی** .

غزلیات وسرداریه: به‌اهتمام محمدحسین طبری‌بامقدمهٔ‌ناظرزادهٔ‌کرمانی، ابوالحسن یغمایی ابراهیم **یغمای جندقی**.

فرهادوشیرین: خلدبرین‌مسمطات، ابن‌سینا، به‌تصحیح حسین کوهی کرمانی، کمال‌الدین **وحشی بافقی‌کرمانی** .

کامل مثنوی: امیرکبیر، به‌سعی‌واهتمام و تصحیح‌رینولدالین نیکلسون، جلال‌الدین محمد **مولوی** .

کلیات اشعارفخرالدین ابراهیم‌همدانی متخلص به‌عراقی: سنایی، به‌کوشش سعید نفیسی، فخرالدین ابراهیم همدانی **عراقی** .

کلیات‌خمسهٔ نظامی: امیرکبیر، جمال‌الدین ابومحمد الیاس‌بن‌یوسف **نظامی‌گنجه‌ای**.

کلیات‌دیوان شمس‌مغربی: ادبیه، **مغربی تبریزی** .

کلیات دیوان صائب تبریزی: خیام، با مقدمهٔ امیری فیروزکوهی، محمد علی‌بن میرزا عبدالرحیم **صائب تبریزی** .

کلیات دیوان ملامحسن فیض کاشانی: به‌ضمیمهٔ‌رسالهٔ‌گلزارقدس، شمس، ملامحسن محمدبن مرتضی **فیض‌کاشانی** .

کلیات‌دیوان منصوری: قائم‌مقام، بامقدمهٔ صدر بلاغی‌ومیرفخرایی‌جندقی **منصوری**.

کلیات سلمان ساوجی: بامقدمه و تصحیح اوستا، احوال سلمان از رشید یاسمی، جمال‌الدین سلمان بن علاءالدین **سلمان ساوجی** .

کلیات عبید زاکانی: با تصحیح عباس اقبال، نظام‌الدین عبدالله **عبیدزاکانی** .

کلیات مصور عشقی: امیرکبیر، به‌اهتمام علی‌اکبر مشیرسلیمی ، **میرزادهٔ عشقی.**

کلیات‌قاسم‌انوار: سنایی، به‌تصحیح‌سعید نفیسی، علی‌بن هرون **قاسم انوار.**

گلچین صائب : افشاری ، محمد علی‌بن میرزا عبدالرحیم **صائب تبریزی .**

گلشن : کتابخانهٔ احمدی‌شیرازی، به خط عماداردبیلی،سعدالدین‌محمدبن‌عبدالکریم **شبستری .**

گنجینهٔ دیوان نشاط اصفهانی: شرق ، به کوشش حسین نخعی ، عبدالوهاب **نشاط اصفهانی** (معتمدالدوله) .

مثنوی صاحب: مرکزی، محمد نراقی.

متن‌کامل دیوان شیخ اجل‌سعدی‌شیرازی وگلستان و بوستان ومجالس: (بامقابلهٔ مجدد باانضمام فهرست نامه)، معرفت، به کوشش مظاهر مصفا،مشرف‌الدین‌مصلح‌بن عبدالله سعدی **شیرازی .**

مصیبت نامه: تأیید ، محمد حسین **صفیر اصفهانی .**

مصیبت‌نامه : به‌اهتمام نورانی وصال ، فریدالدین‌ابوحامد محمدبن‌ابوبکر**عطار نیشابوری .**

منطق‌الطیر: تأیید، فریدالدین ابوحامد محمدبن ابوبکر **عطارنیشابوری .**

موش‌وگربهٔ‌عبیدزاکانی:انجمن‌دوستداران کتاب، به تصحیح ذبیح بهروز بـامقدمهٔ محسن صبا ، نظام الدیـن عبدالله **عبید زاکانی .**

نخبهٔ سمیعی: (مجموعهٔ شعر) ، بامقدمهٔ حسینعلی محفوظ، حسین **سمیعی** (ادیب السلطنه) .

نورالانوارازبحرالاسرار:(خیام،مرکزی، پیروز) بامقدمه‌وتصحیح نصرالله سبوحی، محمدتقی مظفرعلی شاه‌کرمانی .

هفت پیکر:سازمان‌کتابهای‌جیبی،جمال‌ـ الدین ابومحمد الیاس‌بن یـوسف **نظامی گنجه‌ای.**

سرگذشتنامه‌ها

آخوندها: رضوی، فرهنگ نخعی .

آمنه مادرپیغمبراسلام: (ص)،آترویات، عایشه **بنت‌الشاطی**، ترجمهٔ حسین **اژدری آزاد .**

آنجاکه حق پیروزاست: پرویز**خرسند.**

ابوالشهداء :علمیهٔ‌اسلامیه، عباس محمود **عقاد**،ترجمهٔ‌کاظم **معزی .**

اخبارغیبیه امیرالمؤمنین:بوذرجمهری، ذبیح‌الله **محلاتی .**

ازدواج در اسلام : طهوری ، مصطفی **کاشفی .**

اسرارمعراج پیغمبراسلام حضرت‌محمد صلی‌الله علیه وآله : اسلامیه، علی قرنی **گلپایگانی .**

اسلام : سروش، **دمیرهان** ، ترجمهٔ اکبر بهروزی .

اسلام ازنظر تورات وانجیل : فرهنگ **نخعی .**

اسلام جوان : شرکت انتشار ، مهـدی **بازرگان .**

اسلام وآزادی: محمود **رامیان .**

اسلام و اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر : (شرکت انتشار) علی **غفوری .**

اسلام وجاهلیت : ابوالعلاء **مودودی**، ترجمهٔ غلامرضا **سعیدی .**

اسلام وصلح جهانی : شرکت انتشار ، محمد **قطب**، ترجمه وتوضیحات از زین‌ـ العابدین**قربانی** (و) هادی **خسروشاهی.**

اسلام ومالکیت: محمود طالقانی .

اسلام و مشکلات اقتصادی : سروش ، ابوالعلاء **مودودی**، ترجمهٔ هادی **خسرو شاهی .**

اسلام وملل : جواد **موسوی بختیاری،**

الامام جعفر الصادق : کلالهٔ خاور ، مؤلف احمد **مغنیه**. ترجمهٔ جعفر**غضبان.**

امام علی‌بن ابیطالب : محمدی ، تألیف عبدالمفتاح **عبدالمقصود**،ترجمه‌وتوضیح محمود **طالقانی .**

امام علی مجاهد بزرگ: ثقفی،مصطفی **زاهدی .**

امام علی‌مرتضی وخلافت ابوبکر، عمر وعثمان: حسین **رفیع پور .**

انتقام قاتلین شهدای کربـلا : حسین **خراسانی .**

انسان بین مادی‌گری و اسلام: شرکت انتشـار ، محمد قطب ، تـرجـمهٔ‌خلیل **خلیلیان .**

بانوی کربلا (زینب دختر زهرا) : ابن سینا ، عایشه **بنت‌الشاطی** ، ترجمهٔ رضا صدر .

بحثی دربارهٔ مرجعیت و روحانیت : شرکت انتشار ، محـمد **طباطبایـی** (و دیگران) .

برنامهٔ انقلاب اسلامی: شرکت انتشار ، ابو العلاء **مودودی** ، ترجمهٔ غـلامرضا سعیدی .

بلاهای اجتماعی قرنما : علـی **حجتی کرمانی** (ودیگران) .

بوستان اسلام : علی **جوادی .**

پیام : ابوالفتح **دعوتی .**

پیام ایران به‌نجد وحجازومصر:شمس، خلیل‌کمره‌ای .

پیامبر : « پگاه » زوار ، زین‌العابدین **رهنما .**

پیرامون‌سیرهٔ‌نبوی: علی هامش‌السیرة) **طه‌حسین**، ترجمهٔ بدرالدین‌کتابی .

تأثیر جانشینی دربنای اسلام : پیروز، علی اصغر **معززی .**

تاریخ‌کربلا وحایرحسین (ع) : ثقفی ، عبدالجواد **کلیددار**، ترجمهٔ محمد**صدر هاشمی .**

جام‌گیتی‌نما : (احوال حضرت رسول) ، اسلامیه، محمدعلی **فروشانی .**

جامع‌الانساب درانساب واحوال اولاد ائمهٔ‌اطهار: مؤسسهٔ نشرنفائس‌مخطوطات، محمد علی **روضاتی .**

جامع‌الانساب درتاریخچهٔ امامزاده‌ها : بوذرجمهری، ابراهیم **احمدی ابهری.**

جنات‌الخلود : به‌خط‌مصطفی قلی سلطان کجوری بلده ، ادبیه، محمد رضا **امامی خواتون‌آبادی .**

جنگ وصلح دراسلام: اقبال، اثرمجید **خدوری**،ترجمهٔ غلامرضا **سعیدی .**

جزیه در اسلام : (سروش، بـا همکاری فرانکلین)،دانیل **دینت**،ترجمهٔ‌محمدعلی **موحد .**

حجربن عدی درآسمان خونین : ناشر محمد کاظم طباطبایی، ناصر**کمره‌ای .**

حساسترین فرازتاریخ یاداستان غدیر : مشهد .

حسد : دارالعلم، رضا **صدر .**

حقوق وحدودآزادی زن دراسلام : محمدعلی **زهیری نجفی**ـ ترجمهٔ محمد تقی **حکیم .**

حقوق و حدود زن در اسلام : شمس ، یحیی **نوری .**

حقیقت اسلام ازنظر دیگران:محمدعلی **بروجردی کاظمینی .**

حماسهٔ خورشید: (۲۳فصل اززندگانی علی‌علیه‌السلام)، هادی **دستباز .**

خاندان نبوت: مجلهٔ ماه‌نو، جواد**مغنیه**، ترجمهٔ جعفر **غضبان .**

خداپرست سوسیالیست: (ابوذرغفاری) تألیف‌عبدالحمید جودة‌السحار، ترجمهٔ‌علی **شریعتی مزینانی .**

خلاصهٔ دین اسلام : حبیبی،محمد بـاقر **نخعی .**

خلافت‌حضرت‌علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام: حبیب **زاهدی .**

۱۳۷۰

دختران پیغمبر سخن می‌گویند: کانون معرفت،جواد فاضل .

دفاع از اسلام : (تهران – فروغی) ، **والگری،**ترجمهٔ فیروز حریرچی .

دلت چه‌می‌گوید:کیرو، ترجمهٔ منوچهر **ضرابی .**

دومذهب:(مذهبی‌عامل‌ارتجاع‌وامپریالیسم و مذهب دیگری در راه ملتها وبرای توده‌ها)، شرکت انتشار، هادی **خسرو**ـ شاهی .

دین و شئون وطرزحکومت در مذهب شیعه : اسدالله **مامقانی.**

راز آشکار : ایرج خرمی .

راه‌بزرگواری دراسلام:(ترجمهٔ‌الذریعة الی‌مکارم‌الشریعة)، سروش،حسین‌بن‌محمد **راغب اصفهانی،**ترجمهٔ فرید‌گلپایگانی.

راه رشد : (شرح منهج‌الرشاد)، ش – م **رهنما .**

راه طی شده : کانــون معرفت ، مهدی بازرگان .

راه محمد : سازمان کتابهای جیبی ، تألیف عباس محمود**عقاد** ، ترجمهٔ‌اسدالله **مبشری .**

رسول اکرم در میدان جنگ : محمدی تألیف حمیدالله **محمد** ، ترجمهٔ غلامرضا **سعیدی .**

روضة‌الشهداء : باتصحیح ومقابلهٔ‌محمد رمضانی ـ کلالهٔ خاور، حسین **کاشفی .**

رهبران‌بزرگ ومسئولیتهای بزرگتر: محمدی،ناصر **مکارم شیرازی .**

زنان پیغمبر: مجلهٔ ماه نو، عایشه بنت‌ـ **الشاطی،**ترجمهٔ محمدعلی **خلیلی .**

زندگانی تأثرانگیز اباعبدالله‌الحسین : (اخوان صحفی) ، تألیف علی‌بن **طاوس** ترجمهٔ محمد صادق صحفی .

زندگانی جعفربن محمدالامام صادق : محمدی، عبدالعزیز **سیدالاهل،** ترجمهٔ حسین وجدانی .

زندگانی حضرت امام جعفر صادق : شرکت سهامی‌طبع کتاب، عمادالدین‌حسین **عماد زادهٔ اصفهانی .**

زندگانی‌حضرت امام علی‌النقی‌الهادی علیه‌السلام : شرکت طبع‌کتاب ، عمادـ الدین‌حسین ، **عمادزادهٔ اصفهانی**

زندگانی‌حضرت‌خامس آل‌عبا ابی‌عبدالله الحسین‌سیدالشهدا : ابن‌سینا،ابوالقاسم **سحاب .**

زندگانی حضرت سجاد زین‌العابدین علیه‌السلام: شرکت سهامی طبع‌کتاب ، عمادالدین‌حسین ، **عمادزادهٔ‌اصفهانی.**

زندگانی‌حضرت‌قمر بنی‌هاشم :اسلامیه، عمادالدین حسین **عماد زادهٔ‌اصفهانی.**

زندگانی حضرت‌علی‌علیه‌السلام امیرـ المؤمنین : اقبال ، محمد **علی خلیلی.**

زندگانی‌حضرت فاطمه: (ترجمهٔ بیت‌ـ الاحزان)، اسلامیه، عباس‌**قمی،** ترجمهٔ محمود زرندی .

زندگانی حضرت محمد : احمد رضــا قدیمی .

زندگانی‌حضرت‌ولی‌عصر‌صاحب‌الزمان مهدی‌القائم : عمادالدین حسین، **عمادـ زادهٔ اصفهانی .**

زندگانی‌عسکرین : (امام علــی‌النقی و امام‌حسن‌عسکری‌وتاریخچهٔ‌سامرا،اسلامیه، ابوالقاسم**سحاب.**

زندگانی‌علی‌بن‌ابیطالب(ع):عمادالدین محمدحسین ، **عمادزادهٔ اصفهانی.**

زندگانی محمد (ص) : اقبال، غلامرضا **سعیدی .**

زندگانی‌محمد : علی‌اکبرعلمی، تألیف حسین **هیکل،** ترجمهٔ ابوالقاسم **پاینده.**

زندگانی‌محمد (ص) : پیامبــر اسلام ، اقبال ، محمدعلی خلیلی .

زین‌العابدین(علی‌بن‌الحسین‌علیه‌السلام)**:** محمدی ، عبدالعزیز **سیدالاهل**تــرجمهٔ حسین وجدانی .

زینب بانوی قهرمان‌کربلا : امیرکبیر، **عایشه بنت الشاطی** ، ترجمهٔ حبیب‌الله **چاپچیان** ومهدی**آیت‌الله زاده نایینی .**

ستارهٔ‌درخشان:(ترجمهٔ‌الشیعة والرجعة) **محمد میرشاه .**

سکینه دختر سیدالشهدا (ع) : یاستارهٔ درخشان سرزمین وحی ، محمدی، عایشه **بنت‌الشاطی،** تــرجمهٔ حسین خراسانی.

سلسلهٔ مراجع تقلید شیعه از کلینی تا بروجردی : جــلال **زرین .**

سیاسة‌الحسینة: با مقدمه وپاورقی هادی خسرو شاهی ، محمدحسین**کاشف الغطاء.**

سیاسة‌المحمدیة : یوسف**ترشیزی**(شمس‌ـ الافاضل) .

سیدالشهدا حسین بن علی علیه‌السلام : مجلهٔ ماه‌نو ، محمدعلی‌خلیلی .

سیدالشهدا وقصهٔ عاشورا: مجلهٔ‌ماه‌نو ، تــألیف **عمرابوالنصر** ، ترجمهٔ جعفــر غضبان .

شخصیت‌حضرت صادق‌علیه‌السلام: مجلهٔ ماه‌نو ، احمد **مغنیه** ، اقتبــاس جعــفــر **غضبان .**

شهسوار اسلام : امیرکبیر ، (پرستو) نوشتهٔ گــابریل **الگیری،** تــرجمهٔ‌کاظم **عمادی .**

شهیدجاویدان‌حسین‌بن‌علی(ع):محمدی، حسن احمد **لطفی،** ترجمهٔ امیرهوشنگ دانائی .

ظلم تاریخ : (علل‌انحراف خــلافت) ، اقبال ، محمد علی **خلیلی .**

ظهورمحمدمصطفی(ص): اقبال، حسین **رفیع پور .**

عبقریهٔ محمد: تألیف عباس‌محمودعقاد، ترجمهٔ اسدالله مبشری .

عدالت اجتماعی در اسلام: محمد**قطب،** ترجمهٔ محمدعلی**گرامی**وهادی **خسروـ شاهی .**

عدالت وقضا دراسلام : امیرکبیر،سید سید صدرالدین بلاغی .

عظمت‌حسین‌بن‌علی(ع):بامقدمه‌وحواشی به‌قلم عباسقلی واعظ چرندابی،ابوعبدالله **شیخ‌الاسلام زنجانی .**

علی‌کیست ؟ (دارالــکتب الاسلامــیه) ، فضل‌الله یکانی .

علی وزهرا: (سرچشمهٔ آب حیــات) ، خلیل**کمره‌ای .**

علی وفرزندان : مجلهٔ ماه‌نو ، تــألیف طه **حسین،** ترجمهٔ محمدعلی **خلیلی.**

عنصرشجاعت یاهفتاد ودوتن ویک‌تن: خلیل**کمره‌ای .**

فاجعهٔ رمضان: مجلهٔ‌ماه نو، اثرجــرجی **زیدان،** ترجمهٔ محمد علی شیرازی.

فاجعهٔ‌کربلا : مجلهٔ ماه‌نو،جرجی‌زیدان، ترجمهٔ محمد علی شیرازی .

فاطمة‌الزهرا:عمادالدین‌حسین**عمادزادهٔ اصفهانی .**

فاطمه دختر محمد : حــافظ ، جعفــر **شهیدی .**

فرسان‌الهیجاء: درشرح‌حــالات اصحاب حضرت سیدالشهدا ، ذبیح‌الله **محلاتی.**

فرهنگ‌عقاید وقوانین‌اسلامی:حکمت، عفیف عبدالفتاح،**طباره،** ترجمه‌ونگارش احمد **طیبی‌شوشتری .**

فیلسوف‌نماها: ناصر **مکارم شیرازی .**

قاموس الرجال فی‌تحقیق رواة الشیعة ویحدثهم : مرکز نشرکتاب، محمدتقی‌ـ **تستری .**

قمقام‌زخار:(اززندگی‌حضرت‌سیدالشهدا)، معتمدالدوله **فرهادمیرزا .**

قهرمانان: (در سیرت پیشوای ارباب فضیلت علی بن ابیطالب ع)علی اکبر **برقعی قمی**.
کتاب الامام علی: اسلامیه، جورج **جورداق**، ترجمهٔ ابوالحسن **شعرائی** .
کتاب باب الولایة: خشتی ، حیدر **معجزة**.
کتاب هدیهٔ احمدی : (شاهچراغ)، تألیف محمد جعفر **شاملی** (و) محمد هادی **سلامی** .
گفتار رمضان : شرکت انتشار، تألیف، علی طنطاوی قاضی، ترجمهٔ احمد **آرام**.
گفتار عاشورا : شرکت انتشار، محمد ابراهیم آیتی ودیگران
گنج جواهر دانش : دانشگاه تهران، حسین **آل طه**.
محمد رسول اکرم : مجلهٔ ماه نو ، تألیف محمد **صبیح** و فتحی **رضوان** . ترجمهٔ محمدعلی **خلیلی** .
محمد رسول الله: (ولادت، بعثت، هجرت، رحلت، تعلیمات، اخلاق، (افکار وآرای محمد وکلمات قصار) ، ابن سینا ، **علی جواهر کلام** .
محمد و زمامداران : (در پیرامون نامه‌های پیامبر اسلام به زمامداران) ، احمد **صابر همدانی** .
مخزن لئالی : (در فضیلت حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام) ثقفی ، یك بانوی ایرانی .
مدائن الفضائل والمفاخر : (احوالات حضرت پیغمبر)، علی بن حسین، **شمس-المحدث اصفهانی**.
مردان خدا: نورجهان، نوشتهٔ پروفسور **المزلی** ، ترجمه و تلخیص ح - ب - دهقانی تفتی .
مرد نامتناهی : امیرکبیر، حسن صدر .
مرز میان دین و سیاست: شرکت انتشار، مهدی **بازرگان** .
مسألهٔ وحی : شرکت انتشار ، مهدی **بازرگان** .
مطهرات در اسلام: کانون معرفت، مهدی بازرگان .
مظهر دین وحق: محمود کماری زاده .
معارف عالیهٔ اسلام: هبة الدین **شهرستانی**، ترجمهٔ غلامرضا خلیقی .
معصوم پنجم: (حسین بن علی سیدالشهدا)، علی اکبر علمی، جواد **فاضل**.
معصوم چهارم : علی اکبر علمی ، جواد **فاضل** .
معصوم دوم : (امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب) ، علی اکبر علمی، جواد **فاضل**.
معصوم سوم: (فاطمهٔ زهرا) ، علی اکبر علمی، جواد **فاضل** .
مکتب واسطه : (حکومت ومالکیت در اسلام) ، محمدباقر رضوی.
مناظرهٔ دکتر وپیر: عبدالکریم **هاشمی نژاد** .
موسیقی واسلام : (بااستفاده ازنگارشات دکتر الکسیس کارل ودکتر ولف آدلر)، حسین **عبداللهی خوروش** .
مهدی موعود : (ترجمهٔ جلد سیزدهم بحارالانوار) ، محمدباقر **مجلسی**، ترجمهٔ **علی دوانی**.
میثم تمار : محمد باقر **بهبودی**.
نابغهٔ جهان علی علیه السلام : نیرالدین (شهیر) **دادگستر** .
نبردهای محمد : عطایی ، نصرت‌الله **بختورتاش** .
نخستین امام : علی اکبر علمی ، جواد **فاضل** .
نخستین معصوم: (محمدبن عبدالله) علی-اکبر علمی ، جواد **فاضل** .
ندای عدالت انسانیت: (ترجمه و انتقاد ازکتاب الامام علی تألیف جرج جورداق) اسلامیه ، ابوالحسن **شعرائی** .
نقش وعاظ: مجلهٔ ماه نو ، علی **الوردی** ترجمهٔ محمد علی **خلیلی** .
هفدهم رمضان : سازمان کتابهای جیبی، جرجی **زیدان**، ترجمهٔ جواد فاضل.

کلیات ، متون ، ادبیات عامیانه

فکاهیات و شوخی

بنیاد نمایش در ایران: ابن سینا، ابوالقاسم **جنتی عطایی** .
نمایشنامه‌های مدارس: اقبال، ابوالقاسم **جنتی عطایی** .
آرش تیرانداز : ارسلان **پوریا**.
ابرزمانه، ابرزلف: (نمایشنامه درچهار پرده) . مجلهٔ راهنمای کتاب، محمد علی **اسلامی ندوشن** (کتارنگ) .
بامها وزیربامها : (نمایشنامه در دو پرده)، غلامحسین **ساعدی**(گوهرمراد).
باهو: بهمن **فرسی**.
برلوح کبود : ابن سینا ، نیل ، **صفی**
بلبل سرگشته: علی نصیریان .
تراژدی افشین: ارسلان **پوریا** (فردوس).
تراژدی کمبوجیه : ارسلان **پوریا** .
جیجك علیشاه: اقبال ، ذبیح‌الله **بهروز**.
چوب زیربغل: (بازی) ، بهمن **فرسی** .
خانه آفتاب : صفی.
درراه مهر : انجمن ایرانویچ، ذبیح‌الله **بهروز** .
روزنهٔ آبی : (نمایشنامه درسه پرده)، اکبر **رادی** .
سه نمایشنامهٔ عروسکی:(عروسکها،غروب دردریای غریب ،قصهٔ ماه پنهان) ، بهرام **بیضایی** .
شب عروسی بابام : مجلهٔ امید ایران ، عباس پهلوان .
کار بافكها درسنگر: طرح کاربافك از حسین کاظمی ، غلامحسین **ساعدی**(گوهر-مراد) .
کتاب تماشاخانه : علی **نصیریان** .
کلاه گل : (نمایشنامه در سه پرده) ، غلامحسین **ساعدی** (گوهرمراد) .
گلدان: (بازی در یك پرده) ، بهمن **فرسی** .
مازیار : ۱- تاریخ زندگانی واعمال او ۲- یك درام تاریخی درسه پرده، امیرکبیر، بااشتراك مجتبی **مینوی**، صادق **هدایت**.
مترسکها در شب عروسکها: دونمایشنامه بهرام **بیضایی** .
موش : (میم. واو. شین)، بهمن **فرسی**.
نمایشنامهٔ فانتری شیخ صنعان : محمد حسین **میمندی نژاد** .

ادبیات عامه ومحلی

اوخام : (به لهجهٔ گیلکی)، گردآورنده فهیمهٔ اکبر، بامقدمه‌های صادق کیاوعبدالله اشرفی، جهانگیر **سرتیپ پور** .
ترانهٔ خوانسار: (بلهجهٔ محلی خوانسار)، یوسف **بخشی** .
ترانه‌های ملی: (فارسی، آذربایجانی - گیلکی)، امیرکبیر، تهران.
پاره پاره : (مجموعی ازاشعار موجوداز زبان آذربایجان همراه دوبیتی‌های محلی «بایاتی»ها) ، تبریز ابن سینا ، ص . **قارانقوش** .
حیدربابایه سلام: (مجموعهٔ شعرترکی)، محمد حسین **شهریار** .
دختر رشتی : (مجموعهٔ ترانهٔ گیلکی)، **گورگین** .
سی افسانه‌های محلی اصفهان : بامساعدت هنرهای زیبای کشور، امیرقلی **امینی** .
هزار ویك سخن در امثال و نصایح و حکم : تأیید ، امیرقلی **امینی** .

۱۳۷۲

هزار و یکصد ترانهٔ ایرانی از باباطاهر همدانی تا فایز دشتستانی: انتشار مطبوعاتی فارس.

فکاهیات و شوخی

اسماعیل درهندوستان: شرق، حسین **مدنی**.
اسماعیل در نیویورک: مجلهٔ سپید و سیاه حسین **مدنی**.
اسماعیل در نیویورک: شرق، حسین **مدنی**.
بازار بلخ: (مجموعهٔ اشعار و مطالب فکاهی)، شرق، حسین **مدنی**.
بامزگیها: شامل داستانها و حکایات خنده‌دار و متلک های زبان فارسی، خرد و **سعدی**.
خوشمزگیها: امیرکبیر، (جلد اول)، مهدی **سهیلی**.
خوشمزگیها: امیرکبیر، (جلد دوم)، مهدی **سهیلی**.
خیام و سهیلی: (مشتمل بر رباعیات حکیم عمرخیام و رباعیات فکاهی سهیلی)، امیرکبیر، مهدی **سهیلی**.
دخونامه: (حکایات و داستانهای دخونامه با تصویر رنگی)، محمدعلی علمی.
دزد ناشی که بکاهدان زد: مهدی **سهیلی**.
زنگ تفریح: امیرکبیر، مهدی **سهیلی**.
ژوکر: (مجموعهٔ مطالب زن‌شناسی)، شرق، حسین **مدنی**.
ژیگولو: (خاطرات مموش پوشتیان)، سپید و سیاه، جمشید **وحیدی**.
سردبیر گیج: امیرکبیر، مهدی **سهیلی**.
شوخی درمحافل جدی: نصرالله **شیفته**.
شوخی وخوشمزه: حسین ناظری.
عسل تلخ: امیدوار، حسین **مدنی**.
فکاهیات سهیلی: امیرکبیر، مهدی **سهیلی**.
قلقلک: (فکاهیات)، فضل‌الله **گلزار**.
قهقههٔ اسکلت: افلاطون، نصرالله **شیفته**.
گوناگون: شهریار، نوروز **جمشاد**.
لبخندی بزنیم: خیام، حسین **جباری**.
لطایف وظرایف ادبی: محمدی، علی نقی **بهروزی**.
مجموعهٔ لطایف: شرق، احمد **سروش**.
نمکپاش: امیرکبیر، مهدی **سهیلی**.

فولکلور عامیانه

امثال و حکم: (امیرکبیر)، علی‌اکبر **دهخدا**.
پانزده افسانهٔ روستایی: امیرکبیر، حسین **کوهی کرمانی**.
ترانه‌های روستایی خراسان: ابراهیم **شکور زاده**.
ضرب‌المثل‌هـــای فارسی درافغانستان: فرهنگ ایران‌زمین، محمدتقی **مقتدری**.
فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان فارسی: (با مقدمهٔ احمد آرام)، امیرقلی **امینی**.
فرهنگ لغات عامیانه: (به کوشش محمد جعفر محجوب)، محمدعلی **جمال‌زاده**.
فولکلور: (دفتر اول)، عبدالحسین **نیری**.
هفتصد ترانه: حسین **کوهی کرمانی**.
امثال ملل: کمـال‌الدیـن **مرتضویان فارسانی**.

شعر معاصر

آئین راستین‌را نخستین فرمان‌شاهنشاه: اقبال، محمد حسین **انوار**.
آئینهٔ اجتماع: ت ـ امینیان (عطارد).
آخرین شراره: علی‌اکبر سعیدی.
آرش کمانگیر: نشر اندیشه، سیاوش **کسرائی**.
آسمان عشق: م. **زند وکیلی**.
آوا: نیل، سیاوش **کسرائی**.
آوای جان: غلامحسین **صدری افشار**.
آه ... بیابان: م. ع. سپانلو.
آهنگ‌دیگر: به‌اهتمام رضا سیدحسینی، منوچهر **آتشی**.
آهوان باغ: (منتخب اشعار رضا براهنی)، رضا **براهنی**.
ابر: فریدون **مشیری**.
ارزش احساسات: صفیعلیشاه، توضیحات وحواشی از ابوالقاسم جنتی عطایی، علـی اسفندیاری (نیمایوشیج).
ازدیوان شیوا: مقدمه ازپرویز تندرستی، محمود **تندری** (صمصام‌السلطان).
ازکاروان رفته: مهرداد **اوستا**.
از هرفصل گلی: مصطفـوی، محسن **شفایی**.
اسماعیل: عباس چلیپا.
اسیر: امیرکبیر، فروغ **فرخزاد**.
اشعارعبدالحسین سپنتا: گردآورنـده گوهرتاج سپنتا، با مقدمهٔ محمدعلی جمالزاده، عبدالحسین **سپنتا**.
اشک شمع وسوزش پروانه: (شامل نظم و نثرونامه)، محمد **عبداللهی**.
اشک قلم: حمید سرپاش.
اشک معشوق: امیرکبیر، مهدی **حمیدی شیرازی**.
اشک و بوسه: امیرکبیر، فریدون **کار**.
افسانهٔ رؤیا و هذیان یادها: مرتضی **شمس**.
«افسانه» و «رباعیات»: کیهان، علی **اسفندیاری** (نیمایوشیج).
افسونگر: حبیبهٔ **عامری**.
اکنون‌می‌اندیشم، به‌تومی‌اندیشم: هوشنگ **ایرانی**.
امواج: نصرت‌الله **کاسمی**.
بارگاه خیال: آرمان، جمال شهران.
بازگشت: ا. ن. **رهرو**.
باغ آئینه: احمد شاملو (ا. **بامداد**).
باغستان‌عشق: حبیب **چایچیان** (احسان).
(بامطالعاتی دربارهٔ تقابل‌شعروموسیقی و تحولات موسیقی در ایران): امیر **جاهد**.
برجاده‌های تهی: کیهان، یدالله **رؤیایی** (رؤیا).
برگزیدهٔ اشعار نادر نادرپور: سازمان کتابهای جیبی، نادر **نادرپور**.
برگزیده‌ترین اشعارنظام وفا: به‌اهتمام داود موسوی، **نظام وفا**.
برگزیدهٔ قصاید بهار: سازمان‌کتابهای جیبی، محمد تقی **بهار** (ملک‌الشعراء).
برگ سبز: معرفت، اسمعیل **روزبه**.
برگهای پراکنده: عفت **تجارتچی**.
برگهای خزانی‌به‌انضمام پیوند دلها: گردآوری محمدهاشم امیدوار هراتـی، خلیل‌الله خلیلی.
بهار ابر: مقدمه ازمحمود جوادی، فخیم **ابهری**.
بهارادب: نشریات حسین‌آقا، عبدالعلی **باقی شهرضایی**.
بیتاب: نادری، ا. **خویی** (سروش).
بیست وپنج غزل از بیست وپنج شاعر: انجمن ادبی صائب.
پایان شب: **پیروز**.
پرواز خیال: ماه منظر **سوادکوهی**.
پروانه وشبنم و پنجاه قصیدهٔ دیگر: ابوالقاسم **حالت**.
پرهای شکسته: سومین مجموعه، به‌اهتمام هوشنگ مستطاب مدرسی، محمد حسین **گوهرزای** (گوهر).
پژواک: شرف.
پس‌از یکسال: پیروز، مهدی **حمیدی شیرازی**.
پلهای شکسته و چند قطعه ازیاد بود: (مجموعهٔ ۳۲ شعر)، امیرکبیر، ایـرج **دهقان**.

پنجره : (مجموعهٔ اشعار سپید)، انوشه ، فریدون **کار** .
پنجرهٔ بسته : گیتی **ایروانلو** .
پهلوی نــامهٔ مشیری : موسی **مشیری کردستانی** .
تا...پل میعاد : (مجموعهٔ شعر) ، حسن **ندیمی** .
تالار آئینه : داریوش **صبور** .
تحفهٔ مخبری یاکار بیکاری : (مثنوی) ، مهدیقلی **هدایت** (مخبرالسلطنه) .
تذکرةالسادات: هاشم **سیارهٔ شهرضایی**.
ترانهٔ عشق : حسن ناظمی .
ترانه های آسمانی : مرتضی **ایل بیگی** (هما) .
ترمه: نصرت‌الله **رحمانی** .
تشنهٔ طوفان: (مجموعهٔ شعر)،صفیعلیشاه، بامقدمهٔ علی‌دشتی، فریدون **مشیری**.
توفان خشم : (چهـل چکامه) ، مظاهـر **مصفا** .
جای پا، سرقت: سیمین **بهبهانی** .
جای پا : (شانزده قطعه شعر) ، محسن **دها** .
جزیره: (کتاب شعر)، امیرکبیر، محمد **زهری** .
جنگل مولا : هاشم **سیارهٔ شهرضایی** .
جوانه: منوچهر **نیستانی**.
جهیز: امان‌الله **احسانی** .
چشم براه: علی **فرامرزی راد**.
چشمه: محمد علی **اسلامی ندوشن**.
چشمها ودستها: نیل، نادر **نادرپور**.
چکیدهٔ دل: اقبال، امین **میرهادی** .
چلچراغ : امیرکبیر ، سیمین **بهبهانی**.
چهرهٔ امید: ذبیح الله **جوادی**.
حدیث‌دل: نظام وفا .
حدیث عشق: (رباعیات عرفانی)،خواجه عبدالحمید **عرفانی** .
حصار: (مجموعهٔ شعر)، کانون تربیت ، پرویز **خائفی** .
حماسهٔ تنهایی : گـوتمبـرگ ، مهین **سکندری** .
حماسهٔ مرگ: حماسهٔ زندگـی ، بهمن **شعله‌ور** .
خار: (مجموعهٔ اشعار)،مروج، صدرالدین **الهی** (و) غ. **تاجبخش** .
خاشاك : امیر کبـیر ، حسین **پژمان بختیاری** .
خراب: منوچهر **نیستانی** .
خاکستر: علی‌اکبر **سعیدی** سیرجانی .

خزان‌گلریز : حبیب **چایچیان**(حسان).
خزر: محمد **نوعی**.
خشم شاعر : فردوسی، بامقدمهٔ ذبیح‌الله صفا ، ماهرخ **پورزینال** .
خوشهٔ تلخ : اسماعیل**چناری** (رها).
خون‌سیاوش:امیر کبیر،سیاوش**کسرائی**.
دانشنامه ودیوان هیدجی : حقیقت، با مقدمهٔ جعفر موسوی ، **هیدجی**.
دختر جام : نیل ، نادر**نادرپور** .
درآغوش: فرخ **تمیمی** .
در جستجوی زندگی : آرمان ، جمال **شهران** .
دستور : ابوالقاسم **رضایت**(دستور).
دسته گل محمدی : شرکت سهامی نشر کتاب ، علی‌اکبر **پیروی** .
دفتر صهبا : ابن سینا ، ابـراهـیم **صهبا** .
دنیای رنگها :کیهان، نصرت‌الله**نوحیان** (نوح) .
دهمین‌سال حادثهٔ پانزده بهمن۱۳۲۷
خورشیدی : کیهان، علی‌اصغر**بوذری**.
دیارشب : بامقدمهٔ ا . بامداد،**آزاد**.
دیباچه : یدالله **امینی مفتون** .
دیوار : امیرکبیر ، فروغ **فرخزاد** .
دیوان‌ابراهیم‌صفایی: (به‌انضمام تاریخ ملایر)، ابراهیم**صفایی**.
دیوان‌ادیب طوسی : ابن‌سینا،به‌کوشش مهریارطاووسی،محمدامین **ادیب‌طوسی**.
دیوان‌اشعار:ابن‌سینا،محمدمیرزا**شایسته** (عمیدالدوله) .
دیوان‌اشعارانصاری:محمدعلی**انصاری**.
دیوان‌اشعارمحمدتقی‌بهار.ملك‌الشعرا: امیرکبیر،محمدتقی**بهار**،(ملك‌الشعراء).
دیوان اشعار نورالهدی‌منگنه: بامقدمهٔ محمد مشکوة ، نورالهدی **منگنه** .
دیوان‌الادب، توحید: به‌اهتمام‌عمادزادهٔ اصفهانی ، **حایری مازندرانی**.
دیوان الهی : بـرادران علمی ، مهدی **الهی قمشه‌ای** .
دیوان پیمان یغمایی: پیمان **یغمایی** .
دیوان تابع : مصطفوی، محمدعلی**تابع**.
دیوان حسن وثوق:حسن **وثوق**(وثوق‌ـ الدوله) .
دیوان‌حکیم‌صبوری:جمعیت نشرفرهنگ گیلان ، به‌اهتمام‌هادی‌جلوه، با مقدمـهٔ ابراهیم پورداود ومحمد معین ، بـاقر **صبوری** .
دیوان رسام ارژنگی: رسام **ارژنگی** .

دیوان رشید یاسمی: ابن‌سینا، بامقدمهٔ جلال همایی ؛ به‌اهتمام‌محمدامین‌ریاحی، **رشیدیاسمی** .
دیوان‌ساسان : به‌اهتمام‌امان‌الله طاهری وایرج کریمخانی،محمدحسین **ساسان‌نیا**.
دیوان سرابی: مصطفی**خراسانی** .
دیوان مظفرشیرازی: شاعرغـزلسرای معروف قرن اخیرشیراز،کانون‌دانش،به اهتمام علینقی بهروزی .
دیوان شهریار : سعدی (تبریز)، محمدـ حسین **شهریار** .
دیوان صابر همدانی : با مقدمهٔ کیوان سمیعی .
دیوان طلعت: طلعت .
دیوان عباس‌فرات : عباس **فرات**.
دیوان غزلیات وقصاید شیوا: بامقدمهٔ صادق‌رضازادهٔ‌شفق،علی **طاهری سدهی** (شیوا) .
دیوان‌فرصت‌شیرازی: سیروس، به‌اهتمام علی‌زرین قلم ، **فرصت‌الدولهٔ شیرازی**.
دیوان قصاید، خائفی : مقدس عـلیشاه **فانی مبارکه‌ای** .
دیوان قصایدوغزلیات شوقی‌اصفهانی: بهار ، **شوقی اصفهانی** .
دیوان قصاید وغزلیات‌طایی‌شمیرانی: با مقدمهٔ حشمت‌الله مقصودی ، **طایی شمیرانی** .
دیوان قصاید و مثنویات : پـرویـن **اعتصامی** .
دیوان قصاید ، هزار غزل، مقطعات : دانشگاه‌تهران، بامقدمهٔ‌علی‌اصغرحکمت و جلال همایی ، شرح حال از هوشنگ میر مطهری ، تقی**دانش** (مستشاراعظم ، ضیاء لشکر) .
دیوان قطعات ، مثنویات ، قصاید ، غزلیات ، رباعیات حالت : ابـن‌سینا ، ابوالقاسم**حالت**.
دیوان‌کامرانی : یدالله **شاهد** .
دیوان‌کمپانی:دارالکتب‌اسلامیه،محمدـ حسین **غروی‌اصفهانی** (کمپانی).
دیوان‌گلزار : به‌اهتمام ابراهیم‌انوری، **سودایی‌دستگردی** .
دیوان‌گلشن‌آزادی : علـی‌اکبر **گلشن آزادی** .
دیوان مجتهدکازرونی : احمدی،بوسیلهٔ علینقی بهروزی ، علی**مجتهدکازرونی** .
دیوان محمدجعفرایرانپورتویسرکانی:

محمد جعفر **ایرانپور تویسرکانی** (پروین) .
دیوان محمد صادق آقاجان طبرستانی: بوذرجمهری ، محمد صادق **غافل مازندرانی** .
دیوان مکرم اصفهانی : محمدعلی **مکرم اصفهانی** .
دیوان ناهید: مریم میرهادی (ناهید).
دیوان نوری: علی اکبر **نوری** .
دیوان نیرشیرازی : حافظ ، بامقدمهٔ ابوالقاسم مرعشی، علی اصغر **رستگارزمانی** (نیر شیرازی) .
دیوان هاتفی تهرانی : (جلداول قلمرو عشق)، پیروز، مرتضی **هاتفی**.
دیوان همایون: گلبهار، بامقدمهٔ حبیب یغمایی، همایون **تجربه‌کار** .
رازالهام : ابن سینا ، حسین **مسرور** (سخنیار) .
رازها : ابراهیم **صفایی**.
رباعیات باغچه‌بان : باغچه‌بان .
رقص برساحل : (مجموعهٔ ۳۲ شعر) ، جمال **شهران** .
رقص کوسه : صفیعلیشاه ، ابوالقاسم **حالت** .
رقص یادها : (مجموعهٔ شعر) ، لعبت **شیبانی** .
رنج اللهی : دهقانی تفتی .
روان خسته : بدری **تندری** (فانی).
روزها : مروارید ، بیژن **جلالی**.
رؤیا : حسین **غیور** (و)حسن **یزدیان**.
رها : (مجموعهٔ شعر)، امیرکبیر، فریدون **توللی** .
رهگذر مهتاب : طاهرهٔ **صفار زاده** (مردمك) .
زبان دل: میرهادی **ربانی**.
زمزمهٔ بهشت: امیرکبیر ، مهدی **حمیدی شیرازی** .
زمستان : زمان ، مهدی **اخوان ثالث** (م.امید .)
زهره ومنوچهر : ایرج میرزا .
زیباترین اشعار فروغ فرخزاد: آرمان، فروغ **فرخزاد** .
سایه‌ها : صفیعلیشاه، محسن **هشترودی**.
ستایش: (چند شعر)، طهوری، محمدرضا **خزائلی** .
سخن زندگی : رضا **عطاپور**.
سرمهٔ خورشید : سخن ، نادر **نادرپور**.
سرودآزادی : ارسلان، **پوریا**.
سرود بهاری: کاوهٔ **سعیدی**.
سرود پرستو: عمر **سلطانی** (وفا).
سرود خورشید: مقدمه ازمحمدعاصمی، محمد **کلانتری** (پیروز).
سرودعشق : شمس **آفاق نما** .
سرودمهر : ابن‌سینا ، صادق **رضا زادهٔ شفق** .
سریر: محمد تقی **علوی شوشتری** .
سوزوساز: (مجموعهٔ اشعار) ، علی اکبر **سعیدی** سیرجانی .
سی‌پاره : کانون معرفت ، مظاهر **مصفا** .
سی‌ترانه : شرکت سهامی تحریرایران، منوچهر **اسکندری** (منو) .
شاهکارهای شعرمعاصر: امیرکبیر، با مقدمهٔ احسان یار شاطر ، فریدون **کار** .
شب: توفان.
شبستان : محمود **کیانوش** .
شب‌شاعر: بامقدمهٔ سیمین بهبهانی، خلیل **سامانی** .
شبهای‌شیراز : کانون معرفت، مظاهر **مصفا** .
شطرنج وجود : علی اکبر **بصیری**.
شعر انگور : نیل ، نادر **نادرپور** .
شعله‌های جاویدان : (مجموعهٔ شعر) ، ص . **هوردل** .
شقایق : محمد **شقایق**.
شکست حماسه : (اشعاری به‌نثر) انجمن گیتی ، **غریب** .
شکست سکوت: «کارو» .
شکوفهٔ عشق: علی اصغر **مظهری** .
شمع جمع: شرکت سهامی طبع کتاب ، فتح‌الله قدسی **(فؤاد)** .
شن : دانش (فروغی) .
شوخی باحافظ: عبهری .
صبح وعصر: (شعر)، محسن **شفائی**.
طلسم شکسته: مهدی **حمیدی شیرازی**.
عریان: داریوش **صبور**.
عصیان: امیرکبیر، فروغ **فرخزاد**.
عطش: اقبال، مهین اسکندری .
عید : خلیل **سامانی** .
غروب: (دفترشعر)، عادل‌نژاد **خلعتبری** (غوغا) .
غزلیات شوریده : سنایی ، **شوریدهٔ شیرازی** .
غزلیات وآثار بهی : جلال بهی‌زاده .
غنچهٔ خندان یااشعار وفکاهیات سرود : معرفت، به‌اضافهٔ قسمتی‌ازاشعار «حسرت» پدر شاعر، **سرود** .
کابل : سازمان‌آرش، صادق **کیا** .
کاروان فرهنگی ازپاکستان به‌ایران : (شعر)، حبیب **یغمایی** .
کتاب جنگل: دیوان خلعتبری (پندار گلستان جهان جلدسوم) اسدالله **خلعت‌بری تنکابنی** .
کلیات آثار سید عبدالکریم غیرت کرمانشاهی : بامقدمه وحواشی و تاریخ کرمانشاه بقلم محمدسعیدغیرت، عبدالکریم غیرت **کرمانشاهی** .
کلیات اشعار عارف قزوینی: امیرکبیر، به اهتمام سیف آزاد ، ابوالقاسم **عارف قزوینی** .
کلیات مصور عشقی : امیرکبیر ، مقدمهٔ نگارش علی اکبر مشیر سلیمی ، میرزادهٔ **عشقی** .
کوراوغلی: (نام کتاب است) .
کویر: گوتمبرگ، نصرت الله **رحمانی**.
گسسته: لعبت **شیبانی** .
گلباد: محمد **مجلسی**.
گلچینی ازدیوان استاد سعید نفیسی : طهوری، به‌اهتمام عبدالغفار **طهوری**، سعید **نفیسی** .
گلزارجاوید: مهین **رافعی** .
گلزارحسینی: اسلامیه، اختر **طوسی** .
گلزار سخن: بامقدمهٔ ناظرزادهٔ کرمانی، **نیکوهمت** .
گل مرداب: محمد علی‌علمی ، ماهرخ **پور زینال** .
گلهائی‌که پژمرد : نوح اسپند .
گلهای پرپر: حبیب **چایچیان** (حسان).
گلهای من : ملکهٔ **اعتضادی** .
گلی چند ازدیوان پروین اعتصامی : مهرگان، پروین **اعتصامی** .
گناه دریا: نیل، فریدون **مشیری**.
گنج دارا : علی اکبر **دارا** .
لبخند آرزو : (مجموعهٔ شعر) ، ق. ص. **گلشن** .
لبخند تلخ: عباس **سامره‌ای** .
مادرنامه : (گزیده‌ای از شعرای معاصر دربارهٔ مهرمادر)، داود **هارونیان**.
ماسه‌ها وحماسه‌ها: اشراقی، **«کارو»** .
مانلی: صفیعلیشاه ، به‌اهتمام ابوالقاسم جنتی‌عطایی، علی **اسفندیاری** (نیمایوشیج).

مثنوی قضا وقدر: انجمن ادبی صائب، به‌اهتمام پرتو بیضایی، سلیم تهرانی.
مثنوی‌مقالات الابرار: محمدحسین آیتی بیرجندی .
محراب راز: ابوالقاسم اعلامی.
مجموعهٔ اشعار دهخدا : به‌اهتمام محمد معین،علی‌اکبر دهخدا .
مدایح و مراثی و نوحه‌های سینه زنی کشفی : علمی، صامت بروجردی.
مرمر: زوار، سیمین بهبهانی .
مزامیرحق: گلزار امید ، به‌اهتمام م . اویسیان، محمد صادق عنقا اویسی .
مزدا: بامقدمهٔ ابراهیم پورداود، لطفعلی صورتگر، منیرطه .
مشاعرهٔ دوشاعر: لاهوتی‌گلپایگانی (و) بخشی خوانساری، لاهوتی گلپایگانی .
منتخب المراثی : محمدی، حاج شیخ‌آقا شاملی .
منتخبی ازاشعار: مهرگان، محمد حسین شهریار .
منتخبی از اشعار ابوالقاسم لاهوتی : آرمان، ابوالقاسم لاهوتی .
منتخبی ازاشعارامین‌میرهادی: آرمان، امین میرهادی .
منتخبی ازاشعارعلامه علی‌اکبر دهخدا: طهوری ، به‌اهتمام عبدالغفار طهوری ، علی‌اکبر دهخدا .
منتخبی‌ازاشعارمحمدتقی بهار: مهرگان، محمد تقی بهار(ملك‌الشعراء).
منظومهٔ‌جنگل‌وشهر برفرازدار: مطبوعاتی جاوید، رضا براهنی .
منظومهٔ سرگذشت اردشیر بابکان : باشاهکار بی‌نظیری ازشعر فارسی ، مجلهٔ ارمغان،حسن وحید دستگردی .
من‌کویر : آتش .
مهروطن: غلامرضاجولایی (مزدا) .
نافه : فریدون توللی .
ناقوس: (مجموعهٔ شعر) آژنگ .
ناقوس: ابن‌سینا، نورالهدی منگنه .
نامه‌ها وعشقها : بارانی، رحمن هاتفی.
نایافته: علی‌اکبرعلمی، فریدون مشیری.
نصاب‌الرجال: اورنگ (وقارالسلطنه) .
نغمه‌های پریشان: پریشان.
نمونهٔ مختصری ازغزل‌مثنوی: رباعی، محمد مشکوة .
نوای‌آشنا: روزنامهٔ‌پارس،جعفر نوابخش اصفهانی .
نوبهار : گلشن کردستانی .
نهیب جنبش ادبی : روزنامهٔ فرمان ، کیا «تندر» .
نیایش: غلامحسین صدری افشار .
نی‌لبك‌طلایی من : طاهر غزال.
وفا: (شعر). میرعابدینی.
هدیهٔ‌کاشف : جعفرکاشف.
هدیهٔ‌مور: (دیوان‌محمد علامه) ، محمد علامه .
هذیان زندگی: نادعلی همدانی .
هراس: بامقدمهٔ محسن هشترودی،حسن هنرمندی .
هوای تازه : نیل ، احمد شاملو (ا . بامداد) .
یاد ویادبود : محمد ابراهیم باستانی پاریزی .
یادیاد: محسن‌دها .
یادیاران‌گذشته : احمد ترجایی‌زاده.

تاریخ و انتقاد ادبی

ادبیات آلمان : تأیید، ژ . ف . آنژلو ترجمهٔ ایرج پورباقر .
ادبیات امریکا: طهوری، ژان‌فونال کاتن ترجمهٔ ح حسینی‌نژاد .
ادبیات فرانسه : تأیید ، مارسل ارهار ترجمهٔ ایرج پورباقر .
ادبیات‌فرانسه درقرون‌وسطی: امیرکبیر، ترجمهٔ دکتر زرین‌کوب .
ادبیات یونان: امیرکبیر،ترجمهٔ حسینی نژاد .
ازرمانتیسم تاسوررئالیسم: امیرکبیر ، حسن هنرمندی .
پانزده‌گفتار دربارهٔ چندتن ازرجال‌ادب اروپا: ازاومیروس تابرناردشاو، دانشگاه تهران، مجتبی مینوی .
تاریخ‌ادبیات‌انگلیس: امیرکبیر،لطفعلی صورتگر .
رئالیسم وضد رئالیسم درادبیات: نیل، سیروس پرهام (میترا) .
رمانتیسم در فرانسه: فیلیپ وان‌تیگم، ترجمهٔ احمد طباطبایی .
سهراب ورستم: ماتیو آرنولد، ترجمهٔ منوچهرامیری .
فن نمایشنامه نویسی : لاجوس اگری، ترجمهٔ مهدی فروغ .
مارك تواین ازکودکی تاشهرت: مینو ، آلبرت بیگلاوین، ترجمهٔ عباس‌سلامیان.
مکتبهای ادبی: نیل، با مقدمه از میترا (سیروس پرهام) رضاسیدحسینی .
هنرداستان نویسی: امیرکبیر، ابراهیم یونسی بانه‌ای .
هنرچیست؟: امیرکبیر،تولستوی، ترجمهٔ کاوه دهگان .

مجموعه

آثارجاویدان‌ادبیات جهان: امیرکبیر، حسن شهباز (مترجم) .
آخرین برگ : (شامل منتخب آثار نویسندگان‌ایرانی‌وترجمهٔ آثارخارجی)، امیرکبیر،هوشنگ مستوفی (مترجم).
اشاره‌برترجمهٔ اخیرفارسی‌ازنمایشنامه ویلهلم تل : رحمت الهی .
اشتیاق : (مجموعهٔ ده داستان ترجمه از آثار تورگنیف، پوشکین،موپاسان،ونز)، امیرکبیر، هوشنگ مستوفی (مترجم) .
باآثارجاویدان‌ادبیات‌جهان‌آشناشوید: شهریار، بهروز سکوت (مترجم) .
جنگ هنری: (دفتردوم، ازنویسندگان خارجی وایرانی) صفی.
دریای گوهر: (جلددوم، شامل‌برگزیدهٔ ترجمه‌های معاصر) ، امیرکبیر، مهدی حمیدی شیرازی .
شاهکارهای‌ترجمهٔ‌فارسی‌معاصر: معرفت، برزگر .
(منتخبی‌ازقطعات‌ادبی‌شعرونویسندگان بزرگ دنیا) : آرمان ، (شاهکارهای ادبی) .
هفت‌کشور: معرفت، محمدعلی‌جمالزاده (مترجم) .

شعر

آهنگهای شاعرانه: امیرکبیرومعرفت، آلفونس دولامارتین،ترجمهٔ شجاع‌الدین شفا .
اشعارمنتخب ازشاعران‌رمانتیك‌فرانسه: دانشگاه تهران، نصرالله‌فلسفی(مترجم).
اشعار منتخب ویکتورهوگو : بنگاه ترجمه ونشرکتاب،ویکتورهوگو، ترجمهٔ نصرالله فلسفی .
بهترین اشعار آلفرد دوموسه . کانون معرفت، آلفرددوموسه،ترجمهٔ‌شجاع‌الدین شفا .
بهترین اشعار رابرت فراست : سخن ، رابرت فراست، ترجمهٔ فتح‌الله مجتبایی.
بهترین‌اشعار لانگ‌فلو: سخن،لانگ‌فلو ترجمهٔ محمدعلی اسلامی ندوشن .
بهترین اشعار نیچه: دانش ، فردریك ویلهلم‌نیچه، ترجمه وانتخاب‌شجاع‌الدین شفا .
بهترین اشعار وایت ویتمن: سخن،وایت ویتمن ، ترجمهٔ سیروس پرهام .
بیلیتیس: ترانه‌های بیلیتیس: ابن‌سینا، ترجمه بفرانسه توسط پیرلوئیس،ترجمهٔ

۱۳۷۶

شجاع‌الدین **شفا** .
ترانه‌های بینوایان: مرجان، تویوهیکو **کاگاوا**، ترجمهٔ فریدون **سالکی** .
ترانه‌های شرقی : ابن سینا ، فرانتس **توسن**، ترجمهٔ بهرام **فره وشی** .
ترانه های مادر و رؤیای کودک : رابیندرانات **تاگور**، ترجمهٔ ناصر ایراندوست.
چیترا : نیل، رابیندرانات **تاگور**، ترجمهٔ فتح‌الله **مجتبایی** .
خداوندان‌شعر: (دانته شکسپیر)، کانون معرفت، تماس **کارلیل**، ترجمهٔ حسام الدین **امامی** .
خوشهٔ عشق : حکمت، آلفرد **دوموسه**، ترجمهٔ ناصر **خدایار** .
زیباترین‌اشعار لردبایرون: صفی‌علیشاه، جورج گوردن **بایرون**، ترجمهٔ شجاع‌الدین **شفا** .
زیباترین یادداشتهای‌ویکتورهوگو و برگزیدهٔ اشعار او: ابن‌سینا، ویکتور **هوگو**، ترجمهٔ ناصر **ایراندوست**.
سبد میوه: رابیندرانات **تاگور**، ترجمهٔ ناصر **ایراندوست** .
سرودهای‌جاودانی: بامشاد، رابیندرانات **تاگور**، ترجمهٔ گ. ل. **تیکو** .
صدبند تاگور: دانشگاه‌تهران‌بدستیاری ابراهیم‌**پورداود**، رابیندرانات **تاگور** .
محبوس شیلان : کانون معرفت ، جورج گوردن بایرون ، ترجمهٔ مسعود **فرزاد** و جواد **شیخ‌الاسلامی**.
مجموعهٔ بهترین اشعار ویکتورهوگو: معرفت، ویکتور**هوگو**، ترجمهٔ‌شجاع‌الدین **شفا** .
ملال پاریس‌وبرگزیده‌ای‌ازبدی: بنگاه ترجمه و نشرکتاب، شارل **بودلر**، ترجمهٔ محمدعلی **اسلامی‌ندوشن** .
منتخبی از بهترین اشعار امریکایی : ابن‌سینا، شجاع‌الدین **شفا** (مترجم) .
منتخبی از زیباترین شاهکار های شعر جهان: ابن‌سینا، شجاع‌الدین‌**شفا**(مترجم).
نغمه‌های‌ایرانی: (منتخبی‌از بهترین‌اشعار مربوط به ایران درآثار شعرای غرب). امیرکبیر، شجاع‌الدین **شفا** (مترجم) .
نغمه‌های شاعرانه : ابن‌سینا ، آلفونس **دولامارتین**، ترجمهٔ شجاع‌الدین **شفا** .
نغمه‌های یونانی : ترجمه‌ای از آثار آناکرتون، سافوملتاگروس، شرق، شجاع‌الدین **شفا** (مترجم) .
هلال ماه نو: دانشکدهٔ ادبیات اصفهان، رابیندرانات‌**تاگور**، ترجمهٔ **محمدمهریار**.

نمایشنامه

آنتیگن: (به ضمیمهٔ آنتیگن ولذت‌تراژیك ازآندره‌بونار)، نیل، **سوفوکل**، ترجمهٔ **بهیار** .
اتللو : نشر اندیشه، ویلیام **شکسپیر**، ترجمهٔ محمود **اعتماد زاده** (به‌آذین) .
اتللو: گوتمبرگ، **امیل‌لودویك**، ترجمهٔ محسن **فارسی** .
اتوبوسی‌بنام‌هوس: علی‌جعفری، **تنسی‌ـ ویلیامز**، ترجمهٔ ایرج نورائی .
ازدواج آقای میسی‌سی‌پی : فردریك **دورنهات** ، ترجمه حسین **سمندریان** و حمید **سمندریان** .
اصحاب‌کهف: انجمن‌کتاب، توفیق‌**الحکیم** ترجمهٔ ابوالفضل **طباطبایی** .
اگمنت: بنگاه‌ترجمه و نشرکتاب، یوهان ولفکانگ **گوته** ، ترجمهٔ محمد باقر **هوشیار** .
الکترا، زنان تراخیس ، تیلوکتتس و آژاکس : بنگاه ترجمه و نشرکتاب ، **سوفوکل** ترجمهٔ محمد **سعیدی** .
اوژنی‌گرانده: پیشرو، اونوره‌دو**بالزاك**، ترجمهٔ عبدالله **توکل** .
باغ‌آلبالو: آنتوان‌**چخوف**، ترجمهٔ‌بزرگ **علوی** .
باغ وحش شیشه‌ای : کانون معرفت ، توماس‌لاینر **تنسی ویلیامز**، ترجمهٔ مهدی **فروغ** .
بیگناهان در زیرگیوتین : ابن سینا ، مارسل‌**امه**، ترجمهٔ‌شمس‌الدین‌**امیرعلایی** .
پایان یك عمر: دنیا وهنر، آرتور **میلر**، ترجمهٔ سرور .
پرندهٔ‌آبی: امیرکبیر، موریس‌مترلینگ، ترجمهٔ عبدالحسین نوشین .
پرومته در زنجیر: اندیشه، **اشیل**، ترجمهٔ شاهرخ **مسکوب** (م.بهیار) .
تابستان‌ودود: توماس‌لاینر **تنسی‌ویلیامز**، ترجمهٔ ایرج **نورائی** .
تراژدی قیصر: بنگاه‌ترجمه‌و نشرکتاب، ویلیام **شکسپیر** ترجمه ف ـ **شادمان** .
ترجمهٔ ایندوشیکهر : دانشگاه تهران ، **پنچاتنترا** .
خانوادهٔ بارت ساکن خیابان دیمپل : فام رودلف **بیزی‌یر**، ترجمهٔ همایون **نوراحمر** .
خانهٔ عروسك واشباح : بنگاه ترجمه و نشرکتاب، هنریك **ایبسن**، ترجمهٔ مهدی **فروغ** .
خسیس: بنگاه‌ترجمه ونشرکتاب،**مولیر**، ترجمهٔ محمدعلی **جمالزاده**.
درانبوه شهرها: برتولت‌**برشت**، ترجمهٔ عبدالرحمن **صدریه** .
درمحاصره : آلبر**کامو**، ترجمهٔ‌محمدعلی **سپانلو** .
دشمن ملت : بنگاه ترجمه ونشرکتاب ، هنریك‌**ایبسن**، ترجمه محمدعلی‌**جمالزاده**.
دکترفاستوس: بنگاه ترجمه‌ونشرکتاب، کریستوفر**مارلو**، ترجمهٔ‌لطفعلی‌**صورتگر**.
دوشیزهٔ‌اورلئان: بامقدمهٔ صادق هدایت، فردریك **شیلر**، ترجمهٔ بزرگ **علوی** .
دون‌کارلوس : بنگاه ترجمه ونشرکتاب، فردریك **شیلر** ، ترجمهٔ سید محمد علی **جمالزاده** .
ریچارد سوم: امیرکبیر، ویلیام‌شکسپیر، ترجمهٔ **براهنی** .
سالومه : سازمان‌کتابهای جیبی، اسکار **وایلد**، ترجمهٔ سیروس **بهروزی** .
سفر دور ودراز به وطن: نیل، یوجین **اونیل**، ترجمهٔ صفدر**تقی‌زاده** .
سه نمایشنامه : اودیپوس ، اودیپوس در کرلونس ـ آنتی‌گون)، بنگاه ترجمه و نشرکتاب، **سوفوکل**، ترجمهٔ‌محمد**سعیدی**.
سوء تفاهم: قائم‌مقام، جاوید، آلبر**کامو**، ترجمهٔ جلال **آل‌احمد** .
شاهکارهای ویلیام شکسپیر : خرد ، ویلیام **شکسپیر**، ترجمهٔ م. ب. **آذینفر** .
شکونتلا : بنگاه ترجمه و نشرکتاب ، **کالیداس** ترجمه ایندو **سیکهیر** .
شوهر دلخواه و زن بی‌اهمیت : بنگاه ترجمه ونشرکتاب ، اسکار **وایلد**، ترجمهٔ پرویز **مرزبان** .
قربانی‌وپستخانه ومرتاض ومالینی و شاه وملکه : بنگاه ترجمه ونشرکتاب ، رابیندرانات **تاگور**، ترجمهٔ فریدون **گرگانی** .
کسب‌وکار میسیزوارن: اندیشه، برنارد ـ **شاو**، ترجمهٔ بزرگ **علوی** .
گبسك‌رباخوار: اونوره‌دو**بالزاك**، ترجمهٔ مسروب **بالایان** .
گوشه‌گیران آلتونا : قائم مقام، ژان‌پل ـ **سارتر**، ترجمهٔ احمد **صادق** .
لالوکاندیرا: (کمدی‌درسه‌پرده)ابن‌سینا، کارلو **گولدونی**، ترجمهٔ جیان لودویکو **پنیاکو** .

لیرشاه : بنگاه‌ترجمه و نشرکتاب،ویلیام شکسپیر، ترجمهٔ جواد **پیمان** .
مردم‌گریز : امیرکبیر ، **مولیر** ،ترجمهٔ محمود **هدایت** .
مرده‌های‌بی‌کفن‌ودفن،مگسها، خلوتگاه: (سه نمایشنامه) ، سخن ، ژان‌پل**سارتر**، ترجمهٔ صدیق **آذر** .
مفتخورها: (نمایشنامه)، گرگه‌یی **چی‌گی**، ترجمهٔ **بامداد وفرشته** .
مکبث : نیل، باترجمهٔ مقدمه‌ای‌ازموریس مترلینگ،ویلیام**شکسپیر**،ترجمهٔ‌عبدالرحیم **احمدی** .
منتخبی از داستانها و نمایشنامه های چخوف : دانشگاه تهران، آنتوان **چخوف** ترجمهٔ روحی **ارباب** .
موناواناودونمایشنامهٔ‌دیگر: بنگاه‌ترجمه ونشرکتاب، موریس **مترلینگ** ، ترجمه بدری **وزیری** .
نمایش آرشین مالالان : (اشعار به‌زبان ترکی باتوضیحات‌به‌زبان‌فارسی)، بریانی افلاطون ، **حاجی بیگ‌اف** .
نمایشنامهٔ پدر : اگوست **استرنیدبرگ** ترجمهٔ مهدی **فروغ**.
نمایشنامه درسه پرده ؛ امروز،ماکسیم‌- **گورکی**، ترجمهٔ محسن **اسماعیلی** .
نمایشنامه لوسید: دانشگاه تهران، **کرنی**، ترجمهٔ عیسی **سپهبدی** .
ولپن: (کمدی درپنج پرده)، تنظیم‌ژون روسن استفان زوایك، بن **جونس**، ترجمهٔ ع **نوشین** .
ویلهلم تل : بنگاه ترجمه و نشرکتاب ، فـردریك شیلر ، ترجمهٔ سید محمد علی **جمالزاده** .
هلن : هیپولیت، آلست ، ایرن : بنگاه ترجمه ونشرکتاب، اوپیید، ترجمهٔ محمد **سعیدی** .
هملت: بنگاه ترجمه ونشرکتاب، ویلیام **شکسپیر**،ترجمهٔ مسعود **فرزاد** .
یکی بود یکی‌نبود : انجمن دوستداران کتاب،فرانسیس **دوکراسه**، ترجمهٔ محسن **صبا**.

کتب فانتزی

ازکتابهای طلایی

«ناشر امیرکبیر»

آدمك چوبی : اثرکارلوکولودی،ترجمهٔ محمد رضا جعفری .
آرتورشاه ودلاوران میزگرد: ترجمهٔ محمدرضا جعفری .
آرزوهای‌بزرگ : چارلزدیکنز، ترجمهٔ محمد رضا جعفری .
آلیس درسرزمین‌عجایب: لوییس‌کارول، ترجمهٔ ایرج قریب.
آیوانهو : سروالتر اسکات، ترجمهٔ‌محمد رضا جعفری.
اردك‌سحرآمیز: ترجمهٔ‌محمدرضاجعفری.
اسب سرکش: ترجمهٔ‌کاوه دهگان .
اسپارتاکوس: ترجمهٔ محمد رضاجعفری.
امیل وکارآگاهان: اریك کستنر، ترجمهٔ ا . روشن .
اولیس وغول‌یك‌چشم : تـرجمهٔ محمد رضا جعفری.
بازماندهٔ سرخپوستان : جیمز فنیمور- کوپر ، ترجمهٔ محمدرضا جعفری .
بانوی‌چراغ بدست: ترجمهٔ‌خسروخلیقی.
پری دریایی : اثرکریستیان‌آنـدرسن، ترجمهٔ خسرو خلیقی .
پسرپرنده: ترجمهٔ ا روشن.
پسرك بندانگشتی: اثر شارل‌پرد، ترجمهٔ خسرو خلیقی .
پشهٔ‌بینی دراز : ترجمهٔ ابراهیم یونسی.
تام سایر: مارك‌تواین، ترجمهٔ محمدرضا جعفری .
جادوگرشهر زمرد: اثرل. فرانك‌باوم، ترجمهٔ ایرج قریب.
جزیرهٔ اسرارآمیز : ژول‌ورن ، ترجمهٔ محمد رضا جعفری .
جزیرهٔ گنج : اثررابرت‌لوییاستیونسن، ترجمهٔ محمد رضاجعفری .
جاك غول‌کش: ترجمهٔ دادبه.
خرآوازخوان : برادران‌گریم، ترجمهٔ مازیار قریب .
خرگوش‌مشکل‌گشا : ترجمهٔ محمد رضا جعفری .
خلیفه‌ای‌که‌لك‌لك شد: ترجمهٔ‌محمدرضا جعفری .
خیاط‌کوچولو : ترجمهٔ هومان‌قشقایی.
دختر مهربان ستاره‌ها : ترجـمهٔ بیژن رحیم‌لو .
دن‌کیشوت:سروانتس، ترجمهٔ‌پ،سیروان.
دیویدکاپرفیلد : چارلز دیکنز ، ترجمهٔ محمد رضا جعفری .
رابینسون کروزو : اثر دانیل دفـو ، ترجمهٔ هومان قشقایی .
رابین هود و دلاوران جنگل : ترجمهٔ هومان قشقایی .
سام وحشی : ترجمهٔ ضمیر .
سرگذشت من : اثر بن ونوتوچلینی ، ترجمهٔ محمدرضا جعفری .
سفرهای‌گالیور : اثر یوناتان سویفت، ترجمهٔ هومان قشقایی .
سفرهای ماركوپولو: ترجمهٔ محمد رضا جعفری .
سفید برفی وگل‌سرخ: ترجمهٔ محمدرضا جعفری .
سگ شمال: جمس‌آلیورکروود ، ترجمهٔ ابراهیم یونسی .
سلطان ریش‌بزی: برادران‌گریم، ترجمهٔ مازیار قریب .
سندبادبحری: ترجمهٔ‌محمدرضاجعفری .
سه‌تفنگدار : اثر الکساندردوما، ترجمهٔ پ . سیروان .
شاهزاده‌های پرنده : ترجمهٔ محمدرضا جعفری .
شاهزادهٔ مو طلایی : برادران گـریم، ترجمهٔ محمدرضا جعفری .
شاهزاده وگدا : اثر مـارك تواین ، ترجمهٔ محمدرضا جعفری .
شجاعان‌کوچك : ترجمهٔ ا. روشن.
صندوق پرنده: اثر کریستیان‌آندرسن، ترجمهٔ خسروخلیقی .
فندق شکن : ترجمهٔ محمدرضا جعفری.
فندك جادو : اثر کریستیان آندرسن ، ترجمهٔ محمدرضا جعفری .
کفش بلورین: ترجمهٔ‌محمد رضاجعفری.
کنت مونت‌کریستو : الکساندر دوما ، ترجمهٔ محمد رضا جعفری .
کیم: اثررديارد‌کیپلینگ، ترجمهٔ محمد رضا جعفری .
گرگ دریا : جك‌لندن ، ترجمهٔ‌علیرضا یاوری .
لورنادون : اثر ر . د. بلاك‌مور، ترجمهٔ محمد رضا جعفری .
ماجرای خانوادهٔ رابینسون: اثریوهان ویس ، ترجمهٔ محمد رضا جعفری .
ملانصرالدین ،ترجمهٔ‌محمدرضاجعفری.
نهنگ سفید: اثر هرمان ملویل، ترجمهٔ محمد رضا جعفری .
وحشی‌کوچولو :فردریك‌مریات، ترجمهٔ محمد رضا جعفری .
هایدی: ترجمهٔ محمدرضا جعفری.
هرکول: ترجمهٔ ا . روشن.
هکلبری فین: مارك‌تواین، ترجمهٔ‌محمد رضا جعفری.

روزنامه و مجله

روزنامه. نشریه‌ای که برای منتشر کردن اخبار بافواصل معین (روزانه یاهفتگی) چاپ و توزیع می‌شود و امروزه مشتمل بر اعلانات و مطالب دیگری است که مورد توجه عموم می‌باشد .

الفاظ روزنامه و روزنامچه از آغاز دورهٔ اسلامی در ایران معمول بوده‌است ولی در آن اوقات به‌معنی کتاب شرح گزارش روزانه و یادداشت وقایع هرروزه بوده ودرقرون اخیربه گزارش‌وقایع نگاران دولتی که از ولایات اخبار جاری را به دولت می‌نوشتند اطلاق می‌شده وسپس به معنی روزنامهٔ چاپی به‌کار رفته است . قدیمترین روزنامه‌هایی که در دنیاانتشار یافته است ، یکی روزنامهٔ **وقایع روز** بودکه در روم‌قدیم منتشر می‌شد، ودیگر جراید رسمی که از قرون اولیهٔ میلادی در شهرهای چین منتشر می‌شده است . **وقایع‌روز** اخبارکوتاهی در بارهٔ جنگها وانتخابات ورسوم مذهبی وبازیها وآتش‌سوزیها داشته ، که مأمورین دولت آنها را می‌نوشتند و در مکانهای عمومی نصب می‌کردند تامردم از مندرجات آن آگاه شوند . در اروپا عواملی‌که به معنی پیدایش‌روزنامهٔ‌کنونی آن‌یعنی‌نشریه‌های مرتب و منظم ناشی از آنها است یکی اختراع فن چاپ و دیگری توسعه یافتن روح سوداگری در زندگی اروپایی بوده است‌وپیش‌ازآن‌اعلاناتی‌مانند **آکتادیورنا** یابوسیلهٔ جارچیهاصورت‌می‌گرفته است .

آلمانها در تهیهٔ روزنامه ، چه از لحاظ زیبایی صوری و چه از جنبهٔ فنی، نخستین پیشروان بودند ، درطی نیم‌قرن پس از اختراع فن چاپ ، اوراقی‌مشتمل براخباردرشهرهای‌روزنبرگ، آگسبورگ و کلنی نامنظم منتشر می‌شد . انتشار نشریه‌های منظم در قرن هفدهم میلادی عملی شد . نخستین روزنامهٔ منظم به زبان انگلیسی در اواخر سال ۱۶۲۰ درآمستردام منتشر شد .

روزنامهٔ اخبارهفته درسال ۱۶۲۲ در لندن انتشار یافت .

نخستین روزنامهٔ فرانسوی **گازت** که از آن‌میان‌روزنامهٔ **ملتی‌ومریخ وعلمی** دوفرانس بود، که‌درسال ۱۶۳۱ درپاریس انتشار یافت . کار روزنامه دراین کشور بالاگرفت‌وبرای اولین‌بار درآن‌نشریاتی برای‌تودهٔ مردم تهیه شد و اکنون تیراژ روزنامه در فرانسه بـه‌چند ملیون نیز می‌رسد .

هلندیهاوبلژیکیها به‌سبب‌پیشرفتشان درکار تجارت سهم عمده‌ای در مـراحل اولیهٔ‌تکامل روزنامه دارند ، در **آنورس** در سال ۱۶۱۶ روزنامه‌ای دایر شد،در استکهلم درسال ۱۶۴۳ برای اولین‌بار روزنامه منتشر شد . درقرن ۱۸ میلادی در ۱۷۰۲ در سن پطرزبورگ ، درسال ۱۷۰۴ در **بستون**، در۱۷۱۶ دررم، در ۱۷۲۶ در مادرید و در سال ۱۷۴۹ در کپنهاك روزنامه دایر گردید، از قرن۱۹ ببعد انتشار روزنامه‌ها توسعه یافت.

دایرةالمعارف فارسی

روزنامه در ایران

اولین روزنامهٔ چاپی به زبان‌فارسی در ایران چند سال پیش از سال ۱۲۵۳ ه ق(۱۸۳۷ میلادی) به‌مدیریت **میرزا صالح شیرازی** در تهران انتشار یافت . این روزنامه نام مخصوصی نداشت ولی دارای نشان دولتی بود. انتشارآن‌لااقل سه سال دوام داشت . وپس از آن مدتی تعطیل‌گردید . امیرکبیر بار دیگر این روزنامه‌رابه‌نام **وقایع اتفاقیه** براه‌انداخت (۱۲۶۷ق) که‌مدیرآن **حاجی‌میرزاجبار** و رییس آن **ادوارد برجیس** انگلیسی بودند . این روزنامه بطور هفتگی در دو ویاسه ورق‌باچاپ سنگی‌منتشرمی‌شد. این روزنامه پس ازقتل امیرکبیر به‌نام **روزنامهٔ دولت علیه ایران** و پس ازآن به‌نـام **روزنامهٔ ایران** تاسال ۱۳۲۴ ق. منتشرمی‌شد. انتشارآن‌درآغازمشروطیت مدتی تعطیل شد تادر سال ۱۳۲۹ بار دیـگر انتشارآن به‌نام **روزنامهٔ رسمی دولت ایران** انتشار یـافت و امروزهم به‌نام **روزنامهٔ رسمی‌کشور منتشر**می‌شود .

درپایان قرن‌سیزدهم چند روزنامهٔ‌هفتگی در تهران ، شیراز، تبریز منتشر می‌شد را می‌توان‌نام برد.

نخستین‌روزنامهٔ‌یومیه‌درسال ۱۳۱۶ ق . در تـهران به نام **خلاصةالحوادث** انتشار یافت . نخستین روزنامه به‌زبان خارجی یك روزنامهٔ نیمه فارسی و نیمه‌عربی درشیراز وروزنامه‌ای‌به‌نام **لاپاتری** به‌زبان‌فرانسه‌بودکه یك‌شماره از آن در سال ۱۲۹۳ در تهران منتشر شد وچون مقاله‌ای در ستایش آزادی داشت توقیف گردید . ناشر آن : لـویی دونـرمان Louis de Naurman از ایران اخراج گردید .

ازروزنامه‌های‌وزین‌قبل‌ازمشروطیت روزنامهٔ **ادب** و روزنامهٔ **تربیت** را باید نام برد، پس از اعـلام مشروطیت تعداد روزنامه‌ها درایران روبه‌فزونی‌نهاد ولی عمر بسیاری از آنان‌کوتاه بود ، بعداز سال۱۳۲۰ ش. روزنامه‌های‌فراوانی در اغلب‌شهرهای‌ایران‌منتشرشدندوتعدادشان تاسال۱۳۳۲ هرروزبیشتر می‌شدتاآنکه در ایـن سال امتیاز بسیاری از آنها لغو گردید و در سال ۱۳۴۱ نیز قریب هفتاد روزنـامه و مجلهٔ دیگرکه فروش چندانی نداشتند تعطیل‌شدند. ازروزنامه‌های قدیم که‌هنوزمنتشر می‌شوند **روزنامهٔ فکاهی توفیق** است (از ۱۳۰۰) که‌به‌سبب نکته‌سنجی‌های‌انتقادی‌ومطالب وتصاویر فکاهی هوادار زیـادی دارد . دیـگر روزنامهٔ **اطلاعات** (۱۳۰۴) و روزنامهٔ **کیهان** (۱۳۲۱) که هردو روزنامهٔ خبری عصر تهران می‌باشند ، خوانندهٔ‌بیشتری دارند. ازروزنامه‌هایی‌که درشهرستانها منتشرمی‌شوندروزنامهٔ پارس چاپ‌شیراز از لحاظ نفاست چاپ وتنوع مطالب‌قابل ذکر است . اینك درتهران یك روزنامه به‌زبان فرانسه‌به‌نام **ژورنال‌دو تهران** و یك روزنامهٔ‌انگلیسی‌به‌نام **تهران‌جورنال** از طرف مؤسسهٔ اطلاعات بطور روزانه منتشرمی‌شود. درپایان مقال‌لازم‌است از یك‌روزنامهٔ‌آسوری نیزکه به‌دست‌میسیون مسیحی‌آمریکایی مقیم اورمیه دراواخر قرن نوزدهم درآن‌شهرمنتشر می‌شد یاد شود .

اینك درسراسر جهان روزانه ۲۶۰ ملیون نسخه در ۳۰ هزار روزنامه چاپ می‌شود .

آمار نشریات ایران

نشریات ایران.

درایران۱۶۶ نشریه به‌چاپ‌می‌رسد که ۷۲ روزنامه و مجله در تهران و بقیه در شهرستانهاست. انتشار آنها از نظر زمان و تعداد بدین شرح است:

روزنامهٔ یومیه	۲۱
هفته نامه	۷۹
روزنامهٔ سه شماره درهفته	۲
هفته نامه دو شماره درهفته	۲
روزنامهٔ دو هفتگی	۱
هفته نامه یك‌شماره‌درسه هفته	۱
روزنامهٔ یك شماره در ماه	۱
روزنامهٔ هوائی	۲
مجلهٔ هفتگی	۲۳
مجلهٔ دو شماره در هفته	۱
مجلهٔ ماهانه	۳۳

تقسیم بندی‌آنها ازنظرموضوع‌به‌این نحو جلوه می‌کند:

اجتماعی	۷۵
ادبی	۲۲
سیاسی	۱۲
بهداشتی	۱۱
علمی و صنعتی	۶
هنری	۶
اقتصادی	۴
مذهبی	۴
ورزشی	۳
متفرقه	۱۳

این ارقام جنبهٔ واقعی انتشار مطبوعات را نشان می‌دهد، ولی با آنچه در امتیاز بعضی از آنها منظور گردیده تطبیق نمی‌کند. به‌عبارت‌دیگر نشریه‌ای دارای امتیاز هفته نامه است، حال آنکه‌به‌صورت مجله انتشار می‌یابد و یا آنکه در امتیاز مجلهٔ هفتگی قید شده اما ضمیمه‌ای بصورت ماهانه بهمان نام و چه بسا نامی دیگر انتشار می‌دهد. از طرفی، بعضی از روزنامه‌ها یا مجلات با امتیازبه مقتضیاتی انتشار نمی‌یابند. اکنون‌به مطبوعات‌تهران توجه می‌کنیم:

در تهـران بطور کلی هفت نوع نشریه بطور مـرتب بدین شرح انتشار می‌یابد:

روزنامهٔ یومیه	۱۴
هفته نامه	۱۴
روزنامهٔ دو هفتگی	۱
روزنامهٔ هوایی	۲
مجلهٔ هفتگی	۲۰
مجلهٔ دو شماره در هفته	۱
مجلهٔ ماهانه	۳۰

هرگاه چهار بولتـن‌منظم روزانه‌و هفتگی‌راکه‌زبدهٔ‌اخبار مطبوعات‌فارسی‌را به‌زبانهای‌انگلیسی‌وفرانسه‌انتشارمی‌دهند به‌ارقام‌فـوق بیفزاییم جمع کل نشریات مستقل ملی در پایتخت به ۸۶می‌رسد.

اسامی مطبوعات تهـران از نظر زمان انتشاربه‌ترتیب حروف الفبا بدین شرح است:

روزنامه‌های یومیه: (الفـصبح): آژنگ، بورس، تهران جورنال، ژورنال دوتهران، صدای مردم، آیندگان، کیهان اینترنشنال، مهـر ایران، ندای ایران نوین، فرمان.

(بـ عصر): آلیك، اطلاعات، پست‌تهران، پیغام امروز، کیهان.

هفته‌نامه‌ها: اتحاد ملی، اتحادیه، ادارهٔ‌آذربایجان، بامشاد، پیك‌ایـران، تاج‌ورزشی، توفیق، جوانمردان، دنیـا، دیپلمات، سحر، فردا، کیهـان ورزشی، ندای حق.

روزنامه دو هفتگی: الاخاء.

مجلات هفتگی: ابتـکار، اطلاعـات بانوان، اطلاعات‌کودکان، اطلاعات‌هفتگی، امید ایران، بازار خاورمیانه، تـرقی، تهران اکونومیست، تهران‌مصور، جهان امروز، خوشه، روشنفکـر، سپیدوسیـاه، ستارهٔ سینما، صبح‌امروز، فردوسی، فیلم وسینما، کیهان‌بچه‌ها، مشیر، هنروسینما.

مجلهٔ‌دوشماره‌درهفته: خواندنیها.

مجلات‌ماهانه: آرش، ارشاد، ارمغان، اندیشه وهنر، بدیع، بـورس، بهـداشت روانی، بیوشیمی، پزشك‌خانواده، تندرست، توفیق، حقوق امـروز، دارو پزشکـی، دانشمند، دنیای‌علم، دهقان‌روز، رامین، راهنمای‌کتاب، زیبایی‌وزندگی، سپاهان، سخن (ادبی)، سخن (علمی)، سلامت‌فکر، شکاروطبیعت، مسایل‌ایـران، مـوزیك ایران، مهر، هوخت، یغما، یکان.

سایر نشریات: اگرچه دراین‌کتاب از نشریات دولتـی ومؤسسـات خصوصی صحبتی بمیان نمی‌آید ولـی باید گفت سازمانهـای وابسته بدانشگاه تهران و تشکیلاتی نظیروزارت اطلاعات، ارتش، شهربانی، تربیت‌بدنی، اطاق بازرگانی، و انجمن‌هایـی چون انجمن فرهنگـی ایران وهند، انجمن فرهنگی ایـران و شوروی، وهمچنین‌مؤسساتی نظیردایترزـ کلوب و بانکها مجلات منظم و مـرتب دارند که به استثناء مجلهٔ رادیو ایران بقیه حـاوی مقـالات، مطالب ومسائل اختصاصی ویا بنحوی است کـه بیشتر مورداستفادهٔ‌علاقمندان و گروه مخصوصی می‌باشد.

ازلحاظ‌موضوع‌می‌توان تقسیم بندی زیر رابرای مطبوعـات تهـران منظور کرد:

نشریات اقتصادی، چهارـ نشریات علمی، چهارـ نشریـات ادبـی، هفتـ نشریات بزبـان انگلیسی، دو ـ بزبان فرانسه، یكـ بزبان ارمنی، یكـ بزبان عربی، یكـ نشریات‌ورزشی، دوـ نشریات بهداشتی، هشت و بقیه کم وبیش دارای جنبه‌های عمومی هستند.

«تاریخ مطبوعات»

نشریات فکاهی

در تهران یك هفته‌نـامهٔ فکـاهی منتشر می‌شود، یك مجلهٔ (تهران مصور) ضمیمهٔ فکاهـی دارد (کشکیات) یـك روزنامهٔ هفتگی (بامشاد) صفحهٔ آخـر خود را به‌کاریکاتور واین نـوع مطالب اختصاص می‌دهد وچنـدین‌مجلهٔ هفتگی صفحات فکاهـی تحت‌عنوان «شوخـی» «خنده» وامثال آن دارند.

طبیعت ایرانی، علیرغـم مشکلات زندگی، شوخ پسند است واغلب ترجیح می‌دهد مهمترین‌مسائل‌حیات را درقالب شوخی به‌طرف خود بفهماند. از اینـرو یك روزنامهٔ فکاهی وحتی صفحات فکاهی را بدون توجه بکنه مطالب صرفاً برای گذراندن وقت وتفریح می‌خرند.

از سال ۱۳۲۰ تـا ۱۳۳۲ شمسی تعداد زیادی نشریات‌فکاهی با روش‌های مختلف سیاسی بوجودآمد.

دوران‌حیات‌آنها بیش‌ازچند هفته تا حداکثر هفت سـال بود و فقط روزنامهٔ توفیق توانست بعد از سال ۱۳۳۲ نیز با تغییراتی در مشی وروش‌خویش، خود ـ را نگاه دارد.

نشریات‌فکاهی که‌طی دوازده سال‌فوق در تهران انتشار می‌یافتند بـدون‌ذکر

تقدم و تأخیر عبارت بودند از:
امید ـ باباشمل ـ باباآدم ـ توفیق ـ حاجی بابا ـ حکیم‌باشی ـ حاجی آقا ـ حاجی لك لك ـ چلنگر ـ خورشید ایران ـ داد و بیداد ـ شاهین تهران ـ شبچراغ ـ شیطان ـ قلقلك ـ قلندر ـ کاریکاتور ـ کی به کیه ـ ماه ـ مشهدی مراد ـ ننه صمد ـ نوشخند ـ هفت گز ـ ناهید و یزدان .

بعلاوه دموکراتهای آذربایجان نیز دوران به اصطلاح خود مختاری خود نشریات فکاهی داشتند که از آن جمله ملانصرالدین رامی توان نام برد. اکثر این نشریات سیاست چپ و یا متمایل به آنرا دنبال می‌کردند واز لحاظ سبك و تهیهٔ مطلب کم و بیش همانند بودند، باستثنای نشریات باباشمل که علیرغم عمر کوتاه روشی مخصوص به‌خود داشت و رونق بسیار یافت .

نشریات فکاهی کنونی ، اعم از روزنامه، ضمیمه، صفحهٔ مخصوص و امثال آنرا قریب به سی کاریکاتوریست وطراح و شاعر و فکاهی نویس اداره می‌کنند . چنین گروهی که هفت در صد نویسندگان مطبوعات را درتهران تشکیل می‌دهند از نظر خوانندگان این نوع نشریات تقریباً گمنام هستند زیرا بندرت یك نشریهٔ فکاهی هیأت تحریریهٔ خودرا معرفی می‌کند .

در گذشته نیز اگر اتفاقاً بچنین امرهم اقدام شده، عکسها چنان کوچك ومطالب چنان در لباس شوخی بود که جنبهٔ طنز بر واقعیت می‌چربیده است.

گروهی از فکاهی نویسهای کنونی که آثارشان بیش ازدیگران انتشار می‌یابد به‌ترتیب حروف تهجی بدین قرارند : ناصر اجتهادی، منوچهر احترامی، محمد تقی اسمعیلی ، اسمعیل پورسعید، ابوالقاسم حالت، هادی خرسندی، کامبیز درم بخش، بهمن رضایی، ایرج زارع، خسرو شاهانی ، اسدالله شهریاری، علی عبدالخالق، غلامعلی لطیفی، ومنوچهر محجوبی.

مجلات ماهانهٔ ادبی

انتشار مجلهٔ ماهانه (به‌استثنای مجلات بهداشتی) سود مالی ندارد. یك مسألهٔ حیثیتی است که برای مدیر یا ناشر ایجاد پرستیژ می‌کند واورا به «حساب» می‌آورد. بهمین ترتیب علاقمندانی هم که برای این نوع مجلات مقاله می‌نویسند ویا ترجمه می‌کنند معمولاً انتظار دریافت مزد ندارند. اینها در حقیقت افرادی هستند که دوستدار نویسندگی و تحقیق وخدمت‌اند. البته از این طریق کسب شهرت می‌کنند ورقمی به ارقام شخصیت خود در اجتماع می‌افزایند .

هزینهٔ اصلی این نوع مجلات خرید کاغذ وچاپ واداره مجله وکارمندان معدود آن است که مقداری از آن از طریق فروش به‌دست می‌آید وبقیه ضرری است که ناشر از جیب می‌پردازد.

این امر در مورد مجلات ادبی در ایران حایز اهمیت و توجه است. زیرا ایرانی طبیعتاً ادب دوست وشاعر مسلك است. کمتر ایرانی هست که تعداد قابل ملاحظه‌ای از ابیات واشعار قدما را از بر نداند و درمذاکرت روزانهٔ خود بخصوص برای تأیید کلام از آنها استفاده نکند . ولی همین فرد معروف به ادب دوستی در خرید مجلات ادبی ممسك می‌شود وحاضر نیست حتی بیست ریال درماه در این راه خرج کند !

ضریب خوانندهٔ مجلات ماهانه معمولا بیش از نشریات روزانه وهفتگی است بدین معنی که هریك ازشماره‌های این نوع مجلات بطور متوسط هشت خواننده دارد. حال آنکه ضریب خوانندهٔ روزنامهٔ یومیه بطور متوسط سه ومجلهٔ هفتگی پنج است.

تفاوت دیگری که بین مجلات ماهانه از یك طرف وسایر نشریات ازطرف دیگر مشاهده می‌شود ، این است که درمورد گروه دوم روز یا هفتهٔ فروش معین ومحدود است. حال آنکه مجلهٔ ماهانه دریك فاصلهٔ زمانی طولانی تر بفروش می‌رسد ومعمولا بین سه هفته تادوماه است. شاید نامنظم بودن تاریخ انتشار یك عامل مهم در این امر باشد.

ازنه مجلهٔ ادبی واجتماعی فقط سه مجله است که ازبدو انتشار منظم و بدون تعطیل انتشار یافته وعبارتند از سخن ـ مسائل ایران ویغما.

انتشار یك مجلهٔ ماهانه ویا علی‌الاصول یك نشریهٔ ادبی، چنانکه گفته‌شد، نوعی فداکاری است. زیرا نه‌فقط ضرر مالی دارد بلکه همیشه مورد انتقاد منقدین قرار می‌گیرد. هرگاه این نوع انتقادات جنبهٔ اصولی داشته باشد سبب پیشرفت مجله است وگرنه جز بازی با احساس واثر گذاردن روی اعصاب، سودی از آن عاید نمی‌گردد. نویسندگان این نوع مجلات غالباً افراد طراز اول، مطالعه کرده ودقیق هستند و سطح زبان نزد آنها بالا است علیهذا افرادی که حتی سوادی برابر سیکل دوم دبیرستان داشته باشند ازفهم کلی مطالب ومندرجات مجلات ادبی محرومند.

دراین میان باید اذعان کرد که مجلهٔ سخن به لغات وجملات از نظر دستوری توجه بسیار دارد . هرگاه یك بار اشتباهی روی دهد ویا مثلا اسامی خاص بروشی که درزبان اصلی تلفظ می‌شود مذکور افتد حال آنکه درفارسی تلفظ خاصی برای آنها داشته باشیم درشمارهٔ بعد تصحیح می‌شود.

درمجلات ادبی واجتماعی، بطور کلی طی پنج سال اخیر، ترجمه بیشتر به‌چشم می‌خورد تا تألیف. از نظر تقسیم‌بندی مندرجات به‌ایرانی وخارجی اکثریت از آن دستهٔ دوم است. این امر به‌عقیدهٔ نگارنده برای مجلات ادبی نوعی عیب در یك حد معین است. در صورتی که همین موضوع در مورد مجلات علمی و بهداشتی قابل تشویق است. زیرا در علوم هنوز خیلی چیزها هست که باید از خارج بیاموزیم.

حال بتجزیه وتحلیل یك شماره از مجلهٔ سخن به‌عنوان نمونه‌ای ازمجلات منظم ماهانهٔ ادبی واجتماعی می‌پردازیم :

قطع ۱۶/۵ در ۲۳/۵ سانتیمتر. روی جلد سه رنگ. نام مجله به‌رنگ قرمز، سمت راست بالا، بچاپ رسیده و کنار آن عبارت «مجلهٔ ادبیات و دانش وهنر امروز » به‌چشم می‌خورد. روی جلد نام همکاران آن شماره به‌ترتیب حروف الفبا آمده ودر پایین شماره ودوره وتاریخ وقیمت دیده می‌شود. صفحهٔ دوم، فهرست مندرجات است. سخن ازجملهٔ مجلاتی است که شمارهٔ صفحات آن مسلسل است وهر شماره ازعدد یك ببعد شروع نمی‌شود. مقالهٔ اول معمولا به‌قلم صاحب امتیاز، پرویز ناتل خانلری ، استاد دانشگاه و وزیر اسبق فرهنگ است. نویسنده درهر شماره جزیی از دستور زبان فارسی را مطرح می‌کند. در مملکتی که ادب آن طی پنجاه سال اخیر دستخوش تحولات زیاد شده و بخصوص

ورود لغات‌خارجی، هم به‌سبب تحصیل کردن عدهٔ زیادی از جوانان درخارجه وهم به‌علت رسوخ اجباری لغات علمی و فنی‌ـ و طی ده سال اخیر، نظامی‌ـ قابل ملاحظه است، چاپ چنین مقالاتی حایز اهمیت ومداقه می‌باشد.

به‌استثنای مقالهٔ اول مجله به‌چهار قسمت اصلی منقسم است:

(۱) مقالات وترجمه‌ها (۲) درجهان دانش‌و هنر (۳) کتابهــای تــازه (۴) سخن وخوانندگان.

قسمت اول‌حاوی مقالات‌ادبی و تحقیقی وگاه‌تاریخی‌و نقدادبی‌است. نسبت‌ترجمه‌ها یامقالات‌خارجی به‌آنچه‌در بارهٔ‌فارسی‌است ۳۵ درصدو نسبت شعر به نثر ۵ درصداست. از نظر سبك شعر می‌شود گفت که‌مجلهٔ سخن بــه نوپردازان معاصر به‌طور کلی اعتقاد چندان‌ندارد. ولی ازآثارآنهایی که درحد فاصل سبك قدیم وجدید قرار دارند چندنمونه‌ای بچــاپ می‌رســانــد. درمورد داستان، سخن از نشریات همکار خود پیشی قابل ملاحظه‌ای گرفته است. چاپ‌آثاری ازمعروفترین داستانسرایان معاصر ایران شهرت زیاد برای سخن بوجود آورده ونوولهایی هم‌که ازآثار نویسندگان خارجــی ترجمــه و چاپ می‌کندهمردیف سایر داستانهای آن‌است. برخی ازمندرجــات سخن کــه به‌وسیلهٔ استادان فن به‌رشتهٔ‌تحریر کشیده می‌شود مورد استفاده واستناد دانشجویان وحتی دانشیاران برخــی از مراکــز تدریسی دانشگاه تهران، ازجمله مؤسسهٔ‌تحقیقات ومطالعات اجتماعی وابسته‌به دانشکدهٔ ادبیات‌است.

سخن‌به‌فولکلورایران‌نیز توجه‌می‌کند. گاه‌اشعار اصیل محلی را به‌زبانی که‌در محل تکلم می‌شود با حــواشی لازم از نظر خوانندگان خود می‌گذرانند.

قسمت دوم مجله‌در بارهٔ‌جهان دانش‌و هنراست که اختصاص دارد به‌خبرهــای ادبی، نمایشنامه‌ها وموفقیت‌هایی که در زمینهٔ دانش وهنر چه درایران وچه در خارجه، کسب گردیده است.

دراین قسمت آنچه‌مربوط به‌خارج‌است به‌مندرجات‌مربوط به‌ایران‌می‌چربد‌قسمت دوم‌به‌طور کلی یازده درصد از مجله را تشکیل می‌دهد . قسمت سوم مربوط‌است به‌کتابهای تازه.

به‌عبارت دیگر، به‌آخرین کتابهای ادبی‌وسنگینی که‌در ایران انتشار یافته. صفحات مخصوص قسمت سوم به نسبت کم یا زیاد منتشر شدن کتاب متفاوت و بین هفت‌تا ده درصدمجله‌است. آخرین‌قسمت مندرجات‌مجله (بین‌دو تاهفت‌درصد) خلاصه نامه‌هایی است که از خوانندگان دریافت شده. گاه‌انتقادات‌شدید برمندرجات‌شماره قبل‌مجله دراین‌قسمت به‌چشم‌می‌خورد. ولی اکثراً نوعــی تصحیح است کــه در رد اشتباهات‌احتمالی گذشته به‌چاپ می‌رسد. در برخــی‌از شمــاره‌هــای سخن، تحت عنوان نگاهی‌به مجله‌ها، مختصری در ـ بارهٔ سایرمجلات‌ـ چه تقریظ وچه‌انتقاد‌ـ مطالبی‌به‌چاپ می‌رسد که بی‌فایده‌نیست. میزان‌آگهی در این‌مجله بسیارکم است واز چهاردرصد مندرجات‌تجاوزنمی‌کند. آگهی‌ها معمولادر آخرمجله‌روی صفحات اضافی‌است واکثراًمربوط‌به کتب‌و نشریات جدید می‌باشد. مجلهٔ سخن به‌ندرت شمارهٔ مخصوص انتشار می‌دهد. درگذشته گاه‌یك اثرهنری‌را رنگی به صورت ضمیمه چاپ می‌کرد، ولی‌مدتی‌است که‌این‌موضوع‌عملی نمی‌شود . عکس در مجله محدود است. به‌استثنای یك یا دوتصویر درقسمت‌اول، قسمت دوم‌آن‌همراه با کلیشه‌های‌کوچك مشاهیرویا آثارهنری، آن‌هم به‌قطع‌کوچك می‌باشد. مجلهٔ‌سخن درسالهای‌اخیر ترقی ورونق ده‌سال قبل خود رانداشته است. علت این‌امرشاید تراکم امورمدیر وشاید انتشار برادر دوقلوی آن «سخن علمی» باشد. وشاید نوتر خواستن مطالب باشد از طرف خوانندگان. نکتهٔ دیگر قابل تأسف برای سخن این است که بتازگی در برخی از شماره‌هــای آن غلط چاپی زیاد یافت می‌شود.

خریداران سخن را اکثراً استادان دانشگاه، دبیران ادبیات وهمچنین‌علاقه‌ـ مندان به‌ادبیات تشکیل می‌دهند. فروش آن‌در‌شیراز، بعدازتهران بیش‌ازسایر‌نقاط است. برای‌مستشرقین‌و آشنایان به‌زبان‌فارسی درکشورهای خارجــی عنوان‌یك نشریهٔ مستندرا دارد و در فــرانسه و انگلیس وهند بیش‌ازسایرممالك به‌فروش‌می‌رسد.

راهنمای روزنامه‌ها و مجله‌های ایران







آئینهٔ هند، (ماهانه).

سر دبیرمسعود **برزین**، تهــران ، سال پنجــم، ۱۳۴۶ ش (نشریــهٔ ادارهٔ اطلاعات هنددرتهران) .

آذرآبادگان، روزنامه.

در تبریز به مدیریت محمد **دیهیم** منتشر می‌شود.

آرش، مجلهٔ ماهانه.
در تهران، به مدیریت، جواد پور-وکیل وسر دبیری سیروس **طاهباز** منتشر می‌شود.

آزادی، هفتگی.
صاحب امتیاز ومدیر مسئول: علی اکبر **گلشن آزادی**، مشهد، سال؟ ۱۳۴۶ ش، (سیاسی اجتماعی).

آژنگ، (روزانه).
صاحب امتیاز ومدیر مسئول: کاظم **مسعودی**، سر دبیر: رضا **عزمی**، تهران، سال؟ ۱۳۴۶ ش (سیاسی، اجتماعی).

آسمان‌ایران، ماهانه.
صاحب امتیاز: ابوالقاسم **تفضلی**، سال چهارم، تهران، ۱۳۴۶ ش، (نشریهٔ باشگاه خلبانی کشوری ایران ـ حاوی مقالات فنی، اجتماعی، ادبی، داستان و شعر).

آفتاب شرق، روزانه.
صاحب امتیازومدیر مسئول: نرجس **آموزگار**، مشهد، سال چهل و سوم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی، ادبی).

آلیک، روزانه.
مدیر، رستم **استپانیان**، سر دبیر: باغداسار میناسیان، سال؟ ۱۳۴۶ ش، بزبان ارمنی (سیاسی، اجتماعی، خبری).

آموزش بزرگسالان، نشریه.
مدیرمسئول: شکرالله **نجفی**، سال؟ ۱۳۴۶ ش، (نشریهٔ ادارهٔ کل آموزش وپرورش بزرگسالان).

آموزش وپرورش، ماهانه.
مدیر: محمدمهدی **پورکریم**، تهران دورهٔ سی و پنجم، ۱۳۴۶ ش، (نشریهٔ وزارت آموزش وپرورش ـ حاوی مقالات تربیتی واخبار هفتگی).

آهنگ، روزنامه.
در مشهد به مدیریت، محمد باقر تعبدی منتشر می‌شود.

ابتکار، هفتگی.
صاحب امتیاز ومدیر مسئول: محمد علی **کرد**، تهران، سال چهارم؟ ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی).

اتحاد ملل، هفتگی.
صاحب امتیاز ومدیر مسئول: ابوالفضل **مرعشی**، مدیر داخلی: عباس **اعتماد**، تهران، دورهٔ ششم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی، ادبی).

اتحاد ملی، هفتگی.
صاحب امتیاز ومدیر مسئول: احمد **هاشمی**، تهران، سال بیست وچهارم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی، انتقادی).

اتحادیه، هفته نامه.
در تهران به مدیریت فتح‌الله **غفاری**، وسر دبیری، عبدالمجیدرمضانی منتشر می‌شود.

اتومبیل، نشریهٔ ماهانه فیلم وهنر.
دارندهٔ امتیاز: عبدالمجید **رمضانی** زیر نظر، مهندس احمد **امیر رضوانی** تهران. سال سوم، ۱۳۴۶ ش، (علمی و صنعتی ـ مقاومت راجع به حفاظت اتومبیل ومعرفی انواع اتومبیل‌ها).

اثر، هفتگی.
مؤسس: محمد **میر طاهری**، مدیر داخلی: حسین **عابدیان**، ساری، سال هیجدهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی ادبی).

اجتماع ملی، هفتگی.
صاحب امتیاز ومدیر مسئول: اسدالله **بوستانی**، شیراز، سال هیجدهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی، ادبی).

اخبار، هفتگی.
تهران، ۱۳۴۶ ش، (نشریهٔ ادارهٔ مطبوعات سفارت کبرای اتحاد شوروی تهران).

اخبار خوزستان، هفتگی.
صاحب امتیازومدیر مسئول: محمد **مستوفی**، خرمشهر، سال هفتم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی).

اخبار دانشگاه تهران،
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: ابوالفضل **مرعشی**. تهران، سال دوازدهم، ۱۳۴۶ ش، (ناشر اخبار و فعالیتهای دانشگاه تهران).

اخبار دانشگاه مشهد، مجله.
مدیر: شکرالله **قریب**، مشهد، سال هشتم، ۱۳۴۶ ش، (ناشر اخبار و فعالیت‌های دانشگاه مشهد).

اختر، روزنامه.
قدیمترین روزنامه‌هایی که درخارج از ایران انتشار یافته روزنامهٔ اختر است. شمارهٔ اول آن روز پنجشنبه ۱۶ ذیحجهٔ ۱۲۹۲ قمری در اسلامبول به



مدیریت آقامحمد**طاهر** منتشرشده‌وانتشار آن قریب به بیست‌و سه‌سال ادامه یافته است. این روزنامه مورد اعتنای کامل بزرگان زمان بوده و از روزنامه‌های وزین وپر سود به شمار می‌رفته است.

ادارهٔ روابط عمومی وزارت اقتصاد، ماهانه، تهران، سال سوم، ۱۳۴۶ ش، (اقتصادی).

ادارهٔ کل هواشناسی، نشریه.
زیر نظر: محمدحسن **گنجی**، تهران، سال؟ ۱۳۴۶ ش، (اخبار و مقالات مربوط به‌هواشناسی).

ادب، روزنامه.
این روزنامه به‌همت مرحوم **ادیب‌الملک فراهانی** ابتدا در تبریز و سپس در تهران انتشار می‌یافت. آغاز انتشار این روزنامه سال ۱۳۱۶ هجری قمری است، اگرچه ازحیث نفاست به‌روزنامهٔ تربیت نمی‌رسد، اما از روزنامه‌های مهم و مفید عصر قاجاریه بشمار می‌رفت.

ادارهٔ آذربایجان، هفتگی.
صاحب امتیاز: ش. **مهدی‌زادهٔ رحیمی**، سردبیر: رحیم **زهتاب فرد**، تهران، سال؟، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی).

ارشاد، مجلهٔ ماهانه.
درتهران به‌مدیریت مسعود **همایونی** منتشر می‌شود.

ارمغان، ماهانه.
صاحب امتیاز ونگارنده: **محمود وحید زاده دستگردی‌نسیم**، تهران، دورهٔ سی وششم، ۱۳۴۶ ش، (ادبی، علمی، تاریخی، اجتماعی).

استوار، روزنامه.
درقم به‌مدیریت ابوالفضل**طهماسبی** منتشرمی‌شود.

اصفهان، دوشماره درهفته.
نویسنده و مدیر مسئول: امیرقلی

امینی ، اصفهان ، سال بیست و پنجم ، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی ، اجتماعی ،ادبی).

اطاق بازرگانی ،دوماه یکبار،مجله.

تهران ، سال سی‌وهفتم ، ۱۳۴۶ ش، (اخبار اقتصادی).

اطاق صنایع و معادن ایران ، مجله، (دوماه یك‌بار) زیر نظر : علی‌محمد **اقتداری**، تهران،سال چهارم،۱۳۴۶ش، (اقتصادی ، اجتماعی ، صنعتی) .

اطلاع ، روزنامه .

یکی دیگر از روزنامه‌های دربار ناصرالدین شاه روزنامه‌ای است به‌نام اطلاع که آغازانتشارآن به‌سال ۱۲۹۵ هجری قمری است که قریب به‌ده‌سال منتشر شده است . صاحبنظران آن را از روزنامه‌های بسیار سودمند آن عهد می‌شمارند.

اطلاعات .

روزنامه‌ای خبری وتقریباً سیاسی، که عصرها منتشرمی‌شود. آغازانتشارآن سال ۱۳۰۴ ه‍ ش است . اکنون ادارهٔ این روزنامه نشریات دیگری نیز دارد که‌عبارتنداز **اطلاعات‌هفتگی**، **اطلاعات بانوان** ، **اطلاعات جوانان** ، **اطلاعات کودکان** ، **اطلاعات هوایی و تهران جرنال**و**الاخاء** ونیز **ژورنال‌دوتهران**.

مدیرمسئول عباس **مسعودی** است .

اطلاعات بانوان ، هفتگی .

صاحب امتیاز : قدسی **مسعودی** ، زیرنظر : پری**اباصلتی** ، تهران ، سال دوازدهم ، ۱۳۴۶ ش ، (مجلهٔ مخصوص بانوان و دوشیزگان ایران) .

اطلاعات‌کودکان ، (هفتگی).

صاحب امتیاز : جعفر **صاعدی** . سردبیر:نادراخوان**حیدری**. تهران،سال؟ ۱۳۴۶ ش ، (مجله مخصوص دختران و پسران) .

اطلاعات هفتگی

صاحب امتیاز ومدیر مسئول: عباس **مسعودی** ، تهران ، سال بیست و ششم ، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی، داستان و شعر).

اطلاعات هوایی (؟)

مدیر: عباس **مسعودی** ، سردبیر : حمید **مشهور** ، تهران ، سال ؟ ۱۳۴۶ ش ، (سیاسی ، اجتماعی).

اعتراف ، هفتگی .

مدیر وصاحب امتیاز : نورالدین **علامه‌زاده** ، بابل ، سال دوازدهم ، ۱۳۴۶ ش ، (سیاسی ، اجتماعی).

اقتصاد وصنعت، (ماهانه).

صاحب‌امتیاز ومدیر: صمد **نامور** ، تهران ، دورهٔ چهارم ، ۱۳۴۶ ش ، (اقتصادی ، صنعتی) .

الاخاء (ماهانه) .

صاحب امتیاز و مسئول : عباس **مسعودی** ، تهران ، سال هشتم ، ۱۳۴۶ ش، به‌زبان عربی (سیاسی ، اجتماعی، ادبی) .

امید ایران ، (هفتگی) .

صاحب امتیاز و مدیر : علی‌اکبر **صفی‌پور**، مدیرداخلی : مهدی**فشنگچی**، تهران ؟ ، ۱۳۴۶ ش.(سیاسی، اجتماعی، داستان وشعر) .

انتقاد کتاب ، (ماهانه) .

تهران ، دورهٔ پنجم ، ۱۳۴۶ ش ، (حاوی مقالات‌انتقاد مربوط‌به‌کتابهای تازه چاپ و معرفی کتابهای تازه (از انتشارات‌کتابفروشی نیل) .

انجمن‌دبیران‌جغرافیا وتاریخ‌وتعلیمات اجتماعی (نشریه) .

تهران ، سال ؟ ، ۱۳۴۶ ش، (از انتشارات ادارهٔ کل تعلیمات متوسطه وزارت‌آموزش وپرورش) .

انجمن معلمان علوم تجربی شهرستان سمنان ، (نشریهٔ ماهانه) .

مدیرمسئول:حسین**فرمان**، سمنان ، سال ؟ ، ۱۳۴۶ش، (حاوی مقالات علمی وفنی) .

اندیشه، روزنامه.

درکرمان ، به‌مدیریت عبدالحسین **ناصرسعید** .

اندیشه وهنر .

صاحب‌امتیاز ومدیر:ناصر **وثوقی**، دورهٔ هفتم ، ۱۳۴۶ ش ، (ویژهٔ پژوهش‌های اجتماعی ، ادبیات وهنرها).

اندیشه و هنر ، مجلهٔ ماهانه .

درتهران به‌مدیریت**جواد پوروکیل** و سردبیری شمیم **بهار**منتشر می‌شود .

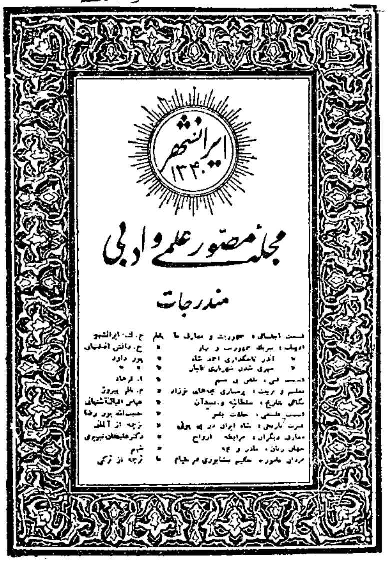
اولیاء اصفهان ، روزنامه.

دراصفهان به‌مدیریت‌علیرضا اوصیاء منتشر می‌شود .

ایران .

روزنامهٔ‌وقایع اتفاقیه را به‌بینید.

ایرانشهر، مجلهٔ ادبی .



«روی جلد مجله ایرانشهر»

درسال ۱۳۴۰ قمری به‌مدیریت **کاظم‌زادهٔ ایرانشهر** ' منتشرشد.

ایران نما ، روزنامه .

درمشهد به‌مدیریت‌رجبعلی‌خلیق‌زاده منتشر می‌شود .

بازار هفتگی.

مدیر وسردبیر: میرشجاع**گسکری**، رشت، سال نوزدهم، ۱۳۴۶ش، (سیاسی، اجتماعی) .

بازارخاورمیانه ، ماهانه .

صاحب امتیازومدیرمسئول : جلیل **مسعودی**، مدیر داخلی: منوچهر**محسنی**. با همکاری : غلامرضا سعیدی ، تهران ، سال‌پنجم ،۱۳۴۶ش،(علمی واقتصادی).

بازرگانی‌خارجی‌ایران، **نشریهٔ** (ماهانهٔ آمار) ، تهران ، سال ؟ ، ۱۳۴۶ ش ، (حاوی جدولهای آماری در بارهٔ فعالیتهای بازرگانی‌فارسی‌وانگلیسی).

باغ صائب (فصلی) .

مدیر: جلیل **سامانی** (موج)، سال ششم . ۱۳۴۶ ش ، (نشریهٔ انجمن ادبی صائب) .

بامشاد،هفتگی .

صاحب‌امتیاز ومدیرمسئول: اسماعیل **پوروالی**،تهران ، دورهٔ جدید هفته‌نامه، ۱۳۴۶ ش ، (سیاسی ، اجتماعی، ادبی، هنری) .

بانك اعتبارات کشاورزی و عمران روستایی‌ایران،(مجلهٔ ماهانه).

تهران ، دورهٔ ششم ، ۱۳۴۶ ش ، (اقتصادی ،کشاورزی) .

بانك مرکزی ایران ، مجلهٔ ماهانه

زیرنظر: خدا داد **فرمانفرماییان**، تهران ، سال ششم وهفتم ، ۱۳۴۶ ش، (اقتصادی) .

بانك ملی ایران مجلهٔ فصلی .

زیرنظر: اسفندیار **شمس** ، تهران، سال سی‌وپنجم، ۱۳۴۶ ش، (اقتصادی).

بدیع ، هفتگی .

مدیر: هاشم **بدیع زاده** ، تهران ، دورهٔ جدید، ۱۳۴۶ ش، (علمی وادبی).

بروجرد ، روزنامه.

در بروجرد بمدیریت ابوالمجد **رازانی** منتشر می‌شود .

بورس ، ماهانه.

صاحب‌امتیاز ومدیرمسئول : یوسف **رحمتی**، مسئول مقالات واخبار : حسین **وحیدی** ، تهران ، سال پنجم ، ۱۳۴۶ ش . (اقتصادی ، تجارتی، صنعتی،فنی).

بنیاد فرهنگ .

خبرنامهٔ انجمن ترویج زبان‌فارسی، مدیرمسئول:سلیم **نیساری**، تهران، سال ؟ ۱۳۴۶ ش ، (ناشرافکار طرفداران‌تغییر خط فارسی).

بهار ایران، دو شماره درهفته.

صاحب‌امتیازومدیرمسئول:محمدحسین **مجاهد**، شیراز، سال سی‌وهفتم ، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی،اجتماعی،ادبی).

بهداشت روان ، ماهانه.

صاحب‌امتیازومدیرمسئول، عنایت‌الله **سلامی**، سردبیر: مریم سلامی ، شیراز ، ۱۳۴۶ ش ، (حاوی مقالات روانشناسی و روانپزشکی).

بهداشت روانی (مجلهٔ ماهانه) .

صاحب امتیاز : حسین **رضاعی** ، سردبیر: مهدی **جلالی**، تهران، سال‌نهم، ۱۳۴۶ ش ، (بهداشت و تعلیمات ــ روانی) .

بیمه (مجلهٔ ماهانه) .

صاحب‌امتیاز ومدیر: رضا **فاطمی**، تهران ، دورهٔ پنجم ، ۱۳۴۶ ش(اخبار ومقالات مربوط به‌بیمه).

بیوشیمی ایران، مجله.

مؤسس ومدیر: **گالیگ** ، صاحب امتیاز :**آذیر** ، تهران سال‌پنجم، ۱۳۴۶ ش ، (نشریهٔ رسمی انجمن بیوشیمی ایران).

بیهق ، روزنامه .

درسبزوار به مدیریت کاظم **اسکویی** منتشر می‌شود .

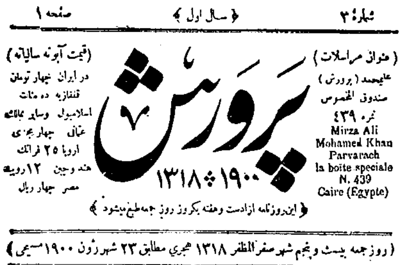
پارس ، سه شماره در هفته .

صاحب‌امتیازومدیرمسئول: فضل‌الله **شرقی**،مدیرداخلی،عزیز**شرقی**،شیرازسال بیست وششم،۱۳۴۶ش(سیاسی،اجتماعی، ادبی) .

پرچم‌خاورمیانه. هفتگی .

صاحب امتیاز ومدیر: حسن **عرب**، تهران ، سال شانزدهم ، ۱۳۴۶ ش ، (سیاسی ، اجتماعی) .

پرورش ، روزنامه .



اولین شمارهٔ پرورش روزجمعه‌دهم مـاه صفرسال ۱۳۱۸ به‌مدیریت‌علی‌محمد پرورش انتشار یافته‌است وبه‌طورهفتگی منتشر می‌شد .

پزشك خانواده، مجلهٔ ماهانه.

در تهران به‌مدیـریت محمدحسین **حاجبی** منتشرمی‌شود .

پزشك و جراحی ایران، (مجلهٔ دوماه يك‌بار.)

مدیر ومؤسس : تقی **میلانی**، منشی هیئت تحریریه : عبدالله **حبیبی** ، مدیر مجله ، هوشنگ **گیلك** ، تهران ، سال دوازدهم، ۱۳۴۶ش، (پزشکی‌وجراحی).

پست تهران ، روزانه.

صاحب‌امتیازومدیرمسئول: محمدعلی **مسعودی**، مدیر وسردبیر:قاسم**مسعودی**، تهران، سال۱۳۳۲ــ۱۳۴۶ ش،(سیاسی، اقتصادی ، اجتماعی ، خبری) .

پهلوی‌نامه، ماهانه .

مدیر : قدسی **مسعودی** ، تهران ، سال‌هشتم، ۱۳۴۶ شمسی، (نشریهٔ‌شورای انتشارات و روابـط عمومی سـازمان داوطلبان شیروخورشید سرخ ایران) .

پیام‌آذربایجان ، هفتگی.

صاحب امتیاز وسردبیر: محمدعلی **علامی** ، مدیر داخلی: هاشم **شهناس** ، تبریز،سال هیجدهم، ۱۳۴۶ش،(سیاسی ، اجتماعی) .

پیام‌آسمانی .

صاحب امتیاز ومدیرمسئول: جلیل **آسمانی** ، شیراز ، سال نهم، دورهٔدوم ، ۱۳۴۶ ش ، (سیاسی، اجتماعی، ادبی ، هنری) .

پیام رضاییه ، روزنامه .

در رضاییه به‌مدیریت:حیدر **نخجوانی** منتشرمی‌شود.

پیام ملی، هفتگی.

صاحب امتیـاز و مـدیر مسئول: ابوالقاسم**غمگسار**، لاهیجان، سال‌هیجدهم ۱۳۴۶ش، (سیاسی، اجتماعی).

پیام نوین، ماهانه.

صاحب امتیاز: مهدی **بیانی**، به‌سر پرستی: محمود اعتمادزاده « به آذین » سال‌نهم،۱۳۴۶ش، (نشریهٔ انجمن‌روابط فرهنگی ایران‌بااتحاد جماهیرشوروی).

پیشاهنگی، مجلهٔ ماهانه.

مدیر: جلیل **کتیبه‌ای**، سردبیر : ابوالفتح **قهرمانی**، تهران،سال یازدهم، ۱۳۴۶ش، (ناشر اخبار و فعالیت‌هـای سازمان ملی‌پیشاهنگی ایران) .

پیغام امروز، روزانه.

صاحب امتیاز: عبدالرسول **عظیمی** تهـران، سال هشتم، ۱۳۴۶ش، (سیاسی اجتماعی، خبری).

پیك ایران، هفتگی.

صاحب امتیاز ومدیر مسئول، احمد **یزدان بخش**، تهـران، سال هیجدهـم، ۱۳۴۶ش، (سیاسی، ادبی، اجتماعی).

پیك خجسته، هفتگی.

صاحب‌امتیاز ومدیرمسئول مصطفی **خجسته**، مدیـرداخلـی محمد هـادی **معصومی**، سال‌نوزدهم، ۱۳۴۶ش،(سیاسی اقتصادی، ادبی).

پیك سبزوار، ماهانه.

صاحب امتیاز ومسئول. **ابراهیمی** مدیر داخلی: علی‌اصغر **بلوکی**،سبزوار. سال‌ششم، ۱۳۴۶ش، (سیاسی، اجتماعـی علمی، ادبی).

پیك معلم، نشریه ماهی دوبار.

تهران سال‌سوم، **۱۳۴۶**ش، (نشریهٔ مخصوص نوسوادان وزارت آموزش و پرورش باهمکاری مؤسسهٔ فرانکلین).

تابان، ماهانه.

صاحب امتیازو مدیر: ابوالقاسم **مشیری**، تهران سال ششم، **۱۳۴۶**ش، (ادبی،اجتماعی،داستان‌وشعر).

تاج ورزشی، هفته‌نامه.

درتهران به‌مدیریت‌پرویز**خسروانی** وس دبیری سیدآقا **جلالی** منتشر می‌شود.

تاریخ اسلام، مجله.

صاحب امتیاز و مدیر، علی‌اکبر **تشید**، سردبیر عباس **تشید**، تهران دورهٔ پنجم **۱۳۴۶**ش، (علمی، دینی، ادبی، تاریخی).

تحقیقات اقتصادی دانشکدهٔ حقوق، مجله.

صاحب امتیاز: حسن **افشار**، تهران سال؛ **۱۳۴۶** ش، (نشریهٔ دانشکدهٔ‌حقوق وعلوم سیاسی واقتصادی دانشگاه‌تهران)

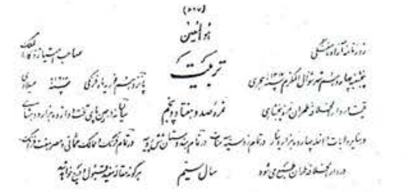
تحقیقات روزنامه نگاری

صاحب امتیاز ومدیر مسئول: فریدون **پیرزاده**، تهران، سال سوم، **۱۳۴۶**ش، (حاوی اخبار ومطالب‌راجع به‌مطبوعات درجهان وایران).

تحقیقات ومطالعات تربیتی، نشریه.

تهران، سال؛ **۱۳۴۶**ش، (نشریهٔ سازمان معلم‌و تحقیقات تربیتی–دانشسرای عالی).

تربیت، روزنامه.



نخستین روزنامهٔ مهم غیر دولتی داخلی که اولین شمارهٔ آن پنجشنبه یازدهم ماه‌رجب سال**۱۳۱۴** هجری قمری یعنی دراولین سال‌پادشاهی مظفرالدینشاه وآخرین شماره‌اش پنجشنبه **۱۹** ماه‌محرم سال **۱۳۲۵** اولین سال‌پادشاهی محمدعلیشاه انتشار یافته است.

صاحب امتیازآن‌مرحوم محمد حسن‌خان **ذکاءالملك فروغی** بود. این روزنامه مجموعاً **۴۳۴** شماره منتشر شد.

ترقی، هفتگی.

مؤسس: لطف‌الله **ترقی**، تهران، سال؛ **۱۳۴۶**ش، (سیاسی، اجتماعی، داستان وشعر).

تندرست، ماهانه.

مدیرو مؤسس: احمد سید**امامی**، رئیس هیئت‌تحریریه: اسد **قوامی**،تهران سال بیست‌ویکم، **۱۳۴۶**ش (بهداشتی).

توفیق، هفتگی.



صاحب امتیاز ومدیر: حسن **توفیق** سردبیر. حسین **توفیق**، رئیس هیئت تحریریه: عباس **توفیق**، تهران، سال چهل وششم، **۱۳۴۶**ش. (فکاهی، سیاسی انتقادی).

تهران اکونومیست، هفتگی.

دارندهٔ امتیاز وسردبیر: باقر **شریعت**، تهران سال‌شانزدهم، **۱۳۴۶**ش (اقتصادی).

تهران جورنال، روزانه.

Tehran Journal

مدیر: جواد **مسعودی**. سردبیر: فرهاد **مسعودی**، تهران، سال‌سیزدهم، **۱۳۴۶**ش، بزبان انگلیسی (خبری، سیاسی، اجتماعی).

تهران مصور، هفتگی.

مدیر مسئول: عبدالله **والا**، تهران سال؛ **۱۳۴۶**ش، (سیاسی، اجتماعی داستان وشعر).

ثروت ملل، ماهانه.

صاحب امتیاز ومدیر مسئول، محمد حسین**یزدانفر**، دبیرشورای نویسندگان، سین **سالور**، باهمکاری: ز. **شمشیری**، سال‌سوم،**۱۳۴۶**ش، (اقتصادی، انگلیسی وفارسی).

ثریا، روزنامه.


شمارهٔ ۳۳ — سال دوم — صفحه ۳

ثریا

۱۳۱۶ – ۱۸۹۸

عنوان مراسلات
صاحب امتیاز ونگارنده روزنامه (ثریا) در مصر
فرج‌الله الحسینی کاشانی
FARADEALLAH AL HOSSEINI RÉDACTEUR PROPRIETAIRE DU JOURNAL SURE'A LE CAIRE (EGYPTE)
قیمت اعلان سطری دو فرنك است در صورت تکرار باید باداره کفتگو شود

قیمهٔ آبونه سالیانه
در ممالك محروسه ایران سی شش قران ۳۶
در اسلامبول وسایر بلاد عثمانی چهار مجید سفید ۴
در قفقاز وسایر شهر های روسیه ده منات ۱۰
در ممالك فرنگستان وامریکا بیست وپنج فرنك ۲۵
در هندوستان وچین دوازده روپیه ۱۲
در مصر واطراف مصر سه ریال مصری ۳

وجه پوست همه جا بعهده اداره است

(روز شنبه نهم ربیع الثانی سنة ۱۳۱۸ هجري — مطابق چهارم اغسطس سنة ۱۹۰۰ مسیحی)

اولین‌شمارهٔ ثریاروزشنبه چهاردهم جمادی‌الاخرسال**۱۳۱۶** به مدیریت **فرج الله الحسینی کاشانی**درمصرانتشار یافته‌است.

جامعهٔ دندانپزشکان، نشریه‌ٔماهانه.

صاحب امتیازو مدیر مسئول: موسی هاشمی، تهران، سال‌چهارم، **۱۳۴۶**ش، (نشریهٔ رسمی جامعهٔ دندان پزشکان ایران).

جوانمردان، هفتگی.

صاحب امتیازو مدیر مسئول:جعفر **شاهید**، تهران، سال بیست ودوم، دورهٔ هفتم، **۱۳۴۶**ش، (سیاسی، اجتماعی).

جهان امروز، هفته‌نامه.

در **تهران** به‌مدیریت سیروس **بهمن** و سردبیری محمود **عنایت** منتشر می‌شود.

جهان نما، هفتگی.

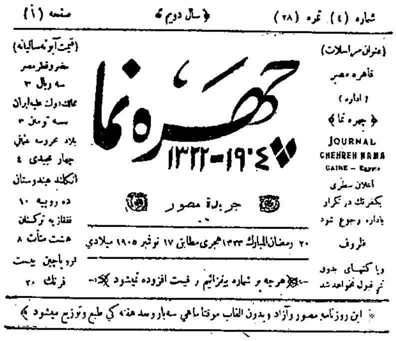
صاحب امتیاز ومدیر مسئول:محمدحسین **جهان‌نما**، مدیر داخلی: فرح **جهان‌نما**، شیراز،سال چهل‌وسوم،**۱۳۴۶** ش، (سیاسی، اجتماعی).

جهان‌نو

صاحب امتیاز ومدیر مسئول:حسین **حجازی**، دبیر: امین **عالی‌مرد**، تهران سال بیست ودوم، **۱۳۴۶** ش، (علمی، اجتماعی، هنری، ادبی).

چهره نما، روزنامه.

نزدیکترین روزنامه به عهدانقلاب روزنامهٔ **چهره‌نما** است‌که در **اسکندریه** وسپس در **قاهره** منتشر می‌شد. شمارهٔ اول آن آخر محرم سال **۱۳۲۲**



شماره (٤) نمره (٢٨) ﴿سال دوم﴾ صفحه (١)

(عنوان مراسلات) قاهره مصر (اداره) ﴿چهره نما﴾ JOURNAL CHEHREH NAMA CAIRE – Egypte

چهره‌نما ۱۳۲۲-۱۹۰٤

جریدهٔ مصور

۲۰ رمضان المبارك ۱۳۲۳ هجری مطابق ۱۷ نوفمبر ۱۹۰۵ میلادی

هرچه بر شماره بیفزائیم بر قیمت افزوده نمیشود

(قیمت آبونه سالیانه) مصر و قطر مصر سه ریال ۳ ممالك دولت علیه ایران سه تومان ۳ بلاد عروسه عثمانی چهار مجیدی ٤ انگلند هندوستان ده روپیه ۱۰ قفقازیه ترکستان هشت منات ۸ اروپا چین بیست فرنك ۲۰

اعلان سطری یکقرش در تکرار باداره رجوع شود ظروف و یا کتهای بدون تمر قبول نخواهد شد

این روزنامه مصور و آزاد و بدون القاب مرتباً ماهی سه بار و سه هفته کی طبع و توزیع میشود

منتشر شد. مندرجات آن ازنظر ارزش، از روزنامه‌های اختر، ثــریا، حکمت و پرورش کمتر نیست.

حبل‌المتین، روزنامه.

وزین‌ترین‌ومتین‌ترین روزنامه‌های عصر قاجاریه حبل‌المتین نام داشت که به همت **مؤیدالاسلام** در کلکته انتشار یافته، شمارهٔ اول‌آن روز یازدهم‌جمادی‌ـ الثانی ۱۳۱۱ هجری‌قمری‌منتشرشده‌است.

حقوق‌امروز، ماهانه.

صاحب امتیاز ومدیر : بهاءالدین **طباطبایی**، تهران، سال‌چهارم، ۱۳۴۶ ش. (حقوقی)

حقوق مردم، فصلی.

صاحب امتیــاز و مــدیر: جعفــر **منصوریان**، تهران، سال سوم، ۱۳۴۶ ش (حقوقی).

حکمت، روزنامه.

آغاز انتشار روزنامهٔ حکمت سال ۱۳۱۰ هجری قمری یعنی سه‌سال قبل‌از کشته شدن ناصرالدین شاه بود.

حمایت حیوانات ، مجلهٔ ماهانه.

مدیرمسئول: نصرالله **عایلی**، تهران، سال دوازدهم، ۱۳۴۶ ش، (ناشر افــکار جمعیت ملی حمایت حیوانات).

حیات اصفهان، روزنامه.

در اصفهان به‌مدیریت، عبدالحسین **محبی** منتشر می‌شود.

خاك خسرو، روزنامه.

در کرمانشاه به‌مدیریت محمدعلی **پاکزاد** منتشر می‌شود.

خاك نفت، هفتگی.

مدیرو صاحب امتیاز، علی اکبــر **حکیم‌شوشتری**، سال‌سوم، تهران‌واهواز، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، علمی، ادبی، اجتماعی).

خاك وخون، هفته‌ای سه شماره.

دارنــدهٔ امتیاز ومــدیر: مــحسن **پزشکپور**، ســردبیــر: فضل‌الله **صدر** ، تهران، سال؟ ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی خبری).

خبرهای روز اصفهان، هفتگی.

صاحب امتیاز ومدیر مسئول: حسن **نظامی**، اصفهان سال‌یازدهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی).

خراسان، روزانه.

صاحب امتیاز ومدیر مسئول: محمد صادق **تهرانیان**، مدیر داخلی: جلیــل **تهرانیان**، مشهد، (دفترمرکزی‌تهران). سال‌نوزدهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی خبری، شعر وداستان).

خراسان، مخصوص بانوان هفتگی.

صاحب امتیاز ومدیر مسئول:محمد صادق **تهرانیان**، مشهد، (دفتر مرکزی تهران)، سال نهم، ۱۳۴۶ ش، (ادبــی، اجتماعی، شعروداستان، نشریهٔ مخصوص بانوان).

خسروی، هفتگی.

صاحب‌امتیازومدیرمسئول: باقر **شاکری**، کرمانشاه، سال‌هفدهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی اجتماعی).

خلاصة‌الحوادث .

این روزنامه در سال ۱۳۱۶ تمام روزهای هفته به استثنای یکشنبه وجمعه منتشر می‌شد.

خواندنیها، دوشماره درهفته.

صاحب امتیازو مدیرمسئول: علــی اصغر **امیرانی**، سردبیر: محمود **طلوعی** تهران، سال بیست و هشتم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی، ادبی، انتقادی).

خوشه، هفتگی.

مدیر: امیرهوشنگ **عسکری**، تهران دورهٔ جدید، سال سیزدهم، ۱۳۴۶ (سیاسی اجتماعی داستان و شعر).

داروپخش ، ماهانه.

صاحب امتیاز ومدیر مسئول: نادر **شرقی**، سردبیر منوچهر **طراز**، تهران، سال‌سوم، ۱۳۴۶ ش، (ارگان‌علمی کارخانهٔ دارو سازی داروپخش).

دارو پزشکی، ماهانه.

صاحب امتیازو مدیر مسئول: محمد هادی **عبدربانی**، تهران، سال‌ششم، ۱۳۴۶ ش، (داروسازی).

دانشکدهٔ ادبیات تبریز، نشریهٔ فصلی.

مدیر وسردبیر: ادیب طوسی، تبریز سال‌نوزدهم، ۱۳۴۶ ش، (تحقیقات ادبی، لغت شناسی).

دانشکدهٔ ادبیات تهران، مجلهٔ فصلی.

زیرنظر: ذبیح‌الله **صفا**، مدیرداخلی محمدابراهیم **باستانی پاریزی**، تهران ، سال پانزدهم، ۱۳۴۶ ش، (ادبی اجتماعی، مقالات تحقیقی، اخبــار وفعالیت‌هــای دانشکدهٔ ادبیات تهران).

دانشکدهٔ ادبیات مشهد، مجلهٔ فصلی.

مدیر مسئول جواد **حدیدی**، مشهد سال‌سوم، ۱۳۴۶ ش، (مقالات تحقیقــی، ادبی‌و اجتماعی).

دانشکدهٔ دامپزشکی، نشریه فصلی.

تهران‌سال‌چهارم، ۱۳۴۶ ش، (حاوی، مقالات‌واخبارعلمی دانشکدهٔ‌دامپزشکی)

دانشکدهٔ دندانپزشکی، مجلهٔ‌دوماه‌یکبار.

رییس هیئت‌مشاوران: محسن **سیاح**، مدیرامورادار‌ی‌مسعود **مسعودی**، تهران، سال ششم، ۱۳۴۶ ش، (نشریــهٔ دانشکدهٔ دندانپزشکی دانشگاه تهران)

دانشکدهٔ فنی، نشریه.

مسئول‌نشریه: محمدعلی **رحمتی**، تهران، دورهٔ چهارم ۱۳۴۶ ش، (نشریــهٔ دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران علمی وفنی).

دانشمند، ماهنامهٔ صبح امروز.

صاحب امتیاز: عفت **عمیدی‌نوری** (الموتی) مدیر: مصطفی **الموتی**، زیــر نظر : نصرالله **شیفته**، تهران، سال پنجم ۱۳۴۶ ش (علمی، اجتماعی).

داینرز کلوپ ایران، (اعتبار جهانیـ ماهانه).

صاحب‌امتیاز ومدیر مسئول: اعظم **سپهرخادم**، سال‌چهارم، ۱۳۴۶ ش، (علمی، ادبی، اجتماعی، مقالات‌و داستان).

درسهایی از مکتب اسلام، ماهانه.

صاحب امتیاز: نــاصر **مکارم**، قم، سال نهــم، ۱۳۴۶ ش، (دینــی، علمــی، انتقادی).

درمان، نشریه .
تهران،سال؟، ۱۳۴۶ش، (نشریهٔ شرکت سهامی‌فایزر ایران ــ پزشکی).

دفاع غیرنظامی، مجلهٔ ماهانه .
مدیرمسئول:غلامرضا **ایلخانی**،تهران، سال‌سوم،۱۳۴۶ش، (نشریهٔ ادارهٔ آموزش سازمان دفاع‌غیرنظامی حاوی‌راهنماییها وچاره جوییهای علمی) .

دنیا، هفتگی.
صاحب امتیاز وسردبیر عبدالکریم **طباطبایی**، تهران، سال بیست وچهارم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی).

دنیای دانش‌آموز، نشریه .
مدیر حسام‌الدین **امامی** ، سردبیر محمدصادق **فرهید**، تهران، سال‌سوم ، ۱۳۴۶ ش. (مقالات واخبار آموزشی مؤسسات‌فرهنگی ــ نشریهٔ‌ادارهٔ کل‌نگارش وزارت‌آموزش وپرورش).

دنیای علم، ماهانه.
صاحب امتیازومدیر:جلال**مصطفوی کاشانی**، مدیر داخلی‌محمدباقر **صدیقی**، تهران، دورهٔ جدید ، ۱۳۴۶ شمسی ، (پزشکی وتربیتی)

دنیای جدید، هفتگی .
صاحب امتیاز و مدیر مسئول علی **حافظی**، تهران، دورهٔ جدید، ۱۳۴۶ش (سیاسی،اجتماعی).

دهقان روز، ماهانه.
مدیر: اسمعیل **بازرگان** ، تهران ، سال پنجم، ۱۳۴۶ ش، (علمی ، فنی ، کشاورزی) .

دیپلمات، هفتگی .
مدیر: علی**سپهر** ، سردبیر عباس **فردی**، تهران، سال‌چهارم، ۱۳۴۶ ش ، (سیاسی، اجتماعی).

رادیو ایران، مجلهٔ ماهانه.
صاحب امتیاز و مدیر مسئول ناصرالدین **شاه حسینی** ، تهران، سال ؟ ۱۳۴۶. (نشریهٔ وزارت اطلاعات،حاوی اخبار و فعالیتهای مربوط به رادیو ایران) .

رامین، ماهانه .
صاحب‌امتیازومدیر مسئول منوچهر **طراز**،دورهٔ سوم ، سال نهم، ۱۳۴۶ ش، (پزشکی ، دارو سازی و تبلیغات داروئی) .

راه نجات ، هفتگی.
صاحب امتیاز و مدیر نجات‌الله **راه نجات**، اصفهان ، سال پنجاه ویکم ، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی) .

راهنمای‌کتاب
صاحب امتیاز احسان **یارشاطر** ، مدیرمسئول ایرج افشار ، تهران ، سال دهم، ۱۳۴۶ ش، (مجلهٔ زبان وادبیات فارسی وتحقیقات ایران شناسی و انتقاد کتاب) .

رستاخیز عدل، هفتگی .
صاحب امتیاز و مدیر مسئول محمد **فاطمی زاده**، مشهد، سال هفدهم،۱۳۴۶ ش ، (سیاسی، اجتماعی، ادبی) .

رعد خراسان، هفتگی .
صاحب امتیاز ومدیر مسئول هادی غازی ، نیشابور، سال چهاردهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی، خبری) .

روشنفکر، هفتگی .
صاحب‌امتیاز ومدیر مسئول: رحمت **مصطفوی**،سردبیر: پرویز **نقیبی**، تهران، سال‌پانزدهم،۱۳۴۶ ش،(سیاسی،اجتماعی داستان وشعر) .

روئین، هفتگی .
صاحب امتیاز و مدیر اسفندیار **سرتیپ‌پور**، رشت، سال‌سیزدهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی) .

زرین، روزنامه .
درمشهد به مدیریت، قمر**ابراهیمی** منتشر می‌شود .

زن روز، هفتگی .
صاحب امتیاز قاسم **طاهباز** ،مدیر: فروغ **مصباح زاده**،سردبیر مجیددوامی، تهران، سال چهارم،۱۳۴۶ش، (اجتماعی نشریهٔ هفتگی کیهان مخصوص زنان و دوشیزگان).

زیبایی وزندگی، فصلی .
صاحب امتیاز و مدیر مسئول حسین **معتمدی**، تهران، دورهٔ جدید،سال نهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی و اجتماعی ، ادبی) .

ژورنال دوتهران، روزانه.
Journal de Teheran
مدیر ف. **مسعودی** ، سردبیر احمد **شهیدی**، تهران، سال سی‌وسوم ، ۱۳۴۶ ش، به زبان فرانسه (سیاسی ، خبری ، اجتماعی) .

سازمان جنگلبانی ایران، نشریهٔ‌ماهانه.
کمیتهٔ انتشارات : غلامعلی **بنان** ــ محمد عابدی ــ غلامعلی **امیرمالك** ، تهران، سال چهارم، ۱۳۴۶ ش، (نشریهٔ سازمان جنگلبانی وزارت کشاورزی ایران) .

سازمان سپاه بهداشت ، نشریهٔ ماهانه .
تهران، سال‌سوم،۱۳۴۶ش، (حاوی گزارشهای ماهانهٔ سازمان سپاه‌بهداشت وزارت بهداری) .

سایبان، هفتگی.
دارنده و نگارنده عبدالحسین **ملك زاده** . رشت، سال هفدهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی،اجتماعی، ادبی) .

سپاهان هفتگی .
صاحب امتیاز و مدیر مسئول حسین **معتمدی**،تهران، دورهٔ جدید،سال نهم، ۱۳۴۶ ش ،(سیاسی ، اجتماعی ، ادبی) .

سپاه دانش، نشریهٔ ماهانه .
مدیر عبدالغفار **احمدی** ، سردبیر یحیی **صابری** ، تهران سال چهارم ، ۱۳۴۶ ش، (ازانتشارات سازمان سپاه دانش وزارت‌آموزش وپرورش ــ حاوی اخبار وفعالیتهای سپاه‌دانش درایران).

سپید وسیاه، هفتگی .
صاحب‌امتیاز و مدیرعلی **بهزادی**، مدیر داخلی اکبر **معاونی** ، تهران،سال پانزدهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی واجتماعی. داستان وشعر) .

ستارهٔ اسلام، هفتگی .
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر محمد تقی**شکوهیده**، تهران، سال‌بیستم، ۱۳۴۶ ش، (مذهبی، تاریخی) .

ستارهٔ اصفهان، هفتگی .
صاحب امتیاز اسدالله **میهن‌خواه** ، اصفهان ، سال نوزدهم ، ۱۳۴۶ ش ، (سیاسی، اجتماعی، ادبی) .

ستارهٔ سهیل، هفتگی .
صاحب امتیاز ومدیرمسئول سلیمان پاشا **بابکان ساسانی** ، بندر پهلوی، سال شانزدهم، ۱۳۴۶ش، (سیاسی،اجتماعی).

ستارهٔ سینما، هفتگی .
صاحب امتیاز پ .**گالستیان**، دورهٔ جدید ، سال پانزدهم ، تهران ، ۱۳۴۶ ش، (اخبار ومقالات سینمایی) .

ستارهٔ طوس .

صاحب‌امتیازومدیرعظیم **اسکوییان** مشهد ، سال سوم ، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی ، اجتماعی) .

ستارهٔ قطب، روزنامه .

در تربت حیدریه ، بـه مدیریت ؛ محمد اسماعیل سهیلی منتشر می‌شود .

سحر، هفتگی .

صاحب‌امتیار ومدیرمسئول سلیمان **انوشیروانی** ، تهران، سال؟ ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی) .

سخن ادبی، ماهانه .

صاحب امتیاز **پرویز ناتل‌خانلری**، تهران، دورهٔ هیجدهم، ۱۳۴۶ش، (مجلهٔ ادبیات ودانش وهنر امروز) .

سخن علمی، ماهانه .

صاحب امتیاز **پرویز ناتل‌خانلری** سردبیر پرویز **شهریاری**، تهران ، سال ششم ، ۱۳۴۶ ش، (علمی وفنی) .

سخن پزشکی، ماهانه .

صاحب امتیاز روح‌الله **کیهان**، مدیر مسئول قدرت‌الله **موثقی**، دبیرشورا رسول **پورنگی**، تهران دورهٔ هفتم ، ۱۳۴۶ش، (پزشکی وجراحی) .

سرچشمه، روزنامه .

درقم به‌مدیریت ابوالقاسم **میرعارفین** منتشر می‌شود .

سعادت ایران، هفته‌ای دوشماره .

صاحب امتیاز ومدیرمسئول فیض‌الله **سعادت**، تهران، سال نوزدهم، ۱۳۴۶ش، (سیاسی، اجتماعی) .

سلامت فکر وبهداشت روحی، ماهانه .

صاحب امتیاز ومدیرمسئول ابراهیم **چهرازی**، مدیر علیرضا**شفایی** ، تهران، سال دهم، ۱۳۴۶ ش، (ناشرافکارجمعیت بهداشت روانی ایران ــ حاوی مقالات روانشناسی وروانپزشکی) .

شاه ایل، روزنامه .

درقصرشیرین به‌مدیریت رحیم **حاتم** منتشر می‌شود .

شاهد غرب، روزنامه .

درکرمانشاه، به‌مدیریت‌حسین **رزقی** منتشر می‌شود .

شرافت ، روزنامه .

این روزنامه درعهد مظفرالدینشاه وبه تقلید ازروزنامهٔ شرف منتشرمی‌شد. شمارهٔ اول آن درماه صفر ۱۳۱۴ وشمارهٔ آخرین‌شمارهٔ آن‌درماه‌صفر ۱۳۲۰ انتشار



یافته، یعنی انتشار آن شش سال ادامه یافته است، این روزنامه ازحیث خط وکاغذ وزیبایی وهنر نفیس‌ترین جراید دوران قاجاریه است وبرای وقوف برهنرخطاطی‌ونقاشی درعهد مظفری‌بهترین‌سندشمرده می‌شود ، تصاویر آن به‌قلم مصورالملک باهنر سیاه قلم چاپ شده است .

شرف ، روزنامه .

شرف زیباترین‌وپربهاترین‌روزنامهٔ عهد ناصری بودکه باخط نستعلیق بسیار خوب وکاغذ عالی‌انتشارمی‌یافت. شمارهٔ



اول آن درمحرم ۱۳۰۰ هجـری قمری منتشر شده‌وبرای وقوف برشرح‌حال‌رجال عهد ناصری مفیدترین‌اسناد تاریخ‌معاصر است زیرا درهرشمارهٔ آن شرح حال‌یکی ازرجال‌آن زمان باتصویر اوآمده‌است. تصاویر روزنـامه از **ابوتراب غفاری** برادرکمال‌الملک‌نقاش معروف قرن‌اخیر ایران بوده است . بدیهی است که بیان شرح حال انحصار به بـزرگان ایـران نداشته ، در بعضی شماره‌هـا شرح حال بزرگان جهان نیزآمده است .

شفق‌کاشان، روزنامه .

درکاشان به‌مدیریت ابوالقاسم **حسام** منتشر می‌شود .

شکاروطبیعت، ماهانه .

صاحب امتیازومدیرناصر **گلسرخی**، تهران، سال؟ ۱۳۴۶ ش، (علمی وفنی).

شمال ایران، هفتگی .

مدیروصاحب‌امتیاز منوچهر **نوازش** مدیر داخلی تقی **رسولی**، ساری ، سال هیجدهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی ،اجتماعی، ادبی) .

شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی ایران، نشریه .

زیرنظر حسین **احمدی‌پور**، تبریز سال؟ ۱۳۴۶ ش، (نشریهٔ شورای‌مرکزی جشنهای شاهنشـاهی آذربایجان شرقی‌ـ حاوی مقالات واشعار مربوط به جشنهای دوهزاروپانصد سالهٔ ایران) .

شهرداریها، نشریهٔ ماهانه .

زیر نظرمدیر عامل‌اتحادیه،تهران، سال دوازدهم، ۱۳۴۶ش، (نشریهٔ‌اتحادیهٔ شهرداریهـای ایـران، حاوی اخبار و مقالات راجع به شهر سازی و حفـاظت شهرها) .

شیرنامه، دوماه یکبار .

تهـران ، سال پنجم، ۱۳۴۶ ش ، (ارگان رسمی لاینز بین‌المللی) .

شهربانی، مجلهٔ ماهانه .

مدیر مسئول د. **امینی**، تهران سال سی‌ام ، ۱۳۴۶ ش ، (نشریهٔ شهربانی کل کشور) .

صبح امروز، هفتگی .

صاحب امتیاز عفت **عمیدی نوری**، مدیـر مصطفی **الموتی** ، دبـیر شورای نویسندگان ناصر **ملک محمدی**، تهران، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی ، اجتماعی، داستان وشعر) .

صدای بازار، روزنامه.

در لاهیجان به مدیریت محمد رضا **بزرگ‌بشر** منتشر می‌شود.

صدای قزوین، روزنامه.

درقزوین به‌مدیریت علاءالدین **مجابی** منتشر می‌شود.

صدای مردم، روزنامه.

صاحب امتیاز و مدیر محمد حسین **فری پور**، تهران، سال‌بیست‌ودوم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی، خبری).

صور اسرافیل، هفته‌نامه.

مدیرومؤسس‌جهانگیرصوراسرافیل، درسال ۱۳۲۵ قمری درتهران تأسیس‌شد وشمارهٔ اول‌آن روز پنجشنبهٔ ۱۷ ربیع‌ـ الآخر همان سال پخش شد، درچهارمین



شماره به‌علت‌حملات تندی به روحانیان توقیف شد، بعداز یکماه ونیم دوباره منتشرشد،وباشهادت‌جهانگیرخان‌روزنامه هفته‌ای یک‌بار منتشر می‌شد، درسال در ۱۳۳۷ قمری، مرحوم دهخدا سه شماره ازآن را در **ایوردون**سویس منتشرکرد وبعدازآن تعطیل گردید.

طالب حق، هفتگی.

صاحب امتیازومدیر محمد**جوادی**، رشت، سال هفدهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی).

طب ودارو.

صاحب امتیاز ن. **درویش**، تهران، سال سوم، ۱۳۴۶ ش، (علمی، پزشکی).

طلوع اسلام، هفتگی.

صاحب‌امتیازومدیرمسئول محمدعلی **صدرایی اشکوری**، رشت، سال‌نهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی، دینی، ادبی).

طوفان یزد، روزنامه.

دریزد بــه مدیریت کاظم **اسلامیه**، منتشر می‌شود.

عدل، هفتگی.

صاحب‌امتیازومدیرمسئول غلامحسین **صاحبدیوانی**، شیراز، سال هیجدهــم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی).

عرفان، روزنامه.

دراصفهان به‌مدیریت بهرام **عرفان** منتشرمی‌شود.

عصر تبریز، روزنامه.

درتبریز به‌مدیریت احمد **بنی‌احمد** منتشر می‌شود.

علمی، نشریهٔ ماهانه.

تهران سال‌سوم، ۱۳۴۶ش، (نشریهٔ مؤسسهٔ کل انحصار دخانیات‌ایران).

فاتح، روزنامه.

درکرمان به مدیریت حسین فــاتح منتشر می‌شود.

فار، ماهانه.

مدیر**جعفرزادهٔ‌مرتضوی**، تهران، سال سوم، ۱۳۴۶ش، (حاوی اخبار واطلاعاتی راجع به‌مصالح ساختمانی‌وعملیات‌عمرانی وراه‌سازی به‌زبان فارسی وانگلیسی).

فردا، هفتگی.

دارندهٔ امتیاز **باقرنیک انجام**، تهران، سال بیست وپنجم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی، ادبی، علمی).

فردوسی، هفتگی.

مدیرومسئول نعمت‌الله **جهانبانویی** زیر نظر عباس **پهلوان**، مدیــر داخلی محسن **طوفان**، تهران، سال؟ ۱۳۴۶ش، (سیاسی، اجتمــاعی، انتقادی، شعر و داستان).

فرمان، روزامه.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول عباس **شاهنده**، تهــران، سال؟، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی،اجتماعی، خبری).

فرهنگ، روزنامه.

در اصفهــان نیزروزنامه‌ای بنــام فرهنگ به فرمان **ظل‌السلطان** فرزنــد ناصرالدین‌شاه منتشرمی‌شد. این‌روزنامه نیزیکی از نفایس عهد ناصری‌است کــه انتشارآن‌ازسال۱۲۹۶ آغازشده وقریب به‌دهسال‌ادامه یافته‌است.

فرهنگ‌خراسان، نشریهٔ ماهانه.

مدیر تقی **بینش**، مشهد، دورهٔ‌هفتم، ۱۳۴۶ش، (ادبی، علمی، تربیتی، نشریهٔ ادارهٔ‌آموزش وپرورش خراسان).

فریاد خوزستان، هفتگی.

صاحب‌امتیازومدیرعبدالمجید**وکیل زادهٔ ابراهیمی**، اهواز، سال؟، ۱۳۴۶، ش، (سیاسی، اجتماعی، ادبی).

فریاد گیلان (لاهیجان).

درلاهیجان به‌مدیریت احمد **دلجو** منتشر می‌شود.

فقیه، (ماهانه نشریــهٔ مؤسسهٔ اعتبار و تخفیف).

صاحب‌امتیازومدیرحسن**فقیه‌مرندی**، مدیر داخلی **کامل‌بصیری**، تهران، سال نهم، دورهٔ جدید، ۱۳۴۶ ش، (مخصوص تبلیغات‌کالا وبازاریابی ــ حاوی مقالات اجتماعی شعر وداستان).

فنون اداری، ماهانه.

صاحب‌امتیاز ومدیرمسئول‌محمدعلی **احمدی**، سردبــیر **یدالله خوشیاران**، تهران، سال سوم، ۱۳۴۶ ش، (نشریــهٔ کانون علوم اداری ایران).

فیلم وهنر، هفتگی.

دارندهٔ امتیازعبدالمجید **رمضانی**، زیرنــظر علی **مرتضوی**، تهران، سال چهارم، ۱۳۴۶ ش، (مقــالات و اخبار سینمایی).

قانون، روزنامه.

گوبنده‌ترین وپرصداترین روزنامه‌



های خارج، روزنامهٔ قانون‌بودکه درسال ۱۳۰۷ درلندن انتشار یــافت. مدیر و صاحب امتیازآن **میرزا ملکم خان** ناظم‌ـ الدوله بود.

قبس، روزنامه.

در اردبیل به مدیریت عزیز **صابر** منتشر می‌شود.

قصه، هفتگی.

صاحب امتیاز و مدیــر سیروس **آموزگار**، سردبیر حبیب‌الله **شاملویی**، تهران، سال سوم، ۱۳۴۶ ش، (انتقاد و معرفی‌کتابهای تازه چاپ).

کانون سردفتران، نشریهٔ ماهانه.

مدیر جمال‌الــدین**جمالی**، سردبیر علی اصغر**فراسیون**، تهران، سال‌دوازدهم، ۱۳۴۶ ش، (علمی، حقوقی، اجتماعی).

کانون وکلای دادگستری، مجلهٔ دو ماه

یکبار .

صاحب امتیاز م.قوام‌الدین **مجیدی**، تهران ،سال نوزدهم ،۱۳۴۶ ش،(علمی، حقوقی،انتقادی) .

کانون وکلای‌دادگستری آذربایجان نشریه .

سرپرست علی **ابوالفتحی**، تبریز ، سال؟ ۱۳۴۶ش، (حاوی مقالات ومسائل حقوقی) .

کتابخانهٔ عمومی‌مسجداعظم قم، نشریه.

قم، سال‌سوم، ۱۳۴۶ ش، (اجتماعی مذهبی) .

کتابخانهٔ ملی تبریز، نشریه .

تبریز، ۱۳۴۶ ش، (حاوی مقالات ادبی، معرفی کتابهای خطی وچاپی ــ نقد کتاب وفعالیتهای کتابخانه) .

کرمانشاه ، دوشماره درهفته .

صاحب‌امتیاز ومدیرمسئول وسردبیر فرج‌الله **کاویانی** ، کرمانشاه ،سال‌چهل و دوم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی ، اجتماعی ، ادبی) .

کمیتهٔ ایرانی اطاق بازرگانی بین‌المللی نشریهٔ ماهانه .

تهران، ۱۳۴۶ ش، (حاوی افکار و نظرات کمیتهٔ ایـرانی اطاق بازرگانـی بین‌المللی) .

کوشش، روزانه .

صاحب امتیاز و مدیـر شکرالله **صفوی**، تهران، سال چهل‌وهشتم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، خبری) .

کیهان، روزانه .

صاحب‌امتیاز ومدیرمسئول. مصطفی **مصباح زاده**، مدیرعبدالرحمن‌فرامرزی، تهران،سال‌بیست‌وپنجم، ۱۳۴۶ش،(سیاسی، اجتماعی،خبری) .

کیهان بچه‌ها، هفتگی .

صاحب امتیاز، جعفر **بدیعی**، مدیر عباس **یمینی‌شریف**، تهران، سال‌دوازدهم، ۱۳۴۶ ش، (مجلهٔ پسرها ودخترها) .

کیهان‌اینترنشنال، روزانه .

Kayhan International .

مدیر فروغ مصباح زاده ، سردبیر ك. طاهباز، تهران، سال هشتم، ۱۳۴۶ ش، (به زبـان انگلیسی ــ اجتماعی ، خبری) .

کیهان ورزشی، هفتگی.

مدیرمحمود منصفی، سردبیر مهدی **دری**، تهران، سال؟ ۱۳۴۶ش،(ورزشی).

کیهان هوایی .

مدیر مصطفی **مصباح زاده**،سردبیر **پرویزآزادی**، تهران، سال؟ ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی) .

گمرك، نشریهٔ ماهانهٔ فنی .

تهران، سال؟ ۱۳۴۶ ش ، (حـاوی اخبار واطلاعات و فعالیتهـای گمرك ایران) .

ماه نو جیبی ، هفتگی .

صاحب‌امتیاز ومدیر مسئول‌محمدـ علی **شیرازی**، زیرنظر محمدعلی **کاوه**، تهران، سال سوم، ۱۳۴۶ ش، (مقالات و داستان واخبار سینمایی) .

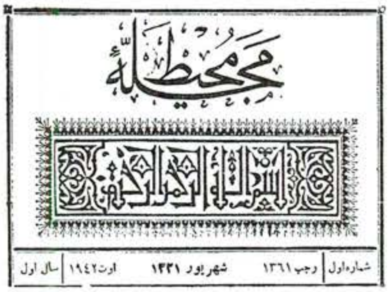
مبارز همدان ، هفتگی .

صاحب امتیاز ومدیر مسئول محسن **سالمی**، همدان وتهران، سال پانزدهم ، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی) .

مجاهد، روزنامه .

دراصفهان به‌مدیریت علی **مجاهد**، منتشر می‌شود.

محیط، مجله .



به‌مدیریت، **محیط طباطبایی**،اولین شمـارهٔ آن دررجب ۱۳۶۱ هـ ق. منتشر شد .

مرآت السفر ومشکوة الحضر، روزنامه.



این روزنامه درسفرهای ناصرالدین شاه منتشرمی‌شدووقایع‌مربوط به‌مسافرت روزانه ازجمله شکارهای خسروانه، گفتار وکردار ملتزمین رکاب ، وبعضی اخبار متفرقهٔ دیگر نگاشته می‌شد .

مراقبت پرواز، نشریهٔ ماهانه .

تهران ، سال چهارم، ۱۳۴۶ ش ، (نشریهٔ‌ادارهٔ کل‌هواپیمایی کشوری، حاوی مقالات فنی راجع به هواپیما) .

مرد مبارز، روزانه .

صاحب امتیاز ومدیر مسئول خلیل **اسعدرزم‌آرا** ،تهران،سال‌هفدهم، ۱۳۴۶ش، (سیاسی، اجتماعی) .

مرزهای نو، ماهانه .

تهران، دورهٔ دوازدهم، ۱۳۴۶ش، (نشریهٔ‌ادارهٔ اطلاعات امریکا درتهران).

مسایل ایران، مجلهٔ ماهانه.

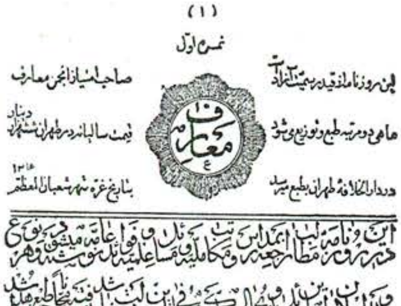
صاحب امتیاز ومدیر مسئول طاهر **رخشنده**، تهران، سال پنجم، ۱۳۴۶ش، (مجلهٔ تحقیقات اجتماعی ایران) .

مشیر، هفته‌نامه .

درتهران به مدیریت محمودمشیری **فرد** وسردبیری پرویز **آزادی** ، منتشر می‌شود .

معارف، روزنامه .

این روزنامه را انجمن معارف کـه



درسال۱۳۱۵ بوجودآمدمنتشرمی‌کرد. اولین شمارهٔ آن روز اول ماه شعبـان ۱۳۱۶ بیرون‌آمده است .

مقالات‌واخبارعلمی،نشریه‌دوماه‌یکبار .

تهـران، سال پنجم، ۱۳۴۶ ش ، (مقالات واخبار دانشکدهٔ دامپزشکی).

مکتب عدل، فصلی .

صاحب امتیاز و مدیر **محمدقاسمی**، تهران، سال چهارم، ۱۳۴۶ ش، نشریـهٔ رسمی‌جمعیت جراحان مکتب عدل).

مکرم، روزانه .

دراصفهان به مدیریت فروغ‌الزمان **مکرم منتشر می‌شود** .

موزیك ایران .

دارندهٔ امتیاز ومدیر مسئول بهمن **هیربد**، زیرنظرعلیمحمد**رشیدی**، تهران، سال پانزدهم، ۱۳۴۶ش، (اخبار ومقالات مربوط به‌موسیقی ــ تصنیف‌های روز.

موسیقی، مجلهٔ ماهانه .

مدیر ز. **هاکوپیان**، سردبیر ومدیر داخلی سعید**خدیری**، تهران، دورهٔ پنجم، ۱۳۴۶ ش ، (نشریهٔ وزارت فرهنگ و هنر) .

مهدآزادی، روزانه .

صاحب‌امتیاز ومدیرمسئول اسماعیل **پیمان**، سردبیرمسعود پیمان، تبریز، سال هیجدهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی، ادبی) .

مهر، ماهانه .

دارنده ونگـاهداره مجید **موقر** ، تهران ، دورهٔ سیزدهـم ، ۱۳۴۶ ش ، (عرفانی ، فلسفی ، حکمت‌الهی و علوم انسانی) .

مهر ایران ، روزانه .

صاحب امتیاز ومدیر مسئول محسن **موقر**، سال؟ ۱۳۴۶ش، (سیاسی، اجتماعی ، اخبارروز ــ ناشر افـکار حزب مردم) .

مهنامهٔ ارتش، ماهانه .

سردبیرامان‌الله **منطقی**، تهران، سال چهل‌وچهارم، ۱۳۴۶ ش، (علمی، تاریخی، ادبی ، اجتماعی ، نشریهٔ مخصوص ارتش شاهنشاهی ایران) .

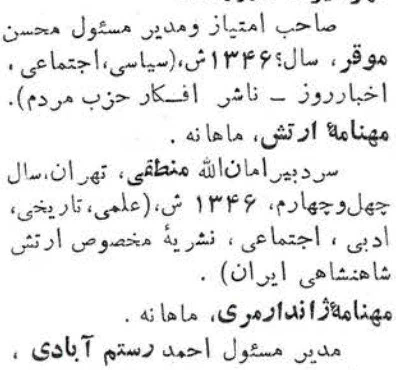
مهنامهٔ ژاندارمری، ماهانه .

مدیر مسئول احمد **رستم آبادی** ، تهران، سال نوزدهم، ۱۳۴۶ ش، (تاریخی، ادبی، حقوقی، مقالات وداستان ــ نشریهٔ مخصوص ژاندارمری کل کشور) .

ناصر، روزنامه .

دریزد ، به مدیـریت محمد حسین **ناصرترك** منتشر می‌شود .

ناصری، روزنامه .



این روزنامه‌درموقعی که‌مظفرالدین‌ـ شاه دورهٔ ولایتعهدی خود را در تبریز گذرانید وابسته به‌دربار اودرتبریزانتشار می‌یافت‌که از نظر سودمندی کمتر از روزنامه‌های درباری تهران‌نبود . اولین شمارهٔ آن‌درماه شوال ۱۳۱۱ انتشاریافته است .

ناطق، روزنامه .

در همدان به‌مدیریت محمد **پرویز** منتشر می‌شد .

ناطق خراسان، روزنامه .

درمشهد به مدیریت حسین نـاطق خراسانی منتشر می‌شد .

نامهٔ آستان قدس، ماهانه .

مؤسس‌محمد **مهران**، مدیرفخرالدین **حجازی**، مشهد، سال ششم، ۱۳۴۶ ش ، (دینی، تاریخی) .

نامهٔ ادارهٔ کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، مجلهٔ فصلی، زیرنظرپروین**شکیبا سنندجی**، تبریز، دورهٔ‌چهارم، ۱۳۴۶ش، (ادبی، علمی، اجتماعی) .

نامهٔ اراك، روزنامه .

در اراك به مدیریت باقـر موسوی منتشر می‌شود .

نامهٔ دانشکدهٔ پزشکی تهران، سالـی ده شماره .

مؤسس نصرت‌الله **کاسمی**، صـاحب امتیاز محمد **بهشتی**، مدیر مسئول حسن **میردامادی** ، مدیر امور اداری نصرالله **تاجیك**، تهران، سال‌بیست‌وپنجم، ۱۳۴۶ ش ، (نشریـهٔ رسمی دانشکدهٔ پـزشکی تهران) .

نامهٔ دانشکدهٔمشهد.

مدیر **فرخ**، مشهد، سال دهم، ۱۳۴۶ ش، (نشریهٔ دانشکدهٔ پزشکی مشهد) .

نامهٔ دانشکدهٔ دامپزشکی، مجلهٔ‌فصلی.

مؤسس عبدالله**حامدی**، تهران، شمارهٔ بیست وچهارم ۱۳۴۶ ش، (اخبارمربوط به دامداری و پرورش دام وفعـالیتهای دانشکدهٔ دامپزشکی) .

ناهید، هفتگی .

صاحب امتیاز ومدیر مسئول محمد **مقدس زاده** تهران، دورهٔ‌جدید، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی، ادبی، انتقادی) .

ندای اکباتان، روزنامه .

درهمدان به‌مدیریت حسن**زرگریان** منتشر می‌شود .

ندای ایران نوین، روزنامه .

صاحب‌امتیاز م . ع . **رشتی**، تهران سال دوم، ۱۳۴۶ ش، (ناشر افکار حزب ایران نوین) .

ندای حق، هفته‌نامه .

هفته‌نامه‌ای مذهبی، به‌مدیریت‌حسن **عدنانی** سال هجدهم ، ۱۳۴۶ (مذهبی) .

ندای رهنما ، روزنامه .

در مراغه به‌مدیریت ولی‌الله رهنما منتشر می‌شود .

ندای شهرضا، روزنامه .

درشهرضا به‌مدیریت مهدی **مولایی** منتشر می‌شود .

ندای غرب، هفتگی.

دارنده و مدیر مسئول عبدالحسین **منیعی** ، مدیر داخلی عبدالخالق **امینی**، سنندج، سال نوزدهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی اجتماعی) .

ندای فومن، هفتگی .

صاحب‌امتیازومدیرمحمدعلی**فومنی**، فـومن، سال ؟ ۱۳۴۶ ش ، (سیـاسی ، اجتماعی) .

ندای میهن، هفتگی .

صاحب‌امتیازحسن**حاجیلو**، نگارنده عبدالله **حاجیلو** ، همدان، سال هفدهم ، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی) .

نگین، ماهانه .

صاحب امتیازومدیر محمود**عنایت**، تهران، سال سوم ۱۳۴۶ ش، (اجتماعی، ادبی، انتقادی، مقالات وداستان) .

نوای خراسان، هفتگی .

صاحب‌امتیازونویسنده‌حسین **محمودی**، مشهد، سال هفدهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی اجتماعی، ادبی) .

نوای ملت، روزنامه .

درمشهد به مدیریت حسین **محمودی** منتشر می‌شد .

نور ایران، روزنامه .

در مشهد به مدیریت، محمد **نوری** منتشر می‌شود .

نور خراسان، هفتگی .

صاحب امتیاز ومدیر مسئول حسین **فالیزیان حقیقی**، مشهد، سال شانزدهم، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی، ادبی) .

نوروز، هفتگی .

صاحب امتیاز ومدیر مسئول اسحق

ابوترابی ، قزوین ، سال چهل ویکم ، ۱۳۴۶ ش، (سیاسی، اجتماعی) .

نهیب غرب، روزنامه .

درهمدان به مدیریت حسین غفاری منتشر می‌شود .

نیروی هوایی شاهنشاهی، ماهانه .

رییس هیئت مدیره فضایل **تدین** ، سردبیر مرتضی **طلوعی** ، تهران ، سال سی‌ویکم، ۱۳۴۶ ش، (اجتماعی، مقالات فنی راجع به‌هواپیما) .

وحید، ماهانه.

صاحب‌امتیاز ومدیر مسئول سیف‌الله **وحیدنیا**، تهران، سال پنجم، ۱۳۴۶ ش، (علمی، ادبی، انتقادی، اجتماعی) .

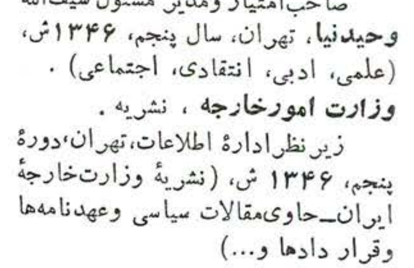
وزارت امورخارجه ، نشریه .

زیر نظر ادارهٔ اطلاعات، تهران، دورهٔ پنجم، ۱۳۴۶ ش، (نشریهٔ وزارت‌خارجهٔ ایران‌ـ حاوی‌مقالات سیاسی وعهدنامه‌ها وقرار دادها و...)

وطن، روزنامه .

درسال ۱۲۹۲ مرحوم **میرزاحسین خان سپهسالار** به‌دستیاری یك‌نفرمهندس بلژیکی به‌نام **بارون دونرمان** یك روزنامه به دو زبان فرانسه و فارسی به‌نام وطن انتشاریافت که شاه ازسرمقالهٔ همان‌شمارهٔ اول ترسیدو انتشار آن‌را موقوف ساخت .

وقایع اتفاقیه، روزنامه .



دومین روزنامه ای‌است که به همت میرزا تقی‌خان امیرکبیر و به‌نام«وقایع اتفاقیه» انتشار یافت ، روزنامهٔ وقایع اتفاقیه هفتگی و حاوی اخبار داخلی و خارجی بود. این روزنامه ازشمارهٔ ۴۷۱ به‌بعد «روزنامهٔ‌دولت‌علیهٔ ایران» نامیده شد وتاشمارهٔ ۵۹۱ به‌همین نام منتشر گردید. دراین‌تاریخ‌به‌فرمان ناصرالدین‌ـ شاه به‌جای روزنامهٔ مذکور چهار روزـ نامه به نام‌روزنامهٔ **دولتی‌بدون تصویر**، **روزنامهٔ دولتی مصور، روزنامهٔ ملتی‌و روزنامهٔ علمی** انتشار یافت، در سال ۱۲۸۷ طبع‌بوالهوس‌ناصرالدین‌شاه مایل شدکه‌به‌جای چهار روزنامهٔ فوق‌الذکرباز یك روزنامه داشته باشد بااین تفاوت‌که به‌جای هفته‌ای یك‌شماره،هفته‌ای‌سه‌شماره یعنی ماهی ۱۲ شماره انتشاریابد. مأمور انجام این میل **محمد حسن‌خان اعتمادـ السلطنه** گردید. اسم روزنامه برحسب ارادهٔ علیهٔ ملوکانه تغییر کرد .

روزنامهٔ دولتی وعلمی و ملتی‌که سابق بود مبدل به یك روزنامه شد ، موسوم به‌ایران. روزنامهٔ ایران‌تاانقلاب مشروطیت منتشر می‌شد درسال ۱۳۲۱ قمری‌نام‌آن‌ازایران به‌«ایران سلطانی» تغییر یافت .

هنرومردم، مجلهٔ‌ماهانه .

مدیر **ا.خدابنده‌لو**،سردبیرعنایت‌الله **خجسته**، تهران دورهٔ جدید، ۱۳۴۶ ش، (نشریهٔ وزارت فرهنگ و هنر، حاوی مقالات وتحقیقات تاریخی وباستانشناسی راجع به‌تمدن وفرهنگ ایران) .

هیرمند، هفتگی .

صاحب‌امتیازومدیرمسئول‌عبدالمجید **فیاض**، مشهد، سال دهم، ۱۳۴۶ (سیاسی اجتماعی) .

هوخت،ماهانه.

دارندهٔ امتیاز رستم **صرفه**، تهران، دورهٔ هیجدهم، ۱۳۴۶ ش ، (ناشر افکار اقلیت زردشتی ایران) .

هیرمند، مجلهٔ فصلی .

صاحب‌امتیازومدیرمسئول‌عبدالمجید **فیاض**، سردبیرمهدی **علایی**، مشهد دورهٔ سوم،۱۳۴۶ش، (حاوی مقالات اجتماعی شعر وادب امروز) .

یکان، مجلهٔ ماهانهٔ ریاضیات .

صاحب‌امتیازومدیرمسئول‌عبدالحسین **مصحفی**، مدیر داخلی‌داود**مصحفی**،تهران دورهٔ چهارم، ۱۳۴۶ش، (حاوی مقالات علمی‌ومسایل‌ریاضی‌وسرگرمیهای‌فکری).

یغما، مجلهٔ ماهانه .

مدیر ومؤسس حبیب **یغمایی**، تهران سال بیستم،۱۳۴۶ ش ، (ادبی، هنری، تاریخی) .

روزنامه ونشریات

سایر کشورهای جهان

آرژانتین

درکشور آرژانتین روزنامه و مجله دراغلب شئون منتشر می‌شود، مهمترین روزنامه‌های‌کشورعبارتند از: **بوئنوس‌ـ آیرس هرالد** ، **نوتیساس گرافیکاس** ، **لاپراتو** و**و آتلانتید**.

آلبانی

درکشور آلبانی ۳۳ نشریهٔ مهم‌وجود داردکه مهمترین‌آنها بقرارزیراست ، **صدای مردم**، **اتحاد** .

آلمان غربی

درآلمان غربی بالغ بر۷۶روزنامهٔ مهم‌منتشرمی‌شود که‌معروفترین آنهاعبارتند از : هامبورگ مورگن‌پست، ایندپست ، فرانکفورتر نوپرس، دیولت، کلن‌الگماـ زایتونگ‌الگماینه‌زایتونگ‌وفرانکفورت الگماینه زایتونگ.

آلمان شرقی

درآلمان‌شرقی درحدود ۹۰روزنامه منتشرمی‌گردد، که مهمترین‌آنها عبارتند از : هال‌نوز دوچلند، لیبرال‌دموکراتیك زایتونگ، تریبون وبرلینززایتونگ .

اتحاد جماهیر شوروی

مجموع روزنامه های کشور پهناور روسیهٔ شوروی از ۲۸۳ تجاوز نمی‌کند ومعروفترین آنها عبارتند از :

ایزوستیا، پراودا، ترود، زاریاـ وستوکا .

اتیوپی

درکشور اتیوپی ۲۳ روزنامهٔ مهم منتشرمی‌شود، که معروفترین‌آنهاعبارتند از:صدای حبشه (به‌زبان‌محلی‌وانگلیسی) اتیوپین‌هرالد .

اسراییل

درکشور اسراییل بالغ بر ۱۲۵ جریده‌منتشرمی‌شود که‌بهترین‌آنهاعبارتند از : اوج‌کلت (به زبان فرانسه) وپست بیت‌المقدس .

افغانستان

در کشور افغانستان بالغ بر ۴۹ روزنامه ومجله‌منتشر می‌شود بدین‌شرح:

انیس، اصلاح (فارسی و پشتو)، **اتحاد اسلام** و **طلوع افغان**.

اندونزی

درکشور اندونزی ۴۷ جریدهٔ مهم منتشر می‌شود که معروفترین آنها عبارتند از: **آبادی، سوارا مردکا، و روکا**.

ایالات متحدهٔ آمریکا

درایالات‌متحدهٔ آمریکا بیش‌از ۳۷۰ روزنامهٔ مهم منتشرمی‌شود که معروفترین آنها عبارتند از: **هرالدتریبون، نیویورك تایمز، نیوز، تایمز، پست، جورنال، نیویورك نیوز، وال‌استریت جورنال، شیکاگوتریبون و بولتن**.

ایتالیا

درکشور ایتالیا بالغ بر ۱۷۰ جریدهٔ مهم منتشر می‌شود، که معروفترین آنها عبارتند از: **اورولو، اوجی، کوریر دراسر، تمپور، پوپولو، آوانتی، گلوپو و مومنتو**.

ایرلند

درکشور ایرلند بیش‌از ۷۰ نشریه پخش‌می‌گردد که معروفترین آنها عبارتند از: **آیریش‌تایمز، آیریش ایندپندنت و آیریش‌پرس**.

ایسلند

درکشور ایسلند بیش‌از ۲۱ جریدهٔ مهم منتشر می‌شود که معروفترین آنها عبارتند از: **مورگن بلاوید و لزلوك**.

برزیل

در کشور برزیل متجاوز از ۱۰۰ نشریه وجود دارد که معروفترین آنها بقرار زیراست:

کوئوپالستانو، گازتادو نوتی‌سباس، برازیل‌هرالد و امپرن‌پوپولار.

بریتانیای کبیر

درکشور بریتانیا تعداد نشریات روزانه وهفتگی وماهانه از ۳۳۰ متجاوز است که معروفترین آنها بقرار زیراست: **دیلی‌میرور، دیلی‌اکسپرس، دیلی میل نیوزکرانیکل، تایمز، دیلی هرالد، گاردین، امپایرنیوز، ساندی‌اکسپرس، ساندی هیکتورمال، آبزرور، پیپل، دیلی‌ورکر**.

بلژیك

درکشوربلژیك بیش‌از ۱۱۳ نشریهٔ روزانه، هفتگی وماهانه منتشر می‌شود، که معروفترین آنها عبارتند از: **لاسیته، گازت وان آنت ورپن، لیبربلژیك، لاناسیونال بلژ و نیوزبلاد**.

بلغارستان

درکشور بلغارستان بیش‌از ۵۰ جریده منتشرمی‌شود، که معروفترین آنها عبارتند از **دوتچستفن فرونت، رابوت نیچوسکر دلو و مزود**.

بولیوی

در این کشور بیش از ۴۵ نشریه منتشرمی‌شود که معروفترین آنها عبارتنداز: **دموکروسیا، ال‌دیاریو، و وتسیامدیکا**.

پاراگوئه

دراین کشور ۷ نشریه پخش می‌شود که مهمترین آنها **لاتریبونا** می‌باشد.

پاکستان

تعداد جراید مهم پاکستان به ۱۲۰ می‌رسد ومعروفترین آنها عبارتند از: **دیلی جنگ و داون**.

پاناما

از ۲۰ روزنامهٔ این کشور، **داستا- راندوالد** از همه معروفتر است.

پرتغال

دراین کشورنزدیك به ۸۰ روزنامه منتشر می‌شودکه مهمترین آنها عبارتند: **دیاریوپوپولار، دیاریو دونونیسباس و دیاریودونیروا**.

پرو

تعداد جراید مهم این کشور به ۶۵ می‌رسد ومعروفترین آنها عبارتند از: **لاکرونیکا ولاپرنسا** می‌باشد.

تایلند

جراید این کشور در زمینه های مختلف به ۳۵ می‌رسد که معروفترین آنها عبارتند از: **بانکوك دیلی‌میل وچائو- تاس**.

ترکیه

تعداد روزنامه‌های روزانه، هفتگی وماهانهٔ این کشور از ۱۴۵ بالغ است و معروفترین آنها عبارتنداز: **ظفر، اولوس، جمهوریت، آکسام وحریت**.

تونس

درتونس قریب ۱۰ روزنامه منتشر می‌شود که **الصباح** مهمترین آنها است.

چکوسلواکی

تعداد روزنامه های چکوسلواکی قریب ۷۰ است که: **لیدووادموکراسی وملاد فرونتا** معروفتر است.

چین کمونیست

درکشورپهناورچین قریب ۶۰ نشریه منتشرمی‌شودکه معروفترین آنها عبارتند از: **مردم، دروژبا، ون هوی‌بو، چی‌فنگ چونگ فو وکار**.

چین ملی

دراین کشور درحدود ۳۰ نشریه منتشرمی‌شودکه معروفترین آنها عبارتند از: **سانترال‌دیلی نیوز وسینگ شینگ‌پو**.

دانمارك

دراین کشور قریب ۸۰ نشریه‌وجود داردکه معروفترین آنها عبارتند از: **پویشگن و انیفورماسیون**.

دومینیکن

دراین کشور ۳۸ جریده منتشرمی- شودکه: **آل کاریب وداکرونیکا** معروفتر ازهمه است.

رودزیا

دراین کشور درحدود ۳۰ جریده منتشر می‌شودکه: **اویکس دیلی‌نیوز و کرانیکل** معروفتر است.

رومانی

تعداد روزنامه‌های این کشور ۲۵ است که‌معروفترین آنها عبارتنداز: **الور، نوروگ و رومانیالیبریا**.

زلاند جدید

جراید‌مهم این کشوربه ۱۱۰ می‌رسد ومهمترین آنها عبارتند از: **نیوزلاند، تیمارو‌هرالد**.

ژاپون

تعدادجراید این کشوربالغ‌بر ۱۴۰ است که معروفترین آنها بقرارزیر است: **آساهی‌شیمون، نی‌یی‌چی، مارین‌چی- شیمون، شیمون‌کیرای‌شیمون وتوکیو- شیمون**.

سنگاپور

از ۲۳ جریدهٔ این کشور، **استریت تایمز وسنگاپور، روی‌پرس** معروفتراز همه است.

سوئد

درسوئد بیش از ۷۵ جریده منتشر

می‌شود که معروفترین آنها عبارتند از : **آفتون بلادت، واگنس من‌هنر واسونکا اگبلادت** .

سوریه

تعداد نشریات این‌کشور به ۴۰ می‌رسد، **رداجار و وال‌فیچی** معروفترین آنها است .

سویس

درسویس قریب ۱۰۲ جریده منتشر می‌شود، که معروفترین آنها عبارتند از : **گازت دولوزان ، ناسیونال زایتونگ و سن‌گاتاگبلات** .

سیلان

دراین‌کشور بالغ بر۱۶ نشریهٔ مهم وجوددارد که معروفترین آنهاعبارتنداز: **سیلان دیلی نیوز ، سیلان آبزرور و دینامنیا** .

شیلی

درشیلی متجاوز از ۱۵۰ نشریه منتشر می‌شود که‌معروفترین آنهاعبارتند از: **لاترسرا، کلدرین ولاپرن** .

عراق

نشریات‌عراق‌به ۴۰ می‌رسد، معروف‌ترین آنها عبارتند از : **تایمز عراق ، رأی العالم و صوت الاحرار.**

عربستان سعودی

نشریات این‌کشور به ۳۰ می‌رسد و **المدینه و البلد** معروفتر است .

غنا

از۲۵ نشریهٔ‌کشورغنا، **دیلی‌گرافیك و اشانتی پایونر** ازهمه‌معروفتر است .

فرانسه

در فرانسه درکلیهٔ زمینه‌ها قریب ۳۰۰ نشریه منتشرمی‌شودکه معروفترین آنها عبارتند از : **کومبا، فیگارو، لوموند، فرانس‌سوار، اومانیته، پاری‌پرس ، لاپاریسین لیبره وفرانس دیمانش** .

فنلاند

جرایدمهم این‌کشور به ۶۵ می‌رسد؛ معروفترین آنها عبارتند از **هلسینگین‌سانومات، ایلیتاسانومات واوس‌سونی.**

فیلی‌پین

تعداد جرایداین‌کشوربه ۲۵ می‌رسد که معروفترین آنها عبارتند از : **ایوی‌نینگ نیوز و فیلی‌پین هرالد** .

قبرس

تعداد جراید این کشور به ۳۰ می‌رسد، که : **پست قبرس و هاروا‌کی** معروفتر ازهمه است .

کانادا

جراید کانادا درکلیهٔ زمینه‌ها بالغ بر ۳۳۰ است، که‌مهمترین آنهاعبارتنداز: **جورنال، نیوزهرالد، تایمز، دیلی‌نیوز، ایوی‌نینگ‌تلگرام، نوانگلین، لودروات، کرانیکل هرالد، تلگرام ولاهرس** .

کرهٔ جنوبی

از۷ روزنامهٔ‌کرهٔ جنوبی: **سول‌شن فون** معروفتر ازهمه است .

کرهٔ شمالی

از۱۲ نشریهٔ این‌کشور : **رودونگ شین‌مون** معروفتر ازهمه است .

کنگو

دراین‌کشور قریب ۶۰ نشریه‌وجود داردکه مهمترین آنها عبارتند از : **سانزآفریك، کنگوپست، پرس‌آفریکن، اکردواستانلی ویل ، کوری ریر دوآفریك** .

کوبا

از۵۶ نشریهٔ‌کوبا، **دیاریودولاماریتا، هاواناپست‌وانیفورماسیون** ازهمه‌معروفتر است .

کوستاریکا

تعداد نشریات این‌کشور به ۳۰ می‌رسد و **دیاریوکوستاریکا** معروفتر از همه است .

کولومبیا

از۹۰ جریدهٔ این‌کشور: **دیاریو- افیسیال، ال‌اسپکتادور، ال‌ایندس‌نپدنت وال‌تیمپو** ازهمه معروفتر است .

گواتمالا

درگواتمالا قریب ۳۰ جریده‌منتشر می‌شود، که **لاهورا دومینیکال، دیاریو دوسانترآمریکا،** از همه معروفتراست.

گینه

روزنامهٔ‌معروف این‌سرزمین **لاپیرنه** است .

لائوس

دراین‌کشور بیش‌از ۷ جریده‌منتشر نمی‌شود، **لاایندس‌نپدنت** ازهمه‌معروفتر است .

لبنان

جراید این‌کشور به ۵۵ می‌رسد و **العمل و الجریده** ، معروفترین آنها است .

لوکزامبورگ

ده روزنامه دراین محیط کوچك منتشر می‌شودکه **لوکزامبورگ ورت** مهمتر ازهمه است .

لهستان

دراین‌کشور نزدیك ۱۶۰ نشریه وجود دارد، که معروفترین آنهاعبارتند از : **ژینیك لودسکی، تریبونالودو و تریبوتتار وبوت‌نیژا** .

لیبریا

معروفترین روزنامهٔ این کشور **دیلی‌لیسنر** است .

لیبی

از۱۷ جریدهٔ این‌کشور، **طرابلس الغرب** ازهمه معروفتر است .

لیختن اشتاین

از۱۰ روزنامهٔ این‌کشور، **لیختن- اشتاین فولکس بلات** از همه معروفتر است .

مالایا

دراین‌کشور نزدیك ۴۰ نشریه منتشر می‌شود، که **مالایامیل** از همه معروفتر است .

مالت

از۲۵ روزنامهٔ این‌کشور **تایمز، مالتا** ازهمه معروفتر است .

مجارستان

از۳۷ نشریهٔ‌این‌کشور، **اتی‌هیرلاپ، نپزاوا** ازهمه معروفتر است .

مراکش

دراین کشور قریب ۳۰ روزنامه منتشرمی‌شود، **التحریر، لاویجی‌ماروکن** از معروفترین آنها است .

مصر

درمصر قریب ۹۵ نشریه منتشر می‌شودکه ، **الاهرام والاخبار** از همه معروفتر است .

مکزیك

دراین‌کشور بیش‌از ۶۶ جریده منتشر می‌شود **وال‌دونه، ال‌ناسیونال**

نودادس معروفترین آنها است .

موناکو

ژورنال دوموناکو روزنامهٔ منحصر بفرد این کشور است.

نپال

اورست، جانتا دوروزنامه از ۱۵ روزنامهٔ این کشور است .

نروژ

دراین کشور قریب ۱۳۵ روزنامه منتشر می‌شود، که **آفتن‌پستن، داگ بلادت** ازمهمترین آنها است .

نیکاراگوئه

لاپرن مهمترین روزنامهٔ این کشور است .

واتیکان

اوسرواتوروروماتو یکی از سه روزنامهٔ دربار پاپ است .

هایی‌تی

هایی‌تی‌ژورنال یکی از ۹ روزنامهٔ این کشور است .

هلند

دراین کشور نزدیك ۲۱۰ روزنامه منتشر می‌شود: **هت‌پارول، دتلگراف، ترو، هت ویزنج فولك** .

هندوراس

مهمترین جراید این کشور، **اکوناسیونال وهرالدو** می‌باشند.

هندوستان

در این کشور قریب ۳۰۰ نشریه منتشر می‌شود که معروفترین آنها عبارتند از: **بمبئی ساماکار، تایمزهندوستان و ایناماتی** .

یوگوسلاوی

در این کشور ۷۵ روزنامه منتشر می‌شود: **بوربا، سولونسکی‌پروچوالك، نونیك**.

یونان

از ۲۷ جریدهٔ معروف یونان: **آکروپولیس، اپوگوماتین، دیما** ازهمه مهمتر است .

خبرگزاریهای جهان

آژانس تلگرافی، ازخبرگزاریهای قبل ازانقلاب روسیه که در پطرزبورگ دایربود و بعداز انقلاب به **خبرگزاری روستا** تبدیل شد .

آژانس مطبوعاتی فرانسه، خبرگزاری هاواس بعد از جنگ جهانی‌دوم به این‌نام‌خوانده‌شده است.

آسوشییتدپرس، خبرگزاری آمریکابا (۲۷۰۰عضو و ۳۸۴۰ نشریه که درسال ۱۸۴۸ تأسیس شده است .

آسوشییتدپرس غربی، یکی از همکاران اولیهٔ مؤسسهٔ آسوشییتدپرس که درسال ۱۸۸۵ کناره‌گیری کرد .

الگانیه دویچر، خبرگزاری آلمان شرقی .

ایتالیا، خبرگزاری کشور ایتالیاکه در اغلب پایتخت های جهان نماینده دارد .

پارس، جانشین خبرگزاری رسمی است که در وزارت امور خارجه تشکیل شده بود و بعدها به ادارهٔ اطلاعات و رادیو منتقل گردید، امروزه دستگاهی مجهز است که درهر ۲۴ ساعت ۲۱ بخش آخرین خبر های ایران وجهان را به ۱۴ فرستندهٔ رادیویی ایران می‌فرستد، پارس در ۱۰ کشور نمایندگی دارد واز مشترکین خبرگزاریهای معروف دنیا است ، و در روز چهاربولتن منتشر می‌کند .

تاس، مهمترین خبرگزاری‌شوروی است. که مخفف آژانس تلگرافی‌اتحادجماهیر شوروی‌است. این‌خبرگزاری‌درسال ۱۹۲۵ ازتجدید سازمان‌خبرگزاری روستا بوجود آمده.

چکوسلووسکا نیکو فاکانسلار، خبرگزاری چکوسلواکی است.

خبرگزاری رسمی، درسال ۱۳۱۳ دروزارت خارجهٔ ایران تشکیل شد .

دویچه پرس اکنتور (D.P.A) خبرگزاری آلمان که دربیشتر کشورهای جهان نماینده دارد .

روستا، خبرگزاری، آژانس تلگرافی را ببینید .

رویتر، خبرگزاری بریتانیای‌کبیر که درسال ۱۸۵۱ تأسیس شد. ویك‌مؤسسهٔ غیرانتفاعی‌است ومؤسس آن **پ-ی-رویتر** وهمسرش می‌باشند .

کارتلی، خبرگزاری، ازهمکاری سه مؤسسه، هاواس، رویتر، وولف وآسوشییتدپرس‌نیویورك درسال ۱۸۷۲ تشکیل-وتا سال ۱۹۳۴ دوام یافت .

مطبوعات آزاد هند، خبرگزاری هند است .

نیویورك‌آسوشوییتدپرس، ازهمکاری چند انجمن مطبوعاتی محلی درنیویورك تشکیل شده بودکه بعدها به **آسوشوییتد پرس** تبدیل شد .

وولف، خبرگزاری، درسال ۱۸۴۹ دربرلین‌تشکیل گردید .

هاواس، آژانس، در سال ۱۸۳۲ وسیلهٔ شارل هاواس (ch . Havas) در فرانسه دایرشد.

هیسی‌لوها، خبرگزاری‌چین‌کمونیست است .

یونایتدپرس(اینترنشنال)، خبرگزاری‌آمریکا با ۱۹۵۸ نشریه و ۱۹۴۶ فرستندهٔ رادیویی و ۷۵ نفرنماینده‌که‌در کشورهای‌جهان‌داردبزرگترین‌خبرگزاری مستقل جهان است .

یونایتدپرس‌بریتانیا، خبرگزاری بریتانیا است .

کتب-روزنامه نگاری

روزنامه‌نگاری

آئین روزنامه نگاری: فریدون پیرزاده.

اصول‌اخلاقی روزنامه نگاران: (فارسی وانگلیسی)، دکتر شمس مستوفی .

اصول روزنامه‌نگاری: دانشگاه‌تهران، گاسپرس **یومت**، ترجمهٔ مهین‌دخت **صبا** .

تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دورهٔ مشروطیت: معرفت، ادوارد- **براون** ترجمهٔ محمد عباسی .

تاریخ مطبوعات فرانسه و اهمیت آن درجهان: دکترشمس مستوفی .

روزنامه چیست و روزنامه نگارکیست؟ شمس مستوفی .

روزنامه‌نگاری‌وتاریخ‌آن‌درجهان، کانون معرفت، فیروز هیأت.

صنعت و فن‌روزنامه‌نگاری: پروفسور پاکن، ترجمهٔ دکترشمس‌مستوفی .

گروهی از روزنامه‌نویسان ایران وسایر کشورها

آبوت، بکت ژیلبرت .
نمایشنامه نویسهارا به‌بینید .
آدیسون، ژوزف .
شعرای خارجی را به‌بینید .
آندراد، اولگاریو ویکتور .
شعرای خارجی را به بینید .
اخگر، سرهنگ احمد .
(متولد ۱۳۰۸ ق)
شاعر، نویسنده وروزنامه‌نگار(مدیر مجلهٔ اخگر) آثاری چون: اسرارخلقت، امثال،چراغ برق،راهنمای قرائت قرآن درتجوید، علم عروض وعلم قافیه .
ارانی، دکترتقی .
(فوت ۱۳۱۸ ش)
دکتر دررشتهٔ فیزیکوشیمی ودارای تصدیق رشتهٔفلسفه‌دانشگاه برلن، نویسنده، مترجم، وروزنامه نگار (روزنامهٔ پیکار) نشریات‌مربوط‌به مرام‌اشتراکی اوموجب شدکه درسال ۱۳۱۶ همراه عده‌ای دیگر توقیف شود واو درسال ۱۳۱۸ درزندان قصر درگذشت .
ازآثار ایشان :
۱ــ آتوم وبعد چهارم تاریخ سازی وهنر .
۲ ــ ارزش ، قیمت ، کار ، تکامل موجودات زنده .
۳ــ اصول علم روح .
۴ــ اصول علم شیمی .
۵ــ اصول علم فیزیك .
۶ــ بشر ازنظر مادی .
۷ــ پسیکولوژی‌علم روح.
۸ــ تئوریهای علم .
۹ــ تاریخ علوم،من یك سیاهم .
۱۰ــ تکامل، تبعیت به‌محیط، ارث.
۱۱ــ جبر واختیار، حقوق واصول مادی .
۱۲ــ خوابیدن وخواب دیدن، زن وماتریالیسم .
۱۳ــ زندگی وروح هم مادی است .
۱۴ــ عرفان واصول مادی .
۱۵ــ فرضیهٔ نسبی .
۱۶ــ گلهای سفید .
۱۷ــ ماتریالیسم دیالك‌تیك.
۱۸ــ متن‌دفاع‌دکترارانی‌درمحکمهٔ جنایی .
۱۹ــ هنرماتریالیسم، هنردرایران جدید .

ارنبورگ، ایلیا Ehrenburg.
(متولد ۱۸۹۱م)
از نویسندگان و روزنامه نگاران



روسی است که دوبار جایزهٔاستالین رابــرد ، (۱۹۴۲ و ۱۹۴۸).از آثار او : خشم روسیه، عشق ژان‌نی ویخگشاد است .
استد ، ویلیام تامسن Stead, W.T
(۱۹۱۲ــ۱۸۴۹)
روزنامه نگـار انگلیسی و مؤسس **مجلهٔ مجله‌ها** دراسترالیا است .
استرایت ، کلرنس‌کرشمن Streit, C.
(متولد ۱۸۹۶ م)
روزنامه نگار ونویسندهٔ آمریکایی، مدیرنشریهٔ **آزادی واتحاد** ومؤلف‌کتاب: **حافظ زبان اسرار** می‌باشد .
اشرف الدین حسینی ، سید .
شاعران ایرانی را به‌بینید .
اعتصام زاده ، یوسف .
نویسنده ومترجم و روزنامه نگار (روزنـامهٔ یومیهٔ ملی فارسی وفـرانسه: **ستارهٔجهان**) وبرندهٔ جایزهٔ افتخارادبی (ژفلورو) فـرانسه در سـال ۱۹۲۹ م می‌باشد .
ازآثار وترجمه‌های ایشان :
۱ــ تاریخ بیزانس (ترجمه) .
۲ــ تاریخ پلیس (ترجمه) .
۳ــ رباعیات خیام ترجمهٔ منظوم به فرانسه .
۴ــ کشمیر یاباغ نشاط (ترجمه) .
۵ــ هزار مسأله ولگاریتم .
۶ــ هزار ویك خنده .
۷ــ یك دروغ چه‌کرد .
افشار، دکتر محمود .
شاعران ایرانی را به‌بینید .

آمادو، ژرژ Amado, G.
(فوت ۱۹۱۲م)
نویسنده ، روزنامه نگـار معروف برزیلی‌که مسافرتهایی به چکسلواکی و فرانسه‌کرده استورومانهای جالبی ازاو بجا مانده است .
امیرانی، علی‌اصغر .
(۱۲۹۴ ش)
ازمردم‌گروس، کار مطبوعاتی را با داستان نویسی آغاز و بالاخره **مجلهٔ خواندنیها** را دایـر کرد . از آثـار ایشان: اسب‌دوانی،فداکاران،واقعهٔ‌هفدهم آذر ۱۳۲۱ .
امیرجاهد، محمدعلی .
مدیر مجلهٔ پارس ، از شاعـران و موسیقی‌دانان.ازآثارایشان: دیوان شعر، سالنامهٔ پارس است .
امین، قاسم .
(۱۹۰۸ــ۱۸۶۵ م)
روزنامه نگـار ونویسندهٔ مصری ، آثاراو: تحریر المرأة والمرأةالجدیده می‌باشد .
امینی، امیرقلی .
لغویها و نویسندگان لغت نـامه و فرهنگ‌را به‌بینید .
بارس، موریس Barres, M.
نویسندگان خارجی را به‌بینید .
برود، هانری .
برندگان جوایزادبی‌گنکورفرانسه را به‌بینید (درسال۱۹۲۲ م).
بهار، ملك‌الشعراء .
شاعران ایران را به‌بینید .
بهرامی، دکترتقی .
(متولد ۱۲۷۷ ش)
دکترای‌کشاورزی، نویسنده، محقق و روزنامه‌نگار (مجلهٔ فلاحت ومجلهٔ‌آب وخاك) ازآثارایشان :
ارزیابی‌کشاورزی،ازسویس به‌ایران، ایران آزاد و بزرگ می‌شود ، باغبانی عمومی وخصوصی، پرورش‌کودك‌درخانه، جغرافیای‌کشاورزی ایران، جوجه‌کشی ، دامپروری ، دامپروری عمومی ، دستور شست وشو وچیدن پشم، دهداری، زراعت خصوصی، زراعت عمومی ، طرز دوشیدن گاو، کتاب فلاحت .
بهروزی، محمود .
شاعران ایران را به‌بینید .
پازارگاد،دکتر بهاء الدین.
شاعران‌ایران‌را به بینید.

پارسا، علی .
(متولد ۱۲۷۰ ش)
روزنامه نگار (مجلهٔ شهربانی) و مترجم ازمردم کاشان ؛ تبه‌کاران ، دستهٔ جنایتکاران(ترجمه)،شبح‌مرموز(ترجمه)، شهوت‌پرست، می‌پرست، مهمانخانهٔ‌مرگ، واترلو (ترجمه) ازآثار ایشان است .

پاینده، ابوالقاسم .
(۱۲۸۷ ش)
روزنامه‌نگار (مجلهٔ صبا) ،مترجم ونویسندهٔ‌معروف‌ایران ازمردم نجف‌آباد، ازآثار او :
اسرار نیک بختی (ترجمه)، تاریخ سیاسی اسلام ازآغاز ظهور تا انقراض دولت اموی(ترجمه)، ترجمهٔ قرآن‌مجید بامتن،چرافرانسه شکست‌خورد(ترجمه)، درآغوش‌خوشبختی(ترجمه)، درجستجوی خوشبختی (ترجمه)،درسینمای زندگی، دستور نوشتن ، زندگانی محمد (ص) (ترجمه)، سخنان محمد (ص) (ترجمه)، عشق وزناشویی (ترجمه) ، قاتل ، نهج‌الفصاحة (ترجمه).

پل، ارنست .
برندگان جوایز پولیتزررا به‌بینید.
(۱۹۱۸ م)

پولیتزر، جوزف . Pulitzer, J.
(۱۸۴۷_۱۹۱۱م)
روزنامه نگار مجارستانی که درسال **۱۸۶۴** به‌آمریکاسفر کرد وسه سال بعد به تابعیت اینکشور درآمد . بـه نیویورك رفت وروزنامه نیویورك ورلد را خرید (۱۸۸۳) واز این شهربه عضویت‌مجلس نمایندگان آمریکا انتخاب شد. روزنامهٔ نیویورك ایونینگ ورلد را تأسیس کرد.



درکولومبیا مدرسهٔ روزنامه‌نگاری‌تأسیس کرد(۱۹۰۳) وبنابروصیت او از محل دارایی‌ش جوایز پولیتزر همه ساله به صاحبان صلاحیت ادبی وهنری‌اعطا می‌شود .

تاکرای، ویلیام ماکپس Thackeray, W. M.
(۱۸۱۱_۱۸۶۳ م)
داستان‌نویس‌وروزنامه نگارفرانسوی



صاحب‌آثاری چون : راهنمای پاریس ، اوراق زرد، خاطرات جیمزوغیره.

ترقی، لطف‌الله .
(متولد ۱۲۸۲ ش)
روزنامه‌نگار(روزنامهٔ‌هفتگی‌ترقی) و وکیل دادگستری، ازمردم قم است.از آثار اوست: جن درحمام سنگلج ، خانم هندی،خودآموز فرانسه ، شبهای‌بغداد .

حجازی، محمد .
نویسندگان ایران را به‌بینید .

حکیم شیرازی، محمود.
شاعران ایران را به‌بینید .

خانلری، دکتر پرویز .
شاعران ایران را به‌بینید .

خلخالی ، عبدالرحیم .
نویسندگان ایران را به‌بینید .

دالین. ادولف فون .
شعرای خارجی را به‌بینید .

دانشور، دکترسیمین .
نویسندگان ایرانی را به‌بینید .

دانونزیو، گابریل .
شعرای خارجی را به‌بینید .

دشتی، علی .
نویسندگان ایران را به‌بینید .

دفو، دنیل Defoe.D.
(حدود ۱۶۶۰_۱۷۳۱م)
ناشر مجله‌ای درانگلستان، صاحب اثر معروف، **روبنسون‌کروزوئه** و یادداشتهای سال طاعونی و مرد انگلیسی اصیل است . (نویسندگان خارجی را به‌بینید).

دلکلوز ، شارل Delescluze, ch.
(۱۸۰۵_۱۸۷۱ م)
روزنامه نویس‌فرانسوی،ازجمهوری‌خواهان‌که در راه هدفش مقتول‌شد .

دمولن ، کامی Desmoulins.
(۱۷۶۰_۱۷۹۴)
روزنامه‌نویس وآزادیخواه‌فرانسوی که اعدام شد .

دوده، لئون .
Daudet, L.
(۱۸۶۷_۱۹۴۲ م)
روزنامه نویس فرانسوی ، کتابهای خاطرات و داستانی از او به جا مانده است .

دوکومن، السی Ducommun, E.
(۱۸۳۳_۱۹۰۶ م)
روزنامه نویس و صلح طلب سویسی که درسال **۱۹۰۲** قسمتی از جایزهٔ صلح را دریافت‌کرد .

دووی ، جان . Devoy, J.
(۱۸۴۲_۱۹۲۸ م)
روزنامه نویس ایرلندی و مؤسس **نشریهٔ ملت ایرلند** می‌باشد .

دهخدا، علی‌اکبر .
نویسندگان ایران را به‌بینید .

رازی همدانی، عبدالله .
نویسندگان ایران رابه‌بینید .

راسل، جورج ویلیام .
شعرای خارجی را به‌بینید .

رسول زاده، محمد امین .
نویسندگان ایران را به‌بینید .

رشیدرضا، محمد .
(فوت ۱۳۵۴ ه ق)
محدث معروف مقیم مصر ونویسندهٔ مجلهٔ «المنار» وی‌اصلا ازمردم‌طرابلس شام بود ولی‌بعدهادرمصر متوطن گردید ومجلهٔ المنار را درسال **۱۳۱۵** ه ق. درآنجا تأسیس‌نمود .

رفاعه‌بی .
مؤسس روزنامهٔ **الوقایع المصریه**، نویسندگان خارجی را به‌بینید .

راهنما، زین‌العابدین .
(۱۲۷۲ ه ش)
نویسنده وادیب‌وروزنامه‌نگار(مدیر روزنامهٔ ایران) ، وسیاستمدار ایرانی است ، از آثار ایشان : زندگی حضرت رسول‌اکرم، حقوق دراسلام، ژاله(رومان اجتماعی)، زندگی‌حضرت امام‌حسین(ع).

ریشپن، ژان .
نویسندگان خارجی رابه‌بینید .

زالتن، فلیکس .
نویسندگان خارجی را به بینید .

زرکلی، خیرالدین .
(متولد ۱۸۹۳ م)
روزنامه نویس ونویسندهٔ دمشقی، **الاعلام** اثرمهم او است .

زرین‌کوب، دکترعبدالحسین .
(متولد ۱۳۰۱ ش)
نویسنده، مترجم وروزنامه نگار

(سردبیرمهرگان)، دارای آثاری بهشرح زیر میباشد :

ادبیات فرانسه در دورهٔ رنسانس (ترجمه)، ادبیات فرانسه درقرون وسطی (ترجمه)، خاقانی واندرونیکوس کومنهـ ئوس، دوقرن سکوت ، چگونگی پیروزی اسلام برایران، فلسفهٔ شعر (تاریخ شعرو شاعری)، فن شعر از ارسطو ، متافیزیك (ترجمه)، نقد ادبی .

ژیراردن، امیل‌دو Girardin, E.

(۱۸۰۶ــ۱۸۸۱ م)

روزنامه‌نویس وسیاستمدارفرانسوی است .

ستیل، سرریچارد.

نویسندگان خارجی را به‌بینید .

سلیمی، علی‌اکبر .

(۱۲۷۹ ه ش)

شاعری تهرانی وهمکارمطبوعات، که امتیاز روزنامهٔ اطلاعات را به دست آورد ودرسال ۱۳۰۴ آنرا به‌عباس مسعودی واگذارکرد، وبا ایجاد بنگاه مربی به نشروترجمه وتألیف کتب پرداخت. سلیمی مدتها سردبیری روزنامه‌های اتحاد ، و مدیریت شفق سرخ وآموزش وپرورش و مدیریت چندچاپخانه‌را داشته‌است. درسال ۱۳۳۰ **مهرجاوید** منتخب اشعارایشان منتشرشد .

سیلونه، اینیانسیو .

نویسندگان خارجی را به‌بینید .

شباب، محمد جوادکرمانشاهی .

شاعران ایرانی را به‌بینید .

شسترتون ، ژیبرت کیت .



Chesterton, G, K.

(۱۸۷۴ــ۱۹۳۶ م)

روزنامه نگار ونویسندهٔ انگلیسی .

شورش، امیرمختارکریم پور .

(متولد ۱۳۰۰ ه ش)

نویسنده و شاعر و روزنامه نگار (روزنامهٔ شورش) ازمردم شیراز، براثر مقالات تندی که منتشرمی‌کرد زندانی‌شد ودرآنجافوت کرد، نمونهٔ شعرش:

دلی‌که زانش عشقی نسوزدآن دل‌نیست
کسی‌که مکتب مجنون‌ندیده عاقل‌نیست

شهریاری، پرویز .

نویسندگان ومترجمین‌ایران را به‌بینید .

شیرازی، محمد علی .

نویسنده ومترجم پرکار و روزنامه ــ نگار (مجلهٔ ماه نو) ایرانی است ، چند ترجمه از ایشان :

آنــاکارنینا، اسکاراموش ، امین و مأمون، انتقام خون حسین یا دلدادگان عرب، انتقام شوهر، انقلاب عثمانی، بادهٔ بی‌خمار، بازگشت، ملکهٔ مرموز، جاسوسهٔ آلمان درایران، مردی کــه می‌خندد، و بسیاری دیگر .

صادقی، علی .

(۱۲۶۶ــ۱۳۳۴ ش)

روزنامه‌نگار (مدیر روزنامهٔ رسمی کشور) از مردم آذربایجان بود ، **کوی شهیدان یاسفرنامهٔ عتبات** ازآثارایشان است .

صالح شیرازی، میرزا .

نویسندگان ایران را به‌بینید .

صفایی، ابراهیم .

نویسندگان ایران را به‌بینید .

صور اسرافیل .

مشروطه خواهان را به‌بینید .

عبدالرحمن کواکبی .

(۱۲۶۵ــ۱۳۲۰ ه ق)

نویسنده‌وروزنامه نگــار مصری ، مؤسس روزنامهٔ **شهاب** ، صاحب کتابهایی چون: کتاب طبایع الاستبداد ، ام‌القری وغیره .

عصارآشفته، عمادالدین .

(۱۲۷۶ــ۱۳۳۵ ش)

نویسنده وروزنامه نگار (روزنامهٔ آشفته)، که‌آثار فراوانی دارد، ازجمله: والدهٔ آقامصطفی، محاکمهٔ تبهکاران‌جنگ آلمان، محاکمهٔ ارواح‌متفقین درآن‌دنیا، عدالت بشر (درام) ، راهنمای بایگان ، باشرفها، اندیشهٔ یك مغزپوك، اشتباهات خنده‌آور، اسرار حقه بازی .

غنی‌زاده، محمود سلماسی .

نویسندگان‌ایران را به‌بینید .

فرامرزی، عبدالرحمن .

(متولد ۱۳۱۵ ق)

نویسنده، مترجم وروزنامه نگــار (روزنامهٔ‌کیهان) ازمردم کجــور فارس است، حیات ادبی یــا مجموعهٔ مقــالات فرامرزی ، دستور زندگانی (ترجمه) ، داستان دوستان، سرگذشت یك‌بدبخت‌از آثار ایشان است .

فرخی یزدی، محمد .

شاعران ایران‌را به‌بینید .

فروزش کلاردشتی، زین‌العابدین.

(متولد ۱۲۷۶ ش)

نویسنده و روزنامه نگار (روزنامهٔ نجات ایران) ، صاحب آثاری چون : ارمغان جمهوری ازبکستان، یادگارسفر تاشکند، ماوسید ضیاءالدین .

فروغی، ابوالحسن .

نویسندگان ایران را به‌بینید .

فروغی، محمد حسین .

نویسندگان ایران را به‌بینید .

فیاضی، ابوالحسن .

درسال ۱۳۲۳ شمسی‌لیسانسیهٔ‌ادبیات ازدانشسرایعالــی تهران شد ، **روزنامهٔ آیینهٔ جنوب** را منتشر می‌کرد و چند کتاب درتعلیم انشاء و روانشناسی نوشته است .

کاتر، ویلا .

برندگان جوایزپولیتزر را به‌بینید (۱۹۲۳ م).

کار، آلفونس .

نویسندگان خارجی را به‌بینید .

کارل، آرمان Carrel , A.

(۱۸۰۰ــ۱۸۳۶ م)

نویسنده وروزنامه نگارفرانسوی ، مؤسس روزنامهٔ ناسیونال فرانسه بود .

کاسانیاك ، پل Cassagnac , P.

(۱۸۴۳ــ۱۹۰۴ م)

روزنامهٔ نگار وسیاستمدارفرانسوی

کاستیون Castillon, J.

(۱۷۱۸ــ۱۷۹۹ م)

نویسنده وروزنامه نگار فرانسوی. سردبیر روزنــامهٔ **ترەوو** (Trevaux) بود .

کاظم زادهٔ ایرانشهر، حسین .

نویسندگان ایرانی‌را به‌بینید .

کامو، آلبر .

نمایشنامه نویسها را به‌بینید .

کریم پورشیرازی ، امیرمختار .

شورش را به‌بینید .

کرین، استفان .

نویسندگان خارجی را به‌بینید .

کسل، ژوزف .

برندگان جوایزمختلف ادبی‌فرانسه را به‌بینید .

کمال، سپهبد دکترحسین .
(متولد ۱۲۷۹ ش)
نویسنده‌وروزنامه‌نگار(مدیرروزنامهٔ استقلال) وافسر ارتش ایران است **پندو لبخند و دروازه های ایران قفل است** ازآثار ایشان است .

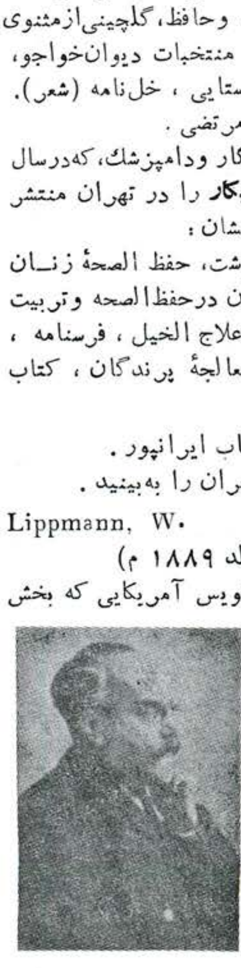
کمالی اصفهانی، حیدرعلی .
نویسندگان ایرانی‌را به‌بینید .

کوهی‌کرمانی، حسین .
(۱۲۷۶–۱۳۳۷ ش)
نویسنده، شاعر و روزنامه نگـار (مجلهٔ صبا)، ازآثار ایشان ، ازشهریور ۲۰ تا فاجعهٔ آذربایجان ، افسانه هـای روستایی ایران، برگی از تاریخ معاصر ایران یاغوغای جمهوری، پانزده افسانهٔ روستایی،تاریخ‌تریاك وتریاکی درایران، ترانه‌های ملی فهلویات (شعر) ، چهارده افسانه از افسانه‌های روستایی ایران، راهنمای اهل ذوق یا بهترین غزلهـای سعدی‌وحافظ،سوگواریهای ادبی‌درایران، شاهکارهای شعرفارسی‌از رودکی تابهار ، گلچینی‌ازسعدی وحافظ، گلچینی‌ازمثنوی، مزارات‌کرمان، منتخبات دیوان‌خواجو، هفتصدترانهٔ روستایی ، خل‌نامه (شعر).

گلسرخی دکترمرتضی .
روزنامه‌نگار ودامپزشك، که‌درسال ۱۳۳۴ **مجلهٔ پیکار** را در تهران منتشر کرد. ازآثار ایشان :
امتحان‌گوشت، حفظ الصحهٔ زنـان ودختران، سگان درحفظ‌الصحه وتربیت وطرز معالجه ، علاج الخیل ، فرسنامه ، علاج الطیر ، معالجهٔ پرندگان ، کتاب فلاحت .

گلشن، عبدالوهاب ایرانپور .
شاعران ایران را به‌بینید .

لیپمان، والتر Lippmann, W.
(متولد ۱۸۸۹ م)
روزنامه نویس آمریکایی که بخش



تفسیر سیاسی روزنـامـهٔ **نیویورك ــ هرالدتریبون** راادارەمی‌کندونشریات وکتابهـای فـراوانـی دارد .

مایل، یدالله .
شاعران ایران را به‌بینید .

مسعود، محمد .
نویسنده و روزنامه نگار ایرانـی پسریك کاروانسرا دار بود، و در اوایل جوانی ازقم به‌تهران‌آمد. دراثراستعداد فراوانی که در نویسندگی بروز داددر زمان‌رضاشاه‌پهلوی‌به‌بلژیك‌اعزام‌شدتارشتهٔ روزنامه نگاری راطی‌کند. مسعود پس‌از مراجعت به سال ۱۳۲۱ **روزنامهٔ «مرد امروز»** را انتشار داد واین روزنامه تا بهمن‌ماه۱۳۲۶ منتشرمی‌شد.ازآثاراوکه به‌صورت‌کتاب چاپ شده است : اشـرف مخلوقات، بهارعمر، تفریحات‌شب، درتلاش معاش و گلهایی که‌درجهنم‌می‌رویدمی‌باشد که‌هرکدام چندین بار به‌چاپ‌رسیده‌است.

مسعودی، جواد .
(۱۲۸۸ ش)
نویسنده وروزنامه نگار ایرانی ، (روزنـامهٔ ژورنال دو تهران) **سفرنامهٔ شاهنشاه به‌آمریکا** ازایشان‌به‌چاپ‌رسیده است .

مسعودی، عباس .
(متولد ۱۲۷۵ ش)
نویسنده و روزنامه نگار روزنامهٔ (اطلاعات)،می‌باشد،ازآثارایشان، اطلاعات دریك‌ربع‌قرن، بامن‌به‌آمریکابیایید، پشت پردهٔ آهنین چه دیدم، خاطرات مسافرت به چین .

مصاحب، دکترغلامحسین .
لغویها ونـویسندگان لغت‌نـامه و فرهنگ را به‌بینید .

میرسپاهی، اسدالله .
نویسنده و روزنامه نگـار (مدیر روزنامهٔ آرزو) معاصر ، من‌از زنـدان می‌آیم، زندانی موریس ازآثاراواست.

نجم‌آبادی، دکترمحمود .
(متولد ۱۲۸۲ ش)
طبیب ونویسندهٔ محقق و روزنامه‌ـ نگار(مجلهٔ‌جهان‌پزشکی) ازآثارایشان: ابوبکر محمدبن زکریای رازی ، اصول بهداشت ، اهوازی کیست ؟ بلای عظیم نسل بشر ، پندنامهٔ اهوازی یا آیین پزشکی، تاریخ‌بیمارستانها، تاریخ طب‌ایران، تعالیم‌پزشکی‌صدساله‌فرانسویان در ایران ، راهنمای پزشکان ، فهرست کتابهای چاپی فارسی‌طبی، مؤلفات و مصنفات رازی، مختصری ازطب‌اسلامی، نظری به عقاید وآثـار و مؤلفات طبی خواجه نصیر .

نظمی، ناصر .
نویسندگان‌ایرانی را به‌بینید .

هرسی، جان .
نویسندگان خارجی را به‌بینید .

همایونفرخ، دکتررکن‌الدین .
شاعران‌ایران رابه‌بینید.

برندگان جوایز پولیتزر

خبرگزاری عمومی

۱۹۱۷-هربرت‌بایارد،**سوپ** Swope.H.B
۱۹۱۸ ــ هارولد.ا. **لی‌تل‌تدال** Littledale H.A
۱۹۱۹ ــ جایزه داده‌نشده
۱۹۲۰ ــ جان ــ جی ــ **لیری** . Leary,Jr
۱۹۲۱ــ لوئیس**سی‌بولد** Seibold L.
۱۹۲۲ ــ کرك‌ال **سیمسون** . Simpson k. L
۱۹۲۳ــ آلوا **جانسون** Johnson A.
۱۹۲۴ ــ ماگنر**وایت** White M.
۱۹۲۵ـجمس.وـ**مولروی** Mulroy J . W
آلوین اچ ــ **گلدزیتن** Goldstein A.H .
۱۹۲۶ ــ ویلیام بروك **میللر** Miller W . B
۱۹۲۷ ــ جان‌ـتی ــ **روگرز** Rogers J. T .
۱۹۲۸ - جایزه داده نشده .
۱۹۲۹ ــ پل **آندرسون** Anderson. P.
۱۹۳۰ــرسل دی. **آون** Owen R.D
۱۹۳۱ آ ــ بی ــ **مك دونالد** Macdonald.A.B.
۱۹۳۲ ــ و ــ سی ــ **ریچاردز** Richards. W.C
دی ــ دی ــ **مارتین** Martin D. D.
جی‌ـاس‌ـ **پولر** Pooler J S.
اف‌ـدی ــ **وب** Webb F.D.
جی ــ ان ــ و ــ **اسلون** Sloon J. N. W
۱۹۳۴ ــ رویس **بریر** Brier R.
۱۹۳۵ــویلیام‌اچ**تیلور** Taylor W.H
۱۹۳۶ ــ لوزن ــ دی **لیمن** Lyman L . D.

۱۴۰۰

۱۹۳۷ـ جان ـ جی ـ انیل O'Nill J.J
ویلیام ـ لورنس .
Laurence W.
هوارد ـ و ـ بلکسلی
Blakeslee H . W
گوبیند بهاری ـ لعل Lal G.B
دیوید دیتز Dietz. D.
۱۹۳۸ـ ریموند اسپریگل Sprigle R.
۱۹۳۹ ـ توماس لانسفورد استوکس
Stokes T .L.
۱۹۴۰ـ اس ـ برتون هیث Heath S.B
۱۹۴۱ـ وست بروك ـ پگلر Pegler W.
۱۹۴۲ـ استانتون دیلاپلان .
Delaplan. S .
۱۹۴۳ ـ جورج ولر Weller G.
۱۹۴۴ ـ پل شونستین.
Schoenstein P .
۱۹۴۵ ـ جك ـ اس ـ مك داول
McDawell J.S .
۱۹۴۶ ـ ویلیام ـ لونارد ـ اورنس
Laurence W.L .
۱۹۴۷ ـ فردریك ـ ولتمن
Woltman F .
۱۹۴۸ ـ جورج ـ ئی ـ گودوین
Goodwin G.E
۱۹۴۹ ـ مالکم جانسون Johnson. M
۱۹۵۰ـ میر برگر Berger .M
۱۹۵۱ـ ادوارد ـ اس ـ مونتگمری
Montgomery E.S.
۱۹۵۲ ـ جورج دو ـ کاروالو
Carvalho G .de

خبرگزاری تلگرافی ملی

۱۹۴۲ ـ لوئیس ـ استارك Stark L.
۱۹۴۳ ـ جایزه‌ای داده نشده .
۱۹۴۴ ـ دوی ـ ال ـ فلمینگ
Fleming D.L
۱۹۴۵ـ جیمس ـ رستون Reston. J.
۱۹۴۶ ـ ادوارد ـ آ ـ هاریس
Harris E.A .
۱۹۴۷ ـ ادوارد ـ تی ـ فولیارد
Folliard E.T .

خبرگزاری تلگرافی بین‌المللی

۱۹۴۲ـ لورنس ـ ادموند ـ آلن
Allen L.E
۱۹۴۳ـ ایرا ـ ولفرت Wolfert I
۱۹۴۴ ـ ـ دانیل ـ دو ـ لوس
Luce D. D .

۱۹۴۵ ـ مارك ـ اس ـ واتسون
Watson M. S.
۱۹۴۶ ـ هومر بیگارت Bigart H.
۱۹۴۷ـ ادی ـ گیل‌مور Gilmore E

خبرگزاری ملی

۱۹۴۸ـ برت اندروز Andrews B.
۱۹۴۹ ـ سی ـ پی ـ تروسل
Trussell C . P.
۱۹۵۰ـ ادوین ـ ا ـ گوتمن
Guthman E. O .
۱۹۵۱ـ برای اولین بار شورای داوری مسابقه به مناسبت مصاحبهٔ ویژه‌ای که آقای آرتور کراك خبرنگار روزنامهٔ نیویورك تایمز با رییس جمهور وقت ترومن انجام داد جایزه به او تعلق گرفت .
۱۹۵۲ ـ آنتونی ـ لویرو .
Leviero A .
۱۹۵۳ ـ دان ـ وایت‌هد
Whitehead D .
۱۹۵۴ـ ریچارد ویلسون. Wilson R
۱۹۵۵ـ آنتونی لویز Lewis. A.
۱۹۵۶ـ چارلز ـ ال ـ بارتلت
Bartlett. C.L
۱۹۵۷ـ جیمس ـ رستون Reston. J
۱۹۵۸ـ رلمن مورین Morin. R
۱۹۵۹ ـ هوارد ـ وان ـ اسمیث
Smith H.V.
۱۹۶۰ـ وانس ـ تریمبل Trimble V.
۱۹۶۱ـ ادوارد ـ ار ـ کنی Cony E.R
۱۹۶۲ ـ ناتان ـ گ ـ کالدول
Caldwell N. G.
جین ـ اس ـ گراهام
Graham G.S.
۱۹۶۳ ـ آنتونی لویز Lewis .A.
۱۹۶۴ـ مریامن ـ اسمیث Smith M.
۱۹۶۵ ـ لوییس ـ ام ـ کل‌میر
Kohlmeier L .M
۱۹۶۶ـ هاینس جانسون Johnson H.
۱۹۶۷ ـ مونرو ـ و ـ کرمین
Karmin M . W
استانلی و ـ پن Penn S.W

خبرگزاری محلی

۱۹۵۳ ـ ادوارد ـ جی ـ موری
Mowery E.J .
۱۹۵۴ـ الوین ـ مك کوی Mccoy .A.
۱۹۵۵ ـ رولند ـ کی ـ توری
Towery R.K .
۱۹۵۶ ـ آرتور ـ دالی Daley A.

۱۹۵۷ـ والانس ـ تورنر و ویلیام لامبرت
Turner W.and Lambert W.
۱۹۵۸ ـ جورج ـ بوریج
Beveridge G .
۱۹۵۹ ـ جان ـ هارولد ـ بریسلین
Brislin J. H.
۱۹۶۰ ـ میریان ـ اوتن برگ
Ottenberg M.
۱۹۶۱ ـ ادگار ـ می May E.
۱۹۶۲ ـ جورج ـ بلیس Bliss G.
۱۹۶۳ـ اسکار ـ انیل گریفین
Griffin,jr O. O .
۱۹۶۴ـ جمز ـ و ـ مگی Magee J V.
آلبرت ـ و گودیوزی
Gaudiosi A.V.
فردریك ـ آ ـ میر Meyer F. A
۱۹۶۵ ـ جین ـ گولتز Goltz G.
۱۹۶۶ ـ جان ـ ا ـ فراسکا
Frasca J . A .
۱۹۶۷ـ جین ـ میللر Miller G.

خبرنگاری عمومی

۱۹۲۹ـ پل اسکات مورر Mowrer P.S
۱۹۳۰ ـ لیلاند استو Stowe L .
۱۹۳۱ـ اچ ـ ار ـ نیکربوکر
Knickerbocker H.R.
۱۹۳۲ ـ والتر ـ دورانتی
Duranty W.
۱۹۳۳ ـ ادگار انسل ـ مورر
Mourer E.A .
۱۹۳۴ـ فردریك ـ تی ـ بیرشال
Birchall F.T
۱۹۳۵ ـ آتور ـ کروك Krock A.
۱۹۳۶ ـ ویلفرد ـ سی ـ باربر
Barber W.C.
۱۹۳۷ ـ آن ـ اهار ـ مك کرمیك
McCormick A.O.
۱۹۳۸ ـ آرتور کروك. Krock A
۱۹۳۹ـ لوئیس ـ پی ـ لوچنر
Lochner L.P.
۱۹۴۰ ـ اتو ـ دی ـ تولیس چس
Tolischus O. D
۱۹۴۱ـ دراین سال با تصویب هیئت امنا مدال مخصوص پولیتزر نیز برای خبرنگارانی که گزارشهای خود را از نقاط مختلف دنیا مربوط به جنگ جهانی دوم تهیه می‌کردند، داده شد .
۱۹۴۲ ـ کارلز ـ پی ـ روملو
Romulo C.P.

۱۹۴۳ ـ هنسون ـ و ـ بالدوین
Baldwin H.W.
۱۹۴۴ ـ ارنست ـ تیلور ـ پیل
Pyle E.T.
۱۹۴۵ ـ هارولد ـ و ـ بویل
Boyle H.V.
۱۹۴۶ ـ آرنالدو ـ کورتسی
Cortesi A.
۱۹۴۷ ـ بروکس ـ اتکینسن
Atkinson B.

خبرنگاری محلی

۱۹۵۳ ـ ادیتورال ـ استاف Staff E.
۱۹۵۴ ـ دوشیزه ویکس بورگ
Miss Vicksburg
۱۹۵۵ ـ خانم کارو براون.
Mrs. Brown C.
۱۹۵۶ ـ لی ـ هیلز Hills L.
۱۹۵۷ ـ سالت ـ لیك Lake S.
۱۹۵۸ ـ فارگو (ان ـ دی)
Fargo (N.D.)
۱۹۵۹ ـ مری ـ لو ـ ورنر
Werner M L.
۱۹۶۰ ـ جك ـ نلسون Nelson J.
۱۹۶۱ ـ سانچ ـ دو ـ گرامونت
Gramont S. D.
۱۹۶۲ ـ رابرت ـ دی ـ مولینز
Mullins R. D.
۱۹۶۳ ـ سیلوان فوکس ـ آنتونی شانن ـ ویلیام لانگ گود.
Fox S, Shannon A., Longgood W.
۱۹۶۴ ـ نرمن ـ سی ـ میللر
Miller N. C.
۱۹۶۵ ـ ملوین ـ اچ ـ رودر
Ruder M. H.
۱۹۶۶ ـ استاف ـ لوس ـ آنجلز
Angeles S. L
۱۹۶۷ ـ رابرت ـ و ـ کوکس
Cox R. V.

خبرنگاری بین‌المللی

۱۹۵۱ ـ کیس ـ بیچ Beech K.
هومر ـ بیگارت Bigart H
مارگریت ـ هیگینز
Higgins M.
رلمن ـ مورین Morin R.
فرد ـ اسپارکس Sparks F.
دان ـ وایت هد
Whitehaed D.
۱۹۵۲ ـ جان ـ ام ـ های‌توور
Hightower J. M.
۱۹۵۳ ـ استین ـ وروین
Wehrwein A.
۱۹۵۴ ـ جین ـ جی ـ لوکاس
Lucas J. G.
۱۹۵۵ ـ هاریسون ـ یی ـ سالیسبوری
Salisbury H.E.
۱۹۵۶ ـ ویلیام راندلف ـ هرست، کینز بری اسمیث، فرانك کونیف
Hearst Jr W. R. و Smith K. و Connif F.
۱۹۵۷ ـ راسل ـ جونس Jones R.
۱۹۵۸ ـ نیویورك تایمز
The New York Times.
۱۹۵۹ ـ جوزف مارتین وفیلیپ سانتورا
Martin J. و Santora P.
۱۹۶۰ ـ آ ـ ام ـ روزنتال
Rosenthal A. M.
۱۹۶۱ ـ لین ـ هینزرلینگ
Heinzerling L.
۱۹۶۲ ـ والتر ـ لیپمن Lippmann W.
۱۹۶۳ ـ هال ـ هندریکس
Hendrix H.
۱۹۶۴ ـ مالکم ـ و ـ براون
Browne M. W.
۱۹۶۵ ـ جی ـ آ ـ لیونیگزتن
Livingston J. A.
۱۹۶۶ ـ پتر ـ آرنت Arnett. p
۱۹۶۷ ـ ار ـ جان ـ هاگس
Hughes R.J.

سرمقاله نویسی

۱۹۱۷ ـ نیویورك تریبون
New York Tribune.
۱۹۱۸ ـ (کی ـ وای) لوییس‌ویل
Louisville (K Y.)
۱۹۱۹ ـ جایزه اعطا نشد.
۱۹۲۰ ـ هاروی ـ یی ـ نیوبرنچ
Newbranch H. E.
۱۹۲۱ ـ جایزه اعطا نشد.
۱۹۲۲ ـ فرانك ـ ام ـ ابرین
O' Brien F. M.
۱۹۲۳ ـ ویلیام ـ آلن ـ وایت
White W. A.
۱۹۲۴ ـ فرانك ـ آی ـ کوب، ازطرف نشریهٔ بوستون وابسته به هرالدتریبون
Cobb F. I.
۱۹۲۵ ـ (اس ـ سی) چارلستون ازطرف نشریهٔ نیوز و کوریر
Charleston (S. C.) News and Courier
۱۹۲۶ ـ ادوارد ـ ام ـ کینگزبوری از طرف نشریهٔ نیویورك تایمز
Kingsbury E.M.
۱۹۲۷ ـ اف ـ ال ـ بولارد ازطرف نشریهٔ بوستون وابسته به هرالدتریبون.
Bullard F. L.
۱۹۲۸ ـ گراور ـ کلیولند ـ هال
Hall G. C.
۱۹۲۹ ـ لوییس ـ آی ـ جف
Jaffe L. I.
۱۹۳۰ ـ جایزه اعطا نشد.
۱۹۳۱ ـ چارلز ـ اس ـ ریکمن
Ryckman C. S.
۱۹۳۲ ـ جایزه اعطا نشد.
۱۹۳۳ ـ به نشریهٔ کانزاس سیتی
Kansas City.
۱۹۳۴ ـ یی ـ پی ـ چیس
Chase E. P.
۱۹۳۵ ـ جایزه اعطا نشد.
۱۹۳۶ ـ جورج ـ بی ـ پارکر
Parker G. B.
۱۹۳۷ ـ جان ـ و ـ اونز Owens J.W.
۱۹۳۸ ـ و ـ و ـ ویماك
Waymack W. W.
۱۹۳۹ ـ رونالد ـ جی ـ گال ورت
Gallvert R. G.
۱۹۴۰ ـ بارت ـ هوارد Howard B.
۱۹۴۱ ـ روبن ـ موری Maury R.
۱۹۴۲ ـ جوفری ـ پارسونز
Parsons G.
۱۹۴۳ ـ فارست ـ و ـ سیمور
Seymour F. W.
۱۹۴۴ ـ هنری ـ جی ـ هاسکل
Haskell H. J.
۱۹۴۵ ـ جورج ـ و ـ پوتر
Potter G. W.

۱۹۴۶ ـ هودینگ ـ کارتر
Carter H.
۱۹۴۷ ـ ویلیام ـ اچ ـ گریمز
Grimes W. H.
۱۹۴۸ ـ ویرجینس ـ دابنی
Dabney V.
۱۹۴۹ ـ جان ـ اچ ـ کرایدر
Crider J. H.
۱۹۵۰ ـ کارل ـ ام ـ ساندرز
Saunders C. M.
۱۹۵۱ ـ ویلیام ـ هاری ـ فیتزپاتریك
Fitzpatrick W. H.
۱۹۵۲ ـ لوییس ـ لاکوس
Lacoss L.
۱۹۵۳ ـ ورمونت ـ سی ـ رویستر
Royster V.C.
۱۹۵۴ ـ دان ـ موری Murray D.
۱۹۵۵ ـ رویس ـ هووز Howes R.
۱۹۵۶ ـ لورن ـ کی ـ سوث
Soth L. K.
۱۹۵۷ ـ بوفورد ـ بون Boone B.
۱۹۵۸ ـ هاری ـ اس ـ آشمور
Ashmore H.S.
۱۹۵۹ ـ رالف ـ مك‌گیل McGill R.
۱۹۶۰ ـ لنویر ـ چمبرز
Chambers L.
۱۹۶۱ ـ ویلیام ـ جی ـ درویللر
Dorvillier W.J.
۱۹۶۲ ـ توماس ـ ام ـ استورك
Stork T. M.
۱۹۶۳ ـ ایرا ـ بی ـ هارکی
Harkey I. B.
۱۹۶۴ ـ هازل ـ برانون ـ اسمیث
Smith H.B.
۱۹۶۵ ـ جان ـ ار ـ هاریسون
Harrison J.R
۱۹۶۶ ـ روبرت ـ لاچ Lagh R.
۱۹۶۷ ـ اوگن ـ سی ـ پاترسون
Patterson E. C.

کارتون

۱۹۲۲ ـ رولین ـ کیربی Kirby R.
۱۹۲۳ ـ جایزه اعطا نشد.
۱۹۲۴ ـ جی ـ نوروود ـ دارلینگ
Darling J.N.
۱۹۲۵ ـ رولین ـ کیربی Kirby R.
۱۹۲۶ ـ دی ـ ار ـ فیتزپاتریك
Fitzpatrick D. R.
۱۹۲۷ ـ نلسون ـ هاردینگ
Harding N.
۱۹۲۸ ـ نلسون ـ هاردینگ
Harding N.
۱۹۲۹ ـ رولین ـ کیربی Kirby R.
۱۹۳۰ ـ چارلز ـ ار ـ ماکولی
Macauley C. R.
۱۹۳۱ ـ ادموند ـ دافی Duffy E.
۱۹۳۲ ـ جان ـ تی ـ مك‌کوچن
Mc Cutcheon J.T.
۱۹۳۳ ـ هارولد ـ مورتون ـ تالبرت
Talburt H. M.
۱۹۳۴ ـ ادموند ـ دافی Duffy E.
۱۹۳۵ ـ روس ـ آ ـ لویز Lewis R.A.
۱۹۳۶ ـ جایزه اعطا نشد.
۱۹۳۷ ـ کلارنس ـ دانیل ـ بچلر
Batchelor C. D
۱۹۳۸ ـ وان ـ شومی‌کر
Shoemaker V.
۱۹۳۹ ـ چارلز ـ جی ـ ورنر
Werner D. G.
۱۹۴۰ ـ ادموند ـ دافی Duffy E.
۱۹۴۱ ـ جاکوب ـ برك Burck J.
۱۹۴۲ ـ هربرت ـ ال ـ بلوك
Block H. L.
۱۹۴۳ ـ جی ـ نوروود ـ دارلینگ
Darling J. N.
۱۹۴۴ ـ کلیفورد ـ کی ـ بری‌من
Berryman C. K
۱۹۴۵ ـ ویلیام (بیل) مولدین
Mauldin W. B
۱۹۴۶ ـ بروس ـ الکساندر ـ راسل
Russell B.A.
۱۹۴۷ ـ وان ـ شومی‌کر
Shoemaker V.
۱۹۴۸ ـ روبن ـ ال ـ گلدبرگ
Goldberg.
۱۹۴۹ ـ لیوت ـ پیز Pease L.
۱۹۵۰ ـ جیمس ـ تی ـ بریمن
Berryman J. T.
۱۹۵۱ ـ رگینالد ـ و ـ منینگ
Manning R. W.
۱۹۵۲ ـ فرد ـ ال ـ پکر
Packer F. L.
۱۹۵۳ ـ ادوارد ـ دی ـ کوکس
Kuekes E. D.
۱۹۵۴ ـ هربرت ـ ال ـ بلوك
Block H. L.
۱۹۵۵ ـ دانیل ـ ار ـ فیتزپاتریك
FitzPatrick D. R.
۱۹۵۶ ـ روبرت ـ یورك York R.
۱۹۵۷ ـ تام ـ لیتل Little T.
۱۹۵۸ ـ بروس ـ ام ـ شانکس
Shanks B. M.
۱۹۵۹ ـ ویلیام ـ مولدین
Mauldin W.
۱۹۶۰ ـ جایزه اعطا نشد.
۱۹۶۱ ـ کری ـ ار Orr C.
۱۹۶۲ ـ ادموند ـ اس ـ والتمن
Valtman E. S.
۱۹۶۳ ـ فرانك ـ میللر Miller F.
۱۹۶۴ ـ پل ـ کنراد Conrad P.
۱۹۶۵ ـ جایزه اعطا نشد.
۱۹۶۶ ـ دان ـ ریت Wright D.
۱۹۶۷ ـ پاتریك ـ بی ـ الیفنت
Oliphant P. B.

عکسهای خبری

۱۹۴۲ ـ میلتن ـ بروکس
Brooks M.
۱۹۴۳ ـ فرانك ـ نوئل Noel F.
۱۹۴۴ ـ فرانك ـ فیلان و ارل ـ ال ـ بنکر
Filan F. و Bunker E.L.
۱۹۴۵ ـ جو ـ روزنتال
Rosenthal J.
۱۹۴۶ ـ جایزه اعطا نشد.
۱۹۴۷ ـ آرنولد ـ هاردی
Hardy A.
۱۹۴۸ ـ فرانك ـ کوشینگ
Cushing F.
۱۹۴۹ ـ ناتانیل ـ فین Fein N.
۱۹۵۰ ـ بیل ـ کروش Crouch B.
۱۹۵۱ ـ ماکس ـ دسفور Desfor M.
۱۹۵۲ ـ جان ـ روبینسون و دان ـ یولتانگ.
Robinson J. و Ultang D.
۱۹۵۳ ـ ویلیام ـ ام ـ گالاگر
Gallagher W. M.

۱۹۵۴ – خانم والتر – ام – **شاو**
Mrs. Schau W.M.

۱۹۵۵ – جان – ال – **گانت**
Gaunt, Jr. J. L.

۱۹۵۶ – نشریهٔ – نیویورک‌دیلی‌نیوز
New York Daily News.

۱۹۵۷ – هاری – ا – **ترسک**
Trask H. A.

۱۹۵۸ – ویلیام – سی – **بیل**
Beal W. C.

۱۹۵۹ – ویلیام – **سی‌من**
Seaman W.

۱۹۶۰ – آندرو – **لوپز** Lopez A.

۱۹۶۱ –یاساشی– **ناگو** Nagao-Y.

۱۹۶۲ – پل – **واتیس** Vathis P.

۱۹۶۳ – هکتور– **راندن**
Rondon H.

۱۹۶۴ – روبرت – اچ – **جکسون**
Jackson R. H.

۱۹۶۵ – هورست – **فاس** Faas H.

۱۹۶۶ – کیوچی – **ساوادا**
Sawada. K.

۱۹۶۷ – جك – ار – **تورنل**
Thornell J. R.

مخصوص روزنامه‌نگاری

۱۹۳۸ – نشریهٔ ادمونتون جورنال

۱۹۴۱ – نشریهٔ نیویورك تایمز.

۱۹۴۴ – ویلیام الـن وایت ، بایرون پرایس .

۱۹۵۱– سایروس – ال – سولزبرگر

۱۹۵۲ – نشریهٔ کانزاس سیتی استـار ، ماکس کیس.

تاریخ روزنامه‌نگاری

۱۹۱۸ –مینا–**لوینسون**وهاری‌بیتل–**هوف** برای تاریخ خدمات‌انجام‌شدهٔ خودبرای مردم به‌وسیلهٔ مطبوعـات آمریکا در سال ۱۹۱۷ . این جایزه درسال۱۹۱۸ به‌آنها اعطا شد .

خدمات عام‌المنفعه

۱۹۱۷ – جایزه داده نشد .

۱۹۱۸ – نشریهٔ نیویورك تایمز
The New York Times.

۱۹۱۹ – نشریهٔ میل واك جورنال
Milwaukee (wis) Journal.

۱۹۲۰ – جایزه داده نشد

۱۹۲۱ – به‌نشریهٔ بوستون وابسته به‌پست .

۱۹۲۲– نشریهٔ نیویورك ورلد
New York World.

۱۹۲۳ – ممفیس کمرشل اپیل
Memphis (Tenn) Commercial Appeal.

۱۹۲۴ – به نشریهٔ نیویورك ورلد
New York World

۱۹۲۵ – جایزه داده نشد .

۱۹۲۶ – انکوار رسان –کلمبوس،گا
Enquirer–sun، Columbus Ga

۱۹۲۷– نشریهٔ کانتون(اوهایو) دیلی–نیوز
Canton(Ohio)Daily News

۱۹۲۸ – نشریهٔ ایندیاناپلیس تایمز
Indianapolis (Ind) Times

۱۹۲۹– نشریهٔ ایوینینگ‌ورلد، نیویورك
Evening world,New York

۱۹۳۰– جایزه اعطا نشد .

۱۹۳۱ – نشریهٔ آتلانتاکونستیتیوشن
Atlanta (Ga) Constitution

۱۹۳۲–نشریهٔ ایندیاناپلیس نیوز
Indianapolis (Ind) News .

۱۹۳۳ –نشریهٔ نیویورك‌ورلد – تلگرام
NewYorkWorld–Telegram.

۱۹۳۴ – نشریهٔ مدفورد–میل‌تریبون
Medford (Ore)Mail Tribune.

۱۹۳۵ – نشریهٔ ساکرامنتوبی
Sacramento (Calif) Bee.

۱۹۳۶ – نشریهٔ سدار راپیدزگازت
Cedar Rapids(Iowa)Gazette.

۱۹۳۷ – سینت – لویس‌پست دیسپاچ
St Louis(Mo)post–Dispatch.

۱۹۳۸ – بیسمارك‌تریبون
Bismarck(N.D) Tribune.

۱۹۳۹ – نشریهٔ دیلی‌نیوز میامی
Miami (Fla) Daily News.

۱۹۴۰ – واتربوری– ریپابلیکن–اند آمریکن
Waterbury Republican and American

۱۹۴۱– سینت–لویس– پست–دیسپاچ
St.Louis (Mo) post Dispatch.

۱۹۴۲–نشریهٔ لوس آنجلس– تایمز
Los Angeles (Calif) Times .

۱۹۴۳ – ورلدهرالد ، اوماهانبر
World – Herald,Omaha–Nebr

۱۹۴۴ – نیویورك تایمز
The New York Times .

۱۹۴۵ – دترویت – فری –پرس
Detroit (Mich) Free Press.

۱۹۴۶ – اسکرانتون – تایمز
Scranton (Penn) Times .

۱۹۴۷ – بالتیمورسان
Baltimore Sun.

۱۹۴۸– سینت– لویس–پست–دیسپاچ
St.Louis(Mo)Post–Dispatch.

۱۹۴۹ – نبراسکا – استیت– جورنال
Nebraska State Journal .

۱۹۵۰ – شیکاگو – دیلی نیوز
Chicago (Ill) Daily News .

۱۹۵۱ – میامی هرالد
Miami (Fla) Herald .

۱۹۵۲ –سینت–لویس–پست– دیسپاچ
St. Louis(Mo)post Dispatch.

۱۹۵۳ –نیوز–ری‌پورتر – وایت‌ویل–تابورسیتی تریبون
News Reporter،Whiteville, N.C Tabor City(N.C.)–Teribuue

۱۹۵۴ – نیوز – دی –گاردن‌سیتی
Newsday Garden City N.Y.

۱۹۵۵ –کلمبوس –لدگر–اند–سان‌دی–لدگر–ان‌کوارر
Columbus (Ga) Ledger and Sunday Ledger Enquirer .

۱۹۵۶ – واتسونویل – رجیستر – پاجارونیین
Watsonville (Calif)– Register Pajaronian .

۱۹۵۷ – شیکاگو – دیلی –نیوز
Chicago (Ill) Daily News .

۱۹۵۸ – آرکانزاس –گازت–لیتل‌راك
Arkansas Gazette Little–Rock ،Ark.

۱۹۵۹ – یوتیکا – ابزرور–دیسپاچ–

۱۴۰۴
یوتیکا ــ دیلی پرس
Utica (N.Y.) observer-
Dispatch . Utica(N.Y.)-
Daily Press .

۱۹۶۰ ــ لوس آنجلس ــ تایمز
LosAngeles (Calif) Times.

۱۹۶۱ ــ آماریلو ــ گلاب تایمز
Amarillo (Texas) Globe – Times

۱۹۶۲ــ پاناما سیتی ــ نیوزهرالد
Panama City (Fla) News-Herald

۱۹۶۳ ــ شیکاگو دیلی نیوز.
Chicago (Ill) Daily News

۱۹۶۴ ــ سینت ــ پترزبوری ــ تایمز
St .Petersbury(Fla)Times .

۱۹۶۵ ــ هشین سون نیوز
Hutchinson (kans) News .

۱۹۶۶ ــ بوستون ــ گلوب
Boston(Mass) Clobe .

۱۹۶۷ ــ لوییزویل ــ کوریر ــ جورنال میل واکی جورنال
Louisville (Ky.) Courier Journal Milwaukee(Wis). Journal

جایزه‌های مخصوص

۱۹۴۴ ــ او کلاهما ــ ازریچارد **رودگرز** و اسکار **همرزتین** .
Rodgers R. and Hammerstein II.

۱۹۵۷ ــ کنت روبرتز . Robertsk

۱۹۶۰ ــ گات ماتینگلی
Mattingly G .

۱۹۶۱ ــ کتاب (میراث تاریخی تصاویر آمریکایی ازجنگ امروزی) .

استادان و معلمین دانشگاه

استخری ، دکتر احسان الله . استادیار ادبیات فارسی دانشسرایعالی .

استعلامی ، محمد . معلم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات.

افشار شیرازی، احمد. دبیرادبیات فارسی دانشسرایعالی .

بصاری، خانم دکتر طلعت. دبیرادبیات فارسی دانشسرایعالی .

بیانی ، دکترمهدی . استادگروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات .

پورداود، ابراهیم . استاد متوفی دانشکدهٔ ادبیات .

تویسرکانی، دکتر قاسم . استاد ادبیات فارسی دانشسرایعالی .

حاکمی، دکتر اسماعیل . معلم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات.

حقدان ، رحمت . دبیر ادبیات فارسی دانشسرایعالی .

حقوقی ، دکتر عسکر . دانشیار گروه زبان وادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات .

حکمت، علی اصغر . استادممتازدانشکدهٔ ادبیات .

حمیدی ، دکتر مهدی . دانشیار فارسی دانشکدهٔ معقول ومنقول .

خسروشاهی، دکتر رضا . دبیر ادبیات فارسی دانشسرایعالی.

خطیب رهبر، دکتر سیدخلیل. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات .

خطیبی نوری، دکترحسین. استادگروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات.

رضازادهٔ شفق ، دکتر صادق. استاد ممتاز دانشکدهٔ ادبیات .

رعدی آذرخشی ، دکترغلامعلی . معلم گروه زبان وادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات.

سادات ناصری، سید حسن . معلم گروه زبان وادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات.

سجادی. دکتر ضیاءالدین . معلم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات.

سیاسی ، دکترعلی اکبر . استاد ممتاز دانشکدهٔ ادبیات .

شاه‌حسینی ، دکتر ناصرالدین. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات .

شهیدی ، دکتر سید جعفر. دبیرگروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات.

صفا ،دکتر ذبیح‌الله استادتاریخ ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات .

فروزانفر ، بدیع‌الزمان . استاد سبک‌شناسی دورهٔ دکتری ، تاریخ ادبیات فارسی و تحقیق درادبیات ومتون فارسی دانشکدهٔ ادبیات .

فلسفی، نصرالله. استاد بازنشستهٔ دانشکدهٔ ادبیات .

قریب ، دکتر یحیی . دبیرادبیات فارسی دانشسرایعالی .

قریب، عبدالعظیم . استادمتوفی قرائت فارسی، آئین نگارش و تحقیق دردستور فارسی دانشکدهٔ ادبیات .

کیا (خانلری)، خانم دکتر زهرا. استاد بازنشستهٔ دانشکدهٔ ادبیات.

کیهان، مسعود. استاد بازنشستهٔ دانشکدهٔ ادبیات .

گوهرین ، دکتر سید صادق . استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات .

محجوب ، دکتر محمد جعفر . دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات .

محقق، دکتر مهدی. دانشیار گروه‌زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات.

مدرس رضوی، محمدتقی . استادفارسی ومنطق دانشکدهٔ معقول ومنقول.

معین ، دکتر محمد . استادگروه‌زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات.

مقربی ، دکترمصطفی . معلم‌گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات.

موسوی بهبهانی ، سید علی . معلم گروه زبان و ادبیات‌فارسی دانشکدهٔ ادبیات .

مینوچهر ، دکتر حسن . قایم‌مقام مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی و استاد دانشکدهٔ ادبیات .

ناتل خانلری، دکتر پرویز . استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات .

ناظر زادهٔ کرمانی ، دکتر احمد. استاد فارسی دانشکدهٔ معقول ومنقول .

نوابی ، دکتر ماهیار . معلم‌گروه‌زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات .

نیرسینا ، دکتر هدایت‌الله. معلم‌گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات.

نیساری ، دکتر سلیم . استاد ادبیات فارسی دانشسرایعالی.

وزیری، علینقی. استادمتوفی دانشکدهٔ ادبیات .

همایی ، جلال‌الدین . استادگروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات.

آموزش و پرورش

آموزش وپرورش در گذشتهٔ دور (ایران)

تعلیم و تربیت از هفت سالگی شروع می‌شد و چندین سال ادامه داشت. ایرانیان مانند اسپارتها در تربیت اطفال خیلی سخت‌گیر بودند و آنها را تحت دیسیپلین سخت قرار می‌دادند. مربی «دانشمند» خوانده می‌شد که هم تعلیمات دینی می‌داد و هم راه و رسم زندگی می‌آموخت. برای این‌که معلوم‌کنیم تا چه‌اندازه‌ایرانیان قدیم‌به‌تربیت‌دختران اهمیت می‌دادند‌کافی‌است این حقیقت را یادآور شویم‌که چیستا (فرشتهٔ دانش) مؤنث بود! در نظر ایرانیان دانش دو نوع بود: ذاتی و اکتسابی ومربیان در حین تربیت‌به‌هردونوع‌دانش‌توجه‌داشتند مراحلی‌که ایرانیان برای تربیت قائل شده بودند ذیلا از نظر خوانندگان می‌گذرانیم. در این باره **دکتر بیژن** چنین می‌نویسد: «دورهٔ تربیتی اطفال ایرانی را **گزنفون** تا ۱۶ سالگی و **هرودوت** تا سن بیست **واسترابون** تا سن ۲۴ گفته‌اند و بنابر اظهارافلاطون، اشراف ایرانی در سن ۱۴، طفل‌را برای تربیت عالی‌تر به سرپرستان ومربیان خاص می‌سپردند». «بنابراین مراحل تربیتی را می‌توان سه‌قسمت کرد: اول ازیك‌تا۵ یا۷ سالگی، دوم‌از۷ تا۱۵ یا ۱۶ سالگی، سوم از۱۶ تا ۲۰ یا۲۴ سالگی» «درمرحلهٔ‌اول، تربیت طفل به‌عهدهٔ مادر بود وتا سن ۵، به‌قول استرابون وتاسن ۷ به‌قول **ماکسیموس** اوراپیش پدرنمی‌بردند. درتربیت‌مرحلهٔ‌اول اطفال‌اشراف علاوه بر زنان، خواجه سرایان‌هم‌دخالت داشتند وغالباً ایرانیان اطفال‌خود را برای تربیت به خانواده‌های دیگر می‌سپردند وشاهنامهٔ‌فردوسی‌نیزمؤیداین فکراست. دراین‌مرحله مراسم مذهبی و آداب اولیه و سنن‌قومی به طفل‌آموخته می‌شد». «مرحلهٔ دوم بین۷ تا۱۶ بود و تعلیمات‌طفل دراین دوره متوجه تربیت شخصیت او بود وبدن وعقل وروح اورا توأماً تربیت می‌کردند، هدف‌ایشان‌تربیت روح جوانمردی وقهرمانی بود. قسمت اعظم تعلیمات در هوای آزاد صورت می‌گرفت و تعلیمات‌عملی عبارت بود از راه پیمایی و ورزش و اسب سواری و تیراندازی وزوبین‌زدن وشنا و فلاخن وپرش ونیزه پرانی وبعضی ازورزشهای دیگر و تحمل سرما و گرماوکم‌خوراکی وشکاروبازی‌گوی‌وچوگان، تعلیمات‌نظری نیز در این دوره‌وجود داشت». «مرحلهٔ سوم از سن ۱۶ تا ۲۰ یا ۲۴ بود و افسران رسمی‌ارتش ومردمان مجرب در امورکشوری در این‌دوره‌تربیت می‌شدند و با اسلحهٔ رسمی جنگی تعلیم‌می‌یافتند و انواع ورزشها را در این دوره‌داشتند و تیراندازی‌وشکار واسب‌سواری وپرش از اسب درحال تاخت وتمرین جنگ و راه پیمایی وعبوراز رودها به طوری‌که خود را ترنکرده حفظ نمایند به‌آنها یادداده‌می‌شد. درموقع غیرشکارصبحها، ورزشها وعملیاتی مانند زوبین پرانی و تیراندازی و بعدازظهرها ساختن‌ادوات شکار وفلاحت وکشت وکار وحفر و درختکاری و امثال اینها را می‌آموختند و تربیت راباریاضت وتحمل‌سرماوگرما وگرسنگی توأم می‌کردند». «بنابرآنچه که هرودوت‌گفته است مراحل تربیتی‌به چهار می‌رسد. بدین‌ترتیب: مرحلهٔ‌اول از ۱ تا ۵، دوم از۵ تا۷، سوم‌از ۷ تا ۱۵، چهارم از۱۵ تا۲۴ ودراین‌مرحلهٔ اخیر تربیت‌دماغی وخواندن وآموختن کردارهای قهرمانی معمول بود.»

اطلاعی از آغاز فرهنگ نودر ایران

نام مدرسه	شهر	تاریخ	مؤسس	ملیت مؤسس	نوع مدرسه
اولین مدرسهٔ جدیددرایران	رضاییه	۱۲۵۴	پرکینز Perkins	آمریکایی	مذهبی
دومین « » »	تبریز	۱۲۵۵	اوژن بوره Eugène Buré	فرانسوی	مذهبی
دارالفنون	تهران	۱۲۶۷	امیرکبیر(میرزا تقی‌خان)	ایرانی	علمی
سیاسی	تهران	۱۲۷۵	میرزانصرالله‌خان مشیرالدوله	ایرانی	تربیت‌مأموران‌دولتی
دارالفنون	تبریز	۱۲۷۵	محمد صادق‌خان‌قاجار	ایرانی	علمی
دارالمعلمین عالی	تهران	۱۲۹۷	میرزااحمدخان‌بدر(نصیرالدوله)	ایرانی	تربیت دبیر
دانشگاه تهران	تهران	۱۳۱۳ هش	رضاشاه‌کبیر	ایرانی	کانون‌علمی‌وادبی،هنری‌وتحقیقاتی

آکادمیا، (اکادمیا) Akadémie. قطعه‌زمینی نزدیك آتن(یونان)که اصلا متعلق به‌پهلوانی به‌نام **آکادموس** بودکه بعداً باغی درآن تشکیل شد و **کیمون** آن را بادرختان چنار،زیتون ومجسمه‌ها وسایرآثار هنری مزین کرد وافلاطون‌درسال۳۸۷ق‌م. درآن‌به‌تدریس دانشجویان پرداخت وتا سال ۵۲۹م در آن تدریس‌علوم، ادبیات وفلسفهٔ‌یونانی ادامه داشت. در این سال به فرمان **ژوستینین** که دستور بستن‌کلیهٔ مدارس غیر دینی را صادر کرد، بسته شد. ـــ زبانهای اروپایی و آکادمیان‌به پیروان افلاطون گفته می‌شود. لفظ‌آکادمی به انجمنهای ادبی، هنری‌اطلاق می‌شود.

آکادمیهای فرانسه

۱ ـ آکادمی علوم.

این آکادمی‌توسط‌کلبر(Colbert)در سال ۱۶۶۶ با ۶۶عضو ودو منشی‌دایمی برای‌تحقیق‌در مسایل ریاضی، فیزیك، شیمی وغیره تأسیس شده است.

۲ ـ آکادمی علوم اخلاقی وسیاسی.

در سال ۱۷۹۵ میلادی توسط کنوانسیون با ۴۰ عضوبرای تحقیق در مسایل فلسفی ،اقتصادی، سیاسی،حقوقی و تاریخ عمومی تأسیس‌شد.

۳ ـ آکادمی‌فرانسه.

درسال ۱۶۳۵ میلادی **ریشیلیو** آن‌را تأسیس کرد، در سال ۱۷۹۳ تعطیل شده ودرسال ۱۸۰۳ مجدداً افتتاح شد.

کارمهم‌آن، نظارت برکارهای‌ادبی، قواعد زبان، رسم‌الخط، وبلاغت ولغت واعطای جوایز است و ۴۰ عضو دایم دارد.

۴ ـ آکادمی کتیبه‌ها و ادبیات.

در سال **۱۶۶۳** میلادی توسط **کلبر** (Colbert) با **۴۰** عضو به‌منظور تحقیقات تاریخی و باستان‌شناسی تأسیس شد.

۵ ـ آکادمی هنرهای زیبا.

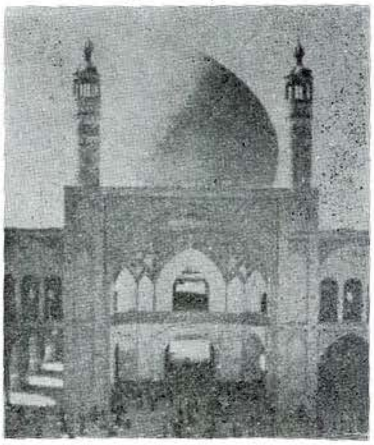
این آکادمی توسط **مازارن** و کلبر، با ۴۰ تن از نقاشان، معماران، حکاکان و موسیقی‌دانان و یک منشی دایمی تشکیل شد.

آکادمی گنکور.

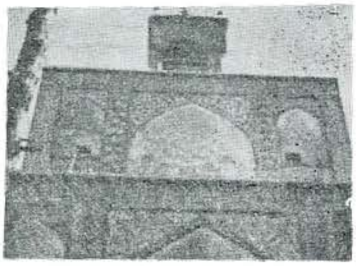
انجمنی مرکب از ده تن، که در سال ۱۸۹۶ میلادی توسط **ادمون گنکور** برای انتخاب بهترین کتاب منثور جهت دادن جایزه تشکیل شد.

مدارس قدیم ایران

نام مدارس



مدرسهٔ آقا، قرن **۱۳** هـ ق، کاشان.



مدرسهٔ ابراهیم‌خان (ظهیرالدوله)، **۱۲۳۲** هجری، کرمان.

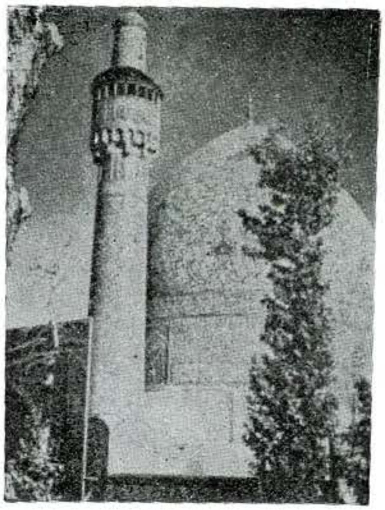
مدرسهٔ امامی، قرن نهم هجری، اصفهان.

مدرسهٔ بالاسر، (تیموری)، مشهد.

مدرسهٔ پریزاد (تیموری)، مشهد.

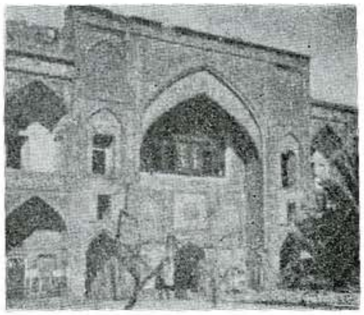
مدرسهٔ جدهٔ بزرگ، عهد صفویه، اصفهان.

مدرسهٔ جدهٔ کوچك، عهد صفوی، اصفهان.



مدرسهٔ چهارباغ. عهد صفویه، اصفهان.

مدرسهٔ حیدریه. قرن ۶ هـ ق، قزوین.



مدرسهٔ خان، (**۱۰۲۴** هـ)، شیراز.
بانی: اللهوردیخان و امامقلی‌خان.

مدرسهٔ مروی، **۱۲۴۰** هـ ق، تهران.

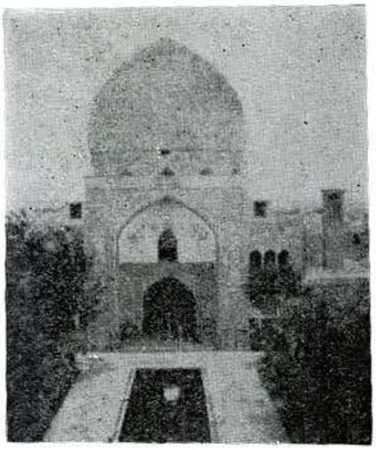
مدرسهٔ خواجه تاج‌الدین، قرن نهم **هجری، کاشان.**



مدرسهٔ دو در، **۸۴۳** هجری، مشهد.

مدرسهٔ دومنار، قرن ۵ هجری، گلشن (طبس).

مدرسهٔ سپهسالار قدیم، قرن **۱۳** هـ ق، تهران.
بانی: میرزا محمدخان سپهسالار.

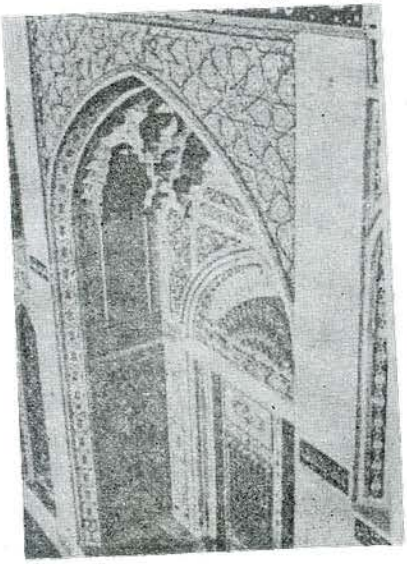


مدرسهٔ سلطانی، قرن **۱۳** هـ ق، کاشان.

مدرسهٔ سلطانی (چهارباغ)، به دستور شاه سلطان حسین صفوی **۱۱۱۸** تا **۱۱۲۶** هـ ق.
خط کتیبه‌ها متعلق به عبدالرحیم جزایری، محمدصالح اصفهانی، محمد مهدی حسینی، علی نقی امامی و محمدرضا امامی و محمد مؤمن است.

مدرسهٔ شمس آباد، «**۱۱۲۵** هـ ق»، اصفهان. بانی: محمدمهدی تاجرعباس‌آبادی.

مدرسهٔ شیخ عبدالحسین، **۱۲۷۰** بازار ـ تهران.



مدرسهٔ عالی سپهسالار، **۱۲۹۶** هـ ق. تهران.

مدرسهٔ غیاثیه، قرن نهم، خارجرد خراسان.

مدرسهٔ گنجعلی‌خان، قرن ۱۱ ه ق. کرمان.

مدرسهٔ کاسه‌گران، بانی حکیم‌الملک اصفهان.

اردستانی در ۱۱۰۵ ه ق، اصفهان.

مدرسهٔ ملاعبدالله، عهد صفوی،

مدرسهٔ نیم‌آورد، به دستور زینت‌بیگم در زمان شاه سلیمان صفوی، اصفهان.

دانشگاه‌ها و مدارس عالی ایران

دانشگاههای دولتی:

نام دانشگاه	تأسیس
۱ ـ دانشگاه تهران	۱۳۱۳
۲ ـ دانشگاه تبریز	۱۳۲۶
۳ ـ دانشگاه مشهد	۱۳۲۸
۴ ـ دانشگاه اصفهان	۱۳۲۹
۵ ـ دانشگاه جندی‌شاپور	۱۳۳۵
دانشگاههای غیر دولتی:	
۱ ـ دانشگاه پهلوی	۱۳۴۱
۲ ـ دانشگاه صنعتی آریامهر	۱۳۴۵
۳ ـ دانشگاه ملی ایران	۱۳۳۹
مدارس عالی آزاد:	
۱ ـ مدرسهٔ عالی دختران ایران	۱۳۴۳
۲ ـ مدرسهٔ عالی ادبیات و زبانهای خارجی	۱۳۴۴
۳ ـ مؤسسهٔ عالی حسابداری	۱۳۴۳
۴ ـ مدرسهٔ عالی پارس	۱۳۴۶
۵ ـ مؤسسهٔ عالی مطبوعات و روابط عمومی	۱۳۴۶
۶ ـ آموزشگاه عالی پرستاری میسیون آمریکایی تبریز	ـ
۷ ـ آموزشگاه عالی کشاورزی همدان	۱۳۴۷

مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم و آموزش عالی:

۱ ـ دانشسرای عالی
۲ ـ مدرسهٔ عالی بازرگانی
۳ ـ دانشکدهٔ صنعتی (پلی‌تکنیک تهران)
۴ ـ هنرسرای عالی
۵ ـ دانشکدهٔ کشاورزی رضاییه
۶ ـ دانشسرای عالی سپاه‌دانش

مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت آموزش و پرورش:

۱ ـ انستیتو تکنولوژی تهران
۲ ـ انستیتو تکنولوژی دختران
۳ ـ انستیتو تکنولوژی ماشین‌آلات کشاورزی
۴ ـ انستیتو تکنولوژی ماشین‌آلات کشاورزی اهواز
۵ ـ انستیتو تکنولوژی بابل
۶ ـ انستیتو تکنولوژی تبریز
۷ ـ انستیتو تکنولوژی کرمانشاه
۸ ـ انستیتو تکنولوژی اهواز
۹ ـ انستیتو تکنولوژی شیراز
۱۰ ـ انستیتو تکنولوژی مشهد
۱۱ ـ انستیتو تکنولوژی اصفهان

مؤسسات آموزش عالی وابسته به دیگر دستگاههای دولتی:

مؤسسه	وابسته به
۱ ـ مؤسسهٔ آب‌شناسی	وزارت آب و برق
۲ ـ مدرسهٔ عالی علوم تغذیه و شیمی مواد غذایی	وزارت بهداری (انستیتو خواربار و تغذیهٔ ایران)
۳ ـ آموزشگاه کمك آزمایشگاه	وزارت بهداری
۴ ـ آموزشگاه کمك مهندسی بهداشت	وزارت بهداری
۵ ـ آموزشگاه عالی پرستاری رضاشاه کبیر	وزارت بهداری
۶ ـ آموزشگاه عالی پرستاری ۲۵ شهریور رشت	وزارت بهداری
۷ ـ آموزشگاه عالی پرستاری جرجانی مشهد	وزارت بهداری
۸ ـ آموزشگاه عالی پرستاری رازی کرمان	وزارت بهداری
۹ ـ آموزشگاه عالی پرستاری ۲۵ شهریور کرمانشاه	وزارت بهداری
۱۰ ـ آموزشگاه عالی پرستاری مهرآیین اصفهان	وزارت بهداری
۱۱ ـ آموزشگاه عالی پرستاری کیان اهواز	وزارت بهداری
۱۲ ـ آموزشگاه عالی پست و تلگراف و تلفن	وزارت پست و تلگراف و تلفن
۱۳ ـ آموزشگاه عالی پرستاری نمازی شیراز	دانشگاه پهلوی
۱۴ ـ آموزشگاه عالی پرستاری تبریز	دانشگاه تبریز
۱۵ ـ آموزشگاه عالی پرستاری اشرف پهلوی	دانشگاه تهران
۱۶ ـ انستیتو تکنولوژی خطوط و ارتباطات راه‌آهن	وزارت راه
۱۷ ـ آموزشگاه عالی تخصصی هواشناسی	وزارت راه
۱۸ ـ آموزشگاه عالی اختصاصی هواپیمایی کشوری	وزارت راه

بقیه در صفحهٔ بعد

دارالفنون:

در سال ۱۲۶۸ هق. به‌منظور وارد کردن علوم و فنون اروپایی به ایران به ابتکار **امیرکبیر** تأسیس شد.

در آغاز ۱۰۰ نفر از شاهزادگان، فرزندان امرا و اعیان و رجال در آن به تحصیل مشغول شدند و برای تدریس از معلمین اتریشی و مستخدمین خارجی استفاده می‌کردند، و به‌تدریج بر رشته‌های آن افزوده گردید، ولی بالاخره شعبه‌های طب و جراحی به نام **مدرسهٔ عالی طب** از آن جدا شد، و با تفکیك شعبه‌های دیگر به‌صورت دبیرستان دارالفنون درآمد.

دارالفنون سابق ۱۲ دوره فارغ‌التحصیل داد که مرکب از ۱۱۰۰ نفر بود و هر کدام امروزه دارای مقامات عالی مملکتی هستند.

رؤسای اولیهٔ دارالفنون

۱ ـ میرزا محمد علیخان وزیر دول خارجه.
۲ ـ عزیزخان مکری، سردار کل.
۳ ـ میرزا محمدخان سپهسالار قاجار.

بقیه در صفحهٔ ۱۴۰۸

بقیهٔ مؤسسات آموزش‌عالی ازصفحهٔ قبل

مؤسسه	وابسته به
۱۹ ــ هنرستان پسرانهٔ ارت	وزارت راه
۲۰ ــ هنرستان‌دخترانهٔ ارت	وزارت راه
۲۱ ــ آموزشگاههای عالی نقشه‌برداری	سازمان برنامه
۲۲ ــ مؤسسهٔ‌آموزش عالی آمار	سازمان برنامه
۲۳ ــ دانشکدهٔ نفت‌آبادان	شرکت ملی‌نفت‌آبادان
۲۴ ــ آموزشگاه عالی حسابداری	شرکت‌ملی‌نفت ایران
۲۵ ــ آموزشگاه عالی‌پرستاری	شرکت‌ملی‌نفت ایران
۲۶ ــ هنرکدهٔ هنرهای تزیینی	وزارت فرهنگ وهنر
۲۷ ــ هنرکدهٔ هنرهای دراماتیك	وزارت فرهنگ وهنر
۲۸ ــ هنرستان عالی موسیقی‌کشور	وزارت فرهنگ وهنر
۲۹ ــ دورهٔ دوسالهٔ راه وساختمان	وزارت‌کشور
۳۰ ــ دانشگاه پلیس	وزارت کشور
۳۱ ــ آموزشگاه عالی جنگل ومرتع	وزارت منابع طبیعی
۳۲ ــ مؤسسهٔ علوم بانکی	بانکها
۳۳ ــ آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی	سازمان‌شاهنشاهی

بقیه‌ازصفحهٔ۱۴۰۷

۴ــعلیقلی میرزا، اعتضادالسلطنه، پسرفتحعلی‌شاه .

۵ــرضا قلی‌خان هدایت.

۶ ــ علیقلی‌خان مخبرالدوله،پسر رضا قلی‌خان .

۷ ــ جعفر قلی‌خان مخبرالملك ، برادر علیقلی خان .

رشته‌های تحصیلی در دارالفنون:

۱ ــ مهندسی

۲ ــ دواسازی

۳ ــ طب و جراحی

۴ ــتوپخانه

۵ــ پیاده نظام

۶ ــ سواره نظام

۷ ــ معدن شناسی

مدرسهٔ عالی‌طب

اولین رشته‌ای که‌از دارالفنون‌جدا شد ،مرکب ازطب وجراحی بود.

دارالمعلمین‌مرکزی:

در سال ۱۲۹۷ هش ، برای‌تربیت معلم مدارس ابتدایی در عمارت **شرکت فرهنگ** به‌مدیریت ابوالحسن **فروغی** شروع‌به‌کارکرد.دراین مؤسسه علاوه‌بر دروس معمولی مدارس متوسطه ، اصول تعلیم و تربیت نیزتدریس می‌شد وتاسال ۱۳۰۷ برقراربود.

دارالمعلمین‌عالی:

در سال۱۳۰۷هش.درتهران‌تشکیل شد ،که دوقسمت علمی وادبی داشت و معلمین ایرانی وفرانسوی درآن‌تدریس می‌کردند ، و در سال ۱۳۱۲ نامش به دانشسرایعالی تبدیل‌گردید .

دانشسرایعالی:

دارالمعلمین عالی‌سابق است‌که در قانون تربیت معلم (سال ۱۳۱۲) بــه دانشسرایعالی‌تبدیل‌شد، واز سال۱۳۱۱ به سرعت توسعه یافت، درسال ۱۳۱۳به دانشگاه تهران منضم ، و درسال۱۳۳۴ مستقل شد و در تابستان ۱۳۴۲ منحل گردید، وسازمان‌تربیت دبیر وتحقیقات تربیتی‌جای‌آن راگرفت .

دانشگاه تبریز :

دانشگاه تبریز در سال۱۳۲۶هش. درتبریزتأسیس گردیدوشامل‌دانشکده‌های: ادبیات وزبان، دانشسرایعالی، پزشکی، داروسازی ،کشاورزی، فنی وآموزشگاه عالی‌پرستاری(وابسته‌به‌دانشگاه)می‌باشد.

دانشگاه شیراز:

در سال۱۳۲۸هش .درشیرازتأسیس شدوشامل‌دانشکده‌های:پزشکی،ادبیات، کشاورزی‌وعلوم‌اقتصاد بود درسال۱۳۴۱ این دانشگاه جزودانشگاه پهلوی‌شیراز گردید .

دانشگاه اصفهان:

این دانشگاه در سال۱۳۲۹ هش. در اصفهان تأسیس یافت و مرکب‌است از دانشکده‌های:پزشکی ، داروسازی و ادبیات می‌باشد .

دانشگاه‌گندی شاپور :

این دانشگاه در اهوازتأسیس‌شده ودانشکدهٔ‌پزشکی‌آن‌درسال۱۳۳۴ه ش. دایرگردید

دانشگاه‌گندی شاپور مرکب است از : دانشکــدهٔ پزشکــی، دانشکــدهٔ کشاورزی.

دانشگاه‌مشهد:

به‌سال ۱۳۳۵ هش. در شهر مشهد دایرگردید وشامل‌دانشکده‌های:پزشکی، ادبیات،معقول‌ومنقول،کشاورزی‌می‌باشد.و نیزانستیتوهای ذیل وابسته بدان است: آموزشگاه‌عالی‌بهداشت، آموزشگاه‌عالی مامایی .

تاریخچهٔ‌دانشگاه ملی ایران

دانشگاه‌ملی‌ایران‌به‌فرمان‌شاهنشاه آریامهر دربیست ونهم اسفندماه۱۳۳۸ تأسیس یافت و در تابستان سال۱۳۳۶ پروفسورعلی‌شیخ‌الاسلام مأمور شد تا در زمینهٔ طرز تشکیل واداره‌ٔ دانشگاههای امریکا واروپامطالعه‌کنند وگزارشی در این‌مورد به‌پیشگاه ملوکانه‌تقدیم دارند. در پاییز سال ۱۳۳۸ پروفسورگـزارش مطالعات‌خودراتقدیم‌داشت‌که اینگزارش جهت رسیدگی و تمهید مقدمات تشکیل دانشگاه ملی ایــران به‌وزارت دربار شاهنشاهی ووزارت فرهنگ ارجاع شد.

وزارت‌فرهنگ‌درزمستان‌سال ۱۳۳۸ با تشکیل هفت‌کمیسیون‌مرکب‌ازمعاونین و مدیران‌کل‌وهیأت مشاورین‌آمریکایی آن وزارتخانه وباشرکت‌پروفسورشیخ‌ــ الاسلام‌گزارش‌مذکور رارسیدگی‌ونظرات پروفسور را تأیید نمود . وزارت‌دربار شاهنشاهی‌با تشکیل پنج‌کمیسیون‌مرکب ازعده‌ای رجال فرهنگ دوست و رییس بنیاد پهلوی ورؤسای بانکهای دولتی و خصوصی مقدمات‌تشکیل‌نخستین‌دانشگاه ملی را در ایران فراهم ساخت ودر۲۹ اسفند ماه۱۳۳۸ فرمان‌مطاع‌مبارك‌مبنی بر تشکیل هیأت مؤتمنین دانشگاه ملی ایران‌به‌ریاست آقای‌حسین‌علاء ، پروفسور علی‌شیخ الاسلام‌را به‌ریاست دانشگاه‌ملی ایران وعضویت‌هیأت‌مؤتمنین برای‌مدت پنج‌سال شرف‌صدور یافت . هیــأت مؤتمنین با تشکیل ۱۲ جلسه‌در وزارت دربارشاهنشاهی و بامراجعه واستفاده‌از ۳۷ اساسنامه ازاساسنامه‌های دانشگاهــ های ملی اروپا وآمریکا اساسنامــهٔ دانشگاه ملی را تدوین و تصویب‌کرد و طبق قوانین جاریهٔ‌کشوربه‌ثبت رسانید . اساسنامهٔ دانشگاه ملی ایران در تاریخ ۱۳ آبانماه۱۳۳۹درنهصد ونودوهشتمین جلسهٔ شورای عالی‌فرهنگ‌به‌تصویب‌رسید ودیپلم دانشگاه ملی‌ایران‌ادارای‌همان ارزش قانونی است‌که دیپلم‌دانشگاههای دولتی دارد و فارغ‌التحصیلان دانشگاه ملی ایران مانند سایر دانشگاهــها از مزایای قانونی دانشنامهٔ خود بهره‌مند خواهند شد .

دانشگاه ملی ایران :

دانشگاه ملی ایران مرکب است از:
دانشکدهٔ بانکداری و علوم مالی و اقتصادی .
دانشکدهٔ معماری .
دانشکدهٔ پزشکی.
دانشکدهٔ زبانهای خارجی .
دانشکدهٔ علوم .

دانشگاه پهلوی .

این دانشگاه درسال ۱۳۴۱ ه ش. درشیراز تأسیس گردید و دانشگاه شیراز با آن یك واحد را تشکیل داد. دانشگاه پهلوی شامل دانشکده‌های ادبیات و علوم، پزشکی ، کشاورزی و مهندسی می باشد .

سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی. در سال ۱۳۴۲ جانشین دانشسرای عالی گردید.

دانشگاه صنعتی آریامهر .

دانشگاه صنعتی آریامهر مرکب است از :

۱ ـ دانشکدهٔ مهندسی برق شامل رشته‌های: الکترونیك ، الکتروتکنیك.

۲ ـ دانشکدهٔ مهندسی مکانیك شامل رشته‌های : ماشین ، تأسیسات .

۳ ـ دانشکدهٔ مهندسی شیمی شامل رشته‌های : پالایش ، پتروشیمی، صنایع غذایی، صنایع شیمیایی.

۴ ـ دانشکدهٔ مهندسی متالوژی شامل رشته‌های : فلز شناسی ، تصفیه و ترکیب ، ذوب فلزات .

۵ ـ دانشکدهٔ مهندسی علوم شامل رشته‌های : ریاضی ، فیزیك .

۶ ـ دانشکدهٔ مدیریت صنعتی و اقتصاد مهندسی .

اطلاعاتی از دانشگاه تهران:

مأخذ از سالنامهٔ سال تحصیلی ۴۴-۴۵ دانشگاه تهران

سنگ بنای دانشگاه تهران در ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ ه.ش . بدست اعلیحضرت رضاشاه پهلوی گذاشته شد، استقلال اداری و فنی دانشگاه در سالهای ۱۳۲۱ـ۲۲ ه ش. و استقلال مالی آن در سال ۱۳۳۱ ه ش. عملی شد . این دانشگاه مرکب است از دانشکده‌های : ادبیات، حقوق، پزشکی، داروسازی، دامپزشکی ، دندانپزشکی، علوم، فنی ، کشاورزی ، معقول و منقول وهنرهای زیبا، دانشسرای عالی، علاوه بر آن آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی از مؤسسات وابستهٔ دانشگاه محسوب می گردد و تحت نظر دانشکدهٔ پزشکی اداره می شود.

ورود به دانشگاه

شرایط ورود : دانشگاه تهران برای کلیهٔ رشته‌ها دانشجوی دختر و پسر می پذیرد . شرایط ورود علاوه بر شایستگی اخلاقی داشتن دیپلم کامل متوسطه و پذیرفته شدن در امتحانات ورودی است .

شهریه: برای شرکت در امتحانات ورودی همه ساله آگهی مخصوص از طرف دانشگاه در جراید کثیر الانتشار منتشر می شود .

میزان شهریه در دانشگاه تهران طبق رأی شورای مرکزی دانشگاهها از قرار زیر است :

۱ ـ میزان شهریهٔ یك ساله که دانشجو در موقع ثبت نام باید بپردازد ۴۵۰۰ ریال .

۲ ـ بابت بهداشت یك سال ۲۰۰۰ ریال .

۳ ـ بابت آزمایشگاه و شکستن وسایل آزمایشگاهی ۲۰۰۰ ریال.

۴ ـ بابت ورزش یك سال ۱۰۰۰ ریال .

۵ ـ بابت استفاده از کتابخانه در یك سال ۱۰۰۰ ریال .

البته در مورد دانشکده‌هایی که آزمایشگاه ندارند داوطلبان از پرداخت مبلغ ۲۰۰۰ ریال حق استفاده از آزمایشگاه معافند .

ترتیب پرداخت شهریه: ۱ـ دانشجویان سال اول یعنی کسانی که در امتحان ورودی پذیرفته می شوند باید تمام شهریهٔ خود را یك جا به بانك مرکزی بپردازند و با در دست داشتن قبض رسید و بقیهٔ مدارك لازم، نام نویسی کنند .

۲ ـ در مورد دانشجویان سال دوم به بالا یادآور می گردد که چون امتحانات در دو نیمسال انجام می شود اولیاء دانشکده می توانند شهریهٔ دانشجویان با استعداد را که قدرت مالی ندارند و نمی توانند شهریهٔ خود را یك جا پرداخت کنند در دو قسط دریافت دارند .

۳ ـ در سال تحصیلی ۴۴ ـ ۴۵ با موافقت ریاست دانشگاه و تصویب شورای سرپرستی ترتیبی داده شد که تعدادی از دانشجویان مستعد که قادر به پرداخت شهریه به طور یك جا نبودند با دادن سفته به مؤسسهٔ اعتباری دانشگاه شهریهٔ خود را تا پایان سال تحصیلی بپردازند .

۴ ـ تعدادی از دانشجویان که فاقد بضاعت مالی ولی دارای معدل و نمرات خوب بودند توانستند با تسلیم سفته پرداخت وجه شهریه پس از پایان تحصیل در دانشکدهٔ مربوطه نام نویسی کنند .

استرداد شهریه: شهریهٔ دانشجویان در حالات ذیل قابل استرداد می باشد:

الف ـ دانشجویانی که شهریه پرداخته ولی حق نام نویسی نداشته‌اند.

ب ـ دانشجویانی که دوبار شهریه پرداخته‌اند.

ج ـ دانشجویانی که در دو دانشکده پذیرفته شده‌اند و برخلاف مقررات در هردو دانشکده نام نویسی کرده‌اند تا ـ آخر مهرماه مجبورند یك دانشکده را انتخاب و شهریهٔ مربوط به دانشکدهٔ دیگر را دریافت نمایند .

د ـ دانشجویانی که در دانشگاه تهران و یکی از دانشگاههای کشور پذیرفته شده‌اند می توانند پس از درخواست انتقال حداکثر تا آخر مهرـ ماه شهریهٔ خود را دریافت نمایند .

تشریفات و مقررات مربوط به ثبت نام در هر نیمسال : نام نویسی امسال دانشجویان سال اول و دوم دانشگاه در دو مرحله به شرح زیر برگزار شد که تصور می رود با کمی تغییر در سال آینده نیز مجری گردد .

۱ ـ دریافت کارت ثبت نام: در این مرحله دانشجویان در روز و ساعت مقرر شخصاً به باجه‌های نام نویسی مراجعه و پس از تسلیم یك برگ کارت ثبت نام و یك ورقهٔ راهنما و یك برگ پرسشنامهٔ آمار از طرف متصدی نام نویسی به دانشجو، پشت کارت تحصیلی وی به مهر ادارهٔ ثبت ـ نام ممهور می شد .

۲ ـ تکمیل کارت ثبت نام و تسلیم آن به متصدی نام نویسی : دانشجو پس از دریافت کارت ثبت نام و اطمینان از صحت مشخصات آن، سه روز فرصت داشت تا به دانشکده مراجعه و با دریافت یك برگ برنامهٔ دروس نسبت به انتخاب دروس

برطبق مقررات و با راهنمایی مدیریت دروس اقدام نماید وپس از تعیین‌دروس کارت ثبت‌نام خود را به امضاء و مهر مدیریت دروس‌دانشکده و از نظر پرداخت شهریهٔ سالیانه پشت‌کارت ثبت‌نام را به‌امضا و مهر حسابداری برساند وپس از تنظیم‌کارت ثبت‌نام ، با توجه به آگهی رسمی دانشگاه (ورقهٔ راهنما) ، دانشجو موظف بودکه بر طبق برنامه درروز و ساعت مقرر برای نام‌نویسی مراجعه و کارت‌ثبت‌نام وپرسشنامهٔ آمار تکمیل‌شده را تسلیم‌مسئول مربوطه نماید. متصدیان نام نویسی باردیگر کارت ثبت‌نام را از نظر تعداد واحد دروس و امضاء و مهر مدیریت دروس کنترل می‌کردند وپس‌از اطمینان ازصحت‌آن ، روی‌کارت‌تحصیلی را به مهر ادارهٔ ثبت‌نام (نیمهٔ دوم نام‌نویسی شد) ممهور می‌شد و بدین‌ترتیب ثبت‌نام دانشجویان خاتمه می‌یافت . ضمناً در نیمسال اول هرسال‌تحصیلی، از دانشجویان معاینهٔ پزشکی به‌عمل‌می‌آید وپشت‌کارت ثبت‌نام به‌مهر وامضاء مرکز بهداشتی دانشگاه می‌رسد .

مقررات ــ دانشجو موظف است علاوه بررعایت دقیق‌آیین نامهٔ‌نمره‌ها و میانگین وآیین‌نامهٔ داخلی دانشکده به نکات زیر نیز توجه نماید :

الف ــ در موقع مراجعه برای‌نام نویسی‌باید‌کارت تحصیلی را همراه‌داشته به متصدی نام نویسی شخصاً ارائه‌دهد .

ب ــ باید سعی‌کند تا پایان‌کارنام نویسی وتحویل‌کارت ثبت‌نام،کارت‌مذکور رانظیف وبدون‌تاخوردگی‌وخط‌خوردگی نگاه دارد تا قابل‌عمل در ماشینهای ادارهٔ‌ثبت‌نام باشد .

ج ــ به‌کسانی که‌کارت‌ثبت نام خود‌رامفقود نمایند‌کارت‌دیگری داده‌نخواهد شد .

مقررات انتقال : مقررات انتقال از دانشگاههای خارج و دانشکده‌های کشور به دانشگاه‌تهران‌که برای‌تصویب به شورای دانشگاه ارسال وتصویب شده است :

۱ ــ دانشجویان‌دانشگاههای‌خارج و دانشکده‌های‌کشوردرصورتی می‌توانند در دانشگاه تهران ادامهٔ تحصیل بدهند که شرایط زیر رادارا باشند :

الف ــ داشتن دیپلم‌کامل‌متوسطهٔ قابل‌قبول برای ورود به دانشگاه.

ب ــ نداشتن ترك تحصیل‌بیش از سه سال .

ج ــ شرکت در مسابقات ورودی دانشگاه تهران در دانشکدهٔ مربوط و توفیق درآن .

۲ــاین قبیل‌دانشجویان درصورتی می‌توانند بدون شرکت‌درمسابقهٔ ورودی دانشگاه پذیرفته شوندکه‌علاوه برداشتن شرایط مندرج در بندهای الف وب‌مادهٔ (۱) حایز شرایط ذیل نیز باشند:

الف ــ دررشته‌ای‌که داوطلب‌ادامهٔ تحصیل درآن هستندلااقل‌دوسال‌تحصیلی یا حداقل واحدهای درسی معادل‌دوسال تحصیلی دانشکدهٔ مربوط رابــاموفقیت گذرانیده‌باشند .

ب ــ میانگین نمــرات‌آنان از ج (یا ۱۲)کمتر نباشد .

ج ــ‌گواهی حسن اخلاق و رفتاراز دانشگاهی‌که درآن تحصیل‌کرده‌اند در دست داشته باشند .

تبصره ــ قبول دانشجــویان واجد شرایطمندرج‌درمادهٔ(۲) موکول به‌وجود محل در دانشکدهٔ مــورد تقاضا خواهد بود .

۳ ــ دانشجویی‌که طبق مادهٔ۱ یا۲ در دانشگاه تهران‌پذیرفته می‌شودبعضی از واحدهای درسی راکه‌درددانشگاههای دیگر گذرانیده است به‌شرط آنکه نمرهٔ آنهاحداقل ج‌یا ۱۲ به‌بالاباشد وبادروس مربوط در دانشکده مطابقت‌نمایدبرای او احتساب خواهد شد .

تبصرهٔ ۱ــ دانشجویان مشمول‌مادهٔ (۳) به‌هرحال باید برای اخذ دانشنامه لااقل۶۰واحددردورهٔلیسانس‌و۱۲واحد در دوره‌های فوق‌لیسانس و دورهٔ‌دکتری غیر پزشکی‌طبق نظرگــروه آمــوزشی مربوط ، از دانشگاه تــهران به دست آورند . در مواردی‌که فــراهم آوردن پایان‌نامه ضروری است برطبق‌آیین‌نامهٔ مربوط عمل خواهد شد.

تبصرهٔ۲ ــ در مورد دانشکده‌هایی که دورهٔ‌آنها از ۴ سال بیشتر است‌حد‌اقل واحدهای‌لازم برای اخــذ دانشنامه از دانشگاه تهران۸۰ واحدخواهدبود .

۴ ــ این‌قبیل داوطلبان بایدلااقل دوماه‌قبل از نام‌نویسی هرنیمسال‌مدارك خود را همراه باتقاضای کتبی به‌ادارهٔ کل‌آموزش دانشگاه تسلیم نمایند.ادارهٔ مذکور پس از رسیدگی مقدماتــی ودر صورت‌حایز شرایط‌بودن داوطلب، تقاضا و مــدارك او را درکمیسیون پذیــرش دانشگاه مطرح خواهد کرد . رأی این کمیسیون پس ازتأیید معاون تعلیماتی‌و تحقیقاتی به‌موقع‌اجراگذاشته‌خواهدشد .

تبصره‌ــ‌کمیسیون پذیرش دانشگاه مرکب ازنمایندگانی‌خواهد بودکه‌برای مدت دوسال ازطرف شورای دانشکده‌ها انتخاب و بــا حکم دانشگــاه منصوب می‌شوند .

نظام وظیفه: ۱ ــ متولدین۱۳۱۲ تا ۱۳۲۵ (داخل) که در سال تحصیلی ۴۴ــ ۴۵دردبیرستانهاوسایردانشگاهها به‌تحصیل اشتغال داشته و کارت معافیت تحصیلی‌سال مزبورادردست دارنداز‌اول سال تحصیلی۴۵ ــ۴۶ می‌توانند درآن دانشگاه‌به‌تحصیل مشغول شوند .

۲ ــ متولدین ۱۳۲۶ اعم‌ازاینکه درسال تحصیلی ۴۴ــ ۴۵ مشغول‌تحصیل بوده ویا نبوده‌اند بــدون کارت معافیت تحصیلی می‌توانند درآن دانشگاه ثبت‌ــ نام نموده واز اول‌سال تحصیلی ۴۵ــ۴۶ به تحصیل مشغول‌گردند .

۳ ــمشمولین‌متولد۱۳۱۲ تا۱۳۲۵ (داخل)که یکی ازاوراق قانونی نظام‌ــ وظیفه را در دست‌دارند (معافیت‌تکفل‌ــ معافیت موقت پزشکی ــ معافیت دویــا چند برادری‌ــ دفترچهٔ آماده‌به‌خدمت) قبل ازپایان مدت مهلتی‌کــه در اوراق قانونی‌مربوط به‌آنان داده‌شده می‌توانند رسماً به‌تحصیل مشغول‌گردند .

۴ ــطبق فرمان همایونی‌به‌تعدادی از مشمولین دیپلمه بــه بالا در سالهای ۴۱ و ۴۲ به‌عنوان کادرآموزشی‌معافیت داده شده است . ایــن قبیل مشمولیــن چنانچه بخواهند مشغول تحصیل شوند باید ازکادرآموزشی مستعفی‌گــردند و بنابراین طبق‌مادهٔ۷۳ قانون‌نظام وظیفه موظفند خــود را معــرفی نموده وضع مشمولیتشان راروشن‌کنند وبرگ‌قانونی دریافت دارند در این صورت می‌توانند قبل از پایان مهلتی‌که در برگ قانونی به‌آنهاداده شده‌رسماًمشغول‌تحصیل‌شوند.

۵ ــمشمولینی‌که درآموزشگاههای شبانه یا مؤسسات تعلیماتی بــه تحصیل اشتغال‌دارند درصورتی‌که رسمیت‌تحصیل آنان‌مورد گواهی‌وزارت آموزش‌وپرورش واقع شده و درسال تحصیلی ۴۴ ــ ۴۵

کارت معافیت تحصیلی برای آنان صادر گردیده باشد از مقررات بند ۱ مذکور در بالا استفاده خواهند نمود.

دانشکدهٔ ادبیات:

در حال حاضر دانشکدهٔ ادبیات دارای ۱۳ رشتهٔ تحصیلی برای دورهٔ لیسانس می‌باشد بدین شرح:

۱ ــ دورهٔ لیسانس زبان و ادبیات فارسی.
۲ ــ دورهٔ لیسانس زبانشناسی همگانی و زبانهای باستانی.
۳ــ دورهٔ لیسانس فلسفه.
۴ ــ دورهٔ لیسانس روانشناسی و علوم تربیتی.
۵ــ دورهٔ لیسانس علوم اجتماعی.
۶ــ دورهٔ لیسانس باستانشناسی و هنر.
۷ ــ دورهٔ لیسانس تاریخ.
۸ ــ دورهٔ لیسانس جغرافیا.
۹ ــ دورهٔ لیسانس زبانهای خارجه شامل زبانهای: انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و روسی و عربی.

دوره‌های فوق لیسانس این دانشکده نیز به شرح زیر است:

۱ــ دورهٔ فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی.
۲ ــ دورهٔ فوق لیسانس زبانشناسی همگانی و زبانهای باستانی.
۳ ــ دورهٔ فوق لیسانس باستانشناسی و هنر.
۴ــ دورهٔ فوق لیسانس علوم اجتماعی (که خود به‌صورت مؤسسه‌ای خاص به‌کار مشغول است).
۵ــ دورهٔ فوق لیسانس فلسفه.
۶ ــ دورهٔ فوق لیسانس روانشناسی و علوم تربیتی.
۷ــ دورهٔ فوق لیسانس تاریخ.
۸ ــ دورهٔ فوق لیسانس جغرافیا.
۹ ــ دورهٔ فوق لیسانس زبان انگلیسی.
۱۰ ــ دورهٔ فوق لیسانس زبان فرانسه.

دوره‌های دکتری

دانشکدهٔ ادبیات تهران تنها ۹ سال پس از تأسیس دانشگاه تهران، یعنی در سال ۱۳۲۲ خورشیدی از دورهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی فارغ التحصیلانی به‌جامعهٔ ارباب علم و ادب تقدیم کرد، نخستین فارغ التحصیل این دوره دکتر محمد معین بود. دوره های دکتری دیگر این دانشکده: دکتری فلسفه، دکتری تاریخ، دکتری جغرافیا از سال تحصیلی ۳۶ ــ ۱۳۳۵ دایر گردید. و هم اکنون دانشکدهٔ ادبیات دارای چهار دورهٔ دکتری به‌شرحی که ذکر آن رفت می‌باشد.

بدیهی است که در سال تحصیلی آینده دوره‌های دکتری جدیدی در این دانشکده بنیاد خواهد یافت، که از آن میان باید دورهٔ دکتری زبانشناسی همگانی و زبانهای باستانی را نام برد که مقدمات کارخود را از هم‌اکنون فراهم آورده است.

شرط ورود به دانشکدهٔ ادبیات داشتن دیپلم کامل متوسطه (طبیعی ــ ریاضی ــ ادبی) و توفیق در امتحانات ورودی است.

دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی.

دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی در حال حاضر از هفت گروه آموزشی به شرح ذیل تشکیل گردیده است:

۱ــ فرهنگ و تمدن اسلامی.
۲ ــ ادیان و مذاهب غیر اسلامی.
۳ ــ علوم قرآن و حدیث.
۴ ــ فقه و اصول.
۵ ــ زبان و ادبیات عربی.
۶ ــ عرفان و سیر آن در ادبیات.
۷ــ فلسفه و حکمت اسلامی.

رشتهٔ اصلی: مجموعهٔ دروسی است که با هدف آموزشی دانشجو ارتباط نزدیك دارد و معمولا در يك گروه آموزشی متمرکز است ولی ممکن است دروس دیگری درمجموعهٔ دروس رشتهٔ اصلی از گروههای آموزشی دیگر به‌عنوان مقدمه یا مکمل گنجانده شود و جزو رشتهٔ اصلی محسوب گردد. درحال حاضر رشته‌های اصلی در دانشگاه طهران به‌قرار زیر است:

رشته	که	در دانشکدهٔ	تدریس	می‌شود
اقتصاد	که	در دانشکدهٔ حقوق	تدریس	می‌شود
باستانشناسی و هنر	»	» ادبیات	»	»
پزشکی	»	» پزشکی	»	»
تاریخ	»	» ادبیات	»	»
جغرافیا	»	» ادبیات	»	»
حقوق	»	» حقوق	»	»
داروسازی	»	» داروسازی	»	»
دامپزشکی	»	» دامپزشکی	»	»
دندانپزشکی	»	» دندانپزشکی	»	»
روانشناسی و علوم ــ تربیتی	»	» ادبیات	»	»
ریاضی	»	» علوم	»	»
زبانشناسی همگانی و زبانهای باستانی	»	» ادبیات	»	»
زبانهای خارجی	»	» ادبیات	»	»
زبان و ادبیات عرب	»	» الهیات	»	»
زبان و ادبیات فارسی	»	» ادبیات	»	»
زمین‌شناسی	»	» علوم	»	»
زیست شناسی	»	» علوم	»	»
شیمی	»	» علوم	»	»
علوم اجتماعی	»	» ادبیات	»	»
» تربیتی	»	» علوم تربیتی	»	»
علوم سیاسی	»	» حقوق	»	»
فرهنگ اسلامی	»	» الهیات	»	»
فقه	»	» الهیات	»	»
فلسفه	»	» ادبیات	»	»
فلسفهٔ اسلامی	»	» الهیات	»	»
فیزیك	»	» علوم	»	»
کشاورزی	»	» کشاورزی	»	»

مجسمه سازی	که	دردانشکدهٔ هنرهای زیبا	تدریس	می‌شود
معماری	«	«	هنرهای زیبا	«	«
مهندسی‌الکترومکانیك	«	«	فنی	«	«
مهندسی‌ساختمان	«	«	فنی	«	«
مهندسی شیمی	«	«	علوم و فنی	«	«
مهندسی معادن	«	«	فنی	«	«
نقاشی	«	«	هنرهای زیبا	«	

گروههای‌آموزشی دانشکدهٔ پزشکی:

از ۱۹ گروه تشکیل می‌شود :

۱ ــ آزمایشگاه بالینی .
۲ ــ آسیب شناسی و بافت شناسی وطب قانونی .
۳ ــ بیماریهای روانی .
۴ ــ علوم بهداشتی .
۵ ــ بیماریهای پوست وآمیزشی .
۶ ــ گروه جراحی .
۷ ــ گروه جراحی بیماریهای‌زنان و مامایی .
۸ ــ گروه چشم پزشکی .
۹ ــ بیماریهای‌داخلی‌وپزشکی‌بالینی.
۱۰ ــ گروه رادیولوژی .
۱۱ ــ گروه شیمی پزشکی .
۱۲ ــ گروه بیماریهای عفونی .
۱۳ ــ گروه فیزیك پزشکی .
۱۴ ــ گروه فیزیولوژی وفارماکو- لوژی .
۱۵ ــ گروه بیماریهای قلب .
۱۶ ــ گروه کالبد شکافی .
۱۷ ــ گروه بیماری کودکان .
۱۸ ــ گروه بیماریهای گوش و گلو و بینی .
۱۹ ــ گروه میکروب شناسی و ایمنی شناسی .

گروههای‌آموزشی دانشکدهٔ حقوق :

دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دارای ۹گروه آموزشی است:

۱ ــ گروه حقوق خصوصی .
۲ ــ » علوم سیاسی .
۳ ــ »حقوق تطبیقی.
۴ ــ »اقتصاد مالی .
۵ ــ » اقتصاد اجتماعی .
۶ ــ » اقتصاد سیاسی .
۷ ــ » حقوق جزا .
۸ ــ » حقوق عمومی .
۹ ــ » حقوق اسلامی .

گروههای‌آموزشی دانشکدهٔ‌دامپزشکی.

۱ ــ گروه‌کالبد شناسی .
۲ ــ گروه فیزیك، فیزیك‌پزشکی.
۳ ــ » شیمی - بیوشیمی .
۴ ــ » بیولوژی حیوانی .
۵ ــ » فیزیولوژی‌وفارماکولوژی.
۶ ــ گروه‌میکروب‌شناسی‌وبیماریهای واگیردام .
۷ ــ گروه‌انگل‌شناسی وبیماریهای انگلی .
۸ ــ گروه آسیب شناسی .
۹ ــ گروه دامپروری .
۱۰ ــ گروه‌تغذیه وامور کشاورزی.
۱۱ ــ گروه بهداشت و صنایع مواد غذایی .
۱۲ ــ گروه مامایی و بیماریهای تولید مثل .
۱۳ ــ گروه جراحی .
۱۴ ــ گروه بیماریهای درونی گوشتخواران ویك سمی‌ها .
۱۵ ــ گروه بیماریهای ویروسی (وابسته) .
۱۶ ــ گروه ماهی‌شناسی (وابسته).

گروه‌های‌آموزشی دانشکدهٔ علوم .

۱ ــ گروه زیست شناسی .
۲ ــ گروه زمین شناسی .
۳ ــ گروه فیزیك .
۴ ــ گروه شیمی .
۵ ــ گروه ریاضی .

گروههای آموزشی دانشکدهٔ علوم اداری

الف : رشتهٔ بازرگانی .

۱ ــ مدیریت صنعتی .
۲ ــ امور استخدامی .
۳ ــ امور مالی .
۴ ــ حسابداری .

ب ــ رشتهٔ اداری .

۱ ــ گروه سازمان ومدیریت .
۲ ــ گروه امور استخدامی‌دولتی.
۳ ــ گروه امور مالی دولتی .
۴ ــ گروه امور شهرداریها .

گروههای آموزشی دانشکدهٔ علوم تربیتی .

دانشکدهٔ علوم‌تربیتی دارای‌دوره‌ـ های لیسانس وبعد ازلیسانس می‌باشد و گروههای آموزشی که برای آن پیش‌ـ بینی شده‌است‌عبارت‌است از :

۱ ــ گروه آموزشی علوم تربیتی اساسی .
۲ــ گروه‌آموزشی‌تعلیمات متوسطه.
۳ ــ گروه آموزشی راهنمایی و مدیریت فرهنگی .
۴ ــ گروه آموزشی تعلیمات قبل از ابتدایی و ابتدایی .
۵ ــ گروه آموزشی‌کتابداری.
۶ ــ گروه آموزشی آموزش سمعی و بصری .
۷ ــ گروه آموزشی آموزش هنر و کارهای دستی .
۸ــ گروه‌آموزشی‌روابطخانوادگی و سرپرستی مؤسسات کودکان .
۹ ــ گروه آموزشی آموزش موسیقی .
۱۰ ــ گروه آموزشی بهداشت و تربیت بدنی .

علاوه برگروههای آموزشی فوق دانشکده‌دارای واحدهای زیر نیزخواهد بود :

۱ ــ مدارس نمونهٔ تجربی .
۲ ــ مرکز مطالعات آموزش و پرورش تطبیقی .
۳ ــ مرکز مطالعات‌کتب‌کلاسی ــ خدمات‌کتابخانه ووسایل سمعی‌وبصری .
۴ ــ مرکز سنجش واندازه‌گیری .
۵ ــ آزمایشگاه تدریس زبانهای خارجی .
۶ ــ مرکز تحقیق و مطالعه در احوال‌کودکان .

البته گروههای آموزشی و مراکز وابسته به‌دانشکدهٔ علوم تربیتی همه در حال حاضر تشکیل نشده است ولی به‌تدریج‌که‌کادر دانشکده‌تکمیل ووسایل آماده گردد تشکیل خواهد شد .

گروههای آموزشی دانشکدهٔ فنی .

۱ ــ گروه دروس پایهٔ مهندسی .
۲ ــ گروه جریان قوی .
۳ ــ جریان ضعیف الکترونیك .
۴ ــ ماشین‌سازی وصنایع .
۵ ــ هیدرولیك وماشینهای‌آبی .

۶ ــ مهندسی زمین شناسی و اکتشاف .
۷ ــ مهندسی معدن و ذوب‌فلزات.
۸ ــ استخراج نفت .
۹ ــ راه وراه‌آهن .
۱۰ ــ شیمی صنایع آلی .
۱۱ ــ صنایع معدنی .
۱۲ ــ صنعت نفت و پتروشیمی .
۱۳ ــ ماشینهای حرارتی‌وتبرید .
۱۴ ــ تأسیسات آبی وهیدرولیك.
۱۵ ــ طرق عمومی ساختمان .

گروههای‌آموزشی‌دانشکدهٔ کشاورزی

۱ــ گروه‌آموزشی‌آبیاری‌وآبادانی.
۲ ــ گروه آموزشی اقتصادی و کشاورزی .
۳ ــ گروه آموزشی آگرونومی .
۴ــ گروه آموزشی باغبانی .
۵ ــ گروه آموزشی علوم پایهٔ بیولوژی .
۶ ــ گروه آموزشی جنگل .
۷ ــ گروه آموزشی گیاه‌پزشکی .
۸ ــ گروه آموزشی خاکشناسی .
۹ ــ گروه آموزشی دامپروری .
۱۰ ــ گروه آموزشی علوم پایهٔ فیزیك .
۱۱ــ گروه‌آموزشی‌صنایع‌کشاورزی.
۱۲ ــ گروه آموزشی مکانیك و ماشینهای کشاورزی .

گروههای‌آموزشی‌دانشکدهٔ‌جنگلداری

۱ ــ گروه جنگل شناسی .
۲ــ گروه‌چوب‌شناسی‌وفرآورده‌های جنگلی .
۳ ــ گروه چرا ونخجیربانی.

گروههای آموزشی دانشکدهٔ داروسازی

۱ ــ گروه شیمی .
۲ ــ گروه فیزیك وشیمی .
۳ ــ گروه مواد دارویی .
۴ ــ گروه مواد خوراکی و زهر-شناسی .
۵ ــ گروه بیوشیمی .

گروههای آموزشی دانشکدهٔ هنرهای زیبا

۱ ــ گروه معماری.
۲ ــ گروه نقاشی.
۳ ــ گروه حجاری .
۴ ــ گروه فرهنگ هنری .
۵ ــ گروه موسیقی وهنرهای‌تآتر.
۶ ــ گروه شهرسازی.
۷ ــ گروه طراحی تزیینی (دکوراسیون) .
۸ ــ هنرهای سینمایی ، عکاسی و تلویزیون .

ازگروههای مذکور ــ معماری ، نقاشی وفرهنگ هنری تمام وقت شده و رشتهٔ موسیقی از سال تحصیلی ۴۴ــ ۴۳ ورشتهٔ تآتری ازسال ۴۵ــ ۴۴ دانشجو پذیرفته‌است.

گروههای آموزشی دانشکدهٔ دندانپزشکی

۱ ــ گروه ارتدنسی .
۲ ــ گروه‌بیماریهای درونی.
۳ ــ گروه بیماریهای دهان .
۴ ــ گروه پروتز پارسیل .
۵ ــ گروه پروتزکامل .
۶ ــ گروه پروتز ثابت .
۷ ــ گروه پیوره .
۸ ــ گروه تشخیص .
۹ ــ گروه جراحی .
۱۰ ــ گروه‌جراحی فك وصورت.
۱۱ ــ گروه دندانپزشکی اطفال.
۱۲ــ گروه‌دندانپزشکی بیمارستان امیراعلم .
۱۳ــ گروه دندانپزشکی‌بیمارستان سینا .

دانشگاههای دنیا

دانشگاههای‌مهم برخی‌ازکشورهای جهان

ما در این فهرست کوشیده‌ایم نام و نشانی برخی دانشگاههای مهم جهان‌را که‌ممکن‌است‌برای‌دانشجویان‌ایرانی‌مفید باشد با ذکر نام‌کشور ، ایالت وشهر و تاریخ‌تأسیس‌دانشگاه‌ذکر کنیم.علاقمندان می‌توانند به همین نشانی با دانشگاه مورد علاقهٔ خودبرای‌کسب اطلاعات‌لازم مکاتبه نمایند . البته نشانی و مشخصات به‌زبان انگلیسی‌که جنبهٔ بین‌المللی‌دارد آورده شده است .

باید توجه داشت که این فهرست بسیار مختصری از دانشگاهها، کالجها ، آکادمی‌ها وکنسرواتوارهای‌جهان‌است. برای مثال در ایالات متحده به‌تنهایی بیش از ۲۵۰ دستگاه از این‌مؤسسات وجود دارد. اتحادشوروی وچین‌توده‌ای نیز دارای سازمان‌های تعلیمات عالیهٔ وسیعی است . امکان تحصیل برای دانشجویان‌ایرانی‌درکشورهای سوسیالیست تقریباً وجود ندارد . بیشتر جوانان ایرانی‌برای تحصیل به‌آمریکا وآلمان می‌روند زیرا در این دوکشور ونیز در کانادا می‌توان در حین تحصیل کارهایی پیدا کرد .

ایتالیا ، اتریش و فرانسه برای کسانی‌که بخواهند در رشته‌های هنری تحصیل‌کنند مؤسسات خوبی دارد. برخی از بزرگترین حقوقدانان جهان‌ازفارغ‌التحصیلان دانشگاههای انگلستان بوده‌اند .

آلمان ، بلژیك و سویس از نظر شیمی و داروسازی دارای اهمیت است . دانشجویان می‌توانند به‌یکی از سه‌طریق زیر اطلاعاتی به‌دست‌آورند :

۱ ــ مکاتبه با دانشگاه مربوطه .
۲ ــ مکاتبه با رایزن فرهنگی در کشور مورد نظر (نشانی سفارتخانه‌های ایران درکشورهای مختلف در این‌کتاب ذکر شده است .)
۳ ــ مکاتبه و یاتماس باسفارتخانهٔ کشور مورد نظرشان در تهران .

ایالات متحدهٔ‌آمریکا

۱ــ دانشگاه‌آمریکایی(تأسیس ۱۸۹۳) واشینگتون .
The American University
Washington D.C.
U.S.

۲ــ دانشگاه‌بنجامین فرانکلین(۱۹۲۵) واشینگتون .
Bnjamin Franklin
University Washington D.C
U.S.

۳ ــ دانشگاه‌بوستون (۱۸۳۹) بوستون
Boston University
Boston Massachosset
U.S.

۴ ــ دانشگاه برادلی (۱۸۹۷) پریا
Bradley University
Peoria Illinois
U.S.

۵ــ دانشگاه‌ایالتی‌بوفالو(۱۸۶۷) بوفالو.
Boffalo State University,
Buffalo N. Y.
U.S.

۶ـ دانشگاه‌کالیفورنیا(۱۸۶۷) بر کلی.
University of California
Berkeley , California
U.S.

۷ـ دانشگاه‌شیکاگو (۱۸۹۰)شیکاگو
University of Chicago
Chicago Illinois
U S.

۸ـ دانشگاه‌کولومبیا(۱۷۵۴) نیویورک
Columbia University
New York N. Y
U.S.

۹ـ دانشگاه دترویت (۱۸۷۷)دترویت.
University of Detroit
Detroit , Michigan
U S.

۱۰ ـ دانشگاه‌ایالتی فلوریدا(۱۹۵۵)
تالاهاسی .
Florida State University
Tallahassee Florida.
U.S.

۱۱ـ دانشگاه جورج تاون (۱۷۸۹)،
واشینگتون .
Georgetown University
Washington, D.C.
U.S.

۱۲ـ دانشگاه جورج‌واشینگتون(۱۸۲۱)
واشینگتون،
George Washington
University
Washington D.C. U. S.

۱۳ـ دانشگاه هاروارد(۱۶۳۶) کمبریج.
Harvard University
Cambridge, Massachosset,
U. S .

۱۴ـ دانشگاه‌ایلی‌نویز(۱۸۶۷)اوربانا.
University of Illinois
Urbana , Illinois
U.S.

۱۵ ـ دانشگاه جان هاپکینز(۱۸۶۷)
بالتیمور .
John Hapkins University
Baltimore. Masyland
U.S.

۱۶ ـ دانشگاه ایالتی‌کانزاس(۱۸۶۳)
مانهاتان .
Cansas State University
Manhatan , Kansas
U.S.

۱۷ ـ دانشگـاه کنتـوکی (۱۸۶۵)
لکزینگتون .
University of Kentucky,
Lexington , Kentocky
U.S.

۱۸ـ دانشگاه‌لینکولن(۱۸۶۴) لینکولن.
Lincoln University
Lincoln Pennsylvania
U.S.

۱۹ ـ دانشگاه ایالتی ممفیس(۱۹۱۲)
ممفیس .
Memphis State University
Memphis , Tennessee
U.S.

۲۰ ـ دانشگاه مـیشیگان (۱۸۱۷)
آن آربور .
The University of Michigan
Ann Arbor, Michigan
U.S.

۲۱ ـ دانشگاه ایالتی‌میشیگان(۱۸۵۵)
ایست‌لنسینگ .
Michigan State Univorsity
East Lansing,Michigon
U.S.

۲۲ـ دانشگاه‌صنعتی میشیگان (۱۸۸۵)
هوتون .
Michigan Technological
University
Hovghton Michigan
U.S.

۲۳ ـ دانشگاه ایـالتی می‌سی‌سی‌پـی
(۱۹۵۰) استیت‌کالج .
Mississipi State University
State College, Mississipi
U.S.

۲۴ـ دانشگاه‌ایالتی‌مونتانا(۱۸۹۳) بوزمن.
Montana State University
Bozeman , Montana
U.S.

۲۵ ـ دانشگاه ایـالتی نیو مکزیکـو
(۱۸۸۸) یونیورسیتی پارک .
New Mexico StateUniversity,
UniversityParK ,
New Mexico
U.S.

۲۶ ـ دانشگاه ایالتی داکوتای شمالی
(۱۸۹۰) فارگو .
Norttr Dakota State
University ,
Fargo Norttr Dakuta
U.S.

۲۷ ـ دانشگـاه ایالتی اوکـلاهومـا
(۱۸۹۰) استیل واتر .
Oklahoma State University
Stillwater , Oklahoma
U. S .

۲۸ ـ دانشگاه ایالتی اوهایو(۱۸۶۴)
کولومبوس.
The Ohio State Univeristy
Columbus , Ohio
U.S.

۲۹ـ دانشگاه‌پنسیلوانیا(۱۷۴۰). فیلادلفیا
University of Pennsylvania
U. S.

۳۰ـ دانشگاه‌ایالتی‌پنسیلوانیا (۱۸۵۵)
یونیورسیتی‌پارک .
The Pennsylvania State
University ,
University Pask ,
Pennsylvania U.S.

۳۱ ـ دانشگاه پیتسبـورگ (۱۷۸۷)
پیتسبورگ .
University of pittsburgh
Pittsburg Pennsylvania
U. S.

۳۲ـ دانشگاه‌پرینستون(۱۷۴۶) پرینستون.
Princeton University
Princeton , N. J.
U.S.

۳۳ ـ دانشگـاه سانفرانسیسکو
سان فران سیسکو .
University of San Francisco,
San Fracisco ,California
U.S.

۳۴ ـ دانشگاه سیراکیـوز (۱۸۷۰)
سراکیوز .
Syracuse University
Syracuse , N. Y.
U.S.

۳۵ ـ دانشگاه ایالتی یوتاه (۱۸۸۸)
لوگان .
Utah State University
Logan , Utah
U.S.

۳۶ ـ دانشگاه‌یال (۱۷۰۱) نیوهیون.
Yale University
New Haven , Comecticut
S.U.

کانادا

۱ـ دانشگاه‌آلبرتا (۱۹۰۸) ادمونتون
University of Alberta
Edmonton, Alberta, Canada

۲ ـ دانشگاه‌کارلتون (۱۹۴۲)اوتاوا.
Carleton University
Ottawa , Ontario, Canada

۳ ـ دانشگاه لاوال (۱۸۵۲) کبك.
Laval University Quebec,
Quebec Canada

۴ـدانشگاه مونترآل (۱۸۷۶)مونترآل.
University of Montreal
Montreal, Quebec Canada
۵ ـ دانشگاه اوتاوا (۱۸۸۹)اوتاوا.
University of Ottawa
Ottawa, Ontario, Canada
۶ ـ دانشگاه تورونتو (۱۹۲۷)
تورونتو .
University of Toronto
Toronto, Ontario, Canada

لبنان

دانشگاه آمریکایی بیروت (۱۸۶۶)
بیروت .
American University of
Beirut, Lebanon .

ترکیه

۱ ـ دانشگاه آنکارا (۱۹۴۶)آنکارا.
University of Ankara
Ankara, Turkey
۲ ـ دانشگاه استانبول (قرن ۱۵)
استانبول .
Estanbul University
Estanbul, Turkey
۳ ـ دانشگاه صنعتی آنکارا (۱۹۵۶)
آنکارا .
Technological University
of Ankara, Ankara
Turkey

اتحاد جماهیر شوروی U.S.S R.

۱ ـ دانشگاه دوستی ملل به نام
پاتریس لومومبا (۱۹۶۰) مسکو
«Patrice Lumumba Peoples
Friendsheep University
Moscow U.S.S. R
۲ـدانشگاه دولتی مسکو(۱۷۵۵)مسکو.
Moscow State University
Moscow U.S.SR.
۳ ـ دانشگاه دولتی قازان (۱۸۰۴)
قازان .
Kazan State University
Kazan U.S.S.R.
۴ ـ دانشگاه دولتی لنینگراد (۱۸۱۹)
لنینگراد .
Leningrad State University
Leningrad U.S.S.R

مصر

دانشگاه الازهر(قرن ۱۰ میلادی)قاهره.
Alazhar University, Cairo
Egypt

اتریش

۱ ـ دانشگاه وین (۱۳۶۵) وین.
University of Vienna
Vienna, Austria,
۲ ـ دانشگاه سالزبورگ (۱۶۱۹)
سالزبورگ .
University of Salzburg
Salzburg, Austria
۳ ـ آکادمی موسیقی و هنر دراماتیک
(۱۸۱۷) وین .
Acodemy of Music
Dramatic Art,
Vienn Austria

بلژیک

دانشگاه بروکسل (۱۸۳۴) بروکسل
University of Brukssels
Brukssels, Belgium

فرانسه

۱ ـ دانشگاه امارسی (۱۴۰۹) اانـ
پروانس .
University of Aix Marseila
Aix – en – Provence'–
France
۲ ـ دانشگاه بزانسون (۱۴۲۲)
بزانسون .
Universtsy of Bezançon,
BezanÇon, France
۳ ـ دانشگاه بوردو(۱۴۴۱) بوردو .
University of Bordeaux,
Bordeaux, France
۴ ـ دانشگاه سن (۱۴۳۲) سن
University of Caen,
Caen, France
۵ ـ دانشگاه دیژون (۱۷۲۲) دیژون.
University of Dijon,
Dijon France
۶ ـدانشگاه گرنوبل (۱۳۳۹) گرنوبل
University of Grenoble,
Grenoble, Franc
۷ ـ دانشگاه لیل (۱۵۶۲) لیل
University of Lille,
Lille France
۸ ـ دانشگاه لیون (۱۸۰۹) لیون.
University of Lyon,
Lyon France
۹ ـدانشگاه مونپلیه(۱۱۸۰) مونپلیه.
University of Montpellier,
Montpellier, Franc
۱۰ـدانشگاه سوربون(۱۲۵۳) پاریس.
University of Sorbonne,
Paris, France
۱۱ ـ دانشگاه اشتراسبورگ(۱۵۳۷)
اشتراسبورگ .
University of Strasburg,
Strasburg, France
۱۲ ـ دانشگاه تولوز (۱۲۲۹)تولوز.
University of Toulouse,
Toulouse, France

آلمان غربی

۱ ـ دانشگاه بون (۱۸۸۱)بون.
University of Bonn,
Bonn, WestGermany
۲ـ دانشگاه کولن(۱۳۸۸)کولن.
University of Cologne
Cologne, West Germany
۳ ـدانشگاه ارلانگن(۱۷۴۳)ارلانگن.
University of Erlangen,
Erlangen, West Germany
۴ ـ دانشگاه فرانکفورت (۱۹۱۴)
فرانکفورت .
University of Frankfurt
Frankfurt am Main,
West Germany
۵ ـ دانشگاه آزاد برلین (۱۹۴۸)
برلین غربی .
Free University of Berlin,
Berlin, West Germany
۶ ـ دانشگاه فریبورگ (۱۴۵۷)
فریبورگ .
University of Freiburg
Freiburg, West Germany
۷ ـ دانشگاه گوتینگن (۱۷۳۶)
گوتینگن .
University of Gottingen,
Gottingen, West Germany
۸ ـ دانشگاه هامبورگ (۱۹۰۰)
هامبورگ .
University of Hamburg,
Hamburg, West Germany
۹ ـدانشگاه هایدلبرگ (۱۳۸۶)
هایدلبرگ .
University of Heidelberg,
Heidelberg, West Germany
۱۰ ـ دانشگاه کیل(۱۶۶۵)کیل.
University of Kiel,
Kiel WestGermany

۱۱ ـ دانشگاه ماینس(۱۴۷۷)ماینس.
University of Mainz
Mainz , West Germany
۱۲ ـ دانشگاه ماربورگ
University of Marburg
Marburg, West Germany
۱۳ ـ دانشگاه مونیخ (۱۴۷۲)مونیخ.
University of Munich
Munich , WestGermany
۱۴ ـ دانشگاه سار (۱۹۴۸) ساربروکن .
University of Saar,
Soarbrucken ,
West Gremany
۱۵ـ دانشگاه صنعتی آخن(۱۸۷۰)آخن.
Technical University of Aachen,
Aechen , West Germany
۱۶ـ دانشگاه صنعتی برلین(۱۷۹۹)برلین.
Technical University of Berlin ,
Berlin, West Germany
۱۷ ـ دانشگاه صنعتی برونسویك (۱۷۴۵) برونسویك .
Technical University of Brunswick,
Brunswick, West Germany
۱۸ ـ دانشگاه صنعتی دارمشتات (۱۸۳۶) دارمشتات .
Technical University of Darmstadt ,
Darmstadt West Germany
۱۹ـ دانشگاه صنعتی هانور(۱۸۳۱)هانور.
Technical University of Hanover ,
Hanover, West Germany
۲۰ ـ دانشگاه صنعتی کارلسروهه ، کارلسروهه .
Technical University Carlsruhe,
Carlsruhe, West Germany
۲۱ ـ دانشگاه صنعتی مونیخ(۱۸۶۸) مونیخ .
Technical University of Munich ,
Munich , West Germany
۲۲ ـ دانشگاه صنعتی اشتوتگارت (۱۸۶۸) اشتوتگارت.
Technical University of Stuttgart ,
Stuttdart, West Germany

انگلستان

۱ ـ دانشگاه بیرمنگام (۱۹۰۰) بیرمنگام .
University of Birmingham,
Birmingham, England
۲ ـ دانشگاه بریستول (۱۸۷۶) بریستول .
Univesity of Bristol,
Bristol , England
۳ـ دانشگاه کمبریج (قرن۱۳) کمبریج.
University of Cambridge,
Gambridge , England
۴ـ دانشگاه لیورپول(۱۹۰۳) لیورپول.
University of Liverpool,
Liverpool England
۵ ـ دانشگاه لندن (۱۸۳۶)لندن.
University of London,
London, England
۶ ـ دانشگاه منچستر (۱۹۰۳)منچستر
University of Manchester,
Manchester England
۷ ـ دانشگاه ناتینگهام (۱۹۴۸) ناتینگهام .
University of Nattingham,
Nattingham, England
۸ ـ دانشگاه آکسفورد (قرن ۱۳) آکسفورد .
University of Oxford
Oxford, England

ایتالیا

۱ ـ آکادمی هنرهای زیبا، رم.
Academy of Fine Arts,
Rome , Itali
۲ ـ کنسرواتوار موسیقی (۱۵۷۰)رم.
Conservatory of Music,
Rome, Itali
۳ـ دانشگاه رم (۱۳۰۳م) رم .
University of Rome ,
Rome, Itali.

سویس

۱ـ دانشگاه بال (۱۴۶۰) بال.
University of Barel,
Basel Switzerland
۲ـ دانشگاه برن (۱۵۲۸) برن .
University of Berne,
Berne, Switzerland
۳ ـ دانشگاه ژنو (۱۵۵۹) ژنو .
Universitt of Geneva
Geneva Switzerland
۴ ـ دانشگاه لوزان (۱۵۳۷)لوزان.
University of Lusanne
Lusanne , Switzerland
۵ ـ دانشگاه زوریخ (۱۸۳۳)زوریخ.
University of Zurich,
Zeurich, Switzerland

سوئد

۱ ـ دانشگاه گوتن بورگ (۱۸۹۱) گوتن بورگ .
University of Gottanburg,
Gottenburg , Sweden
۲ـ دانشگاه استکهلم(۱۸۷۷)استکهلم.
University of Stockholm,
Stockholm, Sweden
۳ـ دانشگاه اوپسالا (۱۴۷۷)اوپسالا.
University of Uppsala
Uppsala , Sweddn

نروژ

۱ ـ دانشگاه برگن (۱۹۴۸) برگن.
University of Bergen ,
Bergen , Norwej
۲ ـ دانشگاه اوسلو (۱۸۱۱) اوسلو .
University of Oslo ,
Oslo, Norweg
۳ـ دانشگاه صنعتی نروژ(۱۹۰۰) تروندهیم.
Technical University of Norwej ,
Trondheim, Norwej

مربیان، سخنوران وفرهنگیان

آدلهارد Adelhard
فلاسفه را به بینید .

آرنولد ، توماس Arnold
(۱۷۹۵ - ۱۸۴۲ م)
از مربیان انگلیسی که در تغییر برنامه‌های تحصیلی مخصوصاً تغییر روشهای تدریس مؤثر بوده است .

آقا نجفی ، حاج شیخ محمد تقی ایوان‌کیفی اصفهانی .
(۱۲۶۲ ـ ۱۳۳۲ ق)
عالم ربانی،صاحب: آداب العارفین، اجتهاد و تقلید، اسرار الاحکام فی الحلال والحرام، رسائل درمواریث، انوار العارفین، بحر المعارف و الانوار ، اخلاق المؤمنین و بسیاری دیگر .

آل آقا ، حکمت .
(۱۲۸۳ش)
گوینده و مفسر مذهبی ، مترجم ، مدرس دانشکدهٔ الهیات می باشند :
از آثار ایشان: بهسوی خدا(ترجمه ازعربی)شرعیات وآیات واخلاق با تعلیمات دینی است .

ابراهیمی، ابوالقاسم .
(متولد **۱۳۱۴** ق)
عالم ربانی و پیشوای فرقهٔ شیخیه، دارای آثاری چون : اجتهاد وتقلید ، تنزیه الاولیاء، رجوم الشیاطین، الرحلة للبغدادوالاجوبة فی‌ردعلی الامام‌المصلح الکبیرالخالصی ، رساله ارض تسعین ، رسالهٔ فلسفیه در جواب فلسفی واعظ ، رسالهٔ وادی‌السلام (زیارتنامه)، شکایت‌ـ نامه ، شکدی الملهوف ، فهرست کتب شیخ‌احمداحسایی وسایر مشایخ،مشاهدات شنیدنی، هدایت نامه در جواب شکایت ـ نامه .

ابن‌راوندی ، ابوالحسین احمد .
(۲۰۵ ـ ۲۴۵ ه ق)
ازمتکلمان معروف وازمردم راوند (بین اصفهان وکاشان) بودو**التاج**،**خلق القرآن** ، **الفصیحة المعتزله** از آثار اواست .

ابن‌نباته، عبدالرحیم بن‌محمدبن‌اسماعیل.
(۳۳۵ ـ ۳۷۴ ه ق)
از خطیبان معروف عرب وازمردم دیار بکربود ، خود اوقدرت سخنگویی خودرا مدیون‌نهج‌البلاغهٔ علی(ع)می‌داند **دیوان خطب** از آثار اواست .

ادیب ، محمد رحیم. (فوت **۱۳۳۵**هش)
از فرهنگیان ایران ملقب به عمیدالملك ، وازشاگردان دارالفنون‌که بعدها ناظم‌آن‌ونایب رییس‌آن‌بوده‌ومدتها رییس دبیرستان علمیه بود .

اراسم .
فلاسفه را به بینید .

اسپنسر ، هربرت .
فلاسفه را به بینید .

اسخینس Aeschines
(۳۹۰ ـ ۳۱۴ ق م)
خطیبی آتنی ، که بادفاع از فیلیپ مقدونی‌متهم شده وتبعیدگردید. اسخینس در واقع رقیب دموستن بوده است .

اصفهانی نجفی ، شیخ محمد حسن .
(۱۲۰۰ ـ ۱۲۶۶ ق)
عالم ربانی ، صاحب کتب فراوان دینی است .

بازدو ، یوهان برنهارد Basedow.
(۱۷۲۳ ـ ۱۷۹۰ م)
مربی آلمانی، که امرحقیقت بینی را درتربیت بیش ازهمه اهمیت می‌دهد .

بدیری نجفی ، شیخ جعفر .
(فوت ۱۳۶۹ ق)
عالم ربانی ، صاحب **التذکره**است.

برای ، لویی Braille,L
(۱۸۰۹ ـ ۱۸۵۲ م)
استاد فرانسوی ، وی کور بود و الفبای برجسته را برای کوران‌اختراع کرد.نام اوبه‌مدرسهٔ‌تعلیمات کوران‌فرانسه داده شده‌است . وی موسیقیدان‌نیز بود .

پترارك Pétrarque
(۷۰۴ ـ ۷۷۶ ه ق)
دانشمندونویسنده‌ومربی‌ایتالیایی‌است.

پستالوزی Pestalozzi
(۱۷۴۶ ـ ۱۸۲۷
مربی‌ودانشمندمعروف‌سویسی صاحب کتب‌متعدد در تعلیم و تربیت و نظریات خاص‌در تربیت .

تبریزی ، احمد (وحیدالاولیاء) .
(فوت **۱۳۳۴** ش)
رییس سلسلهٔ ذهبیه ، آثاری چون: انهار جاریه،اوصاف المقربین دراحوال مجدالاشراف ، کفایة المؤمنین ، تاریخ قدیم آذربایجان .

حائری نجفی ، شیخ محمدحسن .
(۱۲۳۷ ـ ۱۳۲۳ ق)
عالم ربانی، صاحب آثاری دراصول وفقه اسلامی است .

حکمت ، علی اصغر .
(متولد ۱۳۱۰ ق)
استادی‌محقق درادبیات‌فارسی‌وعربی و انگلیسی و فرانسه صاحب نظر، بارها به وزارت‌رسیده‌وآثار مفیدی‌ازدوره‌های وزارت اوبه‌جا مانده است .
شعر نیکو می‌گوید ، نثری روان دارد وازمربیان واستادان مسلم تعلیم و تربیت می‌باشد؛ ازآثار ایشان: ازسعدی تا جامی (ترجمه) ، اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب،اصول‌فن‌مناظره ،افسانهٔ دلپذیر (ترجمه) ،الف لیلة ولیله (مقدمه به قلم ایشان) ، الواح بابل (ترجمه) ، امثال قرآن ، امین ومأمون (ترجمه) ، ایاصوفیا ، ایران در فرهنگ جهان ، پارسی نغز ، پنج حکایت ازشکسپیر ،پنج درام‌ازشکسپیر، تفاسیر بوعلی‌سینا ازقرآن مجید، تقویم‌معارف سال**۱۳۰۶**ش.حروف مقطعهٔ قرآنیه یا فواتح صور وفصلی از تاریخ قرآن .



درسی‌ازدیوان حافظ، راه‌زندگانی، رساله‌درباب امیرعلیشیر نوایی،رستخیز، زندگانی جامی شاعر ایرانی ، سرزمین هند ، شادباش نوروزی (شعر)، شکونتلا یاانگشتر گمشده(ترجمه)، مطالعهٔ‌تطبیقی رومئووژولیت بالیلی ومجنون، نقش پارسی بر احجار هند، نه‌گفتار درتاریخ ادیان و غیره .

خالدبن صفوان ، ابن عبدالله بن عمر .
(فوت ۱۱۵ ه ق)
از سخنگویان معروف عرب است و خطبه‌های‌اودرمجلسهای‌عمربن عبدالعزیز و هشام بن عبدالملك مشهوراست .

خوانساری ، آقا جمال محمد .
(فوت ۱۱۲۵ ق)
عالم ربانی، صاحب‌کتب متعدد در فقه واصول .

خوانساری ، سید ابوتراب .
(۱۲۷۱ ـ ۱۳۴۶ ق)
عالم ربانی ، صاحب آثاری چون سبیل‌الرشادفی شرح نجاة‌العباد، سلامة ـ المرصاد فی حواشی نجاة العباد .

دکرولی ، اوید Decroly, O
(۱۸۷۱ ـ ۱۹۳۲م)



پزشك و روانشناس‌ـ بلژیکی ، روش‌تربیتی اوراه‌تازه‌ای پیش پای مربیان‌گذاشته است. امور

روانشناسی فردی و تجربی ، یکی از آثار ایشان‌است .

دموستن Demostène
(۳۸۴ - ۳۲۲ ق م)
ازگویندگان بزرگ آتن است ، دموستن۱۵ سال‌تمام برضد فیلیپ‌مقدونی سخن‌گفت وسرانجام پس ازشکستی که ازفیلیپ به‌کشوراو وارد آمد ، خودرا مسموم‌کرد ، ۶۱ خطابه و۶۵ مقدمه و۶ نامه ازاو باقی است .

راشد ، حسینعلی .
(متولد ۱۲۸۴ خورشیدی)
سخنگو ودانشمند ایرانی است‌که درتربت حیدریه متولد شد، وبرای‌ادامهٔ تحصیلات به مشهد ونجف مسافرت‌کرد و از سال ۱۳۲۰ تاکنون عصر روزهای پنجشنبه و ایام سوگواری واعیاد مذهبی از رادیو سخنرانی می‌کند . و مجموعهٔ چند دوره سخنرانیهایش منتشرشده **ودو فیلسوف شرق وغرب** اونیزمعروف‌است.

رشتی نجفی ، حاج میرزا حبیب‌الله .
(۱۲۳۴ -۱۳۱۲ ق)
عالم ربانی ، صاحب‌کتب متعدددر اصول وفقه .

رشدیه ، حاج میرزا حسن .
(۱۲۶۷ - ۱۳۶۳ م)



در سال ۱۳۰۵ مکتب‌خانه داشت که در سر درب آن تابلوی ، **مدرسهٔ‌رشدیه** بود. درسال ۱۳۴۵ در قم مدرسه دایر نمود واو اول‌کسی است که‌مدرسه به سبك اروپایی دایر نموده است .
ازآثار ایشان : اصول عقاید یا اتحاد بشر ، کفایة التعلیم ، المشتقات، نهایة التعلیم ، است .

روسو ، ژان ژاك .
فلاسفه را به بینید .

زنجانی ، ابوعبدالله .
(۱۳۰۹ - ۱۳۶۰ ق)
عالم ربانی ؛ صاحب آثاری چون : تاریخ القرآن ، زندگی محمد یا تاریخ حیات پیغمبر اسلام ، شرح رسالهٔ بقاء النفس بعد فناءالجسد وبوارالبدن، طهارة اهل‌الکتاب ، عظمت حسین بن علی (ع) ، فلسفهٔ حجاب،فیلسوف‌الفارسی الکبیر صدرالدین الشیرازی ، منهاج النجاح و مناسك آل محمد (ص) .

ژاکتو ، ژان ژوزف .
(۱۷۷۵ - ۱۸۴۰ م)
دانشمند تعلیم و تربیت فرانسوی موجد روش تعلیمات عمومی است .

ژرارد Gérard
(فوت ۵۸۳ ه ق)
مترجم ، نویسنده ومربی‌ایتالیایی که‌کتب فراوانی را ازنویسندگان‌ایرانی ترجمه‌کرده است .

سحبان ، ابن زفربن‌ایاس .
(فوت ۵۴ ه ق)
خطیب مشهور عرب است.

سعید سلماسی ، (میرزا) .
(مقتول ۱۲۸۷ هش).
سخنگو و مبارز دورهٔ مشروطیت است ، پس از تحصیلات خود درسلماس به باکو رفت وسپس به سیاحت درروسیه پرداخت،وی‌مؤسس **مطبعهٔ امید**درتبریز و مدرسهٔ سعیدیه در سلماس است و پس ازمدتی مبارزه ومجاهده وفرار به دست مخالفین مشروطیت کشته شد .

سیاسی ، علی‌اکبر .
(متولد ۱۲۷۴ ش)
روانشناس ، عالم تعلیم وتربیت ،



استاد دانشگاه ، در تهران متولد شد ، درسال۱۲۹۶ معلم دارالفنون بود ، واز مؤسسین **حزب ایران جوان** و مشاور سفارت فرانسه بود ، درسال ۱۹۳۱ از آکادمی فرانسه به‌مناسبت رسالهٔ دکترای خود جایزه گرفت درسال ۱۳۱۲ به ریاست تعلیمات عالیه منصوب شد ، در سال ۱۳۳۱ وزیر فرهنگ بود، وایشان قانون تعلیمات اجباری را ازتصویب گذرانندند ، ازآثار ایشان :

۱- دوماه در پاریس یااز یونسکو تا برلن .
۲ - روانشناسی پرورشی .
۳- علم اخلاق نظری وعلمی .
۴- علم النفس‌ابن‌سینا وتطبیق‌آن باروانشناسی جدید .
۵ - **علم‌النفس یا روانشناسی از لحاظ تربیت** .
۶ - مبانی فلسفه .
۷ - منطق وروش شناسی .
۸ - منطق وفلسفه .
۹ - هوش وخرد .

سیسرون ، مارکوس تولیوس Ciceron
(۱۰۶ - ۴۳ ق م)
شاعر،خطیب وسیاستمداررومی بود، سخنرانیهای او مشهور دنیای قدیم بود، و آثارزیادی نیز از او باقی است . (سیاستمداران خارجی را به بینید) .

شیرازی حایری ، میرزا محمد تقی .
(۱۲۵۶ - ۱۳۳۸ ق)
عالم ربانی، صاحب: تعلیقه علی‌المکاسب، ذخیرةالمعاد .

شیبانی ، دکتر عبدالله .
علمای طبیعی ایران را به بینید .

صدیق اعلم ، دکتر عیسی صدیق .
(متولد ۱۲۷۳ ش)
استاد تعلیم و تربیت واز بانیان دانشسرایعالی‌ودانشگاه تهران‌وخدمت‌گزار شایستهٔ فرهنگ‌نو،سناتور ، وزیر وسیاستمدار ایرانی است .
درتهران‌متولدشد، تحصیلات‌ابتدایی ومتوسطه را درتهران گذرانید و در سال ۱۲۹۰ عازم فرانسه شد وتا سال ۱۲۹۷ دورهٔ **دانشسرای ورسای** را به پایان رسانیده‌از **دانشگاه پاریس** دانش‌نامهٔ لیسانس دررشتهٔ ریاضی‌گرفته و چندی در **دانشگاه کمبریج** به مطالعه و تدریس پرداخته است . در سال ۱۲۹۷ به ایران مراجعت نمود و تا سال ۱۳۰۹ مشاغل مختلفه را بعهده داشت : بازرس مدارس متوسطه

وعالیه ، ریاست فرهنگ گیلان، ریاست تعلیمات‌عالیه،معلم‌دارالفنون‌ودارالمعلمین مرکزی ومدرسهٔ حقوق ، نمایندهٔ مجلس مؤسسان‌درسال ۱۳۰۴، ریاست تعلیمات عمومی کشور. درسال ۱۳۰۹ به دعوت دانشگاه کولومبیا برای مطالعهٔ فرهنگ آمریکا به نیویورك رفت و از دانشگاه مذکور موفق به‌اخذ درجهٔ دکترادرفلسفه گردید وازطرف دولت ایران مأمورتهیهٔ طرح دانشگاه تهران‌شد، وتاسال ۱۳۱۹ ریاست واستادی‌دانشسرای‌عالی،دانشکدهٔ ادبیات ودانشکدهٔ علوم به عهدهٔ وی‌بوده است ، ازسال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۶ پنج‌بار به وزارت فرهنگ انتخاب شد ودرمرتبهٔ اول ریاست دانشگاه و استادی دانشگاه را برعهده داشت ، در سال ۱۳۳۸ بـه نمایندگی‌مجلس‌مؤسسان،سپس‌به‌نمایندگی دورهٔ اول مجلس سنا انتخاب شـد ، در مهر ماه ۱۳۳۹ برای ششمین بار وزیر فرهنگ شد . ازآثار ایشان :

۱ـ اصول تدریس حساب وحل‌مسایل فکری .
۲ ـ اصول‌تعلیم وتربیت (ترجمه).
۳ ـ اصول علم تربیت .
۴ ـ تاریخ فرهنگ اروپا از آغاز تا عصر حاضر .
۵ ـ تاریخ فرهنگ ایران .
۶ـ تاریخ مختصرآموزش‌وپرورش.
۷ ـ حقوق بین‌المللی .
۸ ـ دورهٔ مختصر تاریخ فرهنگ ایران .
۹ ـ روش نوین درتعلیم وتربیت .
۱۰ـ سیرفرهنگ درایران ومغرب زمین .
۱۱ ـ شرح حال و شخصیت وآثار فردوسی .
۱۲ ـ صد مسئلهٔ حل شدهٔ حساب .
۱۳ ـ صنایع ایران درگذشته ودر آینده .
۱۴ـ گفتارهای‌رادیوئی(فارسی و انگلیسی) .
۱۵ـ مشهودات‌چهل ساله‌درفرهنگ.
۱۶ ـ نه کنفرانس در خصـوص تعلیمات عمومی .
۱۷ ـ یادگار عمر .
۱۸ ـ یك سال در آمریکا .
و بسیاری دیگر .

صناعی ، دکتر محمود .
نویسندگان ایران را به بینید .

قس بن ساعدهٔ ایادی .
(فوت ۲۳ ه ق)
از خطبای حکیم و خردمند عـرب است، که‌عمری‌درازکرده است، و در حال ایستاده و تکیه به عصا یا شمشیر سخن می‌گفت .

عمیدالملك .
ادیب ، محمد رحیم را به بینید .

فروبل، فردریك Frobel, F.
(۱۷۸۲ ـ ۱۸۵۲ م)
مربی‌آلمانی ، صاحب‌کتاب **تربیت مرد** ، صاحب نظریات جالبی در تعلیم ـ و تربیت .

کاردان ، دکترعلی‌محمد .
(متولد ۱۳۰۶ ش)
ازمردم یزد ، استاد تعلیم و تربیت دانشگاه تهران ، از مترجمین معـروف صاحب ترجمه‌هایی چون:اصول راهنمایی درآموزش‌وپرورش،روانشناسی اجتماعی، روش‌مردم‌شناسی،طرح روانشناسی طبقات اجتماعی ، طرح اصلاح فرهنگ فرانسه، مراحل تربیت و بسیاری دیگرمی‌باشد.

کرباسی اصفهانی ، حاج ابراهیم .
(۱۱۸۰ ـ ۱۲۶۲ ق)
عالم ربانی ؛ صاحب‌آثاری چون : اشارات الاصول ، الرسالةالخمس‌عشر ، منهاج‌الهدایةالی‌احکام الشریعة ونخبه .

کلباسی اصفهانی ، کمال‌الدین .
(فوت ۱۳۵۶ ق)
عالم ربانی ؛ صاحب سماء المقال فی‌تحقیق علم‌الرجال (عـربی) و البدر التمام والبحرالطمطام فی‌احوال‌الحبرین التحریرین الوالدی القمقام (عربی) .

کومنسکی ، ژان‌آمو Komensky,J,A
کومنیوس را به بینید .

کومنیوس Comenius
(۱۵۹۲-۱۶۷۰م)
انسان دوست ومربی ازمردم چك ، صاحب کتاب **هنر بزرگ آموزگاری** می‌باشد .

گل‌گلاب ، دکتر حسین.
علمای طبیعی را به بینید .

ماکارانکو ، آنتون سیمونوویچ .
Makarenko,A,S
(۱۸۸۸ ـ ۱۹۳۹ م)
عالم امور تربیتی، که درآغاز معلم تاریخ بود،سپس‌به‌امور تربیتی نوجوانان پرداخت،ورهبر **گروه‌ماکسیم‌گورکی**‌بود. از آثـار او است : پرچمهای روی برجها ، پرورش یاراه زندگی .

موسوی اصفهانی ، سیدابوالحسن .
(۱۲۸۴ ـ ۱۳۶۵ ق)
عالم ربانی ، صاحب آثاری چون: انیس المقلدین ، حاشیهٔ تبصرهٔ علامه، حاشیه‌عروة الوثقی ، حاشیهٔ نجاةالعباد، ذخیرةالصالحین ، ذخیرة العباد لیوم ـ المعاد ، صراط‌النجاة ، مختصرالاسلام، ترجمةالصلاة، مناسك ، منتخب‌الرسایل، وسیلة النجاة صغیر ، وسیلة النجاة‌کبیر.

موسوی خوانساری، سید محمد تقی .
(۱۳۰۵ ـ ۱۳۷۱ق)
عالم ربانی ، صاحب : مناسك حج، ذخیرةالعبادة ، منتخب الاحکام و تحفة‌ـ المرضیه (شعرعربی) .

موسوی خویی نجفی ، سید ابوالقاسم .
(متولد ۱۳۱۷ ق)
عالم ربانی و از مدرسین نجف ، صاحب: اجودالتقریرات ، الامربین ـ الامرین،البیان‌فی‌تفسیرالقرآن وبسیاری دیگر .

مونتسوری، ماریا Montessori, M.
(۱۸۷۰ ـ ۱۹۵۲ م)



از زنـان دانشمنـد علوم‌تربیتی واز مـردم ایتالیـا ، روش‌تربیتی اورا**فروبل** (Frobl)در **خانهٔ‌کودکان** به‌کاربست.ازآثارایشان : پرورش علمی ، بچه از کودکی تا نوجوانی ، وبسیاری دیگر است .

میرابو ، هونوره گابریل ریکتی .
Mirabeau, H, G, R .
(۱۷۴۶ ـ ۱۷۹۱م)



سخنگـو ـ و خـطیب بزرگ‌دورهٔ انقلاب‌کبیر فرانسه‌است و کمتـر استـراحت می‌کـرد و همواره برای تهیهٔ یادداشت و نطقهای مفصل تلاش

می‌کرد که‌سرانجام ازپای درآمد .
هوشیار ، دکتر محمد باقر .
(۱۲۸۳ـ ۱۳۳۶ ش)
از استادان مسلم تعلیم وتربیت و صاحب **اصول آموزش و پرورش** . نویسندگان و مترجمین را به بینید .
وبستر دانیل Webster, J.
(۱۷۸۲ ـ۱۸۵۲م)
دهقان زاده‌ای بود که بافداکاری پدر ومادرش تحصیلات خودرا به‌پایان رسانید . درآغازبه‌وکالت پرداخت وپس ازچندی قدم در راه سیاست گذاشت ، پیروزیها وشکستهای فراوانی نصیبش‌شد تا به عضویت کنگره پذیرفته شد و در مسند وزارت قرار گرفت، درنطق و سخنرانی اعجاز می‌کرد دراداره‌ٔ امور مالی فراستی فوق‌العاده داشت اما در زندگی خصوصی خود چندان‌توجه‌به‌امور اقتصادی نمی‌کرد .

استادان و معلمین دانشگاه

رهنما ، آذر . دبیر علوم تربیتی دانشسرایعالی .
امیرهوشمند ، دکتر فتح‌الله ، استاد علوم تربیتی دانشسرایعالی .
اکرامی ، دکتر عباس . دانشیار اصول پرورش، آموزگار دانشسرایعالی.
امین ، فخرالسادات . دبیر علوم تربیتی دانشسرایعالی .
ایمن ، دکتر ایرج . استاد روانشناسی دانشسرایعالی .
بوذری، خانم پروین. دبیر علوم تربیتی دانشسرایعالی .
بیژن ، دکتر اسدالله . استاد مبانی ـ تعلیمات‌متوسطه ـ اصول‌پرورش‌آموزگار دانشسرایعالی .
تسلیمی ، دکتر منوچهر . دانشیارمبانی تعلیمات متوسطه در دانشسرایعالی .
توسلی، دکتر غلامعباس. استادیارعلوم تربیتی دانشسرایعالی .
خلعتبری ، دکتر پروین . استاد علوم تربیتی دانشسرایعالی .
رضوی ، مسعود. دبیر علوم تربیتی دانشسرایعالی .
روحانی ، عباسعلی . دبیرعلوم تربیتی دانشسرایعالی .
رهنما، دکتر آذر . دبیر علوم تربیتی دانشسرایعالی .
سروری ، خانم مهین . دبیرعلوم‌تربیتی دانشسرایعالی .
صدیق اعلم ، دکتر عیسی . استادتاریخ فرهنگ وآموزش‌وپرورش‌دانشسرایعالی.
کاردان، دکتر علی محمد. استادآموزش وپرورش مؤسسهٔ تحقیقاتی علوم‌اجتماعی.
کنی ، دکتر علی . استاد تشکیلات فرهنگی دانشسرایعالی .
مهندسی ، دکتر خسرو . دانشیار دانشسرایعالی .
ناظر ، دکتر مینا . دبیر علوم تربیتی دانشسرایعالی .
نقیب زاده ، دبیر علوم تربیتی دانشسرایعالی .
هاشمی ، دکتر ابراهیم . استادیارعلوم تربیتی دانشسرایعالی .
هوشیار، دکتر محمد باقر. استاداصول آموزش وپرورش دانشسرایعالی .
هومن، دکتر محمود. استاد علوم‌تربیتی دانشسرایعالی .

کتب آموزش‌و پرورش

آئین درس خواندن یارمز موفقیت درامتحانات (۲جلد) : ر . طاوسی .
آموزش سمعی و بصری : مهدی غروی وکامبیز محمودی.
آئین‌نامهٔ کامیابی : دیل‌کارنگی ،ترجمهٔ علی اکبر کسمایی .
آزادی‌وتربیت : دکترمحمود صناعی .
آمارآموزش‌وپرورش : وزارت‌آموزش وپرورش .
آموزش‌ابتدایی : (برنامه‌ها وطرحهای تحصیلی ، تهران‌کمیسیون ملی یونسکو، ترجمهٔ علی‌کیاهاشمی .
آموزش‌جنسی اطفال: لسترکرکندال ، ترجمهٔ دکتر مهدی جلالی .
آموزشگاه پرورش افکار : مشکوتی .
آموزشگاههای فردا:جان دیویی، ترجمهٔ مشفق همدانی .
احساس مسئولیت در اطفال وکودکان خجول : ادیت نیسروهلن‌راس ، ترجمهٔ جمشید شباهنگ .
اخلاق آموزگاری : مصطفی ستاریان.
اخلاق احمدی : علی اصغر فصیحی ـ شیرازی .
ادارهٔ امور دبستان : زهرا دیده‌بان .
استعدادآموزش‌اطفال : ریولین هاری، ترجمهٔ عبدعلی جمشیدی .
اسرار موفقیت : آرتورتامپسن، ترجمهٔ عزت‌الله شادان (فرهی).
اسرار نیک‌بختی : اوریزان اسویت ، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده .
اصول آموزش و پرورش : جمس‌دان هیل ، ترجمهٔ دکتر محمود میرآفتاب .
اصول آموزش و ورزش : ابراهیم کوکلان .
اصول ادبیات‌کودکان : علی‌اکبرشعاری نژاد .
اصول تعلیم زبان و ادبیات فارسی درمدارس ابتدایی : حسین رزمجو .
اصول تعلیم و تربیت : ترجمهٔ عیسی صدیق اعلم .
اصول تعلیم‌و تربیت : نصرالله‌فلسفی.
اصول‌علمی‌علم‌تربیت : عیسی‌صدیق‌اعلم.
اصول و روشهای صحیح تربیت : محمود ابوالضیاء .
الفبای‌آسان‌شاهراه‌رستگاری ایران‌است: ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای .
الفبای ذهنی : ابوالقاسم فیوضات .
امیل یا آموزش وپرورش : ژان ژاك روسو ،ترجمهٔ غلامحسین زیرك‌زاده .
اندازه گیری و سنجش در روان ـ شناسی و تعلیم و تربیت : رابرت ـ ثرندایك والیزابت هیگن. ترجمهٔ خسرو مهندسی باهمکاری‌احمدآرام وفخری‌ایمن و زهرهٔ سرمد .
انشاء ابتدایی مصور: احمد کوشا .
اهمیت‌انضباط ومحرکها دریادگیری : ایران احتشامی .
بررسی اجمالی تربیت وتعلیم دینی‌در مدارس‌کشور : تهران‌ادارهٔ کل‌مطالعات و برنامه‌های وزارت آموزش وپرورش .
بعد از باسوادی : ترجمهٔ دکتر شمس‌الملوك مصاحب .
بهداشت روح برای صدسال خوشحال زیستن : ابراهیم بنی‌احمد .
بهداشت روحی : هربرت .ا. کارل ، ترجمهٔ فرید جواهرکلام .
پرورش اعتمادبنفس‌درکودکان : دکتر ضیاءالدین نهاوندی .
پرورش شخصیت : سعید عرفان .
پرورش شیرخوار : منوچهر فرشید .

شوشتری مهرین .
رازکرشمه‌ها : دکتر ناصرالدین‌صاحب‌الزمانی .
راز موفق زیستن : دیل‌کارنگی، ترجمهٔ دکتر سیمین دانشور .
راز موفقیت یا راز توانگر شدن : ناپلئون هیل ، ترجمهٔ علی تعاونی‌سهیل.
راه پرورش‌کودکان : دکتر سامی‌راد .
راه‌تربیت نونهالان : علی اکبرفروتن.
راه خوشبختی : ویکتور پوشه ، ترجمهٔ دکتر نصرت‌الله کاسمی ساروی متخلص به نصرت .
راهنمای آموزگاران : مخبرالسلطنه مهدیقلی هدایت .
راهنمای تربیت جوانان : سید صادق حسینی .
راهنمای تمرین آموزگاری : ایران احتشامی و دیگران .
راهنمای شاگرد درمطالعات وتکالیف منزل : روت استرانگ ، ترجمهٔ مهدی حجت، زیرنظرناصر موفقیان .
راهنمای معلم : اسماعیل والی زاده‌به مشارکت‌زهرادیده‌بان ومحمودابوالضیاء.
راهنمای معلمین برای مدارس و مراکز تعلیماتی : سرتیپ هدایت‌الله سهراب .
رساله‌دراصول تعلیم وتعلم : شیخ ضیاءالدین دری .
رمز سعادت جامعه یا طریق تربیت : عباسعلی روحانی نجف آبادی .
رمز موفقیت درزندگی : دیل‌کارنگی ، ترجمهٔ مسعود برزین .
رمز نفوذ در دیگران : دیل کارنگی ، ترجمهٔ مهندس عباسقلی خواجه نوری .
روانشناسی تربیتی: علی شریعتمداری.
روانشناسی رشد و پرورش کودک ، یادگیری ، شخصیت وبهداشت روانی : مسعود رضوی .
روانشناسی‌کودک و رشد و نموکودک دردوران تحصیلی : شورلینگ وگاف، اقتباس مهرزاد و توران احتشامی .
روش‌آموزش وپرورش در چندکشور انگلستان و سویس و مصر : ترجمهٔ دکتر عبدالله فریار .

روش پرورش : محمد علی دزفولی (بهروز خاوری) .
روش پرورش نوباوگان : علی اکبر فروتن .
روش تدریس تعلیمات اجتماعی در دبستان : اسمعیل والی زاده باهمکاری زهرا دیده‌بان و ایوب دوستدار .
روش تدریس حساب و هندسه در دبستان : جهانگیر شمس آوری و غلامحسین شکوهی .
روش تدریس در مدارس ابتدایی : گسیل برگ . ترجمهٔ ایران احتشامی .
روش تدریس زبان فارسی دردبستان: نصرالله دیهیمی .
روش تدریس زبان فارسی دردبستان : لیلی ایمن وثمینهٔ باغچه‌بان .
روش تدریس علوم تجربی دردبستان: اسمعیل والی‌زاده .
روش تدریس قرآن در دبستان ها : رضا برقعی .
روش تعلیم مقدمات علوم دردبستان : اسمعیل والی زاده .
روش درتعلیم اطفال : حاج ملاعباس ـ علی کیوان قزوینی .
روش دکترجردن، شرح حال : شکرالله ناصر .
روش نویسندگی : دکتر اسدالله‌رویین مبشری .
روش نوین در تعلیم وتربیت : عیسی صدیق اعلم .
روشهای آماری درآموزش وپرورش: دکتر علی افضلی‌پور .
روشهای تربیتی در ممالك متحدهٔ آمریکای شمالی : عباس شوقی .
رهبرآموزگاران : علی اکبر فروتن .
رهنمای شاگردان در تحصیل و امتحانات : مهندس ضیاءالدین بهروش.
رهنمای علم و تربیت : علی اکبر خدابنده .
زندگی در کودکستان : د . کلاریس ، ویلز ، ویلیام . ه . استچمن ، ترجمهٔ دیهیمی وطهماسب دولتشاهی .
زنده دلی یا فن خوب زیستن: ابراهیم بنی احمد .

سازگاری اطفال بااجتماع : پول‌لندیس وجووان‌هر ، ترجمهٔ آذر رهنما .
سخنرانی در رادیو راجع به‌تربیت و تعلیم کودکان : علی اکبر فروتن .
سخنرانیهای آموزش پرورش افکار قسمت دبیران : دکتر رضا زاده شفق .
سرچشمهٔ خوشبختی : مهرداد شوشتری مهرین .
سلامت فکر : زیر نظر دکتر چهرازی گردآورنده نصرت‌الله حکیم الهی .
سلامت کودك وبهداشت عاطفی‌کودك: دیتریچ (و) گرونبرگ(و) ولف،ترجمهٔ بهروزشهبازی ومحمد تأملی.
سلوك ورفتار کودك : رضا شاپوریان .
سنجش هوش در آموزش وپرورش : محمدعلی دانشور .
سیر فرهنگ در ایران ومغرب زمین : عیسی صدیق اعلم .
شالودهٔ روانی کودك : پیاژه، ترجمهٔ محمود منصور .
شغل آیندهٔ جوانان : هامفریز آنتونی، ترجمهٔمشفق همدانی .
شناخت خویشتن : ت . آرتور جرسیلد، ترجمهٔ محمد نقی براهنی و غلامحسین ساعدی .
صدبازی دبستانی : ابراهیم بنی‌احمد .
صد پند : علی‌اصغر قمی .
طرح‌ریزی فرهنگی ومبانی‌آن: وزارت فرهنگ .
طرز ادارهٔ آموزشگاه : دکتر عبدالله فریار .
طرز رفتارباکودکان: علی اکبرفروتن.
علوم برای دبستانها : گریروروتر ، ترجمهٔ محمدعلی‌پیغامی .
فرهنگ چیست؟ : سید احمد حسینی کسروی تبریزی .
فرهنگ وجامعهٔ ما : علی‌اصغرهدایتی .
فلسفهٔ آموزش وپرورش : فتح‌الله امیر هوشمند .
فلسفهٔ تربیت : هرمال‌هارون ، ترجمهٔ احمد آرام .
فن آموختن : مارسل پروو،ترجمهٔ دکتر ابوالقاسم بیدار .
فن تعلیم و تربیت بدنی : محمد علی دل‌آگاه .

فن زندگانی کردن : آندره موروآ ، ترجمهٔ دکتر ابوالقاسم بیدار .

فن کلاس داری : پریرخ بهنام .

قلب دل وجرئت : وادیم سوبکو، ترجمهٔ رضا آذرخشی .

کودکان دیر آموز : ف . فدرسیتون ، ترجمهٔ ربیع مشفق همدانی .

کودکان ما : فلورا ویلیامز ، ترجمهٔ ف . واغظ زاده .

کودکستان : ترجمهٔ نصرالله دیهیمی .

گزارش سال تحصیلی ۴۲-۱۳۴۳: دانشگاه تهران- دانشکدهٔ دامپزشکی.

لکنت زبان : عبدالوهاب عبادی .

مادر و بچه : دکتر بنجامین اسپاك ، ترجمهٔ والاحضرت اشرف پهلوی .

مالیخولیایی : فریدون پارسانژاد .

ما وفرزندان ما : رایموند بیچ، ترجمهٔ بانومنیر مهران (جزنی) .

مدارج تحصیلی غیر نظامی : سر لشکر دکتر آریانا .

مدرسه واجتماع : جان دیویی، ترجمهٔ ربیع مشفق همدانی .

مدرسه وشاگرد : جان دیویی ، ترجمهٔ مشفق همدانی .

مربی وطفل امروز در جهان تربیت : محمود رشیدی آشتیانی .

مرد مشکلات ، کسیکه می‌خواهد در اجتماع موفق باشد : امیل . ا . ا ش ، ترجمهٔ احمد آهی .

مردی که موفق‌می‌شود: مهردادشوشتری مهرین .

مسایل التربیة : شیخ عباس حایری .

مسألهٔ جرایم اطفال : دکتر بانو مهرانگیز منوچهریان .

مسألهٔ هدایت شاگردان در مدارس : روژگال، ترجمهٔدکتر محمود منصور .

مشکلات زندگی شما چیست : ریموس . ه . ه . ترجمهٔ سید مصطفی بن‌حاج سید علینقی طباطبایی .

مشهودات گفتنی : ابراهیم خواجه ـ نوری .

معالجهٔ کودکان علیل و مصروع : هربرت بهراس ، ترجمهٔ حمید سلیمی خلیق .

مقدمهٔ تعلیم و تربیت یا چگونگی رشد آدمی : دکتر رضا آراسته .

میل و رغبت اطفال : فردریك پالسن بلانش، ترجمهٔ مشفق همدانی .

ناطقین زبردست وروش نفوذ آنها در مردم : دیل‌کارنگی ، ترجمهٔ دکترضیاء عالم زاده .

نبوغ وشخصیت : امیل لودویك .

نخستین سال زندگی کودك : بنجامین اسپاك، ترجمهٔ والاحضرت اشرف‌پهلوی.

نسبت بین آموزگار و دانش آموز : وزارت آموزش وپرورش .

نظام مدرسی آموزش و پرورش : میرزا آقاخان امیریان .

نکاتی‌چنددربارهٔ برنامه‌های تحصیلی : وزارت آموزش و پرورش .

نگرانی،علت وچارهٔآن : جان کندی ، ترجمهٔ سید محمد علی جزایری .

نگهداری و پرورش‌کودك: ث ـ هلن ـ گوداسپید ، استر. ر. میسن والیزابت . ل و ودز، ترجمهٔ مهدی امین ومنیژهٔ ـ امین .

نمایشنامه‌های مدارس : دکترابوالقاسم جنتی عطایی .

وسایل‌ترقی و تقویت حافظه : مهدی ایرانپور کرمانی .

ونمی‌دانند چرا: دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی .

همسازی اطفال ومدرسه : بس‌گردی کونز،ترجمهٔ ناصرشیلاتی.

همه بهتر زندگی کنیم : دکتر شمس الملوك مصاحب(و) عباس یمینی شریف.

هنرآموزش و پرورش : دکتر مهدی جلالی .

هوش وخرد : علی‌اکبر سیاسی .

یگانه فرزندخانواده اطفال‌نارساوطرز تربیت آنها : ادا. لشان وساموئل ویشیك، ترجمهٔ نصرالله‌دیهیمی واسماعیل سعیدان .

یك خطابه و یك سخنرانی : جوادنور- بخش .

شورای فرهنگی

این شوری نخست به‌نام‌شورای‌عالی معارف در سال ۱۳۰۱ ه‍ ش. دروزارت معارف «برای توسعهٔ دوایرعلوم واشاعهٔ معارف وفنون ورفع‌نقایص تحصیلات‌علمی و فنی» تأسیس گردید، وسپس‌به‌نام‌شورای عالی فرهنگ نامیده شد هیئت شورای مزبور مرکب است از : ۱۰ عضو رسمی با شرایط خاص (خدمت شایان به‌معارف مملکت‌کرده باشند، لااقل سی‌سال داشته باشند ، دارای معلومات واطلاعات لازم بوده باشند، موصوف به‌صحت عمل وحسن اخلاق وعقیده بوده و محکوم به‌جنحه و جنایات نباشند) وتا۱۰ عضو افتخاری (که فقط حق شرکت در مذاکرات را خواهند داشت) . وزیر فرهنگ اعضای رسمی وافتخاری شوری را برای مدت ۴ سال انتخاب می‌کند و به‌موجب فرمان همایونی رسمیت می‌دهد وبعد ازانقضای دو سال از دورهٔاول نصف اعضا به حکم قرعه‌خارج وجانشین‌آنان‌انتخاب‌می‌شود، و ازآن به بعد به‌جای نصف اعضایی که مدت‌چهار سال عضویت‌آنان تمام‌شده مجدداً انتخابات به‌عمل‌خواهدآمد. وزیر فرهنگ رییس رسمی‌شوری‌است. عضویت شوری بدون حقوق است. شوری دارای دبیرخانهٔ دایمی است . درسال ۱۳۴۳ ه‍ ش . درکابینهٔ منصور براثر تفکیک وزارت‌فرهنگ سابق،این‌شوری‌نیز منحل شد ووظایف‌آن به شورایعالی آموزش و پرورش ، شورایعالی فرهنگ و هنر وشورای عالی‌اوقاف سپرده شد.

اعضای شورایعالی فرهنگ

اعضای‌رسمی:

۱ـ وزیر فرهنگ.
۲ـ رییس دانشگاه‌تهران.
۳ـ معاون تحقیقاتی‌دانشگاه(دکتر عبدالله شیبانی) .
۴ ـ محمدعلی مجتهدی .
۵ـ ذبیح‌الله صفا.
۶ـ محمود صناعی.
۷ ـ بانوفروغ‌الزمان‌کیا.
۸ ـ یحیی‌مهدوی .
۹ـ محمودحسابی.
۱۰ـ علی‌اصغر نوروزیان.
۱۱ ـ ابوالحسن‌شعرایی.
۱۲ ـ رییس طرح وبرنامه .

اعضای افتخاری :

۱ ــ سیدحسن تقی‌زاده .
۲ ــ دکتر علی‌اکبر بینا .
۳ ــ جمشید اعلم .
۴ ــ خان‌بابا بیانی .
۵ ــ مرتضی قلی اسفندیاری .
۶ ــ بانولیلی آهی .
۷ ــ سیدفخرالدین شادمان .
۸ ــ رضا فلاح.
۹ ــ حسین فرهودی .
۱۰ ــ محمودشهابی.

شورای عالی فرهنگ وهنر:

شورایی‌است که پس از تفکیک وزارت فرهنگ(سابق) وانحلال شورای عالی فرهنگ (سابق) درسال ۱۳۴۳ هـ ش. در وزارت فرهنگ به‌وجودآمد ووظیفهٔ آن رسیدگی به‌امور محولهٔ وزارت مذکوراست.

شورای فرهنگی سلطنتی‌ایران:

شورایی‌است که به امراعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی «به‌منظور مطالعه و اظهار نظردر کلیهٔ امورفرهنگی که‌ازطرف وزارت دربارشاهنشاهی بدان‌ارجاع شود، ونیز برای تهیهٔ طرحها وپیشنهادهای لازم درمواردی‌که شوری مستقلا برای توسعه وترویج ملی وبین‌المللی فرهنگ ایران ضروری‌بداند، وهمچنین به‌منظور نظارت کلی برسازمانهای فرهنگی وابسته به‌ـ وزارت‌دربارشاهنشاهی» در آذرماه ۱۳۴۱ هـ ش. تأسیس‌شد. این‌شوری‌مرکب‌است‌از دوازده تن ویک دبیرکل‌که امور «دبیرخانهٔ شورای فرهنگی‌سلطنتی » را اداره می‌کند .

کتابخانه

اصول کلی

هرکتابخانهٔ‌عمومی وقتی درکارها ، موفق می‌شودکه چند شرط زیررا رعایت کند :

۱ ــ مجموعهٔ کتابهای یک کتابخانه باید همیشه برحسب اوضاع واحوال روز کامل باشد، بطوری‌که خوانندهٔ‌کتاب هر کتابی رادر هررشته‌که‌باشد وتقاضا کند بایدفوراً دراختیارش‌گذاشته شود .

۲ ــ کتابخانه بایدکتابهایی‌که‌همه‌ـ روزه منتشر می‌شود جمع آوری‌کرده در دسترس خوانندگان بگذارد.

۳ ــ کتابهای مفید راهمواره‌دردید قارئین قرار دهند .

۴ ــ کتابخانه باید درجمع‌آوری اطلاعات وتهیهٔ فهرست مطالب مهم‌اقدام نماید .

۵ ــ باید هر کتابی‌که قارئین می‌خواهند فوراً در اختیار آنها گذاشته شود .

۶ــ ادارهٔ‌کتابخانه باید مرکب از اعضا ومتخصصین‌فن باشند .

۷ ــ مراجعه‌کنندگان بایدبه‌راحتی هرنوع سؤالی‌برای‌پیداکردن‌کتاب مورد نظر خود دارند بکنند و پاسخ صحیح بشنوند .

۸ ــ بایدحمایت و توجه مردم را به‌حسن ادارهٔ‌کتابخانه جلب‌کرد تا خود آنها پشتیبان‌کتابخانه باشند .

اصولی‌که‌باید درتوسعه وافزایش کتابخانه‌ها مراعات‌کرد

امروزه‌برای‌اینکه‌کشوری بخواهد کتابخانه‌ای تأسیس‌کند یادرصدد توسعهٔ کتابخانه‌هایی‌که از مدتها پیش تأسیس شده‌اند بیفتد تجربیات‌کافی و زیادی در دست‌است که‌می‌تواندازاین‌تجارب استفاده کرده تسهیلاتی درکار خود فراهم‌آورد. می‌تواند ازآزمایشها ، از اشتباهات، از شکستها و از موفقیتهایی‌که نصیب سایر کشورها شده است تجربه آموخته برنامهٔ منظمی‌برای خودتدوین نماید.دربسیاری ازکشورها سانسورهایی برای جلوگیری ازاشتباهات وخطاهایی‌که ممکن است در رشته‌های مختلف‌کتابخانه ازکودک‌گرفته تا بزرگ پیش بیاید قائل شده‌اند.

بطوری که مکرر گفته شد توسعهٔ کتابخانه‌ها زمانی عملی می‌شودکه‌منابع اصلی واساسی‌کتابخانه به‌اندازهٔ‌کافی‌بوده و روز افزون باشد به‌حدی‌که بتواند تا حد امکان احتیاجات مراجعین را برــ آورده نماید .

یک‌کتابخانهٔ ملی نمی‌تواند در یک شب باورد ساحری یا باوضع قانونی آناً تأسیس شده درهای خود را برروی‌عامه بازکند .

توسعه و افزایش‌کتابخانه موکول‌به چهار عامل اساسی می‌باشد :

۱ ــ شناسایی و بصیرت کتابداران به‌شغل و حرفهٔ خود .
۲ ــ اعضای‌کتابخانه .
۳ ــ تمایل مقامات محلی به‌شرکت در امورکتابخانه .
۴ ــ منابع مادی .

بطور خلاصه تا زمانی‌که مسئولین امر به‌اندازهٔ‌کافی به وظایف خود آشنا نبوده و به‌کاری‌که شروع می‌کنند اطلاع نداشته و درآن روشن نباشند تأسیس کتابخانه بیهوده است .

شناسایی وبصیرت کتابداران به شغل وحرفهٔ خود :

در تأسیس کتابخانهٔ جدید یا اصلاح‌کتابخانه‌ای‌که مدتها وجود دارد وجودکتابدارانی متخصص‌ضروری است، کتابداران موظفندکه نقشه‌های اساسی و اصلاحی طرح‌کرده از جزییات اموری که در سایرکشورها معمول است اطلاع حاصل‌کنند . بی‌مناسبت‌نیست‌که‌کتابخانه‌ـ هایی‌راکه‌ازسابق‌وجودداشته‌اندیدن‌کرده و دستگاههای اداری‌آنهارا موردمطالعه قرار دهند ولی‌ضمناً هم‌نبایدکورکورانه روشها وبرنامه‌های‌آنها را به‌مورداجرا بگذارند بلکه سعی‌کنندآنچه‌راتازه و مفید تشخیص می‌دهندبکار برده وازآن استفاده نمایند . تبادل نظرکتابداران بسیاری ازمشکلات را حل‌کرده است بطوری که یونسکوبه‌این امرحیاتی‌پی‌ـ برده وبرای توسعهٔ‌روزافزون‌کتابخانه‌ها تسهیلات زیادی ازلحاظ عملی‌شدن‌وسایل تبادل نظر قائل شده است.

اعضای‌کتابخانه :

عامل دوم یعنی موضوع ونوع اعضا در سرعت‌وکیفیت‌پیشرفت‌بسیارمؤثراست بطورکلی این‌نکته محرزاست‌که انتخاب عضو درکیفیت دستگاه‌اداری اثرات مهم دارد. وجود اعضای‌کافی ومتخصص وبا تجربه برای‌ادارهٔ امورکتابخانهٔ‌هرکشور در تمام مراحل‌آن ضروری‌است واین خود اشتباه بزرگی است اگر بخواهیم ازکتابداران‌باتجربه وذیصلاحیت‌صرف‌ـ نظرکرده شغل این دسته‌رابه‌اشخاص‌غیر وارد واگذار نماییم . ولی برای‌کشوری که هنوزدارای اعضای‌کافی متخصص وبا تجربه نیست چه بایدکرد ؟

برای جبران این‌نقیصه ممکن است اعضای متخصص‌را ازسایرکتابخانه‌ها انتخاب‌کرد ولی‌باز اشکالی‌پیش می‌آید بدین‌قرارکه‌اطلاعات‌وروش‌کارکتابداران دانشگاهها یا وزارتخانه‌ها بااطلاعات و روش‌کارکتابدارانی‌که‌برای‌کتابخانه‌های عمومی‌لازم‌است به‌کلی متمایز و متفاوت است ، این‌مسأله شایان توجه است زیرا اگرکتابداران ادارات دولتی‌یااستادان

ومعلمین وضع‌را ازدریچهٔ چشم تخصص و شغل خود به‌بینند نمی‌توانند به معنای حقیقی‌روش کتابخانه‌های عمومی‌پی‌ببرند. بنا براین در این‌قبیل مواردباید حتی‌الامکان اشخاصی‌راانتخاب‌کردکه‌بامور وفنون مختلف شناسایی بیشتری داشته ودارای تجربیات وسوابق‌ممتدادرای در شئون مختلف‌یا نمایندهٔ مؤسسات اجتماعی یاحتی‌یك‌مهندس ویامتخصص علوم‌باشند. بمحض‌اینکه دردستگاه اداری کتابخانه‌ها قوام ودوامی حاصل‌شداعضای‌آن‌ناگزیر منحصراً برای‌کارهای مخصوص کتابخانه باید انتخاب شوند . دخالت‌اشخاص بی‌اطلاع بزرگترین ضربتی است‌که‌به کتابداران ذیصلاحیت ومتخصص وارد آورده‌آیندهٔ آنان‌راتاریك‌وخراب‌خواهد کرد .

برای انتخاب اعضای‌صالح طریق ذیل را باید درنظر گرفت :

الف) انتخاب اعضاء باید بادر نظر گرفتن‌قابلیت وبصیرت وصفات شخصی‌از میان اشخاص‌صالح به‌عمل‌آید .

ب) بعضی ازاین اعضاء راباید به کشورهایی‌که دارای‌دستگاههای‌کتابخانهٔ مجهز است فرستاد تا وضع‌آنجا را مطالعه‌کنند ، درکلاسهای کتابداری شرکت‌کرده، مدتی‌درکتابخانه‌های‌مزبور به‌کارکتابداری بپردازند و مدت این مسافرت نبایداز یك‌سال‌کمتر باشد . کتابداران وظایفی‌راکه بعداً باید‌به‌عهده بگیرند بیاموزند و پس از مراجعت اطلاعات خودرا دردسترس سایر اعضاء گذاشته راهنماییهای لازم را به آنان بنمایند .

ج) تشکیل کلاسهای کتابداری دولتی (یاملی) به‌منظور تربیت اعضای اضافی برای‌هررشته . کلاسهای مزبور به‌توسط‌کسانی‌که به خارجه اعزام شده‌اند یا برحسب احتیاج به توسط معلمین و استادان‌وکتابدارانی‌که‌ازطرف‌کشورهای خارجی مأموریت یافته انداداره خواهد شد، دربعضی ازکشورها مسئولین‌تعلیم و تربیت حقوق‌کارکنان ومعلمین ومحصلین وسایرمخارج‌کلاسها رابرعهده‌می‌گیرند. کشورهایی را می‌شناسیم‌که مبلغ جزئی ولی‌کافی در تمام دورهٔ‌کلاس به‌هریك از محصلین‌کلاس‌کتابداری می‌پردازند، در بعض کشورها قبلا عده‌ای مرد وزن را استخدام کرده و بعداً آنان‌را به‌خرج مقامات محلی به کلاسهای کتابداری می‌فرستندالبته محصلین بعداز فراغ از تحصیل موظفند که در همان نقطه به‌کار کتابداری مشغول شوند ولی نباید عموم کسانی‌راکه‌استخدام‌شده‌اندیك‌بار به‌کلاس فرستاد زیرا مقامات محلی نمی‌توانند از تمام یایك قسمت اعظم از مستخدمین خوددرکتابخانه‌ها محروم بمانند بنا بر‌این لازم است که آنها را به‌دسته‌های متعدد تقسیم کرد وهردسته‌ای را در مدت‌معینی ازسال به‌کارتحصیل‌گماشت .

درآغازشروع‌به‌کار توسعهٔ‌کتابخانه‌ها موضوع استخدام و انتخاب محصلین کتابدارحتی درمیان محصلینی‌که‌استعداد و قابلیت خود را در کار کتابداری یا مشاغل دیگر کتابخانه نشان داده‌اند مشکل ودشوار می‌باشد . اغلب این‌قبیل جوانان محصل فقط برای استخدام در کتابخانه‌های محلی درنظرگرفته‌می‌شوند بنابراین تاموقعی‌که کتابخانه‌ای در نقطه‌ای موجود نباشد انتخاب واستخدام عضو ضرورت نخواهدداشت . به‌علاوه ـ تدریس فن‌کتابداری از وظایف دولت می‌باشد.ممکن‌است موقعی‌که‌آموزشگاهی شروع به‌کار می‌کند معلوم نباشد درکدام یك ازنقاط در صدد تأسیس کتابخانه می‌باشند در نتیجه اولین دورهٔ محصلین به‌خرج دولت‌خواهند بود منتهی‌محصلین مزبورباید متعهد شوندکه به‌محض فراغ از تحصیل در هر نقطه‌ای که دولت معین خواهدکرد بروند وبه‌کار مشغول شوند ضمناً صلاح دراین است‌که انتخاب محصل ازتمام نقاط کشورباشد. درجایی که کتابخانه‌هایی دایر و به‌کار مشغولند ممکن است مسئولین‌امرنتوانندازاعضای خود صرفنظر کنند وآنان رابه‌کلاسهای کتابداری اعزام دارند در نتیجه دولت موظف است پیوسته تعدادی ازفارغ ـ التحصیلان را دراختیار داشته باشدتادر این قبیل موارد موقتاً جبران کسری اعضای کتابخانه‌های مزبور را بکنند .

د) اولین دستهٔ‌کتابداران،مقدمات تشکیلات قرائتخانه‌های عمومی‌را فراهم می‌آورند، وبه‌همان اندازه‌که قرائتخانه رو به‌پیشرفت می‌گذارد دسته‌های‌دیگری ازجوانان تازه وارد یا اشخاصی که کلاسهای کتابداری را گذرانیده‌اند به‌دستهٔ اول ملحق می‌شوند . سپس از میان جوانانی که پس‌از مدتی‌کار تجاربی اندوختند عده‌ای انتخاب شده برای تکمیل معلومات به کلاسها اعزام خواهند شد .

اعمال چنین‌روش سه نتیجه به‌قرار ذیل خواهد داشت :

۱ ـ هردفعه‌که طرح ونقشه‌ای‌یا ایجاد دستگاه جدیدی باید موردمطالعه قرار بگیردلازم است‌این‌وظیفه‌را به‌عهدهٔ کتابداران باتجربه وصالح واگذار کرد .

۲ ـ برای این منظور باید هیئتی که پیوسته ودر هرزمان به اسرع اوقات دردسترس باشد دراختیار داشت .

۳ ـ پیشرفت افزایش وتوسعه با پیشرفت تشکیل دستهٔ اعضای جدیدباید کاملا هم آهنگ وموزون باشد ، سبقت یکی بردیگری بی‌نتیجه است .

تحرك اعضا یعنی سهولت رفتن عضوی ازنقطه‌ای بنقطهٔ دیگر ویا انتقال ازپستی به‌پست دیگر حتی ازکادر ادارهٔ کل یا به‌عکس درامر توسعه، عامل‌مؤثری است. این موضوع به‌جوانی‌که‌استعداد و قابلیت خودرا درتوسعه وپیشرفت قرائت‌خانه‌های عمومی ثابت‌کرده است اجازه می‌دهد ازمقامی‌به‌مقامی‌بالاترارتقاءیافته دامنهٔ اختیارات خودرا وسیعتر نماید . بنابراین برای‌کتابداران این‌امکان‌هست که مشاغل متعددی را یکی‌پس‌ازدیگری به‌عهده‌گرفته بدینوسیله‌حدوداطلاعات و تجربیات‌خودرا درامورکتابداری‌وسیعتر نمایند.خلاصه‌اینکه‌تمام مشاغل‌کتابداری باید برای بهترین داوطلبان از هرطبقه ودر هرنقطه‌ای که ساکن باشندآزاد و سهل‌الوصول باشد .

ابتکارات محلی :

درموقعی‌که‌توسعه اجباراً‌قدم‌به‌قدم‌و‌با فواصل‌معینی‌انجام‌می‌گیرد‌بطورقطع تمام نواحی‌ومناطق‌ودهات‌وقصبات‌وحومهٔ‌شهرها نمی‌توانندیکباره‌دارای‌کتابخانه باشعبات وملحقات‌آن بشوند بلکه حتی درآغاز امرهم باید ازداشتن کتابخانه تا مدتی صرفنظر نمایند . اگردولت تصمیم‌گرفت نواحی ونقاطی راکه ساکنان آن درجهٔ علاقمندی خودرا ازتمام جهات معناً و مادتاً ثابت‌کرده بودند برسایرین مقدم شمرده بدانها کمکهای مؤثر نماید بهترین راه را برای تشویق وتحریك ساکنین سایر مناطق اتخاذکرده‌است.

منابع

عامل چهارم درحقیقت جزءِلاینفك عامل‌سوم‌می‌باشد. دولت بطور کلی درحدود مقدورات‌ومنابع اولیه به‌کتابخانه‌ها کمك کرده کتاب وعضو واثاثه در اختیار آنها وضمایمشان‌می‌گذارد ولی‌اگرمسئولین و ساکنین محلی‌ازکمکهای دولت برخوردار نشوند بسیاری ازکتابخانه‌ها فاقد تجهیزات کافی شده نمی‌توانندمقدماتی‌را که به‌گردن گرفته‌اند انجام دهند (مگر درمواردی که علاقمندان اخلاقاً ومآلاً نهایت فداکاری را به‌خرج داده بادست خالی و حداقل تجهیزات ، کتابخانه‌ای را به‌راه بیندازند) نتیجهٔ نهایی این امر بدین‌قرارخواهد بودبا این‌تفصیل هیچکس تصورنخواهد کرد کتابخانه‌ای‌جریان‌عادی خودرا یافته موجبات رضایت را فراهم آورد واگرهم بخواهد پس‌ازبیست یا پنجاه‌سال دست‌به‌اصلاحات بزندبطورقطع به‌شك وتردیدوبدبینی عمومی مواجه خواهد شد .

توسعه وافزایش کتابخانه ها ومردم :

دو عامل مهم‌دیگر دربرنامهٔ توسعه وافزایش کتابخانه‌ها اثرات زیادی‌دارد بدین‌قرار: ۱ ــ سطح معلومات وشخصیت اشخاصی‌که به‌کتابخانه‌هارفت‌وآمدمی کنند. ۲ــ وضع عمومی دستگاههای اداری کتابخانه‌ها .

وجود کتابخانه درجایی‌که مطالعه کننده‌یافت‌نمی‌شود بی‌ثمروبی‌نتیجه‌است. درتمام کشورها افرادی وجود داردکه باسوادند ولی ذوق ومیل‌مطالعه ندارند. دربسیاری‌دیگرازکشورها اشخاصی‌هستند که‌اگر‌به‌آنهاسواد یاددهند باکمال میل رغبت خواندن‌ومطالعه را پیدامی‌کنند. درجایی‌که نسبت بی‌سوادان به‌باسوادان فزونی دارد نباید انتظار داشت‌که‌تعداد مطالعه‌کنندگان درکتابخانه‌ها زیادباشد ولی این موضوع نباید مانع ازآن‌باشدکه بگوییم کتابخانه‌درآن‌نقطه ضرورت‌ندارد یااز تعدادآن‌کاسته شود. بلکه به‌عکس زمامداران ملتی‌که افراد آن‌ملت ،سواد نوشتن وخواندن رادارندواحتیاج مبرمی به‌تعدادکثیری کتابخانه‌دارندزیرامسئولیت این‌زمامداران ازنظرپیشوایا مربی‌بودن به‌اندازه‌ای‌سنگین‌است‌که‌بایدتمام وسایل ممکنه رادراختیار آنهاگذاشت‌تابتوانند وظایف محوله رادر هدایت افکار عمومی به‌نحومطلوب انجام بدهند.

دراینجا این‌پرسش پیش‌می‌آیدکه چگونه برای‌اقلیت فوق‌الذکر می‌توان کتابخانه‌های شایسته‌ای به‌طریق دیگری غیرازکتابخانه‌های معمولی ایجادکرد؟ دراین مورد ممکن‌است باصرفه‌جویی از تعداد کتابها که‌درآن کیفیت مراعات نشود منظور راعملی کرد . درچنین اجتماعاتی بطور یقین منابع‌مالی بسیار ضعیف‌است‌بنابراین لازم‌است برای‌ایجاد کتابخانه‌های بزرگ‌حداکثر صرفه‌جویی رادر امورمالی وتکرارتعویض کتابها معمول‌داشت. باتمام این‌تفاصیل ازانحلال شعبات بایدجلوگیری به‌عمل آورد زیرا بطور قطع روزبروز برعدهٔ با سوادان افزوده شده بدین‌ترتیب برتعداد مطالعه‌کنندگان اضافه خواهدشد. به‌هرصورت باید به‌این‌نکته‌توجه‌کرد‌که هرچه به‌عدهٔ باسوادان‌افزوده‌می‌شود بایدبه‌همان‌نسبت کتاب وکتابخانه دردسترس آنان‌گذاشت وبه‌همین مناسبت‌است‌که میان‌کتابخانه‌ها ودستگاههای تعلیم وتربیت باید تماس مستقیم وارتباط دایم برقرار باشد.بطور کلی‌نسبت‌بی‌سوادان دردهات وقصبات و مناطق دورافتاده بیش ازشهرهامی‌باشد وبطوری‌که‌تذکرداده‌شدتأسیس کتابخانه‌ها نیز دراین‌مناطق فوق‌العاده دشوارو پرخرج است بااین‌تفصیل باید باتمام مشکلات مبارزه‌کرد وحداکثرفعالیت را به‌خصوص درمناطق مزبور به‌خرج داد.

کتابخانه‌های عمومی وسایرکتابخانه‌ها:

اگر بگوییم‌که برنامه‌های توسعه و افزایش کتابخانه‌های کنونی مطابقت دارد حقیقتی است مبتذل.معذلك‌می‌توان ازاین‌راه نتایج قابل ملاحظه‌ای به دست آورد مخصوصاً اگربخواهیم معتقد شویم که درحال حاضر کتابخانه‌های عمومی وجود ندارد . بااین تفصیل‌در بسیاری‌از کشورها کتابخانه‌هایی وجود داردکه به‌هیچوجه‌جنبهٔ عمومی‌ندارند ازاین‌قبیل است کتابخانه‌هایی که با جمع آوری پول‌ازطرف‌اشخاص‌یا بوسیلهٔ مؤسسات‌کارگری ومذهبی یا سیاسی تأسیس‌شده‌اند . کتابخانه‌های مزبور به‌هیچوجه‌نمی‌توانند جایگزین کتابخانه‌های عمومی ازطرف ساکنین‌محل و به‌خرج آنها بدون هیچ‌قید وشرطی دراختیار عامه گذاشته شود ولی سایرکتابخانه‌ها دارای این‌عیب ونقص می‌باشندکه عموم‌افراد نمی‌توانندازآنها استفاده ببرند مگر درموارد استثنایی و باشروطی به‌قرار ذیل :

۱ــ استفاده ازکتابخانه باپرداخت حق ورودی باشد بنابراین اشخاصی‌که نتوانندیانخواهندحق ورودی‌رابپردازند ازورود بدانجا محروم هستند .

۲ ــ استفاده از کتابخانه محدود به‌یك‌دسته‌یاطبقات مخصوص ومعینی‌باشد.

۳ ــ کتابهای کتابخانه محدود به‌رشته‌های‌معینی‌باشد. فقطاشخاصی‌بتوانند ازکتابخانه استفاده کنندکه می‌خواهند در رشتهٔ معینی متخصص شوند .

۴ــ یا به‌عکس‌کتابها جنبهٔ عمومیت داشته اقلیت‌های علمی و تربیتی نتوانند مایحتاج خودرا ازاین نوع کتابخانه‌ها به‌دست‌آورند .

بالنتیجه درجایی‌که‌چنین‌کتابخانه‌هایی وجود دارد غیرممکن است آنهارا باکتابخانه‌های عمومی مطابقت‌داده‌همان استفاده را از آنها برد ووجود این کتابخانه‌ها نبایدسبب‌جلوگیری‌ازتأسیس کتابخانه‌های عمومی بشود بطور کلی علت تأسیس کتابخانه‌های خصوصی اغلب بواسطهٔ عدم وجود کتابخانهٔ عمومی‌در نقطه یا نقطه‌ای می‌باشد بنابراین‌به‌هر صورت که کتابخانه‌های خصوصی باشند باید وسایلی فراهم‌آورد که آنها را از این حالت‌بیرون‌آورده‌به‌صورت‌کتابخانه‌های عمومی درآورد ،ممکن است زمانی اولیای امورکتابخانه‌ها باتغییرصورت دادن‌آنهاجداً مخالفت‌ورزند ولی‌به‌هر طریق‌که ممکن است باید آنان‌را‌به‌این امرحیاتی راضی‌کرد. بهترین ومؤثرترین طریقه‌برای‌راضی‌کردن‌مسئولین‌کتابخانه‌های غیرعمومی این‌است‌که آنان برای تهیهٔ کتابهایی‌که کلیهٔ مردم بتوانند از آن‌استفاده ببرند راضی‌کرده ودرمواقع لزوم ازهمه حیث‌کمك داد، درصورتی‌که کتابخانه متعلق به‌یك شخص باشد باید قیمت آنرا پرداخت ضمناً خودوی رادر انجمن وکمیتهٔ محلی‌کتابخانه شرکت‌داد تا ازاین‌راه‌وسیلهٔ‌تشویق‌اورافراهم‌آورده به‌کار خوددلگرم کرد. پس‌ازانجام این عملیات‌مسئولین‌ومقامات محلی‌موظفنددر حسن‌جریان‌کتابخانهٔ‌جدید مراقبت کامل کرده‌دولت‌هم‌به‌نوبه‌درتقویت‌آن‌کمکهای مادی زیادی‌بکند ضمناً ارتباط آن‌را باسایرکتابخانه‌های عمومی فراهم‌سازد . درصورتی‌که ازطریق مذکوردرفوق‌نتوان باسایرکتابخانه‌های‌عمومی‌موفقیت‌حاصل

کردهیچ راهی جز تأسیس مستقیم این قبیل کتابخانه‌ها که در تحت مسئولیت مستقیم مقامات محلی باشد نخواهد بود ضمناً لازم است به دولت توصیه کرد که از کمك به کتابخانه‌های خصوصی که حاضر نشده‌اند کتابخانه‌های خودرا وقف مردم بکنند خودداری نماید. کمك دولت در مورد کتابخانه‌های عمومی باید زیاد قابل ملاحظه باشد زیرا در غیر این صورت کتابخانه‌ها از عهدهٔ امور به نحو شایسته برنیامده نمی‌توانند احتیاجات مطالعه کنندگان را برآورده نمایند. بهترین طریقه آن است که در مورد کتابخانه‌های ملی سابقاً تذکر دادیم و آن امانت دادن متوالی و دایمی مجموعه‌های کتاب به کتابخانه‌های کوچك می‌باشد، امانت هم باید مجانی و بلاعوض باشد، کتابخانه‌های پولی می‌توانند قرضی در حدود ۴ لیره (۴۰۰۰ فرانك) یا ۵ لیره (۵۰۰۰ فرانك) در مقابل هر صد جلد کتاب بگیرند با این ترتیب طولی نخواهد کشید که کتابخانه‌های خصوصی برای صرفه‌جویی کتابخانه‌های خود را به صورت کتابخانه‌های عمومی در آورند.

لزوم مجانی بودن کتابخانه‌ها:

در بعضی از کشورها عادت بر این جاری است که هرگونه کتابهایی را (به استثنای کتابهای داستان و حکایت که برای تهیهٔ آن مقدار کمی پول خرج می‌شود) مجاناً در دسترس عامه می‌گذارند چنین روشی شایسته مستحق نخواهد بود زیرا هیچ کتابخانه‌ای نباید سرمایه و اعضای اداری و ساختمان و تشکیلاتش را فدای به جریان گذاشتن کتابهایی بکند که به هیچوجه برای جامعه مفید نباشد. البته اگر کتابهایی که در دسترس عامه گذاشته می‌شود به حال آنان مفید واقع بشود لازم است مجانی و بدون هیچگونه قید و شرطی باشد در صورتی که اشخاصی بخواهند از کتابهای بدون ارزش و از درجات پست استفاده کنند بهتر است مستقیماً آن کتابها را خریده در خانه‌های خود بخوانند. ضمناً این موضوع را باید متوجه بود که بسیار مشکل است حد فاصلی بین کتابهای خوب و کتابهایی که کمتر مفید هستند قائل شد.

کتابهایی که ارزش فرهنگی و علمی و ادبی دارد فقط مورد نظر دانشمندان و متخصصین و محققان می‌باشد این اشخاص هم از پرداخت حق ورودی مثل سایر مردم امتناع نورزیده حاضر به پرداخت هر مبلغ می‌باشند. ولی تشخیص اشخاصی که حاضر به پرداخت پول هستند با کسانی که نمی‌توانند حقی را بپردازند نیز مشکل و دشوار تر است بعضی از کتابخانه‌ها برای جبران این نقیصه تعدادی از مجموعه‌های مجانی را پس از استعمال مکرر آنها در مجموعه‌های پولی قرار می‌دهند.

بطور خلاصه باید گفت که کتابخانه‌های عمومی موظفند بهترین کتابها را برای تقویت و تربیت روح و به اندازهٔ قابلیت و استعداد اشخاص مجاناً و بلاعوض و بدون در نظر گرفتن مقام و مذهب و نژاد در دسترس آنان بگذارند.

طرح برنامه

برنامهٔ مشخص و معین افزایش و توسعهٔ کتابخانه‌ها در هر کشوری تابع اجرای اصول مختلفی می‌باشد زیرا اعمال یك روش در تمام کشورها که با اوضاع آن مطابقت داشته باشد غیر ممکن و غیر عملی خواهد بود. در نتیجه یادداشتهای ذیل فقط تذکری است که ممکن است در موقع تنظیم برنامه مورد استفاده ذینفعان قرار بگیرد. ما در اینجا وضع کشوری را در نظر می‌گیریم که تاکنون فاقد دستگاههای کتابخانه می‌باشند و طرحی را که ذیلا متذکر می‌شویم ممکن است مورد استفادهٔ این قبیل کشورها واقع شود:

۱ ــ انتخاب یك کمیسیون دولتی (یا ملی) کتابخانه‌ها مأمور بررسی در اوضاع و احتیاجات و مطالعه در وضع سایر کشورها و مشاوره با متخصصین فن و تهیه و تدوین گزارشهای عمومی.

۲ ــ پذیرفتن مقررات و قوانینی که به وسیلهٔ آن بتوان یك ادارهٔ دولتی کتابخانه‌ها که حدود اختیارات آن معین و مشخص باشد تأسیس کرد وضع قوانین و مقررات کلی برای کتابخانه‌ها به طریقی که حدود اختیارات مقامات محلی و مقامات دولتی در آن معین شده باشد ولی این قانون نباید به نحوی باشد که دست ادارهٔ دولتی کتابخانه‌ها را بسته از اختیارات و قدرت آن بکاهد.

۳ــ تشکیل یك سازمان دایمی مرکب از یك ادارهٔ کل که در رأس آن یك رییس که به اتفاق چند نفر معاون و عضو کار خواهد کرد قرار داشته باشد.

۴ ــ رییس و اعضای مذکور اختیار خواهد داشت سازمانها و نوع ادارهٔ کتابخانه‌های عمومی را مورد مطالعه قرار داده به سایر کشورها برای مطالعه مسافرت کرده با متخصصین فن مشورت نمایند.

۵ ــ اداره و مدیر کل موظفند هیئتی از اشخاص بصیر و با شخصیت را انتخاب کنند که با داشتن اختیارات تام در خصوص توسعه و افزایش کتابخانه به محلها و نقاط مختلفه رفته به عنوان متخصص تمام قسمتها و شعبات مربوط به مدارس و اطفال و مدارس حرفه‌ای، مراکز فهرست‌ها، دستگاههای منابع و مآخذ و امور اداری و مالی وغیره و بطور خلاصه تمام قسمتهایی که تجربهٔ امور مربوط به کتابخانه را زیاد می‌کند مورد مطالعه و بررسی قرار بدهند.

۶ ــ در خلال این مدت ادارهٔ کل مربوط (وزارت فرهنگ یا وزارت صنایع مستظرفه وغیره) خواهد توانست بررسیهایی در خصوص منابع و احتیاجات کتابی کتابخانه‌ها به عمل آورده و وسایلی برای انتشار کتابها و رسالاتی که به زبان آن کشور باشد فراهم آورد.

۷ ــ ایجاد کلاس کتابداری که محصلین آن از میان اشخاص با تجربه‌ای که پس از خاتمهٔ کلاس بتوانند ادارهٔ امور شبکه‌های محلی را که بعداً تأسیس خواهد شد برعهده بگیرند انتخاب خواهد شد، آموزشگاه کتابداری تمام مخارج تحصیلی را باید عهده دار شود.

۸ ــ مدیر کل کتابخانه‌ها و معاونین او موظفند نقشه‌های مفصلی که جزئیات در آن مراعات شده باشد برای ادارهٔ امور تمام کتابخانه‌های کشور تنظیم نمایند ضمناً لازم است نقشه‌های کلی دیگری برای شروع به کار فوری به مورد اجرا بگذارند، در این نقشه‌ها اعتبارات و اعضاء و وسایل و مجموعه های کتاب و ساختمان باید با دقت لازم مورد بحث قرار داد تا با تادر نظر گرفتن وضع و موقع محلی به مرحلهٔ عمل درآید.

۹ ــ تقاضای کمك نقدی از دولت برای:

۱ ــ دستگاه اداری کتابخانه‌ها.

۲ ــ برای در اختیار گذاشتن اعتباراتی به مقامات مسئول محلی.

۱۰ ــ تعیین شرایطی که کمك نقدی دولت باید در اختیار مقامات مسئول محلی گذاشته شود. مباحثهٔ دقیق این مسائل با انجمنها و کمیسیونها و نمایندگان مقامات محلی به منظور جلب کمك و استفاده از تجربیات آنان. در اینجا باید دقت کرد که کدامیك از مقامات محلی بیشتر به ایجاد

وتأسیس کتابخانه ها تمایل زیادتر دارند برای گرفتن کمك بههمانجا باید مراجعه نمود . ضمناً این مراتب را بایدمراعات کرد :

۱ـ درچه‌نقطه‌ای ایجادکتابخانه‌ای نتایج مطلوب و فوری خواهد داد ؟

۲ـ توجه‌مقامات محلی تاچه‌اندازه به‌کتابخانه‌هایی‌که تأسیس می‌شودمعطوف است وامکان‌کمك مالی‌آنان تاچه‌مقدار خواهد بود ؟

۳ ـ هرکتابخانه تاچه حدمی‌تواند قابلیت بسطوتوسعه داشته‌ومی‌توان‌شعبات وملحقاتی بدان اضافه‌کرد وآیامی توان آنرا مرکزی برای استفاده‌ازکتابخانه‌های سیارکرد ؟

۴ ـ قدرت تظاهرکتابخانه ها تا چه پایه خواهد بود ؟

کتابخانه‌ها و دستگاههای اداری آنهارا نباید حتی الامکان درکشوری پراکنده کرد بلکه نقاطی را انتخاب کندکه ازهرحیث‌استعداد داشتن‌کتابخانه را داشته باشد .

۱۱ ـ پس‌ازرعایت مواردفوق‌الذکر باید تمام وسایل ممکنه را دراختیار مقامات محلی برای شروع به‌کارگذاشت، بطوری که سابقاً متذکر شدیم‌کمك باید به‌طریقی باشدکه اولیای امور بتوانند مقدارکافی کتاب‌خریده لوازم و اثاثه و ساختمان وآنچه راکه‌تأسیس‌کتابخانه‌ای احتیاج داردفراهم‌نمایند . درهمین‌زمان است‌که‌دستگاه‌اداری‌باید موازی‌باموارد مالی شروع‌به‌کار بکند .

۱۲ ـ تذکر به‌اینکه با چه روش اداری باید شروع‌به‌کارکرد بسیارمشکل است زیرا این موضوع با شرایط موجود هر محلی‌بستگی‌تام وتمامی‌دارد. معذلك برای راهنمایی نقشهٔ ذیل را در اختیار کشورهایی‌که هنوز سرویسهای کتابخانه درآنجاها دایرنشده است می‌گذاریم:

۱ ـ ایجادکتابخانهٔ‌مرکزی‌مجهزی برای دادن امانت در شهری‌که مرکز اداری‌کتابخانه‌های دولت می‌باشد.

۲ ـ تأسیس‌یك کتابخانهٔ مجهز محصلین و ایجادتشکیلات همکاری‌میان آن مرکز وکتابخانهٔ شهرداری . دراین صورت مخزن اصلی بوجود می‌آید که می‌تواند درهرموقع‌کتابهایی راکه‌مورد احتیاج فوری وضروری بعضی ازاشخاص معین‌می‌باشدبه‌وسیلهٔ‌پست دردسترس آنان بگذارد .

۳ ـ ایجاد کتابخانه‌های مجهز امانت و فهرستها برای مراجعه درهریك از شهرهای بزرگ‌استانها بهترین وسیله است برای حسن جریان دستگاههای اداری‌کتابخانه‌ها واز مرکزیت‌انداختن امور اداری کل کتابخانه‌های دولت می‌باشد .

۴ ـ ایجاد بعضی از کتابخانه‌هایی که جنبهٔ‌عمومیت داشته و به‌خصوص اساس آن برروی حوایج کودکان و بزرگسالان که درصددآموختن ونوشتن وخواندن یا آنهایی که‌متصدی‌تعلیم وتربیت این‌قبیل اشخاص می‌باشندریخته‌شده باشد وتکثیر این‌قبیل کتابخانه‌هادرصورت‌وجوداعتبار ووسایل‌لازم.

۵ ـ توسعهٔ بعضی شبکه‌های کامل (شبکه‌های‌شهری وقصبات) ازدیادارتباط آنها با مرکز اداری حومه وشعبات و کتابخانه‌های سیار ومراکز دیگر .

۶ ـ بسط دستگاههای شهری و توسعهٔ شعبات آن‌که‌شروع آن بایدباایجاد شعباتی در محلات ممتاز ویا معروف‌شهر بشود .

۷ـ ازدیادتدریجی تعدادشبکه‌های حومه و شهر با توجه به‌این طبقات و نکات :

الف) اشخاصی‌که به‌راستی احتیاج به‌کتاب دارند .

ب) اطفال ومعلمین .

ج) مبارزه برضد بیسوادی.

درجایی‌که‌کتابخانه‌های‌عمومی‌هنوز درمراحل‌اولیه سیرمی‌کنند بایدبه‌نکات ذیل توجه‌کرد :

۱۳ ـ می‌توان به‌نکات وتذکراتی که در بندهای ۱ تا ۹ مذکورشده‌مراجعه کرد وآنها را مورد استفاده قرارداد .

۱۴ ـ باید طبق مفاد بند۱۰ عمل کرد. به‌کتابخانه‌های‌موجودیاکتابخانه‌هایی‌که درحال‌تأسیس می‌باشندبایدعطف توجه زیاد مبذول داشت.زیرا ترقی و پیشرفت در این قبیل موارد فوق‌العاده سریع انجام‌می‌گیرد. به‌همین واسطه‌است که بایدکمکهای مادی و معنوی قبلا به‌کتابخانه‌هایی که وجود دارد بشود زیرا در این‌کتابخانه‌کتاب به‌اندازهٔ‌کافی وجود داشته وساختمانهایی برای‌آن تخصیص داده شده است ودیگر احتیاجی به استخدام عضوجدید نخواهدبود.

درصورتی‌که درکشوری‌کتابخانه‌های عمومی مجهز ومکملی وجود داشته باشد مراتب ذیل را باید درنظرگرفت:

۱۵ ـ باید به اصول کلی که کتابخانه‌های عمومی را تقویت می‌کنند متوسل شد . اگر درکشوری دستگاه اداری دولتی وجود نداشته باشد باید دستگاهی ایجادکردکه با اوضاع محلی متناسب باشد . اگر تسهیلاتی درامر تربیت فن‌کتابداری به‌اندازهٔ‌کافی درکار نباشدلازم است‌باوسایل‌ممکنه‌دستگاههای تربیتی را تقویت ومجهز نمود . به وضع زندگی‌وحقوق‌اعضا وشرایط‌کار وانتخاب مجموعه‌های‌کتاب باید توجه‌کامل مبذول داشت .

۱۶ ـ باید سعی‌کردکه در حدود امکان باایجادتشکیلات منظم‌همکاری‌سهل و آسان و باصرفه ، شبکه‌های کوچك کتابخانه‌ها را بایکدیگر درهم‌آمیخته و نزدیك‌کرد .

۱۷ ـ باید مجاهدت‌کردکه نقاط ضعف را پیداکرده در تقویت‌آنها اقدام نمود .

۱۸ ـ جاهای خالی باید پرشود بطوری‌که درکشوری هیچ نقطه‌ای بدون کتابخانه نباشد .

۱۹ ـ برای نشان دادن اهمیت کتابخانه‌ها وجلب‌مراجعین ورفع‌احتیاج آنان نباید ازهیچ‌کوششی خودداری‌کرد و به‌تمام وسایل‌ممکنه برای‌رسیدن‌به‌این هدف باید متوسل گردید .

روش ادارهٔ‌کتابخانهٔ‌کوچك

اهمیت واثرکتابخانهٔ عمومی

منظور ازتدوین این جزوه‌آن‌است که طرز تنظیم یك کتابخانهٔ‌کوچك در مدرسه یا ده به‌سادگی تمام معلوم‌گردد. کتابخانه‌چه‌کوچك‌باشد وچه بزرگ‌باید چنان منظم و مرتب باشدکه به سهولت و فوریت‌بتوان دانست‌که‌کتاب موردنظر درآنجا هست یا نیست واگر هست در کجاست. بنا براین‌فرق نمی‌کندکه‌کتابخانه صدکتاب داشته باشد یاصد هزار یاده ملیون . آنچه مهم‌است نظم و روش است .

کتابخانه از هنگامی پیدا شده‌است که اندیشهٔ‌آدمی برروی‌گل پخته ضبط و نوشته می‌شد .کتابخانه‌ها به‌علت‌کیفیت کتبی‌که مالك‌هستندومراجعه کنندگانی

که دارند به‌چند نوع تقسیم می‌شود:

۱ ــ کتابخانه‌های بزرگ برای دانشمندان‌واهل‌تحقیق‌مانندکتابخانه‌های ملی وکتابخانه‌های دانشگاهها .

۲ ــ کتابخانه‌های اختصاصی و فنی مانندکتابخانه‌های‌موزه‌ها ومجامع علمی.

۳ــ کتابخانه‌های **مدارس** و کتاب‌خانه‌های عمومی .

کتابخانه‌های عمومی برای هرطبقه از مردم‌خواهدبود. جوان وپیر، توانگر و بینوا، تازه باسواد ودانشمند، می‌توانند ازکتابخانهٔ عمومی طبق ذوق ومیل‌خود کتاب بگیرد و بخوانند .

کودکان به‌خوبی خواهند توانست که ساعات درازی ازعمر را درگوشهٔ‌آرام و آسودهٔ‌کتابخانه‌بگذرانند و بایدآنان را چنان پرورش دادکه ازکودکی باکتاب و کتابخانه خوبگیرند .

کتابخانهٔ عمومی ، مرکزی است‌که اطلاعات مختلف را در زمینه‌های مختلف علمی وفنی بوسیلهٔ کتب متنوعی‌که دارد به‌علاقمندان می‌آموزد . کتابخانه‌های عمومی در جهان امروزکارهای‌مختلف‌را متعهد هستند . هم کتب ومدارك‌را در اختیار دارند وبه‌مردم قرض می‌دهند و هم‌باایجاد نمایشگاهها وایرادکنفرانسها و سراییدن‌قصه ونواختن صفحات‌موسیقی مردم وکودکان را سرگرم‌می‌دارند...

کتب‌کتابخانهٔ عمومی باید با توجه به محیط و استعداد ونوع احتیاج‌مردم جمع آوری شود .

اما در درجهٔ اول وظیفهٔ کتابخانهٔ عمومی است‌که‌کتب ونشریاتی را جمع کندکه موجب پیشرفت و تربیت فکر خواننده وهدایت وارشاد اوبشود و به‌اصطلاح‌اوراچنانکه‌باید و شاید «بسازد» البته دریك‌کتابخانهٔ عمومی‌بایدآثارمهم ادبی‌کهن‌ومعاصر(متون‌اصلی‌یاترجمه‌های خوب) وکتابهای جدید در شناختن‌علوم و معارف انسانی (خواه راجع‌به‌مملکت و خواه راجع به‌دنیا) در اختیار داشته باشد.

از اهم‌کتبی‌که باید دریك‌کتابخانهٔ عمومی باشدکتبی است‌که برای جوانان تهیه می‌شودو بایدمجموعهٔ‌قابلی‌ازاینگونه کتابها درکتابخانه‌فراهم‌گردد .

مجله‌ها وروزنامه‌ها نیز درکتابخانهٔ عمومی‌جمع‌آوری می‌شود . میزان کتبی‌که برای یك‌کتابخانهٔ عمومی جمع‌آوری خواهد شد ارتباط‌کامل با تعداد جمعیت‌ناحیه‌ای داردکه ساکنانش ازآن‌کتابخانه استفاده خواهند کرد (اکنون در ممالك‌مترقی برای‌هرفرددو کتاب درنظر می‌گیرند). البته‌درمملکت ما باکمی تعداد باسواد وکم بودن‌عدهٔ کتب بایدکوشیدکه‌کتب مفید و کتبی‌که خواننده خواهد داشت در یك‌کتابخانه جمع بشود ونباید هراسیدکه تعدادکتب از دویست یاسیصد درآغازبیشتر نیست. هرکتابخانه درابتداکوچك است وروز‌به‌روز بروسعت‌آن افزوده می‌شود.

کتابدار

نظم وپیشرفت‌کتابخانه پیش از هرچیز بستگی به‌دانایی وفعالیت‌کتابدار دارد. اگرکتابخانه‌منظم نباشدطبیعتاً‌قابل استفاده نیست و درچنین‌صورت آنرا باید به«گورستان‌کتاب» تعبیر کرد.

کتابدار به‌معنای واقعی ازین‌صفات وکیفیات برخوردار خواهد بود :

شناختن ودوست داشتن کتابهای کتابخانه .

متبحر بودن درحرفهٔ خود .

مهربان‌بودن‌نسبت به‌مردم وطبقه‌ای که به اومراجعه می‌کنند .

بصیر بودن درایجاد ترتیبی‌که‌مردم را به‌خواندن‌کتاب ترغیب وتشویق‌کند. همواره بخواهدکه از شیوه‌های نوین کتابداری مطلع باشد .

مراحلی‌که‌کتابداردرتنظیم وترتیب کتاب بایدبگذراند بطورخلاصه به‌شرح زیر است :

۱ ــ تهیهٔ‌کتاب (ازراه‌خریدن‌یا هدیه‌گرفتن).

۲ ــ آماده ساختن‌کتاب برای‌ضبط درقفسه.

۳ ــ طبقه‌بندی وفهرست‌نویسی.

۴ ــقرض‌دادن.

مجموعهٔ کتابخانه

انتخاب‌کتاب

یکی‌از مهمترین نکات‌که‌درتشکیل کتابخانه بایدموردنظر باشدانتخاب‌کتاب است . وظیفهٔ‌کتابدار است‌کتابهایی را انتخاب‌کندکه خواستار و خواننده‌داشته باشد ، یااینکه ازنظر اطلاعات‌کلی‌مورد استفاده قرارگیرد .

برای‌انتخاب‌کتاب بایدسلیقهٔ‌مختلف خوانندگان‌ووضع محیط وشغل وحرفه‌ای راکه مردم محل دارند درنظر گرفت و مطابق احتیاجات به‌خرید و تهیهٔ‌کتاب اقدام‌کرد . اگربرای‌کتابخانه شورایی تشکیل دهند تا نظرمشورتی اعضا رادر خریدکتاب بخواهند این منظور تا حد بهتری تأمین می‌شود .

در انتخاب‌کتاب‌کتابدارمی‌تواندبا استفاده از مجلاتی‌که نسبت به‌خوب وبد کتابها انتقاد و اظهارنظر می‌کنندکتب خوب و برازنده را بشناسد وهمانها را سفارش بدهد . برای این‌منظور دردرجهٔ اول خواندن مجله‌های راهنمای‌کتاب و انتقادکتاب‌لازم است.مجلهٔ سخن‌نیز نسبت به‌پاره‌ای ازکتابهاانتقاد ومعرفی منتشر می‌کند .

خریدکتاب

در خریدکتاب‌لازم‌است‌که‌درصورت امکان‌کتب را ازکتابفروشی محل‌خرید تاکمکی‌هم به او بشود ودرهرحال باید کتابفروش‌را واداشت‌که حداکثرتخفیف را مراعات‌کند . برای‌کتبی‌که سفارش خرید داده می‌شودبایدورقه‌ای تهیه‌کرد وآنها را به‌ترتیب الفبایی اسم‌کتاب یا اسم مؤلف منظم نگاهداری‌کردتاموقعی که‌کتاب به‌کتابخانه برسد . این ورقه‌ها برای این‌است‌که همواره بدانیم که چه کتابهایی سفارش داده‌شده است .

شکل این ورقه‌هاکه چاپی‌خواهد بود یا بادست نوشته می‌شود به‌شرح زیر می‌تواند باشد :

> هدایت ، صادق
>
> سه قطره خون ، چاپ سوم.
>
> امیر کبیر، تهران، ۱۳۳۶ ش.

ورودکتاب

وقتی‌کتاب به‌کتابخانه رسید اگر اهدایی‌است‌بایدرسیدآن‌راضمن‌اظهارتشکر به‌فرستندهٔ کتاب نوشت. واگرخریداری است‌بایدبه‌صورت حساب‌آن‌رسیدگی‌کرد سپس اسم ومشخصات‌کتاب در«دفترثبت» به ترتیب شمارهٔ ردیف به ضبط رسانید. **این دفتر همواره نمایندهٔ موجودی کتب‌کتابخانه خواهد بود.** دفترثبت‌از شمارهٔ یك به‌بعد شماره‌گذاری می‌شود.

نشریات دوره‌ای

نشریات‌دوره‌ای عبارت‌ازمطبوعاتی

است که بطور ماهانه یا هفتگی یا روزانه نشر می‌شود. طبعاً اگر منظم برسد برای آنها نیز ترتیب دادن فهرست مجزا لازم خواهد بود تا به‌وسیلهٔ آن فهرست تفتیش ورسیدگی در مورد رسیدن یا نرسیدن نشریات دوره‌ای امکان داشته باشد. البته اگر دو برگه برای هر نشریه تهیه شود که یکی بطور جداگانه و یکی در فهرست عمومی کتابخانه ضبط شود بهتر است.

مهر کردن

پس از این که ثبت کتاب در دفتر ثبت عملی شد نوبت مهر کردن کتاب است. بدین معنی که با مهر مخصوص کتابخانه مانند نمونه‌ای که دیده می‌شود.

کتابخانه ...

کتاب را مهر می‌کنیم. البته جای مهر کردن جای مشخص وعبارت است از: صفحات اول و آخر کتاب ویك صفحه معین که در تمام کتابها همان صفحه مهر می‌شود. غالب کتابخانه‌ها عدد صفحهٔ ۴۹ یا ۹۹ را انتخاب می‌کنند.

طبقه بندی

اکنون نوبت طبقه‌بندی کتاب است. به چه شیوه باید کتابها را مرتب کرد که خواستار کتاب و مراجعه کننده بتوانند کتاب مورد احتیاج را بیابد؟ میان کتابدارهای جهان در مورد طبقه بندی کتاب اختلاف نظر هست و برای کتابخانه‌های مختلف (ملی، عمومی، اختصاصی، دانشگاهی) شیوه‌های مختلف اعمال می‌شود(۱) دو روش کنونی عبارت است از:

یکی روش ده‌دهی معروف به دیوئی که بنای آن برموضوعی بودن کتب است.

دیگر روش اندازه (قطع کتاب) که کتب را برحسب قطع‌های مختلف بدون توجه به موضوع آنها می‌چینند ودر فهرستها رعایت تقسیم بندی موضوعی را می‌کنند.

اکنون در کتابخانه‌های مدرسه‌ها و کتابخانه‌های عمومی غالباً روش دیوئی (ده دهی) را رعایت می‌کنند و در این رساله نیز همین روش برای مدارس و کتابخانه‌های عمومی آموخته می‌شود.

اساس طبقه بندی روش دیوئی این است که کتب را به ده قسمت (ده موضوع تقسیم می‌کنیم و درهر قسمت کتابها را به ترتیب الفبایی اسماء مؤلفین قرار می‌دهیم. اما باید توجه داشت که هریك از این ده قسمت نیز تقسیمات جزیی‌تر را ایجاب می‌کند. پس هریك از ده قسمت اصلی خود به ده قسمت دیگر قابل تفکیك وتجزیه خواهد بود ودر این تقسیم بندی می‌توان به ــ اندازه‌ای که مورد احتیاج باشد پیش رفت.

آقای علی‌اکبر جانا جدول دیوئی را با تغییراتی که برای کتابخانهٔ کوچك لازم است برگردانده‌اند. ودر صفحات بعد عیناً درج شده است.

چگونه یك کتاب را طبقه بندی می‌کنیم

برای طبقه‌بندی کردن هر کتاب باید ابتدا با دقت موضوع آن را مطالعه کرد و بعد در جدول تقسیم‌بندی شماره‌ای را پیدا کرد که موضوع کتاب با آن کاملا تطبیق کند.

برای اطلاع یافتن برموضوع کتاب به نام آن نمی‌شود اکتفا کرد، چه بسا که باید جز فهرست مندرجات به مطالب آن نیز بطور جسته گریخته توجه کرد یا صفحاتی از آن را خواند تا موضوع را به‌ـ خوبی دریافت.

طبقه بندی کتابخانه‌های کوچك

برای طبقه‌بندی کتابخانه‌های کوچك استفاده از جدول ساده کفایت می‌کند. حتی در کتابخانه‌ای که در حدود دویست جلد کتاب دارد کافی است که کتابها به ده قسمت اصلی تقسیم شود ودرصورت لزوم در قسمت ۹ کتب تاریخ و جغرافی و سرگذشتها به سه قسمت منقسم وهر قسمت را به نشانه‌های B(س) و ۹۳ و ۹۲ مشخص کرد. کتب داستان (رمانها) به ترتیب حروف الفبایی مؤلفین منظم خواهد شد. (با مشخص کردن دو حرف اول اسم مؤلف یا افزودن حرف «د» بربالای اسم مؤلف به شکل زیر:

۵	۵
د ش (دشتی)	ه د(هدایت)

در مورد کتابخانه‌هایی که دارای دویست تا هزار جلد کتاب باشد استفاده از حتی جدول دورقمی کفایت می‌کند.

برای کتابخانه‌هایی که تعداد کتب آن از هزار جلد درمی‌گذرد باید جدول سه رقمی را به‌کار برد.

گسترش طبقه بندی

اگر کتابخانه‌های کوچك که با استفاده از یك طبقه بندی ساده منظم شده است گسترش یافت برای طبقه‌بندی جدید لازم نخواهد بود که شماره‌ها را تغییر داد. فقط کفایت می‌کند که طبق جدول سه‌رقمی به‌طرف راست نشانهٔ قبلی رقم فرعی جدید را افزود.

فهرست

فهرست (کاتالك) کلید کتابخانه است برای اینکه بدانیم چه کتابهایی در کتابخانه وجود دارد باید فهرستهای مختلف و منظم برای کتابخانه تدوین و منظم کرد. البته پس از اینکه فهرستها تدوین ومنظم شد کار ساده و آسانی به نظر می‌آید، اما برای کتابدار که باید فهرست را آماده کند از کارهای دشوار وعالمانه است. اگر در فهرست کتاب یك نکته‌ای نادرست باشد سبب گمراهی مراجعه کننده خواهد بود وچه بسا که موجب پیدا نشدن کتاب در کتابخانه‌ای بشود. پس در تدوین فهرست رعایت کمال دقت و نکته بینی از واجبات است. به‌همین علت فهرست را باید براساس علمی ودقیق ومراعات قواعد منطقی ویك نواخت تهیه کرد.

فهرست کتابخانه‌های بزرگ هرچند سال یك بار از روی برگه‌ها نقل و به‌صورت کتاب طبع می‌شود. اما در کتابخانه‌های کوچکتر فهرستها به صورت برگه نگهداری می‌شود.

آماده کردن کتاب برای مخزن

پس از اینکه شمارهٔ کتابها معلوم و برگهٔ آنها تهیه شد موقع آن است که شماره‌ـ گذاری وپاکت چسبانی کتابها عملی شود تا بتوان آنها را درجای خود در داخل قفسه قرار داد.

شماره نویسی

شماره‌ای که به کتاب داده می‌شود دو جای کتاب ضبط می‌شود:

۱ ــ روی صفحهٔ عنوان یا پشت آن.
۲ ــ روی عطف کتاب.

معمولا شمارهٔ روی عطف کتاب را با مرکب سفید می‌نویسند واگر مرکب سفید در دسترس نباشد شماره گذاری روی عطف باید به‌اندازهٔ معین باشد و بطورعادی دو سانتیمتر کافی است و می‌توان برچسبی گرد به‌قطر دوسانتیمتر برقسمت انتهای

---

۱ ــ بحث تفضیلی دربارهٔ روشهای مختلف در اینجا مفیدفایده نیست وچون منظور ما فقط تنظیم کتابخانه‌های عمومی کوچك ومدارس ودیه‌هاست از روش دیوئی (و آن هم شیوهٔ سادهٔ آن) بحث می‌کنیم.

عطف چسبانید و شماره را بـرروی آن نوشت .

پاکت وورقهٔ امانت‌کتاب

بعد از اینکه کتاب‌شماره گذاری شد باید پاکتی که به‌اندازهٔ ۸×۱۳سانتی‌متر است برقسمت داخلی پشت جلد دست چپ (درکتب خط‌فارسی) یا دست راست (درکتب خط‌لاتین) چسبانید . روی این پاکت‌نمره ومشخصات‌کتاب نوشته‌خواهد شد . روبه‌روی‌این پاکت یعنی‌روی‌آستر بدرقهٔ‌کتاب (ورقهٔ سفیدی‌که معمولا بین جلد وخودکتاب قراردارد) ورقه‌یا برگهٔ ورودکارت چسبیده‌می‌شودکه درآن‌تاریخ برگشت‌کتاب ذکر خواهد شد .

خدمات عمومی کتابخانه

مجموعهٔ‌کتابهای‌خواندنی‌وبرگزیده، شیوهٔ آیین صحیح کتـابداری ، محـل مناسب وقفسه بندی خوب، کتابداردلسوز و دانا از عوامل اساسی کتابخانهٔ‌آراسته و منظم است .

هرکتابخانه‌برای‌خود دارای‌آیین‌نامه‌هایی خواهد بودکه درآن مـقررات مربوط به‌روش‌کارکردن اعـضاء وطـرز استفاده کـردن مراجعه‌کنـنـدگـان از کتابخانه بیان می‌شود .

نکات زیر از مسایل اساسی‌است‌که باید درآیین‌نامه ذکرشود :

۱ ــ روزها و ساعات بـاز بـودن کتابخانه ــ البته کتابخانه بایدبه حـد اکثر ممکن باز باشد .

۲ــ شروط امانت‌دادن‌کتاب.

الف: رایگان.

ب : عدهٔ‌کتبی‌که امانت‌داده‌می‌شود.

ج : مدت‌امانت.

د : جریمه برای مدت تأخیر پس‌دادن‌کتاب .

ه : مقررات اسم نویسی .

۳ ــ سفارشهای لازم به مـراجعه‌کنندگان برای‌نگاهداری‌کتاب به‌نحوی که پاره وچرك وگم‌نشود .

نام نویسی

کتابخانه‌ها غالباً مراجعه کنندگان خود را می‌شناسند و مـی‌دانند که هـر مراجعه‌کننده‌به‌چه میزان رعـایت نظم و ترتیب و مقرراترا می‌کند . اما باوجود این باید نام‌نویسی و استفاده‌ازکتابخانه طبق شروط ومقرراتی باشد و اسم کلیـهٔ مراجعه‌کنندگان همیشه در دسترس باشد که بتوان در مواقع لازم به مراجـعه‌کنندگان دسترسی‌پیداکرد وباآنهادرصورت لزوم مکاتبه‌کرد .

یکی از شروط اسم‌نویسی به منظور استفاده ازکتابخانه باید این باشدکه یا کتابخانه خواننده را بشناسد و یا اینکه معرفی که معروف کتابخانه باشد او را معرفی‌کند .

خوانندهٔ‌کتاب ابتدا بـاید ورقـهٔ درخواست عضویت را تنظیم کند و سپس کتابخانه به اوکارت عضویت بدهد .

امانت دادن

عموم مردم دوست دارندکه کتابرا در مواقع استراحت وبیـکاری در خـانه بخوانند . روش صحیح امانت‌دادن‌کتاب منوط به دواصل خواهد بود : یکی‌آنکه گیرندهٔ‌کتاب‌آنرا ازگم‌شدن وپاره شدن محفوظ نگاه‌دارد وصحیـح و سالم بـاز گرداند .

دیگر اینکه‌کتابخانه‌دراسرع‌اوقات وسهل‌ترین صورت و باکمترین تشریفات کتابرا در اختیار خواستار بگذارد .

درکتابخانه‌های‌کوچك قرض دادن کتاب به‌طریق زیر است :

برای هریك‌کتاب یك ورقهٔ عمومی که‌آنرا «ورقهٔ مخزن» مـی‌توان نامیـد تهیه می‌شود. این اوراق به‌ترتیب‌الفبایی نام مؤلفین منـظم و در جـعبهٔ مخصوص نگاهداری می‌شود . وقتی‌کتاب‌به‌گیرندهٔ کتاب داده شدتاریخ خروج ونام‌گیرنده درآن نوشته خواهد شد وپس ازبرگشت کتاب‌تاریخ‌برگشت درآن ذکرمی‌گردد.

این شیوهٔ ساده برای‌کتابـخانه‌های کوچك مدارس وده‌هاکافی است.

روش یك برگه‌ای

برای‌کتابخانه‌های بزرگـترمرسوم این‌است‌که‌درداخل‌جعبهٔ‌کتاب به‌شرحی‌که پیش از ایـن گفتیم پاکتی یاکنـاره‌ای چسبانده می‌شودکه‌داخل‌آن«کارت‌کتاب» قرار دارد روبروی این پاکت در داخل جلد «ورقهٔ برگشت‌کتاب» چسبانده شده است .

وقتی خواستارکتابرا انتخاب‌کرد کتابدار تاریخ‌انقضای نگاهداشتن‌کتاب را روی«کارت‌کتاب» روی «ورقهٔ‌برگشت کتاب» می‌نویسد وکارت‌کتابرا ازداخل پاکت برمی‌دارد وآنرا درداخل‌جعـبهٔ مخصوص به‌ترتیب تاریخ برگشت مرتب می‌کندتادرروزمذکور اگرکتاب‌برگشت نشد ازگیرندهٔ‌کتاب مطالبه شود .

تأخیر اعادهٔ کتاب

درصورتی‌که‌کتاب در موقع مقرر به کتابخانه برگشت‌داده نشده‌لازم است‌که از طرف‌کتابخانه نامه‌ای به عضونوشته‌یا به اوشفاهاً گفته‌شود که کتابرا برگرداند.

از اصول سادهٔ کتابداری
ایرج افشار

روش فهرست نویسی

شناختن‌اجزاء (ساختمان) کتاب

کتاب اجزایی دارد که با انـدکی دگرگونی ازلحاظ چنـدی و چونـی در بیشتر کتابها دیده می‌شود . اجـزایی که‌کتاب را سازمان می‌دهد از این قرار است :

۱ ــ روکش
۲ ــ جلد
۳ ــ برگ سلسلهٔ انتشارات
۴ ــ صفحهٔ عنوان
۵ ــ برگ اهداء
۶ ــ فهرست مندرجات
۷ ــ پیشگفتار ، دیباچه ، سرآغاز ومقدمه
۸ ــ متن‌کتاب
۹ ــ حواشی وملحقات
۱۰ ــ کتابشناسی
۱۱ ــ فهرست اعلام
۱۲ ــ غلطنامه

اکنون برای تفهیم هریك ازاجزاء بالا ، شرحی‌کوتاه بیان می‌گردد .

۱ ــ روکش : برگی که روی جلد کتاب رامی‌پوشاند و برآن‌عنوان کتاب، نویسنده وگاهی سرگذشت وی ، ناشر و برخی معرفهای‌دیگر ، همراه باشکلهای رنگی نموده می‌شود ، «روکش» کتـاب گویند . روکش برای نگاهداری جلـد کتاب و همچنین آشنـایی باکتـاب در نمایشگاههای‌همگانی وویژه به‌کارمی‌آید. گاه رنگ روکش موضوع رامی‌شناساند. مانند سلسلهٔ‌انتشارات‌بنگاه ترجمه ونشر کتاب‌که در آن رنگ قهـوه‌ای ، سبز ، قهوه‌ای پررنگ ، آبی پر رنگ ، قرمز به ترتیب نشان دهندهٔ‌آثارعمومی،فلسفه، ادیان ، نمایشنامه وداستان است.

۲ ــ جلد کتاب : محتویات‌کتابرا برگی از جنس‌کاغذ ، شمیز ، کالینگور ، مقوا ، سلفون، چرم وگاه پوست‌حیوانات دربرمی‌گیردکه «جلد» نام دارد . جلد به وسیلهٔ عطف‌کتاب‌که‌نموددارآن‌می‌باشد به دونیم صفحه بدل می‌گرددکه‌یکی‌سمت

راست و دیگری سمت چپ کتاب را می‌پوشانند و به «جلد چپ» و «جلد راست» معروف است. در کتابهایی که به زبان فارسی نوشته شده است پیش از باز کردن و هنگامی که کتاب هنوز بسته است جلد چپ بر سطحی قرار می‌گیرد و سنگینی کتاب را تحمل می‌نماید و جلد راست که بر آن معمولاً عنوان کتاب، نویسنده، مترجم، ناشر وغیره نوشته شده است برابر چشم خواننده قرار می‌گیرد. در کتابهایی که به زبانهای بیگانه نوشته شده باشد کار جلد راست و چپ عوض می‌شود.

۳ ـ برگ سلسلهٔ انتشارات: این برگ معمولاً پیش از صفحهٔ عنوان به چشم می‌خورد و در آن یك یا دو شماره ذکر می‌کنند که نشان دهندهٔ شمارهٔ انتشارات می‌باشد.

۴ ـ صفحهٔ عنوان: برگی است که بعد از برگ پیش قرار دارد و در آن نام کتاب، نویسنده، مترجم، مصحح، محل انتشار، ناشر، تاریخ انتشار، گاه تجدید چاپ را می‌نویسند.

باید دانست اطلاعات بالا از لحاظ کتابشناسی ارزش بسیار دارد و می‌تواند مایهٔ کار کتابدار در امر کتابشناسی باشد که به‌جای خود دربارهٔ هریك از آنها گفتگو خواهد شد.

۵ـ برگ اهداء: برگی که بعد از صفحهٔ عنوان قرار دارد و جمله به فرمان... پیشکش به... اهداء به... تقدیم به... و غیره در آن دیده می‌شود «برگ اهداء» نام داده‌اند. در این برگ نویسنده نتایج رنج و کار خود را به هر کس یا سازمانی که بشاید و ارزشمند بداند پیشکش می‌نماید.

۶ ـ فهرست مندرجات: برای دسترسی زودتر و تشخیص موضوع کتاب و همچنین نمایش ترتیب کتاب، نویسندگان فهرست مندرجات را فراهم می‌آورند که به سهم خویش در تشخیص موضوع کتاب به کتابدار یاری می‌نماید و خواننده را نیز راهنمایی و آگاه می‌کند.

۷ ـ دیباچه، پیشگفتار، سرآغاز، مقدمه: پیش از آغاز متن، نوشته‌هایی به قلم نویسنده یا کسان دیگر در کتابها مشاهده می‌گردد که دیباچه، پیشگفتار، سرآغاز و مقدمه اصطلاح کرده‌اند. بدیهی است اگر در امر مقدمه نویسی، نویسنده به جای چرب زبانی و دروغ پردازی، تحقیق و تتبع کرده و از موضوع کتاب سخن گفته باشد، کتابداران و خوانندگان را در تشخیص موضوع کتاب یاری می‌کند.

۸ ـ متن کتاب: بخش اساسی هر کتاب را «متن کتاب» تشکیل می‌دهد، چه هر نویسنده را از تدوین و تصنیف هدفی است که در متن کتاب آن را دنبال و سعی می‌کند به‌اندازهٔ دانش و بینش و آگاهی خویش موضوع را بپروراند، تا هرچه تمامتر به‌هدف نزدیکتر نماید و خواننده را از خواندن، نتیجه‌ای سودمند عاید شود.

۹ـ حواشی و ملحقات: گاه در بعضی از کتابها به‌ذکر مطالبی خارج از متن نیاز می‌افتد تا برخی از دشواریهای لغوی و اصطلاحی را برای خواننده روشن نماید و نیل به‌هدف را سهل‌تر کند. بدین سبب نویسندگان یا کسان دیگر در پایان یا ذیل هر صفحه به‌بیان نکته‌ها و مشکلات لازم می‌پردازند که حواشی و ملحقات نام دارد.

۱۰ ـ کتابشناسی: فهرستی از منابع و مآخذی که در تدوین کتاب از آنها استفاده شده است در پایان کتاب ترتیب می‌دهند و بدان «کتابشناسی یا فهرست منابع و مآخذ» می‌گویند.

۱۱ ـ فهرست اعلام: برای آنکه دسترسی به مطالب متن برای خواهان آسان گردد، در پایان اثر فهرستی که شامل نام کسان، جایها و گاه موضوعها می‌باشد، به‌ترتیب حروف الفباء گرد می‌آورند و فهرست «اعلام» می‌خوانند.

۱۲ ـ غلطنامه: موجد این قسمت در کتابها، به‌ویژه در فارسی، به‌سبب عدم رونق کافی و کارگر ماهر در چاپخانه‌هاست. زیرا اغلب کسانی که بدین مهم اشتغال دارند فاقد صلاحیت علمی به‌اندازهٔ کفایت می‌باشند و همین امر سبب می‌شود که اشتباهات بسیاری در کتابها روی می‌آورد و مؤلف و مترجم را ناگزیر می‌کند برای راهنمایی خوانندگان اغلاط را تصحیح نماید و در کتاب بگنجاند.

شناخت کتاب از چشم کتابشناس وکتابدار

برای کتابدار مشخصاتی ارزشمند است که بتواند به‌یاری آنها، کتابی را از میان انبوه کتابهای دیگر کتابخانه‌ای بیابد و در اندك زمان به خواستهٔ پرسش کننده پاسخ گوید. برای نیل به‌چنین هدفی، بشاید که مشخصات سودمند را بشناسد و روش به‌کار بردن آنها را بداند.

به منظور سهولت مطالعهٔ مشخصات، آنها را به گروههای زیر بخش می‌نمایند:

۱ ـ مشخصات کسان: شامل مؤلف (درصورت تعدد مؤلفان)، مترجم (درصورت تعدد مترجمان). مصحح، نقاش، خطاط.

۲ ـ مشخصات نشری: شامل تجدید چاپ، محل انتشار، ناشر، تاریخ انتشار، سلسلهٔ انتشارات.

۳ـ مشخصات شکلی: شامل تعداد صفحات، تصویرها، نقشه‌ها و نمونه‌ها، قطع کتاب.

۴ ـ عنوان و زیرعنوان

اینك برای روشنی مطلب، هرکدام از مشخصات فوق‌الذکر، به‌طور خلاصه توجیه می‌گردد:

۱ ـ مؤلف: شخصی یا مؤسسه‌ای که موجد اثری باشد مؤلف نام دارد و با کلماتی چون: اثر، از، به‌خامهٔ، به‌قلم، تدوین کننده، تألیف، تصنیف، تهیه‌کننده، گردآورنده، مدون و نوشته که بر جلد کتاب یا در صفحهٔ عنوان می‌نویسند، معرفی می‌گردد.

یادآوری این نکته لازم است که فرق اصولی میان کلمهٔ تصنیف، و دیگر کلمات مذکور در بالا وجود دارد ولی از لحاظ کتابدار، مفهوم همهٔ کلمات فوق یکسان فرض می‌شود.

۲ ـ عنوان و زیر عنوان کتاب:

نویسنده بر اثر خویش نامی می‌نهد که برخی در خور مفهوم متن کتاب و بعضی با آن مغایر است. بشاید در انتخاب نام کتاب همواره موضوع فراموش نشود و عنوانی که برگزیده می‌شود با مفهوم کتاب موافق و مناسب باشد.

زیر عنوان: گاهی عنوانی که برمی‌گزینند به اندازهٔ کافی رسا نیست و مفهوم و هدف کتاب را به‌خوبی نمایان نمی‌کند، بدین سبب عباراتی که در زیرعنوان می‌نویسند تا اندازه‌ای از نارسایی می‌کاهد و به‌هدف نزدیك می‌نماید. مانند اثر زیر که عنوان آن چنین است:

«تحقیق دربارهٔ دورهٔ ایلخانان ایران»

وزیر عنوان آن:

«دین و مذهب، تصوف، تاریخ نویسی مقلدین شاهنامه» می‌باشد.

۳ ــ مترجم : کسی یامؤسسه‌ای که اثری‌راازز بانی به‌زبان‌دیگر برمی گرداند «مترجم» گویند .

۴ ــ مصحح: کسی که‌اثری‌را تصحیح و در درستی مطالب آن کوشش وتحقیق می‌نماید «مصحح» نامند .

۵ــ تجدید چاپ: هر کتاب به‌تعداد معین چاپ‌می‌شود . اگر کتابی‌مقبول‌مردم افتد و خوانندهٔ بیشتری پیدا کند. پس‌از مدتی چاپ اول آن‌تمام می‌شود ومؤلف و ناشر را وادار به تجدید چاپ می کند . در تجدید چاپ مطالبی به متن کتاب افزوده ، یا ازآن‌کاسته می گرددوهمچنین ممکن است ازلحاظ قطع ونوع کاغذ نیز دگرگونیهایی مشاهده شود.

۶ ــ محل انتشار: شهریامکانی که کتاب درآنجا نشرمی‌یابد «محل‌انتشار» نامند . باید بین محل‌چاپ ومحل‌انتشار تفاوت‌گذاشت ، چه بسیاری ازکتابها در شهری‌چاپ ولی درشهردیگر نشرمی‌یابد.

۷ــ ناشر: کسی‌یاسازمانی که‌عهده‌دار پخش کتابی‌می گردد «ناشر» کتاب‌نام‌دارد بدیهی است‌بین‌ناشر وچاپخانه فرق‌وجود داردونباید به‌اشتباه‌چاپخانه‌ای که‌اثری‌را چاپ می کند ناشر خوانده ومعرفی کرد.

۸ ــ تاریخ انتشار: هر کتاب‌پس‌از اتمام‌کار چاپ وصحافی به‌وسیلهٔ ناشری‌در تاریخی معین‌انتشار می‌یابدکه به«تاریخ انتشار» معروف است . بین‌تاریخ‌چاپ و تاریخ انتشار تفاوت هست،چه بساکتابها که چاپ شده ، وپس از یك یا چند سال فاصله ، نشر یافته است .

۹ــ تعداد صفحات : شماره‌گذاری صفحهٔ‌کتاب، علاوه‌برآنکه‌درنظم وترتیب وبالاخره دسترسی‌آسان به مطالب‌کتاب مؤثر است ، ازلحاظ ظاهری نیز نمودار قطرکتاب می‌باشد . به‌روشهای‌زیر کتابها راشماره‌گذاری‌می کنند:

الف ــ بااعدادکه ممکن است از صفحهٔ اول شروع وبه‌آخرین صفحه‌خاتمه پذیرد یا فصل به فصل‌شماره‌گذاری‌شود.
الخ ... و۴ و۳ و۲ و۱

ب ــ باحروف‌ابجد ، درزبان‌فارسی وعربی هریك ازحروف الفباء نمودار شماره‌ای می‌باشد از این خاصیت برای شمارهٔ صفحه و تبویب کتابها استفاده می کنند. حروف ابجد بدین ترتیب‌است:

نمودارحروف ابجد

ردیف	مرتبهٔ یکان		مرتبهٔ دهگان		مرتبهٔ صدگان		مرتبهٔ هزارگان	
	حرف	معادل عددی	حرف	معادل عددی	حرف	معادل عددی	حرف	معادل عددی
۱	الف	۱	ی	۱۰	ق	۱۰۰	غ	۱۰۰۰
۲	ب[و]پ	۲	ك[و]گ	۲۰	ر	۲۰۰	——	——
۳	ج[و]چ	۳	ل	۳۰	ش	۳۰۰		
۴	د	۴	م	۴۰	ت	۴۰۰		
۵	ه	۵	ن	۵۰	ث	۵۰۰		
۶	و	۶	س	۶۰	خ	۶۰۰		
۷	ز[و] ژ	۷	ع	۷۰	ذ	۷۰۰		
۸	ح	۸	ف	۸۰	ض	۸۰۰		
۹	ط	۹	ص	۹۰	ظ	۹۰۰		

البته پیش‌ترازاین حروف درصفحه بندی‌کتابها استفاده می‌شد ولی امروز گاهی، آن‌هم مقدمه و فهارس پایان کتابها را با این حروف شماره‌گذاری می کنند .

ج‌ــ شماره‌های‌لاتین:

I II III IV V VI VII
VIII IX X و ... الخ

د ــ شماره‌های‌متداول درزبانهای انگلیسی ، آلمانی ، فرانسه و غیره

1و 2و 3 و 4 و 5 ... الخ

۱۰ــ تصویر: شکلهایی که درکتاب مشاهده‌می‌شود (اعم ازکوچك یا بزرگ، با ارزش یا بی‌ارزش) تصویر نام دارد ، تصاویررا می‌توان به‌سه دسته تقسیم کرد:

الف: تصاویرعادی ومعمولی.

ب: تصاویر ارزنده‌شامل،تابلوهایی از آثار نقاشان بزرگ ومانندآن.

ج :نقشه‌ها وجدول‌ها .

۱۱ ــ نمونه : دربرخی از کتابها نمونه‌ای از اصل مطلب را عیناً گراور می کنند . این‌کار بیشتر در مورد تهیهٔ فهرست از آثارکتب خطی قدیم انجام می‌گیرد و برای نمودن دستخط یامتن کتاب به‌کارمی‌رود .

این‌گونه اشکال راکه در حقیقت نوعی تصویراست «نمونه» خوانند.

۱۲ــ قطع‌کتاب: کتابها اندازه‌های مختلف‌ولی محدود دارد . همین امرسبب می‌شودکه اغلب‌کتابها هم اندازه باشد و تناسب ویکسانی‌اندازهٔ چندکتاب‌ناشی‌از اندازهٔ یك برگ‌کاغذ است‌که قطع آن ۳۵×۴۵ سانتیمتر می‌باشد . درحدود پانزده قطع متفاوت درکتابها تمیز داده می‌شودکه نام‌آنها درفارسی بدین ترتیب است :

نام قطع	اندازه برحسب میلیمتر
۱ ــ بازوبندی	نزدیك ۳۰×۲۰
۲ ــ بغلی	« ۳۰×۶۰
۳ ــ جانمازی	نزدیك۸۰×۱۲۰
۴ ــحمایلی دارای‌قطربیشتر ازجانمازی و به اندازهٔ همان .	
۵ــنیم‌ربعی (رقعی)	نزدیك۱۰۰×۱۸۰
۶ــربعی رقعی)	نزدیك۱۲۰×۱۹۰
۷ــوزیری کوچك	نزدیك۱۴۰×۲۲۰
۸ــ وزیری	نزدیك۲۰۰×۲۶۰
۹ــ خشتی	نزدیك۱۷۰×۲۱۰
۱۰ ــ خشتی‌باریك	نزدیك۱۴۰×۲۱۰
۱۱ــسلطانی‌یاشاهانه	نزدیك۳۰۰×۴۰۰
۱۲ــ رحلی	نزدیك۲۲۰×۳۷۰

تذکر : بعضی از قطع‌های مذکور دارای بزرگ ،کوچك و متوسط است‌که به‌علت‌کمی وقت ومحدودیت ازبیان‌آن خودداری شد .

درکتابخانه‌هایی‌که به «روش قطع» اداره می‌شود از اندازه‌های فوق‌استفاده می‌گردد . اما درکتابخانه‌های دیگر که به روش «طبقه‌بندی دهدهی‌دیوئی» یا روشهای مشابه‌آن اداره می‌شود تنها کتابداران طول‌کتاب ، یا بهتر بگوییم اندازهٔ عطف‌کتاب را برحسب سانتیمتر رعایت ، ودربرگهٔ فهرست قیدمی‌کنند.

درکتاب شناسیها نیز از قطعهای نامبرده استفاده می‌شود .

۱۳ـ سلسلهٔ انتشارات : ناشران گاهی برای انتشارات خود شمارهٔ ترتیب به‌کار می‌برند ، حتی در برخی از موارد شماره‌ای فرعی که نمودار موضوع است قائل می‌شوند . مانند :

انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ش ۶۶ .

مجموعهٔ ایرانشناسی ، ش۱۳.

که نخستین شماره معرف ترتیب انتشار و دو دیگر نمایندهٔ موضوع است .

۱۴ ــ خطاط : در کتابهای فارسی گاهی خط نستعلیق و مانند آن که در فن چاپ حروف لازم برای آنها وجود ندارد به‌کار می‌رود . لذا لازم می‌آید که کسی نخست آنرا با قلم بنویسد سپس نوشته‌ٔ وی گراور و چاپ‌شود. نویسندهٔ خط را «خطاط» گویند .

۱۵ ــ نقاش : بسیاری از کتابها حاوی نقاشیهایی است، به‌ویژه کتابهایی که برای کودکان نوشته‌اند کسی که نقاشی‌های اثری را عهده دار است «نقاش» خوانند .

نشانه‌هایی که در فهرست‌نویسی به‌کار می‌رود

۱ ــ ذکر دوحرف اول ودوم نام نویسنده (نام مشهور) ــ درزیر شمارهٔ طبقه بندی . مانند :

صبا، محسن. که دوحرف اول ودوم آن چنین نوشته می‌شود: «صب»

۲ــ کاما([،] در فارسی ودرلاتین [']) : این نشانهٔ درگرگونی است.

۳ ــ نقطه (.) نشانهٔ اتمام عبارت‌یا جمله‌است .

۴ــ کروشه [ ] نشانهٔ افزودن‌مطلبی است که در متن نباشد .

۵ ــ حرف‌ص: این‌حرف به‌جای کلمهٔ صفحه به‌کار می‌رود .

۶ــ حروف سم: این حروف به‌جای کلمهٔ سانتی متر استعمال می‌شود.

۷ ــ کمانك یا پرانتز ( ) کمانك برای عبارت یا جملهٔ زیرعنوان، سلسله انتشارات وجملهٔ سوم به‌کارمی‌رود.

۸ــ علامت؟ برای مواردی که‌مورد تردید است .

برگهٔ فهرست و اندازهٔ آن

پس از شناختن معرفهای کتاب که می‌توانند وجه امتیاز کتابها از یکدیگر قرار گیرند ، چگونگی گردآوری آنها پیش می‌آید وبرای گردآوری مشخصات هرکتاب وسیله‌ای مناسب لازم است که برگهٔ فهرست می‌نامند . جنس آن از مقوای نازك و سفید به‌پهنای (۳اینچ= در حدود ۷/۵ سانتیمتر) و درازی (۵ اینچ=درحدود۱۲/۶سانتیمتر)می‌باشد.

بجاست به‌خاطر نظم‌درامر فهرست‌نویسی ، موقعیت مکانی‌هریك ازمشخصات در برگهٔ فهرست‌نمایان باشد . لذابرای برگهٔ فهرست به‌ترتیب زیر سمت به‌کار برده می‌شود :

۱ ــ سمت بالایی‌یافوقانی(شمال).
۲ ــ سمت‌پایینی یا تحتانی(جنوب).
۳ ــ سمت راست(شرق).
۴ ــ سمت چپ (غرب) .

در قسمت پایین به فاصلهٔ مساوی‌از سمت راست وچپ و ازپایین به طرف‌بالا به فاصلهٔ ۰/۵ سانتیمتر سوراخی به‌قطر ۰/۵سانتیمتر باید ایجادکرد . کار این سوراخ‌در برگدان(فیشیه) آشکارخواهدشد.

فهرست نویسی

مقدمه ــ هنگام یافتن کتابی، به‌علت تعدد وتنوع وهمچنین تشابه‌نام‌کتابها ، نویسندگان و مترجمان دشواریهای بسیار بروز می‌کندکه خواهان رادردسر ورنج می‌دهد وچه بسا در اثرعدم‌توفیق، از ادامهٔ‌کوشش باز می‌دارد .

اما همانگونه‌که‌آدمی از آغاز با نیروی اندیشه هرمشکلی راآسان نموده وراه‌چاره‌ای‌اندیشیده، برای حل‌مشکلات بالا نیز فهرست نویسی وکتابشناسی را برگزیده است .

فهرست نویسی‌کاری بس دقیق است که نیازمند به صرف وقت ، دارا بودن اطلاعات عمومی ، انرژی و هوشمندی وافرمی‌باشد. فهرست‌کلیددستیابی به‌تمدن و فرهنگ گذشتگان بشمار است .

هدف ازفهرست نویسی وکتابشناسی گردآوری مشخصات ویژهٔ هرکتاب است به روشی که‌خواهان بتوانند دراندك‌زمان، کتاب واطلاعات‌موردنظر خود راازمیان انبوه‌کتابهای دیگر بیابد و ازمنابع و مآخذ متعددآگاه‌گردیده استفاده نماید.

با مشخصاتی که‌می‌توانند وجه‌امتیاز بین کتابهای مختلف باشند دربحث پیش آشنایی پیدا شد اکنون برمبنای همان اطلاعات چگونگی فهرست نویسی بیان می‌گردد .

اساس فهرست‌نویسی

برگهٔ مادر

برای هرکدام از مشخصات کتاب ، برگهٔ فهرست جداگانه‌ای فراهم آوردن مستلزم وقت ،کار وکارورز زیاد است ،از طرفی خواهان هنگام مراجعه به فهرست تنها به یکی از مشخصات دست می‌یابد و مشخصات دیگر بر وی نموده نمی‌شود . در این‌باره راه‌چاره و فکر خوبی به‌کار می‌رودکه ترتیب آن چنین است:

مجموع‌نام‌مؤلف ــ نام‌کتاب، مترجم. تجدید چاپ . محل انتشار، ناشر، تاریخ انتشارــ تعداد صفحات‌یامجلدات. تصویر، قطع(سلسلهٔ انتشارات)ــ یادداشتهای‌کوتاه ــ تعداد برگه‌های اضافی (شامل : مؤلفین دیگر ، مترجم، نام‌کتاب ، موضوع) را بریك برگه فراهم‌آورده وآن را«برگهٔ مادر» می‌نامند .

کدامیك از مشخصات را باید معرف اصلی شناخت ؟

معرف اصلی هرکتاب نام «مؤلف» آن‌است، برخلاف این‌اصل، اغلب‌کتابهای فارسی را به «عنوان‌کتاب» می‌شناسند، تنها در سالهای اخیر اندکی به اهمیت مؤلف ونقش وی در فهرست نویسی‌توجه شده ، بزرگترین‌گواه این ادعا فهارس کتابشناسی وکتابخانه‌ای است‌که‌تاکنون تدوین شده،واکثرآنها برحسب‌نام‌کتاب مرتب‌گردیده است .

جای نام مؤلف در برگهٔ فهرست : وقتی دربارهٔ برگهٔ فهرست‌گفتگو شد برای‌آنکه‌جای‌هریك‌از مشخصات‌بربرگهٔ فهرست نمایان باشدسمت قائل‌شدیم‌اینك برهمان اساس محل نام مؤلف دربرگهٔ فهرست به شرح زیر است :

۱ ــ از سمت‌راست‌به طرف‌چپ(در آثار فارسی) ۸ فاصلهٔ ماشین‌تحریر.

۲ ــ از سمت بالا به‌پایین۸فاصلهٔ ماشین تحریر .

در بحث پیش تعریف مؤلف‌ازلحاظ کتابداری بیان‌شد. بنابدان‌گفته، شخص یا مؤسسه‌ای‌که اثری را به وجودآورد مؤلف خوانده می‌شود . پس مؤلف دردو مورد مذکور مطالعه خواهدشد.

الف ــ اگر مؤلف‌کتاب شخص‌باشد

اولین مسأله‌ای که در فهرست کردن آثار فارسی خودنمایی می‌کند دگرگونیهای اسامی‌است‌که به‌طورخلاصه می‌توان‌آنها رادرسه‌دورهٔ‌زیرمطالعه کرد:

۱ ـ پیش از اسلام (از آغاز تا ۶۵۲م).

۲ ـ از اسلام تا ۱۳۰۴ ش(۶۵۲ـ ۱۹۲۴م).

۳ـ از ۱۳۰۴ تاهم اکنون(۱۹۲۴م هم اکنون).

اول ـ اسامی پیش از اسلام:
نامهای این دوره بسیار ساده وغالباً یك کلمه بوده است. مانند:

اردشیر، شاپور و... گاهی تنها با کلمهٔ دیگرهمراه بوده‌است. چون اردشیر دراز دست و بهرام چوبین و... بدیهی است از این دوره به‌علت نبودن وسایل چاپ وکاغذوهمچنین شورشها و نابسامانی‌های تاریخی که گریبانگیر ایران بوده، آثار بسیاری به جای نمانده است.

دوم ـ اسامی از اسلام تا ۱۳۰۴ ش:
غلبهٔ اعراب برایران، علاوه‌برانهدام و نابودی آثار نویسندگان و ویرانیهای دیگر، در زبان پارسی نیز اثر گذاشت تاآنجاکه امروز هر ایرانی که بخواهد برادبیات وطن خویش آگاهی یابد باید حداقل قواعد و دستور زبان عربی را بداند. بدین سبب در اسامی که بدان سادگی بود تغییراتی‌روی داد وبه‌پیروی از اسامی اعراب، اسامی ایرانی نیزدارای اجزاء هفتگانهٔ زیر شد:

۱ ـ عنوان. ۲ ـ لقب. ۳ـ کنیه. ۴ـ نام. ۵ـ نسب. ۶ـ تخلص ۷ـ نسبت.

۱ ـ عنوان یا خطاب ـ عنوان را بیشتر برای تعارف وبه‌خاطربزرگداشت به‌کار می‌بردند. مانند: جناب، مستطاب، امیر، حضرت، حاجی، امجد، اشرف و...

این جزء از نام اشخاص، ازلحاظ کتابداری فاقد ارزش است مگر اینکه در حالتی استثنایی که جزء اسم باشد. چون:

ـ امیراعلم، امیرهوشنگ وغیره...

۲ـ لقب: لقب را به‌کسانی‌می‌دادند که شایسته و سزاوارآن بودند. لذا در پیشه‌ها واموركونه گون لقبهافرق داشت والقابی مانند: نظام‌الملك، مشیرالدوله، کاتب‌السلطنه‌وغیره به‌لحاظ‌سیاسی، آیت‌الله وغیره به‌لحاظ مذهبی، ناظم‌الاطباء و... به لحاظ پیشهٔ پزشکی و ملك‌الشعراء و شمس‌الشعراء به سبب پیشهٔ شاعری به‌کار می‌رفت.

۳ـ کنیه: نامی غیر از اسم اصلی شخص است، که پیش ازآن الفاظ اب، ابن‌یاام و بنت مشاهده می‌گردد، چون ابوالمجد که در آن لفظ «ابو» کنیه را می‌رساند. و برای بزرگداشتن به کار می‌برد.

برای زنها «ام» به‌کار می‌برند. عایشه بنت‌الشاطی [و] ام حبیبه.

۴ـ نام: بعداز کنیه نام (کوچك) اصلی شخص ذکر می‌گردد «ابوالمجد مجدود» یا «ابومعین محمد» که مجدود [و] محمد نام کوچك شخص است.

۵ـ نسب: نسب‌قرابت‌وخویشاوندی را می‌رساند. «ابوالمجد مجدودبن‌آدم» که نسبت‌فرزندی «مجدود» را به «آدم» می‌رساند. رابطه «بن» گویای این‌منظور است.

۶ ـ تخلص: نامی که شعراء و نویسندگان برای خویش بر می‌گزیده و در پایان سروده‌های خود از آن یاد می‌کرده‌اند.

۷ ـ نسبت: گاهی‌کسی را به نام محل تولد وزیستن خود یاخویشاوندانش منسوب می‌کنند.

عطار نیشابوری، حافظ شیرازی، سعدی شیرازی وسعدی مشهدی، که عطار را به شهرنیشابور وحافظوسعدی (اولی) را به شیراز و سعدی دیگر را به مشهد نسبت داده‌اند.

سوم ـ اسامی از ۱۳۰۴ تاهم اکنون:
دراین دوره نابسامانی دورهٔ پیش پایان می‌یابد و اسامی اکثر ازدوجزء که نام ونام خانوادگی‌می‌باشدترکیب یافته‌است مانند «محسن‌صبا» که محسن نام کوچك وصبا نام خانوادگی استاد است. باید توجه داشت که این اصل عمومیت تام ندارد و باز استثناء به چشم می‌خورد:

۱ ـ وجود القاب: لقبها به‌کلی منسوخ نشده است وباز کسانی رابه لقب پیشین می‌شناسند چون مطیع الدوله که لقب‌آقای محمد حجازی نویسندهٔ معاصر است.

۲ ـ اختیار کردن نام مستعار:
بعضی ازنویسندگان و مترجمان ازبروز نام اصلی خویش، خود داری می‌کنند و نامی‌که گاه ازیك یا دو کلمه ترکیب می‌شود برای خود برمی‌گزینند چون «فرهاد» که نام مستعار آقای مهندس‌رضا مشایخی است.

۳ ـ ترکیب نامهای‌کوچك ازدو اسم یا نام خانوادگی از دو کلمه:
بعضی نامهای کوچك از دواسم به وجود می‌آید مانند «محمد علی» و «محمدباقر» و «حسینعلی» و غیره. همچنین نام خانوادگی عده‌ای ازدویا سه‌کلمه‌ترکیب می‌یابد مانند «مدرس رضوی، محمدتقی» «فخرداعی‌گیلانی، محمود» و «کاظم‌زادهٔ ایرانشهر، حسین» که اولی از «مدرس» و «رضوی» و دومی «فخر» و «داعی» و «گیلانی» و سومی از «کاظم زاده» و «ایرانشهر» ترکیب یافته است.

روش استفاده وبه‌کار بردن‌نام مؤلف

باتوجه به آنچه‌که دربارهٔ اسامی ادوار سه‌گانه گفته شد، روش استفاده وبه‌کاربردن نام مؤلفان را برهمان‌اساس مطالعه و بررسی می‌کنیم:

۱ ـ چون اسامی دردورهٔ اول‌ساده بود بنابراین بدون هیچ تغییری عیناً آنرا معرف اول اختیار نموده وبربرگهٔ فهرست می‌نویسیم.

۲ـ درمورد اسامی دورهٔ دوم، باید جزئی از اسم رامعرف اختیارکنیم که مشهور عام باشد ووی را بدان جزء بشناسند. مثلا نام یکی ازشعرای مائهٔ ششم ه. ق. حکیم جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن‌زکی بن مؤیدنظامی گنجوی یا گنجه‌ای است، برای فهرست کردن‌آثار وی‌نام مشهورش را براجزاء دیگر باید مقدم داشت.

نظامی گنجه‌ای (گنجوی)

بعد علامت کاما (،) را می‌گذاریم:

نظامی‌گنجه‌ای،

آنگاه بقیهٔ‌نام‌اوراکه‌مرکب‌ازلقب، کنیه، نام ونسب است می‌نویسیم:

نظامی‌گنجه‌ای، حکیم‌جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی‌بن مؤید

بجاست پس از نام کمانك بازکنیم وتاریخ تولد یاوفات وی راذکر نماییم.

نظامی‌گنجه‌ای، حکیم‌جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید (۵۳۵ـ۶۰۴ ه ق).

دراین باره مسایل مختلفی هست که نمی‌توان دراین مختصر جای داد امید می‌رود که کسان آگاه اغماض فرمایند وخرده نگیرند .

نکته ــ ذکر همهٔ اجزاء اسامی در این دوره‌ضروری به‌نظرمی‌رسد، چه‌گاهی یکی ازاجزاءکنیه ، لقب ، نسب ونسبت بین دواسم وجه امتیاز می‌گردد .

۳ ــ اسامی دورهٔ سوم از نام ونام خانوادگی تشکیل یافته است بنا براین نام خانوادگی را اول می‌نویسیم :

افشار

بعدعلامت (،) را می‌گذاریم :

افشار ،

وسپس نام‌کوچك راذکر می‌کنیم :

افشار، ایرج

وچون معاصر است‌کمانك بازکرده وتاریخ تولد وی را یادآور می‌شویم.

افشار،ایرج (ش)

برای‌آن‌عده‌که نام خانوادگی‌آنها ازدوکلمه‌یابیشتر تشکیل‌می‌یابدآنقسمت راکه مشهورتر است ترجیح می‌دهیم .

خانلری ، پرویز ناتل

برای آنکه اگرکسی ایشان‌را به نام « ناتل خانلری، پرویز» می‌شناسد گمراه نشود ، برگهٔ راهنما ترتیب می‌دهیم :

ناتل‌خانلری :

نگاه‌کنید به :

خانلری، پرویزناتل.

همچنین برای القاب و نامهای مستعار برگهٔ راهنما درست می‌کنیم :

(۱) برای لقب :

مطیع‌الدوله :

نگاه‌کنید به :

حجازی،محمد(مطیع‌الدوله)

(۲) برای‌نام مستعار.

«فرهاد» نام مستعار

نگاه کنید به :

مشایخی ، رضا «فرهاد»

نکته: فهرست نویس بایدسعی‌نماید که نام اصلی شخص را بیابد معمولا اسامی مستعار راداخل این علامت « » می‌نویسند . اگرنام اصلی شخص معلوم شد باید معرف قرار گیرد نه نام مستعار .

پس‌ازحل مشکل اجزاء نام مؤلف، مسألهٔ‌تعدد مؤلفان دریك‌اثرپیش‌می‌آید. بسیاری ازکتابها باتشریك مساعی دو یا سه نفر یا بیشتر نگارش یافته است در چنین مواردی باید به نکات زیر توجه داشت :

۱ ــ اگرمؤلفان از سه نفرتجاوز نکنند نام کسی که در صفحهٔ عنوان اول برده شده است معرف شناخته می‌شود و نام دیگران بانام مؤلفی‌که معرف واقع شده است درجملهٔ اول بعدازعنوان‌کتاب ذکر می‌گردد .

۲ ــ اگر مؤلفان اثری ازسه نفر تجاوزکردند مؤلفی که نام وی درصفحهٔ عنوان اول‌نوشته شده است آغاز برگهٔ فهرست قرار می‌گیرد وبعد ازنوشتن عنوان این عبارت نوشته می‌شود تألیف.. ودیگران .

نام مؤلف‌بعضی ازکتب مجهول‌است ونمی‌توان شخص معین را مؤلف شناخت مانند «تاریخ سیستان» در چنین صورتی عنوان کتاب معرف شناخته می‌شود .

به جای عنوان وفاصلهٔ‌آن از سمت راست توجه داشته باشید تادر بحث «عنوان‌کتاب» بیان شود .

اسم خارجی : اسامی خارجی از اسم کوچك (Eirst - Name)، وسط (Middle–Name)وفامیل(Family Name) ترکیب یافته‌اند که دراکثر آنها‌نام وسط وجود ندارند . درانتخاب نام مشهور نویسندهٔ خارجی بهتر است نام‌لاتین وی را عیناً دید ، زیرا سه‌جزء مذکور به‌خوبی‌ازهم متمایزشده است . به نام زیرکه سه جزء را داراست توجه شود :

برتاموریس پارکر

Bertha Morris Parker

نام مشهور وی این است :

پارکر ، برتاموریس .

Parker , Bertha Morris

همانطور که اشاره شد بیشتراسامی دو جزء دارد . چون :

Walter Lippmaun«والترلیپمن که نام وی درفهرست نویسی اینطور تغییر می‌یابد :

لیپمن، والتر : .Lippmaun,Walter

درمورداسامی فرانسه باید به‌الفاظ «دو = de» و «لا=La» توجه داشت، زیراگاهی این الفاظ جزئی ازکلمه و زمانی جزئی ازاسم است :

درنام «دافنه دو موریه» جزئی از اسم است پس‌بدین روش تغییر می‌یابد :

موریه، دافنه دو .

ودر نام الکساندر دوما لفظ «دو» جزئی‌ازکلمه است که به‌شیوهٔ زیردگرگون می‌شود .

دوما، الکساندر .

یاآلفونس دو لامارتین . که نام مشهورش‌لامارتین‌استو«لا»جزئی‌ازکلمهٔ لامارتین‌می‌باشد. پس**لامارتین، آلفونس‌دو**

Lamartine و **Alphons de**

اسامی سایر زبانها باا ندکی تغییرچنین است.

نکته : گاهی اسامی در زبانهای دیگر به‌چشم‌می‌خوردکه ازسه جزء بیشتر دارد مانند : ویلیام آرتور برتراند ــ راسل .

راسل، ویلیام‌آرتوربرتراند .

ب ــ اگرمؤلف مؤسسه‌ای باشد

مؤسسات ازلحاظ نیل به‌هدف ونیز کاری‌که انجام‌می‌دهند دارای فعالیت‌های وسیع یامحدود می‌باشند، به عبارت‌دیگر مؤسسه‌ای جنبهٔ کلی و جهانی دارد و میدان فعالیت‌آن سراسر جهان را شامل می‌شود ومؤسسه‌ای دیگر فعالیتش به‌شهر یاکشور یاموضوعی ویژه اختصاص می ــ یابد . لذا به جهات مذکور مؤسسات به شرح زیربررسی می گردد :

۱ــ مؤسسات عمومی وجهانی .

۲ ــ مؤسساتی که وابسته به‌سراسر یك‌کشور است .

۳ ــ مؤسسات شهری ومحلی .

۴ ــ انجمنها .

۱ ــ مؤسسات عمومی و جهانی :

این‌گونه‌مؤسسات ، فعالیتشان به کشور یاشهری معین‌اختصاص‌ندارد بلکه‌سراسر

جهان را شامل است . نمونهٔ آن سازمان ملل متحد می‌باشد .

برای فهرست کردن آثار این مؤسسه یا مؤسسات مشابه آن ، قاعده چنین است که نام مؤسسه را معرف می‌شناسند .

سازمان ملل متحد.

پس از گذاردن نقطه ، اگر محل استقرار آن نیز مشخص باشد ذکر می‌گردد و در پایان نیز نقطه گذارده می‌شود.

سازمان ملل متحد نیویورك .

چنانچه یکی از سازمانهای فرعی وابسته به سازمان ملل متحد اثری را به وجود آورد نام مؤسسهٔ فرعی معرف شناخته می‌شود که ذکر مقر آن نیز لازم است .

یونسکو . پاریس .

۲ـ مؤسسات وابسته به سراسر یك کشور : درهر مملکتی سازمانهایی است که ادارهٔ امور کشور برعهدهٔ آنهاست . مانند وزارتخانه‌ها، ادارات وسازمانهای ملـی .

نشریات و کتابهای این قبیل مؤسسات بدین ترتیب فهرست می‌شود که نام کشور معرف و آغاز برگهٔ فهرست قرار می‌گیرد.

ایران .

پس از گذاردن نقطهٔ نام وزارتخانه.

ایران. وزارت آموزش و پرورش.

باز نقطه می‌گذاریم و نام اداره را ذکر می‌کنیم .

ایران. وزارت آموزش و پرورش. کتابخانهٔ اختصاصی .

۳ـ مؤسسات شهری یا محلی : فعالیت این سازمانها در شهر یا محلی ویژه انجام می‌گیرد . برای نمونه دانشگاه ـ های مختلف را می‌توان نام برد .

آثار این مؤسسات بدین روش فهرست می‌شود که نام شهر معرف شناخته شده بعد نام مؤسسه ذکر می‌گردد .

تهران. دانشگاه تهران .

آنگاه نام اداره یا دایره نوشته می‌شود .

تهران . دانشگاه تهران .کتابخانهٔ مرکزی .

۴ ـ انجمنها : در هر شهر یا محلی انجمنهایی وجود دارد که وظیفه‌ای خاص برعهده دارند. در تهران نمونهٔ این قسم انجمنها بسیار است .

کتب و گزارشهای این سازمانها را به طریق زیر فهرست می‌کنند :

نام انجمن آغاز یا معرف برگهٔ فهرست و کتاب قرار می‌گیرد .

انجمن دوستداران کتاب.

پس از گذاردن نقطه نام شهر ذکر می‌گردد و در پایان باید نقطه گذاشت .

انجمن دوستداران کتاب . تهران.

برخی از انجمنها جنبهٔ جهانی دارد و در اکثر ممالك شعبه‌هایی از آن به وجود می‌آید مانند «انجمن قلم» .

نشریات اینگونه انجمن‌ها بدین ترتیب فهرست می‌شود که نام انجمن، نقطه، سپس نام شهر را آورده در پایان نیز نقطه می‌گذاریم .

انجمن قلم . تهران.

انجمن قلم . استکهلم .

بحث دربارهٔ مؤلف و دشواریهایی که در این مورد پیش می‌آید به درازا می‌انجامد. و از طرف دیگر به علت محدودیت نمی‌توان بیش از این موانع را بررسی کرد لذا در همین جا بدین بحث خاتمه داده می‌شود.

روش استفاده و به‌کاربردن مشخصات دیگر

بطور کلی به استثناء نام مؤلف که بیان شد ، باقی ماندهٔ مشخصات کتاب را درسه جملهٔ زیر باید گرد آورد .

جملهٔ اول شامل : عنوان وزیر عنوان ، مؤلفان (درصورتی که بیش از یك نفر باشند) ، مترجم (درصورتی که بیش از یك نفر باشند) مترجمان. تجدید چاپ. محل انتشار، ناشر، تاریخ انتشار .

جملهٔ دوم شامل : تعداد صفحات . تصاویر و نقشه‌ها . قطع برحسب سانتیمتر (سلسله انتشارات) .

جملهٔ سوم شامل : یاد داشتهای کوتاه و نکات لازم از لحاظ راهنمایی بیشتر مراجعه کننده .

به ترتیب بالا به بیان هر یك از مشخصات و اشکالات موجود آنها پرداخته می‌شود .

۱ ـ عنوان وزیر عنوان : دومین معرف هر کتاب عنوان آن است و بطوری که پیشتر تذکر داده شد کتابهای فارسی را اغلب به نام کتاب می‌شناسند . در نقل عنوان کتاب وزیر عنوان از صفحهٔ عنوان به برگهٔ فهرست باید به نکات زیر توجه کرد .

الف ـ جای عنوان کتاب در برگهٔ فهرست :

از سمت راست به چپ ۱۲ فاصلهٔ ماشین تحریر .

از بالا به پایین زیر نام مؤلف با رعایت فاصله‌ای که معمولا باید بین دو پاراگراف موجود باشد .

ب ـ بعضی از کتابها، عنوانشان در پشت جلد وصفحهٔ عنوان تطبیق نمی‌کند چون ملاك کار کتابدار همان صفحهٔ عنوان کتاب است لذا باید آنچه در صفحهٔ عنوان قید شده است در برگهٔ فهرست نوشته شود .

ج ـ در عنوان کتابها اغلب اغلاطی مشاهده می‌شود که باید عیناً و بدون تصحیح در برگهٔ فهرست نوشته شود .

د ـ زیر عنوان را بعد از عنوان می‌نویسند و آن را باعلامت کاما(،) یا کمانك ( ) ازعنوان جدا نمایند .

۲ـ مؤلفان : در بحث مؤلف گفته شد که اگر اثری را چندنفر به وجود آورند دو حالت اتفاق می‌افتد .

الف ـ مؤلفان ازسه نفر تجاوز نمی‌کنند دراین صورت نام مؤلفی که در صفحهٔ اول عنوان نوشته‌شده است معرف شناخته و بعداز عنوان کتاب بایدنوشت تألیف ... [و] ... [و] ...

ب ـ اگر مؤلفان ازسه نفر تجاوز کنند ، نام مؤلفی که درصفحهٔ عنوان اول نوشته شده است معرف شناخته و بعد از عنوان کتاب باید نوشت ، تألیف ... و دیگران .

تذکر: اگر در صفحهٔ عنوان کتاب قیدکرده باشد تألیف ... [و] ... زیر نظر...بدون چون‌وچرا کسی که تألیف‌زیر نظروی انجام گرفته است معرف می‌شناسد ولی بعد ازعنوان باید چنین نوشت ، تألیف زیر نظر ...

تذکر دیگر : نوشتن تألیف ...بعد از عنوان فقط در صورتی که مؤلف ازیك نفرتجاوزکند مورد احتیاج است و در مواردی که کتابی یك مؤلف دارد چنین مسأله‌ای بروز نمی‌کند .

۳ ـ مترجم : محل ذکر نام مترجم در برگهٔ فهرست برحسب اینکه کتابی دارای یك مؤلف یا چندمؤلف باشد تغییر می‌کند . اگر کتابی یك مؤلف داشت دراین صورت بعد ازعنوان باید نوشت ترجمهٔ ... در صورتی که اثری چند مؤلف داشته باشد

جای مترجم بعد از ذکر تألیف ... [و].. می‌باشد .

اگر کتابی چند نفرمترجم داشت و درصفحهٔ عنوان این عبارت (ترجمه زیر نظر...) نوشته شده بود. باید به‌جای چند نفر همان یک نفر را مترجم شناخت و از ذکر نام دیگران خودداری کرد .

تذکر : اگر عـدهٔ مترجمان دو نفر باشند نام هردو نفر را به ترتیب در برگهٔ فهرست ودر جای خودیادآور می‌شوند و چنانچه ازدونفر تجاوز کنند چنین می‌نویسند ترجمهٔ ... ودیگران .

نکته : علامتی که مؤلفان یـا عنوان کتاب را ازمترجم جدا می کند همان کاما (،) است .

بعد از نوشتن نام مترجم علامت(.) نقطه را باید گذاشت .

۴ـ تجدید چاپ : ذکر دفعات چاپ یک کتاب در برگهٔ فهرست ضروری به‌نظر می‌رسد. جای آن در برگهٔ فهرست بعداز نقطهٔ پایان نام مترجم می‌باشد . پس از ذکر تجدید چاپ نقطه می‌گذارند .

باید توجه داشت که چاپ اول را با حروف می‌نویسند وبقیهٔ چاپها را با عدد نمایش می‌دهند .

۵ ــ محل انتشار : اکنون پس از نقطهٔ پایان تجدید چاپ ۳ فاصلهٔ ماشین تحریر را رعایت کـرده ومحل انتشار را ذکر می کنیم .

تذکر : اگر محل انتشار در صفحهٔ عنوان نباشد وکتابداری به یقین خود یا آنکه درجای دیگر آن کتاب غیر ازصفحهٔ عنوان آنرا بیابد وذکر کند باید آنرا در داخل کروشه [ ] قرار دهند .

همچنین اگر محل انتشار معلوم نشد ذکر عبارت بدون ذکر محل انتشار یا ملخص آن [بی‌م] در داخـل کـروشه ضرورت دارد .

۶ ــ ناشر: همانگونه که در تعریف (ناشر) سخن رفت ، مؤسسه یا شخصی که کتاب را نشر می‌دهد (ناشر) خوانده می‌شود . جای ذکر نـام ناشر بعد از محل انتشار می‌باشد بین محل انتشار و نام ناشر علامت (،) کاما باید گذاشت .

اگر در کتابی نـام ناشر برده نشده باشد دراین صورت ذکر عبارت [بدون ذکر نام ناشر] یا ملخص آن [بی‌ن] در داخل کروشه لازم است .

گاهی نام ناشر را خارج از صفحهٔ عنوان می‌نویسند ، درچنین صورتی نیز باید نام را درداخل کروشه نوشت. بیشتر از کتابها بـاهمکاری مؤسساتی کـه از لحاظ علمی سودمند می‌باشند نشر می‌یابد لذا ذکر عبارت [باهمکاری...] در داخل کروشه لازم است .

در انتشارات وزارت فرهنگ (سابق) وآموزش وپرورش (جدید) اغلب صفحهٔ عنوان این مصرع بـه چشم می‌خـورد: «توانا بود هر که دانا بود» . بنا بر ناشر این آثار وزارت فرهنگ است .

۷ ــ تاریخ انتشار: آخرین عبارت جملهٔ اول تاریخ انتشارات که با علامت (،) کاما ازناشر جدا می‌شود .

در تاریخ انتشار ، دشواریهایی پیش آمد می کند که از آن جمله است نکات زیر :

الف ــ اثری فاقد تـاریخ است بنا براین ذکـر عبارت [بدون ذکـر تاریخ انتشار] یا ملخص آن [بی‌ت] لازم به نظر می‌آید .

ب ــ کتابی دارای تاریخ هست ولی تاریخ در صفحهٔ عنوان نوشته نشده است باید تاریخ را درداخل کروشه نوشت اگر اطمینان به‌صحت آن بـاشد علامت پرسش لازم به نظر نمی‌رسد درغیر این صورت باید درجلوی آن علامت (؟) گذاشت .

ج ــ اگر کتابی دارای دو تـاریخ متفاوت در پشت جلد و صفحهٔ عنوان یـا جاهای دیگر باشد روش نوشتن آن در برگهٔ فهرست بدین ترتیب است :

اگـر تاریخ صفحه عنوان ملاك کار قرار گرفت کروشه لازم نیست ، ولی اگر تاریخ پشت جلد تاریخ نزدیکتری را نشان دهد گذاشتن علامت (؟) لازم است .

در پشت جلد این اثر تاریخ **۱۳۴۲** نـوشته شده است از اینجا این شبه پیش می‌آید که این کتاب در **۱۳۴۲** یا **۱۳۴۰** انتشار یافته است . باگذاردن علامت (؟) درجلوی تاریخ صفحهٔ عنوان این تردید نمایان می‌شود .

چنانچه کتابداری وقوف کامل بـه تاریخ انتشار اثری داشته باشد تاریخی را که خود به‌یقین می‌داند درداخل کروشه بدون علامت سؤال می‌نویسد .

اثر بالا از نظر من که آگاهی دارم در اسفند ماه **۱۳۴۲** نشر شـده است و تاریخ صفحهٔ عنوان تاریخ چاپ است نـه انتشار. لذا به‌جای؟ **۱۳۴۰** که بهتر است نوشت [۱۳۴۲].

د ــ در بعضی از کتابها فقط مقدمـه تاریخ دارد و برای آنکه مـلاکی برای تاریخ انتشار باشد آنـرا بدین ترتیب داخل کروشه ذکر می کند[تاریخ مقدمه...]

نکته: باید توجه داشت که درفارسی چون سال رسمی کشور برحسب هجری شمسی بیان می‌شود . لذا آنچه کـه دال برسال هجری قمری یا میلادی باشد لازم است درفهرست قیدشود **۱۹۶۶** م و **۱۳۸۴** ه.ق. یعنی حرف«م»را برای سال میلادی و «ه . ق . » برای سال هجری قمری به کار می‌برند .

جملهٔ دوم

جای جملهٔ دوم در برگهٔ فهرست:

۱ ــ ازسمت راست به طرف چپ به بعد **۱۲** فاصلهٔ ماشین تحریر .

۲ــ ازبالا به پایین بارعایت فاصله‌ای کـه درماشین نویسی باید مابین دو پاراگراف موجود باشد . (البته نسبت به جملهٔ اول).

اجزاء جملهٔ دوم :

۱ــ تعداد صفحات یا مجلدات :

کتابها معمولا در یک مجلد یا چند مجلد نشر می‌یابد بنابراین دومورد پیش می‌آید:

الف ـ اگر کتابی در یک مجلد نشر شود تعداد صفحات (درصورتی که بطور مسلسل شماره گذاری شده باشد) ذکـر می‌شود . چنانچه مقدمـه وفصول مختلف کتابی جداگانه شماره گذاری شده باشد تعداد صفحات راجمع نموده ودر داخـل کروشه نوشته می‌شود یا اینکه بدون تغییر همان‌طور مجزا ذکر می‌گردد .

ب ــ اگر کتابی در چند مجلد نشر یافته باشد، به‌جای ذکـر تعداد صفحات هرمجلد بطور جداگانه،فقط به نوشتن... جلد اکتفا می‌شود .

تذکر : کتابهایی از قـدیم یـافت می‌شود که اصولا شمارهٔ صفحه ندارد در چنین وضعی باید صفحات را فهرست کننده بشمارد ودرداخل کـروشه بگذارد . در پایان عـدد علامت (ص) وسپس نقطه را باید گذاشت .

۲ ــ تصاویر نقشه‌ها و نمونه‌ها :

فاصله‌ای که بین تعداد صفحات با تصاویر رعایت می‌شود برابـر **۳** فاصلهٔ ماشین

تحریر است . اگر تصاویر کتابی بی‌ارزش باشد تنها ذکر کلمهٔ «مصور» کافی است . چنانچه تصویر کتابی ارزنده باشد باید تعداد آنها را نام برد. درمورد نقشه‌ها، ذکر تعداد آنها ضروری است. اگر کتابی نیز شامل نمونه باشد یاد آوری کلمهٔ «نمونه» لازم است . درپایان نقطه را باید گذاشت .

۳ ـ قطع : در کتابخانه‌ها معمولاً به‌جای قطعهای رقعی وزیری وغیره تنها طول کتاب‌را ازعطف کتاب اندازه‌می گیرند و برحسب سانتیمتر می نویسند . فاصلهٔ قطع وتصویر سه فاصلهٔ ماشین تحریر است .

۴ ـ سلسلهٔ انتشارات : بعدازقطع کتاب‌کمانك ( ) بازکرده‌ودرداخل آن سلسله انتشارات را نام می‌برند . بدیهی است اگر کتابی‌دارای دوشماره ، که‌یکی معرف تعداد انتشارات بطورکلی و دو دیگرنشان دهندهٔ موضوع کتاب باشد ، اول شمارهٔ کلی وسپس شمارهٔ فرعی را باید ذکر کرد .

جملهٔ سوم

جای جملهٔ سوم :

۱ ـ ازراست‌به طرف‌چپ بارعایت ۱۲ فاصلهٔ ماشین تحریر .

۲ ـ ازبالا به پایین بارعایت‌فاصله‌ای‌که باید مابین دوپاراگراف درماشین‌نویسی موجود باشد (البته نسبت به‌جملهٔ دوم) .

جملهٔ سوم‌شامل‌یاد داشتهای‌کوتاهی است که از لحاظ راهنمایی مراجعان سودمند می‌تواند باشد . معمولا عناوین ومباحث مجلدات مختلف کتابی را نیز درجملهٔ سوم ذکرمی کنند، در صورتی‌که به‌جای صفحه جلدنوشته شده‌باشد وکتابی در چند مجلد انتشار یافته باشد.

برگهٔ اضافی

درتعریف برگهٔ مادرنامی ازبرگهٔ اضافی برده شد ، برگهٔ اضافی بدین منظور درست می‌شودکه اگر کسی اثری را بامشخصات دیگری ازقبیل مؤلفین دیگر ، مترجم ، عنوان کتاب یاموضوع شناخت بتواند هدف خودرا بیابد. برگهٔ اضافی در موارد چهارگانهٔ زیر تهیه می گردد :

۱ـ موضوع : تعیین موضوع برای کتابها کاری ساده نیست ، برخلاف آنچه که امروز در اغلب کتابخانه‌های ایران مشاهده می‌شود . زیرا کتابهارا یك یادو نفرموضوع‌می‌دهند وآنها هرگزنمی‌توان جامع دانش بشری باشند . درممالك راقیهٔ جهان‌که به امر کتابداری توجه کافی دارند کتاب را برای تعیین‌موضوع به‌کسان متفاوت‌که هرکدام در رشته‌های مختلف تخصص وتبحر دارند مراجعه می‌دهند وآنان‌پس‌از مطالعه ودرك‌مطلب متن‌کتاب نسبت به تعیین موضوع اقدام می‌نمایند . بدیهی است بااعمال چنین روشی سهووگناه کمتر روی می‌آورد و فهرست‌کتابخانه دچار هرج‌ومرج ونابسامانی نمی‌گردد و همچنین مراجعان به راحتی قادرند منظور خودرا به دست آورند. برای تعیین موضوع به نکته‌های زیر باید توجه‌کرد :

الف ـ نوع فعالیت و وظیفهٔ‌کتاب‌خانه را ملحوظ داشت .

ب ـ متکی به‌اصولی باشدکه پیشتر روی‌آن مطالعه کافی نموده باشند. برای این منظور درکشورهای دیگر دستنامه‌هایی ترتیب داده‌اند .

ج ـ تنها به‌عنوان یاتخصص‌نویسنده نباید اطمینان‌کرد ، بلکه بایستی‌حداقل مقدمهٔ کتاب و فهرست مندرجات آنرا مورد مداقه قرار داد .

د ـ درکتابهایی‌که ازموضوعهای مختلفی سخن رفته است . حتی‌المقدور باید سعی نمودکه همهٔ آنها نموده شود .

هـ ـ ازروش دیوئی ، کتابهایی که دربارهٔ‌انتخاب موضوع‌درکشورهای‌دیگر وجود دارد و همچنین از خواسته‌های مراجعان کتابخانه‌ها می‌توان یاری خواست .

برای شاهدکتاب علم و زندگی از لحاظ موضوع ، در زیر مورد بررسی قرارمی‌گیرد :

درمتن این‌کتاب از موضوعات زیر سخن به میان آمده است :

۱ ـ نجوم . ۲ ـ علوم طبیعی (جانورشناسی ، گیاه شناسی ، تکامل ، زمین شناسی ، بهداشت و غیره). ۳ ـ فیزیك . ۴ ـ شیمی . ۵ ـ تغذیه. ۶ ـ اتم. ۷ ـ هواشناسی . ۸ ـ آب .

درچنین حالتی به دوروش می‌توان رفتارکرد :

الف ـ موضوع کلی داد .«علوم»

ب ـ موضوع جزیی انتخاب‌کرد :

«نجوم»«جانورشناسی»«گیاه‌شناسی» «تکامل» «نور» «صوت» «الکتریسیته» «مکانیك» «رادیو» «تلویزیون» «تلفن» «شیمی»«اتم» «هواشناسی» «آب‌شناسی».

گفتگو دربارهٔ تعیین موضوع برای کتاب احتیاج به وقت کافی وجای‌مقتضی داردکه دراین جابیش ازاین نمی‌توان سخن‌گفت .

۲ ـ به‌نام‌مؤلفین دیگر درصورتی که ازدو نفر تجاوز نکنند برگهٔ اضافی باید تهیه شود .

۳ ـ به نام مترجم نیزباید برگهٔ اضافی تهیه‌کرد .

۴ ـ به نام‌کتاب برگهٔ اضافی‌تهید می گردد .

بااین روش‌برگهٔ مادر فراهم‌آمد اکنون به آخرین شماره‌ای که درپایین برگهٔ مادر وجود دارد نگاه می‌کنیم و ودرمورد تمام فهرست‌کتابها این فرمول را به‌کار می‌بریم‌که به تعداد :

آخرین شمارهٔ پائین برگهٔ مادر+۲

برای یك اثر برگهٔ تهیه می‌کنیم . ۲ برگه‌به‌همان‌صورت باقی‌می‌ماندکه‌یکی برای کنترل کتابخانه و درشلف‌لیست گذارده خواهد شد و دودیگر به‌ترتیب حروف الفباء بایگانی می‌شود . بقیهٔ برگه‌هایی‌که‌باقی‌می‌ماند برای‌نام‌مترجم، مؤلف دیگر، عنوان وموضوع کتاب‌به‌کار خواهد رفت ودرجای‌خود الفبایی‌خواهد شد .

جای مترجم ، مؤلف دیگر، عنوان کتاب وموضوع دربرگهٔ اضافی فهرست دربالاوهمردیف‌باشمارهٔطبقه بندی‌خواهد بود .

نکته: موضوع راباید‌بارنگی‌مشخص دربالای برگهٔ فهرست نوشت تاازبرگه‌های دیگر متمایزباشد .

روش بایگانی برگه‌ها

پس ازتهیهٔ برگه‌های لازم برای‌هر کتاب مسألهٔ تنظیم آن پیش‌می‌آیدکه معمولا ازروی حروف الفباء مرتب می‌شودوبه‌یکی‌ازطریق زیرعمل‌می کنند:

۱- فهرست فرهنگی (Dictionary Catalog) :
دراین‌روش همهٔ برگه‌ها را اعم ازمؤلف، مترجم ، مصحح ، عنوان‌کتاب و موضوع یك‌جا به ترتیب حروف الفباء بایگانی می‌نمایند . بدیهی است این نوع فهرست در کتابخانه جوابگویی فوری برای مراجعان‌است وامتیازات‌زیرراداراست:

الف ــ آثار یك مؤلف یامترجم و آنچه در بارهٔ ایشان نوشته شده است در یك جا وبه ترتیب حروف الفباء واقع خواهد شد .

ب ــ اغلب عناوین کتابها خوددال برموضوع کتاب‌است بنا براین به برگهٔ دیگر برای موضوع حاجت نیست .

ج ــ دروقت ازلحاظ خواهان‌صرفه‌جویی می‌شود .

د ــ برای کتابداری نیز مراجع به فهرست فرهنگی سهل‌تر می‌نماید .

۲-فهرست‌جداگانه : دراین‌روش نام‌کسان،عنوان وموضوع بطور جداگانه به‌ترتیب‌حروف الفباء بایگانی‌می‌شود. البته تراکم کمتری ازلحاظ برگهٔ فهرست درحروف مشاهده می گردد ولی درعوض دسترسی به مطالب رابرای خواهان دشوارتر می‌نماید .

از کتاب‌اصول سادهٔ کتابداری
حسین بنی‌آدم

کتابخانه‌های معروف ایران

کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام

برای‌اطلاع‌ازچگونگی‌کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام ناچاریم به‌اخبار و اطلاعات وگزارشهای معدود و محدود و مختلفی که‌ضمن‌آثارمورخان‌ونویسندگان عرب ویونان به‌جا مانده است توجه واز آنها نتایجی را استنباط واستدراك کنیم.

وسیلهٔ محمدبن اسحق ندیم مؤلف‌الفهرست ازنویسندگان و محققان‌ایرانی اطلاعاتی‌دربارهٔ‌کتابخانه‌های‌ایران به‌دست ما رسیده‌که هر چند ناقص است ولی می‌تواند برای بحث ما بسیار سودمند باشد .

ابن‌ندیم به نقل از کتاب نهمطان فی‌معرفة طالع‌الانسان تألیف‌ابوسهل‌بن‌نوبخت ایرانی می نویسد :«کی‌ضحاك‌در زمین‌های سوادشهری بناکرد و نام‌آنرا ازمشتری درآورد وآنرا جایگاه علم و علماء قرار داد و دوازده‌کاخ به شمارهٔ برجهای‌آسمانی درآن ساخت وهرکاخی را به‌نام یکی از برجهای آسمانی نامید **و برای‌کتابهای‌علمی‌درآنها خزینه‌هایی بساخت و دانشمندان را در آن‌کاخ‌ها جای داد** ... اسکندر پادشاه یونان‌برای هجوم به ایران ازشهری‌که رومیان‌آنرا مقدونیه می‌نامند بیرون شد ودارا پسر شاه‌دارارا به‌قتل‌رسانید وشهرهارا ویران ساخت وکاخهایی‌که به‌دست بزرگان‌وسرکشان ساخته شده بود خراب کرد . **کاخ‌هایی که برسنگها و تخته های آن انواع علوم‌نقش ونقر شده بود** باخاك یکسان کرد و با این خرابکاریها وآتش‌سوزیها آنها رابههم ریخت‌ودرهم‌کوبید وازآنچه در **دیوانهاوخزینه‌های استخر بود رونوشتی‌برداشته وبه‌زبان رومی وقبطی برگردانید** وپس‌ازاینکه از **نسخه‌برداریهای‌موردنیازش فراغت یافت آنچه به‌خط‌گشتك‌درآنجابودرآتش انداخت** و بسوخت . آنچه را از علوم نجوم و طب وعلم‌النفس‌می‌خواست‌ازآنها برگرفت وبادیگرچیزها ازعلوم واموال وگنجینه‌ها و دانشمندان تصاحب‌کرد و به مصر فرستاد .

ازآثار ایرانیان تنهاآنهایی باقی ماندکه پادشان‌گذشته به‌دستور پیامبرشان زرتشت وجاماسب حکیم پیش ازآن‌نسخه‌برداری‌کرده و به‌منظور مصون ماندن‌از هجوم‌کجستك‌که زرتشت‌ازکردار ورفتار ناهنجار اوآگهی داده بود به‌چین و هند فرستاده بودند .»

اطلاعات دیگری‌که‌ازکتابخانه‌های ایران قبل ازهجوم‌اسکندرداریم‌آن‌است که **ابومعشر بلخی ایرانی** در کتاب اختلاف‌الزیجات خود به مناسبتی آورده و ابن‌ندیم عیناً ازکتاب او بدین شرح نقل‌کرده است .

«پادشاهان‌ایران برای‌نگاهداری و حفظ وصیانت‌دانشها و به‌جای ماندن‌آنها اهتمامی فوق‌العاده‌مبذول‌می‌داشتند؛آنها برای‌محفوظ‌ماندن‌کتابهاو آثاردانشمندان ازآسیب زمانه و آفات‌آسمانی وزمینی وسیله‌ای‌ازسخت‌ترین ومحکم‌ترین‌اسباب ولوازم برگزیدندکه‌تاب‌مقاومت‌دربرابر هر گونه پیشامدی را داشته باشد وعفونت وپوسیدگی درآن راه‌نیابدوآن پوست **درخت خدنگ‌بودکه به‌آن توز می‌گفتند . چنانکه هندیان وچینیان و مردم دیگر کشورها از ایشان پیروی کردند** و توز برای محکمی وسختی و نرمی و قابلیت انعطاف درکمان سازی هم به‌کار برده می‌شد .

ایرانیها پس‌از اینکه بهترین‌وسیله را برای ثبت وضبط ونوشتن‌ونگاهداری دانشها به‌دست‌آوردندبرای‌یافتن‌بهترین جاومکان‌جهت **بنیادکتابخانه‌ها وخزانهٔ کتاب** به‌جستجو پرداختندجایی‌که اززمین لرزه برکنار وگلش‌چسبندگی‌داشته‌باشد تا برای ساختمان‌های محکم وپا برجا مناسب باشد . پس از کنجکاوی بسیار سرانجام شهرستانی که همهٔ این محسنات را داشت یافتند وآن شهر اصفهان بود . درآن‌جاهم‌پس‌ازکاوش نقاط مختلف‌شهر روستای‌جی را بهترین جا ومکان‌یافتند درجی‌کهن دژ را برگزیدند و در آنجا عمارتی رفیع بنیاد نهادند و **سارویه‌اش** نامیدند.

مردم از پی‌بنا به‌سازنده وپایه‌گذار آن پی‌بردند زیرا در سالهای گذشته گوشه‌ای‌ازساختمان‌سارویه ویران‌گردید و درآن سغی (دالانی) نمایان‌شدکه‌باگل سفت (ساروج) ساخته شده بود **و در آن کتابهای زیادی‌ازنوشته پیشینیان‌نهاده بودندکه برپوست‌خدنگ‌نوشته بودند در دانشهای گوناگون به خط پارسی باستانی.**

از این‌کتابها تعدادی به‌دست کسی رسیدکه در خواندن‌آنها دانا وتوانا بود . درآنها نوشته‌ای از برخی شاهان ایران یافتندکه چنین بود «به تهمورث شاه‌که دوستدار دانش ودانش‌پژوهان‌بود خبر دادندکه در اثریك‌حادثهٔ‌آسمانی‌که درمغرب به‌ظهورخواهدپیوست به‌علت‌ریزش بارانهای پی‌درپی جهان راآب‌فراخواهد گرفت . زمان وقوع‌آن‌باگذشتن دویست وسی ویکسال‌وسیصدروز ازآغازپادشاهی وی خواهدبود .

منجمان تهمورث‌شاه‌رابرآن‌داشتند که برای پرهیز از زیان وخسران آن توفان چاره‌ای اندیشد وگفتند زیان و خسران باران و توفان تاانتهای‌مشرق

کشیده خواهد شد. تهمورث شاه مهندسان و کارآگاهان را فرمان داد در سراسر ایرانشهر کاوش کنند و جویا شوند جایی را که از همه جهت برتری داشته باشد برای ساختمان بنایی به منظور حفظ آثار دانش برگزیدگان برگزینند.

آنها پس از جستجو **جی** را در اصفهان برگزیدند و ساروپه را ساختند. پس از اینکه ساروپه در **جی** ساخته شد فرمان داد تا آنچه از کتابهای علوم مختلف که بر پوست خدنگ و گاو نوشته شده بود در خزاین ساروپه جا دادند تا پس از برطرف شدن توفان دانشهای کهن برای مردم جهان به جای بماند.

در میان کتابهای آن کتابخانه کتابی اثر یکی از دانشمندان باستانی ایران بود در علم ادوار سنین که برای استخراج سیر ستارگان و علل حرکتشان به کار می‌رفت. مردم دورهٔ تهمورث شاه و پارسیان پیش از آن، آن را ادوار هزارات می‌خواندند و بسیاری از دانشمندان هندو کلدانیان قدیم که نخستین سکنهٔ حومهٔ بابل بودند گردش سیارات هفتگانه را از آن استخراج می‌کردند و این زیج را از میان دیگر زیجهای آن زمان برتری می‌دادند زیرا از همه صحیح‌تر و مختصرتر بود و منجمان آن زمان زیجی از آن استخراج کردند و آنرا زیج شهریاری یعنی پادشاه زیجها نامیدند».

ابن ندیم خود می‌گوید: «یکی از اشخاص ثقه به من خبر داد که درسال سیصد و پنجاه هجری در ساروپه جی دالانی خراب گردید که جایش معلوم نشد زیرا از بلند بودن سطح آن گمان می‌کردند که درون آن خالی نبوده و پر است تا زمانی که آن خود به خود فرو ریخت و در آن کتابهای زیاد به دست آمد که هیچکس نمی‌توانست آنها را بخواند و آنچه من با چشم خود دیدم و ابوالفضل عمید آنها را در سال سیصد و چهل و اندی فرستاده بود کتابهایی بودند پاره پاره که از باروی اصفهان میان صندوقهایی به دست آمده و به زبان یونانی بود و کسانی که آن زبان را می‌دانستند مانند یوحنا و دیگران آنرا ترجمه کردند و آشکار شد که نام سربازان و جیرهٔ آنان است و آن کتابها چنان گندزا بودند که گویی تازه از دباغی در آمده‌اند ولی پس از آنکه یکسال در بغداد ماندند خشك شدند و تغییر کردند و عفونتشان برطرف شد و پاره‌ای از آنها نزد شیخ ابوسلیمان موجود است. گویند ساروپه یکی از بناهای محکم باستانی است که ساختمان معجز آسایی دارد و در مشرق چون اهرام مصر در مغرب از نظر عظمت و اعجاب است».

حمزهٔ اصفهانی دانشمند شهیر ایرانی نیز در بارهٔ ساروپه **کهن‌دژ** اطلاعاتی به دست می‌دهد که ترجمهٔ آنرا در اینجا می‌آوریم.

«درسال ۳۵۰ هجری قمری قسمتی از بنای اندرونی جی «ساروپه» ویران شد و اطاقی در آن پدید گشت که در آن اطاق پنجاه عدل کتاب وجود داشت، این کتابها را در روی پوست نوشته بودند و خط آن از خطوطی بود که تا آن تاریخ مردم چنان خطی ندیده بودند، هیچکس نمی‌دانست چه هنگام این کتابها را در آن مکان جا داده بوده‌اند، تا اینکه کتابی از **ابومعشر** (بلخی) منجم به نام اختلاف الزیجات به دست آمد و در آن چنین نوشته شده بود:

پادشاهان ایران بی‌اندازه به حفظ و نگاهداری دانشهای بشری توجه و علاقه مبذول می‌داشتند و به همین منظور برای نگاهداری آنها از گزند حوادث و آفات سماوی و ارضی اوراقی برگزیدند که در برابر گذشت زمان ایستادگی می‌کرد و از عفونت و پوسیدگی مصون می‌ماند. این اوراق پوست درخت **خدنگ** بود که آنرا **توز** می‌نامیدند.

مردم کشورهای هندوستان و همچنین دیگر کشورهای مجاور ایران‌زمین، از ایشان در این کار پیروی کردند و توز را برای نوشتن برگزیدند. پوست خدنگ بسیار نرم و انعطاف پذیر بوده و بادوام است و می‌تواند سالیان دراز پایدار بماند و از همین رهگذر است که آنرا در و ترکمان هم به کار می‌برند.

پادشاهان ایران پس از اینکه دانشهای گوناگون را بر روی پوست توز نوشتند، پی‌جوی آن شدند که در روی زمین شهری و مکانی بیابند که خاك آن به زودی فاسد نشود و زلزله خیز نباشد و از خسوف بر کنار بماند، این بود که، پس از جستجوی فراوان سرانجام در زیر آسمان شهری که واجد این خصوصیات بود یافتند و آن شهر اصفهان بود، و در اصفهان نیز، بخشی بهتر و پسندیده‌تر از بخش **جی** برای تأمین این منظور به نظر نیامد.

در **جی**، آنجا که سالیان دراز **کهن‌دژ** (قهندز) نامیده می‌شد برگزیدند و نوشته‌ها را که حاوی علوم بود در آنجا قرار دادند، آن مکان تا امروز (زمان ابومعشر) برقرار و باقی‌مانده و امروز به نام ساروپه خوانده می‌شود، از روی همین بنای ساروپه بود که مردم توانستند بفهمند و بیابند که بنیانگذار آن کی است و از چه زمان و تاریخی است (بقیهٔ مطالب ابومعشر عیناً همان مطالبی است که ابن ندیم آورده است) از نوشته‌های ابومعشر بلخی و ابن ندیم و حمزهٔ اصفهانی می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که:

در دوران هخامنشیان و حتی قبل از ایشان در ایران کتابخانه‌هایی به منظور حفظ افکار و اندیشهٔ دانشمندان وجود داشته و این کتابخانه‌ها در اختیار بخردان و دانایان و دانش‌پژوهان قرار می‌گرفته است.

با به دست آمدن لوحهای گلی در کاخ آپادانا که نشانه‌ای است از کتابخانهٔ شاهنشاهی هخامنشی و توجه به مطالبی که مورخان در بارهٔ ترجمهٔ آثار ایرانی وسیلهٔ اسکندر مقدونی و نقل آنها به کتابخانهٔ اسکندریه نوشته‌اند همه مؤید این است که در زمان هخامنشیان در ایران کتابخانه‌های بزرگ وجود داشته است.

بنابر اسنادی که به دست آمده است بطور قطع و یقین در زمان پادشاهی داریوش بزرگ در شوش دانشگاهی عظیم برپا بوده که بعدها ویران شده و سپس در زمان پادشاهی انوشیروان بار دیگر احیا گردیده است، مستند ما در این مورد توجه به نوشته‌ای است که در زیر پایهٔ تندیس «مجسمه» **اوزاهاریس نیتی** وجود دارد.

اوزاهاریس نیتی در زمان کمبوجیه از مصر به ایران آمده لیکن داریوش بزرگ بار دیگر او را به مصر باز می‌فرستد و به او مأموریت می‌دهد که معبد **نیت** را بسازد و در مصر به کتابخانه‌ها کتاب بدهد، اینك ترجمهٔ مطالبی که در زیر مجسمهٔ مذکور نوشته شده است:

«شاهنشاه، پادشاه مصر بالا و پایین، داریوش شاه، به من فرمان داد که به مصر باز گردم، او که در این هنگام پادشاه بزرگ مصر و کشورهای دیگر است، در عیلام به سر می‌برد، مأموریت من این بود که، ساختمان **پرآنخا** «قسمتی از معبد نیت» را که ویران شده بود باردیگر بسازم، آسیاییان، مرا از کشوری به کشور دیگر بردند تا آنچنان که فرمان شاهنشاه

بود به مصرم رسانیدند ، به‌ارادهٔ‌شاهنشاه رفتار کردم **به‌کتابخانه‌ها کتاب دادم و جوانان را بدانها داخل کردم** و آنها را به مردان آزموده سپردم و برای‌هریك چیزی سودمند وابزارکارهای‌لازم برابر آنچه درکتابهایشان آمده بود ساختم و آوردم ، **این چنین بود فرمان‌شاهنشاه زیرا ، اوسود وبهرهٔ دانش پزشکی را می‌دانست و می‌خواست‌جان بیماران‌را از مرگ وبیماری رهایی بخشد».**

اوزاهاریس‌نیتی متذکر است که :

«به‌ارادهٔ‌**شاهنشاه‌رفتار کردم، به‌کتابخانه‌ها کتاب دادم و جوانان را در آنها داخل‌کردم وآنها را به مردان آزموده سپردم**» این‌گفتهٔ او می‌تواند ازروش‌کار کتابخانه‌های دوران هخامنشی برای‌ما نمونهٔ‌گویا و روشن به دست داده ونشان بدهدکه در دوران هخامنشی به خصوص هنگام پادشاهی داریوش بزرگ جوانان را به‌کتابخانه‌ها می‌سپردند تا درآنجا با سرپرستی مردان‌کار آزموده و دانش‌پژوه به تحقیق ومطالعهٔ‌آثاربرگزیدگان و فراگرفتن دانشهای‌گوناگون بپردازند وکتابخانه‌ها نیز برای‌استفاده واستفاضهٔ عامهٔ مردم‌بوده است .

اطلاعات ناچیز و مختصری‌که از فرهنگ و ادب دوران هخامنشی‌به‌دست مارسیده است می‌تواند مبین این حقیقت باشدکه‌دردوران‌درخشان‌تمدن‌هخامنشی کشور پهناور ایران (ایرانشهر) مرکز دانش و فرهنگ وهنر جهان‌آن‌روزبوده است واین تمدن‌درخشان تاهجوم‌اسکندر گجستك در سراسر آسیای میانه و شمال آفریقا پرتو افشانی می‌کرده است ودر این‌دوران، در شهرهای بزرگ‌ایرانشهر کتابخانه‌ها و دانشگاهها وجودداشته و جوانان را به‌فراگرفتن دانشهای سودمند راهبری و راهنمایی می‌کرده‌اند .

اسکندر مقدونی پس ازدست‌یافتن به‌گنجینه‌های هخامنشی با خشم ونفرتی فراوان‌که زاییدهٔ حسد وبغض او بود به‌نابودساختن آثارگرانقدرهنری‌وادبی ایران پرداخت واین وقایع شرم‌آور و ننگین‌آن‌چنان درجهان آن‌روزمنعکس شدکه مورخان‌یونانی‌نیزنتوانستند‌آنرا به فراموشی بسپارند ونديده انگارند و منکر شوند .

انگیزهٔ اسکندر درنقل‌آثارادبی و علمی ایران به‌اسکندریه ونابودساختن و سوزاندن‌کتابخانه‌های ایران ازآن‌جا سرچشمه می‌گرفت‌که به اعتراف‌مورخان یونانی تمدن خیره‌کنندهٔ‌هخامنشی اورا گیج و مبهوت ساخته بود و نمی‌توانست آن‌همه جلال وشکوه وادب وفرهنگ و هنر پیش رفته را به‌بیند و تحمل‌خواری وزبونی‌کند ، اسکندر و همراهانش خود‌را غالب می‌پنداشتند ، لیکن آنگاه‌که با تمدن وفرهنگ وهنرایران‌تلاقی کردند خود را مغلوب دیدند و برای محو آن آثار به‌منظور تخفیف درخفت وخواری به‌نابودی و پراکندگی آن آثار دست یازیدند .

پس از هجوم‌اسکندرمقدونی وسپس دوران حکومت سلوکیدها ودرحقیقت تجزیهٔ ایران بزرگ تا حدود هشتادسال وپدیدآمدن آن وضع ناهنجار وناگوار باید این مدت را از نظر فرهنگ وهنر ایران‌دوران‌فترت شمردوبنا براین ناچاریم ازدوران فترت سخنی نگوییم و برای بیان تاریخچهٔ کتابخانه‌های ایران به‌شرح دوران **ارشاکیان** (اشکانیان) بپردازیم .

کتابخانه‌های ایران درزمان‌پارت‌ها:

پارت‌های آریایی اصیل‌ترین فرزندان ایرانندکه نزدیك به‌پانصدسال برای‌کشور ایران افتخار وشکوه‌فراهم آوردند و به نفوذ بیگانگان در ایران پایان بخشیدند ، متأسفانه باید اذعان کردکه جانشینان‌ایشان **ساسانیان** به‌علل سیاسی و منافع خصوصی طی‌مدت چندصد‌سال فرمانروایی خود کوشیدندکه نام و نشان اشکانیان راازصفحهٔ تاریخ بزدایند وآثارشان رابه‌دست فراموشی بسپارند، گرچه درکار خود تا حدی توفیق‌یافتند لیکن ازآنجا‌که هیچگاه درجهان‌حقایق درپس پرده نمی‌ماند، خوشبختانه با کاوشهای علمی و اکتشافات نوین باستانشناسی درطی چهل سالهٔ اخیرآثار و اسناد فراوانی به‌دست‌آمده است‌که در روشن ساختن تاریخ دوران پارت‌ها بسیار ارزنده و گرانقدر است ومی‌توان امیدوار بودکه تا چند سال دیگر تاریخ مستند و جامعی از دوران فرمانروایی پانصد سالهٔ پارت‌ها فراهم‌آید ، اینك با اطلاعات محدود و معدودی‌که در دست داریم تاریخچهٔ کتابخانه‌های ایران را در زمان پارت‌ها دنبال می‌کنیم .

باکاوشهای‌علمی‌که‌در**اوران**و**نسا** درسالهای اخیر به‌همت ایران شناسان‌به‌عمل‌آمده و اسناد وآثار پر ارزشی‌که‌از دل خاك بیرون‌کشیده شده‌است این‌نکته را مسلم می‌داردکه در دوران پارت‌ها بیشتر برپوست‌گاو می‌نوشته‌اند وضمناً تحولی هم در نوشته‌های‌گلی پدیدآمده بوده است وآن اینکه برقطعه‌های سفالی با رنگ‌های‌مختلف آنچه‌رامی‌خواسته‌اند می‌نوشته‌اند و سپس لعاب می‌داده‌اند وبا این‌روش‌لوح‌هایی‌که به‌دست می‌آمده‌است هم‌استحکام‌بیشترداشته وهم دراثرداشتن لعاب رطوبت‌نمی‌توانسته است رنگ‌آنرا زایل‌کند . از اینگونه لوحها یکی‌لوحی است‌که در نسابه‌دست‌آمده‌است .

در**نسا** و**اورامان** و**دورااوروپوس** قطعات‌بسیاری‌ازچرمهای‌نوشته شده‌متعلق به زمان پارت‌ها به دست‌آمده‌که برآنها مطالبی راجع به‌امور اقتصادی وسیاسی نوشته شده است .

در نسا بایگانی عظیمی توسط هیئت‌های باستانشناسی‌کشف گردیده و تاکنون‌فقط‌مقدارناچیزی‌ازآنهاخوانده شده است ، بدیهی است این مقدار آثار و اسنادگرانبهاکه به دست آمده سرمایهٔ قابل توجهی برای زبان پارتی (پهلوی) خواهد بود .

بنا به نوشتهٔ‌کتاب چهارم **دینکرت** (دینکرد) تنظیم وتدوین‌اوستادرایران نخست در زمان داریوش سوم هخامنشی انجام‌گرفت وپس ازاینکه اسکندرآنرا نابود ساخت **ولوگز** پادشاه اشکانی‌آنرا جمع‌آوری‌کرد .

ساسانیان چنین شهرت داده بودند که اوستا راپس‌ازاینکه اسکندرسوزانید برای‌نخستین‌بارآنها به‌گردآوریش‌همت گماشتندلیکن‌اینك‌آشکار می‌شودکه قبل از ساسانیان اشکانیان به‌گردآوری‌اوستا پرداخته بوده‌اند ! وبااینکه‌گفته می‌شود زبان پهلوی دراصل‌زبان‌پارت‌ها بوده است وچون ثبوت این موضوع ازلحاظ ارزیابی‌فرهنگ وادب دردوران‌اشکانیان حایزکمال‌اهمیت‌است‌ناچار برای‌آگاهی از این حقیقت پس از بحث مختصری از مطالب طرح شده نتیجه‌گیری‌کنیم :

دراینکه زبان‌پهلوی زبان‌اشکانیان بوده است و این زبان‌اساساً به‌نام‌آنها نامیده شده است محققان زبان شناس

می‌گویند: زبان اصلی پارتها درهم‌شدهٔ دو لهجهٔ سیث وماد (یعنی ایران میانه) بوده است وپس ازگذشت سالها وآمیخته شدن با زبان پارسیهای جنوب، اززبان این سه قوم آریایی یعنی: سیث ــ ماد ــ پارس ــ زبانی پدیدآمدکه سخن‌گویان به‌آن به‌گفتهٔ **استرابو** گویی بایك‌لغت و لهجه سخن‌می‌گفتند، ودر نتیجه‌زبان‌فرس قدیم بااین هم‌بستگی‌پدیدارگشت‌که آنرا **پهلوی** خواندند. بنابه نوشتهٔ یکی از متون مانوی‌چینی ــ پهلویك یاپهلوانیك یعنی**پارتی**، بنابه‌تحقیق دانشمندان**پهلو** مقلوب‌کلمهٔ **پلهو** است و پلهوهمان‌پرتوه ــ پرثوه‌ــ است‌که‌نام دیگر تپرستان است در سرود **مهابارته** می‌گویدکه: قوم‌پهلوه (پرتوی ــ پارتی) اززیرگاو معروف به **وشسته** پدیدآمدند (مقصود از گاو در مهابارته را خوشبختی تعبیرکرده‌اند) و در **رامانیا** می‌نویسد:

«ازدهان‌آن‌گاو، از نفس و بینی‌او درآمدند وآنان را **په‌نه‌وس** می‌گفتند».

این‌گفتار نشان می‌دهد که پارتیها پیروآیین‌مهر بوده‌اند وچون‌گاودرآیین مهری مقام مقدسی را دارد آنان خود را زاییدهٔ مهر می‌دانسته‌اند.

بطوری‌که قبلااشاره‌کردیم‌ساسانیان آثار مخطوط وهنری دوران‌پارت‌هارااز میان برده بودند وآنچه می‌توانندما را براین رازآگاه سازد نامه‌نامی دینکرت است، و این‌کتاب‌خلاصه‌ای از ۲۱ نسك (دفتر) اوستا است‌چنانکه‌گفته‌شداوستای کامل را نخست لوگزاشکانی فراهم‌آورد. دراوستای‌کامل‌نسك ۱۲ آن‌به‌نام**چی‌تردات** نامیده می‌شده است ودر آن سخن از نژادها و مردمان جهان رفته بوده و به خصوص از خاندانهای شاهان ایران گفتگو می‌کرده است وچون دراین‌نسك از دودمان پارتها وشجرهٔ خاندانشان گفتگو می‌کرده است وامروز اثری از نسك ۱۲ دردینکرت‌نمی‌بینیم‌وضمناً‌می‌دانیم که اردشیر بابکان و فرزندش شاپور اول مجدداً اوستا را گردآوری کردند و با توجه به‌اینکه در نسك ۱۲ سخن از پادشاهان و شجرهٔ خاندان اشکانی رفته است این‌ظن تأیید می‌گردد که‌ساسانیان فراهم‌آوردن مجدد اوستا را به منظور خاصی انجام داده، وبا همین نمونه کافی است‌که پی به‌علت فقدان آثار مخطوط دوران اشکانیان برد، آنچه مسلم است پارتها برای احیای هنروعلوم وفرهنگ ملی ایران به‌خصوص پس‌از نفوذفرهنگ یونان مجدانه‌کوشیده‌اند و بـا آثـار و نمونه‌هایی‌که دردست است توان‌گفت‌که در دوران‌فرمانروایی ایشان همچنان‌که هنر معماری ومجسمه‌سازی اصالت خود را به‌نحو بارزی بازیافته بوده است در زمینهٔ ادب وایجادآثار منثور ومنظوم و احیای علوم نیز گامهای برجسته‌ای برداشته شده‌بوده است.

بطور مثال می‌توان از نمایشنامه‌نویسی در این‌زمان یادکرد، پلوتارك می‌نویسد: اردپادشاه پارت‌نمایشنامه‌های تراژدی می‌نوشته است و درتأیید این نظر کشف‌ساختمان‌تماشاخانه‌ای‌است‌که‌در حفرات بابل از دوران اشکانیان به‌دست آمده است.

امروز ازآثارادبی دوران‌اشکانیان چنداثرمعروف در دست است. که‌به‌معرفی آنها می‌پردازیم:ــ **یاتکارزریران**، زریر برادرکی‌گشتاسب از کیانیان است‌که می‌گویند همزمان بازرتشت می‌زیسته‌هم‌چنین **گشتاسب** نامه واین‌همان اثری‌است که‌سرمایهٔ کاردقیقی‌شاعرمعروف‌درسرودن گشتاسب نامه قرارگرفته است، دیگر منظومهٔ **نخل وبز** وداستان **ویس‌ورامین** را می‌توان‌برشمرد.

یادگار زریران ویا داستان ویس‌ورامین و نخل وبز نمونه‌هایی است‌که سطح ترقی وتکامل فرهنگ وادب رادر دوران اشکانیان نشان می‌دهد و بازگو می‌کندکه شعر حماسی وغنایی وتغزل در ادبیات‌دوران اشکانی‌تا چه‌اندازه‌پیشرفته بوده است.

هنر درخشان دوران پارتی که هنر **هلنی** یونانی را در خود مستحیل‌کرده و از هنر و فرهنگ هخامنشی متأثربوده به خصوص در مجسمه سازی ــ نقاشی و معماری، خودگواه‌زنده‌ای‌براین‌مدعاست که فرهنگ وادب‌وعلوم‌دردوران‌پارت‌ها مورد توجه‌خاص‌شاهنشاهان نامی‌وگرامی آن دودمان بوده است. باتوجه به‌آنچه یادشد می‌توان نظرداد‌پادشاهانی‌که خود نمایشنامه می‌نوشته‌اند و در اثر توجه آنان‌آثارمنثور ومنظوم به‌وجودمی‌آمده و اوستا راثبت وضبط‌کرده‌اندقطعاً‌برای **نگاهداری** این‌گونه آثارکتابخانه‌هایی نیز وجود داشته است.

آثار دوران‌پارتی‌همه پهلوی‌اشکانی بوده ودردوران ساسانی این‌گنجینه‌ها در اختیارآنان‌قرارگرفت‌ودرجزو کتابخانهٔ ساسانیان‌درآمدوامروز به‌سهولت‌نمی‌توان تعیین‌کردکه‌کدام‌یك‌ازآثاردوران‌ساسانی متعلق به‌زمان اشکانی است. مؤید این نظرگفتهٔ ابن‌ندیم‌است‌که‌دربارهٔ کتابخانهٔ اردشیر بابکان می‌نویسد: «کتابهایی‌که از ایران باستان مانده وپراکنده شده بودندگردآورد و درگنجینه‌ای‌آنها را نگاهداری می‌کرد».

کتابخانه‌های دوران ساسانی:

اشکانیان دردوران فرمانروایی‌خود به‌قسمتهایی از ایران بزرگ استقلال داخلی داده بودندکه‌حتی سکه به‌نام‌خود می‌زدند، اردشیر بابکان‌که از خاندان پادشاهان محلی بود و ازنفوذ روحانیان نیز برخوردار می‌بود با اغتنام فرصت و استفاده ازضعف دولت اشکانی بنیان شاهنشاهی ساسانی راگذاشت.

اردشیر بابکان مردی خردمند و دانشمند بود و به دانش و فرهنگ‌توجه مخصوص معطوف‌می‌داشت، کارنامهٔ‌اردشیر بابکان می‌تواند نمونهٔ روشنی از این توجه او به‌ثبت وقایع وآثار متفکران عصر ساسانی به‌شمارآید.

اردشیر بابکان به‌منظورهای‌خاصی که جای بحث‌آن در این تاریخچه نیست باجدیت وکوشش‌فوق‌العاده به‌جمع‌آوری آثارکهن اززمان هخامنشیان وبه‌خصوص آثار دوران پارتی پرداخت و به عنوان اینکه می‌خواهدآنهارا ازپراکندگی و نابودی نجات بخشد و ازدستبرد حوادث مصون داردآنچه‌درایران وهند وچین‌بود فراهم‌آورد و درکتابخانه‌ای آنها را محفوظ داشت.

ابن‌ندیم‌درالفهرست‌می‌نویسد: آنگاه که اردشیر بابك استیلا و غلبه یافت کتابهایی‌که ازایران باستان مانده و پراکنده شده بودند از هندوستان وچین گردآوردودرگنجینه‌ای‌آنهارا نگاهداری می‌کرد، پسرش شاپور اول کار او را دنبال‌کرد وآنچه‌ازز‌بانهای‌دیگر به‌فارسی برگردانده بودند و به صورت کتاب درآمده بود همه را فراهم‌آوردوهم‌چنین به‌گردآوری اوستا پرداخت وبا کمك بزرگ‌موبدان‌اوستارا باردیگرپس ازاین‌که‌اسکندر آنرا سوزانده بوداحیاکرد.

ابن‌ندیم ازکتابخانهٔ‌بزرگ‌دیگری درزمان ساسانیان نیزیاد می‌کند وآن

کتابخانهٔ انوشیروان دادگر در گندی‌شاپور است که برای دانشگاه آنجا بنیاد نهاده بود.

توجه خاص انوشیروان‌را به‌جمع‌آوری کتاب ازاقصی‌نقاط جهان می‌دانیم وکتابهایی که درزمان او ازسنسکریت به پهلوی برگردانده شده مانند پنجاتنترا (کلیله ودمنه) وهزار ویکشب معروف و مشهور است.

شاپور اول ساسانی جز کتابخانهٔ اردشیر بابکان‌در بغداد کتابخانهٔ بزرگ دیگری نیز فراهم‌آورد که پس‌از حملهٔ عرب و تصرف بغداد به‌دست تازیان افتاد و بطوری که ضبط کرده‌اند تا استیلای طغرل سلجوقی وفتح بغداد به‌وسیلهٔ اواین کتابخانه وجودداشته‌ودراین جنگ‌دچار آتش سوزی‌شده‌است. دیگراز کتابخانه‌های معروف دوران ساسانی باید از کتابخانهٔ اردشیر دوم یادکرد. کتزیاس که ازسال ۴۰۱ ــ ۳۸۹ پیش ازمیلاد پزشك اردشیر دوم بوده است وکتاب پرسیکارا در بارهٔ ایران نوشته متذکر است که: کتابش را بااستفاده ازاسناد و نوشته‌های پوستی کتابخانهٔ شاهنشاهی تألیف وتدوین کرده است.

ازدوران ساسانیان رویهم رفته ۸۲ جلد کتاب راجع به‌امورمذهبی و ۹ جلد کتاب دربارهٔ شکار وپند، هفتاد جلد در فنون وعلوم مختلف به‌جامانده است.

درزمان‌ساسانیان جزکتابخانه‌هایی که یاد کردیم، کتابخانه‌های بزرگ و معتبر دیگری نیزوجود داشته است که متأسفانه باحمله واستیلای عرب در اثر تعصب‌وقوم پرستی‌این گنجینه‌های‌فرهنگ ودانش بشری دستخوش قهر وغضب قرار گرفت وراه‌نابودی وفناسپرد.

سعد وقاص پس ازتسخیر فارس و دست یافتن به‌کتابخانه‌های ارزنده و بی‌نظیر و گرانقدر ایران از عمر خلیفهٔ اسلامی‌کسب تکلیف می‌کندکه کتابهارا چه‌کند؟ عمر به‌اومی‌نویسد: «اطرحوها فی‌الماءِفان‌یکن مافیها هدی وقدهدانا‌الله تعالی باهدی منه وان یکون ضلالاً فقدکفانا‌الله». آری عمر خلیفهٔ اسلامی می‌گوید: آنها رادرآب بریزید اگردر آنها راهنمایی باشد باهدایت خداوند از آن‌بی‌نیازیم واگرمتضمن گمراهی‌است وجودشان لازم نیست کتاب خدامارا کافی است. بااین دستور کتابهای ارزمند علوم ودانشهای گوناگون که طی چند هزارسال‌تجربه وتفکرقومی‌متفکر فراهم آمده بود سوزانده ویادستخوش غرقاب گردیدند وبایك چنین عملی تمدن و فرهنگی چند هزار ساله راه نابودی و زوال پیمود **و این سرگذشت غم‌انگیز پایانی‌عبرت انگیزداشت وآن‌اینکه‌طی قرون و اعصار برای نابودکنندگانش بدنامی‌ونفرین، وبرای‌بنیا نگزارانش، سربلندی وآفرین، آفرید.**

سرنوشت رقت‌بار نوشته‌های پهلوی

هنگامی‌که عرب به‌ایران حمله‌ور شد خط رایج درایران‌بزرگ خط‌پهلوی ساسانی بود. خط دین‌دبیریه نیز رواج داشت. خط پارتی (اشکانی) نیز درشرق ایران معمول و متداول بوده وآثار مکشوفه مانوی‌ها دلیل براین امر است. پس از تسلط عرب چون حکومت‌غالب حکومت مذهبی‌بود وکتابخانه‌های‌ایران به دستور عمر سوزانیده ویادرآب غرقه ساخته بودند، این‌عمل‌برای اعراب و فرماندهان‌آنان درایران مجوزی بود و چنین می‌پنداشتند‌که‌آنچه‌نوشته درایران موجود است همه‌مخالف‌خدا ومذهب‌بوده کفر وگمراه‌کننده‌وضلالت بار است. عربها نوشته‌های ایرانی را زندیق می‌خواندند وباید توجه‌داشت که‌این کلمهٔ معرب زندیك فارسی است ومعنی‌می‌دهد مخالف زند. این اصطلاح در دوران ساسانی‌ها درایران وسیلهٔ موبدان‌مصطلح و مستعمل‌گردید. موبدان وگاه‌وابستگان به دولت از این حربهٔ تهمت و تکفیر علیه مخالفان خوداستفاده می‌کردندوهر کس رامی‌خواستندمنکوب ومغلوب‌سازند و ازمیان بردارندبه او تهمت می‌زدندکه مخالف زند و اوستاست «دربارهٔ کلمهٔ زندیك در بخش‌هنرمانی نیز بحث‌خواهد شد» و خارج از مذهب است و همچنین برای‌آنکه مردم کتابهای‌دوران‌اشکانیان را نخوانند و از سرگذشت‌آن دودمان آگاه‌نگردندآثارآن‌دوران راهم‌زندیك می‌نامند، عربها در ایران بااطلاع از مفهوم این‌کلمه چون باایرانیها سروکار داشتندهمین‌کلمه‌را به‌صورت‌معرب **زندیق** به‌کارمی‌بردندو آنچه‌نوشته به‌دست‌می‌آوردند آنرا زندقه می‌خواندندوبه تهمت‌زندیقی می‌سوزانیدند ودارندگان آنراهم‌به‌همین تهمت‌وافترا به‌شکنجه وعذاب‌می‌کشیدند.

بااین ماجرا، فرهنگ وادب‌ایران دراین دوران سرنوشتی رقت‌بار یافت و ایرانیان میهن پرست را برآن داشت تا راه وچاره‌ای بجویند وفرهنگ ودانش وادب چند هزار سالهٔ خودرا ازخطر نابودی وفنا نجات بخشند. درصفحات آینده از چگونگی این راه وچاره که بانهایت هوشیاری‌ودرایت به‌کاررفت‌سخن خواهیم راند وحقیقت آنرا آشکار وبرملا خواهیم ساخت.

لیکن بجاست پیش ازبحث درآن زمینه، فرهنگ‌وادب ایران راهنگام تسلط عرب بطور اجمال مورد بررسی قراردهیم تابه اهمیت و ارزش فرهنگ چندهزار سالهٔ‌ایران و دوران مجد و عظمت‌آن، واثرات این‌فرهنگ درخشان درقرنهای بعد واقف وآگاه شویم.

بررسی سه واژه:

ازآنجاکه تحقیق ما در بارهٔ کتاب وکتابخانه‌های ایران اززمان باستان تا به امروز است. بجاست پیش‌ازآنکه‌در‌بارهٔ چگونگی وادب ایران در دوران باستان تا هجوم عرب بحث‌کنیم. بدانیم ایرانیها کتاب ونوشته‌های خودرا به چه نامی می‌نامیده‌اند؟

ایرانیها تاآنجاکه آثارمحطوط‌در دست‌است‌ونشان‌می‌دهد نوشته‌های خودرا **دی‌پی** می‌نامیده‌اند واین واژه‌که زبان‌شناسان معتقدند در اصل **سومری** بوده است درزمان هخامنشیها به‌زبان فارسی قدیم راه یافته وبه‌نظرآنها این‌واژه در **سومری دوب Dub** بوده ومعنی‌آن‌لوح است. وچون نوشته‌های آن دوران بر‌لوح‌های گلی‌یاسنگی‌نقرمی‌شده‌است‌ازاین رو واژهٔ **دوب** را برای نوشته گرفته و به‌کار می‌برده‌اند.

این واژه از زبان سومری به زبان **اکدی** راه یافته ودراین زبان **دوپو** و سپس **توپو** شده ودرزبان‌**آرامی** به‌صورت **دوپ** مخفف گردیده است.

واژهٔ مذکور به‌صورت **دی‌پی** در سنگنبشته های دوران هخامنشی به کار رفته است وواژه‌های دبیرستان ــ دبیر ــ دبستان ــ دیبه ــ دیباچه ــ دیوان ــ دیبا درزبان فارسی همه مشتق ازآن است.

بدیهی است این‌واژه اینك باسابقهٔ دو ــ

هزار و پانصد ساله واژه‌ای فارسی است.
پس از هجوم اسکندر و آمدن مقدونیان به‌ایران برای کتاب واژهٔ **دفتر** هم رواج یافت و بکاررفت این واژه یونانی است و اصل آن **دی فی ترا** Diphthra و معنی آن پوست است. وچون یونانیان مانند ایرانیها نوشته‌های خودرا بر پوست بز ومیش دباغی شده می‌نوشتند مجموعه‌هایی که ازاین پوستهای نوشته شده فراهم می‌آمد آنرا **دیفی‌تر** می‌خواندند. ایرانیها نیزکه آثار مخطوط خودرا بر پوست گاو و یا پوست **توز** می‌نوشتند به‌همان معنی آنهارا دفتر خواندند.
باید توجه داشت در ایران کهن آنگاه که برای نخستین بار در دوران هخامنشی‌ها اوستا راگرد آوردند برای هر کتاب آن نام **نسک** را برگزیدند و **نسک** درحقیقت به‌معنی یك جلد کتاب است.
اثر تحقیقی رکن‌الدین همایونفرخ
(کتاب وکتابخانه‌های شاهنشاهی ایران)

فهرست کتابخانه‌های ایران

این مأخوذ ازاطلاعات متفرق و مبتنی برسؤالنامه هایی است که به‌دفعات ارسال واخذجواب شده است. اما باوجود این صورتی است احتمالاً ناقص و گاه بااشتباه آمیخته. چه بااین‌که سه بار، یك‌بارازطرف انجمن کتاب (۱۳۳۹)، بار دیگر از طرف کتابخانهٔ ملی (۱۳۴۱) و بارسوم‌ازطرف‌ادارهٔ‌روابط‌کتابخانه‌های دانشگاه‌تهران(۱۳۴۳) به‌ارسال‌سؤالنامه اقدام شده است اماهیچ بارجواب از همهٔ کتابخانه‌ها ویاجواب درست وکافی اخذ نگردیده‌است. جدولی که‌اینك‌طبع‌می‌شود حاصل‌ومجموعهٔ‌آن‌سه‌سؤالنامه واطلاعات دیگری است که‌بعداً به دست آمده است، وتعداد کتب هم طبعاً مربوط به سالهای ۳۹ـ ۱۳۴۳ می‌باشد.
کتابخانه‌های ایران، ایرج افشار.

نشانه‌ها: ج= جلد. چ = چاپی. خ= خطی. م = مجله. ف =فیلم. ن = انگلیسی. فر = فرانسه. ر = روسی. ع = عکسی. ه =قمری.
✡ علامت آنکه فهرستی برای آن چاپ شده است.

فهرست کتابخانه‌های تهران

شماره	نام	تأسیس	تعداد
۱	ملی ***	۱۳۱۷	۶۶۰۰۰(۴۵۴۴خ)
۲	سلطنتی **	(ح۱۲۸۰ق)	۲۶۳۷(فقطخ)
۳	مجلس سنا *	۱۳۲۹	۱۷۰۰۰(۷۶خ)
۴	مجلس شورای ملی ****	۱۳۰۲	۵۵۰۰۰(+۸۰۰خ)
	کتابخانه‌های عمومی		
۵	آبراهام لینکلن (ادارهٔ اطلاعات آمریکا)	۱۳۲۸	۱۵۰۰۰ (ن)
۶	اردشیریگانگی (انجمن‌زردشتیان)	۱۳۱۰	۶۵۰۰ (۵۰خ)
۷	انجمن ایران واطریش	۱۳۴۰	۱۳۰۰
۸	انجمن ایران وآمریکا	—	—
۹	انجمن ایران و آمریکا (کانون دانشجویان)	۱۳۳۹	۷۰۰۰ (ن)
۱۰	انجمن‌ایران واتحادجماهیرشوروی	۱۳۲۳	۱۶۰۰۰ (ر)
۱۱	انجمن ایران وفرانسه	۱۳۲۵	۱۲۰۰۰ (فر)
۱۲	انجمن ایران وهند	—	—
۱۳	انجمن فرهنگ‌ایران باستان	—	—
۱۴	خانهٔ نمونهٔ کودکان	۱۳۳۷	۲۰۰۰
۱۵	شورای فرهنگی بریتانیا	۱۳۳۴	۱۲۰۰۰ (ن)
۱۶	عمومی‌امامزاده‌یحیی(فرهنگ)	۱۳۴۰	۳۳۴۷
۱۷	عمومی انجمن‌کتاب	۱۳۳۷	۶۰۰۰
۱۸	عمومی پارك شهر ۱	۱۳۴۰	۵۵۰۰
۱۹	عمومی منتظمی	۱۳۴۰	۱۵۵۸
۲۰	مرکز فرهنگی ایتالیا	۱۳۴۰	۲۰۰۰
۲۱	ملی ملك	۱۳۱۶	۸۴۶۸(+۶۲۳۲خ)
۲۲	نور (کلیسای انجیلی)	۱۳۱۶	۲۵۰۰
	کتابهای دانشگاهی		
	دانشگاه تهران		
۲۳	کتابخانهٔ مرکزی‌دانشگاه ۱۴ *	۱۳۳۱	۱۰۰۰۰، ۵۴۲۲خ، ۵۰۶۳ع، ۲۷۱۲ف
۲۴	دانشکدهٔ ادبیات ***	۱۳۱۱	۸۵۰۰۰(۱۴۰۰خ)
۲۵	موقوفهٔ خاندان فرمانفرماییان	۱۳۳۸	۶۰۰۰
۲۶	سازمان لغتنامهٔ دهخدا *	—	ح۵۰۰۰(۳۰۲خ)
۲۷	مؤسسهٔ‌مطالعات‌وتحقیقات‌اجتماعی	۱۳۳۷	۸۰۰۰
۲۸	دانشکدهٔ‌الهیات ومعارف‌اسلامی	۱۳۳۲	۱۶۰۰۰(۱۰۰۰خ)
۲۹	دانشکدهٔ پزشکی **	۱۳۱۳	۲۵۰۰۰(۳۱۳خ)
۳۰	مؤسسهٔ انگل‌شناسی	۱۳۳۱	۴۶۰۰
۳۱	پنجاه‌بخش وبیمارستانها	—	۷۰۰۰ (جمعاً)
۳۲	دانشکدهٔ حقوق *	۱۳۱۷ق	ح۷۰۰۰۰(۶۱۷خ)
۳۳	مؤسسهٔ تحقیقات اقتصادی	۱۳۳۹	۶۰۰۰
۳۴	دانشکدهٔ داروسازی	—	۳۴۰۰
۳۵	دانشکدهٔ دامپزشکی	۱۳۱۱	۱۷۰۰۰
۳۶	دانشکدهٔ دندانپزشکی	۱۳۳۵	۴۰۰۰
۳۷	دانشکدهٔ علوم	۱۳۲۳	۲۱۵۰۰
۳۸	مرکز اتمی	۱۳۳۸	۵۰۰

شماره	نام	تأسیس	تعداد کتاب
۳۹	مؤسسهٔ ژئوفیزیك	۱۳۴۰	۱۷۵۰
۴۰	دانشکدهٔ علوم اداری و مدیریت بازرگانی	۱۳۳۲	۸۰۰۰
۴۱	دانشکدهٔ فنی	۱۳۱۳	۲۲۰۰۰
۴۲	دانشکدهٔ کشاورزی (کرج)	۱۳۱۲	۱۴۵۰۰
۴۳	دانشکدهٔ هنرهای زیبا	۱۳۲۵	۶۶۰۰
۴۴	امیرآباد	—	—
۴۵	خوابگاه دختران	—	—
	دانشگاهها ومدارس عالی دیگر		
۴۶	دانشسرای‌عالی(سازمان‌تربیت‌معلم)	۱۳۳۴	۳۰۰۰
۴۷	دانشکدهٔ افسری	۱۳۰۰	۱۷۰۰۰(۱۲خ)
۴۸	دانشکدهٔ صنعتی	۱۳۳۶	۶۱۰۰
۴۹	دانشگاه جنگ	۱۳۱۵	۱۴۰۰۰
۵۰	دانشگاه ملی	۱۳۳۹	۷۰۰۰
۵۱	مدرسهٔ عالی‌بازرگانی	—	۱۲۷۳
	مدرسهٔ عالی علوم تغذیه	۱۳۴۰	۲۵۰۰
	دبیرستانها وآموزشگاهها		
۵۲	آموزشگاه‌خدمات اجتماعی	۱۳۳۷	۲۶۰۰
۵۳	آموزشگاه‌پرستاری اشرف‌پهلوی	۱۳۲۸	۱۴۰۰
۵۴	دبیرستان اندیشه	۱۳۳۱	۵۵۰۰
۵۵	دارالفنون	۱۲۶۸ق	۳۰۰۰
	مسجدها و مدرسه‌های‌قدیم		
۵۶	مدرسهٔ‌سیدنصرالدین	—	—
۵۷	مدرسهٔ عالی‌سپهسالار ***	۱۲۹۷ق	۷۵۰۰(۴۴۰۰خ)
۵۸	مدرسهٔ مروی	—	—
	کتابخانه‌های‌اختصاصی ومؤسسات		
۵۹	آمار عمومی‌کشور	۱۳۳۳	۱۰۰۰
۶۰	آموزش‌بهداشت (وزارت‌بهداری)	۱۳۳۲	۲۰۰۰
۶۱	اطاق بازرگانی	۱۳۳۶	۷۰۰
۶۲	انستیتوی ایرانشناسی (انجمن ایران وفرانسه)	۱۳۲۷	۴۰۰۰
۶۳	انستیتوپاستور ایران	۱۳۲۵	۱۰۰۰و۱۳۵(دوره‌م)
۶۴	انستیتورازی (حصارك)	—	۴۴۴۸(۴۵۹۲م)
۶۵	باستانشناسی(موزهٔایران‌باستان)**	۱۳۱۶	۷۰۰۰(۱۱۲خ)
۶۶	ثبت اسناد واملاك	۱۳۴۲	۴۰۰
۶۷	بانك مرکزی‌ایران (سابقاًازآن بانك‌ملی) *	۱۳۱۷	۲۳۰۰۰(۱۶خ)
۶۸	راه آهن دولتی ایران	۱۳۲۱	۲۳۰۰
۶۹	روزنامهٔ اطلاعات	۱۳۱۲	۱۲۶۰۰
۷۰	روزنامهٔ کیهان	—	۶۰۰۰

کتابخانه‌های

معروف‌کشورهای مختلف‌جهان

آلمان غربی ؛ کتابخانهٔ‌آلمان ،کتابخانهٔ بین المللی موسیقی ، کتابخانهٔ دانشگاه بن

اتحاد جماهیر شوروی ؛ کتابخانهٔ عمومی لنیگراد ، کتابخانهٔ آکادمی‌علوم شوروی ، کتابخانهٔ دولتی لنین .

اتریش؛ کتابخانهٔ آکادمی هنرهای‌زیبا، کتابخانهٔ ادارهٔ مرکزی ، کتابخانهٔ کشاورزی ، کتابخانهٔ ملی اتریش ، کتابخانهٔ گراتس.

اسپانیا ؛ کتابخانهٔ ملی ، کتابخانهٔ‌کاخ سلطنتی .

انگلستان ؛ کتابخانهٔ علوم سیاسی و اقتصادی‌درانگلستان،کتابخانه وقرائت‌خانهٔ موزهٔ بریتانیا ، کتابخانهٔ ادارهٔ مناسبات کشورهای مشترك المنافع و ادارهٔ مستعمرات ، کتابخانهٔ دوستان ، کتابخانهٔ گیلدهال ، کتابخانهٔ مجلس عوام ، کتابخانهٔ مجلس‌لردها ،کتابخانهٔ انستیتوی سلطنتی، کتابخانهٔملی‌مرکزی، کتابخانهٔ علوم، کتابخانهٔ دانشگاه‌لندن، کتابخانهٔ دانشگاه آکسفورد .

ایالات متحدهٔ آمریکا ؛ کتابخانهٔ لوس‌آنجلس ، کتابخانهٔ عمومی بوستون ، کتابخانهٔ‌عمومی برکلین، کتابخانهٔ‌عمومی نیویورك ، کتابخانهٔ عمومی کلیولند ، کتابخانهٔ عمومی فیلادلفیا ، کتابخانهٔ دانشگاه هاروارد .

ایتالیا ؛ کتابخانهٔ دانشگاه بولونی ، کتابخانهٔ‌دولتی‌لوکا، کتابخانهٔ‌امبروزیانا، کتابخانهٔ‌کنسروار توار یوپیترو، کتابخانهٔ‌کازاناتنس، کتابخانهٔ انجمن‌جغرافیایی ایتالیا ، کتابخانهٔ مرکزی ویکتور‌امانوئل.

بلژیك ؛ آرشیو دولاگور ، کتابخانهٔ سلطنتی .

پرتغال ؛ کتابخانهٔ مجمع‌ملی ، کتابخانهٔ مرکزی شهر.

چکوسلواکی ؛ کتابخانهٔ موزهٔ ملی ، کتابخانهٔ انستیتوی تحقیقات فرهنگی ، کتابخانهٔ شهر، کتابخانهٔ ملی، کتابخانهٔ دانشگاه .

دانمارك ؛ کتابخانهٔ سلطنتی ، کتابخانهٔ شهرداری کپنهاك .

شماره	نام	تأسیس	تعداد کتاب
۷۱	سازمان آب تهران	۱۳۳۷	۲۷۰۰
۷۲	سازمان برق تهران	—	۴۲۰۰
۷۳	سازمان مدیریت صنعتی	۱۳۴۱	۱۲۵۰ (ن)
۷۴	سازمان ملل متحد	—	—
۷۵	سازمان نقشه برداری کشور	۱۳۳۴	۱۳۰۰
۷۶	شرکت ملی نفت	۱۳۳۵	۱۰۰۰
۷۷	کانون وکلای دادگستری	۱۳۱۷	۴۰۰۰
۷۸	کمیسیون ملی یونسکو	۱۳۳۷	۴۵۰۰
۷۹	مؤسسهٔ‌مطالعات‌ایرانشناسی‌بریتانیا	—	۲۰۰۰
۸۰	مؤسسهٔ باستانشناسی‌آلمان	۱۳۴۱	۲۰۰۰
	وزارت آموزش و پرورش		
۸۱	کتابخانهٔ فنی	۱۳۱۳	۱۰۳۰۰
۸۲	مرکز تحقیق ومطالعات	۱۳۳۸	۵۰۰۰ (ناکثراً)
۸۳	وزارت امور خارجه	۱۳۱۰	۱۲۰۰۰ (۳۰۰خ)
۸۴	وزارت اقتصاد	—	۵۰۰۰
	وزارت‌جنگ‌دانشکدهٔ‌افسری‌شمارهٔ(۴۷) ودانشگاه‌جنگ به‌شمارهٔ(۴۹)رجوع‌شود		
۸۵	باشگاه افسران	۱۳۱۸	۶۰۰۰
۸۶	دایرهٔ جغرافیایی ارتش	۱۳۱۴	۲۰۹۰
۸۷	نیروی هوایی	۱۳۳۵	۲۰۰۰ (ن)
۸۸	وزارت دادگستری	۱۳۱۶	۳۹۲۴
۸۹	وزارت دارایی	۱۳۲۸	۳۴۰۰
۹۰	وزارت صنایع ومعادن	۱۳۳۶	۶۰۰۰
	وزارت فرهنگ وهنر		
۹۱	هنرهای دراماتیك	۱۳۳۷	۱۰۰۰
۹۲	وزارت‌کار وخدمات‌اجتماعی	۱۳۳۲	۱۰۵۰
	وزارت کشاورزی		
۹۳	سازمان ترویج	۱۳۴۱	۲۰۰۰
۹۴	سازمان جنگلبانی	۱۳۲۲	۱۱۰۰
۹۵	وزارت کشور	۱۳۱۸	۱۲۷۹

فهرست کتابخانه‌های شهرستانها

	آبادان		
۱	آبادان (شرکت نفت)	۱۳۲۷	۱۰۰۰۰ (ن۹۰۰۰)
۲	آموزش وپرورش (رازی)	۱۳۱۷	۵۰۰۰ (ف۳۰۰۰)
۳	دانشکدهٔ‌فنی	۱۳۱۸	۶۰۰۰
۴	کلوب ایران	—	۲۳۰۰
۵	کلوب باوارده	—	۳۰۰۰(ن۱۶۰۰)
۶	کلوب نفت	۱۳۱۵	۶۰۰۰(ن۴۰۰۰)

ژاپون؛ کتابخانهٔ ملی.
سوئد؛ کتابخانهٔ سلطنتی، کتابخانهٔ آکادمی وسلطنتی، کتابخانهٔ دانشگاه آپسالا.
سوییس؛ کتابخانهٔ عمومی دانشگاه بازل، کتابخانهٔ ملی سوییس، کتابخانهٔ مؤسسهٔ تکنولوژی سوییس.
فرانسه؛ کتابخانهٔ ملی، کتابخانهٔ دانشگاههای پاریس، کتابخانهٔ آکادمی ملی پزشکی، کتابخانهٔ آرسنال، کتابخانهٔ موزهٔ ملی.
لهستان؛ کتابخانهٔ ملی، اسناد علمی، کتابخانهٔ عمومی ورشو.
مجارستان؛ کتابخانهٔ ادارهٔ‌مرکزی‌آمار، کتابخانهٔ دانشگاه، کتابخانهٔ شهرداری، کتابخانهٔ موزهٔ‌ملی مردم‌شناسی، کتابخانهٔ ملی.
مصر؛ کتابخانهٔ دانشگاه اسکندریهٔ، کتابخانهٔ وزارت دادگستری.
نروژ؛ آرشیوملی نروژ، کتابخانه‌های وزارت امور خارجه، کتابخانهٔ سلطنتی انجمن علوم نروژ، کتابخانهٔ شهراسلو.
هلند؛ کتابخانهٔ آکادمی وعلوم‌سلطنتی، کتابخانهٔ عمومی، کتابخانهٔ کاخ صلح.
هندوستان؛ کتابخانهٔ ملی دهلی، آرشیو ملی هند، کتابخانهٔ ملی.

کتابخانه های جهان

آرشیو ملی نروژ، در اسلو قراردارد و درسال۱۸۱۷ تأسیس شده‌است.
آرشیوملی هند، دردهلی‌نو (هندوستان) با۱۰ ملیون پروندهٔ اطلاعاتی.
آرشیوولاگو، دربروکسل(بلژیك)، با۲۷ هزارجلدکتاب، که درسال۱۹۱۹ تأسیس شده است.
کتابخانهٔ‌آرسنال، در پاریس (فرانسه) با۱/۴ ملیون جلدکتاب.
کتابخانهٔ‌آکادمی علوم، درشهرلنین‌گراد (اتحاد جماهیرشوروی) درسال ۱۷۱۴م تأسیس شد وبالغ بر ۸ملیون‌کتاب‌دارد، کتب خطی‌آن نفیس وفوق‌العاده کمیاب است.
کتابخانهٔ آکادمی ملی پزشکی، درشهر پاریس (فرانسه) به سال ۱۸۴۷ تأسیس شد وبیش‌از۲۶۰ هزارجلدکتاب‌پزشکی دارد.

شماره	نام	تأسیس	تعداد کتاب
۷	موزهٔ آبادان	—	۴۰۰۰
	آباده		
۸	آموزش وپرورش	۱۳۲۸	۱۰۴۸
	آذرشهر		
۹	آموزش وپرورش	—	—
	آستانهٔ اشرفیه (گیلان)		
۱۰	مدرسهٔ جلالیه	۱۳۱۳ش	—
	آستارا		
۱۱	آموزش و پرورش (پهلوی)	۱۲۸۰	۱۵۸۱
۱۲	دبیرستان حکیم نظامی	۱۳۴۲	۱۰۰۰ح
	آمل		
۱۳	آموزش و پرورش	۱۳۴۲	۵۰۰
۱۴	دبیرستان پهلوی	۱۳۱۷	۶۰۳۸
۱۵	مسجد جامع	۱۳۴۱	۳۵۶ (۶۸خ)
	اراک		
۱۶	آموزش وپرورش	—	—
۱۷	دبیرستان پهلوی	۱۳۱۳	۴۷۹۹(۱۰خ)
	اردبیل		
۱۸	آموزش وپرورش	۱۳۲۲	۱۹۹۱
	اردکان (فارس)		
۱۹	آموزش‌وپرورش	۱۳۳۵	۸۰۰
	ارسباران(اهر)		
۲۰	آموزش وپرورش	۱۳۳۰	۵۰۰
	اسکو		
۲۱	آموزش‌وپرورش	—	—
۲۲	ملی‌شهرداری	۱۳۳۸	۷۰۰
	اصفهان		
۲۳	آموزش‌وپرورش	۱۳۲۲	۹۳۶۶(۹۷۲خ)
۲۴	ادارهٔ اطلاعات آمریکا	۱۳۳۷	۲۰۰۰ (ن۱۵۰)
۲۵	ادارهٔ باستانشناسی	—	—
۲۶	ادارهٔ بهداشت	—	—
۲۷	ادارهٔ تربیت معلم	—	—
۲۸	انجمن ایران وآمریکا	۱۳۳۵	۲۸۰۸
۲۹	دانشکدهٔ ادبیات	۱۳۳۷	۲۵۰۰۰(خ؟)
۳۰	دانشکدهٔ پزشکی	—	—
۳۱	دانشکدهٔ علوم	—	—
۳۲	دبیرستان هراتی	۱۳۳۶	۲۸۴۸
۳۳	رضویه (مدرسهٔ صدر)	۱۳۳۲	۱۱۰۰(۴۰۳خ)
۳۴	شهرداری	—	۵۹۰۰(خ؟)
۳۵	مدرسهٔ چهارباغ	—	—

کتابخانهٔ آکادمی سلطنتی سوئد، در استکهلم (سوئد) به سال ۱۷۳۹ میلادی تأسیس شد واکنون بیش از ۲۰۰ هزار جلدکتاب دارد.

کتابخانهٔ آکادمی وعلوم سلطنتی‌هلند، در آمستردام (هلند) به سال ۱۸۰۸ تأسیس شد و بیش از ۲۱۰هزارجلدکتاب دارد.

کتابخانهٔ آکادمی هنرهای زیبا،دروین (اتریش) به سال ۱۷۷۳ میلادی تأسیس شد وبیش از ۴۰ هزارجلدکتاب دارد.

کتابخانهٔ آلمان،درسال ۱۶۶۱ دربرلن (آلمان غربی) تأسیس شد. دارای‌آثار هنری وعلمی‌است.

کتابخانهٔ‌ادارهٔ مرکزی‌آمار.دربوداپست (مجارستان) بالغ‌بر۳۶ هزار جلدکتاب دارد.

کتابخانهٔ ادارهٔ مناسبات کشورهای مشترک المنافع و ادارهٔ مستعمرات، به سال ۱۸۵۴ میلادی در شهر لندن (انگلستان) تأسیس شد.

کتابخانهٔ اسلو، درسال ۱۷۸۵ درشهر اسلو (نروژ) تأسیس شد وبالغ‌بر ۵۳۰ هزار جلدکتاب دارد.

کتابخانهٔ امبروزیال، درسال ۱۶۰۹در شهر میلان (ایتالیا) تأسیس شد و بیش از نیم ملیون جلد کتاب دارد، وازنظر داشتن کتابهای لاتین و یونانی حایز اهمیت است.

کتابخانهٔ انجمن جغرافیایی ایتالیا، درسال۱۸۶۷میلادی درشهر روم(ایتالیا گشایش یافت و بالغ بر۲۰۰ هزار جلد کتاب دارد.

کتابخانهٔ انستیتوی تحقیقات فرهنگی، درسال۱۹۲۵درشهرپراك(چکوسلواکی) تأسیس شد و بالغ بر ۲۵ هزار جلد کتاب دارد.

کتابخانهٔ انستیتوی سلطنتی، در سال ۱۸۸۷ میلادی در لندن (انگلستان) تأسیس شده دارای۱۰۵هزار جلدکتاب است.

کتابخانهٔ بین‌المللی موسیقی، دربرلن (آلمان غربی) به سال ۱۹۴۵ میلادی تأسیس شد و۷۰۰۰ جلد کتاب خطی از موسیقی دانان بزرگ دارد.

کتابخانهٔ دانشگاه، درسال ۱۳۴۸ در

شماره	نام	تأسیس	تعداد کتاب
۳۶	کلیسای وانك	—	—
۳۷	مرکز توپخانه	۱۳۴۱	۱۱۷۰
	الشتر (خرم آباد)		
۳۸	مسجد جامع	۱۳۴۰	۲۶۰
	اهواز		
۳۹	آموزش و پرورش	—	۵۳۱۴
۴۰	دانشکدهٔ پزشکی	—	—
۴۱	دانشکدهٔ کشاورزی	۱۳۳۶	—
۴۲	عمومی مهدیه (مسجد بهبهانی)	—	۱۰۰۰
۴۳	عمومی ولی عصر (مدرسهٔ آیةالله بروجردی)	۱۳۴۲	۲۰۰۰
	ایرانشهر		
۴۴	عمومی آموزش و پرورش	۱۳۳۹	۲۵۶
	بابل		
۴۵	دبیرستان شاهپور	۱۳۱۷	۱۲۵۰
۴۶	دبیرستان شاهدخت	—	۱۰۰۰
۴۷	شهرداری	۱۳۳۵ق	۱۸۰۰
۴۸	عباس جهانبان (کتاب کرایه می‌دهد)	۱۳۱۸	۲۰۰۰
	بافت		
۴۹	مسجد جامع (حسینی)	—	—
	بجنورد		
۵۰	بزرگمهر	۱۳۳۷	۱۱۳۸
۵۱	آموزش و پرورش	—	۱۴۳۵
	بروجرد		
۵۲	آموزش و پرورش	۱۳۳۸	۱۲۵۰
۵۳	مدرسهٔ نوربخش	—	۱۰۰۰ح
	بستك		
۵۴	آموزش و پرورش	—	—
	بم		
۵۵	آموزش و پرورش	۱۳۳۵	۱۰۹۱
	بندر بوشهر		
۵۶	آموزش و پرورش	—	—
	بندر پهلوی		
۵۷	آموزش و پرورش	—	—
	بندرعباس		
۵۸	آموزش و پرورش	—	۱۳۰۰۰
	بندرلنگه		
۵۹	ملی	—	—
۶۰	سلطان العلماء	۱۳۱۱ق	۲۰۰۰ (۲۰خ)

چکوسلواکی گشایش یافت و بالغ یک ملیون و نیم جلد کتاب دارد.

کتابخانهٔ دانشگاه، در بوداپست به سال ۱۹۲۱ گشایش یافت و ۳۸۰ هزارجلد کتاب دارد.

کتابخانهٔ دانشگاه آپسالا، در سوئد به سال ۱۶۲۰ میلادی تأسیس شد و بالغ بر ۲۰۰ هزارجلد کتاب دارد.

کتابخانهٔ دانشگاه آکسفورد، درانگلستان به دست **الیزابت اول** گشایش یافت و بالغ بر ۳ ملیون جلد کتاب دارد.

کتابخانهٔ دانشگاه اسکندریه، در مصر به سال ۱۹۴۲ گشایش یافت و بیش از یك ملیون جلد کتاب دارد.

کتابخانهٔ دانشگاه بن، در آلمان غربی بایك ملیون جلد کتاب.

کتابخانهٔ دانشگاه بولونی، در ایتالیا بالغ بر ۵۶۰ هزار جلد کتاب دارد، این کتابخانه به سال ۱۶۰۵ تأسیس شده است.

کتابخانه دانشگاه لندن، در انگلستان که به سال ۱۸۳۸ گشایش یافت و بالغ بر ۶۵۰ هزار جلد کتاب دارد.

کتابخانه دانشگاه هاروارد، در ایالات متحدهٔ آمریکا، با ۳/۸ ملیون جلد کتاب.

کتابخانهٔ دانشگاههای پاریس، در فرانسه و بالغ بر ۲ ملیون جلد کتاب دارد.

کتابخانهٔ دوستان، درلندن (انگلستان) به سال ۱۶۷۳ گشایش یافت و ۱۳ هزار جلد کتاب دارد.

کتابخانهٔ دولتی لنین، درمسکو (اتحاد جماهیرشوروی) به سال ۱۸۶۵ افتتاح شد، وبیش از ۱۵ ملیون جلد کتاب و دورهٔ جرایده دارد که ۲/۵ ملیون آن ازکتب خطی است.

کتابخانهٔ دولتی لوکا، درایتالیا که در قرن ۱۸ افتتاح شد، و بیش از ۳۵۰ هزار جلد کتاب دارد که ۸۶۹ جلد آن از نسخ بسیار قدیمی است.

کتابخانهٔ سلطنتی، در دانمارك که به سال ۱۶۶۴ افتتاح شد، یك ملیون و سیصدهزار جلد کتاب دارد، کتب مذهبی این کتابخانه از نظر نفاست وقدمت بی‌نظیر است.

شماره	نام	تأسیس	تعداد کتاب
	بندر معشور		
۶۱	باشگاه نفت	۱۳۳۵	۱۱۸۰
	بهبهان		
۶۲	آموزش وپرورش	—	—
	بیرجند		
۶۳	آموزش وپرورش	۱۳۳۹	۴۰۰۰
۶۴	دبیرستان شوکتی	۱۲۵۰	ح ۱۰۰۰(۶۳خ)
	تاکستان		
۶۵	کتابخانهٔ شهرداری	۱۳۴۴	—
	تبریز		
۶۶	باشگاه فرهنگیان	—	۱۰۲۲
۶۷	دانشکدهٔ ادبیات	۱۳۲۶	۳۰۰۰(۶۵خ)
۶۸	دانشکدهٔ پزشکی	۱۳۲۶	۸۰۰۰
۶۹	دانشکدهٔ فنی	۱۳۲۸	۲۲۰۰
۷۰	دانشکدهٔ کشاورزی	۱۳۳۵	۱۷۷۵
۷۱	دبیرستان رضا شاه	۱۳۳۳	۱۸۶۶
۷۲	دبیرستان منصور	۱۳۴۰	۱۲۵۰
۷۳	دولتی تربیت	۱۳۰۰	۱۳۰۵۰(۲۷۳خ)
۷۴	مسجدجامع (طالبیه)	—	—
۷۵	ملی	۱۳۳۵	۲۲۹۲۴
	تربت حیدریه		
۷۶	آموزش وپرورش	—	۶۳۰
۷۷	دبیرستان قطب	—	۱۰۰۰
	تفرش		
۷۸	آموزش وپرورش	—	۳۳۴
	تویسرکان		
۷۹	آموزش وپرورش	—	—
	جهرم		
۸۰	شاه اولیاء	—	۱۲۰۰
	چاه بهار		
۸۱	آموزش و پرورش	—	۳۶۰
	خاش		
۸۲	آموزش وپرورش	—	—
	خرم آباد		
۸۳	عمومی اوقاف	—	۲۵۷
۸۴	حوزهٔ علمیه	—	—
	مسجدجامع الشتر	—	به الشتر نگاه کنید

کتابخانهٔ سلطنتی، در بلژیک ۲/۱ ملیون جلد کتاب که در سال ۱۸۷۳ میلادی گشایش یافت .

کتابخانهٔ سلطنتی استکهلم، با ۹۰۰ هزار جلد که ۱۴ هزار جلد آن خطی است .

کتابخانهٔ سلطنتی انجمن علوم نروژ ، در اسلو به سال ۱۷۶۰ گشایش یافت و ۲۷۰ هزار جلد کتاب دارد .

کتابخانهٔ شهر، در پراك (چکوسلواکی)، درسال ۱۸۹۱ تأسیس شده و ۶۴۰ هزار جلد کتاب دارد .

کتابخانهٔ شهرداری ، درمجارستان ، به سال ۱۹۰۴ افتتاح شد ودارای ۶۰۰ هزار کتاب است .

کتابخانهٔ شهرداری پراك، دردانمارك به سال ۱۸۸۵ گشایش یافت و ۸۸۴ هزار جلد کتاب دارد.

کتابخانهٔ علوم ، درانگلستان ، با ۴۲۰ هزارجلد کتاب .

کتابخانهٔ علوم سیاسی و اقتصادی انگلستان ، دارای ۳۵۰ هزار جلد کتاب که در سال ۱۸۹۶ تأسیس شده است .

کتابخانهٔ عمومی ، درآمستردام(هلند)، دارای کتابخانهٔ ضمیمه (کتابخانهٔ کوران) درسال ۱۹۱۹ تأسیس شده است .

کتابخانهٔ عمومی بروکلین ، (نیویورك) با قریب ۲ ملیون جلد کتاب که در سال ۱۸۹۷ تأسیس شده است .

کتابخانهٔ بوستون ، (ایالات متحده) با بیش از ۲ ملیون جلد کتاب که در سال ۱۸۵۲ تأسیس شده است .

کتابخانهٔ عمومی دانشگاه بازل(سوییس) با ۱/۵ ملیون جلد کتاب که درسال ۱۴۶۰ میلادی تأسیس شده‌است .

کتابخانهٔ عمومی فیلادلفیا ، (ایالات متحدهٔ آمریکا)، با بیش از ۲ ملیون جلد کتاب که درسال ۱۸۹۷ میلادی تأسیس شده است .

کتابخانهٔ عمومی کلیولند، (ایالات متحدهٔ آمریکا) ، با ۳ ملیون جلد کتاب، درسال ۱۷۶۹ میلادی تأسیس شده است .

کتابخانهٔ عمومی لنینگراد ، (اتحاد جماهیر شوروی) با ۱۰ ملیون جلد کتاب.

کتابخانهٔ عمومی نیویورك ، (ایالات متحدهٔ آمریکا) با قریب ۶ ملیون جلد

شماره	نام	تأسیس	تعدادکتاب
	خرمشهر		
۸۵	آموزش وپرورش	۱۳۲۹	۲۸۲۰
۸۶	دریادار اردلان	۱۳۴۱	۱۸۸۹
۸۷	ادارهٔ اطلاعات آمریکا	۱۳۳۷	۴۰۰۰ (ن)
	خلخال (هروآباد)		
۸۸	جعفریه	۱۳۴۱	۳۱۰چ(+۱۰۰خ)
	خوی		
۸۹	آموزش وپرورش	۱۳۳۴	۱۹۷۰(۳خ)
۹۰	مدرسهٔ نمازی	۱۳۲۵	۱۰۰۰(+۵۰۰خ)
	داراب		
۹۱	آموزش وپرورش	۱۳۴۲	۷۰۰
	دامغان		
۹۲	دبیرستان فردوسی	—	۱۴۵۰
۹۳	عمومی‌اوقاف	۱۳۴۰	۸۰۰ (۶خ)
	درگز		
۹۴	دبیرستان انوری	۱۳۲۵	۱۰۰۰
	دزفول		
۹۵	آموزش وپرورش	—	۱۰۰۰
	دشت میشان		
۹۶	آموزش وپرورش	۱۳۳۱	۱۷۹۳
	رامهورموز		
۹۷	آموزش وپرورش	—	۴۴۹
	رشت		
۹۸	ملی	۱۳۰۲	۱۵۳۰۰(۶۵۰خ)
	رزن (همدان)		
۹۹	آموزش و پرورش	—	۲۵۰
	رضاییه		
۱۰۰	مسجد جامع(تعلیمات اسلامیه‌وعلوم‌دینی)	—	—
۱۰۱	عمومی (ملی‌یا نهم خرداد)	۱۳۲۴	۴۰۰۲ (۵خ)
۱۰۲	باشگاه افسران	۱۳۴۱	۱۱۰۵
	رفسنجان		
۱۰۳	آموزش وپرورش	—	۱۷۰۰
	زاهدان		
۱۰۴	آموزش وپرورش	—	۲۱۳۹
	زنجان		
۱۰۵	آموزش و پرورش	۱۳۳۶	۱۲۲۲
۱۰۶	حسینی	۱۳۴۴	۱۵۰۰

کتاب که درسال ۱۸۹۵ تأسیس شد.

کتابخانهٔ عمومی ورشو، (لهستان) با قریب ۹ ملیون جلدکتاب، که در سال ۱۹۰۷ افتتاح شده است.

کتابخانهٔ کاخ سلطنتی، دراسپانیا با ۲۰۰ هزار جلد که در سال ۱۷۱۶ تأسیس شد.

کتابخانهٔ کاخ صلح، در لاهه (هلند)، با ۳۵۰ هزار جلد کتاب که در سال ۱۹۱۳ تأسیس شد.

کتابخانهٔ کازاناتنس، در روم (ایتالیا)، با ۲۸۰هزار جلدکتاب که درسال ۱۷۰۰ تأسیس شده است.

کتابخانهٔ کشاورزی، در وین (اتریش) با ۹۰ هزار جلدکتاب که درسال ۱۸۷۴ میلادی افتتاح شد.

کتابخانهٔ کنسرواتوار، در ناپل(ایتالیا) باقریب ۶۴ هزار جلدکتاب که در سال ۱۷۹۱ تأسیس شده است.

کتابخانهٔ گیلدهال، درلندن(انگلستان) که درسال ۱۴۲۵ افتتاح شده و۳۶هزار جلدکتاب داردکه ۲۳ هزار نسخهٔ آن خطی است.

کتابخانهٔ لندن، در انگلستان، با ۶۰۰ هزارجلدکتاب که‌درسال ۱۸۴۱ میلادی تأسیس شده است.

کتابخانهٔ لوس آنجلس، در ایالات متحدهٔ آمریکا باقریب ۲/۵ ملیون جلد کتاب که درسال ۱۸۷۲ میلادی تأسیس شده است.

کتابخانهٔ مجلس‌عوام، درلندن(انگلستان که دارای ۱۰۰ هزار جلدکتاب است و به سال ۱۸۱۸ تأسیس شده است.

کتابخانهٔ مجلس لردها، در لندن (انگلستان) با ۶۵ هزارجلدکتاب که در سال۱۸۲۶ تأسیس‌شده‌است.

کتابخانهٔ مجمع ملی، درلیسبون(پرتغال) با۳۷ هزار جلدکتاب که درسال ۱۸۳۵ تأسیس شده است.

کتابخانهٔ مرکزی شهر، در پرتغال با قریب ۱۰۰ جلدکتاب که درسال ۱۹۲۱ تأسیس شده است.

کتابخانهٔ مرکزی ویکتور امانوئل، در روم (ایتالیا) باقریب ۲ ملیون جلد کتاب که درسال۱۸۶۸ تأسیس‌شده‌است.

کتابخانهٔ ملی، در پاریس (فرانسه) با با ۶۰۰هزار جلدکتاب که درسال ۱۸۴۰ افتتاح شده است و بیش از ۴۵۰ هزار

شماره	نام	تاسیس	تعدادکتاب
	ساری		
۱۰۷	آموزش وپرورش	۱۳۳۴	۳۰۰۰(۵خ)
۱۰۸	شهرداری (ملی)	۱۳۳۴	۱۰۵۰(۶۰خ)
۱۰۹	دبیرستان پهلوی	۱۳۱۵	۱۸۵۲
	ساوه		
۱۱۰	آموزش‌وپرورش	۱۳۱۴	۱۲۹۳
	سبزوار		
۱۱۱	دبیرستان رضاشاه کبیر	۱۳۲۲	۱۲۷۹
۱۱۲	آموزش‌وپرورش	—	۱۸۱۰
	سراب		
۱۱۳	آموزش وپرورش	—	۱۰۰۰
	سراوان		
۱۱۴	آموزش وپرورش	۱۳۳۹	۷۱۶
	سردشت		
۱۱۵	آموزش و پرورش	—	۶۵۰
	سقز		
۱۱۶	آموزش وپرورش	—	۷۸۰
	سمنان		
۱۱۷	آموزش وپرورش	—	۵۱۵
۱۱۸	عمومی اوقاف	—	—
	سنندج		
۱۱۹	آموزش و پرورش	—	۲۹۰۰
۱۲۰	نصراللهی (باشگاه افسران)	۱۳۳۵	۱۴۰۰ (۱۶خ)
	سوسنگرد		
۱۲۱	آموزش و پرورش	۱۳۳۵	۷۰۰
	سیرجان		
۱۲۲	آموزش وپرورش	—	—
	شاهپور		
۱۲۳	آموزش و پرورش	—	—
۱۲۴	مدرسهٔ علوم دینیهٔ مهدیه	—	—
	شاهرود		
۱۲۵	آموزش وپرورش	۱۳۳۴	۳۰۰۰(۳خ)
	شاهی		
۱۲۶	آموزش وپرورش	—	—
	شبستر		
۱۲۷	آموزش‌وپرورش(شیخ‌محمودشبستری)	۱۳۳۴	۹۰۰
	شوشتر		
۱۲۸	حسینیهٔ شیخ	—	ح ۱۰۰۰

مدال وسکهٔ تاریخی دارد .

کتابخانه ملی ، درمادرید (اسپانیا) با ۱۵۰ هزار جلدکتاب‌که درسال ۱۷۱۲ تأسیس شده است .

کتابخانهٔ ملی ، در ورشو (لهستان) با قریب ۲ ملیون جلد کتاب که ۷۴۹۲ جلدآن خطی است،این کتابخانه درسال ۱۹۲۸ تأسیس شده است .

کتابخانهٔ‌ملی، در بوداپست (مجارستان) که قریب ۱۴ ملیون جلدکتاب داردکه ۱۹۳۰۲۷۷ جلدآن خطی است .

کتابخانهٔ ملی ، درپراك(چکوسلواکی)، با۸۵۰هزار جلدکتاب‌که درسال۱۹۲۵ میلادی تأسیس شده است .

کتابخانهٔ ملی ، درتوکیو (ژاپون) ، در سال ۱۹۴۸ تأسیس شده است و قریب ۸ ملیون جلد کتاب دارد .

کتابخانهٔ ملی، درکلکته (هندوستان) ، دارای قریب۸ ملیون جلدکتاب‌که در سال ۱۹۰۲ افتتاح شده است .

کتابخانهٔ ملی اتریش ، دروین به سال ۱۵۲۶ افتتاح شده و ۱۲۵۰۰۰۰جلد کتاب دارد .

کتابخانهٔ ملی دهلی ، (درهندوستان) ، با۶۰ هزار جلدکتاب‌که درسال ۱۹۱۵ تأسیس شده است .

کتابخانهٔ ملی سوییس ، درشهر برن ، درسال ۱۸۹۵ میلادی‌تأسیس شده است.

کتابخانهٔ‌ملی‌مرکزی، درلندن انگلستان با ۲۱ ملیون جلد کتاب درسال ۱۹۲۶ میلادی تأسیس شده است .

کتابخانهٔ‌موزهٔ‌ملی،درپراك(چکوسلواکی) با ۱/۲ ملیون جلد کتاب که در سال ۱۸۱۸ تأسیس شده است .

کتابخانهٔ موزهٔ ملی،درپاریس (فرانسه) که دارای کتب مربوط به آثار هنری است .

کتابخانهٔ موزهٔ ملی مردم شناسی ، در بوداپست (مجارستان)، با۶۰ هزار جلدکتاب .

کتابخانهٔ مؤسسهٔ تکنولوژی درزوریخ، (سوییس) ، با۳۵۶ هزارجلدکتاب‌که‌در سال ۱۸۵۵ میلادی تأسیس شده است .

کتابخانهٔ وزارت امورخارجه ، دراسلو (نروژ)که در سال ۱۹۰۱ گشایش یافت وبیش ازصدهزار جلدکتاب دارد .

شماره	نام	تأسیس	تعداد کتاب
۱۲۹	آموزش و پرورش	—	۶۰۰
	شهر ری		
۱۳۰	آستانهٔ عبدالعظیم	۱۳۲۴	۳۱۳۳(۴۱۹خ)
	شهرضا		
۱۳۱	دبیرستان شهپر	۱۳۲۷	۱۰۶۵
۱۳۲	عمومی بوعلی (آموزش و پرورش)	۱۳۳۲	۶۰۳
	شهرکرد (بختیاری و چهارمحال)		
۱۳۳	آموزش و پرورش	—	۱۶۰۰
	شهسوار		
۱۳۴	آموزش و پرورش	۱۳۳۳	۲۷۰۰(۲۸خ)
	شیراز		
۱۳۵	آستانهٔ مبارکهٔ احمدی (شاه‌چراغ)	—	—
۱۳۶	انجمن ایران و آمریکا	۱۳۳۸	۱۵۰۰
۱۳۷	بنگاه علمی تخت‌جمشید	۱۳۱۹	۲۰۰۰
۱۳۸	بیمارستان نمازی	۱۳۳۲	۸۰۰۰(۴خ)
۱۳۹	تربیت معلم	—	۲۰۰۰
۱۴۰	خانقاه احمدی	۱۳۳۸	۲۵۰۰ (۳۰۵خ)
۱۴۱	دانشکدهٔ ادبیات	—	—
۱۴۲	دانشکدهٔ پزشکی	—	—
۱۴۳	مسجد جامع عتیق	—	۳۰۰۰
۱۴۴	ملی پارس	۱۳۲۹	۱۲۹۳۸(۷۵۳خ)
	صومعه‌سرا		
۱۴۵	آموزش و پرورش	۱۳۳۵	۱۰۰۰
	طبس		
۱۴۶	آموزش و پرورش	—	۱۱۰۳
	طوالش		
۱۴۷	آموزش و پرورش	—	—
	فسا		
۱۴۸	عمومی فسا	—	۸۳۶
۱۴۹	مؤسسهٔ دینی	۱۳۳۶	۵۲۰ (۲خ)
	فومنات		
۱۵۰	آموزش و پرورش	—	۳۳۰
	فیروزکوه		
۱۵۱	آموزش و پرورش	۱۳۴۰	۲۱۳۴
	قروه		
۱۵۲	آموزش و پرورش (رضا پهلوی)	۱۳۴۰	۲۰۰۲
	قزوین		
۱۵۳	دبیرستان محمدرضاشاه	۱۳۴۲	۲۰۵۰(۱۸خ)

کتابخانهٔ وزارت دادگستری، درقاهره (مصر) با بیش از ۵۰ هزار جلد کتاب.
کتابخانه و قرائتخانهٔ موزهٔ بریتانیا، با ۶۰۰ هزار جلد کتاب در انگلستان که در سال ۱۷۵۳ میلادی گشایش یافته است.

کتابشناسی و کتابداری

اصول سادهٔ کتابداری: (ادارهٔ کل نگارش وزارت آموزش و پرورش)، حسین بنی‌آدم، هوشنگ اعلم وعلی اکبرجانا، زیر نظر ایرج افشار.
اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی و خصوصی: دانشگاه تهران، محسن **صبا**.
التصفیه فی احوال المتصوفه: (مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات مشهد)، غلامحسین یوسفی.
الذریعة الی تصانیف الشیعه، وزادفیه ابن: المؤلف علینقی منزوی، آقا بزرگ **الطهرانی**.
الکتاب: سیبویه.
تاریخچهٔ کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی: (سازمان کتابخانه‌های عمومی شهرداری)، رکن الدین همایونفرخ.
ترجمهٔ تقویم الصحه: (مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات مشهد)، غلامحسین یوسفی.
توسعهٔ کتابخانه‌های عمومی: یونسکو، ترجمهٔ خانبابا **بیانی**.
جنگ وستیز کتابها: جوناتان سویفت.
ذوق مطالعه در ایران: مجلهٔ راهنمای کتاب، فریدون **اردلان**.
راهنمای کتابخانهٔ دانشکدهٔ کشاورزی کرج: دانشگاه تهران، ابوالحسن **گونیلی**.
سیر کتاب در ایران: امیرکبیر، ایرج افشار.
طبقه‌بندی اعشاری دیویی برای استفاده در کتابخانه‌های مدارس و کتابخانه‌های عمومی: (شورای کتاب کودک) علی اکبر جانا.
فرهنگنامه‌های عربی به فارسی: دانشگاه تهران، علینقی **منزوی**.
فهرست اسناد و فرامین و مکاتبات تاریخی ایران: کمیتهٔ بایگانی ملی —

شماره	نام	تأسیس	تعداد کتاب
۱۵۴	آموزش و پرورش	—	—
	قم		
۱۵۵	آموزش و پرورش	—	۳۰۰
۱۵۶	آستانهٔ مقدسه	۱۳۳۱	۴۰۰۰چ(+۲۰۰خ)
۱۵۷	مدرسهٔ حجتیه	۱۳۳۰	۷۱۰۰ (۹۵۰خ)
۱۵۸	مدرسه فیضیه	۱۳۰۹	۹۰۰۰
۱۵۹	مسجد اعظم	۱۳۳۸	۲۰۵۰۰(۶۰۹خ)
	قوچان		
۱۶۰	آموزش وپرورش	—	—
	کاشان		
۱۶۱	امیرکبیر(باغ شاه فین)	—	—
۱۶۲	انجمن آثارملی (مدرسهٔ سلطانی)	۱۳۲۸	۲۰۰۰چ(+۲۶۰خ)
۱۶۳	سیدابوالرضا	—	—
	کاشمر		
۱۶۴	آموزش و پرورش	۱۳۳۶	۶۰۰چ(+۱۰۰خ)
۱۶۵	مدرسهٔ علوم قدیمهٔ حاج سلطان	—	۷۰۴
	کرج		
۱۶۶	آموزش وپرورش	—	—
	کرمان		
۱۶۷	آموزش وپرورش	۱۳۰۷	۳۲۰۰(۵۰خ)
۱۶۸	مدرسهٔ ابراهیم‌خان	—	—
۱۶۹	مدرسهٔ معصومیه	—	—
۱۷۰	ملی صنعتی زاده	—	—
	کرمانشاه		
۱۷۱	آموزش وپرورش	—	—
۱۷۲	مدرسهٔ آیت‌الله بروجردی	۱۳۳۰	۲۵۰۰(۵۰۰خ)
۱۷۳	انجمن ایران و آمریکا	۱۳۳۶	۱۵۰۰
۱۷۴	ملی شهرداری	۱۳۳۴	۲۵۰۰ (۳خ)
۱۷۵	باشگاه‌فرهنگیان‌ومرکزتربیت‌معلم	—	۴۰۰۰
	کنگاور		
۱۷۶	آموزش وپرورش	—	—
	گرگان		
۱۷۷	آموزش وپرورش	—	—
۱۷۸	باشگاه افسران	۱۳۳۵	۷۰۰
۱۷۹	پارك شهر	۱۳۴۳	۳۵۰۰
۱۸۰	دبیرستان ایرانشهر	۱۳۱۷	۱۰۰۰
۱۸۱	دبیرستان فخرالدین	—	۱۰۰۰
۱۸۲	شهرداری	—	۲۰۰۰

مستخرج ازدفترنخستین نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ، به اهتمام غلامرضا **فرزانه‌پور** ــ بامقدمهٔ محسن **صبا** .

فهرست الکتب والرسایل: (اسدی) ، اجینی ، اسماعیل‌بن‌الرسول .

فهرست انتشارات دانشگاه تهران : (دانشگاه تهران) ، دانشگاه تهران .

فهرست خطی‌کتابخانهٔ رامپور: معین‌الدین بهاری ندوی .

فهرست‌کتابخانهٔ امپریل‌لایبریری‌کلکته: مولوی عبدالمقتدر .

فهرست‌کتابخانهٔ اهدایی آقای سید ــ محمد مشکوة به‌کتابخانهٔ دانشگاه‌تهران: دانشگاه تهران ، علی نقی **منزوی** و محمدتقی **دانش‌پژوه.**

فهرست‌کتابخانهٔ بانکی پورپتنه‌دواوین خطی : مولوی عبدالمقتدر .

فهرست‌کتابخانهٔ بانکی‌پورپتنه ، تاریخ وجغرافیای خطی : مولوی‌عبدالمقتدر.

فهرست‌کتاب برای‌کودکان و نوجوانان: شورای‌کتاب‌کودك تهران .

فهرست کتابخانهٔ دولتی تربیت تبریز: محمد علی‌تبریزی تربیت .

فهرست‌کتابخانهٔ‌مبارکهٔ مدرسه‌فیضیه‌قم: مجتبی **عراقی** .

فهرست کتابخانهٔ مجلس شورای ملی : (تهران)، سعید نفیسی .

فهرست کتابخانهٔ مجلس شورای ملی : جلد چهارم(کتب عربی) کتابخانهٔ‌مجلس شورای ملی، عبدالحسین **حائری** .

فهرست‌کتابخانهٔ‌مرکزی دانشگاه‌تهران: دانشگاه تهران .

فهرست کتابهای چاپی فارسی : بنگاه ترجمه ونشرکتاب، خانبابا ــ **مشار.**

فهرست‌کتابهای چاپی فارسی طبی و فنون وابسته به‌طب : دانشگاه تهران محمود **نجم‌آبادی** .

مؤلفین‌کتب چاپی‌فارسی‌وعربی‌ازآغاز تاکنون: (تهران) ، خانبابامشار.

فهرست‌کتابهای چاپی عربی ایران از آغاز چاپ تاکنون: (تهران) ، خانبابا مشار .

فهرست کتب خطی کتابخانه دانشکدهٔ پزشکی: دانشکدهٔ پزشکی.

شماره	نام	تأسیس	تعداد کتاب
۱۸۳	مدرسهٔ آقامحسن	—	—
۱۸۴	مدرسهٔ‌سردار	—	—
	گرمسار		
۱۸۵	آموزش و پرورش	—	۱۵۷۰
	گلپایگان		
۱۸۶	آموزش و پرورش	—	۱۳۰۰
	گروس		
۱۸۷	دبیرستان پهلوی	—	۱۵۰۰
	گناباد		
۱۸۹	آموزش‌وپرورش‌دبیرستان‌فردوسی	—	۴۰۰
۱۹۰	سلطانی (مزارصالح علیشاه)	۱۳۰۲	۴۰۰۰(۲۴۶خ)
	گنبد قابوس		
۱۹۱	آموزش و پرورش	—	—
	لار		
۱۹۲	آموزش وپرورش	—	—
۱۹۳	دبیرستان صحبت	۱۳۲۶	۳۰۰۰(۳۵خ)
۱۹۴	عمومی‌نحبةالقتهایی	—	—
	لاهیجان		
۱۹۵	شهرداری	۱۳۳۶	۱۴۹۰
	لشت‌نشا		
۱۹۶	عمومی‌لشت‌نشا	—	۱۸۸
	لنگرود		
۱۹۷	شهرداری	—	۱۳۵۰
۱۹۸	شیروخورشید سرخ	—	۱۱۵۱
	ماکو		
۱۹۹	آموزش وپرورش	—	—
	ماهان		
۲۰۰	آموزش و پرورش	—	۴۲۶
	محلات		
۲۰۱	آموزش وپرورش	—	—
۲۰۲	دبیرستان ۱۵ بهمن	۱۳۲۷	۱۲۰۰
	مرند		
۲۰۳	آموزش وپرورش	—	۱۱۸۲
۲۰۴	مدرسهٔ علوم دینیهٔ ولی‌عصر	—	—
	مسجد سلیمان		
۲۰۵	باشگاه مرکزی نفت	۱۳۱۰	۸۰۰۰
۲۰۶	کلوپ ایران	—	۲۵۰۰
	مشکین‌شهر		
۲۰۷	آموزش وپرورش	—	۴۷۰

فهرست کتب خطی کتابخانه‌های اصفهان: اصفهان ، مؤسسهٔ نشر نفائس مخطوطات، محمد علی روضاتی .

فهرست کتب شیخ اجل اوحد مرحوم شیخ احمد احسایی وسایر مشایخ عظام و خلاصهٔ شرح حال‌ایشان : ابوالقاسم ابراهیمی .

فهرست مقالات‌فارسی: دانشگاه تهران، ایرج افشار .

فهرست کتابشناسیهای ایران : دانشگاه تهران ، ایرج افشار .

فهرست نسخه‌های خطی‌کتابخانهٔ‌دانشکدهٔ ادبیات : دانشکدهٔ ادبیات ، محمد تقی **دانش‌پژوه** .

فهرست نسخه‌های‌خطی‌کتابخانهٔ‌دانشکدهٔ ادبیات (مجموعهٔ امام جمعهٔ‌کرمان ، اهدایی احمدجوادی):(مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات تهران)محمد تقی **دانش‌پژوه** .

فهرست نسخه‌های‌خطی‌کتابخانهٔ‌دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی : دانشگاه تهران ، محمدتقی دانش‌پژوه .

فهرست نسخه‌های خطی‌کتابخانهٔ‌مدرسهٔ سپهسالار : انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی ، محمد تقی **دانش پژوه** و علی‌نقی **منزوی**.

فهرست نمایشگاه آثار خواجه‌نصیر در کتابخانهٔ‌ملی: مهدی **بیانی**.

فهرست نسخه‌های مصنفات ابن‌سینا : دانشگاه تهران ، یحیی **مهدوی** .

فهرستی ازکتابهای قصه وافسانه‌وعلوم ساده‌برای‌کودکان و نوجوانان:ابن‌سینا. عباس **یمینی شریف** .

کتابخانه‌های ایران ومقدمه‌ای دربارهٔ کتابخانه‌های قدیم : (ادارهٔ کل‌نگارش وزارت آموزش وپرورش)، ایرج‌افشار .

کتابخانه‌های دنیا : ایرج افشار .

کتاب را چطور باید مطالعه کرد : مهرداد **مهرین** .

کتاب در ایران : مجلهٔ راهنمای‌کتاب ، محمود **مصاحب**.

کتابشناسی ایران : ایرج افشار .

کتابشناسی فهرستهای نسخه‌های خطی فارسی : دانشگاه تهران ، ایرج‌افشار .

کتابهای ایران : ایرج افشار .

شماره	نام	تأسیس	تعداد کتاب
	مشهد		
۲۰۸	آموزش و پرورش	۱۳۰۳	۱۶۲۶۵(۱۴۶خ)
۲۰۹	آستان قدس	ح قرن نهم	۴۶۴۷۷(۹۳۲۳خ)
۲۱۰	انجمن ایران وآمریکا	۱۳۳۶	۲۰۰۰
۲۱۱	دانشکدهٔ ادبیات	۱۳۳۴	۱۲۰۰۰ (۱۳خ)
۲۱۲	دانشکدهٔ پزشکی	۱۳۲۲	۵۷۰۰
۲۱۳	دانشکدهٔ علوم	—	—
۲۱۴	دانشکدهٔ معقول ومنقول	—	۴۰۰۰
۲۱۵	دانشکدهٔ کشاورزی	—	—
۲۱۶	مسجدگوهرشاد	—	۷۰۰۰
۲۱۷	مدرسهٔ میرزا جعفر	۱۳۳۰	۲۲۰۰چ(+۳۰۰خ)
۲۱۸	مدرسهٔ نواب	۱۰۸۶ ق	۳۵۰۰چ(+۸۶۴خ)
	ملایر		
۲۱۹	آموزش‌وپرورش(دبیرستان‌پهلوی)	—	۴۰۰۰
	مهاباد		
۲۲۰	آموزش وپرورش	—	—
	میاندوآب		
۲۲۱	آموزش وپرورش	۱۳۳۶	۱۰۰۰
	نایین		
۲۲۲	آموزش وپرورش	۱۳۳۶	۴۰۵۰۰(۲۰خ)
	نجف آباد		
۲۲۳	آموزش وپرورش	۱۳۳۶	۴۵۷
	نهاوند		
۲۲۴	آموزش و پرورش	—	—
	نی‌ریز		
۲۲۵	آموزش و پرورش	—	۱۳۶۰
	نیشابور		
۲۲۶	آموزش وپرورش	۱۳۳۵	۲۵۰۰(۲۳خ)
	همدان		
۲۲۷	آرامگاه بوعلی	۱۳۳۳	۴۴۶۵(۲۳خ)
۲۲۸	شیروخورشید	—	۱۵۰
۲۲۹	عمومی اوقاف	۱۳۴۱	۱۲۱۲ (۱۲خ)
۲۳۰	عمومی دامغانی	۱۳۳۹	۱۵۰۰ (۱۶ خ)
۲۳۱	غرب (مدرسهٔ آخوند)	۱۳۳۲	۸۵۰۰(۱۲۰۰خ)
			۳۷۲۳ (خ وچ)
	یزد		
۲۳۲	عمومی‌سریزدی	۱۳۳۵	
۲۳۳	مدرسهٔ عبدالرحیم‌خان	—	—
۲۳۴	عمومی‌شرف‌الدین‌علی	۱۳۲۷	۳۴۲۰(۶خ)
۲۳۵	مسجد جامع (وزیری)	۱۳۳۴	۱۲۰۰۰(۱۵۹۶خ)

کتابشناسی تاریخ جدید و معاصر : (طهوری)، حافظ فرمانفرماییان(گردآورنده) .

کتابشناسی ملی: انتشارات‌ایران،کتابخانهٔ ملی، وزارت فرهنگ وهنر .

کتابهایی‌که دنیا را تغییردادند: ابن‌سینا ، روبروب بـدونز ترجمهٔ احـمد آرام .

کتب و اسناد تاریخی‌راجع به‌ایران در اسپانیا : حسین **فاخر** .

مجموعهٔ‌آثار ملکم : ناظم الدوله میرزا ملکم‌خان بن‌میرزا یعقوب اصفهانی .

مجموعهٔ راهنمای کتاب : مهـدی آذر یزدی .

مکتبة الامام امیر المؤمنین علیه‌السلام العامه : صحیفة المکتبة النجف‌الاشرف.

مؤلفات و مصنفات ابوبـکر محمد بن زکریای رازی: دانشگاه تهران، محمود **نجم‌آبادی** .

مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغازچاپ‌تاکنون : بـامقدمهٔ سید حسن تقی زاده. خانبابا **مشار**.

نشریه‌کتابخانهٔ مرکـزی دانشگاه تهران دربارهٔ‌نسخه‌های‌خطی: دانشگاه‌تهران، ایرج **افشار**،محمد تقی **دانش پژوه** .

نشریهٔ‌کتابخانهٔ ملی‌تبریز: کتابخانهٔ ملی تبریز .

نقش‌کتابخانه در آموزش سالمندان‌؛ آموزش اساسی : کمیسیون یونسکو درایران ، سیریل **.هول** ترجمهٔ‌ابراهیم **صفا.**

هنر کتاب خواندن : اقبال ، آدریـن **جانسن** ترجمهٔ اسماعیل **اسعدی** .

کتاب وکتابخانه‌های شاهنشاهی‌ایران: (وزارت فرهنگ و هنر)، رکن‌الدین‌همایونفرخ .

فرهنگ فارسی: (امیرکبیر ، تهران)، استاد دکترمحمد معین .

فرهنگ‌دهخدا: استادعلی‌اکبردهخدا.

چاپ

اختراع پاپیروس

اختراع خط نویسی آنگاه ارزش اجتماعی خودرا به‌تمامی آشکار ساخت که توانستندماده‌ای اختراع کنند که به‌فراوانی وارزانی در دسترس باشد و برروی آن خط بنویسند، واضح است تا زمانی که خط نویسی منحصر درآن بود که خطوط را برروی سنگ حك کنند (همان‌گونه که دریونان برای مدت‌قرنها چنین‌بود) استعمال‌آن محدود به‌اموری می‌شد که در نهایت درجهٔ اهمیت باشد.آثار ادبی ازلحاظ طولانی بودن‌طوری بودکه نمی‌شد آنها را برروی سنگ یا فلز کنده‌کاری کنند وبرای آن‌که آنها را به‌صورت غیر شفاهی محفوظ نگاه دارند ، مادهٔ ارزانتری ضرورت پیدا می‌کرد .

مصریان باستانی این مسأله را با اختراع پاپیروس به‌صورت شایسته‌ای حل کردند ؛ پاپیروس مادهٔ نوشتنی مناسبی بوده که از مغز علفی به نام بردی **Cyperus papyrus** بدست می‌آمد ودر باتلاقهای دلتای نیل در آن زمان فراوان یافت می‌شد ، مغزاین گیاه را به‌صورت نواردر می‌آورند ونوارها را دولا وسه‌لا به‌صورت‌چلیپایی‌روی‌یکدیگر می‌گذاشتند و پس از خیساندن بافشار به‌یکدیگر می چسباندند و سپس آن‌را صیقل می‌دادند .

تاریخ علم
ترجمهٔ احمد آرام

تاریخچهٔ چاپ

تاریخ پیدایش چاپ به طور دقیق معلوم نیست، وقدیمترین نمونهٔ فن‌چاپ در چین دیده شده است وروش‌آن زمان دور بی‌شك استفاده ازمهربوده در طی قرن ۱۵ میلادی **چاپ قالبی** رواج یافت وباکندن‌مطالبی‌روی قالبهای چوب آن را روی‌کاغذ منتقل می‌کردند ، وبرای اولین بار از این چاپ برای ورقهای بازی استفاده می‌کردند ، درواقع آغاز چاپ استفاده ازمهربود وکم‌کم شمایل مقدسین وجملات مذهبی را نیز بامهربه کاغذمنتقل می‌کردند واستفاده ازحروف بین سالهای ۱۰۵۱ تا ۱۰۵۸ در چین آغاز شد **گوتنبرگ** ، از مردم آلمان که شغلش زرگری بود، برای اولین‌بار، صفحات‌چوبی‌حکاکی‌شده‌ای رابرای چاپ بکاربردولی‌پس ازمدتی ازحروف فلزی استفاده‌کرد .

فن چاپ در سال ۱۴۸۷ در همهٔ ممالك اروپا معمول شد ، مرکزیت‌چاپ ابتدا در ایتالیا بعد فرانسه و بالاخره به هلند وانگلستان منتقل‌شد .

تاسال ۱۸۰۰ تقریباً روش‌گوتنبرگ باجزیی تغییر همه جا معمول بود ، از ۱۸۰۰ به بعد روش **سترئوتایپ** رواج یافت‌ودرسال ۱۸۱۰ ازنیروی بخار برای ماشین چاپ استفاده بعمل آمد ، بین سالهای ۱۸۴۷ - ۱۸۴۶ چاپ‌چرخنده ودرسال ۱۸۸۶ **لاینوتایپ** اختراع شد ودرسال ۱۸۹۶ **مونوتایپ** عمل‌شد .

انواع چاپ

۱ـ چاپ‌حروفی (سربی).
- ۱ـ سطحی.
- ۲ـ استوانه‌ای.
- ۳ ـ روتاری.

۲ـ چاپ هم‌سطح.
۳ـ چاپ‌گود (گراوری) .

چاپ سربی (حروفی)

دراین‌نوع‌چاپ سه‌نوع ماشین بکار می‌رود .

۱ ـ **سطحی :** یك صفحهٔ مسطح و متحرك کاغذ را برروی صفحهٔ چاپ که درمحل خود ثابت است فشار می‌دهد .

۲ـ **استوانه‌ای:** یك‌استوانهٔ‌فلزی‌کاغذ را بر روی صفحهٔ چاپ فشار می‌دهد .

۳ ـ **روتاری** ـ علاوه برآن‌که یك استوانهٔ فلزی‌کاغذ را برروی صفحهٔ‌چاپ فشارمی‌دهد ، خود صفحهٔ چاپ به‌صورت لوحه‌ای یك پارچه ونیمدایره است‌که براستوانهٔ دیگری بسته می‌شود این‌لوحه را به طریقهٔ **سترئوتایپ** تهیه می کنند ماشین‌چاپ‌روتاری‌بزرگترین‌وسریعترین نوع ماشینهای چاپ است .

چاپ سنگی (هم‌سطح)
Lithographie

در این‌چاپ ، نقشها بازمینهٔ صفحهٔ چاپ هم‌سطح‌است،قبلاً برای‌تکثیر‌تصویر ونقشه‌ها بکارمی‌رفت وچاپ افست ازآن ناشی شده است .

چاپ افست .

دراین چاپ‌نوشته وعکس رابرروی سطح لاستیکی یك استوانهٔ گردان بر ـ می‌گردانند، سپس آن‌را بافشار استوانهٔ دیگرروی‌کاغذچاپ‌می کنند .دراین‌چاپ، ابتداموضوع‌چاپ‌شدنی‌را برروی صفحه‌ای ازروی یاآلومینیوم‌یامس منتقل‌می‌کنند سپس‌این‌صفحه رابامواد شیمیایی به‌طوری حساس می‌کنند‌که فقط نوشته‌ها وتصاویر آن مرکب چاپ رابه‌خود بگیرد ، این صفحهٔ فلزی حساس را به دور استوانهٔ گردان می‌پیچند ، نوشتهٔ‌آن براثر فشار روی پوشش لاستیکی استوانهٔ‌دوم‌برمی‌گردد ، کاغذ سفید که متوالیاً به دور استوانهٔ سوم می‌پیچد مطالب وتصاویررا از روی پوشش لاستیکی استوانهٔ دوم می‌گیرد .

چاپ‌گود یاگراوری .

در این‌چاپ قسمتهایی‌که باید‌چاپ شود ، پایین تر از زمینهٔ چاپ قرار دارند .

دراین چاپ اول ازکلمات‌وتصاویر عکسبرداری می‌شود وبعد نقش نگاتیف آنها را بریك استوانهٔ مسی نقرمی‌کنند وبه این‌ترتیب ، گودیهای کوچکی بر‌سطح استوانه ایجاد می‌شود ، محل‌نصب این استوانه در ماشین چاپ طوری است که درموقع گردیدن استوانه ، سطح آن ازیك‌طرف همواره باحوضچه‌ای‌مملواز مرکب تماس‌دارد ، واز طرف دیگر ، تیغه‌ای فولادی،مرکب راازسطح استوانه پاك می‌کند ، ومرکب داخل‌گودیها باقی می‌ماند ، وکاغذ این ذرات مرکب رابه خود می‌کشد و به تناسب عمق گودیها مرکب‌کم وزیاد خواهد بود وتصویرسایه وروشن خواهد داشت .

چاپ وچاپخانه درایران .

برای‌اولین باردراوایل‌قرن ۱۱ هـ ق. (درزمان شاه عباس‌کبیر) بوسیلهٔ‌کشیشان، کرملی‌اصفهان‌حروف‌ارمنی به‌ایران‌آمد ودر دیر اصفهان **بصمه‌خانه** تشکیل شد، وانجیلی به زبان ارمنی چاپ کردندکه هنوز درموزهٔ‌جلفای اصفهان‌موجوداست. در سال ۱۸۵۴ میلادی مبلغان مسیحی آمریکایی مقیم اورمیه چاپخانهٔ باحروف سربی‌را برای چاپ‌کتاب به‌زبان‌آسوری وانگلیسی درآن شهر دایرکردند .

درزمان فتحعلی‌شاه، اولین‌چاپخانهٔ سربی تحت حمایت وتشویق عباس میرزا ولیعهددرتبریزدایرشد وشخصی به‌نام‌آقا زین‌العابدین تبریزی رسالهٔ فتحنامهٔ (میرزا ابوالقاسم قائم مقام) را که نخستین کتاب فارسی است در ایران

باحروف سربی چاپ‌شده به طبع‌رسانید. درسال ۱۲۴۰ ه‌.ق. زین‌العابدین‌تبریزی درتهران **قرآن معتمدی** را چاپ‌کرد.
درسال ۱۲۵۰ چاپ‌سنگی درتهران وجودداشت. دراصفهان بین ۱۲۴۴ تا ۱۲۴۸ چاپ سنگی موجود بود ، وچاپ رسالهٔ حسینیه،مربوط به آن زمان است.
در سال ۱۲۹۰ به فرمان‌ناصرالدین شاه، یك‌ماشین چاپ از استانبول خریده و به ایران آوردند . در سال ۱۲۹۲ **بارون لویی‌دو نورمن** باانتشارروزنامهٔ وطن آن چاپخانه را به راه انداخت .
درسال ۱۳۱۷ درتبریز یك‌دستگاه چاپ سربی دایرشد . اینك درتهران چاپخانه‌هایی با ماشین های رتاتیو و تازه‌ترین وسایل چاپ دیده می‌شود .

حروف ریزی وحروفچینی

تاریخچه .

استعمال حروف قابل انتقال‌درقرن یازدهٔ میلادی آغاز شده است مخترع‌آن مردی به‌نام **پی‌شنگ** بود که حروف را ازخاك رس می‌ساخت . اگرچه بعد ازاو مدتی‌ازحروف گلی‌وقلعی استفاده‌کردند ولی هیچ‌کدام نتوانست جای حروف چوبی را که **پ ـ پلیو** اختراع‌کرده‌بود بگیرد . قدیمترین حروف ریزی شاید متعلق به ۱۴۰۳ باشد .
درسال ۱۳۴۰ **گوتنبرگ** آلمانی بدون اطلاع ازکار سایرین، حروف قابل انتقال را اختراع کرد وحروف از آن بعد ازآلیاژی‌مرکب از:سرب،آنتیموان وقلع، مس درست می‌شد .

اصطلاحات چاپخانه

اجازهٔ‌چاپ .
نمونه‌ای‌که غلط ندارد و مؤلف یا مصحح بالای‌آن دستورچاپ می‌دهد .

اشپون .
معادل ۱۸ میلیمتر (۴سیسرو) .

اشپون۳.
معادل ۵۴ میلیمتر .

پایه Foot
دوزایده انتهایی تنه .

پخش .
پس ازچاپ ، صفحات چیده شده‌به حروفچینی منتقل شده و حروفچین آن را پخش می‌کند و هر حرف‌را در جای خود قرار می‌دهد .

پونت(پنط) .
واحد اندازهٔ طولی حروف چاپ (فاصلهٔ بین وجه‌راده دار وطرف مقابل آن). برای۳۷۶/. میلیمتر(درانگلیس)، ۳۵۱/. میلیمتر (درکانادا) .

پیکا .
واحد عرض‌سطرهای چاپی‌که‌برای ۴/۱۶۶ میلیمتر است .

تنه Body
قسمت اعظم‌حرف چاپخانه‌ای است.

حروف تحریری .
یکی ازچهار حروف متداول خط دارای ریشهٔ لاتین .

تحریری *Bank*

حروفچینی Typesetting
چیدن حروف‌چاپ‌کنارهم به‌طوری که‌کلمه وجمله ومطلب رابرساند.

حروف رومی .
یکی ازچهار حروف متداول خط دارای ریشهٔ‌لاتین .

رومی Baskerville

حروف‌سیاه .
یکی ازچهار حروف متداول خط ریشهٔ لاتین .

Text سیاه

خبر
به‌متنی‌گویندکه باید چاپ‌شود.

راده Nick
شیار جانب‌قدامی تنه برای‌تشخیص جهت حروف .

رانگا Galley
ظرفی‌فلزی‌مشابه ورساد امابزرگتر که از ورساد حروف چیده‌شده به‌داخل آن‌منتقل می‌گردد وهم درآن غلط‌گیری وصفحه بندی صورت می‌گیرد .

سان سریف(بی‌گوشه)
یکی ازچهار حروف متداول خط دارای ریشهٔ لاتین .

سان سریف Futura

سیسرو .
معادل ۱۲ پوند و۴/۵میلیمتر.

شانه Shoulder
قسمتی از بدنه‌که حرف روی‌آن نصب شده است .

شیار Grouve
قسمت فرورفتگی‌بین‌دوپایه .

صورت Face
قسمت مرکب‌خورحرف‌چاپ .

گارسه Type Case
جعبهٔ مخصوصی که حروف راداخل آن می‌چینند .

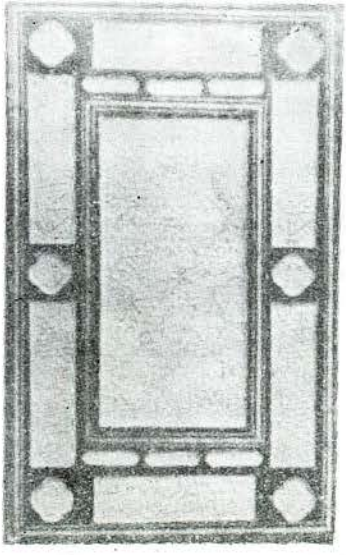
گوادراد .
واحد چاپخانه معادل ۱۸میلیمتر.

نمونه .
پس ازحروف چینی نمونه‌ای چاپی تهیه می‌شود (اغلب‌دستی)که تصحیح‌شده به حروفچینی برمی‌گردد .

ورساد Composing Stick
ظرف‌کوچك‌فلزی، که‌هنگام‌حروفچینی به‌طور موقت مقداری از حروف در آن چیده می‌شود .

چند نمونه از جلدهایی که برای کتب خطی می‌ساختند

جلد چرمی مطلا



حروف فارسی ولاتین برحسب واحد چاپخانه‌ای

IMPRIMERI SEPEHR
Baharestan

حروف ۲۰ سایه دار

IMPRIMERI SEPEHR

حروف۲۴سیاه

بگردون درآمد چو چرخ سپهر

حروف ۱۰ نازك

بگردون درآمد چو چرخ سپهر

حروف ۸ نازك

بگردون درآمد چو چرخ سپهر

حروف ۱۶ نازك

بگردون درآمد چو چرخ سپهر

حروف ۱۰ سیاه

بگردون درآمد چو چرخ سپهر

حروف ۱۸ نازك

بگردون درآمد چو چرخ سپهر

حروف ۱۲ نازك

بگردون درآمدچوچرخ سپهر

حروف ۲۴ سیاه

بگردون درآمد چو چرخ سپهر

حروف ٢٤ برتلد

شعار ما است

حروف ۳۶ سیاه

چاپخانه

حروف ۷۲

IMPRIMERI SEPEHR
حروف ۶ نازك معمولی

IMPRIMERI SEPEHR
Baharestan
حروف ۸ نازك آلمانی

IMPRIMERI SEPEHR
Baharestan
حروف ۶ سیاه آلمانی

IMPRIMERI SEPEHR
Baharestan
حروف ۸ کوشه

IMPRIMERI SEPEHR
BAHARESTAN
حروف ۸ سایه‌دار

IMPRIMERI SEPEHR Baharestan
حروف ٦ نازك آلمانی

IMPRIMERI SEPEHR
Bvharestan
حروف ۱۰ کوشه آلمانی

IMPRIMERI SEPEHR
حروف ۸ آلمانی

IMPRIMERI SEPEHR
Baharestan
حروف ۱۰ معمولی

IMPRIMERI SEPEHR
Baharestan
حروف ۱۰ سیاه

IMPRIMERI SEPEHR
حروف ۱۰ آلمانی

IMPRIMERI SEPEHR
Baharestan
حروف ۱۰ نازك آلمانی

IMPRIMERI SEPEHR
Baharestan
حروف ١٦ سایه دار

IMPRIMERI SEPEHR
Baharestan
حروف ١٦ نازك آلمانی

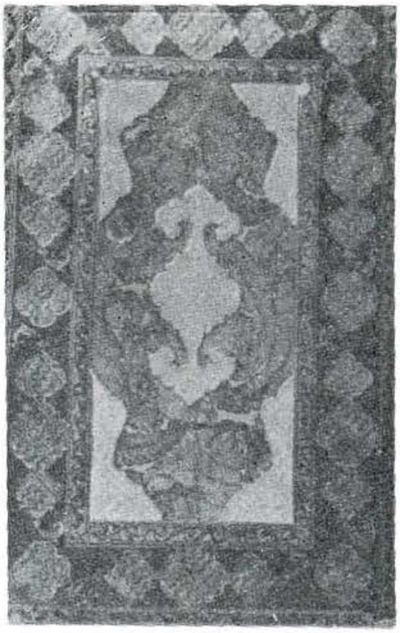
IMPRIMERI SEPEHR
Baharestan
حروف ١٦ تحریری

IMPRIMERI SEPEHR
حروف ١٦ سیاه

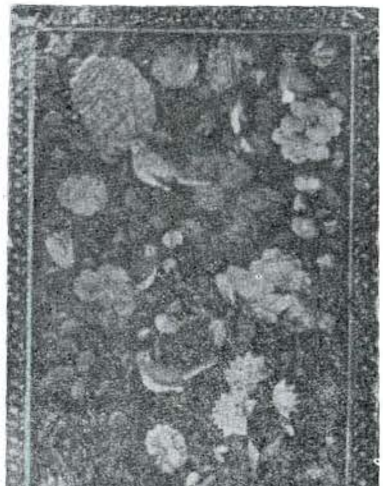
IMPRIMERI SEPEHR
Baharestan
حروف ٢٤ تحریری

IMPRIMERI SEPEHR
حروف ۲۰ سیاه

جلد روغنی



جلد روغنی گل ومرغ



کار محمد زمان

ارتباطها

چاپار در ایران

«نه برف و نه باران ، نه گرما و نه تاریکی‌شب، چاپارهای سریع‌السیر را از انجام دادن خدمتی که به‌آنها محول شده است باز نمی‌دارد»

هرودوت در بارهٔ چاپارهای دورهٔ هخامنشی‌آن چنان گفته‌است.درواقع پست درآن زمان اختصاصی بوده ، و اغلب برای ابلاغ فرمانهای پادشاه بکارمی‌رفت وگاهی نیزدرباریان پیامهایی به‌دوستان خود در ولایات می‌فرستادند. ولی بعدها توانگران و بازرگانان نیز از این پیک‌ها استفاده کـردند و در اواخـر دورهٔ هخامنشی بسیاری از طبقات مردم ازاین حق برخوردار بودند .

انکارید.

سازمان چاپار در زمان‌هخامنشیان **انکارید** نامیده‌می‌شد، که‌درزمان‌اشکانیان نیز به‌همان شکل باقی بود .

پیک‌پادگسپان.

سازمان پست در زمان ساسانیــان پیک‌پادگسپان نامیده می‌شد .

برید.

سازمان پست‌خارجی‌دورهٔ‌ساسانیان.

پست درکشورهای مختلف‌جهان.

برای اولین بـار در سال ۱۶۵۷ میلادی پست دولتی‌انگلستان معمول‌شد، و در اواخر قرن ۱۹ در تمام‌کشورهای اروپایی پست دولتی دایر گردید .

مهر پستخانه در آن زمان‌برای‌ثبت تاریخ ورود نامه بود، که بعدها علاوه‌بر نظارت زمان ورود و خروج برای‌باطل کردن تمبرها نیز ازآن‌استفاده کردند.

پست‌درفرانسه‌برای‌اولین باردرسال ۱۶۵۳ دستگاهی برای جمع‌آوری نامه از مردم شهر وپخش نامه‌های رسیده در پاریس ترتیب داد .

اولین اتحادیهٔ‌جهانی‌درسال ۱۸۷۵ جهت نظارت درمبادلهٔ پست بین‌کشورها تشکیل شد .

پست جدید درایران.

شالودهٔ سازمان جدید پست ایران را باید مربوط به دورهٔ ناصرالدین‌شاه قاجاردانست ، زیرا در سال۱۲۶۷ه ق. میرزا تقی‌خان امیرکبیر ، چاپارخانهٔ دولتی رارسماً تأسیس کرد، ومسؤلیتهایی در این زمینه برای متصدیان امرتعیین کردند ، تاکاغذها و امانتها بـدون‌عیب به دست طرف‌برسد. درسال ۱۲۹۰ه ق. در سفردوم ناصرالدین‌شاه به اروپا، به‌ـ تقاضای‌شاه‌ایران،**ریدرر** اتریشی‌بااجازهٔ امپراتوراتریش مأمور رسیدگی وتنظیم امورپستی ایران شد وبا ورود ریدرربه ایران ، وضع پست به‌کلی تغییر کرد ، ابتدا موجودی‌تمبرهای ایران از اجاره داران پستخانه تحـویل گـرفته شد ، و برای چاپارها لباس متحدالشکل تعیین شدوتمبرهای جدید‌به‌چاپ‌رسید وقوانین جدیدی نوشته‌شد.

اولین پست بین تهران وتبریز در سال۱۲۹۳ ه ق. درساعت ۶ بعدازظهر روز ۱۷محرم‌حرکت‌کرد وپس از۴روز به تبریز رسید .

برای ارسال نامه به خارج تمبر روسی به‌پاکت الصاق می‌کردند ، ولی‌با الحاق ایران‌به اتحادیهٔ‌بین‌المللی ، این رویه منسوخ شد.

پست هوایی.

برای اولین بـار در سال ۱۹۱۱ پست هوایی درآمریکا و انگلستان‌دایر شد و رواج پست بیشتر در بعد ازجنگ جهانی اول بوده است . در ایران‌درروز ۱۸ بهمن‌ماه ۱۳۰۵ شمسی اولین‌سرویس هوایی‌پستی‌ازتهران‌به‌قزوین‌حرکت‌کرد.

اولین سرویس مخصوص هوایی‌بین بوشهر ولندن در شنبــه ۸ اردیبــهشت ۱۳۰۸ ه ش. برقرارشد .

تمبر پست درجهان.

برای اولین بار درسال ۱۸۴۰در انگلستان تمبر پست منتشر شد ، وسایر کشورها نیزکم‌کم تقلید‌کردند، به‌طوری که در سال ۱۸۶۰ تمبر دربسیاری از کشورها متداول شد .

تمبرپست درایران.

در سال ۱۲۴۴ ه ش . نمایندگانی از ایران‌عازم‌فرانسه شدندتاسفارش‌تمبر بدهند ، **ریستر** نامی نمونه‌هایی تهیه‌کرد و به‌نظر نمایندگان ایران رسانید، کـه مورد توجه‌قرارگرفت و درایران‌مصرف پیدا نکرد ، این دوره تمبر ۱۲ عددی به رنگهای مختلف و بدون دندانـه دارای شکل شیر(خوابیده) وخورشید و شمشیر بود ، ولی نمونه‌های دیگری که از طرف **بار** پیشنهاد شده بود درچهار نوع موردموافقت‌قرارگرفت ، این سری تمبر نیز جزء تمبرهای‌نمونه است . در سال ۱۷۴۷ ه ش،اولین‌سری تمبر به‌نام **سری باقری** رسماً منتشر شد ، تا دورهٔ ریاست‌امین‌الدوله (علی‌خان منشی)وضع تمبر و الصاق‌آن به‌مرسولات پستی‌منظم نشده بود دردورهٔ‌او ، یعنی‌ازسال۱۲۸۸ چاپارخانه سروسامانی‌گرفت ، و تمبـر به‌صورت منظم رایج شد .

در سال۱۸۷۵میلادی‌سری‌تمبرهای ریدرر منتشر شد و به‌تمبرهای شیروـ

خورشیدی معروفند.

در سال ۱۲۵۵ ه ش، تمبرهایی با عکس ناصرالدین‌شاه منتشر شد، که هر سری شامل چهارعدد تمبر بود، درسال ۱۲۵۷ه ش ، سری ۶ تایی (با عکس ناصرالدین‌شاه) منتشر گردید، که به‌سری دورالوان معروف است ، اولین سری تمبرهای هوایی‌درسال ۱۳۰۵ منتشرشد.

تاریخچهٔ تلفون.

در سال ۱۸۷۶ گراهام‌بل‌اختراع تلفون‌را به ثبت رسانید، نخستین‌دستگاه بل،هم گیرنده بود وهم فرستنده ، واولین اصلاح درآن در سال۱۸۷۷ به وسیلهٔ ادیسون صورت گرفت که این دو دستگاه را ازهم جدا کرد و برای اولین بار فرستندهٔ کربوبی را اختراع کرد،وکم کم در سراسراروپا وآمریکا استفاده‌ازآن معمول شد .

تلفون درایران.

صاحب امتیاز**واگون‌اسبی‌تهران‌و شاه‌عبدالعظیم**برای‌اولین‌باربرای‌ارتباط مراکز واگونها وقطارراه آهن ازتلفون استفاده‌کرد، که بعددورشته سیم دیگربر تلفون راه آهن‌اضافه شد، یکی‌به‌دربارو دیگری به‌منزل نخست وزیروقت.درسال ۱۳۲۱ دوستعلی‌خان‌معیرالممالك‌باچند تن ازدوستان‌خودبه تشکیل‌شرکت‌سهامی کل تلفون پرداخت وشبکه‌وخطوط‌دایر نمود .

درسال ۱۳۱۱شمسی سرمایهٔ‌شرکت تلفون‌به۲۰ملیون‌رسیدوتلفون‌به‌نوع‌نیمه خودکارتبدیل شد وتلفون‌درسال ۱۳۱۵ به‌خودکارتبدیل‌شد، بعد ازترك‌متفقین از ایران‌قسمتی‌ازدستگاههای‌تلفون‌کاربرآنها به‌جا ماند ، ومقدمات‌کاربر باآنهافراهم آمد،درسال۱۳۲۵ تلفون‌کاربربرای‌ارتباط بین شهرها مورد استفاده قرارگرفت و پس از سال ۱۳۳۲کوشش دامنه‌داری برای توسعهٔ شبکهٔ تلفون بعمل آمد ، ارتباط تلفون خود امروزه با بسیاری‌از شهرها وبخش‌های‌سراسرکشورمیسراست، و تهران به‌وسیلهٔ تلفون بی‌سیم‌باایتالیا، سویس ، آلمان ، فرانسه ، انگلستان ، شوروی ، پاکستان ، ترکیه و هندوستان واغلب‌کشورهای‌جهان‌نیز مربوط است .

تاریخچهٔ تلگراف.

در سال ۱۸۱۹ خاصیت مغناطیسی برق وسیلهٔ **اورستد**کشف شد و **تیستون** دستگاه تلگراف مخصوصی ساخت که تا سال۱۸۷۰ برای پیامهای تجارتی معمول بود ، در سال ۱۸۳۵ **مورس** دستگاهی مخصوص تلگراف ساخت اولین کابل تلگرافی در سال ۱۸۶۶گذاشته شد ودستگاه‌دوپیامی‌درسال۱۸۷۲ ساخته‌شدو ادیسون دستگاه چهار جانبی‌راساخت و دستگاههای‌کاملتر به‌تعاقب‌آن‌اختراع‌شد.

تلگراف درایران.

در سال ۱۲۷۵ ه ق. برای اولین بار بین تهران و کاخ سلطنتی سلطانیه ارتباط تلگرافی برقرار شد ، واولین مکالمه‌بین‌ناصرالدین‌شاه وعده‌ای‌ازرجال و امرا انجام‌گردید، بعدازآن یك رشته سیم‌به‌تبریز کشیده شدتاولیعهد باپایتخت مربوط شود ، بعدهااین ارتباط با ماکو وجلفا وخاك روسیه‌برقرار شد وپیامهای تبریك بین پادشاه ایران و امپراتور روسیه مبادله شد .

درسال۱۲۷۹ه ق. بانظارت‌انگیسی‌ها ارتباط بین تهران‌وخانقین، تهران‌و بوشهر بر قرار شد ، وبه این وسیله شبکهٔ تلگرافی به هندوستان‌پیوست .

درسال ۱۳۰۹ ه ش. کلیهٔ شبکه‌های متعلق به انگلیسی‌ها به ایران واگذار شد .

بعداز ورود**مورس** به ایران‌عده‌ای این فن‌راآموختند و بعدهاتلگرافچی‌گری ارثی شد ، و مقام‌آنها بالا گرفت زیرا از تمام رازها باخبر بودند .

بعدها این روش منسوخ‌گردید و باورود ایستگاه تله‌تایپ ، دستگاه‌مورس از رونق افتاد و امروزه متجاوز از ۶۵ هزار کیلومتر تلگراف در نقاط مختلف کشور پخش است .

تاریخچهٔ رادیو درایران

تاریخچهٔ تأسیس رادیو در ایران

تأسیس رادیو در ایران باتلگراف بیسیم ارتباط داشته است.مقدمات تهیهٔ تلگراف‌بیسیم دروهلهٔ‌اول درسال۱۳۰۳ توسط‌وزارت‌جنگ فراهم گردیدونخستین دکل دستگاه تهران به‌ارتفاع ۱۲۰ متر در زمینهای قصر قاجار افراشته شد . روزبیست‌وچهارم‌اردیبهشت۱۳۰۴دومین دکل بیسیم مستقر گردید وافتتاح‌بیسیم در روزسوم تاجگذاری اعلیحضرت رضا شاه کبیر(ششم اردیبهشت ۱۳۰۵)انجام گرفت . درساعت۱۵ این روزاعلیحضرت رضاشاه‌کبیر با قطع‌نوار سه رنگ آغاز کاربیسیم‌را اجازه فرمودند وتلگرام‌زیر برای دعوت عمومی به کشورهای‌مختلف جهان مخابره شد :

«امروز سومین روزتشریفات تاج‌گذاری‌اعلیحضرت‌شاهنشاه پهلوی‌می‌باشد دراین ساعت موقع‌تشریفات‌افتتاحیه‌این استاسیون است‌این تلگراف(یعنی‌مؤسسه) باحضور اعلیحضرت شاهنشاهی‌تأسیس و درتحت ریاست و حمایت عالیهٔ ملوکانه می‌باشد به‌این‌جهت به‌نام پهلوی‌نام برده خواهدشد این‌دستگاه تلگراف ازامروز افتخار دارد که دستگاههای مرتبط را دعوت به‌مخابره باخود بنماید، افتتاح رسمی این دستگاه در میان شوروشعف عمومی به‌عمل‌آمده است .»

درآخر دیماه ۱۳۰۵ به‌موجب تصویبنامه هیئت وزراءکلیهٔ دستگاههای بیسیم وقسمت‌اعظم کارمندان این‌دستگاه ها به وزارت پست و تلگراف واگذار گردید وبدنبال‌آن در۲۸ مرداد۱۳۰۸ ادارهٔ امورمربوط به مؤسسات تلفون‌نیز بعهدهٔ وزارت‌پست وتلگراف‌گذارده‌شد . ازسال۱۳۱۱ مؤسسات بیسیم توسعه‌پیدا کرد وبه‌ایجاد رادیو منتهی شد. هیأت وزیران روزدوم مهرماه ۱۳۱۳ تصویب نامه‌ای صادر کرده و ورود دستگاههای گیرنده (رادیو) رابرای اخذاصوات و نغمات رادیو مجاز اعلام نمودومقرراتی وضع شدکه برای نصب آنتن واستفاده ازرادیو اجازهٔ وزارت پست و تلگراف وتلفن لازم بود .

درسال ۱۳۱۶مقدمات ایجادمرکز رادیو به‌وسیلهٔ وزارت پست وتلگراف و تلفون فراهم شد ومشخصات دستگاههای موردنیازاعلام گردید وپس‌ازطی‌تشریفات قانونی نصب دستگاهها به‌وسیلهٔ برندگان مناقصه آغاز شد . وضع فنی دستگاهها طوری در نظر گرفته شده بودکه علاوه براستفادهٔ رادیویی‌برای امورمخابراتی تلگراف وتلفون نیز مورد استفاده‌قرار گیرد به‌دنبال‌این اقدام به‌منظور پرورش وراهنمایی افکار عمومی سازمان‌پرورش افکار درسال۱۳۱۷ تأسیس شد واساسنامهٔ

آن در روز دوازدهم دیماه ۱۳۱۷ در هیأت دولت بتصویب رسید. ریاست هیأت مرکزی این‌سازمان بعهدهٔ وزیرفرهنگ وقت بود و انتخاب اعضای هیأت مرکزی و رؤسای کمیسیونهای فرعی به پیشنهاد وزارت فرهنگ و تصویب هیأت وزیران‌صورت می‌گرفت، سازمان مزبور دارای کمیسیونهای مطبوعات، کتب کلاسیك، سخنرانی، نمایشها، رادیو و موسیقی بود . مادهٔ یازدهم اساسنامهٔ پرورش افکار وظایفی به‌شرح زیر برای کمیسیون رادیو معین‌کرده بود .

«کمیسیون رادیومأموراست برنامهٔ جامعی تنظیم وبتصویب دولت برساندکه به‌ترتیب منظمی اخبارونطقها وموسیقی وغیره برای پرورش افکار عمومی‌بوسیلهٔ رادیو پخش شود در مراکز کشور بلندگوهایی‌درامکنهٔ‌عمومی‌برای‌شنیدن‌رادیو نصب خواهد شد کمیسیون رادیو باید فوراً شروع به‌کارنماید تا هنگام دایر شدن دستگاه رادیو درتهران برنامهٔ‌شش ماههٔ‌آن قبلاً آماده باشد .

مادهٔ پانزدهم اساسنامهٔ مزبور نیز که مربوط به کمیسیون موسیقی بود این وظایف رامشخص ساخته بود :

«کمیسیون موسیقی مأمور است در اصلاح‌موسیقی‌کشوربوسیلهٔ ترویج‌موسیقی علمی‌اهتمام نماید که باایجادآهنگ‌های مهیج و سرودهای میهنی ونواهای فرح‌انگیز روح نشاط و کاروکوشش را در مردم تقویت کند .

درسال ۱۳۱۷ که ساختمان‌ایستگاه رادیو (آهنگ پراکنی) شروع‌شده بود مقدمات تأسیس آموزشگاهی در وزارت پست و تلگراف و تلفون فراهم آمد تا عده‌ای برای‌ادارهٔ‌امور تلگراف‌باسیم‌و‌بی‌سیم ورادیو تربیت شوند .

ایجاد نخستین فرستندهٔ رادیویی در ایران به دنبال اقداماتی‌که از سال ۱۳۱۷ بعمل‌آمد درروزچهارم‌اردیبهشت ۱۳۱۹ صورت‌گرفت ووالاحضرت‌همایون محمد رضا پهلوی ولیعهد وقت(شاهنشاه آریامهر) درآن روز فرستندهٔ رادیویی ایران راگشودند . ادارهٔ امور رادیویی تا سال ۱۳۲۱ زیر نظر وزارت‌پست و تلگراف وتلفون‌بود ودرآن‌سال‌با‌تأسیس ادارهٔ‌تبلیغات وانتشارات تهیهٔ‌برنامه‌های رادیویی درادارهٔ‌مزبورمتمرکزشدنیروی فرستنده‌های رادیویی‌درآن موقع‌منحصر به یك دستگاه موج‌کوتاه به‌قدرت ۲۰ کیلووات‌ویك‌دستگاه‌موج متوسط‌به‌قدرت دو کیلووات بود‌که‌در شبانه‌روز پنج‌ساعت برنامه به وسیلهٔ آنها پخش می‌شد . یك دستگاه ۲۰ کیلوواتی موج کوتاه دیگر هم خریداری شده بود‌که به سبب قطع راههای ارتباطی دراثر جنگ‌دوم‌جهانی استفاده ازآن تا سال ۱۳۲۶ به‌تعویق افتاد . باشعله ورشدن‌آتش جنگ دوم پیشرفتهای رادیویی نیز در ایران‌مانند بسیاری از فعالیتهای دیگر کشورمتوقف گردید وچند سال تقریباً به‌همان وضع باقی‌ماند برنامه‌های رادیودرآغازازیك استودیوکه‌درجادهٔ‌قدیم شمیران‌بودپخش می‌شد .

در سال ۱۳۲۷ یك‌استودیوی‌کوچك در میدان‌ارك‌ساخته‌شدکه اخباردربرخی اوقات ازاین استودیو پخش می‌گردید. در سال ۱۳۳۰ دو استودیوی دیگر در کنار این استودیو ساخته شدلکن در برنامه‌های رادیو تحولات اساسی ومهمی پدید نیامد .

تأسیس وزارت‌کار و تبلیغات

پس از تأسیس ادارهٔ تبلیغات و انتشارات در روزیازدهم تیرماه ۱۳۲۲ هیأت وزیران تصویب نمودندکه‌سازمان جامعی‌برای‌امور‌رادیویی‌درنخست‌وزیری تشکیل‌شودوادارهٔ‌کل انتشارات‌وتبلیغات موظف به تهیهٔ طرحهای‌لازم‌برای توسعهٔ امور رادیویی‌کشور شد .

به‌موجب‌تصویبنامهٔ‌قانونی‌کار،مصوب ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۵ وزارت‌کارتأسیس شد و به دنبال‌آن درتاریخ دهم مرداد همان‌سال از ادغام سه ادارهٔ تبلیغات و انتشارات،عمران و اصلاحات وادارهٔ‌کل کاروزارت‌بازرگانی و پیشه وهنر،وزارت کار و تبلیغات‌به‌وجودآمد و بدین‌ترتیب ادارهٔ‌کل انتشارات و تبلیغات‌به وزارت کار و تبلیغات منتقل‌گردید .

تفکیك مجدد ادارهٔ‌کل انتشارات و تبلیغات.

در شهریورماه ۱۳۲۶ مجدداًادارهٔ کل انتشارات وتبلیغات از وزارت‌کار و تبلیغات تفکیك وبه‌نخست وزیری منتقل گردید .

از همان‌تاریخ به‌تدریج فکرتأسیس سازمانهای مختلف تبلیغاتی وانتشاراتی به‌میان‌آمد و دستگاه تبلیغاتی‌کشور راه تازه‌ای درپیش‌گرفت .

گسترش رادیو

در دورهٔ آرامش ایران‌همگام‌باهمهٔ پیشرفتهادرزمینهٔ‌شئون‌اجتماعی،فرهنگی، کشاورزی، بهداشتی، صنعتی‌وارتباطات، دستگاه رادیویی‌کشور نیز به‌موفقیتهای درخشانی نایل‌آمد وازسال۱۳۳۲ مرحلهٔ نوینی راآغازکرد وضمن‌تقویت‌دستگاه‌های فنی و فرستنده‌ها توانست‌در زمینهٔ آموزش عمومی وبالابردن سطح‌معلومات تمام‌طبقات‌مردم کوششهای‌ارزنده‌ای‌به‌کار برد .

درسال ۱۳۳۴ قدرت‌فرستندهٔ‌رادیو به پنجاه‌کیلووات افزایش یافت و سپس در سال ۱۳۳۸ با نصب و افتتاح‌فرستندهٔ صدکیلوواتی‌موج‌کوتاه فعالیت تازه‌ای آغازشد .

در سال ۱۳۳۹ نصب‌فرستندهٔ‌یك‌صد کیلوواتی موج متوسط صورت گرفت و آمادهٔ‌بهره‌برداری‌شد. به‌دنبال‌این‌موفقیتها در سال ۱۳۴۲ نیز چهار فرستندهٔ دیگر آماده نصب شد و رادیو ایران در راه پیشرفت‌کاملی،گام برداشت.

قدرت‌کنونی فرستنده‌های رادیو ایران‌ورادیو تهران

در مرکز فرستندهٔ بیسیم پهلوی:
یك‌فرستندهٔ‌یك‌صد کیلوواتی
یك فرستندهٔ پنجاه کیلوواتی
یك فرستندهٔ ۲ کیلوواتی
یك فرستندهٔ ۱ کیلوواتی
چون مرکز فرستندهٔ‌بیسیم گنجایش دستگاههای‌جدیدفرستنده‌وتحمل برنامه‌های‌آیندهٔ پخش‌صدای‌کشوررا نداشت‌در مرکز فرستندهٔ ۲۵ شهریور(کمال‌آباد) چهار دستگاه فرستندهٔ یك‌صد کیلوواتی صدای ایران را به‌داخل و خارج کشور می‌رساند .

تا سال۱۳۳۲ جمع‌قدرت‌پخش‌صدای کشور ۲۶ کیلووات بود در سال ۱۳۴۲ جمع‌قدرت‌فرستنده‌های رادیویی‌درتهران ونقاط مختلف‌کشور به ۵۴۰ کیلووات افزایش یافت و درسال۱۳۴۵ این‌مقدار به ۹۸۰ کیلووات افزایش داده‌شد وبا اجرای طرحهایی که از نظر تقویت فرستنده‌های رادیویی در دست تهیه‌است تا پایان سال ۱۳۴۷ با بکارافتادن یك فرستندهٔ دوهزارکیلوواتی دردشت‌قزوین و یك فرستندهٔ ۲۵۰ کیلوواتی درمرکز

۲۵ شهریور و یك فرستندهٔ ده کیلوواتی F.M و دو فرستندهٔ یك صد کیلوواتی و چهار فرستندهٔ ده کیلوواتی دیگر میزان قدرت فرستنده‌های رادیویی کشور به ۳۴۸۰ کیلووات بالغ خواهد شد.

توجه به برنامه‌های رادیویی

تحولی که در کار تهیه و تنظیم برنامه‌های رادیو ایران به‌وجود آمده نیز در نوع خود قابل توجه است. اکنون همهٔ برنامه‌های رادیو ایران قبلاً تهیه و کنترل می‌شود و برای پخش آماده می‌گردد و تنها اخبار است که به‌طور آزاد و به‌اصطلاح (زنده) پخش می‌شود.

در زمینهٔ بهبود هرچه بیشتر برنامه‌های رادیویی مطالعات دقیق و مستمری صورت گرفت تا برنامه‌های رادیویی به ویژه برنامه‌های رادیو ایران و رادیو تهران براساسی متکی گردد که جوابگوی نیازمندیهای معنوی یك جامعهٔ تحول یافته باشد و با پیشرفتهایی که در سالهای اخیر در سایهٔ برنامه‌های انقلابی شاهنشاه آریامهر در همهٔ شئون اجتماعی کشور و در زندگی طبقات مختلف مردم پدید آمده است متناسب گردد و بامنعکس ساختن اثرات اجرای برنامه‌های مختلف و ارشاد کارگران، دهقانان، کودکان، جوانان و سایر طبقات نقش فعال بعهده بگیرد.

ساختمان‌های تازهٔ رادیو ایران

همزمان با افزایش قدرت نیروی فرستنده‌ها بنای تازه‌ای به‌مساحت ۷۵۰ مترمربع ساخته‌شد که‌دارای یك استودیوی بزرگ و سه استودیوی معمولی است. شاهنشاه آریامهر روز چهارم اردیبهشت ۱۳۳۸ ساختمان مزبور و استودیوهای جدید راگشودند وازآن‌پس رادیو ایران فعالیت تازه‌ای راآغاز کرد.

در سال ۱۳۳۹ استودیوی بزرگ دیگری باتجهیزات کامل وچند استودیوی معمولی ساخته شدکه روزچهارم اردیبهشت ۱۳۴۰ به‌مناسبت آغاز بیست و دومین سال فعالیت‌رادیو ایران بوسیلهٔ علیاحضرت شهبانو گشایش یافت.

رادیو ایران اکنون دارای ۱۴ استودیو است که هریك بامدرنترین وسایل ولوازم امروز جهان مجهزند. دو استودیوی‌بزرگ رادیو ایران هریك گنجایش ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر تماشاچی رادارند ومخصوص اجرای برنامه های موسیقی، نمایش، مسابقه‌های متنوع‌وسایر برنامه‌های تفریحی وسرگرم کننده‌اند.

برنامه‌های متنوع رادیو با استفاده از وجود دانشمندان ونویسندگان و هنرمندان‌در نمایاندن پیشرفتهای‌مملکت وایجاد امید وایمان‌درمیان‌طبقات مختلف مردم‌کشور نقش اساسی دارد.

علاوه بربرنامه‌های‌موسیقی، برنامه‌های ادبی، تاریخی، اجتماعی و هنری رادیوایران برنامه‌های بامدادی، کودك، سلام بامدادی، زن و زندگی، نیازمندیهای عمومی، کارگران، جوانان، تازه‌های علم وصنعت، اقتصادی، برنامهٔ دهقان و نظایر آن برمحور ترغیب‌شنوندگان‌به‌کار، کوشش، امیدواری وخداشناسی قرارگرفته‌است وحس شاهدوستی‌ووطن‌خواهی آنان راتهییج می‌کند.

تحول در برنامه‌های خبری

دربرنامه‌های خبری رادیو مانند دیگر برنامه‌ها تحول نوینی پدید آمد خبرگزاری پارس که دارای تشکیلات نسبتاً وسیعی است وظیفهٔ مهمی رابرعهده دارد این خبرگذاری هم‌اکنون بوسیلهٔ دستگاههای تله تایپ خود اخبار خبرگزاریهای بزرگ بین‌المللی(آسوشیتدپرس، یونایتدپرس،رویتر، فرانس‌پرس وخبرگزاری‌آلمان) رادریافت می‌دارد. خبرگزاری پارس باتهیه و تنظیم اخبار رادیو ایران و رادیوهای ۱۲ استان کشور وتلویزیون ملی ایران و همچنین تلویزیون ایران‌باتهیه‌وتنظیم اخبار روز برای مطبوعات ازراه انتشار بولتن‌های خبری صبح وعصر وتهیهٔ اخبار اطلاعات وگزارشها وتفسیرهای‌لازم‌دربارهٔحوادث مهم‌بین‌المللی‌نقش‌ارزنده‌ای بعهده دارد این خبر گزاری که اخبار خودرا طی ساعات مختلف شبانه روز پخش‌می‌کند، نیم‌ساعت پس‌از وقوع هرخبرملت ایران را درجریان حوادث ووقایع مهم ایران وجهان قرار می‌دهد.

برنامهٔ رادیو تهران

برنامه‌های رادیو تهران که بیشتر جنبه‌های‌علمی‌وهنری‌دارد‌برای‌روشنفکران ودانش‌پژوهان پخش می‌شود برنامه‌های رادیوتهران‌به‌شناساندن هنرتئاتر، سینما وموسیقی‌های ایرانی وخارجی متوجه است وضمن آن علوم انسانی و مباحث اجتماعی و انتقادی مورد بحث قرار می‌گیرد ودرمعرفی ادبیات وتاریخ ملل مؤثر است.

به‌طور کلی‌در تهیه‌و تنظیم برنامه‌های رادیویی برای اشاعهٔ هرچه‌بیشتر زبان فارسی نیز توجه کافی مبذول می‌شود تا شنوندگان‌ایرانی‌وعلاقمندان‌در کشورهای افغانستان، پاکستان هندوستان و سایر کشورهای جهان‌بالغات وکلمات ودستور زبان فارسی آشنایی بیشتر حاصل‌کنند.

برای این که رادیو ایران علاوه برنقش ارشادی‌خودهمگام باافکارعمومی پیش برود به تشکیل قسمتی‌که افکار و عقاید شنوندگان رادیو ایران رابررسی نماید مبادرت شد تانظرات شنوندگان رادیورادرمورد برنامه‌های مختلف گردآوری‌کند وبااین‌که اکثریت شنوندگان برنامه‌های‌رادیورامورد تأییدقرارداده‌اند کوشش می‌شود تا تنوع بیشتری در برنامه‌های رادیویی ایجاد شود.

تعاون اجتماعی رادیو ایران :

درتیرماه ۱۳۳۹ برنامه‌های‌رادیو ایران ۲۴ ساعته اعلام شد وازنیمه شب به‌بعد سرویس‌تعاون‌اجتماعی‌رادیوایران به‌کار افتاد. این‌سرویس‌باهمکاری‌پزشکان مردم‌دوست به‌مدد بیماران می‌شتابد و با سرویسهای‌امدادی‌به‌یاری‌آنان‌می‌فرستد.

برنامه‌های خارجی شبکهٔ رادیو ایران.

درتیرماه ۱۳۴۰ قسمت برنامه‌های خارجی‌رادیوایران تأسیس‌شد. این‌قسمت روزانه اخبار و گفتارهای مفید را به زبانهای انگلیسی، فرانسه، عربی، ترکی وروسی و اردو ترجمه ودر برنامه های مخصوص هریك‌ازآنها همراه باموسیقی پخش می‌نمایند. رادیو ایران وسیلهٔ قسمت مبادلات بین‌المللی خود که در فروردین ماه سال ۱۳۴۰ تأسیس شد همواره ازآهنگها واطلاعات رادیویی کشورهای خارجی استفاده می‌کند و به مبادلهٔ آهنگها واطلاعات رادیویی اقدام می‌نماید. این قسمت با مؤسسات وابسته به رادیوها در تمام کشور ها از قبیل باشگاههای(دی‌اکس) ارتباط برقرار ساخته است.

طبق‌آماری که‌بدست‌آمده هم‌اکنون صدای ایران به سرتاسر گیتی می‌رسد و شنوندگان رادیو ایران علاوه بربحرین قطرودوبی‌ازکشورهای‌سوئد ـ انگلستان ـ آلمان غربی ـ زلاند جدید ـ فنلاند ـ

ژاپون ـ دانمارك ـ آمریکای شمالی ـ سواحل اقیانوس اطلس ـ نروژ ـ هلند ـ ایرلند ـ اسکاتلند ـ پاکستان ـ ایتالیا ـ بلژیك ـ فرانسه ـ هندوستان ـ اتحادیهٔ افریقای جنوبی ـ برزیل ـ آلمان شرقی ـ ترکیه ـ اندونزی ـ چین ملی ـ قارهٔ استرالیا ـ چکسلواکی ـ عراق ـ سوریه ـ تونس ـ الجزایر ـ مراکش ـ لیبی ـ کویت ـ مصر ـ اسپانیا ـ لوکزامبورك ـ سوییس ـ یوگسلاوی ـ افغانستان ـ زنگبار ـ لبنان ـ مالایا ـ اسراییل ـ کانادا ـ اتریش ـ عربستان سعودی ـ برمه وشوروی با رادیو ایران مکاتبه دارند و پیرامون مسایل مختلف بحث می‌کنند.

برنامه‌های موسیقی رادیوایران:

در زمینهٔ موسیقی بررسیهای لازم بعمل‌آمد تاباتوجه به تحولات اخیر اجتماعی کشور و نیازمندیهای روحی‌مردم علاوه‌برموسیقی، ترانه، موسیقی‌های‌محرك، تفریحی‌وآرامش‌بخش‌توصیفی، موسیقی‌محلی وآموزشی نیز بوجود آید و گروههای مختلف مردم نظیر کودکان، جوانان، پیشه‌وران، کارگران، دهقانان و زنان موسیقی موردنظرخود را بشنوند.

در تهیهٔ انواع موسیقی همواره این اصل‌موردنظر بوده است‌که روح موسیقی سنتی و اصیل ملی حفظ وتقویت شود و به‌سمت‌کمال هدایت‌گردد و براساس این فکرارکستر خاصی‌علاوه بر ارکسترهای قبلی مرکب ازاساتید وتکنوازان بنام بوجود آمدکه برنامهٔ‌آن اجرای‌موسیقی سنتی وقطعات صد درصد اصیل‌وکلاسیك موسیقی ایرانی وردیف‌های قدیمی باشد درحال حاضر بارعایت اصولی که اشاره شدبرنامه‌های رادیوایران براساس‌چهار بخش بدین قرار:

بخش اول ازساعت ۶تا۱۲
بخش دوم ازساعت ۱۲تا۱۸
بخش سوم ازساعت ۱۸ تا۲۴
بخش چهارم ازساعت ۲۴تا۶
تنظیم گریده است.

شبکهٔ رادیو ایران

به منظور گسترش شبکهٔ رادیویی کشور درمراکز استانها نیز رادیوهای محلی تأسیس‌شدتاعلاوه‌براجرای‌برنامه‌های رادیویی از تهران بوسیلهٔ اجرای برنامه‌های محلی‌نسبت به بالابردن‌سطح معلومات عمومی مردم استانها کمکهای مؤثری شده باشد بدین ترتیب در سال ۱۳۲۵ نسبت به توسعهٔ رادیو تبریز که مقدمات تأسیس‌آن درسال ۱۳۲۴ فراهم شده بود اقدام‌گردید و به دنبال آن در سالهای بعددرمراکزسایر استانهارادیوهای محلی تأسیس شد و شروع بکار کردند.

همزمان باپیشرفت رادیوایران طی سالهای‌اخیراقداماتی‌جهت‌تکمیل‌فرستنده‌های رادیو استانها بعمل‌آمد. هم اکنون درمراکزیازده‌استان‌کشور درشهرستان‌های رشت، تبریز رضاییه، کرمانشاه، اهواز، شیراز، کرمان، مشهد، اصفهان، سنندج وزاهدان و همچنین در شهرستان گرگان دراستان مازندران فرستنده‌های محلی‌مشغول کارند وبا اقداماتی‌که بعمل آمده است‌کلیهٔ استودیوهای این‌فرستنده به‌وسایل‌فنی مدرن مجهز شده‌اند وبرای چهار استان خوزستان، کردستان، خراسان و اصفهان ساختمانهای جدید بااستودیوهای‌کامل طبق احتیاجات آنها ساخته شد.

قدرت فرستنده های رادیویی استانها.

رادیوکرمانشاه‌یك‌فرستندهٔ یك‌صد کیلوواتی ویك فرستندهٔ ده کیلوواتی موج متوسط.

رادیو اهواز یك فرستندهٔ یك‌صد کیلوواتی و یك فرستندهٔ ده کیلوواتی موج متوسط.

رادیو زاهدان یك فرستندهٔ یك‌صد کیلوواتی ویك فرستندهٔ یك‌کیلوواتی موج متوسط.

رادیو شیراز یك فرستندهٔ ده‌کیلوواتی و یك فرستندهٔ یك کیلوواتی موج متوسط.

رادیواصفهان‌یك فرستندهٔده‌کیلوواتی ویك فرستندهٔ یك کیلوواتی موج متوسط.

رادیو تبریز یك فرستندهٔ ده‌کیلوواتی‌موج متوسطویك فرستندهٔ هفت‌کیلوواتی موج کوتاه.

رادیوکرمان‌یك‌فرستندهٔده‌کیلوواتی ویك فرستندهٔ یك کیلواتی موج متوسط.

رادیو رشت یك فرستندهٔ ده‌کیلوواتی ویك فرستندهٔ یك کیلوواتی موج متوسط.

رادیوگرگان یك‌فرستندهٔ ده‌کیلوواتی ویك فرستندهٔ یك کیلو واتی موج متوسط.

رادیو مشهد یك‌فرستندهٔ ده کیلوواتی ویك فرستندهٔ یك کیلو واتی موج متوسط.

رادیو رضاییه یك فرستندهٔ ۵۰۰ واتی.

رادیو سنندج یك فرستندهٔ‌یك‌کیلوواتی موج متوسط و یك فرستندهٔ ۴۰۰ واتی موج‌کوتاه.

«با استفاده‌ازانتشارات‌وزارت‌اطلاعات»

«جدول مشخصات فرستنده‌های رادیو ایران و رادیو استانها»

نام فرستنده	قدرت فرستنده	طول موج	مدت برنامه
	۱۰۰ کیلووات‌ـ‌موج متوسط	۲۲۶/۵متر برابر ۱۳۲۵ کیلوسیکل	۲۳ ساعت
	۱۰۰ » موج‌کوتاه	۴۲ متر برابر ۷۰۶۴ »	»
رادیو ایران	۱۰۰ » موج‌کوتاه	۷۵ متربرابر ۳۷۷۸/۵ »	»
	۱۰۰ » موج‌کوتاه	۱۹ متر برابر ۱۵۱۳۵ »	۱۵ ـ ۹ ساعت
	۱۰۰ » موج‌کوتاه	۲۵ متر برابر ۱۱۷۳۰ »	»
	۲۰ » موج‌کوتاه	۷۵ متر برابر ۳۷۸۰ »	»

نام فرستنده	قدرت فرستنده	طول موج	مدت برنامه
رادیو ایران	۱۰۰ کیلووات_ موج کوتاه	۱۹ متر برابر ۱۵۱۳۵ کیلوسیکل	۰۵ ـ ۴ساعت
(برنامه‌های مخصوص خارج از کشور با آنتن‌های توجیهی)	۱۰۰ « موج کوتاه	۲۵ متر برابر ۱۱۷۳۰ «	۰۵ ـ ۴ساعت
	۵۰ « موج‌متوسط	۳۳۵ متر برابر ۸۹۵ «	۰۰ ـ۲ ساعت
رادیو تهران	۵۰ « موج‌متوسط	۳۳۵ متر برابر ۸۹۵ «	۵۵ ـ ۱۰ ساعت
زاهدان	یک‌صد کیلووات موج‌متوسط	۳۸۷ متر برابر ۷۷۷ کیلوسیکل	۱۸ساعت
اهواز	یک‌صد « موج‌متوسط	۲۱۶ متر برابر ۱۳۹۰ «	۱۸ـ۱۳ساعت
کرمانشاه	یک‌صد « موج‌متوسط	۳۰۰ متر برابر ۵۸۵ «	۱۸ ساعت
سنندج	یک کیلووات موج متوسط	۲۰۳/۴ متر برابر ۱۴۷۵ «	۱۵ـ۸ ساعت
	۵۰۰ وات کوتاه	۴۴ متر برابر ۶۸۱۸ «	
رضاییه	یک کیلووات موج کوتاه	۳۱۰ متر برابر ۹۷۶ «	
	۵۰۰ وات	۳۷۰ متر برابر ۶۹۴۰ «	۱۵ـ۸ساعت
تبریز	۵ کیلووات موج متوسط و ۷ کیلووات موج کوتاه	۴۶۱/۵۷ متر برابر ۶۵۰ «	
	۱۰۰ کیلووات موج‌متوسط خواهد داشت	۴۸/۹ متر برابر ۶۱۵۵ «	۴۵ـ۱۰ ساعت
اصفهان	ده کیلووات موج‌متوسط	۲۱۰/۴۲ متر برابر ۱۴۲۵/۷	
	۷۵ وات کوتاه	۳۸ متر برابر ۷۸۸۸	۱۰ ـ ساعت
شیراز	۱۰ کیلووات موج‌متوسط	۲۸۳ متر برابر ۱۰۶۰ کیلوسیکل	۱۲ـ ساعت
رشت	یک‌صد کیلووات	۴۴۱ متر برابر ۶۸۰ «	۱۸ـساعت
گرگان	یک کیلووات موج‌متوسط	۲۰۵/۱ متر برابر ۱۴۶۲/۲ «	۱۵ـ۷ ساعت
	۵۰۰ وات موج کوتاه	۴۶ متر	
مشهد	۱۰ کیلووات موج متوسط	۲۷۲/۷۰ متر برابر ۱۱۰۰ «	۱۵ـ۷ ساعت
کرمان	یک کیلووات موج متوسط	۲۷۵ متر برابر ۱۰۹۰ «	۰۰ـ۷ ساعت
قزوین (رادیو مخصوص کمیتهٔ مبارزه با بیسوادی شهرستان قزوین)	۵۰۰ وات موج متوسط	۳۸۵ متر برابر با ۷۷۹ «	۴ ـ ساعت

تلویزیون ملی ایران

۱ ـ تلویزیون ملی ایران با نام مخفف (بین‌المللی) N . I . T . V. شناخته می‌شود.

۲ ـ تلویزیون ملی‌ایران درتاریخ چهارم آبان ۱۳۴۵ (۲۶ اکتبر ۱۹۶۶) به مدت شش‌ماه یک‌دورهٔ برنامهٔ آزمایشی آغاز کرد ولی‌درتاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۴۵ (۲۰ مارس ۱۹۶۷) رسماً به‌دست‌مبارک شاهنشاه آریامهر افتتاح گردید وازتاریخ اول فروردین ۱۳۴۶ مرتباً ظهر وشب برنامه داشته است.

۳ ـ آدرس‌پستی و تلگرافی این سازمان به‌قرار زیر است: تلویزیون ملی ایران_صندوق‌پستی ۲۵۵۹ ـ خیابان پهلوی ـ خیابان‌جام جم ـ تهران. آدرس تلگرافی: تل‌مل تهران ـ تلفن: ۵ ـ ۶۲۸۱۴۱ و ۴ـ ۶۲۹۱۳۳.

۴ ـ تلویزیون ملی ایران برروی کانالهای ۷ (سیستم اروپایی) و ۹ (سیستم آمریکایی) به طریق ۶۲۵ خطی سیستم CCIR کارمی‌کندو نیز به‌طورموقت برروی کانال ۱۳ با سیستم ۵۲۵ FCC برنامه پخش می‌نماید.

۵ ـ اطلاعات فنی دربارهٔ قدرت فرستنده از لحاظ تصویر و صدا و برد عبارت‌است از:

Transmitter Power: 10 KW Visual 2KW Audio 7,9,13
Effective Rediative Power 80KW
Channel 7 , 9
Visual 8 Aural Frequency :
Image : 189 . 25 MC (7)
Audio : 194 . 75 MC (9)
Image : 211 . 25 MC
Audio : 215 75 MC (13)

۶ ـ تلویزیون ملی ایران کاملاً با دستگاههای ویدئوتیپ مجهز می‌باشد.

۷ ـ ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون ملی‌ایران ۱۳ الی ۱۴ (برنامهٔ ظهر) ۱۹ الی ۲۳/۱۵ (برنامهٔ شب).

۸ ـ تلویزیون ملی‌ایران‌طبق‌جدول

زیر آگهی‌ها را دریافت و پخش می‌نماید:
مقررات قبول آگهی‌های تجارتی بوسیلهٔ تلویزیون ملی ایران.

مادهٔ ۱ ـ تلویزیون ملی ایران فیلمهای سریال تلویزیونی یا فیلمهای داستانی (سینمایی) و یا فیلمهای مستند را به نام آگهی دهنده به یکی از طرق زیر پخش می‌نماید:

الف ـ برای هر ۱۵ دقیقه فیلم ۳۰ ثانیه در ابتدا و یا ۱۵ ثانیه در انتهای فیلم و پیامهای آگهی‌های تجارتی که مورد تصویب تلویزیون باشد پخش می‌گردد.

ب ـ در مورد فیلمهای بیش از ۱۵ دقیقه (نیمساعت و یک ساعت و بیشتر) مدت پخش پیامهای تجاری را به نسبت زمان مندرج در بند الف را در یک یا چند قسمت در ابتدا یا انتهای فیلم پخش خواهد کرد.

مادهٔ ۲ ـ در مورد برنامه‌های غیر فیلمی نیز تلویزیون ملی ایران طبق مندرجات مادهٔ ۱ عمل و اقدام می‌کند.

تبصره: در مورد برنامه‌های غیر فیلمی در وسط برنامه نیز می‌توان پیام آگهی پخش کرد.

مادهٔ ۳ ـ تلویزیون ملی ایران آگهی‌های تجاری کوتاه مدت را که ارتباطی به برنامه‌های فیلمی و یا غیر فیلمی ندارد نیز قبول کرده در فواصل برنامه‌های خود پخش می‌نماید.

مادهٔ ۴ ـ نرخ آگهی پخش شده تلویزیون ملی ایران به شرح زیر تعیین می‌شود:

الف ـ در مورد فیلمهایی که به نام آگهی دهنده طبق مفاد مادهٔ ۱ پخش می‌شود. درصورتی که بهای خرید فیلم و هزینهٔ ترجمه و برگردانیدن به زبان فارسی توسط آگهی دهنده پرداخت شده باشد به ازای هر ۱۵ دقیقه برنامه با شرایط فوق ۴۰۰۰ ریال و برای هر ۳۰ دقیقه برنامه ۷۵۰۰ ریال و برای هر یک ساعت برنامه ۱۴۰۰۰ ریال حق النشر دریافت می‌شود.

ب ـ در مورد فیلمهایی که توسط تلویزیون ملی ایران خریداری و ترجمه و به زبان فارسی برگردانیده شده، علاوه بر نرخ آگهی به شرح بند الف فوق قیمت فیلم و هزینه‌های انجام شده نیز دریافت می‌گردد.

ج ـ در مورد برنامه‌های غیر فیلمی علاوه بر دریافت هزینهٔ تولید برای هر ۱۵ دقیقه برنامه ۳۰۰۰ ریال و هر نیمساعت ۶۰۰۰ ریال و هر یک ساعت ۱۲۰۰۰ ریال حق النشر دریافت می‌شود.

د ـ در مورد آگهی‌های کوتاه مدت که در فواصل برنامه‌های تلویزیون ملی ایران پخش می‌شود به این شرح حق النشر دریافت می‌گردد.

نرخ آگهی برای آگهی دهندگانی

مدت	که مستقیماً آگهی می‌دهند	نرخ برای مؤسسات تبلیغاتی
تا ده دقیقه آگهی در ۳ ماه	۴۰۰۰۰ ریال برای هر دقیقه	۳۵۰۰۰ ریال برای هر دقیقه
تا ۳۰ دقیقه » » »	۳۵۰۰۰ » » » »	۳۰۰۰۰ » » » »
تا ۶۰ دقیقه » » »	۳۰۰۰۰ » » » »	۲۵۰۰۰ » » » »
تا ۹۰ دقیقه » » »	۲۵۰۰۰ » » » »	۲۲۰۰۰ » » » »
تا ۱۲۰ دقیقه » » »	۲۳۰۰۰ » » » »	۲۰۰۰۰ » » » »
از ۱۲۰ دقیقه بیشتر	۲۰۰۰ » » » »	۱۸۰۰۰ » » » »

مادهٔ ۵ ـ پرداخت عوارض شهرداری آگهی‌های تجاری در مورد برنامه‌های فیلمی و غیر فیلمی بعهدهٔ آگهی دهنده و در مورد آگهی‌های کوتاه که در فواصل برنامه‌ها پخش می‌شود بعهدهٔ تلویزیون ملی ایران خواهد بود.

مادهٔ ۶ ـ درصورتی که تولید پیام آگهی به هر نحوی از انحاء بعهدهٔ تلویزیون ملی ایران باشد آگهی دهنده موظف است کلیهٔ هزینهٔ تولید را در وجه تلویزیون ملی ایران پرداخت نماید.

مادهٔ ۷ ـ تلویزیون ملی ایران حق رد یا قبول آگهی‌های ارجاعی را داشته و می‌تواند هر نوع تغییری را در متن گفتار و تصاویر آگهی با اطلاع آگهی دهنده بدهد.

مادهٔ ۸ ـ در موردی که آگهی دهنده نتواند بهاء برنامه یا آگهی را نقداً پرداخت نماید حسابداری تلویزیون ملی از طریق اخذ ضمانت نامهٔ بانکی نسبت به وجه مجموع بهاء قرار داد اقدام خواهد نمود.

« از نشریهٔ وزارت اطلاعات »

زبان شناسی

علمی که دربارهٔ زبانها تحقیق می‌کند و زبانها را بصورت منطقی توصیف می‌نماید.

الفبا وخط چند زبان متداول

دراین قسمت الفبا و تلفظ چند زبان متداول دنیا به شرح زیر جهت آشنایی آمده است:

۱ ـ آرامی ۲ ـ روسی ۳ ـ ژاپونی ۴ ـ صقلابی ۵ ـ عربی ۶ ـ قبطی ۷ ـ کره‌ای ۸ ـ یونانی ۹ ـ خط کوفی ۱۰ ـ خط مانوی ۱۱ ـ خط ارمنی ۱۲ ـ خط پهلوی ۱۳ ـ نخستین خط در فلات ایران.

الفبای عرب

اول	وسط	آخر	تنها	نام حرف	معادل
ا	ـا	ـا	ا	alif	ā
بـ	ـبـ	ـب	ب	bā'	b
تـ	ـتـ	ـت	ت	tā'	t
ثـ	ـثـ	ـث	ث	thā'	th, th angl. doux
جـ	ـجـ	ـج	ج	djīm	dj
حـ	ـحـ	ـح	ح	ḥā'	ḥ
خـ	ـخـ	ـخ	خ	khā'	kh, ch all., j esp.
د	ـد	ـد	د	dāl	d
ذ	ـذ	ـذ	ذ	dhāl	dh, th angl. dur
ر	ـر	ـر	ر	rā'	r roulé
ز	ـز	ـز	ز	zāy	z
سـ	ـسـ	ـس	س	sīn	s
شـ	ـشـ	ـش	ش	chīn	ch
صـ	ـصـ	ـص	ص	ṣād	ṣ emphat.
ضـ	ـضـ	ـض	ض	ḍād	ḍ emphat.
ط	ـطـ	ـط	ط	ṭā'	ṭ emphat.
ظ	ـظـ	ـظ	ظ	ẓā'	ẓ, dh emphat.
عـ	ـعـ	ـع	ع	'ayn	' laryngale
غـ	ـغـ	ـغ	غ	ghayn	rh, gh, r grasseyé
فـ	ـفـ	ـف	ف	fā'	f
قـ	ـقـ	ـق	ق	qāf	q
كـ	ـكـ	ـك	ك	kāf	k
لـ	ـلـ	ـل	ل	lām	l
مـ	ـمـ	ـم	م	mīm	m
نـ	ـنـ	ـن	ن	nūn	n
هـ	ـهـ	ـه	ه	hā'	h
و	ـو	ـو	و	wāw	ū, w
يـ	ـيـ	ـي	ي	yā'	ī, y

الفبای زبان آرامی



قرن ۸ م	قرن ۶ م	قرن ۴ میلادی	تلفظ	معادل
			'alef	'
			bet	b
			gimel	g
			dalet	d
			hé	h
			waw	w
			zaïn	z
			ḥet	ḥ
			ṭet	ṭ
			yod	y
			kaf	k
			lamed	l
			mem	m
			nun	n
			samek	s
			'aïn	'
			pé	f, p
			ṣadé	ṣ
			kof	k
			reš	r
			šin	š
			taw	t

الفبای زبان ژاپونی و تلفظ آنها به فرانسه

کاتاکانا

ア a	カ ka	サ sa	タ ta	ナ na	ハ ha	マ ma	ヤ ya	ラ ra	ワ wa	ガ ga	ザ za	ダ da	バ ba	パ pa
イ i	キ ki	シ si	チ ti(tsi)	ニ ni	ヒ hi	ミ mi		リ ri	ヰ wi(i)	ギ gi	ジ zi	ヂ di	ビ bi	ピ pi
ウ u	ク ku	ス su	ツ tu(tsu)	ヌ nu	フ hu	ム mu	ユ yu	ル ru		グ gu	ズ zu	ヅ du	ブ bu	プ pu
エ e	ケ ke	セ se	テ te	ネ ne	ヘ he	メ me	エ ye	レ re	ヱ we(e)	ゲ ge	ゼ ze	デ de	ベ be	ペ pe
オ o	コ ko	ソ so	ト to	ノ no	ホ ho	モ mo	ヨ yo	ロ ro	ヲ wo	ゴ go	ゾ zo	ド do	ボ bo	ポ po

ン (n)

هیراکانا

あ a	か ka	さ sa	た ta	な na	は ha	ま ma	や ya	ら ra	わ wa	が ga	ざ za	だ da	ば ba	ぱ pa
い i	き ki	し si	ち ti(tsi)	に ni	ひ hi	み mi		り ri	ゐ wi	ぎ gi	じ zi	ぢ di	び bi	ぴ pi
う u	く ku	す su	つ tu(tsu)	ぬ nu	ふ hu	む mu	ゆ yu	る ru		ぐ gu	ず zu	づ du	ぶ bu	ぷ pu
え e	け ke	せ se	て te	ね ne	へ he	め me	え ye	れ re	ゑ we(e)	げ ge	ぜ ze	で de	べ be	ぺ pe
お o	こ ko	そ so	と to	の no	ほ ho	も mo	よ yo	ろ ro	を wo	ご go	ぞ zo	ど do	ぼ bo	ぽ po

ん (n)

الفبای یونانی وتلفظ ومعادل آنها به فرانسه

الفبای قدیم یونانی (کتابی)	تلفظ ومعادل به فرانسه
Α α	*a* alpha
Β ϐ, β	*b* bêta
Γ γ	*g* gamma
Δ δ	*d* delta
Ε ε	*e* epsilon
Ζ ζ	*dz* dzéta
Η η	*e* êta
Θ θ	*t* aspiré : thêta
Ι ι	*i* iota
Κ κ	*k* kappa
Λ λ	*l* lambda
Μ μ	*m* mu
Ν ν	*n* nu
Ξ ξ	*ks* ksi
Ο ο	*o* omicron
Π π	*p* pi
Ρ ρ	*r* rô
Σ σ, ς	*s* sigma
Τ τ	*t* tau
Υ υ	*u* upsilon
Φ φ	*p* aspiré : phi
Χ χ	*k* aspiré : khi
Ψ ψ	*ps* psi
Ω ω	*o* oméga

نمونهٔ نخستین خط ایران



نمونهٔ نخستین خط درفلات ایران (سیالك کاشان)

لوحه ازدورهٔ ایلام (۳۰۰۰ سال پیش ازمیلاد)

ازکتاب تاریخ ایران گیرشمن صفحهٔ ۴۷

الفبای صغلابی

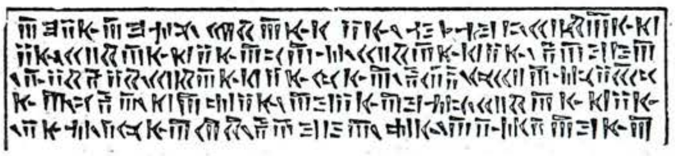
الفبای روسی

حروف بزرگ	حروف کوچک	معادل	حروف بزرگ	حروف کوچک	معادل
А	а	a	С	с	s
Б	б	b	Т	т	t
В	в	v	У	у	ou
Г	г	g	Ф	ф	f
Д	д	d	Х	х	kh
Е	е	ié, é	Ц	ц	ts
Ж	ж	j	Ч	ч	tch
З	з	z	Ш	ш	ch
И	и	i	Щ	щ	chtch
Й	й	ï	Ъ	ъ	*(signe dur)*
І	і	i *(dev. voy.)*	Ы	ы	y *(i dur)*
К	к	k	Ь	ь	*signe de mouillure de consonne*
Л	л	l	Ѣ	ѣ	ié, é
М	м	m	Э	э	e
Н	н	n	Ю	ю	iou
О	о	o	Я	я	ia
П	п	p	Ѳ	ѳ	f
Р	р	r	Ѵ	ѵ	i *(slavon)*

حروف مخصوص الفبای صرب وبلغار

MAJUSCULES	MINUSCULES	VALEUR
بلغاری		
Ѫ	ѫ	ǎ *(eu)*
صرب		
Ђ	ђ	dj ou đ
Љ	љ	lj
Њ	њ	nj
Ћ	ћ	ć *(t mouillé)*
Џ	џ	dž *(dj)*

خط پهلوی



لوحهٔ زرّین آریا رمنا (۵۹۰ - ۶۴۰ ق م)

ترجمه :

کشور پارس که از آن من است ، دارای اسبان زیبا و مردان نکو است . اهورامزدا، خدای بزرگ آن را به من عطا فرموده ، من پادشاه این کشورم .

« از تاریخ ایران گیرشمن »

الفبای زبان روسی

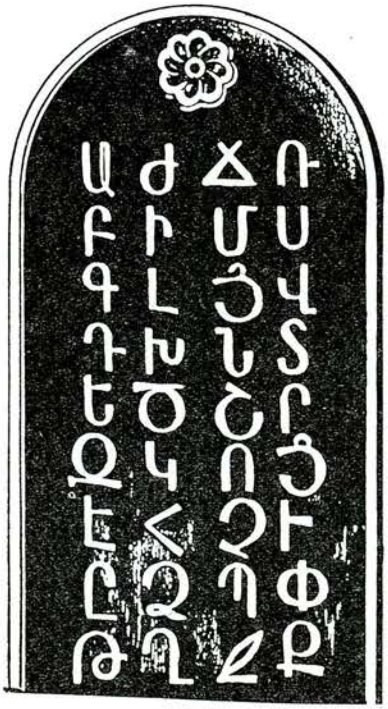
کتابی		نوشتنی		تلفظ به فرانسه
А	а	А	а	a
Б	б	Б	б	b
В	в	В	в	v
Г	г	Г	г	g. gh
Д	д	Д	д	d
Е Ё	е ё	Е	е	é ie io
Ж	ж	Ж	ж	j
З	з	З	з	z
И	и	И	и	i
Й	й	Й	й	ï
К	к	К	к	k
Л	л	Л	л	l
М	м	М	м	m
Н	н	Н	н	n
О	о	О	о	o
П	п	П	п	p
Р	р	Р	р	r
С	с	С	с	s, ss
Т	т	Т	т	t
У	у	У	у	ou
Ф	ф	Ф	ф	f
Х	х	Х	х	kh
Ц	ц	Ц	ц	ts
Ч	ч	Ч	ч	tch
Ш	ш	Ш	ш	ch
Щ	щ	Щ	щ	chtch
Ъ	ъ	Ъ	ъ	signe dur
Ы	ы	Ы	ы ы	y
Ь	ь	Ь	ь	signe mou
Э	э	Э	э	é
Ю	ю	Ю	ю	iou
Я	я	Я	я	ia

خط کوفی که با پیرآموز تلفیق‌شده است.



الفبای قبطی

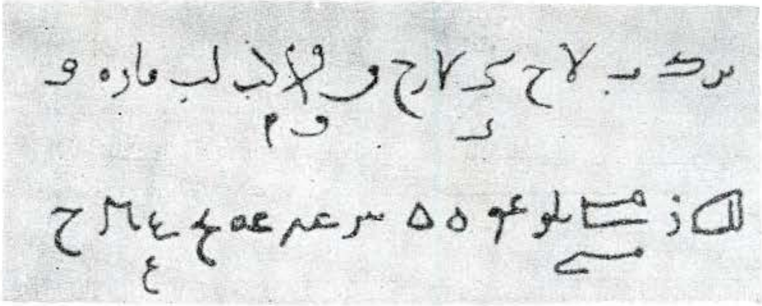
متداول در ممفیس	متداول در متن	تلفظ	معادل
Ⲁ	ⲁ	alpha	a
Ⲃ	ⲃ	vita	v (b)
Ⲅ	ⲅ	gamma	g
Ⲇ	ⲇ	delta	d
Ⲉ	ⲉ	epsilon	e
Ⲋ	ⲋ	so	chiffre 6
Ⲍ	ⲍ	zita	z
Ⲏ	ⲏ	ita	i, è
Ⲑ	ⲑ	ṯita	ṯ
Ⲓ	ⲓ	iōta	i
Ⲕ	ⲕ	kappa	k
Ⲗ	ⲗ	laula	l
Ⲙ	ⲙ	mi	m
Ⲛ	ⲛ	ni	n
Ⲝ	ⲝ	xi	x
Ⲟ	ⲟ	omicron	o
Ⲡ	ⲡ	pi	p
Ⲣ	ⲣ	ro	r
Ⲥ	ⲥ	sima	s
Ⲧ	ⲧ	tau	t
Ⲩ	ⲩ	ypsilon	y, u
Ⲫ	ⲫ	phi	f
Ⲭ	ⲭ	chi	ch
Ⲯ	ⲯ	psi	ps
Ⲱ	ⲱ	oméga	ō
Ϣ	ϣ	šai	š
Ϥ	ϥ	fai	f
Ϧ	ϧ	ḫai	ḫ
Ϩ		hori	h
Ϫ	ϫ	ǰanǰa	ǰ
Ϭ	ϭ	čima	č (ancien g)
Ϯ	ϯ	ti	ti



الفبای ارمنی

الفبای زبان کره‌ای

معادل	شکل	معادل	شکل	معادل	شکل
i	ㅣ	ċ	ㅈ	k	ㄱ
o	ㅗ	ċh	ㅊ	kh	ㅋ
u	ㅜ	s	ㅅ	ṅ	ㆁ
e	ㅓ	ḥ	ㆆ	t	ㄷ
yo	ㅛ	h	ㅎ	th	ㅌ
yā	ㅑ	-	ㅇ	n	ㄴ
yu	ㅠ	r	ㄹ	p	ㅂ
ye	ㅕ	a	ㅏ	ph	ㅍ
		ọ	ㅡ	m	ㅁ



خط مانوی که درآن نقطه به‌کار می‌رفته‌است.

زبانهای متداول وزبانهای‌مرده و ریشهٔ همهٔ زبانها

آباکان: رشته‌ای اززبان **ترکی‌شرقی** جزء زبانهای قارهٔ قدیم .

آتیك : از زبانهای مردهٔ **یونانی**.

آخایی : از زبانهای مردهٔ **یونانی**.

آرامی : از زبانهای **سامی** شامل: آرامی تورات ، سریانی ، فلسطینی و ماندایی است .

آرامی تورات : رشته‌ای‌از زبان **آرامی** است که امروزه متداول نیست .

آروکانیانی : از رشته‌های **آندو۔ استوایی** .

آزتك : ازرشته‌های زبان **ناواتلی**.

آسامی: اززبانهای **هندی شرقی**.

آسامی : رشته‌ای اززبان **تبتی** از زبانهای **هندوچینی** که بیش‌از۶ ملیون نفر ازمردم جهان به‌آن تکلم می‌کنند.

آستیاکی: رشته‌ای اززبان **اویغوری** است.

آسوری : رشته‌ای از زبان **اکدی** است .که امروزه متداول نمی‌باشد.

آسی : از زبانهای **ایرانی شرقی کنونی** است که شامل: ایروان‌ودیگورون می‌باشد .

• **آفریکانس:** رشته‌ای اززبان **ژرمنی غربی‌سفلی** .

آلئوت : از زبانهای **قارهٔ جدید** که **آلئوتها** به‌آن تکلم می‌کنند.

آلبانیایی : از زبانهای **هند و اروپایی** است .

آلتایی اویرات: رشته‌اززبان **ترکی شرقی** از زبانهای قارهٔ قدیم .

آلتایی شمالی : رشته‌ای اززبان **ترکی شرقی** از زبانهای قارهٔ‌قدیم

آلزاسی : شعبه‌ای اززبان ژرمنی غربی‌علیا .

آلمانی : رشته‌ای اززبان ژرمنی غربی‌علیا که بیش‌از۱۰۰ ملیون نفرازمردم جهان به‌آن تکلم می‌کنند .

آلمانی پنسیلوانیایی : شعبه‌ای از زبان **ژرمنی غربی علیا** .

آلمانی سفلای‌کنونی : شعبه‌ای از زبان **ژرمنی غربی سفلی** .

آلمانی سویس : شعبه‌ای اززبان **ژرمنی غربی علیا** .

آلمانی علیای‌کهن: زبان مرده‌ای مشتق اززبان **ژرمنی غربی‌علیا**.

آلمانی علیای‌میانه : زبان‌مرده‌ای از شعبه‌های **ژرمنی غربی‌علیا** .

آناطولیایی: از زبانهای **هندواروپایی** است شامل : حتیها ، حتی‌هیروگلیفی ، لوکیایی ، لووتایی ، لیدیایی‌است.

آندو استوایی : زبان عمدهٔ مردم آمریکای جنوبی شامل :گوارانی ، آروکانیانی وکچوایی وخیواروپی.

آنگلو فریزی : از زبانهای **ژرمنی غربی سفلی** شامل : اسکاتلندی میانه ، انگلیسی‌کنونی ، انگلیسی‌کهن،انگلیسی میانه ، فریزی وفریزی‌کهن .

آیولیایی : از زبانهای مرده **یونانی** .

ائیسکن : از رشته‌های‌زبان **نادنئی** است .

اردو : اززبانهای **هندی مرکزی** که قریب ۷۵ ملیون‌نفر به‌آن تکلم می‌کنند .

ارمنی: از زبانهای **هند واروپایی** شامل : ارمنی‌کنونی و ارمنی‌کلاسیك .

ارمنی‌کنونی : رشته‌ای از زبان **ارمنی** است.

ارمنی‌کلاسیك : رشته‌ای اززبان ارمنی است که امروزه متداول نیست.

اروشری : از لهجه‌های فلات پامیر و جزء زبانهای **ایرانی شرقی‌کنونی** .

ازبك : رشته‌ای از زبان **تاتار** از زبانهای قارهٔ قدیم که نزدیك به۶ ملیون نفر به‌آن تکلم می‌کنند .

اسپانیایی : از زبانهای **رومیایی** شامل : اسپانیایی‌آمریکا واسپانیایی فیلی‌پین. که مجموعاً ۱۴۰ ملیون نفر به آن تکلم می‌کنند .

اسپانیایی‌آمریکا : رشته‌ای‌اززبان **اسپانیایی** .

اسپانیایی فیلی‌پین: رشته‌ای‌اززبان **اسپانیایی** .

اسپانیایی‌کهن : رشته‌ای اززبان **رومیایی** که امروزه متداول‌نیست.

اسپانیایی‌یهودی : رشته‌ای‌اززبان **رومیایی** که امروزه متداول نیست.

استونیایی : رشته‌ای از زبان **فینی** است.

اسکاتلندی : از شعبه‌های **انگلیسی کنونی** .

اسکاتلندی میانه : زبان‌مرده‌ای‌از **انگلوفریزی** .

اسکیمو : اززبانهای قارهٔ جدید‌که **اسکیموها** بدان تکلم می‌کنند .

اسلاوونیایی : رشته‌ای از زبان **اسلاوی جنوبی** است .

اسلاوی: اززبانهای **هندواروپایی** شامل : جنوبی ، شرقی وغربی است .که بیش از ۴ ملیون ازمردم جهان به آن تکلم می‌کنند .

اسلاوی جنوبی : از زبانهای **اسلاوی** شامل : اسلاوونیایی، بلغاری ، سلاوونیك‌کلیسایی، کهن،صرب و کروآتی و مقدونی .

اسلاوی‌شرقی: اززبانهای **اسلاوی** شامل : اوکراینی، روسی، روسی‌روسیهٔ سفید ، چك،سلواکیایی، لهستانی ووندی.

اسلاوی‌کهن : رشته‌ای استاززبان **اسلاوی جنوبی**.

اشکاشمی: ازلهجه‌های فلات‌پامیر جزء زبانهای‌کنونی شرقی ایران .

اکدی : از زبانهای **سامی** شامل : آسوری ، اکدی نوزی وبابلی است .

اکدی‌نوزی: رشته‌ای‌اززبان **اکدی** است‌که امروزه‌متداول نیست .

الگانکین : از زبانهای **قارهٔ جدید** متداول درآمریکای‌شمالی .

امهری(حبشی): رشته‌ای‌اززبان **حبشی**

است و بیش از ۵ ملیون و ۶۰۰ هزار نفر به‌آن تکلم می‌کنند .

انگلیسی آمریکایی : از شعبه‌های **انگلیسی‌کنونی** .

انگلیسی استرالیا : از شعبه‌های **انگلیسی‌کنونی** .

انگلیسی افریقای جنوبی : از شعبه‌های **انگلیسی‌کنونی** .

انگلیسی بریتانیایی : از شعبهٔ های **انگلیسی‌کنونی** .

انگلیسی زلاندنو : از شعبه‌های **انگلیسی‌کنونی** .

انگلیسی‌کنونی: اززبانهای **انگلو۔فریزی** شامل : اسکاتلندی ، انگلیسی ، استرالیا ، انگلیسی افریقای جنوبی ، انگلیسی آمریکایی ، انگلیسی‌بریتانیایی و انگلیسی زلاندنو وبیش از ۲۵۰ ملیون نفر به‌آن تکلم می‌کنند .

انگلیسی‌کهن: زبانی‌مرده‌ازشعبه‌های **ژرمنی غربی‌سفلی** .

انگلیسی‌میانه: زبانی مرده‌از **ژرمنی غربی سفلی** .

انگهرانی : از رشته‌های **بشکردی** است.

اوتو ــ آزتك: زبان مردم غرب آمریکای شمالی ومکزیك‌شامل: تانویی، زونی ، شوشونیایی ، ناواتلی .

اودمورتی: رشته‌ای‌اززبان **پرمیایی** است .

اوردوس : رشته‌ای‌اززبان **مغولی شرقی** .

اوموری : ازلهجه‌های‌فلات‌پامیر.

اوریه‌ای: اززبانهای **هندی‌شرقی** که بیش از ۱۵ ملیون نفربه‌آن تکلم می‌کنند .

اوستایی : اززبانهای مردهٔ **ایرانی کهن** شامل **گاتی** واوستایی جدید .

اوستایی جدید : لهجه‌ای از **اوستایی** .

اوسکان : از زبانهای مردهٔ گروه **غیر رومیایی** .

اوکرایینی: رشته‌ای اززبان **اسلاوی شرقی** است‌که قریب ۳۵ ملیون‌نفربه‌آن تکلم می‌کنند .

اوگاریتی: رشته‌ای اززبان **کنعانی** است‌که امروزه متداول نمی‌باشد .

اومبریایی : از زبانهای‌مردهٔ **غیر رومیایی** .

اویرات : رشته‌ای از زبان **مغولی غربی** .

اویغور : رشته‌ای از زبان **ترکی شرقی** اززبانهای قارهٔقدیم که چهارملیون نفر به‌آن تکلم می‌کنند .

اویغوری : از زبانهای **فینو ــ اویغوری** شامل زبانهای : آستیاکی ، اویغوری اوبی ، مجارستانی وگولی .

اویغوری اوبی : رشته‌ای از زبان **اویغوری** است .

ایتالیایی: رشته‌ای‌از زبان **رومیایی** شامل لهجه‌های ایتالیایی و توسکان استانده و بیش از ۵۵ ملیون‌نفرازمردم جهان به‌آن تکلم می‌کنند .

ایتالیایی‌کهن : رشته‌ای از زبان **رومیایی** که امروزه متداول نیست.

ایتالیك : اززبانهای **هندواروپایی** شامل: غیر رومیایی ورومیایی.

ایرانی: اززبانهای **هندواروپایی** شامل : ایرانی غربی ، ایرانی شرقی .

ایرانی شرقی : اززبانهای **ایرانی** شامل ایرانی شرقی میانه وایرانی‌شرقی کنونی .

ایرانی شرقی‌میانه : از زبانهای **ایرانی** شامل: ختنی ، سغدی‌وخوارزمی.

ایرانی غربی : از زبانهای **ایرانی** شامل : کهن ، میانه، کنونی .

ایرانی غربی میانه : از زبانهای **ایرانی** شامل : فارسی میانه و پارتی.

ایرانی کهن : از زبانهای **ایرانی غربی** شامل : اوستایی ، فارسی باستان.

ایرتیشی: رشته‌ای‌اززبان **ترکی‌غربی** از زبانهای قارهٔ قدیم .

ایرلندی کنونی : از زبانهای **گوادلی** .

ایرلندی‌کهن : از زبانهای مردهٔ **گودالی** .

ایرلندی میانه: اززبانهای مردهٔ **گودالی** .

ایروکوئوی : از زبانهای **هوکی وسویی** شامل **چرکی** است .

ایرون : از رشته‌های **آسی** است.

ایسلندی : از زبانهای **ژرمنی شمالی** .

ایسلندی‌کهن : از زبانهای مردهٔ **نورس‌کهن** .

ایگوروتی : رشته‌ای از زبان **مالایایی** .

ایلوکانو: رشته‌ای اززبان **مالایایی.**

بابلی : رشته‌ای اززبان **اکری** است که امروزه متداول نیست .

بارابا: رشته‌ای‌از زبان **ترکی‌شرقی** از زبانهای قارهٔ قدیم .

باسك : از زبانهای مستقلی که ارتباط‌آن باسایر زبانها آشکار نیست و درسرحد فرانسه و اسپانیا متداول‌است.

باشقیری : رشته‌ای از **ترکی غربی** از زبانهای قارهٔ قدیم .

بالتی: اززبانهای **هند و اروپایی** شامل ، پروسی‌کهن ، لاتوی ولیتوانی.

بالیایی: رشته‌ای اززبان **مالایایی.**

براهویی : رشته‌ای از زبانهای **درآویدی** .

بربری : از زبانهای **حامی** شامل: بربری جدید ، لیبیایی‌کهن و نومیدیایی است و نزدیك ۶ ملیون نفر به‌آن تکلم می‌کنند .

برتانیی : اززبانهای **بریتونیك.**

برتنگی : از **لهجه‌های فلات پامیر** .

برزیل : رشته‌ای اززبان **پرتغالی.**

برمه‌ای : از زبانهای **هندوچینی** قارهٔ قدیم. که نزدیك‌به ۱۶ ملیون نفربه آن تکلم می‌کنند .

بریتونیك : اززبانهای **سلتی**، شامل: برتانیی ، کورنوالی ، ولش‌کنونی وولش میانه .

بشکردی : از دستهٔ جنوبی **زبانهای کنونی ایرانی** است‌که شامل: انگهرانی و شاه بابکی است .

بلغاری : رشته‌ای‌از زبان **اسلاوی جنوبی** است‌که نزدیك ۷ ملیون‌نفربه‌آن تکلم می‌کنند .

بلوچی: ازدستهٔ‌شمالی **فارسی‌کنونی** است‌که‌شامل بلوچی شرقی وبلوچی‌غربی است .

بلوچی شرقی : از رشته‌های **بلوچ** است .

بلوچی غربی: از رشته‌های **بلوچی** است .

بنگالی : از زبانهای **هندی‌شرقی** که قریب ۷۵ ملیون نفر به آن تکلم می‌کنند .

بودو : رشته‌ای اززبان **برمه‌ای.**

بورگونیی: از زبانهای مردهٔ ژرمنی شرقی .

بوریات : رشته‌ای از زبان مغولی شرقی .

بهاری : اززبانهای هندی شرقی. قریب ۳۰ میلیون نفر به آن تکلم می‌کنند.

بهیلی : اززبانهای هندی غربی.

بیسایایی: رشته‌ای اززبان مالایایی.

پارتی : از زبانهای مردهٔ ایرانی غربی‌میانه است که شامل: پارتی‌کتیبه‌ها و پارتی مانوی .

پارتی کتیبه‌ها : از زبانهای مردهٔ پارتی است .

پارتی مانوی : از زبانهای مردهٔ پارتی است .

پالی : از زبانهای مردهٔ پاهاری است .

پاهاری : اززبانهای هندوآریایی شامل : پالی ، پراکریت ، سانسکریت ، ودایی ، پاهاری‌شرقی ، پاهاری غربی و پاهاری مرکزی .

پاهاری شرقی: اززبانهای پاهاری است .

پاهاری‌غربی: از زبانهای پاهاری است .

پاهاری مرکزی : از زبانهای پاهاری است .

پراچی: ازلهجه‌های فلات پامیر.

پراکریت : از زبانهای پاهاری است .

پرتغالی : رشته‌ای اززبان رومیایی که زبان برزیلی را نیز شامل است، نزدیك به ۷۵ میلیون نفر به آن تکلم می‌کنند .

پرتغالی کهن : رشته‌ای از زبان رومیایی که امروزه متداول نیست.

پرمیایی : از زبانهای فینو ــ اویغوری است که شامل: اودمورتی و کومی است .

پروسی‌کهن :اززبانهای مردهٔ رشتهٔ بالتی .

پروونسال: رشته‌ای اززبان رومیایی که در جنوب شرقی فرانسه متداول است.

پروونسال کهن : رشته‌ای از زبان رومیایی که امروزه متروك است .

بربری جدید : رشته‌ای از زبان بربری است که شامل : ریفی، طوارقی و قبایلی است .

پشتو : از زبانهای شرقی و کنونی ایرانی و نزدیك به ۱۳ میلیون نفر به آن تکلم می‌کنند .

پنجابی : از زبانهای هندی شمال غربی که نزدیك به ۳۶ میلیون نفر به آن تکلم می‌کنند .

پنوتیایی: زبان مردم غرب آمریکای شمالی و مرکزی که رشتهٔ مهم آن مایایی است.

پولینزیایی : اززبانهای مالزیایی و پولینزیایی شامل: تاهیتیایی، تونگان، راپانویی ، راروتونگایی ، ساموآیی ، مائوری ، مارکیزی و هاوائیایی .

پونی: رشته‌ای ازای زبان کنعانی است که امروزه متروك است.

پهلوی زردشتی : اززبانهای مردهٔ فارسی‌میانه است .

پهلوی مانوی : اززبانهای مردهٔ فارسی میانه است .

تاتار (ترکی مرکزی) :اززبانهای ترکی قارهٔ قدیم، گروهی قریب ۵ میلیون نفر به آن تکلم می‌کنند .

تاتی: از دستهٔ شمالی ایرانی کنونی است شامل : تاتی تاکستان ، تاتی خلخال تاتی کرینگان .

تاتی تاکستان : ازلهجهٔ تاتی مشتق شده است .

تاتی خلخال : از تاتی مشتق شده است .

تاتی گرینگال : از تاتی مشتق شده است .

تاجیکی: ازرشته‌های فارسی کنونی است .

تارانچی : رشته‌ای اززبان تاتار از زبانهای قارهٔ قدیم .

تاگالوك: رشته‌ای اززبان مالایایی که ۷ میلیون نفر به آن تکلم می‌کنند.

تامیل: رشته‌ای اززبانهای دراویدی زبان مردم هند وسیلان که قریب ۳۲ میلیون نفر به آن تکلم می‌کنند .

تانویی: اززبان‌های اوتو ــ آزتك

تاهیتیایی : رشته‌ای از زبان پولینزیایی .

تای : از زبانهای هندوچینی قارهٔ قدیم . که قریب ۱۸ میلیون به آن تکلم می‌کنند .

تای‌جنوبی : رشته‌ای از زبان تای.

تای شرقی: رشته‌ای اززبان تای.

تای شمالی : رشته‌ای اززبان تای.

تبتی: اززبانهای هندوچینی وجزء زبانهای قارهٔ قدیم که روی‌هم ۶ میلیون نفر به آن تکلم می‌کنند .

تبتی استانده : رشته‌ای از زبان تبتی .

تبتی هیمالیایی : رشته‌ای از زبان تبتی .

ترکمنی : رشته‌ای از زبان ترکی جنوبی از زبانهای قارهٔ قدیم .

ترکی : زبانی که قریب ۲۵ میلیون نفر از مردم دنیا به آن سخن می‌گویند.

ترکی‌آذربایجانی: رشته‌ای از زبان ترکی جنوبی از زبانهای قارهٔ قدیم.

ترکی جنوبی : اززبانهای ترکی قارهٔ قدیم .

ترکی شرقی : از زبانهای ترکی قارهٔ قدیم .

ترکی عثمانی : رشته‌ای از زبان ترکی جنوبی از زبانهای قارهٔ قدیم .

ترکی غربی : اززبانهای ترکی قارهٔ قدیم .

ترکی قفقازی : رشته‌ای اززبان ترکی جنوبی ، از زبانهای قارهٔ قدیم.

ترکی کریمه‌ای : رشته‌ای از زبان ترکی یاکوتی از زبانهای قارهٔ قدیم .

ترکی مرکزی:(تاتار): اززبانهای ترکی قارهٔ قدیم .

تلوگو: رشته‌ای اززبانهای دراویدی زبان قسمتی از مردم هند که قریب ۳۷ میلیون نفرند .

تورفانی : از زبانهای مردهٔ طخاری .

تولتك: ازرشته‌های زبان ناواتلی.

تولد: رشته‌ای اززبانهای دراویدی.

تونگان: رشته‌ای اززبان پولینزیایی.

تیگره : رشته‌ای اززبان حبشی است .

جاوه‌ای: رشته‌ای اززبان مالایایی. که قریب ۴۵ میلیون نفر به آن تکلم می‌کنند .

جغز(گئز): رشته‌ای اززبان حبشی است .

جوشقانی: از دستهٔ شمالی زبانهای ایرانی کنونی است .

چاد : از زبانهای سامی و حامی است که شامل زبان هوسایی است .

چاهار : رشته‌ای از زبان مغولی شرقی .

چرکی : از رشته‌های ایروکوئوی است .

چرمیسی : رشته‌ای از زبان **فینی** است .

چك: رشته‌ای‌اززبان**اسلاوی‌غربی** است‌که قریب ۱۰ ملیون نفر به‌آن‌سخن می‌گویند .

چوواشی : از زبانهای **ترکی** قارهٔ قدیم .

چینی:از زبانهای **هندوچینی**قارهٔ قدیم .

چینی سواحل مرکزی: رشته‌ای‌از زبان **چینی** .

چینی‌شمالی: رشته‌ای اززبان**چینی** که امروزه متداول است .

چینی‌کهن: اززبانهای‌کهن و مردهٔ زبان **چینی** است .

چینی مکتوب استانده: رشته‌ای‌از زبان **چینی** .

حامی : از زبانهای**سامی و حامی** است‌که شامل ، مصری ، بربری و کوشی است .

حبشی : از زبانهای **سامی** شامل : امهری ، تیگره و گئز است .

حمیری: رشته‌اززبان**عربی جنوبی** است .

خاندیشی : از زبانهای**هندی‌غربی**

ختنی (سکایی) : اززبانهای**ایرانی شرقی میانه**است که‌لهجه‌های قدیم وجدید دارد .

خوارزمی: اززبانهای‌مردهٔ**ایرانی شرقی میانه** است .

خونساری : ازدستهٔ شمالی‌زبانهای **ایرانی‌کنونی** است .

خیوارویی : از زبانهای **آندو_استوایی** .

دالماسیایی : رشته‌ای از زبان **رومیایی** که امروزه متروك است.

دانمارکی: اززبانهای**ژرمنی‌شمالی** که قریب ۵ ملیون نفر به آن تکلم می‌کنند .

دانمارکی کهن: از زبانهای مردهٔ **ژرمنی شمالی** .

دردی : اززبانهای **هند و ایرانی** شامل :کافری ،کشمیری وکوهستانی .

دوریایی :اززبانهای مردهٔ**یونانی**.

دیاك : رشته‌ای اززبان **مالایایی**.

دیگورون: ازرشته‌های **آسی** است.

راپانویی : رشته‌ای از زبان **پولینزیایی** .

راجستانی: اززبانهای **هندی‌غربی** که نزدیك به ۱۴ ملیون نفر به‌آن‌تکلم می‌کنند .

راروتونگایی : رشته‌ای از زبان **پولینزیایی** .

رتو_رومیایی : رشته‌ای از زبان **رومیایی**که شامل : رومانش،فریولیایی ولادین‌است .

روسی : رشته‌ای از زبان **اسلاوی شرقی** است ونزدیك به ۱۳۰ملیون نفر تکلم می‌کنند .

روسی روسیهٔ سفید : رشته‌ای از زبان **اسلاوی** است و۷ملیون نفر به‌آن تکلم می‌کنند .

روشنانی: از**لهجه‌های‌فلات‌پامیر**.

رومانش : شعبه‌ای از زبان **رتو_رومیایی** .

رومانیایی:رشته‌ای‌اززبان**رومیایی** و نزدیك به ۱۸ ملیون نفر به‌آن تکلم می‌کنند .

رومیایی:اززبانهای**ایتالیك**شامل: اسپانیایی ، اسپانیایی‌کهن ، اسپانیایی یهودی ، ایتالیایی ، ایتالیایی کهن ، پرتغالی ، پرتغالی‌کهن ، پرووِنسان ، پرووِنسان‌کهن، دالماسیایی،رتورومیایی، رومانیایی، سادنیی ، فرانسوی،فرانسوی کهن،کاتالانی ،کالیسیایی ومولواویاتیی.

ریفی: رشته‌ای‌از زبان**بربری**جدید است .

زازا : ازگروه**کردی** است .

زبانهای ترکی : از زبانهای **قارهٔ قدیم** شامل : ترکی‌شرقی ، غربی،تاتار، جنوبی ، یاکوتی وچوواشی .

زبانهای‌دراویدی: اززبانهای**قارهٔ قدیم** شامل: تامیل ، مالایالم،کناره‌ای، کوروخ ، تلوگو ، تولو ، گوندی و _ براهویی .

زبان سامی:اززبانهای**سامی‌وحامی** شامل : اکدی ،کنعانی ، آرامی ، عربی وحبشی است .

زبانهای سامی وحامی: اززبانهای **قارهٔ قدیم** شامل سه‌زبان : سامی، حامی وچاد است .

زبانهای‌فینواویغوری :اززبانهای **قارهٔ قدیم** شامل : فینوپرمیایی،اویغوری و ساموییدی .

زبانهای‌مالزیایی وپولینزیایی:از زبانهای **قارهٔ قدیم** شامل : مالایایی ، ملانزیایی ، میکرونزیایی وپولینزیایی است .

زبانهای مغولی: از زبانهای **قارهٔ قدیم** شامل : شرقی وغربی.

زبانهای هندواروپایی:اززبانهای **قارهٔ قدیم** شامل: زبانهای هند وایران، یونانی ، ارمنی ، اسلاوی، آلبانیایی ، آناطولیایی، ایتالیك ، بالتی ، طخاری، ژرمنی و سلتی است.

زبانهای‌هند وایرانی: اززبانهای **هند و اروپایی** است شامل : زبانهای ایرانی ، دردی وهند وآریایی است.

زبانهای هند وچینی : اززبانهای **قارهٔ قدیم** شامل : تبتی،برمه‌ای، چینی و تای .

زونی : اززبان‌های **اتو_ازتك** .

ژرمنی: اززبانهای **هندواروپایی** شامل : شرقی ، شمالی وغربی است.

ژرمنی شرقی : اززبانهای **ژرمنی** شامل : بورگونیی، گوتیك و واندالی.

ژرمنی شمالی : اززبانهای **ژرمنی** شامل : ایسلندی، دانمارکی، دانمارکی کهن ، سوئدی ، سوئدی‌کهن ، نروژی ، نورس‌کهن .

ژرمنی‌غربی‌علیا :اززبانهای**ژرمنی** شامل : آلزاسی ، آلمانی‌سویس،آلمانی پنسیلوانیایی.سوابیایی، آلمانی، آلمانی علیای‌کهن ، آلمانی‌علیای میانه،فرانکو نیایی ، یدیش .

ژرمنی غربی سفلی : از زبانهای **ژرمنی** شامل ، آلمانی سفلای‌کنونی ، ساکسون‌کهن ،آفریکانس ،فرانکونیایی سفلای‌کهن ، فلاندری ، هلندی، انگلو_ فریزی .

ساردینی : رشته‌ای از زبان **رومیایی** .

ساکسون‌کهن : زبان مرده‌ای از شعبه‌های **ژرمنی غربی سفلی** .

سامو آیی : رشته‌ای اززبان **پولینزیایی** .

ساموییدی : از زبانهای **فینو_اویغوری** است .

سانسکریت:اززبانهای‌مردهٔ**پاهاری** است .

سبایی : رشته‌ای از زبان **عربی جنوبی** است .

سده‌ای : ازدستهٔ‌شمالی زبانهای

ایرانی کنونی است .

سرتی : رشته‌ای از زبان **تاتار** ، از زبانهای قارهٔ قدیم .

سریانی: رشته‌ای اززبان **آرامی** که امروزه متداول نیست .

سریانی جدید : رشته‌ای از زبان **آرامی** است .

سغدی : از زبانهای **ایرانی شرقی میانه** که شامل : سغدی بودایی، سغدی مانوی وسغدی مسیحی .

سغدی‌بودایی : ازرشته‌های **سغدی** است .

سغدی مانوی : ازرشته‌های **سغدی** است .

سغدی مسیحی : ازرشته‌های **سغدی** است .

سغنانی : از **لهجه‌های فلات‌پامیر** .

سلاوونیك کلیسایی : رشته‌ای از زبان **اسلاوی جنوبی** است.

سلتی : از زبانهای **هند واروپایی** شامل : بریتونیك ، گلی و گوادلی است .

سلوواکیایی : رشته‌ای از زبان **اسلاوی غربی** است.

سمنانی : از لهجه‌های شمالی زبان **ایرانی‌کنونی** است .

سندی : از زبانهای **هندی شمال غربی** که ۵ میلیون نفر به آن تکلم می‌کنند .

سنگلیچی: از **لهجه‌های فلات‌پامیر** .

سوابیایی: شعبه‌ای اززبان **ژرمنی غربی علیا** .

سومالیایی: رشته‌ای اززبان **کوشی** است‌که امروزه معمول نیست.

سوندایی: رشته‌ای اززبان **مالایایی**. زبان‌قسمتی‌ازمردم‌اندونزی‌که قریب۱۳ میلیون نفرند .

سویسی : از رشته‌های **هوکی و سویسی** است .

سیامی استانده : رشته‌ای از زبان **تایی** .

سینهالی: اززبانهای **هندوآریایی** و زبان مردم سیلان که قریب ۷میلیون نفرند .

سیوندی : ازلهجه‌های شمالی‌زبان **ایرانی‌کنونی** است .

شان : رشته‌ای اززبان **تای‌شمالی**.

شاه بابکی : از رشته‌های **بشکردی** است .

شوشونیایی: از زبان‌های **اوتو ــ آزتك** شامل : هوپیایی‌ویوتی .

صربی : رشته‌ای از زبان **اسلاوی جنوبی** است‌که نزدیك به۱۳ میلیون‌نفر به‌آن تکلم می‌کنند .

طالشی: لهجه‌ای شمالی اززبانهای **کنونی ایرانی** است .

طخاری: اززبانهای**هندواروپایی** شامل : توزفانی وکوچی .

طوارقی : رشته‌ای از زبان**بربری** جدید است .

عبری : اززبانهای **کنعانی**که جزء زبانهای مرده‌است .

عبری جدید : از زبانهای**کنعانی** است .

عربی: اززبانهای**سامی** شامل‌عربی کلاسیك ، حجاز ، سوریه ، عراق ، مصر غربی وجنوبی است ونزدیك‌به۸۰میلیون نفر به‌آن تکلم می‌کنند .

عربی اندلسی : از زبانهای **عربی غربی** است‌که متداول نیست .

عربی جنوبی : از زبانهای **عربی** است‌که شامل زبان **حمیری** است .

عربی حجاز : رشته‌ای از زبان **عربی** .

عربی سوریه : رشته‌ای از زبان **عربی** .

عربی عراق: رشته‌ای اززبان**عربی** است .

عربی غربی : از زبانهای **عربی** است .

عربی‌کلاسیك : رشته‌ای از زبان **عربی** است‌که زبان قرآن مجید است.

عربی مالتی : جزء زبان **عربی غربی** است .

عربی مصر : رشته‌ای اززبان**عربی** است .

غیر رومیایی : اززبانهای**ایتالیك** و شامل : اوسکان ، اومبریایی ، لاتینی عامه، لاتینی‌قرون وسطی، لاتینی‌کلاسیك ولاتینی‌کهن .

فارسی : از زبانها **ایرانی کنونی** است‌که شامل : فارسی‌کلاسیك ، فارسی عادی ، تاجیکی ، افغانی ونزدیك به۲۵ ملیون نفر به‌آن تکلم می‌کنند .

فارسی افغانی: ازرشته‌های **فارسی کنونی** است .

فارسی‌باستان : از زبانهای مردهٔ **ایرانی‌کهن** .

فارسی عادی : ازرشته‌های **فارسی کنونی** است .

فارسی‌کلاسیك: از رشته‌های**فارسی کنونی** است .

فارسی میانه : از زبانهای مردهٔ **ایرانی‌غربی‌میانه** شامل: پهلوی زردشتی، پهلوی مانوی است .

فرانسوی: یکی اززبانهای**رومیایی** که شامل: فرانسوی‌کانادایی‌ولویزیانایی است ،که نزدیك به ۶۵ملیون نفربه‌آن تکلم می‌کنند .

فرانسوی کهن : رشته‌ای از زبان **رومیایی** که متداول نیست .

فرانکونیایی : شعبه‌ای از زبان **ژرمنی غربی علیا** .

فرانکونیایی سفلای کهن : زبان مرده‌ای ازشعبه‌های **ژرمنی‌غربی سفلی**.

فریزی : از زبانهای**ژرمنی غربی سفلی** .

فریزی‌کهن: اززبانهای مردهٔ**ژرمنی غربی سفلی** .

فریولیایی: شعبه‌ای از زبان**رتو ــ رومیایی** .

فلات پامیر : لهجه‌هایی مشتق از زبان **ایرانی شرقی و متداول**.

فلاندری : شعبه‌ای اززبان **ژرمنی غربی سفلی** .

فلسطینی: رشته‌ای از زبان **آرامی** است‌که جزء زبانهای مرده‌است.

فنلاندی: رشته‌ای اززبان**فینی**است و نزدیك به ۴ ملیون نفر به‌آن تکلم می‌کنند .

فنیقی : رشته‌ای از زبان **کنعانی** است‌که امروزه متداول نیست .

فیجایی: رشته‌ای‌اززبان**ملانزیایی**.

فینوپرمیایی : از زبانهای فینو ــ اویغوری شامل : فینی و پرمیایی.

فینی : اززبانهای **فینو ــ پرمیایی** است که شامل : استونیایی ، چرمیسی ، فنلاندی ، کارلیایی ، لاپ ، لیوونیایی ، موردوینیایی است .

قبایلی : رشته‌ای اززبان **بربری جدید**است.

قبرسی : از زبانهای مردهٔ **یونانی** .

قبطی: رشته‌ای از زبان **مصری** است.

قرقیزی: رشته‌ای از زبان **ترکی غربی** از زبانهای قارهٔ قدیم.

قرقیزی‌ولگا: رشته‌ای‌اززبان‌**ترکی غربی**، اززبانهای قارهٔ قدیم.

قزل: رشته‌ای اززبان‌**ترکی شرقی** از زبانهای قارهٔ قدیم.

کاتالانی: از زبانهای **رومیایی** که در اسپانیا قریب ۵ ملیون‌نفربه‌آن‌تکلم می‌کنند.

کاتی: لهجه‌ای از**اوستایی**.

کاچین: رشته‌ای از زبان **برمه‌ای**.

کارلیایی: رشته‌ای از زبان **فینی** است.

کارن: رشته‌ای اززبان **برمه‌ای**.

کارولینی: رشته‌ای از زبان **میکرونزیایی**.

کاشغری: رشته‌ای اززبان **تاتار**، از زبانهای**قارهٔ قدیم**.

کافری: اززبانهای **دردی**.

کانتویی: رشته‌ای اززبان **چینی** ونزدیک به ۴۶ ملیون نفر به‌آن‌تکلم می‌کنند.

کاوی: رشته‌ای اززبان **مالایایی**.

کچوایی: اززبانهای**آندواستوایی**. زبان قسمتی از مردم پرو و بولیوی است‌که‌قریب ۴ ملیون‌نفرند.

کردی: ازگروه شمالی زبانهای **کنونی ایرانی** است‌که شامل: کرمانجی، گورانی، زازا و نزدیک به‌۵ ملیون‌نفر به‌آن سخن می‌گویند.

کرمانچی: از گروه‌**کردی** است.

کرواتی: رشته‌ای اززبان **اسلاوی جنوبی** است.

کشمیری: اززبانهای **دردی**.

کناره‌ای: رشته‌ای از زبانهای **دراویدی**.

کنعانی: اززبانهای سامی شامل: اوگاریتی، پونی، عبری، فنیقی‌وکنعانی کهن وموآبی است.

کنعانی‌کهن: رشته‌ای‌اززبان‌**کنعانی** است‌که امروزه متداول نمی‌باشد.

کوچی: اززبانهای مردهٔ **طخاری**.

کورنتی: اززبانهای مردهٔیونانی.

کورنوالی: از زبانهای‌بریتونیك.

یونانی (هلنی): از زبانهای **هند و اروپایی** است شامل: آتیك،آخایایی، آیولیایی، دوریایی، قبرسی، کوینی، کورنتی،یونانی بیزانسی،یونانی‌کلاسیك، یونانی‌کنونی و یونانی هومر.

یونانی بیزانسی: اززبانهای‌مردهٔ **یونانی**.

کوروخ: رشته‌ای از زبانهای **دراویدی**.

کوشی: از زبانهای **حامی** است که شامل: سومالیایی و گالایی‌است.

کومزاری: ازرشته‌های‌**فارسی‌کنونی** است.

کومی: رشته‌ای از زبان **پرمیایی** است.

کوهستانی: از زبانهای **دردی**.

کوییسنی: از زبانهای مردهٔ **یونانی**.

کیانگسی: لهجه‌ای از زبان‌**چینی**.

گئز (جعز): رشته‌ای از زبان **حبشی** است.

گالایی: رشته‌ای از زبان **کوشی** است.

گالیسیایی: از زبانهای متداول در شمال‌غربی‌اسپانیا و ازشعبهٔ**رومیایی**.

گجراتی: از زبانهای‌**هندی‌غربی**. و نزدیك به ۱۹ ملیون نفر به‌آن سخن می‌گویند.

گزی: از گروه شمالی زبانهای **کنونی ایرانی** است.

گلی: اززبانهای مردهٔ **سلتی** که گلوا نیزگفته می‌شود.

گوادلی: اززبانهای **سلتی** شامل: ایرلندی‌کنونی، ایرلندی‌کهن، ایرلندی میانه، گیلی اسکاتلندی ومانکس.

گوارانی: ازرشته‌های زبان**آندو-استوایی**.

گوبیك: اززبانهای مردهٔ **ژرمنی شرقی**.

گورانی: ازگروه‌**کردی** است.

گولی: رشته‌ای‌از زبان **اویغوری** است.

گوندی: رشته‌ای از زبانهای دراویدی.

گیلبرتی: رشته‌ای‌از زبان‌**میکرو-نزیایی**.

گیلکی: لهجه‌ای شمالی‌اززبانهای **کنونی ایرانی** است.

گیلی اسکاتلندی: از زبانهای **گوادلی**.

لائوسی: رشته‌ای از زبان **تای جنوب شرقی**.

لاپ: رشته‌ای از زبانهای **فینی** است.

لاتوی: از زبانهای **بالتی**.

لاتینی: اززبانهای‌مردهٔ**غیررومیایی** شامل: لاتینی عامه، لاتینی‌قرون وسطی، لاتینی‌کلاسیك ولاتینی‌کهن.

لاتینی عامه: اززبانهای‌غیرمتداول گروه **لاتینی**.

لاتینی قرون وسطی: از زبانهای غیر متداول‌گروه **لاتینی**.

لاتینی‌کلاسیك: از زبانهای غیر متداول‌گروه **لاتینی**.

لاتینی‌کهن: از زبانهای‌غیرمتداول گروه **لاتینی**.

لاری: از رشته‌های **فارسی‌کنونی** است.

لاکیایی هاینان: رشته‌ای از زبان **تای شرقی**.

لاندسمان: رشته‌ای از زبان **نروژی**.

لری: از رشته‌های **فارسی کنونی** است.

لهستانی: رشته‌ای اززبان **اسلاوی غربی** است و ۳۳ ملیون‌نفربه‌آن سخن می‌گویند.

لیبیایی‌کهن: رشته‌ای اززبان‌**بربری** است‌که امروزه متروك است.

لیتوانی: اززبانهای **بالتی**.

لیوونیایی: رشته‌ای‌اززبانهای‌**فینی** است.

مائوری: رشته‌ای از زبان **پولینزیایی**.

مارشالی: رشته‌ای از زبان **میکرونزیایی**.

مارکیزی: رشته‌ای از زبان **پولینزیایی**.

مارووو: رشته‌ای‌اززبان **ملانزیایی**.

ماریانایی: رشته‌ای از زبان **میکرونزیایی**.

مازندرانی: لهجه‌ای شمالی از زبانهای **کنونی ایرانی** است.

ماسکوگیایی: از رشته‌های **هوکی وسویسی** است.

مالاگاسی: رشته‌ای از زبان **مالایایی**.

مالایالم: رشته‌ای از زبانهای **دراویدی**.

مالایایی (اندونزیایی): اززبانهای **مالزیایی‌وپولینزیایی**شامل: ایگوروتی، ایلوکانو، بالیایی، بیسایایی، تاگالوك،

جاوه‌ای، دیاك، سوندایی، کاوی، مالاگاسی، ومالایایی و نزدیک به ۱۵ ملیون نفر به‌آن سخن می‌گویند.

مالو: رشته‌ای اززبان **ملانزیایی**.

ماله‌ای مجارستانی.
مجارستانی را ببینید.

ماندایی: رشته‌ای از زبان **آرامی** است که جزء زبانهای مرده است.

مانکس: از زبانهای **گوادلی**.

مایایی: ازرشته‌های زبان **پنوتیاینی**.

مجارستانی: رشته‌ای از زبان **اویغوری** است که نزدیک به ۱۲ ملیون نفر به‌آن تکلم می‌کنند وبه آن ماله‌ای مجارستانی نیز می‌گویند.

مراتی: از زبانهای **هندی‌جنوبی**.

مصری: از زبانهای **حامی** شامل: قبطی ومصری‌کهن است.

مصری‌کهن: رشته‌ای از زبان **مصری** است که جزء زبانهای مرده است.

مغولی ادبی: رشته‌ای از زبان **مغولی شرقی**.

مغولی افغانستان: رشته‌ای اززبان **مغولی غربی**.

مغولی‌جنوبی: اززبان **مغولی شرقی** مشتق شده است.

مغولی شرقی: از زبانهای مغولی شامل: **مغولی ادبی**، اوردوس، چاهار، مغولی جنوبی و بوریات است.

مغولی غربی: از زبانهای **مغولی** شامل: اویرات ومغولی افغانستان.

مقدونی: رشته‌ای اززبان **اسلاوی جنوبی** است.

ملانزیایی: از زبانهای **مالزیایی و پولینزیایی** شامل: فیجیایی، ماروو، مالو ومونو.

موابی: رشته‌ای اززبان **کنعانی** است که امروزه متداول نمی‌باشد.

موردوینیایی: رشته‌ای اززبانهای **فینی** است.

مولداویایی: رشته‌ای از زبان **رومیایی**.

مونجانی: از **لهجه‌های فلات پامیر**.

مونو: رشته‌ای از زبان **ملانزیایی**.

میکرونزیایی: اززبانهای **مالزیایی و پولینزیایی** شامل کارولینی، گیلبرتی، مارشالی و ماریانایی.

نادنئی: زبان مردم مغرب آمریکا شامل: اتپسکن، هایدایی است.

ناگا: رشته‌ای اززبان **برمه‌ای**.

ناواتلی: از زبانهای **اوتو-آزتك** شامل: آزتك و تولتك.

نروژی: اززبانهای **ژرمنی‌شمالی** شامل **لاندرمان** و نزدیك به ۴ ملیون نفر به‌آن تکلم می‌کنند.

نورمن‌کهن: اززبانهای مردهٔ **ژرمنی شمالی** شامل ایسلندی کهن.

نومیدیایی: رشته‌ای اززبان **بربری** است که امروزه متروك است.

واندالی: از زبانهای مردهٔ **ژرمنی شرقی**.

وخی: از **لهجه‌های فلات پامیر**.

ودایی: از زبانهای مردهٔ **پاهاری** است.

ولادین: شعبه‌ای از زبان **رتو-رومیایی**.

ولش کنونی: از زبانهای **بریتونیك**.

ولش میانه: از زبانهای مردهٔ **بریتونیك**.

وندی: رشته‌ای از زبان اسلاوی غربی است.

هاکایی: رشته‌ای اززبان **چینی** که ۱۷ ملیون نفر به‌آن تکلم می‌کنند.

هاواییایی: رشته‌ای از زبان **پولینزیایی**.

هایدایی: از رشته‌های زبان **نادنئی** است.

هلندی: شعبه‌ای اززبان **ژرمنی‌غربی سفلی**، که ۱۷ ملیون نفر به آن تکلم می‌کنند.

هند وآریایی: از زبانهای **هندو اروپایی** شامل: پاهاری، سینهالی، هندی جنوبی، هندی شرقی، هندی شمال غربی، هندی غربی وهندی مرکزی.

هندوستانی: از زبانهای **هندی مرکزی** که ۱۴ ملیون نفر به آن تکلم می‌کنند.

هندی ادبی: از زبانهای **هندی مرکزی**.

هندی جنوبی: اززبانهای **هند و آریایی** شامل مراتی.

هندی شرقی: از زبانهای **هند و آریایی** شامل: آسامی، اوریه‌ای، بنگالی و بهاری.

هندی شمال غربی: از زبانهای **هند و اروپایی** شامل: پنجابی وسغدی.

هندی غربی: از زبانهای **هند و آریایی** شامل: بهیلی، خاندیشی، راجستانی و گجراتی.

هندی مرکزی: اززبانهای **هندو آریایی** شامل: اردو، هندوستانی و هندی ادبی.

هوپیایی: ازرشته‌های زبان **شوشو-نیایی**.

هوسایی: رشته‌ای از زبان **چاد** است.

هوکی: ازرشته‌های **هوکی وسویسی** است.

هوکی وسویسی: زبان مردم آمریکای شمالی است شامل: ایروکوئوی، سویسی، ماسکوگیایی وهوکی است.

یارکندی: رشته‌ای اززبان **تاتار**، اززبانهای قارهٔ قدیم.

یاکوتی: از زبانهای **ترکی** قارهٔ قدیم.

یرغه: از لهجه‌های فلات **پامیر**.

یونانی‌کلاسیك: از زبانهای مردهٔ **یونانی**.

یونانی‌کنونی: اززبانهای **یونانی** که ۱۰ ملیون نفر به‌آن تکلم می‌کنند.

یونانی هومر: از زبانهای مردهٔ **یونانی**.

یدیش: رشته‌ای از زبان **ژرمنی غربی علیا**.

یزغلامی: از لهجه‌های فلات **پامیر**.

یوتی: ازرشته‌های زبان **شوشو-نیایی**.

چند زبان‌شناس معروف

آریاپارت شروین، پروفسور.
(متولد ۱۲۸۶ ش)

از مردم مازندران و ازدودمان کهن و اصیل ایرانی منسوب به ساسانیان است، در رشتهٔ زبان شناسی، فلسفه و تاریخ از دانشگاه امپراتوری سابق (لنینگراد)، فارغ‌التحصیل شد و پس ازمدتی به‌تدریس درهمان دانشگاه پرداخت قسمتی ازآثار ایشان:

۱ ـ پیشگاه همایون شاهنشاه یادداشت آریاپارت درسپیده دمان جنگهای سوم کره.

۲ ـ دانشگاه یا نمایشگه تراژدی کمدی.

۳ ـ شاهنشاهی یا آمپیر پارلمانتاریزم و سنا.

۴ ـ فرمانفرمایی.

۵ ـ کنفرانسهای آریاپارت در دانشگاه جنگ بر بنیاد فلسفهٔ تاریخ.

اسن ، ایوار آندرئاس . Aasen, I, A
(۱۸۱۳ـ۱۸۹۶ م)

لغوی ، زبان شناس وشاعر نروژی صاحب آثاری چون : دستور لهجه‌های نروژی ،فرهنگ لهجه‌های نروژی،فرهنگ زبان نروژی وغیره می‌باشد .

باوند ، آریاپارت .

آریاپارت را به‌بینید .

برتن، سرریچاردفرانسیس .

سیاحان وکاشفین‌را دربخش‌جغرافی به‌بینید .

بلومفیلد ، لنرد . Bloomfield, L.
(۱۸۸۷ـ ۱۹۴۹ م)

متخصص زبانهای ژرمنی از مردم آمریکا ،کتاب **زبان** او معروف است .

بی برگ ، پروفسورساموئل .
Byberg, H, S .

خاورشناسان را به‌بینید .

بوپ ، فرانتس . Bopp , F
(۱۷۹۱ـ۱۸۶۷م)

عالم لغت و صاحب کتاب **گرامر تطبیقی** است .

بوئز ، فرانتس . Boas, F
(۱۸۵۸ـ۱۹۴۲ م)

مردم شناس وزبان شناس‌آمریکایی. صاحب‌کتاب ،**فکر انسان اولیه** .

پسیکاری، یوهان . Psichari, J
(۱۸۵۴ـ۱۹۲۹م)

زبان شناس و نویسندهٔ فرانسوی



دارای‌آثاری چون:سفرمن، نامه‌ها،لاما، زندگی و عشق در تنهایی، گلهای سرخ و سیب‌ها و غیره است .

پیکته ، ادولف . Pictet, A
(۱۷۹۹ـ۱۸۷۵ م)

نویسنده‌وزبان‌شناس سویسی،دارای آثاری چون : ریشهٔ هند و اروپایی یا آریایی‌های نخستین و بسیاری دیگر می‌باشد .

دارمستتر، آرسن . Darmesteter, A
(۱۸۴۶ـ۱۸۸۸م)

زبانشناس فرانسوی وی در فرانسه تتبعات زبانهای لاتینی را توسعه داده است .

راسك ، راسموس کریستیان Rask, R, C
(۱۷۸۷ـ۱۸۳۲م)

زبان‌شناس دانمارکی واستاد السنهٔ شرقی است .

ردار ، ژرژ . Redard, G
(متولد ۱۹۲۲م)

زبان‌شناس سوئدی واستاد صرف و نحو تطبیقی در دانشگاه برن ، صاحب کتابهای ، **از بیابانهای ایران** ، منظرهٔ عمومی‌زبانشناسی ایران است .

ژابلنسکی، پل‌ارنست .
(۱۶۹۳ـ۱۷۵۷م)

زبانشناس‌آلمانی ازاستادان مشهور دانشگاه فرانکفورت سورلودر است .

سپیر ، ادوارد . Sapir, E
(۱۸۸۴ـ۱۹۳۹م)

زبان شناس آمریکایی ،کتاب **زبان** از او معروف است .

سوسور، فردیناند . Saussure, F
(۱۸۵۷ـ۱۹۱۳م)

زبان‌شناس سویسی ومتخصص‌زبان سانسکریت .



دورهٔ‌زبان شناسی عمومی یکی از کتابهای‌او است .

سویت، هنری . Sweet, H
(۱۸۴۵ ـ ۱۹۱۲م)

زبان شناس انگلیسی، **تاریخ زبان** یکی ازآثار ایشان است .

شلایشر ، اگوست . Schleicher , Au
(۱۸۲۱ـ۱۸۶۸ م)

زبان‌شناس آلمانی ، و متخصص زبانهای هند واروپایی، کتب متعدد ازاو باقی است .

کیا ، دکترصادق .
(متولد ۱۲۹۹ش)

نویسنده، زبان شناس شاعر ومحقق ایرانی‌که در سال ۱۳۲۰ از دانشگاه درجهٔ دکترای زبان وادبیات فارسی را گرفت. ازآثار ایشان است : چند نمونه از متن نوشته‌های پهلوی ، داستان جم (باهمکاری‌دکترمقدم) ،کابل، کشته‌دبیره، گزارش نامه و پیکرهال جنگال (تألیف جمال رضایی) ، گویش آشتیان ، ماه فروردین روز خرداد ، نقطویان یا پسیخانیان ، واژه‌نامهٔ طبری ، واژه نامهٔ گرگانی،واژه‌های محلی ایران در لغت فرس ، یادداشتی دربارهٔ آرامگاه زرتشت دربلخ ، یادداشتی دربارهٔ زبان رازی و تهرانی .

کیشرا، لویی. Quichera, L.
(۱۷۹۹ـ۱۸۸۴م)

زبان شناس فرانسوی‌که‌آثارزیادی از او دربارهٔ تحقیق‌در زبان لاتین‌وجود دارد .

اسامی بعضی ازاستادان دانشگاه

آراکلیان ، دکتر آشوت . استاد زبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .

آل‌آقا، حکمت.معلم‌زبان وادبیات عرب دانشکدهٔ ادبیات .

آموزگار ، دکترپرویز. استادیار زبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .

آواکیان ، خانم هایگانوش . معلم زبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات.

ابراهیمی حریری ، دکتر فارس . معلم زبان و ادبیات عرب دانشکدهٔ ادبیات .

ابیورد ، سرور فوزی . معلم‌زبان‌روسی دانشکدهٔ ادبیات .

اختیارالدین عرب، دکتر امیر منصور. دانشیار زبان انگلیسی‌دانشکدهٔ ادبیات.

اسدی، محسن. استادمتون حقوقی‌به‌زبان انگلیسی در سال دوم دانشکدهٔ حقوق.

افشار ، دکتر رفعتی. استاد متون‌حقوقی به زبان انگلیسی دانشکدهٔ حقوق.

افشار شیرازی ، احمد . معلم زبان و ادبیات عرب دانشکدهٔ ادبیات .

افشارنادری، اسماعیل.معلم‌زبان‌انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .

امشه‌ای ، دکترابوالقاسم ، دانشیارزبان فرانسه دانشکدهٔ ادبیات .

باطنی ، محمد رضا . معلم‌زبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .

بحرالعلومی ، دکتر. معلم‌زبان‌وادبیات عرب دانشکدهٔ ادبیات .

بدیع‌الزمانی ، عبدالحمید. معلم‌زبان و ادبیات عرب دانشکدهٔ ادبیات.

براهنی ، دکتر رضا . استادیار زبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .

بروخیم ، دکتر موسی. استاد مطالعهٔ مقدمات ادبیات فرانسه ، تاریخ تطور ، تاریخ ادبیات فرانسه و قرائت متن‌ادبی

دانشکدهٔ ادبیات .
بوکارت ، خانم‌کارن . معلم‌ازگروه‌صلح زبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات.
بولارژان، نمایندهٔ انجمن‌فرهنگی‌ایران و فرانسه معلم زبان فرانسه دانشکدهٔ ادبیات .
پازارگاد ، دکترعلاءالدین. استادزبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .
پاکروان، آمنه(بانو) . معلم‌حق‌التدریسی انشاء فرانسه دانشکدهٔ ادبیات .
پرآور ، حبیب‌الله . دبیرزبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .
پورداود ، ابراهیم . استاد اوستا در دانشکدهٔ ادبیات .
پیرنیا ، دکترحسین . استادمتون‌حقوقی به زبان انگلیسی دانشکدهٔ حقوق
تعلیمی، خانم ماری لوییز . معلم زبان فرانسه دانشکدهٔ ادبیات .
تویسرکانی، قاسم . دبیر ترجمه‌وقرائت عربی دانشکدهٔ معقول ومنقول .
حقنظریان ، دکترآوانس . مدیر گروه زبانهای خارجه و استادزبان آلمانی دانشکدهٔ ادبیات .
حقیقی ، ابراهیم . معلم زبان روسی دانشکدهٔ ادبیات .
خانلری ، دکترپرویز. استادتاریخ‌زبان فارسی دانشکدهٔ ادبیات .
خوانساری ، دکتر محمد. دبیر زبان و ادبیات عرب دانشکدهٔ ادبیات .
داهی ، دکتر مهدی . استادزبان‌فرانسه دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
دلشادیان . معلم زبان آلمانی دانشکدهٔ ادبیات .
رائد،جعفر . معلم‌ترجمهٔ دانشکدهٔ‌معقول و منقول .
راسی، دامینیگ.معلم ازگروه‌صلح زبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .
راشد، حسینعلی. استادنحو دورهٔ‌دکترای دانشکدهٔ معقول ومنقول .
رضایی، دکتر جمال . دانشیار گروه زبانشناسی و زبانهای باستانی دانشکدهٔ ادبیات .
رضاعی ،دکترنصرالله. معلم‌زبان‌آلمانی دانشکدهٔ ادبیات .
رفعتی افشار ، حسین. استادمتون‌حقوقی به زبان انگلیسی در سال اول دانشکدهٔ حقوق .
رهاوی،میشلن(بانو).دبیرگرامرفرانسه قرائت فرانسه دردانشکدهٔ ادبیات.

زنگی، علی.دبیرزبان انگلیسی‌دانشکدهٔ فنی .
سانتاکروس، معلم زبان‌فرانسه‌دانشکدهٔ ادبیات .
سپهبدی ، دکتر عیسی . استاد تاریخ ادبیات فرانسه ترجمهٔ‌فرانسه دردانشکدهٔ ادبیات واستادمتون‌حقوقی به‌زبان‌فرانسه در دانشکدهٔ حقوق .
سجادی، دکتر سید جعفر.دبیرزبان و ادبیات عرب دانشکدهٔ ادبیات.
سعادت، احمد . دانشیارقرائت‌متن‌ادبی. انشاء ترجمهٔ انگلیسی جغرافیای طبیعی ودول‌وکلیات‌جغرافیای‌اقتصادی‌دانشکدهٔ ادبیات .
سعید وزیری ، دکتر ایرج. معلم حق‌التدریسی متون سیاسی به زبان‌فرانسه دانشکدهٔ حقوق .
سلطانزادهٔ‌پسیان ، دکترحسنعلی . استاد زبان‌انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .
سیدی‌کاشانی ، دکتر سیدحسین. دانشیار متون به‌زبان‌فرانسه درسال اول‌دانشکدهٔ حقوق .
سیمیایی ، دکترحق نظر . دانشیارزبان فرانسوی در دانشسرایعالی .
شادان ، ابوالحسن . معلم‌زبان فرانسه دانشکدهٔ دامپزشکی.
شایگان، داریوش . دبیرگروه‌زبانشناسی و زبانهای باستانی دانشکدهٔ ادبیات .
شوئنبرک، دکترآلبرت.معلم‌ازفولبرایت زبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات.
شهابی ، دکترعلی‌اکبر . دانشیار صرف ونحو عربی دانشکدهٔ حقوق.
شهابی ، مهندس‌عیسی. دبیرزبان‌آلمانی دانشکدهٔ ادبیات .
شیبانی، ژان(بانو) . دبیر قرائت‌فرانسه قرائت متن‌ادبی‌فرانسه دانشکدهٔ‌ادبیات.
شیرازی، سیدمرتضی.معلم زبان‌وادبیات عرب دانشکدهٔ ادبیات.
صالح ، علی‌پاشا . استادمتون حقوقی به زبان انگلیسی در سال سوم دانشکدهٔ حقوق .
صانعی، دکترپرویز. استادیارانگلیسی علم‌الاجتماع دانشکدهٔ حقوق.
صحیحی ، حبیب‌الله . معلم حق‌التدریسی زبان دوم‌فرانسه دانشکدهٔ ادبیات.
صفا ، خانم زیگرید . معلم‌زبان آلمانی دانشکدهٔ ادبیات .
صفا، دکتر ذبیح‌الله، استادزبان‌وادبیات عرب دانشکدهٔ ادبیات .

صفدری . دکترمحمد . دبیر زبان‌دوم فرانسه دانشکدهٔ ادبیات.
صورتگر، خانم‌الیو.استاد زبان‌انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .
صورتگر ، دکتر لطفعلی. استاد تاریخ ادبیات انگلیسی ، سخن‌سنجی ، معانی و بیان انگلیسی و سنجش ادبیات دورهٔ دکترای دانشکدهٔ ادبیات .
طرفه، خانم اخترالسادات. دستیارزبان انگلیسی‌دانشکدهٔ فنی.
عامری ، جواد. دبیر انگلیسی‌دانشکدهٔ علوم .
علیزاده ، مهندس صالح، دبیرگروه‌زبان‌شناسی و زبانهای باستانی دانشکدهٔ ادبیات .
غفاری ، خانم دکتر عذراء . دبیرزبان فرانسه دانشکدهٔ ادبیات.
غفرانی، معلم‌زبان‌وادبیات‌عرب‌دانشکدهٔ ادبیات .
غیاثی ، دکتر محمد. دبیر زبان‌فرانسه دانشکدهٔ ادبیات .
فاطمی،دکتر سعید . دانشیارزبان‌فرانسه دانشکدهٔ ادبیات .
فرخ، مظفرالدین .دانشیارزبان‌انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .
فروزان ، علی‌دبیرزبان فرانسه‌دانشکدهٔ ادبیات .
فروزان، علی . دبیرزبان‌فرانسه‌دانشکدهٔ ادبیات .
فرهنگ،دکترمنوچهر.معلم‌حق‌التدریسی متون اقتصادی به زبان فرانسه دانشکدهٔ حقوق .
فره وشی ، دکتربهرام . دبیرگروه‌زبان‌شناسی و زبانهای باستانی دانشکدهٔ ادبیات .
فلاحی، مهندس. دبیرزبان‌روسی‌دانشکدهٔ کشاورزی .
فیاض ، محمد . استاد عربی دانشکدهٔ ادبیات .
قریب ، دکتر معصومه، دبیرزبان فرانسهٔ دانشسرایعالی .
کارول ، معلم ازگروه‌صلح‌زبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .
کاظم‌زاده ،کاظم .معلم حق‌التدریسی‌زبان روسی دانشکدهٔ ادبیات .
کرست ، خانم‌روندا . معلم ازگروه‌صلح زبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات.
کنی ، دکترعلی. استادانگلیسی‌دانشکدهٔ

معقول و منقول .
کولینا ، پولت . معلم از گروه‌صلح زبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .
کیا ، دکتر صادق . استاد گروه‌زبانشناسی وزبانهای باستانی دانشکدهٔ ادبیات.
گرجی، دکتر . معلم‌زبان وادبیات‌عرب دانشکدهٔ ادبیات .
گونیلی، دکتر ابوالحسن. دانشیارزبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات.
گیلدبراند ، ژرمن . استادمتون‌حقوق‌به زبان‌روسی دانشکدهٔ‌حقوق .
مایلی ، محمدتقی . دبیر زبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .
مجیدی‌آهی ، خانم دکتر مهری. مدیر گروه زبانهای خارجه واستادزبان‌روسی دانشکدهٔ ادبیات .
محدث، دکترسیدجلال‌الدین . معلم‌زبان و ادبیات عرب دانشکدهٔ ادبیات .
محقق ، دکترمهدی. استادزبان‌وادبیات عرب دانشکدهٔ ادبیات .
محمدی، دکترمحمد.استادعربی‌دانشکدهٔ ادبیات و دانشکدهٔ الهیات.
مدرس رضوی، سیدمحمدتقی.استادزبان و ادبیات عرب دانشکدهٔ ادبیات .
مرزبان ، پرویز ، دبیرزبان انگلیسی دانشسرایعالی .
مشکوة ، سید محمد. استاد ادبیات عرب دورهٔ دکترای دانشکدهٔ معقول ومنقول .
مقدم ، دکتر محمد. استاد زبان‌شناسی، لهجه‌های محلی ایران دانشکدهٔ‌ادبیات.
ممتاز ،ابوالفضل ، دبیرفرانسه دانشکدهٔ علوم .
منزوی ، علینقی.معلم‌زبان‌وادبیات‌عرب دانشکدهٔ ادبیات .
منوچهری،خانم‌پریوش،دبیرزبان‌انگلیسی دانشسرایعالی .
مولوی عربشاهی (سبزواری) ، سید محمدباقر .استادتمام وقت‌زبان وادبیات عربی.دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی.
مینوچهر ، دکتر حسن . استاد زبان و ادبیات عرب دانشکدهٔ ادبیات.
نجم‌آبادی ، دکترسیف‌الدین. دانشیار گروه‌زبانشناسی‌وزبانهای‌باستانی‌دانشکدهٔ ادبیات .
نشأت ، صادق. معلم‌زبان و ادبیات عرب دانشکدهٔ ادبیات .
نفیسی، خانم دکترماه منیر . استادزبان فرانسه دانشکدهٔ ادبیات .
وارسته،دکتر منوچهر.معلم‌حق‌التدریسی فرانسه دانشکدهٔ حقوق.
ونسکی ، رلس . معلم از گروه‌صلح زبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات .
ویلکرسون،دکترلئون. معلم‌ازفولبرایت زبان انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات.
ویگاند ، دکترکورت. معلم‌زبان‌آلمانی مأمورازطرف‌دولت‌آلمان غربی‌دانشکدهٔ ادبیات .
هالند ، معلم از گروه‌صلح‌زبان‌انگلیسی دانشکدهٔ ادبیات.
هروی، حسینعلی. دبیرفرانسه دانشکدهٔ معقول و منقول .
همایی، جلال . استاد معانی وبیان‌عربی دانشکدهٔ ادبیات .
یارشاطر ، دکتر احسان‌الله . دانشیار فارسی‌باستان ، فارسی دانشکدهٔ ادبیات.
یارمحمدی ، دکتر لطف الله. معلم‌زبان انگلیسی‌دانشکدهٔ ادبیات .

دستور زبان فرانسه

مختصری از دستور زبان‌فرانسه

با استفاده ازکتاب زبان فرانسه دوره‌های کنکور

گرامر — مجموعهٔ قواعدی راکه برای درست‌حرف‌زدن وبدون‌غلط‌نوشتن هر زبان به‌کار می‌رودگرامر آن زبان می‌نامند . برای صحبت‌کردن و نوشتن‌از کلمه استفاده می‌شود .کلمه از ترکیب حروف به دست می‌آید .

حروف — حروف‌فرانسه‌بیست‌وشش تا هستندکه عبارتند از:

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

تقسیمات‌حروف.بیست وشش‌حرف فرانسه به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱— حروف صدادار (les voyelles) که شش تا هستند بدین قرار: A E I O U Y.

۲—حروف‌بی‌صدا (les consonnes) که بیست حرف باقی مانده را تشکیل می‌دهند .

همانطورکه‌قبلا اشاره‌شد ازمجموعهٔ چند حرف (به شرط آنکه دارای معنی باشد) کلمه تشکیل می‌شود .

کلمه بر ۹ قسم است :

۱ — اسم	le nom
۲ — حرف تعریف	l'article
۳ — صفت	l'adjective
۴ — ضمیر	le pronom
۵ — فعل	le verbe
۶ — قید	l'adverbe
۷ — حرف اضافه	la prépostion
۸ — حرف‌ربط	la conjonction
۹ — حرف ندا	l'interjection

در مطالب آینده سعی خواهیم‌کرد که‌یک‌یک‌کلمات‌فوق رامورد‌مطالعه قرار دهیم .

۱ — اسم (le nom)

تعریف — تمام کلماتی‌که جهت نامیدن یک انسان و یا حیوان و شیئ به کار می‌روند اسم نامیده می‌شوند . مثال :

(برای‌حیوان) **serpent , chevaf**
(برای انسان) **homme, enfant**
(برای اشیاء) **cuivre , orange**

اسم بر دو نوع است **اسم عام** (**nom commun**) **واسم خاص** (**nom propre**) .

اسم عام‌آن است‌که برتمام انسانها و یا حیوانات و اشیاء مشابه دلالت کند مانند :

homme , chien , montagne

اسم خاص‌آن است‌که بریک انسان یا حیوان وشیئ بخصوص دلالت کند مانند :

Paul . Médor , France

تبصره—اسامی‌خاص همیشه‌باحروف بزرگ شروع می‌شوند مانند مثال بالا .

نوع اسامی (le genre) — در فرانسه برخلاف زبان فارسی تمام اسامی از لحاظ نوع به دو دستهٔ مذکر (le masculin) و مؤنث (le féminin) تقسیم می‌شوند.اسامی مردان وتمام آنهایی‌که‌بتوان جلوی آن (le) ویا (un) گذارد مذکر هستند مثل :

le garçon و le livre

اسامی زنان و تمام‌آنهایی‌که‌بتوان جلوی آن (la) ویا (une) گذارد مؤنث هستند مانند :

la fille ' la plume

عدد (le nombre) اسامی از نظر عدد نیز بردو دسته تقسیم می‌شوند. مفرد (le singulier) و جمع (le pluriel). یک‌اسم‌وقتی مفرد است

که فقط بریك انسان و یا حیوان وشیئ دلالت کند. مثال :

une table , un enfant

یك اسم وقتی جمع است که برعده‌ای شخص و یا حیوان و شیئی دلالت کند. مثال :

des tables , des enfants

طریقهٔ جمع بستن اسامی ــ علامت جمع درزبان فرانسه S می‌باشد که به‌آخر اسامی افزوده می‌گردد. مثال :

le crayon les crayons

تبصرهٔ ۱ ــ اسامی‌ای که به S و X و Z ختم می‌شوند در جمع بدون تغییر باقی می‌مانند. مثال :

le fils و les fils و l' époux و les époux و le nez و les nez

تبصرهٔ ۲ ــ اسامی‌ای که فرانسه نباشند و از زبان خارجی گرفته شده باشند علامت جمع خودشان را حفظ می‌کنند. مثال :

un gentleman و des gentleman

تبصرهٔ ۳ ــ در کلمهٔ gent موقع جمع، t آخر آن تبدیل به s می‌شود gens

قواعد خصوصی و استثنایی راجع به جمع :

۱ ــ اسامی‌ای که به al ختم شده‌اند در جمع به aux ختم می‌شوند. مثال:

cheval → chevaux

۲ ــ اسامی که به ail ختم شده‌اند در جمع به aux ختم می‌شوند. مثال:

travaril → travaux

۳ ــ اسامی که به eu ، eau ختم شده‌اند در جمع به eux , eaux ختم می‌شوند. مثال:

Cheveu → cheveux و chapeau → chapeaux

۴ ــ اسامی‌ای که به ou ختم شده‌اند درجمع به oux ختم می‌شوند. مثال:

chou → choux

حرف تعریف «Article»

حرف تعریف در جلو اسامی قرار می‌گیرد و تذکیر و تأنیث آنها را مشخص می‌کند. مثال:

la terre و le ciel

حرف تعریف همیشه از نظر نوع (le genre) و عدد (le nombre) با اسمی که همراه آن است مطابقت می‌کند. حرف تعریف بر سه نوع است:

۱ ــ حرف تعریف معین

l' article défini

۲ ــ حرف تعریف نامعین

l' article indéfini

۳ ــ حرف تعریف قسمتی

l' article partitif

اول ــ حرف تعریف معین ـ این نوع حرف تعریف در جلو اسامی‌ای می‌آید که معنی آنها معین و مشخص باشد.

le drapeau du régiment

این حروف تعریف عبارتند از:

le – la – les – au – aux – du des

le برای اسامی مذکر مفرد به‌کار می‌رود. مانند :

le Ciel

la برای اسامی مؤنث مفرد به‌کار می‌رود. مانند :

la terre

les برای اسامی مؤنث و مذکر جمع به‌کار می‌رود. مانند :

les plantes و les arbres

au ترکیبی از à و le و درجلو اسامی‌ای که این دوحرف باهم آمده باشند می‌آید. مثال :

au hameau به‌جای à le hameau

aux ترکیبی است از à و les و در جلو اسامی‌ای که این دو حرف باهم آمده باشند می‌آید. مثال :

aux amis به‌جای à les amis

du ترکیبی است از de و le و در جلو اسامی‌ای که این دوحرف آمده باشند می‌آید. مثال :

du village به‌جای de le villags

des ترکیبی است از de و les و در جلو اسامی‌ای که این دوحرف آمده باشند می‌آید. مثال :

des villes به‌جای de les villes

تبصره ــ حروف تعریف au و aux، du و des را حروف تعریف معین ادغام شده (Les articles définis contractés) ــ می‌نامند.

باید متذکر شد که la با حروف اضافه à و de ترکیب نمی‌شود وهر کجا که با آنها بیاید به‌همان صورت de la و à la باقی می‌ماند.

تبصرهٔ ۲ ــ در جلو اسامی‌ای که با یکی از حروف صدادار و یا h گنگ شروع شده باشند به جای le و la ؛ l' گذارده می‌شود l' را حرف تعریف حذف شده (elidé) می‌نامند. مثال:

l'amitié و l' histoire و l'oiseau

دوم ــ حرف تعریف نامعین ــ این نوع حروف تعریف در جلو اسامی‌ای می‌آیند که معانی آنها گنگ و عام باشند. مثال :

la rose est une fleur

این حروف تعریف عبارتنداز:

un – une – des

un برای اسامی مذکر ومفرد به‌کار می‌رود. مثال : un bouquet

une برای اسامی مؤنث و مفرد به‌کار می‌رود. مثال : une fleur

des برای اسامی جمع مذکر و مؤنث به‌کار می‌رود. مثال :

des roses, des lis

توضیح ــ des هرگاه جمع du و de la باشد حرف تعریف معین و هرگاه جمع un و une باشد حرف تعریف نامعین است.

سوم ــ حرف تعریف قسمتی ــ این حروف تعریف همیشه جزیی از کل را بیان می‌دارند. مثال:

من نان می‌خورم (منظور قسمتی از نان است)

je mange du pain

این حروف تعریف عبارتنداز du و de la

۳ ــ صفت «l'djectif»

صفات بر شش دسته‌اند :

۱ ــ صفات توصیفی

les adgectifs qualificatifs

۲ ــ صفات ملکی

les adjéctifs possessifs

۳ ــ صفات اشاره‌ای

les adjectifs démonstratifs

۴ ــ صفات سؤالی

les adgectifs intérrogatifs

۵ ــ صفات غیرمعین

les adjectifs indéfinis

۶ ــ صفات عددی

les adjectifs numéraux

۱ ــ صفات توصیفی ــ این صفات کلماتی هستند که به‌اسم افزوده می‌گردند و آن‌را توصیف می‌کنند. مثال:

enfant ustudieux, tiger cruel و marbre poli

کلمات cruel ، studieux و poli را که صفتی از موصوفهای enfant

tigre و marbre را بیان می‌کنند صفات توصیفی می‌خوانند.

بطور کلی صفاتی‌را که بتوان به‌آنها نام شخص یا حیوان و یا شیئی را افزود توصیفی‌می‌گویند. مثلاصفات propre و modeste، fidèle نیز صفت توصیفی هستند چون می‌توان گفت:

enfant modeste و chien fidèle و cahier propre .

اغلب با افزودن‌یك e گنگ به‌آخر صفت مذکر، صفت مؤنث ساخته می‌شود. مانند:

un homme poli و une femme polle

ویا:

un océan glacial→une mer glaciale

اگر صفت در حالت تذکیرe گنگ در آخر داشته باشد در حالت تأنیث هیچگونه تغییری در آن داده نمی‌شود مانند صفات:

honnête ' sobre, hable

مثال:

un génaral habile و unle manoeuvre habile

چند نکته راجع به صفات مذکر و مؤنث.

۱ ــ صفاتی‌که در مذکر به f ختم شده‌اند در مؤنثf به ve تبدیل می‌شود. مانند:

vif→vive ،neuf →neuve

۲ ــ صفاتی‌که در مذکر به x ختم شده‌اند در مؤنث x به‌se تبدیل می‌شود. مثال:

honteux →hovteuse

صفات roux ، faux ، doux دراین مورد استثناء هستند و مؤنث‌آنها به‌ترتیبdouce وfausse وrousseاست.

۳ ــ صفاتی‌که در مذکر به er ختم شده‌اند درمؤنث er به‌ère تبدیل‌می‌شود. مثال:

entier →entière و leger→ legère

۴ ــ صفاتی‌که در مذکر به‌gu ختم شده‌اند در مؤنث به یك e با علامت دو نقطه tréma ختم می‌شوند. مثال:

son aigu → voix aiguë

۵ــ صفاتی‌که‌درمذکر به on , et, el و en eil ختم می‌شوند در مؤنث بایستی‌حرف بی‌صدای آخر آنهارادو برابر کرده و یك e گنگ اضافه‌کرد. مثال:

solennel →solennelle ,
vermeil →vermeille
ancien→ancienne,
cadet→cadette
bon → bonne

۶ ــ صفاتی‌که در مذکر به eur ختم می‌شوند در مؤنث eur به euse تبدیل می‌شود. مثال:

boudeur →boudeuse,
parleur →parleuse

صفات professeur amateur، auteur در مذکر و مؤنث یکی‌هستند.

۷ ــ صفاتی‌که در مذکر‌به teur ختم می‌شوند در مؤنث teur معمولا به trice تبدیل می‌شود. مثال:

protecteur → protectrice

طریقهٔ جمع بستن‌صفات ــ معمولا با افزودن حرف s به آخرصفت مفرد، آن را تبدیل به جمع می‌کند. مثال:

un enfant intelligent
des enfants intelligents

تبصره ــ صفاتی‌که در مفرد‌به s یا x ختم‌شده‌اند درجمع تغییری نمی‌کنند. مانند:

un vin exquis → des vins - exquis
un fruit delicieux → des fruits délicieux

تبصرهٔ ۲ ــ صفاتی که در مفرد به eau ختم شده‌انددرجمع حرفx به‌آخر آنها افزوده می‌گردد.

beau → beaux ,
jumeau→jumeaux

تبصرهٔ ۳ ــ صفاتی‌که‌در مفرد‌به ou ختم می‌شوند در جمع s می‌گیرند.

des prix foux

تبصرهٔ ۴ ــ صفاتی‌که درمفرد‌به al ختم می‌شوند در جمع al تبدیل به aux می‌شود. مثال:

un homme loyal → des hommes loyaux

مطابقهٔ صفت با موصوف ــ صفت همیشه از جهت‌نوع وعدد با موصوف‌خود مطابقت می‌کند. مثال:

un livre goli و des fleurs odorantes

صفت Joli به صورت مفرد ومذکر است چون موصوف‌آن un livre هم‌به این‌صورت‌است درحالی‌که odorantes مؤنث و جمع است چون موصوف آن (des fleurs) هم به این صورت است.

تبصرهٔ‌مهم ــ صفت اگرچندموصوف داشته باشد حتماً بایستی جمع‌باشد. حال اگر تمام موصوفها مؤنث باشند صفت به جمع مذکر است. مثال:

l ' âne et le mulet sont têtus

اگر تمام‌موصوفهامؤنث باشند صفت به صورت جمع مذکر خواهد بود. مثال:

l'alouetteele la poule sont matinal es

اگر موصوفهامخلوطی ازمذکر ومؤنث باشند صفت به‌صورت جمع مذکر خواهد بود. مثال:

la biche et le cerf sont légers

۲ــ صفات ملکی Les adjectifs possessifs ــ این صفات‌همان‌طور که از اسم‌آنها برمی‌آید تملك شخص یا حیوان ویاشیئی را به‌شخص یاحیوان‌وشیئی دیگر می‌رساند. این‌صفات عبارتند از:

برای مفرد مذکر	مال ما	notre	مال من	mon
	مال شما	votre	مال تو	ton
	مال ایشان	leur	مال او	son
برای‌مفرد مؤنث	مال ما	notre	مال من	ma
	مال شما	votre	مال تو	ta
	مال‌ایشان	leur	مال او	sa
برای جمع مذکر ومؤنث	مالهای‌ما	nos	مالهای من	mes
	مالهای شما	vos	مالهای تو	tes
	مالهای‌آنها	leurs	مالهای او	ses

تبصره — در جلو اسم مؤنثی که با یکی از جروف صدادار و یا یك h گنگ شروع شده باشد صفات مذکر son, ton، mon را به‌جای صفات مؤنث sa ,ta, ma می‌گذارند. این‌جا به‌جایی فقط به جهت خوش صدایی کلام است.
مثال:

mon amitié ،**ton** histoire و **son** épée

۳ — صفات اشاره‌ای — les adjectifs démonstratifs

این صفات برای نشان دادن شخص یا حیوان و یا شیئی که از آن صحبت‌می‌شود به‌کار می‌رود و عبارتند از:

ce – cet – cette – ces

ce – برای مفرد مذکر به‌کارمی‌رود
مثال: **ce** lis **ce** liver

cet – برای اسامی مفردومذکری که با یکی ازحروف صدا دار و یا یك h گنگ شروع شده‌باشند به کار می‌رود.
مثال:

cet arbre **cet** homme

cette — برای اسامی مفردمؤنث به‌کار می‌رود.مثال: **cette** rose

ces — برای جمع مذکر و مؤنث به‌کار می‌رود **ces** lis **ces** roses

تذکر املایی — هیچگاه نباید‌موقع نوشتن‌دیکته ces را با ses اشتباه کنیم. چون ces صفت اشاره‌ای است و مفردآن ce یا cet است و در موقع استعمال بیشتر جنبهٔ اشاره‌به‌چیزی را می‌رساند. مانند: **ces** fruits sont mûrs : این میوه‌ها رسیده‌اند در حالی‌که ses صفت ملکی است ودر موقع استعمال‌جنبهٔ‌تملك رامی‌رساند ومفردآن son و یا sa است.
مانند:

une mère aime **ses** enfants: یك مادرفرزندانش‌را دوست دارد.

۴ — صفات سؤالی — Les adjectifs Interrogatifs

این‌صفات‌استفهام و سؤال‌را بیان‌می‌کنند. صفات سؤالی عبارتند از:
مثال:

quels برای جمع مذکر
puelles برای جمع مؤنث
quel برای مفرد مذکر
quelle برای مفرد مؤنث

آیا شما چند سال سن‌دارید؟
quel âge avez – vous ?
ساعت چیست؟
quelle heure est – il ?
چه تکالیفی را شما انجام‌می‌دهید؟
quels devoirs faites–vous?
چه درسهایی‌را آیاشمافرامی‌گیرید؟
quelles leçons apprenez vous ?

توضیح — این صفات درصورتی‌که در جملات تعجبی استعمال شوندبه‌صفات تعجبی (**Les adjectifs exclamatifs**) موسوم‌می‌گردندمثال:

quel bonheur ! **quelle**– chance !

۵ — صفات نامعین
Les adjectifs indéfinis

این‌صفات اسم را به‌صورت‌مهم‌و کلی‌معرفی می‌نمایند وعبارتند از:

aucun , autre , certain , chaque , maint , même , nulpl usieur, quel , quel – couque , quelque , tel,tout

۶ — صفات عددی
Les adjectifs numéraux

این صفات خودبردو قسمند: صفات‌عددی مقداری **Les adjectifs numeraux cardinaux** وصفات عددی ترتیبی **Les adjectifs numéraux ordinaux**

صفات‌عددی مقداری تعدادواندازه را می‌رسانند وعبارتند از:

un و deux و trois و quatre – cinq etc

صفات عددی ترتیبی درجه ومقام‌را می‌رسانند وعبارتند از:

premier – deuxième و troisième و quatrième'etc

تبصرهٔ مهم — باید در نظر داشت که بطور کلی صفات در فرانسه به دو دستهٔ‌مهم‌تقسیم می‌شوندکه هردسته‌ازآنها باز در بین‌خود به تقسیمات کوچکتری بخش‌می‌گردندکه تقسیمات آنها‌درجدول زیرآمده است:

جدول صفات بطورکلی

			مفردمذکر	مفردمؤنث	جمع‌مذکرومؤنث
Adjectifs	1–Qualificatifs	آنچه در فارسی صفت می‌گوییم			
	11 – Déterminatifs	1 – Possessifs	mon	ma	mes
			ton	ta	tes
			son	sa	ses
			notre	notre	nos
			votre	votre	vos
			leur	leur	leurs
		2 – Déterminatifs	ce – cet – cette – ces		
		3 – Indéfinis	aucun – autre – certain chaque – maint – même– nul plusieurs – quel – quel conque qulque – tel – tout		
		4 – Numéraux	a – cardinaux : un – deux– trois – etc		
			b – ordinaux : premier – deuxiéme – troisiéme–etc		
		5 – Interrogatifs	quel ? quelle? quels? quelles ?		

۴ ـ ضمیر «Le pronom»

ضمیر کلمه‌ای است که به جای اسم می‌نشیند و ازحیث نوع وعدد درست مانند اسمی است که جای آن را گرفته است.

بدین ترتیب به جای گفتن جمله:

L' ecureuil est si legér que l'écureuil saute au lieu de marcher

می‌گویند.

L'ecureuil est si léger qu' il saute au lieu de marcher

در جملهٔ دوم کلمهٔ **il** که ضمیر است جای **l'écureuil** درجمله، نشسته‌است و از تکرار آن جلوگیری کرده است. ملاحظه می‌شود که **il** مفرد مذکر است چون **l'ecureuil** مفرد مذکر است.

ضمیر برشش نوع است به‌قرار زیر:

۱ ـ ضمایر شخصی
Les Pronoms personnels

۲ ـ ضمایر ملکی
Les Pronoms possessifs

۳ ـ ضمایر اشاره‌ای
Les Pronoms démonstratifs

۴ ـ ضمایر موصولی
Les Pronoms relatifs

۵ ـ ضمایر سؤالی
Les Pronoms interrogatifs

۶ ـ ضمایر نامعین
Les prnnoms indéfinis

۱ ـ ضمایرشخصی ـ درمحاورهٔ سه‌شخص وجود دارد.

اول شخص یا کسی که صحبت می‌کند

Je chante _ je récite

دوم شخص یا کسی که با او صحبت می‌شود

tu chantes tu récites

سوم شخص یا کسی که از او صحبت می‌شود

il chante il récite

ضمایر شخصی

Les pronoms personnels

ضمایری هستند که این اشخاص رامعرفی می‌کنند. باید در نظر داشت که این سه‌شخص ممکن است جمع یامفرد باشند و در عین حال در حالت فاعلیت قرار داشته باشند یادرحالت مفعولیت، بنابراین لیست این ضمایر به‌این شرح ذکر می‌شود:

۱ ـ ضمایر شخصی درحالت فاعلیت:

اول شخص	nous
اول شخص مفرد	je
دوم شخص جمع	vous
دوم شخص مفرد	tu
سوم شخص جمع	ils _ elles
سوم شخص مفرد	il _ elle

۲ ـ ضمایر شخصی در حالت مفعولیت

اول شخص جمع	nous
اول شخص مفرد	me و moi
دوم شخص جمع	vous
دوم شخص مفرد	te و toi
سوم شخص جمع	eux
سوم شخص مفرد	lui

تبصره ـ گاهی ضمایر le ـ la ـ y ـ en ـ soi ـ se را جهت سوم شخص مفرد و leurs ـ les ـ se را جهت سوم شخص جمع نیز به‌کار می‌برند دراین صورت باید توجه‌داشت که اگر **leur** همراه با اسم بیاید صفت‌ملکی و اگرهمراه‌فعل باشد ضمیر شخصی است در حالت اول چنانچه اسمی که همراه آن است جمع باشد **leur** یك **S** درآخر می‌گیرد ودر حالت دوم هیچگاه **S** نخواهد گرفت. به دومثال زیر توجه فرمایید:

صفت ملکی

Les renards sont fameux par leurs ruses

ضمیرشخصی

Le bon fils aime ses parents et leur obeit

در مورد les ـ la ـ le نیزفقط درصورتی به‌آنها ضمیر شخصی اطلاق می‌شود که همراه یك فعل بیایند در این صورت آنها جای یك اسم را خواهند گرفت.

۲ ـ ضمایر ملکی

les pronoms possess ifs

این ضمایر آنهایی هستند که درعین حال که جای اسمی را در جمله می‌گیرند مشخص می‌کنند که شخص یا حیوان یا چیزی که از آن صحبت می‌شود به‌چه کسی تعلق دارد، اینها عبارتند از:

مفرد مذکر	مال ما	le nôtre	مال من	le mien
	مال‌شما	le vôtre	مال تو	le tien
	مال آنها	le leur	مال او	le sien
مفرد مؤنث	مال ما	la nôtre	مال من	la mienne
	مال شما	la vôtre	مال تو	la tienne
	مال آنها	la leur	مال او	la sienne
جمع‌مذکر	مالهای‌ما	les nôtres	مالهای‌من	les miens
	مالهای‌شما	les vôtres	مالهای تو	les tiens
	مالهای‌ایشان	les leurs	مالهای او	les siens
جمع‌مؤنث	مالهای‌ما	les nôtres	مالهای‌من	les miennes
	مالهای‌شما	les vôtres	مالهای تو	les tiennes
	مالهای‌آنها	les leurs	مالهای او	les siennes

۳ ـ ضمایر اشاره‌ای Les pronoms démonstratifs

این ضمایرآنهایی هستند که در عین این‌که جای اسم را می‌گیرند به اشاره‌آن‌را نشان می‌دهند و آنها بدین‌قرارند:

	مؤنث		برای مفرد	مذکر
اینها برای مفرد به‌کار می‌روند	این	celle	این	celui
	همین	celle _ ci	همین	celui _ ci
	همان	celle _ là	همان	celui _ là

	مؤنث			مذکر
اینها برای جمع به‌کار می‌روند	اینها	celles	اینها	ceux
	همین‌ها	celles _ ci	همین‌ها	ceux _ ci
	همانها	celles _ là	همانها	ceux _ là

علاوه‌بر این‌ها برای مذکر و مؤنث و مفرد بدون تغییر ce–ceci – cela نیز به‌کار برده می‌شود.

۴ – ضمایر موصولی – les pronoms relatifs – این نوع ضمایر در عین حال که جای اسمی را در جمله می‌گیرند کار اتصال این اسم را که جانشین آنند به اسم بعد از آن نیز به عهده دارند و آنها عبارتند از.

مذکر	مؤنث جمع
lesquels	lesquelles
desquels	desqulles
auxquels	auxquelles
مذکر	**مؤنث مفرد**
lequel	laquelle
duquel	de laquelle
Auquel	à laquelle

و علاوه‌بر اینها برای مذکر و مؤنث و مفرد و جمع qui و que و quoi و dont را نیز به‌کار می‌برند.

۵ – ضمایر سؤالی – les pronoms interrogaitfs

این ضمایر علاوه بر جانشینی یك اسم بیان سؤال را نیز به‌عهده دارند. ضمایر استفهامی همان ضمایر موصولی و quoi و lequel و qui و que و غیره هستند و در حالی که در اول جمله قرار می‌گیرند عمل طرح یك سؤال را نیز به عهده دارند. مثال:

کی آمد؟ **qui** est venu ?

چه می‌خواهی؟ **que** veux – tu ?

به چه فکر می‌کند؟

A quoi pense–t – il ?

کدامیك از این سیبها را می‌خواهی؟

la quelle de ces pommes désirez – vous ?

۶ – ضمایر نامعین – le prronoms – indéfinis

این ضمایر جای یك اسم می‌نشینند و آن را به‌صورت مبهم و کلی و نامعین بیان می‌دارند. این‌ها عبارتند از:

on – chacun – personne – quiconque – quelqu'un – rien–autrui–l'un – l'autre plusieurs–nul– certain و aucun–tout tel به این ضمایر، ضمایر

را نیز اضافه می‌کنند به‌شرط این که ضمایر فوق با یك اسم نیامده باشند چون در صورت اخیر جزو صفات نامعین به‌حساب می‌آیند.

۵ – فعل «le verbe»

تعریف – فعل کلمه‌ای است که بر انجام یا روی‌دادن کاری یا حالتی و یا صفتی در یکی از سه‌زمان حال، آینده یا گذشته دلالت می‌کند. افعال، قسمت مهم و اساسی جمله را تشکیل می‌دهند. می‌توان گفت که جمله برمبنای فعل مستحکم و استوار است و بدون آن با وجود سایر قسمتها جمله، باز عبارت از نظر معنی بی‌مفهوم است.

در فرانسه افعال را از نظر حرف به سه دسته یا بخش تقسیم می‌کنند.

۱ – افعال دستهٔ اول

(**Prémier groupe**) که افعال با قاعده‌هستند، علامت مشخصهٔ آنها دوحرف **er** است که در آخر آنها وجود دارد. مثال: entrer و laver.

۲ – افعال دستهٔ دوم

(**Deuxiéme groupe**) که اینها نیز با قاعده هستند و علامت مشخصهٔ آنها اول این که در مصدر به **ir** ختم می‌شوند دوم این که اسم فاعل این دسته از افعال به **issant** ختم می‌شود. مثال: **finir** که اسم فاعلش **finissant** است.

۳ – افعال دستهٔ سوم

(**Troisième groupe**) که افعال بی‌قاعدهٔ فرانسه را تشکیل می‌دهند و تعداد آنها نسبتاً کم است. برای صرف این دسته از افعال بایستی دقت کرد که خود فرانسویان آنها را به چه صورت صرف کرده‌اند. خوشبختانه به‌علت این که صرف این افعال از نظر خود فرانسه زبانان خالی از اشکال نیست روز به روز از تعداد این افعال کمتر می‌شود و به‌جای آنها از افعال با قاعدهٔ هم معنی آنها استفاده می‌شود. افعال جدید نیز که توسط فرهنگستان فرانسه ساخته می‌شود همه از نوع افعال باقاعده دستهٔ اول یا دوم می‌باشد از آن جمله است **Téléphoner photographier**

باید در نظر داشت که خود افعال بیقاعده نیز در بین خودشان دسته‌بندیها و تقسیمات کوچکتری دارند که مثلا برای صرف چند فعل کافی است یکی از افعال آن دسته را فرا گرفت. این افعال بیشتر به **re** و **oir** و **ir** های **بیقاعده** ختم می‌شوند.

تبصره – دو فعل Avoir و Etre که به نام افعال معین یا (**verbes auxiliaires**) خوانده می‌شوند درصرف از هیچ قاعده‌ای پیروی نمی‌کنند. صرف این دو فعل را در کتابهای گرامر باید دید و فرا گرفت. مخصوصاً چون این دو فعل در ساختمان زمانهای مرکب اغلب افعال شرکت دارند فراگیری کامل آنها توصیه می‌شود.

وجوه و ازمنهٔ افعال

les modes et les temps

افعال فرانسه مانند فارسی شش وجه دارند به شرح زیر:

I – وجه اخباری – Mode indicatif – این وجه درصورتی به‌کار می‌رود که انجام عمل در یکی از سه‌زمان حال و آینده و گذشته مسلم باشد. مثال:

می‌دانم که او عزیمت کرده است.

Je sais qu'il est parti

این وجه خود دارای هشت زمان می‌باشد به شرح زیر:

۱ – زمان حال
présent de l'indicatif

۲ – ماضی استمراری یا ماضی ناقص
Imparfait

۳ – ماضی مطلق
Passé simple

۴ – ماضی نقلی
Passé composé

۵ – ماضی مقدم
Passé antérieur

۶ – ماضی بعید
Plus – que parfait

۷ – مستقبل ساده
Futur simple

۸ – مستقبل مقدم
Futur antérieur

II – وجه شرطی (Mode conditionnel) که برای بیان یك عمل غیر حتمی به‌کار می‌رود انجام این عمل بستگی به‌شرط دارد. مثال:

اگر می‌توانستم می‌نوشتم.

j'écrirais si je pouvais

این وجه دارای سه‌زمان به شرح زیر است:

۱ – زمان حال شرطی.

Présent du conditionnel

۲ ــ ماضی اول شرطی

Premier passé du conditionnel

۳ ــ ماضی دوم شرطی

Deuxième passé du éonditionnel

III ــ وجه امری ــ Mode

impératif این وجه برای بیان امر و خواهش واندرز ویا آرزو به‌کار می‌رود، مثال :

بــه مــن رحم کنید (خواهش)

Ayez pitié de moi. خارج شوید

Sortez (امر)

فرزندان‌من،عاقل‌ومؤدب باشید (اندرز)

Mes enfants و soyez sages et polis

خوشبخت باشید (آرزو)

Soyez heureux

IV ــ وجه التزامی ــ Mode

Subjonctif ــ این وجه برای وقوع فعل به صورت شك و تردید و احـتمال به‌کار می‌رود و اغلب‌تابع عبارت قبل از خودش می‌باشد .

مثال :

je ne crois pas qu, il dise la vérité

تصور نمی‌کنم که‌اوحقیقت‌را بگوید.

این وجه دارای چهارزمان به‌شرح زیر است :

اول ــ زمان حال یا مستقبل

futur ou présent du subjonctif

دوم ــ ماضی استمراری

Imparfait du subjonctif

سوم ــ ماضی

Passé du subjonctif

چهارم ــ ماضی بعید

Plus — que parfait du subjonctif

V ــ وجه مصدری ــ Mode

infinitif ــ این وجه برای بیان فعل بطور کلی به‌کارمی‌رود ودوصورت‌دارد:

اول ــ مصدر حال

Infinitif présent

دوم‌ــ مصدر گذشته

Infinitif passé

VI ــ وجه وصفی Mode

Participe ــ این وجـه برای بیان حالت و کیفیت فاعل یـا مفعول به‌کار می‌رود و دوصیغه دارد :

اول ــ اسم فاعل

Participe présent

دوم ــ اسم مفعول

Participtpe passé

صرف افعال

۱ ــ افعال باقاعده (دستهٔ اول ودوم)
les verbes réguliers

این دسته ازافعال مصدرشان از دو قسمت مشخص تشکیل یافته است . جزء اول‌راکه اغلب‌ثابت و بی‌تغییر است ریشهٔ (le radical) وجزء دوم راکه بسته به شخص وزمانهای مختلف ، متغیراست جزء انتهایی (la terminaison) می‌نامند . مثلاً درفعل laver، lav ریشه و er جزء انتهایی است ودر فعل finir، fin ریشه و ir جزء انتهایی است. باتوجه به‌تابلوهای زیر و دقت در تغییرات جزء انتهایی (صرف افعال)این دسته ازافعال به‌تبعیت ازوجوه و ازمنه و اشخاص مختلف ، طریق ساختن وجوه و ازمنهٔ مختلف افعال باقاعده را فرا‌ــ می‌گیریم .

«صورت تصریف‌فعل Laver»

Mode indicatif

present

je lave
tu laves
il lave
elle lave
nous lavons
vous lavez
ils lavent
elles lavent

imparfait

je lavais
tu lavais
il lavait
elle lavait
nous lavions
vous laviez
ils lavaient
elles lavaient

passe simple

je lavai
tu lavas
il lava
elle lava
nous lavâmes
vous lavâtes
ils lavérnt
elle lavérent

passé composé

j' ai lavé
tu as lavé
il a lavé
elle a lavé
nous avons lavé
vous avez lavé
ils ont lavé
ells ont lavé

passé anterieur

j' eus lavé
tu eus lavé
il eut lâvé
elle eut lavé
nous êumes lavé
vous êutes lavé
ils eurent lavé
elles eurent lavé

plus - que parfait

j'avais lavé
tu avais lavé
il avait lavé
elle avait lavé
nous avions lavé
vous aviez lavé
ils avaient lavé
elles avaient lavé

futur simple

je laverai
tu laveras
il lavera
elle lavera
nous laverons
vous lav erez
ils laverout
elles laveront

fufur antérieur

j,àurai lavé
fu auras lavé
il aura lavé
nous aurons lavè

vous finîtes
ils (elles) finirent

passé composé ماضی نقلی

j' ai fini
tu as fini
il (elle) a fini
nous avons fini
vous avez fini
ils (elles) ont fini

Passé anterieur ماضی مقدم

j' eus fini
tu eus fini
il eut fini
nous eùmes fini
vous eùtent fini
ils (elles) eurent fini

plus – que parfait ماضی بعید

j' avai fini
tu avais fini
il (elle) avait fini
nous avions fini
vous aviez fini
ils (elles) avaient fini

Futur simple مستقبل ساده

je finirai
tu finiras
il (elle) finira
nous finirons
vous finirez
ils (elles) finiront

Futur antérieur مستقبل مقدم

j'aurai fini
tu auras fini
il (elle) aura fini
nous auriont fini
vous auriez fini
ils (elles) auront fini

Mode conditionnel

présent زمان حال

je finirais
tu finirais
il (elle) finirait
nous finirions
vous finiriez
ils (elles) finiraient

qu' ils (elles) lav**assent**

passè

que j'aie lavé
que tu aies lavé
qu'il (elle) ait lavé
que nous ayons lavé
que vous ayiez lavé
qu'ils (elles) ainnt lavé

plus – que parfait

que j' eusse lavé
que tu eusses lavé
qu il (elle) eut lavé
que nous eussions lavé
que vous eussiez lavé
qu'ils (elles) eussent lavé

Mode infinitif

infinitif présent

laver

infinitf passé

avoir lavè

Mode Participe

participe present

lavant

participe passé

lavé – e

finir صرف فعل

Mode infinitif

présent زمان حال

je finis
tufinis
il (elle) finit
nous finissons
vous finissez
ils (elles) finissent

Imparfait ماضی استمراری

je finissais
tu finissais
il (elle) finissait
nous finissions
vous finissiez
ils (elles) finissaient

passe simple : ماضی مطلق

je finis
tu finis
il (elle) finit
nous finîmes

vous aurez lavé
ils auront lavé

Mode conditionnel

présent

je lav**erais**
tu lav**eräis**
il lav**erait**
elle lav**erait**
nous lav**erions**
vous lav**eriez**
ils lav**eraient**
elles lav**eraient**

premier passé

j'aurais lavé
tu aurais lavé
il (elle) aurait lavé
nous aurions lavé
vous auriez lavé
ils (elles) auraient lavé

deuxieme passé

j'eusse lavé
tu eusses lavé
il (elle) eut lavè
nous eussions lavé
vous eussiez lavè
ils (elles) eussent lavé

Mode impératif

présent ou futur

lave
lav**ons**
lav**ey**

Mode subjonctif

present ou futur

que je lave
que tu laves
qu' il (elle) lave
que nous lav**ions**
que vous lav**iez**
qu'ils (elles) lav**ent**

imparfait

qne je lav**asse**
que tu lav**asses**
qu'il (elle) lav**ât**
que nous lav**assions**
que vous lav**assiez**

premier passé ماضی اول

j'aurais fini
tù aurais fini
il (elle) aurait fini
nous aurions fini
vous auriez fini
ils (elles) auraient fini

Deuxiéme passé ماضی دوم

j'eüsse fini
tu eusses fini
il (elle) eùt fini
nous eussions fini
vous eussiez fini
ils (elles)eussent fini

Mode imparfait

زمال حال یاآینده

présent ou fùtur

finis
finissons
finissez

Mode subjonctif

زمان حال یا مستقبل

present ou futur

Que je finisse
que tu finisses
qu ' il (elle) finisse
que nous finissions
que vous finissiez
qu'ils (elles) finissent

imparfait ماضی استمراری

que je finisse
que tu finisses
qu' il (elle) finit
que nous finissions
pue vous finissiez
qu'ils (elles) finissent

Passé ماضی

qüe j'aie fini
que tu aies fini
pu' il (elle) ait fini
que nous ayons fini
que vous ayez fini
←qu' ils (elles)aient fini

plus – que parfait ماضی بعید

que j'eusse fini
que tu eüsses fini
qu ' il (elle) eùt fini
qüe nous eussions fini
que Vous eüssiez fini
qu ' ils (elles) eussent fini

Mode infinitif

← infinitfif présent

finir

infinif passé

avoir fini

Mode participe

partieipe présent

finissant

participe passé

fini- e

تابلوی نمایش تغییرات جزء انتهایی در افعال دستهٔ اول و دوم

زمان‌های ساده	جزء انتهایی‌در افعال‌دستهٔ اول	جزء انتهایی در افعال دستهٔ دوم
indicatif présent زمان حال وجه اخباری	e es e ons ez ent	is is it issons issez issent
Imparfait ماضی‌استمراری یاماضی‌ناقص	ais ais ait ions iez aient	issais issais issait issions issiez issaient
Passé simple ماضی مطلق	ai as a âmes âtes èrent	is is it imes ites irent
Futur simple مستقبل ساده	erai eras era erons erez eront	irai iras ira irons irez iront

۲ ـ افعال بیقاعدهٔ (دستهٔ سوم)
Les verbes de trosième groupe

این افعال را بایستی یك یك در کتب صرف افعال دید وفرا گرفت .

فعل معلوم ـ فعل مجهول
verbe actif_verbe passif

فعل معلوم فعلی است که فاعلش معلوم باشد، به‌عبارت دیگر انجام فعل به فاعل نسبت داده می‌شود .

بچه تنگ را می‌شکند
l'enfant casse la carafe

فاعل فعل مجهول ، شخص معینی نیست و فعل به مفعول نسبت داده‌می‌شود.

تنگ شکسته است
La carafe est cassée

مصدر این فعل **être cassé** (شکسته شدن) است .

بنا بر این مصدر افعال مجهول از دو قسمت تشکیل می‌شود: یکی فعل **être** و دیگری اسم مفعول فعل مورد نظر.

صرف فعل مجهول ــ برای صرف فعل‌مجهول فعل **être** را درزمان ووجه لازم‌صرف می‌کنند وسپس اسم مفعول‌فعل مورد نظر را به دنبال آن قرارمی‌دهند. البته این اسم‌مفعول همه‌جا ازحیث نوع وعدد با فاعل مطابقت می‌کند .

تبصره ــ اغلب افعال معلوم را می‌توان تبدیل به فعل مجهول کرد.مثال:

Être aimé — **محبوب بودن**
Aimer — دوست داشتن

زده شدن ــ کتك خوردن
Être frappé
Frapper — زدن ــ کتك زدن

Être assis — **نشسته بودن**
Asseoir — نشاندن

مورد احترام بودن
Être respecté
Respecter — محترم شمردن

Être obligé — **مجبور بودن**
Obliger — مجبور کردن

Être dechiré — **پاره بودن**
Déchirer — پاره کردن

Être éteint — **خاموش بودن**
Eteindre — خاموش کردن

جزء انتهایی در افعال دستهٔ دوم	جزءانتهایی در افعال‌دستهٔ اول	زمان‌های ساده
irais irais irait irions iriez iraient	erais erais erait erions eriez eraient	Conditionnel présent زمان حال شرطی
isse isses isse issions issiez issent	e es e ions iez ent	Subjonctif présent زمان حال استمراری
isse isses it issions issiez issent	asse asses ât assions assiez assent	imparfait du subjondctif ماضی استمراری التزامی
is issons issez	e ons ez	impératif وجه امری

فرمول ساختن زمانهای مرکب

passé composé ماضی نقلی	اسم مفعول فعل مورد نظر + زمان حال فعل معین
passé antérieur ماضی مقدم	اسم مفعول فعل مورد نظر + ماضی مطلق فعل معین
plus -que-parfait ماضی بعید	اسم مفعول‌فعل‌مورد نظر + ماضی‌استمراری‌فعل‌معین
futur antérienr مستقبل مقدم	اسم‌مفعول فعل مورد نظر + مستقبل‌سادهٔ فعل معین
Per passé du Conditionnel	اسم مفعول فعل‌موردنظر + زمان‌حال‌شرطی‌فعل‌معین
2 éme passé du Conditionnel	اسم مفعول فعل مورد نظر + ماضی استمراری التزامی از فعل معین
Passé du Subjonctif	اسم مفعول فعل موردنظر + زمان حال التزامی از فعل معین
Plus -que-parfait du subjonctif	اسم مفعول فعل مورد نظر + ماضی استمراری التزامی از فعل معین
infinitif passé مصدر گذشته	اسم مفعول فعل مورد نظر + مصدر فعل معین

Être fini — **تمام بودن**

Finir — تمام کردن

مورد حمایت قرارگرفتن

Être protégé

Protéger — حمایت کردن

به نمونهٔ صرف یك فعل مجهول دقت کنید :

صورت تصریف فعل مجهول

être aimé (**محبوب بودن**)

Mode indicatif

présent — زمان حال

je suis aimé
tu es aimé
il est aimé
nous sommes aimés
vous êtes aimés
ils sont aimés

imparfait — ماضی استمراری

J'etais aimé
tu étais aimé
il (elle) était aimé
nous ètions aimés
vous étiez aimés
ils (elles) étaient aimés

passé simple — ماضی مطلق

Je fus aimé
tu fus aimé
il fut aimé
nous fûmes aimés
vous fûtes aimès
ils furent aimés

passé composé — ماضی نقلی

J'ai été aimé
tu as été aimé
il a été aimé
nous avons été aimés
vous avez été aimés
ils ont été aimés

passé antérieur — ماضی مقدم

J'eus été aimé
tu eus été aimé
il eut été aimé
nous eûmes été aimés
vous eûtes été aimés
ils eurent été aimès

plus -que Parfait — ماضی بعید

J'avais été aimé
tu avais été aimé
il avait été aimé
nous avions été aimés
vous aviez été aimés
ils avaient été aimés

futur simple — مستقبل ساده

Jé serai aimé
tu seras aimé
il sera aimé
nous serons aimés
vous serez aimés
ils seront aimés

futur antérieur — مستقبل مقدم

J'aurai été aimé
tu auras été aimé
il aure été aimé
nous aurons été aimés
vous aurez été aimés
ils auront été aimés

Modi conditionnel

présént — زمان حال

Je serais aimé
tu serais aimé
il serait aimé
nous serions aimés
vous seriez aimés
ils seraient aimés

per-passé : J'aurais été aime

2 – passé : J'ausse été aimé

Mode imperatif

sois aimé
soyons aimés
soyez aimés

Mode subjonctif

زمان حال یا مستقبل

présent ou futur

que je sois aimé
que tu sois aimé
qu'il soit aimé
que nous soyons aimés
que vous soyez aimés
qu' ils soient aimés

imparfait — ماضی استمراری

quc Je fusse aimé
que tu fusses aimé
qu' il fût aimé
que nous fussions aimés
que vous fussiez aimés
qu' ils fussent aimés

passé — ماضی

que J'aie été aimé

plus- que parfait — ماضی بعید

que J'eusse été aimé

Mode infinitif

infinitif présent — مصدر حال

être aimé

infinitif passé — مصدر گذشته

avoir été aimé

Mode participe

participe présent — اسم فاعل

étant aimé

participe passé — اسم مفعول

ayant été aimé

فعل دوضمیره ـ فعل دو ضمیره فعلی است که در جلوی مصدر آن ضمیر se وجود داشته باشد .

مثال افعال (**به خود گفتن**) **se dire** (**خودراشستن**) **se laver** (**برخاستن**) **se lever**

این نوع افعال همیشه با دو ضمیر صرف می‌شوند : یکی ضمایر فاعلی je - tu - il - elle - nous - vous - ils - elles و دیگری ضمیر سوم شخص مفرد se که در اشخاص مختلف به صورت زیر است :

me te se nous vous se

تذکر ـ ضمایر مفعولی فوق همیشه بین ضمیر فاعلی و فعل واقع می‌شوند و در صورتی که فعل به صورت یکی از نامهای مرکب صرف شده باشد ضمایر فوق را قبل از فعل معین être قرار می‌دهند ؛ این که می گوییم قبل از فعل معین être به این جهت است که تمام افعال دوضمیره فقط به کمك فعل être صرف می‌شوند. به‌طریقهٔ صرف ماضی نقلی فعل se laver دقت کنید .

Je **me** suis lavé – e
nous **nous** sommes lavés – ées
tu **t'**es lavé – e
vous **vous** êtes lavés-eés

Mode imperatif

présent ou futur حال یا آینده

lave - toi
lavons - nous
lavez - vous

Mode subjonctif

زمان حال یا مستقبل

présent ou futur

que je me lave
que tu te laves
qu ' il se lave
que nous nous lavions
que vous vous laviez
qu' ils se lavent

imparfait ماضی استمراری

que Je me lavasse
que tu te lavasse
qu' il se lavât
que nous nous lavassions
que vous vous lavassiez
qu' ils se lavassent

passé ماضی

que Je me sois lavé
que tu te sois lavé
qu' il se soit lavé
que nous nous soyons lavés
que vous vous soyez lavés
qu ' ils se soient lavés

plus - que parfait ماضی بعید

que Je me fusse lavé
que tu te fusses lavé
qu'il se fût lavé
que nous nous fussions lavé
que vous vous fussiez lavé
qu' ils se fussent lavés

Mode infinitif

infintif prèsent
se laver
infinitif passé

s'étre lavé

Mode particie

participe présent

se lavant
participe passé

lavé - e

فعل بی‌شخص— فعل بی‌شخص فعلی است که فقط در سوم شخص مفرد صرف

Passé antérieur ماضی مقدم

je me fus lavé
tu te tus lavé
il se fut lavé
nous nous fûmes lavàes
vous vous fûtes lavés
ils se furent lavés

Plus - que - parfait ماضی بعید

je m'étais lavé
tu t'étais lavé
il s'était lavé
nous nous étions levés
vous vous étiez lavés
ils s'étaient lavés

futur simple مستقبل ساده

je me laverai
tu te laveras
il se lavera
nous nous laverons
vous vous laverez
ils se laveront

futur antérieur مستقبل مقدم

je me serai lavé
tu te seras lavé
il se sera lavé
nous nous serons lavés
vous vous serez lavés
ils se seront lavés

Mode conditionnel

presént زمان حال

je me laverais
tu te laverais
il se laverait
nous nous laverions
vous vous laveriez
ils se laveraient

premier passé ماضی اول

je me sarais lavé
tu te serais lavé
il se serait lavé
nous nous serions lavés
vous vous seriez lavés
ils se seraient lavés

Deuxiéme passé ماضی دوم

je me fusse lavé

il (elle) **s'**est laué - e
ils (elles) **se** sont lavés - eés

و اگر فعل به‌صورت منفی باشد، ضمیر مفعولی بین فعل ولفظ ne واقع خواهد شد . به‌زمان حال منفی فعل se laver دقت‌کنید .

je ne **me** lave pas
nous ne **nous** lavons pas
tu ne **te** laves pas
vous ne **vous** lavez pas
il ne **se** lave pas
ils ne **se** lavent pas

به صرف یك نمونه فعل دو ضمیره به‌طریقهٔ مثبت ومعمولی دقت‌کنید.

صورت تصریف فعل دوضمیره

se laver

Mode indicatif

présent زمان حال

je me lave
tu te laves
il se lave
nous nous lavons
vous vous lavez
ils se lavent

imparfait ماضی استمراری

je me lavais
tu te lavais
il se lavait
nous nous lavions
vous vous laviez
ils se lavaient

passé simple ماضی مطلق

je me lavai
tu te lavas
il se lava
nous nous lavâmes
vous vous lavâtes
ils se lavérent

passé composé ماضی نقلی

Jé me suis lavé
tu t'es lavé
ils s'est lavé
nous nous sommes lavés
vous vous êtes lavés
ils se sont lavés

می‌شود و برای بیان پدیده‌های طبیعت از قبیل برف و باران و رعد و گرمی و سردی هوا و امثال آن به‌کار می‌رود . فاعل فعل بی‌شخص همیشه ضمیر سوم شخص مفرد **il** است، مثال:

il fait beau	هوا خوب است
il vente	باد می‌وزد
il neige	برف می‌بارد
il pleut	باران می‌بارد
il tonne	رعد می‌غرد

گاهی افعال بی‌شخص را برای بیان امور دیگر غیر از موارد بالا استعمال می‌کنند در این صورت ضمیر **il** جانشین فاعل حقیقی بلافاصله بعد از فعل بی‌شخص می‌آید . مثال :

il y a (فاعل‌مجازی) des fleurs (فاعل حقیقی)
dans le jardin

il (فاعل‌مجازی) lui faut du courage (فاعل‌حقیقی)

مهمترین این افعال عبارتند از :

Exister	وجود داشتن
faire doux	هوا ملایم بودن
Arriver	اتفاق افتادن
faire beau	هوا خوب بودن
faire froid	هوا سرد بودن
geler	یخ بستن
importer	اهمیت داشتن
pleuvoir	باران باریدن
tonner	رعد غریدن
falloir	بایستی ــ لازم بودن
grêler	تگرگ باریدن
neiger	برف باریدن
sembler	بنظر رسیدن
venter	باد وزیدن
faire chaud	هوا گرم بودن

به تصریف یك فعل بی‌شخص دقت کنید:

Mode indicatif(présent)

présent : il neige برف می‌بارد

برف می‌بارید

Imparfait : il neigeait

برف بارید

Passé simple : il neigea

برف باریده است

Passé composé : il a neigé

برف باریده بود

Passé antérieur : il eut neigé

برف باریده بود

Plus - que parfait : il avait neigé

برف خواهد بارید

futur simple : il neigera

برف خواهد بارید

futur antérieur : il aura neigé

Mode conditinnel

Préssent : il neigerait

Passé : il aurait neigé

Mode subjonctif

Présent : qu' il neige

I mparfit qu' il neigeât

Passé : qu' il ait neigé

plus - que - parfait : qu' il eût neigé

Mode infinitif

infinitif présent : neiger

infinitif passé : avoir neigé

Mode participe

présent : neigeant

passé : ayant neigé

اشکال چهارگانهٔ فعل — هر فعل را به چهار صورت می‌توان بیان کرد :

۱ـ شکل مثبت forme affirmative که بروقوع کاری بـه طریقهٔ اثبات اشاره می‌کند مثال :

ترن ساعت ۸ وارد می‌شود .

le train arrive á huit heures

در این شکل فعل ، فاعل همیشه قبل از فعل است .

۲ـ شکل منفی forme négative

برای انکار یا نفی عمل به کار می‌رود.

je ne sais pas نمی‌دانم

برای منفی کردن فعل معمولا ne را قبل از فعل و pas را در آخر می‌آورند.

۳ ـ شکل استفهامی

forme interrogative négative

که برای بیان پرسش و سؤال به‌کار می‌رود.

آیا او مریض است؟

Est — ce qu' il est malade ?

برای ساختن فعل سؤال دو نوع عمل می‌کنند . یا est — ce que را که بـه معنی آیا است در اول می‌آورند و یا در عوض این کار فعل را بر فاعل مقدم می‌کنند.

۴ـ شکل استفهامی منفی

forme interrogative nègative

که برای بیان سؤال به‌صورت منفی به‌کار برده می‌شود . بـرای ساختن این شکل ابتدا فعل را به صورت منفی درآورده و سپس عبارت est-ce que را جلوی آن می‌گذارند .

آیا او کار نمی‌کند ؟

Est-ce qu'il netravaille pas?

و یا این‌که فعل را به صورت استفهامی درآورده آنگاه الفاظ ne و pas را بـه فعل اضافه می‌کنند

آیا او کار نمی‌کند ؟

Ne travaille - t - il pas ?

مورد استعمال زمانها

L'emplo des temps

۱ـ مورد استعمال زمان حال وجه اخباری — این زمان بیشتر در دو مورد زیر استعمال می‌شود .

اول — هر گاه بخواهند در همان موقعی که فعل انجام می‌گیرد از وقوع آن خبر دهند . مثل :

بچه‌ها آواز می‌خوانند

Les enfants chantent

ما راضی هستیم

Nous sommes contcnts

دوم ـ هرگاه بخواهند وقوع یك امر کلی را بیان کنند .

زمین به دور خورشید می‌چرخد

La terre tourne autour du soleil

علاوه بر این دو مورد گاهی این زمان برای بیان عملی به‌کار می‌رود که وقوع آن به زمان آینده خیلی نزدیك است

من الساعه برمی‌گردم

Je reviens tout de suie

۲ـ موارد استعمال ماضی استمراری

این زمان بیشتر در سه مورد زیر بکار می‌رود :

اول — برای بیان عملی کـه در گذشته به‌طور مداوم و مکرر انجام می‌شده

او باهوش بود .

Il était intelligent

Il avait l'habitude de fumer 20 cigarettes Par Jour

او عادت داشت روزی بیست سیگار بکشد.

دوم — در بیان فعلی کـه در زمان گذشته درحال انجام بوده و فعل دیگری مقارن و هم‌زمان با آن صورت گرفته است. مثال :

j'ecrivais mon devoir quand ma plume se brisa .

تکلیفم را می‌نوشتم که قلمم شکست.

سوم — گاهی این‌زمان بـرای تـوصیف

اشیاء ومناظر گذشته به کارمی‌رود
(temps descriptif)

Le soleil déclinait , la compagne etit silencieuse et morne, une bise glaciale soufflait

خورشید درافق‌فرومی‌رفت صحرا خاموش وحزن‌انگیز بود، نسیمی یخزده‌می‌وزید.

۳ـ موارد استعمال ماضی مطلق‌ـ

این زمان بـرای بیان عملی در گذشتهٔ نسبتاً دور بکارمی‌رودکـه وقوعش دوام واستمراری نیزنداشته است ، (در این مورد اغلب زمان وقوع فعل معین است)

Saadi mourut en 691 de-l'hégire .

سعدی در سال ۶۹۱ هجری بدرودحیات گفت .

۴ـ موارد استعمال ماضی نقلی‌ـ

این زمان را بـرای بیان عملی کـه در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه دارد به‌کار می‌برند

J'ai toujours aimé ma— patrie (et je l'aime encore)

این زمان بیشتر برای بیان گذشته‌هایی به‌کارمی‌رودکه تاریخ‌شروع آنهادر گذشتهٔ شخص می‌باشد .

پولش را دزدیده‌اند .

On a volé son argent

تبصره ـ فرانسویان این زمان را بیشتر بـه جای زمان ماضی مطلق به‌کار می‌برند . مثلاً جملهٔ آیا دیشب به سینما رفتید ، را که فعل‌آن ماضی مطلق است این‌طور بیان می‌کنند .

Êtes — vous allé au einéma hier soir ?

ملاحظه می‌شودکه زمان فعل‌جمله، ماضی نقلی است .

۵ـموارد استعمال ماضی مقدم ـ

هرگاه دوفعل‌درگذشته به‌صورت دوواقعه یکی بلافاصله پس‌از دیگری انجام شده باشد وبخواهند ازوقوع آن دو، به‌وسیلهٔ جمله‌ای خبر دهند آن راکه وقوعش‌مقدم است به‌صورت **Passé antérieur** ودیگری را به‌صورت ماضی مطلق بیان می‌کنند. مثال :

Dés que nous eûmes mis le pied dehors la Pluis commenca

به‌محض اینکه قدم بیرون گذاشتیم‌باران شروع شد .

تبصره ـ چون درزبان‌فارسی‌معادل ماضی مقدم نیست آن را فقط به صورت ماضی مطلق ترجمه می‌کنند .

۶ ـ موارد استعمال ماضی بعید

plus - que - parfait

اگردوعمل‌درگذشته بافاصلهٔ زمانی کم وبیش وقوع یافته باشدآن راکـه از زمان‌حال دورتراست به‌صورت‌ماضی‌بعید وفعل دیگررا به‌صورت‌ماضی استمراری ویا ماضی مطلق بیان می‌کنند . مثال :

من اورا تنبیه‌کردم چون دروغ گفته بود

je l'ai puni car il avait menti

Dans l'antiquite les vainqueurs avaient l'habitude devendre comme esclaves les prisonniers qu'ils avaient faist dans les combats

درقدیم فاتحین عادت داشتندکه اسیران جنگ را (اسیرانی‌که درجنگ گـرفته بودند) چون برده وغلام بفروشند .

۷ ـ موارد استعمال مستقبل ساده

futur simple

موارد استعمال این‌زمان درفرانسه عیناًمانندفارسی‌است جزاین‌که درفرانسه گاهی این زمان راجهت احترام به‌جای وجه امری به‌کارمی‌برند. مثلاً یك‌طبیب به‌جای‌آنکه به مریض بگوید(این‌دواها رابخورید ویك‌هفتهٔ دیگر مجدداً بیایید مرا ببینید). می‌گوید :

vous prendrez ces médicaments et vous reviendrez me voir dans une semaine .

۸ ـ موارد استعمال مستقبل مقدم

futur antérieur

هرگاه دو عمل درآینده بخواهـد اتفاق بیفتد آن‌راکه وقوعش اززمان حال‌دور تراست به‌صورت مستقبل‌مقدم وفعل‌دیگر را به صورت آیندهٔ ساده بیان می‌کنند. مثال :

Je partirai pour spahan quand J'aurai reçu la lettre do mon pére .

تبصره ـ دوفعل آینده‌که درجمله وجود داشته باشد به‌کمك یکی‌ازکلمات

aussitôt que , dés que , lorsque quand

به‌هم‌مربوط می‌شوند.

دوم ـ مواردا‌ستعمال وجه‌شرطی

Mode conditionnel

وجه‌شرطی‌عموماً یك‌عمل‌غیرمحقق‌رامی‌ـ رساند واغلب برای‌بیان‌فعلی به‌کار می‌رود که انجام‌آن‌درزمان‌گذشته یاحال موکول به یك شرط باشد. مثال :

Si vous veniez hier.je serais content

اگردیروز می‌آمدید خوشحال می‌شدم .

Si vous veniez maintenant je serais contens

اگر حالا می‌آمدید خوشحال می‌شدم .

جملات شرطی معمولاً از دو قسمت تشکیل می‌شودیکی‌جملهٔ شرطی ودیگری جزای شرط،مثلاً درجملهٔ بالا

si vous veniez

جملهٔ شرطی است و

je serais content

جملهٔ جزایی‌است . همان‌طورکه ملاحظه می‌شوداگرجملات شرطی به‌صورت ماضی استمراری باشد جملات جزایی به‌صورت

présent du conditionnel

است .

مثال دیگر :

Si j'avais assez d' argent j'acheterais ce livre

اگرپول به‌قدرکافی می‌داشتم این‌کتاب‌را می‌خریدم .

حال اگر فعل‌جملهٔ شرطی به‌صورت ماضی بعیدباشد فعل‌جملهٔ جزاء به‌صورت ماضی‌اول‌شرطی است واگرفعل‌جملهٔ‌شرط به‌صورت زمان حال وجه اخباری بـاشد فعلاً جملهٔ‌جزاء به‌صورت زمان حال یـا مستقبل است. به دومثال زیر دقت کنید:

Si j'avais eu assez d'argent j'aurais acheté — ce livre

اگرپول‌کافی‌داشته‌بودم‌این‌کتاب‌راخریده بودم .

Si j'ai assez d'argént j'achéte (ou) j'achetrai ce lvre

اگرپول داشته باشم این‌کتاب رامی‌خرم (خواهم خرید)

علاوه برمواردفوق گاهی وجه امر شرطی‌رااز‌نظرادب‌واحترام‌به‌جای‌زمان‌حال وجه اخباری به‌کار می‌برند وخصوصاً در چهار فعل

devoirs, vouloir, pouvoir , faire

که به‌صورت استفهامی بیان شده باشد .
می‌خواهید بامن بیایید ؟
voudriez – vous venir avec moi ?
pourriez – vovs me rendre ce service ?
ممکن است این خدمت رادر حق من بکنید .
و بالاخره علاوه براینها گاهی وجه شرطی درجمله‌های اثباتی برای بیان فعلی به‌کارمی‌رود که حقیقت‌وقوع آن بر گوینده معلوم نباشد . مثال :
مثل این‌است که‌می‌ترسم.
On dirait qu'il a peur .

موارد استعمال‌ماضی دوم شرطی

deuxéme passé du – conditionnel

درگفتگوهای عادی مورد استعمال ندارد و درانشاءهای عالی وادبی در دو مورد زیر به‌کار می‌رود :
۱ ـ دربیان یك‌عمل‌اتفاقی‌و نامطمئنی، مانند:
Si quelqu'un m'eût pu voir en ce moment , il eût été épouvanté
اگر کسی تصادفاً مرادرآن موقع می‌دید وحشت می‌کرد .
۲ ـ بعداز لفظ **si** به‌جای ماضی بعید . مانند :
Hé Dieu! Si j'eusse étudié (=si j'avais étudté)au temps de ma jeunesse folle
خداوندا . اگر در ایام پرشور جوانی تحصیل‌کرده بودم ...

سوم ـ وجه امری

Mode Impératif

وجه امری در موارد زیر به‌کار می‌رود :
اول‌دربیان امریا نصیحت یاخواهش وآرزو ومانند آن،مثال :
N.entrez pas داخل نشوید(امر)
منصف و عادل باشید (نصیحت)
Soyez justes
به‌من کمك کنید (خواهش)
Aidez – moi
کامروا باشید (آرزو)
Soyez heureux
دوم ـ به‌جای فعل‌شرط بدون ذکر لفظ **si** مثال :
En voyez-lui la lettre, il vous répondra
نامه را برای او بفرستید به شما جواب خواهد داد .
تبصره ـ وقتی‌بخواهند به فعل‌امر جنبهٔ ادب‌واحترام‌بدهند القاب وعباراتی نظیر
veuillez, Ayez la bonté de. s'ilvous plait
به فعل اضافه می‌کنند (دراین حال‌غالباً فعل امر به‌صورت مصدراست) مثال:
لطفاً به من بگویید.
veuillez me dire
بفرمایید بنشینید
Asseyez- vous , s'il vous plait
Ayez la bonté de m'envoyer ce livre
محبت فرموده ، این‌کتاب را برای‌من بفرستید :

چهارم ـ وجه التزامی

Mode Subjondif

این وجه برخلاف وجه اخباری از وقوع فعلی به‌طور قطع‌خبرنمی‌دهد . بلکه فقط امکان وقوع فعل را به‌طریق شك وتردید والزام واحتمال وآرزو و امثال آنها بیان می‌دارد . مثال :
شك دارم‌که فردا هوا خوب شود .
je doute qu'il fasse beau demain
لازم است که قبل‌ازظهر حرکت‌کنم .
Il faut que je parte avant midi
احتمال دارد که مریض باشد .
Il est possible qu'il soit malde
بطور کلی‌وجه‌التزامی بعدازعبارات زیرکه معنی آنها متضمن شك وتردید واحتمال وآرزو وامثال آنهاست به‌کار می‌رود .
۱ ـ بعداز افعالی‌که میل واراده را می‌رسانند :
je désire que میل دارم‌که
je veux que می‌خواهم‌که
je permets que اجازه می‌دهم‌که
je contens que رضایت می‌دهم‌که
j'ordenne que دستور می‌دهم‌که
j'autorise que مجاز می‌دانم‌که
دستور می‌دهم که
je commande que
j'exige que تقاضا می‌کنم‌که
je prie que تمنی‌دارم‌که
۲ ـ چند فعلی‌که آرزو واحساسات را بیان کنند،مثال :
آرزو می‌کنم که
je souhaite que...
je suis content que خشنودم که
خوشوقتم که
Je suis heureux que
je suis charmé que محظوظم‌که
عصبانی هستم که
je suis fôché que
je suis désolé اندوهگینم‌که
je suis surqris que متعجبم‌که
je m'ètonne que متحیرم که
je regrette que متأسفم که
je craint que بیم‌دارم‌که
j'ai peur que می‌ترسم که
وامثال آنها
۳ ـ گاهی وجه التزامی خود به‌تنهایی (بدون‌آن‌که تابع جمله یاعبارت ماقبل‌خودباشد) برای‌بیان‌میل‌وآرزو به‌کار برده می‌شود ودراین صورت اغلب لفظ **que** از جلو فعل صرف می‌گردد .
پاینده ایران
vive l'Iran (= je souhaite que l'Iran vive)
کاش بیاید
Qu'il vienne (= je désire pu'il vienne)
puisse – t - il réussir (= je sauhatie qu' elle reussisse)
امیدوارم‌که موفق شود
۱ ـ وجه التزامی گاهی به جای امرنیز استعمال می‌شود . مثال:
به‌اوبگویید‌که‌خارج‌نشود
Dites – lui qu' il sorte
بسیار خوب داخل شود
Eh bien, qu' il entre
تبصره ـ بعد از عبارات
A moins queو **je crains que**و **J'ai peur que**
باید در جلو فعل التزامی یك لفظ **ne** اضافه کرد البته این **ne** علامت منفی نیست واگر بخواهند دراین مورد فعل التزامی رابه صورت منفی اداکنند باید الفاظ **ne**و**pas** هردورا به فعل اضافه

کنند . مثال :

می‌ترسم که خلافی ازاو سربزند .

j'ai peur qu'il ne fasse une bétisé

می‌ترسد که بچه‌اش بمیرد

Elle craint que son enfant ne meure

موارد استعمال ماضی استمراری و ماضی گذشتهٔ التزامی

Imparfait du subjonctif

passé du subjonctif

همان طورکه در مبحث گذشته گفته شد، چنانچه معنی فعل‌جملهٔ ناقص‌متضمن شك، تردید،الزام ، آرزو واحتمال‌باشد فعل جملهٔ مکمل به‌صورت التزامی بیان می‌شود . حال اگر فعل جملهٔ ناقص بـه صورت زمان‌حال‌یامستقبل باشد فعل‌جملهٔ مکمل به صورت :

Présent du subjonctif

است، مثال :

لازم‌است بروم

Il faut que j'aille

اگرفعل جملهٔ‌ناقص به‌صورت ماضی استمراری ویاحال شرطی باشد فعل‌جملهٔ مکمل به صورت :

Imparfait du subjonctif

است .

لازم بود که برویم .

il faut que j'ailla

لازم بود که بروم

Il faudrait que j'allasse

اگرفعل جملهٔ ناقص به‌صورت ماضی‌نقلی باشد فعل‌جملهٔ مکمل به‌صورت :

passé du subjonctif

است، مثال:

Il a réussi sans qu'il ait beaucoup travillé

او موفق شده است بدون آن‌که زیادکار کرده باشد .

پنجم ـ وجه مصدری
Mode infintif

این وجه درفرانسه دوصورت دارد :

۱ ـ مصدر حال **infinitif présent** که عبارت‌است‌ازصورت‌سادهٔ‌مصدر،مانند:

dire – entrer

۲ـ مصدر گذشته یا

infinitif passé

که‌تشکیل‌می‌شود‌ازمصدرفعل‌معینی‌به‌اضافهٔ اسم مفعول فعل مورد نظرمانند:

avoir dit و **étre entré**

مورد استعمال مصدرحال ومصدرگذشته‌ـ این‌وجه را درصورتی به‌کار می‌بریم کـه فعل جمله بعد ازحروف اضافه **après** و **sans** و **pour** و **par** و **de** و **à** قرار بگیرد ویابعد از یك فعل‌دیگر بیاید .

سعی‌کنید برای‌همنوعان خودمفیدباشید.

Cherchez à être utiles à vos semblables

به‌او بگویید فردا بیاید .

Dites - lui de venir demain

می‌خواهم هواخوری‌کنم

je vais prendre l'air

مصادر فوق اغلب زمان وقـوعشان همزمان بافعل دیگرجمله بوده است‌حال چنانچه زمان‌وقوع مصدرمقدم‌برزمان‌فعل دیگرجمله باشد مصدر گـذشته استعمال می‌شود

اعتراف می‌کندکه دروغ گفته است.

Il avoue d'avoir menti

تاکارش را تمام نکند بیرون نخواهـد رفت .

Il ne sortira pas sans avoir fini son travail

ششم ـ وجه وصفی
Mode participe

هما نطورکه‌گفتیم‌این‌وجه‌برای‌بیان‌کیفیت فاعل یامفعول به‌کاربرده می‌شود وآن‌نیز دوصیغه داردا‌سم‌فاعل واسم مفعول.

اسم فاعل **participe présent**

اسم فاعل یابا **en** به‌کارمی‌رود ویابدون آن. درصورتی‌که بـا **en** استعمال شود به‌آن **gérondif** می‌گویند این نوع اسم فاعل‌گاهی حالت فاعل وزمانی‌وسیلهٔ انجام فعل و وقتی زمان وقـوع فعل را بیان می‌کند .

دوان دوان‌آمده است (حالت فاعل)

Il est venu en courant

باخواندن انسان‌دانا می‌شود(وسیلهٔ‌انجام فعل)

En lisant on s'instruit

اورا درموقع خروج ازمنزل دیدم(زمان وقوع فعل)

je la vis en sortant de la maison

اسم فاعل بدون **en** درسه مورد به کار می‌رود :

۱ـ به‌جای صفت مانند(آب‌جاری)

Eau courante

داستانهای مفرح وسرگرم‌کننده

Des histoires amusantes

این نوع اسم‌فاعل به‌نام صفت‌فاعلی خوانده می‌شود واز حیث نوع وعدد بـا موصوف خود مطابقت می‌کند .

۲ ـ به‌جای فعل ـ در این صورت اسم فاعل رابه‌جای فعل‌به‌کارمی‌بـرند و دیگربااسم‌مربوط به‌خود مطابقت‌نمی‌کند یعنی تغییر ناپذیر است، مثال:

دختری‌که تحصیل را دوست دارد .

Una fille aimant (= qui aime) l'étude

دخترانی‌که تحصیل را دوست دارند .

Des filles aimant (= qui aiment) l'étude

۳ ـ به‌جای یك‌فعل‌ویك قیدعلت‌ـ مثلا به‌جای این‌که بگویید :

Comme je suis trés fatigué, je prends un peu de repos

چون خیلی خسته هستم قدری استراحت می‌کنم .

می‌گویید:

Etant très fatigué ، je pr–ends un peu de repos

اسم مفعول ـ اسم‌مفعـول در فرانسه دو صورت دارد : یکـی اسم مفعول ساده، **vu, monté, fini** ودیگر اسم‌مفعول مرکب مانند :

étant monté و **ayanf fini** و **ayant vu**

اسم مفعول ساده در سه مورد زیـر به‌کار می‌رود :

۱ ـ برای ساختن زمانهای مرکب افعال ،مانند ماضی نقلی وبعید وغیره .

۲ ـ به‌جای صفت ـ دراین صورت صفت مفعولی‌خوانده‌می‌شودو‌دراین‌صورت بااسم مربوط به خود ازحیث نوع و عدد مطابقت می‌کند .

La porte ouverte (= qui est ouuerte ; qui était ouvert)

۳ـ اسم مفعول ساده‌گاهی بـه‌جای یك قید زمان **quand** ویك فعل به‌کار برده می‌شود،مثلاً به‌جای‌این‌که‌بگویید:

Quand les vacances sont finies , les élèves rentrent àl'école .

می‌گویید :

Les vacanes finies , les élèves rentrent à l'école .

اسم‌مفعول‌مرکب- اسم مفعول‌مرکب عملی‌را بیان‌می‌کند که‌مقدم برعمل‌دیگری انجام یافته باشد وآن نیزبه‌جای یك‌قید علت ویك فعل به‌کار می‌رود .

Ayant fini son travail il - sortit

چون کارش را تمام کرده است خارج شد .

۶– قید L'Adverbe

قید کلمه‌ای است تغییر ناپذیر که معنی‌یك فعل‌یا‌یك‌صفت ویا‌یك قیددیگر را تکمیل می‌کند . مثال :

ساعات‌به‌سرعت می‌گذرند .

les heures passent **rapidement**

سنجاب حیوان بسیار چالاکی است .

l' ecureuil est un animal **trés** vif

خوبان خیلی زود می‌میرند .

les bons meurent **trop** tôt

درجملات بالا rapidement معنی فعل passent و trés معنی صفت vif و trop معنی‌قید tôt راتکمیل‌می‌کنند.

مهمترین قیود عبارتند از :

قیود مکان **le lieu**

Ailleurs – ici – là – dedans dehors – dessus – dessous derrière-devant – loin – de çà – delà – partout–où – y

قیود زمان **le temps**

Aujourd ' hui – demain – maintenant – desormais – encore déja – enfin – quand tôt – fard

قیود مقداری **la quantité**

Assz – trop-beauccoup–peu plus – moins d'avantage – combien – tant– tellement si – très – que

قیود چگونگی **La maniére**

bien – mal-mieux – vite fort – oui – non – plutôt – certes – ne – comment – certainement – assurement doucement – sagement

علاوه برقیود بالا مجموعه‌های قیدی locution adverbiale دیگری نیز وجود دارد که از هر جهت رل‌قیدها را دارند . ازآن جمله هستند :

après midi – sur le champ tout de suite – tout à fait – ne pas – tout á coup – sans doute.

۷– حرف اضافه

La préposition

حرف اضافه کلمه‌ای است تغییر ناپذیر که برای اتصال دوکلمه درحالی که رابطهٔ بین آن دو کلمه را مشخص می‌کند به‌کار می‌رود. مثال:

من ازپاریس می‌آیم

je viens à paris.

ازمثال فوق حرف اضافه à فعل viens را به‌اسم paris متصل کرده‌است‌مهمترین حروف اضافه به‌قرار زیرند :

à – après – avant avec – chez – contre – dans de – depuis – derrière– dès devant – durant – en – entre envers – excepté – hormis hors – malgré - Moyennant nonobstant – outre–par – parmi – pendant – pour – sans – sauf - selon – sous – suivant – sur – vers – voici voilà

مجموعه‌های حرف اضافه‌ای : locution prépositive مهم به‌قرار زیر است :

à cause de,au delà de – au dessus de – au dessous de jusqu'à–vis á vis – quant à

۸ – حرف ربط

La conjonction

حرف ربط کلمه‌ای‌است تغییر ناپذیر که‌برای‌اتصال درکلمه‌یادوقسمت ازجمله به‌کار می‌رود. مثال:

Le printemps **et** l'automne sont agréables .

بهار وپاییز مطبوع هستند .

On ne croit plus un enfant **quand** il a menti

وقتی‌بچه‌ای‌دروغ‌گفت دیگر به‌او‌اطمینان نمی‌کنند.

درجملهٔ اول حرف ربط et کلمات printemps و automne را به‌هم متصل ساخته ودرجملهٔ دوم حرف ربط quand دو قسمت جمله رابه‌هم متصل کرده‌است‌مهمترین‌حروف‌ربط‌عبارتنداز:

car – cependant – comme – donc – et – lorsque – mais neanmoins – ni – ou – or – pour–quoi - puisque– quand– que– si– toute-fois

مجموعه‌های حرف ربطی locution conjonctive مهم عبارتند از :

afin que–ainsi que– avant que – parce que – dès que tandis que .

۹ – حروف ندا

l'interjection

حرف‌ربط کلمه‌ای‌است تغییرناپذیر که برای بیان تمجید ، شادی ، درد ، تعجب‌استفاده می‌شود، مهمترین حروف ندا عبارتند از :

Aü – Bah – Bravo – chut – clic – elac – crac – cric– eh–fi– gare– ha –hélas hein – ho – holà– hop - hum matus– ooh – ouf– parbleu paf – pif – pouf – pouaf – pst.

بعضی ازکلمات می‌توانند کارحرف ندا را انجام دهند . ازاین قبیل‌است :

Alerte – bon – ciel – peste halte – pain – silence – courage .

مجموعه‌های حرف ندایی : locution lnterjective های مهم عبارتند از :

Fidonc – Ahbah – hé qnoi oui - da– eh bien– qui vive

بااستفاده‌ازمقدمهٔ زبان‌فرانسه دوره‌های‌کنکور

چند کتاب مربوط به دستور زبان

آلمانی

دستور زبان آموزی و انشاء و نامه نگاری و مکالمه .

انشاء و نامه نگاری آلمانی به فارسی : محمد **عباسی**.

خودآموز آلمانی : محمد **عباسی**.

خودآموز آلمانی به فارسی : داود **فرهمندی** .

خودآموز جامع محیط آلمانی به فارسی: محسن **معالی پور**.

خود آموز جدید آلمانی بدون معلم : با مقدمهٔ عیسی سپهبدی. نصرالله **حریریان**.

خودآموز گرامر آلمانی: پرتو علوی.

راهنمای زبان آموز آلمانی : نصرالله **حریریان** .

زبان آلمانی: امیر کبیر؛ اسدالله **مصطفوی**.

گرامر آلمانی به فارسی بدون معلم امیر کبیر ؛ عزیزالله **نبوی**.

گرامر آلمانی تمرینات : نصـــرالله **خواجه نوری** .

گرامر زبان آلمانی : (ابتدایی ـ عالی) نصرالله **حریریان** .

متد جدید آلمانی وارسته : منوچهـــر **وارسته** .

محاورات روزمرهٔ آلمانی فارسی : غلامعلی **تربیت** .

مکالمات روزمرهٔ آلمانی با تلفظ : امیر کبیر ؛ نصـــرالله **حریریان** (و) عزیزالله **نبوی** .

مکالمات روزمرهٔ آلمانی به فارسی : نصرالله **حریریان** .

مکالمات روزمرهٔ جیبی آلمانی به فارسی: محمد **عباسی** .

مکالمات روزمرهٔ محیط. آلمانی به فارسی با انضمام دستور زبان آلمانی : محسن **معالی پور** .

زبان اردو

راهنمای زبان اردو : (جـــلد اول) ، دانشگاه تهران : حیدر **شهریار نقوی**.

دستور زبان انگلیسی

«این دستور مختصر از کتاب انگلیسی برای دوره‌های کنکور آقای **محمود محقق** استفاده شده است.»

Articles

الف ـ حروف تعریف: وقتی سخن از حرف تعریف به میان می آید منظور طرز استفاده و به کار بردن **the -an - a** می باشد.

(a) حرف تعریف نامعین : {Indefinie Article} برابر با همان **(ی)** نکره و وحدت زبان فارسی است و دال بـــر بیان کلمه‌ای است که از نظـــر شنونده و گوینده مشخص و معین نمی باشد مانند :

A man came شخصی آمد

عکس روی دیوار است

There is a picture on the wall

(an) مشابه **(a)** به کار می رود با این تفاوت که **(an)** پیش از کلماتـــی می آید که با یکی از حروف صدادار : **(u-o-i-e-a)** شروع شده باشد، مانند:

an	apple	سیبی
	egg	تخم مرغی
	orange	پرتقالی
	ink-pot	مرکبدانی
	umbrella	چتری

(the) در مورد معرفه کردن ، کلماتی به کار می رود که برای شنونـــده یا گوینده به علت تکرار مشخص شده اند، مانند :

کتابی خریدم

I bought a book

(آن) کتاب در بـــارهٔ ادبیات انگلیسی است .

The book is about English literature

(the) را جلوی کلماتی که بطور کامل بیان شده اند به کار نمی بریم، مانند:

Man is mortal انسان فانی است

Coffee is good قهوه خوب است

ولی اگر بطور اخص به کار رفته باشند باید از **(the)** استفاده کنیم :

(آن) مرد کتابی به من داد

The man gave me a book

قهوه‌ای را که اینك می نوشم چندان خوب نیست .

The coffee I am drinking now isn't so good

(the) درجلوی اسامی خاص بـــه کار نمی رود ، مانند :

Iran, Ali, London .

به استثنای:

The United States of America

The Soviet Union

(the) همراه القاب و عناوین توأم بـــا اسامی به کار نمی رود ، مانند :

Mr . Brown , Mrs . Cook , Miss Mina, Doctor Amir, President Clark, General Green .

ولی اگر القاب به تنهایی به کار روند و شخص مورد نظر را تداعی نمایند با حرف تعریف **(the)** همراه می شوند، مانند:

Doctor Amir is here .
The doctor likes a drink.
General green likes horse-racing .
The general is resting now in his room .

(the) درجلوی کلماتی کـــه با صفات ملکی همراه باشند به کار نمی رود، مانند:

My father , his teacher , our classroom .

(the) وقتی بـــا اسم فامیل همراه شود آن اسم به شکل جمع به کار می رود ودر این صورت مفهوم خانـــوادهٔ شخص مورد نظر را می رساند ، مانند :

The Browns The Smiths .

جمع بستن

الف ـ جمع بستن درزبان انگلیسی با افزودن **(s)** بـــه آخر کلمات درست می شود، مانند :

a boy-boys, a table - tables, a river - rivers , a condition - conditions .

ب ـ ولی اگر کلمهٔ مورد نظر برای جمع بستن به حروف :

x - s - o - ss - sh - ch ختم شود با افزودن **(es)** تبدیل بـــه جمع می گردد ، مانند :

branches' brushes' classes boxes' buses' potatoes

استثناء photos

ج ـ اگر کلمه‌ای به **(y)** ختم شود ولی پیش از **(y)** حرف بی صدا باشد در موقع جمع بستن **(y)** به **(i)** بدل گشته وسپس **es** به آن می افزاییم ، مانند :

a baby - babies, a university- universities,an army-

armies

د - کلماتی که به **f** یا **fe** ختم‌شوند درموقع جمع این‌حروف (**v**) بدل‌گشته وسپس (**es**) اضافه می‌شود مانند :

knife knives half halves
wolf wolves life lives

استثناء :

Steifes' hoofs' roofs, chiefs

هـ - جمع بی‌قاعده - تعدادی‌کلمات هستند‌که شکل‌جمع مخصوص دارند از جمله :

man men
foot feet
mouse mice
sheep sheep
ox oxen
child children

some - any

☆ **some** - به معنی تعدادی و یامقداری‌باکلمات قابل شمارش وغیر قابل شمارش هردو به‌کار می‌آید،مانند :

some bread some friends

کلمهٔ فوق‌درجملات‌مثبت و(**any**) درجملات منفی و سؤالی به‌کار می‌آید . مثال :

I want some bread .
I don't want any bread .
Do you want any bread?

much - many

* **much** - پیش ازکلماتی می‌آید‌که قابل‌شمارش نیستندومبین مقدار می‌باشد.

How much money do you need ?

* **many** - پیش‌ازکلمات‌قابل‌شمارش به‌کارمی‌رودوکلمه‌ای‌که به‌دنبالش‌می‌آید باید حالت جمع راداشته باشد، مانند :

I have many books

* **a lot of** - lots of به جای : much many هردو به‌کار می‌آید:

I have a lot of friends .
He doesn' t get lots of money .

* **a great deal of** - مانندکلمهٔ much مورد استعمال دارد ، مانند :

He is learning a great deal of English .

جملات پرسشی

این جملات بردو نوع می‌باشند :

الف - جملاتی‌که جواب‌بله یاخیر (Yes or No) می‌گیرند . این دسته جملاتی هستند‌که با افعال کمکی سؤال شده‌اند ، مانند :

Do you play tennis ?
Does he read Daily News?
Did The teacher ask you ?
Have you ever written a story ?
Has she read your letter ?
Häd he told you my name?
Was it raining ?

وماند اینها .

(**ب**) جملاتی‌که بـا کلمات پرسشی سؤالی (Interrogative Words) شده باشند‌که در این صورت جواب (بله یـا خیر) نمی‌گیرند . این کلمات - عبارتند از :

what برای پرسش نام‌شییء - شغل- وانجام کاری
where برای پرسش مکان شییء ومحـل انجام کاری
when برای پرسش زمان انجام‌کاری
which+**اسم** برای انتخاب
whose +**اسم** برای تملك وتعلق
*who برای پرسش فاعل و کنندهٔ کار (شخص)
whom برای پرسش شخص مفعول
why برای پرسش علت و دلیل
how برای پرسش چگونگی و کیفیت چیزی یا حالت‌کاری‌که انجام می‌شود .
How many + **اسم** + **s** برای پـرسش تـعداد
How much +**اسم** برای‌پرسش‌مقدار
How old برای پـرسش سن و قدمت
How far و How near برای پرسش دوری یا نزدیکی

و مانند اینها

* **یادآوری** - جملات به دنبال‌این کلمات بایدحالت‌سؤالی‌داشته باشندمگر این‌که‌کلمهٔ‌پرسشی‌جای‌فاعل یا نایب‌فاعل قرارگرفته باشد .

مثال :

Ali comes .
who comes ?
this is ours.
which is ours ?

ضمایر موصولی

Relative pronouns

این ضمایر دوقسمت یك جمله‌را به هم مربوط می‌سازند .
این ضمایر عبارتند از:

a) who - whoever-whose-whom.
b) that
c) which - whichever .
d) what - what - ever .

(a)این‌دسته‌مرجع ضمیرشان‌شخص است یعنی به‌غیر شیی برمی‌گردند،مثال:

the boy **who** did this, is my brother .
The man , **whoever** he may be , is rude .
He is a man **whose** name is well known.
She is a queen **whom** we all admire .

(b) **that** برای هر دو موارد شخص‌و اشیاءبه‌کار می‌رود .

This is the man **that** built the house .
This is the house **that** was burnt .

به دنبال **that** بـه‌عنوان ضمیـر موصولی حروف اضافه نمی‌آید و اگـر ناگزیر از به‌کار بردن حرف اضافه‌باشیم آنرا درآخر می‌آوریم ، مانند :

It is a thing **that** we have all heard **of** .

(c) و (d) هردو دربارهٔ اشیاء بـه کار می‌روند .

This is a subject **which** needs careful study .
Money is **what** they want.
You may choose **whichever** you like best.
You mustn't believe **whatever** he says .

یادآوری مهم : جملاتی داریم که one. . . that یا one . . . who درآنها به‌کار رفته است نوع فعل که بعد

از who یا that می‌آید باید با مرجع ضمیر مطابقت داشته باشد مثال :

He is **one** of the boys **who were** kept in .

This is **one** of the most **Seriovs objections that have** been raised against the proposal .

از مثالهای بالا ملاحظه می‌شود که مرجع ضمیر who کلمهٔ **boys** ومرجع ضمیر that کلمهٔ **objections** می‌باشد که were و have متناسب با آنها به‌کار رفته‌اند .

too - enough

too ــ به معنی خیلی و به مفهوم منفی به‌کار می‌رود، مثال:

هوای بیرون آنقدر گرم است که نمی‌توان کار کرد .

It is too hot **to work** outside.

برادرم کوچکتر از آن است که بتواند به مدرسه برود (برادرم به مدرسه نمی‌رود چون سنش خیلی کم است)

My brother is too young to go to school .

یادآوری ــ very به معنی (خیلی) است وهیچگاه به تنهایی به‌کار نمی‌رود و همیشه به دنبالش صفت یا قیدی می‌آید . مثال :

برادرم که دانشگاه می‌رود خیلی جوان (کم سال) است .

My brother who goes to the university is **very** young.

هوای بیرون خیلی گرم است و من سعی دارم کارم را در اسرع وقت تمام کنم .

It is very hot outside and I am doing my best to finish my work as soon as possible .

*به خاطر می‌سپاریم که (very) به معنی خیلی مفهوم مثبت دارد .

enough ــ بسنده و کافی بودن را می‌رساند ، مثال:

چای من به اندازهٔ کافی سرد شده که قابل نوشیدن باشد .

My tea is cold enough to drink .

سن تو اینک آنقدر هست که این گونه مطالب را درک کنی .

You are old enough to understand these things now.

یادآوری ــ فعل بعد از (...+too) و (enough + ...) به‌صورت مصدر با علامت (to) به‌کار برده می‌شود، مانند:

too hot **to work**.

cold enough **to drink**

Tenses زمانها

برای بررسی سریع ودرعین حال دقیق و جلوگیری از اتلاف وقت دانش پژوهان محترم به جای توضیح هرزمان ومواردآن ، فعلی را در اشکال و حالات مختلف در چهار جدول برای شما آورده‌ایم.

(Affirmative Form شکل مثبت)

	Simple	Continuous	perfect	perfect – Continuous
Present	I work He works	I am working	I have worked He has worked	I have been working He has been working
Past	I worked He worked	I was working	I had worked He had worked	I had been working
Future	I shall (will) work	I shall be working	I shall (will) have worked	I shall (will) have been working

(Interrogative Form شکل سؤالی)

	Simple	Continuous	Perfect	Perf. Cont.
Present	Do I work? Does he work ?	Am I working?	Have I worked ?	Have I been working ?
Past	Did I work? Did he work?	Was I working?	Had I worked ?	Had I been working ?
Futuer	Shall or will I work?	Shall or will I be working ?	Shall or (will) I have worked?	Shall (or will) I have been working?

(Negative Form (شکل منفی)**)**

	Simple	Continuous	Perfect	Perf . Cont
Present	I don't work He doesn't work	I am not working	I haven't worked	I haven,t been working
Past	I didn't } He didn't } work	I wasn't working	I hadn't worked	I hadn't been working
Future	I shan't (or won,t) work .	I shan't (or won't) be working	I shan't (or won,t) have worked	I shan't (or won't) have been working

(Negative Interrogative Form (شکل سؤالی منفی)**)**

	Simple	Continuous	Perfect	Perf . Cont
Present	Don't I } Does't he } work ?	Am I not working or * Ain,t I working?	Haven't I worked ?	Haven't I been working ?
Past	Didn't I , he work ?	Wasn't I working?	Hadn't I worked ?	Hadn't I been working ?
Future	Shan,t (or won't) I work ?	Shen't (or won't) I be working ?	Shan't (or won't) I have worked	Shan't (or won't) I have been working ?

* ain,t I را در موردی به‌کار می‌بریم که به‌خواهیم از not و am شکل ادغام شده‌ای به دست دهیم این کلمهٔ ain,t در واقع کلمه‌ای است تحریف شده از are not که در مورد سؤال‌کردن I am ont به‌کار می‌آید .

قیود تکرار یاگاهگاهی
Adverbs of Frequency

این قیود عبارتند از

always, usually , often , sometimes , never , rarely seldom . ever

محل این قیود پس از افعال‌کمکی وپیش از افعال اصلی در جملات‌می‌باشند

مثال :

Do you **ever** see him ?

No , I **never** (don't ever) see him.

Yes , I **often** see him .

Is he **always** here on Saturday ?

No , he isn't **usually** here then.

Yes , he is **sometimes** here .

No, he is {**rarely** / **seldom**} here then.

ضمایر فاعلی- مفعولی

الف ـ ضمایر فاعلی جایگزین فاعل‌اند وضمایر مفعولی به جای مفعول

درجمله می‌نشینند این‌ضمایر عبارتند از:

ضمایر مفعولی	ضمایر فاعلی
me	I
you	you
him	he
her	she
it	it
us	we
you	you
them	they

ضمایر ملکی ـ صفات ملکی

Possessive { pronouns / adjectives

صفات ملکی از دستهٔ کلماتی هستند که تعلق اسمی را که به‌دنبالشان می‌آید می‌رسانند و ضمایر ملکی با توجه به‌معنی ضمیر، جایگزین صفات ملکی می‌شوند. این صفات وضمایر عبارتند از :

		←	صفات ملکی
مال من	mine		my book
مال شما	yours		your book
مال او	his		his book
	hers		her book
مال آن	its		its legs
مال ما	ours		our books
مال شما	yours		your books
مال آنها	theirs		their books

Passive voice مجهول

فعل مجهول را درمقابل‌فعل معلوم به‌کار می‌برند وقصد ازجملهٔ (مجهول) بیان‌نتیجهٔ‌کاری است‌که انجام‌گرفته است ـ به‌عبارت دیگر برخلاف جملات‌معلوم فاعل در جملات مجهول مورد نظر نمی‌باشد. یك مقایسهٔ ساده میان دو عبارت معلوم و مجهول زیر درك این مطلب را آسانتر می‌کند.

I (فاعل) Clean (فعل) the board (مفعول) — من تخته را پاك می‌کنم.

The borad [is] cleaned (by me). — تخته پاك می‌شود

برای تبدیل یك جملهٔ معلوم به مجهول باید چهارکار انجام داد :

الف : مفعول مورد نظر جملهٔ معلوم را به جای فـاعل در جملهٔ مجـهول بنشانیم.

ب : باتوجه به زمان جملهٔ معلوم از فعل (Be) به کار ببریم . یعنی اگر زمان جملهٔ معلوم‌آینده است از زمان‌آیندهٔ فعل (Be) و اگر زمان جملهٔ معلوم گذشته، از اشکال‌گذشته، (was - were) فعل (Be) استفاده‌کنیم[اشکال‌مختلف فعل (Be) در پایان همین بحث‌آمده است] .

ج : فعل جملهٔ معلوم را به هرزمانی‌که باشدبه شکل اسم مفعول به‌دنبالش می‌نویسیم . (به‌طرز ساختن اسم مفعول به دنبالهٔ این بحث مراجعه‌کنید).

د : فاعل جملهٔ معلوم را درصورتی‌که ضمیر یا someone وغیر مشخص نباشد لزوماً باآوردن‌کلمهٔ by به جلوی‌آن درآخر جملهٔ مجهول می‌آوریم .

The girl threw a stone at the dog.

A stone [was] thrown at the dog by the girl.

مصدرفعل مجهول‌اسم مفعول+to+Be

فروخته شدن	to be sold
گفته شدن	to be said
چاپ شدن	to be printed

be	شدن
am are is	حاضر
was were	گذشته
being	شکل استمراری
shall be will be	آینده
been	اسم‌مفعول

*ساختن اسم‌مفعول: افعال ازنظرساختن ماضی و اسم مفعـول به دو دستـه تقسیم می‌شوند .

الف ـ افعال با قاعده‌که با افزودن ed - d یا ied متناسب با وضع‌آخـر فعل می‌شوند ، مانند :

die died died.
play played played.
study studied studied.

ب ـ افعال بی‌قـاعده که پیداست قاعده‌ای ندارند و باید از بـر شوند . مثال :

go went gone.
tell told told.
shut shut shut.

جهات شرطی
Conditional clauses

اگر بخواهیم انجام‌کاری‌رامشروط به شرطی‌نماییم‌ناگزیر باید‌ازشکلی استفاده نماییم‌که جملات شرطی‌نام‌دارند وعلامت شرط«اگر»یا«مگر» یا «مشروط به‌اینکه» به شرط اینکه و ... می‌باشد . سه‌حالت عمدهٔ شرطی عبارتند از :

1 - If + فعل‌حاضر و shall, will + فعـل حـاضر

2 - If + فعل گذشته و should, would + فعل حاضر

3- If+فعل ماضی بعید و should, would + have + اسم مفعول

مثال :

اگر اورا به‌بینم به‌او خواهم گفت :

1 - If I see him, I shall tell him .

اگر اورا می‌دیدم به‌او می‌گفتم :

2 - If I saw him , I shbould tell him .

3 - If I had seen him, I should have told him.

اگر اورا دیده بودم به او گفته بودم .

یادآوری * نوع اول را «ممکن» possible

نوع دوم‌را «محتمل» probable

نوع سوم را «غیرممکن» improbable +impossible می‌نامند .

نقل‌قول مستقیم و غیر مستقیم
Direct and indirect speech

الف : اگرعین‌گفتهٔ شخص رابدون هیچ تغییری درلغات وشکل‌وکیفیت‌بیان آن بازگوکنیم این طریقهٔ باز گوکردن رانقل قول مستقیم می‌نامندکه علامت‌آن درزبان انگلیسی "........" می‌باشد مثال :

"Follow me ' " he said '- "follow me closely . "

He says, " I am working hard . "

ب : اگر گفتهٔ شخصی رابدون هیچ تغییری درمعنی ومفهوم مطلب در قالب دیگری غیرازآن گونه‌که بیان‌شده است نقل‌کنیم این‌بیان را نقل‌قول غیرمستقیم می‌نامند .

مثال:

He says **that** he is working hard .

برای برگرداندن یك جملهٔ مستقیم بـه غیرمستقیم سه حالت پیش می‌آید :

۱ـ جملهٔ‌مستقیم حالت‌خبری داشته‌باشد (Statement)

۲ـ جملهٔ مستقیم شکل سؤالی داشته باشد (Interrogative)

۳ـ جملهٔ مستقیم به شکل امری باشد (Imperative)

۱ ـ برای‌برگرداندن جملهٔ‌مستقیم خبری یا بیانی‌جملهٔ مستقیم رابا He said that یا He says that یاهر عبارت مطلوب دیگر شروع‌می‌کنیم وپس از تطبیق فاعل‌جملهٔ‌مستقیم بافاعل آغازجملهٔ‌غیرمستقیم‌ومتناسب‌کردن‌زمان افعال آن را به‌دنبال می‌آوریم، مثال:

«I will come»

اگر ناقل این‌جمله شخص دیگری غیرازگوینده باشد دوحالت پیش‌می‌آید یـااین حرف رابه‌خود گوینده بازگـو می‌کندکه دراین صورت (I) تبدیل بـه (**you**)می‌شودیا برای‌شخص‌ثالثی‌تعریف می‌کند که در این حالت (I) به (**he**) تغییر می‌یابد .

You **said** that you - **would** go.

He **said** that he **would** go.

یا

You say that you will go.

He says that he will go .

درنقل قول‌کلماتی به کلمات دیگر بدل می‌شوندمانند :

come	به	go .
now	«	then .
here	«	there .
these	«	those .
this	«	that .
to-day	«	that day .
yesterday	«	the previous day, the day before .
to-morrow	به	next day, coming day .
last night	به	the previous night .
thus	به	so, (in) thah way.

یادآوری ۱ـ بایدبه خاطر بسپاریم که اگرکلمات فوق در نقل‌قول بازگـو کننده مورد احتیاج وتأکید باشد بـاید عیناً به‌کار برده شوند، مانند :

"Do it **now**".

He said that they must do it **now** .

یادآوری ۲ـ زمـان جملهٔ مستقیم درجملهٔ نقل قول غیرمستقیم ـ اگـرفعل جملهٔ‌آغاز،گذشته باشد همیشه یك درجه به‌گذشته برمی‌گردد یعنی‌اگـر درجملهٔ مستقیم shall بـه‌کار رفته بـاشد در غیر مستقیم should واگر have باشد به had و come به came و came به hadcome بدل می‌شود .

یادآوری ۳ـوقتی‌قصدبیان‌واقعیت وحقیقتی باشد زمان جمله‌تغییرنمی‌کند، مانند :

"The earth **moves** round the sun ."

He said that the earth **moves** round the earth .

۲ ـ تبدیل جملهٔ سؤالی مستقیم به غیرمستقیم ـ دراین جا دو حالت وجود دارد .

الف ـ باافعال کمکی سؤالی شده است .

ب ـ باکلمات پرسشی ، پـرسشی شده‌اند .

درصورت اول‌پس‌ازآوردن عبارت:

He asks (asked)
He wanted toknow } if (whether)

جملهٔ مستقیم را ازشکل سؤالی خارج کرده مطابق قاعدهٔ جملهٔ‌خبری‌آن راتبدیل به‌جملهٔ غیرمستقیم کرده به‌دنبال عبارت فوق می‌آوریم .

باید به‌خاطر بسپاریم‌که جملات پرسشی مستقیم درجملات غیرمستقیم‌شکل سؤالی ندارند ولی معنای پرسشی خودرا حفظ می‌کنند مثال :

"Are you working?"

He asks
He wants to know } if I am working .

or

He asked
He wanted to know } if (whether) I was working

ب ـ جملهٔ مستقیم اگر با کلمهٔ پرششی همراه باشد عبارت غیر مستقیم را مانند مورد بالا شروع کرده با این تفاوت که این بار کلمهٔ پرسشی را عیناً به دنبال می‌آوریم وسپس ما بقی جمله را با تغییر حالت ان از شکل سؤالی به حالت خبری (با توجه به قاعده‌ای که درجملات خبری گفته‌شده) به دنبالش می‌افزاییم ، مثال :

«What time is it?»
He wanted to know what time it was.

۳ـ جملات امری

برای بر گرداندن یك جملهٔ امری مستقیم به‌جملهٔ غیرمستقیم پس از آوردن عبارت لازم‌فعل جملهٔ مستقیم را با افزودن (**to**) مصدری به‌دنبالش می‌آوریم تغییرات دیگر تابع‌قاعدهٔ جملات خبری است مثال: ←

‚‚Please do your work.''
He Pleased me to do my work
‚‚Sit down''
He ordered me to sit down.
«Go away.»
He commanded me te go away.

در صورت منفی بودن جملهٔ امری (به شکل نهی) جمله مستقیم را با افزودن (not to) (مصدرمنفی) به‌دنبال می‌آوریم

«Don't shout in the class.»
He asked me **not to** shout in the class.

یاد آوری ـ در صورت بیان آرزو وشگفتی و تحسین باید فعل آغاز نقل‌قول غیرمستقیم را گویا ومناسب با مطلب انتخاب کرد ، مثال :

«God save the king».
He **prayed** that God might protect the King.
«Long may you live.»
He **prayed** that his life might be long.
«Hurray!» هورا
They **saouted** joyfully (in triumph)
«Bravo!»
He cried out approvingly.
«Alas!»
He **uttered** a cry of sorrow.

مقایسه :

((Comparisons))

برای بیان تساوی ازعبارات **The same ..... as** و **as...... as** وعدم تساوی ازعبارت not so .... as استفاده می کنیم.

الفـ The same ....as فاصلهٔ این‌عبارت را اسم پرمی کندمثال:

She has **the same** address **as** Mrs. Crook.

ب ـ as .... as این فاصله را با صفت یاقید پرمی‌کنیم، مثال:

Ali is **as** tall **sa** Ahmad.
He runt **as** fast **as** his brother.

ج ـ nos so .... as این‌فاصله راصفت‌یاقیدپرمی کند،مثال:

Maryam is **not so** tall as Minoo.

(*) با توجه‌به **not** درمی‌یابیم که این‌عبارت درجملات منفی به‌کارمی‌آید ولی درمکالمهٔ **as** .... **as** بافعل منفی نیز به‌کار برده می‌شود.

* برای‌بیان شباهت‌یا اختلاف، کلمات دیگری نیز می‌توانند مورداستفاده واقع‌گردند که **different_alike_like_similar** از آن‌جمله‌اند مثال:

نمونهٔ اول

A college is { like / similar to / different from } a high school

نمونهٔ دوم

A college and a high school are { alike. / similar. / different. }

صفت تفضیلی

Comparative Degree

ازاین‌حالت برای‌نشان‌دادن برتری یا کهتری استفاده می کنیم. ازسه راه می‌توان یك‌صفت مطلق را به‌صفت تفضیلی بر گرداند :

۱ ــ باافزودن er به‌آخر صفت.
۲ ــ باآوردن‌کلمهٔ more پیش از صفت.
۳ ــ صفات بی‌قاعده،

۱ ــ اگر صفت‌یك سیلابی‌باشد با افزودن **er** به‌آخرش‌صفت‌تفضیلی‌ساخته می‌شود. مانند :

short shorter-long longer.

اگــر آخرش (**e**) باشد فقط (**r**) می‌افزاییم.

large larger.

اگرماقبل‌آخر آن‌یك‌حرف صدادار داشته باشد حرف بی‌صدا را دوتا نوشته سپس (**er**) به‌آن می‌افزاییم مانند :

fat – fatter, thin-thinner.

اگرصفت‌به **y** ختم‌شود وپیش‌ازآن حرف بی‌صداباشد **y** را به (**i**) بدل‌کرده (**er**) به‌آن می‌افزاییم مانند :

happy happier
funny funnier

۲ـ درصورتی که صفت ازیك‌سیلاب بیشتر باشدپیش‌ازآن **more** می‌آوریم مانند :

interesting more interesting.
comfortable more comfortable.

۳ ــ صفاتی هستند که صفات‌تفضیلی آنها کلمات دیگری هستند، مانند :

good	better
bad, ill	worse
little	less
much, many	more

یادآوریـ درصورتی که‌هردوطرف مقایسه ذکرشودناگزیر ازکلمهٔ (than) (به‌معنی از) استفاده می‌کنیم، مانند :

He is older **than** his brother.

ولی‌اگرفقط‌به‌گفتن یك‌طرف‌کفایت شود احتیاج به ذکــر این‌کلمه نیست ،

مانند :

It is warmer to-day .

Superlative Degree

این حالت برای بیان انتخاب برترین یا کهترین بـه‌کار می‌آید ومـانند صفت تفضیلی به‌سه شکل‌درست می‌شود .

۱ـ باافزودن (est) به‌آخرصفات یك سیلابی ، مانند :

short shortest-long longest.
large largest-fat fattest
funny fanniest -happy - happiest .

۲ـ با آوردن کلمهٔ **most** پیش ازصفات بیش‌ازیك سیلاب ، مانند :

interesting most intere - sting
comfortable most comf - ortable .

۳ـ دستهٔ سوم کلماتی‌که صفات‌عالی آنها کلمات دیگری هستند، مانند :

good	best.
bad, ill	worst.
little	least .
many, much	most .

یادآوری ـ همیشه حـرف تعریف معین(**the**) باصفات عالی‌همراه‌می‌باشد.

This is **the** least difficult lesson in the book .
She writes **the** least clearly of all the students .

حروف اضافه

Prepositions

این بحث دارای‌قاعده‌ای نیست‌بلکه باید درمطالعات خود دقت‌کنیم و آنهارا را بیاموزیم و به‌خاطر بسپاریـم . اینك تعدادی ازآنها را درجملات برای شما می‌آوریم :

1 - She is sitting **beside** her husband .
2- I am standing next **to** my brother .
3 - They live **near** the corner .
4- My house is far **from** the school .
5- There is a nice garden **in front of** the shop .
6- The library is **behind** the building .
7- They live **opposite** the university .
8 - The house **opposite** our house is for rent .
9- Where are you **from** ?
10- He goes directly **from** his house **to** the office .
11 - They are always happy **from** morning **to** night .
12- They walked **to** the Park .
13- He is **at** the office now.
14- I am going to leave **before** noon today .
15- I am going to leave **before** seeing them.
16- I don't need to work **after** midnight .
17- I didn't work **after** having my dinner .
18- We waited for them **until** eight o'clock .
19- They walked **as far as** Pahlavi street .
20- She is sitting **between** Parvin and Shahla .
21- The teacher distributed the papers **among** the students .
22- I laid the keys **on** the table .
23- There is a large dicti - onary **upon** the table.
24- The pencil rolled **off** the table.
25- It rained **for** an hour **during** the afternoon.
26- I want to send this letter **by** air-mail.
27- She sent a message **by** the boy .
28- I cleaned the room **by** myself .
29- I did it **by** mistake .
30- You can get there **by** walking one block straight ahead .
31- He walked **by** me wit - hout seeing me .
32- We want to finish this book **by** the end of the year.

چندکتاب برای زبان انگلیسی

روش تدریس ، دستـور ، زبان‌آموز وانشاء و نـامه نگاری مکالمه و راهنمای کتابهای‌درسی.

آنچه ازگرامر انگلیسی باید بدانیم : جواد **فیاض** .

اصول و قـواعد زبـان انگلیسی : عبدالحسین **دانشپور** .

امثال فارسی به انگلیسی : ناشریـن باروخ (و) داوربروخیم، سلیمان**حییم**.

امثال و حکم انگلیسی وفارسی : احمد **ترك زاده** .

انشاء انگلیسی: علاءالدین‌**پازارگادی**

انشاء انگلیسی : یوسف **جمشیدی پور**.

انگلیسی : جوادتربتی.

انگلیسی برای همه : احسان**شهبازی**.

انگلیسی‌بەزبان‌ساده:(خودآموز گرامر، مکالمه)، عنایت‌الله **شکیباپور**.

انگلیسی فوری : انتشارات‌بـانو.پری **اباصلتی** (و) الههٔ **انشاء** .

بگومگوی انگلیسی : عبدالله **توکل**.

بیایید انگلیسی صحبت‌کنیم : کـریـم **خالقی** .

حروف انگلیسی: حسن**حصوری** .

خودآموزآسان‌انگلیسی: پرویز**گشتایی**.

خود آموز انگلیسی بدون زحمت : یوسف **جمشیدی پور** .

خودآموزجدید زبان‌انگلیسی‌به‌انضمام مکالمات‌روزمره: هدایت‌الله **قاطان**.

خودآموز عالی انگلیسی : یـوسف **جمشیدی پور** .

خود آموز و دستور زبان انگلیسی : محمود **حقدوستی** .

خودآموزودستورزبان‌انگلیسی: احسان **شهبازی** .

خودآموز و راهنمای دایرکت متد : ب.ی. **لاله‌زار**.

دروس تکمیلی‌زبان‌انگلیسی‌بدون‌معلم: عطاءالله **شهاب‌پور**.

دستور جدیدزبان‌انگلیسی : عبدالحسین **دانشپور** .

دستور زبان انگلیسی : علاءالدین **پازارگادی .**
دستور زبان انگلیسی : یوسف **جمشیدی پور .**
دستور زبان و اصطلاحات انگلیسی : جواد **عسگری .**
دستورزبان‌وانشاءونامه‌نگاری‌انگلیسی: ابوطالب **کازرونی .**
راهنمای تلفظ کلمات انگلیسی : حسن **قایمیان .**
راهنمای دایرکت‌متد(جلد اول): یوسف **جمشیدی پور .**
راهنمای دایرکت متد : ایاز **حدادی.**
راهنمای دایرکت متد دوم : عطاءالله **شهاب پور .**
راهنمای مکالمهٔ‌فارسی وانگلیسی: سلیم **نیساری .**
روش‌تدریس‌زبان‌انگلیسی‌دردبیرستان، دانشگاه‌تهران: علاءالدین **پازارگادی.**
روش نوین تحصیل انگلیسی: ابن‌سینا، امیرکبیر، کریم **خالقی .**
زمان در انگلیسی : محمد علی **مسعود- انصاری .**
فارسی برای انگلیسی زبانان (کتاب اول) ، دانشگاه :تهران منوچهر**ستوده.**
گرامرانگلیسی(پیشبر) : مسعود **برزین** (و) جمشید **پیشدادی .**
گرامر انگلیسی : مارگـرت **ملک اولی** ترجمهٔ **توانگر.**
گرامرانگلیسی(کتاب‌دوم): (نام‌کتاب) **اکراسلی** ــ ترجمهٔ ــ م، ع **.مهر آیین.**
مجموعهٔ دیکته وترجمه‌های امتحانات نهایی ، امیرکبیر : اسدالله **مصطفوی.**
مشکل حرف تعریف در زبان انگلیسی : عباسعلی **رضایی.**
مقدمه‌ای برصوت شناسی «فونتیک» و رفع مشکلات تلفظ درزبان انگلیسی : منصور **اختیار .**
مکالمات انگلیسی جدید : کلیفتن . ترجمهٔ هوشیدر **مطلق .**
مکالمات انگلیسی و آمریکایی : یوسف **جمشیدی‌پور .**
مکالمات‌روزمرهٔ‌آمریکایی: امیرکبیر، جلال **طاهرزاده .**
نامه‌نگاری محیط انگلیسی به فارسی : رشید **امانت.**
نمونه‌هایی‌چندازانشاء انگلیسی: محمد **پارسا .**
نوشته‌ها (انگلیسی- فارسی) : عباسعلی **رضایی**- (و) مهدی **امین.**

چندکتاب برای
زبان ایتالیایی
خودآموز زبان

خودآمـوزجامع زبـان ایتالیایی : باروش مستقیم‌ازروی‌مجربترین متدهای آموزش زبان حاوی کلیهٔ قواعد تلفظ و اصطلاحات جاری و روزمرهٔ ایتالیایی : رضا **طاهری .**
متد ایتالیایی وارسته : (جلد اول) ؛ منوچهر **وارسته .**

چندکتاب برای
زبان روسی
خودآموز

خودآموز روسی : (الفبا دوخط وتلفظ امیرکبیر، اسکندر **ذبیحیان .**

چندکتاب برای
زبان عربی

زبان‌آموز وتحقیقات وصرف و نحو : اسباب حدوث الحروف : دانشگـاه تهران، با ترجمه‌و تصحیح پرویز ناتل‌خانلری ابوعلی‌حسین بن عبدالله **ابن‌سینا .**
اصول‌الصرف : دانشگاه تهران، علی - اکبر **شهابی.**
اصول‌النحو : الجزوالثانی من قواعـد اللغةالعربیه) دانشگاه تهران؛ علی‌اکبر **شهابی .**
المصادر : مشهد؛ باستان؛ به‌کوشش تقی بینش. ابوعبدالله حسین احمد **زوزنی .**
النحوالجامع : محسن **بینا**
پیشروادب یامقدمةالادب: گرد آوردهٔ آراسته، پیراسته محمدکاظم امام - القسم الاول وهوقسم الاسماء) (بهره نخستین‌از نامهاست) ، دانشگاه تهران ، ابوالقاسم محمودبن عمربن‌محمد**زمخشری‌خوارزمی.**
تلخیص المفتاح اومختصرالمعانی : به‌اهتمام رضالطفی ومحمد علـی محمدی سعدالدین مسعود بـن عمـربن عبدالله **تفتازانی .**
جامع‌الشواهد : محمد باقـر شـریف **اردکانی .**
خودآموزعربی درچهل جلسه: ذبیح‌الله **جوادی .**
خود آموز مصور جامع زبان عربی : احمد **سپهر خراسانی .**
دروس دارالعلوم العربیة : دارالعلوم العربیة ؛ تهران دارالعلوم العربیة .
روش مستقیم زبان و ادبیات عرب : دانشکدهٔ‌معقول‌ومنقول؛ حسین **خراسانی.**
زبان‌عربی بدون‌معلم: عطاالله**شهاب‌پور.**
شرح جامی علمیهٔ‌اسلامیه (ابن‌اثرجامی به «فوایدالضیائیه» معروف‌است) ، عبد- الرحمن بن‌احمد**جامی .**
شرح وترجمهٔ سیوطی:(بهجةالمرضیه) بامقدمهٔ وشرح احوال‌مؤلف به‌قلم‌مرتضی مدرسی چهاردهی علی اکبر **بناء یزدی**
صرف و نحو وتجزیه وترکیب عربی : محمد **خوانساری :**
صرف و نحو و روش تجزیه و ترکیب عربی: بامقدمهٔ‌سلطانعلی‌سلطانی، ابوالقاسم **صدرالدین .**
قلب درزبان عربی : دانشگاه تهران ، صادق **کیا .**
قواعد النحو : دانشگاه تهران؛ قـاسم **تویسرکانی .**
مجمع‌البحرین : مصطفوی ، فخرالـدین **طریحی .**
مغنی اللبیب عن کتب الاعاریب : علمیهٔ‌اسلامیه، جمال بن ابی‌محمد عبدالله ، **ابن‌هشام مصری انصاری .**
مکالمات روزمرهٔ‌عربی: حسین**خراسانی.**
منتهی‌المآرب‌فی‌لغة العرب: عبدالرحیم **صفی‌پور .**
نخبةالبیان: به‌اهتمام ومقدمهٔ حسن‌نراقی محمدمهدی **نراقی.**

چندکتاب برای
زبان فرانسه
زبان آموز

اصطلاحات فرانسه : دکتر مهدی روشن ضمیر.
دیکتهٔ فرانسه : لئون **بنارش .**
زبان فرانسه : (راهنما، صـرف ونحو، مکالمات؛ انشاء) امیرکبیر، روح‌الله**عباسی.**
مشکلات زبان فرانسه: تبریزکتابفروشی تهران؛ مهدی**روشن‌ضمیر.**
مشکلات زبان فرانسه : (جلددوم: حرف اضافه de) ، دانشگاه تبریز ، مهـدی **روشن‌ضمیر.**
مشکل‌اسم فاعل واسم مفعول در زبان فرانسه. احمد **طباطبایی .**
مکالمات روزمرهٔ فرانسه : جـلال **طاهر زاده .**

۱۵۰۶

بعضی از فرهنگهای معروف جهان (و فرهنگهای ایران)

آذری یا زبان باستان آذر بایگان : احمد**کسروی** .

آصف اللغات : (۱۷ جلد) . عزیزجنگ شمس‌العلماء متخلص به **نظام‌الدین** .

آفتاب فریبندهٔ سخن: (تیکهٔ‌اول: ریشهٔ کشاکشها، تیکهٔ دوم: ریشهٔ نام‌خورشید و وابستگانش) ع . **بصیرآستارایی.**

آفتاب فریبندهٔ سخن:(تیکهٔ سوم‌وچهارم ع- **بصیرآستارایی.**

آموزش زبان : (دستور زبـان فارسی انگلیسی،عربی‌وخودآموزاملاء فارسی). مصطفی(رییس‌السادات)**ارسنجانی.**

آینده زبان فارسی : باشگاه مهـرگان محمد **مقدم.**

احصاء العلوم:فارابی .

اخبار الطوال: ابوحنیفه .

اربع‌عناصر : (اردو ، فارسی ، عربی ، انگلیسی) : مولوی، ناصرعلی**غیاثپوری.**

ارش دوگرو بر: گرو بر .

ازاحة الاغلاط‌درلغت:محمدظهیراحسن نیموی (شوق).

الابنیه عن حقایق‌الادویه : موفق‌الدین ابومنصور علی‌الهروی .

الاعلام : (سه‌جلد) ، خیرالدین زرکلی

التهذیب : ازهری.

السامی فی‌الاسامی : ابوالفتح احمدبـن محمد المیدانی .

الفبای ناصری : مـولوی، ناصرعلی- **غیاثپوری.**

الفهرست : ابن‌ندیم.

المرقاة : بدیع‌الزمان‌ادیب**نطنزی.**

المصادر : ابوعبدالله حسین بن احمـد **زوزنی.**

المعارف : بهاء الدین **ولد .**

امثال‌وحکم درلهجهٔ محلی‌آذربایجان: علی‌اصغر **مجتهدی .**

اوپوس ماژوس: راجر**بیکن.**

اورازان : (وضع محل، آداب ورسوم ، فلکلور، لهجه) جلال **آل احمد .**

ایران‌کوده شمارهٔ ۳ : محمد **مقدم.**

بخشی ازفرهنگ‌روستا: (توسط)فیروز **آذرگشسب .**

برگزیدهٔ لغات کلیله و دمنه : فروغی، عنایت‌الله **شکیباپور.**

برهان قاطع : به ضمیمهٔ فرهنگ‌دساتیر محمدحسین‌خلف‌تبریزی **برهان**به‌اهتمام محمد عباسی .

برهان قاطع : ابن‌سینا به اهتمام محمد معین ، بامقدمهٔ علی‌اصغرحکمت (و)علی اکبر دهخدا، محمدحسین‌بن‌خلف **برهان تبریزی .**

بریتانیکا : (۲۴ جلد) در انگلیسی.

تاتی وهرزنی: (دولهجه اززبان‌باستان آذربایجان) : ناشراسماعیل واعظه‌پور عبدالعلی **کارنگ .**

تاج‌المصادر فی‌اللغه: بیهقی‌سبزواری.

تجریداللغات: (فارسی وترکی).آخوند میرزاعلی **بادکوبه‌ای .**

ترجمة اللغات : (فارسی به تـرکی) ، ناظم بن **محمد .**

تفاسیرفی‌اللغة الفرس: قطران تبریزی.

جام جهان‌نما : ویلیام **کاکستون .**

جامع‌العلوم : (ستینی) امام‌فخر**رازی.**

جدوار ترکی دستور زبان : محمـد خیرالدین **محمود جنگ.**

چراغ هدایت : به‌کوشش محمد دبیـر سیاقی سراج الدین علی خان‌بن حسام ـ الدین **اکبرآبادی :**

چندنکته دربارهٔ خط و زبان فارسی : مجلهٔ علم وزندگی جلال **آل‌احمد .**

چند نمونه از متن نوشته‌های فـارسی باستان باواژه نامه : محمد **مقدم .**

خردهٔ فرهنگ:(لغت منظوم)، اسماعیل یگانی متخلص به**عامی .**

خزانةاللغات : (۲ جلد) ، نواب شاه **جهان بیگم.**

خلاصةاللغة : (عربی ، فارسی ، ترکی) میرزا موسی **انصاری** (شیخ‌الانصاری) .

خلخالی : (یك لهجه ازآذری)عبدالعلی **کارنگ .**

دائرةالمعارف : رولر .

دائرةالمعارف : فرید وجدی .

دائرةالمعارف آریانا : درافغانستان .

دائرةالمعارف آلمانی : درآلمان .

دائرة المعاریف آمریکانا : دانشگاه بوستون .

دائرة المعارف اسلامیه : ترجمهٔ محمد علی تهرانی **خلیلی .**

دائرةالمعارف الاسلامیه : (۶ جلد). شیخ‌عبدالعزیز **صاحب‌الجواهر .**

دائرة المعارف ایتالیانا : درایتالیا .

دائرة المعاریف روسی : (۵۲ جلد) روسیه .

دائرة المعاریف جنسی یا رهبر عشق : ترجمهٔ عبدالله **رهنما.**

دائرةالمعارف فارسی : به سر پرستی **مصاحب.**

دائرةالمعارف فرانسوی : (۲۱ جلـد) فرانسه .

دائرة المعارف قرون‌وسطی:ایزیدور.

دائرةالمعارف کودکان : آرتور ، **می.**

دائرةالمعارف وفرهنگ منطقی علوم وهنر وماده : دیده رووهمکارانش .

دائرةالمعارف یافرهنگ دانش وهنر: پرویز **اسد** و۶ نفردیگر .

داستان جم : (متن اوستایی زند) گزارش محمد **مقدم .**

دبیره:ذبیح‌الله **بهروز .**

در بارهٔ زبان فارسی : سخن ، پرویـز ناتل **خانلری .**

در بارهٔ فرهنگ فارسی : (تهران‌امیر کبیر) دکتر محمد**معین .**

درةالتاج : قطب‌الدین‌محمود **شیرازی.**

دیسیپلی ناروم لیبریکس : مارکوس ترنتیوس وارو .

ذیلی بربرهان قاطع : (فرهنگ لغات بازیافته) ادیب طوسی.

راهنمای ریشهٔ فعلهای ایران در زبان اوستا وفارسی‌باستان کنونی، باپیوستی ازفعلهای‌فارسی: گردآوردهٔ‌محمد بشیرحسین محمد **مقدم .**

زبان فارسی:(وراه رسا وتواناگردانیدن آن)، گردآورنـده یحیی ذکاء ، احمـد **کسروی :**

ساده نویسی در زبان فارسی: (کلیاتی درفن‌سهولت کلام)، باهمکاری ج ـ موریس هوفیلد ، وزارت فرهنگ ، شمس‌الملوك **مصاحب .**

ستینی: (جامع‌العلوم) امام فخر**رازی .**

ستینی زمخشری : زمخشری .

سراج‌اللغه: سراج‌الدین‌علی‌خان**آرزو**

سرنوشت اسفناك‌زبان فارسی‌وانتقادی بر فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی م . **هنریار .**

صبح الاعشی : قلقشنه .

صحاح الفرس : به‌اهتمام‌عبدالعلی‌طاعتی محمدبن فخرالدین **هندو شاه‌نخجوانی**

غلطهای فاحش فرهنگهای فارسی : حسن **عمید.**

غیاث‌اللغات: به‌کوشش‌محمددبیرسیاقی،غیاث

الدین‌محمدبن جلال‌الدین **رامپوری** .
فرسنامه : عبدالله‌**خوانساری** .
فرنودسار : (فرهنگ ناظم الاطباء یا فرهنگ نفیسی) علی‌اکبر **نفیسی** .
فرهنگ (عربی به‌فارسی): احمد**سیاح**.
فرهنگ‌آسیا:(انگلیسی‌فارسی) آسیا، با تلفظ‌فارسی، شامل ۴۰۰۰۰ واژه ازمتد- اولترین‌وعمومی‌ترین‌لغات و اصطلاحات انگلیسی برای استفادهٔعموم .
فرهنگ آلمانی : محمد **عباسی**.
فرهنگ آنتندراج : خیام زیرنظرمحمد دبیرسیاقی محمد پادشاه (شاد) .
فرهنگ آموزگار : کانون معرفت حبیب‌الله **آموزگار** .
فرهنگ‌آیتی درلغت: عبدالحسین آوارهٔ **آیتی**.
فرهنگ اصطلاحات انگلیسی و - آمریکایی : یوسف **جمشیدی‌پور**.
فرهنگ اصطلاحات پروستو دونتیك گردآوری و ترجمهٔ حسین **نواب** وجعفر **دادمنش**.
فرهنگ اصطلاحات جاری زبان انگلیسی : شاهپور **اردشیرجی** .
فرهنگ‌اصطلاحات جغرافیایی : احمد **آرام** به مشارکت صفی **اصفیا** ، حسین **گل‌گلاب**، غلامحسین **مصاحب** ، مصطفی **مقربی** .
فرهنگ اصطلاحات خارجی در زبان فارسی : کاوه،هاشم **رضی** .
فرهنگ اصطلاحات صنعت نفت : (بنیادفرهنگ ایران) جلال‌الدین**توانا**.
فرهنگ امثال زبان‌فرانسه : مصطفی‌بن احمد تفرشی **شفقی**.
فرهنگ امروز : (مجموعهٔ لغات و اصطلاحات هنری ، فلسفی،سیاسی،علمی) امیرکبیر ، فریدون **کار** .
فرهنگ امیر کبیر : امیرکبیر ؛ علی اصغر **شمیم** (و) محمدعلی **خلیلی**.
فرهنگ‌انجمن‌آرای ناصری : اسلامیه رضاقلی‌خان (للهٔ‌باشی) **هدایت**.
فرهنگ انگلیسی فارسی : (جلداول A.B.C)، امیرکبیر ، علی اصغر کاوسی **برومند** .
فرهنگ اورنگ: سرگردمراد**اورنگ**.
فرهنگ ایران زمین: ایرج **افشار** .
فرهنگ بزرگ آلمانی به فارسی : محمد **عباسی**.
فرهنگ آلمانی فارسی فروغی : عزیزالله **نبوی**.
فرهنگ بزرگ خیام: (انگلیسی‌فارسی) بیژن **ترقی** .
فرهنگ بزرگ فارسی به آلمانی : محمد**عباسی** .
فرهنگ‌بزرگ محیط:(آلمانی‌به‌فارسی) م. **سپهبدی** (و) محمد **عباسی** .
فرهنگ بغلی انگلیسی به فارسی : علی اصغر کاروسی **برومند**.
فرهنگ بغلی فارسی به انگلیسی : (شامل ۱۵ هزار واژه) علی‌اصغر‌کاوسی **برومند**.
فرهنگ بوستان : سیدبن‌حسن.
فرهنگ بهدینان : فرهنگ ایران‌زمین به‌کوشش‌منوچهرستوده، بامقدمهٔ ابراهیم پورداود ، جمشید **سروشیان** .
فرهنگ تربیت : (فارسی - آلمانی ، حاوی متجاوز ازبیست وپنج هزارلغت) غلامعلی **تربیت** .
فرهنگ جامع (فارسی به روسی) : سرهنگ شرف الدین **قهرمانی**.
فرهنگ جامع (روسی به فارسی) : سرهنگ شرف‌الدین **قهرمانی** .
فرهنگ جامع آلمانی به فارسی : محمد **عباسی** .
فرهنگ جاوید : (انگلسی به فارسی و فارسی به انگلیسی) اکبر **هراتی** .
فرهنگ جهانگیری : امیر جمال‌الدین فخرالدین حسین **اینجوی‌شیرازی** .
فرهنگ جهانی : سالمون.
فرهنگ جیبی تربیت: (آلمانی-فارسی حاوی‌شانزده‌هزارواژه)،غلامعلی **تربیت**.
فرهنگ جیبی: (فارسی-آلمانی)امیر- کبیرتهران)؛ نصرالله **حریریان** .
فرهنگ حقوق: (فرانسه-فارسی)چهر، حسینقلی **کاتبی** .
فرهنگ حقوقی فرانسه به‌فارسی: سید محمدرضا **جلالی‌نایینی** .
فرهنگ حمید : حمید ، علی**مدرسی** .
فرهنگ‌خاورشناسان : ابوالقاسم‌تفرشی **سحاب** .
فرهنگ خیام : (فارسی به‌فرانسه)محمد- علی **ترقی** .
فرهنگ خیام : (فرانسه‌به‌فارسی).محمد علی **ترقی** .
فرهنگ خیام : (عربی به فارسی) . محمدعلی **ترقی**.
فرهنگ‌خیام‌آلمانی به‌فارسی: حیدری
فرهنگ دانش آموز : بامقدمهٔ سعید نفیسی اتحادیهٔ مطبوعات فارس حسن **امداد** .
فرهنگ دانشجو : (لغات‌کلیله‌ودمنه ، گلستان اسرارالتوحید واخلاق ناصری) نوین، محمد باقر **برقعی**.
فرهنگ دبیرستانی یاواژه نامهٔفارسی، اسلام فخرالدین **طباطبایی**.
فرهنگ رشیدی : (نیمهٔ اول و دوم در دوجلد) بارانی به‌اهتمام‌محمد عباسی، عبدالرشیدبن عبدالغفور **تتوی** .
فرهنگ‌روانپزشکی : احمد **اردوبادی**
فرهنگ روسی به فارسی : گالونف .
فرهنگ سخنوران : دکتر عبدالرسول **خیام‌پور**.
فرهنگ سروری : محمدقاسم بن محمد **کاشی** .
فرهنگ سعدی : (لغات‌فارسی به‌فارسی) سعدی ا. **حامدی ربانی** .
فرهنگ سکندرنامهٔ نظامی : سیدبن - حسن .
فرهنگ سمنانی سرخه‌ای : (اسگردی سنگسری ، شهمیرزادی،) دانشگاه‌تهران منوچهر **ستوده** .
فرهنگ شاهنامه و ملاحظاتی دربارهٔ فردوسی : دکتر **رضازادهٔ شفق** .
فرهنگ شعوری لسان‌العجم: « فارسی به‌ترکی» **شعوری** .
فرهنگ ضیاء : (گنجینهٔ گفتار.) ضیاء **شوکران** .
فرهنگ عامیانه : یوسف **رحمتی**.
فرهنگ عباسی : صدرالدین **تبریزی**.
فرهنگ عربی به‌فارسی : ملخص از - المنجد ومنتهی‌الارب محمدعلی **خلیلی**.
فرهنگ عمید : (تاریخ وجغرافیا) - حسن **عمید** .
فرهنگ عمید : (شامل‌کلیهٔ واژه‌های فارسی عربی واروپایی مصطلح در زبان فارسی‌واصطلاحات علمی وادبی) ابن- سینا، حسن **عمید** .
فرهنگ عمید : (دبستانی ودبیرستانی) حسن **عمید** .
فرهنگ علمی وفنی:(انگلیسی-فارسی) روبرت **قوطانیان** .

فرهنگ عوام فولکلور ایران: امیرقلی امینی.
فرهنگ عوامانه: سید محمد علی – جمالزاده.
فرهنگ غفاری: (فارسی به فرانسه). دانشگاه تهران، امیرجلال الدین **غفاری**.
فرهنگ فارسی: (شامل یك مقدمه. بخش لغات ترکیبات خارجی، اعلام) امیرکبیر، محمد **معین**.
فرهنگ فارسی: محمد **مکری**.
فرهنگ فارسی به آلمانی: بزرگ **علوی**.
فرهنگ فارسی به آلمانی: محمد **عباسی**.
فرهنگ فارسی بفرانسه: سلیمان **حییم**.
فرهنگ فارسی فروغی: فروغی، سعید **نفیسی**.
فرهنگ فارسی گیلانی: مرتضی – مدرسی **گیلانی**.
فرهنگ فرانسه: (۲ جلد). سعید **نفیسی**.
فرهنگ فرانسه به فارسی: دکترسید – محمود **مجتبایی**.
فرهنگ فرانسه به فارسی: عبدالرحیم **انصاری**.
فرهنگ فرانسه به فارسی: سلیمان **حییم**.
فرهنگ فرانسه به فارسی: دکترسید – محمود **علیزاده**.
فرهنگ فرانسه به فارسی و بالعکس: منوچهر نوری **کامیاب**.
فرهنگ فلسفی: **ولتر**.
فرهنگ قواس: (فارسی به فارسی) – مبارك شاه غزنوی (فخرقواسی).
فرهنگ کامل جدید انگلیسی: باهمکاری جهان شاه صالح و گروهی ازمترجمان و مشاوران امیرکبیر، عباس **آریانپور کاشانی**.
فرهنگ کامل لغات قرآن: عباس **شوشتری** (مهرین).
فرهنگ کرمانی: انتشارات فرهنگ ایرانزمین منوچهر **ستوده**.
فرهنگ کسروی: یحیی **ذکاء**.
فرهنگ کلام یا اشتباهات لفظی: کورش کبیر حسین (مجرد) **نعیمی**.
فرهنگ کوچك آلمانی: (امیر کبیر تهران)؛ عبدالعلی **پرتو علوی**.
فرهنگ کوچك آلمانی فارسی: (امیر– کبیر تهران)؛ نصرالله **حریریان**.
فرهنگ کوچك انگلیسی فارسی: (شامل ۱۰۰۰۰ واژه) شیدهٔ **جلالی فر**.
فرهنگ کوچك پزشکی: دکتر حسن **مرندی**.

فرهنگ کوچك عربی به فارسی: ذبیح **بهروز**.
فرهنگ کوچك حییم: (انگلیسی فارسی در حدود ۴۰۰۰۰ واژه)، بروخیم. سلیمان **حییم**.
فرهنگ کوچك فارسی آلمانی: (امیر کبیر تهران)؛ نصرالله **حریریان**.
فرهنگ کوچك فارسی انگلیسی: – بروخیم؛ سلیمان **حییم**.
فرهنگ گلستان: سیدبن حسن.
فرهنگ گوهر: (انگلیسی – فارسی)؛ خدابنده **فرزانگی**.
فرهنگ گیلانی: عطایی، مرتضی **مدرسی گیلانی**.
فرهنگ گیلگی: منوچهر **ستوده**.
فرهنگ لارستانی: (با مقدمهٔ ابراهیم پورداود) احمد **اقتداری**.
لغات طبی: (فرانسه به فارسی). دکتر **شلیمر**.
فرهنگ لغات دایرکت متد: فریدون **کار**.
فرهنگ لغات فرس: ابونصرعلی بن احمد **اسدی طوسی**.
فرهنگ لغات قرآن مجید: علاءالدین **مجتبوی**.
فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی و اجتماعی: اردشیر ستخر.
فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی: – به اهتمام حسام الدین قهاری جعفر **سجادی**.
فرهنگ لغات و اصطلاحات مثنوی: (۳ جلد) دکترسید صادق **گوهرین**.
فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی: – دانشگاه تهران صادق **گوهرین**.
فرهنگ مردوخ: شیخ محمد **مردوخ کردستانی**.
فرهنگ مرعشی آلمانی به فارسی: احمد **مرعشی**.
فرهنگ مصطلحات عرفاء متصوفه و شعرا مصطفوی جعفر **سجادی**.
فرهنگ منتخب اللغات شاهجهانی: – (عربی فارسی) علمیهٔ اسلامیه؛ عبدالرشید **تتوی**.
فرهنگ مهدی: (فارسی و عربی): زعیم– الدوله دکترمهدی بن محمدتقی بن جعفر ملقب به **امیری تبریزی**.
فرهنگ ناظم الاطباء: (فرنود سادیا – فرهنگ نفیسی) «فارسی به فارسی» علی اکبر **نفیسی**.
فرهنگ نامهٔ پارسی: سعید **نفیسی**.

فرهنگ نصیریه درطب: حکیم محمد– نصیر **عظیم آبادی**.
فرهنگ نظام درلغت (۵ جلد): سید محمد علی ایرانی داعی الاسلام.
فرهنگ نفیسی: (فرنودسار). به کوشش سعید نفیسی علی اکبر (ناظم الاطباء) **نفیسی**.
فرهنگ نو: محمد قریب.
فرهنگ واژه‌های اجتماعی: سرسخت.
فرهنگ وفایی: (فارسی به فارسی) حسین **وفایی**.
قاطع البرهان: علی اکبر **تبتی**.
قاطع برهان: نجم الدوله دبیرالملك اسدالله **غالب دهلوی**.
قاموس الاعلام: (ترکی) سامی بیك.
کارنامهٔ فرهنگ: امین الله **عظیم آبادی**.
کامبرسیکلو پدی: اسپهرایم جیمز.
کشاف اصطلاحات الفنون: شهانوی.
کفایة المتحفظ وزمایة المتلفظ: ابن– اجدابی.
کلیدا ملاء انگلیسی: امیرکبیر– ابن سینا؛ کریم **خالقی**.
کلید یا راهنمای دایرکت متد: م.و.
کنز اللغة الثمانیة: (ترکی): مصطفی **سلیمانزادهٔ حلبی**.
کوچکترین فرهنگ جیبی محیط: – (انگلیسی به فارسی) علی اکبر **کسمایی**.
گئوش اورون: علی **حصوری**.
گزارش گویشهای لری: طهوری، علی **حصوری**.
گراندلاروس: (۱۰ جلد) فرانسه.
گویش آشتیان دفتر نخست واژه‌نامه: دانشگاه تهران، صادق **کیا**.
گویش گرینگان: دانش یحیی **ذکاء**.
گویش گلین قید: (تهران فرهنگ ایران زمین) یحیی **ذکاء**.
لاروس پزشکی: درفرانسه.
لاروس کشاورزی: درفرانسه.
لسان العجم: (فرهنگ شعوری) (فارسی وترکی) **شعوری**.
لغات آذری: محمدامین **ادیب طوسی**.
لغت آلمانی به فارسی و فرانسه: رضا **تربیت**.
لغات شاهجهانی: احسن **بلگرامی**.
لغات ناصری: مولوی ناصرعلی **غیاثپوری**.
لغت آلمانی به فارسی و فرانسه: رضا **تربیت**.
لغات و اصطلاحات شاهکارهای ادبیات فارسی: اپیکور، اکبر **ترابی**.

لغت‌فارسی : محمدجواد **شریعت** .
لغت‌فرس، به‌کوشش محمد دبیرسیاقی : طهوری، ابونصر علی‌بن احمد **اسدی ـ طوسی** .
لغت مکمل : (فرانسه به‌فارسی)؛ نورالله **گلستانی** .
لغت‌نامهٔ دهخدا : علی‌اکبر **دهخدا** .
لغت‌نامهٔ فارسی‌به فرانسه: نصرالله **بهار شروانی**.
لغت‌نامهٔ فرانسه به فارسی : ناصرالدین شاه **قاجار** .
لغت‌های قرآن : احمد**آرام** .
ماه فروردین روز خرداد متن پهلوی باواژه‌نامه: ابن‌سینا، **صادق‌کیا**.
مجمع‌الفرس : علی‌اکبرعلمی به کوشش محمددبیرسیاقی‌محمدقاسم‌بن حاجی‌محمد **سروری کاشانی** .
مجموعهٔ‌اصطلاحات‌علمی : دانشگاه‌تهران انجمن اصطلاحات علمی .
محاضرة‌الابهار ومسامرة‌الاخبار فی‌ـ الادبیات‌والنوادروالاخبار:محی‌الدین.
مدائن‌العلوم : استرآبادی.
مصطلحات فارسی : هدایتعلی .
مطلع‌العلوم‌ومجمع‌الفنون: واجدعلی.
مفردات ناصری درطب : مولوی ناصر علی غیاثپوری .
منشآت(فارسی‌وفرانسه):سیدعبدالجلیل بلگرامی .
منظومهٔ سرگذشت اردشیر بابکان یا شاهکار بی‌نظیری ازشعرفارسی : حسن **وحید دستگردی** .
نامنامه : (مجموعهٔ نامهای زیبای‌ایرانی حسین **نخعی** :
نامهای‌شهرها ودیه‌های ایران: شرق، احمد**کسروی** .
نزهة‌العلوم: حمدالله **مستوفی** .
نفایس‌الفنون : محمدبن محمود**آملی** .
واژه‌نامهٔ‌طبری : دکترصادق **کیا** .
واژه‌نامهٔ فارسی: دانشگاه تهران،شمس **فخری اصفهانی** .
واژنامهٔ گرگانی : دکترصادق**کیا**،
واژه‌نامهٔ‌گیاهی : (نام علمی‌گیاهان) . دانشگاه تهران، اسمعیل **زاهدی**.
واژه‌های کلیله ودمنه : احمدکریمی.
واژه‌های محلی ایران در لغت فرس : دکترصادق **کیا** .

هنرهای زیبا

آثار زیبایی به وسیلهٔ دوحس عالی یعنی حس بینایی وشنوایی درك می‌شود. از این نظرهنریا هنرهای زیبا سه‌قسمت می‌شود :

۱ ـ هنرهای تجسمی یا بصری .
۲ ـ هنرهای سمعی یا صوتی .
۳ ـ هنرهای سمعی و بصری

هنرهای تجسمی یا بصری

این هنرها شامل‌رنگ‌ها و شکل‌ها می‌شود وعموماً واقعیت و نمودهای‌طبیعت را شامل‌اند ، از این‌نظر دارای دقت و صراحت‌ووضوح‌کافی می‌باشند به‌طوری‌که همه‌کس هدف ومنظور زبان‌آنها را درك می‌کند واین موجب ممتاز نمودن این هنرهاست . ضمناً این نقص را دارند که محدود و ساکن هستند ،زیرا بیش‌ازیك صحنه از زندگی و یا یك‌گوشه ازطبیعت را نمی‌توانند جلوه‌گر سازند و نیز این هنرها برخلاف‌هنرهای سمعی بیشترجنبهٔ مادی را می‌نمایند و نمایش جنبه‌های معنوی درآثاراین هنرها محدود وناقص وکاملا نارساست. درصورتی‌که درآثار هنرهای سمعی بیشتر جنبه‌های معنوی ظاهر می‌شود وظهورمعنویات درآن‌آثار غنی وبا ارزش وکاملا رسانندە است.

اثر این‌هنرها به‌شکل دوبعدی‌مانند نقاشی ورسم است‌که بعد سوم را به‌کمك سایه روشن و یا دور نما نشان می‌دهد وبه صورت سه بعدی مانند مجسمه سازی و معماری ، تجسم می‌یابند.

هنرهای تجسمی عبارتند از :
نقاشی ، عکاسی ، مجسمه سازی ، معماری ، رسم ، خطاطی.

هنرهای سمعی

در این هنرهازیبایی به‌وسیلهٔ‌الحان و کلمات‌جلوه‌گرمی‌شود وعموماً جنبه‌های معنوی وتخیلی‌آنها ارزنده و نیرومند است . هنرهای سمعی وسعت عمل‌بسیار دارند و چون مقیدبه مکان نیستند معانی و مقاصد را تاآنجاکه میسرباشدگسترش می‌دهند و در زمان‌پیش می‌برند و نیزدر ایجاد زیبایی و تحریك تمایلات عالی و عقلی و تخیل قدرت فوق‌العاده‌دارند .

هنرهای سمعی عبارتند از:
موسیقی،ادبیات ، سخنوری

هنرهای سمعی و بصری

در این هنر، زیبایی‌به وسیلهٔ‌الحان وکلمات‌از طرفی ، رنگها و شکل‌ها از طرف دیگر واقعیت‌های طبیعت رانشان می‌دهند و بردوهنرفوق‌الذکر برتری دارد .

هنرهای سمعی وبصری‌عبارتنداز:
رقص ؛ موزیك، تآتر،سینما .

شیوه و واژه‌های نقاشی

اکسپرسیونیسم Expressionisme
شیوه‌ای در هنر (نقاشی ، پیکر تراشی، ادبیات ، سینما) که دراین‌شیوه، هدف انتقال عواطف و احساسات درونی هنرمند به‌جهان‌خارجی‌است .

امپرسیونیسم Impressionisme
شیوه‌ای در هنر نقاشی‌که پایه‌اش تأثرات بصری‌گذرای هنرمنداست،مونه، رنوار ، مانه ، پیساور ، سیسله سزان، دگا،گیومن وموریزو ازپایه‌گذاران این شیوه هستند.

پالت .
تختهٔ شستی نقاشی‌که نقاش روی‌آن رنگهای‌آماده را برای‌کار قرارمی‌دهد.

پرسپکتیو .
به معنی دورنما وفن‌ترسیم برحسب دید .

پورتره .
به معنی تصویر ونقاشی‌صورت.

تابلو.
پرده یا تخته‌ای‌که روی‌آن‌نقاشی شده است .

رآلیسم Realisme
شیوه‌ای در نقاشی که ناشی از واقعپردازی‌است‌وسوژه‌های خشن‌خشونت وکیفیت‌های ظریف ظرافت را با هم می‌آورد .

روکوکو. Rococo
شیوه‌ای در معماری ناشی ازسبك باروك ولی‌ظریفتر ازآن‌است‌ودراین‌سبك از هنرچین تقلیدشده است.

رومانتیسم Romantisme
شیوه‌ای‌در نقاشی که‌اساس‌آن‌احتراز ازشکلهاوقواعدنقاشی‌کلاسیك وپرداختن به عواطف انسانی است وسوژه‌های آن اغلب موضوعهای‌ساده وشکلهای ابتدایی زندگی است .

سورامپرسیون Surimpression
از شیوه‌های نقاشی‌گروه مکتب امپرسیون .



در فیلم متروپلیس تابلویی به‌شیوه سوراِمپرسیون

سورآلیسم Surréalisme

از شیوه‌های نقاشی که‌اساس‌آن، نشان دادن خصوصیت‌های باطنی است .



تابلوی قصاب‌خوب اثرپیکاسو در سورآلیسم

سیلوئت Silhouette

تصویری معمولا سیاه ازدوره‌ی‌یك شیٔ، خاصه نیمرخ سرانسان‌که احیاناً ممکن است‌بعضی خطوط‌اضافی‌سفید‌برای تسهیل تجسم شیٔ داشته باشد ، وتوسعاً، نقاشی‌بارنگ‌یکنواخت، که‌فقط کناره‌های آن از زمینه تمایزدارد .

فرسنگ .

نقاشیها با رنگهای‌خیس خوردهٔ آهکی .

فوتوریسم .

شیوه‌ای درنقاشی‌که اساس‌آن‌توجه به سرنوشت‌آیندهٔ بشری است ، بانی‌این مکتب **ماری‌تنی** است .

فویسم .

شیوه‌ای در نقاشی است‌که‌اساس‌آن توجه به‌آزادی‌وحشی و بی‌بندوباری‌است وجه‌تصمیه این سبك‌نیز همین‌است، بانی این‌سبك‌پل‌**گوگن** نقاش فرانسوی است.

کاریکاتور .

نوعی نقاشی‌که نقاش در تهیهٔ‌آن ، دقایق مشخص قیافهٔ اشخاص رابارزتر و بزرگتر ترسیم کرده‌که نقاشی‌صورت ، خنده‌آوری پیدا می‌کند.

کاریکاتوریست .

نقاشی شیوهٔ‌کاریکاتوری .

کلاسیسم. Classisme

شیوه‌ای‌در نقاشی‌که اساس‌آن‌تمایز صورتها و اشکال شخصیت‌های مذهبی از مردم عادی است .

کوبیسم . Cubisme

سبکی از نقاشی که اساس آن به اعتقادی توجه به‌زمان نسبی نیزمی‌باشد، این‌سبك‌منحصراً‌جنبه‌های‌علمی‌واختصاصی دارد .

گونه سازی .

چهره‌پردازی و صورت کشیدن در نقاشی است .

مدل .

نمونهٔ نقاشی .

مینیاتور .

شیوه‌ای در نقاشی، باظرافت خاص ویژهٔ مشرق زمین .

مینیاتوریست.

نقاش به شیوه مینیاتور.

ناتورالیسم Naturalisme

شیوه‌ای از نقاشی برپایهٔ تقلید از طبیعت .

هاشور .

شیوه‌ای در نقاشی برای‌نمایاندن سایه و روشن تصویرها .

نقاشان ، قلمدان سازان ، معماران، حجاران، منبت‌کاران، مذهبان، مینیاتورسازان، گوبلن‌ـ بافان ، کاشی کاران ایران

آشتیانی ، دکتر اسماعیل.
(متولد ۱۲۷۱ ش)

نقاش و استاد نقاشی،شاگردکمال‌ـ الملك وفارغ‌التحصیل دارالفنون‌واستاد دانشگاه (در هنرهای‌زیبا) ، ازکارهای معروفش: **استاد وخودش ، قهوخانه و خواب درویش** است .

آقا احمد .

نقاشی‌دورهٔ‌قاجاریه، فرزندآقانجف اصفهانی است .

آقا زمان .

نقاش و قلمدان ساز عصرمحمد شاه قاجار بود ،که **یاصاحب‌الزمان** امضاء می‌کرد .

آقاصادق .

نقاش و قلمدان ساز معروف دورهٔ قاجاریه (فتحعلیشاه و ناصرالدین‌شاه) ، است‌که **یاصادق‌الوعد** امضاءمی‌کرد.

آقا صادق سبك‌صفویه را با سبك اروپایی مخلوط می‌کرد .

آقا محمد جعفر .

نقاش دورهٔ‌قاجاریه، فرزندآقانجف اصفهانی است .

آقا محمدکاظم .

نقاش دورهٔ قاجاریه، پسرآقا نجف اصفهانی است .

آقانجف اصفهانی .



امیرخسرو دهلوی

نقاش وقلمدان ساز بزرگ دورهٔ‌قاجاریه فرزند**آقابابا** نقاش است. آقا نجف اغلب‌کارهای خودرا به ظل‌السلطان (پسر ناصرـ الدین‌شاه) تقدیم می‌کرد ، فرزندان و نوه‌های آقانجف از هنرمندان بوده‌اند. سبك‌کار او مخلوطی از نقاشی ایران و اروپا بوده‌است، تصویر بالا ازکارهای او است .

آقا میرك‌اصفهانی.
(قرن دهم هجری)

استاد نقاش وقلمدان ساز ، معاصر شاه‌طهماسب‌اول، شاگردبهزاد بوده‌است.

ابوالحسن‌معمار، استاد.

از هنرمندان قرن‌ششم‌هجری و از باقیماندهٔ‌آثار وی بنای«رباط شرف»در خراسان نزدیك‌رامشهد به سرخس‌است است‌که از ابنیهٔ بسیار زیبای دوران سلجوقی ودارای‌آجرکاری وگچ بریهای عالی‌است‌که‌به‌سال ۴۹ به‌نام سلطان‌سنجر بنای‌آن پایان‌یافته‌است.

کتیبهٔ‌آن به‌خط‌کوفی ابومنصور اسعدبن محمدطرایفی سرخسی است.

ابوزید کاشانی .

ازهنرمندان کاشی کارنیمهٔ دوم‌قرن ششم و نیمهٔ اول قرن‌هفتم‌هجری وازآثار

هنری ،کاشیهای زیبای کتیبه‌ها و محراب حرم مطهرحضرت امام رضا(ع) در مشهد موجود است که تاریخ ۶۰۱ دارد . و نیز درموزهٔ اسلامی قاهره یك‌مجموعهٔ کاشی تاریخ ۶۰۹ دارد . کاشی طلایی ستاره‌شکل تصویردار با تاریخ ۶۰۰ از آثار این هنرمند نگاهداری می‌شود.

ابی‌طاهر، محمدبن.

(قرن ۶ ﻫ ق)

کاشی ساز معاصر سلطان محمد خوارزمشاه که کارهایش در حرم حضرت معصومه، (با تاریخ ۶۰۲) وحرم امام رضا (با تاریخ ۶۱۲) دیده‌می‌شود.

ابی‌طاهر، علی بن‌محمد.

(قرن ۷ ﻫ ق)

کاشی کار که آثارش درمحراب امامزاده یحیی(ورامین)(با تاریخ ۶۶۳ﻫ ق) بوده که به‌آمریکا منتقل‌شدو کتیبه‌ای نیز ازاو با تاریخ ۷۰۹ هجری درموزهٔ بریتانیا است.

ابی‌طاهر ، یوسف بن‌علی بن محمد .

(قرن هشتم‌هجری قمری)

کاشی‌کاروازآثارش‌درمحراب امامزاده علی بن جعفر(درقم) بودکه به‌موزهٔ‌ایران باستان‌منتقل شد وکتیبهٔ‌جالبی از او با تاریخ ۷۱۰هجری درموزهٔ اسلامی‌قاهره می‌باشد .

اشرف، علی.

علی‌اشرف را به‌بینید.

امامی، سیداحمد.

(فوت ۱۳۱۹ ش)

هنرمند منبت‌کار و کنده‌کار (روی



عاج) بودکه سبك وی تازه و جالب بود و ۴۰ سال درکارمنبت کاری عمر گذرانید.

امینی ، جمشید .

(متولد ۱۲۸۲ ش)



هنرمند گوبلن‌باف یگانهٔ‌ایران، که در هنرستان هنرهای‌زیبای کشوراستاد منحصر بفرد این‌فن‌است، تمثال رضاشاه‌کبیر ،که امروزه در موزه است، به ۲۵۰۰۰۰۰ ریال‌ارزیابی‌شده‌وکارهای او اغلب به‌عنوان بهترین‌هدیه به‌رؤسای دولتهای خارجی‌داده می‌شود .

بابا میرزا .

(قرن ۱۲)

جلدساز معروف که جلدهای روغنی عالی‌ساخته است ونمونهٔ‌آن در کتابخانهٔ سلطنتی به‌تاریخ ۱۲۰۶ ﻫ ق.می‌باشد .

بهادری ، عیسی. (معاصر)

خاتمساز‌معروف ایران که درخاتم‌سازی تحولی‌ایجاد کرد و خاتمکاری‌رااز شکل هندسی‌بیرون‌برد وشاهکارش‌میزی بودکه به ایزنهاورداده‌شد .

بهرامی، محمد .

(متولد ۱۳۰۵ ش)

در حین تحصیلات متوسطه‌به نقاشی می‌پرداخت وپس ازپایان این‌دوره به دانشکدهٔ‌هنرهای‌زیبا واردشدورشتهٔ‌نقاشی راگذراند پس ازآن در سازمان هنری پارس‌خدمت‌هنری‌خودرا باتربیت‌شاگردان آغازکرد .

تابلوهای‌فراوانی‌باالهام ازشاهنامهٔ فردوسی ساخته است وتابلوی‌کابوس او مشهور است.

بهزاد ، استادحسین .

(متولد ۱۲۷۳ ﻫ)

مینیاتورساز معروف ایرانی است ، **برآوردن رستم‌بیژن را ازچاه، صفی‌الدین ارموی** ، رودکی و بسیاری از صحنه‌های شاهنامه‌ازکارهای اواست.

بهزاد هراتی، کمال‌الدین .

(فوت ۹۴۲ ﻫ ق)

نقاشی‌معروف،دردربارسلطان حسین میرزا در خراسان بود ،که سپس همراه شاه‌اسماعیل‌صفوی به‌تبریزآمد،او نخستین نقاشی است که بعد ازتسلط‌مغول به‌شیوهٔ ایرانیان‌نقاشی‌کرد ، بهزاد، مدتی‌رییس کتابخانهٔ شاهی در تبریزبود ، خواجه عبدالعزیز ، استاد مظفرعلی‌ازشاگردان او هستند ، قبر بهزاد در **باغ شیخ‌کمال** تبریزجنب مزارشیخ است.

تجویدی ، محمد .

(متولد ۱۳۰۳ ش)

نقاش معاصر ، درخانواده‌ای نقاش پا به‌عرصهٔ وجودگذاشت،تحصیلات‌خود را در هنرستان‌هنرهای‌زیبا پایان‌داد، و اکنون به‌تدریس درآنجا مشغول است و آثار فراوانی ساخته است.

حسین معمار،استاد.

(قرن ۱۰ ﻫ ق)

از استادان هنرمند وازآثار وی ساختمان‌بقعهٔ «هارون‌ولایت» در اصفهان است که به امرشاه اسمعیل اول‌صفوی، در تاریخ ۹۱۸ بنای‌آن‌را به‌پایان‌رسانیده‌است.

حیدریان، استادعلی‌محمد .

(متولد ۱۲۷۵ش)



نقاش‌و موسیقی دان معاصر،شاگرد کمال‌الملك‌و استاددانشکدهٔ هنرهای زیبای‌تهران است.استاد حیدریان‌بیشتر در زمینهٔ صورت‌سازی کارمی‌کند ، تابلوی‌تصویر مهندس بغایری وظهیرالدوله وفروغی ازکارهای معروف اواست .

خلیل گلریز. (معاصر)

استاد خاتمساز ازمردم‌شیرازکه به کمك ۶۰ تن درزمان رضاشاه‌کبیردرکاخ مرمر اطاقی‌را سراسر خاتمکاری‌کرده وکلیهٔ وسایل‌آن‌را ازخاتم ساختند.

درودی ، علی .

(متولد ۱۲۵۹ ش)



تذهیب کار ونقاش‌معروف از مردم طالقان‌است، که‌مدتهادر مدرسهٔ‌صنایع مستظرفه مشغول کار

بوده است .

راضی اصفهانی.

از شعرای ایران وازمردم اصفهان می‌باشد اوعلاوه برشعر درهنر **نقاشی** نیز استادی چیره‌دست ونامی به‌شمار می‌رفت و به (زمانای نقاش) شهرت‌داشت. اودر سال ۱۱۱۲ ق،درقیدحیات بود.

راوندی .

(تولد۵۵۵یا ۵۵۰ هق)

نجم‌الدین‌محمدبن علی‌بن‌سلیمان‌بن محمدبن احمدبن حسین‌بن همة مکنی به ابوبکرمؤلف‌کتاب راحة‌الصدور می‌باشد وی مردی‌فاضل‌ودانشمند شاعرونویسنده بود **درحسن خط** بی‌بدیل وبه‌قـول‌خود هفتادگونه خط‌ضبط‌کرده ودرعمل‌تذهیب ونقاشی مصحف‌کاری استادبوده‌است.

رخساز، علی.

(متولد ۱۲۸۰ ش)



موزاییک‌ساز هنرمندمعاصر، فارغ‌التحصیل مدرسهٔ کمال‌الملک‌است و تاکنون۶ **تابلوی‌موزاییک** وچندتابلوی کاشیکاری ساخته‌است تابلوهای موزاییک گاوبالدار، کاشیکاری خیام و تابلوی موزاییک مقبرهٔ سعدی اوشهرت‌بیشتر دارند .

رسام.

نام‌نقاشی،معاصربهرام‌گوربود.

رشید تبریزی .

(وفات۱۰۸۱ ه ق)

از تبریزیان‌عباس‌آباداصفهان است که در**زرگری و میناکاری** بی‌نظیر ودر شعر به‌اعتقادخود بی‌قرین‌است.

رضا مصور عباسی.

عباسی را به‌بینید .

روحانی شیرازی .

(تولد ۱۲۵۷ ه ق)

میرزاعلی‌بن‌میرعبدالوهاب‌یزدانی- ابن‌وصال شیرازی درشیراز به‌دنیاآمد. وی در خط **وادب** و**نقاشی** ماهـر بود .

دوبار به‌هندوستان سفرکرد وسفر- نامه‌ای نوشت وکتاب‌بینوایان هوگـورا به نظم درآورد .

ساعی .

(وفات ۱۰۰۴ ه ق)

تخلص مصطفی از شاعران‌عثمانی‌در قرن دهم هجری است. وی‌ازمردم‌عثمانی بود ودر**نقاشی** مهارت‌بسزا داشت .

زاویه ، محمدعلی .

نقاش ومینیاتور ساز، معاصرشاگرد علی درودی‌است.

سراج حکاك.

(وفات ۱۰۸۹ ه.ق)

اسم‌اوسراج‌الدین‌که به‌سراجای**حکاك** مشهور است . درصنعت حکاکـی خاتم مهارت‌خاص داشت .

سعیدا ، بی‌بدیل‌خان.

شاعران ایران‌را به‌بینید.

سلطان محمد .

(قرن ۱۰ ه ق)

نقاش ومذهب‌ایرانی‌معاصربااواخر دورهٔ سلطان‌حسین‌بایقراوعهدشاه‌اسماعیل اول وشاه طهماسب‌اول‌واستادنقاشی‌پادشاه اخیر بود . وی مردی مبتکر و دارای تخیلی عجیب‌بود. گویند برای امیرعلی شیر ساعتی بزرگ بساخت که درسر هر ساعت هیکلی ازبالای‌آن بیرون‌می‌آمدو باچوبی‌که دردست داشت به‌تعدادساعات گذشته ضربـاتی به نقارهٔ بـالای ساعت می‌نواخت .

شجاع اصفهانی، استاد.

حاجی‌شجاع‌بن استاد قاسم‌اصفهانی، ازمعماران‌قرن‌یازدهم و ازآثار وی‌یکی حیاط‌گوشهٔ جنوب‌غربی‌مسجدشاه اصفهان است‌که به امرشاه سلیمان‌صفوی‌به‌تاریخ ۱۰۷۸ بنای‌آن را به‌پایان رسانـیده و کتیبهٔ آن به‌خط زیبای «محمـد رضای امامی»است .

دیگر بنای‌مصلی در امتدادپـایین خیابان مشهد است‌که تاریخ اتمام‌بـنای آن سال ۱۰۸۷ وکتیبهٔ‌آن به‌خط«محمد حسین‌بن‌عنایت‌الله»می‌باشد.

شفیع ، عباس‌بن رضاعباسی .

(نیمهٔ دوم قرن ۱۱)

نقاش معروف دورهٔ شاه عباس دوم است .

شمس‌الدین ، استاد .

(قرن‌دهم هجری)

از هنرمندان‌کاشی‌تراش و از آثار وی‌تزیینات‌ایوان جبههٔ‌جنوبی‌مسجدجامع اصفهان‌است‌که در زمان‌شاه طهماسب‌اول صفوی‌به اهتمام‌بانوی نیکوکار آغاسلطان به دست این‌هنرمند انجام‌شده است.

شمس‌الدین محمد ، استاد.

(قرن دهم هجری)

از معماران زبردست وازآثار وی بنای سردرقطبیه دراصفهان‌است‌که‌به‌امر شاه طهماسب اول صفوی ، به‌تاریخ۹۵۰ ساختمان‌آن‌رابه‌پایان‌رسانیده‌است، کتیبهٔ این بنا به خط زیبای ابوسعید امـامی است .

شیخ، حسین.

(متولد ۱۲۷۹ ه ق)



نقاش‌معروف معاصر،شاگرد کمال‌الملك، تابلوهای‌وی بیشتـر در کاخـهـای سـلطنتـی نگهـداری می‌شود .

از آثـار معروف او: هفت‌سین، سقا وطبیب‌ومریض است .

شیخ‌زاده.

(قرن ۱۰ ه‌ق)

نقاش و مینیاتـور سازایرانی. وی شاگرد بهزاد بود.

صادقی‌کتابدار .

نویسندگان‌ایرانی را به‌بینید.

صادقی بیك‌افشا .

(فوت ۱۰۱۸ه ق)

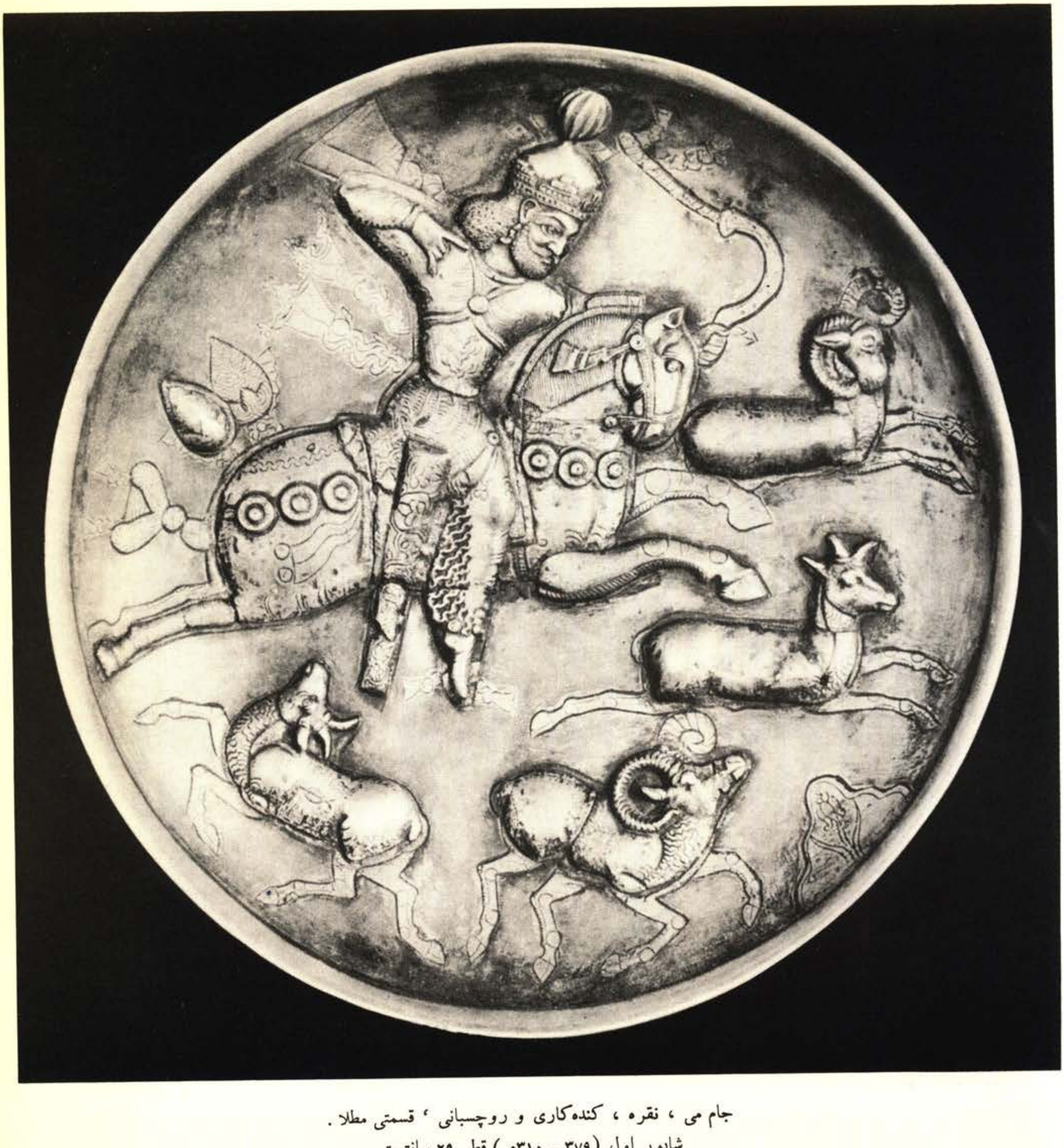
نقاش و شاعری از ایل خدابنده‌لو که زمانی کتابدار سلطنتی بود ، و در آغاز سلطنت‌شاه‌عباس‌کبیر مقرب درگاه بود ولی سرانجام علیرضا عباسی جای‌او راگرفت .

صدیقی، ابوالحسن.

(متولد ۱۲۷۶ م)



مجسمه‌ساز، معـروف معاصر،شاگرد کمال‌الملك، کـه از سال ۱۳۰۷ برای مدت۴ سال‌به پاریس‌رفت و به‌تکمیل اطلاعـات خود پرداخت و ازآن‌پس در ایران به



جام می ، نقره ، کنده‌کاری و روچسبانی ، قسمتی مطلا .
شاپور اول (۳۷۹ - ۳۱۰م.) قطر ۲۹ سانتیمتر
مجموعهٔ بانو کوراتیمکن برنت



لیوان، سفال منقش ، شِوش ، دورهٔ اول، ۳۵۰۰ ق.م. ـ بلندی ۲۴ سانتیمتر
موزهٔ علمی بافالو

خلق‌آثار ارزنده مشغول است،ازکارهای مهم ایشان : مجسمهٔ رضاشاه ، (در بانک ملی) ، مجسمهٔ نادرشاه افشار (جلوی مقبره‌اش در مشهد) ، مجسمهٔ عدالت(در سالن‌دادگاه‌جنایی)،مجسمهٔ‌سعدی‌وابن‌سینا و فردوسی و بسیاری دیگر است .

صنیع‌الملك، میرزا ابوالحسن.
(۱۲۸۳-۱۲۲۹ هق)



نقاش‌معروف عصرقاجاریه وعموی‌کمال‌الملك است که تحصیل نقاشی رادر ایتالیا به‌پایان رسانید، و مورد تشویق محمد شاه و ناصرالدین‌شاه قرارگرفته بود، درسال ۱۲۷۷هق، رییس چاپخانهٔ دولتی‌شد، و درنامهٔ دولتی اغلب‌نمونهٔ کارهای اورا نشرمی‌دادند،درسال۱۲۷۸ به‌صنیع‌الملك ملقب شد .

صنیع‌الملك درسال ۱۲۷۹ به‌یك قطعه نشان و حمایل مفتخر شد ؛ از آثار او: صف‌سلام ناصرالدین‌شاه‌است که از محل‌اصلی به موزهٔ‌ایران‌باستان‌منتقل شده است .

صنیع خاتم ، محمدحسین .
(۱۳۳۱-۱۲۶۲ هش)

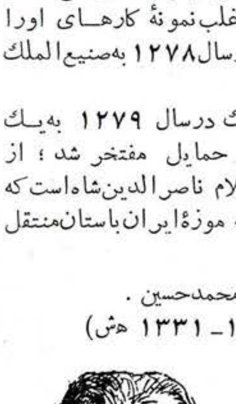


خاتم‌ساز، در خانواده‌ای خاتم ساز متولدشد و خود ازسال ۱۳۱۰ه ش. تاپایان‌عمر سمت‌استادی خاتم سازی در ادارهٔ هنرهای زیبای‌کشور را داشت . ازآثار مهم اوتالارخاتم‌کاری کاخ مرمر است (به‌طول ۸متر وعرض ۶ متر) . دیوارها وسقف واثاثهٔ این‌تالار همه‌ازخاتم‌عالی ساخته‌شده. وی‌در۱۳۳۶ ه ق. به‌امین‌الصنایع ملقب گردید و علاوه‌بر مهارت در خاتم سازی ، خطوط شکسته ونستعلیق راخوب می‌نوشته و گاه شعر نیز می‌سروده‌است . صنیع‌خاتم‌در روز ۲۹ آذرماه ۱۳۳۱دراثر تصادف با دوچرخه‌درشیرازدچارخونریزی‌مغزی‌شد ودرگذشت .

صنیع دیوان.

حاج محمدصنیع خاتم، برادر محمد حسین وازخاتم‌سازان معروف‌معاصراست. وقت این هنرمند بیشتر صرف تعمیر صندوقهای مزارائمه‌می‌شود.

صنیع زاده ، شکرالله .
(متولد ۱۲۸۵ ش)



میناساز و میناتور سازمعروف معاصرفرزند عبدالمحمود نقاش ازمردم اصفهان‌است ازکارهای معروفش سردری‌برای آستانهٔ حضرت رضااست .

صنیع‌زاده نوهٔ دختری‌صنیع‌همایون ونوهٔ پسری‌آقانجفی‌است .

صنیع همایون : عبدالحسین .
(فوت ۱۳۴۰ ه ق)

نقاش ومینیاتورساز دورهٔ‌قاجاریه، فرزندآقامحمدکاظم‌است ، وآقای‌شکرالله صنیع‌زاده نوهٔ دختری‌اواست .

عباسی، رضا .
(از۹۷۴ - ۱۰۴۴ ه .ق)

مشهور به‌آقارضا عباسی‌پسرعلی‌اصغر کاشی‌نقاش معروف‌زمان شاه عباس‌بزرگ است که‌ازطرف شاه‌عباس ملقب‌به **عباسی** شد . ویکی‌از ماهرترین و استادترین نقاشان عهدخودبود چه‌درزمان شاه‌عباس مراودات بازرگانی‌ایران واروپا بسیار خوب‌بود.نمونه‌هایی از نقاشیهای اروپا منجمله‌ایتالیادربازار اصفهان‌رواج‌داشت وازاین راه ذوق‌نقاشی وتشویق نقاشان درشاه عباس تقویت‌شد . میرزارضابعلت تماس‌مستقیم بامردم‌توانست آثارباارزشی که ترجمان روحیات‌مردم زمان‌خود بودبوجودآورد. ازآثاراو دربسیاری‌از موزه‌های معتبر اروپا موجود است .

علی اشرف .
(متولد درحدود۱۱۲۰ ه ق)

نقاش گل‌وبوته سازوصورت ساز، مبتکر شیوه‌ای خاص بود،آثار فراوانی ازاوباقی است .

علی‌اکبراصفهانی ، استاد .
(قرن ۱۱ ه ق)

ازمعماران چابك‌دست ایران‌واز آثار وی‌ساختمان مسجدشاه اصفهان‌است که‌بنای‌آن‌را به‌سال۱۰۲۵ بپایان‌رسانیده است .

ازنفایس‌آثار هنرهای ظریفهٔ این مسجد کتیبه‌های‌آن است‌که به‌خطهنرمند شهیرعلیرضای‌عباسی وعبدالباقی‌تبریزی می‌باشد .

علی اکبرحجار . استاد
(قرن ۱۳ه ق)

هنرمند حجاردورهٔ قاجاریه(ناصرالدین شاه) است‌که اثرمعروفش‌مجسمهٔ ناصرالدین شاه سواربراسب بودکه در باغ‌شاه‌قرار داشت،درآغازسلطنت رضاشاه‌کبیر به‌دستور سرلشکر بوذرجمهری ازجای‌برداشته شد، از کارهای دیگر او صورتهای دورسنگ قبر ناصرالدین‌شاه است .

علیرضاتبریزی .
(قرن۱۱ه ق)

علیرضا، نقاش‌وباخطاط‌مشهوردورهٔ صفویه است .

علیقلی ماهر .
(قرن ۱۱ ه ق)

اردبیلی تبریزی دامغانی متخلص به‌ماهر.وی‌شاعر **ونقاش‌وخطاط** بزرگ است،دیوانی نیزدارد .

علی‌گچ‌بر ، استاد .

مسجد فرومد در ناحیهٔ جاجرم خراسان ازابنیهٔ تاریخی قرن‌ششم دارای آجرکاری وگچ‌بریهای‌متنوع عالی‌است که ازآثارزیبای این هنرمند می‌باشد .

غفاری ، ابوالحسن .

صنیع‌الملك رابه بینید

غفاری، محمد .

کمال‌الملك رابه‌بینید .

فهمی .

تخلص سلطان محمدخدابنده پسر شاه‌طهماسب صفوی است. وی‌درفن‌**نقاشی** و**موسیقی‌مهارت** داشت.

قاسم شیرازی .

شاعران‌ایران رابه‌بینید .

قوام‌الدین شیرازی .
(متوفی به‌سال۸۴۴)

معمارمعروف قرن نهم وازآثار جاویدان وی بنای تاریخی زیبای مسجد گوهرشاد درجوارمرقد حضرت امام رضا درمشهداست، که‌تاریخ ۸۲۱ه ق دارد .

و نیز احتمالا مسجد «تایباد» خراسان از بناهای وی می‌باشد .

ومدرسهٔ غیاثیه درخارگردخراسان هم ازساختمانهای اواست که بنای آن‌را شروع کرده ودرتاریخ ۸۴۸ به‌دستیاری شاگرد خوداواستاد غیاث‌الدین شیرازی و به‌نام وی به‌اتمام رسیده‌است .

کاتبی ، میرعلی .

میرعلی را به بینید .

کریمی، علی.

نقاش‌ومینیاتورسازمعاصر،شاگرد علی درودی‌است .

کمال‌الملك ، محمدغفاری .

(فوت ۱۳۱۹ ه ش)



استادمحمد غفاری(کمال الملك)، استاد کامل نقاشی ازمردم‌کاشان است، کمال‌الملك فرزند میرزابزرگ در جوانی‌به تهران‌آمد، دورهٔدارالفنون راپایان رسانید به تشویق ناصرالدین شاه به‌اروپا رفت . وبه مطالعهٔ نقاشی پرداخت، سپس به‌عراق‌سفرکرده به‌ایران مراجعت‌نمود. در سال ۱۳۰۷ به‌نیشابور سفر کرد و کنج انزوا گزید، وپس از۹۳سال‌زندگی بدرود حیات‌گفت . **تالارآیینه** ازشاهکارهای اواست .

مقبرهٔ استاد درنیشابور در جوار مقبرهٔ شیخ عطاراست .

لامعی .

(فوت ۹۳۸ ه ق)

محمودبن عثمان‌بن علی ازنقاشان دورهٔ امیرتیمور گورکانی‌است‌که به‌امر وی به‌ماوراءالنهر رفت وپس ازآموزش نقاشی به‌خدمت اوبرگشت .

لطفعلی شیرازی .

نقاش وقلمدان ساز دورهٔقارجاریه، جد دکترصورتگر است .

مانی .

پیامبران را به‌بینید .

محمد، استاد .

(قرن نهم)

محمدبن غدیرمعروف، به‌آجرتراش ازمعماران چیره‌دست وازآثار وی‌بنام «درب امام» اصفهان‌است‌که اززیباترین آثارهنری قرن‌نهم می‌باشد ولی‌درزمان شاه سلطان‌حسین صفوی تعمیرات‌بسیاری درآن شده‌است .

کتیبه‌های این‌بنا به‌خط «محمدرضا امامی»و«علی‌نقی‌امامی»و«عبدالرحیم»است.

محمدرضا ، استاد .

محمدرضابن حسین ، معماراصفهانی ازبردست ترین هنرمندان قرن‌دهم و یازدهم‌ایران‌واثرجاویدان وی‌بنای‌مسجد شیخ‌لطف‌الله‌زیباترین بنای‌تاریخی‌اسلامی جهان است که‌در زمان سلطنت شاه‌عباس بزرگ‌صفوی، به‌دست این‌هنرمند ازسال ۱۰۱۲ تا۱۰۲۸ساخته‌وپرداخته‌شده‌است.

محمدطاهر حکاك .

(زنده درقرن ۱۳ ه ق)

مشهورترین‌حکاك‌عقیق دورهٔقاجاریه ازمردم اصفهان است ، این‌هنرمند در خطشاگرد رضا کلهربود وآثارش‌بسیار گرانبها است .

محمود ، استاد .

محمودبن صدرالدین نطنزی، از استادان هنرمند منبت‌کار است‌وازآثار هنری وی دری است که ابنیهٔ واقع در قسمت‌غربی«گنبدخواجه‌نظام‌الملك»رادر مسجدجامع‌اصفهان به‌خارج‌مربوط‌می‌سازد.

محمودخان‌صبا، ملك‌الشعرا .

(۱۲۲۸-۱۳۱۱ه ق)

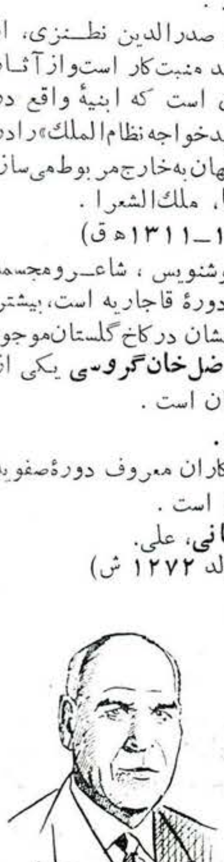
نقاش ، خوشنویس ، شاعروحجسمه ساز ایرانی دردورهٔ قاجاریه است،بیشتر کارهای هنری‌ایشان درکاخ‌گلستان‌موجود است، تصویر **فاضل‌خان‌گروسی** یکی از شاهکارهای ایشان است .

محمود مذهب .

ازتذهیب‌کاران معروف دورهٔصفویه وازمردم بخارا است .

مختاری گلپایگانی، علی.

(متولد ۱۲۷۲ ش)



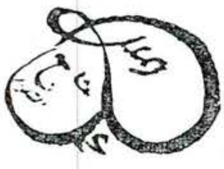
استادمنبت‌کارمعاصر است ، این فن‌را ازاستاد مشهدی‌حیدر گلپایگانی آموخت‌ودر مدرسهٔ کمال الملك به تکمیل‌اطلاعات خود پرداخت و به فتوای استاد کمال‌الملك به‌تعلیم منبت‌کاری درهمان‌مدرسه پرداخت، درضمن آثار باارزشی راخلق کرد که‌ازآن‌جمله:ساخت‌مجسمه‌های‌چوبی درهای‌کاخ مرمر، مجسمه‌های درهای‌کاخ سعدآباد،شبیه‌کمال‌الملك،مستوفی‌الممالك، سرلشکر امیرطهماسبی، وساغرچوبی (به تقلید از ساغر طلای هخامنشی) .

مصورالملکی. حسین.

(متولد ۱۲۶۹ ش)



نقاش معروف ایران که‌از سن‌یازده سالگی درکارگاه‌نقاشی پدرش‌به‌نقاشی پرداخت‌وبعد ازفوت ایشان مدتی قلمدان ساخت،سپس در سن ۳۸ سالگی به‌اروپا ومکه‌سفرکرد وبه اصفهان



مراجعت‌نمودودرآنجا به تعلیم‌پرداخت ازتابلوهای معروف ایشان، آبادی‌تخت‌جمشید، جنگ نادرشاه‌بامحمدشاه‌هندی، شکست محور وفتح متفقین است .

مظفرعلی .

(فوت ۹۹۰ه ق)

مظفرعلی‌ازنقاشان معروف وخواهرزادهٔ استاد بهزاد است که درخدمت او کسب‌این‌هنرنمود و به مرتبهٔ کمال ترقی رسید .

طراح وصورت ساز بی‌نظیربود ودر خطاطی وشطرنج نیز بغایت استاد، و گاهی‌شعر می‌گفت .

پدر مظفرعلی، حیدرعلی ، ازاهل تربت‌است ، بهمین‌جهت این‌استادهنرمند را مورخین «تربتی» نوشته‌اند امانشو و نمایش درتبریز وقزوین بوده است.

مظفرعلی نزدشاه طهماسب معزز و محترم بود، وتصاویر عمارت دولتخانه ، وچهل‌ستون این‌پادشاه درقزوین ، اکثر ازارقام زرین فام‌اوست.

فوتش درقزوین اتفاق افتاد واورا درمزار«شاهزاده‌حسین» به‌خاك‌سپرده‌اند.

مقصودکاشانی .

(قرن ۱۰ه ق)

قالی‌باف معروف دورهٔ صفوی و-

صاحب‌قالی اردبیلی که بیش‌از ۳۰ملیون گره درآن‌بکار برده.(۱۱/۵۲ + ۵/۳۴ متر)واین‌قالی‌اکنون‌درموزهٔ‌ایران‌باستان است.

مولانا حسن بغدادی .

تذهیب‌کار معروف عصرصفویه است که درعصر خود یگانه بود .

مولانا یاری .

برخی‌اصل‌اورا‌یزدی‌دانسته و بعضی اورا شیرازی‌نوشته‌اند، درنقاشی‌وتذهیب استاد مسلم‌بود .

درزمان سلطنت سلطان حسین‌میرزا بایقرا به‌خراسان‌رفت، چون بعایت با‐ استعداد بودمورد توجه واقع‌شد . امیر‐ علیشیر نوایی‌که پیوسته حامی‌هنرمندان بود اورا مشمول عنایت وتوجه قرارداد

یاری در خدمت اساتید خراسان ترقیات بسیار کرد ومقام وی درتذهیب بجایی رسید، که هیچکس درآن عهدبه پایهٔ اونبود، ونیز خط نستعلیق رابسیار شیرین وخوش می‌نوشت و شعر هم نیکو می‌سرود .

امیرعلیشیر در مجالس النفایس نوشته است : «الحق ملایاری نقشهای عجیب برروی‌کار آورد چنان‌که زبان‌قلم وقلم‌زبان‌ازتحریر وتقریرآن عاجزاست. دروادی تحریر وتذهیب ، از بی‌مثلان روزگار بود؛امادروجودوی‌سوء ادب‌ظاهر شد ومهر پادشاه واکثرامرا و وزرا را تقلید می‌کرد.»

امین احمد رازی نوشته است برای این‌کارها می‌خواستنددستش راقطع‌کنند، امیرعلیشیر وساطت‌کرد واو را برهانید گویند بالاخره مغضوب شد وبهمین‌تهمتها حکم قتل‌وی صادرگشت ، و مقررگردید که روزدیگر اورابکشند، یاری غزلی بدین مطلع ساخت :

ازقتل‌ماخواهدشدن، فرداتماشای‌دگر
چیزی‌نماند ازعمرما، ماییم‌وفردای دگر

ودگرباره مورد عفو واقع شد و استخلاص یافت .

یاری‌تااوان سلطنت‌شاه‌اسمعیل اول صفوی در قید حیات بوده وسال فوتش بدرستی معلوم‌نیست .

تذهیب‌بیشتر قطعاتی‌که مولانایاری به‌خط‌نستعلیق نگاشته ازآثارخوداوست، وشیوه‌ای خاص داردکه کمترنظیرآن‌را درآثار سایر اساتید می‌توان یافت .

مؤیدپردازی ، حسینعلی .

(متولد ۱۲۶۴ ق)

نقاش‌تهرانی، فارغ‌التحصیل دار ‐ الفنون‌است ، مدتها به‌تعلم وتعلیم‌نقاشی پرداخته وبامطبوعات همکاری داشت، راهنمای نقاشی وگلدوزی اوچاپ شده است .

میرسیدعلی .

(فوت ۹۶۷ ه ق)

فرزند«میرمصور» نقاش‌مشهوراست که هردوازنقاشان‌خراسان‌بودندومیرسید‐ علی درترمذ تولدیافته وجامع‌جمیع‌فنون بود، خاصه درنقاشی وتذهیب، درمجلس سازی‌وتصویر بسیارچابك دست وموشکاف شد. درعهدشاه طهماسب درکتابخانهٔ «همایون» کارمی‌کرد ودر سال۹۵۱ که همایون پادشاه به‌ایران‌آمد درخدمت‌وی باجمعی دیگرهنرمندان ازهرطبقه به هندوستان رفت وبه‌ملازمت این پادشاه اختصاص‌یافت،وازاین‌زمان اسلوب‌نقاشی ایرانی‌درهندوستان‌رواج‌یافت‌واین‌مکتب اساتید فراوان بوجودآورد .

میردرخدمت همایون‌پادشاه به‌خطاب «نادرالملکی» مفتخرگردید .

وچون‌همایون پادشاه وفات یافت همچنان نزد «جلال‌الدین اکبر» مقرب بود وپادشاه‌نزدوی مشق‌تصویر می‌فرمود پس‌ازپنجسال رخصت‌سفرمکه یافت ودر آنجا ازجهان درگذشت .

میرسیدعلی شعرهم‌می‌سرود و«جدایی» تخلص می‌کرد .

نادر تبریزی .

کلبعلی متخلص به نادر ازشاعران عهدصفوی است وهم نقاشی می‌کرده وهم زرگری می‌دانسته است .

نباتی تبریزی .

ازشاعران قرن‌دهم‌است.وی‌ازنقاشی ولاجوردشویی اوقات می‌گذرانده است .

نیك‌زاد، علی‌اصغر .

(متولد ۱۳۰۳ ش)

نقاش ومینیاتورساز تبریزی‌است ، وبا مطبوعات نیز در زمینهٔ کاریکاتور‐ سازی همکاری دارد.

وزیری، محسن.

(متولد ۱۳۰۵ م)

نقاش مدرن ایرانی، فارغ‌التحصیل دانشکدهٔ هنرهای زیبا است‌که مدت۱۰ سال درایتالیا به تکمیل اطلاعات خود پرداخته است .

یوسف اصفهانی .

(قرن دهم هجری) .

یوسف بن تاج‌الدین معماراصفهانی ازهنرمندان قرن‌دهم و ازآثاربنام وی زیرطاق‌بزرگ ایوان‌جنوبی مسجد جامع اصفهان‌است که‌تاریخ۹۳۸ دارد.وکتیبه‐ های نفیس آن به‌خط زیبای کمال‌الدین‐ حسین‌حافظ هروی‌وتاج‌الدین‌معلم‌اصفهانی است. قسمت دیگر همین‌ایوان ازکارهای «استاد ابراهیم بن استاد اسمعیل» بنای اصفهانی است .

میرعلی‌کاتبی .

علی‌بن احمدبن علی‌بن‌حسین‌کاتبی، ازهنرمندان کاشی‌کار نیمهٔدوم قرن‌ششم و نیمهٔ‌اول‌قرن‌هفتم‌هجری،وازآثارباقیماندهٔ وی کتیبهٔ‌نفیسی است‌که بتاریخ۷۰۵دارد ومتعلق به‌امامزاده یحیی دروزامین‌بوده است‌کهاکنون‌درموزهٔ«ارمیتاژ»لنین‌گراد نگاهداری می‌شود .

یوسفی، نصرت‌الله .

بهترین تذهیب‌کار معاصروشاگرد علی درودی است .

تابلوهای معروف

به‌ترتیب‌حروف‌الفبا



آب ، اثر: **بوگرو** .

آب تنی کنندگان ، اثر: پل **سزان**.

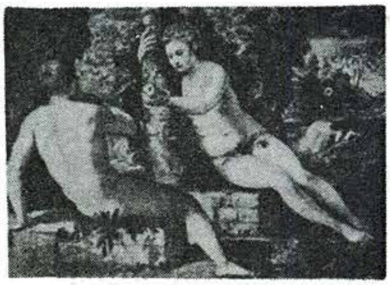
آب‌تنی‌کنندگان، اثر:اوگوست**رنوار**

آخرین‌داوری، اثر: **میکل‌آنژ** .



آخرین‌شام، اثر: لئونارد**داوینچی.**

آتش‌سوزی درشهر، اثر: **رافایل.**



آدم وحوا، اثر: **تنتوره.**

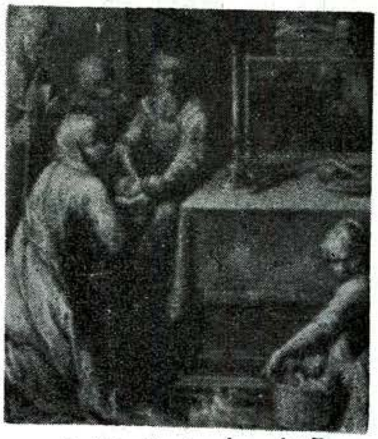


آدم وحوای رانده شده، اثر: **ماساسیو.**

آرایش، اثر: **بوتار.**

آزادی‌رهبرمردم،اثر: **دولاکروا.**

آشپزخانه، اثر: **لوت**(Lhote).



آشنایی بامعبد، اثر: **وارن.**



آغاز دوئل، اثر : **فراگونارد .**

آفرینش جهان، اثر: **میکل‌آنژ.**

آقایی درکنار رودخانه، اثر : **مایوآن .**

آلیس‌درسرزمین‌عجایباثر**شاری.**

آلین‌شادیکو، اثر:اوگوست**رنوار.**



آهنگری، اثر: ولاسکز**دوسیلوا.**

آیین‌کاتولیک، اثر: **موریس‌دنی.**

اتللو ،دزدمونا ، برابانشیو اثر : **بکر** Becker.

اتللو ودزدمونا درپیش‌فرماندار اثر : **بکر** Becker.

اثرشمارهٔ ۲۴، اثر:**فلایشمن.** Fleischman.

ازپ Esope.اثر _ **ولاسکویز.**

اسبان بزرگ‌آبی، اثر: **مارك .** «Marc»

اسبان زرد، اثر: **مارك** (Marc)

اسپاسیمو Spasimo

پردهٔ نقاشی عمل: **رافائل .**
(حضرت عیسی در زیـرثقل صلیب خویش قرار گرفته سررا به‌سوی‌مریم‌که زانو زده‌ودستها گشاده‌ودرحال تشنج‌است برگردانیده است .)

استرانتیس Stratonice عمل : **انگر :**

اسب شکم دریده؛ اثر: **پیکاسو.**

استراوینسکی، اثر: **پیکاسو.**

اسفنج،اثر:تولوز**لوترك.**

اشیاء مـاوراء طبیعـی ، اثر: **موراندی .**

اشیاء وظرف شیر،اثر : **پل‌سزان.**

اطاق صبحانه، اثر: **بوتار.**

اعلان‌دیواری برای‌کاباره ، اثـر: تولوز **لوترك .**

افصد، اثر: **راساولی .**



الهام شاعر، اثر: **نیکولای‌پوسن.**

انسان وقراول ، اثر: **شاگال .**



اوتریلو و مادربزرگش ، اثر : **والادون.**

این‌جهان برساخته ، اثر: **گرین.**
ایوان‌مخوف‌و پسرش، اثر: ایلیا **رپین.**
باباآدم‌نوین، اثر: ژرژ **مایسترمان.**
بابابزرگ ، اثر: آدلف **فینش** .
بازداشت مبلغ، اثر: ایلیا **رپین.**
بازی‌چشم‌کوری، اثر: فرانسیسکو **گویا.**
بازی خطرناک، اثر: سالوادر **دالی.**
باغ خوش، اثر، **بوش.**
باغبان زیبا ، اثر: **رافائل.**



باغهای ویلای وست، اثر: **کوره.**
بالاسوار، اثر: اوگوست **رنوار.**
بالزاک ، اثر : **پیکاسو** .
ببر، اثر: **مارک** (Marc).
بچه و اسب، اثر: **پیکاسو.**



بچه وگیلاس، اثر: **مانه.**



برخورد ، اثر : **کوربه** .



بچه‌هاکه خربزه وانگورمی‌خورند، اثر: **میرانلو.**
برج ایفل، اثر : **دلونای** (Delaunay)
برخورد، اثر: **دواسمت**(de Smet)
برخورد، اثر: **پیکاسو.**
برفراز شهر، اثر: **شاگال** .

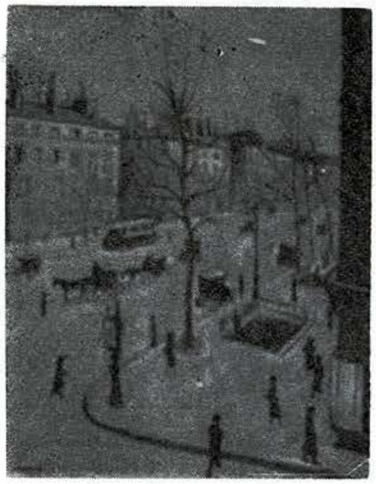


برهنه ، اثر: **پاسن.**
برهنه ، اثر : ماکس **بکمان.**
برهنه‌ایستاده، اثر: **پیکاسو.**
برهنه درروشنایی، اثر: اوگوست **رنوار** .
برهنه نشسته ، اثر : **مودیلیانی.** (Modilinani)
بز، اثر: **پیکاسو.**
بسوی بالا، اثر: پل **کله** .
بقراط وفرستادهٔ اردشیر، تصویر اثر: **ژیرده.**

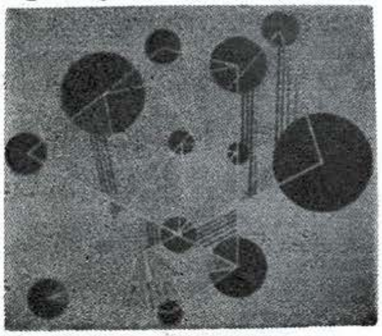


بندردیپ، اثر : **فری نیر.**

بندرقدیم مارسی، اثر **مارکه.** (Marquet)
بوستان ، اثر: **پیسارو**(Pissaro).



بولوارمادلن ، اثر: **مارکه** .
بهار ، اثر: **لیپ‌شیتسز.**
بهار، اثر: **بوتی‌چلی.**
بهاردره، اثر : **وود.**
بی‌صبری ، اثر: **گوگن** .
بی‌صبری، اثر: **آرشیل گورکی.**



بی فکر مردد، اثر: **کاندینسکی.**
پارک‌درکناردریاچه ، اثر: پل **کله.**
پارکها Les parques
نام **پردهٔ نقاشی** از **میکلانژ** که در تالار فلورانس است.



پاریس بدست‌سپاهیان عبدالقادر، اثر : **هوراس.**

پاریس وهلن اثر: داوید.



پرستش شبانان، اثر: فیورانزودی.

پرستش چوپانان، اثر: جیوگیونه.



پرستش مغان عیسی را، اثر: دورر.

پرنده، اثر: هنری مور.

پسر نقاش در دوسالگی، اثر: پیکاسو.

پسری که اسبی را راه می برد، اثر: پیکاسو.



پستانها و گلهای قرمز، اثر: گوگن.



پل، اثر: تئودور روسو.
پل وست مینیستر، اثر: آندره درن.
پنجره بسوی پارک، اثر: آندره درن.
پیامبر، اثر: امیل نولده.
پیری گیوم تل، اثر: سالودور دالی.
پیش از رفتن به روی صحنه، اثر: کامیل بومبوا.
پیش تاز، اثر: رنه مارگریت.
پیکاسو، اثر: گری.
پیکرهٔ ونوس، اثر: پراکسی تل.
پیک عریان، اثر: گوگن.
پینسکی، اثر: سرتوماس لاورنس.



پیه‌رو، اثر: گری.
تاب، اثر: اوگوست رنوار.

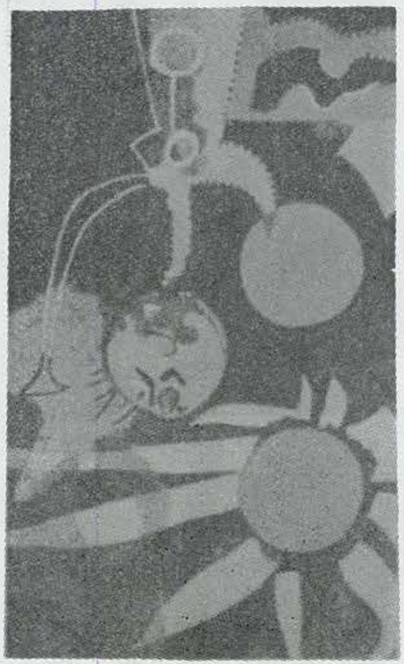


تاجگذاری حضرت مریم، اثر: پولئولو.

تحت الحفظ، اثر: ایلیا رپین.
ترکیب، اثر: هنری مور.
ترکیب ساختمانی، اثر: ژوزف آلبر.
تسخیر فضا، اثر: دولافرنه.
تسلیم بردا، اثر، ولاسکوئز.
تصلیب، اثر: فرانسیس باکون.



تصویر، اثر: ماسون.



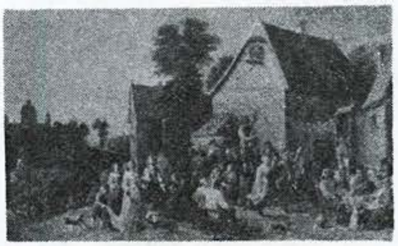
تصویر دردریا، اثر: میرو.
تصویری از کتاب شاهکار های ناشناختهٔ بالزاک، اثر: پیکاسو.
تنهایی، اثر: شاگال.



تصویر زن؛ اثر: **کوسکا** .
تنیس ، اثر: ویلیام **بومایستر**.
توپ وعروسك ، اثر: پل **کله** .
توتم، اثر: جاکسون **پالاك** .
تولدونوس، اثر: **بوتی‌چلی**
تیسیوس و مینیوس ، اثر : **اوفرانیوس** .
جاده، اثر: **پیسارو** (Pissaro)
جاده‌بازبورو ، اثر: کلود **مونه**.
جادهٔ گورستان‌آرال اثر: **گوگن**.
جشن ۱۴ ژوییه، اثر: رایول **دوفی**.
جشن ۱۴ ژوییه ، اثر: **وان‌گوگ**.



جغد، اثر: **پیکاسو**.
جنگ، اثر :**هانری‌روسو**.



جمعه‌بازار: داوید **اول** .
جنگل، اثر: ویلفردو **لام**.
جنگ، اثر: جاکسون **پالاك** .
جنگ، اثر: ادوارد **پین‌ین**.
جنگ‌ماهیان، اثر: آندره **ماسون**.
چابك سوار بزرگ، اثر: رایول **دوفی** .
چترباز، اثر: اوگوست **رنوار** .
چشمهٔ بی‌گناهان: ژان **گوژن**.
چوپان بی‌ایمان: اثر: پی‌تر **بروگل**.



حامل صلیب، اثر : **بوش** .
حومه‌شهری‌مجنون، اثر: سالوادور **دالی**.
خانواده، اثر: **پیکاسو**.
خانهٔ آنورس، اثر : **وان‌گوگ**.



خانه بدار آویخته ، اثر: **سزان**.



خدمهٔ حرم درحال‌خواب، اثر: **ماتین**
خروج‌ازمدرسه، اثر: **نوبار**.
خروس؛ اثر: پی‌یر **نال‌کوت**.
خروس، اثر: **پیکاسو**.

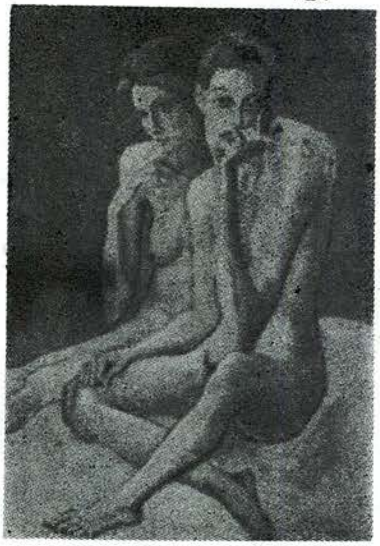


خطابهٔ سنت‌پی‌یر، اثر: **ماسولینو**.

خطوط سفید ، **پریر** .
خوشی زندگی ،اثر: هانری **ماتیس**
دالی وگالا، اثر: سالوادور **دالی** .
دامن‌سبز، لوسین **کوتو**
دانته ویرژیل ، اثر: **دولاکروا**.
دانشجوی‌سیر، اثر: لویی **پرون** .
دختر جوان و شمع ، اثر: **ژرژ ــ دولاتور** .



دخترجوان، اثر: **نچر**.
دخترك آبی‌پوش، اثر: **مودیلیانی**. Modilinani .
دخترکتاب‌خوان، اثر: **ماتیس** .
دختر وگلدان، اثر: ادگار **دگا**.
دختری‌دربرابرآیینه، اثر: **پیکاسو**.
دراطراف‌ماهی، اثر: پل **کله** .
دربیشه، اثر: آندرهٔ **مارشان**
درخت دراطاق، اثر: جورجیو دو **کی‌ریکو** .
درحرکت، اثر: تئودور **ورنر**.
درخیاطخانه ، اثر: کارل **اسمیت**.
دردمند ، اثر: ژرژ **روئو** .
درمقابل بخاری، اثر: **لونارد**.
درن(چهره)، اثر: موریس **ولامینك**.
درهٔ منچستر، اثر: ژوزف **پیکت**.
دریا؛ اثر: پی‌یر **موندریان** .
دعای‌خیر، اثر: **شاردن** .
دعای واپسین، اثر: ژرژ **روبو** .
دکان‌کلاه فروشی، اثر: ادگار **دگا**.
دنا، اثر: اوگوست **رنوار**.
دو، اثر: داوید **هیر**.
دوجنگجو، اثر: **برونوخبیورجی**.
دوخرگوش، اثر: **بلینی**.
دو دختر سیرك، اثر : اوگوست **رنوار**.



دودوست، اثر: **پیکاسو**.
دوزن، اثر. سورام **والادون**.
دوزن، اثر: **پیکاسو**.
دوشس ساکسونها ، اثر : لوکاس **کراناخ**.
دوشیزگان خردمند ودوشیزگان بی‌خرد. اثر: ویلیام **بلیك**.
دوشیزهٔ انگلیسی ، اثر : هانری **ماتیس**.
دوصغیر، اثر: ادوارد **پین ین**.
دون‌کیشوت، اثر: **دومیه**.
دویست وچهل‌وشش، اثر: **گایگر**.
رامبرانت‌وزن‌جوان، اثر: **پیکاسو**.



رامبرانت وهمسرش‌ساسکیا، اثر: **رامبراند**.
رانندهٔ سیاه، اثر: فرناند**لژر** .
ربودن پروزرپین ، اثر : **لافس** (موزهٔ لوور).
رستوران‌سیرن، اثر: **وان‌گوگ**.
رقص‌عقاب، اثر: **اوگویی**.

رقصندگانی که خود را مرتب می‌کنند اثر: ادگار **دگا** .
روزتعطیل درجزیزهٔ گراندژات، اثر: **سورا**.
روز رستاخیز، اثر: میکل**آنژ** .
رومن‌لاکو، اثر : اوگوست**رنوار**.
رؤیا ، اثر: هانری**ماتیس**.
رؤیای‌یك‌شب‌تابستان، اثر: **رایدر**.
زرافهٔ محترق، اثر: سالوادور**دالی**.
زمستان، اثر : ژرژ**روئو** .
زن، اثر: ژان **فوتریه**.



زن ، اثر: **رینولد** .
زن‌آرمیده، اثر: **پیکاسو**.
زنایستاده ، اثر: **پیکاسو**.
زن‌ایتالیایی، اثر: **پیکاسو**.



زن‌باکبوتر، اثر: **لورانس**.
زن‌باکلاه سیاه، اثر: **مونه**.
زن‌بالباس‌سفید، اثر: **پیکاسو**.
زن برهنه، اثر: **براك**.
زندانی، اثر: پل**دلوو** .



زن‌درباغ ، اثر : **مونه** .



زن‌درخانه، اثر: **لژر**.



زن‌دررنگ قرمز، اثر: **ویلون** .
زن‌درکناردریا، اثر: **پیکاسو**.
زندگی، اثر: **پیکاسو** .

زندگی مردم بی‌نوا، اثر: آدولف **فینش**.
زن کلاه دار، اثر: **براك**.
زن دهقان با چرخ دستی، اثر: **بیسارو** (Pissaro)



زن رومانی با جامهٔ قرمز، اثر: **والوتون**.
زن روی مبل، اثر: **پیکاسو**.



زن کیکی، اثر: **لاتور**.
زن گریان، اثر: **پیکاسو**.



زن و آیینه، اثر: **رنوار**.



زن مراکشی، اثر: **کارس**.
زن نشسته، اثر: **پیکاسو**.
زن و سطل، اثر: کاسیمیر **مالویچ**.
زنی با ماندولین، اثر: **براك**.
زنی با نیم تاج، اثر: هانری **ماتیس**.
زنی درمیان منظره، اثر: فرانسیس **گروبر**.
زنی که پا در وان می‌گذارد، اثر: ادگار **دگا**.
زنی که خود را خشك می‌کند، اثر: ادگار **دگا**.
زنی که خود را می‌شوید، اثر: **پیکاسو**.
زنی که موی خود را منظم می‌کند، اثر: **پیکاسو**.
زنی که نان حمل می‌کند، اثر: **پیکاسو**.
زوج حیوان شکل درحال بارداری، اثر: ماکس **ارنست**.
زیباییهای صبحدم، اثر: اودری **بلر**.
ژرژ (قدیس)، اثر: **دناتلو**.
ژرژ (قدیس) اثر: **رافائل**.
ژنرال پریم، اثر: هانری **رینیو**.
ژوئودوبلن این تابلو شاهکار هنری **رافائل** است که در کاخ **سیارا** در رم می‌باشد.
ژوکوندو کلید، اثر: فرناند **لژر**.
ژونن هرکول را شیر می‌دهد، اثر: **روبن**.
ساختمان با سیم، اثر: **پیکاسو**.



ژوپیتر و آنتیوپ، اثر: **داکو**.
سایه و روشن، اثر: واسیلی **کاندینسکی**.
سال عروسی، اثر: **شاگال**.
سبیل و بطری و برگ و سر، اثر: هانس **آرپ**.
ستارهٔ دریایی، اثر: الکساندر **کالدر**.
سر، اثر: الکسی وان **یاولنسکی**.
سر دروگر، اثر: ایوس **الیکس**.



سرباز گارد، اثر: **ژریکو**.
سرباز و پیپ، اثر: فرناند **لژر**.
سر داود، اثر: **وروجیو**.
سرزمین خوش، اثر: **مولنار**.
سرزن، اثر: **پیکاسو**.



سرکودك، اثر: **گروز**.
سرگاو، اثر: **پیکاسو**.

سرگاو، اثر: پل‌**کله**.

سرگرمی، اثر: **گوگن**.

سریوحنای‌قدیس، اثر: **دوناتلو**.

سفرربالنوع میگساری دردریاها اثر: **اکسکیاس**.

سگ‌باقلاده، اثر: **گیاکوموبالا**.

سگ‌وجوجه، اثر: **پیکاسو**.



سنت‌سباستین، اثر: **رنیو**.



سنت ماتیو، اثر: **تروبروگن**.



سنت مادلی، اثر: **ریبرا**.

سنتورهادرکناردریا، اثر: **پیکاسو**.

سن‌ژرژ واژدها، اثر: **رافائل**.

سوارلهستانی، اثر: **رامبراند**.

سوگندژدیم، اثر: **داوید**(۱۹۷۲)

سه‌زن‌درکنارچشمه اثر: **پیکاسو**.



سه‌لعبت، اثر: **لاگره‌نه**.



سیب‌زمینی‌خورها، اثر: **وان‌گوگ**.

سیرك، اثر: تولوز**لوترك**.

سیرك، اثر: **سورا**.



شاه‌می‌نوشد، اثر: **ژوردانس**.



شپش‌گرفتن از بدن سگ، اثر: **تربورخ**.

شترمرغ، اثر: **پیکاسو**.

شست وشو، اثر: تولوز**لوترك**.

شست وشو، اثر: **انگر**.

شست وشوکنندگان، اثر: پل**سزان**.

شست‌وشوکنندگان، اثر: **پیکاسو**.

شعبده باز، اثر: **بوش**.

شکارگوزن، اثر: آندره **رون**.

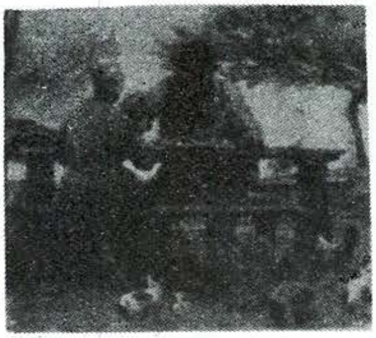
شکل انسانی، اثر: هانس**آرپ**.

شکنجهٔ‌پرومته، اثر: گوستاو**مورو**.



شهرپاریس، اثر: **دلونه**.

شیروگلادیاتور، اثر: جورجیو کی‌**ریکو**.

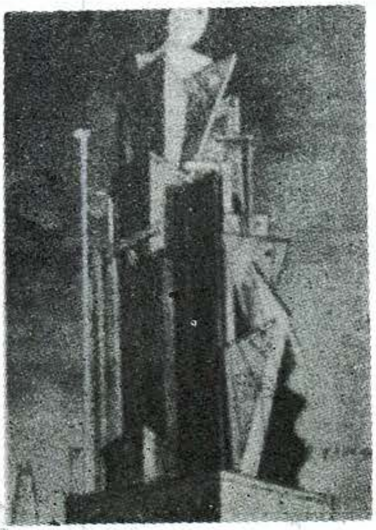


صبحانه، اثر: **کالس**.

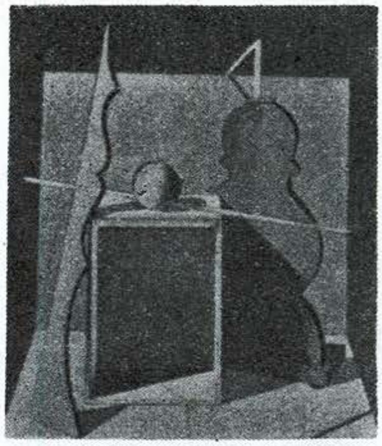
صخرهٔ‌سیاه، اثر: هانری **ماتسون**.

صراف، اثر: **رامبراند**.

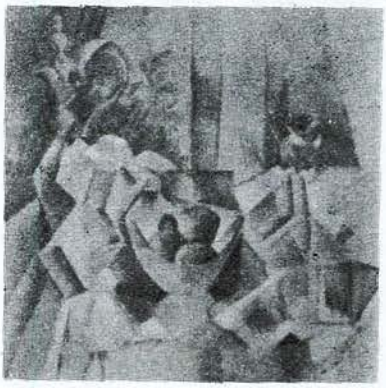
صفحهٔ شطرنج، اثر: **گری**.



صنعت، اثر: کی‌**ریکو**.



طبیعت‌مرده، اثر: **موراندی**.



طبیعت مرده، اثر: **پیکاسو**.



طبیعت مرده، اثر: **براك**.
طرح، اثر: مهلی **ناگی**.
طرح برای **بالت مرکور**، اثر: **پیکاسو**.
طرح برای پیکره، اثر: هنری **مور**.
طرح برای نابلدی خوشی زندگی اثر: هانری **ماتیس**.
طرح برای مجله، اثر: فرانسیس **پیکابیا**.
طرح برای یك چهره، اثر: فرانسیس **باکون**.
طرح پیکره، اثر: ویلیام **گیر**
طرح بنا، اثر: **پیکاسو**.

طنین غربت، اثر: سالوادور **دالی**.
ظرف سفالی، اثر: **پیکاسو**.
ظروف، اثر: **پیکاسو**.
عدد بیست، اثر: برادلی **تاملن**.
عروس باد، اثر: اوسکار کوکوشکا.
عروس دهاتی، اثر: **بروگل**.



عروسی مریم عذرا، اثر: وان **لود**.
عزیمت، اثر: ماکس **بکمان**.
عصیان، اثر: ارنست **بارلاخ**
عقل کودك، اثر: **جورجیو کی ریکو**.
عودزن، اثر: ترو **بروگن**.
غم پادشاه، اثر: هانری **ماتیس**.
غیرقابل انعطاف، اثر: واسیلی **کاندینسکی**.
فتح ژولیوس سزار، اثر: **مانتینا**.
فجایع سیو، اثر: **دولاکروا**.



فرانسوا دسپورت، اثر: **فرانسوا دسپورت**.
فردریکو گونزگا، اثر: **فرانچیا**.



فرود آوردن مسیح از صلیب، اثر: **کامپه نر**.
فنجان شکلاتی، اثر: اوگوست **رنوار**.
فواره، اثر: لویی **ویون**
فوتبال، اثر: **لوت**.
قایق، اثر: **براك**.
قایقرانان ولگا، اثر: ایلیا **رپین**.
قایق درشاتو، اثر: موریس **ولامینك**.
قایق کلئوپاترا، اثر: **بوشان**.
قرائت، اثر: **پیکاسو**.
قوم سابین Sabins, nes اثر: لویی **داوید** نقاش فرانسوی.
کاویلر، اثر: **پیکاسو**.
قرائت نامه برای همسر، اثر: **اسپنسر**.
قربانی اسحق، اثر: **دل سارتو**.
قصابی، اثر: **بوشان**.
قصر قدیمی، اثر: هانری **روسو**.
کارگاه نقاش، اثر: ژان **پوی**.
کافه درشب، اثر: **وان گوگ**.
کان وایلر، اثر: آندره **بدن.و**



کرزوس، اثر: **ویگنون**.



کالسکهٔ خورشید، اثر : **لافوس** .



کشتار بی‌گناهان ، اثـر: آنیبال **کاراس** .

کلاه پر، اثر : **روبنسن** .

کلاژ، اثر: **هوخ** .



کلبه‌های کاه‌گلی، اثر : **ولامینگ**.

کلود مونه درکارگاه نقاشی خود، اثر: **مونه** .



کنار دریا، اثر: **وگا**.

کوچهٔ ایتالیایی ، اثر : جورجیو **دوکی‌ریکو** ،

کودکان ادوارد. Edouard (les Enfants d') اثر: **پل‌دلارش**.

کودک در لباس قرمز ، اثـر: **موریلیانی** .

کوه گربهٔ مقدس، اثر: پل‌**کله** .



گاوبازی، اثر: **گویا**.

گاوسفالی، اثر: **پیکاسو**.

گاوها، اثر : **کوربوزیه**.

گردش‌خانوادگی ، اثر: پل‌**کله**.

گردشگاه جزیرهٔ گراندژات، اثر: **سورا** .

گرونیکا، اثر: **پیکاسو**.

گرونوالد ، اثر : ژرژ**گروس** .

گروه ، اثر : فرناند**لژر**.

گفتگو ، اثر:ژرژ**گروس**.

گلدان‌گل ، اثر : **ولادمینگ**.

گل‌شمعدانی ، اثر : ماکس **وبر**

گیتار ، اثر :**پیکاسو**.

گیتارروی‌بخاری ، اثر:**پیکاسو**.

لانه ، اثر : اوگوست **هربن**.

لئون ـ ازآثار:**رافائل** .

لئونیداس اترموپیل
Leonidas auxthermo - pyles
نام‌تابلوی‌مشهوری‌ازکارهای‌**داوید**.



لبخند ژوکوند ، اثـر: لئونـارد **داوینچی** .

لدا، نام‌پرده‌ای‌از : **تینتر**.

لدا ، نام پرده‌ای از :**کرژ**.

لکهٔ سیاه، اثر: واسیلی‌**کاندینسکی**.

ماتیس ، اثر:آندره **درن**.



مادام‌ویکتوریا، اثر: **ناتیه**.

مادرنقاش ، اثر : **سورا**.

مادموازل‌ساماری، اثر: اوگوست **رنوار** .



مادموازل‌گوترو، اثر: **سارگان**.

ماندولین ، اثر :**پیکاسو**.

ماندولین‌وگیتار، اثر:**پیکاسو** .

ماهیان‌مهاجر، اثر:پل‌**کله**.

ماهی‌روی‌روزنامه ،اثر:**پیکاسو**

ماهیها، اثر : پی‌یرتال‌**کوت**.

مجسمهٔ عشق و اشیاء بیجان، اثر: **سزان** .

مدرسهٔ آتن ، اثر: **رافائل**.

مدل سرخ ، اثر : رنه‌**مارگریت**.

مدلهای نقاشی ، اثر: **سورا**.

محاکم‌پاریس،اثـر:**روبنسن** .

مدیرنیویورکی ، اثر:**پیکاسو** .



ماهی‌فروش، اثر: **سورواژ**.



مرد ، اثر : وان‌**همسکرك**.
مرد سیگار به‌دهان ، اثر: **بورس**.
مردشناگر، اثر: **پیکاسو**.
مردنامرئی، اثر: سالوادور **دالی**.
مرگ‌پالاس، اثر: **گوی‌پل**.
مرگ پریکس‌تا، اثر: **ا. برد**.
مرگ‌ساریدن، اثر: **لوی** .



مرگ‌مریم‌عذرا، اثر: **واندرگو** .
مرگ مسیح، اثر: **مانتنیا**.
مرگ و آتش ، اثر: پل‌**کله** .

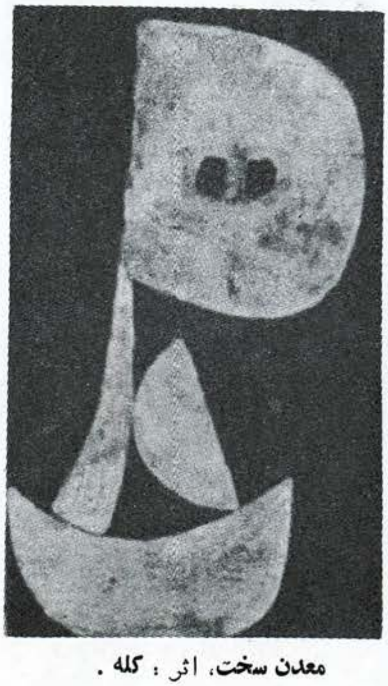
مریم ، اثر : چیما **بوئه** .
مریم مجدلیه درحال‌استغاثه، اثر: **ماتیس نایت هاردت**.
مریم و پیر ، اثر : **مانتنیا** .
مریم وفرزند ، اثر: **بلینی** .



مریم و مادان مقدس و ژروم مقدس، اثر : **تورا**.



مریم‌ومسیح وخوشهٔ انگور، اثر : **میگنار** .



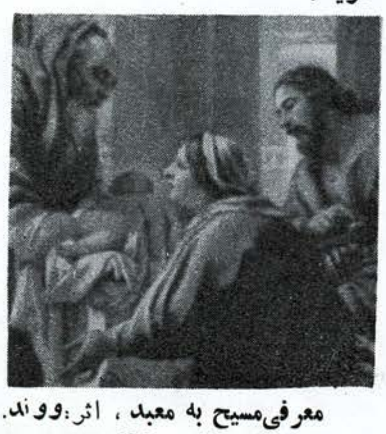
معدن سخت، اثر : **کله** .



مصلوب، اثر: **گرکو** .
مضمون مارپیچ، اثر: ناهون **کابو**.



معبر ، اثر: **تورنر** .
معجزهٔ‌سن‌آنتوان، اثر: فرانسیسکو **گویا** .



معرفی‌مسیح به معبد ، اثر: **ووند**.
معرکه‌گیر، اثر : **تنگی** .
معلم‌رقص، اثر: پل‌**کله**.

منظره، اثر: پتر بلوم.

منظره، اثر: هانری روسو.

منظره، اثر: پیسارو (pissaro)

منظره، اثر: ویلون.

منظره‌ای در ولایت باسك، اثر: هرناندو وینس.

منظرهٔ پاریس، اثر: گری.

منظرهٔ زمستان، اثر: وان گوگ.

منظرهٔ طبیعی با گلهای شقایق، اثر: پتر بلوم.

منظرهٔ کاروان، اثر: پل سزان.

مواظب نقاشی باشید، اثر: فرانسیس پیکابیا.

موسیقی، اثر: اوژن برمن.

مون بلان کوچك من، اثر: ماکس ارنست.

مینوتور اسب محتضری را حمل می‌کند، اثر: پیکاسو.

میوه وزن وگل، اثر: ادوارد گئورگ.

نارسیس، اثر: کورتوا.

نامزدها درکنار برج ایفل، اثر: شاگال.

نانسی، اثر: مونر کیسلینگ.

نبردجو، اثر: پیکاسو.

ندیمه، اثر: سوتین.

نزول از صلیب، اثر: لورنزتی.

مشاط، اثر: پیکاسو.

نقاب ترس، اثر: پل کله.

نقاشی باقلم سیاه، اثر: هانری میشو.

نقش، اثر: ژرارد اشنایدر.

نقش، اثر: الکساندر رودچنکو.

نقش، اثر: مارلوماس.

نقش، اثر: فرناند لژر.

نقش ارتجاعی شمارهٔ ۳، اثر: واسیلی کاندینسکی.

نقش اشیاء، اثر: اوزانفان.

نقش اشیاء با پرتقال، اثر: هانری ماتیس.

نقش باشاخه، اثر: فرناند لژر.

نقش برجسته، اثر: ویکتور پاسمور.

نقش برسفیدی، اثر: واسیلی کاندینسکی.

نقش تجریدی، اثر: هانس هارتونگ.

نقش تجریدی، اثر: پیکاسو.

نقش ترکیبی، اثر: جان مرو.

نقش ترکیبی، اثر: ادوارد بارا.

نقش سفید و برجسته، اثر: بن نیکولسون.

نقش سوپرماتیست، اثر: کاسیمیر مالویچ.

نوار توری سفید، اثر: هانری ماتیس.

نوازندهٔ پیانو، اثر: سزان.

ورود غیرمنتظره، اثر: ایلیا رپین.

نهار قایقرانان، اثر: اوگوست رنوار.



نیزه‌داران سنت آدرین، اثر: هالس.

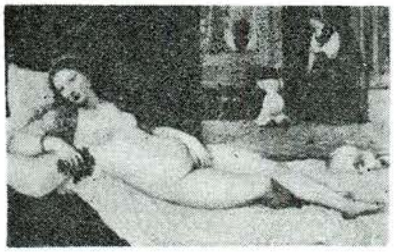


وحی به سنت فرانسوا، اثر: ریبالتا.

ورق باز، اثر: پیکاسو.

ولادت مسیح، اثر: استاد بهزاد.

ولگانگ موزار در کودکی در حالیکه کلاوس می‌نوازد، اثر: هلبلینگ تاداوس.



ونوس خفته، اثر: تیسین.

ونوس خفته، اثر: پوسن

ونوس خفته، اثر: پل دلوو.

ویولون، اثر: براك.

ویولون آویخته، اثر: گری.

ویولون آویخته به دیوار، اثر: پیکاسو.

ویولون و پارچ، اثر: براك.



ویولونیست، اثر: مار.

هدف تخریب، اثر: ری.

هم‌آهنگی، اثر: آمدی اوزانفان.



هنر پیشه و زن ودخترش، اثر: لاژیلیه.

هیئتی ازچند تن، اثر: اوزانفان.



یکشنبه بازار، اثر: سورا.

نقاشان خارجی

آپلس Apelles
(قرن ۴ قم)
ازنقاشان قدیم یونان‌ومعاصرفیلیپ واسکندر مقدونی است .

آپولودوروس Apollodorus
(قرن ۵ ق م)
ازنقاشان باستانی یونان است .

آراگون ، ژن. Aragon, J
(۱۵۰۰–۱۵۷۷ م)
نقاشهٔ ایتالیایی در قرن شانزدهم دختر نامشروع فردیناند اسپانیاست تصویر آراگون به قلم‌رافائل درموزهٔ لوور موجود است .

آرکانیولو .
اورکانیارا به‌بینید .

آرکو_الکسیس‌دل Arco,A
(۱۶۲۵_۱۷۰۰ م)
نقاش مشهور اسپانیایی. وی‌لال مادرزاد بود .

آگاتارخوس Agatharchus
(قرن ۵ ق م)
نقاش باستانی یونان است .

آلبان، فرانسوا آلبانی .
(۱۵۷۸۱–۱۶۶۰م)
معروف به‌آلبان، نقاش ایتالیایی **کاراش** بود. آلبان‌به سبب‌پرده‌های‌زیبای خویش‌بنام شاعر گراسهاوانا کرئون‌نقاشی نامیده شده‌است.

آلبرتی ، لئونه‌باتیشا .
معماران خارجی‌را به‌بینید .

آلتیکیرودا‌تسویو .
Altichiero da Zevio
(قرن ۱۴ م)
نقاش ایتالیایی ، آثارش درشهر **پادوا** باقی است .

آلتدوفر ، آلبرشت Altdoffer, A
(۱۴۸۰–۱۵۳۸ م)
نقاش، گراورساز وآرشیتکت از مردم آلمان، برای اولین‌بار، داستانهای مذهبی انجیل رادر میان جنگل‌ها و کوههای‌آلمان ترسیم‌کرد، **تابلوی نبرد اسکندر وداریوش سوم** ازشاهکارهای او است .

آلوریآلساندرو Allori,A.
(۱۵۳۵–۱۶۰۷ م)
نقاش، ازمردم فلورانس ، پدر _ دریستونانو، آثار او درفلورانس یافت می‌شود .

آلوری، کریستوفانو Allori ' ch
(۱۵۷۷–۱۶۲۱ م)
نقاشی از مردم فلورانس است .

الیکس، ایوس Alix , i.
(متولد ۱۸۹۰ م)
نقاش و گراورساز فرانسوی است .

آیزنشتاین .
کارگردانان سینمارا به‌بینید .

ائوپومپوس Eupompus
(قرن ۴ ق م)
نقاش باستانی یونان است، **برنده‌ای در مسابقات اولومپیك** تنها اثر باقی ماندهٔ اواست .

ادمندستن ، ربرت .
Edmonstone ,R
(۱۸۳۴–۱۸۹۴ م)
نقاش، بشیوهٔ انگلیسی. ازوی‌آثار کمی بجامانده‌است‌ولی‌رنگ آمیزی‌های وی عاری‌ازظرافت نیست .

اررا، فرانسیسکو Herrera.
(۱۶۲۲–۱۶۸۵)
نقاش اسپانیایی پسرفرانسیسکواررا می‌باشدکه‌به**اررای** جوانترمعروف‌است.

اررا،فرانسیسکود Herrera .
(۱۵۷۶–۱۶۵۶م)
نقاش مذهبی اسپانیایی، مؤسس ناتورالیسمی است .

ارنست، ماکس Ernst, M
(متولد۱۸۹۱م)
نقاش آلمانی است .

اسپادا واسپاده، لئونل.
Spada (Leonello)
(۱۵۷۶ – ۱۶۲۲م)
نقاش ایتالیایی .
متولد دربلنی شاگرد «کاراش» وی دارای سبك رآلیست‌بود بعضی آثار او درموزهٔ لوور و موزه‌های دیگر موجود است .

اسپینلی یا **اسپینلو** .
Spinelli , Spinelle
(۱۵۷۱–۱۶۳۰م)
نقاش ایتالیایی . نقاشی‌های جالب توجه برکتیبه‌ها وغیره ازاو باقی‌است.

استاد (ادرین وان)
Ostade (Adrien Van)
(۱۶۱۰–۱۶۸۵ م)
نقاش باسلوب‌وشیوهٔ هلندی‌مولدوی لوبك‌به‌سال۱۶۱۰ووفات اودرآمستردام به‌سال۱۶۸۵ بود. اودرپرداختن‌صحنه‌های زندگی داخلی‌استادبود وچندپردهٔ‌نقاشی اودر موزه‌های لوور و آمستردام ولاهه وبرلین وغیره مضبوط است .

استاد اسحق وان .
Ostade (isack van)
(۱۶۳۱–۱۶۵۷م)
اوبسبك هلندی نقاشی‌می‌کرد .
وی‌به‌نقاشی‌صحنه‌های‌داخلی وصحنه های‌عمومی وغیره‌پرداخته است‌پرده‌های نقاشی اودرموزه‌های آمستردام وبروکسل ووین ومادرید ولوور مضبوط است .

استتارد، شارل چارلز . Stothard
(۱۷۸۶–۱۸۲۱ م)
نقاش انگلیسی مولد لندن .

استن _ ژان Steen _ j.
(۱۶۲۶–۱۶۷۹)
نقاش هلندی . اودرنقاشی‌های‌خود مستان وعربده جویان وصحنه‌های‌هزل‌آمیز راتجسم داده است .

استن‌لن ،تئوفیل‌الکساندر . Steinlen
(۱۸۵۹–۱۹۲۳م)
رسام فرانسوی موله لزان .

استوارت، گیلبرت Stuart,G
(۱۷۵۵–۱۸۲۸ م)
نقاش آمریکایی است‌که صورتهای مختلف ازبزرگان ترسیم‌کرده است .

استوئربوت Stverboot
(۱۴۰۰–۱۴۷۵م)
نقاشی پیروسبك هلندی. نام اصلی این‌نقاش «تیری بوتز» مشهور به «بوتز دلوون» می‌باشد.

استوتارد ، چارلز .
Stothard ,C
(۱۷۸۶–۱۸۲۱م)
نقاشی انگلیسی _ متولد لندن.

استونس،آلفرد، Stevens ،Alfred،
(۱۸۲۸–۱۹۰۶ م)
نقاش بلژیکی متولد بروکسل.
وی قسمت اعظم زندگانی خودرا درفرانسه گذرانید واودر پرده‌های‌خود زنان پارسی دورهٔ امپراتوری دوم را تصویر کرده است .

استونس، ژزف، Stevens, j

(۱۸۱۹–۱۸۹۲ م)

نقاشی بلژیکی متولد بروکسل، وی در پرده‌های خود انواع جانوران را مجسم می‌کرد.

اسکدن، بارتلمئو

Schedone, B.

(۱۵۸۰–۱۶۱۵ م)

نقاشی ایتالیایی متولد مدن.

اسنیدرس، فرانسیس.

Snaders, F.

(۱۵۷۹–۱۶۵۷م)

اصلا فلامانی متولد آنور. وی در تجسم مناظر شکار و تصاویر حیوانات، ماهر بود.

اکوت،

الکاوت را به‌بینید.

اکهاوت، خربراند وان دن.

Eckhout, ch.

(۱۶۲۱ – ۱۶۷۴ م)

نقاش وحکاك هلندی، از آثار او، آوردن یوحناشموئیل را، به‌پیشگاه کاهن اعظم، آرمیدن صیاد وزنی که به‌زنارفته، چهارتن سران صنف شراب‌ساز.

انسور، جیمز Ensor.

(۱۸۶۰ – ۱۹۴۹م)

نقاش امپرسیونیست بلژیکی است.

انگر، ژان اوگوست دومینیك.

Ingres, j, Au, D.

(۱۷۸۰–۱۸۶۷ م)



نقاش فرانسوی، دارای اثرهای معروفی چون: شاپل‌سکستین، نذرلویی ۱۳، مقام خدایی دادن به هومیروس، حمام ترك و بسیاری‌دیگر می‌باشد، انگره از نقاشان معروف‌ودقیق است.



اثری از انگر

اوتچلو، پائولو Uc.ello'P

(۱۳۹۶–۱۴۷۵ م)

نقاش فلورانسی شاگرد گیبرتی، معروفترین آثارش، مربوط به **نبرد سان رومانو** می‌باشد.

اوتامارو، کیتاگاو Utamaro

(۱۷۵۳ – ۱۸۰۶م)

نقاش‌چاپ سنگی‌ژاپونی، مجموعه‌ای مرکب از ۱۳۰ تصویر از اودر کتابخانهٔ عمومی نیویورك محفوظ است.

اوتریو، موریس Utrillo, M

(۱۸۸۳ – ۱۹۵۵ م)

نقاش فرانسوی، آثارش معروف است.

اودری، ژان‌باتیست.

(۱۶۸۶ – ۱۷۵۵ م)

نقاش و حکاك فرانسوی، وی مدیر هنری کارخانهٔ بووه و بازرس کارخانهٔ گوبلن بود. **اودری** تصویر حیوانات و انسان و طبیعت مرده را نقش می‌کرد.

اوردینگن، آلهارت وان

Everdingen, A.

(۱۶۲۱– ۱۶۷۵ م)

نقاش وحکاك هلندی‌است.

اورکانیا Orcania

(۱۳۰۸–۱۳۴۸م)

نقاش، پیکرتراش، معمار، موزاییک‌ساز وزرگر ازمردم‌فلورانس، اثرمعروفش مسیح‌شکوهمندمیان‌قدیس‌توماس‌آکونیاس وپطرس‌حواری‌در نمازخانهٔ‌کاخ‌ستروتتسی در فلورانس باقی است، از آثار دیگر او، تاجگذاری مریم‌عذرا، مریم عذرا وسن‌برنار ومحراب مرمرین‌می‌باشد.

اوروسکو، خوسه کلمنته.

Orurozco, ch

(۱۸۸۳ – ۱۹۴۹ م)

نقاش مکزیکی است.

اوریول، ژرژ.

خوانندەها و تصنیف سازان را به‌بینید.

اوزانفان، آمده Ozenfant, A.

(متولد ۱۸۸۶ م)

نقاش فرانسوی است.

اووربك، یوهان فریدریش.

Overbeck, J, F

(۱۷۸۹ – ۱۸۶۹ م)

نقاش آلمانی است، ازآثارمعروفش ورود مسیح به اورشلیم، رنج مسیح در باغ، پیروزی مذهب در جهان هنر، می‌باشد.

ایریارته، ایگناسیو Iriarte, I

(۱۶۲۰ – ۱۶۸۵ م)

نقاش‌اسپانیایی‌است که دورنماهایش شهرت جهانی دارد.

ایزابی، ژان‌باتیست.

(۱۷۶۷ – ۱۸۵۵ م)

نقاش مینیاتورساز فرانسوی. وی نقاش‌ورسام‌کابینهٔ ناپلئون‌اول و نقاش‌رسمی کنگرهٔ وین گردید.

ایسرائلس، یوزف Israels, J.

(۱۸۲۴ – ۱۹۱۱ م)

نقاش وحکاك هلندی، از آثار معروفش، تنها درجهان، رنجبران دریا و انتظار است.

اینس(پدر)، جورج Inness, G

(۱۸۲۵ – ۱۸۹۴م)

نقاش‌آمریکایی صاحب سبکی‌آزاده ورنگین‌است.

اینس (پسر)، جورج Inness, G

(۱۸۵۴ – ۱۹۲۶ م)

نقاش‌آمریکایی و متخصص‌دورنما و تصاویر حیوانات.

باچو.

(۱۴۶۹ – ۱۵۱۷ م)

یکی‌از نقاشان معروف ایتالیاست. وی در فلورانس متولد شد. او به «باچودولاپورتا» شهرت داشت.

بارتولومئو، فرا. Bartolomeo, F

(۱۴۷۲ – ۱۵۱۷ م)

نقاش فلورانسی‌که بعدها کشیش‌شد، آثار معروفش: مریم‌میان سنت‌استفان و

سنت‌ژان ، ستایش مریم مجدلیه وسنت کاترین پدرما خدا را مریم وشش‌قدیس، عروسی‌سنت‌کاترین ، سنت مارك، آفرینش حوا وبسیاری دیگر می‌باشد .

باروچی یا باروش_ فدریگو.
Barocci یا Baroche,F
(۱۵۳۵ _ ۱۶۱۳م)
نقاش مذهبی معروف ایتالیا. اودر اوربینو متولد شد، از او تابلوهای ارزنده‌ای به‌جای مانده است .

باسان _ ژاك Bassan_J
(۱۵۱۰ _ ۱۵۹۲ م)
نقاش ایتالیایی متولد در باسانو .

باسانو_ فرانسیسکو. Bassano _ F.
(۱۵۴۹ _ ۱۵۹۲ م)
نقاش ایتالیایی‌است .

باسانو _ لاندرو . Bassano _L
(۱۵۵۸ _ ۱۶۲۳م)
نقاش‌ایتالیایی است .

باسانو ، یاکوپو . Bassano,I .
(۱۵۱۰ _ ۱۵۹۲م)
نقاش ایتالیایی از مردم ونیز ، از آثار معروفش ، میلاد مسیح، اخراج صرافان، بازگشت یعقوب به‌کنعان ، بشارت به‌شبانان می‌باشد .

باشکیر‌آسف ، ماری .Bashkrtsev,M
(۱۸۶۰ _ ۱۸۸۴ م)
خاطره‌نویس و نقاش فرانسوی .

باشلیه ، ژان ژاك Bachelier_J,J.
(۱۷۲۴ _ ۱۸۰۶م)
ژان ژاك باشلیه نقاش فرانسوی‌که در پاریس متولد شد ودرهمان شهر در_گذشت. اوعضویت آکادمی فرانسه رانیز داشت‌و بعضی‌آثاراودرموزهٔ‌لوور نگهداری می‌شود .

باکست، لف نیکویویچ .Bakst, L,N
(۱۸۶۶ _ ۱۹۲۴ م)
نقاش و دکور ساز روسی است .

باکوای زن ، Backhuyzen
(۱۶۳۱_۱۷۰۸ م)
نقاش معروف هلندی ، آثار او در موزهٔ لوور فرانسه و آمستردام و موزهٔ‌لاهه می‌باشند. اودرآمستردام وفات یافت .

باومیستر،ویلی Bavmeister,M.
(۱۸۸۹ _ ۱۹۵۵م)
نقاشی آلمانـی وازپیشروان نقاشی مدرن است .

براك، کریستیان .
(۱۹۰۲ _ ۱۹۴۹ م)
نقاش فرانسوی.وی‌تزیینات بسیاری ازآثارتآتروبالت وسینما رابعهده‌داشت.

براك، ژرژ Braque , G.
(متولد ۱۸۸۱ م)
نقاش فرانسوی،وازپیشروان مکتب کوبیسم ، درسال ۱۹۰۸ باپیکاسو در



پیشرفت‌این مکتب‌فعالیت کرد،اوبرای یافتن هم_آهنگی میان رنگها استعداد فوق‌العاده‌ای دارد، وبیشتر بسوی رنگهای قهوه‌ای،زرد وسبز تیره متمایل است . عده‌ای کار اورا **کلاسیسم نو** می‌دانند.

برامانته ، دوناتو دوآنیولو .
معماران و مهندسین ساختمان را به‌بینید .

برن _ جونز ، سرادوارد .
Brune _ Jones
(۱۸۳۳ _ ۱۸۹۸ م)
نقاش انگلیسی، ازطرفداران سبك پیش از رافائل بود .

بروگل دوزخی، پی‌یر Bruegel,P.
(۱۵۶۴ _ ۱۶۳۷ م)
نقاش فلاماندری‌پسر بروگل دهاتی است که به سبب نقاشیهای خاص خود به این‌نام معروف شد .

بروگل دهاتی، پی‌یتر Bruegel , P.
(۱۵۲۵ _ ۱۵۶۹م)
نقاش‌معروف‌فلاماندری‌ازآثارمعروف او: کشتار بیگناهان ، حمل‌صلیب، کور، ستایش‌مجوسان،رقص روستاییان،زمستان وبرج بابل، دروگران .

بروگل، یان Brugel , I
(۱۵۶۸ _ ۱۶۲۵م)
نقاش فلاماندری‌پسر، بروگل‌دهاتی است .

برونتسینو ، ایل Bronzino , I
(فوت ۱۵۲۷م)
نقاش فلورانسی‌است ، که بیشتر در صورت سازی‌کارکرده‌است.

بکمان Beckmann, M.
(۱۸۸۴_۱۹۵۰ م)
نقاش معروف آلمانی‌که از آثار معروف او:جهنم پرندگان، متهم وکور، برلین، بازار مکاره می‌باشد .
او می‌گفت : من درجستجوی پلی هستم که ازمریی به‌نامریی می‌رسد .

بلشن، کارل Blechen , K
(۱۷۸۸_۱۸۴۰م)
ازنقاشان معروف، که سرانجام بابیماری روحی از جهان درگذشت .

بلیك، ویلیام .
شعرای خارجی را به بینید .

بلینی جنتلیه Bellini, G.
(۱۴۲۷_۱۵۰۷م)
پسر یاکوپابلینی، ازنقاشان ایتالیا است .

بلینی ، جیووانی Bellini.
(۱۴۲۶ _ ۱۵۱۶م)
پسر یاکوپابلینی از نقاشان ایتالیا است .

بلینی،یاکوپو Bellini, I.
(۱۴۰۰ _ ۱۴۶۴م)
نقاش ایتالیایی، ازآثار معروفش : تصویر مریم عذرا ، مصلوب شدن مسیح، نیمرخ یك‌پسر، شستن مسیح پاهای مسیح حواریون‌را می‌توان نام برد.

بوتیچلی، ساندرو Botticelli, S.
(۱۴۴۴ _ ۱۵۱۰م)
نقاش‌فلورانسی، ازآثار معروف‌او: ستایش شاهان ، ستایش مجوسان وبهار ، ونوس، پالاس وکنتاورس، مارس‌وونوس، تمثیل بهستان، میلادمسیح می‌باشد.

بودن، لویی Beaudin .
(۱۸۲۴ _ ۱۸۹۸م)
نقاش فرانسوی ، وی منظره هایی روشن ساخته ویکی ازپیشقدمان امپر_سیونیسم است .

بودن، آندره Beaudin , A
(۱۸۲۴ _ ۱۸۹۸م)
نقاش فرانسوی است .

بوس ، هیرونیموس Bos , H
(۱۴۶۰ _ ۱۵۱۶م)
نقاش‌فلاماندری، ازآثارمعروف‌او: وسوسه‌کردن شیطان قدیس‌آنتونیوس‌را، روز رستاخیز می‌باشد .

بوش، ژروم . Bosch , j
(فوت ۱۵۱۶م)
نقاش وگراورساز ازمردم هلند

است .

بوش، ویلهلم Busch, W .
(۱۸۳۲ – ۱۹۰۸م)
نقاش، شاعر وکاریکاتورنگار آلمانی است .

بوشان، آندره Bauchant , A.
(۱۸۷۳ – ۱۹۵۸م)
نقاش فرانسوی است .

بوشه ، فرانسوا Boucher,F.
(۱۷۰۳ – ۱۷۷۰م)
نقاش و سنگ‌نگار فرانسوی است.

بومبوا، کامیل . Bombou, C.
(متولد ۱۸۸۳ م)
نقاش فرانسوی است .

بونار، پی‌یر Bonnard , P.
(۱۸۶۷ – ۱۹۴۷م)
نقاش وسنگ نگار فرانسوی است.

پائولو Paolo.
ورونز را به‌بینید .

پاتل– پیر Patel – p.
(وفات ۱۶۷۶م)
نقاش فرانسوی.وی درتصویرمناظر صاحب مهارت بوده است .

پاته،ژان باپتیست . Pater – J – B .
(۱۶۹۵ – ۱۷۳۶ م)
نقاش‌فرانسوی متولددروالانسی‌ین.

پاتینیر، یوآخیم‌دو Patinir
(۱۴۸۵ – ۱۵۲۴م)
نقاش فلاماندری است‌که‌برای‌اولین بار اشکال‌انسانهارا تحت الشعاع دورنما قرار داد .

پاچك ، فرانسوا Pacheco-F
(۱۵۷۱ – ۱۶۵۴ م)
نقاش‌اسپانیایی. متولد دراشبیلیه.

پاخر، میخاییل Pacher , M
(۱۴۳۵ – ۱۴۹۸م)
نقاش وچوب تـراش مذهبی آلمان است .

پارژا، ژان دو . Pareja – j . d .
(۱۶۰۶ – ۱۶۷۰م)
نقاش‌اسپانیایی وبندهٔ (والاسکوئز)

پارسل، پیر Parrocel –p
(۱۶۷۰ – ۱۷۳۹ م)
برادرزادهٔژزف‌پارسل نقاش‌معروف فرانسوی .

پارسل، ژوزف Parrocel –j
(۱۶۴۶– ۱۷۰۴ م)
نقاش جنگها وکنده‌کارفرانسوی‌که پردهٔ نقاشی (فتوح لـویی چهاردهم) از اوست . مولد اوبرینیون می‌باشد .

پارسل، ژزف.
(۱۶۸۸–۱۷۲۵ م)
پسر ژزف پـارسل نقاش بـزرگ تاریخ تولد و مرگ پدرنقاش (۱۶۴۶ – ۱۷۰۴) می‌باشد.

پارمانتیه ، ژاك Parmentier – j
(۱۶۵۸ – ۱۷۳۰ م)
نقاش تاریخ فرانسه. وی‌قسمت‌اعظم عمر خودرا درانگلستان گذرانید.

پارمه‌سان ، ژیرولامو فرانسیسکو ماریا ماززواولی یا ماززلا .
Parmesan - G.F .M. M . یا M
(۱۵۰۴–۱۵۴۰م)
نقاش‌مذهبی‌ایتالیامولداوپارم‌است. نام او به تلفظ ایتالیایی: ایل پارمه ژیانو– یا – پارمه‌ژیانی نو می‌شود.

پارمیجانو . Parmigiano
(۱۵۰۳ – ۱۵۴۰ م)
نقاش‌ایتالیایی،اثرمعروفش **کوپیدو کمانی رامی**باشد .

پارهازی‌یس Parrhasios
نقاش یونانی مولد وی به‌سدهٔچهارم قبل ازمیلاد در افسس است . وی رقیب (زوکسیس) بوده است .

پارهاسیوس Parrhasius
(۴۰۰ ق م)
بزرگترین نقاش یونان باستان.

پاسن، ژول Pascin, J
(۱۸۸۵ – ۱۹۳۰م)
نقاش معروف فرانسوی است ، اثر معروفش تابلوی **لخت** است .

پاگانی – پاال Pagani , P .
(۱۶۶۱ – ۱۷۱۶ م)
نقاش ایتالیایی مولداو در والسلدا از عمـال دوك نشین میلان و وفاتش در لمباردی بوده است.

پاگانی، فرانسیسکو Pagani, F.
(۱۵۳۱ – ۱۵۶۱ م)
نقاش ایتالیایی‌مولداوشهرفلورانس بوده است .

پاگانی – گاسپاردو Pagani , G
نقاش ایتالیایی کـه درسال**۱۵۴۳** مشغول‌کارنقاشی بوده است .

پاگانی، گرگوری pagani – G.
(۱۵۵۸ – ۱۶۰۵ م)
نقاش‌ایتالیایی‌پسرفرانسیسکوپاگانی می‌باشد .
مولد اوشهر فلورانس است .

پاگانی ، لاتانزیو . pagani – L
نقاش‌ایتالیایی پسروشاگرد ونسنزو– پاگانی بود اوبه‌سال **۱۵۵۳** درپروز در اوج شهرت بوده است .

پاگانی ، ونسنزو . pagani – V
ازنقاشان ایتالیایی مولداو مونت– روبیانو ودراواخر سدهٔپانزدهم میلادی بوده است. ودرحدودسال **۱۵۲۹** به‌نقاشی اشتغال داشته است .

پالاك ، جاکسون ، Pollock ,J
(متولد ۱۹۱۲ م)
نقاش آمریکایی است .

پالمارلی ، دن ویسنت
Palmaroli D.V .
(۱۸۳۵ –۱۸۹۶ م)
نقاش اسپانیولی، مولد اومادرید. وی ازشاگـردان (آکادمی مادرید) و (آکادمی مادرازو) بود .
درسال **۱۸۷۲** به‌مدیریت آکادمـی اسپانیول دررم منسوب شد. ازمهمتریـن آثـار او : « کبوتـران ونیـز » و « تشییع جنازهٔ شهدای سوم مه ۱۸۰۸ » «تصویر آلفونس سیزدهم پادشاه‌اسپانیا» می‌باشد.

پالمای‌پیر Palma le vieux.
(۱۴۸۰ – ۱۵۴۰ م)
نقاشی ازمکتب «ونیزی»سازنـدهٔ تابلوهای دینی که درآنها با (تـی‌تین) رقابت کرده است .

پال‌مای جوان Palma le jeune.
(۱۶۲۸ – ۱۵۴۴ م)
برادر زادهٔ پال مـای‌پیر، **نقاش‌و** گراور ساز معروف است .

پامفیل .
نقاش یونانی سدهٔ چهارم قبل از میلاداست.اومؤسس‌مکتب‌سیسیون واستاد آپلس وملانثیوس است . مـولدوی در آمفی‌پلیس می‌باشد ازمیان آثار او(فتح آتنیان) .
Une Victoire d·s Athéniens
هراقلیطس درآتنیه .
Héraclide á Athenes .
ازمهمترین پرده‌های نقاشی اویکی نیایش مغان Adoration des Mages درکلیسای‌کارمین‌ودیگر – لوطودختران وی Iothet sesfilles درقصرپیتی ودیگر حضرت مریم وعیسی صغیر وچندتـن از مقدسین در درسد وجزآن .

اولیس درزورق خویش .
Ulysse sur sonradeau
را نام برده‌اند .

پاوسیاس Pausias
(قرن ۴ ق م)
نقاش یونان باستان ، **یك قربانی** ازکارهای او درمعبد پومپئی باقی‌است .

پتریل، روبنسن .
(متولد ۱۵۷۷م)
نقاش آلمانی کـه تابلوهای شادی بخشی‌آفریده است .

پرته ، الکساندر پل Protais – A.P.
(۱۸۲۶ – ۱۸۹۰ م)
نقاش فرانسوی‌متولدومتوفی به‌پاریس. وپس‌ازمراجعت ازکریمه به‌پاریس چهار پردهٔ نقاشی بهسالن عـرضه نمود: جنگ‌اینکرمان۔تصرف‌توپخانه‌ماملون‌ور۔مـرگ کلنـل برانسیون – وظیفه (یادگار سنگرهای قرم) در سال ۱۸۵۹ بازچند تابلو ازخاطرات جنگهای قـرم (کریمه) ساخت.مشهورترین‌آنها(بامداد پیش‌ازحمله) و(غـروب پس ازمحاربه) (۱۸۶۳)است.اوپیروسبك رآلیسم)بود.

پردنن ، ژیوانی آنتنی لی‌سینی رژیل
Pordenone – G.A.L.R.
(۱۴۸۴– ۱۵۴۰ م)
نقاش معروف ایتالیایی،متولـد در پردنن.وی یکی ازرؤسای مدرسهٔ بندقیه (سنت‌کاترین) بوده است .

پروتوژن Protogene
(۳۰۰–۳۶۰ق.م)
نقاش وحجار قدیم یونان مولدوی کاریه‌بود وی به‌غایت‌کندکار بـودچنانکه معروفترین پـردهٔ نقاشی خودموسوم بـه (ایالیسوس Ialysos) راپس ازهفت‌سال‌به پایان رسانید .

پروجینو Perugino
(۱۴۴۵ – ۱۵۲۳م)
نقاش ایتالیایی است .

پرودون ، پیـیر پـول
Prud'hon , P.P.
(۱۷۵۸–۱۸۲۳ م)
نقاش‌فرانسوی،آثارمعروفش‌عبارتند از: صورت ملکهٔ ژوزفین، بردن زفوروس پسوخه را وعدالت وانتقام درپی جنایت می‌باشد .

پروژن le prugin
(۱۴۴۶–۱۵۲۴ م)
نقاش ایتالیایی متولدکاستلودلاپیو. وی به‌رسم‌نقاشی‌های دینی وغیردینی می‌پرداخته وازمشهورترین آثاراو: بتول عذرا و عیسی با دوقدیسه و دو ملك .
شهادت سباستین قدیس .
عشق وعفت(موزهٔلوور).
بتول‌عذراباجمع قدیسان(موزهٔوین)
ظهور بتول عذرا بـه برنار قدیس (موزهٔ مونیخ)می‌باشد .

پروف، واسیلی گریگوریویچ
Perov , V, G.
(۱۸۳۳ – ۱۸۸۲م)
نقاش روسی، وازآثـار معـروفش، تشییع جنازه دردهکـده ، ورود مدیـره می‌باشد .

پریماتیس، فرانسیسکو Primatice, F.
(۱۵۰۵–۱۵۷۰ م)
نقاش ومجسمه‌ساز ومعمار ایتالیایی است .

پلگرینی – پلگرو
Pellegrini pellegrino .
(۱۵۲۷ – ۱۵۹۲م)
از نقاشان ومشاهیرمعمارانایتالیا است مولدوی بـولونیه می‌باشد.بناهای مشهور بسیار درایتالیـا واسپانیاکـرده است .

پلگرینی، ژان انتوان
Pellegrini – j. A.
(۱۶۷۵ – ۱۷۴۱ م)
نقاش ایتالیایی، متولـد ومتوفـی درونیز .

پلوز، لئون ژرمن Pelouze, L,G .
(۱۸۳۸ – ۱۸۹۱م)
نقاش فرانسوی است .

پنتوری‌کیو.
(۱۴۵۴ – ۱۵۱۳ م)
اسم اصلی‌او برناردوبتی می‌باشد ، نقاش دینی ایتالیاست درپروزبدنیاآمده وصاحب‌آثاری جالب توجه‌است.

پنی، ژان‌فرانسیسکو Penni,j.F.
(۱۴۸۸ – ۱۵۲۸ م)
نقاشی‌معروف ازمـردم فلورانس و پیروسبك‌رافائل، پرده‌های چندی‌ازآثار اوبجای مانده‌است که شباهت تام باآثار استادوی دارد .

پوتیه ، دم‌ژزف Pothier – D.J.
(۱۸۳۵–۱۹۲۳ م)
عالم موسیقی ومذهبی‌فرانسوی‌مولد وی بوزمن می‌باشد،وی‌را یکی‌ازنخستین کسانی‌شمارندکه سرودگرگوری را احیا کرده است .

پوسادا، خوسه گواذالویه Posada
(۱۸۵۲ – ۱۹۱۳م)
نقاش مکزیکی است .

پوسن،گاسپار Poussin .G.
(۱۶۱۳ – ۱۶۷۵ م)
نقاش دور نماساز ازمـردم فرانسه است .

پوسن، نیکولا Poussin. N .
(۱۵۹۴ – ۱۶۶۵م)
ازنقاشان فرانسه کـه در رم وفات یافت ، وی‌پاره‌ای ازوقایع‌تاریخی‌وغیره را درکمال‌مهارت وتردستی تصویرکرده است .

پولئولو، آنتونیو Pollaiolo, A
(۱۴۳۲ – ۱۴۹۸م)
نقاش‌ومجسمه‌سازوگراورسازایتالیایی است .


پریماتیس

پوی ، ژان Puy. j
(۱۸۷۶ – ۱۹۶۰م)
نقاش فرانسوی است .

پووی دوشاوان، پی‌یر .
Puvis de Chavannes
(۱۸۲۴ – ۱۸۹۸م)
نقاش فرانسوی‌کـه غالب نقاشیهای او روی دیواری است .

پیرانزی ، ژان بـاپتیست .
Piranezi j . B .
(۱۷۲۰ – ۱۷۷۸م)
ازنقاشان ایتالیایی است که صور ابنیه وآثار عتیقهٔ روم وغیره را جمع و ترسیم‌کرده است، وی‌در ونیزمتولد شده است .

پیرانزی ، فرانسوا
(۱۷۴۸ – ۱۸۱۰م)
نقاش ایتالیایی پسرژان بـاپتیست پیرانزی‌است‌که مانند پدردرتصویرآثار واشیاء عتیقه متبحربوده است ، اودررم بدنیاآمد .

پیزانلو ، Pisanello
(۱۳۹۵ – ۱۴۵۵م)
نقاش وطـراح ایتالیایی است‌کـه مدالهای او شهرت جهانی دارد .

پیسارو، کامی Pissarro' C
(۱۸۳۰ ـ ۱۹۰۳م)
نقاش فرانسوی، آثاراو درمجموعه‌های نقاشیهای امپرسیونیستی اهمیت فراوان دارد .

پیکاسو، پابلو Picasso _P.R.P.
(متولد ۱۸۸۱ م)



نقاش معاصراسپانیایی مقیم‌فرانسه. مولدوی‌مالاگای اسپانیامی‌باشد. اویکی ازارکان مکتب کوبیسم است .

وی‌درزمینه‌های گوناگون‌نقاشی‌پژوهشی عمیق کرده وآثاری بشیوه‌های مختلف بوجودآورده است. نقاشی‌های دورهٔ اول پیکاسو اختصاص به مردم فقیر ومحـروم اجتماع دارد .



تنتوره

پیکاسو درسال ۱۹۰۷ با براك (رش) نقاش‌معروف‌آشناشدو به‌اتفاق‌شیوهٔ کوبیسم را بوجود آوردند درحدود سال ۱۹۳۰ به سبکی‌گرویدکه به‌عنوان (کلاسیك نـو) اصطلاح شد. تابلوهای اومعمولاً مـورد تفسیرواقع‌می‌شودولی‌خود پیکاسو باتوضیح نقاشی‌مخالف استومی گوید :

«آنهاکه‌می‌کوشند نقاشی‌هارا توضیح بدهند هیچوقت‌نتیجهٔ صحیح نمی‌گیرند و اصولا نقاش‌برای سبك‌کردن‌باراحساسات خـود نقاشی می‌کند، » پیکاسو در ایـن اواخربه‌کوزه‌گری وساختن کوزه‌هایـی به‌اشکال‌مخصوص‌نیزپرداخته است،زندگی هنری اورا به سه‌دوره تقسیم می‌کنند .

۱ ـ دوران آبی : نخستـین دورهٔ پیروزی اوبودکه درتابلوهایش سایه‌های گوناگون ازرنگ‌آبی[۹] به کار رفته است، تابلوی **زندگی** شاهکار این‌دوران است.

۲ـدوران قرمز: که ازسال۱۹۰۶ آغاز می‌شود بچه‌اسب ، گرترود اشتاین ازآن دوران است .

۳ـ دوران کوبیسم: پرشکوه‌ترین دورهٔکار اواست .

پیگنون ، ادوارد Pignon, E
(متولد ۱۹۰۵م)
نقاش فرانسوی است .

پیلس ، ایزیدور Pilo _ I
(۱۸۱۳ـ۱۸۷۵ م)
نقاش فرانسوی مولد پاریس.

پیناکر، آدرین وان .
(۱۶۲۱ ـ ۱۶۷۳ م)
نام نقاشی‌ازمردم هلند .

پیومبو، سباستین Piombo _ S.
(۱۴۸۵ـ ۱۵۴۷ م)
نقاش ایتالیایی مولد ونیز.

تاسائراکتاو Tassaert _ O .
(۱۸۰۷ ـ ۱۸۷۴ م)
نقاش فرانسوی‌که درپاریس‌متولـد شد، بیشتر پرده‌های‌نقاشی‌وی درموضوعات تاریخی‌است.

تال‌کوت ، پی‌یر Tal_coat, P
(متولد ۱۹۰۵ م)
نقاش فرانسوی است .

تتوآن Tetuan
یکی ازنقاشان معروف‌اسپانیاست.

تربرش، ژرارد Terborch _ J .
(یا تربورگ) (۱۶۰۸ـ۱۶۸۱م)
نقاش‌هلندی‌که دررنگ‌آمیزی هم‌آهنگ ونقاشی‌ظریف دست‌داشت وی در زوول Zwolle بدنیاآمد .

تربروگن، هندریك .
Terbrugghin . H.
(۱۵۸۸ ـ ۱۶۲۹ م)
نقاش هلندی است .

تربورخ، خرارد Terburg ' G
(۱۶۱۷ ـ ۱۶۸۱ م)
نقاش هلندی است .

ترشکوویچ ، کونستانتین
Terechkvitch' C.
(متولد ۱۹۰۲ م)
نقاش‌روسی،یکی‌از تابلوهای‌معروف او : **تصویرعلی‌خان** است .

تنیر، داوید دوم . Teniers' D .
(۱۶۱۰ ـ ۱۶۹۰م)
نقاش‌فلاماندری،شاگردداویـد اول است .

تورنر، جوزف مالدورویلیام ،
Turner 'j 'M
(۱۷۷۵ـ ۱۸۵۱م)
نقاش انگلیسی، وی‌استاد درترسیم مناظر دریابوده ، معروفترین تابلوهای او،هسپرید،طلوع‌خورشید ازمیان‌مه،غرق کشتی،عبور ازجوی،سقوط کارتاژ و**معبر** است.

تسونتاکا Tsune _ toka
(قرن ۱۲ م)
نقاش‌ژاپونی،که بعدها نام‌خودرابه **توساتسونتاکا** تبدیل کرد.

تنتوره،ژاکوپو روبوستی .
Tintoret , J, R.
(۱۵۱۸ ـ ۱۵۹۴م)
معروف‌به تنتورتو ، نقاش ایتالیایی است .

تنیر ، داوید اول Teniers 'D.
(۱۵۸۲ ـ ۱۶۴۹م)
نقاش‌فلاماندری‌است که‌اغلب‌زندگانی روستایی رانشان داده‌است.

تورا، کوزیمو Tura , C.
(۱۴۲۵ ـ ۱۴۹۵م)
نقاش ایتالیایی‌است‌که تابلوی‌مریم بـاکره و مادلن مقدس وژروم مقدس او معروف است .

توره، نیکولائوس فردریك‌وان معماران ومهندسین ساختمان را به بینید .

تورباران، فرانسیسکود Turbaran ,F
(۱۵۹۸ ـ ۱۶۶۲م)
نقاش اسپانیایی است .

تولوز، لوترك ـ هانری دو
Toulouse _ Lautrec ' H
(۱۸۶۴ ـ ۱۹۰۱م)
نقاش فرانسوی است .

تویوکونی Toyokuni
(۱۷۶۹ ـ ۱۸۲۵م)
نقاش ژاپونی‌که در کارچاپ سنگی کارمی‌کرده است .

تیپولو، جیووانی باتیستا Tiepolo
(۱۶۹۶ ـ ۱۷۷۰م)
نقاش ایتالیایی است .

تی‌سن، پی‌یر Tyssens, P .
(۱۶۲۴ـ ۱۶۷۷ م)
نقاش فلاماندری است.

تیسین Tiselius
(۱۴۷۷ــ ۱۵۷۶م)



نقاش بزرگ ونیزی، از آثار معروف او : مرگ سنت پطر ، ونوس خفته، مسیح در باغ می‌باشد .

جنتیلسکی، آرتمیز Gentileschi , A
(۱۵۹۰ ــ ۱۶۴۲م)
نقاش فلورانسی است .

جنتیلسکی، اوراتسیو Gentileschi, O
(۱۵۶۲ ــ ۱۶۴۷م)
نقاش فلورانسی، که درصورت سازی و نقاشی دیواری تخصص داشت .

جنتیله دافابریانو .
Gentile Da Fabriano
(۱۳۷۰ ــ ۱۴۲۷م)
نقاش ایتالیایی، که ابتدادرونیزمقیم بودمهارت‌فنی‌وی‌اغلب‌ازمعاصرینش‌بیشتر بوده است .

جوتو Giotto
(۱۲۶۶ ــ ۱۳۳۷م)
نقاش ومعمار بزرگ فلورانسی‌است ازجوتو نقاشیهای بسیاری در کلیساهـای ایتالیا وموزه‌های جهان بجا مانده است ازآثارمعماری‌ایشان، برج جوتو(دریکی ازکلیساهای فلورانس) قابل‌ذکراست.

جورجونه Giorgione
(۱۴۷۸ ــ ۱۵۱۰م)
نقاش ونیزی‌آغازکار خودراازونیز شروع‌کرد ودرجوانی به‌مرض طاعون‌درـ گذشت.جورجونه‌یکی ازمهمترین‌مراحل نقاشی را بوجودآورده‌است.

جوردانو، لوکا Giordano , L
(۱۶۳۲ ــ ۱۷۰۵م)
نقاش‌ایتالیایی است، بسیاری‌ازکارـ هایش درموزه‌های‌مهم اروپاموجود است.

جوستو . Josetsu
(زنده در۱۴۲۵ م)
نقاش ژاپونی است .

چلیچف، پاول Tchelitchew, p
(۱۸۹۸ ــ ۱۹۵۷م)
نقاش‌روسی است که درآغاز طراح باله بود .

چنینی، چنینو . Cennini , C
(۱۳۶۵ ــ ۱۴۴۰م)
نقاش فلورانسی است .

چیمابویه Cimabue
(فوت ۱۳۰۲م)
نقاش فلورانسی ، که نام حقیقی او چنی‌دی‌پپو بود . مشهور است کـه استاد جوتوبـوده است. موزاییکهای کلیسای جامع‌پیززیرنظراوساخته‌شده، وموزاییك قدیس یوحنادراین‌کلیسامنسوب به‌اوست دیگر ازکارهای منسوب‌به اوفرسکوهایی است در کلیسای‌قدیس‌فرالسیس‌درآسیزی (ازجمله مریم وقدیسین وملایك وکارهای دیگر) نقاشیهای‌منسوب به‌او همه‌نمودار تحولی درهنرنقاشی است، بدین معنی‌که درآنها برخی ازقیودقرارهای ملازم‌سبك بیزانسی‌که برنقاشی‌ایتالیاحکمفرمابود، شکسته شده‌است، ودرعوض نشانه‌هایی از شیوهٔ آزاد قـرن ۱۴ م، درآنهادیــده می‌شود.البته‌چیمابویه بیشترقراردادهای قدیم‌نقاشی راحفظ‌کرده، اما درپرداختن سرهاوصورتهااندکی‌به‌طبیعت سازی‌پرداخت وعواطف مذهبی تازه وآزادتـری وارد نقاشیهای خودکرد.

خلیل، جبران.
نویسنده‌های خارجی را‌ببینید .

داگر، لویی ژاك مانــده
Daguerre ,L, j
(۱۷۸۷ ــ ۱۸۵۱م)
نقاش منظره‌ساز ومخترع عکاسی از مردم فرانسه است .

دالی،سالوادور Dali, S.
(متولد ۱۹۰۴ م)
نقاش سور رآلیست‌اسپانیایی است.

داوید، ژاك لویی David, J ,L.
(۱۷۴۸ ــ ۱۸۲۵م)
نقاش فرانسوی ورییس‌مکتب نئوـ کلاسیك است وازآثـار ایشان : سوگند هراسها، تاجگذاری معروفترند .

داوید، ژرار David , J.
(۱۴۶۰ ــ ۱۵۲۳م)
نقاش فلاماندری‌وی نخست‌به مکتب هارلم پیوستگی‌یافت وسپس‌تحت تـأثیر مملینگ قرارگرفت وازآثار اوست، سر گذشت‌قاضیی‌که برای‌نفع شخصی‌دراجرای وظیفه‌کوتاهی می‌کند ، تعمیدمسیح،عذرا بین عذرایان .

داوینچی، لئونارد De Vinci,L.
(۱۴۵۲ ــ ۱۵۱۹م)
نابغهٔ ایتالیایی، نقاش، پیکرتراش، معمار ، نویسنده، موسیقی‌دان،فیزیك‌دان و مخترع ایتالیایی که تابلوی **مونالیزا** به‌نام لبخند ژوکوند اوشهـرت جهانــی دارد .

اثر دیگر او **آخرین شام** نام‌دارد که بردیوار صومعــهٔ‌سانتاماریا منقــوش است.

دایمند ، موریس‌سون Dimond,M.
(متولد ۱۸۹۲ م)
هنرمندو باستا نشناس‌آمریکایی‌است.

درن ، آندره Derain,A .
(۱۸۸۰ ــ ۱۹۵۴ م)
نقاش فرانسوی است .

دسپورت ، فرانسوا Desportes, F.
(۱۶۶۶ ــ ۱۷۴۳م)
نقاش فرانسوی است

دگا ، ایلیرژرمن ادگار Degas
(۱۸۳۴ ــ ۱۹۱۷م)



نقاش،حکاك و حجــار ، امپرسیونیست فــرانسوی است.ازآثار معروف او، کنار دریا، صحنهٔ رقص وصــــورت خــودش و رقصندگان بالهٔ طراحان، زنان درحال آرایش،مردم‌کافه‌نشین‌ومسابقهٔ اسب‌دوانی و بسیاری دیگر است .

دلاروش، ایپولیت Delaroche,E .
(۱۷۹۷ــ ۱۸۵۶م)
نقاش فرانسوی است .

دلاکروا اوژن Delacroix,A .
(۱۷۹۸ ــ ۱۸۶۳م)
نقاش فرانسوی‌رنگ‌آمیزی‌توانا و مبتدعی جسوروریس‌مکتب رمانتیك‌بود ازآثاراوست : کشتی‌دانته، قتل‌عام سیو، آزادی در سنگرها ، زنان الجزیــره ، تسخیر قسطنطنیه توسط صلیبیان.

دلونه ـ رابرت Delaunay, R.
(۱۸۸۵ ــ ۱۹۴۱م)
نقاش فرانسوی است ، اثرمعروفش

تابلوی شهر پاریس است .

دنی ، **موریس** Denis, M.
(۱۸۷۰ـ ۱۹۴۳ م)
نقاش فرانسوی است .

دوبینیی ، شارل فرانسوا Daubigny,Ch,F.
(۱۸۱۷ ـ ۱۸۷۸م)
نقاش فرانسوی است .

دوتچیو،دی‌بوئونیسنیا Duccio .
(۱۲۷۸ـ ۱۳۱۹ م)
نقاش ایتالیایی است که تنها اثرش محراب کلیسای جامع سینا در ایتالیا است.

دورر ، آلبرشت Durer, A .
(۱۴۷۱ ـ ۱۵۲۸م)
نقاش ورسام وحکاك بزرگ آلمانی است . اثر معروفش **پرستش‌مغان حضرت عیسی** (ع) را ، می‌باشد .



دوره ،گوستاو Doré,G .
(۱۸۳۳ ـ ۱۸۸۳م)
نقاش ورسام فرانسوی است.



تابلویی ازکتاب دوزخ دانته،اثر **دوره**.

دوشان ، مارسل Duchamp .
(متولد ۱۸۸۷)
نقاش فرانسوی است و ازرهبران دادائیسم می‌باشد .

دوفی ، رایول Dufy ,R.
(۱۸۷۷ ـ ۱۹۵۳م)
نقاش فرانسوی است .

دوموریه ، جورج DuMaurier , G .
(۱۸۳۴ ـ ۱۸۹۶ م)
نقاش وداستان‌نویس انگلیسی‌است.

دومیه ، اونوره Daumier .
(۱۸۰۸ ـ ۱۸۷۹م)
کاریکاتورساز ونقاش و گراورساز فرانسوی است .

راپن ـ الکساندر Rapin_A .
(۱۸۴۰ ـ ۱۸۸۹ م)
نقاش دورنماساز فرانسه که در نوروی لوبورگ متولد شد ودر پاریس درگذشت .

راسل ، جورج ویلیام .
شعرای خارجی را به‌بینید .

رافائل Raphael .
(۱۴۸۳ ـ ۱۵۲۰م)
بزرگترین نقاش دورهٔ رونسانس‌از مردم ایتالیا است ، ازکارهای اولیهٔ او: مصلوب شدن مسیح ، رؤیاهای شوالیه، تاجگذاری‌مریم‌عذرا، بعدازمدتی‌مطالعه درکالبدشناسی ومناظر ومرایا، تصاویر جالبی‌ازمریم کشید که موجب‌محبوبیت‌کار او شد ، سپس‌به روم‌رفت و تحت تأثیر میکل‌آنژ آثاری‌آفرید که معروفترین آنها مدرسهٔ‌آتن، پیروزی مذهب، وسوسهٔ حواوکارهای‌معروف‌اودرسالهای۱۵۱۱ـ ۱۵۱۴ عبارتنداز **راندن هلیودوروس از معبد** ، **معجزهٔ بولسنا** ، دفع‌آتیلا از رم به‌وسیلهٔ لئوی I ، **ورستگاری‌پطرس حواری**. براساس‌طرح او،شاگردانش۵۲ موضوع مذهبی‌را که‌به‌کتاب مقدس‌رافائل معروف است ، بریك‌سقف‌نقاشی کردند . معروفترین‌کار او ، تابلوی‌مریم سیستین، در دورهٔ کار اودر رم نقاشی‌شده است . بعضی دیگر ازکارهای معروف این دوره مسیح درحال حمل صلیب خود،قدیسه سیسیلیا ، وگالاتیااست . ازصورتهای‌که درین دوره کشیده‌صورتهای‌یولیوسII(که مدتها حامی‌او بود)وبالداساره‌کاستیلیونه، و پاپ‌لئوی بادوکاردینال . ودوناولاتا است،که آخری تصویرزنی‌زیباست، ودر باب هویت‌وی‌شایعات‌عشقی‌بسیار برخاسته است . رافائل درسال ۱۵۱۴ به‌عنوان رییس معماران جانشین براماننته شد و چندین‌کلیسا وکاخ وخانه‌را طرح‌ریخت در سال ۱۵۱۸ برای‌حامی خود لئویX نقشه‌ای‌ازرم‌باستان‌تهیه‌کرد که‌جای‌بناهای مهم تاریخی درآن‌معین شده‌بود . ده‌قالی دیواری نیز برای نماز خانهٔ سیستین طرح ریخت‌که موضوع‌آن‌هاصحنه‌هایی‌از زندگانی حواریون مسیح‌بود .

رامبراند، هارمانزون واین‌راین Kembrandt, H , V, R .
(۱۶۰۶ ـ ۱۶۶۹ م)



نقاش‌وحکاك بزرگ‌هلندی فرزندآسیابانی بود که ازکودکی‌به نقاشی‌علاقمند بود، پس از سه سال‌کارآموزی‌نزد نقاشان محلی‌مدتی درآمستردام‌به‌حکاکی پرداخت ، در سال۱۶۳۲ به‌عنوان نقاش محبوب مردم‌آمستردام تابلوهایی ساخت که شهرت فراوان‌یافت .

درمدت‌ده سالی‌که درآمستردام‌بود کلاس درس‌وتعلیم‌تشکیل‌داد که‌سفارشهای فراوان برای‌تابلوقبول‌می‌کردوشاگردان زیادی به دورش جمع شدند . تابلوی مشهورش(کالبدشکافی)رادراین‌موقع‌ساخت اگرچه‌نسبت به‌شاهکارهای‌بعدی او،درین تابلو اندکی احتیاط وعدم اطمینان به چشم می‌خورد ، نبوغ غیرعادی او بخوبی درآن جلوه‌گر است . در۱۶۳۴ با ساسکیاوان اویلنبورگ‌که پدرش مردی توانگر و بانفوذ بود ، ازدواج کرد . زندگانی‌رامبراند وساسکیاسرشارازرفاه وشادی بود. رامبراند صورتهای‌دلنشین بسیارازروی‌اوساخت. درین دوره‌فعالیت رامبرانددراوج‌خود بود.ازتابلوهای‌معروف این دوره صورت‌پیرزن، بزرگزادهٔ اسلاو، وازدواج سامسون است . درین تابلوها احتیاط‌ودقت‌بیش‌ازاندازه‌وسردی‌تابلوهای پیش ازآنها وجود ندارد ، تصویرها در مایهٔ طلایی‌رنگی غرق شده‌اند ، وطرح تصویرها و حرکات قلم‌موگستاخانه است. در ۱۶۴۲ ساسکیا بعدازوضع‌حمل پسری به‌نام تیتوس‌درگذشت.درهمین‌سال‌تابلویی که به پاسدار شبانه معروف شد اتمام پذیرفت این‌تابلو به‌سفارش شرکت مهمی، ازرؤسای شرکت شده‌بودو باعث‌خشم‌آنها گردید، به‌جای‌آن که‌مطابق‌معمول‌تابلویی

بسازد که در آن یکایك حاضران مورد توجه قرار گیرند، تصویری‌ساخت که نور شدیدی برچندصورت وسط آن متمرکز بود، و بقیهٔ صورتها درتیرگی اطراف تصویر گویی گم شده بودند. این‌تابلو، که به‌مسخره پاسدار شبانه نامیده شد، بعدها ازشاهکارهای بزرگ نقاشی بشمار آمد. دراین تابلو، نحوهٔ ابقاء فورم و فضا به‌وسیلهٔ سایه‌روشن بیش ازتابلوهای پیشین رامبراند نمودار نبوغ اودرهنر نقاشی است. اما پس‌ازساختن‌این‌تابلو محبوبیت‌رامبراند رو به‌زوال نهاد. با‌این‌که پیوسته‌مشغول‌کار بودناگزیرشد با گروگذاشتن خانه و مجموعهٔ‌تابلوهای گرانبهایش وامی‌بگیرد دراین‌دوره بازنی‌به‌نام هندریکیه ستوفلس که سرایدارخانه‌اش بود، زندگی‌می‌کرد وظاهراً این‌زن الگوی‌بسیاری‌ازتصویرهای «زنان‌برهنهٔ » او بوده است؛ ازتابلوهای‌این‌دوره یحیی تعمیددهنده، برکت دادن یعقوب پسران یوسف را ، دومین تابلوی درس کالبدشناسی، و صورت‌یان‌سیکس‌است.در۱۶۵۷رامبراندورشکسته اعلام‌شد و خانه و مجموعهٔ تابلوهایش‌به حراج رفت. سالهای‌آخرعمرش درفقر و گوشه‌گیری‌گذشت دراین سالهاصورتهای بسیارازخود ساخت. تابلوی‌عروس‌یهودی ازشاهکارهای اواخرعمر اوست. در۱۶۶۱ هندریکیه ودر۱۶۶۸ تیتوس درگذشت. مجموعهٔ کارهای رامبراند بزرگترین نمونهٔ‌بیان‌حال‌یك‌فرد درقالب‌نقاشی‌بشمار آمده‌است. بدون‌شك‌خاصیت انسانی‌تابلوهای اوعلت مقبول‌عام بودن‌آنهاست.هیچ نقاشی‌نتوانسته است‌مانند‌او به‌کمك چند حرکت سادهٔ قلم‌مو، درعین برانگیختن نورها واشکال‌مناسب ودقیق، خصوصیات روانی وعواطف شخصیتهای موردنظر را باقدرت‌تمام‌آشکارکند. درکارهای‌بزرگتر او،خصوصیات‌ورنگهای‌محلی تحت‌الشعاع مایه‌های‌گرم ودرخشان رنگهای‌بی‌زمان ومکان اوقرارگرفته‌اند. علاوه بر ۷۰۰ نقاشی‌که به‌اومنسوب است، تعدادبیشماری لوحه‌های حکاکی نیزاز او بجا مانده. رامبراندبزرگترین‌حکاك اروپا نیز بشمار می‌رود بعضی‌ازمعروف‌ترین‌حکاکیهای‌او ازاین‌قرارند: شفادادن مسیح بیماری‌را، فرودآمدن‌ازصلیب، سیکس،عضو انجمن شهر،سه درخت، موعظهٔ مسیح، مصلوب شدن‌مسیح، وکاهدان و بسیاری‌دیگر.

رپین، ایلیایفی‌موویچ Repine, I, I.
(۱۸۴۴ — ۱۹۳۰م)
نقاش روسی از مردم خارکف که مقدمات‌نقاشی رادرشهرخود آموخت، از تابلوهای معروف او : **قایق‌رانان ولگا،** قزاقان‌زاپوروژه،ایوان‌مخوف‌وپسرایوان، تصویر تولستوی و بسیاری دیگر .

رنان، اری Renan, Ary.
نویسندگان را به‌بینید .

رنلدز ، سرجاشوا Reynolds
(۱۷۲۳ — ۱۷۹۲م)
نقاش‌صورت سازانگلیسی است .

رنوار، پی‌یراوگوست Renoir.
(۱۸۴۱ — ۱۹۱۹م)



نقاش‌فرانسوی وازاستادان امپرسیونیسم است، ازآثار او است : ضیافت در شب،آسیای گالت .

رنیولت Regnault
(۱۷۵۴—۱۸۲۰ م)
ازنقاشان معروف فرانسه بودوآثار بسیارباارزشی ازاو دردست است .

رنیولت Regnault
(۱۸۴۳ — ۱۸۷۱ م)
ازنقاشان معروف فرانسه بود و در جنگی بین فرانسه وپروس کشته شد .

روئو، ژرژ Roauet , G
(۱۸۷۱ — ۱۹۵۸ م)
نقاش فرانسوی‌نمایندهٔ‌مکتب‌فوویسم است‌وبعدهاتابلوهای‌مذهبی‌نیزساخته‌است.

روبنس، پتروپولوس Rebens,P,P
(۱۵۷۷ — ۱۶۴۰م)



نقاش‌وسیاست مدارفلاماندری ازآثار او : شستشوی‌دریا، پرستش مجوسان ، باز گشت ازکار،سه‌الههٔ‌هنر،عیسی‌در زندان،عروسی سنت کاترین، هلن فورمان و کودکانش

روریخ، نیکولای‌کنستانتین Roerich ,N,C .
(۱۸۷۴ — ۱۹۴۷ م)
نقاش و باستان شناس روسی است .

روزا، سالوادور Rosa ,S
(۱۶۱۵ — ۱۶۷۳م)
نقاش، شاعر وحکاك از مردم ناپل است .

روستی، دنتی‌کیبریل Rossetti ,
(۱۸۲۸ — ۱۸۸۲ م)
نقاش وشاعر انگلیسی است .

روسلی، کوزیمو Rosseli ,C.
(۱۴۳۹ — ۱۵۰۷م)
نقاشی‌ازمردم فلورانس است.

روسو ، تئودور Rouseau, T
(۱۸۱۲ — ۱۸۶۷ م)
نقاش منظره ساز فرانسوی‌است که نقاشیهای وی‌اختصاص به‌مناظر طبیعی و ده‌ها دارد. ازجملهٔ آثاراو تابلو«**ورود گاوان**» است .

روس ، هانری Rousseau ,H
(۱۸۴۴ — ۱۹۱۰م)
نقاش‌فرانسوی‌است،ازآثارمعروفش مارافسای،کولی‌خفته، جنگل وشیراست.

رومنی، ژرژ Romney , G.
(۱۷۳۴ — ۱۸۰۲م)



نقاش‌انگلیسی از آثاراو: مرگ ادوارد،مرگ وولف، معروف است .

ریگود ، هیاسانت Rigaud , H
(۱۶۵۹ — ۱۷۴۳م)
نقاش فرانسوی است .



ریگورد

ریبو، تئودور Ribot, T.
(۱۷۹۱—۱۸۲۳م)
نقاش فرانسوی‌است ، اثرمعروفش تابلوی سنت‌سباستین نام دارد.

جولیورومانو Giulio Romano ,
(۱۴۹۲ - ۱۵۴۶ م)
نقاش ومعمار ازمردم ایتالیا است.

رویسدال، یاکوبوان Ruisdael, J .
(۱۶۲۸ — ۱۶۸۲ م)
نقاش وحکاك ازمردم هلند است .

ریبالتا، فرانسیسکو Ribalta, F.
(۱۵۵۵ — ۱۶۲۸م)
نقاش اسپانیایی است .

ریبرا، خوسه Ribera , J
(۱۵۸۸ – ۱۶۵۲م)
نقاش اسپانیایی است که در آثاروی رآلیسم خاصی وجود دارد ازآثارعمدهٔ اوست: پای‌کج وسنت‌آنیه وسنت‌مادلن.

ری‌زی، ژوان Rizi ,j
(۱۵۹۵ – ۱۶۸۱م)
نقاش اسپانیایی است .

رینولدز، جوشوا (سر) Reynolds,J
(۱۷۲۳ – ۱۷۹۲م)
نقاش انگلیسی ، ازآثارمعروف‌او: تصویر **طاییس**، **ساموییل‌کودك** می‌باشد.

ریورا، دیگو Rivera, D
(۱۸۸۶ – ۱۹۵۷م)
نقاش مکزیکی است .

ریه‌سنر، لئون Riesener,L.
(۱۸۰۸– ۱۸۷۸ م)
نقاش فرانسوی است .


ریه‌سنر

زیوکسیس Zeuxis
نقاش یونان باستان است .

ژاك، شارل امیل Jacque, C. E.
(۱۸۱۳ – ۱۸۹۴م)
نقاش وگراورساز فرانسوی متولد ومتوفی درپاریس. وی‌ازبهترین نقاشی‌های‌آب رنگی است و موضوع آنهاغالباً زندگانی روستایی است .


ژیکو

ژاکاندـ کلودیوس Jacquand – C.
(۱۸۰۵ – ۱۸۷۸ م)
نام نقاشی فرانسوی متولدبه‌لیون‌و متوفی درپاریس .

ژاکوب، ماکس.
نویسندگان خارجی رابه بینید.

ژالابر، شارل فرانسوا Jalabert C.F.
(۱۸۱۹ – ۱۹۰۱ م)
نقاش فرانسوی متولددرنیم Nimes

ژان‌دودن Jean du dine
نقاش ایتالیایی که در اودین متولد شد ودر رم درگذشت .

ژانرن، فیلیپ‌اگوست Jeanron
(۱۸۱۰ – ۱۸۷۷ م)
نقاش فرانسوی‌است .

ژانس، آبراهام Janssens – A.
(۱۵۷۵–۱۶۳۲ م)
نقاش فلاماندری.

ژرار – لوبارون‌فرانسوا،
(۱۷۷۰ – ۱۸۳۷م)
نام مصور ورسام تاریخ فرانسه،وی دررم بدنیاآمد ودرپاریس درگذشت. او مؤلف‌کتاب «جنگ استرلیتز»است.

ژرم – ژان لئون Gerome – j. L.
(۱۸۳۴ – ۱۹۰۴ م)
نقاش وپیکرتراش فرانسوی متولد وسول ومتوفی درپاریس .

ژروکس ، هانری
(۱۸۵۲ – ۱۹۲۹م)
نقاش فرانسوی استاد درترسیم موضوعات تاریخی متولد و متوفی در پاریس .

ژره گی‌ای آگیلار
jaurégui Aguilar
(۱۵۷۰ – ۱۶۴۰م)
شاعر ونقاش اسپانیایی ، مولد او سویل است .

ژریکول ، ژان‌لویی Gericault,Th
(۱۷۹۱ – ۱۸۲۴م)
نقاش فرانسوی‌است ازآثار اوست: **سربازگارد**،طرادهٔ مدوسن.

ژزپن Josepin
(۱۵۶۰ – ۱۶۴۰ م)
نقاش ایتالیایی . مولد او آرپینو می‌باشد .

ژسنه سالومون .
(۱۷۳۰ – ۱۷۸۸ م)
شاعرو**دورنماساز**سویسی‌تولدووفات اودر زوریخ است .

ژنگ‌کیند ، ژهان بارتلد Jongkind
(۱۸۱۹ – ۱۸۹۱ م)
نقاش وگراورساز هلندی متولد لاتروپ .

ژورا ، اتین Jeaurat – E .
(۱۶۹۹ – ۱۷۸۹ م)
نقاش فرانسوی مولدوی ورمانتون است .

ژوردانس،ژاکوب Jordaens,J.
(۱۵۹۳ – ۱۶۷۸م)
نقاش فلاماندری است ، اثرمعروف او، **تابلوی شاه می‌نوشد** نام دارد.

ژوونه،ژان.
(۱۶۴۴ یا ۱۶۴۷ –۱۷۱۷ م)
نقاش تاریخ فرانسه متولد درروئن ومتوفی در پاریس .

ژهانو، آلفرد Johannot – A .
(۱۸۰۰ –۱۸۳۷ م)
نقاش‌فرانسوی متولد درافن‌باخ .

ژیروردانو، کوکا Girordano – L.
(۱۷۰۵ – ۱۶۳۲م)
نقاش ایتالیایی ازاهالی ناپل اورا ایل‌فاپرستو ,ilfapresto، نامند مولد و وفات اوناپل است .

ژیروده د روسی Girodet de Roussy
(۱۷۶۷ – ۱۸۲۴م)
نقاش فرانسوی متولد درمونتارژی وی‌پردهٔ دعوت بقراط طبیب‌یونانی رابه‌ایران ازجانب اردشیر دراز دست پادشاه هخامنشی تصویرکرده است.این پرده نشان می‌دهدکه فرستادهٔ اردشیر مالی‌برای‌بقراط‌آورده‌است ووی‌آنرارد می‌کند.این‌تابلواکنون درپاریس است.

ژیزن پیر , Gysen – p یا Gyzen
(۱۸۳۶ – ۱۹۰۰م)
نقاش‌فلاماندری مولدآرنوس.

ژیگو، ژان Gigoux –j
(۱۸۰۶ – ۱۸۹۴م)
نقاش وقایع تاریخی ومصور فرانسه مولداو بزانسون ووفات‌اودرپاریس‌است.

ژیل – ال.ا. گوسه دگین
Gill L.A.G. de G.
(۱۸۴۰ – ۱۸۸۵م)
کاریکاتوریست فرانسوی مولداو پاریس ووفات درشارانتون می‌باشد.

سارتو آندرآآنژلی Sarto, A.A.
(۱۴۸۶ – ۱۵۳۱م)
نقاش نامدار ایتالیایی متولد در شهر فلورانس آثار او به‌سبب موضوع و رنگ‌آمیزی ارزش به‌سزایی دارد.

سارجنت . جان سینگر Sargent , J
(۱۸۵۶ – ۱۹۲۵م)
نقاش آمریکایی است .

سارژان، ژون Sargent,J
(۱۸۵۶ – ۱۹۲۵م)
نقاش‌آمریکایی است، تابلوی‌تصویر **مادموازل‌گوترو** ازاو است .

ساکی، آندرا Tacchi, A.
(۱۶۰۰ – ۱۶۶۱م)
نقاش‌ایتالیایی متولدرم وی شاگرد آلبان Albane است .

سانتر ، ژان باتیست .
Santerre –J – B
(۱۶۵۸ – ۱۷۱۷م)
نقاش فرانسوی‌که درتاریخ وتصویر مهارت داشت مولداومایْنی Magnyاست ودرقصر ورسای‌وانوالید هنرنمایی‌کرده است.

سباستیانودل پیومبو .
Sebastiaeno Del piombo
(۱۴۸۵ – ۱۵۴۷م)
نقاش‌ایتالیایی،ازآثار او: **برخاستن**



قالی با گل و بوته و نقوش مدور متعلق به دورهٔ شاه‌عباس صفوی ساخت مشرق ایران



حکایت پیرمرد و دو پرنده ، اثری از قرن نهم هجری در کتاب کلیله و دمنه مضبوط در کتابخانهٔ کاخ گلستان

لازاروس، پیتا، رامی‌توان نام‌برد.

سپینلودی لوکا سپینلی
Spinello Di Luca Spinelli
(۱۳۴۶ – ۱۴۱۰م)
نقاش‌ایتالیایی‌است، تاریخ‌زندگانی پاپ الکساندر،مریم وقـدیسین ، مصلوب کردن مسیح .

ستن، یان Steen.
(۱۶۲۶ – ۱۶۷۹م)
نقاش هلندی‌است . ازآثارمعروفش خاندان خوشبخت، روزتولد شاهـزاده ، خانوادهٔ نقاش می‌باشند .

ستوارت .
استوارت رابه بینید .

سزان ، پول Cezann ,P
(۱۸۳۹ – ۱۹۰۶م)



نقاش‌بزرگ فرانسوی ، یـکـی از پیشوایـان نهضت‌جدید نقاشی است کـه اغلب تـابلوهای خودرا در هوای آزاد طـراحـی می‌کرد.

سسشو Sesshu.
(۱۴۲۰ – ۱۵۰۶م)
نقاش ژاپونی است .

سم، ژرژگورسا Sem,G,G
(۱۸۶۳ – ۱۹۳۴م)
کاریکاتوریست فرانسوی است.

سنایدرس ، فرانس Snyders
(۱۵۷۹ – ۱۶۵۷م)
نقاش فلاماندری است، گوزن، شکار اسب‌آبی، حملهٔ ماده شیر به‌گراز، سگها درمطبخ،شیرها به دنبال‌گوزن، شکارگراز ازآثار معروف اواست .

سوترمان، ژوست Suttermans,J
(۱۵۹۷ – ۱۶۸۱م)
نقاش بلژیکی است .

سوتین Soutine,
(۱۸۹۴ –۱۹۴۳م)
نقاش فرانسوی، اصلا ازلیتوانـی، آثاروی بـه سبك اکسپرسیونیسم است . الهام اوغالباً لطیف‌وحاکی‌ازیأس‌وحرمان است .

سورا ، ژرژ Seurat, G.
(۱۸۵۹–۱۸۹۱ م)
نقاش فرانسوی‌وعضوانجمن‌هنرمندان مستقل‌کسی‌که اعتبار **فورم** وتعادل‌اشکال را به پرده‌های نقاشی بازگردانید .

سورن، آندرس لئونارد Zorn,S.L
(۱۸۶۰–۱۹۲۰م)
نقاش وحکاك سوئدی است .

سورواژ، لئوپولد استورزا واژ
Survage,L.
(متولد ۱۸۷۹م)
نقاش فرانسوی که اصلاروسی‌است ودرمسکو متولد شده‌است. **تابلوی‌ماهی فروش** اثری ازاو است .

سیسله ، آلفرد Sisley ,A
(۱۸۳۹ – ۱۸۹۹م)
نقاش امپرسیونیست فرانسوی‌است.

سیکارد ، پی‌یر. Sicard ,P.
(متولد ۱۹۰۰م)
نقاش‌فرانسوی است .

سیکیروس، داوید‌آلفارو
Siqueiros, D, A
(متولد ۱۸۹۸م)
نقاش مکزیکی، ازآثار معروف او فرسکوهایی در**مدرسهٔ مقدمات ملی**شهر مکزیکو ، نقاشیهای دیواری در **مدرسهٔ مکزیکی** (شیلی) ونقاشیهای دیواری در **مؤسسهٔ ملی‌هنرهای‌زیبای‌شهرمکزیکو.**

سینیورلی ، لوکا Signorelli .L
(۱۴۴۱ – ۱۵۲۳ م)
نقاش ایتالیایی است .

شاردن، ژان‌باپتیست‌سیمئون
Chardin– j.B S.
(۱۶۹۹ – ۱۷۷۹ م)
نقاش فرانسوی‌متولد درشهرپاریس از نخستین نقاشان قـرن هجـده بشمار می‌رفت .
ازوی آثاری ازنـوع‌طبیعت‌بیجان، صورت سازی نقاشیهای بامداد رنگی و مجلس سازی‌هایی از نوع «دعای‌آمرزش پیش ازغذا» بجامانده است .

شارله ، نیکلا
(۱۷۹۲ – ۱۸۴۵ م)
رسام وحکاك‌فرانسوی وی‌در پاریس بدنیاآمد .
درترسیم‌صحنه‌های نظامی‌استادبوده و سربازان گارد قدیم متعلق به دورهٔ امپراتوری‌ناپلئون‌رابسیارماهرانه‌نقاشی می‌کرد .



سورا

شاسریو ، تئودور . Chasseriau–T
(۱۸۱۹ – ۱۸۶۵م)
نقاش فرانسوی‌که درصدد بـرآمد سبك کلاسیك انگررا باسبك رمـانتیك دولاکرو‌آتلفیق‌کند . وی‌درساما نا بدنیا آمد . ازتابلوهای او:
«ونوس دریایی»،«سوزان»،«لاکوردر» «دوخواهر» وغیره می‌باشند .

شاگال، مارك Chagall , M.
(متولد ۱۸۸۴م)
نقاش فـرانسوی ، روسـی الاصل است .





فراگونارد

شامپنی،فیلیپ Champayne, Ph
(۱۶۰۲ – ۱۶۷۴م)
نقاش بلژیکی، اثرمعروفش:تصویر ریشیلیو می‌باشد.

طوبار. Tobar
نقاش‌اسپانیایی‌که‌شاگردموریوMurulle می‌باشدوی درقرن۱۷می‌زیسته‌وازطبیعت درنقاشی‌های خود پیروی می‌کرده‌است .

فراگونارد، جان هونوره .
Fragonard , j,H
(۱۷۳۲ – ۱۸۰۶م)
نقاش وگراورساز فرانسوی است.

فردریك، لئون Fredéric-L.
(۱۸۵۶–۱۹۴۰ م)
ازنقاشان‌بلژیکی می‌باشد.

فرومانتن، اوژن . Fromentin, u
(۱۸۲۰ـ ۱۸۷۶م)



نقاش‌ونویسندهٔ فرانسوی‌است که درآغاز به تحصیل حقوق پرداخت و بعداً تحت تأثیر تابلوی‌ماریلا قرارگرفت و مدتی‌تعلیم دید سپس بــه‌ـ الجزیره مسافرت‌کــرد. درسال ۱۸۷۶ ازمصر دیدن کرد .



فری‌یز

فری‌یز. اوتون Friesz, O
(۱۸۷۹ ـ ۱۹۴۹م)
نقاش فرانسوی است .

فلامینک Flaminck
(فوت ۱۹۵۸م)
نقاش فرانسوی است.

فوکه ، ژان Fouquet,G
(۱۴۲۰ ـ ۱۴۸۰م)
نقاش ومینیاتورساز فرانسوی‌است.

فیورانزودی ، لورانزو
Fiorenzo Di Lorenzo .
(۱۴۴۰ ـ ۱۵۲۵م)
نقاش ایتالیایی است .

کائولباخ ، گیوم دو Kaulbach G.d
(۱۸۰۵ ـ ۱۸۷۰م)
نقاش آلمانــی متولد در اورلسن Arolsen.

کابانل، الکساندر Cabanel_A.
(۱۸۳۲ ـ ۱۸۸۹م)
نقاش‌وشبیه‌ساز فرانسوی متولد در مونت پلیه .

کاراش، آگوستینو Carrache ,A
(۱۵۵۷ ـ ۱۶۰۲م)
نقاش وگراورساز ایتالیایی است.

کاراش. آنیبال Carrache ,A
(۱۵۶۰ ـ ۱۶۰۹م)
نقاش معروف ایتالیا است، **تابلوی کشتار بیگناهان** ازاو است .

کاراش ، لودویك Carrache,L
(۱۵۵۵ ـ ۱۶۱۹م)
نقاش ایتالیایی ، اثــر معروفش ، تابلوی هبوط سنت پول می‌باشد .

کاراواژ Le Caravage_P
(فوت ۱۵۴۳ م)
نقاش ایتالیایی است .

کاراواژ ، میکل آنژامریقی یامریسی.
Caravage _ M.A.
(۱۵۷۹ ـ ۱۶۰۹م)
نقاش‌نامدار ایتالیایی. وی‌در«کارا ـ واژیو» به‌دنیا آمد.سبك‌اوجسورانه‌وعاری ازپیرایه است واویکی ازرهبــران سبك رآلیسم‌است.

کارپاچیو، ویتور Carpaccio,V.
(۱۴۵۰ ـ ۱۵۲۵ م)
نقاش‌ونیزی، درونیز به دنیاآمد.او افسانهٔ «اورسول» مقدس را نقاشی‌کــرده است .

کارپی Carpi
(فوت۱۵۳۲م.)
نقاش ایتالیایی است .

کارپی، ژیرالمودا Carpi_ G.D
(۱۵۰۱ ـ ۱۵۶۱م)
نقاش ورسام‌ایتالیایی که درفرار به دنیاآمد .

کارراش، اگوستن Carrache_A .
(۱۵۵۷ ـ ۱۶۰۲م)
نقاش ایتالیایی . دربولونی بــدنیا آمد .

کارراش، لویی Carrache_L.
(۱۵۵۵ ـ ۱۶۱۹م)
نقاش ایتالیایی. دربــولونی به‌دنیا آمد .

کارس، ژرژکارپله . Kars, G,K.
(۱۸۸۲ ـ ۱۹۴۵ م)
نقاش چك ، زن مراکشی اثری او است .

کارمون‌تل Carmontelle
(۱۷۱۷ ـ ۱۸۰۶م)
معروف به‌لویی‌کاروژی **رسام**ودرام نویس فرانسوی‌متولد پاریس‌وی نویسندهٔ «مثلهای مفرح» است .

کاریر،اوژن Carriére-O.
(۱۸۴۹ ـ ۱۹۰۶م)
نقاش‌ومتخصص چاپ سنگی‌وفرانسوی متولد در«گوناری» تصاویر پر معنی و قوی‌الدلالهٔ اوروی پرده‌های نقاشی‌دودی رنگ نقش شده است .

کاستانیو ، آندرآدل Castagno _ A.
(۱۳۹۰ ـ ۱۴۵۷م)
نقاش‌ایتالیایی،که در«کاستانیو» به دنیاآمد. وی درنقاشی یك‌رآلیست‌توانا است وعلاوه‌برآن در دورنما نیز مهارت دارد .

کالام.الکساندر . Calame_A
(۱۸۱۰ ـ ۱۸۶۴م)
نقاش‌وگراورساز سوییسی، وی‌در ترسیم دورنمازبردستی ومهارت داشت.

کالس، ادولف فلیکس Cals,A,F.
(۱۸۱۰ ـ ۱۸۸۰م)
نقاش فرانسوی است،غروب‌خورشید وتابلوی صبحانه ازاواست.

کامبیازو، لوکا Cambiaso, L
(۱۵۲۷ ـ ۱۵۸۵م)
نقاش‌ودکورسازایتالیایی‌است.

کامپه‌نر، پی‌ته‌دو . Kempeneer,P.
(۱۵۰۳ ـ ۱۵۸۰م)
نقاش‌فلاماندری است.

کانالتتو Canaletto
(۱۶۷۹ ـ ۱۷۶۸ م)
نقاش‌ایتالیایی که درونیز به‌دنیاآمد وی‌مؤلف‌کتاب مناظ ونیزاست.

کاندینسکی، واسیلی Kandinsky,W.
(۱۸۶۶ ـ ۱۹۴۴م)
نقاش‌روسی، **تابلوی‌بی‌فکرمردد** از اواست .

کرنلیوس Kornelivs
(فوت ۱۸۶۷م)
نقاش‌آلمانی است .

کله، پول Klee,P
(۱۸۷۹ ـ ۱۹۴۰م)
نقاش‌آلمانی است، تــابلوی معدن سخت از ایشان است .

کوربه ، ژان‌دزیره گوستاو
Courbet J,D ,G
(۱۸۱۹ ـ ۱۸۷۷م)
نقاش فرانسوی است،تــابلوی سلام وتعارف ازاو است .

کورو، کامیل Corot ,c.
(۱۷۹۶ ـ ۱۸۷۵م)



نقاش فرانسوی است کــه در پاریس متولد شــده و از رنگهای سبز خاکستری و قهوه‌ای‌بیشتر استفـــاده می‌کرده‌است.

کوزیمو Cosimo
(۱۴۶۲ ـ ۱۵۲۱م)
نقاش فلورانسی، وآثارش بیشتردر زمینه‌های مذهبی بوده است .

کورژ آنتونی الگری Corrége ,A,A.
(۱۴۸۹ – ۱۵۳۴م)



نقاش ایتالیایی است .

کوکوشکا، اوسکار KokoschkaO,
(متولد ۱۸۸۶ م)
نقاش‌و نویسندهٔ‌اتریشی است. **تابلوی تصویر زن** ازاواست .

کوکتو، ژان .
نویسندگان خارجی را به بینید .

کول امیل ، کورتت Cohl ,E,C.
(۱۸۵۷ – ۱۹۳۸م)



رسام‌وکاریکاتوریست فرانسه است.

کی‌ریکو، جورجیو، Chirico ,G
(۱۸۸۸ – ۱۹۱۹م)
نقاش ایتالیایی است. تابلوی‌صنعت ازایشان است .

گالش، لویی Galloche –L.
(۱۶۷۰ – ۱۷۶۱ م)
نقاش‌فرانسوی متولد درشهر پاریس سازندهٔ تابلوهای مذهبی .

گرز، ژان باپتست Greuze–J.B.
(۱۷۲۵ – ۱۸۰۵م)
نقاش فرانسوی که درتورنوس به‌دنیا آمد. وی درساختن صحنه‌های‌خانوادگی وشکلهای اشخاص مهارت داشت. آثار برجستهٔ او :
نامزد دهکده ـ لعنت‌پدری ـ پسر تنبیه‌شده ـ پرندهٔ مرده ـ سبوی شکسته ـ مهرفرزند می‌باشند.

گرشن ، ژیوانی فرانچسکو بار بیری (ژان فرانسوا) Guerchin– G F.B.
(۱۵۹۱ – ۱۶۶۶م)
نقاش ایتالیایی که صحنه‌های قابل ملاحظه بوسیلهٔ رنگ آمیزی سایه‌وروشن بوجودآورده . ازجمله آثار او:
تشییع جنازه، سنت‌پترونی‌می‌باشد.

گرکو، دومنیکو تئوتو کوپولوس .
Greco ,D,T ,
(۱۵۴۰ -۱۶۱۴م)
نقاش اسپانیایی است.

گرو، ژان‌آنتوان‌بارن Gros, J.A,B.
(۱۷۷۱ – ۱۸۳۵م)
نقاش فرانسوی متولددر پاریس. او از بزرگترین نقاش محاربات دورهٔ امپراتوری است . ازپرده‌های مشهوروی طاعون‌زدگان‌یافاومیدان‌مبارزهٔ‌ایلواست.

گروس، ژرژ Grosz, G
(۱۸۹۳ – ۱۹۵۹ م)



نقاش‌ورسام آمریکایی است‌که اصلاً آلمانی‌است.

گری، ژوآن Gris ,J.
(۱۸۸۷ – ۱۹۲۷م)
نقاش اسپانیایی است.

گنسالو ، نونو
نقاش پرتغالی قرن پانزدهم . وی پرده‌های زیبایی بوجودآورده است .

گنسبوروگ، توماس: Gainsborough'T
(۱۷۲۷ – ۱۷۸۸م)
نقاش آلمانی است .

گوزولی، بنوزو
(۱۴۲۸ – ۱۴۹۸م)
نقاش ایتالیایی که‌درفلورانس به‌دنیا آمدازآثار اوست:
و رودمجللانهٔسن‌تماداکن،
ملتزمین‌رکاب پادشاهان مجوس.
اویك بخش ازکودکستان مشهور ـ «کامپوسانتو دوپیز» راتزیین کرده‌است.

گوگن، پول Gauguin ,P.
(متولد ۱۸۴۸م)



نقاش‌فرانسوی که مدت چهارسال‌در کشور پرو زندگی‌کرد درسال۱۸۵۵ به‌فرانسه‌بازگشت، ودر سن۱۷سالگی مدرسهٔ‌دینی اورلئان راتمام کرد. ومدتی‌کارمندبانك بوددراین وقت‌گاهی به نقاشی‌می‌پرداخت وقتی به‌سن۳۵ سالگی رسید شغل اداری خودرا ترك‌گفت وازآن پس‌آثار جالبی آفرید .

گویا ، فرانسیسکو Goya,F
(۱۷۴۶ – ۱۸۲۸ م)



نقاشی اسپانیایی، گاوبازی ، **در بارهٔ ویرانیهای جنگ، تلون مزاجی** از تابلو های مشهوراواست.

گید Guide
(۱۵۷۵ – ۱۶۴۲م)
«یاگیدورنی» نقاش ایتالیایی وی به ظرافت وروشنی بیان ورنگ آمیزی آثار خود مشهور است .

گیرلاندایو Ghirlandasjo
(۱۴۴۹ – ۱۴۹۴ م)
ازمشهورترین و مبرزترین نقاشان هنرمند دورهٔ رنسانس ایتالیا است .



امیل کول



گروس

لاتور، ژرژ La Tour ,G
(۱۵۹۳ - ۱۶۵۲م)
نقاش فرانسوی است ، **تابلوی زن کیکی**، ازاو است .

لاتور،مریس کانتن‌دو . La Tour–M.C
(۱۷۰۴ - ۱۷۸۸م)
نقاش فرانسوی که درسن کنتن به‌دنیا آمد .


لانگوا

لارژیلیه، نیکولادو. Largilliere,N .
(۱۶۵۶ - ۱۷۴۶م)
نقاش فرانسوی است.

لافرنای، روژه دو La Fresnaye, R.
(۱۸۸۵ - ۱۹۲۵م)
نقاش فرانسوی است.

لافوس، شارل‌دو Lafosse,Ch
(۱۶۳۶- ۱۷۱۶م)
نقاش فرانسوی است .

لاگره‌نه ،ژان ژاك Lagrenée,j.j
(۱۷۴۰ - ۱۸۲۱م)
نقاش فرانسوی است ؛ تابلوی‌سه لعبت‌اثراو است .

لاگرنه، ژان لویی‌فرانسوا
(۱۷۲۴ - ۱۸۰۵م)
نقاش فرانسوی که درپاریس به‌دنیا آمد .

لالماند، ژرژ Lallemand ,G.
(مرگ ۱۶۳۵م)
نقاش فرانسوی است .

لامی، اوژن Lami – O.
(۱۸۰۰ - ۱۸۹۰م)
نقاش فرانسوی که درشهر پاریس به‌دنیا آمد.

لانتارا، سیمون ماتون .
(۱۷۲۹ - ۱۷۷۸م)
نقاش‌منظره‌سازفرانسوی که درانسی به‌دنیا آمد.

لاندسیر، سرادون هانری . Landseer
(۱۸۰۲–۱۸۷۳م)
نقاش انگلیسی که‌درلندن‌به‌دنیا آمد.

لانفران ، ژیووانی
(۱۵۸۰ - ۱۶۴۷م)
نقاش ایتالیایی که‌درپارم به‌دنیا آمد .

لانکره، نیکلا.
(۱۶۹۰–۱۷۴۳م)
نقاش‌فرانسوی،درشهر پاریس به‌دنیا آمد.

لانگلوا ، ژان شارل Langlois.
(۱۷۸۹ - ۱۸۷۰م)
صاحبمنصب ونقاش فرانسوی.

لانگلوآ، ژروم Langlois ,j.
(۱۷۷۹ - ۱۸۳۸م)
نقاش فرانسوی است .

لاوال، شارل Laval,Ch.
(۱۸۶۲ - ۱۸۹۴م)
نقاش فرانسوی است .

لاورانس، توماس Lawrence,T.
(۱۷۶۹ - ۱۸۳۰م)
نقاش انگلیسی است .

لاهیر ، لرن‌دو
(۱۶۰۶ - ۱۶۵۶م)
نقاش و گراورساز فرانسوی متولد درشهر پاریس .

لئونارد، داوینچی .
داوینچی رابه بینید .

لبرون، الیزابت ویژه، دام
(۱۷۵۵ - ۱۸۱۷م)
مشهور به مادام ویژه لبرون نقاش فرانسوی متولد درپاریس .

لبرون، شارل .
(۱۶۱۹ - ۱۶۹۰م)
نقاش فرانسوی متولدپاریس.

لپز، ژزف.
نقاش‌اسپانیولی که‌درشهراشبیلیه‌به‌دنیا آمدودرحدود۱۶۵۰شاگردموریلو بود .

لرس، ژراردو Lairesse–J.
(۱۶۴۱ - ۱۷۱۱م)
نقاش وگراور ساز ونویسندهٔهلندی متولد لیژ.

لرن، کلود–ژله‌لو Lorrain– C.J.
(۱۶۰۰ - ۱۶۸۲م)
نقاش منظره ودورنماساز فرانسوی متولدشامای (وشر).

لرنس،توماس Lawrence–T.
(۱۷۶۹ - ۱۸۳۰م)
نقاش صورت‌سازانگلیسی متولد بریستول .

لرنس، ژان‌پل Laurens–J.P.
(۱۸۳۸ - ۱۹۲۱م)
نقاش ومصورتاریخ فرانسه . متولد «فورك و»

لرمیت، لئون Lhermitte–L.
(۱۸۴۴ - ۱۹۲۵م)
نقاش فرانسوی از منظره‌سازان و سازندگان پرده‌های نقاشی حیوانات و مجالس وانواع‌میوه، متولد«من‌سن‌پر».

لژر، فرناند Léger,F.
(۱۸۸۱ - ۱۹۵۵م)
نقاش فرانسوی است .

لسلی، شارل ربرت Leslie–C. R.
(۱۷۹۴ - ۱۸۵۹م)
مصور تاریخ انگلستان‌متولدلندن .

لفبور، ژول Lefebure–J
(۱۸۳۶–۱۹۱۴م)
نقاش‌فرانسوی،مصورتاریخ ومنظره سازی. وی‌درتورنان به‌دنیاآمد .

لموان ، فرانسوا Lemoyne–F
(۱۶۸۸ - ۱۷۳۷م)
نقاش ومصور تاریخ فرانسه که در پاریس به‌دنیا آمد .

لنن، آنتوان
(۱۵۸۸ - ۱۶۴۸م)
نقاش فرانسوی‌است.

لنن، لویی.
(۱۵۹۳ - ۱۶۴۸م)
نقاش فرانسوی است .

لنن، ماتیو.
(۱۶۰۷– ۱۶۷۷م)
نقاش فرانسوی است.

لنوو، ژول اوژن Lenpveu–J
(۱۸۱۹ - ۱۸۹۸م)
مصورتاریخ فرانسه متولدآنژرس.

لوئینی، برناردینو Luini–B.
(۱۴۷۵ - ۱۴۸۰یا۱۵۳۳م)
نقاش پیرومکتب میلان ، شاگرد لئونارد داوینچی.

لوت، آندر Lehote,A.
(۱۸۸۵ - ۱۹۶۲م)
نقاش فرانسوی است .

لورانسن، ماری Laurencin,M.
(۱۸۸۵ - ۱۹۵۶م)
نقاش فرانسوی است .

لوگرو، آلفونس Legros,A.
(۱۸۳۷–۱۹۱۱م)
نقاش وگراور ساز و مجسمه ساز انگلیسی است .

لومینه ، اواریست Luminais.
(۱۸۲۱ - ۱۸۹۶م)
نقاش‌فرانسوی‌درنانت‌دیده به‌جهان گشود .

لوی، امیل.
(۱۸۲۶ - ۱۸۹۰م)
مصورتاریخ‌فرانسه،متولدپاریس.

لیبری، پیترو Libreville–P.
(۱۶۰۵ - ۱۶۸۷م)
نقاش ورسام‌ایتالیایی.متولد پادو.

لیپی، فرا فیلیپو Lippi–F.
(۱۴۰۶ - ۱۴۶۹م)
نقاش ایتالیایی‌متولد فلورانس .

لیوتار، ژان اتین Liotard_J.
(۱۷۰۲ ـ ۱۷۹۰م)
نقاش سوییسی متولد ژنو. وی بعلت کارهایی که ازمشرق زمین تهیه کرده بود ملقب به نقاش ترك شده است.

ماتسی، کانتان Matsys ,Q.
(۱۴۶۶ ـ ۱۵۳۰م)
نقاش فلاماندری است.

ماتیس، هنری Matisse, H.
(۱۸۶۹ ـ ۱۹۵۴م)
نقاش فرانسوی است.

مار، آندره Mare, A.
نقاش ودکورساز فرانسوی است.

مارشان، آندره Marchand ,A
(متولد ۱۹۰۷ م)
نقاش فرانسوی است.

مارکه، آلبرت Marquet.A
(۱۸۷۵ ـ ۱۹۴۷م)
نقاش فرانسوی است.

ماساکسیو، توماسو دی‌سر گیووانی.
Masaccio, T.
(۱۴۰۱ ـ ۱۴۲۹م)
نقاش ایتالیایی است، **تابلوی آدم وحوای رانده‌شده** اثرمعروف‌او است.

ماسولینودا پانیکال، توماسو
Masolino da panicale.
(۱۳۸۳ ـ ۱۴۴۷م)
نقاش ایتالیایی است،تابلوی خطابهٔ **سنت‌پی‌یر** اومعروف است.

ماسون، آندره Masson , A.
(متولد ۱۸۹۶م)
نقاش فرانسوی‌است، **تابلوی‌تصویر** اومعروف است.

مالویچ، کازیمیر Malevitch,K
(۱۸۷۸ ـ ۱۹۳۵م)
نقاش روسی است.

مانه، ادوارد Manet, E.
(۱۸۳۲ ـ ۱۸۸۳م)
نقاش وگراور ساز فرانسوی است، **تابلوی‌بچه وگیلاس** اومعروف است.

مملنگ، هانس Memling,H.
(۱۴۳۳ ـ ۱۴۹۴م)
نقاش فلاماندری‌است.

مودیلیانی، آمدئو
Modiglinani,A.
(۱۸۸۴ ـ ۱۹۲۰م)
نقاش ایتالیایی است.

موراندی، جیورجیو Morandi,G.
(متولد ۱۸۹۰م)
نقاش ایتالیایی‌است، تابلوی‌طبیعت مرده، معروفترین اثرایشان است.

موریللو، بارتولومه استه‌بان
Murillo, B
(۱۶۱۷ ـ ۱۶۸۳م)
نقاش اسپانیایی‌که تابلوهای مذهبی جالبی فراهم‌کرده است.

موندریان، پی‌یر Mondrian,P
(۱۸۷۲ ـ ۱۹۴۴م)
نقاش هلندی است.

مونه، کلود Monet,C.
(۱۸۴۰ ـ ۱۹۲۶م)
نقاش فرانسوی است.

میرو، ژوآن Miro, J
(متولد ۱۸۹۳م)
نقاش اسپانیایی، اثر معروفش تابلوی تصویر درردریا است.

میکلآنژ Michel_Ange
(۱۴۷۵ ـ ۱۵۶۴م)
استادنقاشی ومجسمه‌سازی ومعماری وشعر.درکاپرز ایتالیا متولد شد، ازآثار معروفش :
مجسمهٔ داود، مجسمهٔ موسی، مسیح، صلیب به‌دوش ؛ ودرنقاشی:روزرستاخیز، آفرینش‌جهان ودرمعماری: قصرفارنز، کتابخانهٔ فلورانس‌می‌باشد.

میگنارد، پی‌یر Mignard, P.
(۱۶۱۲ ـ ۱۶۹۵م)
نقاش فرانسوی است، **مریم ومسیح وخوشهٔ انگور** اثر معروف اواست.

ناتوار، شارل‌ژوزف.
(۱۷۰۰ ـ ۱۷۷۷م)
ازنقاشان فرانسوی‌است.

ناتیه، ژان مارك Nattier,J, M.
(۱۶۸۵ ـ ۱۷۶۶م)
نقاش فرانسوی‌است : **تصویرمادام ویکتوار** اثرمعروف اوست.

نادار،فلیکس‌تورناشون Nadar F.T.
(۱۸۲۰ ـ ۱۹۱۰م)
نقاش وادیب فرانسوی‌که درپاریس به‌دنیاآمدودرهمان‌شهردر گذشت.

نانکیول، فرانك آرثور
Nankivell _ F.A.
نقاش وشکل‌سازاسترالیایی درشهر مالدون استرالیامتولدشد اودرسال۱۸۹۴ به سانفرانسیسکومسافرت کرد. وی‌اولین کسی‌است‌که باساختن شکل‌های متحرك (کارتن) توانست نوعی خیمه شب بازی ترتیب دهد وفیلمهای کارتن امروز در حقیقت دنبالهٔ‌اندیشهٔ اوست.

نچر، کاسپار Netscher. C.
(۱۶۳۹ ـ ۱۶۸۴م)
نقاش‌آلمانی، تابلوی **دختر جوان** یکی‌ازآثارمعروف اواست.

نولده، امیل‌هانسن Nolde,E,H
(۱۸۶۷ ـ ۱۹۵۶م)
نقاش‌آلمانی است.

نیکلسون، بن Nicholson,B
(متولد ۱۸۹۴م)
نقاش انگلیسی است.

واتو، آنتوان Watteau, A.
(۱۶۸۴ ـ ۱۷۲۱م)
نقاش فرانسوی است، **ژوپیترو آنتیوپ** تابلوی معروفی ازاواست.

وارن، کانتن Varin,Q.
(۱۵۷۰ ـ ۱۶۳۴م)
نقاش فرانسوی است.

والادن، سوزان Valadon,
(۱۸۶۷ ـ ۱۹۳۸ م)
نقاش فرانسوی‌است، تابلوی **آدریلو ومادربزرگش** اومعروف است.

والوتون، فلیکس Vallotton ,F
(۱۸۶۵ ـ ۱۹۲۵م)
نقاش فرانسوی است، **تابلوی زن رومانی باجامهٔ قرمز** او معروف است.

وان اوستاد، آندرین Van Ostade.A
(۱۶۱۰ ـ ۱۶۸۴ م)
نقاش وگراورساز هلندی است.


تابلویی ازوان‌اوستاد

وان اورلی، برنارد Van Orley,B.
(۱۴۸۸ ـ ۱۵۴۱م)
نقاش فلاماندری است.

واندرگو، Van Der Goes
(۱۴۴۰ ـ ۱۴۸۲ م)
نقاش هلندی است، **تابلوی مرگ مریم عذرا** ازاو است.


هنری‌ماتیس


مملنگ


مونه


واتو


میکل‌آنژ

واندرهلس، بارتولومو.
Van Der Helst B
(۱۶۱۳ - ۱۶۷۰م)
نقاش هلندی است .

واندرویدن Van Der Weyden
(متولد ۱۴۶۴م)
نقاش فلاماندری‌است .

وان دو ولد،هنری Van de Velde.H
(۱۸۶۳ - ۱۹۵۷م)
نقاش‌وآرشیتکت هلندی‌است.

وان دیك ، آنتوان Van Dyck.
(۱۵۹۹ - ۱۶۴۱م)
نقاش‌فلاماندری‌است .

وان‌گوگ، ونسان Van Gogh,V
(۱۸۵۳ - ۱۸۹۰م)



نقاشی‌معروف ازمردم‌هلند، ازکودکی به نقاشی‌علاقمند بود ، وگاهی تـابلوهایـی تهیه‌می‌کرد ولی درسال۱۸۸۰ دچار وضع ناگواری شد و باهمهٔ آن وسایل‌نقاشی فراهم‌کرد، درآن وقت۲۷سال‌داشت، پس‌ازآن‌مدت ۵سال‌باکوششی خستگی ناپذیردربلژیك وهلند به‌نقاشی پرداخت، وبرای مطالعهٔ تابلوهای روبنس به‌آنورس رفت ومدتی باگوگن‌هم منزل شد وسرانجام خودکشی کرد .



ووترس

وان‌لوو، لویی‌میشل Van Loo,L.M.
(۱۷۰۷ - ۱۷۷۱م)
نقاش فرانسوی است‌کـه **تـابلوی عروسی مریم عذرا** ازاواست.

وان همسکرك ، اگبرت
Van Heemskerck , E
نقاش هلندی است، **تصویرمرد** اثر او است .



هالس

ورونز، پائولوکالیاری Veronèse,P C.
(۱۵۲۸ — ۱۵۸۸م)



معروف بـه پائولـو، نقاش ایتالیایی که آثـارش ـــ درخشندگـی خاص دارد .

ورنه ، هوراس Vernet , H.
(۱۷۸۹ — ۱۸۶۳م)
نقاش فرانسوی است .

ولاسکز دوسیلوا، دیه‌گو .
Velasquez de Silva, D.
(۱۵۹۹ — ۱۶۶۰م)
نقاش اسپانیایی، **تـابلوی کارگاه آهنگری** ازاواست .

ولامینك، موریس دو Vlaminck ,M
(۱۸۷۶ — ۱۹۵۸م)
صورت‌سازومنظره‌سازویکی‌ازنمایندگان مشهورسبك فودیسم فرانسه است . اثـر معروف او، کلبهٔ‌کاه گلی است .

ولتی، آلبرت Welti, A.
(۱۸۶۲ — ۱۹۱۲م)
نقاش‌سوییسی است .

ووئه، سیمون Vouet, S .
(۱۵۶۰ — ۱۶۴۹م)
نقاش‌فرانسوی‌است، تابلوی‌معروف او **معرفی مسیح به معبد** است .

ووترس، ریك Wouters.
(۱۸۸۲ — ۱۹۱۶م)
نقاش ومجسمه سازبلژیکی است.

ووس ، پل‌دو. Vos, P.
(۱۵۹۶ — ۱۶۷۸م)
نقاش فلاماندری است

ووس، کورنلیس‌دو Vos, C.
(۱۵۸۴ — ۱۶۵۱م)
نقاش فلاماندری‌است .

ویت، امانوئل Witte,E.
(۱۶۱۷ — ۱۶۹۲م)
نقاش هلندی است .

ویلد ، روژه Wild,R.
(متولد ۱۸۹۴م)
نقاش ورسام فرانسوی است .

ووییلارد،ادوارد Vuillard,E
(۱۸۶۸ — ۱۹۴۰م)
نقاش فرانسوی است .

ویس پیانسکی،استانیسلاو.
نمایشنامه نویسهارابه بینید .

ویگنون ، کلود Vignon,C
(۱۵۹۳ — ۱۶۷۰م)
نقاش فرانسوی است، اثرمعروفش، **تابلوی کرزوس** است .

ویلون ، ژاك Villon,J
(۱۸۷۵ — ۱۹۶۳م)
نقاش فرانسوی است .

ویون، لویی Vivin,L
(۱۸۶۱ — ۱۹۳۶م)
نقاش فرانسوی است .

هارپینی ، هانری Harpignies,H.
(۱۸۱۹ — ۱۹۱۶م)
نقاش‌فرانسوی‌که دروالنسین به‌دنیا آمد ودرپریوه‌درگذشت. تعلیماتی‌ازآثار گرفت وبمنظره‌سازی گرایش یافت‌آثار نامی او:
منظرهٔ جزیرهٔ‌کاپری «۱۸۰۰»ـرم منظره‌ای ازقلهٔ پالاتن «۱۸۶۵» ـ وزو «۱۸۶۶» می‌باشد .

هارت ، سالمون‌الکساندر Hart_S.A.
(۱۸۰۶ — ۱۸۸۱م)
نقاش انگلیسی‌که در پلیموت‌به‌دنیا آمـد ودرلندن درگذشت.وی ابتدا بـه مینیاتور دلبستگی داشت سپس‌به ساختن صحنه‌های تاریخی‌پرداخت. ازپـرده‌های زیبای وی «آنا» «مادرساموئل»«کشیش بزرگ‌الی» و«مـرگ الهه » رامی‌توان نام برد.

هارتونگ، هانس Hartung ,H
(متولد ۱۹۰۴م)
نقاش فـرانسوی، آلمانـی الاصل است .

هاروی، ژرژ Harvey, G.
(۱۸۰۶ — ۱۸۷۶م)
نقاش انگلیسی، درکنت نشین نیف (اکوس)به‌دنیا آمد ودرادیمبورگ در-گذشت .

هاریزون ، توماس الکساندر
Harrison — T.A.
(۱۸۵۳ — ۱۹۳۰م)
نقاش‌نامی‌امریکایی.درفیلادلفیا بدنیا آمد ودرپاریس درگذشت .

هالس ، فرانس Hals,F
(۱۵۸۴ — ۱۶۶۶م)
ازنقاشان معروف‌هلند، ازتابلوهای معروف او: دختر بوهمی‌ودیوانه است.

هربین ، اوگوست Herbin,A.
(۱۸۸۲ — ۱۹۶۰م)
نقاش فرانسوی است .

هردرا ، فرانسیسکو.
اررا را به‌بینید .

واتو، آنتوان Watteau,A.
(۱۶۸۴ — ۱۷۲۱م)
نقاش و حکاك فرانسوی، تابلوهایی ازوی بجای مانده است.

چند کتاب نقاشی

امپرسیونیسم (تالار تهران ، ایران) ، سارا نیومیر، ترجمهٔ اسماعیل نوری علاء.

بی ینال تهران ، هنرهای زیبای کشور بامقدمهٔ احسان یارشاطر. ایران ـ هنرهای زیبای کشور.

پرسپکتیو (دهخدا تهران)؛ پی یر لاهال، ترجمهٔ بهروز راد .

تاریخ نقاشی در ایران : دکتر زکی محمد حسن المصری .

تربیت چشم، روش آموختن نقاشی: احمد بنی آدم .

دستور نقاشی یا کمال هنر: مصطفی نجمی.

ردعقاید مکتب کوبیسم: هوشنگ **پیمانی.**

رنگ زنی : ترجمهٔ یثرب صمدانی .

روش آموختن نقاشی: ابراهیم بنی احمد.

کتاب سال تالار ایران : (تالار ایران، تهران) .

نامه‌های وان گوگ : آتلیهٔ نقاشی وان گوگ ونسان **وان گوگ** ، ترجمهٔ رضا فیروزی .

نظری به هنر نقاشی : ابن سینا باهمکاری فرانکلین. کاترین **گیبسون**، ترجمه و نگارش پ مرزبان .

نفوذسبك اروپایی در نقاشی : مهندس عباس مزدا .

نقاشی ایتالیا از ۱۹۴۵ به بعد: (تالار ایران، تهران)، جولیو کارلو آرگان و نلو پونته، ترجمهٔ مریم جزایری و اسماعیل نوری علاء.

نقاشی فرانسه از ۱۹۴۵ به بعد : (تالار ایران، تهران)، مارسل بریون ، ترجمهٔ روبین پاکباز و حبیب خوانساری پور .

نقاشیهای معاصر ایران (مروارید، تهران) ناصر اویسی .

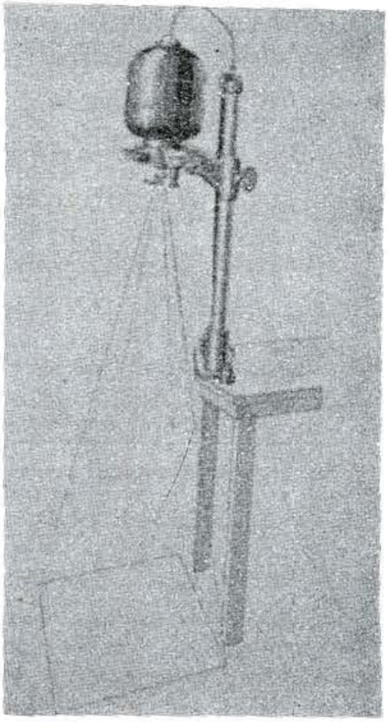
هنر پوشش جدید به وسیلهٔ ریلواتور : منصورهٔ نقش .

هنر ساختن گل مصنوعی : ناصرالدین میرشاملو .

عکاسی



اگراندیسمان



فیلم را در دستگاه طوری قرار می‌دهیم که روی مات فیلم به طرف پایین باشد سپس فاصله را تنظیم کرده تا عکس بـه اندازهٔ مورد نظر در آید، سپس با تهیهٔ چند نمونـه عکس بازمانهای مختلف زمان نور دادن رامشخص می کنیم (نورسنج این مسأله را حل کرده است) آنگاه عکس را در دوای ظهور به مدت ۱ـ۳ دقیقه (به نسبت دوای ظهور) قرارداده واز آنجا به داخل حمام توقف شستشوی ۱۵ ثانیه‌ای انجام داده و وارد حمام ثبوت می کنیم و عکس را ۱۰ دقیقه در آن تکان می‌دهیم، و در مدت ۴۵ دقیقه عکس بدست آمده را در آب جاری شستشو می‌دهیم .

وسایل کارگاه عکاسی :

۱ ـ نور بی تأثیر: بهتر است به رنگ زرد ـ سبز باشد .

۲ـ طشتك: ازجنس فلزضد زنگ یا پلاستیك باشد، این طشتك‌ها اگر ۴ عدد باشند (ظهور ـ حمام توقف ، ثبوت ـ و شستشوی نهایی) بهتر است .

۳ـ پنس: به تعداد طشتك‌ها ازجنس پلاستیك .

۴ ـ دستگاه برش دورعکس .

۵ـ گرماسنج: برای در نظر گرفتن حرارت کارگاه (زیرا داروهای عکاسی نسبت به گرمای زیاد حساسیت دارند).

۶ـ ساعت مخصوص تاریکخانه: بهتر است ازساعت مخصوص نوردادن استفاده شود .

نکات مهم برای کار در کارگاه عکاسی:

۱ ـ توجه به تاریخ مصرف کاغذهای حساس .

۲ ـ پاك کردن عدسی‌ها برای عمل اگراندیسمان .

۳ ـ تمیز کردن فیلمها .

۴ـ پاك کردن کندانساتور.

محلول ظهور ۷۲ کداك

برای یك لیتر آب :

متول ۳ گرم .

سولفیت دوسود آنهیدر ۴۵ گرم

هیدروکینون ۱۲ گرم

کربنات دوسود آنهیدر ۶۷/۵ گرم

برومور دوپتاس ۲ گرم

(مدت ظهور ۱/۵ دقیقه)

دوای ظهور ۱۳۰ آگفا

برای یك لیتر آب :

متول ۲/۲ گرم

سولفیت دوسود آنهیدر ۵۰ گرم

هیدروکینون ۱۱ گرم

کربنات دوسود آنهیدر ۷۸ گرم

گلیسین ۱۱ گرم

برومور دوپتاس ۵/۵ گرم

(مدت ظهور ۲ـ۳ دقیقه)

انواع دوربین

۱ ـ دوربین‌های جعبه‌ای: فاصلهٔ ذره‌بین و کاغذ حساس ثابت است .

۲ـ دوربین با ذره‌بین متحرك : می‌توان فاصلهٔ بین فیلم وشیی را بهر نسبتی تغییر دارد .

۳ـ دوربین تمام متحرك: باذره‌بین و فیلم متحرك ودهانهٔ ذره‌بین قابل انحراف است .

استفاده ازصافی

۱ـ صافی زرد: برای عکسبرداری

از آبهای زیاد وهوای ابرآلود وگل و سبزه .

۲ ـ صافی سبز کمرنگ : برای عکسبرداری از آسمانهای ابرآلود و برای روشن کردن جزییات تاریك یك صحنه.

۳ـ صافی قرمز: این صافی ابرهای آسمان را پف کرده ودورنشان می‌دهد .

چند کتاب عکاسی

خودآموز عکاسی : منصور بدخشان .

خودآموز عکاسی : مهدی آذر یزدی.

خودآموز عکاسی برای همه : مهدی آذریزدی .

هنر عکاسی: ترجمه وتنظیم.جهانبخش رفیعی .

معماری

پیشگفتار

ملاحظات کلی

معماری درایران تاریخ ممتد بیش ۶۰۰۰ ساله‌ای دارد ودست کم از ۵۰۰۰ سال پیش از میلادتا به امروز درقلمرو پهناوری ازسوریه تاهندشمالی ومرزهای چین،ازقفقاز تازنگبار، با نمونه‌های ویژه‌اش گسترده شده است . بناهای ایرانی گوناگون‌است، گذشته از پاره‌ای پلهای باشکوه وبزرگ، هم کلبه‌های روستایی‌ـ چایخانه‌ها، آلونك‌هاوجوددارد وهم برخی ساختمانهای بسیارزیبای سحر آمیزی که تاکنون جهان بخود دیده ودرسراسر این روزگار درازنمودار ویژهٔ آنها نقشهای ساده واصیل باآرایشی پرمایه بوده‌است.

معماری باستانی ایران، هم‌درمعنی‌و هم‌مقصد، ونخست‌جنبه‌ای مذهبی داشت و دارای هردوخصوصیت نیایشی وافسونی بود.مایهٔ‌اصلی گرایش به‌رمزها وعلامتهای کیهانی بود، که‌آدمی رابه یگانگی و انبازی بانیروهای آسمانی‌فرا می‌برد. این‌مایه، که‌درحقیقت،درسراسر آسیا گسترده شده وتاعصرجدید پایداری کرد، نه تنها به‌معماری ایرانی یگانگی وپیوستگی بخشید بلکه به‌همان‌اندازه گونه‌ای از نخستین شخصیت احساسات اورا پرورد.

مصالح‌موجودسبب‌پیدایش‌ساختمان‌ـ های بزرگ‌می‌شدفراوانی خاك‌رس آمادهٔ استفاده، دربسیاری جاها، پیشرفت همهٔ فنون ساختمانی ابتدایی راتندترکرده است. خشت، خمیر گل قالبی‌آماده برای خشك‌شدن، ازدیرزمانی درایران هرگز متروك نمانده‌است . همچنین، فراوانی این‌پوشش‌خاکی ، همراه بایك‌ورقهٔ ملاط چسبنده، پیشرفت آجرپزی‌را آسان کرده. آجرهای‌باستانی‌حتی‌آنهاکه‌فقط‌در آفتاب خشك شده وقتی در بنا کار گذاشته می‌شود، مصالح‌ساختمانی‌پایداری‌راتشکیل می‌دهد ودرساختمانهای گوناگونی به فراوانی بکارمی‌رود.محققاً، سنگ‌وچوب گاهی‌بکاررفته‌ـدربناهای‌بزرگ‌هخامنشی و برای مجراهای زیر زمینی و پلهاـ ولی‌درمعماری دوران‌پارتیها وساسانیان استفاده ازقلوه سنگ بسیار رواج‌داشته زیرا این‌مصالح تندتر وآسانتر ازآجر بکارمی‌رود .

بناهای آجری دارای‌نمای زننده است، مسألهٔ استواری و استقامت بناهای سنگی نیزامری طبیعی است ولی ازسوی دیگربنای پهن‌وسادهٔ آجری، آرایشی‌را می‌پذیرد که درسنگ ناخوشایند و حتی گاهی‌غیرممکن‌خواهدبود.فنون‌ساختمانی نیز مانند مصالح آن متنوع است ، از بنای‌ابتدایی‌وناشیانه تاچنان‌ساختمانهای باشکوه مانند مقبرهٔ‌الجایتو، گنبدشمالی مسجدجامع اصفهان و بسیاری طاقهای استادانه کشانده شد.

برای بیش‌از ۳۰۰۰ سال ، اصول معماری‌ایران، بیگمان، پایدارمانده‌است. یك‌احساس نمایان سنجش وبکارگرفتن استادانهٔ شکلهای ساده وتناوروپایداری بسیار شگفت‌آور سلیقه‌ها بیش‌از همه به چشم می‌خورد . سر دربلندکمانی بدون هیچ‌پاطاق،ستونها باسرستونهای دوهلالی ونمونه‌های مکرری ازنقشه وتخیل دیده می‌شود، در طول روزگاران ، در تحت توجهات جانشینان فرمانروایان بسیار این‌اصول دربناهای‌گوناگون تکرارشده وپاره‌ای ازشیوه‌های باستانی هنوز زنده است !

ایوان ستوندار، یا **تالار** ، پیداشده درگورهای سنگی نزدیك پرسپولیس‌بار دیگردرمعابدساسانی‌ودردوره‌های‌اسلامی اخیرهمچون ایوان‌قصریامسجد حتی‌نمای بیرونی چایخانه نمایان می گردد، بهمین ترتیب گنبدچهارطاقی که‌ازمختصات‌معماری ساسانی‌است‌هنوزدربسیاری‌ازگورستانها ومقبره‌های‌کوچك بیرون دهکده‌هایافت می‌شود . شایدطاق بلندتخم مرغی‌تیسفون ازهمان نوعی‌باشدکه‌هنوزدر یك‌ساختمان روستایی قرن‌بیستم تکرار شده است . قصرپادشاهی چهارایوان‌مربوط‌به پیش‌از دوران پارتها، تاقبل‌ازقرن دهم به‌عنوان یك‌نمونهٔ استوار برهمه جامسلط شده‌بود، اندیشهٔ برجهای‌خاکی‌سربرآسمان‌کشیده که بابرجهای خدایی‌آسمان درآمیزد؛ تاقرن‌نوزدهم پایداری‌کرد . درحالی‌که آرایش قصر اندرونی (استخر) دیوار و محوطهٔ دالان هرچند قدیمی ولی هنوز رایج است .

معماری‌ایرانی به‌یك‌پیوستگی‌ادامه داده‌که هرچند براثرکشمکش داخلی و تجاوزخارجی‌موقتاً‌کندویامتوقف‌شده‌ولی به‌شیوه‌ای نایل‌گشته‌که‌به‌سختی می‌توان آن‌را بادیگری اشتباه‌کرد. این‌مطلب ، حتی‌درbارهٔ‌نمونه‌ای‌که براثرپیشآمدها دگرگون‌شده وباحسب‌الامری بوده‌باشد، درست‌است. تناسب کاملا بدیهی‌واستادانه طرح‌شده گرچه چون ایرانیان یونانیان رادوست، نداشتند، به‌نظرمی‌رسدکوشش زیادی برای قرینه‌سازی نکرده‌اند . به همین‌علت است‌که این‌ساختمانها حالت پست وعوامانه نداشته وحتی آلونکهاهم ازوقار وتشخص برخوردار بوده وپست‌ـ ترین‌کاروانسراهاهم‌عموماً‌دارای‌فریبندگی است. آرایش بسیاری ازبناهای ایران درخشان‌وحتی‌فصیح است. آمیزش‌قدرت و سادگی‌شکل موجب پیدایش تخیلاتی‌می‌ـ شود،درحالیکه نقشها وغالباً تناسب‌های استادانه مشاهده را تقویت می‌کند.

بسیاری ازبناها دارای حجم‌وطرح ساده‌ومنتقل‌کنندهٔ‌روح‌یك‌سکون واعتماد به‌نفس اززمانی دوراست. این حالت را ایرانیان به‌سوی‌کمال رهنمون شده‌اند ، مخصوصاً هنگامی‌که‌آنرا باهیجان مهار شده‌ای‌که‌به‌قطعات‌بزرگی ازرنگهای‌سیر نشان‌داده شده، درآمیخته‌اند،دارای آرایشی‌پیچ درپیچ است‌که بیننده رابه اندیشه وامی‌دارد. این آمیزش‌سکون و حرکت‌یك‌مظهرذوقی‌ایرانی‌است‌فریزهای بزرگ پرسپولیس و لعابکاری کاشیهای بی‌مانند،همچون‌مال‌مشهد، هرجزیی‌بطرز نامحدودی فریبنده و دلرباست وهرگاه یکجا درنظرگرفته شوداجزایش به‌وسیلهٔ وقارخاموش‌آن جذب و رام می‌شود.یك آرایش‌نمای مجلل‌وسخت‌پیشرفته، درهر زمانی، تجدیدحیاتی‌اساسی‌وشادمانه، با قدرت خلاقه‌ای تازه‌بوده آرایش‌معماری عموماً یکسان‌بود، مگرپاره‌ای‌نقشهای دیواری‌وکتیبه‌های‌خطی،هرچنداین‌کتیبه‌ها

جنبهٔ آرایشی نداشت . هنوز این آرایش درسلسله‌شیوه‌های‌خویش، بکاربردن‌مصالح ، گوناگونی نقشها، فصاحت، تلفیق‌و باریك بینی‌هوشیارانه کاملاً فوق‌العاده است . البته‌گاهی‌قدرت‌خلاقه متوقف‌شده، تکرار جزییات وریزه‌کاری خسته‌کننده، دوران فقری رانشان می‌دهد .

فریزهای‌بزرگ پرسپولیس‌ولعاب‌کاری‌بدل چینی‌هـای بیمانند، در مشهد، بطورنامحدودی‌جزءبه‌جزءمجذوب‌وشیفته می‌سازد.وقتی‌بطورکلی درنظر گرفته‌شود اجزای‌آن‌توسط مایهٔ‌اصلی وقار آرامش مجذوب ورام می‌شود .

یك آرایش‌نمای‌مجلل‌وسخت‌پیشرفته تجدیدحیاتی‌اساسی‌وشادمانه‌ای‌باساختمانی تازه در هر زمان بـوده‌آرایش معماری عموماً یکسان بود، مگرپاره‌ای نقشهای دیواری‌وکتیبه‌های‌خطی، گرچه‌این‌کتیبه‌ها جنبهٔ‌آرایش نداشته. هنوزاین‌آرایش در سلسلهٔ شیوه های خویش ، استعمال مصالح ، انواع نقوش ، و باریك بینی خردمندانه‌کاملاًخارق‌العاده است.البته گاهی قدرت خلاقه متوقف شده تکرار جزییات فوق باریـك بینی وخسته‌کنندهٔ دوران چنین‌فقری رانشان می‌دهد. ولی باوقفه‌های‌کمی طرحهای زینتی‌مجـذوب کنندهٔ‌آجری - ساده‌یالعابدار- وگچ‌بری درهرشکل تازه‌ای، ازروزگارکهن‌ادامه داشته،آجرفرش مینایی روشن، نقاشی یا کاشی ازقرن دوازدهم‌بکاررفته است،این اصل‌عیناً تکرارنشده بلکه‌تا یك دوران وقفهٔ عمومی در قرن هجدهـم پیشرفت هوشمندانه‌ای در همهٔ زمینه‌ها ادامه داشت .

در بسیاری زمانها، لعابکاری شامل رنگهای‌غنی ومتنوعی‌بود،دردوران‌اسلامی به‌هماهنگی واوجی‌رسیدکه هرگز نظیری نداشته.این‌علاقهٔ به‌رنگ بادورنما همراه شده . قسمت بزرگی‌ازایران در بسیاری ازماههای سال‌لخت و مـلال‌انگیز است. فقط‌دربهاران، ناگهان‌به‌گلها آراسته‌می‌شود، کوهپایه‌ها راپرند سبزروشنی می‌پوشانند.مرغزاران‌راتوده‌های‌انبوه‌شکوفه می‌آراید . ژرفای دره‌ها از شکوفه‌های مینایی‌درخشان پـرمی‌شود . صحراها ، شوره‌زارها، خصومت‌آمیز، هیبت انگیز ارزش باغهارا باشاخ وبرگها،آب‌نماها، آرامش‌ووفورنعمتشان، بیشترمی‌کند،این نمای‌فردوس انگیزهٔ همهٔ اندیشه‌ها، همهٔ هنرهاوحتی‌گفتگوهای‌روزانه‌است‌فراوانی گل، که رمز مقدس زندگی و شادمانی بشمارآمده، برای هـر مقصود ومنظوری مورداستفاده قرارگرفته است. بنابراین کوشش‌برای نگهداری شکل‌ابدی‌زیبایی زودگذر باغها،طبیعی بنظرمی‌رسد.علاوه برتأثیر اقلیمی، مصالح موجود، عقایـد مذهبی، فرهنگهای همسایه، ونیزمشوق ، نقش‌قطعی درپیشرفت‌معماری داشته‌است. ساختمانهای بزرگ هم به‌عنوان حق وهم وظیفه‌ای توسط فرمانروایان موردتوجه قرارمی‌گرفت. داریوش‌وخشایارشا،خسرو دوم،غازان‌خان، تیمور،محمودغزنوی،شاه عباس، همه‌منابع‌ملی‌را صرف‌بهترین‌آثار ساختمانی کردند . وزیران نیز ایجاد بسیاری ازبناهای‌زیبارا برعهده‌گرفتند، به نظام‌الملك وزیربزرگ سلجوقی، وبه رقیبش تاج‌الملك محرابهـای اصفهان و مدرسهٔ‌بزرگ‌بغدادقرن‌یازدهم رامدیونیم این هردومرد به‌ایجاد بناهای‌عظیم‌وپایه‌دار اعتقادمنطقی‌نشان داده‌اند، همچنین درقرن۱۴ رشیدالدین ورقیبش‌تاج‌الدین علیشاه ساختمانهای باشکوهی در تبریز وسلطانیه ایجادکردند .

برای‌کاروانسراها، پلها، بازارها،وکتاب‌خانه‌ها، مقبره‌ها وباغها،حکمرانان‌محلی بازرگانان وخیرخواهان-که‌زنان درآن میان‌کم‌نیستند-حامیان بخشنده‌ای بودند بناهای‌بزرگ‌آنان، ساختمانهای‌شخصی‌و نمایشگر قدرت، شخصیت، رقابت،ذوق‌و مقام بود.

دراین‌صورت نقش‌حساسی‌که مقبره درمعماری ایران بازی مـی‌کـرد موجب شگفتی نخواهدبود. نقشی‌که گاهی‌چنان حیاتی‌است‌که نخستین‌کار یك پادشاه پس ازبرتخت نشستن اقدام بـه‌ایجاد مقبرهٔ باشکوه خود، شاید بعنوان یـك دعوی جاودانگی بوده‌است .

خود منظره،برف سنگین ، دره‌های پهناوروهمچون ایالات،دشتهای‌پهن‌درخشان موجب طرح‌وایجاد بناهای با ابهت شده است.درچنین‌مقامی‌که‌بناهای‌عادی‌بازیچه بنظر می‌رسید ، احساسی برای سنجش و استعمال‌جسورانه ضروری‌بود. خصوصیت مستولی دنیای‌طبیعی‌هنوز طرحهای تازه را ارائه می‌دهد؛ اعتقادبدنیای دیگردر بالای آسمانها، نخستین واقعیت بـرای مردمان باستانی آسیای‌غربی بودکـه‌از آن قلمروبارانزندگی پرورونیروی‌بارآور خورشید می‌آمد . انتظام تزلـزل ناپذیرصورفلکی‌جهان‌انتظامی‌راباحرکات آمرانه‌واصول‌ثابت هویدامی‌کرد، نمایش وقت، اندازه‌گیری فواصل وراههاموجب اندیشهٔ سنجش ومحاسبه گـردید. انسان همیشه متوجه وابستگیش‌به نیروهای‌آن جهان برین و فـرجام او نیل به اتصال به‌آن قدرت واپسین از طـریق تکریم، فرمانبرداری، و انبازی بـود ـ وظیفهٔ دایمی معماری عملاً وتلویحاً پوشانیدن حیرت‌انگیز فاصلهٔ میان زمین خاکـی و جهان برین توسط مفهوم بناهایی که سر برآسمان‌کشیده بود بشمار می‌آید.

در روزگاران پسین، گنبدآسمان ، باقبه‌های شگفت‌انگیز، بازنمایانده‌می‌شد پیوسته‌مراسم‌سحرآمیزی‌برای‌تمنای‌نعمت حاصلخیزی،فراوانی وقدرت‌بعمل‌می‌آمد باتوجه به‌اسطورهٔ‌باستانی، که ازسومریان بجای‌مانده، نخستین‌کارخلقت پیدایش‌کوه ازمیان آبهابود . ایـن اشارات کوشش پیوسته‌ای در قبال‌این بـود که : عبادت مؤثرنیازمندجایگاه‌بلندی‌بودکه زمین‌در پس وپای‌آن قرارگیرد، وبه‌قرب جوار قدرتهای‌آسمانی‌نایل‌گرددکوه بلندهنوز استوار دسترسی‌به‌عالم بالارا «که‌جایگاه مأنوس فوق انسان اظهار می‌شد » نوید می‌داد .

اززمان خروج‌کوه، نیروی‌پرورش زندگی،درزمستان، هنگامی‌که یك‌نیروی تهدیدکنندهٔ مرگ‌آسا، زمین‌رافرا می‌گرفت، یا درتابستان،هنگامی‌که رویش، بانیروی ویرانگرگرما پژمرده‌می‌گشت تهدید می‌شد واین‌کوه‌بودکه نویدتجدید حیات می‌داد . در کوه نیروهای طبیعی زندگی انبوه‌شده بود، تمام‌زندگی‌بشری به ریزش‌کریمانهٔ آب آن وابسته بود ، هنگامی‌که زمین‌ازگرما تباه‌می‌شدیاخشك سالی‌پیش‌می‌آمد وخدایان باروری‌پنهان می‌شدند،فکرنهان‌شدن‌آنان درکوه،طبیعی بنظرمی‌رسد .

این‌نیروهای زندانی شده بایدآزاد می‌شدند تاشاید زمین دوباره نومی شد و زندگی بازآغازمی گشت .

این‌پندارتقریباًجهانی(کلاً درخاور نزدیك گسترش‌یافته) اساس‌یك‌مسألهٔ‌طبیعی رابیان می‌کند : یقیناً فرهنگها منشأ کوهستانی دارد. جایی‌که باران‌کم‌است‌و کوه، باذخیره برف ورطوبت‌ابر، مخزن بزرگی‌می‌گردد. اگر تأمینی‌دراین‌نواحی باشدکوه‌آنرافراهم می‌سازد. این‌احساس واقعهٔ مجردی‌نبود، بلکه نعمت تجدیـد شدنی ومتغیری بودکه انسان بـایدطلب

می‌کرد . خصوصیت رمزی کوه و نقش قاطعش درنگهبانی باروری زندگی درخلال سراسر تاریخ معماری ایران، گاهی در نشانه‌های ویژه، گاهی به‌شکل‌های سخت باریک بینانه، وعموماً بکار بردن آرایش احضار آشکار رویش ادامه دارد. سیمای اصلی این مفهوم کوه لزوماً مجذوبیت را شامل می‌شد. درمیان مناظر شکافها و دره‌های عمیق کشیده شده تادل کوه بودکه، خداوند نهان، ویادرلحظهٔ تجدیدحیات آشکارمی‌شد بنابراین درنمایشهای باستانی کوه این جذبهٔ بوسیله یك صفحه درطبقهٔ مرموز نشان داده شده که تلویحاً مکان مقدسی را که نیروهای آسمانی در آنجا بازمین در تماسند، نمایش می‌دهد .

درنخستین مقبره‌های زیگووات، که درمفهوم وشکل آنها کوه نمایش داده شده محراب این دروازهٔ جهان دیگربادرهای بیرونی بزرگ نمایش داده می‌شد. آنها پلهٔ نخستین را درانتقال ازجهان خارجی ماده به جهان درونی نیروهای خدایی نشان می‌داد .

مکان مقدس داخلی درزیگوواتها، که محل اتصال آسمان وزمین تصورمی‌شد، در ایوانهایی که درجلوتالارهای تاج‌گذاری معابدآشوری وهخامنشی، قرار می‌گرفت جلوه‌گر می‌گشت. درآتشکده‌های ساسانی نیزهمچون زاویهٔ داخلی که فقطموبدان نگهبان بدان دسترسی داشتند ، دوباره در محرابهای اسلامی– که طاقهای زاویه‌ای در شهرمقدس مکه به‌چشم می‌خورد– ودرسر درمساجد نموداز می‌شود، که اساساً نشانه‌های آن مافوقی است که واقعیت این ساختمانهای مادی درمقابل او بی‌ارزش است.

ازروزگار زرتشتی زیبایی همیشه کاملا بانورپیوند داشته است . اتحادبا اندیشه وبانیکی، بهرحال مقابله باتاریکی اهریمن وناخوشی ، جزء اصلی ترکیب دهنده، شخصیت خدایی بوده است. نقش نورطبیعی، شدید، هویدا، خلاق درایران بادلایل قانع‌کننده‌ای بوسیلهٔ مذهب بیان شده است. درهنرایران، روشنایی وپاکی هردو مطلوب، برعکس تاریکی و ابهام متروك است. آرایش ایرانی همهٔ دوره‌ها صرف نظرازمشتقات ، یك تشکیلات اساسی رانشان می‌دهدکه منطقی وصریح است .

رعایت کار آمدی ونیایشی سمبولیسم توسط قانون زیبایی ایران درتمام شکل‌ها تکمیل وتعیین شده بود .

این شادمانی فطری، علیرغم فصاحت بدبینانه، دریك شعر هزارسالهٔ عالی، در کوزه‌گری که باچین ویونان رقابت می‌کند درفلزکاری ، ودریك قالیبافی ماهرانهٔ بی‌همتا، صرف نظر ازمینیاتور و دیگر هنرهای کتابی، همانند طرحهای عالی گچ‌بری، خوش نویسی ، وکاشی‌کاری، نمایش داده می‌شود .

بعلاوه این قانون زیبایی درتمام مراحل وجودداشت ومادرپست‌ترین اشیاء هم به‌یك سلیقهٔ حساس برمی‌خوریم . این زیبایی پرمعنی که پرورش و نگهداری آن یك مسألهٔ اساسی بود، در حقیقت صفتی خدایی داشت که اصول مسلم شیوه‌های آن بطورجهانی پذیرفته شده بود . خداوند تخم زیبایی رادرمیان ما، همچون علمی درمیان شهر، برآورد، درشعرصوفیانهٔ شبستری درقرن چهاردهم نوشته شده،و– ازمیان نظریهٔ زردشتی– پیما

مردنخستین، «زمین را اززیبایی هم چون طربخانه ساخت».

اطلاعات واصطلاحاتی چند ازهنر

ارمنی، معماری.

معماری ارمنی دارای اصالت(اریژ–ینالیتهٔ)مخصوص بخودمی‌باشدکه ازهزارهٔ سوم قبل ازمیلادمسیح سرچشمه گرفته و تحت حکومت **اورارتو** به تکامل رسیده است. بااستقرار سلطهٔ ارامنه معماری به‌پیشرفتهای شگرفی نایل می‌گردد.

مخصوصاً پس ازظهورمسیحیت معماری ارمنی فرم دیگری به خودگرفته و منشأ الهامات فراوان برای معماری سایرکشورها وبخصوص ملل مسیحی گشته است.

هما نطوری که گفته شداین معماری از ناشناخته‌ترین معماریهامی‌باشدوهم اکنون گروههای مختلف محققین اندرکارتحقیق وتتبع دربارهٔ معماری **ارمنستان** می‌باشند.

هنوز ارزیابی کامل ازمعماری ارمنی به‌عمل نیامده است ولی درکتابهایی که نام برده شد دانشمندان سعی نموده‌اند آن را ارزیابی کنند وایده‌های مختلفی را ارائه نموده‌اند ولی این کوششها با مخالفت عده‌ای دیگر از دانشمندان و محققین مواجه شده است .

مخصوصاً دربارهٔ پیدایش گنبد و منشاء معماری گوتیك بعقیدهٔ ما این مخالفتها روی پایهٔ صحیحی استوار نیستند. چون بامدارکی که دردست است بخوبی ثابت می‌شود که معماری این منطقه اثرفوق‌العاده‌ای برمعماری قرون وسطای اروپایی داشته است وحتی استادان بزرگی مانند **برامانته** و **لئوناردو داوینچی** از **ارمنستان** دیدن کرده و مطالعات عمیقی در این باره داشته و الهامات زیادی ازمونومانهای **ارمنستان** گرفته‌اند .

ازسوی دیگر معماری **ارمنستان** نیز ازمعماری آسوردرزمان حکومت اورارتو و مخصوصاً از معماری یونانی متأثر شده است نفوذمنطق یونانی باعث شده است که معماری ارمنی ازمتیفهای غیر هندسی شرقی دورشده وبسوی یك راه صحیح‌تر ومنطقی‌تر گام بردارد .

باچو Baccio
(۱۴۴۵ – ۱۵۲۳م)

یکی ازپیکرنگاران فلورانس است وبه «باچو دومونته لوپه»شهرت دارد .

باروك Baroque

سبکی درمعماری وتزیین که درلغت به‌معنی مروارید باشکل وسطح نامرتب (بی‌ارزش)آمده است، وامروزه به‌سبکی از معماری می‌گویندکه خطوط پیچیده و اشکال آشفته دارد و معرف هنرقرن ۱۷ است .

بهادری، طرح.

طرحی درخاتم‌سازی که مبتکرآن عیسی بهادری است ، دراین طرح برای خاتمسازی ازشکل هندسی پیروی نمی‌کنند.

بیزانسی، هنر.

سبکی مرکب ازشیوه‌های شرقی و اصول یونانی که بیزانس محل بلوغ وکمال آن بود، عامل تلفیق این دوجنبه، نیروی معنوی آیین مسیح بود، ازشاهکارهای قابل ذکرهنری بیزانس : کلیسای ایاصوفیه، صومعهٔ سان‌ویتاله، کلیسای بزرگ مسکو (درمعماری)وپیکره‌های برجسته براشیاء تزیینی عاجی وطلایی (در مجسمه‌سازی) موزاییك‌های راونا (درموزاییك‌سازی)، تصویرهای مختلف از مسیح (درنقاشی و گچ‌بری که بهترین مکتب آن یوگوسلاوی بود) وغیره .

تذهیب .

به معنی زرگرفتن وزراندودکردن هنری است مخصوص کتابسازان که در قرن چهارم تادهم درکشورهای اسلامی رونق فراوانی داشته و درکشورهای چین و ژاپون سابقهٔ طولانی‌تری دارد وبسیاری ازکتب باستانی آنها طلاکاری شده است

صفحات کتاب به ویژه صفحهٔ اول آنرا با رنگهای گونا گون و طرحهای متنوع (استیل ایرانی اغلب گل و بته) می آراستند و بر کاغذهای گونا گون رویهٔ کار فرق می کرده وروی کاغذ سفیداغلب با لاجورد بوم می کردند و گاهی هم متن آنرا یك پارچه طلا می کشیدند و بروی متن طرح های مختلف را به کمك مرکب و قلم می نگاشتند .

تذهیب قرن چهارم هجری ساده ولی قرن هشتم بسیار باشکوه بوده واهل فن ازروی تذهیب صفحهٔ اول می توانند حدود تألیف یا پاکنویس کتابرا دریابند.

توسکانی، سبك.

سبکی در معماری منشعب ازسبك دوریك که درواقع شکل ساده ای از آن است.

جورجی، سبك معماری.

سبکی درمعماری انگلیسی و هنرهای وابستهٔ به آن متعلق به دورهٔ سلطنت جورجها(اول، دوم وسوم) قرینه سازی از اجزای اصلی آن است و بناها از آجر ساخته می شود .

چهار بخشی .

طاقهای آجری که ازچهار مثلث کروی ترکیب می شود .

خاتمسازی،(خاتمکاری).

آراستن سطح اشیاء بامثلثهای کوچك (شبیه موزاییك) وعده ای آن را معجزهٔ ابراهیم پیغمبر می دانند ودرهرحال هنری است که آغازش باافسانه همراه می باشد.

دوریك ، سبك Dorig

قدیم ترین سبك معماری دریونان باستان که شکل تکامل یافتهٔ آن در قصر پارتنون ظاهرشده بود .

رژانس ، سبك یاسبك دوری .

سبکی درمعماری وتزیینات که اززمان نیابت سلطنت فیلیپ دوم پیداشده و بیشتر درآلمان رواج یافته است .

روکوکو ، سبك Rococo

سبکی منشعب ازسبك رژانس است که مخصوص تزیینات داخلی است.

رومانسك . Romanesque

شیوه ای در معماری وهنر اروپا که آغاز آن درقرن شش میلادی است و پایان آن در آغاز سبك گوتیك است .

ریجنسی Regency

سبکی درمعماری انگلیسی است که درعهد جورج چهارم رونق داشت و بر این سبك **نش** (معمار دربار) کاخی برای نایب السلطنه ساخت .

سبکهای معماری کلاسیك

سبکهایی که درمعماری کلاسیك برای ساختن بناهای ستوندار بکار رفته است بطور کلی، پنج نوع است: دوریك، یونیك، کورنتی توسکان، وسبك «مرکب» اجزای ستونهای سبك «مرکب» ترکیبی از ستونهای یونیك وکورنتی است. سه سبك اول یونانی الاصل ودوسبك اخیر رومی-الاصل هستند .

سفالگری

سفالینه ها نخستین کتاب بشربشمار می آید، آغاز کارسفالگری از ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد بوده وغرض از نقوش روی سفالها درآغاز شاید استمداد از قوای طبیعت بوده امادربعضی نمونه ها به نهایت زیبایی رسیده است وامروزه سفالگری به صنعت ساختن ظروف واشیاء گلی پخته می گویند .

معرق کاری و موزاییك

موزاییك و معرق کاری عبارت از قراردادن چوبهایی به رنگهای طبیعی وعاج واستخوان وصدف درکنارهم و بهم آمیختن آنها وایجاد یك سری نقشه های زیباوبدیع مانند اشکال گوناگون هندسی و برگ اسلیمی، مینیاتور ونظایر آن است .

کورنتی ، سبك.

سبکی درمعماری ازسبکهای پنجگانه است.

گوتیك .

سبکی ازمعماری که آنرا «اژی وال» نیز نامند .

سبك معماری گوتیك ازقرن دوازدهم آغاز شده است .

مرکب، سبك

سبکی به شیوه های یونیك وکورنتی است وازسبکهای رومی الاصل است.

موزاییك .

معرق کاری را به بینید .

یونیك .

سبکی درمعماری که یونانی الاصل است وازسبکهای کلاسیك معماری است.

پیکر تراشان

پیکر تراشان ومنبت کاران خارجی.

آرپ، هانس Arp,H.

(متولد ۱۸۸۷م)

مجسمه ساز فرانسوی است .

آرنولفودی کامبیو

معماران را به بینید .

آگاسیاس . Agasias

(قرن اول قم)

پیکر سازیونانی که اثری ازاو در موزهٔ ملی آتن باقی است .

آگاسیاس . Agasias

(قرن اول قم)

فرزند دوسیتئوس ، صاحب مجسمهٔ **جنگجوی بورگزه** پیکرتراش یونانی است .

آلکامنس Alcamenes

(قرن ۷ ق م)

پیکرتراش وحجار یونانی است .

آنگیه ، فرانسوا Anguier,F

(۱۶۰۴ - ۱۶۶۹م)

پیکرتراش فرانسوی است .

ائوتوخیدس Eutychides

(قرن ۴ ق م)

پیکرتراش یونانی ، صاحب مجسمهٔ اقبال می باشد .

ابیلدگارد، نیکلای Abildgaard,N.

(۱۷۴۳ - ۱۸۰۹م)

نقاش ومعمار دانمارکی .

اپستاین Epstein R. G

(متولد ۱۸۸۰م)

پیکرتراش آمریکایی و انگلیسی-الاصل است .

ادلینگ ، ژرار. Edelin

(۱۶۴۹ - ۱۷۰۷م)

حکاك مشهور متولد آنورس . لویی چهاردهم اورا به فرانسه خواندواحسان واکرامی به غایت درباره اومبذول داشت و به عضویت آکادمی فرانسه نایل شد .

اسلدتز (سباستین) Slodtz,S

(۱۶۶۵ - ۱۷۲۶م)

حجار فلامانی مولد آنور وی در فرانسه به امرلویی چهاردهم بکار پرداخته است .

اسلوتر کلس Sluter

حجار فلامانی در سدهٔ ۱۴ و۱۵ میلادی سازندهٔ چاههای موسی Puits de Moïse

اشنگ . Schnegg,L

(۱۸۵۴ - ۱۹۰۹م)

مجسمه ساز فرانسوی است .

اشوانتالر Schwanthaler

(۱۸۰۲ - ۱۸۴۸ م)

ازمجسمه سازان ونقاشان آلمان بود که درمونیخ تولدیافت وآثارمهمی دراین هنر ازخود بیادگار گذاشت .

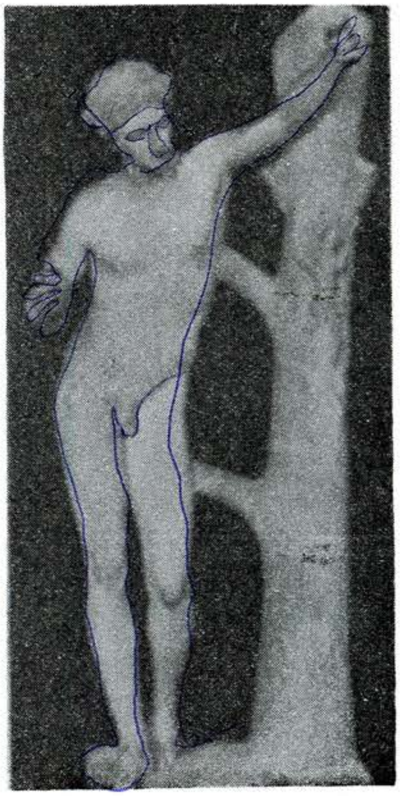
اکهاوت، خربراند واندن
حکاك، نقاشان خارجی را به‌بینید.
الیکس، ایوس
گراورساز، نقاشان خارجی را به بینید.
اودری، ژان باتیست
حکاك، نقاشان خارجی را به بینید.
اودون، ژان آنتوان Houdon
(۱۷۴۱ – ۱۸۲۸م)
پیکرتراش ونقاش فرانسوی است، تابلوی **صورت کاترین** ازاو معروف است.
اوردینگن، آلارت وان.
حکاك، نقاشان خارجی‌را به بینید.
اورکانیا
موزاییك‌ساز ومجسمه ساز، نقاشان خارجی را به‌بینید.
اوریول، ژرژ
گراورساز، خواننده‌ها و تصنیف‌سازان را به‌بینید.
ایزابی، ژان‌باپتیست.
مینیاتورساز، نقاشان خارجی را به بینید.
بارتولد، فردریك اوگوست
Barthold,F,A.
(۱۸۳۴ – ۱۹۰۴م)
پیکرتراش فرانسوی، **شیر بلفور**، **مجسمهٔ آزادی**، **جهان امروز** ازکارهای او است.
بارلاخ، ارنست Barlach,E
(۱۸۷۰ – ۱۹۳۸م)
مجسمه سازونویسندهٔ آلمانی است. انتقامجو وخیال‌پرداز، ازآثار اوست.
باری، آنتوان – لویی. Bary,A,L.
(۱۷۹۶ – ۱۸۷۵م)
حجار ومجسمه ساز فرانسوی. وی بیشتر به‌پیکر جانوران می‌پرداخت. از آثاراو: شیرومار، نزه‌ومینوتور، شیرنشسته وفیل‌آفریقا را بایدنام برد.
بافیه، اوژن Baffier,E
(متولد ۱۸۵۱م)
مجسمه ساز معروف فرانسوی‌که در سال**۱۸۵۱** بدنیاآمد، اثرعمدهٔ اومجسمهٔ شارلوت‌کوردای ولویی‌نهم است
باندینلی Bandinelli
(۱۴۸۷ – ۱۵۵۹م)
ازنقاشان و پیکرسازان ایتالیاست ودرفلورانس‌به‌دنیاآمد.
بتی‌چلی، ساندرو.
گراورساز، نقاشان خارجی را به‌بینید.
برانکوزی، کونستانتین.
Brancusi, C
(متولد ۱۸۷۶م)
پیکرتراش رومانی، و در فرانسه تعلیم‌گرفت از آثار معروف او، بوسه، الههٔ خفته، مرغی درفضا شاهکاراواست.
برانکوش
برانکوزی را به بینید.
برنینی، جیان‌لورنزو Bernini G, L
(۱۵۹۸ – ۱۶۸۰م)
نقاش، حجار ومعمار ایتالیایی و یکی ازاستادان سبك‌بی‌قاعده است. وی رواق‌کلیسای سن‌پیررا درشهررم‌بناکرد ومجسمه‌ها ونیم‌تنه‌های متعدد ساخت‌که ازآن جمله ازخلسهٔ سنت ترز باید نام برد.
برونللسکی، فیلیپو.
مجسمه ساز،معماران رابه بینید.
بوردل، امیل آنتوان.
Bourdelle 'E 'A
(۱۸۶۱ – ۱۹۲۹م)
حجار و مجسمه ساز فرانسوی است شاهکار او: **هرکول کمانگیر** است.
بوشه: فرانسوا.
نقاشان خارجی رابه بینید.
بولونی: ژان دو Bologne'J.
(۱۵۲۹ – ۱۶۰۸م)
مجسمه‌ساز فلامانی.وی درفلورانس مستقرشد،و به‌دربارمدیسیهامنتسب گردید. «عطارد»ازساخته‌های‌اوست (موزهٔلوور)
بونار، پی‌یر.
حجار، نقاشان خارجی را به بینید.
پاژو،اوگوستن Pajou,Au
(۱۷۳۰ – ۱۸۰۹م)



مجسمه ساز فرانسوی است – برندهٔ جایزهٔ روم درسال**۱۷۴۸**م پاژو **۱۲** سال‌درایتالیا مقیم بوده و بهترین آرایشگر تآتر بوده است.
پاکونیوس Paconius
(قرن ۵ قم)
پیکرتراش یونانی، صاحب مجسمهٔ پیروزی است.
پالمر اراستوس دو Palmer.E.d
(متولد – ۱۸۱۷ م)
مجسمه‌ساز معروف‌آمریکایی. مولد اودرپمپیPompeyازایالت‌نیویورك‌است. ازآثار او:
دختر جوان هندی – اسیرسپید – پرواز روح می‌باشد.
پالیسی، برنار Palissy, B.
(متولد ۱۵۱۰م)
سازندهٔ **سفالینه**‌های مینایی وموجد صنعت **سفالگری** درفرانسه می‌باشد. او ازنویسندگان ودانشمندان فرانسه‌نیزهست مولداو (آژن). ظروف سفالین مزین به تصاویرماهرانهٔ اوباعث شهرت‌فراوان‌او شد.
پرادیر، جمس Pradier,J.
(۱۷۹۲ – ۱۸۵۲م)
مجسمه‌ساز فرانسوی است



پراگزیتل Praxitele.
(زنده در ۳۹۰ ق م)
مجسمه‌ساز یونانی استمولد اوآتن بوده.سرآفرودیت، آپولون ومجسمهٔ ونوس‌ازآثارمعروف‌اواست.



مجسمهٔ ونوس اثر پراگزیتل

پرود، ژان ژوزف Perraud ,J J.
(۱۸۱۹ – ۱۸۷۶م)
مجسمه ساز فرانسوی‌است .

پریماتیس ، فرانسیسکو .
مجسمه‌ساز، نقاشان‌خارجی‌را به‌بینید

پوژه ، پیر Puget – P.
(۱۶۲۲ – ۱۶۹۲م)
از هنروران مشهور فرانسه وی در رسامی و پیکرسازی ومعماری مهارت تام داشته ودرمارسی متولد شده است.
آثار برجستهٔ بسیاری از این صنعتگر بجای مانده و مجسمهٔ اورا در مارسی نصب کرده‌اند .

پولئولو ، آنتونیو .
مجسمه ساز، نقاشان خارجی را به‌بینید .

پیزانو ، نیکولا Pisano, N.
(متولد ۱۲۲۰م)
پیکرتراش ومعمار ایتالیایی . از آمیختن عناصر کلاسیك وگوتیك، سبك تازه‌ای درپیکر تراشی بوجود آورد . **منبر مرمر تعمید گاه** کلیسای پیزا را ساخت **منبر کلیسای جامع سینا** و نیز حوض و فوارهٔ بزرگ پروجا را با همکاری پسرش جیووانی پیزانو بوجود آورد .

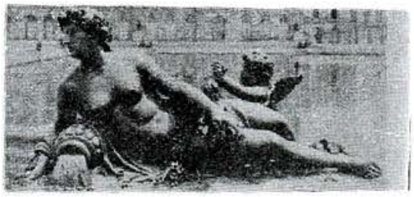
پیزانو ، آندرتا Pisano,A
(۱۲۷۰ – ۱۳۴۸م)
پیکرتراش‌ایتالیایی‌و پایه‌گذار مکتب پیکرتراشی فلورانسی به شمار می‌رود . سخت از **جوتو** متأثر شد وپس از جوتو ادارهٔ ساختمان کلیسای جامع فلورانس به‌او واگذار گردید .

پیزانو ، جیووانی Pisano,G
(۱۲۴۰ – ۱۳۲۰م)
پیکرتراش، فرزند نیکولا، سازندهٔ منبر **آندریای قدیس** است .

پیغال ، (ترکی شدهٔ پیگال) Pigalle
(۱۷۱۴ – ۱۷۸۵م)
مجسمه‌ساز فرانسوی متولد پاریس است .

پیلن ، ژرمن Pylone – G .
(۱۵۱۵ – ۱۵۹۰م)
مجسمه‌ساز هنرمندفرانسوی درقرن ۱۶ میلادی وازپیشقدمان سبك جدید مجسمه سازی فرانسه است .

تئودورساموسی Theodor de Samos
هنرمند ومجسمه سازیونانی‌که با شرکت«روکوس Rhoekos»درسال ۶۶۰ ق.م موفق به ذوب برنج گردید وی در معماری نیزدست داشت‌ودرساختن«آرته میزیون افسس Artémisiond, Ephése» شرکت داشت .
فرزند کوچکش «تئودورل جوان؛ Theodorole Jeune
که در سال ۵۵۰ ق.م حلقه «پولیکارت» را بساخت .



توبی، ژان باپتیست. Tubi,J,B.
(۱۶۳۵ – ۱۷۰۰م)
مجسمه‌سازفرانسوی‌است،اثرمعروفش مجسمهٔ سائون است .

توروالسن، آلبرت برتل
Thorvaldsen, A ,B
(۱۷۷۰ – ۱۸۴۴م)
پیکرتراش دانمارکی است، مبتکر ایجادنقشهای برجسته‌دردکورسازی‌است اثرمعروفش **شیر لوسرن**
(Lion de Lucerne)
می‌باشد، وی سالها در رم‌اقامت داشت.

توسو، مادام Tussaud ,
(۱۷۶۰ – ۱۸۵۰م)
بانوی سازندهٔ مجسمه‌های مومی از مردم‌سوییس است.

چلینی ، بن‌ونیتو Cellini,B
(۱۵۰۰ – ۱۵۷۲م)
پیکرتراش معروف فرانسوی است، مجسمه‌های عیسی، ژوپیتر ، پرسئوس از شاهکارهای او است .

چوریگرا ، خوسه Churriguera,J
(۱۶۵۰ – ۱۷۲۵م)
معمار ومجسمه ساز اسپانیایی است.

جیاکومتی ، آلبرتو Giacometli,A
(متولد ۱۹۱۰م)
پیکرتراش و نقاش سوییسی است وازهمسر وبرادرش‌آثارمتعددی ساخت.

چیپندیل ، تامس Chippendale,T
(۱۷۱۸ – ۱۷۷۹م)
مبل‌ساز معروف انگلیسی است .

دالو ، ژول Dalou, J
(۱۸۳۸ – ۱۹۰۲م)
حجارفرانسوی‌پیرومکتب ناتورالیسم سازندهٔ **پیروزی جمهوری** است.

دانتان : آنتوان‌لورنت Dantan–A.L
(۱۷۹۸ – ۱۸۷۸م)
مجسمه ساز و پیکرتراش فرانسوی متولد سن‌کلود.

داوینچی، لئونارد.
پیکرتراش، نقاشان خارجی‌را به – بینید .





پی‌یرلاروس، اثر پرود



مجسمهٔ آسیا، اثر دپیو



رود



اودن



ریزو

دپیو، شارل Despiau Ch.
(۱۸۷۴ – ۱۹۴۶م)
مجسمه‌ساز ازمردم فرانسه است .

دومیه، اونوره
گراورساز، نقاشان را به بینید.

دوالیر، ژرژ Desvallieres,G
(۱۸۶۱ – ۱۹۵۰م)
نقاش فرانسوی‌آثاروی ازاموردینی الهام گرفته است .

دو، ژرار Dov,G
(۱۶۱۳ – ۱۶۷۵م)
نقاش هلندی سازندهٔ (زن مستسقی) «لوور» ، طباخهٔ هلندی، و صحنه‌های – خانوادگی دیگر .

دوناتلو Donattello
(۱۳۸۶ – ۱۴۶۶م)
مشهور به دناتومجسمه‌سازایتالیایی ازآثارقدیم یونان و روم الهام‌گرفت و سبك قدیم رابارآلیسم عصردرهم‌آمیخت وسبکی نودرمجسمه سازی پدیدآورد.

دوور : آلبرشت .
حكاك، نقاشان خارجی‌را به‌بینید.

رافایل سانتی .
نقاشان خارجی را به‌بینید .

رامبراند .
حكاك، نقاشان خارجی را به‌بینید.

روبیا، لوکادلا Robia, L.D.
(قرن ۱۵م)
پیکرتراش ایتالیایی، ازآثار او : تاجگذاری‌مریم‌عذرا، مریم وفرزندش ، دیدار مردم ازالیزابت می‌باشد .



رود : فرانسوا Rude,F.
(۱۷۸۴ – ۱۸۵۵م)
مجسمه ساز فرانسوی است کـه در بناهای تاریخی پاریس‌آثار زیادی ازاو بجامانده است .



رودن، اگوست Rodin,A
(۱۸۴۰ – ۱۹۱۷م)
پیکرتراش‌فرانسوی‌هنرمندرآلیست وتوانا. آثارمهم او عبارتند ازکارد سن‌ـ پیرو بورژواهای کاله ، بوسه ، متفکر، دروازهٔدوزخ ،بالزاك (متعدد) ، هوگـو (متعدد). موزهٔ وی درپاریس مشحون از بدایع‌آثار اوست . رودن باوجود آن‌که با استادان پیکرتراش عصرخود ظاهراً مباینت‌داردازکارپووحتی‌ازرودتبعیت‌کرده و به‌این‌ترتیب‌بقواعدقدیم هنرفرانسه‌علاقهٔ خودرانشان‌داده‌است. تامدتی‌کسی‌به‌آثار وی‌توجهی‌نداشت بلکه موردانتقادعده‌ای ازمنتقدان‌قرارگرفت، ولی‌بعدها کارهای اومورد تحسین و توجه بسیار واقع شد ، چنان‌که پول ویتری می‌نویسد : « صنعت ابتکار وقوت کامل و آثـار حیات‌که از مجسمه‌های‌کار رودن‌اغلب نمایـان است، مردم را به خود جلب می‌نماید » ازجملهٔ آثار اوست :

عصر مفرغ، رستاخیـز، تهوروذوق حساس این هنرمند با اصول وقواعدوفق نمی‌داد . آثاروی مجموعه‌ای‌است که از تماشای‌آنهاهمه‌کس محظوظ می‌شود. او سعی می‌کرد کاملا حرکات ووجنات‌شخص رامجسم سازد، بهمین جهت‌بهظرافت‌اندام وزیبایی‌مجسمه‌توجهی‌نداشت‌بلکه‌می‌خواست بانمایاندن عضلات منقبض خستگی‌دماغی وبوسیلهٔ وضع‌چهرهٔشهوات درونی‌صاحب مجسمه رامعلوم ونشان‌دهد. ازسوی‌دیگر مجسمه‌های رمزی وهریك نشانهٔ انموذج مطلبی بود .

رودن بیشترمتوجه‌سادگی‌کاربودو به قدری دراین راه افراط می‌کـرد که از بخشی ازآثارش (که ظاهراً ناتمام بنظر می‌آمد) فکراوکاملا آشکار می‌شد.

روزا، سالواتور
حكاك، نقاشان خارجی را به‌بینید .

روسلینو، برناردو Rossellino,B
(۱۴۰۹ – ۱۴۶۴م)
معمار ومجسمه‌ساز فلورانسی است.

رویسدال، یاکوب وان.
حكاك، نقاشان خارجی را به‌بینید.

رویکوس Rhoecus
(قرن ۶ ق‌م)
مجسمه‌ساز یونانی است .

ریزو، آنتونیو Rizzo,A.
(قرن ۱۵م)
آرشیتکت‌ومجسمه‌سازازمردم‌ایتالیا است .
مجسمهٔ‌آدم ، ازآثار معروف‌اواست

ریشیر، ژرمن. Richier,G.
(۱۹۰۴ – ۱۹۵۹م)
مجسمه‌ساز فرانسه ، اثـرمعروفش، هیجان (Osage) نام دارد .



ریشیر، لی‌ژیر. Richier,L.
(۱۵۰۰ – ۱۵۶۷م)
مجسمه ساز فرانسوی اثر معروفش مجسمه‌ای ازمقبرهٔ سنت میهیل‌می‌باشد.

ریه مانشنیدر، تیلمان
Riemenschneider ,T .
(۱۴۶۰ – ۱۵۳۱م)
مجسمه‌سازآلمانی است .

زارسیلو .
مجسمه‌ساز نابغهٔ قرن هجده است و در «مرسیه» متولـد شده است . وی در مجسمه‌سازی شیوه‌ای خاص داشت که از دیگران پیروی نمی‌کرد .

ژاك، شارل‌امیل.
گراور ساز. نقاشان خارجی را به‌ـ

بینید .

ژاکمار ، ژول فردینان
Jacquemar,J. F.
(۱۸۳۸ – ۱۸۸۰م)
گراورسازفرانسوی است.

ژاکو ، ژرژ Jacquot,G
(۱۷۹۴ – ۱۸۷۴م)
مجسمه ساز فرانسوی ازاهل‌نانسی است .

ژاله ، ژان لویی نیکلا Jaley,J_L
(۱۸۰۲ – ۱۸۶۶م)
مجسمه سازفرانسوی است.

ژالابر ، شارل ـ فرانسوا .
Jalabert ,Ch ,F .
(۱۸۱۹ – ۱۹۰۱م) .
نقاش فرانسوی است .

ژان دو ژویی Jean de jouy
(قرن ۱۴م)
مینیاتوریست فرانسوی است.

ژرار ، فرانسوا Gerard,F.
(متولد۱۷۷۰م)
نقاش‌وقایع تاریخی ، فرانسوی‌است تابلوی«جنگ‌استرلیتز» ازاواست.

ژرم ، ژان‌لویی Gerome,j.L
(۱۸۲۴ – ۱۹۰۴م)
نقاش وپیکرساز فرانسوی از آثار اوست: یونانیان جوان‌که خروسان رابه جنگ وامی‌دارند (موزهٔ لوور) .

ژرمن، پیرژرمن اول
(۱۶۴۷ – ۱۶۸۴م)
نام **زرگر** معروف فرانسوی است .

ژرمن ، پیردوم
(۱۷۲۲ – ۱۷۹۷م)
زرگرمعروف فـرانسوی . وی را به‌سبب‌اقامت‌درروم‌رومی‌گویندوی‌رسالتی دراصول فن زرگری دارد .

ژروکس ، هانری Gervex,H
(۱۸۵۲ – ۱۹۲۹م)
نقاش فرانسوی است که در ترسیم موضوعات تاریخی استاد بود .

ژولین ، پیر .
(۱۷۳۱ – ۱۸۰۴م)
حجار و مجسمه ساز فرانسوی وی حجارمجسمهٔلابینوزla Baigneuseاست‌مولد او سن‌پولین (هت‌لوآر) می‌باشد .

ژهانو، آلفرد Johannot ,A
(۱۸۰۰ – ۱۸۳۷م)
نقاش فرانسوی است .

ژیراردن ، فرانسوا Girardon – F.
(۱۶۲۸ – ۱۷۱۵م)
حجار ومجسمه‌ساز فرانسوی متولد در تری ومتوفی درپاریس است .

سارازن ، ژاك Sarazin ,j
(۱۵۹۲ – ۱۶۶۰م)
مجسمه سازفرانسوی یکی از بنیادـ گـذاران آکادمی‌نقاشی و مجسمه سازی فرانسه است .

ساکی ، آندرآ Sacchi ,A
(۱۶۰۰ – ۱۶۶۱م)
نقاش ایتالیایی شاگردآلبان بود.

سانسووینو ، آندآدی
معماران ومهندسین ساختمان‌را بـه بینید .

سکوپاس Scopas
(قرن ۴ ق م)
مجسمه‌ساز یونانی است .

سورن ، آندرسن لئونارد
نقاشان خارجی رابه بینید .

شاپلن ، ژول Chaplain,J
(۱۸۳۹-۱۹۰۹م)
حجارومدال سازفرانسوی

شادو ، زونو ریدولفو
Schadow – Z. R.
(۱۷۸۶ – ۱۸۲۲م)
مجسمه‌ساز آلمانی پسرارشد یوهان گوتفرید شادو اودر رم به دنیاآمد . از جمله‌آثار اوکه جذبهٔ شاعرانه دارند : «سقراط درنزد تئودوتا» ونقش برجستهٔ «سانحهٔ طغیان » مجسمه هـای گـروهی «الکترواورست » «ژولیوس مانسوتئوس درحال مرگ درآغوش‌پسرش» اثرنفیس ودلپذیر «دختری‌کـه بند صندل خودرا می‌بندد» را می‌توان بام‌برد .

شادو ، یوهان گـوتفرید Schadow
(۱۷۶۴ – ۱۸۵۰م)
مجسمه‌سازآلمانی‌که دربرلن‌متولد شد .

ازجمله‌آثار او عبارتند از: مجسمهٔ فردریك‌دوم دراشتتین،مجسمهٔ بلوخر در روستوك، مجسمهٔلوتردر ویتمبرگ، و ـ مجموعهٔ عظیم مجسمه‌های لویزدوپروس ودوشس دوکمبرلاند در لندن .

وی چندی تصدی فرهنگستان‌هنرـ های زیبارااداشت وکتابهای باارزشی در رشتهٔ مجسمه‌سازی دارد .

شارله ، نیکلا Gharlet,N
(۱۷۹۲ – ۱۸۴۵ م)
رسام وحکاك فرانسوی در تـرسیم صحنه‌های نظامی مهارت‌داشت وسربازان گارد قدیم متعلق به دورهٔ امپراتوری ناپلئون رابامهارت نقاشی کرده‌است .

شاره .
مجسمه‌ساز یونانی از اهالـی لیندو (جزایررودس)شاگردلیزیپ مجسمهٔعظیم مفرغی آپولون‌که به‌مجسمهٔ غـول پیکر رودس معروف ویکی ازعجایب سبعهٔعالم بشمار می‌رود،این‌اثر مربوط به‌قرن سوم قبل ازمیلاد است .

شاسریو ، تئو دور Chassériau ,T
(۱۸۱۹ – ۱۸۵۶م)
نقاش فرانسوی پدرش در جمهوری دمینیکن کنسول فرانسه بود واو درآنجا متولد شد . یازده ساله‌بودکه واردکار ـ گاه‌انگر گردید وتاسال۱۸۳۴ که انگر ازپاریس به‌رم رفت درآنجاکارکرد . او درصدد برآمدکه سبك‌کلاسیك انگر را باسبك‌رمانتیك‌دلاکروا تلفیق کند. اولین تابلوی وی که به‌سال ۱۸۳۶ درپاریس‌به معرض‌نمایش گذاشته‌شدبزودی‌کسب‌موفقیت کرد، واین‌موفقیت سه‌سال‌بعدباتابلوهای «ونوس دریایی» و«سوزان» که هردودر موزهٔ لوور جای‌دارند،تأییدشد، شاسریو در سال ۱۸۴۰ به رم سفرکرد تاانگر را دیدارکند ولی‌اندك اندك ازکاراستاد سابق خودناراضی‌می‌شد. پس‌ازسال۱۸۴۳ تأثیر رقیب انگر، اوژن دلاکروا چه از حیث سبك وچه‌ازحیث‌انتخاب موضوع‌در کارشاسریو محسوس گردید . شاسریوعمداً می‌کوشید موزنی خطوط سبك‌انگررا با شیوه‌های رنگ آمیزی دلاکـروا جمع سازد . اودر احیای نقاشی ابنیهٔ تاریخی فرانسه سهم داشت .

شامبیژ ، مارتن Chambiges,
(فوت ۱۵۳۲م)
ازمعماران فرانسوی ، در کلیسای سانس بووه تروی‌کارکرده است .

شامبیژ ، پیراول Ghambiges,
(فوت۱۵۴۴م)
پسر مارتن‌که در کاخهای فونتنـ بلووسن ژرمن کارکرده است .

شامبیژ ، پیردوم Chambiges
(فوت۱۶۱۵م)
ازمعماران فرانسوی‌که در گالری کوچك لوورکارکرده است .



مجسمهٔهیجان، اثر:ریشیرژرمن

فابری، اگنوره Fabbri,A
(متولد ۱۹۱۱م)
مجسمه‌ساز وحجار معروفی است .

فالکونه، اتین‌موریس Falconet,E,M.
(۱۷۱۶ ـ ۱۷۹۱م)
بانوی‌مجسمه‌سازفرانسوی، برای‌مادام پمپادور درکرسی وبلوکار کرده است.

فالگیر Falguiere, A
(۱۸۳۱ ـ ۱۹۰۰م)
مجسمه ساز فرانسوی ازاهل جنوب فرانسه‌وصنعتکاری‌پرحرارت‌وباتخیل‌است. آثاروی‌اگرچه‌ازحیث‌اهمیت‌متفاوت‌تندولی عموماً‌حیات‌وحرکت‌راکاملامجسم‌می‌سازند.از کارهای‌عمده‌او:فاتح‌درجنگ‌خروس(۱۸۹۴) رقاصه(۱۸۹۵) زنهای‌طاووسی(۱۸۹۰) می‌باشد عموماً‌اشخاص‌وحیوانات‌که‌باحال عصبانی‌وغضبناک‌ساخته شده‌اند تنوع‌استاد وقوهٔ ابتکار صنعتکار را ظاهرمی‌سازند . فالگیر درمجسمه‌های سن ونسان دوپل ، روشن‌ژاکلین‌نه‌تنهاخواسته‌است‌بطورواقعی بصورت‌اصلی نزدیك شود ، بلکه سعی کرده عناصر طبیعی و اخلاقیی که شخصیتهای مخصوصی را تشکیل می‌دهد کاملا آشکار سازد .

فراگونارد، جان‌هونوره.
نقاشان خارجی را به‌بینید .

فرانچسکا، پی‌یر،دی‌بندتو Francesca,P
(۱۴۰۶ ـ ۱۴۹۲ م)
مشهور به‌دللانقاش‌تسکانی.یکی‌ازبزرگترین هنرمندان قرن۱۵م. وی برای فردریك مونتفلتردراوربینووبرای‌پائولومالاتستا، درریمینی‌کارکرد. مهمترین‌تابلوهای‌وی، مجموعهٔ فرسکهای « افسانهٔ چلیپا » در «سن‌فرانسوادارزو» است .

فرمیه ، امانویل Fermiet ,E
(۱۸۲۴ ـ ۱۹۱۰م)
معمار فرانسوی برادر زادهٔ «رود» بود.خطای‌او ضعف‌ترکیب می‌باشد. اما بواسطهٔ‌آثار حزن انگیز وذوق‌مشاهده و دقت وقوت ادراك وسادگی عمل‌از دیگر همکاران خودمتمایز است. فرمیه صحنه‌های قرون ماقبل تاریخی را رسم کرده ومجسمه‌های سواراسب از بزرگان تاریخ مانند ژاندارك ولویی‌وارلئان راساخته است ونیزپیکراشخاص وموجودات‌خیالی راکه برای هر یك زندگانیی مخصوص توهم‌کرده، تراشیده است.

فوکه ، ژان.
نقاشان خارجی رابه بینید .

فیدیاس Phidiâs
(زنده‌درقرن پنجم ـ م)
حجار معروف یونانی‌که بزرگترین حجاریونان‌کهن بشمار می‌رود وی در عصر پریکلس درآتن به‌شهرت رسید . سنگتراشیهای المپ ازاوست .

کارپو ، ژان باپتیست
Carpeaux _J _ B .
(۱۸۲۷ ـ ۱۸۷۵م)
مجسمه‌ساز فرانسوی. درشهر«والانسین» بدنیا آمد.سازندهٔ‌پیکره‌های«رقص» (دراپرای پاریس) «چهار بخش‌جهان» (چشمهٔ‌لوکزامبورك)و«اوگون»ومجسمه‌های نیم‌تنه که‌درنهایت‌هنرمندی‌ساخته‌شده‌است.

کارپی ، اگودا .
(۱۴۵۰ ـ ۱۵۲۳م)
حکاك ونقاش ایتالیایی ، متولد درکاپری وی به‌تقلید از آثاررافائل حکاکی‌کرده است .

کارته‌لیه ، پیر Cartellier _ P.
(۱۷۵۷ ـ ۱۸۳۱م)
مجسمه‌سازفرانسوی متولددرپاریس وی هنرمندی قوی دست ورئالیست‌بود .

کالاماتا ، لویی Calamatta _L.
(۱۸۱۰ ـ ۱۸۶۹م)
گراورساز ایتالیایی ازشاگردان وی : اندمونیه وفلامان هستند .

کالدر ، الکساندر Calder,A
مجسمه‌ساز آمریکایی است .

کامبیو ، آرنولفودی .
معماران و مهندسین ساختمان را به‌بینید .

گاتو، ژاك‌ادوارد Gatteaux – J.E.
(۱۷۸۸ ـ ۱۸۸۱م)
پیکرنگاروکنده‌کار ممتازفرانسوی درپاریس به‌دنیاآمد و همانجادرگذشت.

گویرینی ، لورنزو Guerrini,L
(متولد ۱۹۱۴م)
مجسمه‌ساز ایتالیایی است .

گوتیر، پیرژزف Gouthiére _ P . J.
(۱۷۳۲ ـ ۱۸۱۳م)
حکاك و کنده‌کار فرانسوی که در بارسوراب به دنیاآمد . هنراو به شیوهٔ ویی چهاردهم مانند است .

گوژن، ژان Goujon J
(قرن ۱۶م)
مجسمه‌ساز ومعمار فرانسوی که در نرماندی‌به دنیاآمد.وی منبرکلیسای‌سن ژرمن‌اوکسرووا و... رادرپاریس کنده گری کرد و در تزیین و آرایش لوور همکاری‌داشت. اوباآنکه در ساختن‌نقش برجسته، ماهربود ازشیوهٔ معماری قرون وسطی [illegible] مکتب ایتالیایی فونتن‌بلو کشیده شده‌بود .

لاندوسکی ، پل Landowsky _ P.
(تولد ۱۸۷۵ م)
حجار فرانسوی‌که درپاریس به‌دنیا آمد .

لئوکارس
یکی‌ازپیکر سازان باستانی یونان است‌که چهارقرن پیش‌از میلادمی‌زیسته وپیکره‌هایی ازاسکندر بزرگ وپدرش فیلیپوس و... وکراتس وبرخی دیگر از بزرگان یونان رادرقدیم از طلا وعاج و مفرغ ساخته است .

لئونی، لئون.
(۱۵۰۹ ـ ۱۵۹۰م)
پیکره‌ساز وحروف ریزومدال‌ساز ایتالیایی است .

لپرنس، ژان باپتیست Leprince_J.B.
(۱۷۳۳ ـ ۱۷۸۱م)
نقاش وحجار فرانسوی است.

لپر ، فرانسیسکو
(زندگی ۱۶۰۰م)
نقاش وحجار اسپانیولی است.

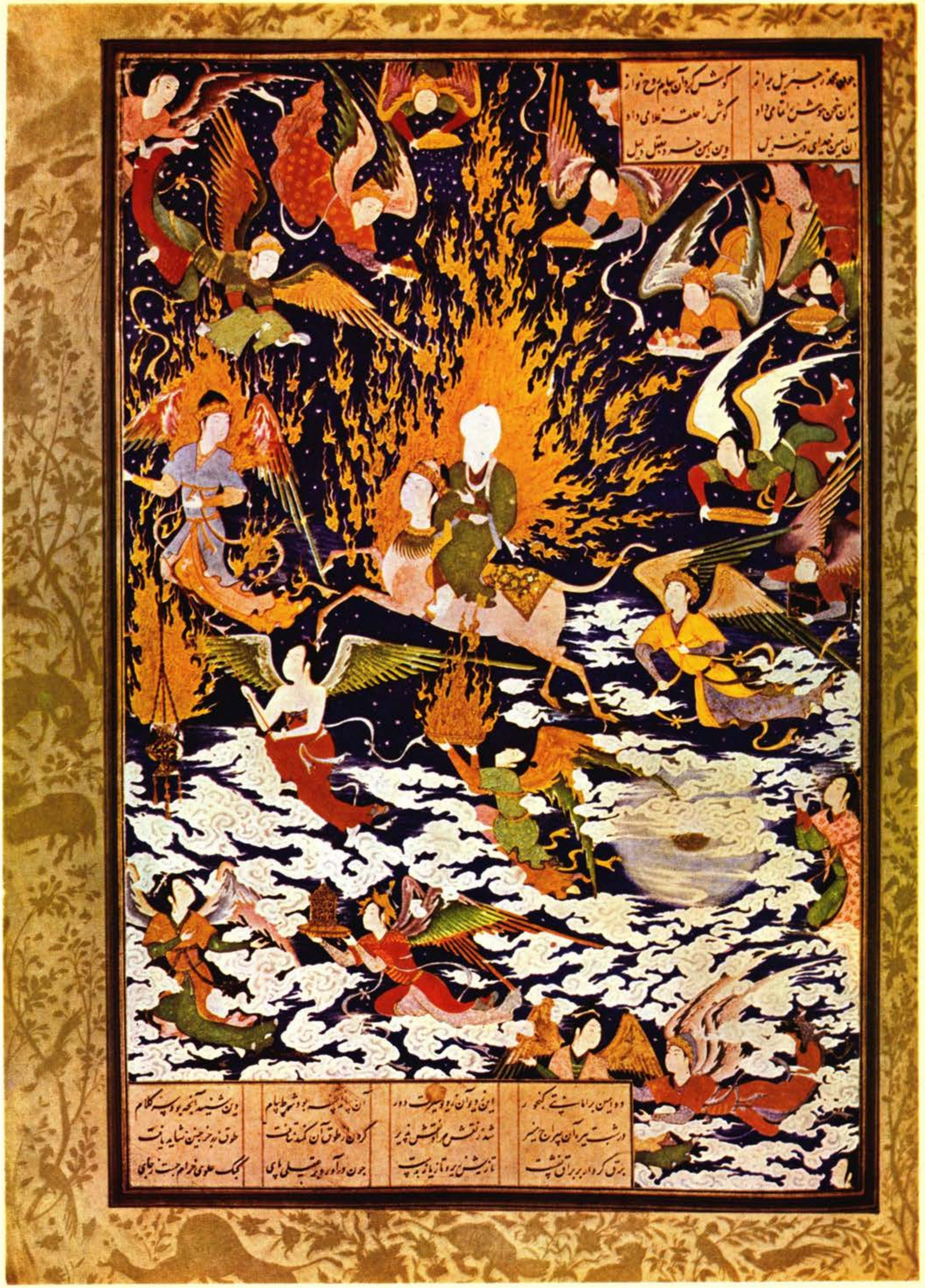
لمر ، فیلیپ ژزف هانری
(۱۷۹۸ ـ ۱۸۸۰م)
پیکره‌سازوحجار فرانسوی‌که در والانسین دیده به‌جهان گشود .

لمو ، فردریك Lemot_F.
(۱۷۷۳ ـ ۱۸۲۷م)
حجار فرانسوی‌که درلیون دیده به جهان‌گشود.وی‌سازندهٔ‌مجسمهٔ‌هانری‌چهارم که در(پن‌نوف) نصب‌شده است می‌باشد.

لوگرو، آلفونس.
نقاشان خارجی [illegible]



پردهٔ دیوارکوب ازجنس ابریشم ساخت کاشان (قرن هشتم هجری)

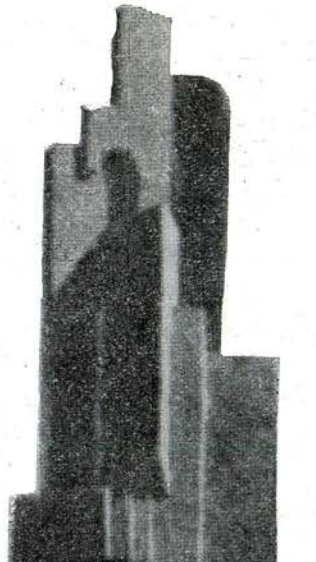


معراج حضرت محمد اثرسلطان‌محمد. قرن دهم هجری، مربوط به کتاب خمسهٔ‌نظامی

لوهونگر، اتین Le Hongre , E

(۱۶۲۸ ـ ۱۶۹۰م)

مجسمه‌سازفرانسوی است.



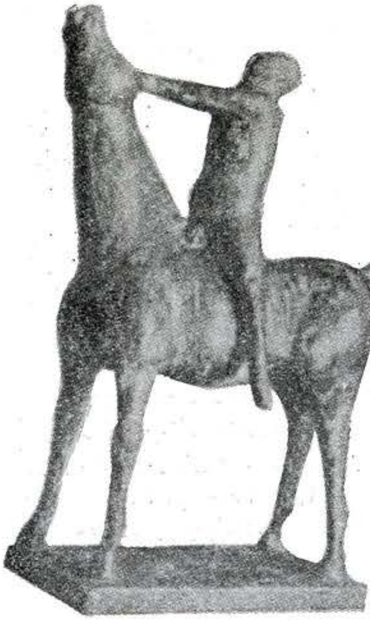
لیب شیتز، ژاك Lipchitz,J

(متولد ۱۸۹۱م)

مجسمه‌سازفرانسوی‌ولهستانی‌الاصل است و**جاشوی‌گیتار** اثرمعروف‌اواست.

لیسیپ

نام پیکرتراشی درزمان اسکندر مقدونی است



مارینی ، مارینو Marini,M

(متولد ۱۹۰۱م)

مجسمه‌سازایتالیایی است. اثر: **اسب رسوار**اومعروف است .



مور ، هنری Moor,H

(متولد ۱۸۹۸م)

پیکرتراش معروف انگلیسی‌است ، **مادروبچه وخانواده** ازشاهکارهـای او است .



مجسمه‌ای‌ازآثار هونگر



مایلو ، اریستید Maillot ,A.

(۱۸۶۱ ـ ۱۹۴۴م)

مجسمه‌سازفرانسوی است.

میکل‌آنژ .

نقاشان خارجی را به‌بینید .

مینگوزی ، لوچیانو . Minguzzi,L

(متولد ۱۹۱۱م)

پیکرتراش ایتالیایی است .

وان اوستاد، آندرین

نقاشان خارجی را به‌بینید.

وروکیو Verrocchio.

(۱۴۳۲ ـ ۱۴۸۸م)

پیکرتراش ونقاش معروف‌ایتالیایی است.تابلوهای‌تعمیدمسیح، **توبیاس وسه فرشته** ومجموعه‌های: مسیح‌وتومای‌شكاك، کولئونتی ازآثاراواست.

ووترس ، ریك

نقاشان خارجی را به‌بینید .

معماران

مهندس‌ساختمان

آپولودوروس دمشقی

(قرن اول ودوم‌بعداز میلاد)

معمار مشهور رومی است.

آرنولفودی کامبیو

Arnolfo di Cambio

(قرن ۱۳ م)

معماروپیکرتراش معروف‌ایتالیایی است .

آلبرتی ، لئونه باتیستا

Alberti, L , B

(۱۴۰۴ ـ ۱۴۷۲م)

معمار وموسیقیدان ونقاش‌ایتالیایی است .

آلسی، گالئازو Alessi,G
(۱۵۱۲-۱۵۷۲م)
معمار ایتالیایی در «پروز» وجنوا (ژن) کارکرده است.

آنتمیوس ترالسی
Anthemius of Tralles
(قرن ۶م)
معمار وریاضی‌دان یونانی است که یکی از طراحان کلیسای **ایاصوفیه** بوده است.

آندروئه دوسرسو
Androuet du cerceau
(۱۵۱۰ - ۱۵۸۵م)
معماری ازمردم ایتالیااست.

آود، یاکوبوس یوهانس پیتر.
Oud. J. J.P
(متولد ۱۸۹۰م)
معمار هلندی است.

ابلونیوس
(زنده درقرن ۲ قم)
ازمردم‌رودس که معماربوده است.

ادم، جیمز Adam,J
(۱۷۳۰ - ۱۷۹۴م)
معمار اسکاتلندی است.

ادم، رابرت Adam, R
(۱۷۲۸ - ۱۷۹۲م)
معمار اسکاتلندی‌است.

اروین، دشتیباخ
Erwin de steinbach
(۱۲۴۴ - ۱۳۱۸م)
معمار کلیسای استراسبورگ می‌باشد.

اسپراندیو، ژاک‌هانری.
Spérandieu, J, H
(۱۸۲۹ - ۱۸۷۴م)
معمار فرانسوی، بنای نوتردام دلاگاردوقصر لنگ شان‌درمارسی‌ازاوست.

اسکوپاس Scopas
(متولد ۴۶۰قم)
یکی‌ازمعماران و پیکرتراشان یونان قدیم. وی مصنوعات و آثار بدیع بسیار بوجود آورده و شهرهای یونان قدیم و سواحل آناتولی را به آنها آرایش داده است.

اورکانیا .
نقاشان خارجی را به‌بینید.

ایتورف، ژاک‌ایناس Hittorff,J
(۱۷۹۲ - ۱۸۶۷م)
معمار فرانسوی است.

ایفل، گوستاو Eiffel,G
(۱۸۳۲ - ۱۹۲۳م)
مهندس فرانسوی است، برج ایفل ازآثاراوست.

ایکتینوس Ictinus.
(قرن ۵قم)
معمار یونانی‌ازجملهٔ آثار وی‌معبد پارتنون‌آتن است.

برامانته، دوناتو دوآنیولو.
Bramante,D .
(۱۴۴۴ - ۱۵۱۴م)
معمار ونقاش ایتالیایی است، **کاخ کانچلر** ازآثار او درروم است.

برنم، دنیل‌هودسن Burnham, D .
(۱۸۴۶ - ۱۹۱۲م)
معمارآمریکایی‌است.

برنینی، لورنزو.
پیکرتراشان را به بینید.

بروئر، مارسل Breuer , M
(۱۹۰۲ - ۱۹۵۷م)
معمارسبک‌کوبیسم‌ازمردم‌مجارستان، ساختمان **بیژن‌کورف** ازاو است.

بروس، سالومون دو Brosse
(۱۵۶۵ - ۱۶۲۶م)
معمارفرانسوی‌است، کاخ لوکزامبورگ، کاخ‌شکارلویی ازآثار اواست.

برونللسکی، فیلیپو.
Brunelleschi,Ph .
(۱۳۷۷ - ۱۴۶۴م)
معماروپیکرتراش‌ایتالیایی، سازندهٔ گنبدکلیسای فلورانس است.

بری، سرچارلز Barry,Ch
(۱۷۹۵ - ۱۸۶۰م)
معمارانگلیسی است، کاخ وستمینستر لندن ازآثار اواست.

بلوندل، نیکولا فرانسوا
Blondel ,N, F.
(۱۶۱۷ - ۱۶۸۶م)
معمارفرانسوی. طاق‌نصرت سن‌دنی (پاریس) راطرح ریخته است.

بورومینی، فرانچسکو.
Borromini , F
(۱۵۹۹ - ۱۶۶۷م)
معمار ایتالیایی‌است.

بولفینچ، چارلز Bulfinch, Ch.
(۱۷۶۳ - ۱۸۴۴م)
معمارآمریکایی‌است. دربوستون‌آثار فراوان دارد.

پاچکو، فرانسوا Pacheco,F
(۱۵۷۱ - ۱۶۵۶م)
معمار هنرمند اسپانیایی است.

پالادیو، آندرنا Palledio,A
(۱۵۱۸ - ۱۵۸۵م)
معمار ایتالیایی است.

پال‌لادی، آندرآ Palladio–A.
(۱۵۱۸ - ۱۵۸۰م)
معمار ایتالیایی متولد «ویسانس» جانشین «برامانته» و «میکل‌آنژ» در ساختمان‌کلیسای (سن‌پیر). وی‌قصرهای عدیده‌ای درونسی ساخته است.

پرسیه، شارل Percier – Ch .
(۱۷۶۴ - ۱۸۳۸م)
معمار، فرانسوی‌مولداو شهرپاریس است.

وی همکار (فونتن) وسازندهٔ طاق (کاروسل) بود.

پره، Perret, Au
(۱۸۷۴ - ۱۹۴۵م)
معمار وآرشیتکت ازمردم فرانسه است.

پرو، کلود Perrault, C
(۱۶۱۳ - ۱۶۸۸م)
معمار وطبیب فرانسوی است.

پروتسی، بالداساره Peruzzi,B
(۱۴۸۱ - ۱۵۳۶م)
معمار ایتالیایی است.

پلیکلت .
(متولد ۴۸۰ق.م)
یکی ازمشاهیر معماران ومجسمه‌سازان‌یونان‌باستان، مولداوشهرسیکیونه یاآرگوس است.

ازمشهورترین‌آثاراویکی: پیکربسیار بزرگ یونون «ژونن» بود که دور **سینه** وبازوهای‌آن ازعاج وجامه‌های‌آن تماماً اززر بوده و مجسمهٔ دیگری موسوم به قانون‌که تصویرکامل تن‌آدمی است. وی کتابی در ترکیبات بدن انسانی تألیف کرد.

پورتا، جاکومودلا Porta,
(۱۵۴۰ - ۱۶۰۲م)
معمارایتالیایی است.

پیزانو، آندرآس Pisano – A.A.
(۱۳۰۰ - ۱۳۵۰م)
آرشیتکت ومعمار و پیکرتراش ایتالیایی متولددرپیزااست.

پیزانو، جیووانی.
پیکرتراشان خارجی را به بینید.

پیزانو ، نیکولا .
پیکرتراشان وحجاران را به‌بینید .
توره ، نیکولائوس فردریك وان .
Thouret N,F.
(۱۷۶۷ — ۱۸۴۵م)
آرشیتکت‌ونقاش‌ازمردم‌آلمان‌است.
جوتو Giotto
نقاشان خارجی را به‌بینید .
جولیورومانو
نقاشان خارجی را به بینید .
چوریگرا ، خوسه .
مجسمه‌سازان را به‌بینید .
چیمبرز، سرویلیام
Chambers , W
(۱۷۲۶ — ۱۷۹۶م)
معمار انگلیسی است.
داوینچی، لئونارد.
نقاشان خارجی را به بینید .
دلورم ، فیلیبر.
Delorme , Del ' Orme ,
(۱۵۱۵ — ۱۵۷۵م)
معمار بزرگ فرانسوی‌است .
دوبان، ژاك فلیکس Duban,j,F
(۱۷۹۷ — ۱۸۷۰م)
معمار فرانسوی است.
رافایل‌سانتی
نقاشان‌خارجی را به‌بینید.
رامی .
نام مهندس عرب‌که درسال ۱۴۹۸ م‌کنیسهٔ (کنشتی) در(سرقسطة) ساخت و آن‌دارای‌رواقی ازمس‌زرد وبسیارجالب توجه است .
رایت ، فرانك‌لوید Wright,F,L
(۱۸۶۹ — ۱۹۵۹م)
معمار آمریکایـی است.**خانهٔ‌آبشار** شاهکار اواست .
رن سرکریستوفر . Wren,C
(۱۶۳۲ — ۱۷۲۳م)
معمارانگلیسی وطراح واقعی لندن بعدازآتش سوزی مالبروهاوس، تمپل‌بار ازشاهکارهای اواست .
رنی ، جون Rennie—J
(۱۷۶۱ — ۱۸۲۱م)
از مهندسان معروف انگلیسی بود ازبناهای‌معروف اوساختمان **پل‌واترلو** و**پل‌لندن** است .
روسلینو، برناردو.
مجسمه‌سازان را به بینید .

روهه، میزوان دو.
(متولد ۱۸۸۶م)
معماری‌معروف ازمردم‌آلمان،سازندهٔ ساختمان‌سازمان‌ملل،موزهٔ‌هنرهای جدید وفیلیپ‌جانسون‌است .
زمپر، گوتفرید Semper,G
(۱۸۰۳ — ۱۸۷۹م)
معمارآلمانی است .
ژونز، اینیگو jones
(۱۵۷۲ — ۱۶۵۱م)
معمارانگلیسی متولددر اسمیت‌فیلد وی ملقب به «لوپالادیوآنگله» وی اصلا اسپانیولی است .
ساری‌نن ، ایرو Saarinen,E
(متولد ۱۹۱۵م)
معمارآمریکایی است، آثارمعروفش **کارخانه‌های جنرال موتور** است.
سانسووینو ، آندر آدی
Sansovino , A
(۱۴۶۱ — ۱۵۲۹م)
معمار وپیکرتراش‌معروف‌ایتالیایی است ، آثارزیادی ازاوباقی است .
سانگالو ، ژیلیانو ژیامبرتی
Sangallo—G.G.B.
(۱۴۴۵ — ۱۵۱۶م)
معمار ومهندس نظامی فلورانسی.
اورهبر وهادی رافایل درکارهای نقاشی «سن‌پیر» بوده است .
سانمیکلی، میکله Sanmicheli, M
(۱۴۸۴ — ۱۵۵۹م)
معمار ایتالیایی است .
سکات ، سرجایلز گیلبرت Scott,
(۱۸۸۰ — ۱۹۶۰م)
معمارانگلیسی است .
سکات ، سرجورج‌گیلبرت Scott,G
(۱۸۱۱ — ۱۸۷۸م)
معمار انگلیسی است .
سمرك ، سررابرت Smirke,R
(۱۷۸۱ — ۱۸۶۷م)
معمار انگلیسی است .
سنان .
(۸۹۵ — ۹۸۶هـ ق)
معمار مسلمان دردورهٔ سلطنت‌سلیم اول وسلیمان اول ودوم ازامپراتـوران عثمانی است ، مسجدجامـع سلیمانیه، و شهزاده وسلیمیه درترکیه ازآثاراوست.
سوفلو ، ژاك‌ژرمن Seufflot,j,G
(۱۷۰۹ — ۱۷۸۰م)
معمار فرانسوی است.

سون ، سرجان Soane,j
(۱۷۵۳ — ۱۸۳۷م)
معمار انگلیسی است .
کالو ، آلدو Calo,A
(متولد ۱۹۱۰م)
پیکرتراشی‌که درفلورانس‌وفرانسه وانگلیس‌تحصیل‌کرده‌است .
کامبیو ، آرنولفودی Cmbio ,A
(۱۲۳۲ — ۱۳۰۰م)
معمار وپیکرتراش معروف ایتالیا است .
گارلی ، فرانکو Garelli,F
(متولد ۱۹۰۹م)
حجارمعروف قرن بیستم‌است.
لابروست ، تئودور Labrouste —T.
(۱۷۹۹ — ۱۸۸۵م)
معمار فرانسوی‌که در شهرپـاریس دیده به‌جهان‌گشوده است .
لاسوس ، ژان‌باپتیست آنتوان
Lussus —J.B.A.
(۱۸۰۷ — ۱۸۵۷م)
باستان شناس ومعمار فرانسوی که درپاریس متولد شد .
لپر، شارل Lepére — C .
(۱۷۶۱ — ۱۸۴۴م)
معمارفرانسوی‌متولد درپاریس‌است.
لسکو ، پیر Lescot — p .
(۱۵۱۵ — ۱۵۷۸م)
معمارفرانسوی، متولـدپاریس وی برآورندهٔ نمای‌لوورقدیم‌وچشمهٔ‌اینوسان‌ها است.
لفویل؛ هکتور مارتن Lefuel — H.M.
(۱۸۱۰ — ۱۸۸۱م)
معمارفرانسوی.وی‌موزهٔ جدیدلوور رابه‌پایان رسانیده‌است. ودرشهر ورسای به‌دنیاآمده است .
لمرسیه ، ژاك Lemercier—J.
(۱۵۸۵ — ۱۶۵۶م)
آرشیتکت فرانسوی‌که درپن‌تن‌آز به دنیاآمد .
لموئه،پیر Lemuet—P.
(۱۵۹۱ — ۱۶۶۹م)
معمار فرانسوی وسازندهٔ گنبدها و جلوخانهای «وال ـدوـ گراس»درپاریس وی در دیژن به‌دنیا آمد .
لوزارش، ربرت دو
Lusarches —R . D.
(وفات ۱۲۲۳ م)
معمار فرانسوی است.

لوسوئور، ژان باپتیست سیسرون .
(۱۷۹۴ – ۱۸۸۳م)
معمار فرانسوی که در کلرفونتن به دنیا آمده است .

لوکوربوزیه ، ادوارد
Lecorbusir , E .
(۱۸۸۷ – ۱۹۶۴م)
آرشیتکت ومعمار سوییسی است. – **ساختمان وزارت صنایع الکتریک** شوروی، **ساختمان وزارت بهداشت و فرهنگ** برزیل، **خانهٔ پناهندگان ارتش نجات**، نقشهٔ کاخ ملل‌متحد، **نقشهٔ ساختمان** سویت درمسکو ازاواست.

لوو ، لونی Levau –L.
(۱۶۱۲ – ۱۶۷۰م)
معمار فرانسوی که درپاریس به‌دنیا آمده است .

لوی، مریس.
(۱۸۳۸ – ۱۹۱۰م)
ریاضی‌دان ومهندس فرانسوی متولد ری بوویه است .

میکل‌آنژ .
نقاشان خارجی را به بینید .

وان دو ولد، هنری.
نقاشان خارجی را به بینید .

هیتورف ، ژاك.
ایتورف را به بینید .

چند کتاب درمعماری

اصول علمی ساختمان : (ایـران – مك گروهیل تهران)، محمود ماهرالنقش .
به سوی یك معماری ارگانیك : تالار ایران، تهران) برونوزوی ، ترجمهٔ مریم جزایری واسماعیل نوری علاء .
بناهای کرانهٔ جنوبی دریای خـزر : (تهران) محمدهادی جوادی.
شاهکارهای مهندسی: تبریز، اپیکور ؛ دوین برادلی – ترجمهٔ محمدتقی مایلی.
شهرسازی وطرح‌ریزی شهر درایران: (اتحادیهٔ شهرداریهای ایران، تهران) ، سعدالدین رشدیه .
گفتگو باداتشجویان معماری: ونوشته‌ای از ا . ن . ر جرز دربارهٔ لوکور بوزیـه (تالارایران. تهران) لوکوربوزیه، ترجمهٔ نسرین فقیه وم. جودت.
مقالهٔ معماری، نقاشی آبستره: (تالارایران تهران) ترجمهٔ نسرین فقیه وم . جودت.
گفتگویی دربارهٔ معماری : طرفه ، یوجین **راسکین**، ترجمهٔ محسن **مهدوی.**

خط نویسی

هنرخط وانواع آن دربخش ادبیات ملاحظه شود.

خوش‌نویسان :

آقا .
لقب عبدالرشید دیلمی درنزدمردم هند است .

آقا ابراهیم قمی .
محمد ابراهیم‌بن محمد نصیرقمی ، ازمعاصران «میرزا احمد نیریزی» است واین استاد ، خط نسخ را نـزدوی تعلیم گرفته .
آقاابراهیم ازخوشنویسان زبردست واستادان معروف دورهٔ سلطنت شاه‌سلیمان وشاه سلطان حسین‌صفوی است کـه جـز خطوط:اصول ، تعلیق ونستعلیق وشکسته رانیز بسیار خوش می‌نوشته وازاین‌جمله فقط درخط نسخ شهرت یافته گویندسالی سه‌قرآن کتابت واز دستمزدآن زنـدگی مرفهی می‌کرده .

آقاجان .
علی‌رضا پرتورا به بینید .

آمدی، قاسم.
(درگذشت ۱۲۰۴ه.ق)
از علما و مشاهیر **خوش نویسان** دورهٔ خودبود وی ازوطن خود دیاربکر به استانبول آمد . چون آیـات قرآنی را به‌خط غبار برروی دانه‌های برنج‌می‌نوشت به «غباری» شهرت یافته است .

ابراهیم قمی :
آقاابراهیم قمی رابه بینید .

ابن‌السفاح مرداسی .
صالح بن ابوبکر را به‌بینید.

ابراهیم‌بن شاهرخ: (ابن‌تیمور) .
(درگذشت ۸۳۸ هق)
شاهزاده‌ای‌دانش‌دوست ودانشمند و **خوشنویس** بوده است . وازطرف‌شاهرخ مأمورجنوب‌ایران گشته مدرسهٔ دارالشفاء شیراز رابناکرد وشرف‌الدین علی‌یزدی کتاب ظفرنامهٔ تیموری را بنام ابـراهیم کرده است .

ابراهیم میرزا صفوی .
ابوالفتح رابه بینید .

ابن بواب، ابوالحسین علی‌بن هلال.
(متوفی‌سال ۴۲۳ه‌ق)
پدرش‌دربان القادربالله‌خلیفهٔ‌عباسی وخود وی ازنزدیکان القادر ویا به قولی ازملازمان بهاءالدولهٔ دیلمی و به‌مناسبت شغل پدر به‌ابن بواب معروف‌شده است. ابن بواب از دانشمندان و ادیبان عصر بودولی حسن خط وی برسایرفضایل او ممتاز بود. وی در اقلام بجای مانده از زمان ابن‌مقله، تصرفات‌کرد وقواعدتازه درخوشنویسی‌آورد، ازجمله‌خطرا به‌میزان نقطه تحت قاعده‌آورد .
شهرت وی موجب شدکه عده‌ای از اطراف‌بدوروی‌گردآمدند واوهم به‌تعلیم شاگردان می‌پرداخت وهم‌کتابت می‌کرد وی‌را به‌کثرت‌کتابت‌یادکرده‌اندو گفته‌اند شصت وچهار قرآن استنساخ‌کرده است.
از آثار ابن‌بواب یك جزوه دیوان اشعار «الحادرة» ورساله‌ای از جاحظدر موزهٔ آثار ترك اسلامی دراسلامبول است که به خط ثلث ونسخ‌نوشته ونیزیك‌نسخهٔ قرآن نفیس به‌خط نسخ وی در مجموعهٔ خصوصی «چستربیتی» درانگلستان است که به‌خط نسخ نوشته است وتاریخ ۳۹۱ را دارد .

ابن خرزاذ.
(وفات ۴۲۳ه ق)
ابویعقوب‌یوسف‌بن‌یعقوب بن‌اسماعیل بصری. تولد وی دربصره و اصلا ایرانی است. اوراشیوه‌ای درخط بوده‌که‌هرچند صورتاً خوش وزیبا نیست لیکن درغایت اتقان وصحت است ومردم مصر شیفتهٔ‌خط او بوده‌اندچنانکه وقتی نسخه‌ای‌ازدیوان جریربه‌قلم او به ده دینار فروخته شد و اکثرکتب‌قدیمه درلغت واشعاروایام‌عرب ازطریق او به‌مصریان رسیده چه‌اوراوی این‌کتب واشعار وعارف‌به‌آنها بوده‌است.

ابن خشاب.
(وفات ۵۶۷ ه ق)
ابومحمد عبدالله‌بن احمد بغدادی ادیب ونحوی معروف. اودرمنطق وفلسفه وحساب وهندسه نیز استاد بود و خط نیکو می‌نوشت، کتاب‌عبدالقادر جرجانی ولمع ابن جهنی‌راشرح کرده است .

ابن‌الخل.
(۴۸۲–۵۵۲ یا۵۵۳ه ق)
ابوالحسن محمدبن مبارك بغدادی فقیه. درمدرسهٔ نظامیه علم‌آموخت **خطی** نیکو داشت .

ابن زید وراق.
(زنده‌نیمهٔ اول قرن چهارم)
او قرآن می‌نوشته است .

ابن‌سیر
(زنده‌نیمهٔ اول قرن چهارم)
ازوراقین‌وکتابت‌مصحف نیزمی‌کرده.

ابن‌شمس‌الخلافه .

(۵۴۳ ـ ۶۲۲ ه ق)

ابوالفضل‌جعفر بن شمس‌الخلافه ابی عبدالله محمد افضلی ملقب به مجدالملك شاعری نامدار و دانشمندی **نیکوخط** و اوراتألیفاتی است که‌حسن اختیار او را می‌نماید و نیز دارای دیوانی می‌باشد .

ابن‌صابونی.

(۶۴۲ ـ ۷۲۳ ه . ق)

کمال‌الدین عبدالرزاق بن محمد و اورا ابن فوطی نیز می‌گفتند. خطی‌نیکو داشت و در خدمت خواجه نصیر طوسی می‌زیست .

ابن‌مفلح.

(متوفی **۱۰۳۲** ه . ق)

ظهیرالدین‌ابواسحق‌ابراهیم‌بن نورـ الدین‌علی‌بن‌عبدالعاملی‌میسی فقیه، شیعی از علمای دولت شاه طهماسب صفوی. او **به‌حسن خط** معروف بوده است .

ابن مقله، ابوعلی محمدبن علی

(۲۸۲ ـ ۳۲۸ ه ق)

نیاکانش ازمردم فارس وخود وی‌در بغداد متولد شد. ابن‌مقله از دانشمندان عصر ودر فقه وتفسیر وقرائت وادبیات ، دست داشت وشعرمی‌گفت.این‌مردبزرگ ایرانی پیشقدم احیای یکی از زیباترین مظاهر هنری یعنی خوشنویسی است و تا ظهور وی، هیچیك ازخطاطان بقدرت‌وی درخوشنویسی‌اقلام مختلف نیامده بودند.

اینکه بعضی‌وضع اقلام شش‌گانه را به وی‌نسبت می‌دهند روانیست، ولی‌یقیناً درتکمیل اقلام موجودهٔ مزبور کوشیده و به‌آنها سروصورتی داده است .

ابن‌مقله وزارت سه تن از خلفای بنی عباس را عهده دار بود تادر زمان خلافت‌الراضی‌چنانکه‌شیوهٔ ناجوانمردانهٔ عباسیان بود، دستها وزبانش را بریدند و سرانجام وی‌را کشتند .

ابواسحق‌قرشی.

(۵۷۲ ـ ۶۴۳ه ق)

شرف‌الدین‌ابراهیم‌بن عبدالرحمن، درانشاء **وحسن خط** معروف است.

ابوالحسن.

(معاصر مقتدر خلیفهٔ‌عباسی)

ابن ابراهیم‌بن‌عبدالله‌بن الصباح‌بن بشربن سویدبن الاسود التیمی‌ثم‌السعدی. یکی از **خوشنویسان** ودانایان فن کتابت واوبرادرابوالحسین خطاط معلم مقتدر خلیفه است .

ابوالحسن.

(قرن سوم ه ق)

ابن ابی‌علی از خاندان ابن مقلهٔ معروف واونیزمانندا جدادخویش **به‌حسن خط** مشهور است .

ابوالحسن.

(وفات ۳۶۶ه . ق)

علی‌بن‌عبدالعزیزفقیه‌قاضی‌جرجانی. اوگذشته‌ازعلوم‌ادب وشاعری‌صاحب**حسن خط** نیزبوده است .

ابوالحسین

(نیمهٔ‌اول قرن چهارم ه ق)

ابن ابی‌بکر احمدبن نصروراق . اوکتابت مصحف نیز می‌کرده است .

ابوالحسین

(قرن چهارم ه . ق)

ابن ابی‌علی ، یکی از احفاد مقلهٔ معروف واونیز به‌حسن **خط** مشهوراست.

ابوالحسین.

(معاصر مقتدرخلیفهٔ عباسی)

اسحق‌بن عبدالله‌بن‌الصباح‌بن‌بشربن سویدبن الاسود التیمی ثم‌السعدی . معلم مقتدر خلیفه واولاد اوبود . او در زمان خویش از **خوش خط** ترین ودانا ترین مردم بکتابت‌بود. خط را از ابن‌معدان خطاط فراگرفت .

ابوالحکم .

(وفات ۵۸۷ ه ق)

ابن غلندو ازاطبای مشهور اندلس مولد ومنشاء او اشبیلیه است. او درشعر و ادب و **حسن خط** در دو خط مشرقی و اندلسی‌مشهور و صاحب تألیفات عدیده است .

ابوحکیم .

(وفات ۴۷۶ ه . ق)

عبدالله‌بن‌ابراهیم‌بن‌عبدالله‌بن‌حکیم خبری، ادیب وفقیه **وخط‌نیکو** می‌نوشته است.

وشاگردابواسحق‌شیرازی‌بوده‌است.

ابوحمیرهٔ‌کوفی.

(نیمهٔ اول سده چهارم)

کتابت مصحف می‌کرده .

ابوالدر.

(معاصر مستعصم‌آخرین‌خلیفهٔ عباسی)

یاقوت‌بن عبدالله مستعصمی. او اول کسی است که درتجوید وتنقیح خط نسخ کوشید .

صاحب کشف‌الظنون‌درباب علم‌الخط کنیت اورا ابوالمجد گفته است .

ابوالعباس .

(معاصر مقتدر خلیفهٔ عباسی)

عبدالله‌بن‌اسحق.یکی‌از**خوشنویسان** معروف از احفاد اسحق بن ابراهیم بن عبدالله بن الصباح ، معلم مقتدر خلیفه.

ابوالفتح سلطان‌ابراهیم میرزا صفوی.

(۹۴۶ـ۹۸۴ ه . ق)

فرزند بهرام میرزا، فرزند شاهـ اسمعیل‌اول صفوی است‌که درعلوم‌معقول ومنقول‌متبحربود و خط نستعلیق را نزد (مالك‌دیلمی)خوشنویس‌معروف،مشق‌کرد وبسیار زیبامی‌نوشت وشعرنیز می‌گفت و به فرمان شاه اسمعیل ثانی بقتل رسید . زنش آثار هنری اورا ازترس‌این‌که به دست‌شاه‌اسماعیل‌بیفتدازمیان‌برد .

ابوالفضل .

(۵۸۱ ـ ۶۵۶ ه ق)

زهیربن محمدبن علی بن یحیی بن الحسن‌بن جعفربن‌منصوربن‌عاصم‌المهلبی العتکی . الملقب به بهاءالدین الکاتب یکی‌ازفضلا ونیکوترین‌شعراونثرنویسان **وخطاطین** عصر خویش بود او در مصر درخدمت‌ملك‌الصالح نجم‌الدین ابوالفتح ایوب ابن الکامل پیوست .

ابوالفضل ساووجی

(۱۲۴۸ ـ ۱۳۱۲ ه ق)

مجدالدین ابوالفضل محمدبن حاج میرزا فضل‌الله ، ازطایفهٔ شاملو، درساوه متولد شد ودر تهران نشوونما یافت و کسب کمالات کرد .

درعلم‌طب‌وادب‌وشاعری‌وخوشنویسی مشهور بود . در مجلس تألیف : « نامهٔ دانشوران » شرکت داشت . از خطوط مختلف، نستعلیق‌وتعلیق وشکسته‌نستعلیق را استادانه می‌نوشت .

ابوالقاسم.

اسماعیل‌بن‌اسحق‌بن‌ابراهیم. اویکی از **خوشنویسان** وعارفین بحسن خط‌بود وپدرش‌اسحق معلم مقتدرخلیفه بوده‌است که اونیز در خط بعهد خـویش بی‌نظیر بوده است .

ابوالمعالی .

(متولد **۴۴۳**ه ق)

هبة‌الله بن‌محمدبن‌مطلب، ولی‌الدین ازاوان‌کودکی، بااهل ادب‌وارباب قلم مراودت داشت و **خط** نیکومی‌نوشت ودرعلم حساب‌استادبود ودرعهد مستظهر به وزارت رسید .

ابوالهیذام.
(اوایل نیمهٔ اول قرن چهارم)
کلاب بن حمزة العقیلی حرانی.
گویند اومعلم کتاب وعالم بشعربود **وخط** اومعروف است.

ابوبکربن‌مصطفی پاشا.
(وفات ۱۱۸۱ ه ق)
خوشنویسی ترك درخدمت بابعالی

ابوسهیل.
(وفات ۴۰۱ ه ق)
مسیحی. عیسی‌بن یحیی جرجانی. مسیحی ایرانی.
در اقسام حکمت نظری به جودت ذهن معروف ودرطب وادب **وحسن خط** مشهور است.

ابوعبدالله.
(۲۷۸ ـ ۳۳۸ ه ق)
حسن‌بن علی بن مقله او نیز چون برادر خود از **خوشنویسان و خطاطین** مشهور بوده است.

ابومحمد.
(وفات ۳۱۲ ه ق)
جریری درفقه امام ومفتی‌ودرانواع علوم **خطی** یگانهٔ روزگار خود بود.

ابومحمد.
قاسم بن اسمعیل‌بن اسحق. یکی‌از خوشنویسان معروف و جداو اسحق معلم مقتدر خلیفه واولاد اوبوده است.

ابونصرمشکان، ابونصرمنصوری مشکان.
(فوت ۴۳۱ ه ق)
صاحب دیوان‌رسالت محمودغزنوی وپسرش مسعود بود، وی ازمنشیان زبردست زمان خود به فارسی وعربی‌بوده و «ابوالفضل بیهقی» مورخ معروف‌زیر دست او درد‌ربارکار می‌کرده وبه‌همین جهت آنچه راکه از مشاهدات وی شنیده بود،درکتابی‌بنام«مقامات ابونصرمشکان» گردآورده بودکه‌اینك قسمت‌هایی ازآن باقی‌است ونیز برخی مکاتیبی‌که او نوشته درتاریخ بیهقی‌مانده است.

احدب مزور.
(وفات ۳۷۰ ه.ق)
مردی بودکه خط هرکس چنان تقلید کردی که‌صاحب‌خط نیزتمیزنتوانستی داد.

احمدپاشا.
(وفات ۱۰۵۷ ه.ق)
هزارپاره،اودر دورهٔ‌سلطان‌ابراهیم عثمانی منصب صدارت یافت. او کاتبی **خوش‌خط** وسریع القلم بود.

احمد.
(وفات ۴۴۰ ه.ق)
ابن رشیق‌اندلسی‌کاتب، مکنی به ابوالعباس، منشأ او مرسیه است وبرای کسب علم به‌قرطبه رفت. ودر فنون ادب ودرصناعت رسائل، **حسن خط** به نهایت رسید.

احمد.
(وفات ۲۹۲ ه.ق)
ابن‌سلیمان المعبدی مکنی‌به ابو الحسین. وی را **خطی** نیکو بود ویکی ازمشاهیر علما وثقات است.

احمد.
(سدهٔ هفتم هجری)
ابن‌عبدالدائم‌مقدسی‌ملقب‌به‌زین‌الدین.
وی ازفقهای قرن هفتم هجری و از مشاهیر حنابله ارض‌شام‌است.
او غالباً وجه معاش‌ازاجرت نسخ و کتابت می‌کرد چه‌درآن عصرخط وی بسیارملیح‌وبدیع بود ودرشغل‌نویسندگی به چندخاصهٔ شگفت اتصاف داشت یکی سرعت‌تحریر چه‌درایامی‌که فراغت‌داشت تا نه‌کراسه به‌خطی خوش مینگاشت و احیاناً دریك شب یك جزء تمام‌کتابت می‌کرد ودیگر درترك نقطه چه در مدت پنجاه‌سال‌که‌به‌انتساخ مشغولی‌داشت‌همه‌را بی‌نکته تحریرنمود وهیچ به‌نقطه ضبط نپرداخت ودیگردرشدت‌خط چه‌یك‌صفحه تمام‌رایك بارنظرمی‌کرد وتا آخرعن ظهرالقلب می‌نوشت وبه مراجعهٔ سطورش حاجت نمی‌افتاد.

احمد.
(۴۷۸ ـ ۵۶۰ه‌ق)
بن‌عبدالله‌بن‌احمد ابوالعباس‌معروف به ابن‌الحطیئة فاسی لخمی.
هم ادیب وهم خوشنویس بوده و از نسخ‌کتب معیشت می‌کرد.

احمد.
(وفات ۶۹۴ ه.ق)
ابن‌علی‌بن تغلب بن‌ابی‌الضیاء ـ البعلبکی البغدادی الاصل و المنشاء مشهور بابن ساعاتی حنفی وملقب‌به‌امام مظفرالدین یکی‌از رؤسای کبار فقهای حنفیه.
او درذکاء وفصاحت و **حسن خط** آیتی بی‌عدیل‌بود.

احمد.
(۵۰۹ ـ ۵۸۶ ه‌ق)
ابن علی بن‌المأمون النحوی‌اللغوی‌ـ القاضی یاقوت‌گوید او دارای خطی‌ملیح وعقلی صحیح بود.

احمد.
(وفات ۴۰۳ ه.ق)
ابن‌علی‌البتی‌الکاتب‌مکنی‌به‌ابوالحسن. اودرهمهٔ فنون علم وادب دست‌داشت و صاحب‌خط وترسلی نیکوبود.

احمد.
(وفات۴۶۰ ه ق)
ابن الفضل بن محمدبن احمدبن جعفر الباطرقانی المقری.
اومقری فاضل‌ومتحدثی کثیرالحدیث بود وحدیث بسیارنوشت و **نیکو خط ودقیق‌الخط بود.**

احمد.
(معاصرمأمون عباسی)
محرر معروف‌یأحول‌از**خوشنویسان** قدیم معاصر مأمون عباسی است.

احمد.
(۲۷۱ تا ۲۷۲ـ۳۵۰ ه‌ق)
ابن محمد بن سعیدابن عبیدالله بن احمدبن‌سعید بن ابی‌مریم القرشی‌الوراق مکنی به‌ابوبکر وصاحب **خط‌نیکو** و مشهوراست.

احمد.
(وفات ۳۸۷ ه.ق)
ابن‌محمدبن‌حمدبن سلمة‌بن شرام‌الغسانی یکی‌ازعلمای نحومشهوردر شام بود. وی‌تصانیف استاد خود زجاجی رابه خط‌خوش نوشته است چه احمد را **خطی** وضبطی خوش وکتابتی‌درست بود.

احمد.
(وفات ۴۴۶ ه.ق)
ابن‌محمدبن‌احمدشهردارالمعلم‌الاصبهانی اوادیبی فاضل وبارع درادب و فصیح و **نیکوخط** وصاحب‌اصول بود.

احمد.
(وفات ۳۸۱ ه.ق)
ابن‌محمدبن فضل‌بن جعفربن محمد ابن الجراح‌الخزاز مکنی‌به‌ابی‌بکر.
اومردی ثقة،نیکو ادب وفاضل و **نیکوخط** بود ودرخط علاوه برنیکویی واتقان ضبطداشت‌وبامعیشت مرفه وظاهر الثروة‌بود.

احمد.
(۴۵۱ – ۵۱۸ ه‍ ق)
ابن‌محمد بن‌فضل دینوری. مکنی به ابی‌الفضل‌ومشهور به ابن خازن. وی‌شاعر واستاد یگانهٔ خط درعصر خویش بود.

احمدمشهدی، سید.
سیداحمدمشهدی را به‌بینید.

احمد نیریزی.
نیریزی را به بینید.

احول‌محرر.
نام‌**خوشنویسی** به‌عهد برامکه و از برکشیدگان آنان. او آشنا به‌اشکال‌خطوط‌مبین رسوم وقوانین‌آن بود وخــطرا به‌انواعی بخش‌کرد ونامه‌هارا که ازسوی‌خلیفه به پادشاهان درطومارها فرستادندی به خط او بود.

اختیارالدین.
قاضی اختیارالدین‌را به‌بینید.

اختیارمنشی، خواجه.
خواجه اختیار منشی‌را به بینید.

اردبیلی، قاضی‌زاده.
قاضی زاده را ببینید.

ارموی، صفی‌الدین.
صفی‌الدین رادربخش موسیقی‌دانان به بینید.

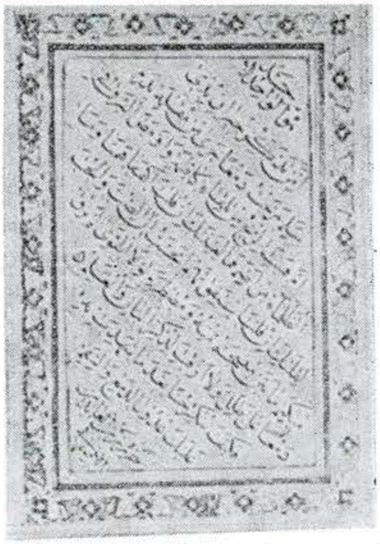
استاد حسن زرین خط.
زرین خط را به بینید.

اسحاق.
(معاصرمنصورومهدی، خلفای عباسی)
ابن حمادکاتب وی درزمان خلافت منصورو مهدی عباسی‌می‌زیست واویکی‌از **خوشنویسان** معروف است.
وشاگردانی داشت‌که به دوازده‌قلم تحریر می‌کرده‌اند:
قلم جلیل_ قلم‌سجلات _ قلم دیباج_ قلم اسطورمارکبیر_ قلم‌ثلثین_قلم‌زنبور_ قلم مفتح_ قلم حرم _ قلم‌مؤامرات_قلم عهود _ قلم قصص _ قلم‌حرفاج.

اسحاق.
سیاد و شانی (مولانا ...) یکی از **خوشنویسان** عهد شاه عباس بزرگ.

اسماعیل.
(۵۱۲ – ۵۷۵ ه‍.ق)
ابــن موهوب بن احمدبن محمدبن خضربن جوالیقی مکنی بابی محمد. وی مانند پدرش تربیت فرزندان خلفا را به عهــده داشت **خطی بسیار زیبا** داشت و ضبطی نیکو و معرفتی تمام بلغت و ادب دارا بود.

اشرف‌الکتاب، زین‌العابدین بن‌محمدتقی خوانساری.
(۱۲۰۴ – ۱۳۰۰ ه‍ق)
ازشاگردان آقامحمود اصفهانی و از روی خط نیریزی‌مشق، می‌کردوی



از بهترین نسخ نویسان دورهٔ قاجاراست وناصرالدین‌شاه‌وی‌را لقب اشرف‌الکتاب داده بود. از وی آثار فراوان بجـای مانده.

اصفهانی، باباشاه.
باباشاه اصفهانی را به بینید.

اصفهانی، علی رضا.
علی‌رضا اصفهانی رابه‌بینید.

اظهر
ظهیرالدین اظهر از**خطاطان** عصر تیموری بوده ودرخط اورا به‌ابن مقله و یاقوت مانندکرده‌اند.

امامی، محمد رضا.
محمدرضا امامی رابه بینید.

امیرالکتاب.
ملك الکلامی را به‌بینید.

امیر بدرالدین تبریزی.
(فوت ۸۰۰ ه‍ ق)
امیربدرالدین تبریزی از خطاطان بنام‌ودرنوشتن خطوط‌سه‌گانه‌ثلث ونسخ و نستعلیق استاد و مشهور بود. امیرتیمور گورکانی‌که شمه‌ای از اوصاف اورا شنید وی رانزد خود خواست وبنواخت وقتی ازطرف امیرتیموربسفارت نزد **ملك‌فرج** سلطان مصررفت حسب‌الامر امیرفرمانی جهت سلطان مصر نگاشت‌کــه طول آن هفتاد ذرع‌بود ودرآن هزار وهفتصدسطر که متضمن حشمت وعظمت وقدرت امیر_ تیموربود به خط نسخ جلی‌نوشته شده‌بود امیرتیمور چون چشمش به این‌نامه‌افتاد بی‌اندازه مسرورگردید واو را جایزه‌ای گران بها بخشید. امیربدرالدین خطوط هفت‌گانه راکه عبارت از ثلث _ نسخ _ محقق_ رقاع_ ریحان_ توقیع_ وترسل باشد نیکومی‌نوشت وبعلاوه خط‌کوفی را به وجه احسن می‌نوشت واین مقام را از میرعلی‌تبریزی‌فرا گرفته، بود، امیربدرالدین شعر نیزنیکو می‌سروده است ودر تبریز درگذشته است.

امین تبریزی.
(قرن یازدهم)
میرزا امین پسر میرزانوری بیگ شاعر **وخوش خط** بوده‌است.

باباشاه اصفهانی.
(فوت ۹۹۶ ه‍ ق)
شاگرد سید احمد مشهدی بود ودر اصفهان می‌زیست و به درویشی وانزوا، باوجه کتابت اعاشه می‌کرد تاسرانجام درهمان شهر درگذشت
به‌اتفاق عموم خط شناسان، هیچیك از خوشنویسان ایــران تـازمان باباشاه کتابت‌را بشیرینی وشیوایی‌وی‌ننوشته‌اند.
باباشاه مؤلف‌رساله‌ای‌است به‌عنوان «آداب‌المشق» که متأخرین تألیف آنـرا به‌میرعماد نسبت داده‌اند، وسهواست.



از آثار خطوط باباشاه قطعه ومرقعی دیده نشده است وهرچه هست کتاب و رسالات است که عموماً بقلم کتابت ودر نهایت قدرت وملاحت نوشته .

باباشاه عراقی-اصفهانی.

از خوش نویسان معروف زمان شاه عباس ماضی صفوی میباشد وشعرهم میسروده است .

بایسنقرمیرزا.

(۸۰۲ - ۸۳۷ ه ق)

فرزندشاهرخ تیموری،ازشاهزادگان خوش طبع وهنرمند و هنرپرور بود، در دربار وی چندان خوشنویس ونقاش و موسیقی دان ودیگر هنرمندان بوده است که درهیچ دورهای درمیان امرای پیش ازاو آن مایه هنرمند نبوده و سرپرستی جملهٔ این هنرمندان با «میرزاجعفر تبریزی» خوشنویس معروف بوده است .

بایسنقر ، در خطوط اصول شاگرد «شمس الدین محمد» و در خط ثلث از خوشنویسان برجسته است واز آثار جاویدان وی کتیبهٔ پیش طاق «مسجد گوهرشاد» در آستانهٔ رضوی است .

بایسنقری، میرزا جعفر

میرزا جعفر تبریزی به بینید .

بیانی.

عبدالله مروارید رابه بینید .

پرتو.

علیرضا پرتورا به بینید .

میرزا علیرضا پرتو.

علیرضا پرتو را به بینید .

پیریحیی.

الجمالی الصوفی ازخطاطان معروف قرن هشتم هجری است ازجمله آثار وی قرآنی است بخط بسیار خوب ثلث مورخ به تاریخ ۷۴۵ و ۷۴۶ که بهدست اساتید هنر تذهیب وتزیین شده است .

تابعی.

یکی ازشعرای عثمانی است که در قرن دهم هجری میزیسته است وازاهالی ادرنه است **خطی خوش** داشته است. وبه جنابی پاشا منتسب شدهاست .

تاج الدین .

بخاری یکی از**خوشنویسان** معروف بود ودرعهد یاورسلطان سلیم خان به قسطنطنیه آمده وسبب اشتهارخط دیوانی شد .

تاج الدین .

کرهبند یکی از**خوشنویسان** نامدار است که درعهد سلطان سلیم خان اول درحلب میزیست .

تاج بکزاده .

(وفات ۹۲۰ ه.ق)

یکی ازمشاهیر شعرا **وخوشنویسان** واصلا از اهالی اماسیه ودارای منصب و توقیع دردربارسلطنت بود. منظومهای به نام «هوسنامه» دارد .

تبریزی.

(وفات ۸۸۰ هق)

ناموی اظهر ملقب به استاد استادان ازافاضل زمان وصاحب کمالات فراوان بود وی دریادگرفتن خط اهتمام تمام به کاربرده ودرکمال آن رنجها کشیده تا یکی ازاساتید زمان خودگشته است.

تبریزی ، امیر بدرالدین .

امیر بدرالدین را به بینید .

تبریزی ، جعفر.

مولانا جعفر تبریزی بایسنقری از خوشنویسان بزرگ روزگار تیموریان بوده ودردرگاه بایسنقرمیرزا نوادهٔ تیمور میزیسته است. ویدرتحریر انواع خطوط درجهٔ کمالرا پیموده است .

تبریزی.

(وفات ۱۲۹۰ هق)

حاجی میرزا قاسم از **خطاطان** مشهور است .

تبریزی ، عبدالباقی .

عبدالباقیرا بهبینید .

تبریزی ، علاءالدین .

علاءالدین تبریزی را بهبینید .

تبریزی ، علی رضاعباسی .

علیرضا عباسی رابه بینید .

تبریزی .

محراب ، از**خوشنویسان** تبریزاست ودر**خط** نسخ دستداشت،قرآنی بخط وی در مسجدابراهیم پاشا دراستانبول موجود است که تاریخ کتابت آن ۹۰۹ ه.ق است

تبریزی، محمدحسین.

محمدحسین تبریزی را به بینید.

تبریزی .

میرزا احمدخطاط ازمشاهیر خطاطان اواسط قرن سیزدهم هجری است که از ارباب فضل وکمال بوده وچندین قرآن به خطوی چاپ شده که تاریخ کتابت یکی ازآنها ۱۲۶۸ هق میباشد .

تبریزی ، میرزا جعفر .

میرزا جعفررا به بینید .

تبریزی .

خواجه میرعلی از مفاخر قرن هفتم هجری که واضع و مخترع **خط نستعلیق** میباشدو بهمین جهت بهقدوة الکتاب مشهور است .

تبریزی، میرعلی

علی تبریزی را به بینید .

تفرشی ، میرزا علیاکبر .

میرزاعلیاکبر تفرشی را بهبینید .

تقیکاشی .

(وفات ۹۹۲ ه. ق)

از شعراوسادات کاشان است **خطی** خوش داشت وبه هندوستان رفت وهمانجا وفات کرد .

ثابت ، علی.

شاعران ایرانی رابهبینید .

جعفرتبریزی .

میرزا جعفر تبریزی رابهبینید.

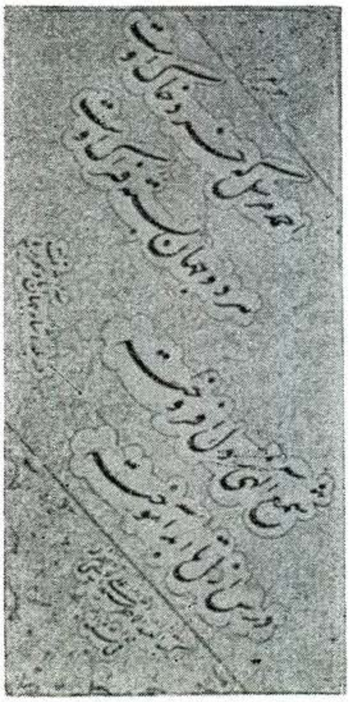
جلالعضد ، جلالالدین بنسیدعضد .

شاعران ایرانی رابه بینید.

جناب اصفهانی .

ابوطالب فرزندمیرزا نصیرمیباشد وی ازشاعران وخوشنویسان زمان شاه سلطان حسین است .

وی سرخط نویس دیوان اعلی درزمان شاه سلطانحسین صفوی بود.



جواهررقم ، سیدعلی‌خان .
(فوت ۱۰۹۴ ه ق)

فرزندمیرزامقیم ازاولادمیرشاهمیر ساکن اصفهان و به فضایل نفسانی متصف بود .

شعرمی‌گفت وخط نستعلیق را ازپدر خودکه اوشاگردمیرعماد بود، تعلیم‌یافت وبامعارست مشق‌ازخطوط میرعماد،شیوهٔ وی‌را فراگرفت و باعبدالـرشید دیلمی معاصر ومصاحب بود .

درعهدسلطنت «شاهجهان» به‌همراهی پدرخود به‌هندوستان‌شتافت وبـه دربار «عالم گیرپادشاه»راه‌یافت‌ودرجزوملازمان پادشاهی‌منسلك وبه‌خطاب «خان» ولقب «جواهررقم» سرافراز وکتابداری‌خاصه به‌وی تفویض شد .

ازآثارشیوای‌وی‌درایران‌ومخصوصاً هندوستان بسیار موجود است .

جواهر رقـم دردهلی درگـذشت و همانجا مدفون شد.

حافظ عثمان.
(وفات ۱۱۱۰ ه ق)

یکی‌ازمشاهیرخوشنویسان‌است، وی دراستانبول نشوونما یافت وشیوهٔ خطرا ازشیخ حمدالله‌استادخود فراگرفت‌وخط او دلرباترازخط‌استاداست.ازآثاراویك جلد مصحف ویك طغرامرقع درایاصوفیه موجود است .

حالی‌اصفهانی .
(وفات ۹۹۶ یا ۱۰۱۲ه.ق)

باباشاه، وی‌یـکی ازمعروفتریـن‌و زبردست ترین استادان خط‌نستعلیق‌نیمهٔ دوم قرن دهم‌هجری است.

وازرمان شاه‌طهماسب تـادورهٔ شاه عباس‌اول صفوی درعراق وخـراسان در کتابت نستعلیق استاد مسلم شناخته شده است وی ازاستادان خـویش پیشی جسته است .

حامدافندی .
(وفات ۱۰۸۰ ه ق)

احمد ، یکی‌از متأخرین شعـرا و خوشنویسان عثمانی است وی‌از اهالـی استانبول است .

حامد،(یاعبدالحامد یحیی)
(وفات ۱۳۲ ه ق)

یکی ازمشاهیرخطاطان است واول کسی‌است که‌خط کوفی‌را به‌خط نسخ‌تحویل کرد، اودرعصر معاویة‌بن یزید می‌زیسته است .

حجاب شیرازی، میرزافتحعلی .
فتحعلی حجاب رابه بینید .

حربوی .
(وفات ۶۰۵ ه.ق)

علی‌بن‌رشیدبن‌احمدمکنی‌به‌ابوالحسن وکیل‌ناصرلدین‌الله‌بود وخطی‌خوش‌داشت وبه‌طریقهٔ ابن‌مقله‌می‌نوشت.

حرفاج .
قلم‌حرفاج، نام‌خطی‌ازخطهای‌اسلامی عربی .

حسن‌خان شاملو .
شاملورا به‌بینید .

حسن‌دهلوی .
(وفات ۷۷۷ ه ق)

ابن‌علی‌سنجری‌ملقب‌به‌نجم‌الدین‌معاصر امیرخسرو و محبوب وی‌بود،اوشاعـر و **خوشنویس** بود.

حسن .
(وفات ۷۳۲ ه ق)

ابن‌محمدقرطبی‌صفوی‌ازخوشنویسان عصرخود بود .

حسن مرزبان .
مرزبان را به‌بینید .

حسین سهوی .
(۱۰۰۳ وفات ه ق)

تبریزی‌شاعر وخطاط . پس‌ازحملهٔ عثمانیان‌به‌تبریز به‌کاشان رفت وازآنجا به‌هندوستان وهمانجا وفات یافت .

حسین‌کاشانی، معزالدین‌محمد.
میرمعز رابه بینید .

خالد ارزرومی .
(وفات ۱۰۴۰ ه ق)

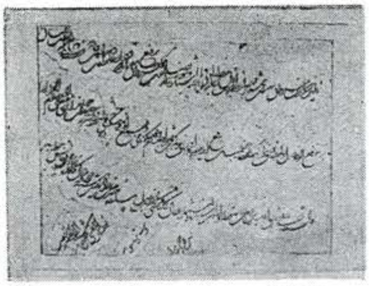
وی‌ازمشاهیرخوشنویسان است ودر خطوط متنوعه مهارت زیادداشته است.

خان‌ایلچی .
(تولد ۹۹۰ ه ق)

ابراهیم، یکی از خطاطان بزرگ اسلام‌است وی‌درقم متولدشد وبه‌استانبول نزدسلطان مـراد خان رفت وخط‌نسخ و نستعلیق رانیکومی‌نوشت .

خواجه اختیار منشی .
(فوت ۹۹۰ه ق)

خواجه اختیارازمعروفترین‌خوش‌نویسان تعلیق استکـه مدت سی‌سال در دوران فرمانروایی سلطان‌محمدخدابنده فرزندشاه‌طهماسب اول‌صفوی، درخراسان بکار انشاءآن امیرصفوی اشتغال‌داشت.



ازآثار شیوای وی قطعات ورسالات متعددی موجوداست ، ازجمله منشآتی‌در کتابخانهٔ سلطنتی تهران استکـه به‌طرز بسیار زیبایی تذهیب وتزیین شده‌است.

خواجه عبدالله صیرفی .
صیرفی رابه بینید .

خواجه عبدالله مروارید .
عبدالله مروارید رابه بینید.

خواجه‌علاءِ الدین علی‌میکال.
(قرن۹و۱۰ه)

خطاط مشهور ووزیر سلطان حسین میرزاتیموری است.

دانشمند.

عبدالباقی ازشاعران ایـران واز مردم‌تبریزاست‌ودربغداد عمرمی‌گذراند تااینکه‌به‌سبب‌حسن‌خط‌وخوش‌نویسی‌خاصه درنسخ وثلث‌ازجانب شاه‌عباس‌کبیر بـه اصفهان فراخوانده‌شد وکتیبه‌های جامع کبیررا نوشت .

درویش عبدالمجیدطالقانی .
(فوت ۱۱۸۵ ه ق)

درآغازجوانی‌ازطالقان‌رخت‌به‌اصفهان کشید وچنـدی درکسوت فقـر روزگار گذرانید وازآن‌پس به مشق‌خط‌پرداخت وازخط نستعلیق شروع‌کرد، ولی پس از اندك‌زمانی دست به‌خط‌شکسته‌زد ودیری نگذشت‌که دراین هنراستاد مسلم‌شناخته شد تاجایی که پس از او شاگـردان و پیروانش‌که به‌مقام‌استادی رسیدندهیچ‌یك به‌پایهٔ‌وی‌نرسیدندچنان‌که‌کمال‌خط‌نستعلیق به‌دست میرعماد صورت‌گرفت، خط‌شکسته رادرویش به‌حدکمال‌رسانیداو نه‌فقط‌قواعد این‌خط را استوارکـرد بلکـه‌زیبایی و شیوایی‌آن‌را به‌حداعلی‌رسانیدچنان‌که‌شش دانگ‌جلی‌راچون‌کتاب‌خفی وغبار،استوار وشیرین‌می‌نوشت. آثارباقیمانده‌ازدرویش اثرپانزده‌سال آخر عمروی است .

ازگرانبهاترین آثاروی‌جزمقطعات ومرقعات متعدد نسخهٔ «کلیات سعـدی» است‌که اکنون درکتابخانهٔ‌سلطنتی‌ایران

باقی است.



درویش شاعر بوده ودرشعر «خموش» و «درویش» تخلص می کرده ودیوان غزلیاتش موجود است .

دیلمی، عبدالرشید .

عبدالرشیدرا به بینید.

راسم .

(۱۰۹۱ – ۱۱۶۹ ه ق)

محمدافندی اگری قاپولی **خطاط** و شاعرعثمانی که در استانبول بدنیا آمد .

رافم .

(وفات ۱۱۸۱ ه ق)

عثمانی مصطفی افندی از **خطاطان** نامی عثمانی وشاگرد یدی قلعه لی بود.

راوندی .

(تولد ۵۳۹ه ق)

زین الدین مجدالاسلام محمودبن محمدبن علی از دانشمندان و **خطاطان** بزرگ عصرخویش بوده ودرسن هجده سالگی هیچکس درشعروخط بهاوماننند نبوده است .

رجب.

ابن محب علی شاملو **خطاط وخوش‌نویس** که کتابهای چندی به خطوی موجود است ازجمله به سال ۱۰۶۹ ق برحسب امر زال بیك یوزباشی دیوان فضولی را نوشته است .

رشید .

(وفات ۱۲۲۷ ه ق)

محمد رشید ازخطاطان نامی وپسر خواجه راسم بود وی دراستانبول در گذشت وقرآنی به خط وی باقی است.

رشیدا .

(وفات ۱۰۴۸ه ق)

ازخوشنویسان بزرگ ایران است که در دربارشاه عباس اول صفوی زندگی می کرد وی خواهرزادهٔ میرعماد خوشنویس مشهوراست وی به هندوستان مهاجرت کرد ونمونه هایی ازخط وی در ایران وهند موجود است .

رشیدی کرمانی .

یارشیدی بافقی. ملاقاضی پسر ملا‌یعقوب کرمانی از گویندگان قرن یازدهم وپارسی زبان بود وبه **حسن خط** مشهور می باشد .

رضا .

وفات (۱۳۱۰ ه ق)

یامیرزارضای کلهر ازبهترین ونامی‌ترین **خطاطان نستعلیق نویس** عصراخیر بود که درو بای همگانی تهران درگذشت.

رمضان .

(وفات ۶۱۸ه ق)

ابن محمدبن علی بن رستم بن هروز فخرالدین بن الساعاتی الخراسانی. وی طبیبی فاضل وادیبی شاعربود **وخط**وی در غایت نیکویی درعصرخود بی نظیر بود .

رمضان افندی .

(وفات ۱۰۹۱ ه ق)

ازخطاطان مشهورترك بود .

روحانی ، وصال .

شاعران ایران را به بینید .

زبدة الکتاب .

سلطان علی مشهدی را به بینید .

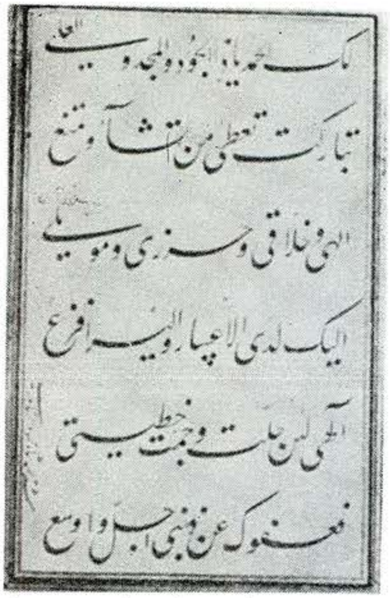
زرین خط ، استادمحسن .

ازخوشنویسان معروف معاصرشاگرد عمادالکتاب، کتاب حافظ (تصحیح محمد قزوینی) وترجمهٔ الصلوة ازآثارایشان است.

زرین قلم، شاه محمود نیشابوری .

(۸۸۴ – ۹۷۲ه.ق)

خواهرزاده وشاگرد «عبدی» خوش‌نویس است درجوانی ملازم وکاتب مقرر شاه طهماسب اول صفوی بود، در اواخر عمر به مشهد رفت و متوطن شد تادرهشتاد و هشت سالگی درگذشت ودر همان جا به خاکسپرده شد .



شیوهٔ خط نستعلیق شاه محمود را مختلف توصیه کرده اند ، از جمله بعضی گویند به روش سلطان علی مشهدی وبرخی گویند خلاف آن می نوشته است و بعضی خط اورا به روش میرعلی هروی شبیه دانسته اند ولی حقیقت این است که وی شیوهٔ خاص داشته، یعنی لطافت خط سلطان علی، استواری ویك نواختی شیوهٔ میرعلی، هردورادارااست.مخصوصاً درکتابت خفی شیوهٔ خاصی دارد، که بعدها باشاه اصفهانی آن راتکمیل کرد وبه حد نهایت شیوایی رساند. ازآثارشاه محمود نیشابوری، از قطعات ومرقعات ورسالات وکتابها به مقدار بسیار، درکتابخانه های بزرگ و مجموعه های خصوصی داخل وخارج موجود است که ازقلم غبار تاسه دانگ نوشته است و تاریخهایی بین ۹۳۴ – ۹۷۰ دارد ازجمله چندکتاب سلطنتی است که شیواترین آنها «نسخهٔ سبحة الابرار» جامی است .

زین العابدین ، اشرف الکتاب .

اشرف الکتاب را به بینید .

ساکت .

(وفات ۱۳۱۳ ه ق)

میرزا غلامرضا شیرازی ازشاعران وخوشنویسان معروف شیراز است .

ساووجی ، ابوالفضل .

ابوالفضل را به بینید .

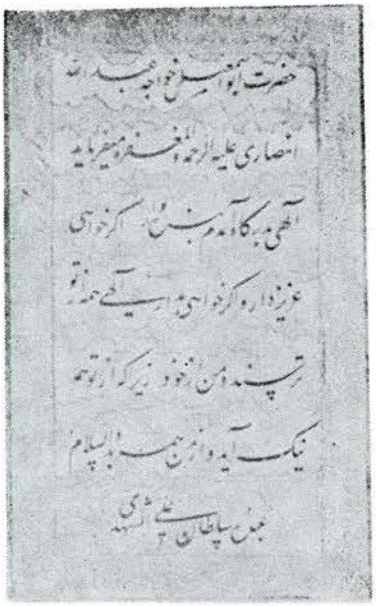
سعیدا ، بی بدیل خان .

شاعران ایران را به بینید .

سلطان الحفاظین .
سلطان علی مشهدی را به بینید.

سلطان ابراهیم میرزا صفوی .
ابوالفتح را به بینید .

سلطان علی مشهدی ، نظام‌الدین .
(۸۴۱ ـ ۹۲۶ ه ق)
خطاط مشهور، ملقب به قبلة‌الکتاب زبدة‌الکتاب،سلطان‌الحفاظین،کاتب‌السلطان بوده ودرسال۸۶۵ به دعوت سلطان ابو۔ سعید به‌هرات رفت ودرخدمت آن‌پادشاه وسلطان حسین بایقرا بسر بـرد، کتاب



صراط‌السطور دردستور خط که به‌مثنوی سروده شده ازاواست. وی‌درمشهد به‌دنیا آمد ودرگذشت ودر خط نستعلیق‌شاگرد اظهر بود .

سلطان محمد نور .
(قرن ۱۰ ه.ق)
شاعر وخـوشنویس، پسروشاگـرد سلطان علـی‌مشهدی ، نسخه‌ای ازکتاب نظامی‌گنجوی به‌خط او (به‌تاریخ ۹۳۱ ه ق)درموزهٔ متروپولیتن‌نیویورك‌موجود است .

سلطانی ، جلال‌الدین محمود.
(قرن۹ ه ق)
ملقب بـه قطب مغیثی سلطانی، از معاصرین وشاگردان میرزاجعفرتبریزی بایسنغری خوش‌نویس بود .
ابتدا ازخوشنویسان دربار بایسنغر میرزا وبعدهادرکتابخانهٔ سلطان‌ابراهیم میرزا فرزندشاهرخ تیموری بکار کتابت مشغول بودوبه این مناسبت «مغیثی» رقم می‌کرد .
وی رادرخط ثلـث قرین یـاقوت مستعصمی‌گرفته‌اند،ویك نسخهٔقرآن‌مجید به‌خط وی که درکتابخانهٔ سلطنتی موجود است ، بابهترین خطوط یاقوت برابری می‌کند .

سنگلاخ .
شاعران ایران را به‌بینید .

سید احمد مشهدی .
(فوت ۹۸۶ ه ق)
از سادات حسینی مشهد وازخـوش نویسان زبردست نستعلیق است .



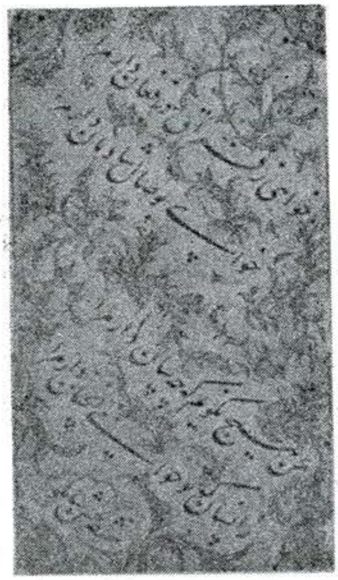
پدرش درآستانـهٔ حضرت‌رضا شمع ریزی داشت وخودوی‌برای تحصیل هنر خط به‌خدمت میرعلی هروی رفت وپس ازمدتی ممارست، دراین‌خـط سرآمد و بعدها به‌عراق وآذربـایجان سفرکرد و کاتب وملازم‌شاه‌طهماسب اول‌صفوی گردید وچندسال‌بعدبه مشهدبازگشت ودهسال‌در آنجا بماند وبکارکتابت وتعلیم شاگردان مشغول بود سیداحمد سفری‌به مازندران کرد وبه‌مشهدبازگشت‌وآوازهٔ‌خوشنویسی وی موجب شدکه «شاه‌اسماعیل‌صفوی»او رابه‌قزوین‌خواندوآن‌جا بودکه‌شاه‌اسمعیل درگذشت وبار دیگربه مازنـدران رفت ودرهمان‌جا بدرود جهان‌گفت .
مشقهاومخصوصاً کتابت‌های‌سیداحمد ازبهترین نمونه‌های نستعلیق قرن دهـم است .

سید علی اکبر ، گلستانه .
گلستانه را به‌بینید .

سیدعلی ، جواهر رقم .
جواهر رقم را به‌بینید.

سیفی قزوینی محمد حسین .
عمادالکتاب را به‌بینید.

شاملو ، حسن‌خان .
(فوت ۱۰۵۲ ه ق)
فرزندحسین‌خان‌ازبزرگان‌شاملوبود مدتی درزمان پـادشاهی شاه‌عباس ثانـی صفوی وشاه سلیمان فرمان ایالت هرات داشت .



مجلس وی‌هیچگاه از ارباب کمال خالی نبود وبیشتراوقات خودرا، صرف مجالست‌فضلا وشعرا وهنرمندان می‌کرد. شعرمی‌گفت ودرحسن خط نستعلیق مشهور است وآثـار هنری وی‌نمـایندهٔ استادی وی است .

شاه باباصفهانی .
(وفات ۹۹۶ یا ۱۰۲۲ه ق)
ازخوشنویسان نامی، نیمهٔ دوم قرن دهم هجری است .

شاه محمود نیشابوری، زرین قلم.
زرین قلم را به‌بینید .

شریفی، جواد
(تولد ۱۲۹۰ شمسی)
فرزند مرحوم میرزازین‌العابدین۔ خان خوشنویس شریف قزوین ملقب بـه **ملك‌الخطاطین** درتهران متولد شد و از

کودکی درمحیط خانوادگی کسب فیض نموده وازسن ۱۵ سالگی مشغول کتابت خط برای ناشران کتابها بوده است‌زیباترین کتابهای چاپ ایران که به خط نستعلیق نگاشته شده از قبیل **شاهنامهٔ فردوسی** مصور و**دیوان حافظ** چاپ‌امیر کبیر و **بیژن ومنیژه** چاپ شرکت ملی نفت به خط اواست. جواد شریفی پس از انجام خدمت نظام ازمهرماه ۱۳۱۷ در نخست‌وزیری مشغول‌خدمت دولت گردید وعلاوه برسمت‌های اداری نویسندگی فرامین رابرعهده دارد.

درحال‌حاضر درکلاسهای‌خطوزارت فرهنگ وهنر استاد خط فارسی است. جواد شریفی درکتابت‌انواع خط مهارت دارد و نستعلیق را در کمال زیبایی می‌نویسد.

شهابی، محمود.
(فوت ۹۹۳ ه ق)
خواجه محمودبن اسحق شهابی



سیاووشانی، ازشاگردان‌میرعلی هروی و از استادان زبردست خط نستعلیق قرن دهم است.

ازآثار شیوای وی یك نسخه**دیوان هلالی** درکتابخانهٔ سلطنتی است‌که تاریخ ۹۶۱ دارد. خواجه محمود جز هنر **خوشنویسی** درشعر وموسیقی نیزسررشته داشت.

شیدا، علی‌اکبر.
شاعران را به بینید.

شیرازی، میرزا محمدحسین.
محمد حسین شیرازی را به‌بینید.

شیرازی، وصال.
وصال شیرازی را به بینید.

صاحب قلم.
میرزا آقا افشار ازمردم رضاییه. خوشنویسی‌مشهوراست ودرنوشتن‌نستعلیق وحید عصر بود چند کتاب به‌خطری در استانبول‌است‌منجمله‌کتاب گلستان که به‌سال ۱۲۹۱ نوشته است.

صاحب، حیدرعلی.
شاعران‌ایران رابه‌بینید.

صادقی افشار، صادق بیك کتابدار.
(۹۴۰ - ۱۰۱۸ ه ق)
نقاط وخطاط‌وشاعروکتابدارسلطنتی زمان شاه‌اسماعیل دوم‌صفوی، که درزمان سلطان محمد خدابنده‌وشاه‌عباس کبیرنیز این سمت را داشت، **مجمع الخواص** تذکره‌ای ازحال شاعران ترك متعلق به او است.

صاری‌یحیی.
(وفات ۱۱۶۹ ه ق)
حافظ فخرالدین‌بن عثمان، وی از **خوشنویسان** نامی عثمانی است‌که قریب ۱۵ جلد قرآن نوشته ونیزآیاتی که در داخل‌درهای‌جنبی‌جامع‌نورعثمان‌است به‌خط وی می‌باشد.

صالح بن ابوبکر.
(فوت ۹۴۶ ه ق)
ملقب به صلاح‌الدین و معروف به ابن‌السفاح مرداسی،خطاط بوده ومدفنش درسفاحیه است.

صبور.
(وفات ۱۲۲۸ ه ق)
شاعری است‌که‌نام اومیرزا احمد و برادرزادهٔ‌ملك‌الشعراءفتحعلی‌خان‌کاشانی است.وی در**خط**وربط وانشاءونثررتبه‌ای عالی داشت ودردفترخانهٔ عباس‌میرزاکار می‌کرد.

صدرالدین‌بن‌شرف جهان قزوینی.
(فوت ۱۰۰۷ ه ق)
از خطاطان معروف ایرانی که شاه عباس اورا مأمور استنساخ تذکرهٔ‌دولت‌شاه کرد ولی وی به‌اتمام آن توفیق نیافت.

صفا لواسانی، میرزا علی‌محمد.
شاعران ایران‌را به‌بینید.

صفوی، ابراهیم میرزا ابوالفتح سلطان.
ابوالفتح را به‌بینید.

صفی‌الدین ارموی.
موسیقی دانان را به‌بینید.

صلاح‌الدین.
صالح‌بن‌ابوبکر را به‌بینید.

صوفی.
پیرمحمد ازمشاهیرخوشنویسان‌قرن نهم هجری است واز مردم بخارا می‌باشد و۴۴ قرآن شریف نوشته است.

صویولچی‌زاده.
(وفات ۱۰۹۷ ه ق)
مصطفی‌ابن عمراز خوشنویسان‌نامی است ونزدیك صد جلدکتاب نوشته‌است.

صیرفی، خواجه عبدالله.
(فوت ۷۴۲ ه ق)
خطاط مشهور از شاگردان یاقوت مستعصمی‌است‌که درمقبرهٔ چرنداب‌تبریز مدفون است.

ضحاك.
ابن عجلان‌کاتب. وی ازمعروفترین خوشنویسان‌آغازخلافت بنی‌عباسی‌است.

طاهر، حاجی افندی
(وفات ۱۲۶۲ ه ق)
یکی ازمشاهیر خوشنویسان و معلم خط عبدالمجیدخان سلطان عثمانی بوده است. کتیبه‌هایش در بعضی جوامع یافت می‌شود.

عباسی تبریزی، علی‌رضا.
علی‌رضا عباسی را به‌بینید.

عبدالباقی تبریزی.
(فوت ۱۰۳۹ ه ق)
از معاریف خوشنویسان دورهٔ شاه عباس بزرگ صفوی و در خطوط ثلث و نسخ ورقاع، ازاساتید وازجملهٔ شاگردان علاءالدین تبریزی است.

وی‌راجزو حکماء، عرفاء وشعراء آورده‌اندوگویند بسیارمهربان ودرویش مشرب بوده و در شعر (باقی) تخلص کرده.

بعضی‌از اوقات رادربغداد گذرانیده وهنگامی‌که بنای مسجد سلطانی اصفهان به پایان رسید، شاه عباس بزرگ اورا به اصفهان‌خواند وعبدالباقی‌بعضی‌کتیبه‌های



مسجد را باخط زیبای خود نوشت که هنوز باقی است .

عبدالرحمن

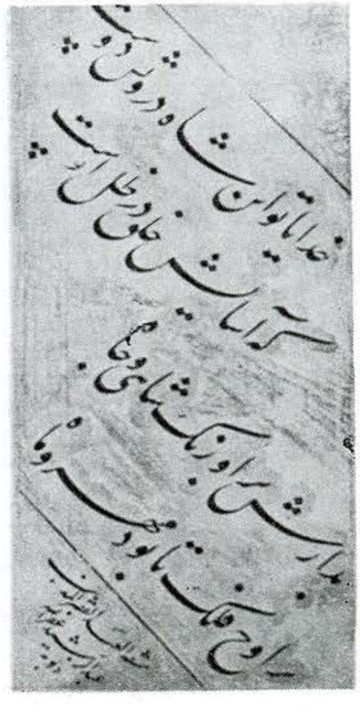
(وفات ۵۴۸ ه ق)

ابن احمد بن محمد العطار از فضلاء وعالم به حدیث بود وخطی بی نهایت زیبا داشت .

عبدالرشید دیلمی.

(فوت ۱۰۸۱ ه ق)

خواهر زاده وشاگرد میرعماد بود.



وی از خوشنویسان دربار شاه عباس اول بود و پس از قتل میرعماد به هند و نزد شاه جهان رفت. از نوشته‌های وی مقدار زیادی در ایران و هند موجود است . این خطاط در هند دارای شهرتی فراوان و به «آقا» معروف بود .

عبدالمجید طالقانی، درویش .

درویش را به بینید .

عبدالله، بن عاشور .

(قرن ۱۲ و ۱۳ ه ق)

خوشنویس ایرانی از مردم اصفهان وازمشاهیرخوشنویسان نسخ در آغاز دورهٔ قاجاریه و به کثرت کتابت معروف می باشد چنانکه جز قطعات وادعیه وکتابهای متفرق بسیار که موجود است، صدویك قرآن به خط او دیده شده. عبدالله هیچگاه از اصفهان بیرون نرفت، ولی به دستور فتحعلیشاه قاجار آثار گرانبهای خود را کتاب کرد و نزد شاه فرستاد که اکنون موجود است. عبدالله تا سال ۱۲۳۵ ه ق. می‌زیسته ولی تاریخ وفاتش معلوم نیست .

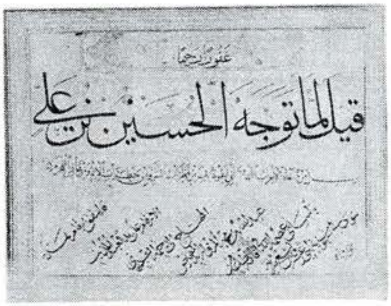
عبدالله صیرفی، خواجه .

صیرفی را به بینید .

عبدالله مروارید .

(۸۶۵ ـ ۹۲۲ ه ق)

خواجه شهاب الدین عبدالله مروارید متخلص به بیانی در دربار سلطان حسین میرزا بایقرا ــ سمت وزارت داشت و چندی نیز در دربــار شاه اسمعیل اول صفوی خدمت کرد .



شعر می گفت، وازمنشیان زبر دست بود، وجملهٔ خطوط را خوش می‌نوشت . درخطوط اصول شاگرد عبدالله طباخ ودر خط تعلیق شاگرد خواجه تاج سلمانی بود .

از آثار خطوط وی قطعاتی در کتابخانه‌ــ های ایران واسلامبول موجود ومجموعهٔ منشآتش متداول است .

علاءالدین تبریزی.

(قرن ۱۰ و ۱۱ ه ق)

علاءالدین محمد بن شمس الدین محمد حافظ تبریزی ، معروف به ملاعلاء بیك ، از استادان اقلام سنهٔ نیمهٔ دوم قرن دهم ونیمهٔ اول قرن یازدهم است و شاگردان معروف چون «عبدالباقی تبریــزی» و «علیرضا تبریزی عباسی» تربیت کــرده که خودهریك ازاستادان معروفند .

ازآثار خطوط وی بعضی کتیبه های عمارات تبریز بوده که غالباً از بین‌رفته است .



بعضی ازقطعات وکتابت‌های وی در کتابخانه‌های مختلف موجوداست، ازجمله دو نسخهٔ قرآن به قلم ریحان ورقاع ونسخ وثلث باتاریخ ۹۸۰ و۹۸۹ درکتابخانــهٔ سلطنتی ایران است.

علاءالدین علی میکال، خواجه .

خواجه علاءالدین علی میکال را بهــ بینید .

علم الدین عراقی.

(وفات ۷۰۴ ه ق)

عبدالکریم بن علی بــن عمر شافعی انصاری حافظ،وی‌ازعلمای بزرگ شافعی درقرن هشتم هجری است .

در فقه و اصول وتفسیر و حساب و علوم‌عربی مهارت داشت و درحسن **خط** نیز یگانه بود .

علی .

ابن‌احمد بن ابی‌دجانهٔ مصری‌مکنی به‌ابوالحسن خوشنویس ونویسندهٔ قــرن چهارم ه ق، است .

علی اسدی .

ابن‌نیار اسدی ناصری، ملقب به‌شیخ الشیوخ صدرالدین وی از استادان **خط** همزمان المستعصم خلیفهٔ‌عباسی‌بود.

علی‌اکبر تفرشی، میرزا .

میرزا علی اکبر تفرشی را به‌بینید.

علی بصری.

(۳۲۳ ـ ۴۰۹ ه ق)

ابن محمد بن عبدالرحیم بن دینار بصری الاصل واسطی المولد کاتب،مکنی به ابوالحسین . وی خطی بی‌نهایت زیبا داشت واز استادان بی‌مانند دوران خود بود .

علی بلنسی.
(فوت ۵۷۱ یا ۵۷۰ ه‍ ق)
ابن ابراهیم بن‌عیسی بن سعدالخیر انصاری بلنسی ، مکنی به ابوالحسن وی عالم در زبان وادبیات؛ نویسنده، شاعر و**خوش‌نویس** بود .

علی .
(۴۹۹ ـ ۵۵۴ ه‍ ق)
ابن حسن بن علی‌بن صدقه ، مکنی به ابوالحسن وملقب به شرف‌الدوله وی خطی بسیار خوش داشت .

علی .
(وفات ۳۶۶ یا ۳۹۲ ه‍ ق)
ابن عبدالعزیز بن حسن‌بن علی بن اسماعیل‌جرجانی‌شافعی‌مکنی‌به‌ابوالحسن، فقیه ، ادیب ودر **خوشنویسی** ماهر بود.

علی .
(درگذشت ۳۸۱ ه‍ ق)
ابن‌محمدبن‌خلال،مکنی به‌ابوالحسن ادیب وناسخ ودارای **خطی** شیوا بود .

علی تبریزی، میر .
(فوت ۸۵۰ ه‍ ق)
شاعر وخطاط ، ملقب به‌ظهیرالدین وقدوة‌الکتاب که در دورهٔ تیموری می‌زیست، همهٔ اقلام را خوش می‌نوشت . و شهرت او بیشتر روی خط نستعلیق است گویند خوداو واضع این خط بوده . از آثار وی در مجموعه‌ها بـه ندرت دیـده می‌شود .

علی رازی.
(وفات ۵۹۹ ه‍ ق)
ابن حمزه ابن علی‌بن‌طلحه بن‌علی رازی الاصل بغدادی المولد والمسکن ؛ مکنی به‌ابوالحسین، مشهور به‌ابن‌بقشلان وملقب به‌علم‌الدین. ازخوشنویسان‌معروف زمان خویش است .

علی‌رضا اصفهانی.
(قرن ۱۰ و ۱۱ ه‍ ق)
خطاط معروف معاصرشاه عباس‌اول خط نستعلیق را بسیار خوب می‌نوشت . کتاب «لیلی و مجنون» مکتبی بـه خط وی درکتابخانهٔ حاج محمد نخجوانی در تبریز موجود است.

علی‌رضا پرتو .
(قرن ۱۳ ـ ۱۴ ه‍ ق)
میرزاعلی‌رضا بن محمدعلی، مشهور به«آقاجان» ومتخلص به«پرتو» ازمردم لنجان اصفهان و تحصیلات مقدماتی را درآن شهر به پایان رسانید وبـه تکمیل



خط نسخ پرداخت ودراین هنرسرآمد و در ردیف استادان فن جای گرفت. پرتو، علاوه برخوشنویسی، به‌شاعری ونکته‌دانی وخوش طبعی شهرت داشت وبسیارخوش‌محضر ومهربان بود .
سالهای‌آخر عمررا درتهران بسر برد ودر دربار ناصرالدینشاه معزز واز خوشنویسان مخصوص بود .

علیرضای عباسی تبریزی.
(متولد ۹۵۴ ه‍ ق)
از معروفترین خوشنویسان دورهٔ شاه عباس اول صفوی است . درخط ثلث در زمان خود نظیر نداشت ونستعلیق را استادانه می‌نوشت .
علی‌رضا در دربـار شاه عباس‌کبیر بسیار معزز بود وشاه ازتشویق واحترام وی دقیقه‌ای فرونمی‌گذاشت .
ازآثار خطوط ثلث وی‌کتیبه‌های : سردرعالی قاپوی قزوین، وسردر ورودی وگلوی زیرگنبد وداخل‌گنبد مسجد شیخ لطف‌الله، وسردرورودی مسجدشاه‌اصفهان که تاریخ ۱۰۲۵ دارد ، هنوز باقـی و نمایندهٔ بهترین‌کتیبه‌های ثلث می‌باشد .
ازخطوط نستعلیق وی قطعات‌متعدد موجود است .

علی رودباری .
محمدبن علی نجیب رودبـاری از خوشنویسان معروف است .

در تاریخ ۲۸ جمادی‌الاولی سال ۸۱۳ ه‍ ق کتابت(مجمل‌التواریخ‌والقصص) را استنساخ کرده است.

علی سمسمانی .
(فوت ۴۱۵ ه‍ ق)
ابن عبدالله‌بن عبدالغفار سمسمانی، مکنی به‌ابوالحسن **وی خطی‌بسیار** نیکو داشت .

علی علوی .
(۳۶۰ ـ ۴۴۱ ه‍ ق)
ابن عبدالله بن‌علی‌بن‌حسین بن‌زیدبن‌علی بن‌حسین‌زیدبن‌حسین بن‌علی‌ابی‌طالب‌علوی علیهم‌السلام. ازخوشنویسان‌عصرخود بود .

علی فندروجی .
(۴۸۹ ـ ۵۵۰ ه‍ ق)
ابن‌نصر بن‌محمد بن‌عبدالصمدفندروجی اسفراینی . مکنی به ابوالحسن وی در نیشابور متولد شد و در **خوشنویسی** استاد بود .

علی‌کوتی .
(فوت ۱۳۳۵ ه‍ ق)
فقیه وخطاط بود و در بغداد درگذشت .

علی مشهدی، سلطان .
سلطان علی مشهدی رابه بینید .

علی مصری .
ابن احمد بن ابی دجانهٔ مصری ، مکنی به ابوالحسن وی از خوشنویسان ونویسندگان بوده‌وخطاودرنهایت زیبایی بوده است. نوشته‌ای ازاو در دست است کـه در سال ۳۸۴ ه‍ ق نگـاشته شده است .

علی میکال .
خواجه علی‌میکال ملقب به‌علاءالدین که در **حسن خط** مشهور بـود و چندی وزیرسلطان حسین‌میرزای تیموری را داشت .

علی هروی .
(فوت ۹۲۴ یا۹۲۵ یا۹۷۶ ه‍ ق)
میرعلی هروی‌ازخوشنویسان‌مشهور بود ورساله‌ای به‌فارسی‌به‌نام«مدادالخط» دارد .

عماد .
میرعماد رابه بینید .

عمادالکتاب، محمد حسین سیفی قزوینی.
(۱۲۴۵ ـ ۱۳۱۵ ش)
ازخوشنویسان خط نستعلیق. به‌سبب عضویت در کمیتهٔ مجازات بـه پنج سال زندان محکوم شد. تیمورتاش در ایـام وزارت دربار برای وی شغلی در آنجا

پیدا کرد وزندگی اورا ازآشفتگی نجات داد .

هم او نویسندهٔ **شاهنامهٔ امیر بهادری** است .

عمادالملك .

میرعماد را به بینید .

عماد الملك قزوینی .

خوشنویس نامدار نیمهٔ دوم قرن دهم واوایل قرن یازدهم ه. ق است .

عماد قزوینی .

(۹۶۱ ــ ۱۲۰۴ ه ق)

میرعمادالملك قزوینی حسنی خوشنویس نامدار درخط نویسی به‌ویژه خط نستعلیق دستی توانا داشت بهمین جهت «خط‌میر» برای حسن خط مثل شده بود .

عمادی .

(فوت ۱۱۲۰ ه ق)

محمد امین، ازخوشنویسان مشهور ایران ونوهٔ میرعماد حسنی مشهوراست، اوکتابدار شاه عباس بود .

غازی .

(۶۳۰ ــ ۷۰۹ ه ق)

ابن‌عبدالرحمان بن‌ابی محمد کاتب دمشقی ملقب به شهاب‌الدین . درخوش‌نویسی یگانهٔ عصر خویش بود .

غازی .

(فوت ۷۵۵ ه ق)

ابن عثمان ادیبی شافعی مذهب و دمشقی که‌در نیکویی‌خط مقام والایی‌داشته است .

غباری .

آمدی را به بینید .

غسانی ، حسین‌بن محمد .

(۴۲۷ ــ ۴۹۸ ه ق)

معروف‌به‌ابوعلی‌وابوالعباس، ادیب ومحدث مشهور .

وی درحسن خط واشعار ونوادر و انساب نیز حظی وافر داشت ودر جامع قرطبه مرجع استفادهٔ بزرگان فضلا بود.

غیاث‌الدین .

(فوت ۸۶۷ ه ق)

سید غیاث‌الدین فضل‌الله رادکانی از دانشمندان بزرگ قرن‌نهم هجری‌بوده‌ودر زیبانویسی سرآمد بوده است .

فارسی، حسن .

فارسی را به بینید .

فارسی، حسن‌بن حسین علی .

(قرن ۴ ه ق)

نویسنده وخطاط زمان عمادالدولهٔ دیلمی ، او ازخط نسخ وثلث ورقاع خط تعلیق را استخراج کرد .

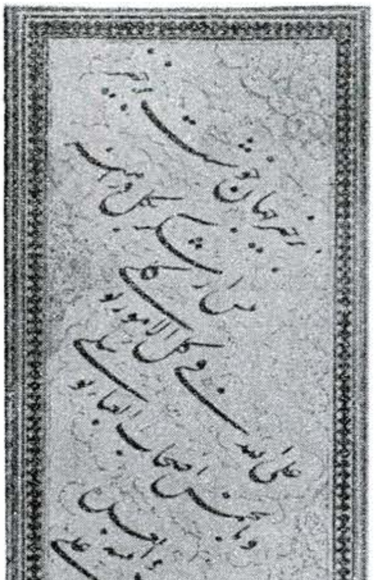
فتح‌الله .

از جمله نویسندگان بزرگ زمان شاه اسماعیل صفوی‌است که تمام خطوط راازغبار وثلث وغیره رابه‌یك‌قلم‌مینوشت وی‌نویسنده‌وخوشنویس‌بزرگ شاه‌اسماعیل بود .

فتحعلی حجاب شیرازی، میرزا .

(فوت ۱۲۶۹ ه ق)

فرزند محمد جعفر شیرازی، مردی باکمال وادیب وهنرمند و شاعر بود و «حجاب» تخلص می‌کرد وخط نستعلیق‌را استادانه می‌نوشت ونمونه‌هایی از خطوط زیبای وی، موجود است .



وفاتش‌درشیرازاتفاق افتادو دربقعهٔ «شاه چراغ» به خاك سپرده شد.

قاسم آمدی .

آمدی را به بینید .

قاسم شیرازی .

شاعران ایران‌را به بینید .

قاضی احمد .

(فوت ۱۴۱۱ ه ق)

از خوشنویسان نامدار عثمانی است .

قاضی اختیارالدین .

(فوت ۹۲۸ ه ق)

ازمردم تربت‌حیدریه بودکه درزمان امارت‌سلطان حسین‌میرزا بایقرای‌تیموری به هرات رفته ودر این شهرت منصب‌قضا یافته .

قاضی اختیارالدین از خوشنویسان زبردست‌خط‌تعلیق‌بوده ویك‌نسخه منشآت به‌خط‌زیبای وی‌اکنون‌درکتابخانهٔ‌سلطنتی موجود است .

قاضی اختیار در تربت حیدریه درگذشته و همانجا بـه خاك سپرده شده است .

قاضی زادهٔ اردبیلی .

(مقتول ۹۳۰ ه ق)

دانشمند اوایل‌قرن۱۰ ه . تاهنگام تصرف تبریز توسط سلطان سلیم عثمانی درآن شهر‌به‌تدریس‌مشغول بوده وهمراه سلطان مذکور به‌استانبول رفت ودرآنجا برای وی مقرری تعیین شد و سپس بـه مصر رفت و درسرکشی احمد پاشا به‌هواداران او پیوست وهمراه وی‌کشته شد . در شعروانشاء وخوش نویسی دست‌داشت.

قبلة الکتاب.

سلطان علی مشهدی رابه بینید

قطب .

مبارکشاه قطب را به‌بینید .

قطب مغیثی سلطانی .

سلطانی محمود را به بینید .

قمی، آقا ابراهیم .

آقا ابراهیم را به بینید .

کاتب .

(فوت ۶۱۶ ه ق)

تاج‌الدین یحیی‌بن منصوربن جراح کاتب‌منشی مکنی به‌ابوالحسن‌که از فضلا وادبا بوده ومدتی‌درمصر زندگی‌کرده و از خوشنویسان نامی بوده است .

کاتب‌السلطان .

سلطان علی مشهدی را به بینید .

کاتب‌السلطان .

محمد حسین شیرازی رابه بینید .

کاتب‌السلطان .

(فوت ۱۲۴۵ ه ق)

میرزا علی اکبر تفرشی ملقب بـه کاتب‌السلطان ازخوشنویسان‌دربارفتحعلی‌شاه‌است .

کاتب‌السلطان .

میرزامحمد حسین تهرانی ملقب‌به کاتب‌السلطان ازنویسندگان دربار محمد‌

شاه و ناصرالدین‌شاه بود ودرخط نستعلیق استاد بوده‌است . وی تاسال ۱۲۷۰ حیات داشته و تاریخ وفاتش معلوم نیست .

کاتب‌السلطان، کاتب‌السلطانی .
(فوت ۱۰۵۴ ه ق)
میرمحمد شریف ازخوشنویسان‌بوده است .

کاتب جوینی .
(فوت ۵۸۶ ه ق)
حسن بن علی بن ابراهیم بغدادی جوینی‌الاصل‌خوشنویس‌و نویسندهٔ مشهور، مکنی به ابوعلی و ملقب به فخرالکتاب خطش درنهایت زیبایی و ملاحت بوده است .

کاتب سر .
(فوت ۱۱۷۰ ه ق)
احمدبن حسن یکی از خوشنویسان نامدار عثمانی است .
در خط ثلث و نسخ مهارت خاصی داشته که چندین مصحف شریف نوشته و به‌دست خودتذهیب کرده و به‌مدینهٔ منوره هدیه کرده است .

کاظم افندی .
(فوت ۱۱۳۹ ه ق)
یکی از دانشمندان عثمانی و از خوشنویسان‌نامدارمی‌باشد و ازاهالی‌ایوب بوده.

کاوه، علی‌اکبر .
(متولد ۱۳۱۲ ه ق)
علی‌اکبرکاوه، فرزند مرحوم میرزا علی محمدخان شیرازی یکی‌ازشاگردان خوب عمادالکتاب ویکی‌ازبهترین‌خوش‌نویسان زمان‌حاضراست. کاوه‌خط‌نستعلیق را بسیار زیبا می‌نویسد و به‌قول مرحوم ملک‌الشعرای‌بهار میرعماد عصر حاضر است .

کلهر، محمدرضا .
محمدرضا کلهر را به بینید .

کمال‌الدین حسین هروی .
(فوت ۹۷۴ ه ق)
حافظ قرآن بود وخطوط ششگانه‌را خوش می‌نوشت . ازخراسان به‌عراق‌آمد ودر قم به‌خدمت شاه طهماسب اول‌صفوی رسید و مهربانیها دید . درویش مسلک بود ودر پایان زندگی به خراسان بازگشت ودرآنجا درگذشت،ازآثارخطوط وی جزقطعات کتابها و کتیبهٔ چندی از ابنیهٔ‌صفوی است .

گلستانه ، سیدعلی اکبر .
(۱۲۷۴–۱۳۱۹ ه ق)
فرزند حاج میرزامحمد ابراهیم ، ازخاندان قدیم‌سادات‌گلستانه. دراصفهان متولد شد وتحصیلات مقدماتی ومشق خط را درآن شهرآغازکرد وبزودی در هنر خوشنویسی‌سرآمدشد؛باچنانکه درجوانی خط نستعلیق راخوش می‌نوشت و در خط شکسته‌استاد مسلم بود .



پس‌از ظهور «درویش عبدالمجید»و شروع وی درخط شکسته بسیاری از هنرمندان‌بدان سبک‌مشق کردند وبا این که شمارهٔ خوشنویسان این خط بسیارشدولی هیچ یك بـه پایه ومایـهٔ « گلستانـه » نرسیدند .

گوهرشاد .
از خوشنویسان نامدارایران است. او دختر خوشنویس معروف میرعمادبوده است .

لاهیجانی، نورالدین محمد .
نورای لاهیجی را به‌بینید .

مبارکشاه قطب .
(فوت ۷۱۰ ه ق)
از دانشمندان‌که درنگاشتن‌خط نسخ دارای قدرتی خارق‌العاده بود ودر زمان حیاتش چهل و چهار قرآن نگاشت .

محمد حسین تبریزی .
(قرن یازدهم)
فرزندمولانا«عنایت‌الله» شیخ‌الاسلام آذربایجان بود .
درآغاز جوانی از آذربایجان به خراسان رفت وخط نستعلیق را از «سید احمد مشهدی» تعلیم گرفت .



ازآثارکتابت وقطعات مشق خط زیبای وی، متعدد موجود است. درکتیبه‌نویسی دست قوی داشت ودر زمان شاه اسمعیل ثانی صفوی مدار کتیبه نویسی عمارات دولتی، باوی بود .
میرعمادقزوینی‌چندی‌درتبریزخط نستعلیق را از او تعلیم‌گرفته . ملامحمد حسین شاعر نیز بود ودر شعر «محزون» تخلص می‌کرد .

محمد حسین شیرازی .
(فوت ۱۳۱۶ ه ق)
ملقب‌به‌کاتب‌السلطان،درشیرازکسب کمالات‌کرد به‌تهران آمدوازخوشنویسان مقرر ومقرب دربارناصرالدینشاه گردید وتازمان‌جلوس‌مظفرالدین‌شاه نیزمستوفی دیوان وکاتب سلطانی بود .
میرزا محمد حسین، یکی ازچیره‌دست ترین نستعلیق نویسان ایران است که خط وی باخطبزرگترین‌خوشنویسان قرون اخیر برابری می‌کند واینك که بیش از نیم قرن ازمرگ وی می‌گذرد ، هنوزخوشنویسی‌که درکتابت به‌پایه‌ومایهٔ وی رسیده باشد به‌ظهور نرسیده .
ازآثارگرانبهای خطوط وی ، در کتابخانهٔ سلطنتی‌ایران، متعدد موجود و مثنوی خط وی یکی از نفیس‌ترین آثار خطوط نستعلیق ایران است .
میرزا محمد حسین در سنین هشتاد



سالگی در تهران درگذشت .

محمدرضا، امامی .

(فوت ۱۰۸۰ ه ق)

از خوشنویسان معـروف عصر شاه عباس بـزرگ ودرحسن خط ثلث پس‌از علی‌رضا عباسی بـزرگترین خوش‌نویس این‌نوع خط‌شمرده می‌شود. بیشتر کتیبه‌های مسجدشاه اصفهان ومحـراب مسجد شیخ لطف‌الله وسایرمساجد بـزرگ وکوچك اصفهان بەخط اوست‌وباعبدالباقی‌ومحمد صالح‌که همه‌از مشاهیرخوش نویسان‌بوده معاصر بوده است .

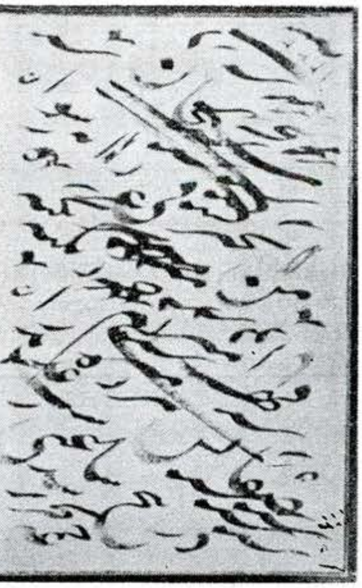
محمدرضا کلهر.

(۱۲۴۵ــ ۱۳۱۰ ه ق)

فرزند «محمدرحیم بیك» درآغـاز جوانی به مقتضای ایلی بەسواری وتیرـ اندازی‌متمایل‌بودوازاین‌رومردی‌خوشـ بنیه ونیرومند بارآمده بود. بعدها میل بەخط‌کرده بەتهران‌آمد ونـزد «میرزا محمد خوانساری » شاگرد «محمدمهدی تهرانی»تعلیم‌خط‌گرفت وچون‌ازاستادان خوددرگذشت بەمشق خط ازروی خطوط «میرعماد» پرداخت ووقتی بـه اصفهان رفت تا ازروی‌کتیبهٔ معروف میرعماددر تکیهٔ «میرفندرسکی»مشق‌کند .

میرزارضاچون‌درخط‌نستعلیق‌سرآمد وشهرت یافت ، ناصرالدین‌شاه قاجاروی را احضارکرد ونوازش‌نمود وحتی‌اندکی نزدوی مشق‌کرد وشاه خواست‌که وی را دروزارت‌انطباعات بکارگماردولی میرزا نپذیرفت‌وبه‌کتابتی‌مختصر وحق‌الکتابه‌ای اندك می‌ساخت، فقط‌یکبارکه ناصرالدین شاه‌بەمشهد می‌رفت‌وبەشوق زیارت‌آستانهٔ حضرت‌رضا در اردوی شاه ملازم‌شد ودر ضمن راه روزنامهٔ « وقایع اتفاقیه» راـ می‌نوشت که به تدریج چاپ می‌شد . در مراجعت ازخراسان دروبای عام، وی‌هم مبتلاشد ودر‌گذشت ودر محل‌آتش‌نشانی شهرداری تهران مدفون است .

میرزا رضا پایهٔ خط نستعلیق‌را بـه جایی‌رساندکه بعضی‌وی را همطراز میرـ عمادمی‌دانندبەعلاوه درخط شکسته وی‌را باید ازاستادان این خط دانست.



میرزا مردی پاکدامن ونظربلند و هنر دوست وخوش محضربود. روزهایی راگذرانده است‌که هیجده ساعت صـرف مشق خط‌کـرده و غالب مشقهای خودرا چون مناسب‌طبع بلندجوی خودنمی‌دید، محومی‌کرد ، چنان‌که‌اکنون ازمشقهای وی بندرت یـافت می‌شـود وآنچه هست غالباً رقم ندارد .

وی به‌کتابت‌چند‌کتاب پرداخته‌که آنها بەچاپ‌رسیده وازآثار خطی موجود وی مهمتر‌ازهمه یك‌نسخهٔ «فیض‌الدموع» است‌که در کتابخانهٔ سلطنتی‌ایران‌موجود است .

محمود **سلطانی .**

سلطانی را به بینید .

محمود شهابی .

شهابی را بەبینید .

مرزبان، حسن‌بن عبدالله .

(قرن ۴ ه ق)

پدرش بهزادوزرتشتی بود،ولی‌خود بەدین اسلام‌گروید ودر حسن‌خط شهرت تمام دارد .

مروارید .

عبدالله مروارید را بەبینید .

مریم بانو .

(قرن۱۳ــ۱۴هق)

نوادۀ‌حاج‌عبدالوهاب‌نایینی،درزمرهٔ یکی ازچندتن معدود بانوان خوشنویس وسرآمد ایشان است،کـه ازآغاز دورهٔ فتحعلی‌شاه قاجار در خط نسخ سـرآمد ودر ردیف استادان جای‌گرفته .

نسخهٔ قرآن‌که بەنام‌ناصرالدین‌شاه کتابت واهدا کرده،نمونهٔ بهترین‌خطوط نسخ وآثار هنری زنان این‌قرن است.

مشکان ، ابونصر .

ابونصر مشکان را بەبینید .

مشهدی ، سلطان علی .

سلطان علی رابه بینید .

مشهدی ، سیداحمد .

سید احمد مشهدی را به بینید.

معتمدالدوله .

نشاط،دربخش‌شاعران‌ملاحظه‌شود

معزی .

میرمعز کاشانی را بەبینید .

ملك‌الخطاطین.

شریفی رابه بینید .

ملك‌الکلامی، میرزاعبدالحمید.

(۱۲۶۲ــ۱۳۲۸ ش)

خطاط، نقاش،حکاك وگراورسازنامی معاصر ازمردم سنندج‌که درددفترنخست. وزیری کارمی‌کرد . از آثار وی نقوش سکه‌های پهلوی، کتیبه‌های آرامگاه‌های حافظ ورضاشاه ومـرقعات ونـوشته‌های فراوان است .

از شاگردان او: علـی اکبرکاوه و مرتضی عبدالرسولی راباید نام برد .

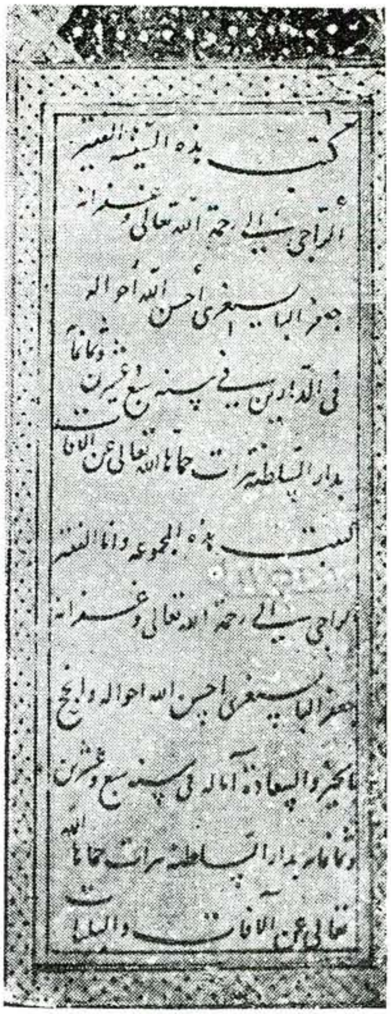
میرزا احمد نیریزی .

نیریزی رابه بینید .

میرزاجعفر تبریزی ،بایسنغری .

(فوت۸۶۰ه ق)

جعفر تبریزی‌که یـکی ازاستادان خـط نستعلیق است در خطوط ششگانـه شاگرد شمس‌الدین‌مشرقی بوده وشاهنامهٔ معروف بایسنغری‌بەخط او ودر کتابخانهٔ سلطنتی ایران موجود است.میرزا جعفر خطوط ششگانه را زیبا می‌نوشته است .



جامعترین اثری که ازجعفر تبریزی بایسنغری باقی مانده مرقعی است که در کتابخانهٔ **دانشگاه توبینگن** آلمان موجود است که عالیترین نمونهٔ خطوط نستعلیق ـ رقاع ـ توقیع ـ ثلث ـ ریحان است .

خوش نویس ، میرزا طاهر.
میرزا طاهر را به بینید .

میرزا طاهر ، خوشنویس .
(متولد ۱۲۶۸ ه ش)

فرزند مرحوم حاج عبدالرحمن ، دردهی به نام هلق درقراچه داغ نزدیك رود ارس متولد شد ودر۳ سالگی همراه پدر به تبریزرفت وتا۷ سالگی درنزد پدر به آموختن قرآن وگلستان وجامع عباسی پرداخت . هیچگاه استاد ندیده وبیشترازروی خط اساتید مشق کرده است، خط نسخ را بسیار زیبا می نویسد وبه قول خودایشان مدت پنجاه سال بدون تعطیل کتابت نموده وتعداد دویست جلد کتاب نوشته است. قرآن و نهج البلاغه ومفاتیح به خط ایشان بسیار در دسترس عموم است .

میرزا عباس نوری .
(قرن ۱۳)

یکی از زبردست ترین نستعلیق نویسان قرن سیزدهم است. ازخوشنویسان دربار فتحعلیشاه قاجارومقلدو پیروشیوهٔ میرعماد بود ودراین سبك بهاندازه‌ای باقدرت بوده که هیچ یك ازپیروان شیوهٔ میر، بدان پایه نرسیده‌اند .



چندقطعه ازبهترین خطوط میرعماد را به امر فتحعلیشاه تقلید کرده ودرکتابخانهٔ سلطنتی موجود است که اگر رقم هردورا پنهان کنند، تشخیص آن جز برای اهل فن دشوار است .

میرزا علی اکبر تفرشی.
(فوت ۱۲۴۵ ه ق)

خطاط دربار فتحعلی شاه قاجار وملقب به کاتب السلطان است .

میرزا فتحعلی حجاب شیرازی .
فتحعلی حجاب را به بینید .

میرزا کوچك .
وصال شیرازی را به بینید .

میرزا محمد حسین شیرازی .
محمد حسین شیرازی را به بینید.

میرعلی تبریزی .
علی تبریزی را به بینید .

میرعلی هروی .
(فوت ۹۵۱ ه ق)

درهرات کسب دانش وهنرکرد و به دربارسلطان حسین میرزا بایقرا راه یافت و عنوان «سلطانی» و «کاتب السلطانی» یافت .

میرعلی را به‌حسن محاورت ومحاسن



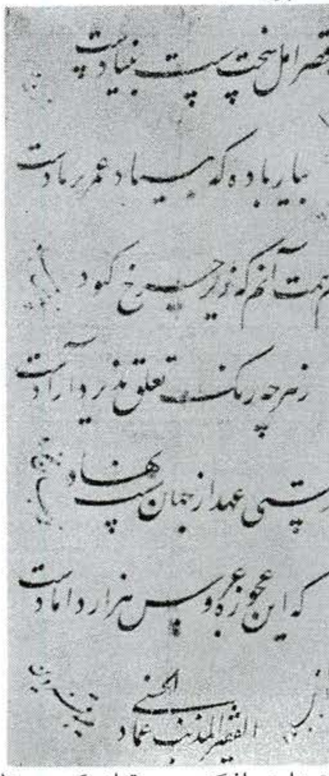
افعال ومکارم اخلاق ولطف طبع وحسن منظر ستوده‌اند . وی شعرنیز می گفت ودرمعما دست داشت ومنشی قابل بود، واز آثار منشور اورساله‌ای است به نام «مدارالخطوط» درآداب خوشنویسی .

میرعلی هروی یکی اززبردست ترین خوشنویسان نستعلیق است که تاظهورمیرعماد هیچیك از خوشنویسان به پایهٔ او نرسیده‌اند .

ازآثار میرعلی ازقطعه و مرقع و رساله وکتاب به‌مقدارفراوان درکتابخانه‌ها ومجموعه‌های خصوصی و عمومی موجود است . از جمله یك نسخهٔ «هفت اورنگ جامی» و«جام جم اوحدی» که ازبهترین خطوط اوست. باکتابها ومرقعات وقطعات متعدد درکتابخانهٔ سلطنتی است .

میرعماد حسنی قزوینی .
(۹۶۱ ـ ۱۰۲۴ ه‍ ق)

محمدبن‌حسین حسنی قزوینی‌مشهور به میروملقب به‌عمادالملك خطاط‌معروف ایرانی است . وی مقدمات خط وعلوم را در قزوین آموخت. خط را نزدعیسی رنگ نگار که آن زمان در حسن خط در قزوین بی‌نظیر بودتعلیم‌گرفت وسپس نزد مالك دیلمی بـه‌آموختن حسن خط پرداخت . آنگاه سفری به تبریزو کشور عثمانی وحجازکرد درتبریـز از محضر ملا محمد حسین تبریزی استفاده کرد و طولی نکشیدکه برهمه محقق شدکه خط شاگرد ازاستاد بهتراست. درسال۱۰۰۸ هجری راه اصفهان‌پیش‌گرفت ودر دربار شاه‌عباس اول مشغول‌کارشد میرعمادمردی آزادمنش‌بود ودراندك مدتی‌مورد اعزاز واکرام قرارگرفت ودر محضر شاه‌عباس معروف گردیـد . لیکن وی را به تسنن متهم‌کردند وشاه‌عباس مقصود بیگ‌مسگر قزوینی ـ رییس شاهسونـان قزوین را مأمور قتل اوکـرد واو بـاگروهی در کوچه‌ای تاریك برسرمیرعماد ریختند و او را قطعه قطعه‌کردند . جنازهٔ اورا در مسجد مقصودبیگ واقع‌دردروازهٔ‌طوقچی به خاك سپردند .



تعدادی ازکتب ومرقعاتی که به خط اواست اکنون زیب و زیور بزرگترین کتابخانه‌های دنیاست ولی‌خطوط‌نستعلیق جلی اوجز درتکیهٔ میرفندرسکی‌اصفهان واقع در قبرستان تخت فـولاد بـه چشم نمی‌خورد،میرعمادازجمله معدودوکسانی بود، که هنر را بـرای نفس هنر دوست داشت وپایهٔ هنر خـوشنویسی نستعلیق را درجایی‌نهادکه دست هیچ‌کس،چه‌درمدت دوقرن قبل‌ازاو، چه درطی نیم قرن‌زمان رواج خوشنویسی اوچه تا این زمان بـه آن جایگاه نرسیده است .

میرمعزکاشانی .
(فوت ۹۹۵ه‍ ق)

معزالدیـن محمد حسینی‌کاشانـی به تواضع وحسن‌محضرمشهور وانواع‌خطوط خصوصاً نستعلیق راخوش می‌نوشت وشعر را نیکو می‌گفت و «معزی» تخلص می‌کرد واز موسیقـی سر رشته داشت و ساز نیکو می‌نواخت .

میرمعز از خوشنویسان زبـر دست دوران شاه‌طهماسب اول‌وشاه‌عباس‌بزرگ صفوی بود و در زمان شاه عباس سفری



به هندکرد وبه‌ایران بازگشت ودرکاشان درگذشت .

خطوط‌اومخصوصاً کتابت‌های‌موجود وی ازبهترین آثار نستعلیق‌قرن‌دهم‌است .

ناجی اندجانی .
(فوت ۱۲۲۶ ه‍ ق)

محمد حسین متخلص بـه ناجی از مردم اندجان است که درشاه جهان‌آباد هند نشوونمایافته. وی خطی خوش‌داشته ونستعلیق‌ونسخ‌وشکسته‌را بسیار نیکو می‌نوشته‌وی‌ازمنشیان‌عالمگیر‌پادشاه‌هند بود.

نادرعلی .

نادرعلی حسنی فرزند میرزا محمد کاظم مشهور بـه‌میرزا آقای نقـاش از خوشنویسان قرن سیزده است . نسخه‌ای از «خلاصةالافکار» به‌خط اوموجود است .

ناطق .

مسیحا ابن‌ملانویدی‌شیرازی متخلص به‌ناطق‌ازشاعران وخوشنویسان عهدصفوی است‌وی خط‌نسخ‌وتعلیق‌را نیکومی‌نوشت.

نامی خلجستانی .

میرزاعبدالله‌متخلص‌به‌نامی‌ازشاعران قرن سیزدهم و معاصر بامحمد شاه قاجار است **وی خطی خوش** داشت .

نحاس .
(فوت ۵۰۹ یا ۵۱۲ ه‍ ق)

ابوالمعالی اصفهانی ـ ازشاعران و خوشنویسان عهد سلجوقی است .

نشاط ، میرزا عبدالوهاب .



شاعران ایرانی را به بینید .

نور، سلطان محمد .

سلطان محمد را به بینید .

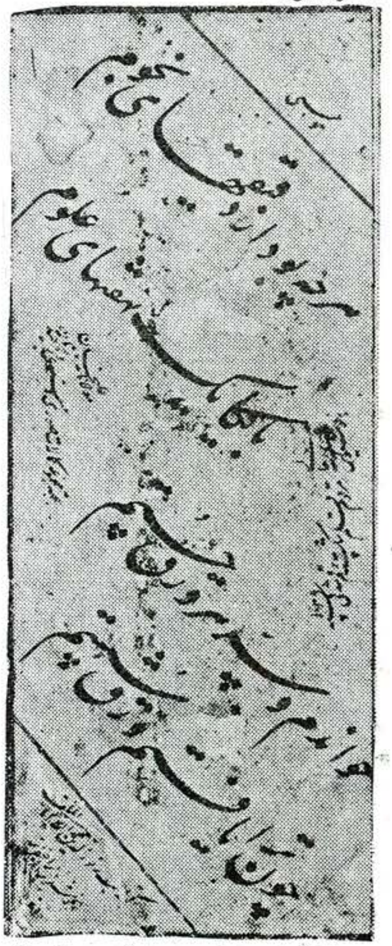
نورای لاهیجی .

(فوت ۱۰۵۰ ه ق)

نورالدین محمد لاهیجانی معروف به نورا وملقب به‌خوشنویس‌ایران، ازشاگردان میرعماد بود و خط نستعلیق را از همهٔ شاگردان میر به وی شبیه تر می‌نوشت.

نورا درزمان شاه عباس‌اول دستگاه عظیم داشته وازشاه‌مهربانی بسیارمی‌دیده است .

هنگام‌قتل میرعماد، نورا شاگردوی رنجیده از اصفهان به لاهیجان‌رفت، ولی پس از اندك زمانی شاه عباس وی را به اصفهان‌فراخواند‌ودوباره‌اورا به کار کتابت مشغول کرد .



ازآثار شیوای نورا، قسمتی از یك نسخهٔ «جوامع الحکایات عوفی» است در کتابخانهٔ سلطنتی، که به‌سال۱۰۴۸ کتابت آن را آغاز نهاده و به‌سال ۱۰۵۰ یعنی آخرین سال حیات خود ، کتابت آن را ناتمام گذارده است .

نوری، میرزا عباس.

میرزا عباس را به بینید .

نیریزی، میرزا احمد .

درجوانی از نیریز به اصفهان مهاجرت کرد ودرحدود سال ۱۱۰۰ دراین شهر مسکن گزید ودر دربارشاه «سلطان‌حسین صفوی» ونزد امراء وفضلاء و هنرمندان عصر به‌احترام می‌زیست‌وحق‌الکتابه‌های هنگفت دریافت می‌داشت. چنان‌که گویند درمدت عمر، شصت هزارتومان صفوی‌از نتیجهٔ هنرخود درآمد داشته. در اواخر عمر به‌زیارت‌عتبات‌عالیات رفت‌ودرآن‌جا باوجود کبرسن ، ازکتابت باز ننشست چنان‌که یك نسخهٔ «دعای‌کمیل» به خط وی اکنون در کتابخانهٔ سلطنتی ایران هست‌که به سال ۱۱۵۲ در نجف اشرف کتابت‌کرده .

نیریزی به مناسبت اختصاص‌کتابت شاه سلطان‌حسین «سلطانی» رقم می‌کرد.

نیریزی خط نسخ‌را ابتدا نزد «آقا ابراهیم قمی» تعلیم‌گرفت ولی از روی خطوط «علاءالدین تبریزی» مشق بسیار کرده . او واضع شیوهٔ مخصوصی در خط نسخ بودکه همان سرمشق نسخ نویسان ایران گردید .

ازمهمترین آثار وی : پنج نسخهٔ قرآن مجید درکتابخانهٔ سلطنتی است‌که بعض آنها حد خوشنویسی‌نسخ ومافوق‌آن متصور نیست .

واثق، ابراهیم.

(فوت ۱۱۶۸ ه ق)

از شاعران **و خوشنویسان** عثمانی است .

واثق، احمد .

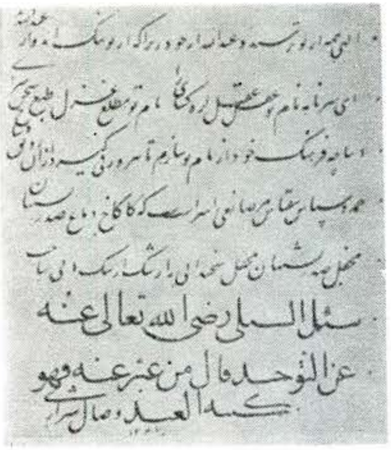
(فوت ۱۱۰۳ ه ق)

از شعرای عثمانی‌وی**خط زیبایی**به نسخ داشت .

وصال شیرازی .

(۱۱۹۷ - ۱۲۶۲ ه ق)

میرزا محمد شفیع‌الشهیر به میرزا کوچك متخلص به وصال از بزرگان دانش وادب و هنر در دورهٔ فتحعلیشاه و محمد شاه قاجار بود . وی از خطاطان بی‌نظیرومردی شاعر وعارف بود، دیوان غزلیات وقصاید اومشتمل برششهزاربیت ودارای‌مثنوی بزم وصال‌است. وصال‌شش پسر داشت‌که همگی‌دانشمند وخوشنویس بودند . وی درشیراز در گذشت و در



جوار شاه چراغ به خاك سپرده شد .

هروی، کمال‌الدین .

کمال الدین هروی را به بینید .

یاقوت، مستعصمی .

جمال‌الدین‌یاقوت‌بن‌عبدالله‌مستعصمی از خطاطان بزرگ بود وی درقرن هفتم می‌زیسته‌واهل‌بغدادبوده‌است. یاقوت‌تألیفاتی نیزدارد ازجمله‌کتابی‌که‌ازگفتارافلاطون گردآورده است به‌نام«فقرالتقطت‌وجمعت من‌کلام افلاطون» ورساله‌ای در علم خط وکتابی‌به‌نام اسرار الحکماء .

شاگردان شش‌گانه او که از یاقوت تعلیم خط‌گرفته‌اند وبه استادان‌شش‌گانه معروفند همه ایرانی‌هستند وعبارتند از:

ارغون‌بن‌عبدالله‌کاملی، یوسف‌مشهدی، احمد سهروردی ملقب به شیخ زاده، مبارکشاه‌بن قطب‌تبریزی، نصرالله طبیب ملقب‌به صدرعراقی وسیدحیدرجلی‌نویس.

آثار خطوط زیبای این هنر مندان در موزهٔ ایران باستان تهران وبعض موزه‌های خارجی موجود و نمایندهٔ شیواترین آثار هنری جاویدان ایران است .

کتابهای مربوط به خط

پیدایش خط وخطاطان : حاج میرزا عبدالمحمد پورایرانی .

تمرین خط : (۲جلد) محمد احسایی .

تذکرة‌الخطاطین: محمود بروجردی .

خط وتحویل در شرق باستان : ترجمهٔ علی‌سامی شیرازی .

خط وسواد : میرعلی هروی خطاط (مجنون) .

خط وفرهنگ : ذبیح بهروز .

درپیرامون تغییرخط : یحیی ذکاء .

راه پیشرفت در خط فارسی : مصطفی

فاتح .

رسالهٔ رشدیه درخط فارسی: رضادانش تبریزی .

فهرست نمایشگاه خطوط نستعلیق : دکتر مهدی بیانی .

لزوم قطعی‌تغییر خط: ابراهیم گرانفر.

مدادالخطوط: میرعلی هـروی خطاط (مجنون) .

نمونهٔ افکار خط دانش و انسانیت : مصباح السلطنه محمدعلی انصاری.

نمونهٔ افکار در اصلاح خط اسلام : مصباح‌السلطنه محمد علی انصاری.

نمونهٔ خط آدمیت، دستور خط : ناظم‌الدوله میرزا ملکم‌خان اصفهانی .

نمونهٔ‌خطوط‌خوش‌کتابخانهٔ شاهنشاهی ایران : دکترمهدی بیانی .

نمونهٔ خطوط خوش کتابخانهٔ ملـی : دکتر مهدی بیانی .



موسیقی

تاریخ موسیقی ایران

اقتباس‌از:موسیقی ایران: روح‌الله خالقی .

موبد زمان هخامنشی بـرای تقدیم نذروقربانی بـه‌خدا سرودهـای مذهبی می‌خواند وگویااین سرودهاباساز همراه نبوده است، **کوروش** درهنگام رزم بـا آشوریها سرودی را آغاز کرد که تمام سپاهیان دنبال‌آن را خواندند آنگاه با قدمهای مساوی و بانظم به راه افتادند و دراین‌زمان‌آمادگی‌وعزیمت‌را باشیپوراعلام می‌کردند ، کوروش درشروع حمله‌سرود جنگی می‌خواند وسپاه بـا او هـم آواز می‌شد .

شاید نی یکی ازوسایل سرگرمـی ساعتهای فراغت بود. درزمان ساسانیان موسیقی‌دانها طبقهٔ خاصی داشتند .

در دربار بهرام‌گـور چهار صـد نوازنده می‌زیست ، درعصر خسروپرویز موسیقی دانان بزرگی چون **باربد** بـه موسیقی ارجی بلند داده‌اند .

دیگر ازموسیقی‌دانان دورهٔ‌ساسانی نکیسا، بامشاد، رامین بوده‌اند.

اعراب پس‌از فتح ایـران موسیقی ایـرانی را عیناً اقتباس‌کردند ، شایـد آهنگهای زیبای ایرانی وسیلهٔ معماران و بنایان‌ایرانی‌که درعصر عبدالله‌بن زبیر بـه تعمیرخانهٔ کعبهٔ مشغول بـودند بین اعراب متداول‌شدوافرادی چون‌سعیدبن مسجح ونشیط فارسی وابن‌محرز و یونس کاتب موسیقی ایرانی رابین اعراب رایج کردند .

ازآغاز اسلام‌تقریباً موسیقی‌متروك بوده ولی دردورهٔ خلفای اموی وعباسی دوباره رونق گرفت .

در زمان خلافت هـارون‌الرشید و پسرانش موسیقی مقامی ارجمند یافت و بزرگانی چون : ابراهیم واسحق‌موصلی ظاهرشدند.

درهرحال مـوسیقی قبل‌از اسلام را بایدیك‌نوع موسیقی‌عملی دانست وقاعده ونظمی بین صوتها ولحن‌ها پیدانکرده بودند،ولی‌دردورهٔ‌اسلامی‌به‌دست‌ایرانیان باتوجه به‌قاعده‌های موسیقی‌که فیلسوفان یونانی طرح‌کرده بودندنهضتی‌درموسیقی ایران‌پدیدآمد باهمهٔ‌اینها نوشتهٔ‌بزرگان دراهل عمل و نوازندگان مؤثرنیفتاد و دورهٔ علم وعمل ازهم جدا شد تـا زمان پهلوی‌که سازمان ودستگاههایی بـرای تربیت نوازندگان وتعلیم موسیقی‌بوجود آمد .

دستگاهها، نغمه‌ها و گوشه‌ها واصطلاحات موسیقی ایران

آیین جمشید .

ازآوازهای سی‌گانهٔ باربد این‌لحن را نظامی ساز نوروز خوانده است .

آذربایجانی .

ازگوشه‌های دستگاه شور است .

آرایش خورشید .

ازالحان سی‌گانهٔ باربد است.

دربرهان قاطع نام‌این‌آوازآرایش جهان آمده است .

ابوعطا .

یکی از متعلقات دستگاه شور، که گامش باآن یکی‌است وتنها اختلاف‌آن باشور درتوقف مکرر روی درجهٔ‌چهارم (نت شاهد) و درجهٔ دوم (نت ایست) است . **حجاز** نیزشبیه به ابوعطا است و بیشتر برای خواندن مناجاتهای مذهبی وقرآن بکار می‌رود.

ابوالچپ .

نغمه‌ای‌کـه درماهور وراست‌پنج‌گاه آید .

ارجنه .

نوایی ولحنی است ازموسیقی.

اسپهان .

نام‌آهنگی از موسیقی .

اسپهانك.

نام‌آهنگی از موسیقی .

اشتری.

ازلحنهای موسیقی است‌که در شور نواخته می‌شود .

اشکنه.

نام نوایی ازموسیقی است .

اشوراوند .

ازاصطلاحات موسیقی است .

اصباهان .

نام مقامی است ازکلیهٔ دوازده‌مقام موسیقی وآن‌را اصفهانك نیزخوانند .

اصفهان .

یکی‌ازچهارمقالهٔ‌اصلی موسیقی‌است دارای‌دوفرع، حسینی‌ونوا، نام‌پرده‌ای‌از دوازده پردهٔ موسیقی اصفهانك نیز گفته می‌شود .

اصول ثقیل .

یکی ازهفده اصول موسیقی واصول رابه هندی تال‌گویند .

اصول خفیف .

یکی ازهفده اصول موسیقی .

اصول‌دار .

درهیأت نوازندگان‌کسی را گویند که اصول‌نگاه دارد یا بااشارات دست و چوب و باضرب آنان را به‌اصول‌رهبری کند .

آن‌که باطبل‌یادف‌یادورویه(دایره)

اصول نگاه دارد وخوانندگان ورقاصان وورزشکاران را رهبری‌کند.

اصول فاخته .
نوع یازدهم ازهفده گونه اصول در موسیقی است. نام‌اصولی باشدکه ازهفده بحراصول موسیقی وآنرا فاخته‌ضرب هم خوانند ونام صوتی هم هست.

افشار .
نغمه‌ای ازدستگاه شور است،گوشه‌های مهم‌آن عبارتنداز : درآمد ، جامه‌دران، مثنوی پیچ ، قرایی ، شاه ختایی.

اوج .
ازگوشه‌های دستگاه شوراست.

اورنگی .
یکی ازالحان‌سی‌گانهٔ باربد است.

اوفر .
هشت‌ضرب(دیك‌دك‌دك‌دیك‌دیك‌دك) ازضربهای موسیقی ایران است .

بادآورد .
نام نوایی است ازموسیقی .

بادهٔ نوشین .
نامی ازنامهای موسیقی .

باروزنه .
نام نوایی است ازموسیقی .

باغ‌سیاووشان .
باغ سیاووشان‌نام‌نوایی‌ازموسیقی و یکی‌ازالحان سی‌گانهٔ باربد است .

باغ شهریار .
دستانی ازموسیقی ایرانی و از دستانهایی‌که‌باربددروصف‌قدرت وثروت خسروپرویز ساخته بوده است .

باغ شیرین .
نام نوایی ازموسیقی ولحن‌چهارم ازسی‌لحن باربد .

برافشان .
(دیك دك دیك دك دیك دك دك دیك‌دك).
ازضربهای موسیقی ایران است .

برگردان مسیحی .
ازگوشه‌های‌موسیقی‌ایرانی‌دردستگاه شور است .

بستان شیرین .
نام نوایی‌است ازموسیقی که‌آن را باغ شیرین هم‌نامیده‌اند .

بستهٔ صفاهان.
لحنی ازالحان موسیقی .

بسته نگار .
نوعی سرور وراگنی ونقشی است‌از موسیقی .

بسکنه .
نوایی ازموسیقی‌است.

بغدادی .
از گوشه‌های موسیقی ایرانـی در دستگاه شوراست .

بیات ترك .
ازنغمه‌های شوراست‌که گوشه‌هایش عبارتند از : درآمد، قطار وفیلی.

بیات‌کرد .
ازگوشه‌های موسیقی ایرانی است.

پالیزبان .
ازنغمه‌های دورهٔ ساسانی است.

پرتوفرخار .
دومین‌آوازی‌که باربد برای‌خسرو پرویز خواند وخسرو راچنان خوش‌آمد که‌گفت: «همهٔ اعضای بدن‌من‌می‌خواهند برای بهره بـردن ازآن سراپـا گـوش گردند» .

پردهٔ تنگ .
نام لحنی ازالحان موسیقی .

پردهٔ چغانه .
نام نوایی است ازموسیقی .

پردهٔ خرم .
نام نوایی است‌ازموسیقی .

پردهٔ دیرسال .
نام‌پرده‌ای‌است‌ازموسیقی.

پردهٔ زنبور .
نام پرده‌ای‌است‌ازموسیقی.

پردهٔ عنقا .
نام نوایی است ازموسیقی.

پرکوهان .
نوایی ازسی‌ویك لحن معروف .

پنجهٔ کبك دری.
نام لحن‌هفتم ازسی‌لحن بـاربـد و مقامی است ازساخته‌های او .

پنجهٔ کردی .
آهنگی ازموسیقی .

پیش درآمد .
نوعی قطعهٔ ضربی است‌که درواقـع قسمتهای مهم یك دستگاه است‌که‌باضرب یکنواخت سه ضرب وشش ضرب‌ودوضرب وچهار ضرب اجرا می‌شود .

تخت اردشیر .
نام‌نوایی ازموسیقی دردورهٔ‌ساسانی است .

تخت طاقدیس .
یکی ازالحان سی‌گانهٔ باربد است.
این‌آواز را تخت طاقدیسی نیزخوانند .

ترکی ضرب .
سیزده ضرب است (دیك دیك دك‌دك دك دیك دك دیك‌دك دیك دك) ازضرب‌های موسیقی ایران می‌باشد .

ثقیل .
سی‌وشش (ضرب)(دیك دك دیك‌دك دك دیك دك دیك دك‌دك دیك‌دك دیـك دك دك دیك دك دیك دیك دك دیك دك دك دك) ازضربهای موسیقی ایران‌است.

جالینوس .
نام نوایی است درموسیقی .

جامه دران .
ازنغمه‌های ساختهٔ نکیسا ومتعلق‌به دورهٔ ساسانی در مایهٔ اصفهان است‌کـه گویندنکیسااین نواراچنان خوب‌نواخت که حضار مجلس همه‌جامه‌ها به‌تن پـاره کردند ومدهوش شدند .

جرق .
مقام موسیقی، پردهٔ موسیقی .

جفت ساز .
یکی ازفنون وهنرهای سازندگی و صفتی از صفات سازهای زهی .

جمش .
نام‌آوازی است .

جوانویه .
نام آهنگی است درموسیقی .

جهارت .
آهنگی است درموسیقی .

چار باغ .
ازالحان موسیقی،آهنگ مخصوصی دریـکی از دستگاه‌های موسیقی قدیـم ایران .

چارضرب .
نوعی از نوازش ساز که به هندی چوتالاگویند.ونوعی نواختن‌ضرب‌که در زورخانه‌معمول است .

چارگاه .
چهارگاه رابه‌بینید .

چپ مضراب .
اصطلاحی درطرز مضراب زدن بـه سیم‌های ساز .

چسته .
نغمه وآهنگ راگویند .

چسك .
نگاهدارندهٔ اصول درموسیقی .

چغان .
چوبی راگویند مانندمشتهٔ حلاج‌که سرآن راشکافته جلاجلی چند درآن‌تعبیه

کنند واصول موسیقی رابدان نگه دارند ونام دستگاهی ازموسیقی نیز هست .
چکاوك .
ازنغمه‌های‌دورهٔساسانی است درمایهٔ همایون .
چنبر .
دوازده (ضرب) (دیك‌دك دیك‌دیك دك دیك دك‌دك دك) ازضربهای موسیقی ایران است .
چند مایگی.
ازاصطلاحات موسیقی است .
چوپانی .
نام‌آهنگی‌ازآهنگهای‌موسیقی‌می‌باشد.
چهارپاره .
ازگوشه‌های موسیقی ایرانی است ومعمولاً درحجازابوعطامی‌آید ومعمولا سه‌ضربی است وعده‌ای‌آن را ۷ ضربی می‌دانند واین وزن در ماهور به نام **نصیرخانی** معروف است .
چهارگاه .
دستگاهی است‌بسیار قدیمی واصیل بعضی ازآوازهای محلی وآهنگ‌عروسی معمول درایران ومبارك‌باددراین‌دستگاه نواخته‌می‌شود. گوشه‌های مهم‌این دستگاه عبارتند از: درآمد- پیش‌زنگوله ونغمه (که‌آهنگ دوضربی‌است)زنگوله(آهنگ سه‌ضربی)،پهلوی، رجز(که‌اشعارفردوسی باآن خوانده می‌شود)وگوشه‌های : بدر- زابل- بسته‌نگار- مویه- حصار - پس حصار - معربد- مخالف- مغلوب- دوبیتی- کرشمه - حزین - خزان - حدی - ارجوزه - منصوری - ساربانك - پرستوك- شهرآشوب- حاشیه - لزگی.
چهارمضراب .
قطعاتی‌که بایك ساز همراه تنبك اجرا می‌شودکه اول‌مخصوص سازهای مضرابی‌بوده ولی‌بعداً باسازهای‌آرشه‌ای نیز تقلید شد .
حاجیانی .
ازگوشه‌های دستگاه شور است .
حربی .
پنج ضرب(دیك‌دك دیك‌دك). ازضربهای موسیقی‌ایران است .
حزان (حَ - حِ)
اصطلاح موسیقی است .
حزین .
ازگوشه‌های موسیقی ایرانی در دستگاه شوراست .
حسینی.
ازگوشه‌های دستگاه شوراست.

حصار .
ازگوشه‌های دستگاه سه‌گاه است.
حصارك بدل .
آهنگی ازموسیقی .
حصاری .
لحنی ازالحان موسیقی .
حقهٔ کاووس .
یکی ازالحان‌سی‌گانهٔ **باربد** است .
این آوازرا حقهٔ‌کاس نیز گویند .
خارا .
ازگوشه‌های موسیقی دردستگاه‌شور است .
خارج خوان .
اصطلاح موسیقی است و برکسی اطلاق می‌شودکه خارج ازدستگاه آواز خواند .
خارکن .
نام نوایی است ازالحان موسیقی‌که از غایت فرح خارغم ازدل می‌کند.
خانهٔ عنقا .
نام نوایی ازموسیقی است .
خاوران .
نام‌یکی ازگوشه‌های دستگاه ماهور است .
خجسته .
نام نوایی است ازموسیقی‌که آنرا خجسته نیز گویند .
خسروانی .
ازنغمه‌های دورهٔ ساسانی‌که درمایهٔ **ماهور** نواخته می‌شودولحنی‌کهن است‌که مبتنی بر نثر به مدح وآفرین خسرو پرویز نواخته می‌شد. درواقع خسروانی یك‌نوع‌اشعارهجایی بوده وهمانندترانه‌ها وسرودهای‌کنونی است .
خفیف .
بیست وپنج‌ضرب (دیك دك دك‌دیك دك‌دك دیك دك دیك دك دیك دك دك دیك دك دیك دیك‌دك دیك دك دیك‌دك) ازضربهای موسیقی ایران است .
داذآفرید .
نام یکی‌ازسرودهای ایران باستان که باربد برای خسروپرویز ساخته بود نام درست‌آن باید دادار آفرید باشد .
درآمد .
ازگوشه‌های موسیقی در بیات ترك و افشار .
درغم .
از نغمه‌های دورهٔ ساسانی است .
دستان عرب .
ازگوشه‌های موسیقی ایرانی در دستگاه شور است .
دشتستانی .
ازگوشه‌های دستگاه شور است .
دشتی .
یکی ازآوازهای دستگاه شور.
دشتی اززیباترین متعلقات شور ، وغم‌انگیز ولی‌ظریف‌است، آوازچوپانی ایران می‌باشد و زندگانی بی آلایش چوپانان وصحرانشینان راوصف‌می‌کند، گوشه‌های مهم‌نغمهٔ دشتی عبارتند از : درآمد،دوبیتی، گیلکی، گبری، بیات‌کرد.
دل انگیزان .
ازنغمه‌های دورهٔ ساسانی‌است.
دوبریك .
پنج(ضرب) است(دیك دك دك‌دیك دك).از ضربهای‌موسیقی ایران می‌باشد.
دوبیتی .
ازگوشه‌های موسیقی‌ایران است .
دور.
سیزده‌ضرب، (دیك‌دك دیك دك دك دیك دك دك دیك) .
از ضربهای موسیقی است .
ذوات الاوتار .
آلات موسیقی‌که درآنها زه بود .
این‌آلات مثل عود وچنگ،نزهت، قانون، رباب، تنبور، تار، سه‌تار،سی‌تار، کمانچه وغیره می‌باشند.
ذوات النفخ .
آلاتی‌موسیقی‌که بادمیدن‌نفس‌آدمی یا هوا نغمه‌کنند قسم اول چون نای و شیپور وسورنا وکرنا و قره‌نی وقسم دوم چون ارغنون ونای انبان وارگ وپیانو وغیره .
ذوات النقرات .
آلات طرب‌که با زخم وضرب نغمه کنند چون دف ودورویه وتنبك وطبل و نقاره ودهل ومانند آنها .
ذوالاربع .
اصطلاحی درموسیقی است .
ذوالاربعات .
اصطلاحی از موسیقی‌است که چهار نغمه نیز گفته می‌شود .
ذوالخمس .
اصطلاحی ازموسیقی است .
ذوالکل .
دورهٔ نغمات هشتگانه یا گام را گویند .
راح و روح .
ازآوازهای باربدکه نظامی آنرا روز فرخ نامیده‌است .

راز و نیاز .
یکی از گوشه‌های دستگاه همایون .

راست پنجگاه .
این دستگاه مقام ششم درموسیقی ایرانی است که بسیار قدیمی است و به مناسبت اسم آن احتمالا به زمان ساسانیان می‌رسد و نام «راست» درموسیقی ممالك مسلمان چــه مجاور و چه دور ایران دیده می‌شود . گوشه‌های آن خسروانی ــ بحرنور است وگوشهٔ فرعی آن زنگولــهٔ صغیر ــ زنگولهٔ کبیر ــ نغمه ــ روح افزا ــ نیریز ــ پنجگاه ــ سپهر ــ عشاق ــ نوروز عجم ــ قراچه ــ میرقع ــ نهیب ــ عراق ــ محیر ــ آشور ــ اصفهانك ــ بسته نگار ــ حزین ــ طرز ــ ابوالچپ ــ راوندی ــ لیلی ومجنون ــ نوروز عرب ــ نوروز صبا ــ نوروزخارا ــ نفیر و فرنگك ــ ماوراءالنهر ــ راك ــ راك عبدالله ــ شهرآشوب ــ حربی .

راست حجاز .
موسیقی پردهٔ حجاز که : راست قدیماً پرده (دایره) بــوده است مانند راست پنجگاه وغیره وحجاز نیز یکی ازملحقات دستگاه شور است .

راست ساز .
نوعی ازفنون سازندگی و صفتی از صفات سازهای زهی است .

راست کوك .
اصطلاحی از موسیقی که در سازهای زهی که یك سر سیمها بــه کاسهٔ ساز متصل است وثابت می‌باشد وسر دیگرآن سیمها به گوشه‌های غیرثابت اتصال داردکه برای کم وزیادکردن آوای سازآن گوشه‌هارا به طرف راست یاچپ می‌پیچانند .

راست ماهور .
دستگاه ماهور دراصطلاح موسیقی.

راست مایه .
آهنگی از موسیقی است از دستگاه راست پنجگاه .

راك عبدالله .
نام نوایی است در دستگاه ماهور .

رامش جان .
نام لحن هشتم ازسی لحن باربد و نوایی است ازساخته‌های او ، دربرهان ــ قاطع این لحن آرامش جهان نوشته شده است.

رامشخوار ،
نام نوایی است ازموسیقی .

راوندی .
نام قطعه‌ای ازقطعات دستگاه همایون دراصطلاح موسیقی .

راه گل .
از نغمه‌های دورهٔ ساسانی است .

راهوی ، یا رهاوی .
نام مقامی ازموسیقی که رهاوی نیز گویندومقامی ازدوازده مقام موسیقی است.

رزم خسرو .
نام پرده و لحنی ازموسیقی (اصطلاحی از موسیقی) .

رمل صغیر .
دوازده «ضرب» (دیــك دك دك دك دیك دك دیك دك دیك دك) .
ازضربهای موسیقی ایرانی است.

رمل کبیر .
بیست وهشت (ضرب) (دیك دك دیك دك دیك دك دیك دك دیــك دك دك دك دك دك دیك دك دیك دك دیك دك) .
ازضربهای موسیقی ایران می‌باشد.

رنگ .
نــوعی موسیقی کــه با آن می‌تــوان رقصید .

روانی .
پنج ضرب (دیك دك دیك دك) .
ازضربهای موسیقی ایران است .

روح الارواح .
اصطلاحی است درموسیقی .

روز فرخ .
ازآوازهای باربد .

روشن چراغ .
از نغمه‌های دورهٔ ساسانی است.

رهاوی .
ازگوشه‌های موسیقی ایرانی دردستگاه شور است .

ره خسروانی .
یکی ازآهنگهای باربد است .

زابل گبری .
ازگوشه‌های دستگاه سه گاه است .

زاحم .
یکی ازآهنگهای موسیقی است .

زاغ .
نام نوایی است از موسیقی .

زبول .
نوایی است که مطربان زنند .

زجاف .
آواز وصدای کــوس و نقــاره را گویند .

زخمه ور .
نوازندهٔ سازهای زهی راگویند .

زنگوله .
نغمه‌ای ازراست پنجگاه است که سه ضربی است .

زیرافکن .
ازنغمه‌های دورهٔ ساسانی که درمایهٔ شور ساخته شده است .

زیرکش سلمك .
ازگوشه‌های موسیقی ایرانی دردستگاه شور است .

ساربانك .
یکی ازآهنگهای موسیقی است .

سازسیرآهنگ .
ساز بلندآواز .

سازگری .
نام پرده‌ای است از موسیقی مرکب از مقام عراق واصفهان .

ساز نوروز .
ازآوازهای باربد .

سبزآرنگ .
نام لحنی ازمصنفات باربد .

سبز بهار .
نام نوایی ازموسیقی است وآنــرا سبزه بهارنیزگویند . واز نغمه‌های دورهٔ ساسانی است .

سبز درسبز .
نوایی از موسیقی ونام لحن نهم از سی لحن باربد .

سبزه اندرسبزه .
سبز درسبز را به بینید .

سبزهٔ بهار .
نام نوایی ولحنی ازموسیقی .

سبزه درسبزه .
سبز درسبز را به‌بینید .

سبك .
دراصطلاح موسیقی به نوعی ازآهنگ گفته می‌شودکه قابل فهم عامه باشدمثل موسیقی جازکه دراین موسیقی درمقابل سنگین‌که عبارت ازموسیقی کلاسیك است بکار برده می‌شود.

سپهبدان .
نام پرده‌ای است ازموسیقی .

سرخانه .
به اصطلاح موسیقی به معنی آواز بلند است .

ستی زرین .
نام آهنگی است .

سرپرده .
نام پرده‌ای از موسیقی .

سرجس .
نام آهنگی است .

سرزیر .
نام نوایی است از موسیقی .

سر صبح .
آهنگی که سربازان پیش از سپیده دم نوازند .
سروستان .
از الحان سی‌گانهٔ **باربد** است .
سروسهی .
از آوازهای باربد .
سلمك .
از گوشه‌های موسیقی در دستگاه شور است .
سه‌گاه .
یکی از دستگاههای موسیقی ایرانی. آواز سه‌گاه بسیار غم‌انگیز وحزن آور است . گوشه‌های آن عبارتند از زابل، مویه، مخالف ومغلوب ، حصار .
سه‌گاه .
این دستگـاه تقریباً درهمهٔ ممالك اسلامی متداول است . این دستگاه بیشتر برای بیان احساس غم واندوه که به امیدواری می‌گراید مناسب است . گوشه‌هـای مهم این دستگاه عبارتنداز:
درآمد ــ مویه ــ زابل ــ مخالف ــ حصار ، گوشه‌های دیگر مانند :
آواز ــ نغمه ــ زنـگ شتر ــ بسته نگار ــ زنگوله ــ خزان ــ بس حصار ــ معربد ــ حاجی‌حسنی ــ مغلوب ــ دوبیتی ــ حزین ــ دلگشا ــ رهـاوی ــ مسیحی ــ ناقوس ــ تخت طاقدیس ــ شاه ختایی ــ مداین ــ نهاوند .
شادباد .
از نغمه‌های دورهٔ ساسانی است .
شادیانه .
ساز ودهل که به شادی فتح یا عروسی می‌زنند .
شادروان مروارید .
نام صوتی ازمصنفات باربـد و وجه تسمیه‌اش این است که روزی باربد رامشگر به شادروان خسروپرویز نشسته بـود آن صوت را نواخت و آن را شادروان نـام نهاد وخسرو فرمود طبقی پراز مروارید نثار باربد کردنـد و آن را شادروان مروارید خواندند وضمناً این صوت لحن دوازدهم ازسی لحن باربد است .
شاکورد .
نام نوایی ازموسیقی .
شاه ختایی .
ازگوشه‌های موسیقی درنغمهٔ افشار.
شاه ناز .
نام لحنی است در موسیقی .

شاه نامه .
نام لحنی است در موسیقی .
شبدیز .
از الحان سی‌گانهٔ **باربد** است که به مناسبت مرگ شبدیز (اسب خسروپرویز) سروده شده است .
شب فرخ .
یکی از الحان باربد . در برهـان قاطع نام لحن چهاردهم، ازسی لحن باربدی محسوب شده ولی در فهرستی کـه نظامی در خسرو وشیرین آورده لحن شانزدهم از سی‌ویك لحن باربدی است .
شور .
دستگاهی درموسیقی ایران که نغمه‌های معروف آن عبارتند از :
ابوعطا، بیات ترك، دشتی وافشار .
شور .
این دستگاه ریشهٔ بسیارقدیمی‌دارد ومبنای بیشترموسیقی‌های محلی‌وموسیقی معمول درایالات به‌شمار می‌رود نغمه‌های این دستگاه عبارتند از :
۱ــ نغمهٔ ابوعطا که گوشه‌های آن درآمد ــ حجاز ــ چهارباغ است (چهار باغ قطعهٔ ضربی است که با اشعاری باقافیهٔ مخصوص همراهی می‌شود) .
۲ ــ نغمهٔ بیات ترك باگوشه های : درآمد ــ قطار وفیلی،قطار درایالات کرد بسیارمعمول است واغلب با اشعار باباطاهر همراهی می‌شود .
۳ــ نغمهٔ افشار که گوشه‌های مهم آن: درآمد ــ جامـه دران ــ مثنوی پیچ ــ قرایی ــ شاه ختایی است .
۴ــ نغمهٔ دشتی که خود استقلال نیمه کاملی دارد پایهٔ موسیقی محلی بخصـوص درشمال ایران است گـوشه‌های مهم این نغمه:درآمد ــ دوبیتی ــ گیلکی ــ گبری ــ بیات کرد. علاوه برگوشه‌هایی که درچهار نغمهٔ بالا ذکر شد ،گوشه‌های دیگری نیز دراین دستگاه نواخته می‌شود مانندسیخی وسملی درابوعطا ــ دوگاه وروح‌الارواح دربیات ترك ، نهیب در افشاری بیدکانی، چوپانی ، غم‌انگیز، سرنج وکوچه باغی در دشتی؛ شهناز ــ گریلی ــ ملانازی ــ بزرگ ــ رهاب درشور گوشه‌های دیگر دستگاه شور از این قرارنـد : زیرکش سلمك ، سلمك، گلریز، صفا، خارا، قجر، حزین، قراچه، رهـاوی ، دستان عرب . تبه‌نگار، بغدادی، چهار پاره، برگردان مسیحی، حسینی،عراق،نهفت شکسته،اوج، **غم انگیزم** ، **عقده گشا** ، کوچه باغـی، نشابورك، ضرب‌اصول، نیشاپور،حاجیانی، دشتستانی ، آذربایجانی ، خسروانـی ، مهربانی .
صبا .
نام آهنگی‌از آهنگهای موسیقی .
صحت نامه .
تصنیفی‌است‌درموسیقی‌ساختهٔ‌نصیرالدین طوسی .
صفا .
ازگوشه‌های موسیقی‌در دستگاه‌شور است .
صفاهان .
نام‌پرده‌ای‌ازموسیقی که آن‌رادرآخر شب سرایند .
صفاهانك .
یکی‌از دوازده مقام موسیقی .
صوت الفتح .
پنجاه ونـه (ضرب) (دیك دك دیك دك دك دیـك دك دیك دك دیـك دك دك دیك دیك دیك‌دیك دیك دیك دیك دیك دك دك دیك دك دیك دیك دك دیك دك دیك دك دیك دیك دك دیك‌دیك‌دك دیك دك دیك دك) .
ازضربهای موسیقی ایران است .
صوفیانه .
سه ضرب (دیك دك) .
از ضربهـای موسیقی ایـران می‌باشد .
صیار .
آواز چنگ راگویند .
ضرب اصول .
ازگوشه‌های دستگاه شور است .
طاقدیسی .
نام نوایی است ازسی لحن باربد .
طرنگشت .
آواز تار وسازهای زهی .
طنطنه .
آواز تنبوره ورود وبربط‌راگویند وبه معنی آواز نقاره و کوس نیز گفته شود .
عراق .
ازگوشه‌های دستگاه شور است .
عقده‌گشا .
ازگوشه‌های دستگاه‌شوراست.
غرد .
نوایی است ازموسیقی .
غم‌انگیزم .
ازگوشه‌های دستگاه شور است .

غنایی .
شعرغنایی‌یاشعرموسیقی، شعری‌است که حاکی ازعواطف واحساسات روحی باشد. فخر،حماسه، حکمت وتعلیم، مدح، هجا، رثاء، تشبیب ، وصف مناظرونظایر آنها همگی‌دراین‌گونه به‌چشم‌می‌خورد .
غنچهٔ کبك دری .
لحن بیست وششم ازسی‌لحن باربد.
غنه .
تحریری است از موسیقی‌که در هنگام غنا وسراییدن بخیشوم بینی‌ودماغ اداکنند .
فاخته ضرب .
(دیك دیك دك دیك دك دك دك دك)
ازضربهای موسیقی ایران ونام‌اصل یازدهم از هفده بحر اصول موسیقی که گونه‌ای‌نواختن سازراهم گویند .
فرخ روز .
نام پرده‌ای‌است ازموسیقی وصوتی از مصنفات باربد ونام لحن بیست وهفتم ازسی لحن باربد .
فرغانه .
نام شعبه‌ای است که‌آن را نهاوندك می‌خوانند .
فنه .
نام‌نوایی‌است‌که مطربان نوازند .
فیلی
ازگوشه‌های نغمهٔ بیات ترك است .
قالوس .
نام نوایی ولحنی از موسیقی است.
قالوسی .
نام‌نوایی است ازموسیقی .
قجر.
ازگوشه‌های موسیقی ایرانی در دستگاه شور است .
قرایی .
ازگوشه‌های موسیقی درنغمهٔ افشار.
قراچه .
ازگوشه‌های موسیقی ایرانی در دستگاه شور است .
قرةالعین .
نام آهنگی است درموسیقی .
قره باغ .
آهنگی است درموسیقی .
قصابه .
نام آهنگی است .
قطار .
ازگوشه‌های بیات‌ترك‌که درایلات‌کرد بسیارمعمول‌است واغلب‌بااشعاربابا طاهر خوانده‌می‌شود .
قفل‌رومی .
نام‌لحن پانزدهم ازسی لحن باربد. (این‌لحن ترجمهٔ شدهٔ لحن پهلوی است به‌عربی) .
کاری .
اصطلاح موسیقی است .
کاویزنه .
ازآهنگهای موسیقی است .
کبك دری .
ازالحان‌سی‌گانهٔ **باربد** است
کرشمه .
نغمهٔ‌کوچك و سه ضربی است‌که در اثر دستگاه‌ها وآوازها نواخته می‌شود.
کوچه باغی.
ازگوشه‌های دستگاه شور است .
کیخسروی.
ازآوازهای‌باربد.
کین‌ایرج .
ازالحان سی‌گانهٔ**باربد** است.
کین سیاووش .
یکی‌ازالحان‌سی‌گانهٔ **باربد** است.
گام .
دایره، ذوالکل‌دورهٔ‌نغمات‌هشتگانهٔ گام توالی هشت‌نت موسیقی است.
گاویزنه
نوایی‌ازموسیقی است.
گبری .
آهنگی ازموسیقی است .
گردانیا .
نام نوایی است ازموسیقی .
گردانیه .
نام پرده‌ای ازموسیقی است .
گشایش .
نام آهنگی است درموسیقی .
گلریز .
از گوشه‌های موسیقی ایرانی در دستگاه شوراست .
گلزار .
نام نوایی است در موسیقی .
گل‌نوش .
ازنغمه‌های دورهٔ ساسانی است .
گنج باد آورد.
ازالحان سی‌گانهٔ **باربد**است که به افتخار**شهربراز** سردارمعروف ایران به مناسبت‌فتح مصرساخته شده‌است ومنظور گنجهایی‌است‌که امپراتور روم بارکشتی کرده‌بودوبوسیلهٔ بادبه‌ساحل‌افتادونصیب سردار ایرانی شد .
گنجدار .
نام نوا وصدایی است ازموسیقی
گنج ساخته .
ازآوازهای باربد .
گنج سوخته .
نام لحن هجدهم است ازسی‌لحن باربد .
گنج عروس .
یکی از ساخته های باربد .
گنج فریدون .
نام نوایی‌است‌که رامشگران زنند.
گنج‌گاو .
نام لحن هفدهم ازسی لحن باربد . نام دیگر این‌لحن‌که دربرهان قاطع نوشته شده‌گنج‌کاوس است .
گنج‌گاوان .
نوایی است از نواهای باربد .
گنج‌گاومیش .
نام نوایی است ازنواهای باربد .
گورکا.
ازآهنگهای موسیقی است .
گورکه .
آهنگی است ازموسیقی .
گوشت .
یکی ازشش آواز موسیقی است‌که آن‌نوروز ومایه وسلمك وگوشت وشهناز وگردانیه باشد .
گویا .
نام آهنگی است .
لبنیا .
نام نوایی‌از موسیقی‌است.
لیلی .
نوایی ازموسیقی است .
ماه برکوهان .
یکی ازالحان سی‌گانهٔ باربد است.
ماهور .
فواصل گام ماهور بافواصل گام بزرگ غربی منطبق است این‌دستگاه به همین نام وفواصل‌مشابه به در شرح ادوار صفی‌الدین‌یافت‌می‌شود وهمین دلیل‌قدمت آن‌است. این‌گام مبین شجاعت، شادی و امیدواری و پیشرفت در زندگی است . گوشه‌های این‌دستگاه‌عبارتنداز : درآمد۔ کرشمه ۔ گشایش ۔ خوارزمی وگاهی دلکش که گوشهٔ دستگاه شوراست‌وبرای تنوع‌وخروج‌ازیك نواختی دراین‌دستگاه می‌نوازند . گوشه‌های‌دیگر این دستگاه کراوغلی۔داد۔خسروانی۔خاوران۔ طرب۔

انگیز ـ طوسی ـ آذربایجانی ـ فیلی ـ زیرافکند ـ ماهورصغیر ـ ابول ـ حصار ماهور ـ نیریز ـ نهیب ـ عراق ـ محیر ـ آشورآوند ـ زنگوله ـ سروش ـ اصفهانک ـ راکهندی ـ صفیر ـ نغمه ـ راکعبدالله ـ ساقی نامه ـ صوفی نامه ـ پروانه ـ بسته‌نگار ـ حربی ـ شهرآشوب .

مثنوی پیچ .
ازگوشه‌های موسیقی در نغمهٔ افشار.

مخالف .
ازگوشه‌های دستگاه سه‌گاه است.

مخمس .
بیست ضرب (دیك دك دیك دك دیك دك دیك دك دیك دکدکدیك دکدکدك). ازضربهای موسیقی ایران‌است .

مروای نیك .
یکی ازالحان سی‌گانهٔ باربداست .

مشکدانه .
ازالحان‌سی‌گانهٔ‌باربداست.

مشك مالی .
ازآوازهای باربد .

مشکویه .
یکی از الحان سی‌گانهٔ باربد است.

مویه .
ازگوشه‌های دستگاه سه‌گاه است.

مهربانی .
ازگوشه‌های دستگاه شوراست.

مهرگانی .
ازآوازهای باربد . مهرمانی نام دیگراین آواز است‌که دربرهان قاطع نوشته شده است .

نار شیرین .
نام نوایی است ازموسیقی .

ناز نوروز .
نام نوایی است ازموسیقی .

ناقوس .
درموسیقی نام‌یك آواز ازدستگاه سه‌گاه است .

ناقوسی.
نام لحن بیست‌وششم ازسی لحن باربد .

ناله .
آوای ادوات موسیقی .

نخجیرگان .
نام نوایی است ازموسیقی‌که باربد آن را ساخته است.این‌نوارا نخچیرگان ونخچیرگانی هم‌گویند که نام‌لحن سی‌ام باربد است.و به‌قولی‌نام‌لحن بیست وهفتم است .

نخچیرگاو .
نام نوایی است ازموسیقی . ظاهراً این‌کلمه مصحف نخچیرگان است .

نستور .
درموسیقی‌نام‌یك‌رنگ‌دستگاه‌همایون ونوااست.

نشابور .
یا نشابورك‌نام‌نوایی است ازموسیقی ونام شعبه‌ای است ازنوا که به‌نواشابور مشهور است .
این نوا رانشاپور ونیشابورك و نشاپورك نیزگویند .

نشابورك .
ازگوشه‌های دستگاه شور است .

نصیرخانی .
چهار پاره رابه بینید .

نغمه .
گوشه‌ای از دستگاه راست پنجگاه است که سه‌ضربی است .

نوا .
فواصل درجات دستگاه نوا باگام شور مشابه است فقط نت اصلی آن‌باگام شورتفاوت دارد . دراین دستگاه‌حالت آرامش و سلامت نفس مشاهده می‌شود و برای همراهی اشعاری حاکی از معانی فلسفی مناسب است . گوشه‌های مهم این دستگاه‌عبارتند از :در آمد ، که ازمایه شروع می‌شود و شاهد آن نت چهارم گام وایست آن نت دوم است. گردانیه گوشت ـ نهفت ـ گوشه های دیگرآن : نغمه ـ بیات راجع ـ حزین ـ مویه ـ عشاق ـ عشیران ـ نیشابورك ـ خجسته ـ مجلسی ـ ملك‌حسینی ـ بوسلیك ـ نیریز ـ نستوری ـ طاقدیس ـ رهاب ـ عراق .

نوبهاری .
ازآوازهای باربد که نظامی آنرا غنچهٔ کبك دری نامیده است.

نوروز .
ازالحان سی‌گانهٔ باربد درمایهٔ همایون است‌که به‌نام جشن‌باستانی وملی ایران نامیده شده وبه نامهای مختلف ، نوروز بزرگ ، نوروز کوچك ونوروز خارا و نوروزکیقبادی آمده است که بعدها **نوروزصبا** جانشین آنها شد ودر کتابهای دوران‌بعدنوروز عجم و نوروز عرب نیز آمده‌است .

نوروز صبا .
در پردهٔ **چکاوك** وازپردهٔ **بیداد** شروع می‌شود (نوروز را به بینید).

نوروز غرب .
درپردهٔ چکاوك‌توقف می‌کند(نوروز را به بینید) .

نوروز خارا .
به پردهٔ چکاوك فرود می‌آید (نوروزرا به‌بینید).

نوشین‌باده .
ازالحان سی‌گانهٔ باربد است .

نهفت .
ازنغمه‌های دورهٔ ساسانی‌که درمایهٔ **نوا** ساخته شده‌است .

نهفت شکسته .
ازگوشه‌های دستگاه شور است .

نیشاپور .
ازگوشه‌های دستگاه شوراست.

نیم ثقیل .
هفده (ضرب) (دیك دك دیك‌دك‌دك دیك دك دیك دك دك دك) ازضربهای موسیقی ایران است .

نیم دور .
ده ضرب (دیك دك دیك دك دك دك دك).
ازضربهای‌موسیقی ایران می‌باشد.

نیمروز
از الحان سی‌گانهٔ باربد است.

هفت گنج .
نام نوایی است ازموسیقی .

همایون .
گام همایون را می‌توان باگام کوچك موسیقی غربی مقایسه‌نمود. نغمات این دستگاه ملایم و گوشه‌های آن مالیخولیایی است: گوشه‌های‌این دستگاه عبارتنداز: درآمد ـ چکاوك ـ بختیاری ـ لیلی ومجنون ـ بیداد ـ که گوشه های اصلی را تشکیل می‌دهند وگوشه‌های دیگر موالیان ـ نی‌داود ـ باوی ـ ابوالچپ ـ راه‌ندی ـ موره ـ طرز ـ نوروزعرب ـ نوروزصبا ـ نوروزخارا ـ نفیرو فرنگ ـ شوشتری ـ میگلی ـ دلنواز ـ غزال ـ مؤالف ـ دناسری ـ جامه‌دران ـ فرح ـ شهرآشوب ـ پروانه؛ نغمهٔ‌بیات اصفهان را می‌توان از دستگاه همایون دانست ولی‌اکنون آنرا دستگاه مستقلی می‌دانند گوشه‌های این نغمه، در آمد ـ بیات‌راجع ـ عشاق ـ سوزوگداز ـ جوایه ـ رازونیاز ـ چهار مضراب ـ مثنوی ـ فرح انگیز است .

یزدان آفرید .
نخستین آوازی‌که باربد برای

خسرو پرویز خواند و سبب نامی شدن او گردید .

یك و نیم ساز .

گونه‌ای ازفنون‌وهنرهای سازندگی سازهای زهی .

آهنگهای محلی گیلان

گیلان یکی‌ازمناطق زیبا وپربرکت کشور ایران است که مخصوصاً ازلحاظ فولکلور موسیقی و نواهای محلی منبعی سرشار وپرارزش‌می‌باشدوترانه‌های بومی متداول دراین‌منطقه‌معروفیتی بسزادارد. هم‌اکنون نواهای محلی این منطقه کیفیت وحالت محلی خودرا بخوبی دارا بوده ، معرف ومبین احساسات مردم گیلان می‌باشد .

گیلانی‌ها اصولا به موسیقی محلی خودشان علاقهٔ زیادی دارند وترانه‌های بومی خودرا باگرمی خاصی اجرا می‌نمایند.موسیقی محلی گیلان ازلحاظ خصوصیات‌ملودی وریتم به‌دوقسمت‌متمایز است یکی موسیقی مردم طالش ودیگر آهنگ‌های محلی مناطق دیلمان واسپیلی وسایر نواحی گیلان .

اشعارترانه‌های گیلان‌دارای مضامین دلپسند وبا ایده‌های بکراست که از هر جهت‌باخصوصیات محلی‌این منطقه‌مطابقت دارد .

ای امان .

این‌آهنگ درفومن‌معمول‌است‌اشعار آن به وسیلهٔ مردها وکلمات «ای امان» بطور دسته جمعی به وسیلهٔ مردان وزنان خوانده می‌شود .

پاچ لیلی .

پاچ (کوتاه) لیلی ازآهنگ های ساده‌وزیبایی‌است که درمنطقهٔ‌فومن‌متداول است این آهنگ از دو قسمت تشکیل می‌شود قسمت اول در دستگاه «دشتی» و جزء دوم که دومرتبه تکرار می‌شود با دوکلمهٔ «پاچ لیلی» تمام می‌شود وبه‌مایهٔ «شور» فرود می‌آید .

دمویرنازنین .

این‌ترانه از نواهای محلی طوالش است،جملهٔ «دمویرنازنین»(مگدرنازنین) پس‌از خواندن هرمصرع تکرار می‌شود .

رزانگیز .

این ترانه را درنواحی دیلمان و اسپیلی واطراف لاهیجان می‌خوانند.این آهنگ ازترانه‌های قدیمی است .

شترزنگ .

شترزنگ یا «زنگ شتر» ازآهنگ‌هایی است‌که اغلب چوپانهاآن را بانی می‌نوازند،این‌آهنگ بیشتر در نواحی دیلمان واسپیلی نواخته می‌شود .

شرفشاهی .

شرفشاه یکی از معاریف گیلان بود ومی‌گویند درنیمهٔ قرن هفتم هجری می‌زیسته ودلباختهٔ دختری از اهالی طالش به‌نام «خروسك» می‌شود وبا اواز دواج می‌نماید دختر پس از مدتی می‌میرد و شرفشاه درعشق زن‌محبوب خود اشعار و دوبیتی‌هایی بالهجهٔ گیلکی می‌سراید. نوای‌شرفشاهی به‌صورت آوازمحلی‌خوانده می‌شود .

شوخ وشنگه .

طالشی هاسه‌نوع‌آهنگ دارند «قدیم دستان»،«طالش دستان» و «تازه دستان» ترانهٔ شوخ وشنگه (قشنگ) از جمله طالش دستان است .

این نغمه با اشعاری به‌وزن دوبیتی خوانده می‌شود و درقسمت‌آخر پس‌از تمام‌شدن‌دوبیتی‌چهارمصراع دیگرخوانده می‌شود‌که‌باوزن دوبیتی اختلاف دارد .

کراشیم .

یکی ازآهنگ های معروف منطقهٔ گیلان کریشیم(داریم‌می‌رویم) است‌قسمت اول این ترانه با کلمات کراشیم .... و قسمت دوم با یك دوبیتی خوانده می‌شود ودرآخرآن کراشیم تکرار می‌شود .

کیلالی .

این‌ترانه ازآهنگ‌های‌قدیمی‌طالش است‌که‌بنام «قدیم دستان» معروف شده. کیلالی«دختر» نغمه‌ای است مختصر که شعرآن به وزن دوبیتی نیست وبرای خواندن‌چهار مصراع باید دومرتبه‌آهنگ را تکرارکرد .

گوسفند وخوان .

این‌نغمه روستایی ومخصوص‌چوپانها می‌باشد .

معمولا چوپانان هنگام فراغت‌با نی هفت بند آن را می‌نوازند و می‌گویند که گوسفندها بااین‌آهنگ به دورچوپان خود جمع می‌شوند .

لاکو .

لاکو (دختر) ازترانه‌های نواحی لاهیجان است.نوای‌آن ازیك جملهٔ‌کوتاه تشکیل می‌شود وبعد باتکرار «لاکو نه نه بمیره» (دختر مادرتوبمیرد) دوباره خوانده می‌شود .

للی ،(نام‌دختر).

للی ازترانه‌هایی است‌که دراطراف رشت زیادخوانده می‌شود وازدشتی شروع وبه شور ختم می‌گردد .

لیلا بانو .

اهالی‌فومن دارای زبانی مخلوط‌از دولهجه هستند « گیلکی وطالشی» ترانهٔ لیلابانو به نغمات گیلکی نزدیك‌تراست نغمهٔ‌این‌ترانه با نصف دوبیتی تمام‌می‌شود وباتکرار کلمهٔ«لیلابانو» مجدداً خوانده می‌شود .

نوروز خوانی .

درشمال ایران معمول‌است‌که ازدهم اسفند ماه تا روز عید «نوزوز خوانی» می‌کنند. دراین‌نواحی افرادی هستند‌که به درخانه‌ها می‌روند واشعاری‌راکه خود ساخته‌یا دیگران دروصف نوروزسراییده اندمی خوانند و از صاحب خانه‌ها انعام می‌گیرند .

هی‌یار هی‌یار .

درطوالش و فومنات آهنگ **هی‌یار هی‌یار**معروفیت خاصی دارد، این ترانه اول با اشعار دوبیتی شروع می‌شود وبعد باشعر «هی‌یار هی‌یار» که به‌بمنزلهٔ‌ترجیع بندآن است ختم می‌شود .

سازهای ایرانی

ابریشم طرب .

زه ــ وتر ــ تار ــ تاره، از هرساز زه دار را گویند .

ابواللهو .

تنبور رابه بینید .

ارغانون .

ارغنون را به بینید .

ارغن .

به ارغنون مراجعه شود .

ارغنون .

سازی‌که‌مرکب‌بوده است‌ازلوله‌هایی به‌طولهای مختلف که با دمیدن در آنها تولید صوت می‌شده است . دریونان قدیم تعداد لوله‌ها هفت بوده ولی درایران به دوازده رسیده است . این ساز رامزامیر نیز می‌نامیده‌اند . درعمارت چهل ستون اصفهان، در نقاشی مجلس شاه عباس‌کبیر وشاه‌همایون(پادشاه‌هند)،دربین‌نوازندگان یك نفرارغنونی‌می‌نوازد‌که تعداد لوله‌های

آن از دوازده متجاوز است. بتدریج که برتعداد لوله‌ها افزوده شد، برای دمیدن درآنها انبان بکار بردند. این‌ساز، راکه یکی‌ازقدیمیترین آلات موسیقی است به زبان فرانسه ارگ می‌نامند. درقدیم ، ارغنون همچنین به سازی اطلاق می‌شد که مثل «کارگاه‌نساجان» دارای اوتارمتعدد بوده است . کلمهٔ ارغنون درمورد مطلق ساز نیز در زبان فارسی بکار رفته است. وآن را به‌صورتهای ارغن، و ارغون‌نیز ضبط کرده‌اند .

اسفید مهره .

ازسازهای بادی است .

اصف .

نام یکی از ابزار موسیقی است .

اگری .

چنگ را به بینید .

اندروای .

گونه‌ای چنگ ایران‌باستان است.

باتره .

دف ودایره راگویند .

باتوغن .

ازآلات غنااست.

بالابان .

قسمی ازسرنا وکرنا وطبل وشیپور بزرگ که ازسازهای بادی است و ازنی ساخته می‌شود .

بالبان .

بالابان را به بینید .

بربط .

ازسازهای باستانی ایران است‌که بعد از اسلام عود نامیده شده و در اروپا به‌آن لوت (Luth) می‌گویند ومهمترین سازی‌است که‌موردآزمایش‌موسیقی‌شناسان واقع شده وفارابی از آن به تفصیل سخن گفته است،این ساز تادورهٔ صفویه در ایران معمول بوده است ودر تالار چهل ستون نقشی ازآن هست.

برغو .

ازسازهای بادی رزمی است مانند بوق یاشیپورکه طول‌آن ازسرنا بزرگتر است .

بزق .

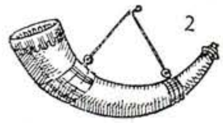
تنبور را به بینید .

بلبان .

بالابان را به بینید .

بوق .

ازسازهای بادی است .



پای ستور .

نام سازی است وآن کمینه ترین سازها است .

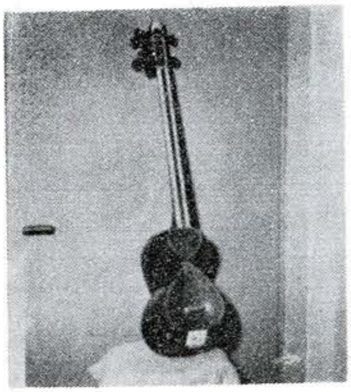
پای شور .

آن‌سازی است ازپست‌ترین سازها.

تبیره .

دهل است ولی دهل و کوس و طبل ونقاره گویند .

تار Thar



سازِزهی ایرانی که دارای ۵ سیم است وبازخمه نوازند(وبرکاسهٔ آن‌پوست برهٔ تنك‌کشیده‌اند)سازی‌است‌که ایرانیان‌آن را اختراع‌کرده‌اندوسه‌تار و ویلن را به پیروی تارساخته‌اند.تار عبارت است از کاسه‌ای از چوب توت وبدنه ودستهٔ تار از چوب فوفل وگردوی‌کهنه و پوست برهٔ تودلی‌که‌برروی‌کاسه می‌کشندوروی دسته را با استخوان پای شتر می‌بندند وخرك روی‌کاسه‌را ازشاخ‌گوزن می‌گذارندوسپس شش‌سیم ، سه‌تای‌آن زرد وسه‌تاسفید، از خرك تادسته می‌کشند واز رودهٔ گوسفند بیست وپنج‌پرده به‌آن‌می‌بندند وبامضراب می‌نوازند .

در مورد سابقهٔ تاریخی تار آنچه مسلم است، تادورهٔ صفویه سازی بنام و شکل تار امروزی نداشته‌ایم زیرا در نقاشی‌های‌آن دوره هم اثری ازآن دیده نشددرصورتی که‌درمجلس بزم تالار چهل ستون اصفهان‌کمانچه وعود وسنتور را می‌بینیم بعضی گویند تار همان بربط باستانی‌است که‌بعدهاعود نامیده شده‌است در اینکه عود و بربط یکی است شکی نمی‌باشد ولی تار به تنبوربیشتر شباهت دارد. ودر نقاشی‌های‌باستانی‌ومینیاتورها این موضوع کاملا هویداست ، هم‌اکنون تار درآذربایجان شوروی معمول است .

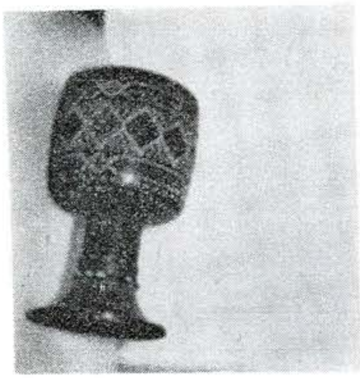
تمبال .

از سازهای باستانی ایران است که طاس هم خوانده می‌شود .

تمبك .

تنبك را به بینید .

تنبك Tonbac



دنبك یا تمبك نیز گفته می‌شود ، سازی‌ضربی است‌که از یك استوانه تشکیل شده که یك‌سوی آن‌راپوست پوشانیده و سوی‌دیگرش باز است و قسمتی‌ازبدنهٔ استوانه‌را باریکتر گرفته‌اندتا دربغل‌نوازنده جابگیرد .



دایره(دف) و دایره‌زنگی ازانواع تنبك است .

تنبور .

طنبورهمان است‌که اکنون‌به‌کمانچه مشهور است . قسمی ماندولینا ازتارهای زهی‌است‌که درایران وبلغارستان ومیان اعراب متداول است . قسمتی ازآن را شش تار می‌گویندوگونه‌ای دیگر را سه تار چون دارای سه‌تاراست . عربی آن دنبره است‌یعنی‌دنب‌بره جهت شباهت‌آن به دم‌بره ، صاحب آنندراج گوید : این ساز معرب‌تونبره‌است که‌لغت هندی است

به معنی کدوی تلخ‌وچون‌این سازدراصل ازکدوساخته‌اندبه مجازنام شهرت گرفته این ساز راطنبار وطنبوره نیز گویند ، صدای تنبور کم ولی عارفانه‌است.

تنبور بغدادی .
نوعی تنبور که فارابی درکتاب خود ازآن یادکرده است .

تنبور ترکی .
تنبور را به بینید .

تنبور خراسانی .
نوعی تنبورکه فارابی‌درکتاب خود ازآن یادکرده است .

تنبور شروینیان .
تنبور را به بینید .

جام .
سازی است ضربی همردیف کوس ، دهل، جرس‌ونقاره وامثال‌آن‌ها که‌صدایی سهمناك داشته ودرپیکارها بهمراه صدای سازهای رزمی شنیده می‌شده است از این ساز درموارد مختلف استفاده می‌کردند یکی‌برای‌تعیین وقت وگاهی‌برای‌عزیمت ویا آغاز رزم وامثال‌آن بکار می‌رفته . ساختمان آن ازجامی بزرگ درست شده که برای ایجادصدامهره‌ای‌در آن می‌اندازند .

جرس .
جسمی‌توخالی که‌ازآهن ومس‌سازند وآلتی برآن‌کوبند تاآواز دهد .

جغانه .
یکی‌ازآلتهای‌نوازندگی‌است.

جلاجل .
چیزی است قرصی شکل(مدور) که ازروی‌سازندورامشگران آنرادردایره‌های خود تعبیه نمایند و گاه جدا از دایره بکاربرند ودر وسط آن‌حباب طوری کنندو مرادازنگهایی‌هم باشدکه‌پیکان‌درکمربندند وگاه راه رفتن صدا ازآنها بلند شود.

چارتا یا چارتار ـ چارتاره .
تنبوروربابِ‌چهارراگویند، هرسازی که چهار تار داشته باشد .

چارتای .
نوعی سازـربابـ تنبور .

چالپاره .
چهار پاره را به بینید .

چرم گرگ .
طبل بزرگ ونقاره راگویند .

چغانه .
نوعی ساز ازسازهایی‌که بامضراب و زخمه نواخته می‌شده و به هندی آن را «سرمندل» گویند .

چغبه .
قسمی ازساز نوازندگی .

چغنه .
نام‌سازی است. وبقولی مخففِ‌چغانه است .

چگر .
نوعی آلت موسیقی وساز سیمی‌ساده که بیشتر درمیان افراد ترکمان متداول است .

چگور .
چگر، قسمی ساز روستایی وآن‌ساز سیمی‌ساده‌ای‌است که‌بیشتردرمیان‌ترکمانان متداول است .

چمبر
طبل‌کوچك راگویند .

چندنای .
ارغنون دهنی است .

چنگ .
سازی است مشهورکه سرآن‌خمیده است ودارای تار می‌باشد **ابن‌خردادبه** وجوهری براین‌عقیده هستند این سازاز اختراعات ایرانیان است .
چنگ‌یکی‌ازسازهای بسیارقدیم‌است که‌دوهزارسال‌پیش ازمیلاددربابل‌وآشور متداول بوده . انواع ابتدایی آن مثلثی شکل باتخته‌ای‌به‌طول نزدیك به‌یك‌گز و دارای میلهٔ‌چوبی بوده‌که بطور عمودی بریك سراین تخته نصب می‌شده است انتهای دیگراین‌میلهٔ چوبی‌به شکل‌دست انسان بوده است . سیم‌های این سازکه معمولا هشت‌یا نه تابوده است به‌موازات وتر این مثلث قائم الزاویه بین تخته و میله‌امتدادمی‌یافته‌یك‌سرسیمها به‌تخته‌ای محکم وصل می‌شده وسر دیگرآن‌به دور میخها یاگوشیهایی‌که روی‌میلهٔ‌چوبی‌قرار داشته پیچیده می‌شده و باقیماندهٔ آن از طرف دیگر آویزان بوده است .
چنین بنظرمی‌آیدکه با پیچانیدن گوشیها سیمها راشل یاسفت می‌کرده‌اند وچنین بنظر می‌رسد که نوازندهٔ آن هنگام نواختن به‌گردن آویزان‌می‌کرده وباقطعهٔ‌چوبی می‌نواخته است .
دربعضی ازانواع چنگها سیمها تا تعداد ۱۷ عددتغییریافته دربررسی‌هایی که شده معلوم می‌شودکه در زمانهای‌بعد ازدوران ابتدایی چنگ‌را بادست می‌نواختند . درباستانشناسی‌هایی‌که شده انواع چنگها دیده شده است که گاهی جعبهٔ صوتی دربالا وگاهی در پایین‌ساز بوده‌است. نوع‌دیگری‌چنگ‌درکتیبه‌های طاق‌بستان دیده می‌شودکه دارای ده‌سیم است وآن‌را به‌فارسی «ون» نامیده‌اند. یونانیان به‌آن لیر Lyre می‌گفتند .

چنگ حزین .
چنگی‌که آواز ملایم داشته باشد.

چنگ دهن .
نام سازی است آهنین‌که به دهان گذاشته وباانگشت می‌نوازند وآن رادر هندوستان منهه چنگ‌گویند .

چنگ ربع‌وش .
همان چنگ مشهوراست‌که می‌نوازند وازاین جهت ربع وش‌گفته می‌شود که شباهتی به‌ربع دایرهٔاسطرلاب دارد.

چنگولی .
نوعی ساز است .

چنگله .
نام‌سازی‌است که‌آن راچنگ‌گویند.

چهار تار .
نوعی تاراست‌که اختراع آن را به شیخ حیدر نسبت می‌دهند .

دایره .
دف رابه بینید .

دایره زنگی .
دایره زنگی یکی‌ازآلات موسیقی ضربی است وازآن برای تشدید وزن‌در موسیقی رقص استفاده می‌کنند. دایره زنگی را در تلفظ عامیانه «داریه» می‌گویند. برچنبرچوبی‌آن به‌فاصلهٔ‌کم چند جای سوراخ تعبیه شده ودرهر سوراخ دوسنج‌کوچك قرارمی‌دهند چون دورویه را بنوازند ازآن سنجها آواز برآید.

دریج .
تنبور را به بینید .

دف Tambourine
سازی‌که اساساً عبارت است ازقابی که بریك (وگاه دو)طرفش پوست‌کشیده شده است، وبازدن یاکشیدن انگشتان برآن یا(درصورتی‌که مثلا دارای زنگ باشد)تکان دادن نواخته می‌شود. برطبق روایات،نخست درشب زفاف سلیمان و بلقیس‌نواخته‌شد، ونیز گویندبنی‌اسراییل درمقابل‌گوساله‌ای طلایی دف‌می‌نواختند بهرحال، درهنر سامی‌قدیم دف باقاب مستطیل ومستدیرهردو دیده می‌شود.دف رایج درممالك اسلامی رابرحسب شکل

قاب(مستطیل یا مستدیر) ودارا بودن او تار سنجها یا «صفحات جرنگی» جلال یا حلقه‌های جرنگی ، و جرسها یا زنگها و آنها، به هفت نوع تقسیم کرده‌اند، که یکی ازآنها دارای قاب مستطیل است که بردو طرفش پوست کشیده شده است، وسایرین قاب مستدیر دارند . ازاقسام اخیر دف دارای صفحات جرنگی ودف دارای حلقه‌های جرنگی (بنام دایره) درایران رایج بوده است . دف دارای زنگها در ایران وآسیای مرکزی بنام دایره رایج شده است .

دف به وسیلهٔ مسلمانان اسپانیا در اروپارواج یافت درقرن ۱۵ میلادی متروك شد، ولی دیگربار درقرن ۱۹ میلادی از سازهای موزیك نظامی شد. حالیه گاه در ارکستر بکارمی‌رود .

دنبك .

تنبك را به بینید .

دنبلك .

تنبك را به بینید .

دوتا .

دوتار را به بینید .

دوتار .

سازی است ازنوع سه‌تار وتنبور که هنوزهم درمیان ترکمن‌های دشت گرگان بکار می‌رود .

معروف است که آقامحمدخان در فراغ خاطر دوتار می‌زد .

دهل Dohol

طبل بزرگی است که درروستاها برای همراهی باخواننده ونوازنده بکارمی‌رود ومثل گورگه بادوترکه نواخته می‌شود.

رباب .

سازی طنبور مانند و بزرگ شکم وکوتاه دسته که بر روی آن به‌جای تخته، پوست آهو باشد (برهان قاطع) این سازهم اکنون درافغانستان متداول است ودرتاجیکستان جزء سازهای ملی است.

زمر .

مزمار رابه بینید .

رموز .

کمانچه‌ای است که درسال ۱۲۹۰ هجری قمری توسط یك نفرهمدانی اختراع شد .

رواوه .

رباب راگویند وسازی است مشهور ومعنی ترکیبی آن آوازحزین برآورنده است چه، رو، آواز حزین وآوه، برآورندهٔ صدا وندا باشد.

زمری .

ارغنون را به بینید .

زنامی .

قره‌نی را به بینید .

سارنگ .

سازی باشد چون کمانچه که با کمان کشند .

سازدولاب .

ازسازهای زهی که ازنظرشکل وابعاد بی‌شباهت به دهل نبوده است .

سازعالی مرصع .

یکی ازآلات موسیقی .

سازفولاد .

یکی ازآلات موسیقی که دارای سی‌وپنج لوح بوده واز هرلوح آهنگی حاصل می‌شده است .

رستار .

درزبان کنونی سه‌تار گویند واین ساز بنام ستاره نیز گفته شده ودارای ۳ سیم است .

ستاره .

تنبوره و سازی را گویند که سه تار داشته باشد .

رستو .

تنبوره راگویند که ۳تاردارد.

ستویه .

سازی است که سه‌تار دارد .

سرغین .

سرنا که مخفف سورنا است وآنرا به‌ترکی نای‌نیز خوانندکه در عروسی و عشرت نوازندونای سرغینه نیزخوانند.

سرنا .

مخفف سورنا است که درنقاره‌خانه‌ها وروزهای جشن‌وسرورنوازند وآنرانای رومی نیزگویند . سرنی مخفف آن است.

سرنج .

سنج را به بینید .

سمبال .

ازسازهای باستانی ایران باشدکه آنرا زبده نیزگویند .

سنتور .

سازی شرقی وزهی مضرابی باسیم‌های متعدد فلزی ودو مضراب چوبی و آهنگی پرصدا وزنگ‌دار دارد .

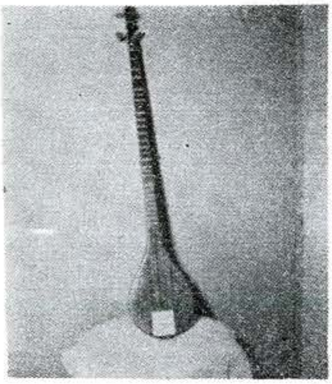
سنج . Cyimbal

از دسته سازهای ضربی است واز دو دایرهٔ برنجی ساخته شده است . این دایره‌ها درقسمت داخلی محدب می‌باشد واز بیرون هر یك دارای دستگیره‌ای است که نوازنده ازآن استفاده می‌کند و در قسمت‌هایی ازآهنگ که لازم باشد پرهیجان و طنین‌دار اجرا شود طبل به یاری سنج‌ها این منظوررا تأمین می‌کند و هندی آن را جهانچه می‌گویند .

سورنا .

سرنا را به بینید .

سه‌تار .



شاید نوعی تنبور باشد که ناخن‌سبابه عمل مضراب را درآن انجام می‌دهد. سه‌تار معمولا سه سیم داشته و گویند که مشتاق‌علیشاه سیم چهارمی به آن افزوده است .

سیتار .

ازسازهای باستانی ایران است که نام دیگرآن کنار می‌باشد .

شاخ وشانه .

ظاهراً قسمی ازآلات موسیقی بوده است .

شاوغر .

نام رویین رانیزگویند وآنراشیپور نیز نامند .

شاه تار .

به‌معنی تاربزرگ وآن آلت موسیقی است .

شاهن .

نوعی نی که چوپان می‌نوازد .

شاه نای .

نام سازی است که به سرنا اشتهار دارد وآنراشهنای‌وسرنای وسورنای‌نیز خوانند .

شبابه .

نی را به بینید .

شش تار .

نوعی تار است که اختراع آن را به رضاءالدین شیرازی نسبت می‌دهند .

شندف .
دهل را به بینید .
شهرود .
دهل را به بینید .
شیزك .
شیشك را به بینید .
صغانة .
ازآلات سرود است .
صفاره .
چیزکی است میان کاواك از مس و مانندآن که کودکان باآن کبوتران‌راصفیر کنند تاپپرند یا خرراتاآب خورد.
سرنای‌وسورنای وسوت‌سوتك رانیز گویند .
صفیر .
سوت سوتك راگویند .
صنج .
سنج را به بینید .
صور .
شاخ‌توخالی‌حیوانی که‌آن‌رامی‌نوازند.
ضرب .
تنبك را به بینید .
طار .
دایره زنگی راگویند .
طبل .
دهل ، یك رویه یا دورویه است .
طبن .
طنبور ـــ رباب .
طرب انگیز .
نوعی‌کمانچه است‌که درسال۱۳۰۰ هجری قمری میرزا غـلامحسین اختراع کرده است .
طرب رود .
گویا از ابزار موسیقی بوده است .
طنبك .
تنبك را به بینید .
طنبور .
تنبور را به‌بینید .
طنبور میزانی .
طنبور بغدادی درازگردن می‌باشد (مفاتیح) .
طوطك .
نام سازی است . در تـداول محلی گناباد به سازی دهنی‌که ازگل‌پخته‌سازند گفته می‌شود ودرشمار بازیچه‌های کودکان است. درعرف‌آنرا الخوزه نامند .
طولمبه .
نوعی از دهل وساز معروف .

غجك .
غژك را به بینید .
غرو .
نی میان تهی‌که‌آنراکلك نامند وبه عربی‌آن را مزمارگویند .
غزك .
نام سازی است .

غژك .
سازی است معروف‌که آنرا اکنون کمانچه گویند و آنرا به هندی سارنگی



نامند .گویا این‌لفظ ترکی‌باشد که مجازاً درقسمی ازسازها بکار رفته چه در ترکی به معنی‌آواز ، باگریه وفریاد است‌نظیر این ساز دربلوچستان امروز نیزمتداول است .
غناوه .
سازی است‌که رامشگران نوازند .
غنچك .
نام سازی است و برخی کمانچه را گویند .
غندرود .
نفیرکه‌برادر کوچك‌کرنااست‌وچون درقدیم آن را بسبب فراهم‌آمدن و جمع شدن مردم می‌نواختند وغند به معنی‌جمع وفراهم است‌آن را غندرود خوانده‌اند .
این ساز را غنده‌رودهم گفته‌اند .
غیچك .
غژك را به بینید .
غیطه .
گونه‌ای آلت موسیقی شبیه قـره‌نی باشد
قانون .
نام سازی‌است ازمخترعات ابونصر فارابی «معلم ثانی» کـه متشکل از طبلی مسطح ومستطیل است‌که سیمهای فلزی‌به آن نصب شده وبا انگشت سبا به مسلح به زبانهٔ فلزی آن را درحالی‌که روی زانو نهاده‌اند می‌نوازند .
قپوز .
نام‌آلتی‌ازموسیقی‌ازدسته‌سازهای‌زهی‌است.
قچك .
یك گونه‌آلت موسیقی است .
قصابه .
نی‌راگویندکه نای هم‌گفته می‌شود.
نام‌آهنگی هم هست.
قنین .
تنبور را به بینید .
کارنای .
کرنا، کرنای، کره‌نای، خرنای .
کاس .
به معنی‌کوس است که نقارهٔ بزرگ می‌باشد .
کمانچه .
از سازهای قدیمی است‌که درمشرق زمین بکار رفته واز دورهٔ صفویه بـه بعد یکی از ارکان موسیقی ایران بشمارآمده است. کمانچه تا حدود ۵۰ سال قبل در ایران سه سیم داشت. بعدها سیم چهـارم را به تقلید ویولون به‌آن اضافه‌کردند . درجمهوری‌های‌آسیایـی‌اتحـادجماهیر- شوروی هم اکنون‌کمانچه‌ها نیزچهار سیم دارند ، **رموز** و **طرب انگیز** از انـواع جدیدآن است .
کونا .
سازی بادی وبلند باصدای بم فاقد سوراخ‌که بادم دادن نواخته می‌شود .
گاو دم .
گونه‌ای‌کرنا است‌که به‌عربی بـوق خوانند واصولا به‌هرچیزی‌که یك سرآن پهن وسر دیگرآن باریك باشد گاو دم گویند . به‌رود ونفیر ونای روئین‌که در وقت جنگ زنند هم‌گفته می‌شود .
گچك .
سازی است معـروف و مشهور بـه کمانچه .
گورگه Gavorgé
طبلی است ازنقاره بزرگتر وپوست آن نازکتر است‌کاسهٔ آن ازگـل ساخته می‌شود وبا دوعدد ترکـهٔ نازك بصدا در می‌آید .
لله .
در دیلمان وگیلان به نی‌گویند .
لورا .
نام‌آلتی‌است‌درموسیقی که‌چنگ‌رومی

نامیده می‌شود .

لیر Lyre
چنگ را به بینید .

مدیلان .
نوعی کمانچه است که درسال ۱۳۰۰ هجری قمری میرزا غلامحسین اختراع کرده است .

مزمار، زمر .
سازی شبیه سرنای ایرانی که لولهٔ آن استوانه‌ای شکل و پردهٔ صوتش ناقص است .

مزمار عراقی .
نای‌را به بینید .

موسیقار .
نام‌سازی است .

مهری .
چنگ را به بینید .

نا انبان .
سازی است مشهور که نای انبان و نی‌انبان هم گویندش.

ناقوس .
زنگ بزرگی که ترسایان در وسط کلیسا از سقف آویزند و به روزیکشنبه ازصبح تاوقتی‌که مردم ازنماز فارغ‌شوند نوازند. این زنگ در موقع اعلام خبری نیز به‌صدا درمی‌آید وآن را داری نیز گویند .

نای .
نیی باشد که رامشگران زنند وبه عربی‌آن را مزمار نامند .

نای انبان .
نی‌انبان ، انبان پربادی است که نی راازمیان‌آن ردکرده نوازند وخوانند و رقصند خیلی‌خوش‌آواز است ومارگیران بدان مار را از سوراخ بیرون‌آورده بگیرند . این ساز را درهندوستان بهر خانه‌ای‌که مار دارد برای بیرون‌آوردن آن مورد استفاده قرار می‌دهند .

نای ترکی .
سورنای راگویند وآن سازی است معروف، بعضی‌گویندنایی‌است‌که درهنگام جنگ نوازند .

نایچ .
نایی باشدکه رامشگران نوازند .

نای روئین .
نایی باشدکه در روز جنگ نوازند وبعضی‌گویندنفیراست وبرخی‌گویندکرنا است .

نایلوس .
سازی است مشهور ومعروف که موسیقار هم‌گفته می‌شود نام دیگرآن‌نای لوس است .

نای نبرد .
کرنای جنگ راگویند .

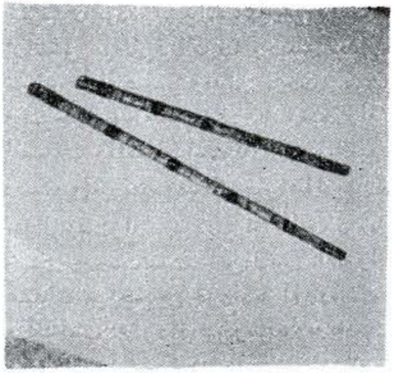
نای نرم .
ازآلات لهو فارسی است .

نپور .
به معنی نفیر است‌که نوعی شیپور است .

نزهت .
سازی با تارهای بسیار زیادکه هر تار صدایی خاص داشته وشبیه قانون به شکل مربع مستطیل بود واختراع‌آن را به **ارموی** نسبت می‌دهند .

نقاره .
که دوطبل‌کوچك متصل بهم‌است یکی بزرگتر ودیگری کوچکتر وبا دو عدد چوب‌به‌نام **چوب نقاره** نواخته می‌شود. کاسهٔ نقاره ازمس است وپوست‌آن از پوست‌گاو تهیه می‌شود .

نی .
سازی بادی است .



نی هفت بند .
نی‌هفت بند یکی از آلات قدیمی موسیقی ایران است‌که در بیشتر مناطق کشور دیده می‌شود. صدای این سازکم و ملایم است وبه همین جهت درطی مراسم همگانی ومجامع وتشریفات محلی از آن استفاده نمی‌شود. درازی آن درجاهای گوناگون یکسان نیست وهمانطوری‌که ازنام آن برمی‌آید از هفت بند نی که نزدیك‌به ۴۰ سانتیمتراست بیشتر نمی‌باشد. امارا‌ه‌نواختن‌آن درهمه‌جایکسان دیده شده است این ساز به ساز چوپانی معروف است . زیرا بیشتر چوپانان در بیکاری خودرا باآن سرگرم می‌کنند . گویندکه‌گوسفندان با آهنگ‌های ویژه‌ای‌که با نی هفت بند نواخته می‌شود آشنایی دارند وباشنیدن‌آن به دور چوپان گرد می‌آیند .

یراع .
نی را به بینید .

یکتای .
یك تار را به بینید .

موسیقی دانان ایران

آزادوار چنگی .
ازمطربان‌دورهٔ خسروپرویز است.

آشوت ، تانیا .
(تولد ۱۳۱۵ شمسی)
خانم‌آشوت که از موسیقی‌دانان و پیانونوازان جوان ایرانی‌است تحصیلات مقدماتی موسیقی را ازسن۸ سالگی در تهران‌آغازکرد ودر سن ۱۵ سالگی در بخش‌هنرجویان فرانسوی کنسرواتوار پاریس درکلاس‌لازارلهوی L.Lévy که‌از بزرگترین استادان پیانوی معاصر می‌باشد تحصیل‌خودرا ادامه داد و در سال ۱۹۵۴ به دریافت دیپلم ممتازکنسرواتوار پاریس نایل شدودرسال ۱۹۵۵ بامساعدت‌ادارهٔ کل‌هنرهای زیبادرمسابقهٔ بین‌المللی«شوپن»درشهرورشوشرکت‌جسته و از برندگان «Diplome d'honneur» به‌شمارآمده است ودرشهریورماه۱۳۳۵ درمسابقهٔ‌بین‌المللی‌موسیقی‌که‌درشهرمونیخ ترتیب‌یافت‌ازبرندگان رشتهٔ‌پیانوگردید ضمناً جوان‌ترین شرکت کنندگان بوده است .
تانیاآشوت در مهرماه ۱۳۳۵ یك رسیتال پیانو درتهران ترتیب‌دادکه بی‌نهایت مورد توجه قرارگرفت .

آقاباشی .
ابراهیم‌آقا باشی رابه‌بینید.

آقاحسینقلی .
(فوت ۱۲۹۴ ش)



موسیقی دان ایرانی ، استاد تـار، فرزندآقا علی‌اکبر، که دردربار ناصر‌الدین‌شاه بود، موسیقی را نزد **میـرزا عبدالله** (برادرش) وآقا غلامحسین(پسر عمویش) آموخت ، آقا حسینقلی مجلس درس داشت ، در **ردیف** سبك او مشهور است وبرای‌اولین‌بار همراه چندهنرمند دیگر عازم پاریس شد تـا ازتار صفحه پر‌کند .

آقا علی اکبر .

ازموسیقی دانان معروف ایران در دربار ناصرالدین‌شاه‌قاجار بودکه‌باید او را سرسلسلۀ **خاندان هنر** نـامید، زیرا موسیقی کلاسیك امروز ما یعنی مجموعۀ دستگاه وگوشه‌های آوازها کـه آنها را ردیف می‌نامیم روایت‌آقاعلی اکبراست.

آقاغلامحسین .

غلامحسین را بهبینید .

آقامطلب .

مطلب خان رابه بینید .

ابراهیم‌آقاباشی .

(قرن ۱۳ هـ ق)

استاد نی ومعلم نایب‌اسدالله بود .

ابراهیم پسر ماهان .

(۱۲۵ ــ ۱۸۸ هـ ق)

مکنی بهابواسحق بن‌بهمن‌بن یسك ارجانی مشهور بهندیم مـوصلی . وکلمۀ ماهان را سپس بهمیمون تبدیل کـرده و ابراهیم‌بن‌میمون موصلی گفته‌اند. ماهان پدر ابراهیم‌ازارجان به‌کوفه هجرت‌کرد وابراهیم درکوفـه متولد شد. اصل‌این خاندان‌ازدودۀ‌بزرگی‌ایرانی‌است‌واسحق معروف پسرابراهیم گوید :

ماایرانی باشیم از مردم ارجان از موالی حنظلیین وآنان را نزد ماضیاعی بود، پس‌ازآن ابراهیم‌به‌موصل‌رفته‌مدتی درآنجااقامت‌گزیدوشهرت اوبه‌موصلی‌از اینجاست . ابراهیم‌موسیقی و غنـا را از استادان‌ایرانی‌فراگرفت‌ودرغناواختراع الحان به زمان‌خویش نظیر نداشته و در کلیۀ این‌فنون‌استادی‌بی‌عدیل بوده‌است. او شوهر خواهر زلـزل رازی است و گویندآنگاه‌که‌زلزل‌می‌نواخت‌وابـراهیم می‌سرود مجلس به‌اهتزاز می‌آمدو‌نخستین خلیفه‌که غناء اوشنوده‌مهدی‌بـن‌المنصور است وبه‌روزگار مهدی‌وهادی وبالخاصه هرون‌ابراهیم‌را دردربار مقامی‌عالی‌بوده است ، وفات او در ۶۴ سالگی به بغداد روی داد .

ابن‌ابی‌اصیبعه .

(فوت ۶۱۶ هـ ق)

رشیدالدین علی‌بن خلیفة‌بن یونس بن ابی‌القاسم‌خزرجی. به‌فارسی شعرمی‌گفته وخرقۀ تصوف ازصدرالدین حـویه پوشیده.درادب وحکمت وطب وریاضیات **وموسیقی** استاد بوده‌است .

ابن بانه .

(وفات ۲۷۸ هـ ق)

عمربن محمدبن سلیمان بـن راشد ازغیرنژاد عرب ازموالی یوسف بن‌عمر ثقفی **خنیاگرمعروف** شاگرد اسحق بـن ابراهیم موصلی . موطن‌اوبغـدادبوده و کتاب (مجردالاغانی) ازاوست وشعرنیز می‌گفته وازندمای‌متوکل‌بوده‌است‌پدرش محمدبن‌سلیمان‌ازکاتبان‌مشهوراست،بانه نام‌مادراوست(ابن خلکان).

ابن‌خردادبه .

(وفات ۳۰۰ هـ ق)

ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، عالم جغرافیا ، ایرانی درقرن سوم هجـری جد اوخردادبه اولین‌کس ازاین‌خاندان است که اسلام‌آورده وپدرش فرمانـدار طبرستان بوده، عبیدالله **موسیقی** را نیز ازاسحق موصلی‌فراگرفته وچندی بعداز ندمای‌خلیفۀ عباسی ومدتی صاحب‌بریدی وخبرجبال بدومحول بودکتاب مشهوراو المسالك والممالك‌است‌که‌دراروپا به‌طبع رسیده واین‌کتاب مدرك جغرافیانویسان بعدازاوست‌وازسایرکتبی‌که تألیف‌کرده چیزی دردست‌نیست. ابن‌الندیم نام‌اورا عبیدالله بن‌احمدبن خردادبه آورده‌است وگفته‌است که‌خرداد به‌مجوسی‌بوده‌وبه‌دست برامکه مسلمانی‌گرفته وازکتب اوعلاوه برمسالك‌ممالك‌کتاب ادب‌السماع‌وکتاب جمهرةالانساب الفرس‌والنوافـل وکتاب الشراب وکتاب الانـواروکتاب الندماء والجلساء رانام برده‌است .

ابن‌غیبی .

عبدالقادر ابن‌غیبی‌را به‌بینید.

ابن محرز .

ابوالخطاب مسلم، اصلاً ایرانی‌بود، ودرحجازمی‌زیست وسیاحت شام وایران کرددراوایل اسلام‌اوبه**خنیاگری**مشهور گشت واشعارعرب‌را با**آهنگهای** نواحی مختلفه تطبیق‌داد وخود نیزآهنگهایـی اختراع کرد .

ابوحفص .

(زندگی درقرن سوم هق)

حکیم بن احـوص سغدی . ازسغد سمرقند .

ابوحفص در صناعت **موسیقی** دستی تمام داشت.

ابونصرفارابی درکتاب‌خویش ذکر اوآورده است با صورت آلت موسیقاری به‌نام **شهرود**که بعدازبـوحفص هیچکس آن‌را درعمل نتوانست آورد .

ابوذکاء .

(معاصر جعفر برمکی)

دانشمند موسیقی ، رودنواز جعفر برمکی .

ابوصواب .

ظاهراً محتشمی ازبزرگان موسیقی بوده است . معاصر عماره شاعر مروزی بـوده است .

ابوطلب .

(معاصر رودکی)

شاعری ترانه ساز وظاهراً معاصـر رودکی بوده است .

ابوالعبك .

(معاصر رودکی)

بختیار یکی از دانشمندان موسیقی که رودکی شاعرمشهورنواختن بربط را ازوی فراگرفت .

ابومنصور .

(وفات ۴۴۷ هـ ق)

اصفهانی حسین‌بن طاهربن زیـد . ازشاگردان ابوعلی بن سینا اودرریاضی **وموسیقی** استادبود.

ابونصر .

(سلطان محمود غزنوی)

نوازنده‌ای دردربارمحمود غزنوی.

ابونصر پلنگ .

نوازنده‌دربارسلطان محمودغزنوی است .

ابونصرفارابی .

(۲۶۰ ــ ۳۳۹ هـ ق)

محمدبن محمدبن‌اوزلغ بن طرخان ازشهر فاراب .

اوفیلسوفی کامل وامامی فاضل ودر علوم‌حکمتیه متقن ودرعلوم ریاضیه‌بارع وزکی‌النفس وقوی الذکاء بود .

و در دانش و هنر **موسیقی** وعمل آن‌به‌غایت اتقان رسیدکه برآن مزیدی نبود وگویند اوآلت غریبه‌ای ساخت که ازاوالحانی‌بدیعه شنوده‌می‌شدکه انفعالات نفس بدان به‌حرکت می‌آمد .

احمد قزوینی .
ازنوازندگان دورهٔ صفوی است .

احمد .
(وفات ۷۴۱ ه ق)
ابن یحیی سهروردی قرشی بکری شافعی ملقب بهشمس‌الدین کاتب اورادر لغت‌و**موسیقی** یدطولایی ودر **حسن خط** قدح معلی بود .

اردشیرچنگی .
ازنوازندگان دورهٔ تیموری است .

احمد خان‌گیلانی .
(وفات ۱۰۰۹ ه ق)
شریف حسینی ازامیرزادگان گیلان او درریاضی و حکمت و موسیقی دست داشت وبـه فارسی شعـرمی‌سرود وخود **اصوات و نغمات** برای غزلهای خویش می‌ساخت .

ارموی ، صفی‌الدین عبدالمؤمن .
(۶۱۳ ـ ۶۹۳ ه ق)
ازمردم رضاییه‌که خطاط کتابخانهٔ خلیفهٔ معتصم عباسی دربغدادبود، سپس‌به نواختن عودپرداخت واستاد این‌فن شد، بعداز سقوط بغداد بهدست هولاکـوخان به دربار اورفت‌ومدتی رییس دارالانشاء عطاملك جوینی بود ، ورسالهٔ شرقیهٔ وی به‌نام بسرعطاملك است.
رسالـهٔ **الادوار** نیزاز اوست . در پایان عمر بهعلت قرض‌فراوان بهزندان افتاد وهم‌آنجا جان سپرد.

استوار ، هوشنگ .
(متولد ۱۳۰۶ ش)
آهنگساز ایرانی‌که تحصیلات خود ــ را در سویس و بلژیك بهپایان رسانیده است‌ودرسال۱۳۳۱ دیپلم عالی‌هارمونی دریافت‌کرد . چندآهنگ تاکنون‌ساخته است .

اسحق موصلی .
(۱۵۰ ـ ۲۳۵ه ق)
پدرش ابراهیم‌بن ماهان پسر بهمن فرزند نسك،ازدهقانان ارجان فارس‌بود که در کوفـه متولد شد و سفری که به‌ری‌کرد،وموسیقی‌ایران‌رااز«جوانویه» نام زرتشتی‌آموخت «شاهك رازی» راکه خواننده‌بود بهزنی‌گرفت واسحق ازاوبه دنیاآمدابراهیم‌نواختن‌عودوخواندن‌آواز را ازاستادان فن‌فراگرفت و دراین هنر به‌مقامی ارجمندرسید ودر دربار هارون ومهتدی خلفای عباسی‌قدر ومنزلت بسیار یافت .
فرزند ابراهیم اسحق،موسیقی رااز پدر واستادی‌دیگر به‌نام «منصور زلزل» بیاموخت. اسحق مانندپدرش ازهدایایی که ازخلیفه وبزرگان می‌گرفت ثروتـی هنگفت یافت . ابوالفرج اصفهانی‌صاحب کتاب «اغانی»اسحق رابه‌دریاوموسیقی‌ـ دانهای دیگررا بهجوی‌ها ونهرها تشبیه کرده واورا درمـوسیقی صاحب سبکی خاص دانسته است .
گویند اسحق اوزان موسیقی‌راتحت نظم وترتیب مخصوص‌آورده ودرکتابـی که محتوی مجموع‌تصانیف‌او بوده، نغمات موسیقی وتصنیفات خـودرا ازحیث وزن طبقه‌بندی‌کرده است . همچنین‌نوشته‌اند که وی‌چنان ازکیفیت فواصل وپرده‌های موسیقی‌آگاه بوده‌کـه آهنگهای دشوار موسیقی رابا‌عود ناکوك می‌نواخته واین دلیل‌بردقت قوهٔ سامعه ومهارت انگشتان وآشنایی کامل به‌این ساز بوده است .
معروف‌است‌که‌پدرش ۹۰۰ نغمهٔ ــ موسیقی‌ساخته‌بودکه‌اسحق آنهارا به‌سه‌دسته تفسیم‌کرد: ثلث‌اول راشاهکار پدردانست وقسمت دوم‌را متوسـط ؛ وبخش سوم را عادی تشخیص داد. ازنوشته‌هـای اسحق متأسفانه چیزی باقی نمانده وبه‌دست ما نرسیده است، ولی‌بی‌شك‌همین آثارمرجع موسیقی دانان بعدی بوده وموسیقی‌قدیم ایران راپی‌افکنده است.اسحق شاگردی موسوم به «زریاب» داشت‌که اوهم‌ندیم و وهم‌خوانندهٔ مخصوص خلیفهٔ عباسی‌بود . وی بعدها به‌اندلس (اسپانیا) رفت‌ومورد نوازش خلیفه عبدالرحمن قرار گرفت و گویند چندان جاه ومقام یـافت‌که صد بنده درخدمت داشت .
خلیفهٔ عباسی پس‌از مرگ اسحق ، چنین‌گفت‌که مجلس خلیفه بی‌وجوداسحق زیب ورونقی ندارد .
درکتاب‌اغانی حکایاتی ازاسحق‌نقل شده است‌که‌دلیل‌کمال‌مهارت وهنرمندی او درفنون نـوازندگـی وخوانندگی و شاعری‌است .
هرچنداسحق‌ازخاندانی ایرانی‌است ولی به «موصلی» معروف شده زیرا در آنجا به‌دنیاآمده است .
اسحق ازچهره‌های تابناك موسیقی قدیم ایرانی به‌شمار می‌رود وموجب‌فخر ومباهات هنرسرزمین کهن‌سال مامی‌باشد.

اسماعیل‌خان .
کمانچه نواز ایرانی است .

اسماعیل زاده ، حسین‌خان .
(فوت ۱۳۲۰ش)
موسیقی دان واستادکمانچه، فرزند اسماعیل‌خان کمانچه‌کش است، مقدمات موسیقی‌رانزد عموی خودقلی‌خان‌آموخت وبعدأدرویولون نیز مهارت یافت‌واستاد بسیاری ازاستادان موسیقی بود .

امیرخسروی ، گیتی .
ازموسیقی‌دانان واستادان پیانـوی معاصر ایران است . خانم امیر خسروی در سال ۱۳۳۵ بهریاست هنرستان‌عالـی موسیقی‌کشور انتخاب شدند .

حسین، امین‌الله .
(تولد ۱۲۸۲ ه ق)
زادگاه خانـوادهٔ حسین سـرزمین خراسان‌است. امین‌الله‌دربادی‌امر برحسب میل خانوادهٔ خوددررشتهٔ پزشکی‌به‌دانش اندوزی پرداخت ولی بزودی ازاین کار چشم پوشید وبه سوی دانش وهنرموسیقی رهنمون شد .
وی تحصیل خودرا درکشور آلمان شروع ودر فرانسه‌که قریب ۴۰ سال‌است اقامت دارد تکمیل کرد . مدت ۲۵ سال است که این هنرمند ایرانـی بـا دادن کنسرت‌های مجلل در شهرهـای بزرگ اروپا مثل‌پاریس، لندن، برن، آمستردام، رم و غیره شهرت بین‌المللی پیدا کرده وباعث افتخار ایران وایرانیان گردیده است. مرکز فعالیت وی پاریس است در این‌شهر مشهورترین ارکسترها(مانند ــ «پادلو»،دکولون»،«لامورو» وغیره) آثار وقطعات‌اورا اجراکرده‌اند. منقدین‌هنری اورا درردیف مبتکرین‌وبزرگان‌موسیقی قلمدادکرده‌اند .
فعالیت‌های هنری اوازسال ۱۹۳۳م درپاریس آغاز شد. ودر این سال بـالهٔ پرواز به‌سوی نوررا برای اولین مرتبه اجرا کرد درسـال۱۹۳۴م. حسین یك کنسرت‌درشهرپاریس‌داد که مورد توجه همگان‌واقع شد.درسال ۱۹۳۸ دو باره بالهٔ‌پرواز به‌سوی‌نورزادرحضور آلبرلبرن رییس‌جمهوری پیشین‌فرانسه دادکه‌بسیار مورد توجه واقع شد.
ومطبوعات‌فرانسه هرکدام درمورد آن به تمجید وستایش سخن راندند .
در سال۱۹۴۶ کنسرت‌باشکوهی در تالار (پلیل) پاریس به‌افتخار میهن‌عزیز ماایران داد که در آن بالهٔ مینیاتور ــ های ایرانی به مشارکت ارکستر کولون

وچند نفر از ستارگان درجهٔ اول رقص مانند ایوت شوویـره ــ ژانین شارا ــ سولانژشوارتز ــ روژه فنونژوا ــ درآن شرکت داشتند . درسال ۱۹۴۷ کنسرت باشکوهی درتالار «گاوو» تشکیل گردید وارکستر کولون برای اولین بارخرابه‌های تخت جمشید یکی ازشاهکارهای حسین‌را نواخت. درسال ۱۹۴۹ انجمن هنری‌شهر آتن‌ازحسین تقاضا کرد که‌در کنسرت‌مهمی که در این شهرتشکیل می‌شود مشارکت نماید،دراین جلسه هنری ارکسترلامورو چند قطعه ازآثار آهنگ ساز ایرانی را نواخت‌که باعث تمجید مطبوعات ومردم شد . آثار مهم حسین به‌قرارزیر است :

۱ــ سمفونی‌ها :

سمفونی شن‌هـا ــ خرابه‌های تخت جمشید ــ ایرانیا .

۲ــ «باله» ها :

پرواز به سوی نور ــ چشمهٔ اشك ــ مینیاتورهای ایرانی ــ قصهٔ ایرانی .

۳ــ کنسرتوها برای‌پیانو وارکستر: سه‌قطعه به‌این نام‌با نمرات۱و۲و۳.

۴ــ قطعات برای پیانو :

ساز و آواز تاتاری ــ دور نمـای تابستان ــ شب طوفان ــ باران پاییز ــ مسخرگان پروانه فروش ــافسانهٔ‌ایرانی ــ ستایش عمر خیام ــ جوشش روان ــ رقص چرکسی .

۵ ــ آوازها :

زرمه ــ گل وبلبل ــ اوهه ــدختر گل‌فروش ــآوازشتربـان ــای‌ساربان .

باربد .

نغمه‌پردازو نوازنده‌دربارخسرو پرویز ساسانی‌بود.درشاهنامهٔفردوسی‌ومثنوی‌خسرو وشیرین نظامی،حکایاتی ازاو نقل‌شده‌است.

وی آهنگها ونواهای بسیاراختراع کرده ومشهور است‌که ۳۶۰لحن موسیقی ساخته وهرروزیکی‌ازآنهاراکه به‌مناسبت، به‌نام‌آن‌روزموسوم بوده می‌نواخته‌است‌تا شاه‌ازتکرار نغمات‌موسیقی‌خسته‌خاطر نشود.

مقام باربد درنزد خسرو به‌آن پایه بودکه هرکس حاجتی داشت مطلب خود ــ رابوسیلهٔ اوبه‌عرض پادشاه می‌رسانید. از جمله وقتی‌که اسب محبوب شاه موسوم به «شبدیز» مرد،کسی را جرأت اظهار آن نبود تا اینکه باربد نغمهٔ مخصوصی‌دربن زمینه بساخت وبـرای خسرو بنواخت و شاه را از حادثه آگاه کرد .

نظامی نام سی نغمه از الحان باربد رادر داستان خسرو وشیرین آورده‌است. نامهایی راکه نظامی درخمسه اثـر معروف خویش آورده معلوم نیست همان نغمات اختراعی باربد باشد ؛ ولی چون اغلب‌آنها فارسی خالص‌است ودیگران‌هم کم وبیش ازآنها یادکرده‌اند ، باحدس نزدیك‌به‌یقین‌می‌توان‌گفت‌که این نغمه‌ها یادگار دورهٔ ساسانی واز مخترعات‌باربد است‌که‌برای درباری مجلل، چون‌بارگاه خسرو، ساخته شده است مانند : «گنج بادآور» «آرایش خورشید» «نیمروز» «رامش جـان» «نوشین بـاده» «نـوروز» «کبك دری» «کیخسروی» «سبزه در سبزه» «سروستان» «مـاه» «شادروان مروارید» . ازمیان‌این نغمات آهنگ «نوروز» هم اکنون در ردیـف دستگاه «همایون» نواخته می‌شودکـه یادگاری از موسیقی‌آن دوره است .

پادشاهان‌ساسانی‌بخصوص بهرام‌گورو خسرو پرویز ، هنرمندان را گـرامی می‌داشتندوآنهارا نوازش‌بسیارمی‌کردند. نام باربد همه‌جا باعزت واحترام ذکـر شده وشاهد اهمیت وارزش هنرموسیقی‌در نزد شاهنشاهان ساسانی بوده است .

گذشته از باربد که بـزرگترین و مشهورترین سازنـده ونوازندهٔ دربـار ساسانی بوده نـام نوازندگان دیـگری مانند «نکیسا» و «رامتین» و «بامشاد» و «آزاد وارچنگی» هم درکتابهای‌قدیم فارسی به میان‌آمده است .

باغچه‌بان ، ثمین .

موسیقی‌دان‌وآهنگسازایرانی،هنرستان موسیقی ایران را در سال ۱۳۲۱ به‌پایان رسانید ، وبه کنسر واتوار آنکارا رفت درسال ۱۳۲۸ به ایران مراجعت کـرد. یکی بود یکی نبود ، لالایی صلح ، کشته شدن یك رفیق خوزستانی، سویت مردم، قسمتی ازآثار ایشان است .

باقرخان رامشگر.

کمانچه نواز ایرانی است .

بدیعی، حبیب‌الله .

ویولونیست معاصر ایران .

بامشاد .

نام خنیاگر وموسیقی دانی درزمان خسروپرویزاست،وجه‌تسمیهٔ‌آن‌یعنی‌بامداد چنان می‌نواخت ومی‌خواندکه همه‌کس‌را شاد می‌کرد.وازاین جهت به‌بامشادملقب شد .

بدیعی، رحمت‌الله .

ویولونیست معاصر ایران .

بامشاد، بهاءالدین .

بهاءالدین بامشادازموسیقی‌دانـان معاصر ایـران است . ایشان از فارغ ــ التحصیلان دورهٔ اول‌مدرسهٔ موسیقی می ــ بـاشد . وی در سال ۱۳۳۰ بـا حشمت سنجری ریاست هنرستان عالی موسیقی‌را داشتند ودرسال ۱۳۳۱ معاونت‌هنرستان به ایشان واگذار شد. در زمـان تصدی ایشان اقدامات مهم وسودمندی در زمینهٔ پیشرفت‌دانشجویان هنرستان‌عالی‌موسیقی به‌عمل‌آمد وهنرستان به سه‌دورهٔ ابتدایی متوسطه وعالی تقسیم شد .

پایور، فرامرز .

نوازندهٔ سنتوردورهٔ‌معاصر است .

تجویدی، علی .

ویولونیست معاصر ایران.

تهرانی، حسین .

(متولد ۱۲۹۱ ش)

موسیقی دان ایرانی واستاد ضرب، فرزند اسمـاعیل ، و استاد وزن شناسی هنرستان‌موسیقی‌تهران‌است.

جرجرائی .

(وفات ۲۵۱ ه ق)

محمدبن فضل مکنی به‌ابوجعفر از وزرای‌فاضل وادیب عباسیان بود، وی‌در موسیقی دستی تمام داشت ودر سال ۲۴۹ ه ق.ازطرف المستعین‌بالله به‌وزارت‌رسید.

جعفر .

(۶۸۵ ــ ۷۴۸ ه ق)

ابن ثعلب‌بن جعفرالادفوی ملقب‌به کمال‌الدین ومکنی به ابوالفضل . مورخ بود واز ادبیات وفقه و**موسیقی** هم‌اطلاع داشت. ازاوآثار زیادی به‌جای مانده ــ منجمله:الطالع‌السعیدالجامع لاسماءنجباء الصعیدکه برترجمه احوال رجال معاصر اواختصاص دارد . والبدرالسافر وتحفة ــ المسافر می‌باشد .

جلال باخرزی .

ازنوازندگان دورهٔ صفویه است .

جوادخان قزوینی .

کمانچه نواز ایرانی است.

جوانویه .

نام رامشگری است ازمردم ری‌که ابراهیم موصلی ارجانی موسیقی راازوی فراگرفته است .

حافظ .

احمد قزوینی ازجمله مطـربان و

نغمه‌سرایان عهدشاه عباس می‌باشد .

حافظ جلاجل .

باخرزی. ازجمله‌موسیقی‌دانان‌و نغمه سرایان عهدشاه عباس است.

حافظ .

عبدالقادر مراغه‌ای را به بینید .

حافظ مظفر .

قمی‌یکی‌ازموسیقی‌دان و نغمه‌سرایان عهدشاه عباس می‌باشد .

حافظ هاشم .

قزوینی یکی ازموسیقی‌دانان و نغمه پردازان‌عهدشاه عباس اول‌صفوی است .

حبیب عودی .

ازنوازندگان دورهٔ تیموری‌است .

حریر .

یکی‌ازعلمای‌موسیقی‌که استاداسحاق ابن‌ابراهیم موصلی بوده‌است .

حسن سنتوری .

سنتور نواز دورهٔناصری وشاگـرد محمدصادق است .

حسین، امین‌الدوله .

امین‌الدوله را به بینید .

حسین ، طنبوره‌ای ، میرزا .

نوازندهٔ دورهٔ صفویه است .

حسین صبوحی.

(وفات ۱۰۷۸ ه ق)

شاعر**وموسیقی** دان وهنرمنـد سدهٔ یازدهم . ازخوانسار برخاسته وبه تبریز رفته وی‌تاررانیکومی‌نواخت وقصهٔ حمزه وشاهنامه خوب می‌خواند .

حسین .

ابن‌طاهر بن‌زیله اصفهانی مکنی به ابومنصور معروف به‌ابن‌زیلـه ، متولـد اصفهان. دانشمندریاضی‌وطبیعی**وموسیقی‌دان.** اوشاگرد ابوعلی‌سینا بوده‌است.

کتاب «الکافی» را دربارهٔ موسیقی نگاشته است .

حسینقلی .

فرزند آقاعلی اکبر وشاگرد آقـا غلامحسین ومیرزاعبدالله‌نوازندهٔزبردست تار .

حسین ناصحی .

ناصحی را به بینید .

حنانه، مرتضی .

(متولد ۱۳۰۱ ش)

موسیقی‌دان، رهبرارکستر سنفونیك تهران (ازسال۱۳۳۱ ش) صاحب‌آثاری چون ، دستبندلعل ، آهنگ بختیاری ،

وغیره می‌باشد .

خالقی ، روح‌الله .

(۱۲۸۵ ــ ۱۳۴۴ ه ش)

موسیقی‌دان، ازمردم‌کرمان، لیسانسیهٔ دانشسرای‌عالی(۱۳۱۳) ازتألیفات‌ایشان درزمینهٔموسیقی: سرگذشت‌موسیقی‌ایران، هم‌آهنگی موسیقی، نظری به‌موسیقی‌وساز وآهنگ باستانی‌باید نام برد .

خرم ، همایون .

ویولونیست معاصرایران .

خسروانی ، طاهر.

طاهرخسروانی را به بینید.

خوش‌نواز .

کمانچه نواز ایرانی .

درویش ، غلامحسین .

(۱۲۵۱ ــ ۱۳۰۵ه‌ش)



آهنگساز ایرانی‌که در تهران‌به دنیا آمد. پـدرش (حاجی‌بشیر) اهل‌طالقان بود واندکی‌سه‌تار می‌زد و چون بـه مـوسیقی علاقـه‌داشت، غلامحسین را ازکودکی به مدرسهٔ مـوزیك دارالفنون سپرد. کـودك هنر دوست به‌فراگرفتن اصول موسیقی و نواختن طبل کوچك مشغول شد.

غلامحسین به‌دربارشاهی رفت وآمد داشت وسازنوازندگان را می‌شنید. سپس پیش«آقاحسینقلی» به‌تکمیل فن‌پرداخت وبعـداز سالها تمرین درنـواختن‌تار و مخصوصاً سه‌تار، مهارت یـافت و بهترین شاگرد استاد خودشد .

درویش، سفری هم‌به شیرازرفـت و در آنجا همسری‌گرفت‌که از او دختری به‌یادگار ماند . پس‌ازبازگشت به‌تهران کلاس‌موسیقی خودرا دایر کرد وبه‌تربیت جوانان‌همت‌گماشت. ضمناً درسلك«اخوان‌ـ الصفا»درآمدوبه‌ظهیرالدوله سرسپردودر اولین‌کنسرتهایـی‌که در «انجمن اخوت» تشکیل شد ، ریـاست ارکستر راداشت.

درویش، نوعی آهنگ ضربی به نام «پیش درآمد» ساخت‌که تـاسالها بعداز اورواج بسیارداشت. ساخته‌های اوروان وسلیس‌است ورنگهای‌اونیزبسیارزیباست آهنگی‌هم‌به‌نام «یولکای درویش» دارد . چندتصنیف‌داردکه اشعار آنها از«ملك‌ـ الشعرای‌بهار»ونمونه‌های بسیارخوبی از موسیقی ملی زمان‌اوست .

درویش‌خان دوسفربرای پـرکردن صفحه بـه‌خـارج رفت: درسفراول از راه روسیه بـه‌لندن ودفعهٔ دوم هم به تفلیس عزیمت‌کرد ودرهر دو سفر چندنوازنده وخواننده همراه وی بودند.

درویش، که‌به‌عنوان«یاپیرجان»شهرت داشت، تار وسه‌تار را نیکو می‌نواخت و مردی صاحب ذوق وخوش مشرب‌بود.

این استاد دراثرحادثهٔ درشکه درـ گذشت و در جوار قبر مرشدش درمزار امامزاده قاسم به‌خاك سپرده شد .

درویش شاگـردان بسیار داشت از آن‌جمله : شکری ــ صفایی ــ دادور ــ موسی معروفی ــ نـی‌داود ــ ارسلان درگاهی‌ــ ابوالحسن صباــ حسین‌سنجری.

دقیقی .

شعرای ایران را به بینید.

دولت‌آبادی ، فخری .

دراثر علاقهٔ زیادی‌که ازکوچکی‌به موسیقی‌داشته درسال۱۹۲۸ برای‌تحصیل موسیقی (ویلن) به‌اروپارفته ودر کنسرـ واتوار بروکسل مشغول تحصیل شدند .

پس از پایـان و گرفتن جایـزهٔ ویلن درسال ۱۹۳۹ به‌ایران بـازگشت و در هنرستان‌عالی‌موسیقی‌درکلاس ویلن‌بانوان به‌هنرآموزی پرداخت . وی‌اولین بانوی ایرانی است‌که برای تحصیل موسیقی به اروپارفته و تحصیلات خودرا در این فن به‌اتمام رسانده است.

ذوفنون .

ویولونیست معاصرایران .

رازی .

میرسید فرزند قاضی‌محمد ازادبـا وشعرای‌قرن‌دهم هجری‌وی‌درفن**موسیقی** استاد بود .

رامتین .

واضع چنگ واستاد درنواختن این ساز وبرخی وی را بارام (رامین) عاشق ویس‌یکی‌دانسته‌اندکه هم‌دورهٔبارب‌داست.

رییس .
محمد صادق را به بینید .

رجب بن حسین .
(وفات ۱۰۸۷ ه ق)
رجب بن حسین بن علوان حموی الاصل دمشقی، اودرعلوم **فلکی وموسیقی** وریاضی وهیأت سخت استاد بودگویندرجب معروف تر ازآن است که در**عالم موسیقی** مقام اوراشرح دهندوی آهنگهایی دلانگیز می‌ساخت وآواز اوخوب نبودوی موسیقی را درقالوه آموخت .

رشیدی، داود .
(متولد ۱۳۱۲ ش)
ازهنرپیشه‌ها وکارگردانان معاصر ایران، که تحصیلات تآتری خودرا در ژنو به پایان رسانیده وازدانشگاه‌های همان شهرلیسانسیهٔ سیاسی شده است .

چهارسال درژنو بطور حرفه‌ای در **تآترکاروژ** ودرپانزده برنامهٔ آن بازی کرده است ودرهمانجا دونمایشنامهٔ(مرید شیطان اثر برناردشاو وبریتانیکوس اثر راسین)راکارگردانی کرده است، پس از بازگشت به ایران به استخدام ادارهٔ هنرهای دراماتیك درآمد . ونمایش نامه‌های **می‌خواهید بامن بازی کنید؟** (اثرمارسل آشار)، اوژنی گرانده (اقتباس ازنوشتهٔ بالزاك) و مستأجر (پرویزصیاد) رابه‌روی صحنه آورد وبرنامه‌های متعددی برای تلویزیون اجرا کرده است .

رضوانشاه، خواجه.
ازاستادان موسیقی عصر شاهرخ شاه تیموری است که نتی ساخته بود باچند مقام وچند شعبه .

رودکی .
شعرای ایران را به بینید .

زبیر .
ابن‌دحمان یکی از**موسیقی دانان** و نوازندگان هنرمند معاصر هارون‌الرشید بودوابتداجزءطرفداران‌ابراهیم موصلی بود ولی بعداً به گروه طرفداران ابن‌جامع پیوست وآهنگهای فراوانی ساخت.

زریاب ، علی .
(فوت ۳۲۰ ه ق)
ابن‌نافع، مکنی به‌ابوالحسن وملقب به‌زریاب مولای مهدی خلیفهٔ عباسی.وی از بزرگترین موسیقیدانان دورهٔ خویش بود درهنر خوانندگی‌هم بسیارچیره‌دست بوده است. زریاب عودراکه تاآن‌زمان بر۴وتر بودبر۵وترقرارداد.خوانندگی رادربغداد نزداسحاق‌موصلی فراگرفت وی درقرطبه درگذشت ودراین شهربودکه‌ساختن‌مضراب عودرا ازپرهای بال‌کرکس اختراع کرد در حالی‌که تاآن زمان آن را ازچوب می‌ساختند .

زلزل، رازی، منصوربن جعفر .
(قرن ۲ و۳ ه ق)
موسیقی‌دان وعودنوازمعروف‌معاصر هارون‌ومأمون‌وی درجایگاه انگشتان‌در عودوشاه‌رودتصرفاتی کرد، و اسحاق‌بن ابراهیم موصلی نزد اوموسیقی‌آموخت . هارون براو غضب‌کرد وقریب ۱۰سال وی را ازخود دور داشت .

سالارالسلطنه، نصرةالدین میرزا .
(فوت ۱۳۳۳)
وی درشعر و موسیقی دست داشت ، ودرپاریس پس‌ازعمل جراحی خطرناکی درگذشت .

سائب خاثر .
(وفات ۶۳ ه ق)
مکنی به‌ابوجعفر فارسی‌لیثی یکی‌از ائمهٔ**موسیقی عرب** واصل اوایرانی‌است **صوتی‌خوش** داشت واول‌کسی است که درمدینه‌عودساخت‌وباآن‌غناکردوبه‌استاد معبدمغنی مشهور است وی درواقعهٔ حره کشته شد .

سرکب .
نام موسیقی‌دانی در دربار ساسانی. گروهی‌ازخاورشناسان اورا همان‌سرکش دانسته‌اند .

سرکش .
موسیقی دانی‌که درزمان خسرودوم زندگی‌می‌کرد وجزومطربان دربار بود . روایاتی‌که درباب باربد وسرکش به‌ما رسیده مأخوذ از خوذای نامك (خدای نامك) نیست، بلکه محتملاً از بعض‌کتب معمول در اواخر دورهٔ ساسانی نقل شده است . تفصیلی‌که درشاهنامه وغررسیر نقل شده‌کمابیش افسانه‌آمیزاست،گویند سرکش درآغاز جوانی رتبهٔاول داشت و به سبب حسادت پیوسته باربد را ، که رامشگری جوان و به قول **غررسیر** از مردم‌مرو بود، ازقرب شاه دورمی‌داشت . امابارید حیله‌کرد وآواز خویش را به گوش خسرو رسانید وخنیاگر مقرب شاه گردید .

سرگش .
سرکش را به بینید .

سرمست عراقی .
نوازندهٔ نی‌است .

سرورالملك .
محمدصادق را به بینید .

سلطان محمد چنگی، استاد.
نوازندهٔ دورهٔ صفویه‌است.

سلطان محمد طنبوره‌ای، استاد .
نوازندهٔ دورهٔ صفویه است .

سلیمان اصفهانی .
نوازندهٔ نی‌است .

سماع حضور.
سنتور نواز دورهٔ ناصری و شاگرد محمدصادق خان است .

سماعی حبیب .
(۱۲۸۰ — ۱۳۲۵ ه ش)
فرزند سماع حضور ، از استادان موسیقی‌ونوازندهٔ سنتور درسن ۱۲سالگی سنتور رانیکو می‌نواخت وآوازی نازك ومطبوع داشت ودرحین‌خواندن ونواختن تلفیقات‌شیرین وهیجان انگیزدرقسمتهای ضربی ایجاد می‌کرد که مخصوص خود او بود، سماعی به‌سبب‌اشتغال به‌خدمت نظام‌— وظیفه مدتی ازسنتوردوری‌گزید وبعدها که ازنظام‌بیرون‌آمد، تحولی‌مخصوص در ذوق موسیقی اوآشکارشد وابتکاراتی‌بدیع نشان می‌داد استادصبا به سبب همکاری نزدیکی‌که‌باسماعی‌داشت منتخب ابتکارات واطلاعات سماعی را باتکنیك مخصوص او حفظ‌کرده درکتابی انتشار داده است .

سنتورخان .
(قرن ۱۳)
محمدحسن‌استادموسیقی وسنتورنواز ومعاصر اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و از نوازندگان مخصوص دربار مردی خوش مشرب وکم‌سخن بودومحمد صادقخان ازشاگردان او بود .

سنجری،حشمت .
ازبزرگترین موسیقیدانان معاصر است که در هنرستان عالی‌موسیقی‌کشور سمت‌های مختلفی داشته‌است . وی‌درسال ۱۳۳۰ به‌ریاست هنرستان عالی موسیقی کشورمنسوب شد. ازسال ۱۳۳۴ تاکنون به‌رهبری‌ارکسترسنفونیك تهران انتخاب گردید وسرپرستی ارکستر هنرجویان‌را نیز عهده دارشد .

سید مهدی دبیری.

ازتار زنان مشهوراست .

شاد ملک .

نام مطربه‌ای جمیله که درزمان امیر تیمورگورکان بود .

شاطرجلال .

نوازندهٔ خنیاگری بوده که در سال ۹۷۰ ه ق ، از اصفهان به کاشان آمده است .

شاه مراد خراسانی .

از موسیقی دانان معاصر شاه عباس بزرگ که بواسطهٔ استادی فراوان مورد توجه قرار گرفت .

شاه یدی، یدالله میرزا .

نوازندهٔ نی است .

شریف، فرهنگ .

نوازندهٔ تاردورهٔ معاصر است.

شمس ورامینی، استاد .

نوازندهٔ دورهٔ صفویه است .

شهردار ، مشیرهمایون .

مشیر همایون شهردار را به بینید.

شهسوار چهارتاری، استاد .

نوازندهٔ دورهٔ صفویه است .

شهناز، جلیل .

نوازندهٔ تاردورهٔ معاصر است .

شهنازی، علی‌اکبر .

فرزند وشاگرد حسین‌قلی و نوازندهٔ تار است .

شیدا، علی اکبر .

(قرن ۱۳ ه ق)

موسیقی‌دان وشاعرتصنیف‌سازایرانی تصنیفهای وی مقبول عموم بـود وعارف اورا برخودمقدم می‌دانسته وازاو به‌نیکی یادکرده است . شیدا مـردی درویش و وارسته بـود. مختصر سه تاری می‌زد و خط نستعلیق‌راهم خوش‌می‌نوشت. آهنگها واشعارش بسیار مطلوب ودلنشین است . آهنگهای وی بـا آنکه متجاوز از ۵۰ سال ازتاریخ سرودن آنها می‌گذرد هنوز دارای لطف وجاذبه است .

شیرازی، قطب‌الدین .

قطب‌الدین شیرازی را به بینید .

شیروانی ، امیرحسن .

(معاصر)

ازهنرجویان سابق هنرستان عالـی موسیقی تهران می‌باشدکه چند سال‌پیش برای‌تحصیل دررشتهٔ «کلارنیت» (قره‌نی) درهنرستان عالی‌موسیقی برلن‌عازم آلمان شد و به پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای نایل آمد ودریك مسابقهٔ بین‌المللی که درسال ۱۳۳۵ در آلمان میـان دانشجویـان موسیقی ترتیب یافته بود جایزهٔ اول را به‌دست‌آورد واستادان موسیقی نفس‌اورا «شگفت‌انگیز»خواندند وآیندهٔ‌درخشانی را برای اوپیش‌بینی نمودند .

صبا، ابوالحسن .

(۱۲۸۱ـ۱۳۳۶ ش)

فرزند کمال‌السلطنه استاد موسیقی وویولون نواز، درسال ۱۳۰۲ به مدرسهٔ موسیقی وزیری رفت. وازآنجـا فارغ‌ـ التحصیل شد .

صبامشهورترین‌وبزرگترین‌نوازندهٔ آهنگهای ایـرانی بـا ویولون است و تألیفات‌متعددی درموسیقی‌ازاو به‌جامانده است، ازآن جمله، سه دستور ویـولون ، سه دستور سنتور، دستور سه تار .

او نه‌تنها موسیقی‌دانی بزرگ بود بلکه معلمی‌شایسته وانسانی‌باکمال‌فضایل اخلاقی به‌شمار می‌رفت .

صبوری رشتی .

(وفات ۱۳۱۳ ه ق)

میرزا باقرخان حکیم فرزنـد سید محمد،متخلص به‌صبوری وملقب به‌مدیرـ الاطباء ازنجبای رشت‌است .

صبوری **درموسیقی** مهارت تمـام داشت وبه بعضی‌زبانهای خارجی منجمله فرانسه کاملا آشنا بود .

صفوی‌الدین ارموی .

ارموی را به بینید .

صفی‌الدین .

(وفات ۶۹۳ ه ق)

عبدالمؤمن صفی‌الدیـن رافضایـل فراوان بود. وی درموسیقی استاد بود و در فن بربط نوازی مهارت تمام داشت.

طاهرخسروانی .

موسیقی دان دورهٔ نـوح بن منصور سامانی است .

طاهرزاده ، سید حسین .

خواننده‌های ایرانی را به‌بینید .

عارف، ابوالقاسم .

(۱۲۵۹ـ۱۳۱۲ ش)

شاعر وموسیقی‌دان ایرانی، صاحب آواز بهاری عارف، (شاعران ایران را به بینید) .

عبادی، احمد .

(متولد ۱۲۸۵ ش)

موسیقی‌دان واستاد سه تار، فرزند میرزا عبدالله می‌باشد از ۸ سالگی بـا موسیقی آشنا شد وامـروز استاد معلـم سه‌تار است .

عبدالقادربن عیسی مراغه‌ای .

(فوت ۸۳۸ ه ق)

موسیقی‌دان ایرانی، ملقب به**حافظ وگوینده**ومورد توجه سلطان‌احمدجلایر وملازم میرزا میرانشاه ، بود و بعدها ازامیرتیمورنیزمهربانی‌ها دید، **مقاصدـ الالحان** ، کتاب او در موسیقـی است ، وکتاب **جامع‌الالحان** خودرا به شاهرخ تیموری تقدیم کـرد، وآخریـن کتابش **کتاب الادوار** است .

گویا کتابی به‌نام **کنزالالحان** نیز نوشته است .

عبدالله فراهانی، میرزا .

فراهانی رابه بینید .

علی‌اکبر شاهی .

نوازندهٔ سنتور در دورهٔ ناصری و شاگرد محمد صادق خان .

علی .

(درگذشت ۷۲۱ ه ق)

ابن‌حسن،ملقب‌به‌ابوالفرج، موسیقی‌ـ دان مشهور.اوراکتابی درموسیقی است.

علی‌رضاخان چنگی .

کمانچه نواز ایرانی است .

علی صوتی .

(درگذشت ۱۰۸۰ ه ق)

سیدعلی صوتی یزدی شاعربود ودر هنر موسیقی مهـارت تمـام داشت و در اواخر عمر از ندیمان شاه سلیمان شده بود .

علی .

(درگذشت ۵۱۷ ه ق)

ابن‌مقلد ندیم، مکنی به ابوالحسن وی ازموسیقی‌دانان‌بزرگ بود ودر هنر خوانندگی وساختن‌آهنگ‌های‌گوناگون بردیگران پیشی داشت .

غریب، غلامحسین .

(معاصر)

ازموسیقی دانان معاصر ایران‌است وی آموزگار کلارینت هنرستان عالـی

موسیقی بود و در سال ۱۳۳۵ ازطرف اداره کل هنرهای زیبای کشور برای استفاده ازیك بورس به ایتالیا رفت .

غلامحسین، آقا.

برادرزاده وشاگردعلی‌اکبر که‌اوهم مانند عمویش در دربار ناصرالدین شاه مورد توجه و علاقهٔ مخصوص شاه بود . وی تار را بسیار استادانه می‌نواخته است .

غلامحسین، درویش .

درویش را به بینید .

فارابی، ابونصر .

(متولد ۲۵۹ ه ق)

از مردم‌فاریاب خراسان، در علم و فلسفه وموسیقی پیشرفت فراوان کرد، اختراع سنتور را به او نسبت می‌دهند ، فارابی نوازندهٔ زبر دستی بود وکتاب **الموسیقی‌الکبیر** بزرگترین اثر او در موسیقی‌است که‌در آن‌عصر‌منتشر شده‌است.

فتنه .

نام کنیزك بهرام‌گور می‌باشد که چنگ درنهایت خوبی می‌نواخته، است .

فراهانی، میرزا علی‌اکبر .

(۱۲۸۰ـ۱۳۳۷ ه ق)



فرزندآقا علی‌اکبر فراهانی است، نخستین تعلیمات موسیقی را از برادر بزرگتر خود «میرزا حسن» فراگرفت و بعدها در مکتب عموی خویش «آقا‌ـ غلامحسین» که استاد زمانه بود پرورش یافت. گویند باکمك «سید احمد» نامی که‌سه‌تارمی‌زد ودستگاه دان‌بوده، ردیف موسیقی را منظم‌کرده است .

رسم زمان او چنین بوده که‌آهنگها راسینه‌به‌سینه‌فرامی‌گرفتند وخط موسیقی در کار نبود لذا میرزا عبدالله ردیف موسیقی ایران را در «هفت دستگاه» تنظیم‌کردو به‌دست شاگردان، خود سپرد.

درتعلیم شاگرد حوصلهٔ بسیارداشت وهر گزطالبان موسیقی را دلسرد وناامید نمی‌کرد ازشاگردان او«منتظم‌الحکماء» ردیف استاد را خوب‌آموخت و برای «مخبرالسلطنهٔ هدایت » نواخت‌که باخط موسیقی ثبت شد و هم اکنون موجود است .

دیگر از شاگردان او «اسمعیل قهرمانی» بودکه‌ردیف‌استادرا به‌شاگردش «نورعلی برومند» بیاموخت .

«سید مهدی دبیری» شاگرد دیگر استاد، سه تار را خوش می‌نواخت.

میرزا عبدالله تار وسه تار را خوش می‌نواخت.فرزندهنرمنداو «احمدعبادی» است‌که ازهنرمندان به‌نام‌حاضر می‌باشد.

فرصت شیرازی .

مورخین را به بینید .

فرهت، هرمز .

(معاصر)

ازموسیقی‌دانان معاصر ایران است که در سال ۱۳۲۸ جهت ادامهٔ تحصیلات موسیقی به‌آمریکا رفت و به اخذ درجات BA و MA موفق شد وسپس به‌گذراندن دکترای اتنو ـ موزیکو لوژی EthnoMusicologlie در دانشگاه کالیفرنیادرشهرلوس‌آنجلس‌پرداخت‌برخی ازآثار اوتاکنون درآمریکا اجرا شده است .

قانونی، جلال .

نوازندهٔ عوددوره معاصراست.

قانونی شیرازی، رحیم .

نوازندهٔ عود است .

قطب‌الدین شیرازی .

(فوت ۷۱۰ ه ق)

ازنویسندگان وفلاسفهٔ ایران‌که در کتاب **درة التاج لعزة الدباج** خود از موسیقی به تفصیل سخن‌گفته است .

قطب‌الدین نایی .

ازنوازندگان دورهٔ تیموری است .

قلی‌خان .

کمانچه نواز ایرانی است .

قهرمانی، اسماعیل .

او نوازندهٔ چیره دست تار می‌باشد .

کسایی، حسن .

نی زن معاصرایران، شاگرد مهدی نوایی است .

گریگوریان، روبیك .

(متولد ۱۲۹۴ ش)

ازموسیقی‌دانان‌ایران،فارغ‌التحصیل هنرستان موسیقی تهران نخستین‌کسی‌که ترانه‌های محلی ایرانی را جمع‌کرده‌که معروفترین آنها **مسم مسم**وهی‌یار هی‌یار می‌باشد، گریگوریان‌تاسال۱۳۳۰ رهبر ارکستر سنفونیك تهران بود.

گوینده .

عبدالقادر مراغه‌ای را به بینید .

مجد، لطف‌الله .

نوازندهٔ تاردورهٔ معاصراست.

محجوبی، رضا.

(۱۲۷۷ـ۱۳۳۳ ش)

موسیقی‌دان وویولون نواز ایرانی برادر مرتضی، ولی افراط در مصرف تریاك والکل‌کارش را به جنون‌کشاند و دیری نپایید‌که ازجهان رفت .

محجوبی، مرتضی .

(۱۲۷۹ـ۱۳۴۴ ش)

موسیقی دان وپیانو نواز ایرانی است، فرزند عباسعلی ناظر، که مدتی در رستوران پدر پیانو می‌نواخت ومدتی هم معلم موسیقی‌شد. محجوبی‌نوازندهٔ منحصر به فردی بود که آوازها ونعمات ایرانی را به شیوهٔ دلپسندی روی پیانو می‌نواخت .

محمد حسن .

سنتور نواز ایرانی است.

محمد صادق .

(قرن ۱۳ ـ ۱۴ه ق)

از موسیقی دانان زبردست دربار ناصری ونوازندهٔ زبردست سنتور بود و «سرورالملك» لقب‌داشت . اورا «رییس» هم می‌گفتند، چون‌سمت ریاست نوازندگان دربار ونقاره خانه را داشت .

وی فرزند «مطلب‌خان» کمانچه‌کش معروف‌است. نخست‌نزدپدر کمانچه‌نواخت سپس‌هنرخودرا پیش‌استادی‌به‌نام«سنتور‌ـ خان» تکمیل‌کرد. محمدصادق سه‌تار را خوش می‌نواخت وبه پیانو هم آشنایی داشت. اولین‌کسی است‌که وقتی پیانو به ایران‌آمد، بااین ساز نغمات ایرانی را بنواخت .

گویند دستمالی روی سیمهای‌سنتور می‌کشید و درموقع خواب برای پادشاه نوازندگی‌می‌کردهمچنین‌روایت می‌کنند که‌کاسه‌های چینی یا گیلاسهای مختلف را آب می‌کردهو باکم‌وزیادکردن‌آب درون

آنها، یك «گام» موسیقی تشکیل می‌داده و آهنگهایی می‌نواخته. محمد صادق‌خان شاگردان بسیاری تربیت کرد که هر کدام از نوازندگان معروف زمان خود می‌باشند. در ردیف موسیقی به خط «مخبرالسلطنه هدایت» در قسمت همایون قطعه‌ای است به نام «پیش در آمد محمد صادقخانی» به وزن سه ضربی ممکن است از گوشه‌هایی باشد که محمد صادق خان می‌نواخته و منتظم الحکماء ضبط کرده است.

محمدعلی‌خان، مستوفی .

وی استاد عالیقدری در نواختن تار می‌باشد .

محمدکمانچه‌ای، میرزا .

از نوازندگان دورهٔ صفوی است.

محمد مؤمن، استاد .

نوازندهٔ دورهٔ صفویه است .

محمود، پرویز .

(متولد ۱۲۸۹ هـ ش)

موسیقی‌دان ایرانی وفارغ‌التحصیل کنسرواتوار بروکسل ومدتی به‌ریاست ارکستر هنرستان موسیقی کشور منصوب شد، ودرسال ۱۳۲۲ ارکستر سنفونی تهران راتشکیل داد، از آثار او، بیشه وعشق ، راپسودی نوروز، پوئم سنفونیك، لاله و مهرگان و بسیاری دیگر .

مراغی، عبدالقادر .

عبدالقادر، را به بینید .

مسلم بن محرز .

(قرن ۳ هـ ق)

ازموسیقی دانان ایرانی که پدرش اسیر اعراب شد، ونخستین کتاب‌موسیقی علمی را تدوین کرد، **رمل** از آهنگهایی است که او اختراع کرده است و بعداز مدتها دستهٔ‌خوانندگان دختر را تشکیل داد.

مشیرهمایون شهردار .

(متولد ۱۲۶۴ ش)

ازآهنگسازان ایرانی و استادپیانو است آثار او مورد توجه مردم می‌باشد.

مطلب خان .

کمانچه‌کش معروف ایرانی، پدر محمد صادق .

مظفر قمی .

از نوازندگان دورهٔ صفویه است .

معروفی، جواد .

(متولد ۱۲۹۱ ش)

موسیقی دان واستاد پیانو، از آثار معروفش **راپسودی شمارهٔ۱ دراصفهان، راپسودی‌شمارهٔ۲درهمایون، راپسودی شمارهٔ ۳ در ماهور** است . کنسرتوی پیانو درچهارگاه آخرین اثر ایشان است .

معصوم کمانچه‌ای. استاد .

نوازندهٔ دورهٔ صفویه است .

موسی کاشی .

کمانچه نواز ایرانی است .

موصلی، ابراهیم .

ابراهیم موصلی را به بینید .

موصع، اسحق .

اسحق موصع را به بینید .

میرزاحسن .

استاد ونوازندهٔ معروف تار فرزند آقا علی‌اکبر می‌باشد .

میرزاحسین طنبوره‌ای .

حسین طنبوره‌ای را به بینید .

میرزا رحیم .

کمانچه نواز ایرانی است .

میرزا عبدالله .

فراهانی را به بینید .

میرزا محمدکمانچه‌ای.

محمد کمانچه‌ای را به بینید .

میرمعزکاشانی .

خوشنویسان ایران را به بینید .

مین باشیان، غلامحسین (سرتیپ) .

سرتیپ غلامحسین مین‌باشیان‌فرزند مرحوم‌سالارمعزازموسیقی‌دانان معاصر ایران است. وی درسال ۱۳۱۳ به‌ریاست هنرستان موسیقی انتخاب‌گردید . وی سازمان‌هنرستان را برروی اساس برنامه‌های هنرستانهای موسیقی غربی نهاد . وی در زمان تصدی خود هرساله‌کارهای مهمی در بهبود وضع هنرستان به‌عمل می‌آورد وتاسال ۱۳۲۰ ریاست هنرستان را عهده دار بود .

مین باشیان، غلامرضا (سرتیپ) .

مرحوم سرتیپ غلامرضا مین‌باشیان (سالار معزز) از فارغ‌التحصیلان مدرسهٔ موزیك دارالفنون که به‌سال ۱۲۴۸ تأسیس شد می‌باشد. که پس‌از فراغت از تحصیل از طرف ارتش به روسیه اعزام‌گردید و درکنسرواتوار پترزبورگ به‌ادامهٔ‌کسب دانش موسیقی پرداخت وی که همکلاس و دوست «ریمسکی‌کرساکف» آهنگساز بزرگ روسی بود کنسرواتوار پترزبورگ را با پیروزی به پایان رسانید و برای تکمیل دانستنیهای خود به فرانسه رفت ودرسال ۱۲۹۲ شمسی به‌ایران بازگشت بعد ازیك‌سال سرتیپ مین‌باشیان (سالار معزز) به وزارت فرهنگ پیشنهاد کرد که یك‌کلاس‌موسیقی برای تربیت‌عده‌ای موسیقی دان در دارالفنون تأسیس شود. وزارت فرهنگ ازاین پیشنهاد پیشواز شایان نمود و درهمان‌سال کلاس نامبرده شروع بکار کرد وسالارمعزز سرپرستی آن را پذیرفت .

دوسال بعددراثرحسن‌ادارهٔ مرحوم سرتیپ مین باشیان وپیشرفتی‌که نصیب شاگردان‌کلاس موسیقی گردید . کلاس مزبور با تشکیلات جدیدی‌تبدیل به‌مدرسهٔ موزیك شد واز دارالفنون جداگردید ودورهٔ مدرسه به شش سال رسید . تمام دروس موسیقی را جزپیانو وویلن سالار معزز شخصاً به هنرجویان می‌آموخت . مرحوم سرتیپ مین باشیان خدمات ذیقیمتی در راه توسعه ورواج موسیقی انجام داده، برخی‌ازفعالیت‌های هنری او از این‌قراراست :

تألیف وترجمهٔ سه‌کتاب راجع به «آرمونی» وساز شناسی وارکستر- چاپ یك‌کتاب درباب‌موسیقی نظری- ساختن یك مارش وسرود که در آموزشگاه ها خوانده‌می‌شد. منظم کردن‌دسته‌های‌موسیقی ارتش وغیره .

نایی .

شیخ نایی از موسیقیدانان همزمان امیر علیشیر نوایی ومورد حمایت وی بوده است .

ناصحی، حسین .

(متولد ۱۳۰۴ ش)

مقدمات موسیقی را در هنرستان موسیقی تهران فراگرفت ودرسال ۱۳۲۱ به‌کنسرواتوار آنکارا وارد شد وپس ازشش‌سال در ۱۳۲۸ تحصیلات خود را به‌پایان رسانیدناصحی یك‌کوارتت زهی، سه قطعهٔ کوچك برای پیانو و ملودرام رستم وسهراب را تصنیف‌کرده است .

نایب اسدالله .

(قرن ۱۳ هـ ق)

موسیقی‌دان ، استادنی می‌باشد که درعصر خودمشهور خاص‌وعام بود، نایب اسدالله علاوه بر آهنگهای ایرانی‌بسیاری ازآهنگهای خارجی‌را نیز با نی اجرا می‌کرد .

نایی .

ملامحبعلی‌نی نوازهروی از شاعران

قرن‌دهم است وی‌خطی‌خوش داشته و در **نی زدن** استاد بوده است .

ندیم .
(درگذشت ۲۱۳ یا ۱۸۳ ه ق)
ابراهیم‌بن ماهان‌بن بهمن. وی‌اصلا ایرانی‌است‌که درکوفه به‌دنیا آمده و در موصل‌زندگی می‌کرد.مکنی به‌ابواسحاق معروف‌به‌ندیم ازبزرگان‌وموسیقی دانان قرن دوم‌وسوم‌ه ق است.وی‌درفن‌موسیقی‌که نزداستادان‌ایرانی‌آموخته بوداز‌نزدیکان دربار مهدی‌وهادی‌وهارون خلفای‌عباسی شد . اودرنواختن عود وآواز زبر دستی تمام داشت . که در وصف او افسانه‌ها گفته‌اند .

نشیط فارسی .
(فوت ۸۰ ه ق)
از موسیقی دانان ایران در صدر اسلام است .

نعمت‌الله خان .
معروف به‌اتابکی تارنواز بزرگ که درکرمان در دستگاه فیروز میرزا نصرت‌الدوله بود وسپس به‌تهران‌آمد و به‌دستگاه اتابك منتقل شد.

نکیسا .
نوازنده‌ای ایرانی دردورهٔ ساسانی (عده‌ای اورا یونانی دانسته‌اند) که نغمهٔ **جامه دران** ازاواست .

نوایی، مهدی .
استاد نی‌ومعلم حسن‌کسایی وشاگرد نایب اسدالله بود .

نوشین ، عبدالحسین .
(معاصر)
هنرپیشه و نویسنده ومترجم،ازآثار ایشان،اصول‌علم‌اقتصادی (ترجمه)، پرندهٔ آبی (ترجمه) ، تأثیرزن وظیفه‌شناس‌در زندگی،خروس سحر، درسه‌پرده (نمایش. نامه)، دراعماق اجتماع (ترجمه)،روسپی بزرگوار (ترجمه)، مردم وتآتر ، ولپن کمدی در۵ پرده، هنرتآتر،هیاهوی‌بسیار برای‌هیچ (ترجمه).

واصلی شاه‌جهان آبادی .
(درگذشت اواخرقرن دوازدهم)
میرزا امام‌وردی بیك‌اصلش‌ازایران ودرشاه‌جهان‌آباد به‌دنیا آمد ونشوونما کرد ودرسخن سنجی طبعی موزون و در خوشنویسی و علم موسیقی و تیراندازی دستی تمام داشت .

وزیری، علینقی.
(متولد ۱۲۶۶ ش)
موسیقی‌دان وآهنگساز معروف ایرانی‌است، درنظام به درجهٔ سرهنگی رسیده‌آنگاه ازارتش‌خارج‌شده به‌تدریس موسیقی پرداخت .
او به توصیهٔ دکترقزل ایاغ، تار را ساز اختصاصی خود قرارداد، اولین درس نت خوانی را از **یاور آقاخان** استاد موزیك نظامی‌آموخت ودر مدت‌کوتاهی توانست‌تمام‌ردیف‌هفت‌دستگاه‌میرزاعبدالله رابانت بنویسد .
درسال **۱۳۰۲** مدرسهٔ موسیقی را تأسیس کرد،وزیری‌درگردآوری‌آهنگهای محلی وآثار استادان پیشین ونوشتن آن به‌نت موسیقی تلاش فراوان‌کرد، تاریخ عمومی هنرهای مصور و زیبا شناسی از تألیفات ایشان است و شاگردانش در موسیقی اغلب‌به درجهٔ استادی رسیده‌اند.

وفادار، مجید .
ویولونیست معاصر ایران.

ورزنده، رضا .
نوازندهٔ سنتور معاصرایران است .

هاشم قزوینی .
ازنوازندگان دورهٔ صفویه است .

یاحقی، پرویز .
ویولونیست معاصر ایران .

یونس کاتب .
موسیقی‌دان ایرانی‌که درمدینه‌کاتب بوده‌کتابهایی‌راجع به‌موسیقی نوشته‌است که از جمله **کتاب‌النغم** است (اکنون اثری ازآن نیست) .

یوسف‌خان صفایی .
از تارنوازان عالیقدر می‌باشد و به سبب انتساب با ظهیرالدوله‌به یوسف ظهیرالدوله‌ای معروف شد .

اصطلاحات و فرمهای موسیقی

آپاسیونوتو .
قطعات‌گرم، وبا احساس موسیقی را گویند .

آتونای Atonay
سبکی‌درموسیقی مدرن می‌باشد که درآن تشخیص تونالیته برای‌شنونده‌غیر ممکن است، این‌سبك از۱۹۰۸ به بعد متداول شد .

آجیتاتو. Agitato
اصطلاحی درموسیقی‌که خشونت و وشدت رانشان می‌دهد .

آداجو Adagio
حرکت‌آهسته‌یاقطعات آهستهٔ‌سونات یاسمفونی یاکنسرتو است .

آرابسك Arabespue
ریزه‌کاری وتزییناتی‌که درساختن آهنگ‌به‌کار می‌رود.

آراتوریو .
نوعی‌ازموسیقی مذهبی است‌که‌مانند اپرا داستان رابا آواز تجسم می‌کند . نتهای این‌موسیقی‌شامل داستانهای‌مذهبی ازروایات توراة وانجیل است .

آرانژمان .
آهنگی‌که‌ویژهٔ‌ارکستری معین‌نوشته شده باشد .

آریا .
قسمت‌اصلی وملودیك اپرارا‌گویند واغلب به «فرم» دوتایی نوشته می‌شود و وزن‌آن سنگین است .

آریوزو .
قطعاتی‌که به‌سبك آریاهای اپرا ساخته می‌شود .

آسای .
کلمهٔ ایتالیایی‌که درموسیقی بعداز الفاظ وعلامات تفسیری دیگر قرار می‌گیرد و به‌معنی «به‌اندازهٔ‌کافی» است.
مثلا «به‌اندازهٔ‌کافی‌ملایم» آنداتهٔ یااندانته آسای .

آکور Accord
چند صداکه دریك زمان شنیده شود .

آکورشناسی .
علم‌شناسایی‌آکورهای مختلف ووجه تمایزآنها و وجه تسمیهٔ‌آنها است .

آلگرو Allegro
حرکت تند ومصمم‌وشاد ویاقطعات سریع وتند را درموسیقی‌گویند .

آندانته .
درحرکت موسیقی برای‌نشان دادن اینکه‌یك‌قطعهٔ موسیقی بایدبااین حرکت نواخته شود لفظ‌آندانته را دراول قطعه بالای کلید می‌نویسند .
این لغت ایتالیایی وبه معنی اندازهٔ متوسط یعنی نه‌تند ونه‌کند است .
آندنتینویعنی‌کمی‌تندتر ازآندانته

آندانتینو .
درموسیقی قطعاتی‌راگویندکه تندتر ازآندانته باشد .

آنوذ .
قطعه‌ای برای‌سازکه جنبهٔ تمرینی

دارد .

اپرت .

به‌معنی اپرای کوچك واز آهنگهای عامیانه وتفریحی به‌وجود می‌آید.

اپراسریا .

ازروی‌افسانه‌های باستانی‌وتراژدی‌های‌تاریخی‌تصنیف می‌شود و کلیهٔ‌قسمتهای آن‌آوازی است .

اپرابوفا .

يك نوع اپرای تفریحی است‌که از آهنگهای سبك‌تشکیل می‌شود .

او بلیگاتو Obbligato

وقتی که آهنگساز قطعه‌ای ازموسیقی رامشخص می‌کند .

اوپوس . Opus

به‌معنی‌کار و اثراست .

ارکستر .

لفظارکستر یونانی است وبه محلی که بین‌تماشاچیان واجرا نمایش(سن) است اطلاق مـی‌شود ودراصطلاح موسیقی بـه هیئت نوازندگان گفته می‌شود .

اولین‌بار موتسارت وهایدن‌ارکستر رابه صورت‌فعلی‌مورداستفاده قراردادند ولی‌تحول ارکستری ازدورهٔ باروك‌آغاز گردید .

پس‌ازگذشت سالها، تاکنون‌تحولات زیادی درارکستر راه‌یافته‌است وامروزه اکثرآهنگسازان‌آثارخودرا برای‌ارکستر (زهی، بادی، کوبی) می‌نویسند .

اورکسترفیلارمونیك .

نام ارکسترهایی است‌که وابسته به انجمن‌های دوستداران موسیقی است .

اورگانیست .

کسی‌راکه‌ارگ می‌نوازد،ارگانیست می‌خوانند .

اوکتت Octet

قطعه موسیقی برای‌هشت ساز.اکتت زهی‌معمولاً برای چهارویولون،دوآلتوو دو ویولونسل‌نوشته‌می‌شود. همچنین‌اکتت ممکن‌است بـرای‌سازهای زهی و بـادی نیزنوشته شود .

اکومپانیومان .

همراهی سازهابایکدیگر-همراهی سازها با آواز .

انترومزو Intermezzo

يك‌قطعه‌موسیقی‌سازی‌بین‌دو پردهٔ‌اپرا ویك‌قطعهٔ آزاد .

انترلود Inrerlude

قطعه‌کوچکی که بین‌دوقطعهٔ بزرگ نواخته می‌شود .

انتقال .

درموسیقی عوض‌کردن‌مایهٔ يك‌قطعه راانتقال‌گویند .

اوباد .

قطعات‌جالب‌وجذاب‌موسیقی‌رااوباد گویند .

اوراتوریو .

قطعهٔ موسیقی با شعرکـه معمولا در بارهٔ موضوعهای دینی ساخته ، و تقریباً همیشه (بـرخلاف اپرا) بـدون نمایش صحنه‌ای اجرامی‌شود عنوان و رواج آن ازقدیس‌فیلیپودنری(۱۵۱۵ -۱۵۹۵م) است که در۱۵۷۵ درفلورانس‌مجمعی‌دینی تأسیس‌کرد. وبرای‌آن نمازخانه‌ای‌به‌نام «اوراتوری» بنانهاد ، ودرآنجـاپس از وعظ،اینگونه‌قطعات اجرامی‌شد، وبه‌علت مقبولیت آنها، ایـن‌کار پس‌ازمرگ وی ادامه یافت، ازسازندگان معروف اورا- توریو می‌توان«پالسترینا» «هندل»«باخ» هایدن‌ومندلسون رانام برد کلمهٔ او را- توری لغت ایتالیایی است وبه‌معنی جای عبادت است .

اوورتور Over Ture

۱- قطعه مـوسیقی‌سازی‌که به‌عنوان مقدمهٔ اپرا نواخته می‌شود .

۲- قطعه موسیقی سازکـه مستقل است وبه‌عنوان‌يك اثراجرا می‌گردد.

باروك .

سبکی در موسیقی، که دورهٔ آن را از۱۶۰۰ (سال پیدایش نخستین‌اپرا) تا ۱۷۵۰ (سال‌مرگ باخ) قرار دادهانـد این‌سبك زاییده‌ای انقلابی است کـه در اواخر قرن ۱۶ میلادی بر ضد موسیقی چندصوتی بوجود آمد. خصوصیات‌اصلی سبك باروك درهنرهای پلاستیك (سبکی درمعماری) ودر موسیقی یـکسانند این خصوصیات عبارتند از .

تنوع، شور وجوشش‌هنرنمایی فنی، تضادواختلاف بین‌قسمت‌های‌مختلف‌موسیقی باروك رمانتیك ودارای احساسات شدید است خصایص فـردی و قدرت سازها در موسیقی باروك مورد تـوجه است اقسام عمدهٔ موسیقی باروك عبارتند از آوازی مشتمل‌براپرا،اوراتوریو، کانتات وسازی مشتمل بر فوگ، سونات، کنسرتو واوور تور درآمد) .

باریتون .

صدای بم مرد .

باس Basse

قسمتي ازيك قطعه موسيقي‌باهرساز، که آهنگ‌آن در منتهای پستی وکوتاهی نواخته شود .

باگاتل Bagatelle

اثر موسیقی‌سازخیلی‌کوتاه‌که اغلب برای پیانو نوشته می‌شود .

بالاد Ballade

يك نوع آهنگ شاعرانه است کـه يك پیانوآن را اجرا می‌کند .

برسوز Berceuse

اثرموسیقی‌کوچك‌برای‌آوازیاساز.

بل‌کانتو .

کشش صدا وپاساژهای مشکل‌آواز رابل‌کانتوگویند .

بم اصلی

جملهٔ‌کوتاه موسیقی که‌درنت‌های بم به صورت مداوم اجرا می‌شود .

پاساژ .

آهنگ رابط وفـرعی‌ای کـه بین آهنگهای اصلی يك قطعه واقع می‌شود.

پاسیون Passion

موسیقی‌هایی‌است‌که‌برای داستانهای مرگ عیسی نوشته شده است قدیمتریـن موسیقی پـاسیون را یـك موسیقی دان پروتستان در۱۵۷۳ نوشت باخ نیز پنج پاسیون سن‌ژان‌که در۱۷۲۴ درلایپزیك خوانده شد و دیگری پاسیون سن‌ماتیو کـه در ۱۷۳۹ در روز جمعهٔ مقدس اجرا گردید .

پرلود Prelude

یعنی نـواختن چیزی قبل از چیز دیگر. به پرلود «تانتاسیا» و اورتـور» و«پره لودیوم» هم‌می‌گویند **واگنر** اغلب برای‌شروع اپراهایش پرلودهای طولانی می‌نوشت باخ نیزپرلودهای زیادی‌ساخت شوپن‌چندپرلود محزون داردکه‌کوچك- ترین‌آنهادرمایه‌های «ماژور» ودوماژور است .

پسوم .

این فرم نیز متشکل از افسانه‌های مذهبی است .

پوئم سمفونیك .

قطعهٔ‌موسیقی‌توصیفی‌که‌برای‌ارکستر

ساخته می‌شود، و مرکب از یک یا چند حرکت است. فرانتس **لیست**، درمواجهه با محدودیتهای موجود درقالب کلاسیک سمفونی، این فرم را ابداع کرد و برای آهنگسازان بعد از خود این امکان را بوجود آورد که بتوانند درصورت لزوم پا را از حدود قالب سمفونی فراتر نهاده، برای توصیف تأثرات خود، شرح یک منظره، وحتی بیان یک سرگذشت، از قالبی آزاد استفاده نمایند. **برلیوز**، آهنگساز رمانتیک فرانسوی، باساختن سمفونی فانتاستیک، این فورم را توسعه بخشید و آهنگسازان **امپرسیونیست** (نظیر دبوسی) ازآن استفادهٔ فراوان بردند.

پوز Pauze

کلمهٔ فرانسوی مصطلح درموسیقی. مکثی که برای یک ضرب باشد و یا علامتی که این مکث را برساند.

پولیفونی.

از ترکیب ودرهم پیچیدن چند آهنگ کم و بیش مستقل پدید می‌آید این نوع موسیقی از قرن ۱۶ میلادی رونق فراوان یافت.

اصطلاح مقابل پولیفونی «هوموفونی» است. درهوموفونی یکی ازاجزای ملودی برچند ملودی دیگر تسلط دارد وسایر صداها فقط نقش همراهی وافزودن جلوه‌ای ازآن را دارند.

پی‌تسیکاتو، (ایتالیایی).

در اصطلاح موسیقی به معنی با سرانگشت به‌صدا درآوردن تارهای یک ساز زهی (مانند ویولن) است که معمولا باآرشه نواخته می‌شود، این تکنیک در قرن ۱۷ میلادی پیدایش یافت.

پاگانینی پتیسیکاتو با انگشتان دست چپ را ابداع کرد، واین امکان را بوجود آورد که صداهای حاصل از آرشهٔ ویولن وسرانگشت همزمان باهم یا به‌تناوب شنیده شود.

تریو Trio

معنای عمومی تریوعبارت ازیک اثر آوازی یاسازی می‌باشد که احتیاج به ۳ اجراکننده داشته‌باشد. تریوپیانو برای پیانو-ویولون ویولونسل نواخته می‌شود تریو زهی معمولا برای ویولون - ویولا- ویولونسل یادوویولون ویولونسل تصنیف می‌گردد تریو به‌قسمت وسطای یک مینوئه یااسکرتزونیز اطلاق می‌گردد.

تصنیف.

سخنانی شعرمانند، مرکب ازپاره‌های مساوی ونامساوی که اغلب دارای قافیه‌اند.

اگرهمراه باموسیقی خوانده شود تصنیف‌گویند امروزه این‌گونه سخنان‌را ترانه نیزمی‌نامند.

تن Ton

تن که درفارسی آن رامایه گویند به فاصلهٔ دو نت پشت‌سرهم گفته می‌شود.

تنور.

صدای مرد جوان.

تونالیته.

کیفیتی دریک قطعهٔ موسیقی که ناشی از نسبتهای اصوات آن است به یک نت مرکزی که تونیک آن قطعه نامیده‌می‌شود ودرحقیقت مرکزثقلی است که‌تمام ساختمان قطعهٔ موسیقی در پیرامون آن تغییر و تحول می‌پذیرد وجودنسبت یاارتباط بین عناصر مختلف یک‌رشته صوت ونت‌تونیک عامل مشخص هرآهنگی‌است، امااز آنجا که دوام‌این‌نسبت سبب‌یک‌نواختی‌آهنگ می‌شود آهنگساز برای ایجاد تنوع به مدولاسیون (تغییرمقام) توسل می‌جوید.

جاز.

موسیقی‌ای‌است که‌چندی‌پیش‌ازنشأت تمدن ماشینی برروی بنایی از رقص که مبنی بر«ریتم» انسانی وبی‌بندوباری‌آن است ساخته وپرداخته گردیده است، نه برروی ریتمی‌ازمکانیک که عاری‌ازهرنوع حالت انسانی باشد.

پس این‌ادعاکه جازموسیقی قرن بیستم وابرازکنندهٔ حالات دوران ماشینی وزیروبم‌کار یک‌نواخت چرخهاودستگاه‌های صنعتی است، نادرست است.

ریشهٔ‌عمیق ودور دست‌جازدرموسیقی سیاهان افریقا به‌ویژه افریقای غربی یافت می‌شود وطی‌قرون گذشته که بردگان‌سیاه را ازافریقا به‌آمریکا می‌آوردند وبعد از قانون‌لغو‌بردگی‌این‌موسیقی رونق گرفت.

دُ Do

ازایتالیایی‌د.هجایی‌بی‌معنی که‌آن‌را به‌مناسبت‌آوایش‌جانشین‌اوت‌ut‌درموسیقی کرده‌اند وآن اولین نت‌گام موسیقی است.

دوئت.

یادوئو قطعاتی که برای دوسازاز روی فرم سونات تصنیف شده‌باشد.

دیسونانس.

فاصلهٔ نامطبوع راگویند.

راپسودی.

فانتزی روی ترانه‌ها ورقصهای محلی.

روکوکو Rococo

سبکی درموسیقی قرن۱۸میلادی‌که عکس‌العملی دربرابر سبک باروک بود. موسیقی روکوکو ازلحاظ ساختمان، برخلاف موسیقی باروک‌که ازخصوصیات عمده‌اش شکوه ومهارت فنی است، به صورت(فورم) وعظمت‌کمتر توجه دارد. وزیبایی‌ش‌بیش‌ازعمق‌آن‌است. بزرگترین آهنگساز‌این‌سبک که بیشتر درفرانسه و مخصوصاً‌درسازهای شستی‌دار‌تظاهر کرد، فرانسوا**کوپرن**بود آثاری ازخصوصیات این‌سبک‌درکارهای ک. ف‌ا. **باخ وهایدن و موتسارت**موجود است.

رهبری‌ارکستر Conducting

هنررهبری ارکستروحدت‌بخشیدن به‌کارعده‌ای نوازنده وخواننده، راگویند. رهبر ارکستر معمولا بادست راست خود به‌کمک‌چوب‌میزان، نوع‌کار را به‌نوازندگان نشان می‌دهد. هانس **فون‌بولو** اولین‌رهبر ارکستر به‌معنی واقعی است.

ریتم، (وزن) Rythme

منظور ازوزن درموسیقی‌به‌کاربردن صداها وسکوتها باامتدادهای‌گوناگون است که ازنظر زمان‌بایکدیگر متناسب باشند.

ساز انتقال دهنده. Transpositeur

سازی‌است‌که هنگام اجرای نتی که برروی‌حامل‌نوشته شده، آن‌نت رامستقیماً وخودبه‌خودانتقال‌می‌دهدوصوتی‌می‌شنواند که‌با‌نتی که نوشته شده‌است‌کاملا متفاوت می‌باشد مانندانواع قره‌نی، ساکسوفون، ترومپت.

سپتت.

به‌قطعات هفت‌سازی گویند.

سپرانو.

صدای زیر و ظریف زن را دربعضی ازفرمهای اپرامی گویند.

سرایش. Solfège

روشی درتمرین آواز، که درآن هجاهای دو، ر، می، فا. سل، لا و سی به جای‌کلمات به‌کارمی‌رود. درسرایش، اسم نتها باید باوضوح اداشود واداى آهنگ درنهایت صحت‌انجام‌گیرد هدفهای‌دوگانهٔ سرایش عبارت است از پرورش حنجره وبازشناختن و سریع خواندن نتها.

سرودنیایش Hymn

سرودی در مدح وستایش ارباب انواع، خدا، قدیسین یاقهرمانان و درهر صورت اغلب به‌آداب دینی‌وابسته است .

سکستت .

به‌قطعات شش سازی‌گویند .

سلو . Solo

درموسیقی هرآهنگ یاقسمتی‌ازیك آهنگ‌که برای فقط یك خواننده یایك سازتصنیف شده‌باشد. کسی که چنین‌آهنگ رامی‌خواند **تکخوان** Soloist وآن که می‌نوازد **تکنواز** نامیده می‌شود در مورد رقص‌نیز به‌معنای مشابه بکار می‌رود .

سمفونی Symphony

صورتی «فرمی» درموسیقی سازی ، وآن قطعه‌ای است برای یك‌ارکستر‌کامل که معمولا در چهارحرکت وبه صورت سوناتساخته‌می‌شود، به‌بیان‌دیگر، سمفونی سوناتی است‌برای ارکستر‌کامل. اصطلاح سمفونی‌بطور کلی‌ازز‌مان‌هایدن(معروف به «پدرسمفونی») رواج یافت پیش‌از آن، آهنگسازان ایتالیایی اوورتورهایی راکه به‌عنوان‌پیش‌درآمدبرای‌اپراهامی‌ساختند سینفونیامی‌خواندند، آ.سکارلاتی‌دراواخر قرن۱۷ میلادی‌این نوع‌پیش‌درآمدهارادر سه بخش متمایز استانده‌کرد. درنمونه ـ هایی‌که وی‌بدست داد، بخشهای‌اول‌وسوم تند، وبخش‌میانی‌دارای‌سرعت‌کمتری‌بود چون این‌اوورتورها با موسیقی اپراهایی که درپی‌آنهااجـرامی‌شد ارتباط‌مستقیم نداشت،اجرای‌آنها به‌تنهایی وبه‌عنوان‌یك اثرمستقل‌ممکن‌بود.دراوایل‌قرن۱۸ میلادی نوشتن قطعات ارکستری مستقل‌به سبك اوورتورهای مذکور رواج یافت، و همین نخستین نمونه‌های سمفونی بود. یوهان شتامیتس(۱۷۱۷ ـ ۱۷۵۷م)، آهنگساز آلمانی ورهبرگروه آهنگسازان‌مانهایم، ازنخستین‌کسانی بود که یك‌تم غنایی دوم به‌حرکت اول سمفونی‌افزود، وحرکتهای سه‌گانهٔ سمفونی را به‌چهار رسانید.هایدن وموتسارت‌تکنیکهای‌گوناگون مکتبهای پیش ازخودرا درهم آمیختند، و سمفونی کلاسیك رابوجود آوردنـد. سمفونیهای آنها مرکب ازچهارحرکت بود: حرکت اول آلگرو (حرکت یك‌سونـات‌تند)، ـ حرکت‌دوم‌آداجو(حرکت ملایم)،حرکت سوم، موسیقی رقص (معمولا مینوئه ، ودر آثار بتهوون، سکرتو)، وحرکت چهارم آلگروی دوم، یاحرکت‌تند نهایـی . در میان‌حرکتهای چهارگانهٔ سمفونی‌حرکت اول‌که‌پرجنب‌وجوش‌وتندوازلحاظ‌ترکیب وساختمان عیناً مانندصورت سونات است اهمیت بیشتردارد، دراین‌حرکت،آهنگ‌ـ سازاساس‌ساختمان سمفونی‌راعرضه‌می‌کند وقدرت‌خودرا در ترکیب نشان می‌دهد . درحرکت‌دوم(آداجو)، موسیقی‌به‌آرامش وانبساط می‌گرایـد ، وساختمان‌دقیق و مشخص آلگروجای خودرا به‌قالبی‌انعطاف پذیر ونسبتاً‌بی‌قید می‌سپارد که‌درآن‌دست آهنگساز برای مدولاسیون بـاز است . به‌عبارت‌دیگر، درآلگرو آهنگسازقدرت فنی‌خود ودرآداجـو عـواطف‌خویش را عرضه می‌دارد. بتهون ساختمان سمفونی کلاسیك‌را تاحدی‌درهم‌شکست‌وحتی‌آوازو همسرایی رادرسمفونی وارد کرد (نمونهٔ آن سمفونی نهم‌اوست‌که به‌سمفونی‌کورال معروف‌است) پس‌از بتهوون‌شوبرت،مندلسون وشومان روش‌کلاسیك راباتغییراتـی در سمفونیهای‌خودبه‌کار گرفتند، اما بعضی از آهنگسازان‌رمانتیك(مانندلیست‌و برلیوز) عناصر کلاسیك‌سمفونی رادگرگون‌ساختند وپوئم سمفونیك راابداع‌کردند. براساس کـه خود در شمار رمـانتیکهااست در ساختن‌سمفونی سبك‌کلاسیك راپیش‌گرفت وبه‌زنده‌کردن‌نوع‌سمفونی‌بتهوون‌پرداخت تاآنجاکه‌سمفونی‌اول‌وی رادهمین‌سمفونی بتهوون خوانده‌اند بعضی ازآهنگسازان معاصر (مـانند استراوینسکی) صـورت کلاسیك سمفونی را باتکنیکهای جدید آرمونی درهم‌آمیخته‌اند .

اگرچه سمفونی را معمولا در چهار حرکت‌تصنیف‌می‌کنند، امااستثناءِ بعضی ازسمفونیها درسه‌حرکت (مانند سمفونی مزامیراستراوینسکی)، بـرخی دریـك حرکت، وبعضی‌درپنج‌حرکت ساخته شده است،وسمفونیهایی‌که تعداد حرکات آنها جزاین باشد بسیارنادراست .

سوئیت ، یاسویت Suite

نام معمولی هر قطعهٔ موسیقی سازی غیراز سونات، که در چند حرکت نسبتاً کوتاه ومتوالی تصنیف شده باشد. معمولا همهٔ حرکتهای‌یك‌سویت درمایه‌وتونالیتهٔ واحدی ساخته می‌شوند وبه طرزی تقریباً قراردادی پشت‌سرهم قرارمی‌گیرندبدین معنی‌که درترتیب آنها اصل تضاد درنظر گرفته می‌شود ، وپس‌از یك‌حرکت‌سریع وپرجنب وجوش، حرکتی ملایم وسنگین به‌میان‌می‌آید،هرحرکت دارای‌تم‌واحدی است که نخست در تونالیتهٔ اصلی خود ـ نمایی می‌کند و پس از گردشی دریك تونالیتهٔ همسایه ، دو باره بـه تونالیتهٔ اصلی بـاز می‌گردد . بـارزترین صفت سوئیتهای قرون ۱۷ و۱۸ میلادی‌ترکیب چهاربخشی‌ساختمان‌آنهاازاجتماع۴فورم موسیقی‌رقصهای‌مشهورـ آلماند، کورانت، ساراباند وژیك بود،معمولا بین دوبخش اخیررقصهای دیگرهم قرارمی‌گرفت،که تعداد ونوع‌آنها بستگی بـه میل‌ونظر ـ آهنگساز داشت، ازاین‌جمله بود مینوئه وپولونز.فورم‌دو بخشی‌رقصهای مذکوردر اواسط‌قرن۱۸ میلادی‌درفورم‌سونات‌تأثیر بخشید ودرنتیجه، سوئیت را در جهـت سونات‌وسمفونی‌پیش‌برد، تاآنجاکه‌درپایان این‌قرن،فورم‌سوئیت درفورم‌سونات‌منحل شد، ورفته‌رفته سویت به‌مفهوم‌کلاسیك‌آن ازبین‌رفت. امااز‌آنجاکـه فـورم‌سوئیت اوزان وحالات‌مختلف راآزادانه دربـر می‌گیرد، توجه‌آهنگسازان نسبتاً‌جدیدرا بخودجلب‌کرده است. درسوئیتهای جدید هیچگونه‌کوششی برای پیـروی از اصل تجمع‌چند رقص‌به‌کار نمی‌رود‌وحتی‌حرکت های‌مختلف‌یك‌سوئیت‌درمایه‌های‌گوناگون نوشته‌می‌شود ووزن آنهاغالباً از اوزان موسیقی کشورهای‌دوردست وموسیقی‌های عامیانه ومحلی اقتباس می‌گردد. ازایـن گذشته، سوئیتهای جـدیـد بعضاً ازروی موضوع و مضمون‌بعضی ازداستانهاتصنیف شده است مانندسوئیت‌پرگونت، اثرگریك که مجموعهٔ‌قطعاتی‌است‌برای نمایشنامه‌ای به‌همین نام ازایبسن ، سوئیت فندق شکن ازباله‌ای‌به‌همین‌نام‌ازچایکوفسکی، وسوئیت مشهور شهرزاد ، اثردرخشان‌ریمسکی ـ کورساکوف .

سونات .

سونات به‌آثاری اطلاق می‌گردد که از سه‌یاچهار بخش تشکیل‌گردد .

۱ ـ بخش‌اول روشن ومستحکم .

۲ ـ آهسته، حالت تغزلی .

۳ ـ منوئه یا اسکروز ؛ پرمسرت وبی‌خیالی .

۴ ـ فینال، نشاط‌انگیز .

ضرب، ریتم .

درموسیقی عبارت از توالی ضربات آهنگ‌است وبرای موزون‌کـردن نوای موسیقی‌بکارمی‌رود .

فانتزی Fantaisie

آهنگ خیال‌انگیز بافرم‌آزاد.

فرم Forme
ساختمان یك آهنگ از نظر علمی .

فستیوال .
جشنی بزرگ همراه باموسیقی که نمایش دهندهٔ هنر یك هنر پیشه است.

فینال . Finale
آخرین قسمت ازسه یا چهار قسمت سونات سنفونی و کنسرتو .

فوگ .
نوعی ازفن بسط آهنگ روی تم کوچك .

کا . K
درآثارموتسارت به‌جای اپوس‌حرف کا (K) بکار برده شده است (مثل‌او.K) لودویك **وان‌کوشل** موسیقی دانی بود که آثارموتسارت راترتیب دادوآنهارابطور منظمی طبقه‌بندی کرد وحرف Kمقصود کوشل است .

کاپریس Caprice
این‌اصطلاح درقرن شانزدهم‌میلادی به‌بعضی از مادریگال‌ها و فوگهایی‌که به فرم آزاد تصنیف می‌شداطلاق می‌گردید وبعداً به‌هرقطعه موسیقی سبك وتند گفته شد. درقرن هجدهم این‌لغت بعضی اوقات به‌جای‌لفظ‌کادانس‌بکارمی‌رفت کاپریس در اصل‌به معنای هوس‌ومیل است‌ومعنی‌اصل این‌اصطلاح را از نظر موسیقی می‌توان اینطور توجیه کرد « مطابق میل اجرا کننده» .

کانتات . Cantate
کانتات ازانواع مهم موسیقی‌آوازی ومجموعهٔ چندین قطعه با «سولو» آواز جمعی وهمراهی‌ارکستر است .

کرال Choral
سرود مذهبی‌که به‌حالت‌آوازجمعی (کر) خوانده می‌شود.

کرشاندو . Crescendo
بالارفتن وافزایش تدریجی صدا.

کمپوزیتور
به معنی سازندهٔ‌آهنگ است .

کمیك .
یك‌نوع اپرای تفریحی است .

کنترآلتو .
صدای بم‌زن .

کنترپوان Contrepoint
صنعت‌ترکیب آهنگ‌های مختلف.

کنسرتو Concerto
آهنگی که برای یك آلت موسیقی ساخته شده و به همراهی یك‌سازدیگر نواخته می‌شود .

گام Gamme
هفت نت موسیقی که به‌ترتیب پشت سریکدیگر واقع شوند:
(دو ــ ر ــ می ــ فا ــ سل ــ لا ــ سی) .

مایه شناسی .
شناختن مایه‌ای‌که یك‌قطعه موسیقی درآن اجرا می‌شود واین عمل بوسیلهٔ علامات ترکیبی انجام می‌گیرد .

متسوسوپرانو .
صدای متوسط زن .

مدگردی (مدولاسیون) Modulation
تغییرکلید دادن یك‌آهنگ، تغییر مقام دادن تحریرآواز .

مس Messe
مس ازیك رشته‌آوازهای مذهبی‌که درکلیسای کاتولیك برای متن دعا Ordinarvm Missae خوانده می‌شود بوجود می‌آید وشامل پنج قسمت است .
۱ــ Kyrie ازسه آواز دسته جمعی تشکیل‌می‌شود وهرقطعه شامل این‌جملات است «خدایابه‌ما رحمت‌کن» «مسیح به ما رحمت کن» «خدایا به ما رحمت کن» .
۲ــ Gloria در افتخار و ستایش پروردگار واستغفار گناهان وشامل نه قسمت است .
۳ــ Creds ایمان به خدای یگانه آفرینندهٔ زمین و بهشت وایمان به تثلیث است .
۴ــ Sonctus در تقدیس خدا و رستگاری کسانی‌که به‌نام اوتوکل‌کنند.
۵ــ Aghus آخرین قسمت مس و شامل این معنی‌است «ای» «یره» خداکه گناهان دنیایی رابخشیده‌ای، مارادریاب وآرامش وصفا به‌ما عطاکن این قسمت غالباً با آواز دسته جمعی‌به‌پایان می‌رسد .

مقام(مد) Mode
مقام‌عبارت‌ازطریقه‌وکیفیت‌مخصوصی است‌که یك‌گام دیانتیك مایه‌ای می‌تواند اتخاذکند .

ملودی Melody
یکی ازسه عامل اصلی موسیقی و عبارت از یك رشته صداهای موسیقی است‌که پی درپی یکی بعداز دیگری خوانده یانواخته‌می‌شود.ملودی‌درحقیقت همان‌آواز طبیعی است‌که ازابتدا با بشر همراه بوده است .
بنابراین حس ملودی درانسان یك امرطبیعی است وبربشرکشف نشده بلکه انسان فقط درصدد تکمیل آن برآمده است .

موتت .
فرمی از موسیقی است، که از روی روایات مذهبی باآواز خوانده می‌شود .

موزیکولوژی تاریخی .
بررسی موسیقی ازلحاظ تاریخ و شناسایی‌آن درادوار مختلف تمدن‌های بشری .

موسیقی ساز .
عبارت است از ترکیب اصوات بنا به‌یك سلسله قواعد وقوانین‌طبیعی‌وقرار‌دادی به قسمی‌که بیان احساسات عمیق‌با آن میسرباشد .

موسیقی مجلسی .
دراین نوع موسیقی‌که اساساً برای مجالس‌کوچك وسالن‌های‌اشرافی‌قرن۱۸ میلادی‌بوجودآمده، حداکثرده‌سازانجام وظیفه می‌کند وهرسازآهنگی خاص می‌نوازد این‌موسیقی‌حدفاصل‌سونات‌وسنفونی است .

موسیقی نظری .
علمی‌است‌که ازقواعد واصطلاحات موسیقی‌گفتگو کند .

موزیك .
به معنای تعلیمات روحی‌است واین کلمه ازلفظ Muse نام‌هریك‌ازفرشتگان نه‌گانه‌ای وضع شد، که باآپولون درکوه پارناس بسرمی‌بردند وهرکدام بریکی از نه فن هنرهای زیباموکل‌بوده‌اند.

موزیکال .
یعنی همراه باموسیقی .

نغمه
عبارت است از توالی یك رشته اصوات موسیقی با امتدادهای مختلف‌که از شنیدن مجموع‌آنها لذتی درك شود .

نوئت .
قطعات نه‌سازی‌را درموسیقی‌مجلسی نوئت‌گویند .

واریاسیون .
درموسیقی به معنی تزیینات وشکل خاص دریك نوااست .

وزن .
وزن هم عامل دوم ازسه عامل‌اصلی موسیقی است .
وزن درموسیقی نظم و ترتیبی را

گویند که در سرتاسر یك قطعهٔ موسیقی وجود دارد. وزن در طبیعت نیز به انواع گوناگون هست مانند :

راه رفتن، ضربان قلب، نفس کشیدن، تاخت و تاز اسب وغیره که حرکات موزون می‌باشند. وزن را نیز بشر مانند ملودی از طبیعت آموخته است .

وزن .

ریتم را به‌بینید .

هارمونی Harmonie

هارمونی عامل سوم ازسه عامل اصلی موسیقی است .

هارمونی که، ما آنرا توافق یا تناسب صداها می‌نامیم برخلاف ملودی صداهای مختلفی هستند که در آن واحد شنیده‌شوند یاهماهنگی ـ خوش‌لحنی، علم توافق الحان راگویند .

هوموفونی .

پولیفونی را به بینید .

سازهای فرنگی

الف. **سازهای بادی:** باسون، نی‌ـ لبك، فلوت کوچك ، فلوت بزرگ ،شیپور انگلیسی، اوبوا، قره‌نی، فلاژله، موزت، شیپور، ترومپت، ترومپت خوش‌آهنگ ، بوگل کوچك، کورنه پیستون دار، بوگل بزرگ، شیپور شکار، شیپور پیستون‌دار، سرپان، ساکسوفون سوپرانو، ساکسوفون ته‌نور، ساکسوفون آلتو، باریتون، بـاس چهاراستوانه، کونترباس، هلیکون، بوق، ترومبون پیستون‌دار، ترومبون آکولیس، ترومپت دومیل کوش، اوفیلکه‌ئید، سارو- سوفون، هارمونیکور، هارمونیکا، نی‌انبان، اوکارینا، سازدهنی، آکوردئون، فلوت‌دوپان، اورگ بزرگ، اورگ کـوچك، ارغنون باربری، سرنیت وغیره .

ب ــ **سازهای زهی :** ویولـون ، آرشهٔ ویولون ، ویولون آلتو، ویولـون دامور، ویولون سل ، کونتربـاس، آرشهٔ کونترباس، ویولون کوچك، ماندولین ، گیتار، عود، ویل، بـانجو، لیر، سیتار ، چنگ، کلاوسن، اپینت، پیانـوی دمدار پیانوی راست وغیره .

ج‌ــ **سازهای ضربی‌وفرعی:** دایره زنگی، کاریون دوفانفار ، کلاه چینی ، زنگوله، سنج،مثلث، طبل، طبل‌گردان ، طبل بزرگ، طبل بلند، تمبال، زنگ ، قاشقك ، کوبیم بارد ، گزیلوفون ، دیا‌ـ پازون .

ارکستر کلاسیك .

ارکستر کلاسیك به ارکستر سنفونی نیز معروف است وازنظر ساز بـه چهار دسته تقسیم می‌شود :

۱ ــ **سازهای بادی :** سازهای‌بادی چوبی، سازهای بادی مسی .

الف ــ **سازهای بادی‌چوبی:** فلوت، اوبوا، قره‌نی، باسون وغیره .

ب ــ **سازهای‌بادی مسی:** ترومپت، شیپور، ترومبون، ساکسوفون، توبا .

۲ــ**سازهای‌زهی:** به‌نام سازهای‌زهی کمانی که عبارتند از :

ویولون، ویولون‌آلتو، ویولون‌سل، کونترباس، کمانچه، غیچك .

۳ــ **سازهای‌ضربی:** تیمپانی ، طبل بزرگ، طبل کوچك، طبل نظامی .

۴ــ **انواع‌زنگها:** سنج .

سازهای‌دیگری به‌نام **سازهای‌کلاویه‌ـ دار** نیز هستند که جزء ارکستر نبوده و به دو دسته تقسیم می‌شوند .

۱ــ سازهای کلاویـه‌زهی، مانند : کلاوسن، پیانو .

۲ ــ سازهای کلاویه دار بادی ، مانند: اورگ .

آرشه Archet



اسبابی مرکب از میله‌ای‌چوبـی و تارهایی‌که برای ارتعاش سازهای زهـی بکار می‌رود .

آرشهٔ کونترباس .

Archet de contre basse

آرشه را به بینید .

آرشهٔ ویولون Archet de Violon

آرشه را به بینید .

آکوردئون Accordéon



ازساز‌ـ های بادی و آلات‌موسیقی دستی‌که از چندین باس صـدادار تشکیل شده است .

آلگوسا Algosa

گونه‌ای نی می‌باشد مانند نی لبك که‌دارای هفت نت‌گام‌می‌باشد وازسازهای هندی است .

اپینت Epinette



از ساز‌ـ هـای زهی است که‌انواع مختلف‌دارد و بوسیلهٔ کلاویه‌یا گیره نواخته می‌ـ شود .

ارغنون باربری .

Orgue d' Barbarie

از سازهای بادی وازانواع **اورگ** است .

ارغنون چینی .

گونه‌ای ارغنون می‌بـاشدکـه در چین بوده ‌و‌از عده‌ای نی کوتـاه وبلند تشکیل‌شده است،ارتفاع ساز۴۸سانتیمتر بوده است .

ارگ Orgue

(کلمهٔ فرانسوی ماخوذ ازیـونانی ارگانن Organon و لاتینی ارگانـوم Organom) .

یکی از **آلات** موسیقی شبیه به‌پیانو که باپنجهٔ دست نواخته می‌شود .

ارگ آلت‌موسیقی بادی می‌باشد که حجیم‌بوده‌وغالبأدر کلیساها نواخته‌می‌شود. در انجیـل اختراع ارگ‌را به ژوبال Jubal نسبت‌داده‌اند .

ازراج Ezraj

یك‌گونه سارنگی‌است که در ناحیهٔ بنگال نواخته مـی‌شود . دارای پوست می‌باشد وبا آرشه‌آن را می‌نوازند ولـی دارای پرده‌های‌آهنی است سیم‌های‌آن‌از فلز است. چهار سیم داردکه از راست‌به چپ چنین است .

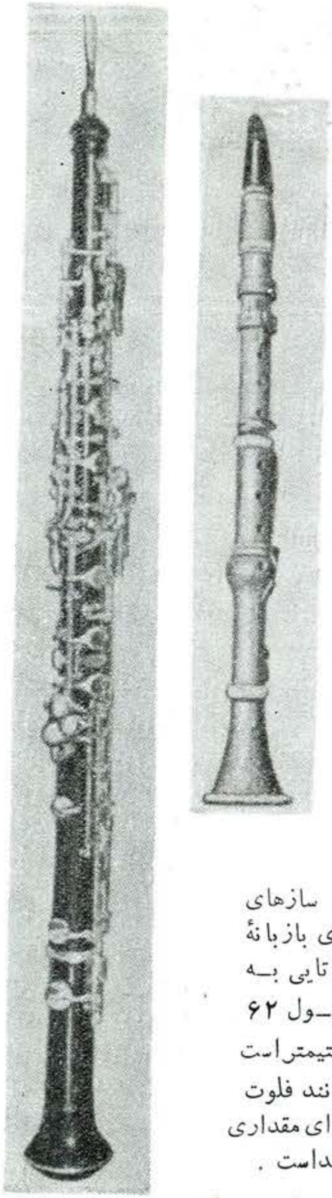
فا ــ سل ــ دو ــ دو . ازگونه‌های سارنگی سازهایی‌به‌نام **سارندا** و**چیکارا** درهند متداول است .

اك تار Ektar

سازی است هندی و بسیار قـدیمی فقط دارای یك سیم (اك به‌معنی یك‌است) این ساز پرده ندارد وهمان یك سیم هم بطور دست بازبکار می‌رود .

درواقع تنبور اولیه است درازای آن از ۳ تا ۴ فوت است. کاسهٔ ساز از کدو یاچوب است که روی آنرا پوست کشیده‌اند بیشتر در دست نوازندگان دوره گرد دیده‌می‌شود و بهمراه آن آوازمی‌خوانند

اوبوا Hautbois



از سازهای بادی بازبانهٔ دو تایی به طول ۶۲ سانتیمتراست ومانند فلوت دارای مقداری کلیداست .

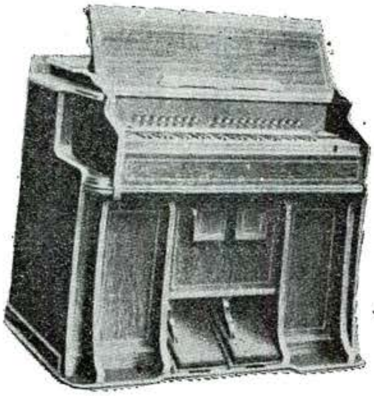
اوبوای چوپانی

ازسازهای بادی که دارای محفظهٔ مخصوصی برای هواو به شکل کیف است ودر واقع اوت بوای کوچکی است .

اورگ بزرگ . Cavaillé — Coll

ازسازهای بادی گروه اورگ که به نام سازنده‌اش معروف شده است،

اورگ کوچك . Harmonium



از سازهای بادی بازبانهٔ آزاد فاقد لوله ولی‌مجهز به‌یك سری دستگاههای دمیدنی باشستی‌های مخصوص است.

اوفیلکه‌ئید Ophicléide

ازسازهای بادی است .

اوکارینا. Ocarina

ازسازهای‌بادی‌است که‌درسال ۱۸۶۷ وسیلهٔ‌دوناتی‌دوبودریو (Donati di Budrio) اختراع‌شده است، که لوله‌ای شامل‌هشت سوراخ در دوردیف دارد .

باریتون. Baryton

نوعی سازی بادی‌است که در قرون مختلف‌نامهای‌مختلف به‌خود گرفته است.

باس Basse

درموزیك‌های‌نظامی‌این‌لغت‌اصطلاحاً درمورد نوعی‌از شیپورهای خاص معروف به ساکسورن Saxhorn داده می‌شود.

باس . Basse

نامی است که سابقاً به‌ویولون‌سل: Violoncelle می‌گفتند .

به‌ویلون‌سل رجوع شود .

باسولی Basuli

یك‌نوع نی‌هندی‌است که درعروسیها ورقصها از آن استفاده می‌شود .

باسون Basson

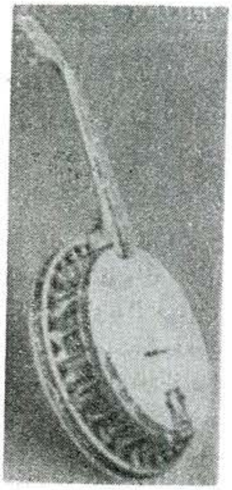


نام یکی از آلات موسیقی بادی ازنوع فلوت است. ظاهراً این ساز لوله‌ای شکل‌درسال ۱۴۸۰ میلادی درپاوی (Pavie) اختراع‌شده است‌وانواع‌مختلف دارد بعضی‌از آن‌دارای ۱۲ سوراخ‌و ۳ کلیداست و نوع‌دیگر بدون کلید ودارای ۱۱ سوراخ‌است. زبانهٔ باسون‌دو تیغهٔ‌نی‌روی‌هم است. آنطور که‌از نام باسون برمی‌آید آوازهای بم‌آوازهای اصلی آن محسوب می‌شوند . معمولا باسون‌را از چوب افراو بلسان می‌سازند . نوع دیگر از باسون به‌نام کنتر باسون Contere Basson وجود دارد که یك «اکتاو» بم‌تر از نت نوشته شده آواز می‌دهد، وشش تا پانزده کلید دارد .

بالالایکا Balalaika

ازسازهای زهی جزءگروه عود ولی به‌شکل مثلث باسه‌رشته سیم‌است.

بانجو، یا بانژو . Banjo

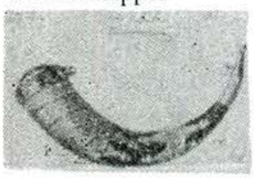


ازسازهای زهی شبیه گیتار دارای چهارتار و نه‌سیم است.

بانژو .

بانجورابه بینید.

بوق Corne d'Appel



ازسازهای بادی‌است که از شاخ حیوانی‌درست شده‌که نوك آنرا بریده قسمت‌زبانی بوق‌ساخته‌اند و اغلب به‌عنوان‌اطلاع‌وخبر آنرا به‌صدادر‌می‌آورند .

بوگل آلتو . B.Alto

ازسازهای‌بادی‌وازگروه ساکسورن است .

بوگل باریتون B.Baryton.

ازسازهای بادی‌وازگروه ساکسورن است .

بوگل ساپرونو B.Saprano

ازسازهای‌بادی‌وازگروه‌ساکسورن‌است.

بوگل کوچک P.Bugle

ازسازهای بادی و گروه ساکسورن است.

بهری یا ناکارا . Bheri یا Nakkara

نقارهٔ هندی می‌باشد که طبل بزرگی است مانند کتری و برای مقاصد جنگی یا تشریفات مذهبی به‌کار می‌رود. بدنهٔ طبل از مس یا برنج یا ورقه‌های آهنی است که به‌هم چسبیده شده‌است دهانهٔ آن‌که دارای پوست می‌باشد از ۶۱ تا ۹۱ سانتیمتر قطر دارد و با دو چوب کج به‌صدا درمی‌آید.

پخاوج Pakhavaj

گونه‌ای طبل هندی است که کمی از مریدنگا بزرگتر می‌باشد و در شمال هند بکار می‌رود.

پسالتریون . Psaltery



ازسازهای زهی قدیم است .

پونجی یا جینجیوی یا تومبی

Punji یا jinjivi یا Tombi

ازسازهای بادی هند است که ساز محبوب حقه‌بازها و مارگیرها است .

بدنه و دهنهٔ ساز از کدو است که مانند بطری می‌باشد و در آن دو لوله از نی وارد کرده‌اند. قسمت داخلی لوله‌ها به فرمی بریده شده که به شکل زبانه در آمده است. یکی از لوله‌ها دارای چند سوراخ برای انگشت‌گذاری است که با آن نغمات را می‌نوازند و دیگری فقط یك صدا می‌دهد که از لحاظ ملودی کمك می‌کند. این ساز طوری ساخته شده که گام بهیروی Bhairavi را که در جنوب هانوماتودی Hanumato–di گفته می‌شود می‌توان با آن نواخت و معمولا راگای «ناگاوارالی» را با آن می‌نوازند که گفته می‌شود مطبوع طبع مارها است .

پیانو . Piano



ساز زهی ضربی که از تکمیل سازی به‌نام تمپانون حاصل شده و نخستین پیانو وسیلهٔ بارلومئو کریستوفوری ساخته شده که سازش را **پیانوفورته** می‌نامیدند، و پیانوی دمدار (پیانوی کنسرت) و پیانوی دیواری از تکمیل پیانو به‌دست آمده است .

پیانوی دمدار Piano à queue

پیانو را به‌بینید .

پیانوی راست Piano droit

نوعی پیانو است .

پیکلو .

نام ایتالیایی فلوت کوچك است .

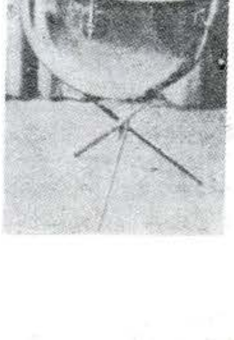
پیناکا . Pinaka

ازجمله سازهای اولیهٔ سیمی هندی است که دارای یك سیم بوده و با انگشتان به‌اهتزاز درمی‌آمده و اختراع آن را به‌شیوا نسبت داده‌اند .

تاتوری یا توراهی Taturi یا Turahi

گونه‌ای ترومپت هندی خمیدهٔ برنجی است و به‌شیپوری می‌ماند که یك دور خمیدگی داشته باشد. مورد استعمال آن در تشریفات مذهبی است .

تامبال .



از دسته آلات ضربی است، شبیه طبل که با دو چوب بدستی که روی آنها با نمد پوشانده بود می‌نواختند.

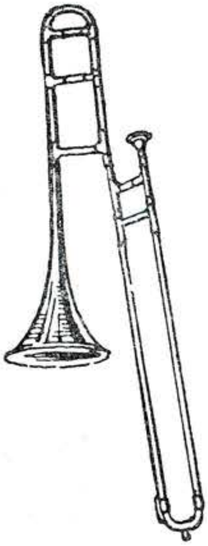
تام‌تام Tam – tam

نوعی از آلات موسیقی ضربی است که منشأ آن از چین است و عبارت از یك صفحهٔ فلزی دایره شکل که به‌صورت عمودی بر پایه‌ای آویخته شده است و با چکش چوبی بر آن نوازند.

تایکو .

ازسازهای ضربی چین و هند است . طبلی است از یك استوانهٔ چوبی و توخالی که دو طرف آن را پوست کشند و آن را به اندازه‌های مختلف سازند .

ترومبون Trombon



سازی بادی است که $\frac{2}{3}$ طول آن لوله‌ای است استوانه‌ای و بقیه لولهٔ دهان بازی می‌باشد . و بوسیلهٔ دمیدن صدا می‌دهد.

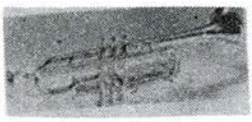
ترومبون آکولیس. T.à coulisse

نوعی ترومبون است .

ترومبون پیستون‌دار . T.à pistons

ترومبونی که به‌جای کولیس پیستون دارد .

ترومپت Trompette



شیپور . سازی است بادی که در قدیم از شاخ گاو و دیگر حیوانات می‌ساختند و در معابد و کنیسه‌ها و شکارگاهها و میدان‌های جنگ از آن استفاده می‌کردند. سپس آن را از فلز ساختند و بر دو گونه است یکی مخصوص سواره نظام، نظامیان و شکارچیان و دیگری دارای اجزا و ترکیبات مفصل‌تری مخصوص نوازندگان موسیقی است . این سازها عموماً دارای صدای بلند و مهیج است .

ترومپت بدون پیستون .

Tr, Sans piston

ازانواع ترومپت است .

ترومپت پیستون دار Tr. à pistons

ازانواع ترومپت است .

ترومپت خوش آهنگ .

Tr d' harmonie .

ساز بادی دهانه دار از انـواع ترومپت .

ترومپت دومیل کوش .

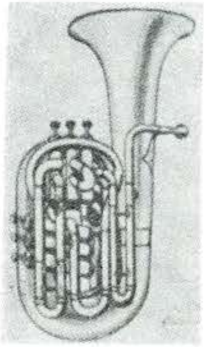
T . de mail coach .

ازانواع ترومپت است.

تمپانون .

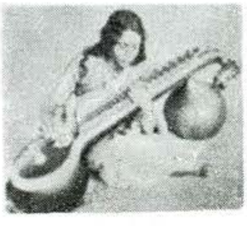
سازی زهی و ضربی شبیه سنتور که به‌وسیلهٔ مضرابهای چکش مانندی نواخته می‌شد .

توبا . Tuba



بزرگترین و بهتریـن سازی از ـ خانواده های سازهای بادی است که ۱۱/۵ متر طول ـ دارد وازآن در ارکستر سنفونیك و جاز استفاده می‌کنند .

جنیا .



از سازهای زهی است .

جنتر .

نام سازی است که آنرا بین گویند شکل آن بـا تـرازو مشابهت دارد و آن چوبی باشدمثل گردن تنبوره وزیرهردو سر آن کدوی مدور وصل کرده باشند و بر آن چوب که بالای هردو کدو باشدمثل تنبوره تارها کشند پس آن چوب به‌منزلـهٔ ترازو است وهردو کدو به‌منزلهٔ هردو پله ترازو ودر بهار عجم آمده که جنتر نوعی ازبین است به‌زیادت چند تار ازبین و بعضی ازآلات رصد .

چنگ . Harpe



سازی زهی وچنگی به شکل مثلث کـه بسیار قدیمی است

دایره زنگی .

سازهای ایرانی را به بینید .

دلربا .

سازی است شبیه سه‌تارو کوچکتر ازآن روی کاسهٔ آن پوست کشیده‌اند وازاین جهت بی شباهت به سارنگی نیست زیرا به عوض مضراب با کمان نواخته می‌شودمـانند سه تاردارای پرده است وپرده‌های آن هـم قابـل‌حرکت می‌بـاشد. دارای چهارسیم اصلی و۲۲ سیم فرعی است که درزیرسیمهای اصلی قراردارند وبرای کمك بـه طنین صدا است. درازی ساز درحـدود۹۰ و پهنای کاسه۱۵ ودرازی آرشه۵۳ سانتیمتر است . دوسیم اول‌ازبرنج و سیمهای سوم وچهارم فولادی است.سیمها ازراست به‌چپ اینطور کوك می‌شوند: فا ـ دو ـ **سل ـ دو.**

دولسیمر . Dulcimer

ساز زهی‌شبیه به‌پسالتریون است که توسط هانری زوول(H. Zwolle) پزشك وستاره شناس اختراع شد .

رابانسترا Rabanstra

اولین ساز آرشه‌ای است کـه درهند معمول است‌ودرحال‌حاضر درسیلان سازی است به‌نام ویناواه Vinavah که دارای دوسیم است وبا کمان نواخته می‌شود .

زنگ .

ازآلات‌ضربی که به‌صورتهای‌مختلف وجود دارد وبه‌تناسب ضربه وحجم‌وشکل آن‌صداهای مختلف می‌تـوان بـه دست آورد .

زنگوله (جلاجل) .

ازآلتهای ضربی‌کـه شکل‌گلابـی ماننددارد ووزنه‌ای در داخل‌آن قـرار گرفته‌وباضربات متعددومتوالی به‌اطراف صدا ایجاد می‌کند .

سارنگی .

سازی است هندی شبیه به‌گیتاروآن را می‌تـوان‌کمانچهٔ هندی‌گفت . کاسهٔ آن دارای‌پوست‌است درازای‌سازدرحدود۷۰ سانتیمتر می‌باشد . سارنگی سه یـا‌چهار سیم اصلی‌دارد. سیم‌اول ازروده‌وچهارمی ازبرنج‌است. این‌ساز باآرشه‌نواخته می‌ـ شود.کوك این ساز بـه‌این ترتیب‌است : سیم اول‌فا یامی‌ـسیم ۲و۳و۴=دو ـ سل دو.صدای سارنگی‌خیلی‌نرم ولطیف است وکمی شباهت بـه‌ویـولن آلتودارد. این ساز دارای پرده نیست . دارای سیمهای فرعی زیاد از۱۵ تا۲۲ است .

سارنیدا . Sarnida

سازی است مخصوص هند و از نوع رباب کاسهٔ آن‌بیضی شکل وقسمت بـالای آن بازاست وفقط دوسیم داردکه ازروده ساخته می‌شودودرناحیهٔ بنگال‌فقراودوره گردان‌آن را درخیابانها می‌نوازند .

ساروسوفون ، Sarrussophone

سازی‌بادی بادولوله‌که صدایی شبیه ترومبون‌داردودرسال۱۸۶۳ میلادی‌توسط سارو Sarrus رییس‌ارکستراختراع‌شد .

ساز دهنی Harmonica

ساده‌ترین‌سازدارای‌زبانه‌های‌متحرك‌است.

ساکسورن Saxhorne

ازسازهای بادی و شامل : بوگل ـ کوچك ، بوگل سوپرانو، بـوگل‌آلتو ، بوگل‌باریتون می‌باشد .

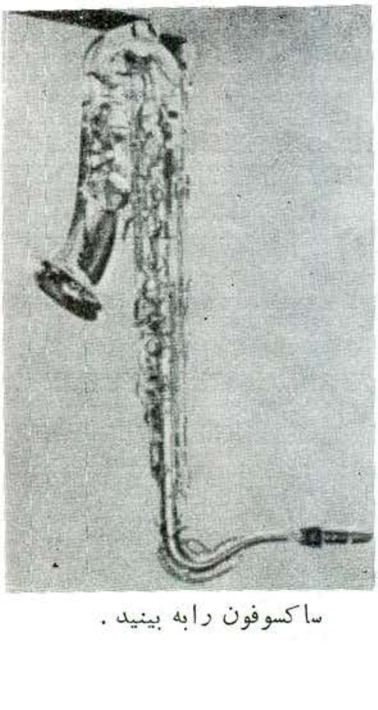
ساکسوفون Saxophone

ازسازهای‌بادی ومسی‌بالولهٔ‌مخروطی مجهز به‌منقارقره‌نی‌ودستگاهی‌شبیه‌اوت‌بوا است وانواع مختلفی دارد، آلتو، تنور، سوپرانو .

ساکسوفون آلتو S.Alto

ساکسوفون را به بینید .

ساکسوفون تنور S.tenor



ساکسوفون را به بینید .

ساکسوفون سوپرانو .
Saxophone Soprano .



ساکسوفون را به‌بینید .

سام‌بوکا .
یك نوع آلت‌موسیقی قدیمی که‌معلوم نیست شبیه چه آلتی‌بوده است،شایـد لفظ دنبـك پس از تصحیف رومیها سامبـوکا گردیده باشد .

سرپان (مار) Serpent
ازسازهای بادی، دارای‌لولهٔ چوبی که‌به‌وسیلهٔ پوششی مسی مستور استوبـه شکل ماراست .

سرود
گونه‌ای سازهندی از نـوع سارنگی باپوست وبدون‌پرده‌ولی بامضراب‌نواخته می‌شود . صدای‌آن چیزی میان‌ماندولین وتار است .

سری‌نت Serinette
اورگ کوچکی است‌با لوله‌وسیلندر.

سنایی Sanai
ترومپتی‌است هندی که‌ازچوب؛Sisavi ساخته می‌شود درازای‌آن نزدیـك به‌سی سانتیمتر ودارای هفت سوراخ می‌باشد.
این نام‌را به‌یك گونه‌نی زبانه‌دارنیز می‌دهند‌که مانند قره‌نی است .

سنج .
ازآلتهای ضربـی موسیقی‌که ازدو صفحهٔ فلزی تشکیل شده کـه ازکـوبیدن آنها به‌هم‌صدا ایجاد می‌شود

سنکهو . Sankhu
یك‌گونه بوق‌بسیار باستانی‌هنداست که‌مقدس‌می‌باشد ومی‌توان‌آن‌را ازگونه‌های باستانی ترومپت شمرد. این سازدر قدیم برای‌جنگ و مقاصد مـذهبی مورد استفاده بود. امروزهم کم وبیش درمعابد به‌کار می‌رود . صدایی‌که ازآن بـه‌گوش می‌رسد‌کمتر اثرموسیقی‌داردوشایدنتوان آن‌را آلت موسیقی نامید .

سوراسرینگارا Sur Sringara
سازی است هندی ازنوع رباب‌کـه اولین بارتوسط سیدکلب علیخان بهـادر نواب‌رامپور ساخته شده‌است. کمی‌ازرباب بلندتر است وروی دستهٔ ساز ازفلزاست که انگشتها بهتر بتوانـد روی سیمها بلغزد .

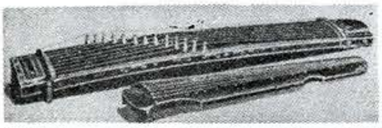
سوربهار .
سازی هندی است‌ازنوع سه‌تار ولی ازآن‌کوچکتر است .
پرده‌های آن قابل حرکت نیست . طرز نواختن به وسیلهٔ دومضـراب است که به انگشت اول وچهـارم مـی‌کنند و انگشت دوم وسوم هم خود، کارمضراب‌را انجام می‌دهد. این ساز درناحیهٔ بنگـال بیشتر دیده می‌شود .

سوردین .
اسبابی‌که برای خفه‌کردن یـانرم کردن صدای یك سازبکار می‌رود .

سه تار .
این ساز درشمال هند رواج دارد. اصول ساختمان‌آن مانند وینا است ولی تغییراتی دارد به‌این ترتیب کـه ازوینا کوچکتر است. کاسه طنین‌ندارد درازای ساز درحدود ۷۰ سانتیمتر (بدون کاسه) پهنای دستهٔ ساز درحدود ۷/۵ سانتیمتر است. کاسهٔ‌آن چوبی وعرضش درحـدود ۳۰/۵ سانتیمتر .
خرکی‌کـه در روی‌کاسه واقع شده است ساده ومثل وینا دوتکه نیست .
ساز دارای هفت سیم اصلی و از ۹ تا ۱۱ سیم فرعی است. پرده های قوسی وآهنی‌آن قابل حرکت می‌باشد و نوزده تا می‌باشد. طرزنواختن به‌وسیلهٔ مضراب سیمی است‌که مانند انگشتانه به انگشت سبابه می‌کنندبیشتر روی‌سیم اول‌انگشت گذاری می‌شود و باقی سیمها بطور دست باز بکارمی‌رود .

سیاه نی
این ساز درسال ۱۶۹۰ میلادی در نورمبرگ‌توسط‌یك‌نفرسازگرموسوم‌به‌ژان کریستف دنراختراع شد .
دراویل‌این‌سازناقصترین‌آلت موسیقی بادی بود وفقط یك‌کلیدداشت وردتوالی زیروبم‌های مختلفش نظمی موجود نبود، درابتدا مورد توجه نبود تا اینکه مولر اصلاحات بزرگی در آن نمود وسیاه‌نی سیزده کلیدی خـود را درست‌کـرد و بلافاصله برای سهولت چندکلید متمم به آن اضافه‌کرد .
عدهٔ زیادی ازآن استقبال نمودنـد ولی هنوز ناقص بود. سیاه‌نی را ازروی فواصل طبیعی‌انگشتها سوراخ‌کرده‌بودند واین‌امرموجب خرابی مایه‌هاو نت‌هـای کم صداونت‌های‌ضعیف‌یا نت‌های‌خیلی‌زیر می‌شد . کلوزه بفکر افتاد که از سیستم حلقه‌ای متحد به‌وسیلهٔ‌یك‌میلهٔ متحرك‌که تئوبال **بواهم**برای اصلاح فلوت درست کرده بود برای سیاه نی‌استفاده نمایـد. سپس تمام‌آهنگها باروشنی ویژه‌ای‌باآن نواخته می‌شد .

سیتار Cithare

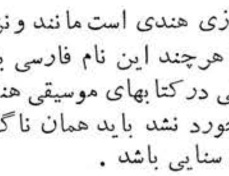


ازسازهای قدیمی ملی یونان و نوع کامل شدهٔ‌آن **لیر** است .

سیرینکس Syrinx
ازسازهای باستانی یونـان است و عبارت ازیك ساز دهنی مرکب از تعداد زیادی نی به اندازه‌های مختلف‌که‌پهلوی یکدیگر قرارمی‌دادند یك سراین‌لوله‌ها به‌کلی‌بسته بـوده است بنابراین امواج صوتی دو بار درازای لوله را می‌پیموده وبا این ترتیب صدایی‌که ایجاد مـی‌شد نزدیك به اندازهٔ یك اوکتاو بم‌تر از صدایی‌بوده‌که ازیك‌نی معمولی‌به درازای برابر باآن ایجاد شده باشد .
دریونان باستان‌تعداد نی‌ها معمولا ازهفت‌بیشترنمی‌شد ولی درایران‌به‌تعداد آن افزودند .

شهنای .
سازی هندی است مانند ونزدیك به **هوبوآ** هرچند این نام فارسی به‌نظرمی‌رسد ولی درکتابهای موسیقی هند به‌این نام برخورد نشد باید همان ناگازارا یا گونه‌ای سنایی باشد .

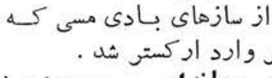
شیپور Cor



شیپور از سازهای بادی ومسی‌کـه انواع پیستون دار ، وبـدون پیستون و بدون زبانه است .

شیپور انگلیسی .
از سازهای بـادی مسی کـه توسط واگنر وارد ارکستر شد .

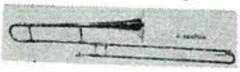
شیپور پستاندار Cor à pistons



از انواع سازهای بادی مسی‌که بـا پیستون صدای‌آن زیر وبم می‌شود .

شیپور شکار Cor de chasse
از سازهای بادی مسی است .

شیپور کولیس دار .



از سازهای مسی است .

طبل .



ازآلتهای ضربی ورزمی، بدنه‌ای استوانه‌ای دارد .

طبل باس .
نوعی طبل باصدای بم .

طبل بزرگ .
نوعی طبل است .

طبل بلند .
نوعی طبل است .

طبل گردان .
نوعی طبل است .

طبل نظامی .
از طبلها که در ارکستر ریتمها بکار می‌رود .

طبله .
این ساز ویژهٔ شمال ومرکز هند است واز دوطبل کوچك که روی زمین قرار می‌گیرد درست شده است. یکی از آنها مریدنگایی است که از وسط بریده باشند. یکی ازآن چوبی و دیگری از مس است .

طنبورهٔ بربریه .
قسمی لورای بدوی به‌معنی (چغانه فارسی) است .

عود Luth
یکی ازآلتهای موسیقی شبیه بربط وچنگ است .

فاگوت Fogotte
باسون را به بینید .

فلاژله Flagelet
ازسازهای بادی نوعی فلوت کوچك زبانه دار است .

فلوت Flute
از سازهای بادی به طول ۶۷ سانتیمتر بدون زبانه صدای آن سه‌اوکتاو واز سوراخ جانبی به داخل آن می‌دمند انواع مختلف دارد، چون‌فاقد پرده‌است نواختن نغمه‌های ایرانی درروی این‌ساز بسیار مشکل است .

فلوت بزرگ .
نوعی ساز بادی از گروه فلوت است .

فلوت دوپان Flute de pan
نوعی ساز بادی از دستهٔ فلوتها است .

قره نی .
کلارینت را به بینید .

کارادسامیلا Karadsamila
گونه‌ای نقارهٔ هندی است که در معابد بکار می‌رود . ازنقاره بزرگتر و دارای تسمه‌های چرمی است .

کاریون دوفانفار Carillon de fanfar
ازآلتهای ضربی درموسیقی که از۳ تا ۸ زنگ دارد .

کاشاراتی Ka _ sharati
گونه‌ای نی هندی است که دررقصها ومراسم عروسی بکارمی‌رود .

کرنا Karana
سنایی بزرگتری است که صدای بم تری دارد .

کلارینت Clarinette



سازی بادی ومسی که انواع مختلف دارد و در فارسی قره نی نامیده می‌شود.

کلاوسن Clavcin
از سازهای زهی که بوسیله گزش و



کشیدن به‌صدا در می‌آید ، وصفحهٔ کلاوسن معمولا ۴۹ شستی، ۵ و ۶ تا ۷ پدال دارد .

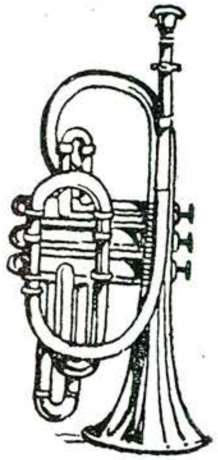
کلاویکورد Clavicorde
سازی زهی وضربی که از ترکیب تمپانون و کلاویه در اواخرقرون وسطی اختراع شده است .

کور .
شیپور را به بینید .

کورال Kural
این ساز هندی را می‌توان سازمقدس چوپانها نامید که شامل تعدادی چوبهای توخالی بادرازای گوناگون می‌باشد . نواهای شگفت انگیزی با آن می‌نوازند که صدایش تیز است .

کورآنگله .
شیپور انگلیسی را به بینید .

کورنه پیستون دار Gornet à pistons



شیپور کوچك پیستون دار است .

کوما Kuma
گونه‌ای ترومپت برنجی هندی است که‌مقدس‌می‌باشد، برهمن‌ها نیزدرنواختن آن مجازند .

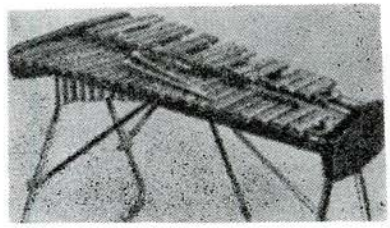
کونترباس .
ویولون کونترباس را به بینید .

کیثارا Chitara یا Cithara یا Kithara
از سازهای زهی یونانی است که از خانوادهٔ لیرLyreمی‌باشد این‌سازشباهتی به‌گیتار امروزی دارد .

گارمن .
گرفته شده ازگارمونیکای روسی ، آلت موسیقی دستی که بابادکار می‌کند .

گالاتاران گینی Galatarangini
سازی‌است مخصوص که‌درهندمتداول است وعبارت می‌باشد ازکاسه‌های کوچك وبزرگ چینی که‌آنها را به اندازه‌های مختلف آب می‌کنند وباآن نغماتی می‌نوازند . نامش جالاترنگ است . در سانسکریت جالا به‌معنی آب‌وترنگ به‌معنی موج است. صدای‌آن‌مخصوصاً وقتی‌آرپژ یا نغمات متوالی را پی‌درپی درجایی‌که ارکسترسکونت دارد اگر بنوازندبسیار مطلوب است. عمل نواختن بادو مضراب چوبی انجام می‌گیرد .

گزیلوفون xylophone
ازآلتهای موسیقی ضربی که مرکب



از قطعه‌های متعدد چوب وفلز است و با چوبدستی کوچکی نواخته می‌شوند .

گوفوس Goofus

سازی شبیه ساکسوفون دارای ۲۵ کلید که در سال ۱۹۲۰ میلادی اختراع شده‌است.

گیتار Guitar



سازی است زهی و ضربی دارای ۶سیم، صدای گیتاردرحدود سه اوکتاو است .

لورا

لیر را به بینید .

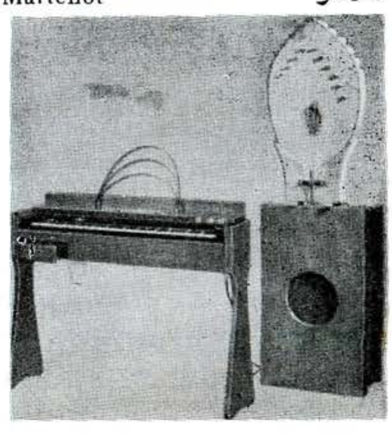
لیر Lyre

ازسازهای ضربی وملی یونان باستان است که سیمهای آن چهار قسمتی است .

مار .

سرپان را به بینید .

مارتنو Martenot

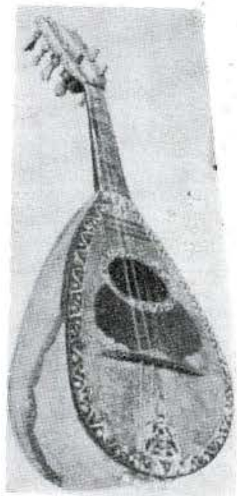


یکی ازآلات الکترونی موسیقی است .

ماگادیس Magadis

سازی بوده‌مانند چنگ ولیردارای بیست سیم که سیمهای آن را دوتا دوتا با هم کوک‌می‌کردند. با این تفاوت که یکی بم ودیگری یك اوکتاو زیر بوده است بنابراین هروقت باچکش یامضراب‌روی هردوسیم‌می‌نواختند دوصدای‌هم اسم ولی زیرو بم شنیده می‌شد . نام‌دیگراین ساز پکتیس Pectis می‌باشد .

ماندولین Mandoline



سازی زهی وضربی دارای ۸سیم است .

ماهانگارا Mahangara

گونه‌ای طبل بزرگ هندی می‌باشد که مورد استفادهٔ دسته‌های دوره گرداست ودربعضی از تشریفات مذهبی مسلمین بکار می‌رود وقطر دهانهٔ آن نزدیك ۱/۵متر است .

مثلث Triangle

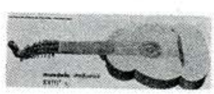
از سازهای زهی وضربی است .

مریدنگا Mridanga

شاید قدیمی ترین طبل هند باشد که درجنوب بسیار رواج دارد .

گویند مخترع آن برهما بوده وآن را برای همراهی رقص شیوا می‌نواخته است. مریدنگا را سابقاً ازگل وامروزاز چوب می‌سازند،درازای آن درحدود ۶۱ سانتیمتر و دور بدنهٔ آن در میان ۹۱ سانتیمتر وقطر هریك ازدوسر آن نزدیك ۲۲/۵ سانتیمتر است .

مندول .



نوعی گیتار است .

موزت .

اوبوای چوپانی را به بینید .

ناگازارا Nagasara

قره‌نی‌هندی یا ناگازارا، معمولی‌ترین ساز زبانه دارهند است .

در شمال و جنوب یافت می‌شود و هیچ تشریفات‌وعروسی‌بدون‌آن‌کامل نیست، شکل آن‌مخروطی ودرازایش از۶۱ تا ۷۶ سانتیمتر است .

ازچوب یاازچوبی که‌از فلز پوشانده شده باشد درست می‌شود . دارای ۱۲ سوراخ است که هفت‌تای‌آن برای‌انگشت گذاشتن‌وبقیه‌برای‌تنظیم‌ارتفاع‌صوت‌است. نوع کوچکتراین سازNikairna نام‌دارد.

نالاتارانگ Nallatarang

گونه‌ای ساز هندی است که براساس ارگ است ودارای ۱۹ لوله می‌باشدکه به وسیلهٔ دم نواخته می‌شود وهریك از لوله‌ها به وسیلهٔ کلید کوچکی که به ردیف‌مضرابها متصل است بازو بسته‌می‌شود.

نای مضاعف .

گونه‌ای نای دارای دوزبانه از گروه‌سازهای‌بادی‌مصریان باستانی‌است.

نفری Nafari

ترمیپ راست،کوچکی است این‌ساز هندی‌درایران‌نفیر یاشاخ نفیر نامیده‌می‌شود.

نی‌انبان Cornemuse

ازسازهای بادی که محفظه‌ای برای هوا دارد .

وانسا یا **بانسوری** Banscri or Vansa

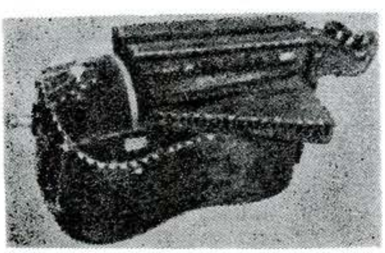
نی زبانه داری است ومعمولی‌ترین سازهندی است که ازپیش‌به یادگار مانده است. نام هـای دیگرآن (مورالی یا فیلاگوری) می‌باشند .

نام های مختلف دارد وبی‌شباهت به فلوت انگلیسی نیست. از چوب خیزران که توی‌آن را خالی کرده‌اند ساخته می‌شود. گونهٔ فلزی‌آن هم دیده شده‌است.

ویرجینال Virginal

آلت موسیقی مستطیل شکلی که در قرون ۱۶ و۱۷ میلادی‌رایج بوده است .

ویل Vielle



از سازهای زهی‌وضربی‌است .

وینا .

سازی‌است‌هندی وبردو گونه، شمالی وجنوبی می‌باشد. نـوع جنوبی این ساز دارای‌کاسهٔ بزرگی‌است ازچوب که سطح صاف آن دارای قطری به‌طول ۳۰/۴۸ سانتیمتر است.در روی‌کاسه پلی‌قراردارد (خرك) که سیم‌ها از روی‌آن عبورکرده ازیك طرف به‌انتهای‌کاسه‌وازطرف دیگر به‌گردن ساز به‌گوشیها متصل مـی‌شود . دستهٔ سازهم از چوب است وپرده‌ها کـه قوسی هستند ازبرنج یانقره‌ساخته‌شده‌اند علاوه براینها درقسمت بـالای دسته یك دسته‌کاسهٔ دیگری‌قراردارد که‌ازکدواست وبرطنین ساز می‌افزایـد. در روی دستهٔ ساز ۲۴ پرده نصب شده بطوری‌کـه هر سیم دارای دوهنگام است. درموقع‌لزوم می‌توان پرده‌ها را بالا وپایین برد. ساز دارای ۴ سیم اصلی است‌که گوشیهـای آنها درگردن ساز واقع شده ودارای‌سه سیم فرعی نیزهست‌که برای‌کمك به‌طنین صداست وگوشیهای‌آن‌هـا به بدنـهٔ ساز نصب شده است. دوسیم اول ساز ازفولاد و دوسیم بعدی ازبرنج یانقره و سیمهای سه‌گانهٔ فرعی نیز ازفولاد است .

امروزه پرده‌های وینا طوری بسته می‌شود که فاصلهٔ کـوچکتر ازنیم پـرده ندارند. برای نواختن ساز یاآنرا روی زانو می‌گذارند یاسرآنـرا روی شانـه قرار می‌دهند .

وینای شمال هند دارای دوکاسهٔ کدو برای طنین صدا است‌کـه در روی زمین قرار دارد وعمل نواختن بوسیلهٔ گویی‌از شیشه است به‌اندازهٔ تخم‌مرغ که باحرکت دادن‌آن ازبالا به پایین صداهای‌مختلف ایجادمی‌شود ودارای پرده هم نمی‌باشد.

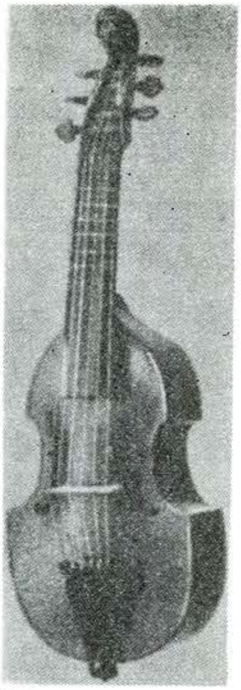
وینائوه .

سازی‌است معمول درهند که ازچوب خیزران‌ساخته‌می‌شود وبوسیلهٔ نوازندگان دوره‌گرد مورد استفاده قرار می‌گیرد . این ساز شباهت زیادی به‌رابانست‌رای دارد .

ویولون‌آلتو Violon, Alto.

نوعی ویولون است، که در ارکستر سنفونیك، تریو وغیره باسازهای دیگر همراهی می‌کند .

ویولن Violon



ازسازهای زهی است با چهار سیم یا بیشتر وبـا کمك آرشه نواخته می‌ـ شود .

ویولون دامور V.d'Amour

نوعی ویولون است .

ویولون سل V . Sel

از سازهای زهی‌که برای صداهـای بم بـکار می‌رود این ساز را عمودی در زمین قرار داده ونشسته می‌نوازند .

ویولون کوچك Peti . Violon

از انواع ویولون است .

ویولون کونترباس Contre Basse



از سازـ هایی‌که‌صدای بم‌دارد واغلب بـرای حفظ آهنـگ در ارکستر بکار می‌رود .

هارپ .

نام سازسه‌گوشه‌ای‌است که‌تارهای‌آن درطول نامساویند وبا دو دست نـواخته می‌شود. هارپ‌را مصریان قدیم‌وعبرانیان واقوام‌دیگر به‌حالت بسیارناقص وابتدایی می‌شناختندوبکار می‌بردند بنا برافسانه‌ها داوود پیامبر به‌همراهی این سازآوازمی‌ـ خوانده. در نقشهای باستانی مصروایران پیش از اسلام (دورهٔ ساسانیان) این‌ساز دیده می‌شود ودرآثـار شعرای ما ازآن سخن بسیاررفته‌است. چنانکه ازنقش‌ها و تاریخ‌هـای موسیقی بـرمی‌آید این ساز مورد توجه زنان‌بوده وگویا ظاهرظریف وشاعرانهٔ‌آن، آنان رامی‌فریفتـه است‌در دوره‌های‌کهن ۴سیم داشته‌که بتدریج رو به افزایش نهاده است «هارپ» بصورتی که‌امروزدرموسیقی‌علمی معمول‌است‌یعنی «هارپ» مدل «ارار» درقـرن نـوزدهم به‌وسیلهٔ «سباستین‌ارار» فرانسوی تکمیل شد ودرارکستر راه‌یافت . هارپ «ارار» ۴۷ سیم دارد ودر حـال طبیعی درگـام «دوبمل» بزرگ می‌باشدپایهٔ‌آنراهفت‌رکاب «پدال» احاطه‌کرده‌است که‌هریك‌مخصوص یکی ازنت‌های هفتگانه است ودر زیـر هرکدام دوحفره قرار داردکـه روی‌هم تعبیه شده . هریك از رکابها (پدال) بنا براینکه‌آن‌را درحفرهٔ اول یادوم قـرار دهیم ویا به‌حال اصلی خود بگذاریم‌به‌سه حالت مختلف می‌تواند درآید چون یك حفره پایین‌تر می‌آید سیم‌آن‌کشیده شده وصدای‌آن به‌فاصلهٔ نیم پرده‌زیرتر میـ گردد وبه‌همین‌ترتیب‌چون‌درحفرهٔ دیگر قرارگیرد وصدایی ازآن برمی‌خیزد که ازصدای پدال حفرهٔ اول‌نیم پرده زیرتر است. نقش پدال مربوط به سیم «ر» در شکل زیر آمده‌است .

دو O
|
ر بمل O ← حالت اصلی
|
ر O ← حفرهٔ اول
|
ر دیز O ← حفرهٔ دوم
|
می O

از میان آهنگسازانی کـه برای هارپ‌آثاری نوشته‌اند :

موزار(کنسرتوبرای‌فلوت‌وهارپ)ـ هاسلمان ــ پیرنه ــ دوبوسی ــ و راول را می‌توان نام برد.

هارپو .

ساز فنلاندی‌ازنوع سنتورکه دارای پنج سیم است وازچوب درخت قان‌ساخته می‌شود.طول‌آن تقریباً ۵۰ سانتیمتراست.

هارمونیکا Harmonica

اصطلاح مخصوص ابزار موسیقی است که صدا در آنها با لرزاندن گیلاسهای شیشه‌ای (زنگهای شیشه) بوجود می‌آید.

کلمهٔ هارمونیکای شیشه‌ای از قرن هجدهم مصطلح شد که ابزارهای موسیقی به نام جامهـای موسیقی متداول شد (در فرانسه وریلن) هارمونی شیشه‌ای مرکب از هجده جام (لیوان) آبجو بود که آنها را روی تخته‌ای پوشیده از پارچه می‌گذاشتند ودر هر شیشه کـه می‌بایست آهنگ تغییر کند آب می‌ریختند و صـدا از این راه ایجاد می‌شد که دور لبه‌های گیلاس انگشت تر می‌چرخید (گاهی هم با تکه‌های چوب به کنارهای لیوان می‌زدند) گلوك در تآتر کوچك هی‌مارکت درلندن در آوریل سال ۱۷۴۶ میلادی کنسرتی داد و در آن با جامهای موسیقی بوسیلهٔ ارکستر کامل کنسرتوی کاملی از آثار خود معرفی کرد.

هنگامی که بنیامین فرانکلین درسال ۱۷۵۷ میلادی به لندن مسافرت کرد بسیار تحت تأثیر آلات موسیقی شیشه‌ای قرار گرفت ودر نتیجه هارمونیکای شیشه‌ای را درسال ۱۷۶۲ میلادی بوجود آورد سالیان دراز این آلت مورد استفاده و اهمیت بسیار بود. موزارت، بتهوون، نومان، و هاسه آهنگ‌ـ هایی برای آن ساختند واشخـاصی مانند مارین دیویس ومارینا کـرچگسز از آن استقبال کردند و بعدها تحت تـأثیر این آلت افرادی مانند کارل لئوپولد رولینگ هارمونیکای تازه‌ای با کلید نت درسال ۱۷۸۶ میلادی ایجاد کرد دیگران نیز پس از وی هارمونیکاهایی جدید ابتکار کردند که تـا امروز بسیاری از آنهـا از میان رفته است.

کلمهٔ هارمونیکا بر (آآلینا) که نام ابزار موسیقی دهنی است نیز اطلاق می‌ـ شود. این ساز بوسیلهٔ سرچارلز ویتستن درسال ۱۸۲۹ میلادی اختراع شد و عبارت از چند لولهٔ کوچك توخالی و آزاد است که هریك جداگانه هواکش دارد و یکسر آن به دهن هارمونیکازن پیوسته می‌شود. همهٔ این لوله‌ها از طرف دیگر به جعبهٔ فلزی می‌پیوندد. آهنگ بوسیلهٔ پس و پیش بردن آلت موسیقی درجلو دهان ایجاد می‌گردد و نتیجهٔ آن آوازهای بسیار ساده است.

هارمونیکور Harmonicorde

نوعی پیانو به شکل هرم است و از سازهای قدیمی است.

هارمونیوم Harmonium

گونه‌ای ابزار بادی موسیقی است که دارای صفحهٔ کلید است به عبارت دیگر آلت موسیقی بدون لوله است که نی آزاد یـا لوله‌های صوتـی آزادی در آن تعبیه شده است.

هارمونیوم و دستگاههای تکمیل شدهٔ بعدی آن که در آمریکا مرسوم است به نام آلات بادی آزاد خوانده می‌شود و تن‌های موسیقی به وسیلهٔ زبانه‌ها یا (براس) که لغت فنی آن « ویبراتـر » Vibrator است (مرتعش کننده) تولید می‌شود ویبراتر برروی قـالب مستطیل شکلی سوار شده است که به آسانی می‌توانـد در وسط آن عقب وجلو برود و لوله‌های هـوا مانند ارگ‌های کلیسا به وسیلهٔ یك سوراخ پوشیده شده ودر هر ارتعاشی ازیك سوضربه ایجاد می‌گردد. ویبراتر توسط حرکت هوا بـا دمیدن های متوالی منظم می‌شود. و بدینوسیله شدت آواز تعیین می‌گردد. تفاوت ها رمونیوم با ارگ آمریکایی این است که دراولی وسیلهٔ هواجریان را به سوی بالا می‌برد درحالی که در نوع اخیر جریان به طرف پایین سرازیر می‌شود.

هبنوقه.

نای را گویند و به هر آلت سرود نیز گفته می‌شود.

هلیکون Helicon

نوعی شیپور کونترباس است.

هوبوآ.

اوت بوآ را به بینید.

هورن.

شیپور را به بینید.

برندگان جوایز پولیتزر
(موسیقی)

۱۹۴۳ـ سکومر ـ سنتاتـا شمارهٔ ۲ ـ تصنیف آزاد ـ از ویلیام **شاهن**
Schuman W.

۱۹۴۴ ـ سمفونی شمارهٔ ۴ ـ از هوارد **هنسن**
Hanson H.

۱۹۴۵ـ آپلچین اسپرینگ ـ از آرون **کپلند**
Copland A.

۱۹۴۶ـ سـرود آفتـاب ـ از لئو ـ **سوربی**
Sowerby L.

۱۹۴۷ـ سمفونی شمارهٔ ۳ ـ از چارلز **ایویز**
Ivis C.

۱۹۴۸ـ سمفونی شمـارهٔ ۳ ـ از والتر **پیستون**
Piston W.

۱۹۴۹ـ داستان لویزیانا ـ اثر ویرجیل **تامسون**
Tomson V.

۱۹۵۰ـ کنسـول ـ از جین‌ـ کارلـو‌ـ **منوتی**
Menotti G. C.

۱۹۵۱ـ ستارگان درخشان در زمین ـ از دوگلاس‌ـ اس‌ـ **مور**
Moore D. S.

۱۹۵۲ـ سمفونی کنسرتنت ـ از ـ گیل **کوبیك**
Kubik G.

۱۹۵۳ـ جایزه اعطا نشد.

۱۹۵۴ـ کنسرت برای دوپیانو وارکستر از کـوئینسی ـ **پورتـر**
Porter Q.

۱۹۵۵ـ فـرشتهٔ خیابـان بکیلر ـ از جین کارلو ـ **منوتی**
Menotti G. C.

۱۹۵۶ـ سمفونی شمارهٔ ۳ ـ از‌ـ ارنست **تاچ**
Toch E.

۱۹۵۷ـ تفکـرات واعـظ ـ از نرمن دللو ـ **جویو**
Joio D.

۱۹۵۸ ـ داسـکـور آووان ـ از ـ ساموئل **باربر**
Barber S.

۱۹۵۹ـ کنسرتو برای پیانو وارکستر‌ـ از جان لا ـ **مونتین**
Montaine J. L.

۱۹۶۰ـ سکند ـ استرینگ کوانتد ـ از الیوت **کارتر**
Carter E

۱۹۶۱ـ سمفونی شمـارهٔ۷ـ از ـ والتر **پیستون**
Piston W.

۱۹۶۲ ـ دکـروسیبل ـ از رابـرت **وارد**
Ward R.

۱۹۶۳ـ پیانوکنسرتو شمـارهٔ ۱ـ از ساموئل **باربر**
Barber S.

۱۹۶۴ـ جایزه داده نشد.

۱۹۶۵ـ جایزه داده نشد.

۱۹۶۶ـ وری ایشن فور ارکسترا ـ از لسلی ـ **باست**
Basset L.

۱۹۶۷ـ کوارتت شمارهٔ ۳ـ از ـ لئون **کیرچنر**
Kirchner L.

موسیقی‌دانان بزرگ خارجی

آدام، آدلف. Adam,A

(۱۸۰۳ ـ ۱۸۵۶م)

آهنگساز فـرانسوی مصنف قطعـهٔ «اگرمن شاه بودم» و «سرود عید میلاد مسیح» اسـت.

آرمسترانگ ، لویی
خواننده‌ها را به‌بینید.



آژنکور، فرانسوادو) Agincourt, F
(۱۶۸۴ – ۱۷۵۸م)
آهنگساز فرانسوی است .

آلبر، اوژن فرانسیس شارل‌دو , Albert
(۱۸۶۴ – ۱۹۳۲م)
پیانیست‌وآهنگسازآلمانی- فرانسوی که اثرمعروف او **چشمهای مرده** است.

آلبرتی ، لئونه باتیستا .
معماران‌ومهندسین ساختمان‌خارجی رابه بینید .

آلبنیز، ایساك . Albéniz , I
(۱۸۶۰ – ۱۹۰۹م)



پیانونواز و آهنگساز اسپانیایی . مایه‌های عامیانهٔ اسپانیایی رادرموسیقی خود بکار برده و از آثارمعروف او «سوئیت‌ایبریا» است‌که شهرت‌فراوانی کسب‌کرده است.این سوئیت برای پیانو ساخته شده است .

آلگری، گرگوریو . Allegry,G.
(۱۵۸۲ – ۱۶۵۲ م)
آهنگساز ایتالیایی مصنف مزمور (رحم کن!) می‌باشد .

آلوی، ژاك فرومانتال .
هالوی را به بینید .

آنتیل ، ژرژ Antheil,G
(متولد۱۹۰۰ م)
آهنگساز وپیانونواز آمـریکایی ، **بالهٔ مکانیك** ، اثرمعروف اواست .

آندریسن Andriessen
(تولد ۱۸۹۲ م)
ازموسیقی‌دانان مذهبی هلنداست‌که بانوشتن (کور)های باحالت وپـر معنی خود شوق مذهبی مردم‌این‌کشور رابیدار کرد. آثارنامی‌او: «TeDeum» ته‌دیوم و «Missa Nova» میسانووا وتوکاتا برای ارگ‌می‌باشند. این‌موسیقی‌دان‌درآثاری‌که برای ارگ‌نوشته تحت نفوذسزارفرانك استاد فرانسوی واقع‌شده است .

آیوز، چارلز Ives, Ch.
(۱۸۷۴ – ۱۹۵۴م)
آهنگساز آمریکایی است که اغلب آثارش‌تامدتی ناشناخته ماند ازاوچندین سنفونی وسوییت وسوناتباقی است.

ابجر .
(دورهٔ بنی‌امیه)
دومین خـوانندهٔ عصراموی بـوده است .

ابن‌جامی، ابوالقاسم اسماعیل.
(فوت ۱۸۹ ه ق)
موسیقی‌دان عـرب، صاحب اثـری به‌نام **المأته الصوت المختاره** می‌باشد .

ابن‌زبیر .
(وفات ۵۶۳ ه ق)
ابوالحسین احمدبن علی‌بن‌ابراهیم نمسانی اسوانی‌ملقب به‌رشید. عالم‌نحوی لغوی، عـروضی، منطقی، مورخ، طبیب- مهندس ـ منجم و**موسیقی‌دان** ازخاندانی بزرگ به‌صعید مصر .
ازآثاراو: منیةالالمعی و منیةالمدعی در علوم عدیده. جنان‌الجنان وروضةالاذهان درترجمهٔ شعرای مصروشفاالغلة فی‌معرفة القبلة وغیره‌ها .

ابن‌سریج Sorayj
(۱۰۵ – ۱۲۵ ه ق)
مشهوربه‌ابویحیی عبیدالله، خواننده و موسیقی‌دان عرب وبرای اولین بارساز عود راواردمکه‌کرد، گویاهنرنوازندگی راازایرانیانی‌که دیوارگرخانهٔ‌کعبه‌بودند آموخته بود .

احمد .
(وفات ۵۶۲ ه ق)
ابن‌علی‌بن ابراهیم‌بن‌الزبیرالغسانی الاسوانی المصری‌ملقب به‌رشید ومکنی‌به ابوالحسین‌اوکاتب‌شاعر فقیه‌نحوی، لغوی، عروضی‌مورخ‌منطقی‌مهندس وعارف به‌طب‌و موسیقی‌ومتفنن به‌نجوم بود .

ادفوی .
(۶۸۵-۷۴۸یا۷۴۹ه ق)
کمال‌الدین ابوالفضل جعفربن‌ثعلب بن‌علی‌الادفوی الشافعی. علم‌وادب رانزد ابن‌دقیق وابوحیان آموخت واز**موسیقی** نیزآگاهی داشت و مجموعه‌های نیکویی از اومانده منجمله : الامتاع فی‌احکام ـ السماع .

ارسطوخسنوسیه (ارسطوخنس) .
Aristoxéne .
(متولد ۳۵۰ ق م)
فیلسوف و**موسیقی دان** یونانی وی تلمیذاریست بودوبه‌تقلید سوئیداس۴۵۳ تألیف‌کردکه ازمیان‌آنها فقط«ایقاعات» قدیمی‌ترین بحث موسیقی تاکنون‌شناخته شده است .

ارتل . Orthel
(تولد ۱۹۰۵م)
موسیقی‌دان هلندی وسازندهٔ آثـار زیبا ودرعین‌حال تاریك وغم‌انگیزی‌است که‌کاملا جنبهٔ هلندی دارد. سنفونی‌های اودر جهان مـوسیقی بین‌المللی حایـز اهمیت بسیار است .

ارفئوس . Orpheé
پسر**اوآگر**Oeagrپادشاه تراکیه و مادراو**اواموزگالیوپ** وبه‌عقیدهٔ عده‌ای فرزند **آپولون** و**کلیو** می‌باشد
وی مشهورترین موسیقی‌دان ازمنهٔ قدیم است. آهنگهای اوبه‌قدری دلربـا بـودکـه حیوانات وحشی رابه‌خودجلب می‌کرد وازحالت درندگی بازمی‌داشت .
وی ازمصرهم دیدن‌کرد،زنش **اوریدیس** Eurydiceرا،درهمان‌روزجشن‌عروسی‌ماری گزید ارفئوس وارددوزخ‌شد وباتصنیفها وآوازهای خود شیاطین راسرگرم‌کرد و آنان موافقت‌کردندکه زنش‌را پس‌دهند به‌شرطی‌که‌تاازدوزخ خارج نشود به‌عقب بازنگرددوزن خودرانگاه نکند واواین شرط را انجام‌نداد ودرآخرین لحظهٔ‌قبل ازخروج به اوریدیس نظرافکند، زئوس وی را گرفتارصاعقه‌کرد وبه‌قولی‌تـوسط طرفداران‌باکوس (Bacchantes)قطعه ـ قطعه شد .

اریستکسن واریستکسنوس .
Aristoxene . Aristoxenus .
(متولد ۳۵۰ق م)
ارسطوخسنوسیه راببینید .

اژینسکی، میشل Oginski (Michel)
(۱۷۶۵ – ۱۸۳۱ م)
سیاستمدار **وموسیقی‌دان**لهستانی.

اسپانتی‌نی، گاسپارو لموئیگوپاسیفیکو . Spantini, G, L,P
(۱۷۷۸ – ۱۸۵۱م)
آهنگساز مشهور ایتالیایی‌در «قصبهٔ مایولاتـی) متولد شد و شاهـکار وی به‌نام«لاوستال»درپاریس‌تصنیف شده‌است.

اسپانیر، ماگسی . Spanier , M
(متولد ۱۹۰۶م)
ترومپت‌نواز واثرمعروفش، **شانزده بزرگ** نام دارد .

اسپونیستی .
اسپانتی نی‌را به‌بینید .

اسپینل ، ویتنته مارتینت .
شعرای خارجی را به‌بینید .

استاکوفسکی، لئوپولد .
استوکوفسکی‌را به بینید .

استرادلا، آلساندرو. Stradella
(۱۶۴۵ – ۱۶۸۱م)
آهنگساز وخوانندهٔ ایتالیایی است که درناپل متولدشده‌است .

استراوینسکی ، ایگورفیو دور وویچ . Stravinsky,I .
(متولد۱۸۸۲م)



آهنگساز روســی ، آهنگسازی را در نزد ریمسکی – کورساکوف آموخت.در تصنیــف موسیقی تکنیکی فوق‌العاده جدید دارد. ازتصنیفات‌او بالتهای **پرندهٔ آتش**(۱۹۱۰) **پتروشکا**(۱۹۱۱)، **تقدیس بهار**(۱۹۱۳) **اپرای هزاردستان** (۱۹۱۴)، **اپرا – اوراتوریوی اودیپ شهریار**(۱۹۲۷)، **سمفونی‌مزامیر** (۱۹۳۰)، وآثار بسیار دیگردرزمینه‌های مختلف‌رامی‌توان‌نام‌برد.

استوکوفسکی ، لیوپولد . Stokowski , L
(متولد ۱۸۸۲م)
رهبر ارکستر فیلادلفیا ازمـــردم لهستان و ساکن ایالات متحده است .

اسکارلاتی، (الساندر) . Scarlatti A
(۱۶۵۰ – ۱۷۲۵م)
یکی‌از**موسیقی**شناسان‌و**آهنگسازان** معروف‌ایتالیاومؤسس‌سبک«ناپلیتن»مولد اوناپولی. وی‌دارای‌اپراهای‌زیادی‌است.

اسکارلاتی ، آلساندرو Scarlatti ,A
(۱۶۸۵ – ۱۷۵۷)
نوازنده وآهنگساز ایتالیایی کـه علاوه براپراهای متعدد در حدود ۶۰۰ سونات برای‌آلات مختلف موسیقی‌تصنیف وبه‌غالب ممالك اروپا سفر کرده است .

اسکریابین، الکساندرنیکولایویچ . Skriabine, A , N .
(۱۸۷۲ – ۱۹۱۵م)



آهنگ – ساز و پیانو نواز روسی است .

اسکوتو، ونسان Scotto, V.
(۱۸۷۶ – ۱۹۵۲م)
آهنگ‌ساز فرانسوی است .

اسلادك، ژزف .
(تولد ۱۹۱۰ م)
این موسیقیدان چك‌که نـوازندهٔ آکولیس می‌باشد دربوهم بـه دنیاآمده است.ازشش‌سالگی‌شروع‌به‌آموختن‌موسیقی کرده واول‌ویلون‌را فـراگرفته وراه را برای ورودخوددر هنرستان موسیقی‌پراك بازکرده است .

پس‌از مدتی‌تحصیل دراین هنرستان به عضویت ارکستر نظامی برای نواختن ترمبون پذیرفته شد . سپس‌برای تکمیل تحصیلات‌خود به‌کنسرواتوار پراگ‌داخل گردید وبعدازگذراندن مسابقه به‌عضویت ارکستراپرای ملی‌پراگ انتخاب‌گردید وی درارکستر فیلارمونی چك و ارکستر رادیوی‌چك‌نیزشرکت داشته است .

اسمتانا، برایش Smetana, B.
(۱۸۲۴ – ۱۸۸۴ م)



آهنگسازو پیانو نواز چك ، **اپرا کمیك‌عروس عوضی**، از اپراهـای معروف او است .
این آهنگساز درسال ۱۸۷۴ بکلی‌کر شد .

اسولنك ، ژان پی‌ترسون . Sweelinck, J, P.
(۱۵۶۲ – ۱۶۲۱م)
آهنگساز ورهبر ارکستر ازمـــردم هلند می‌باشد .

استاین برگ، ویلیام Stain , Berg , W
(متولد ۱۸۹۹ م)
موسیقی‌دان آلمانی است .

اشتراوس .
(۱۸۰۴ – ۱۸۴۹م)
آهنگساز رقص. وی دومین رییس ارکستر «لانـر» Lanner گشت و نبوغ خاصـی درموسیقی رقـص ازخود آشکار ساخت وارکستری تشکیل دادکـه خود دررأس‌آنان به اجرای آهنگهایی کـه ساخته بودپرداخت . آنگاه رییس بـال درباروین گردید.والسهای وی‌مشهوراست ازجمله : تـاگلیونی، گابـریل،ارکستر ویکتوریا ، سیسیل ، لابـوا یادر،اتنل ، الکتریك وغیره . وی‌دروین فوت‌کرده‌و پدر ژان اشتراوس آهنگساز معـروف اتریشی است .

اشتراوس .
(۱۸۲۵–۱۸۹۹ م)
آهنگسازاتریشی پسرژان‌اشتراوس دروین متولد شدودرهمانجا بدرودحیات گفت. وی‌ازاوان‌جوانی‌به عنوان‌آهنگ‌سازموسیقی‌رقص‌مشهورشد ودرکنارپدرش ارکستر تشکیل‌داد وپس‌از مدتی‌پختگی مدیریت‌آن‌را بدست‌آورد و بانوازندگان خود به‌پاریس، برلن، لندن، سن‌پطرز – بورك‌رفت وازشهرهای مزبور دیدن‌کرد آنگاه به‌آمریکا رهسپارشد . والسهایش عبارتنداز : زندگی هنرمند، هزارویك‌شب ، زیبای ایتالیا، بـوسه وغیره. این آهنگها شهرت کامل یافت .

مشهورترین این‌ها دانوب‌آبی است که برای وینی‌ها مانند یك سنفونی تلقی شد وی‌در«اپرت» هم‌آهنگهایی ساخت و دراین قسمت قریحهٔ مطبوع وقابل‌توجهی ازخود بـروزداد. آثارمهم وی عبارتند از :

اندیگو **Indigo** (۱۸۷۱) .
کارناوال رم (۱۸۷۳) .



اسمیت



اسو لنك



اسکوتو

دی‌فله درموس diefledermaus (۱۸۷۴).
کاگلیوسترو Cagliostro (۱۸۷۵).
ماتیوسالم Mathusalem (۱۸۷۷).
کلین مایارد Colin - maillard (۱۸۷۸).
دستمال‌ملکه le Mouchoir de larine (۱۸۸۰).
لاگردفم la Guierrede sfemmes (۱۸۸۱).
شبی‌درونیز Une nuit á Venise (۱۸۸۳)
بارن تزیگان le BaronTzigane (۱۸۸۵).
سمپلسیو Simplicius (۱۸۸۷)
کاوالیه‌پاسمان le Cavalierpasman (۱۸۹۲)
لاپرنسس‌نینت leprincesse Ninette (۱۸۹۳).
گابوکا Gabuka (۱۸۹۳)
لاداس رزن la Dée sse Rison (۱۸۹۷).



امانوئل

اشتراوس، یوهان دوم.
(۱۸۲۵ — ۱۸۹۹م)



درخانواده ای موسیقی‌دان وهنرمند بوجودآمد، ومتجاوز از ۴۰۰ والس ساخته، که **داستانهایی از جنگل**، **سوی‌دانوب‌زیبای‌آبی**، ومارشی به‌نام **ایران** ازاو بسیارمعروف است.



انسکو

اشترن، ایزاك Stern , I
(متولد۱۹۲۰م)
ویولونیست معروف آمریکایی است

اشتراوس، ریشارد Strauss, R
(۱۸۶۴ — ۱۹۴۹م)



آهنگساز اتریشی. وی ازاوان جوانی به‌عنوان آهنگساز موسیقی‌رقص مشهورشد و ارکستری‌را اداره‌می‌کرد.
والسهای معروفی‌ازجمله: **زندگی‌هنرمند، هزار و یکشب، زیبای ایتالیا** از او است.

اشمیت (فلران) Schmitt .F.
(تولد ۱۸۷۰ م)
آهنگساز فرانسوی که در بلامنت به سال ۱۸۷۰ متولد شد وی مصنف چهل‌و هفتمین آهنگ تراژدی سالومه و عضو آکادمی هنرهای زیبای فرانسه بود.

اطرش.
(تولد ۱۹۱۷ م)
فریداطرش موسیقی‌دان و آهنگ‌ساز وهنرپیشهٔ معاصر عرب می‌باشد. درسویدای سوریه به‌دنیا آمدوسپس به‌مصر رفت نخستین فیلم‌او به‌نام (انتصارالشباب) می‌باشد که‌در سال ۱۹۴۱ میلادی بازی کرده است از مهمترین تصنیف‌های‌او می‌توان ختم‌البصر، بنادی‌علیك، یاریتنی‌طیر، یاداخلیں ارضنا، اناوانت اناوانت رانام برد.

افنباخ، ژاك Offenbach, J
(۱۸۱۹ - ۱۸۸۰م)



آهنگ ساز آلمانی‌الاصل. وی به تابعیت فرانسه درآمدومصنف اپرتهای متعدداست: **هلن زیبا**، **ارفئوس دردوزخ**، **دوشس بزرگ**، **حکایات‌هوفمان**. موسیقی‌وی نشاط‌آور و دارای‌جاذبه‌ای قوی است.

اکوپریان، فرانسوا.
(۱۶۶۸ — ۱۷۳۳م)
موسیقی‌دان فرانسوی است.

اگریکولا، مارتین Agricola, M
(تولد ۱۸۴۶ م)
آهنگ‌ساز آلمانی است.

الخلیلی بن‌الاحمد.
(فوت ۱۷۵ هـ ق)
موسیقی شناس عرب، صاحب آثاری چون: کتاب‌النغم، کتاب‌الایقاع می‌باشد.

الدریج، روی Eldridge,R.
(متولد۱۹۱۱م)
نوازندهٔ ترومپت و فلـوگلهورن است.

الینگتون، ادواردکندی Ellington, E, K.
(متولد ۱۸۹۹ م)



پیانونواز، آهنگساز و رهبر ارکستر جازآمریکا، مردی سیاه پوست‌است.

امانوئل، موریس Emmanuel . M.
(۱۸۶۲ — ۱۹۳۸ م)
آهنگساز، و آهنگ‌شناس‌فرانسوی.

انسکو، ژرژ Enesco ,G.
(۱۸۸۱ — ۱۹۵۵ م)
آهنگساز وویولون‌نوازرومی.

اوبر، دانیل فرانسوا Auber , D,F.
(۱۷۸۲ — ۱۸۷۱ م)
آهنگساز فرانسوی، که اپراهای متعددی ازاو به‌یادگار مانده است، از جمله: **لامکان**، **مارکواسپارا** و غیره.

اوترلو، ویلهلم فون Otterloo و W,V
(متولد ۱۹۰۷ م)
موسیقی دان هلندی است.

اوربانس، رودلف
ازموسیقیدانان چك‌است که‌ازسن ۸ سالگی تحصیل موسیقی‌راشروع کرده‌است. وی درشانزده‌سالگی‌وارد مدرسهٔ‌موسیقی نظام شده و سپس درکنسرواتوار دولتی پراگ برای تحصیل موسیقی نظام و تعلیم وتربیت داخل گردید وبالاخره موفق به‌اخذ دانشنامهٔ دولتی کنسرواتوار شده است وسپس بادرجهٔ ستوان دومی وارد درارتش‌چك گردیده وبه‌معاونت آموزشگاه موسیقی‌نظام رسید. وی‌علاوه برتخصص درموسیقی نظام دارای قریحهٔ سرشاری برای‌کمپوزیسیون می‌باشد. وی درسال ۱۳۲۰ شمسی درایران‌دراستخدام هنرستان‌موسیقی بوده است وقطعات مختلفی‌ازقبیل‌مارش- دوردبه‌کوه‌تاترا- والس، گلهای بهاری - پلکاو کنسرت‌برای فاگت وغیره دارد.

اورماندی، اوژن Ormandy, E
(متولد ۱۸۹۹ م)
رهبرارکستروااستادکنسرواتواردولتی

از مردم مجارستان بود که به‌آمریکا مهاجرت‌کرد .

اوری، کید Ory,K
(متولد ۱۸۸۶ م)
نوازندهٔ ترومبون است .

اولیور، کینگ Oliver , K
(۱۸۸۵ ـ ۱۹۳۸ م)
نوازندهٔ سیاه پوست‌کورنت ورهبر ارکستر جازازمردم آمریکا است .

اونگر، آرتور Honegger , A
(۱۸۹۲ ـ ۱۹۵۵ م)
آهنگسازی‌که‌اصلاسویسی‌وازلحاظ هنری فرانسوی است. وی یکی از چند آهنگساز نامی زمان خود بود که‌آثارش درمیان همگان شهرت ومحبوبیت‌فراوان داشت. اونگررا بسیاری ازصاحبنظران «تئورمانتیك» می‌نامند. ولی اوخـودرا آهنگسازی‌که‌از« بتهوون» پیروی می‌کند معرفی‌نموده‌است. اونگر به جنبهٔ‌معماری موسیقی علاقه ودلبستگی فراوان داشت.

ایبرت، ژاك Ibert , J
(۱۸۹۰ـ۱۹۶۲ م)
آهنگساز فرانسوی است .



ایبرت

ایپولیتوف، ایوانوف،میخاییل میخاییلو- ویچ . Ippolitov — Ivanov
(۱۸۵۹ـ۱۹۳۵ م)
آهنگساز روسی‌که اثـر معروفش **طرحهای قفقازی** نام دارد .

ایزائی، اژن Ysaïe E.
(۱۸۵۸ ـ ۱۹۳۳ م)
این موسیقی‌دان بلژیکی درشهر ، لییژ، بلژیك به دنیاآمد این نـابغه از کودکی ذوق واستعداد سرشاری ازخود بروزداد، نخستین‌آموزگار اوپدرش‌بود. وی ابتدا وارد هنرستان لییژ گردید و زیرنظراستادان بی‌مانندی قرارگرفت سپس به هنرستان بروکسل رفت وبعداز استاد شدن و به‌شهرت رسیدن اوباعث‌شد که‌درکنسرت‌مایستری ارکستر بیلزه در برلن انتخاب‌گردد .

درسال۱۸۸۶ میلادی‌ازطرف‌هنرستان عالی بروکسل برای تدریس دورهٔ عالی ویلن دعوت شد وبا زبردستی فوق‌العاده ازعهدهٔ‌کارهای محول شده برآمد .

اژن ایزایی نامی‌ترین ویـرتوئوز عصرخود بوده است .

درخصوص عظمت وی همین بس‌که مؤسس جدیـد دبستان جـدید موسیقی فرانسه، سزار فرانك، سنات خود راکـه برای ویلن نوشته به ایزایی تقدیم‌نمود.

ایزایی ازبنیان گـزاران دبستان فرانکوبلژ می‌باشد .

ایستراخ، دیوید Oistrakhe, D
(متولد ۱۹۰۸ م)
موسیقی دان و ویولونیست معروف روسی است .

ایستومین، اوژن Istomin , E
(متولد ۱۹۲۵ م)
موسیقی‌دان‌وپیانیست‌معروف‌آمریکایی است .

باخ، ژان سباستیان Bach, J, S
(۱۶۸۵ ــ ۱۷۵۰ م)
آهنگساز آلمانی، کـه با نبوغش مـوزیـك دورانش را به اعلای جلال خود رسانیدوآثار جاویدان‌او اعـجـاب موسیقی ــ شناسان را برمی‌انگیزد.



باخ، ویلهلم فریدمان Bach, V
(۱۷۱۰ ــ ۱۷۸۴ م)
دستورات‌پدررادرنواختن‌ارگ‌بیش ازدیگران‌پسر بزرگتر باخ به‌ارث‌برده‌بود. در پایان عمرخود به خاطر قروض فراوانش بعضی ازنسخه‌های اصلی پدرش ازبین رفت .

باخ، فیلیپ امانوئل Bach,Ph, E
(۱۷۱۴ ــ ۱۷۸۸ م)
پسردوم‌باخ‌کارهای پدررادرموزیك دنبال‌نمود وشهرتی‌یافت بطوری‌که‌درهمان زمان اورابهتر از پدرش‌می‌دانستند .
سونات‌های پیانوی اوقدم‌های اولیه برای تغییر شیوهٔ موزیك زمانش‌است.

بادینگز Badings
(تولد ۱۹۰۷ م)
سازنـدهٔ موسیقـی مجلسی اپـرا و سنفونیهای‌بسیاری‌است‌که باوجودشخصیت ممتازاین‌آهنگسازهلندی ازتأثیردبستان موسیقی‌آلمان برکنار نمانده است .

باربر، کریس Barber , C
(متولد ۱۹۳۰ م)
نوازندهٔ‌ترومبون‌ازمردم‌انگلیس‌است.

بارتوك، بلا Bartok, B
(۱۸۸۱ ــ ۱۹۴۵ م)
آهنگساز مجار ــ پیانونواز وگرد آورندهٔ موسیقی عامیانهٔ مجار (که‌آثار خودش را نیز تحت تأثیر قرار داد) در اروپا وآمریکا نوازندگی‌کرد . از آثار معروفش شش‌کوارتت زهـی ، سه سویت برای‌ارکستر، یك دورهٔ تمرین تدریجی برای‌پیانو. موسیقی برای دوپیانو با آلات‌ضربی و چندیـن کنسرتو و راپسودی‌برای ویولـون و برای پیانو است .



بارودین، آلکساندر Borodine, A
(۱۸۳۳ ــ ۱۸۸۷ م)
آهنگساز روسی،مصنف **شاهــزاده ایگور**،سوناتها وسنفونیها.

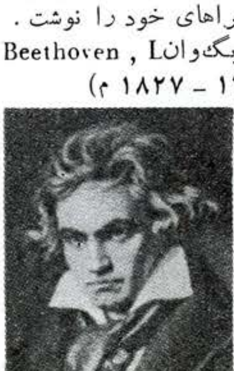


باسی، کنت Basie , C
(متولد ۱۹۰۴ م)
نوازندهٔ پیانو وارگ است .

بالاکیرف ، میلی الکسیویـچ Balakirev , M
(۱۸۳۷ ــ ۱۹۱۰ م)
آهنگساز روسی و رهبر ارکستر ، یکی از«موسیقی‌دانان پنجگانه» ازآثار معروفش «ایسلامی» برای پیانو است .

بـالف ، میشل ویلیـام Balfe — M W .
(۱۸۰۸ ــ ۱۸۷۰ م)
آوازخوان وآهنگساز ایرلندی که دردوبلین‌به‌دنیاآمداوبه‌کشورهای‌ایتالیا فرانسه، آلمان و شوروی سفر کرد ودر همین سفرها اپراهای خود را نوشت .

بتهوون، لودویك‌وان Beethoven , L
(۱۷۷۰ ــ ۱۸۲۷ م)
آهنگساز آلمانی است، آثارجاویدانی دارد که‌از شاهکارهـای موسیقی‌است.



برامس، یوهانس Brahms, J
(۱۸۳۳–۱۸۹۷ م)



آهنگساز آلمانی، **رقصهای مردم پسند مجار**، مرثیهٔ آلمانی، چند اثر از آثار اواست.

براون، ساندی Brawn, S
(متولد ۱۹۲۹ م)
نوازندهٔ کلارینت و پیانو است.

برای، لویی Braille, L
(۱۸۰۹–۱۸۵۲ م)
معلم وموسیقی‌دان‌فرانسوی، مخترع روش‌مخصوصی‌درچاپ‌وتحریر برای کورها است، بهترین ارگ نوازپاریس بود.

برتون، هنری مونتان Berton, H, M
(۱۷۶۴–۱۸۴۴ م)
موسیقی دان فرانسوی است.

برد، ویلیام Byrd, W
(۱۵۴۳–۱۶۲۳ م)
موسیقی دان انگلیسی است.

برگ، آلبان Berg, A
(۱۸۸۵–۱۹۳۶م)
آهنگسازاتریشی،شاگردآ. شونبرك وازپیروان اوبود. اگرچه روش اوومواجه بمخالفت‌های شدیدگردید؛ اپرای وتسك (۱۹۲۵) وی سخت مقبول‌افتاد. ازآثار دیگرش سویت لیریك ۱۹۲۶ برای کوارتت زهی یك‌کنسرتو ۱۹۳۶ برای ویولن واپرای ناتمام «لولو» است.

برلیوز، لویی‌هکتور Berlioz, L, H
(۱۸۰۳–۱۸۶۹ م)
آهنگساز رمانتیك فرانسوی که افکار وابتکارات او برای رنگ آمیزی ارکستربسیاری‌ازآهنگسازان بعداز وی را تحت تأثیر قرار داد.



اولین‌اثر او سنفونی «فانتاستیك» ۱۸۳۰ بود در ده سال بعد سنفونی «هارولد در ایتالیا» و «رومئو و ژولیت» رانوشت. ازآثاربزرگ درامی وی «عذاب فاوست» و«مردم تروا» است.

برنشتاین، لئونارد Bernstein, L
(متولد ۱۹۱۸ م)
رهبر ارکستراز مردم آمریکا است.

بروخ، ماکس Bruch, M
(۱۸۳۸–۱۹۲۰ م)
ازآهنگسازان آلمان است.

بروشولری، مونیك دلا
Bruchollerie — M
پیانیست نامی فرانسوی، این زن هنرمندکه از موسیقی دانان معاصراست در سالهای ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶ میلادی رسیتالهایی‌درتهران داد ودرسال۱۹۵۶ میلادی رسیتالی مرکب از آثار شومان و شوپن اجرا نمود.

بروکنر، آنتوان Bruckner, A
(۱۸۲۴–۱۸۹۶ م)



آهنگساز رمانتیك‌اتریشی نه سنفونی، چندین سرود مذهبی ویك کوارتت‌زهی نوشته‌است.

بریتن، بنیامین Britten, B
(متولد ۱۹۱۳ م)
آهنگساز انگلیسی است

بریستو، جرج فردریك
Bristow, G, F
(۱۸۲۵–۱۸۹۸ م)
آهنگساز آمریکایی است.

بشت، سیدنی Bechet, S
(۱۸۹۱ – ۱۹۵۹ م)
نوازندهٔ کلارینت‌وسوپرانوساکسوفون است.

بکس، سرآرنلد Bax
(متولد ۱۸۸۳ م)
آهنگساز انگلیسی است.

بکهاوس، ویلهلم Backhaus, W
(متولد ۱۸۸۴ م)
پیانیست معروف‌آلمانی است.

بلانتون، جیمی Blanton, J
(۱۹۲۱–۱۹۴۲ م)
باس نواز مدرن‌آمریکایی است.

بلوخ، ارنست Bloch, E
(متولد ۱۸۸۰ م)
آهنگساز یهودی از مردم سوییس است.

بلینی، وینچنتسو Bellini, V
(۱۸۰۱–۱۸۳۵ م)
ازآهنگسازان ایتالیایی است که اپراهای متعددی از او بجا مانده است.

بنشوا، ژیل Binchois, G
(۱۴۰۰–۱۴۶۰ م)
خواننده و آهنگساز فلاماندی است.

بوالدیو، فرانسواآدرین Boieldieu
(۱۷۷۵–۱۸۳۴ م)
ازآهنگسازان‌فرانسوی است.

بوئیتو، آریگو Boito
(۱۸۴۲–۱۹۱۸ م)
آهنگساز وشاعر نام‌آور ایتالیایی است.

بوزونی، فرروچیو – بن‌ونوتو
Busoni, F
(تولد ۱۸۶۶–۱۹۲۴ م)
پیانیست‌وآهنگساز نامدارکه در نزدیکی‌فلورانس‌به‌دنیاآمدپدرش‌ایتالیایی وکلارینتیست ومادرش‌آلمانی وپیانیست بود.

بوش، آدولف Busch
(۱۸۹۱–۱۹۵۲ م)
ویولون‌نوازآلمانی است که مدتی رهبر ارکستر اپرا وسنفونی بود.

بوکرینی، لویجی Boccherini, L
(۱۷۴۳–۱۸۰۵ م)
آهنگساز ایتالیایی است.

بولو، هانس‌فون Bulow
(۱۸۳۰–۱۸۹۴ م)
پیانونواز آلمانی‌که حافظهٔ عجیبی داشت.

بوهم، کارل Bohm, K
(متولد ۱۸۹۴ م)
رهبر ارکستر ازمردم اتریش‌است.

بهاتکاند، و – ان
Bhatkhande, V. N.
(زنده ۱۹۰۱ م)
ازموسیقی‌دانان‌بسیارنامی‌هندوستان است وی‌بوجودآورندهٔ سبکی درموسیقی هندمی‌باشد. اوخطی اختراع‌کردکه به

موجب آن الحان را ثبت می‌کنند و اکنون در مدارس موسیقی هند از آن دستورات پیروی می‌شود .

بیچم، سر تامس Beecham , T
(۱۸۷۹–۱۹۶۱ م)
رهبر موسیقی پدرش سر جوزف بیچم ملیونر انگلیسی بود .

بیدربك، بیکس Beiderbecke , B
(۱۹۰۳–۱۹۳۱ م)
نوازندهٔ کورنت و پیانو و آهنگساز جاز است .

بیزا، یاروسلاو
بیزا نوازندهٔ باسون از اهالی چکسلواکی می‌باشد که در پراگ به دنیا آمده ، نامبرده پس از تحصیلات ابتدایی موسیقی در سال ۱۹۲۱ میلادی به کنسرواتوار ملی پراگ وارد گردید و در سال ۱۹۲۷ میلادی پس از گذراندن مسابقه و به دست آوردن «جایزهٔ شوبرت» تحصیلات خود را خاتمه داده در همان سال پس از گذراندن مسابقهٔ دیگری برای شرکت در ارکستر رادیو ژورنال شهر برنو استخدام گردیده و سپس به رادیو ژورنال شهر پراگ انتقال یافته ، در سال ۱۹۲۹ میلادی به عنوان تك نواز اپرای ملی پراگ استخدام شد . وی در ارکستر «کوئین تت اسبابهای بادی» نیز شرکت داشته است .

بیزه، ژرژ Bizet , G
(۱۸۳۸–۱۸۷۵ م)



آهنگساز فرانسوی که در کنسرواتوار پاریس تحصیل کرد و در ۱۸۵۷ جایزهٔ بزرگ رم را برد پس از مراجعت از ایتالیا به عنوان پیانو نواز مشهور شد و به ساختن اپراهایی پرداخت اما شاهکار او اپرای مشهور **کارمن** است .

بیگارد، بارنی Bigard , B
(متولد ۱۹۰۶ م)
نوازندهٔ کلارینت و تنور ساکسوفون است .

پائر، فردیناند Paer,F
(۱۷۶۹–۱۸۳۹ م)
نام قول و ترانه ساز و پیانو زن ایتالیایی . قسمت اعظم زندگی او در فرانسه گذشت و در آنجا قطعات دلکش و دقیق تألیف کرد و مشهور ترین آنها به «متردوشاپل Maitre de chapelle» معروف است .

پادروسکی، اینیاس ژان Paderewski
(۱۸۶۰–۱۹۴۱ م)
پیانو نواز و از رجال لهستان، شهرت عالمگیر او بعد از **لیست** از هر پیانو نواز دیگر بیشتر است، در کنفرانس صلح ورسای ۱۹۱۹ نمایندهٔ لهستان بود. آثارش علاوه



بر مینوئهٔ معروفش برای پیانو دو سنفونی یك کنسرتو برای پیانو و اپرای «مانرو» است در ۱۹۳۶ در فیلم انگلیسی **سونات مهتاب** بازی کرد .

پارکر، چارلی Parker, C
(۱۹۲۰ - ۱۹۵۵ م)
نوازندهٔ آلتو و تنور ساکسوفون است.

پاس‌دلو، ژول Pasdeloup , J
(۱۸۱۹–۱۸۸۷ م)
رییس ارکستر فرانسه متولد پاریس. وی کنسرتهای عمومی از موسیقی کلاسیك در شهر پاریس ابداع کرد .

پاگانینی، نیکولو Paganini , N
(۱۷۸۲–۱۸۴۰ م)
ویولون نواز ایتالیایی، مدتی در



دربار نزد خواهر ناپلئون کار می‌کرد ، در سالهای آخر عمر در عین شهرت دچار بیماری و مشکلات مالی گردید، و بالاخره به مرض سل در گذشت، قطعات زیادی در ویولون تصنیف کرده است .

پالادیل، امیل Paladilhe , E
(۱۸۴۴–۱۹۲۶م)
قول ساز و **موسیقی‌دان** فرانسوی . مولد او در (مون‌پلیه) می‌باشد . وی آهنگهای ابتکاری و دلکش دارد و از تصنیفات او اپرای پاتری Patrie است .

پالاویسینو، بندتو Pallavicino , B
(مرگ ۱۶۰۱ م)
آهنگساز ایتالیایی است .



پالاویسینو

پالسترینا، جووانی پیرلویجی‌دا Palestrina , G , P
(۱۵۲۴–۱۵۹۴ م)
معروف به پادشاه موسیقی، آهنگساز ایتالیایی به پیروی از تصمیم شورای ترانت، سه ماس(مس) تصنیف کرد ۱۵۶۵ و بدین



طریق، سطحی عالی برای موسیقی کلیسایی برقرار نمود به پاداش این عمل، پاپ او را به سمت آهنگساز کور دربار پاپ منصوب کرد معمولا اولین آهنگسازی بشمار می‌آید که هنر موسیقی را با علم آن وحدت بخشید بین ۹۰ و ۱۰۰ مس ۶۰ موته سرودهای مذهبی و آثار دیگر تصنیف کرد.

پانار، شارل فرانسوا Panard , C . F
(۱۶۷۴–۱۷۶۵ م)
مصنف سرودها و نمایشنامه‌ها و اپراها، مولد او کورویل است .

پاول، بد Powell , B
(متولد ۱۹۲۴ م)
پیانیست و آهنگساز جاز و **انسان تنها** از ساخته‌های او است .

پدرتی. کارل Pedrotti , C
(۱۸۱۷ – ۱۸۹۳ م)
موسیقی‌دان ایتالیایی که در شهر ورن Vérone متولد و فوت شد . وی نخست در مولد خود دو اپرا ترتیب داد و سپس به ریاست ارکستر ایتالیایی در آمستردام انتخاب شد. سپس به ریاست مدرسهٔ موسیقی تورن Turin و ارکستر تآتر سلطنتی این شهر برگزیده شد و در پایان عمر مدیریت دبیرستان موسیقی رسینی Rossini در پزار Pesaro به وی محول شد .

پدرل، فیلیپ Pedrell, Ph
(۱۸۴۱–۱۹۲۲ م)
آهنگساز اسپانیایی است، مولد وی تلزا بوده است .

پرسل، هنری Purcell , H
(۱۵۹۵-۱۶۵۹ م)



آهنگساز وارگ‌نواز وآوازه‌خوان انگلیسی، ملکهٔ پری و آهنگهای متعددی‌برای اپراوکلیسا از او باقی است.

پروکوفیف،سرگی‌سرگیویچ Prokofiev
(۱۸۹۱-۱۹۵۳ م)
آهنگساز روسی‌صاحب‌آثاری‌چون،



دلقك، عصر فولاد،فرزند ولخرج،دختر خاکسترنشین وغیره‌می‌باشد.

پری، یاکوپو Peri
(۱۵۶۱ - ۱۶۳۳م)
موسیقی‌دان وآوازه خوان‌ایتالیایی است.

پره، ژوسکن‌دو Prés,J
(۱۴۵۰ - ۱۵۲۱م)
آهنگساز فلاماندی است.

پرگولزی، جووانی باتیست.
Pergolesi, J, B
(۱۷۱۰ - ۱۷۳۶ م)



آهنگساز ایتالیایی، اپرای‌وی‌به‌نام لاسیرواپادرونا(۱۷۳۳) سرمشق‌اپرا بوفاگردیده است.

پزیل، گلووانی Paisiello G.
(۱۷۴۱ - ۱۸۱۶ م)
قول و آهنگساز ایتالیایی مولد او تارانت می‌باشد.

پلانته، فرانسیس
(۱۸۳۹ - ۱۹۴۳م)
برادرگاستن پلانته مولد در ارتز، وی درنواختن پیانو مهارت داشت.

پلانکت، ربر Plancoet-R
(۱۸۴۸ - ۱۹۰۳ م)
ترانه‌سازفرانسوی‌مولداوپاریس‌است. وی اپرتهایی ساخت.

پلیل، ایگناز Pleyel, I
(۱۷۵۷ - ۱۸۳۱م)
ترانه‌ساز معروف، مولد وی در روپرشتال‌نزدیك‌وین‌بودوی‌درپاریس‌کارخانهٔ معروف پیانوسازی تأسیس کرد.

پلیل، ماری Pleyel-M.
(۱۸۱۱ - ۱۸۷۵م)
عروس ایگناز پلیل می‌باشدکه در نواختن‌پیانو بسیارماهربوده‌است مولداو شهرپاریس است.

پوتچینی، جاکومو Puccini, J
(۱۸۵۸ - ۱۹۲۴م)



آهنگساز اپرای‌ایتالیا صاحب‌آثار معروفی‌چون لابوهیم، مانون لسکو، لاتوسکا - می‌باشد،

پوراندارا، دازا Purandara Dasa
(۱۴۸۴ - ۱۵۶۴م)
ازموسیقی‌دانان‌کشور هند است‌که آهنگهای زیبایی ساخته وتمریناتی‌برای آواز نوشته‌که هم‌اکنون مورداستفادهٔ کسانی است‌که آغاز تحصیلات موسیقی می‌کنند.

پورپورا، نیکلا Porpora-N.
(۱۶۸۶ - ۱۷۶۶ م)
ترانه‌سازوآهنگ‌ساز موسیقی‌مذهبی ایتالیا ،متولددرناپل.

پورتر، کول Porter
(متولد ۱۸۹۳ م)
آهنگساز آمریکایی است.

پوژه، لوییزا Puget - L.
(۱۸۱۰ - ۱۸۸۹م)
ترانه‌ساز فرانسوی،مولد پاریس.

پولان، فرانسیس Poulenc,F
(متولد ۱۸۹۹ م)



ازآهنگ‌سازان‌معروف فرانسه‌آثار مهمی در زمینهٔ پیانو تصنیف‌کرد. آثارمهم او حرکت دایم، پاستورال، سونات‌برای چهار دست و برای ارکستر و نیز «گوزن ماده» رابرای باله تصنیف‌کرد.

پوندلیچك، یاروسلاو.
(تولد ۱۹۰۴م)
وی از نوازندگان هوبوا و اهل چکسلواکی‌می‌باشداودرپراگ‌به‌دنیا آمده است. ودرسال ۱۹۱۸ واردکنسرواتوار پراگ شده ودر کلاسهای هوبواوکر انگلیسی وپیانو وتیمپانی مشغول تحصیل گردیده است ودرسال ۱۹۲۵ به‌تحصیلات خود خاتمه داده ودر ارکستر اپرای زاگرب واردگردید. پس ازدوسال عضو اپرای دولتی بلگرادشد پس‌از چهارسال به‌پراگ برگشته‌وبه‌عنوان تك‌نوازهوبوا دراپرای دولتی این‌شهر مشغول گردید. وی‌درکنسرتهای‌رادیوپراگ‌وکنسرتهای سنفونی زاگرب بلگراد وپراگ شرکت می‌کرده است.

پیاتیگورسکی، گرگور
Piatigorsky , G
(متولد ۱۹۰۳م)
ویولون نواز مشهور روسی است.

پیچینی، نیکولو Piccini, N
آهنگ‌ساز ایتالیایی‌که بیش‌از صد اپراساخته است، اومدتی درناپل و رم وپاریس زندگی کرده است.

پی‌پر، ویلیام Pijper-W .
(۱۸۹۴ - ۱۹۳۷م)
از موسیقی دانان طراز اول هلند است. اودرآثار خود تمها و ریتمهای ویژهٔ کشور خودکه کمترازسوی همکارانش مورد توجه قرارگرفته‌استفاده کرده‌است. هلندی ها سنفونی‌ها، کنسرتوها وآثار اورا بسیار تحسین می‌کنند.

پیندار. Pindar
(۵۲۳ - ۴۴۳ ق م)
شاعربزرگ غزلسرای یونان‌قدیم

که درموسیقی نیزدست‌داشته و نی‌راخوب می‌نواخته است .

پی‌یرنه ، گابریل Pierné,G
(۱۸۶۳ — ۱۹۳۷م)



ازآهنگ‌ـ سـازان فـرانسوی است .

تاتوم، آرت Tatum ,A
(۱۹۱۰ — ۱۹۵۶ م)
پیانیست معروف‌جازاست.

تارتینی ، جوزبه Tartini,G
(۱۶۹۲ — ۱۷۷۰ م)
ویولون نواز ایتالیایی است که در پیرانو به دنیاآمد ودرپادودرگذشت. در سال ۱۷۲۱ درپادو مدرسهٔ ویـولون را راتأسیس‌کرد، آثار باارزشی از او باقی است

تالیونی، فیلیپو Taglioni,Ph
(۱۷۷۷ — ۱۸۷۱م)
آهنگساز واستاد ایتالیایی است .

تامپسون، لاکی Thompson,L
(متولد ۱۹۲۴م)
نوازندهٔ تنورساکسوفون است .

تانسمان ، الکساندر Tansman,
(متولد ۱۸۷۷م)
درلهستان متولد شد، ازسال ۱۹۲۰ به‌بعددرپاریس اقامت‌گزیـد رقص دختر جادوگـر، رقصهای لهستانی ، از آثـار این‌آهنگساز است .

تان سن Tan Sen
اوازموسیقی‌دانان وآوازه خوانان بزرگ‌دربارا‌کبرشاه(۱۵۴۲—۱۶۰۵م) پادشاه بزرگ هند بوده است .

ترپاندر Terpandre
(زندگی ۶۷۵ ق م)
شاعر و **موسیقی‌دان** یونانی که در لس‌بس Lesbos یکی‌از جزایربحرالروم متولد شد. وی‌ابداع کنندهٔ اصطـلاحات چنگ است .

ترنر ، بروس Turner,B
(متولد ۱۹۲۳م)
نوازندهٔ کلارینت وآلتوساکسوفون وازمردم انگلیس است .

تشیماچر، فرانك . Teschemacher,F
(۱۹۰۶ — ۱۹۳۲م)
نوازندهٔ کلارینت است .

تو، دیو Tough D
(۱۹۰۸ — ۱۹۴۸م)
طبال جاز است .

تورنمیر، شارل Tournemire , Ch.
(۱۸۷۰ — ۱۹۳۹م)
آهنگساز فرانسوی است .

توستی ، سرفرانچسکو Tosti,F
(۱۸۴۶ — ۱۹۱۶م)
آهنگساز ایتالیایی است .

توسکانینی ، آرتو Toscanini,A
(۱۸۶۷ — ۱۹۵۷م)



آهنگساز ، رهبرارکستر از مـردم ایتالیا است. درپایان‌عمر رهبرارکستر سمفونیك ـ N.B.C که به نام خود او بـود گردید ودراین شغل بودکه مرد .

توماس،آمبرواز Thomas,A
(۱۸۱۱ — ۱۸۹۶م)
ازآهنگسازان‌اپرای‌فرانسوی‌است .

توماس ، تئودور Thomas,T
(۱۸۳۵ — ۱۹۰۵م)
ویولون نـواز و رهبر ارکستر از مردم ایالات متحدهٔ آمریکا است .

ته‌له مان ، ژرژفیلیپ Telemann, G, Ph .
(۱۶۸۱ — ۱۷۶۷م)
آهنگساز آلمانی است .

تیلر ، جوزف، Taylor, J.
(متولد ۱۸۸۵م)
آهنگسازی از مردم ایالات متحدهٔ آمریکا است .

جانسون، جی‌جی Johnson,J,J
(متولد ۱۹۲۴م)
نوازندهٔ ترومبون ازمردم دانمارك است .

جانسون، جیمزپی Johnson,J,P
(۱۸۹۴ — ۱۹۵۵م)
پیانیست معروف‌آمریکایی است .



تورنمیر

جاکسون، میلت Jackson , M .
(متولد ۱۹۲۳م)
نوازنده‌ٔویبرافون وگیتاردرارکستر جاز است .

جاگاناتا jagannatha
ازموسیقی‌دانان بزرگ دربارشاه‌ـ جهان پادشاه هندبوده‌است. دروصف‌هنر او‌گویندکه‌یك بار مساوی‌وزن خودسکهٔ نقره جایزه‌گرفته است .

جمینیانی فرانچسکو Geminiani,F.
(فوت ۱۷۶۲ م)
ویولون نواز ازمردم ایتالیااست.

جوردانو ، رومبرتو Giordano , R
(۱۸۶۷ — ۱۹۴۸ م)
آهنگساز ازمردم ایتالیااست‌که‌اثر معروفش سرگذشت اندره شنیه است‌کـه در **اسکالای‌میلان** نمایش‌داده شده‌است .



تارتینی

جوملی،نیکولا Jommelli,N
(۱۷۱۴ — ۱۷۷۴م)
موسیقی دان ایتالیایی است .

جونز ، جو Jones,J
(متولد ۱۹۱۱ م)
طبال‌جاز است .

جیادوا Jayadeva
(زنده دراواخرقرن۱۲م)
اولین موسیقی‌دان‌شمال‌هند است‌که درآخر قرن۱۲ میلادی درناحیهٔ بولپور می‌زیسته و سرودهایی برای کریشنا Krishna ساخته و نام‌آن راگیتاگوویندا Gita Govinda گذاشته است .



ته‌له‌مان

چاوس ، کارلوس Chavez , C
(متولد ۱۸۹۹)
آهنگساز مکزیکی است .

چایکوفسکی ، پیوترایلییچ. Tchaikovsky
(۱۸۴۰ — ۱۸۹۳م)



آهنگساز‌ـ بزرگ‌روس فارغ‌التحصیل حقوق، بـا ورود او در سال ۱۸۶۵ به کنسرواتوار پطرزبورگ کارعظیم اوشروع شد . دریاچهٔ قو، اثـر

معروف اواست. وی به بیماری وبا در گذشت.

چرنی ، کارل Czerny — C.
(تولد ۱۷۹۱ م)
وی از پیانونوازان بزرگ می باشد . درسن پانزده سالگی به استادی پیانونام یافت و کم کم درسراسر اروپا مشهور و معروف گردید وی سمت استادی فرانس‌لیست را نیزداشته است .

چیشلم ، جورج Chisholm,G
(متولد ۱۹۱۵ م)
نوازندهٔ ترومبون ازمردم انگلیس است .

چیماروزا، دومنیکو Cimarosa,D
(۱۷۴۹ — ۱۸۰۱م)
آهنگساز ایتالیایی، بهترین اپرا بوفاهای اوایل ماتریمونیوسگرتو است . اپراهای جدی ونیز موسیقی کلیسایی و سازی هم نوشته است .



دوپارك

حماد عجرد.
(قرن دوم ه ق)
آهنگساز عرب که اسحق موصلی زندگی اورا درکتاب **اخبارحماد عجرد** آورده‌است .

حنین‌الحیری .
(فوت ۱۰۱ه ق)
موسیقی‌دان‌عرب که زندگی‌وآهنگ های او درکتابی به‌نام خود او آمده است .

خاچاطوریان ، آرام ایلیچ
Khachaturian, A
(متولد ۱۹۰۳ م)
آهنگسازارمنی روسی، مولدتفلیس. در۱۹۳۴ ازکنسرواتوار مسکو فارغ ــ التحصیل شد. نخست به‌تحصیل تکنوازی پرداخت، واز۱۹۳۶ شروع‌به‌آهنگسازی کرد. آثار او راتمهای موسیقی محلی



روسی‌رنگ وشکوهی ــ خاص‌می‌بخشد معروفترین ساخته های وی عبارتند از کنسرتو برای ویولن، کنسرتو برای پیانو، بالهٔ گایانه ، ودومین سنفونی او (برندهٔ جایزهٔ ۱۹۴۶ استالین) گردیده .

دادس ، بی‌بی Dodds
(۱۸۹۸ — ۱۹۵۹م)
طبال جازوبرادر جانی دادس‌است.

دادس ، جانی Dodds,J
(۱۸۹۲ — ۱۹۴۰م)
نوازندهٔ کلارینت است .

دارسو ، گیدو d'Arezzo, G
(قرن ۱۱ میلادی)
موسیقی شناس ایتالیایی است .

دارگومیسزکی ، الکساندر
Dargomyszki , A
(۱۸۱۳ — ۱۸۶۹ م)
آهنگساز روسی از موجدان مکتب موسیقی روسی جدید .

داکن ، لویی‌کلود Daquin, L, Cl
(۱۶۹۴ — ۱۷۷۲م)
ارگ‌نواز وآهنگساز فرانسوی در موسیقی استعدادی عجیب داشت،ونوئل‌های (سرودهای مذهبی‌مربوط به‌نوئل) متنوعی به‌وجودآورده‌است.

دالایراك ، نیکلا Dalayrac — N.
(۱۷۰۳ — ۱۸۰۹ م)
آهنگساز مشهور فرانسوی که ازاو اپراهای فراوان بجامانده است .

دالیراك ، نیکولا Dalayrac ,N.
(۱۷۵۳ — ۱۸۰۹م)
آهنگساز فرانسوی‌مصنف‌اپراکمیکهای بسیار جذاب: کسوف ، جهیز، نینا،شب نشینی پرهیاهو وغیره .

داویس ، مایلز Davis , M
(متولد ۱۹۲۹ م)
نوازندهٔ‌ترومپت‌وفلوگلهون ازمردم آمریکااست، **آوای‌جاز** ازاومعروف‌است.

دبوسی، کلودآشیل Debussy,C,A
(۱۸۶۲ — ۱۹۱۸م)
موسیقی دان ایتالیایی است .

دپره ژوسکن .
پره رابه بینید .

درسدن Dresden-S.
(۱۸۸۱ — ۱۹۴۷م)
موسیقی‌دان بزرگ هلندی که‌رییس کنسرواتور آمستردام وسپس‌لاهه بوده است.وی‌مدت‌زیادی درآلمان‌به‌اندوختن دانش موسیقی پرداخته است واولین‌کسی است که شاگردانش را به دگرگونیهای موسیقی درروسیه وفرانسه آگاه‌گردانید اثرقابل ملاحظهٔ او برای «کور» بزرگ ارکستر در سراسر هلند و دیگر کشورها معروفیت دارد .

دلیب، لئو Delibes ,L .
(متولد ۱۸۳۶ م)



درسال۱۸۳۶ در پاریس متولد شد . در کنسرواتوار پاریس‌تحصیل کرد. سپس مدتی در کلیسای **سن ژان** و **سن‌فرانسوا** ارگ می‌نواخت‌ودرسال۱۸۶۵ به رهبری‌آواز دسته‌جمعی اپرای پاریس منصوب شد تاآن‌زمان دلیب چند اپرای کمیك تصنیف‌کرده بود اما نخستین اثر معروف‌**او بالت‌چشمه** بودکه درسال۱۸۶۸ به‌موردِاجراگذاشته شد.پس‌ازآن‌دوبالت به‌نام‌**کوپلیا** و**سیلویا**. دلیب‌تحول‌جدیدی دربالت بوجودآورد .
«**شاه چنین‌گفت**» و**لاکمه**‌ازدیگرآثار اواست .

دمراش ، لئوپولد Damrosch,L
(۱۸۳۲ — ۱۸۸۵م)
رهبر ارکستر ازمردم‌آلمان مؤسس انجمن سنفونی نیویورك بود .

دمراش ، والتر Damrosch ,W
(۱۸۶۲ — ۱۹۵۰م)
پسرلئوپولد،آهنگساز ورهبرارکستر ازمردم آلمان است .

دوپارك ، هنری فوکه Duparc, H, P.
(۱۸۴۸ — ۱۹۳۳ م)
آهنگساز فرانسوی است .

دوحنانی ، ارنست Dohnanyi,E
(متولد ۱۸۷۷م)
درمجارستان متولد شد.ازآهنگ‌سازان کلاسیك رمانتیك کنونی است .

دوفالا ، امانوئل de Falla ,M.
(۱۸۷۶ — ۱۹۴۶ م)



ازموسیقی دانان بزرگ واز مردم ــ **آندالوس**: **هفت‌آواز اسپانیولی**، **زندگی‌کوتاه**، **شبی درباغهای اسپانیا**،**عشق جادوگر**
،ازآثار اواست .

دوفه، گیوم Dufay
(۱۴۰۰ – ۱۴۷۴م)
آهنگساز فرانسوی است.

دوکا، پول. Dukas ,P
(۱۸۶۵ – ۱۹۳۵ م)



آهنگساز و منتقد، فرانسوی. معروفترین آهنگهایش پوئم سمفونیك شاگرد جادوگر و اپرای آریان وریش آبی است.

دولالاند Delaland
(۱۶۵۷ – ۱۷۲۶ م)
آهنگساز ورهبر ارکستر ونوازندهٔ فرانسوی است.

دونی‌زتی، گتانو. Donizetti ,G.
(۱۷۹۷ – ۱۸۴۸م)
آهنگساز ایتالیایی‌است.

دووراك، آنتون Dvorak , A
(۱۸۴۱ – ۱۹۰۴م)
آهنگساز چکوسلواکی، سمفونی از دنیای نو، یکی‌ازآثار اواست.

دیاگیلف، سرگی پاولوویچ
Diaghilev , S . de .
(۱۸۷۲ – ۱۹۲۹م)



کارگردان بالت‌ومنتقد هنری،ازمردم روسیه ومدیر **مجلهٔ‌هنری جهان‌هنر**، شهرزاد، پتروشکا، مناسك‌بهار، مرغ وآتش از کارهایی است که او کارگردانی کرده است.

دیر نگ‌خان.
ازموسیقی‌دانان‌در بارشاه‌جهان‌هندی می‌باشد ودروصف هنراو معروف است که یك بار هم‌وزن خود سکهٔ نقره دریافت کرده است.

دیلیس، فردریك Delius.F.
(۱۸۶۲–۱۹۳۴م)
آهنگساز آلمانی است.

دیمیس‌تایلور Dee Ms Taylor
(متولد ۱۸۸۵م)
موسیقی‌دان‌وآهنگساز آمریکایی‌است.

رابو، هنری Rabaud,H.
(۱۸۷۳ – ۱۹۴۹م)
آهنگساز فرانسوی است.

راخمانینوف، سرگی واسیلیویچ
Rachmaninov .
(۱۸۷۳ – ۱۹۴۳م)
آهنگساز وپیانونواز روسی،شاگرد چایکوفسکی بود.

راسل، پی‌وی Russell,P,W.
(متولد ۱۹۰۶م)
نوازندهٔ معروف کلارینت است.

رامو، ژان‌فیلیپ. Rameau,j,Ph
(۱۶۸۳ – ۱۷۶۴م)
آهنگساز فرانسوی، در۷ سالگی نت‌می‌خواند، کتاب قطعات کلاوسن را تصنیف‌کرد وازاو آثار زیادی بجامانده است.

رامو، لازار Rameau,L.
(۱۷۵۷ – ۱۷۹۴م)



آهنگساز فرانسوی است.

راندل، دون Rendell, D
(متولد ۱۹۲۶م)
رهبر ارکستر جازونوازندهٔ تنورساکسوفون ازمردم انگلیس است.

راول، موریس Ravel
(۱۸۷۵–۱۹۳۷م)
آهنگساز فرانسوی، ازپیشوایان نهضت امپرسیونیستی، استاد پیانو وآثار فراوانی دارد، ازجمله: مامرلوی، لور اسپانیول می‌باشد.

راین هاردت، ماکس.
Raeinhardt – M.
(۱۸۷۳ – ۱۹۴۳م)
کارگردان وهنرمند تآتر معروف اتریشی.

رسپیگی اوتورینو Respighi,O
(۱۸۷۹ – ۱۹۳۶ م)
آهنگساز ایتالیایی، **کاجهای‌روم، چشمه‌سارهای روم**، **سنفونی دراماتیك وسمیرامیس،اپرای لوکرسیا** از آثار اوست.



دولالاند

رسی، لوییگی Rossi,L.
(۱۵۹۸ – ۱۶۵۳م)
آهنگساز ایتالیایی یکی ازاستادان اغانی و هنر دراماتیك که درشرف تولید بود. ازآثاراو: **رولان خشمگین و ارفئو** معروفتر است.

رسینی، جواچینو Ro sini,G
(۱۷۹۲ – ۱۸۶۸ م)



آهنگساز ایتالیایی که در ساختن اپرا (خاصه اپراکمیك) استاد بود. مقدمات موسیقی رانزد پدر (ترومپت‌نواز)وما در (آوازه خوان) خودآموخت، ودر ۱۳ سالگی درآوازه خوانی وشیپورنوازی برآمد، ووالدین فقیر خودرا دراجرای برنامه‌ها همراهی وبه‌معاش آنان کمك می‌کرد. سپس‌دربولونیا به‌تحصیل‌موسیقی پرداخت. نخستین اپرای وی در۱۸۱۰ در ونیزاجرا شد، و ازآن پس رفته‌رفته شهرتش بالاگرفت، وطی ۱۲ سال بعد موفقیتهای بسیار در ونیز، میلان، رم و ناپل به‌دست‌آورد دراوایل۱۸۲۲ میلادی بایك‌خوانندهٔ اپرا ازدواج‌کرد،وسال‌بعد به‌دعوت تآترشاهی لندن برنامه‌هایی در لندن‌اجراکرد سپس در پاریس مدت۱۸ ماه مدیریت‌تآترایتالیایی پاریس‌رابعهده داشت، وچند اپرای خودرا ازنوفراهم ساخت واپرای تازه‌ای تصنیف‌کرد. پس ازآن به‌بولونیا بازگشت، واگرچه قریب ۴۰ سال‌دیگربزیست،ولی‌کمتراثری‌پدید آورد. شاهکارش اپرای **ویلیام‌تل** است اپرای **ریش‌تراش اشبیلیه گازالادرا و اتللو** می‌باشد.



دونی‌زتی



دووراك

رگر، ماکس Reger, M
(۱۸۷۳–۱۹۱۶ م)



آهنگساز، رهبرارکستر، و پیانونواز ازمردم آلمان واریاسیون روی یك تم موتسارت، کنسرتو به شیوهٔ قدیم، از آثار معروف او است.



روپارتز

رنه.
(۱۴۰۹–۱۴۸۰ م)
رنه اول دوك آنژو ولورن وباربود و علاوه براین سمت‌ها کنت پروونس و پیدمنت و پادشاه ناپل وسیسیل و به‌دادگری معروف واز ادبیات و**موسیقی** بهرهٔ کافی داشت.

روبینستاین، آرتر Rubinstein, A
(متولد ۱۸۸۶ م)
پیانونواز لهستانی، که در ایالات متحدهٔ آمریکا بیشتر مشهور شده است.

روبینستاین، آنتون Rubinstein, A
(۱۸۲۹–۱۸۹۴ م)



پیانونواز، آهنگساز روسی مؤسس ومدیر **کنسرواتوار سن‌پطرزبورگ** و او را از مربیان موسیقی می‌شناسند.



روسل

روسر، رولف Rooser, R
(زنده ۱۹۵۵ م)
آهنگساز وویلون سلیست سوییسی می‌باشد. وی مؤلف آثار متعدد موسیقی برای آواز جمعی، ارگ، ارکستر سنفنیك ومجلسی می‌باشد. روسر نویسندگی خود را «غیر افراطی» و «طبیعی» می‌خواند که باوجوداین «برخی از امکانات سری دوازده صدایی» را بکارمی‌بندد. وی در سال ۱۹۵۵ میلادی سفری به‌ایران کرد.

روپارتز، ژوزف گوی Ropartz, J. G
(۱۸۶۴–۱۹۵۵ م)
آهنگساز فرانسوی است.

روزنتال، موریتس Rosenthal
(۱۸۶۲–۱۹۴۶ م)
پیانو نواز لهستانی است.

روژه دولیل، کلودژوزف Rouget De lisle, C. J
(۱۷۶۰–۱۸۳۶ م)
شاعر، موسیقی‌دان فرانسوی است، شعر وموسیقی **مارسیز** از او است.

روس Roos
(تولد ۱۹۰۷ م)
آهنگسازهلندی که پیانیست بزرگی نیز می‌باشد و کنسرتو پیانوی او در لاهه و بروکسل افتخارات بی‌سابقه‌ای برای او به‌دست آورد و یك کنسرتو برای ویلن آلتو نیز ساخته که مورد استقبال فراوان قرارگرفت.

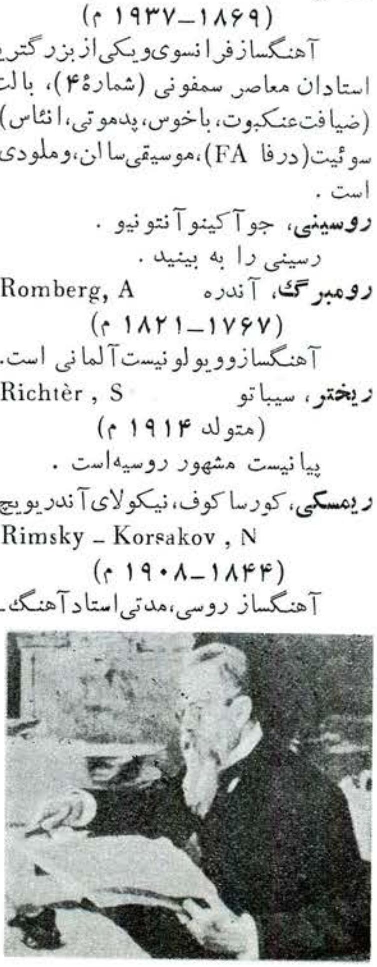
روسل آلبرت، Roussel, A
(۱۸۶۹–۱۹۳۷ م)
آهنگسازفرانسوی ویکی از بزرگترین استادان معاصر سمفونی (شمارهٔ ۴)، بالت (ضیافت عنکبوت، باخوس، پدموتی، انئاس)، سوئیت (درفا FA)، موسیقی‌سا ان، وملودی است.

روسینی، جوآکینو آنتونیو.
رسینی را به بینید.

رومبرگ، آندره Romberg, A
(۱۷۶۷–۱۸۲۱ م)
آهنگسازوویولونیست آلمانی است.

ریختر، سیباتو Richtèr, S
(متولد ۱۹۱۴ م)
پیانیست مشهور روسیه‌است.

ریمسکی، کورساکوف، نیکولای آندریویچ Rimsky - Korsakov, N
(۱۸۴۴–۱۹۰۸ م)
آهنگساز روسی، مدتی استاد آهنگ‌سازی **کنسرواتوار سن پطرزبورگ** بود که اپراهای وی‌اغلب حاکی‌ازافسانه وتاریخ روسیه است، **سویت شهرزاد**، **دختر برفی**، **ایوان مخوف**، **سادکو**، **خروس طلایی**، **کاپریس اسپانیول** قسمتی ازآثار او است.



ریویر، ژان Rivier, J
(متولد ۱۸۹۶ م)
آهنگساز فرانسوی است.

ری‌یر، ارنست Reyer, E
(۱۸۲۳–۱۹۰۹ م)
موسیقی دان انگلیسی است.

زریاب، ابوالحسن علی‌بن نافع.
(قرن ۲و۳ ه ق)
بزرگترین موسیقی دان مسلمان اسپانیایی، مخترع یك نوع عود و سبکی خاص درخوانندگی است.
زریاب شاگرد اسحاق موصلی‌است.
گویند ده هزارآواز باالحان مختلف را از برداشت.
زریاب سنت موسیقی اندلسی را از روی تعلیمات استادش تنظیم کرد.

زنام (قرن ۳ ه ق)
نای‌زن ومطرب‌عهدمعتصم ومتوکل، نایی‌اختراع کرد که به‌نام خود اوآن را «زنامی» می‌نامیدند.

زوبك، کارل‌یان.
این هنرپیشهٔ چك ازسن‌پنج سالگی شروع به‌آموختن ویلن نموده است. وی تحصیلات خود را در کنسرواتوارپراگ هنرستان استادای‌وین، هنرستان استادای پراگ – کلاس پروفسور هوفمان ادامه داده است.
بعداز چندکنسرت دراروپا به‌سمت مدیریت‌کنسرواتوار شهر اسکندریه‌مصر برای مدت‌چهارسال انتخاب شده بعد به چکسلواکی برگشت و مرتباً سمت ویلن اول را در رادیوی شهر براتیسلوا، رادیوی پراگ‌و ارکسترفیل هارمونی پراگ احراز نموده است. آثار وی عبارتند از: دیوچی پروفیلی، سرنادبه هلن، مادریگال، بسروز نمرهٔ ۱۲– والس‌کاپریس – آواز عرب – بسروز نمرهٔ ۶ – بارکارل – سوئیتا، برای ارکستر وویلن تنها.

زوپه، فرانتس فون Suppe, F
(۱۸۱۹–۱۸۹۵ م)
آهنگساز اتریشی، از آثار او: اورتورهای شاعروروستایی **وسواره‌نظام**

سبك اسلحه معروف است .

زیمانوسکی Szymanowski , K
(۱۸۸۲–۱۹۳۷ م)
آهنگساز لهستانی است .

ژاك ، دالکروز ، امیل
Jaques ' Dalcroze
(۱۸۶۵–۱۹۵۰ م)
آهنگساز سوییسی است.

ژاناچك، لئوس Janacek , L
(۱۸۵۴–۱۹۲۸ م)



آهنگساز چك، که آثارش اغلب از ترانه‌های ملی، محلی ومیهنی سرچشمه گرفته‌است.

ژربر ، ارنست لودویك
Gerber,E , L
(۱۷۴۶–۱۸۱۹ م)
دانشمند موسیقی شناس آلمانی‌است.

ژروه، شارل هوبر
(۱۶۷۱–۱۷۴۴ م)
ترانه ساز فرانسوی تولد و فوت در پاریس .

ژمه‌لی، نیکلا Jommelli , N
(۱۷۱۴–۱۷۷۴ م)
ترانه ساز ایتالیایی ملقب به «گلوك دلیتالی»مولد اوآورسا می‌باشد .

ژنسیر ، رسینیل دوژنسیر
Jonciéres , R
(۱۸۳۹–۱۹۰۳ م)
ترانه ساز فرانسوی متولد پاریس.

ژربر، موریس Gerber , M
(۱۹۰۰–۱۹۴۰ م)
ازآهنگسازان فرانسه است .

ژوسکن، دپره.
پره را به بینید .

ژولیوه، آندره Jolivet, A
(متولد ۱۹۰۵ م)
آهنگساز ورهبر ارکستر از مردم فرانسه است .

ساتی، آلفرد اریك لسلی ساتی .
Satie , A . E . L .S.
(۱۸۶۶–۱۹۲۵ م)
از آهنگسازان فرانسه است که



برضد رومانتیسم و امپرسیونیسم قیام کرد وبا ۵ نفر از همکارانش گروه ۶ نفری را تشکیل داد،ساراباند وژیمنوپدی ازآثار اواست .

سارازات ، پابلود Sarasate , P.D
(۱۸۴۴–۱۹۰۸ م)
ویلونیست وآهنگساز نامی اسپانیایی درشهرپامپلون به‌دنیا آمد وی‌از کودکی به موسیقی ذوق زیادی داشت . در ده سالگی به‌اندازه‌ای در نواختن ویلون‌ماهر بودکه‌اورابه دربار بردند تا درحضور ملکهٔ ایزابل ویلون‌بنوازد.هنرسارازات فوق‌العاده مورد توجه‌واقع‌شد وبدریافت یك ویلن استرادیواریوس مفتخر گشت.
از سال ۱۸۵۶ تا ۱۸۵۹ برای تکمیل‌تحصیلات موسیقی به‌پاریس‌مسافرت کرد ودر پانزده سالگی به اخذ اولین جایزهٔ کلاس ویلون موفق شد و بزودی در ردیف اولین ویرتوئزها قرار گرفت. ودر تمام اروپا وآمریکا وقسمتی‌ازآسیا (هند) مسافرت کرد .
سونوریتهٔ او فوق‌العاده صاف ودست چپ اوتعجب‌آور بود .
قسمتی‌ازتصنیفات او که‌به «رقصهای اسپانیایی» معروف شده‌اند و همچنین «سیگونر وایزن» از او می‌باشند .

سارت، برنار Sarrette , B
(۱۷۶۵–۱۸۵۸ م)
موسیقی‌دان‌ومؤسس کنسرواتوارملی فرانسه است .

ساکس ، انتوان ژزف آدلف
Saxe , A . J
(۱۸۱۴–۱۸۹۴ م)
سازندهٔ آلات موسیقی بلژیکی،در اصلاح وتکمیل سازهای بادی‌کوشیده و دسته‌ای ازسازها را اختراع کرده‌که به اسم او «ساکسفن» نامیده‌اند .

ساکینی، آنتونیو Sacchini , A
(۱۷۳۴–۱۷۸۶ م)
آهنگساز ایتالیایی‌متولد پوزول و مصنف اپراهای مشهور می‌باشد .

سالیری، آنتونیو Salieri , A
(۱۷۵۰–۱۸۲۵ م)



آهنگساز ایتالیایی و مصنف اپراهای **دانائید** و **آرمید** ، **سمیرامید** و **سلواجیا** می‌باشد .



زیمانوسکی

سالیوان،سر آرتورسیمور Sullivan,A,S
(۱۸۴۲–۱۹۰۰ م)
آهنگساز انگلیسی است .

سترادلا، آلساندرو .
استراد را به بینید .

ستراوینسکی، ایگور فیودوروویچ .
استراوینسکی را به بینید .

ستوکوفسکی، لیوپولد .
استوکوفسکی را به بینید .

سعیدبن مسجع .
(فوت ۱۹۰ ه ق)
موسیقی‌دان‌وآهنگساز مشهورعرب‌و اسلام برای‌آموختن‌موسیقی‌ازمکه‌مسافرتها کرد ودردربار بنی‌عباس گرامی بود.

سکارلاتی، آلساندرو .
اسکارلاتی را به بینید .

سکریابین، آلکساندرنیکولایویچ .
اسکریابین را به بینید .

سگوویا، آندرس Segovia
(متولد ۱۸۹۳ م)
گیتار نواز مشهور اسپانیایی ، با بکار بردن قواعدکنترپوان درآهنگهایی که برای‌گیتار ساخته می‌شد، این ساز را در ردیف سازهای‌ارکستردرآورده‌است.



ژولیوه

سمتانا، فردریش .
اسمتانا را به بینید .

سن ساینس، کامیل Saint–Saëns , C
(۱۸۳۵–۱۹۲۱ م)
استاد پیانو وآهنگساز فرانسوی



است، **عروس پرومته** ، **اپرای‌سامسون دلیله**، **رقص مردگان** از آثار اواست.

سوگه، هانری Sewguet , H

آهنگساز فرانسوی است .

سیبلیوس، ژان Sibelius , J

(۱۸۶۵–۱۹۵۷ م)

آهنگساز فنلاندی ، که کار خود را



سوگه



با پیانو آغاز کرد و از آهنگسازان ملی آن کشور است. سمفونی های هفتگانهٔ او معروف است .

سیندینگ، کریستیان Sinding

(۱۸۵۶–۱۹۴۱ م)

آهنگساز نروژی است .

سی‌ورز ، چارلی Shavers,C

(متولد ۱۹۱۷ م)

نوازندهٔ ترومپت و آهنگساز جاز است .

شابریه، امانوئل Chabrier , E

(۱۸۴۱–۱۸۹۴ م)

آهنگسازفرانسوی سازندهٔ گوندلین، ستاره، شاه علی رغم خویش، اسپاناکه همه مشحون ازهیجان وتخیل است .

شارپانتیه ، گوستاو

Charpentier , G

(۱۸۶۰–۱۹۵۶ م)

آهنگساز فرانسوی متولد در قصبهٔ دیوز .

وی مصنف‌درام غنایی به‌نام لوییز Louise و سوئیت آن موسوم به ژولین Julien و سوئیتهای ارکستر معروف به تأثرات ایتالیا می‌باشد .

شارپانتیه ، مارك آنتوان

Charpentier , M . A .

(۱۶۳۴–۱۷۰۴ م)

آهنگسازفرانسوی که درشهر پاریس به‌دنیا آمد .

وی درسبك پیرو آهنگ ایتالیایی ورقیب لولی استاد موسیقی کلیسای کوچك ژزوئیت هاوسنت شاپل او شاگرد کاریسیمی می‌باشد .

از آثار اونوعی موسیقی مذهبی و یك اپرا به‌نام مده باقی است .

شالك، فرانتس Schalk , F

(۱۸۶۳–۱۹۳۱ م)

رهبر ارکستر از مردم اتریش است .

شامبونیر، ژاك شامپیون دو

Chambonnieros , J . Ch .

(۱۶۰۱–۱۶۷۲ م)

کلاوسن نواز وآهنگساز فرانسوی مؤسس مکتب کلاوسن درفرانسه .

شوبرت، فرانس‌پتر Schubert , F.P

(۱۷۹۷–۱۸۲۸ م)

موسیقی‌دان اتریشی درسال ۱۷۹۷ میلادی در نزدیکی وین‌به دنیا آمد. پدر او معلم فقیری بودوپتردردوازده‌سالگی به‌دستهٔ آوازدربار توسط پدرش معرفی‌شده ومدت پنج سال در آموزشگاه «کنویك» درس موسیقی خواند و برای امرارمعاش وپیدا کردن‌شغل تلاش‌فراوان کرد وناچار شد که آهنگ تصنیف کند اما موفقیتی به دست نیاورد بالاخره درمدرسه‌ای که‌پدرش معلم بود باحقوق‌کم استخدام شد اما از این‌کار راضی نبود تا اینکه دریك‌تعطیل تابستان توانست برای تدریس موسیقی همراه فرزندان کنت استرهایی به یکی‌از ییلاقهای مجارستان بروداما پس‌ازپایان تعطیل، این شغل راهم از دست داد وتا پایان عمر نتوانست به‌زندگی محقرخود سروصورتی بدهد . تمام روز را آهنگ می‌ساخت و عصرها درمیخانه‌ها با رفقا می‌گفت ومی‌خندید . شوبرت برخلاف بتهوون مقام وشخصیت واقعی‌خودرا درك نکرده ونمی‌دانست که‌یك روزآثارش در سراسر دنیا مورد احترام قرار خواهد گرفت .



باآنکه دوثلث ازآثار اوحاکی از عشق شدید وهیجان‌آمیزاست‌اما اوهرگز دل به‌عشق نبست. اوتنها یك‌بار درصدد برآمد بادختر یکی از دوستان پدرش ازدواج کند اما چون هنوز درصدد جمع آوری‌پول بوددخترك بامردیگری‌ازدواج کرد . اودرسال ۱۸۳۴ میلادی درحالی که ۳۱ساله بود به‌مرض تیفوس درگذشت وطبق وصیت خودش جسدش را درکنار آرامگاه بتهوون به خاك سپردند .

سنفونی‌شمارهٔ نه (که شش‌سال‌بعداز اوتوسط شومان کشف شد) و عجیب‌تر از همه داستان سنفونی ناتمام شوبرت است که اصلاً در سال ۱۸۲۲ تصنیف شده اما ۴۲ سال بعد کشف گردید .

شوپن، فردریك Chopin , F

(۱۸۱۰–۱۸۴۹ م)

موسیقی‌دان بزرگ لهستان در یکی ازقراء نزدیك **ورشو** به‌دنیا آمد. فردریك ازهفت سالگی با پیانو آشنا شد. درهشت



سالگی کنسرت او باموفقیت زیادی‌روبرو گشت. شوپن درحضور تزار روسیه پیانو نواخت و به‌دریافت یك انگشتری نایل آمد.

شوپن به‌آلمان سفر کرد اوخیال داشت به لهستان بازگردد اما به اوخبر دادند که ورشو استقلال جزیی خود راهم از دست داده است . این خبر تأثیر ناراحت کننده‌ای در روح او بجا گذاشت و به‌همین‌جهت یك آهنگ انقلابی برای‌میهن پرستان لهستان‌تصنیف کرد وازآلمان به لهستان رفت . در کنسرت بزرگ او در پاریس «لیست ومندلسون» از اوستایش زیادی کردند ودوستی‌شوپن بالیست از همین‌جا آغاز شد. والس وداع اومعروف است

شوتز، هاینریش Schutz , H.

(۱۵۸۵–۱۶۷۲ م)

آهنگساز آلمانی وابستهٔ دربار

درسدن . وی یکی ازبزرگترین استادان مکتب موسیقی آلمانی ومصنف آثار مذهبی بسیار است (مزامیر ، تـاریخ مقدس ، عواطف). آثار مزبور بسیار تحت تأثیر هنر مونتوردی قرار گرفته‌اند .

شوری Shori

از خوانندگان نامی‌دربارمحمدشاه آخرین‌پادشاه‌مغولی‌هندبوده‌است. که‌سبك جدیدی‌به‌نام‌تاپاTappaدرموسیقی‌آوازی به‌وجودآورد .

شوستاکویچ، دیمتری
Chosta Kovitch, D.
(متولد ۱۹۰۶م)

بزرگترین آهنگسازمعاصر ازاتحاد جماهیرشوری، اولین‌اثراو **سنفونی نخستین** نام داردکه مشهوراست. بابل‌جدید، اپرای بینی، عصرطلایی، پیچ‌ومهره، بالت نهروشن، سنفونی پنجم، سنفونی هفتم، ده منظومه ، قسمتی از کارهای اواست ، شوستاکـویچ چندبار جایـزهٔ استالین دریافت کـرده است، مدتی معلم کنسرواتوار مسکوبود .

شوسون، ارنست. Chausson,E
(۱۸۵۰ - ۱۸۹۰م)



درفـرانسه متولد شد . ابتدا در ـ رشتهٔ حقوق تحصیل کرد اما وقتی‌که در بیست و پنج‌سالگی باسزار فرانك آشناشد به موسیقی توجه پیداکرد . پس‌ازآن درسال ۱۸۸۲ یـك پوئم سنفونی‌ساخت‌که به‌نام «ویویـان» معروف است. شوسون یکی‌از دوستداران واقعـی هنر بـود . موسیقـی او تحت تأثیرواگنروسزار فرانك به‌وجودآمد . آثاردیگراین‌آهنگسازمنظومهٔ **عشق‌دریا** نام دارد .

شومان ، ربرت . Schumann,R
(۱۸۱۰ - ۱۸۵۶م)



دریکی از شهـرهـای کوچك‌ساکس چشم به‌دنیا گشـود . درضیـافتی بـادختری ۹ ساله‌آشناشد. این‌ملاقات اثرعجیبی‌در شومان گذاشت‌وتصمیم گرفت نزدپدردختر به‌تحصیل‌موسیقی‌بپردازدشومان‌اولین‌درس موسیقی‌رادر۱۸سالگی‌گرفت. می‌خواست درپیانو به درجهٔ استادی برسد ولی باار کارافتادن یکی‌از انگشتانش‌ازاین فکر منصرف شد وبه‌تصنیف آهنگ پرداخت. باآنکه شومان به‌دریافت درجهٔ دکترای فلسفه نایل‌شده‌بوداز انتخاب رشتهٔ‌موسیقی بسیار راضی به‌نظرمی‌رسید. به‌خصوص‌که کلارابه‌سنین‌جوانی‌رسیده‌بود وشومان در شعروموسیقی ازاو الهام می‌گرفت .

شومان روزبه‌روز برشدت‌کارخـود می‌افزود ودر هر رشته موسیقی آثـاری به‌وجود می‌آورد وبالاخره‌درسال ۱۸۱۹ بیش‌ازسی‌اثرمهم به‌وجود می‌آوردکه از بین‌آنها **مناظرجنگل** و**مانفردو**شاهکار اومحسوب می‌شوند .

شونبرگ ، آرنولد Schoenberg,A.
(۱۸۷۴ - ۱۹۵۲م)



پیش‌قدم و موجدموسیقی آناتـول ـ اصلاتریشی بود ولی‌پس از روی‌کار آمدن‌هیتلر به‌آمریکا رفت و تـا پایان‌عمردرهما نجاماند. وی تاسال ۱۹۰۵ میلادی ازخطمشی‌سنن موسیقی‌قرن گذشتهٔ آلمان پیروی مـی‌نمود . نکتهٔ برجستهٔ آثارشونبرگ‌متارکه‌تدریجی‌سیستم‌تونال است بدین‌معنی‌که شونبرگ ازکرماتیسم «واگنر» که‌هنوز در حدود وظایف تونال بکار می‌رفت بطورنامحسوسی به‌یك نوع کرماتیسم مطلق می‌گراید ، این‌کاربی‌ـ شباهت‌به‌آنچه«دبوسی» درآثاراخیرخود می‌نمودنیست‌که‌به‌اصطلاح به«غرق‌تونالیته» مشهور است شونبرگ بیشك‌ازبااستعداد‌ـ ترین‌وبرجسته‌ترین‌موسیقی‌دانان بزرگ این قرن بود .

اولین‌آهنگ اوکوارتتی نام‌داشت. شب روشن، از امروزتافردا، غزل به‌یاد ناپلئون قسمتی ازآثاراوست . شونبرگ مخترع **دستگاه دوازده صوتی** است .

صالح .
(وفات ۱۰۸۱ ه‌ق)

ابن‌نصرالله حلبی‌معروف‌به ابن‌سلوم اورییس‌اطباء دولت‌عثمانی بود ودرعلوم عقلی‌وطب سرآمد اقران‌گردیـد صالح آوازی **خوش** داشت و **موسیقی** را خوب می‌دانست وشعرهم می‌سرود.

طویس، عیسی‌بن عبدالله
(۱۱ - ۹۲ ه‌ق)

معروف به‌ابوعبدالنعیم ، وی مردی ظریف‌وعالم به‌تاریخ مدینه وانساب‌مردم آن‌بود و**دف** نیکومی‌نواخت وازمشهور‌ـ ترین دانندگان‌فن‌غنا درصدراسلام بود. طویس به‌شومی مشهور بودچه درشب‌وفات رسول(ص)متولدشدوبه‌روزمرگ ابوبکر اورا از شیر باز گرفتند و به روز قتل عمر به‌حد مردان رسید وبه‌روزقتل‌عثمان ازدواج‌کرد، وبه روز شهادت علی (ع) فرزندش متولد شد وطویس تـا روزگار مروان‌بن حکم بزیست .

عبدالقادر .
(درگذشت ۱۰۲۲ ه‌ق)

ابن‌محمد بن زیـن الفیومی وی‌از مردم مصروفقیه وعارف وعالم به فرایض وهیأت بود وی درموسیقی مهـارت تمام داشت. تألیفاتی دارد منجملهٔ: شرح‌النزهة فی‌الحساب .

عبدالله .
(درگذشت ۱۶۹ه‌ق)

ابن‌وهب مولی خزاعه معروف بـه سیاط . وی‌از مردم مکه‌بود واز مقدمان **درصنعت‌غنا** به شمار می‌رود . وی استاد ابراهیم موصلی بود .

علی‌رامز .
(۱۲۹۲ - ۱۳۴۶ ه‌ق)

ابن ابراهیم رامزبن ابراهیم‌حسن. وی دارای درجهٔ دکتری درطب‌بود ودر **موسیقی** و **نقاشی** و **رسم** توانایی داشت اودرقاهره‌به‌دنیا آمد. وی‌تحصیلات‌خودرا در ایتالیا وآلمان به‌انجام‌رساند.

غریض .
(درگذشت ۹۵ ه‌ق)

عبدالملك‌مولی‌العبلات، مکنی بـه ابویزید یاابومروان ازمولدین بربـر و ازمشهورترین **آوازه‌خوانان**درصدراسلام بود. وی درهنرخود مهارت تمام داشت . **عود** و **دف** و**قضیب** را نیکو می‌نواخت .

فارمی ، هنری .

خاورشناسان رابه بینید .

فاستر، پاپز . Foster, P
(متولد ۱۸۹۲ م)
نوازندهٔ باس‌در ارکستر جازمی‌باشد.

فرانك، سزار Franch, C
(۱۸۲۲–۱۸۹۰ م)
ازبزرگترین آهنگسازان فرانسه



است، درلیژ به دنیا آمد. اصول‌موسیقی را در همان شهرفراگرفت سپس به‌پاریس رفت‌ومدتی با**مان**کارکرد درکنسرواتوار پاریس برای نواختن پیانو به او یك جایزه دادند.
فرانك بین استادان موسیقی‌بیشتر تحت تأثیر رایخا قرارگرفت مدتی به تدریس پیانو اشتغال داشت.
فرانك‌درموسیقی‌آثار بزرگی‌چون پوئم سنفونیك **شکارچی نفرین شده** را خلق‌کرده است.

فری، ویلیام Fry, W
(۱۸۱۳–۱۸۶۴ م)
موسیقی‌دان آمریکایی است.

فریمن، بد Freeman, B
(متولد ۱۹۰۴ م)
نوازندهٔ ساکسوفون است.

فوره، گابریل Fauré, G
(۱۸۴۵–۱۹۲۴ م)
آهنگساز



فرانسوی، استاد ملودی وموسیقی‌سبك است.

فیدلر، آرتور Fiedler, A
(متولد ۱۸۹۴ م)
رهبرارکسترازمردم آمریکااست.

فیشر، ادوین Fischer, E
(۱۸۸۶–۱۹۶۰ م)
پیانیست معروف سوییسی است.

فیلد، جان Field, J
(۱۷۸۲–۱۸۳۷ م)
موسیقی‌دان لهستانی است.

کابالوسکی، دیمتری Kabalevsky, D
(متولد ۱۸۹۴ م)
درپطرزبورگ متولدشد. تحصیلات موسیقی را درکنسرواتوار مسکوبه‌پایان رسانید. کابالوسکی مانند چایکوفسکی درموسیقی ازملودیهای‌زیبا استفاده کرده است از آثار کابالوسکی باید سویت «**بازیگران تماشاخانه**» واپرای «**کولاس برونیون**» را نام برد.

کارایان، هربرت فون Karajan, H
(متولد ۱۹۰۸ م)
رهبر ارکستر ازمردم آلمان است.

کارتر، بنی Carter, B
(متولد ۱۹۰۷ م)
نوازندهٔ ترومپت وآلتوساکسوفون، صفحهٔ غول‌جاز ازاو است.

گارنر، ارول Garner, E
(متولد ۱۹۲۱ م)
پیانیست معروف جازصاحب‌آهنگ، **تومرامفتون‌کردی** می‌باشد.

کارنی، هاری Carney, H
(متولد ۱۹۱۰ م)
نوازندهٔ باریتون ساکسوفون، **پر-طلایی** ازآهنگهای اواست.

کاری، هری.
شعرای خارجی را به بینید.

کاریسیمی، ژیاکومو Carissimi, G
(۱۶۰۴–۱۶۷۴ م)
آهنگساز ایتالیایی‌وی در«مارینو» به‌دنیا آمد.

کازالس، پابلو Casals, P
(تولد ۱۸۷۶ م)
موسیقی‌دان‌اسپانیولی که‌در«واندرل، به‌دنیا آمدشهرت‌وی‌درنواختن«ویولونسل» است.

کامبر، ربرت.
(۱۶۲۸–۱۶۷۷ م)
آهنگسازفرانسوی که‌درپاریس به‌دنیا آمد ویکی ازمؤسسین اپرای جدیدفرانسه است.

کامل.
(۱۲۹۲–۱۳۵۷ ه ق)
محمدکامل الخلعی موسیقی‌دان‌مصری «موسیقی شرقی» و «نیل الامانی فی ضروب الاغانی» از اوست.
صدای دلکشی داشت وعودمی‌نواخت.
وی درقاهره وفات یافت.

کتلبی، آلبرت Ketelby, A
(متولد ۱۸۸۶ م)
ازآهنگسازان موسیقی سبك است.

کچن، ژولیوس Katchen, I
(متولد ۱۹۲۹ م)
پیانیست مشهورآمریکایی که‌مدتی‌در پاریس اقامت داشت.

کراوس، کلمنس Krauss, C
(۱۸۹۳ - ۱۹۵۴ م)
رهبر ارکستر از مردم اتریش است.

کرایسلر، فریتس Kreisler, F
(۱۸۷۵ - ۱۹۶۲ م)
این‌موسیقی‌دان اتریشی ازبزرگترین نوازندگان ویلون دنیا به‌شمار می‌آید.
وی در شهروین به دنیا آمد. از ابتدای کودکی ذوقی فراوان به موسیقی داشت و در هنرستان موسیقی پاریس زیر نظر استاد شهیرلامبرماسار شروع به آموختن موسیقی کرد و در دوازده سالگی برندهٔ جایزهٔ دولتی « Grand Prix de Rome » گردیده و بدین وسیله همگان را در شگفتی فرو- برده است.
اولین کنسرت خود را درشهر بادل باپیروزی تمام‌انجام‌داد. سپس به‌کنسرت دادن پرداخت.
از شاهکارهای او: کاپریس وبن‌نوا، تامبورن شینوا می‌باشند.
کرایسلر از نقطه نظر استادی، ویرتوئوزی بی‌نظیر است وتکنیك دست چپ او بی‌مانند می‌باشد.
تن شیرین وطرز نواختن او مقام وشخصیت اورا دراین فن به‌خوبی‌نمایان می‌سازد.

کروبینی، لوییجی Cherubini, L
(۱۷۶۰–۱۸۴۲ م)
درفلورانس‌متولدشد. در۱۳ سالگی چند قطعه موسیقی تصنیف کرد.
به‌کشورهای‌دیگراروپارفت‌تا بالاخره درسال ۱۷۸۸ میلادی درپاریس اقامت



گزید وتحت حمایت ماری آنتوانت‌ملکهٔ فرانسه مقام شامخی یافت. از آثار او اپرای کمیك **الیزا** و هم‌چنین اپرای **مده** بسیار معروفند.

آخرین اپرای او **علی بابا** است که در سال ۱۸۳۳ میلادی تصنیف در سال ۱۸۲۱ میلادی به ریاست کنسرواتوار پاریس منصوب شد و از آن به بعد در موسیقی مذهبی وسازی کار کرد .

کریستیان، چارلی Christain . C
(۱۹۱۹-۱۹۴۲ م)

نوازندهٔ گیتار، **بیا به دکا برویم** از ساخته‌های او است .

کشلن، شارل Kœchlin , Ch
(۱۸۶۷ - ۱۹۵۰ م)

آهنگساز واستاد فرانسوی است .

کلارک، کنی Clarke , K
(متولد ۱۹۱۴ م)

طبال جاز ازمردم آمریکا است .

کلازونف Clazounov , A
(۱۸۶۵-۱۹۳۶ م)

در روسیه متولد شد ، پدرش چون علاقهٔ فرزندش را به موسیقی دید اورا از ۹ سالگی به تحصیل پیانو و تئوری موسیقی فرستاد. گلازونف از ۱۳ سالگی چندقطعه تصنیف کرد سنفونی اول خودرا در سال ۱۸۸۱ میلادی یعنی هنگامی که شانزده سال داشت تصنیف کرد ولیست برای معرفی بیشتر این آهنگساز خوداین سنفونی را در **وایمار** به مورد اجرا گذارد .

درسال ۱۹۰۰ میلادی گلازونف به استادی کنسرواتوار پطرزبورگ انتخاب شد و ۵ سال بعد به ریاست آن منصوب گشت. از آثار مهم او یکی پوئم سنفونیك «استنکارازین» است که از آثار باارزش موسیقی محسوب می‌شود .

کمپف، ویلهلم Kempff , W
(تولد ۱۸۹۵ م)

پیانیست مشهور آلمانی .

کنیپر، لیوف Knipper . L
(متولد ۱۸۹۸ م)

در تفلیس متولد شد، تحصیلات موسیقی را در روسیه و آلمان به پایان رسانید . مهمترین کارهای او در موسیقی آوازی است که در بین آنها اپرای «نیل اویلن شپیگل» معروفتر از همه است .

کندی، یعقوب .
(فوت ۳۶۰ ه ق)

موسیقی دان عرب از مردم بصره ، صاحب اولین کتاب موسیقی به زبان عربی است .

کوبلیك، یان .
(۱۸۸۰-۱۹۴۰ م)

کوبلیك در شهر میخلنی (نزدیك پراگ) به دنیا آمد پدرش مدیریت ارکستر آن شهر را داشت. او از خردی ذوق و استعداد خویش را در موسیقی نشان داد و از پنج سالگی پدرش به او ویلون آموخت در سال ۱۸۸۸ میلادی کودك هشت ساله به اندازه‌ای پیشرفت نمود که هنرنمایی شایان او در نخستین کنسرت تحسین همگانی را بر-انگیخت. وی در سال ۱۸۹۲ میلادی رهسپار پراگ شد و درهنرستان موسیقی آن شهر شاگرد پروفسور سوچیك شد . در سال ۱۸۹۸ میلادی به دادن کنسرت مشغول شد و به سیروگشت وپرداخت .

در ایتالیا موفق به دریافت نشان افتخار گریگور مقدس ازپاپ (لئون هشتم) گردید. ودرسرتاسر اروپا، آمریکا، روسیه واسترالیا به گردش پرداخت و تکنیك عالی او همه‌جا باعث شهرت و محبوبیت اوشد .

اومشکل‌ترین وپیچیده‌ترین سازها وآهنگها ولغات و فلاژوله‌ها را در کمال سادگی وتمیزی وروانی و به آسایش درونی ترنم می‌کرد ازاین جهت به لقب بزرگ «پاگانینی پراگ» مفتخر گردید .

با مرگ اوجهان ویلون یکی از نوابغ خودرا ازدست داد .

کوتاس، واتسلاو .
(تولد ۱۹۱۰ م)

این موسیقی‌دان چك در پلاسی نزدیك پیلسن به دنیا آمد از ۹ سالگی شروع به آموختن موسیقی کرد. در آکادمی موسیقی پیلسن ابتدا ویلون وسپس قره‌نی را آموخت ودر کنسرواتوار پراگ به تکمیل این ساز پرداخت وبعداز ۵ سال تحصیل به اخذ جایزهٔ درجه اول کنسرواتوار نایل گردید دراثر این موفقیت در ارکستر بادالستر آلمان دعوت شد وسپس به عنوان متخصص قره‌نی دراپرای بئوگراد در (یوگسلاوی) استخدام گردید . بعداز سه سال بنا به تقاضای ریاست اپرای ملی پراگ به این شهر برگشت .

کورساکف، ریمسکی .
(۱۸۴۴-۱۹۰۸ م)

نیکلا آندره یویچ ریمسکی کورساکف موسیقی‌دان روسی درشهر تیخوین (ایالت نووگراد) به دنیا آمد ودر پطرزبورگ دیده ازجهان فروبست. از بچگی علاقهٔ زیادی به موسیقی داشت وهنگامی که به دانشکدهٔ دریانوردی می‌رفت به تحصیلات موسیقی خود نیز ادامه می‌داد. وی پس از سالها زحمت وتحصیل دررشته‌های موسیقی اپرا وموسیقی سنفونیك و در رشته‌های دیگر استادی بی‌مانند شد .

وی تألیفات بسیاردارد وتمام را از افسانه های تودهٔ کشورخود گرفته است .

کورساکف کتاب بسیارمهمی درمورد قوانین ارکستراسیون نگاشته است . از آثار مشهور اویك سوییت سنفونیك موسوم به «شهرزاد» می‌باشد که همان موضوع هزارو یکشب است .

کوگلر، کارل .

این هنرمند چکی پس از پایان تحصیلات برای اولین بار دراپرای (نامزد فروخته) تصنیف سمتانا کمپزیتور مشهور چك، رل (ینیك) را ایفا نمود وموفقیت شایانی حاصل کرد. بطوری که ازطرف آتر شهرداری کیل درآلمان برای خواندن دراپرا وسپس به عنوان اولین تنورلیریك در اپرای جدید هامبورگ نیز دعوت شد .

وی در پراگ در تآترملی رل همفان از (قصه‌های همفان) رابا موفقیت عهده‌دار گردیده ومدت پنج سال دراپرای این شهر خوانندگی می‌کرد .

در سال ۱۹۳۶ میلادی درجشن بین‌المللی اپرادر بارسلن (اسپانی) شرکت کرده است . وی در هنرستان موسیقی مراوسکا استراوا آواز تعلیم می‌داده واغلب شاگردان اوآوازه‌خوان اپرا و کنسرتها می‌باشند.


کولمن

کولمن، اورنت Coleman, O
(متولد ۱۹۳۰ م)

ساکسوفون نوازواز مردم آمریکا است .

کوندراشین، کی‌ریل پتروویچ Kondrashin , K.P
(متولد ۱۹۴۴ م)

از رهبران ارکستر روسیه است .

کوندون، ادی Condon , E
(متولد ۱۹۰۴ م)

نوازندهٔ گیتار است .

گارتنر، فلیکس وان Gartner , F , W.
(۱۸۶۳-۱۹۴۲ م)

رهبر ارکستر از مردم اتریش است .

گارسیا، مانوئل Garcia , M.
(۱۷۷۵-۱۸۳۲ م)

آهنگساز اسپانیولی . در اشبیلیه به‌دنیا آمد .

گرشوین، ژرژ Gershwin , G
(۱۸۹۸–۱۹۳۷ م)
آهنگساز آمریکایی در بروکلین (نیویورك) تولدیافت. گرشوین به آموختن پیانو پرداخت . او از کودکی نسبت به موسیقی ملی وعامیانه توجه بسیار پیدا کرد وساعت‌ها بدون‌خستگی دربارهٔ اهمیت آن با استادان خود گفتگو می کرد



گلوك



شاهکارهای مهم او : «راپسودی آبی» کنسرتو در «فا» برای پیانووارکستر، آمریکا تا پاریس، دومین راپسودی پیانو وارکستر، اورتور. برای موسیقی نمایشی وفیلم اپرای «پورگی- وبس» .

گرومیو، آرتور Grumiaux , A
(زنده ۱۹۳۹ م)
ویلونیست مشهور بلژیکی که از موسیقی‌دانان بلندپایه و نوازنده‌ای توانا است درسال۱۹۳۹ میلادی برندهٔ جایزهٔ اول مسابقهٔ ویلون «ویوتان» Vieutemps ودر سال ۱۹۴۳ میلادی ستارهٔ درخشان مسابقهٔ ملی ویلن بروکسل گردیدو از آن پس شهرت جهانی یافت .



گوسك

گریر، سونی Greer , S
(متولد ۱۹۰۳ م)
طبال‌جاز درآهنگهای معروفی چون جمبوری جنگل وسردی قلبها است .

گریگ، ادوارد Grieg, E
(۱۸۴۳–۱۹۰۷ م)
موسیقی‌دان نروژی با این که آثار زیادی ازخود برجای نگذاشته، آهنگهای



معدودی را که تصنیف نموده ازنظر زیبایی کم نظیراست . کنسرتوپیانو و سویت «پیرگنت» او (که بر اساس یکی از نمایشنامه‌های ایبسن تصنیف شده) ازشاهکارهای موسیقی کلاسیك بشمار می‌رود . وی در برژان به دنیا آمد .

گلوك ، کریستوف ویلیبالد
Gluek, Ch W
(۱۷۱۴–۱۷۸۷ م)
آهنگساز آلمانی که در ویدنوانگ به دنیا آمد، کودکی او به‌سختی گذشت ، واز سال ۱۷۲۶ برای مدت ۶ سال در کلیسای کموتو به عنوان خوانندهٔ سرود- های مذهبی اشتغال ورزید و بالاخره به عنوان یك‌متخصص ویولون‌سل معروف شد، درسال۱۷۳۶ میلادی بهوین وپس‌از مدتی به‌لندن رفت ومدتی ریاست اپرای دربار ایتالیا با او بود. **ارخه** ، آلسست ، ایفی‌ژنی، ازآثار معروف اواست .
او اپرا را به شیوهٔ ساده وهیجان- انگیز درآورد .

گلینکا ، میشل ایوانوویچ .
Glinka , M
(۱۸۰۴ – ۱۸۵۷م)



آهنگساز ، روسی که تحصیلات - خودرا در ایتالیاانجام داد، اپرای ایوان سوسانین، روسلان ولودومیلا ، خاطرات یك شب در مادرید ، از آثار او است

گودار ، بنیامین Godard – B.
(۱۸۴۹ – ۱۸۹۵م)
آهنگساز فرانسوی که در پاریس چشم به‌جهان گشود . وی‌سازندهٔ لاویواندیر Lavivandiére است .

گودمن ، بتی Goodman,B
(متولد ۱۹۰۹م)
معروف به‌سلطان سوئینگ وسازندهٔ آهنگ **امپراتوری سوئینگ** و نوازندهٔ کلارینت است .

گودیمل ،کلود Goudimdel–C.
(۱۵۰۵ – ۱۵۷۲م)
موسیقی‌دان فرانسوی که دربزانسون چشم به‌جهان گشودوی‌مؤلف‌پسوم«Psaumes است که درآن ازدگر گونی پولی فونی قرن شانزدهم وسبك موسیقی آغاز قرن هفدهم گفتگو می کند .

گوسك، فرانسوا، ژوزف گوسه
Gossec ,F,J,G.
(۱۷۳۴ – ۱۸۲۹م)
آهنگساز فرانسوی‌است ویکی از بوجودآورندگان‌سنفونی‌است وآهنگهای اواغلب انقلابی است.

گونود، شارل Gounod ,Ch.
(۱۸۱۸ – ۱۸۹۳م)



فرزندمادری پیانیست بود، در سال ۱۸۳۹ میلادی‌جایزهٔ هنری رم را دریافت کرد، اپرای‌فاوست، خراج زامورا رومئو و ژولیت ، از آثار او است .

گیزکینگ، والتر Gieseking–W
(۱۸۹۵ – ۱۹۵۶م)
پیانیست نامی که اصلا از ناحیهٔ «سار» فرانسه‌بود ازوی‌صفحاتی شامل کلیهٔ‌آثار پیانو«موزار» تهیه‌شده‌است که بی‌نهایت مورد توجه می‌باشد .

گیلبسپی،دیزی Gilbespie ,D
(متولد ۱۹۱۷ م)
ازپایه‌گذاران جاز مدرن ونوازندهٔ ترومپت است .

گین ین ، جیوانی‌پیرو .
Guignon – G.P.
(۱۷۷۴ – ۱۷۰۹م)
ویولن‌نوازوآهنگسازایتالیایی که‌در تورن دیده به‌جهان گشود. گین باموسیقی دردوران سلطنت لویی پانزدهم‌وابستگی پیداکرد واستعداد بزرگی در ساختن سوناتها وکنسرتها نشان داد .

گیوم ، دوماشو
Guillaumede machault .
(۱۳۰۰ – ۱۳۷۷م)
شاعروموسیقی‌دان فرانسوی . وی یکی ازایجادکنندگان مکتب پولی‌فونیك PolyPhonique فرانسه‌می‌باشدمهمترین اثراو«مس‌نوتردام» است

لاسو ، رلاندو .

(۱۵۳۰ – ۱۵۹۴م)

موسیقی‌دان سبك‌فرانکو بلژکه در **من**به دنیا آمد .

لالو، ادوارد . Lalo , E

(۱۸۲۳ – ۱۸۹۲م)



دراسپانیا، متولـد شد . خانـواده‌اش هنگامـی که او کودك بود بـه فـرانسه مهاجـرت کردند ودر فلاندر مسکن کردند . لالواز جوانی علاقهٔ زیادی بـه موسیقی پیدا کرد. لالوبزودی درنواختن ویولون تخصص‌یافت ودر شانزده سالگی به‌کنسرواتوار پاریس‌وارد شد.

مهمترین اثر اوسنفونـی **اسپانیول** است‌که درسال **۱۸۷۵** میلادی‌تصنیف شد، **راپسودی‌نروژی** اثرمهم دیگرلالواست. درموسیقی اپرا اواپرای پادشاه الیس‌را به سال **۱۸۷۸** میلادی به‌پایان‌رسانید .

لامورو، شارل . Lamoureux, Ch .

(۱۸۳۴ – ۱۸۹۹م)

ویولونیست،ورهبر ارکستر ازمردم فرانسه است .

لاندووسکا، واندا .

Landowska , Wanda .

موسیقی‌دان لهستانی است

لاو، هنری Lawes,H.

(۱۵۹۶ – ۱۶۶۲م)

آهنگساز انگلیسی است .

لئون کاوالو ، روگ ژرو

Leoncavallo

(۱۸۵۸ – ۱۹۱۹م)

ترانه‌ساز ایتالیایی‌که در ناپل بـه دنیاآمد .

لرو ، کزاویه L,Xavier

(۱۸۶۳ – ۱۹۱۹م)

ترانه ساز فرانسوی مولـد ولتری (ایتالیا) .

لزوئور ، ژان فرانسوا

Lesueur — J. F .

(۱۷۶۳ – ۱۸۳۷م)

سازندهٔ ترانـه‌های مذهبی ودرامی مولد پله‌سیل‌نزدیك آ بویل.

لعل‌خان.

وی نیزازموسیقی‌دانان دربـار شاه جهان پادشاه هندبوده وازپیروان تان‌سن می‌باشد .

لوکوك ، شارل Lecocq ,Ch .

(۱۸۳۲ – ۱۹۱۸م)

آهنگساز فرانسوی است .

لوییس، جان Lowis,J

(متولد ۱۹۲۰م)

پیانیست ورهبرارکسترجازوآهنگ معروفش بداهه نوازی و تعمق فکری نام دارد .

لولی ، ژان باتیست .

(۱۶۳۲ – ۱۶۸۷م)

اودرشهر فلورانس به‌دنیاآمد و در پاریس درگذشت. وی پسریك آسیابـان فلورانسی‌بودکه درکودکـی به آموختن مقدمات موسیقی‌ونواختن‌گیتار مشغول‌شد وبرحسب تصادفی به پاریس برده‌شد، در پاریس‌ابتدا گیتارمی‌نواخت‌ولی‌بعدبه‌ویلون پرداخت ودرآن‌زبردستی فراوانی‌حاصل کرد شهرت‌اوتاجایی‌رسید که‌درسال **۱۶۵۲** میلادی به‌دربارفرانسه راه‌یافت‌و به‌عنوان نوازندهٔ ویلون بکارپرداخت . دردربار نیزلولی‌به‌درجه‌ای‌شهرت واعتباریافت که‌در سال**۱۶۵۳** میلادی به مقام ترکیب‌کننده موسیقی‌برای پیسهاوبالتهایی که‌دردربار می‌دادندرسید .

ازاین تاریخ‌بـه مـدیریت ارکستر دربار ارتقایافت بزودی‌لولی بـه واسطهٔ تألیفات‌خوددرسراسراروپا مشهورگردید امتیازلولی برسایر نوازندگان این‌بـود که درپیس‌ها نواهایی برآواز بـااشعار ایتالیایی می‌ساخت‌که ازهرجهت‌تازه‌وبی سابقه بود.

لولی درسال **۱۶۶۱** رییس موسیقی دربار فرانسه شد. وی‌بعد به‌تنظیم‌قطعات موسیقی برای‌بعضی‌پیس‌های مولیرپرداخت ودبستان جدیدی‌برای‌موسیقی دراماتیك ایجاد کرد که ازهرحیث‌آمیخته باروح و احساسات فرانسوی‌بود .

کمدی ـ بالت- این‌شیوه،درقطعات موسیقی‌که لولی‌برای «پسیه»ساخت‌موفقیت شایان‌پیدانمود. پیس‌های مشهور لولـی عبارتنداز : آلسست ــ تزه ــ کارناوال‌ماسکاراد– پورسنیاك‌وبورژواژانتی‌یم–آتیس‌ایزیس– بلروفون ـ‌پروزرپین ـ پیروزی‌عشق ـ فایتون ــ آمادیس رولاند .

وی چند سمنفونی واوورتور نیـز دارد .

موسیقی لولـی روشن ـ حساس ـ موزون وتوصیفی است.لولی پدر موسیقی کلاسیك وایجادکنندهٔ اپرای فـرانسوی است .



لامورو

لون ، مارگریت Long—M.

(تولد ۱۸۷۴م)

خانم‌مارگریت‌لون پیانونوازبزرگ فرانسوی می‌باشد، مارگریت نخستین‌زن فرانسوی‌است‌که به‌استادی‌کنسرواتوار پاریس منسوب شده ونیزنخستین‌زنی‌است که به‌پاس خدمات مـوسیقی به‌دریـافت نشان «لژیون دونور» نایل شد.وی‌بسیاری ازآثار پیانوی آهنگ‌سازان بزرگ‌این قرن‌را ازقبیل‌فوره ، دوبـوسی وراول‌را برای‌اولین بارورزیرنظرخودآهنگسازان اجراکرده است.خانم‌لون مؤسس‌دبستانی برای آموزش پیانو درپاریس می‌باشد.



لاندووسکا

لیست ، ‌فرانس List,F

(۱۸۱۱ – ۱۸۸۶م)



از مردم‌مجارستان بودولی‌درآلمان به‌دنیاآمد. زندگی‌هنری اورا به‌سه دوره تقسیم کرده‌اند : تاسی سالگی نوازندگی پیانو وتنظیم‌کنندهٔ آثارآهنگسازان‌برای پیانو وپس‌ازآن تـاپنجاه سالگـی رهبر ارکستر ومصنف موسیقی‌سنفونیك وازآن به بعد تا **۷۶** سالگی آهنگساز مـوسیقی کلاسیك.ازآهنگهای‌معروف او«راپسودی مجارستانی» و«رؤیای عشق» است



لو کوك


مارتن

مارتن، فرانك Martin,F
(متولد ۱۸۹۰م)
آهنگسازازمردم سویس است.

مارتینو ، بوهوسلاو Martinu,B.
(۱۸۹۰ - ۱۹۵۹م)
آهنگسازی‌ازمردم چك‌است .

مارسلو ، الساندرو .
شعرای خارجی را به بینید .

مارکویچ ، ایگور Markovitch, J
(متولد ۱۹۱۲)
ازمردم روسیه وازرهبران ارکستر سویسی است .


مارتینو

مارمونتل، آنتوان فرانسوا
Marmontel,A,F
(۱۸۱۶-۱۸۹۸م)
پیانو نوازواستاد موسیقی‌فرانسه‌است.

ماره ، مارن Marais, M.
(۱۶۵۶ - ۱۷۲۸م)
ویولونیست وآهنگساز از مردم فرانسه است .


ماره

مازل ، لورین Mazel, L
(متولد ۱۹۳۰م)
رهبرارکسترآمریکایی اسب.

ماسکاگنی ، پی‌یترو . Mascagni, P
(۱۸۶۸ - ۱۹۴۵م)
آهنگساز ایتالیایی است .

ماسه‌نه ، ژول . Massenet,J
(۱۸۴۲ - ۱۹۱۲م)



درکنسرواتوار پاریس ، با پیانو آشنا شد وازآثار او: ماریا ماگدالین ، السید،مانون ازآثار اپراهای معروف اواست .


ماسکاگنی

مالر، گوستاو Mahlér,G
(۱۸۶۰-۱۹۱۱م)



ازیک خانوادهٔ‌یهودی در اتریش به‌دنیا آمد . خانوادهٔ او مردمانی فقیر بودند . مالر ازکودکی به موسیقی توجه داشت پس از اتمام


مسییان

تحصیلات دررشتهٔ‌تصنیف‌آهنگ ونواختن پیانوجایزه‌گرفت.از۲۰سالگی به‌رهبری ارکستر منصوب شد. مدتی دربوداپست به این‌سمت اشتغال‌داشت . سپس‌به‌رهبری ارکستر اپرای وین‌رسید . ازسال۱۹۰۷ مالربه‌ریاست**اپرای متروپولیتن نیویورك** انتخاب شد، ولی‌درآنجا به‌بیماری سختی گرفتار شد چندی‌بعد به‌کشور خویش‌باز گشت، ولی بهبودی نیافت و درسن ۵۱ سالگی درگذشت . ازآثاری‌که به‌یادگار گذاشته ۹ سنفونی اوشاهکار موسیقی ارکستر است .

مایربر، جاکوماما Meyerber ,G
(۱۷۹۱ - ۱۸۶۴م)



ازآهنگ‌سازان‌آلمانی است‌که‌ازیك خانوادهٔ معمولی‌یهودی در برلین متولد شد . درسال۱۸۱۳ هنگام اجرای «پیروزی‌ـ ولینگتن » در ارکستری که بتهوون تشکیل داده بود شرکت‌کرد واجرای‌طبل‌را بعهده‌گرفت ولی‌چون‌طبل نمی‌شناخت نمی‌توانست ضرب‌ها رادرست تشخیص دهد بهمین جهت بتهوون ازاو خشمگین‌شدپس‌ازمراجعت‌ازایتالیا مدت کمی در آلمان ماندوسپس به‌فرانسه رفت ودرسال ۱۸۳۱ بانمایش‌اپرای **ربرت شیطان** موفقیت زیادی‌کسب‌کرد .ازآثار دیگراو اپرای **واسکودوگاما** دریانورد پرتغالی است .

مسییان ، الیویه Messiaen_O.
(تولد ۱۹۰۸م)
مسییان درشهر (آوینیون)فرانسه بدنیاآمده‌است.دریازده سالگی‌واردکنسرواتوار پاریس‌شد وآنجا راپس ازطی کلاسهای استادانی چون نوئل‌کالون ـ مارسل‌دوپره وپل‌دوکا بادرخشانی زیاد به‌اتمام‌رساند. ازسال ۱۹۳۱ مسییان‌نوازندهٔ ارگ‌کلیسای مشهور ترینیتهٔ پاریس شد.
مسییان خیلی زودبه‌کارآهنگسازی پرداخت وازاین رو او را موسیقی‌دانان به‌اصطلاح (زودرس) می‌خوانند. سپس کلاس تجزیه وزیبایی شناسی‌موسیقی‌دایر کرد. آثارمسییان ازلحاظ‌هارمونی ووزن فوق‌العاده قوی‌است ولی از لحاظ ملودی گفته‌اندکه هنوزنتوانسته است بهره‌داری زیادنماید .

مشاق ، میخاییل .
(زنده ۱۲۴۶ ه‍ ق)
ازموسیقی‌دانان عرب است که به میخاییل مشاق دمشقی نامی است .
وی صاحب کتاب رسالةالشهابیه‌فی صناعات‌الموسیقی (۱۲۴۶ ه‍ ق) است‌که ریاضی‌دان زبردستی بوده وبه‌راهویژه‌ای درجات بیست‌وچهار ربع‌پرده مساوی را درروی یك‌سیم بدست می‌دهد .
میخاییل سیم را در روی سازبه ۳۴۵۶ قسمت برابر فرض کرده که نصف‌آن۱۷۲۸جزءاکتاوآن‌رامی‌شناساند. برای یافتن درجات ربع‌پرده به‌ترتیب ۴۹، ۵۱ ، ۵۳، ۵۵ ... قسمت‌به‌آن‌می‌افزاید وربع‌پرده‌ها رابدست می‌آورد و به‌سبك‌قدیم هریك‌ازدرجات رانادواکتاو به‌نام‌گوشه‌های آواز نام‌گذاری می‌کند ، به‌ترتیب زیر :

اختلاف	طول‌سیم مرتعش	اکتاو اول	اکتاو دوم
	۳۴۵۶	یك گاه	نوا
۹۵	۳۳۶۱	نیم حصار	نیم حصار
۹۳	۳۲۶۸	حصار	حصار
۹۱	۳۱۷۷	تك حصار	تك‌حصار
۸۹	۳۰۸۸	عشیران	حسینی
۸۷	۳۰۰۱	نوروز عجم یا نیم‌عجم	نوروزعجم
۸۵	۲۹۱۶	عجم	عجم
۸۳	۲۸۳۳	عراق	اوج
۸۱	۲۷۵۲	گوشت	نهفت
۷۹	۲۶۷۳	تك گوشت	تك‌نهفت
۷۷	۲۵۹۶	راست	ماهور

اختلاف	طول سیم مرتعش	اکتاو اول	اکتاو دوم
۷۵	۲۵۲۱	نیم زنگوله	نیم‌شهناز
۷۳	۲۴۴۸	زنگوله	شهناز
۷۱	۲۳۷۷	تك زنگوله	تك شهناز
۶۹	۲۳۰۸	دوگاه	مهیر
۶۷	۲۲۴۱	نیم کردی	نیم روالی
۶۵	۲۱۷۶	کردی	سنبله‌یاروالی
۶۳	۲۱۱۳	سه گاه	بزرگ
۶۱	۲۰۵۲	ابوسلیك	حسینی- شاد
۵۹	۱۹۹۳	تك‌ابوسلیك	تك‌حسینی-شاد
۵۷	۱۹۳۶	چهارگاه	ماهوران
۵۵	۱۸۸۱	نوروز عرب	جواب‌نیم‌حجازی
۵۳	۱۸۲۸	حجازی	جواب‌حجازی
۵۱	۱۷۷۷	تك‌حجازی	جواب‌تك حجازی
۴۹	۱۷۲۸	نوا	رمل‌طوطی

معبد .

(قرن دوم ه ق)

موسیقی‌دان عرب درقرن دوم‌هجری که اسحق موصلی مجموعهٔ آوازهای اورا درکتابی به‌نام‌کتاب **اغانی‌معبد** جمع کرده است .

مندلسون ، فیلکس Menedlsson, F

(۱۸۰۹ ـ ۱۸۴۷م)



آهنگساز آلمانی که در هامبورگ متولد شد ، درسال ۱۸۲۰ **رؤیادرنیمه شب تابستان** را ساخت و اثر معروف دیگراو: **ماجراهای‌عاشقانه‌بدون‌گفتگو** نام دارد واو ازمؤسسین کنسرواتوار لایپزیك است .

منهوهین، یهودی .

(متولد ۱۹۱۷)

درنیویورك به‌دنیا آمد، ازسه‌سالگی به‌تحصیل موسیقی پرداخت ودر۶سالگی کنسرت دادو۱۰ ساله بودکه تمام اروپا وآمریکا اورامی‌شناختندوازموسیقی‌دانان باارج معاصراست .

موتسارت، ولفگانگ Mozart, W

موزارت را به‌بنین .

مورتون، جلی‌رول Morton,J,R

(متولد ۱۸۸۵م)

پیانیست وآهنگساز آمریکایی‌است، **سلطان جاز نیواورلئان** ازاواست .

مورلی ، توماس Morley,Th .

(۱۵۵۷ ـ ۱۶۰۳م)

آهنگساز انگلیسی است .

موزارت ، ولفگانگ Mozart_W.

(۱۷۵۶ ـ ۱۷۹۱م)

وی یکی‌ازبزرگترین وباارج‌ترین نابغه‌های موسیقی بشمارمی‌رود وی در



زالس‌بورگ‌بدنیاآمد ودروین‌درگذشت. درسن۱۶سالگی‌محیط‌وزادگاه‌خویش‌راترك کرد وپیوسته‌مترصدبود محیط بزرگتری مثل‌وین،پاریس ومونیخ را برای زندگی انتخاب کند . زالس‌بورگ شهرموسیقی بوده وموزارت در چین محیطی نشوونما کرده .

موزارت درسن‌چهارده سالگی‌قبل‌از اینکه موسیقی رابداند منوئه‌های‌کوچکی ترکیب‌که پدرش یادداشت می‌کرده‌استو پنجسال‌ونیم‌داشت‌که درمسابقهٔ یك‌کمدی لیریك‌ابرلن شرکت‌کرد وازسن۶ تا۱۰ سالگی‌به‌همراه‌پدرش‌که اونیزموسیقی‌دان بود چندین‌بار برای‌دادن‌کنسرت‌ابتدادر داخلهٔ اتریش‌وآلمان سپس بـه‌بلژیك ، فرانسه،انگلیس وهلندمسافرت‌کرد. همه جاباآغوش بازازاوپذیرایی شد. موزارت در ۱۳ سالگی بمدیریت موسیقی مذهبی کلیسای‌ارفلینا برگزیده شد. بعددرایتالیا ازدست پاپ‌به‌گرفتن"نشان مفتخرگردید سپس‌موزارت‌به‌ساختن‌اپرامشغول‌شدکه‌بی نهایت مورد توجه مردم واقعشد در سال ۱۷۷۸ دوسمفونی دادکـه بی‌نهایت بـا موفقیت روبروشد. اوبا وجودی که‌درسن ۳۶ سالگی درگذشت ۶۲۶ کمپزیسیون سنفونی‌اپرا، کنسرتو برای ویلون‌و پیانو با ارکستر و غیره ساخت برخی از قطعات معروف اوازاین‌قرار است :

دستبرد درسرای، عروسی فیگارو، دن‌ژوان، نی‌افسون‌آمیز، گذشت‌تیتوس ، چندین‌سنفونی ، تقریباً بیست‌کنسرتـو و آهنگهای‌زیادی‌برای‌کلیساوغیره‌می‌باشد.

موسورگسکی ، مودست Moussergsky .M .

(۱۸۳۹ ـ ۱۸۸۱م)



درروسیه متولد شد . موسرگسکی یکی‌ازبانیان مکتب‌روسی است . در جـوانی **بادارگو ـ میجسکی** آشنا شد و بواسطهٔ تشویق او به تصنیف آثارموسیقی پرداخت. اوبرای‌تصنیف‌آثارش‌ازترانه‌ـ های روستایی الهام‌گرفت ودراین رشته

آثاری بوجود آورد که بیان کنندهٔ کامل‌ترین نمونهٔ موسیقی درمکتب روسی‌است. کارموسرگسکی منحصر به‌اپرا و آوازاست ودرموسیقی‌ارکستری فقط یك پوئم‌سنفونی به‌نام **شبی برفراز کوه سنگی** و یك سویت به‌نام «**تــابلوهای یك نمایشگاه نقاشی**» دارد .

نخستین اثر برجسته وقابل توجهش اپرای **بوریس گدونف** می‌باشد که آن را درسال ۱۸۶۹ تمام‌کرد .



وبرن

مولیگان، گری Mulligan,G

(متولد ۱۹۲۷م)

از رهبران ارکستر جاز ونوازندهٔ باریتون ساکسوفون ، صفحهٔ معــروفش **نمایش گروه‌جاز** نام‌دارد .



وردی

مونش ، شارل Munch ,Ch.

(متولد ۱۸۹۱م)

رهبرارکستر ازمردم آلمان است .

میتروپولوس ، دیمیتری

Mrtropoloss , D

(۱۸۹۶ – ۱۹۶۰م)

رهبر ارکستراز مردم یونان‌است.



وولف

میلهود ، داریوش Milhaua ,D

(متولد ۱۸۹۲م)

آهنگساز فرانسوی است .

نایی .

(درگذشت ۱۱۴۲ه ق)

شیخ عثمان افــندی ازشاعــران و موسیقی‌دانان‌ترك‌است.وی‌ازمشایخ‌مولویه می‌باشدو به‌سال ۱۱۰۹ به‌مقام شیخی‌خانقاه غلطه رسید و سمت نی‌زنی راداشت .



ویلا لوبوس

نات ، ایو Nat,Y.

(۱۸۹۰ – ۱۹۵۶م)

استادپیانوی‌کنسرواتوار پاریس‌که از استادان وموسیقی‌دانان پــرارج این عصر بود وی‌درسال ۱۹۵۴ برای‌آخرین بار برروی‌صحنه‌آمد وکنسرتوپیانویی‌را که خود ساخته‌بودبرای نخستین‌باراجرا ورهبری کرد وموفقیت شایانی‌کسب‌کرد صفحاتی‌که‌نات‌ازسی ودو سونات بتهوون تهیه‌کرده است شهرت جهانی دارد. ولی نات‌یکی‌ازبزرگترین متخصصین اجرای آثارشومان بود.وی به‌سن۶۶سالگی در پاریس درگذشت.



میلهود

ناصر .

(درگذشت۱۲۴۶ ه ق)

عبدالباقی‌افندی ازشاعران ومشایخ مولویهٔ‌عثمانی است . وی درفن موسیقی استادی بی‌مانندبوده است .

نانی‌نی،جیووانی‌ماریا Nanini–G, M.

(۱۵۴۵ – ۱۶۰۷م)

آهنگساز نامدار ایتالیایی است . او معروفترین مدرسهٔ موزیك شهررم را بنیاد نهاد .

واگنار ، Wagenaar

(تولد ۱۸۹۴ م)

سازندهٔ دبستان موسیقی اساسی‌هلند می‌باشد. این‌موسیقی‌دان دارای‌آثار پرحرارت‌ورنگارنگی‌است. که بیشتر با آثار نقاشان بزرگ مقایسه شده است ونیزغیر از آهنگسازی آموزگار واستادی قابل درکار خود شناخته شده است .

واگنر، ریشارد Wagner , R

(۱۸۱۳–۱۸۸۳ م)

موسیقی دان‌آلمانی، درلایپزیك به دنیا آمد . در ۱۴ سالگی نمایشنامه‌ای غم انگیز نوشت که‌آن را باموسیقی‌بیان کــرد . اپرای **پریانها** نخستین اثــر معروف اواست ، و۱۳ سال آوارهٔ دور



از وطن‌بود وباعفوعمومی دوباره بــه میهــن بازــ گست، ماجراــ های عشقی‌او کمترازهنرش نبود، **پنبلویك** نیز یکی ازآثار معروف اواست .

والتر، برونو Walter , B

(۱۸۷۶ – ۱۹۶۲ م)

رهبرارکسترازمردم آلمان است .

والر، فتز .

خوانندههای‌مشهورخارجی‌رابه‌بینید.

وانگلر،ویلهلم فورت Wangler,W,F.

(۱۸۸۶ – ۱۹۵۴ م)

رهبر ارکستر ازمردم آلمان است.

وبر، کارل ماریافن Weber, C. M.

(۱۷۸۶ – ۱۸۲۶ م)

آهنگسازآلمانی، براساس‌رومانتیك



پایهٔ‌آهنگهای اپراهای‌آلمانی راباالهام‌از ادبیات‌باستان استوارکرد . **اپرای‌تیرــ انداز** یکی ازشاهکارهای اواست .

وبرن، آنتون‌ون Webern,A

(۱۸۸۳–۱۹۴۵ م)

موسیقی دان وآهنگ ساز اتریشی است .

وردی Verdi

(۱۸۱۳–۱۹۰۱ م)

آهنگساز ایتالیایی است

وولف، هوگو Wolf , H

(۱۸۶۰ – ۱۹۰۳ م)

موسیقی دان اتریشی است .

ویـدور ، شارل مــاری

Widor , Ch M.



آهنگساز فــرانسوی است .

ویلالوبوس ، هیتور

Villa – Lobos , H

(۱۸۸۷–۱۹۵۹ م)

آهنگساز برزیلی است .

ویوالدی ، پی‌یترو دو Vivaldi , P

(۱۶۷۸–۱۷۴۱ م)



آهنگساز وموسیقی‌دان وویولونیست مشهورایتالیایی ومصنف‌موسیقی هــای‌مذهبی و سنفونی‌ها واپــراهای متعددمی‌باشد.

ویوتان،هانری.

(۱۸۲۰ – ۱۸۹۰م)

او یکی از بزرگترین ویلون‌زنان سدهٔ نوزدهم می‌باشد او در شهر ورویه (بلژیك) به‌دنیاآمد. پدرش‌افسراحتیاط بود وبا موسیقی اندکی آشنایی داشت . یوتان درکودکی ذوق واستعداد خودرا هویدا ساخت چنانکه دردوسالگی شوقی فراوان به زمزمهٔ‌آهنگها وکشیدن آرشه برروی سیمهای‌ویلون‌کوچك خودداشت. در۵ سالگی این‌ذوق وشوق دروی‌بغایت رسید کــه پدرش وی را به آموزگاری سپرد .

در ۸ سالگی درچندین شهربلژیك درکنسرتها شرکت‌کرد و کامیابی شایان

یافت.در ۱۰ سالگی بـه انـدازه‌ای در نواختن‌ویلون‌پیشرفت کرده‌بود که‌استادش بریو وی را باخود به‌پاریس‌برد وویوتان شگفتی همگان را بر انگیخت . از آن به بعد اونزد استادان بزرگ به تکمیل دانش خود پرداخت .

درسال **۱۸۴۶** ازطرف امپراتـور روسیه لقب « تـك نـواز اعلیحضـرت امپراتوری» به‌وی داده شد. وی‌سراسر اروپا وامریکا راگشت وهمه‌جا بااستقبال گرم مردم روبرو شد.

او کنسرتوهـای بسیار زیبا برای ویلون‌ازخود بجاگذاشته است :

کنسرتو درفا بزرگ
« درفادیز کوچك
« درلا بزرگ
« در رکوچك
« سل بزرگ

ازدیگر آثاراو:فانتزی‌درلابزرگ- فانتازیا - کاپریس - دوفانتزی-یادگار روسیه وانترودکسیون ورندو رامی‌توان نام برد.

هارتمان ، ژان پیرامیل .
Hartmann , J.P.E.
(۱۸۰۵-۱۹۰۰ م)

موسیقی‌دان‌دانمارکی‌که درکپنهاك به دنیا آمد ودرهمان شهر درگـذشت . درسال **۱۸۳۲** اپرایی به‌نام‌کربو داد و سپس اپراهایی به‌نام هـای کورن دور **۱۸۳۴**-دزدان‌دربابی**۱۸۳۵**-کریستیان کوچك ونیز دوباله ویك کنسرتو برای وین نوشت .

هارتمان ، کارل آمادئوس
Hartmann , K.A.
(تولد ۱۹۰۵ م)

موسیقی‌دان‌آلمانی کـه در موناکو به‌دنیا آمداست‌وی پیرومکتب اتونان‌می‌باشد. آثار وی شامل: پنج سنفونی‌است ، دوکوارتت زهی، کنسرتو بـرای پیانو به همراهی سازهای بادی وضربی و نیز کنسرت‌موسیقی‌مدرن که‌درمونیخ بر گزار شد .

هارتمان، یوهانس Hartmann , J
(درگذشت ۱۷۹۱م)

آهنگساز آلمانی که در نیمهٔ اول قرن هفدهم در هامبورك به دنیا آمد ودر کپنهاك درگذشت . وی چندین اپرا در شهر کپنهاك نمایش داد . وی سازندهٔ آواز ملی دانمارکی «کریستیان شاه بر فراز دکل بزرگ» است .

هارتی، (هربرت) هامیلتون
Harty-H-H
(۱۸۷۹-۱۹۴۱ م)

آهنگساز ورهبر ارکستر ایرلندی «هاله‌ارکستر» وی سازندهٔ سنفونی به‌نام ایرلندویك‌ویولون‌کنسرته ، کانتات‌ومقدار زیادی آواز و..... وی همچنین‌پیانونزن وارگ نواز بود وچند قطعه ازآثارهندل رابه‌صورت‌کاملا تازه وبدیع برای‌ارکستر تنظیم نموده است .

هارشانی، تیبور Harshanyi , T
(متولد ۱۸۹۸ م)

هارشانی از آهنگسازان مجارستان است‌که در پاریس زندگی می‌کرد . او دوسوئیت برای ارکستر، قطعات‌موسیقی مجلسی و پیانو و اپرای «لاس پانتینس Laspantins»وسوئیت «شادی زندگی» را برای فیلم ساخته است .

هاریداس، سوامی Haridas Swami

او ازموسیقی‌دانان بزرگ هنداست که مرد مقدسی نیزبوده است. ودرکنار رود «جوما» در زمان پادشاهی اکبرشاه (۱۵۴۲-۱۶۰۵م)درحال‌انزوامی‌زیسته است .

هاریزون، پاملا Harrisonpamela
(تولد ۱۹۱۵ م)

موسیقی‌دان انگلیسی‌شاگرد ژاکوب آثاروی شامل: سوئیت برای «تی‌موتی» «برای سازهای زهی»وقطعه‌ای به‌یادگار اولین جشن تولد پسرش، پوئم سمفونیك «اوکشین‌آف‌دویلد»وموسیقی‌مجلسی‌وچند آواز است .

هاریس‌لو Harrislou
(تولد ۱۹۱۷ م)

مصنف‌آمریکایی. وی اپرایی به نام راپونزل (ازروی نوشتهٔ ویلیام موریس)، ماس و سه سوئیت برای ارکستروآثاری برای دیگر آلات وادوات ضربی، بـاله و.... دارد. وی ازمنقدین‌موسیقی به‌شمار می‌رود وازشاگردان‌کاول‌وشوئنبرگ بوده است .

هاریس،ویلیام هنری Harris. W.H.
(تولد ۱۸۸۳ م)

ارگ‌نواز سنت ژرژشاپل،ویندسور ومصنف موسیقی کلیسایی .

هاریسون، جولیوس (آلن گرین وی)
Harrison , J
(تولد ۱۸۸۵ م)

آهنگساز ورهبر ارکستر انگلیسی آثارش‌شامل ماس‌وکارهای ارکسترمانند: سوئیت « ورسسترشایر» به انضمام‌آثاری برای‌آواز «کاوالیه سانگز» می‌باشد .

هاس ، ژان آدولف Hasse , J . A .
(۱۶۹۹-۱۷۸۳ م)

آهنگساز آلمانـی. در برگدورف نزدیك هامبورگ به دنیا آمد ودر ونیز درگذشت .

وی ابتـدا **خواننده** یك اپـرای سیاربود وبعداً خوانندهٔ تماشاخانه شد و سپس برای‌تکمیل دانش موسیقی‌به‌ایتالیا رفت. در ونیز چندین اپرا ساخت. وی درمدت‌زندگی**۱۲۰**اپراوآهنگهای‌بسیاری دیگر ساخته است .

هاسلر ، هانس لئوفـون
Hasler, H. L.Y.
(۱۵۶۴-۱۶۱۲ م)

آهنگساز آلمانی که در نورنبرگ آلمان به دنیاآمد و در فرانکفورت درـ گذشت . ابتدا نزد پدرش اسحق هاسلر که از موسیقی‌دانان بـزرگ نورنبرگ بود آموزش دید ومدتی در ایتالیا نزد آندره آگابریلی موسیقی آموخت ودر سال **۱۵۸۵** نوازندهٔ ارغنون بود وی به عنوان بزرگترین نمایندهٔ مکتب ونیزی مورد توجه قرارگرفته است . وی تأثیر عمیقی‌دربرگرداندن‌موسیقی‌آلمانی‌به‌طرف موسیقی ایتالیا ودورکردن‌آن ازموزیك اروپای شمالی‌داشته است بااینکه‌موسیقی کلیسایی را به‌زیباترین‌گونه نوشت ولی عمدهٔ‌معروفیتش‌بواسطه‌سرودهای‌افسونگر ومسحورکنندهٔ دنیوی اوست‌که پرازشور وهیجان زندگی هستند و روح مخـصوص آلمانی برآنها حکمفرماست. وی‌آثـار زیادی ازخود به‌جای‌گذاشته است.



هایدن

هایدن، فرانس ژوزف Haydn , F
(۱۷۳۱-۱۸۰۹ م)

از آهنگسازان معروف اتریش ، و

از نوازندگان دربار شاهزاده نیکولا استر-هاتس بود، با اجرای سنفونی خود در انگلستان به دریافت دکترای افتخاری آکسفورد نایل آمد، **خدایا فرانس امپراتور ما را نگهدار** از آثار معروف او است و او برای اولین بار ارکستر سنفونی را تشکیل داد.

هالوی، ژاك فرومانتال Halevy, J
(۱۷۹۹–۱۸۶۲ م)

آهنگساز فرانسوی **یهودی و یهودی سرگردان** از اپراهای معرف او است.

هایفتز، یاشا Heifetz, Y
(متولد ۱۹۰۱ م)

رهبر ارکستر از مردم آمریکا است.

هبةالله عباسی.
(درگذشت ۲۹۵ ه ق)

ابن ابراهیم بن محمد مهدی بن عبدالله منصور عباسی، مکنی به ابوالقاسم شاعر و **موسیقی‌دان** دوران عباسیان است ولی شاعر نیز بوده و چندی ندیمی بعضی خلفا را داشته است.

هرشل، ویلیام.

منجمین را به بینید.

هکتور برلیوز، لویی
Hector Berlioz, L.

از آهنگسازان فرانسوی است، ۱۸ سال به تحصیل طب پرداخت، **عبور از دریای احمر**، فانتزی توفان، بدبختی فاوست، قسمتی از آثار ایشان است.

هلسل، فرانسوا.

یا فرانتیشك هلسل موسیقی‌دان چك که از سن ۱۰ سالگی شروع به آموختن موسیقی نموده اول ویلون بعد ویلن سل و بعد کنترباس را آموخته است. در سال ۱۹۳۲ درمسابقهٔ بزرگ موسیقی که در پراگ تشکیل شد شرکت و موفقیت شایان حاصل کرده است. در نتیجه به‌معاونت ارکسترا پرای ملی چك انتخاب گردید. سپس نیابت هیئت ارکستر رادیوی چك را داشته ودر سال ۱۹۳۶ عضو ارکستر فیلهارمونی چك بوده و با این ارکستر به انگلستان و بلژیك و فرانسه برای دادن کنسرت مسافرت کرده است.

هندل، فریدریك.
(۱۶۸۵–۱۷۵۹ م)

از آهنگسازان آلمان است، او از ۸ سالگی به‌کار موسیقی پرداخت، وی



ناچار شد مدتی به تحصیل حقوق بپردازد و مدتی نوازندگی ارگ در کلیسا را به عهده گرفت، **پاسیون سن‌ژان** از آثار معروف او است.

اسرائیل درمصر – سائول – مسیح سامسون – ژودامکابه – سوزان از دیگر آثار او است.

هوجز، جانی Hodges, J
(متولد ۱۹۰۷ م)

نوازندهٔ جاز، صفحهٔ معروفش **در انتظار دوك** نام دارد.

یعقوب کندی.

کندی را به بینید.

یونس کاتب، پسر سلیمان.
(فوت ۱۰۷ ه ق)

از موسیقی‌دانان عرب، صاحب آثاری چون: کتاب الاغانی، کتاب المجرد، کتاب النغم، کتاب الغیان می‌باشد.

یونگ، لستر Young, L
(۱۹۰۹–۱۹۵۹ م)

اولین نوازندهٔ ساکسوفونی و **بزرگترین** ازصفحه های عالی او است.

یهودی منهوهین.

منهوهین را به بینید.

خواننده‌ها و تصنیف سازان خارجی

آرمسترونگ، لویی Armstrong, L
(متولد ۱۹۰۰ م)

نوازندهٔ ترومپت و خواننده ورهبر ارکستر جاز ازمردم آمریکا است.

آستر، فردریك اوسترلیتز.

رقاصان معروف جهان را به‌بینید.

اسمیت، بسی Smith, B
(متولد ۱۸۹۴ م)

خوانندهٔ جاز، ملقب به **ملکهٔ بلوز**، شاهکار او: **درشهر کهن هنگامی‌سخت فرا می‌رسد** می‌باشد.

آندرسن، ماریان Anderson, M
(متولد ۱۹۰۷ م)

خوانندهٔ سیاه پوست آمریکایی است که درسال ۱۹۶۰ به دعوت جان کندی درکاخ سفید آواز خواند.

ابراهیم بن المهدی بن المنصور.
(۱۶۲–۲۲۴ ه ق)

مکنی به ابواسحاق عباسی، برادر هارون الرشید ـ مادرش شکله از اهل طبرستان و گویند دختر پادشاه طبرستان بوده است. مردی ادیب وشاعر و در **خوانندگی** برهمه کس پیشی داشت. قبل از او از خلیفه زادگان کسی مانند او در شعر وفصاحت دیده نشده وخنیاگران درصناعت خویش او را داور می‌کردند درسال ۲۰۲ اهل بغداد و بنی عباس با او بیعت کردند ولقب مبارك بدو دادند در آن وقت مأمون در خراسان بود وحضرت امام علی بن موسی الرضا را ولیعهد خویش کرده بود، حسن بن سهل مأمور تسخیر بغداد شده وسپاهیان بغداد را در واسط بشکست وچون مأمون وارد بغداد گردید (۱۵ صفر ۲۰۴) ابراهیم مخفی گشت. کسان مأمون عاقبت او را دستگیر کردند لیکن مأمون اورا آزاد کرد وسرانجام بسرمن‌رآی در رمضان ۲۴۴ درگذشت. (ابن‌خلکان وغیره)، از کتب اوست:

کتاب ادب ابراهیم ـ کتاب الطبیخ ـ کتاب الطب ـ کتاب الغنا وابن الندیم گوید اورا صدورقه شعر است.

ابن ابی السنه.

ابوسعید ابراهیم ازمشاهیر شعرای عرب و ازپیوستگان بنی‌امیه است وتا زمان هارون حیات داشت و در **حسن صوت وغنا** مشهور بود وبا اسحق موصلی و ابراهیم بن مهدی آمیزش داشت و در مدینه می‌زیست واز طرف خلیفه مهدی چندی به بغداد جلب شد.

ابن مسجح.
(اوایل اسلام)

ابوعثمان از **خنیاگران** مشهور اوایل اسلام است. اصلاً زنجی و در حجاز می‌زیست بعض **آهنگهای فارسی** ورومی را با اشعار عرب تطبیق کرد.

ابودلف.
(معاصر مأمون خلیفهٔ عباسی)

قاسم بن عیسی بن ادریس بن معقل بن عمیر بن شیخ بن معویة بن خزاعی بن عبد العزی بن دلف عجلی یکی از سرهنگان مأمون خلیفه ومعتصم.

او مرجع ادبا وفضلای عصر خویش بود ودر صنعت **غنا** مهارت داشت.

ابوعیسی.
(وفات ۲۰۹ ه.ق)
احمد یاصالح پسرهارون خلیفه او درحسن صورت بی‌عدیل **و آوازی‌خوش** و در ادب و شعر و **موسیقی** بهرهٔ تمام داشت.

ابوکامل.
(معاصر ولید بن عبدالملك اموی)
غزیل. مولی ولیدبن عبدالملك **مغنی** وشاعر و بذله‌گوی معاصر امویان. اومداح ولیدبن عبدالملك بوده است.

احمدپاشا.
(وفات ۱۰۴۰ ه ق)
حافظ، اودرزمان سلطان مرادخان رابع عثمانی احراز مقام صدارت عظمی کرد. وتـا آخر عمر بمقامات مختلفهٔ سیاسی‌اشتغال داشت. او مردی ادیب‌بود **وآوازی نیکو** داشت و دارای قـریحهٔ شاعری بود.

استفانوس Stephanus
(معاصر اسکندرمقدونی)
یکی از خدمهٔ اسکندرکـه **خوش آواز** ومضحك وکریه‌المنظر بود.

اسکوتو، ونسان Scotto , V
(۱۸۷۶ - ۱۹۵۲ م)
آهنگساز و تصنیف ساز فـرانسوی است.

اسماعیل.
(معاصر هارون خلیفهٔ عباسی)
یکی از **مغنیان** مشهور دورهٔ اموی وعباسی وی درمجالس‌هارون‌الرشیدتغنی می‌کرد.

اسمهان.
(۱۹۱۲-۱۹۴۴ م)
زنی‌آوازه‌خوان ازمردم مصرکه در چند فیلم شرکت کـرده، ضمناً جاسوس انگلیس بود ودر حادثهٔ اتوموبیل کشته شد.

الویو Elleviou
(۱۷۶۹ - ۱۸۴۲ م)
آوازه خوان فرانسوی‌که دررن به دنیاآمد ودر پاریس درگذشت.

اوریول، ژرژ Auriol , G
(۱۸۶۳-۱۹۳۸ م)
شاعر، تصنیف ساز وروزنامه نگار ونقاش وگراورساز فرانسوی است.

ایون، موریس Yvain , M
(متولد ۱۸۹۱ م)
آهنگساز و تصنیف ساز فـرانسوی است.

باتای، گابریل Battaille, G
(۱۵۷۵-۱۶۳۰م)
آهنگساز و خـوانندهٔ فـرانسوی است.

باسه لن Basselin
آوازه خوان معروف نرماندی در قرن پانزدهم میلادی کـه درشهر ویر Vire متولد شد. سواد نـداشت وابتدا آسیابان بود وهنوز بقایـای آسیای او تحت عنوان «آسیای بـاسلن» حفظ شده است.

بامبری، گراس Bumbry , G
(متولد ۱۹۳۷ م)
خوانندهٔ سیاه پـوست آمریکایـی است.

براسن، ژرژ Brassens , G
(متولد ۱۹۲۱ م)
موسیقی دان و خوانندهٔ فـرانسوی است.

برل، ژاك Brel , J
(متولد ۱۹۲۹ م)



رهبرارکستر و خـوانندهٔ بلژیکی است که‌دربروکسل به دنیاآمد و درسال۱۹۵۳ وارد تـآتر پاریس شده وکارهای‌هنری خودرا دنبال کرده است.

بروآن، آریستید Bruant , A
(۱۸۵۱ - ۱۹۲۵ م)
تصنیف ساز فرانسوی است.

برونزی، بیك بیل Bronzy , B . B
(۱۸۹۳ - ۱۹۵۸ م)
خوانندهٔ بلوز و نـوازنـدهٔ گیتار است.

بوترل، تئودو Botrel , Th
(۱۸۶۸-۱۹۲۵ م)
تصنیف ساز فرانسوی است.

بیلی، میلدرد Bailey , M
(۱۹۰۷ - ۱۹۵۱ م)
دختری خوانندهٔ جاز است.

پرایس، لئونتاین Price , L
(متولد ۱۹۲۷ م)
خوانندهٔ زن سیاه پوست از مـردم آمریکا است.

پاتی، آدلینا Patti , A
(۱۸۴۳-۱۹۱۹ م)
آوازه‌خوان‌ایتالیایی متولدمادرید.

پاستا، ژیودیتا Pasta , G
(۱۷۹۸-۱۸۶۵ م)
آوازه خوان‌ایتالیایی‌که درشهرکم به دنیاآمد.

پریسلی، الویس Presly,E
(متولد ۱۹۳۵ م)



خواننده و هنـر پیشهٔ سینمای‌آمریکا است وبیشتر شهـرت او به‌خاطرگیتار زدن و رقص او است.

پولن، پی‌یرپول‌مارسالس Polin , P . P . M
(۱۸۶۳ - ۱۹۲۷ م)
آوازه خوان‌کمدی فرانسه است.

پیاف، ادیت Piaf , E
(متولد ۱۹۱۵ م)
زنی‌آوازه‌خوان‌ازمردم‌فرانسه‌است.

تبالدی، رناتا Tebaldi , R
(متولد ۱۹۲۲ م)
خوانندهٔ زن از مردم ایتالیا است.

ترزا، اماوالادون Thérésa , E . V
(۱۸۳۷-۱۹۱۳ م)
زنی آوازه خوان در کافهٔ کنسرت فرانسه است.

تره‌نه، شارل Trenet , Ch
(متولد ۱۹۱۳ م)
آهنگساز و آوازه خوان فرانسوی است.

تورنر، جو Turner , J
(متولد ۱۹۱۱ م)
خوانندهٔ جاز است.

تیگاردن، جك.
خوانندهها وتصنیف سازان خارجی رابه بینید.

تیگاردون، جك Teagarden , J
(متولد ۱۹۰۵ م)
نوازندهٔ ترومبون و خوانندهٔ جاز است.

جاکسون، ماهالیا Jackson , M
(متولد ۱۹۱۱ م)
خوانندهٔ‌آمریکایی است،خوانندگی



بروآن، آریستید


پولن، پی‌یر


پیاف، ادیت


تره‌نه، شارل



را از سال ۱۹۳۵ آغاز کرد و در مدت ده سال مشهور عام گردید .



روسی ، تینو

جامع .
(وفات ۱۸۷ ه ق)
ابن مکی ، یکی از **خوانندگان** مشهوردورهٔ رشیداست وی تمام‌دستگاهها ومقام ها را بخوبی می‌دانست و آوازی نیك ورسا داشت .

جمیله .
بانوی خوانندهٔ معروف **مدینه** در اوایل خلافت اموی است .

چارلز، ری Charles , R
خوانندهٔ نابیناوسیاه پوست آمریکایی است .

حبابة .
یکی‌از مشهورترین آوازه‌خوانهای عرباست. وی محبوبهٔ یزیدبن‌عبدالملك خلیفهٔ اموی است.اسماصلی اوعالیه‌است. وتعلق خاطرخلیفه بدان‌زیادبود، مرگ اوهفت روزپیش ازمرگ‌یزیدبن‌عبدالملك می‌باشد .

درانم ، آرماند منارد Dranem , A . M
(۱۸۶۹ - ۱۹۳۵ م)
خواننده و هنرپیشهٔ کافهٔ کنسرت فرانسوی است .

دونای، موریس Donnay, M
(متولد ۱۹۴۵ م)
نویسنده و تصنیف ساز فرانسوی است .

دلمه ، پول Delmet, P
(۱۸۶۲-۱۹۰۴ م)
آهنگساز و تصنیف ساز فرانسوی است .

دلورمل، لوسین Delormel , L
(۱۸۴۷-۱۸۹۹ م)
تصنیف ساز فرانسوی است .

دنانیر.
کنیزکی خواننده وخنیاگر که‌تحت تربیت ابراهیم موصلی و ابن جامی و اسحق بن ابراهیم قرار گرفته و هارون‌الرشید از شیفتگان‌آواز اوبود .
دنانیرخود فریفتهٔ لطف برمکیان بودچنانکه بعدازسقوط‌آنها دیری‌نپایید وجهان بدرود گفت .

دوپون، پی‌یر Dupont , P
(۱۸۲۱ - ۱۸۷۰ م)
تصنیف ساز فرانسوی است که در سال ۱۸۴۲ برندهٔ جایزهٔ آکادمی شد .

دورن، رنه Dorin , R
(متولد ۱۸۹۱ م)
تصنیف ساز فرانسوی است .

راشینگ، جیمی Rushing, J
(متولد ۱۹۰۳ م)
خوانندهٔ جاز ، **دختران زرفروش** ازآثار اواست .

رشکه، ژان‌دو Reszke , J
(۱۸۵۰-۱۹۲۵ م)
خواننده معروف لهستانی است .

روبسن، پول Robeson, P
(متولد ۱۸۹۸ م)
خوانندهٔ و هنرپیشهٔ سیاهپوست آمریکایی است .

روسی، تینو کونستانتن Rossi , T
(۱۹۰۷ م)
خوانندهٔ معروف فرانسوی است .

زاماکوئیس، میکوئل Zamacoïs, M
(۱۸۶۶-۱۹۵۵ م)
نویسنده وتصنیف‌سازفرانسوی‌است.

ژان بلز Jean Blaise
(۱۷۶۴-۱۸۳۷ م)
نیکولامارتن (Martin, N) آوازه خوان ازمردم فرانسه است .

ژلیوت، پیر Jeliotte , P
(۱۷۱۳ - ۱۷۹۷ م)
خنیاگر فرانسوی. مولد او لاسوب و وفاتش دراستل می‌باشد .

ژویی، ژول Jouy , J
(۱۸۵۵-۱۸۹۷ م)
تصنیف ساز فرانسوی است .

ساترلند، ژان Sutherland , J
(متولد ۱۹۲۶ م)
خوانندهٔ استرالیایی است .

شاریه .
نام زنی‌مطربه‌که ابراهیم‌بن‌المهدی وی‌را خرید وآزادساخت.این زن مایهٔ نزاع بین‌ابراهیم والمعتصم خلیفهٔ‌عباسی بودآوازگرم‌این‌زن مدتها باعث‌دلگرمی مردم بود .

شالیاپین ، فیودورایوانوویچ Chalapin , P . I
(۱۸۷۳-۱۹۳۸ م)
خوانندهٔ روسی است .

شوالیه ، موریس Chevalier , M
(متولد ۱۸۸۸ م)
خوانندهٔ معروف فرانسه است.



ضیاء .
زنی از خوانندگان عرب‌که بسیار زیباروی‌بوده ومورد لطف مستعصم‌خلیفهٔ عباسی قرار داشته است .

عبدالملك .
(درگذشت ۵۹ ه ق)
مولی‌العبلات از مولدین بربر واز **آوازه خوانان** نامدار صدر اسلام و ماهرترین آنها درهنر خوانندگی است. وی درمکه سکونت داشت .

عبیده .
(وفات ۲۲۵ ه ق)
طنبوریه ازمردم بغداد و از زنانی است‌که هنر خوانندگی بسیار نیك می‌دانست ودر این هنر بردیگران پیشی داشت وی در ادب وزیبایی صورت هم سرآمد دیگران بود .

عزت‌المیلاء.
(فوت ۸۶ ه ق)
زنی خوش آواز ازمردم عرب که اسحق موصلی کتابی در شرح حال او نگاشته است .

علی منجم .
(۲۰۱-۲۷۵ ه ق)
ابن یحیی بن ابی منصورمنجم‌مکنی به ابوالحسن وی راوی اشعار و اخبار بود و در خوانندگی دستی توانا داشت و در سامره درگذشت .

غریب .
نام کنیزآوازه خوانی بود درزمان مأمون عباسی .

فلاگستاد ، کریستن ماری Flagstade , K . M .
(۱۸۹۵-۱۹۶۲ م)
خوانندهٔ نروژی است .

فورسی، هنری دریفـوس
Fursy , H . D
(۱۹۲۹–۱۸۶۷ م)
تصنیف ساز فرانسوی است .

کاپول، ویکتور Capoul . V
(۱۹۲۴–۱۸۳۹ م)
آوازه خوان فـرانسوی متولد در تولوز.(نام وی‌به‌گونه‌ای‌آرایش‌موی سر اطلاق شده است) .

کاتالانی، انژلیکا Catalani , A
(۱۸۱۹–۱۷۷۹ م)
آوازه خوان ایتالیایی متولـد در «سینیگاگلیا» .

کاروزو، انریکو Caruso , E
(۱۹۲۱ – ۱۸۷۳ م)
خوانندهٔ معروف ایتالیایی است .

کالاس، ماریا Callas , M
(متولد ۱۹۲۳ م)
خوانندهٔ **سوپرانو** مشهور از مردم آمریکا است .

گارا ، دو مینیك پیرژان
Garat , D . P . J .
(۱۸۲۳–۱۷۶۴ م)
آوازه خوان فرانسوی، اودر بردو به دنیا آمد .

گارسیا . مانوئل دل پوپولو ویسانت .
Garcia , M.P.V.
(۱۸۳۲–۱۷۷۵ م)
آوازه‌خوان و موسیقی‌دان ازمردم اسپانیا است .

گرکو، ژولیت Greco , J
(متولد ۱۹۲۷ م)
خواننده وهنرپیشهٔ فرانسوی است.

گیلبرت، ایوت Guilbert , Y
(۱۹۴۴–۱۸۶۷ م)
آوازه خوان فرانسوی است .

لابلاش، لویی .
(۱۸۵۸–۱۷۹۴ م)
آوازه‌خوان فرانسوی‌الاصل که در شهر ناپل به‌دنیاآمد. او راآواز ریزی دلکش بود .

لحاظ .
زنی خواننده و بسیار زیبا و خوش آوازکه نامی زمان خود بود ودر زمان خلافت مستعصم‌خلیفهٔ عباسی زندگی می‌کرده است .

مایول، فلیکس Mayol , F
(۱۹۴۱–۱۸۷۲ م)
خوانندهٔ کافهٔ کنسرت فـرانسوی است .

محمدبن عایشه .
(فوت ۱۲۶ ه ق)
خوانندهٔ عرب و **ابن‌الکلبی** اورا باساز همراهی‌می‌کرده‌است .

ملبا، هلن میشل Melba, H . M
معروف به نلی (Nellie) خوانندهٔ سوپرانوی استرالیایی است .

مونتان، ایوس Montand , Y
(متولد ۱۹۲۱ م)
خـواننده و هنرپیشهٔ فـرانسوی است .

میستنگت ، ژان بورژوا Mistinguett
(۱۹۵۶–۱۸۷۵ م)
بازیگر وخوانندهٔ فرانسوی است.

نابعه .
دختر عبدالله مادر عمروعـاص است که از زنان آوازه‌خوان عرب‌بود.

نادو، گوستاو Nadaud , G
(۱۸۹۳–۱۸۲۰ م)
تصنیف ساز فرانسوی است .

والر، فتز Waller , F
(۱۹۴۳–۱۹۰۴ م)
خـواننده وپیـانیست معروف کـه صفحهٔ معروفش **مشتی‌کلید** نام دارد .

هربرت، ویلیام Herbert , W
از خـوانندگان مشهـور «تنور» انـگلیسی است . وی در سـال ۱۳۲۵ شمسی بنا به دعوت انجمن فیلارمونیك تهران دورستیال آواز در تهران ترتیب داد .

هولیدی، بیلی Holiday , B
(۱۹۵۹–۱۹۱۵ م)
خوانندهٔ جازواثرمعروفش **سالهای طلایی** است .

آثار معروف موسیقی جهان

چند اپرای معروف

آرایشگر شهر سویل : روسینی .
آلست : گلوگ .
آلست : لولی .
آندره شه‌نیه : جیوردانو .
آیدا : اپرای بزرگ رمانتیك در چهار قسمت از ـ کیزپ **وردی** .
اتللو : وردی .
ادیپوس : ریچارد اشتراوس .
ارفئو : مونتو ردی .
ارفئو : گلوگ .
ازدواج پنهانی : چیماروزا .
اسیرحرم : موتسارت .
افسانه‌های هوفمان : افن باخ.
الکترا : ریچارد اشتراوس .
اوبرون : وبر .
اوگن اونیگن : چایکوفسکی .
ایفی‌ژنی دراولید : گلوگ .
ایل‌ترا واتور : وردی .
بانو پروانه : پوچینی .
بوریس گدونف : موسرگسکی .
پارسیفال : واگنر.
پرستوی شب : بلاخربوریس .
پرنس ایگور : الکساندر بردین .
پلیاس وملیزاند : دوبوسی .
پیترگرایمر : بنجامین برتین .
تاجگذاری پوپه : مونتوردی .
تانهویزر : اپرای رمانتیك در سه پرده از ـ ریشارد **واگنر** .
تروایی‌ها : هکتور برلیوز .
تریستان وایزوت : واگنر.
توراندخت : پوچینی .
توسکا : پوچینی .
حلقهٔ نیبلونگ : واگنر.
خانم پیك : چایکوفسکی .
خدمتکار کدبانو : پرگولزی .
خشایار شا : هندل .
خوانندگان استاد : واگنر.
دختر افریقایی : مایربر .
دختر بوهمی : بالف .
دختر زیبای آسیابان : شوبرت .
دختر هنگ : دنی تستی .
دختر یهودی : هاله وی
در رزوژن کاوالیر : اشتراوس .
دراستپ‌های‌آسیای مرکزی: الکساندر بردین
در فرای شوتس : وبر .
دون ژوآن : موتسارت .
دون کیشوت : ریچارد اشتراوس .
ویدوو آئیناس : پورسل .
ربودن لوکوس : بنجامین برتین .
رولاند : پیچینی .
رومئو و ژولیت : گونو .
ریچارد شیردل : گرتری .
ریش تراش سویل : آرایشگر .
ریگولتو : اثر ـ جیوزپ **وردی** .
زنان زیبای ویندسور : نیکولایی .
زیگفرید : واگنر.
ژوکوند : یونچینلی .
ژول سزار : هاندل .


گرکو، ژولیت


گیلبرت، ایوت



مایول ،فلیکس


مونتان، ایوس

ساعت اسپانیایی : راول .
سالومه : ریچارد اشتراوس .
سامسون ودلیله : سن سانس .
سلمانی شهر سویل : (آرایشگر شهر سویل) .
سرزمین خرم تو : الکساندر بردین .
سه نارنج محبوب : پروکوفیف .
طوفان : بلاخر بوریس .
عروسی فیگارو : موتسارت .
عروس لامرمور : دونیزتی .
عشق سه پادشاه : مونته متزی .
فالستاف : وردی .
فاوست : گونو .
فرایشوتس : وبر .
فلوت سحرآمیز : موتسارت (موزارت) .
فیدلیو : بتهوون .
قاضی فریب خورده : گلوگ .
کارمن : ژرژ بیزه .
کاواریا روستیکانا : ماسکانی .
لابوهم : پوچینی .
لاترا ویاتا : وردی .
لاکمه : دلیب .
لوهنگرین : واگنر .
مادام باترفلای : پوچینی .
مارتیانا : والاس .
مانن لسکو : ماسنه .
مکبث : ارنست بلوخ .
موآنا : کروبینی.
مرد هلندی پرنده : واگنر .
مینیون : توماس .
نامزد فروخته شده : استانا .
نرما : بلینی .
نی سحرآمیز : موتسارت .
ورتر : ماسنه .
ویلهلم تل : روسینی .
هلندی سرگردان : واگنر.
هیپولیت وآریسی : رامو .

چند بالت معروف

پتروشکا : (بالت)؛ استراوینسکی .
پرستش بهار : (بالت)؛ استراوینسکی.
پرندهٔ آتشین : (بالت)؛ استراوینسکی .
دافنیس وکروئه : (بالت) ؛ راول .
دریاچهٔ قو : (بالت) ؛ چایکوفسکی .
زیبای خفته : (بالت) ؛ چایکوفسکی .
سیلویا : (بالت) ؛ دلیب .
ضیافت عنکبوت : (بالت) ؛ روسل.
عصر طلایی : (بالت) ؛ شوستاکوویچ .
عصر فولاد : (بالت) ؛ پروکفیف .
فندق شکن : (بالت) ؛ چایکوفسکی .
کلاه سه گوش : (بالت) ؛ فایا .
کوپلیا : (بالت) ؛ دلیب .

چند سنفونی معروف

اروئیکا : (شمارهٔ ۳) ؛ بتهوون .
اسپانیول : لاکو .
اسکاتلندی : (شمارهٔ ۳) ؛ مندلسون .
اکسفورد : (شمارهٔ ۹۲) ؛ هایدن .
انقلابی : فرانزلیست .
ایتالیایی : (شمارهٔ ۴)؛ مندلسون .
پاریس : (شمارهٔ ۳۱) ؛ موتسارت .
پاسترال : (شمارهٔ ۶) ؛ بتهوون .
پراك : (شمارهٔ ۳۸) موتسارت .
پرومتئوس : (شمارهٔ ۵) ؛ اسکریابین .
ترا دوست دارم : ادوارد گریك .
دنیای جدید : (شمارهٔ ۵) ؛ دورژاك .
رفورماسیون : (شمارهٔ ۵) ؛ مندلسون .
رقصهای مجار : یوهانس برامس .
رومانتیك : (شمارهٔ ۴) ، بروکنر .
ژوپیتر : (شمارهٔ ۴۱) ؛ موتسارت .
ساعت : (شمارهٔ ۱۰۱) ؛ هایدن .
شمارهٔ ۲ : (دی ماژور اوپوس ۷۳) ؛ یونانس برامس .
شمارهٔ ۳ : (در اف ماژوراوپوس ۹۰)؛ یوهانس برامس .
شمارهٔ ۴ : (در ای مینور اوبوس ۹۸)؛ یوهانس برامس .
شمارهٔ ۹ : بتهوون .
شمارهٔ ۱ : (سی مینور اوپوس ۶۸) ، یوهانس برامس .
عنتر : کرساکف .
فانتاستیك : (شمارهٔ ۵) ؛ برلیوز .
فاوست : فرانزلیست .
فیدیلیو : بتهوون .
کرال : (شمارهٔ ۹) ؛ بتهوون .
کنچرتو : (دی ماژور اوپوس ۷۷) ؛ یوهانس برامس .
لنین‌گراد : (شمارهٔ ۷)؛ شوستاکوویچ .
لینز : (شمارهٔ ۳۶) ؛ موتسارت .
مازورکا : فردریك شوپن .
مرغ : (شمارهٔ ۸۳) ؛ هایدن .
منظومهٔ نشاط : (شمارهٔ ۴)؛اسکریابین.
ناگهانی : (شمارهٔ ۹۴) ؛ هایدن.
نظامی : (شمارهٔ ۱۰۰) ؛ هایدن .
هافنر : (شمارهٔ ۳۵)؛ موتسارت .

چند اورتور معروف

آتش بازی پادشاهی : (اورتور) ؛ هاندل .
اگمونت : (اورتور)؛ بتهوون .
تراژیك : (اورتور) ؛ براهمس .
خرابه‌های آتن : (اورتور) ؛ بتهوون.
رؤیای نیمه شب تابستان : (اورتور)؛ مندلسون .
شاه لیر : (اورتور) ؛ برلیوز .
غار فینگال : (اورتور) ؛ مندلسون .
فاوست : (اورتور)؛ واگنر .
کارناوال روم : (اورتور) ؛ برلیوز .
کریولان : (اورتور) ، بتهوون .
نامزد فروخته شده : (اورتور) ؛ اسمتانا .
ویلهلم تل : (اورتور) ؛ روسینی .
هزار وهشتصد ودوازده : (اورتور) ؛ چایکوفسکی .
هلندی پرنده : (اورتور) ؛ واگنر.

چند سویت معروف

آرامگاه کوپرن : (سویت)؛ راول .
آرازین : (سویت)؛ بیزه .
ایبریا : (سویت) ؛ آلبنیس .
برگاماسك : (سویت) ؛ دبوسی .
پرده های یك نگارخانه : (سویت) ؛ موسرگسکی .
پرگینت : (سویت) ؛ گریك .
خروس طلایی : (سویت) ؛ کرساکف .
شبی برفراز کوه سنگی : سویت) ؛ موسرگسکی .
شهرزاد : (سویت) ؛ کرساکف .
فواره‌های روم : (سویت) ؛ رسپیگی .
کاجهای روم : (سویت) ؛ رسپیگی
کارمن : (سویت) ؛ بیزه .
کارناوال حیوانات : (سویت) ؛ سن‌سانس .
کایانه : (سویت) ؛ خاچاطوریان .
ماسکاراد : (سویت) ؛ خاچاطوریان .
مناطق قفقاز : (سویت) ، ایوانف .
نغمهٔ آب : (سویت) ؛ هاندل .

چند والس معروف

جنگل وین : (والس) ؛ اشتراوس .
دانوب آبی : (والس)؛ اشتراوس .
زن و شراب و آواز : (والس) ؛ اشتراوس .

چند اوراتوریوی معروف

آفرینش : (اوراتوریو) ؛ هایدن .
الیاس : (اوراتوریو) ؛ مندلسون .
بهشت وپری : (اوراتوریو) ، شوبرت .

چهار فصل : (اوراتوریو) ؛ هایدن .
سامسون : (اورا توریو) ؛ هاندل .
مسیح : (اوراتوریو)؛ هاندل .

چند راپسودی معروف

راپسودی رومانی : جورجس انسکو .
راپسودی‌های مجار : لیست .
شلومو : (راپسودی) ؛ ارنست بلوخ .

یك کاپریس معروف

ایتالین : (کاپریس) ؛ چایکوفسکی .

چند کانتات معروف

الکساندر نوسکی: (کانتات)؛ پروکفیف.
ترانه‌های گوره: (کانتات) ؛ شوئنبرگ.
فرزند بازیافته : (کانتات) ؛ دبوسی .

چند کنسرتوی معروف

امپراتوری : (کنسرتو) ؛ بتهوون .
ایتالین : (کنسرتو) ؛ باخ .
براندنبورگ : (کنسرتو) ؛ باخ .
کنسرتوی پیانوی شمارهٔ ۲ : (کنسرتو)؛ شوپن .
کنسرتو و یولون در مینور: (کنسرتو) ؛ مندلسون .

چند پوئم سنفونیك معروف

اسلامی : (پوئم سنفونیك) ؛ بالاکیرف،
چنین گفت زرتشت : (پوئم سنفونیك) ؛ ریچارد اشتراوس .
در چمنزارهای آسیای میانه : (پوئم سنفونیك) ؛ برودین .
رقص مردگان : (پوئم‌سنفونیك) ؛ سن. سانس .
سادکو : (پوئم سنفونیك) ؛ کرساکف .
شکارچی نفرین‌شده : (پوئم سنفونیك)؛ سزار فرانك .
فنلاندیا : (پوئم سنفونیك) ؛ سیبلیوس .
قوی توئونلا: (پوئم سنفونیك)؛سیبلیوس.
له پرلود : (پوئم سنفونیك) ؛ لیست .
مرگ و دگرگونی : (پوئم سنفونیك) ؛ ریچارد اشتراوس .
مولداوا : (پوئم سنفونیك) ؛ اسمتانا .

چند سونات معروف

آپاسیوناتا : (سونات) ؛ بتهوون .
آفریدگان پرمتئوس: (سونات)؛بتهوون.
آهنگ کوچك شب: (سونات)؛ موتسارت.
ابلیس : (سونات) ؛ تارتینی .
بهار : (سونات) ؛ بتهوون .
پاتتیك : (سونات) ؛ بتهوون .
تودیع : (سونات) ، بتهوون .
سریوزو : (سونات) ؛ بتهوون .
کروتیزر : (سونات) ؛ بتهوون .
مهتاب : (سونات) ؛ بتهوون .
هامرکلاویر : (سونات) ؛ بتهوون .

چند قطعهٔ معروف

ترانهٔ زمین : (قطعه)؛ مالر .
در بازار ایران : (قطعه) ؛ کتلبی .
دریا : (قطعه) ؛ دبوسی .
دعوت به رقص : (قطعه) ؛ وبر .
رقص اصحاب داوود: (قطعه)، شومان.
رؤیای عشق : (قطعه) ؛ لیست .
زیارت گل سرخ : (قطعه) ؛ شومان .
سالهای زیارت : (قطعه) ؛ لیست .
شبی در باغهای اسپانیا : (قطعه)؛ فایا .
عشق دختر جادوگر : (قطعه) ؛ فایا .
عشق و زندگی من : (قطعه) ؛ شومان .
مانفرد : (قطعه) ؛ شومان .

کتب موسیقی

آهنگهای محلی گیلان : هنرهای زیبای کشور، لطف‌الله مبشری .
آهنگهای محلی مناطق جنوب ایران : ادارهٔ کل هنرهای زیبای کشور، لطف‌الله مبشری .
اخبار ابن صاحب الوضوء : اسحق موصلی .
اخبار الابجر : اسحق موصلی .
اخبارالدلال : اسحق موصلی .
اخبارالغریض : اسحق موصلی .
اخبارالمغنیین والمکیین: اسحق‌موصلی.
اخبارالمیلاء : کتاب، اسحق موصلی .
اخبار حماد عجرد : اسحق موصلی .
اخبارسعیدبن مسجح : اسحق موصلی .
اخبار طویس : اسحق موصلی .
اخبار معبد و ابن‌سریج: اسحق موصلی.
اغانی معبد : کتاب ، اسحق موصلی .
اغانیةالتی‌غنائها: کتاب، اسحق‌موصلی.
الاختیار من الاغانـی للواثق : اسحق موصلی .
الاغانی : کتاب ، یونس‌کاتب .
الاغانی : ابوالفرج اصفهانی .
الایقاع : کتاب ، الخلیلی .
الخط والاشارات : اسحق موصلی .
الذلیین : اسحق موصلی .
الشراب : اسحق موصلی .
الغیان : کتاب ، یونس‌کاتب .
المأته الصوت المختاره : ابن جامی .
المجرد : کتاب ، یونس‌کاتب .
المنادمات : اسحق موصلی .
الندماء : اسحق موصلی .
النغم : کتاب ، الخلیلی .
النغم : کتاب یونس‌کاتب .
النغم و الایقاع و عدد مهاله : اسحق موصلی .
بیست قطعه نت قفقازی : عزیزشعبانی.
تاریخ موسیقی : حسنی **سعدی .**
تحول موسیقی در ایـران : علی نقی‌ـ وزیری .
ترانه های محلی آذربایجان : عزیز **شعبانی .**
تعریف علم موسیقی: (فارسی وفرانسه)، کوهن، ترجمهٔ علی‌اکبر نقاشباشی .
تفسیر موسیقی آثار دورهٔ کلاسیك : حسنی **سعدی .**
جهان شناسی از نظر مـوسیقی : آ. لاوینیاك ، ترجمهٔ منوچهر محمودی .
حنین‌الحیری : کتاب، اسحق موصلی .
خودآموز موسیقی : ضیاء مختاری .
داستان مصور موسیقی مغـرب زمین : جلداول،ازماقبل‌تاریخ‌بتهوون‌بامقدمه‌ای از زاون هاکوپیان .
دستورابجدی‌درموسیقی: مخبرالسلطنه مهدیقلی هدایت
رساله در علم موسیقی : محمد عثمان رامپوری متخلص به قیس .
رساله درموسیقی: عبدالرحمن غزنوی.
ساز وآهنگ باستانی‌یاتاریخ موسیقی: روح‌الله خالقی .
سرگذشت موسیقی ایران : (۲ جلد) ، روح‌الله خالقی .
سرودکریسمس : چارلزدیکنس، ترجمهٔ مهندس سپهری نیك .
مفارقت برادر محبوب : (کاپـریس) ، باخ .
سرودهای دبستان : روح‌الله خالقی .
شانزده مقالهٔ موسیقی: چنگیز **مشیری.**
شرح ردیف موسیقی ایـران : ردیـف هفت دستگاه موسیقی ایرانی، هنرهـای زیبای کشور ، گردآوری موسی‌معروفی، مهدی **برکشلی .**
شعر وموسیقی و ساروآواز درادبیات فارسی : وزارت فـرهنگ ، ابوتـراب **رازانی .**
علم موسیقی : آرون‌کوپلند آمریکایی، ترجمهٔ دکترمهدی فروغ .
قیان‌الحجاز : اسحق موصلی .
محمدبن عایشه : کتاب ، اسحق موصلی.
منابع موسیقی عرب:هانری‌جرج‌فارمر.

منوچهری دامغانی و موسیقی : (مجلهٔ موسیقی، تهران حسینعلی ملاح .
موسیقی‌ایران : مجلهٔ پیام نوین،روح‌الله **خالقی .**
موسیقی‌درزمان ساسانیان: دکترخانبا با بیانی .
موسیقی‌دورهٔ ساسانی: (فارسی‌وفرانسه) دکترمهدی برکشلی .
موسیقی‌ایرانی، ویلون: محمد **بهاراو.**
موسیقی، چگونه ازموسیقی‌لذت ببریم: آرون**کوپلند**، ترجمهٔ مهدی فروغ .
موسیقی‌سنفونیك : نشراندیشه‌باهمکاری فرانکلین. ادوارد**دونز**،ترجمهٔعلی‌اصغر **بهرام بیگی .**
موسیقی ملی ایران : روح‌الله خالقی .
نظری به موسیقی : روح‌الله **خالقی .**
هفت نغمهٔ چنگ : حسنی **سعدی .**
هم‌آهنگی موسیقی : روح‌الله **خالقی .**

خواننده‌های مشهور

ایران

آقاباشی، ابراهیم .
خوانندهٔ ایرانی است .

آقاجان ساوه‌ای .
خوانندهٔ ایرانی است.

ابراهیم نازویه .
(قرن ۴ هـ ق)
که ازعرفای‌نیشابوروقبراودرآنجا معروف است . و اورا ازآن‌رونازویه می‌گفتند که‌آوازی خوش وسیمایی‌دلکش داشت .

ابوبکرربابی .
رییس**مغنیان**محمودغزنوی وخوداو نیز خنیاگرو**خوش‌آواز** بوده است .

ابوزکار .
مغنی‌ازبرآوردگان برامکه به‌زمان هارون، وی‌نابینا بوده است .

ابوطالب .
(معاصرولیدبن هشام‌خلیفهٔ‌اموی)
عبیدالله یامحمدبن‌قاسم **مغنی**مشهور اواز غیرنژادعرب بود ورویی‌خوش **و آوازی‌دلکش** داشت ودرمکه می‌زیست به‌سالی‌که ولیدبن هشام خلیفهٔ‌اموی به زیارت خانهٔ‌کعبه‌شد شیفتهٔ اوگشت‌ووی‌را باخود به‌دمشق برد .

ابوعمرو .
(معاصر محمود غزنوی)
مغنی و خواننده دربار محمود غزنوی .
فرخی شاعردربارهٔ اوبیت ذیل را آورده است :

بونصر تودرپردهٔ عشاق رهی‌زن
بوعمرو تواندرصفت‌گل غزلی‌گوی.

اصفهانی ، میرزا حسین .
خوانندهٔ‌ایرانی است .

اصفهانی ، شهاب .
خوانندهٔ‌ایرانی است .

باغچه‌بان ، اولین .
خانم باغچه‌بان ازآوازه خوانان هنرمندکشور است‌که در سال **۱۳۳۵** از طرف‌ادارهٔ‌کل هنرهای زیبا برای‌شرکت درمسابقه‌های بین‌المللی موسیقی که‌در ژنوبرگزار شداعزام‌گردیده .

جناب قزوینی، حاجی‌ملاکریم .
خوانندهٔ ایرانی است .

حجری .
(وفات ۵۳۰ هق)
ابوسعدمحمدبن علی‌حجری مقری مشهور به‌نسل‌اناو(؟) مردی‌خوش‌آواز و فاضل بود ودرمرودرگذشت .

حسن قوال .
خوانندهٔ مشهورکه دردربار معین‌الدین پروانه‌حاکم رومبودکه اورا به خواهش فخرالدین عراقی‌نزد اوفرستاده بود .

خاکی، میرزاحسن .
خوانندهٔ ایرانی است .

درویش حسن، اصفهانی .
خوانندهٔ ایرانی است .

ضیاء .
خواننده وشاگرد صفی‌الدین‌ارموی است .

کردستانی، سیدعسکر .
خوانندهٔ ایرانی است .

لحاظ .
خوانندهٔ زیبا روی دورهٔ صفی‌الدین ارموی است .

میرزا حبیب‌اصفهانی .
خوانندهٔ ایرانی است .

یوسف‌اندکانی .
خوانندهٔ دورهٔ تیموریان است.

یوسف شاه .
خوانندهٔ دورهٔ شاه شجاع.

شاهك .
همسرابراهیم‌بن‌ماهان، ازخواننده‌های قرن دوم هجری است .

طاهرزاده (سیدحسین).
(۱۲۶۱ – ۱۳۳۴ هـ ش)
موسیقیدان،ازکودکی‌صوتی خوش داشت. درسن**۱۷** سالگی به تهران‌آمد و توسط خطیب‌الممالك باسیدرحیم‌آشناشد دراین‌موقع‌که‌دوران مشروطیت‌فرارسیده بود طاهرزاده‌بهانجمن‌اخوت پیوست ودر آنجا به‌وسیلهٔ ظهیرالدوله با درویش‌خان آشناشد ودوباربه‌اتفاق اوبرای پرکردن صفحه به‌لندن‌رفت. وی‌درخوانندگی سبکی ممتاز داشت. تحریرهایش متنوع بود وتوجه‌کامل‌به‌طرز صحیح‌ادای‌کلمات تکرار نمی‌کرد، مگر با تغییر نغمهٔ‌آن . طاهرزاده درویشی خوش سخن ودوست داشتنی بود .

قمر . قمرالملوك وزیری
(۱۲۸۴ – ۱۳۳۸ش)
درکاشان به‌دنیا آمد و خوانندگی‌از روضه خوانی درمجالس‌زنانه آغازکرد. آنگاه به‌تهران‌آمد وبه‌آموختن هنرخوانندگی ودستگاه‌های موسیقی‌پرداخت ومعروفترین خوانندهٔ‌زن‌گردید. شعرا ، شعرها دروصفش‌سرودند، بزرگان بدره‌ها درپایش ریختند ولی‌سالهای‌پایان زندگی اوباشهرت‌ومحبوبیت‌دوران‌اولیهٔ‌کوشش‌های هنری اوقابل مقایسه‌نبود. وروز**۱۴** مرداد **۱۳۳۸** خورشیدی پس از مدتی بیماری درگذشت .

قمرالملوك وزیری .
قمررا به‌بینید .

مرضیه، (اشرف‌السادات) .
به‌سال **۱۳۰۴** درتهران متولد شد. اوتا کلاس چهارم متوسطه‌تحصیل کرده است‌وازدوران‌کودکی جزرنج وناراحتی چیزی‌نصیبش‌نشد، مرضیه یکی‌ازبزرگ‌ترین خوانندگان فعلی ایران است.

وزیری ، قمرالملوك .
قمر را به‌بینید .



رقص

حرکاتی موزون همراه آهنگ ـ موسیقی‌وشامل بیان‌میلها ولذتهاورنجهای جسمانی یاحالات معنوی ومذهبی است .

انواع رقص‌ها

آگون Agon



نوعی بالت برای دوازده نفر.

اگره Aigrette



نوعی بالت است .

بالماسکه Balmasque

کلمهٔ فرانسوی مرکب ازبال به معنی رقص وماسك(روپوش وآنچه‌روی‌را بپوشاند ، صورتك) و آن نوعی رقص دسته‌جمعی است که رقصندگان چهره را درنقابی یاروپوشی ویاصورتکی بپوشانند تاشناخته نشوندوگاه‌این صورتها بهشکل‌و هیأت وصورت یاسرحیوانات می‌باشد.

باله Ballet

نوعی‌رقص دسته‌جمعی است که‌قسمتی ازآداب وعادات جمعی رانشان‌دهد. این رقص دربین ملل‌از ایام‌قدیم رواج داشته مثلا هندوستان توانسته است‌رقصهای‌خود را ازهزاران سال‌پیش تاکنون حفظ کندو آنرا به‌همان‌صورتی که‌درافسانه‌ها،خدایان به «بهاراتاموتی» آموخته‌اند نگاهدارد، رقص‌های یونان‌قدیم به‌صورت اصلی‌البته باقی‌نمانده ولی‌نقاشی‌ها وکتیبه‌هایی‌هست که گوشه‌ای ازآن رامجسم‌می‌کنندرقص‌ـ های قرون‌هجدهم‌و نوزدهم به‌دو نوع تقسیم می‌شد :

رقصهایی که درآن جست‌وخیزوجود داشت «رقص‌بلند» خوانده می‌شد وخلاف آن «رقص‌کوتاه» .

پادشاهان اروپایی اغلب به رقص اهمیت می‌دادند . لویی‌چهاردهم دررقص مهارت داشت وهم‌او بودکه درسال ۱۶۶۱ یك‌مؤسسهٔ‌پادشاهی«رقص»درپاریس‌تشکیل داد .

نهضت‌رمانتیسم‌درمکتب‌رقص‌و نمایش نیزتأثیر فراوان‌کرد .

باله‌درواقع‌رقصی است‌که سرگذشت رابیان می‌داردویا استعاره رامی‌پروراند وگویای‌هیجان قلبی می‌شود و به‌وسیلهٔ حرکات‌لطیف وظریف وزندهٔ خود تجرید شورانگیزموسیقی‌را بخاطر می‌آورد .

بایدتوجه داشت که رقص باباله تفاوت دارد. رقص‌ازنظر خاصی‌یك‌پدیدهٔ فیزیولوژیك ودرعین حال روانی است‌که بوسیلهٔ‌آن موجودات‌انسانی موقتاً‌شخصیت فردی‌خودرا کنار می‌گذارند وتسلیم یك احساس اجتماعی‌وعمومی‌می‌کنند‌که‌باوزن وضرب انتقال می‌یابد. ازچنین رقصی‌نزد همهٔ‌ملل ازبدوی‌ترین تامتمدن‌ترین‌آنان درهمهٔ‌زمانها نشان واثری می‌توان‌یافت .

باله برعکس، هنری است که اصل آن مدیون موسیقی‌است. پیدایش«باله» باهنر رقص برخلاف‌رقص تاریخ مشخص دارد درایتالیاهمزمان بانهضت هنری وادبی قرن‌پانزدهم بوجودآمد هنرباله ازیك قرن پیش دراروپا وآمریکا نفوذبسیار کرده .

باله‌های کلاسیك ژیزل Giselle از صدسال پیش‌تاکنون همچنان باموفقیت روبروبوده‌است. باایجادشاهکارهایی‌چون: «کوپلیا» و «سیلویا» دورهٔ جدیدی در تاریخ‌باله پدید می‌آید .

بوره Bourrée

رقصی‌تند باحرکت $\frac{۴}{۴}$ است.

بولرو .

نوعی رقص رومبا و از رقصهای اسپانیایی است که‌دونفراغلب‌بطورچسبیده به‌هم‌آن را انجام می‌دهند، وآهنگ آن آرام وشباهت زیادی بهآهنگهای‌قبایل آفریقایی دارد .

بهارات ناتیام .

ازرقصهای‌کلاسیك و مشهورترین رقص‌هندی است‌که به مردم استان **تامیل** تعلق دارد ودرابتدافقط طبقهٔ‌مخصوصی اززنان‌که درمعابد جنوب‌هند زندگی می‌کردند انجام می‌دادند ، درواقع این رقص زاییده وتکامل یافتهٔ معبداست .

پاوان Pavane

ازرقصهای قرون وسطی‌می‌باشد .

پولکا .

رقصی‌حلقه‌ای باضرب $\frac{۲}{۴}$ که اصلا بوهمی‌یالهستانی‌است. نام‌این رقص‌به‌قولی ازنام یك‌زن‌لهستانی گرفته شده‌و بعضی‌نیز معتقدند‌که دختری دهاتی درسال ۱۳۸۰ میلادی‌آن‌رادردهکده‌ای(نزدیك‌پراگ) اختراع‌کرد. این‌رقصها به‌سرعت درتمام اروپا رایج شد و امروز در بسیاری از ممالك معمول است .

پنیزه .

(صورتی ازپنجه) نوعی رقص‌است . (اصل‌کلمهٔFandangoهمین‌کلمهٔ‌فارسی‌است که به‌توسط عرب به اسپانیارفته است).

تارانتلا .

ازرقصهای محلی ایتالیایی است .

تامبورن . Tambourin

یك قسم رقص متداول‌روستاییان در قرون وسطی .

تانگو . Tango

رقص‌سنگینی که‌اصلاً اسپانیایی‌است، دراواخرقرن۱۹ میلادی‌به‌بعدمتداول‌واز ۱۹۲۰ میلادی‌به‌بعددر بیشترجاهارواج‌یافت. تانگورقصی رومانتیك وخیال‌انگیزاست،

پاها و بدن باید به نرمی در روی زمین حرکت کرده و هیچگونه فعالیت شدیدی نباید انجام داد .

تویست .

ازرقصهای جدید که همراه موزیك تند اجرا میشود .

جیتر باگ Jiterbug

نوعی رقص سوینگ است .

چاچا .

ازرقصهای جدید که همراه موسیقی تنداجرا میشود .

چوپی .

چوپی رقصیدن نوعی پایکوبی است که باچوب میباشد. بین کردان و بختیاری‌ها متداول است .

راك اندرول .

نوعی رقص فرنگی است که درسالهای اخیر متداول شده است. درانگلیسی «راك» بهمعنی کج کردن و چرخاندن و «اند» بهمعنی «و» و «رال» بهمعنی» جنباندن است که ـ بهمعنی کلی آن «چرخاندن وجنباندن» است .

رومبا Rumba

ازرقصهای مشهور آمریکا است و به چهار نوع رقص اطلاق میشود : بولرو ، سان موزیك، گوارچا، رومبای حقیقی.

رومبای حقیقی .

از انواع رومبا وازرقصهای آمریکایی است که دونفری است واغلب طرفین باهم می‌رقصند ورقاص باید چابك باشد زیرا موزیك بسیار تنداست .

ریگودون Rigaudon

یك نوع رقص رایج درمیان روستاییان درقرون وسطی .

سارا باند Saraband

رقصی که احتمالا از ساراسنها میباشد .

سامبا Samba

رقصی که ازکارناوالها سرچشمه گرفته به هتلها و باشگاهها راه یافته است وسرعت دراین رقص $\frac{2}{4}$ است .

سامبا از برزیل شروع شده وازرقص‌های گرم و باشکوه است .

سان موزیك .

نوعی رومبا دارای تغییر وضعیت سریع میباشد .

سکوئردانس .

ازرقصهای محلی آمریکایی است .

سماع صوفیان .

شرکت دسته‌جمعی اهل تصوف در مجالس غنا وسرودخوانی است که ترتیبی دارد .

سوینگ Swing

رقص آزادی با آهنگ سریع و آمریکایی الاصل که سیر تکاملی یافته و به جیتر باگ، لیندی وشاك تقسیم شده است .

این رقص درآغاز مخصوص جوانان بوده ولی امروزه عمومیت دارد.

شاگ Shag

نوعی رقص سوینگ است .

فاکس تروپ تانگو .

ازرقصهای جدید کشور ایالات متحدهٔ آمریکا است، مبتکر این رقص‌ها ری فاکس (H.Fox) بود. گامهای این رقص ساده ودر واقع آهسته و آرام است .

کاتاکالی .



ازرقصهای کلاسیك مهم هندیان است که جنبهٔ مذهبی دارد ولی جنبهٔ نمایشی و غیرمذهبیش بیشتر است، با اینهمه درآن خدایان کم وبیش دخالت دارند . ودر ناحیهٔ کرالا درجنوب هند مرسوم است .

کاتهاکالی .

کاتاکالی را به بینید .

کاتهك .

ازرقصهای کلاسیك ومخصوص شمال هند است که تنها درعبادتگاه اجرا میشود اجرای مراسم رقص همراه آواز نیز میباشد .

کارول . Carol

یك گونه رقص ازقرون وسطی .

کورانت . Courante

گونه‌ای رقص قرون وسطی .

گاوت . Gavotte

گونه‌ای رقص معمولی روستاییان در قرون وسطی .

گایارد . Gaillarde

گونه‌ای رقص است که درقرون وسطی رایج بود .

گوارچا Guoracha

نوعی رقص رومبا که درایالات متحدهٔ آمریکا رواج بیشتری دارد و رقاصها از ابتکارهای شخصی نیز برای نمایش استفاده می‌کنند .

لیندی Lindy

نوعی رقص سوینگ است .

ماریس .

رقص ملی و محلی مردم انگلیس است .

مامبو .

رقصی دیوانه کننده که در ابتدا از آمریکا شروع شد وازترکیب سوینگ و رومبا بوجود آمده است، برای آموختن این رقص باید کوشش فراوان کرد ولی لذت آن همهٔ خستگی را ازبین میبرد .

مانی پوری .

از رقصهای کلاسیك هند است .

مونوئه Menuet

گونه‌ای رقص در قرون وسطی که در میان روستاییان رایج بوده است .

مهارات، ناتیام .

بهارات ناتیام را به بینید .

میاکواو دوری .

رقصی است ژاپنی که هرسال در ماه آوریل روزی پنج مرتبه در شهر کیوتو انجام میگیرد . دراین رقص سی ودو دختر جوان بین پانزده تاهجده سال که مخصوصاً برای این کار انتخاب وتربیت شده‌اند شرکت میکنند. شش دختر خواننده ویازده دختر نوازنده با این عده همراهی مینمایند .

این رقص همیشه نه قسمت دارد که هشت قسمت آن بدون موسیقی وفقط یك قسمت آن باموسیقی انجام میگیرد .

میزت Misette

گونه‌ای رقص که درمیان روستاییان قرون وسطی رایج بود .

والس Waltz

رقصی با نظم مشخص وبا حرکات لغزشی ویژه ، اصل این رقص را اتریشی وسوییسی میدانند ولی مسلم آن است که از قرن ۱۸ میلادی پیداشده ودو نوع آن معروف است. والس قدیمی و والس آمریکایی .

والس جدید (آمریکایی) .

رقصی با آرامش بیشتر از والس قدیم ومنشأ آن ازآمریکا است وباگامهای بازتر اجرا میشود .

والس قدیمی .

منشأ این رقص از وین است که

حرکات تندتری دارد که رقاص باید با چابکی آنها را انجام دهد.

ولت پرووانسی Volte provencal
گونه‌ای رقص مربوط به‌قرون‌وسطی.

رقاصان معروف جهان

آرینا.
(معاصر اسکندر مقدونی)
او مادر آریده برادر نامشروع اسکندر بود، او از **رقاصه های** مشهور زمان خود می‌باشد.

آستر، فردریك اوسترلیتز
Astaire, F. A
(متولد ۱۸۹۹ م)



خواننده، رقاص، هنرپیشهٔ آمریکایی است که همراه خواهرش آدل (Adele) در فیلمهای متعددی شرکت کرده است.

آلدو، لوست Aldous, L
(متولد ۱۹۳۸ م)
رقاصهٔ انگلیسی که در زلاندنو متولد شده است که از رقاصه‌های **بالت رامبرت** است.

آلگاروف، یولی Algaroff, Y
(متولد ۱۹۱۸ م)
رقاصهٔ روسی الاصل است و ستارهٔ اول اپرا درسال ۱۹۵۳ میلادی گردید که در برنامه‌های بالت رومئو و ژولیت نقش اول داشته است.



آلگاروف مدتی در استخدام بالت مونته لیزه و مونت کارلو بوده است.

آمایا، کارمن Amaya, C
(۱۹۰۹–۱۹۶۳ م)



رقاصه‌ای که در بارسلون متولد شده و سال در ۱۳۳۹ میلادی به‌اوج شهرت رسید، رقصهایش معروف همه بود.

آمیل، ژوزف Amiel, J
(متولد ۱۹۳۳ م)



رقاصهٔ فرانسوی است درسال ۱۹۵۲ میلادی به استخدام اپرا درآمد و درسال ۱۹۵۸ میلادی ستارهٔ رقص شناخته شد.

آنتونیو، رویزسولر Antonio, R. S.
(متولد ۱۹۲۱ م)
رقاص ومعلم رقص ازمردم اسپانیا است.

السلر، فرانسیسکا Elssler, F
(۱۸۱۰–۱۸۸۴ م)
رقاصهٔ اتریشی معروف به فانی.

اولانووا، سرگیونا
Olanova, G. S.
(متولد ۱۹۱۰ م)



ستارهٔ رقص اتحادجماهیر شوروی، متولد لنینگراد، واولین رقاص زن درتآتر بزرگ مسکو است.

براندو، مارلون Brando, M
(متولد ۱۹۲۴ م)
هنرپیشهٔ آمریکایی است که آغاز کارش از تآتر بوده و بعداً وارد سینما شد ودر فیلمهای بزرگی شرکت داشته است.

بروهن، اریك بلتون اورسن.
(متولد ۱۹۲۸ م)



رقاص دانمارکی که کارش را از بالهٔ رؤیال سوئد آغاز کرده است.

بسمرتنووا، ناتالیا
Bessmertnova, N
(متولد ۱۹۴۱ م)



رقاصهٔ روسی است.

بلر، داوید Blair, D
(متولد ۱۹۳۲ م)
رقاص انگلیسی است.

بورتولوسی، پائولو Bortoluzzi, P
(متولد ۱۹۳۸ م)
رقاص ایتالیایی است.

بونفوس، ژان پی‌یر
Bonnefous, J. P.
(۱۹۴۳ م)



رقاص فرانسوی و اولین رقاص اپرای پاریس است و در سال ۱۹۶۵ به‌عنوان ستارهٔ رقص معروف شد.



آنتونیو، رویزسولر



السلر، فرانسیسکا



بلر، داوید



بورتولوسی، پائولو

پاولووا، آناماتویونا Pavlova , A
(۱۹۳۱-۱۸۸۲ م)
رقاصهٔ روسی است .


پاولووا ، آنا

پتی‌پا ، ژوزف لوسین Petipa , J.L
(۱۸۹۸-۱۸۱۵ م)
رقاص ومعلم رقص از مردم فرانسه که در مارسی به دنیا آمد و در ورسای جان سپرد، پدرش (ژان) معلم بالت در بروکسل بود وبرای اولین بار تآتر بروکسل اورا به‌نام اولین‌رقاص‌استخدام کرد .

پتی‌پا، ماریوس Petipa , M
(۱۹۱۰-۱۸۲۲ م)
رقاص ومعلم رقص از مردم فرانسه است. که در مارسی به دنیا آمد ودر سن پطرزبورگ جان‌سپرد .



سیزده ساله بود که به عنوان رقاص تآتر **نانت** مشغول کار شد ، پس از عزیمت به پاریس و گذراندن کلاس رقص،رقاص تآتر **بردو** شد .


زامبلی، کارلوتا

پتی، رولان Petil , K
(متولد ۱۹۲۴ م)
رقاص ومعلم ورییس گروه رقص فرانسوی است که ازرقصهای معروف او: مرد جوان ومرگ ، عشقهای ژوپیتر ، دختران شب ، گرگ وغیره است .


ساله ، ماری

پرئو براجانسکا ، اولگا
Préobrajenska , O
(۱۹۶۲-۱۸۷۰ م)



رقاص روسی، که در سال۱۸۸۹ از مدرسهٔ شاهی فارغ‌التحصیل شد، ودرتمام نقش های کلاسیك در گروه بالت ماریوس پتی‌پا رقصید .

تاگلیونی، پل Taglioni , P
(۱۸۸۴-۱۸۰۸ م)
رقاص ومعلم رقص از مردم ایتالیا است. که دروین به دنیاآمد ودر برلین جان سپرد .

تاگلیونی، فیلیپو Taglioni , Ph
(۱۸۷۱-۱۷۷۷ م)



رقاص ومعلم رقص از مردم ایتالیااست.

تاگلیونی. ماریا Taglioni , M
(۱۸۸۴-۱۸۰۴ م)



رقاصهٔ ایتالیایی که‌در استکهلم به دنیاآمد ودر مارسی جان سپرد .

تالشیف ، مارژوری Tallchef . M
(متولد ۱۹۲۷ م)



رقاص آمریکایی که نژادش از مردم‌هنداست، ونقش های تازه‌ای در بالت ایجاد کرده است .

تالیونی، ماری Taglioni , M
(۱۸۸۴-۱۸۰۴ م)
رقاص مشهور که در استکهلم به دنیا آمد .

جیولیانو، جان Giuliano , J
(متولد ۱۹۳۵ م)
رقاص‌آرژانتینی است .

دامبواز، ژاك D'Amboise , J
(متولد ۱۹۳۴ م)
رقاص آمریکایی است .

دایده ، لیان Daydé , L
(متولد ۱۹۳۲ م)
رقاصهٔ فرانسوی است .

دیاگلیف ، سرگی پاولوویچ
Diaghilev , S. P ،
(۱۹۲۹-۱۸۷۲ م)
کار گردان بالت از مردم روس ، فارغ‌التحصیل هنرستان موسیقی و مدیر مجلهٔ هنری **جهان‌هنر**، بالتهای معروفی راکه کارگردانی کرده عبارتند از: شهرزاد، پتروسکا ، مناسك بهار ، مرغ‌آتش است .

دیریت، ویلی Dirtl , W
(متولد ۱۹۳۱ م)
رقاص اتریشی است .

روبنشتین، ایدا Rubinstein , I
(۱۹۶۰-۱۸۸۰ م)



رقاصهٔ روسی که درسن‌پطرزبورگ به‌دنیا آمد و در **ونس** جان سپرد .
واولین معلم رقص میشل فوکین بوده است .

زامبلی، کارلوتا Zambelli , C
(متولد ۱۸۷۷ م)
رقاص ایتالیایی الاصل ، آخرین ایتالیایی‌که در استخدام اپرای پاریس بود،زامبلی‌از۱۳ سالگی واردفعالیتهای هنری شد .

ژنمر،رنه‌معروف‌به‌زی‌زی Jeanmaire,R
(متولد ۱۹۲۴ م)
رقاصهٔ فرانسوی‌که درپاریس متولد شده است .

ساله، ماری Sallé , M
(۱۷۵۶-۱۷۰۷ م)
رقاصهٔ فرانسوی است .

سنت لئون ، آرتورمیشل .
SaintLéon , A . M .
(۱۸۷۰-۱۸۲۱ م)



رقاص ومعلم رقص از مردم فرانسه، پسر معلم بالت تآتر بود که در پاریس متولد شد و

در همانجا جان سپرد .

سیبلی، آنتوانت Sibley , A
(متولد ۱۹۳۹ م)
رقاصهٔ انگلیسی است .

شاررات، ژانین Charrat , J
(متولد ۱۹۲۴ م)
رقاص هنرمند فرانسوی است .

فادی چف ، نیکولای Fadeïetchev , N
(متولد ۱۹۳۳ م)
رقاص روسی است .

فارل، سوزان Farrell , S
(متولد ۱۹۴۵ م)
رقاصهٔ آمریکایی است .

فلنت ، فلمینگ Flindt,F
(متولد ۱۹۳۶م)
رقاص ومعلم رقص ازمردم دانمارك است .

فوکین، میشل Fokine ,M.
(۱۸۸۰ – ۱۹۴۲ م)



رقاص‌ومعلم رقص‌ازمردم روسیه،وقتی وارد مدرسهٔ بالت تآتر پادشاهی شد که ۹ سال داشت و در سال ۱۸۹۸ میلادی در همانجا استخدام شد وبه زودی به‌استادی مدرسهٔ بالت منصوب شد. فوکین‌ازنوابغ رقص است ورقصهای جالبی‌ازاو به‌یادگار مانده است .

فولر، لویی Fuller ,L
(۱۸۶۲ – ۱۹۲۸م)



ستارهٔ سینما و هنرپیشهٔ آمریکایی است، رقص مار ، رقص پروانه و رقص آتش او معروف است .

فونتین، مارگو Fonteyn,M.
(متولد ۱۹۱۹م)
رقاصهٔ انگلیسی‌وازستاره‌های‌معروف تآتراین‌کشور است .

کارساوینا، تامارا Karsavina ,T.
(متولد ۱۸۸۵م)



رقاصهٔ‌روسی که درسن‌پطرزبورگ متولد شد ، و در سال ۱۹۰۲ میلادی برای‌اولین‌بار وارد تآتر شاهی‌انگلیس شدو به‌نام‌اولین‌رقاصه‌ازسال ۱۹۱۰ میلادی مشغول‌کارشد.

کای ، نوراکورو Kaye,N,K.
(متولد ۱۹۲۰م)
رقاص روسی‌الاصل آمریکایی‌است.

کرونستام ، هننگ Kronstam , H
(متولد ۱۹۳۴م)
رقاصهٔ دانمارکی است .

کلی ، اوژن پاتریس (ژن) .
Kelly , E . P
(متولد ۱۹۱۲م)



هنرپیشه، معلم رقص وکارگردان سینما ازمردم آمریکااست . درآغازرقاص کاباره بود، سپس معلم رقص مدرسه شدوفعالیت هنری اواز سال ۱۹۴۰ میلادی به‌اوج خودرسید .

کولپاکووا ، ایرینا Kolpakova' I
(متولد ۱۹۳۳ م)
رقاصهٔ روسی است .

کوندراتیه‌وا ، مارینا
Kondratieva . M
(متولد ۱۹۳۴م)



رقاصهٔ‌روسی که‌درمسکو متولد شده است.

کونسوئلو، بئاتریس . Consuelo,B
(متولد ۱۹۲۹ م)
رقاصهٔ برزیلی است .

گولدوین، سرژ . Golovine,S
(متولد ۱۹۲۴م)
رقاصهٔ فرانسوی است .

لابیس، آتیلیو Labis,A
(متولد۱۹۳۶ م)
رقاصهٔ فرانسوی است .

لازینی، ژوزف Lazzini, J
(متولد ۱۹۲۶ م)
رقاص،معلم‌رقص،کارگردان‌فرانسوی است .

لافون ، مادلن Lafon,M
(۱۹۲۳ – ۱۹۶۷م)
رقاصهٔ فرانسوی است .

لافونتن، مادموازل‌فونتن. La Fontaine
(۱۶۶۸ – ۱۷۳۸م)
رقاصهٔ فرانسوی است.

لویی چهاردهم،
(۱۶۳۸ – ۱۷۱۵م)
پادشاه‌فرانسه‌که ازدوستداران‌رقص بود وآنرامی‌پرستید.ودراجرای‌آن‌بسیار ماهرواستاد بود. چه درمیهمانی‌هاوچه‌در باله‌های دربار به‌آن می‌پرداخت. وی در سال ۱۶۶۱ میلادی‌یك«فرهنگستان‌پادشاهی رقص» درپاریس ایجادنمودکه ازسیزده استاد رقاص تشکیل شده بود ولی در حقیقت شخصی‌به‌نام بوشان Beauchanps که‌عضواین‌فرهنگستان‌نبودنظارت«باله»‌های پادشاهی رابه‌عهده داشت وهم اوبود که پنج‌وضع رقصهای غیرآکادمیك را برای آیندگان توضیح کرد وبرای‌آنها تعریف قایل‌شد .

لیپا ، ماریس . Liepa,M
(متولد۱۹۳۶م)



رقاص روسی است



شاررات، ژانین



فونتین، مارگو

مارکووا ، لیلیان الیسیامارك
Markova ,L,A,M.
(متولد ۱۹۱۰م)
رقاصهٔ انگلیسی است



مارکووا_ لیلیان

ماسین ، لئونید Massine ,L.
(متولد درمسکو ۱۸۹۶م)
رقاص‌ومعلم رقص، ازنژادروسی‌است ولی درآمریکا نشوونما کرده است.

مسه‌ره . آساو Messerer, A
(متولد ۱۹۰۳م)
رقاص، معلم‌رقص ومربی روسی‌است که در برنامه‌های دون‌کیشوت وشعله‌های پاریس وبسیاری دیگر رقصیده است .

ملیکووا ، اوژنیا Melikova,E
(متولد ۱۹۲۴م)
رقاصهٔ روسی الاصل آمریکایی‌است.

میسکوویچ ، میلوراد
Miskovitch , W
(متولد ۱۹۲۸ م)
رقـاص و معلم رقـص از مـردم یوگوسلاوی است .

نی‌جنسکی ، واکسلاوفومیچ
Nijinski , V . F
(۱۸۹۰_۱۹۵۰ م)



رقـاص ومعلم‌رقص‌از مردم روسیه کـه در **کیف** متولد شده و درلندن وفات یافته است ، نی‌جنسکـی در سالهـای ۱۹۰۰ میلادی وارد مدرسهٔ رقص‌تآترشاهی پطرز بورگ شد .

هولیدای، بیلی Holiday , B
(۱۹۱۵_۱۹۵۹ م)
زنی خواننده از مردم آمریکااست.

کتابهای رقص

خودآموز رقصهای جدید، کارل **ورنر** ترجمهٔ ایرج اخگر.
خودآموز رقص: اثردال **موری**، ترجمهٔ نریمان صدیقی مراد .
کتاب الرقص والزفن : اسحق موصلی.

تاریخچهٔ تآتر

معمولاچنین گمان می‌رودکه غریزهٔ غیرآگاه نمایشگری دربشرپیش‌ازتاریخ در اجتماعهای قبیله‌ای بوده وظاهر شده است .

شاید افـراد قبیله پس‌از کار وشکار روزانه برای رفع خستگی به هنگام شب گردآتشی جمع می‌شده‌انـد به رقصها و حرکات عجیب همراه صداهای ترس آور می‌پرداخته‌اند .

نقشهایی از چنین مناظر ، بـرتکهٔ سفالهای اعصارگذشته رسم شده است .

این مجالس روحیهٔ جنگ‌آوری و دلیری مردان را برمی‌انگیخت وعده‌ای با صورتکهای حیوانات وعده‌ای به جای شکارچی نقشی ایفا می‌کردند . سفالهایی پیدا شده‌که به هزارهٔ دوم قبل از میلاد تعلق دارند وچنین نشانه‌هایی دارند .



چنین تصاویری بیشتر در حوالـی خوارزم به‌دست آمده است،آنچه بعد در این اجتماعهای قبیله‌ای‌آغاز شد، نقالی بود، (نقالی‌که شکلی انفرادی ازبیان و نمایش است) مسلم آنکه پس‌از پیدایش وتوسعهٔ کلام پیدا شد ورشد یـافت . در اجتماعهای شبانه ، اهل قبیله می‌نشستند وآنچه رییس یاپهلوان یا جادوگرقبیله، درشرح جنگهایی‌که دیده یـاخود شخصاً قهرمان‌آنها بوده ودرمبارزه باحیوانات وغیره‌که می‌گفته گوش فرا می‌دادند ، گاهی بزرگتر و عظیم تـر از آنچـه می‌دیدند بیان می‌کردند وشنوندگان‌نیز به‌نوبهٔ خودگاهی‌به‌نقل‌آنها می‌پرداختند وبرآنچه‌شنیده بودندحوادثی‌می‌افزودند وطی زمان هرکس بـاذوق ومایـهٔ خود وسعتی به‌آنها می‌داد .

این داستانها سینه بـه سینه نقل می‌شد تا به دورهٔ ثبت رسید .

پس چندی اساس نمایش‌ازدورهٔ قبل از تاریخ پایه گذاشته شدکه بعدها بـه نمایشگران دورهٔ تاریخی منتقل شد .

واولین صحنه یعنی صحنهٔ گرد کـه نمایشگران در وسط و تماشاگـران در اطراف بـاشند بـه این ترتیب صورت گرفت .

جام‌گیتی‌نمای‌که تصاویریاسایه‌های تصاویر رانشان می‌داد ازآثار دورترین دوره‌های تاریخی وپیش از تاریخ است ولی به احتمال قوی جام‌گیتی‌نما ، نمی‌توانسته حقیقی باشد وبیشتر می‌توان گفت‌که ساخته وپـرداختهٔ ذهن افسانه_ سرایان است .

مراسم اجرای سرودهای اوستانیز که توسط مغهااجرامی‌شد،خصوصاًآواز_ های متقابل، دارای ترتیب نمایشی بوده است .

روشن ترین مدرکی‌که ازاین دوره به جا مـانده مطلبی است دربارهٔ تعزیهٔ مردم‌برمرگ سیاووش‌که‌پایه‌ای درافسانه ودنباله‌ای درواقعیت دارد .

درتاریخ به‌نقل‌از روایات‌آورده‌اند وگویند درمرگ سیاووش مردم زاریهـا کردند ومطربان سرودهـا سرودنـد و ساختند .

الکساندرمونگیت، (A.Mongait) درکتاب خود تصویری‌آورده‌که گویا از نقش دیواری در شهر سغد به‌دست‌آورده است وظاهراًبه سه‌قرن قبل‌ازمیلادمنسوب است .

درتصویر یك عماری بر دوش چند نفراست‌که سیاووش یاشبیه‌او درآن‌خفته است ومردم گریبان دریده‌زاری‌می‌کنند وشایددرآن دوره‌پرده هم می‌گرداندند ومطربان سرودهایی‌که درمرگ‌سیاووش ساخته بودند می‌خواندند ومی‌نواختند .

یکی ازسرودها به‌نام **کین‌سیاووش** تامدتها باقی ماند .

شاید **کین ایرج** نیز خـود چنیـن داستانی داشته‌باشد وداستان عشق **زریر وهودات** نیزدردلهااثرکرد وبردیوارها نقش ساخت‌وشاید به شبیه خوانی‌کشانده شد .

ویا مراسم مغ‌کشی کـه ایرانیان هرساله به یاد قتل مغ غاصب برگـزار می‌کرده‌اند، نیزنوعی نمایش بوده‌که هر ساله شبیه مغ را می‌کشتند .

گمان‌می‌رودکه درلشکرکشی‌هـای بزرگ ایـرانیان برجاهـای دور دست

معمولاعده‌ای بازیگرهمراه سپاه بوده‌اند که هم برای سرگرم کردن آنها در آسایشگاهها وهم‌تحریك روحیهٔ جنگ‌آوری آنها اجرامی‌شده است. ظاهراًاین نمایشگران آثار این فن را درشهرهایی که ازآنها می‌گذشتند به‌جا می‌گذاشتند.

گزنفون، در تاریخ خود از رقص پارسی ونمایش جنگی سخن می‌گوید که همراه نوای نی اجرا می‌شد.

اما درمورد تماشاخانه‌های آن روز باید گفت که از میدانها استفاده می‌کردند.

اسکندر درسفر جنگی خود به ایران (۳۳۰–۳۲۳ ق م) گویا تعدادی بازیگر همراه داشت ودرایران چندین بار به برگزاری جشنها و نمایشهایی پرداخت.

پلوتارك (Plutarque) درروایتش ازاین‌نمایشها به‌چند ساختمان‌تماشاخانه در ایران اشاره می‌کند، از جمله می‌گوید: اسکندر درکرمان به‌چند نفر اجازه دادکه برای تماشای نمایشها در ردیف اول بنشینند و یا روایات دیگری که دال بروجود میدانهای رقص ومکان‌های نمایشی است.

این اشارات می‌تواند گواهی بر وجودتماشاخانه درایران پیش‌ازاسکندر باشدوسلوکیها که بعدازاسکندر درایران حکومت کردند چندین‌تماشاخانه به‌سبك یونانی ساختند.

یکی‌ازاین‌تماشاخانه‌ها راسلوکوس نیکاتراول (۳۰۶–۲۸۰ ق م) دردوشان‌تپهٔ تهران ساخته بود.

درنزدیك مرز شمالی جمهوری مغولستان گلدانی بدست‌آمده‌که روی‌آن نقش الهام دهنده وحامی هنر یونان رسم شده است. این‌خود نشان می‌دهد که‌درآن وقت مردم‌آسیا نمایشهای سبك یونان را می‌شناخته‌اند.

درقرن اول قبل‌ازمیلادکه اشکانیان بر ایران حکومت می‌کردند نمایشهای هجوآمیز ازکراسوس نقل شده است.

درارمنستان یك‌آمفی تآتر به سبك یونانی پیدا شده است.

دردورهٔ اسلامی‌هم گاهی‌ازجشنهایی سخن‌رفته‌که مایهٔ نمایشی‌داشته ولی‌مأخذ مستندی تاکنون پیدا نشده است ولی نمایشهایی چون **برنشستن‌کوسه** و یا **ساختن سلطان وقربانی کردن آن** (مخصوص روز ۱۵ دیماه). که در عصر اسلامی به **عمرسوزان** بدل شد.

رسم سوزانیدن جانوران، که امروزه فقط به افروختن‌آتش اکتفامی‌شود (مخصوص ۱۰ آبانماه)

درزمینهٔ رقص‌بازتحقیقات‌ناقص‌است ولی‌می‌توان زمینهٔ نمایشی‌آنها راتشخیص دادخصوصاًرقصی‌که زنان درستایش‌ناهید وکنارمعبداومی‌کردند. **یارقص‌دختران** کنار دریاچهٔ هامون بارسم **آیین مهر** که شامل رقصهایی با صورتكهای حیوانات وهمچنین نمایش **کشته شدن گاو مقدس** به دست مهر بوده است.



ازآثار رقص باستان مدارکی‌که به دست آمده ناچیز است و جالبتر از همه تنگی نقره‌ای و مطلا است‌که تصویر زن هنرپیشه‌ای را درچهار حالت (رقص) در دورآن رسم‌کرده‌اند. (درموزهٔ ایران باستان محفوظ است).

نمونهٔ دیگر نمایش سه نفری دهات مازندران‌است‌که یك‌زن وشوهرش‌وعاشق زن درآن شرکت دارندکه دومردخودرا باصورتك پوست بز می‌پوشانند ودختر نیزپارچهٔ سفید ونازکی به‌صورت‌می‌بندد ودومرد بادوچماق ودو شمشیرچوبی و پایکوبی می‌کنند وجنگی‌خشن وحرکاتی تهدیدآمیز دارند.

نقالی چنانکه ازپیش‌گفته شد می‌تواند ریشهٔ قدیمی‌تر ازنمایش داشته باشد.

ورود دیانت اسلام باتفاسیر علما، مانع نمایش وشبیه‌سازی‌شد ولی این‌ذوق درصورتی دیگر جلوه‌کرد و نمایش در سطح عامیانه‌باقی ماندولی کولیان دوره گرد، آن‌راازشهری به‌شهردیگرمی‌بردند وبرلبهای مردهٔ مردم خنده‌می‌آوردند و تغییراتی دربعضی نمایشهای باستان مثل کوسه برنشسته‌داده‌شدو به‌صورت **میرنوروزی** معمول شد تابالاخره دورهٔ تعزیه وشبیه‌خوانی معمول شد.

«با استفاده‌ازمقدمهٔ محققانهٔ آقای بهرام بیضایی»

تآتر و اجتماع

بیشك بین‌هنرهای مختلف، تآتر به اجتماع نزدیکتر وبا افراد محرم‌تراست شاید بتوان‌گفت‌تنهاهنری است‌که ازنظر تکوین وآفرینش درخدمت جامعه است. به‌همین‌دلیل‌تجرید به‌آن‌معنی‌که درنقاشی یاادبیات و یاموسیقی صورت می‌بندد در تآتر ممکن نیست.

بی‌شبهه در سبكهای مختلف ادبی نمایشنامه‌های تآتر نوشته‌شده وبیش‌وکم قبول عامه‌یافته است ولی به‌هرصورت‌هنر تجریدی تآتر در خورنمایش نیست. البته نمایشنامه برای مطالعه تألیف می‌شود که به‌این صورت به‌صحنه نمی‌توان آورد. از سوی دیگرذاتاً تآترهنری اجتماعی است چه اولا سایرهنرها را استخدام کرده و از آنهاکمك می‌گیرد مثلاً ازفرم و رنگ نقاشی وآهنگ موسیقی وپلاستیك معماری مددمی‌طلبد واز طرف دیگربه صحنه‌آوردن یك‌اثر نمایشی‌همکاری وهم‌آهنگی کارگردان وصحنه‌پرداز ونمایش نویس وبازیگر را ایجاب می‌کند والا نمایشنامه موردنظر مطلوب رادرتماشاکن ایجاد نخواهدکرد.

«دکتر محسن هشترودی»

اپرا

اپرا **Opéra**

درامی‌که به موسیقی درآورده شده باشد. نخستین اپرایی‌که نشانی‌ازآن در دست‌است‌اپرای دافنه است‌که موسیقی‌آن دردست نیست.

مونتوردی نخستین استاد حقیقی اپراست.

اولین اپراخانهٔ عمومی‌جهان‌درسال **۱۶۳۷** میلادی درشهرونیز افتتاح شد.

درفرانسه اپرا رسماً به‌سال **۱۶۶۹** میلادی به‌وجود آمد.

درانگلستان‌پس‌ازسال **۱۶۸۰** میلادی اپراهایی نوشته شد.

دومین‌اپراخانهٔ اروپا به‌سال **۱۶۷۸** میلادی‌درهامبورگ ساخته شد.

درسال **۱۷۷۸** میلادی دروین اپراخانهٔ‌ملی افتتاح شد.

اپرای‌روس درقرن **۱۹** میلادی‌پدید آمد.

تقسیم بندی پیس

هر پیس تآتر دارای سه بخش‌است :
اکسپوزیسیون،گره و دنومان اکسپوزیسیون‌قسمت اول‌پیس‌است‌که درجریان آن پرسناژهای اصلی‌معرفی می‌شوند . ممکن‌است پس‌ازاتمام اکسپوزیسیون،در قسمت‌گره یادنومان‌نیزگاه‌به‌گاه باپرسناژهای‌تازه‌ای‌روبروگردیم‌که پرسناژهای فرعی‌پیس‌می‌باشند.ابتدای اکسپوزیسیون آغازپیس است وپایان‌آن جای معینی ندارد .

گره‌پیس جایی‌است‌که گره‌آنتریك چنان‌درهم‌می‌پیچد که‌خوانندگان وتماشاگران‌نمی‌توانند پیش‌بینی‌کنندکه‌داستان چگونه وباپیروزی‌یاشکست‌کدام قهرمان پایان خواهد پذیرفت .

دنومان قسمتی‌است‌که درآنجانتیجه آشکارمی‌شودورفته‌رفته روشن‌تر می‌گردد تا داستان پایان پذیرد . انتهای دنومان پایان پیس است .

اصطلاحات متداول در نمایش

این اصطلاحات ازکتاب نمایش در ایران به قلم بهرام بیضایی اقتباس شده است .

آتش افروز ، بازیگر دوره‌گردی‌که با لباس رنگارنگ زنگوله دار و صورتك باخواندن ورقصیدن ونواختن دوتخته به هم ومناسب‌خوانی‌ولودگی‌مردم‌راسرگرم می‌کند. جزء دسته‌های نوروزی خوان .

آتش باز، کسی‌که بارخت رنگ‌به‌رنگ وآویزهای مسخره وبزك غلیظ دوره می گردد وسرشعله‌ور میلهٔ‌کهنه پوشانده‌نفت آلودی‌راکه دردست دارد به‌دهان فرو می‌برد وبیرون می‌آوردودرعین حال‌می خواندومی‌رقصد. جزء دسته‌های نوروزی خوان .

آکتور: بازیگرمرد در تآتروسینما .

آکسیون : اصل‌موضوع درنویسندگی.

آمفی‌تآتر : محل نشستن تماشاچیان که معمولاً ردیفهایی نیم‌دایره بوده و به‌طرف پایین شیب دارد .

آنتریك : سلسله پیش‌آمدهایی‌که در جریان‌آنها آکسیون‌گسترش وپرورش می‌یابد تا به نتیجه برسد .

بسلشماق: بازی نمایشی رایجی درمناطق ترك‌نشین‌که دونقال قاشق‌چی راهریك‌به جای یك‌قهرمان نقال ، دربرابرهم قرار می‌دهد تاداستان ازراه خواندن‌ونواختن ومناظرهٔ ایشان بیان شود .

بنگاه‌شادمانی : دکه‌ای‌که‌مرکز یك‌دسته مطرب‌وتقلیدچی‌باشدومردم ازراه‌مراجعه به‌آنها دسته‌را برای‌بازی بـه مجلسهای سرورشان دعوت‌کنند .

پرسناژ : بازیگر وآدمهای داستان یا نمایش .

پرسناژ آنتی‌پاتیك : پرسناژی‌که گفتار وکردارش نفرت‌انگیزاست .

پرسناژ سمپاتیك : پرسناژی‌که گفتار و کردارش تحسین ومهروشفقت مارا جلب می‌کند .

پهلوان‌کچل : نام‌قهرمان خیمه شب‌بازی بوده ولی‌بعدها درفارس برای همهٔ خیمه شب‌بازی علم‌شده است .

پهلوان‌کچلك : لقبی برای نوعی خیمه‌شب‌بازی‌که بساط‌او کوچکتر ازپهلوان کچل است .

پیش پرده : نمایش کوتاه ومستقلی با بازیگران‌کم‌که درآن طی‌مکالمه‌ای‌باشعر وآوازموسیقی داستان‌ساده‌ای می‌گذرد و اغلب نتیجهٔ اخلاقی صریحی دارد .

پیشخوان: وردست یامرید مرشد نقال‌که پیش ازاو به‌عنوان مقدمه غزلی‌یاقطعه‌ای آواز می‌خواند .

تآتر : تماشاخانه .

تآتر آل : نمایش مانند . مربوط به نمایش .

تانتوسیم: نمایشی‌است‌که به یاری‌حرکات واطوارچهره همراه باموسیقی‌وبی‌گفتگو انجام می‌گردد .

تراژدی Tragedy

نوعی‌نمایشنامه‌که‌قهرمان‌یاقهرمانان آن درپایان دچارمرگی دلخراش‌شوند . مرگی‌که‌درپایان‌تراژدی‌اتفاق‌می‌افتدباید نتیجهٔ مستقیم واجتناب ناپذیر تضادها و تلاش‌هایی باشد که حالات قهرمانان و سیرداستان راازآغازتاانجام بوجودمی آورند . شکست ومرگ قهرمان یك تراژدی، علی‌رغم ظاهر دلخراش و غم انگیزش، نمودار فتحی معنوی ودرونی است‌که درتماشاگر، علاوه برغم ، شور برمی‌انگیزد. ممکن است همهٔ افراد یك نمایشنامه زنده‌بمانند وبازآن‌اثر تراژدی نامیده شودواین درحالی است‌که تضادها وتلاش‌های درونی وبیرونی قهرمان یا قهرمانان ، به‌صورتی چاره ناپذیر، برای آنان زندگی یا سرنوشتی دردناك وغم‌انگیز ببارآورد

تعزیه : نمایش گوشه‌هایی‌ازاساطیرمذهبی خصوصاً ماجراهایی‌که‌درکربلابرخاندان امام حسین ومریدانش گذشت .

تعزیهٔ دوره : آن‌است‌کـه چندداستان مسلسل تعزیه‌هریك به‌وسیلهٔ‌گروهی‌تعزیه خوان، درطول‌محیطی‌که‌تماشاگران‌درآن جمعند، طی‌حرکتی زنجیروارنمایش‌داده شود. دراین‌حال‌گرچه‌تماشاگرثابت‌است، ولی‌گروههای متحرك ومتغیرتعزیه‌خوان داستانهارا یکی‌پس‌از دیگری ازبرابر چشمان او می‌گذرانند .

جی‌جی‌ویجی : عنوانی برای‌خیمه شب بازی‌درفارس‌که‌به‌مناسبت زیربودن‌صدای عروسکهای بدان داده شده است .

حاجی‌فیروز : مردی باچهرهٔ سیاه‌کرده ورختهای سیاه‌رنگ،بانواختن وخواندن وشوخی مسخرگی مردم‌را سرگرم کند . جزء دسته‌های نوروزی خوان .

درام : نمایش داستان و یانمایش‌نامه‌ای که جنبه‌های جدی‌وغم‌انگیز زندگی را طرح می‌کند .

دراماتیك : نمایشی یاداستانی‌که جدی‌و مهیج باشد .

دکور : آرایش وزینت ظاهرسن وصحنهٔ نمایش، زیوروپرده وآنچه برای زینت‌و ظاهرآرایی صحنه تآتر وسینما بکار می‌رود .

دیالوگ : گفتگوومباحثه، گفت‌وشنود.

رجزخوانی : درتعزیه هنگامی از بازی است‌که یك‌مخالف یاموافق اصل‌ونسب و بزرگیها وافتخارات خودرا دربرابر هم می‌شمارند .

رژیسور: راهنمای‌هنرپیشگان وتقسیم‌کار نقشها بین‌آنها، رهبری‌کنندهٔ تآتر و سینما .

رل : نقش یك بازیگر درسینما وتآتر.

ریتم : تندی و کندی سخن .

ژست وجنبش : آکتوربه‌وسیلهٔ سه‌عامل تأثرات و احساسات خود را نمایان می‌سازد ۱ـ سخن ۲ـ می‌میك (حالت‌چهره) ۳ـ بازی بدن (ژست وجنبش) . ترکیب این‌سه عامل هنر آکتوری را تشکیل می‌دهد .

سایه‌بازی : نوعی‌بازی باعروسکهایی‌از چرم‌که‌سایه‌شان‌بردیوارهای چادرمنعکس می‌شود .

سکو: درنمایشهای مذهبی ایران، ایوانی به‌بلندی نیم‌متر و به‌مساحتی متناسب با مساحت‌تکیه،که‌به‌شکل‌مربع یامستطیل‌یا دایره دروسط تکیه ساخته می‌شد .

سن : صحنه ومحل نمایش .

سوژه : موضوع و مضمون نمایش فیلم و داستان .

شاهنامه‌خوان : نقالی که داستانهای حماسی‌مربوط به کتاب شاهنامهٔ فردوسی رادربرابرجمع نقل می‌کند.

شبیه‌سازی : کارتغییر یاآرایش چهره‌در تعزیه برای‌آنکه نزدیک‌به شکل تصوری شخص مورد نظر درآید .

شمایل‌گردان : نقال دوره گردی که با پردهٔ شمایل هایش‌در هرجاکه جمعیتی می‌یافت بشرح قصه‌های شمایل‌ها می – پرداخت .

شیشه‌باز : کسی‌که درحال شیشه بازی رقص می‌کند وبطریهارا می‌اندازد و می‌گیرد .

صندوق شادمانی : صندوقی‌که همهٔ وسایل‌اجرای‌یك‌تقلیددر آن‌جامی‌گرفت.

صندون‌کابلی : عنوان قدیمیتر صندوق شادمانی .

صورت‌خوان : آنکه دربازار نشسته ، صورتهای‌ملایکه‌وبنی‌آدم و معاملهٔ ایشان درروز قیامت‌باهم ازعذاب وثواب چون صورتهای پهلوانان و دیوان وجزآن به مردم بازگوید وبنماید وازهریك چیزی بستاند .

عاشق : نقال بومی برخی‌نقاط بین‌آذر- بایجان تادشت‌گرگان‌که‌به‌همراهی‌سازی، داستانهای عشقی وقهرمانی محلی رابا همدستی یك‌خوانندهٔ ساززن دیگر بیان کند .

عروسکی : عروسك‌باز منفردی‌که با گذراندن‌ریسمانی‌ازمیان‌بدن یك‌عروسك وبستن سرریسمان به‌جایی و آویختن سر دیگرآن به‌انگشت خود ، باتکانهای انگشتش برروی دف‌عروسك را به رقص آوردوباآوازخود به‌جای‌عروسك‌صدایی بیرون آورد وبااین بازی عده‌یی‌راسر – گرم‌کند وچیزی بستاند .

غول‌بیابانی: دلقکی‌که با لباسهاوحرکات مسخره ورقص‌وآوازهای مضحك و آتش ازدهان بیرون دادن مردم‌را سرگرم‌کند جزء دسته‌های نوروزی خوان .

غولك : دلقکی بارختهای رنگارنگ وزنگوله‌داروتیزصورتك‌که رقص‌وآواز- های‌خنده‌آوری‌انجام‌می‌داد.جزءدسته‌های نوروزی .

فانوس خیال: چراغی که گویا برجدار بیرونی‌خود تصاویریاسایه‌هایی رامتحرك نشان می‌داده است .

قره‌گوز : نوعی سایه بازی عثمانی‌که عنوانش‌ازنام یك‌شخص‌بازی همین‌نمایش می‌آید ودرایران هم‌خصوصاً بین‌ایلهای ترك بازی می‌شده است .

کچلك: مضحك‌ها یاتقلیدهایی‌که قهرمان اصلی‌آن یك‌مردکچل وقابل تمسخربوده است .

کساچی خار تماق : کوسه درآوردن ، ادای‌کوسه درآوردن‌حرکات رقصی‌عجیب وغریبی‌که باآویختن جارو به‌سروصورت وپوشیدن لباسهای چهل‌تکهٔ رنگارنگ مردم دههای ترك‌نشین اطراف ساوه در جشن فرا رسیدن بهار انجام می‌دهند .

کمدی، نمایش یافیلم ویا داستان‌تفریحی ومضحك .

کمیك ، خنده‌آور، بازیگر خنده‌آور .

کوسه برنشین ، یك دستهٔ شادی‌آور باستانی‌که طی‌آن کوسه‌ای موضوع‌تمسخر وبهانهٔ رقص و آوازهای مضحك و ریشخندآمیزمردم ومسخره‌هابوده‌است . این بازی منبع غالب دسته‌های شادی آوری بعدی مانند دستهٔ میرنوروزی ، دسته‌های نوروزی خوان‌وغیره شد .

کوسه‌گلین ، عنوانی برای بازی دستهٔ شادی‌آوری ازمسخره‌ها بالباسهای‌عجیب وغریب‌که ازکوسه برنشین جدا شدند .

گریم، آرایش بازیگران به‌نحوی که کاملا به‌ترتیب مورد نظر درآیند .

گریمور، کسی‌که هنرپیشگان تآتر و سینما را بوسیلهٔ‌آرایش تغییرشکل می دهد .

گورانی‌بژ، نقال بومی حوالی‌کردستان که داستانهای محلی را به‌کمك سازی و نیزکمك یك ساززن وردست دیگر می خواند .

لال بازی ، ظاهراً نمایشهای بی سخن ، قصه‌های کوتاه وگاهی رقصی‌که به‌همراه ساز وبه‌وسیلهٔ‌بازیگران اندك دربرنامه- های مطربی بازی می‌شد وبیان رمز یا ابهامی‌که‌درآن‌بود، ازتماشاگران‌خواسته می‌شد .

لژ ، محل مخصوص درتآتر وسینما .

لوتی، عنوان‌کلی‌برای‌عاملان ومجریان انواع خرده نمایشها. شاید این واژه با لولی وکولی‌که اغلب به‌بازیگری‌مشغول بوده‌اند ، بی‌ارتباط نباشد و به‌گویش آشتیانی به‌خنیاگر، ساز زن ورقاص و آوازخوان‌گویند .

لیریك ، هراثر هنری‌که هنرمندآگاه‌یا ناآگاه احساسات درونی خود را درآن شرح دهد .

متورانسن ، کارگردان سینما یا تآتر ، کسی‌که‌میزانسن با اوست .

معرکه ، نوعی ازتماشا، عنوان‌کلی‌برای غالب خرده نمایشهای تفریحی‌که‌گروهی ازمردم را برای تماشا به‌گرد خودجمع کند .

ملودرام، درام تفریحی، آمیخته بارقص وآواز وموسیقی‌که جنبه‌های محزونی با جنبه‌های تفریحی و شاد زندگی را با هم نمایش می‌دهد .

منودرام ، درامی که فقط بوسیلهٔ یك بازیگر انجام‌گیرد .

میترو ، نقال بومی حوالی لرستان که داستانهای محلی‌رابرای جمع بیان‌کند.

میزان پلاس ، تنظیم نور و ترتیب و وضعیت مکانی هنرپیشگان نسبت به اثاثه ودکوراسیون صحنه است .

میزانسن ، رهبری‌کلیهٔ امور و راهنمایی هنرپیشگان‌وتدوین‌وتنظیم‌صحنه‌هامربوط به تهیهٔ یك فیلم یاتآتر، یعنی‌کارگردانی درتآتر وسینما .

میم، دریونان‌وروم‌باستان‌به‌نمایشنامه‌ای گفته می‌شدکه نمایشنامه نویس ازاخلاق وعادات و آداب مرسوم تقلید کرده و اشخاص وحوادث حقیقی رابه‌شکل‌کمدی عرضه می‌کرد .

میمیك، اطواروزست‌درچهرهٔ‌هنرپیشگان سینما یاتآتر هنگام بازی .

نوروزی خوانها ، گروه‌کوچکی‌مرکب ازسه یاچهاربازیگرمسخره‌که بارختهای رنگین وآرایش‌عجیب، ازاواخرزمستان دوره می‌افتند وبا خواندن و رقصیدن و بازی درآوردن‌وشیرین‌کاری وبذله‌گویی به‌پیشبازبهارمی‌روندوهم مردم راسرگرم می‌کنند، این‌دسته باقیماندهٔ‌کوسه‌برنشین ومیرنوروزی هستند .

وحدتها

صاحب نظران یونان قدیم چنین عقیده داشتندکه در درام نویسی باید سه وحدت وجود داشته باشد :

۱– وحدت زمان .
۲– وحدت مکان .
۳– وحدت آکسیون .

وچنین استدلال می‌کردند .

وحدت زمان ، سراسر داستان‌باید درزمان واحد بگذرد، خواه چندین‌قرن پیش وخواه در زمان حاضرباشد. این‌را

وحدت زمان می‌نامیدند .
وحدت مکان ، سراسر داستان باید درمکان واحد بگذرد، خواه آتن باشد، خواه اسپارت وخواه روم. این‌را وحدت مکان می‌نامیدند .
وحدت عمل ، دریك درام نباید دوتم، دوموضوع اصلی، دوآکسیون باهم جمع شوند و مخلوط گردند . درام باید دارای آکسیون واحد باشد .
از زمانی که سبك مکتب جدید به همهٔ کشورها سرایت کرده تاکنون دیگر در درام نویسی وحدت‌های سه‌گانه‌وجود ندارد .

تآترها و تالارهای نمایش تهران

تآتر پهلوی : خیابان شاهرضا ، پارك پهلوی، باگنجایش ۵۴۰ نفر .
تالار رودکی : خیابان خیام ، خیابان رودکی، گنجایش ۹۵۰ نفر سال تأسیس چهارم آبان ۱۳۴۶ .
تالار نمایش وزارت فرهنگ و هنر : میدان بهارستان ، خیابان کمال‌الملك ، سال تأسیس ۱۳۴۲ ، گنجایش ۶۵۰ نفر.
تالار فارابی : میدان‌بهارستان، خیابان کمال‌الملك سال‌تأسیس ۱۳۳۴ ، گنجایش ۲۹۰ نفر .
تالار نمایش‌دانشکدهٔ‌هنرهای‌دراماتیك: خیابان ژاله سال تأسیس ۱۳۴۰ ، گنجایش ۱۸۰ نفر .
تالار ۲۵ شهریور: خیابان جنوبی‌پارك شهر ، سال تأسیس ۱۳۴۳ ، گنجایش ۳۷۵ نفر .
تالار اپرا : خیابان ارفع ، گنجایش ۱۲۰۰ نفر .
تالار نمایش دانشکدهٔ هنرهای زیبا : خیابان‌شاهرضا،دانشگاه‌تهران‌سال‌تأسیس ۱۳۴۱ گنجایش ۶۰۰ نفر.
تالار نمایش فردوسی : خیابان‌شاهرضا دانشگاه تهران، سال تأسیس ۱۳۳۲ ، گنجایش ۱۲۰۰ نفر .
تالار نمایش هنرسرای عالی نارمك : انتهای سی متری نارمك، سال تأسیس ۱۳۳۹ گنجایش ۶۵۰ نفر .
تآتر باربد : خیابان لاله‌زار،سال‌تأسیس ۱۳۰۵ ، گنجایش ۵۵۰ نفر.
تآتر نصر : خیابان لاله‌زار، سال‌تأسیس ۱۳۱۹ ، گنجایش ۵۰۰ نفر.
تآتر دهقان : خیابان‌لاله‌زار،سال‌تأسیس ۱۳۲۰ ، گنجایش ۴۰۰ نفر.
تآتر پارس: خیابان لاله‌زار، سال‌تأسیس ۱۳۲۰ گنجایش ۶۰۰ نفر .
سینما وتآتر کسری : خیابان شاهرضا ، نبش خیابان بهار، سال تأسیس ۱۳۴۰ ، گنجایش ۳۵۰ نفر.
تالار نمایش باشگاه آرارات : خیابان نادری‌کوچهٔ نوبهار، سال‌تأسیس ۱۳۳۲ گنجایش ۶۵۰ نفر .

نمایشنامه‌های معروف

خارجی

آخر بهشت : پریسلی .
آگاممنون : اشیل .
آلسست : اوری پید .
آمفی‌تریون : پلوت .
آناکریستی : یوجین‌اونیل .
آنجا که علامت گذاری شده : یوجین اونیل .
آندروکلس وشیر : برناردشاو .
آنتیگن : سوفوکل .
آه ! بیابان : یوجین اونیل .
ابرها : اریستوفان.
اپرای یك بانك خصوصی : فردریك دورنمات .
اتللو : شکسپیر .
اتوبوسی به‌نام هوس : تنسی ویلیامز.
اخطار : یوجین اونیل .
ادوارد دوم : کریستفرمارلو .
اردك وحشی : ایبسن .
ازدواج آقای می‌سی‌سیپی : فردریك دورنمات .
استاد معمار : ایبسن .
استاندار : اد . جرج .
اسیر : پلوتوس.
اشباح : ایبسن .
اگمنت : گوته .
السید : کرنی .
الکترا : سوفوکل .
الکترا سوگوارمی‌شود: یوجین اونیل.
اندروماك : اوری پید .
اندوه به‌الکترا‌ها بر از نده است: یوجین اونیل .
اودیپ شهریار : سوفوکل .
اولولاریا : پلوتوس .
اهمیت ارنست بودن : اسکار وایلد .
ایالت چهل ونهم : جمیز آلدریچ .
ایرانیان : آشیلوس .
ایفی‌ژنی : گوته .
این نوشته شد : فردریك دورنمات .
ایون : اوری پید .
باخشم‌بگذشته بنگر : جان آزبرن .
باد بزن خانم ویندرمیر : اسکار وایلد.
باربیه دسویل
Le Barbier de Séville
نام نمایشنامهٔ‌کمدی درچهار پرده ، اثر بومارشه Beaumarchais ترجمهٔ حسن ره‌آورد .
نام‌آن درایران «ریش‌تراش اشبیلیه» یا «احتیاط بیفایده» می‌باشد .
بارسیب : برناردشاو .
باغ وحش شیشه‌ای : تنسی ویلیامز .
براون ، خدای بزرگ : یوجین‌اونیل.
بشر ، بشراست : برتولت برشت .
بشر وفوق بشر : برناردشاو .
بعل : برتولت برشت .
بوزینه‌های پشمالو : یوجین اونیل .
به شهر می‌آیند : پریسلی .
بیداری بهار : فرانك ودکیند .
بیرون ، جلوی در : ولفگانك بورشرت .
بیمار خیالی : مولییر .
بیوهٔ دانشکده : اد. جرج .
پایه‌های اجتماع : هنریك ایبسن .
پدر : استریندبرگ .
پرگینت : هنریك ایبسن .
پرندهٔ آبی : موریس مترلینگ .
پرندهٔ شیرین جوانی : تنسی ویلیامز .
پرندهٔ کوچك سفید : سرجیمزماتیو .
پرومته در زنجیر : آشیل .
پله‌آس وملی زاندر :
Pellèase et Melisandre
نمایشنامهٔ غنایی شامل ده بخش و سیزده پرده .
رسالهٔ مستخرج از درام (موریس مترلینگ) به‌همین‌نام وموسیقی‌آن‌تصنیف کلود دبو می‌باشد (۱۹۰۲) این تصنیف به‌علت تازگی سبك نمایش‌ولحن موسیقی خود قابل توجه است .
پنچری : فردریك دورنمات .
پیتروددندی : سرجمیزماتیو .
پیرمرد : گورکی .
پیگمالیون : برناردشاو .
تابستان ودود : تنسی ویلیامز .
تاجرونیزی : شکسپیر .
تارتوف : مولییر .
تراژدی قیصر : شکسپیر .
تشنگی : یوجین اونیل .
تمام پسرانم : آرتورمیلر .
توطئه فیسکو : فردریك شیللر .
توفان : شکسپیر .

تیمور لنگ : کریستفرمارلو .
جنگ سلاطین هفتگانه : آشیلوس .
جونز امپراتور : یوجین اونیل .
چشم اندازی از پل : آرتور میللر .
حالت طبیعی : آرتور میللر .
حکومت نظامی : آلبرکامو، ترجمهٔ یحیی مروستی .
خاطره‌ای از دوشنبه : آرتورمیللر .
خال‌گل : تنسی ویلیامز .
خسیس : مولییر.
خلوتگاه : ژان‌پل‌سارتر .
خوشی دیوانه : رابرت شروود .
خون بامبرگ‌ها : جان‌آزبرن .
دایرهٔ گچی قفقازی : برتولت برشت .
دختر پلئاس : اوری پید .
درانبوه شهرها : برتولت برشت .
درخانه چطورند : پریسلی .
در راه‌کاردیف : یوجین اونیل .
درستکاری : آلبرکامو .
درلفافت ساده : جان‌آزبرن .
در منطقهٔ جنگی : یوجین اونیل .
دروغگو : کارلوگولدونی .
دستهای‌آلوده : ژان‌پل سارتر، ترجمهٔ جلال آل احمد .
دشمن خصوصی : جان‌آزبرن .
دشمن ملت : ایبسن .
دکان قهوه فروشی : کارلوگولدونی .
دکتر فاستوس : کریستفرمارلو .
داندن : ژرژ داندن .
نمایشنامه‌ای کمدی و منظوم در سه بخش (پرده) ازمولییر.
دنیای پال سلیکی : جان‌آزبرن .
دوران التفات : تنسی ویلیامز .
دوزخ : ژان پل‌سارتر ، ترجمه ومقدمه ازمصطفی فرزانه .
دون‌ژوان : مولییر.
دون کارلوس : شیللر .
راهزنان : شیللر، ترجمهٔ ابـوالحسن میکده
روزهای بی‌پایان : یوجین اونیل .
روزهای‌کمون : برتولت برشت .
روسپی بزرگوار : ژان پـل سارتـر ، ترجمهٔ عبدالحسین نوشین .
رومئو وژولیت : شکسپیر .
رومولوس کبیر : فردریک دورنمات .
رؤیاهای سیمون ماشار : برتولت‌برشت.
رؤیای نیمهٔ شب تابستان : شکسپیر .
روی بلاس : ویکتور هوگو .
ریاکار : مولییر.
ریچارد سوم : (امیرکبیرتهران).ویلیام شکسپیر، ترجمهٔ رضا براهنی .
زرینه موی : پریسلی .
زنان تراخیس : سوفوکل .
زنان فضل فروش : مولییر.
زن بی‌اهمیت : اسکار وایلد .
زندگان : (دانشگاه تهران) ، هانری تروایا، ترجمهٔ حبیب‌الله صحیحی .
زندگی گالیله: برتولت برشت ، ترجمهٔ عبدالرحیم احمدی .
ژاندارک : برنارد شاو .
ژاندارک : موریس مترلینگ .
ژولیوس سزار : شکسپیر .
سالومه : وایلد .
سرایدار : هرولد پینتر .
سرباز شکلاتی : برناردشاو .
سزار وکلئوپاترا : برناردشاو .
سفر دور و دراز بـه وطن : یـوجین اونیل .
سوء تفاهم : آلبرکامو .
سیاه چال : آلبرت مالتز .
سیب زمینی سرخ کرده باهمه چیز : آرنولدوسکر .
سه روز درشب : یوجین اونیل .
شام در ساعت هشت : جـرج کافمن و ادنافربر .
شب ایگوانا : تنسی ویلیامز .
شکونتلا : کالیداسا.
شورش آستوری‌ها : آلبرکامو .
شوهر دلخواه : اسکار وایلد .
شیطانی در وجود اوست: جان‌آزبرن.
عادلها : آلبرکامو .
عشاق : کارلوگولدونی .
عشق مالا و یکـا وشاه آگنی میترا : کالیداسا .
غروب‌آخرین روزهای پاییز: فردریک دورنمات .
فاوست : گوته .
فرانسیسکا : فرانك ودکیند .
فرشته‌ای به بابل می‌آیـد : فـردریك دورنمات .
فواره : یوجین اونیل .
قبل از این‌هم اینجا بوده‌ام : پریسلی.
قربانی : تاگور .
قصری در سوئد : فرانسواساگان .
قوزك برنجی : دبوزهی وارد .
کاتی‌لینا : ایبسن .
کالیگولا : آلبرکامو .
کاندیدا : برناردشاو .
کسب وکار خانم وارن : برنارد شاو .
کورنیلوس : پریسلی .
گپ
Guépes
کمدی اریستفان‌که درحدود ۴۲۲ قبل‌ازمیلاددرآن نمایش داده شده است.
گربـه روی شیروانی داغ : تنسی ــ ویلیامز .
گروگان : برندن بهن .
گنج خطرناك : پریسلی .
گوشه گیران آلتونا : ژان پل‌سارتر .
لالوکاندیرا : کارلوگولدونی .
لوتر : جان‌آزبرن .
لیرشاه : شکسپیر .
ماژور باربارا : برناردشاو .
مایهٔ رسوایی ونگرانی : جان‌آزبرن .
مردم سرگردان : پریسلی .
مردم‌گریز : مولییر .
مرده‌های بی‌کفن ودفن: ژان‌پل‌سارتر .
مردی‌که کاملا خوشبخت بود : آرتور میللر .
مرگ پیشه ور : آرتورمیللر .
مستنطق : پریسلی .
مسخرهٔ آهن‌ربا : ژیلبرت‌آبوت .
مضحکه‌های دقیق مولییر.
معجزه درآلاباما : ویلیام‌گیبسن .
مکتب زنان : مولییر.
مگسها : ژان پل‌سارتر .
ملاقات بانوی سالخورده : فـردریک دورنمات .
مه : یوجین اونیل .
مهتاب جزایر کاریبی : یوجین اونیل.
ناقوسها : ژیلبرت‌آبوت .
ناگهان تابستان گذشته : تنسی‌ویلیامز، ترجمهٔ داریوش همایون .
نبشته برمزارجرج دیلن : جان‌آزبرن.
نماز برای یك راهبه : آلبرکامو .
نمایشگر : جان‌آزبرن .
ورجینیوس: جیمزشریدان **ناولز.**
وصیت نامه : سرجیمزماتیو .
وطن فرداست : پریسلی .
وقتی ما مردگان برمی‌خیزیم : هنریك ایبسن .
ویلهلم تل : شیللر .
هرکول وطویلهٔ اوجیاس : فـردریک دورنمات .
هلن : اوری پید .

هملت : ویلیام شکسپیر، ترجمهٔ داریوش شاهین .
هندیهای فراری : ژیلبرت آبوت .
هوس زیر درخت نارون: یوجین او نیل.
هیاهوی بسیار برای هیچ : شکسپیر .
هیپولیت : اوری پید .
یك نوك زبان عسل : شیلادلی نی .
یك واقعهٔ مضحك : کارلو گولدونی .
یهودی مالت : کریستفر مارلو .

چندکتاب مربوط به تآتر

افسانه‌های اپرا: امیر کبیر، حسن **شهباز**.
آیندهٔ تآتر در ایران : دکتر مهدی فروغ .
بنیاد نمایش در ایران : دکتر ابوالقاسم جنتی عطایی .
بیوگرافی هنر پیشگان بزرگ : ا . بیدار .
پییس تآتر: سیدعلی نصر .
تاریخ تآتر درجهان : دکتر ابوالقاسم جنتی عطایی .
تاریخ هنروهنرمندان: سرویلیام اوربن ترجمهٔ احمد سپهرخراسانی .
شناخت هنر: هوشنگ شهرزاد ایرانی.
فن صحنه سازی تآتر : لئون موسیناك ترجمهٔ امیرحسین **جهانبگلو** .
فن نمایشنامه نویسی : کاجوس آگری ، ترجمهٔ دکتر مهدی فروغ .
هنر تآتر : عبدالحسین **نوشین** .
هنرپیشه‌گی و کارگردانی غیرحرفه‌ای: د . ج . دزموند ، ترجمهٔ دکتر مهدی فروغ .
هنرهای زیبا : مورخ‌الدوله احمد علی سپهر .

سینما

از آغاز تاریخ، ارتباط و تماس بشر با اطرافیانش محدود به اصوات ساده‌ای بود که با تن‌های مختلف ادا می‌شد و استفاده از گفتار، محدود و به تماس مستقیم بود .

بزودی بشر دریافت که برای هدفهای متعددش گفتار کافی بنظر نمی‌رسد. او نمی توانست ایده‌های خودرا ثبت‌نموده و یا پیغام‌های خودرا بدون قاصد به‌ناحیه‌های موردلزوم ارسال‌دارد. به‌این ترتیب بشر اولیه شروع به‌ترسیم تصویرهای ناهنجاری روی دیوارهای غارخود و یا برروی تکه‌های هموار و پهن سنگ‌ها کرد .

این نقش‌های ناهنجار، ساکن و بیروح اساس دو فورم معینی را جهت ارتباط و تماس بشر با دیگران پی‌ریزی کرد. از یك طرف، تصاویر برروی دیوارها به‌نشانه‌ها وسمبل‌ها وسمبل‌ها خود به‌حرفها و کلمه‌ها ساده شدند. ازطرف دیگر، تصاویر ناهنجار به‌تدریج به‌نمایشهای روح‌بخشی بر روی سنگ‌ها توسعه و تبدیل یافته و با اختراع روغن‌ها، نقاشی‌های بزرگی را که امروزه قسمت مهمی ازیادگارهنری مارا تشکیل می‌دهند بوجود آوردند .

با توسعه و تکاملی که در نحوهٔ بیان ایده‌ها وافکار بشر به وجود آمد بطوری که‌توانست درك وتفاهم خودرا نیزتوسعه بخشد .

به‌تدریج که‌نمونه‌ها با استعمال کلمه‌ها و نوشته‌ها توسعه یافت، مغزانسان‌پرورش یافت تا برطبق این نمونه‌ها فکر نماید . صنعت سینما برپایهٔ همین‌اساس بناشده است .

این هنر درقرن بیستم درشماریکی از بزرگترین مظاهر تمدن و فرهنگ ملت‌ها قرارگرفته است . بودجه‌ایکه در کشورهای آمریکا و اروپا و بسیاری از کشورهای آسیاصرف هنرسینما وتهیهٔ‌فیلم می‌شود به تنهایی برابر با بودجه‌ای است که چندکشور نسبتاً بزرگ را می‌توانند اداره نمایند .

اهمیت سینما تنها از نظراقتصادی نیست ازنظر هنر وصنعت وآموزش و پرورش وبطورکلی‌فرهنگ عمومی سینما نقش‌بسیار مؤثری دارد بطوریکه‌امروزه فیلم، در زمینهٔ صنعت و هنر و فرهنگ سختیهای بسیاری را آسان ساخته است.

تکامل سینما .

عده‌ای ازمورخین سینما ، اصرار دارند ، تاریخ سینمارا از کشف **برق‌در کهربا** (وسیله‌یونانیان) یا **اطاق تاریك** (لئوناردووینچی) و یا **فانوس جادو** (آتاناسیوس کیرشرKircher) شروع کنند به‌هرحال‌ازوقتی‌**پیترمارك راجت** Roget فرضیهٔ‌خودرادربارهٔ **دوام‌تصویر ورابطهٔ آن‌بااشیاء متحرك**‌منتشر کرد(۱۸۲۴م) پیشرفت به‌سوی عکسهای متحرك وبرگرداندن‌آنها برروی پرده،سریع‌ومستقیم شد، درست وقتی‌که راجت فرضیهٔ خودرا درلندن اعلام‌کرد **ژوزف‌نیسه فورنیپس** (Nicephore aciepce) در پی اصول عکسبرداری می‌گشت . وی دو سال قبل ازآن موفق‌شده‌بود عکسی ناقص‌ولی‌ثابت بگیرد .

بلافاصله، بعدازآن لویی داگر: Louis Daguerre به اوملحق شد وبا هم به تجربیات خود ادامه دادند و در سال **۱۸۳۹** روش عملی عکس برداری معین شد ولی‌فقط ازطبیعت بی‌جان عکس می‌گرفتند .

جرج ایستمن درسال**۱۸۸۸**دوربین خودرا تحت‌این‌عنوان (فقطدکمه رافشار دهیدبقیه‌باما) به‌بازارآوردوازتکنیك‌آن برای رواج شهرفرنگ استفاده شدکه‌آن روزهامشتری فراوان داشت سپس‌عکس‌های هرمرحله را جداگانه و به‌روش غیر فوری برمی‌داشتند واین‌عکس‌ها راپهلوی هم می‌چیدند این‌عکسهاکه ازمراحل یك حرکت‌برداشته‌می‌شدکه روی‌چرخ گردان به‌نظر تماشاچی‌متحرك می‌آمد .

هنری‌**هیل** (Heyl) نظیرهمان‌عکس هارا درآکادمی موزیك فیلادلفی برای **۱۶۰۰** نفر تماشاچی‌روی پرده انداخت.

ویلیام فریزگرین (Friesegreene) مشکل عکسبرداری و نمایش تصاویر را به‌خوبی حل‌کرد .

ولی به‌حق، سهم‌ادیسون ولومیر و پول ودیکسون Dickson درتکمیل‌دوربین بیشتر ازسایرین است .

درسال **۱۸۹۵** ادیسون درآمریکا ، لومیرlumiere درفرانسه وپول Paul در انگلستان‌برای‌اولین‌باربرعکسهای‌متحرکی روی‌پرده سفید انداختند، شور و شوق تماشاگران بودکه دستگاه نوظهورآنها را قوام ودوام بخشید . برای‌خود این مخترعین، سینمایك اسباب‌بازی علمی‌بود مانند سایراختراعاتی‌که براساس‌کشفیات علمی قرن نوزدهم صورت می‌گرفت ولی برای مردم این‌اختراع الهام تازه‌ای بود .

تماشاگران نخستین سینمامی‌نشستند ومناظری عادی‌مانند هجوم امواج به ساحل،یاحرکت‌سریع‌اتوموبیلهادرخیابان، ورودقطارراه‌آهن به‌ایستگاه، سان‌ارتش‌و یاحتی‌مردمی‌راکه‌توی‌آفتاب قدم‌میزدند، را با چشمان بهتزده تماشا می‌کردند . نمایشگران این‌مناظررا به‌یك نوع‌تفریح تبدیل‌کردند وکارگردانان‌وعکسبرداران وهنرپیشگان، آنرا ازیك‌تفریح ساده به حدیك هنربالا بردند .

اصطلاحات سینما

آرتیست ، معمولاً هنرپیشه‌ای‌که نقش اول‌فیلم رادارد .

آرك ، کمان‌نوری را به بینید .
آکتور، هنرپیشهٔ‌مرد .
آکتوریس، هنرپیشهٔ زن .
اپتیکال ، روشی در اتصال صحنه‌ها که عکسبرداری شده‌است .
استودیو، محل‌تهیهٔ فیلم .
اثرات صوتی، مجموعهٔ صداهای طبیعی است‌که هنگام فیلم برداری ضبط نشده ، مانند صدای رعدوبرق، باران .
اسکانس، Sequence بند را به‌بینید .
اکسترا، سیاهی‌لشکر .
اکسیون، اتفاقات وحوادث
انتریك، عاملی‌که درتماشاچی ایجاد هیجان می‌کند .
اوپتیك، روشی برای دوبله‌کردن فیلم.
اوپراتور، فیلمبردار .
اینسرت، کلوز آپ بزرگی‌که معمولاً شامل اجسام بی‌جان‌است .
براد ، پهناب را به‌بینید .
برگزینی ، (کاستینگ) عبارت است از انتخاب.هنرپیشه‌های معینی‌جهت‌نقش‌های معین .
برنامهٔکار ، آخرین نوشته‌ای‌که ازروی سناریو تهیه می‌شود ودر آن «نماها» را یکایك‌مشخص‌ومعلوم‌می‌کنندوکارگردان‌از روی‌آن فیلم برمی‌دارد .
بند، (تسلسل‌فیلم) ،
عبارت ازواحدی ازعملیات ممتد و مداوم‌که درآن مکث وتوقفی در زمان مشاهده نشود.
پان ، ۱ ــ حرکت افقی سادهٔ دوربین از یك‌نقطهٔ ثابت
۲ ــ دوربین‌عکاسی وفیلم‌برداری را طوری‌بچرخانند‌که منظرهٔ‌کامل‌وجامعی‌را نشان دهد .
۳ ــ گرداندن دوربین به اطراف برای‌عکس برداری ازمنظره‌ای .
۴ ــ چرخیدن دوربین برای‌عکس برداری .
۵ ــ چرخش دوربین ، تصاویر و مناظر ازچرخش دوربین .
پانتومیم، عبارت‌است ازتصویر فکرها و احساسهاوعاطفه‌های‌گوناگون‌روی‌صورت، بطوری‌که بیان کنندهٔ احساسهای درونی هنرپیشه باشد .
پرتوافکن، چراغی‌که بوسیلهٔ‌آیینهٔ مقعر وبه‌کمك عدسی‌نوررا در امتداد معینی متمرکز می‌سازد، درصورتی‌که با پرتو افکن تصویری را برروی پرده منعکس کنندآن راتصویر افکن‌گویند.
پرسوناژ، افرادی‌که در تآتر یاسینما یا ادبیات نقشی دارند وبه معنی شخص‌های سینما .
پروداکشنی، تهیه وبه‌عمل‌آوردن فیلم .
پرودکتور، تهیه‌کنندهٔ فیلم .
پروژکتور، پرتو افکن را بینید .
پروژکسیون، زمینهٔ تصویررا به بینید .
پلاتو، قسمتی ازاستودیو .
پلان، صحنهٔ ساکن فیلم .
پهناپ (براد)،چراغ مسطحی است که با شیشه مات‌که در انتها اطرافش سیاه شده است پوشیده شده ونوری ملایم و کلی به موضوع می‌تاباند .
پهنهٔدرشت،عکس‌یاقسمتی‌ازفیلم‌که‌بوسیلهٔ دوربین عکاسی‌برداشته شده وجزییات‌آن رادر مقیاس بزرگتری نشان میدهد ، منظرهٔ واقعی هرچیزی .
درصنعت فیلم‌برداری شامل موضوع بوده‌ودوربین‌معمولاً نزدیك موضوع‌قرار می‌گیرد مثلاً اگرموضوع‌آدم باشد،کلوز آپ شامل سروشانه‌های آن شخص‌خواهد بود .
پیروی‌نما، پیروی دوربین ازموضوع ، دوربین وموضوع هردو درحال‌حرکت .
تایتل ، نوشتهٔ روی پردهٔ سینما .
تجارسینمایی «دفتری‌ها» تمام کسانی‌که باجنبه‌های مالی‌سینما سروکار دارند. از تهیه کنندگان گرفته تا رژیسورو حتی مدیرسینما .
تراك‌اوت،این‌حرکت‌دوربین‌کاملاً‌عکس حرکت **تراك‌این** است .
تراك‌این ، حرکت دوربین بطرف شخص یاشئی‌ثابت .
ترالی ، حرکت دور بین فیلمبرداری (بوسیله‌ای مثلاً اتومبیل برای فیلمبر ـ داری) .
ترکیب صحنه، ترکیب یا کمپوزیسیون عبارت ازتقارن وتوازن تصویرهای‌مجرد فیلم ، نحوهٔ قراردادن سایه هاوروشنی‌ها درنورپردازی وهمچنین جهت‌خطوط نیرو .
تروکاژ ، تردستی و فنون سینمایی .
تکنی‌کالور، رنگ‌آمیزی فیلمها .
تکنیك‌های بصری ، حرکات ، برش‌ها ، نورها، ابزارهای اساسی، تکنیك بصری می‌باشند .
تکنیك های سمعی ، عبارتنداز صدا ــ برداری مستقیم شرح اثرات صوتی و موسیقی .
توشات ، صحنه‌ای‌که درآن دونفر مثلاً ازشانه به‌بالانشان داده می‌شوند .
تیلت ، حرکت عمودی دوربین .
جمع روزانه (راش)، چاپ نسخه‌ای از نگاتیف اصلی برای‌ارزیابی کیفیت‌تولیدی روزانه .
حدفاصل‌نما، حدفاصل نمای دور وپهنهٔ درشت .
حل‌کردن، صحنهٔ جدید بتدریج باناپدید شدن صحنهٔ قبلی ظاهرشود .
دابینگ، تطبیق حرکت دهان باصدا در مواردی‌که‌گوینده باهنرپیشه دو نفر باشند .
دالی، حرکت دوربین فیلم‌برداری، این حرکت بوسیلهٔ سوارکردن دوربین روی چیزی شبیه‌ارابه (واگن‌باریکی)که به آن دراصطلاح «دالی» گویند حاصل می‌شود .
دراماتیك ، هیجان‌انگیز .
دستگاه اتصال فیلم ، دستگاهی است‌که به‌وسیلهٔ‌آن تکه‌های مختلف فیلم‌را به‌یك دیگر می‌چسبانند .
دستگاه‌فیلم (سینما)، دستگاهی‌که برای دیدن تصاویر فیلم‌بکار می‌رود .
دفتریها ، تجار سینمایی را به بینید.
دکوپاژ،تعیین‌حرکت‌دوربین فیلمبرداری وتغییرمکان هنرپیشه .
دکور ، زینت صحنه، بانقاشی معماری و غیره .
دکوراتور، کسی‌که‌تزیین صحنه‌هارا‌طرح می‌کند .
دکوراسیون، تعیین جای مناسب‌نقاشیها واشیاء صحنهٔ تآتر یافیلم .
دکومانت ، فیلمی‌که نشان دهندهٔ زندگی حقیقی باشد .
دلایز ، فیلم‌آماده برای نمایش .
دلوکس کالور، طریقهٔ رنگ‌آمیزی‌فیلم (درکمپانی فوکس‌قرن بیستم) .
دیالوگ ، گفتگوی هنرپیشگان .
دیرکتور ، به معنی‌کارگردان .
دیزالو ، حل‌کردن را به بینید .
راش ، جمع روزانه را به بینید .
رژیسور ، کارگردان .
رفلکتور ، منعکس‌کننده را به بینید .
رواستاك ، یعنی فیلم خامی که هنوز استعمال وفیلم برداری نشده است .
روشنایی ، نوری که بین صحنه‌ها ایجاد

می‌نمایند .
رومنیك، حرکت سریع دوربین به‌طرفی.
ریپ شات، فیلم برداری ازمنظره‌ای که عکاسی از آن از لحاظ فنی خیلی دشوار باشد .
ریل ، مقدار فیلمی که ده دقیقه پرده را اشغال می‌کند .
ریورس ، زاویه‌ای که دوربین باجهت و نقطه نظر اصلی دارد مثلا هنگام صحبت دونفر دوربین‌درجهت هـردو تغییر می کند .
زاویهٔ فیلم، زاویه، عبارت ازجهتی‌است که درآن دوربین فیلم بـرداری متوجه شده است .
زمینهٔ تصویر، آوردن محل‌ها ومناظـر بیرون به داخل استودیو، نمایش زمینهٔ جسمی به صورت برجسته .
زمینهٔ صحنه ، حرکت مردم در پشت و درجلو هنرپیشه های اصلی دریك صحنهٔ معین، این نوع جنبش که بوسیلهٔ سیاهی لشکر به‌اصطلاح «محیط» راخلق‌می‌نماید اجرا می‌شود .
سازندگی ، ترکیب صحنه را به بینید .
سانسور ، تفتیش دولت درفیلم‌ها که گاهی موجب حذف قسمتی ازآن می‌شود .
سن ، صحنه را به بینید .
سناریست ، کسی که سناریو می‌نویسد .
سناریو ، نمایشنامه‌ای که کارگردان از روی‌آن فیلم می‌سازد .
ساند ، تغییر ذرات در انتقال صدا .
ساند تراك، باریکهٔ کنارفیلم جهت ضبط صوت .
سوپ استاندارد ، فیلم‌های کمتر از ۳۵ میلیمتر مانند ۸میلیمترو۱۶ میلیمتری.
سوپرتنیك‌پلیر ، هنرپیشگان کمکی .
سوژه ، موضوع .
سینما(تعریف)، ملخص «سینماتوگراف» وآن نمایش مناظر واشیاء واشخاص‌است برروی پرده بوسیلهٔ دستگاه مخصوص .
سینماتوگرافی،امورفنی وهنری‌وتجاری سینما .
سینمای صامت، سینمایی که درآن‌سخنان هنرپیشگان واصوات دیگربه گوش‌نرسد.
سینمای ناطق، سینمایی که‌درآن سخنان هنرپیشگان واصوات دیگر شنیده شود.
سینه‌کلوپ ، محلی برای دیدن فیلم‌های هنری .
شات ، ترکیب صحنه .
صحنه ، جای وقوع، یکی از قسمت‌های درام که درآن هیچ تغییرمکان ویامکثی در تداوم زمان رخ نمی‌دهد دربحث‌فنون سینما صحنه را به‌عنوان یك‌تکهٔ مجزا و منفرد فیلمی که درآن هیچ «برش» و یا «نور» بکارنرفته گویند .
صحنهٔ اصلی ، صحنه‌ای که تمام عملیات وبند را دربردارد .
صدا برداری مستقیم، فیلمی‌است که‌صدا درضمن فیلم برداری بـرروی آن ضبط شده ، این قسمت شامل گفتگو و اثرات صوتی مربوط به‌هرصحنه می‌باشد .
صوت چیست، صوت به‌اعتبارامرخارجی ارتعاشها یالرزه‌هایی است و بـه اعتبار ذهن ، ادراکی است کـه از رسیدن این ارتعاشها به‌گوش و انتقال آنها به‌مرکز- های شنوایی مغزحاصل می‌شود .
عدسی های زاویهٔ باز ، عدسی‌هایی که دارای فاصلهٔ کانونی کوتاه تر از ۵۰ میلی‌متر می‌باشد .
عکس بندی ، تغییر ناگهانی دوربین‌با انتخاب‌زاویه‌های غیرمنتظره برای‌ایجاد هیجان .
فالوشات، حرکت دوربین‌وموضوع باهم.
فاین گرین ، نسخهٔ مثبت فیلم سیاه و سفیدی است کـه از نگاتیف اصلی چاپ شده است .
فوکوس ، روشن بودن صحنه .
فول شات ، نشان دادن یك منظرهٔ کامل.
فید ، روشن وتاریك شدن تدریجی‌صحنه
فید اوت ، نوری کـه صحنه را تدریجاً تاریك می‌کند و اغلب برای پایان فیلم بکار می‌رود .
فیداین ، صحنه کم‌کم روشن می‌شود .
فیلم، رشته نوار سلولوییدی‌شامل‌عکس- های پشت سرهم .
فیلم‌های خبری ، به فیلمی گفته می‌شود که‌ازمقدارزیاد صحنه‌ها وبندهای‌محدود که هنگام‌تهیه‌کارگردانی‌نشده‌وازترکیب و پیوند چند صحنه به دست می‌آیـد و برای ایجاد معنی ومفهوم متکی به‌تفسیر ویاشرح می‌باشد .
فیلم‌های‌داستانی (ادامه‌ای)، بااستفاده از تکنیك‌های بصری وتصویری‌طرح‌ریزی شده است .
کات ، اتصال صحنه‌ها .
کاتالوگ ، لیست وصورت منظم.
کات اوی ، برای کوتاه‌کردن زمان‌لازم جهت‌نشان دادن عمل‌هنرپیشه بکارمی‌رود تا به مداوم بـودن داستان خللی وارد نشود .
کادربندی ، مقدار مواد ومصالحی که در یك صحنه گنجانده شده ومحل‌صحیح آنها درقاب فیلم .
کارتون ، فیلم‌های نقاشی شده .
کاستینگ ، رابطهٔ کارگردان وهنرپیشه .
کامرا ، دوربین فیلمبرداری .
کانتراینگ ، دراین حرکت یك موضوع حرکت نموده وموضوع دیگری در جهت مخالف درمحل و وضعیتی که قبلا پیش- بینی شده حرکت می‌نماید ودرآن محل قرار می‌گیرد همین امر باعث می‌شود ، که ترکیب تصویر ثابت باقی بماند .
کلوزآپ ، پهنهٔ درشت را به بینید .
کلوزشات ، وقتی که ازشانه به بالا همه چیز نشان داده شود .
کمان نوری ، نـور افکنی است دارای کمان زغال خالص که نوری خیلی‌روشن عیناً شبیه نور خورشید ایجاد می‌نماید.
کولاژ، ترتیب چسبانیدن‌نورفیلمبرداری شده .
کومپوزیسیون ، تـرکیـب صحنـه را به‌بینید .
گابو، تختهٔ چوب مانع ورود مستقیم‌نور به داخل عدسی است .
گافقر ، مسؤل چراغ‌های صحنه .
گریم، شبیه ساختن‌هنرپیشه‌ها به‌شخصیت مورد نظر .
گریمور ، کسی که گریم می‌کند .
لاکی ، غلبهٔ تاریکی به روشنایی .
لانگ شات ، منظرهٔ عمومی اطـراف موضوع در فیلمبرداری .
لژ ، محل مخصوص درتآتر وسینما .
لوت ، قطعه زمین اطراف استودیوبرای تهیهٔ اغلب صحنه‌ها .
لوکی ، نورپردازی را به بینید .
لید ، هنرپیشگان طراز اول .
ماچ‌کات ، اگر دوصحنه پشت سرهم کـه به وسیلهٔ یك برش‌به‌هم متصل شده باشد، صحنهٔ دومی قسمتی‌ازصحنهٔ اول را داشته باشد .
ماگوفین ، عبارتست از یك تکهٔ صوتی یاتصویری کـه درسراسر فیلم تکرار می شود مانند قطعهٔ ازیك‌آهنگ موسیقی یا مردی که چشمش می‌پرد ، یـا یك بمب ساعتی که تیك تیك می‌کند .
مدیوم شات ، حد فاصل لانگ شات و کلوزآپ .
مدیوم لانگ‌شات، حدفاصل لانگ شات

ومدیوم شات .
منعکس کننده ، جسم صیقلی که روشنایی را برمی گرداند .
مورد استعمال ماچ کات ، مقصود از بکار بردن «ماچ کات» عبارت است از بدست آوردن تدامی درعملیات و ایده‌ها در حالیکه تماشاچی متوجهٔ تغییر صحنه نگردد .
موسیقی متن ، موسیقی متن تأثیر هیجانی واحساسی فیلم را بالا برده و فیلم را همراهی می کند .
مونتاژ ، ترکیب عکس و فیلم .
مونولوگ ، گفتار یك نفری درفیلم ، که حرکات دست وچهره واندامها در بیان منظور کمك می کند .
میزانسن، تنظیم صحنه‌ها و رهبری بازیگران و نظارت برامور فنی فیلم .
میکرز ، مسئول تنظیم گفتار و موزیك و ضبط آنها .
ناپدیدی روشنایی ، فید را به بینید .
نگاتیف اصلی، فیلمی است که برای گرفتن صحنه‌ها وضبط صدا درخلال تهیهٔ فیلم در دوربین فیلم برداری ودستگاه ضبط قرار می گیرد .
نمای دوربینی ، نمایی است که به‌صورت دایره‌ای درمیان پرده دیده می‌شود ومانند این است که تماشاگر منظره را ازسوراخ دوربین یك چشم تماشا کند .
نمای روان ، نمایی است که در ضمن حرکت مداوم دوربین به‌جلو یا عقب برداشته می‌شود. موضوع ممکن است ثابت یا متحرك باشد .
نمای گذران، نمایی است که با گذراندن دوربین ازبرابر اشخاص یا اشیاء با منظره‌ای برداشته می‌شود ومنظره‌ای که روی پرده دیده می‌شود مانند این است که بیننده ازپنجرهٔ قطار راه‌آهن هنگام حرکت جایی راتماشا کند .
نمره‌گذاری ، چاپ مکانیکی شماره‌های اضافی برروی لبهٔ فیلم تصویر و فیلم صدا.
نور اصلی، منبع اصلی واساسی نور صحنه .
نورافکن ، منبع نوری به‌شکل استوانه است که اشعهٔ تند نور را درهر نقطه که لازم باشد می‌تاباند .
نورپردازی(های کی)، غلبهٔ نواحی روشنایی به‌تاریکی، مؤثرترین وسیله جهت بیان حالت‌های کمدی، شاد ومحیط های سبك است .

نور پرکننده ، نور ملایمی که ازجلو و اطراف آمده وسایه های تندی را که به وسیلهٔ نور اصلی ایجاد شده پر می نماید .
نور پشت ، نوری که ازارتفاع صحنه واز پشت بطوری که‌هاله‌ای ازنور برروی لبه‌ها و مرزهای موضوع می‌تاباند .
واك اوی ، انتقال ازیك نمای درشت به یك نمای دور بوسیلهٔ دور شدن موضوع ازدوربین (عکس واك این) .
واك این ، حرکت دوربین برای انتقال ازلانگ شات به‌یك کلوزآپ .
وایپ ، محو شدن یك صحنه برای ظاهر شدن صحنهٔ دیگر .
های کی ، غلبهٔ روشنایی برتاریکی .
هنرپیشه ، کسی که درصحنهٔ تآتر، سینما وتلویزیون نقشی ایفا کند. هنرپیشه را طراز اول گویند که برروی آنها پایه واساس داستان قرار می گیرد ، هنرپیشهٔ زن را ستاره می‌نامند .
هنرمند، کسی که در رشته‌ای ازهنرهای زیبا، از موسیقی تآتر، سینما ، نقاشی و مانند آن ماهر باشد .

بهترین فیلم ها

آپاچی Bronco Apache
محصول ۱۹۵۴ آمریکا(۸۵دقیقه).
آتش در دشت
Feux Dans Laplaine
محصول ۱۹۶۱ ژاپون(۱۰۹دقیقه).
آتش زیر خاکستر .
محصول ۱۹۲۸ برزیل ـ صامت .
آتشهای موزیك هال
Feux Du Musichall
محصول ۱۹۵۱ ایتالیا (۹۰دقیقه)،
آتلانتید (سرزمین مفقود)
L'Atlantide
محصول ۱۹۲۱ فرانسه ـ صامت
طول فیلم ۴۰۰۰ متر .
آخرین اطلاعیه .
The Last Warning
محصول ۱۹۲۹ آمریکا ـ صامت .
طول فیلم ۳۰۰۰ متر .
آخرین پل Ledernier Pont
محصول ۱۹۵۴ آلمان غربی (۹۸ دقیقه) .

آخرین تعطیلی
Last Week End
محصول ۱۹۴۵ آمریکا (۱۰۱ دقیقه) .
آخرین‌شانس Dernier Chance
محصول ۱۹۴۵ سوییس .
آخرین لحظه Ledernier Etape
محصول۱۹۴۸ لهستان (۹۰دقیقه).
آخرین مرد
Ledernier Des Hommes
محصول ۱۹۲۴ آلمان ـ صامت .
طول فیلم ۲۰۳۶ متر .
آرایا Araya
محصول ۱۹۵۸ کشور ونزوئلا .
آرژیلا Argila
محصول ۴۰ـ۱۹۴۲ برزیل (۹۰ دقیقه) .
آریان Aryan
محصول۱۹۱۶ آمریکا ـ صامت طول فیلم ۱۳۵۰ متر .
آزادی برای ما
Anousla Liberte
محصول۱۹۳۱ فرانسه (۹۶دقیقه).
آژانتریك Ajantrik
محصول ۱۹۵۷ هند .
آسفالت Asphalt
محصول ۱۹۲۹ آلمان ـ صامت .
طول فیلم درحدود ۲۰۰۰ متر.
آسفالت جونگل Asphalt Jungle
محصول ۱۹۵۰ آمریکا (۱۱۲ دقیقه) .
آسمان جهنم Leciel D'Anfer
محصول ۱۹۵۳ مصر .
آسمان صاف Lecielpur
محصول۱۹۶۱ شوروی(۱۰۵دقیقه).
آسمان مال شماست
Leciel Esta Vous
محصول۱۹۴۴ فرانسه(۱۰۵دقیقه).
آشوبگران آلوادرو
Leesrevoltes D'Alvarado
محصول ۳۴ـ۱۹۳۶ مکزیك (۶۰ دقیقه) .
آفرودیت‌های جوان
Junes Aphrodites
محصول ۱۹۶۲ (۹۸ دقیقه) .
آفریقا بازگرد .
محصول مشترك آمریکا واتحاد کشورهای آفریقایی ۱۹۵۹ (۸۲ دقیقه) .

۱۶۵۲

آقای اسمیت به واشنگتن می‌رود
Mr. S. Goes to Washington
محصول ۱۹۳۹ آمریکا (۱۲۹ دقیقه).

آقای دیدز به‌شهر می‌رود.
محصول ۱۹۳۶ آمریکا (۱۱۵ دقیقه).

آقای ریپوا Mr. Ripois
محصول مشترك انگلستان و فرانسه ۱۹۵۴ (۱۰۰ دقیقه).

آقای مارشال خوش‌آمدید.
محصول ۱۹۵۲ اسپانیا (۸۰ دقیقه).

آقای وردو Mr. Verdoux
محصول ۱۹۴۷ (۱۲۲ دقیقه).

آکادمین پاولوف.
محصول ۱۹۴۹ شوروی (۱۱۰ دقیقه).

آلامو Alamo
محصول ۱۹۶۰ آمریکا (۱۹۰ دقیقه).

آلمان صفر ساله
Allemgne Annee Zero
محصول ۱۹۴۸ ایتالیا (۷۸ دقیقه).

آلیتا Aelita
محصول ۱۹۲۴ شوروی (۲۸۴ دقیقه).

آمیش (زنها در بین خودشان)
Amiche
محصول ۱۹۵۵ ایتالیا (۹۰ دقیقه).

آن Aan
محصول ۱۹۵۱ هندوستان (۱۰۵ دقیقه).

آنتراکت Entr'acte
محصول ۱۹۲۴ فرانسه ــ صامت.
طول‌فیلم ۳۳۵ متر.

آنتوان و آنتوانت
Antoin Et Autoinette
محصول ۱۹۴۷ فرانسه (۷۸ دقیقه).

آنژل Angele
محصول ۱۹۳۴ فرانسه (۹۰ دقیقه).

آنها دوان دوان می‌آیند
Some Came Running
محصول ۱۹۵۹ آمریکا (۱۳۵ دقیقه).

آنیکی بوبو Aniki Bobo
محصول ۱۹۴۲ پرتغال (۹۰ دقیقه).

آواره Awara
محصول ۱۹۵۳ هندوستان.

آواز در زیر باران
Singin in the rain
محصول ۱۹۵۲ آمریکا (۹۸ دقیقه).

آواز دریا.
محصول ۱۹۵۴ برزیل (۹۰ دقیقه).

آوازخوان‌جاز The Jaz singer
محصول ۱۹۲۷ آمریکا (۱۰۲ دقیقه).

آهنگر Malec Forgeron
محصول ۱۹۲۱ آمریکا ــ صامت.
طول فیلم ۶۰۰ متر.

ابله Idiot
محصول ۱۹۵۱ ژاپون (۱۵۰ دقیقه).

ابلیس Faust
محصول ۱۹۲۶ آلمان ــ صامت.
طول فیلم ۲۴۰۰ متر.

اپرای چهار شاهی
Opera De Quat'sous
محصول ۱۹۳۱ آلمان (۱۱۴ دقیقه).

اتلو Othello
محصول ۱۹۵۲ مشترك آمریکا و مراکش (۹۵ دقیقه).

اتوبوسی به‌نام هوس.
محصول ۱۹۵۱ آمریکا (۱۲۵ دقیقه).

اتومبیل خاکستری
L'automobile Grise
محصول ۱۹۱۹ مکزیك ــ صامت.

اتومبیل کوچك Cochecito
محصول ۱۹۶۱ اسپانیا (۸۸ دقیقه).

اختراع شیطانی
Une invention Diabolique
محصول ۱۹۵۸ چکوسلواکی (۹۰ دقیقه).

اروا‌کا Eroica
محصول ۱۹۵۷ لهستان.

اروپا Europesi
محصول ۱۹۵۲ ایتالیا (۱۱۰ دقیقه).

از اینجا تاابدیت
From Here to Eternity
محصول ۱۹۵۳ آمریکا (۱۱۶ دقیقه).

ازمیان‌آیینه Sasomi en spegel
محصول ۱۹۶۱ سوئد (۹۰ دقیقه)

اسب بالدار Horse Feathers
محصول ۱۹۳۲ (۷۰ دقیقه).

اسب سپید Crin Blanc
محصول ۱۹۵۳ فرانسه (۴۷ دقیقه).

اسب‌گریان Cheval Quipl
محصول ۱۹۵۷ شوروی ۹۹ (دقیقه).

اسرارپیکاسو Mystere Picasso
محصول ۱۹۵۶ فرانسه (۷۸ دقیقه)
موضوع فیلم پیکاسو را نشان می‌دهد و تمام تابلوهایش را که با موفقیت و با شکست روبرو شده در معرض دید عموم می‌گذارد.

اسرار نیویورك
Mystere De newyork
محصول ۱۹۱۵ آمریکا.

اشکهای یانك تسه
Larmes De Y. T.
محصول ۱۹۴۸ چین (چهار ساعت در دوقسمت).

(اصل‌کاری) آن موضوع درکیف است
Affair Est Dansle sac
محصول ۱۹۳۲ فرانسه (۵۵ دقیقه).

اطاق تیغه چوبی
Chambrealacloison De Bois
محصول ۱۹۵۳ هونك‌كونك.

اطاق صورتهای مومی.
محصول ۱۹۲۴ آلمان.

اطفال‌بهشت Enfants du paradis
محصول ۱۹۴۲ــ ۱۹۴۵ فرانسه (۱۹۵ دقیقه).

اطفال کرهٔ زمین
Enfants de laterre
محصول ۱۹۴۶ هندوستان.

اطفال هیروشیما
Enfants d'Hiroshima
محصول ۱۹۵۳ ژاپون (۱۲۰ دقیقه).

اعتصاب Greve
محصول ۱۹۲۵ شوروی، صامت.

افسانهٔ گوستا برلینگ
Legende De gosta Berling
محصول ۱۹۲۴ سوئد، صامت.

افسانه «نارایانا»
Legende de Narayan
محصول ۱۹۵۸ ژاپون (۹۸ دقیقه).

اکتبر Oktiabr
محصول ۱۹۲۷ شوروی ــ صامت.

اکسدوس (مهاجرت) Exodus
محصول ۱۹۶۱ آمریکا (۱۹۲ دقیقه).

اگر پرندگان می‌دانستند
Siles Oiseaux Savient
محصول ۱۹۵۵ ژاپون (۱۲۰ دقیقه).

ال El (Tourments)
محصول ۱۹۵۳ مکزیك (۸۶دقیقه).
الدورادو Eldorado
محصول ۱۹۲۱ فرانسه ــ صامت طول این فیلم ۱۵۰۰ متر است .
السید Elcid
محصول ۱۹۶۰ آمریکا (۱۷۶ دقیقه) .
العظیما Al Azima
محصول ۱۹۳۹ مصر (۱۱۰ دقیقه).
الکترا Elektra
محصول ۱۹۶۲ انگلستان (۱۱۰ دقیقه) .
الکساندر نونسکی
Alexandre Nevski
محصول ۱۹۳۸ شوروی (۹۰دقیقه).
المرگانتری Elmer Gantry
محصول ۱۹۶۰ آمریکا (۱۴۵ دقیقه) .
امبرتو .
محصول ۱۹۵۲ ایتالیا (۸۰دقیقه).
امید L'espoir
محصول مشترك فرانسه واسپانی در ۳۹ــ۱۹۴۵ (۹۰ دقیقه) .
امیدوار Soupirant
محصول ۱۹۶۳ فرانسه (۸۵دقیقه).
«امیل زولا» Lifof E. Zola
محصول ۱۹۳۶ آمریکا (۹۰دقیقه).
امیل وکارآگاهان
Emil et les detectives
محصول ۱۹۳۱ آلمان (۷۵دقیقه).
انتهای زندگی Finde lavie
محصول ۱۹۳۷ آمریکا (۹۳ دقیقه) .
انسان درپشت دوربین
L'homme Ala Camera
محصول ۱۹۲۹ شوروی ــ صامت .
انسان وحشی Labete humaine
محصول ۱۹۳۸ فرانسه (۹۰ دقیقه)
انگیزهٔ جنایت .
محصول ۱۹۵۷ آمریکا (۹۵دقیقه).
اورتیکون .
محصول ۱۹۲۹ چکوسلواکی، طول این فیلم دوهزار متراست.
اورفه Orphee
محصول ۱۹۵۰ فرانسه (۱۱۲ دقیقه) .
اورفه سیاه Orphee negro
محصول ۱۹۵۹ فرانسه (۱۰۵ دقیقه).
او فقط دریك تابستان رقصید
Ellen'a danso Qu'un Seul ete
محصول ۱۹۵۱ سوئد (۸۵ دقیقه).
اوکراین Okraina
محصول ۱۹۳۳ شوروی (۹۸دقیقه).
اهریمنان .
محصول ۱۹۶۱ انگلستان (۸۶ دقیقه) .
ایستگاه اتوبوس Bus Stop
محصول ۱۹۵۶ آمریکا (۹۴دقیقه).
ایستگاه قاهره Cairo Station
محصول ۱۹۵۷ مصر (۹۰ دقیقه).
اینست زندگی Telle est lavie
محصول ۱۹۲۹ چکوسلواکی‌صامت طول این فیلم ۱۸۰۰ متراست .
ایگبورگ‌هولم Ingeborg holm
محصول ۱۹۱۳ سوئد ــ صامت طول این فیلم ۱۲۰۰ متراست .
بابل‌جدید Nouvelle Babylone
محصول ۱۹۲۹ شوروی ــ صامت .
با جادوگری ازدواج کردم
I married A witch
محصول ۱۹۴۲ آمریکا (۷۸دقیقه).
باج سبیل Black mail
محصول ۱۹۲۹ انگلستان (۹۰ دقیقه) .
باد The Wind
محصول ۱۹۲۸ آمریکا ــ صامت .
باربروس
Akahige (Barberousse)
محصول ۱۹۶۵ ژاپون (۱۸۵ دقیقه) .
باز بالاتر Safety Last
محصول ۱۹۲۳ آمریکا ــ صامت، طول این فیلم ۱۵۰۰ متراست .
بازگشت جاودان
L'eternel Retour
محصول ۱۹۴۳ فرانسه (۱۰۹دقیقه).
بازگشت واسیلی بورتینکوف .
محصول ۱۹۵۳ شوروی (۱۱۰ دقیقه) .
بازی خطرناك Legrand Jeu
محصول ۱۹۳۴ فرانسه (۱۰۰ دقیقه) .
بازی خطرناك
The Most dangerous Game
محصول ۱۹۳۲ آمریکا (۶۳دقیقه).
بازیهای تابستانی Jeux D'ete
محصول ۱۹۵۰ سوئد (۹۳ دقیقه).
بازیهای ممنوعه Jeux Interdits
محصول ۱۹۵۲ فرانسه (۱۰۲دقیقه).
بالن قرمز Ballon Rouge
محصول ۱۹۵۶ فرانسه (۳۶دقیقه).
بامبی Bambi
محصول ۱۹۴۲ آمریکا (۷۰دقیقه).
برادران مارکس به غرب می‌روند
Go west
محصول ۱۹۴۰ آمریکا (۹۰دقیقه).
برای یك‌بار زندگی
J'ai le Droit de vivre
محصول ۱۹۳۷ آمریکا (۸۶دقیقه).
بربادرفته Gone with the wind
محصول ۱۹۳۹ آمریکا (۲۳۵ دقیقه) .
برخورد بد
Mauvaises Rencontres
محصول ۱۹۵۵ فرانسه (۸۴دقیقه).
برخورد کوتاه
Brief Encounter
محصول ۱۹۴۶ انگلستان (۱۰۰ دقیقه) .
برف خونین Lanige sauglante
محصول ۱۹۲۷ شوروی ، به طول ۲۱۰۰ متراست .
برلن Berlin
محصول ۱۹۴۵ــ۱۹۴۶ شوروی .
برلن ، سنفونی یك شهر بزرگ .
محصول ۱۹۲۷ آلمان ــ صامت .
برنج تلخ Riso Amaro
محصول ۱۹۴۹ ایتالیا (۱۰۸ دقیقه) .
بریگادون Brigadoon
محصول ۱۹۵۴ آمریکا (۹۵دقیقه).
بزرگترین سرقت راه آهن
Great train robl Ery
محصول ۱۹۳۰ آمریکا ــ صامت، طول این فیلم ۲۴۵ متراست .
بزغاله‌های گمشده
Les Chevreaux Perdus
محصول ۱۹۳۶ چین (۹۰دقیقه).
بسوی خوشبختی Erotikon
محصول ۱۹۲۰ سوئد ــ صامت، طول این فیلم ۲۱۱۶ متراست .
بسوی غرب Go west
محصول ۱۹۲۵ آمریکا .
بسوی‌ناشناخته Vers L'inconnu

محصول ۱۹۵۶ لبنان (۹۰دقیقه).

بودن یا نبودن .
محصول۱۹۴۲ آمریکا (۹۸دقیقه).

بوسهٔ مرگ Kisse Me Deadly
محصول ۱۹۵۵ آمریکا (۱۰۵ دقیقه) .

بوسهٔ مرگبار Le baiser Mortel
محصول۱۹۱۶ سوئد ـ صامت،طول این فیلم ۱۵۰۰ متراست .

بهار Printemps
محصول ۱۹۳۰ شوروی. طول این فیلم ۱۵۰۰ متراست .

بهترین سالهای زندگی
The Best Years of our Lives
محصول ۱۹۴۲ آمریکا (۱۷۲ دقیقه) .

بیابان سرخ Desert Rouge
محصول ۱۹۶۴ ایتالیا (۱۳۵ دقیقه) .

بیا وآن را ببر
Go me on and Get it
محصول ۱۹۳۶ آمریکا (۱۰۵ دقیقه) .

بیرحم Sanspitiee
محصول ۱۹۴۸ ایتالیا (۹۴دقیقه).

بیست‌وچهار نی‌نی 24 Pruneelles
محصول۱۹۵۴ژاپون(۱۱۰دقیقه).

بیقواره Misfits
محصول ۱۹۶۱ آمریکا (۱۲۵ دقیقه) .

بیگانه‌ای در قطار
Strangers On A train
محصول ۱۹۵۱ آمریکا (۹۳دقیقه).

بیمهٔ مرگ DouBle Indemnity
محصول ۱۹۴۴ آمریکا (۱۰۳ دقیقه) .

بینوایان .
محصول ۱۹۴۷ ایتالیا .

بینوایان .
محصول ۱۹۵۲ ژاپون .

بینوایان .
محصول ۱۹۳۵ آمریکا .

بینوایان .
محصول ۱۹۱۸ آمریکا .

بینوایان .
محصول ۱۹۴۴ مصر که وسیلهٔ کمال سلیم تهیه شده بود .

بینوایان .
محصول۱۹۵۷ فرانسه(۲۱۷دقیقه).

بینوایان .
محصول ۱۹۳۴ فرانسه ، طول فیلم ۳۲۰۰ متراست .

بینوایان .
محصول ۱۹۲۵ فرانسه .

بینوایان Les Miserables
محصول ۱۹۱۱ فرانسه .

پاترپانچالی Pather Panchali
محصول ۱۹۵۵ هندوستان (۱۱۰ دقیقه) .

پاریس Paris
محصول ۱۹۱۳ فرانسه ـ صامت طول فیلم ۱۱۲۰ متراست.

پاریس خواب آلود
Paris qui Dort
محصول ۱۹۲۴ فرانسه ـ صامت طول فیلم ۱۶۵۰ متراست .

پاریس مال ماست
Paris nous appartient
محصول ۱۹۶۱ فرانسه (۱۳۵ دقیقه) .

پاگشا
Andais on de la Caemailere
محصول۱۹۴۴ هونك كونك(۱۲۰ دقیقه) .

پانسیون میموزا
Pantion De Meimousa
محصول ۱۹۳۵ فرانسه (۱۱۰ دقیقه) .

پایان جشن Finde fete
محصول ۱۹۶۰ آرژانتین (۹۵ دقیقه) .

پایان‌رنجها Au bout de souffle
محصول۱۹۶۰فرانسه (۸۷ دقیقه).

پایان زمین Finis Terre
محصول ۱۹۲۹ فرانسه ـ صامت طول این فیلم ۱۵۰۰ متراست .

پایان سن پطرزبورگ
Fin De Saint.P
محصول ۱۹۲۷ شوروی ـ صامت طول این فیلم ۲۵۰۰ متراست .

پایسا Paisa
محصول ۴۴ـ۱۹۴۶ ایتالیا (۹۰ دقیقه) .

پردهٔ آهنین The Iron Curtain
محصول۱۹۴۸ آمریکا (۸۲دقیقه)

پردهٔ سرخ Rideau Cramoisi
محصول ۱۹۵۳ فرانسه (۴۴دقیقه).

پرفسور مملوك P.mamlock
محصول ۱۹۳۸ شوروی (۱۰۵ دقیقه) .

پرفسور هانیبال
Professeur Hanibal
محصول ۱۹۵۶ مجارستان (۹۰ دقیقه) .

پرورش کودك
Bringing up Babv
محصول۱۹۳۷ آمریکا(۱۰۲دقیقه).

پروندهٔ محرمانه
Dossier secret (M–Arcadin)
محصول مشترك فرانسه واسپانیا در سال ۱۹۵۶ (۹۶ دقیقه) .

پریچهر و پریزاد
Blancheneige et les Septnains
محصول۱۹۳۷ آمریکا (۸۶دقیقه).

پس از جدایی ما
Kimi to wakarete
محصول ۱۹۳۳ ژاپون ـ صامت

پست شب Night Mail
محصول ۱۹۳۵ انگلستان (۱۳۰ دقیقه) .

پسران شاد
Les Joyeux Garcons
محصول۱۹۳۴شوروی (۹۳دقیقه).

پسر بچه .
محصول۱۹۲۱ آمریکا به‌طول۱۷۰۰ متر .

پسر شیخ
The son of the she Sheik
محصول ۱۹۲۵ آمریکا ـ صامت، به طول ۱۵۰۰ متر است .

پسرعموها Cousins
محصول ۱۹۵۹ فرانسه (۱۱۰ دقیقه) .

پسر مغولی Fils de Mongolie
محصول مشترك شوروی ومغولستان ۱۹۳۶ (۹۰ دقیقه) .

پلاژ زیبا
Une si jolie petite Plage
محصول ۱۹۴۹ فرانسه(۹۱دقیقه).

پل رودخانهٔ کوای
The bridge on the River kwai
محصول ۱۹۵۷ انگلستان (۱۶۰ دقیقه) .

پنجهٔ طلایی Gold finger
محصول ۱۹۶۵ (۱۱۲ دقیقه) .
پولیکوشکا Polikouchka
محصول ۱۹۱۹–۱۹۲۱ شوروی صامت، به طول ۱۳۶ متر .
په‌په Pepe
محصول ۱۹۳۷ فرانسه (۹۰ دقیقه).
پهلوان The strong Man
محصول ۱۹۲۶ آمریکا صامت، طول این فیلم ۱۸۰۰ متراست .
پیچ قاطع
Le Tournant Decisif
محصول ۱۹۴۵ شوروی (۱۰۸ دقیقه).
پیدایش یک ملت
Birth of Anation
محصول ۱۹۱۵ آمریکا ، طول این فیلم ۳۶۰۰ متر است .
پیرسیک خاطرات یك خدمتکار .
محصول ۱۹۴۶ آمریکا (۸۶ دقیقه).
پیروزی تلخ Amere Victoire
محصول ۱۹۵۷ فرانسه (۱۰۰ دقیقه) .
پیروزی هوس
Triomphe de la Volonte
محصول ۱۹۳۶ آلمان (۱۲۰ دقیقه).
پیش قراول سپیده دم
The dawn patrol
محصول ۱۹۳۰ آمریکا (۹۵ دقیقه).
تابو Tabou
محصول ۱۹۳۱ آمریکا (۹۰ دقیقه) .
تاراس شوچمکو
Tarass Chevtchenko
محصول ۱۹۵۱ شوروی (۱۱۸ دقیقه) .
تاریخ عشاق بینوا
Chronique des Pauvres Amants
محصول ۱۹۴۵ ایتالیا -۱۰۲ دقیقه.
تاریکی‌ها در وسط روز .
محصول ۱۹۵۶ ژاپون (۱۰۷ دقیقه).
تالاپ تولوپ Tramp traimp
محصول ۱۹۲۶ آمریکا ــ صامت ، به طول ۱۷۵۰ متر است .
تام جونز Tom jones
محصول ۱۹۶۳ انگلستان (۱۱۵ دقیقه) .
تب Fievre
محصول ۱۹۲۱ فرانسه ــ صامت ، به طول ۱۲۰۰ است .

تبهکاران Lescri minels
محصول ۱۹۶۰ انگلستان (۹۷ دقیقه) .
تپلی Pychka
محصول ۱۹۳۶ شوروی ــ صامت ، به طول ۱۸۹۲ متر .
تپلی Boule de suif
محصول ۱۹۴۵ فرانسه (۱۰۵ دقیقه).
تپهٔ ۲۴ جواب نمی‌دهد
Hill 24 Doesn't Answer
محصول ۱۹۵۵ اسرائیل (۹۵ دقیقه).
تحقیر Meprise
محصول ۱۹۶۳ فرانسه (۱۰۳ دقیقه).
تحمل ناپذیر Intolerance
محصول ۱۹۱۶ آمریکا ــ صامت، (۲۷۵ دقیقه) به طول ۲۵۰۰ متر .
تراترما Terraterma
محصول ۱۹۴۸ ایتالیا (۱۵۰ دقیقه) .
تراژدی ژاپون
Tragedi Du Japon
محصول ۱۹۵۳ ژاپون .
تراژدی معدن Kamer ds chaft
محصول ۱۹۳۱ آلمان (۹۲ دقیقه).
ترانهٔ برنج
Parch (Chnson de Riz)
محصول ۱۹۳۵ اندونزی .
ترانهٔ دریا Poeme de lamer
محصول ۱۹۵۸ شوروی (۱۱۲ دقیقه).
ترحم برای ایشان Ol Vidados
محصول ۱۹۵۰ مکزیك (۸۹ دقیقه).
ترزا Teresa
محصول ۱۹۵۱ آمریکا .
ترزراکن Therese Raquin
محصول ۱۹۱۵ ایتالیا ــ صامت.
ترکه Boomerang
محصول ۱۹۴۶ آمریکا (۸۸ دقیقه).
تعطیلات Vacances
محصول ۱۹۳۸ آمریکا (۹۴ دقیقه).
تعطیلات در رم
Roman Holibay
محصول ۱۹۵۳ آمریکا (۱۱۰ دقیقه).
تفنگداران Les Carabinniers
محصول ۱۹۶۳ فرانسه (۷۵ دقیقه).
تمدن Civilisation
محصول ۱۹۱۶ آمریکا ــ صامت . به طول ۲۵۰۰ متر
تنها Seule
محصول ۱۹۳۱ شوروی (۸۰ دقیقه).

توت فرنگی وحشی
Fraises Sauvages
محصول ۱۹۵۸ سوئد (۸۹ دقیقه).
تورو Toro
محصول ۱۹۵۶ مکزیك (۷۵ دقیقه).
جاده Astrada
محصول ۱۹۵۴ ایتالیا (۹۴ دقیقه).
جادهٔ ستارگان Going My way
محصول ۱۹۴۴ آمریکا (۱۲۷ دقیقه).
جادهٔ صلیب Cross Road
محصول ۱۹۲۸ ژاپون . بـه طول ۱۸۰۰ متر.
جادهٔ طولانی
Route Longue D'unan
محصول ۱۹۵۸ یوگوسلاوی (۱۲۰ دقیقه) .
جادهٔ مرگ
Morthe By north west
محصول ۱۹۵۹ آمریکا (۱۳۶ دقیقه).
جدال در آفتاب Duel in the sun
محصول ۱۹۴۹ آمریکا (۱۳۵ دقیقه).
جزیرهٔ خالی Ile nue
محصول ۱۹۶۱ ژاپون (۹۳ دقیقه).
جستجو The search
محصول مشترك سویس و آمریکا ۱۹۴۸ (۱۰۵ دقیقه) .
جشن اسپانیایی
La fete Espagnole
محصول فرانسه ــ صامت، بـه طول ۱۸۰۰ متر .
جشن قهرمان
La Kermesse heroïque
محصول ۱۹۳۵ فرانسه (۱۵۰ دقیقه).
جلاد Elverdugo
محصول ۱۹۶۴ اسپانیا (۹۵ دقیقه).
جناب سانشو Intendan Sancho
محصول ۱۹۵۴ ژاپون (۱۱۹ دقیقه).
جنایت آقای لانژ
Le Crime De M. Lange
محصول ۱۹۳۵ فرانسه (۹۰ دقیقه).
جنایت بدون ترحم
Crime with out Passion
محصول ۱۹۳۴ آمریکا (۸۰ دقیقه).
جنایتکاران دراورگوسولر .
محصول ۱۹۶۱ ایتالیا (۹۲ دقیقه).
جنایتکاران درمیان ماهستند
Die mordersind Unterdev
محصول ۱۹۴۶ آلمان (۱۰۰ دقیقه).

۱۶۵۶

جنگل تخته سیاه .
Blackboard Jungle
محصول۱۹۵۵ آمریکا(۱۰۱دقیقه)
جنگل مصلوبین .
محصول ۱۹۶۵ رومانـی (۱۵۷ دقیقه) .
جنگ وصلح
محصول مشترك آمریکـا و ایتالیا ۱۹۵۵ (۱۹۴ دقیقه) .
جنوبی‌ها L'Homme du Sud
محصول۱۹۴۵ آمریکا (۹۲دقیقه).
جن وپری La belle et la bete
محصول۱۹۴۶ فرانسه (۱۰۰دقیقه)
جنون زنها Foolish wives
محصول ۱۹۲۱ آمریکا ــ صامت به طول ۴۲۰۰ متر .
جودکس Judex
محصول ۱۹۱۷ فـرانسه ــ صامت به طول ۹۰۰ متر .
جونی گیتار(جانی گیتار)
Johnny Guitare
محصول۱۹۵۴ آمریکا(۱۱۰دقیقه).
جویندگان طلا The Gold Rush
محصول ۱۹۲۵ آمریکا ــ صامت به طول ۲۷۲۰ متر .
جویندگان طلا
Gold diggers of 1933
محصول۱۹۳۰ آمریکا(۹۶دقیقه).
جیب بر Pickpocket
محصول۱۹۵۹ فرانسه (۷۵ دقیقه).
جیب برخیابان جنوبی
Pickupon South Street
محصول۱۹۵۳ آمریکا(۸۲دقیقه).
چاپایف Tchapaif
محصول ۱۹۳۴ (۹۴ دقیقه) .
چارلی پاسبان .
محصول ۱۹۱۷ آمریکا ــ صامت به طول ۲۶۰ متر .
چارلی چاپلین .
محصول آمریکا ۱۹۱۴ ــ ۱۹۲۱
یك سری ازفیلمهای چارلی چاپلین کـه ازسال ۱۹۱۴ تا۱۹۲۱ تهیه شده عموماً کوتاه واکثراً ازشصت مترتجاوزنمی‌کند و تیترفرانسهٔ آن «شارلو» است.اولـین فیلم‌آن در ۱۹۱۴ به‌نام چارلی‌شروع به کار می‌کند تافیلم «چارلی ونقاب‌آهنین» که درسال ۱۹۲۱ تهیه شده تعداد این فیلمها فوق‌العاده زیاد ونمی‌توان همگی را شرح داد وفقط به ذکرنام تعدادی از آنها اکتفا می‌شود . نباید فراموش‌کرد که چارلی خود تهیه‌کننده ، هنرپیشه و سناریونویس‌کلیهٔ این‌فیلمها بوده وضمناً ازسال ۱۹۱۴ روز به‌روز پرسناژایـن قهرمان‌روبه‌کمال‌وتکامل رفته‌بهاین معنی که درسری «کیستون» چارلی چاپلین از پرسناژهای شرور وحقه‌باز بوده وکم‌کم در ۱۹۱۵ «مردك کوچولـو» ودر سال ۱۹۱۶ به‌صورت‌آدمی بیکارکه در راهها وجاده‌ها به‌دنبال‌کار می‌گردد درمی‌آید البته نباید دراینجا لقب ولگردبه‌اوداد وماجراهایی‌که در این دوران برسر او می‌آید سوژهٔ فیلم است قـریب صد فیلم کوتاه وبلند ازاو تهیه شده‌که مهمترین آنها عبارتند از :

چارلی تازه‌کار ــ چارلی پیشخدمت بانك ــ چارلی پیشخدمت کافه ــ چارلی بازی‌کارمن می‌کند ــ چارلـی ملوان ــ چارلی پاسبان می‌شود ــ چارلی مأمـور آتش‌نشانی ــ چارلی‌فرارمی‌کند ــ چارلی سرباز ــ چارلی ولگرد ــ چارلی به‌سفر می‌رود. دراکثرفیلمهاچارلی «ادناپورویانس» و «اریك کمپبل» شرکت‌دارند .

چاقوی بزرگ The big Knife
محصول۱۹۵۵ آمریکا(۱۱۱دقیقه).
چانك Chang
محصول ۱۹۲۷ آمریکا ــ صامت به طول ۱۲۰۰ متراست .
چترهای «شربورگ»
Parapluis de Cherbroug
محصول۱۹۶۴ فرانسه(۹۰ دقیقه).
چچورس Chechors
محصول۱۹۳۹ شوروی(۱۴۰دقیقه).
چراغ گاز Gas light
محصول ۱۹۴۰ انگلستان (۹۰ دقیقه) .
چراگاه سبز Verts Paturages
محصول۱۹۳۶ آمریکا(۹۰ دقیقه).
چرخ Laroue
محصول ۲۱ــ۱۹۲۴ فرانسه‌ــصامت به طول ۴۲۰۰ متر است .
چمن Grass
محصول۱۹۶۵ آمریکا(۹۰دقیقه).
چهار پیاده نظام
Quatre de L'infanterie
محصول ۱۹۳۰ آلمان (۹۸دقیقه).
چهار دود کش بخاری
Quatres Cheminées
محصول۱۹۵۳ ژاپون(۱۰۰دقیقه).

چهار راه شهر City Streets
محصول۱۹۳۱ آمریکا (۷۰دقیقه).
چهار سوار سرنوشت
The Four Horsmen of Apocalypse
محصول ۱۹۳۹ چین .
چهار قدم در ابرها
Quatres Pas Dans les Nuage
محصول۱۹۴۲ ایتالیا (۹۰دقیقه).
چه‌آتشپاره‌ای Why Worry?
محصول۱۹۲۳ آمریکا ــ صامت به طول ۲۰۰۰ متر است .
چهرهٔ زیبا Funny Face
محصول۱۹۵۷ آمریکا (۹۹دقیقه).
چهرهٔ مخوف Scar face
محصول۱۹۳۲ آمریکا (۹۰ دقیقه)
چهل ویکمین .
محصـول ۱۹۲۷ شوروی ــ صامت طول فیلم ۱۸۰ متراست .
حادثه در نیویورك (ماجراهـای مـاه اکتبر)
Uue Aventure a newYork
محصول ۱۹۲۴ شوروی‌ــ صامت به طول ۹۸۰ متر است .
حادثهٔ عجیب
محصول۱۹۴۲ آمریکا (۸۰دقیقه).
حرام Peche
محصول ۱۹۶۵ (۱۰۵ دقیقه) .
حریص Greed
محصول ۱۹۲۴ آمریکا ــ صامت به طول ۲۴۰۰ متر است .
حضرت موسی وفرعون
Dix Commandements
محصول ۱۹۲۳ آمریکا ــ صامت (۱۲۰ دقیقه) .
حقیقت Laverite
محصول ۱۹۶۰ فـرانسه (۱۲۴ دقیقه) .
حقیقت مرز ندارد
Verite N'apasde
محصول۱۹۴۹ لهستان (۹۵دقیقه).
حلقه Ronde
محصول ۱۹۵۰ فرانسه (۹۷دقیقه).
حماسهٔ یك سربـاز
Ballade Du Soldat
محصول ۱۹۶۰ شوروی .
حمامها Les Bains
محصول۱۹۶۲ شوروی (۹۰دقیقه).

حیوان Animal Crackers
محصول ۱۹۳۰ آمریکا (۱۰۰ دقیقه) .

خارش هفت ساله
Seven Year Itch
محصول۱۹۵۵ آمریکا(۱۰۵ دقیقه).

خارهای بالکان .
محصول ۱۹۵۷ رومانی (۱۱۰ دقیقه) .

خاك چین .
محصول۱۹۳۷ آمریکا(۱۳۸ دقیقه).

خاکستر و الماس
Cendr et Diamant
محصول ۱۹۵۸ لهستان (۱۰۷ دقیقه) .

خانم دوباری
Passion (Madame du Barry)
محصول ۱۹۱۹ آلمان .

خانم روز جمعه
Dame du Vendredi
محصول۱۹۴۰ آمریکا (۹۲دقیقه).

خانم لو Lady Lou
محصول۱۹۳۳ آمریکا (۶۶دقیقه).

خانم وسگ‌کوچك او
Ladame Au petit Chien
محصول۱۹۶۰ شوروی (۹۰دقیقه).

خانمهای جنگل بولونی
Dame sdu Bois de Boulogne
محصول۱۹۴۵ فرانسه (۹۰دقیقه).

خانمی از شانگهای
The Lady From Shanghal
محصول۱۹۴۸ آمریکا (۹۰دقیقه).

خانمی در دریاچه
Lady in The Lake
محصول۱۴۹۶ آمریکا (۹۵دقیقه).

خانوادهٔ بزرگ
Une Grande Famile
محصول ۱۹۵۴ شوروی (۱۸۰ دقیقه) .

خانهٔ خیابان تروبنایا
Domna Troubnoi
محصول ۱۹۲۸ شوروی ــ صامت
طول فیلم ۱۷۵۷ متر .

خانهٔ فرشته Lacasa del Angel
محصول ۱۹۵۷ آرژانتین .

خدای سیاه وشیطان بور .
محصول ۱۹۶۴ برزیل (۱۰۲ دقیقه) .

خرده ریز .
محصول ۱۹۴۲ آلمان ــ صامت، به طول ۱۵۰۰ متر .

خشکی Secheresse
محصول ۱۹۶۳ برزیل (۱۳دقیقه).

خشم Fury
محصول۱۹۳۶ آمریکا (۹۰دقیقه).

خط سرنوشت Rakawa
محصول۱۹۵۷ سیلان (۱۰۰دقیقه).

خلسه Extase
محصول۱۹۳۲ چکوسلواکی، به‌طول ۲۰۲۱۶ متر .

خواب عمیق Big Sleep
محصول ۱۹۴۶ آمریکا (۱۱۴ دقیقه) .

خواهران ژیون
Lessoeursde Goin
محصول ۱۹۳۶ ژاپون (۱۲۰ دقیقه) .

خوش اندام Thset - Up
محصول۱۹۴۹ آمریکا (۷۲دقیقه).

خوشبختی Le Bonheur
محصول۱۹۶۵ فرانسه (۸۰دقیقه).

خوشگله خدا حافظ
Murder My Sweet
محصول۱۹۴۴ آمریکا (۹۵دقیقه).

خوشه‌های خشم
Grapes of Wrath
محصول آمریکا (۱۳۰دقیقه) .

خون آشام
Nosferata (Vampire)
محصول۱۹۲۲ آلمان (۱۱۰دقیقه)
طول فیلم ۷۰۰۰ متر .

خون شاعر
Le Sang D'un Poet
محصول۱۹۳۰ فرانسه (۸۰دقیقه).

خویشان وحشتناك
Parents Terribles
محصول۱۹۴۸ فرانسه(۱۰۰دقیقه).

خیابان Larue
محصول ۱۹۲۴ آلمان ــ صامت، به طول ۱۵۰۰ متر .

خیابان چهل و دوم
42 rd Street
محصول۱۹۳۳ آمریکا (۸۵دقیقه).

خیال واهی The Falen Idol
محصول ۱۹۴۸ انگلستان (۹۵ دقیقه) .

دادرسی Proces
محصول ۱۹۶۲ فرانسه (۱۳۰ دقیقه) .

داستان لوییزانا
Louisana Story
محصول۱۹۴۸ آمریکا (۷۵دقیقه).

داستان ناتمام
Roman Inacheve
محصول۱۹۵۵ شوروی (۹۲دقیقه).

داستان واقعی آ . هـ . ك .
A . H . Q . (Laveritable Histoired,)
محصول ۱۹۰۸ هونک کونک (۵۸ دقیقه) .

داستان وست ساید
West Side Story
محصول۱۹۶۱ آمریکا(۱۴۵دقیقه).

دختران بااونیفورم
Les jeunesfilles en Unforme
محصول ۱۹۳۱ آلمان (۹۶دقیقه).

دختران چینی
Le Filles Chinoises
محصول ۱۹۴۹ چین (۹۰ دقیقه).

دختر انسان
Lafille De L'homme
محصول ۱۹۴۶ دانمارك (۱۰۰ دقیقه) .

دختر جوان Les Jeunes Filles
محصول ۱۹۶۰ مکزیک (۹۶ دقیقه) .

دختر سپید مو .
محصول ۱۹۵۰ چین (۱۲۰دقیقه).

دخترسیاهپوش La filleen Noir
محصول ۱۹۵۷ انگلستان (۱۰۹ دقیقه) .

دختر عروسك Baby Doll
محصول ۱۹۵۶ آمریکا (۱۱۰ دقیقه) .

دختر فقیر
Une De moiselle En Detresse
محصول۱۹۳۷ آمریکا (۹۶دقیقه).

دخترکارتاژ Fillede Carthage
محصول ۱۹۲۶ تونس .

دخترك قادر به كمك نيست .
محصول ۱۹۵۶ آمریکا (۹۶دقیقه).
دختری دربند .
محصول ۱۹۲۸ آمریکا (۸۶ دقیقه) .
در اطراف يك كابين
Autour D'une Cabine
محصول ۱۸۹۴ فرانسه ــ صامت به طول ۴۵ متر .
در افق دور دست
A Uloin Une Voile
محصول ۱۹۴۷ شوروی (۸۲دقیقه).
در بارانداز On the water front
محصول ۱۹۵۴ آمریکا (۱۰۶ دقیقه) .
درباره شهر نیس Apropos de Nice
محصول ۱۹۳۰ فرانسه (صامت) در حدود ۱۰۰۰ متر .
در خلیج En Rade
محصول ۱۹۲۷ فرانسه ــ صامت به طول ۱۶۰۰ متر .
در دل شب Dead of Night
محصول ۱۹۴۵ انگلستان (۱۰۵ دقیقه) .
در ساحل On the Beach
محصول ۱۹۵۹ آمریکا (۱۳۴ دقیقه) .
درشهر همه از آن حرف می‌زنند
The Whole Town's Talking
محصول ۱۹۳۵ آمریکا (۹۵دقیقه).
در غرب خبری نیست
All Quiet on The Western Front
محصول ۱۹۳۰ آمریکا (۱۱۶ دقیقه) .
درهٔ سبز
How Green Was Mny Vally
محصول ۱۹۴۱ آمریکا (۱۱۸ دقیقه) .
درهٔ صلح .
محصول ۱۹۵۷ یوگوسلاوی (۸۵ دقیقه) .
دره های شب
Lesportes Dela nuit
محصول ۱۹۴۶ فرانسه (۱۲۰ دقیقه) .
دریفوس Affaire Dreyfus
محصول ۱۹۰۸ آلمان .

دریفوس .
محصول ۱۹۵۷ آمریکا .
دریفوس .
محصول ۱۸۹۹ فرانسه ، صامت به طول ۲۴۰ متر .
دریفوس .
محصول ۱۹۳۱ انگلستان .
در يك‌شب اتفاق افتاد
It happened one night
محصول ۱۹۳۴ فرانسه (۱۰۵ دقیقه) .
دزدان گـذرگاه
Thieves Highway
محصول ۱۹۴۹ آمریکا (۹۰دقیقه).
دزد دوچرخه
Voleur De Bicylette
محصول ۱۹۴۸ ایتالیا (۸۵دقیقه).
دستهٔ دزدان Bandeapart
فیلم پلیسی محصول ۱۹۴۶ فرانسه (۹۵ دقیقه) .
دشمن‌مهربان Tendre Ennemie
محصول ۱۹۳۶ فرانسه(۶۹دقیقه).
دفتر خاطرات يك زن خدمتكار
Journal D'une Femme Dechambre
محصول ۱۹۴۶ فرانسه (۹۸دقیقه).
دفتر خاطرات يك كشيش دهاتی
Journal D'un cure DeCampagne
محصول ۱۹۵۱ فرانسه (۱۱۰ دقیقه) .
دکتر جك Docteur Jack
محصول ۱۹۳۲ آمریکا ــ صامت، به طول ۱۵۰۰ متر .
دلباختگان Les amants
محصول ۱۹۵۸ فرانسه (۸۸دقیقه).
دلباختگان اهریمنی
Les Amants Diabolique
محصول ۱۹۴۲ ایتالیا (۱۱۲ دقیقه) .
دلربایی زنان
Auravissement des Dames
محصول ۱۹۱۳ فرانسه صامت، به‌طول ۳۰۰ متر .
دلهای مهربان Kind Heats
محصول ۱۹۴۹ انگلستان (۸۷ دقیقه) .
دلیجان .
محصول سال ۱۹۳۹ آمریکا (۹۶ دقیقه) .
دنبالهٔ دنیا
Pourlasuite Du Monde
محصول ۱۹۶۳ کانادا (۱۰۵ دقیقه) .
دنیای سکوت
Monde Du Silence
محصول ۱۹۵۶ فرانسه (۸۶دقیقه).
دوازده مرد خشمگین
Twelve Angrymen
محصول ۱۹۵۶ آمریکا (۹۵دقیقه).
دوئل درآفتاب Duel Au Soleil
محصول ۱۹۴۶ آمریکا (۱۳۵ دقیقه) .
دوجریب زمین
Deuxhectares De Terre
محصول ۱۹۵۳ هندوستان (۸۶ دقیقه) .
دوزخ نازی L'enfer Nazi
محصول ۱۹۶۰ یوگوسلاوی (۹۵ دقیقه) .
دوستان Drovzia
محصول ۱۹۳۸ شوروی (۹۰دقیقه).
دوشاهی امید
Deuxsous D'espoir
محصول ۱۹۵۲ ایتالیا (۱۰۰ دقیقه) .
«دولوروزا» مات شد
Mater Dolorosa
محصول ۱۹۱۷ فرانسه ـ صامت، به طول ۱۸۰۰ متر .
دون کیشوت .
محصول ۱۹۳۴ فرانسه (۱۰۰ دقیقه) .
دو یتیم Deux Or
محصول ۱۹۲۲ آمریکا ـ صامت، به طول ۲۰۰۰ متر .
دهکدهٔ گناه Village Dupeche
محصول ۱۹۲۷ شوروی ـ صامت .
دیکتاتور بزرگ .
محصول ۱۹۴۰ آمریکا (۱۲۶ دقیقه) .
دیوید پرطاقت Tol'able David
محصول ۱۹۲۱ آمریکا ــ صامت به طول ۱۵۰۰ متر.
دیوید ولیزا David And Lisa
محصول ۱۹۶۲ آمریکا (۹۰دقیقه).
راشومون Rashomon
محصول ۱۹۵۰ ژاپون (۸۸ دقیقه).

راه‌آسمان Le chemin Du Clel
محصول ۱۹۴۲ (۹۵ دقیقه).
راه افتخار Sentiers de la gloir
محصول۱۹۵۷ آمریکا (۸۸دقیقه).
راه امید
Le cheminde L'e Sprance
محصول۱۹۵۱ ایتالیا (۹۹دقیقه).
راه بهشت
Le chemin Du Paradis
محصول ۱۹۳۰ آلمان (۸۰دقیقه).
راهزن Cangacerio
محصول۱۹۵۳ برزیل (۹۰دقیقه).
راه زندگـی
Le chemin Delavie
محصول ۱۹۳۱ شـوروی (۱۲۱ دقیقه).
راه ستارگان
The way to the stars
محصول ۱۹۴۵ انگلستان (۱۱۰ دقیقه).
راهی بسوی جنوب.
محصول ۱۹۲۱ آمریکا، بـه طول ۲۵۰۰ متر.
رفتار صفر.
محصول ۱۹۳۳ــ ۱۹۴۵ فـرانسه (۴۴ دقیقه).
رفیق.
محصول۱۹۴۳شوروی (۸۸دقیقه).
رفیق ماندوزا.
محصـول ۱۹۳۴ مکـزیك (۹۰ دقیقه).
رقص قوس قزح.
محصول انگلستان (۶ دقیقه).
روابط خطرناك.
محصول ۱۹۵۹ فـرانسـه (۱۰۵ دقیقه).
رودخانه.
محصول ۱۹۲۹ آمریکا بـه طـول ۲۲۰۰ متر.
رودخانهٔ سن با پاریس برخورد کرده است.
محصول۱۹۵۸ فرانسه (۴۰دقیقه).
روز آغاز می‌گردد.
محصول۱۹۳۹فرانسه (۸۷دقیقه).
روز پرداخت.
محصول ۱۹۲۲ آمریکا ــ صامت، به طول ۹۶۰ متر.
روز طولانی.
محصول ۱۹۶۲ آمـریکا (۱۹۲ دقیقه).

روز عید
محصول۱۹۴۸فرانسه (۷۰دقیقه).
روزگاران ما
محصول۱۹۴۷ آلمان (۹۰ دقیقه).
روسری کوتاه.
محصـول ۱۹۵۶ فـرانسه (۷۵ دقیقه).
روشنایی درشب.
محصول ۱۹۴۳ آلمان (۹۹دقیقه).
روشنایی شهر.
محصول۱۹۳۱ آمریکا (۸۷دقیقه).
روشنایی صحنه.
محصول ۱۹۵۲ آمریکا (۱۴۳ دقیقه).
روشنی تابستان.
محصول۱۹۴۳ فرانسه (۹۰دقیقه).
روکو و برادرانش.
محصول ۱۹۶۰ ایتـالیـا (۱۹۰ دقیقه).
رؤیاهای زنان.
محصول۱۹۵۵ سوئد (۸۰دقیقه)
رؤیای شیرین.
محصول۱۹۵۲فرانسه (۸۹ دقیقه).
رؤیای یك‌شب تابستانی.
محصول ۱۹۳۵ آمریـکا (۱۲۰ دقیقه).
رهگذر.
محصول ۱۹۶۴ لهستـان (۱۰۵ دقیقه).
ریشه‌ها.
محصول ۱۹۵۵ مکـزیـک (۷۸ دقیقه).
ریفی‌فی یا مبارزهٔ مردانه.
محصول ۱۹۵۵ فـرانسه (۱۱۶ دقیقه).
ریو ۴۰ درجه.
محصول۱۹۵۵ برزیل (۹۰ دقیقه).
زره‌دار پوتمکین.
محصول ۱۹۲۵ شورویــ صامت، به طول ۱۸۵۰ متر.
ززی در مترو.
محصول۱۹۶۰فرانسه (۸۸دقیقه).
زمان بازگشت.
محصول ۱۹۶۳ (۱۱۷ دقیقه).
زمانهٔ بیرحم.
محصول ۱۹۵۶ انگلستان (۸۵ دقیقه).

زمین.
محصول ۱۹۳۰ شوروی ــ صامت به طول ۱۷۰۴ متر.
زمین.
محصول ۱۹۲۱ فرانسه ـ صامت، به طول ۱۸۰۰ است.
زمین بی‌نان.
محصول ۱۹۳۲ــ۱۹۳۷ اسپانیـا (۴۰ دقیقه).
زن اعجاز آمیز.
محصول۱۹۳۱ آمریکا (۹۰دقیقه).
زنان نیکوکار.
محصـول ۱۹۶۰ فـرانسه (۱۰۴ دقیقه).
زن بندر.
محصول۱۹۳۰ مکزیك(۹۰دقیقه).
زنجیر.
محصول۱۹۵۸آمریکا (۹۷دقیقه).
زندان.
محصول ۱۹۴۸ سوئد (۷۸دقیقه).
زندان بزرگ.
محصول۱۹۳۰ آمریکا (۸۰دقیقه).
زندان کرهٔ زمین.
محصول ۱۹۳۹ آرژانتـین (۸۵ دقیقه.
زندانی شمارهٔ ۲۱۷.
محصول ۱۹۴۵ شـوروی (۱۰۱ دقیقه).
زندگی اسرار آمیزوالتریتی.
محصول ۱۹۴۷ آمـریکا (۱۱۰ دقیقه).
زندگی «اوهارو» تودل برو.
محصـول ۱۹۵۲ ژاپـون (۱۱۸ دقیقه).
زندگی جنایت بار «آرچیبالد دولا ــ کروز».
محصول ۱۹۵۵ مکزیك.
زندگی شیرین است.
محصول ۱۹۶۰ ایتالیـا (۱۷۲ دقیقه).
زندگی قهرمانی.
محصول ۱۹۶۳ انگلستان (۱۳۵ دقیقه).
زندگی مال ما است.
محصول۱۹۳۶ فرانسه (۸۰دقیقه).
زندگی یك گروهبان شهر پکن.
محصول ۱۹۵۰ چین (۱۰۰دقیقه)
زنده باد ریو.
محصول ۱۹۵۹ آمـریکا (۱۴۱

دقیقه) .
زنده باد مکزیك .
محصول ۱۹۳۱ـ۱۹۳۲ مکزیك .
زن شوهردار .
محصول ۱۹۶۴ فرانسه .
زن نانوا .
محصول ۱۹۳۸ فرانسه (۹۰دقیقه).
زن وشیطان .
محصول ۱۹۲۷ آمریکا ـ صامت به طول ۲۸۰۰ متر .
زنی از پاریس .
محصول ۱۹۲۳ آمریکا ـ صامت .
زنی تنها .
محصول ۱۹۵۳ ژاپون(۱۲۰دقیقه).
زنی خودنمایی می‌کند .
محصول ۱۹۵۳ آمریکا (۸۷دقیقه).
زونیکورا .
محصول ۱۹۲۸ شوروی ـ صامت به طول ۱۷۹۹ متر .
زیارت مریم .
محصول ۱۹۶۱ چکوسلواکی (۸۱ دقیقه) .
زیبای مانهاتن .
محصول ۱۹۱۶ آمریکا ـ صامت به طول ۱۲۰۰ متر .
زیربامهای پاریس .
محصول ۱۹۳۰ فرانسه (۹۰دقیقه).
زیرشلواری بلند .
محصول ۱۹۲۷ آمریکا ـ صامت به طول ۱۸۰۰ متر .
ژاندارك .
فیلم ژاندارك اولین بار در سال ۱۹۰۰ درفرانسه تهیه شد وقریب ۲۴۰ متر بود .
بار دوم بوسیلهٔ سیسیل تهیه شد .
سناریست : ژانی مك فرسون .
هنرپیشگان : ژرالدین فارار ، والاس‌رد ، هوباربوسورت .
طول فیلم ۲۰۰۰ متر .
باردیگردرسال ۱۹۲۸ بوسیلهٔ کارل دیر تهیه شد طول فیلم دوهزار متر .
در سال ۱۹۰۸ در ایتالیا بوسیلهٔ ماریوکازرینی تهیه شد .
در سال ۱۹۰۸ درفرانسه بوسیلهٔ آلبرکاپلانی تهیه شد .
در سال ۱۹۱۳ درایتالیا بوسیلهٔ نینواوکز یلیاتهیه شد .
درسال ۱۹۲۸ درفرانسه بوسیلهٔ م. دوگاستین تهیه شد .

درسال ۱۹۴۸ در آمریکا بوسیلهٔ ویکتور فلمینك‌تهیه شد ومدت‌آن ۱۴۵ دقیقه بود .
درسال ۱۹۵۴ بوسیلهٔ ژان دولانوا درفرانسه تهیه شد .
در ایتالیا در سال ۱۹۵۴ بوسیلهٔ روسلینی تهیه شد .
در سال ۱۹۵۷ درآمریکا تهیه شد .
وبالاخره درسال ۱۹۶۳ درفرانسه به وسیلهٔ روبر بروسن تهیه شد .
ژان مادر فرشتگان .
محصول ۱۹۶۱ لهستان (۱۲۵ دقیقه) .
ژزابل .
محصول ۱۹۳۸ آمریکا (۱۰۴ دقیقه) .
ژنرال .
محصول ۱۹۲۷ آمریکا ـ صامت (۷۵ دقیقه).
ژول وژیم .
محصول ۱۹۶۱ فرانسه(۱۱۰دقیقه).
ژولیت اشباح .
محصول ۱۹۶۵ ایتالیا .
ساعت شکسته .
محصول ۱۹۱۸ سوئد به طول ۱۸۰۰ متر .
ساعت نهایی .
محصول ۱۹۲۷ آمریکا ـ صامت به طول ۲۵۰۰ متر .
ساق پای یك ملیون دلاری .
محصول ۱۹۳۲ آمریکا (۶۴دقیقه).
سال‌گذشته در «مارین باد» .
محصول ۱۹۶۱ فرانسه (۱۰۰ دقیقه) .
سالهای آتش .
محصول ۱۹۶۱ شوروی (۱۲۰ دقیقه) .
سامسون.
محصول ۱۹۶۱ لهستان (۱۰۵ دقیقه) .
سانسور .
محصول ۱۹۵۳ ایتالیا(۱۱۵دقیقه).
سان عظیم .
محصول ۱۹۲۵ آمریکا (۱۳۰ دقیقه) .
سایهٔ شك .
محصول ۱۹۴۲ آمریکا (۱۰۸ دقیقه) .

سایه‌های سپید بردریای جنوب .
محصول ۱۹۲۸ آمریکا ـ صامت به طول ۲۴۵۵ متر .
سپیده دم .
محصول مشترك فرانسه ـ ایتالیا ۱۹۵۶ (۱۲۰ دقیقه) .
سپیده دم (طلوع آفتاب) .
محصول ۱۹۲۷ آمریکا ـ صامت (۹۲ دقیقه) به‌طول ۲۸۰۰ متر .
سپیده دم روز ششم ژوئن .
محصول ۱۹۴۶ فرانسه (۵۶دقیقه).
ستارگان .
محصول مشترك آلمان شرقی و بلغارستان ، ۱۹۵۹ (۹۲ دقیقه) .
ستارگان دب اکبر.
محصول ۱۹۶۵ ایتالیا .
ستاره‌ای غروب می‌کند .
محصول ۱۹۵۰ آمریکا (۱۰۸ دقیقه) .
سخن چین .
محصول ۱۹۳۵ آمریکا (۹۰دقیقه).
سربازان ناشناس .
محصول ۱۹۵۶ فنلاند (۱۳۵ دقیقه) .
سربه‌دیوار .
محصول ۱۹۵۹ فرانسه (۹۰دقیقه).
سرگرم «آملی» باش .
محصول ۱۹۴۹ فرانسه(۱۹۲دقیقه).
سرنوشت یك انسان .
محصول ۱۹۵۹ شوروی(۸۰دقیقه).
سرود عروسی .
محصول ۲۸ـ۱۹۲۹ آمریکا‌ـصامت (در دوقسمت) به طول ۶۱۰۰متر .
سرود معبد توکیو .
محصول ۱۹۳۱ ژاپون (۹۷دقیقه).
سفرناگهانی .
محصول ۱۹۴۷ فرانسه (۸۵دقیقه).
سفرهای سولیوان .
محصول ۱۹۴۱ آمریکا (۹۵دقیقه)
سقوط بران .
محصول ۱۹۴۹ شوروی (۱۶۵ دقیقه) .
سقوط خانهٔ اوشر .
محصول ۱۹۲۷ فرانسه .
سگ آندلسی .
محصول ۱۹۲۸ فرانسه ـ صامت به طول ۴۳۰ متر .
سکوت دریا .
محصول ۱۹۴۹ فرانسه (۸۶دقیقه).

سکوت طلا است .
محصول ۱۹۴۷ فرانسه (۹۰ دقیقه).
سگ هار .
محصول ۱۹۴۹ ژاپون (۱۱۱ دقیقه) .
سلطانی در نیویورک .
محصول ۱۹۵۷ آمریکا (۱۰۷ دقیقه) .
سلولز .
محصول ۵۳ـ۱۹۵۴ لهستان (۲۴۰ دقیقه) .
سنفونی شمارهٔ ۱۰ .
محصول ۱۹۱۸ فرانسه ــ صامت به طول ۱۸۰۰ متر .
سنفونی یك شهر بزرگ
محصول ۱۹۲۹ ژاپون ــ صامت به طول ۲۰۰۰ متر .
سوپ اردك .
محصول ۱۹۳۳ آمریکا (۷۰ دقیقه).
سه روشنایی .
محصول ۱۹۲۱ آلمان ــ صامت به طول ۲۴۰۰ متر .
سه ساعت وده دقیقه برای یوما .
محصول ۱۹۵۷ آمریکا (۹۲ دقیقه).
سه صفحه ازیك دفتر خاطرات .
محصول ۱۹۲۹ آلمان ــ صامت (۹۰ دقیقه) .
سه قرن .
محصول ۱۹۲۳ آمریکا ــ صامت به طول ۱۶۰۲ متر .
سیاه آرام .
محصول ۱۹۴۸ آمریکا (۶۷ دقیقه).
سیرك .
محصول ۱۹۵۱ چکوسلواکی (۱۲ دقیقه) .
سیرك چارلی چاپلین .
محصول ۱۹۲۸ آمریکا ــ صامت به طول ۲۱۴۴ متر .
سی‌و نه قدم .
محصول ۱۹۳۵ انگلستان (۸۵ دقیقه) .
شانتاژ بزرگ .
محصول ۱۹۵۷ آمریکا (۹۶ دقیقه).
شانس ملاقات .
محصول ۱۹۵۹ انگلستان (۹۶ دقیقه) .
شانگهای اکسپرس .
محصول ۱۹۳۲ آمریکا (۹۰ دقیقه).

شاهراه .
محصول مشترك فرانسه واسپانیا ۱۹۵۶ (۱۰۰ دقیقه) .
شاهراه .
محصول مشترك فرانسه و اسپانیا ۱۹۵۹ (۱۰۰ دقیقه) .
شاهراه «بابایا» .
محصول ۱۹۵۰ چکوسلواکی (۷۴ دقیقه) .
شاهزاده خانم وصدفها .
محصول ۱۹۱۸ آلمان به طول ۱۵۰۰ متر .
شاهین مالت .
محصول ۱۹۴۲ آمریکا (۱۰۰ دقیقه) .
شب بازار مکاره .
محصول ۱۹۵۳ سوئد (۹۰ دقیقه).
شبح بسوی مشرق می‌رود.
محصول ۱۹۳۵ انگلستان (۹۰ دقیقه) .
شبح .
محصول ۱۹۱۳ـ۱۹۱۴ فرانسه، صامت .
شبح سفید .
محصول ۱۹۵۲ (۸۵ دقیقه) .
شب سن‌سیلوستر .
محصول ۱۹۲۳ آلمان ــ صامت (۹۰ دقیقه) .
شب شوهران (شب نشینی‌مردان مجرد)
محصول ۱۹۵۷ آمریکا (۹۲ دقیقه).
شب ومه .
محصول ۱۹۵۶ فرانسه (نیم‌ساعت).
شبهای شیکاگو .
محصول ۱۹۲۷ آمریکا ــ صامت به طول ۲۴۰۰ متر .
شبهای کابیریا .
محصول ۱۹۵۷ ایتالیا (۱۲۶ دقیقه) .
شبیه بزرگان .
محصول ۱۹۳۴ آمریکا (۱۱۷ دقیقه) .
شجاعان محلهٔ بارسکا .
محصول لهستان ۱۹۵۴ (۹۵ دقیقه).
شربت ــ عصاره ــ رب .
محصول ۱۹۵۳ آمریکا (۱۳۵ دقیقه) .
شرق بهشت .
محصول ۱۹۵۵ آمریکا (۱۰۵ دقیقه) .

شرق وشروق .
محصول ۱۹۲۳ آمریکا ــ صامت به طول ۶۰۰ متر .
شرلوك جونیور .
محصول ۱۹۲۴ آمریکا ــ صامت
شش ونیم یازده .
محصول ۱۹۲۷ فرانسه ــ صامت به طول ۲۰۰۰ متر .
شط خون .
محصول ۱۹۵۲ آرژانتین (۸۲ دقیقه) .
شعلهٔ باتلاق .
محصول ۱۹۶۳ فرانسه (۱۲۱ دقیقه) .
شغل .
محصول ایتالیا (۱۰۵ دقیقه) .
شکارهولناك .
محصول ۱۹۴۷ ایتالیا (۸۵ دقیقه).
شکمهای منجمد .
محصول سال ۱۹۳۲ آلمان (۷۳ دقیقه) .
شکنجه‌ها .
محصول ۱۹۴۴ سوئد (۸۵ دقیقه).
شکوه «آمپرسون»ها .
محصول ۱۹۴۲ آمریکا (۱۰۵ دقیقه) .
شنبه شب ویکشنبه صبح.
محصول ۱۹۶۱ انگلستان (۸۵ دقیقه) .
شنل .
محصول ۱۹۲۶ شوروی به طول ۱۸۰۰ متر .
شنل .
محصول ۱۹۵۲ ایتالیا .
شوالیهٔ ستاره طلایی .
محصول ۱۹۵۰ شوروی (۹۵ دقیقه).
شورش بی‌دلیل .
محصول ۱۹۵۵ آمریکا (۱۰۸ دقیقه) .
شوروی به پیش .
محصول ۱۹۲۶ شوروی ، به طول ۱۶۵۰ متر .
شوشا .
محصول ۱۹۴۶ ایتالیا (۹۰ دقیقه).
شهر بی‌دفاع .
محصول ۱۹۴۸ آمریکا (۹۵ دقیقه).
شین .
محصول ۱۹۵۳ آمریکا (۱۰۵ دقیقه) .

صاحبخانه .
محصول ۱۹۲۵ دانمارك ــ صامت
صبحگاه .
محصول ۱۹۴۹ فرانسه (۱۱ دقیقه).
صحنهٔ شجاعان .
محصول ۱۹۳۶ شوروی (۸۹ دقیقه).
صدف ومرد روحانی .
محصول ۱۹۲۸ فرانسه ــ صامت طول فیلم ۶۰۰ متر .
صد قدم .
محصول ۱۹۲۷ فرانسه (۷۰ دقیقه).
صعود به آسمان .
محصول سال ۱۹۵۱ مکزیك (۷۱ دقیقه) .
صف عمومی .
محصول ۱۹۲۹ شوروی ــ صامت طول فیلم ۲۴۶۹ متر .
صیادان خرچنگ .
محصول ۱۹۵۳ ژاپون (۱۰۳ دقیقه).
ضیافت .
محصول ۱۹۲۳ آمریکا ــ صامت به طول ۱۹۱۱ متر .
طبق قانون .
محصول ۱۹۲۶ شوروی ــ صامت به طول ۱۷۶۳ متر .
طعمه‌درتاریکی.
محصول ۱۹۶۱ فرانسه (۹۶ دقیقه).
طلاق به سبك ایتالیایی .
محصول ۱۹۶۲ ایتالیا (۱۰۵ دقیقه) .
طلای دریاها .
محصول ۱۹۳۲ فرانسه (۷۰ دقیقه).
طلسم شده .
محصول ۱۹۴۵ آمریکا (۱۱۱ دقیقه) .
طناب .
محصول ۱۹۴۸ آمریکا (۸۰ دقیقه).
طوفان برفراز آسیا .
محصول ۱۹۲۹ شوروی ــ صامت به طول ۲۴۲۵ متر .
ظهر .
محصول ۱۹۵۲ آمریکا (۸۹ دقیقه).
عبورکشتی .
محصول ۱۹۳۴ فرانسه (۸۰ دقیقه).
عدالت اجرا شد .
محصول ۱۹۵۰ فرانسه (۱۰۵ دقیقه) .
عرابهٔ شیخ (ارابه‌شیخ) .
محصول ۱۹۲۰ سوئد ــ صامت به طول ۱۸۰۰ متر .
عروس صحرا .
محصول ۱۹۴۸ مراکش (۹۰ دقیقه).
عشاق مصلوب .
محصول ۱۹۵۴ ژاپون (۱۱۰ دقیقه).
عشق بینوا .
محصول ۱۹۱۹ آمریکا ــ صامت به طول ۱۵۰۰ متر .
عشق درشهرستان .
محصول ۱۹۵۳ ایتالیا (۱۰۰ دقیقه).
عشق «لیانك‌شان‌پوچوینیك تای» .
محصول ۱۹۴۵ چین (۷۶ دقیقه).
عشق یك زن .
محصول فرانسه ۱۹۵۳ (۱۰۰ دقیقه) .
عصر جدید .
محصول ۱۹۳۶ آمریکا (۸۵ دقیقه).
عصیان دربهشت .
محصول ۱۹۳۲ آمریکا (۸۳ دقیقه).
عطش .
محصول ۱۹۴۹ سوئد (۸۸ دقیقه).
عکاس .
محصول ۱۹۲۸ آمریکا ــ صامت‌به طول ۲۱۳۳ متر .
عیدپاك خونین .
محصول ۱۹۵۰ ایتالیا (۹۴ دقیقه).
غارت شهر .
محصول ۱۹۶۳ ایتالیا (۱۰۵ دقیقه) .
غرب چگونه فتح شد .
محصول ۱۹۶۲ آمریکا (۱۵۴ دقیقه) .
غول .
محصول ۱۵۹۶ آمریکا (۱۹۸ دقیقه) .
فتح قطب .
محصول ۱۹۱۲ فرانسه ــ صامت‌به طول ۳۰۰ متر .
فردا اتفاق می‌افتد.
محصول ۱۹۵۶ آمریکا (۹۶ دقیقه).
فرشتگان بالدار .
محصول ۱۹۳۹ آمریکا (۱۲۱ دقیقه) .
فرشتگان دوزخی .
محصول ۱۹۳۰ آمریکا (۱۳۵ دقیقه) .
فرشتگان زشت صورت .
محصول ۱۹۳۸ آمریکا (۹۷ دقیقه).
فرشتگان عصیان .
محصول فرانسه ۱۹۴۴ (۹۰ دقیقه).
فرشتهٔ آبی .
محصول ۱۹۵۹ آمریکا .
فرمانروا .
محصول ۱۹۴۰ آمریکا (۸۳ دقیقه).
فرنچ کان کان .
محصول ۱۹۵۵ فرانسه (۱۰۵ دقیقه).
فرودگاه .
محصول‌شوروی ۱۹۳۵ (۸۱ دقیقه).
فریاد .
محصول ۱۹۵۷ ایتالیا (۱۰۲ دقیقه) .
فولاد آبدیده .
محصول ۱۹۴۲ شوروی (۹۲ دقیقه).
قاچاقچی بحری .
محصول ۱۹۶۲ آمریکا ــ صامت به طول ۲۴۵۰ متر .
قارهٔ ششم دنیا .
محصول ۱۹۲۶ شوروی ــ صامت‌به طول ۱۷۶۷ متر .
قارهٔ گمشده .
محصول ۱۹۵۵ ایتالیا (۸۰ دقیقه).
قانون بازی .
محصول ۱۹۳۹ فرانسه (۱۱۲ دقیقه) .
قبل از طلوع آفتاب .
محصول ۱۹۳۱ ژاپون .
قبل از طوفان .
محصول ۱۹۵۴ فرانسه (۸۰ دقیقه).
قتل دوك دوگیز .
محصول ۱۹۰۸ فرانسه ــ صامت طول فیلم ۳۰۰ متر .
قدمی در آفتاب .
محصول ۱۹۴۵ آمریکا (۱۱۷ دقیقه) .
قدیس .
محصول ۱۹۱۴ دانمارك ــ صامت‌به طول ۱۰۸۰ متر .
قرارداد جوانمردانه .
محصول ۱۹۴۷ آمریکا (۱۱۸ دقیقه) .
قراولان گمشده .
محصول ۱۹۳۴ آمریکا (۷۴ دقیقه).
قرن بیستم .
محصول سال ۱۹۳۴ آمریکا (۹۰ دقیقه) .
قرن طلایی .
محصول ۱۹۳۰ فرانسه (۸۰ دقیقه).

قصاب .
محصول ۱۹۱۷ آمریکا بـه طـول ۶۰۰ متر .
قصر کهنه .
محصول ۱۹۲۰ سوئد ـ صامت (۹۰ دقیقه) .
قصهٔ آتنی .
محصول ۱۹۵۶ یونان (۹۰دقیقه).
قطار سریع‌السیر پاسیفیك .
محصول ۱۹۳۸ آمریـکا (۱۱۰ دقیقه) .
قطار شب .
محصول ۱۹۵۹ لهستان (۹۳دقیقه).
قلب عالم .
محصول ۱۹۱۸ آمریکا ـ صـامت (۱۵۰ دقیقه) .
قلب وفادار .
محصول ۱۹۲۳ فرانسه ـ صامت به طول ۱۵۰۰ متر .
قورخانه (زرادخانه) .
محصول ۱۹۲۹ شوروی، صامت .
قوس قزح .
محصول ۱۹۴۴ شوروی (۹۵دقیقه).
قویتر ازشب .
محصول ۱۹۵۴ آلمان شرقی (۹۰ دقیقه) .
قهرمان وقت شناس .
محصول ۱۹۴۴ آمریکا (۹۲دقیقه).
قهقهه .
محصول ۱۹۵۵ ایتالیـا (۱۰۸ دقیقه) .
قیصر کوچولو .
محصول ۱۹۳۱ آمریکا (۸۰دقیقه).
کابیریا .
محصول ۱۹۱۴ ایتالـیا ـ صامت (۲۴۰ دقیقه) به طول ۴۵۰۰ متر .
کابینهٔ دکتر کالیگاری.
محصول ۱۹۲۰ آلمان ـ صامت به طول ۱۵۰۰ متر .
کارخانه .
محصول ۱۹۴۷ فرانسه (۱۱۰دقیقه).
کارمن جونز .
محصول ۱۹۵۴ آمـریکا (۱۳۴ دقیقه) .
کارمن دختر کولی .
محصول ۱۹۱۸ آلمان ـ صامت .
کارناوال بزرگ .
محصول ۱۹۵۱ آمریکا (۱۱۲ دقیقه) .

کارناوال خدایان .
محصول ۱۹۵۷ آمریکا (۱۱۰ دقیقه) .
کاکلی ومرغ قاصد .
محصول ۱۹۲۲ فرانسه .
کاوالکار .
محصول ۱۹۳۳ آمریکا (۹۷دقیقه).
کانال .
محصول ۱۹۵۷ لهستان (۸۰دقیقه).
کبریت فروش .
محصول ۲۸ ـ ۱۹۳۰ فـرانسه صامت به طول ۱۵۰۰ متر .
کجا می‌روی .
محصول ۱۹۲۴ ایتالیا .
کجا می‌روی .
محصول ۱۹۵۱ آمریکا .
گرترود .
محصول ۱۹۶۴ دانمارك (۱۱۵ دقیقه) .
کرنکبیل .
محصول ۱۹۲۲ فرانسه ـ صامت به طول ۱۸۰۰ متر .
کره خرگاگدانا .
محصول ۱۹۵۶ شوروی (۶۷دقیقه).
کریسمس درماه ژوییه .
محصول ۱۹۴۰ آمریکا (۷۲دقیقه).
کسادی عشق .
محصول ۱۹۶۱ فرانسه (۹۰دقیقه).
کسوف .
محصول ۱۹۶۲ ایتالـیا (۱۲۵ دقیقه) .
کسی که باید بمیرد .
محصول مشترك انگلستان وفرانسه ۱۹۵۷ .
کشاورزان .
محصول ۱۹۳۵ شوروی (۹۴دقیقه).
کشیش .
محصول ۱۹۳۲ آمریکا صامت به‌طول ۱۳۰۰ متر .
کفش زرین .
محصول ۱۹۴۷ انگلستان (۱۳۰ دقیقه) .
کلاغ .
محصول ۱۹۴۳ فـرانسه (۱۰۰ دقیقه) .
کلاه حصیری ساخت ایتالیا .
محصول ۱۹۲۷ فـرانسه ـ صامت

(۹۰ دقیقه) .
کلاه نیویورك .
محصول ۱۹۱۲ آمریکا ـ صامت به طول ۳۰۰ متر .
کلئو ازساعت ۵ تا ۷ .
محصول ۱۹۶۲ فرانسه (۹۰دقیقه)
تهیـه‌کننده : آینس واردا ـ عکس ـ بردار: ژان رابیه .
هنرپیشگان : کورین مارشانـد ، آنتوان بورسیه .
کلئوپاترا .
محصول ۱۹۶۳ آمریکا .
کلئوپاترا .
محصول ۱۹۴۵ انگلستان .
کلئوپاترا .
محصول ۱۹۳۴ آمریکا (۹۵دقیقه).
کلمانتین عزیز .
محصول ۱۹۴۶ آمریکا (۹۵دقیقه).
کنتس پابرهنه .
محصول مشترك آمریکا وایتالیا ۱۹۵۴ (۱۲۸ دقیقه) .
کنگره می‌رقصد .
محصول ۱۹۳۱ آلمان (۱۰۰دقیقه).
کو بایی دوست دارد آواز بخواند .
محصول ۱۹۳۱ آمریکا (۹۰دقیقه).
کوپی سرخ دست .
محصول ۱۹۴۳ فرانسه (۹۰دقیقه).
کوچهٔ غم‌انگیز .
محصول ۱۹۲۵ آلمان ـ صامت به طول ۳۰۰۰ متر .
کودك فراری .
محصول ۱۹۵۳ (۷۵ دقیقه) .
کوزارا .
محصول ۱۹۶۲ یوگوسلاوی (۹۶ دقیقه) .
کوهستان طلا .
محصول ۱۹۳۱ شوروی (۹۴دقیقه).
کینگ‌کونك .
محصول ۱۹۳۳ آمریکا (۱۰۰ دقیقه) .
کی هاری راکشت ؟
محصول ۱۹۵۵ آمریکا (۹۶دقیقه).
گالیورجدید .
فیلمبردار : ن رنکـوف محصول ۱۹۳۵ شوروی (۸۰ دقیقه) .
گدارها .
محصول ۱۹۳۶ فرانسه (۹۰دقیقه)

گذراندن زندگی .
محصول ۱۹۶۲ فرانسه (۸۰دقیقه).
گذرنامه برای پیمبلیکو .
محصول ۱۹۴۰ انگلستان (۸۴ دقیقه) .
گربهٔ سیاه .
محصول ۱۹۵۴ آمریکا (۱۰۵ دقیقه) .
گربه وقناری .
محصول ۱۹۲۷ فرانسه ــ صامت .
گروه عالی .
محصول ۱۹۳۶ فرانسه (۱۰۰ دقیقه) .
گروهبان شهر.
محصول ۱۹۴۱ آمریکا (۱۳۰ دقیقه) .
گریسبی وآدمکشان .
محصول۱۹۵۴فرانسه (۹۴دقیقه).
گلهای شکسته .
محصول ۱۹۱۹ آمریکا ــ صامت (۹۰ دقیقه) .
گناهکار .
محصول۱۹۱۷ فرانسه ــ صامت .
گنجهای سیرامادر .
محصول ۱۹۴۸ آمریکا (۱۲۰ دقیقه) .
گنجینهٔ «آرن» .
محصول ۱۹۱۹ سوئد ــ صامت به طول ۱۸۰۰ متر .
گنگ بیرحم .
محصول۱۹۳۳ برزیل (۹۰دقیقه).
گودال .
محصول۱۹۶۰فرانسه (۸۳دقیقه).
گورکی .
محصول ۳۸ ــ ۱۹۴۰ شوروی (۱۲۰ دقیقه) .
گوزن سپید .
محصول۱۹۵۲ فنلاند (۷۷دقیقه).
گوشهٔ آفتابی .
محصول ۱۹۱۹ آمریکا ــ صامت به طول ۸۹۵ متر .
گیکووایزاموا .
محصول۱۸۵۹ژاپون(۱۰۰دقیقه).
گیلدا .
محصول۱۹۴۶آمریکا (۹۰دقیقه).
لالهٔ آتشین .
محصول۱۹۵۲فرانسه(۱۰۲دقیقه).
«لئون مورن» کشیش .
محصول ۱۹۶۱ (۱۲۵ دقیقه) .

لبخند مادام «بوده» .
محصول۲۲ــ۱۹۲۳فرانسه ــ صامت به طول ۱۵۰۰ متر .
لبخند یك شب تابستان .
محصول ۱۹۵۵ سوئد (۱۰۲ دقیقه) .
لذت دلخوشی .
محصول ۱۹۵۲ (۹۵ دقیقه) .
لعنت برجنگ .
محصول مشترك فرانسه وبلژیك ۱۹۱۳ ــ صامت به طول ۱۵۰۰ متر.
لنین دراکتبر .
محصول ۱۹۳۷ و ۱۹۳۹ شوروی (۱۳۲ دقیقه) .
لورا .
محصول۱۹۴۴آمریکا (۸۰دقیقه).
اولا .
محصول ۱۹۶۱فرانسه (۸۵دقیقه).
لولا مونتز .
محصول مشترك فرانسه و آلمان ۱۹۵۵ (۱۴۰ دقیقه) .
لیرهٔ قلابی .
محصول ۱۹۵۵ انگلستان (۹۰ دقیقه) .
مابچه‌ها .
محصول۱۹۴۱ فرانسه (۹۰دقیقه).
ماتی مستخدم .
محصول۱۹۵۶ اتریش(۹۵دقیقه).
ماجراهـــای عجیب آقای «وست» در کشور بلشویکها .
محصول ۱۹۲۴ شوروی ــ صامت به طول ۲۶۰۰ متر .
ماجراهای ماه اکتبر .
محصول۱۹۲۴شوروی ــ صامت به طول ۹۸۰ متر .
مادر .
محصول ۱۹۵۲ ژاپون(۹۵دقیقه).
مادر .
محصول ۱۹۲۶ شوروی ــ صامت به طول ۱۸۰۰ متر .
مادموازل جولی .
محصول سال ۱۹۱۲ سوئد .
مادموازل جولی .
محصول سال ۱۹۵۱ سوئد (۹۱ دقیقه) .
مادموازل جولی .
محصول ۱۹۴۷ آرژانتین .
مادموازل شارلو .
محصول ۱۹۱۵ آمریکا ــ صامت به طول ۶۰۰ متر .

ماده سگ .
محصول۱۹۳۱فرانسه (۹۷دقیقه).
مارتی .
محصول۱۹۵۵آمریکا (۸۷دقیقه).
مارسیز .
محصول ۱۹۳۸ فرانسه (۱۰۰ دقیقه) .
ماریا .
محصول ۱۹۴۴ مکزیک (۱۱۰ دقیقه) .
ماری افسانه مجار .
محصول مشترك فرانسه ومجارستان درسال ۱۹۳۲ .
ماریوس ــ فانی ــ سزار .
محصول ۱۹۳۱ ــ ۱۹۳۶ فرانسه (سال ۱۹۳۱ فقط فیلم ماریوس) .
ماکزیم .
محصول ۳۵ ــ ۱۹۳۹ شوروی .
قسمت اول : «جوانی ماکزیم» در ۱۹۳۵ تهیه شد (۹۷ دقیقه) .
قسمت دوم : «بازگشت ماکزیم» در ۱۹۳۷ تهیه شد «۱۱۴ دقیقه» .
قسمت سوم : «ماکزیم در ویبورك» ۱۹۳۹ تهیه شد (۱۲۰ دقیقه) .
ماکس ، استاد تانگو .
محصول سال ۱۹۱۳فرانسه ــ صامت به طول ۳۰۰ متر .
ماکس تورئادور .
محصول ۱۹۱۳ فرانسه ــ صامت به طول ۳۰۰ متر .
ماکس وشراب کهنه .
محصول ۱۹۱۱ فرانسه ــ صامت طول فیلم ۳۰۰ متر.
مالدون .
محصول۱۹۲۸ فرانسه ــ صامت به طول ۳۸۰۰ متر .
مانوور بزرگ .
محصول ۱۹۵۵ فرانسه (۱۰۷ دقیقه) .
ماه مه زیبا .
محصول ۱۹۶۳ فرانسه (۱۱۰ دقیقه) .
ماهمه قاتلیم .
محصول ۱۹۵۲ فرانسه (۱۰۰ دقیقه) .
متروپولیس .
محصول۱۹۲۶آلمان(۱۲۰دقیقه).
متمردین .
محصول۱۹۴۹آمریکا (۸۴دقیقه).

مثل سگ زندگی کردن .
محصول ۱۹۱۸ آمریکا ـ صامت به طول ۸۶۰ متر .
محجوب
محصول ۱۹۱۵ آمریکا ـ صامت .
محروم از ارثیه .
محصول ۱۹۲۲ آلمان ـ صامت .
محکوم فراری .
محصول ۱۹۵۶ فرانسه (۹۵ دقیقه)
محلهٔ بدون آفتاب .
محصول ژاپون ۱۹۵۳ (۱۴۲ دقیقه).
محلی در اروپا .
محصول ۱۹۴۷ هونك کونك (۱۰۴ دقیقه) .
مدرسهٔ خارزار .
محصول ۱۹۴۹ فرانسه .
مرثیهٔ نانیوا .
محصول ۱۹۳۶ ژاپون (۹۰ دقیقه).
مرحوم ماتیاس پاسکال .
محصول ۱۹۲۵ فرانسه ـ صامت به طول ۳۰۰۰ متر .
مرد آرام .
محصول مشترك آمریکا و ایرلند ۱۹۵۲ (۱۲۷ دقیقه) .
مردان .
محصول ۱۹۵۰ آمریکا (۸۷ دقیقه).
مردان جدید .
محصول ۱۹۲۹ فرانسه ـ صامت .
مردان و یکشنبه .
محصول ۱۹۳۰ آلمان ـ صامت (۷۰ دقیقه) . طول فیلم ۱۸۰۰ متر .
مرد بازوطلایی .
محصول ۱۹۵۵ آمریکا (۱۱۸ دقیقه) .
مرد ده پا .
محصول ۱۹۵۷ آمریکا (۸۳ دقیقه).
مرد سوم .
محصول مشترك انگلستان و آمریکا ۱۹۴۹ (۹۳ دقیقه) .
مردك چه می‌داند ؟
محصول ۱۹۳۴ آمریکا (۹۰ دقیقه).
مرد نامریی .
محصول ۱۹۳۳ آمریکا (۹۰ دقیقه).
مردی از آران .
محصول ۱۹۳۴ انگلستان (۷۶ دقیقه) .
مردی از غرب .
محصول ۱۹۵۸ آمریکا (۱۰۰ دقیقه) .

مردی با ارابه .
محصول ۱۹۵۳ کشور سنگال (۳۰ دقیقه) .
مردی بالباس سفید .
محصول ۱۹۵۱ انگلستان (۹۸ دقیقه) .
مردی در راه .
محصول ۱۹۵۶ لهستان (۸۹ دقیقه).
مردی درشهر راه می‌رود .
محصول ۱۹۵۰ فرانسه (۹۵ دقیقه).
مردی درمیان جمعیت .
محصول ۱۹۵۷ آمریکا (۱۲۳ دقیقه) .
مردی که بیش ازحد می‌دانست .
محصول ۱۹۳۴ انگلستان (۹۰ دقیقه) .
مردی که حافظه‌اش را از دست داده است .
محصول ۱۹۲۹ شوروی ـ صامت به طول ۲۲۰۳ متر .
مرگ یك دوچرخه‌سوار .
محصول مشترك ایتالیا و اسپانیا ۱۹۵۴ (۱۰۰ دقیقه) .
مرگ یك فروشنده .
محصول ۱۹۵۱ آمریکا .
مزد ترس
محصول ۱۹۵۳ فرانسه (۱۵۶ دقیقه) .
مزهٔ عسل .
محصول ۱۹۶۲ انگلستان (۱۰۰ دقیقه) .
مسافرت به ماه .
محصول ۱۹۰۲ فرانسه به طول ۲۸۰ متر .
مسافرت در ایتالیا .
محصول ۱۹۵۳ ایتالیا (۷۰ دقیقه).
مطرودین .
محصول ۱۹۱۷ سوئد ـ صامت به طول ۲۷۸۱ متر .
معجزه در میلان .
محصول ۱۹۵۰ ایتالیا (۱۰۰ دقیقه) .
معجزهٔ سیب .
محصول ۱۹۳۳ آمریکا (۸۳ دقیقه).
مکانی در آفتاب .
محصول ۱۹۵۱ آمریکا (۱۲۲ دقیقه) .

مکبث .
محصول ۱۹۰۷ آمریکا .
مکبث .
محصول ۱۹۰۹ فرانسه .
مکبث .
محصول ۱۹۱۰ ایتالیا .
مکبث .
محصول ۱۹۱۰ فرانسه .
مکبث .
محصول ۱۹۱۲ انگلستان .
مکبث .
محصول ۱۹۱۶ آمریکا .
مکبث .
محصول ۱۹۵۷ آمریکا .
مکبث .
محصول ۴۷-۱۹۵۰ آمریکا (۱۰۷ دقیقه) .
مگی .
محصول ۱۹۵۴ انگلستان (۹۰ دقیقه) .
ملاح .
محصول ۱۹۲۴ آمریکا ـ صامت به طول ۱۷۳۸ متر .
ملاقات کنندگان شب .
محصول ۱۹۴۲ فرانسه (۱۱۰ دقیقه) .
ملعونین .
محصول ۱۹۴۷ فرانسه (۱۰۵ دقیقه) .
ملك آبی .
محصول ۱۹۳۰ آمریکا و آلمان (۹۹ دقیقه) .
ملك‌الموت .
محصول مکزیك ۱۹۶۲ (۹۰ دقیقه)
ملکهٔ افریقایی .
محصول ۱۹۵۲ آمریکا و انگلستان.
ملکهٔ الیزابت .
محصول مشترك فرانسه و انگلستان ۱۹۱۲ ـ صامت .
ملکه «کلی» .
محصول ۱۹۲۸ آمریکا ـ صامت به طول ۳۰۰ متر .
ملکهٔ یانگ کیوفی .
محصول ۱۹۵۸ ژاپون (۹۵ دقیقه).
ملوانان .
محصول ۱۹۳۶ شوروی (۹۷ دقیقه).
ملودی جهان .
محصول ۱۹۲۹ آلمان به طول ۱۱۱۵ متر .

ملوس .
محصول ۱۹۴۳ فرانسه .
من به دنیا آمدم ولی ...
محصول ۱۹۳۳ ژاپون (۹۰دقیقه).
من در وحشت بسر می‌برم .
محصول ۱۹۵۵ ژاپون (۱۲۰دقیقه).
منظومهٔ بالنهای کاغذی .
محصول ۱۹۳۷ ژاپون .
منظومهٔ یک کلاه بلند .
محصول ۱۹۳۶ هلند (۴۰ دقیقه).
من متهم می‌کنم .
محصول ۱۹۱۹ فرانسه (۱۲۰ دقیقه) .
من یک سیاه‌پوستم .
محصول مشترک فرانسه وساحل‌عاج ۱۹۵۹ (۷۰ دقیقه) .
من یک نفر فراری هستم .
محصول ۱۹۳۲ آمریکا (۷۶دقیقه).
مورانیو بنک .
محصول ۱۹۶۰ کرهٔ شمالی (۹۰ دقیقه) .
موطلایی منفجرکننده .
محصول ۱۹۵۷ آمریکا (۱۰۰ دقیقه) .
موقع بدبختی .
محصول ۱۹۵۸ فرانسه (۱۲۰ دقیقه) .
مولن روژ .
محصول مشترک انگلستان و آمریکا ۱۹۵۳ (۱۱۸ دقیقه) .
مولود دیروز .
محصول ۱۹۵۱ آمریکا (۱۰۳ دقیقه) .
مونیکا .
محصول ۱۹۵۲ سوئد (۹۵دقیقه).
مهاجرت .
محصول ۱۹۱۷ آمریکا .
مهتاب بعد از باران .
محصول ۱۹۵۳ ژاپون (۹۶دقیقه).
مهرهفتم .
محصول ۱۹۶۳ آمریکا (۹۸دقیقه).
مهرهفتم .
محصول ۱۹۵۶ سوئد (۹۰دقیقه).
مهمانی در ییلاق .
محصول ۱۹۳۶ ـ ۱۹۴۶ فرانسه.
میچورین .
محصول ۱۹۴۸ ، شوروی (۱۹۹ دقیقه) .

میخانهٔ سرخ .
محصول ۱۹۲۳ فرانسه ـ صامت .
میکدهٔ خونین .
محصول ۱۹۵۱ فرانسه (۹۵دقیقه).
میلیون .
محصول ۱۹۳۱ فرانسه (۹۰دقیقه).
میمون شاغل .
محصول ۱۹۳۱ آمریکا (۷۷دقیقه).
ناپلئون.
محصول ۲۵ـ۱۹۲۷ آمریکا .
نازارین .
محصول ۱۹۵۹ مکزیک (۹۶دقیقه).
ناقص‌الخلقه .
محصول ۱۹۵۲ اندونزی (۹۰ دقیقه) .
نامهٔ ارغوانی .
محصول ۱۹۲۶ آمریکا ـ صامت.
نانا .
محصول ۱۹۲۶ فرانسه ـ صامت .
نانوک .
محصول ۱۹۲۲ آمریکا ـ صامت .
نباید اورا خودتان بیاورید .
محصول ۱۹۳۸ آمریکا (۱۲۶ دقیقه) .
نبرد راه‌آهن .
محصول ۱۹۴۶ فرانسه (۸۰دقیقه).
نجات شکارچی .
محصول ۱۹۲۵ آمریکا ـ صامت.
نجات یافته ازآب .
محصول ۱۹۳۲ فرانسه (۹۰دقیقه).
نخستین .
محصول ۱۹۶۰ آمریکا .
نسل .
محصول ۱۹۵۴ لهستان (۸۵دقیقه).
نشان سرخ دلیری .
محصول ۱۹۵۱ آمریکا .
نشانی باقی نگذاشت .
محصول ۱۹۵۱ فرانسه (۹۰دقیقه).
نگهبانان چراغ دریایی .
محصول ۱۹۲۹ فرانسه ـ صامت .
نگهبان جوان .
محصول ۱۹۴۸ شوروی (۱۸۹ دقیقه) .
نمایندهٔ بالتیک .
محصول ۱۹۳۷ شوروی .
نمک زمین.
محصول ۱۹۵۳ آمریکا (۹۲دقیقه).
نوازندگان ژیون .
محصول ۱۹۵۳ ژاپون .

نه روز ازیک‌سال .
محصول ۱۹۶۱ شوروی .
نی‌بی‌لونک .
محصول ۱۹۲۴ آلمان (۲۴۰ دقیقه) .
نیتوچکا .
محصول ۱۹۳۹ آمریکا .
نیروی اهریمنی .
محصول ۱۹۴۷ آمریکا .
نیروی هوایی .
محصول ۱۹۴۳ آمریکا (۱۲۴ دقیقه) .
نیوری زیباروی .
محصول ۱۹۲۴ فرانسه ـ صامت .
وادی‌گناه .
محصول ۱۹۴۸ مکزیک .
واگن سرپوشیده .
محصول ۱۹۲۴ آمریکا صامت .
وامپیرباماجرای عجیب «دیویدگری»
محصول ۱۹۳۲ فرانسه .
وتیلونی .
محصول ۱۹۵۳ ایتالیا (۱۰۳ دقیقه) .
وحشی .
محصول ۱۹۵۴ آمریکا (۷۵دقیقه).
وحشی .
محصول ۱۹۵۴ مصر (۹۰ دقیقه).
وخدا زن را آفرید .
محصول ۱۹۵۶ فرانسه .
وداع با فیلیپین .
محصول ۱۹۶۳ فرانسه (۱۸۰ دقیقه) .
ورزشکار .
محصول ۱۹۲۵ آمریکا ـ صامت .
ورقهٔ دعوت .
محصول ۱۹۳۷ فرانسه .
وزع .
محصول ۱۹۲۶ شوروی .
و زنی درمقابل پنجره .
محصول ۱۹۴۴ آمریکا .
وسوسهٔ شیطانی.
محصول مشترک فرانسه و ایتالیا ۱۹۵۰ .
وعدهٔ ملاقات ژوییه .
محصول ۱۹۴۹ فرانسه .
وقایع یک تابستان .
محصول ۱۹۶۱ فرانسه .
وقتی‌آفتاب طلوع می‌کند .
محصول ۱۹۵۹ پاکستان .

وقتی لک‌لک‌ها پرواز می‌کنند .
محصول ۱۹۵۷ شوروی (۹۷ دقیقه).
ویریدیانا .
محصول ۱۹۶۱ اسپانیا .
ویسکی برای گرگر .
محصول ۱۹۴۸ انگلستان .
ویوازاپاتا.
کارگردان : الیاکازان .
ویوا ویلا .
محصول ۱۹۳۴ آمریکا .
هاراگیری.
محصول ۱۹۶۳ ژاپون .
هاملت .
محصول ۱۹۴۸ انگلستان .
هاملت .
محصول ۱۹۲۴ شوروی .
هانری چهارم .
محصول ۱۹۴۵ انگلستان .
هانری هشتم .
محصول ۱۹۳۲ انگلستان .
هرگز نباید بکشی .
محصول مشترک فرانسه ویوگسلاوی.
هشت ساعت مهلت .
محصول ۱۹۴۷ انگلستان .
هشت و نیم .
محصول ۱۹۲۳ ایتالیا .
هفت دلاور .
محصول ۱۹۶۰ آمریکا .
هفت سال بدبختی .
محصول ۱۹۵۵ آمریکا .
هفت سامورایی .
محصول ۱۹۵۴ ژاپون .
هفت مرد ازحالا .
محصول ۱۹۵۶ آمریکا .
هلزاپوپین .
محصول ۱۹۴۱ آمریکا .
همشهری بزرگ .
محصول ۱۹۳۸ شوروی (۱۱۸ دقیقه) .
همشهری «کین» .
محصول ۱۹۴۱ آمریکا (۱۱۵ دقیقه) .
همه چیز دربارهٔ هوا .
محصول ۱۹۵۰ آمریکا .
هولر
محصول ۱۹۵۳ فرانسه .
هیاهو .
محصول ۱۹۴۷ انگلستان .

هیروشیما ، عشق من .
محصول مشترك ۱۹۵۹ ژاپون و فرانسه .
یدك‌کش .
محصول ۳۹ ــ ۱۹۴۱ فرانسه .
یك آمریکایی در پاریس .
محصول ۱۹۵۱ آمریکا (۱۳۰ دقیقه).
یک تراژدی آمریکایی .
محصول ۱۹۳۱ آمریکا (۹۰ دقیقه).
یک زندگی .
محصول ۱۹۵۸ فرانسه (۸۶ دقیقه).
یك‌شب در اپرا .
محصول ۱۹۳۵ آمریکا (۹۰ دقیقه).
یکشنبه‌ها هرگز .
محصول ۱۹۶۰ انگلستان (۹۰ دقیقه) .
یکشنبه ها همیشه هوا بارانی است .
محصول ۱۹۴۸ انگلستان (۸۸ دقیقه) .
یک کاروزل کوچک عید .
Unpetit Carousel De Fete
محصول ۱۹۵۵ هنگ کنگ (۵۸ دقیقه) .
یك مشت برنج .
محصول مشترك سوئد وسیام ۱۹۳۸
یک نامه به‌سه زن .
محصول ۱۹۴۹ آمریکا ، (۱۳۰ دقیقه) .
یک هفته .
محصول ۱۹۲۰ آمریکا ــ صامت.
یورش ؟
محصول ۱۹۵۶ آمریکا (۱۰۶ دقیقه) .
یوزپلنگ .
محصول ۱۹۶۳ ایتالیا (۱۸۵ دقیقه) .
یولاندا و دزد .
محصول ۱۹۴۵ آمریکا (۸۹ دقیقه).
یهودی شوش .
محصول ۱۹۴۰ آلمان (۹۶ دقیقه).

هنرپیشه‌ها

آرلیس ، جورج Arlis G.
(۱۸۶۸ــ۱۹۴۶ م)
هنرپیشهٔ تآتروسینماودرنمایشنامه‌ای به‌نام‌دیزراییلی‌شرکت‌کردوشهرت‌جهانی یافت .
آستر، فردریك اوسترلیتز .
رقاصان جهان را به بینید .

استانیسلا فسکی، کونستانتین
Stanislavsky , C.
(۱۸۶۳ــ۱۹۳۸ م)
هنرپیشه ، کارگــردان روسی ؛ در شوالیهٔ خسیس، ژرژداندرن، بازی کرده



ونفوس مرده، استعدادها و ستایشگران راکارگردانی کرده‌است ، کارهنرپیشه برای تکمیل هنرش اثر قلمی او است .
استوارت، جیمز Stewart, J
(متولد ۱۹۰۹ م)
هنرپیشهٔ تآتروسینمای آمریکا است ازفیلمهایی‌که‌اوبازی‌کرده؛
نمی‌توانی باخودت ببری،ساخته‌شده برای همه، آقای اسمیت بــه واشنگتون می‌رود، داستان فیلادلفیا ، کمان‌شکسته، پنجرهٔ روبه حیاط .
اسژوستروم ، ویکتور Sjostrom, V.
هنرپیشه وکارگردان سوئدی است
اسکاراموش ت ــ فیرلی
Scaramouche T . F .
(متوفی ۱۶۹۴ م)
هنرپیشهٔ کمدی قدیم ایتالیایــی ، مولدناپل .
اندرسن ، مری آنتوانت
Anderson , M . A
(۱۸۵۹ ــ ۱۹۴۰ م)
هنرپیشهٔ زن از مــردم آمریــکا است .
انکبالد، الیزابت سمپسون .
Inchbald , E . S .
(۱۷۵۳ــ۱۸۲۱ م)
هنرپیشه‌و نویسنده ازمردم انگلیس است .
انگلین ، مارگریت مری
Angline , M . M .
(۱۸۷۶ــ۱۹۵۸ م)
بانوی هنرپیشهٔ آمریکایی است .
اولیویر، سرلارنس‌کر
Olivares , L .
(متولد ۱۹۰۷ م)
کارگردان وهنرپیشهٔ تآتر از مردم انگلیس است .

باردو ، بریژیت Bardot , B
(متولد ۱۹۳۴ م)



هنرپیشهٔ زن از مردم فرانسه که در فیلـمهای متـعـددی شرکت داشته است .

باروات ، ژان لویی Barraut, J. L.
هنرپیشه وکارگردان و رهبر تاتر



ازمردم‌فرانسه است در سال ۱۹۵۹ برای اولین بار در نمـایش **سر طلایی**شرکت و کـار هنری خود را آغـاز کرد .

بربیج ، جیمز Burbage, J
(فوت ۱۵۹۷ م)
هنرپیشهٔ انگلیسی وبانی‌تآترکلوپ است .

بربیج ، ریچارد Burbage , R
(۱۵۶۷ - ۱۶۱۹ م)
هنرپیشهٔ انگلیسی، پسرجیمز (بانی تآترکلوپ) ، نخستین‌کسی کـه نقشهای بزرگ را به عهده گرفت .

برگمان، انگرید Bergman, I
(متولد ۱۹۱۵ م)
از زنهـای هنرپیشه و کـمدین سوئـدی او از ۱۹ سالگی بـا سینما وارد هنر شد و به‌آمریکا رفت ودرسال ۱۹۴۸ از بـزرگترین هنرپیشه هـای هالیوود بود. فیلمهایی متعددی‌ازاوتهیه شده که معروفترین‌آنها: زنگها برای‌که به‌صدا درمی‌آید، ژاندارك واسترومبونی می‌باشد .

براندو ، مارلون .
(متولد ۱۹۲۴ م)
هنرپیشه از مردم آمریکا، کـه در فیلمهای‌متعددی‌شرکت‌کرده که چندنمونهٔ آن‌به شرح زیر است :

زنده‌بادزاپاتا، دربارانداز، اتوبوسی



به‌نام هوس، جوانـان و عـروسکان ، قهوه خانـهٔ ماه اوت ، سایونارا ، شیرهای‌جوان، نسل فراری وبسیاری دیگر (رقاصان رابه‌بینید).

برگمان، اینگمار Bergman , I
(متولد ۱۹۱۸ م)
کارگران وسناریونویس‌سوئدی، از آثار او در سناریو : عذاب، موزیك در تاریکی،زندان.اوازفیلمهایی که‌کارگردانی کرده‌است :
عطش، بازیهای تابستانـی، انتظار زنان، هرگز اتفاق نمی‌افتد، یـك درس عشق، مهرهفتم، چشم شیطـان وبسیاری دیگر است .

برنار، سارا Bernhardt, S
(۱۸۴۴ – ۱۹۲۳ م)
نام اصلی وی روزین برنار است .
این بانوی هنرپیشهٔ فرانسوی دراجرای نقشهای‌عمده



درکینگ‌لیر، **روی‌بلاس** ، **فدر وارنای** بسیار ممتاز بود تـاجایی که «سارای خدایی» لقب گرفت . وی دو فیلم صامت ساخت وازه۱۸۹۵ مدیرتماشاخانهٔ سارابرنار گردید درسال ۱۹۱۵ به‌علت‌آسیبی کـه به وی رسید یـکی از پاهایش را قطع کردند اما وی بازهم به کارکردن روی صحنه ادامه داد .

بلسکو، دیوید Belasco, D
هنرپیشه‌وکارگردان ونمایشنامه‌نویس آمریکایی است .

بوایه ، شارل Boyer, Ch
(متولد ۱۸۹۹ م)
هنرپیشهٔ فـرانسـوی ؛ در ۱۹۲۰ وارد تآتر شد وسپس درفیلمهای صامت شرکت‌کرد، در ۱۹۳۴ به هالیوود رفت معروفترین فیلمهایی که شرکت‌کرده :
چراغ‌گاز ، مایرلینگ است .

بوث، ادوین Booth
(۱۸۳۳–۱۸۹۳ م)
پسر جوینس بروتس ، بوث، اولین هنرپیشهٔ تراژدی‌درآمریکا است که‌نقش‌های‌ریچاردسوم وریشلیو راباکمال‌گرمی وراحتی اجرا می‌کرد . وی برادر جان ویلکس قاتل آبراهام لینکلن است .

بوث، جان ویلکس Booth, J.W
(۱۸۳۸ – ۱۸۶۵ م)
هنرپیشهٔ آمریکایی وقاتل‌آبراهـام لینکلن، که از طرفداران بـرده داری بود، وی دوهفته پس‌از تیراندازی بـه لینکلن دستگیر ومقتول شد .

بوث، جوینس بروتس Booth, J. B.
(۱۷۹۶–۱۸۵۲ م)
هنرپیشهٔ‌انگلیسی‌که در اغلب آثار شکسپیر شرکت داشت .

بورباج ، جیمز .
بربیج را به بینید .

بورباج ، ریچارد .
بربیج ریچارددرا به بینید .

بوسیکولت، داین .
نمایشنامه نویسها را به بینید .

بونوئل، لویس .
کارگردانان سینما را بهبینید .

پرمینگر، اوتو .
کارگردانان سینما را به بینید .

پریسلی، الویس .
خوانندهارا به بینید .

پك، گریگوری.
(متولد ۱۹۱۶ م)
درلاجولا از ایالت کالیفرنیا متولد شد. فعالیت هنریش را ازتآتـر شروع کرد .
درسال ۱۹۴۳ به هالیوود آمـد و فعالیت سینمایی خودرا بافیلم «کلیدهای سلطنتی»آغازکردازاین سال به‌بعدقرارداد طویل‌المدتی باکمپانی فوکس‌بست.
بیشتر فیلمهای گـریگوری پك را هنری کینك کار گردانی کـرده است . فیلمهای عمدهٔ اوعبارتند از :
«ششلول‌بند»-«برفهای‌کلیمانجارو» «شجاعان» – «داوودوبنسابه» – «ارتفاع دوازده ساعت پرواز» – «عشق‌ناپایدار» «غزال» – «مکانـی درآفتاب» – «طلسم شده» – «دنیا دربازوان او» –«شبی در رم»–«چرا بله گفتم؟» –«جزیرهٔ وحشت»

«توپهای ناوارون»ـ «اسب کهربا بنگر».
یك‌درسال ۱۹۶۲ به‌خاطر بازی‌هنرمندانه‌اش درفیلم «کشتن‌مرغ مقلد» به‌دریافت‌جایزهٔ اسکار نایل‌آمد.

پوپسکو، الویر Popesco, E
(متولد ۱۸۹۶ م)
زنی‌هنرپیشه‌رومانی‌الاصل. تحصیلات خود را درمیهن خود به‌پایان رسانید و وارد تآترملی‌کشور شد، ودرسال ۱۹۲۲



وارد تآتر **میك** شدسپس عازم فرانسه گردید دورهٔ درخشان فعالیت های هنری او از اینجا آغاز می‌شود.

پیتوئف، ژرژ Pitoeff, G
(۱۹۳۹ـ۱۸۸۴ م)
هنرپیشهٔ تآترفرانسه، که روسی‌الاصل بود، درآغاز



تحصیلات حقوق را به پایان رسانید درسال ۹۱۹ رسماً با ا گروههای هنری‌همکاری را آغاز کرده است.

پیکفورد، گلادیس اسمیت Pickford, G. S.
(متولد ۱۸۹۳ م)



زنی هنرپیشه ازمردم آمریکا معروف به ماری که در فیلمهای صامت بازی می کرده است.

تالما، فرانسواـژوزف Talma, F. J.
(۱۸۲۶ـ۱۷۶۳ م)
ایفا کنندهٔ نقشهای تراژدی در پاریس،وی اول به‌حرفهٔ پدرش که دندانسازی بود گروید وپس‌از یك مسافرت‌به انگلستان‌وبازگشت به‌پاریس وارد‌مدرسهٔ سلطنتی دکلاماسیون شد وپس‌از کسب‌هنر در زمرهٔ هنرمندان مورد توجه ناپلئون قرارگرفت.

تایلور، الیزابت Taylor, E
(متولد ۱۹۳۲ م)
هنرپیشهٔ سینمای‌آمریکا که درلندن متولد شده است و در فیلمهای موفقی شرکت داشته است و برای اولین بار در



فیلمی به نام **لسی به خانه برمی‌گردد** شرکت‌کرد، از فیلمهای معروف دیگر او: مخمل ملی، مکانی‌درآفتاب، آیوانهو، گربه‌روی‌شیروانی داغ، ناگهان‌تابستان‌گذشته، مرغ‌دریایی، کلئوپاترا‌وارام‌کردن‌زن سرکش می‌باشد.

تایلور، بارون ایزیدور ژوستن سهورن. Taylor, I. J. S.
(۱۸۷۹ـ۱۷۸۹ م)
نویسنده و**هنرمند** فرانسوی که در بروکسل متولد و در پاریس درگذشت. وی‌عضو کمیسیون‌سلطنتی‌تآترفرانسه‌شد. وی‌ازطرفداران‌سبك‌رمانتیك‌گشت. و جزء جمعیت ادبا و هنرمندان بود و چندی شغل لشکری داشت.

تری، دیم الن Terry, D. A.
(۱۹۲۸ـ۱۸۴۸ م)
زنی هنرپیشه ازمردم‌انگلیس‌است.

تری، سرهربرت بیربوم Tree, H. B.
(۱۹۱۷ ـ ۱۸۵۳ م)
هنرپیشهٔ انگلیسی است.

تسیه، والانتین Tessier, V
(متولد ۱۸۹۲ م)
زنی‌هنرپیشه ازمردم‌فرانسه‌است، که درآغاز کارشاگردپل **مونه** بود ودرچند



نمایش‌شرکت کرد، ازآنجا نزد **ژووه** رفت نقش‌اول زن‌را درتآتر **ژیرودو** به عهده‌گرفت. تسیه درسینما نیز موفقیت فراوان‌کسب‌کرده است.

جانسون، سن.
نمایشنامه نویسها را به بینید.

جوردن، داروثی Jordan, D
(۱۸۱۶ـ۱۷۶۲ م)
هنرپیشهٔ انگلیسی است.

جونز، جنیفر.
(متولد ۱۹۲۰ م)
هنرپیشهٔ‌آمریکایی،ازفیلمهایی‌که‌او در آنها نقشی داشته: آواز برنادوت، دیویدسلزنیك، ازوقتی‌که تورفتی، نامه‌های عشق، کلوفی‌براون،دوئل‌درآفتاب، عشق‌چیز باشکوهی‌است،وداع‌بااسلحه، شب لطیف است وغیره.



تالما

چاپلین، چارلز سپنسر Chaplin, Ch. S.
(متولد ۱۸۸۹ م)
هنرپیشه، کارگردان و سناریست معروف جهان سینما، ازمردم انگلیس، کار هنر را از تآتر آغازکرد و در سال ۱۹۱۳ به‌آمریکا رفت آثار جاودانی خلق‌کرده است ازجمله:
خیابان‌آسان، جویندگان طلا، روشناییهای‌شهر، عصرجدید، ولگرد بانك، زندگی یك سگ، دوش فنگ، پسرك، سیرك، دیکتاتور بزرگ، موسیووردو، لایم لایت.

داسن، ژول.
کارگردانان را به بینید.



درانم

درانم، ارماند منارد Dranem, A. M.
(۱۹۳۵ـ۱۸۶۹ م)
هنرپیشهٔ فرانسوی‌است

دروئه، ژولیت Drouet, J
(۱۸۸۳ـ۱۸۰۶ م)
هنرپیشهٔ‌فرانسوی‌است.

دسیکا، ویتوریا DeSica, V
(متولد ۱۹۰۱ م)
هنرپیشه‌وکارگردان‌معروف‌ایتالیایی
ازآثار معروف او:
رز ارغوانی،مادلن‌نمرهٔ اخلاق‌صفر، یکی‌ازطرفداران‌گاریبالدی درصومعه، کودکان بما می‌نگرند، دروازهٔ‌آسمان شوشیا، دزد دوچرخه، معجزه در میلان، طلای





دروئه



دوزه

ناپل، دوزن، گوشه‌گیران آلتونا، دیروز وامروزوفردا، ازدواج ایتالیایی، محاکمهٔ عمومی .

دوزه، الهٔنورا Duse, E
(۱۸۵۸–۱۹۲۴ م)
زنی هنرپیشه ازمردم ایتالیا است.

دولن، شارل Dullin, Ch
(۱۸۸۵–۱۹۴۹ م)
هنرپیشهٔ فرانسوی است .



دولن

دیتریش، ماریا ماگدالفافون لوش .
Dietrich, M. M. L.
(متولد ۱۹۰۲ م)
معروف به مارلن هنرپیشهٔ آلمانی است .

دین، جیمز Dean, J
(۱۹۳۱–۱۹۵۵ م)
هنرپیشهٔ تآتر و سینمای آمریکا است .



دیتریش

راشل، الیزابت فلیکس، مادموازل
Rachel , E. R. F.
(۱۸۲۱–۱۸۵۸ م)
از هنرپیشه های معروف فرانسه است .

رژان، گابریل رجو Rejane
(۱۸۵۶–۱۹۲۰ م)
زنی هنرپیشه ازمردم فرانسه است.



دین

رمو ، ژول مورر Raimu, J, M.
(۱۸۸۳–۱۹۴۶ م)
هنرپیشهٔ فرانسوی است ، کارش را از موسیقی آغازو به‌تآتر و سینما انجامید، ولی تا قبل از انجام نمایش **ماریوش** شهرتی نداشت از آن وقت مورد توجه عامه‌قرارگرفت، این کمدین مشهورهمیشه با احساس درنقش های خودایفای وظیفه می‌کرد .





راشل

روزای ، فرانسوا دونالش .
Rosay , F. N.
(متولد ۱۸۹۱ م)
زنی هنرپیشه از مردم فرانسه که در پاریس به‌دنیا آمده است و درفیلمهای، موفقی شرکت داشته است، ازجمله، قمار بزرگ ، پانسیون میموزا، وغیره .



رژان



روسکیوس، کوینتوس Roscius
(فوت ۶۲ ق م)
دوست سیسرون ، هنرپیشهٔ معروف رومی است .

روسن، آندره Roussin , A
(متولد ۱۹۱۱ م)
هنرپیشه ونمایشنامه نویس‌فرانسوی است .

ریچ ، جان Rich , J
(۱۶۹۲–۱۷۶۱ م)
هنرپیشهٔ انگلیسی است .

ریچاردسون ، الف
Richardson, A.
(متولد ۱۹۰۲ م)
هنرپیشهٔ انگلیسی است .

ریستوری ، آدلائید .
Ristori, A .
(۱۸۲۲–۱۹۰۶ م)
زنی هنرپیشه از مردم ایتالیااست.

ژرژ، مادموازل‌مارگریت ژوزفین ریمر.
(۱۷۸۷–۱۸۶۷ م)
هنرپیشهٔ فرانسوی متولد دربایو .

ژفری ، (ادموندامه فلورانتن)
Geffroy
(۱۸۰۴–۱۸۹۵ م)
هنرپیشه درام **ونقاش** فرانسوی مولداومگنله (اوآز) وفاتاو (سن‌پیرله نمور) می‌باشد .

ژفری، ژان ماری میشل .
(۱۸۱۳–۱۸۸۳ م)
هنرپیشهٔ فرانسوی. متوفی به‌پاریس.

ژمیه، فیرمن .
(۱۸۶۵–۱۹۳۳ م)
بازیگروهنرپیشهٔ فرانسوی مولداو ابرویه می‌باشد .

ژنه Génet یا Genes (Saint)
(۲۸۶ یا ۳۰۳ م)
هنرمندنامی رومی معاصردیوکلسین امپراتورروم وی،به‌جرم نصرانیت به‌شهادت رسید. اوقهرمان تراژدی «رترو» است.

ژودیك، آنا Judic , A
(۱۸۵۰–۱۹۱۱م)
زنی ازهنرپیشگان‌فرانسه و **بازیگر** اپرت مولداو سوموراست .

ژوله، ژولین بدو Jodelet , j . B .
(۱۵۹۰–۱۶۶۰ م)
نام هنرپیشهٔ فرانسوی .

ستانیسلافسکی، کونستانتین .
استانیسلافسکی را به بینید .

سیبر، کالسی .
نمایشنامه نویسها را به بینید .

سیدونز، سراکمیل Siddons
(۱۷۵۵–۱۸۳۱ م)
زنی هنرپیشه از مردم انگلیس است .

شارلو، چارلی چاپلین.
(تولد ۱۸۸۹ میلادی)
چاپلین، چارلزسپنسر را به‌بینید.

فاتی ، روسکو اربوکل Fatty, R. A.
(۱۸۸۷–۱۹۳۳ م)
هنرپیشهٔ کمیك سینمای‌صامت آمریکا است .

فارکوار، جورج Farquhar, G
(۱۶۷۷–۱۷۰۷م)
جورج فارکوار یافارکوهار نمایش‌نامه نویس‌نامدار انگلیسی که‌بعدازپایان تحصیلاتش مدتی **هنرپیشه** بود .

فاندا، هنری .
(متولد ۱۹۰۵ م)
هنرپیشهٔ آمریکایی است ازآثار ایشان :
دهقان زن می‌گیرد، راه شرق، ماه درخانهٔ ماست، ولخرج، هرکس فقط یك بار زنده می‌ماند، اسلیم، آن زن‌مخصوص وبسیاری دیگر .

فربانك، دوگلاس Fairbanks, D
(۱۸۸۳–۱۹۳۹ م)
هنرپیشهٔ سینمای آمریکا است .

فرسنای، پی‌یرلودن‌باش
Fresnay, P. L .
(۱۸۹۷–۱۹۱۵ م)
هنرپیشهٔ فرانسوی است .

فرناندل ، فرناند ژوزف .
Fernandel, F. J.
(متولد ۱۹۰۳ م)
هنرپیشهٔ فرانسوی است .

فولر، لویی.

رقاصان را به بینید.

فینچ، پیتر.

(متولد ۱۹۱۶ م)

هنرپیشهٔ انگلیسی‌است، درفیلمهای: محاکمات اسکاروایلد، شهری شبیه به آلیس، گذرگاه فیلان، داستان راهبه، و غیره شرکت داشت.

کاردیف، جك.

کارگردانان سینما را به بینید.

کاگنی، جمس Cagney, J

(متولد ۱۹۰۴ م)

هنرپیشهٔ تآتروسینما ازمردم آمریکا



که‌درنیویورك متولد شده و کار تآتـر را ازسال ۱۹۲۰ وکار سینمارا از ۱۹۳۰ آغاز کرده است.

کامو، آلبر.

نمایشنامه نویسها را به بینید.

کان، ادموند Kean, E

(۱۷۸۷ـ۱۸۳۳ م)

هنرپیشهٔ انگلیسی است.

کلر، رنه.

کارگردانان سینما را به‌بینید.

کلی، اوژن پاتریس.

رقاصان را به بینید.

کنی‌پر چخووا، اولگا.

Knipper Tchekhova, O

(۱۸۷۰ـ۱۹۵۹ م)

هنرپیشهٔ روسی است.

کوپر، گاری Cooper , G

(۱۹۰۱ـ۱۹۶۱ م)

هنرپیشهٔ آمریکایی است که درهلفا مونتانا متولد شده ودرلوس آنجلس وفات یافته‌است، در آغـاز عضو گروه کمدی غیر حرفه‌ای بود، که از سال ۱۹۲۶



رسماً درفیلمـها شرکـت جست، کـه معروفتریـن آنها؛ویرجینیا، خداحافظی با ارواح، اگر یـك ملیون داشتم، سه سوارنبگالی، حوادث زندگی مارکوپولو و بسیاری دیگر.

کوپو، ژاك Copeau , J

(۱۸۷۹ـ۱۹۴۹ م)

هنرپیشه ومدیر تآتـر و نـویسندهٔ فرانسوی است.

کویین، آنتونی.

(متولد ۱۹۱۵ م)

هنرپیشهٔ‌سینمای آمریکااست، ازفیلمهایی که در آن شرکت داشته عبارتند از: اسم شب، جانباز، زنده باد زاپاتا، شهوت زندگی، شاهـزادهٔ خـواب‌آلود، اولیس، انتظارطولانی، لارنس عربستان، توپهای‌ناوارون، بادتندی درجامایکا، انجیل وغیره.

کینگ، هنری.

کارگردانان را به بینید.

کیو، ماشیکو Kyo, M

(متولد ۱۹۲۴ م)



هنرپیشهٔ زن‌درسینمای ژاپون، که در فیلمهـای مـتـعـددی شرکت‌داشته است، راه ننگ یکی از فیلمهای ایشان‌است

گاربو، گرتا.

(متولد ۱۹۰۵ م)

زنی هنرپیشه از مردم سوئد است خیابان غمزده، سیلاب، جسم و شیطان، معیارتك، گراند هتل، آناکارنینا، زن دو چهره نام برخی از فیلمهای معروف او می‌باشد.

گاردنر، اوا Gardnar, A

(متولد ۱۹۲۲ م)

زنی‌هنرپیشه‌درسینمای آمریکا است، که با بازی در فیلم **قاتلان** کار خود را آغاز کرده است،

از دیگر فیلمهای او:

دیوانهٔ‌هیتلر، فرشتهٔ گمشده، دخترك



به‌تماشای اسب دوانی رفت، عاقبت‌جنایتـکـاران، سنگاپور، شبی باونوس، گناهـکار بزرگ، مغرب ومشرق، کشتی‌نمایشات، برفهای کلیما نجارو و بسیاری‌دیگرمی‌باشد.

گراندویل بارکه، هارلی

Grandville Barker, H

(۱۸۷۷ـ۱۹۴۶ م)

هنرپیشه ومؤلف نمایشنامه از مردم انگلستان‌است.

گرانت، کاری

(متولد ۱۹۰۴ م)

هنرپیشهٔ انگلیسی‌است، که به‌آمریکا رفت، فیلمهای معروف اوعبارتند از: آن شب، امشـب است، داستـان فیلادلفیا، اضطراب، مقصد تـوکیواست، روزی بود وروزگاری بود، آقای‌بلانش خانه‌های ایده‌آل خودرا می‌سازد، تعقیب خطرناك، وبسیاری دیگر.

گیبل، کلارك Gable , C

(۱۹۰۱ـ۱۹۶۰ م)

هنرپیشهٔ موفق سینمای آمریکا است



که‌کار خودرا باتآتر شروع کرد وپس از مدت کوتاهی به‌هالیوودراه یـافت وکار عظیم‌سینمایی خود را آغاز کرد.

گینس، سرآلك Guinness , A

(متولد ۱۹۱۴ م)

هنرپیشهٔ سینمای آمریکا است، از



فاتی



فربانك



فرسنای



فرناندل



کان



کوپو



فیلمهایی که شرکت داشته: مردی در لباس سفید، کشیش براون قاتل زنها، پل رود کوای؛ دهان اسب، مأمور ما در هاوانا، لارنس عربستان و بسیاری دیگر.



گراندویل بارکه

لافتون، چارلز. (متولد ۱۸۹۹م)

هنرپیشهٔ انگلیسی است، معروفترین فیلمهایی که شرکت داشته عبارتند از: کاپیتن کید، ساعت بزرگ، میکدهٔ جامایکا، سرگذشت پارادین، زندگی خصوصی هانری هشتم، شاهد برای تعقیب، اسپارتاکوس.



لنکستر

لمتر، فردریك Lemaitre, F
(۱۸۰۰–۱۸۷۶ م)

هنرپیشهٔ فرانسوی که در هاور به دنیا آمد.

لندر، گابریل لوویل Linder, G. L.
(متولد ۱۹۲۵ م)

هنرپیشهٔ سینمای فرانسه، که درقرن بیستم یك چهرهٔ جدید کمدی ساخت و در بین مردم اثری عمیق داشت.



مارسو

لنکستر، برت Lancaster, B
(متولد ۱۹۱۳ م)

هنرپیشهٔ آمریکایی است.

لورن، سوفیا Loren, S
(متولد ۱۹۳۴ م)

هنرپیشهٔ معروف سینمای ایتالیا است که در رم به‌دنیا آمد، وکارلو پونتی اورا معروف کرد، درفیلمهای موفقی شرکت داشته است. از معروفترین فیلمهای او: افسونگر دریا، غرور و شهوت، هوس زیر درخت نارون، کلید، خانهٔ قایقی، ثعلب سیاه، آن نوع زن، خلیج ناپل، دوزن، گوشه‌گیران آلتونا، و بسیاری دیگر.



لوگتون، شارل Loughton, Ch
(متولد ۱۸۹۹ م)

هنرپیشهٔ انگلیسی که کار خود را ازتآتر شروع کرد سپس در فیلمهای معروفی شرکت جست، مانند علامت‌صلیب، زندگیهانری هشتم وغیره.



لوگنه پو، اورلین‌ماری Lugné-poe
(۱۸۶۹–۱۹۴۰ م)

هنرپیشه و مدیر تآتر و نویسندهٔ فرانسوی است، هنوزشاگرددبیرستان بود که همکاری خود را با تآتر آغازکرد سپس دورهٔ کنسرواتوار رانیز گذرانید ودرآنجا به اخذ مدال و جایزه نایل آمد وبه این ترتیب رو به دنیای هنر گشود.



لولو بریجیدا، جینا Lollobrigida, G
(متولد ۱۹۲۷ م)

هنرپیشهٔ معروف سینمای ایتالیا در سوبیاکومتولد شده است، در سال ۱۹۴۶ در نقشهای کوچکی ظاهر شد وبعدها به اوج قدرت رسید.



مارچ، فردریك.
(متولد ۱۸۹۸ م)

هنرپیشهٔ آمریکایی است، درفیلمهایی چون: بهترین سالهای زندگی، آناکارنینا، دنیای فردا، قسمت دیگرجنگل، کریستف کلمب، علامت‌صلیب، دکترجکیل ومستر هاید و بسیاری دیگربازی کرده است.

مارس، آن‌فرانسوا هیپولیت بوته Mars, A. F. H. B.
(۱۷۷۹–۱۸۴۷ م)

زنی هنرپیشه از مردم فرانسه است.



مارسو، مارسل Marceau, M
(متولد ۱۹۲۳ م)

هنرپیشهٔ فرانسوی است.

ماسترویانی، مارسلو Mastroianni, M
(متولد ۱۹۲۴ م)

هنرپیشهٔ تآتر وسینمای ایتالیا است.

ماکس، ادوارد الکساندر Max, E. A.
(۱۸۶۹–۱۹۲۴ م)

هنرپیشهٔ فرانسوی است، کارخودرا از تآتر شروع کرد وبارها به‌خاطرایفای نقش‌های مختلف‌جایزه گرفت وبیشتر در نقشهای تراژدی بازی کرده است.

مانیانی، آنا Magnani, A
(متولد ۱۹۰۸ م)

زنی هنرپیشه از مردم ایتالیا است.



ملینگ، اتین مارن Melingue, E. M.
(۱۸۰۷–۱۸۷۵ م)

هنرپیشهٔ فرانسوی است.

مورلای، بلاش فرانسواز فومولو Morlay, B. F. F.
(متولد ۱۸۹۳ م)

زنی هنرپیشه از مردم‌فرانسه است.



موسژوکین، ایوان Mosjoukine , I
(۱۸۸۹–۱۹۴۹ م)
هنرپیشهٔ روسی الاصل می‌باشد که کار خود را در تآتر کیف شروع کرد.

مونرو، مارلین Monroe , M
(۱۹۲۶–۱۹۶۲ م)
هنرپیشهٔ سینمای آمریکا است که



در انگلیس به دنیا آمد ودرهالیوود وفات یافت، درآغازمدل عکاسی بود، ومعروفیت‌او با بازی در فیلم جنگل، اسفالت‌شروع شد، وبالاخره‌پس‌ازشهرت‌کامل خودکشی کرد.

میچم، رابرت.
(متولد ۱۹۱۸ م)
هنرپیشه‌ای‌که دربریج پورت‌متولد شد،کارهای هنری خود را از رقص در تآتر شروع کرد، فیلمهایی‌که شرکت داشته عبارتند از:
سرقت بزرگ، سارقین زبردست، فرشتهٔ صورت، شکارچی تبهکار، ماکائو، رودخانهٔ بی‌بازگشت، آتش زیرخاکستر، دشمن زیرین وبسیاری دیگر.

میفون، توشیرو Mifune , T
(متولد ۱۹۲۰ م)
هنرپیشهٔ سینمای ژاپون است.

نیومن، پل Newman , P
(متولد ۱۹۲۵ م)
هنرپیشهٔ سینمای آمریکا است، کار



خود را از تآتر شروع کرد و وارد فعالیتهای هنری در تلویزیون شد وبرای اولین بار در سال ۱۹۵۶ نقش مهمی دریك فیلم بازی‌کرده است.

وایلدر، بیلی Wilder , B
(متولد ۱۹۰۶ م)
کارگردان،روزنامه‌نگاروسناریونویس فیلمهای آمریکایی است که در وین متولد شده است؛ مردم روز یکشنبه، امیل‌کارآگاه، نسل پلید، کارناوال بزرگ‌وغیره قسمتی از کارهای ایشان است.



واین، جان.
(متولد ۱۹۰۷ م)
هنرپیشه‌وکارگردان‌فیلمهای‌آمریکایی است؛ تعقیب بزرگ، دلیجان، حلقهٔ مخوف، تعاقب در دریا، مردآرام قسمتی ازکارهای ایشان است.

وژنر، پل Wegener
(۱۸۷۴–۱۹۴۸ م)
هنرپیشهٔ آلمانی است.

وست، مه West , mae
(متولد ۱۸۹۳ م)
هنرپیشهٔ آمریکایی است.

ونو، ارسون.
(متولد ۱۹۱۵ م)
هنرپیشهٔ‌آمریکایی‌است،سال۱۹۳۲ سال ورود او به تآتر بود وسپس به‌سینما راه یافت.
فیلمهای مشهور وی عبارتند:
همشهری‌کین، آمبرسون باشکوه، سفر به سرزمین وحشت، غریبه، خانمی از شانگهای، مکبث،اتللو، آرکارین، تماس‌گناه، دون‌کیشوت، جادوی سیاه، نبرد سوم، گل‌سیاه، ناپلئون.

وودوارد، جون.
هنرپیشهٔ آمریکایی است‌که درآغاز منشی یك کمپانی بود سپس دریك تآتر آماتورلورپیسی به‌نام باغ وحش‌شیشه‌ای شرکت‌کرد وبعد از آن دورهٔ هنرهای دراماتیك‌را به‌پایان‌رسانید ودراستخدام تلویزیون درآمد، پیك‌نیك،سه‌چهره‌ایو، قسط پرداخت نشدنی، خشم وهیاهو، و بسیاری دیگر ازفیلمهای ایشان است.

ویت، پرل White, P
(۱۸۸۹–۱۹۳۸ م)



زنی هنرپیشه از مردم آمریکا است.

ویدور، چارلز.
کارگردان، آواز خوان لهستانی، که‌درسینمای‌آلمان‌وآمریکاواردشد، پل، دربمضاعف، اهل‌آریزونا،دفترخاطرات یك دکتر، دیوارهای بلند خاکستری، آهنگ فراموش نشدنی، گیلدا، رعد در شرق، هانس کریستن‌آندرسن، راپسودی.

ویلار، ژان Vilar, J
(متولد ۱۹۱۲ م)
هنرپیشه وکارگردان تآتر فرانسه است.

هستون، چارلتون.
(متولد ۱۹۲۳ م)
اولین فیلم او «شهر تاریك» بودکه موجب شهرت او شد وبا بازی در فیلم بن‌هور برندهٔ جایزهٔ اسکار شد.
در فیلمهای: وحشی، خانم رییس جمهور، کمانداران،مورچه‌های‌آدمخوار، بزرگترین نمایش روی زمین،ده فرمان، ضربهٔ‌شیطان، نبردخصوصی، جناب‌سرگرد، غول‌دریا، ال‌سید، ۵۵ روزدرپکن‌شرکت داشته‌است.

هیپورن، اودری.
(متولد ۱۹۳۰ م)
در بروکسل متولد شد.
درفیلمهایی‌چون: عشق‌در بعدازظهر؛ جنگ وصلح، چهرهٔ مضحك،چگونه می‌توان یك ملیون دلار دزدید وخوشبخت زیست بازی‌کرده است.
فیلمی‌که اورا به شهرت رسانید: شبی در رم بودکه درآن برندهٔ جایزهٔ اسکار شد.



میفون



وست

کارگردانان وسناریستها و تهیه کنندگان فیلم

آپیا، آدولف Appia , A
(۱۸۶۳–۱۹۲۸ م)
کارگردان وهنرمند سوییسی.

آلدریچ، رابرت.
(متولد ۱۹۱۸ م)
کارگردانی را با فیلم **عضو تیم بزرگ** آغازکرد، ازآثار او:
دنیا به جای فدیه، بوسهٔ خونین، کارد بزرگ، برگهای‌خزان، حمله، پرواز قفس وبسیاری دیگر است.



ویلار

آنتونیونی، میکل‌آنجو.
(متولد ۱۹۱۲ م)
سناریو نویس وکمك‌کارگردان از مردم ایتالیااست، عاشق‌دروغی،خرافات،

ساکنین‌پو، سرگذشت یك‌عاشق، رفیقه‌ها وصحرای سرخ جزیی ازکارهای اواست.



داوژنکو

آیزنشتاین، سرگی میخایلویچ

Eisenstein , C. M.

(۱۸۹۸–۱۹۴۸ م)

نقاش و کارگـردان روسی است ، **اعتصاب** نخستین‌فیلم اواست، ازفیلمهای مشهور او، زره دار، اکتبر، کهنه ونو ، زنده باد مکزیك وبسیاری دیگراست .

استلانیسلافسکی، کونستانتین .

هنرپیشه‌ها را به بینید .

استیونسن ، جورج .

(متولد ۱۹۰۵ م)

فرزند پدر و مادری هنرمند بود ، درسال ۱۹۲۱ واردهالیوودشد ودرآغاز فیلمبردار بود ، وبه تشویق هال روچ به کارگردانی پرداخت واولین اثر او : **تجاوز جوانها** نام دارد ، **کودك کوچك**.خانم خوشحال، زن سال، دوران رقص، دختر ناشی، من مادرمرا به‌خاطر می‌آورم، مکانی درآفتاب ازکارهای بـا ارزش‌اواست. شین‌قهرمان دشتهای‌وسیع، غول، یاد داشتهای‌آن فرانك‌وبزرگترین داستان عالم ازکارهای اخیر اواست .



دری‌یر

اسژوستروم ، ویکتور .

هنرپیشه‌های خارجی را به بینید .

اولیویر، سرلارنس‌کر .

هنرپیشه‌ها را به بینید .

بارولت،ژان لویی .

هنرپیشه‌ها را به بینید .

برگمان، اینگمار .

هنرپیشه‌ها رابه بینید .

بروکس، ریچارد .

(متولد ۱۹۱۲ م)

نویسنده و سناریونویس آمریکایی است، وحشی سفید، زن کبرا، بهتریـن دوست دختر من، جـوان خوب، سلامتی فاتح، اخطار توفان، باهر شماره می‌شود بازی‌کرد، خیابان مرموز، ازسناریوهای او است، لمس ملایم، بحران ، ارتفاعات را تسخیرکنید، وآخرین باری‌که‌پاریس را دیدم، جنگل تختهٔ سیاه، آخرین‌شکار، یك چیزباارزش، بـرادران کارامازوف، گربه روی شیروانی داغ، المرگنتری ، پرندهٔ شیرین جوانی وغیره .

بکر، ژاك Becker , J

(۱۹۰۶–۱۹۶۰ م)

کارگردان سینما از مردم فرانسه ، از فیلمهای او : کاکل زری، ادوار وکارولین، کوچهٔ استرآباد، وسوراخ مشهورتر است

بلسکو، دیوید .

هنرپیشه‌های خارجی را به بینید .

بنوا ، الکساندرنیکولایویچ

Benois , A. N.

(۱۸۷۰–۱۹۶۰ م)

مورخ هنری و صحنه پرداز تآتر . منتقد هنری، ونقاش‌روسی که درسن‌پطرز-بورگ متولد شد و شهرت وی مخصوصاً برای تزیینات بالت است .

بونوئل، لویس Bunuel . L

(متولد ۱۹۰۰ م)

کارگردان‌بزرگ فیلم ونویسنده از مردم اسپانیا، سگ اندلسی، عصرطلایی، فراموش شدگان ، صعود به آسمان، او،روبنسون‌کروزوئه، بلندیهای‌طوفانی، این را سحر می‌نامند ، زندگی جنایی دولاکروز، فازادیـن، قسمتی ازکارهای او است .

پابست ، ژرژ ویلهلم Pabst, G. W

(متولد ۱۸۹۵ م)

کارگردان سینما ازمردم آلمان،که کارش را بارژیسوری تآترآغازکردسپس سناریو های کمـدی تهیه مـی‌کـرد ، مهمتریـن کارهای او: کـوچه ، بدون شادی، عشـق یـك جـوان ، سه صفحه ازیك روزنامه، اپرای کاس‌سو ، تراژدی معدن وبسیاری دیگر .



پرمینگر، اوتو Preminger , O

هنرپیشه‌وکارگردان‌اتریشی،رودخانهٔ بدون بازگشت، کارمن جونز، مرد بازو طلایی، سلام برغم، تشریح یك جنایت ، پورگی وبس،اکسدوس،رضایت ونصیحت، از فیلمهایی‌هستندکه اوکارگردانی کرده است .

چاپلین. چارلی .

هنرپیشه‌ها رابه‌بینید .

چایکوفسکی، پدی .

(متولد ۱۹۲۳ م)

نویسنده‌ونمایش‌نامه‌نویس‌وسناریست آمریکایی است .

داسن، ژول .

(متولد ۱۹۱۱ م)

هنرپیشه وکارگردان‌آمریکایی، از آثاراو:مأمورنازی، فشارحیوانی،سعادت زنان، جادهٔ دزدان، ریفی‌فی ، یکشنبه‌ها هرگز، وغیره .

دانن، استانلی .

(متولد ۱۹۲۸ م)

کارگردان‌سینما ازمردم‌آمریکا،ازآثار اواست: درشهر، به دخترك فرصتی بده، در اعماق‌قلب من، هفت عروس‌برای‌هفت برادر، چهرهٔمضحك آوازدرزیرباران، یانکی‌های لعنتی، یك‌باردیگربااحساس، بستهٔ مرموز، معما ، چمن سرسبزتر است وغیره .

داوژنکو، الکساندر پتروویچ .

Dovjenko, A. P.

(۱۸۹۴–۱۹۵۶ م)

کارگردان‌وسناریونویس روسی‌است که درآغاز معلم نقاشی بـود ، وازسال ۱۹۲۶ به عنوان سناریست وکارگردان بکار مشغول شد. ازآثار اواست : میوه‌های عشق، کیف دیپلوماتیك ، زمین، ایوان، آزادی، نبرد اوکرایین ، داستان سالهای‌آتش وغیره.

دری‌یر، کارل Dreyer, C

(متولد ۱۸۸۹ م)

کارگردان سینمایی‌ازمردم دانمارك است .

دسیکا ، ویتوریا .

هنرپیشه‌ها را به بینید .

دمیتریك. ادوارد .

(متولد ۱۹۰۸ م)

کارگردان کانادایی است که درسال ۱۹۴۹ بهانگلستان‌رفت،فیلمهای‌عمده‌وی عبارتند از : جـاسوس تلویزیونی ، گروه‌نجات، بچه‌های‌هیتلر، انتقام‌شاهین،زن وحشی،اسیر، بکش‌محبوبم، گیرافتاد،شلیك متقاطع، امروزرا بهما بدهید، اطاقهـای پنهانی، شورش تیرانداز. شورش درکشتی کین، پایان ماجرا، ماجراجو، دست‌چپ خدا.وارلاك، شیرهای جوان‌وفرشتهٔ آبی، خیابان داغ، مقدس ناراضی وغیره .

روتا، پل .

(متولد ۱۹۰۷ م)

از تهیه کنندگان فیلـم و از مردم انگلیس است: آثـار مستند وی همیشه موفق بوده است، زندگی آدولف هیتلر، رستاخیز، دنیای فراوانی‌وسرزمین وعده ازکارهای بزرگ ایشان است .

روتمان، والتر Ruttmann, W
(۱۸۸۸-۱۹۴۲ م)



کارگردان تآتر ازمردم آلمان، که در سال ۱۹۲۳ وارد فعالیت‌های سینما شد، آثاری زیاد از او باقی است.

روتنبرگ، جوزف.
فیلمبردار معروف آمریکایی است، ازآثار او:
اگر زمستان بیاید، خشم، والس بزرگ، زن سال، زنها، داستان فیلادلفیا، خانم‌مینیور، بازگشت به‌حیات، پلواترلو دکتر جلیل ومسترهاید، مادام کوری، چراغ گاز، کاروزوی کبیر، ژولیوس‌سزار، بریکادون، آخرین باری‌که پاریس را دیدم، یك نفرآن بالا ترا دوست دارد، ژی‌ژی وغیره.

روسلینی، روبرتو Rossellini, R
(متولد ۱۹۰۶ م)
کارگردان ایتالیایی است، ازکارهای ایشان: ناوسفید، روم‌شهر بی‌حفاظ، خلبانی باز می‌گردد، مرد ایمانی، هوس، آزادی کجاست، استرومبولی وعشق وغیره.

ری، نیکلای.
(متولد ۱۹۱۱ م)
کارگردان‌آمریکایی است، ازآثار او: آنها درشب زندگی می‌کنند، باد برفراز باتلاقها، پیروزی تلخ، سایه‌های سپید، شورش بی‌دلیل، فروغ بی‌پایان، ۵۵ روز درپکن وغیره.

ریچارد سون، تونی
Richardson, T
(قرن ۲۰ م)
کارگردان انگلیسی است از آثار ایشان: ماما اجازه نمی‌دهد، باخشم به‌گذشته بنگر، دلقك، محراب طعم‌عسلی (۱۹۶۴) وغیره.

زانوك داریل اف.
(متولد ۱۹۰۲ م)
سناریونویس سینمای آمریکا است، از آثاراو: خوشه‌های خشم، ویلسون، کاپیتان کاستیل، آوازبرنادوت، برفهای کلیما نجارو زنده باد زاپاتا وغیره است.

زیگفلد، فلارنز Ziegfeld, F
(۱۸۶۹-۱۹۳۲ م)
کارگردان تآتر ازمردم آمریکا، که اثر معروفش صنمهای زیگفلد است.

زینه مان، فرد.
(متولد ۱۸۸۷ م)
کارگردانی‌ازمردم‌شهر وین است، از آثاراو: چشمها درشب، صلیب‌هفتم، ترزا، ماجرای‌نیمروز، مردنامدار، ازاینجا تا ابدیت، اوکلاهما، غروبیها، داستان‌راهبه وغیره.

سنت، مك Sennett, M
(۱۸۸۴-۱۹۶۰ م)
کارگردان وتهیه‌کنندهٔ فیلمهای آمریکایی است.

فلاهرتی، رابرت.
(متولد ۱۸۴۴ م)
فیلمبردار آمریکایی است، ازآثار او: نانوك شمالی، موانا، تابو، مردی‌از آران و داستان لوییزیانا است.

فلیشر، ریچارد.
(متولد ۱۹۲۶ م)
کارگردان سینمای آمریکا است، ازآثار او: بانجو، کبوتر سفالی، مرا به آرامی‌دنبال کن، من‌خنده‌راانتخاب‌می‌کنم، اسیردام، حاشیهٔ‌باریك، دوران‌خوشی، بیست هزار فرسنگ زیر دریا، وایکینگها، بین جهنم و بهشت، شکافی در آیینه و غیره.

فلینی، فدریکو.
(متولد ۱۹۲۰ م)
سناریونویس وکارگردان ایتالیایی است.

فورد، جان Ford, J
(متولد ۱۸۹۵ م)
کارگردان‌آمریکایی‌است، ازکارهای معروف او: خبرچین، خوشه‌های خشم، چقدر درهٔ من سبز بوده و مردم آرام جایزهٔ‌اسکاربرده است، کارهای دیگراو: راه طولانی به وطن، ریوگرانده، موگامبو، فراری، کلمانتین عزیزم، خط طویل خاکستری، مردی که لیبرتی - والانس راکشت، کاروانسالاروغیره.

فورمن، کارل.
(متولد ۱۹۱۵ م)
کارگردان وتهیهٔ‌کنندهٔ فیلم‌ازمردم آمریکااست. از کارهای او: خانهٔ‌شجاعان، ماجرای‌نیمروز، مردان، کلید، توپهای ناوارون وفاتحین‌است.

فیدر، ژاك فردریك Feyder, J. F.
(۱۸۸۸-۱۹۴۸ م)



فیدر

کارگردان فرانسوی است.

کاردیف، جك.
(متولد ۱۹۱۴ م)
هنرپیشه و فیلمبردار و کارگردان انگلیسی است.
پلکانی به بهشت، نرگس سیاه، کفشهای قرمز، اسکات، کاشف‌قطب‌جنوب، گل سیاه، زندگی دوزخی، پاندورا، ملکهٔ افریقا، کودك قهرمان، جنگ وصلح، وایکینگ‌ها، فانی را فیلمبرداری کرده است، فیلمهای: قصدقتل، پسران وعشاق، گیشای من، شیر، کشتی های بلند را کارگردانی کرده‌است.

کازان، الیا.
(متولد ۱۹۰۹ م)
کارگردان سینمای‌آمریکا که یونانی الاصل و متولد ترکیه بود، نهالی در بروکلین می‌روید، دریای علف، بومرانك، اتوبوسی به‌نام هوس، پینکی، زنده باد زاپاتا، مردی‌روی‌طناب‌باریك، درباراانداز، شرق‌بهشت، چهره‌ای در انبوه جمعیت، رود وحشی، شکوه علفزار و قرارداد شرافتمندانه ازکارهای معروف اواست.



کلر

کری، لئومك.
(متولد ۱۸۹۸ م)
کارگردان فیلمهای آمریکایی است، دانشجوی‌سال دوم دانشکده، ریتم داغ، گروهان وحشی، بیایید بومی شویم، بی‌احتیاط، جوانی‌ازاسپانیا قسمتی‌ازکارهای ایشان است.

کلر، رنه، شومت Clair, R. Ch
(متولد ۱۸۹۸ م)
فیلمساز، کارگردان و هنرپیشه از مردم فرانسه است، از فیلمهایی که او کارگردانی کرده‌است؛ پاریس که‌می‌خوابد، آنتراکت، شبح مولن روژ، زیربامهای پاریس، آخرین ملیارد، اخبار را پخش کنید، شعلهٔ نیواورلئان، دیگر هیچ‌کس نبود، زیبایان شب، مانور بزرگ، تمام طلاهای دنیا وغیره است.

کلمان، رنه.
(متولد ۱۹۱۴ م)
کارگردان وفیلمبردار سینما از مردم فرانسه است، از آثار او: طرف چپ را بپا، کارکنان راه آهن، پاستورال بزرگ نبرد درراه‌آهن، پدر

آرام،دیوار دریایی، زیر آفتاب سوزان، شادیهای زندگی ، فردا روز دیگری است .

کلیتون ، جك .

(متولد ۱۹۲۱ م)

کارگردان سینما ازمردم انگلیس، ازآثار باارزش اواست : پالتوی سفارشی، اطاقی‌درطبقهٔ بالا، بی‌گناهان .



کینوشیتا

کوکتو، ژان .

نویسندگان خارجی را به بینید .

کیوکر. جرج .

(متولد ۱۸۹۹ م)

کارگردان تآتروسینمای‌آمریکااست اولین کاراودر سینما تهیهٔ دیالوگ‌فیلم : درغرب خبری نیست می‌باشد . از آثار دیگراو:دخترخوشگذران،یك‌ساعت‌باتو، رومئو وژولیت ، تعطیل، زنها ، داستان فیلادلفیا، چهرهٔ یك زن، بیاعشق‌بورزیم خانم زیبای من وبسیاری دیگر .

کینگ، هانری King , H

(متولد ۱۸۹۶ م)

کارهنری را باپییس نویسی در تماشاخانهٔ بزرگ ویرجینیا آغازکرد ، پس ازمدتی فعالیت‌های‌هنری دراستخدام کمپانی‌فوکس‌قرن‌بیستم درآمد، ازآثار او : خواهرسفید پوش، بندر جهنم، زنی دراطاق شمارهٔ۱۳ ،ماری‌آنتوانت،آسمان هفتم، لبهٔ تیغ،برفهای کلیمانجارو، داوود وملکهٔ سبا، وبسیاری دیگر .



لوبیچ

کینوشیتا، کیسوك Kinoshita, K

(متولد ۱۹۱۲ م)

کارگردان معروف سینمایی ازمردم ژاپون است .

گریگ. گوردن Graeg , G

(تولد ۱۸۷۲ م)

کارگردان وهنرمند تآتر از مردم انگلستان .

لانگ ، فریتز Lang , F

(متولد ۱۸۹۰ م)

کارگردان ورژیسور سینمای‌اتریش است ، لانگ ازسال۱۹۱۴ به سینما کشیده شد و آثارفراوانی بوجودآورده است‌ازجمله : سه نور ، دکترمابوس.



لوبیچ ، ارنست Lubitsch , E

(۱۸۹۲–۱۹۴۷ م)

کارگردان تآتر از مردم آلمان است .

لوزی، جوزف .

(متولد ۱۹۰۹ م)

کارگردان‌آمریکایی ازکارهای‌معروف او : اسلحه دردست، پسرك موسبز، مرد بی‌قانون ، ولگرد، شب بزرگ ، درسال ۱۹۵۲ به علل سیاسی‌عازم انگلستان شد درآن‌کشور فیلمهای جالبی تهیه‌کرد از آن‌جمله: ببرخفته،مردواقعی زمان‌بی‌رحم، کولی‌وآقا،ملاقات‌اتفاقی،تبهکارو بسیاری دیگر است .

می‌یرهولد، وسوولود امیلیویچ Meyerhold , V. E.

(۱۸۷۴–۱۹۴۲ م)



کارگردان روسی آلمانی الاصل آثار فراوانی از اوباقی‌است .

وانگ هو، جیمز .

(متولد ۱۸۹۹ م)

ازفیلمبرداران‌سینمای‌آمریکاوخود از مردم چین است ، طبلهای سرنوشت ، نشان درخت‌کاج متروك، زن چهارچهره، بسوی‌آخرین مرد، عنکبوت، بعدازفردا، زنده باد ویلا قسمتی از کارهای ایشان است .

ویدور، کینگ .

(متولد ۱۸۹۵ م)

کارگردان آمریکایی است، خمراه، دوران بهتر، نیمهٔ دیگر،روابط‌نامناسب، چاقوکش، آبروی خانوادگی ، راهنمای آسمانها، عشق هرگز نمی‌میرد ، آلیس آدامز،سه‌احمق‌عاقل،لابوهم،نمایشگران، بیلی‌کید، نه چندان احمق، صحنهٔ‌خیابان وبسیاری دیگر از فیلمها به کارگردانی ایشان تهیه شده است .

هاکز، هوارد .

(متولد ۱۸۹۶ م)

از کارگردانان معروف است آثار او : راه رفتن ، برگهای انجیر، دزدان گهواره، دختری درهر بندر، نگهبان سپیده دم، صورت زخمی، زنده باد ویلا، قرن بیستم ، فقط فرشتگان بال دارند ، نیروی هوایی، داشتن و نداشتن،خواب بزرگ، رودسرخ، من‌عروس مذکر زمان جنگ بودم، اکسیر جوانی، آقایان مو طلایی راترجیح می‌دهند،سرزمین‌فراعنه، ریوبراوو، ورزش مورد علاقهٔ مردان .

هوستن ، جان .

(متولد ۱۹۱۵ م)

به سناریونویسی علاقمند بود ، به همکاری دوستان‌همکلاس خوددرخانه‌اش سینمایی ساخت. پس‌از مدتی دست بکار تشکیل‌تآتر زد وبانوشتن نمایشنامه‌های جالب شهرتی بهم زد .

اولین فیلم او بنام«طبیب جذاب» بود .

سناریوی فیلمهایی چون «تو باید تسلیم شوی» و «فرار درکوهستان». و پیمان صلح برای استودیو نوشت .

فیلمهای دیگر او عبارتند از : بیگانگان،جنگل‌اسفالت،مولن‌روژ، موبی‌دیك، ملکهٔ افریقا ....

بخاطر سناریوی «گنجهای سیرا مادره» برندهٔ جایزهٔ اسکار شد .

هیچکاك ، آلفرد .

(متولد ۱۹۰۰ م)

در انگلستان به دنیا آمد .

دورهٔ کارگردانی را طی کرد . فیلم « ۳۹ پله» را درانگلستان تهیه‌کرد. و مشهور شد .

سوءظن، طناب، طلسم‌شده، بیگانه‌ای در‌ترن،اعتراف‌به‌گناه،پنجرهٔ رو به‌حیاط، مردی‌که‌زیادمی‌دانست،حق‌السکوت،گربهٔ سیاه،روح، پرندگان، مارنی،پرندهٔ پاره «ربه‌کا» ازآثار معروف اوست .

فستیوالهای سینمایی

فستیوال آنتیب .

از فستیوالهای بین‌المللی کشور فرانسه،ویژهٔفیلمهای‌هنری‌وتاریخی‌است.

فستیوال ادیمبورگ

Festival. Edimbourg

از فستیوالهای سینمایی جهان است که از سال ۱۹۴۶ شروع شده و در انگلستان تشکیل می‌گردد وبه فیلمهای مستند وکوتاه تعلق دارد .

فستیوال برگامو .

ازفستیوالهای‌بین‌المللی‌سینما است که درکشور ایتالیا تشکیل می‌شود .

فستیوال برلن F. Berlin
از فستیوالهای سینمایی بین‌المللی است که ازسال ۱۹۵۱ شروع شده‌است، انتخاب بهترین فیلم و بهترین هنرپیشه وکارگردان و غیره برحسب نظریات شرکت‌کنندگان است .

فستیوال بروکسل F. Bruxelle
از فستیوالهای بین‌المللی که در بلژیك برپا می‌شود .

فستیوال تور .
ازفستیوالهای‌بین‌المللی که درکشور فرانسه برپا است .

فستیوال‌سان‌فرانسیسکو .
از فستیوالهای بین‌المللی است که هرساله درکشورایالات‌متحده (کالیفرنیا) تشکیل می‌شود .

فستیوال سن سباستین .
از فستیوالهای بین‌المللی که در اسپانیا تشکیل می‌گردد.

فستیوال کارلووی واری
F. Karlovy Vary
از فستیوالهای بین‌المللی سینما است‌که ازسال ۱۹۴۶ در چکوسلواکی تشکیل شد .

فستیوال کان F. Cannes
بزرگترین فستیوال جهانی فیلم ، فستیوال «کان» است.درفستیوال کان کلیهٔ کشورهای‌تهیه‌کنندهٔ فیلم شرکت‌می‌کنند وکارگردانها و تهیه کننده های بزرگ شاهکارهای خودرا به این فستیوال‌عرضه می‌دارند. این‌فستیوال درشهرکان فرانسه هرسال یك مرتبه تشکیل می‌شود .
منقدان سینمایی وصاحب نظران بزرگ ارزش هنری فیلمهارامورد‌بررسی قرار می‌دهند وبهترین‌فیلم‌سال، هنرمند‌ترین هنرپیشگان زن ومرد وبهترین کار‌گردانها راتعیین‌می‌نمایند.
فستیوال کان سابقهٔ چندان طولانی ندارد. درسال ۱۹۴۶ سینمای فرانسه به فکر افتادکه باتشکیل یك فستیوال سینمایی صنعت سینمای‌کشور را تا آنجا که میسراست توسعه داده وباتشکیل این فستیوال وهمطرازقراردادن فیلمهای‌خود باصنعت پرقدرت کشور های تهیه‌کنندهٔ فیلم مثل‌آمریکا وشوروی دراین‌راه گام بزرگی‌بردارد. بههمین‌جهت‌اولین‌فستیوال سینمایی فرانسه درسال ۱۹۴۶ درسواحل زیبای دریای مدیترانه درشهرکان‌تشکیل گردید. هرچندکه مبتکر این فستیوال کشور فرانسه بود معهذا اولین فستیوال آن نمایندگان‌تعداد زیادی ازکشورهای خارجی‌نیزدرهیئت قضات فستیوال‌شرکت داشتند . ریاست این هیئت را در اولین فستیوال «ژورژ هویسمن» از فرانسه بر عهده داشت وهرسال یکی‌از اساتیدبزرگ ونامی فرانسه ویا یکی از نویسندگان معروف به‌این‌سمت برگزیده می‌شدند .
جوایزاین‌فستیوال‌که‌جنبهٔ بین‌المللی دارد درسال اول به چند فیلم‌که از نظر ارزش سینمایی مقامی‌برابر داشتند داده شد وهمچنین از طرف هیئت داوران‌نیز جایزهٔ مخصوصی برای یك فیلم درنظر گرفته شد اماسازمان فرانسه وگردانندهٔ این فستیوال برای آنکه ارزش واهمیت این فستیوال رابه پایهٔ فستیوال بزرگ سینمایی آمریکا برساند یك جایزهٔ «نخل طلا» برای بهترین فیلم شرکت کننده درنظرگرفت که از سال ۱۹۵۵ تاکنون‌همه‌ساله‌این جایزه به‌بهترین‌فیلم داده شده است .

فستیوال لوکارنو F. Locarno
از فستیوالهای بین‌المللی سینما‌که ازسال ۱۹۴۶ درسوییس‌تسکیل شده و فیلمهای برگزیدهٔ سال‌این فستیوال‌مورد توجه جهانیان است .

فستیوال ماردل پلاتا .
از فستیوالهای بین‌المللی که در آرژانتین تشکیل می‌شود .

فستیوال مونترال .
ازفستیوالهای بین‌المللی سینما‌است که درکانادا برپا می‌شود .

فستیوال ونیز F. Venise
ازفستیوالهای بین‌المللی است ، که از ۱۹۳۲ در ایتالیا تشکیل شده است .

برندگان جوایز اسکار
«کارگردانان»
از ۱۹۲۷ تا ۱۹۶۵

۱۹۲۷ـ فرانك بورزاج .
به‌خاطر کارگردانی فیلم (آسمان هفتم) .
۱۹۲۸ـ فرانك لوید .
به‌خاطر کارگردانی‌فیلم ـ رودخانهٔ خسته .
۱۹۲۹ـ لویی مایلستون .
به‌خاطرکارگردانی فیلم ـ در جبههٔ غرب خبری نیست .
۱۹۳۰ـ نورمن نوزوك .
به‌خاطرکارگردانی‌فیلم ـحذف‌شده.
۱۹۳۱ـ فرانك بورزاج .
به‌خاطر کارگردانی فیلم ـدختر ولگرد .
۱۹۳۲ـ فرانك لوید .
به‌خاطرکارگردانی‌فیلم ـاسب‌دوانی باشکوه .
۱۹۳۳ـ فرانك کاپرا .
به خاطرکارگردانی فیلم ـ واقعهٔ یك شب .
۱۹۳۴ـ جان فورد .
به‌خاطرکارگردانی فیلم ـخبرچین.
۱۹۳۵ـ فرانك کاپرا .
به‌خاطر کار گردانی فیلم ـآقای دیدزبه‌شهر می‌رود .
۱۹۳۶ـ لئومك‌کری .
به‌خاطر کارگردانی فیلم ـحقیقت مخوف .
۱۹۳۷ـ فرانك کاپرا .
به‌خاطرکارگردانی فیلم ـنمی‌توانی باخودت ببری .
۱۹۳۸ـ ویکتور فامینگ .
به‌خاطرکارگردانی‌فیلم ـبربادرفته.
۱۹۳۹ـ جان فورد .
به‌خاطرکارگردانی فیلم ـخوشه‌های خشم .
۱۹۴۰ـ جان فورد .
به‌خاطرکارگردانی فیلم ـچقدر درهٔ من سبز بود .
۱۹۴۱ـ ویلیام وایلر .
به‌خاطر کارگردانی فیلم ـمادام مینیور .
۱۹۴۲ـ مایکل کورتیز .
به‌خاطرکارگردانی فیلم ـ کازابلانکا.
۱۹۴۳ـ لئومك‌کری .
به‌خاطرکارگردانی‌فیلم ـ به راه‌خود می‌روم .
۱۹۴۴ـ بیلی وایلدر .
به‌خاطرکارگردانی فیلم ـ تعطیلی‌از دست رفته .
۱۹۴۵ـ ویلیام وایلدر .
به‌خاطرکارگردانی فیلم ـ بهترین سالهای‌زندگی ما .
۱۹۴۶ـ الیاکازان .
به‌خاطر کارگردانی فیلم ـ قرارداد شرافتمندانه .
۱۹۴۷ـ جان هوستون .
به‌خاطر کارگردانی فیلم ـ گنجهای

سیرا مادره .
۱۹۴۸ــ جوزف مانکیه ویتس .
به‌خاطر کارگردانی‌فیلم ــ نامه‌ای به سه زن .
۱۹۴۹ــ جوزف مانکیه ویتس .
به‌خاطر کارگردانی‌فیلم ــ تمام دربارهٔ ایو .
۱۹۵۰ــ جورج استیونس .
به‌خاطر کارگردانی فیلم ــ مکانی‌در آفتاب .
۱۹۵۱ــ جان فورد .
به‌خاطر کارگردانی‌فیلم ــ مردآرام.
۱۹۵۲ــ فرد زینمان .
به‌خاطر کارگردانی فیلم ــ ازاینجا تا ابدیت .
۱۹۵۳ــ الیاکازان .
به‌خاطر کارگردانی فیلم ــ دربار انداز .
۱۹۵۴ــ دلبرت مان .
به‌خاطر کارگردانی‌فیلم ــ مارتی .
۱۹۵۵ــ جورج استیونس .
به‌خاطر کارگردانی‌فیلم ــ غول .
۱۹۵۶ــ دیویدلین .
به‌خاطر کارگردانی‌فیلم ــ پلی‌برفراز رودکوای .
۱۹۵۷ــ وینسنت مینلی .
به‌خاطر کارگردانی‌فیلم ــ ژیژی .
۱۹۵۸ــ ویلیام وایلر .
به‌خاطر کارگردانی‌فیلم ــ بن‌هور .
۱۹۵۹ــ بیلی وایلدر .
به‌خاطر کارگردانی فیلم ــ آپارتمان.
۱۹۶۰ــ رابرت وایز وجروم رابینز.
به‌خاطر کارگردانی‌فیلم ــ داستان وست ساید .
۱۹۶۱ــ دیویدلین .
به‌خاطر کارگردانی فیلم ــ لارنس عربستان .
۱۹۶۲ــ تونی ریچارد سون .
به‌خاطر کارگردانی‌فیلم ــ تام جونز.
۱۹۶۳ــ جورج کیوکر .
به‌خاطر کارگردانی‌فیلم ــ خانم زیبای من .
۱۹۶۴ــ رابرت وایز .
به‌خاطر کارگردانی فیلم ــ آوای موسیقی (درتهران ــ اشکها ولبخندها).
۱۹۶۵ــ فرد زینه .
به‌خاطر کارگردانی‌فیلم ــ مردی‌برای تمام فصول .

برندگان جوایز اسکار
(فیلم‌ها)
از ۱۹۲۷ تا ۱۹۶۵

۱۹۲۷ــ بالها، محصول پارامونت .
۱۹۲۸ــ نوای‌بردودی، محصول مترو ــ گلدین مایر .
۱۹۲۹ــ درجبههٔ غرب خبری نیست ، محصول یونیورسال .
۱۹۳۰ــ سیمارون، محصول ار. ك. او. رادیو .
۱۹۳۱ــ گراند هتل ، محصول مترو ــ گلدین مایر .
۱۹۳۲ــ اسب دوانی باشکوه، محصول فوکس قرن بیستم .
۱۹۳۳ــ واقعهٔ یکشب، محصول کلمبیا .
۱۹۳۴ــ شورش‌درکشتی‌بونتی، محصول متروگلدین مایر .
۱۹۳۵ــ زیگفیلدکبیر ، محصول مترو ــ گلدین مایر .
۱۹۳۶ــ سرنوشت امیل زولا، محصول برادران وارنر .
۱۹۳۷ــ نمی‌توانی با خودت ببری ، محصول کلمبیا .
۱۹۳۸ــ برباد رفته ، محصول مترو ــ گلدین مایر .
۱۹۳۹ــ ربه‌کا، محصول‌یونایتدآرتیست.
۱۹۴۰ــ چقدر درهٔ مــن سبز است ، محصول فوکس قرن بیستم .
۱۹۴۱ــ مادام مینیور، محصول مترو ــ گلدین مایر .
۱۹۴۲ــ کازابلانکا، محصول برادران وارنر .
۱۹۴۳ــ به‌راه خود می‌روم، محصول پارامونت .
۱۹۴۴ــ تعطیلی‌از دست رفته، محصول پارامونت .
۱۹۴۵ــ بهترین سالهای زندگی مــا، محصول آر. ك. او. رادیو .
۱۹۴۶ــ قرارداد شرافتمندانه، محصول فوکس قرن بیستم .
۱۹۴۷ــ هاملت، محصول‌آرتور رانگ.
۱۹۴۸ــ کلیهٔ نوکــران شاه ، محصول کلمبیا .
۱۹۴۹ــ تمام‌دربارهٔایو، محصول‌فوکس قرن بیستم .
۱۹۵۰ــ یك‌آمریکایی‌درپاریس، محصول متروگلدین مایر .
۱۹۵۱ــ بزرگترین نمایش روی‌زمین، محصول پارامونت .
۱۹۵۲ــ از اینجا تا ابدیت ، محصول کلمبیا .
۱۹۵۳ــ دربارانداز ، محصول کلمبیا.
۱۹۵۴ــ مارتی، محصول‌یونایتدآرتیست.
۱۹۵۵ــ ۸۰ روز دور دنیا ، محصول یونایتدآرتیست .
۱۹۵۶ــ پلی بر فراز رود کــوای ، محصول کلمبیا .
۱۹۵۷ــ ژیژی، محصول‌متروگلدین‌مایر.
۱۹۵۸ــ بن‌هور. محصول متروگلدین‌ مایــر .
۱۹۵۹ــ آپارتمان ، محصول یونـایتد آرتیست .
۱۹۶۰ــ داستان وست ساید ، محصول یونایتد آرتیست .
۱۹۶۱ــ لارنس عــربستان ، محصـول کلمبیا .
۱۹۶۲ــ تام جونز ، محصول یونـایتد آرتیست .
۱۹۶۳ــ بانــوی زیبای من ، محصول برادران وارنر .
۱۹۶۴ــ آوای موسیقی (در تهــران : اشکها و لبخندها)، محصول فوکس .
۱۹۶۵ــ مردی بــرای تمام فصول ، محصول انگلستان .

برندگـان جوایز اسکار
هنرپیشه‌های مرد
از ۱۹۲۷ تا ۱۹۶۵

۱۹۲۷ــ امیل نانینکس .
به‌خاطر بازی‌درفیلم ــ جادهٔ‌پربرکت.
۱۹۲۸ــ وارنرباکستر .
به‌خاطر بازی‌درفیلم ــ درآریزونای قدیم .
۱۹۲۹ــ جرج‌آلیس .
به خاطر بازی درفیلم ــ دیزرایلی.
۱۹۳۰ــ لیونل باریمور .
به خاطر بازی درفیلم ــ روح‌آزاد.
۱۹۳۱ــ فردریك مارچ .
به‌خاطر بازی درفیلم ــ دکترجکیل ومسترهاید .
۱۹۳۲ــ چارلزلافتون .
به خاطر بازی در فیلم ــ زندگی خصوصی هنری هشتم .
۱۹۳۳ــ کلارك‌گیبل .
به خاطر بــازی در فیلم ــ واقعهٔ یك شب .

۱۹۳۴ـ ویکتور مك لاگلن .
به خاطر بازی درفیلم ـ خبرچین .
از سال ۱۹۳۴ به بعد دو جایزهٔ اسکار برای هنرپیشهٔ مرد درجهٔ ۲ و هنرپیشهٔ زن درجهٔ ۲ بـه جوایـز قبلی افزوده شد .
۱۹۳۵ـ پل مونی (درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازی در فیلم ـ سرگذشت لویی پاستور
والتر برنان (درجهٔ ۲) .
به خاطربازی درفیلم ـ بیاوبگیر.
۱۹۳۶ ـ اسپنسر تریسی (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ـ ناخدای جسور .
جوزف چیلدکرات (درجهٔ ۲) .
بهخاطربازیدرفیلم ـ سرگذشت امیل زولا .
۱۹۳۷ـ اسپنسر تریسی (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ـ شهرپسران.
والتر برنان (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازی درفیلم ـ کنتاکی .
۱۹۳۸ـ رابرت دونات (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ـ خداحافظ مسترچیس .
توماس میچل (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی درفیلم ـ دلیجان .
۱۹۳۹ـ جیمز استوارت (درجهٔ ۱).
به خاطر بازی در فیلم ـ ماجرای فیلادلفیا .
والتر برنان (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی درفیلم ـ اهل‌غرب.
۱۹۴۰ـ گاری‌کوپر (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ـ گروهبان یورک .
دونالد کریسپ (درجهٔ ۲).
به خاطر بازی درفیلم ـ چقدر درهٔ من سبز بود .
۱۹۴۱ـ جیمزکاگنی (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی در فیلم ـ یانکی دودل دندی.
وان هفلین (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازی درفیلم ـ جانی ایگر.
۱۹۴۲ـ پل لوکاس (درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازیدرفیلم ـ نگهبانان‌رن.
چارلزکابرن (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازی درفیلم ـ هرچه بیشتر خوشحال‌تر .
۱۹۴۳ـ بینگ‌کرازبی (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ـ براه خود می‌روم .
باری فیتزجرالد (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی درفیلم ـ براه‌خود می‌روم .
۱۹۴۴ـ ری میلاند (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ـ تعطیلی‌از دست رفته .
جیمزدون (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازی درفیلم ـ درختی در بروکلین می‌روید .
۱۹۴۵ـ فردریك مارچ (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی در فیلم ـ بهترین سالهای زندگی ما .
هارولد راسل (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ـ بهترین سالهای زندگی ما .
۱۹۴۶ـ دونالد کلمن (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی در فیلم ـ زندگی مضاعف .
ادموند کویین (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی درفیلم ـ معجزه در کوچهٔ شمارهٔ ۳۴ .
۱۹۴۷ـ لارنس آلیویر (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ـ هاملت .
والتر هوستون (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ـ گنجهای سیرامادره .
۱۹۴۸ـ برودریك‌کرافورد(درجهٔ۱).
بهخاطر بازی درفیلم ـ وارثه .
دین جاگر (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی درفیلم ـ ۱۲ساعت پرواز .
۱۹۴۹ـ خوزه مرز (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ـ سیرانودو برژاك .
جورج ساندرز (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ـ تمام در بارهٔ ایو .
۱۹۵۰ـ همفری بوگارت (درجهٔ۱) .
بهخاطربازی درفیلم ـ ملکهٔ‌افریقا.
کارل مالدن (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ـ اتوبوسی به‌نام هوس.
۱۹۵۱ـ گاری کوپر (درجهٔ ۱).
به خاطر بازی در فیلم ـ ماجرای نیمروز .
آنتونی کویین (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ـ زنده باد زاپاتا
۱۹۵۲ـ ویلیام هولدن (درجهٔ ۱) .
به خاطربازی درفیلم ـ بازداشتگاه شمارهٔ ۱۷ .
فرانك سیناترا (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ـ از اینجا تا ابدیت .
۱۹۵۳ـ مارلون براندو (درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازیدر فیلم ـ دربارانداز.
ادموند اوبراین (درجهٔ ۲) .
به خاطر بـازی در فیلم ـ کنتس پابرهنه .
۱۹۵۴ـ ارنست‌بورگناین (درجهٔ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ـ مارتی .
جك لمون (درجهٔ ۲) .
به خاطر بـازی در فیلـم ـ مستر رابرتز .
۱۹۵۵ـ یول براینر (درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازی درفیلم ـ من‌وسلطان.
آنتونی کویین (درجهٔ ۲) .
به خاطر بـازی در فیلم ـ شهـوت زندگی .
۱۹۵۶ـ الك‌گینس (درجهٔ ۱) .
به خاطربازی درفیلم ـ پلی‌برفراز رودکوای .
ردباتونز (درجهٔ ۲) .
بهخاطربازی درفیلم ـ سایونارا .
۱۹۵۷ـ دیوید نیون (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی در فیلم ـ میزهای جداگانه .
یرل آیوز (درجهٔ ۲) .
به خاطر بـازی در فیلم ـ کشور بزرگ .
۱۹۵۸ـ چارلتون هستون (درجهٔ ۱).
بهخاطر بازی درفیلم ـ بن‌هور .
هیوگریفیث (درجهٔ۲)
بهخاطر بازی درفیلم ـ بن‌هور.
۱۹۵۹ـ برت لنکستر (درجهٔ ۱) .
بهخاطربازی درفیلم ـ المرگنتری.
پیتریوستینف (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازیدرفیلم ـ اسپارتاکوس.
۱۹۶۰ـ ماکزیمیلیان شل (درجهٔ ۱) .
به خاطر بـازی در فیلم ـ دادگاه نورنبرگ .
جرج چاکریس (درجهٔ ۲) .
به خاطر بـازی در فیلم ـ داستان وست ساید .
۱۹۶۱ـ گریگوری پك (درجهٔ ۱) .
به خاطربازی درفیلم ـ کشتن‌مرغ مقلد .

۱۶۸۰

ادبگلی (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازیدرفیلم ـ پرندهٔشیرین جوانی .
۱۹۶۲ـ سیدنی پواتیه (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ـ زنبق های مزرعه .
ملوین داگلاس (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی درفیلم ـ هاد .
۱۹۶۳ـ رکس هریسون (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی در فیلم ـ خانم زیبای من .
پیتر یوستینف (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی درفیلم ـ توپکاپی .
۱۹۶۴ـ لیماروین (درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازی درفیلم ـ کت بالو .
مارتین بالزام (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازی درفیلم ـ هزاردلقك
۱۹۶۵ـ پل اسکافیلد (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ـ مردیبرای تمام فصول .
والتر ماتیو (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازی درفیلم ـ بیسکوئیت شانسی .

برندگان جوایز اسکار

هنرپیشههای زن

از ۱۹۲۷ تا ۱۹۶۵

۱۹۲۷ـ جانت گینور .
به خاطر بازی در فیلم ـ آسمان هفتم .
۱۹۲۸ـ مری پیکفورد .
به خاطر بازی درفیلم ـ طناز .
۱۹۲۹ـ نرما شیرر .
بهخاطر بازی درفیلم ـ مطلقه .
۱۹۳۰ـ مری درسلر .
بهخاطر بازی درفیلم ـ مین وبیل.
۱۹۳۱ـ هلن هایس .
به خاطر بازی در فیلم ـ گناه مادلن کلوده .
۱۹۳۲ـ کاترین هیپورن .
به خاطر بازی در فیلم ـ صبح سعادت .
۱۹۳۳ـ کلودت کلبرت .
به خاطر بازی در فیلم ـ واقعهٔ یك شب .
۱۹۳۴ـ بت دیویس .
بهخاطر بازی درفیلم ـ خطرناك .
ازسال ۱۹۳۴ بهبعد دوجایزهٔاسکار برای هنرپیشهٔ مرد درجهٔ ۲ و هنرپیشهٔ زن درجهٔ ۲ به جوایز قبلی افزوده شد .
۱۹۳۵ـ لوییز راینر (درجهٔ۱).
به خاطر بازی در فیلم ـ زیگفیلد کبیر .
کیل سوندرگارد (درجهٔ ۲).
به خاطر بازی در فیلم ـ آنتونی ادرز .
۱۹۳۶ـ لوییز راینر (درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازیدرفیلم ـ زمینخوب.
آلیس برادی (درجهٔ ۲) .
به خاطربازی درفیلم ـ شیکاگوی قدیم .
۱۹۳۷ـ بت دیویس (درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازی درفیلم ـ جزهبل .
فیبینتر (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازی درفیلم ـ جزهبل .
۱۹۳۸ـ ویویان لی (درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازی درفیلم ـ بربادرفته.
هانی ماکدانیل (درجهٔ ۲) .
بهخاطربازی درفیلم ـ برباد رفته.
۱۹۳۹ـ جینجرراجرز (درجهٔ ۱) .
به خاطربازی درفیلم ـ کیتیفویل.
جین دارول (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی درفیلم ـ خوشههای خشم .
۱۹۴۰ـ جون فونتین (درجهٔ ۱) .
بهخاطربازی در فیلم ـ سوء ظن .
مری آستور (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ـ دروغ بزرگ .
۱۹۴۱ـ گریرگارسن (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی در فیلم ـ مادام مینیور .
ترزا رایت (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ـ مادام مینیور .
۱۹۴۲ـ جینفرجونز (درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازی در فیلم ـ آواز برنادوت .
کاتینا پاکسینو (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ـ برایکه زنگها بهصدا درمیآیند .
۱۹۴۳ـ اینگرید برگمن (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی در فیلم ـ چراغ گاز .
اتل باریمور (درجهٔ ۲).
بهخاطر بازی در فیلم ـ تنها قلب بیکس .
۱۹۴۴ـ جون کرافورد (درجه ۱) .
به خاطر بازی در فیلم ـ میلورد ـ پیرس .
آن ریور (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازی درفیلم ـ مخململی.
۱۹۴۵ـ الیویا دوهایلند (درجهٔ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ـ هرکه راقسمتی است .
آن باکستر (درجهٔ ۲).
به خاطر بازی در فیلم ـ لبهٔتیغ.
۱۹۴۶ـ لرتا یانگ(درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازی درفیلم ـ دخترزارع.
سلست هولم (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ـ قرارداد شرافتمندانه .
۱۹۴۷ـ جین وایمن (درجهٔ ۱).
بهخاطر بازیدرفیلم ـ جانیبلیندا.
کلرترور (درجهٔ ۲) .
بهخاطربازی درفیلم ـ کیلارگو .
۱۹۴۸ـ الیویا دوهایلند (درجهٔ ۱).
به خاطر بازی درفیلم ـ وارثه .
مرسدس مك کمبریج (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازیدرفیلم ـ کلیهٔنوکران شاه .
۱۹۴۹ـ جودی هالیدی (درجهٔ ۱).
به خاطر بازی در فیلم ـ بچهٔ دیروزه .
ژوزفین هال (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازی درفیلم ـ لاهاروی .
۱۹۵۰ـ ویویانلی (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی در فیلم ـ اتوبوسی بهنام هوس .
کیم هانتر (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ـ اتوبوسی بهنام هوس .
۱۹۵۱ـ شرلی برث (درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازیدرفیلم ـ شیبایکوچك بازگرد .
گلوریا گریهام (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ـ زیبا و بدسرشت .
۱۹۵۲ـ اودری هیپورن (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ـ شبیدررم.
دونارید (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی درفیلم ـ ازاینجاتا ابدیت .
۱۹۵۳ـ گریس کلی (درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازیدرفیلم ـ دختردهاتی.

اوامرت سنت (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازی درفیلم ــ دربارانداز.
۱۹۵۴ــ آنامانیانی (درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازی درفیلم ــ خال گل .
جووان فلیت (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ــ شرق بهشت .
۱۹۵۵ــ اینگرید برگمن(درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازی درفیلم ــ آناستازیا .
دورتی مالون (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ــ نوشته برباد .
۱۹۵۶ــ جوان وودوارد (درجهٔ ۱).
به خاطر بازی درفیلم ــ سه چهره ایو .
میوشی یومکی (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازی درفیلم ــ سایونارا .
۱۹۵۷ــ سوزان هیوارد (درجهٔ ۱).
به خاطر بازی درفیلم ــ میخواهم زنده بمانم .
وندی هیلر (درجهٔ ۲).
به خاطر بازی در فیلم ــ میزهای جداگانه .
۱۹۵۸ــ سینون سینیوره (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ــ اطاقی در طبقهٔ بالا .
شلیوینترز (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازی درفیلم ــ یادداشتهای آن فرانك .
۱۹۵۹ــ الیزابت تیلور (درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازی درفیلم ــ باترفیلد ۸.
شرلی جونز (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ــ المرگنتری .
۱۹۶۰ــ سوفیالورن (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ــ دوزن .
ریتامونوره (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ــ داستان وست ساید .
۱۹۶۱ــ آن بانکرافت (درجهٔ ۱) .
بهخاطر بازی درفیلم ــ معجزهساز.
پاتی دوك (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازی درفیلم ــ معجزهساز.
۱۹۶۲ــ پاتریشیانیل (درجهٔ ۱)
به خاطر بازی درفیلم ــ هاد .
مارگارت ترافورد (درجهٔ ۲)
به خاطر بازی در فیلم ــ هتل بینالمللی.
۱۹۶۳ــ جولیآندروز (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی در فیلم ــ مری پاپینز .
لیلاکدروا (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی در فیلم ــزوربای یونانی .
۱۹۶۴ــ جولیکریستی (درجهٔ ۱)
به خاطر بازی درفیلم ــمحبوبه .
شلی وینترز (درجهٔ ۲) .
به خاطر بازی درفیلم ــ لکهٔ آبی (درتهران،دنیای تاریك عشق) .
۱۹۶۵ــ الیزابت تیلور (درجهٔ ۱) .
به خاطر بازی درفیلم ــچهکسی از ویرجینیاولفمیترسد
سندی دنیس (درجهٔ ۲) .
بهخاطر بازی درفیلم ــ چهکسیاز ویرجینیاولف میترسد .

چندکتاب دربارهٔ سینما

درکمان رنگینسینما :طغرل **افشار** .
سینماهای ایران : عبدالحمید **شعاعی تهرانی** .
هنرپیشگی وکارگردانیغیرحرفهای : ادارهٔ هنرهای دراماتیك هنرهایزیبای کشور د.جــدزموند ــ ترجمهٔمهدیفروغ.

استادان ومعلمین هنرهای زیبای دانشگاه

آجودانی، مهندس هوشنگ . کارمندفنی دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
آذرگین ، علی . دستیار نقاشی عملی دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
آشتیانی، اسمعیل. معلم نقاشی دانشکدهٔ فنی .
آفتاندلیانس،مهندسیوگینا،استادمعماری دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
آلکسی آندروف ، کنستانتین . استاد دانشکدهٔ هنرهای زیبا
ابوالقاسمی، مهندس لطیف. کارمند فنی دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
استوار، هوشنگ.معلمدانشکدهٔ هنرهای زیبا .
اعتصام ، دکتر ایرج . دانشیار معماری عملی دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
امینفر ، مارت سلستین (بانو) . دبیر نقاشی شعبهٔ نقاشی دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
ایزدی، مهندس کیومرث . معلم معماری دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
برکشلی . دکتر مهدی . استاد گروه موسیقیوهنرهایتآتریدانشکدهٔهنرهای زیبا .
تناولی، پرویز ، استادیار مجسمه سازی دانشکدهٔ هنرهای زیبا.
جعفرنژاد ، مهندس حسن ، کارمند فنی دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
جوادی پور، محمود . دبیرنقاشی شعبهٔ نقاشی دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
حمیدی، جواد. دبیر وسرپرست کارگاه نقاشی دانشکدهٔ هنرهای زیبا.
حیدریان، علیمحمد.استادنقاشیدانشکدهٔ هنرهای زیبا .
خورسند، مهندس منوچهر. معلممعماری شهرسازی دانشکدهٔ فنی .
درودی، مهندسعباس. استاد استاتیك و مقاومت مصالح دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
ذکاء ، یحیی . استاد دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
سیحون ، مهندس هوشنگ . استاد رشتهٔ معماری دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
سلیمانی پور، مهندس منوچهر ، دستیار معماری عملی دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
صانعی، مهندس هوشنگ. استاد معماری دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
صدرمحلاتی، خانمبهجت. دانشیارنقاشی دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
صدیقی، ابوالحسن. استاد مجسمه سازی دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
غیائی، مهندسحیدرقلی. دانشیارمعماری دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
فرمانفرماییان،مهندسعبدالعزیز.دانشیار معماری دانشکدهٔهنرهای زیبا.
فروغی، مهندس محسن . استاد معماری دانشکدهٔ فنی .
کوبان ، خانم سیما. دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
کورس ، دکتر غلامرضا . استاد بتون مسلح دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
کینیا ، دکترمهدی . استاد تمام وقت دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
کیهانی، دکترنعمتالله. استادکالبدشناسی هنری دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
کیهانی،دکترنعمتالله. دانشکدهٔهنرهای زیبا .
گلستانی ، دکتر امیرحسن . استادیار معماری عملی دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
ماردویان ، مهندس آلفرد . دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
متین دفتری(زیبا).خانملیلی معلمحجاری

دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
مقدم، دکتر محسن. استاد تاریخ هنر و فرهنگ‌هنری‌دانشکدهٔ فنی.
مؤیدعهد ، مهندس پرویز. استادمعماری عملی دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
میرفندرسکی، دکترمحمدامین. استادیار معماری عملی دانشکدهٔ هنرهای زیبا .
وسقانیان، دکتر رستم. استادیارمعماری عملی دانشکدهٔ هنرهای زیبا .

ورزش و تفریحات سالم

تربیت بدنی وتفریحات سالم ایران.
نام‌این سازمان نخست «انجمن ملی تربیت بدنی وپیشاهنگی ایران» بودپس ازتفکیک «سازمان ملی‌پیشاهنگی‌ایران» نام‌آن به‌«انجمن ملی تربیت‌بدنی ایران» وبعد به‌«کاخ ورزش» و سپس «سازمـان تندرستی جوانان وتربیت بدنی ایران» مبدل گردید . اخیراً آنرا«سازمان‌تربیت بدنی وتفریحات‌سالم ایران» نامیده‌اند.
شالودهٔاین‌سازمان‌به‌امراعلیحضرت فقیدرضا شاه پهلـوی و ریـاست عالیهٔ ولایتعهد(شاهنشاه‌آریامهر) درفروردین ۱۳۱۳ هـ . ش ریخته شـد وبـه منظور پیشرفت وتعلیم ورزش‌برنامهٔ وسیعی‌رادر سراسر کشور به‌موقع‌اجرا گذاشتند . این سازمان‌مشتمل است بـرسازمـان اداری مرکزی، سازمان انتشارات ، سازمانهای تربیت بدنی شهرستانها و فدراسیونهای مختلف‌که عبارتنداز فدراسیونهای‌بوکس، بسکتبال، والیبال، تنیس، پینگ پونگ، تیراندازی ، و سوارکاری ، دوومیدانی ، دوچرخه‌سواری، ژیمناستیك، شطرنج، شناو شیرجه، شمشیربازی، فوتبال وغیراینها .

ورزش باستانی

پهلوانی ودلاوری:
ورزش ایرانیان قدیم، ورزش‌جنگی ومیدانی بـوده وکلیهٔ ورزش‌ها وسیله‌ای برای‌رسیدن‌به هدف‌پهلوانی‌ودلاوری‌بود وکشتی نیزازآن میان مقام‌اول وفوق ــ العاده‌ای‌را دارابوده‌است. **گزنفون**مورخ یونانی، معاصرداریوش دوم، روی‌عمومیت ورزش پهلوانی وجنگی درمیان‌ایرانیان تکیه‌می‌کندوحرکات نرمش‌وکاررامنحصر به‌سلامتی بـدن‌ایشان مـی‌شمارد وروی آوری ایرانیان رادرمیدان‌های نبرد به جنگ تن‌به‌تن نشانهٔ‌برتری‌نیروی‌جسمانی ایشان به‌دشمن می‌شناسد .
درایران پهلوانی‌ودلاوری‌درمیدان‌ـ های نبردبکار می‌رفته و آزموده می‌شده وغالباً ورزش قبل‌ازآن‌کـه بـرای حفظ سلامتی ورشدسادهٔ عضلانی‌باشد به‌منظور نیرومندی وپهلوانی و جنگاوری حاصل می‌شده وناگزیر ازاین‌راه‌آموختن فنون نبردبرای‌نایل‌شدن به‌مقام قهرمانی‌توأماً باورزش صورت می گرفته است. در کشتی میدانی معمولا اسپهبدان ولشکرداران که ازجنگ‌آزموده‌تـرین افـرادسپاهی بـودند مثل پهلوانـان عـادی پیشقدم می‌شدند .

کشتی‌گرفتن :
درایران‌قدیم، کشتی ازمقامات‌عالی ورزش وپهلوانی به‌شمار مـی‌رفته و در ایران باستان عنوان **جهان پهلوانی** از مناصب عالی ارتشی‌بوده وهرساله پس‌از مسابقات‌کشتی، پهلوان اول‌کشور برمسند افتخار پهلوانی پـایتخت تکیه مـی‌زده است .
کشتی‌گرفتن درتاریخ ایران مدتی بعدازحملهٔ مغول‌آنگاه‌که ملت‌ایران از زیربار مصائب‌آن قدراست‌کـرد، وارد مرحلهٔ جدیدی می‌شود ، ازآن‌زمان بـه بعـد رسمیت بیشتری می‌یـابد وسیمای پهلوانان نامدار ایران‌وکشتی‌گیران از آن‌عهد آشناترشده است .
کشتی‌میدانی وپهلوانی‌کـه پس از حملات مغول‌ها تا مدت زمانی متروك مانده بود، درزمان **اوکتای قاآن**رونق گرفت. قاآن‌کشتی‌گیران‌سراسرایران‌را جمع‌آورد ومسابقات کشتی بسیارترتیب داد .
درقرن هشتم هجری‌که هرقسمت از خاك‌ایران‌تحت سیطرهٔ اتابکی بودحرفهٔ پهلوانی به‌صورت فعال‌خود، یعنی عیاری به‌هنگامه‌ها وغوغاها بازگشته بود. درهر جاپهلوانان وعیاران‌فرزانه برمی‌خاستند ومردم‌بی‌پناه‌راتحت‌حمایت‌خودمی‌گرفتند.
درنیمهٔ دوم‌قرن نهم‌رواج پهلوانی بجایی رسیدکه‌ازحدودکشور ایران به‌خارج‌راه یافت‌دردوران صفویه‌کشتی وورزش‌باستانی وپهلوانی رونق بی‌سابقه‌ای پیدا کرد و درهرشهری صـدها پهلـوان بنام وجود داشت .

مشت زنی :
درتاریخ پهلوانی‌ایران ، به ندرت مشت ومشت زن دیده می‌شود وپهلوانان تنهادرخطرها وبرخوردهای شدید به‌آن مبادرت می‌ورزیدند . باید گفته شودکه مشت‌زنی از حرفه‌های پهلوانی نبوده و پهلوانان علاقه‌ای به‌این‌حرفه نداشتند .
ولی‌اکنون‌مشت‌زنی‌نیزجزءمسابقات دیده می‌شود . این حرفه از خصوصیات روح **گلادیاتوریستی** اروپاییان سرچشمه می‌گیرددرمسابقات‌دونفررا به‌هم‌می‌اندازند وآنها بامشت به‌جان هم‌می‌افتند وتماشاـ چیان ازتماشای‌آن لذت می‌برند .

عیاری :
عرب، اشخاص کاری وهوشیارراکه درهنگامه‌ها وغوغاها خودنمایی کرده و یادرجنگها فراست بخـرج‌داده‌اند،عیار نامیده‌است. ازتاریخ‌برمی‌آیدکه درزمان بنی‌عباس‌عیاران‌درخراسان‌و بغدادافزونی گرفتند ویعقوب‌لیث‌صفاری‌هم‌ازسرهنگان این‌طایفه بوده است .

آیین‌پهلوانی درکسوت عیاری :
پهلوانی و دلاوری درتاریخ ایران اشکال‌گوناگونی دارد :
۱ ــ پهلوانـان جنگاوری‌که بـه میدان نبرد می‌تـازند ومیان صفوف دو سپاه باسلاح باحریف می‌جنگند .
۲ــ پهلوانان عیاری‌که‌هنگام‌تسلط بیگانگان امکان نمی‌یابند در پیشاپیش سپاه‌ملت خویش به‌میدان جنگ بروند، با لباس عیاری ، مبدل به یك جنگجوی غیر نظامی می‌شدند وبـاسیاست پنهان و آشکار باخصم به‌مبارزه برمی‌خیزند .
۳ــ پهلوانان شاطری‌که به‌مقتضای موقعیت‌های‌نظامی دولت خود پیشقراول می‌شوند ومأموریت‌های خطیر چالاکی و دوندگی پیشه می‌کنند .
۴ ــ پهلوانان‌نیرومندی‌که درزمان صلح‌درمیدان‌های عمومی‌کشتی می‌گیرند.

شاطری :
درگذشته‌های دور، رابطهٔ افراد به ویژه درمواقع فوق‌العاده وهنگام جنگ شاطران بعدازعیاران‌نقش‌های پراهمیتی به‌عهده داشته‌اند. شاطران ازمیان‌کسانی انتخاب‌می‌شدندکه درعین‌قدرت‌دوندگی، نیروی بدنی‌کافی برای مقابله بادستبرد دشمن ودفع‌آنهاداشته بـاشند. فرستادن نامه‌ها وپیغام‌ها ازشهری به شهر دیگـر بوسیلهٔ شاطران بوده وآنها پیغام یانقشه رادر حال دویدن به‌مقصد می‌رساندند .
شاطری بعد از اسلام بیش از هزار

سال همراه آیین وفرهنگ پهلوانی ایران درکشورما متداول بـوده است. آداب و آیین ایشان برنسق پیشهٔ عیاران بوده ، تقوی وصداقت وجوانمردی رادرکسوت شعارخود میدانستند .

داوطلبان شاطری پس از حائزبودن شرطهای لازم که عبارت از سلامتی وچالاکی وایمان بمذهب رسمی و آیین ملی وداشتن معرف معتبر بود، دراین حرفه پذیـرفته میشدند و آنگاه دورهٔ طولانی کارآموزی را میدیدند که طی آن ریاضت دوندگی وفنون خستگی ناپذیری و تحمل گرسنگی و تشنگی برای بـالارفتن مقاومتشان در برابـر سختی ها تعلیم داده میشد . پس ازطی مراحل آموزش، داوطلبان بایك آزمایش بمرتبه‌ای ازمقام شاطری نایل می‌گشتند آزمایش بدین‌قرار بودکه شاگردان باید درطول خیابان ویاجاده‌ای مثلا بمسافت ۱۰ کیلومتریك بار بسرعت بدو بروندوبرگردند درزمان قاجاریه ، هنگام ورود مهمانان خارجی به پایتخت شاطرها در مـراسم تشریفات پیشاپیش اسب آنان میدویدند و وظیفهٔ گارد احترام راعهده‌دار بودند .

شاطری تاچهل سال قبل هم درایران معمول بوده و پس ازپیداشدن وسایل نقلیه و تغییرسیستم اجتماعی کشور، منسوخ گردیده است .

لباس شاطرها :

شاطری درهر دوره ، لباس وظاهری خاص زمان خود داشته و درطـی ادوار مختلف دستخوش تغییراتی شده‌است .

شاطرهای عهدشاه صفی قبایی بلند می‌پوشیدند وهنگام دویدن گوشه‌های دامن آنرا بعقب برمی‌گردانیدند ومحکم به کمرخود می‌بستند تاهنگام دویدن مانع سرعت نشود یقهٔ پیراهنی را که زیـر قبا می‌پوشیدند گرد می‌دوختند و حاشیهٔ دور آنرا باقیطان ویـا یراق می‌آراستند . این پیراهن تابـالای زانوهـا میرسید . آنها کلاه پوستی به سرمی‌گذاشتند کـه آفتاب گردانی بزرگ داشت و برای زیبایی پری به پهلوی آن می‌زدند که ضمناً علامت شاطری هم بـود. شلوارشان بسیار تنگ بود. کفش سبك ونرم به پا می‌کردند و به اطراف کمربند خود تعدادی گوی یازنگوله‌های گرد مجوف می‌آویختند وعصای بلند سرکجی هم بدست می‌گرفتند .

لباس شاطرها درزمـان شاه سلطان حسین صفوی به این شکل بود که کلاه پوستی آفتاب گردان دار به عمامهٔ خوش پیچی تبدیل یافته که ازوسط آن یك دسته پر رنگین وزیبا بیرون آمده و بعقب سر می‌ریخته ودرطرف راست عمامه تـك پری کـه از علامات شاطری می‌باشد بطـورعمودزده شده است. درپیراهن شاطرهای این‌دوره باگذشتهٔ تغییری حاصل نشده وازبـالای شانه‌ها، دورشتهٔ گوی یازنگوله‌های مجوف که بدومنگولهٔ ابریشمی خوش رنگ منتهی می‌گشته، روی دوطرف سینه تاب می‌خورده ونیز شالی بکمر می‌پیچیدند. چندرشته منگوله بلند که تا آنها بجلوی کمربندوصل شده‌بود ، درپیش دامنشان آویزان بوده ونیزدومنگولهٔ بزرگ باگوی‌های مجوف ازطرف راست به پرشالشان می‌آویختند. دوبندچرمین بشکل تسمهٔ بـاریکی از چپ وراست سینه وپشت می‌گذشته است. کفشها به نیم‌چکمه‌هایی تبدیل یافته کـه دوساقهٔ چرمی تـو درتو دارند تاساق و قوزك پاها هنگام راه پیمایی طولانی از هرگزندمصون بماند عصای سرکج بلند ، به‌چوب بند بندکوتاه‌وگرزمانندی تبدیل یافته که سربـاریکش دردست وسرقطور آن بطرف پایین گرفته می‌شد .

درزمـان محمدشاه قـاجار ، لباس شاطرها تغییر محسوسی یافته است . کلاه نمدی بسرمی‌گذاشتند که چهار دسته موی یال یادم اسب ازچهار گوشهٔ آن بیرون آمده ودرگرداگردش نشانها وپولك‌های فلزی دوخته‌شده‌است. قبای بلندی که سمت راست آن چاك داشته بر می‌کرده وشال بزرگی به کمرمی‌بستند وخنجری پرآن می‌گذاشتند ونیزبرروی بازوها وسینهٔ لباس پولك‌هایی فاصله بفاصله می‌دوختند وحمایلی هم که قلاب دوزیهایی بشکل برگ خرما درآن منقوش بود روی دوش راست خود می‌انداختند. شلوارگشادی می‌پوشیدند که دامن بلند قباروی آن رامی‌پوشاند جورابهای سفید خال‌دار بپامی‌کردندو نعلین نوك برگشته بپاداشتند. لباس شاطرهـای عهد ناصرالدین شاه بدینقرار بود :

سرداری از ماهوت سرخ کـه دامن چین دار داشته وروی سینه وحاشیه‌ها و آستینهای آن با نوار دوخته شده وتکمه‌های برنجی زیب وزیور آنها بوده است . کمربند پولك دارخوش نمایی سرداری را به بدن برازنده‌تر ومحکم‌ترمی کرده‌است. کلاه تاجی و کنگره دار وبزرگ بوده باگلهای پشمی سرخ وسیاه وسبز گلدوزی شده بوده‌است . جوراب سفید وتاسرزانو می‌رسیده ولبهٔ شلوار ماهوت سبزرادرزیر می‌پوشانـده . چوبدستی اشکال مختلفی داشته، چماق سرنقره‌ای ، چوبدستی ساده وچوبدستی بندبند وگره‌دار .

تاریخ زورخانه و مراتب کسوت ورزشکاران باستانی

آلات و ادوات ورزشی زورخانه ، میل وکباده وسنگ وتخته‌شنا، همه نشان دهندهٔ تاریخ کهن ورزش باستانی درایران می‌باشد تشکیلات وتجهیزات زورخانه که اکنون وجوددارد درصدو پنجاه سال پیش نیز به همین شکل بوده است گویندزورخانه درهفتصدسال پیش بوسیلهٔ **پوریای ولی** بصورت امروزی تجدید سازمان یـافته است .

درزمان تسلطخلفـای بنی‌امیه بـه ایران، میل به تقلید گرز، وکباده بجای کمان، وسنگ عوض سپربکار گرفته شد وبرای نیرومند ساختن بـدن وبهتر بکار بردن ادوات اصلی جنگ مورد استفادهٔ ورزشکاران قرارگرفت .

ساختمان زورخانه، به اطاق شبه گنبد ویاگلدسته‌مانند، وجای نشستن پیرامون آن شباهت زیـادی بـه خانقاه متصوفین دارد .

زورخانه وورزش باستـانی توانسته بسیاری ازمردم هرزمان را بخودعلاقمند سازد .

سردم زورخانه که مرشد برآن می‌نشیند و ضـرب می‌گیرد واشعار حماسی می‌خواند. شباهت زیادی بمنابرسخنوری متصوفین دارد .

گودزورخانه که ورزشکاران باستانی در آن ورزش مـی‌کنند ، از سنت ردهٔ دراویش خاکسارپیروی شده که دلیل آن درخاك شدن ودرجای پست ورزش کردن باشد. تاکسی نخوت وغرور درخوداحساس نکند و نسبت به سایـرین پایین‌تر قرار بگیرد .

گودها یاشش گوشه‌اند یاچهار گوشه واضلاع آنرا بچهار گوشهٔ قبرعلی(ع)وشش گوشهٔ قبرحسین (ع) مثال گرفته‌اند .

بجوانی که دورهٔ اول ورزش باستانی وکشتی گیری راطی می‌کند **نوچه** می‌گویند معمولاً نوچه‌ها زیردست پیش کسوتها، تحت تعلیم قرارمی‌گیرند وفنون کشتی و آیین پهلوانی رامی‌آموزندومراحل شاگردی را می‌گذرانند .

سپس وارد مرحلهٔ **نوخاستگی** می‌شوند. نوخاسته تا حدود معمول هنر کشتی گیری و رموز ورزشکاری را آموخته و در موقع ورود اینان به زورخانه، مرشد از حضار طلب صلوات می‌کند و او را صلواتی می‌خوانند.

مرتبهٔ بالاتر **پیش‌کسوتی** است. ورزشکارانی که در آداب و رسوم زورخانه و ورزشکاری و میانداری و تعلیم به نوچه‌ها و نوخاسته‌ها ورزیده باشند و از جوانمردی و فتوت و فروتنی ابا ننمایند و در میان مردم به حسن شهرت معروف باشند، به این مقام نایل می‌گردند و مرشد، مقدم ایشان را با زورخانه با طلب صلوات از حضار و زدن به طبل اعلام می‌دارد.

هنگامی که به مرتبهٔ کمال پهلوانی و پیش‌کسوتی برسند عنوان صاحب ضرب و صاحب زنگ می‌یابند. ایشان کسانی هستند که در تمام زندگی با ورزش باستانی سروکار داشته و پهلوانی با کلیهٔ سجایای آن شخصیت اصلی ایشان است.

برای قهرمانان بزرگی که در میدانهای مسابقهٔ کشتی مقام اول را حایزند و دارای مدالها و افتخارات فراوان می‌باشند و یا اشخاصی که به ورزش و ورزشکاران خدمات برجسته‌ای کرده‌اند، مرشد به طبل می‌زند و زنگ را به صدا درمی‌آورد.

زورخانه و آداب ورود به آن:

برای ورود به زورخانه پهلوانی که از دیگران سالمندتر است در آستانهٔ در می‌ایستد و پس از دو تعارف به نفر دوم و یك تعارف به نفر سوم، قدم پیش می‌نهد و نفرات باقیمانده هم به ترتیب سابقهٔ کسوت از پی وی عزم دخول می‌کنند.

هشتی کوچکی میان در صحن زورخانه و در کوچه حائل شده و باید از در اول که بزرگ و مرتفع است وارد هشتی شده و از آنجا گذشت و قدم به آستانهٔ صحن زورخانه گذاشت.

در صحن زورخانه، به ارتفاع یك متر و نیم می‌باشد. باید پهلوانان کوه پیکر و بلندقامت به هنگام گذشتن از زیر چهار چوب کوتاه آن سرخم و پشت دوتا کنند و درضمن بجا آوردن آداب ورود به صحن زورخانه وارد شوند.

این در از آن جهت کوتاه ساخته شده که ورزشکاران و پهلوانان هنگام ورود به صحن زورخانه، قامت خود را، خم کنند و سینهٔ بر آمدهٔ خود را فرود هند و در برابر آستانهٔ خاکی که پهلوانی را به آنها اعطا کرده‌ سر تعظیم فرود آورند و نیز در مقابل حضار اظهار فروتنی نمایند.

پس از ورود، پهلوان پیر، مرشد آواز خود را از ساز تر می‌کند و خوش آمد می‌گوید و سریع به طبل می‌زند و بلافاصله یك دستش را از ضرب رها کرده و به کاسهٔ زنگ می‌زند و از حضار طلب صلوات می‌کند.

این نهایت احترام و تشریفاتی است که برای یك استاد ورزشکار باستانی و پهلوان سابقه‌دار بجا آورده می‌شود.

به احترام پهلوان پیش‌کسوت، نیز مرشد چند لحظه تند و سریع به ضرب می‌کوبد و پس از خوش آمد گفتن، از حضار طلب صلوات می‌کند. برای ساخته‌ها و نوچه‌ها و جوانانی که در حرفهٔ ورزش باستانی پای برجا و استوار مانده‌اند فقط مرشد از حضار طلب صلوات می‌کند.

در همین مراتب و پایین‌تر نیز بنا به سابقهٔ ورزشکاران به هنگام ورود و خروج از گود تشریفاتی قایل می‌گردند. در مقامهای چهارم و پنجم و.... سه احترام معمول است، زیردست چرخیدن، زیردست ایستادن، و درحین چرخ و کباده صلوات فرستادن و زنگ زدن.

برای افراد تازه وارد، در صدر نشستن گاه روبروی در ورودی جا باز می‌کنند و آنان باوقار هریك به جای خود می‌نشینند.

در این ضمن، ورزشکاران که شنا رفتن خود را متوقف کرده‌اند و روی تخته شناهای خود نشسته‌اند و میاندار در وسط گود، پس از پایان خوش آمد گویی مرشد، رو به پهلوان کرده پس از ادای سلام، از او اجازهٔ ادامهٔ شنا را طلب می‌کند. پهلوان اذن ادامهٔ ورزش را می‌دهد. از همه طرف به پهلوان سلام می‌گویند و سر تعظیم فرود می‌آورند. بالای سر آنان آینهٔ بزرگی از دیوار سرخم کرده و خیلی بالاتر از آن کلهٔ گوزنی با شاخهای بلند چنان سر بر افراشته که گویی باز هم می‌خواهد سر از کمند صیاد به در کند.

دوطرف آینه، دو تابلو دومتری به دیوار نصب شده، سمت چپ تابلو جنگ رستم و اشکبوس است و در سمت راست آینه تابلو بارگاه کیخسرو و پهلوانان و اسپهبدان ایران زمین دیده می‌شود.

گود به شکل ذوزنقه است و عمق آن بیش از یك متر به نظر می‌رسد و طول آن از زاویهٔ یك طرف به نقطهٔ زاویهٔ مقابل تقریباً هشت متر است.

از کف گود تا سقف پیرامون بادگیر ده متر و تا سقف بادگیر سیزده متر می‌شود بادگیر به سر گلدسته‌ای می‌ماند که درو پنجرهٔ شیشه‌ای دارد و فراخنایی برای پرتاب میل به هنگام میل بازی است. دور گود چوب کار گذاشته‌اند که از تصادم میل و ضربه‌های کبادهٔ آهنین فرو نریزد. کف زورخانه در قدیم با بوته زیرسازی می‌شد و روی آن خاك رست نرم و کوبیده می‌ریختند تا برای کشتی و تصادم بدن با زمین سخت نباشد. اکنون کف گودها را با فیبر می‌پوشانند.

سردم زورخانه که نزدیك در ورودی قرار داده شده سکویی است چوبی و مکعب به ارتفاع یك متر و جلو آن که مقابل جایگاه مرشد است با نردهٔ چوبی کوتاهی بسته شده تا منقل و قوطی اسفند و دخل در پس آن از انظار پوشیده بماند.

مرشد پشت آن روی سردم دو زانو نشسته و طبل را روی ران و زیر بغل چپ قرار داده و پوست طبل از حرارت ملایم آتش منقل نرم و منبسط است و مرشد با بدن برهنهٔ لنگ به کمر منتظر پایان شنای کرسی است.

جلو سمت چپ سردم دو کاسهٔ زنگی تو در تو بر میلهٔ سرکجی آویخته و بالای زنگ اولی که به کلاه‌خود مردان جنگی می‌ماند پرهای بلند طاوس و قو نصب شده است.

جلوی حضار میزهای کوچك و مستطیلی به ردیف چیده شده و روی آنها شیرینی و میوه قرار دارد.

روی جرزهای قرینهٔ چهار طرف قالیچه‌های کاشی ریزبافت که هر جفت تصویرهای مشابهی دارند کوبیده شده است.

بالای یکی از آینه‌ها تصویر نور علیشاه در قاب به دیوار نصب می‌باشد بالای یکی از طاقچه‌های جنوب غربی، چند طبل ذخیره وارونه گذاشته شده، درسه طاقچه جنوبی میلهای بسیار بزرگ و سنگینی از چوب گردو که در داخلشان سرب ریخته شده و هر کدام از ۲۵ تا ۳۰ کیلو گرم وزن دارد، گذاشته شده است.

مشتمالچی زورخانه، لنگ و شلواری چرمین در کنار هریك از تازه واردین می‌نهد و پهلوانان شروع به برهنه شدن می‌کنند.

در گوشهٔ ضلع جنوب شرقی زورخانه یك پارالل چوبی خوش دست گذاشته شده ودرکنار پارالـل دوجفت اسباب ورزش باستانی، باشکلی مخصوص کـه ازچوب بسیار جسیم وضخیم ساخته شده وشبیه سپر بسیار بزرگی است قرار دارد قسمت بالای آنها مستطیل است و بخش تحتانیشان با نیمدایره‌ای بسته می‌شود این آلتها سنگ نام دارند وبا آنها درحال به‌پشت دراز کشیدن حرکات ورزشی انجام می‌دهند .

پهلوانان تازه‌وارد شلوارهای چرمی میخچه می‌پوشند وعازم گود می‌شوند .

تختهٔ شنا :

تختهٔ چوبی است بـه درازای ۷۵ سانتیمتر وپهنای ۸ سانتی‌متر وقطر تقریباً دو سانتیمتر که درزیر آن کمی از لبه عقب‌تر، دوپاره تخته چوب کوچك شش سانتی کوبیده شده که تخته‌را تاارتفاع خوداززمین بالا نگهدارد تا انگشت‌هاو کف‌دست ورزشکاران که هنگام شنا آن‌را محکم به‌چنگ می‌فشارند اززمین فاصله داشته باشد.

شنا رفتن :

پهلوان وارد گود می‌شود، وسط گود برای او جا بازمی‌کنند. وپهلوان پیش‌کسوتی که آداب شمارش شنارا بجا می‌آورد با رخصت‌طلبیدن ازپهلوان تازه وارد شمارش خودرا ادامه می‌دهد .

دست‌ها روی تختهٔ شنا بـا فاصله از یکدیگر وپاهاهم تـا حدممکن گشاده از هم، چهارستون بدن روی زمین می‌شوند وبدن را بالاو به عقب وپایین رو به جلو به‌حرکت می‌آورند. نام این شنا. شنای کرسی است.

همه باهم تنهٔ خودرا ازعقب بـه جلو می‌کشند وسینه‌را روی تخته شنا جلو پایین می‌آورند . دراین حالت بدن بـه جلو سرازیر است وبازوها زاویه می‌زنند .

شمارندهٔ شنا(میاندار) درهمان‌حال دفعه‌های شنایی راکه رفته‌اند می‌شمارد.

درحین حرکت شنا، همه از اول تـا پایان دورشنا باهم یك صدایاالله می‌گویند

سنگ گرفتن :

سنگ‌ها راازجا دستی‌ها گرفته، بالای سر بلندمی‌کنند وشروع به‌حرکت می‌نمایند ابتداء روی پهلوی چپ می‌غلتند و دست راست خودرا بالامی‌برند وسنگ را به ـ هوا بلندمی‌کنند وسپس دست‌راست را بـا سنگ پایین می‌آورند وروی پهلوی راست می‌غلتند ودست چپ را باسنگ بالا وبه هوا می‌برند .

ترتیب شمارش سنگ چنان است که اگرازیك تاپنجاه رسید، شمارنده بایـد شمارهٔ سنگ‌گرفتن رابطـور معکوس از پنجاه تایك برگرداندواین ترتیب شمارش نباید از ۱۱۷ تجاوزکند وشمارنده مکلف است درصورت ادامهٔ سنگ گرفتن شمارش راختم ومجدداً ازیـك بـه همان آیین و ترتیب اول شروع کند .

چون سنگ‌گرفتن ورزش انفرادی است ، بوسیلهٔ ضرب وآواز مرشدرهبری نمی‌گردد .

شنای کرسی باضرب ، شنای دوشلاقه ، شنای پیچ .

ورزشکاران داخـل گـود، پس‌از دویست شنای کرسی شنای خود را ملایم تر می‌کنند ومرشدبازدن به‌ضرب، اشعار حماسی می‌خواند وحرکت آنها را به‌همان طمأنینهٔ شنای کرسی رهبری می‌کند. هر بار نیم‌مصرع ازشعررا بـاصدای کشیده می‌خواند ورزشکاران پس‌از اتمام آن با صدای ضرب یك شنا می‌روند . مرشد هر کلمه رادر هرنیم مصرع می‌کشد وبعداز آن به‌ضرب می‌زند وورزشکاران روبـه تخته‌شنا پایین می‌روند وبالا می‌آیند .

سپس حرکات شنا سرعت می‌گیرد و ورزشکاران شنای دو شلاقـه می‌روند ، همچنان که پی‌درپی وتندشنا می‌روند، مرشد باضرب‌های پرشور لاینقطع طبل، حرکاتشان راهم‌آهنگ می‌سازد ، پس‌از شنای دوـ شلاقه شنای پیچ می‌روند ، سینه‌ها روی تخته‌شنا پایین می‌آید ودرفـاصلهٔ خیلی کمی بالای آن قرار می‌گیرد و بازوهـا زاویه می‌زنند ومرشد در حـال شمارش شناضرب می‌گیرد .

ورزشکاران هم‌آهنگ به شمارهٔ یك، روی شانهٔ چپ فرودمی‌آیند وسمت چپ سینه تاحدتماس به تختهٔ شنا نزدیك می‌شود و زاویهٔ دست‌چپ به‌ده درجه می‌رسد وشانه وسمت‌راست سینه بالامی‌رود وزاویهٔ دست راست تا ۶۰ درجه باز می‌شود وسر وسط آن قرار می‌گیرد وتمام بدن بـا پاهای جفت بـه‌هم بـه سمت چپ روی پهلـو می‌گیرد .

به‌شمارهٔ دو، همین‌حرکت باوضعی که گفته شدبا به طرف راست گشتن بـدن انجام می‌گیرد .

میاندار بایك حرکت سرپامی‌ایستد ومرشد زنگ می‌زند وپایـان شنا اعلام می‌شود . همه به‌پا می‌خیزند وتخته‌هـا را درجای مخصوص خودکه زیرسردم مرشد است می‌گذارند . وپهلوان باصدای بلند می‌گوید :

دست وپنجهٔ مرشد دردنکند .

تعداد دفعات شنا ممکن است تاهزار برسد .

میل گرفتن (گورگه):

درحالی که ورزشکاران هـریك در حدود خود، پیرامون گود، درحرکتند ، برای برداشتن ویا انتخاب میل‌های در خورنیروی خود، به‌طرف آنها که نزدیك گود دریك طرف ردیف چیده شده انـد دست دراز می‌کنند و هرکس یك جفت برمی‌دارد . حادم (مشتمالچی) زورخانه میل‌های مورد نیازآنها را کـه دور از دسترس قرار گرفته در اختیارشان می‌گذارد .

میل که از بدو پیدایش شبیه گرز وازچوب وآهن‌ساخته شده بود امروزاز چوب‌های سخت نارون وگردو و زبـان گنجشك وفوفل وارژن ساخته می‌شودکه بدنه‌ای جسیم واستوانه‌ای بادسته‌ای کوتاه دارد، هرجفت میل از ۱۰ کیلو تـا ۳۰ کیلو وزن دارد .

ورزش بـامیل دارای انواع زیـر است :

۱ــ گورگه .
۲ــ چکشی .
۳ــ میل بازی .

پهلوان در وسط گود قرار می‌گیرد وهمه باطلب رخصت میل‌ها را برشانـه می‌گذارد ومرشدابتدا ضرب سرنـوازی گورگه رامی‌گیرد، وپس ازآن ضرب‌را آهسته وسنگین‌تر می‌گیرد وشعری راکه مخصوص نصیحت وارشاد نوچه‌ها است به آهنگ ضرب می‌خواند .

ورزشکاران شروع به میل گرفتن می‌کنند میل‌ها دورکتف‌ها به‌چرخش در می‌آیند وقتی دست چپ میلی رایك دور دریك طرف بدن در مدار شانه وپشت و پهلو وسینه می‌چرخاند، دست دیگرمیل خود را راست روبه بالا نگه‌می‌دارد .

پس از اتمام گورگه همراه باغزل، ضرب چکشی وحرکات سریع گورگه آغاز می‌شود .

بـه آهنگ ضرب مرشدمیل‌ها بادـ واری لاینقطع یکی پس از دیـگری دو طرف‌شانه‌های ورزشکاران به‌سرعت چنان می‌گردند که گویی جنگی هولناك باگرز

درگرفته است .

میل گرفتن چکشی و گورگه یك ربع ساعت ادامه می‌یابد ، مرشد در لحظهٔ سریع ترین دوار میل‌ها بهزنگ میزند وطلب صلوات می کند وختم میل گرفتن را اعلام می‌دارد .

میل‌ها ازسرشانه‌ها فرود می آیند .

میل بازی:

پهلوان یك جفت میل بازی که از میل‌های گورگه کوچکترند ، از خادم می‌گیرد، دستهٔ این میل‌ها اندکی بلندتر ازسایر میل‌ها است .

وسط گودمی‌ایستد ومیل‌ها را بالنگر بالا و پایین‌حرکت‌می‌دهد .

مرشد به تناوب ضرب می‌گیرد و کلماتی را باصدای‌بلند وکشیده ادامی‌کند. آهنگ‌طبل ابتدا باضربه‌های‌کوتاه ومقطع است وگردش وچرخش میل‌ها را در دست پهلوان همراهی می کند .

کم‌کم میل‌ها بالا و بالاتر پرتاب می‌شوند. پهلوان یك‌دفعه‌میل دست‌راست خودرا به شدت به هوا پرتاب می کند . میل از سقف‌گذشته تامیان فضای بادگیر می‌رود وفرودمی‌آید . و پهلوان درمیان زمین وآسمان آن رامی‌گیرد وبی‌درنگ میل دست چپ را به هوا می‌اندازد. این هنرنمایی هربار پرشورترمی‌شود، هرگاه یك میل فرو می‌آید، میل دیگربه هوا پرتاب می‌شود .

پرتاب میل‌ها کوتاه‌تر ولی‌مشکل‌تر می‌گردد بدین‌نحوکه دست‌پهلوان میل‌ها را چنان‌باضرب دست درهوا به‌چرخیدن در می‌آوردکه به‌چشم بیننده، دسته ازته میل شناخته نمی‌شود،میل دست چپ مثل فرفره درهوا می‌چرخد وددردست اوفرود می‌آید ومیل‌دست راست‌بلافاصله به‌همان شکل درهوا به‌چرخش می‌آید . ضرب مرشد پی‌درپی نواخته می‌شود .

سپس پرتاب میل باچرخش از زیر کتف شروع می‌شود. میل‌از زیرکتف رها شده ودر مدار معینی چرخ زنان درهوا می‌گردد وپهلوان هرکدام را بانیم‌چرخی که به‌بدن خود می‌دهد، درمسیرش درهوا می‌گیرد. دراین وقت میل از دست چپ پهلوان درمی‌رود وپهلوان میل‌را قبل‌از آنکه روی زمین بیفتد به‌سرعت‌می‌رباید ومرشد محکم بـه طبل می‌زنـد وضرب گرفتن را ادامه می‌دهد .

حضار باشور وحرارت صلوات می‌فرستند و پهلوان ، بـازی دیگری آغاز می کند. هردومیل را بادواری سریع بـه هوامی‌اندازد، میل‌ها دردونقطه به‌ردیف درموازات هم می‌چرخندودایره می‌زنند وپایین می‌آیند ودست‌های پهلوان هردو را درهمان‌نقطهٔ‌پرتاب می گیرد و بلافاصله باز همان حرکات را بـا شدت بیشتری تکرار می‌کند ومرشد درحالی‌که ضرب می‌گیرد به ناز دست پهلوان بـه زنگ می‌زند .

پهلوان‌بازی دیگری شروع می کند دستهٔ هرمیل را درحالی‌که بدنهٔ آنهارو به پایین است تاسرشانه بطور عمودبه‌بالا می‌اندازد وباکف دست محکم به ته میل می‌زند. میل مثل‌فلکهٔ پروانه مقابل‌دست او می‌چرخد و وقتی چرخش میل تمـام می‌شود دستهٔ آن‌را می‌قاپد و میل دست دیگر رابه همان روش به بازی می‌گیرد وادامه می‌دهد ومرشد بنا به وضع‌حرکات اوضرب می‌گیرد .

تمام حضارکه باشیفتگی‌مراقب‌دقایق حرکات اوهستند باحرارت وعلاقه‌صلوات می‌فرستند وبالاخـره پس‌از چند چشمه بازی دیگرهنگامی‌که شور وجذبهٔ‌حضار به نهایت درجه می‌رسد مرشد بـه زنگ می‌زند وختم میل بازی با صلوات اعلام می‌شود .

چرخیدن :

ورزشکاران دورگود دست بـه سینه ایستاده ومشتمالچی‌برشانهٔ هرکدام‌لنگی می‌اندازد. آنها لنگ را دور تنهٔ خـود می‌پیچند. یکی ازکم سابقه ترین‌ورزشکاران ازپایین ترین جایگاه خود وسط گود می‌آیدوازپهلوان‌بزرگ‌طلب‌رخصت می‌کند ومرشد پیش درآمد ضرب چرخ قجری‌می‌نوازد. ورزشکاری‌که می‌خواهد بچرخد باحرکات‌کسی‌که بخواهد بـرای پریدن ازروی مانعی دورخیزکند،چهار قدم به راست وچهارقدم به چپ سرپنجهٔ پا ازاین طرف گود به‌آن طرف قدم بر می‌دارد وناگهان‌باطمأنینه شروع به‌چرخ می‌کند .

ضرب‌مرشد آرام‌ولی‌متوالی،هماهنگ سرعت چرخیدن ادامه می‌یابد .

چرخ زننده، دست‌ها رابه موازات شانه در دو طرف بدن کشیده نگهداشته وپای چپ‌را، پایهٔ چرخ بدن وپای‌راست را وسیلهٔ تحرك ساخته، هربار به زمین می‌زند وبدن خود رابه روی پـای چپ بدوار می‌آورد ودور حود می‌چرخد .

این حرکت چرخیدن ساده است ، چرخ زننده تاحدود توانایی بدور خـود می‌چرخد وگاهی سرعت چرخیدن چنان شدت می‌یابدکه بدن چرخ زننده هنگام چرخ به‌تیرچوبی شبیه‌می‌شودودیگردست‌ها وسایر اعضای‌بدن بطور مشخص به چشم نمی‌آید .

هنر چرخیدن یکی ازکارهای‌ظریف ودقیق ورزش باستانی است‌که موردتوجه فوق‌العادهٔ ورزشکاران می‌باشد. گاهی‌پیش یابعد ازچرخیدن، شیرین کاریهایی مثل پشتك زدن ووارو زدن چاشنی می‌شود .

ورزشکاران یکی پس‌از دیـگری وسط‌گود می‌آیند وباآهنگ‌ضرب مرشد می‌چرخند وبجای خود برمی‌گردند.

درچرخیدن شیرینکار وآن‌که سابقهٔ دیرینهٔ درپهلوانی دارد زنگ می‌زنند .

پای زدن :

میاندار، آخرین دورچرخیدن‌خود راباشروع پای زدن تمام می کند .

ورزشکاران درجای خود مستقرمی‌شوند وبه پیروی از میاندار پای‌می‌زنند ومرشد باطمأنینه ضرب می‌گیرد وورزشکاران هریك درجای‌خودآهسته شروع‌به پای زدن می کنند .

پای ملایم‌که پای اول نامیده‌می‌شود بـا اشارهٔ حرکت دست میاندار سرعت می‌گیرد وبعد تبدیل‌به‌پای‌چکشی‌می‌شود و مرشد زنگ می‌زند ویکی از غزلیات حافظ رابه‌آهنگ‌ضربی‌می‌خواندو‌باضرب پایکوبی‌تند ورزشکاران رارهبری می‌کند .

ورزشکاران در حال پای زدن مثل کسی هستند که به‌شتاب می‌رود، ولی‌پای زننده قدمهایش در همانجا که برداشته دوباره‌فرو می‌آوردو ودریك‌نقطه‌حرکت می‌کند .

وقتی پهلوان پای چپ را به زمین می‌زند وبه هوا می‌پرد، دست راست خود رابالامی‌برد ووقتی‌پای راست رابه‌زمین می‌زند وبه‌هوا می‌پرد ، دست چپ‌را بالا می‌برد. این حرکت پای جنگلی هم نام دارد .

پای زدن برچهار نوع است :

۱ـ پای چپ وراست یاپای اول.

۲ـ پای چکشی .

۳ـ پای تبریزی اول ودوم .

۴ـ پای چپ وراست یاپای‌آخر.

میاندار پس‌از اتمام پای دوم وسط گود می‌آید وخیلی ملایم دور دایره‌ای گردخود می‌چرخد ودرهمان‌حال‌دستهایش راحرکت‌می‌دهد و نرمش‌می کند وورزش‌کاران نیز دراین مدت‌دور گود می‌ایستند واستراحت می کنند ومرشد اشعار تغزلی می‌خوانند وبا سر انگشتان ضرب ملایمی می‌نوازد. پس‌از پایان غزل، مرشد دست به‌زنگ می‌زند وضرب پای تبریزی می‌گیرد .

پای زدن یکی‌ازحرکات دقیق وفنی ورزش باستانی است وورزشکاران مبتدی احتیاج شدید تری به تقلید از میاندار دارند .

یکی ازاستادان‌به‌نام‌این‌فن، **پهلوان اکبر خراسانی** بوده‌است‌که هنوزازروش اودر پای زدن تقلید واستفاده می‌شود .

کباده:

پس‌از نواخته شدن زنـگ پایـان آخرین مرحلهٔ پای زدن، ورزشکاران‌در کنارگود دورمی‌ایستند وبه انتظارنوبت کباده کشیدن استراحت می کنند .

مشتمالچی دو کبادهٔ سنگـین و نیم سنگین کنارگود دردسترس می گذارد .

کباده الگوی کمان‌های جنگی‌قدیم است. بااین اختلاف که‌کباده‌کمانی‌آهنین وجسیم‌دارد وبه جای‌زه‌زنجیری درشت و آزادکه حلقه‌های‌آهنین در آن تعبیه‌شده از دوسر کمان‌آویخته دارد .

یکی‌ازورزشکاران‌تازه‌کار کبادهٔ کوچکتر را ازکنارگودبر می‌دارد با دست راست تنهٔ‌کباده‌وبادست چپ زنجیر آن‌رامی‌گیرد، وبالای سرمی‌برد، وباضرب مرشد شروع به‌تکان دادن‌آن در بالای سرمی کند.

این حرکت با دو شمارهٔ ۱ و۲ از روی‌شانهٔ چپ به‌روی‌شانهٔ راست‌بحرکت درمی‌آید. هنگامی کـه یك دست به‌حال افقی قرار می‌گیرد ، دست دیگر مقابل سرزاویه می‌زند وبه همین‌ترتیب‌حرکت، هربارمتوالیاً زنجیر کمان‌کباده ازچپ‌به راست‌واز راست به‌چپ نوسان می‌کند .

مرشد درکباده زدن ضرب می‌گیرد واشعار حماسی می‌خواند ولی درکبـادهٔ پیش‌کسوت‌ها به‌ترتیب‌ازیك‌به‌بالامی‌شمارد. دورورزش به مراتب‌کباده را دست بـه دست می‌گردانند ، تـا نوبت ورزشکاران پیش‌کسوت می‌رسد . کبادهٔ بزرگ بکار می‌افتد ومـرشد درضمن گـرفتن ضرب مخصوص‌کباده‌ها را می‌شمارد .

نوع دیگر کباده زدن، چرخ‌باکباده است. که درحال چرخیدن زنجیر کباده‌را به‌گردن خود می‌اندازد وآن‌را رها می‌کند ودور خود می‌گردد و زنجیر آن از دورگردن به روی شانه می‌لغزد ودر حالی‌که‌کمان آن دوربدن درلنگ‌است، زنجیر ازروی سینه وپشت به‌پایین‌می‌سرد ودورکمر مرکز دوارخود دوربرمی‌دارد وروی ران‌ها وماهیچه‌ها چرخ زنان‌فرود می‌آید وپهلوان همانطور کـه می‌چرخد کباده را با بدن خود می‌چرخاند به‌محض رسیدن‌کباده به‌هچ پا از وسط‌آن بیرون می‌برد و کباده روی زمین وسط گـود می‌ماند .

مجدداً پهلوان وسط کباده می‌جهد وزنجیرآن را دورکمرمی‌اندازد وکمان آن را به لنگر می‌آورد و می‌چرخـد و کباده را با حرکت عضلات به طرف بالا می‌راندو تاسرشانه‌می‌رساند ودوباره‌شروع به‌کباده زدن می‌کند .

پهلوانان عالی مقـام می‌توانند در هنگام کباده زدن دورخود بچرخند .

دعا وکرامات اهل فتوت در گلریزان

ورزشکاران باستانی هردفعه کـه به زورخانه می‌روندمبلغ معینی‌می‌پردازند.

هرکس ورزشش تمام می‌شود، لباس می‌پوشد وهنگام خروج‌از زورخانه‌اجرت مرشد وصاحب زورخانه را، ازحداقل تا حداکثر توانایی مالـی خود روی سردم می‌گذارد ومبلغ بسیار جزیی‌هم بابت‌حق لنگ دادن‌یامشت مال‌کردن به‌مشتمالچی می‌دهد .

درمواقع‌جشن وگلریزان، مدعوین که‌ازمعتمدین‌ومتمکنین‌هستند،اعانات‌قابل توجهی به‌منظورهای‌معینی‌کرامت‌می‌کنند گلریزان‌به‌نفع یکی‌ازورزشکاران‌قدیم‌که درکسبش‌شکست‌واردشده‌منظورمی‌گردد.

همانطورکه ورزشکاران درگود، در جایگاههای‌خوددورایستاده‌اندعامی‌شود دعا کنندگان که ازپیش‌کسوت‌هاهستند از مدعوین‌مبالغی‌راکه‌کرامت‌می‌کنند دریافت می‌دارند .

درپایان دعا، وسط گود انباشته از پول می‌شود وپهلوان بزرگ پول‌ها رادر لنگی می‌پیچد ودورآن را باکنار لنگ محکم‌گره می‌زند و به یکی از معتمدین نیکنام می‌دهدکه بعداز خاتمهٔ گلریزان درحضور عده‌ای شمارش‌کنند وبرای آن ورزشکار قدیمی ورشکست بفرستند تا با آن‌گره ازکار خویش بگشاید .

گل کشتی:

سنتی است‌که بعداز ختم ورزش در جشن‌های‌گلریزان درگودکشتی‌می گیرند پهلوان‌بزرگ گودرامی‌بوسدوخارج‌می‌شود ومرشدبه‌طبل‌می‌زندوزنگ‌رابه‌نوازش در می‌آورد وازحضارطلب صلوات می کند .

پهلوان بعدی وسط گود می‌ایستد و از پهلوان بزرگ می‌پرسد چه کنیم؟ و پهلوان رخصت می‌دهد .

ــ کشتی .

دونفر ازنوچه‌ها که ازپیش ادعای کشتی بایکدیگر داشته وخود را برای مقابلهٔ بایکدیگر آماده کرده‌اند، وسط گود می‌آیند، هردو باشانه‌هـای ستبر و سینه‌های‌برآمده وبازوان‌عضلانی‌روبروی هم قرارمی‌گیرند. پهلوان دست آن‌دورا دردست‌یکدیگرمی‌گذارد وپس‌ازخواندن چندبیت شعرمناسب‌ازحضار طلب‌صلوات می‌کند. آنگاه هردوحریف دستهایشان راسخت‌به‌هم می‌کوبند ورخصت‌می‌خواهند پهلوان بـزرگ دو بیت شعر حمـاسی هیجان انگیز می‌خواند وهردو حریف‌با هم سرشاخ می‌شوند وبایکدیگر می‌پیچند فنون کشتی رابکار می‌برند، بدنها درهم پیچ وتاب می‌خورند. یکی به خاك می‌رودودیگری‌گوسفندانداز‌می کند وبدلش رامی‌خورد . یکی‌لنگ‌کردی می‌بندد و دیگری‌گاو تاب می‌زند .

تماشاچیان ومدعوین‌درسکوت‌دیده به‌آن‌دوکه سخت‌گرم زورآزمایی‌هستند، می‌دوزند وهیچ صدایی‌جزصدای‌نفس‌های تند و حرکات سریع دوکشتی گیر شنیده نمی‌شود .

کشتی ده دقیقه‌طول می‌کشد. هردو خسته ونفس زنان تلاش می‌کنند وچنان می‌نمایدکه هیچیك را بـردیگری غلبه نیست .

دراین وقت پهلوان‌بزرگ ازبالای گودلنگی‌می‌دهدکه‌روی‌آن دومی‌اندازند ومی‌گویند: حرمت لنگ .

آنهاکه هردودرخاك تلاش‌می‌کردند در دم دست ازکشتی‌بازمی‌دارند وبرمی‌خیزندو پیشانی‌هم‌رامی‌بوسند وورزشکاران رخصت می‌خواهند ویکی پس‌ازدیگری‌از گود خارج می‌شوند .

مشتمال:

پس‌از پایان ورزش باستانی ، وقتی که همه ازگودخارج می‌شوند، مشتمالچی زیر هریك‌از ورزشکاران لنگی‌می‌اندازد

وهر کدام را به نوبت مشتمال می‌دهد، گاهی‌هم هریك دیگری را مشتمال می‌دهد.

برای مشتمال ابتدا گردن و یال و شانه‌ها را باهردو دست‌درچنگ می‌فشرند ومالش می‌دهند. کم‌کم کف دست‌ها را بافشار ازروی پشت وگرده تاپایین کمر سرمی‌دهند واین‌حرکت‌را چندبارتکرار می‌کنند. آنگاه بازوهاو آرنج‌ها رامشتمال می‌دهند، ابتدا هردستی را بایك دست و بعد باهردودست هربازو را درمیان‌فشار ومالش می‌گیرند.

آنگاه پهلوان راست می‌نشیند و مشتمالچی سینه‌های برجسته وپهلوهای‌او را ازبالا به پایین با فشار مالش می‌دهد وچنگ می‌زنند. سپس مجدداً پهلوان دست‌ها را روی‌زمین‌می‌گذاردومشتمالچی باهردو پا برگردهٔ او می‌جهد وبا تمام سنگینی‌بدن، تنهٔ پهلوان رازیرفشارمالش می‌گیرد وبا فشار روی پنجهٔ‌پا آهسته از سرستون‌فقرات‌به‌پایین می‌سرد وقتی‌این حرکت چندین بار تکرار شد به پایین می‌جهد وپشت‌سراوراست می‌ایستد وبدن خودراگلوله‌وجمع می‌کند وبه‌هوامی‌جهد وتمام سنگینی بدن خود را روی بازوی راست‌به‌گردهٔ پهلوان می‌کوبد.

پهلوان محکم واستوار بی‌آنکه تکانی بخورد، برجای مانده و مشتمالچی چندبار دیگر این حرکت را تکرار می‌کند. وقتی‌مشتمال‌تمام شدکف دست‌ها را به‌هم‌می‌کوبد و پهلوان‌می‌گوید «دست شما درد نکند».

همه لباس می‌پوشند وبا تشریفات و احترامات مرشد اززورخانه خارج می‌شوند.

شلنگ انداختن :

از ورزش‌های فرعی زورخانه است، که ورزشکاران پس‌از پای زدن دورگود باقدم‌های‌بلند وکشیده شلنگ‌می‌اندازند ومیاندار جلو وبقیه دنبال اودورگود، می‌دوند.هرقدردوادامه‌می‌یابد، شلنگ‌ها بلندتروسریع‌ترمی‌شود،تامیاندارسرجای خود وسط‌گود قرارگیرد. آنگاه هرکس به‌جای خود آرام می‌گیرد. این را دوی شاطری می‌گویند.

شلنگ‌تخته:

از ورزش‌های فرعی زورخانه، که شصت، هفتاد سال پیش رواج داشت. تختهٔ الواری به طول دو متروعرض چهل سانت، روی لبه وکف‌گود اریب قرار می‌دادند و ورزشکاران در حال دویدن دوپای خود راتاحد توانایی به قسمت‌فوقانی‌تخته‌می‌کوبیدند. این‌حرکت نیز دویدن تمرینی به نام دوی چالاکانهٔ شاطری بوده است

پشتك و وارو وبالانس:

از ورزش‌های فرعی زورخانه، که شیرینکاری نیزگفته می‌شوند. ومعمولا جوان‌های چابك وورزیده به‌آن مبادرت می‌ورزند.

برای پشتك‌زدن لب‌گود می‌ایستند وبا یك یاچندین معلق در هوا می‌جهند وبعد روی دوپاراست به زمین فرو می‌ایستند.

وارو راهم بایك یاچند معلق‌منتها ازپشت به وسط‌گود می‌زنند.

گاهی‌هم دروسط گود پشتك ووارو می‌زنند.

برای بالانس روی یك دست بلند می‌شوند وپاهارا درهوا به‌هم جفت می‌کنندو بدن راکشیده‌نگهمیدارند ویاروی دودست درحال بالانس شنا می‌روند و دورگود حرکت می‌کنند ورفتار مختلفی نشان می‌دهند.

تاب:

از ورزش‌های فرعی زورخانه است. دربعضی از زورخانه‌ها طناب‌کلفتی ویا چوب ضخیم‌ومدوری، ازسقف‌درکنارگود آویخته شده ورزشکاران جوان ازآن‌بالا می‌روند وعملیاتی انجام می‌دهند.

حرکات نرمش :

از ورزش‌های فرعی زورخانه، که ورزشکاران بعداز شنا به رهبری میاندار به‌آن مبادرت می‌ورزند. میاندار درجلو حرکت می‌کند وسایرورزشکاران ازپشت سراو براه می‌افتند ومرشدضرب می‌گیرد هرحرکتی‌که میاندار انجام دهدآنهانیز هماهنگ ازحرکات او پیروی می‌کنند. همچنانکه دورگود راه می‌روند ویا در وسط‌گود مارپیچ می‌زنندودست‌هارا باهم‌به دوطرف بدن باز می‌کنند وکمر خود را به‌چپ‌وراست می‌چرخانند ویاروی‌زمین خم می‌شوند.

بعدازاتمام نرمش درحال راه‌رفتن، هرکس درجای خود می‌ایستد وبه‌پیروی از میاندار حرکت نرمش ایستاده انجام می‌گیرد. هربارکه دست‌راست روی‌کمر گذاشته شود، دست چپ باخم‌شدن‌بدن‌به زمین‌زده می‌شود وبالعکس هربارکه‌دست چپ روی‌کمر بیاید، دست راست باخم شدن‌بدن، به‌زمین‌فرودمی‌آید این‌حرکت وحرکت نشستن وبرخاستن روی‌پانیز به آهنگ ضرب مرشد رهبری می‌شود.

پارالل :

از ورزش‌های فرعی زورخانه است که ورزشکارانی‌که میل به ورزش‌های انفرادی نمایند باآن بازی می‌کنند.

وزنه برداری:

وزنه‌های سنگین ازقبیل هالتر ویا دمبل‌های سرگران از ادوات عمومی زورخانه‌ها است‌که ورزشکاران بطور انفرادی برای‌تنوع، باآنهاچند حرکتی انجام می‌دهند.

به‌هم پیچیدن:

از ورزش‌های فرعی زورخانه‌است. به‌هم پیچیدن نوعی ازتمرین‌های ملایم کشتی است‌که دو ورزشکار دوستانه باهم می‌گیرند وبی‌آنکه به اصطلاح یکدیگر راکنفت نمایند، زورآزمایی می‌کنند. این نوع کشتی دوستانه را سرشاخ می‌نامند.

از کتاب : نقش پهلوانی ونهضت عیاری
کاظم کاظمینی

ورزشها و بازیها

آپرکات .

نوعی هوکی است.

آنوتنیس (دك تنیس)

ازنظر گروه وبعضی قوانین شبیه تنیس است، زمین‌بازی به‌طول ۱۳ متر و به‌عرض۵/۵متر وسیلهٔ‌بازی حلقه‌ای‌است به‌وزن۱۷۵ گرم (قطرخارجی ۰/۲۵متر وقطرداخلی ۰/۱۲) هریك ازطرفین حلقه‌را به‌طرف حریف (گروه دیگر) پرتاب می‌کند واو باهمان دستی‌که حلقه رامی‌گیرد (حلقه‌نباید به‌زمین برسد) به طرف مقابل پرتاب می‌کند.

اتومبیل‌رانی .

مسابقهٔ راندن اتومبیل‌های‌سریع‌السیر، که هرسال درکشور انگلستان و بسیاری کشورهای دیگر برقرار است و قهرمان امتیازات مادی فراوان‌به دست می‌آورد.

ارابه رانی .

یکی‌از انواع ورزش‌که ازقدیم‌رایج بوده واراب‌های مجهزبه اسب‌های تیزرو درمیدانها شرکت می‌کردند.

اسابدوش (کلاغ پر) .
ازبازیهای بچگانه می‌باشد .

اسب دوانی .



مسابقه‌ای است که شاید بین‌همهٔملل سابقهٔ تاریخی داشته باشد وامروزه نیز ازمسابقات شیرین وهمه پسند است .

شووال دارسون .

نوعی ورزش همانند سوارشدن به اسب است .

استالکلبة .

قسمی بازی کودکان عرب که آنرا کجکجه نیز گویند .

اسکواش . Squash

نوعی بازی باراکت،درزمینی بین چهار دیواری ۹/۸۵ متروعرض ۵/۶۳ مترو ارتفاع ۴/۸۷ مترانجام می‌گیرد و بردو نوع است : اسکواش باراکت‌تنیس‌و اسکواش .

اسکی .

«اسکی» چوبهای باریك و بلندی هستندکه ازچوبهای درختان میگوری و فرن‌ساخته شده‌اند . این‌چوب‌ها به‌پا بسته می‌شوند و بازیکن به‌کمك دوچوب دست به‌نام‌باتون ــ عصا ــ کــه ازنی مخصوص



یا مبویا ازفلز (فولاد ـ دورالوین) است روی‌برف سرمی‌خورد. اسکی‌ها بــوسیلهٔ بست‌های مخصوص که فیکسیون نــامیده می‌شوندبه‌پامحکم می‌گردند این‌بست‌هــا یارکاب‌ها به‌اشکال و نمونــه‌های مختلفی ساخته می‌شوند . تسمه‌های آنها چرمــی وگیره‌های آنها فلزی است، نوك اسکی ازقسمت جلوتیز و روبه‌بالااست و قسمت عقب آنهاکه پاشنه نام دارد مسطح‌است کفشهای‌اسکی‌برای‌اینکه محکم‌به‌فیکساــ سیون متصل‌شونددارای تخت‌های بالنسبه کلفتی هستندکه‌چندمیلیمتر ازرویهٔ‌کفش پهن‌تر می‌باشد .

اولین مسابقهٔ اسکی به‌سال ۱۹۱۱ درانگلستان‌انجام‌شد. باتشکیل‌فدراسیون بین‌المللی اسکی‌قواعد ومقررات تازه‌ای وضع گردیدکه چه درموقع تمرین‌وچه‌در موقــع مسابقات اسکی‌بازان ناچاربــه پیروی ازآنها هستند .

تاسال ۱۹۳۶ برنامهٔ المپیك‌اسکی محدود به‌مسابقات ۱۸ و ۵۰ کیلومتر و پرش بود. البته باید گفت که اسکی از اختصاصات نژادی و ملی اسکاندیناوی‌ها است .

چندی‌قبل‌ازمیان‌معادن‌تورب«هوتنیك» درسوئداسکی‌پیدا کردند که‌به ۲۵۰۰ سال قبل‌از میلادمسیح تعلق داشت. پهنای‌آن ۲۰ سانتی‌متر وطول‌آن ۱۱۰ سانتیمتر بود. ازدوران ماقبل‌تاریخ بیش ازدوسه مدرك در این باره بدست نیامده ولی در دوران تاریخ وقتی به آثار ادبی وتاریخ صنایع وهنرفنلاندیها وایسلندیها می‌نگریم ، درموارد فراوان به‌اسکی‌برــ می‌خوریم .

اسکی آبی .



اسکی آبی یك‌نوع اسکی است که در آن اسکی‌ــ بازها به وسیلهٔ یك نــوع قایق موتوری روی‌آب کشیده می‌شود .

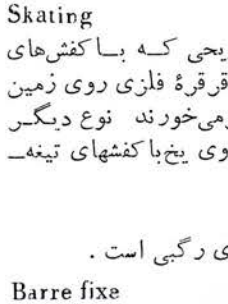
اسکیتینگ . Skating

ورزشی تفریحی کــه بــا کفش‌های مخصوص دارای قرقرهٔ فلزی روی زمین صاف ومحکم سرمی‌خورند نوع دیگــر آن سرخوردن روی یخ‌با کفشهای تیغه‌ــ دار است .

بارت .

یك‌نوع بازی رگبی است .

بارفیکس. Barre fixe



میلهٔ افقــی فلزی‌که روی دوپایهٔ‌عمودی بــه فاصلهٔ معین‌درزمین نصب شده یا به‌وسیلهٔ‌دو تسمه‌یامفتول آویزان شده‌باشد ودرژیمناستیك ازآن استفاده می‌شود، قطرمیله ۲۸ میلیمتر و طول‌آن ۲/۴۰ متراست .

بالانس .





یکی‌ازحرکات ژیمناستیك‌وپارالل‌و بــارفیکس است و به‌معنی ایستادن روی دستها بــطور وارونه و بــرقرار کردن موازنهٔ بدن .

باندی .

نوعی هوکی است .

بدمینتون Badminton

اولین‌بار که‌این‌ورزش جزءبازیهای رسمی‌درآمد به‌سال۱۹۳۷ بود.این‌بازی مخصوص‌فصولی‌است‌که نمی‌توان درهوای آزاد تنیس بازی‌کرد، بهترین بازیکنان بدمینتون بــه‌کشورهــای سردسیر تعلق دارند ودراروپا سوئدیها ، آلمانیهــا، هلندیها و دانمارکی‌ها از سایر کشورها بهتر‌بازی می‌کنند .

بهترین بــازیکن دنیا شخصی‌است به‌نام«تان‌ــ‌یوــ‌هاك» که‌اصلاً اهل‌باندونك درجزیرهٔ جاوه است و پــدرش صنعتگر چینی است .

تاریخ بوجود آمدن این ورزش‌آن است‌که در قصر دوك «بوفــور» افسران بریتانیایی به‌فکرافتادندکه‌یك‌بازی‌نظیر آن‌چه‌که درهندوستان میان بومیان‌شایع بودوخودبه چشم‌دیده بودند ترتیب‌دهند نامش «پوئونا» بود .

این‌واقعه در۱۸۷۳ اتفاق‌افتاد هر چند«بدمینتون» به‌تنیس شباهت دارددولی ابداً ازآن اقتباس نشده‌بلکه‌قبل ازتنیس بوجودآمد ودر۱۸۸۷ قواعد بومیان در این بازی اجرا گردید .

انگلستان خودمدتها ستارهٔ تابناك ورزشی بودکه خودآن‌راآفریده بود . ولی‌بعداًاسکاندیناوی‌جای‌اورا گرفت وسرانجام هندوچین اول‌شد . طبق‌قانون

زمین بازی ۱۳/۴۰ متروعرض آن ۶/۱۰ متر است که بوسیلهٔ تور ازوسط به‌دوقسمت تقسیم می‌شود. ارتفاع تور اززمین ۱/۵۲۴ متر است. هر بازی معمولا ۱۵ پوان است (برای خانمها ۱۱ پوان) وهرمسابقه ازبیست تا سی‌دقیقه‌طول می‌کشد . اگرموقع «سرو» زدن‌توپ‌ازارتفاعی معادل‌طول قد «سرو» زننده بالاتر برود «فول» است وهمچنین است‌مماس شدن باتورقبل ازعبور ازآن، خارج افتادن‌توپ‌ازخط، اصطکاك راکت به‌تور، توپ را بـاآستین زدن وهمچنین اصطکاك دست ولباس بازیکن به‌تور.

«بدمینتون» رامعمولا دونفره‌یاچهار نفره (درهرطرف یك‌یادونفر) بازی‌می‌کنند وزن‌توپ ۴/۷۵ گرم تا ۵/۵ گـرم است(جنس‌توپ چوب‌پنبه یالاستیك‌است) این‌بازی امروزه زیادمتداول نیست .

بازی‌مرکب‌از ۵دست وهردست‌شامل ۲۱ امتیاز است

بریج Bridge

نوعی‌بازی با ۵۲ ورق وچهاربازیکن که دوبه‌دو بازی می‌کنند .

بسکتبال Basketbal

باسکت به‌معنی زنبیل‌وبال به‌معنی توپ است .

مبتکر بسکت‌بال(دکترژان‌ناشیمت) است‌که درسال ۱۸۹۱ آن‌رااختراع کرد.

۱ ــ این‌بازی بادست‌انجام‌می‌گیرد.

۲ ــ راه رفتن باتوپ ممنوع است.

۳ ــ هربازی‌کن آزاداست‌که بـه هرنقطهٔ زمین‌برود .

۴ ــ اصطکاك وتصادم شخصی‌بـین بازیکنان وجودندارد .

۵ ــ هدف در نقطه‌ای بلند و افقی خواهد بود .

وقتی پنج‌نفر بازی‌کن هـردسته در زمین‌باشند می‌توانند توپ‌را به‌هرطرف‌که بخواهند بیندازند مشروط براین که در حینی‌که جلومی‌روندتوپ‌را به‌زمین‌بزنند ودوباره بگیرند ازسال ۱۹۳۶ که بعضی افراد تیمهای‌کانادایی واتازونی راافراد بلندقد تشکیل می‌دادند که‌قدشان‌ازافراد معمولی بلندتر بود، سازمان‌های جهانی بسکت‌بال‌را‌بامشکلی‌روبروکرد. مخصوصاً درسال ۱۹۳۹ باپیدایش قهرمانی چون «لوبنیاس» که دومتروهفت سانتیمترقـد داشت مسأله غامضترشد ؛ فدراسیون‌بین‌المللی بسکتبال دوطبقه برای بازیکنان تعیین‌کردبر: طبقهٔ‌اول بازیکنانی‌که‌طول قدشان کمتر از ۱/۹۰ متربـاشد وطبقهٔ دوم بازیکنان بیش‌از ۱/۹۰ متر ولی‌این طبقه‌بندی هم‌مشکلی راکه درسال ۱۹۴۸ درلندن باآن مواجه‌شدند حل‌نکرد. در این‌سال باپیدایش‌قهرمانی به‌نام «بوب ــ گورلاند» که ازبازیکنان تیم‌اتـازونی و دارای قدی به ارتفاع ۲/۱۴ متربود و چند نفر دیگر که دومترطول قد داشتند سایرکشورهارا برانگیخت که به‌جستجوی افرادغول‌آسا بپردازند . همین امرسبب شدکه دوباره‌فدراسیون بین‌المللی‌درطول تیربسکت‌بال وسبدآن تجدید نظر کـرد وآن‌را دوبرابر نمود یعنی از ۱/۸۰ متر به ۳/۶ متررسانید .

باوجود این ازقدرت وتسلط افراد بلندقد برمیدان بازی بسکتبال مخصوصاً باپیدایش قهرمان‌روسی به‌نام «استارف» که‌دومتروسی‌ودو سانتیمتر و«کرومنیچ» که ۲/۱۸ مترقدشان‌بود، چیزی‌کاسته‌نشد واین دونفر در بازیهای «ملبورن» نقش اول‌رابعهده داشتند. لذافدراسیون‌مجبور شدکه درمنطقه‌ای‌کمتر از ۳متر زیرحلقه پرتاب‌توپ‌را بسوی‌حلقه‌ممنوع‌اعلام‌کند.

امروزه بااینکه این‌مسأله رابه‌این صورت حل‌کرده‌اند که حلقهٔ بـازی بهر اندازه که طول‌قد بلندترین‌بازیکن‌هرتیم از ۱/۹۰ متربیشتر باشدبه‌همان‌اندازه‌حلقه رابالاتر ببرندولی‌هنوزکاملاحل نشده‌است.

بوبلای .

ازورزشهای زمستانی ، که وسیلهٔ‌کار اتوموبیلهای کوچك بدون موتوراست .

بوکس . Boxing

مسابقهٔ «بـوکس» درحقیقت انجام یك‌نبرد تن به‌تن است.

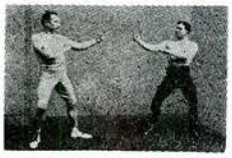


«بوکس» به‌صورتی‌که امروزه می‌بینیم از اختراعات مدرن‌است. مشت زدن سابقهٔ‌قدیمی دارد ودر دوران‌بربریت معمول بوده ولی مشت‌بازی‌امروزی است. امـا متأسفانه در مسابقات ــ بـزرگ و المپیك مشت‌بازی به‌صورت مشت زنـی عهدبربریت درمـی‌آید .

تاقرن‌هیجدهم درانگلستان بوکس معمول‌نبوده ولی برای رفورم اخلاقی و جلوگیری‌ازدوئل‌ونبردتن‌به‌تن‌شخصی‌به‌نام «برناردن» آن‌را معمول‌کرد .

اولین‌بار باپیدایش اولین قهرمان به‌نام «جیمزفیك» درانگلستان«بوکس» بوجودآمد .

ازسال ۱۸۶۶ به‌بعد «بوکس» بدون



دستکش ممنوع شد و شخصـی به‌نام «آرتوچمبرز» قوانین ومقررات تازه‌ای وضع‌کرد دراین‌قانون دستکش بـوکس اجباری شد. مدت هردور مسابقه«روند» دقیقه‌تعیین شدکه‌طرفین درفواصل هردو «روند» یك‌دقیقه‌استراحت‌کنند.وقتی‌کسی ناك‌اوت‌شدفقط‌ده‌ثانیه‌مجال‌برخاستن‌دارد.

طول‌وعرض رینگ‌مساوی و هرضلع آن ۷/۲۰ مترتعیین گردید .

این‌بار «بوکس» به صورت انسانی درآمد . دیری نگذشت که مدت مسابقه محدود شد وتصمیم گـرفتند کـه امتیاز (پوان) برای‌آن تعیین کنند.

طبق قواعد موضوعه بیش‌ازسه طبقه برای‌بوکسورهاقابل نبودند ؛

سنگین وزن . متوسط . سبك ولی کم‌کم احساس شدکه این طبقه بندی‌کافی نیست لذا طبقه بندی تغییرپیداکرد وبه صورت امروزی درآمد :

آماتور.

مگس	وزن از	۴۸	تا ۵۱	کیلوگرم
خروس	» »	۵۱	» ۵۴	» »
پر	» »	۵۴	» ۵۷	» »
سبك	» »	۵۷	» ۶۰	» »
میان‌سبك	» »	۶۰	» ۶۳/۵۰۰	» »
روی‌میان	» »	۶۳/۵	» ۶۷	» »
میان	» »	۶۷	» ۷۱	» »
متوسط	»	۷۱	» ۷۵	» »
نیم‌سنگین	»	۷۵	» ۸۱	» »
سنگین وزن	»	۸۱ به بالا		

حرفه‌ای.

مگس	وزن‌از	۴۸	تا ۵۰/۸۰۲	کیلوگرم
خروس	» »	۵۰/۸۰۲	» ۵۳/۵۲۴	» »
پروزن	»	۵۳/۵۲۴	» ۵۷/۱۵۲	» »
سبك وزن	»	۵۷/۱۵۲	» ۶۱/۲۳۵	» »
میان	» »	۶۱/۲۳۵	» ۶۶/۷۶۸	» »
متوسط	»	۶۶/۷۶۸	» ۷۲/۵۷۴	» »
نیم‌سنگین	»	۷۲/۵۷۴	» ۷۹/۳۷۸	» »
سنگین‌وزن	»	۷۹/۳۷۸ به‌بالا.		

بیس بال Baseball

بیس بال ورزش ملی کشورهای متحده است فقط در کشورهایی که در مدار آمریکا واقع شده اند (به استثنای ژاپون که نسبت به این بازی علاقهٔ شدیدی دارد) اجرا می شود، ریشهٔ این بازی روشن نیست. ظاهراً مبداء این بازی درقرن نوزدهم است که چند پسربچهٔ اهل نیویورك و بوستون انگلیسها (که با گلولهٔ چوبی بازی می کنند) الهام گرفته اند.

در اوایل سال ۱۸۳۵ بود که کم کم صحبت «بیس بال» به میان آمد. در سال ۱۸۵۷ فدراسیون غیرحرفه ای «بیس بال» تشکیل شد ودرسال ۱۸۷۶ اتحادیهٔ ملی آن که ازهشت باشگاه تشکیل شده بود سازمان رسمی خودرا اعلام کرد.

بازیکنان که امتیاز با آنان است یك یك وارد محوطهٔ بازی می شوند.

بازیکنان مقابل تمام محوطهٔ بازی را که گوشه ای از آن بوسیلهٔ مربعی که هرضلعش ۲۷/۵ متر می باشد اشغال شده برگشته اند. یکی از بازیکنان امتیازی برای دستهٔ خود معین می کند و دورکامل مربع را انجام میدهد. او حق دارد در گوشه های مختلف ـ قاعده ها به شرط اینکه تنها باشد توقف کند. یك دسته بیش ازسه دونده که درراه باشند نمی توانند داشته باشد.

بیلیارد Billiards

روی میز مخصوصی با گوی عاج و چوب بلندی بازی می شود، منظور این است که توپ مخصوص را در آن واحد به توپ دیگر بزنند و امتیاز بدست آورند.

بازی بیلیارد تعداد معینی امتیاز دارد، بازیکن تا موقعی که امتیاز می آورد به بازی خود ادامه میدهد وقتی نتوانست نوبت را به رقیب می سپارد.

پاپیون Papillone

نوعی شنا است.

پاتیناژ Patinage

ورزشی که بطرز شگفت انگیز در طول یك ربع قرن مراحل تکامل را پیموده پاتیناژ است. البته این پیشرفت برق آسا صرفاً بخاطر جنبهٔ ورزشی آن نبود بلکه جنبهٔ نمایشی آن ومخصوصاً شرکت ستارگان سینما در آن نیز تأثیر بسزایی داشت آماتورها ومربیان ورهبران این ورزش بیهوده می‌کوشند که آنرا منسوب به یکی ازسنن ملی و باستانی نمایند. لیکن دراینکه هر وقت در زمستان شاگردان مدارس ازخانه به مدرسه می رفتند سرسره بازی می کردند و درحیاط مدرسه شبها آب می ریختند تا صبح یخ ببندد و بتوانند سرسره بازی کنند تردیدی نیست، ورزشکاران پاتیناژ سعی دارند تاسرحدامکان سریع روی یخ سر بخورند ودرحین بازی هرقدر ممکن است بالا بجهند. همین دوعامل باعث سیر تکامل این ورزش در کمتر از ربع قرن شده است.

می گویند رقص وجست وخیز پاتیناژ با «سونیاهنی» هنرپیشهٔ مشهور سینما شروع شده است، باوجود این وقتی با پیران این فن صحبت می کنند با احترام خاصی از «شارلوت اولش لیگل» آلمانی نام می برند که درسال ۱۹۱۵ در نیویورك رقص بسیار جالبی روی یخ کرد. این ستارهٔ اول پاتیناژ نخستین بار با کفش سفید روی صحنه نمایان شد. «پاتن»ها ازتیغه های فلزی که از چوب کار گذشته اند ساخته شده است.

پاره ای معتقدند که درسال ۱۸۶۴ اولین کسی که روی یخ رقصیده «جکسون هن» بود ولی چون درآن موقع آمریکا گرفتار جنگهای داخلی بود «جکسون» به اروپا رفت وابتدا دراستکهلم وبعداً دروین به رقص روی یخ پرداخت.

برای اولین بار پاتیناژ در المپیاد آتن به سال ۱۸۹۶ وارد شد ودونفر برنده شدند که یکی اهل استکهلم ودیگری اهل وین بود.

اولین قهرمان زن دردنیا، دهسال پس از اولین مرد قهرمان جهانی پدیدار شد. می خواستند ورزشهای زمستانی را توسعه داده ودر برنامه های المپیاد وارد کنند. اولین بازیهای زمستانی در «شامونی» انجام شد. دخترکی دوازده ساله، موبور با بینی برگشته آنچنان هنر نمایی کرد که توجه قضات را هم بخود معطوف ساخت، بطوری که عموماً فراموش کردند نمره بگذارند. او «سونیاهنی» دختر بازرگان نروژی اهل «اسلو» بود که ازهمان لحظه توجه محافل سینمایی را بخود جلب کرد وسه سال بعد مقام قهرمانی جهان را به دست آورد.

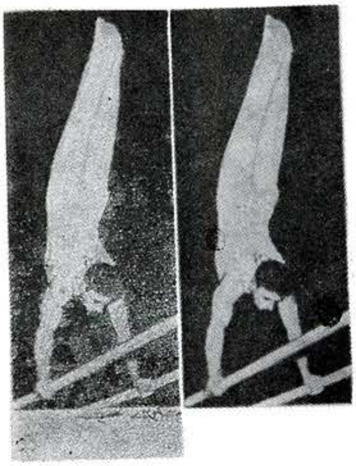
پادشاه بازی.

نوعی بازی کودکان که یك تن را شاه نامند ودیگری را وزیر و احکامی صادر کنند غالباً برای ایذاء دیگر کودکان که رعایا باشند.

پادشاه و وزیری.

نوعی بازی اطفال است.

پارالل.



یکی ازلوازم ژیمناستیك است، دو چوب یالولهٔ فلزی موازی روی پایه های مدرج برای حرکات موازنه است.

طول هریك ازدوچوب ۳/۹۰ متر و قطر آنها ۴ یا ۵ سانتیمتر فاصلهٔ بین دوچوب موازی ۴۶ سانتی متر وارتفاع پایه ها قد متوسط انسان (۱/۶۰ متر) است.

پاروزنی.

ورزش مفیدی است که درقایق رانی بکار می رود.

پرتاب چکش.

Lancer Martean (Hammer)



نوعی مسابقهٔ وزنه پرانی است، که پرتاب کننده دستگیرهٔ چکش را می گیرد و دور خود می چرخاند و در دایره به دورخود می چرخد تا موقعی که نیروی گریز ازمرکز به حد کافی حاصل شود، آن را رها می سازد.

پرتاب‌دیسک. Lancer Disque



پرتاب دیسک بصورت امروزی مدیون یك نفر ایتالیایی به نام «ویتور– نیورامبالدون» است که در سال ۱۴۱۴ آنرا در مدرسهٔ معروف «مانتو» دو باره احیا کرد و مانند سایر ورزشها که در آن مدرسه انجام میشد (دو – پرش – شنا – کشتی – شمشیربازی – سواری – رقص – ماهی‌گیری و شکار) رواج داد. این بازی دوباره در سالهای بین ۱۷۷۴ و ۱۷۸۴ احیا گردید و پس ازمدتی باز به کنج فراموشی افتاد و در سالهای ۱۸۵۹ و ۱۸۷۰ در آتن که اقدام برای احیای بازیهای المپیك می‌کردند آنرا دوباره شروع کردند. در سال ۱۹۰۶ درفهرست بازیهای نیم‌رسمی آتن دو نوع پرتاب دیسك منظور شد:

یکی پرتاب آزاد ودیگری کلاسیك:

لازمهٔ پرتاب دیسك از نظرسرعت و قدرت داشتن پاهای زورمند و بازوهای بلند ودستهای پهن است. زاویهٔ انحنا درموقع سقوط بین سی تا چهل درجه بود بعدها به ۶۰ درجه و بعد به ۹۰ درجه رسید ولی از سال ۱۹۵۸ این زاویه به ۶۰ درجه کاهش پیدا کرد.

پرتاب آزاد دیسك.

پرتاب آزاد بزودی پرتاب کلاسیك را تحت‌الشعاع قرار داد و سر انجام آنرا از بین برد.

دراین نوع پرتاب دیسك شرایطی در چگونگی پرتاب نیست.

پرتاب دیسك کلاسیك.

در پرتاب کلاسیك باید پاها راست باشد و گردش و انحنا وحرکت نداشته باشد.

پرتاب آزاد نیزه Javelin

دراین ورزش بازیکن کمر نیزه را گرفته و پس از سی متر دورخیز کردن آنرا از بالاسری پرتاب می‌کند.

پرتاب کلاسیك نیزه.

دراین ورزش، بازیکن بایك دست انتهای نیزه را گرفته ودست دیگر را مایل قرار می‌دهد، سپس نیزه را پرتاب می‌نماید.

پرتاب نیزه Lancer Javelot

پرتاب نیزه به وسیلهٔ اسپانیایی ها در موقع تسلط برمریکا یعنی به سال ۱۴۹۲ از روی اسلحه‌ای که بومیان باقدرت و دقت به کار می‌بردند تقلید



وجزء ورزش درآمد. سایر کشورهای شمالی اروپا یعنی سوئدیها وفنلاندیها از سال ۱۸۷۰ آن را بین مردم کشور خود رواج دادند. در آن موقع طول نیزه ۱۰ تا ۱۵ متر بود



ولی به‌تدریج از آن کاسته شد. در بازیهای نیم رسمی آتن درسال ۱۹۰۶ هنوز پرتاب نیزه را همه کس نمی‌شناخت، فقط اسکاندیناویها و فنلاندیها از آن مطلع بودند.

در بازیهای المپیك لندن به سال ۱۹۰۸ پرتاب نیزه مانند پرتاب دیسك به دوصورت پیشنهاد شد:

یکی پرتاب آزاد، دیگری پرتاب کلاسیك.

پرتاب وزنه Lancer Poids

پرتاب وزنه مستقیماً ازسنگ‌پرانی دوران باستانی و پرتاب سنگهای سنگین زمان پادشاهی «تروا» به ما رسیده‌است. پس‌ازاختراع توپخانه و آتشبار سربازان هنگام تفریح گلوله‌های فلزی را با دست پرتاب می‌کردند (وبهمین دلیل هنوز در سوییس این ورزش را پرتاب گلوله می‌نامند).



این ورزش ازسال ۱۸۵۰ در مدارس انگلیس رخنه کرد. درسال ۱۸۶۰ وزن آن را در ۱۶ لیور یعنی دو کیلو و ۲۷۵ گرم تثبیت کردند ولی سال ۱۸۶۵ که دومین مسابقه بین آکسفورد وکامبریج بود برای همیشه درمورد نحوهٔ پرتاب آن توافق شد.

پرس Press

دروزنه برداری حرکتی است که وزنه بردار بافشار وزنه را بطرف بالای سر می‌برد.

پرش Saut

در قرن نوزدهم اسپانیاییها در میدان های گاوبازی از روی گاوها می‌پریدند.

اندکی بعد سیرك بازان به کمك تخته‌ای فنردار که روی آن جفت می‌زدند از روی موانع مختلف می‌پریدند. ولی در سال ۱۸۵۷ پرش وارد بازیهای ورزشی شد ودر برنامهٔ بازیهای المپیك آتن در سالهای ۱۸۵۹ و ۱۸۷۰ نامش ثبت گردید.

اصل پرش چنین بود که داوطلب مقابل میله‌ای می‌ایستاد وزانوها را خم می‌کرد وجفت می‌زد. اما این روش ابتدایی تغییر کرد وجای آنرا پرش «لنگ» گرفت که ابتدا یك پا وبعد یك پای دیگر را (مثل یك قیچی ساده) بلند کرده ومی‌جهند که آنرا سبك «قیچی» گویند. در ۱۸۷۴ باهمین شیوه موفق شدند تا ۱/۸۰ متر بپرند واین رکورد تا ۱۹۵۶ به ۲/۱۶ متر رسید.

پرش ارتفاع.

یکی ازمواد مهم مسابقات دوومیدانی است که پرش کننده باید از بالای مانع افقی که روی دو پایهٔ عمودی قرار دارد بگذرد

پرش بانیزه.



نوعی پرش که به کمك نیزه صورت می‌گیرد

پرش سه‌گام.

یکی ازمواد دوومیدانی است، پرش کننده پس از دورخیز ابتدا از نقطهٔ شروع با یك پا آغاز می‌کند وباهمان پا فرود می‌آید (لی‌لی) قدم دیگر را جلو می‌گذارد (قدم)، سپس بطرف جلو می‌جهد وبا دو پا بزمین فرود می‌آید (جهش).

پشتك چهارکش.

نوعی بازی وآن چنان باشد که

شخص کف دستهای خودرا برزانوها گذاشته خم شده و دیگری ازپشت او بجهد این بازی راجفتك چارکش نیزمی گویند .

پلوت باسك Pelote basque

چند نوع بازی باتوپ در زمینی به طول ۶۵۵ متر و به‌عرض ۱۲ متر که در یك طرف دیواری به‌ارتفاع ۱۰ متردارد که دریك متری زمین خطی روی دیوار رسم شده که توپ باید بالاتر ازخط زده شود، این بازی بادست خالی یا دستکش چرمی انجام می‌شود .

پنتاتلون Pentathlon

یکی از انواع بازیهای المپیك و شامل؛ پرش‌طول، پرتاب نیزه، دوی ۲۰۰ متر، پرتاب‌دیسك ودوی ۱۵۰۰ متراست.

پنتاتلون مدرن .

از بازیهای المپیك است ، شامل : ۵۰۰۰ متر اسب دوانی از روی ۲۰ تا ۲۵ مانع، ۴۰۰۰ متر دویدن روی زمینهای گوناگون وناشناس، ۳۰۰۰ متر شنای آزاد، شمشیر بازی با نوع فلوره ، تیراندازی نیمرخ باپیستوله‌یارولور ۲۰ تیر با نشانه‌های متحرك به مسافت ۲۵ متر.

پوش بال Push — ball

یك نوع بازی درمیدان بزرگ با اسب که سوارکاران توپ بزرگی به قطر ۱/۵ تا ۱/۸۰ متررا دنبال می کنند .

پوم Paume

نوعی بازی باراکت در زمین به عرض ۱۴ متر (طول آزاد) است ، توپ بازی به وزن ۱۷ تا ۲۰ گرم و طول قطر آن ۶ سانتی متر است .

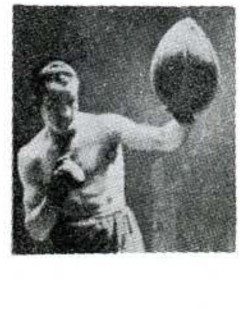


پوکر Poker

نوعی بازی باورق .

پونکنگ بال Punching — ball

نوعی بازی باتوپ است ، که شبیه فلای بال است .



پهلوان کچل .

نام یکی ازبازیهای (تآتر) متداول ایران است که‌مقلدین وبازیگرها درمجالس عروسی‌وغیره آن‌را اجرا می‌نمودند. قهرمان خیمه شب‌بازی را نیزمی گفتند.

پهنه باختن .

بازی بانوعی چوگان به‌نام پهنه را گویند .

پیاده روی .

یکی ازسربازان فیلیپ مسافت بین دهکده وآتن راکه ۴۲ کیلومتروهفتصد متربود پیاده طی کرد تا به اسرع وقت خبرپیروزی ارتش فیلیپ وکشورش را برایرانیان به ملت‌آتن برساند وپس از اعلام این‌خبرازفرط خستگی درگذشت، این حادثه‌ریشهٔ اصلی‌مسابقات پیاده‌روی گردید .

ابتکار این ورزش مدیون یك نفر فرانسوی به‌نام «پروفسور میشل برئال» استاد ادبیات است . امروزه راه پیمایی فقط یك خطر دارد وآن‌حرارت‌خورشید است که اکسیژن رادربدن متسع و رقیق کرده انسان رادچارآفتا بزدگی می کند. کسانی که‌خودرا وارداین ماجرامی کنند وبرنده می‌شوند چندان شهرت واستفادهٔ پولی به‌دست نمی‌آورند، ازاین روداوطلب کمی‌دارد. وانگهی‌افتخاری‌که ازاین‌راه کسب می کنند آنی وزودگذراست .

مسابقه معمولا در جاده‌ای انجام می‌شود که مسافت رفت‌وبرگشت راحساب می کنند،درسال ۱۹۵۸ رکورد این‌بازی ۱۸ کیلومتر و ۶۷۱ متربود .

پیتیك Pythique

یکی ازبازیهای باستانی یونان که به‌یاد غلبهٔ آپولو به اژدهای پیتن بنیاد گذاشته شد .

پینگ پنگ Ping — Pong

نام نوعی تنیس که‌روی میز است . میزباید ۲۴۷×۱۵۲ سانتیمتر باشد که از زمین ۷۶ سانتیمتر بلند باشد، جنس میز مختلف است، میزهای بین‌المللی‌سبز رنگ است، تور به ارتفاع ۱۵/۲۵



سانتی‌متر میز را به‌دوقسمت مساوی‌تقسیم می کند، وزن توپ ۲/۴۰ گرم ومحیط آن حداقل ۱۱/۴۳ سانتی‌متراست دوربازی ۳ یا ۵ است وهر دور آن ۲۱ امتیاز دارد .

تاب .

یکی ازوسایل ژیمناستیك ویکی‌از حرکات ژیمناستیك‌درپارالل وبارفیکس است .

تاپ تاپ خمیر .

نوعی بازی‌است که کودکان کنند وکسی که خطاکند چشم خودرا می گیرد وبر زانوی یکی‌ازکودکان‌می‌گذارددودیگران در اطرافش حلقه وار می‌نشینند وکسی که سرکودك برزانویش قرار دارد بادو دست برپشت کودك زند وبا آهنگ بلند گوید :

تاپ تاپ خمیر، شیشه پرپنیر،دست کی بالا ؟

درهمین هنگام به‌یکی از کودکان اشاره‌کند که دستش‌را بالا نماید. کودکی که چشمش را گرفته است اگرنام آن کودك‌راکه‌دستش‌رابرافراشته‌نگوید‌بازی تکرارمی‌شود تاآنگاه‌که نام بلندکنندهٔ دست‌رابگوید پس‌ازآن‌بازی اصلی‌شروع می‌شود بازاگرکسی خطا کند این بازی مجدداً آغاز می گردد این بازی در شهرستانهای‌مختلف‌به‌نامهای‌متعددمتداول است .

تخته شلنگ .

ورزش کشتی گیران‌است که‌هفت‌هشت تخته به دیوار قائم‌کرده وزنگها بسته‌به وضع معهود برآن شلنگ زنند .

تردستی .

ازورزشهای حیرت انگیز که به‌چالاکی وزیرکی مربوط می‌شود وتاریخی بس‌کهن دارد شایدازکارهای جادوگران قدیم سرچشمه گرفته باشد .



تزاوف .

نوعی بازی‌کودکان است‌وآن به‌این

صورت است که یکی از کودکان می‌آید به پایهٔ دکان ودست خودرا برتیزی آن می‌گذارد وبدن خویش رامی‌گستراند ودر هوامی‌چرخد تا بجای نخستین برگردد و آن تمرینی است ورزشی .

تناب کشی .

ورزش دسته جمعی که در مدارس ، سربازخانه‌ها و کناردریا برای زور آزمایی می‌کنند .

وسیلهٔ کار طنابی است که دودسته به تعداد مساوی بطور مخالف هم آن را می‌کشند .

تنیس Tennis

این بازی را سرگرد «وینگفیلد» به‌سال ۱۸۷۳ ازبازی «راکت» فرانسویها اقتباس کرد وآنرا در هوای آزاد در محوطه‌ای که توری به‌ارتفاع ۱/۵۲ متر از زمین ارتفاع داشت تمرین نمود .

بدواً نام این ورزش را «اسفیر استیك» گذاشته بود ولی اندکی بعد آنرا به «تنیس روی چمن» تغییرداد .

نقش «استراتژی» و «تاکتیك» در این بازی بسیار مهم است ولی قدوهیکل هم‌دخالت دارد. هرچند که افرادقدکوتاه بازیکنان خوبی‌شده‌اند معهذاحدمتوسط قد باید ۱/۸۰ تا ۱/۸۵ متر باشدووزن بازیکن (به‌شرطی که ازپیه‌وچربی چاق نباشد) کمك بسیار مهمی به‌او می‌کند ومثل بوکس که ضربات مشت بوکسورسنگین‌وزن مؤثرتر است .

دراینجاهم ضربات راکت به‌توپ تأثیر فراوان دارد .

تنیس از ورزشهای بی‌خطراست وبه اندام ورزشکار تناسب و هماهنگی می‌بخشد زمین تنیس یاچمن کاری است ویا کف آن چوبی است . کوچکترین زمین ۲۳/۷۷ مترطول و ۸/۲۲ مترعرض‌دارد وبرای تنیس دو نفره دوراهرو بعرض ۱/۳۷ متر وبطول زمین برپهنای زمین می‌افزایند. طول تور ۹۱/۵ سانتیمتر از عرض زمین تجاوزمی‌کند وارتفاع آن‌نیز ۹۱/۵ سانتی‌متر است

قطرتوپ ۶۳/۵ تا ۶۶ میلیمتراست قاعدهٔ پرش توپ ۱/۳۴ متر تا ۱/۴۷ متر در ارتفاع ۲/۵۴ مترروی زمین سیمانی است، یعنی‌اگر توپ رادرارتفاع ۲/۵۴ متر زمینی که سیمانی باشد رها کنیم باید ۱/۳۴ مترتا ۱/۴۷ متر بالا برود .

مدت بازی برای آقایان پنج‌دور و برای خانمها سه‌دوراست وپس‌ازدورسوم معمولا ده دقیقه تنفس‌است وبرای‌خانمها پس‌از دور دوم تنفس می‌دهند .

توتو Toto

نوعی مسابقه وبخت آزمایی قبل‌از مسابقات فوتبال راگویند .

توبوگانینگ .

عبارت ازتمام ورزشهایی است که‌در آن برای فرودآمدن ازشیب‌های مستور ازبرف یایخ ارابه های مخصوصی بکار می‌رود .

تیراندازی .

اولین فدراسیون تیراندازی به‌سال ۱۸۸۶ درفرانسه تشکیل شد .

تیراندازی اولین‌بار در مسابقات المپیك ۱۹۰۰ درپاریس ضمن برنامهٔ المپیاد منظور شد و درآن سال استثنائاً ۱۷۳ رقیب شرکت کردند وجایزهٔ‌سه‌رشته تیراندازی که عبارت‌بوداز تیراندازی با رولور فرانسوی (رولور اردنانس که نوع مخصوصی‌هفت‌تیراست) وتیراندازی به‌گراز وحشی‌درحال‌دویدن وتیراندازی به‌کبوتر زنده درحال پرواز درآسمان نصیب فرانسویها شد .

مسابقات‌تیراندازی قواعدومقررات مفصل دارد. برای سلاحهای تیراندازی کالیبرهای خاصی‌معین‌شده‌وهدفها متفاوت است .

این‌مسابقات‌دو نوع‌است: تیراندازی باسلاح آزاد، تیراندازی‌باسلاح‌جنگی .

مساحت هدف (سیبل) ۱/۶۰ متر در ۱/۳۰ متراست‌وبه‌ده‌خانهٔ‌ده‌سانتیمتری تقسیم شده‌که هرکرام ازیك تا ده شماره گذاری شده و هر خانه شمارهٔ معینی دارد .

فاصلهٔ تیراندازی تاهدف ۵۰ یا ۲۵ متراست. وزن سلاح آزادازه کیلوگرم و کالیبرآن نیز از ۸ میلیمترنباید تجاوز کند .

استفاده از سلاح دوربین‌دارممنوع است. قسمت پایین مچ دست راست‌نباید دراز شود تابند تفنگ یادست دیگر بر آن تکیه‌کند. درمسابقات باسلاح جنگی از اسلحهٔ اتوماتیك نباید استفاده‌کرد .

مدت مسابقه باکارابین یك ساعت و سه‌ربع درازکش، دوساعت به زانواست که دراین مدت ۱۰ تیرآزمایشی وچهل تیر مسابقه‌ای می‌زنند. درهفت تیرآزاد ۱۵ تیرآزمایشی و ۶۰ تیر مسابقه‌ای‌در سه ساعت است .

تیرها بایدازنوع‌گلوله‌های تجارتی بوده وازسرب یافلز نرم دیگری ساخته شده باشد .

کالیبرهفت‌تیرنباید از ۵/۶ میلی‌متر تجاوزکند .

تیراندازی باکمان Archery

این ورزش که از ادوار باستانی به یادگار مانده است امروز چند صدنفری طرفدار دارد ولی هیچگونه مسابقهٔ بین‌المللی برای آن انجام نمی‌شود قطر دایرهٔ هدف ۱/۲۵ متراست‌که به دوایر کوچکتر تقسیم می‌شود واز فاصلهٔ ۵۰ متری نشانه‌گیری می‌شود اندازهٔ کمان‌از ۱/۸۰ تا ۲ متر است .

نیروی آن که برحسب مقیاس وزن سنجیده می‌شود از ۱۰ تا ۲۰ کیلوگرم است تیرهاکه ۴ «پر» دارندوزنشان ۲۱ تا ۲۴ گرم است .

جدارك .

یك نوع بازی است‌که آنرا کوزهٔ گردان هم می‌گویند

جفتك چهارکش .

پشتك چارکش را به بینید .

جفت وتا .

نام بازیی‌است که کسی چندتا از چیزی را درمشت بسته می‌گیرد واز حریف می‌پرسد جفت یا تاء اگر حریف درست بگوید‌آن چیزمال‌او می‌شود والا معادل‌آن باید. به‌آن‌کس بدهد و اکنون درایران این بازی راطاق وجفت وجفت وطاق نیزمی‌گویند .

جفت وطاق .

جفت وتا رابه بینید .

جلانك .

نوعی ازبازی‌که کوزه گردانك‌نیز گویند .

جودو Judo

جو به‌معنی نرمش ودو به‌معنی‌شیوه است .

نوعی ورزش‌که براساس سرعت‌عمل وحساس بودن بعضی‌ازنقاط بدن می‌باشد وفنون‌آن پیچیده وآموختنی است درهر حال فن دفاع بدون اسلحه است، بانی و مؤسس این روش پروفسور جیگورو **کانو** است‌که‌آن را ازسنت‌های باستانی ژاپون اخذکرده است، دراین‌کشتی‌فکر وجسم هردو کارمی می‌کنند ومعمولاً یك

تادو دقیقه طول می‌کشد و کشتی‌های ۱۰ دقیقه‌ای بسیار نادر است، در این کشتی وقتی پشت حریف بـه زمین رسید و ۳۰ ثانیه بی‌حرکت نگهداشته شد، یك‌امتیاز محسوب می‌شود .

جهانگردی .

از ورزشهای مفید جسمی و روحی است .

چرخ پر.

دراصطلاح ورزشکاران پریدن بـه هوا دروقت چرخیدن است .

چرخ جنگلی .

در اصطلاح ورزشکاران چـرخیدن آهسته بافاصلهٔ زیاد دادن میان دوپا .

چرخکی .

یاچرخگی، چرخ زدن ورقص کردن کشتی‌گیران به‌وقت‌غالب‌آمدن برحریف، بعضی‌گویند نام ورزشی‌است‌که چرخ‌زنان بعمل‌آرند .

چرم چرم .

نوعی بازی الك دولك می‌باشد .

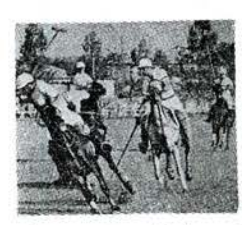
چشم بندك .

گونه‌ای بازی است وچنان است‌که چشم یکی ازکودکان راببندند ودیگران پنهان‌شوند وبعدازآن چشم اورا بگشایند تادیگران راپیداکند .

هرکدام راپیداکند براوسوار شود تامحل معین. بعدازآن چشم کـودك پیدا شده را ببندند وباقی کودکان پنهان‌شوند بعضی این بـازی را «سرمامك» نیـز خوانند .

چوگان Polo

از ورزشهای باستانی ایران‌کـه به هندوستان رفته وازآنجا به‌کره وچین و ژاپون رسیده استوانگلیسی‌ها این‌بازی را به وسیلهٔ چارلز **زمبول** ازایران بـه کشورشان‌بردند، درسال ۱۸۶۹ اولیـن بازی رسمی چوگان درانگلستان صورت گرفت دراین‌بازی اسب وسوارکار وتوپ وچکش دوسر ابزارکارند، وزمین بازی به‌طول ۲۷۵ متر و به عرض ۱۸۲ متر است .



جنس توپ چوب به وزن ۱۳۵ گـرم و به قطر ۸ سـانتیمتر و افراد بازی که امروزه دوتیم‌چهارنفری هستندشماره گذاری شده‌اند .

حلقه Anneaux

یك دار به‌ارتفاع ۵/۵ متر وچهار کابل‌یاطناب یـا مهـار نگاهدارنده کـه بوسیلهٔ قلابهایی بـه زمین متصل استودروسط این داریك جفت حلقه



توسط‌دوعددکابل‌آویزان‌است‌جنس‌حلقه‌ها از چوب‌صاف‌که‌قطرداخلی‌آن ۱۸ سانتیمترو کلفتی‌چوب ۲۸ میلیمتر تا ۳ سانتیمتر است، ارتفاع‌حلقه‌ها اززمین‌درحال‌سکون ۲/۴۰ تا ۲/۵۰ متر می‌باشد، حلقه‌ها وسیلهٔ تسمهٔ چرمی به‌طول حداقل ۵۰ سانتیمتر به‌کابل آویزان متصل می‌گردد .

خاك نمك .

نوعی بازی بـاشد و آن چنان است‌که‌چیزی را درتودهٔ خاك نم کـرده پنهان سازند وبعدازآن خاك را بـه دو بخش تقسیم‌کنند وبخشی‌ازآن‌کسی باشد. آن چیزی‌که پنهان شده است از بـخش هرکس برآید غالب‌بوده واوبرده باشد.

خربازان .

نوعی بازی است و آن چنان است که دوکس برابر هم خم شوند وسرها به هم نهند ودستها برزانوگـذارنـد وسر ریسمان را بردست‌گیرند وسر دیگر آن ریسمان را شخص دیگر به دست‌گیرد و بردور وپیش‌ایشان می‌گردد و نمی‌گذارد که از مردم اجزای بازی‌کسی بـرایشان سوار شود واگر احیاناًسوار شودهمچنان سوار خواهد بود تادیگری گرفتار شود وشخصی که سرریسمان را دردست دارد خربندگویند برهرکس‌که پـای خود را بزند تااورا بیاورد وبااین دوکس‌دیگر درقطارکشد تاوقتی‌که دیگری بهم رسد آن دوشخص اول نجات یابند .

خرپشتك .

پشتك چارکش رابه بینید .

خرك .

چهارپایهٔ مکعب مستطیلی است‌کـه روی‌آن تشك چرمی است و دارای چند طبقه می‌باشدکه بدانوسیله ارتفاعرا کم و زیاد می‌کنند ، در ورزشهای سوئدی و ژیمناستیك بکار می‌رود وبا دور خیز از روی‌آن می‌جهند، ارتفاع آن ۱/۳۰ متر وطول روی چرمی‌آن ۱/۵۰ متراست .

خرك حلقه .

خرکی‌که دوحلقه برروی تشك آن نصب‌شده وحرکات مختلفی روی‌آن‌انجام



می‌دهند وآن را اسبك نیز گویند ، طول خرك ۱/۸۰ متر و عرض آن ۰/۳۷ مخروضخامت آن ۰/۳۷ متر است .

دادبازی .

نوعی بازی است .

دام‌بازی .

بازی‌دام‌که‌نوعی‌بازی فرنگی‌است .

دك‌تنیس .

آنوتنیس رابه بینید .

دوچرخه سواری .



ازورزشهای سبك ومفید که‌به تناسب تغییرساختمان آن‌رکـورد های تـازه بجا گذاشته است .



درسال ۱۹۵۸ سیزده نفر جـوان فرانسوی‌در مسابقهٔ‌سیصد کیلو متری شرکت کردند .

درسال ۱۸۹۱ اولین مسابقهٔ‌طولانی برای‌آماتورها، بین‌دوشهر بردو–پاریس انجام شد ورکورد جهانـی سال ۱۹۶۰ ۴۷/۳۴۶ کیلومتر در ساعت بود .

دو ومیدانی .

تاریخ پیدایش «دو» بخوبـی معلوم نیست وظاهراًهمراه‌با بشر پابعرصهٔ‌وجود نهاده‌است . البته بسیاری از ورزشهـای امروزی ازقبیل‌پرتاب وزنه،پرتاب نیزه، سوارکاری، پرش، دووغیره‌ازبدوآفرینش بشرجزء غرایز فطری اوبـوده واکثراً وسیله‌ای برای‌تهیهٔ‌غذا بوده‌است .

لیکن «دوومیدانی» به‌صورت امروزی در حدود یك قرن است که بوجود آمده و مبداء آن سال ۱۸۶۶ است که اولین بار در دانشگاه اکسفورد و کمبریج باهم مسابقه دادند و از آن به بعد مرتباً این مسابقات هر ساله انجام می‌شد. از سال ۱۸۸۵ «دوومیدانی» و دو تقریباً در همه‌جا یك مرتبه اشاعه و توسعه پیدا کرد . معهذا باید مبداء حقیقی آن‌را که به صورت بین‌المللی در آمده سال ۱۹۱۳ دانست. در این سال برای «دو» سرعت سه درجه معین شد، صدمتر ، دویست‌متر، چهار صدمتر و برای دو استقامت چهار درجه ۸۰۰، ۱۵۰۰، ۵۰۰۰، ۱۰۰۰۰ متر . البته باید دانست که برای استقامت بشر نمی‌توان حدی معین کرد ولی از روی حد متوسط به‌دست آمده این فواصل تعیین‌شده است .

در سه‌ماه تمرین در دوندگی ۳۰۰ سانتی‌متر مکعب به‌حجم قلب افزوده می‌شود.

راق راق .

بازیی است که کودکان می‌کنند بچه‌ها همگی یك صف می‌بندند و دوش بدوش ـ می‌ایستند که فاصلهٔ نداشته باشند و هردو دست را از عقب انگشتها بهم می‌گذارند و کاسه مانند می‌گیرند. یکی از ایشان که بزرگ و سالار است انگشتری باریکی یا چیز کوچکی دیگر در دست گیر دو در مشت هر کدام گذارد و برمی‌دارد و مدام راق‌راق می‌گوید و از یك سر صف تا آخر صف تکرار می‌کند و باز می‌گردد و همچنان چیزی را که در دست دارد به‌دست ایشان گذارد و بر می‌دارد تا به دست یکی می‌گذارد و دستش را فشار می‌دهد بعلامت این که برو او به جلدی و همواری از صف برمی‌آید و می‌گریزد اگر سالم رفت و بیرون شد هر یك از جانبین خود را که بخواهد تا مکان معین سوار میشود و در آن سواری نیز راق‌راق می‌گوید و اگر در حین برآمدن از صف یکی از طرفین اورا سرپایی‌زد باز گردد و به جای خود می‌ایستد و گاهی باشد که زننده براو سوار می‌شود .

دوضرب .

بالا بردن هالتر در دو حرکت، اول کشیدن وزنه از زمین تا سینه سپس پاها به جای خود قرار می‌گیرند تا بدن برای حرکت دوم آماده شود و در حرکت دوم هالتر با یك ضرب بالا می‌رود و فاصلهٔ دو دست به اندازهٔ شانه می‌شود .

دوماراتون. Marathon

یکی از مواد دوومیدانی بـه مساحت ۴۲/۱۹۵ کیلو متر که درسال ۱۸۹۶ به یادبود جوان چوپانی که درسال ۴۹۰ پیش ازمیلاد خبر شکست ایران‌را داد.

رامی Rummy

نوعی بازی ورق .

راه‌پیمایی .

ورزش ساده راه‌رفتن به‌مسافت زیاد درهوای آزاد که درنوع درست آن باید بدن‌راست و گردن کشیده وسر بالا و شانه‌ها عقب باشد .

ربوت .

نوعی پلوت باسك ، شبیه بازی پوم است .

رگبی Rugby



نوعی بازی فوتبال که در آن بردن توپ بادست مجاز است میدان این بازی به شکل مستطیل و به وسعت ۵۰×۱۰۰ و عدهٔ بازیکنان هرطرف ۱۵ تن و مدت بازی آن ۴۰ دقیقه است ودو دوربازی به‌فاصلهٔ ۵ دقیقه می‌کنند. شکل توپ بیضی است .

ویلیام (ب ـ الین) درسال ۱۸۲۳ آن‌را اختراع کرده است .

وزن توپ ۳۷۵ تا ۴۲۵ گرم محور بلندآن ۷۶ و محور کوتاه آن ۶۰ سانتی‌متر است .

رولراسکیتینگ Roler Skiting

به‌معنی لغزیدن وسرخوردن برسطح صیقلی و به‌وسیلهٔ اسکیتهای چرخدار .

رینگ هوکی .

ازهوکی‌های روی یخ است که هنوز در بعضی‌جاها معمول می‌باشد .

ژیمناستیك Gymnastique

جوانترین ورزشها ، ژیمناستیك است . مسأله ایـن نیست که گذشتهٔ «ژیمناستیك» را انکار کنیم والا ممکن بود در مورد پیـدایش « بارفیکس » به‌نوشته‌های «رابله» برای تعلیم « پانتا گروئل» اتخاذ سند کنیم، بلکه می‌خواهیم از نظر دیگری بـه مسئلهٔ ژیمناستیك نگاه کنیم و بگوییم «آیا می‌توانید ورزش دیگری مانند ژیمناستیك را به‌ما نشان دهید که به بازیهای ازمنهٔ قدیم و دورهٔ قرون وسطی مربوط و متصل نباشد» .









قبل از جنگ جهانی اخیر ژیمناستیك در محدودهٔ کاملا اروپایی بود . آلمان و فرانسه و سوییس، سه کشوری بودند که در راه این ورزش کوشش می‌کردند بعدها ، فنلاند و چکوسلواکی و ایتالیاییها به‌آن توجه کردند .

بعد از جنگ ژاپونیها نیز بطرز باور نکردنی به‌تمرینات بدنی پرداختند.

ژیمناستیك کاملا تغییر شکل پیدا کرد. کشورهایی مانند فرانسه و سوییس و آلمان که سابقاً در رأس آن قرار داشتند مقام خود را از دست دادند .

مختصات «استتیك» و جنبهٔ پرورش آن ژیمناستیك را بصورت ورزش زنانه در

می‌آورد، پارالل ـ بارفیکس ـ حلقه اندام‌را کشیده‌وقامت‌را موزون وهیکل‌را متناسب می‌سازد .

درست است که ژیمناستیك زنانه بیش ازشانزده هفده سال ازعمرش نمی‌گذردولی باترقیات سریع آن که در کشورهای شوروی ومجارستان وژاپون هرساله رخ می‌دهد، جبران کوتاهی عمر آن می‌شود .

ورزش سبك یاسوئدی نیز نوعی از ژیمناستیك است. آکروباسی وعملیات پرش ازاسب وخوك، بارفیکس ـ پارالل وهمچنین عملیات روی زمین نیزرشته‌های مختلف بشمار می‌رود .

سافتبال Softball

نوعی بازی شبیه بیس‌بال آمریکایی است ولی زمین آن کوچکتر و توپ آن نرم‌تر است ، این بازی ازسال ۱۸۸۷ آغاز شده و به محل وسیع ووسایل زیاد احتیاج ندارد،ودرمحوطه‌های خالی می‌شود بازی کرد .

سرقایمك .

نوعی بازی قایم شدنك است وآن‌راسر قایمك بازی نیزمی‌نامند که یکی از کودکان چشم می‌بندد ودیگران پنهان می‌شوند .

سر مامك .

نام بازیی است که شخصی را «مامك» می‌نامندویکی از کودکان سردرکناراو نهد ودیگران گریخته هریك به گوشه‌ای پنهان شوندبعدازآن کودکی که سردرکنارمامك داشت برخیزد ودر جستجوی دیگران می‌شود یك یك از کناروگوشه‌ها برآمده دستی برسرمامك می‌رسانند اگر کودکی راپیش ازآنکه دست برسرمامك رساند بگیردبردوش اوسوارشودو پیش مامك آورد وهمان کودك مرکوب سر به کنارمامك می‌نهد و بازی را از سر می‌گیرد واگر نتوانست کودکی را بگیرد همان خودسر برکنار مامك می‌نهد .

سنگ برداری .

یکی ازانواع ورزشهای محلی اسپانیا وپرتغال است دراین ورزش دومرددرمیدان بزرگ باهم روبرومی‌شوند وهریك، یك کیسهٔ ۱۵۰ کیلویی سیمان باخود همراه دارند درمدت نیم‌ساعت هرکس دفعات بیشتری وزنه‌راروی شانه بگذاردوپایین بیاوردبرنده است، دورهٔ مسابقه درسه قسمت ده‌دقیقه به فاصلهٔ دودقیقه استراحت می‌باشد .

سوارکاری .

عموم ملل جهان سوارکاری‌را به عنوان یك ورزش وتفریح سالم پذیرفته‌اند روح سوارکاری مخصوصاً درده نشینان بیش از شهرنشینان موجود است .

سوارکار بایددارای عضلاتی نیرومند، جهازتنفسی سالم ، چابکی ، و نرمش باشد اسب‌سوار بااسب یك اکیپ دو نفری‌را تشکیل می‌دهد که نیروی طبیعی خودرا برای رسیدن به هدف بکارمی‌اندازند .

چه بسا بهترین اسبها به علت نداشتن سوارکارخوب در مسابقات باخته است وچه بسا بهترین سوارکارکه بارها ازمانع ۱/۸۰ پریده است ولی بااسب دیگری که بیش ۱/۵ مترقدرت پریدن نداشته درمسابقه شکست خورده است.سوارکارخوب وورزیده کسی است که قبل ازهرچیز بتواند «سوار اسب شود»مقصود نه اینکه محکم روی زین بنشیند.ضمن اینکه محکم نشستن روی زین خود یکی ازشرایط لازم سوارکاری است.

ظاهراًریشهٔ سوارکاری مربوط به قرنها قبل ازمیلادمسیح واصل آن ازآسیا است .

درحدود قرن ششم میلادی با بکار بردن زین‌ودهانه ورکاب ازآن به عنوان وسیلهٔ مسافرت وهمچنین درجنگها استفاده می‌کردند.جنگهای متعدد بین قبایل داخلی ودشمنان خارجی سبب شد که توجه بیشتری به سوارکاری واسب بشود و برای محافظت خود اززخم پیکان دشمن هم بخود وهم به اسب هایشان زره پوشاندند .

ازقرن نهم اسب سواری موردعلاقهٔ بزرگان واقع شد.اولین مسابقات درقرون وسطی به طریق نبردتن به تن ودوئل صورت گرفت و بعدها به خاطر یك تبسم فلان خانم زیبا یا برای شهرت وافتخار به صورت ورزش درآمد.

طی جنگهای صلیبی سوارکاران عرب با اسب‌های اصیل شرقی خود براثر سرعت ونرمشی که درسواری بکار بردند پیروزی‌هایی به دست آوردند ازاین موقع بودکه لزوم اسب سواری احساس شد. بااینکه اسبها بارسنگینی حمل می‌کردندسوارکاری رو به تکامل نهادو به طریق عملی صورت گرفت.

درسال ۱۹۱۲ سوارکاری جزءورزش‌های المپیك پذیرفته شد. امابایددانست که سوارکاری به عنوان ورزش درایران دورهٔ ساسانیان کاملارواج داشته ودراین موردمدارك وآثار بدست آمده آنقدر فراوان است که نیازی به استدلال ندارد .

معمولا درمسابقات علاوه برسرعت پرش ازمانع، پرش ازپرتگاه وهمچنین پرتگاه پشت مانع وجوددارد. موردآخیر خطرناکترین آنهااست.زیرا اسب نمی‌تواند پرتگاه را ازپشت مانع ببیند اینجاست که تربیت اسب ازیك طرف وهوش ونبوغ حیوان از سوی دیگر به سوارکارکمك می‌کندتاپیروز شود . پیست سواری باید محوطه‌ای به مساحت ۲۰×۶۰ متر واز جمعیت ۲۰ مترفاصله داشته باشد. تریبون داوران بایدروبروی در ورودی قرار گیرد.

شرکت تمام اسبهادرمسابقات آزاد است به استثنای اسبهایی که تاسه بار در مسابقات المپیك شرکت کرده باشند .

سورپاپاخ .

یکی ازورزشهای ملی آذربایجان شوروی است ویك نوع زورآزمایی سوارکاران است، درآن مسابقه کسی که زودتر ازهمه دستمال دخترمحبوب خودرا به خط پایان مسابقه برساند پیروز می‌شود.

سومو Sumo

یکی ازورزشهای ملی ژاپون می‌باشد .

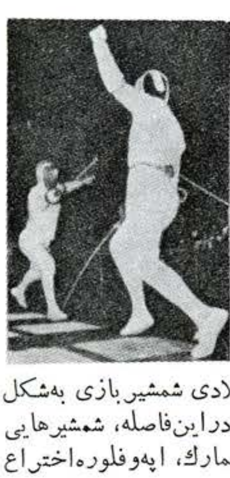
شاه بازی .

بازی کودکان که یکی شاه ویکی وزیر ویکی میراخور ویکی مقصر می‌شودوشاه به مجازات مقصردستور می‌دهد .

شاه و وزیر بازی .

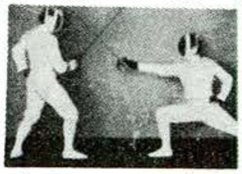
بازی کودکان‌را گویندو آن‌چنان است که یك رخ قوطی کبریت یاکعب گوسفند شاه ورخ طرف دیگرراوزیر نام می‌نهند و بنوبت آن کعب یاقوطی‌را ازدست رها می‌کنندتابریکی از قواعدخود قرارگیرد وچون رخی که شاه نامیده شده است ویا رخی که وزیرخوانده شده درجهت فوقانی قرارگیردافکننده درجمع به عنوان شاه یا وزیرخوانده می‌شودوچون بدین ترتیب یکی شاه ودیگری وزیر شوددیگران که مقصر باشند به‌رأی و فرمان خود مجازات کنند .

شمشیربازی .



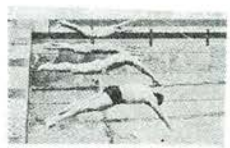
ورزش باستانی که در پیش از ۱۲ قرن قبل از میلاد در مصرویونان ازآن آثاری بدست آمده است. در اواخر قرن نوزدهم میلادی شمشیربازی به شکل ورزش درآمد ، دراین فاصله، شمشیرهایی چون : کونیگسمارك، اپه‌وفلوره اختراع

شد، دوئل شمشیربازی را رواج داد، و بهمان



ترتیب باغیرقانونی شدن دوئل، این ورزش ضعیف شد، درسال ۱۸۸۹ باشگاه شمشیر بازی درفرانسه تأسیس شد، ازسال ۱۹۳۱ برای شمشیربازی مقررات جدیدی وضع شد لباسها بصورت امروزدرآمد بانصب چراغ و تکمه در نقاط ممنوعه و حساس مشکل بزرگ داوری حل شد، وجود زنگ اخبار برای اعلام پوان منفی طرف کار راراحت کرد از سال ۱۹۴۰ شمشیر بازی درفرانسه بین خانمها رسم شد. ازسال ۱۹۳۶ درمسابقه‌های جهانی شرکت کردند .

شنا .



سه هزارسال است که مصریان دررود نیل شنامی کنند درموزهٔ لوور آثاری وجود دارد که ثابت می کند شناگری مربوط به هزاران سال پیش از میلاد است وتازگی ندارد. هرودوت دربارهٔ **اسکیلیاس** یونانی وفرارش ازدست خشایارشا کـه دوازده کیلومتررا بـاشنا پیموده مطالبی نـوشته است. مدارکی وجودندارد که در بازیهای المپیاد یونان باستان شناهم بوده ولی آنچه مسلم است یونانیان شنا بلد بوده‌اند وهمـ چنین رومیان قدیم شناگری می دانسته‌اند یگانه ورزشی که جنبهٔ حرفه‌ای آن سابقهٔ بسیار قدیمی دارد شنااست .

غواصان مزدور بزیرآبهای ساحلی برای صیدمروارید می‌رفتند و شغل منحصر بفردشان غواصی بـوده است. کشتی‌های بادی و زورقهای مسافربـری در ازمنهٔ گذشته ومسافرت بـاچنین وسایل غیرـ مطمئن سبب شده بود که علاوه برسواحل رودخانه‌هاودریا دیگران نیزشنایادبگیرند تادرمواقع خطر بتوانند تاحدی خودرا حفظ کنند. روزبیست وششم اوت سال ۱۸۷۵ یک نفر انگلیسی به‌نام سروان مـایتووب دریای مانش را باشنا پیمود یعنی ساعت ۱۲ و ۵۶ دقیقه روزبیست وپنجم اوت از ساحل آمیروته به آب افتاد و بعداز بیست و دوساعت به خشکی رسید . کسان دیگری

به‌پیروی ازاو دریای مانش راطی کردند تا جایی که امروزه مسابقـات متعددی بین شناگران دراین مسافت ترتیب می‌دهند.

شنای پروانه .

ازسال ۱۹۴۸ معمول شـد، وابتکار یک نفر مجارستانی به نام تومیک است که بعدها به‌پروانهٔ دریایی مشهور شد.

شنای پشت .

دراین شناصورت به طرف آسمان و پشت برآب است، دستها وپاها باهم بازو بسته ودرپایان هرحرکت که مقداری مکث دارد بدن مقداری روی آب شناور می‌ماند .

شنای پهلو .

دراین شنا، شناگر به هرپهلو که عادت داشته باشد بهمان پهلوشنامی کند، موقعی که دست راست درامتداد بدن به طرف بالا می‌رود، دست چپ نزدیک ران در امتداد پاقرار می گیرد و بایک حرکت دستها بـه طرف سینه وپاها داخل شکم جمع می‌شوند وباحرکت دیگر دستها از یکدیگر دور وپاها مانند قیچی به آب فشارمی آورند، و بدن درآن جلومی‌رود .

شنای زمینی .

یکی ازحـرکات درجـهٔ اول ورزش ژیمناستیک ودرعین حال قدیمی وساده می باشد.

شنای زیرآبی .

یکی ازانواع شناها که اغلب بـرای پیداکردن غریق ویافتن شیئی بکارمی‌رود.

شنای قورباغه .

این شنا که به‌شنای سینه معروف است باسه حرکت انجام می گیرد، حرکت اول قرارگرفتن بـدن روی آب. دستها کشیده، سرپایین وصورت داخـل آب وکف دست پایین وپنجه‌های پـاکشیده ومتصل بهم ، درحالت شنا آغاز می‌شود، یعنی دستها از طرفین به‌گردش درآب افتاده. آب را به موازات شانه فشارمی‌دهد، ودرهمین موقع دستها روی سینه آمده ومنتظر حرکت پا می‌شود. درحرکت دوم پاها جمع می‌شود، بعد زانوها راست شده ومستقیم به‌هم نزدیک می‌شوند وحرکت سوم دستها مثل حالت اول بـه‌جلو برده می‌شود و پاها مستقیم بهم چسبیده حالت اول را بخود می گیرد .

شنای کرال .

یکی ازشناگران انگلیسی این‌شنارا ازبومیان جنوبـی استرالیا آموخت وآن راخزیدن روی آب نام نهادند .

شیرجه .

جهش درآب ازسکو یـا تختهٔ فنری بطوری که شیرجه‌رونده ازموقع جداشدن

از سکو تا دخول در آب کاملا بربدن خود مسلط بوده و بـا تمرینات قبلی این آمادگی رابـه دست آورده است . شیرجه برسه قسم است : راست. شکسته، جمع .







شیرجهٔ پیچ .

دراین نوع شیرجه. ورزشکار پس از انجام شیرجهٔ صحیح واصلی پیچیدن بدن راآغاز می کند .

شیرجه ازعقب .



دراین شیرجه روی شیرجه رونده به طرف استخر است وپنجهٔ پاروی لبهٔ تخته قرار می گیرد ، دودست برای موازنه به طرف جلوو موقع پرش به طرفین و هنگامی که می‌خواهد داخل آب شود در امتداد پاها قرار می گیرد وسرمیان دودست وبه‌عقب خم داخل آب می‌شود، بدن قدری حالت قوسی بخود می گیرد .

طاق وجفت .

جفت وتارا به‌بینید .

طاووس‌وار رفتن .

نوعی از ورزش کشتی گیران که واژگونه‌شده خودرا مثل طاووس رقصان می کند .

غوطم غاته .

یک نوع بازی شناگران را که یکدیگر را درآب فرو برند .

غوک چوب .

نوعی بازی است که کودکان بادوچوب بازی کنند یکی از چوبها به اندازهٔ یـک وجب ودیگری به اندازهٔ یک متریا بیشترو

آنرا درشهرهای مختلف بـه بازیهای گوناگون خوانند مانند : چلك وچالیك الك دولك وغیره.

فلای بال .

ازبازی‌های باراکت، که در میدانی ۷×۳/۰۲ متر باتوپ صورت می‌گیرد.

فلوت Flotte

قرارگرفتن روی‌آب بـرای رفـع خستگی، بطور افقـی روی‌آب بـه پشت می‌خوابند وپاها رابه طرفین‌بازمی‌کنند وبانفس عمیق سینه راپراز هـوامی‌کنند وسررا تاآنجاکه ممکن است به‌عقب خم می‌کنند ودستهارابه‌طرفین‌بازنگاه می‌دارند .

فوتبال Football

از بازی‌های میدانی بسیار رایـج که اولین باردرانگلستان به‌سال ۱۸۶۳ برای آن‌قوانینی وضع گردید .

زمین فوتبال مستطیل شکل وابعاد آن بین ۱۲۰ تا ۹۰ متر طول و۹۵ تا ۵۵ متر عرض معین شده است این زمین به دوقسمت است که درهرنیم دروازه‌ای بعرض ۷/۳۲ متر وارتفاع ۲/۴۴ متر برداشته‌اند توپ این بازی باید ازچرم



ساخته شده ومحیـط‌آن ۷۱ سانتیمتر و وزن‌آن از ۴۵۰ گرم نباید بیشترباشد عدهٔ لازم برای این بازی ۲۲ نفر است که به دودسته تقسیم می‌شونـد و هردسته سعی می‌کند توپ را از دروازهٔ طـرف مقابل عبور دهد بازیکنان باید توپ را باپا بزنند واگر به‌دست هریـك ازآنها برخوردکند فول (اشتباه،جریمه) اعلام می‌شود دراین بازی فقط دروازه‌بان می‌تواند توپ را درحدود دروازه بـادست بگیرد. دراین بازی اصطلاحاتی است‌که بصورت خـارجی استعمال می‌گـردد و فرهنگستان این واژه‌های زیررا در این بـازی بجای واژهای خارجی پـذیرفته است :

(بیرون Out) ، (پشتیبان Back)، (پشتیبـان چپ Leftback) ، (پشتیبـان راست Rightback)،(پیشرو Forward) (پیشرو راست Rightforward)، (پیشرو چپ Leftforward) ، (پیشرو دست چپ Leftwingforward)،(پیشرو دست‌راست Rightwingforward) ، (پیشرو مرکز Centerforward) ، (تاوان Penalty)، (تـاوانگاه Penaltyarea) ، (تجـاوز Offside) ، (خـطـا Foul) ، (داور Referee) ، (دست Hand) ، (دستـه Team) ، (رد Pass) ، (زدن Kick) ، (سر Head)،(سردسته Captain)،(گوشه Corner)،(نگهبان Halfback)، (نگهبان چپ Lefthalfback) ، (نـگهبان راست Righthalfback) ، (مـرکـز Centerhalfback)، (هال Goal)، (هال بـان Goalkeeper) ، (هـال گـاه Goalarea) .

فوتبال آمریکایی .

نوعی رگبی است‌که درسال ۱۸۷۲ درهارواردبوجودآمد وازدودسته‌بازیکن ۱۱ نفری تشکیل شده است، مدت بازی یك ساعت‌که در فاصلهٔ هرربع ساعت یك دقیقه تنفس داده می‌شود .

قایقرانی .

قایقرانی تا۲۰ سال قبل محدود به طبقهٔ معینی بود، ولی درحدود ۲۰ سال است‌که درش‌برروی تمام‌کشورها گشوده شده وبه صورت ورزش عمومی در آمده است .

تمرین معمولا درآبهایی راکد، در مسافت دوهزار متری انجام می‌گیرداین مسافت باید بین ۶ تا ۸ دقیقه طی‌شود . با این‌که ظاهراً مسافتی‌کوتاه است ولی باید نیروی فراوانی‌بکاربرد تابتوان‌آن را در مدت فوق پیمود. چه‌بسا جوانـان نیرومندکه پس‌ازطی‌این مسافت، ازپادر می‌آیند وحتی قدرت خارج شدن ازقایق راندارند اما به تدریـج دارای عضلاتی ورزیده می‌شوند چه‌قایقرانی ورزشی‌است کامل‌که درآن واحد تمام عضلات دست و پا وسینه وغیره بکار می‌افتد. برای قایق‌رانی باید هم‌ازنظر جسمی‌آمادگی‌داشت وبه تمرینهای بدنی پرداخت وهم اصول وقواعدآن‌را آموخت. یکی‌ازتمرین‌های لازم‌برای‌قایقرانی، پیاده روی درزمستان است برخـلاف تصور عده‌ای قایقرانـی ورزشی نیست‌که بیشتر احتیاج بـه زور بازو داشته باشد بلکه بیشتر نیازمند به نیروی مقاومت است .

سرعت متوسط درتمرین معمولا بین ۱۰ و۱۵ کیلومتردرساعت است وبستگی به‌نوع قایق داردهیـچ فشاری روی قلب واردنمی‌آوردمقدارضربات پارودرموقع حرکت بین ۳۸ تا ۴۴ دردقیقه است .

اولین مسابقهٔ قایقرانـی بـه سبك امروزه‌بین‌دودانشگاه‌کمبریج وآکسفورد به سال ۱۸۲۹ در رودخانهٔ تایمزصورت گرفت. مسافت طی‌شده۶/۸۳۸ کیلومتر بود. تمام اهالـی لندن در ایـن مسابقه حضور داشتند. درمسابقـات دسته جمعی مدیرشناکه همان کاپیتن تیم است وجود داردکه دیگران باید چشم به او دوخته وضربات پاروی اورا پیروی کنند .

نقش‌او به‌قدری‌حساس‌است‌که‌پیروزی وشکست تیم بستگی به‌وجود اودارد .

درمورد وزن‌پارو، وزن‌قایق،قواعد واصولی تعیین شده است .

قایم شدنك .

قایم باشك‌یاقایم‌نوعی بازی‌کودکان است دراین بـازی چندنفر از کودکان پنهان‌می‌شوند وچندتن‌دیگر به‌پیداکردن آنها می‌کوشند .

قرق .

نوعی بازی‌که‌بیست وچهار خط به طور چهارگوشه تو درتو می‌کشند ومیان این‌چهار خانه بطریق‌مخصوصی ریگهای خرد به‌صف می‌نهند وعامه این بازی را دربس نامند .

قفیزی .

نوعی بازی‌که‌کودکان چوبی برپای می‌نمایند واز بالای‌آن برمی‌جهند .

قدم Marche

پیاده روی را به بینید .



قدم باخمیدگی Marche en flexion

نوعی‌پیاده روی است‌که باکشیدگی



عضلات همراه است .

کانو .

نوعی قایق رانی که با قایقهایی به شکل کشکولی انجام می‌شود که دو نفر پارو می‌زنند .

کج .

کشتی کج را به بینید .

کراکت Croquet

نوعی بازی که با چهار گلوله به‌رنگهای آبی، سیاه، قرمز وزرد انجام می‌گیرد ، زمین بازی به‌طول ۳۵ و به‌عرض ۲۸ یارد و چهار گوشهٔ آن را بیرقهایی به چهار رنگ ذکرشده زینت می‌دهد .

کریکه Cricket

از ورزش‌های ملی انگلستان‌است . که توسط دودستهٔ ۱۱ نفری بازی‌می‌شود.



وسیلهٔ بازی: چوب دستی‌پهن، توپ چوب پنبه ونخی، وگیشه می‌باشد .

بازی‌کنان ازگیشهٔ خود دفاع می‌کنند، اندازهٔ زمین ۱۴۰ × ۱۵۰ متر ، فاصلهٔ بین‌دو دروازه ۲۰ متر می‌باشد .

کاکاو .

نوعی بازی‌است که یك نفر دستهارا برزمین می‌گذاردوفریادمی‌کندومی‌گوید کاکاو وحریفان دیگراز اطراف درآمده واورا شلاق می‌زنند . او به همان طریق که دستهایش روی زمین است از عقب حریفان می‌دود وبهرکس که برسد اورا بجای خود نگه می‌دارد .

کشتی آزاد .

کشتی آزاد از سال ۱۹۰۸ وارد بازیهای المپیك شد. این کشتی از عهد باستان معمول بوده ودرهرسرزمین آداب ورسوم خاصی داشته وبیش ازهمه‌جا در یونان ومصر باستان مرسوم بوده است.

بنابراین نمی‌توان به‌سادگی سیر تکاملی‌آن را شرح داد .

این‌کشتی از برنامهٔ المپیاد سال ۱۹۱۲ که دراستکهلم انجام‌گرفت حذف شد زیراسوئدیها اصلا باکشتی‌آزادآشنا نبودند وبعلاوه مقامات‌رسمی‌ورزشی‌سایر کشورها هم بااین‌کشتی موافق نبودند و هنوزهم باعمل (قیچی) آن‌که شدیدترین وخطرناکترین عملیات این‌کشتی است موافق نیستند . قیچی عبارت از فشردن یکی از اعضای بدن حریف بادوساق یا دست(به‌استثنای‌گردن) تاحریف به زانو درآید در۱۹۲۰ برای این‌قسمت‌مقررات خاصی‌وضع شد وکشتی‌آزاد دوباره‌وارد بازیهای‌المپیك شد واکنون یکی از ورزشهای مورد علاقهٔ عمومی است .

مدت‌کشتی، ۱۲ دقیقه وامتیازات‌آن دو وسه وپنج است. وپنج امتیاز وقتی است‌که حریف درشرف افتادن است و۵ ثانیه اورا به‌همین حال نگاه دارد واگر حریفی ازدست حریفش بگریزد وبه‌دور پیست بدود یك امتیاز برای‌آن دیگری منظور می‌شود .

انواع دیگر کشتی عبارتست از : کشتی‌ترکی، کشتی‌روسی و کشتی‌فرانسوی (برتون)

کشتی فرنگی .

این‌کشتی‌مربوط به‌ازمنهٔ‌خیلی گذشته است‌برای این که دربازیهای المپیك هیجدهمین المپیاد، کشتی‌وجود داشت‌ولی هیچ شباهتی به‌کشتی که امروز آن را (یونانی — رومی) می‌نامیم نداشت بلکه یك نوع‌کشتی‌آزاد امروزه بود .

معلوم نیست‌آنروز (برتن) بانی‌المپیاد جدید، این‌کشتی‌رابه‌نام (یونانی رومی) واردبرنامهٔ المپیك‌کرد،درمغزش آنرا باچه چیزی تطبیق کرده بود .

کشتی‌های باستانی یاکلاسیك‌بیشتر باب ذوق مردم بود وعلاقهٔ وافری به‌آن داشتند. کشتی‌هایی را دوست داشتندکه توأم بامشت وکتك ووحشی‌گری بود و مدت‌آن زیاد باشد . از این رو در سال ۱۹۱۰ کشتی (یونانی ـ رومی) حرفه‌ای ناپدیدگشت وکشتی‌آزاد جای‌گزین آن شد .

اولین فدراسیون‌کشتی‌کلاسیك به سال ۱۹۱۳ تشکیل شد واگرالمپیاد از کشتی‌کلاسیك حمایت نکرده بودامروزه اثری ازآن مشهود نبود .

دوشك معمولا ۶ متر در۶ متردر مسابقات المپیك ۸×۸ متر و قطر آن ۱۰ سانتیمتر است‌طبقه بندی کشتی‌مزبور عبارت از :

۱ـ مگس وزن تا۵۲ کیلو. ۲ـ خروس‌وزن تا ۵۷ کیلو. ۳ـ پر وزن تا۶۲ کیلو. ۴ـ سبك‌وزن. تا۶۷ کیلو ۵ـ میان سبك‌تا۷۳ کیلو. ۶ـ میان‌وزن تا ۷۹ کیلو. ۷ ـ میان سنگین تا ۸۷ کیلو. ۸ ـ سنگین وزن از۸۷ کیلو به بالا .

هرچند عملا فشردن گلو خالی از اشکال است و در مسابقات کج دیده می‌شود که‌کشتی‌گیر آنقدر گلوی حریف را می‌نشارد تا برنده اعلام شود . خلاصه آن که کج یك مبارزهٔ غیرانسانی است .

کشتی کج .

یك نبرد خونین است‌که به‌ظاهر اسم ورزش برآن نهاده‌اند و از ابتکارات آمریکاییها است‌که ازچند سال قبل از جنگ جهانی‌دوم، به‌اسم **پانکراس** وارد فرانسه شد. پس‌از جنگ دوم فدراسیون کشتی فرانسه نمی‌خواست مسئولیت این کشتی راقبول‌کند ولی دیری نگذشت که مجبور شد ازتصمیم خودعدول‌کند. کشتی‌گیران‌کج عموماً حرفه‌ای‌هستندو آماتور بندرت پیدا می‌شود .

ولی این‌قبیل مشت ولگدزدنها باعث شدکه‌سالهای ۱۹۵۸و۱۹۵۹ کج‌مرحلهٔ افول را بپیماید .

آنگاه برای‌جلوگیری از زوال‌آن (نقاب) به میان‌آمد وکج را با ماسك شروع کردند .

درکج هرکاری مجاز است به جز انگشت فروکردن درچشم وفشردن‌اعضاء تناسلی وکشیدن موها و فشردن گلوی حریف .

کلاغ پر(اسا به‌دوش) .

از بازیهای بچگانه .

کورلینگ .

این بازی‌که اصل آن از ایالت «اکوس» انگلستان است عبارت‌است از پرتاب‌سنگی‌به‌نام استون‌به‌وزن ۲۰ تا ۲۵ کیلوگرم ومحیط‌آن دایره‌یی به‌طول۹۳ سانتیمتر به سوی دروازه‌ای‌که از محل پرتاب ۳۸/۴۰ متر فاصله دارد .

هردسته از ۴ بازیکن تشکیل یافته وهربازیکنی‌دو«استون» داردکه به‌نوبت بازی می‌کنند .

سردسته که در محل دروازه بازی یارهای‌خودش رارهبری می‌کند حق‌دارد که از فاصلهٔ ۶/۳۵ متر یخها را از سیرسنگهای‌یارانش‌جمع‌کندیادایرهایی روی یخ ترسیم می‌شوند فاصلهٔ سنگهارا از دروازهٔ معین می‌کنند. تنها کسانی‌که دردایرهٔ خارجی به قطر ۲/۱۳ متر

می‌افتند امتیاز می‌آورند .

کندو Kendo

نوعی ورزش رزمی و باستانی ژاپون است، که دونفر با شمشیرهای خیزرانی درمیدانی به‌طول **۱۱** متر مبارزه می‌کنند .

کوهنوردی .

کوهنوردی بدون رعایت اصول و قواعدآن درحقیقت اقدام به‌خودکشی است تکنیك یعنی جانب احتیاط را مراعات کردن که مانع خستگی و تأخیر ومعطلی بیمورد وخطرناك کوهنوردی می‌گردد . تکنیك‌هدف نهایی نیست بلکه وسیله‌ای است که امنیت کوهنوردی را دربالارفتن تأمین می‌کند . کوهنورد باید انگشتانی نیرومند وپنجه‌ای بی‌نهایت قوی داشته باشد ولی برخلاف آنچه‌شایع‌است کوهنورد بدنش رابزور بازو بالا نمی‌کشد بلکه آنرا روی ساقهای پا وپاها بلند می‌کند دستها فقط برای حفظ تعادل عقب وجلو وطرفین بدن بکار می‌رود. هیچ مقیاس مشترك وتناسبی بین‌قدرت‌بازوها وقدرت ساقها وجود ندارد. برای‌خوب بالارفتن ابتداء «حس تعادل» بایدداشت واین‌امر قبل‌از اینکه جسمی باشد روحی است .

چه بسا تصمیم به انصراف از ادامهٔ کوهنوردی مشکل‌تر از ادامهٔ آنست و مستلزم شهامت وارادهٔ بیشتری است . مخصوصاً وقتی‌که قله چندان دورنباشد . گاهی برعکس رسیدن‌به‌قله به‌منظورپیدا کردن راه سهلتری برای مراجعت‌است. چه بسا یك شکست و ارزش وتوفیق آن بیشتراز یك پیروزی است !

درسال **۱۲۸۰ پی‌یرسوم** به‌قلهٔ **کانیگو** ودر سال **۱۳۳۶ پترارك** به‌قلهٔ **وانتو** و درسال **۱۵۱۱** لئونارد **داوینچی** به قلهٔ **بوزو** ودرسال **۱۵۱۹ کورتز** به قلهٔ‌کوه **پوپو**رسیدند.

درسال **۱۷۴۱** ویلیام **ویندهام** به **یخچالهـای طبیعی ساووا** و در سال **۱۷۸۶** هوراس **بنددی** بـه مون بلان و بالاخره‌قلهٔ **مسرون** وسیلهٔ ادوارد**ویمپر** فتح شد .

از سال **۱۹۴۳** طرح فتح اورست ریخته شدکه در سال **۱۹۵۳** بـه نتیجه رسید .

گاو بازی .

مورخین عقیده دارند کـه مسابقهٔ گاو از **اسپانی** به سر زمین **سزار** رفته وشعرا دربارهٔ قربانی‌گاوداسخن داده‌اند، خود کلمهٔ (توروکانویسیا) که به‌زبان اسپانیایی به معنای‌گاو بازی است ثابت می‌کندکه‌یونانیها بازی‌باگاورامی‌دانستند ودر (کرت) هم پرورش‌گاو برای بازی را شایع کرده‌اند که در رم مخصوصاً در سیرکها، اشخاص را مقابل‌گاو وپاشیر و ببر را درمقابل‌گاو قرار می‌دادند.

باوجود همهٔ‌اینها نمی‌توان ادعاکرد که گاو بازی مربوط به دوران باستانی است و آنچه مسلم است پیدایش آن‌در اسپانیا بوده و ظاهراً در نیمهٔ دوم قرن هفدهم و اوایل قرن هیجدهم پـا بعرصهٔ حیات‌نهاده است. **دونروی** اولین‌مسیحی بودکه جرأت‌کرد بـا اسب و نیزه وارد محوطهٔ میدان شده و باگاو مبارزه کند ، وگویا نقاش مشهور این صحنه راکه در حضور فردینانداول پادشاه کاستیل وقوع یافته بود نقاشی‌کرده است.حادثه به‌سال



۱۰۹۴ مسیحی‌اتفاق افتاده است، ازقرن دوازدهم شوالیه‌گری مستلزم مبارزه بـا گاو بود وشوالیه‌ها بانیزه به‌این حیوان حمله می‌کردند پیشخدمت مخصوصشان‌هم درآنجاحاضرمی‌شد تااگر اربابا‌حتیاج به‌کمك‌پیداکردویاخطری متوجهش‌شد، فوراً به‌کمکش‌بشتابد البته اربابونوکر مسلح به سلاحهای وحشت بـار دیگری نیز بودند وتنها به‌همان نیزهٔ ارباب‌اکتفا نمی‌شد .

در سال **۱۷۶۲** فراچینلو **رومرو** مقاطعه کارکوچك شهر **روندا** ازتوابـع اندلس‌گاوبازی جدیدی را اختراع‌کرد وبه‌فکرافتادکه‌گاوبازپیاده باگاومبارزه کند وسلاحی‌جزیك شمشیر به‌دست‌نگیرد بلکه یك قطعه‌پارچه به‌چوبی نصب نماید تاحیوان رابسرحد خشم برساند واگـر حیوان به او حمله‌کـرد شمشیر را بکار ببرد .

پسرش قواعد تازه‌ای برای این‌نوع بازی وضع‌کردویك دسته‌گاوباز زیرنظر اوکار می‌کردند . این قوانین در اواخر قرن هیجدهم تقریباً تثبیت شد .

سه مرحله برای‌آن قایل شدند که دوتای اول مقدمهٔ سومی‌است. فروکردن نیزه دربدن حیوان،فروکردن درفش در بدن‌گاو ، مرحلهٔ سوم حیوان را بسرحد مرگ‌رساندن ویاکشتن، معهذا به‌تدریج که مسابقهٔ‌گاوبـازی، قیافهٔ تـازه بخود می‌گرفت دوروش اولی تغییر پیداکرد . مثلا بجای‌نیزه فروکردن‌پارهٔ قرمزنشان حیوان می‌دهندکه همان اثررا دارد ودر هرحال بمنظور نهایی حاصل می‌شودزیرا قصداصلی، تحریك‌کردن حیوان است‌که باهروسیله امکان پذیر است، امروزه در اسپانیا بیش ازچهارصد میدان‌گاوبازی



سرباز (پلاژ) موجود است بـرحسب اهمیتشان به چنددرجه‌تقسیم شده‌اند . اسپانیاییها از این کـه بیست وسه هزار تماشاچی می‌تواند (در میدان‌گاوبازی مادرید) که به‌سال **۱۹۳۴** افتتاح‌شد) جای‌بگیرند، برخود مباهات می‌کنند .

گره گردان .

نوعی بازی است .

گز بازی .

نوعی بازی است .

گلف Golf

نام بازیی است‌که عبارت از زدن‌به توپ‌کوچکی است‌که‌دارای حالت‌ارتجاعی است وآن را باچماقی‌به‌نام گلف کلوب Golfclubes می‌خوانند بازی می‌کنند و سرآن از چوب یاآهن‌است. زمین‌دارای یك عده سوراخها (که معمولا عدد آنها **۹** یا **۱۸**) است‌که درفاصله‌های‌گوناگون روی یك خط سیر یا حلقهٔ زنجیر قـرار دارد ودارای موانع طبیعی یـا مصنوعی است که آنها



را با ضربه‌هایی بطور نامنظم قرار داده‌انـد و موضوع بازی این‌است‌که‌باید توپ درهریك از این سوراخها باچند ضربه که ممکن است‌داخل شود .

این بازی ازدیرباز در «اکس» پا بعرصهٔ وجودنهاد. مدارك واسنادفراوانی

بدست آمده که درقرن شانزدهم گلف بازی می‌کردند و در سالهای بین ۱۴۵۷ و ۱۴۹۱ قوانینی ازپارلمان «اکس» گذشته که آن قوانین فعلا موجود است ودرآنها اشاره به‌بازی گلف شده است. طبق‌پاره‌ای ازهمین قوانین ، بازی گلف چون بحال افراد پیاده نظام وکمانداران که برای دفاع ملی وجودشان لازم بود، زیان‌بخش به‌نظرمی‌رسید آن را ممنوع کردند . تصاویر زیبایی ازقرن هیجدهم موجود است که گلف بازان را باعصای مخصوص نشان می‌دهد حتی روی یکی‌ازپنجره‌های کلیسای قرن چهاردهم می‌توان گلف بازی را در حال زدن توپ مشاهده نمود واین تنها مدرکی است که‌نشان می‌دهد درقرن چهاردهم گلف‌درانگلستان هم معمول‌بوده و منحصر بــه سرزمین «اکس» نبوده است .

مدتها بعدبه‌سال ۱۸۵۰ گلف ازدریا و اقیانوسها عبور کرد و به سایر کشورها رسید .

گواش .

نوعی کشتی در آذربایجان شوروی ، که کشتی گیران باصدای سرناوطبل‌مبارزهٔ خودرا آغازمی‌کنند، وبدن آنها درکمر برهنه است وشلوارگشاد وپرنقش ونگار به‌تن دارند، کفش آنها نرم وروی تشک کشتی می‌گیرند .

لاکروسس .

یکی از بازیهایی است که‌مانندسایر بازیهای هوکی ازیك بــازی‌قدیمی به‌نام (سول آلاکروس) مشتق شده است ویک ورزش باستانی است که در کانادا رواج فراوان دارد .

لاوه .

یابازی چالیك، بازیی‌است که چوبی به اندازهٔیك وجب‌را ازدوسر تیزمی‌کنند وآن را برزمین می‌گذارند وچوبی که به اندازهٔ یك متراست برسرآن می‌زنند تا برهوا جهد و در وقت فرودآمدن چوب را برمیان آن می‌زنند تابه دور رود .

لیس .

دراصطلاح‌متداول‌مردم قزوین‌سنگی صاف و نازك که کودکان دربازی جوز ، جوزها را درون خطی دایره شکل با پرتاب کردن‌آن بیرون کنند وگاه بدون جوز بادولیس بازی آغازند واین بازی را اخیراً «لیس پست لیس» نامند .

لی‌لی بازی .

یک نوع بازی که‌یك پــا از زمین برمی‌دارندو باپای‌دیگرمی‌جهندوهمبازی را می‌گیرند .

ماهیگیری باقلاب .

از ورزشهای قدیمی است ، کــه از لوازم سبك چوب وریسمان‌وقلاب استفاده می‌شود .

واترپولو Water – Polo

ورزشی است بــا قاعده و منظم و مشکلی است ، مانند : فوتبال پر ـ حرارت ، مانند بوکس‌خشن ومانندتنیس منظم‌است .

بازیگر واترپولو ، باید شناگری ماهر درسرعت واستقامت باشد .

بازی دو دورهٔ ۱۰ دقیقه‌ای است .

بازیکنان واترپولو، از دودستهٔ ۷ نفری تشکیل‌شده‌اندکه دروسعتی به‌عرض ۸ تا ۲۰ متر و به طول ۲۰ تا ۳۰متر بازی می‌کنند ، دروازه به عرض ۳ متر است .

عمق محیط بازی نباید از۱/۵ متر کمتر واز ۲/۴۰ متر بیشتر باشد. وزن توپ ۴۰۰ تا ۴۵۰ گرم است .

وازینج .

الاکلنگ، وآن چوبی است که‌میان آن‌رابربلندی‌استوارکنند ودوکودك بر دوسر چوب نشینند. چوب‌گاهی ازیکسو وگاهی ازسوی دیگر بالا می‌رود .

موتوبال .

دودسته هریك‌مرکب از ۵ موتورـ سیکلت سوارکه در میدان فوتبال‌انجام می‌شود وعبارت‌ازاین‌است که توپی به‌قطر ۳۸ تا ۴۰ سانتیمتر راباچرخ یاباپا به جلو برانند .

والیبال .

والیبال نیزمانند باسکتبال دریکی از مدارس (اتحاد جوانــان مسیحی» در ماساچوست پابه عرصهٔ وجود گــذاشت . مخترع آن‌شخصی‌به‌نام «ویلیام.ژ.مرگان» بودکه پس‌از شرکت دریك بازی‌آلمانی به‌نام«فاوتبال»آن‌را اختراع کرد. دراین بازی اخیراً بازیکن حق داشت بگذارد دوتوپ به زمین بخــورد و بلند شود . «مرگان» والیبال را ازآن اقتباس کرد. ایــن واقعه به‌سال ۱۸۹۵ اتفــاق افتاد ونمی‌دانندچرا اول‌باراسم‌آنرا «فلتونت» نهاد. اختراع این بازی چهارسال پس‌از اختراع بسکتبال بود چند سالی نگذشت که این بازی توجه مردم راجلب‌کرد و درتمام‌آمریکا شیوع یافت وازآن به‌همهٔ نقاط دنیا رفت .

درسال ۱۹۱۶ اتحادجوانان‌مسیحی تصمیم به وضع وتدوین وانتشار مقررات تازه‌ای دربارهٔ والیبال گرفت وآن‌را به جهانیان اعلام داشت .

درسال ۱۹۲۸ فدراسیون‌ملی‌والیبال کشورهای متحدهٔ‌آمریکا به وجودآمد در این موقع بودکه این ورزش ۳۵ ساله‌که دراین مدت بدون سرپرست ومدیرمانده بــود و در اروپا ادارهٔ آن وضع مرتبی نداشت سازمانی‌ترتیبی داد وفدراسیون‌ـ های ملی درهرکشوری ایجاد شد تا این که درسال ۱۹۴۷ فدراسیون بین‌المللی والیبال تأسیس‌گردید وتمام کشورها از آن استقبال‌کردند بطوری کــه در سال ۱۹۶۱، هفتاد ویک کشور بــه عضویت این فدراسیون درآمدند، والیبال یکی‌از چهار پنج بازی است‌که درتمام‌کشورهای جهان مورد قبول عامه واقع شده است .

زمین‌آن دومربع ۹ + ۹ متر است کــه توری به‌ارتفاع۲/۴۳متر (برای خانمها ۲/۲۴ متر این دو مربع را ازهم جدا می‌کند. هردسته مرکب از۶ نفراست که توپ‌رابادست وبی‌آن‌که‌آن‌رانگاهدارند به‌طرف مقابل پرت می‌کنند.

هنربزرگ در طرز پرتاب توپ به زمین حریف است‌که اگرحریف نتوانــد آن را بگیرد وبــه زمین بیفتد در این صورت یك‌امتیاز به‌نفع‌دستهٔ پرتاب‌کننده محسوب می‌شود. وزن توپ‌نباید از۲۸۰ گرم تجاوزکند. هربازی۵دوراست‌که در هردورامتیازات هردسته‌که زودتربه ۱۵ رسید، برنده می‌شود. چنــانچه ۳ دور متوالی دسته‌ای برنده شده مانند تنیس دیگر مسابقه را ادامه نمی‌دهند .

درقارهٔ اروپــا بهترین بــازیکنان والیبال روسها هستند .

بعداز روسها به‌ترتیب‌چکوسلواکی، رومانی ، لهستان ، مجارستان از سایــر کشورها بهتربازی می‌کنند بازی‌والیبال تابحال ضمن مسابقهٔ المپیاد منظور نشده وبرای اولین‌بار در المپیاد گــذشته در توکیو (المپیك ۱۹۶۴)نام والیبال‌ضمن برنامهٔ مسابقات منظور گردید .

وزنه برداری .

بنابرسنت باستانی یونان، دربرنامهٔ المپیك بلافاصله پس از (دو ومیدانــی) مسابقات وزنه برداری نوشته‌شده است.

این تقدم مربوط به سنن یونانی است واول بار دربازیهای ۱۸۹۶ در آتن نیز بههمین طریق اجرا شد .

ازسال ۱۹۲۰ ببعد برای وزنه‌برداران تعیین وزن گردید .

قبلا طبق روش آلمانها وزنه برداری سنگین ــ وزنه برداری سبك، لیکن از آن‌به‌بعد به‌صورت امروزی‌درآمد وزنه‌برداری بیشتر درسیرکها معمول بود و پهلوانانی بودندکه یک اسب زنده را سردست بلند می‌کردند و همچنین غول‌پیکرانی که باعضلات ورزیده و پیچیدهٔ خود خاطرهٔ گلادیاتورها وپهلوانان باستانی یا افسانه‌های مربوط به‌آنها را زنده می‌کردند .

درآغاز این قرن مردی که الحق یکی از افتخارات کشور فرانسه محسوب می‌شود بنام (امیل دبونه) ظهور کرد که اورا (استاد) مطلق‌می‌نامیدندولی‌خودش این لقب را نمی‌پذیرفت بلکه (مؤسس پرورش جسم درفرانسه) عنوانی بود که در نهایت فروتنی برخود نهاده بود. با تأسیس‌ورزشگاه یامدرسه‌ای که انقلابی‌در ورزش بپاکردنام خودرا جاودانی‌ساخت اومعتقدبود که دمیدن‌درعضلات‌وبادکردن آنها، بی‌آن‌که‌تحریک ودینامیسم داشته باشد کمترین ارزشی ندارد .

باهمین عقیده سبک تازه‌ای برای تهییج وبکار انداختن عضلات نیرومند و ورزیده ابداع نمود .

(دموند) برای تعیین میزان قدرت پهلوانان وتنظیم وترتیب،ورزش خود (باشگاه وزنه‌برداری فرانسه) راتأسیس کرد ووزنه‌برداران درآن‌ثبت‌نام‌کردند. ازسال ۱۹۱۳ براثر مساعی پهلوان با حرارتی بنام (ژول روسل) وزنه‌برداری داخل برنامهٔ مسابقات المپیاد شد ودر سال ۱۹۲۰ فدراسیون بین‌المللی‌تأسیس شد. باپیشرفت‌فدراسیون، کلیهٔ‌وزنه‌برداران جهان‌عادت‌کردندکه‌تعلیمات‌وراهنماییهای لازم‌را درمورد وزنه برداری‌ازفرانسه بگیرند وقهرمانان وزنه برداری جهان درسال ۱۹۴۶ و۱۹۵۰ ازفرانسه بود.

طبقه بندی وزنه برداران ازلحاظ وزن یکباره تعیین نشد بلکه متدرجاً بر اثر اوضاع ومشکلات خاصی که بوجود می‌آمد ، طبقهٔ تازه‌ای افزوده می‌شد . خروس وزن درسال ۱۹۴۸ به جهات خاصی بوجودآمدکه همان‌سال مردکوتاه قدی‌که‌کارگر‌تعمیرگاه اتومبیل‌بودبرنده شد طول قد او ۱٫۴۰متربود وچون یک نفرسیاه پوست آمریکایی به نام (جان دیویس) ۲۸ کیلودرسنگین‌وزن اضافه بر رکورد بلندکرد. طبقهٔ دیگری بنام (نیم سنگین) (کسانی) که تا ۹۰ کیلو وزن داشته باشند افزوده شد .

طبقه‌بندی به‌شرح‌زیراست:خروس وزن ۵۶ کیلوگرم پروزن‌تا ۶۰ کیلوگرم سبك وزن تا ۶۷ کیلوگرم میان وزن تا ۷۵ کیلوگرم نیم سنگین تا ۸۹٫۵۰۰ کیلوگرم‌میان‌سنگین‌تا ۹۰ کیلوگرم‌سنگین وزن از ۹۰ کیلو ببالا .

انواع روشها در وزنه‌برداری

پرس دو دستی: وزنه را تا ارتفاع شانه‌ها بالامی‌آورند سپس به‌آهستگی‌آن را بالای‌سر می‌کشند بطوری‌که دستهادر امتداد خط عمود قرارگیرند .

یك ضرب :وزنه رامستقیماًازروی زمین بلند می‌کنند وبالا می‌آورند .

دوضرب : وزنه را تا ارتفاع‌شانه‌ها بالا می‌آورندسپس‌پاهاراپس‌وپیش‌می‌گذارند وآن را بافشار بالا وآنگاه دوپارا بهم جفت می‌کنند .

لیفت :وزنه بردار خم‌می‌شود وزنه‌را بر می‌دارد وآن رافقط تاارتفاع‌زانوها بالا می‌آورد .

پرس یك دستی :وزنه را بایك‌دست تا بالای سرمی‌آورند وبدن‌رابه‌طرف‌مقابل این‌دست خم‌می‌سازندودرعین‌حال‌دست‌را که وزنه روی آن نیست راست می‌کنند .

هبهات .

نوعی بازی متداول نزد کودکان عرب .

هللم .

بازی‌است متداول نزدکودکان شهر کرمان .

همای .

به‌گردون بازی کودکان می‌گویند یعنی چرخی می‌سازند ازچوب وخلاشه و درکنارآب روان نصب‌کنند تاآب برآن خورده آنرا به‌گردش درآورد .

هندبال Handball

اختراع این‌بازی‌رابه‌پروفسور**شلنز** استاد دانشسرای تربیت‌بدنی برلن‌نسبت می‌دهند بهرحال هندبال در دوران‌جنگ اول جهانی بوجودآمد زیرا ریشهٔ این بازی همان (فوتبال) است منتها بادست بازی می‌کنند .

مساحت زمین بازی هندبال‌همان مساحت زمین فوتبال‌است .

عرض و ارتفاع دروازه هردو یکی است. تعدادبازیکنان درهردوبازی‌مساوی است. درسال ۱۹۲۵ اولین مسابقهٔ بین‌المللی‌هندبال‌انجام‌شد. این بازی‌بزودی ازسرحدات آلمان‌گذشت وبه‌کشورهای دیگرداخل‌شد سال‌بعد مسابقهٔ‌بین‌المللی درسوئدوسپس‌دردانمارك‌ترتیب‌داده‌شد . که‌به‌علت سرمای‌زیادهوا مجبورشدند در سالن سرپوشیده بازی‌کنند. فدراسیون بین‌المللی هندبال به‌سال ۱۹۲۷ تشکیل شد. وبه سال۱۹۳۳ دربرلن انجام شده تکمیل گردید .

بنابراین هندبال‌رسماً‌ازسال۱۹۳۶ ضمن برنامهٔ‌مسابقات‌المپیك‌منظور گردید. درآن سال‌هم تیم آلمان که در مقابل تیمهای مجارستان ، رومانی ، اتریش ، اتازونی و سوییس واقع شده بود برنده گردید. درسال ۱۹۶۵ فدراسیون بین‌المللی از ۲۵ کشور مختلف تشکیل شده بود ودوقسم مسابقه دادند .

بازی‌های‌هفت نفره وبازیهای‌یازده نفره که‌هرکدام هواخواهان فراوان‌دارد بدیهی است بازی یازده نفره‌کاملتراست واز لحاظ تاریخ بربازی هفت‌نفره مقدم می‌باشد .

هندبال‌به‌منظوریك‌ورزش زمستانی بوجودآمد. باتوجه‌به‌این‌که‌فوتبال ورگبی خطراتی در بردارد و مستلزم تمرینهای سخت است هندبال اصلا خطری ندارد و همان حرکات تند وچابك ومزایای‌ورزشی فوتبال را دربر دارد البته چون بازی سریع ومتحرك است نفس می‌خواهد . از اینجهت، هردور بازی از ۳۰ دقیقه‌کمتر است. بازی‌هفت نفره مخصوص سالن سرپوشیده‌ای است‌که ۴۴ تا ۳۸ متر طول و۱۸ تا ۲۲ مترعرض دارد دراین‌بازی نیز یك نفر دروازه بان دارد وسه نفر جلو یك‌نفردرپشت سرآنها ودو نفر در عقب بازی می‌کنند .

دراین جا برخلاف بازی یازده نفر ارتفاع دروازه۲ متر وپهنای‌آن ۳ متر است (دریازده نفره عیناًمانند فوتبال ۷٫۳۲ متر پهنا و ۲٫۴۴ متر ارتفاع دارد) حجم‌توپ درهردوبازی یکی‌است وعیناً نظیرفوتبال است وزنشان هم یکی است در بازی خانمها از۳۷۵ تا ۴۲۵

گرم ودر بازی آقایان از ۴۲۵ تا ۴۷۵ گرم است .

هوکی Hockey

نوعی بازی که دارای دروازه بوده وروی چمن و یخ انجام می‌شود ، وهدف بازی داخل کردن توپ به دروازهٔ حریف است .

تعداد بازی‌کنان ۱۱ نفر، مدت بازی ۷۰ دقیقه (پس از ۳۵ دقیقه بازی یک دقیقه تنفس) اندازهٔ زمین ۲۰ر۸۲ تا ۴ر۹۱ وعرض ۷ر۴۵ تا ۸ر۵۴ متر است . فاصلهٔ دوپایهٔ دروازه ۴ یارد وارتفاع آن ۱۰ر۲ متر و شعاع دایرهٔ ضربه ۷ر۱۳ متر است. وزن چوب هوکی ۵۱۰ تا ۵۶۰ گرم وطول آن ۴ر۹۱ سانتی‌متر است ، وزن توپ ۱۵۹ تا ۱۶۳ گرم است .

هورنوس .

یک نوع بازی سویسی دونفره بوسیلهٔ راکت وتوپ که طول راکت ۷ پا می‌شود .

یاتینگ Yachting

قایق رانی تفریحی با کشتی های با بادبان یاموتور .

یک پی دوپی .

پشتک چارکش را به بینید .

بازیهای المپیک

تاریخچه .

پیدایش مسابقه‌های المپیک را باید در باستانی‌ترین دوران یونان کهن جستجو کرد. در آن ادوار یونانیان می‌پنداشتند که هراکلس پسر «زئوس» بانی المپیاد بوده است. وبهرحال این المپیاد یک نوع جشن باشکوه ملی بود که درطی آن تاجی از زیتون ــ به نشانهٔ صلح وظفر و افتخار بر فرق قهرمانان پیروز می‌نهادند .

برای نخستین بار به سال ۷۷۶ پیش از میلاد مسیح مسابقه‌های المپیک از تاریکی قرون وافسانه‌ها بیرون آمد ودر تاریخ یونان باستان از آن ذکر می‌شد .

تواریخ باستانی حکایت می‌کنند که در آن زمان ایفیتس پادشاه «الید» با شاهزادگان دیگر یونان توافق کرد که در دوران المپیادها جنگ وخونریزی در سرتاسر یونان متوقف ماند جاده‌ها وراه‌ها آزاد شوند ومردم بصلح وآشتی وآرامش دعوت گردند .

این بازیها که هرچهارسال یک بار تکرار می‌شد، اندک اندک با استقبال پرشور جوانان روبروگردید تا بدانجا که اگر در آن روزگار جشن المپیک یک جشن محلی بود، پس از دوقرن همهٔ مردمی که زیر فرماندهی پادشاهان یونان می‌زیستند وساکن سرزمین‌های پهناوری بودند در میدان عظیم المپی گرد می‌آمدند .

اما پس از استیلای رومن‌ها، بازیهای المپیک کم‌کم اهمیت ورونق خود را از دست داد وسرانجام امپراتورروم «تئودوز» درسال ۳۴۹ پس از میلاد مسیح فرمان داد که این مسابقه‌ها را موقوف سازند.

وبه این ترتیب المپیادهای عظیم باستانی باهدف زیبنده وبلندشان به یک خواب عمیق فرورفتند .

درمعبد مقدس المپی گیاههای هرزه ووحشی سر ازخاک بیرون کشید ندوستونهای درخشان استادیوم بهویرانی گراییدند..

این خواب بسان خواب همهٔ نهضت واندیشه‌های عالی بشری نتوانست خواب جاویدان، خواب مرگ ونیستی باشد .

به‌سال ۱۸۵۳ هنگامی که دانشمند باستان شناس آلمان درکاوشهای خود در ویرانه‌های باستانی، المپی واستادیوم عظیم و پرجلال یونان کهن را از زیر انبوه خاکهای چندین صدساله بهدرآورد اندیشهٔ احیای المپیادها درخاطر مردم یونان جان گرفت .

تا این که در حدود نیم قرن بعد «بارون پیردو کوبرتن فرانسوی» که همواره دربارهٔ مسائل ورزشی وتربیت بدنی مطالعه می‌کرد وبرنیروی شگرف ورزش در ایجاد روح دوستی ومحبت میان جوانان جهان واقف بود المپیادهای یونان را باردیگر زنده کرد .

«پیر دوکوبرتن» به سال ۱۸۹۴ کنفرانس جهانی مهمی درپاریس تشکیل داد و کمیتهٔ بین‌المللی را بنیاد نهاد تا براساس پایه‌یی شایستهٔ دنیای نو ، بار دیگر بنای عظیم و باشکوه مسابقه‌های المپیک را بنیاد نهد .

سوگندالمپیک

روزافتتاح بازیهای المپیک دربرابر بیرق وعلامت مخصوص المپیک سوگندیاد می‌شود سپس بازیها آغازمی گردد.

متن سوگند :

«ماسوگندیادمی کنیم که دربازیهای المپیک شرکت کنندگان صادقی باشیم به مقررات وقوانین آن احترام بگذاریم ، باروح قهرمانی تنها بخاطر افتخار کشورمان و برای پیروزی ورزشی مسابقه را انجام دهیم» (ترجمهٔ خانم منیرمهران).

مرام بازیهای المپیک .

۱ ــ تندتر (Citus)
۲ ــ بالاتر (Altius)
۳ ــ قوی‌تر (Fortius)

سرود المپیک .

بسیار شعله‌ها برسرراه انسان درخشیده‌اند ،
بسیارشعله‌ها خاموش شده‌اند،
ودودهای مواج رادر هواپراکنده ساخته‌اند ،
اما، درخشش تو،
درخشش‌تو، ای آتش‌المپیک .
درروز سرود من‌تابان است .

* * *

زنده‌تر ونیرومندتر از آن زمان‌که برای زئوس می‌تابید، برای سرزمین‌الید که‌جوانان‌در آنجا پیکارمی کردند، جوانانی شکوفان وزیبا، بسان خدایان ،
آنقدرزیبا که هنرمندان نقشهایشان را بهخداوند بزرگ هدیه‌کردند .

* * *

اکنون اخگریونان برسراسرگیتی می‌تابد ،
جوانان همهٔ مردم جهان ،
بیکدیگرمی‌پیوندندوازهم برتری‌می‌جویند.
آن‌که ازروان رخشانتر وازچشم چالاکتر است ،
آن‌که از پیروزی افسری به سر می‌نهد ،
این ترانهٔ غرورانگیزرا برلب‌دارد.
پیروزی زیباست، امازیباتر پیکار شرافتمند است .

* * * *

بسان برج‌رفیع، جزیره‌های‌فاروس،
که پرتوهایشان ، شبانگاه رهنمای ناویان‌بود،ای‌آتش المپیک،توبمامی‌نمایی، باشعله‌های مغرورانهات ،
راه‌زائرین امیدرا بسوی‌کرانه‌های‌صلح، آن‌جاکه دو عنصر پاکیزه بهم می‌پیوندند پیکان زرین روز روح شعله‌ور انسان .
هردوسبکبال وهردو اوج‌گیرترین طایرآسمانها !

از کتاب زیباتر ازپیروزی
(بانو منیر مهران)

کمیتهٔ بین‌المللی المپیک .

مسابقات المپیک‌که هرچهار سال

یك باردریكی از كشورهای جهان دررشته‌ـ های‌مختلف انجام‌می‌شود، زیر نظر سازمانی مركزی به‌نام (كمیتهٔ بین‌المللی المپیك) اداره می‌گردد. این كمیتهٔ جهانی دارای شعبی‌است در كشورهای مختلف جهان كه كمیته‌های ملی‌المپیك نام دارند .

ادارهٔ امور وهمهٔ مسئولیت‌مسابقات المپیك بعهدهٔ‌این كمیته‌است. محل‌تشكیل جلسات كمیتهٔ بین‌المللی تـا قبل‌از سال **۱۹۱۵** متغیر بود. درسال **۱۹۱۵** پس‌ازدفن **بارون‌پیردوكوبرتن** مؤسس‌المپیادجدید درشهرلوزان (سویس) شهرمذكوربعنوان مقردایمی كمیته تعیین شد .

المپیك ایران.

برای‌شركت در مسابقات جهانی ــ المپیك‌كه هر چهار سال یك بار دریكی از كشورهای جهان دررشته‌های : كشتی، دوومیدانی،ژیمناستیك، شنا،تیراندازی، دوچرخه‌سواری،سواركاری،اسكی،پاتیناژ، فوتبال، باسكتبال وقایقرانی‌انجام‌می‌شود، درایران‌نیز به‌تبعیت كمیتهٔ‌بین‌المللی‌المپیك تشكیل‌شده‌كه باكمیتهٔ‌بین‌المللی‌درتماس است. انتخاب قهرمانان ایرانـی شركت كننده در مسابقات المپیك جهانی وتهیهٔ وسایل وانجام‌امورمربوط‌به‌آن وسرپرستی واحقاق‌حق قهرمانان درمیدانهای‌مسابقه بعهدهٔ این‌كمیته است. این‌كمیته ازطرف كمیتهٔ‌جهانی‌به‌رسمیت شناخته شده است.

سرود المپیك ایران .

بنام خداوند نیروی ورای
سوی نیكی وراستی رهنمای
رهدبرز وبالا وكوپال ویال
به‌گرد دلیرو یل بی‌همال
المپیك راآتش زآتشكده
بیاور به‌آیین جشن سده
چوآتش بكن سرخ‌رخسار مرد
مگراین سپیدآن سیاهست وزرد
زپیروزی‌آن رابه سر افسر است
كه ایدربه مـردی ونیرودر است
برافراشته رایت آشتی
بود دوراز جنگ وپنداشتی

احیاء كنندهٔ بازیهای المپیك .

پی‌یردوكوبرتن اول‌ژانویهٔ **۱۸۶۳** درپاریس‌به‌دنیاآمد ودوم سپتامبر**۱۹۳۷** درژنو چشم ازجهان‌پوشید. اودرعنفوان جوانی عشق‌فراوانی بـه‌مطالعهٔ‌ادبیات و تاریخ ومسایل تـربیتی داشت . در سال **۱۸۸۹** برای‌اولین مرتبه در نظرگرفت بازیهای المپیك‌راكـه تشریفات وانجام آن ازسال **۳۹۴** میلادی منسوخ شده‌بود احیاءكند.احیاء بازیهای المپیك‌وایجاد تشكیلات بـازیها واصول ومقـررات و تشریفات‌آنها‌فقط قسمتی‌ازكارهای‌كوبرتن است . وی‌علاوه برتألیفات فراوان‌راجع به‌فن ورزش وتعلیم و تربیت كتابهـایی درتاریخ مخصوصاً تاریخ عمومی‌بااسلوب جدید ورسالات دیگری درامورسیاسی و علم‌الاجتماع وغیره‌نوشته‌است بطوریكه تألیفات اوبه بیش‌از **۶۰**هزار صفحه‌بالغ می‌گردد. برای‌پی‌بردن‌به‌میزان علاقه و عشق‌خاص اوبه نهضت المپیك كافـی‌است بدانیم‌كه طبق‌وصیتش قلب‌اورا درمدخل معبد «المپی» دفن‌نموده‌اند. كوبرتن تا سال **۱۹۲۵** شخصاً ریاست كمیتهٔ بین ــ المللی رابه عهده داشت‌بود وبه‌تنهایـی اموراداری‌ومالی‌مربوط‌به‌المپیك‌راانجام می‌داد.جسدكوبرتن‌درآرامگاه«بوادووو» درشهر لوزان مدفون‌گشته است. از سال **۱۹۱۵** به‌بعد شهرلوزان‌كه محل‌سكونت كوبرتن دراواخر عمربود مقرر دایمـی كمیتهٔ بین‌المللی‌المپیك شده است .

۱۸۹۴ در یونان .

كنگرهٔ مؤسسین بـازیهای المپیك تشكیل شد، مقدمات اجـرای مسابقه را برای سال**۱۸۹۶** فراهم‌كردند .

۱۸۹۶ دریونان .

اولین بازی‌المپیك، دركشوریونان به‌ریاست‌دمتریوس **بیكلاس** (شاعر)انجام شد، این‌مسابقه وسیلهٔ ژرژ پادشاه یونان افتتاح شد .

قهرمانان‌آمریكایی پیروزی شایانی كسب‌كردند، یك‌نفر استرالیایی در دو **۸۰۰** متر و**۱۵۰** متری باموانع قهرمان شد .

یـك چوپان درمسابقهٔ پیاده روی اول شد .

۱۹۰۰ درپاریس .

كوبرتن بازیهای‌المپیك‌بعدی رابه عهدهٔ‌كشور خویش افكند .

درمسابقات دو ومیدانی آمریكاییها باچهار وسه‌امتیاز مقام‌اول ودوم‌رابدست آوردند ولی در مجموع آنها فرانسویان امتیاز داشتند . علاوه برپیاده روی در شمشیربازی وژیمناستیك و قایقرانی نیز تسلط‌خودرا حفظ كردنـد . همچنین در مسابقه«رگبی» نیز برای‌اولین بار نخبه‌ـ های فرانسه وآلمان روبروی هم قـرار گرفتند وپیروزی ازآن فرانسویان‌شد .

پانزده‌بازی‌دربرنامه قیدشده بود.مسابقهٔ تیراندازی با اسلحه‌های مختلف وكمان سی‌وسه نفربرنده داشت . مجالس بیشمار ضیافت بپاشد . قهرمانـان و فانوس‌های كاغذی فراوان‌دیده می‌شد ولی‌نه درآغاز مسابقات ودرپایان مهمانی‌ها مشعل‌المپیك افروخته نبود .

۱۹۰۴ درسن‌لویی .

مشعل‌المپیك‌درسن‌لویی‌افروخته‌نشد. آمریكایی‌ها بعلت‌پیروزیهایی‌كه‌نصیبشان شده بودبازیهای المپیك را درسن‌لویی ترتیب دادند و دوكشور خارجی هیئت نمایندگان‌خودرا به‌مسابقه‌فرستادندكه‌یكی آلمان ودیگری هنگری‌بود . درالمپیاد آن‌سال‌بیش ازشصت‌وچهار خارجی دیده نمی‌شد لذاآن‌سال‌تمام نشانهای المپیك نصیب پیران وجوانان وسیاهـان وسفید پوستان محلی‌شد وآنسال **۳۹۰** برنـده عنوان‌قهرمانی‌مسابقات المپیك گرفتند. ناچار بحكم اجبار در دفتر رسمی ثبت اسامی بـرندگان هشتاد وپنج درصدكل مجموع برندگان آمریكایی‌ها بودند .

مفتضح‌ترین بازیهامسابقهٔ‌راه‌پیمایی بودكه(لورد) پیروزشد درحالی‌كه‌بیست كیلومترازمسافت رادرته ارابه‌ای‌چندك زده وسواره طی‌كرده بود. خدعه و تقلب اوكشف وبرملاشد واورا اخراج كردند.

۱۹۰۶ درآتن .

یونان‌كه مایل بود همیشه بازیهای المپیك‌درآن‌كشور انجام‌گردد پیشنهاد كردكه درسال **۱۹۰۶** بازیهای‌ملل‌یونانی انجام‌گیرد(كوبرتن)كه گویی‌دنیارا به اوداده‌اندسخت‌خوشحال‌شد ازاین‌پیشنهاد استقبال كرد و سازمان مسابقات**۱۹۰۶** درآتـن را امضاء كرد ، دردفتر رسمی المپیك ایـن‌مسابقـات ثبت نشده است معهذا موفقیت آن از مسابقات المپیك **سن‌لویی** بیشتر بـود. **۲۱** ملت در آن شركت‌كردند وفرانسه‌كه چندان كوششی بكار نبرده و در رأس ملـل نیم رسمی قرارگرفت .

۱۹۰۸ درلندن .

مسابقات ورزشی‌جهانی حیثیت‌خود را بازیافته و قراربود سال بعد مسابقات المپیك در ایتالیا انجام شود ولی وقتی ایتالیاییها رد كردند فـوراً انگلیسیها داوطلب شدند و تصمیم بساختن میدانی گرفتندكه گنجایش صد هزارتمـاشاچی

داشت .

رییس دولت انگلیس مسابقات را افتتاح نمود.میدان مزبور درعرض ۱۸ ماه ساخته شد تماشاچیان چندین مسابقه را درآن واحد تماشا می‌کردند بیست اسب دوانی، استخرشنا، زمین‌چمن‌برای مسابقات ژیمناستیک وتیراندازی ونیزه وغیره .

مسابقات بدون انتقاد نبود و هنوز قوانین سخت ورزشی وضع نشده بود در مسابقات دو و میدانی و چهار صد متر آمریکا و انگلیس پای فینال بودند . که دوندهٔ آمریکایی از مسابقات اخراج شد وناچار رقیب انگلیسی‌پیروز شد ولی‌این پیروزی‌حادثه‌ای ببارآورد. آمریکاییهادرمراجعت‌به‌نیویوك‌درمهمانی رسمی‌که به افتخار ایشان داده شده بود سگی راکه ازنژاد انگلیسی بودبه‌زنجیر بسته بودند و در مجلس جشن گردش می‌دادند .

حادثهٔ‌جالب وفراموش‌نشدنی بازی‌های آن سال بلایی بود که بر آشپز بیچارهٔ ایتالیایی به‌نام **پیترو دوراندو** آمدکه منجربه اخراج او ازمسابقه شد این بیچاره اولین‌کسی بودکه درمسابقهٔ پیاده روی زودتر ازهمه رسید ولی به محض ورود در مقابل جایگاه به زمین افتاد .

اورا بلندکردند وسرپا نگاهداشتند لیکن دیدند قدم ازقدم نمی‌تواندبردارد گویندهٔ میدان بلندگویش‌را بادست‌دیگر گرفت و آشپز بدبخت را از روی خط مقصد عبوردادند. البته قضات‌کاردیگری بجز اخراج او ازمسابقه نمی‌توانستند بکنند. تمام‌مردم‌انگلستان‌به‌حال‌این مرد متأثرشدند، حتی‌عده‌ای اززنان به‌صدای بلند گریه می‌کردند تاچند روز مردم با ترحم و دلسوزی در باره‌اش صحبت می‌کردند روز تقسیم‌جوایزاوتنها پشت پرچم‌کشورش در میدان بزرگ ورزش حرکت می‌کرد. سایرین‌که برنده اعلام شده بودند شرکت نکرده تا او به حق خود برسد وبالاخره هم رسید ومدال‌طلا ازدست‌ملکهٔ انگلستان گرفت .

۱۹۱۲ در استکهلم .

پس‌از لندن سوئدیها داوطلب‌شدند که بازی‌های المپیك دراستکهلم انجام گردد. گوستاوپنجم‌پادشاه سوئد‌که‌رهبری یك ملت ورزشکار وورزش‌دوست رابعهده داشت فرمان بنای یك میدان ورزشی مدرن را امضاء کرد . شاهزادگان هر کدام ادارهٔ یك کمیته را بعهده گرفتند دراین سال ورزشکاران فنلاندی برای اولین بار مستقلا درمیدان بازی تجمع کردند. این ملت کوچك همیشه زیر قیمومیت روسیه بودند وچهارسال‌قبل در لندن نتوانستند پرچم کشورشان را باز کنند ورژه بروند ولی این‌بار پرچم‌ملی خودرا به اهتزاز درآوردند. در میدان بازی یك‌نفر ژنرال روسی بامقام سفارت نظارت می‌کرد .

دربرنامهٔ این سال مسابقات خانم‌ها بیش از گذشته بود . شنا ومسابقات هنری وتعلیمی برای خانمها منظور شده بود واین چیزی بودکه (کوبرتن) توجه وعلاقهٔ وافری به‌آن‌داشت وهمیشه‌ورزش را ازدو نظر می‌دید و بجنبهٔ فرهنگی بازیها اهمیت فراوان می‌داد .

۱۹۱۶ در برلن .

جنگ جهانی مانع تشکیل المپیاد دراین شهر شد .

۱۹۲۰ درآنورس .

مسابقات برلن به علت بروز جنگ بین‌المللی اول انجام نشد ووقتی جنگ پایان یافت‌قرارشدکه هفتمین المپیاد در بلژیك اجراء شود .

ورزش مسیرخود را طی می‌کرد و مسابقات ورزشی بین ارتش های متفقین درمیدان ورزشی‌که‌آمریکایی‌ها درجنگل «ونسان» ساخته بودند انجام می‌گردید. «کوبرتن» درسال ۱۹۱۴ به مناسبت بیستمین سال پیدایش مجدد المپیاد پرچم المپیك رابرای اولین‌باردرپاریس به اهتزاز درآورد کشور های دشمن را راه ندادند. روسیه غایب بود، فنلاند به خاطر پیروزیهایی‌که به‌دست آورده بود مستقلا با آمریکا مسابقه داد . اسامی برندگان دوومیدانی تغییرنکرده بود و تقریباً همان برندگان المپیاد ۱۹۱۲ بودند فرانسه دراین المپیاد موفقیتهایی کسب‌کرد : دروزنه برداری سنگین وزن همچنین درشمشیربازی امتیازات خوبی به‌دست‌آوردند .

آمریکایی‌هادرقایقرانی‌به‌دوپیروزی نایل شدند .

۱۹۲۴ در پاریس .

دراین مسابقه‌ها بیش از ۵ هزار قهرمان از ۴۵ ملت شرکت کردند واز تمام‌مسابقه‌های‌دیگرالمپیاد باشکوه‌تربود قهرمان المپیك شخصی بنام **نورمی** از فنلاندکه‌معلمی مجرد وگیاهخوار بود واو دردو۱۵۰۰مترو۵۰۰۰ مترقهرمان‌شده درمسابقه‌های‌دوفنلاند۱۰ مدال طلابه‌دست آورد، درحالی که خود فرانسه سه مدال برنز به‌دست‌آورد. بازیهای زمستانی‌نیز دراین المپیاد منظور شده بود .

۱۹۲۸ درآمستردام .

تاسال ۱۹۲۸ ورزشکاران‌کشورهای مغلوب درجنگ جهانی اول در بازیهای المپیك راه نداشتندولی ازاین سال‌ببعد کلیهٔ‌ملل جهان دوباره درالمپیاد شرکت کردند برای اولین بار مسابقات‌خانمها درژیمناستیك و (دو) ضمن‌برنامهٔ‌المپیاد منظورگردید بازی خانمها از انحصار فدراسیون بین‌المللی ورزش زنانه که (مادام‌آلیس **میلیا**) آنرا اداره می‌کرد خارج شد. چه این خانم فقط یك رشته بازیهای معینی رامنظور می‌کرد و قدمی فراتر نمی‌گذاشت. لیکن ازآن ببعداین وضع بهم خورد وخانمها کم‌کم در سایر ورزشها شرکت کردند .

۱۹۳۲ در لوس‌آنجلس .

برای المپیاد۱۹۳۲ ابتکارعملیات بدست‌آمریکاییها افتاد ودست بساختمان دهکده‌ای‌بنام المپیك‌زدندکه هفتصدخانهٔ کوچك درآن بناشده بود .

آمریکاییها درمسابقات دو ومیدانی انتقام سال ۱۹۲۸ را منتها بالطف و ظرافت خاصی‌گرفت بدین توضیح که در مسابقهٔ ۱۵۰۰ متری قهرمان‌فنلاندی و آمریکایی هردوباهم دریك‌لحظه رسیدند ولی‌گوینده اعلام‌داشت‌که‌چون‌آنهامهمان آمریکا هستند نیازی به تجدید مسابقه نیست وفنلاند برنده اعلان میشود .

ستارهٔ‌المپیك‌خانمهادختری‌تگزاسی بودکه ۱۸ سال داشت .

دراین المپیك (پاسترکلاپ) که بعدها بنام تارزان واردعالم سینماشدنیز شرکت داشت .

۱۹۳۶ در برلن .

کشورآلمان برای المپیاد ۱۹۳۶ تمام ملت‌رابجنب وجوش انداخت میدان عظیمی‌ساخت‌که‌جای ۲۵۰۰۰۰تماشاچی داشت یکی از ستارگان این المپیاد جس اوونس‌آمریکایی‌بودکه چهارامتیاز به دست آورد ودرسه مورد هم رکوردها را شکست. این چهارامتیاز اونظیرچهار امتیازی بود که (نورمی) فنلاندی در

مسابقات پاریس به دست آورده بود البته رکورد (نورمی) به سرعت شکسته شد . درحالی که رکورد پرش طول جس **اوونس** ۲۴ سال وقت لازم داشت تا شکسته شود این رکورد به سال ۱۹۶۰ شکسته شد درمسابقات شنا بهت وحیرت همه رافرا گرفت زیراژاپونی‌ها که درالمپیاد گذشته بی‌رقیب بودند وآنقدرموفقیت کسب کرده بودند، دراین المپیاد باوجود قهرمانان وشناگران جوانی که در مسابقه شرکت کردند مزیت خودرا از دست دادند و خانمهای هلندی چهارامتیاز از پنج امتیاز شنارا به دست آوردند، یك دخترك سیزده سالهٔ آمریکایی درشیرجه وزیرآبی برنده شد .

درمسابقهٔ واترپولو مجارستانیها و در زورق رانی بادبان‌دار یك نفر هلندی پیروز شدند .

فرانسویها در دوچرخه سواری موفقیتهایی کسب کردند .

اسکی کوهستانی و باسکتبال برای اولین بار جزو برنامهٔ مسابقات المپیك شد.

۱۹۴۰ در توکیو .

جنگ جهانی مانع اجرای این المپیاد شد .

۱۹۴۴ در ....

جنگ جهانی مانع تشکیل مسابقه‌ها شد .

۱۹۴۸ در لندن .

اولین المپیاد بعد از جنگ جهانی دوم که ۸ کشور برشرکت کنندگان افزوده شد، قهرمان المپیاد زنی سی‌ودوساله بود که چهار مدال طلا بدست آورد، آمریکا در شنا ، انگلیسیها در مسابقات روی یخ ، پیروزی به دست آوردند .

۱۹۵۲ در هلسینگی .

در این مسابقه‌ها برای اولین بار شورویها واردشدند ودرمقابل آمریکاییها قرارگرفتند، هنگریها جای فنلاندیهارا گرفتند، روسیه ۲۲ مدال طلا و آمریکا ۴۰ مدال طلا ومجارستان ۱۶ مدال طلا داشت .

۱۹۵۶ درملبورن .

دراین مسابقات باواقعهٔ مجارستان مصادف بود لذاتیم فوتبال مجارستان در مسابقه شرکت نکرد، کشورهای شوروی واسترالیا وایتالیا بیشتر درخشیدند،در این المپیاد، شوروی وآمریکا مقابل هم قرار داشتند ، دراین سال قهرمان پرتاب نیزه ازمردم آمریکا عاشق قهرمان پرتاب دیسك ازمردم چکوسلواکی شد که در مارس ۱۹۵۷ عاشق به پراك رفت وبادختر چك عروسی کردواورا باخود به آمریکا برد.

۱۹۶۰ دررم .

۱۶ قرن پس از فرمان تئودوز در مورد لغو بازیهای المپیك باردیگر رم ـ میدان مبارزه‌های دوستانه وورزشی جهان شد. دراین المپیاد، آلمانیها درخشیدند ودر بسیاری موارد برآمریکاییها پیروز شدند ، بسیاری از رکوردها شکسته شد ، درپرش طول چهار نفر بیش از ۸متر پریدند ۶نفر دیسك را دورتر از ۵۰متر پرتاب کردند .

قهرمانان هالتر ازشوروی وزنه‌های ۲۰۰ کیلوگرمی را بالای سرمی گرفتند، وسیلهٔ اسب ازمانع‌های ۱۲ متری می‌پریدند ، ایتالیا دردوچرخه‌سواری، آمریکاییهادر دوومیدانی وشناوباسکتبال ، یوگوسلاوی درفوتبال ، دانمارکیها درقایقرانی ، پاکستانیها درهاکی ، ترکها درکشتی قهرمان شدند

۱۹۶۴ در توکیو .

روز ۱۸ مهرماه ۱۳۴۳ برابر بادهم اکتبر ۱۹۶۴ ساعت سیزده وپنجاه دقیقه بوقت توکیو (هشت وسی دقیقه تهران) هیجدهمین دورهٔ بازیهای المپیك باآزاد شدن هشت‌هزار کبوتر آغاز شد.امپراتور ژاپون (هیروهیتو) بازیهای المپیك را افتتاح کرد دراین لحظه تمام ناقوسهای توکیو بصدادر آمد ودسته‌های موزیك آهنگ المپیك را نواختند.

بازیهای ۱۹۶۴ توکیو بزرگترین تظاهرات تاریخی المپیاد بود زیرا از نظر تعدادقهرمانان وتنوع مسابقات المپیك توکیو بی‌سابقه بود .

درالمپیك ۱۹۶۰ رم تعداد کشور ـ های شرکت کننده ۸۴ بوددرحالیکه ۹۸ کشوردرالمپیاد ۱۹۶۴ توکیوشرکت کردند.

برای اولین بار مسابقات والیبال و جودو به لیست بازیهای المپیك افزوده شد.

آلمان غربی وشرقی با ۵۹۷ قهرمان بزرگترین گروه شرکت کننده دربازی ـ های المپیك ژاپون بود. مقام بعدی ازشوروی با ۵۴۲ قهرمان شرکت کننده تعداد ورزشکاران بعضی دیگر از کشورها از این قرار است: آمریکا ۴۷۱ نفر ـ ژاپون ۴۱۴ نفر ـ انگلستان ۲۷۶ نفر ـ مجارستان ۲۵۵ نفر ـ ایتالیا ۲۵۲ نفر ـ جمهوری کره ۲۲۰ نفر ـ فرانسه بایك گروه ۲۰۰ نفری ازنظر تعداد قهرمانان مقام نهم راداشت.

کمترین تعدادقهرمانان ازکشورهای بولیوی ، کامرون و موناکوآمده بودند هریك ازاین سه کشور فقط دو قهرمان به توکیوفرستادند .

بطور کلی ۶۶۰۵ قهرمان ـ ۱۸۵۷ سرپرست ـ مربی ، پزشك و آشپز در المپیك ۱۹۶۴ شرکت کردند این رقم در المپیك ۱۹۵۶ ملبورن به ۵۸۶۷ نفر ودر المپیك ۱۹۶۰ رم ۵۳۹۶ نفر بود این رقم نشان می‌دهد که ژاپون طی چهار سال اخیر چه تلاش عظیمی بکار برده وچه بودجهٔ هنگفتی صرف کرده است تا بتواندخودرا برای برگزاری این مسابقهٔ بی نظیر تاریخی مهیاسازد ...

برای مسکن دادن به این عده چندین (دهکدهٔ المپیك) ساخته شدوتعدادزیادی زمینهای ورزشی آماده گردید . برای انجام بازیهای المپیك کمیتهٔ ژاپونی تدارکات ۱۶۹ ملیون تومان خرج کرد.

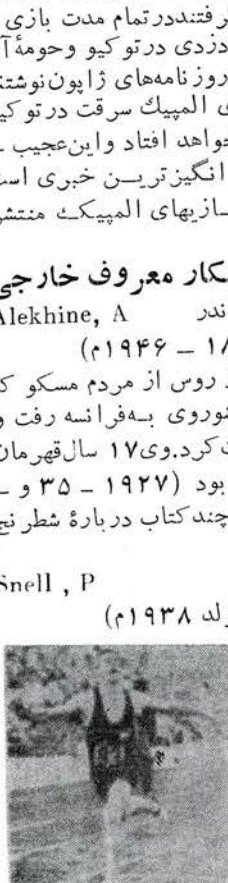
عجیب‌ترین خبر ـ بازیهای المپیك چهرهٔ زندگی ژاپون راتغییر داد ازجمله دزدان تصمیم گرفتنددرتمام مدت بازی ـ های المپیك ازدزدی درتوکیو وحومهٔ آن خودداری کنندروز نامه‌های ژاپون نوشتند درطول بازیهای المپیك سرقت درتوکیو وحومه اتفاق نخواهد افتاد واین عجیب ـ ترین وشگفت انگیزترین خبری است که درحاشیهٔ بازیهای المپیك منتشر گردید .

چند ورزشکار معروف خارجی

آله‌خین الکساندر Alekhine, A
(۱۸۹۲ ـ ۱۹۴۶م)

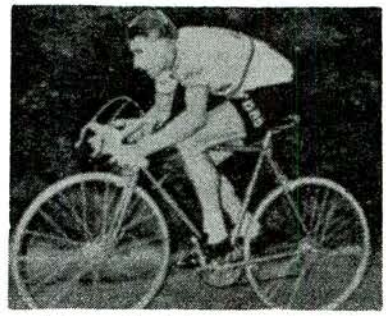
شطرنجباز روس از مردم مسکو که پس از انقلاب شوروی به فرانسه رفت و درپاریس اقامت کرد.وی ۱۷ سال قهرمان جهانی شطرنج بود (۱۹۲۷ ـ ۳۵ و ـ ۳۷ ـ ۴۶) وچندکتاب دربارهٔ شطرنج نوشته است .

اسنل ، پتر Snell , P
(متولد ۱۹۳۸م)



قهرمان دونده‌ازمردم زلاندنو است که در المپیك ۱۹۶۰ در ۸۰۰متری و در سال ۱۹۶۴ در ۱۵۰۰ متراول شده بود .

انکتیل. ژاك Anquetil , J
(متولد ۱۹۳۴م)



قهرمان دوچرخه رانی از مردم فرانسه است که پنج بار به دور فرانسه و دو بار دور ایتالیا و اسپانیا و ۹ بار برندهٔ جایزهٔ ملی، ۶ بار به دریافت جایزهٔ بزرگ لوگانو (Lugano) و ۵ بار برندهٔ جایزهٔ پاریس ـ نیس و دفعات متعدد برندهٔ جوایز مختلف شده است.

الیوت، هربرت Elliot , H
(متولد ۱۹۳۸م)
ورزشکار استرالیایی که در المپیک ۱۹۶۰ دررم قهرمان دوی ۱۵۰۰متری شد.

بامبوك، روژه Bambuck, R
(متولد ۱۹۴۵م)



ورزشکار و قهرمان فرانسوی است که در سال ۱۹۶۶ قهرمان دو ۲۰۰متری و ۴۰۰متری اروپا شده و درسال ۱۹۶۷ رکورددویست مترا در ۲۰ثانیه و ۵دهم ثانیه بجا گذاشت.

برومل، والری Broumel , V
(متولد ۱۹۴۲ م)

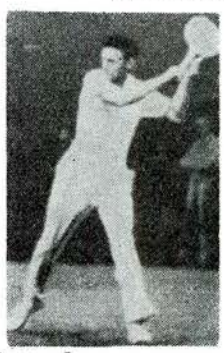


ورزشکار روسی، درسال ۱۹۶۱ قهرمان پرش ارتفاع بود که رکورد ۲/۲۸ متر را بجا گذاشت.

بوئن، ژان Bouin , J
(۱۸۸۸ ــ ۱۹۱۴م)
قهرمان دوندهٔ فرانسوی است در سال ۱۹۱۲ قهرمان المپیك ، و ۱۳ سال دراین مقام بود و رکورد ۵۰۰۰مترا در ۱۴دقیقه و ۳۶ثانیه و ۸دهم ثانیه بجا گذاشت.



بوروترا.ژان Borotra, J
(متولد ۱۸۹۸م)



قهرمان تنیس کشور فرانسه که مدت ۵۰ سال این مقام را حفظ کرده است.

پرات، ژان Prat , J
(متولد ۱۹۲۳ م)



رگبی باز قهرمان فرانسوی است.

پطروسیان، تیگران، وارتانوویچ.
Petrossian , T. V.
(متولد ۱۹۲۹ م)
شطرنج باز معروف روسی است



که پروفسور در فلسفه و تعلیم و تربیت از انستیتوی ایروان است و دردو نوبت (۱۹۶۱ و ۱۹۵۹) قهرمان شطرنج شده است.

پله، ادسون آرانت دوناسیمانتو.
Pelé , E. A. N.
(متولد ۱۹۴۰ م)



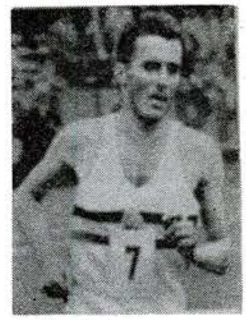
فوتبالیست معروف برزیلی است.

دی استفانو، آلفردو.
Di Stefano , A
(متولد ۱۹۲۶ م)
فوتبالیست معروف اسپانیایی که



اصلا از مردم آرژانتین است.

روئلانت، گاستون Roelants , G
(متولد ۱۹۳۷ م)
ورزشکار دوندهٔ بلژیکی است که در



سال ۱۹۶۴ قهرمان المپیک، در سال ۱۹۶۲ قهرمان اروپا در دو ۳۰۰۰ متری بود، و رکورد ۸ دقیقه و ۷۶ ثانیه و ۴/۱۰ ثانیه بوده.

روبنسون، والکر اسمیت
Robinson, W. S.
(متولد ۱۹۲۰ م)



قهرمان جهانی بوکس در وزن متوسط در سال ۱۹۵۱ و ۱۹۵۴ و ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۰.

ژازی، میشل Jazy, M
(متولد ۱۹۳۶ م)
ورزشکار فرانسوی است که قهرمان



دوندهٔ ۱۵۰۰ متری المپیک رم بود و درسال ۱۹۶۲ قهرمان اول اروپا شد، در سال ۱۹۶۶ در دوی ۵۰۰۰ متری قهرمان شد، و هرسال امتیاز جدیدی کسب می‌کند، او بهترین دوندهٔ بعداز جنگ جهانی است.

ژونکر، دوریولا، پی‌یر
Jonquères D'oriola, P
(متولد ۱۹۲۰ م)
سوارکار و قهرمان اسب سواری در المپیک توکیو است.

سانتانا مارتینه، مانوئل
Santana Martinez, M
(متولد ۱۹۳۸ م)



قهرمان تنیس ازمردم اسپانیا است.

فرازه، داون Fraser, D
(متولد ۱۹۳۷ م)



زنی شناگر از مردم استرالیا که در المپیک ۱۹۵۶ – ۱۹۶۰ – ۱۹۶۴ در شنای ۱۰۰ متر آزاد قهرمان شد.

کلارک، رونالد (رون) Clarke, R
(متولد ۱۹۳۷ م)



ورزشکار استرالیایی در المپیک توکیو قهرمان دو ۵۰۰۰ و ۱۰۰۰۰ متری شد.

کلی، کاسیوس Clay, C
(متولد ۱۹۴۲ م)
بوکسور آمریکایی که درسال ۱۹۶۴ به‌نام مسلمانی‌خود محمدعلی معروف شد



ودر این سال قهرمان بوکس سنگین وزن گردید که تا امروز آن را حفظ کرده ولی به علت اعتراضی که به اختلاف نژادی آمریکا و جنگ ویتنام کرد ازنظر دولت آمریکا ازاین عنوان محروم است.

کوپا، رایموند، کوپاسترووسکی. Kopa, R.K.
(متولد ۱۹۳۱ م)
معروف به رایموند، فوتبالیست فرانسوی است.

کوشت، هانری Cochet, H
(متولد ۱۹۰۱ م)



تنیس باز معروف فرانسه.

کیلی، ژان‌کلود Killy, J. C.
(متولد ۱۹۴۳ م)



قهرمان جهانی اسکی سال ۱۹۶۸ ازمردم‌فرانسه است.

گواتچل، ماریل Goitschel, M
(متولد ۱۹۴۵ م)
اسکی باز وقهرمان اسکی از مردم



فرانسه است .

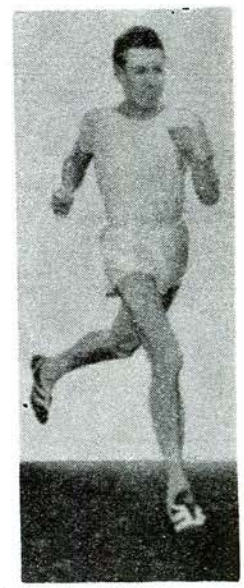
گوتواله، آلن Gotivalles, A

(متولد ۱۹۴۲ م)

شناگر وقهرمان فرانسوی است که در سال ۱۹۶۲ درشنای صد متری رکورد بجاگذاشت ، این رکورد تا ۱۹۶۷ باقی بود (۵۲ ثانیه و $\frac{۹}{۱۰}$ ثانیه) .

لادومگ، ژول Ladoumegue, J

(متولد ۱۹۰۶ م)



ورزشکار قهرمان‌ودوندهٔ معـروف فرانسوی‌است که در **بردو** متولد شده است،ورکورد ۱۵۰۰متررا در المپیک ۱۹۲۸ بدست آورد و او قهرمان سال ۱۹۳۲ نیزشده است.

لاکوست، رنه Lacoste, R

(متولد ۱۹۰۴ م)



قهرمان تنیس‌فرانسه، در مسابقات داخلی بطور کامل برنده شده است ، روش و تسلط او در بازی کمتر نظیر دارد .

ماتسون، راندی Matson, R

(متولد ۱۹۴۵ م)

قهرمان پرتاب وزنه ازمردم‌آمریکا است .

موسکونی، آلن Mosconi, A

(متولد ۱۹۴۹ م)

شناگر فرانسوی که درسال ۱۹۶۷



رکورد شنای آزاد ۴۰۰ متر را در ۴ دقیقه و ۹ ثانیه و $\frac{۲}{۱۰}$ ثانیه‌بجاگذاشت.

میمون، آلن Mimoun, A

(متولد ۱۹۲۱ م)



قهرمان دوندهٔفرانسوی است‌که در الجزایر به دنیا آمده است .

وان لووی، ریك Van Looy, R

(متولد ۱۹۳۳ م)



قهرمان دوچرخه سواری از مردم بلژیك است .

هالیمی، آلفونس Halimi, A

(متولد ۱۹۳۲ م)



قهرمان بوکس سال ۱۹۵۷ در خروس وزن ازمردم‌فرانسه است .

یاشین، لو Yachine, L

(متولد ۱۹۲۹ م)



فوتبالیست شوروی است.

پهلوانان باستانی‌ایران

آذر برزبرزین .

دلاوری است ازایرانیان باستان .

آذر برزین .

نام پسر فرامرز پسر رستم است .

اسد کرمانی، پهلوان .

(قرن ۸ هجری)

از پهلوانان عیار، که برشاه شجاع اتابك فارس شورید و مدتها با وی جنگید .

اکبر خراسانی، پهلوان .

ازپهلوانان زمان قاجاریه ، که آوازهٔ عظیم و دورهٔ قهرمانی دیرپایی داشته است . وی از رواج دهندگان ورزش‌باستانی‌بوده وزورخانه‌های‌بسیاری در دوران حیاتش گشایش یافت .

بیك قمری، پهلوان .

ازپهلوانان معاصرشاه طهماسب، که به‌مناسبت فداکاری‌هاودلاوری‌هایی‌که در راه وطن نمود وجانبازیهایی‌که درجنگ با ازبك‌ها نشان داد به‌مقام امیرلشکری رسید .

پوریای ولی .

(وفات ۷۲۲ ه ق)

پهلوان‌محمود که‌درکتابها به‌نام‌پوریا آورده شده به قتالی ملقب و فرزند **ولی الدین** است .

پهلوان محمود از بزرگترین و معروف ترین پهلوانان ومرشدان و جوانمردان ایران‌است علاوه برزوربازو هنری تمام از شاعری و عرفان داشت **کنز الحقایق** به‌او منسوب است هنوز هم پهلوانان‌بنام اوسوگند می‌خورند، گویند درخیوهٔ خوارزم مدفون است .

حسن رزاز (حاجی سید) .

(فوت ۱۳۲۰ ش)

که بعدها به‌نام«شجاعت» معروف گردید، از پهلوانان معروف وبا شرافت تهران بودوی‌مردی بسیار قوی هیکل و

پیلتن با کله‌ای نسبتاً کوچك وخوش‌اندام بود ،دررواج زورخانه و ورزش باستانی نقش برجسته‌ای داشت وتاآخرعمرزمین نخورد و در حدود ۶۰ سالگی وفات یافت .

حمزة بن آذرك .
عیار بزرگ سیستان، که برای دفع مظالم حکام بنی‌عباس وآزادی ایران‌قیام کرد .

درویش محمد، پهلوان .
ازپهلوانان‌خارق‌العادهٔ اواخردورهٔ سلطان حسین‌بایقرا، که ازطلاب علوم و اهل درس وبحث بود ودر عمل ازجوان مردی، شهرهٔ روزگار گشت. تلاش‌پهلوان درویش محمدبرای رسیدن به‌پیروزی‌در نوع خودکم نظیر است .

رستم .
پهلوان‌نامی وباستانی‌ایران، فرزند (زال و رودابه) است . حیات اورا از زمان منوچهر پیشدادی تا اول سلطنت بهمن‌کیانی می‌دانند وگویند به۹ پادشاه خدمت‌کرده است :



یعنی منوچهر، نوذر، زاب، گرشاسب از پادشاهان‌پیشدادی و کیقباد، کیکاووس، کیخسرو، لهراسب وگشتاسب‌ازپادشاهان کیانی را دیده است .
مرگ او عجیب و چون زندگیش حیرت انگیز است .
برادرش شغاد اورافریفت ودرچاهی پراز تیغ انداخت، اوورخش باوفایش‌در آن چاه جان بدادند ولی قبل‌از مرگ به تیری برادر ناجوانمرد را به درخت دوخت .

سام .
جهان پهلوان ایرانی‌نوادهٔ گرشاسب جهان پهلوان پدر زال و جدرستم جهان پهلوان .

صادق قمی .
قدی تقریباً کوتاه وبدنی ورزیده و سخت وساخته داشت، او ازکشتی گیران بنام است، که ازقم وارد تهران شد ودر زورخانهٔ دانگی‌ورزش کرد وازمعاصرین پهلوان اکبر خراسانی است‌که با او در کشتی‌برابری می‌کرد وتاآخرعمرکارمند پست بود افتخار پهلوانی را حفظ‌کرد و از هیچکس به زمین نخورد .

طورگ .
یکی ازپهلوانان افراسیاب تورانی که به جنگ زنگهٔ شاوران رفت .

طوس بن نوذر .
پهلوان وسردار بزرگ ایران در دورهٔ کیقباد وکیکاووس وکیخسرو است.

عبدالرزاق بیهقی .
(قرن ۸ هجری)
از پهلوانان عیار ، که در نهضت سربداران خراسان‌که باستمکاریهای‌حکام بیگانهٔ مغول مبارزه می‌کرد، نقش فوق‌العاده‌ای داشت . او بزرگترین پهلوان عصرخود بود. عبدالرزاق، وسیلهٔ کشتی گرفتن و پهلوانی و عیاری درمیان مردم نفوذ و اعتباری والا یافت . ابتدا مقام جهان پهلوانی دربار سلطان ابوسعید گورکانی را داشت. وبعدها به‌همت‌عالی خود نهضت سربداران خراسان رابه‌ثمر رسانید وموجد سرسلسلهٔ دودمان طایفهٔ سربداران خراسان‌گردید .

فرامرز .
پسررستم‌پهلوان‌بزرگ ایران‌است، پایان زندگی‌فرامرزسخت‌غم‌انگیزاست .

فرشید ورد .
نام‌برادراسفندیارکه‌یکی‌ازپهلوانان ایران‌بود ودرجنگ‌باارجاسب کشته‌شد .

فرشیدورد .
نام برادر ویسه‌که یکی ازپهلوانان توران بود .

فرطوس .
پهلوانی‌چغانی‌ازلشکرافراسیاب‌است.

فرهاد .
یکی از پهلوانان ایران در زمان کاووس است .

فیله همدانی، پهلوان .
از پهلوان مشهور قرن هفتم هجری است که در دربار **اوکتای قاآن** بود و قهرمان مغول (اورغانه بوکه) رابه زمین کوبید .

قارن .
ابن برزمهر، پهلوان ایرانی‌بزمان بهرام‌گور است .

قارن ابن‌کاوه .
پهلوان‌مشهورایرانی معاصرفریدون وایرج و منوچهر و نوذر، اورا ملقب‌به «رزم زن» خوانده‌اند. فردوسی‌گاه ازاو بنام «قارن‌کاوکان» یادمی‌کند .

کبیر اصفهانی، پهلوان .
از پهلوانان معاصر کریم خان زند، که درپهلوانی و شجاعت بی مانند بود وازاوحکایتها آمده است.

محمد ابوسعید، پهلوان .
جهان پهلوان دوران سلطان حسین بایقرا، که از مقربان خاص وعام بوده، گذشته از مقام پهلوانی، مرشدی وارسته وشاعری محبوب وعالمی اهل معنی بوده است .

محمد صادق بلورفروش، پهلوان .
ازپهلوانانی‌که‌دررواج‌ورزش‌باستانی وزورخانه نقش برجسته‌ای داشته‌است و تاآخرعمرزمین نخورد وتمام حریفهای خودرا به‌خاك‌انداخت. ودرمیان‌پهلوانان سمت مرشدی داشت .

محمد مازار .
پهلوانی‌شرافتمند که‌آسیاب‌حناسابی داشت، وهیچوقت ازشهربیرون نمی‌رفت تاکارش تعطیل نشود، همهٔ عمرخود رادر یزدگذرانید، اوبرای زورآزمایی گاهی عملیات نمایشی برپامی‌کرد و در پایان عمر درخدمت جلال‌الدوله باوجود فلجی یك دست، حریف پرزوری را از میدان بدر برد .

محمد ملانی، پهلوان .
پس از محمد ابوسعید ، در درگاه سلطان حسین بایقرا، مقام پهلوانی عالم یافت . وی دارای کمالات و سجایای پهلوانی بود. وبه پیکروزور بازو، رستم ثانی بود .
از عملیات پهلوانی او حکایات شیرین وجالبی مذکور است .

مذاقی عراقی ، پهلوان .
معاصر شاطهماسب ؛ نه تنها مقام بزرگترین پهلوان دوران راداشت، بلکه خودیکی ازبرجسته ترین شعرای دربار

پادشاه صفوی بود. از او دیوان شعری در دست است که ارزش قابل ملاحظه‌ای دارد.

مفرد قلندر .

پهلوانی که در جنگ با چوب و کشتی نادر زمانه بود؛ در روزگار جوانی به هرات رفت ، مورد حسد سید خلیل پهلوان قرار گرفت، در نبرد ناجوانمردانهٔ سیدخلیل مجروح شد و به حد مرگ رسید که توجه سلطان سلامت او را بازگردانید ، و بالاخره در نزاعی عجیب به سیدخلیل غالب آمد .

پهلوان یزدی بزرگ .

(۱۲۴۵ - ۱۳۲۰ هق)

ابراهیم یزدی فرزند آقا غلامرضا یزدی به یزدی بزرگ معروف است، در درشتی اندام وزور وقدرت بی‌نظیر بود . ازدوازده سالگی به ورزش مشغول شد در سال ۱۲۶۷ بازوبند پهلوانی گرفت و ۲۹ سال ازهیچکس در کشتی مغلوب نشد .

پهلوان درزورخانهٔ نوروزخان ورزش می‌کرد وسنگهای پهلوان هرلنگه ۱۰۸ کیلو وزن داشت .

وزن یزدی بزرگ ۱۸۳ کیلو بود، ازپهلوانی‌های او داستانها می‌گویند .

یوسف ساوه‌ای ، پهلوان .

(نیمهٔ دوم قرن ۹ هجری)

از پهلوانان هوشمند وخردمند، که به هندوستان رفت ودر شهر بیدرزورخانه تأسیس کرد و به آموختن فنون کشتی و آیین پهلوانی ایران اشتغال داشت . آوازهٔ قدرت بدنی واستادی اودر حرفهٔ پهلوانی وکشتی در آن سامان به گوش خاص وعام رسید گاهی یوسف در ضمن سفر به شهرهای هندوستان با پهلوانان آن دیار مسابقه می‌داد ودرهرجا حریف‌های خود را خاك می‌کرد وسرانجام درحضور سلطان محمد بهمنی در دهلی قوی ترین پهلوانان را برزمین زد و مورد محبت سلطان قرار گرفت. وی بالاخره به سلطنت قسمت بزرگی ازخاك هند رسید ومؤسس سلسلهٔ سلاطین بیجارپور هندوستان گردید وخود و اعقابش تاسال ۱۰۹۷ هجری در آن سامان سلطنت کردند. پهلوان یوسف به یوسف عادلشاه ملقب گردید .

چند پهلوان باستانی از چند کشورخارجی

اسپارتاکوس .

پهلوان باستانی روم است .

اولیس .

پهلوان باستانی یونان .

تارزان .

پهلوان افسانه‌ای آمریکا است .

چانه چونگ .

پهلوان افسانه‌ای چین است .

زیگفرید .

پهلوان افسانه‌ای آلمان است .

سامسون .

پهلوان قدیم فلسطین .

گیلی گامیش .

پهلوان باستانی عراق .

ماسیست .

پهلوان باستانی مصر .

ویلهلم تل Wilhelm – Tell

پهلوان افسانه‌ای روستایی مردم سویس، که مظهر قیام علیه سلطهٔ آلمانیها شناخته شده است .

هرکول .

پهلوان قدیم یونان .

معلمین ورزش دانشگاهی

پارینه، هومر، سرپرست ورزش دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه تهران .

درانی ، محمد ، مربی ورزش پسران دانشکدهٔ هنرهای زیبای تهران .

دل آگاه ، خانم منصوره ، مربی ورزش دانشکدهٔ داروسازی دانشگاه تهران .

رسولی، عبدالله ، مربی ورزش دانشکدهٔ دندانپزشکی دانشگاه تهران .

ریاضی، مهدی ، دبیر ورزش دانشکدهٔ کشاورزی کرج .

ستایری، اسفندیار، مربی‌ورزش‌دانشکدهٔ فنی تهران .

سلحشور، بهمن ، مربی ورزش دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی دانشگاه‌تهران.

سید هادی نژاد ، خانم ژاله ، مربی ورزش دختران دانشکدهٔ هنرهای زیبای تهران .

صاحب‌الزمانی ، محمد ، مربی ورزش دانشکدهٔ فنی تهران .

صدقیانی ، دبیر ورزش دانشکدهٔ علوم دانشگاه تهران .

فارابی، نجم‌الدین، دبیر تربیت بدنی دانشسرایعالی تهران .

فرجام ، خانم پروانه ، مربی ورزش دانشکدهٔ داروسازی دانشگاه تهران .

فکری، محمد، سرپرست ورزش دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی دانشگاه تهران.

کریم‌شیرازی، اکبر، مربی‌ورزش‌دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران .

محمودپور، حمید، دبیر ورزش‌دانشکدهٔ حقوق .

مرتضوی ، مجتبی ، مربی ورزش پسران دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه تهران .

مفیدی ، جلال ، دبیر ورزش دانشکدهٔ فنی .

ناصر صدر آبادی ، مصطفی، دبیرورزش دانشکدهٔ داروسازی دانشگاه تهران .

نیکخو، مهدی . سرپرست ورزش وناظم دانشکدهٔ ادبیات .

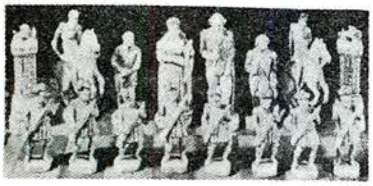
نیکوغوسیان، خانم ایرن ، مربی ورزش دختران دانشکدهٔ دندانپزشکی دانشگاه تهران .

وافی، دکتر پرویز، استاد تربیت بدنی دانشسرایعالی تهران .

شطرنج

شطرنج .

یکی ازبازیهای فکری باستانی است که دامنهٔ رواج آن هرروز بیشترمی‌شود.



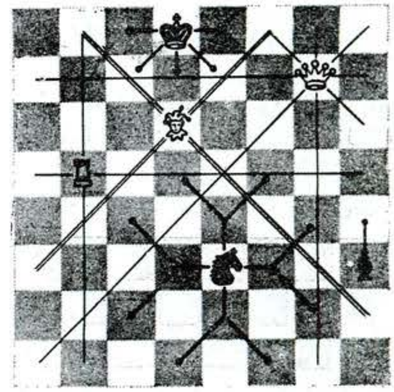
اختراع شطرنج به هندیان منسوب است ونوشته‌اند که درروزگارخسروانوشیروان به ایران راه‌یافت (حدود ۵۰ سال قبل‌از هجرت) و اعراب ازایرانیان آن را آموختند واروپاییان ازمسلمانان. اینك مسابقات بین‌المللی فراوانی در سراسر



دنیا انجام می‌گیرد. کتابها و مجله‌های شطرنج به اغلب زبانها چاپ می‌شود و دولتها شطرنج را به عنوان یك ورزش فکری سودمند درمیان جوانان رواج می‌دهند .

هربازی شطرنج فقط توسط دونفر انجام می‌گیرد که یکی ازآنها مهره های سفید ودیگری مهره‌های سیاه را انتخاب می‌کند وهربازیگر می‌کوشد تاشاه طرف دیگررا مات کندیعنی آن را بامهره‌هایش بگیرد. شاه هرکس گرفته‌شود (مات‌شود)

او بازنده وطرف دیگر برنده‌است. اصول کلی شطرنج ازاین قرار می‌باشد :



۱ــ کسیکه مهره‌های سفیدرا دارد بازی را شروع می‌کند .

۲ــ هربازیگر درهرنوبت‌نمی‌تواند بیش‌از یك بازی بکند یعنی هربار باید فقط یك مهرهٔ خود را یك بــار حرکت دهد وبرای انجــام حرکت بعدی منتظر تمام شدن بازی حریف باشد. (قلعه‌رفتن مستثنی است) .

۳ــ شاه را نمی‌توان بدون اعلان خطر قبلی یعنی گفتن‌کیش گرفت .

۴ــ هر بــازیگر موظف است بــا مهره ای که لمس‌کرده بازی کند مگر اینکه قبلا اعلام نماید‌که می‌خواهد جای آن را مرتب‌کند ویا بازی با آن مهره ممکن نباشد.

۵ــ هر بازیگر‌باید ساعتی دست‌کم ۲۰ حرکت انجام دهد .

۶ــ هیچ مهره‌ای (جز اسب) نمی‌تواند از روی مهرهٔ دیگر عبورکند .

ده بوت Debut

گسترش وبکار انداختن مهره‌ها را درآغاز بازی شطرنج گویند و هنگامی که سواران‌کوچك به میدان آمده وشاه قلعه رفته باشد ده بوت پایان می‌یابد .

ده بوت باز .

آغاز‌بازی‌را گویند‌که درآن‌پیاده‌های مرکزی گشوده شود وسواران کوچك به میدان آیند .

ده بوت نیمه باز .

حالتی است که سفید مشغول تصرف میدان است وسیاه می‌کوشد از پیشروی آن جلوگیرد ونمی‌تواند قوای خــودرا کاملا گسترش دهد .

ده بوت بسته .

حالتی است‌که گسترش‌توسط پیاده‌ــ های متصل به یکدیگر انجام می‌گیرد .

حملهٔ دوبل .



در شطرنج بــه حرکت مــهــره‌ای گویند کــه موجب تهدید دو یــا چند مهرهٔ حریف شود . در شکل شــاه سفــید می‌تواند یکی از دو مهرهٔ سیاه (اسب یا سرباز) را بگیرد .

ارزش مهره‌ها .

دربازی شطرنج ارزش مهره‌ها بــه نسبت کارآمدی آنها فرق می‌کند .

۱ــ ارزش شاه‌ازنظر‌کار‌آمدی ازهمه کمتراست ولــی مهم ترین مهرهٔ بــازی بشمار می‌رود زیرا با از دست رفتن آن بازی راخواهیم باخت .

۲ــ ارزش وزیربیش‌از همهٔ مهره‌ــ هاست، معادل دورخ ، سه سوار کوچك و یا ۶ پیاده .

۳ــ ارزش رخ‌برا بر‌یك‌سوار کوچك ودو پیاده است .

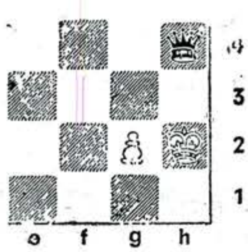
۴ــ ارزش فیل واسب تقریباً برابر است ولی دوفیل ازدواسب ویك اسب‌از یك فیل تنها بهتر است .

۵ــ ارزش یك اسب یا فیل تقریباً برابر سه پیاده است .

ولی‌باید توجه داشت‌که این‌ارزشها نسبی ونامعین می‌بــاشد وپیاده هرقــدر پیشروی بکند ارزش بیشتری بــه دست می‌آورد .

کیش .

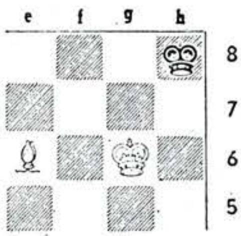
اعلام خطر بــه شاه حریــف را در شــطــرنــج گویند؛ یعنی اگرشاه‌حریف در خانــه‌ای واقع بود که بــا اولیــن حرکت‌یکی از مهره های ماگرفته شود باید باحریف‌کیش گفت تا ازشاه خود فوراً دفاع‌کند .



کیش دوبل یا کیش مداوم .

وقتی‌است‌که یکی‌ازبازیکنان‌بتواند بطور مداوم بامهرهٔ واحدی کیش بدهد. درشکل وزیر سیاه کیش می‌دهد و نیز می‌تواند حرکت متوالی در e1 وh4 کیش مداوم بدهد .

پات Pat



در بــازی شطرنج بــه حالتی‌گویند کــه یکی از بــازیگران بدون آن که شاهش کیش بشودقادر‌به حرکت‌دادن‌هیچ‌یك‌ازمهره‌های‌خود نباشد. دراین صورت بازی رد وباخت ندارد و هیچ به هیچ می‌شود .

میده‌ل اشپیل Middlespiel

به حرکات نیمهٔ بازی شطرنج گویند که ده بوت (گسترش) انجام گرفته ولی پایان بازی فرا نرسیده باشد .

اند اشپیل Endspiel

حرکات‌پایان بازی شطرنج راگویند که درآن بیشتر مهره‌ها از صحنه خارج شود وشاه را بتوان وارد میدان‌کرد .

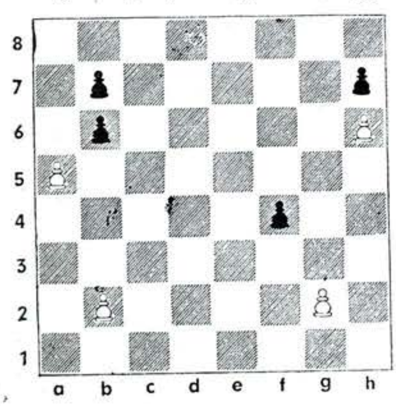
فاز Phase

هریك‌ازمراحل‌سه‌گانهٔ بازی‌شطرنج راگویند‌که عبارتند از :

۱ــ ده بوت یــا گسترش بــازی ۲ــ میده ل اشپیل یا نیمهٔ بازی و ۳ــ اند اشپیل یا پایان بازی .

پیاده، سرباز .

کوچکترین مهرهٔ شطرنج است که درنوشته‌ها با p نمایش داده می‌شود. در هربازی هشت پیادهٔ سفید و هشت پیــادهٔ

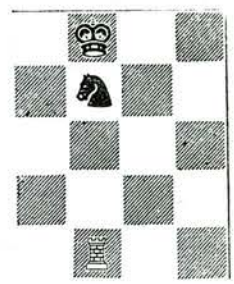


سیاه وجود داردکه درآغاز‌بازی‌جایشان در ردیف جلو سوارهاست (سفید ردیف ۲ افقی سیاه ردیف ۷ افقی) پیاده فقط

می‌تواند در بازی اول یك یا دوخانه ودر بازیهای بعدی یك خانه در جهت اصلی مقابل حرکت کند ویا مهره‌ای را که در یکی‌از دوجهت فرعی مقابل اوقراردارد بزند. درشکل پیاده b2 می‌تواند به b3 یا b4 برود. a5 می‌تواند b6 را بزند. g2 اگر به g3 برود توسط f4 زده می‌شود و اگر g4 برود هر آن پاسان می‌کند. h6 قادر به حرکت نیست b6 می‌تواند a5 را بزند h7 و b7 نمی‌توان حرکت کند f4 اگرحرکت کندزده می‌شود پیاده‌ای اگر به خانهٔ آخر برسد می‌توان آن را به یکی از سوارها (وزیر، رخ و.....) تبدیل‌کرد.

آچمز.

درشطرنج مهره‌ای‌را گویند که‌طوری درمقابل یکی ازمهره‌های حریف قرار گرفته باشد که حرکت دادن آن موجب گرفته شدن‌شاه‌توسط مهرهٔ حریف شود. چنین مهره‌ای تا برطرف شدن



خطر قادر به حرکت نخواهد بود. در شکل اسب سیاه نمی‌تواند حرکت کند زیرا وزیرسفید شاه‌سیاه را تهدیدخواهد کرد.

مهرهٔ شطرنج.

ادوات بازی شطرنج را که در روی صفحهٔ شطرنج قرار می‌گیرند مهره می‌نامند که تعدادشان ۳۲ عدد است ۱۶ مهرهٔ سیاه و۱۶ مهرهٔ سفید وعبارتنداز: ۲ شاه، ۲ وزیر، ۴ رخ، ۴ اسب، ۴ فیل و۱۶ پیاده، مهره‌های شطرنج را از مواد گوناگون و به‌شکلهامختلف می‌سازند ولی شکل بین‌المللی آن تقریباً یك نوع است.

سوار.

وزیر، رخ، اسب و فیل شطرنج را سوار نامند که دوتای اولی سوارهای بزرگ ودوتای دیگرسوارهای کوچکند. سوارهای بزرگ را درقدیم فرزین می‌خواندند.

نول Nulle

درشطرنج به حالتی گفته می‌شود که بازی برنده نداشته باشد وشرایط‌آن از این قرار است:

۱ــ وقتی یکی ازطرفین بتواند کیش دایم بکند.

۲ــ وقتی‌یکی ازطرفین بدون‌آنکه شاهش کیش بشود قادر به حرکت نباشد (پات).

۳ــ وقتی که فقط دو شاه در صفحهٔ شطرنج بماند.

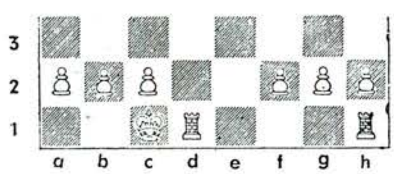
۴ــ تراضی طرفین برای اعلام هیچ ‌برهیچ.

۵ ــ تکرار یك حرکت سه بار متوالی.

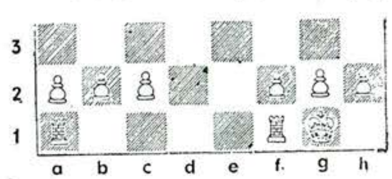
۶ــ درصورتی که‌پس‌ازپنجاه‌حرکت متوالی هیچ یك از طرفین کوچکترین موفقیتی به‌دست نیاورند با اعلام یکی‌از طرفین‌بازی نول اعلام می‌شود.

قلعه رفتن.

برای آن که شاه شطرنج از حملهٔ مهره های حریف محفوظ باشد پس از



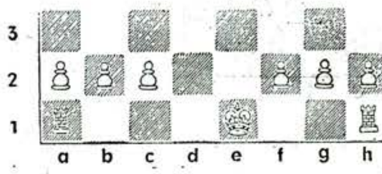
بیرون آوردن مهره‌های میان شاه ویکی از رخها شاه را به قلعه می‌برند. قلعهٔ جناح شاه راقلعهٔ کوچك وجناح‌وزیر را قلعهٔ بزرگ می‌گویند ومعمولا قلعهٔ کوچك بهتر است. شرایط قلعه رفتن این است:



۱ــ شاه از جای خود قبلا حرکت نکرده باشد.

۲ــ رخ‌طرف‌قلعه‌قبلا حرکت‌نکرده باشد.

۳ــ شاه در موقع قلعه رفتن کیش نباشد.



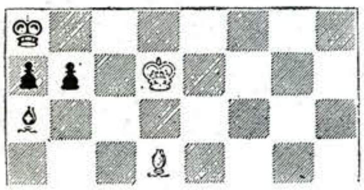
۴ــ میان شاه ورخ مهره‌ای قرار نگرفته باشد.

۵ــ اول باید شاه را حرکت دهند، وسپس رخ را.

زوگزوانگ، حرکت اکراهی

Zugzwang

به حرکتی گفته می‌شود که شطرنج‌باز ناچار از انجام‌آن‌گردد. درحالی‌که برایش زیان آور باشد. در شکل وقتی شاه سفید به‌خانهٔ سفید C8 برودفیل‌سیاه



ناچار است ازدفاع پیاده a7 دست‌بکشد ودر نتیجه‌شاه سیاه توسط فیل سفیدمات خواهد شد.

گرفتن مهره، زدن.

دربازی شطرنج اگر مهرهٔ حریف درمسیر یکی از مهره‌های ما قرارداشته باشد می‌توانیم‌آنرا بگیریم ومهرهٔ خود‌را درجای‌آن قرار دهیم.

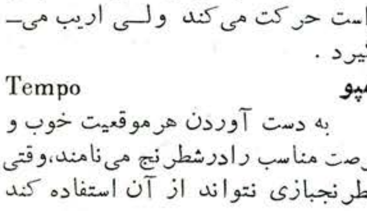
۱ــ شاه رابدون اعلام‌قبلی (کیش) نمی‌توان گرفت وما باید قبلا به حریف امکان دهیم تا اگر می‌توانند از شاهش دفاع کند.

۲ــ در «**آن پاسان**» مهره‌را به‌طرز دیگری می‌گیرند.

۳ــ فقط پیاده است که مسیرحرکت آن با مسیر گرفتن فرق می‌کند، یعنی راست حرکت می‌کند ولی اریب می‌گیرد.

تمپو Tempo

به دست آوردن هرموقعیت خوب و فرصت مناسب رادرشطرنج می‌نامند،وقتی شطرنجبازی نتواند از آن استفاده کند



می‌گویند «تمپو را ازدست داد» در شکل بالا سفید تمپو به دست‌آورده است زیرا شاه سیاه ناچاراست به خانهٔ سفیدپهلوی راست پیاده برود وشاه سفید در قرار گرفتن در پهلوی چپ پیاده را در دو حرکت بعدی به‌وزیرتبدیل‌خواهدکرد.

آن پاسان ، یا گرفتن در حین عبور
En Passant

در بازی شطرنج اگر پیادهٔ ماطوری قرار گیرد که پیادهٔ حریف درصورت دو خانه جلو رفتن درکنار آن واقع شود می‌توانیم چنین پیاده‌ای را بگیریم و یك خانه درجهت اصلی جلو برویم. درشکل اگر پیادهٔ سفید C2 به C4 برود توسط پیادهٔ سیاه d4 آن پاسان می‌شود و پیاده سیاه به‌خانهٔ d3 می‌رود .

چیدن مهره‌های شطرنج .

درآغاز بازی صفحهٔ شطرنج طوری قرار داده‌می‌شود که خانهٔ اول دست‌راست بازیکنان سفید باشد .



رخ‌ها در دو خانـهٔ دست راست و دست چپ صفحه اسبها درکنار آنها وسپس فیل‌ها چیده می‌شود .

وزیردرخانهٔ همرنگ خود وشاه در کنار آن جای دارد .

شاه .

مهم ترین مهرهٔ شطرنج است‌که در نوشته‌ها با R نمایش داده می‌شود ودرهر بازی یك شاه سفید ویك شاه‌سیاه وجود دارد که با گرفتار شدن یکی از آنها بازی به نفع طرف مقابل پایان می‌یابد .

شاه می‌تواند هربار فقط یك خانه در یکی از ۴ جهت اصلی ویا ۴ جهت فرعی خود تغییرمکان دهد. جای شاه در آغاز بـازی در خانه میان وزیـر وفیل است .

وزیر .

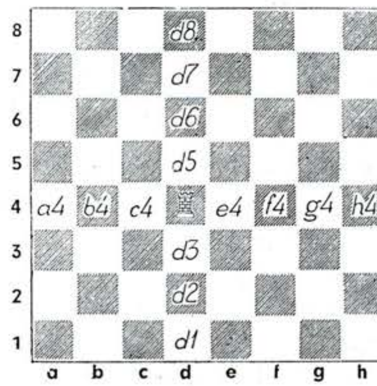
قوی‌ترین مهرهٔ شطرنج است‌که در نوشته‌ها با D نمایش داده می‌شود و در هربازی یك وزیر سفید ویك وزیر سیاه وجود دارد. وزیر می‌تواند دریکی از ۴ جهت اصلی ویا ۴ جهت فرعی خودهربار یک ویا چند خانه بپیماید ، جای وزیر آغاز بازی میان شاه وفیل است .

اسب .

یکی از سواران کـوچک شطرنج است‌که در نوشته‌ها بـا C نمایش داده می‌شود. درهر بـازی دواسب سفید و دو اسب سیاه وجود دارد که جای آنها در آغاز بازی میان رخ‌وفیل‌است. اسب هربار می‌تواند قطر یک مربع مستطیل ۶ خانه را بپیماید .

رخ ، قلعه .

پس‌از وزیر قوی‌ترین مهرهٔ شطرنج است‌که درنوشته‌ها بـا T نمـایش داده می‌شود ودر هربازی دورخ سیاه ودورخ سفید وجود دارد . رخ می‌تواند دریکی



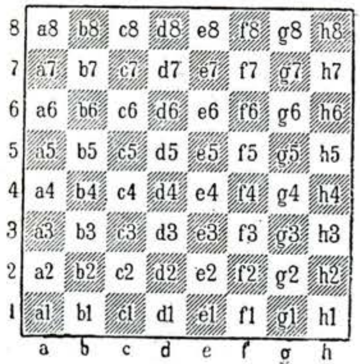
از ۴ جهت اصلی خود هربار یک و یا چند خانه تغییر مکان دهـد . جای رخ درآغاز بازی درخانهٔ کنارصفحهٔ شطرنج واسب است .

صفحهٔ شطرنج .

که آن را نطع یا صحنه نیز می‌خوانند مربعی است کـه به ۶۴ مربـع کوچکتر تقسیم شده‌که یک درمیان‌سیاه و سفید هستند . در موقع بازی صفحه را طوری قرار می‌دهندکه خانه هـای سفید گوشهٔ شطرنج در دست راست بازیکنان قرار گیرد. هریک ازخانه‌هـای شطرنج نامی مخصوص دارد .

نامگذاری مهره‌ها وخانه‌ها .

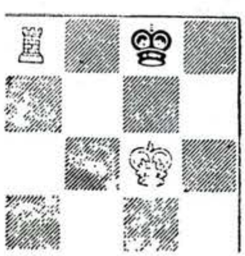
برای آنکه بتوان بازیهـا وحالات مختلف شطرنج‌را ضبط وازطریق‌مطبوعات ورادیو منتشر کردصفحهٔ خانه‌های‌شطرنج را شماره‌گزاری‌کرده‌اند و برای هریك ازمهره‌هانیز حـرف اول لاتینی آن را اختیار نموده‌اند؛ شاه R وزیرD رخ T فیل F اسب C پیاده P تـا وقتی نوشته می‌شود Tal - bl دانسته‌شودرخ یك‌خانه درجهت افقی حرکت کرده است . نـام خانه های شطرنج نیز عبارت از مجموع



دوشمارهٔ عمودی‌وافقی‌آن‌است‌که شماره‌های عمودی از چپ به راست از a تا h وشماره های افقی از پایین به‌بالا ۱ تا 8 می‌باشد . خانه e4 یعنی خانـهٔ پنجم از ردیف ۴ افقی .

مات .

هدف شطرنج‌باز مات کردن حریف



است‌یعنی‌اگر شاه حریـف براثرحرکت یـکـی از مهره‌های ما درحالتی‌قرار گیرد‌که قادر به دفاع‌نباشد ودر حرکت بعدی‌گرفته شود شاه حریف مات شده واو بازی راباخته است .

علایم شطرنج .

برای ضبط بازیها ونمـایش حالات مختلف بازی علاماتی تعیین‌کرده‌اند که از این قرار است :

کیش (+)، کیش دوبل (++)، حرکت (—)، گرفتن یازدن(×)، قلعهٔ کـوچـك (O—O) ، قلعـهٔ بـزرگ (O—O—O) ، حرکت مناسب (∼) ، حرکت خوب (!)، حرکت عالی (!!) ، حرکت نامناسب (؟)، حرکت بسیار بد (؟؟) ، تساوی طرفین (=)، وضع سفید بهتر است (±) ، وضع سیاه بهتراست (∓) .

پیشاهنگی

چگونه پیشاهنگی در جهان آغاز گشت

این داستان بسیار جالب توجه از



افریقای جنوبی درسال ۱۹۰۰ آغاز می‌شود . یکی از افسران‌جوان ارتش ، انگلیس موسوم به **رابرت بیدن پاول** مأموریت یافت که در یك منطقهٔ وحشی در جنوب افریقا سربازانی‌را که‌ازانگلستان به آنجااعزام می‌شدند در فنون راه ـ یابی وزندگی درمناطق وحشی تربیت نماید .

وی دریافت که سربازان وی چنان بازندگی شهری عادت یافته‌اندکه قادر نیستند زندگی سخت در هوای آزاد را تحمل نمایند. وی روزهای آغاز جوانی خودرا بیادآوردکه چگونه عشق به‌طبیعت وزندگی جنگلی وصحرایی داشت . وی روزهای آغاز جوانی خود را بیادآورد که چگونه در باختر افریقا و سودان از ملاحظهٔ ردپا به تعقیب‌گراز وحشی وببر برخاسته بشکار گاومیش و فیل و کرگدن می‌پرداخت .

چون تجربه و تربیت خود را در عملیات بالا بخاطرآورد نقشهٔ یك رشته بازیها وعملیات راطرح‌نمود تابدانوسیله سربازان خودرا ازلحاظ قوای بدنی‌قوی وازحیث روحیه، متکی به نفس وقابل زندگی‌راحت درمناطق وحشی وطبیعی‌بار آورد. سربازان را از این بازیها خوش آمد وبزودی درفنون بالاآزموده شدند. طولی نکشیدکه بااین فکربه انگلستان برگشت ودرآنجا پسران ازآن‌باخبرشده شروع کردند که تعلیمات پیشاهنگی را درمورد خویش به موقع عمل گذارند هنگامی‌که ژنرال بیدل‌پاول به‌انگلستان مراجعت نمود ازاوخواستندکه این‌روش را تکمیل نموده مبدل به یك بازی و سرگرمی بزرگ‌برای پسران نماید. وی بسیاری ازسازمانهای تربیت جوانان را درآمریکا ازقبیل دان بیردوارنست‌تامپ سن موردمطالعه قرارداده درسال۱۹۰۷ گروهی از بیست نفر از پسران تشکیل داده در جزیرهٔ برونسی نزدیك ساحل انگلستان اردوگاهی برای ایشان‌تشکیل داد تابرنامهٔ تازهٔ خودرا به موقع‌آزمایش گذارد .

این بود اولین اردوگاه پیشاهنگی که در جهان تشکیل گردید. وی در سال ۱۹۰۸ اولین کتاب راهنمای پیشاهنگی راموسوم به «پیشاهنگی پسران» به‌چاپ رسانید .

پیشاهنگی ایران .

سازمان ملی پیشاهنگی در ایران درسال۱۲۹۸ شمسی‌تأسیس‌شد دراین سال «دورمرودستمس» سفیراسپانیاکه سوابقی در تأسیس انجمنهای ورزشی‌داشت وخود نیز عضو پیشاهنگی‌بود پیشنهادی دایربه تأسیس«جمعیت جوانمردان» تقدیم‌دولت ایران‌کردولی‌کارجمعیت مزبور به‌نتیجه‌ای نرسید،درسال۱۳۰۴ شمسی‌احمدامین‌موفق شد پیشاهنگی را تأسیس کند . در سال ۱۳۱۳ شمسی‌تشکیلات‌پیشاهنگی‌موردتوجه اعلیحضرت فقید رضاشاه قرار گرفت و انجمنی تشکیل و به تنظیم اساسنامهٔ پیشاهنگی مشغول گردید و مستشاری آمریکایی برای تربیت بدنی وپیشاهنگی استخدام شد باورود مستشار مذکوردورهٔ دوم پیشاهنگی درایران‌آغازگردید بر اثر حوادث شهریور ۱۳۲۰ پیشاهنگی تعطیل شد . ولی عده‌ای از رهنمایان پیشاهنگی‌گروه پیشاهنگان‌سیارکوهنورد را تشکیل دادند در۱۳۳۲ اولین‌دورهٔ مربیان پیشاهنگی تشکیل شد واینک پیشاهنگی درتهران وشهرستانها دایر است وگروهی ازپیشاهنگان دختر وپسر ایرانی در اردوهای داخل وخارج‌کشور شرکت می‌کنند .

دوازده منش پیشاهنگی .

۱ــ شرف وامانت، ۲ــ پاسداری، ۳ــ یاری و نیکوکاری ، ۴ــ برادری ، ۵ــ ادب ، ۶ــ شفقت به حیوانات، ۷ــ اطاعت ، ۸ــ خوشرویی ، ۹ــ صرفه جویی، ۱۰ــ پاکی و راستی ، ۱۱ ــ پرهیزکاری، ۱۲ــشجاعت.

چندکتاب مربوط به بازی و ورزش

آمادگی برای‌مسابقات‌قهرمانی: (اقتباس ازچندکتاب) ناصر مفخم .

اردوزنی : سازمان پیشاهنگی ایران محمود **صائب** .

اصول‌تغذیه‌وویتامین‌هاوآویتامینوزها وفواید ورزش : دکتر ابراهیم نعمت‌اللهی .

اسب سواری: ویلیام‌کاپر، ترجمهٔ مسعود فرزاد .

اسرار حقه بازی : ع . راصع

اسرارشعبده بازی: آلن سرگنت،ترجمهٔ موسی فرهنگ رازی .

بازیهای علمی: (کتاب‌پرنده، جلددوم). آرتور**گود**، ترجمهٔ حسن هنرمندی .

بریج، مهدی **شریفی** .

بیادبودمسابقه‌های قهرمانی وزنه‌برداری جهان: تهران ــ شهرداری تهران .

پایونیرینگ : سازمان ملی پیشاهنگی ایران، ابراهیم **صدری**.

پیروزی براورست : محمد کاظم گیلان پور .

تاریخ ورزش: وزارت‌فرهنگ ادارهٔ‌کل تربیت‌بدنی، ابوالفضل **صدری** .

تئوری بازی : آلمر **میچل**، ترجمهٔ‌کاظم **کاظمینی** .

تربیت بدنی در دبیرستانها : منوچهر مهران .

تمرینات ومسایل‌اساسی پرورش‌اندام : حسین **صالحی** .

تنیس : سوزان لنکلن، ترجمهٔ مصطفی شریفی .

توسعهٔ ورزش دررومانی : سفارت‌رومانی تهران .

چگونه ازخود دفاع‌کنیم : د. ه . کو- **لینیگریچ**ـ ترجمهٔ ع. **شکیباپور** .

خودآموز فوتبال : ترجمهٔ شاپور رزم‌آزما .

خودآموز شطرنج : بهروز .

خودآموزشطرنج: (درشش درس) آلیس **پی‌یر** ــ ترجمهٔ داریوش **رقعی** .

خودآموزمقدماتی‌شطرنج : امیرکبیر، مهدی **آذریزدی** .

خود آموز و دام‌گستری در بازی ـ شطرنج : بروسکی ، ترجمهٔ محمدعلی آشنا .
داستان مصورفوتبال وتکامل تدریجی آن : اسماعیل کدخدا زاده .
دانستنیهای بریج : محمود سلطانی شیرازی.
داوری : داود **نصیری** .
دستور ورزش : صنیع‌السلطنه .
دستور ورزش : مسترویلیام ، ترجمهٔ اسدالله اربابی .
دستور ورزش بدنی : ناصر رفیعا .
دستور ورزش روزانه: مهدی ورزنده.
دفاع شخصی: (فنون دستگیری‌وجلب) دانشگاه پلیس،انوشیروان **شهیدی** .
راهنمای باسکتبال : منوچهرمهران.
راهنمای پرورش اندام : احمد اردو ـ بادی .
راهنمای‌زیبایی‌اندام: احمداردوبادی .
راهنمای‌نوین‌اسکی : لورن**لفور**، ترجمهٔ مصطفی **علم** .
راهنمای ورزش : عباس محمودی .
رسالهٔ شطرنجیه : ملاعبدالرسول فیروز ـ کوهی، ترجمهٔ شیخ علی عبدالرسولی (ثبات) .
رموز وفنون‌کشتی: امیرکبیر، کیومرث **ابوالملوکی** .
ره آموزشکار: کامبیز **حشمتی** .
رهبر بریج: حاوی‌اصول‌ومبانی‌فن‌بریج، عبدالله **رهنما** .
زیبایی اندام : فرامرز معظمی .
ژاپن و سومین دورهٔ مسابقات آسیایی توکیو : دانشگاه تهران علی **کنی** .
سرگرمیها: ن. و. **استودنسکی**، ترجمهٔ صادق **سرابی** .
سرگرمیهای شیرین : گ، میرتقوی .
شطرنج : خسرو روزبه .
شطرنج وتئوری‌آن: امیرکبیر،**مایزلیس** ترجمه ـ سروش **استپانیان** .
شنا : انتشارات سازمان ملی‌پیشاهنگی ایران، ایرج **فروتن** .
صدبازی تفریحی جهت‌کودکان: امیر گودرزیان .
فن‌تبلیغات ورزشی : ناصرمفخم .
فن‌تعلیم وتربیت بدنی: محمد علی **دل‌آگاه** .
فن‌شنا: (امیرکبیر، تهران) ماکس‌فدور ترجمهٔ اسماعیل فیاضی ومحمد مشرف ـ الملك .

فن‌شنا ونجات غریق : منوچهرمهران.
فن‌کامل جودوی جدید : چارلز **یرکو** ترجمهٔ موسی **فرهنگ رازی** .
فن کوهنوردی : سازمان کوهنوردی و اسکی دماوند ، **یحیایی** .
فن‌ورزش : ژان **دوون**، ترجمه منیر **مهران** .
فنون‌کشتی‌آزادوفرنگی : احمدقربانی‌ـ زادهٔ حقیقی .
فوتبال : غلامرضا فیروزفر .
قوانین بازی‌تنیس : فدراسیون تنیس ایران،امیر**بهنام**.
قوانین باسکتبال:سرهنگ شرف‌الدین **قهرمانی**.
قوانین‌تنیس : امیر**بهنام**.
گوی وچوگان : محمود عارفی**هراتی**.
مطالبی دربارهٔ بازی‌های المپیك:کاظم **کاظمینی**.
مقررات بین المللی بازی شطرنج : مهدی **پاکدامن** .
مقررات بین‌المللی بسکتبال : دکتر سید ضیاءالدین شادمان .
مهارتهای فوتبال : خبیری، نصیری .
نقش‌پهلوانی ونهضت عیاری در تاریخ اجتماعی و حیات سیاسی ملت ایران : کاظم کاظمینی .
والیبال : سازمان ملی‌پیشاهنگی ایران مارسل **مانوره** .
ورزش‌باستانی درگیلان: رشت‌روزنامهٔ سابیان ، ه ـ ل **رابینو**، ترجمهٔ‌عبدالحسین **ملازاده** .
ورزش پرورش‌اندام درایران‌وجهان: ب . غ . صادق .
ورزش در ایران وجهان در گذشته و حال:عبدالمهدی **یادگاری** .
ورزش‌فوتبال در ایران و جهان : ب. غ . صادق .
هنر شمشیربازی : فدراسیون اسکریم ، **الماسی** .

پراکنده

زنان معروف

آدامس ، جین Adams
(۱۸۶۵ ـ ۱۹۳۵م)
از زنان‌نامی‌واجتماعی‌آمریکا است که درتأسیس **خانهٔ هال**شرکت داشت و در سال **۱۹۳۱** برندهٔ جایزهٔ صلح نوبل شد وآثاری چون بیست‌سال در خانهٔ‌هال ازاو باقی‌است .

آستريد .
(۱۹۰۵ ـ ۱۹۳۵)
شاهزاده خانم سوئدی در **۱۹۲۶** بالئوپولد سوم ولیعهد و پادشاه آیندهٔ بلژیك ازدواج‌کرد و بالطف ومحبت خود مورد احترام مردم گردید وبه‌سبب حادثه‌ای درگذشت .

آذرمیدخت .
نام‌دختر خسروپرویز که لشکر به او بیعت‌کردند وشمشاه ملك‌راندند .

آرتمیزدوم .
(۳۵۳ ق م)
ملکهٔ هالیکارناس در«کاری» . وی برای‌شوهر خود«موزولوس» آرامگاهی بناکردکه یکی از عجایب هفتگانهٔ عالم شمرده‌شده است .

آگو، کنتس‌ماری .
نویسندگان خارجی رابه بینید .

آگوپیین ، .
(فوت ۳۳ م)
شاهزاده خانم رومی نوادهٔ‌اغسطس (اگوست) ، دختر آگریپا وژولی . وی باژرمانیکوس ازدواج‌کرد وازاو نه فرزند بوجودآورد که ازآن میان باید ازکالیگولاوآگریپین‌اسم‌برد. اوبه‌دستور تیبریوس به جزیرهٔ پاندا تریاتبعید شد.

آمنه .
دختر عبدالمطلب عمهٔ رسول اکرم (ص) است .

آمنه
دختر ابوسفیان زوجهٔ پیامبر(ص) است .

آمنه .
دختر وهب‌بن عبدمناف ، زوجهٔ عبدالله‌بن عبدالمطلب‌ومادر حضرت‌رسول اکرم(ص) . وی‌درسال **۴۸** قبل‌ازهجرت یعنی درنه‌سالگی پیغمبر (ص) بدرود حیات گفت .

آمیتیس .
شاهدخت‌ایرانی نوهٔ‌کیاکسارپادشاه ماد. پس‌از جنگ نبوپلسر باماد صلح برقرار شد وآمیتیس باولیعهد بابل‌بخت نصرازدواج‌کرد .

آن‌دو فرانس. Anne de Francs
سیاستمداران، سرداران‌وآزادیخواهان خارجی را به‌بینید .

آن دوتریش Anne de Autriche
سیاستمداران، سرداران وآزادی‌ـ خواهان خارجی رابه بینید

اپونین Eponine

(۱۷۴۹ – ۱۷۷۸م)

یکی از زنان قهرمان مملکت گل . زن سابینوس که بمدد سیویلیس بر آن شد که مردم گل را از تسلط رومیان برهاند . شوهر او سابینوس شکست خورده ودرزیر زمین محبوس شد. این زن شجاع مدت ۹ سال در آن زندان باوی بسر برد وبا دقت وعطوفت سختیها ومشقات شوی را جبران کرد و عاقبت وسپازین امپراتور روم سابینوس را در حالی که اپونین اشك می ریخت بشکنجه بکشت، این زن شهیدعشق وزناشویی نخواست پس از مرگ شوی زنده بماند وعاقبت بجهت دشنام وتوهین به امپراتور کشته شد .

اپیکارس Epictête

(معاصر نرون)

یکی از زنان رومی که در توطئه بر علیه نرون همدستی کرد وچون از افشای سر شرکای خود ابا ورزید پس از تحمل شکنجه های بسیار خویشتن را بکشت .

اپی نی، لوئیز دولالیود Epinay Louis de lalived .

(۱۷۲۶ – ۱۷۸۳م)

اززنان نامی که درولانسین به دنیا آمد وی ولینعمت ژان ژاك روسو بود واز وی خاطرات شایان توجهی بجامانده است.

ادکسی Eudoxie

(وفات ۴۰۴ میلادی)

زوجهٔ آرکادیوس ملکه روم شرقی او زنی پرکار وجاه طلب بود .

ادکسی فئودرونا Eudoxie Fêodorovna

(۱۶۶۹ – ۱۷۳۱م)

ملکهٔ روسیه، نخستین زوجهٔ پطر کبیر.

ادکسی Eudoxie Macrembolitissa

(قرن یازدهم میلادی)

(ماکرامبلی تیسا) یعنی دختر ژان ماکرامبلی تس ملکهٔ روم شرقی در سدهٔ یازدهم وی زوجهٔ کنستانتین یازدهم می باشد. ادکسی زنی باهوش و دانشمند بود کتابی به او نسبت دهند .

ادلائید (قدیس)

(۹۳۱ – ۹۹۹م)

پادشاه ایتالیا لوتردوم وسپس با امپراتور اتوان اول ازدواج کرد .

ادی ، مری بیکر Eddy

(۱۸۲۱ – ۱۹۱۰م)

بانویی متفکر ازمردم آمریکا، مؤسس مکتب (معرفت مسیحی) صاحب رسالهٔ معرفت وتندرستی .

ادیث (سنت) Edith

(۹۶۱ – ۹۸۴م)

شاهزاده خانم انگلیسی دختر ادگار پادشاه انگلستان ، دوبار پس از مرگ پدر وبرادر تاج وتخت انگلستان به او خواستند بدهند نپذیرفت وچون راهبه ای درصومعه معتکف شد. وانگلیسیان اورا مقام قدیس دادند .

ادیث .

نام زن لوط که به روایت تورات به مجسمه ای از نمك تبدیل شد .

ارجمند بانو بیگم .

(۱۰۰۰–۱۰۴۰ هـ ق)

زوجهٔ شاه جهان پادشاه هند ودختر آصفخان وزیر .

مدفن اودرشهر اگره است وبرمزار او بنایی کردند به نام تاج محل که نظیر آن دردنیا نیست .

ارسلان خاتون .

دخترچغری بیك، عمهٔ سلطان ملك شاه ابن الب ارسلان بن چغری بیك . در اول درحبالهٔ القایم بامرالله خلیفهٔ عباسی بود ودرسال ۴۶۹ امیر علی علاءالدوله اورا بزنی گرفت .

ارمانگارد Ermengarde

(وفات ۸۱۸ م)

ملکهٔ روم غربی. وی در سال ۷۹۸ بالویی لودبونر پسر شارلمانی که آنگاه پادشاه آکیتن بود وبعد به سال ۸۱۴ امپراتور شد ازدواج کرد وچون مایل بود تاج وتخت را به فرزندان خود لترو پین ولویی منتقل سازد فرزندان شارلمانی را به رهبانیت و اعتزال ملزم کرد و به محکومیت برنارد پادشاه ایتالیا دست یافت لکن لویی لودبونر ازاعدام برنارد درگذشت ودستور داد تا چشمان او را بیرون آورند وآن بیچاره سه روزبعد بمرد ارمانگارد هم پس از این جنایت دیری نزیست .

ارمانگارد Ermengarde

(وفات ۹۴۷ میلادی)

دختر آدالبرت دوم مارکی دتسکان وزوجهٔ آدالبرت، مارکی دیوره، وی زنی پرکار وحیله گر بود وزندگانی پرآشوبی داشت ودرپایان عمر منزوی گردید .

ارمانگارد Ermengarde

نوادهٔ ارمانگارد، مارکیز دیوره وی در قرن یازدهم میلادی می زیست و دارای تربیتی عالی بود وبافردریك ترلو ازدواج کرد وپسر او گیدوترلو مشهور است که به نام سالین گرا معروف می باشد .

ارمانگارد Ermengarde

(وفات اواخر قرن دهم میلادی)

دختر آدالبرت دسپلت دوك کامرینو وبازیوانی کنت بلنی ازدواج کرد. ارمانگارد به نیکویی سیرت وازخودگذشتگی واحسان معروف بود. ازاو پسری بماند به نام لامبرتو ارمانگارد .

ارمانگارد Ermengarde

(۸۵۵–۸۹۰ میلادی)

ملکهٔ پروانس وی دختر امپراتور لویی دوم بود و به سال ۸۷۷ بادوك بسن دوك لمباردی ازدواج کرد وجنگی بین لویی وکارلمان بابسن درگرفت و بسن بگریخت. ارمانگارد در وین محصور شد واز ۸۸۰ تا ۸۸۲ شجاعانه دفاع کردولی بالنتیجه تسلیم گردید واورادراوتن محبوس ساختندوپس ازمرگ شوهر (۸۸۷) آزاد گردید وپسر او لویی به سنی رسید که شایسته حکومت بود ارمانگارد در صومعهٔ سن سیکست دپلزانس منزوی گردید وهمانجا بمرد .

ارمانگارد Ermengarde

(وفات ۱۱۱۰ میلادی)

ویکنتس آلبی ادونیم، دختر پیر ریموند کنت کارکاسن ورانگارد دلامارش. وی با ریموند برنارد، ویکنت آلبی انیم ازدواج کرد وپس از مرگ برادرخود رژهٔ سوم (به سال ۱۰۶۷) وی کنتس کارکاسن گردید وحقوق این تاج وتخت را به ریموند برانژهٔ اول کنت بارسلن اعطاء کرد بعداز مرگ ریموند برانژه اول ودوم در سال ۱۰۸۳ اوباپسرخود برناردا تن بکارکاسن رفت ومستملکات خویش راتا پایان عمر اداره کرد .

ارمانگارد Ermengarde

(وفات ۱۱۹۴ میلادی)

کنتس ناربن در ۱۱۳۴ جانشین پدر شد ودر ۱۱۴۲ باپاك سنیوراسپانیایی بنام آلفونس ازدواج کرد و شوهرمزبور پس از سه سال درگذشت وارمانگارد بار دیگر با برنارد داندوز ازدواج کرد و اورا فرزندی نبود .

ارنواز .

خواهر جمشید، پادشاه پیشدادی .

اروی .
(وفات ۱۵ ه ق)
دختر عبدالمطلب خالهٔ رسول‌الله (ص) صحابیه **وشاعره** بوده است .

ارهارد، امیلیا Earhart
اولین بانوی خلبانی که به عنوان مسافر برفراز اقیانوس اطلس پرواز کرد.

اژنی، ماری دمنتی هودگوزمان
Eugénie — Marie de Montiojode Guzman
(۱۸۲۶—۱۹۲۰ م)
زوجهٔ ناپلئون سوم ملکهٔ فرانسه از ۱۸۵۳ تا ۱۸۷۰ بود .

اسپارترا Sparethra
(معاصر کورش بزرگ)
زن آمرگس سردار سکاها . بقول هرودوت درجنگی که سکاها با کورش بزرگ کردند وشکست یافتند آمرگس اسیر شد زن او اسپارترا حاضر نشد صلح کند و ولشکری بعد باسیصد هزار نفر مرد و دویست هزار نفر زن گردآورد و با کورش جنگید واورا اسیر کرد بعدسردارهر کدام از طرفین اسیر طرف دیگر گردید و مذاکرات صلح پیش‌آمد و آمرگس ازاین به بعد دوست صمیمی کورش شد .

استال، (مادام در) Staël
دختر نکر **نویسندهٔ** مشهورفرانسوی وی دارای افکار سیاسی آزادیخواهانه بود وبه امرناپلئون‌اول تبعید شد .
افکار ادبی اومبنای رمانتیسم گردید اوراست، دلفین، کرین، آلمان .

استال دلنی، (مادموازل کردیه‌بارونَد)
Staal de Launey
(۱۶۸۴—۱۷۵۰ م)
آموزگار دوشس من نویسندهٔ «خاطرات» دقیق که درآن اخلاق مردم عهدرژانس (نیابت‌سلطنت) را شرح داده است .

استر .
برادرزادهٔ مردخای، زن اخشویرش (خشایارشا یا اردشیر اول) هخامنشی . چون آمان وزیر شاهنشاه میخواست یهودیان رانابودکند (استر) تقاضای عفؤ آنان راکرد ویهودیان رانجات‌داد. درهمدان آرامگاهی است‌که بنام مقبرهٔ استرومردخای معروف است .

اسکندری، محترم .
(۱۳۱۲—۱۳۴۳ ه ق)
ازنوادگان فتحعلیشاه قاجار وجزء اولین گروهی ازززنان که به دریافت دیپلم متوسطه نایل‌آمد، همسرعلی‌محمد محققی بودکه درکلیهٔ اقدامات وی درجهت احقاق حقوق وآزادی زنان باا وهمصدا بود درسال ۱۳۰۰ انجمن نسوان وطنخواه راتشکیل داد ودرسال ۱۳۰۵ به مدیریت یکی از مدارس ابتدایی نایل‌آمد ، ومدتها مجلهٔ عالم زنان را اداره می‌کرد بعداً تآتری به‌نام آدم وهوا به‌کارگردانی میرزادهٔ عشقی درمنزلی تشکیل‌دادندکه نیمه‌کاره مورد اعتراض واقع شد وناتمام ماند و انجمن اوبعداز فوت او تا سال ۱۳۰۷ برقرار بود .

اسکودری (مادام) Mme Scudery
نام زوجهٔ اسکودری شاعرفرانسوی است. وی در فن نثر مهارت تام داشت . بعضی‌منشآت وی راجمع ونشرکرده‌اند.

اسکودری ، مادلین Scudery
خواهر اسکودری شاعر فرانسوی وی بعضی‌قصص رابه رشتهٔ‌تحریردرآورده وبرخی اشعار نیز سروده است .

اسماء .
(۶۳۸—۷۳۳ ه ق)
دختر محمد خواهر قاضی القضات نجم‌الدین است کنیه‌اش ام محمد واز محدثات نامدار وپرهیزکاران بود واواز بزرگترین دانشمندان عهد خود حدیث شنید و بارها بدیدار خانهٔ خدارفت .

اسماء ذات‌النطاقین .
(فوت ۷۳ ه ق)
دختر ابوبکر، زن زبیرابن عوام ، مادر عبدالله زبیر، از زنان مشهور و نام آور وباشهامت تاریخ اسلام وپیغمبر ص به‌او لقب ذات‌النطاقین داده است .

اسماء .
دختر نعمان‌ابن ابی‌الجون کندی از زنان نامدار عرب ازجهت شرف وزیبایی نسب وی به آکل‌المرارملک کنده‌می‌رسد مقام اهل او در نجد بود واو باپدرخویش نزد پیغمبر به مدینه‌شد ودر زمان‌خلافت عثمان درگذشت .

اسماء .
(معاصر پیغمبر)
دختر یزید ، دختر یزیدبن سکن الشهلی یکی از یاران پیامبر است کنیهٔ وی ام سلمه است ویکی از دانشمندان و یاران پیامبر است و از سوی جمعی از زنان دورهٔ خویش بسمت‌نماینده بحضور حضرت رسید و بجهت ایراد سخنرانی رسایی‌مظهر تقدیروتحسین آنحضرت‌شد.

اسماء عامریة .
یکی ازنامدار ترین زنان دانشمند وشاعرهٔ اندلس است .
وی از مردم اشبیلیه و از خاندان بنی‌عامر است .
قصیدهٔ معروفی‌دارد وآن رادرآخر رساله به عبدالمؤمن از خلفای موحدین پیشکش‌کرده است .

اسنات .
زنی مصری که عاشق یوسف بود ، ولی چون زن عزیز مصربود ، ازدواج آنها ممکن‌نبود، عفت یوسف درتقاضای اسنات‌شهرت تمام دارد.

اشرف، مشکوتی .
شاعران ایرانی رابه بینید .

اعلامی، شهناز .
شاعران ایران را به بینید .

اله ئونور Eleonore
یا — الینور دگوین — یا — داکتین ملکهٔ فرانسه وسپس ملکهٔ انگلستان‌شد. وی دخترگیوم پنجم آخرین دوك آکتین می‌باشد به سال ۱۱۳۷ با لویی جوان ازدواج کرد وبه سال ۱۱۵۲ ازوی‌مطلقه و با هانری پلانتاژنه پادشاه انگلستان زناشویی‌کرد.

اله ئونورد تریش
Eleonor d' Autriche
(۱۴۹۸—۱۵۵۸ م)
خواهر شارل‌کین ملکهٔ‌پرتقال. وی بر حسب شرایط صلحنامهٔ کامبره Cambrai با فرانسوای‌اول ازدواج کرد وملکهٔ فرانسه شد .

الیوت، ماری ان اوان .
نویسندگان خارجی رابه بینید .

امامة .
از زنان شاعر عرب ومعاصر با پیغمبر اکرم (ص) بوده است .

امانی .
از زنان سخنور، قرن یازدهم هجری وکنیز زیب النساء بود .

ام البراء .
دخترصفوان از زنان‌شاعر عرب و پدرش از انصار علی‌بن ابیطالب بود .
در بارهٔ جنگ صفین و در مرثیهٔ علی‌بن ابیطالب اشعاری سروده است .

ام‌البنین .
دختر عبدالعزیزبن مروان خواهر عمربن عبدالعزیز اموی و زن ولیدبن عبدالملك‌بن مروان ازززنان نامی‌بنی‌امیه

است. که به‌حسن وجمال وصلاح وذکاوت وفصاحت بیان و بذل و بخشش موصوف بوده است .

امةالخالق .

(وفات ۹۲۰ ه ق)

دختر عبداللطیف بن صدقةبن عوض منادی‌اززنان **محدث‌وشاعر**وازشاگردان جمال‌الدین‌حنبلی وازمشایخ سیوطی‌بوده است .

ام حکیم .

(معاصر پیغمبر)

(ملقب به بیضا وقیةالدیباج) دختر عبدالمطلب وعمهٔ پیغمبر اسلام واز زنان حکیم وخردمند بنی‌هاشم که به‌کثرت‌ادب وفصاحت و بلاغت مشهور بـود وشعر هم می‌سروده است .

ام رعله (قشریه) .

ازیاران پیامبر وزنی شاعر ودانش دوست بود وی‌هم زمان پیامبراسلام‌بوده است .

ام عبدالله .

(وفات ۷۱۶ یا ۷۱۷ ه ق)

دختر قاضی شمس الدین عمربـن وجیه‌الدین شامی حنبلی اززنان محدث‌و مرجع‌استفادهٔدانشمندان‌عصرخودبوده‌است.

ام کلثوم .

دختر عبدود و خواهـر عمروبـن عبدود، وی زنی شاعر وروشندل وصاحب زیبایی ودانش بوده است .

ام هانی .

دختر حاج عبدالرحیم خان بیگلر- بیگی‌از زنان **شاعروفاضل** قرن سیزدهم هجری است .

اوندت، زیگرید .

برندگان نوبل ادبی رابه بینید .

باچوکی، الیزه Baciocchit, E

(۱۷۷۷-۱۸۳۰ م)

نام خواهر ناپلئون بزرگ است . وی بانامی‌ترین دانشمندان عصرمناسبات دوستانه داشته .

درسال ۱۸۰۵ شوهرش بـه پرنسی (پیومینو ولوکه) نایل‌گشت ولی درواقع فرمانروایی دریند قدرت او بود .

بارتون، کلارا .

(۱۸۲۱-۱۹۱۲ م)

بنیانگذار صلیب سرخ آمریکا در شهر اکسفورد از ایالت ماساچوست بـه دنیاآمد. پس‌از ۱۸ سال آمـوزگاری و پنج سال‌کار دفتری، در جنگهای داخلی آمریکا به‌خدمت سربازان شتافت وفهرست کشته شدگان راجمع کرد ونـام آنها را بـرسنگ قبرشان (۱۲۰۰۰ سربـاز) نوشت. باشروع جنگ پروس وفرانسه ، کشور خودرا ترک‌گفت وبـا کوششهـای فراوان به‌داد زخمیهای دوطرف می‌رسید وتشکیل صلیب سرخ آمریکا وپیوستن‌آن به صلیب سرخ بین‌المللی را موجب شد و خود نخستین رییس این سازمان بود و دراین شغل وفات یافت .

بامداد، پروین تکین .

شاعران‌ایرانی‌رابه بینید.

براونینگ، الیزابت برت

شعرای خارجی رابه بینید .

بردستریت، ان .

شعرای خارجی رابه بینید .

بل، گرترود .

سیاحان وکاشفین‌را دربخش‌جغرافی به بینید .

بووار، سیمون دو .

برندگان‌جوایز ادبی گنکورفرانسه رابه بینید، (درسال ۱۹۵۴ م)

پاپ‌کارپانتیه، ماری .

زنی فرانسوی ۰ دانشمند در علـوم تربیتی، مؤسس اولین مدارس مادری .

پاردوبازان، امیلیا Pardo Bazan -E

(۱۸۵۱-۱۹۲۱ م)

اززنان رمان نویس‌وناقد اسپانیایی مولد اوگرنی می‌باشد .

پاسکال، ژیلبرت Pascal G

(۱۶۲۰-۱۶۸۷ م)

خواهر بزرگ بلزپاسکال مشهور به (مادام‌پریه) وی رساله‌ای درترجمهٔحیات بلزپاسکال دارد .

پرل باك، ساید نستریك .

برندگان نوبل ادبی رابه بینید .

پروشات، (پروشاتو) .

ملکهٔایران زن داریوش‌دوم ودختر اردشیر اول (دراز دست) نفوذ این زن در دربار داریوش دوم بسیار بود وی از حیث حیله وتزویر و دسائسی‌که همواره بکارمی‌برد ونیزدرقساوت‌قلب وخونریزی مانند نداشت .

پروین اعتصامی .

شاعران ایرانی رابه بینید .

پفیفر، ایدا Pfeiffer, I

(۱۷۹۷-۱۸۵۸ م)

نام زنی جهانگرد از اهالی اتریش که دروین به‌دنیا آمد ودرگذشت، شوی وی درجوانی بمرد واودرسن چهل‌وهفت سالگی بعداز بزرگ‌کردن بچه‌های‌خود به سیاحت پرداخت وازآسیـای صغیر و فلسطین ومصر وسوئد ونروژ وایسلانـد دیدن کـرد و مابین سالهای ۱۸۴۶ و ۱۸۵۱ باتصادف به‌هزاران مهالك دوبار دور کرهٔ زمین را گردید ودر دور دوم در جزیرهٔ ماداگاسکارمبتلا به‌تب شدیدی شد واین تب باعث مرگ اوشد .

سیاحتنامهٔ اورا به زبانهای مختلف برگردانده‌اند .

پلاتر، امیل .

(۱۸۰۶-۱۸۳۱ م)

نام زنی لهستانی‌که پیشوای انقلاب ۱۸۳۱ لهستان‌بود اودرشهر ویلنا به‌دنیا آمد .

پلاچیدیا Placidie

(۳۸۸-۴۵۰ م)

او دخترتئودوسیوس اول امپراتور روم می‌باشد مولدوی‌قسطنطنیه است. وی پس‌از محاربات فراوان وقتی بـرادرش امپراتور شد و صاحب نفوذی‌کامل‌گردید و در زمان امپراتوری پسرش والنتینان مدت ۳۵ سال نیابت سلطنت داشت .

پلاژی .

(۴۳۰-۴۵۷ م)

نام قدیسه‌ای مسیحی‌است‌وی‌دختری بودکه درتماشاخانه **انطاکیه بازی‌می‌کرد** وسپس به نصرانیت‌گروید وبه صومعه‌پناه برد .

پورتر، کاترین‌آن .

نویسندگان خارجی رابه بینید .

پیزان، کویستینه .

(۱۳۶۳-۱۴۳۱ م)

دخترستاره شناس‌نامی‌قرن‌چهاردهم پیزان است و ازشاعره‌های نامدار می- باشد ازاو منظومه‌ها واشعار زیادی باقی مانده وی در وندیك متولد و در پاریس درگذشت .

تامس، مارثاگری Thomas, M

(۱۸۵۷-۱۹۳۵ م)

زنی مربی ازمردم آمریکا است .

تانسن، کلودین .

نویسندگان خارجی رابه بینند .

تئودورا Theodora

(۵۲۸-۵۴۸ م)

امپراتوریس مشرق وزن ژوستینین اول بود اوزنی‌بلندپروازوپرآز،بااطلاع وپرکاربود ومادام‌که زنده‌بود روح‌دولت حساب می‌شد .

خونسردی و جسارت وی در توطئه «نیکاNika» باعث‌دوام‌امپراتوری‌ژوستینین شد .

تئودورا Theodora

(وفات ۸۶۷ م)

امپراتوریس شرق‌درقرن نهم‌میلادی وی زن امپراتور تئوفیل بود وپس از مرگ شوهرش ازسال ۸۴۲ تا ۸۵۶ به عنوان نایب‌السلطنهٔ فرزند خودحکومت کرد ودر پایان عمر معتکف شد .

تئودورا Theodora

(وفات ۱۰۵۶ م)

امپراتوریس شرق در قرن یازدهم میلادی دختر کنستانتین هشتم است در انقلاب ۱۰۴۲ بعد از برکناری میشل‌ـ پنجم بسلطنت رسید پس‌از چندی معزول واز سال۱۰۵۴ تا۱۰۵۶دوباره باقدرت تمام سلطنت‌کرد .

تئوفانو Theophano

(۹۵۸ـ۹۹۱ م)

ملکهٔ آلمان و دختر «رومن» دوم امپراتور یونان می‌باشد .

وی درسال ۹۷۲ بافرزند امپراتور آلمان «اتون» اول ازدواج‌کرد. وی در تحصیل قدرت سیاسی مساعی فراوانی مبذول داشت وپس از بیوه شدن در سال ۹۸۴ به‌نیابت سلطنت فرزند جوان خود «اتون» رسید ودر عین حال نفوذ وسلطه خودرادرروم‌حفظ کرد .

تئوفانو Théophano

ملکهٔ بیزانس در قرن دهم میلادی وی‌کور مادرزاد بود ولی بسیار زیبابود و به سال ۹۵۶ به ازدواج رومن پسر کنستانتین هفتم درآمد وبه‌سال ۹۵۹ با شوهر خود صاحب تاج و تخت شد .

بـه سـال ۹۹۳ بـاداشتن چهار فرزند بیوه شد وچون می‌خواست قدرت خودرا حفظ‌کند با«نیسه‌فورفوکاس» ازدواج‌کرد واز مقتول‌کردن او به دستور امپراتور جدید درسال ۹۷۰ تبعیدگشت .

تذکارپای خاتون .

زن‌ملك ظاهرپادشاه‌یکی‌ازاستانهای دریایی‌مصربودوی خانقاه«رباط‌بغدادیه» را درسال۶۸۴ ه ق درقاهره تأسیس‌کرد این خانقاه تنهابه‌عبادت اختصاص‌نداشت بلکه زنی‌که به‌عنوان پیشوا تعیین می‌شد می‌بایست به تدریس دانشهای گوناگون توانا باشدوتذکارپای خاتون‌ازاین زنان بود .

ترخان .

(وفات ۱۰۹۶ ه.ق)

خدیجه سلطان، از زنـان سلطـان ابراهیم خان و مادر سلطان محمد خان چهارم بود بنای «یکی‌جامع ـ ینی‌جامع یعنی جامع نو» وکتابخانه ومدرسه‌وسایر مؤسسات مربوط به آن جامع به دست‌او اتمام پذیرفت .

ترز Thérèse

(۱۸۷۳ـ۱۸۹۷ م)

وی از زنان مذهبی دین مسیح در لیزیو Lisieux بود .

ترز ـ سنت ... دآویلا

Thérèse d'A (Sainte)

(۱۵۱۵ـ۱۵۸۲ م)

زنی دانشمند واصلاح کنندهٔ وضع فلسطین‌که در ویلای اسپانیا متولد شد . نوشته‌های او درمیان شاهکارهای زبـان اسپانیایی همانقدر مطلوب است که آثار مذهبی وعرفانیش درمیان مسیحیان. وی ۱۷ دیربرای زنان و۱۵دیربرای‌مردان تأسیس‌کرد (۱۵۳۳) .

تریوله، السا .

برندگان جوایز ادبـی گنکور را به بینید (درسال ۱۹۴۴ م) .

تسو،هی Tsoeu — Hi

(۱۸۳۴ ـ ۱۹۰۸ م)



امپراتوریس چین بود .

جرودلوتلیان‌بل Miss, Bell- G.L

(قرن ۱۹)

بانوی خاورشناس‌انگلیسی‌که‌دیوان حافظ رابه انگلیسی برگردانده ودیباچهٔ قابل ستایشی‌که حاوی صفات استادشیراز باشد برآن نگاشته است وآن را درسال ۱۸۹۷ به‌چاپ رسانده است .

جمال‌النساء .

(وفات ۶۴۰ ه ق)

ام‌الخیر بغدادی از **زنان محدث** و دانشمند قرن هفتم هجری بغداد است . وی ازابن‌البطی وابوالمظفر کاغذی‌دانش حدیث رافراگرفت.

جهان خاتون .

شاعران ایران رابه بینید .

حبوس .

(۱۱۸۲ـ۱۲۴۰ ه ق)

دختر بشیر پسر محمد شهابی امیر عالی‌همت وزیرکی بود .

اودرلبنان‌متولد شدودرسال۱۲۰۸ ازطرف پدر حاکم منطقهٔ عرب گردید و باقدرت واراده حکومت‌کرد .

حبی .

(وفات ۸۱۵ ه ق)

قادین یاحبی خاتون شاعره‌ترك از اهل اماسیه‌گویند وی نامدارترین‌شاعرهٔ عثمانی است .

وی حفیده شیـخ یحیی وزن شمسی چلپی وندیمهٔ سلطان سلیم‌خان ثانی‌بوده است. وی زنی توانا وبانفوذ بود .

حبیبه .

(تولد ۱۲۶۲ ه ق)

دخت علی‌پاشا هرسکی .

وی شاعره‌ای در ادبیات قسطنطنیه می‌باشد .

حبیبه .

دخت محمدبـن احمدبن قـدامهـ المقدسی.

شیخه‌ای‌ازشیوخ‌حدیث، وی‌درحدود سالهای۷۱۳ـ۶۵۶ در دامنهٔ‌کوه‌قاسیون به دمشق حدیث می‌گفته است .

خدیجه .

(تولد ۷۹۸ ه ق)

دختر بدران معروف بـه ام سلمه دختر شهاب الدین احمد بـن خلف بن عبدالعزیزبن بدران الحسینی است .

اوزنی محدثه وازاشیاخ امام‌سیوطی می‌باشد. وی‌رادردوسالگی‌درمجلس درس جوهری ومنصفی می‌آوردند .

خدیجه .

(وفات ۶۴۱ ه ق)

دخترحسن‌بن علی‌بن عبدالعزیز او اززنان دانشمند زمان خود وبردیگران پیشی داشت وحافظ قرآن‌بود ودرتجوید دستی داشت وبیشتر زندگی خود را در دانش فقه‌گذارند .

خدیجه .

(وفات ۶۴۷ ه ق)

دختـر زین‌الـدین عبدالرحمن بن ابـی بکر بن محمد بـن ابراهیم بن احمد مقدس وخـواهر حبیبهٔ محدثه وزن شرف‌الدین بن الشیخ شمس الدین الحنبلی است .

او محدثه‌ای پرهیزگار بوده است.

خدیجه الشاهجانیه.
(وفات ۴۶۰ هجری قمری)
او از اهل بغداد بود و در وعظ مهارتی تمام داشت. از ابن سمعون دانش آموخت و املاء علم می‌کرد و خدیجه آن را می‌نوشت.

خدیجه.
(وفات ۵۷۰ ه ق)
دختر العبیری، زنی محدثه بوده است و معروف به فخرالنساء، این زن از زنان نامی قرن ششم ه ق است.

خدیجه.
دختر مأمون عباسی از **شاعران** روشندل بود.

خدیجه.
(وفات ۷۸۸ ه ق)
دختر شیخ نورالدین و نوادهٔ علی‌الانصاری است که از دانشمندان شافعی می‌باشد. وی از محدثه‌های نامی زمان خود بود.

خنساء، تماضر بن عمرو.
شعرای خارجی را به بینید.

خوانا، اینس دولاکروس.
شعرای خارجی را به بینید.

دستاتیرا.
(۳۳۰ ق م)
دختر داریوش سوم آخرین پادشاه هخامنشی که به‌عقدازدواج اسکندرمقدونی درآمد.

دسولیه، آنتوانت.
نویسندگان خارجی را به بینید.

دعد.
یکی از زنان معروف عرب، در ادب فارسی وی را عاشق‌ورباب را (که آن‌هم اسم زنی بوده) معشوق پنداشته‌اند.

دغدو.
زن پورشسپ و مادر زردشت پیامبر ایرانی است.

دولت آبادی، پروین.
شاعران ایران را به بینید.

دوموریه، دفنی.
نویسندگان خارجی را به بینید.

دیکینسون، امیلی.
شعرای خارجی را به بینید.

دینک.
وزیران وسیاستمداران ایران را به بینید.

ذات‌الخال.
لقب معشوقهٔ هارون‌الرشید خلیفهٔ عباسی است که به حسن وهنر ودانش و زیرکی مشهور است. نام او «خنث» است ولقب ذات‌الخال از آن روی به وی داده‌اند که خالی دلکش برلب زبرین داشت.

ذلفاء.
دختر ابیض، زن ومعشوقهٔ نجدة‌بن اسود پسرعم خود (معاصر خلفای اموی) وی کنیزکی از اهل مدینه بود و نخست سعیدبن عبدالملك او را بخرید و سپس به برادر وی سلیمان‌بن عبدالملك رسید واو عشقی مفرط بدو داشت واشعاری در عشق ذلفاء سروده. ذلفاء خود نیزشاعر بود.

رابعه بنت کعب.
رابعه بنت‌کعب نخستین شاعرهٔ زبان پارسی است واز عجایب آن است که وی اصلا از نژاد عرب بوده است.
رابعه بیش از اشعارش برای‌ماجرای عشقی‌که باجوانی به‌نام بکتاش داشت و به خاطر او درحمام گرمی زندانی شد و درهمان‌جا هلاك گشت شهرت دارد.

راعوت.
زنی موآبی‌که بابوعز ازدواج‌کرد وازاین‌ازدواج عوبید جد داود(ع)متولد شد.

راحیل.
دختر لابان وزن یعقوب و مادر یوسف وبن یامین.

ربیعه خاتون.
(۵۶۱ـ۶۴۳ ه ق)
ربیعه دختر ایوب (نجم‌الدین) بن شاذی‌بن موران دختر سلطان‌صلاح‌الدین یوسف است.
زنی دانشمند وپرهیزکار به شمار می‌رفت وبنیان‌گذار مدرسهٔ‌حنبلة درجبل صالحیهٔ دمشق بود.

رشحهٔ اصفهانی.
یارشحه بیگم دخترهاتف‌اصفهانی شاعر معروف وزن میرزاعلی اکبر (نظیری) ومادر میرزا احمد متخلص به کشته می‌باشد دیوانی ازاو بجامانده که دارای سه هزار بیت شعراست.

رقیه.
(فوت ۲ ه ق)
یکی از چهار دختر پیغامبر اسلام (ص) ازخدیجه. وی به ازدواج عثمان‌بن عفان درآمد ودر سفراو به حبشه‌همراهش بود. سپس رقیه باپدر خود به مدینه مهاجرت‌کرد ومریض شد ودر گذشت.

رلان، مانون فلیپون (مادام)
(۱۷۵۴ـ۱۷۹۳ م)
زوجهٔ رلان‌دلاپلاتیر. علاقهٔ خاصی‌به پلوتارخس داشت. جمهوری خواه ورواقی مسلك بود. درپاریس‌سالن مشهوری‌داشت که نفوذ سیاسی‌آن مهم بود وژیروندن‌ها درآنجا باهم معاشرت‌می‌کردند. سرانجام مخالفان اورا محکوم به اعدام‌کردند. از وی خاطرات سودمندی به جا مانده است.

روتنر، بارونس برتافون.
نویسندگان خارجی را به بینید.

روت.
زنی موآبی‌که بامادر شوهر خود «نعومی» به زمین یهودا مراجعت کرد. پس از آن زوجهٔ «بوعز» که خویشاوند شوهر نعومی بودگردید واز این نکاح داودمتولد شد.

زاپولسکا، گابریلا.
نمایشنامه نویسها را به بینید.

زبیده
(فوت ۲۱۶ ه ق)
دخترجعفربن‌منصورزن‌هارون‌الرشید ومادر خلیفه امین. وی ترعه‌ای (عین زبیدة) برای‌آبیاری‌مکه به‌طول۱۶ کیلومتر کشید.

زرقاء.
سیاستمداران و سرداران وآزادی خواهان خارجی را به بینید.

زیب‌النساء (بیگم).
(۱۰۴۸ـ۱۱۱۳ ه ق)
متخلص به مخفی دختر عالمگیر پادشاه هند. زنی ادیب ودانش دوست و هنرپرور بود، به ادبیات فارسی وعربی علاقهٔ وافر داشت وقرآن را حفظ بود.
خطهای‌نستعلیق وشکسته رانیك‌می‌نوشته، کتب بسیار به‌نام اوتألیف‌کرده‌اند. وی گاه شعر می‌سروده ودربدیهه چیره دست بود.
زیب‌النساء به سبب مناعت طبع تا پایان عمر به ازدواج تن درنداد. مزارش درشهر دهلی است.

زینب.
(فوت ۸ ه ق)
دختر پیغمبرص‌زوجهٔ پسرخالهٔ‌خویش ابوالعاص‌بن ربیع است.

زینب.
(۳۳ق هـ ـ ۲۰ ه ق)
دختر جحش‌بن رباب. پس‌ازآن‌که

زیدبن حارثه وی‌را طلاق گفت رسول ص با او ازدواج کرد که درجنگ خیبرهمراه پیغمبر بود .

زینب .

(فوت ۶۵ ه ق)

دختر علی ع بن ابی‌طالب مادر او فاطمه ع است • پسرعم وی عبدالله جعفر وی را به زنی گرفت . در واقعهٔ کـربلا حاضر بود ، وپس‌ازآن با اسیران‌اهل‌بیت به‌کوفه وشام رفت. خطبه‌های اودرمجلس ابن‌زیاد ویزید معروف است .

زلیخا .

طبق روایات نام زن عزیز مصر که فریفتهٔجمال **یوسف**ع شد .

زنوبیا .



سیاستمداران، سرداران و آزادیخواهان خارجی را به بینید .

ژاندارك .

سیاستمداارن، و آزادی‌خواهان و سرداران خارجی را به بینید .

ژان دالبره .

(۱۵۷۲-۱۵۲۸ م)

ملکهٔ ناوار زوجهٔ آنتوان دبوربون است .

ژانلیس، مادموازل‌استفانی ملیسیته .

(۱۸۳۰-۱۷۴۶ م)

نام‌آموزگار کودکان دوك دارلئان وفیلیپ اگالیته و مؤلف تألیفات مشهور راجع به تعلیم وتربیت. اودرحوالی‌آتن دیده به جهان‌گشود .

ژروزالم ، الیز .

(متولد ۱۸۷۷ م)

نام زنی دانشمند ازمردم آلمان‌نام مستعاروی الیزوبدا کویخ است کـه در وین به دنیاآمدودر بوئنوس‌آیرس‌زندگی می‌کرد .

ژوزفین، ماری‌ژورف‌رزتاشه دولاپارژی.

(۱۸۱۴-۱۷۶۳ م)

امپراتوریس فرانسه ودر سال۱۷۹۶ با ژنرال بناپارت ازدواج کرد و در سال ۱۸۰۴ به مقام امپراتوریسی فـرانسه رسید .

ژفرن ، مادموازل ماری ترز

Geoffrin – M.T.

(۱۷۷۷-۱۶۹۹ م)

زنی باذکاء و هوشی وافر متولد در پاریس . خانهٔ او مجمع فیلسوفان وقت بود .

ژولی .

(۳۹ ق م - ۱۴ م)

دختر اگوست قیصر روم . وی بـه زیبایی وهوسرانی مشهور است و متوالیاً به‌زوجیت مارسلوس وآگریپا وتیبریوس درآمده است .

ژیراردن، دلفین‌گی مادام امیل دو .

(۱۸۵۵-۱۸۰۴ م)

وی از نویسندگان فرانسه است او در اکس لاشاپل به‌دنیا آمد ودر پاریس درگذشت .

ساپفو .

شعرای خارجی را به بینید .

ساتله، ماکیزدو .

نویسندگان خارجی را به بینید .

ساتی بیگ .

(۷۱۹ ه زنده)

دخترالجاتیووخواهرابوسعیدایلخان مغول واز زنان نامدار ایران در قـرن هشتم،وبانزدهمین‌وآخرین‌تن‌ازایلخانان مغول درایران است. وی در سال ۷۱۹ به ازدواج امیر چوپان درآمد .

ساره .

(وفات ۸۶۹ ه ق)

زوجهٔ ابراهیم‌خلیل۴ ومادر اسحاق عمر او را ازصد سال متجاوز نوشته‌اند. چون وی درگذشت درمغارهٔ مکفیله ـ که ابراهیم‌برای‌مدفن‌خودخریده‌بود،مدفون گردید .

سافو . Sapho

شعرای خارجی را به بینید .

سالومه .

دختر هرود فیلیپ وهروdیاد،ملکهٔ یهود. وی به‌وسیلهٔ رقصهای خود عمویش هرودآنتیپاس را واداشت تا سریوحنای معمد (Jean – Baptiste) را ازتن‌جدا کند، زیراویرابطهٔ آنتیپاس و هروdیاد رانکوهش‌کرده بود .

ست‌العرب .

(وفات ۷۷۰ ه ق)

دختر محمدبن احمد بخاری مکنی به‌ام محمد زنی صالح بود وعلما نزد او دانش فرا می‌گرفتند وازاو حدیث می‌ـ آموختند ازجملهٔ‌آنان حافظ‌بن الجزری می‌باشد .

ست‌الملك .

(وفات ۴۱۵ ه ق)

دخترالعزیزبالله‌نزاربن معزالدین‌ـ الله فاطمی علوی وخواهرالحاکم بامرالله فاطمی صاحب‌مصراست .

وی پس‌ازکشتن برادر ووزیربزرگ او فرمانروای‌کشورش شد وچهار سال با قدرت و عدالت خویش را محبوب رعیت ساخت .

سترن، گلدیس، برانوین

نویسندگان خارجی را به بینید .

ستی‌خانم .

(فوت ۱۰۳۶ ه ق)

خواهرطالب‌آملی پس‌ازمرگ‌برادر سرپرستی فرزندان اورا برعهده داشت. منظومهٔ«طالبا»(ه م.)راکه‌به لهجهٔ طبری است بدونسبت داده‌اند .

سجاح، ام صادر .

(فوت ۵۵ ه ق)

دختر حارث‌بن سوید بن عقفان از بنی‌تمیم شاعری ادیب و عارف به اخبار بود . درخلافت ابوبکر ادعای پیغمبری کرد وگروهی ازعشیرهٔ اوپیرو وی‌شدند واز جزیره برای جنگ باابوبکرروانه شد ودریمامه فرودآمد. چون خبر اوبه مسیلمه‌رسید،باجماعتی نزدوی رفت واو رابه‌زنی‌گرفت. سجاح اندك روزگاری‌با مسیلمه به‌سر برد وچون دانست‌که‌جنگ دشوار است به‌جزیره بازگشت،وهنگامی که خبر قتل مسیلمه بدو رسید ، اسلام آوردوبه بصره رفت وبدانجا درگذشت .

سعدی .

یکی ازعرائس عرب کـه شاعران تازی وایرانی نام اورا به‌منزلـهٔ‌نمونـهٔ دلبران یادکنند .

سکینه .

(فوت ۱۱۷ ه ق)

دختر حسین‌بن علی (ع) زنی‌جمیل وخوشخوی ودرمصایب‌جسوربود. خانه‌اش مرکز تجمع شعرا و محل مناقشه و بحث بود. وی به‌شاعران‌بزرگ همچون‌فرزدق وجریر صله عطا می‌کرد. سکینه به زنی مصعب‌بن زبیر درآمد وپس‌ازقتل‌اوزوجهٔ عبدالله‌بن عثمان‌گردید وپس‌از مرگ او زیدبن عمر باوی‌ازدواج‌کرد، ولی زید به توصیهٔ سلیمان‌بن عبدالملك اورا طلاق گفت. سکینه درمدینه می‌زیست و «طرهٔ

سکینه» بدومنسوبست‌عبدالرزاق‌مقرم‌وامین عبدالحسیب‌دو کتاب‌دراحوالش‌نوشته‌اند.

سگرس، نتی راوانی‌یی .
نویسندگان خارجی را به بینید .

سمیرامیس .
ملکهٔ آشور و بابل که‌گویندشوهرش حدائق معلقه را برای اوساخت .

سودابه .
دختر پادشاه هاماوران (حمیر) و زن کیکاووس‌پادشاه کیانی که‌عاشق‌سیاووش گردید .

سورل .
(۱۴۲۲-۱۴۵۰ م)
ملقب‌به«لادام‌دبوته»(بانوی‌زیبایی) مأخوذ ازاسم سنیورنشین بوته سورمارن که شارل هفتم به‌او اعطاکرده بود . وی سوگلی‌این‌شاهزاده‌بودو نفوذی‌عمیق‌دروی داشت وچهار دختر برای‌او به‌وجود آورد.

سوزان .
زن یهودی که به سبب زیبایی وعفت مشهور است .
وی را به وسیلهٔ دو پیرمرد بناحق متهم به‌زنا کردند و آن دومحکوم به‌مرگ گشتند .

سوزان، قدیسه .
دوشیزهٔ شهید، که درحدود ۲۹۵ م. درشهر رم سرش رابریدند . ذکران وی یازدهٔ اوت است .

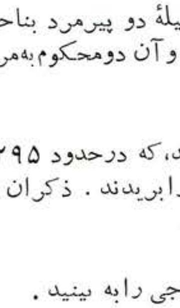
سیتول، ایدیث .
شعرای خارجی رابه بینید .

سیده خاتون .
وزیران‌وسیاستمداران‌ایران‌رابه‌بینید.

سیندخت .
زن مهراب شاه، والی کابل ومادر رودابه وجد مادری رستم دستان است .

شاتله، مارکیزدو Châtelet, M.
(۱۷۰۶-۱۷۴۹ م)
دانشمند فرانسوی و دوست ولتر .
درشهر پاریس به دنیا آمد .

شارلوت الیزابت دباویر .



سیاستمداران، سرداران و آزادی‌خواهان خارجی رابه بینید .

شارلوت .
(۱۸۴۰-۱۹۲۷ م)
ملکهٔ امپراتوری مکزیک دختر لئوپولد اول پادشاه بلژیك است و با آرشیدوك ماکسیمیلین ازدواج کرد وپس از اعدام همسرش که به امپراتوری مکزیك رسیده بود دچار اختلال حواس شد .

شاه جهان بیگم .
(تولد ۱۲۵۴ ه ق)
دخت‌جهانگیرخان نایب‌السلطنه در هوپال هند ازجانب دولت انگلیس . وی درسال ۱۲۸۵ به‌جای پدرنشست وازطرف ویکتوریا ملکهٔ انگلستان لقب (تاج هندوستان) به وی اعطا شد .

شکر .
نام معشوقهٔ اصفهانی‌خسروپرویز که ذکر وی درخسرو وشیرین نظامی آمده است .

شیرین .
(فوت ۶۲۸ ه ق)
معشوقهٔ‌ارمنی وزوجهٔ خسروپرویز . طبق روایات فرهاد نیز بدو عشق می‌ورزید .

صالحة
(۷۹۵-۸۷۶ ه ق)
دختر المقلن ، یکی از زنان ماهر درحدیث واخبار بود وی‌دخترشیخ‌نورالدین‌ابوالحسن‌علی از احفاد ابن‌المقلن است .

صفیه .
(فوت ۲۰ ه ق)
دختر عبدالمطلب بن هاشم هاشمی قرشی، ازصحابیات‌وعمهٔ‌رسول(ص)ازعمه‌های پیغمبر تنها او اسلام را پذیرفت وی در جاهلیت باحارث‌بن‌حرب برادرابوسفیان ازدواج کرد وپس از وفات او به عوام‌بن خویلدشوهرنمود وازاین‌ازدواج زبیر بن عوام وعبدالکعبه متولدشدند.صفیه‌خواهر بطنی حمزه است .

صفیه خاتون .
سیاستمداران و سرداران وآزادی خواهان خارجی رابه بینید .

صفیه .
(وفات ۷۴۰ ه ق)
دختر شرف‌الدین احمدبن احمد المقدسی‌وزن‌شیخ‌بهاءالدین‌ابن‌العزیزواز مشاهیر محدثات‌است.وی‌مدت مدیدی‌علم حدیث را تدریس می کرد .

صفیه .
(وفات۸۰۴ه ق)
دختریاقوت‌بن‌عبدالله‌الحبشی‌می‌باشد. وی یکی‌ازمحدثات نامی وازشیوخ امام سیوطی بشمار می‌رود .

طاییس .
(قرن ۴ ق م)
روسبی‌مشهوریونانی معشوقهٔ‌اسکندر مقدونی وسپس معشوقهٔ بطلمیوس اول . اسکندر پس از ورود به تخت جمشید (پرسپولیس) جشن‌فتوحات خودرا گرفت روسپیان هم درین جشن حضور داشتند. درین هنگام یکی از زنان مزبور که طاییس نام داشت ودرآتیك متولد شده بود ، گفت: یکی از مهمترین کارهای اسکندر درآسیا این‌بودکه بامن‌ورفقایم براه افتد وقصر را آتش زند و در یك لحظه‌به‌دست‌زنان‌آثار نامی‌پارسیان‌رانابود کند. این سخن درمغزجوانان طوری‌اثر کرد که یکی‌ازآنها فریاد زد: «من پیش آهنگ این‌کار خواهم شد.» دیگران هم دست زدند وفریاد برآوردند که فقط اسکندر لایق این‌کار پرافتخار است . سپس اسکندرمشعلی به‌دست‌گرفته ودرسر گروه مستان-که راهنمایش‌طاییس- بود قرارگرفت ، سپس اسکندر وبعد طاییس مشعلهایی درقصر انداختند ودیگران از آنها پیروی‌کردند وچیزی نگذشت که قصر یك پارچه آتش شد .

عاتکه .
دختر عبدالمطلب، جدپیغمبر (ص) وی ازبزرگان زنان قریش بودوشعرنیز می‌سرود .

عایشه .
سیاستمداران و سرداران وآزادی خواهان خارجی رابه بینید .

عایشه .
(وفات ۱۱۰ ه ق)
دختر طلحة‌بن عبیدالله از طایفهٔ بنی‌تیم‌بن‌مرة است. وی **زنی دانشمند و دانا به اخبار** وداستانهای عرب بود .

عایشه .
(۷۲۳-۸۱۶ ه ق)
دختر محمدبن‌عبدالهادی مقدسی - درعصر خود سرآمد **محدثان دمشق** بود ودردمشق به‌دنیا آمد ودرهما نجادر گذشت وی در آخر زندگی در دانش **حدیث** بی‌مانند گشت .

عباسه، (دختر مهدی خلیفه).
شعرای خارجی را به بینید.

عتابی. (کلثوم بن عمر).
(فوت قرن سوم)
شاعر و نویسندهٔ دورهٔ عباسیان وی ازمداحان برمکیان بود وهارون‌الرشید وعبدالله‌بن طاهر را نیز مدح گفته است.

عذراء.
معشوقهٔ وامق، واو کنیزکی بود در زمان اسکندر ذوالقرنین.

علیه.
نام دختر جودت پاشا تاریخ نویس نامی است وی اززنان نویسنده وداستان سرای سدهٔ اخیر بود ودراستانبول پرورش یافت و کتابهای زیادی در موضوع های اجتماعی وداستانی نگاشت از آن جمله «المراةالمسلمه» است.

غزاله.
زن شبیب‌بن یزید ودر شجاعت از زنان نامدار بود درموصل به‌دنیا آمد به همراهی شوهرش برعبدالملك‌بن مروان خروج کرد (۷۶ ه ق) وچندی بعد در جنگی کشته شد.

فابیولا، نرماندا ماریا دولاس.
(تولد ۱۹۲۸ م)
ملکهٔ کنونی بلژیك در دسامبر ۱۹۶۰ م به‌عقد ازدواج بودوئن‌پادشاه بلژیك درآمد.

فاطمه.
(درگذشت ۷۷۹ ه ق)
دختر احمدبن ابراهیم طبری از زنان‌محدث ودانشمند می‌باشد.

فاطمه.
(قرن دوم ه ق)
دخترموسی‌کاظم ع هنگامی که‌مأمون عباسی حضرت علی‌بن موسی ــ الرضا ع را برای‌تفویض‌ولایت‌عهد به‌خراسان‌طلبید خواهرش فاطمهٔ معصومه یك سال بعد به شوق دیدار برادر عازم‌آن دیارشد ودر ساوه بیمارگردید وشخصی به‌نام موسی‌بن خزرج از جانب خاندان سعد او را با احترام به قم وارد کرد و۱۷ روز بعد حضرت معصومه درخانهٔ این مردجان سپرد واورا درنقطه‌ای‌که بابلان‌خوانده می‌شد به‌خاك‌سپردند. برخی‌تاریخ‌زندگی این بانورا میان سالهای یك صدوهشتاد وسه و دویست ویك هجری وبدین‌ترتیب مدت عمرش را هیجده سال نوشته‌اند که البته صحیح به‌نظر نمی‌رسد چون‌سال وفات حضرت موسی‌کاظم یعنی پدر فاطمه ۱۸۳ ه ق. است وچهارسال پیش‌ازآن‌هم حضرت درزندان بوده، به‌این‌ترتیب‌تولد فاطمهٔ معصومه‌نمی‌تواند درسال۱۸۳ باشد ولااقل باید چهار سال پیش ازآن اتفاق افتاده باشد و به همین ترتیب حداقل عمر فاطمهٔ معصومه۲۱تا۲۲ سال‌می‌شود.

فاطمه.
(۴۰ــ۱۱۰ ه ق)
دختر حسین‌بن علی‌بن ابی‌طالب از راویان حدیث بود و احادیث مرسلی از جدش فاطمه وپدرش‌وجزآنان نقل‌کرده است. پس‌از وفات پدرش او وخواهرش سکینه و عمه‌اش ام‌کلثوم دختر علی (ع) را به شام بردند ولی وی پس از چندی اقامت ازشام به‌مدینه‌برگشت وپسرعمویش حسین‌بن حسن‌بن علی اورا به‌عقدخویش درآورد وچون وی درگذشت باعبدالله‌بن عمروبن عثمان ازدواج کرد لیکن او نیز بدرود حیات گفت وفاطمه ازاین‌پس از ازدواج امتناع ورزیدتا ازدنیا رخت بربست.

فاطمه.
(۱۸قه ــ۱۱ه.ق)
دختر پیغمبر ص‌ملقب به زهرا مادرش خدیجه دختر خویلد بود. وی‌از زنان خردمند و از بانوان سخن پرداز فصیح بشمار می‌رود.علی‌بن‌ابی‌طالب‌اورا درهیجده سالگی‌به‌ازدواج‌خویش‌درآورد واز وی حسن ع وحسین ع و ام‌کلثوم و زینب پا به عرصهٔ وجود نهادند، شش ماه بعد از وفات حضرت محمد ص بدرود حیات‌گفت،واو نخستین‌کسی‌بود که برایش دراسلام تابوت ساخته شد.

فراتاگون.
نام یکی‌از زنان داریوش‌کبیر که دختر آرتان است وداریوش‌از اودوپسر به‌نام آبراکوم و هی‌پرانت داشت. باید گفت که‌فراتاگون نوهٔ‌ویشتاسب‌ودرحقیقت برادر زادهٔ داریوش است وپس از مرگ آرتان چون اورا فرزند دیگری نبود تمام‌خواستهٔ‌او به‌دخترش فراتاگون‌رسید.

فرازه، داون.
ورزشکاران خارجی را به بینید.

فرح پهلوی.
(متولد ۱۳۱۸ش)
علیاحضرت شهبانوی ایران که در ۲۹ آذر ۱۳۳۸ به عقد اعلیحضرت محمدرضاشاه‌آریامهردرآمدند، وتاکنون منشأ خدمات فراوانی بوده‌اند.

فرنگیس.
نام دختر افراسیاب که به‌دستوراو به ازدواج سیاووش‌درآمد. فرنگیس آبستن بود که گرسیوز ازحسد توطئه‌ای چید تا افراسیاب حکم‌قتل سیاووش‌را صادر کرد پس‌ازقتل وی‌فرنگیس را بردند و برزمین کشاندند تابچه ساقط شود، لیکن پیران ویسه وزیر مانع شد و اورا به خانهٔ خود برد وپس‌از زادن‌کیخسرو به‌تربیت و نگاهداری‌کیخسروهمت‌گماشت وتوانست به حیله اورا از گزند افراسیاب مصون دارد. به‌فرمان افراسیاب فرنگیس را با پسرش به‌گنگ دژ فرستادند عاقبت‌گیو پسر گودرز به‌اشارت پدر برای یافتن کیخسرو ومادرش به سوی توران شتافت وپس‌از هفت سال‌آن دورایافت و به‌ایران آورد و بعدها فرنگیس را به ازدواج فریبرز پسر کیکاووس و عم کیخسرو در آوردند.

فرنی.
دختر بزرگ زردشت پیامبر.

فضل.
(فوت ۳۰ ه ق)
شاعره‌ای است ودریمامه به‌دنیا آمده است وی کنیز متوکل خلیفهٔ عباسی بود.

فلوریو، زنایید.
نویسندگان خارجی را به بینید.

فورك.
نام دختر رای کنوج که بهرام‌گور بااو ازدواج‌کرد.

قتلغ خان.
مخدوم ــ شاه دختر قطب‌الدین‌شاه جهان‌بن جلال‌الدین سیورغتمش، ازحکام قراختایی‌کرمانی. وی درسال ۷۲۹ هق به عقد ازدواج امیر مبارزالدین محمد مظفری درآمد. واو مادرشاه شجاع وشاه محمد وسلطان احمد است.

قرةالعین، طاهره.
(متولد ۱۲۲۸ ه ق)
زرین تاج قزوینی دختر ملاصالح برغانی وعروس شیخ محمد تقی که شهید ثالث معروف بود، سیدکاظم رشتی‌پیشوای شیخیه به‌وی لقب قرةالعین‌وسیدعلی‌محمد باب اورا طاهره نامیده است.
قرةالعین شاعری خوش ذوق بود و در میان زنان شاعر شهرت خاصی‌دارد.
وی را درسال ۱۲۶۴ هجری‌قمری

مدتی در باغ ایلخانی به‌جرم بابی‌گری محبوس و پس‌ازچندی فراش‌های‌عزیزخان سردار کل که مأمور تعقیب و کشتن‌بابیان بودند دستمالی به‌گردن‌او بستند و آنقدر کشیدند تا خفه شد و پس‌از آن جسدش را به چاهی افکندند .

کاترین دوم .
(۱۷۲۹ــ۱۷۹۶ م)

ملقب به‌کاترین کبیر از ملکه‌های پرقدرت و باهوش و باسیاست‌روسیه‌است‌که درسال **۱۷۶۲** پس ازهمدستی‌با گاردسلطنتی پطرسوم‌شوهرش را ازسلطنت خلع وخود به جای‌وی‌نشست. وی در مدت **۳۴** سال سلطنت خویش‌کشورروسیه را به‌اوج‌قدرت رساند وی اصلا آلمانی بود .

کارمن سیلوا Carmeno Sylva
(۱۸۴۳ــ۱۹۱۶ م)

نام مستعار ملکهٔ الیزابت ازکشور رومانی زن شارل اول که اشعارلطیف و رمانهایی دارد .

کامپان ، مادام ژان لوئیز ژنت . Campàn J. L. I.
(۱۷۵۲ــ۱۸۲۲ م)

منشی ملکه‌ماری‌آنتوانت‌و بعدمدیر مؤسسهٔ لژیون دنوردکوئن‌شد وی‌درپاریس به‌دنیاآمد .

کرلی، ماری.

نویسندگان خارجی را به بینید .

کریستین، دوپیزان .

نویسندگان خارجی را به بینید .

کلئوپاترا .

سیاستمداران و سرداران و آزادی خواهان خارجی را به بینید .

کلر، هلن‌آدامز Keller, H. A.
(متولد ۱۸۸۰ م)

زنی دانشمند ونویسندهٔ نابینا از مردم‌آمریکا، که «داستان‌زندگی من» از کتابهای اوشهرت جهانی دارد .

کولت، مادام فرانس .

نویسندگان خارجی را به بینید .

کونوپنیکا، ماریا .

نویسندگان خارجی را به بینید .

کیا، (خانلری)، خانم دکترزهرا .

نویسندگان ایران را به بینید .

گای، سوفی Gay S.
(۱۷۷۶ــ۱۸۲۵ م)

مادام سوفی‌نویسندهٔ فرانسوی‌که در پاریس به‌دنیا آمد وی رمانهای جالب توجه وجذابی برای معرفی هیئت پنج نفری اداره‌کنندهٔ کشور (دیرکتوار) و امپراتوری فرانسه نوشته است .

گورنی، مادموازل دو .
(۱۵۶۶ــ۱۶۴۵ م)

زن دانشمند فرانسوی‌که درپاریس چشم به‌جهان‌گشود .

وی دخترخواندهٔ مونتنی بودوآثار اورا دوباره به‌چاپ رسانید .

گوهرشاد بیگم .
(وفات ۸۶۱ ه ق)

زن سلطان شاهرخ میرزا فرزند و جانشین امیرتیمورگورکانی یکی اززنان نامدار ونیکوکار بوده است و مساجد و آثار وساختمانهای زیادی ازاو به‌جای مانده،خانقاه ومسجد هرات، مسجدجامع مشهد (مسجدگوهرشاد). این زن‌نیکوکار بعداز مرگ شوهرش به دسیسه در هرات کشته شد .

گوهر قاجار

حاجیه‌گوهردخترموسی‌خان قاجار ومادرش طیسفون دختر فتحعلیشاه بوده است. وی ازگویندگان زبان پارسی‌است ودیوانی‌هم دارد .

لاژرف، سلما .

لاگرلوف رابه بینید .

لاسابلیر،مارگریت‌دو La Sabliére,M.D.
(۱۶۳۶ــ۱۶۹۳ م)

یکی از زنان دانشمند فرانسوی‌که درپاریس به‌دنیاآمد .

لاگرلوف، سلما .

برندگان‌جایزهٔ‌نوبل‌ادبی‌را به‌بینید.

لاسوز، هانریت‌کنتس دو La Suze, H. C. D.
(۱۵۱۸ــ۱۶۷۳ م)

شاعره‌ای نامدار وبسیار زیبا .

لافایت، مادام ماری مادلن دو .
(۱۶۳۴ــ۱۶۹۳ م)

زنی دانشمند ازفرانسه‌که درپاریس به‌دنیاآمد .

لاله خاتون .

شاعرهٔ‌ایرانی‌دخترقطب‌الدین محمد کرمانی‌سومین‌حکمران‌ازسلسلهٔ‌قراختاییان کرمان. وی زنی دانشمندبوده است .

لاندووسکا ، واندا .

موسیقی دانان خارجی را به‌بینید .

لبنی .
(درگذشت ۳۹۴ ه ق)

دخترداانشمندی‌ازمردم اندلس، بسیار زیبا و به‌صرف وحساب وشعر ودیگرفنون ادب وخوشنویسی، معروف بود .

لمر، مادام مادلن Lemaire, M.
(۱۸۴۵ــ۱۹۲۸ م)

زن‌نقاش‌فرانسوی‌که درآرك (وار) به دنیاآمد .

لوفورت، گرترود فون LeFort, G.
(متولد ۱۸۷۶ م)



زنی ادیب از مردم فرانسه،دارای آثاری چون: حکومت اطفال، دختر خانم باری و بسیاری دیگر می‌باشد .

ماری‌آنتوانت .

سیاستمداران و سرداران وآزادی خواهان خارجی رابه بینید .

مانسفیلد ، کاترین Mansfield, K.
(۱۸۸۸ــ۱۹۲۳ م)

زنی ادیب از مردم انگلیس دارای



آثاری چون: سعادت ، مقدمه ، من به زبان فرانسه حرف نمی‌زنم و گاردون‌پارتی و بسیاری دیگر .

مریم .

مقدسین را به‌بینید .

مریم بانو .

خطاطان ایران رابه بینید .

مهستی گنجوی، منیژه .

شاعران ایران رابه بینید .

میچل، مارگریت .

نویسندگان خارجی رابه بینید .

میستران،خانم‌گابریل

برندگان نوبل رابه بینید .

میسترال، لوسیلا .

برندگان نوبل رابه بینید .

نادن، کنستانس‌کارولین Naden, C. C.
(۱۸۵۸ــ۱۸۸۱ م)

شاعرهٔ‌انگلیسی است .

نبویه موسی .
(درگذشت ۱۳۷۰ ه ق)

از زنان دانشمند و شاعر وروزنامه

نویس مصر است دیوان شعر وکتابی بنام «المراة والعمل» دارد .

نسیبه .

(فوت ۱۳ ه ق)

دختر کعب بن‌عوف المازینة الانصاریة معروف به ام عماره . از زنـان شجاع و نامدار عرب است . وی به اسلام ایمـان آورد وجزء یاران پیغمبرشد ودرجنگها دوشادوش مردان شمشیر می‌زد .

وایل، سیمون Weil, S.

(۱۹۰۹–۱۹۴۳ م)

بانوی نویسنده وفیلسوف فرانسه ، تحصیلات خودرادر دانشسرایعالی به‌پایان رسانید ومدتی دبیر دبیرستانهای ایالات فرانسه بود ومدتی به‌کار ومبارزه‌پرداخت وبه جمعیت هوادار فرانسهٔ آزاد پیوست.



ازآثار او : «معرفت بـه مـــاوراء طبیعـت» ، «نامه به یك دین دار » ، «شرط کار» ، «منبع یونان» وبسیاری دیگر .

وبستر، جین.

نویسندگان خارجی رابه بینید .

وولف، ویرجینا .

نویسندگان خارجی رابه بینید .

ویکتوریا، ملکهٔ انگلیس .

سیاستمداران و سرداران وآزادی خواهان خارجی رابه بینید .

ویلسون، مارگرت .

برندگان جوایز پولیتزررا به‌بینید. (۱۹۲۴) .

هاری، میریام .

برندگان جوایز فمینا را در بخش ادبیات به‌بینید .

هاشم .

(تولد ۱۸۸۲ م)

از زنان دانشمند اهل‌لبنان می‌باشد که دربیروت دیده به جهان گشود وی از شاگردان ابـراهیم الیازجـی است و مجلهٔ «فتاة الشرق » را تأسیس و منتشر کرده است .

همای .

شاهان افسانه‌ای‌درتاریخ ایران را به بینید .

ملکه‌های معروف جهان

نام	قرن	کشور	نام	قرن	کشور
آذرمیدخت ساسانی	۷ م	ایران	ژولیانا	۲۰ م	هلند
آن	۱۷ م	انگلستان	سمیرامیس	۲۰ قم	بابل
الیزابت اول	۱۶ م	انگلستان	فرح پهلوی	۲۰ م	ایران
الیزابت دوم	۲۰ م	انگلستان	کاترین بزرگ	۱۸ م	روسیه
اوژنی	۱۹ م	فرانسه	کلئوپاترا	۱ قم	مصر
ایزابلا	۱۶ م	اسپانیا	ماری‌آنتوانت	۱۸ م	فرانسه
بودیکا	۱ م	انگلستان	ماری استوارت	۱۶ م	انگلستان
پوراندخت ساسانی	۷ م	ایران	ماری لوییز	۱۸ م	اتریش
تئودورا	۶ م	روم قدیم	مسالینا	۱ م	روم قدیم
ترکان خاتون	۷ م	ایران	نفر تی‌تی	۱۳ قم	مصر
ثریاپهلوی	۲۰ م	ایران	نور جهان	۱۵ م	هند
جین‌گری	۱۶ م	انگلستان	ویکتوریا	۱۹ م	انگلستان
زنوبیا	۳ م	تلامز	ویلهلمینا	۲۰ م	هلند

عشاق معروف جهان

ادوارد هشتم ومادام سیمپسون .
الوار وهلوئیز .
امیرارسلان و فرخ‌لقا .
اوتللو ودزدمونا .
بهرام و گل‌اندام .
بیژن و منیژه .
پل وویرژینی .
تریستان و ایزوت .
جمیل و بثینه .
داود و بتسامه .
ذوالرمه و میه .
رابعه و بکتاش.
رستم وتهمینه .
رومئو و ژولیت .
زال و رودابه.
زهره و منوچهر .
ژرژساند و فردریك شوپن .
سامسون و دلیله .
سلامان و ابسال .
سلیمان وملکهٔ سبا.
شیرین و فرهاد .
طاهر و طاهره .
قیس ولبنی.
کلارا ویك و روبرت شومان .
کلئوپاتر و آنتوان .
لیدی هامیلتون و لردنلسون .
لیلی و مجنون .
مارگارت و تاونزند .
ماری وسترا و رودولف .
موسولینی و کلاراپتاچی .
ناپلئون و ژوزفین.
نفرتیتی و ایختاتون .
نورجهان و جهانگیر
وامق و عذرا .
ویس و رامین .
هانری هشتم و آن بولین .
هلن و پاریس .
همای و همایون .
هیتلر و اوابرون.
یوسف و زلیخا .

چندکتاب مربوط به زن

آیین شوهرداری: دیل‌کارنگی، ترجمهٔ عبدالحسین جلالی .

آداب معاشرت زنان: بانو صدیقهٔ دولت آبادی .

اپرای زن از قرن دیگر : میر سیدعلی آذری .

اختلاف حقوق زن ومرد: مریم‌ساوجی.

اشکهای زناشویی : علی بشارتی .

بانوی ایران : (فـارسی و فـرانسه و

انگلیسی)، ملکهٔ اعتضادی .
بانوی زندانی فتح لیدیه به دست کورش کبیر: محمد رضا خلیلی عراقی .
بنات ابی تراب: سیدعلی حائری لاهوری.
پریچهرگان تاریخ : علی اکبر کسمایی .
پریرویان ناکام: پی یرلوتی، ترجمه علی اکبر قویم .
تأثیر زن وظیفه شناس در زنـدگی : عبدالحسین نوشین .
تأثیر محیط در زن : استفان تسوایك ، ترجمهٔ مصطفی فرزانه .
تذکرهٔ زنـان شاعر معاصر ایـران : سیدهادی حائری (کوروش) .
تعلیم البنات: محمدعلی مظفری .
جنایات جنس لطیف : علی اصغر عضدی.
چهرهٔ یك زن: امیل زولا. ترجمهٔ محمود پورشالچی .
حفظ الصحهٔ نسوان : دکتر عبدالخـالق آخوندزاده .
حقوق وحدود زن دراسلام : شیخ یحیی نوری (نصیر) .
حواء امروز: نیکلاحداد، ترجمهٔ محمود عرفان .
خانم ماشین نویس: آنی تابروك، ترجمهٔ دکتر مهدی ــ د .
خواهران و دختران ما : سید احمـد حسینی کسروی تبریزی .
دانستنی های زنان جوان : اماف انجیل دریك، ترجمهٔ دکتر ذبیح قربان آباده‌ای.
دخترجنگل : محمدعلی شیرازی .
درس زناشویی : اندره موروا ، ترجمهٔ مدن .
دستور زیبایی یارموز آرایش بانوان : دکتر عبدالحسین کافی .
دفاع ازحقوق زن : ابوالمجد حجتی .
دنبال زن : ترجمهٔ علی اکبر کسمایی .
دوشیزهٔ ایروان یاخورشید کلاه‌خانم: سعدالملك مهدی مافی .
دوشیزهٔ بلغاری : محمدعلی شیرازی .
دوشیزهٔ قهرمان : میشل زواگو، ترجمهٔ مهدی محمود زاده .
دوشیزهٔ کاپیتان : ترجمهٔ امیر هوشنگ نیرنوروزی .
راز زندگی دختران : استفان تسوایك، ترجمهٔ ناصر ایراندوست .
راهنمای ازدواج: دکتر ابراهام استون، ترجمهٔ رحیم متقی ایروانی .
راهنمای بانوان : سیف آزاد شیخ عبدـ الرحمن .
راهنمای زن ومرد در روابط جنسی : آنتونی هاویل . ب . ا ، ترجمهٔ داودـ ارمند .
راهنمای نوعروسان : ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای.
رساله درحجاب زنان: رضامدنی کاشانی.
روابط جنسی زن وشوهر: دکتر هلنارایت ترجمهٔ علی پاك بین .
راهنمای زناشویی : دکتر نادری .
ریاحین الشریعهٔ در ترجمهٔ دانشمندان بانوان شیعه (۲ جلد) شیخ ذبیح‌الله محلاتی عسگری .
زن : ابوالحسن سپاه منصور .
زن ازنظر حقوق اسلامی : ابـوالفضـل حاذقی جهرمی .
زناشویی : ترجمهٔ محمود پور شالچی .
زن امروز : قاسم امین مصری ، ترجمهٔ حاج سید احمد مهذب شیـرازی (مهذبـ الدوله) .
زنان پزشکی : دکتر مهدی سیفی .
زنان پیغمبر: بنت الشاطی، ترجمهٔ محمد علی طهرانی خلیلی .
زنان دانشمند : مولیر، ترجمهٔ حسن رهـ آورد .
زنان شکیبا یاسرگذشت بعضی ازبانوان نامی ایران : علی جواهر کلام .
زنان نامی اسلام درایران: شمس الملوك جواهر کلام .
زنان وقیح : احمد نعمتی .
زن در اتحاد جمـاهیر شوروی : ت . سوبرنیکوف، ترجمهٔ ناصرخدایار .
زن درحقوق ساسانی: کریستیان بارتلمه ترجمهٔ دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی .
زن در عصر جدید : اوریزان اسوتـ ماردن، ترجمهٔ رحیم نامور .
زن درنظر بزرگان: نصرت خانم خادمی.
زندگانی زن : دکتر مریـم میرهـادی متخلص به ناهید .
زن دلفریب: ریموند ماکار، ترجمهٔ محمدـ علی شیرازی .
زن سی ساله : بالزاك ، ترجمهٔ علی اصغر خبره زاده .
زن شناسی : آندره بینه، ترجمهٔ محمود پورشالچی .
زن شناسی : سیدکمال الدین مرتضویان فارسانی، ناشر عطاپور .
زن مرده : دکتر گارنیه وآندره بینه ، ترجمهٔ محمود پورشالچی .
زن وآزادی : قاسم امین مصری، ترجمهٔ حاج سید احمد مهذب شیرازی (مهذبـ الدوله)
زن وانتخابات : علی حجتی کرمانی بـه مشارکت ز قربانی (ودیگران) .
زن وبازیچهٔ او: پی یرلویس، ترجمهٔ رضا سید حسینی به مشارکت عبدالله توکل .
زن ونقش او: مهرداد شوشتری مهرین.
سیزده عید وضع اجتماعی زن : ربیعـ انصاری .
شریك مرد : دکـتر منوچهر خدایـار محبی .
شوخی علماء وشمه‌ای ازسرگذشت بانوان هنرمند: رحیم زادهٔ صفوی (فرهمند) .
قربانی زن : ماری کرلی، ترجمهٔ علی اکبرـ کسمایی .
قیام زن : مهرداد شوشتری مهرین .
کتاب بنفش : جزء اول از دنیای زنان، دکتر عدنان عراقی .
کودتای زنان : مصطفی سعیدی فیروزـ آبادی .
گفتار دربارهٔ زن و هنرهـای زیبا : بانو ملك زادهٔ بیانی .
گناه من چه بود که دختر شدم : مهین یکتایی .
لباس زنان ایران ازسدهٔ سیزدهم هجری تا امروز : (۱۳۳۷) یحیی ذکاء .
مادر، وظایف زن دراسلام : حاج میرزا خلیل کمره‌ای .
مدپیشگان پاریس : آلکسانـدر دوما ، ترجمهٔ علی اصغر شریف تبریزی .
مرشد زیور پـور هندی : (جلـد دوم دوشیزهٔ ایرانی) رحمن ترمه‌ای.
مقام زن : غلامرضا رشید یاسمی .
مقام زن درایران و ترکیه : بانوشایستهٔ صادق .
مکتب زنان : اندره ژیـد ، ترجمهٔ رضا سید حسینی به مشارکت عبدالله توکل .
مکر زنان : سیدکمال الدین مرتضویـان فارسانی .

میوه‌ها و سبزیها

آب لیمو .

دربیماریهای زیر مفید وگاهی دوا است :

کم خونی، غلظت خون، رقت خون، سیفلیس، سوزاك، مرض قند، روماتیسم ، بیماریهای کبدی، سرماخوردگی، ذات الریه، تیفوس، سرخك، آبله مرغان، مخملك و بسیاری دیگر .

آلوی تازه .
اثر اکسید کننده دارد ، ویتامین B درآن فراوان است درموزد بیماریهای زیر مفید است :
سوءِ هاضمه، کم خونی ، یبوست ، ضعف اعصاب، روماتیسم، نقرس وغیره .

آناناس .
از میوه‌های ضد سم است، مدر، باز کنندهٔ قاعدگی وغیره .

آویشن .
ضد میکروبهای معده وروده است.

ازگیل .
مقوی،منظم کنندهٔ دستگاه گوارش، ضد اسهال ، ضد اسید خون، بالا برندهٔ فشار اسمزی خون .

اسفناج .
ازغذاهای سازنده ، پختهٔ آن‌مسکن درد مفاصل ، و مقوی بیماران مسلول است .
دربیماریهای زیرمفید است : اسید خون، نرمی استخوان،رعشه، سختی‌وجمود عضلات گوارشی، بوی دهان، ناراحتی‌قلب وغیره .

انجیر تازه .
میوه‌ای شیرین وبرای بیماریهای ریوی وعصبی‌مفید است، مصرف آن‌معده راکوچك می‌کند .
انجیر خشك، به‌حالت دم کرده و جوشانده برای بسیاری ازبیماریها مفید است .

انگور .
ضد ترشی وکم خونی، دافع سموم بدن وعلاج بیماری اوره وکلسترول‌خون را پایین می‌آورد، ضد چاقی وضدلاغری است وغورهٔ انگورعلاج روماتیسم وبیماری سیاتیك است .
آب انگور، مدر ونرم کنندهٔ پوست بدن ونقرس است .

باقلا .
مدر ومسکن دردهااست، ازغذاهای مفید برای امراضی چون : اسهال خونی وخونروش است .

برنج .
برنج باپوست به علت داشتن‌ویتامین B برای اعصاب وپوست مفید است

بلوط .
کمی ملین است .

به .
میوه‌ای ضد اسهال و ضد خونریزی است

پرتقال .
میوه‌ای‌ملین‌ومقوی اعصاب ومحرك اشتها است .
ضد چاقی وفعال‌کنندهٔ سلولهای‌بدن و اعصاب است . ویتامین D آن جاذب کالسیوم‌است.

پسته .
پستهٔ نارس ضد اسهال و رسیدهٔ آن مقوی است

پستهٔ شام .
خاصیت غذایی کافی دارد .

پیاز .
نوع خام‌آن ضد میکروب ودر هضم غذا مؤثر است .

تخمهٔ آفتاب گردان .
ضد سرفه، جرب، ناراحتی اعصاب است وقوهٔ باء رازیاد می‌کند .

ترب .
ضد یبوست، آب‌آن مدر، بازکنندهٔ قاعدگی وضد سموم است .

تره تیزك .
در بیماریهای قند وجلدی مفید و مهیج است .

تره فرنگی .
بازکنندهٔ عروق و دفع‌کنندهٔ ترشی معده است .

تمشك .
دربیماریهای فشارخون، اوره، قند، روماتیسم مفید است .

توت
ملین ، مقوی، ضد بیماریهای سینه است .

توت فرنگی .
مشهی ومدر، ایجاد کنندهٔ هیجان است .

خربزه .
مدر وملین،ضدبیماریهای‌خونروش، روماتیسم، نقرس، سنگ‌کلیه‌وسل وغیره است .

خرما .
زیادکنندهٔ اسید خون، مقوی است، ویتامین A وB وC وآهن دارد .

خرمالو .
برای‌کبد وکلیه مفید است .

خیار .
مدر،ملین، ضد بیماریهای کبد ، و آب‌آن پوست رانرم می‌کند .

دارچین .
مدر ومقوی اعصاب وقوه باء است، ضد اسید خون، قند، تشنج می‌باشد

دارابی .
مشهی ، روی ترشحات معده مؤثر است .

زالزالك .
ضد اسهال واسهال‌خونی وکم‌خونی وسل است ومقوی قلب می‌باشد .

زردالو .
ضدکم خونی وچاقی است

زغال اخته .
ضد اسهال است .

زنجبیل .
مشهی ومعرق، وبرای روماتیسم و ضد عفونی روده ومعده مفید است .

زیتون .
ضدنارسایی‌کبد وبیماری‌قنداست.

زیره .
مقوی و از غذاهای مفید برای ضد عفونی است .

سماق .
دافع سموم ازخون وقلیایی کنندهٔ خون است .

سنجد .
ضد اسهال و قند وخونریزی ودافع سموم است .

سیب .
مقوی قلب، مغز، وپاك کنندهٔ معده است، این میوه ترشحات بدن را زیاد می‌کند وبرای ضد عفونی مفید است .

سیب زمینی .
مقوی قلب وقوهٔ باء ومغز است .

سیب زمینی ترشی .
برای‌بیماری‌قند،فشارخون،کلسترول واوره ، مفید است .

سیر .
ازمیوه‌های‌ضدعفونی‌کننده‌ومیکروب کش است، این‌میوه، مدر، معرق، وزیاد کنندهٔ‌قوهٔ باءاست؛ در بیماریهای اسهال برنشیت،فشارخون،وبا،گریپ،روماتیسم، نقرس،بیماریهای‌جلدی اثرقطعی دارد .

شاه بلوط .
مقوی دستگاه عروق و ضد صفرا است .

شاه تره
درعوارض کبدی، خونی مفیداست.

شلغم .
مقوی بینایی ، و قوهٔ باء ، و ضد

میکروب است .

عدس .
ضدکم خونی است .

عناب .
مقوی قلب، کبد بوده، کلسترول‌را کم وخون راصاف می‌کند .

فندق .
فشارخون‌را بالامی‌برد، مقوی‌معده وتقویت‌کنندهٔ مغز است .

کاکوتی .
ضد میکروبهای معده وروده است.

کاهو .
ملین ومحرك دستگاه‌گوارش است.

کدو .
مدر، تب‌بر، ضد صفراست .

کرفس .
ضدرماتیسم، وعوارض‌کبد ومثانه و خون را رفع می‌کند .

گلپر .
دافع سموم بدن ، مشهی وضدعفونی کننده ومیکروب‌کش است .

کلم .
مقوی بینایی ، خـواب آور ، ضـد بیماریهایی چون: کم خونی، سل، سستی استخوان، انگل ، اسهال خونـی و غیره است .

کونار .
قابض، ضدکرم معده وصفرای خون است .

گردو .
مغز گردو ، ضد خنازیر ، اسهال ، امراض رحمی، خارش موضعی است .

گلابی .
ملین، مسهل، مدر، مقوی است .

گوجه .
ضد ترشی معده وضد بیمـاریهـای روماتیسم ، ورم مفـاصلی ، سنگ کلیه است .

گیلاس .
مدر ونابـودکنندهٔ سنگ مجـاری ادراری است، این میوه مسکن اعصاب، وپاك‌کنندهٔ خون است .

لادن، گل .
برای ضد عفونی جهاز هاضمه مفید است .

لوبیا .
خون‌را قلیایی‌می‌کند، ادرار وشیر را زیاد می‌کند .

مارچوبه .
صاف‌کنندهٔ خون، پاك‌کنندهٔ کلیه و کبد ودرمان قند خون است .

مرزه .
مدر،مشهی، وبرای‌بیماریهایی‌چون: روماتیسم، درد دندان ومثانه ورحم،عفونت معده، ترشی معده مفید است .

موز بنان .
مقوی ومفید برای تمام دوره‌هـا و سنین است .

نارگیل .
برای‌اعصاب، تقویت‌قوهٔ باءمفیداست.

نارنج .
دم‌کردهٔ‌برگ‌وبهار نارنج‌تشنج‌وسکسکه را ازبین می‌برد وآب مقطر بهار نارنج مقوی اعصاب است .

نارنگی .
مسکن اعصاب است .

نخود .
پاك‌کنندهٔ لوله ادراری و قلیایـی کنندهٔ خون ومقوی اعصاب است .

نعناع .
محرك غدد ودستگاه‌گوارشی است، کلسترول راکم‌کرده ومیکروب‌کش‌است، ومعالج امراض پوستی است .

هلو .
مدر،ملین‌ومقوی‌کبداست‌وویتامین‌- های B و C فراوان دارد وچون قوهٔ‌کشش نسوج را زیاد می‌کند برای زنان‌آبستن مفید است .

هندوانه .
مدر، خنك‌کننده وضد صفرا است، مصرف‌زیاد آن قوهٔ باء راضعیف می‌کند.

هویج .
پوست رانرم و لطیف می‌کند برای امراض: معدی ، کلیوی ، سوء هاضمه ، قلبی مفیداست ، مقوی‌قلب ومسکن‌اعصاب نیز می‌باشد .

مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر

فهرست اعلام

دایرة المعارف

دانش بشر

اعلام

این بخش ازکتاب وسیلهٔ دوست فاضلم
آقای محمدتقی امامی باهمکاری خانمها:
طوبـی معلمی، طراز کوهی و آقایـان:
محسن نوربخش عراقی ومحمد میناعراقی
ومسعود تجلی‌پور وایرج هوشنگی تنظیم
شده است.

مهدی تجلی‌پور

آ

الف

ب

پ

ت

ث

ج

ح

خ

د

ذ

ر

ز

س

ش

ص

ض

ط

ظ

ع

غ

ف

ق

ک

گ

ل

ن

و

ه

ی

پایان فهرست اعلام

فهرست اعلام این کتاب از صفحه ۱۷۳۱ ـ ۲۰۶۷
در چاپخانه بیست و پنجم شهریور (شرکت سهامی افست)
بچاپ رسیده است.

مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر

مؤسسه انتشارات امیرکبیر